کتاب سال

مجلد سوم

۱۳۴۳





مجلد سوم

۱۳۴۳

سازمان چاپ وانتشارات کیهان

کیهان سالانه

صاحب امتیاز : دکتر مصطفی مصباح‌زاده

مجلد سوم

۱۳۴[illegible]

ناشر : سازمان چاپ وانتشارات کیهان
مدیر : حسن قریشی

تنظیم صفحات ونقاشی : خسرو بیات
چاپ شده در :
چاپخانه سازمان چاپ وانتشارات کیهان
تهران ــ خرداد ماه ۱۳۴۳

250 - R

پنجشنبه ۱۳۴۳,۶,۱۹ ۴ ونیم - هوشنگ



باخوانندهٔ عزیز

مجلد سوم کتاب سال اینك برابر شماست ، حاصل‌کار و کوشش و نتیجه زحمات نویسندگان و مترجمان و محققان و طراحان و نقاشان و عکاسان وگروهی‌که یکسال است باین امر مهم اشتغال دارند ، بصورتی‌که‌ملاحظه میفرمائید درآمده است .

غایت مطلوب ما چیزی جز اینست ، اما اگر خوانندهٔ باانصافی کتابرا نه باکمال بلکه باجمال هم مرور نماید تصدیق خواهد کرد . کتاب سال کیهان ، راه خود راجسته و بدنبال هدفی معین در آغاز راهی که اورا بسرمنزل مقصود خواهد رساند قرار گرفته است . این راه که گردآوری مجموعه دانستنیها و خواندنیها ودیدنیهای جهانست پایان ندارد اما آغاز دارد وما آنرا با علم باینکه کاری بس بزرگست شروع کرده‌ایم وتردید نداریم دانش‌پژوهان وعلم دوستان و خوانندگان صاحب کمالی که صعوبت راه را دریافته‌اند یاور و یار ما خواهند بود و برای زود رسیدن باین هدف ما را تنها نخواهند گذاشت .

انتشار کتابی محتوی مطالب حاضر ، درهمهٔ رشته‌های علوم و فنون و هنر وادب ، که خواننده را خوش‌آید ودر عین حال هم مفید و هم قابل فهم و هم زود یاب باشد دست‌کم اگر کار مشکلی گفته نشود موضوعی‌ساده‌وسهل‌نیست،خصوصا که درجمع‌آوری آن مقصود پرکردن صفحه‌ها نباشد و کمیت در نظر گرفته شود .

باین مناسبت مجلد سوم«کتاب سال‌کیهان » با خصوصیات تازه‌یی عرضه میشود که برای ایضاح بیشتر بآن نکات اشاره می‌کنیم :

❋ مجموعه‌کتاب حاضرمشتمل بر نه بخش اساسی است دربارهٔ مسائل مختلف از علوم و فنون وهنر وادب و دانش و گزارش ودر داخل هربخش ، شاخه‌های فرعی مربوط بهمان بخش ، فی المثل در بخش اطلاعات عمومی ، مطلب تاریخی ، جغرافیائی ، بیوگرافی هرکدام در جای خود قرار گرفته است باین ترتیب خواننده جهت یافتن موضوع مورد علاقه خود کمتر نیازمند به جستجوست .

❋ مباحثی‌که در کتاب شروع شده تمام ناشدنیست بنابراین نباید توقع داشت که در یکسال مجموعه خواندنیهای مفید گنجانده شده‌باشد ولی با برنامه‌ای که در پیش است امید میرود ظرف چند سال مباحث پایان پذیرد وازآن پس در سالهای آتی تغییرات آن چاپ شود که خواننده همواره در جریان کامل تحولات و تبدیلات باشد . هم چنین است بخش‌هائی‌که در اینسال شروع شده و چندین سال لازمست تاکامل شود نظیر دانستنیهای خانواده و سازمان و تشکیلات وکرونولوژیها که درعین‌آنکه همه ساله مستقلا قابل استفاده است مجموعه آن نیز نفیس و قیمتی ومفید خواهد بود .

❋ صفحات کتاب دراین سال نمره‌بندی خاصی دارد که با اندك توجه در طبقه‌بندی مطالب وجستن آنها کمك شایانی مینماید . هربخش از سمت راست دو رقم داردکه مبین آنهاست واز (۰۱) شروع شده تا (۰۹) خاتمه پذیرفته است . فرضاً (۰۱) متعلق به گزارشهای سال و (۰٤) سازمان و تشکیلات است .

در داخل هربخش قسمتهای فرعی نیز بادو رقم مشخص‌گردیده که خواننده درمی‌یابد چه قسمتی از چه بخشی را مطالعه می‌کند و سه رقم آخر تعلق به شماره مسلسل صفحات‌دارد بنابراین‌عدد هفت‌رقمی پائین صفحه‌ها ABCDEFG باین شکل کدگذاری شده AB (بخش اصلی) CD (قسمتهای فرعی) EFG (شماره مسلسل صفحه‌ها)

❋ در تنظیم فهرست مطالب نیز طبقه‌بندی فوق براساس بخشها و قسمتها رعایت شده و در داخل موضوعهای اصلی مباحث جزئی نیز بچشم میخورد بنابراین بسهولت میتوان جدا از یافتن بخش ها و قسمتها و موضوع مورد مطالعه حتی جزئیات و تیترها و عناوین کوچك را پیداکرد . علاوه بر فهرست مطالب فهرست تصاویر نیز علاوه شده است .

❋ قصد براین بود که کتاب سال بی‌غلط و یادست کم کم غلط ازکار درآید ، متأسفانه با وجود مشکلات کار این توفیق حاصل نشد و اینجانب قبلا از خواننده پوزش می‌طلبم و امیدوارم سالهای آینده این نقیصه نیز مرتفع گردد وکتاب سال مجموعه خواندنیها و دیدنیها و مرجعی برای اهل دانش و بینش باشد .

سردبیر
محمود پورشالچی

گزارشهای سال ۰۱

خبرهای ایران و جهان ۰۱۰۱

تب سال ۰۱۰۲۰۰۱

کندی

چطور زندگی کرد

جهان ۰۲

کرونولوژی جهان ۰۲۰۱۰۰۱

کرنولوژی جهانی سال ۱۹٦۳ ۰۲۰۲۰۰۱

کرونولوژی سازمان ملل متحد ۰۲۰۳۰۰۱

لحظات حساس درسازمان ملل متحد ۰۲۰٤۰۰۱

آیندهٔ سازمان ملل متحد ۰۲۰۵۰۰۱

روابط بین‌المللی درقرن بیستم ۰۲۰٦۰۰۱

یکصد سال پیش صلیب سرخ بوجود آمد ۰۲۰۷۰۰۱

جهانگردی ۰۲۰۸۰۰۱

ایران ۰۳

کرونولوژی وقایع سال ۱۳٤۱ ۰۳۰۱۰۰۱

تهران ۰۳۰۲۰۰۱

سازمان و تشکیلات ۰٤

چگونگی حکومت ایران ۰٤۰۱۰۰۱

وزارب آب وبرق ۰٤۰۲۰۰۱

وزارت آبادانی ومسکن ۰٤۰۳۰۰۱

وزارت اطلاعات ۰٤۰٤۰۰۱

وزارت پست وتلگراف وتلفن ۰۴۰۵۰۰۱

وزارت دادگستری ۰۴۰۶۰۰۱

اطلاعات عمومی ۰۵

تاریخ ۰۵۰۱۰۰۱

جغرافیا ۰۵۰۲۰۰۱

روزنامه وروزنامه‌نگاری ۰۵۰۳۰۰۱

دین وآئین ۰۵۰٤۰۰۱

اقتصاد ۰۵۰۵۰۰۱

پزشکی ۰۵۰٦۰۰۱

آراء وعقاید ۰۵۰۷۰۰۱

چهره‌ها ۰۵۰۸۰۰۱

تبلیغات تجاری ۰۵۰۹۰۰۱

گوناگون ۰۵۱۰۰۰۱

زن ۰٦

حقوق زن ۰٦۰۱۰۰۱

قابلیت صحی برای ازدواج ۰۰۲
موانع نکاح ــ ازدواج زن مسلمان ــ شرایط صحت نکاح ۰۰۳
وکالت در ازدواج ــ مهر ــ حقوق وظایف زن وشوهر نسبت بیکدیگر ۰۰٤
کارکردن زن ــ انحلال عقدنکاح ۰۰٥
طلاق ــ اقسام طلاق ۰۰٦
عده ــ تربیت و نگاهداری اطفال ۰۰۷
حقوق جزا ۰۰۸
غائب مفقودالاثر ــ مرگ ونصب قیم و ترتیب آن ۰۰۹
تابعیت زن ــ ارث ۰۱۰

زن درایران باستان ۰٦۰۲۰۰۱

از استاد پورداود

زیبائی زن در ادبیات پهلوی واوستا ۰۰۱
داستان خلقت آدمی ۰۰۲
آفرینش نزد نیاکان آریائی ۰۰۳
آناهیتا فرشته نگهبان ۰۰٤
وشتی زن خشایارشاه ۰۰٥

زن درآثار باستانی ایران ۰٦۰۳۰۰۱

از ملکزاده بیانی

دوران پیش از تاریخ ۰۰۱
تشکیل‌خانواده وارتباط آنها بایکدیگر ۰۰۳
ملکه ایران دوشا دوش شاه ۰۰٤

زن در داستانهای عامیانه فارسی ۰٦۰٤۰۰۱

از دکتر محمد جعفر محجوب

مردم‌روستا ها ۰۰۱
طالبان قصه مردمند ۰۰۲
افسانه ها و داستانهای عامیانه ۰۰۳
کتابهای تاریخ ۰۰٤

زن و وفا ۰٦۰٥۰۰۱

ازمارسل تینر

وفا جزو صفات مرد نیست ۰۰۱
زن در حرمسرا ۰۰۲

زنی زیبا وسرشناس درتاریخ اسلام ۰٦۰٦۰۰۱

از مهدی پرتوی

ارینسب درزیبائی شهره بود ۰۰۱
سه خواستگار برای یك زن ۰۰۲

هفت‌گوهری‌که زن درمرد می‌جوید ۰٦۰۷۰۰۱

مهربانی ، آداب دانی ، اجتماعی بودن ، تفاهم داشتن ، عدالتخواهی، متانت ، صراحت ۰۰۱

نخستین زن ۰٦۰۸۰۰۱

از مارك تواین

تقویم مرد از دوشنبه تا چهارشنبه ۰۰۱

راه عشق را چطور باید پیمود ۰٦۰۹۰۰۱

از هنری میلر

زن خیالی ــ عشقهای گذشته ــ دوست داشتن دلیل نمیخواهد ــ ۰۰۱
یك زوج کامل ــ عاشق بودن یعنی زندگی‌کامل داشتن ــ عشق چون‌زندگی است ــ مطمئن ترین راه غلبه بر عشق ــ جستجوی عشق ایده‌آل ــ آیا ممکن است عشق بدون اضطراب‌باشد ــ دوست داشتن بمعنای پذیرفتن یکدیگر ۰۰۲
است ــ عشق وروشن‌بینی ــ ازدواج‌های متعدد در زندگی ــ عشق و عذاب ــ ۰۰۳
عشق میزگرد ــ عشق و دوستی ــ ازدواجهای موفق دلیل عشق عمیق‌است ۰۰٤
توقع در عشق ۰۰٥
دادوستد یا عشق ــ عشق و مرگ ــ عشق و عشق‌ها ــ عشق وامید ۰۰٦

فرانسواز ساگان میگوید ۰٦۱۰۰۰۱

ترجمه ریتابیات

مساله حسد ــ چطور شما انگیزه‌حسد را شناختید ــ حسد معمولا خود را بچه شکلی می‌نمایاند . ۰۰۱
چیزی برای توجیه مسأله حسد وجود ندارد ــ آیا حسود موجود بدبختی است ــ آیا کسانیکه دوست دارندخود بخود حسود می‌شوند ۰۰۲
آیا باید حسد را آشکار کرد ــ تنفر یاحسد ــ زنان بیش ازمردان حسودند؟ ــ آیا مرد حسود زن را راضی میکند ــ برای زیستن با مرد حسود چه باید کرد ــ آیا شمازن حسودی هستید ؟ ــ ۰۰۳
حسادت انحصار طلبی است ــ حسد لازمه عشق نیست ــ اگر روزی‌احساس کنید حسد در خانه شما رخنه کرده چه می‌کنید . ۰۰٤

فهرست تصاویر

جهان ۰۲

عنوان	شماره
آثار لرزش زمین در یوگسلاوی	
بزرگترین سرقت سال	۰۲۰۰۹
جمیز مردیت	۰۲۰۰۰
تظاهر کنندگان مقابل سفارت انگلیس‌در جاکارتا	۰۲۰۱۰
پاپ پل ششم	۰۲۰۱۱
مادام نهو	۲۰۱۲
ارهارد و رقیب دیرین او ادنائر	۰۲۰۱۳
تظاهرات ضد نهو در سایگون	۰۲۰۱٤
کندی در دالاس مورد سوء قصدقرارگرفت	۰۲۰۱۵
نمایندگان سه دولت در کنفرانس یالتا	۰۳۰۰۱
حمایت از کودکان آواره	۰۳۰۰۷
اعلامیه حقوق بشر .	۰۳۰۰۸
نمای ساختمان سازمان ملل متحد	
کمك بکودکان و مجروحین آوارگان	۰۳۰۱۲
در کوچه های قدیمی بیت‌المقدس	
چهار نوع کمك سازمان ملل متحد	۰۳۰۱٤
گشایش سازمان ملل متحد در نیویورك	
داگ هامرشولد دبیر پیشین سازمان‌ملل	۰۳۰۱٦
مبارزه با اعتیاد مواد مخدره	
سازمان ملل متحد اعلامیه حقوق کودك‌را نشر داد	۰۳۰۱۷
آوارگان هونگ کونگ	۰۳۰۲۳
بارگیری در بندر روتردام	۰۳۰۲٦
اجرای برنامه های خانه سازی درونزوئلا	
تحقیقات تئورولوژیك	۰۳۰۲۷
بنای مرکزی سازمان تئورولوژیك درژنو	
نیروهای ملل متحد در کنگو	۰۳۰۳۲
عروس و داماد افریقائی	
بالون برای هواشناسی	
مقامات ماموران‌ملل متحدباموسی‌چومبه	۰۳۰۳۵
مریم ماکبا خواننده مشهور افریقای‌جنوبی	۰۳۰۳٦
استقلال گینه‌باختری و مراسم‌خداحافظی	
آخرین حکمران هلندی آن	۰۳۳۳۹
دکتر جمال عبده حکمران موقت ایران‌باختری	۰۳۰٤۰
نماینده دائمی فرانسه در سازمان ملل‌و هنری کابوت لاج	۰٤۰۰۲
عبدالناصر اعلام کرد کمپانی بین‌المللی	
کانال سوئز دیگر وجود ندارد	
کریستیان هینو وسلوین‌لوید	
نماینده دائمی مصر درسازمان ملل‌هنگام	
مذاکره با نماینده شوروی	
جنگ در صحرای سینا	۰٤۰۰٤
بن‌گوریون رئیس جمهوری اسرائیل و	
ژنرال موش دایان فرمانده قوای او	
سربازان مصری اسیر اسرائیلی ها	۰٤۰۰۵
جان فوستر داس تقاضای‌جلسه فوق‌العاده کرد	۰٤۰۰٦
نماینده شوروی جهانرا تهدید بموشك‌کرد	
جنگ مصریها را آواره کرده است	۰٤۰۰۷
خرابکاری لوله های نفت درسوریه	
بنای سازمان ملل متحد	۰۵۰۰۱
حمایت از مردم و اطفال بی‌پناه	۰۵۰۰۲
سازمان ملل بکودکان‌گرسنه غذا میدهد	۰۵۰۰۷
جنگ سولفرینو موجب ایجاد صلیب‌سرخ شد	۰۷۰۰۳
هانری دونان موسس صلیب سرخ	۰۷۰۰٤

عنوان	شماره
نمونه خط دومان از کتاب یادگارسفرلفرینو	
مجروحان راروی سنگ فرشهای کلیسا گذاشته‌اند	۰۷۰۰۵
اتریش	۰۸۰۰٦
کتابخانه ملی دین	۰۸۰۰۷
یك تمبر اتریش	
تل اسکی	۰۸۰۰۸
دسته موزیك در لباس محلی	
رودخانه منا ودریاچه های اتریش‌مناسب گردش	۰۸۰۰۹
منظره قشنگ شهر سالزبورگ	
آلمان	۰۸۰۱۰
دیوار برلین	۰۸۰۱۱
مونیخ ــ میدان مارین	۰۸۰۱۲
برچسگادن	۰۸۰۱۵
بندر لوبك موطن توماس مان	۰۸۰۱٦
هامبورگ ــ کلیسای میشائل	۰۸۰۱۷
برلن ــ دروازه براندن بورگ	۰۸۰۱۸
مناظری که در آلمان بسیار است .	۰۸۰۱۹
آزمایشگاه آفت شناسی	۰۸۰۲۰
هنرستان صنعتی تهران	
رئیس جمهوری آلمان و والاحضرت‌شهناز پهلوی	۰۸۰۲۱
در نمایشگاه هفت هزار ساله هنر ایران	
انگلستان	۰۸۰۲۲
بیگ‌بن و برج عظیم لندن	۰۸۰۲۳
رژه گارد سلطنتی	۰۸۰۲٤
رقص اسکاتلندی درمیدان ترافالگار	
سنت جان در کمبریج	۰۸۰۲۵
برج لندن و رودخانه تایمز	۰۸۰۲۷
ایتالیا	۰۸۰۲۸
برج مایل پیزا	۰۸۰۲۹
گارد مخصوص واتیکان	
میلان ــ کلیسای دوئومو	۰۸۰۳۰
مجسمه سر مسیح	
پل ریا لتودرونیز	۰۸۰۳۱
لباس محلی زنان سن نوری	
اسپانیا ــ جنگ باگاو	۰۸۰۳۳
پسر و دختر در لباسهای اسپانیولی	۰۸۰۳٤
پلاژ فورسن تور	
شهر سویل و منظره برج طلا	۰۸۰۳۵
یکی از مراسم هفته مقدس	
بلژیك ــ گراند پالاس	۰۸۰۳۷
دژ کنت هاورگنست	۰۸۰۳۸
نمایش لومسن	
کاتدرال سن میشل	۰۸۰۳۹
کاتدرال سن آوبین	
مدخل یك خانقاه	
مراسم بیلچ (یکنوع رقص)	
ترکیه	۰۸۰٤۰
استانبول ــ میدان سلطان احمد	۰۸۰٤۱
دورنمای آرامگاه آتاتورك	
مجسمه های شهر برگاموم	
موزه نژاد شناسی در آنکارا	۰۸۰٤۲

دژ روم‌الحصار
یکی از مجسمه های خرابه افه‌سوس
درون مسجد اولوحمی
انطاکیه ــ مناره مسجد اسکندرون ۰۸۰۴۴
استانبول ــ مسجد اورتوکوی
سویس ــ کلبه های چوبی ۰۸۰۴۵
دریاچه لمان ۰۸۰۴۶
ترن برقی درکوهپایه ها ۰۸۰۴۷
قصر شی‌یون
پاریس میدان کونکمورد ۰۸۰۴۸
میدان اوپرا ۰۸۰۴۹
کلیسای نوتردام
قصر ورسای و باغهای آن ۰۸۰۵۰
نگهبانان کار ماگو ۰۸۰۵۱
قصبه‌ای در پروانس
خانقاه سن میشل ۰۸۰۵۲
دوشیزه‌ای اهل برتانی
پل نوروی من ۰۸۰۵۳
برج ایفل درشب
کورشه ول درساموا ۰۸۰۵٤
بندر کاسیس
هلند ــ منظره هوائی ۰۸۰۵۵

ایران ۰۲

خیابان دالان بهشت ۰۲۰۰۱
یکی از بناهای قدیمی ۰۲۰۰۳
آب و هوا ۰۲۰۰۵
منظره ریزش باران در تهران ۰۲۰۰٦
منظره از روز برفی درتهران ۰۲۰۰۷
فروشندگان دوره‌گرد ۰۲۰۰۸
اتومبیل در خیابانهای تهران ۰۲۰۰۹
کنار سبزه نشین ۰۲۰۱۰
ساختمانهای سربفلك کشیده ۰۲۰۱۱
داخل یکی از خانه های قدیمی ۰۲۰۱۲
یکی از دروازه های قدیم تهران ۰۲۰۱۳
منظره یك خیابان تهران ۰۲۰۱۵
درشکه یکی از وسایل حمل و نقل ۰۲۰۱۸
تآتر و زورخانه ۰۲۰۲۲
پارك شهر تهران ۰۲۰۲۳

اطلاعات عمومی
۵۰

منظره ترور ابراهام لینکلن
وفرار قاتل او ۰۱۰۰۵
ولیعهد اتریش ۰۱۰۰٦
چگونگی سوء قصد به آسانوما
ملك‌کینلی و تئودور روزولت ۰۱۰۰۷
ملکه ویکتوریای بزرگ ۰۱۰۱۵
آلفرد دوموسه
گاندی رهبر فقید هند
مراسم تشییع جنازه سالنین
آندره ژید نویسنده فرانسوی ۰۱۰۱٦
فرانکلین روزولت
پرنس ریز سلطان موناکو ۰۱۰۱۷
هیتلر موسس حزب نازی
مادام کولمت و دوهامل ۰۱۰۱۸
موسس خاندان روکفلر ۰۱۰۱۹
هری ترومن ۰۱۰۲۰
پل والری
توماس ادیسون ۰۱۰۲۲
جك لندن
آلفرد توبل
ساختمان یادبود هیروشیما
کوه حری ۰٤۰۰۲
تمثال مبارك محمد (ص) ۰٤۰۰٤
کودکی که بازوی اوقطع شد ۰٦۰۱٤
جراحی که طفل را عمل کرد ۰٦۰۱۹
الکساندر کوپرین ۰۸۰۰۵
مارسل امه ۰۸۰۰۷
هنری‌فورد ۰۸۰۱۳
گی‌دوموپاسان ۰۸۰۱٤
هومر ۰۸۰۱۷
دکتر هنریش لوبکه ۰۸۰۲۰
بتهوون ۰۸۰۲۱
هارالدگروتیسبرك ۰۸۰۲٤
تاگور ۰۸۰۲۵
ایوید هنری لازس ۰۸۰۲۷
ژنرال دوگل ۰۸۰۲۸
چطور مشخص شویم ۰۹۰۰۲
بررسی امور تبلیغ ۰۹۰۰۵
گروه تحقیق درفروشگاهها ۰۹۰۰۷
بررسی طرحهای تهیه شده ۰۹۰۰۸
صحنه‌ای از تهیه یك فیلم تبلیغاتی ۰۹۰۰۹
نمایش طرحهای ویترین‌ها
اداره‌کار وترتیب‌کنفرانسها ۰۹۰۱۰
صحنه‌ای از ضبط‌گفتار رادیوئی ۰۹۰۱۱
فیلمهای عروسکی وکارتون ۰۹۰۱۲
روزنامه وسیله موثرتبلیغ ۰۹۰۱۳
نقاش درخدمت تبلیغ ۰۹۰۱٤
عکاس درخدمت تبلیغ ۰۹۰۱۵
پوستر روی نمایش رقص ۰۹۰۱٦
پوستر روی نمایش مشروب ۰۹۰۱۷
استودی فرستنده تلویزیون ۰۹۰۱۸
اعلان برای آب معدنی ۰۹۰۱۹
رودیادکیپ لینگ ۱۰۰۰۲
ویلیام فالکنر
تشییع جنازه پاسترناك ۱۰۰۰٤
جان اشتاین بك
ارنست همینگوی

زن ۰۶

هنر ۰۷

دانش و زندگی ۰۸

دانستنیهای خانواده ۰۹



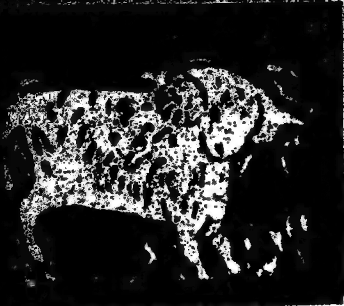
گزارشهای سال



خبرهای ایران و جهان

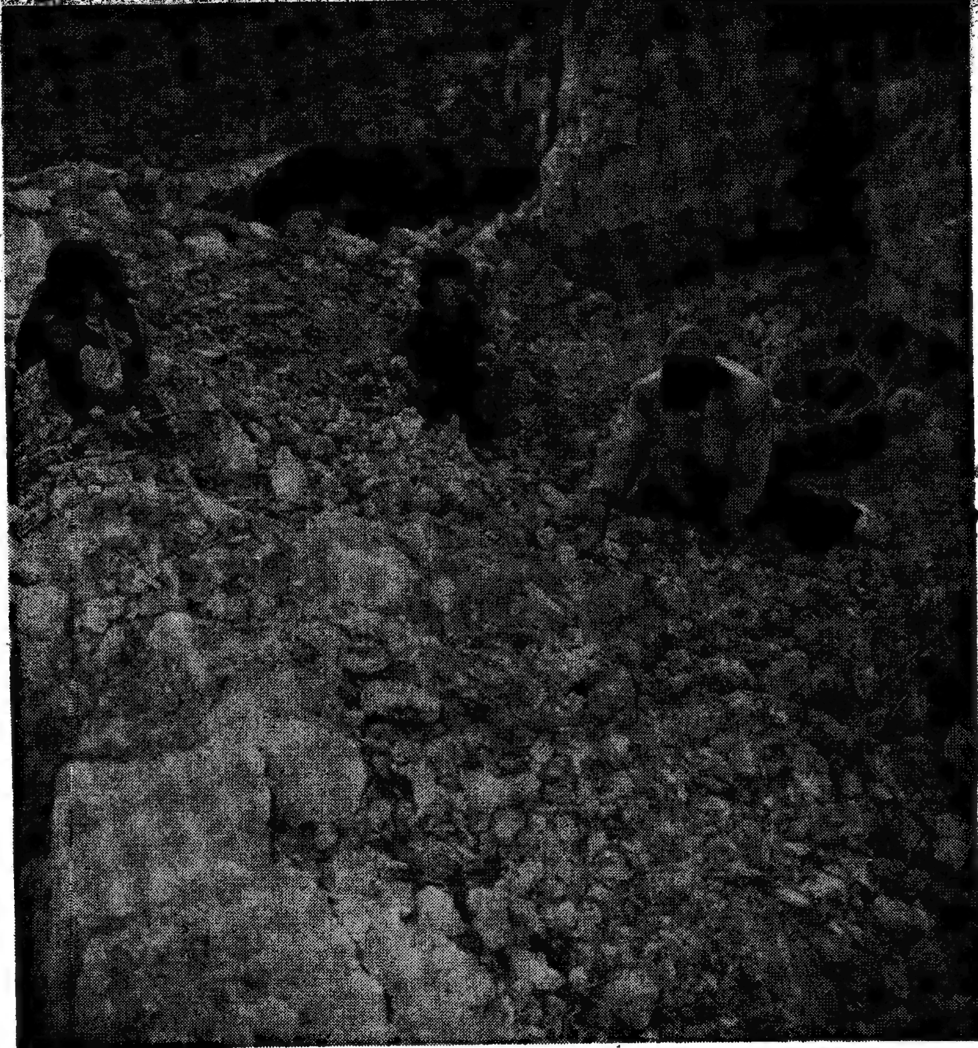
تب سال

افتضاح سال



فروردین

فهرست اختصاری حوادث واخبار فروردین‌ماه ۱۳۴۲



دوجستجوی چند شاخه شکسته ومشتی خاروخس برای افروختن ا

زلزله در نواحی غربی ایران

روز یکشنبه ۴ فروردین زلزله نسبتا شدیدی قسمت بزرگی از نواحی غربی ایران را به‌لرزه در آورد وبدهات فراوانی آسیب رسانید ، باوجود شدت زلزله بیش از ۲۵ قریه خسارت عمده ندید ، دراین قراء عده زیادی از افراد مجروح و بیخانمان شدند ولی خوشبختانه تلفات جانی زیاد نبود.

«دیوی‌مور» قهرمان بکس جهان در رینگ بکس کشته شد

روز دوشنبه ۲۵ مارس (۵ فروردین) دیوی‌مورامریکائی قهرمان پروزن بکس جهان هنگام مبارزه با شوگرراموس براثر ضربات مشت حریف برزمین افتاد و چند ساعت بعد زندگی را بدرود گفت :

با مرگ مور ۲۱۸ قهرمان بکس در رینگ مسابقه کشته شده‌اند .

امتیاز ۷۶ روزنامه و مجله‌لغوشد

بنا به پیشنهادیکه آقای جهانگیر تفضلی وزیر مشاور و سرپرست انتشارات ورادیو در اسفندماه ۴۱ تسلیم هیئت وزیران کرده بود در تاریخ ٦ فروردین ماه هیئت‌وزیران باتفاق آراء تصویب‌کردند ازانتشار روزنامه یا مجلاتی که در تهران با تیراژی کمتر از سه هزار (برای روزنامه) وکمتر از پنج هزار (برای مجله توزیع میشوند جلوگیری بعمل آید .

بدین ترتیب‌پیشنهاد وزیرمشاور بصورت تصویب‌نامه قانونی امتیاز ۷۶ روزنامه و مجله را در تهران لغو کرد . وزیر مشاور پس ازلغو امتیاز روزنامه‌ها و مجلات در یك مصاحبه مطبوعاتی توضیح داد که در کشور های پر جمعیت تر از کشور ما که سطح سواد و معلومات عمومی نیز بالاتر است تعدادکمتری نسبت به‌ایران روزنامه ومجله منتشر میشود مثلا در انگلستان فقط ۴۸ روزنامه منتشر میشود در حالیکه در تهران به ۱۴۱ روزنامه امتیاز داده شده که بسیاری از آنها منتشر نمیشود یا تیراژ بسیار کمی دارد واین مسئله مغایر شان روزنامه نگاری و خدمت بفرهنگ است و برای رفع هرج ومرج در این زمینه دستور داده شد که فقط ٦۵ روزنامه که تیراژشان از میزان اشاره شده دربالا بیشتر است در تهران باقی بماند ، روزنامه های مهمی که باقی مانده‌اند عبارتند از: کیهان ــ اطلاعات ــ پیغام امروز ــ ژورنال دوتهران ــ تهران ژورنال ــ کیهان اینترنشنال ــ بامشاد ــ مهر ایران ــ صدای مردم ــ ستاره تهران ــ کوشش ــ توفیق ــ مجلات تهران مصور ــروشنفکر ــ سپیدو سیاه ــ خواندنیها ــ امید ایران ــ

خوشه ـ فردوسی ـ جهان اسلام ـ اتحاد ملی ـ دنیا ـ ترقی ـ صبح امروز ـ مسلك ـ ستاره اسلام ـ آسیای جوان ـ اطلاعات کودکان ـ اطلاعات بانوان ـ کیهان ورزشی ـ کیهان بچه‌ها و ۳۳ امتیاز دیگر .

آزادی ورود اتومبیل سواری

در تاریخ ۶ فروردین آقای‌دکتر عالیخانی وزیر اقتصاد طی یك مصاحبه مطبوعاتی اطلاع داد که مطابق مقررات جدید بازرگانی اتومبیل‌جزو کالاهای‌ضرور تشخیص داده شد و ورود آن نیز آزاد گردید ـ ورود روغن اتومبیل و لاستیك در سال ٤٢ ممنوع شد ـ ورود یخچال نفتی آزاد ویخچال برقی ممنوع گردید .

آتشفشانی شدید در اندونزی

در تاریخ‌بیستم مارس آتشفشانی خاموش آگونگ درجزیره بالی واقع دراندونزی‌شروع به‌آتشفشانی کرد واین آتشفشانی که در آغاز خفیف بود طی چند روز شدت یافت و باعث خسارات وتلفات جانی ومالی فراوان گردید .

ظرف مدت هفت روز یازده هزار و چهارصد نفر از مردم اندونزی براثر فوران مواد مذاب وگازهای سمی کشته شدند وبیش از چهارصد هزار نفر از افراد بیخانمان گشتند .

آتشفشان پس‌از هشت روز رفته رفته آرام شد در حالیکه خسارات فراوان برای‌دولت و مردم‌اندونزی فراهم آورد ، بنظر کارشناسان مدت دهسال جبران و ترمیم خسارات بطول خواهد انجامید .

مقدمات انتخابات مجلسین

آقای دکتر پیراسته وزیرکشور در تاریخ هفتم فروردین ماه طی یك مصاحبه مطبوعاتی آئین نامه جدید انتخابات را که در ۲۷ ماده تنظیم شده بود در اختیار خبر نگاران قرارداد واظهار داشت : این آئیننامه میان مردم منتشر میشود تا بمدت ۱۵ روز مردم نظرات و پیشنهادات خودرا به وزارت کشور ارسال دارند ، بااین ترتیب مقدمات انتخابات شروع شده‌است وباید مراحل مختلف خودرا که عبارت از تصویب آئین‌نامه ازطرف مردم وتوزیع کارت انتخاباتی و تشکیل انجمن های انتخابات است طی کند و سپس ظرف یك روز اخذ رای بعمل آید .

محاکمه ارتشبد هدایت

روز یکشنبه ۱۱ فروردین ماه نخستین جلسه محاکمه ارتشبد بازنشسته عبدالله هدایت و دونفر دیگر از متهمین پرونده مربوط در دادگاه دادرسی ارتش آغاز گردید.

ملاقات بانیکسون

یکدسته از هنرمندان معروف ایرانی که از طرف روزنامه کیهان برای اجرای برنامه های هنری به امریکا مسافرت کرده‌بودند دراوائل فروردین ماه ضمن اجرای برنامه های هنری مورد استقبال شدید هم‌میهنان ایرانی مقیم امریکا قرار گرفتندوباسیاستمداران وشخصیت های‌برجسته‌امریکائی ملاقات‌کردند. در ملاقاتی که باریچارد نیکسون سیاستمدار برجسته امریکائی‌بعمل آمد نماینده روزنامه کیهان نمونه هائی از نشریات موسسه کیهان را بوی ارائه داد .

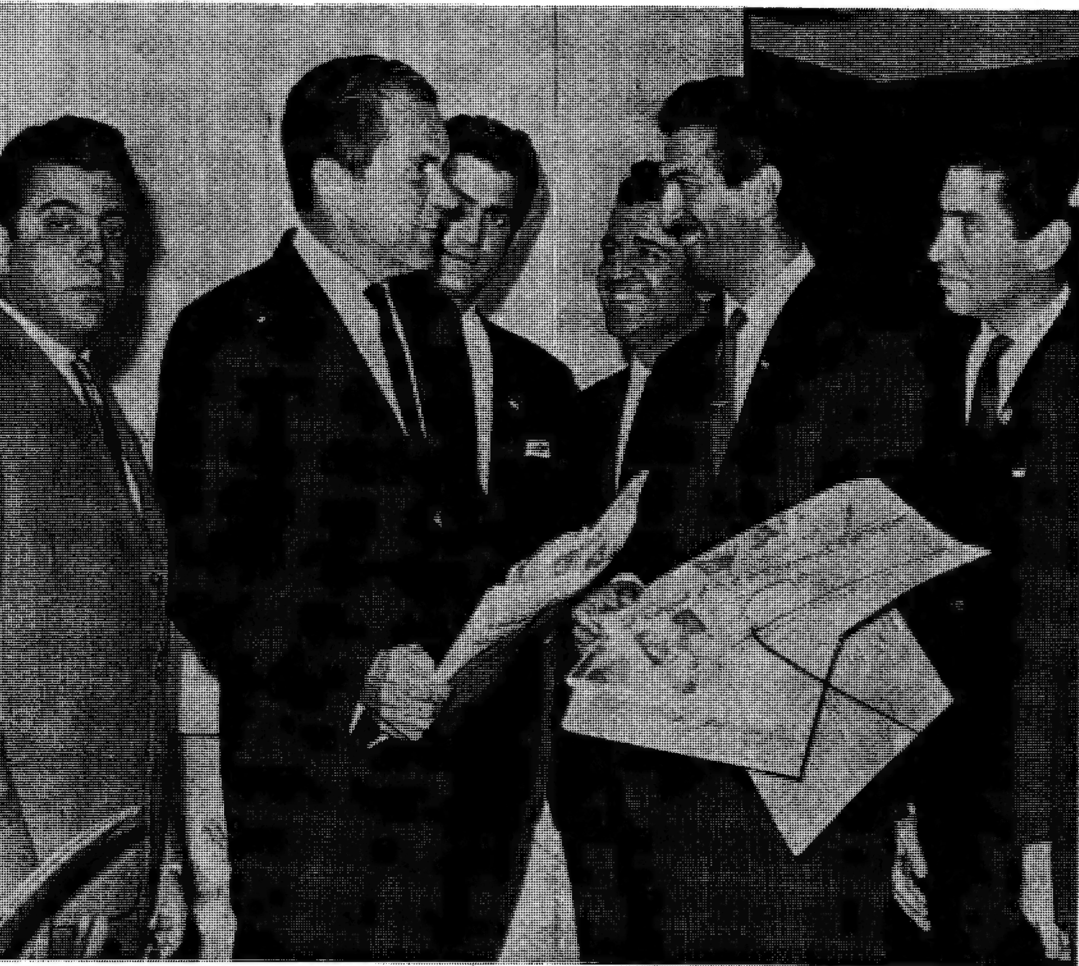
شوروی بماه‌سفینه فضائی فرستاد

در تاریخ‌دوم آوریل(۱۳ فروردین) دولت شوروی یك سفینه فضائی با یك ایستگاه تحقیقاتی فضائی بدون سرنشین بسوی‌کره ماه‌پرتاب کرد . وزن سفینه یك تن ونیم بود پرتاب این سفینه قسمتی از یك برنامه کلی برای تحقیق در وضع سیارات منظومه شمسی است ، سفینه شوروی که لونیك چهارم نام داشت پس از سه روز ونیم فضا پیمائی از نزدیکی کره ماه عبور کرد و از محیط آن خارج شد ، دولت شوروی اظهار داشت لونیك چهارم ماموریت خودرا بطور کامل و رضایتبخش انجام داده ولی دانشمندان کشورهای غربی اظهار نظر کردند که‌پرتاب لونیك چهارم با شکست روبرو گردیده‌است .

شورش در آرژانتین

روز سه شنبه دوم آوریل (۱۳ فروردین) نیروهای هوائی ودریائی آرژانتین به رهبری دو ژنرال علیه خوزه ماریا گیدو شورش کرده تصمیم گرفتند کودتا کنند ، نیرو های دولتی به‌رهبری رئیس جمهور در برابر شورشی‌ها مقاومت شدید نشان دادند وپس از چند روزجنگ وخونریزی نیروهای دولتی موفق به‌عقب زدن شورشیها وبرقراری آرامش شدند ،علت اساسی شورش نزدیکی انتخابات این کشور بود که احتمال میرفت طی آن طرفداران پرون رئیس جمهور اسبق آرژانتین پیروز شوند .

هنرمندان ایرانی (گلپایگانی ـ علی تابش ـفرهنگ شریف ـ ویگن) و نماینده روزنامه کیهان (پورزند) در ملاقات باآقای ریچاردنیکسون





دکتر ارسنجانی سفیرکبیر شد

روز شنبه ۱۷ فروردین ماه اعلام شد آقای دکتر حسن ارسنجانی وزیر سابق کشاورزی بسمت سفیر کبیر ایران درایتالیا تعیین گردیده است.



دکتر حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی دیروز وسفیر کبیرامروز

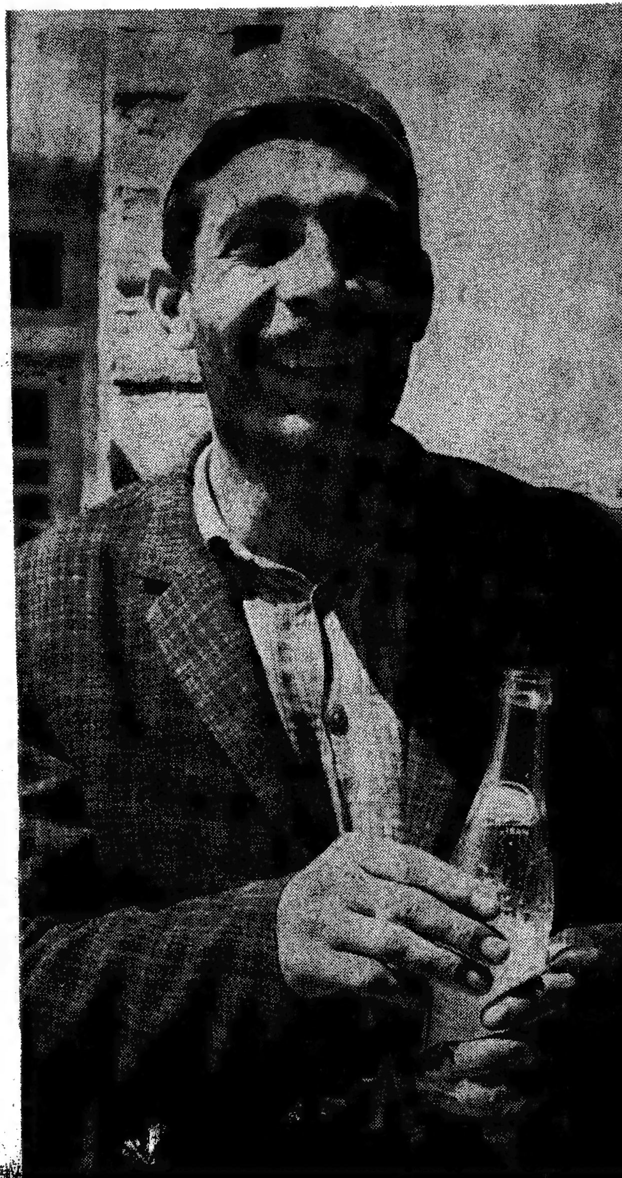
پرنس صدرالدین در تهران

روز پنجشنبه ۱۵ فروردین پرنس صدرالدین معاون کمیسر عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان ، برای یك هفته اقامت وارد تهران شد .

دستگیری جانی خطرناك

در اوائل فروردین ماه ماموران ژاندارمری و شهربانی وکارآگاهی پس از مدتها جستجو سرانجام موفق به دستگیری جانی جوانی شدند که مرتکب چهارده فقره قتل در ورامین و نواحی اطراف تهران شده بود .

از چندین ماه پیش ماموران انتظامی اجساد کشته شدگانی را در نواحی اطراف تهران پیدا میکردند که از قاتل یا قاتلین آنها خبری نبود ، این مسئله باعث نگرانی مقامات مربوط گردید و سرانجام با دستگیری هوشنگ امینی ۲۶ ساله پرده ازرازقتلهای متعدد و عجیب برداشته شد، هوشنگ امینی اعتراف کرد که چهارده نفر زن و مرد و کودك بیگناه را پس از تجاوز بقتل رسانده و غالبا سر آن ها را با کمك همدستانش بریده است، وی همچنین اظهار داشت از جان کندن انسان لذت میبرم ، بنا باظهاربازپرسی هوشنگ امینی از اصغر بروجردی قاتل معروف قدیمی خطرناك تر است .



هوشنگ امینی فاجعه سال !

پرفسور ریپکا بتهران آمد

روز چهارشنبه ۲۱ فروردین پرفسور ریپکا ایران‌شناس بزرگ چك که از طرف شاهنشاه به ایران دعوت شده بود با هواپیما وارد تهران شد و در فرودگاه از طرف دانشمندان و شخصیت‌های برجسته مورد استقبال قرارگرفت.

پرفسور ریپکا از خاور- شناسان مشهور جهان است که در زبان و ادبیات فارسی مطالعاتی بس عمیق دارد ، وی سال ها پیش از این نیز یکبار دیگر بایران آمده بود .

۲٤۰ میلیون ریال وام به‌ایران

درتاریخ بیستم فروردین ماه قراردادی بین آقای مهندس‌اصفیا مدیر عامل سازمان برنامه وآقای میسی رئیس هیات‌عمران‌بین‌المللی امریکا درایران امضاء و مبادله شد که بموجب آن دولت ایران میتواند ۲٤۰ میلیون ریال برای ساختمان خانه جهت کادر نیروهای انتظامی کشور بصورت وام‌طویل‌المدة استفاده کند . باز پرداخت این وام سی سال و بهره آن‌چهار درصد است .

بزرگترین فاجعه دریائی امریکا

در تاریخ ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین ماه) تندروترین زیردریائی اتمی امریکا بنام «ترشر»درسواحل شرقی امریکا ناگهان ناپدید گردید و ارتباط با آن قطع شد .

گم شدن این زیر دریائی که ۱۲۹ سرنشین داشت باعث نگرانی فوق‌العاده محافل امریکائی گردید و تمام دستگاه نیروی‌دریائی این کشور برای یافتن آن تلاش شدیدی را آغاز کردند ، ابتدا



بقایای زیردریائی ترشر از آبهای اقیانوس‌گرفته شده

ترشر زیردریائی اتمی امریکائی بایکدنیاعظمت‌بزیر آب رفت

تصور میرفت دولت شوروی در این کار دخالت دارد ولی‌تحقیقات بعدی آشکار ساخت که این ظن بیمورد است پس از دو روزتلاش و جستجوی پیاپی سرانجام در سواحل بوستون کشتی ها چند دستکش و مقداری چوب پنبه که برروی توده‌ای از روغن بر سطح آب شناور بود پیدا کردند، آزمایش دقیق این اشیاء آشکار ساخت که زیر دریائی اتمی امریکا در اعماق اقیانوس منفجر ومتلاشی گردیده است .

کمیسیون تحقیق بعد ها معلوم کرد که زیر دریائی ترشر از عمق تعیین شده (۸۰۰۰ پا) پائین‌تر رفته و فشار وحشتناک آب آن‌را خردکرده است.

زیر دریائی اتمی ترشر در عین آن که تندروترین زیردریائی امریکا بود بیش از تمام زیردریائی های دیگر میتوانست در عمق آب فرو رود ، نابودی این زیر دریائی و ۱۲۹ سرنشین آن که همگی ازکارشناسان درجه اول بودند بزرگترین فاجعه دریائی امریکا تلقی شد .



پلیس یکی از تظاهرکنندگان راکه‌در جلوی سفارت امریکا درلندن آشوب بپا کرده است جلب میکند

نمایش دسته‌جمعی‌زنان‌درخیابانهای لندن . آنها خواستارند که همه‌زنان‌ـ‌شوهرانشان را تفهیم کنند که بچه‌هایشان حق زندگی دارند

پرنس سووانافوما هنگام ایراد تسمیات حکومت لائوس

بهای قند وشکر افزایش یافت

روز شنبه ۲۴ فروردین ماه آقای بهنیا وزیر دارائی طی اعلامیه‌ای افزایش بهای قند وشکر را به ترتیب زیر باطلاع مردم رساند :

«براثر افزایش قیمت قند و شکر دربازار دنیا که بطور ناگهانی بهسه برابر قیمت سال گذشته رسیده است وزارت‌دارائی بالاجبار و با نهایت تاسف با اجازه هیات دولت قیمت فروش قند و شکر را از قرار کیلوئی ۴ ریال ترقی داده است.»

از تاریخ فوق شکرکیلوئی ۲۵ ریال و قند کیلوئی ۲۷ ریال بمردم فروخته شد .

لغو عوارض دروازه‌ای

روز ۲۴ فروردین ماه بنا بتصویب هیات دولت عوارض دروازه‌ای لغو گردید ، پیشنهاد لغو عوارض دروازه‌ای از طرف وزارت کشور صورت گرفت ، وزارت دارائی و وزارت اقتصاد نیز با این پیشنهاد موافقت کردند .

با اجرای این تصویبنامه ازاول‌اردیبهشت ماه۱۳۴۲ کالاهای مختلف مانند چوب ، پنبه ، قالی، پارچه و محصولات روستائی که هنگام ورود به شهر یا صدور آن از شهر به شهر دیگر باعوارض دروازه‌ای روبرو بود از پرداخت عوارض معاف گردید .

برای جبران کسر درآمد شهرداریها ، ٦ در صداز حقوق و عوارض گمرکی و سودبازرگانی به بودجه شهرداری اختصاص یافت .

مخالفت مردم انگلیس باآزمایشهای اتمی

از روز ۱۵ آوریل (۲٦فروردین) عده زیادی از مردم انگلیس برای مخالفت با ادامه آزمایشهای اتمی بسوی لندن روی آورده دست‌به‌تظاهرات دامنه‌داری زدند،تظاهرات که ابتدا آرام بود رفته رفته شدت گرفت و در یکروز ۳۵هزار نفر از تظاهرکنندگان با پلیس‌لندن زد وخورد کردند و دراین نزاع عده زیادی از تظاهرکنندگان و افراد پلیس مجروح شدند.

تظاهرکنندگان با پخش جزوه‌ها و دادن شعارهای تند علیه دولت خواستار متوقف ساختن‌آزمایشهای اتمی و هیدرژنی شدند ، لرد برتراندراسل فیلسوف و نویسنده بزرگ انگلیسی نیز با صدور بیانیه‌ای از دولت انگلیس شدیدا انتقاد کرد .

آشوب درلائوس

درتاریخ ۹ آوریل (۲۰فروردین) پس از مدتها آرامش نسبی بار دیگر براثر فعالیت کمونیست های لائوس بحران وآشوب چند روزه‌ای بوجود آمد .

نیرو های کمونیست بانیرو های دولتی لائوس بجنگ‌پرداختند و در دشت جار نبردهای خونینی بوقوع پیوست و خسارات عمده‌ای بر اهالی شهر های اطراف‌وارد آمد ، در نتیجه این بحران دولت امریکا رسما اعلام کرد لائوس امنیت سراسر جنوب شرقی آسیا را بخطر انداخته و برای‌جلوگیری از پیشرفت سریع کمونیست‌ها در صورت درخواست دولت بی طرف لائوس امریکا به‌این‌کشور اسلحه خواهد فرستاد.

مرگ پزشک‌نیا

در هفته اول فروردین ماه ایرج پزشک‌نیا نویسنده جوان وبا ذوق وهمکار ارجمند موسسه‌کیهان در یك حادثه اتومبیل زندگی را بدرودگفت .

مرحوم پزشک‌نیا برای‌رساندن یکی ازدوستان‌بیمارش ببیمارستان از یك شب نشینی خارج شد و دوست خودرا ببیمارستان رسانید، هنگام بازگشت درخیابان‌شاهرضا ، اتومبیلی که با سرعت زیاد از یکی از خیابانهای فرعی حرکت میکرده با اتومبیل پزشک نیا تصادف میکند وباعث مرگ‌آنی‌وی میگردد .

مرحوم پزشک‌نیاکه در عنفوان جوانی بدین ترتیب زندگی را بدرود گفت یکی از نویسندگان و مترجمان باذوق و برجسته کشور بودکه آثار فراوانی از مقاله و کتاب از خودباقی‌گذاشت ، ذکر نکته‌ای‌که در اینجا مناسبت دارد کمك وهمکاری های فراوان‌وقابل توجه‌آن مرحوم در تهیه وتدوین کتاب سال کیهان است .

در حقیقت شماره های اول ودوم‌کتاب سال‌کیهان با کمك و همت‌آن مرحوم تهیه گردید . وی آخرین یادگارهایش رادر شماره دوم‌کتاب سال کیهان‌باقی‌گذاشت.

پزشك‌نیا فرشته نجاتی که خود فدا شد



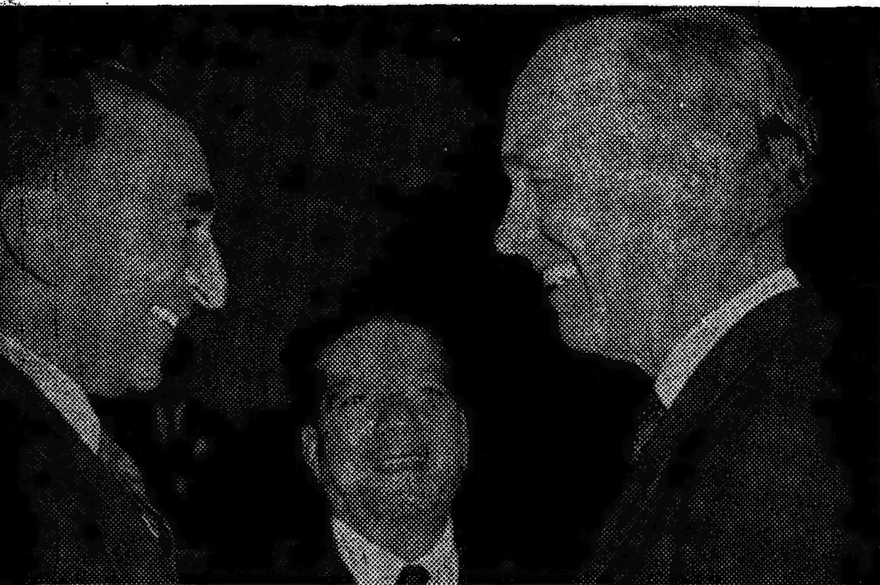
اردیبهشت

فهرست اختصاری اخبار اردیبهشت ماه ۱۳۴۲



ازچپ براست والاحضرت شاهپور غلامرضا ، ژنرال تیلور و رئیس سازمان نظامی سنتو و همچنین تیمسار ارتشبد حجازی در حضور شاهنشاه دیده میشوند .

آقایان علم نخست‌وزیر و لردهیوم (سمت راست) وآرام درضیافت وزارتخارجه .



تصویب بودجه کل‌کشور

ازدرآمد نفت ۱۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال به‌بودجه‌کمك میشود

در تاریخ اول اردیبهشت ماه جلسه هیأت دولت تشکیل گردید و بودجه‌کل‌کشور را تصویب‌کرد . مطابق اقلام منتشره بودجه اعلام شدکه درآمد عمومی کشور درسال ۱۳۴۲ چهار میلیارد و هفتصد و نود وشش میلیون ریال کمتر ازسال قبل خواهد بود .

بودجه سال جاری ۰۰۰ر۹۰۰ر۹۹۲ر۲ ریال کسردارد. وصولی بابت مالیات مستقیم دویست میلیون و بابت‌گمرکات هشتاد وهشت میلیون و بابت سود سهام بانکهاوشرکتها شصت میلیون ریال بیش از سال قبل خواهدبود.

ازدرآمد نفت ده میلیارد و پانصد میلیون ریال به بودجه‌کل کشورکمك میشود .

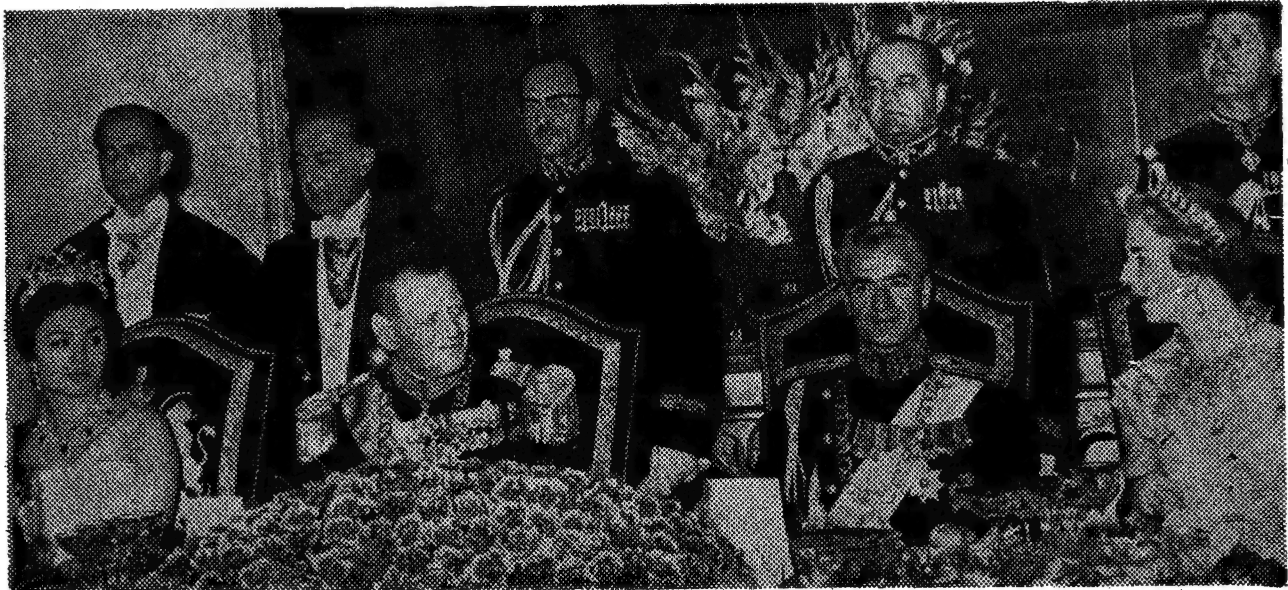
ژنرال تیلور به‌تهران‌آمد

ژنرال مکسول تیلر رئیس ستاد مشترك نیروهای مسلح امریکا روز چهارم اردیبهشت بدعوت رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران وارد تهران شد .

ژنرال تیلور دراین سفر بحضور شاهنشاه نیز رسید و در یك مانور بزرگ ارتشی‌که در حضور شاهنشاه برگزار شد باتفاق رؤسای هیاتهای نظامی سنتو از عملیات سربازان دیدن‌کرد .

اعدام قاتل سرگرد فاطمی‌زاده

روز سه‌شنبه ۱۰ اردیبهشت عبدالله باشیرانی از طایفه بویر احمدی باتهام‌قتل‌سرگردفاطمی‌زاده افسر ژاندارمری که چندی پیش در جریان غائله شیراز کشته شده بود ، در شیراز بدار مجازات آویخته شد . اعدام باشیرانی‌طبق حکم دادگاه نظامی و تایید دادگاه تجدید نظر زمان جنگ صورت گرفت .



علیاحضرت اینگرید ملکه دانمارك، اعلیحضرت همایونی ، اعلیحضرت فردریك پادشاه دانمارك و علیاحضرت شهبانودرضیافت شاهنشاه

ارتشبد هدایت (سمت چپ) وسرلشکر معین‌پور رأی دادگاه را استماع میکنند .



دین‌راسك در تهران

دین‌راسك در فرودگاه‌گفت : برنامه های اصلاحی برای مردم ایران آتیه‌ای درخشان دارد

روز یکشنبه هشتم اردیبهشت دین‌راسك وزیر امورخارجه امریکا وارد تهران شد تا طی یك توقف کوتاه پیرامون اوضاع خاورمیانه و روابط سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران وامریکاباشاهنشاه و نخست‌وزیر و وزیر امورخارجه مذاکره‌کند .

وزیر امور خارجه امریکا در فرودگاه نسبت به انقلاب اصلاحی ایران اظهار خوشبینی‌کرد .

افتتاح‌کنفرانس سنتو درپاکستان

روز ۳۰ آوریل (دهم‌اردیبهشت) کنفرانس سنتو با حضور وزرای خارجه پنج دولت امریکا ـ انگلیس پاکستان ـ ایران ـ ترکیه ـ در کراچی افتتاح شد .

دین‌راسك وزیر امور خارجه امریکا اظهار داشت : سنتوبهترین وسیله ممکن برای جلوگیری از جنگ است .»

پادشاه وملکه دانمارك به تهران‌آمدند

روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه پادشاه وملکه دانمارك(اعلیحضرت فردریك و علیاحضرت اینگرید) برای یك سفر رسمی هشت روزه وارد تهران شدند ودر فرودگاه مورد استقبال شاهنشاه و علیا

حضرت شهبانو قرار گرفتند .
سفر پادشاه و ملکه دانمارك بدعوت رسمی شاهنشاه و علیا حضرت شهبانو صورت گرفته ، بهمراه شاه و ملکه دانمارك ، والاحضرت شاهدخت بندیکت نیز بتهران آمدند .

لرد هیوم هم به‌تهران‌آمد

وزیر خارجه انگلستان گفت : ما بایران وفاداریم

روز شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه لردهیوم وزیرامورخارجه انگلستان برای یك اقامت‌کوتاه به تهران آمد . در ضیافتی‌که آقای آرام وزیر امور خارجه ایران بافتخار لردهیوم برپا داشته بود وزیر امور خارجه انگلستان طی نطق کوتاهی‌گفت : « مابه‌ایران‌وفاداریم و با چنین تعهدی حیات کشورخود را درگروگذاشته‌ایم .»

محکوم شدند .
جریمه ارتشبد هدایت ۱۹۱۲۰۰۱ ریال ، سرلشگر معین‌پور ۱۹۱۲۰۰۰ ریال ومهندس گرایلی ۱۹۱۲۰۰۰ ریال تعیین‌گردید .

دکتر جهانشاه صالح رئیس جدید دانشگاه

روز چهارشنبه‌هجده اردیبهشت وزارت فرهنگ‌اعلام‌کردکه استدعای آن وزارت از پیشگاه شاهنشاه‌دائر برانتصاب آقای دکتر جهانشاه صالح‌بریاست دانشگاه موردتصویب اعلیحضرت همایون شاهنشاه قرار گرفت و امریه همایونی در این مورد بوزارت فرهنگ ابلاغ‌گردید. رئیس دانشگاه در نخستین روز ریاست اظهار داشت : « قانون تمام وقت دانشگاه تغییر خواهد کرد . »

وجود دارند که قسمت اعظم آنها درتهران بسر میبرند .

سیل شدید

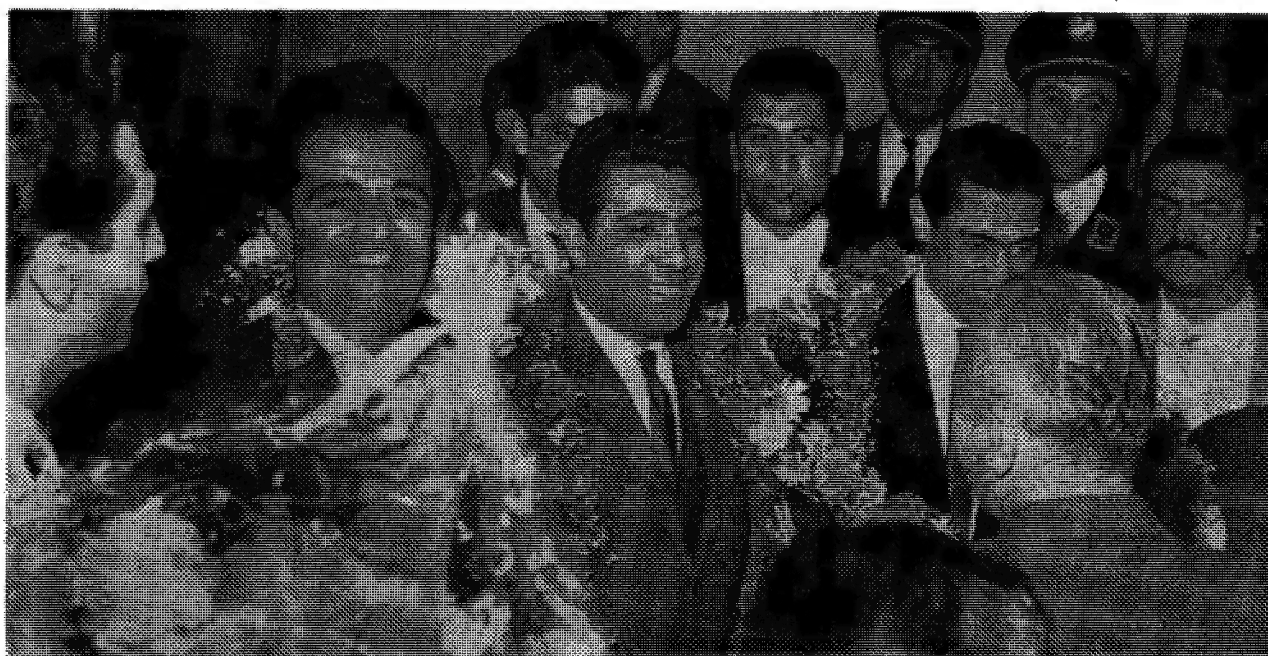
۱۲۰ خانه رادر مشهد بکلی‌ویران ساخت

بدنبال بارندگی های شدیدی‌که از روز پانزدهم اردیبهشت در مشهد و نواحی اطراف آن صورت گرفت در تاریخ ۱۷ اردیبهشت سیل شدیدی در سراسر شهرمشهد جاری شد و خسارات فراوانی‌ببار آورد ، تمام خیابانهای مشهد را آب فراگرفت و در نتیجه ۱۲۰خانه بکلی ویران شد . در مشکین‌شهر نیز سیل تلفاتی وارد آورد ازجمله رئیس شهربانی مشکین شهر وزن و فرزندانش راسیل برد .

مشهد سیل‌های شدید جاری شد و تلفات فراوانی وارد ساخت اما شدیدترین سیلاب در خرمشهر جاری شد ، دراین شهر براثر سیلاب دوهزار خانه بکلی ویران گردید ، مغازه‌های خرمشهر راآب فرا گرفت و بازار بکلی تعطیل شد ، براثر سیلاب خرمشهر و ویران شدن خانه‌ها ۵ هزار نفر مردم سیلزده دست کمك بسوی مردم پایتخت وسایر هم‌میهنان‌خود درازکردند .

نخستین کاروان هنری رستاخیز ملی ازسفر اروپا و امریکابازگشت

روز جمعه بیست اردیبهشت‌ماه گروه هنرمندان ایرانی مرکب از آقایان اکبر گلپایگانی ــ علی‌تابش و فرهنگ شریف‌که به سرپرستی سیامك پورزند نماینده کیهان بر



کاروان رستاخیزملی از اروپا وآمریکا بازگشت

ارتشبد هدایت به‌دوسال زندان محکوم شد

روز یکشنبه پانزده اردیبهشت محاکمه طولانی ارتشبد هدایت ، سرلشگر معین‌پور و مهندس‌گرایلی بپایان رسید و دادگاه نظامی پس از ۷ ساعت شور ارتشبد هدایت را به دوسال زندان محکوم‌ساخت سرلشگر معین‌پور نیز به دوسال و مهندس گرایلی به‌سه‌سال زندان

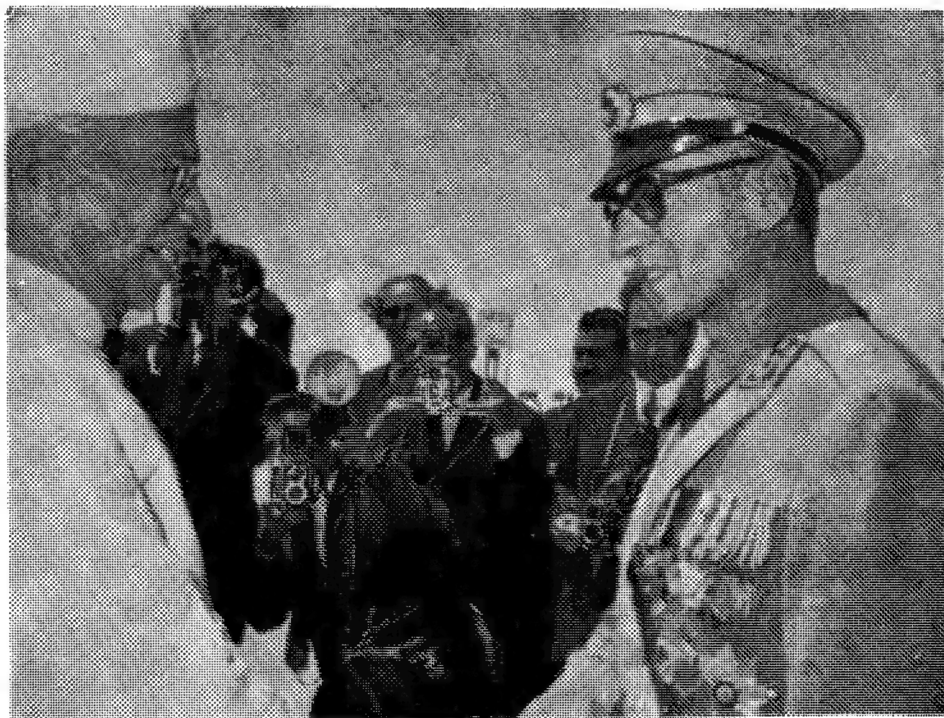
۴۰۰۰۰ معتاد درایران !

در اردیبهشت ماه سازمان ملل متحد دوکارشناس خودرا برای مبارزه با هروئین به تهران‌فرستاد، طبق گزارشهای این کارشناسان نسل جوان ایران در معرض‌خطر جدی قرار گرفته است ، زیراتعداد چهارصد هزار نفرمعتاد به‌استعمال مواد مخدره وافیون در ایران

بارندگی و سیل شدید در سراسر کشور دو هزار خانه در خرمشهر ویران شد !

برنبال سیل و بارندگی مشهد تقریباً در سراسر نقاط جنوبی و شمالی و مرکزی کشور ازجمله تهران بارندگیهای شدید آغاز شد و پس‌از چند روز به سیلابهای مهیبی تبدیل گردید . درشهرهائی مانند رضائیه ــ تبریز ــ کرمانشاه ــ

اساس برنامه رستاخیز ملی با همکاری شرکت تهران ــ توکیو برای اجرای برنامه‌های هنری و تشریح هدفهای رستاخیز ملی کیهان به‌کشورهای امریکا واروپا سفرکرده بودند به‌تهران بازگشتند ودر فرودگاه از طرف آقای دکتر مصباح‌زاده‌و اعضای هیئت‌تحریریه وجمعی از دوستان مورد استقبال واقع شدند .



شاهنشاه بحضرت **دکتررادها کریشنان** رئیس جمهوری هند در فرودگاه مهرآباد خیرمقدم میگویند .

مرگ دکتر موسی عمید

روز دوشنبه بیست و دوم اردیبهشت آقای دکتر موسی‌عمید رئیس‌دانشکده حقوق دانشگاه‌تهران و نایب‌رئیس کمیسیون ملی‌یونسکو درایران براثر سکته قلبی‌درگذشت.

مرحوم‌دکتر عمید چندین سال با حفظ سمت ریاست دانشکده‌حقوق کرسی استادی « حقوق مدنی » ایران را بعهده داشت و بسیاری از وکلا و قضات از محضر درس وی استفاده کرده بودند .

امریکا یك سفینه فضائی باسرنشین بفضا پرتاب کرد .

گوردون کوپر فضانورد امریکائی در مدت ۳٤ ساعت و ۲۰ دقیقه و ۳۰ثانیه ۲۲ بار گرد زمین‌دورزد. درآخرین لحظات دستگاههای اتوماتیك سفینه ازکار افتاد

درتاریخ پانزده ماه مه (۲۵ اردیبهشت) دولت امریکا یك‌سفینه فضائی بنام ایمان هفتم را بوسیله یك موشك اطلس بفضا فرستاد . وزن موشك ۱۲۵ تن و طول آن باندازه یك ساختمان هشت طبقه بود ، سفینه فضائی که حامل یك سرگرد بنام گوردون کوپر بود با سرعت ساعتی ۲۸ هزار کیلومتر شروع بدور زدن زمین نمود و در هر ۸۸٫۷ دقیقه یکبار زمین را دورزد . برای نخستین بار کوپر از سفینه خود برای زمین امــواج تله‌ویزیونی پخش کرد و این‌امواج در تلویزیونهای امریکا منعکس‌شد.

درآخرین لحظات سفر فضائی **دستگاههای** خودکار سفینه ازکار افتاد و سرنشین آن دربرابر خطر مــرگ قرار گرفت . فضانورد امریکائی درمدت ۳٤ ساعت و۲۰ دقیقه و ۳۰ثانیه بیست و دو بار بگرد زمین چرخید و سرانجام در اقیانوس کبیر نزدیك جزیــره میدوی بزمین فرود آمد .

رئیس جمهور هند در تهران

روز پنجشنبه ۲٦ اردیبهشت‌دکتر رادا کریشنان رئیس‌جمهوری هند بدعوت شاهنشاه برای یك سفــر رسمی پنج روزه وارد تهران شد .

رئیس جمهور هنددرفرودگاه مورد استقبال شاهنشاه، هیئت‌دولت، مقامات انتظامی و دیپلمــات‌های خارجی قرار گرفت . شهردار تهران نیز کلید شهر را به میهمان عالیقدر تقدیم داشت .

جینا هم به‌تهران آمد

جینالولوبریجیدا ستاره‌زیبای ایتالیائی درمیان یك استقبال‌بیسابقه وارد تهران شد

جینا روز بعد از ورود اظهارداشت: استقبال‌مردم‌بحدی برایم غیرمنتظره بود که وحشتزده شدم !

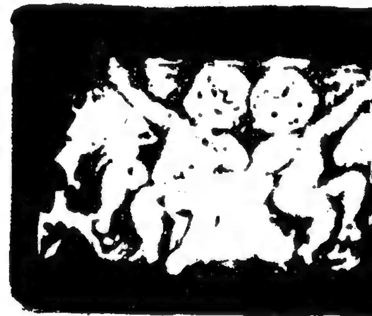
جینالولو بریجیدا ســتاره معروف سینما روز دوشنبه سی اردیبهشت باتفاق شوهر خود وارد تهران شد .

ورود جینا بدعوت خانم قمرناصر و جمعیت هفده دی‌بانوان صورت گرفت ، در فرودگاه‌مهرآباد عده زیادی از بانوان مشهور و چندین هزار نفر از مردم تهران جینا را استقبال کردند .

جینا در مدت شش روزاقامت خود در چند شب‌نشینی شــرکت کرد ، درآمد بلیطهای ایــن شب‌نشینی‌ها که مبلغ قابل توجهی شد بمصرف انجمن‌های خیریه‌رسید، بجز شب‌نشینی‌ها جینا در چنــد مصاحبه مطبوعاتی ، یك مصاحبــه تله‌ویزیونی شرکت کرد و از یك فیلم فارسی هم دیدن نمود ، در شب‌نشینی باشگاه افسران جینــا بحضور علیاحضرت شهبانوی ایران باریافت .

جینا ومشاور تبلیغاتی او در سفر بایران هنگام پاسخ بــه خبرنگاران





خرداد

فهرست اختصاری اخبار خرداد ماه ۱۳۴۲

شاهنشاه فرمودند :

در روز انتخابات فقط بمردها و زنهائی رای بدهید که باصول ششگانه مومن ومعتقد باشند .

در خردادماه نیز مسئله اعطای اسناد مالکیت‌زارعین دهات استان های مختلف از طـرف شاهنشاه کماکان ادامه داشت و زارعیـن دهات نواحی مختلف یکی پس‌از دیگری از دست مبارك شاهنشاه اسناد مالکیت زمینهای خود را دریافت میداشتند .

در تاریخ‌پنجم‌خردادماه‌شاهنشاه اسناد مالکیت گروهی ازکشاورزان استان کرمان راکه بموجب قانون اصلاحات ارضـی صاحب ملـك شخصی‌شده‌انددر استادیوم‌ورزشی شهر کـرمان به نمایندگان آنـان مرحمت فرمودند . سپس در میان احساسات کم‌نظیر کشاورزان‌پشت میکروفن قرار گرفته و ضمن‌نطقی فرمودند :

« در انتخاباتی که بزودی آغاز خواهد شد وظیفه اساسی شـمـا حفظ انقلاب بزرگ ایران است ـ در روز انتخابات فقط بمردهـا و زنهائی رای بدهید که باصـول ششگانه مؤمن باشند ».

دستگیری بزرگترین‌باند سازندگان چکهای جعلی

اعضای باند بسرپرستی دوافسر شهربانی بیش از بیست میلیون ریال چك تضمین شده جعـل کردند .

در تاریخ دوشنبه ششم خرداد ماه مامورین آگاهی پس‌از چندین ماه تلاش‌مداوم وجستجو سرانجام موفق بـه‌دستگیری سران بانـد بزرگ و مجهزی شدند که مبالغ هنگفتی چك تضمین شده جعـل کرده و بجریان انداخته بودند ، این باند مجهز چاپ وتوزیع چك تضمین شده تحت رهبری و بـا شرکت دو افسر شهربانی : سروان شاپور رزمجو وستوان حبیب‌الله غائی بیش‌از بیست وپنج میلیون ریال چك تضمین شده جعل‌کرده بودند .

موافقتنامه جدید ایران وشوروی

روز نهم خرداد موافقتنامه‌جدید ایران و شوروی با افزایش قابل توجه کالاهای صادراتی دو کشور امضاء شد . طبق این موافقتنامه طی یکسال آینده شوروی چهارصد میلیون ریال ماشین‌آلات صنعتی و صد میلیون ریال تراکتور وپنجاه میلیون ریال اتومبیل سواری و لوازم یدکی به‌ایران صادر میکند .

از طرف دیگر سهمیه پنبه ـ سبزه ـ حنا ـ وسمه ـ وبعضی دیگر از کالاهای صادراتی ایران بشوروی افزایش یافت .

آشوب در تهران

تبدیل‌عزاداری بتظاهرات‌سیاسی ـ بدنبال تظاهرات و حوادث خیابانی در تهران حکومت نظامی اعلام‌شد ـ عده‌ای کشته وتعداد زیادی‌مجروح شدند ـ تظاهرکنندگان خسارات عمده بمردم و شهر تهران وارد ساختند .

از روز سه‌شنبه چهاردهم‌خرداد (۱۱ محرم) درتهران و پاره‌ای از شهرستانها تظاهراتی رخ دادکه اگرچه در آغاز آرام وقابل‌اهمیت نبود ولی رفته رفته شدت گرفت وبه‌آتش زدن‌کتابخانه‌ها ـ اتومبیلها و قتل وجرح و کشتار عده‌ای از افراد بیگناه منجر شد ، ایـن تظاهرات که مدت چهار روز ادامه



سروان شاهپور رزمجو و ستوان حبیب‌اله غائی دو نفر ازاعضای باند جعل چك تضمین شده



(از راست بچپ ردیف نشسته) آقایان دکترعالیخانی وزیراقتصاد ـ دکتر ضیائی معاون وزارت اقتصاد ـ سریکف رئیس ادارهٔ بازرگانی شوروی و پگوف سفیر کبیر شوروی درایران هنگام امضای موافقتنامه جدید بازرگانی دوکشور دیـده میشوند .

یافت باعث برقراری حکومت‌نظامی در تهران و شیراز گردید ،تظاهر کنندگان بلباس عزاداران حسینی ملبس بودند ولی منظور اصلـی آنها ایجاد بلوا وآشوب بود .

تظاهـرات و آشوب با قتـل پاسبانی در شهر مشهد آغـاز گردید ، پاسبانی‌که در جوار صحن مطهر از پخش شعار و اعلامیـه جلوگیری میکرد بدست یك فـرد متعصب با کارد ازپا درآمد این واقعه باعث تأثر جامعه روحانیت وتمام مردم گردید روز بعد سه شنبه چهارده خرداد دسته هـای عزادار درتهران دست بتظاهرزدند، این تظاهرات که مغایر انتظامات وامر عبور ومرور در تهران بود منجر به‌صدور اعلامیه‌ای از طرف شهربانی بشرح زیر گردید :

« در چند روزگذشته به‌منظور»
« برگـزاری مراسم سوگواری »
« حضرت حسین بن علی (ع) »
« شهربانی‌کل کشور آزادی عمل»
«کاملی برای افراد و دستجات »
«مختلف قائل شدکه درعزاداری»
« شرکت جویند متاسفانه درعمل»
«دیده شدکه‌عده‌معدودی حادثه‌جو»
« و منحرف ودشمنان اصلاحات »
« ارضی ومخالفان قانون اساسی»
« انقلاب‌ملی که بتصویب اکثریت»
« قریب باتفاق رای‌دهندگان »
« ملت ایران رسیده است از »
« مراسم سوگواری سوءاستفاده»
« کرده ودر راه انجام مقاصد »
« شوم وسوء خود برخی از »
« دستجات عزاداری را مبدل »
« بدستجات سیاسی کرده و »
« بـدادن شعارهـای سیاسی »
« مخالف اصلاحات ارضی دست »
«زده‌اند . شهربانی کل کشور »
«بنا به‌مسئولیت انتظامی وتامین»
«آزادی قاطبه مردم و تامیـن»
« کسب وکار ساکنین پایتخت و»
« تامین عبور ومرور شهر اعلام»
« میدارد چون این عده مخالفین»
« اصلاحات ارضی باعث اخلال »
«نظم و کسب وکار مردم شده‌اند»
«از این ببعد بهیچوجه اجازه »
« نخواهد داد چنین تظاهراتی »
«تکرارشود ، محرکین و مسببین»
«این قبیل تظاهرات را بشدت »
« سرکوب و تحت تعقیب قانونی»
« قرارخواهد داد .»

این اعلامیه در تاریخ‌چهارشنبه ۱۵ خرداد درتهران انتشار یافت ولی در همان روز بعلت شدت تظاهرات و جنجال و آشوبی که در تهران صورت گرفت برای‌ایجاد امنیت در شهر و حفظ جان ساکنین پایتخت دولت حکومـت نظامی اعلام کرد و تیمسارسپهبد نصیری بسمت فـرماندار نظامی تهران تعیین گردید .

حوادث ناگوار

از صبح روز سه‌شنبه عده‌یی که لباس سیاه برتن داشتند و عزاداری میکردند دست‌بتظاهرات سیاسی زده و به‌پخش شعارهائی پرداختند و سپس نوحه خوانی و عزاداری را کاملا ترك کرده و از نواحی بازار بطرف میدان‌ارك و قسمتهای مرکزی و شمالـی‌شهر روی آوردند ، این دسته ها بـا پرتاب سنگ وپاره‌آجر به‌ساختمان های وزارت‌کشور ــ اداره کـل انتشارات و رادیو و سایرموسسات دولتی آرامش را برهم زدند و چون مأموران انتظامی مانع کـار آنها شدند برخوردها شدت‌یافت و جنبه خرابکاری گرفت .

دسته آشوبگر بـه سوزانـدن اتومبیلهائی که درکنار خیابانهـا متوقف شده بود پرداختند ، پس ازآن به‌پارك شهر روی آورده و کتابخانه پارك شهر را آتش زدند و بعدا به‌باشگاه ورزشی جعفری روی کرده باشگاه را طعمه‌حریق ساختند و کلیه وسائل آنـرا نابود کردند .

کابین‌های تلفن ـ باجـه‌های فروش بلیط اتوبوس ـ چراغهای راهنما ـ مغازه‌های مختلف نیز بی‌نصیب نماند و بررویهم هرچه راکه در راه خود میدیدند ویران میکردند و میسوزاندند .

این آشوبگری و اختلال نظم درسایر خیابانها نیزبوقوع‌پیوست چنانکه درساعت پنج بعدازظهـر سه‌شنبه خیابانهای ری ـ شهباز ـ مولوی ـ و نواحی اطراف آنها بیشتر شبیه بیك میدان جنگ شده بود ، صدای شلیك گلوله لحظه‌ای آرام نمیشد ، قـوای انتظامی برای متفرق کردن مردم مرتبا شلیك هوائی میکردند ، در این مناطق آشوبگران چند بار با سنگ و چوب باتومبیلهای حامل قوای انتظامی حمله‌ور شدند و دربرابر زد و خوردهائی که رویداد عده زیادی کشته شدند .

پس‌از اعلام حکومت نظامی تعداد زیادی تانك در خیابانهای مختلف شهر بحرکت درآمد و در میادین و محل اجتماع تظاهر کنندگان مستقر گردید .

پس‌از اعلام حکومت نظامی و دخالت نیروهای مسلح رفته رفته اوضاع رو به آرامش نهاد ولی بازهم در روزهای بعد در گوشه و کنار شهر تظاهراتـی صورت میگرفت ونکته قابل‌تاسف آن بودکه آشوبگران به بانوان مخصوصا به بانوان بـی‌حجاب حمله‌کرده وآنان راشدیداً مضروب و مجروح میساختند .

حوادث شهرستانها

بدنبال حـوادث تهـران در شهرستانها نیز از جمله شیراز و تبریز و مشهد و قم آرامش اوضاع برهم خورد و تظاهراتی نظیر تظاهرات تهران بوقوع‌پیوست کـه تـوسط ماموران انتظامی بار دیگر آرامش برقرارشد ، درشیراز حکومت نظامی اعلام شد و با دخالت نیروی نظامی عده‌ای از آشوبگران دستگیر شدند ، در شهر قـم بـدنبال انتشار خبر انتقال آیت‌الله خمینی تظاهراتی صورت گرفت که بعداً آرامش برقرار شد .

انعکاس حوادث تهران در خارج

حوادث و تظاهرات تهران از طرف روزنامه‌ها و خبرگزاری هـای خارجـی از جمله تاس خبرگزاری شوروی وآسوشیتدپرس بتفصیل مورد بحث قرار گرفت و تمام خبرگزاریها و روزنامه‌های اروپائی و امریکائی از عملیات آشوبگـران اظهـار تاسف کرده تذکر دادند که این اعمال ازطرف مرتجعین و مخالفین اصلاحـات جدید ایران صورت میگیرد .



دولت براوضاع کاملا مسلط است

در تاریخ شنبه هجده خرداد ماه اگر چه تهران وضعی عادی نداشت و پاره‌ای از مغازه‌ها بسته بود ولی اثری از تظاهر و تظاهرکنندگان دیده نمیشد ، آقای علم نخست‌وزیر طی یك مصاحبه مطبوعاتی مطالبی بدین شرح ایراد داشتند :

« نظم و آرامش در تهران و سایر شهرستانها برقرار شده و دولت برکلیه امور تسلط‌کامل دارد ، حکومت نظامی فقط در تهران و شیراز برقرار است و طبق تصویبنامه هیئت دولت حکومت نظامی در تهران بمدت ۵ هفته پیش‌بینی شده است . روحانیون دانشمند و فهمیده ایران خود را دراین جریانات داخل نکردند و همه روحانیون هم با دولت مخالف نیستند ولی بطور کلی اولین وظیفه دولتها ایجاد امنیت درکشور میباشد و طبیعی است ماهم این وظیفه را درك کرده و انجام میدهیم وهر کس بخواهد مخالف رای اکثریت ملت و برخلاف مصالح عمومی عمل کند شدیداً مورد تعقیب و مجازات قرار خواهد گرفت و برای ما هر کسی در هر لباسی که باشد اعم از روحانی وغیر روحانی فرق نمیکند . »

طبق آمار رسمی دولت تعداد مقتولین ۸۶ نفرومجروحین ۱۹۳ نفر اعلام شد و خاطر نشان گردید بازداشت شدگان محاکمه نظامی میشوند و مسببین بلوا و آشوب بمجازات خواهند رسید.

فرمایشات شاهنشاه

اعلیحضرت همایون‌شاهنشاه روز شنبه هجده خرداد پس از اعطای اسناد مالکیت کشاورزان در همدان ضمن سخنرانی جامعی بـه حوادث تهران بدین شرح اشاره فرمودند :

« تجلی‌روح‌مرتجعین سیاه »
« را مـا در روز چهارشنبه »
« پانزدهم خرداد در شهر تهران »
« مشاهده کردیم ـ مرتجعین »
« کتابخانه‌ها را آتش زدند تا »
« بزندگی بربریت برگردیم و »
« گیشه بلیت اتوبوسها را »
« سوزاندند چون مرتجع سیاه »
« فکر میکند در عصر تسخیر »
« فضا باید سوار الاغ و قاطر »
« شد ـ یکنفر شیعه از یکنفر »
« مسلمان غیرشیعه پول میگیرد »
« و علیه مملکتش اقدام میکند »
« این را چه میشود گفت ـ »
« ارتجاع سیاه ماهیت خود »
« را نشان داد اما اگر ارتجاع »
« راه خونریزی را میپسندد »
« ملت آماده خون دادن است »
« و این تلاشها یك میلیمتر از »
« سرعت سیر ترقی ما نخواهد »
« کاست . »

سرپرستی انتشارات و رادیو مجدداً به وزیر راه واگذار شد

درتاریخ شنبه هجده خرداد بنا بفرمان ملوکانه آقای معینیان وزیر راه با حفظ سمت عهده‌دار سرپرستی مجدد اداره کل انتشارات و رادیو گردید وآقای تفضلی سرپرست سابق انتشارات و رادیو از این پست مستعفی شد .

آقای معینیان درباره برنامه های رادیو اظهار داشت : من همان برنامه های قبلی را که سابقا در انتشارات و رادیـو داشتم تعقیب خواهم کرد .

افتتاح سد شهناز

اعلیحضرت همایون‌شاهنشاه طی مراسمی سد شهناز را روزهجدهم خرداد درهمدان افتتاح فرمودند، دراین مراسم والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی ـآقایان وزیرکشور- وزیرکشاورزی ـ وزیر پست و تلگراف ـ مدیر عامل سازمـان برنامه ـ سفرای خارجی مقیم دربـار شاهنشاهی ـ خبرنگاران خارجی و داخلی ـ روسای جمعیت های زنان ـ وگروهی از شخصیت های مملکتی حضور داشتند .

برای ساختمان سد شهناز که آب و برق همدان را تامین میکند دیناری از خارج کمك‌گرفته نشده ـ هزینه ساختمان آن ۹۱۰ میلیون ریال ، ارتفاع آن ٦٦ متر و ذخیره آب ۱۵ میلیون مترمکعب است .

پکوف از ایران رفت

روز دوشنبه بیستم خرداد آقـای نیکلای پکوف سفیرکبیر شوروی در ایران بمناسبت پایان مدت ماموریت سفارت خود با قطار راه‌آهن تهران را ترك گفت

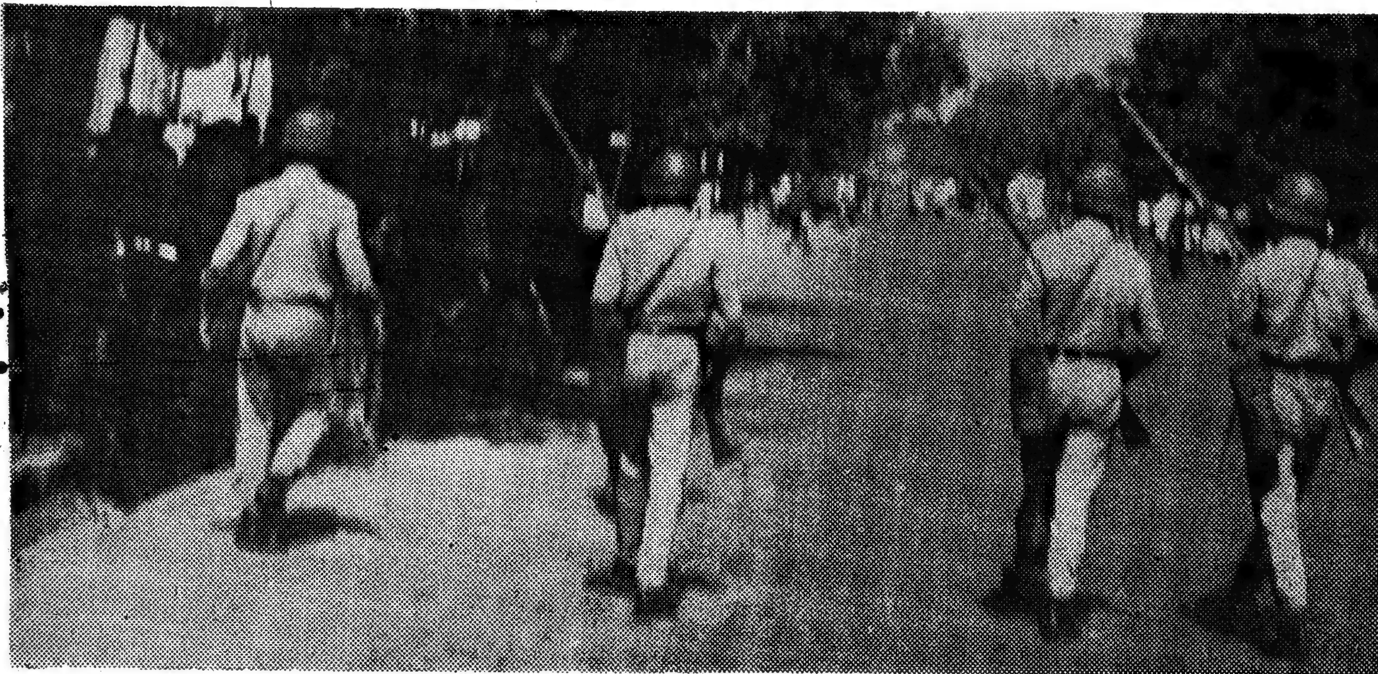
سفیرکبیر جـدیـد شوروی آقای زایتسف خواهد بود تا دو ماه دیگر بایران خواهد آمد ، شب قبل‌ازمسافرت پکوف ضیافتی درسفارت کبرای شوروی برپابود که طی آن مراسم تودیع بعمل‌آمد مدت ماموریت پکوف ۷ سال‌طول کشیده بود .

ده میلیون کارت الکترال برای انتخابات

درتاریخ بیست‌ویك خردادماه از طرف وزارت کشور اعلام شد که برای شروع انتخابات ده میلیون کارت الکترال چاپ میشود .

سخنگوی وزارت کشور اعلام داشت که نمونه کارت الکترال در تاریخ بیستم خـرداد بتصویب هیئت دولت رسیده واز طرف وزیـر کشور دستور چاپ آنها صادر شده است .

در اثر تظاهرات حکومت نظامی‌در تهران اعلام شد و سربازان‌هرگونه اجتماعی را متفرق میکردند .



اعلیحضرت همایون شاهنشاه درمراسم گشایش سد شهناز

برخورد و سقوط دو هواپیمای جت

درتاریخ بیست‌ودوم خرداد دو فروند هواپیمای جت **۸۶ـف** متعلق به نیروی هوائی شاهنشاهی هنگام تمرین عملیات هوائی در آسمان فرودگاه مهرآباد بایکدیگر برخورد کردند .

شدت برخورد بحدی بودکه هردو هواپیما فوراً در آسمان متلاشی شدند و خلبانان آن‌ها ستوان قاسم فرجوان و ستوان اسمعیل معماری بوضع دلخراشی جان سپردند . قطعات مشتعل یك هواپیماها بکارگری که مشغول سیم‌کشی بود أصابت کرد و اورا کشت ، قطعات هواپیمای دیگر پس‌از خراب‌کردن بام یکی‌ازخانه‌ها بصورت آهن پاره‌ای در گوشه‌ای از بیابان سقوط کرد .

رهبر سیاه پوستان آمریکا کشته شد

درتاریخ ۱۲ ژوئن (۲۲خرداد) مدگار اورز رهبر سیاه پوستان امریکا در نزدیکی خانه خوبش بضرب گلوله‌ای که از عقب بوی شلیك شده بود کشته شد . پلیس تفنگ را درمیان درختانی که در نزدیکی خانه اورز قرار دارد پیدا کرده است .

وزارت دادگستری آمریکا تمام وسائل تحقیق را در اختیار پلیس گذاشت تا قاتل را دستگیر کند .

کاخ سفید نیز اعلام کرد: کشته شدن مدگار اورز یك وحشی‌گری است که شخص‌کندی را بوحشت انداخته است .



پگوف خداحافظی می‌کند

زنی در فضای لایتناهی



شوروی نخستین زن فضانـورد جهان را بفضا فرستاد

والنتیناترشکوا دوشیزه ۲۶ ساله روسی در سفینه شرق ششم با موفقیت در فضا میچرخد

درتاریخ ۱۶ ژوئن (۲۶خرداد) دولت شوروی سفینه فضائی‌بزرگی را بنام شرق ششم که حامل دوشیزه جوانی بود با موفقیت بفضا پرتاب کرد ، تمام زنان‌جهان از موفقیت این دوشیزه روسی ابراز خوشنودی کردند و پیامهای تبریکی از زنان معروف جهان از جملـه ملکـه انگلیس بـرای وی مخابره شد .

سفینه شرق ششم حـامـل ترشکوا دوشیزه روسی در هر ۸۸٫۳ دقیقه یکبار بدور کره‌زمین میچرخد ، تصویر دوشیزه روسی از سفینه شرق ششم به تلویزیون مسکو مخابره شد و مردم مسکو اوراً در داخل سفینه فضائـی درکمال سلامت مشاهده کردند .

رادیوی مسکو اعلام کـرد هدف از فرستادن یك زن بفضا مطالعه و تحقیق در امور علمی و آشکار ساختن اثر مسافـرت فضائـی در زنـان بـوده است . خروشچف بـوسیله رادیـو تلفنی باترشکوا صحبت کرد وپروازش را بوی تبریك گفت .

دوسفینه نـزدیك هـم در فضا سفینه فضائی شرق پنجم حامل بیکوفسکی نیز در نزدیکی سفینه زن فضانورد گرد زمین میچرخد

درتاریخ ۱٤ ژوئن (۲٤خرداد) دولت شوروی پیش‌از فرستادن نخستین فضانورد زن جهان بمدار زمین سفینه دیگری بنام شرق پنجم حامل جوان ۲۹ ساله‌ای بنام والـری بیکوفسکـی بفضا فرستاد ، سفینه حامل بیکوفسکی نیز در هر ۸۸٫۳ دقیقه یکبار گرد زمین میچرخد .

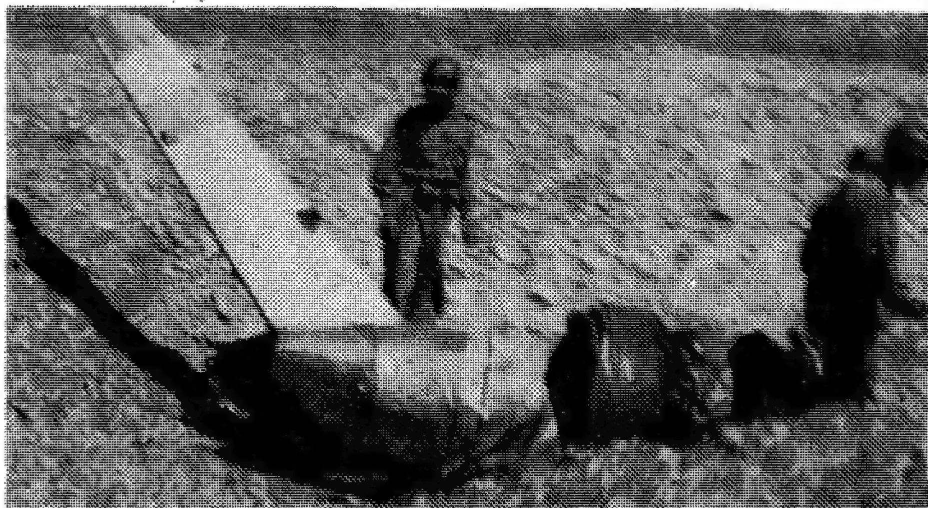
والری بیکوفسکی پنجمین فضا نورد شوروریست و بعلت تکمیل دستگاههای سفینه فضائی میتواند در فضا غذاهای معمولی بخورد ، خوراك بیکوفسکی‌برخلاف فضانوردان قبلی شوروی وامریکا عبارت از کتلت ـ گوشت سرخ کرده ـ فیله ـ جوجه ـ خاویار ـ آب میوه و شیرینی است .

والری بیکوفسکی که درجه سرهنگی دارد در سفینه فضائی خود درکمال سلامت و آرامش بسرمیبرد وی به راحتی میخوابد ورزش میکند ـ دستگـاههـای مخابراتی رادیو تلویزیون راکنترل میکند و مـرتبا بازمین تماس برقرار میسازد . تلویزیون مسکو درهر چند ساعت صحنه‌ای از سفینه فضائی بیکوفسکی وعملیات وی را بنظر تماشاچیان میرساند.

هنگامی‌که دو روز بعد از پرتاب بیکوفسکـی بفضا دولت شوروی ترشکوا دوشیزه ۲٦ساله را نیز بمدار زمین فرستاد مقامات غربی اقدام شوروی رافوق‌العاده مورد توجه قرار دادند و عده‌ای از کارشناسان حدس زدند کـه امکان دارد که این زن و مرد شوروی در فضا با یکدیگر ملاقات کنند .

سفینه ترشکـوا و سفینه بیکوفسکی هر دو در یك فاصله از زمین گرد کره میچرخند و هر دو آنها درست ظرف ۸۸٫۳ دقیقه یکبار کره زمین را دور میزنند، فاصله این دوسفینه فضائی با یکدیگر فقط ۵ کیلومتر است تماس رادیوئی دو سفینه خوبست و ترشکوا برای بیکوفسکی ترانـه میخواند !

لاشه هواپیمای‌جت ۸٦ـف



فضانوردان زن و مرد شوروی بزمین نشستند

ترشکوا و بیکوفسکی با یکساعت اختلاف‌بزمین‌نشستند بیکوفسکی با دوره پنج روزه پرواز فضائی رکورد فضا پیمائی راشکست ـ ترشکوا نیز در حدود سه شبانه روز در فضا ماند و بدین ترتیب سفر وی طولانی‌تر از سفر هفت مرد فضا نورد قبلی بود .

درتاریخ ۱۹ ژوئن (۲۹خرداد) سفینه های فضائی شرق پنجم و شرق ششم حامل زن و مردفضائی شوروی سالم برخاک شوروی‌فرود آمدند . رادیو مسکو رسماً اطلاع دادکه سفر فضانوردان شوروی با موفقیت توام بوده است .

والری بیکوفسکی طی سفر فضائی خود ۸۲ بار زمین را دور زد و بیش‌از ۳ر۵ میلیون کیلومتر را در نوردید . ترشکوا نیز در سفر خود ۴۸ بار زمین را دور زد و بعنوان نخستین زن فضانورد درتاریخ جهان عملا نشان داد که زنها نیز تحمل سفر فضائی را دارند ، وی با این سفر جالب ورق تازه و بدیعی به سفر های فضائی تاریخ افزود .

تلفنی با خروشچف صحبت کرد. زمامدار شوروی با گرمی از وی احوالپرسی نمود ، پس‌از انجام آزمایشات پزشکی و علمی واندکی استراحت فضانوردان زن و مرد شوروی عازم مسکو شدند ، شهر مسکو بازمامداران شوروی گرم ترین و باهیجان ترین استقبال‌را ازاین دو زوج فضائی بعمل‌آورد ، با آنکه سفر ترشکوا درفضا کمتر از سفر بیکوفسکی طول کشیده بود معهذا از آنجاکه وی نخستین زن فضانورد جهان بود مورد استقبال و توجه بیشتری قرار گرفت .

پس‌از این موفقیت فضائی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی اعلام کرد : « شوروی رهبر پیشرفتهای بشر در امور فضائی است . »

مرگ پاپ

دراوائل ماه ژوئن (اواسط خرداد) پاپ جان بیست‌وسوم رهبر کاتولیکهای جهان پس‌ازیك بیماری طولانی دیده از جهان فروبست .

پاپ جان بیست وسوم مورد احترام و محبت میلیونها نفراز مردم جهان حتی افراد غیرمسیحی بود ، از اقدامات جالب پاپ فقید ایجاد روابط مناسب بین جهان مسیحی و دنیای کمونیستی بود

افتضاح سیاسی درانگلستان پروفیومو وزیر جنگ انگلیس بعلت داشتن روابط نا مشروع بایك‌مانکن مجبور باستعفاگردید .

درتاریخ ٦ ژوئن (١٦ خرداد) براثر فاش شدن روابط وزیرجنگ انگلیس پروفیومو با یك مانکن زیبای انگلیسی بنام کریستین‌کیلر اوضاع سیاسی انگلیس بشدت بحرانی گردید .

درحقیقت کشف و انتشار روابط عاشقانه و افتضاح آمیز وزیر جنگ با این دوشیزه که سوابق نا مناسبی داشته باعث ایجاد یك افتضاح سیاسی گردید که در تضعیف دولت مك‌میلان فوق‌العاده موثر بود ، مخالفین دولت از این ماجرا استفاده‌کرده و شدیداً دولت را بباد انتقاد گرفتند .

بنابه گزارش روزنامه های انگلیس بعد از بحران سیاسی کانال‌سوئز این بزرگترین بحرانی است که دولت انگلستان با آن روبرو گردیده است .

کریستین‌کیلر معشوقه وزیر جنگ انگلیس درعین حال با ایوانف معاون وابسته دریائی شوروی و بسیاری از رجال انگلستان روابطی داشته واکنون تمام محافل سیاسی بیم آن‌دارند که کیلر نام این افراد برجسته را در دادگاه فاش سازد .

علت اصلی فاش شدن روابط عاشقانه پرفیومو وکیلر شکایت یك مرد سیاهپوست از وی به دادگاه و عدم حضور کیلر بوده است ، این مرد سیاهپوست مدتها با کیلر رابطه داشته و سرانجام وی را بسختی مضروب میسازد .

پس از فاش شدن روابط عاشقانه وزیر جنگ باکیلر ، پروفیومو مجبور به اعتراف‌گردید و سپس از پست خود استعفاکرد، استعفای پروفیومو که در حقیقت تمام شایعات را تأیید میکردضربه سختی به کابینه مك‌میلان وارد آورد و باعث شدکه حزب کارگر شدیداً از مك‌میلان انتقاد کند . علت انتقاد شدید مخالفان آنستکه احتمال میرود دراین مناسبات عاشقانه اسرار مهمی از دولت انگلیس بدست دولتهای خارجی افتاده باشد .

دکتر وارد رابط پروفیومو-کیلر

پس از افتضاح استعفای پروفیومو و اعتراف کیلر در مورد روابط خود با وزیر جنگ ، مقامات انتظامی انگلیس جراح معروفی بنام دکتر استفن‌وارد را بازداشت کردند ، دکتر وارد متهم است که با استفاده از درآمد نا مشروع فواحش بعنوان یك دلال محبت زندگی میکرده است .

دکتر وارد که در انگلستان شهرت دارد نقاش زبردستی است که تابلو هائی از اشراف و رجال انگلستان و هنر پیشگان بین‌المللی تهیه کرده است .

افتضاح استعفای وزیرجنگ و روابط او با مانکن انگلیسی و احتمال بخطر افتادن اسرار امنیتی انگلستان مسئله‌ایست که بتفصیل در مجلس عوام انگلستان ـ محافل سیاسی و روزنامه‌ها و مجلات آنکشور و کشور های دیگرجهان مورد بحث قرارگرفته است

انتخاب پاپ جدید

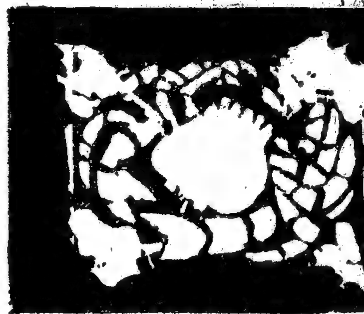
درتاریخ ۲۱ ژوئن (۳۱خرداد) شورای کاردینال‌ها ، کاردینال مونتی‌نی را بعنوان دویست و شصت ودومین پاپ کلیسای‌کاتولیك برگزید .

کاردینال مونتی‌نی ٦٥ سال دارد و قبلا مدت هشت سال اسقف میلان بود ، وی در عین حال‌یك سیاستمداروزیده بشمار میرود . انتخاب مونتی‌نی پس از چندین بار اخذ رای صورت‌گرفت که سرانجام وی اکثریت آراء را بدست آورد .

ملکه انگلستان ـ کندی ـ اوتانت دبیرکل سازمان ملل‌انتخاب پاپ را بوی تبریك گفتند ، کاردینال مونتی‌نی خودرا پل‌ششم خوانده است .

نمودار پرواز کیهان پیمایان

نام	تاریخ	دور	ساعت
گاگارین ـ شوروی	آوریل ۱۹٦۱	۱	۱ر۴۸
تیتوف ـ شوروی	اوت ۱۹٦۱	۱۷	۲۵ر۱۸
گلن ـ آمریکا	فوریه ۱۹٦۲	۳	٤ر٥٦
کارپنتر ـ آمریکا	مه ۱۹٦۲	۳	٤ر٥٦
نیکلایف ـ شوروی	اوت ۱۹٦۲	٦٤	٩٤ر٢٥
پاپوویچ ـ شوروی	اوت ۱۹٦۲	٤٨	٧٠ر٥٩
شیرا ـ آمریکا	اکتبر ۱۹٦۲	٦	٩ر١٣
کوپر ـ آمریکا	مه ۱۹٦۳	٢٢	٣٤ر٢٠
بیکوفسکی ـ شوروی	ژوئن ۱۹٦۳	٨١	١١٩
ترشکوا ـ شوروی	ژوئن ۱۹٦۳	٤٨	٧١



تیر

فهرست اختصاری اخبار تیرماه ۱۳۴۲

تیرگی روابط چین و شوروی
گران‌شدن قندوشکر در تهران
تشکیل کنفرانس شرق و غرب در مسکو
دستگیری اعضاویك باند مرموز در تهران

سقوط دوهواپیمای جت
یکی از خلبانان بطرز معجزه‌آسائی نجات یافت

روز یکشنبه دوم تیرماه دو فروند جت تعلیماتی نیروی‌هوائی هنگام پرواز از باند فرودگاه مهرآباد در ارتفاع کمی از زمین بیکدیگر برخوردند و درنتیجه هردو هواپیما بزمین سقوط‌کردند، دراین واقعه یکی از خلبانان کشته شد و دیگری بطرز معجزه‌آسائی‌از مرگ نجات یافت . شرح ذیل بعنوان « اطلاعیه نیروی هوائی» بمناسبت این واقعه انتشار یافت.

« در ساعت ده ویازده دقیقه یکشنبه ۲ر۴ر۴۲ دوفروندهواپیمای جت تعلیماتی از نوع ت ــ ۳۳ بخلبانی سروان عطاءالله نامدار عراقی و ستوان دوم عبدالحسین هاتف ضمن بلند شدن از فرودگاه مهرآباد جهت انجام ماموریت در اثر اشتباه به‌ناهمواریهای انتهای باند برخورد کرده و درنتیجه این سانحه ستوان دوم عبدالحسین هاتف بدرود حیات گفت ، سروان نامدار عراقی سالم میباشد .
نیروی هوائی ایران»

گرمای شدید در تهران

اوائل‌تیرماه هوای شهرتهران فوق‌العاده گرم و ناسالم شد ، در تاریخ شش تیرماه درجه حرارت فوق‌العاده بالا رفت و به چهل درجه سانتیگراد رسید ، تعجب آنکه این درجه حرارت هنگام شب نیز ثابت‌ماند و کاهش نیافت.

معاون وزارت اقتصادشوروی بتهران آمد

روز چهارشنبه پنجم تیرماه‌آقای سرگی‌یف معاون وزارت اقتصاد شوروی در راس یك هیئت هشت نفری به تهران آمد ، این ۹نفر که همه از کارشناسان اقتصادی شوروی هستند درباره عقد قرارداد های اقتصادی با مقامات ایرانی مذاکره خواهند کرد .

تیرگی روابط شوروی وچین

بدنبال سردی روابط چین و شوروی که از چندی پیش آغاز شده بود رفته رفته این سردی با بروز عوامل مختلفی به تیرگی روابط این دو کشور منتهی شد .

دولت شوروی در تاریخ ۲۷ ژوئن (٦ تیرماه)طی یادداشتی از دولت چین کمونیست خواست تا سه تن از دیپلماتهای چینی مقیم مسکو که کارمند سفارت‌چین هستند از شوروی فراخوانده‌شوند، دولت چین طی‌یادداشت‌اعتراضیه‌ای عمل دولت شوروی را غیرمعقول و غیردوستانه نامید ، ناظران‌سیاسی غرب تصمیم شوروی را دایر بر اخراج سه تن از دیپلماتهای چین از خاك آن کشور نشانه وخامت و تیرگی بیشتر در روابط چین کمونیست و شوروی تلقی‌کردند.

گرانی قند و شکر
ماموران اداره قند و شکر بین مردم‌کوپن توزیع‌کردند

از اوائل تیرماه بهای قند و شکر روبه افزایش نهادبطوریکه درتاریخ ششم تیر ماه فروشندگان قند را کیلوئی ۳۵ ریال و شکر را کیلوئی ۳۳ ریال در دسترس‌مردم مینهادند ، بعلت اعتراض مصرف کنندگان ، اداره کل قند و شکر درصدد برآمد کوپن قند وشکر در دسترس مردم قرار دهد تا بتوانند میزان مصرفی خود را به قیمت دولتی تهیه کند . ازبامداد تیرماه ماموران اداره کل قند و شکر درمناطق دهگانه شهرداری اقدام‌به صدور کارت سهمیه قند و شکر کردند .

قاتل پروین محکوم به‌اعدام‌شد

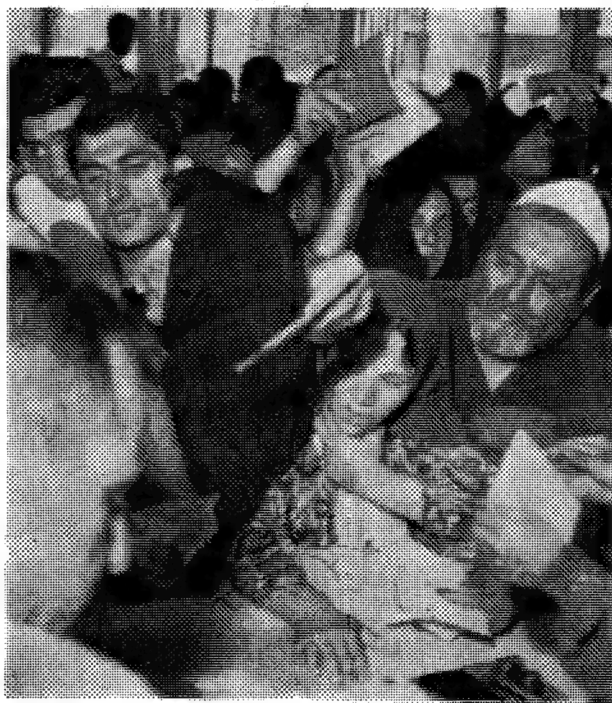
درتاریخ چهارشنبه ۱۲ تیر ماه اللهوردی زنگنه معروف به علی گودرزی قاتل پروین پژهان‌عروس آپارتمان خیابان شاهرضا پس از یك دوره محاکمه محکوم به‌اعدام شد .

اعضاء دادگاه باتفاق آراء اللهوردی را محکوم بمرگ‌کردند، الله وردی ابتدا از رای صادره تقاضای فرجام نکرد ولی چندروز بعد وکیل او از رای اعدام‌فرجام خواست .

لاشه نیم سوخته هواپیمای جت‌تعلیماتی (۲۳ــت) که پس‌ازتصادم‌منفجر شده و آتش گرفته اتومبیل مخصوص اطفاء حریق درکنارلاشه‌هواپیما مشاهده میشود .



منظره‌ای ازدادگاه هنگامی که رای اعدام برای الله‌وردی قرائت شد .



اجتماع برای دریافت کوپن

باند مرموزی که بنام سازمان ملل و سفارتخانه‌ها مشروب واردمیکرد

هشت ماه قبل از طرف اداره سازمان ملل متحد در ایران به دادگستری شکایت شد که عده‌ای قاچاقچی بنام سازمان ملل‌مشروب وارد میکنند و اکنون نیز ۹۸۰ جعبه محتوی ویسکی و کنیاك بوسیله هواپیما به‌تهران‌آورده‌اندکه درفرودگاه است .

پیرو این شکایت بلافاصله بدستور بازپرس ماموران مشغول تحقیق شدند و چند روز بعدمرده‌ی را بنام موسی گلیان دستگیر کردند این مرد که از اعضاء باند مرموز قاچاقچی بود اطلاعاتی دراختیار ماموران گذاشت که بااین اطلاعات سرانجام در تاریخ سه‌شنبه ۱۸ تیر ماه رئیس این باند مرموز بنام یوسف ابراهیم زاده دستگیر شد.

تحقیقات بعدی آشکار ساخت که این باند مهر واسناد نمایندگی سازمان ملل در ایران و پاره‌ای از سفارتخانه‌ها را جعل میکرد و جعبه‌های مشروبات خارجی را بنام سازمان ملل وسفارتخانه‌های مختلف وارد ایران میساخت .

کنفرانس شرق و غرب در مسکو

برای منع‌آزمایشهای اتمی‌کنفرانسی در مسکو تشکیل شد

درتاریخ۱۵ ژوئن(۲۴تیر ماه) کنفرانسی از نمایندگان دول‌غربی و رهبران شوروی در مسکوتشکیل گردید ، هدف عمده این کنفرانس منع آزمایشهای اتمی و ایجادیك موافقت بین‌المللی در این زمینه بود .

نماینده امریکا اورل هریمن سیاستمداربرجسته آنکشور ونماینده انگلیس‌لردهلیشام بودند، خروشچف و آندره گرومیکو نیز شخصا درکنفرانس شرکت کردند. در نخستین جلسه این کنفرانس‌که سه ساعت و نیم بطول انجامید خروشچف ریاست جلسه را بعهده داشت ، مذاکرات نمایندگان شرق و غرب درمحیطی گرم و دوستانه آغاز شد بطوریکه پس از ختم نخستین جلسه نمایندگان شرق و غرب هر دو ابراز رضایت‌کردند.

کارشناسان سیاسی نسبت به این کنفرانس خوشبین هستند و اظهار میدارند با این کنفرانس زمینه رفع اختلافات شرق وغرب فراهم میشود .



فهرست اختصاری اخبار امرداد ماه ۱۳۴۲

زدوخورد درسوریه

درتاریخ اول امرداد براثر زد و خوردهای شدیدی هزار تن کشته و زخمی شدند و رئیس جمهور مصر علنا رهبران بعثی سوریه را بناسزا گرفت ، گفته میشود که این شورش بوسیله حزب «اتحاد سوسیالیستی عرب» ترتیب داده شده و یك سازمان طرفدار ناصر است که برسمیت شناخته نشده است .

پیام علم از رادیو ــ تلویزیون

درتاریخ اول امرداد آقای اسدالله علم نخست‌وزیر بمناسبت آغاز دومین سال تشکیل دولت خود پیامی از رادیو ایران و تلویزیون فرستادند و خاطرنشان ساختند که وظیفه مجلس آینده ادامه‌انقلاب‌ایران است و براساس این برنامه باید اکثریت مردم ایران دارای علاقه شخصی باشند و انتخابات تا خاتمه تابستان بمرحله نهائی و عمل میرسد و از سپاه دانش در دنیا بعنوان‌برنامه نمونه شاهنشاه نام میبرند .

پاترسن‌ناك‌اوت شد

برای بار دوم « سونی لیستون» جوان‌سیاهپوست‌امریکائی که چندین سال از عمر خود را در زندانهای مخوف گذرانده باناك‌اوت کردن مجدد « فلوید پاترسن » قهرمان گذشته جهان مقداری از تنفر سیاهان را نسبت بخودکاست

این مسابقه را ۵۰ میلیون نفر از تلویزیون تماشا کردند و سهم برنده ۷۸۰۰۰ دلار میشود و احتمالا همین مبلغ نیز به پاترسن تعلق خواهد گرفت .

مذاکرات ایران و شوروی

درتاریخ دوم امرداد مذاکرات ایران و شوروی در تهران با موفقیت پایان یافت ؛ بموجب این موافقت‌نامه ساختمان سد ارس درسال جاری شروع میشود وجمعا پنج سد ساخته میشود و طی یك برنامه هفت ساله صورت خواهد گرفت . صرفنظر از سد سازی درباره نصب سیلو در ۱۲ منطقه روستائی نیز موافقت شد وعلاوه براین درباره لاروبی بندر پهلوی و تکثیر ماهی در مرداب پهلوی نیز نتیجه بخش بوده و موافقت نامه های آن تهیه گردید .

نمایندگان شرق و غرب قرارداد

منع‌آزمایشهای اتمی را امضاءکردند

درتاریخ پنجم امردادکشورهای انگلیس ، آمریکا وشوروی توافق کردند در فضا و ماوراء جو و در زیر آب آزمایش اتمی نکنند و سه کشورنامبرده مذاکرات خودرابرای توافق برسر خلع سلاح کامل و جامع و دائم ادامه خواهند داد و هرکشوری میتواند باین‌موافقت‌نامه ملحق شود وکشور امضاءکننده حق پیشنهاد اصلاحی دارد در ضمن کشور امضاء کننده میتواند بطور مشروط پیمان را نقض کند و باید سه ماه قبل تصمیم خودرا اعلام دارد .

زلزله یوگوسلاوی ده هزار نفر را کشت

درتاریخ ٤ مرداد در شورای امنیت اعلام شدکه در جریان زلزله سکوپزه در یوگوسلاوی نزدیك به ده هزار نفر کشته شده و هشتاد در صد آسمانخراشها و مغازه‌ها فروریخت و یك هتل باتمام ساکنانش منهدم گردید . شهر سکوپزه بمخروبه هولناك و پر وحشتی تبدیل شده و تنها راه ارتباط رادیو می‌باشد و این زلزله در طول سی ثانیه این خرابی را ببار آورد و قدرت زلزله





پاتریس

طبق معیاربین‌المللی زلزله شناسی ۱۱ ثبت شده است .

قرارداد ایران و شوروی امضاء شد

درتاریخ پنجم امرداد قرارداد همکاری فنی و اقتصادی ایران و شوروی در سازمان برنامه بامضاء رسید و بموجب این قرارداد ۳۵ میلیون روبل دولت شوروی بایران اعتبار میدهد و برای مدت هجده سال میباشد وکارشناسان شوروی وارد ایران خواهند شد .

دولت ایران بقرارداد مسکو ملحق شد

درتاریخ ششم امرداد اعلام شد که دولت ایران امضاء قرارداد منع آزمایشهای اتمی وعقد قرارداد را بسه دولت بزرگ تبریك گفت و در ضمن پشتیبانی کامل از مفاد آن و آمادگی خودرا برای الحاق بقرارداد و امضاء آن را اعلام کرده است .

يك «کومت» مصری با ۶۳ سرنشین سقوط کرد

درتاریخ‌هفتم امردادلاشه‌هواپیمای جت کومت مصری که دارای ۶۲ مسافر از جمله ۲۶ پیشاهنگ فیلیپینی و ۲۳ ملوان یونانی بوده است درآبهای قسمت غربی هند پیدا شد .

زلزله شدید در بندر عباس

درتاریخ هشتم امرداد دو زلزله پیاپی در فاصله چند ساعت قسمتی از مناطق شرقی و جنوب شرقی ایران را به لرزه درآورد و چند دهکده را درهم‌کوبید گفته میشود که قراء زلزله زدد در مسیر زلزله وحشتناك اخیر یوگوسلاوی قرار داشته و طبق اولین گزارشها در دهات گهگم ولاهی گزان ۵ نفر کشته و ۸ نفر مجروح شده‌اند .

دوگل با موافقتنامه مسکو مخالفت کرد

درتاریخ هشتم‌امرداداعلام شدکه ژنرال دوگل رئیس‌جمهوری فرانسه در دومین کنفرانس مهم مطبوعاتی شرکت‌کرد وپیشنهاد خروشچف‌را برای امضاء قرارداد عدم تجاوز بین ناتو و پیمان ورشو ردکرد و چنین اظهار داشت که ما قصد تجاوز بکسی را نداریم ودر پیمان عدم تجاوز هم شرکت نخواهیم کرد .

نام نویسی مردم برای انتخابات آغاز شد

درتاریخ دهم امرداد ازساعت ۷ صبح صد حوزه ثبت نام رای دهندگان شروع بکار کرد و برای ثبت نام ۴۵ روز مهلت وجود دارد که برای دریافت کارت الکترال که شرط لازم برای انتخابات و دادن رای است باین حوزه ها مراجعه کنند .

دکتروارد خودکشی کرد

دکتر استفن واردبراثر استعمال بیش از حد قرص خواب آور بیمار ودر بیمارستان بستری شد دکتر وارد را در اطاق خود او در حال اغماء یافته بودند و چون بهوش نمی‌آمد به‌بیمارستان منتقل کردند.

در تاریخ ۱۳ امردادکتر استفن وارد که قهرمان بزرگترین افتضاح سیاسی وعشقی قرن بود درگذشت. وارد قبل از مرگ یادداشتی‌نوشته بود : چون این سبعیت را نمی‌توانم تحمل کنم ناچار خودکشی میکنم .

شوروی چین را متهم بتبانی با جنگ طلبان کرد

در تاریخ ۱۳ مرداد شوروی ادعاهای چین کمونیست را که شوروی وآمریکاوانگلیس میخواهند يك انحصار اتمی بوجود آورند بعنوان مطالب پوچ وبی معنی رد کرد ودر بیانیه رسمی که از طرف دولت شوروی منتشر شد گفته میشود : حملات چین‌کمونیست ضد پیمان مسکو ناشی از ناامیدی و بد بینی چین است وامتناع چین از قبول واجرای قرارداد قطع آزمایشهای اتمی در حقیقت تبانی پاکستانی است‌که باحل‌مسائل‌جهانی در پشت میز کنفرانس‌های بین ــ المللی مخالفند .

مشروطیت

۱۴ مرداد مصادف با روز مشروطیت میباشد یعنی روزی که در ۵۸ سال قبل مرحوم مظفرالدین شاه در قصر صاحبقرانیه فرمانی را امضاء کرد که بنام «فرمان مشروطه» نامیده شد .

اعلامیه مذاکرات نفت منتشر شد

در تاریخ ۱۴ مرداد ایران و عراق برای بازرسی متقابل از منبع نفت مشترك مرزی دو کشور موافقت کردند هیئت نمایندگی عراق وایران در تهران ملاقات نمایند و مذاکرات با اعلامیه‌ای‌که در تهران و بغداد انتشار یافت پایان پذیرفت .



قرارداد فنی واقتصادی ایران‌وشوروی امضاء شد

آغاز عصر جدید روابط شرق‌وغرب

در تاریخ ۱۴ مرداد اعلام شد که ساعت ۵ر۹ بعداز ظهر بوقت تهران قراردادمنع آزمایشهای اتمی در مسکو توسط وزیران خارجه شوروی انگلستان و آمریکا بامضاء رسید و خبر آن به سراسر جهان مخابره شد . مراسم امضاء درکاخ بزرگ کرملین برگزار گردید . بموجب این قرارداد همه گونه آزمایش اتمی‌درهوا، فضای خارجی وزیر آب (بجز زیر زمین) ممنوع شد .

ایران قرارداد منع آزمایشهای‌اتمی را امضاء کرد

درتاریخ ۱۷ امردادسفیرکبیر ایران درواشنگتن قرارمنع آزمایش های اتمی را امضاء کرد و دراین تاریخ بجز ایران هیجده کشور دیگر نیزاین قرارداد را امضا نمودند .

شمال هائیتی‌بتصرف شورشیان در آمد

درتاریخ ۱۶ امرداد سربازان تبعیدی هائیتی شهر کاپ را گرفتند قبلا نیز گزارش‌رسیده بود که بعضی از نواحی شمال نیز بتصرف در آمده است شهر کاپ هایستن دومین شهر بزرگ هائیتی است اعلامیه‌ای که دولت هائیتی صادر نموده حاکیست که نیروهای شورشی به فرماندهی ژنرال کانتا پس از چند ساعت زدو خورد مجبور شدند بخاك دومینیکن عقب نشینی کنند ولی طبق گزارشهای موثق ژنرال کانتا در خاك هائیتی است .

پلیس بین‌المللی در جستجوی سارقین قطار

درتاریخ ۲۰ امرداد اعلام شد که برای بدام انداختن دزدان‌قطار يك جستجوی بین‌المللی آغازشده است وپلیس بین‌المللی در سواحل جنوب فرانسه و سواحل اسپانیا در پی رهبر سارقین نقابدار است

حزب کنگره از نهرو خواست استعفای خود را پس بگیرد

حزب کنگره هند که حکومت این کشور را بدست دارد طی يك کمیسیون همگانی حزب «تصمیم تاریخی» مبنی براینکه جواهر لعل نهرو را ترغیب کند تا در پست‌خود باقی بماند گرفته‌است و کمیته مرکزی حزب‌کنگره ضمن قطعنامه‌ای از پاندیت نهرو نخست وزیر این



صحنه‌ای ازرژه‌ورزشکاران درمیدان ۲۸ امردادبمناسبت سالگرد روز انقلاب ملی

کشور درخواست کرد که نسبت باستعفای خود از مقام نخست وزیری با فشاری نکند همچنین تاکید شد ، که در شرایط کنونی نهرو نباید بخاطر سروسامان دادن به وضع حزب کنگره از مقام نخست وزیری کناره‌گیری کند .

چین ۱۵ لشکر در مرز هند متمرکز کرد

درتاریخ ۲۱ امردادگفته شدکه نهرو نخست وزیر هنداظهار داشت که هزاران تن از سپاهیان چین کمونیست از سینکیانگ به مرز هند در تبت انتقال یافته‌اند ضمنا دستگاههای رادار در هند کار میکند واعضاء کنفرانس کلمبو به دقت مراقب اوضاع‌اند .

دبیرکل اوپك بژنو رفت

درتاریخ ۲۱ امرداد آقای فواد روحانی دبیر کل سازمان اوپك به ژنو عزیمت کرد باید دانست این مرحله از گفتگو بین اوپك و کمپانیهای نفتی راوسیله آقای روحانی باید تقریبا آخرین مذاکرات دانست ودر صورتیکه مذاکرات به نتیجه نرسد قراراست کنفرانس درنوامبر آینده در شهر ریاض تشکیل شود و تصمیمات شدیدی علیه کمپانی های نفتی اتخاذ نماید .

کارگران رادیو کنگو را ویران کردند

درتاریخ ۲۳ امرداد خبررسید که کارگران شورشی کنگو بزندان حمله‌ور شده و با وجودی که ژاندارمها بسوی آنها گلوله خالی میکردند موفق شدند کلیه زندانیان را آزاد کنند دراین حادثه پنج‌تن کشته و گروهی زخمی شدند .

تظاهرات وسیعی علیه نهرو درهند رویداد

درتاریخ ۲۳ امرداد ، بیش از بیست وپنج هزار نفر از افراد احزاب غیر کمونیست هند جلو پارلمان هند تجمع کرده و بافریاد خواستار استعفای نهرو شدند از طرف دیگر نهرو در خود پارلمان نیز با حملات نمایندگان حزب کمونیست مواجه گردید و علت آن درباره قرارداد جدید دولت هند با آمریکا برای پخش برنامه های صدای آمریکا از رادیو های هند بودولی مخالفان‌درنامه سرگشاده‌ای نهرو را شخصا مسئول «فساد پارتی بازی و بیکفایتی» دولت قلمداد کرده‌اند .

سالگرد ۲۸ امرداد

درتاریخ ۲۸ امرداد درتهران وشهرستانها بمناسبت ۲۸ امرداد جشن گرفته شد و در میدان ۲۸ امرداد مراسمی انجام شد و ورزشکاران رژه رفتند وشاهنشاه پیامی درباره دهمین سال قیام ملی ازرادیو فرستادند.

اسکاتلند یارد هویت رهبر سارقین نقابدار را کشف کرد

درتاریخ ۲۸ امرداد اعلام شدکه تجسس کار آگاهان پلیس اسکاتلند یارد برای دستگیری دزدان قطار گلاسکولندن وکشف دو ونیم‌میلیون لیر سرقت شده به بستر رودخانه تایمز گسترش یافته است و رهبر دزدان نقابدار یك افسر سابق چترباز است که به سرگرد معروف است و پلیس انگلیس در پی یکی از معاونان لاکی لوچیانو تبه‌کار معروف بایتالیا رفته‌اند .

سوریه از کشور های عرب کمك خواست

درتاریخ ۲۸ امرداد وزارت امور خارجه سوریه دیپلماتهای کشور های عربی را به وزارت خارجه فرا خواند و از آنها درخواست کرد که «وخامت» وضع مرزی سوریه واسرائیل را به دولتهای متبوع خود اطلاع دهند . وزیر دفاع سوریه اسرائیل را متهم کرد که قصد دارد منطقه غیرنظامی میان دو کشور را اشغال کند .

آلمان پیمان اتمی مسکو را امضا کرد

درتاریخ ۲۹ امرداد اعلام شدکه آلمان غربی پس از تردیدها و شرط و شروط زیاد قرار داد منع آزمایشهای اتمی را در مسکو ، واشنگتن و لندن امضاء کرد و بلافاصله اعلام داشت امضاء این قرارداد بهیچوجه تغییری در حکومت آلمان شرقی نمیدهد .

نبرد شدید هوائی سوریه ـ اسرائیل آغاز شد

درتاریخ ۳۰ امرداد دولت‌سوریه رسما اعلام داشت که نبردی بمدت ۱۳۵ دقیقه میان قوای مرزی اسرائیل و سوریه رویداده است و علت آن نیز شلیك شدید ۱۵ روزه زره پوش اسرائیلی بسوی پست های نظامی سوریه بوده‌است واسرائیل درخواست تشکیل فوری جلسه شورای‌امنیت و محکوم‌کردن سوریه را کرد .

ملاقات مارشال تیتو و خروشچف

نیکیتا خروشچف برای‌یك دیدار رسمی پانزده روزه وارد بلگراد شد . تیتو ضمن نطقی که برای خیر مقدم خروشچف ایراد کرد خدمات وی را در راه صلح ستایش کرد واز سیاست‌همزیستی مسالمت آمیز خروشچف پشتیبانی کرد و آنرا سیاستی شمرد که بالاخره پیروز میشود .

فهرست اختصاری حوادث وقایع مهم شهریور ماه

سیل شدید در نواحی شمال تهران

روز اول شهریور بدنبال رگبار و باران شدید در نواحی شمیرانات سیل وحشتناکی در قراء رودك ـ شاه‌آباد ـ ازگل ـ سوهانك ـ احمدآباد ـ زردبند ـ و قوچك جاری شد .

براثر این سیل تعداد زیادی از خانه‌های قراء مزبور بکلی ویران شد وچندین‌گله ورمه درگل ولای مدفون گردید ، مقدار زیادی‌خرمن روستائیان نابودشد وچهار دستگاه اتومبیل که در جاده فشم‌درحرکت بود زیر خروارها خاك وسنگ‌مدفون و ناپدید گشت .

دراین حادثه عده‌ای کشته و مجروح شدند که جسد شش نفر از آب گرفته شد و از هویت بقیه کشته‌شدگان اطلاع صحیحی‌دردست نیست .

دنباله سیلاب‌بطرف‌تهران‌سرازیر شد ولی خوشبختانه براثرآنحراف سیر بطرف نواحی شرقی تهران رفت و درنتیجه سیلاب فقط‌نواحی تهران‌نو را زیر آب گرفت .

خانم نهو و بودائیان

جنگ و آشوب در ویتنام جنوبی

در تاریخ ۲۵ اوت (اول شهریور) پس از یك کودتای آرام در درون کاخ نگودین‌دیم رئیس جمهور ویتنام قدرت واقعی‌بدست‌مادام‌نهو مشاور سیاسی وی متمرکز گردید .

بانو نگودین‌دیم یك کاتولیك متعصب و تحصیل کرده فرانسه است ودشمنی شدیدی بابودائیان دارد ، محافل سیاسی معتقدند که اصولا محدود کردن و فشار بر بودائیان از آغاز برآثر نقشه‌وتوصیه بانو نهو بوده است ، خانم‌نهو زن برادر نگودین‌دیم است . محدودیت بودائیان که از چندی پیش آغاز گردید باعث مخالفت روشنفکران و آزادیخواهان ویتنام با رویه دولت شد ودر نتیجه روزبروز بر شدت بلوا و آشوب‌های خیابانی افزوده گشت ، آشفتگی اوضاع ویتنام از سوی دیگر بامخالفت دولت امریکا مواجه گردید ، دولت ویتنام که برای مبارزه با کمونیستها مبالغ هنگفتی از ایالات متحده امریکا دریافت میدارد در این مورد یعنی فشاربربودائیان‌رنجش‌متحد نظامی وسیاسی خود امریکا رافراهم‌آورد.

بهانه دولت ویتنام در محدود کردن بودائیان آنستکه آنهاطرفدار کمونیستها میباشند ولی این بهانه از طرف دولت امریکا مورد قبول واقع نگردیده است .

پس ازآنکه قدرت مادام‌نهو افزایش یافت در تاریخ چهارم شهریور عده زیادی از روشنفکران و دانشجویان ویتنام که اکثرا کاتولیك هستند بعنوان اعتراض به رژیم دیم دست بتظاهرات شدید زدند و خواستار برکناری وی گشتنددرنتیجه پلیس‌تظاهرکنندگان را بگلوله بست و دوهزار نفر را دستگیر کرد .

اکنون زندانهای سایگون پر از افراد بودائی و مخالفان رژیم‌کنونی است و عجب آنکه عده‌ای از رجال و افراد برجسته دولت دیم که کاتولیك هم هستند بعنوان‌اعتراض بوحشیگریهای دولت از مقام‌خویش کناره گرفته‌اند .

باقیمانده یك اتومبیل حادثه دیده



در تاریخ پنجم و ششم شهریور بعنوان اعتراض ببازداشت آزادیخواهان عده دیگری دست بتظاهرات زدند که با شلیك گلوله پلیس و نیروی نظامی روبروگشتند درنتیجه جنگهای خیابانی شدیدی درگرفت و عده زیادی کشته‌شدند، وان‌مائو وزیر خارجه ویت‌نام‌جنوبی که بعنوان اعتراض علیه عملیات دولت استعفا کرده بود بدستور نگودین‌دیم بازداشت و زندانی شد.

پس از جنگهای شدید خیابانی حکومت نظامی در ویت‌نام اعلام‌شد و بهمین علت انتخابات مجلس ملی ویتنام‌که قراربود انجام‌شودبتعویق افتاد،برای جلوگیری ازپخش‌اخبار اوضاع‌ویتنام‌دولت‌نگودین‌دیم‌ارتباط مخابراتی سیزده سفارت راباخارج قطع کرد ودرنتیجه بااعتراض‌شدید آن دولتها مواجه گشت .

درحال حاضر خانم نهو باقدرت حکومت میکند و برفشار و آزار بودائیان و طرفداران آنها نیز میافزاید ، عکسهای نگودین‌دیم از ساختمانهای عمومی برداشته‌میشود و بجای آن عکسهای خانم‌نهو نصب میگردد .

بنا بنظر محافل سیاسی امریکا در بن‌بست سختی قرار گرفته زیرا باوجود مخالفت بارفتار وحشیانه دولت ویتنام ناگزیراست برای سرکوبی کمونیستها ، کمك نظامی و مالی خودرا باین دولت ادامه دهد .

سفیرکبیر جدید شورویوارد تهران شد

بامداد روز یکشنبه سوم شهریور آقای زایتسف سفیرکبیر جدید شوروی در ایران باتفاق همسرخود با قطار راه‌آهن وارد تهران‌شد.

سفیرکبیر شوروی بخبرنگاران اظهار داشت :

خطمشی شورویدرایران‌همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز بین دو کشور است و درحسن روابطایران و شوروی اقدامات بسیار مهمی صورت خواهد گرفت .

کنگره‌بزرگ انتخاباتی در تهران

روز سه‌شنبه پنجم شهریور با حضور هیئت دولت و جمعیت‌کثیر نمایندگان شهرستانهاو خبرنگاران داخلی و خارجی اولین کنگره انتخاباتی در سالن محمدرضا شاه پهلوی تشکیل شد و آغاز بکارکرد.

در این کنگره عده‌زیادی‌ازبانوان تهران و شهرستانها مخصوصا نمایندگان منتخب شهرستانها و جمعیت‌های مختلف زنان شرکت داشتند .

نخستین جلسه کنگره بزرگ انتخاباتی تهران با انتخاب هیئت رئیسه دائمی کنگره ورئیس سنی و همچنین بحث و ایراد خطابه پیرامون نحوه کار کنگره و ابراز خوشوقتی از آزادی بانوان برگزار گردید . در پایان تلگرافی نیز از طرف کنگره به‌پیشگاه‌مبارك‌شاهنشاه مبنی بر سپاسگزاری‌ازمجاهدتهای شاهنشاه مخابره گردید .

تظاهرات دویست هزار نفری امریکائیان بهواخواهی از سیاه پوستان

روز چهارشنبه ۲۸اوت (ششم شهریور) مردم امریکا بحمایت از حقوق سیاهپوستان تظاهرات‌عظیمی ترتیب دادند که در آن بیش از دویست هزار نفر شرکت کردند . این تظاهرات برای تأیید لایحه حقوق مدنی تازه این کشور صورت گرفت و در آن عده‌ای از شخصیت های برجسته سیاسی و اجتماعی‌و هنری و ورزشی امریکا نیز شرکت داشتند .

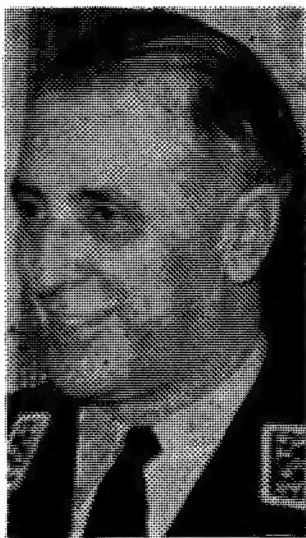
کندی رئیس جمهور امریکا با ده تن از رهبران سازمانهای مسئول تظاهرات ملاقات نمود و مدت ۷۵ دقیقه مذاکره کرد ، پس از این مذاکره کندی اعلامیه‌ای مشتمل بر چهارصد کلمه انتشار داد و اعلام کرد : «امریکا میتواند بهاین تظاهرات افتخار کند و اکنون بااین تظاهرات حق بیست میلیون سیاه پوست تثبیت شد.»

مرگ سپهبد زاهدی

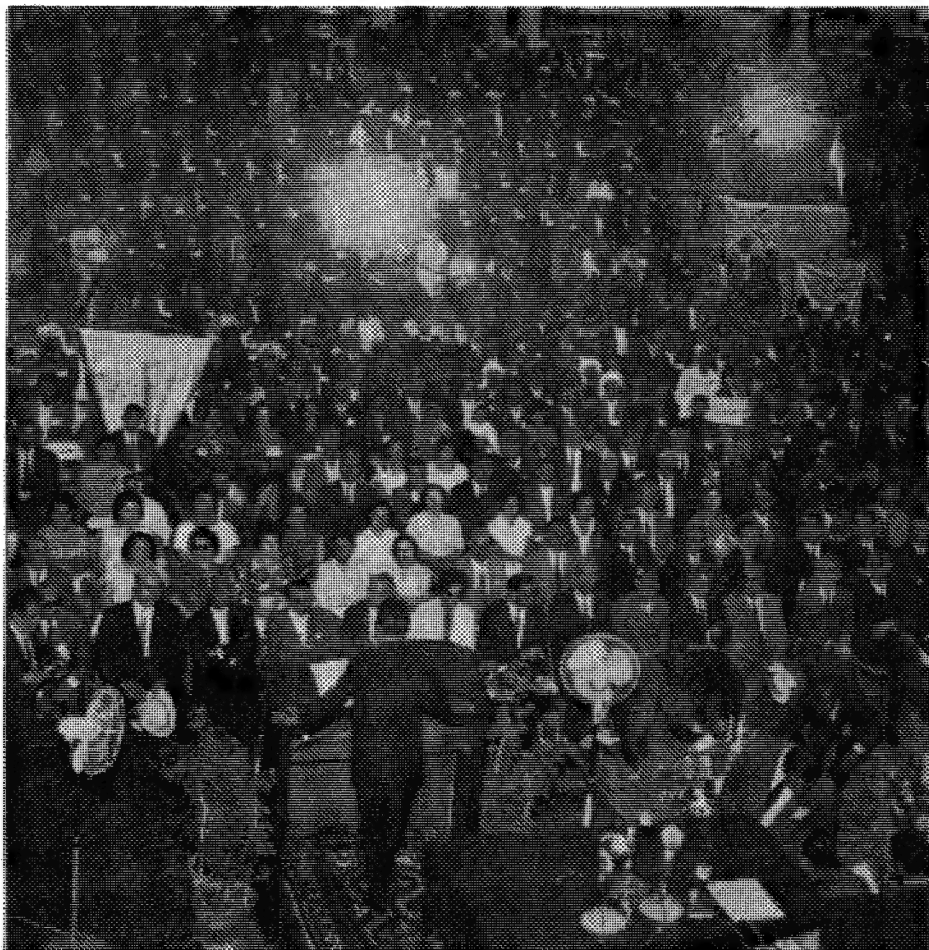
روز دوشنبه دوازده شهریور سپهبد فضل‌اله زاهدی نخست‌وزیر اسبق براثر بیماری قلبی در سن ٦٦ سالگی در ژنو زندگی رابدرود گفت .

یك روز پس از انتشار این‌خبر، اعلامیه زیر از طرف آقای علم نخست‌وزیر انتشار یافت :

«باکمال تاسف و تاثر باطلاع «هموطنان عزیز میرساندکه بنا» « برگزارشی‌که امروز از ژنو »



تیمسار سپهبد زاهدی



یك منظره عمومی ازاولین جلسه

«رسیده شب‌گذشته تیمسارسپهبد»
«زاهدی نخست‌وزیر اسبق‌ایران»
«که در لحظات حساس تاریخ»
«مملکت در راه خدمت بشاهنشاه»
«و ملت ووطن خود فداکاری و»
«جانبازی کرد زندگی را بدرود»
«گفته است . چگونگی حمل»
«جنازه آن سرباز فقیدوبرگزاری»
«مجلس یادبود طی اعلامیه دیگری»
«باطلاع ملت ایران خواهدرسید.»
نخست‌وزیر ـ اسداله اعلم

مرحوم سپهبد زاهدی از چندی قبل مبتلا به بیماری قلبی شده‌بود و بیماری ایشان در این اواخر شدت یافته بود . توقف آن مرحوم در ژنو بعنوان سفیرکبیرونماینده ایران در دفتر اروپائی سازمان ملل تاحدی نیز برای معالجه و استراحت بود .

مرحوم سپهبد زاهدی از هشت سال پیش بسمت سفیرکبیری و نمایندگی ایران در دفتر اروپائی سازمان ملل تعیین شده بود.

در تاریخ ١٦ شهریور جنازه سپهبد زاهدی به تهران رسید ودر ١٧ شهریور با تشریفات رسمی از مسجد سپهسالار به‌امامزاده‌عبدالله حمل‌گردید و بخاك سپرده شد .

در مراسم تشییع جنازه آن مرحوم والاحضرت شاهپور غلامرضاپهلوی، نخست‌وزیر ـ هیئت دولت‌ـ امرای ارتش شرکت داشتند .

رئیس و نظار انتخابات تهران تعیین شدند

بامداد روز سیزده شهریور ٣٦ نفر نمایندگان طبقات شش‌گانه و معتمدین تهران برای انتخاب‌هیئت نظارت مرکزی انتخابات تهران در محل فرمانداری اجتماع کردند .

پس از سخنرانی کوتاهی که‌توسط فرماندار تهران ایراد شد برای انتخاب هیئت نظارت مرکزی اخذ رای بعمل آمد ودر نتیجه آقای محمدعلی بوذری بسمت رئیس و آقای جواد دریابیگی بسمت نایب رئیس هیئت نظارت مرکزی‌انتخاب شدند ـ همچنین عده‌ای ازبانوان و آقایان بسمت منشی و اعضاء علی‌البدل برگزیده شدند.

براثر سقوط یك هواپیمای جت ٨٢ نفر کشته شدند

روز چهارم‌سپتامبر (١٣شهریور) یك هواپیمای جت کاراول‌باهشتاد و دونفر سرنشین که عبارت از مسافرین و خلبان و کمك‌خلبان و مهماندار آن بوده‌اند در حوالی زوریخ (واقع در سویس) بر روی خانه‌ای سقوط کرد .

براثر این سقوط خانه‌ای‌آتش گرفت و هواپیما متلاشی گردید و تمام سرنشینان آن بقتل رسیدند. در بین مسافرآن یك نفر ایرانی‌نیز بنام ویکتور نیسانی وجود داشته که او نیز کشته شده است هنوز علت این سقوط معلوم نیست . بنا باظهار مقامات مطلع این سومین فاجعه‌ایست که ازسال ١٩٥١ یعنی، تاریخ اختراع این هواپیما تاکنون صورت میگیرد .

کشمکش بین‌کندی وفرماندارآلاباما

از تاریخ دهم سپتامبر (١٩ شهریور) براثر مسائل مربوط به تبعیضات نژادی و محدودیتهای سیاه‌پوستان بین کندی رئیس جمهور امریکا وجرج‌دالاس‌فرماندار آلاباما کشمکش و اختلافی درگرفت که تامدتی بطول انجامید.

جرج والاس بنا بمیل مردم‌آلاباما از ورود سیاهپوستان به دانشگاه جلوگیری میکرد ولی کندی با این اقدام مخالف بود درنتیجه رئیس جمهوری امریکا به‌فرماندار آلاباما دستور داد از توطئه‌های عمدی خلاف‌قانون خویش دست بردارد ، این دستورکندی پس‌ازآنکه دالاس بگاردملی ماموریت داد از ورود سیاهپوستان به دانشگاه جلوگیری کنند ، صادر گردید .

پس از صدور این فرمان کندی دستور دیگری برای گارد ملی ١٧ هزار نفری آلاباما صادر کرد که تحت فرمان دولت درآیندوقوانین تساوی نژادی را در این ایالت اجرا کنند ، بعد از دستورها و فرامین‌کندی، دالاس‌فرماندارآلاباما طی نطقی کندی را به دیکتاتوری نظامی و توطئه برای دستگیری فرماندار متهم ساخت .

پادشاه و ملکه افغانستان‌درتهران

روز پنجشنبه ٢٨ شهریور اعلیحضرت محمدظاهرشاه پادشاه و ملکه افغانستان با هواپیماوارد تهران شدند .

درفرودگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت شهبانو از

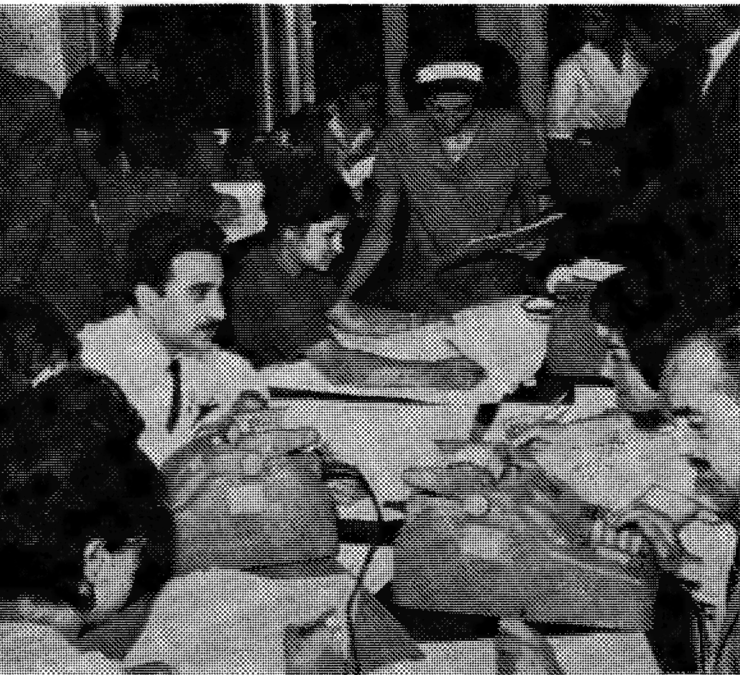


اعضای هیات نظار انتخابات تهران باتفاق‌فرماندار تهران

شاهنشاه وشهبانو هنگام استقبال‌ازاعلیحضرت پادشاه وعلیاحضرت ملکه افغانستان



شمارش آراء اخذ شده درفرمانداری تهران



میهمانان خود استقبال کردند . پادشاه و ملکه افغانستان چند ساعت در تهران توقف‌کردند وپس از صرف ناهار باتفاق شاهنشاه و شهبانو تهران را ترك گفتند .

انتخابات در سراسر کشور آغازشد

وظرف يك روز پایان یافت

از سحرگاه روز سه‌شنبه ۲۶ شهریور مردم سراسر کشور برای انتخاب نمایندگان خویش به پای صندوقهای مخصوص رفته و آراء خودرا در آن انداختند .

در تهران يك هزار صندوق در پانصد حوزه مختلف قرار داده‌شده بود که اهالی پایتخت برای‌انتخاب پانزده سناتور و پانزده نماینده مجلس بپای آنها میرفتند ، رای دهندگان چه زن و چه مرد ابتدا کارت الکترال خود را نشان‌میدادند و بعد دو ورقه رای خودرا در دو صندوق چوبی جداگانه میانداختند

اخذ آراء با نظم و ترتیب کامل ادامه پیدا کرد و درساعت سه بعد از ظهر بپایان رسید و بلافاصله انجمنهای فرعی شروع به شمارش و قرائت آراء کردند .

نکته‌ای که برای نخستین باردر تاریخ ایران ملاحظه میشدرای‌دادن بانوان بود ، بانوان چادری و غیر چادری باغرور تمام به‌پای صندوق آمده و با خوشحالی آراء خودرا در آن میانداختند ، استقبال‌بانوان بطورکلی بیش از آقایان بود .

آقای نخست‌وزیرباتفاق‌خانمشان و عده زیادی از رجال سرشناس کشور نیزبحوزه‌های‌مربوطه‌مراجعه کرده و رأی خود را بصندوق انداختند .

پس از پایان مرحله اخذ رای و شمارش تنظیم آراء توسط ماشینهای الکترونیکی و حساب و قرائت آنها در تاریخ ۲۸ شهریور لیست نمایندگان مجلسین ازطرف وزارت کشور و فرمانداری تهران منتشر گردید و معلوم شد که ۹۵ درصد از کاندیداهای کنگره در سراسر کشور موفق شده‌اند .

از آغاز تا پایان جریان اخذ رای حکومت نظامی در تهران‌ملغی بود .

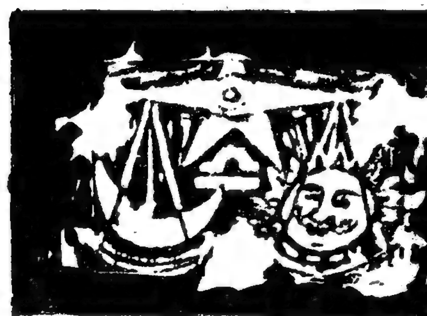
اعلامیه فرمانداری تهران ــ نام

نمایندگان حوزه تهران

در نیمه شب ۲۸ شهریور این اعلامیه از طرف فرمانداری‌تهران پیرامون انتخابات انتشار یافت .

در اجرای ماده ۳۹ قانون انتخابات مجلس شورای ملی‌بدین وسیله اسامی حائزین اکثریت نمایندگی دوره بیست ویکم‌قانون گزارش مجلس شورایملی حوزه انتخابیه تهران باین شرح اعلام میگردد :

۱ ــ آقای‌مهندس‌عبدالله‌ریاضی
۲ ــ آقای دکتر باقر عاملی
۳ ــ خانم شوکت ملك‌جهانبانی
٤ ــ آقای حسنعلی منصور
٥ ــ آقای کاظم‌کورس
٦ ــ خانم هاجر تربیت
۷ــ آقای اکبر امیراحمدی
۸ــ خانم دکتر فرخ روی پارسا
۹ــ آقای محمد ولی قره‌چورلو
۱۰ ــ آقای مهندس‌مهدی مالك
۱۱ــ آقای حیدر صائبی
۱۲ــ آقای عزت‌الله اوزار
۱۳ ــ آقای‌دکترقدرت‌الله‌موثقی
١٤ــ آقای امیرعلی سیفی
١٥ــ آقای عباس روستا



مهرماه

فهرست اختصاری اخبار خرداد ماه ۱۳۴۲

فعالیت مجدد مدرسه ها

روز دوشنبه اول مهر مصادف با فعالیت مجدد مدرسه ها پس از چندین ماه تعطیل بود ، دراین روز ۶۰۰ هزار نفر محصل در تهران و ۲٫۷۵۰٫۰۰۰ نفر در سراسرایران سرکلاس رفتند .

بازگشت کاروان رستاخیز ملی‌از اروپا

اعضای‌نخستین‌کاروان رستاخیز ملی کیهان که بمنظور آشناکردن ایرانیان بازندگی مردم کشور های مترقی اروپا باین کشورها سفر کرده بودند پس‌از بازدید ازکشور های ایتالیا ـ فرانسه ـ آلمان ـ اتریش ـ وسویس‌به‌تهران بازگشتند

اعلیحضرتین دردانشگاه

ساعت ۵بعداز ظهر روز سه‌شنبه دوم مهر ماه اعلیحضرت شاهنشاه وعلیا حضرت شهبانوی ایران به مناسبت شروع سال تحصیلی در دانشگاه‌حضوریافتند وسال‌تحصیلی دانشگاه را افتتاح فرمودند .

در این مراسم که هیئت دولت ـ استادان دانشگاه‌وافسران عالیرتبه ارتش و سفرا و وابستگان خارجی شرکت داشتند شهبانوی ایران لباس دکتری افتخاری در برکردند و شاهنشاه به وزیرفرهنگ دستور دادند که رشته‌های تخصصی مورد نیاز کشور را قبلا اعلام کند تا دانشجویان تکلیف خودرا بدانند .

سقوط حکومت دومینیکن

روز چهار شنبه سوم مهر ماه (۲۵ سپتامبر) دولت خوان بوش رئیس جمهور دومینیکن با یك کودتای نظامی زمام امور را بدست گرفت .

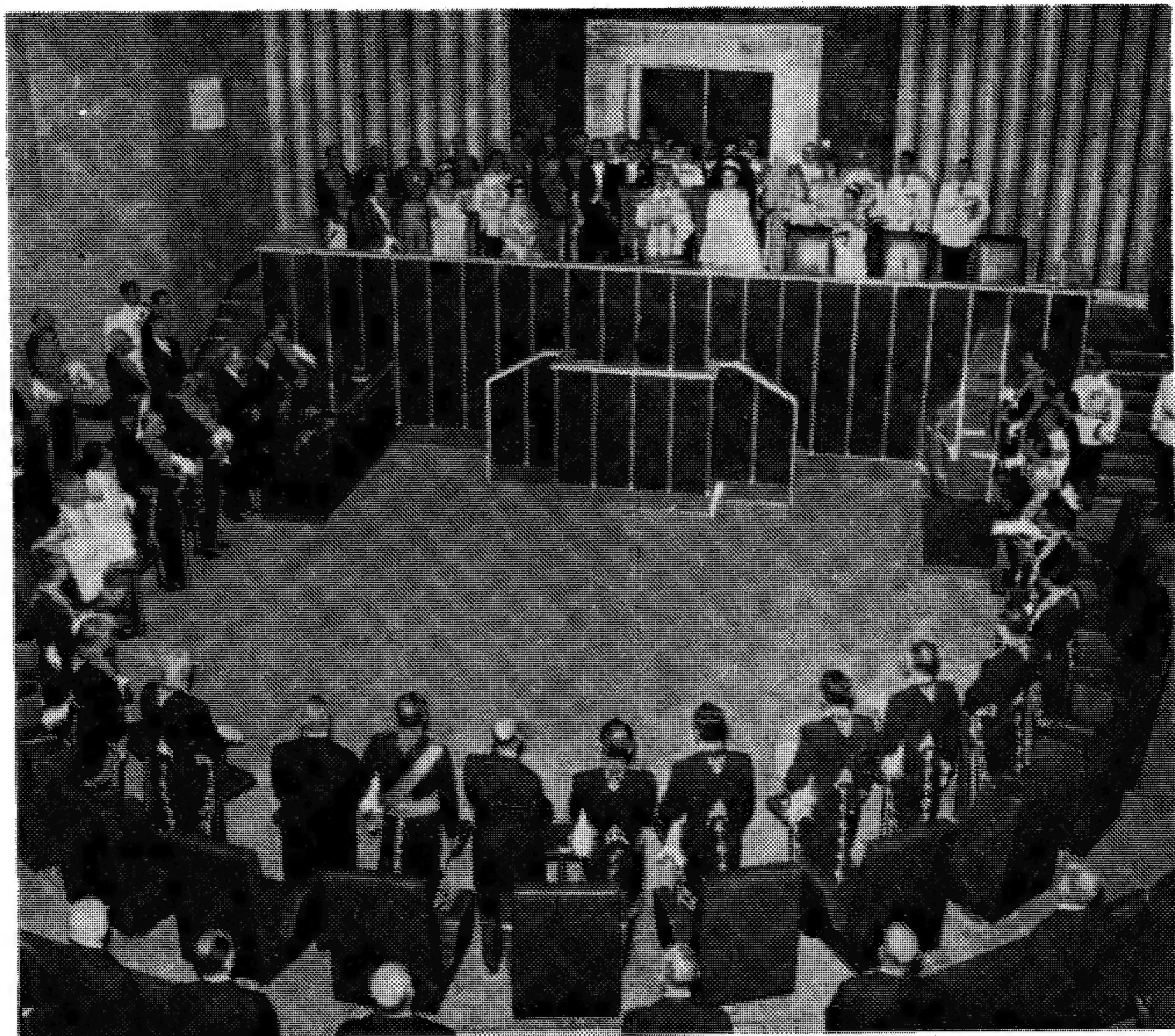
مذاکرات نفت لندن پایان یافت

مذاکرات نفت اوپك (کشورهای صادرکننده‌نفت)وشرکتهای نفتی‌روز جمعه پنجم مهرماه در لندن پایان یافت .

این مذاکرات که درباره منافع حاصله از نفت بوده از ۱۶سپتامبر بدرخواست ایران آغاز شده بود ، در پایان این مذاکرات بیانیه‌ای منتشر نشد ولی سخنگوی کنسرسیوم نفت‌ایران اظهار داشت که ۱۶ اکتبر مذاکرات دیگری صورت خواهد گرفت .

بزرگترین سرقت سال

بزرگترین سرقت سال در چهار راه اسلامبول اتفاق‌افتاد ، سارقین با اجاره یك اطاق در هتل پالاس سقف صرافی بورس طلا را سوراخ کردند و متجاوز از ۵۰۰ هزار تومان پول و جواهر را بسرقت بردند ، صاحبان مغازه صرافی‌عصر پنجشنبه ٤ مهر ماه مغازه‌را تعطیل کردند و صبح یکشنبه ۷ مهر ماه هنگامی که مغازه را باز کردند مشاهده نمودند که سقف اطاق سوراخ است و مقدار زیادی پول



شاهنشاه ، شهبانو واعضاء خاندان سلطنتی درمراسم گشایش پارلمان

نقد ـ سکه ـ جواهر ـ چك‌تضمین شده بسرقت رفته‌است .

کوشش پلیس برای دستگیری سارقین بجائی نرسید .

ارتش هفتم الجزائر علیه بن‌بلاقیام کرد

روز یکشنبه ۲۹ سپتامبر (۷ مهر ماه) گروهی از رهبران الجزائر که مخالف بن‌بلا هستند علیه وی‌قیام کردند وشهر تیزی‌اوزو را باکمك هواداران مسلح خویش اشغال نمودند ، این شهر در ٦۰ میلی پایتخت قرار دارد و مخالفان تمام راهها را سنگربندی کرده‌اند .

آیت احمد رهبر نیرو های سوسیالیست و مخالف بن‌بلا دریك میتینگ عظیم برکناری بن‌بلا را خواستار شد و حکومت او را فاشیست خواند ، بن‌بلا سرهنگ مهندالحاج شورشی را بیدرنگ خلع درجه کرد .

ملکه هلند در تهران

ساعت سه‌ونیم بعداز ظهر روز پنجشنبه ۱۱ مهر ماه ، علیاحضرت ژولیانا ملکه هلند و والاحضرت پرنس برنارد و والاحضرت پرنسس بئاتریس برای یك دیدار رسمی ۱۱ روزه وارد تهران شدند و در فرودگاه مهرآباد مورد استقبال اعلیحضرت شاهنشاه وعلیا حضرت ملکه فرح واقع گردیدند .

فوتبالیست های ایران تیم ملی پاکستان را شکست دادند

بعداز ظهر روز جمعه ۱۲ مهرماه مسابقه فوتبال بین تیم های ایران و پاکستان از سری مسابقات مقدماتی المپیك‌در استادیوم‌امجدیه برگزار شد ودر نتیجه تیم ایران موفق شد چهار بریك تیم‌پاکستان را مغلوب کند .

مجلسین سنا و شورا گشایش‌یافت

روز یکشنبه چهارده مهر ماه‌طی مراسمی با حضور شاهنشاه و شهبانو واعضاء خاندان سلطنت و هیئت دولت ودیپلماتهای خارجی در کاخ سنا مجلسین شورا و سنا گشایش یافت ، شاهنشاه در نطق افتتاحیه فرمودند :

«اقدامات دموکراسی بوسیله انتخابات و انجمنهای ایالتی و ولایتی و سپردن کارها بخود مردم تکمیل میشود .»



شاهنشاه وشهبانو ملکه هلند و
همراهان را مشایعت میفرمایند



اعطای دکترای افتخاری به علیاحضرت
شهبانوی ایران

افت شام درکاخ گلستان‌بافتخار
رال شارل دوگل رئیس جمهوری
انسه

ی اسداله علم نخست وزیرو
ینه جدید اوپس ازشرفیابی
ضور شاهنشاه

انهدام سد مایونت

سد مایونت در ایتالیا که‌سومین سد بزرگ دنیا بشمار میرفت و ۲۵۸ متر ارتفاع داشت براثر باران وسیل شدید ناگهان روز چهارشنبه ۹ اکتبر ترکید و میلیونها تن آب‌را که در پشتش ذخیره شده بود آزاد ساخت .

شدت انهدام و سرعت جریان آب بحدی بود که حتی تخمین تعداد کشته‌شدگان غیر ممکن‌است، ماموران نجات ایتالیا گفته‌اند لااقل صدها تن دراین حادثه فجیع بقتل رسیده‌اند ، جریان آب سد شکسته یك دهکده و نیمی ازیك شهر را بکلی شست و با خود برد . براثر این واقعه در سراسر ایتالیا عزای عمومی اعلام شد .

ملکه هلند ایران را ترك گفت

روز دوشنبه ۲۲ مهر ماه ملکه هلند باتفاق همسر و فرزندش پس از ۱۲ روز اقامت رسمی در ایران تهران را ترك گفتند .

اعلیحضرت شاهنشاه وعلیاحضرت ملکه میهمانان خود را تا فرودگاه مهرآباد مشایعت نمودند .

جنایت هولناك

روز دوشنبه ۲۲ مهر ماه پس‌از ۷ روز گمشدن‌دانش آموز خردسال هفت ساله‌ای بنام رضا ودودی ، مامـوران مربوط جسد وی را در چاهی در حوالی سلطنت‌آباد پیدا کردند ، تحقیقات بعدی باعث دستگیری سه جوان گردید که بعدا اعتراف کردند پس از تجاوز کودك معصوم وی را خفه کرده در چاه انداخته‌اند .

ژنرال دوگل در تهران

ساعت ٤ بعداز ظهر روز چهار شنبه ٢٤ مهرماه ژنرال دوگل‌رئیس جمهوری فرانسه وبانو وارد تهران شدند. درفرودگاه‌مهرآباد شاهنشاه وشهبانو از میهمانان خود استقبال کردند .

سیل در نواحی شمالی

روز پنجشنبه ۲۵مهر ماه بدنبال یك بارندگی شدید در بسیاری از شهرهای شمال سیل جاری شد و پل بزرگ و جدیدالاحداث بابل ـ آمل بزیر آب فرو رفت .

۲۰ نفر کشته شدند و بیش از چهار هزار نفر از اهالی بابل بیخانمان گردیدند .

استعفای نخست‌وزیر

روز ۲شنبه ۲۹ مهر ماه آقای علم نخست‌وزیر استعفای خود را بحضور شاهنشاه تقدیم داشت و مجدداً ازطرف شاهنشـاه مامور تشکیل کابینه جدید گردید .

فرانسویان مقیم تهران‌ازژنرال‌دوگل درفرودگاه مهرآباد استقبال‌کردند





سیل‌خانه ها ومزارع وجاده های‌شمال را فراگرفت.

تشکیل دولت جدید

ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه ۳۰ مهرماه آقای‌علم نخست وزیراعضاء جدید کابینه خودرا در کاخ مرمر بحضور شاهنشاه‌بدین ترتیب‌معرفی نمود :

آقای عباس آرام وزیر امور خارجه .

آقای مهندس هوشنگ سمیعی وزیر پست وتلگراف وتلفن .

آقای عطاءاله خسروانی وزیر کار و خدمات اجتماعی .

آقای دکتر ابراهیم ریاحی وزیر بهداری .

آقای دکتر غلامحسین خوشبین وزیر مشاور .

آقای دکتر پرویز خانلری وزیر فرهنگ .

آقای دکتر پیراسته وزیرکشور .

آقای نصرت‌اله معینیان وزیر مشاور .

آقای‌دکترباهری وزیردادگستری

آقای دکترعالیخانی وزیراقتصاد

آقای سپهبد اسمعیل ریاحی وزیر کشاورزی .

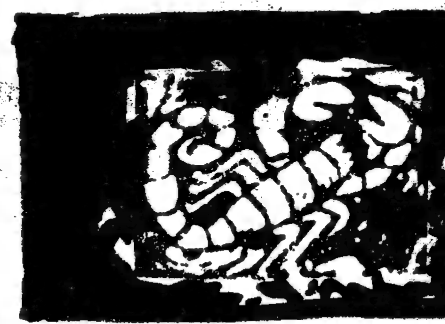
آقای مهندس‌شالچیان وزیرراه.

سپهبد اسداله صنیعی کفیل وزارت جنگ .

وزیر دارائی بعدا تعیین خواهد شد .

حکومت نظامی در تهران برچیده شد

بدنبال اعلام آمادگی‌مجلس برای شروع بکار و معرفی وزراء جدید ، فرمانداری نظامی‌تهران‌روزسه‌شنبه ۳۰ مهر ماه ملغی شد . دوران حکومت نظامی تهران نزدیك چهار ماه و نیم بطول انجامیده بود .



آبان

فهرست اختصاری اخبارآبان ماه ۱۳۴۲

آبان ماه
سفررئیس جمهوری آلمان به ایران

ساعت سه وپنجاه دقیقه بعداز ظهر روز چهارشنبه اول آبانماه پرزیدنت لوبکه رئیس جمهور آلمان وبانو لوبکه با هواپیما واردفرودگاه مهرآباد شدند.

اعلیحضرت شاهنشاه وعلیا حضرت شهبانو در فرودگاه از میهمانان خود استقبال کردند ، و ساعت هشت ونیم بافتخارمیهمانان مجلس شامی در کاخ گلستان برپا گشت .

سیل در کرمانشاه

بعداز ظهر روز چهارشنبه اول آبانماه هوای کرمانشاه منقلب شد وبدنبال آن بارندگی وسیل شدیدی جاری شد و قسمت عمده‌ای از شهر را ویران ساخت.

مطابق گزارش پزشکی قانونی کرمانشاه بیش از ۳۰ نفر بر اثر سیل کشته وعده زیادی بیخانمان شدند .

اولین کدخدای زن به تهران آمد

کدخدا گلنار اولین کدخدای زن ایران بنا بدعوت روز نامه کیهان باتفاق همسر و یگانه دخترش روز دوشنبه ٤ آبان به تهران آمد .

طیب وحاج اسمعیل تیرباران شدند

روز شنبه ۱۱ آبانماه طیب و حاج اسمعیل رضائی باتهام تحریك مردم به قتل و غارت و جنگ که بر اثر آن‌عده زیادی از مردم‌بیگناه در روز پانزدهم خردادبقتل رسیده بودند در میدان تیر عشرت‌آباد تیرباران شدند .

قاتل پروین بدار آویخته شد

سحرگاه یکشنبه ۱۲ آبان ، الله‌وردی‌قاتل‌پروین عروس‌آپارتمان شماره ٥٦ بدار مجازات آویخته شد .

سقوط رژیم دیم در ویت‌نام

بالاخره پس‌ازماهها کشمکش بین ملیون و رژیم نگودین‌دیم در تاریخ ۳ نوامبر در ویت نام طی کودتائی رژیم نگودین‌دیم سقوط‌کرد ومجلس ملی ویت‌نام منحل شد .

انقلابیون نگودین‌دیم و برادرش را بقتل رساندند وجسد آنهارا در بیمارستانی بامانت نهادند کودتا هنگامی رخ داد که مادام نهو در امریکا بود ، بسیاری از مقامات بین‌المللی اظهار داشتند که‌کودتای ویت‌نام بدست امریکائیان صورت گرفت .

دکتر اقبال در تهران

روز یکشنبه ۱۲ آبان آقای دکتر منوچهر اقبال که بفرمان ملوکانه برای تصدی پست ریاست هیئت مدیره شرکت ملی‌نفت در نظرگرفته شده بود وارد تهران شد .

هولناکترین تصادف سال

روز شنبه ۹ نوامبر دو قطار مسافر بری تندرو پراز مسافر در نزدیکی توکیو با یك قطار باری تصادف کردند ودرنتیجه ۱۳مسافر کشته و٦٤ تن بسختی زخمی‌شدند.

یکی از این قطارها بسوی توکیو رهسپار بود ودیگری از توکیو میآمد .

این دومین فاجعه بزرگ قطار مسافربری در ۲۳ سال اخیر ژاپن بوده است .

مرگ آیت‌الله بهبهانی

شب سه‌شنبه۲۱ آبانماه حضرت آیت‌اله بهبهانی‌یکی از مراجع‌بزرگ تقلید شیعیان پس از یك دوره‌ممتد کسالت برحمت ایزدی پیوست.

آیت‌اله بهبهانی هنگام مرگ ۹٥ سال داشت .

ملی شدن نفت در آرژانتین

روز دوشنبه ۱۱ نوامبر دولت آرژانتین بافسخ قرارداد های نفتی شرکتهای آمریکائی ــ انگلیسی ــ هلندی ــ وایتالیائی ، نفت کشور خویش را ملی کرد .

بخاطر اقدام‌یك جانبه آرژانتین دولت امریکا اخطار کرد که فسخ قراردادهای نفتی بدون خسارت موجب قطع کمك بآرژانتین میشود ولی مقامات آرژانتین در پاسخ اظهار داشتند که حق دارند بخاطر صلاح کشور خویش هراقدامی راکه مصلحت میدانند عملی سازند .

کودتای شکست خورده در عراق

روز ۳شنبه ۲۱آبانماه افراطیون بعث عراق با مقدمات قبلی تصمیم به‌کودتا و تغییر رژیم عراق را گرفتند ، چند هواپیمای جت جنگنده‌برفراز کاخ‌ریاست جمهوری عراق به پرواز درآمد و آن عمارت را مورد حمله قرار داد . در شهر بغداد نیز دسته‌هائی به‌تظاهرات و زدو خورد پرداختند ولی بلافاصله نیروهای دولتی تسلط خود را بر اوضاع برقرار ساخته و حکومت نظامی اعلام گردید .

صالح سعدی عامل کودتا ، دبیر کل بعث وفرمانده قوای هوائی به اسپانیا رفتند .

شاهنشاه وشهبانو دریك ضیافت‌رسمی بافتخار رئیس‌جمهوری‌آلمان



*اعلیحضرت همایون شاهنشاه و لئونید برژنف صدرهیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی

صدرهیات رئیسه شوروی به تهران آمد

روز شنبه ۲۵ آبانماه لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی وبانو وارد تهران شدند .

در فرودگاه مهرآباد اعلیحضرت شاهنشاه و ملکه فرح از میهمانان خود استقبال کردند ، سفر برژنف وبانو بدعوت رسمی اعلیحضـرت شاهنشاه وعلیا حضرت ملکه‌صورت گرفت و این نخستین باریست که رئیس عالی شورای اتحاد شوروی از ایران دیدن میکند .

سقوط هواپیمای ایرانی

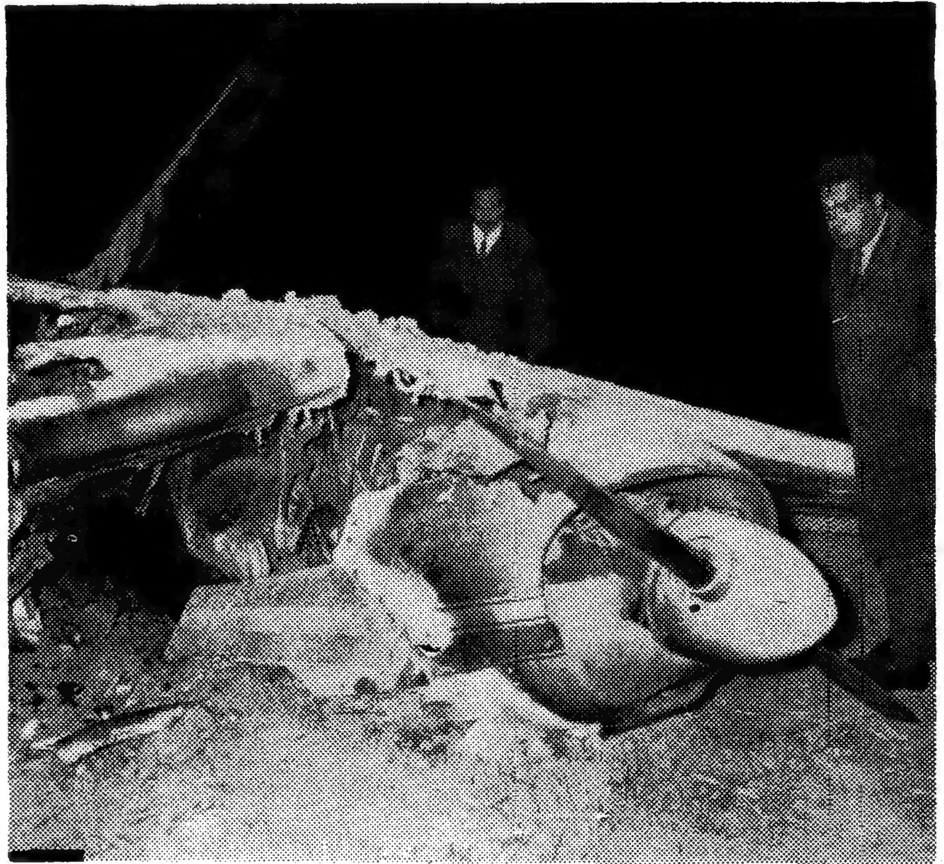
روز ٤ شنبـه ۲۹ آبان یك هواپیمای دوموتوره متعلق‌به‌شرکت ارتاکسی که برای نقشه برداری در دو کیلومتری شهر درگز در مرز ایران وشوروی درپرواز بوده مورد حمله جتهای شکاری شوروی واقع وسرنگون گردید .

دو نفر از سرنشینان هواپیما کشته و سومی مجروح گردید



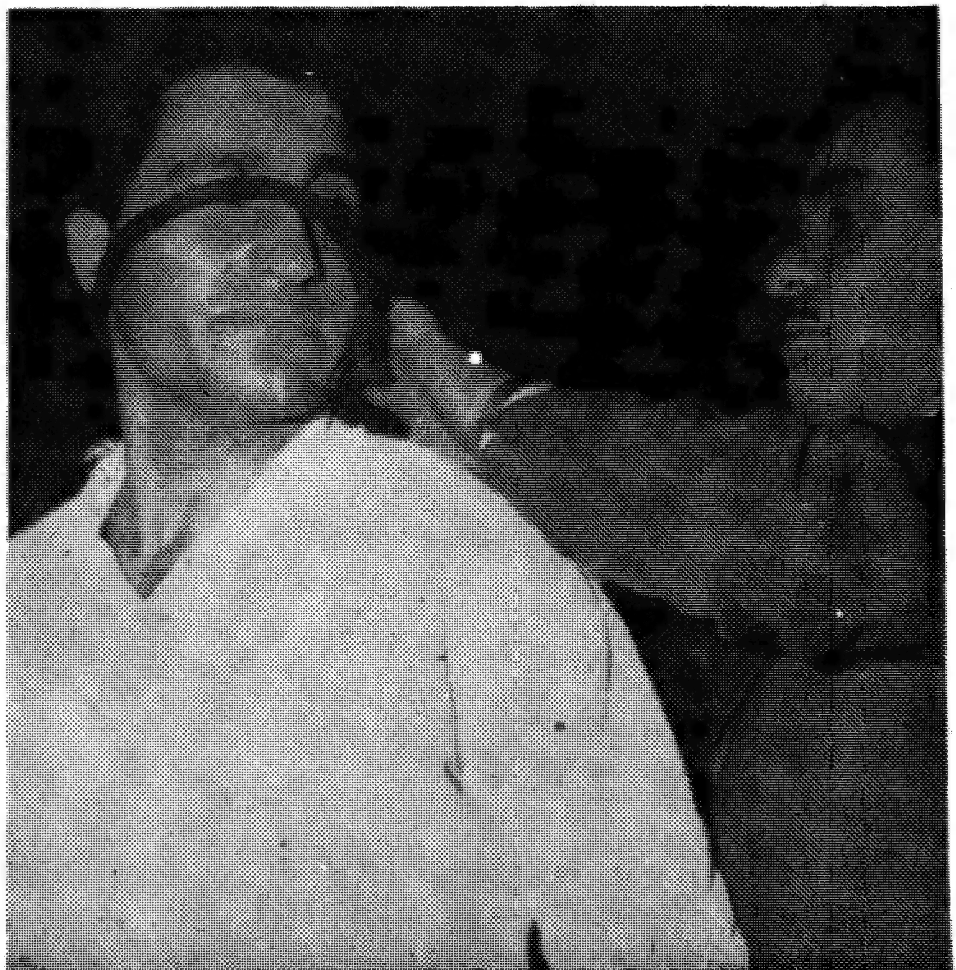
اولین زن کدخدا

لاشه هواپیمای سقوط‌کرده ایرانی
که منجر بمرگ دونفر شد





آغاز یك بدبختی ! (پروین)



پایان یك زندگی! (الله‌وردی)



آذر

فهرست اختصاری اخبار خرداد ماه ۱۳۴۲

مرگ رئیس جمهوری امریکا
قاتل کندی کشته شد
برژنف ازایران رفت
قرارداد ترانزیت ایران‌وشوروی

«کندی رئیس جمهوری آمریکا بضرب گلوله به قتل رسید»

ساعت ۱۰ و۴۵ دقیقه اول آذر ماه ناگهان خبرگزاری های جهان اخبارعادی خودرا قطع‌کردند وبه جهانیان اعلام داشتند . جان فیتز جرالد کندی رئیس جمهوری آمریکا بضرب گلوله ترور و به بیمارستان منتقل شده است ده دقیقه بعداعلام‌شدکه رئیس‌جمهوری آمریکا پرزیدنت‌کندی دربیمارستان درگذشته گلوله هنگامی به رئیس جمهوری آمریکا شلیك شد که او باتفاق همسرش ژاکلین در یك اتومبیل رو باز از خیابان های جنوب شهر (دالاس) واقع درایالت تگزاس‌میگذشت‌وبه‌ابراز احساسات در حدود ۲۵۰ هزار تن از مردم شهر بالبخندپاسخ میداد. پرزیدنت کندی هنگام مرگ ۴۶ سال داشت و زمانیکه بریاست جمهوری رسید جوانترین رئیس جمهوری آمریکا بود شخصیت های گیتی از مرگ ناگهانی رئیس جمهوری آمریکا بهت زده شدند .

کندی چهارمین رئیس جمهور آمریکاست که در دوره ریاست جمهوری بقتل رسیده است قتل درست‌درساعت یك بعدازظهربوقت محلی ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه بوقت تهران اتفاق افتاد . کندی در حالیکه از سرش خون جاری بود سر خودرا پائین‌آورد فرماندار تگزاس نیز کمی بعد از او بروی صندلی ماشین افتاد واو نیزکه در سمت چپ قرارداشت از سرش خون جاری بود . تیر قاتل بگوشه شقیقه راست پرزیدنت‌کندی‌اصابت کرد واز شقیقه چپ او خارج شد این تیر هنگامی شلیك شدکه کندی در اتومبیل رو باز از خیابان های نواحی جنوبی شهردالاس میگذشت به ژاکلین کندی همسر کندی که در کنار شوهرش در اتومبیل بود صدمه‌ای وارد نشد وقتی گلوله به سر کندی اصابت کرد ژاکلین سر همسرش رابه دامن گرفت و همسر درحال مرگ خود را به بیمارستان رسانید .

سفر رسمی پرزیدنت برژنف و بانو برژنوا بایران پایان یافت

حضرت لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه شورایعالی جماهیر شوروی و بانو برژنوا در ساعت نه و۵۰ دقیقه بامداد روز شنبه ۲ آذر ماه در حالیکه از طرف شاهنشاه و شهبانو بدرقه میشدند باتفاق سایر همراهان با هواپیمای مخصوص تهران را به قصد مسکو ترك گفتند .

يك استاد دانشگاه در تصادف اتومبیل سوخت

صبح روز شنبه نهم آذر ماه در ۶۰ کیلو متری تهران ساوه حادثه اسف‌آوری روی داد اتومبیل فولکس واگن شماره ۴۷۰۲۸ به عقب يك کامیون که کنار جاده متوقف بود برخورد کرد و براثر این تصادف اتومبیل طعمه حریق شد سرنشین اتومبیل فقط یکنفر و آنهم استاد بیژن نور بهشت ۲۷ ساله‌استاددانشکده پزشکی‌دانشگاه ملی‌بوده‌است. استخوانهای سوخته مرحوم نوربهشت ازساوه به تهران حمل‌گردید و دانشجویان جسد را روی دوش از ایرانشهر تا میدان مخبرالدوله تشییع کردند سپس با اتومبیل بگورستان امامزاده عبداله بردند و درآنجا بخاك سپردند .

قاتل کندی به ضرب گلوله کشته شد

جك روبی قاتل اسوالد مدیر يك کاباره است . اسوالد که متهم به قتل کندی بود در حالی که از اداره مرکزی بیرون آورده میشد تااورابه زندان منطقه ببرند هدف گلوله قرارگرفت ظاهراً گلوله به شکم اسوالد اصابت کرد و او را بروی زمین انداخت پلیس اعلام کرد او به بیمارستان پارکلند برده خواهد شد . پارکلند همان بیمارستانی است که کندی در آن در گذشت « لی هاروی اسوالد » متهم به قتل کندی درساعت ۱و۷ دقیقه بوقت تهران در بیمارستان در گذشت .

درساعت ۱۱و۲۰دقیقه بوقت محلی (۲۱و۱۱ بوقت تهران) هدف گلوله شخصی بنام جك روبی قرار گرفته بود .

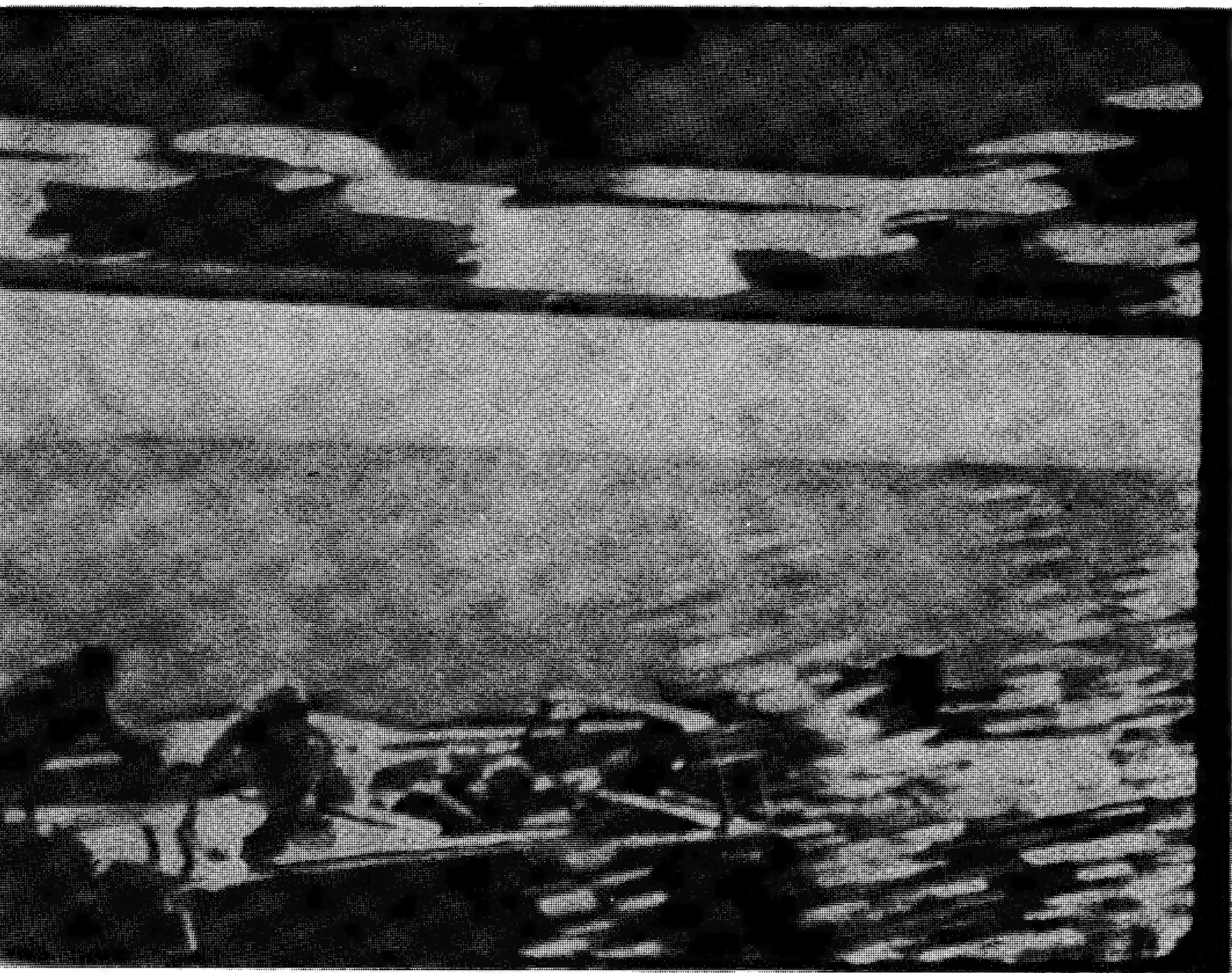
يك خبرنگار فرانسوی که شاهد قتل‌اسوالدبود گفت اسوالد قبلا قاتل را میشناخت و قبل از اینکه مورد اصابت گلوله واقع شود بعنوان يك عکس‌العمل طبیعی معده خودرا گرفت در موقع قتل اسوالد میلیونها تن از مردم آمریکا ازطریق تلویزیون ناظر جریان‌بودند اسوالد در همان ساعتی مردکه ۴۸ ساعت پیش از آن پرزیدنت کندی قربانی جنایت او شد و در همان بیمارستان که رئیس جمهوری فقید آمریکا در آنجا درگذشت .

جنازه کندی از کاخ سفید به کاخ کنگره منتقل شد

با شلیك ۲۱ تیر توپ و با صدای آرام ضربات خفته طبل جنازه کندی از کاخ سفید بکاخ کنگره منتقل‌شد . بادوضربه خفیف که برطبلی‌نواخته‌شدجسدپرزیدنت کندی از کاخ سفید بسوی کاخ کاپیتول برده شد تا برای آخرین بار ملت آمریکا بتواند نسبت بآن ادای احترام‌کند هفت اسب تابوت

سعدالله متهم بقتل فلور بچه میاندیشد ؟





آخرین مبارزات برای حفظ جان کندی

کندی را پیش میبرد در امتداد خیابان پنسیلوانیا و خیابان قانون اساسی هیچ صدائی برنمی‌خاست وتنها صدای ضربات خفته وخفیف طبل و صدای گام های آرام گارد احترام این‌سکوت رادرهم‌میشکست کاروان به‌این ترتیب تا قله تپه کاپیتول حرکت کرد و درآنجا ۲۱ گلوله توپ شلیک‌شد ودسته موزیک نیروی هوائی مارش عزا نواخت .

پیام تسلیت خصوصی مادام نهو به ژاکلین

در روز دوشنبه ٤ آذر ماه خانم نهو پیام تسلیتی برای ژاکلین کندی فرستاده گفت چون زندگی شما بویژه در پناه شوهرتان بوده مرگ اوباید برای شما تحمل‌ناپذیر باشد خانم نهوقتل‌کندی را باکشته شدن نگودین دیم برادر شوهر و نگودین نهو شوهرش سنجیده و گفت حتی زخم هائی که بکندی واردشد نیز شبیه همان زخم هائی بودکه بآنها وارد آمد . خانم نهو در پیام خود میگوید من خوب می‌فهمم که شما در برابر این شکنجه‌که خداوند بشما عطافرموده چه حالی دارید این حادثه به جهانیان نشان داد حتی قدرت یا ملاطفت فوق‌العاده باکمونیست‌ها نمیتواند از ضربات خائنانه آنها مصون بماند .

وزیر نفت سعودی تهران را ترك گفت

احمد زکی یمنی وزیر نفت عربستان سعودی که مدت سه روز برای تماس‌بادبیرکل‌اوپك ومقامات عالیرتبه ایران درتهران بسرمیبرد بامداد روز دوشنبه ٤ آذر ماه تهران را ترك گفت .

باشکوهترین مراسم تشییع جنازه جهان برگزار شد

سه‌شنبه ٥ آذرماه ۱۲٥۰۰۰۰ تن در مراسم تدفین کندی شرکت کردند . جنازه سی‌وپنجمین رئیس جمهوری آمریکا با شرکت دوگل، ارهارد ، هیوم ، میکویان وبسیاری از شخصیت های دیگر جهان‌تشییع شد در روز سه‌شنبه ٥ آذر ماه (۲٦ نوامبر) آرزوی دیرین کندی تحقق یافته بود و همه رهبران جهان چه‌کمونست چه‌غیرکمونیست درنك صف وبا یك احساس متحد شده بودند ٥۰۰ هواپیما برفراز گور کندی پرواز کردند و ۲۱ تیر توپ شلیك گردید .

ایران به شوروی اعتراض کرد

بعلت حمله هواپیما های شوروی بهواپیمای ایران درتاریخ ۲۹ آبانماه یادداشت اعتراض‌آمیر ایران بسفارتکبرای شوروی تسلیم شد . وزارت امور خارجه بمحض وصول این اطلاع پس‌از تحقیقات لازم طی یادداشتی بسفارتکبرای اتحاد جماهیر شوروی باین تجاوز و تیراندازی به هواپیمای مذکور اعتراض نموده و خواستار شده است که اقدام جدی و فوری برای پرداخت غرامت هواپیما و خلبان و خونهای مقتولین حادثه و تنبیه مسببین آن بعمل آورند .

قراردادترانزیت بین‌ایران وشوروی

(چهارشنبه ۱٦ آذر ماه) موافقت نامه ترانزیت ایران و شوروی در ادارهٔ معاملات خارجی بین روسای هیئت های نمایندگی دو طرف بامضاء رسید . از مواد مهم موافقت نامه جدید تخفیفاتی

است که بطور کلی در مورد نرخ کالا های صادراتی و وارداتی ایران درنظر گرفته شده است . این تخفیفات در مورد صادرات بطور متوسط درحدود۲۵درصد میباشد.

در جریان شلیك گلوله به کندی یك پلیس مخفی جان جانسون را نجات داد

چهارشنبه ۲۷ نوامبر (۶ آذر ماه) جانسون رئیس جمهوری تازه ایالات متحده یك پلیس مخفی آمریکائی راکه در جریان شلیك به کندی وی (جانسون) را دراتومبیل پنهان کرده و پناه داده بود تشویق کرد . جانسون دراین نامه مینویسد (بانگ بلاو) پلیس مخفی پس از شلیك نخستین گلوله بیدرنگ خود را بـه صندلـی جلوی اتومبیل رسانید و مرا در کف اتومبیل‌پنهان کرد و بدن خودش را سپروار در برابر من گرفت .

سعدالله قتل فلور را انکار کرد

(۵شنبه ۷ آذر ماه) ساعت ۱۰ محاکمه سعدالله امیر سیفی متهم به قتل فلور در شعبه نهم دادگاه جنحه تهران شروع شد . سعدالله‌گفت من خودراقاتل معرفی کردم تازودترتکلیفم روشن‌شود ولی این دفعه حقایق را خواهم گفت . وکیل مدافع فلور گفت حتی بمن اجـازه ملاقـات با سعدالله را نمیدهند . سعدالله در دادگاه‌گفت که من فلور را نکشته‌ام ولـی نمیتوانم بگویم چه کسی کشته چون میدانم که مرا ول نمیکنند .

پسر رئیس جمهوری تـونس بتهران آمد

آقای بورقیبه فرزند رئیس جمهوری تونس وسفیر سابق تونس در آمریکا روز ٤شنبه ٦ آذر ماه از کراچی وارد تهران شد که بطور غیر رسمی ۵ روز در تهران اقامت کند .

مردی‌کـه از جریان قتل کندی عکس‌برداری کرده بود ۲۵ هزار دولار پـاداش خودرا بخانـواده پلیسی کـه بوسیله (اسوالد) کشته شده بود داد

مردی‌که بخاطر فیلم برداری رنگی از جریان شلیك گلوله بـه کندی ۲۵۰۰۰ دلار دریافت کرده بود همه این مبلغ را به خانواده « تی‌پیت » پلیس مقتول داد (زاپرود) که از کاروان ریاست جمهوری فیلم‌برداری میکرد لحظه حساسی راکه کندی آماج گلولـه قرارگرفت عکس برداشته بود .

دومین حادثه بزرگ هواپیمائـی جهان

روز شنبه ۹ آذر ماه (۳۰ نوامبر) یك هواپیمای جت دی ـ سی ۸ متعلق بشرکت هواپیمائی ماوراء کـانادا با یکصدوهیجده سرنشین کمی پس‌از برخاستن از فرودگاه مونرال بسوی تورنتودریك منطقه مزروعی در نزدیکی جنگلی سرنگون ومنفجر شد و آتش‌گرفت. دراین‌حادثه بموجب گزارش رسمی همه سرنشینان‌هواپیمادرگذشته‌اند هواپیمای عظیم چهار دقیقه پس‌از بلندن شدن از فرودگاه (مونرال) سرنگون شد و همه مسافران و کارکنان آن کشته شدند شدت انفجار هواپیما بحدی بود کـه تا چند میل دورتر همه صدای آن را شنیدند . سقوط جت کانادائی دومین‌حادثه بزرگ‌تاریخ هواپیمائی جهان بود . اولین حادثه مشابه سقوط هواپیمای ازفرانس پاریس بودکه ضمن آن ۱۳۰ تن کشته شدند .

عکس های ۴۰٫۰۰۰ دلاری از سوء قصد به کندی

روز جمعه اول آذر درست همان هنگامی که کندی را بگلوله بستند یك فیلمبردار از همه این پیش‌آمد تاریخی فیلمی برداشت‌که مجله معروف لایف آن را بچهل هزار دلار خرید و در شماره ویژه خود چاك کرد .

عصمت اینونو استعفا کرد

عصمت اینونو نخست‌وزیـر هشتاد ساله ترکیه روز دوشنبه ۱۱ آذر ماه استعفای خود را تسلیم پـرزیدنت جمال گورسل رئیس جمهوری این کشور کـرد سقوط کابینه عصمت‌اینونو بدنبال کناره‌گیری احـزاب موتلفه ترکیه نوین و دهقانان از دولت بود . اگر تشکیل کابینه تازه ممکن‌نشود انتخابات در سراسر ترکیه تجدید خواهد شد .

ورود حضرت حاکم قطر بتهران

حضرت شیخ‌قطرروزسه‌شنبه ۱۲ آذر ماه وارد تهران شدند .

کنفرانس تسلیح اخلاقی باحضور نمایندگان ایران در دهلی نو افتتاح شد

سه‌شنبه ۱۲ آذر کنفرانس تسلیح اخلاقی باشرکت نمایندگان ملل مختلف در دهلی نو تشکیل گردید . در این کنفرانس راجمهان گاندی نوه مهاتما گاندی برنامه کنفرانس را باین شرح اعلام‌کرد : پایان دادن بانواع فساد ـ تقویت روح امانت در مردم بطور کلی و بخصوص در پرداخت مالیاتهای خـود بدولت و وادار کـردن کارفرمایان بدادن حقوق واقعی و منصفانه روزانه کارگران ـ تشویق کارگران بانجام وظائف و فراهم کردن ده هزار نفر از اشخاص متعهد وبا ایمان برای عملی کردن انقلاب تسلیح اخلاقی در سراسر کشور سپس نمایندگان ملل مختلف به‌کنفرانس معرفی‌شدند ونمایندگان کشور ایران که ۵ نفر از جملـه آقای ابـوالفضل حاذقـی بودند باعضای کنفرانس معرفی شدند و پیام وزیر دربار شاهنشاهی ایران را به کنفرانس تسلیم کردند .

برف وسیلاب در تهران وشهرستانها

در روز ۵ شنبه ١٤ آذر ماه به علت ریزش برف وباران اکثر جاده ها وگردنه‌ها مسدود شد و ۸۰ اتوبوس وکامیون در گردنه حیران در برف فرو رفته‌اند . در جاده آبادان اراك کامیونی واژگون شد ویکنفر بقتل رسید . استاندار فارس و عده‌ای از روسای ادارات در سیلاب گیر کردند و کامیونی‌که برای آوردن استاندار و همراهان رفته بود بعلت طغیان رودخـانه غرق شد .

کریستین کیلر به ۹ ماه زندان محکوم شد

کریستین‌کیلر جمعه ۱۵ آذر ماه (٦ دسامبر) محکوم به ۹ ماه زندان شد پس‌از قرائت رای دادگاه سیل اشك از چشمان دختر مو قرمزی که کابینه انگلیس را تا آستانه سقوط کشانده بود سرازیرگشت . پائولاهامیلتن مارشال دوست وهم اطاق کریستین نیز بهمین اتهام محکوم به شش ماه زندان شد . باید دانست روابط کریستین با پروفیومو واز طرف دیگر روابط او با ایوانف وابسته نظامی شوروی در لندن هیجان ونگرانی شدیدی در محافل انگلیس پیش آورد دولت مك‌میلان را به لب پرتگاه سقوط سوق داده بود . برای اولین مرتبه فاش شد کیلر تحت فشار مقامات سیاسی از افشای حقایق خودداری میکرد .

عصمت اینونو مجددا نخست‌وزیرشد

گورسل رئیس جمهور ترکیه بار دیگر از عصمت‌اینونو رهبر حزب جمهوریخواه درخواست کرد کابینه جدید را تشکیل دهد . جمعه ۱۵ آذر (٦ دسامبر) پس از ملاقات گورسل با اینونو ـ رقیب سیاسی او ـ این امیدواری پدید آمد که بزودی برای بحران سیاسی ترکیه راه حلی پیدا خواهد شد گورسل نخست با حبیب گوموشپالا رهبـر حزب عدالت و سپس با اینونو ملاقات و گفتگو کرد .

نخست‌وزیر سابق پاکستان درگذشت

حسین شهید سهروردی نخست وزیر سابق پاکستان روز ۵ شنبـه ١٤ آذر براثر یك حمله قلبی در بیروت در سن هفتاد سالگی در گذشت.

یك جت ۷۰۷ با هشتاد ودو سرنشین منفجر شد

دوشنبه۱۸ مهرماه(۹دسامبر) یك هواپیمای مسافـری با ۸۲ سرنشین ۲۸ دقیقه پس ازپرواز سرنگون شد مردی که شاهد این واقعه بود گفت هواپیما در حالی که‌مشتعل بود به‌زمین اصابت‌کرد و صدای رعد آسائی ازآن‌برخاست یك شرکت هواپیمائی گفت آخرین پیامی که ازاین هواپیما گرفته شد باین شرح بود «درحال اشتعال فرود می‌آئیم » هواپیما درمیان رعد وبرق و باران در مزرعـه‌ای واقع درشانزده کیلو متری جنوب ولمینگون دلاوار سرنگون شد و منطقه‌ای بیش از دو کیلومتـر مربع را با قطعات اجسادمسافران و هواپیما پوشاند .

در هواپیما در اصل ۱۵۳ مسافربودندولی ۷۱ تن ازمسافران در بالتیمور پیاده شدند و بقیه به‌فیلادلفیا ونیویورك میرفتنـد مسافران همگی متلاشی شده ودر دم بهلاکت رسیده بودند ساکنـان حوالی محل سقوط هواپیمااظهار داشتند بچشم خوددیدندصاعقه‌ای به‌هواپیمای کوه پیکر اصابـت کرد و آن را شعله‌ور کرد در هواپیما نخست انفجاری پدیدآمد و آنگاه در میان شعله های‌آتش و طوفان الکتریکی سرنگـون‌گردید.

فرزند فرانك سیناترا را ربودند

شب یکشنبه ۱۷ آذر فرزند نوزده ساله « فرانك سیناترا » خواننده مشهور هالیوود دزدیده شده است .

بقرار اطلاع فرانك‌سیناترای



گیلر

کوچك درست موقعی که برای شرکت در کلوبی از هتل خود خارج میشده توسط چندتن افراد مسلح ربوده شده است پلیس موفق نشده‌ربایندگان‌فرزندسیناترا را پیداکند .

شهردارسابق‌تهران‌ازطرف‌دیوانکیفر تحت تعقیب قرار گرفت

ساعت ۵را بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۷ آذر ازطرف آقای‌مخبر بازپرس دیوان کیفر ورقه جلب بنام آقای احمد نفیسی شهردار سابق تهران صادر شد وبلافاصله از طرف مامورین اجرائیات دیوان کیفر باقای نفیسی ابلاغ شد شهردار سابق تهران که بعلت کسالت در منزل بستری بود پس از رویت ورقه‌جلب‌دربازپرسی دیوان کیفر حضور یافت واعلام کسالت نمود بازپرس دیوان‌کیفر اظهار داشت چون کسالت دارید بهتراست تحقیقات به‌بعد موکول گردد سئوال و جواب از آقای نفیسی از صبح روز دوشنبه۱۸آذر آغاز شد و تا آخر وقت ادامه داشت .

دولت شوروی حاضر شد نیمی از خسارت هواپیمای ایرانی‌رابپردازد

(چهارشنبه ۲۰ آذر) دولت شوروی بیادداشت اعتراض آمیز ایران پاسخ داد وطی آن‌متذکر شد که حاضر به پرداخت نیمی از خسارت مورد ادعای ایران از بابت سقوط هواپیمای ایران میباشد یادداشت اعتراض آمیز ایران یکی دو روز پس ازحمله هواپیما های شوروی بهواپیمای ایران و سقوط هواپیمای ایران تسلیم مقامات سفارتکبرای شوروی در تهران شد حمله هواپیماهای شوروی و سقوط هواپیمای ایران متعلق به شرکت ارتاکسی روز بیست و نهم آبان هنگام اقامت پرزیدنت برژنف در ایران صورت گرفت و یکی دو روز بعد ازآن وزارت امور خارجه یادداشتی تسلیم دولت شوروی کرد.سخنگوی وزارت امور خارجه در همان موقع اعلام داشت وزارتخانه ایران‌دریادداشت‌خودبسفارت‌کبرای شوروی بعمل تجاوز و تیراندازی به‌هواپیمای ایرانی اعتراض نمود و خواستار شد که اقدام جدی و فوری برای پرداخت غرامت هواپیما و خلبان و خونبهای مقتولین حادثه و تنبیه مسببین‌آن بعمل آورد .

سخنگوی وزارتخارجه جریان واقعه را اینطور تشریح کرد، «هنگامیکه یك هواپیمای دوموتوره نقشه‌برداری ایرانی با سه نفر سرنشین برای عکس‌برداری راهها برفراز آسمان درگز مشغول‌پرواز بوده از طرف سه فروندهواپیمای جت نظامی شوروی مورد محاصره قرارگرفته وپس از تیراندازی هواپیمای مذکور در یك کیلومتری شرق دره‌گز سقوط نموده است. براثر این حادثه هواپیما دچار حریق شده و بکلی از بین‌رفته و دوتن ازسرنشینان آن مقتول و خلبان هواپیما مجروح گردیده است.»

(چهارشنبه ۲۰ آذر) پاسخ یادداشت ایران از طرف‌سفارت کبرای شوروی تسلیم وزارت‌امور خارجه شده و طی آن اشاره بحفظ روابط دوستی گردیده‌و پرداخت قسمتی از خسارت مورد قبول قرار گرفته است ظاهرا در یادداشت مزبور سعی شده قسمتی از اعتراضات ایران رد شود ولی در عین حال تاکید شده که دولت شوروی‌حاضربجبران‌قسمتی ازخسارات وارده میباشد.

پرداخت دومیلیون تومان‌سیناترای جوان‌را نجات داد

چهار شنبه ۲۰ آذر(۱۱دسامبر) کسانیکه پسرسیناترارابوده‌بودند پس از دریافت ۲۴۰۰۰۰ دلاراو را رهاکردند . دلارها بصورت اسکناس‌های ۱۰۰ و۵۰ و۲۰ دلاری در چمدانی نزدیك یك بیمارستان گذاشته شد . ربایندگان قبلا هشت‌بار بوسیله تلفن با فرانك سیناترای بزرگ تماس گرفته‌بودند تلاش ماموران پلیس درمورد شناسائی ربایندگان پسر سیناترا به‌نتیجه نرسیده است .

در عدن وضع فوق العاده اعلام شد

بدنبال حادثه روز (٤شنبه ۲۰ آذر) که درفرودگاه عدن‌منتهی به کشته شدن یك تن وزخمی شدن عده زیادی ازمقامات‌برجسته دولتی عدن گردید ۵ شنبه ۲۱آذر رئیس پلیس عدن برای دستگیری عاملین حادثه ۵۰۰۰لیره‌استرلینگ جایزه تعیین‌کرد.

بموجب آخرین گزارش‌رسمی در این حادثه ۵۳ تن ازجمله‌سرتر سواتگیز کمیسرعالی انگلیس در عدن و تحت الحمایه های عربستان جنوبی زخمی شدند از روز٤شنبه ۲۰ آذر در عدن وضع فوق‌العاده اعلام گردید و مرزهای آن بایمن بسته شد .

یخبندان و سرمای شدید درکشور

سرمای شب (۵شنبه ۲۱آذر) تهران در سال های اخیر بی‌سابقه بوده است بدنبال سرماو برف ناگهانی هفته گذشته ازروز (٤ شنبه ۲۰ آذر) یکبار دیگرهوا در بسیاری از نقاط کشور منقلب شد و ریزش برف و سرمای شدید آغاز گردید در آذربایجان یکبار دیگر برف سنگین همراه باکولاك جاده ها را بست و ارتباط چندین شهرستان با یکدیگر قطع‌گردید. در اهر سرمای شدید مردی را کشت.

گردنه صائین مجددا بسته شد و اتومبیل ها و مسافران‌در راه ماندند ارتفاع برف در بعضی نقاط گردنه از ارتفاع یك‌اتوبوس بیشتر بود ۵۰ نفر از مسافران که در میان کولاك مشرف به‌مرگ بودند نجات یافتند.

روز مادر در سراسر کشور جشن گرفته‌شد

دوشنبه ۲۵ آذر بمناسبت روز مادر مراسمی در تهران‌و شهرستان ها برگزار شد و طی آن از مقام مادر تجلیل بعمل آمد .

روز بیست و پنجم آذرماه هر سال بفرمان شاهنشاه از چند سال قبل روز مادر نامیده شد و بهمین مناسبت عصر دیروز علیاحضرت شهبانو پیام خاصی از رادیو فرستادند در مدارس و کودکستان ها از مقام مادر تجلیل شد.

سه هزار دانش آموز بین مادران بیمارشیرینی وگل توزیع کردند .



شهبانوی ایران درمراسم روز مادر

۰۰۰ر۰۰۰ر۱ تن آب بر ۹۰۰۰خانه ریخت

(دوشنبه ۲۵ آذر) براثرترکیدن سد لوس آنجلس ۲۵۹ خانه ویران و شش نفر کشته شدند .

تلفات و خسارات سد باین دلیل کم بود که قبلا ازشکستن آن اطلاع پیدا کرده بود. این معجزه آساست که فقط از ۹۰۰۰ خانه در حدود ۲۵۹ خانه خراب شده است.

حزب ایران نوین موجودیت خود را رسما اعلام و شروع بکار کرد

عصر روز دوشنبه ۲۵ آذر حزب ایران نوین موجودیت خود را اعلام کرد.

ساعت ۵ر۶ بعد از ظهرروز دوشنبه ۲۵ آذر جمع کثیری از اعضاء موسس حزب درتالارفرهنگ حضور یافتند در این جلسه چندتن از آقایان وزیران ، نمایندگان مجلسین ، افرادفراکسیون مترقی و عده‌ای از معاونین و مدیـران کل وزارتخانه ها و شخصیت‌های مختلف مملکتی و روزنامه‌نگاران شرکت داشتند .

توطئه قتل چومبه کشف شد

دوشنبه۲۵آذر(۱۶ دسامبر)رئیس اداره امنیت کاتانگای شرقی و ناحیه لوآلابا به رود زیا گریخت .

چند لحظه قبل حکومت مرکزی کنگو از توطئه‌ای بمنظور کشتن موسی چومبه رئیس پیشین ایالت کاتانگا ــ پرده برداشته بود . یك بلژیکی ۲۷ ساله نیز که دراین توطئه دست داشت پیش از سوار شدن بهواپیما بازداشت‌گردید .

ملك حسین برای یك اقامت سه‌روزه وارد تهران شدند

بعداز ظهر روز دوشنبه ۲۵ آذر ملك حسین در راه بازگشت ازسفر رسمی خود بهند وارد تهران شدند در فرودگاه مهرآباد شاهنشاه از اعلیحضرت ملك حسین استقبال فرمودند . وزرای دربار شاهنشاهی وامور خارجه و سفیر کبیر اردن هاشمی و سفرای کشورهای عربی و آجودان های لشگری و کشوری شاهنشاه جزءمستقبلین اعلیحضرت ملك حسین بودند .

پادشاه اردن هاشمی‌بطور غیررسمی تاروز ٤ شنبه ۲۷ آذر در تهران بسر خواهد برد .

سروناز برای کودکان کندی

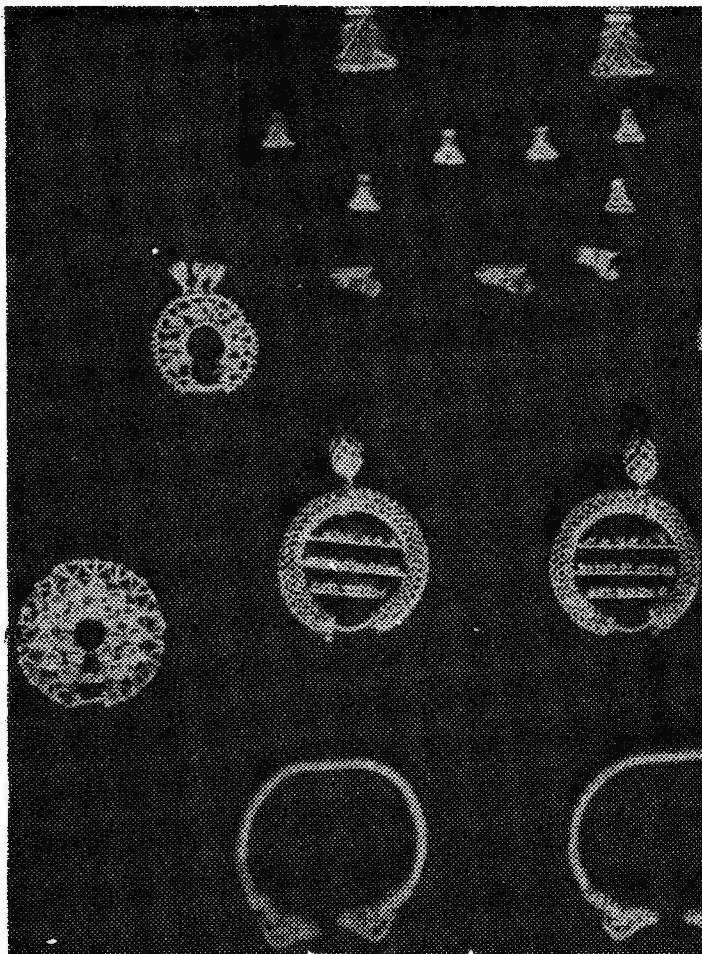
هدیه‌ایکه دو کودك شیرازی بـرای شـب کـریسمس فرزندان فرزندان رئیس جمهور فقید امریکا فرستادند (سه‌شنبه۲۶آذ) درخت سروناز کشیده‌ای‌از نمونه سروهای شیراز معروف‌به سروناز که بعنوان هدیه‌ای از طرف دوتن ازکودکان شهر شیرازبرای فرزندان پرزیدنت کندی فقید فرستاده شد . این‌سرو آذین بندی شده وبارویائی برنگ پرچم سه رنگ ایران تزئین گردیده بود .

مك میلن در صف اتوبوس

(چهار شنبه ۲۷ آذر) یك قیافه آشنا در میان صورتهای ناشناسی که در صف اتوبوس خط ۱۱ لندن ایستاده بودند توجه عکاس را که در خیابانها از مردم عکس میگرفت جلب کرد این قیافه آشنا متعلق به سیاستمدارمعروف و نخست‌وزیر سابق انگلستان هارولد مکمیلن بود که پس‌از استعفا از مقام خود اتومبیل دولتی را هم از دست داد واکنون از تاکسی ویا اتوبوس استفاده میکند .

اعلیحضرت همایون شاهنشاه‌باتفاق‌ملك حسین در فرودگاه مهرآباد(تهران)





نمونه‌یی از جواهر مکشوفه متعلق‌بآثار زمان هخامنشیان

مهمی را هنوز حائز است حتی یك اتومبیل کوچك دولتی هم ندارد و ناچار است برای رفتن به خانهٔ پسرش بصف بایستد و پس‌از مدتی انتظارسوار اتوبوس خط ۱۱ شود.

در ایام کریسمس بموجب موافقتنامه میان دو برلن بساکنین برلن غربی اجازه ورود به برلن شرقی داده شد

چهارشنبه ۲۷ آذر ماه اعلام شدکه مقامات برلن شرقی و غربی موافقت‌کرده‌اندکه در ایام‌کریسمس اهالی‌برلن غربی ازاقوام ودوستان خویش دربرلن شرقی دیدن کنند جواز عبوری که باین منظور صادر شد فقط برای یك روز معتبر است انتظار میرود ۴۰۰۰۰۰ نفر از اهالی برلن غربی برای دریافت جواز عبور واجد شرایط شناخته شوند .

الکساندر بوش معاون نخست‌وزیر آلمان شرقی در یك کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که امضای موافقت نامه با برلن غربی نخستین گام است وگامهای دیگری برای عادی کردن روابط دو طرف دنبال خواهد شد ، از دریچه چشم کمونیست های آلمان شرقی « عادی کردن روابط » یعنی بیرون کردن نیروهای غربی از برلن غربی یعنی همان هدفی‌که خروشچف درسال ۱۹۵۸ اعلام کرد کمونیست های آلمان شرقی بیدرنك پس از امضای موافقتنامه طوری رفتار کردندکه‌گوئی‌حکومت برلن غربی و بدنبال آن متحدین غربی رژیم این‌کشور را برسمیت شناخته‌اند . چون ویلی برانت شهردار برلن غربی بارها گفته‌است که با دولت آلمان شرقی گفتگو نخواهد کرد ، چنین برمیآید که امضای این موافقتنامه فیروزی مهمی برای آلمان شرقی بشمار رود .

گنجینه‌جواهر یك ملکه‌هخامنشی مرکب از ۲۰۰ قطعه طلا در پازارگاد کشف شد

۵شنبه ۲۸ آذر ماه درنزدیکی خرابه‌های پاسارگادکاخ کورش‌کبیر بنیان‌گذار امپراتوری ایران گنجینه‌ای از جواهرات و از جمله قریب ۲۰۰ قطعه جواهر ساخته شده از طلا کشف شد .

گفته میشود این جواهرات متعلق به یکی‌از بانوان دربار هخامنشی بوده است و نمونه تازه‌ای از هنر و جواهر سازی دوران هخامنشی است .

این گنجینه در یك ظرف بزرگ آبخوری بود و ظاهرآ در یك موقع بحرانی با عجله در آن مخفی شده بود این ظرف وسط کاخ سلطنتی وکاخ‌بارعام‌کورش‌کبیر دفن شده بود .

« دیو یداستروناك » کاشف انگلیسی که این دفینه را پیدا کرده است گفت واضح است که یك خطر ناگهانی پیش آمده بود ، این زن یا شاهزاده خانم یا ملکه حتما ندیمهٔ خودرا پیش خوانده‌و باو گفته است زود عجله کن جواهراتم را پنهان کن در محلی دور از انظار آنها را دفن کن و بهمین دلیل است که این ظرف در عمق کمتر از یك متر پیدا شده است .

درمورد تاریخ استروناك‌گفت بنظر میرسد که تاریخ دفن این جواهرات درحدود ۵۲۲ سال پیش از میلاد بوده و بنابراین ظاهرآ تاریخ این بحران احتمالی درزمان کمبوجیهٔ دوم پسر کوروش کبیر بوده است .

جواهرات مکشوفه

این گنجینه که یکی‌ازبهترین آثاری‌است‌که از زمان هخامنشیان بدست آمده عبارتست از یك جفت النگوی طلائی (شبیه به النگوهائی که از جنوب روسیه پیدا شده بود و اکنون در موزه انگلستان است) . رسه جفت گوشوارهٔ عالی طلائی که در ساختن یکی‌از آنها مهارت وکوشش بسیار قابل‌توجهی شده است وبا کوچکترین حرکت میلرزد و برق میزند . دیگری عبارت از یك جفت‌گوشواره است که یك سری سیمهای نازك طلائی درآن بکار برده شده است . یك جفت‌گوشواره دیگر دارائ سنگهای لاجوردی‌است که درطلا کارگذاشته شده است . بعلاوه صدها منجوق های طلائی و ذرات کوچك دیگر طلائی است که بقدری زیباست که امروزه هم میتوان از آنها استفاده کرد درضمن دانه های زیبای مروارید که احتمالا متعلق به گردن بندی بوده‌است پیداشده قسمتی‌از گردن بندها عبارت از چهره های حیوان های مختلف است‌که تراشیده شده است یکی از یاقوت دیگری ازعقیق سومی‌از سنگ لاجورد . بالای این ظرف‌که انباشته از جواهر بود یك قاشق نقره‌ای قرارداشت که دسته آن با ظرافت تمام خم شده و به سر تراشیده یك اردك ختم‌میشود تمام این‌جواهرات‌ازلحاظ ظرافت وزیبائی وفریبندگی وابتکاربسیار غنی هستند و نمونه بارزی از تازگی وقوه خلاقه هنر دوره هخامنشی از داریوش وخشایار شاه است در دوران های بعدی امپراتوری ایران هنر ایران سنگین‌تر و بزرگتر و یك شکل‌تر گردیده بود .

این‌گنجینه به موزه اشیاء عتیقه تهران تحویل داده شد خبر کشف این دفینه ممکن است زارعین این‌حوالی راکمی ناراحت کند زیرا این نقاط را بارها شخم زده‌اند واگر محل دفن این‌گنجینه راهم شخم میزدند سالها پیش آنرا پیدا کرده بودند . این گنجینه آنقدر نزدیك به کاخ دفن شده بود که معلوم است ندیمه آن بانوی درباری نتوانسته است بقدر کافی از کاخ دورشود فقط کاری کرده است‌که این گنجینه بعد از طی قرون محفوظ بماند .

تیم کشتی کر و لالهای ایران بر تیم بلغارستان پیروز شد

عصر روز جمعه ۲۹ آذر مسابقه کشتی آزاد بین تیم ملی کر و لالهای ایران و تیم ملی کر و لالهای کشور بلغارستان که به دعوت فدراسیون کر ولالهای کشور بایران آمده بود درسالن سر پوشیده محمدرضاشاه پهلوی با حضور عده کثیری تماشاچی انجام شد و درنتیجه تیم کشتی کر و لالهای ایران با پنج برد و یك باخت برتیم کشتی کر ولالهای بلغارستان پیروز شد .

کارخانهٔ بزرگ قند بیستون در حضور شاهنشاه و شهبانوی ایران افتتاح شد

روز جمعه ۲۹ آذرکارخانه قند کرمانشاه طی مراسمی در حضور شاهنشاه وشهبانوی ایران گشایش یافت و اولین دورهٔ بهره‌برداری از آن آغاز شد . مهندس زنگنه موسس کارخانه بعرض رسانید تاسیس این‌کارخانه دروضع اقتصاد کرمانشاه وعمران و آبادی منطقه تاثیر فراوان دارد . درآمد کشاورزان بیستون ده برابر افزایش یافته و بورس خرید وفروش سهام متداول شده است . ظرفیت کارخانه قند بیستون ۱۵۰ هزار تن چغندراست واز نظر صنعت قند در ایران نمونه است .

با تاسیس کارخانه قند کرمانشاه نمودار سطح کشاورزی دراین‌استان بمیزان‌قابل توجهی افزایش مییابد

روز ۲۸ آذر ماه سال ۴۲ یك واحد عظیم وجدید البنای تولید قند در کرمانشاه طی مراسمی در حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه وعلیا حضرت شهبانو گشایش‌یافت واولین دوره بهره برداری خود را آغاز نمود .

ضرورت ایجاد این کارخانه که در حال حاضر از بزرگترین کارخانجات تولید قند در کشور میباشد ودر حوالی منطقه فلاحتی وسیعی برای کشت چغندر یعنی ناحیه بیستون بنا گردیده است از چندی قبل بخوبی احساس میشد تا اینکه باهمت آقای مهندس‌زنگنه موسس وبانی‌کارخانه قند کرمانشاه این دستگاه بزرگ تولیدی روی کار آمده وفعالیت خود را آغاز نمود .



ظرفیت کارخانه ووضع‌آن

قدرت مصرف کارخانه قند کرمانشاه در هر دوره بهره‌برداری ۱۵۰ هزارتن چغندر میباشد و بدیهی است با چنین قدرتی وجود این کارخانه در نقطه حاصلخیزی که آمادگی کافی‌برای کشت چغندر دارد چه تاثیر شگرفی میتواند در بسط کشاورزی وبالابردن نمودار سطح فلاحت در این منطقه ازخود بجا گذارد .

آقای مهندس زنگنه ترتیبی ایجاد کردند که در آغاز کار برای تثبیت وضع کارخانه وتامین منافع صاحبان سرمایه علاوه بر انتخاب وخرید مدرنترین دستگاهها و وسائل صنعتی برای تشکیل کادر تخصصی لازم نیز عده‌ای از افراد تحصیلکرده وآشنا بصنعت قند انتخاب واداره قسمتهای مختلف کارخانه بآنها محول گردید .

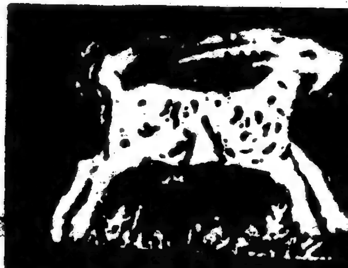
همچنین تعدادی از این گروه متخصصین برای اخذ معلومات تخصصی بیشتر در زمینه نحوه کار ماشین آلات جدید بخارج اعزام گردیدند که در حال حاضر در کارخانه مزبور مشغول بکارند .

ترغیب‌کشاورزان به تولید بیشتر

برای ترغیب وجلب اعتماد کشاورزان وتامین منافع بیشتر آنان که بطور غیر مستقیم در بالا بردن راندمان کارخانه قند و افزایش در آمد ملی تاثیر بسزائی داردمقررشده‌است که‌متخصصین کشت کارخانه مزبور از هرگونه همکاری های فنی بکشاورزان این منطقه کوتاهی ننموده وامکاناتی بوجود آید که بتوانند وسائل فلاحتی معمولی خود را سریعاً بصورت مکانیزه در آورده ودر شرایط مناسبتری بفعالیت بپردازند .

باید متذکر شد که وجود این کارخانه وامکاناتی که برای کشاورزان بوجود میآورد سبب گردیده است که میزان برداشت سالانه در هر هکتار بطورمتوسط به ده برابر مقدار سابق خود افزایش یابد .

میتوان گفت که وجود شخصیتهای فعال وخیر خواهی نظیر آقای مهندس زنگنه موسس کارخانه قند ولوله کشی کرمانشاه که توفیق خدمات ارزنده‌ای را بکشور خود داشته‌اند مایه دلگرمی وموجد امیدواری بسیاری است‌که در فاصله کوتاهتری از زمان بتوانیم پیشروی بیشتری در مسیر ترقیات اجتماعی دنیای امروز بنمائیم .



دی

فهرست اختصاری اخبار دی ماه ۱۳۴۲

* هدیه سلطان مراکش به ژاکلین کندی
* برف سنگین در تهران
* ماجرای گم شدن تار موی پیغمبر
* حال نهرو وخیم است

مجلس نمایندگان امریکا فروش گندم بشوروی را ممنوع کرد

یکشنبه اول دیماه نمایندگان امریکا بدنبال مخالفت خود با دادن اعتبار برای خرید گندم توسط شوروی لایحه کمك خارجی رابرای طرح در جلسه مشترك کنگره به مجلس سنا فرستاد رهبران سنا و مجلس نمایندگان با لایحه سه بیلیارد دلاری کمك خارجی موافقت کردندوبموجب آن به رئیس جمهور اختیار داده شد هرآینه « بسود منافع ملی تشخیص دهد »بافروش گندم بشوروی موافقت کند ولی مخالفان این اختیارات به رهبری نمایندگی جمهوریخواه با یکصد و چهل و یك رای در برابر ۱۳۶ رای اصلاحیه‌ای تصویب کردندکه فروش گندم را ممنوع میسازد .

بین ترکها و یونانیهای قبرس زد و خورد خونینی درگرفت

یکشنبه اول دیماه بین اهالی دو محله ترك‌نشین و یونانی‌نشین نیکوزیا مرکز قبرس نزاع شد و دراین حادثه دو نفر ترك بضرب گلوله کشته شدند و چهار یونانی زخمی گردیدند . این زد و خورد بر سر اصلاح قانون اساسی قبرس که از سه هفته پیش مطرح شده‌بود درگرفت .

«ماکاریوس» رئیس جمهور و ۷ وزیر یونانی و سه وزیر ترك کابینه قبرس برای رسیدگی به اوضاع تشکیل جلسه دادند

۱۶۰ نفر مسافر کشتی حریق‌زده غرق شدند

بعداز ظهر دوشنبه دوم‌دیماه گزارش رسید که کشتی «لاکنیا» غرق شده است اما تمام افرادی‌که در آن بودند پیش از غرق کشتی موفق‌شدند آنرا ترك گویند . گزارش دیگر که مقارن گزارش پیشین از یك هواپیمای گشتی انگلستان رسید حاکی بود که «کشتی هنوز غرق نشده ویکصد نفر هنوز موفق نشده‌اند آنرا ترك گویند و روی عرشه هستند » این گزارش درحدود ساعت دو ونیم بعداز ظهر سه شنبه سوم دیماه به تهران رسید .

طبق گزارشهای رسیده ۹۰۰ تن از مسافران کشتی یونانی «لاکنیا» نجات یافته‌اند. مسافرانی که در سالن بزرگ رقص کشتی «لاکنیا» مشغول رقصیدن بودند ناگهان چند دقیقه بعد خود را درمیان امواج سرد دریا در حال مبارزه با مرگ و زندگی یافتند بقرار اطلاع از ۸۰۰ مسافر و۳۵۰ سرنشین ۸۷۶ تن نجات یافتند . طبق گزارشهای رسیده ۲۴ تن‌کشته شده‌اند ولی از سرنوشت مسافرین دیگر اطلاع صحیح در دست نیست.

دختر کندی از مدرسه کاخ سفید بکلاس درس سفارت انگلیس منتقل شد

سه‌شنبه ۳دیماه کارولین‌کندی

کشتی مسافری یونانی لاکونیا درحال غرق شدن

دختر شش ساله رئیس‌جمهور فقید امریکا مدرسه خصوصی کاخ سفید را ترک کرد بطوریکه رسما اعلام شد ژاکلین همسر رئیس‌جمهورفقید امریکا تصمیم گرفته است دخترخود را بمدرسه‌ای که در سفارت انگلیس درامریکا مخصوص کارمندان سفارتخانه است بفرستد .

درمسابقات والیبال مقدماتی‌المپیك کره جنوبی برایران پیروز شد

سه‌شنبه ۳ دیماه در مسابقات والیبال مقدماتی المپیك که‌دردهلی برگزار شد تیم مردان ایران برتیم فیلی‌پین پیروز شد . ولی‌درمسابقه با تیم کره جنوبی از این تیم شکست خورد

حریق جنگل

جنگل کرسنگ آمل‌ده‌ساعت در آتش میسوخت . چند کیلومتر از جنگل براثر آتش‌گیری نابود شد آتش‌گیری از ساعت پنج بعداز ظهر سه‌شنبه سوم دیماه شروع‌گردید و ساعت هشت بعداز ظهر آقای سرهنگ برنا رئیس سازمان مقاومت ملی متوجه حریق گردید وجریان را بهژاندارمری آمل اطلاع داد بلافاصله ماموران ژاندارمری و جنگلبانی آمل بمحل واقعه رفتند و با کمك ساکنان حوالی جنگل و اهالی قریه زرکه‌که درنزدیك جنگل واقع است دست بکار شدند و ساعت ۳ بعداز نیمه شب موفق شدند آتش را خاموش کنند .

سلطان مراکش یك خانه بهژاکلین کندی اهدا کرد

چهارشنبه‌چهارم دیماه شاهزاد خانم «لالاشیا» خواهر سلطان‌حسن دوم پادشاه مراکش از طرف برادر خود ماموریت یافت تا به همسر کندی رئیس جمهوری فقید امریکا اطلاع دهد که پادشاه مراکش خانه‌ای باو هدیه کرده است .

برف سنگینی سراسر کشور را پوشاند

شب چهارشنبه چهارم دیماه در تهران برف سنگینی بارید . روپوش ضخیم برف سرتاسر خانه‌ها و خیابانهای پایتخت را دربرگرفت و بیابانهای اطراف تهران بدشتهای پوشیده از برف آلاسکا و سیبری شبیه شد . راهها مسدود گردید و برف سیمهای تلفن و تلگراف را دربسیاری از نقاط پاره کرد. در تهران و بسیاری از شهرستانها درجه حرارت ناگهان ۱۵ درجه تنزل یافت . سرعت باد در ده کیلومتری زمین فوق‌العاده شدید و به ۳۰۰ کیلومتر در ساعت رسید .

کنفرانس اوپك از طرف شاهزاده فیصل گشایش یافت

پنجشنبه پنج دیماه ششمین کنفرانس اوپك در شهر ریاض پایتخت کشور سعودی با نطق امیرفیصل نخست‌وزیر عربستان سعودی گشایش یافت . در این کنفرانس نمایندگان هشت کشور ایران ـ عراق ـ لیبی ـ ونزوئلا ـ قطر ـ کویت ـ عربستان سعودی اندونزی شرکت داشتند . جلسات کنفرانس کاملا سری بود واعضای اوپك مشغول بررسی و اتخاذ تصمیم پیرامون مهمترین مسئله مورد علاقه کشورهای صادرکننده نفت یعنی افزایش‌بهره مالکانه بودند. آخرین پیشنهاد کمپانیها که تااندازه‌ای



کاردینال ماکاریو

از مقامات انگلیسی خواسته شد که بین منطقه ترکها و منطقه یونانی‌هابرای‌جلوگیری از جنگ و تیراندازی میانجی شوند

نظریات اوپك را تامین کرده مورد توجه قرار گرفت . جلسات اوپك سه روز دوام دارد .

سرما و یخبندان در تهران

برف سنگینی که شب‌ه‌شنبه ٥ دیماه در تهران بارید علاوه‌بر سرما و یخبندان که بدنبال داشت تقریبا همه چیز را در مشهد دگرگون ساخت .

ساعت کار ادارات را خود بخود تغییر داد . میزان معاملات و خرید و فروش در بازار تهران و خیابانها را پائین آورد . تعداد وسائط نقلیه در خیابانها بکمتر از یك‌سوم روزهای معمولی کاهش یافت و بطور کلی در وضع‌زندگی عمومی مردم تغییرات عمده‌ای‌پدید آمد .



کارولین کندی

سرما و یخبندان شدید ۳۱ نفر را کشت

(شنبه ۷ دیماه) ـ سرما و یخبندان شدید ۳۱ نفر را درنقاط مختلف کشور کشت و سبب‌گردید که ۵۰ اتوبوس و کامیون بابیش از ۳۰۰ مسافر در جاده هرازاسیر برف و سرما شوند . آب رودخانه هراز براثر سرمای شدیدیخ‌بست . درپلور اعضای یك خانواده در فاصله اتومبیل و قهوه‌خانه خشك شدند . سرما در مشهد چهار نفر را کشت سرما در تهران شب‌شنبه ۷ دیماه به ۱۳ درجه و همدان به ۲۹ درجه زیر صفر رسید. سرما و یخبندان شب شنبه ۷ دیماه در ۱۸ سال اخیر بیسابقه بوده است سال گذشته روز ۷ دیماه درجه حرارت ۱۳ درجه بالای صفر بود و امسال ۱۳ درجه پائین صفراست. مادری که میخواست فرزند خود را ازمیان طوفان برف نجات دهد جان داد . راننده‌ای بکوه چسبیده بود و قندیلهای یخ از صورت‌او آویزان بود .

١٦ نفر در هفته اول سرما کشته شدند . هوای بعضی از نقاط کشور به ٢٦ درجه زیر صفر رسید. اعضاء یك خانواده سه نفری در جاده آمل دراثر سرمای شدید خشك شدند و در کنار هم جان سپردند .

بین ترکها و یونانیهای قبرس زد و خورد خونینی درگرفت

برسرقانون‌اساسی قبرس بین اهالی دو محله ترکنشین و یونانی‌نشین نیکوزیا مرکز قبرس نزاع شد و دراین حادثه دو نفر ترك بضرب

گلوله کشته شدند و چهار یونانی زخمی گردیدند . ترکها در شش حادثه اتومبیلهای یونانیان را سنگباران کردند و یك مرکز پلیس و کامیون پلیس را مدتی محاصره کردند . « ماکاریوس » رئیس ــ جمهوری ، هفت وزیر یونانی و سه وزیر ترك کابینه قبرس برای رسیدگی بهاوضاع بیدرنگ تشکیل جلسه دادند .

ماهواره «تیروس‌هشتم» بفضا پرتاب شد

ایالات متحده بعداز ظهر روز یکشنبه اول دیماه (۲۲دسامبر) یك ماه مصنوعی بنام « تیروس‌هشتم» را که با دستگاههای حساس عکسبرداری مجهز است به فضا پرتاب کرد این ماه مصنوعی‌عکس های مختلفی مخابره میکند که درباره هواشناسی مورد مطالعه‌قرار می‌گیرد .

قرارداد همکاری فنی ایران و شوروی بین مدیر عامل سازمان برنامه و رئیس هیات نمایندگی شوروی امضاء شد

ساعت ده صبح روز دوشنبه دوم دیماه قراردادهای مربوط به موافقتنامه همکاری فنی و اقتصادی ایران و شوروی بین آقای مهندس اصفیاء مدیر عامل سازمان برنامه به نمایندگی دولت شاهنشاهی‌ایران وآقای‌پتروف رئیس هیات‌نمایندگی دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سازمان برنامه امضا و مبادله گردید . در مراسم مذکور آقای زایتسف سفیر کبیر شوروی ــ آقای مهندس سرلك مدیر عامل سازمان آب و برق آذربایجان ــ آقای فروهنده رئیس اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه ــ آقای ملکانی مدیر عامل شرکت سهامی شیلات ایران آقای غفاری مدیر کل غله اعضاء هیئت نمایندگی دولت شوروی و هیئت مدیره شرکت سهامی سازمان آب و برق آذربایجان و شیلات حضور داشتند .

اشیاء باستانی پاسارگاد تقسیم‌شد

یکشنبه ۸ دیماه اشیاء وجواهری که در حفاری های هیئت مشترك باستانشناسی در پازارگاد کشف‌شده بود امروز طی مراسمی در اداره باستانشناسی بین ایران و هیئت باستانشناسان انگلیسی تقسیم شد . اشیاء کشف‌شده مجموعا درحدود ۳۷۷ قلم بود که‌قسمتی‌ازآن‌عبارتست از زینت‌آلات طلائی . قاشق. سکه های دوران سلوکیدها یك سنگ نبشته مربع باضلاع تقریبا نیم‌متر . زنگ . ظروف شکسته سفالی . تیغه‌های فلزی . دستبندها واشیاء متعدد دیگر .

یك تار موی حضرت محمدگم‌شد

یك‌شنبه ۸ دیماه گروه کثیری از مسلمانان که از گم شدن یك موی حضرت محمد (ص)خشمگین شده بودند یك هتل و یك سینما را آتش زدند . پلیس اعلام کرد که یك اتومبیل آتش‌نشانی نیز آتش‌زده شد و سوخت . پلیس‌برای پراکنده ساختن تظاهرکنندگان تیراندازی هوائی کرد ودرنتیجه یك‌نفر زخمی شد. این سینماوهتل متعلق به‌برادر کوچك نجشی‌محمد نخست‌وزیر پیشین کشمیر بود . گفته میشود یك موی سر حضرت محمد (ص) که در پرستشگاه بازاراتبال نگهداری میشد مفقودشده است .

تلفات کریسمس

یك‌شنبه ۸ دیماه طبق‌آماری‌که درباره تلفات سرمای شدید هفته کریسمس در لندن انتشار یافت . تلفات حوادث رانندگی در چهار روزی‌که از نیمه شب یکشنبه پیش تا نیمه شب پنجشنبه ادامه داشت از سال ۱۹۵۹ باینطرف بزرگترین تلفات رانندگی ایام کریسمس‌بوده است . در جریان جشنهای‌کریسمس که باعث تلفات بسیاری شد تنها در جاده ۱۲۰ نفر بعلت وجود مه شدید دراثر حوادث رانندگی‌کشته شدند .

بدنبال سرقت یك تار موی حضرت رسول اکرم (ص) وضع کشمیر بسختی آشفته شد

دوشنبه ۹ دیماه ناپدیدشدن تارموی مبارك حضرت رسول (ص) از معبد «بال» در حومه شهر «سرنیاگار» وضع کشمیر را سخت آشفته ساخته است . در چند شهر کشمیر بهمین مناسبت تظاهرات عظیمی‌که بزرگترین تظاهرات مسلمانان در تاریخ کشمیر است صورت گرفت و بهمین علت در این شهرها حکومت نظامی برقرار شد بامداد روز دوشنبه ۹ دیماه عده زیادی از اهالی کشمیربحرکت درآمده و نگرانی خود را ازسرقت موی مبارك اعلام داشتند . سرقت موی حضرت پیغمبر (ص) موجب شد که کشمیریها در راولپندی و شهرهای دیگر پاکستان مراسم عزاداری برپا کنند رئیس حکومت کشمیر اظهار داشت هیچ دولتی اگر چه ضد اسلام باشد جرئت ندارد دست به سرقت موی مبارك پیغمبر اکرم (ص)بزند . مقامات دولتی کشمیر بالغ بر ۷ هزارلیره بکسی جایزه میدهند که موی‌پیغمبر را به معبد بال بازگرداند. مسلمانان شهر سرنیاگارا در کشمیر بدنبال اعلام ناپدید شدن موی حضرت پیغمبر (ص) از معبد بال درحومه شهر سرنیاگار دست بتظاهرات‌زدند و ضمن دادن شعارهای گوناگون و درخواست استرداد موی مقدس چندساختمان، اتومبیل ویك‌کلانتری را آتش زدند . در چند شهر کشمیرتظاهرات عظیمی‌که‌بزرگترین تظاهرات مسلمانان در تاریخ‌کشمیر است صورت گرفت .

وضع قبرس انفجارآمیز است

دوشنبه ۹ دیماه (۳۰دسامبر) بعداز یك شب آرامش درنیکوزیا بار دیگر از منطقه ترکها بسوی منطقه یونانیها تیراندازی شد ولی اطلاعات مربوط باین تیراندازی ازطرف مقامات رسمی تکذیب شد . ماکاریوس از مقامات انگلیسی خواست بعنوان میانجی وجلوگیری از تهدید قبرس دست‌بکار شوند .

عصمت‌اینونو ضمن‌تقدیم‌برنامه دولت خودخواستار برقراری صلح‌درقبرس براساس موافقتنامه‌های ژنو و لندن شد روزنامه‌های ترکیه درصفحات اول خود اخبار مربوط به‌قبرس را با عکس قربانیان حوادث اخیر چاپ‌کرده و حکومت ماکاریوس را برای رفع بحران ناتوان خواندند.

برف سنگینی‌شهر تهران را فلج کرد

از صبح روز دوشنبه ۹دیماه هوای اغلب شهرستانها متغیر شد و توفان درگرفت و چند ساعت بعد ریزش برف آغاز گردید . سحرگاه روز سه‌شنبه ۱۰ دیماه‌یکبار دیگر ریزش برف در تهران آغاز شد و در حالی که هنوز توده‌های انبوه برف و یخ دردوطرف‌خیابانها عبور و مرور را در شهر دشوار ساخته بود قشر تازه‌ای از برف کوچه‌ها و خیابانها و ساختمانهای پایتخت را پوشانید. برف سنگین به سیمهای تلفن آسیب رسانید و بیش‌از ۳۰۰ دستگاه تلفن درتهران قطع شد . یك لکوموتیو بعلت ریزش برف واژگون شد . در آذربایجان براثر شدت کولاك و ریزش برف ماشینهای برفروبی قادر بکار نبود .

در کرمانشاه ارتفاع برف به یك متر و نیم رسید . پرواز و فرود هواپیماها در فرودگاه مهرآباد متوقف شد همچنین راهها بسته شد و قطار سریع‌السیر تبریز درمیان برف ماند .

یك عده ۱۹ نفری از ساکنین قریه «خشیانك» در ۱۳کیلومتری شمالغربی بروجرد برای شرکت در جشن عروسی عازم قریه گل زرد شده بودند در بین راه ناگهان هوا منقلب شد و ریزش برف‌آغازگشت مسافران که با الاغ و عده‌ئی پیاده بطرف قریه‌گل‌زرد حرکت‌میکردند. راه را گم‌کردند گروهی از آنها توانستند با تلاش زیاد خود را به قریه گل زرد برسانند در این‌قریه از اهالی کمك خواستند عده‌ئی‌از مردان برای نجات بقیه مسافران به‌محل مورد نظر حرکت کرد و پس‌از یکساعت تلاش جسد سه زن و دومرد را درمیان‌برفها‌پیداکردند



پرزیدنت جانسون



دوریس‌دی ستاره‌پولساز سال



سناتور باری گلدواتر

دونفر از کمك‌کنندگان در حین جستجو راه راگم کردند و درمیان کولاك برف سرگردان شدند پس‌از نیمساعت اجساد این دو نفر راهم درمیان برفها یافتند .

تأسف نهرو

سه‌شنبه ۱۰ دیماه نهرو نخست‌وزیر هند پیامی برای شمس‌الدین‌نخست‌وزیر کشمیرفرستاد و ازاینکه موی مقدس حضرت محمد (ص) گم شده است اظهار تاسف کرد و اظهار امیدواری‌نمود که اوضاع‌آرام شود .

سرلشگر دفتری به ۵ سال حبس محکوم شد

۵شنبه ۱۲ دیماه دادگاه‌عالی ویژه اداری دادرسی ارتش‌بریاست تیمسار سرلشگر بهاروند پس از۶۹ جلسه دادرسی برسیدگی پرونده خاتمه و بشور پرداخت‌وپس‌از چهار ساعت شور رای خود را بشرح زیر اعلام‌نمود :

سرلشگر بازنشسته محمددفتری ۵ سال حبس مجرد و تادیه نصف مدعابه‌مبلغ ۵۳۸۸۲۰۳۸ ریال ـ سرتیپ بازنشسته علی‌نوکیانی یك سال حبس تادیبی ـ سرهنگ بازنشسته علی توکلی دو سال حبس مجرد ـ سرتیپ‌بازنشسته سیاوش سیاهپوش یکسال حبس تادیبی ـ سرتیپ علی پرویز شش ماه حبس تادیبی ـ غیرنظامی سیاوش‌وزیری شش ماه حبس تادیبی محکوم گردید .

سپهبد بازنشسته غلامحسین افخمی و سرلشگر بازنشسته علی فریب و سرتیپ ابوالقاسم نقیب السادات و غیرنظامیان دکتر حبیب‌الله معظمی و عباس حقگو و محمد مهدی قهرمانی و سرهنگ علی‌اکبر ذوالفقاری برائت حاصل نمودند . پرونده درباره سپهبد بازنشسته احمدوثوق که متهم‌بشرکت با (متهم ردیف ۱) در تقلب و تدلیس در خرید کارخانه باطری سازی میباشد همچنین در مورد نصف مدعابه مفتوح خواهد بود.

دیپلمات جاسوس بلغارستان اعدام شد

یکشنبه ۱۵دیماه خبرگزاری تاس ازصوفیه‌گزارش‌داد که«ایوان اسن هریستف گئورگیف» دیپلمات بلغاری بجرم جاسوسی برای‌امریکا اعدام شد .

تارموی پیغمبر(ص) پیدا شد

یکشنبه ۱۵ دیماه تارموی حضرت پیغمبر (ص) که‌گمشدن آن وضع سیاسی کشمیر را بشدت‌آشفته ساخته بود پیدا شد و تظاهرات ، اعتصابها و عزاداری مردم بجشن و شادمانی مبدل گردید . هندوان و سیکها باتفاق مسلمانان باشادمانی درخیابانهای شهر بحرکت‌درآمدند. پلیس اعلام کرد که بموی‌مقدس و محفظه آن آسیبی نرسیده است طی پیامی نهرو به نخست‌وزیرکشمیر اظهار داشت با احساس خوشوقتی شنیدم که اثر مقدس پیدا گردیده‌و باین مناسبت تبریك قلبی خود را بشما و مردم کشمیر ابلاغ‌میدارم.

پاپ اعظم وارد بیت‌المقدس شد

یکشنبه ۱۵ دیماه (۵ ژانویه) پاپ اعظم وارد شهر مقدس بیت‌المقدس (اورشلیم) شد و مردم برای استقبال و دیدن او صفوف پلیس و قوای نظامی را شکستند و نظم همراهان پاپ رادرهم ریختند . پاپ پل ششم اولین پاپ است که از سرزمین مقدس دیدن می‌کند و این نیز تقریبا معجزه‌ایست که پاپ در عین تماس با جمعیت عظیمی که از شدت هیجان‌کنترل آنها از دست مامورین خارج شده بود صدمه‌ای ندیده است . در این سفر ۳۰ نفر همراه پاپ بودند هنگام ورود پاپ ۲۱ تیر توپ شلیك شد و ملك حسین پادشاه اردن از او استقبال کرد .

در سالن پذیرائی فرودگاه روحانیون اسلامی . اسقف های مسیحی . اعضای‌هیات های‌نمایندگی سیاسی و مقامات عالیرتبه دولتی در انتظار پاپ بودند تا باو معرفی شوند .

حسن‌البکر از معاونت ریاست جمهوری عراق برکنار شد

دوشنبه ۱۶ دیماه عارف حسن البکر معاون رئیس جمهور را از کار برکنار ساخت و پست معاونت خود را منحل کرد . احمد حسن البکر عضو حزب سوسیالیست بعث و نخست وزیر اسبق دولت بعثی عراق است رادیو بغداد گفت وی بوزارت خارجه منتقل شد و مقام سفارت دارد .

ادعای پیدا شدن تار موی پیغمبر برای گمراه‌ساختن و فریب مسلمانان است

دوشنبه ۱۶ دیماه یك سخنگوی حکومت کشمیرآزاد در مظفر آباد اظهار داشت . دولت دلائل کافی در اختیار دارد که ادعای پیداشدن تار موی حضرت پیغمبرجهت‌گمراه ساختن وفریب دادن مسلمانان جمو و کشمیر است . سخنگوی دولت کشمیر اضافه‌کرد . اگرواقعادولت هند، تارموی حضرت پیغمبر را پیدا کرده لازم است به کمیته‌ای ازعلماء و رهبران‌کشمیری‌که تارموی اصلی را بخوبی میشناسند بسپارد تا سرانجام معلوم گردد که این تارمو همان موی اصلی حضرت پیغمبر است یا نه .

دوریس‌دی پولسازترین ستاره سال

سه‌شنبه ۱۷ دیماه (۷ ژانویه) «دوریس‌دی» هنرپیشه معروفسینما دریك‌رای‌گیری توسط نمایش دهندگان فیلم‌های سینمائی در امریکا و کانادا بعمل آمد عنوان اولین ستاره پولساز سال رادریافت داشت . سال گذشته نیز عنوان «پولسازترین‌ستاره»به (دوریس‌دی) تعلق‌گرفت . چند ستاره دیگرسینما که بعد از دوریس‌دی در لیست قرار دارند بترتیب عبارتند از : جون‌واین ـ راك‌هودسن ـ جك لمون ـ کاری‌گرانت ـ الیزابت تیلور ـ الویس‌پریسلی ـ ساندارادی پل‌نیومن و جری‌لوئیس

امریکا یك سیستم اطلاع ازپرواز موشکها درممالك خاورمیانه تعبیه کرده است

چهارشنبه ۱۸ دیماه گفته شد ایالات متحده امریکا در کشورهای آزاد جهان که نزدیك کشورهای کمونیست واقع شده‌اند یك‌سیستم حساس و دقیق بارومتر نصب کرده است

این سیستم بارومتر بقدری دقیق و حساس است که برخاستن و حرکت هرگونه موشك شوروی را در همان آن اطلاع میدهد . این سیستم که به «استخوان سر » معروفست‌فوراً کشورهای مجاور را از حرکت موشکهای شوروی آگاه خواهد کرد ــ اوتانت دبیرکل سازمان‌ملل متحد گفت اوضاع خاورمیانه‌تهدید کننده است واگر جنگ سرد تشدید شود خطر یك جنگ جهانی‌درمیان است . هیوم اعلام‌کرد تحولات امیدبخشی در جهان پیدا شده که محیط‌کنونی را بهتر ساخته است.

پراودا می‌نویسد سناتور گلدواتر دیوانه است

۵شنبه ۱۹ دی گلدواتر دریك نطق تازه گفت : به مهاجران کمك خواهم کرد تا کوبا رااشغال کنند وی اضافه‌کرد چنانچه بسمت ریاست جمهوری امریکا انتخاب شوم به فراریان کوباکه ضد فیدل کاسترو هستند کمك خواهم کرد تا کوبا را اشغال کنند و حتی حاضرم نیروی هوائی را بکمك آنها بفرستم تا در اشغال کوبا موفق شوند . من بآنها اسلحه خواهم‌داد و وسیله حمل و نقل آنها را برای پیاده شدن بکوبا فراهم خواهم‌کرد. گلدواتر گفت پرزیدنت جانسون‌به شوروی (دشمن شماره یك امریکا) اطمینان دارد ولی از فرانسه متحد ایالات متحده بیمناك است .

روزنامه پراودا نوشت «گلدواتر رهبر مردمان خشمگین امریکا افکار نادرست نظیر افکار فورستال وزیر دفاع سابق امریکا که براثر حالت دیوانگی خود را از پنجره پرتاب و خودکشی کرد بمردمان امریکا ارائه داد ــ اما ما ــ پراودا ــ فکر نمی‌کنیم انتخاب کنندگان امریکائی تصویب کنندکه کاخ سفید تبدیل بیك پناهگاه دیوانگان گردد .

امریکا تاسیسات نظامی زائد خودرا می‌بندد

۵شنبه ۱۹ دیماه (۹ ژانویه) جانسون بکنگره امریکا ناگهان اطلاع داد بودجه امریکا با ۹۷٫۹ میلیارد دلار یعنی بکمتر از رقمی که فعلا هست تقلیل داده شده است . او ضمنا بکنگره اطلاع داد که محصول اورانیوم مخصوص اسلحه‌سازی را ۲۵ درصد پائین خواهد آورد . جانسون از شوروی خواست که آنهم در این اقدام باو تاسی کند . جانسون گفت هدف نهائی امریکا داشتن دنیائی بدون‌جنگ است وبکنفرانس ژنو پیشنهاد خواهد کرد درباره کنترل و احتمالا منسوخ کردن‌کلیه سلاحها اقدام کند .

نهرو براثر ابتلا بفشارخون شدید قادر به غذا خوردن نیست

شنبه ۲۱ دیماه گزارشهای رسیده حاکی است که نهرو نخست‌وزیر هند که بیمار و بستری است خود قادر نیست غذابخورد و دخترش در خوردن غذاباو کمك میکند .

روزنامه «گازت»چاپ لوزان نوشت نهرو بااینکه مریض است باید کناره‌گیری خود را بتعویق افکند زیرا هیچکس دیگری نیست که بتواند جانشین او گردد .

این روزنامه سویسی اضافه کرد نهرو نیز مثل دوگل برای کشورش واجب و ضروری است برای حل معضلات عظیم کشور هند باید شخصیت دیگری آماده جانشینی او گردد و خود او باین نکته واقف است . این روزنامه اظهار عقیده کرد که « لال‌بهادر شلستری » بیش از همه شانس جانشینی نهرو را دارد زیرا خود نهرو باو علاقمندست و بعلاوه‌لیاقت جمع‌آوردن جناحهای چپ وراست را بیش از دیگران داراست دختر نهرو نیز تاحدی این شانس را دارد ولی بعید بنظر میرسد دست راستیها او را بپذیرند .

تونس چین کمونیست را برسمیت شناخت

روز شنبه ۲۱ دیماه تونس چین کمونیست را برسمیت‌شناخت تونس دوازدهمین کشور است‌که با چین‌کمونیست روابط سیاسی‌برقرار میکند . اعلامیه مشترکی ازطرف دو دولت این شناسائی را اعلام کرد .

سیگار عامل مهم در تولید سرطان ریه

سرطان ریه سالیانه ۴۱۰۰۰ تن را در آمریکا میکشد

یکشنبه ۲۲دیماه (۱۱ ژانویه) یك‌کمیسیون ده نفری دولتی اعلام کرد کشیدن سیگار سلامت انسان رابخطر میاندازد ومستلزم اقدامات درمانی مقتضی است در کمیسیون گفته شد سیگارعامل مهمی درتولید سرطان ریه مردان و همچنین یکی از علل سرطانهای دهان ــ نای ــ برونشیت مزمن ــ نفخ وغیره‌است. از این ببعد در روی جعبه های سیگار خطریکه درسیگار نهفته‌است بمعتادان یادآوری میشود .

حال نهرو وخیم است

یکشنبه ۲۲ دیماه این شایعه قوت گرفت که حال نهرو بدتر از آنست‌که رسماً گزارش داده میشود. یك مقام رسمی دولتی اخطار کرده است که به خبرنگاران اجازه داده نخواهد شد وقتی نهرو به دهلی نو باز میگردد از او عکس بردارند . منابع مطلع گفتند نهرو حتی معلوم نیست بتواند روز ۲۶ ژانویه روز جمهوریت هند ظاهر شود .

نهرو از سال ۱۹۵۰ تاکنون هرگز حضور دررژه این روز را از دست نداده است .

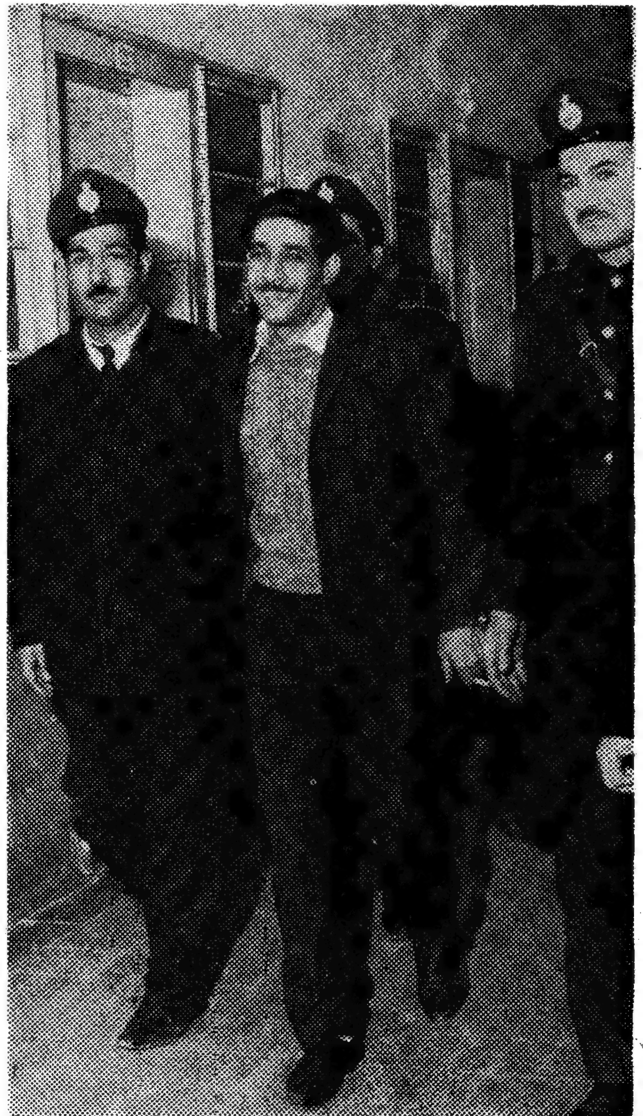
در زنگبار کودتای نظامی رویداد یك دولت چپ با شرکت احزاب افروشیرازی و «امت» تشکیل شد

دوشنبه ۲۳ دیماه یك منبع آمریکائی با تلفن از زنگبار به دارالسلام خبرداد که دولت زنگبار سقوط کرده و قوای پلیس که از آخرین پاسگاه خویش دفاع میکرد تسلیم شده‌است از قرار گزارشهای رسیده شورشیان تمام پاسگاه های پلیس را تصرف کرده‌اند دراین مدت در خیابانها صدائی جز صدای گلوله شنیده نمیشد . بیمارستان های شهر تقاضاکرده‌اند مردم برای کمك به مجروحین خون خود را اهدا کنند . آخرین گزارشهای رسیده حاکی است که شورشیان تقریباً همه مواضع و استحکامات نظامی جز یك بنای نظامی را در اطراف زنگبار اشغال کرده‌اند و در حقیقت زنگبار را کاملا بسته‌اند پناهندگی نخست‌وزیر: یکی‌ازمقامات وزارت خارجه آمریکا اظهارداشت محمدشامت نخست‌وزیر زنگبار و همکاران دیگرش به خانه کمیسر عالی انگلیس پناهنده شده‌اند . گزارشهای رسیده حاکیست که در طول تیراندازی لااقل دو مامور پلیس کشته شده و ۱۲ تن دیگر از دو طرف زخمی گردیده‌اند .

ملاقات خروشچف و کاسترو

سه‌شنبه ۲۴ دیماه فیدل‌کاسترو بطور ناگهانی بشوروی سفر کرد . سفر غیر منتظره کاسترو ممکنست بسبب تحولات خونین پاناما ونیاز های حاد و فوری کوبا بکمك اقتصادی شوروی باشد . خروشچف، برژنف و سفیر چین در فرودگاه مسکو از کاسترو استقبال کردند . نخست‌وزیر شوروی از انقلاب‌کوبا تجلیل کرد و گفت هیچیك از فشارها و محاصره های اقتصادی امپریالیستها مردم‌کوبارا ازپیشروی باز نمیدارد .

کاسترو اظهار داشت . کوبا نیز با مشکلاتی که سابقاً شوروی داشت روبرو شده است ولی با این حال ازکمك شوروی برخورداریم .



هوشنگ ورامینی و صفرعلی‌بدوبار

اعدام محکوم شدند

سه‌شنبه ۲٤ دیماه هوشنگ و صفرعلی متهم بقتل چند جوان و ارنست لانکه در دادگاه سری بدو بار اعدام محکوم شدند ، هوشنگ ورامینی درآخرین دفاع خودگفت « من گناهی ندارم و برخلاف آنچه شایع است من حتی نمیتوانم سریك گنجشك‌را ببرم» هوشنگ ورامینی شب پیش از صدور حکم مرگش شعری برای سنگ مزارش درزندان تهیه کرد آنشب او وقتی به اعدام میاندیشید بی‌خیال می‌خندید و شانه‌هایش را بالا میانداخت اما بعد هنگامیکه کلمه اعدام را درآخرین برگ دیوانعالی جنائی دید رنگش پرید خنده برلبهایش خشکید و نتوانست در مقابل حقیقت تلخ خونسردیش را حفظ کند .

در حوادث کلکته ۱۲۰ نفر

کشته شدند

سه‌شنبه ۲٤ دیماه در کشتار عظیمی که میان مسلمانان و هندو های کلکته و نواحی شمال شرقی هند درگرفت عده زیادی کشته و زخمی شده‌اند طبق آمار رسمی عده کشته شدگان به ۱۲۰ نفر میرسد . این کشتار عظیم که از ۱۹٤۷ تاکنون در هند سابقه نداشته است بدنبال نزاعی بود که در پاکستان شرقی در گرفته بود . در پاکستان شرقی اکثریت با مسلمانان بود و هندوها نیز درکلکته اقدام به انتقام‌کردند و به مسلمانان حمله کردند . این موضوع بحران شدیدی‌در هند پیش آورده است .

خیابان کندی بوسیله نخست‌وزیر

پرده‌برداری شد

ساعت ۹ صبح چهارشنبه ۲۵ دیماه مراسمی در اول خیابان‌نواب شمالی بمناسبت نامگذاری خیابان نواب شمالی بنام پرزیدنت جان کندی رئیس جمهور فقید دولت ایالات متحده‌آمریکا برگزارگردید. دراین مراسم آقای نخست‌وزیر . آقایان وزراء . سفیرکبیر آمریکا و مستر شرایور فرمانده سپاه صلح آمریکا حضور داشتند .

در سر جلسه امتحان خیاطی

خانمی وضع حمل‌کرد

در آخـرین جلسه امتحانات عملی خیاطی که (چهارشنبه ۲۵ دیماه) ازمتقاضیان تاسیس‌آموزشگاه های آزاد درمحل خواجه نوری بعمل میآید داوطلبی بنام بانواشرف سیدین در اواسط جلسه امتحان وضع حمل‌کرد وصاحب پسری شد و چون هریك از شرکت کنندگان باید لباسی راکه بدست خود تهیه میکردند ببدن خود درحضور هیئت ژوری‌پرو کرده و بپوشند لباسی‌که این خانم باندازه بدن خود بریده و تهیه کرده بود بعلت وضع حمل طبق نظر هیئت ژوری بداوطلب دیگری پوشانده شد تا بعلت این پیش‌آمد حقی از خانم تضییع‌نشود

ناندا وظائف نهرو را بعهده گرفت

یکشنبه ۲۹دیماه تجدید سازمان در دولت هند بعقیده بسیاری از محافل سیاسی با توجه به بیماری نهرو غیرقابل اجتناب بنظر میرسد گـزارشهای رسیده ظاهراً نشان میدهد « ناندا » وزیر کشور هند درمدتی‌که پاندیت نهرونخست‌وزیر ایـن کشور باستراحت میپردازد وظایف ویرا بعهده گرفته است . وی از پیروان مکتب گاندی فقید است وگفته میشود شانس جانشینی نهرو در صورت استعفای مشارالیه برای ناندا زیاد است .

زنگبار حکومت خودرا جمهوری

خلق زنگبار نامید

یکشنبه ۲۹ دیمـاه مارشال «اوکللو» طی‌یك مصاحبه باروزنامه نگاران سوسیالیست گفت هدف ما ریشه‌کن‌کردن امپریالیسم از زنگبار است . رژیم انقلابی جدید زنگبار خودرا جمهوری توده‌ای اعلام‌کرد و فوراً شوروی و لااقل چهارکشور کمونیستی دیگر بلافاصله آن را به رسمیت شناختند درنایروبی (کنیا) ضمن برنامه های رادیوئی کـه شنیده میشود رهبر انقلابیون فیلد مارشال جان اوکللو حملات شدیدی بانگلیس و ایالات متحده کرد و گفت از این تاریخ ببعد فعالیت نمایندگـان مطبوعـات انگلیس و آمریکا کاملاً ممنوع میشود . وی افزود دلیلی ندارد آمریکائیها و انگلیس‌ها درکار ما دخالت کنند .

واحد های نظامی تا نگانیکا

قیام کردند

دوشنبه ۳۰ دیماه شورشیان کاخ ریاست جمهوری و خیابانهای مهم شهر را محاصره کرده و نقاط استراتژیکی و حساس را اشغال نمودند . ژنرال دوگلاس فرمانده قوای انگلیس‌مقیم تانگانیکا بمقابله با کودتا کنندگان برخاست ولـی همراه افرادش و ۳۰ افسر دیگر دستگیر شدند . هنوز از سرنوشت (نیرر) رئیس جمهوراطلاع صحیحی دردست نیست ولی‌ظاهراً او واعضاء کابینه‌اش دستگیر شده‌اند .

بازدید شاهنشاه از پتروشیمی ایران

روز ۲۹ دیماه اعلیحضرت همایون شاهنشاه از کارخانه بزرگ پتروشیمی ایران در آبادان بازدید فرمودند.

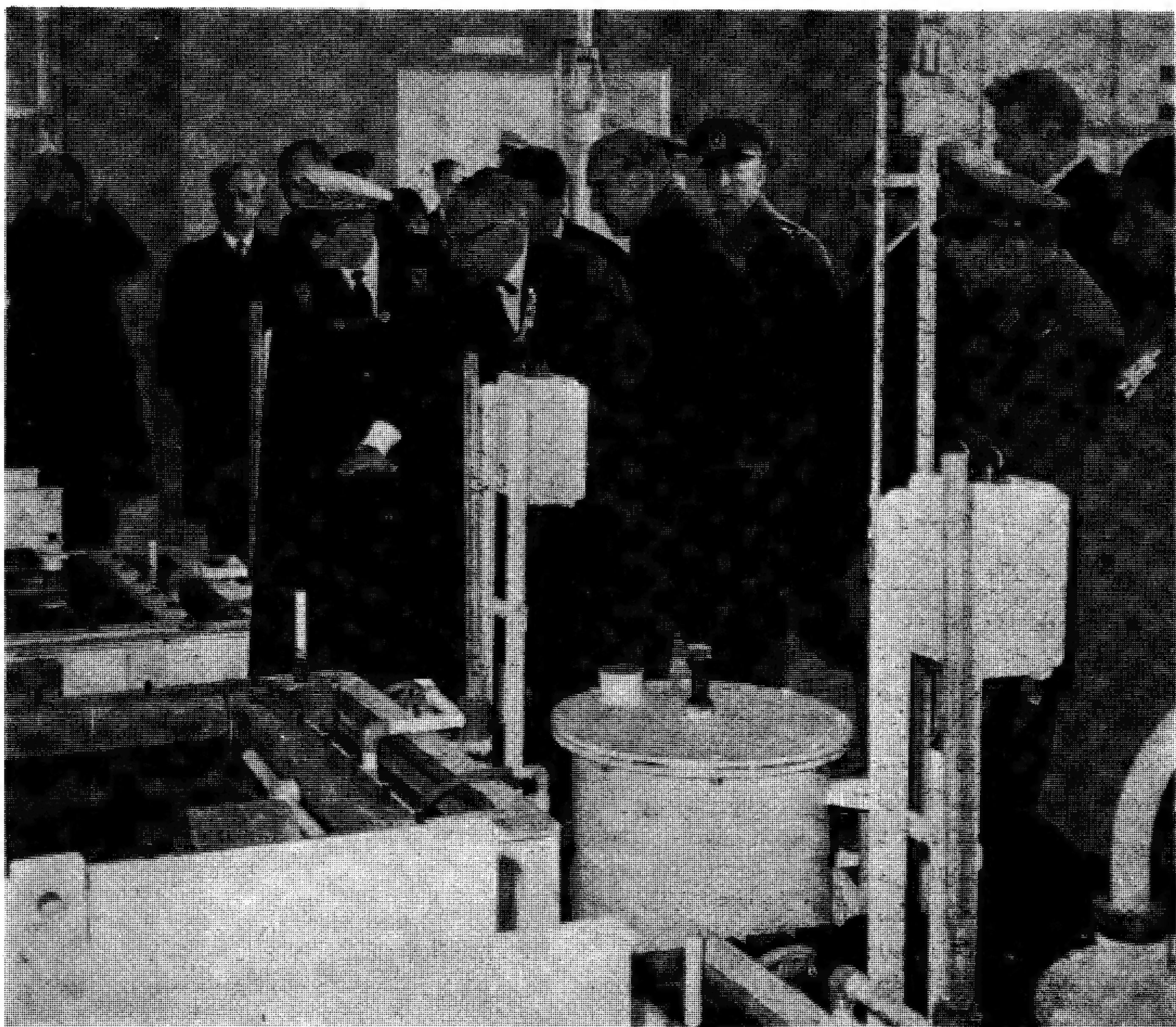
دراین بازدید آقای دکتر ابوالبشر فرمانفرمائیان رئیس هیات مدیره ومدیرعامل شرکت سهامی پتروشیمی ایران ضمن بیاناتی نیازمندیها و مشکلاتی را که در کار تهیه مواد تولیدی پتروشیمی وجود دارد بعرض رسانید وآنگاه قسمتهای مختلف کارخانه موردتوجه وبازدید شاهنشاه قرار گرفت.

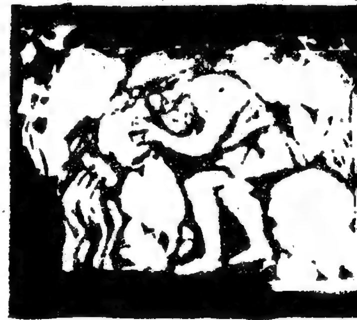
صنعت پتروشیمی از صنایع تازه و پرارزشی است که ممالک صنعتی در اقصی نقاط جهان استفاده های شایان توجهی از محصولات ارزنده آن میبرند.

این واحد عظیم صنعتی که باسرمایه گذاری مردم وکارگران زحمتکش آبادانی تشکیل گردیده یکی از منابع بزرگ تولیدی کشور بشمار میرود که در حال حاضر قسمت عمده‌ای از سود محرق وکلرمورد نیاز داخلی را تامین کرده وکمك موثری بگردش چرخهای صنعتی کشور مینماید.

میتوان گفت که تاسیس کارخانه پتروشیمی در ایران گذشته از تسهیلات فراوانی که در کارتولید محصولات پتروشیمی پدید آورده از خروج مقادیرمعتنابهی ارزداخلی نیز برای ورود این محصولات از ممالك خارج جلوگیری بعمل آورده است.

شاهنشاه ضمن بازدید از قسمتهای مختلف کارخانه پتروشیمی ایران بتوضیحات آقای دکتر ابوالبشر فرمانفرمائیان توجه میفرمایند





بهمن

فهرست اختصاری اخبار بهمن‌ماه ۱۳۴۲

* انقلاب درقاره افریقا
* برگزاری مراسم پرشکوه ششم بهمن
* شوروی‌قهرمان مسابقات‌زمستانی

در تاریخ اول بهمن خبرگزاری «آنتارا» خبردادکه‌کارگران نفت رویال در جاکارتا ادارات شرکت نفت شل را که متعلق بانگلستان است اشغال کردند سپس‌کارگران از دولت خواستند تا اداره‌امور شرکت مزبور را در دست گیرند فعلا تا اقدام دولت برای اداره شرکت شل یك هیئت موقتی از کارگران شرکت را اداره‌خواهند کرد . آژانس آنتارا در پایان افزود که این اقدامات نتیجه خشمگین شدن مردم از توقیف کشتی هـای اندونزی در هنگ کنگ میباشد .

از طرف دیگر مقامات انگلیسی لندن درمورد اینکه اموال‌انگلیسها توسط‌اتحادیه‌های کارگری‌آندونزی ضبط شده است نگرانند ووزارت خارجه انگلیس از دولت خواسته است بقول خود دائر براینکه‌اموال انگلیسها را ملی نمی‌کنند بلکه آنها را بصاحبانش پس میدهد وفادار بماند .

توفان وسرمای شدید درکشور

اول بهمن‌ماه توفان و سرمای شدیدی جاده‌های اطراف تهران را بکلی مسدود کرد و ریزش برف ساعتها ادامه داشت .

در چالوس برف توام باکولاك بوده و تعدادی از شیروانیهای منازل از جاکنده شد و کارخانه حریربافی چالوس خراب‌گردید .

بندر معشور

هوا سرد و لوله‌ها و جریان آب یخ بسته است .

بندربوشهر

براثر ریزش بارانهای سیل‌آسا و جریان سیل کلیه راههای‌ساخته شده ساحلی خراب و از بین رفته است .

اراك

برودت هوا به ۲۰ درجه زیر صفر رسید واتومبیلها وکامیونها براثر کولاك شدید و خرابی راه در سرپل ذهاب متوقف شده‌اند .

کرمانشاه

ریزش برف در کرمانشاه وحومه ۴۸ ساعت ادامه داشت و میزان برودت هوا دراین شهر به ۲۸ درجه زیر صفر رسید و تعدادی از کنترهای آب منازل ترکید و گردنه‌ها وراههای اطراف بسته است .

آبادان

در چند روز اخیر هوای آبادان بحدی سردشده‌که دستگاه آزمایش گاز پالایشگاه یخ بست و ظرف ۲۴ ساعت‌بعلت سردی شدید پنج نفر که ناراحتی هائی داشتنددرگذشتند و پزشك‌قانونی علت‌مرگ‌را سرمای شدید تشخیص داد . سرمای شدید اخیرآبادان درچندسال اخیر بی‌سابقه بوده است .

بندرعباس

براثر توفان شدید دربندرعباس ساختمان اسکله قدیمی از بین رفت وکلیه آلات وادوات دستگاه آن بدریا ریخته شد ضمناً دکل اسکله براثر شدت توفان خم شده وشبیه پل هوائی گردیده است و عبور ومرور و حمل ونقل غیرممکن شده است .

اذربایجان

سرما شدت پیدا کرده است و برودت هوا در تبریز به ۲۵٫۴ درجه زیر صفر رسیده است و کلیه راههای استان مسدود است و لاشه بسیاری از حیوانات وحشی که از سرما خشك شده‌اند در اطراف شهر دیده میشود .

شیراز

مشکین شهر و شهرستانهای دیگر هوا همچنان سرد ویخبندان بوده است و بدنبال گزارشات وزیر راه آقای مهندس شالچیان شخصا با هواپیما از مسیر جاده تهران ـ تبریز بازدید کرد وپس از بازدید هوائی دستورات سریعی برای بازکردن جاده‌ها به مأمورین اداره کل راهداری و راه‌آهن صادر نمود .

بدنبال وخامت‌مجدداوضاع‌تانگانیکا قوای مسلح انگلیس عازم تانگانیکا شد

پرزیدنت «جولیوس نیرر» رئیس جمهور تانگانیکا از رادیو اعلام‌کرد که شورشیان ارتش که کنترل پایتخت را بدست گرفته بودند با آرامش بخوابگاههای خود بازگشتند . چند صد نفر از افراد افریقائی ارتش بمدت۱۲ ساعت افسران انگلیسی خود را بازداشت کردند و این افراد تقاضای حقوق بیشتر و وضع بهتری داشتند .

فرمان تشکیل سپاه بهداشت از طرف شاهنشاه صادر شد

در تاریخ ۲ بهمن فرمانی از طرف اعلیحضرت همایونی بعنوان آقای علم‌نخست‌وزیر صادر ومقرر گردید که بمنظور تعمیم سلامت و بهداشت عمومی و مداوای‌بیماران سپاه بهداشت تشکیل گردد دراین فرمان متذکر ونتیجه‌گیری‌فرمودند «باشد که تلاش آنان مانند سپاه دانش قرین موفقیت‌گردد .»

اعلیحضرتین باروپا عزیمت‌فرمودند

ساعت ۸ صبح روز ۲ بهمن موکب مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و علیاحضرت شهبانو با هواپیما جت کاراول بصوب‌وین عزیمت فرمودند این مسافرت‌برای حضور در بازیهای المپیك‌زمستانی در اتریش صورت‌گرفته است .

کمکهای نظامی امریکا بایران

پرزیدنت جانسون‌رئیس‌جمهوری آمریکا از کنگره تقاضای بودجه‌ای بمبلغ سه میلیارد وچهارصدمیلیون دلار برای کمك به‌ایران و هشت کشور دیگر کرد . دراین بودجه یك میلیارد دلار کمك نظامی‌است که باید هشتصد و چهل میلیون دلار را به‌نه‌کشور از جمله ایران، ترکیه ، پاکستان ، یونان ، ویتنام جنوبی ،کره جنوبی ، چین ملی ، تایلند وهند داده شود .

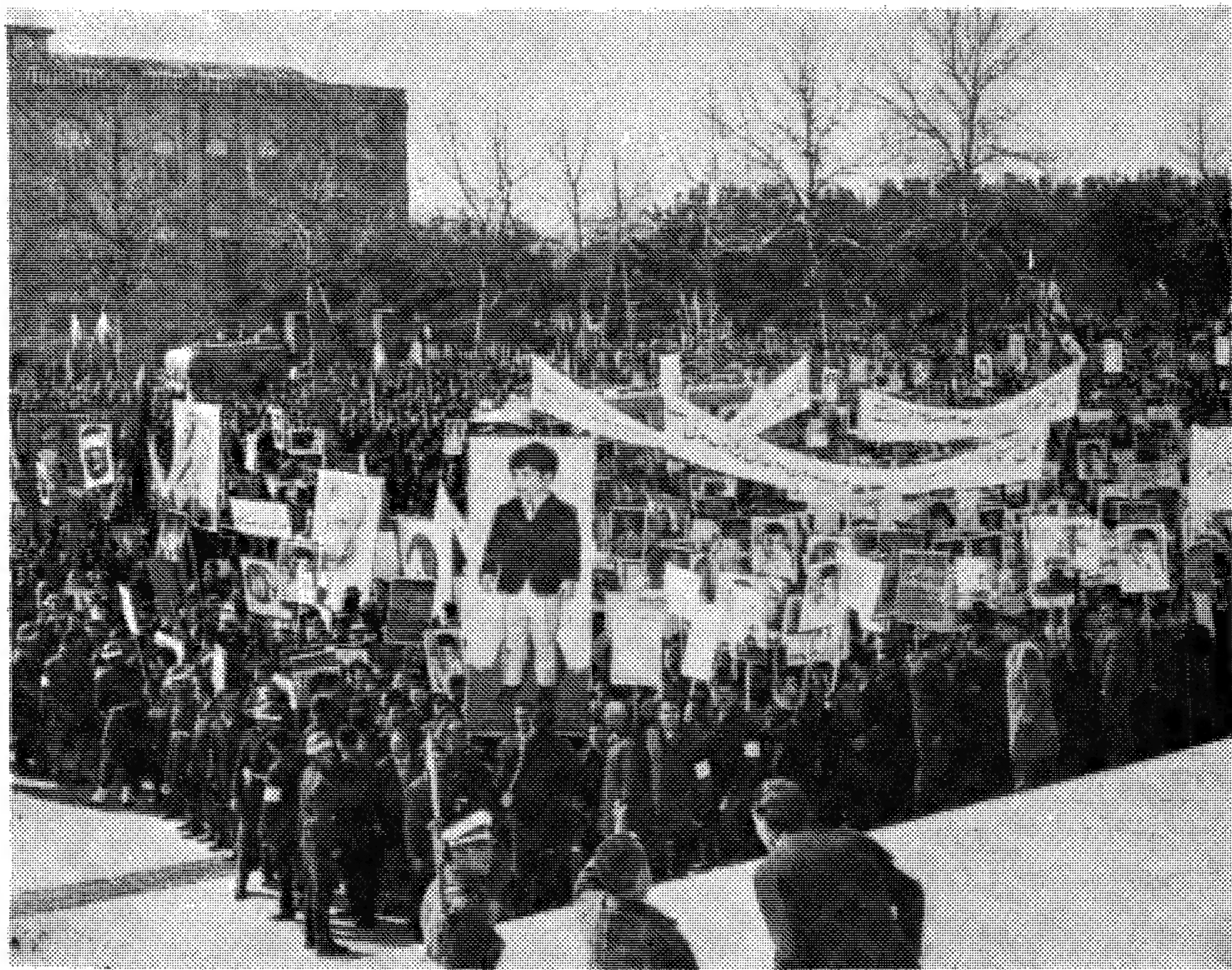
در تاریخ ۳ بهمن ماه مذاکراتی مابین شاهنشاه و رئیس جمهوری اتریش صورت گرفت

شاهنشاه وشهبانو برای شرکت در مراسم گشایش مسابقات زمستانی المپیك در اینسبورگ وارد وین شدند و مورد استقبال رئیس جمهوری اتریش قرارگرفته و مدت سی دقیقه اعلیحضرت پادشاه ایران با شهبانو فرح با ادولف‌شارف رئیس جمهوری‌گفتگو نمودند و دراین ملاقات برای اولین‌بار در باره کمك اتریش باقتصاد ایران مذاکراتی شده است .

زنگبار خواهان همکاری نزدیك با شوروی است

عبدالرحمن محمد بابو وزیر خارجه‌جدید زنگبار در مصاحبه‌ای که با او شده چنین‌گفته‌است : «رژیم جدید ، زنگبار را جمهوری خلق‌اعلام کرده‌وخواستار همکاری نزدیك با شوروی است» در پایان اضافه نموده است که : اوضاع کشور پس از دوازدهم ژانویه کاملا عادی شده و رژیم جدید براوضاع تسلط کامل‌دارد .

دول بلغارستان و مغولستان رژیم زنگبار را برسمیت شناخته



اجتماع مردم در مقابل کاخ سنا بمناسبت روز ششم بهمن

وبانو گلدمایروزیر خارجه‌اسرائیل ضمن پیام تبریکی شناسائی رژیم جدید را اعلام نموده است . در ضمن روزنامه « مورنینگ پست » درباره حوادث اخیر زنگبار و تانگانیکا چنین نگاشته است : « حوادث اخیر زنگ خطری است که در سراسر قاره افریقا طنین انداز شده است و ملتی پس از سالها اسارت وبردگی و تحمل رنجهای بیشمار ناگهان زنجیرهای اسارت را پاره کرده وقدرتهای شیطانی را محو ونابود میسازد » در پایان می‌افزاید « در انقلاب شش هفته قبل زنگبار هیچ نیرو و نفوذی از خارج دست نداشت وتنها اراده ملت انگیزه واقعی آن بوده است .»

انقلاب قاره افریقا را فرا گرفته است

در ٥ بهمن اعلام شد که عصیان نیم‌بندی در ارتش اگاندا صورت گرفته و«میلتون اوبوت » نخست‌وزیر آن کشور از دولت انگلیس تقاضای کمك نموده است قوای اعزامی انگلیس شورشیان اوگاندا را سرکوب کرد و ازقیام نظامیان کنیا جلوگیری بعمل آورد . گفته میشود ٤٥ دقیقه بعداز آنکه پیام نخست‌وزیر اگاندا برای کمك بوزارت روابط کامنولث در لندن رسید ٤٥٠ سرباز انگلیسی ازکنیا به‌اوگاندا اعزام گردیدند .

بیماری وبا ١١٠٠ تن را در ویتنام جنوبی مبتلا ساخت

متخصصین امور بهداشتی اعلام داشتند ، انتشار وبا در ویتنام بسرعت روبافزایش میرود و این بیماری از راه کامبوج به‌ویتنام سرایت کرده است و کارشناسان بهداشت آمریکا پیش‌گوئی میکنند قبل از آنکه مبارزه با این‌بیماری قرین‌موفقیت گردد حداقل ١٨٠٠٠ نفر بآن مبتلا خواهند گشت و شصت درصد ازاین بیماران در معرض خطر مرگ قرار خواهند گرفت و تا پنج هفته در همین وضع باقی خواهند ماند تا رفته رفته از شدت آن‌کاسته شود .

نظر رئیس جمهوری امریکا در باب شرکت زنان درامور سیاسی و اجتماعی

در تاریخ ٥ بهمن پرزیدنت جانسون به اعضاء کابینه خود که فقط از مردان تشکیل شده است اعلام کرد که دولت امریکا در حال حاضر چنانکه باید وشاید ازقدرت فکری زنان امریکااستفاده نمی‌کند او در بحث ٢٥ دقیقه‌ای خود درباره زنان چنین گفت : « دیگر زمانی که مشاغل عالی فقط منحصر بمردان بود بپایان رسیده است . ومخصوصاً وقتی موضوع اتخاذ سیاست پیش‌میآید باید بجست و جوی اشخاصی رفت که دارای عقاید پابرجا و استقامت قابل توجهی هستند »

نمایندگان کارگران ، کشاورزان ، زنان وسپاهیان دانش لوحه یادبود روز ششم بهمن را در وین تقدیم شاهنشاه میکنند .



ژنرال نگوین خان

جشن‌های باشکوه ششم بهمن برگزار شد

چهار گروه عظیم بسوی مجلس سنا بحرکت درآمدندو درپیشاپیش صف سپاهیان دانش مشعل روشنی حرکت داده میشد .

سالروز مراسم تصویب لوایح ششگانه ــ از بامداد ششم بهمن در تهران و سراسر کشور آغاز شد . از ساعت هشت بامداد دمونستراسیون بزرگی از کارگران وابسته بسندیکاهای کارگری راه‌آهن ، آلمینیوم ، سماور سازی ، روغن‌کشی ، رنگ سازی فرآورده‌های لاستیکی ، رانندگان تاکسی و گرمابه‌داران پایتخت اجتماعات بزرگی تشکیل دادند و دبیران سندیکاها در تأیید ششم بهمن وانقلاب شاه و مردم سخنانی ایراد کردند .

سپاهیان دانش ازطریق خیابان های پهلوی ، کاخ عازم مجلس سناشدند و بانوان پس ازپیمودن خیابانهای حافظ تا سپه باجتماع مقابل سنا ملحق شدند .

کشاورزان که طبق تصمیم کمیته برگزاری مراسم در میدان بهارستان اجتماع کرده بودند از طریق خیابانهای شاه‌آباد تا پهلوی وسپه عازم محوطه مقابل مجلس سنا شدند .

هریك از چهارگروه شرکت‌کننده در مراسم دموستراسیون عکسهای بزرگی از شاهنشاه و آرمهای ششم بهمن و شعارهای زیادی مبنی برتائید لوایح‌ششگانه و بزرگداشت روز ششم بهمن را باخود حمل میکردند .

میدانی‌که در جلوکاخ سناست بنام میدان ششم بهمن نامگذاری شده است و اطراف این میدان پرچمهای زیادی نصب شده بود و در روی تابلوئی که در اطراف میدان بچشم میخورد یك‌کشاورز یك سپاهی دانش ، یك زن ویك کارگر ترسیم گردیده بود . در ابتدای شروع برنامه جشن‌نماینده کارگران سخن آغاز کرد و درپایان برنامه قطعنامه‌ای در سه ماده برای اجتماع بزرگ‌شرکت‌کنندگان در مراسم سالروز ششم بهمن خوانده شد .

سپس ناطق از تمام جمعیت که در متینگ بودند تقاضا کرد که با بلند کردن دست خود و

کشیدن هورا با تصویب قطعنامه و تقدیم آن بمجلس سنا و شورا موافقت کنند .

شاهنشاه هنگام دریافت لوحه ششم بهمن فرمودند : هر ایرانی باید درکار خود متخصص شود

صبح روز هفتم بهمن اعلیحضرتین در مراسمی که بمناسبت سالگرد ششم بهمن در سفارت ایران برگزار میشد شرکت فرمودند و دانشجویان ایرانی مقیم وین که قریب دویست تن بودند در این اجتماع شرکت کردند .

شاهنشاه هیئت چهارنفری را که از تهران آمده بودند تا لوحه زرین ششم بهمن را تقدیم نمایند پذیرفتند . یك جلد کتاب ازجریان فعالیت های سپاه دانش درایران تقدیم شاهنشاه گردید در همین مراسم یك سبدگل رز تقدیم شهبانو فرح شد .

شاهنشاه هنگام دریافت لوحه یادبود ششم بهمن فرمودند :

چه بهتر می‌بود که امروز را در میان ملت ایران درخود ایران میبودم اما خوشوقتی اینجاست که این روز را در میان ایرانیها بهرصورت می‌گذرانم و از دیدن چهارنفرنماینده که درواقع اکثریت طبقات مملکت باینجا فرستاده‌اند برای اینکه یادبودی بمن تسلیم کنندباعث کمال مسرت و خوشوقتی است . شاهنشاه به هریك از نمایندگان سخنانی فرمودند و در پایان از یکایك افراد خواستندکه با عزمی راسخ و روحیه‌ای قوی در پی کسب اطلاعات و معلومات بیشتری باشند تا به پیشرفت اجتماع که منجر به پیشرفت ملت و مملکت میشود دریغ نفرمایند .

شعله‌های انقلاب در سراسر افریقا همچنان روبه‌گسترش است

اغتشاشات افریقای شرقی همچنان در حال توسعه است و علاوه برقسمتهای مرکزی روزششم بهمن بنواحی شمالی این قاره‌نیز سرایت کرده است . خبرهائی که از «لیبی» و « رودزیای شمالی» میرسد نشان میدهد که آشوب وطغیان باین دو کشور نیزگسترش یافته است بعلاوه «ماداگاسکار» نیز زنگ خطر را احساس کرده واز فرانسه استمداد نموده است و در تانگانیکا هنوز نیروهای شورشی درجنگند . علت این شورشها اعتراض بحادثه‌تیراندازی در «بن‌غازی» بود ؛ در «بن‌غازی» عده‌ای بطرفداری از کنفرانس سران عرب برپا کرده بودند ودر نتیجه دخالت پلیس دوتن در روزهای ۱۳ و۱۴ ژانویه کشته و چندنفر دیگر نیز مجروح گردیدند و بدنبال این تظاهرات اغتشاش و آشوب قوت گرفته است .

رژیم چین‌کمونیست ازطرف‌فرانسه شناخته شد

در تاریخ هشتم بهمن مصادف با ۲۸ ژانویه ۱۹۶۴ اعلام شدکه فرانسه در ساعت دو وسی دقیقه بعداز ظهر ۲۷ ژانویه رژیم چین کمونیست را برسمیت شناخته است . همزمان با انتشار این اعلامیه فرانسه اعلامیه مشابهی‌در پکن انتشار یافت در اعلامیه‌مزبور گفته شده است‌که دول چین و فرانسه موافقت کرده‌اند روابط سیاسی برقرار سازند و سفیر بین دوکشور مبادله‌کنند .

دین راسك وزیر خارجه امریکا اقدام دوگل را « غیرعاقلانه و فلاکت‌بار » نامیده است و فرمز این عمل را تقبیح نموده ووزارت امور خارجه شوروی گفت :«دولت شوروی شناسائی رسمی چین کمونیست بوسیله فرانسه را « گامی بسوی صلح » تلقی میکند.

در دهم بهمن ژنرال نگوین‌خان با کودتای آرامی سایگون را تصرف کرد

کودتای نظامی‌که در روز دوم نوامبر ۱۹۶۳ رژیم نگودین دیم و برادرش را منکوب کرده بود با کودتای جدیدی که از فرماندهان سه سپاه حمایت میشد سرنگون شد . گزارشهای بدست آمده حاکی است که شهر سایگن توسط چهارگردان چترباز ــ حدود چهار هزار وپانصد تن ــ پیش ازطلوع آفتاب اشغال گردید و در تمام این گیرودار حتی یك گلوله هم شلیك نشده است.

رژیم جدیدویتنام ضدکمونیست و مخالف بیطرفی است و با دیکتاتوری نظامی مواجه گشته است .

امریکا بماه موشك فرستاد و شوروی با یك موشك دو قمر در مدار قرارداد

درتاریخ ۱۲ بهمن مطابق اول فوریه اتحاد جماهیر شوروی روز پنجشنبه دوایستگاه فضائی بعنوان مرکز تحقیقات علمی بفضا پرتاب کرد سفینه‌های مذکور که ایستگاه های تحقیقات علمی است درمدار زمین‌گردش خواهد کرد .

در بعداز ظهر همان روز از طرف امریکا در پایگاه کیپ‌کندی یك سفینه فضائی بنام « رنجر ششم » حامل شش دستگاه دقیق وقوی عکاسی بفضا پرتاب شداین سفینه فضائی باید در مدار ماه قرارگیرد و بیش از ۳۰۰۰ عکس از سطح ماه بگیرد و بزمین بفرستد

سفینه‌مه‌نورد امریکا به‌کره‌ماه‌رسید

«رنجر ششم » بهدف اصابت کرد ولی دستگاه عکاسی آن بکار نیافتاد و بااین عدم موفقیت اکنون تنها سفینه « لونیك‌سوم» شوروی‌است که‌موفق به‌عکسبرداری از قسمتهای نامرئی کره ماه شده است .

اتباع‌امریکا قبرس را تخلیه‌میکنند

درتاریخ چهارشنبه ۱۶ بهمن‌ماه در انفجار شدید در نیکوزیا در برابر سفارت امریکا روی داد که خرابیهائی ببار آورد و یکی از مأموران‌سفارتخانه مختصرجراحتی برداشت و قسمت اعظم خرابی انفجار بمرکز تلفن سفارتخانه‌وارد آمد ووزارت خارجه امریکاشدیداً بقبرس اعتراض‌کرد و باتباع خود دستور تخلیه جزیره را داد واین دستور برای ۱۵۰۰ امریکائی است که در قبرس زندگی میکنند . علت عکس‌العمل شدید امریکا بدان جهت است که آنرا یك حمله تکان‌دهنده‌و خودسرانه برضد خود میداند و در ضمن بیانیه‌ای درخواست کرده است که مسببین این حادثه بشدید ترین وجهی مجازات شوند .

کوبا از امریکا بسازمان ملل شکایت کرد

کوبا بسبب توقیف چهار قایق ماهیگیری از امریکا بسازمان‌ملل شکایت کرد و نماینده کوبا ضمن یادداشت اعتراضی خود نوشته است که این اقدام امریکا نشان میدهد که تجاوز امریکا ضدکوبا همچنان ادامه دارد .

قایقهای نامبرده در ساحل فلوریدا متوقف شده‌اند و مقامات امریکائی اظهار میدارند که ممکن است سرنشینان قایق باتهام‌تجاوز بآبهای ساحلی فلوریدا بمحاکم فوریدا سپرده شوند .

در تاریخ ۱۹ بهمن ماه‌کاسترو اعلام کردکه آب پایگاه **گوانتانامو** را قطع کرده است و چنانچه امریکا بخواهد برای بجریان انداختن آن باقداماتی متوسل شود تا آخرین نفر خواهندجنگید و آب آشامیدنی تا آزادی ۳۶ تن ماهیگیر کوبائی‌که در امریکا اسیر شده‌اند همچنان بسته میماند .

دولت کاسترو یادداشت خود را از طریق سفارت سوئیس درامریکا تسلیم ایالات متحده کرده است .

پرزیدنت جانسون با وزرای دادگستری و خارجه و دفاع‌امریکا مذاکراتی نموده و این جلسه دو ساعت طول‌کشید و پس از این جلسه بوزارت دفاع دستور داده شد در پایگاه ترتیبی داده شود تااز لحاظ آب بکوبا احتیاجی نداشته باشد باید دانست که‌در پایگاه **گوانتانامو** ۱۰۵۰۰ نظامی و غیرنظامی کار میکنند و آب‌آنها از منبعی که مرکز آن در داخل کوبا است تأمین میشود ومصرف آب پایگاه بر اساس قراردادی صورت میگیرد که دولتین کوبا و امریکا باید متفقاً و مشترکاً درباره لغو یا تجدید آن تصمیم بگیرند .

خروشچف به پنج‌کشور اخطار فرستاد

در تاریخ ۱۹ بهمن خروشچف نخست‌وزیر شوروی بآمریکا ، انگلستان ، فرانسه یونان وترکیه اخطار کرد که دست خود را از قبرس‌کوتاه کنند و تأیید نمودکه دولت شوروی نمی‌تواند نسبت به حوادث قبرس‌که‌یك‌نقطه استراتژیك مهم در آبهای مدیترانه است‌آرام وبی‌تفاوت بماند .

تشدید بحران قبرس موجب‌آن شده است که تانت دبیر کل سازمان ملل متحد سفر خود را معوق‌گذارد و ملاقاتی بانمایندگان آمریکا ،انگلیس ، شوروی وقبرس بکند این ملاقات براثر زدوخورد های یونانیان وترکهای قبرس که دو روز قبل صورت گرفته بعمل آمده است .

سومالی بشورای امنیت شکایت کرد

در تاریخ بیستم بهمن دولت سومالی بنماینده دائمی خود در سازمان ملل دستور داده شود فوراً تقاضای تشکیل جلسه شورای

امنیت برای رسیدگی بشکایت آن دولت از حبشه را بنماید.
سبب اختلاف از بدو اتحاددو قسمت سومالی (سومالی ایتالیاو سومالی انگلیس) است وعنوان این ادعاها مربوط بقسمتی از ایالت «اوگادن» در حبشه است که ۴۵۰،۰۰۰ نفر از افراد قبایل سومالی در آن زندگی میکند و قسمتی ازکنیاست‌که صد هزارتن سومالی در آنجا سکونت دارند و این اختلافات ارضی موجب ناراحتی و هیجان در حبشه و کنیا را نموده است.

شوروی قهرمان مسابقات «اینسبورگ» شد

در پایان مراسم نهمین دوره مسابقات زمستانی المپیك که در اینسبورگ انجام گرفت شوروی با یازده مدال طلا مقام اول را ربود بعد اتریش با چهار مدال و مقام سوم را نروژ با ۳ مدال قهرمانی را تا سال ۱۹٦۸ حفظ کردند.

دوره مسابقات زمستانی المپیك ۱۹٦٤ دوازده روز طول کشید و در این بازی ایران نتوانست موفقیتی برای خود کسب‌کند.

۲ ناو جنگی عظیم استرالیائی تصادم کردند

در تاریخ ۲۲ بهمن ناوشکن «ویجر» با سیصد سرنشین پس از تصادم با ناو هواپیمابر «ملبورن»که دارای هزارسرنشین بود دونیمه شد.

وزارت نیروی دریائی استرالیا اعلام‌کرد که براثر غرق شدن ناوشکن «ویجر» عده‌ای جان خودرا ازدست داده‌اند ومعدودی ناپدید گشته‌اند. این تصادم در ۲۰ میلی خلیج «جروس»رویداد و سه ساعت طول کشید تا کشتی غرق شود.

چین ملی با فرانسه قطع رابطه‌کرد

درتاریخ ۲۳ بهمن چین ملی با فرانسه قطع رابطه کرد و این تصمیم پس‌از یك جلسه سه ساعته اعضاء دولت چین ملی اتخاذ شد سفیر چین ملی پس ازملاقات سی دقیقه‌ای با معاون وزارتخارجه آمریکا به خبرنگاران چنین اظهار داشت: چین ملی نمیتوانست از اصول مورد اعتقاد خود دست بکشد و چون هرگز با اصل دوچین موافق نیست تصمیم قطع مناسبات خودرا با فرانسه‌گرفت.

فرمان آتش‌بس در سومالی داده‌شد

در تاریخ ۲۳ بهمن سخنگوی وزارت خارجه سومالی اظهارداشت که فرمان آتش‌بس بعنوان پاسخ هیئت بدرخواست اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد صادر شده‌است

سوء استفاده در شهرداری

روز ۲۸ بهمن ماه اعلام شد که سوء استفاده های بسیاری در شهرداری صورت گرفته که مربوط باسفالت خیابانهاست مخصوصا بصورتحسابی که برای اسفالت خیابان مسگرآباد تهیه شده ایراداتی وارد است همچنین سوء استفاده‌ای در خرید کامیونها جهت رفت و روب خیابانها انجام گرفته است که مقامات مسئول دادگستری سرگرم رسیدگی و تحقیق هستند.

محاکمه جك‌روبی شروع شد.

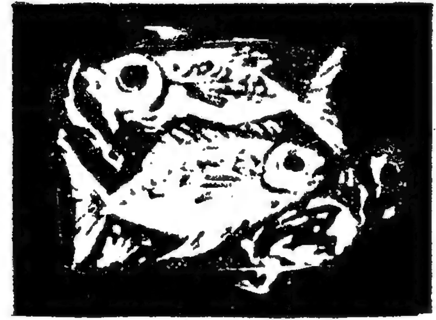
محاکمه جك‌روبی قاتل‌اسوالد در ۱۷ فوریه ۱۹٦٤ مطابق با ۲۸ بهمن در دالاس آغاز شد. باید دانست که نخستین آزمایش های سه تن از طبیبان بیماری روحی نشان میدهد که جك‌روبی هیچگونه اختلال مغزی و یا روانی ندارد و سلامتی او مورد تائید قرارگرفت

ارتش برحکومت «گابن» مسلط شد

درتاریخ ۳۰ بهمن کودتائی در جمهوری افریقائی «گابن» صورت گرفت و ستوان «دانیل اودن» رهبر کودتا «مبا» رئیس جمهور را زندانی کرد «گابن» یکی‌از مستعمرات سابق فرانسه در ساحل غربی افریقاست و بین کامرون وجمهوری کنگو (برازاویل) قراردارد و در هفدهم اوت ۱۹٦۰ استقلال یافت. مبا در سال ۱۹۵۸ در حالیکه گابن هنوز جزوی از فرانسه بود رئیس جمهور اینکشور شد و سیاستی نزدیك بفرانسه داشت و شورش اخیر ظاهرا از ناحیه جوانان بوده است

در این عکس سربازان شورشی‌گابن پس از سرنگون کردن دولت مبادیده میشوند





اسفند

فهرست اختصاری اخبار اسفندماه ۱۳۴۲

* پیروزی در رینگ
* شرفیابی اعضای اکافه بحضور شاهنشاه
* کله دوسگ راباهم عوض کردند
* حسنعلی منصور مأمور تشکیل کابینه شد .
* تعمیم بیمه‌های اجتماعی نسبت بهمه طبقات

حکومت کودتای «گابن» ساقط شد

در تاریخ اول اسفند دولت فرانسه عده‌ای از افراد نیروهای خود را وارد گابن کرد و مجددا حکومت پرزیدنت لئون‌مبارا در این کشور برقرار ساخت دخالت دولت فرانسه بموجب قرارداد نظامی ۱۹۶۱ فرانسه و گابن بوده است .

یونانیان قبرس به قوای انگلیس تیراندازی کردند

یك سخنگوی نظامی انگلیسی اعلام کرد که از یك خانه بسوی واحد گشتی انگلیس شلیك شد . در این تیراندازی که بوسیله یونانیان قبرس انجام شده کسی آسیب ندیده‌است .

هروئین قاچاق منطقه خاور میانه

یکشنبه چهارم اسفند اعلام شد که سفیر مکزیك در بلیوی با دو تن دیگر از عاملین شصت وپنج میلیون دلار هروئین قاچاق کرده‌اند .

کشف شبکه قاچاق باهمکاری نزدیك سه روزه پلیس امریکا و کانادا وفرانسه‌بوده‌است.دستگیری دو نفر از عاملین موقعی صورت گرفت که قصد پرواز و خروج از امریکا را داشتند و دیپلمات مکزیکی در حالی که برای مراسم دعا در کلیسا زانو زده بود و دستورهائی برای محل هروئین دریافت میداشت دستگیر گردید .

یك شورش جدید سوریه را بحرانی کرد

دولت سوریه اعلام کرد که شورش خطرناك اما بدفرجامی را علیه جمهوری ، خنثی کرده‌است . نورالدین اتاسی‌وزیرکشور سوریه اعلام‌داشت‌که‌چندتن ازعاملین‌نهضت را درشهر مرکزی «حمص»دستگیر کرده ودراین حادثه یك تیر شلیك نشده ویك نفرهم زخمی نگردیده است .

انگلیس ، آمریکا رژیم زنگبار را برسمیت شناختند

دوشنبه پنجم اسفند اعلام شد که دولتهای انگلیس ، آمریکا ، استرالیا،کانادا ، زلاند جدیدهندو جامائیکا رژیم جدید زنگبار را برسمیت شناخته‌اندتلگرافی دراین زمینه از دوگلاس هیوم نخست ـ وزیر انگلیس بدولت جدید مخابره گشت .

مذاکرات ایران و عراق

از بامداد روز ششم اسفند مذاکرات ایران و عراق شروع شد و تا دوشنبه سیزدهم اسفند، که هیئت نمایندگان عراق در ایران توقف دارند ادامه یافت .

گفته می‌شود که آقای صبحی عبدالحمید وزیر خارجه عراق حامل یك پیام شفاهی از مارشال عبدالسلام عارف رئیس جمهوری عراق برای شاهنشاه میباشد وزیر خارجه عراق طی مصاحبه‌ای گفت: مذاکرات بادولت ایران شامل قضایای مربوط به اشتراك مساعی اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور خواهد بود .

لیستون و کلی باهم روبرومیشوند

در تاریخ ششم اسفند «سونی لیستون» قهرمان‌بکس‌جهان با مدعی جوان خود «کاسیوس کلی» مسابقه خواهد داد . لیستون و کلی ازاین مقابله بترتیب دو میلیون دلار و یك بیلیون دلار خواهند گرفت در حالیکه برگزار کنندگان مسابقه تا لحظه مسابقه ۷ بیلیون دلار بجیب خواهند زد .

اخطارشدیدشوروی وچین‌کمونیست به آمریکا

در تاریخ ۷ اسفند دو کشور بزرگ جهان کمونیست ، شوروی و چین بدولت آمریکا اخطار کردند که از دخالت درامور ویتنام خود ـ داری کند زیرا ایندولتها نسبت بماجراهای ایالات متحده درآسیای جنوب شرقی بی‌تفاوت نخواهند نشست .

تعقیب مادام نهو

سخنگوی وزارت دادگستری در سایگن اعلام کرد که بانو نگودین‌نهو



کاسیوس‌کلی قهرمان بکس



لیستون

زن مقتدر سابق این کشور «یاغی» شناخته شده‌است و برگ جلبی بنام بانو نگودین نهو که مدتیست با چهار فرزندش در پاریس بسر میبرد صادر کرده‌اند منابع نزدیک بدولت فرانسه اظهار میدارند که دولت‌فرانسه ازتحویل‌دادن‌مادام‌نهو بدولت سایگن امتناع خواهد کرد زیرا مادام نهو را فرانسوی میداند ونمی‌تواند اورا اخراج کند .

عجیب ترین پیروزی در تاریخ بوکس جهان

درتاریخ ۷ اسفندکاسیوس کلی بوکسور ۲۲ سالـ، سیاهپوست لیستون را ناکاوت کرد و چنان بهیجان آمده بود که دور رینگ میگردید وفریاد میکشید برای‌اینکه بازوی لیستون درروند ششم ضرب دید ونتوانست ببازی ادامه دهد وباین ترتیب سلطان جدید رینگ شد .

اطلاعیه مذاکرات ایران و کنسرسیوم

مذاکرات سه روزه نفت درتهران که از بامداد روز دوشنبه ٤ اسفند آغاز شده بود در تاریخ ۷ اسفند پایان یافت و بدنبال آن اطلاعیه‌ای درباره سفر نمایندگان شرکتهای عضو کنسرسیوم بایران وروس کلی مذاکرات انتشار یافت .

نمایندگان شرکت ملی نفت‌ایران تاکید نمودند که از ظرفیت کنونی پالایشگاه آبادان بایستی هرچه زودتر برای افزایش‌میزان صادرات استفاده شود واین موضوع مورد مطالعه کارشناسان میباشد .

چنین برمی‌آید که باید محصول پالایشگاه آبادان و صادرات نفت تصفیه شده افزایش یابد وکارکنان خارجی نفت‌تقلیل یابند وتسهیلاتی در آموزش کارکنان فراهم گردد.

فرانسه متهم به توطئه شد

در تاریخ۹ اسفند «ژنرال نگوین

یك صحنه از مبارزه هیجان‌انگیزکلی ولیستون

لاشه هواپیمای امریکائی پیدا شد

در تاریخ ۱۳ اسفند هواپیمای امریکائی در برخورد با کوه سقوط کرد و ۸۵ نفر کشته شدند وچنین حاکیست که این هواپیما چهار موتوره به‌قله «سیرا» اصابت کرده است .

از جانب دیگر اجسادقطعه قطعه شده سقوطهواپیمای بریتانیا که‌در نزدیکی اینسبورگ سقوط کرده‌بود با هلیکوپتر از ناحیه سقوط به‌اینسبورگ حمل شد .

پاسخ علم به پیام خروشچف

در تاریخ ۱۳ اسفند آقای علم نخست وزیر به پیام آقای نیکیتا خروشچف نخست وزیر شوروی پاسخ گفت . متن خلاصه پیام جوابیه آقای علم که از طرف آقای آدمیت سفیر کبیر ایران تسلیم نخست‌وزیر شوروی شد چنین است :

«ایران از هیچ کوششی در راه خلع سلاح واقعی فروگزار نخواهد کرد چون شرح امتیازات صلح و محاسن زندگی در محیط امنیت وثبات برای کشوری آنقدر روشن وبدیهی است که تکرار آنرا لازم نمی‌دانم .

در جهانی که از طرفی ۷۰۰ میلیون مردم آن هنوز بیسوادند و ۱۲۰۰ میلیون نفر هرشب‌گرسنه میخوابند وهمه ساله ۲۰ الی ۲۵ میلیون نفر برتعداد بیسوادان افزوده میشود و یا از عواقب کم غذائی و بد غذائی در عذابند ــ طبیعی است که اختصاص صدو بیست هزار میلیون دلار در سال برای مخارج تخریبی وجدان هر انسان را جریحه‌دار و یکی از جنبه های غیر عقلانی وزننده‌عصر مارا نمایان میسازد .»

آقای علم نخست وزیر در جای دیگر ازپیام می‌افزایندکه : «آنچه در اوضاع واحوال فعلی جهان مهم است امضاء محض قراردادها و موافقت نامه‌های تازه نیست چون تا موقعیکه افراد بشر و حکومتها فلسفه جنگ وتوسل بزور را در روح وفکر خود طرد نکرده باشند و از اصل همزیستی مسالمت آمیز بهمان نحوی‌که آنرا در راس‌منشور ملل متحد اعلام کرده‌اند پیروی نکنند اسناد و قرارداد های رسمی بین‌المللی دارای ارزش حقیقی خود نخواهد بود و انعقاداین قبیل قراردادها هرچند مفید و منطقی باشد تا موقعیکه بخلع سلاح عمومی منجر نگردد تامین و تضمین کافی



اعضاء کنفرانس اکافه در حضورشاهنشاه و شهبانوی ایران

خ‌ان» رهبرتازه ویتنام‌جنوبی‌گفت : توطئه‌ای برای کشتن او که از طرف فرانسه حمایت میشد ترتیب داده بودند و قرار بود که عملی شود اما او بموقع ازاین توطئه‌آگاه شده واز سفری که در نظر داشت انجام دهد صرفنظر کرد . سفارت فرانسه این ادعا را تکذیب کرد که هیچ فرد فرانسوی مقیم ویتنام بدنبال این ادعا توقیف نشده‌است

بازگشت اعلیحضرتین بایران

در تاریخ ۱۱ اسفند شاهنشاه و شهبانو از سفر چهل روزه خود بکشور های اتریش وایتالیا باز گشتند .

شاهنشاه قبل از مسافرت در یك کنفرانس مطبوعاتی که در محل سفارتکبرای ایران در رم ترتیب داده شده بود شرکت فرمودند و بپرسشهای نمایندگان وخبرنگاران مطبوعات و خبرگزاریهای جهان پیرامون مسائل مختلف پاسخ دادند

یك جت انگلیسی با ۱۳ سرنشین گمشد

سرویس هوائی انگلستان گزارش داد که یك هواپیمای مسافری انگلیس با ۷۵ مسافر و ۸ کارمند هواپیما که قرار بود در اینسبورگ اتریش فرود آید ناپدید شده‌است.

گفته میشود که در کوههای پوشیده از برف سرنگون شده‌است وبرای این منظور گروهی از اسکی بازان تیم‌های متخصص نجات و هواپیماهای متعدد و بیش از ۷۰۰ سرباز و ژاندارم اتریش نیز آماده آغاز کوششی برای یافتن هواپیما هستند .

کنفرانس اکافه در تهران

در تاریخ ۱۲ اسفند ساعت ۱۰ بامداد بیستمین دوره اجلاسیه کمیسیون اقتصادی آسیا و خاور دور با شرکت نمایندگان ۲۸ کشور آسیائی‌وخاور دوربوسیله شاهنشاه در کاخ سنا گشایش یافت .

در موقع ورود شاهنشاه بتالار جلسه حضار باحترام بپا خاسته وابراز احساسات کردند در این مراسم آقای علم نخست‌وزیر ، هیئت دولت ، نمایندگان مجلسین شورایملی و سنا و شخصیت های اقتصادی و جمعی از نمایندگان سیاسی و وابسته های تجاری و اقتصادی حضور داشتند .

شاهنشاه جهت افتتاح کنفرانس اکافه‌نطقی ایرادفرمودندوفرمایشات ملوکانه با کف زدن شدید استقبال گردید پس از نطق اعلیحضرت همایونی کنفرانس بعنوان تنفس تعطیل شد .

کله دو سگ را باهم عوض کردند

عملی که تاکنون درتاریخ جراحی بی‌سابقه بوده توسط پروفسور ولادیمیر دمیخوف صورت گرفت بدین معنی که جراح در یك زمان دوسگ را سر برید و سر هر یك را بر بدن دیگری پیوند زد حال یکی از سگها بسیار خوبست ولی ازوضع سگ‌دیگر اطلاعی در دست نیست .

در بر نخواهد داشت و نمی‌تواند بتنهائی مانعی در راه‌تجاوز وتعرض قرار گیرد. »

وخامت اوضاع ویتنام

در تاریخ ۱۴ اسفند پیش از سحرگاه شدیدا بدو گردان هوائی دولتی ویتنام جنوبی حمله شد و این شدیدترین تلفاتی است که در این ماه به نیروهای دولتی وارد می‌آید. چریکهای کمونیست یك ساعت تمام نیروهای دولتی را زیر آتش گلوله گرفته بودند و سپس در نزدیکی مرز کامبوج متفرق‌شدند بطوریکه نیروهای دولتی نتوانستند رد پای آنها را بدست آورند.

یکی از دلایلی که هلیکوپتر های آمریکائی نمی‌توانستند وارد صحنه نبرد گردند طبق قرار داد مبنی براینکه هواپیما های امریکائی نمی‌توانند بیش از پنج کیلومتر بمرز کامبوج نزدیکتر شوند بوده است.

سومین توطئه ضد دولتی سوریه کشف و خنثی شد

برای سومین بار در دوهفته اخیر توطئه جدیدی برای واژگون کردن حکومت سوریه در آن‌کشور چیده شد که مانند دو مرتبه پیش با شکست مواجه‌گردید و گردانندگان آن دستگیر شدند.

آزادی طلبان عمان قیام کردند

در تاریخ ۱۴ اسفند گروهی از نیروهای آزادیبخش مستعمره عمان به مقر هلال‌بن حمد شمار حاکم شهر نزوا حمله بردند و پس از کشتن او و پنج سرباز فدراسیون عربستان جنوبی بدون دادن تلفات متفرق گردیدند.

مقامات انگلیسی در آن شهر حالت فوق‌العاده اعلام کردند و برای یافتن حمله کنندگان ورود و خروج مردم‌رابشدت کنترل میکنند.

نیرو های آزادیبخش عمان به شدت حملات خودرا علیه نیروهای دولتی و قوای انگلیسی افزوده‌اند آنان پس‌از حمله بسرعت عقب نشینی میکنند و اثری از خود بجا نمی‌گذارند.

حسنعلی منصور مامور تشکیل کابینه شد

در تاریخ شنبه ۱۷ اسفند دولت آقای اسداله علم استعفاداد وآقای حسنعلی منصور کابینه جدید خود را در ساعت چهار بعداز ظهر همان روز بحضور شاهنشاه معرفی کرد دولت آقای منصور یك دولت‌حزبی است که گروه پارلمانی حزب‌ایران نوین در راس آن قرار دارد و زائیده انقلاب ششم بهمن است و بالطبع دولت واعضاءپارلمانی برای بثمر رساندن انقلاب با علاقمندی کار خواهند کرد.

پادشاه یونان درگذشت

در تاریخ ۱۶ اسفند اعلام شد که اعلیحضرت پل پادشاه یونان درگذشته است. وی۶۲ سال‌داشت و بدنبال یك عمل جراحی که چهار روز پیش روی زخم معده او انجام شده بود و منجر به لخته شدن خون در پای راست و بعدا در ریه شد وسبب مرگ وی گردید.

امریکا وانگلیس باسرائیل دربرابر اعراب کمك میکنند

در تاریخ ۱۸ اسفند ژنرال امین حافظ نخست وزیر سوریه امریکا وانگلیس را متهم کرد که باسرائیل کمك میکنند تا آن کشور بقیمت زیان اعراب بطرحهای توسعه‌طلبانه خود تحقق بخشد. حافظ همچنین اعلام کرد که سوریه از حاکمیت چین کمونیست بر فرمز و عضویت پکن در سازمان حمایت‌میکند سپس حافظ افزود: انقلاب حزب بعث در سال ۱۹۶۳ بمنظوراعاده وحدت بین مصر وسوریه انجام شد ولی ملت سوریه حاضر نیست که بار دیگر دچار اشتباه گذشته بشود و ضمنا از پیشنهاد خروشچف برای «صلح در مرزها» حمایت کرد.

بدولت آقای منصور رای اعتماد داده شد

در تاریخ ۱۹ اسفند جلسه فوق العاده شش ساعت و نیمه مجلس شورایملی برنامه‌دولت آقای‌منصور باتفاق آراء مورد تائید نمایندگان قرار گرفت و تمام صدوشصت ونه نفر عده حاضر بکابینه ایشان رای اعتماد دادند.

حمله یونانیها به ترکهای قبرس

در تاریخ ۲۰ اسفند یونانیهای قبرس تعرض جدیدی را در تمام جزیره علیه ترکها آغاز کردند و آنهارا زیر آتش گرفتند واز صدو هفتاد وشش نفر ترك که بوسیله یونانیها ربوده شد اطلاعی بدست نیامده‌است و صد سرباز انگلیسی در محاصره ترکها در آمدند وشهر «کیتما» پس از زدوخورد بمحاصره یونانیها افتاد:

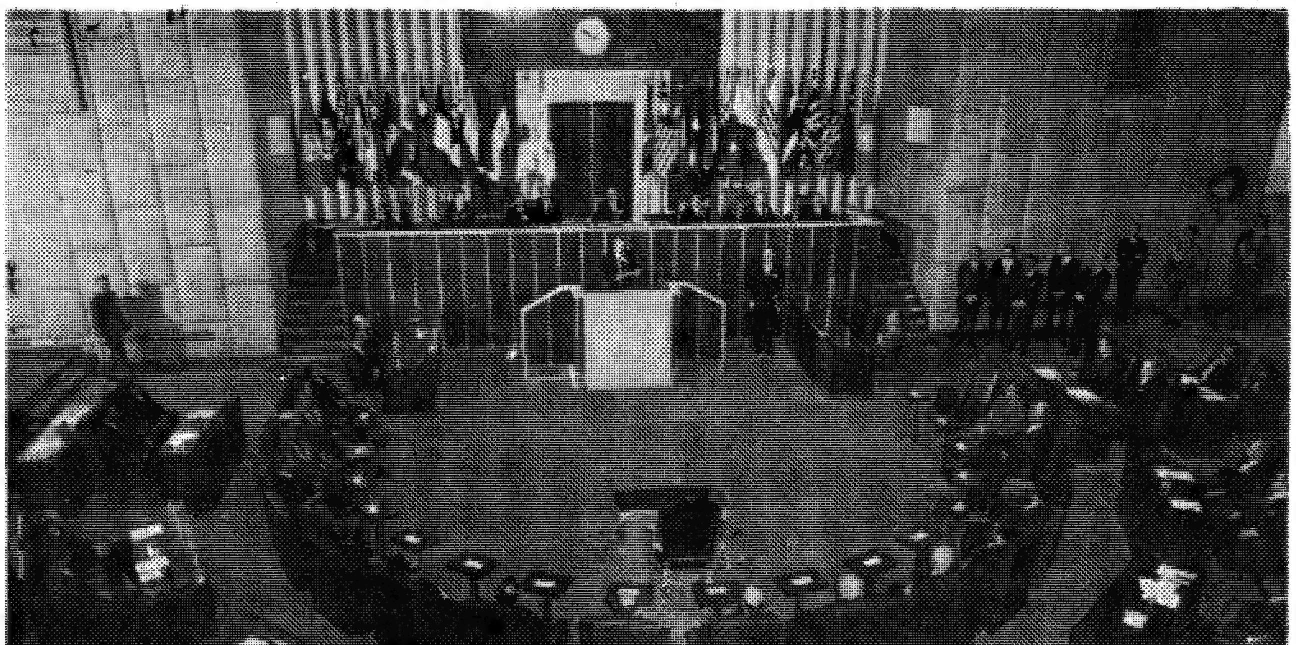
مراسم روز شهدای ارتش وآئین جاوید برگزار شد

در تاریخ بیستم‌اسفند درپیشگاه شاهنشاه مراسم‌روز شهدای‌ارتش در باشگاه افسران برگزار شد تیمسار ارتشبد حجازی‌رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران گزارشی بعرض رسانید و پس از پایان گزارش شاهنشاه بهریك از بازماندگان افسران شهید نشان جاوید اعطاء فرمودند.

دولت آمریکا شدیدا بشوروی اعتراض کرد!

در تاریخ ۲۱ اسفند نیروی هوائی امریکا اعلام داشت که یك هواپیمای‌بمب‌افکن جاسوسی‌آمریکا از نوع «آر ـ بی ـ ٦٦» با سه سرنشین ناپدید شده و احتمال میرود که برفراز آلمان شرقی

کنفرانس اکافه



سرنگون شده باشد . سخنگوی نیروی هوائی آمریکا اظهار داشت که این هواپیما ضمن یك پرواز تعلیماتی و آموزشی برفراز خاك آلمان غربی راه را گم کرده و بآلمان شرقی رفته‌است. این هواپیما غیر مسلح بوده و در حوالی مرکز برلن هدف توپخانه آلمان شرقی قرار گرفته است و این دومین هواپیمای امریکائی است که در سال مسیحی برفراز خاك آلمان شرقی سرنگون میشود .

برای این منظور دولت آمریکا برضد اقدام‌نیروهای نظامی‌شوروی شدیدا اعتراض‌کردند و خاطرنشان ساختند که چون این‌هواپیما مسیر خودرا گم کرده بود در مورد پس دادن زنده یامرده سه تن از سر نشینان هواپیما ولاشه آن با دولت آمریکا همکاری کنند .

نیروی دریائی ترکیه آماده دخالت در قبرس شد

دولت ترکیه دستور داد کلیه مرخصی های افراد نیروی دریائی آن کشور لغو شود و بحال آماده منتظر فرمان باشند واین دستور پس از بالا گرفتن زدوخورد میان ترکها و یونانیان قبرس صورت گرفت و مخصوصا خطری که ترکها را تهدید میکند وتحت محاصره یونانیان قرار گرفته‌اند صادرشد چون ترکها پس از چند روز جنگ خونین در منطقه کوهستانی «مالیا» تسلیم شدند واسلحه‌خود را تسلیم قوای دولتی قبرس کردند .

بسیج عمومی در مالزی

در تاریخ ۲۱ اسفند شورای وزیران مالزی تصمیم گرفت پانصد هزار تن از مردم این کشور را که از سی سال کمتر دارندبرای مقابله با اندونزی بزیر پرچم فراخواند .

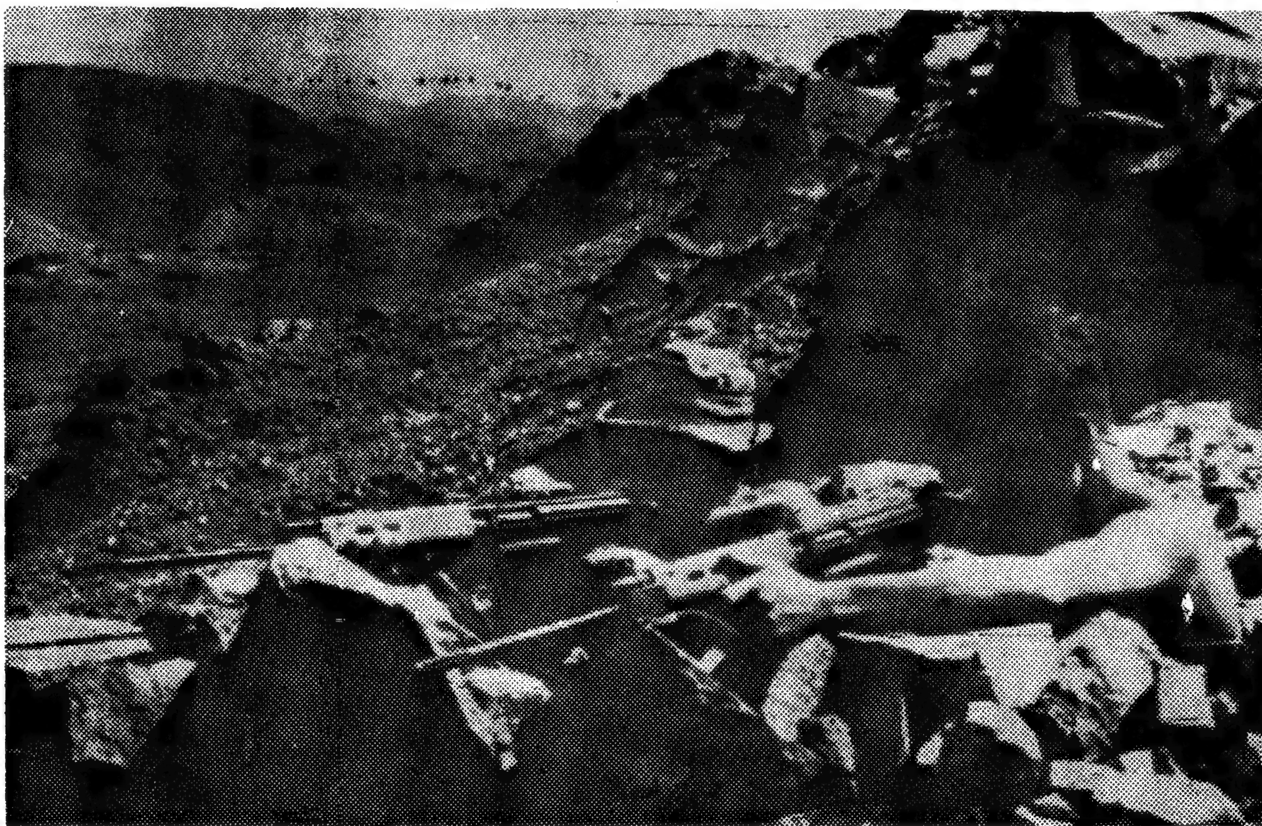
دولت اندونزی هم مالزی را دست نشانده امپریالیستها داشته واعلام داشت که باتمام قوا ازحق حاکمیت خود دفاع خواهد کرد .

پیشروی ترکیه بسوی نیکوزیا

در تاریخ بیست ودوم اسفند اعلام شد که واحد ارتشی ترك در قبرس که از هفتصد نفر سرباز ارتش ترکیه تشکیل یافته است بسوی نیکوزیا پیش رفت این‌واحد طبق حقوقی که بموجب قرارداد به ترکیه داده شده دراین جزیره مستقر شده‌است در خود نیکوزیا نیز نیرو های انگلیسی مقر مرکزی خود را با اسلحه ضد تانك و مسلسل محاصره کردند و بکلیه افراد غیر نظامی انگلیس دستور داده شد که در خانه‌های خود بمانند .



حسنعلی منصور



ترکیه و یونان در آستانه جنگ قرار گرفتند

در تاریخ ۲۳ اسفند قبرس در آستانه جنگ قرار گرفت . قوا و توپخانه و تانکهای ترکیه در کشتی های جنگی ترکیه جا گرفتند و متقابلا نیروهای جنگی یونان بحالت آماده باش درآمدند. دولت ترکیه یادداشتی حاوی پنج نکته برای دولت قبرس فرستادواز ماکاریوس خواست که اگر در ظرف چهل و هشت ساعت به اولتیماتوم ترکیه جواب موافق داده نشود در قبرس پیاده خواهند شد . کمی پس از اولتیماتوم ترکیه ماکاریوس رئیس جمهور قبرس گفت : «اگر قوای ترکیه در قبرس پیاده شود تا آخرین نفس با شهامت واراده خلل ناپذیر خواهند جنگید و برای حفظ آزادی جان خودرا فدا خواهند نمود » ضمنا دولت قبرس از شورای امنیت سازمان ملل متحد درخواست کردکه یك جلسه فوق العاده برای رسیدگی باولتیماتوم ترکیه تشکیل دهد .

اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحدگزارش دادکه کلیه نیروهای صلح سازمان ملل مرکب از هفت هزار سرباز از کشور های مختلف در قبرس متمرکز خواهند شد تااز هرگونه جنگی جلوگیری بعمل آید .

روبی به اعدام محکوم شد

درتاریخ ۲٤اسفند ساعت۵۲ــ۲۱ بوقت تهران منشی دادگاه دالاس رای هیات منصفه را که پس از دو ساعت و ۲٤ دقیقه بحث و گفتگو نظر داده بودند جك‌روبی را با صندلی الکتریکی محکوم باعدام کنند اعلام کرد .

وکلای مدافع جك روبی گفتند هیات منصفه کوچکترین توجهی بحقایق نداشته ودرحقیقت از قبل تصمیم‌خود را گرفته بودند. روبی هنگام اعلام رای ساکت و آرام برئیس دادگاه مینگریست و مادر اسوالد گفت :

آرزو میکردم که جك روبی به زندان ابد محکوم شود نه بمرگ

بیمه های اجتماعی نسبت بهمه طبقات تعمیم داده میشود

بمناسبت روز بیست‌و چهارم اسفند ، تولد اعلیحضرت فقید و روز کارگر نمایندگان کارگران پایتخت و شهرستانها باتفاق آقای عطاءاله خسروانی وزیر کار و خدمات اجتماعی برای عرض تبریك در کاخ مرمر بحضور شاهنشاه بار یافتند ودر ساعت یازده و پنجاه دقیقه اعلیحضرت همایونی بمحوطه کاخ مرمر تشریف فرما شدنددرشرفیابی کارگران‌شاهنشاه در باب تعمیم امر بیمه های اجتماعی و شمول آن نسبت بکلیه طبقات واصلاح قوانین کار و بیمه های اجتماعی بیاناتی فرمودند که مورد استقبال کارگران واقع‌گردید.

دو مقام اول در کشتی نصیب ایران شد

در تاریخ ۲۵ اسفند مسابقات کشتی هفت جانبه تهران که با شرکت تیمهای‌شوروی ، بلغارستان ژاپن ، عراق و سه تیم از ایران از دو شب قبل آغاز شده بود پایان یافت وجمعا تیم شوروی سه، تیم‌ایران دو،تیم‌ژاپن‌دو،وبلغارستان یك مقام اول کسب کردند در این مسابقه جمعا چهل و پنج کشتی‌گیر شرکت داشتند و شصت ونه کشتی انجام شد و چون از ایران سه تیم شرکت کرده بود بنا بتوافق سر ــ پرستان امتیازات تیمها بحساب نیامد .

شرفیابی نمایندگان اکافه

عصر ۲۵ اسفند روسای هیات های نمایندگی کشور های شرکت کننده در کنفرانس اکافه در کاخ گلستان بحضور شاهنشاه و شهبانو رسیدند در این مراسم آقای حسنعلی منصور نخست‌وزیر و وزیران و سفرای کبار کشورهای عضو اکافه نیز شرکت داشتند .

سعداله قاتل شناخته شد

در تاریخ ۲٦ اسفند سعداله امیر سیفی متهم بقتل ایران‌آغاسی معروف به فلور برای نهمین‌بار در شعبه نهم دادگاه جنحه محاکمه شد و ساعت یك ونیم‌دادگاه جنحه تصمیم قطعی خودرا اعلام کرد و طبق این تصمیم سعداله قاتل فلور شناخته شد و بجرم آن به چهار سال حبس محکوم گردید .

قوای دریائی ترکیه آماده حمله بقبرس شد

در تاریخ ۲۷ اسفند اعلام شدکه مجلس کبیر ملی ترکیه روز گذشته در یك جلسه‌سری به عصمت اینونو نخست‌وزیر اختیار داد که در صورت‌لزوم به‌قبرس‌نیرواعزام‌کند. به‌موجب‌گزارش‌رادیو آنکارا مجلس کبیر ملی ترکیه این اختیارات را بدرخواست خود عصمت اینونو بوی تفویض کرده کرده .

وام جدید آمریکا

در تاریخ ۲۸ اسفند اعلامیه‌ای درباره وام آمریکابرای تکمیل طرح مشترك راه‌آهن ایران و ترکیه منتشر شد بموجب این اعلامیه دولت امریکا وام های طویل‌المدتی در اختیار ایران وترکیه گذارد . طبق این طرح فاصله سیصد و هشتاد و پنج کیلومتری بین شهر های تونس و شرفخانه بوسیله خط آهن بهم متصل خواهد شد .

بسیج افراد در ویتنام

در تاریخ ۲۹ اسفند نگوین خان نخست وزیر ویتنام جنوبی اعلام داشت که کلیه افراد از تمام طبقات باید در جنگ با کمونیستها شرکت داشته باشند ظاهرا این اعلام بسیج بمذاق هزاران‌نفر از ثروتمندان ومتنفذین مقیم سایگن خوش نیامده‌است اما ژنرال خان حمله به ویتنام شمالی را لازم دانسته ودر جواب بآنها گفته‌است من نمی‌توانم در پاسخ سؤال شما چیزی بگویم .

امریکا بار دیگر اعتراض کرد

آمریکا باردیگر در یك یادداشت اعتراضیه دیپلماتیك بشوروی اخطار کرد که اگر سه هوانورد امریکائی که در آسمان شرقی دستگیر شده‌اند آزاد نگردندروابط آینده شوروی و آمریکا بخطر افکنده‌خواهد شدباوجود یادداشت اخطار آمیز آمریکا شوروی آنرا نادیده گرفته و حتی بیك پزشك آمریکائی اجازه نداد که از یکی از هوانوردان که زخمی شده بود معاینه نماید .

یونانیان قبرس بترکها حمله کردند

آخر وقت ۲۹ اسفند خبر رسید که زدو خورد بار دیگر در قبرس میان ترکها و یونانیان در گرفته است ومسئله مورد توجه اینست‌که زدوخورد موقعی صورت گرفته که قوای حافظ صلح سازمان ملل در قبرس هستند .



ورود آقای دکتر برونیکه اولسن رئیس کارخانجات قند دانمارك ومخترع دیفوزیونهای د. د. اس بایران

آقای دکتر برونیکه اولسن طی اقامت پنج روزه خود در ایران بامقامات سازمان برنامه وروسای کارخانجات قند ملی مذاکره نمود

روز سیزدهم اسفند ماهسال گذشته آقای دکتر برونیکه اولسن رئیس کارخانجات قند دانمارك و مخترع دیفوزیون های د . د. اس بنا بدعوت شرکت تیان نمایندگی کارخانجات قند د .د . اس دانمارك درایران با هواپیما واردتهران شد . آقای دکتر اولسن که تحول عظیمی در صنعت قند سازی جهان بوجود آورده است طی مدت اقامت کوتاه خود در ایران با مقامات سازمان برنامه وروسای کارخانجات قند ملی وهمچنین مهندسین قند سازی در مورد توسعه کارخانجات قند در ایران با استفاده از ماشین آلات مدرن قند سازی ودیفوزیونهای د . د. اس مذاکره نمود .



درفرودگاه مهرآباد آقای حمید خواجه نصیری مدیرعامل شرکت تیان به آقای دکتر برونیکه اولسن رئیس کارخانجات قند دانمارك خوش آمد میگویند .

در ملاقاتی که بین آقای دکتر برونیکه اولسن با آقای قره گزلو رئیس شرکت سهامی کارخانجات ایران صورت گرفت قرار شد با توسعه کارخانجات ایران قسمت اعظم اجزاء ماشین آلات مورد نیاز کارخانه ها در خود ایران ساخته شود وبرای این کار نیز کارخانه شماره ۵ مکانیکی ونك در نظر گرفته شد .

در مذاکره دیگری با آقای بشارت مدیرعامل شرکت سهامی تولیدی کارخانه‌های قند قوچان وشیروان آقای بشارت در مورد نحوه کار دیفوزیون ها ونتایج غیر مترقبه کار دستگاه ها اظهار خرسندی و رضایت نموده واظهارداشت که دیفوزیون موجود در کارخانه روزانه بطور متوسط ۳۰۰ تن بیش از ظرفیت اصلی خودکار توسعه این کارخانه از دستگاه دیگری نظیر این دستگاه استفاده خواهد شد .

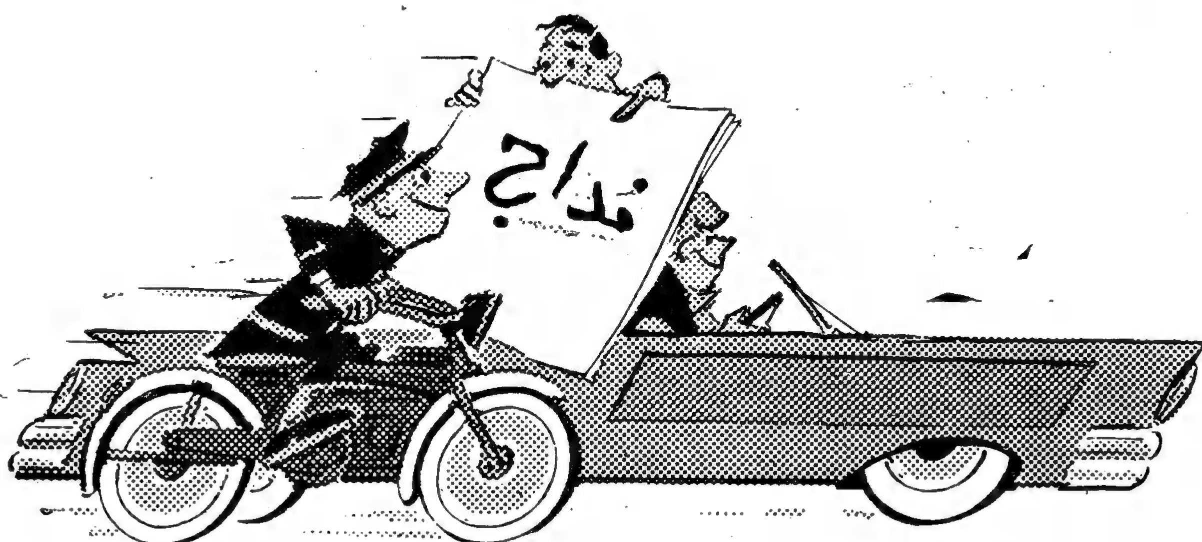
ضمن تماسی که خبرنگاران مطبوعات باآقای دکتربرونیکه اولسن گرفتند وی در مورد استفاده از این دستگاهها در ایران وبازده ماشین مزبور اظهار داشت در حال حاضر در ایران کارخانجات قند ــ کرمانشاه ــ فریمان ــ شاهرود و شیروان دارای دستگاههای جدید د . د. اس میباشند و باید متذکر شد که باوجودیکه ضایعات این نوع دستگاهها در کارخانجات قند بسیار ناچیزاست راندمان کارخانجات را به حد اکثر مقدار خودافزایش میدهد .

شیروان بنحو رضایت بخشی کردهاست و بهمین جهت با

سازمانهای فداج

مرکز آموزش صحیح رانندگی

تلفنهای: ۷۲۹۰۴ - ۷۱۲۵۰ - ۷۵۶۶۴۱

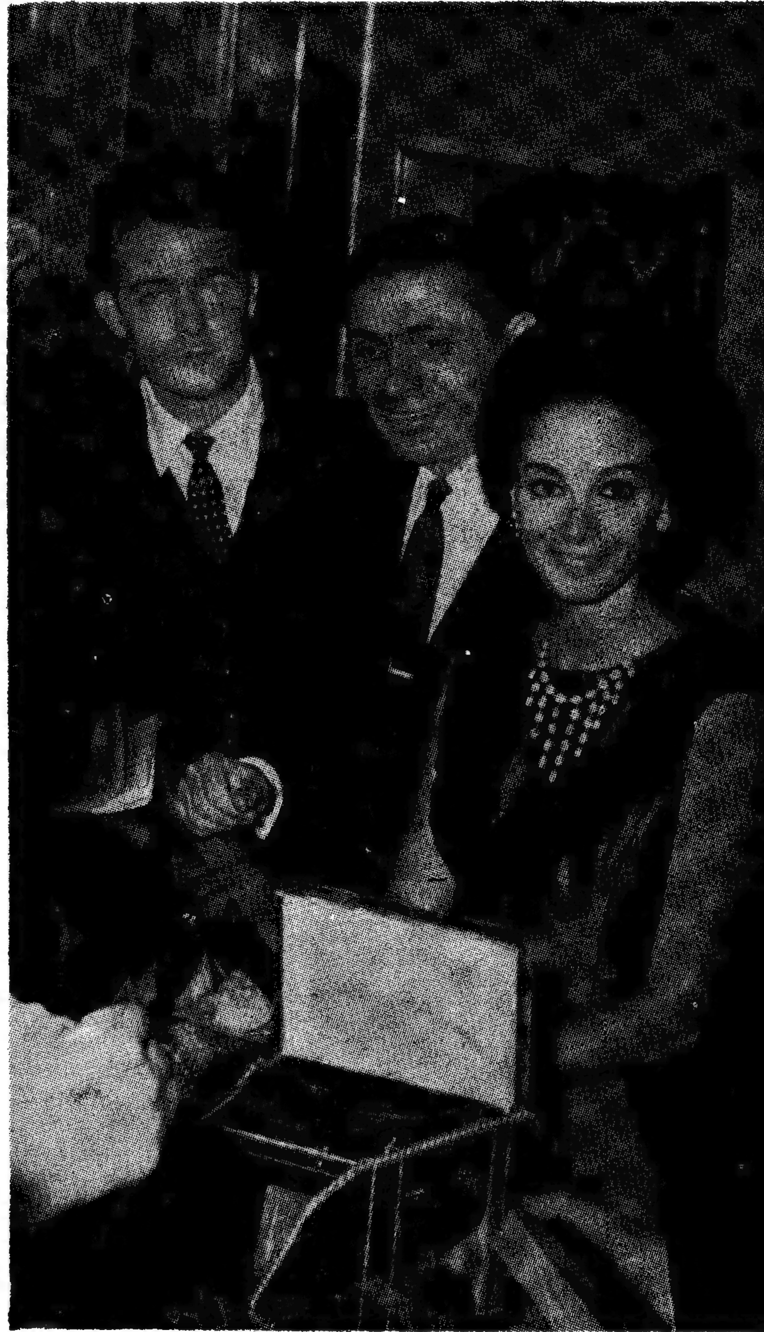


آموزش رانندگی با اتومبیلهای متفرقه درمحلهای پرازگرد وخاک‌ریتین لطیف شما را بمرض خانمانسوز سل‌و پوست بدن‌را بامراض جلدی‌تهدید میکند.

برای پیشگیری از خطرات این قبیل‌بیماریها در میدان اسفالته و مجهز سازمانهای فداج رانندگی را با متدصحیح (با تکنیك ممالك پیشرفته) بیاموزید.

سازمان شماره ۲ ـ خیابان شمیران‌چهارراه حقوقی

سازمان شماره ۳ـ اول‌جاده تهران‌نوجنب بیمارستان بوعلی



در عکس بالا پیرآنجلی و ژاك شاریه طرفین آقای منصور مظفری در جواهری مظفری

بازدید شخصیتهای معروف جهان از جواهری مظفری (۴۸۸)

طی سال گذشته عده‌ای از شخصیتهای معروف جهان‌که بایران سفر نمودند ضمن بازدید از آثار بدیع و صنایع مستظرفه ایران از نمایشگاه جواهری مظفری ۴۸۸ نیز دیدن کردند و در این دیدارها با طرحها و شیوه‌های جدیدی که سازندگان هنرمند ایرانی‌در ساختن جواهرات ابداع نموده بودند آشنا شدند از جمله خانم جینالولوبریجیدا ستاره معروف ایتالیائی که در طول مدت اقامت کوتاه خود در ایران از این نمایشگاه دیدن نموده بود پس‌از خرید مقادیری‌جواهر اظهار داشت که درنخستین فیلم خود پس از مسافرت ایران جواهرات مزبور را بکار خواهد برد.

ژاك شاریه و پیرآنجلی دوستاره هنرمند عالم‌سینما نیز‌که سال‌گذشته باتفاق یکدیگر بایران آمدند از نمایشگاه جواهر مظفری بازدید بعمل آورده و حسن ابتکار و ذوق و سلیقه هنرمندان ایرانی‌راستودند.

آقای منصور مظفری‌که نمایشگاه جواهری مظفری (۴۸۸) بوسیله وی تاسیس گردیده فرزند آقای غلامحسین مظفری مدیر کتابخانه مظفری و نوه شادروان محمد علی‌مظفری بنیانگذارو مؤسس‌پرورشگاه ایتام مظفری میباشد که خدمات ذیقیمت ایشان در راه توسعه و اشاعه فرهنگ کشور پیوسته مورد توجه بوده است و شاید یکی از علل توجه آقای منصور مظفری بهنرهای مستظرفه و جواهرسازی علاقه اولیه وی بادبیات و هنر ایرانی بود و همین سبب شد که پس از اتمام تحصیلات با تاسیس نمایشگاه جواهر راه تازه‌ای را برای ابداع طرحهای جدید در مقابل سازندگان‌ومبتکرین‌شایسته ایرانی قراردهد و توجه خارجیان‌رابشیوه‌های بدیع و تازه ازاین هنر ظریف در ایران جلب نماید.

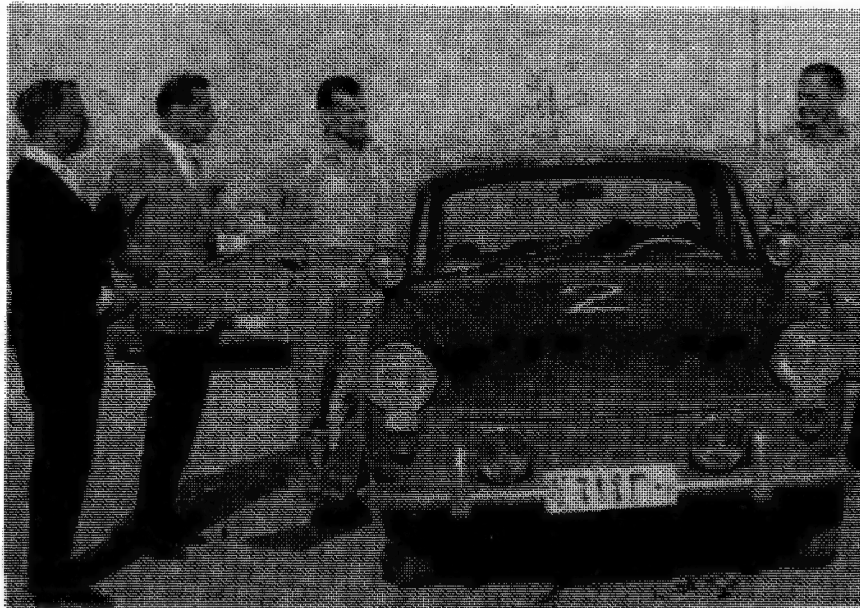
سال گذشته که فاجعه ترور کندی اندوه عمیقی در جهان بوجود آورد آقای مظفری نخستین ایرانی بود که بااهداء یك انگشتر زیبا وجالب بهمسر رئیس‌جمهور فقید ایالات متحده موجبات تسلی خاطر او را فراهم آورد. در جواب این هدیه بدیع وارزنده ژاکلین کندی نیز طی نامه تشکرآمیزی بآقای مظفری نوشت:

« ضمن نهایت تشکربایدبگویم که این انگشتر یکی از دوست‌داشتنی‌ترین اشیائی است که در عمرم دیده‌ام و همیشه نیز از آن نگهداری خواهم‌کرد » باید افزود علاوه‌برشخصیتهای خارجی که طی سال گذشته ازاین نمایشگاه دیدن نمودند شخصیتهای بین‌المللی دیگری نیز در سالهای قبل از نمایشگاه مزبور بازدید بعمل آوردند که از آن‌جمله میتوان راج کاپور و گاری کوپروهمچنین دی‌براندویچ رئیس کمیته المپیك جهانی راکه‌موزه‌بزرگی‌ازجواهرات دارد نام برد.

جالب ترین مسابقه سال :

دربزرگترین مسابقه هیجان انگیز اتومبیل رانی ایران

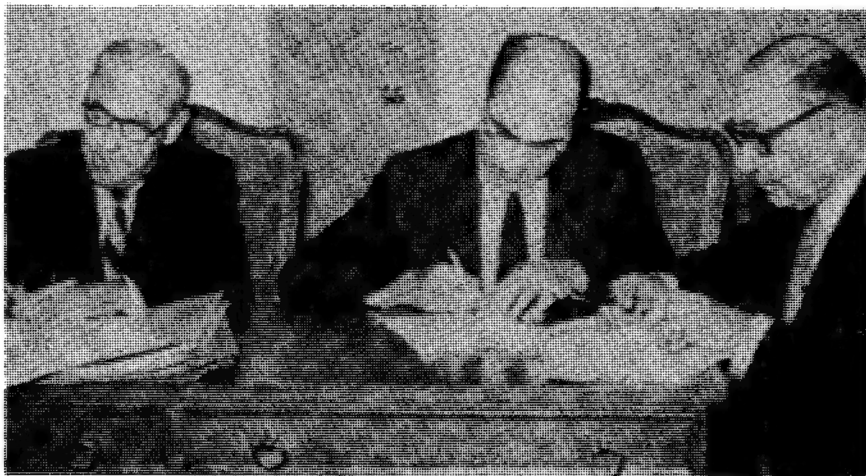
فولکس واگن ۱۵۰۰ اول شد



از جمله خبرهای مهم سال گذشته تا اردیبهشت سال جاری مسابقه اتومبیل‌رانی بزرگ دور ایران‌بود که‌از طرف اتومبیل‌کلوپ‌شاهنشاهی ترتیب داده‌شد و روزششم‌فروردین سال ۴۳ انجام گردید دراین‌مسابقه ۱۶ اتومبیل شرکت داشتند و در مدت ۵۸ ساعت مسافتی بیش از سه‌هزارو پانصد کیلومتر را طی نمودند .

درمسابقه مزبور که‌از فرودگاه مهرآباد شروع شده بود اتومبیلهای شرکت‌کننده پس‌از گذشتن ازشهر های اصفهان ــ شیراز ــ اهواز کرمانشاه ــ رامسر ــ آمل‌بتهران‌رجعت نمودند ویك اتومبیل‌فولکس‌واگن ۱۵۰۰ مقام اول‌را بدست‌آورد .

تأسیس کارخانه جنرال تایر ایران

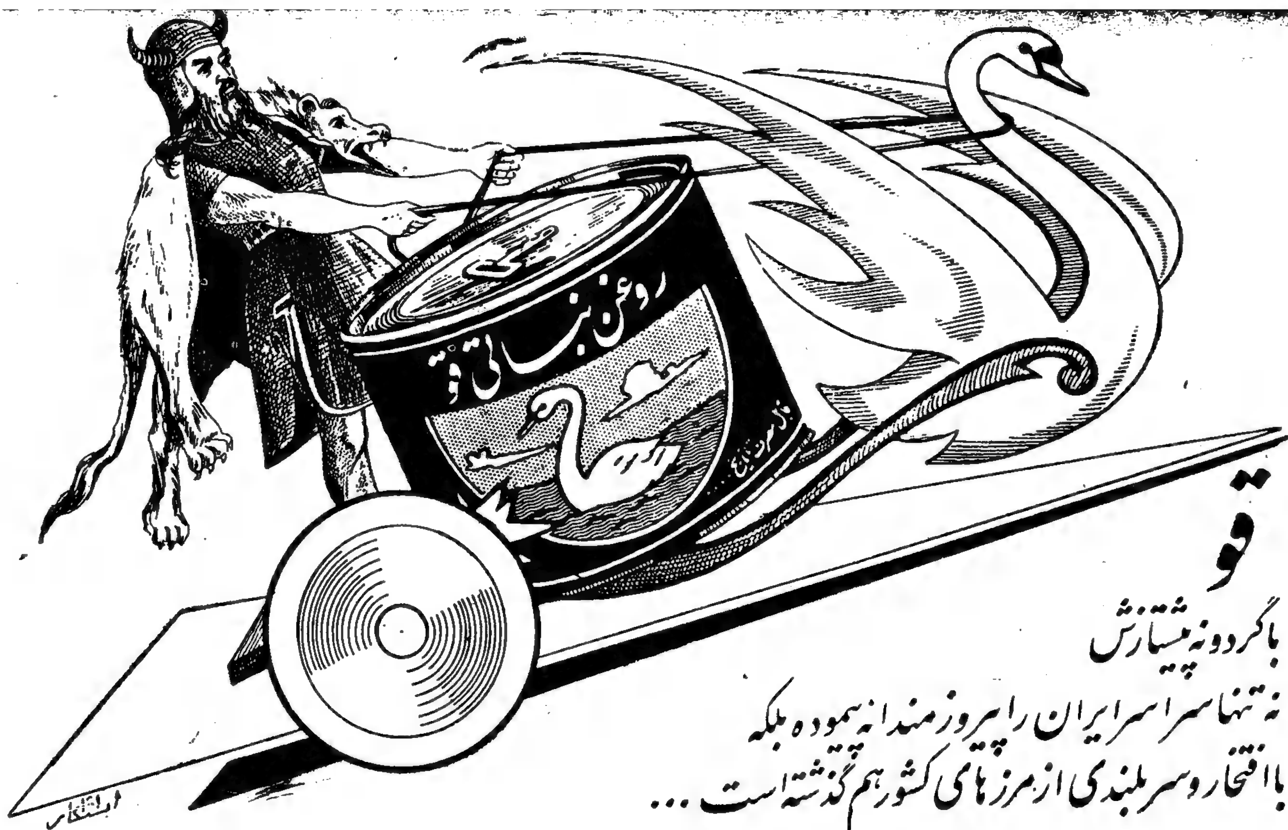


از جمله خبر مهم اقتصادی اوائل امسال تاسیس واحداث کارخانه جنرال تایر ورابر ایران بود .

روز ۲۱ اردیبهشت سال جاری آقای فرانك دافی مدیر عامل کمپانی بین‌المللی جنرال تایر امریکا در یك مصاحبه مطبوعاتی که در هتل هیلتون تشکیل گردیده بود بخبرنگاران جراید اظهار داشتند ترقیات‌سریع ایران مارا برآن داشت‌که یکی از بزرگترین واحدهای صنعتی جنرال تایر را در ایران ایجاد نمائیم ..

آقای دافی سپس گفت این کارخانه‌که تا ده ماه دیگر درایران ساخته خواهد شد بدون شك یکی از مدرنترین کارخانه‌های نوع خود در دنیا می باشد و هنگام شروع بکار در حدود ۵۰۰ کارگر ایرانی در آن کارخواهند کرد اولین محصول کارخانه ده ماه دیگر وارد بازار خواهد شد این‌کارخانه علاوه بر اینکه بازار ایران را ازخرید لاستیك خارجی بی‌نیاز خواهد ساخت بکشورهای خاورمیانه نیز لاستیك صادر خواهد نمود .

مدیر عامل شرکت جنرال تایر امریکا سپس‌گفت ۳۲٪ از سهام کارخانه که هزینه تاسیس آن درآغاز ۸ میلیون دلار (۶۰۰ میلیون ریال) خواهد بود متعلق به‌گروه امریکائی است و ۶۸٪ دیگر آن متعلق بشرکاء ایرانی و بانك توسعه صنعتی‌ومدنی‌ایران‌میباشد



دیداری از تاسیسات

روغن نباتی قو

یکی از واحد های عظیم صنعتی و تولیدی کشور

* کارخانه روغن نباتی قو بسرمایه وهمت جمعی از اقتصادیون خوشنام بمنظور احیای صنعت داخلی و بی نیاز کردن کشور از محصولات مشابه خارجی تاسیس واکنون یکی از سالمترین روغنهای خوراکی را که پرفروشترین روغن نباتی ایران شناخته شده‌تولید میکند .

* دربدو امر کارخانه روغن نباتی قوبا ۲۵ میلیون تومان آغازبکار کرد و در اثر توسعه و پیشرفت روز افزون ، اکنون این رقم به ۶۰ میلیون تومان بالغ‌گردیده است .

اعضای هیئت مدیره کارخانه : آقایان حسین قاسمیه ، آقای مهندس امیر صالح مدیر عامل ومعاون سندیکای جهانی مهندسین صنایع روغن نباتی در آمریکا و مهندس رضوان مدیر فنی هستند که با درایت وکفایت خاص چرخهای عظیم کارخانه را بلاتوقف بگردش درمی‌آورند .

* محل کارخانه درجاده آرامگاه ــ فرح‌آباددر محوطه بزرگی بمساحت ۸۰ هزار متر مربع واقعشده که ۶۰ هزار متر مربع‌آن درزیر بنا قراردارد .

* کارخانه روغن نباتی قو مجهز بمدرنترین ماشین آلات ودستگاه‌های الکترونیکی است که بدون دخالت دست روزانه در حدود یکصدتن روغن تولید میکند .

* با آنکه نیروی انسانی در تولید روغن نباتی قو دخالت مستقیم ندارد ودستگاه‌های خودکار کلیه کارها را انجام میدهند معهذا در حدود ۶۰۰ نفر کارگر وکارمند ورزیده برای محافظت ماشینها وامور دفتری فعالیت می کنند .

* کارخانجات روغن نباتی قو دارای لابراتوارها وآزمایشگاههای دقیق ومنظمی است که زیر نظر ۱۲ نفر مهندس، و۲ نفر دکتر متخصص اداره میشوند .

* این کارخانجات علاوه برتامین احتیاجات مصرف کنندگان داخلی بمیزان قابل ملاحظه‌ای روغن نباتی‌برای صدور بکشورهای افغانستان ــ کویت وسایر مناطق همجوار آماده وصادر میکند .

* ابتکارمدیران‌کارخانه روغن نباتی‌قو درعرضه‌کردن روغن‌درقوطی‌های کلیددار با تاریخ مصرف که در مقابل هرگونه فساد و تخمیر و یا احیانا تقلب وتقلید مصونیت دارد شایان توجه واهمیت است وطبعا اطمینان هر مصرف کننده بیشتر جلب می شود .

*یکی دیگر از محصولات کارخانجات قو کره مارگارین اطلس طلائی است که باشیر خالص تهیه میشود وبخاطر دارابودن ویتامین های حیاتی و طعم مطبوع ، علاقمندان فراوانی دارد .

سیلوی عظیم کارخانه روغن نباتی قو عظیمترین سیلوئی است که در خاور میانه وجود دارد .

* درسال جدید سه محصول جدید بر محصولات سالم غذائی قوافزوده شده وآن سه محصول عبارتست از «روغن زیتون خالص‌قو ــ روغن ذرت سوان ــ روغن مایع آشپزخانه قو» که از هر حیث بر محصولات مشابه‌مزیت دارد .

* موسسه قو ، صرفنظر از نقش حساس اقتصادی خود برای تشویق ورزشکاران کشور اقدامات مثبتی نیز بعمل آورد که تاکنون عکس‌العمل خوبی داشته است ، ازجمله درسال گذشته برای تشویق دوهزار ورزشکار جوان کشور که از شهرستانها و نقاط مختلف برای انجام مسابقات بتهران آمده بودند دروازه‌ای درچهار راه پهلوی بناکرد که بالغ بر ۳۰ هزارتومان مخارج آن گردید وجلب توجه عموم رانمود .

*همچنین در مدت اقامت این گروه دوهزار نفری در مرکز ، برنج‌و روغن ویخ مورد مصرف آنان را تامین نمود .

* سازمان ورزشی قو یکی از اقدامات قابل تحسین اداره کنندگان سازمان روغن نباتی قواست که بمنظور تکمیل خدمات ورزشی‌تشکیل یافته این سازمان در سال پیش دودستگاه اتومبیل استیشن از طرف کارخانجات روغن نباتی قو بورزشکاران هدیه نمودش تا بادلگرمی بیشتر درمسائل ورزشی توفیق یابند .

* تابحال هرگونه کمکی اداره تربیت بدنی وتفریحات سالم از سازمان قو خواسته است این سازمان بی دریغ آنچه میسر بوده انجام داده وبهمین سبب آقایان قاسمیه وامیر صالح مورد عنایت شاهنشاه قرار گرفته وباخذ نشان عالی ورزشی مفتخر گردیدند .

* درمسابقات قهرمانی کشتی بنام «برلزیتون» که باشرکت کلیه کشتی‌گیران کشور در سالن محمد رضا شاه پهلوی انجام پذیرفت ، موسسه قو ۸ کاپ نقره بقهرمانان اول هررشته اهداء نمود واز طرف مجله ورزش و زندگی برگزارکننده مسابقات کشتی ، تمثال اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مزین بقاب میناکاری متقابلا بسازمان قو داده شد .

* برای سازمان رهبری جوانان درپلاژ فرح آباد ساری منبع آب عظیمی ساخته شد که مورد استفاده اردوهای جوانان واقع‌ومورد تقدیر نخست وزیر قرارگرفت . تنها انجام این کار درحدود ۳۰۰ هزار ریال هزینه دربرداشت که سازمان قو باحسن نیت آنرا پرداخت‌نمود .

* بی سبب نیست که هر ایرانی دور اندیش هدفها و اقدامات مفید مسئولان کارخانه روغن نباتی قورا صادقانه میستاید وموفقیت بیشتر این دستگاه دقیق صنعتی را در توسعه امور اقتصادی وورزشی خواهان است . . .

برطبق آگهی های منتشره درمطبوعات عصر روز پنجشنبه اول اسفند مراسم قرعه کشی سالانـه۱۳۴۲ بانك سپه با حضور نمایندگان دادستان ودارائی و شهرداری وجمع‌کثیری از علاقمندان ودارندگـان حساب سود بخش بشرح ذیل برگزارگردید :

۱ ـ جائزه‌اول یك میلیون‌ریالی‌نصیب آقای سید جواد میرافضلی کاشانی‌دارنده‌خوشبخت‌شماره۴۶۸۶ حساب سود بخش گـردید کـه موجودی حساب این مشترك محصل‌در شعبه بازار تهران فقط ۱۱۰۰ ریال بود .

۲ـ پانزده جائزه یکصد هزارریالی به خانمها وآقایان ذیل تعلق گرفت :

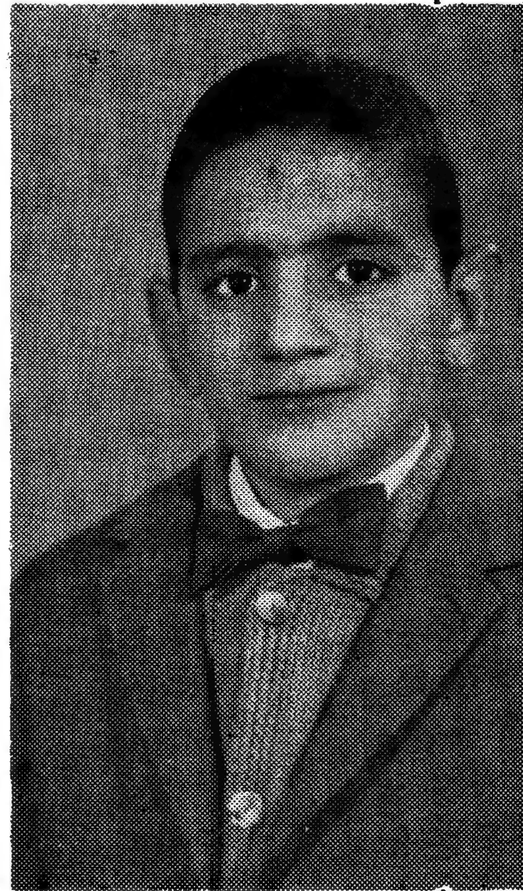
خانم فرزانه فصیح نیا سبزه میدان ـ آقای امیر هوشنگ صیرفی زنجان ـ آقای عبدالکریم تبریزی ساری ـ خانم بی‌بی عایشه‌جرجانی گنبدکاوس ـ آقای سید جعفر حسینی گرگان ـ آقای عبدالله‌فیروزیان بجنورد ـ خانم‌گیتی جدیدیان تربت حیدریه ـ آقای محمد خیرخواه صدا پشته لاهیجان ـ آقای کامبیز گنجیان مرکز ـ خانم فرنگیز درافشان مرکز خانم مریم‌زالتاش اهواز ـ خانم مینا اشرفی‌شهمیرزادی بابل ـ آقای جواد اکبری کفاش مشهد ـ آقای حسین انوری کرمان ـ آقای‌عبداله فرهادی یزد .

۳ ـ یکصد وپنجاه جائزه ده‌هزار ریالی و ۴۴۹۳ جائزه هزار ریالی وپانصد ریالی نیز بدارندگان‌حساب پس‌انداز سود بخش درکلیه شهرستانها تعلق گرفته است که‌اسامی ایشان در صورت جداگانه انتشار خواهد یافت .

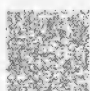
۴ ـ یك میلیون ریال دیگر از جمع کل‌جوائز سال ۱۳۴۳ در یك قرعه‌کشی اختصاصی بحساب پس‌انداز شاگردان اول فراغت یافته ازدبیرستان های کشور که تا آخر فروردین۱۳۴۳ در شعب بانك سپه افتتاح نموده باشند منظورمیگردد ودر سالهای آینده عموم شاگردان اول کلاس ششم دبیرستانهای کشور مشمول این‌جائزه خواهند بود .

*** در طی هفت سال اخیرتعداد جوائز نقدی پرداخت شده به صاحبان حساب سود بخش ۲۴۸۵۰ جائزه بمبلغ تقریبی ۲۷ میلیون ریال بوده است ودرحدود ۴۵ میلیون‌ریال‌نیز بهره بصاحبان حساب پرداخت گردیده و جمعا در طی این هفت‌سال‌بیش از هفتاد میلیون‌ریال بابت‌جائزه وبهره حساب سود بخش داده شده‌است .**

* کلیه دارندگان حساب کـه‌موجودی آنها در پایان آذر کمتر از پنجاه تومان نبوده مشمول قرعه‌کشی‌سال ۱۳۴۲ بوده‌اند .



قرعه‌کشی سالانه ۱۳۴۲ بانك سپه



تب سال

کندی میخواست سنت شوم تروررؤسای جمهوری را بشکند
ژاکی گریان ونالان فریاد زد :شوهرم را کشتند !
صبح جان کندی زنده باتومبیل وارد تکزاس شد و شب جسد اوباهواپیما بەواشنگتن برگشت .



چطور زندگی کرد



بازی فوتبال بازی مورد علاقه کندی‌ها آن هنگام که در هاروارد درس میخواندند .

اوان کودکی و تحصیل :

جان فیتز جرالد کندی در ۲۹مه ۱۹۱۷ در بروکلین ـ واقع در حومه شهر بوستون در ایالت ماساچوستس کشورهای‌متحده امریکا بدنیا آمد . در خلال دوره بین کودکستان و دانشگاه در چهار آموزشگاه : دکستر در بروکلین ریوردیل دربرونکسویل ـنیویورك کانتربری در نیومیلفورد ـ ماساچوستس، وکوآت دروالینگفورد کانك تیکت بتحصیل‌مدارج ابتدائی و متوسطه پرداخت . وی صاحب دماغی کنجکاو و میل به تحقیق و هم دارای حافظه قوی بود و در ورزش ببازی‌فوتبال و شنا و قایق‌رانی علاقه داشت .

پدر و مادرش هر دو اهل ایرلند بودند و در سیاست های محلی بوستون‌دست داشتند و صاحب نه فرزند با جرات و شهامت بودند که حس مسئولیت مدنی را ادراك میکردند و به پدر و مادر خویش وفادار بودند . پدرشان جوکندی مردی ثروتمند بود برای آنکه فرزندان خود را مستقل بارآورده یك میلیون دولار برای هریك از آنها وقف کرده بود و از آنها خواست که اختلافات بین خودشان را بدون رجوع بپدر و مادر یا دیگری بین خود حل نمایند .

در غیبت پدر و مادر برادر بزرگتر جان‌کندی فرماندهی گروه خانوادگی را بر عهده میگرفت و بسبب قوت بازو و طبع تندی که داشت کسی جرات مخالفت با اورا نمیکرد و چون جان کندی چند مرتبه بمقاومت برخاست چند مشت‌از برادر بزرگتر خورد جان کندی از کودکی کارکردن و زحمت‌کشیدن و جدی بازی کردن را آموخت . بازیهای ورزشی و اسپور در این خانواده ارزش مخصوص داشت و فرزندان خانواده برای زندگی‌خود را آماده میکردند و معتقد بودند که باید در هر چیز اول شوند و حتي دوم شدن را باختن بحساب میآوردند . بهریك از پسران از طرف پدر قول داده شد چنانچه تا سن ۲۱ سالگی سیگار نکشند و مشروب الکلی ننوشند ۲۰۰۰ دولار بدانها جایزه‌داده خواهد شد . جان کندی موفق بدریافت این جایزه شد و بهمین سبب در سالهای بعد از ۲۱جزبضرورت‌درمجالس وتشریفات اجتماعی سیگار و مشروب را بکار نبرد و راه افراط نپیمود .

جان کندی در سپتامبر ۱۹۳۶ وارد دانشگاه هاروارد شده مدت دو سال بتحصیل پرداخت و سپس بسبب انتصاب‌پدرش بسمت سفیرکبیر امریکا در لندن از طرف فرانکلن روزولت رئیس جمهور به انگلستان رفت و اولین بار در زندگی خود با جهان‌متشنج اروپا آشنائی یافت . با آنکه بسبب بازی فوتبال در هاروارد آسیبی به ستون فقرات وی رسیده بود در فوتبال و مسابقه‌شنای پشت شرکت میکرد . زمستان سال ۱۹۳۸ را نیز با اجازه دانشگاه هاروارد بعنوان منشی پدرش در اروپا گذرانید و از این فرصت استفاده کرده تمام فصل بهار و تابستان ۱۹۳۹ را وقف گردش و تحصیل در اوضاع سیاسی و حالت انفجاری‌اروپا نموده گزارشی‌مبسوط برای پدرش تهیه نموده به لندن برگشت .

هنگامیکه‌برای ادامه تحصیل در هاروارد بامریکا برگشت جنگ دوم جهانی آغاز شده بود . دراینموقع جان کندی بازی فوتبال را فراموش کرده برکوشش خود در ادامه تحصیلات عالیه بشدت افزود و در ژوئن ۱۹۴۰ بافتخار تحصیلی نائل آمد و رساله درخشان وی راجع به مونیخ بچاپ رسید و مورد توجه بسیار واقع شد .

سالهای جنگ :

سالهای جنگ در تهیه و تربیت جان کندی برای تصدی ریاست جمهوری امریکا نقش‌بسیار موثری را درعهده داشته‌است جان‌کندی‌پس از آغاز جنگ دوم جهانی دومرتبه تقاضای ورود بارتش امریکا را نموده و بسبب نقص ستون فقرات از طرف پزشکان ارتش مردود گردیده ولی مایوس نشده به ورزش و تقویت ستون‌فقرات خود پرداخت و بالاخره در سپتامبر ۱۹۴۱ به نیروی دریائی امریکا پیوست و به وی کار دفتری ارجاع شد . پس‌از حادثه حمله ژاپون به پیرل هاربور تقاضای انتقال خود را بخدمات جنگی نمود ولی پذیرفته نشد . در تابستان ۱۹۴۲ با اقدام پدرش وارد دانشگاه تربیت‌افسران نیروی‌دریائی گردید و در آنجا از میان ۵۰۰ داوطلب در زمره شصت نفر برای آموزشگاه تازه دریائی ملویل ـ رودآیلند برای تعلیم عملیات‌جنگی ناوچه‌های‌سریع‌السیر پ. ت انتخاب شد و درنوامبر۱۹۴۲ آن آموزشگاه

ستوان جان کندی وسرنشینان pt_109 که در یکی از عملیات کشتی بدست دشمن منفجر شد .



کندی موفق شد بزرگترین‌نشان نیروی دریائی را بگیرد

را بپایان رسانیده و خلاف میل‌خود که میخواست‌بجبهه جنگهای دریائی اعزام شود او رابسمت معلم تعلیمات دریائی تعیین کردند . وی باردیگر بوسیله خانواده خود در واشنگتن اقدام کرد تا آنکه او را بجبهه جنگهای دریائی جنوب اقیانوس آرام اعزام داشتند .

در آخر آوریل ۱۹۴۳ با درجه ستوانی بسمت‌فرمانده ناوچه سریع‌السیر جنگی پ . ت . ۱۰۹ منصوب گردید . این ناوچه که حامل ۱۱ ملوان بود تا چند هفته به تجسس شبانه تا جزایر رسل در خارج گودال کانال پرداخت و جان‌کندی با آنکه درخلال این تجسسات بدشمن برخوردنکرد تجربیاتی بدست آورد روز ۲۰ ژوئیه هنگام شب درحالیکه ناوچه به جزیره گیزو متصرفی ژاپون‌نزدیك میشد ناگهان دومرتبه بفاصله دو ساعت مورد حمله یك اژدر افکن ژاپونی واقع شده در مرتبه دوم مورد اصابت بمب قرار گرفته بدونیم شد و جان کندی با وجود ناراحتی ستون فقراتش چهار مرتبه در آب تا ساحل دور دست شنا کرده بوسیله تخته های شکسته تمام یازده نفر افراد خود را نجات داد ولی بیماری ستون فقراتش عود کرده او را بامریکا برگردانیده مدتی در بیمارستان بستری کردند و در برابر این شجاعت باخذ مدال مخصوص‌نیروی دریائی نائل‌گردید. در خلال همین‌ایام برادر بزرگترش ژوزف کندی نیز در جنگ کشته شد .

سالهای پس از جنگ :

جان کندی در اوایل سال ۱۹۴۵ بعنوان خبرنگار ومفسرسیاسی برای سرویس اخباربین‌المللی کار میکرد و مقالاتی از قبیل وضعیت ملل متحد،انتخابات انگلیس، وکنفرانس پوتسدام مینگاشت ولی بعدا آن کار حس فعالیت وی را قانع نکرده از آن دست کشید و گفت : «من احساس کردم که برای من کار عادی فعالیتی بشمار میرود و بجای اینکه خودم کاری انجام دهم باید بنویسم که دیگران چگونه کارها را انجام داده‌اند»

از آن پس به فعالیت سیاسی پرداخته در انتخابات یازدهمین کنگره در شهر بوستون بفعالیت پرداخت و با مبارزه ئی شدید و خستگی ناپذیرموفقیت یافته در ۱۹۴۷ بنمایندگی مجلس ملی امریکا از شهر بوستون انتخاب شد وتامدت پنجسال سمت نمایندگی مجلس را داشت .



بوبی کندی ، از خیلی نزدیك دربارهٔ بحرانهای « می‌سی‌سی‌پی » با رئیس جمهوری صحبت می‌کند . شکستن قانون برای هردو بزرگترین خطا محسوب میشود .

در روزهای آخر مبارزه کندی بتماس خود با مردم بدرجه زیادی افزود .

رئیس جمهوری گفت :
« ما نمی‌خواهیم جنگ بکنیم ولی قبلا جنگ کرده‌ایم !»



حریفانی که با آنها دست و پنجه نرم کرده بود : استوارت سی مینگتن ــ لیندون جانسون ــ آدلائی استیونسون ...



کندی پدر مهربانی بود وبعضاً فرزند خود را در مراسمی همراه میبرد ازجمله در یازدهم نوامبر بافتخار شهیدان جنگ پدرو پسر از گورستان ملی آرلینگتن دیدن کردند .سپس‌رئیس‌جمهوری به‌تکزاس پروازکرد . دو هفته بعداو را در همان قبرستان بخاك سپردند .

روز عـروسی ژاکلین ۲٤ سال و کـندی ۳٦ سال داشت . در ۱۲ سپتامبر سال ۱۹۵۳ مراسم عروسی باحضور هفتصد مهمان درنیوپورت رودایسلند انجامگرفت .



قایقرانی تفریحی بودکهزن وشوهر هردو آنرا دوست داشتند .

پس از آنکه سه دوره سمت نمایندگی مجلس را داشت درهنگام انتخابات عمومی در سال ۱۹۵۲ تصمیم گرفت که بمجلس سنا برود و بدین‌منظور با سناتور دائمی ایالت ماساچوستس هنری کابوت لاج بمبارزه پرداخت در حالیکه لاج دوست‌قدیمی‌آیزنهاورورئیس‌جمهوری وقت امریکا نفوذی قوی داشت معهذا با فعالیت شدیدی که کندی انجام داد پیروز شد و حریف را از میدان بدر برد بمجلس سنا راه یافت ولی در خلال این مبارزه جراحت و ناراحتی ستون فقرات وی که در جنگ براو عارض شده بود عود کرده ناچار در ۱۹۵٤ در بیمارستان بستری گردید و درخلال این مدت کتاب «سیمای شجاعان» را نگاشت که به فارسی نیز ترجمه شده و بچاپ رسیده و نمیدانست که خود ۹ سال بعد نیز یکی از قهرمانان همان کتاب خواهد شد.

جان کندی باتجاربی که درخلال چهار سال حاصل کرد در سال۱۹۵٦ در کنوانسیون ملی حزب دموکرات درشیکاگو خودرا کاندیدای نیابت رئیس جمهور اعلام نمود و در این هنگام لازم شد که با دو سناتــور **هوبرت همفری و استنس کفائودور** که داوطلب این سمت بودند مبارزه کند وی دراین مبارزه شکست خورد و یکهفته‌پس از آن‌یکی ازدوستانش برسبیل تسلی باو گفت : که «یقین داشته باش که در سال ۱۹٦۰ بسمت نایب رئیس‌جمهوری انتخاب خواهی شد» کندی با حال تعجب در پاسخ با ایمان تمام و قوت کلام گفت : «دفعه دیگرخود را کاندیدای نیابت ریاست جمهوری نخواهم کرد بلکه برای تصدی پست ریاست جمهوری کوشش خواهم نمود.»

هنگامیکه جان کندی قصد خود را برای پدرش ژوزف کندی‌افشا کرد پدرش در مورد اینکه تصمیم فرزندش عاقلانه باشد شك کرد و از وی پرسید :

«این پست را بچه منظور میطلبی زیرا بدترین مقام است در جهان».

جان کندی پاسخ داد : «بشریت در مدت دو هزار سال گذشته همیشه با مشکلات مواجه بوده و این مشکلات را انسانها حل کرده‌اند. امروز نیز چنین است و میتوان مشکلات را از میان برداشت».

و با این فلسفه و اعتقاد قلبی و صدای وجدان‌بود که کندی سالهای نمایندگی مجلس و سناتوری را پشت سرگذاشته بقصد تصدی پست ریاست جمهوری امریکای امروز با کلیه مشکلات‌پیچیده داخلی وجهانی آن راه خود را پیش گرفت روزها و هفته ها و ماهها بمسافرت بــه ایالات و شهر های کشور هــای متحد امریکا پرداخته برای مردم سخن رانی و برنامه خود را در معرض افکار عمومی گذاشت و از سیاست کهنه و خط مشی حکومت و دولت انتقاد نمود و بزودی ٥٤ میلیون امریکائی را به پشتیبانی خود جلب کرد. در انتخابات سال ۱۹٦۰ بسمت‌ریاست جمهوری امریکا انتخاب گردید و تا آنزمان درتمام دوره تاریخ کشور های متحده وی جوان ترین رئیس جمهوری بود. هنگامیکه بریاست جمهوری انتخاب گردید رقبای عمده وی از حزب دموکرات یعنی **استوارت زیمینگتون لیندن جانسون ، وادلائی استونسون** به وی تبریك گفتند و زوجــه وی **ژاکلین کندی** که درانتخاب‌شوهرش نقشی فعال بر عهده داشت از شادی در پوست خود نمیگنجید. کندی در روزهای‌آخر مبارزه‌خودرا ضمن تماس خود باجوانان بشدت افزود بطوری که گویا در دل آنها رخنه کرد و حرارت و احساس و نیروی حیاتی وقدرت فعالیت این‌کاندیدای جوان آنها راکاملا مجذوب ساخت.

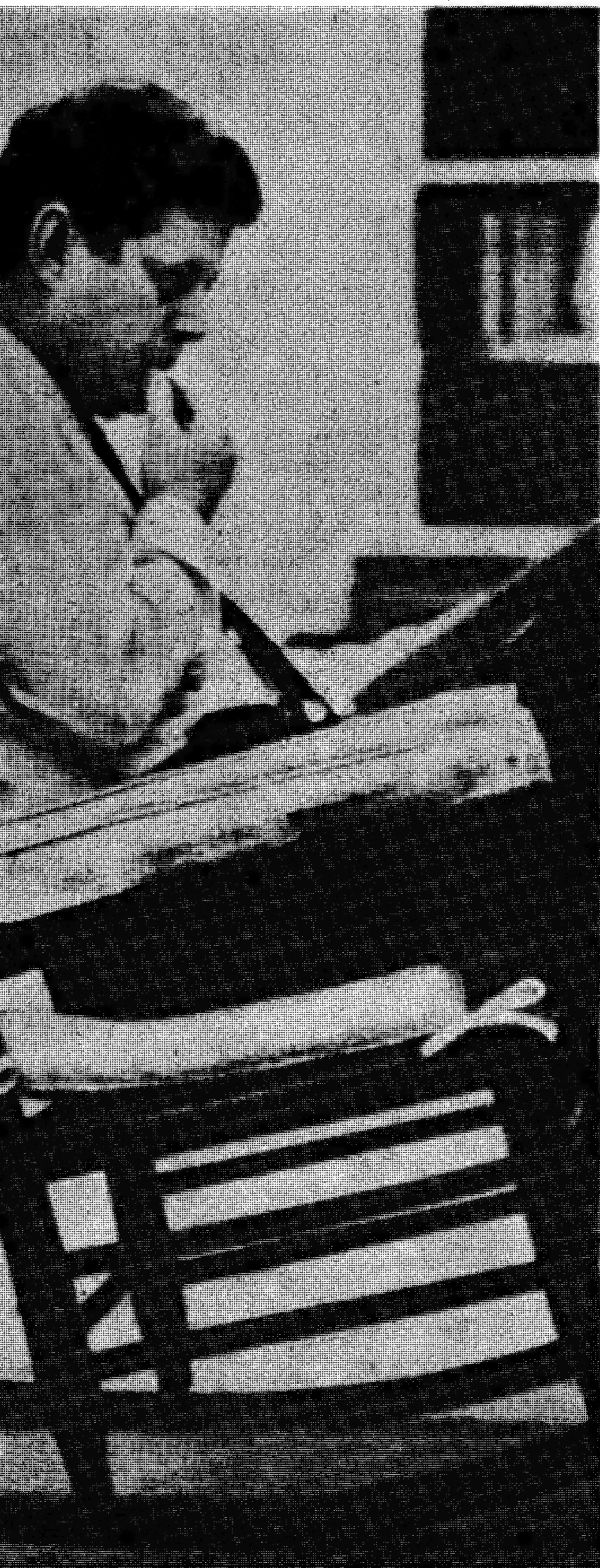
ازدواج

ژاکلین در سن ۲٤ سالگی در ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۳ با جان کندی که در سن ۳٦ بود با حضور ۷۰۰ نفرمیهمانان درنیوپورت‌ــرودایلند ازدواج کرده بود وی دختــری تحصیل کرده و تعلیم یافته بودو در دو کالج امریکا (واسارــو اسمیت) وگرونوبل‌وسوربون‌پاریس تحصیلات خودرا انجام داده بود. ثمره این زنا شوئی‌یك پسر بنام جان و یکدختر بنام **کارولین** بود که‌درهنگام‌درگذشت‌پدرش‌جان‌چهار سال و کارولین شش سال داشت، و کندی چند روز پیش ازمرگ عروسکی خریده بود تا در روز تولد جان به اوهدیه کند ولــی قبل از فرا رسیدن آن روز به‌تیر ناحقی در خاك و خون غلطیدو جان در روز تولد خود بجای دریافت عروسك به تابــوت حامل جسد پدرش بوسه زد.

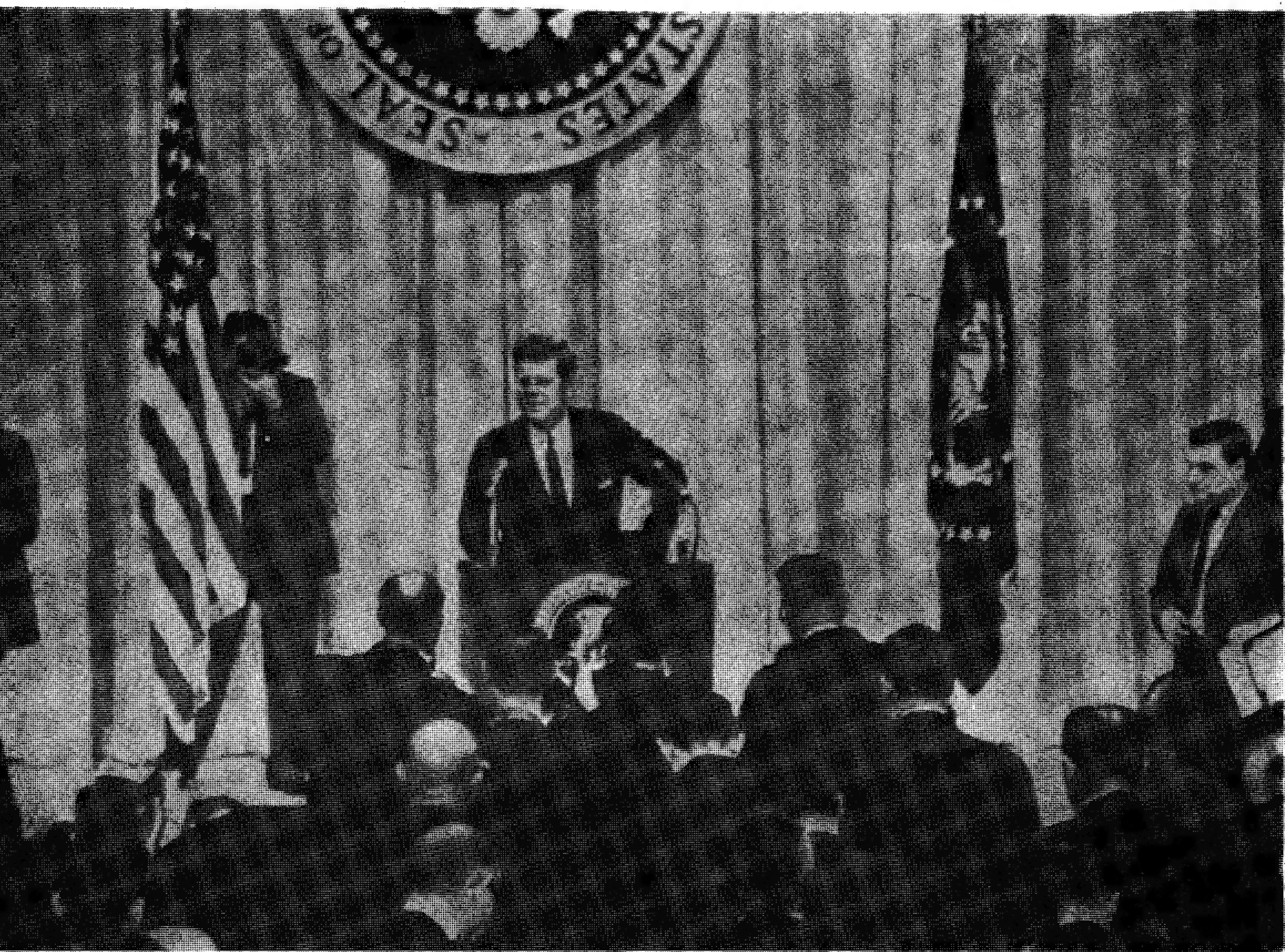
مشکلات و بحرانهای مهم دوره ریاست جمهور کندی

در دوره ریاست جمهوری کندی سه بحران بزرگ بوجــود آمد که کندی با شجاعت وقوت قلب با آنها مقابله کرد وبحران را فرونشانید.

(۱) مسئله برلن : موضوع‌تقسیم شهر برلن که در منطقه آلمان خاوری واقع شده وبعد از پایان جنگ دوم جهانی بیعد مکررمورد



در اندیشه آیندهٔ نامعلوم



کندی در برابر بحرانها مقاوم بود . میگفت :« قیمت آزادی همیشه بالاست اما امریکا نیز همیشه آنرا پرداخته است».

مشاجره بین شوروی و متفقین باختری بوده بار دیگر در ۱۹۶۱ در جلسه ملاقات خروشچف وکندی در وین مورد مذاکره واقع شده و خروشچف صریحا اعلام کرد که قصد پیمان صلح جداگانه با آلمان خاوری دارد وازآن پس تمام برلن در منطقه حکومت آلمان خاوری قرار خواهد گرفت و همین اعلام سبب شد که کنفرانس وین راکندی بدون اخذ نتیجه پایان دهد. خروشچف اطلاع دادکه درظرف یکسال یعنی در سال ۱۹۶۱ این کار انجام خواهد شد و اگر امریکا مقاومت کرده خواست وضع خود را بطریق سابق در برلن نگاه دارد واعمال زور نمود پاسخ او با زور داده خواهد شد .

اما کندی باثبات واستقامت در برابر بحران برلن ایستادگی نمود و برتسلیحات امریکا در برلن و آلمان باختری افزودو اعلام کرد که بهیچ قیمتی دست از برلن بر نمیدارد و با تدبیر و استقامت به این بحران که جهان را به جنگ دوم جهانی بسیار نزدیك کرده بود پایان داد وی دوسال پس از بحران برلن درسال ۱۹۶۱ شخصا به برلن آمده درمیان جمعیت سکنه برلن غربی که با شور و حرارت بسیار از اواستقبال کردند فریاد کشید : «من یکنفر برلینی هستم» و بااین طریق بحران برلن پایان یافت .

(۲) مسئله سیاهان وبحران

می‌سی‌سی پی:

در سپتامبر سال ۱۹۶۱ کندی با بزرگترین بحران داخلی امریکا مواجه شد.

در این ماه جیمز مردیت سیاه‌پوست تقاضای ورود به‌دانشگاه می‌سی‌سی‌پی که خاص سفیدپوستان و واقع در اوکسفورد درایالت مزبور بوده نمود و پس از۱۵ ماه کشمکش قضائی و حقوقی دیوان عالی کشور امریکا فرمان داد که باید وی در دانشگاه مزبور پذیرفته شودوبرسر این‌مسئله‌طغیان وشورشی در ایالت می‌سی‌سی‌پی برای‌مقاومت در برابر اجرای امر دیوان‌کشور بپا خواست که مدتها طول‌کشید وکندی ناچار شد گارد آن ایالت را ملی‌کرده نیروی ارتشی فدرال را بآن ایالت برای فرو نشاندن شورش اعزام دارد . جریان این واقعه فکر و وقت کندی را مدتها مشغول داشت و او برای دفاع از حقوق سیاه پوستان واجرای مساوات و عدالت حداکثرکوشش را بکار برد بطوریکه او را پیامبر سیاه پوستان میشمارند.

(۳) واقعه کوبا

این واقعه‌نیز جهان را تالب پرتگاه جنگ عالمگیر کشانید . پس از روی کار آمدن فیدل‌کاسترو در کوبا و کشمکش های چند ساله با امریکا به پشتیبانی شوروی برکندی در سال ۱۹۶۲ معلوم شد که شوروی در کوبا پایگاه‌های موشك بنا نهاده وآن کشور را با موشکهای شوروی مسلح نموده است کندی در اکتبر ۱۹۶۲ کوبا را بوسیله نیرو های‌دریائی‌امریکایی محاصره کرده آمد ورفت ناوهای دیگر کشور ها را بکوبا بنام لزوم حفظ امنیت قاره امریکاتحت کنترل قرار داده و عکس های هوائی را که از پایگاه های موشك در کوبا بدست آورده بود به خبرنگاران ارائه داد و درمطبوعات چاپ شد .

بالاخره بوسیله مذاکرات با شوروی کنارآمده دولت شوروی موشکهای خود را از کوبا خارج کرد و کندی از محاصر کوبادست برداشته به بحران کوبا نیز پایان داد .



طور کشته شد؟

روز پنجشنبه ۲۱ نوامبر ۱۹۶۳ را برای جان فیتز جرالد کندی سی پنجمین رئیس جمهورایالات متحده نمیشـد روز فوق‌العاده واستثنائی تشریح کرد . در نخستین قسمت سفر سه روزه‌اش از ایـالت«تك ستاره‌ای» تگزاس باوسعتی ۵ برابر انگلیس که تگزاسیها بسبب تکبر و خود بینی مدعی هستند این ایالت بامریکا نپیوسته بلکه امریکا به تگزاس ملحق شده است وروی این اصل امریکائیها این ایـالت را «تك‌ستاره‌ای» مینامند بیدوبازدید های عمومی مفصلی بعمل‌آورد اما از روزی که به ۱۶۰۰ خیـابـان پنسیلوانیا آمد خود را زیر فشار بیشتری‌برای‌خدمت‌وازخودگذشتگی برای امریکا و تامین صلح جهانی قرار داد . بهرحال روزی بود که کاملا میتوانست ارزش حیاتـی درآینده شخصی‌او‌داشته باشد . کاخ سفید اصرار داشت که این سفر «غیر سیاسی» است‌امامسیر مسافرت مبین غیر قابل انکار این مطلب بود که مسافرت حسن‌نیت وهدفش جلب هواداری‌تگزاسیهای ستیزه‌جو نسبت به حزب دمکرات است .

کندی میخواست از پنج شهر تگزاس دیدن کند که درانتخابات ۱۹۶۰ مجموعا سی وشش‌در صدآراء موافق کندی را تشکیل داده‌بود . روز پنجشنبه ازشهرهای‌سن انتونیو وهوستون دیدن کرد . پیش از ظهر جمعه در «فورت ورث» میبود واز دوهـزار تن هوادار خـود باصبحانـه پذیرائی میکرد وسپس میخواست‌برای‌صرف ناهاربادوهزار وپانصد تن اعضاء هردو حـزب با هواپیمای جت بـه دالاس پـرواز کند . نهائاً سفرنیمه‌سیاسی‌خود را باضیافت شام پولساز حزب دمکرات (پرسی صددلار) ــ در آستین مرکزی ایالت تگزاس پایان دهد .

در هفته پیش پرزیدنت کندی مبارزه انتخاباتی مجدد خـود را بطورغیر رسمی آغاز کرده وبه تمپا در فلوریدا پرواز کرده بود وپیش از اینکه رهسپار میامی گردد سه نطق ایراد کرد . در تمپا بـا نطق خود بـرای چهار هـزار عضو اتاق تجارت ایالت فلوریداکه طی آن بابذله گوئی آنها را برای مخالفتشان بـاسیاست مـالـی و اقتصادیش سرزنش کرد توانسته‌بود تاحدی آنها را تحت تاثیر قرار دهد اما سفرش بطور کلی برای محبوبیتش چندان اثری نداشت . استقبال از او درمیامی یاس آمیز بود وبواشنگتن برگشت تابهمسرش ملحق شده ودر ضیافت هفتصدنفره سالانه کـاخ سفید بافتخار قضات دیوان عالی کشور شرکت کند . این ضیافت نخستین فعالیت بزرگ ژاکلین پس‌ازمرگ فرزند کوچکش درماه اوت گذشته بود . روز بعد رئیس جمهور وبانوی اول امریکا سفرخود رابه‌تگزاس آغاز کردند .

کندی‌هم نظیر ابراهام‌لینکلن‌در نـودوهشت سال پیش عـلیرغـم هشدارهای متعدد اخیر در بـاره وجود خطرات احتمالی باین سفر میپرداخت . اواین نظریه را کـه ممکنست زندگیش بخطر افتد رد کرد این حرفها را قبلا شنیده بود مثل لینکلن ترجیح دادکه به این چیزها پابند نشود . کاری بود که میبایست انجام گیرد واو صرفا میخواست وظایف خـود را انجام دهـد . البته کندی یکبار در باره احتمال مرگ خود در حین انجام وظیفه سخن گفته بود .

از سال ۱۸۴۰ هریك از روساء جمهوری که در فاصله بیست سال برگزیده شده بودند در هنگام‌تصدی مقام ریاست جمهوری در گذشته یا کشته شده بودند .

هـریسون (منتخب سال ۱۸۴۰) لینکـلن (منتخب سال ۱۸۶۰) گارفیلد (۱۸۸۰) مك‌کینلی (در ۱۹۰۰ برای باردوم انتخاب شد) هاردینك (۱۹۲۰) فـرانکلین روزولت (۱۹۴۰ مجدداانتخاب شد) همه حین تصدی این مقام درگذشته یا بقتل رسیده بودند . کندی‌پیش از انتخابش در سال ۱۹۶۰ بیکی‌از دوستانش گفته بود «من این سنت شوم را میشکنم»

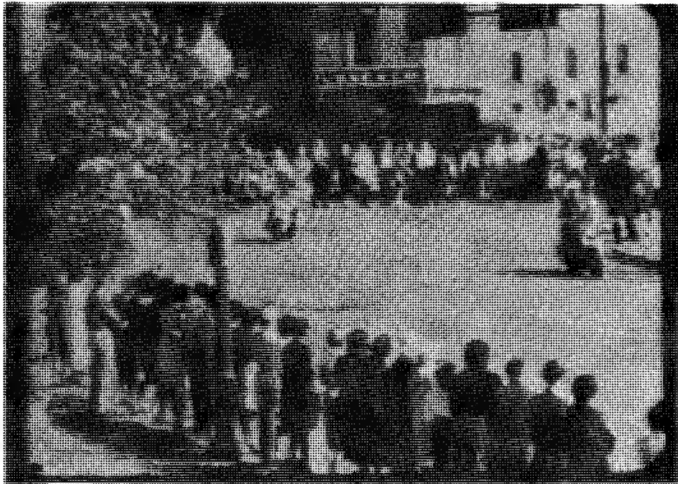
روز پنجشنبه برای پلیس تگزاس روزی فوق العاده بود . کنترل جمعیت وحراست از رئیس جمهور کاردشوار است ودلهره آنها مافوق تصوربود . همان‌روز پلیس‌هوستون چهار تلفن تهدید آمیز نسبت بجان پرزیدنت کندی‌دریافت داشته بود . یکی از تلفن کنندگان زنی بـود که گفت «باو بگوئید تا جلیقه ضد گلوله خود را بتن کند »

تهدید رئیس جمهوری چیـزی معمولی است آمار نشان میدهد که پرزیدنت کندی در سال اول‌ریاست جمهوری خود هشتصدوهفتاد نامه تهدیدآمیز دریافت‌داشت . امااینجا تگزاس یعنی سر زمین دیوانه خیز بود وایالتی است که تفنگ باسانی قلاب ماهیگیری قابل خریداست . بعلاوه هوستون شهری است که نسبت جنایتهای ارتکاب شده در آن از هریك از شهرهای دیگر امریکا طی سالهای اخیرتجاوز کرده است پنجشنبه شب پلیس هوستون نفس راحت کشید چه اتفاقی روی نداده بود جزاینکه گروهی‌انبوه‌با پلا ــ کاردهائی ظاهر شدند که روی‌آنها نوشته شده بود «هزاران تن در کوبا کشته میشوند» و «تـوهـم بروتوش ؟ » اکنون‌دلهره دامنگیر پلیس دالاس شده، ومسئولیتهای آن هم دست کمی نداشت .

شهر جنایت

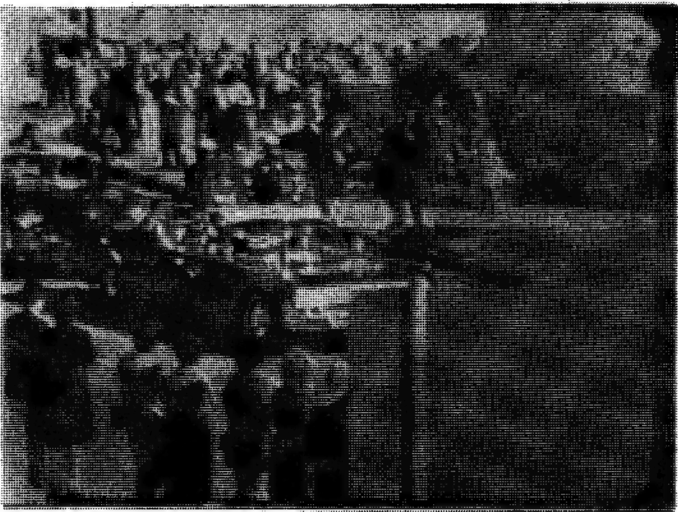
جنایتهائی که هر ساله دردالاس روی میدهد بیش از جنایتهائی‌است که‌درسراسر انگلیس‌بوقوع میپیوندد اینجا دومین شهر بزرگ تگزاس بود که ماه پیش ادلای استیونسون رئیس هیات نمایندگی امریکا در سازمان ملل ونامزد سابق ریاست جمهوری توسط تظاهـر کنندگان جناح راستی افراطی تف باران‌شد ومورد بدرفتاری قرار گرفت . هفت ماه پیش ژنرال ادوین واکر افراطی دست راستی وخرافی ضد کمـونیست ومخـالف سرسخت و شناخته شده دولت کندی از در خانه خود دردالاس از مرگ حتمی جست چه شخص ناشناسی بسویش شلیك کرد وموفق بفرار شد .

بعلاوه سه سال پیش هنگامی که لیندون جانسون‌وهمسرش دردالاس



تصاویر متعددی از یك حلقه فیلم گرفته شده توسط ابراهام زاپرودر صاحب یك کارگاه دوزندگی که تصادفاً در روز واقعه با دوربین خود صحنه هائی زنده از مرگ یك انسان را نمایش میدهد.





بنفع کندی مبارزه انتخاباتی میکردند دربالکن میهمانخانه‌ای مورد تمسخر و بدرفتاری عده‌ای قرار گرفتند. اکنون پلیس دالاس «بزرگترین» طرح یك اقدامات امنیتی را در تاریخ ریخته بود. کلمه «بزرگترین» بهترین لغتی است که‌میتوان درشهر «دال‌بزرگ» (مردم دالاس دوست دارند شهر خود را دال بزرگ بنامند) باین اقدامات اطلاق کرد.

درمرکز این شهر پر تجمل ــ ترین فروشگاه جهان قرار دارد. این فروشگاه نایمن‌مارکوس میباشد وجائی است که شخص میتواند‌کلیه مایحتاج خود را ازجوراب گرفته تا جواهرات یك میلیون دلاری تهیه کند در همین نقطه بزرگترین بانك در جنوب غربی امریکا بنام ریپابلیك نشنال وجود دارد که ساختمان آسمان‌خراش چهل‌طبقه‌ای آن بیست‌وپنج میلیون دلار تمام شده وچراغ راهنمای پشت بام آن از چند صد کیلومتر دیده میشود و سقف سرسرای آن از طلای ناب ساخته شده‌است. دردالاس هرچیز باظاهری بزرگتر از واقع جلوه میکند.

درعین حال دالاس شهری است که بسیاری ساکنانش از رفتن به کلیسا غفلت نمیکنند. دراین شهردر حدود هشتصد کلیسا وجود دارد که بزرگترین آنها فیرست بپتیست چرچ است که بودجه هنگفتی در اختیار دارد.

رئیس جمهور باین شهر میآمد ژاکی هم همراهش بود. پاره‌ای‌از خانواده‌ها صدها کیلومتر راطی کرده وبشهر آمده‌بودند باین‌امید که کندی وهمسرش را یك‌نظر بنگرند. بوی عید میلاد در هوا استشمام میشد. ساختمانهای عظیم وفروشگاههای بزرگ ترئین شده بود. تا روز شکر گذاری وطبخ بوقلمون وشیرینی‌های اشتها انگیز تنها یك‌هفته مانده‌بود. مع‌الوصف پاره‌ای از افراطیون باین وضع توجهی نداشتند. بر بسیاری از اتومبیلها از روز پنجشنبه کارتهائی زده بودند که روی آنها نوشته‌بود «ایالات متحده ونه سازمان ملل» پیش از ورود کندی پلاکادهای بعده‌ای داده شده بود که در جلوو دوطرف آنها تصویر کندی بصورت جنایتکاران الصاق بود ورویش نوشته بودند «باتهام خیانت تحت تعقیب است»

روز استثنائی

روزپنجشنبه‌برای خانم لی‌هاروی ازوالد همسر روسی هاروی ازوالد هم که همراه دودخترش در خانه‌ای در ارونیك واقع در حومه شهر دالاس سکونت داشت روز تعجب آمیزی بود. شوهرش که درشهر میزیست بی خبر باو سرزد وشب را درمیان اعضاء خانواده‌اش بسر برد. تا آنموقع‌هیچگاه درروزهای وسط هفته بنزدش نرفته بود.

روز جمعه بود ــ همان روز هفته‌که «دیك پادشاه» بروی‌پرزیدنت جکسون دوتپانچه کشید، روزی‌که لینکلن هدف گلوله قرار گرفت، روزی‌که «لیون کروگر» مککینلی آخرین رئیس جمهوری امریکا را ترورکرد و بقتل رسانید.

کندی صبحدم ازخواب‌برخاست تا برنامه‌های متعددی منجمله‌ایراد نطقی در سر میز صبحانه در«فورت ورث» انجام‌دهد. کاملاخوش‌وشاد بود و این سرشادی شاید معلول این بودکه میپنداشت گردش او در قلمرو خصم خیز تکزاس بیش ازآنچه انتظار میرفت موفقیت‌آمیز بوده است. حالت دوستانه شهر سن‌انتونیو با ساکنانش که اکثریت قاطع آن هوادار کندی بودند وبیشتر آنها از مکزیکی ها و سیاهپوستان تشکیل میشد چیز غیر قابل انتظاری نبود.

هوستون خشونت بیشتری از خود نشان داد اما جمعیت‌تماشاچی از شماره بدر بود و درتمام‌مسیر حرکت بسیاری با فریادهای شعف ابراز احساسات میکردند. بدیهیست این استقبال گرم و بی‌اختیارمردم بیشتر مرهون حضور و محبوبیت فراوان «ژاکی» بود که پس از

انتخابات سال ۱۹۶۰ برای نخستین بار همراه شوهرش در یك سفر انتخاباتی شرکت کرده بود.

ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه پیش ازظهر همان جمعه رئیس جمهور بشاش و خندان‌از هتل محل توقف خود در فورت ورث خارج شد و رهسپار محل اجتماع میهمانان گردید . هوا مختصری مرطوب بود ونم نم‌باران میبارید لکن کافی نبود تا مانع خروج هزاران تن از مردم تکزاس که در پشت نرده گرد آمده‌بودند گردد. آنها بگرمی ابرازاحساسات می‌کردند و دست دوستی تکان میدادند .

وقتی کندی از غیبت«ژاکی» معذرت خواست وگفت «خانم‌کندی مشغول منظم کردن خودش‌هست. البته میدانید که بیشتر از لباس پوشیدن من طول میکشد اما وقتی کارش تمام بشود از من خشگلتر میگردد » جمعیت باصدای بلند خندیدند . حقیقت همداشت چه وقتی درتالار اتاق تجارت برای شرکت در میهمانی صبحانه ظاهر شد زیبائی چشمگیری یافته بود. ژاکت زرشکی رنگش باکلاه کرمی باو خیلی خوب میامد.وقتی چند دقیقه بعد از رئیس جمهور وارد شد همه چشمها بسوی او برگشت و رئیس جمهور بذله گوئیش گل کرد و چنین گفت: دو سال پیش در پاریس خودرا بعنوان مردی که همراه بانوکندی بپاریس آمده است معرفی‌کردم.

اکنون‌که در شهرهای تکزاس بسفر پرداخته‌ام رفته رفته همین احساس برمن دست میدهد، کسی اعتنا نمیکند که من ولیندن جانسن چه بتن میکنیم . رئیس جمهوری در موقع سیاسی نافذی قرارگرفته بود و درپایان‌سخنرانیش دو هزار و دویست تن بپاخاستند و بشدت نسبت باو ابراز محبت کردند.

اتاق تجارت کلاهی با نوار بسیار پهن به رئیس جمهوری هدیه کرد و کندی گفت که دربازگشت بکاخ سفید آن را خواهد پوشید. سپس فرصتی پیدا کرد که‌به‌جان تنسی گارنر معاون رئیس جمهور سابق‌که نود و پنجمین سال‌تولدش را جشن میگرفت تلفن‌کند گارنر باو گفت « تو رئیس جمهور منی و من تو را دوست دارم. آرزو میکنم برای همیشه در این مقام بمانی .»

نطقی‌که ایراد نشد

هنگام حرکت «فورت‌ورث» بدرقه گرمی از پرزیدنت کندی و ژاکلین بعمل آوردند . درمدت کوتاه پرواز کندی سخنرانی را که میبایست در ضیافت بازارمکاره دالاس ایراد کند مرور کرد.وی در این نطق قصد داشت بگوید: «تنها امریکائی که عملش با آنچه در باره حقوق و عدالت اجتماعی تبلیغ میکند مطابقت دارد مورد احترام آنهائی قرار خواهد گرفت که روش آنها در آینده ما موثر خواهد بود.»

همچنین قصد داشت درباره کوشش برای تامین صلح جهانی سخن بگوید و نطق خودرا بایکصد و بیست و هفتمین آیه زبور پایان دهد . اگر باریتعالی شهر را حفاظت نکند شب زنده داری عسسها بیهوده است.

ساعت یازده و سی وهفت دقیقه هواپیما در فرودگاه دالاس بزمین نشست در فرودگاه «لاو» استقبال گرمی بعمل آمد . ابر خاکستری بر طرف‌گشته و جایش را باشعه زرین آفتاب بخشیده بود.

ساکنان ، پیراهن آستین کوتاه پوش در زیر آفتاب گرم مطبوع جمع‌شده بودند . در حقیقت‌حدود پنجهزار تن گرد آمده بودند و ابراز احساسات جمعیت چنان‌گرم و جاذب بودکه «ژاکی» تشویق‌شد تا از پلکان‌هواپیمای‌ریاست‌جمهوری مستقیما بکنار نرده‌ای برود که توده جمعیت از سمت دیگر بدان فشارواردمیآوردند. رئیس‌جمهوری نیز پشت سر او رفت وهردوبا ساکنان مشتاق دالاس که نفس‌زنان دست‌های خودرا دراز کرده بودند دست دادند . پس از چند دقیقه «ژاکی» برگشت اما چون متوجه شد که شوهرش همچنان بفشردن دستهای مردم سرگرم است زیرلب گفت : «نخیر دست بردارنیست» و سپس خنده‌کنان دو مرتبه باو ملحق شد .

آنها حدود ده دقیقه‌باهواداران مشتاق خود بسر بردند وسپس با کسب اجازه از جمعیت به‌اتومبیل مجلل ریاست جمهوری‌ــ لینکلن کروکی آبی رنگ شماره جی‌جی‌ــ ۳۰۰ ــ سوار شدند تا بطرف شهر دالاس حرکت کنند . رئیس‌جمهور لباس آبی تیره رنگی بتن داشت. «ژاکی» دسته‌گل سرخی‌که تازه‌باو هدیه شده بود دربازوی چپ‌داشت. ساعت یازده و پنجاه دقیقه پیش از ظهر رانشان میداد.

لحظاتی که‌بازگشت‌نداشت!. ژاکلین نگاه حسرت باری بشوهرش افکنده است .







لحظات زودگذر و پرخطر، لحظات بین مرگ وزندگی گلوله‌ای که توسط قاتل شلیك شده رئیس جمهوری را تا دم‌مرگ رانده‌است... خانم کندی فریاد می‌کشد نه نه ! وسر شوهرش راکه بیهوش شده در دست‌دارد. راننده پا را روی گاز فشارمیدهد، محافظ‌مخصوص خودرا از ماشین بیرون انداخته تابه‌مجروح‌ودیگران کمك‌کند

وقتی پرزیدنت کندی وژاکلین در صندلی اتومبیل جای‌گرفتندو جان کنالی فرماندار دمکرات تکزاس با همسرش در صندلیهای فرعی که در جلو کندی و خانمش قرار داشت نشستند افراد پلیس مخفی نفسی راحت‌کشیدند . پلیس دالاس برای جلوگیری از تکرار حادثه‌ای‌که سفر استیونسون راتیره کرد اقدامات احتیاطی بی‌سابقه‌ای در تاریخ این شهر ترتیب داده بود.

. بعلاوه سی وشش مامور مخفی اختصاصی رئیس‌جمهوری رااسکورت میکردند .

عده‌ای از آنها با تجهیزات کامل در یك اتومبیل ضدگلوله سازمان تامینی بنام «کوین‌ماری» که پشت سر اتومبیل کندی‌حرکت میکرد سوار بودند . در اتومبیل سوم دردوازده اتومبیلی‌که اتومبیل حامل کندی را همراهی میکردند لیندن جانسون وهمسر مشهورش «لیدی‌بیرد» همراه بارالف‌یاربورو سناتور دمکرات تکزاس‌سواربودند. در آن دقایق سرنوشت تعیین کن هیچگونه فکر خطری نمیتوانست در مخیله پرزندیت کندی رخنه کند . او از هرسو محاصرو حراست میشد و اتومبیل‌ها باسرعت پانزده میل در ساعت طی طریق میکردند و در دوطرف مسیر کاروان حدود دویست و پنجاه هزار تن از مردم صف بسته بودند.

انبوه جمعیت بقدری بود که انتظار میرفت . حباب متحرك ضد گلوله بالای اتومبیل بعقب کشیده شده بود تا رئیس جمهوری بتواند تمام قد بایستد و بسوی مردم دست تکان دهد ومردم‌بهتر بتوانند او را ببینند . جمعیت بشدت‌فریاد میزدند ودست افشانی مینمودند. همچنانکه‌بیك‌سه راهی‌که‌خیابانهای «الم ماین وکامرس» را درمنطقه پرداد وستد جنوب دالاس متصل میکرد نزدیك میشدند وتامحلی‌که کندی میبایست نطق خود راسرمیز ناهار ایراد کند یك میل بیش باقی نمانده بود کنالی باخوشحالی به رئیس جمهوری رو کرد وگفت: دیگر کسی نمیتواند تو را معتقد سازد که در دالاس افرادی نیستند که شمارا دوست ندارند.

رئیس جمهوری در حالی که لبخند بلب داشت و دست خود را دوستانه بسوی مردم تکان میداد گفت:

« خیر مسلما خیر» . آخرین سخنان جان فیتز جرالدکندی‌همین جمله بود.

مرگ انتظار میکشد

در بالای ساختمان یك‌موسسه انتشارات کتب درسی در فاصله یکصد متری سمت راست خیابان‌سوء قصد کننده‌ای در پشت پنجره طبقه ششم ساختمان مشرف‌برکاروان اتومبیل‌هائی که از خیابان می‌گذشتند کمین کرده بود. هیچکس نمیتوانست فکر این شخص را که در کمین‌گاه نشسته و برای انجام مقصودی انتظار میکشید بخواند. اما ازاین همه دقت او چنین برمیامد که تصمیم خود راباحساب کردن همه جوانب کار گرفته است و هدفی که بتنهائی کمر بانجام آن بسته هرگونه احساسی رادراو کشته‌است . خلاف همه سوءقصدهای گذشته بجان روساء جمهوری نحوء عمل این سوء قصد کننده سیمای حرفه‌ای داشت . سرانجام فرصت فرارسید .

در این مدت تزلزلی حتی‌برای یك لحظه هم در تصمیمش پدید نیامد . ثانیه شماری کرده بود تفنگ دوربرد و نیرومند خود را که دوربینی برویش تعبیه شده بود بلند کرد بسوی‌اتومبیل‌حامل رئیس جمهوری در فاصله پنجاه متری سمت راستش بود قراول‌رفت و ماشه را کشید . ساعت نیم‌بعد از ظهر رانشان میداد. در میان فریاد وابراز احساسات مردم نسبت برئیس جمهوری سه شلیك سه‌گلوله طنین افکند .

پرزیدنت کندی ناله‌ای کوتاه برکشید «آخ» وگلوی خود را بادست پوشاند . سپس چرخی زد و بسمت چپ در دامان همسرش در غلتید بطوریکه پای چپش‌روی در اتومبیل قرار گرفت. «ژاکی» مایوس و گریان گفت آه خدای من آنها شوهرم را کشتند . جك جك!

خونی که بزمین ریخت

سر گلوله خورده‌کندی‌بروی دامنش آرمید ودسته‌گلی که باو داده شده بود بروی کف‌اتومبیل افتاد.

همان وقت کنالی فرماندار تکزاس بسمت چپ برگشت تا شاید جان خود را نجات دهد . گلوله‌ای باستخوان شانه‌اش اصابت کرد و از سه بند فقره‌اش گذشت یك ریه را سوراخ کرد مچ دست راستش. را شکست و بالای زانوی چپش متوقف گردید . وی فریادزد: «خدی من میخواهند همه ما را بکشند.»

در آن دقایق دهشت بیش از آنچه که بتوان نوشت اتفاقاتی روی میداد . بسیاری ازمردم‌شلیك گلوله‌ها را بجای آتش بازی‌اشتباه کردند ، برخی بیدرنگ‌عکس‌العمل نشان دادند .

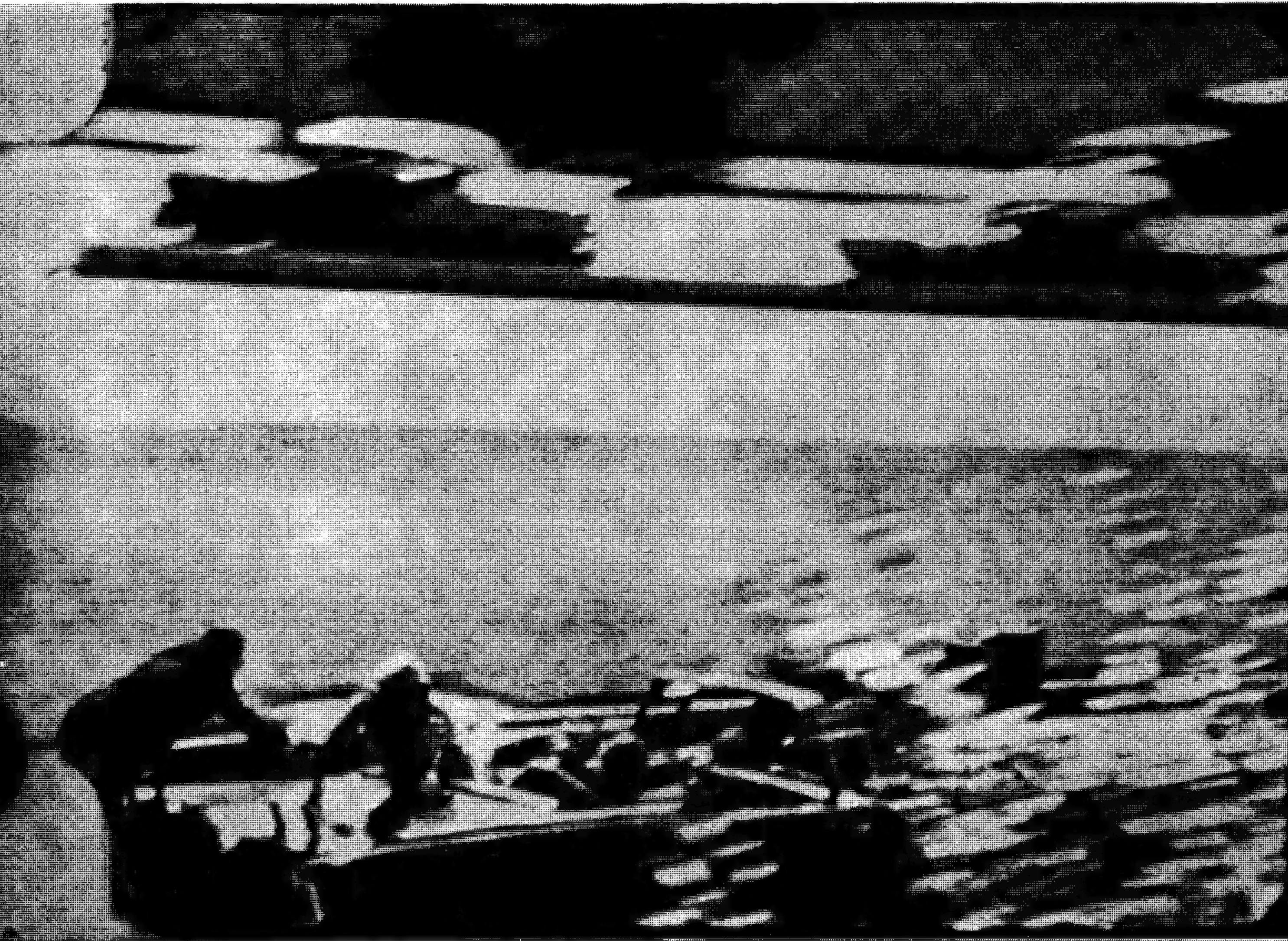
جیمس چانی پلیس راهنمائی و رانندگی دالاس که موتور سیکلت او از همه به پرزیدنت نزدیکتر بود فکر کرد صدای اگروزیکی از اتومبیل‌هاست وپس از سومین شلیك تازه متوجه خون شد که از سر رئیس جمهوری فـوران میکرد .

«ابراهام زپ رودر» خیاط دالاس درتمام این مدت بادوربین خود مرتبا عکسها رنگی میگرفت «رفوس‌ربیونگ پلد» مامور اداره خدمات سری‌معاون رئیس جمهوری را بکف اتومبیل انداخت وبدن خودرا پناه او نمود . پلیس راه بیدرنگ خود را بزانو انداخت تپانچه‌ای را بیرون آورد وفریاد زد : «بیا پائین . »

یکی از زنان که در صف اول مستقبلین ایستاده بود جیغ زد : آه خدایا گلوله خورد . یك زن و شوهر سیاهپوست‌فرزند کوچك‌خود رابرداشته فرار کردند . برخی فریاد میزدند . پاره‌ای صورت خود را با دستهایشان پوشانده بودنـد. عـده‌ای از تـرس روی زمیـن خوابیدند . ویك‌خبرنگار بساختمان هفت اشکوبی موسسه کتابهای‌درسی تگزاس نگریست ودید دومرد سیاه از پنجره یکی از طبقه ها میکوشند به پنجره طبقه بالاترنگاه کنند . همان وقت نگاهش ببالاتر افتاد و دید که لوله‌تفنگی از پنجره‌بداخل ساختمان‌کشیده‌شد . ماموران‌سازمان خدمات سری کنترل اوضـاع را بدست گرفتند . یکی از ماموران بنام کلینت‌هیل‌بروی رکاب‌اتومبیل پرزیدنت کندی که داشت سرعت میگرفت جست زد . خانم کندی سرش را پائین گرفت تا چهره شوهرش را بنگرد ، دومامور دیگر در پیشاپیش اتـومبیل حـرکت میکردند ویکی فورا باداره‌مرکزی تلفن کرد وسپس به دواسکورتی که درجلو بودند گفت : «بنزدیك ترین بیمارستان برویم» .

در همین موقع بـراساس برنامه‌های اضطراری‌راننده اتومبیل حـامـل کنـدی را از صـف اتومبیل هـای دیگـر بیرون برد . افراد اسکورت به دو گروه تقسیم شد . یك دسته بتعقیب ضارب پرداخت ودسته‌دیگر همراه اتومبیل رئیس جمهـوری بـه بیمارستان «پارکلند مموریال» که تا آنجا حدود پنج کیلومتر فاصله داشت رفتند . موتور سیکلتهای پلیس با آژیرهای خود راه را از مردم پاك میکردند . در این راه پیمائی سرعت اتومبیل «لینکلن» حـامل رئیس جمهوربه هفتاد میل درساعت رسید بطوریکه هنگام گذشتن ازخم خیابانها روی دوچرخ کج میشد.
پلیس مامور سازمان خدمات سری که درآخرین لحظات بروی رکاب اتومبیل پریدخود رابروی اتومبیل افکند وامیدواربود بتواند کمکی کند . امـا کـاری از دستش بر نمیامد لذا دلشکسته واز کوره در رفته مشت گره کرده خود را به بدنه اتومبیل، میکوبید . یکی از ماموران در جلو اتومبیل گفت : آهسته تربرو وسرعت اتومبیل به شصت میل یعنی نصف حد اکثر سرعتی که این اتومبیل میتوانست حرکت کند کاهش یافت . در پشت سر اتومبیل حـامل کنـدی گروکی حـامل لیندن جـانسون

رئیس جمهوری سرش خم‌شده و واپسین دقایق رامیگذراند ...



وسناتور «رالف‌یاربورد» که به‌ماموران خدمات‌سری دستورداده بودند کف اتومبیل دراز بکشند حرکت میکرد .

در بیمارستان

وقتی اتومبیل در برابر در اضطراری بیمارستان «پارکلند مموریال» دربلوار هری هاینس توقف کرد پرزیدنت کندی بپشت بحال اغماء افتاده بود . سرش روی دامن ژاکلین بود وخونش پیراهن او را رنگین میساخت ماموربن بیدرنگ برای آوردن برانکاد شتافتند . ظرف چند ثانیه پرزیدنت کندی آهسته بروی برانکاد انتقال یافت ، در حالیکه ژاکلین هنوز بازوی اورا رها نکرده بود . کنالی نیزهمان‌وقت‌باتاق اضطراری دیگری منتقل شد . او هم درحال اغماء بود .

خانم کندی در کنارشوهرش بداخل بیمارستان رفت . درپشت سرش لیندن جانسن حرکت میکرد جانسون دستش راروی قلبش داشت گفتی بیم آنرا دارد که باز دچار حمله قلبی گردد . او در سال ۱۹۵۵ دچارحمله قلبی شدیدی شد . اما این بار جانسون بیك شوك شدیدی دچار شده بود . پلیس مراقبت دروروری بیمارستان را بر عهده گرفت ومردم بسیاری در اطراف اتومبیل خونین «لینکلن» گردآمدند . درمیان راهرو ورودی سناتوریاربورو ایستاده ومیگریست وبالکنت زبان بخبرنگاران گفت : صدایش با صدای ترقه فرق داشت . . . . .بمحض شنیدن صدا پی ــ بردم که اتفاق وحشتناك ودهشترائی روی داده است

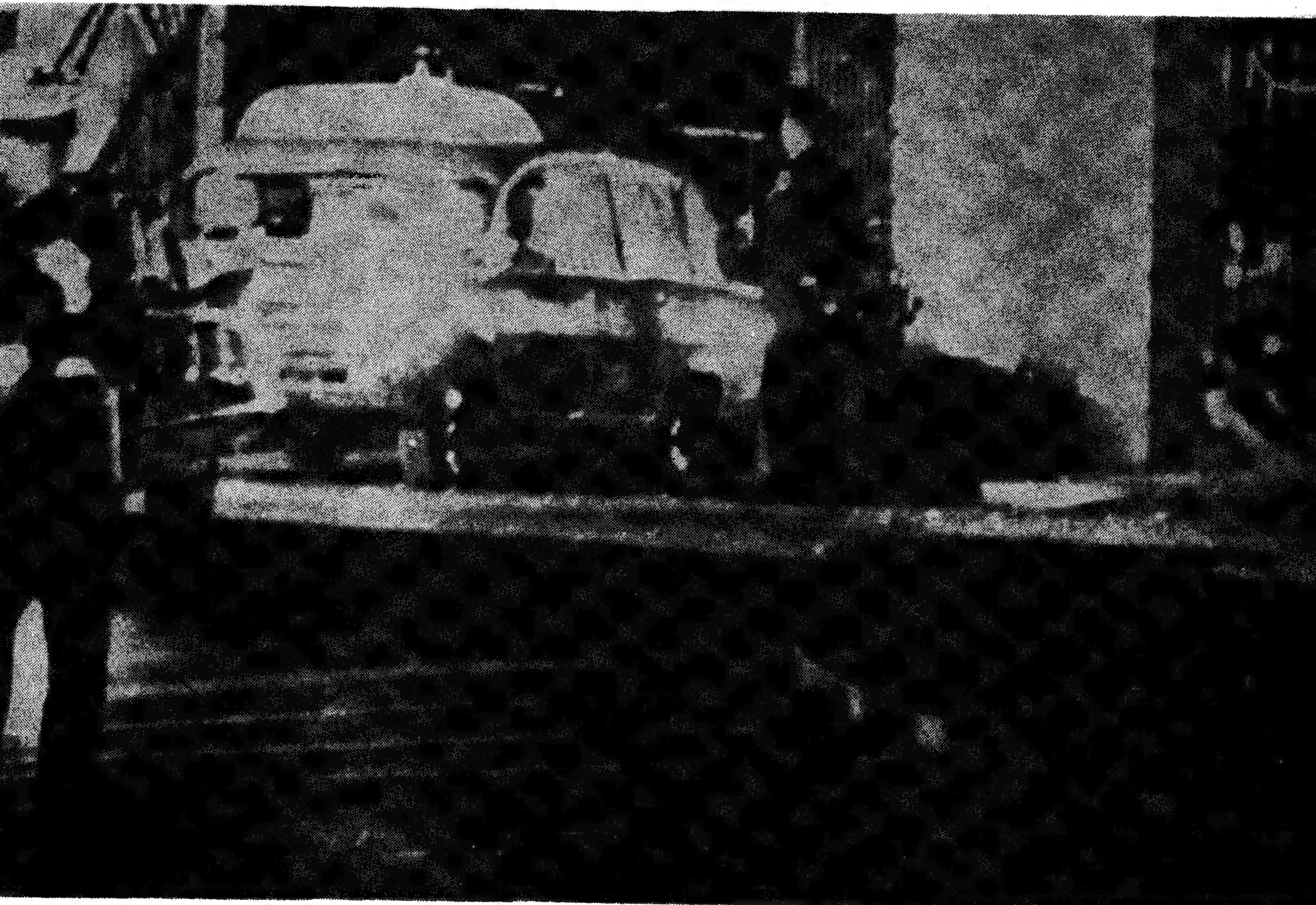
تلاش بیفایده

ظرف‌نه دقیقه پس‌از تیراندازی در اتاقی بی پنجره بیمارستان پزشکان به تلاش یاس‌آمیزی برای نجات کندی پرداختند آنهاازآغاز دانستندکه‌کار از کار گذشته است . اما ناگزیر بکوشش بودند . زخمی در زیر جوزه گلویش ایجاد شده‌و گلوله دوم پشت‌گلوله‌اش‌را شکافته واز قسمت عمده وحیاتی مغز که تنظیم کننده تنفس وجریان خون است گذشته بود . ده پزشك دراین تلاش یاس‌آمیز برای زندگی بر ــ گردانیدن رئیس جمهوری شرکت داشتند . یکی از پزشکان لوله اکسیژن را بدهان رئیس جمهوری گذاشت اما سوراخ ایجاد شده در گلومانع عبور هوا بداخل ریه‌بود .

آنوقت بمالش قلب پرداختند تا بنفس کشیدن او کمك کنند وهر گاه‌وبیگاه‌خون‌وسایرداروها تزریق میکردند . در این موقع خانم کندی بی سروصدابداخل اتاق آمده بود وحاضرنبود خارج شود . دکتر مالکلم پری مدت ده دقیقه بمالش سینه ادامه داد . او در حالی‌که روی نیمکت ایستاده بود تا فشار خود را بیشتر سازد بعنوان آخرین تلاش مایوسانه بمالش عضلات سینه پرداخت تا قلب را بکار اندازد و جریان خون راااز نومیسر گرداند . مدت کوتاهی ضربان نبض قابل لمس بود . دستگاه الکتریکی برای ثبت تنفس بکار انداخته شد اما هیچ اثری در آن پدید نیامد پس از چند دقیقه دکتر کمپ کلارك رئیس جراحان پی شناس بدکتر پری‌رو کردوگفت : دیرشده است . ملحفه سفیدی بروی جسد رئیس کل قدرت اجرائی ایالات متحده کشیده شد .

حتی علم کاری نکرد

باچنان امکانات پزشکی و معلومات علمی موجود شاید امکان داشت جان پرزیدنت گارفیلد و پرزیدنت مك‌کینلی روسای جمهور مقتول سابق را نجات داد . برای پرزیدنت کندی از دست علم و دانش کاری ساخته نبود . دکتر نام شایزر رئیس جراحان طی بیانیه‌ای اعلام‌داشت : وقتی کندی راآوردند از نظر پزشکی واضح بود که پرزیدنت زنده نیست . هیچ تنفس



نمیکرد . مردمکهای چشمش منبسط و بیحرکت بود . تردید وجود نداشت که زخم کشنده‌ای بسرش وارد شده است . ازنظر فنی با استفاده از ماساژ تیوبهای شریانی و اقدامات دیگر توانستیم چیزی شبیه بضربان قلب بوجود آوریم .

سناتور کنالی فرماندار تکزاس شانس بیشتری داشت . خیلی زود بهوش آمد و درموقعی که جراحان خودرا برای انجام عمل آماده میساختند او به بیل استینسون معاون خود گفت : از نلی - همسرش - مواظبت کن . عمل چهار ساعت بطول انجامید .

بدرگاه خداوند

چند دقیقه به ساعت یك مانده دو کشیش رومان کاتولیك بنام عالیجناب اسکار هیوبر وعالیجناب چیمس تامسون بکنار جسد کندی آمدند . هیوبر پدر روحانی پارچه را از روی صورت رئیس جمهوری بکنار زد دست راست خودرا بالا نگهداشت و بزبان لاتین برای او چنین طلب آمرزش کرد : «اکنون کەزندەنیستی برای‌تواز همه‌عیوب و گناهان بنام «پدر» و بنام «فرزند» و بنام روح‌القدس طلب آمرزش میکنم . آمین» .

آنگاه پیشانی کندی را با روغن مقدس چرب کرد و باردیگر برای او طلب آمرزش کرد . سپس صورت کندی پوشانیده شد وهیوبر پدر مقدس بار دیگر برای مرده و برای روح ترك گفته نمازگزارد

ژاکلین کندی مدت پانزده دقیقه بلند بلند با او بدعا پرداخت . آنوقت دوکشیش مزبور اتاق را ترك کرده گفتند پرزیدنت در گذشته است .

مالکولم کیلداف معاون منشی مطبوعاتی کاخ سفید در حالی که چشمانش از فرط گریه قرمز شده بود ساعت یك ونیم بعدازظهر اعلامیه رسمی را باین شرح اعلام داشت : پرزیدنت جان - اف - کندی مقارن ساعت یك بعدازظهر بوقت محلی امروز در دالاس درگذشت او برأثر اصابت گلوله تفنگی به مغزش بهلاکت رسید . درباره سوء قصد اطلاع بیشتری ندارم .

برای هشتمین بار رئیس جمهور آمریکا در موقع تصدی درگذشته و برای چهارمین بار براثر اصابت گلوله بدرود حیات گفته بود .

جان فیتز جرالد کندی سی‌وپنجمین رئیس جمهور ایالات متحده چهل‌وشش سال از سنش میگذشت واز همه روسای جمهوری گذشته جوانتر بود .



ژاکلین و برادر رئیس جمهوری قصد دارند برای آخرین بار به کاخ سفید بروند .

چه کسی او را کشت



لی. جی. اسوالد تفنگداراخراجی نیروی دریائی برای دو روزگرانبهاترین‌شکار پلیس دالاس بود ، پلیس دالاس اعلام داشت‌که رئیس جمهوری را او کشته است ولی اسوالدآنرا تکذیب کرد ، بااین همه موقعی‌که او را برای‌بازجوئی میبردند مردی‌که صاحب بار بوده و روبی‌انشینی نامیده میشد از ردیف خبرنگاران جلوآمده‌و پلیس هیچگونه عکس‌العمل از خود نشان ندادتا او متهم را کشت . با کشته شدن اسوالد برای‌پلیس دالاس پرونده قتل کندی بسته شد ولی برای‌امریکا و دنیا این سؤال که آیا اسوالد واقعاً قاتل کندی بوده لاینحل مانده است .

آن مرد سفید چهره

در گیر و دار تیراندازی ماموران سازمان خدمات سری آمریکا که همگی فارغ‌التحصیل دانشگاه ، ورزشکار و تیرانداز درجه یك هستند به پلیس دالاس در تلاش پایان ناپذیرش برای یافتن‌ضارب‌رئیس جمهوری‌همکاری آغاز کردند . مجریان قانون ظرف نود دقیقه توانستند متهم اصلی را دستگیر کنند و حال آنکه هزاران تن سرباز مدت یازده شب و روز برای دستگیری قاتل لینکلن که هنرپیشه سینما و معروفیت عمومی داشت وقت صرف کردند .

ماموران دستگیری ضارب پرزیدنت کندی نخست سازمانی نداشتند . آنها با دیدن هرسایه‌ای با سلاحهای خود قراول میرفتند یا درکوچه‌های بن‌بست میدویدند ، برخی هم بدون داشتن هدفی باین سو و آنسو میرفتند . لکن ظرف چند دقیقه عده‌ای از افسران برای صحیح رسیدند . افراد پلیس از چهار طرف محل حادثه بتعقیب پرداختند چه معلوم شد که گلوله از ساختمان شرکت کتب درسی تکزاس‌که با خیابان یکصد قدم فاصله دارد شلیك شده است . یك پلیس موتور سیکلت سوار بسرعت **بسوی انبار کتب درسی حرکت**کرد و دراین حال آنهائی راکه در مسیرش قرار میگرفتند باینسو و آنسو پرت میکرد . در مدخل ساختمان « روی ترولی » رئیس شرکت باو ملحق شد و هر دو بطرف آسانسور رفتند تا پی گرد خود را آغاز کنند . آسانسور از کار افتاده بود زیرا یکی‌از ؟ آن باز مانده بود . این دو مرد ناگزیر از راه پلکان بالا رفتند و در طبقه دوم با جرانی برخورد کردند که‌روی **دستگاه تولیدکاربن** منجمد از زغالی کار میکرد افسر از روی ترولی پرسید : **« او اینجا کار میکند ؟ »** ترولی سری تکان داد و افسر پلیس گذاشت رد شود . چند لحظه بعد **نخستین دسته پلیس وارد** ساختمان شدند وازسقف تا سردابهای ساختمان را بازرسی کردند و « **لانه** » ضارب را در طبقه ششم پیدا نمودند . در این طبقه پنجره‌ای که بخیابان « **الم** » مشرف بود و از آن میشد مسیر اتومبیلهائی که از خیابان میگذشتند از فراز درختان بخوبی دید . دراینجا سه کارتن محتوی کتاب طوری درکنار پنجره رویهم قرارداده شده بود که نشان میداد از آنها برای قرردادن تفنگ قاتل استفاده شده‌است .کارتنهای دیگری بصورت حفاظ قرارداده شده بود و نزدیك آن باقی مانده مرغ سرخ کرده ، یك بطری خالی مشروب غیرالکلی و سه پوکه فشنگ پیدا کردند .

یك طبقه پائین‌تر در حوالی پله تفنگ قاتل که پشت کارتهای کتاب بطور نیمه پنهانی قرارداشت بدست پاسبانان افتاد . تفنگ ساخت ایتالیا و رویش دوربین ضریب‌دار تعبیه شده بود که گلوله شش‌ونیم میلیمتری میخورد . این تفنگ از نوع « ماتلیچر کارکانو » بادوربین ارزان قیمت بود . اما قاتل کیست و کجاست ؟ وقتی کارکنان موسسه حاضر غایب شدند . یکی غایب بود. شخص غایب لی هاروی ازوالد مردی که یکماه پیش دراین موسسه استخدام شده و تازه از ساختمان خارج گشته بود . سوء قصد کننده گریخته بود مع‌الوصف پلیس تا این مرحله در کار خود پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده بود . هنوز ده دقیقه از قتل نگذشته بود که دستگاه فرستنده پلیس بتمام افراد گشتی خود پیغام داد تا : مرد سفید چهره‌ای که پنج پا و ده اینچ قد و بین یکصدوشصت تا یکصدو ـ شصت و پنج پاند و زن و حدود سی سال سن دارند دستگیر کنند ساعت یك و پانزده دقیقه بعدازظهر یعنی چهل و پنج دقیقه پس از تیراندازی تیپت پلیس گشتی تنها با اتومبیل پلیس در خیابان «ایست تنت » در محله « اوك‌کلیف » همجوار نواحی پائین شهر گشت میزد دراین خیابان که چند کیلو متر از محل سانحه بدور بود تیپت،

پلیس دالاس با نگاه‌نافذ و خیره‌ای در موقع بردن اسوالد بمردم خیـره شده است اما تا موقعی‌که‌صدای تیر شنیده شد هیچ عکس‌ـ العملی از خود نشان نداد ولی بعد بتکاپو افتاد .





مردی را دیدکه مشخصاتش با مشخصات ازوالد تطبیق میکرد . او با عجله از پیاده رو میگذشت . پلیس مرد مزبور را از پنجره اتومبیل خود صدا زد و سپس از اتومبیل پائین آمد و اتومبیل را دور زد و برای سئوال و پرسش از او جلو رفت . شخص مظنون دست توی پیراهن خود برد تپانچه‌ای بیرون کشید و سه‌گلوله شلیك کرد . پلیس گشتی که یك پدر سی ونه ساله‌ای با سه فرزند بود بروی پیاده رو درغلتید گلوله ها به سرو سینه و شکمش اصابت کرده بودند . قاتلش دوان دوان دور شد و دراین حال شانه تپانچه را خارج ساخت و سه پوکه خالی را بیرون افکند . ساعت یك و هیجده دقیقه بعدازظهر رانشان میداد . عابری با رادیو اتومبیلش جریان را بمرکز پلیس اطلاع داد اما وقتی نفرات رسیدند تیپت مرده بود .

جنگ جهنم است

رئیس انبار یك موسسه کفش‌دوزی دید وقتی اتومبیلهای پلیس در حالی حرکت با آژیر میگذشتند کسی خودرا داخل درگاه انبار نهان کرد . قاتل دوان دوان از هفت ساختمان گذشت و سپس به تئاتر تکزاس پناه برد . تئاتر تکزاس سینمائی درخیابان‌جفرسون است . وقتی وارد سینما شد با عوض کردن مرتب صندلی توجه مردم را بخود جلب کرد . ژولی پوستال صندوقدار سینما پلیس را خبر نمود . ساعت یك و چهل‌وپنج دقیقه بعدازظهر بود که پلیس به سینما هجوم برد . فیلم « جنگ جهنم است » درحال آغاز بود که پلیس دستور داد چراغها روشن شود . مرد مورد نظر در ردیف سوم قرارداشت و چهار پلیس بسویش حرکت کردند . قاتل پاسبان با دیدن آنها گفت : گیر افتادم ناگهان روی پا جست بادست چپ مشتی بیکی از پلیسها نواخت و با دست راست تپانچه‌اش رابیرون کشید اما گلوله گیر کرد و فقط صدای برخورد ماشه شنیده شد . در جریان زد و خورد یکی از چشمان او با مشت پاسبانی سیاه شد واز دهانش خون فوران کرد و یکی‌از پاسبانان شکافی در چهره‌اش ایجاد شد اما سرانجام براو مسلط شدند . آنگاه دستبند بدستهایش زدند و درحالی که مردم فریاد میزدند « اورا بکشید او را بکشید » وی را از سینما بیرون بردند .

قاتل پاسبان که بنام « لی هاروی ازوالد » معرفی شد بادار[ه] مرکزی پلیس واقع در محله پائین شهر برده شد و در اتاق شماره ۳۱۷ دفتر جنائی مورد بازپرسی قرار گرفت در ساعت ده و پانزده دقیقه بعدازظهر تعقیب برای دستگیری متهم در سراسر نواحی شهر عملا پایان یافته بود .

درقرارگاه پلیس کارشناسان نخست پوست ازوالد را بدقت مورد بازرسی قرارداد تامحقق شود آثاری از ازباروت روی دست و چهره‌اش باقی مانده یاخیر . این بازرسی نشان میداد که او در چند ساعت اخیر از تفنگی استفاده کرده‌است . سپس ساعت شش وسی دقیقه بعداز ظهر ازوالد باتاق دیگر برده شد تا در برابر دادگاه عدالت باتهام قتل تیپت پلیس محاکمه گردد .

قرار بازداشت غیرقابل تبدیل بنامش صادر شد وباو گفته شد که میتواند مشاوری برای خودبگیرد . وقتی ازوالد را از راهرو عبور میدادند دستهای دستبند زده خود را بالا گرفت و دراین حال عکاسان از او عکس گرفتند . او نیمتنه‌ای گل و گشاد مشکی کفشی مشکی ارزان قیمت و پیراهن چهارخانه‌ای زیتونی شکل پوشیده بود . زیر چشم چپش مختصر سیاهی دیده میشد و بریدگی کوچکی طرف راست چانه‌اش بچشم میخورد . فریاد میزد : من کسی رانکشته‌ام .

بعدا مارینا همسر روسی‌ازوالد که بدشواری میتوانست بانگلیسی سخن بگوید به قرارگاه پلیس‌آورده شد تا با شوهرش ملاقات کند . او با دو دختر که یکی‌از آنها طفل دو ماهه در بغل گرفته بود وارد شد .

سروان ویل فرتیز کاردان بخش جنائی پلیس همراه با یك مامور سازمان خدمات سری بیش از نه ساعت متوالی ازوالد رابازپرسی کردند . او همچنان منکر قتل‌میشد اما کیوری رئیس پلیس با لحن مطمئنی گفت : فکر میکنم مرتکب واقعی بچنگمان افتاده است . فرتیز گفت گرچه هنوز چیزی اعتراف نکرده اما ظاهرش بخوبی مظنون است . آنگاه صحنه‌ای که نفس را در سینه حبس میکرد دیده شد . لحظه هیجان وقتی بود که متهم بقتل پرزیدنت کندی را با آسانسور بپائین بردند واورا باتاقی راهنمائی کردند که خبرنگاران درآن صف بسته‌بودند دربرابردوربین تلویزیون بدنیای متمدن نشان داده شود . او مردی نسبتا چهار شانه بنظر میرسید کارآگاهان تنومندی که کلاههای لبه پهن برقامت آنها میافزود او[را]

درمیان گرفته بودند . چهره‌اش زرد و اندوهگین بنظر میرسید و لباسی محقر و حالتی که توجه را جلب نمیکرد داشت . اما پس‌از گذشت ساعتی پر دغدغه کاملا حالت دفاعی بخود گرفت شخصی خطاب به ازوالد فریادزد . آیا توپرزیدنت کندی را بقتل رساندی ؟ آیا تو متهم بقتل پرزیدنت کندی هستی . ازوالد بیدرنگ و محکم پاسخ داد : خیر من اینکار را نکرده‌ام وکسی هم باین عمل مرا متهم نکرده است

وقتی زندانی از اتاق بیرون برده شد هنری وید دادستان محلی که حقوقدانی با موی فلفل نمکی بود و ماموران « اف بی آی » دو طرفش قرارداشتند در برابر دوربین قرار گرفت . وی سخنانش را با این جمله که ازوالد رسما « بقتل کینه توزانه » پلیس کشته شده متهم است . همان شب ازوالد همچنین بطور رسمی بقتل پرزیدنت کندی هم متهم شد .

در ساعت های اول پیش از ظهر روز شنبه هنری‌ویدبخبرنگاران گفت : «فکر نمیکنم که اوکودکی باشد البته منظورم این نیست بگویم دکتر فلسفه است اما به سئوالات بآسانی و محکم جواب میدهد.»

پلیس اعلام داشت که ازوالد مدعی به عضویت در کمیته کـه‌با که طرفدار کاسترو‌ست می‌باشد اما تاکید گردید که‌کسی ازوالد را ماموز اینکار نکرده وهمدستی نداشته است. دیگر ادامه بازپرسی مثل سابق ظاهرا فوریتی ایجاب نمیکرد.

تحقیقات بسیاری دیگر می‌بایست انجام گیرد لکن احساس میشد که پلیس شخص مورد نظر را دستگیر کرده است . همان شب مرز مکزیک و ایالات متحده که بحکم احتیاط چند ساعت متوالی بسته بود مجددا گشوده شد.

ضمنا دالاس نیز دراندوه و دهشت و عصبانیتی که بر جهان مستولی بود سهیم بود . همان شب برخی کافه ها برنامه خودرا شروع کردند اما کلوب کاروسل رقاصان لخت در خیابان کامرس تعطیل و خاموش بود.

موقع تیراندازی به‌پرزیدنت کندی جک‌روبی صاحب کافه به دفتر روزنامه «دالاس مورنینگ نیوز» رفته بود تا برای کلوب خود آگهی بدهد لکن اکنون دیگر بحرفه‌اش نمیاندیشید لـذا کلوب خود را تعطیل کرد.

چهره قاتل و آلت قتل

ازوالد پس از صرف صبحانه در حالی که زرد و رنجور بنظر میرسید ساعت ده و سی‌دقیقه پیش از ظهر از سلول زندانش بیرون آورده شد و بدفتر جنائی در طبقه سوم راهنمائی شد تا بازپرسی او دنبال گردد . دستبند هنوز هم بدستش بود و باز هم اتهامات را انکار میکرد . کارآگاهی چنین اظهار نظر کرد: او بسیار سرسخت است . سرسختیش هم براثر زور بازو نیست بلکه جنبه روحی دارد .

سخنان جمس کیوری رئیس پلیس صراحت بیشتر داشت . وی گفت : رفتارش از همان لحظه دستگیری غرور آمیز بوده است. سئوال ها را صریحا جواب نمی‌گوید مرتبا میگوید این ادعا مسخره است . این اتهام هجواست تمام مدت روز خبر های گوناگونی بگوش میرسید . گفته شد ازوالد حاضر نشده زیر آزمایش دستگاه کشف دروغ قرارگیرد. آثارباروت بروی هر دو دستش کشف شده و این امر مدلل میدارد کـه بتازگی با تفنگی تیر اندازی‌کرده است . از اظهار گواهان معلوم شد که هنگام قتل ازوالـد در ساختمان موسسه کتب درسی بوده است .

پلیس هنوز هم بر این عقیده بود که قتل کار شخصی واحد است . همسر ازوالد همان روز از شوهرش دیدن کرد . هنری وید دادستان محلی گفت همسر ازوالد تائید کرده که شوهرش تفنگی نظیر تفنگ قاتل داشتـه است.

این تفنگ تا پنجشنبه شب در گاراژ خانه آنها بوده امـا پس ازاینکه ازوالد روز جمعـه بسر کار رفت ناگهان ناپدید شد. اما هنری‌وید با لبخندی اضافه کرد بموجب قوانین تگزاس زن اجباری ندارد در دادگاه علـیه همسرش گواهی بدهد . بهر حال ازوالد حاضر نیست بداشتن تفنگی مجهز با دوربین وهمچنین تپانچه‌ای که هنگام دستگیری از او گرفته شد اعتراف کند . هردو اسلحه بـا هواپیمای جت نیروی هـوائـی به قرارگاه «اف بی‌ای» درواشنگتن فرستاده شد تا مورد آزمـایش بیشتری قرار گیرند . تا آن‌وقت گفتـه می شد کـه اثـر انگشت بـا اثـر انگشت ازوالـد مطابقت نکرده است اما اثرکف دستی که روی کارتن کناریـنجره‌ای که قاتل از آنجا پرزیدنت‌کندی را بقتل رسانید با اثر کف دست شخص ظنینی بطور مثبتی مطابقت دارد .

کیوری رئیس پلیس گفت پلیس مدارکی قطعی و تفصیلی که ازوالد را بسوء قصد مربوط بسازد در دست دارد .

اما از افشاء جزئیات این مدارك خودداری کرد . او از قول گواهی گفت که وقتی ازوالد پیش از ظهر جمعه واردساختمان موسسه نگهداری کتب درسی‌میشد بسته بلندی‌که بدور آن کاغذ زرد رنگ پیچیده بود همراه داشت. ازوالد بیکی از کارکنان گفتـه بود که سایه بآن پنجره است . کیوری همچنین گفت که ازوالد اعتراف کرده که کمونیست‌است. ظاهرا از اینکه کمونیست است مباهات دارد چه نکوشید ایـن موضوع را پنهان کند . بهر حال رئیس پلیس در اینکه ازوالـد گناه کار است تردید نداشت . سروان ویل فریتز پس ازتحقیقات بیشتری اعلام داشت بدون‌اینکه وارد ماهیت مدارك گردم این مطلب را میتوانم بشما بگویم‌این قضیه پایان یافته است . ایـن شخص پرزیدنت کندی را بقتل رسانید . ما قطع میدانیم که او قتل را مرتکب شده است دراین قضیه دستیاری وجـود نـداشته است .

شنبه شب پلیس فاش کرد که در خانه ازوالد تصویر های یافته است که او را با تفنگـی که پرزیدنت کندی بوسیله آن کشته شد و تپانچه‌ایکه پاسبان بقتل رسیده نشان میدهد . مقامـات پلیس گفتند : ازوالد تفنگ را از کمپانی در شیکاگو که سفارشات پستی‌میپذیرد خریده‌است. هنری‌وید دادستان محلی گفت : قرار است ازوالد روز دوشنبه یا چهارشنبه به دادگاه برده شود . محاکمه‌اش طوری ترتیب داده خواهد شدکه از دوهفته بعد آغاز شود.

او افزود بعقیده من‌باندازه کافی مدرك در دست داریم کـه نشان میدهد او پرزیدنت کندی را بقتل رسانید بدیهیست میـل داریم مدارك بیشتری بدست‌آوریم اما بقدر کافی موجود داریم . برای او تقاضای اعدام با صندلـی الکتریك خواهیم کرد .

همان روز اطلاع دیگری‌برای جهان انتشار یافت و آن این‌بود که روز بعد مردی که بقتـل پرزیدنت کندی متهم است زیر حراست اسکورت پلیس از قرارگاه پلیس بزندان بخش دالاس انتقال خواهد یافت و درآنجا درانتظار محاکمه‌اش در دادگاه خـواهـد ماند .

چه‌کسی جای اورا گرفت

مردی دیگر

یکصد دقیقه پس از درگذشت جوان‌ترین رئیس جمهوری امریکا چهل دقیقه پس از دستگیری متهم بقتلش لیندن جانسن پنجاه وپنج ساله قد بلند معاون‌ریاست جمهوری اهل تکزاس دست راست خود را بالا گرفت و دست چپش را روی انجیل جلد چرمی نهاد وسوگند وفاداری‌بعنوان‌سی‌وششمین رئیس جمهور امریکا یاد کرد . وی آهسته اما فصیح چنین‌میگفت: «صمیمانه سوگند یاد میکنم که علاقه و ایمان‌وظایف‌ریاست‌جمهوری ایالات متحده را انجام دهم وبا منتهی قدرت و توانائیم قوانین اساسی‌ایالات‌متحده‌راحفظ وحراست و حمایت میکنم. »

سپس پس از لحظه‌ای مکث ادامه داد « لذا خداوندا مرایاری کن.»

این کلمات در میان غرش موتور جت و در برابر اجتماعی کوچك و دراتاق کنفرانس دیوار طلائی هواپیمائی شماره يك نیروی هوائی ریاست جمهوری که قصد پرواز از فرودگاه لاو در دالاس داشت گفته شد .

بیوه کندی بدون کلاه در کنار رئیس جمهوری جدید ایستاده بود . چند قدم آن طرف‌تر تابوت سیاه رنگ برونزی که جسد بی روح کندی را دربر گرفته بود دیده میشد . ساعت دو وچهل دقیقه بعد از ظهر وقت محلی را نشان میداد .

يك ساعت پس از مرگ‌کندی تابوت حامل او با آمبولانسی‌کرمی رنگ که پرده هایش فروافتاده‌بود بفرودگاه انتقال یافت . پیش از حرکت ، بانوی اول امریکا یکبار دیگر شوهرش را بوسید انگشتری ازدواجش را از انگشت خود بیرون کشید و آن را برانگشت شوهرش قرار داد. آنگاه درحالی که افراد پلیس در برابر صدها تماشاگر سدی ایجاد کرده بودند در کنار تابوت براه افتاد. کلاه زیبایش دیده نمیشد و موهایش بهم ریخته بود .

وقتی بکنار آمبولانس رسید در عقب اتومبیل ودرکنار جسد همسرش جای‌گرفت.

در عرشه هواپیمای شماره يك نیروی هوائی رئیس جمهوری جدید بوسیله بانو ساراح‌هوگس قاضی فدرال که دو سال پیش‌توسط پرزیدنت کندی باین مقام برگزیده شده بود سوگند داده شد . وی بانوی باریك اندام و عینکی شصت وهفت ساله بود . چشمانش ازفرط گریه سرخ و صدای مرتعش او بدشواری شنیده میشد . چند دقیقه بعد جانسون که زمانی‌کارگر مزرعه و دبیر مدرسه بودنخستین فرمان خود را در مقام ریاست جمهوری صادر کرد «حال‌حرکت کنیم» بدنبال این فرمان هواپیمای جت ریاست جمهوری در حالی‌که حامل دو رئیس جمهور بود با سرعت ششصدمیل درساعت بابالهای خود هوا را شکافت و بسوی پایگاه نیروی هوائی اندریو در ماریلند رهسپار گشت . برای رئیس جمهوری جدید و برای‌بیوه کندی آزمایش جانکاه و طولانی تازه آغاز شده بود . برای‌نخستین بار پس از جانشینی اندریوجانسون معاون رئیس جمهوری بجای‌لینکلن در سال ۱۸۶۵ يك جنوبی بریاست جمهوری ایالات متحده رسیده بود .

بعد از اندریو جانسون تکفیر شده اهالی تنسی تبعیت جنوبی خود را از دست داد چه دردوره جنگ داخلی نسبت به‌اتحادیه‌وفادار مانده بود لیندن جانسون را میتوان نخستین جنوبی تمام عیار دانست که پس از زاخاری تایلور اهل لوزیانا در سال ۱۱۳ بکاخ سفید راه یافته است. حین‌پرواز جانسون با استفاده از تلفن رادیوئی با بانو رزکندی مادر سلف خود تماس گرفت و باو گفت :

از خدای خود آرزو داشتم کاری از دستم ساخته میشد . میخواستم شما را از این امرمطمئن کنم.

سپس بانو جانسون گوشی را گرفت و گفت : « همه ما بتو میاندیشیم و برای تو دعا میکنیم» از هم اکنون پرزیدنت جدید سنگینی‌دهشتزای وظایف والاترین وبی‌یار ویاورترین مقام جهان غرب را احساس می‌کرد و با توجه بمسئولیت هایش ناگزیر بود اندوه شخصی خودرا فراموش کند.

همه‌جا سیاهی وعزا

جانسون براحتی خانم کندی توجه داشت اما او تنها چیزی‌که میخواست این بود که در کنارجسد شوهرش بیآرمد . جانسون با خانم کنالی که شوهرش با موفقیت در بیمارستان پارکلند عمل شده بود تماس گرفت . پیامی بواشنگتن فرستاد و ترتیب داد تادرکنفرانسی با شرکت رهبران کنگره واعضاء کابینه ملاقات کند . سپس به‌تهیه نخستین بیانیه رسمی خودپرداخت. هیچ فرصت نداشت تا بساعتهای مصیبت بار گذشته بیندیشد. ضمنا خبر رعشه انگیز به‌همه آنهائی‌که مسئولیت مستقیم داشتند مخابره شد .

دین راسك وزیر خارجه همراه با پنج‌تن دیگر از اعضاء کابینه در راه بسوی ژاپن‌میرفت‌که خبر را دریافت کرد . هواپیمای آنها بیدرنگ بازگشت . ادوارد کندی برادر رئیس جمهوری فقید که سناتور تازه کار از ماساچوست است ریاست جلسه‌ای را برعهده داشت که سناتور مایك مانسفیلد رهبر پارلمانی حزب‌دمکرات‌بنزدش رفت و آنچه را اتفاق افتاده‌بود باو گفت . ادوارد چکش ریاست را بروی میز گذاشت و بدون‌آنکه حرفی بزند مجلس را ترك گفت. مجمع عمومی سازمان ملل ساعت سه بعد از ظهر برای مدت‌کوتاهی تشکیل جلسه داد تا ریاست آن مرگ فاجعه آمیز را باعضاء اعلام دارد . برای مدتی بیش‌از يك دقیقه شورا قیام کرد واعضاء با سکوتی ابهت آمیز سر خودرا بعنوان احترام خم کرده بودند . سپس هیات نمایندگی هر يك از کشورهای عضو یکی پس‌ازدیگری بنزد ادلای استیونسن رئیس هیات نمایندگی امریکا و سایر اعضاء آن رفته و مراتب همدردی خود را ابراز داشتند .

بطوریکه گفته شد تنهارئیس هیات نمایندگی کوبا گستاخانه گفته بود که دراین مورد اظهار نظر نمیکند و حتی از شرکت در آن جلسه کوتاه خود داری کرد.

ساعت شش بعد ازظهرهواپیمای شماره يك نیروی هوائی روی‌باند روشن پایگاه اندریو در خارج از واشنگتن قرار گرفت . تنگ غروب بود و با توجه باختلاف ساعت دالاس با واشنگتن چهار ساعت از روز وحشت‌انگیز موقعی که درگذشت پرزیدنت کندی رسما اعلام شد سپری شده بود . وقتی غروب گرم آن روز بانو کندی همچنان بیکلاه و باهمان لباس وجوراب خونین ازهواپیما خارج شد چهره‌ای اندوهبار داشت . روبرت کندی وزیر دادگستری در برابر در خروج هواپیما با او روبرو شد و برای دلداری دست‌او را گرفت .

جانسون در هواپیما ماند تا تابوت بوسیله افراد گارداحترام تمام رسمی از هواپیما بیرون.

برده شد . «ژاکی» وبرادرشوهرش همچنانکه دست یکدیگر راگرفته بودند تا انتقال تابوت بداخل آمبولانس نیروی دریائی ، ایستاده آن را مینگریستد ژاکلین اینجاهم ترجیح دادکه درکنار جسدشوهرش به بیمارستان تسدادی .نیروی دریائی برود . برادر کندی هم او را همراهی کرد .

یادگارهای گذشته

آن وقت رئیس جمهور و بانوی اول جدید از پلکان‌هواپیما پائین آمدند تابکناربرج‌میکروفون بروند .

مقامات رسمی دولتی که یکی ازآنها بصدای بلند میگریست با جانسون دست دادند آن وقت جانسون اخم کرده در برابر میکروفون قرار گرفت تا بیانیه خود را بخواند . هزاران تن از پشت حصار فرودگاه و باقی مردم امریکا بسخنان رهبر جدید خود که چنین گفت گوش فرا داده بودند : لحظه بس اندوه باری‌برای همه است . ضایعه‌ای را متحمل شده‌ایم که قابل ارزیابی نیست. برای شخص من مصیبتی بس عظیم است . رجاء واثق دارم که جهان در اندوهی که بانو کندی واعضاء خانواده او تحمل میکنند سهیم است . منتهی کوششم را خواهم کرد . این تنها کاری است که در توانائی دارم . به کمك‌شما و کمك پروردگار احتیاج دارم. ظرف هفت دقیقه یك هلیکوپتر خاکستری نیروی زمینی حامل رئیس جمهور و همسرش ازفراز بنای یادبود درخشان‌جورج‌واشنگتن گذشت درباغچه کاخ سفید نشست. ساعت شش و بیست و سه دقیقه بعد از ظهر بود و در اندك‌وقت ممکنه جانسون که وقتی رهبری سنارا داشت گاهی هیجده‌ساعت از شبانه روز را کار میکردبکار های فوری‌ریاست‌جمهوری‌پرداخت. نخست بدفترکارریاست‌جمهوری‌رفت در هر گوشه و کنار این اتاق خاطره و یادگاری دیده میشد : ماکت قایق معروف«پی‌تی۱۰۹»قشر نارگیلی که جان کندی فرمانده قایق خبر باور نکردنی نجات‌خود را در جزیره سلیمان در سال۱۹٤۳ رویش حك کرده بود ، تصویر ژاکی و فرزندانش ، تقویم جلد نقره‌ای که روز های تاریخی اختلاف باخروشچف‌برسراستحکامات احداث شده درکوبا علامتگذاری شده بود.

رئیس جمهور تصمیم گرفت در طبقه قدیمی معاونت ریاست جمهوری که در جوار ساختمان ریاست جمهوری قرار داشت بکار بپردازد.

در این دفتر از ترومن و آیزنهاور و روساء جمهور سابق دعوت شد تا درباره مراسم بخاك سپاری تبادل نظر شود . درهمین دفتر با رهبران هر دو حزب کنگره ملاقات کرد . ادگارهنور رئیس «اف بی ای» را احضار کرد و دستور داد تا همه امکانات خود را برای کشف عامل تیر اندازی در دالاس بکار اندازد. بعد ازاین‌کارها جانسون بمحل اقامت خوددر«اسپرینگ‌والی»رفت ساعت نزدیك به سه و نیم بامداد بود. برای مجسم کردن‌آخرین‌ساعت آن روز طاقت فرسای جانسون‌بهتر است این نوشته هیجان انگیز مجله تایم را بیاد آوریم : وقتی جانسون بخانه رسید به یکی از اتاقهای استراحت که در سمت عقب ساختمان است پناه بردنخستین چیزی‌که بچشمش خورد قاب‌عکسی که تصویر رنگی سم ریبورن رئیس مجلس سنا و دوست عزیزش بود.

رئیس جمهور بآن سلام کرد و سپس زیر لب‌گفت : خوب آقای رئیس مجلس ایکاش امشب اینجا بودی . سپس وقتی چندتن از دوستان نزدیك باو ملحق شدند دستور داد تا تلویزیون را بازکنند تلویزیون فیلم جك کندی خنده روی را در دالاس نشان میداد‌که اندکی پیش از تیراندازی دست مردم را میفشرد . جانسون دستور داد تا کانال دیگری گرفته شود وگفت فکر نمیکنم طاقت دیدن این را داشته باشم . جانسون رئیس سازمان سری را احضار کرد و باو گفت که چگونه یکی از مامورانش بنام «رافوس‌یانگ‌بلد» که مامور محافظ جانسون بود بمحض شنیدن صدای گلوله اول معاون رئیس‌جمهوررا بکف‌اتومبیل افکند و خود برویش خوابیده‌و تا رسیدن بیمارستان بهمین حال باقی مانده بود . رئیس جمهور به رئیس سازمان گفت میخواهد تا آنجا که مقدور است این‌مامور را تشویق کند . پرزیدنت‌جانسون علیرغم حوادث طاقت‌فرسای‌آن‌روز وعلیرغم خستگی خود بآینده می‌نگریست . موضوعاتی‌راکه برای طرح درملاقات های روزبعداحتیاج داشت یادداشت کرد و اسامی‌آنهائی را که میبایست احضار کند نوشت. چندین بار این جمله را تکرار کرد : اکنون واقعا کاربزرگی‌در پیش داریم.

یك حادثه نهائی آن شب غم انگیز فراموش نشدنی در خور نوشتن است . درسکوت محض سحرگاهی پیش از سپیده دم. آمبولانسی در برابر کاخ سفید متوقف شد.

افراد گارد احترام ایالات متحده تابوت را روی دوش‌بداخل اتاق «ایست روم» بردند ورئیس جمهور بقتل رسیده را بروی‌سکوی سیاه پوشی خواباندند .

ساعت چهار وبیست وپنج دقیقه بامداد در حالی که ژاکلین زجر کشیده هنوز در کنارش‌بود. جان کندی از تکزاس‌بخانه برگشته بود.

بایدکار را شروع‌کرد ؟ جانسن همان راهی را میرودکه‌کندی آنرا شروع کره بود ؟



کندی در دل خاک

برگزاری آخرین مراسم

پسر بچه‌ای در سومین‌سالروز تولدش زیر آفتاب ایستاده و به تابوت پدرش سلام نظامی میداد . بیش از اجتماع پادشاهان روساء جمهور و نخست وزیران ، بیشتر از مارش غم‌آور دسته‌نظامی اسکاتلند و موزیك عزای تالم انگیز نیروی دریائی‌فزون‌برصدای خفه دهلها و ناقوسها سوزناك‌منظره جان کندی کوچولو که به‌تابوت پدرش برای آخرین‌بار سلام‌نظامی میداد قلوب آنهائی را که جسد رئیس جمهوری فقید را در حال انتقال از کلیسای سنت‌ماتیو به عراده توپ برای آخرین سفرش بگورستان‌مینگریستندجریحه‌دارکرد.

دنیا سیاستمداری چون جان فیتز جرالد کندی را از دست داده بود . واین پسر بچه‌کوچولو که بدرستی نمیدانست چه برسرش گذشته است ازاین پس از جست‌و خیز و بازی با پدرش در چمن کاخ سفید محروم گردیده بود. این ضایعه در نوع خود کامل وبیرحم بود .

واشنگتن در آن روز آفتابی و خشك دوشنبه بیست و پنجم نوامبر در سکوت مرگباری بسر میبرد . شهر شب بسیار سردی را گذرانده بود با این وجود جمعیت انبوهی در زیر گنبد عظیم کاخ کنگره که جسد پرچم پوشیده کندی آرمیده بود گرد آمده بودند تا برای آخرین بار نسبت برهبر خود احترام گذارند . کندی‌درست در همان سکوئی قرار داشت که نود و هشت سال پیش جسد لینکلن محبوب را بر خود داشت و سپس بنوبت جسد های گارفیلد ومککینلی روساء جمهور ترور شده را جای داده بود.

سپس ستون جمعیت متوقف‌گشت بانو کندی همراه با روبرت‌کندی وزیر دادگستری و برادر رئیس جمهوری فقید بآنجا آمد و چند لحظه‌ای در کنار جسد کندی بدعا پرداخت .

خانم کندی در کنارتابوت زانو زد و پرچم را بوسید . سپس برخاست چشمانش خشك و قیافه‌اش بهت زده بود گفتی جائی رانمیبیند آنگاه با گامهای استوار ازپلکان پائین آمد بازو ببازوی «بوبی» داد از چمن گذشت‌و باتومبیل‌خود سوار شد . مصیبت هم میتوانداُبهت خاصی بوجود آورد . در این روز های دهشت خانم کندی با حفظ تحمل و بردباری شوهر متوفی‌خود این ابهت را ساعت بساعت نشان میداد.

ستون جمعیت دو مرتبه بجلو خزیدن گرفت واین ستون تمام مدت شب و پس از دمیدن اشعه خورشید بروی آبهای رودخانه «پوتومك» ادامه داشت. طول‌ستون جمعیت رفته رفته از سه کیلومتر فزون یافت و بدرازی سی‌ساختمان بزرگ رسید .

سوگواران بیش از ده ساعت تمام سر پا بحال انتظار ماندند بدین امید که چند لحظه‌ای که حداکثر از سی ثانیه تجاوزنمیکرد جنازه را بنگرند . مردم ازنواحی دور و درازی آمده بودند . در میان آنها پیروبرنا نابینا و ناتوان مادران بچه ببغل وپدرانی که‌دست پسران خود را بدست گرفته بودند دیده میشدند .

جرجی جو ولکات قهرمان سابق سنگین وزن جهان ساعت‌دو وسی دقیقه بامداد ازکنار جسد گذشت . او هشت ساعت تمام روی پا ایستاده بود . تا ساعت نه بامدادبیش‌ازدویست‌وپنجاه‌هزارتن‌از کنار تابوت گذشته بودندکه درهای بزرگ کاخ کنگره بسته شد . دست کم پنجهزار نفر نتوانستند وارد گردند . ساعت انجام مراسم تشییع جنازه در آن روز سوگواری ملی رفته رفته نزدیك‌میشد . اندکی پس از ساعت ده جلسه مجلس سنا در کاخ کنگره تشکیل شد تا اعلامیه همدردانه نسبت‌بخانم کندی تصویب گردد . ساعت ده وبیست



جسد رئیس جمهوری در تابوتی که روی آن پرچم امریکا کشیده شده‌درحضور خانواده کندی آماده حمل میشود .

باقیمانده خاندان کندی دو برادر و یك زن مراسم سوگواری را انجام‌میدهند



وپنج دقیقه بعد از ظهر بیوه‌رئیس جمهور همراه با سایراعضاء خانوده کندی از کاخ سفید خارج شد و درون هفت اتومبیل مشکی از برابر مردم که همگی بحال سکوت دردو طرف‌خیابان‌پنسیلوانیا ایستاده‌بودند گذشته رهسپار کاخ کنگره شدند . آنگاه خانم کندی در حالیکه در میان دو برادر شوهرش راه میرفت از پلکان مرمر بالا رفت و وارد تالار شد . در اینجا هر سه چند لحظه در کنار سکو زانو بزمین زدند . یك میلیون تن از مردم جمع آمده بودند تا آخرین سفر رئیس جمهور بسیار محبوب خودرا ناظر گردند . میلیونها دیگر در برابر تلویزیون های خود گردآمده و تماشا میکردند . روح میلیونها تن دیگر در آن محوطه حضور داشت . اندکی مانده بساعت یازده پیش از ظهر تابوت در حالی که هنوز در پرچم ایالات متحده‌پیچیده بود بروی شانه ۹ تن از افراد نیرو های مسلح امریکا از کاخ کنگره بیرون آورده شد .

دسته موزیك‌نیروی دریائی‌آهنگ «درود برفرمانده»را نواختن‌گرفت. تابوت از سی‌و ششمین پله پلکان کاخ کنگره پائین آورده شد وروی عراده توپ‌که باشش‌اسب خاکستری رنگ کشانیده میشد قرار گرفت . این عراده سیاه همان بود که یك ریاست جمهور محبوب دیگری‌یعنی فرانکلین دلانو روزولت را هیجده سال پیش حمل کرد . در پشت عراده اسب سیاه بی‌سواری راه میرفت . از زین سیاه اسب شمشیر غلافداری آویخته بود دو لنگه چکمه بحال واژگون در دو طرف اسب دیده میشد . این حالت چکمه ها سمبل اینست که فرمانده سقوط کرده‌است ودیگر براسب نخواهد نشست . این سنت باستانی از زمان مغول و چنگیز خان و از روزهائی که اسب را در کنار آرامگاه صاحبش قربانی میکردند تا خوراك بعداز مرگش تامین گردد بجای مانده‌است . دربرابر کاخ کنگره اتومبیلها بدنبال‌اسب بی‌سوارصدای پای منظم سربازان وطنین دهل هیات مشایعین بسمت کاخ سفید که تاآنجا بیش از سه کیلومتر فاصله دارد براه افتاد . در برابر کاخ سفید خانم کندی ودیگر اعضاء خانواده رئیس جمهوری فقید از اتومبیلهای مجلل خود پیاده شدند تا در راس هیات مشایعین عراده توپ حامل تابوت را تا کلیسای کاتولیك سنت ماتیو که یك‌کیلومتر با کاخ سفید فاصله داشت بدرقه کنند . پشت سر اعضاء خانواده‌کندی پرزیدنت جانسون و همسرش و سپس‌برجسته ترین‌شخصیتهای جهانی که اجتماعی بی‌نظیر در تاریخ ملت امریکا بود راه میرفتند .

تلویزیون ادای احترام وتماشای مراسم را آسان ومیسور میساخت همه ملت امریکا و مردم سایر کشورها درمراسمی که درواشنگتن انجام میگرفت توانستند شرکت کنند . بسیاری از امریکائی ها گرد هم جمع شدند در نیویورك اجتماعی مرکب از بیش از چهار هزار تن در ایستگاه مرکزی‌راه‌آهن‌بدوریك پرده بزرگ‌تلویزیونی فراهم آمد که ساکت و صامت

مراسم را مینگریستند .

ازهرگوشه دنیا نماینده‌ای

با چنان گروهی از رهبران‌دولتها و شخصیت های‌بین المللی (جمعا دویست‌و بیست شخصیت مهم نودو و دوکشور شرکت داشتند) انجام تشریفات رسمی هرگز میسر نمیشد. رهبران جهان بترتیب الفبای نام کشور خود صف بسته‌بودند . راه پیمائی از کاخ سفید تا کلیسای سنت ماتیو شاید از نظرتشریفات نظامی ناقص بود اما این امر بهیچ وجه از جلال وابهت مراسم نمیکاست . یکی از خبرنگاران روزنامه تایمزلندن نوشت : بشکلی چنین ، مثل آنست که دهها سال تاریخ بیکجا گردآمده هیلاسلاسی شیر مرد جده و امپراتور حبشه که بسالهای پر قضا و قدر دهه ۱۹۳۰برای آزادی کشور خود دست‌بدامان جامعه ملل شد ومایوس گشت در این جمع بود . سزار مرزاگورا رئیس مجلس سنای‌ایتالیا بنمایندگی شوری که حمله‌اش‌در همان سالها به‌حبشه جهان راتکان داد وکاری از دستش بر نیامد در جمع دیده میشد . بادیدن لوبکه رئیس جمهور و دکتر ارهارد صدر اعظم آلمان غربی‌خاطره آخرین سال دهه ۱۹۳۰ را که ادولف‌هیتلر آلمان رابراهی افکند تا اروپا را قبضه کند و آن قاره را بنابودی کشانید دربیننده زنده میشد . نظر شخص بی اختیار بطرف دیوك ادینبورو سرالك دوگلاس هیوم‌و هارولد ویلسون نمایندگان بریتانیا یعنی کشوری که حمله هیتلررا پاسخ گفت معطوف میگشت .

شخصیت ژنرال دوگل نیز که بنوبت روح‌مقاومت فرانسویان را زنده نگهداشت و الهام بخش کشورهای دیگری نظیر بلژیك هلند ، نروژ ، دانمارك ولوگزامبورگ که همه در میان شعله های آتش‌جنگ‌گیر افتاده بودند گردید نگاه را جلب میکرد .

زالمان‌شازار . رئیس جمهوری اسرائیل بنمایندگی ملتی‌که مصیبت بارترین صدمات جنگ را بخود دید آنجا بود . نخست وزیر ژاپن بنمایندگی ملتی که بیست ودوسال پیش باچنان خباثتی پرل‌هاربور — بندر مروارید — را بخاك و خون کشید آمده‌بود . دشمنان دیروز مشفقان امروزبودند دراین اندوه شرق و غرب مشترك بود . در حقیقت قیافه هیچ شخصیتی دراین مراسم پرشکوه بقدر قیافه‌اناستاس میکویان معاون اول نخست وزیر اتحاد جماهیرشوروی اندوهگین نبود .

بلی کاهش تشنج بین دو غول شرق و غرب مرهون خدمات و تلاشهای جان‌فیتزجرالد کندی بود واینك چهره این‌سیاستمدار منعکس کننده واقعی این حقیقت بود که دنیا چه ارزشی برای رئیس‌جمهور فقید قایل است .

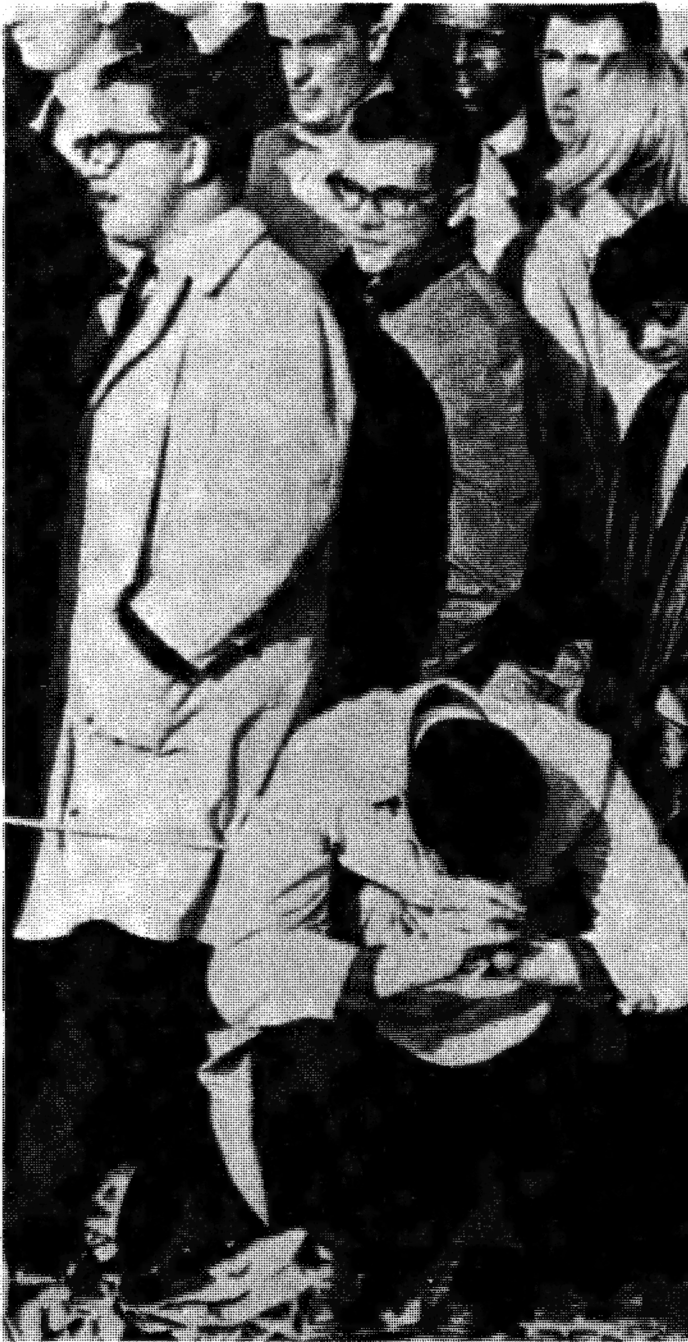
مقارن ظهر وقتی تابوت بداخل کلیسای سنت ماتیو برده میشد همه‌شهرهای بزرگ ایالات متحده در پرده‌ای از غم و اندوه فرورفته بود .عبور ومرور اتومبیل هادر میدان تایمز توسط پلیس متوقف گشت و همه مردم در سکوتی‌محض سر تعظیم فرود آوردند. هواپیماهای ایرتاکسی در فرودگاه ایدلوایلد متوقف گشت قطارها و اتوبوسها بجای‌خود ایستاد. کمپانی های مخابراتی مدت پنج‌دقیقه ارتباط تلگرافی بین ایالات‌متحده و جهان خارج را قطع کردند .

توپها بر عرشه ناو هواپیما بر « فرانکلین — دی —روزولت » که در بندرگاه پهلو گرفته بود بیست‌و یك گلوله‌توپ برسم احترام شلیك کرد . در داخل‌کلیسادوازده هزار دیگر بانتظار میکشیدند.هری ترومن و دوایت ایزنهاور یعنی مردانی‌که بنوبت راهنمای سرنوشت ملت خودبوده و حیات‌دارند نیکسون راکفلر و گولدواتریعنی مردانی که مشتاق تصدی پرخطرترین شغل جهان بودند یا هنوز هستند ، پنجاه سناتور حدودیکصد نماینده پارلمانی‌سرهنگ جان گلن پیشتاز جهان‌ماوراءجوو بیلی گراهام اسقف کلیسا حضورداشتند. درخارج کلیسا کاردینال کوشینگ اسقف شصت وهشت‌ساله بوستون که دوست قدیمی و عاقد نکاح کندی‌با ژاکلین بوده و کندی را در موقع مراسم تحویل گیری مقام ریاست جمهوری سوگند داده فرزندان آنها را تعمید کردوهمین سه‌ماه پیش بروی جسد بیجان طفل معصوم‌کندی نماز گذارده بود از عراده حامل تابوت استقبال کرد. اکنون‌در نماز میت دستجمعی از جان کندی بعنوان «مرد عادلی که همیشه در خاطرات زنده میماند» یاد کردو پس از قرائت دعا بزبان لاتین گفته خود را با این جمله انگلیسی‌پایان داد:

« جك عزیزم فرشتگان بداخل بهشت راهنمایت گردند » .

مراسم پایان یافت تابوت آخرین قسمت سفر خود را بسوی مقبره ملی ارلینگتون که درسمت دیگر رودخانه و روبروی بنای یادبود لینکلن است آغاز کرد . دسته موزیك آهنگ «وداع با رهبر» را نواخت.

چه اشکهائی که‌برسوك‌کندی ریخته شد !



روی‌پلکان کارولین دختر کندی که‌روز چهارشنبه همان‌هفته ششمین سالروز تولدش بود اشك چشمش را پاك کرد .اینجا بود که جان کوچولوی سه ساله یعنی‌پسر بچه بهت‌زده‌ای‌که دراین مراسم طولانی بیقراری‌کرد و او را از کـلیسابه بیرون بردند بسادگی اما رقت زا سلام نظامی داد . برخی متعجب بودند که چرا خانم کندی اجازه داده‌است تا جگر گوشگان کم سن وسالش در یك چنین مراسم تشییع دردناکی چنین‌نقشی ایفاکنند. پاسخ قانع کننده باین سئوال این بودکه خانم کندی میخواست بآن عده‌از امریکائی‌هائی که بایجاد محیـط نفرت پیش از مرگ شوهرش‌کمك کرده بودندنشان دهد که‌آن‌ها نـه تنها موجبات قتل رئیس جمهوری را فراهم ساختند بلکه‌برای‌قتـل پدر دو فرزند خردسال کمــك کرده‌اند . مطمئنا موقع مناسبی برای‌همه بود تا وجدان خود را بیازمایند .

از کلیسا کاروان‌بظاهر بی‌پایان اتومبیلهای مشایعین از رودخانـه پوتوماك گذشت و وارد ویرجینیا شد تا جسد کندی را بقبرستـان ملی ارلینگتون که تا کلیســـای ماتیو پنج کیلومتر فاصله داشت بسپارد.دراین‌قبرستان آرامگاه باستانی سلحشوران امریکائیست وتنهاویلیام هوارد تافت یکی‌دیگراز روسای جمهور در این محل آرمیده است. در حواشی آرامگاه کندی سنگ لحدهزاران امریکائی حقیرتـری است که جان خود را،در راه‌خدمت بوطن‌خود از دست داده‌اند . طول کاروان مشایعین دوکیلومتر ونیم جاده پنج کیلومتری را فراگرفته ودر دو طرف مسیر میلیونها تن از مردم صف بسته بودند . جنبه جالب اجتماع این بود که عده جوانان بسیار مینمود . جوانان بحکـم غریزه کمتر علاقه‌ای به در گنشت سیاستمداران‌نشان میدهند اما برای جوانانی که دراین مراسم شرکت داشتند جك کندی بس والاتر از آن‌بود.

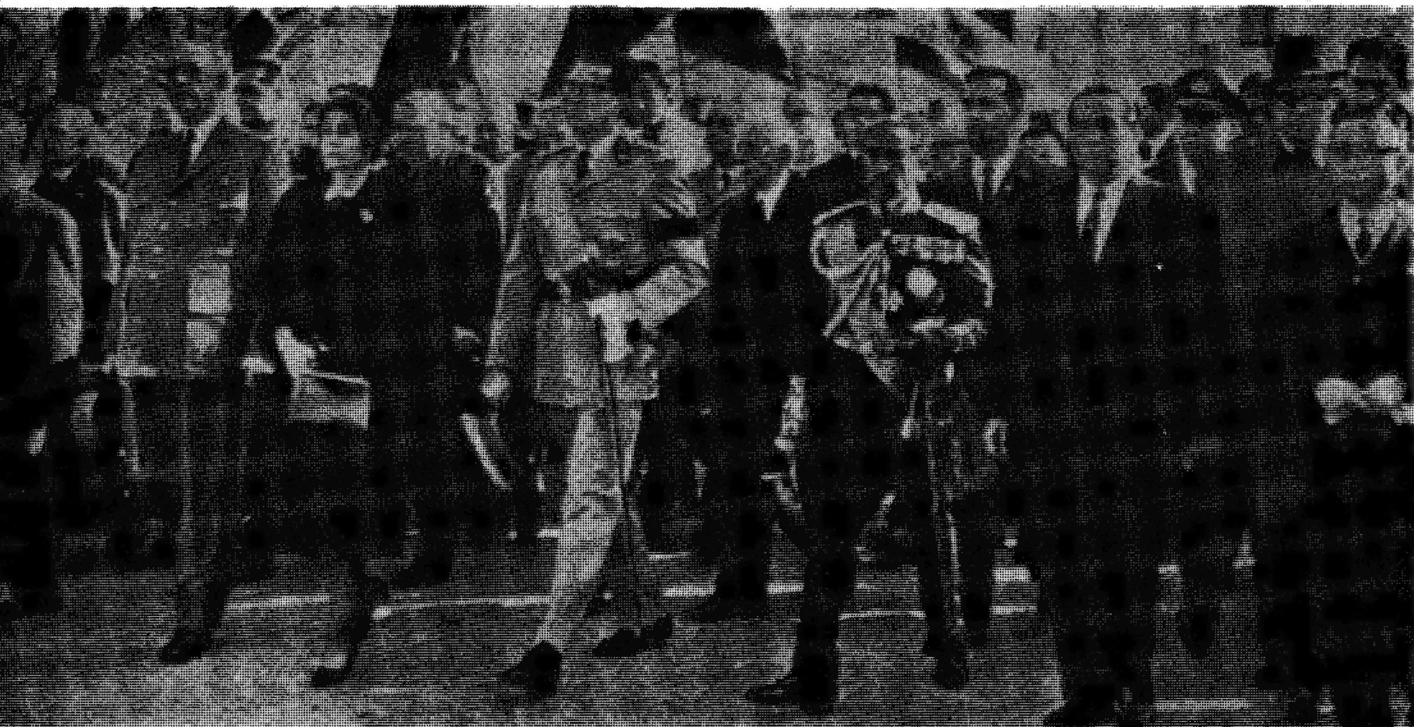
پایان کار

همچنانکه عراده حامل تابوت رئیس جمهوری پیش میرفت بر تعداد هزاران تن که‌در جاهای‌بلند وعلیای تپه ها جمع‌شده بودند فزوده‌میشد . همچنان که خورشید بسوی غرب نشیب خود را آغاز کرد غرش عظیمی در شرق طنین افکند . پنجاه هواپیمای‌جت نظامی بمثابه پنجاه ایالت امریکا بر فراز قبر پرزیدنت کندی بعنوان‌آخرین ادای احترام ناله راسرداده بودندو متعاقب‌آنها هواپیمای تك وتنهائی که همان هواپیمای جت‌ریاســـت جمهوری‌برنگ آبی و سفید بود و هواپیمای شماره یك نیروی‌هوائی است حرکت میکرد .

کاردینال کوشینگ‌مراسم مذهبی را درکنار آرامگاه بعمل آورد . سپس آنهائی که‌جسد را بر دوش حمل کرده بودند پرچم امریکـا را از روی تابوت گرفته‌آن را تا کردند و به همسر رئیس جمهور فقید تحویل دادند

اسب بدون سوار کار !





نمایندگان دولتها و ملتها در مراسم تشییع جنازه‌جان کندی رهبر فقید امریکا

توپها بیست و یك گلوله رعدآسا شلیك کردند .تفنگداران سه بار بسوی آسمان شلیك نمودند .شیپور نوازان‌آهنگ عزا را نواختند و بانو کندی مشعل ابدی را درجوار آرامگاه شوهرش روشن کرد .این مشعل بمثابه یادگار زنده و گویای جان‌فیتز جرالد کندی‌رئیس‌جمهور فقید ایالات متحده‌امریکاست . در سراسر ایالات متحده تنها یك چنین مشعل‌دیگری وجود داردکه در گیتسبورگ میدان جنگهای داخلی بین شمالیها و جنوبی ها بوده است . اندکی از سه وسی دقیقه بعداز ظهر میگذشت که تابوت در قبر جای گرفت .

روز طولانی و زندگی زودگذر بپایان‌رسیده بود.



سلام نظامی بر جسد پدر ! غم‌انگیزترین صحنه‌ای که در ماجرای قتل کندی به چشم خورد .

امریکا در بهت

فاجعه روز بیست و دوم دالاس ناگهان روی داد و چنان با سرعت ضربه وارد آمد که واکنش کوبنده‌ای بوجود آورد که‌سراسر کشور امریکا را مرتعش گردانید. همان لحظه‌که‌رئیس جمهوری‌هدف گلوله قرار گرفت پیامی به وزارت دفاع‌در واشنگتن مخابره گردید که بخودی خود همه نیروهای مسلح ایالات متحده در سرتاسر جهان را بحال آماده باش در آورد.

این اقدامات مبین وخامت اوضاع بود اما مسلما برای‌توجیه اندوه مرگ‌کندی کلمه‌ای یافت نمیشد.

دستگاه تله تایپ در واشنگتن‌این خبر را پخش کرد: بسیار مهم ــ دالاس ــ کندی بسختی زخمی گشت زخم ممکنست مهلك باشد از همان لحظه تلویزیون ها و رادیوها به پخش‌مطالب وحشتناك شروع‌کردند. از همان لحظه یکصدو نودمیلیون امریکائی‌دروحشتی بهت آمیز سردر گمی فرو رفتند. در همان لحظه دنیا در حیرت ماند، در شهرهای سراسر ایالات متحده مردم دسته دسته بدورمغازه های رادیو و تلویزیون فروشی و رادیوهای اتومبیلها گرد آمده بودند.ساکنان نیویورك که داشتند از آفتاب بهاری لذت میبردندمتوجه شدندکه باتلفن نمیتوانند با کسی‌تماس بگیرند حال آنکه نیویورك ازهمه شهرهای امریکاتلفن بیشتر دارد. فعالیتهای معمولی در کارخانه‌ها و دوایر فروشگاه ها فلج شدهمه جا مکرر این پرسش شنیده میشد: آیاحقیقت‌دارد؟افراد غیرامریکائی در خیابان‌هاهمدیگر رامتوقف‌می‌کردند تا همین را بپرسند. راکبین اتومبیل وقتی با روشن شدن‌چراغ قرمز متوقف میشدند با صدای‌بلند همین پرسش‌را تکرارمیکردند. مردم‌بدون رودربایستی در ملاء عام میگریستند. برخی از پیاده روها مقصد وکار خود را فراموش‌کرده و چون گیج شدگان باین سوو آنسو میرفتند زیرا مغز آنها در طلب چیزی بود که قلب‌یارای‌تحمل ضایعه‌اش را نداشت.

برای بیشتر مردم چنین مینمود که گفتی‌یکی ازاعضاء خانواده‌آنها در گذشته است. همه مردم‌بااستفاده از رادیوهای ترانزیستوری و تلویزیون میتوانستند قدم به قدم مسیر این مصیبت دلخراش‌راتعقیب کنند. بزودی ناقوس کلیساهای هزاران شهر بصدا درآمد و اندوه ملت در فضا طنین افکند. در واشنگتن‌دوایر دست از کارکشیدند سپس فرمان داده شد تا پرچمهای امریکا در سراسر جهان تا روز بیست و دوم دسامبر (یك‌ماه سوگواری) بحال نیم‌افراشته‌درآید. مردم بسیاری در برابر کاخ سفید گرد آمدند و عده‌ای که هنوزاین مصیبت را باور نداشتند وقتی در ساعت دووچهل و پنج دقیقه بعداز ظهر پرچم امریکا در بالای کاخ ریاست جمهوری بحال نیم افراشته درآمد متقاعد گشتند.

همه محکمه هاو دادگاهها در سراسر کشور تعطیل‌شد. صدها نمایش‌و مسابقات متوقف یا ملغی گردید.

سه ایستگاه فرستنده‌تلویزیونی کلیه برنامه های تفریحی وتبلیغات تجاری خود را تاپس از بخاك سپاری رئیس جمهوری‌قطع کردند. در نیویورك سهام در وال استریت ناگهان قیمتها متجاوز از ده‌میلیارد دلار تنزل کرد و تاپیش ازتعطیل شدن‌بازار هرکس هراس‌زده می‌خواست سهام‌خود رابفروشد. در سازمان ملل متحد اعضاء مجمع عمومی در ساعت سه بعدازظهربرای ادای احترام‌بپا خاستند و یك‌دقیقه سکوت کردند و جلسه تعطیل شد. یکصد و یازده پرچم کشورهای‌عضو در برابر کاخ سازمان فرو کشیده شدندو پرچم سازمان ملل متحد به حال نیم افراشته در آمد.

راکفلر فرماندار نیویورك بمدت سی‌روزدر ایالت‌نیویورك‌سوگواری اعلام کرد و این بزرگترین شهر آمریکا بصورت شهر ارواح‌درآمد. چراغهای «گریت وایت وی» خیابان برادوی خاموش شد و همه تئاترها تعطیل گشت. هتلهای بزرگ تالارهای‌رقص وتفریح خود را بستند. در همه جا عصبانیت توام با اندوه حکمفرما بود.سناتور



دنیا پس از جان کندی

جان تاور سناتور جمهوریخواه از تگزاس که‌در گذشته از منقدین سرسخت کندی بود وبعنوان محافظه کار جناح راستی شناخته‌میشد، تلفن های تهدید آمیز در دفتر کارش در واشنگتن دریافت داشت و بحکم احتیاط خانواده‌خود را به منزل یکی از دوستانش در مریلند منتقل کرد . یکی از فروشندگان جراید در برابر بساط خود گفت : «رئیس جمهوری ماعملا به همه کشورهای جهان سفر کرد و سالم بر گشت. اما در موطن خودبقتل رسید، خفت‌آور است » بسیاری هم‌خفت وخجالت احساس میکردند .جیمس رستون نویسنده‌معروف و شهیر روزنامه نیویورك تایمز نوشت « امشب امریکا گریست . این گریه نه‌تنها برای رئیس جمهوری جوان بقتل‌رسیده خود بود بلکه بر خود گریست . اندوهی عمومی بود چه بنحوی پست‌ترین فرد امریکائی‌بر عالیترین فرد فایق آمده بود«ادعا نامه علیه سوء قصدکننده تنها به خاطر کندی نیست بلکه بنام‌امریکا اقامه میگردد زیرا تمایل بجنون و عصیان والاترین‌سمبل قانون و نظم را نابود کرد .» وقتی‌جان مك کرمك رئیس مجلس‌نمایندگان خبرقتل رئیس جمهوری را شنید فورا پی بردکه در سن شصت ودو سالگی بر پایه وراثت پذیرفته شده با مسئولیت وظایف خطیر روبرو گشته است . لکن در لحظه نخست تنهاچیزی‌که توانست بر زبان‌براند این بود : خدای من خدای من‌چه بلاهائی بسر ما میآید؟

سناتور راسل لانگ در نیو- اورلئان چنان سخن راند گفتی پدرش بضرب گاوله بقتل رسیده است . اوگفت :

هیچ یك از ما موهبت این را نیافته‌ایم که بدانیم برای چه‌مشیت فاعل مایشاء چنین بوده است .اما باید باین حقیقت ایمان داشته‌باشیم که مرگ جان فیتز جرالد کندی جنبه نیکوئی هم دارد . امریکائیها باید تشخیص بدهند که فاعل‌مایشاء با مشیت بی تردید خود نتیجه این گونه حوادث راتعیین خواهد کرد و نه آن شخص پستی که ظاهرا عامل پدیدآمدن آنها گردیده‌است.

دنیا درحیرت

این بود قسمت کوچکی از اندوهی که امریکا را در خودفرو برد .ودنیا هم بهمین اندازه بهت زده گردید .
وقتی اخرین رئیس‌جمهوری‌آمریکا بقتل رسیده تلویزیون اختراع نشده بود «مارکنی » تازه داشت مقدمه مخابره‌نخستین پیام خود رابابیسیم بآن سمت اقیانوس آتلانتیك فراهم میکرد . اکنون در عصر وجود وسائل مخابراتی مختلف این خبر ظرف چند دقیقه بسرتاسر کره‌زمین مخابره گردید . همان روز فیلم خبری فاجعه در دالاس را وسیله ماه مخابراتی باروپا فرستاده شد. اروپا هم نظیرامریکا ، در لحظات اول دهشت یا دیرباوری از خود نشان داد . «جك» کندی مردی آنقدر زنده و پر روح بود که مردم صرفا نمیتوانستند باور کنند مرده‌است . او مردی بود که تحرکی نوین بدنیا داده‌بود و از آن بالاتر امیدی تازه و غیرمنتظره بدان بخشیده .اندوهی که با مرگ کندی در سراسر جهان بوجود آمد بی تردید در تاریخ بشریت بیسابقه بود .او خدمات فراوانی میبایست برای دنیا انجام دهد وجهان باین خدمات بسیار محتاج بود . خبر از دست رفتن زندگی فرد واحدی هیچگاه با چنین سرعت و هیجانی به جهانیان مخابره نگردیده‌است. سروینستون چرچیل که الهام بخش پرزیدنت کندی بوده با شنیدن‌خبر در گذشتش با لحنی یاس آمیز چنین گفت :

این عمل وحشیانه سیاستمداری بزرگ و مردی دانا و شجاع راز ماگرفت . زیان این ضایعه برای ایالات متحده و دنیا بی‌حد و حصر است . در تمام ساعات طولانی پر حسرت و هراس رهبران جهان بوسیله تلگرام تلفن و تلویزیون ابراز تاسف عمیق کردند و بعلاوه در این مورد تشریفات وجودنداشت و شخصیتهائی تشریفات باستانی عمل نمیشد . بلکه متن تسلیتها و ابراز تاسفها صمیمیت خاصی منعکس‌میکرد . از همه این‌پیامهای هیجان انگیز چندتا را باز گو میکنم .

استیونسون‌رئیس هیات‌نمایندگی امریکا در سازمان ملل چنین گفت :

مصیبت‌امروز غیر قابل ارزیابی است همه آنهائی که از ما او را میشناختیم اندوه مرگ اورا تاروز لبیك گفتن خود همراه خواهیم داشت وهمه مردم در هر جای‌دنیا که شیفته صلح و عدالت‌و ازادی هستند سر احترام فرود میآورند.

سرالك دوگلاس هیوم نخست ـ وزیر انگلیس در تلویزیون‌بی ـ بی ـ سی گفت :

در زندگی لحظاتی پیش میآید که مغز و قلب از کار میافتد و اکنون یکی‌از آن لحظه‌هاست.همه شما احساس کردید همه وجودما با شنیدن خبر قتل پرزیدنت کندی بدست جنایتکاری بحالت اعتراض متشنج شد . پال هنری اسپاك وزیر خارجه بلژیك در بروکسل گفت نمیتوانم بفهمم که چگونه بشری میتواند یك چنین رئیس جمهوری را بقتل برساند که برای برقراری صلح وصفا و تفاهم در یك جهان آزاد تلاش میکرد . اندوهم قابل بیان نیست .

بسیاری از مردم فصیح گوی دیگر اندوه خود را بیش از آن دانستند که درقدرت بیان آن ها باشد مردم‌این مصیبت را در دو مرحله حس میکردند . شخصی و سیاسی .اما شخصی بیشتر بود و بحد«سانتیمانتال » میرسید . اینجا یك قهرمان و یك جوان سر پرستی بودکه همسر زیبا و دو کودکش بقدر خود او شهرت دارند . سالها پیش بدنبال انجام عملی خطرناك در پشتش آخرین آئین کلیسای کاتولیك بر روی او خوانده شد. پیش از آن پس از اینکه ناوشکن ژاپنی قایق معروف (پی‌تی ـ۱۰۹) او را بدونیم کرد باتهوری‌قهرمانی از مرگ حتمی نجات یافته بود. شجاعت و بیباکی او بادریافت مدالهای «پرپل هارت »و « سپاه نیروی‌دریائی و کشتیرانی »پاداش شد . اکنون مردی که در تمام دوره زندگی با شرافت خود جز با شهامت صمیمیت و صفا نفسی‌بر نکشیده عمرش بوسیله قاتل‌سنگدلی قطع گردیده است . از این‌ستمگری وجود قلب گریان میشود .

از جهت سیاسی جهان پی برد که مردی راaz دست داده است که مدیریت ومهارت او درمذاکرات بی نظیر بوده است. انسان‌دوستی بزرگ قهرمان حقوق مدنی و رهبری را از دست‌داده‌است که‌به جهان مستمند وعده کرد : «ایالات متحده بآنهائی کمك میکند که در کلبه ها و دهات نیمی از دنیا بسر میبرند و برای شکستن بندهای فلاکت تلاش میکنند. این کمك نه‌بدان علت است که کمونیستها ممکنست کمك کنند نه برای اینکه آراء آنها را میخواهیم بلکه بدین علت که اینکار بحق است . اگر یك جامعه آزاد بتواند بآن عده بسیارکه‌مستمندند کمك کندنخواهد توانست آن عده معدودی را که ثروتمندند حفظ کند » .

واکنش بین‌المللی منعکس‌کننده اینکه سیاستمداری فوق‌العاده ازبین رفته است را میتوان با انعکاسی‌که در شوروی پدید آورد توجیه‌نمود. دوازده ماه‌پیش شوروی وایالات متحده برسر اختلاف خود در مورد کوبا بر لب پرتگاه جنگ اتمی قرار گرفتند . کندی برای پاسخ گوئی به تدارکات اتمی خروشچف در کوبا این جزیره را محاصره کرد . اگر کشتیهای شوروی از خط زنجیر محاصره میگذشتند ناوگان نیروی دریائی امریکا آنها را بگلوله میبستند . در این‌صورت دیری نمی‌پائید که هردو غول به پرتاب بمبهای هیدرژنی بروی یکدیگر میپرداختند . خطرنابودی رفع شد کندی سر حرف خود ایستاد . خروشچف قول دادموشکها را از کوبا بیرون برد . بطور مشهودی‌رئیس‌جمهوری‌آمریکا فاتح شد . اما حاضر نشد از زاویه فیروزی خود یا شکست اتحاد شوروی بنگرد . و نیز حاضرنگشت از موفقیت خود بهره‌برداری کند. باوجوداینگونه تحولات در مناسبات

امریکا وشوروی در دوازده‌ماه متعاقب آن عمق اندوه از مرگ پرزیدنت کندی در اتحاد شوروی بقدر غالب کشورهای دیگر جهان بود . رادیو مسکو برنامه های معمولی خود را قطع کرد .بدنبال اعلام این خبر موزیك عزانواخته شد .

یك چنین بزرگ داشتی در شوروی‌بیسابقه است . برای‌نخستین بار در تاریخ تلویزیون مسکو پسر بچه‌ای پس از دریافت خبر مرگ کندی بوسیله تله تایپ آژانسهای خارجی بداخل استودیو دوید و برنامه آن را قطع کرد . گوینده خبر داشت میگفت که وضع کندی وخیم است که ناگاه باآمدن پسر بچه مزبور برنامه اش قطع شد. تلویزیون شوروی سپس پیخش سمفونی رقت انگیز چایکوفسکی پرداخت و پس از نواختن چند صفحه تالم انگیز دیگر بکلی‌تعطیل شد .

روزنامه پراودا که صفحه اول خود را تجدید چاپ کرده بودسه ساعت دیرتر از وقت معمول پخش شد و آن رادمرد صلحدوست راکه در راه بهبود وضع جهانی تلاش میکرد مورد ستایش قرار داده بود. خروشچف یکهفته از توقفش در کیف پایتخت اوکراین‌میگذشت این خبر را بوسیله تلگراف دریافت داشت . فورا دستور داد قطار مخصوصی او را بمسکو باز گرداند وسپس با عجله خود را بسفارت آمریکا رسانید تا شفاها تسلیت بگوید . بانو خروشچف پیام خصوصی برای خانم کندی فرستاد ووقتی سفارت را ترك میگفت در حالیکه اشك در چشمانش حلقه زده بود دست خانم سفیر امریکا را فشرد .

خروشچف طی تلگرافی که روز شنبه برای پرزیدنت لیندن‌جانسون مخابره کرد ضمن ابراز تاسف گفت که از قتل شنیع پرزیدنت کندی به چه اندوهی عمیق دچارگردیده است . خروشچف اضافه کرد مرگ او ضربه خرد کننده‌ای بهمه آنهائی است که صلح و همکاری امریکا و شوروی‌راگرامی میدارند . صاحب نظران غربی بیاد ندارند که گاهی شورویها از در گذشت یك شخصیت غربی تا بدین حد ابراز تاسف کنند .

شاید بهترین توجیه حدت تاسف سیاسی از مرگ کندی اظهارنظر یك دانشجوی شوروی در مسکو است که چنین گفت : برای مردم آمریکا و ملت شوروی ضایعه اسفناکی است...اگردر بحران کوبا رئیس جمهور دیگری غیر ازکندی بود چه میشد ؟دریغا اگر بخواهیم حد و عمق اندوهی را که مصیبت قتل کندی در مردم جهان وملت امریکا ایجاد کرد توجیه کنیم، نمیتوانیم حق کلام راادا کنیم .

بدیهیست دراندوه جهانی خلاءهائی هم وجود داشت . چین کمونیست از مرگ کندی ابراز خرسندی کرد اما این خرسندی بشدت خرسندی سفید پوستان افراطی نواحی جنوبی امریکا نبود . به محض انتشار خبر در گذشت‌کندی برخی از جراید نواحی جنوبی تلفنهائی دریافت داشتند. یکی از این تلفنها چنین بود :

پس عاقبت بحساب عاشق‌سیاهان رسیدند ــ هرکه اینکار را کرده نازشصتش .

یك ایستگاه رادیو محلی تلفنی از یکی ازشنوندگان خود باین شرح دریافت کرد :

اطمینان دارم و یقین دارم که اکثریت مردم الاباما احساس می‌ــ کنند که کندی بسزای خودرسیده است . اما میخواهم بگویم که هر سفید پوستی خدمتی را که او برای سیاهان انجام دادانجام دهدمستحق گلوله است . تلفن‌کننده نام‌خود را هم گفت .

در شهر بیرمنگهام ــ الاباما ــ که محل اغتشاشات نژادی است سیاهان در خیابان میگریستند اما سفیدان نه تنها حس ترحمی‌نشان نمیدادند بلکه ابراز تاسف‌میکردند که در این ماجرا روبرت کندی وزیر دادگستری و برادر رئیس جمهور کشته نشده است .

اینها مبین آنهائی بودند که روز پانزدهم سپتامبر ۱۹۶۳ در کلیسای سیاهان بمبی منفجرکردند و چهاردختر بچه راکه تازه درس روز یکشنبه مدرسه خود را تحت عنوان « محبتی که بخشاینده‌است» بقتل رسانیدند . چنین مینمود که هیچ گونه تراژدی آنها رابسر عقل نمیآورد . این بود نمونه احساسات ضد کندی در تگزاس (ایالتی که شعارش دوستی‌است) ووجود همین احساسات پس از انتشار خبر قتل کندی موجبات این شایعه گردیده که رئیس جمهور بدست افراطی جناح راست سفید پوستی بقتل رسیده است که‌باحقوق سیاهان که کندی بدان ایمان‌داشت ودر راه تحقق بخشیدن بآن مبارزه میکرد کشته شده‌است . ارل‌وارن رئیس دیوان عالی امریکا در این باره چنین گفت :

رئیس جمهوری بزرگ ومحبوب براثر تنفر و کینه‌ای که توسط متعصبان در شریان حیات این ملت تزریق گردیده است شهید گشت. امااظهار عقیده مردم پسند وعمومی مبنی براینکه برنامه حقوق مدنی کندی موجبات اصلی قتلش‌گردیده است همان روز قتل (جمعه) به سرعت فرو نشست . ظرف یکساعت پس از در گذشت رئیس جمهوری پلیس دالاس « لی هاروی‌ازوالد» جوان بیست و چهار ساله نسبتا قد بلندی را که زخم برداشته بود دست بند بدست واردنگ زنان‌وارد زندان کرد .

او متهم اصلی نام‌گرفت و به جهانیان بعنوان دوستدار کمونیزم و طرفدار گروهی ضد امریکائی و هوادار کوبا معرفی شد .

تاثر سیاهان درمرگ کندی‌شایدبحق بود .



افتضاح سال

دکتر وارد و ...

در سال ۱۳۴۲ واقعهٔ افتضاح باری آلوده بروابط نامشروع جنسی و انحرافات جنسی و جاسوسی و سیاست در دستگاه دولت و کابینهٔ انگلستان روی داد که مدت چند ماه مطبوعات تمام جهان را بخود مشغول داشت و هزاران هزار خبر و مقالات و تفسیر و تصاویر از قهرمانان این حادثه در جرائد و مجلات همه جهان بچاپ رسید و بقدری اهمیت یافت که به **بزرگترین رسوائی قرن (نه‌سال)** مشهور شد و بالاخره با ضمیمه شدن چند عامل دیگر بآن منجر به استعفای کابینهٔ هفت‌سالهٔ **مك‌میلان** نخست وزیر انگلیس گردید.

قهرمانان این واقعه عبارت بودند از

(۱) **جان پروفومیو** وزیر جنگ کابینهٔ مك‌میلان ۴۸ ساله

(۲) **کراستفن وارد** ۵۰ ساله پزشك روانشناس و جراح که پیشه اصلی و سری خود را ایجاد رابطه بین دختران و زنان بدکار و خوشگل با رجال سیاسی انگلیس قرار داده و بدینوسیله در دستگاه دولت نفوذ یافته بود. و از طریق برقراری این ارتباطهای نامشروع استفاده مادی میکرد و در خانه خود استخری زیبای ساخته دختران تلفونی ورجال سیاسی مورد نظر را بدانجا دعوت نموده آشنائی بین آنها برقرار میساخت.

(۳) کریستین کیلر ۲۲ ساله معروف به زیبای سرخ موی که از سن ۱۵ در کاباره‌ها برقاصی ودر بارها بخدمت پرداخته و منحرف گشته و سپس پیشهٔ مانکن را برگزیده بود و از جملهٔ دخترانی بود که دردست دکتر وارد برای انجام مقاصد وی قرار داشت.

(٤) سروان یوگنی ایوانف ۳۷ ساله از ارتش شوروی که سمت معاون‌وابسته‌نظامی‌دریائی سفارت شوروی را در لندن داشت

(٥) و **(٦)** دونفر سیاه پوست یکی بنام **اوگ کومب** و دیگری بنام **لکی گوردون** که هردو مدتها پیش از بروز ماجرای وزیر جنگ با کریستین کیلر رابطه نامشروع داشتند و کشف اسرار و ظهور رسوائی از آنها آغاز شد.

(۷ و ۸ و ۹) سه دختر تلفونی دیگر که از دختران



اسباب‌دست دکتر وارد نظیر کیلر بوده و بنام شهود به دادگاه احضار شدند بنام **ماندی دیویس** ۱۸ ساله ودیگر **ماریا نواتینی** وسومی‌بنام **ویکی‌بارت** (۱۰) **مایکل ادوس** وکیل کریستین کیلر در دادگاه که اعترافات محرمانه کیلر را راجع بمسئله جاسوسی دکتر وارد بوسیلهٔ کیلر که اطلاعات محرمانه دولتی را از وزیر جنگ کسب کرده و به افسر روسی رسانیده بود بنفع کشور باطلاع پلیس اسکاتلند یارد انگلیس رسانید .

واقعهٔ پیش از ماجرا

چند ماه پیش از ماجرای وزیر جنگ وکریستین کیلر واقعهٔ افتضاح‌آور دیگری رخ داده بود که به کابینهٔ مك‌میلان وحسن شهرت وزرای آن لطمه وارد ساخت وآن واقعهٔ فاش گشتن ارتباط نامشروع وزیر دریاداری انگلستان بود با مردی بنام **واسال** که بعداً اورا بسمت کارمند سفارت انگلیس در مسکو منصوب کرده بودند وبنفع شوروی جاسوسی میکرد در حالیکه وزیر دریاداری از او حمایت میکرد . هنگامی که سروصدای این واقعه بلند شد وبه پارلمان کشیده‌شد حکومت مك‌میلان ازطرف حزب کارگر متهم گردیدکه درانتخاب اعضاء سیاسی و عالیرتبه و مامورین دیپلمات خود دقت نمیکنند و شایع شد که بسیاری از رجال سیاسی حکومت بانحراف جنسی گرفتار آمده‌اند این‌واقعه منجر به استعفای وزیر دریاداری گردید و دو ماه از این واقعه گذشته و کم‌کم فراموش میشد که ناگاه ماجرای رابطهٔ وزیر جنگ با کیلرفاش شد وبیش‌از پیش باعث‌تزلزل کابینه مکمیلان گردید .

ماجرای وزیر جنگ باکیلر

در اوایل سال ۱۹۶۲ جان پرو فومیو وزیر جنگ انگلیس که دارای زن و سه فرزند بوده و شهرت وموقعیتی مهم در حکومت داشت درکنار استخر شنای خانه دکتر وارد و بوسیلهٔ وی با کیلر آشنا شده و عاشق وی میشود و از آن پس تا هنگام فاش شدن رابطه و بروز ماجرا در اوایل سال ۱۹۶۳ باوی روابط محرمانه جنسی داشته کیلر پیش‌از آن با دو نفر سیاهپوست نامبرده نیز رابطه داشته ولی بتدریج که بارجال بزرگتر آشنائی و رابطه برقرار میسازد دو نفر سیاهپوست را ترك میگوید وبآنها بی‌اعتنائی میکند یکی‌از آنها بنام **دوگ کومب** چون از تجدید رابطه باکیلر مأیوس میشود روزی‌درخانه دکتروارد کیلر را هدف گلوله قرار



قهرمان افتضاح سال که موجب سقوط کابینه انگلیس گردید .

میدهد و گلوله اصابت نمیکند. کومب بازداشت‌شده دربازپرسی اطلاعات بسیاری از مشتریان دکتر وارد و دوستان کیلر و از جمله وزیرجنگ به بازپرس میدهد. دکتروارد از این اتفاق بوحشت افتاده با کمك وزیر جنگ کیلر را بمسافرت بخارج انگلستان فرستادتاهنگام محاکمه درلندن حاضر نباشد. جریان باستحضار مجلس عوام رسید واز طرف نمایندگان حزب کارگر از دولت پرسش بعمل آمد. وزیر جنگ در پاسخ پرسش‌ها در مجلس عوام رسما شایعه را تکذیب کرده و بتصور اینکه کیلر دراین مورد سکوت کرده واظهاری نمیکند رابطه خود را باکیلر منکر گردید. قضیه موقتاً مسکوت واقع شد اما کیلر بزودی از سفر برگشته برای کسب شهرت بیشتر وجلب توجه از حقایق پرده برداشت و به رابطه خود با وزیر جنگ و هم با افسر روسی اعتراف نمود.

کیلرعلاوه براین‌اعتراف مطالبی را درمورد جاسوسی بنفع شوروی وکسب اطلاعاتی از وزیر جنگ راجع به تاریخ تحویل سلاحهای اتمی به آلمان و جریان بحران کوبا و دادن این اطلاعات به افسر روسی‌بوسیله دکتروارد وایجاد رابطه بین افسر روسی و بعضی از مقامات انگلیس به وکیل خود مایکل ادوس ابرازداشت که تا آن تاریخ هیچکس ازآن آگاهی نداشت. وکیل کیلر بسبب اهمیت موضوع در مسئله امنیت انگلستان جریان را به پلیس‌اسکاتلندیارد گزارش‌داد.

ازطرف دیگر خواننده سیاهپوست دیگری بنام **کلی‌گوردون** که وی نیز با کیلر دوست بوده وکیلر اورا ترك گفته بوده کیلر را کتك زد و باتهام قصد تجاوز زندانی گردید وی نیز درمحاکمه خود حقایق تازه‌ئی را از عملیات دکتروارد وحوزهٔ اووماجرای وزیر جنگ وکیلر فاش ساخت موضوع در مجلس عوام مطرح شده واز دولت باردیگر پرسش بعمل آمد.

استعفای وزیر جنگ

وزیر جنگ که ملاحظه کرد کار رسوائی باینجاکشیده و راه گریزی نیست در روز چهارم ژوئن ۱۹۶۳ (۱۴ خرداد ۱۳۴۲) استعفای خود را نزد نخست‌وزیر فرستاده و در نامه خود اقرار کرد که بمنظور حفظ دوستان و حفظ حیثیت حکومت و حزب و خانواده خودش به پارلمان دروغ گفته است و مك‌میلان درپاسخ وی نوشت:

« این ماجرا برای شما و دوستان و خانواده شما تراژدی بزرگی است » وزیر جنگ حتی رعایت تشریفات را هم نکرده از رفتن نزد ملکه و انجام خداحافظی سرباز زده فرار کرد واز لندن خارج شد.

بازداشت دکتر وارد

دکتروارد پس‌از آفتابی شدن عملیات وی بازداشت شد ودرمحاکمه محکوم‌شده پیش‌از ابلاغ حکم محکومیت خود را با استعمال مقدار زیادی قرص های خواب‌آور مسموم نمود و معالجات و کوشش پزشکان به نتیجه نرسیده پس‌از چندروز درگذشت درحالیکه ۱۴ نامه خطاب به معشوقه های سابق خود و شخصیت های انگلستان باقی گذاشت که متن بعضی از آنها هنوز افشا نشده است و دراین نامه‌ها عملیات و فساد اخلاق عده‌ئی از رجال انگلیس را شرح داده است.

گزارش لرد دنینگ

فاش شدن این رسوائیها انگلستان را تکان داد وچندین ماه صفحات جرائد و مجلات جهان را در مقالات و تصاویر پر کرد. مجلس در صدد بود



پروفیومو و همسرش

تحقیق کامل دراین جریانات رابهیئتی واگذاردودولت تحقیق دراین وقایع را به لرد دنینگ واگذاشت که مورد قبول عامه بود . لرد دنینگ یکماه پس‌از خودکشی دکتروارد گزارش خودرا در ۸۰۰۰ صفحه تهیه نموده تقدیم داشت در این گزارش شهادت ۱۶۰نفر شهود ذکر شده و انحرافات جنسی و اخلاقی عده‌ئی از رجال معلوم گردید ولی متن این گزارش تا بامروز فاش نگردیده درهر حال هارولد مك‌میلان چندماه بعد دراثر عواملی که واقعه بالا یکی‌از مهم‌ترین آنها بود استعفاداد و در۱۸ اکتبر۱۹۶۳ **الکساندرفردریك دوگلاس‌هوم** جانشین وی گردید .

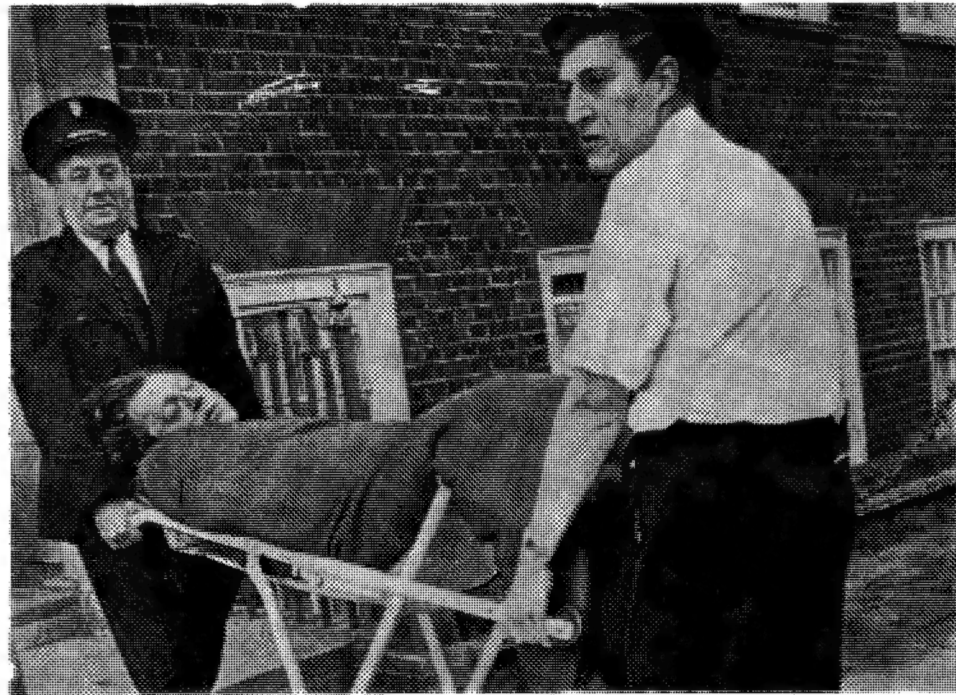
لرد دنینگ تمام پرونده های سکاتلندیارد را مطالعه کرده و از جمله کسانی که لرد دنینگ از آنها تحقیقات بعمل‌آورده یکی لردثروتمندی بنام **لرد آستور** است که وی نیز باغ زیبائی با استخر شنا در خارج لندن دارد وآنجا نیز یکی از وعده‌گاههای عشاق انگلیسی بوده و دیگران سایر دختران تلفونی و معشوقه های دکتروارد تحقیقات بعمل آورده که از آنجمله‌اند ماندی دیویس ، و یکی مارت ، اوناریکاردو ، سیلویاپارکر ، کولرگوردون، وژولی‌گولیور و دیگر از دوشس دارژیل که از شوهر خود دوك داررپل طلاق گرفته با مردان مختلفی رابطه نامشروع برقرار کرده بود و همچنین لرد دنینگ از عده‌ئی از نمایندگان هر دو مجلس انگلیس واعضای کابینه مکمیلان تحقیقات نموده اسراری عجیب و ناگفتنی در گزارش وی آمده که ازآنجمله کشف هویت یکی از رجال و شخصیت های مهم است که لخت مادرزاد باگذاشتن ماسکی بصورت در مجالس میهمانی های سری و خیلی خصوصی حاضر میشده . گفته میشود چنانچه این گزارش چاپ و نشر شود بحرانی بزرگ در انگلستان دست خواهد داد و وحشت و آشفتگی عظیم بافکار مردم انگلیس دست خواهد داد .

عاقبت بعضی‌از دختران تلفونی

اگر چه دراین حادثه رسوائی قرن دکتر وارد جان خود و پروفومیو مقام خودرا از کف داده و کابینه هم تغییر یافت ولی دختران تلفونی از این موقعیت استفاده‌کرده کیلر و ماندی دیویس و بعضی دیگر خاطرات یادداشتهای خودرا با منابع گزاف بمطبوعات‌فروخته هریك ثروتی عظیم اندوختند . کیلر در فیلمی راجع به سرگنشت خود نیز نقش خود را بعهده گرفت واز این راه نیزعایداتی هنگفت بدست‌آورد واگر چه نمایش این فیلم در انگلستان ممنوع شده ولی در سایر کشور های اروپا و در آمریکا موزد توجه واقع شده منافع زیاد آورد . کریستین کیلر در دادگاه بجرم شهادت دروغ به ۹ ماه زندان محکوم گردید که تا اکنون نصف آنرا گنذرانیده و پس‌از آزادی از ثروتمندترین زنان بوده شهرت جهانی هم یافته است . ماندی دیویس تنها از نشر کتاب خاطراتش که مملو از عکسهای نیمه عریان خود اوست سه میلیون ثروت اندوخته و با کمپانی فیلم برداری نیز قراردادی برای شرکت در فیلمی بنام **فانی‌هیل** قرارداد بسته .

ویکن بارت یکی دیگر از دختران تلفونی دکتر وارد مامور شلاق زدن به مشتریان سادیست دکتر وارد بوده و با زدن هر شلاق یك لیره پول میگرفته واکنون‌هنرپیشه سینما شده است .

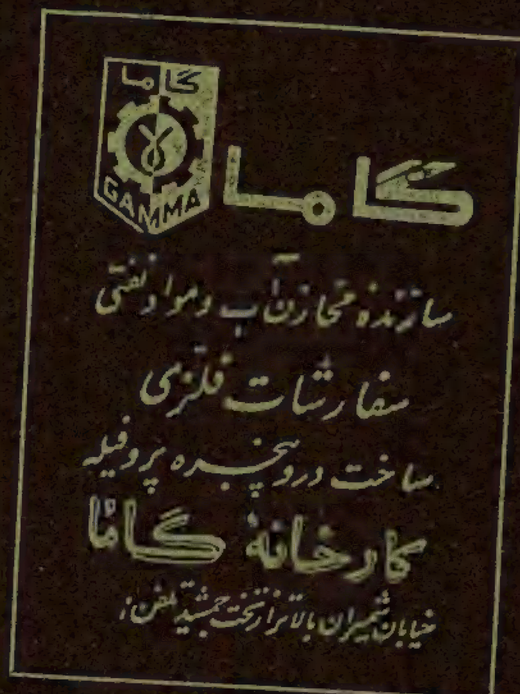
ماریا نووتنی یکی دیگر از دختران تلفونی دکتروارد اکنون در آمریکا از شرکت در برنامه های تبلیغاتی و تلویزیونی ثروتی بدست میاورد وبا یکی‌از کمپانیهای فیلم‌برداری هالیوود نیز قراردادی برای شرکت دریك فیلم منعقد ساخته است .



پایان ماجرا




Romeo
Styled for
DURABILITY & COMFORT


گاما
GAMMA
گاما
سازنده مخازن آب و مواد نفتی
سفارشات فلزی
ساخت در و پنجره پروفیله
کارخانه گاما
خیابان شمیران بالاتر از تخت جمشید تلفن:


روغن موتور ستاره
صندوق پستی ۳۲۸


سازنده مصنوعات فلزی
جهان متالیک
JAHAN METALIQUE
شرکت سهامی جهان متالیک
تهران شاهرضا چهارراه بیمارستان پهلوی - اول خیابان اسکندری
تلفن ۶۸۶۱۶

برسان

کرونولوژی تاریخ جهان

بقلم : دکتر بهاءالدین پازارگاد

مقدمه

(الف) کرونولوژی چیست ؟

ذکر وقایع تاریخی فهرست‌وار و بطور خلاصه بترتیب وقوع تاریخی که به **کرونولوژی** موسوم است فوائد بسیار و موارد استعمال زیاد دارد که ما دراینجا تنها بذکر چندتای آن اکتفا میکنیم :

اول ــ آنکه برای مراجعه اهل‌تحقیق و مطالعه و نویسندگان و مفسرین اخبار و وقایع روزانه جهان مورد کمال اهمیت و ضرورت است و ایشان را از اتلاف وقت و تفحص در کتب متعدد و یا رجوع بمراجع متشتت بی‌نیاز میکند .

دوم ــ کسانی که وقت و فرصت کافی یا حوصلهٔ مطالعهٔ کتب تاریخ را ندارند و آرزو دارند که اطلاعات جامع و رسائی درکلیات تاریخی تمام کشورهای جهان‌داشته باشند کرونولوژی تاریخی پاسخ حاجت آنها را بخوبی میدهد و بدون اینکه محتاج بخرید کتب گران قیمت و متعدد و مطالعه مطالب زائد و خسته‌کننده باشند لب حقایق و جوهر وقایع تاریخی را از آغاز تاریخ بشر تا زمان حاضر درمدت بسیار کمی درك‌میکنند .

سوم ــ ازمشکلات مطالعه تاریخ که هر شخص‌علاقه‌مند به‌مطالعه تاریخ با آن مواجه میشود گم‌کردن رشته ارتباط تاریخی وقایع کشورهای مختلف و فقدان وسیله یافتن رابطه بین وقایع هر عصر یا قرن درنقاط مختلف جهان یا رابطه بین تمدنها و دولتهای همزمان است . کرونولوژی تاریخی این مشکل رانیز حل‌کرده و بسهولت خواننده را بمقصود رهبری میکند و رابطه بین وقایع را نشان میدهد و بدینطریق خواننده آن میتواند با درك ارتباط وقایع بیکدیگر اسباب و علل وقایع تاریخی را هم بخودی‌خود درك کند بدون آنکه محتاج به‌کمك کتب تحقیقــات تاریخی و ذکر اسباب و علل وقایع‌باشد .

چهارم ــ کرونولوژی تاریخی برای دانش‌آموزان دبیرستان ودانشجویان دانشکده‌ها نعمتی است غیرقابل‌توصیف که هنگام امتحانات ماهیانه یا سه ماهه یا سالیانه یــا نهائی آنها را ازبلای خواندن کتب قطور و بزرگ و مفصل و حفظ‌کردن وقایع بطور طوطی‌وار نجات میدهد و طبق تجربه ، خدمتی که کرونولوژی به محصل تاریخ میکندارزش عظیم داشته و درسایر علوم شبیه و نظیری ندارد .

پنجم ــ ازجمله مشکلات دانش‌آموز و دانشجوی‌تاریخ مسئله حفظ‌کردن‌سنوات وسالهای وقایع است ــ کرونولوژی این مشکل را هم حل‌کرده و چون وقایع به ترتیب تاریخ حدوث و در ستون و جدول ثبت شده یك‌مرتبه مرور به کرونولوژی پیش از هرامتحان لااقل قرون وقایع را در حافظه دانش‌آموز و دانشجو باقی میگذارد .

ششم ـ یکی از فرقهای کرونولوژی باکتب تاریخ معمولی آن است که درکتب تاریخی معمولا مورخ قضاوتی در اسباب وعلل وقایع ورشته ارتباط آنها بایکدیگر نموده آنرا درمعرض مطالعه خواننده میگذارد ولی کرونولوژی سلسله وقایع را بترتیب وقوع تاریخی بنظر خواننده میرساند و خواننده را در قضاوت آزاد میگذارد تاخود علل وقایع را بذوق خود استنباط کند و بدین وسیله محرك تفکر و تأمل درخواننده میشود .

(ب) توضیحی درباب کرونولوژی‌های مجلد اول ودوم کتاب سال کیهان

تا قبل‌ازانتشار شماره اول کتاب سال کیهان که در آغاز سال ۱۳۴۱ منتشر گردید درج کرونولوژی جامع‌تاریخی درمطبوعات ایران سابقه نداشت‌واولین مرتبه‌یك کرونولوژی تاریخ ایران از آغاز تا سال ۱۳۴۱ و یك کرونولوژی تطبیقی سیاسی و مذهبی جهان از ۴۰۰۰ پیش‌از میلاد تا ظهور اسلام درشماره مزبور چاپ‌شد .

نظر باستقبالی که‌ازطرف‌خوانندگان نسبت باین کار تازه در زبان فارسی بعمل آمد درشماره دوم کتاب سال‌که درسال۱۳۴۲ انتشار یافت (اولا) در کرونولوژی تاریخ‌ایران که درشماره اول‌تنها ۲۷صفحه را اشغال‌کرده بودتجدید نظر کلی بعمل آمد و یك کرونولوژی مفصل‌تـر و جامع‌تـر از تاریخ ایـران در نتیجـه مطالعـه و مراجعـه بکتب و مراجع متعدد فراهم‌گردید ودرسال دوم تجدید چاپ‌شدوبالغ بر ۱۱۰ صفحه بزرگ کتاب سال‌را اشغال‌کرد وبعبارت دیگر بحدود چهاربرابر افزایش یافت و در این کرونولوژی تنها اکتفا بذکر وقایع نشد بلکه در آغاز هـر دوره و هر سلسله از تمدن و ادبیات و هنر و موسیقی و جامعهٔ عصر واوضاع اجتماعی و مذهب عصر نیز خلاصه‌ئی عصاره مانند ذکر شد تا خواننده را حتی‌الامکان بی‌نیاز کند و حداکثر فایده را بمراجعه‌کننده بدهد . علاوه برآنکه برای هر سلسله نیز یك نقشه جغرافیائی تهیه شد تاحدود کشور ایران را در زمان سلطنت هر سلسله نشان دهد ، تاریخ مشروطیت ایران نیز که درشماره اول بطور جداگانه‌چاپ شده بود دراین کرونولوژی گنجانیده شد تا از هرجهة کامل و جامع باشد .

(ثانیا) درکرونولوژی تطبیقی مذهبی و سیاسی جهان نیز که کاری تازه و ابتکاری بی‌سابقه است و هدف آن‌مقایسه هم‌عصری و کشف هم‌زمانی وقایع مذهبی‌بنابروایات دینی با وقایع سیاسی جهان بود و درشماره اول کتاب سال تنها هفت صفحه را اشغال کرده و تنها تا ظهور اسلام ذکر شده بود تجدیدنظر بعمل آمده تاسال ۱۹۶۳ بسط داده شد و به۱۲ صفحه افزایش یافت .

(ثالثا) تهیه یك کرونولوژی جدید از تاریخ تمام جهان از ادوار ماقبل تاریخ آغاز گردیده با تنظیم نقشه و طرحی برای آن که مطالعهٔ تاریخ جهان را برای خواننده و یافتن وقایع مورد نظر را در هر زمان و در هر عصر و در هر نقطه از جهان برای مراجعه کننده آسان کند . درج این کرونولوژی که صفحات زیادی را اشغال خواهد کرد از شمارهٔ دوم آغاز کردیم و تصاویـری جالب نیـز برای آن بمناسبت هر قسمت تهیه شد . این کرونولوژی با ارزش کـه شامل تاریخ تمدن‌های کهن و دولتها و امپراطوریهای باستانی مصر ، سومر ، اکاد ، بابل ، آشور ، کلده ، فلسطین، اسرائیل و یهود ، فنیقیه ، سوریه ، اناطولی ، لیدی ، فریژیا ، ارمنستان ، هندوستان ، چین ، یونان ، مقدونیه ، و روم قدیم است از تاریخ چهار هزار سال پیش از میلاد شروع شده و تا سال ۲۹ پیش از میلاد در ۴۷ صفحه بزرگ پایان یافته است واینك دنباله تاریخ روم ازسال۲۹ پیش از میلاد به‌بعد دراین شماره آغاز میگردد .

اما برای اینکه خواننده یا مراجعه کننده‌ای‌که این‌مجلد را در دسترس دارد ممکن است مجلد دوم را در دسترس‌نداشته باشد و ملاحظه اینکه دراین‌مجلد کرونولوژی تاریخی از سال ۲۹ پیش از میلاد آغاز میشود او را کسل کندسودمند دیده شد که خلاصه‌ئی فهرست‌مانند از حوادث و وقایع مهم تاریخی از ۴۷ صفحه کرونولوژی جهانی سال پیش‌استخراج و بدنبال این مقدمه چاپ شود تا رشته پیوستگی حوادث نیز درنظر خواننده محفوظ گردد و ارتباط وقایع را دارنده این شماره نیز درك کند .

(ج) خلاصهٔ کرونولوژی تاریخ جهان از ادوار ماقبل تاریخ تا سال ۲۹ق.م

کرونولوژی تاریخ جهان را به پنج دوره بزرگ تقسیم گردیم بشرح زیر :

(۱) ادوار پیش‌ازتاریخ (از عصر پالئولیتیك تا پایان عصر آهن)

(۲) تاریخ قدیم :

(قسمت اول) از ۳۰۰۰ قبل‌ازمیلاد تاقرن سوم ق.م.

(قسمت‌دوم) از قرن‌سوم ق.م. تاقرن‌هفتم بعداز میلادـ ظهور اسلام

(۳) تاریخ قرون وسطی از قرن هفتم ب م تا قرن ۱۴ ب م

(۴) تاریخ قرون جدید از قرن ۱۵ ب م تا قرن ۱۸ ب م

(۵) تاریخ قرون ۱۹ و ۲۰ از قرن ۱۹ ب م تا زمان حاضر

اول
ادوار پیش از تاریخ

(الف) ـ فهرست فرهنگ‌های ماقبل تاریخ

۱ ـ فرهنگ عصر **پالئولیتیك** (حجر قدیم) که درآن زمان انسان ابزارسنگی خشن وناتراشیده بکار برده

۲ ـ فرهنگ عصر**مسولیتیك**(حجروسطی) که دورهٔ تحول محسوب میشود

۳ ـ فرهنگ عصر **نئولیتیك** (حجرجدید) که در زندگی انسان ابزارسنگی تراشیده و صیقلی بکار رفته

٤ ـ فرهنگ عصر **چالکولیتیك** (سنگ‌و مس) که اولین مرتبه‌انسان مس راکشف کرد ودر زندگی خود بکار برد

٥ـ فرهنگ عصر **مفرغ که ابزارزندگی** انسان از مس و مفرغ تهیه گردیده

٦ـ فرهنگ عصر آهن که دراین عصر آلات آهنی بکار رفته محل ظهور هریك از این فرهنگها در نقاط مختلف زمین متفاوت بوده مثلا عصر مفرغ در بین‌النهرین ۱٥۰۰سال‌پیش از عصر مفرغ درباختر اروپا بوده بنابراین بکار بردن اصطلاح عصر مفرغ یا عصر آهن جهان قدیم ازلحاظ تاریخ وزمان درست نیست و هر منطقه اززمین که کولتورها دران یکی ازپی دیگری ظهورکرده و پرورش یافته است باید جداگانه مورد تحقیق ومطالعه قرارگیرد.

مدتهائی که برای هردورهٔ فرهنگی‌بدست داده میشود عموما تقریبی و بیشتر براساس تحولات ژئولوژیکی و تعیین مدت رادیواکتیویته در مواد معدنی وسنگهاست .



مجسمه کوچك که از عاج بریده شده متعلق بدوره پالئولیتیك (موزه مردم ـ پاریس)

(ب) ـ دورهٔ پالئولیتیك

باحتمال بیش ازیك میلیون سال بطول انجامیده ودر حدود ۸۰۰۰ سال پیش ازمیلاد پایان یافته

پلیستوسن یا یخبندان اصطلاح زمین شناسی و نام مدت زمانی است که فرهنگ پالئولیتیك درآن‌پرورش‌یافته‌است.

نمونه غار ماقبل تاریخ : پناهگاه و مسکن انسان اولیه (**درفونت‌دوگائوسه** واقع درایالت اوردونی)



نیزه‌ای که از استخوان ساخته شده (اندازه آنرا با دستی که آنرا گرفته مقایسه کنید)

(ج) ـ دوره مابعد پالئولیتیك

۱ ـ **عصر مسولیتیك** ظهورآن پس ازآخرین یخبندان ودر پایان عصر پالئولیتیك است ـ این عصر در اروپا باحتمال ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد آغاز گشته و چند هزار سال بطول انجامیده است .

۲ ـ **عصر نئولیتیك** مرحلهٔ دوم ترقی تمدن بشری است و کشاورزی ، اهلی کردن حیوانات ، کوزه‌گری ، و صیقلی کردن آلات سنگی دراین دوره بظهور رسیده .

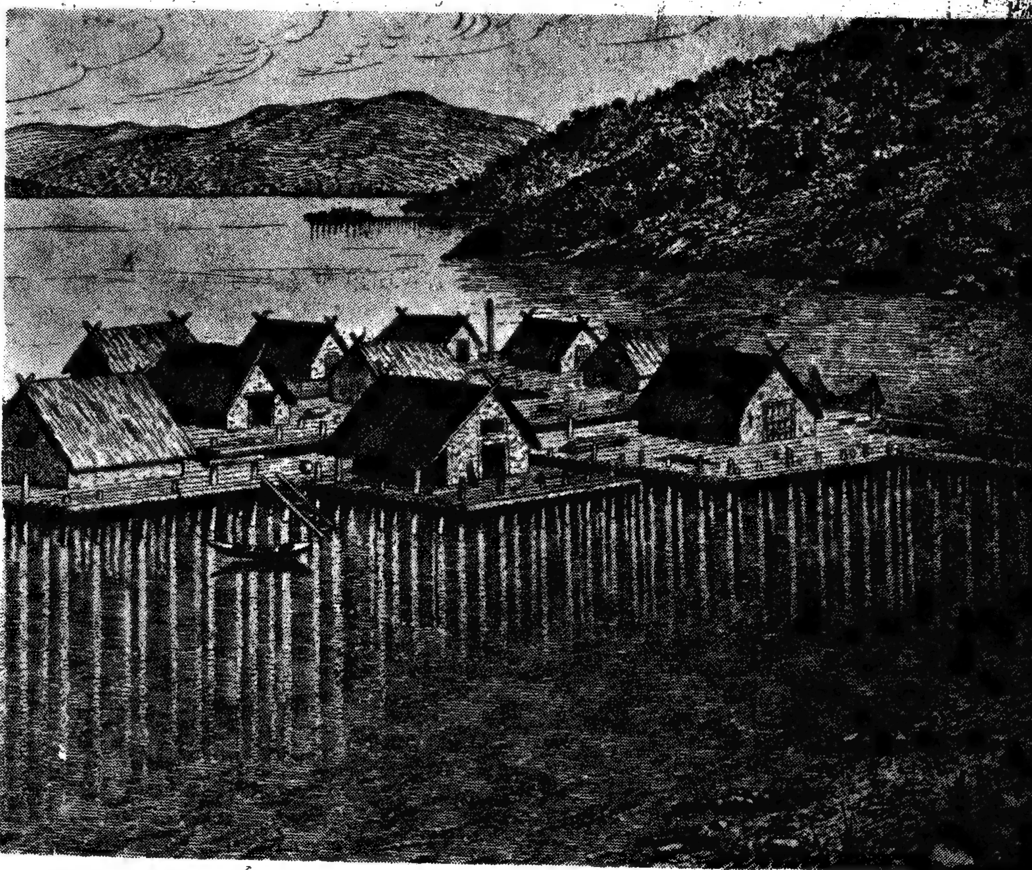
آثار این عصر که در بین‌النهرین‌وسوریه و فلسطین یافته شده باحتمال قوی‌مربوط‌به ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد است درحالیکه‌اولین آثار نئولیتیك اروپا که بدست آمده تاریخ‌آنها از ۳۰۰۰ تا۲۵۰۰ قم زودتر نبوده‌ودربسیاری از نقاط افریقا و آسیا فرهنگ نئولیتیك‌مدتها پس از این تاریخ آغاز گشته است .

۳ـ **عصرجالکولیتیك** قدیمترین‌منطقه‌ئی‌که‌بکشف واستعمال‌مس‌نائل‌شده‌خاورمیانه‌است‌وتاریخ‌آن بین۴۰۰۰ تا۳۰۰۰ قم‌تخمین‌شده‌درحالیکه‌مس در اروپا بیش از ۲۰۰۰ قم شناخته نشده‌بود.

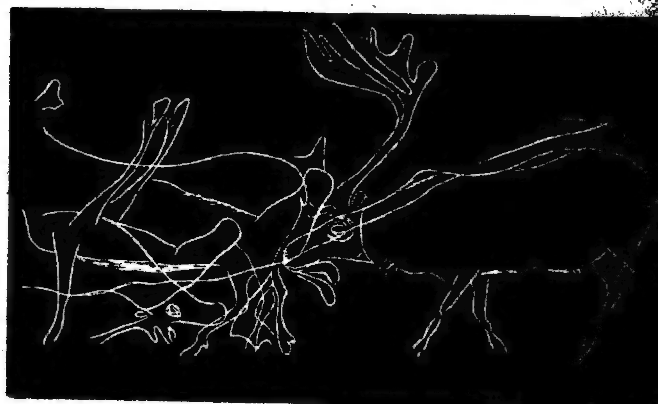
۴ ـ **عصر مفرغ** ۳۰۰۰ قم را آغاز عصر مفرغ در خاورمیانه و ۲۰۰۰ قم را آغازعصر مفرغ در اروپا میشمارند ودر سایر نقاط آسیا ودر اکثر نقاط افریقا پس ازاین تاریخ شروع شده .

۵ ـ **عصر آهن** نمونه اشیاء آهنی استخراجی از معدن از طبقاتی از زمین که مربوط به ۲۵۰۰ قم است در بین‌النهرین‌کشف شده ولی در سایر نقاط آسیا عصرآهن ازقرن ۱۴ قم ودر اطریش از قرن ۱۱ و۱۰ قم آغاز گشته .

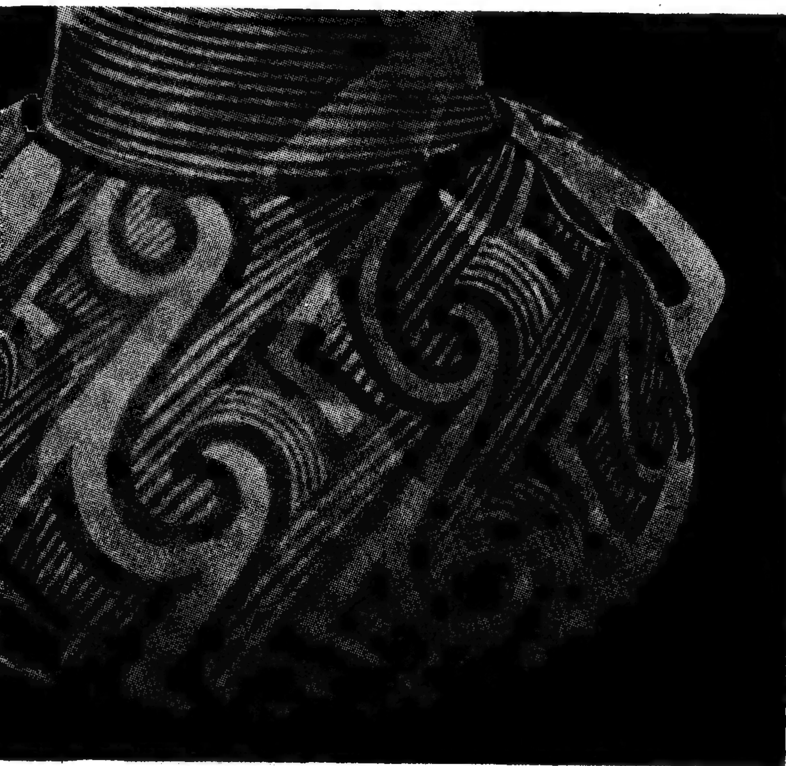
ـ آهن در قرون ۱۵ و ۱۶ پس از میلاد بامریکا وارد شده‌است .



اولین خانه های روم ماقبل تاریخ روی آب‌ساخته شده (دوره نئولیتیك)



هنر حجاری در دوره پالئولیتیك درروی‌دیوار درون غار در اوردنی فرانسه



ظرف سفالی در دوره نئولیتیك که قطعات‌آن درایتالیا یافت شده (قطعات آن بیکدیگر چسبانیده شده و تکمیل گردیده است)



دوم تاریخ قدیم

الف - امپراطوریهای اولیهٔ افریقا و آسیا

(۱) مصر

۲۹۰۰ - ۲۷۰۰ قم - سلطنت سلسله‌های اول و دوم مصر (پایتخت : تی‌نیس) دو سلطنت‌مصر علیا و مصر سفلی در تحت حکومت منیس و جانشینان وی متحد گردیدند .

۲۷۰۰ - ۲۲۰۰ - سلطنت قدیم : دورهٔ‌سلطنت سلسله‌های سوم تا ششم (پایتخت : ممفیس)

زوسر بنیان‌گذار سلسله سوم (۲۷۰۰-۲۶۵۰) هرم‌**ساکارا** رابناکرد - **سنفرو** (سلسله چهارم ۲۶۵۰ - ۲۵۰۰) هرم **مدوم** را ساخت جانشینان وی بترتیب **خئوپس** ، **خفزن** ، و **میسه‌رینوس** اهرام بزرگ سه‌گانه‌رادر صحرای جیزه بنانهادند . بنای این اهرام‌تازمان‌سلسله ششم ادامه یافت . هنر مصری در زمان‌سلسله پنجم بحد اعلا رسید .

۲۲۰۰ - ۲۱۰۰ - سلطنت سلسله‌های هفتم تا دهم و سلب قدرت از فراعنه که منجرباستقلال ایالات مصر بنام **نوم‌ها** گردید .

۲۱۰۰ - ۱۷۸۸ - سلطنت وسطی : سلطنت سلسله یازدهم (۲۱۰۰-۲۰۰۰) (پایتخت: شهر تب) سلسله دوازدهم (۲۰۰۰-۱۷۸۸) (پایتخت : شهر لیشت نزدیک ممفیس و **امن‌ام‌هت‌سوم** آنرا به **فایوم** انتقال داد.) زمان سلطنت سلسله دوازدهم عصر کلاسیك‌ادبیات مصر قدیم و رواج معماری و هنر های‌پلاستیکی است .

۱۷۸۸ - ۱۵۸۰ - دورهٔ تسلط بیگانگان و فئودالیسم

سلطنت سلسلهٔ‌سیزدهم (پایتخت : تب)- حکام دست‌نشانده زمام حکومت را در دست داشتند .

سلطنت سلسله چهاردهم (پایتخت : اکسواس) - دراین دوره بیگانکان تسلط‌یافتند

سلطنت سلسله‌های ۱۵ و۱۶ حکومت هیکسوس‌ها (۱۶۸۰-۱۵۸۰) (پایتخت:**اواریس** در دلتا) هیکسوسها یافرمانداران ولایات‌بیشتر از اقوام سامی و هوریانی فلسطین و سوریه و نقاط شمالی تر بوده اسب را ایشان بمصر آوردند .

سلسله ۱۷ (۱۶۰۰ - ۱۵۸۰) جنگ ب هیکسوسها آغازگردید

۱۵۸۰-۱۰۹۰ - دورهٔ امپراطوری مصر قدیم (معروف بدورهٔ سلطنت جدید)

۱۵۸۰-۱۳۵۰ - سلطنت سلسله ۱۸ (پایتخت شهر تب)

اموسیس (۱۵۸۰-۱۵۵۷) هیکسوسها ر بیرون رانده نوبیای شمالی را فتح کرد و به فئوداليسم پایان داد

امنوفیس اول (۱۵۵۷-۱۵۳۶) و**توت‌مس اول** (۱۵۳۶-۱۵۲۰) در فلسطین وسوریه‌بجنگ پرداخته به‌رود فرات رسیدند

توت‌مس سوم یا توت‌مس‌کبیر (۱۵۰۱ - ۱۴۴۷) در ۱۹ سال سلطنت خود ۱۷ جنگ‌نمود فلسطین و فنیقیه وسوریه را فتح‌کرد

امنوفیس سوم (۱۴۱۱-۱۳۷۵) وحدت امپراطوری مصر را در خاك آسیا حفظ کرد. در زمان سلطنت وی مصر به‌ترقیات فرهنگی‌و اقتصادی نائل آمد.

امنوفیس چهارم معروف به ایخناتور (۱۳۷۵-۱۳۵۸) درصدد اصلاحات مذهبی‌برآمد و بسبب مخالفت کهنه موفق نشد در زمان‌وی فلسطین و سوریه و فنیقیه از تحت انقیاد مصر خارج گشتند .

پس از او دونفر دامادهای او بترتیب بسلطنت رسیدند که دومی ایشان **توتان‌خامن** بود که قبر وی دست‌نخورده در سال ۱۹۲۲ کشف‌گردید .

۱۳۵۰-۱۲۰۰ - سلطنت سلسلهٔ ۱۹ (پایتخت تب) سلاطین معروف این سلسله **هارم‌هاب** (۱۳۵۰-۱۳۱۵)

نیم رخ ایختاتون

ستوس اول (۱۳۱۳ـ۱۲۹۲) رامسس‌دوم (۱۲۹۲ـ۱۲۲۵) که بناهای زیاد برپا کرده ـ **مرتپ‌تاه** (۱۲۲۵ـ۱۲۱۵) که باحتمال قوی در زمان وی **موسی** قوم یهود را از مصر بیرون برده

۱۲۰۰ـ۱۰۹۰ ـ سلطنت‌سلسله بیستم(پایتخت: تب) پادشاه معروف این سلسله رامسس سوم (۱۱۹۸ـ۱۱۶۷) فن استخراج آهن در زمان‌وی از طرف فیلیستین‌ها بمصرآورده شدجانشینان وی (رامسس چهارم تا دوازدهم ۱۱۶۷ـ۱۰۹۰) زمامدارانی ضعیف بوده نتوانستند از قدرت روزافزون کاهن‌ها جلوگیری کنند .

۱۰۹۰ـ۹۴۵ ـ سلطنت سلسله ۲۱

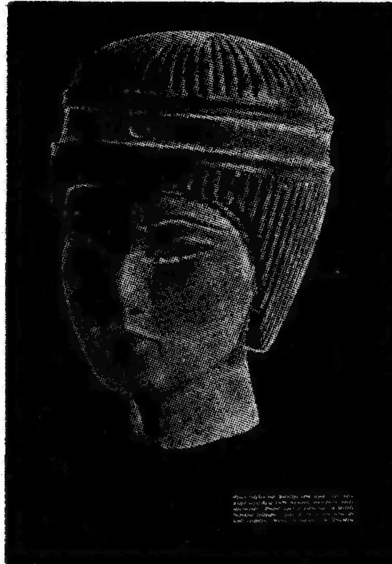
۹۴۵ ـ ۷۱۲ ـ سلطنت سلسله‌های ۲۲ تا۲۴ که غالبا هرج‌ومرج و جنگهای داخلی‌بخصوصی در زمان سلسله ۲۳ حکمفرما بود



نیم‌رخ نفرتی‌تی ملکهٔ **امنوفیس چهارم** (معروف به ایختاتون) سلسله ۱۸ (موزهٔ برلن)

سرمجسمه ابوالهول هیکوس

یکی از ملکه های سلسلهٔ هجدهم مصر (قرن ١٦–١٤ ق م) – زیبائی این حجاری و این چهره الهام بخش جاودانی‌نقاشان‌است (موزهٔ لوور پاریس)



٧١٢–٦٦٣ سلطنت‌سلسله٢٥ (حبشیان)بوسیله **شاباکا** فاتح مصر تاسیس شد.

اسارهادون آشوری مصر را تا تبس گرفته ایالتی از ایالات‌آشور نمود (٦٧١) – آشور با نیپال در ٦٦٨ و ٦٦١ دوجنگ دیگر درمصر اجرا نمود

٦٦٣–٥٢٥ – سلطنت سلسله ٢٦ (پایتخت : سائیس) سلاطین معروف این سلسله : **پسامتیک** (٦٦٣–٦٠٩) که ازطرف اسارهادون حاکم ممفیس بود شورش کرده در ٦٥٢ بر تمام‌مصر تسلط یافت.

نکوی دوم (٦٠٩–٥٩٣) که بسعی کرد بوسیله حفر کانال دریای سرخ را برود نیل اتصال دهد موفق نشد – کشور **یهود** را در ٦٠٩ فتح‌کرد ولی در ٦٠٥ بوسیله **نابوکدونزر** از خاک‌آسا رانده شد.

آماسیس (٥٦٩–٥٢٥)

٥٢٥–٤٠٤ – سلسله ٢٧ – فتح مصر بدست **کامبیز** پادشاه ایران و شکست **پسامتیک سوم** در پلوسیوم در ٥٢٥

ازآن پس تامدت ١٢٠ سال مصر یکی از ایالتهای تابع **ایران** بوده واین‌دوره به‌سلطنت سلسله بیست‌وهفتم معروف است.

٤٠٤ – ٣٣٢ – سلسله‌های ٢٨ تا ٣٠– دورهٔ حکومت‌های موقتی زمامداران محلی و بومی بود که بدولت ایران خراج میدادند

٣٣٣–٣٢٣ – مصر در زیر فرمان **اسکندرکبیر** قرار داشت

٣٢٣–٣٠ قم – مصر در تحت حکومت **بطالمه** قرار داشت

این نقوش که‌بر چوب حکاکی شده دریکی از مقابر مصری یافته شد و بعصر سلطنت‌مهفیس تعلق دارد.



در این حکاکی نشان میدهد که هنگامیکه‌مرده زنده میشود تمام آنچه را که درزندگی‌بدان علاقه داشته حتی نوازنده آلات موسیقی و خواننده و وسائل زندگی، همه را در کنارخود خواهد یافت.

(۲) بین النهرین

(الف) ـ تاریخ سومروآکار

۱۸۵۰ـ۲۴۵۰ ق‌م سلطنت اولین **سلسله اور** پادشاهان معروف‌آنها : **مسی‌لیم** ، **اور نینا** (اورنانته) ، **لوگال‌زاگ‌گیسی** پادشاه ارك

۲۴۵۰ ـ ۲۲۷۰ ـسلطنت اکاد: پادشاهان معروف ایشان : **سارگون ،نارامسون** .

قبول فرهنگ سومری از طرف اکاد واصلاح آن وترقی فن حجاری ومجسمه سازی **۲۲۷۰ـ ۲۱۴۵** ـ حمله بربرهای **گوتیوم** از خاوروفتح بابل و حکومت ۱۲۵ ساله‌ایشان ـ ترقی **لاگاش** در تحت حکومت گودیا (۲۲۵۰) **۲۱۴۰ـ ۲۰۳۰ سلطنت اور** در تحت سلاطین سلسله سوم اور پادشاهان معروف ایشان : **اورانگور، دونگی،بورسین ، گیمبل سین، ایبی‌سین)**

۲۰۳۰ ـ ۱۹۰۰ ـ دوره ضعف‌وانحطاط‌تمدن سومری در تحت حکومت دو سلسله **ایسین‌و لارسا** که با یکدیگر در جنگ بودند و باعث‌از میان رفتن وحدت ملی سومر و اضمحلال آن گردیدند .

(ب) ـ تاریخ بابل

۱۹۰۰ ـ ۱۶۰۰ ـ سلطنت اولین سلسله پادشاهان بابل معروف به **اموریتها** .

ششمین پادشاه ایشان **هامورابی** بزرگ و معروف است که قوانین را اول مرتبه درتاریخ مدون ساخت و قانون وی تا ظهور حقوق رم جامع‌ترین و مترقی‌ترین قانون شمرده میشد.

۱۶۰۰ ـ ۱۱۵۰ ـقوم کاسیت در هیت‌ها بابل را فتح کرده ۴۵۰ سال حکومت کردند.

۱۱۴۶ـ۱۱۲۳ ـشکست عیلامیها از نابوکدنزو و شکست او بدست آشوریان

۱۱۰۰ ـ ۹۰۰ ـ هجوم قبایل‌ارامی‌به‌بابل

۹۰۰ـ۶۲۵ ـ جنگهای‌بابل‌با آشور وشکست بابل :

۶۲۵ـ۵۳۸ ـ امپراطوری کلده

۶۲۵ـ۶۰۵ ـ خرابی نینوابدست نابوپولاسار با کمك **سیاکزار** پادشاه مدی در ۶۱۲ وتقسیم امپراطوری آشور بین ایشان تسخیر کشور یهود از طرف بابل

۶۰۵ـ۵۶۱ ـ دو دفعه تصرف‌اورشلیم‌بدست نبوکدنزو .

۵۵۵ـ۵۳۸ ـ سلطنت **نابونیداس** با شرکت **بلشازار** .

۵۳۸ ـ تصرف بابل بدست گوبریاس از سرداران کورش کبیر

۵۳۸ـ۳۳۲ ـ بابل در تحت حکومت ایرانیان بود .

۳۳۲ـ۳۲۳ ـ بابل در تحت حکومت‌اسکندر کبیر بود .

۳۱۲ـ۱۷۱ ـ حکومت سلسله سلوکیه بربابل

۱۷۱ق‌م‌ـ۲۲۶ب‌م ـ بابل در تحت حکومت پارتها (اشکانیان)

۲۲۶ـ۶۴۱ب‌م ـ بابل در تحت حکومت ساسانیان

(ج) ـ سلطنت آشور

۱۱۱۶ـ۱۰۹۳ق‌م ـ سلطنت تیگلات پیلەسر اول

۱۰۹۳ ـ۹۳۳ ـ آشور درتحت‌فشار آرامی‌ها قرار داشت

۹۳۳ـ۷۸۳ ـ دوره اول امپراطوری آشور

سلطنت **آشور نازیربال** (۸۸۳ـ۸۵۹)

ـسلطنت **شالمانزرسوم** (۸۵۹ـ۸۲۴)

ـسلطنت **سمیرامیس** (۸۱۰ـ۸۰۶) زوجه **شامشی‌اداد** پنجم (۸۲۴ـ۸۱۰)و بعد سلطنت **پسرش عدد یداری** سوم (۸۰۶ـ۷۸۲) .

۷۸۲ـ۷۴۵ ـ ضعف آشور در برابر قدرت **اورارتو**

۷۴۵ـ۶۲۵ ـ دوره امپراطوری دوم آشور ـ سلطنت تیگلات پیلەسر سوم (۷۴۵ـ۷۲۷) که جلو توسعه اورارتو را گرفت.ـ اسرائیل‌را مطیع ساخت .

شالمانزرپنجم (۷۲۷ـ۷۲۲)

سارگن‌دوم (۷۲۲ـ۷۰۵)

سناخریب (۷۰۵ـ۶۸۱)

آسارهادون (۶۸۱ـ۶۶۸) مصر را فتح کرد .

آشوربانیپال (۶۶۸ـ۶۲۵)فلسطین و سوریه را مطیع ساخت کتابخانه بزرگی در نینوا ترتیب داد .

۶۲۵ـ۶۰۵ ـتجزیه‌سریع امپراطوری‌آشورـ تخریب نینوا بدست سیاکزار پادشاه مدو نابوپولاسا پادشاه بابل (۶۱۲)

ـ انقراض آشور در سال ۶۰۵

خط میخی در اواخر هزارهٔ چهارم پیش از میلاد ازطرف سومریها اختراع شده و بعد در سایر کشورهای خاور میانه از جمله ایران معمول گردیده وبا آنکه این‌کشورها بازبانهای مختلف سخن میگفته‌اند ولی خط آنها مشترك و غالبا میخی بوده . این کتیبهٔ آشوری‌متعلق به قرن ۱۴ ق م است .

هامورابی که در صفحه بلند سنگی نقش‌شده ودر شوش بدست آمده از کهن‌ترین اسناد مهم تاریخی قضائی و عدالت است طول‌سنگ ۲٫۲۵ متر است . در این تصویر **شاموش‌خدای** آفتاب و «**رب‌النوع عدالت**» را نشان میدهد که برکرسی نشسته وفرمان «**انصاف**» راپادشاه که در جلو او ایستاده است تسلیم میکند (در حدود ۱۶۷۰ ق م)



کوه سینا و غار پیغمبر که از طرفی مشرف بر دریای سرخ واز طرف دیگر مشرف به بیابان است وطبق روایات موسی‌الواح خودرا درآن‌کوه از یهوه خدای یگانه بدست آورده وکیش وحدانیت (اعتقاد بخدای یگانه) را آغـازکرده‌است

(۳) بین‌النهرین شمالی

۱۷۰۰ــ‌تشکیل سلطنت **میتان‌نی** در اوایل قرن ۱۷ ازقبایل هوریان که از اطراف دریاچه وان سرازیر شده در شرق و شمال و غـرب آشور شهرهائی بنا کردند

۱۶۰۰ــ۱۵۰۰ــ تشکیل سلطنت های‌کوچك مانند **اررایخا** دربین‌النهرین شمالی

۱۴۷۵ــ۱۲۷۵ــ سلطنت سلسله میتان‌نیـ (پایتخت : **واشك کانسانی**) سلطنت **سائوشی شات‌تار** (۱۴۷۵) **شورتازتا** (۱۴۱۰) ــ**شوربوتارنای** دوم (۱۳۷۰) ــ **مات‌بی‌وازا** (۱۳۵۰)

۱۳۵۰ــ۱۳۰۰ــ **سقوط سلطنت‌میتان‌نی**بدست **ادنی‌راری** اول پادشاه آشور .

(۴) فلسطین

(الف) ــ دوکشور یهود واسرائیل

۲۰۰۰ــ۱۲۲۵ــ ورود چند قبیله عبری بـه سرزمین کنعان و اقامت ایشان در آنجـا و اقامت قبیله یوسف در **گوش** دردلتای‌خاوری نیل

۱۲۲۵ــ۱۲۰۰ــ **موسی** رهبر قبیله یوسف‌در مصر (که رامسس دوم آن‌ها را بحالت‌بردگی در آورده بود) شورش کرده قبیله را بـه واحه **کادش** کوچ داد .

۱۲۰۰ ــقبیله **روبن** در خاور اردن در کنار قبیله گاد اقامت گزید

ــ قبیله **جودا** یا **یهودا** از مناطق لم‌یزرع جنوب بحرالمیت بطرف شمال کوچ کرد ــ قبیله یوسف برهبری یسوعا (یوشع) از اردن گذشته کوه **افریم** را تصرف کرد و سایر قبایل اسرائیل مقیم کنعان بودند .

۱۲۰۰ــ۱۰۲۸ ــ قبایل یهود و اسرائیـل غالبا بصورت ملوك‌الطوایف‌در فلسطین‌زندگی کرده و غالبا بامردم بومی مانند کنعانیان و فیلیستین‌ها **در جنگ** بودند .

۱۰۲۸ــ۱۰۱۳ــ سلطنت **شائول**بر اسرائیل

۱۰۱۳ــ۹۷۳ــ سلطنت **داود** که اورشلیم‌را فتح‌کرده پایتخت خود قرار داد.

انشعاب‌وتجزیه قوم اسرائیل بدوبخش‌مجزا بنام **یهود** و اسرائیل که با یکدیگر به‌حسدو رقابت بر خاستند .

۹۷۳ــ۹۳۳ــ سلطنت سلیمان که دیوارشهر اورشلیم را ساخت و شکوه وجلال سلطنتش ضرب‌المثل است .

۹۳۳ــ۷۲۲ ــ سلطنت اسرائیل

یربعام اول (۹۳۳ ــ۸۸۷) پایتخت: شهر**شخم**.

امری (۸۸۷ــ۸۴۳) پایتخت : ساماریا

جهو (یهو) (۸۴۳) تمام شاهزادگان یهود و اسرائیل را بقتل رسانید .



نهرالکلب (رودخانهٔ سگ) ازدرهٔ‌کوچکی در لبنان در جنوب **بیبلوس** میگذرد و معبر مردم مختلف بوده که در جستجوی ارض موعود و سرزمین بارور بوده‌اند . دردل این صخره‌دو حجاری پیوسته بیکدیگر دیده میشود . طرف چپ کار مصریان و طرف راست اثر آشوریان است و شاهد جاودان عبور ملل مختلف ازاین دره‌است .

یربعام دوم (۷۸۵) ــ **ذکریا** (۷۴۴) آخرین پادشاه سلسله جهو

۹۳۳ــ۵۸۶ ــ سلطنت یهود

رحبعام (۹۳۳ــ۷۸۰)

ازاریاه (اوزریاه) (۷۸۰ــ۵۸۶) معاصریربعام دوم پادشاه اسرائیل .

یوشع (۶۳۸) اصلاحات مذهبی نمود ــ بعدا کشورش بدست فرعون افتاد .

در سال ۶۰۵ کشور یهود بدست حکومت بابل افتاد .

در ۵۹۸ ــ ۵۹۷ سران قوم یهود باسارت بابل درآمدند .

۵۸۶ ــ نبوکدنزر (بخت‌النصر) اورشلیم را سوزانیده معبد سلیمان را خراب کرد و به سلطنت یهود پایان داد .

(ب)ــقوم یهودپس‌از پایان‌دوسلطنت اسرائیل و یهود

۵۸۶ــ۵۳۸ ــ یهودیان در زیر فرمان **بابـل** قرارداشتند .

۵۳۸ــ۳۳۲ ــ یهودیان در تحت حکـومت **ایرانیان** قرارداشتند .

ــ **کورش کبیر** پس از فتح بابل آنها را آزاد کرده اجازه مراجعت به اورشلیم و تجدید بنای معبد و شهر را بایشان داد .

۳۳۲–۱۹۸ – قوم یهود در تحت حکومت **اسکندر و بطالمه** مصر .
۱۹۸–۱۶۸ – قوم یهود در زیر سلطه **سلوکیان**
۱۶۸ – ۶۳ – شورش یهود برهبری **یهودا مکابیوس** که بالاخره آزادی را برای مدت کمی بدست‌آوردند وازآن پس تابع امپراطوری روم گشتند .
۶۳ ق م – ۳۹۵ ب م – فلسطین درتحت حکومت روم قرار داشت هرود بزرگ (۳۷ تا ۴۰ ق م) از طرف سنای روم بنام پادشاه یهودا سلطنت کرد .

(۵) فنیقیه

(الف) – شهرهای‌فنیقی

۲۹۰۰ – ۲۰۰۰ – غالب شهرهای فنیقی و از جمله **بیبلوس** در لبنان در تحت تسلط مصر قرارداشتند .
۲۰۰۰–۱۵۰۰– ازاین دوره ۵۰۰ساله اطلاع درستی از فنیقی ها در دست نیست .
۱۵۰۰ – ۱۴۴۷ – **توت مس سوم** بیشتر شهرهای فنیقی را تسخیر کرد .
۱۳۵۰ – ۱۳۰۰ – مصر باردیگر شهرهای فنیقی را متصرف شد .
۱۳۰۰ – ۱۰۰۰ – ظهور فرهنگ میسنائی در یوگاریت .
۱۲۰۰–۱۰۰۰ – شهرهای بزرگ فنیقی باستثنای بیروت که در تصرف اموریت ها بود ویوگاریت که ویران مبدل بسلطنت های مستقل گردیدند .
۱۰۰۰–۷۷۴ – دوره رهبری دولت تیر – **هیرم اول** (۹۶۹–۹۳۶) عده‌ئی صنعتگر برای سلیمان پادشاه یهود فرستاد و ناوهائی در دریای سرخ برای وی مجهز کرد .
۷۷۴–۶۲۵ – دورهٔ حکومت آشور که از فنیقی ها خراج میگرفتند .
۶۲۵–۵۸۶ – استقلال موقت فنیقیه .
۵۸۶ – ۵۳۸ – دورهٔ حکومت کلده – نابوکدنزر فنیقیه را تصرف کرد .
۵۳۸ – ۳۳۲ – دوره حکومت ایرانیان : فنیقیه به چهار سلطنت کوچك تابع ایران تقسیم شد : **سیدون ، تیر ، ارواد ، وبیبلوس.** فنیقی ها برای شاهان ایران ناوهای جنگی ساختند .
۳۳۲–۳۲۳ – دورهٔ اسکندر کبیر که فنیقیه را درتصرف داشت .
۳۲۳ – ۲۸۶ – فنیقیه بترتیب در تحت حکومت **لائومدون ، بطلمیوس** اول ، انتیگون، دمتریوس ، وسلوکوس قرارداشت .
۲۸۶–۱۹۷ – فنیقیه در تحت حکومت بطالمه مصر .
۱۹۷ – ۸۲ – فنیقیه که جزئی از سلطنت سوریه و تحت حکومت سلوکیان بود .
۸۲–۶۹ –حکومت **تیگرانس** پادشاه ارمنستان برفنیقیه .
۶٤ ق م – پمپی قیصر روم سوریه را که شامل فنیقیه نیز بود اداره نمود .

(ب) – کارتاژ

۸۱٤ ق م – بنای شهر جدید **کارتاژ** ازطرف مستعمره سازهای دولت تیر وانتخاب دونفر شهربان (حاکم) و مجلس سنا – زبان مردم موسوم به به پونیك دیالکتی از زمان فنیقی .
۶۰۰ – ٤۸۰ – دولت کارتاژ بترتیب در تحت حکومت **مالکوس – ماگو – و هاسدروبال** که جزائر سیسیل و ساردینی را تصرف کرد.
٤۸۰–٤۰۵ – تسلط کارتاژ برتمام مدیترانه تا جبل‌الطارق و دست یافتن کارتاژ در زمان دوفرزند **همیلکار (هیمبیلکو – و– هان تو)** بر سواحل افریقا و قسمتی از سواحل اروپا که باعث توسعه بازرگانی و امپریالیستی شده کارتاژ را مبدل بدولت بزرگی کرد .
٤۰۵ – ۲۰۸ – جنگهای‌کارتاژبرضدسیراکیوز و سیسیل که بتصرف کارتاژ درآمد
۲۶۸–۱٤۶ – جنگهای کارتاژ با روم – فتح اسپانیا (۲۳۷–۲۲۸) جنگ دوم پونیك (۲۱۹–۲۰۲) حرکت **آنیبال** بایتالیا و شکست فاحش رومیان – شکست آنیبال در افریقا در ۲۰۲ .
جنگ سوم پونیك (۱٤۹–۱٤۶) که بویرانی کارتاژ منتهی شد .
۱۲۲ ق م – ٤۳۹ ب م – کارتاژ در تحت حکومت دولت روم قرارداشت .

(۶) تاریخ قدیم سوریه

(الف) – سوریه

۲٤۵۰ – ۲۳۵۰ – **سارگون** پادشاه **آکاد** و **نارام سین** درشمال سوریه جنگهائی را آغاز کردند .
۲۱٤۰–۲۰۳۰ – سوریه در زیر فرمان‌سلسله سوم ادر .
۱۸۰۰ – سوریه تحت اطاعت **هامورابی** پادشاه بابل .
۱۹۰۰ – آغاز حمله هوریانها بخاك سوریه.
۱۶۰۰– فتح حلب بدست**مورشی‌لیش** اول. پادشاه هیت .
۱۵۸۰ – ۱۳۷۵ – سوریه در تحت فرمان فراعنه سلسله ۱۸ مصر .
۱۳۷۵–۱۲۰۰ – تسلط **اموریتها** برسوریه برهبری **شوبی‌لولیو** وپایان تسلط مصر وادامه حکومت هیتها .
۱۲۰۰ – مهاجرتهای بزرگ مردم دریا (از اژه) به سوریه .



زن قبرسی (باحتمال قوی مربوط به قرن ۱۲ قبل از میلاد مسیح است)
هم لباس و هم صورت معرف ترکیب واختلاط‌تمدن خاوری و باختری است .
(تبسم او نماینده روح ایونی است)

۱۲۰۰ – ۷۰۰ – تسلط ارامیها برسوریه و بین‌النهرین تا فتح سوریه بدست سارگون دوم آشوری در سال ۷۰۹ .

(ب) – دمشق

۱٤٥٠–۱۳٥٠ – دمشق تحت حکومت مصر.
۱۳٥٠–۱۲۰۰ – دمشق تحت حکومت هیت ها
۱۱۹۸–۱۱٦۷ – فتح دمشق بدست **رامسس سوم** فرعون مصر
۱۰۰۰–۷۳۲ – سلطنت شاهان‌آرامی دمشق
۷۳۲–٦۲٥ – تسلط شاهان آشور بردمشق
٦۲٥–٥۳۸ – تسلط شاهان بابل بر دمشق که دراین زمان از اهمیت افتاد .
٥۳۸–۳۳۲ – تجدید حیات واهمیت دمشق در تحت حکومت پادشان ایران .
۳۳۲–۸٥ – دورهٔ تسلط یونانیان بردمشق و اهمیت یافتن شهر انطاکیه .
۳۳۳–۳۲۳ – سوریه و دمشق در دست اسکندر کبیر .
۳۲۳–۳۰۱ – تسلط **بطلمیوس** اول درسوریه
۳۰۱ – سوریه شمالی بتصرف **سلوکوس** درآمد .

وی درگذشت . وبعد در زمره درباریان کورش درآمد .
٥٤۷–۳۳۲ – آسیای وسطی‌در تحت حکومت ایران .

(د) – سلطنت‌های یونانی درآسیای صغیر

۳۳۳–۳۲۳ – حکومت **انتیگون** از طرف اسکندر برفریژیای بزرگ که بعد از اسکندر خود را شاه خواند و قلمرو خود را توسعه‌داد.
۳۰۱ – درگذشت انتیگون و تقسیم سواحل آسیای صغیر بین بطلمیوس و سلوکیه وپدید آمدن سلطنت های زیر در آسیای صغیر .
(۱) سلطنت **پرگاموم** (۲٦۳–۱۳۳)
(۲) سلطنت **بی‌تی‌نیا** (۲۹۷–۷٤)
(۳) سلطنت **کاپادوکیه** (۲٦۰ ق م – ۱۷ ب‌م)
(٤) سلطنت **پونتوس** (۳۰۱–٦٤)
(٥) سلطنت **گالاسیا** (۲۳۲–۲٥)
عموم این سلطنت ها درپایان بدست رومیان افتاد .

(۸) ارمنستان

(الف) – سلطنت وان یا اورارتو (ارارات)

۱۲۷۰–۸٥۰ – این سرزمین در معرض تاخت و تاز مکرر آشوریان قرارداشته .
۸٦۰–۸٤۳ – **ارامه** اولین پادشاه شناخته شده **آرارات** اس[illegible] **شالمانزر** سوم‌شکست خورد – پایتخت وی : **ازشکون** .
۸۳۳ – ۸[illegible] **سردراول** – پایتخت : توشپا
[illegible]–٦۱۲ – شاهان و آن بترتیب عبارت [illegible] از **ایسپونی‌نی** – **منوا** – **ارگیش‌تیش اول** – [illegible]ردور سوم – **روساس** اول و دوم – [illegible]ردور چهارم – روساس سوم در ٦۱۲ **مدها** آنرا فتح کردند و قوم واتیك بکلی منقرض و از صفحه تاریخ محو گردید .

یکی از شاهان قوم هیت با گماشته خویش



(۷) آسیای وسطی یا آناطولیا

(الف) – هیت ها

۱۷٥۰–۱٥۰۰ – دورهٔ سلطنت قدیم هیت .
۱٥۰۰–۱٤۳۰ – تاریخ این دوره درست معلوم نیست . باحتمال قوی **هوریانها** حکومت داشته و به فرعون مصر **توت‌مس** سوم خراج میداده‌اند .
۱٤۳۰ – ۱۲۰۰ – دورهٔ سلطنت جدید هیت .
۱۲۰۰ – سلطنت هیت در اثر مهاجرتهای بزرگ مردم اژه (مردم دریا) پایان یافت – جنگ هومری شهر **تروا** یکی از وقایع این زمان در آسیای صغیر است .

(ب) – سلطنت فریژیا

۱۰۰۰–۷۰۰ – سلطنت فریژیا دراین‌سه‌قرن قدرت داشته ولی تاریخ آن درست معلوم نیست . طبق لوحه های تاریخی سارگون آشوری **میداس** در سال ۷۱٥درفریژیا سلطنت داشته .
٦۹٦ – **حملهٔ سیمریها** سلطنت فریژی را درهم شکست ولی مردم فریژی تازمان کورش کبیر (٥٤۷) هنوز میزیسته‌اند .

(ج) – سلطنت لیدی

٦۷۰–٦٥۲ – **گی‌گس** بنیان‌گذار سلسله **مرمنادا** در لیدی که پایتخت او سارد بود در جنگ باسیمریها کشته شد .
٦٥۲–٥٤۷ – نام شاهان سلسله مرمنادا بترتیب عبارت است از **اردیس** ، **سادیاتس**، **الیاتس** ، و **کروسوس** (کرزوس) که در سال ٥٤۷ اسیر کورش کبیر شد و کورش از قتل

(ب) ـ ارمنستان

نام ارمنی ها وارمنستان در تاریخ ابتدا از طرف داریوش در کتیبه های وی آمده است . باحتمال قوی یکی از قبایل فریژی بوده که از ۶۱۲ ببعد سرزمین آرارات را تصرف کرده و آئین ایرانیان باستان را پذیرفتند .

۳۳۱ـ۳۱۷ ـ در زمان اسکندر وجانشینان او ارمنستان یکی از ساتراپهای ایران بوده و حاکم ایرانی داشت .

۳۱۷ـ۲۱۱ ـ **اروات** ساتراپ ایرانی ارمنستان را از اطاعت سلوکیه بیرون آورده مستقل کرد و سلسله ئی را بنیان گذاشت که تا ۲۱۱ سلطنت کردند .

۲۱۱ـ۱۹۰ ـ انتیوکسوم اردشیر **(گزرسس)** پادشاه ارمنستان را بانیرنگ خلع کرده کشور را بدوساتراپ باختری (معروف به ارمنستان کوچك) و ساتراپ خاوری (ارمنستان بزرگ) **تقسیم نمود و حکام آن زاریاد و ارتاکسیاس** پس از آنتیوك هر یك سلسله جداگانه‌ئی را بنیان گذاشتند .

۹٤ـ۵٦ ـ تیگران نوهٔ ارتاکسیاس، **ارتانس** آخرین پادشاه ارمنستان کوچك را خلع کرده خود برهردوکشور سلطنت کرد و قلمرو خود را تاشمال بین‌النهرین و بخشهائی از آسیای وسطی توسعه داد . در سال ٦۹ از **لوکولوس** شکست خورده اراضی متصرفی را از کف داد ولی پمپی قیصر روم باو اجازه داد که‌حکمران ارمنستان و تابع رم باشد .

(۹) ایران

کرونولوژی تفصیلی تاریخ ایران بطورمستقل وجداگانه ازآغاز تاسال ۱۳٤۱ درشماره دوم کتاب‌سال چاپ شده رجوع شود بصفحات۱۳۹ تا ۲٤۸ کتاب مزبور .

(۱۰) هندوستان

۲۰۰۰ـ۱۲۰۰ ـ شعبه‌ئی از قبایل آرین از سرزمین مرکزی آریانها در شمال ایران بطرف هند سرازیر شده بتدریج اراضی را فتح کرده ، سیاه پوستان موسوم به **دراویدی و موندا** را که ترکیبی از سکنه استرالیا و آسیا بوده‌اند عقب رانده در اراضی حاصلخیز **شمال هند سکونت گزیدند .**

۱۲۰۰ـ۸۰۰ ـ این قبایل‌آرین غالبا باقبایل بومی اطراف خود درجنگ بوده‌اند .

۸۰۰ـ۵۵۰ ـ **دورهٔ تحول** ـ در این دوره آرین‌هامتصرفات خود را بطرف خاور **تاماگادها (بیهار امروز)** بسط دادند .

۵۵۰ـ۳۲۱ ـ سرزمین سکونت آرین ها در هند به ۱٦ دولت کوچك یا بیشتر تقسیم شده که از آنجمله است : **کوسالا** (ازنپال تا رود گنگ) ، **ماگادها** (در جنوب گنگ)

۵۱۷ـ۵۰۹ ـ تصرف **گاندهارا** (قندهار) بدست داریوش بزرگ هخامنشی .

۳۳۷ـ۳۲۵ ـ حمله **اسکندر کبیر** به پنجاب و عبور از رود سند در فوریه ۳۲٦

۳۲۱ـ۱۸٤ ـ سلطنت سلسلهٔ مائوریا (موسس آن **چاندراگوپتا**) ـ پایتخت : پاتالی (پتنای امروز) دفاع دربرابر سلوکوس نیکاتور (۳۰۵) .

۲۷٤ ـ ۲۳٦ ـ امپراطوری سلسلهٔ**آشوکا** یا **آشوکا** (موسس سلسله) که شامل دوسوم شبه جزیره هندبوده و برطبق قوانین بودا حکومت میکرد .

۲۰٦ ـ تصرف گاندهارا بدست **انیتوك سوم** پادشاه سوریه و بعد بدست **دمتریوس** پادشاه **باکتریا** (خراسان امروز) که در ۱۸۵ پنجاب را نیز متصرف شد .

۱۸٤ـ۷۲ ـ سلطنت سلسلهٔ **سونگا** در دورهٔ **گنگ و مالوا** که بدست **پوشامیترا** تاسیس یافت .

(۱۱) تاریخ چین

۱۰۰۰ـ۹۵۰ ـ سلطنت سلسلهٔ **چو** در باختر چین ـ پایتخت : **هائو** در درهٔ **وی** .

چین تا سال ۷۷۱ بصورت ملوك‌الطوایفی بوده و شاهان تنها برروسای قبیله تسلط داشته‌اند .

۷۷۰ـ۲۵٦ ـ سلطنت سلسلهٔ **چو** در خاور چین ـ پایتخت : **لویانگ** شاهان آن ضعیف بوده وبرشاهان کوچك (فئودالها) حوزه خودکه دائما بایکدیگر درجنگ بودند تسلط چندانی نداشتند .

۷۲۲ـ٤۸۱ ـ **دورهٔ کنفدراسیون سست** (اتحاد ضعیف ایالات چین) .

٤۵۸ـ٤۲٤ ـ تجزیهٔ ایالت موسوم به چین (غیر از نام کشور چین) به سه ایالت **هان ، چائو ، وی** .

٤۰۳ـ۲۲۱ ـ دورهٔ جنگ ایالات بایکدیگر .

۲۳۰ـ۲۲۱ ـ فتح سایر ایالات چین ازطرف **ایالت چئین** عصر طلائی فلسفه در چین (مانند یونان) ـ ظهور چهار مکتب بزرگ‌اخلاقی که چینیان را که اهل عمل بودند از سردجوئی مطلق باز میداشت بشرح زیر :

(۱) **مکتب لائوتسه**
(۲) **مکتب موتی** (قرون ۵ و٤ ق م)
(۳) **مکتب کنفوسیوس** (۵۵۱ـ٤۷۹)
(٤) **مکتب شانگ یانگ** (۳۵۹ ـ)



مجسمهٔ گلی چینی قرن سوم میلادی
(موزهٔ سرنوشی)



بودا در میان پیروان خود (قرن ٦ ق م)



ب- یونان باستان

۴۰۰۰-۲۳۰۰ - عصر مفرغ در جزیرهٔ **کرت** آغاز شد . سفالگری پیشرفت‌کرد و خط هیروگلیفی معمول گردید .

۲۰۰۰ ق م - جزیره کرت در تحت حکومت یك یا دو سلسله شاهان در **کنوسوس** و **فائستوس** صورت وحدت پذیرفت .

۱۳۰۰ - سکونت **ارکادیانها** در پلوپونزی مرکزی .

۱۱۰۰ - آغاز هجوم دوریانها بطرف خاور و جنوب و ورود به پلوپونزی .

۱۰۰۰ - مهاجرت یونانیانی که دریانوردی را از مردم کرت آموخته بودند بطرف سواحل آسیای صغیر .

۹۰۰ - ۶۰۰ دوره اریستوکراسی - سلطنت های کوچك شهرهای یونانی در این دوره مبدل بحکومت اشراف یا اریستوکراسی گردید سلطنت یا از میان رفت و یا تنها بصورت نام باقی ماند .

۸۰۰-۶۰۰ - رواج قحط‌وبدبختی بسبب انحصار زمین باشراف وآغاز استعمار بتشویق اشراف برای رهائی از عدم رضایت مردم .

۶۵۰-۶۰۰ - دوره تیرانی (حکومت جباران) که ظهور آن‌سبب امتناع اشراف بود ازتفویض مساوات سیاسی به بازرگانان و صنعتگران بی‌زمین و بسبب فشار و ظلم به دهقانان

تاریخ دولت آتن .

۶۸۳ - الغای سلطنت موروثی و تشکیل **ارئوپاگوس** (مجلس شورای اشراف) .

۶۸۱ - ثبت قوانین بوسیله دراکو (موسوم به قوانین دراکو) .

۵۶۱-۵۲۷ - پیزیس تراتوس بعنوان جبار قدرت را در دست گرفت .

۵۲۷-۵۰۸ - حکومت چند نفر از جباران جانشینان پیزیس تراتوس .

۵۰۸ - انجام **اصلاحات دموکراتیك** درقانون اساسی برهبری **کلیس تنس** .

۵۰۷ - حمله کلئومنس اسپارتی به اتیك‌و برانداختن کلیس‌تنس .

۵۰۶ - آتنی‌هابخشی از کالسیس را بسر زمین خود ملحق کرده به اولتیماتوم داریوش پادشاه ایران برای اعاده قدرت به **هیپیاس**که داریوش او را بسمت تیران سیکیوم منصوب کرده بود وقعی نگذاشتند .

۴۹۸ - بیست کشتی اعزامی آتنی ها از ایرانیان شکست خورده آتنی ها با ایرانیان از در آشتی درآمدند .

۴۹۳ - تمیستوکل ازطرف حزب ضدایرانیان بسمت **آرکون** انتخاب شد .

۴۹۰ - جنگ ماراتن - داریوش‌قوائی تحت فرماندهی **داتیس و ارتافرن** برای مجازات‌آتن و **ارتریا** فرستاد - ارتریا بدست **ارتافرن**سقوط کرد ولی داتیس مامور حمله به آتن در **ماراتن** موفقیتی نیافته قوای ایرانی به آسیا مراجعت کردند .

۴۸۰ - جنگ ترموپیل - خشایارشا پادشاه ایران با ۱۸۰۰۰۰ سپاهی از راه تراس و مقدونیه بیونان حرکت کرد - **لئونیداس** در تنگهٔ ترموپیل با تمام سپاه خود بقتل رسید و سرزمین آتیك بدست ایرانیان افتاده شهر آتن را ویران کردند و سکنهٔ آتن به سالامیس و پلوپونزی گریختند .

جنگ سالامیس - تمیستوکل نیروی دریائی یونانی را در خلیج سارونیك جمع کرده واز طریق نیرنگ به خشایارشا خبر رسانید که کشتیهای یونانی امشب عازم فرار هستند کشتیهای ایرانی بطرف تنگه های باریك شتافتند تا راه را برآنها ببندند و در آن تنگه ها گیرافتاده‌شکست خوردند . خشایارشا با ثلث‌سپاه بطرف سارد برگشت **وارتاز** سردار خود را با ثلث سپاه به تراس فرستاد و بقیه برهبری **ماردونیوس** زمستان را در **بوئسیا** بسر آوردند .

۴۷۹ - جنگ پلاته : ماردونیوس بار دیگر به آتیك حمله نمود و درجنگ با اسپارتی ها کشته شد و سپاهش از میان رفت ایرانیان کشتیهای خود را در **میکال** نزدیك ساموس برای آنکه بدست دشمن نیفتد آتش زدند .

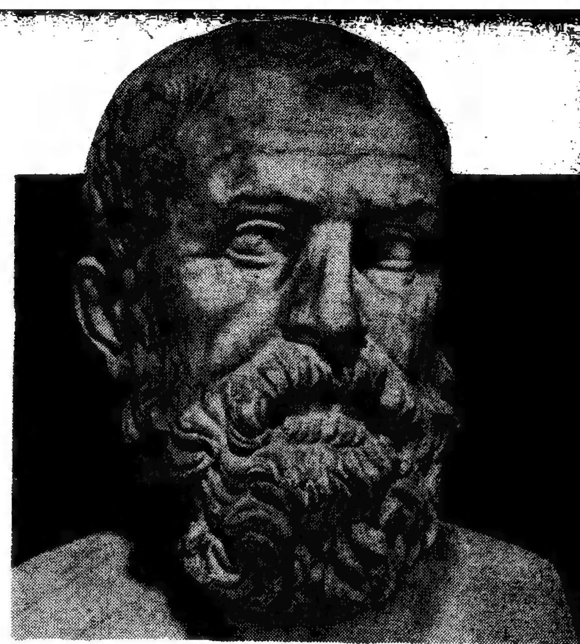
۴۶۰ - جنگهای اول پلوپونزی این جنگها نتیجه شورش بعضی از متصرفات ایرانی در مصر و سواحل مدیترانه بود که آتنی ها در آن دست داشتند و هم در اثر اختلافات داخلی بین دولتهای شهر یونانی و رقابت بین اسپارت و آتن بود .

۴۵۱ - پیمان صلح موسوم به **کاللیاس** بین یونان و ایران منعقد گردید .

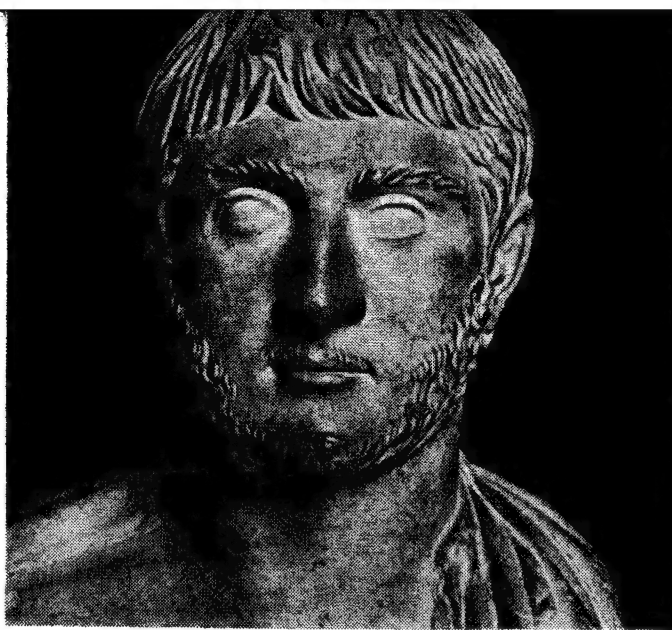
۴۵۳ - عصرپریکلس - امپریالیسم آتن بسبب اتحاد با سیسیل تا نقاط دور دست باختر امتداد یافت .



پریکلس



مجسمه نیم‌تنهٔ **سولون** قانونگزار ومصلح‌آتنی



مجسمه نیم‌تنه **آلسی‌بیاو** (موزه لوور ـ پاریس)

٤٤٦ ـ ٤٤٥ ـ عقد پیمان صلح سی‌ساله بین آتن و اسپارت .

٤٣١ ـ نطق تاریخی پریکلس‌برمزار کشتگان جنگ در این سال که **توسیدید** مورخ آنرا دیکته کرده بود .

٤٣٠ ـ ظهور طاعون بزرگ در آتن

٤١٥ ـ ٤١٣ ـ **جنگهای بزرگ پلوپونزی** که نتیجه اختلافات داخلی بین رهبران جامعه‌های یونانی و دعوی تسلط و قدرت بود .

٤١١ ـ تجدید پیمان اسپارت با ایران بامضای **تیسافرن** ساتراپ ایرانی ساردوهم **فارناباز** ساتراپ ایرانی فریژیا

٤٠٨ ـ عقد پیمان متارکه جنگ بین آتنی‌ها با فارناباز سردار ایرانی و اعزام هیئت سفرائی بدربار شاه ایران . اما پیش از ایشان شاه سفرای اسپارت را پذیرفته و بآنها قول کمك داده بود .

٤٠١ـ٤٠٠ ـ برگشت ده‌هزار سرباز یونانی از خاك ایران

این عده را در ٤٠٤ کورش برادر کوچکتر اردشیر (فرزندان داریوش دوم) بعنوان سپاه روزمزد جمع‌آورده با برادرش بجنگ پرداخت و در **کوناکسا** کشته شد این ده هزار نفر با تحمل مشقات بسیار راه شمال را ازسواحل باختری‌دجله پیش‌گرفته در سال ٤٠٠ بسواحل دریای سیاه رسیده از آنجا با کشتی عازم یونان شدند . **گزنفون** مورخ رهبر ایشان بوده است .

٣٧٧ ـ تشکیل اتحادیه‌آتنی بر ضد اسپارت

٣٥٥ـ٣٤٦ ـ **فیلیپ** پادشاه مقدونی بطرف جنوب پیشروی کرد آتنی ها واسپارتیها در ترموپیل جلو پیشروی او راگرفتند .

٣٤٦ـ٣٣٨ ـ فیلیپ بعضی از شهر های یونانی را تصرف کرده برقدرت خود افزود

٣٣٧ ـ فیلیپ کنگره دوم را درکورینت تشکیل داده بایران اعلام جنگ داد وسپاهی بسرکردگی پارمینو در ٣٣٦ بآسیای صغیر فرستاد .

٣٣٦ ـ فیلیپ بتحریك زن مطلقه اش **اولیمپیاس** ترور شد .

٣٣٦ـ٣٢٣ ـ سلطنت اسکندرکبیر پسرفیلیپ

وی حکومت یونان را به **انتی‌پاتر** واگذاشته دربهار سال ٣٣٤ با ٣٢٠٠٠ پیاده ، ٥٠٠٠ سوار و ١٦٠ کشتی جنگی از داردانل گذشته وارد خاك آسیا شد در ٣٣٣ در جنگ **ایسوس** داریوش سوم پادشاه ایران را شکست داد ـ اسکندر در ٣٣٢ وارد مصر شد ـ در ٣٣١ سپاه ایران را در **گائوگاملا و اربل** شکست‌داد پرسپلیس ساقط شد و اسکندر آنجا را غارت کرده و بعد آتش زد ـ در ٣٣٠ داریوش بدست یکی از ساتراپهای خود بقتل رسید ـ در ٣٢٩ اسکندر به باکتریا شتافت ـ در ٣٢٧ با**روکسانا** (روشنك) دوشیزه ایرانی ازدواج کرده یونانیان را تشویق بازدواج با دختران ایرانی نمود و در نتیجه ٨٠ افسر و ١٠٠٠٠ سربازان وی با زنان ایرانی ازدواج کردند ـ در ٣٢٧ـ٣٢٤ بنابدعوت شاه پنجاب عازم هند شد و تا رود **هیفاسیس** پیشروی کرد ـ در آنجا سپاه یونانی وی از پیشروی سرباززدند و اسکندر به شوش برگشت ـ وی در ٣٢٣ دربابل درگذشت .

٣٣٠ـ٣٢٢ ـآتن درتحت حکومت لیکورگوس بود .

سه نفر فیلسوف معروف و بزرگ یونان دراین قرن میزیسته اند .

سقراط (٤٦٩ـ٣٩)که باتهام کفر و بی‌دینی از طرف آتنی ها اعدام شد .

شاگرد وی **افلاطون** (٤٢٩ـ٣٤٧) که **آکادمی** را تاسیس کرد **ارسطو** (٣٨٤ـ٣٢١) شاگرد افلاطون و معلم اسکندر بود و مدرسه سیار **لیسیوم** را در جنگل **لیسوس** بنانهاد .

معبد آپولون درکورینت



ج- تاریخ روم قدیم

«قسمتهای (د) و (ه) چاپ سال‌پیش‌دراین چاپ مختصر شده وضمیمه‌قسمت (ج) گردیده است»

۲۰۰۰ ق م ـ مهاجرت مردم هند و اروپائی از شاخهٔ سنتوم که قرابت نزدیك با یونانیان داشتند و از خاك سویس یا از دره دانوب سرازیر شده در ایتالی سکونت گزیدند .

۹۰۰ ق م ـ اتروسکانها بر اثر تجزیه امپراطوری هیت ها از راه دریا از لیدی (آسیای صغیر) عازم ایتالیا شده در شمال **تیبر در اتروریا** بصورت اقلیت فاتح سکونت گرفتند .

دراین هنگام قدرت در دست شاهزادگان اشرافی بوده که در شهر های قلعه مانند میزیسته و تعداد آنها به ۱۲ میرسید .

۷۶۰ ـ استعمار یونانی از خلیج ناپل در ایتالی جنوبی و در سیسیل آغاز گشت ونفوذ فرهنگ و تمدن یونانی بروم آغاز گشت .

۷۵۳ ـ سلطنترومی طبق روایت**واررو** مورخ معاصر **سیسرو** از شهر **رم** بوسیله **رومولوس** (۷۵۳ـ۷۱۵)آغازگشته وسکنه تپه‌های آن حدود که از نژادهای مختلف بوده‌اند متحد شده سلطنتی تشکیل دادند و محل اجتماع مشترك آنها **فوروم** نام داردکه هنوز در شهر رم باقی است . شاهان اولیه رم انتخابی بوده و سلطنت موروثی نبود .

۵۰۹ ـ تاسیس جمهوری در رم این‌جمهوری در تحت حکومت دوکنسول انتخابی اداره میشد ـ بتاریخ قرن اول جمهوری و اسامی کنسولهای سی ساله دوره اول جمهوری که **وارروی** مورخ آورده چندان اعتمادی نیست .

۵۰۸ ـ عقد پیمان عدم تجاوز بین رم و کارتاژ .

۴۳۱ ـ حکومت دیکتاتور پوستومیوس توبرتوس .

۳۶۷ـ۳٦٤ ـ چهار جنگ برضد گل ها که تا ایتالی مرکزی را مورد تجاوز قرارداده بودند و در ۳۲٤ بصلح انجامید .

۳٤۸ ـ دومین پیمان بین رم و کارتاژ

۳٤۰ـ۳۳۸ ـ جنگ لاتن که با شورش شهرهای **لاتن** ضد اتحادیهٔ لاتن و تقاضای مساوات کامل آغاز گردید .

قرون ۳و۲ ق‌مـ حکومت‌اریستوکراسی‌دررم برقرار بود که ترکیبی بود از اشراف وعوام که بیکدیگر پیوسته حکومت میکردند. شهررم دراین دو قرن توسعه واهمیت یافته قوی شد. **جنگهای پونیك** و جنگهای با مقدونی از مشخصات این دو قرن است ـ رم دراین دوره سیاست « تقسیم کن و حکومت کن» رانسبت به‌همسایگان ودولت‌های رقیب پیش‌گرفته‌بین آن‌ها جنگ و ستیز ایجاد میکرد و بعد خود بعنوانی مداخله میکرد و بدینطریق قوت گرفته و بکشور گشائی پرداخت

۲٦٤ ـ ۲٤۱ ـ جنگ‌اول پونیك ماهوتن‌ها در برابر**هیروی‌دوم** شاه سیراکیوز به رم متوسل شده و گروه مخالف آنها به‌کارتاژ متوسل شدند و بدین طریق جنگهای دریائی و خشکی بین روم و کارتاژ بر سر سیراکیوز بوقوع پیوست

۲۱۸ـ۲۰۱ـ جنگ دوم پونیك ـاین جنگ نیز نتیجه حسد و رقابت رم بود نسبت‌به فتوحات کارتاژ ـ درسال ۲۱۸ **آنیبال**سردار کارتاژی از آلپ گذشته با۲٦ هزارسپاه وچند فیل بطرف ایتالی پیشروی کرد و رومیان‌را در چند جنگ شکست داد ـ آنیبال تا جنوب ایتالی پیشروی کرد ولی به رم دست نیافتـ در ۲۱۵ آنیبال در **نولا** شکست خورد

۲۱۵ـ۲۰۵ـ رومیان سپاهی بر ضد فیلیپ پنجم پادشاه مقدونی فرستاده او را از کمك به آنیبال باز داشت. در۲۰۳ کارتاژ آنیبال را فراخواند .

۲۱۱ـ آنیبال بطرف رم شتافته به دو کیلو متری رم رسید ولی از آن‌جا بسبب‌مقاومت رومیان عقب نشینی کرد .

براثر جنگهای بین سالهای ۲۱۱ تا۲۰۱ بین کارتاژ ورم کارتاژ ضعیف شده شرایط صلح رم را در ۲۰۱ پذیرفته تمام جزائر مدیترانه را به رم تسلیم کرد و مبلغی‌غرامت پرداخت و کشتی های جنگی خود رابااستثنای ده کشتی خراب کرد .

۲۰۰ـ۱۹۷ـ رم از قدرت روز افزون‌فیلیپ مقدونی بیم یافته باا و بجنگ پرداخت .

۱۹۲ـ۱۸۹ـ آنتیوخوس‌سوم به دعوت **اته‌تولیها** به یونان حمله کرد .

۱۷۱ـ۱٦۸ـ جنگ سوم مقدونی بوسیله **پرسیوس** جانشین فیلیپ پنجم .

۱٤۹ـ۱٤٦ـ جنگ سوم پونیك ناشی‌از اعلام خطر محافظه کاران رم در مورد تجدید حیات کارتاژ بوقوع پیوست و به شکست کارتاژ و خرابی شهر کارتاژ منتهی گردید.

۱٤۹ـ۱٤۸ـ جنگ چهارم مقدونی که به شکست مقدونی منتهی شده در ۱٤٦ مبدل بیکی از استان های رومی گردید .

۱۳۵ـ۱۳۲ـجنگ اول بردگان ـدر سیسیل بسبب بدرفتاری‌مالکین بزرگ ، رعایا وبردگان برهبری **ائونوس** شورش کردند ولی شکست خورده با سفاکی و بیرحمی آن‌ها را اعدام کردند .

رم دراین هنگام صاحب هشت استان شده بود : سیسیل ـ ساردنی وکرسیکـ اسپانیای درونیـ **اسپانیای** برونی ـ کالیا سیزالپینـ ایلیریکومـ افریقا ـ مقدونیه و آکائیا ـ چهار استان اول به‌پراتورها واستانهای دیگر به کنسولیها سپرده شد . هراستان معمولااز طرف فاتح آن استان باکمك یك کمیسیون ده نفری از سناتورهای اعزامی رم اداره میشد.

۱۳۳ ـدوره اغتشاشات داخلی وپیروزیهای خاوری رم آغاز گردید. سبب این اغتشاشات بیشتر مسئله تقسیم اراضی و محرومیت جمعیت زیادی از دهقانان و کشاورزان‌بود



ماسك کارتاژی زن

پسر جوان رومی که برسینه خود مدالی بشکل کره آویخته و بر آن طلسمات وادعیه برای حفظ از آفات و خطرات نقش شده‌است



و دیگر مسئله عدم مساوات و مسئله امتیاز تابعیت رم که اختصاص بافراد معین داشت.

۱۲۳ ـ **کایوس گراگوس** برادرمقتدرتیبریوس بسمت **تریبون** انتخاب شده قوانین معدودی‌در باره اصلاحات ارضی و سیستم مالیات‌وتهیه غله از طرف دولت بقیمت عادله و غیـــره گذرانید .

۱۰۳ـ۹۹ـجنگ‌دوم‌بردگان در سیسیل‌بـه رهبری **تریفون** و اتنیون که بازحمت بسیـار از طرف کنسول **اکوتی‌لیوس** متوقف گردید.

۱۰۲ـکایوس‌ماریوس فرمانده لژیونر رومی حملات بربرها را دفع کرده آنها را قتل عام نمود و سپس در برابر هجوم قوم **سیمبری**به کمك **کاتولوس** شتافته **سیمبریها** را شکست داد و قهرمان ملی شناخته شد .

۹۱ـ۸۸ـجنگ اجتماعی (جنگ متفقین)ـ ایتالیائیهای محروم باستثنای **لاتن**ها واتروـ سکانها وامبریانها و چند شهر جنوبی شورش کرده یك جمهوری بنام جمهوری ایتالیاتشکیل داده پایتخت خود را در **کورفی‌نیوم** قرار دادند ـ شورش در شمال ایتالی شکست خورد ولی **ژول‌سزار**کنسول در جنوب از شورشیان شکست خورد . **سزار** قانونی گذرانیده‌تفویض تابعیت را به کلیه ایتالیائی هائی که وفادار مانده‌اند اجازه داد.

۸۹ـ شورش‌جنوب بوسیله **کورنلیوس‌سوللا** فرو نشانده شد و دوکنسول تازه تابعیت را برای هر ایتالیائی که در ظرف شصت روز تقاضا کند اجازه دادند .

۸۸ـ۸٤ـ جنگ اول میتریدادیـــــك (همزمان با جنگهای داخلی)بامیتریداد چهارم (مهرداد) که به شکست رومیان منتهی شـده مهردادتمام‌متصرفات رومی را در آسیای‌صغیر تصرف کرد و به بومیان امر کرد تا هشتاد هزار رومی را در یك روز بقتل رسانند .

۸۸ـ۸۲ـ جنگ داخلی‌دررم ـ فرارماریوس بآفریقا ـ حرکت **سوللادر**۸۷بطرف‌یونان‌که در آنجا ژنرال های میتریداد را به آتن عقب راند ـ و در ۸٤ بکمك نیروی دریائی سوریه عازم آسیا شده صلحی را بر میتریداد تحمیل کرد .

۸۳ـ۸۱ـجنگ‌دوم میتریدادیك که با همان شرایط سال ۸٤منجربه صلح گردید .

شکل میتزادیت (مهرداد اشکانی) برروی سکه بعنوان پادشاه پونتوس





قیصر اگوست

۶۰ـ٥٤ـتریومویرات اول (حکومت‌سه‌نفری)

۷۳ـ۷۱ ـ جنگ سوم بردگان ـاسپارتاکوس گلادیاتورتراسی و سایر گلادیاتورها کوه‌وزورا سنگر کرده جنگی را آغاز کردند و بردگـان فراری بدانها پیوستند ولی شکست خوردندو **پمپی** در مراجعت از اسپانیا آنها را قلع‌وقمع کرد و به لقب کبیر مشهور شد.

۷۰ـکراسوس‌وپمپی ـ باآنکه بسن قانونی نرسیده بودند بسمت کنسولی نائل آمـده امتیازات تریبونها را که سوللا سلب کرده بود اعاده دادند .

۷٤ـ٦٤ـجنگ سوم میتریدادیك که‌بشکست و فرار میتریدات به کریمه منتهی شد.

٦٤ـپمپی در ایالات رومی آسیای صغیـر تجدید سازمان داده و برای جلب رضایـت سلطنت یهودا اورشلیم را تصرف کرده بدست **هیرکانوس** راهب بزرگ **مکابی‌و انتی‌پاتر**به عنوان مشاور کشوری سپرد وکشور یهودارا تحت نظارت حاکم سوریه قرار داد **سیسرو** در این زمان میزیسته‌است .

شکل کایوس ژول سزار بر روی سکه



٦٠ـ٥٤ـ تریومویرات اول (حکومت سه‌نفری) یعنی **سزار**که از ماموریت اسپانیا برگشتـه و کراسوس و پمپی که بسبب مخالفت سناکنار رفته بودند .

٥٨ـ٥١ـ فتح‌کشور گل‌ها بوسیله سزار

٥٤ـ٥١ ـ انحلال تریمویرات (اتحاد سـه گانه).

٥٣ـ کراسوس در جنگ با اشکانیان‌در **کاره** بین‌النهرین شکست فاحشی خورده‌بـه قتل رسید .

٥٢ ـ پمپی خـلاف قـانون از طرف‌سنابه سمت‌کنسول‌واحد و در واقع دیکتاتور انتخاب شد .

٤٩ق‌م‌سزار در مراجعت از گل قانون سوللا و سنت قدیم را که ژنرالها را درآوردن نیروی مسلح به ایتالی منع میکرد شکسته‌بـه بهانه قصد حفظ مقام تریبونها بانیروی مسلح در ایتالی پیشروی نمود .

٤٩ ـ بازگشتن‌سزار ازنهر **روبیکون‌پایان جمهوری** رم در واقع اعلام شد.

٤٩ـ٤٦ـ پمپی که از لژیونهای گل بیـم داشت به یونان گریخت تاسپاهی فراهم کند بیشتر سناتورها نیز باوا رفتند ـ سزاردر ٤۸ پمپی را در **فارسالوس** شکست داد ـ پمپی بمصر گریخت و در آنجا بحکم وزیر بطلیموس کشته شد .

٤۸ـ٤۷ـسزار بمصر شتافت بطلیموس در جنگ با سزار کشته شد و سزار کلئوپاترا خواهر او را زمامدار ساخت ـ سزار سه‌ماه نزد کلئوپاترا بسر برد و احتمال دارد پسـر کلئوپاترا موسوم به **سزاریون** از سـزار بـه وجود آمده‌باشد .

٤٤ـقتل‌سزار ـ سه‌نفر از سناتورها و اطرافیان سزار توطئه کرده در مجلس سنادر ۱٥ مارس اورا بقتل رسانیدند و فرار کردند **انتونیوس** (مارك انتونی) میراخور سابق سزار عزم کرد جانشین وی شود و باکشمکش‌باسنا و جنگ با مدعیان فرمانروائی برخاست.

٤۳ـ حکومت سه‌نفری‌دوم نوامبر(تریوم ویرات) مجلس تریبونها حکومت کمیسیون سه نفری **انتونی، لپی‌دوس،واکتاویان** را تاییـد کرد ـ بنا بمیل انتونی **سیسرو** در ۷ دسامبر اعدام شد .

٤۲ـ تریمویرها معبدی برای سـزار در **فوروم** (میدان بزرگ در رم) بنا کرده او را در مرتبه خدائی اعلام کردند .

٤۱ـانتونی بخاور رفته در **تارسوس**بـا کلئوپاترا **ملاقات کرده بطوری که مشهوراست** عاشق وی شده مدت یکسال در مصر باوا بسر برد .

۳۷ـ حکومت تریمویرات برای جنـگ بـا اشکانیان تاپنجسال دیگر تمدید شد وانتونی مامور مقابله با اشکانیان گردید .

۳٦ـپمپی از نیروی دریائی اکتاویان‌شکست خـورده به میلتوس گریخـت و در آنجـا درگذشت .

انتونی شکست فاحشی از اشکانیـان‌خورد.

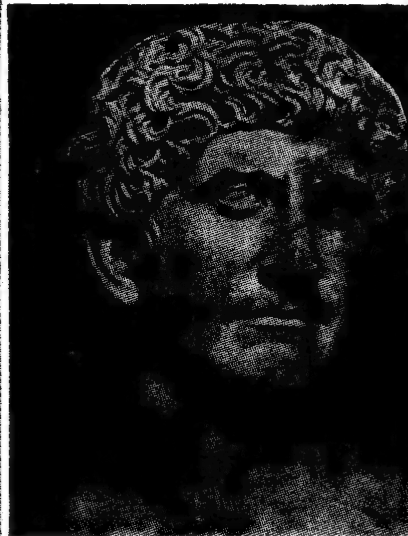
انتونی آشکارا باکلئوپاترا ازدواج کرد در حالی که اکتاویا زوجه رسمی اوبود.

۳٤ـانتونی دراسکندریه‌کلئوپاترا را ملکه یونانی (هلنیستیك) اعلام کرده استان های رومی را بین فرزندان او تقسیم کردو قصد داشت همیشه با **کلئوپاترا** بسر برد .





لژیونر رومی (نقش برجسته سنگ)



مجسمه نیم تنه مارك‌آنتونی

۳۲ـ انتونی قصد حمله‌به اکتاویان‌راداشت. اکتاویان کمك استانهای باختری را که در حکومت کلئوپاترا در خاور وحاتم بخشی‌انتونی خشمگین شده بودند بدست آورد و **کمیتیا** را وادار کرد که ریاست انتونی را برتریمویرات نسخ کند و آشکارا بجنگ باکلئوپاترابرخاست. انتونی رسما اکتاویا را طلاق داد.

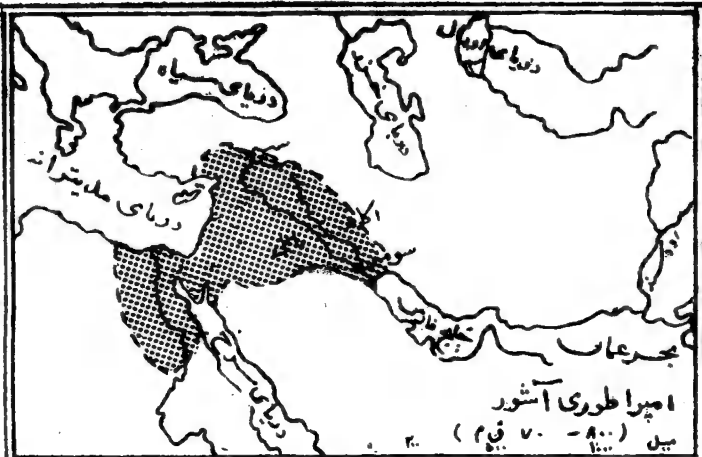
۳۱ـ جنگ‌آکتیو در اثر جنگ نیروی‌دریائی اکتاویان و کلئوپاترا ،کلئوپاترابمصر گریخت‌و بدنبال او بمصر رسیده سپاه وی تسلیم اکتاویان شدند .

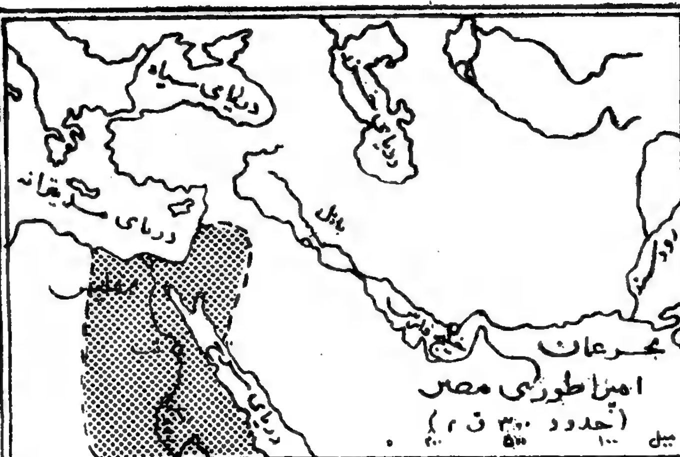
۳۰ـانتونی باشنیدن خبر دروغ خودکشی کلئوپاترا خودکشی کرد بورود اکتاویان به اسکندریه کلئوپاترا سعی کرد دل او را نیز مانند اسلافش بدست آورد توفیق نیافت ولذا خودکشی کرد تا پیروزی اکتاویان را تبریك نگفته باشد و بدین طریق مصر هم مبدل‌بیکی از ایالات رومی گردید .

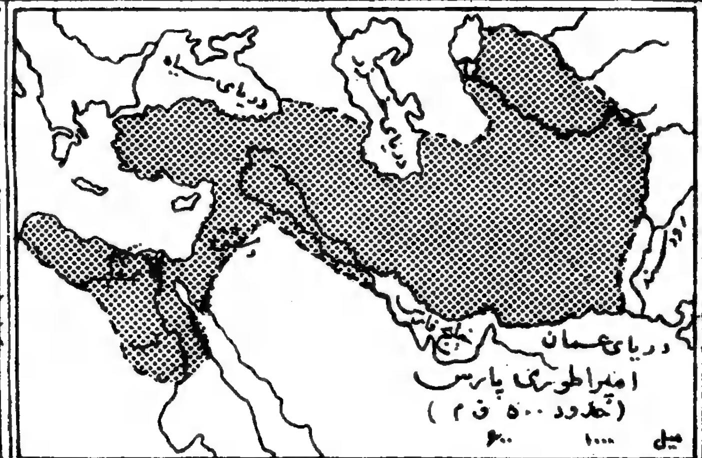
۲۹ ـ اکتاویان بافتخار سه پیروزی خود جشن گرفته در معبد جانوس را سومین‌مرتبه (مرتبه اول در زمان نوما مرتبه دوم درسال ۲۳۵) بعلامت برگشت صلح ببست.

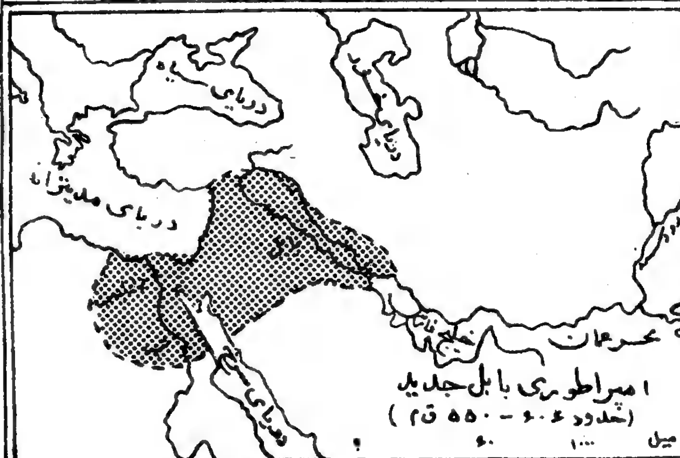
دراین زمان مجلس سنا بحد اعلاروبفسادو سوء استفاده و رشوه خواری گرائیده کنترل خود را نسبت بمجالس ملی ارتشهاوژنرالها از کف داد ـ دردستگاه حکومت و دارائی فساد روز افزون بود و پیشرفت عوام فریبان (دماگوگ‌ها) برابهام و پیچیدگی أوضاع و مشکلات کار حکومت افزوده بود و این‌اوضاع واحوال زمینه را برای ظهور يك دیکتاتور بزرگ و مقتدر فراهم میکرد چنانچه طولی نکشیدکه جمهوری رم را تبدیل بـه‌امپراطوری کرد .

کلئوپاترای هفتم (۶۹ ـ ۳۰ قبل ازمیلاد)
ملکه مصرومعشوقه سزاروبعدزوجه مارك‌آنتونی









دریای سیاه

تراس

گالاسیان

ارمنستان

مدیا

دریای مدیترانه

دریای خزر

بلخ (باکتریا)

خلیج فارس

دریای سرخ

رود نیل

سلطنت های جانشین اسکندر (حدود ۲۰۰ ق م)

سلطنت سلوکیدها

سلطنت بطالسه (مصر)

سلطنت مقدونیه

(د) - تاریخ امپراطوری روم

دنباله شماره دوم کتاب سال ۱۳۴۲

(از ۳۱ پیش‌ازمیلاد — تا —۵۴۷ بعدازمیلاد)

۳۱ق‌م-۱۴ب‌م: امپراطور قیصر اکتاویانوس (متولد ۲۳ سپتامبر سال ۶۳ق‌م) که‌بعدا بنـام **اوگوستوس** (اگوست) خوانده شد حکومت‌خود را در سال ۲۷ ق‌م مستقر ساخت در ۲۳ق‌م سخت بیمار شد و پس از آن اصلاحاتی در دولت خود بعمل آورد . وی اعلام کرد کـه جمهوری را بار دیگر بر قرار خواهد ساخت بدین معنی که از قدرت فوق‌العاده خودصرف نظر کرده بار دیگر حکومت را بدست مجلس سنا ومردم روم خواهد سپرد . وی سمت کنسولی خود را تاسال ۲۳ق‌م حفظ کرد.پس از سال ۲۳ فرمان پرو کنسولی را نیزبدست آورد . این سمت بالاتراز سمت سایر پـرو کنسول های سناتوری بوده و زمان آن نیز نامحدود بود اگرچه بفواصلی تجدید شد. وی مقام امپراطوری (ایمپریوم)را نیزبدست آورده واز برکت آن تمام نیروهای مسلح دولت را دراختیار خود گرفت و نمایندگان سناتوری‌خود را بفرماندهی لژیونریها گماشت و نیـز ایـالات را بیــن امپراطور و سنـــا تقسیم کرد . خود او شخصا حکومت تمام ایالاتی را که در آن هاحضور نیروهای مسلح ضرورت داشت در عهده گرفت و سایــر نمایندگان سنا را به نیابت خود در آن ایالات گماشت .اما در مورد ایالاتی که صلح‌وآرامش‌بر قراربودواحتیاجی بحضور نیروی‌مسلح‌نداشت مجلس سناپروکنسولهائی برای‌حکومت‌فرستاد. اوگوست با این تدبیر امید آنرا داشت‌که ازرقابت فرماندهان مستقل که باعث سقوط جمهوری گردید ممانعت کرده باشد ،ونیز با برقراری مواجب در حق تمام حکام اعم ازحکام سناتوری وامپراطوری سعی‌دربهبودی وضع‌حکومت درایالات نمود، نسبت به‌دوایالت از ایالات تابعه طرز خاصی ازحکومت در پیش‌گرفت یکی ناحیه رن بودکه فرماندهـی لژیونهای آنرا به سفیر مخصوصی سپردکه تابع حکومت امپراطوری ایات گالیك نبود البته چندی بعد این نـاحیه بدو ایالت تقسیم شد . دیگر مصر بودکه ازطرف‌اگوست بعنوان ملك شخصی او بوسیله یك فرمانده (پـره سکت) اداره می شد که از طـرف خود اگوست منصوب شده وهمان دستگاه موروثی از فراعنه وبطالمه را بنفع خزانه امپراطوری جدید اداره میکردند نه‌بنفع خزانه سناتوری سابق که قبلا معمول بود . ایالات کوچکتر درتحـت اداره **پروکوراتورها** یـا **پرفکتها** قرارداشت . کلیه حکام امپراطوری ازهرنوع سعی داشتندکه دوره حکومت آنها بیشتر ازحکام سناتوری بطول‌انجامدتا بتوانند بهتر وظائف خود راانجام دهند.

درسال ۲۳ ق م اوگوست موفق به‌تحکیم وبسط قدرت وامتیازات تریبونی (مدافـع حقوق وآزادی مردم)گردید وی بسبب آنکـه بعنوان یك**پاتریسین** (اشراف) نمیتوانست‌سمت تریبونی داشته باشد دراین سال بطور فوق‌ــ العاده سمت تریبونی هم به‌او تفویض شد. ارزش این سمت بچند سبب بود یکی آنکـه طبق سنت، صاحب این عنوان وجهه‌ملی‌وقبول عامه داشت. دیگر آنکه واجب‌الاحترام ومقدس شمرده میشد وامتیازاتی ازاین حیث داشت. بعلاوه تریبون حق **ویتو** وحق قضاوت دررم وحق مشورت باسنا داشت وازهمه مهم‌تر حق ابتکار وپیشنهاد ووضع قانون رادارابود. بهمین سبب اگوست درخلال سلطنت خـود موفق گردید که یك سلسله قوانین دراصلاح حقوق کیفری ونظم طبقات اجتماعی واحیای اخلاقیات وزندگی خانوادگی وضع‌نماید. مجلس سنارا از فضولان ومزاحمین سزاری تصفیه کرد ، آزادکردن غلامان وتحصیل تابعیت‌کامل را برای آزادشدگان شدیدا محدود ساخت‌و با کراهت و سرسختی اجازه تابعیت به‌مردم ایالات میداد. تعداد دریافت کنندگان غله‌مجانی را از۱۵۰،۰۰۰ به ۲۰۰،۰۰۰ نفر افزایش‌داد. طبق قانونی که درسال ۹ میـلادی بعنوان متمم قانون خود اوموضوعه سال ۱۸ ق م برای اصلاح اخلاق عمومی وضع نمود زناشوئی را تشویق نمود. برای اشخاص مجرد جرائمی مقررداشت وبه اشخاص‌صاحب‌فرزندمخصوص کسانی که سه فرزند داشتند امتیازاتی‌داد.

اگوست تصدی چندین پست یا عناوین کوچکترین راهم شخصا در عهده گرفت.

اگر چه وی تا هنگام درگذشت **لپیدوس** درسال ۱۳ ق م بمقام روحانی اعظم(**پونتی‌فکس ماگزیموس**) نرسید ولی دربرابر سیل نفوذ مذاهب بیگانه شرقی دراحیای کیش روم باستان مجاهده نمود. وی نیزپرستش خود را که غالبا با الهه روم همراه بود درایتالیاو ایالات اجازه داد . پس از مرگش اورا مانند سزار مقام الوهیت داده معابدی برای اوبنام **خداوند اوگوست** (**دیوئوس اگوستوس**) برپا کردند اما مسئله پرستش رسمی امپراطوران درحال حیات دردوره اول امپراطوری مورد بحث وتامل است.



گرگ هشت پستانه **کاپیتول** دررم علامت قدرت شهررم‌که درآن‌واحد که بچه‌های خود یعنی سکنه روم را شیر می‌دهد برای دشمنان رم وحشت‌آور وخطرناك است .

اگوست علاوه برتجدید نظر درفهرست سناتورها ، شوالیه‌ها وکسانی که صاحب **عنوان سناتور** یا دارای قدرت سناتوری بودند ، با روشهای مختلف ورود به سنا را درزیرکنترول قرارداد.

تنها او میتوانست بکسانی که بعنوان فرزندان سناتورها این مقام را بارث تحصیل نکرده بودند اجازه استعمال علامت سناتوری دهد . پستهای کوچکتر نظامی وشهربانی راوی باشخاصی‌که بنظر او لایق تر بودند میسپرد. اگوست با صدور تصویب‌نامه‌های خاص یا **باستناد اتوریته‌کلی‌**که داشت تحولات وترقیات بسیاری را ازقبیل راه‌سازی ، ساختمانها، ایجاد مستعمرات وغیره درسراسر امپراطوری بانی گردید .

لقب اوگوستوس که بیشتر با آن معروف است درسال ۲۷ ق م (۱۶ ژانویه) ازطرف سنابه‌وی اعطا شده واین لقب متضمن یك‌حس قدرشناسی مذهبی‌بسبب‌اعمال‌وکامیابی های وی بود.

اگوست رسما و علنا خود را پادشاه نخوانده ولقب یا اصطلاحی راکه او درمورد خود بطور غیررسمی بکار میبرد لقب**پرینسپس** بود بمعنی رئیس درمیان مساویها .

۲۹ ق‌م ــ بستن درمعبد جانوس: این که نشانی ازپایان جنگها واعلام صلح درجهان رومی بود اولین مرتبه پس ازسال ۲۳۵ ق‌م دراین سال بعلامت اعلام صلح درسراسر امپراطوری ازطرف اگوست انجام‌گرفت.

۲۰ ق م ــ پیمان با دولت اشکانی :اگوست طبق پیمانی‌که با دولت اشکانی (پارت) ایران منعقد ساخت پرچمهائی راکه **کراسوس** و **انتونی** ازدست داده بودند وبمنزله سلب حیثیت رومیان شمرده میشد پس‌گرفت‌و بدینطریق حیثیت روم را اعاده داد.

۱۷ ق م ــ جشن بزرگ مذهبی بنام عصر پنجم تاریخ رومی (ازآغاز پیدایش‌روم) برپاگردید.

۱۶ـ ۱۵ ق م ــشکست **لوللیوس** اززرمن‌ها حضور اگوست را **درگل** و**تیبریوس** رادرآلمان لازم کرد . دراین هنگام **رائسیا** ،**نوریکوم**،و **ویندلی سیا** ضمیمه امپراطوری روم شده ومرز امپراطوری به دانوب علیا رسید.

۱۲ـ۹ ق م ــ تیبریوس بسبب بروزشورشی سخت به‌پانونیا احضارشد . **دروسوس** تا هنگام مرگ خود در سال ۹ ق م با ژرمن‌ها در جنگ بود .

۱۱ــ ق م اگوست تیبریوس را مجبورکرد که زن خود اگری‌پینیا را طلاق داده بازولیا دختر اگوست ازدواج کند .

۹ ق م ــقربانگاه صلح‌که چهار سال پیش سنا به برپا کردن رای داده بودگشایش یافت و مراسم اهداء آن انجام گرفت.

۹ـ۷ ق مـ تیبریوس فتح آلمان را بپایان رسانید ولی درسال ٦ ق م به‌ارمنستان فرستاده شد .

وی بسببی که تا اکنون نامعلوم است به **رودس** رفته هفت سال گوشه نشینی‌اختیار کرد تا هنگام مرگ پسران **آگری‌پینا** سپس **ژولیا** دختر اگوست که در ۱۱ ق م بعقد ازدواج تیبریوس در آمده بود امکان جا نشینی اگوست را برای شوهر خود فراهم ساخت . وی درسال دوم بعد ازمیلاد درهنگام درگذشت **لوسیوس‌سزار** درمارسی به‌رم برگشت وپس‌ازمرگ گایوس سزاردرآسیا درسال ٤ میلادی ازطرف اگوست بفرزندی رسما بفرزند خواندگی امپراطور پذیرفته شد.

لیویا ــ دروسیلا مادر تیبریوس درسال‌ق‌م بعقد ازدواج اگوست درآمده اگوست‌با کمال دقت همت به‌تربیت وتعلیم‌تیبریوس‌گماشت‌و

---

٤ ق م ــ ولادت عیسی مسیح: باحتمال‌قوی عیسی مسیح درسالی که اکنون مبدا سال مسیحی شمرده میشود ولادت نیافته بلکه درسال ٤ ق م یا مدت‌کوتاهی پیش‌ازمرگ **هرودبزرگ** پسر **آنتی‌پاتر** اید ومائیانی ولادت یافت که سلطنت یهود رادرسال ٤۰ ق‌م از **تریو مویرهای روم** بدست آورد . درسال٦ ق‌م بخشی ازسرزمین وی بین پسرانش تقسیم شدولی‌کشوریهود(جهودا)درتحت‌یك‌**پروکوراتور** امپراطوری (نوعی حکومت رومی) قرارگرفت. **مبدا سال مسیحی** ازسال یك میلادی آغاز میشودکه بلافاصله پس ازسال یك قبل‌ازمیلاد قرار دارد زیرا سالی درمیان این‌دو بنام سال صفر قرارداده نشده .

ازاین پس بدنبال رقم سالها مانند سالهای پیش ازمیلادکه یا دو حرف (ق‌م) مشخص میشد حروفی نوشته نخواهد شدو همان ارقام تنها معرف سالهای پس از میلاد است.

٤ـ٦ بعداز میلاد مسیح : تیبریوس پس از آنکه بفرزند خواندگی اگوست پذیرفته شد بار دیگر به‌آلمان اعزام‌گردید . سپس برای فرو نشاندن شورش‌ها در**پانونیا** و**دالماسیا** احضار شده تا سال ۹ میلادی بماموریت جدیداشتغال داشت.

وی بالاخره مرز امپراطوری را دردانوب وسطی مقرر داشت ودرهمان زمان ایجاد ایالت **موئسیا** وکوچك کردن دولت تراس مرز امپراطوری رابه‌دانوب سفلی رسانید.

٦ میلادی ــ اگوست خزانه خاصی برای پرداخت انعام یا فوق‌العاده‌ئی به‌سربازان بازنشسته لژیونری تاسیس کرد. اگرچه‌چندی بعددادن زمین به‌سربازان باز نشسته نیز

امپراطور اگوست گائوس ژول سزار اکتاویان**درسن چهل وپنج** سالگی در لباس امپراطوری ودراوج قدرت‌کودکی‌که بساق‌پای **اوچسبیده**‌نشانی از بچه الهه عشق است واز اصل ونسب سزار یعنی ژول فرزند ونوس الهه عشق حکایت‌میکند .

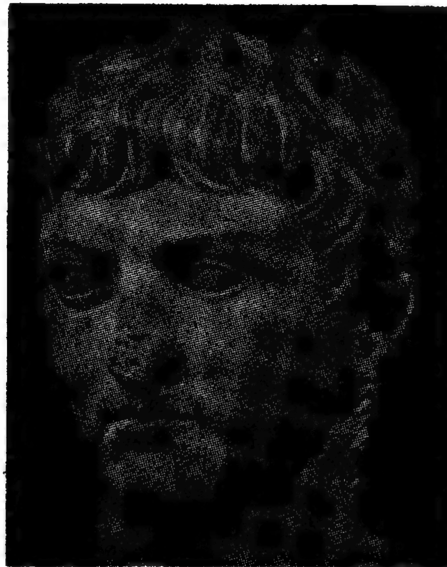


معمول گردید ولی این پرداخت فوق‌العاده مشکل توجه از سربازان بازنشسته را حل کرد. اگوست قبل ازمرگ خود تعداد لژیونهارا از۷۰ یابیشتر به ۲۷ یا۲۸تقلیل‌داد.وبدینطریق جمع این عده و عده‌ئی مساوی با آن‌از سربازان امدادی (چریك) بالغ بر ۳۰۰،۰۰۰ نفرگردید.

۹ ـ **کوینس تی‌لیوس واروس** سفیرروم با۳ لژیون درجنگ‌جنگل **تیوتوبرگ** شاید نزدیك **پادربورن** بدست **ارمی نیوس** آلمانی نابود گشتند . این شکست به‌نقشه‌های اگوست برای فتح آلمان تا **آلب** پایان داد و**رن** رامرز آینده بین سرزمین **لاتن وژرمن** قرار داد. اگوست بسبب مواجهه با مشکلات مالی در تشکیل لژیونهای تازه بجای لژیونهای ازکف رفته وتهیه قوای کافی برای انقیاد دائمی آلمان به‌کشورگشایی خود پایان داد.

۱٤ـ **درگذشت اگوست** ۱۹ ماه اوت این سال اگوست در**نولا** درگذشت.

ازلحاظ موازین قانونی مقام وی قابل توارث نبود زیرا قدرتهای متنوع وپستهای مختلفی راکه یك‌جا درمقام خود جمع آورده بود بامرگ وی ابطال میشد مگر آنکه تنها ازطرف سنا ومردم روم همان قدرتها به‌شخص دیگری مفوض شود. اگوست درخلال دوره زندگی خود برای اطمینان به‌ادامه دستگاه امپراطوری البته سعی داشت جانشینی برای خویش بیابد وبهمین سبب سعی کردکه توارث



مجسم نیم تنه ژرمانیکوس

سلطنت را یا بوسیله خون یا زناشوئی یا عنوان فرزند خواندگی لایق ترین مردی‌که پیدا کند ازطریق اعطاء منصب پروکنسولی دوم ایمپریوم وقدرت تریبونی بدان شخص صورت واقعیت دهد وچندین نفر راهم‌برای این مقام درنظرگرفت ولی قبل ازاودرگذشتند وعاقبت تیبریوس پسر زوجه خود **لیویا**راکه ازشوهراول او بود بدین سمت برگزید.

تیبریوس با آنکه درهنگام مرگ‌اگوست قدرت تریبون و همچنین قدرت غیرمعمول ایمپریوم رادردست داشت برگشت رژیم حکومت را به‌جمهوری شایدهم با حسن نیت دراختیار سناگذاشت . اما سناانجام این‌مهم را غیر ممکن پنداشت ویا شاید طبق عقیده مورخین قدیم سنا پنداشت‌که قصد تیبریوس ازاین پیشنهاد وگذشت ریاکاری بوده وسنا شاید آزادی عمل درانجام این‌کار نخواهد داشت لذا اقبالی بدان نکرد. بعلاوه بروز شورش درلژیونها در**پانونیا وآلمان** نشان دادکه باید یك فرمانده مقتدر برسرکارباشد تامانع تجدید جنگهای داخلی شبیه جمهوری اخیر گردد.

تیبریوس هم دراین هنگام بقدری مقتدر بودکه انتخاب شخص دیگری بسمت امپراطوری امکان نداشت. پس‌سنا قدرتها والقاب‌وعناوین اگوست را یکجا به‌وی واگذاشت.

۱٤ـ ۳۷ ـ **تیبریوس کلادیوس‌نرو**(متولد ٤۲ ق م) دومین امپراطور روم انتخابات رااز مجلس‌ها به‌سنا منتقل‌کرد وتصویب قوانین ازطرف مجلس‌ها تنها صورت فورمالیته پیدا کرد واین طریقه تا زمان **نروا** دوام یافت. مجلس‌ها ازاین پس درکار حکومت شرکت رسمی نداشتند بجز تصویب واگذاری مقام ایمپریوم وتریبونی‌سیا به‌یك امپراطور ‌تازه. اما توده مردم بسبب شورشهای مکرر توانست دولت راتحت فشار قراردهد.

۱٤ـ ۱٦ شورش لژیونهای **پان‌نونیا** بوسیله **دروسوس** کوچك فرزند تیبریوس فرونشانده شد . پسر برادرتیبریوس نیز دروسوس نام داشت ولی بنام لقب پدرش **جرمانیکوس** معروف شدواگوست تیبریوس را مجبورکردکه اورابعنوان جانشین‌احتمالی‌بپذیرد.جرمانیکوس فتنه آلمان را فرونشاند ودرآلمان بموفقیت هائی نائل گردید. وی **آرمینیوس** را شکست داد وپس ازآن سلطنت آرمینیوس را درهم شکست . بالاخره ازطرف تیبریوس احضار شد ولی نه بسبب حسد نسبت به‌کامیابی‌های او بلکه بسبب آنکه جنگهای او گران تمام میشد.

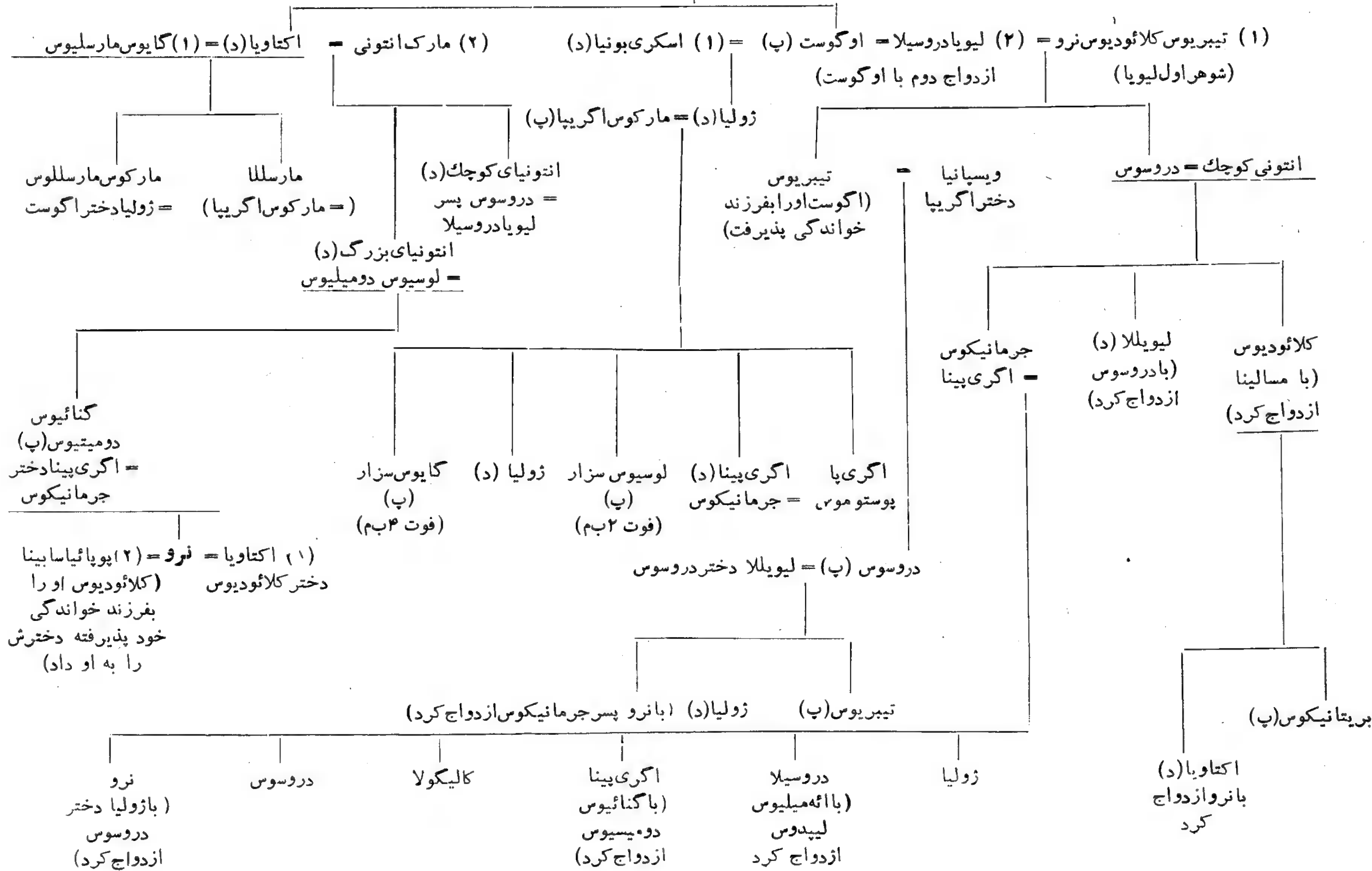
۱۷ـ **کاپادوکیه وکوماژن** پس ازمرگ پادشاهان آنها مبدل به‌ایالات رومی شدند.

۱۷ـ ۱۹ـ **جرمنیکوس** برای استقرار پادشاه درارمنستان بدان سرزمین اعزام شد ودرسوریه ومصر بعظمت رسید . هنگامی‌که درسوریه درگذشت دشمنان تیبریوس بدور زوجه او جمع شده درپیشگاه سنا حاکم‌سوریه موسوم‌به **پیسو**را متهم‌به‌مسموم‌کردن**جرمنیکوس** نمودند . **پیسو** خودکشی‌کرد وخودکشی‌اوایجاد بدگمانی درحق تیبریوس ومادرش‌لیویادروسیلا نمودکه شاید اندوپیسو را تشویق به‌مسموم کردن جرمنیکوس نموده‌اند.

۱۹ ـ **ماروبودوس** که سلطنتی نیرومند در**بوهیمیا** برپاکرده بود بسبب‌اختلافات‌داخلی ناچار شدکه به‌رومیان پناهنده شود. ازآن پس رومیان درناحیه رن ودانوب علیا تازمان **مارکوس اورلیوس** درمعرض تهدید جدی قرار نداشتند .

۲۱ـ **شورش‌درکشورگل** ـ این شورش‌در **ترموری** بقیادت **ژولیوس فلوروس** ودر**آئه‌دوئی** برهبری **ژولیوس‌ساکرو ویر** برپا شد. اگرچه این شورش بوسیله **گایو سیلیوس** فرمانده آلمان علیا زود فرونشست ولی نشان دادکه احساسات ضد رومی هنوز درکشورگل حتی درمیان روسای آنها که امتیاز تابعیت رومی ونام ژولیوس ازطرف سزار یااگوست بدانها تفویض شده بود قوی است.

۲۳ـ۳۱ ـتیبریوس دراین سالها درتحت نفوذ **سجانوس** پرفکت (فرمانده)گارد خودقرار گرفت که مردی جاه‌طلب وخیانت پیشه بود وی گروهانهای گارد امپراطوری وپلیس را در یك اردوگاه دربیرون شهر رم متمرکزکرد. وی یك دستگاه جاسوسی برپاکرده جمع‌آوری اطلاعات را درموردکسانی که دشمن تیبریوس بودند بوسیله جاسوسان بی‌وجدان (که بیشتر آنها ازاشراف بودند) تشویق‌کرد. وبااستناد **قانون خیانت** ، متهمین را مورد **تعقیب** قرار داد زیرا طبق آن قانون هرعمل برضد شخص امپراطور مضر به‌عظمت دولت شمرده میشد هنگامیکه نوبت به‌سناتورهای متهم‌باحکام


(= علامت ازدواج)
د – دختر
پ – پسر
ارقام (۱) و(۲) علامت زناشوئی اول ودوم
شجره نامهٔ
سلسلهٔ ژولیان – کلائودیان (امپراطوران اولیهٔ روم)
کائوس اکتاویوس = آتیا خواهرزاده ژول سزار
(۱) تیبریوس کلائودیوس نرو = (۲) لیویا دروسیلا = اوگوست (پ) = (۱) اسکری بونیا (د)
(شوهر اول لیویا)
ازدواج دوم با اوگوست
(۲) مارک انتونی = اکتاویا (د) = (۱) گایوس مارسلیوس
ژولیا (د) = مارکوس اگریپا (پ)
انتونی کوچك = دروسوس
ویپسانیا دختر اگریپا = تیبریوس (اگوست او را بفرزند خواندگی پذیرفت)
انتونیای کوچك (د) = دروسوس پسر لیویا دروسیلا
مارسللا (= مارکوس اگریپا)
مارکوس مارسللوس = ژولیا دختر اگوست
انتونیای بزرگ (د) = لوسیوس دومیلیوس
کلائودیوس (با مسالینا ازدواج کرد)
لیویللا (د) (با دروسوس ازدواج کرد)
جرمانیکوس = اگری پینا
اگری پا پوستوموس
اگری پینا (د) = جرمانیکوس
لوسیوس سزار (پ) (فوت ۲ ب م)
ژولیا (د)
گایوس سزار (پ) (فوت ۴ ب م)
گنائیوس دومیتیوس (پ) = اگری پینا دختر جرمانیکوس
(۱) اکتاویا دختر کلائودیوس = نرو = (۲) پوپائیا سابینا
(کلائودیوس او را بفرزند خواندگی خود پذیرفته دخترش را به او داد)
دروسوس (پ) = لیویللا دختر دروسوس
تیبریوس (پ)
ژولیا (د) (با نرو پسر جرمانیکوس ازدواج کرد)
بریتانیکوس (پ)
اکتاویا (د) با نرو ازدواج کرد
ژولیا
دروسیلا (با ائه میلیوس لیپدوس ازدواج کرد
اگری پینا (با گنائیوس دومیسیوس ازدواج کرد)
کالیگولا
دروسوس
نرو (با ژولیا دختر دروسوس ازدواج کرد)

متهم رسید مجلس سنا رسیدگی ومحاکمه آنها را درعهده گرفته وبصورت یك دادگاه درآمد که امپراطور یا کنسولها برآن ریاست داشتند. باحتمال قوی درسال ۲۳ میلادی سجانوس **دروسوس** پسر تیبریوس رامسموم کرد تا راه رابرای جانشینی خویش بازنماید .

۲۶ – سجانوس ، تیبریوس را **تحت تلقین خودقرارداده اورا تشویق** کردکه خود را از دردسرشهر رم که **بااو دشمن** بود راحت سازد وبالاخره تیبریوس در جزیره **کاپری** (درخلیج ناپل) سکونت گزید واین عمل نیز سبب شد که مردم پنداشتند وی راه رابرای رواج زشت‌ترین فساد وشرارت بازکرده است.ولی حق این است‌که تیبریوس دراخلاقیات‌سختگیر وازروی عقیده وایمان میخواست امپراطوری را بهمان شیوه وخط مشی اوگوست اداره کند.

۲۹ – **لیویا** زن امپراطور اگوست که‌پس ازشوهرش متهم به‌کوشش‌درتسلط‌برامپراطوری شده‌بود درگذشت . سجانوس موفق شدکه **اگری‌پینا** زوجه **ژرمنیکوس** را تبعیدکند(که‌در سال ۳۳ درگذشت) ودوپسرش نرو(که درسال ۳۱ درگذشت)**ودروسوس سوم** (درسال ۳۳ درگذشت) **را زندانی نماید** .

۳۱ – توطئه‌های سجانوس عاقبت باطلاع تیبریوس رسید وتیبریوس اورا زندانی وسپس اعدام کرد . تیبریوس‌سپس تنهادرکاپری بسر میبرد .

۳۳ (؟)– **پونتیوس پیلات** فرمانروای (پرو کوراتور) سرزمین یهود به‌شورای ملی یهود موسوم به **سانهدرین** اجازه دادکه **عیسی‌مسیح** راکه دعاوی اورا فتنه‌انگیز شمرده بودندبدار آویزند.

۳۶– **ارتابانوس** پادشاه اشکانی با روم‌صلح کرد. امپراطوری رم دراین هنگام ازخطر جدی تهدید دولت اشکانی (**پارتیا**) بسبب اختلافات داخلی بین شاهزادگان اشکانی برسر سلطنت وهم بسبب منازعات برسر تصرف ارمنستان نجات یافت.

۳۷– **درگذشت تیبریوس** درمیسه‌نوم (۱۶ مارس) – وی نوه جوان خود **تیبریوس‌گمه لوس وتنها** پسری راکه ازجرمانیکوس باقی مانده بود موسوم به‌**گایوس‌سزار** معروف به **کالیگولا** بسمت جانشینان خود معرفی کرد. گایوس ابتدا ازتیبریوس گمه‌لوس جانبداری کرد ولی بزودی اورابقتل رسانید.

۳۷– ۴۱ – گایوس‌کالیگولا (متولد سال ۱۲ میلادی) بمقام امپراطوری رسید . وی رادیوانه میشمارند واگر دیوانه نبوده قدر مسلم آن استکه به‌جنون **مگالومانیا** (خود را بسیار بزرگ پنداشتن) مبتلا بوده وبزودی تعادل فکری خودرا ازدست داد.ممکن‌است‌حماقتهائی که به وی نسبت داده شده مبالغه‌آمیز باشد ولی درهرحال رفتارش کاملا ازتعقل دوربود. باحتمال قوی آرزو داشت که یك سلطنت **مطلقه طبق‌نمونه‌سلطنت‌جد** اعلایش‌انتونی برپا **کند.وی‌تعداد زیادی‌سلطنت‌های‌کوچك‌تابع** خود ایجادکرد واشخاصی رابعنوان پادشاهان این سرزمین‌ها منصوب‌کردکه ازآنجمله است **ژولیوس اگریپینای** اول نوه هردو بزرگ که باشتباه به **هروداگریپینا** معروف‌گشته. کالیگولا خود را خدا خوانده وخواست‌که اورابپرستش

کنند ولی کوشش او درنصب مجسمه‌اش در معبد اورشلیم بسبب مخالفت پترونیوس حاکم سوریه عملی نگشت.

۳۹ – از لشکرکشی کالیگولا به‌آلمان بسبب توطئه‌ئی برهبری گائتولیکوس جلوگیری شد.

۴۰ – جنگ وی با انگلیس نیز با شکست روبروشد.

۴۱ –**ترورکالیگولا** – وی بواسطه توطئه‌ئی برهبری **کاسیوس کائریا** کشته شد.

سنا کوشش‌کرد که رژیم جمهوری را احیا کند ولی‌گارد امپراطوری در قصر بوجود برادر جوان‌تر جرمانیکوس **کلادیوس** که فراموش شده ، وگمنام دردرون قصر بسرمیبرد پی برده و چون به‌آن خانواده وفادار بودند اورا بعنوان امپراطور بر سنا تحمیل‌کردند.

۴۱–۵۴ . تیبریوس کلائودیوس دروسوس (متولد ۱۰ ق م) بمقام امپراطوری رسید. مردم رم اورا سبك مغزی یاوه سرا میدانستند که تابع **بوالهوسی‌های** زنان خود یا بندگان آزاد شده است.

وی چهار زن داشت . زن سوم وی **مسالینا** (نوه زاده انتونی) تمام قدرت خود را دردفع شهوات جنسی خویش بکار برد تا هنگامیکه دشمنانش که از آزادشدگان بودند توانستند درسال ۴۷ وسیله اعدام اورا فراهم کنند زن چهارم وی خواهر زاده کلائودیوس یعنی **فرزند اگری‌پینای جوان تر بود** .

وی قدرت خودرا برای تحصیل جانشینی امپراطور در مورد **لوسیوس دومیتیوس آهنو باربوس** فرزند وی ازشوهر سابقش بکار برد.

در میان آزادشدگان بدست کلائودیوس برجسته‌تر از همه **نارسیکوس** دبیرتحریرات امپراطوری ودیگر **پالاس** دبیر امور مالی بود . ازاین پس این پست‌های دبیری‌ومقامات مشابه آن ازجمله دبیر رسیدگی به‌شکایات‌و تظلمات ودبیر امور حقوقی وغیره که تااین‌زمان عبارت ازپست‌هائی درخانواده امپراطوری‌بوده وازتاسیسات اشراف جمهوری بارث رسیده بود مبدل به ادارات‌واقعی ورسمی دولت گردیده وتبدیل به‌یك دستگاه **بوروکراسی**بزرگ گشتند وروزبروز براهمیت اداری آنهاافزوده گشت. بعدها **اکستریانها** این پست‌ها را اشغال کردند .

کلائودیوس با وجود آنکه درامور خانوادگی ضعیف بود ولی بامور اداری امپراطوری علاقه داشت . وی بدون آن‌که درطرز حکومت باروش اگوست تغییر فاحشی دهد تابعیت را بسط داد ودرسال ۴۸ سنا رابروی اشراف‌گل گشود. اگرچه اگریپا را درسال ۴۱ بسمت پادشاه کشور یهود منصوب داشت ولی پس‌از مرگ اگریپا برای آن سرزمین حاکم (پروکوراتور) مقررداشت ، درسال ۴۴ امور مقدونیه واکائیا را به‌سنا محول نمود .

۴۳– **آئولوس پلائوسیوس** به‌انگلستان‌حمله کرد. محرك واقعی حمله رومیان به‌انگلیس معلوم نیست . کلائودیوس شخصا در همین سال به جزیره انگلیس آمد تا تسلیم **کامولو دونوم (کولچستر** امروز درناحیه **اسکس)** را بپذیرد . پس ازآن پیروزی رومیان درجزیره انگلیس به‌کندی پیش میرفت وازطرف شمال به‌**لیندوم (لینکولن** امروز) ودرسمت باختر

به‌دوا (**چسنر** امروز) **وایسکاسیلوروم (کائرلون)** درمرز **ویلز (ولش)** رسید. **کاراکتاکوس**پیشوای انگلیس بالاخره درسال ۵۱ اسیرگردید.

۴۷ – کلائودیوس مقام سانسوری را احیا کرد (**سانسور در روم قدیم** عنوان یکی از دوکلانتر شهر یا شهربان بودکه دفتر ثبت نام اتباع واموال آنها رادردست داشت ونیز مامور نظارت دررفتار واخلاق عمومی بود) وهمچنین جشنی برای بازی‌ها مقررداشت.

۴۸– کلائودیوس پس از اعدام زوجه‌اش مسالینا تصویب‌نامه خاصی ازسنابرای‌زناشوئی با خواهر زاده خود **اگری‌پینا** بدست آورده درسال ۵۰ پسراگری‌پینا راازشوهر سابق بنام **لوسیوس دومی سیوس آهنوباربوس** که بنام **نرو** خوانده شد بفرزند خواندگی خویش پذیرفت وبدینطریق **بریتانیکوس** پسر خودرا ازمسالینا ازجانشینی خویش خارج کرد. (بریتانیکوس متولد سال ۴۱ یا ۴۲ وبمناسبت فتح‌بریتانیا بوسیله پدرش بنام بریتانیکوس خوانده شد) – درسال ۵۳ **نرو** با دختر **کلائودیوس از مسالینا موسوم‌به اکتاویا ازدواج** کرد.

۵۳– کلائودیوس تصویب نامه‌ئی ازسنا بدست آورد که طبق آن به‌پروکوراتورهای **امپراطوری حق قضاوت درامور مالی داده‌شد.**

با صدور این تصویب نامه‌گام مهمی در ازدیاد اهمیت مامورین امپراطور و بضرر سنا برداشته‌شد ..

۵۴ – درگذشت کلائودیوس (در ۱۳ اکتبر) **بطوریکه مشهور** است‌مرگ‌وی‌بواسطه‌مسمومیت **از زهری بوده‌که اگری‌پینا در غذای قارچ او ریخت** . اگری‌پینا پس از مرگ وی موافقت گارد امپراطوری را **درشناسائی‌کلائودیوس نرو سزار** بعنوان جانشین امپراطوری بدست آورد ولذا سنا چاره‌ئی جز تائید و تسلیم قدرت امپراطوری به‌نرونداشت.

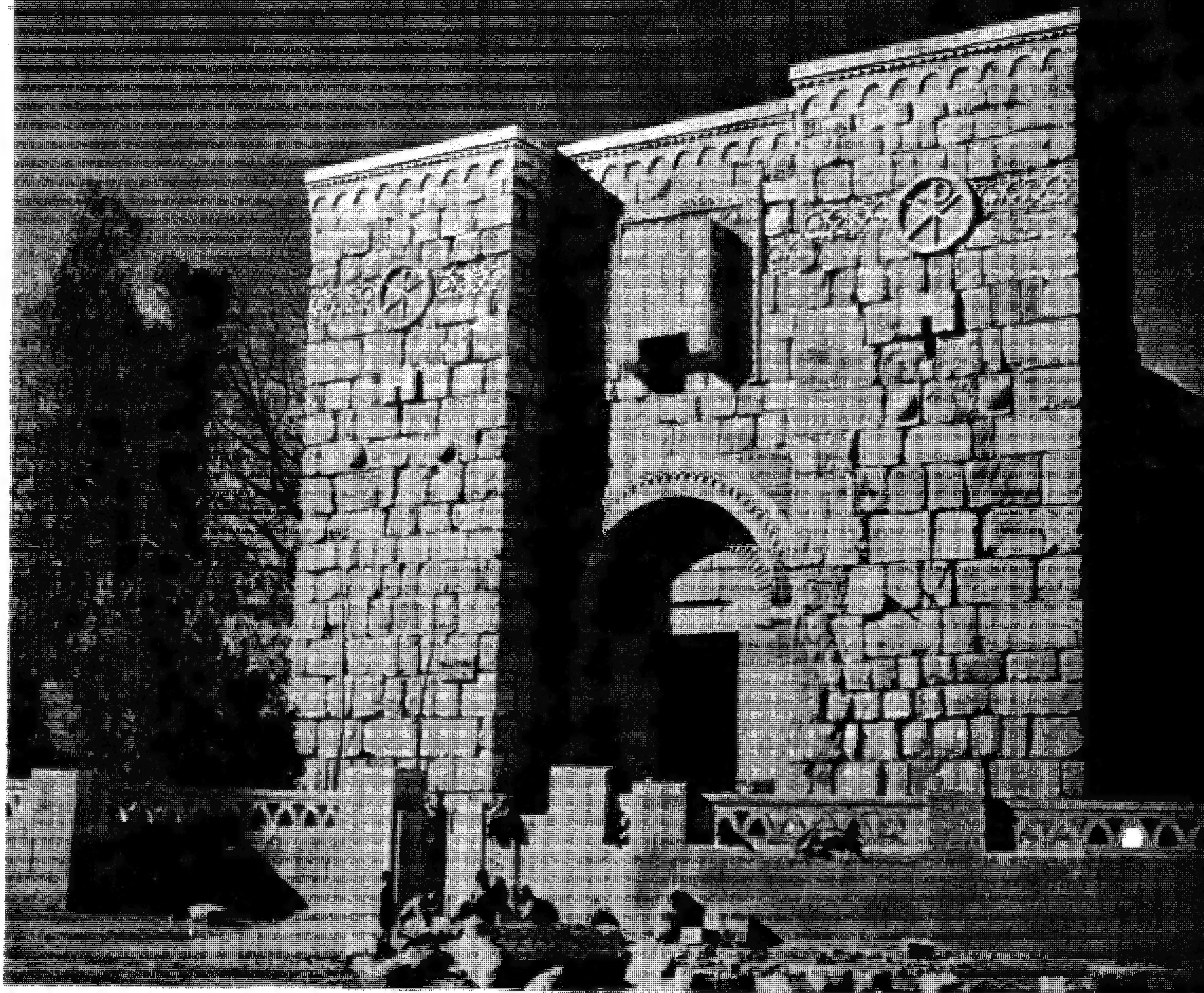
۵۴– ۶۸ – امپراطور نرو (متولد ۳۷). وی فرمانروائی خود را براهنمائی **سنکای فیلسوف وبوروس** فرمانده گارد آغاز کرد ولی از لحاظ روحیه حالت یك مقلد بازیگر یا **اکتر** را داشت و میخواست نقش یك پادشاه مقتدر را بحد اعلابازی‌کند . وی **پالاس** دبیر امورمالی راکه ازمردان آزاد شده بود ازکار برکنارکرد و درسال ۵۵ بریتانیکوس رامسموم نمود.وی **ابتدا بخاطر زنی از زنان آزاد شده بنام آکته وبعد بخاطر پوپائیاسابینا زوجه دوستش اوتو** زوجه خود اکتاویا را ترك گفت .

۵۵– ۶۴ – ژنرال کوربولوکه درزمان کلائودیوس درآلمان پیروزیهائی بدست آورده بود مامور حل مشکل اختلاف روم با دولت اشکانی شد.

وی پس از صرف سه سال در تربیت افراد سپاه خویش وتقویت روحیه ایشان به‌ارمنستان حمله کرده **ارتاکساتا** را درسال ۵۸ **وتیگرانوسرتا** را درسال ۵۹ تصرف کرد.

در سال ۶۱ **نرو** اورا تعویض کرده **پائه‌توس** را بجای اوگذاشت‌که **درراندئیا**شکست‌فاحشی درسال ۶۲ ازاشکانیان خورد.

لذا درسال ۶۳ نرو همان صلح‌نامه پیشنهادی **کوربولو را بدون‌گنجانیدن پیروزیهای اودرآن پذیرفت** وحس غرور وکبر خودرا بدین فرو



مدخل کلیسای سن‌پول در دمشق

نشاند که تیر داد پادشاه اشکانی به‌رم سفر کند وتاج خود **را ازدست او بگیرد** وتیرداد درسال ٦٦ **چنین**کرد.

٦٠ – سن‌پول (پل‌مقدس) که پیش‌ازقبول مسیحیت یکنفر یهودی ازاهل تارسوس‌ونام اوسائول بوده وبه‌فرقه خشکه مقدس وسختگیر **فاریسی** یهود تعلق داشت درحضور **فلیکس** حاکم رومی کشور یهود بمحاکمه کشیده شدو وی بامپراطور متوسل‌گردید.

٦١ – هنگامیکه **سوئتونیوس پائولینوس** حاکم رومی بریتانیا ازسال ٥٩ ببعد سرگرم منقادکردن **مونا** مرکز **فرقه** مذهبی **دروئیدها** (درانگلیس جزیره‌ئیست در شمال باختری ویلز) بود (دروئید نام نظام کشیشان ومعلمان مذهبی درگل قدیم وبریتانیا بود)، **بودیکا**ملکه **ایسنی** (نارفولك امروز) شورشی‌را رهبری‌کرده **کامودونوم** (کولچستر) ، **ورولامیوم** (سن‌آلبان امروز) **ولوندی‌نیوم** (لندن) را تصرف کرد . پائولینوس‌اورا شکست داد وبقتل رسانید .

٦٤ – آتش سوزی بزرگ درشهررم اتفاق افتادکه قسمت بیشتر شهر رم راویران‌کرد ودرآن هنگام **نرو که** خودرا موسیقی دان میدانست ودربیرون شهر رم اقامت داشت ازمنظره سوختن شهر لذت برده و همراه‌چنگ اشعاری را میخواند که راجع به‌آتش‌سوزی شهر **تروا** (تروای)درآسیای صغیر درعهدیونان قدیم بود.

هنگامیکه وی در نزد مردم مظنون واقع شدکه خود او شهر راآتش زده یا بدستور اوانجام‌گرفته برای رفع اتهام از خویشتن فرقه تازه‌ئی ازمسیحیان راکه مورد تحقیر بودند و عده‌ئی ازایشان دررم اقامت داشتند ودرآن ایام ظهور تازه وقریب‌الوقوع مسیح را همراه با آتش گرفتن تمام جهان پیشگوئی میکردند متهم نموده وآنهارا دستگیر کرده همراه با شکنجه بقتل رسانید.

٦٥ –توطئه دامنه‌داری برای‌گذاشتن**گایوس کل‌پورنیوس پیسو** درمقام امپراطوری ترتیب داده شد ولی بسبب بزدلی رهبران‌اشرافی‌آن کشف گردیده وبسیاری ازسناتورها ازجمله **سنکا** وبرادرزاده‌اش **لوکان** شاعر ، **وفائنیوس روفوس** (جانشین بورروس بعنوان پرفکت پرتوریان) و **پترونیوس** (نویسنده ودوست نرو) یا اعدام شدند و یا مجبور به‌خودکشی گردیدند.

٦٦– دشمنی نرو با مخالفین خود منجر باعدام **تراسیاپائتوس** وباریا **سورانوس**گردید که ازپیشوایان آشتی ناپذیر رواقیون بودند.

٦٦ – ٧٠ – شورش درکشور یهودکه نتیجه بدی حکومت حکام رومی بود. چون حاکم رومی سوریه ازعهده جلوگیری برنیامد **وسپاسیان** با سه لژیون اعزام‌شد (٦٧). وی **ژوسفوس** مورخ یهودی‌رازندانی‌کرده‌واورشلیم

را محاصره کرد (۶۹) بعدا وسپاسیان خود را امپراطور اعلام کرده فرزندش **تیتوس** را برای ادامه محاصره اورشلیم گماشت که در تصرف **جان گیس‌کالا** بود ورقیب خود **الیازار** را ازکار انداخته بود. اورشلیم در۷ سپتامبر ۶۹ ساقط شد و تیتوس در ۷۱جشن گرفت . وتاریخ این جشن برطاق تیتوس در رم‌هنوز باقی‌است ـ بخشی ازکشور یهودبه **مارکوس ژولیوس** (هرود) معروف: **اگریپای دوم** پسر اگریپای اول واگذارشد ولی بخش اعظم آن جزء امپراطوری روم گردید. معبد را خراب کردند . **سان‌هدرین** (شورای ملی یهود) ودستگاه عالی مذهبی منحل گردیدـ دو درهم مالیاتی که هر یهودی برای معبد میپرداخت بحساب مخصوصی در خزانـــه امپراطوری نگاهداری شد ولژیونی درتحت حکم نماینده سناکه مافوق پروکوراتور (حاکم) تلقی میشد دراورشلیم مستقرگردید.

۶۷ـ **نرو**یک‌مسافرت‌تفریحی‌آرتیستی‌به‌یونان نموده (وی خود را ارتیست میشمرد) ودر خلال آن **کوربولو** و دونفر نمایندگان رومی راکه سابقا ماموراآلمان بودند اعدام‌کرد.

۶۸ ـ **خودکشی نرو** ـ نروهنگام مراجعت به‌ایتالی شنیدکه **ژولیوس وین‌دکس** نماینده رومی در**گالیا** شورش کرده. این شورش را **ورجی نیوس روفوس** نماینده رومی در**آلمان علیا** فرونشاند ولی در هیسپانیا دولژیون بنا باشاره ویندکس نماینده پیر خود**سرویوس سولپی کیوس گالبا** را امپراطور خواندند. هنگامیکه گارد امپراطوری نیز تحت فرماندهی **نیم‌فیدیوس سابی نوس** نیز گالبا را برسمیت شناخت مجلس سنا نرو را **دشمن خلـق** (هوس‌تیس) اعلام کرد.

نرو درویلای خود دربیرون شهر رم خودکشی کرد وهنگام خودکشی این جمله معروف راگفته: «آه که چه آرتیستی مثل من ازمیان میرود»ـ بدینطریق سلطنت سلسله **ژولیوـ کلائودیان** بپایان رسید.

۶۸ـ ۶۹ ـ امپراطور سرویوس سولپی کیوس گالبا (متولد ۵ یا ۳ ق م) سنای ضعیف و بی‌قدرت با شناختن **گالبا** بسمت امپراطور (طبق عین جمله‌ئیکه **تاسی توس** گفته است)در واقع تاییدکرد که «میتوان شخصی راهم کـه خارج از رم است بسمت امپراطور منصوب کرد» . کامیابی اگوست نیز درهمین‌نکته‌نهفته وموکول بهمین‌امر بودیعنی وفاداری سپاهیان به‌شخصی‌که سنامیمکن است قدرت امپراطوری را به او بسپارد. بدین طریق کاملا روشن شدکه سنا قادرنیست دربرابر کاندیدای‌گارد امپراطوری مقاومت کند . دراین هنگام لژیون های مقیم ایالات با عملی‌که نرو کرد یعنـی جنگ‌طلبی‌نکرده‌خودکشی نمود درموردوفاداری نظامیان نسبت به سلسله **ژولیوـ کلائودیان** از اشتباه بیرون آمده به حقایق امر واقف گشتند و چون نسبت‌بامتیازات‌گاردامپراطوری (پرائه توریانها) حسد میبردند بمنظور دفاع ازحقوق خویشتن دراین سال بهوا خواهی چهارنفر برای نامزدی امپراطوری برخاستند بشرح زیر : **گالبا ، اوتو ، ویته‌لیوس ، و وسپاسیان** و دراین سال هر چهار نفربالابشرح زیر بترتیب سمت امپراطوری یافتند .

۶۹ـ سلطنت چهار امپراطور دریکسال اول ژانویه ـ هشت لژیون رومی مقیم رن ازوفاداری‌نسبت‌به‌گالبا امتناع‌کرده در۳ژانویه چهار لژیون مقیم آلمان سفلی به‌فرمانده‌خود **ائولوس ویته لیوس** (متولـد ۱۵) بعنـوان امپراطور سلام دادند . چهار لژیون مقیم‌آلمان علیا که تحت فرماندهی **هوردنیوس فلاکوس** قرار داشتند نیز **ویته‌لیوس** را تایید کردند. در این هنگام گالبا از هیسپانیا به رم رسیده و **پیسویلیسی نیانوس** راکه از اریستوکراتها بود بعنوان جانشین خود پذیرفت.

در خلال این احوال **مارکوس سالویوس اوتو** (متولد ۳۲)که مردی هرزه وفاسد ورفیق‌خلوت نرو بود ونرو برای آنکه زن او **پوپائیا** را بزوجیت خود در آورد اورا بعنوان حاکم و فرمانده به‌لوزیتانیا فرستاده بود همراه‌گالبا به‌رم برگشته کمك پراتوریانها(گارد امپراطوری) را بدست آورده در ۱۵ ژانویه گالبا وپیسو را هردورا ترور کرد.

سپس مجلس سنای عاجز ناچار **اوتو** را بسمت امپراطوری شناخت.

در این هنگام قوای ویته لیوس بصورت دو دیویزیون بفرماندهی **والنس وکائسینا** بهـ ایتالیا نزدیك شدند ودرصحرای **پو با** نیروی اوتو(۱۰ آوریل) مصادف شده در جنگ اول **بدریاکوم** (نزدیك‌کرمونا) آنها را شکست‌دادند ودرنتیجه اوتو خودکشی کرد . مجلس سنا بفوریت **ویتلیوس** را که به‌رم رسیده بود بسمت امپراطور شناخت.

در همین موقع (اول ژوئیه) **تیبریوس ژولیوس الکساندر** والی رومی مصر **وسپاسیان** فرمانروای رومی‌کشور یهود را بعنـــوان امپراطور شناخت . **موسیانوس** فرمانروای رومی سوریه نیز نظر اورا تایید کرد.**انتونیوس پریموس** فرمانده لژیون هفتم مقیم **پان‌فونیا** تمام لژیونهای مقیم دانوب را بکمك وسپاسیان درآورده وبسرعت بطرف شمال ایتالی حرکت کرد و درآنجا قوای **ویتلیوس** را درجنـگ دوم **بدریاکوم** شکست داده **کرمونا** راتصرف کرد (اواخر اکتبر). هنگامیکه انتونیوس به‌رم نزدیك شد برادر **وسپاسیان** ، **کاپیتول**(نام‌یکی ازهفت تپه شهر رم قدیم‌که معبد **ژوپیتـر ماگزیموس** برروی آن بنا شده ونیز نام‌آن معبد) را درشهر رم تصرف‌کرد (ودرکشمکش بعدی بآتش کشیده‌شد.)

طرفداران ویتلیوس بشدت درکوچه های شهر بجنگ ومقاومت پرداختند ولی ویتلیوس بالاخره در ۲۰ دسامبر کشته شد ـ هنگامیکه موسیانوس درژانویه سال ۷۰ به رم رسید بکار حکومت پرداخت تا اواسط تابستان‌که **وسپاسیان** وارد رم‌شد.

۶۹ ـ ۷۹ ـ تیتوس فلاویوس وسپاسیانوس (متولد سال ۹ میلادی)امپراطوروموسس‌سلسله **فلاویان** . وی فرزند یك مامور مالیاتی کوچکی بود در شهرداری **ریات** وسپاسیان نه تنها با مشکل برگرداندن قدرت امپراطوری بحال اول مواجه بود بلکه‌لازم‌بود خودرا بااسلاف‌اشرافی رومی خویش همپایه نماید.

مراسم گشایش کنسولی را درآغاز هرسال پس از سلطنت خود، تنها خودش وپسرش **تیتوس** انجام میدادند باستثنای سال‌های ۷۳و ۷۸ . قانونی درزمان وی گذشت که طبق آن مجموع قدرتها ومناصب ومقاماتی را کـه بامپراطورهای ما قبل او مفوض شده بودبدو واگذار شد . فهرست وقایع واقدامات مهم دوره سلطنت وی بشرح زیر است:

تجدید بنای کاپیتول (سال ۷۰ میلادی)ـبنای معبد صلح (۷۱ـ ۷۵) ـ بستن معبد جانوس (۷۱) ـ تخریب «خانه طلائی» و پارك‌های نرو دررم و آغاز بنای یك امفی تئاتر بسیاربزرگ عمومی بنام **کولوسیوم** بجای آن‌که ۷۸۰۰۰نفر تماشاچی را جای میداد وپسرش تیتـوس آن را بعدا بپایان رسانید . این ابنیه جدید برشکوه وجلال مادی سلسله جدید افزود.

دیگر آنکه در سنا تجدید سازمان داده و دستگاه سانسوری را در سـال ۷۳ احیا کرده به تیتوس سپرد . در ۷۴ به‌کلیه مردم اسپانیا حقوق مردم لاتن را اعطاکردـ درامور مالی تجدید سازمان داده و شدیدا آن را کنترل‌کرد.

۶۹ـ ۷۱ ـ نیروهای امدادی **باتاویائی** برهبری فرمانده بومی خود **ژولیوس سیویلیس** سربشورش برداشته لژیونهای مقیم آلمان نیز بکمك آن ها برخاستند ـ این واقعه باعث هیجان قبیله **تره وری** ازمردم**گالیك**که در تحت حکومت **ژولیوس کلاسیکوس و ژولیوس تیوتور** قرارداشتند وهمچنین قبیله **لینگونـز** که درتحت حکومت **ژولیوس سابینوس** قرار داشتند گردید .

هوردئونیـــوس فلاکوس در نووائسیوم (نئوس امروز)دررن سفلی بقتل رسید.

پتی‌لیوس‌سریالیس ازاختلاف‌بین‌گل ها بـا با تاوائیها استفاده‌کرده یا شش لژیون شورش را درهم شکست هدف این شورش در واقع تاسیس امپراطوری مستقل گالیك بود که در امپراطوری‌بعنوان‌تفکیك ملیت‌شکاف میانداخت. از آن پس استخدام و تشکیل نیروهای امدادی از مردم هرایالت یا کشور درهمان ایالت موقوف شد و واحدهای نظامی را ازآن پس از ملیت های مختلف ترکیب کردند . دراین زمان افراد جدید گارد امپراطوری تنها ازمردم ایتالی گرفته میشد ولی لژیونها از افراد خوش‌نشین و مستعمره نشین های رومی در ایالات یا ایالات رومی شده که بآنها امتیاز تابعیت داده شده بود گرفته میشد ، بدینطریق ارتش رومی کمتر جنبهٔ ایتالیائی داشته از لحاظ احساسات و تمایلات بیشتر جنبهٔ ایالتی داشتند . پس از وقوع شورش فوق‌الذکر وسپاهیان حداقل چهار لژیون راکه وفاداری نکرده بودند منحل کرد .

۷۰ ـ وسپاسیان لژیونهای باختری را از سوریه به دژهای علیای رود فرات (ساتالا ، ملی تن ، و ساموساتا) انتقال داده و عده‌ئی از بخشهای بومی نشین آسیا و سوریه را ضمیمه کرده ، کاپادوکیه را در راس حکومت امپراطوری گالاسیا قرارداد و بدینطریق مرز خاوری را دربرابر ارمنستان ودولت اشکانی (پارتیا) استحکام بخشید و راه را برای‌کشور گشائی و توسعه طلبی امپراطور تراژان درسی سال بعد بگشود .

۷۱ ـ تیتوس با آنکه سناتور بـود بـه فرماندهی گارد سلطنتی (پره‌فکت پرائه توریان) منصوب شد و همچنین مقام فرماندهی پرو کنسولی و قدرت تریبونی بدو محول گردید

ووسپاسیان صریحا اعلام‌کردکه‌ازاصل توراث سلطنت پیروی خواهد شد .

۷۳ — ۷۴ — وسپاسیان فتح اراضی خاور رن علیا و جنوب **ماین** را آغاز کرده ، درقوای دفاعی دانوب علیا و سفلی تجدید سازمان نمود.

۷۳ — وسپاسیان **هلویدیوس پریسکوس** (پسر خواندهٔ **تراسیا**) رهبر جمعیت رواقیون راکه با امپراطوری مخالف بودند و همچنین جانشین اورا ابتدا تبعید کرده و بعدا اعدام نمود و همچنین استادان فلسفه را شاید بسبب آنکه تعلیمات ایشان مشوق عدم وفاداری است تبعید کرد .

۷۷—۸۴ — فتح بریتانیا — ژولیوس‌اگریکولا (۴۰ — ۹۳) بعنوان حاکم امپراطوری دنبالهٔ فتوحات اسلاف خود **سریالیس** (۷۲ — ۷۴) را در **بریگانتس** در حدود **ایوراکوم** (یورك امروز) و فتوحات **فرونتی فوس** (۷۴ — ۷۷) را در **سیلورس** در **ویلز** پیش‌گرفت . درسال۸۳ دربرابر **کالدونیان‌ها** در **مونت گرائوپیوس** که نزدیك **ابردین** دراسکاتلند بوده است باموفقیت جنگید واین دور ترین نقطه‌ئی بودکه رومیان بدان رسیدند .

دومی‌سیان چون احتیاج به سپاه و نیرو برای جنگ آلمان داشت سال بعد اورا احضار کرد . باوجود شورشهائی که بعد در بریتانیا ضد رومیان بوقوع پیوست این سرزمین بسرعت رومی ماب گردیده رسوم رومی درآنجا معمول گردید .

۷۹ — ۸۱ تیتوس فلاویوس وسپاسیانوس (متولد ۳۹) پس‌از مرگ پدرش وسپاسین (۲۴ ژوئن) جانشین پدر شده مقام امپراطوری یافت ، تیتوس گرچه وجههٔ ملی داشت بجای توجه باداره امور اقتصادی امپراطوری نقش یك شاهزادهٔ محبوب و نازپرورده را بازی میکرد و بعیاشی میپرداخت .

— ولی افکار عامه اورا مجبور کردکه از رفیقه خود شاهزاده خانم یهودی موسوم به **برنیس** خواهر اگریپای دوم که سه مرتبه ازدواج کرده بود کناره‌گیری کند .

۷۹ — آتش فشانی کوه وزوویوس واقع درخلیج ناپل که دوشهر **پمپی وهرکولانیوم** را در زیر خاکستر داغ و مواد آتش فشانی دفن کرد .

۸۰ — آتش‌گیری بزرگ دیگری در شهر رم اتفاق افتاد — وهم دراین سال تیتوس امفی تئاتر عظیم کولیسیوم و چند حمام عمومی مجلل راکه پایان یافته بود بمردم رم اهدا کرد .

۸۱ — ۹۶ — فلاویوس دومیسیانوس (متولد ۶۵) پس‌از درگذشت برادر بزرگش تیتوس (۱۳ سپتامبر) جانشین وی گردید .

دومیسیان شاید بسبب احساس حقارت از هنگام تولد و ترجیح دادن برادرش بروی تندخو وبدگمان بارآمده بود وچون بسلطنت رسید احترامی بردیگران و بخصوص برای سنا قائل نبود . اما با وجود نفرت مردم از وی مدیر و ژنرال **لایقی** بوده قوانینی ضد فساد اخلاق‌وضع‌کرده حکام را نیزشدیدا کنترل‌نمود.

۸۳ — دومیسیان در **ماینز** از **رن** گذشته در برابر **چات‌تی** بجنگ برخاست . پیروزی وی به او فرصت داد تا ساختمان یك سلسله دژها را آغاز نماید که بوسیله یك جاده بیکدیگر ارتباط داشتند و بعدا با احداث خاك ریزها و باروهای محصور به نرده چوبی خواست از نفوذ و ورود تدریجی بربرها بسرزمین های **رومی** جلوگیری کند وهم‌اینکه این دژها بعنوان پایگاه هائی برای حمله یا دفاع بکار رود ولی البته این دژها نتوانست از هجوم کلی بربرها جلوگیری نماید . این نوع دیوارکشی بعدها در سراسر **رن** مرکزی و سپس از **ماینز** به دانوب علیا و شمال **رائسیا** امتداد داده شد .

۸۴ — دومیسیان بمدت ده سال بعنوان کنسول و بعنوان سانسور تمام مدت عمر انتخاب شد واز آن پس علنا مظاهر جمهوری (سنا و ماژیستراتها) را تحت‌الشعاع سلطنت و تابع امپراطوری قرار داد . وی یك سوم برحقوق سربازان و نظامیان افزود وبدینطریق وفاداری آنهارا تامین نمود و بوسیله اسراف درتظاهرات و نمایشها و ایجاد ساختمانها خود را مورد توجه عوام الناس و توده رم قرارداد. وی قانون خیانت را احیا کرده و جاسوسان و گزارش دهندگان را تشویق نمود . وی پس‌از شورش بیهودهٔ **ساتورنینوس** حاکم رومی‌آلمان علیا در ۸۸ سخت‌گیری شدید نسبت به مخالفین را آغاز کرده در ۸۹ فلاسفه را تبعید نمود و در ۹۳ **هون نیوس سنکیو ، ژونیوس آرولنوس روستی‌کوس و هلویدیوس پریسکوس** را اعدام کرد .

فلاویوس کلمنس اولین عموزاده دومیسیان باتهام کفروالحاد (مسیحی شدن ؟) اعدام شد ولی باحتمال قوی سبب اصلی این بود که از وی بعنوان یك رقیب احتمالی بیم داشت . دومیسیان علاوه بر ترویج آئین پدر و برادرش طبق سنت تقلیدی از کایوس وانتونی خودرا خدا و پروردگار خواند .

۸۵ — ۸۹ — درسال ۸۵ دومیسیان شخصا حملهٔ **داسیانها** را درسراسر دانوب **تاموئسیا** دفع کرد . درسال ۸۹ از **مارکومان‌نی و کوادی** که بوهیمیا واقع درباختر **داسیا** را تصرف کرده بودند شکست خورد و **لذا نتوانست** تمام سرزمین داسیا را متصرف شود . ناچار شد صلح تحقیرآمیزی با **دسه بالوس** پادشاه **داسیا** منعقد سازد . دسه بالوس در۹۲ **مارکومانی ، کوادی و ایازی‌گس** (سارماتی) را شکست داد و بدینطریق اوضاع دانوب سفلی همچنان خطرناك باقی ماند .

۸۸— برائر شورش **ساتورنینوس** دومیسیان دیگراجازه نداد بیش‌ازیك لژیون درهراردوگاه نگاهداری شود تا بدینطریق از ازدیاد قدرت فرمانده هراردوگاه جلوگیری کرده باشد . از آن پس هر لژیون بطور ثابت دریك اردوگاه جداگانه مستقر شده و تجهیزات کافی آنطور که در زمان اگوست معمول بود باختیار آنها گذاشته نشد .

۹۶ — ترور دومیسیان (۱۸ سپتامبر) بر اثر یك توطئه در درون قصر امپراطوری . بلافاصله مجلس سنا حکم کرد که نام وی از تمام سنگ نبشته های ابنیه عمومی حك شود و کلیه مقررات و قوانین وی را نسخ وابطال نمود و بدینطریق سلطنت **سلسلهٔ فلاویان** پایان یافت .

از آنجا که توطئه کنندگان قتل دومیسیان **ازطریق** خردمندی پیش‌بینی‌کرده‌کاندیدائی‌را که مورد قبول سنا برای جانشینی باشد درنظر گرفته بودند ، سپاهیان آرام مانده و **نروا** که از سناتورهای پیر و ممتاز بود بدون اشکال بمقام امپراطوری نائل گردید و این آخرین مجاهده عناصر جمهوریخواه قدیمی بود در شرکت درامر حکومت . دراین هنگام خانواده های اشرافی‌قدیم بسبب تعقیبات وخودکشی‌ها فاقد مردان مدعی حکومت شده‌بودند وجای آنها را یك طبقه از خانواده های اشرافی شهر های ایتالی‌باولایات‌گرفته اعضاء این‌خانواده‌ها بوسیله سازمان امپراطوری **بدرجهٔ سناتوری** رسیده بودند . باوجود علاقهٔ احساساتی نسبت بحفظ سنت‌ها و ظواهر جمهوری باستانی ، نسل جدید تایید کردکه امپراطور آقا وبزرگ است نه آنطور که اگوست آنرا معنی کرده و امپراطور را خادم سنا خوانده بلکه طبعا فرمانرواست .

۹۶—۹۸—امپراطور مارکوس‌کوك سلوس‌نروا (متولد ۳۵) وی ناگزیر شد تقاضای ارتش را برای احراز آنکه ارتش هم باید در کار حکومت نظر داشته باشد پذیرفته درسال ۹۷ **تراژان** راکه ژنرالی موفق بود بسمت جانشین خودمعرفی‌کند . چون نروا وسه نفر جانشینان پس‌از وی هیچ یك فرزند ذکور نداشتند اصل پذیرش برای جانشینی براصل **توارث** تفوق یافت و بدینطریق پنج زمامدار لایق که به « **پنج امپراطور نیکو** » مشهورگشتند یکی‌از پی دیگری سلطنت کردند بشرح زیر : **نروا** ، **تراژان** ، **هادریان** ، **انتونیوس پیوس** ، و **مارکوس اورلیوس** (مارك اورل) .

دوکار برجستهٔ نروا یکی انتقال هزینه پستی دولتی از شهرها به خزانه امپراطوری بود تا تحمیلی به شهرها نشده باشد و دیگرتکمیل وقفیات خصوصی بود با افزایش کمك مالی از طرف دولت برای پرورش یتیمان که بعدا تراژان نیز بوسیله وضع بهره بر قرضه‌های ثابت به کشاورزان کوچك آنرا کامل‌تر نمود . این هردو اصلاح حاکی از ورشکست تدریجی اقتصادیات محلی و سیستم شهرداریها بود.

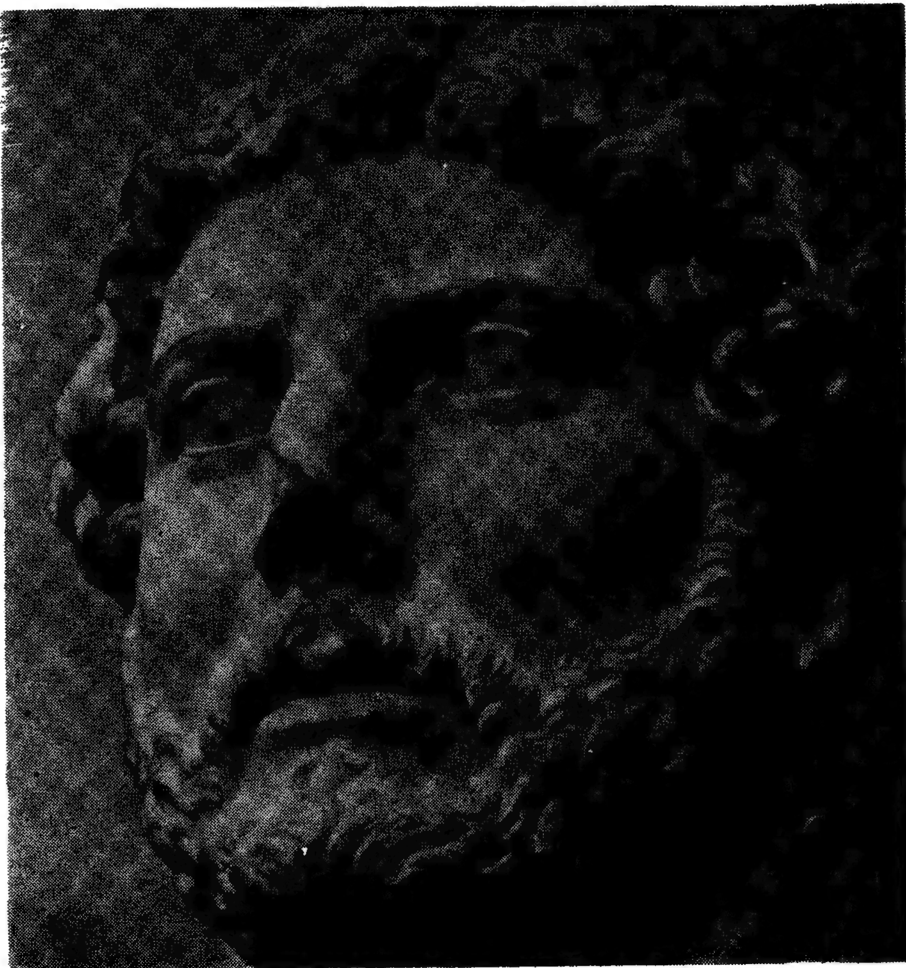
در زمان وی در قانون کشاورزی نیز اصلاحاتی بعمل آمد نروا در ۲۵ ژانویه ۹۸ درگذشت .

۹۸ — ۱۱۷ — امپراطور مارکوس اولپیوس ترایانوس معروف به **تراژان** (متولد ۵۲) در هنگام درگذشت نروا ، تراژان بفرماندهی سپاه درآلمان سفلی بسر میبرد معهذا بدون اشکال در رم بعنوان امپراطور پذیرفته شد . وی اولین امپراطوری بودکه از ایالات انتخاب شد (متولد نزدیك سویل) وتا سال ۹۹ شهر رم را ندیده بود .

در بخشی ازمرزهای **رن** تراژان ایجاد خاك ریز و نرده را که دومیسیان آغاز کرده بود ادامه داد .

دیوار بزرگ وبرج کویی‌کو





هادریان

۱۰۱ ـ ۱۰۷ ـ در دو جنگ دوسیان (۱۰۱ـ ۱۰۲ و ۱۰۵ ـ ۱۰۷) که کرونولوژی دقیق آن‌مشخص‌نیست تراژان‌ابتدا حدوداامپراطوری را از حدودیکه اوگوست معین کرده بود توسعه داد .

پس از درگذشت **دسه بالوس** ، داسیای شمال دانوب مبدل به یك ایالت رومی شد . تراژان ابنیه و طاق‌ها و عمارات زیبای‌بسیار درسراسر امپراطوری بنا نهاد .

۱۱۱ ـ ۱۱۲ ـ پلینی کوچك ازطرف تراژان بعنوان نماینده مخصوص باقدرت پروکنسولی برای تجدید سازمان ایالت سناتوری **بی‌تی‌نیا** اعزام شد و این کار حاکی از توسعه وازدیاد ورشکستگی شهرداریها بخصوص در یونان خاوری بود که مداخله امپراطور را لازم کرد . امپراطور به اعزام نماینده به ایالات سناتوری اکتفا نکرده مامورین خاصی را برای نظارت به شهرها فرستاد .

زیادروی‌درهزینه‌ها وافزایش‌مخارج ادارهٔ امور شهری وامپراطوری درشهرها باعث ایجاد بحران مالی شده در خلال قرن سوم سراسر امپراطوری گرفتار این بحران گردید .

از جملهٔ علائم کسادی و خرابی اوضاع مالی دراین سالها توسعهٔ سیستم تقسیم مواد غذائی ودیگر سوزانیدن سوابق وارشیو مالیاتهای پرداخت نشده بود در میدان **فوروم** .

پلینی در حوزهٔ حکومت خود در بسیاری از مسائل عیناً مانند تراژان و مطابق میل ودستور او عمل میکرد که از آنجمله بود مدارا ورفتار ملایم با مسیحیان .

۱۱۳ ـ ۱۱۷ ـ جنگ با اشکانیان : خسرو پادشاه اشکانی برخلاف شرایط صلح با نرو خود شخصی را بسمت‌حاکم ارمنستان منصوب کرد و تراژان براثـر این اقدام به وی اعلان جنگ داد . در ۱۱٤ پس‌از درگذشت حاکم دست نشاندهٔ اشکانی در ارمنستان ، تراژان آنرا بروم ملحق ساخت و در هنگام پیشروی خود در ۱۱۵ ایالتی بنام مسوپوتامیا (بین ـ النهرین)ودر۱۱٦ ایالتی‌بنام سوریه‌تشکیل‌داده رود دجله را مرز خاوری امپراطوری تعیین کرد . سپس بسبب بسط شورش یهود وشورش درمناطقی‌که تازه آنهارا فتح کرده‌بود ناگزیر شد از سواحل خلیج فارس مراجعت کند . وی هردو شورش را با سر کوبی شورشیان فرونشاند . در ۱۱۷ از شهر بیابانی **هانزا** عقب رانده شد و در **سیلی‌نوس در سیلیکیا** (۲۲ ژوئن یا ۹ ژوئیه) پس از پذیرش **هادریان** وصی وعموزادهٔ خود در بستر مرگ بسمـت جانشین درگذشت (بعضی معتقدند که زوجهٔ وی **پلوتینا** این پذیرش‌را ساخته‌است) هادریان درآن هنگام نمایندهٔ امپراطور در سوریه بود. فتوحات طراژان اگر چه تشعشعی داشت اما ارزشی نداشت زیرا پایه وبنیانی برای ثبات ودوام نداشت بعلاوه بسبب ایجاد هزینه‌های گزاف نظامی ورشکست و پریشانی اوضـاع اقتصادی امپراطوری را تسریع کرد .

۱۱۷ ـ ۱۳۸ ـ امپراور پوبلیوس ائه‌لیوس هادریانوس (متولد ۷۵) وی در ۱۱ اوت از طرف سنا بسمت امپراطور شناخته شد . و بفوریت ایالات جدیدالتاسیس اطراف فرات را ترك گفت . وی فاقد جاه طلبی نظامی بود و شاید همین نکته سببه شد که یك توطئه جدی در سال ۱۱۸ از طرف چهار ژنرال صاحب رتبهٔ کنسولی ضد او فراهم گردید این چهار ژنرال‌راسنامحکوم واعدام‌کرد. سپس هادریان سوگندی یاد کرد که نشانی از حکومت‌مشروطه و قانون بود وی سوگند یاد کرد که هیچ سناتوری را بدون محاکمه بوسیلهٔ اعضای مجلس سنا (پیرها) اعدام نکند . وی اکستریان هارا در پست های مهم دبیر خانه امپراطوری گماشت وی بیشتر اوقات سلطنت خود را (۱۲۱ ـ ۱۲٦ و ۱۲۹ ـ ۱۳٤) صرف مسافرت در ایالات کرده وابنیهٔ بسیار درولایات احداث نمود . وی بخصوص به شهرهای یونانی و بالاخص به آتن علاقه نشان داد . در بریتانیا (۱۲۲ ـ ۱۲۷) یك سلسله راه با خندق ودیوار های سنگی از **تاین** تا **سولوی** بنا نهاد که مرز ایالت رومی بـریتانیا و بخش فتح نشده **کالدونیـا** قرار گرفت . در **تومیدیا** ساختمان اردوگاه بزرگ و ثابت لژیون سوم اگوست را در **لامباسیس** بپایان رسانید .

در کار جمع آوری مالیات اصلاحاتی بعمل آورد با اینحال مشکلات اقتصادی همچنان ادامه یافت . از جمله مشکلات دوره سلطنت هادریان مسئله‌اراضی زراعتی‌بود که کشاورزان آن پیشهٔ کشاورزی را بواسطه آنکه عایدی نمیآورد و هـم بسبب تعدی مستاجـرین تـرك گفته و فـرار کـرده بـودنـد بخصوص در امـلاك خـالصه امپـراطوری در آفریقاکه غالبا مستاجرین بردگان رابکار گماشته‌بودند. مستاجرین‌درکلیه املاك دولتی و خصوصی مال‌الاجاره را بالا برده و مالیات سنگین بسته کار اجباری از کشاورزان گرفته وتعدی میکردند و این شیوه بیش از پیش باعث خرابی و ویرانی املاك شده بود .

۱۳۱ ـ سالویوس ژولیانوس حقوقدان بدستور هادریان مقررات مربوط بقدرت و حدود اختیارات پراتورها و مجلس سنا و تریبونهاراجمع‌آوری وبصورت مجموعه‌قوانین (کد) درآورده فرمانی‌درتائیدآن‌ازطرف‌امپراطور صادر شد و طبق این مجموعه (کد) تنها منبع قانون **فرامین امپراطور** شناخته شد . از آن پس امپراطور ژوریست های برجسته را به شورای مشاورین خود دعوت کرد واین کار در پرورش وتکامل قوانین بسیار موثر واقع شد.

۱۳۲ ـ ۱۳۵ ـ شورش **یهود :** یهودیان‌کشور یهودا براثر تاسیس یك مستعمرهٔ رومـی ـ **(ائلیاکاپیتولینا)** در اورشلیم و بنای معبدی بنام **ژوپیترکاپیتولینوس** درمحل معبدیهودیان برآشفته برهبری **الیازار** پیشوای روحـانی و **سیمون بار ـ کوشبای** متعصب بشـورش برخاستند . شورش از طرف رومیان فرو نشانده شد اما سرزمین یهودا واورشلیم از جمعیت یهود خالی شد واز آن پس یهودیان تنها سالی یکبار میتوانستند به اورشلیم وارد شوند .

سلب ملیت از قوم یهود که از طرف و سپاسیان آغاز شده بود دراین هنگام بحدکمال رسید واز همان زمان تا سال ۱۹۱۹ یهودیان در تمام اطراف واکناف عالم پراکنده ومتواری گردیده وبطور کلی مورد تحقیر واقع شدند و تنها وحدت نژادی و مذهبی خودرا حفظ کردند .

۱۳۸ ـ پس از درگذشت **لوسیوس ـ سیوتیوس کومودوس** که هادریان اورا بسمت جانشین خود برگزیده بود (اول ژانویه) **تیتوس اورلیوس فولویوس بولونیوس آرریوس انتونینوس** را (در ۲۵ فوریه) بسمت جانشین خود پذیرفته تمام قدرتهای امپراطوری را بدو مفوض کرد وبنام **تیتوس ائه‌لیوس انتونینوس** نامیده شد و بنوبت خود پسر جوان **کومودوس** موسوم به **ائه‌لیوس اورلیوس کومودوس** را (که بعدها **لوسیوس اورلیوس وروس** نامیده‌شد) ونیز برادرزادهٔ خود **مارکوس آن‌نیوس وروس** را که بنام **مارکوس اورانیوس انتونینوس** (مارك اورل) خوانده شد جانشین خود نمود ، **هادریان** در ۱۰ ژوئیه درگذشت .

۱۳۸ ـ ۱۶۱ ـ امپراطور میتوس اورلیوس انتونینوس پیوس (متولد ۸۶) وی از عدم محبوبیت هادریان در سنا عبرت گرفته تمام مدت سلطنت خودرا در رم مستقر بود . وی موفق گشت از مجلس سنائی که دشمن هادریان بود فرمان تائید شناختن مقام خدائی هادریان را بدست آورد و بسبب همین اصرار در وفاداری نسبت به هادریان به لقب پیوس‌ملقب شد که بزبان لاتن بمعنی پرهیز کار و دیندار و عادل است :

۱۴۲ ـ ۱۴۳ ـ کوئینتوس لوللیوس ـ اوربیکوس حاکم رومی بریتانیا شورش‌بریگانت ها را در **یورك شیر** فرو نشانید ودر کنار خط قلاع رومی که **اگریکولا** از **فورت** تا **کلید** ساخته بود يك دیوار گلی در شمال دیوار هادریان بنا نمود .

۱۴۷ ـ به **مارکوس اورلیوس** که با **فائوستینا** دختر انتونینوس زناشوئی‌کرده‌بود قدرت امپراطوری مفوض گردید و بدینطریق انتونینوس **وروس** را که جوان‌تر بود ولی لیاقت سلطنت نداشت کنار گذاشت .

۱۵۵ ـ جنگ مختصری بین رومیان و **بلاش** پادشاه اشکانی در گرفت و به صلح موقتی پایان یافت .

۱۶۱ ـ ۱۸۰ امپراطور **مارکوس اورلیوس انتونینوس** (متولد ۱۲۱) (مارك اورل) پس از مرگ انتونینوس **در۷** مارس‌بسلطنت رسید. چون نسبت به امیال هادریان وفادار بود **لوسیوس اورلیوس وروس** (متولد ۱۳۰) را از تمام جهات بطورمساوی در کلیهٔ قدرتهای امپراطوری باخود شریك ساخت . این اولین مرتبه بود در تاریخ که دو پادشاه در اقلیمی گنجیده ودو نفر در مقام امپراطوری از هر حیث همدوش بوده و همکاری کردند باستثنای مقام ریاست روحانی (پونتیف بزرگ) که دیگری در آن شرکت نداشت تا زمان **پوپینیوس و بالبینوس** .

پیروزی فلسفهٔ رواقیون ـ سلطنت مارکوس معرف پیروزی **فلسفه رواقیون** ـ (استائیکیسم) است ؛ طبق این فلسفه ، امپراطور از **لحاظ سیاسی** بمنزلةالمثنای مثل رهبر عالم بوده وناگزیر بود که برای خیر رعایایش حکومت کند . **از لحاظ قانون وحقوق** آئین برادری جهانی انسان برحدود و مسائل شهر یا محل تفوق داشته روحیهٔ بشریت و بشر دوستی‌را مورد تاکیدقرار میداد بخصوص نسبت بوضع قوانین مربوط به طرز سلوك با بردگان وزنان توجه‌داشت . **ازلحاظ اجتماعی** اریستوکراسی شهری وایالتی تازه کرسی های سنارا از راه خدمت بامپراطور پرکرده جای اشراف قدیم رومی راگرفت و کاملا نسبت بامپراطور وفادار گردید . **ازلحاظ اقتصادی** امپراطوری تقریبا بحال وحدت درآمده ایتالی از تفوق اقتصادی خود نسبت بایالات صرف نظر کرده تسلیم جریان شد وبدینطریق ولایات رو بآبادی گذاشت بعلاوه ایتالی موقعیت و اهمیت سیاسی سابق خودرا نسبت بایالات از کف داد . امپراطور هادریان چهار قاضی برای رم تعیین کردکه انتونینوس بعدا آنرا ملغی کرده ومارکوس دوباره آنرا احیا نمود .

۱۶۲ ـ ۱۶۵ ـ وروس از طرف مارکوس بفرماندهی قوای خاور منصوب شده بجنگ با اشکانیان مامور گشت وازاین زمان مقدمات تجزیهٔ امپراطوری فراهم‌گردید . اگرچه وروس وقت خودرا بیهوده در انطاکیه به لهو ولعب گذرانید ولی ژنرالهای وی **ارتاکساتا ، سلوکیه** و **تیسفون** را تصرف کرده و يك حاکم دست نشانده رومی را برتخت سلطنت ارمنستان نشانیده وبین‌النهرین را مبدل بیك ایالت رومی کردند .

۱۶۶ ـ ۱۶۷ ـ سپاهیان وروس بیماری خطرناك طاعون را از خاور بباختر آوردند که سبب نقصان کلی در جمعیت امپراطوری گردید

۱۶۶ ـ ۱۷۵ ـ گروه‌های قبایل **مارکومان‌نی** مقیم بوهیمیاو سایر طوایفی که‌با آنها قرابت داشتند از دانوب علیا گذشتند . مارکوس دو پسر جوان خود **لوسیوس ائلیوس اورلیوس ـ کومودوس** ودیگر **ماریوس آن‌نیوس وروس** را مقام‌سزاری (قیصری) داده‌و خود اوباهمکارش وروس بفوریت عازم شمال گردید ، وروس در ۱۶۹ درگذشت . درست در همان هنگامیکه مارکوس‌با **مارکومانی** کنارآمده وباکوچ‌دادن عده زیادی از آنها برای تصرف مناطقی از امپراطوری که بسبب طاعون خالی از جمعیت شده بود مسابقهٔ تاریخی فوق‌العاده مهمی را ایجاد نمود ، **سارماتیانها** مرزهای دانوب سفلی را مورد حمله قرار دادند .

۱۷۵ ـ آویدیوس کاسیوس ازجملهٔ ژنرال های ممتاز رومی و حاکم سوریه شاید بسبب شنیدن خبر دروغ درگذشت مارکوس بشورش برخاست . اگر چه شورش وی پیش از آنکه مارکوس به خاور برسد درهم شکست ولی مانع حل نهائی جنگ سارماتیان گردید .

۱۷۷ ـ کومودوس پسر بزرگتر مارکوس که بعدها اگوست نامیده شد از طرف پدر بمقام امپراطوری معرفی شده ومتساویا باپدر شرکت در سلطنت کرد . پسر جوان تر مارکوس در ۱۶۹ درگذشت .

گویند مارکوس **فرمان شدیدی بر ضد** مسیحیان صادر کرد . در هرحال با مسیحیان در این زمان بد رفتاری شده و باتهام حادثه جوئی و مزاحمت بوسیله پیشگوئی از حوادث سوء و وفادار نبودن نسبت بدولت وسوگند یاد نکردن نسبت بامپراطور یا تقدیم نکردن بخور به مجسمه های امپراطور یا خدمت‌نکردن در ارتش مورد تعقیب شدید واقع میگشتند .

۱۷۸ ـ ۱۸۰ مارکومانی باردیگر بجنگ برخاست در نتیجه مارکوس وکومودوس ناچار حرکت بطرف دانوب شدند . تاریخچه این‌جنگ برستونی درشهر رم نقش شده‌است . مارکوس در ۱۷ مارس ۱۸۰ در **ویندوبونا** (وینهٔ امروز) درگذشت .

۱۸۰ ـ ۱۹۲ ـ امپراطور **مارکوس اورلیوس کومودوس‌انتونینوس** (متولد۱۶۱) فرزندمارکوس اولین امپراطوری بود که از زمان دومیسیان تا این زمان بعنوان وارث سلطنت برتخت نشست نه بعنوان برگزیدگی یا پذیرش امپراطور ماقبل باسنا . وی‌با مارکومانی پیمان صلحی‌منعقد کرد که اگرچه موقتا سودمندبود ولی امپراطور محبوبیت خودرا در نزد ارتش بسبب این صلح از کف داد . وی به رم برگشته به **عیاشی** پرداخت . سررشتهٔ امور حکومت ابتدا در دست **پرفکت لایقی** بود بنام **پرن نیس** ولی در ۱۸۵ بخواهش نمایندگان سربازان یاغی که از بریتانیا آمده بودند کمودوس اورا بدون مجوز اعدام‌کرد و يك نظامی روزمزدکه از جملهٔ آزاد شدگان و **به‌کلیاندر** موسوم بود جانشین وی شد واو نیز بنوبت خود در سال ۱۸۹ بعلت اینکه مردم عوام اورا مسئول کمبود غله‌دانسته بودند بدست مردم سپرده شده اورا کشتند .

کمودوس براثر يك توطئه که در سال ۱۸۲ ضد وی اتفاق افتاد با سنا کج افتاده مبدل به يك مستبد افراطی‌گردید . وی‌خودرا هرکول خوانده و پولهائی را که از خزانه ویا بوسیلهٔ توقیف اموال طرفداران خود (پر توریانها که حقوقشان را يك چهارم افزایش داده بود) و یا شکار درندگان که خود درآن شرکت میکرد بدست میآورد باسراف خرج مینمود .

قتل کومودوس وپایان سلسلهٔ انتونین ـ در ۳۱ دسامبر ۱۹۲ **مارسیا** زن صیغه‌او باتفاق **اکلکتوس** پیشکار وفراش خلوت او و **لائه‌توس** پرفکت پرتوری يك نفر کشتی گیر موسوم به **نارسی‌سوس** را مامورکردند و کومودوس را خفه کرد و بدینطریق **سلسلهٔ انتونین** هم به پایان رسید .

تمدن و فرهنگ رومی در دورهٔ اول امپراطوری

خلاصه سیر تمدن در دوره اول امپراطوری روم

اصول عقیده سیاسی : ازلحاظ سیاسی دراین دوره **پرینسیپها یا** عمال‌سنای‌دوره جمهوری ومردم روم مبدل‌گشتند به يك پادشاه‌استائیك (مورد توجه فلسفه رواقی) بعنوان رئیس دولتی که مفروض یا آرزوچنان بودکه تمام مردان نیك درآن دولت درراه خیر وسعادت ورفاه عامه بایکدیگر همکاری نمایند.

اداره‌امورودولت : دراین‌دوره‌ماژیستراتهای دوره جمهوری و ارگانهای آن‌ها تابع اراده امپراطور گشتند . دبیرخانه امپراطوری‌وحوزه

خدمات کشوری (استخدام دولتی) بسیار توسعه یافت.

اجتماعی: دراین دوره یك طبقه اشراف یا آریستوکراسی‌تازه از طبقات بهتر درسراسر امپراطوری بوجود آمده جای اشراف‌آشتی‌ناپذیر دوره جمهوری را گرفتند واگرچه این اشراف تازه هنوز احساسات جمهوری خواهی داشتند ولی امپراطور راهم بشرط آن که مرد نیکی باشد قبول داشتند.

اقتصادی: دراین دوره‌سیستم شهرداریهای قدیم درهم شکست ودرنتیجه آن مباهات و غرور محلی دوره جمهوری از میان‌رفت وامپراطوری رو بوحدت گرائید. مشکلات‌و وظائف وتکالیف حکومت فزون گشت وبار حکومت بسیار سنگین ترشد.

نظامی: برفشار نظامی دردو جبهه‌مرزهای خاوری و شمالی در یك زمان بمقدار هنگفت افزوده شده و صورت دائمی پیدا کرد.

دولت روم درواقع همیشه دراین دو جبهه یا مشغول جنگ بود ویا آماده جنگ بود (درجبهه خاور با ایرانیان و درجبهه شمال با آلمانها و سکنه اطراف دانوب).

ادبیات: ادبیات دوره اول امپراطوری‌بدو عصر تقسیم می‌شود **عصر اگوست** که با عصر ما قبل آن موسوم به**عصرسیسرو** جمعا **عصر طلائی** ادبیات روم را تشکیل میدهد وازسال ۱۴ میلادی تا اواخر قرن دوم راکه دوره سلطنت **ژولیو- کلائودیانها**، **فلاویانها**، **وانتونین هاست عصر نقره‌ئی** خوانند که‌تالی عصر طلائی و دارای ارزش کمتری است«در زمان اگوست ادبا وشعرای درجه اول بدور دوست اگوست **مائه‌سناس** گرد آمدند وعبارت بودند از:

(۱) پوبلیوس ورجیلیوس مارو یاویرژیل (۷۰ – ۱۹ قم)
نویسنده **بوکولیکس**، **گئورگیکس**، **وآئه‌نید.**

(۲)کوئینتوس هوراسیوس فلاکوس یا **هوراس** (۶۵ – ۸ ق م) صاحب غزلیات، قصائد، اشعار هجائی و رسالات.

(۳) آلبیوس تیبولوس (۵۴– ۱۹ قم).

(٤) سکستوس پروپرسیوس (۵۰ – ۱۵قم) صاحب قصاید عاشقانه.

(۵) پوبلیوس اوویدیوس‌ناسویا اووید(۴۳قم–۱۷ بم)صاحب‌اشعارعاشقانه‌موسوم به**آموروس**، **هروئیدس**، **آرس‌آماتوریا** وغیره ودیگر ازآثار وی **متامورفوزس**، **فاستی**، تریستیا، نامه‌های **پونتوس وغیره**.

(۶) **تیتوس لیویوس** یا **لیوی** (۵۹قم–۱۷ بم) نویسنده تاریخ رم.

تعداد نویسندگان وشعرای عصر نقره‌ئی زیاد است والبته دراهمیت بپای نویسندگان و شعرای **عصر طلائی نمیرسند**. **اسامی** برجسته ترین آنها بشرح زیر است:

(۱) **آئولوس پرسیوس فلاکوس** (۳٤– ۶۲ میلادی).

(۲) **دسیموس ایونیوس ژووناليس** (۵۵–۱۳۸) نویسنده هجویات.

(۳) **مارکوس والریوس مارسیالیس** (۴۰–۱۰۴) نویسنده لطایف استهزائی.

(٤) **لوسیوس انئائیوس سنکا** فیلسوف(۱–۶۵) فرزند **سنکا** استاد معانی بیان (۵۵ قم–۴۰ بم).

(۵) **مارکوس آننائیوس لوکانوس** (۳۹–۶۵) برادر زاده سنکا و صاحب اشعار حماسی ورزمی.

(۶) **مارکوس فابیوس کوانتی لیانوس** (۳۵–۱۰۰) معلم معانی بیان ومولف **اینستی توتیو اورا توریا**.

(۷) **گایوس پترونیوس آربیتر** (فوت ۶۶) دوست اپیکوری نرو نویسنده **ساتیریکون**که داستانی بدیع است.

(۸) **پوبـلیوس کورنلیوس تاسیتوس**(۵۵–۱۱۸) نویسنده مکالمات درسخن رانی، شرح زندگی پدر زنش **اگریکولا**، ژرمانیا، سالنامه، و تواریخ.

(۹) **گایوس پلینیوس کاسیلیوس‌سکوندوس** (۶۱– ۱۱۳) که نامه های او محفوظ مانده است.

(۱۰)گایوس پلینیوس سکوندوس (۲۳–۷۹) عموی کاسیلیوس (شماره ۹ بالا) که مردی دانشمند ومتبحربوده وتاریخ طبیعی‌نگاشته. وی درآتش فشانی‌کوه وزوودرگذشت.

(۱۱) **گایوس سوتونیوس ترانکیلوس** (۷۰–۱۲۱) بیوگراف نویس ونویسنده «زندگی ۱۲ قیصر» که حاوی شرح حال قیاصره روم است ازسزار تا دومیسیان. وی به‌یك حوزه ادبی تعلق داشت که درسلطنت تراژان قوت گرفت.

درزمان هادریان علاقه به زبان لاتن وادبیات ماقبل دوره سیسرو تجدید گردید. درزمان انتونین‌ها یك سبك مبالغه آمیز ولفظ قلم در نویسندگی بنام مکتب نویسندگان افریقائی بوجود آمد. نماینده برجسته این مکتب **لوسیوس آپولیوس** (۱۲۴ – ؟)است‌که کتاب **متامورفوزس** (مسخ) وی وسایرتحریراتش مذاهب رمزی وسری وفیثاغورثی جدید را توجیه کرده.

بعضی از امپراطور های این دو قرن نیز اهل قلم بودند. غیر از فرامین‌امپراطورها آنچه از تحریرات ایشان باقی مانده یکی مختصری اززندگی اگوست بقلم خوداوست‌که در سنگ نبشته‌ها در **آنسیرا** یا **انکیرا** (انکارا) باقی مانده و دیگر بعضی از نطقها و نامه های **کلائودیوس** هم در سنگ نبشته ها وهم برکاغذ **پاپیروس** باقی‌مانده ودیگرکتاب **«اندیشه‌ها»** بزبان یونانی بقلم مارکوس اورلیوس (این‌کتاب بزبان فارسی سلیس درزمان ناصرالدین شاه ترجمه و دراستانبول بنام پندنامهٔ مارکوس بچاپ رسیده وچاپ دوم آن اخیرا در تهران انجام شده است).

در این دوره فلسفه رواقیون (استائیك) برسایر فلسفه‌ها تفوق داشته نماینده برجستهٔ آن **سنکا** (۱–۶۵) از سیاستمداران معروف روم است و دیگر **اپیك تتوس** (۶۰–۱۴۰) که ابتدا در زمرهٔ بردگان بوده، و دیگر امپراطور **مارك اورل** است، اما این فلسفه ناگزیر بود با تمایلات پنهانی و اسرارآمیز که بعنوان ستاره شناسی (آسترولوژی: – یعنی پیشگوئی آینده و وقایع و حوادث از روی ستارگان) و در صورت مذاهب خاوری از قبیل **ایزیس** مصری یا **میترای** ایرانی و **عیسی مسیح** یهودی به روم آمده و همچنین فلسفه اسرارآمیر فیثاغورث یونانی مبارزه و رقابت کند. **مسیحیت** ابتدا بعنوان یك فرقه کیش یهودی آغاز گردید ولی بعدا بوسیلهٔ یکی از معتقدین پرحرارت موسوم به پول توسعه یافته هم دارای **سازمان** و هم صاحب **ادبیات** مخصوص بخود گردید.

سازمان مسیحیت عبارت‌بود ازکلیساهای مستقل که در تحت نظر هیئت پیران (ریش سفیدان) موسوم به **پرسبی‌ترها** اداره میشد و از میان ایشان یکنفر که برجسته‌تر از همه بود اسقف (**اپیس‌کوپس** بمعنی ناظر) خوانده میشد. کلیساهائی که بنیان و اساس خود را منتسب به اصحاب بلافصل مسیح موسوم به **حواریون (اپوستل‌ها)** میدانستند ویادرشهرهای بزرگ بوجود آمده بودند سایر کلیسا های کوچکتر و کم اهمیت‌تر و اسقف های آنها را تحت‌الشعاع قرارداده بخصوص درباختردنیای مسیحیت قدیم اسقف رم در اختلافات مذهبی مرجع شناخته شده و مقامی بزرگتر یافت. کیشهائی که‌کفر وشرك خوانده میشده و دراین دوره ظاهر شد عبارت بود از **گنوستی کیسم** و دیگر **مونتانیسم** که در حدود سال ۱۵۰ ظاهر گردید.

ادبیات مسیحی با**انجیل**وتحریرات حواریون (اپوستولیك) یا حواریون نما آغاز گردید. شهدای اولیهٔ مسیحی مانند **ایگناسیوس از انطاکیه** (درگذشت ۱۱۷ ؟) و **پولیکارپ** ازازمیر (درگذشت ۱۵۵ ؟) و اسقف یونانی **ایرائیوس** از لیونس(۱۳۰–۲۰۰)که عقاید **ترانسندنتالیزم** (نوعی فلسفهٔ روحی ابهامی) گنوستیك ها را کفر امیر شناخته و بدان حمله کرده است تحریرات زیادی درباره مسیحیت دارند. اما دشمنی روزافزون عامه مردم و حکومت با مسیحیت سبب شد که تحریراتی در دفاع از مسیحیت بنام اپولوژتیك بوجود آید که ازاین قبیل است تحریرات **ژوستین مارتیر** (۱۵۳ ؟) و دیگران.

هنر رومی

هنر رومی در دورهٔ اگوست نیز مانند ادبیات آن دوره تلفیق وترکیبی بود ازرئالیسم بومی رومی و ایدآلیسم یونانی که بهترین نمونه آن در **مجسمهٔ اگوست (اراپاسیس)** دیده میشود. هنر دورهٔ ژولیو–کلائودیان تقلیدی **از همان سبك** است اما بدان پایه از عظمت هنر دورهٔ اگوست نرسید، در زمان فلاویانها نوعی سنگینی و ماتریالیسم که از خصائص آن دوره بود ظهور کرد اما دونوع صنعت **حجاری و حکاکی برسنگ تکمیل شد** یکی **ایلوزیونیسم** که کوشش داشت فضا را مجسم **کند و** نمونه آن **برصفحات رواق تیتوس** دیده میشود و دیگر سبکی بود که بدانوسیله یك سلسلهٔ وقایع متوالی را بترتیب وقوع و بدون انقطاع رشتهٔ آن نشان میداد که نمونه آن برستون تراژان دیده میشود. سلطنت هادریان شاهد احیای علاقه به استنساخ و تقلید هنر باستانی یونان است. در دورهٔ انتونین ها نوعی خامی در هنر بوجود آمده که برستون یادبود مارکوس دیده میشود ولی در حجاری برسنگهای رواق وی دیده نمیشود. اشاره‌ئی

سد گارد که بوسیله آگریپا داماد و مشاور اوگوست ساخته‌شده شاهکاری‌است‌ازمعماری رومی



نیز باید به رسم **نقاشی بردیوار** بنمائیم که درتمام ادوار بالا از قرن دوم ق م گرفته تا ۷۹ ب م معمول گشت و نمونهٔ آن در اطاقهای منازل شهر پمپی در زیر خاکستر آتش فشان محفوظ مانده و امروزکشف‌گردیده . وهمچنین سفال کاری برنگ قرمز که برآن نقوش برجسته دیده میشود و به سفال **(آرتین)** معروف است و از طرز سفال‌کاری یونانی موسوم به **سامیان** اقتباس گردیده و ابتدا در شهر **ارتیوم** (ارززوی امروز) در ایتالی ساخته شده و سپس ساختن آن به نقاط دیگر در کشور گل و حتی در بریتانیا سرایت کرد.

معماری

نمونه عظمت و شکوه معماری عصر اگوس
در ایوان **پانتئون** در رم یا **مزون‌کارره** درنی
دیده میشود و پس از آن هنر معماری
سنگینی گرائیده نمونهٔ آن در معبد ونوس
رم و درکولیسیوم دیده میشود . ولی مهندس
رومی در تمام ادوار بناهای اساسی و سود
را بنیان گذاشتند از قبیل مجاری آب
نهرها ، تئاترها ، سیرکها ، حمام ها ، بنا
راهها و غیره .

(۲) روم در قرن سوم میلادی

۱۹۲ ــ ۲۸٤ (دورهٔ دوم امپراطوری)

مقدمه ــ از خصائص عمدهٔ قرن سوم امپراطوری روم سقوط کامل حکومتهای حوزه مدیترانه و درهم شکستن امور اقتصادی آنهاست ــ پس از درگذشت کومودوس نظامیان وارتشها مانند سال ٦٨ ضد سنا برخاستند . برندهٔ نهائی این‌کشمکش **سپاتی میوس** صریح و آشکار پرده را از چهرهٔ این حقیقت برگرفته اعلام کرد که عظمت و قدرت امپراطوری براساس نظامی استوار است و امپراطوری برپایهٔ ارتش قرارگرفته . پس از کوششی که برای احیای حکومت مشروطه در زیر فرمان الکساندر بعمل آمد وبه نتیجه نرسید بالاخره مقام امپراطوری عبارت شد از اجر و مزد ژنرالهای موفق که بیشتر بولایات تعلق داشته و اصالت فرهنگی و تمدن نداشته به خانواده های تربیت نیافته تعلق داشتند ــ تنهاایدآلی که از ادوار سابق در ایندوره باقی مانده و تغییرنیافته و همچنان برفکرودماغ ارتشیان حکومت میکرد ، حفظ مرزهای امپراطوری‌بود دربرابر **ژرمن‌ها وایرانیان** حتی هدف نهضت های انشعابی نیز کسب استقلال نبود بلکه حفظ وبقای امپراطوری روم وتفوق امپراطوری (ایمپریوم رومانوم) بود . لذا لشکر های ارتش برای نیل باین هدف و حفظ این ایدآل وهم برای حفظ موقعیت خود مرتب یکی را به تخت امپراطوری نشانیده و دیگری را از تخت بزیر میآوردند . وهم آنکه بوسیلهٔ وضع مالیات و تنزل دادن بهای سکه و گرفتن مواد غذائی و مسکن و غیره بزور از مردم ، اندك اندوخته‌ئی راهم که مردم کشوری برای معیشت خود فراهم کرده یا میکردند از آنها بیرون میکشیدند . نظامیان دراین دوره تمام دستگاه اداری کشور را در خود حل کردند . زندگی فرهنگی و بکار انداختن قریحه و فکر متوقف گردید . سنگ نبشته‌ها دراین‌دوره نادراست و فن معماری هم از لحاظ ذوق و سلیقه و هم از لحاظ هوش و ذکاوت بسرعت روبه تنزل و سقوط گذاشت .

۱۹۳ــامپراطورپوبلیوس‌هلویوس پرتیناکس: وی از طرف سنا انتخاب شد ولی جدیت و سخت گیری وی در امور اقتصادی و حکومت منجر به قتل وی (در ۲۸ مارس) بدست گارد امپراطوری گردیدکه ازآن پس مقام امپراطوری را بمعرض حراج گذاشته و حاضر شدند به کسی دهند که قول دهد بیشتر بایشان پول بدهد و این‌شخص **دیدیوس سوروس‌ژولیانوس** متولد ۱۳۳ ؟) بود .

لژیونهای بریتانیا حاکم (لگات) بریتانیا **کلودیوس سپ تیمیوس‌آلبینوس** را امپراطور اعلام کردند ــ و **پان‌نونی‌ها** حاکم (لگات) پانتونیای علیا **سپ تیمیوس سوروس** را (در آوریل یا می) امپراطور خوانده ــ در سوریه **پسن‌نیوس نیژر ژوستوس** حاکم سوریه (لگات) بسمت امپراطور معرفی شد . **سپ تیمیوس سوروس** بفوریت رم را قبضه کرد و مجلس سنا ژولیانوس را خلع کرده و اعدام نمود (اول ژوئن) .

۱۹۳ – ۲۱۱ ــ امپراطور سپ تیمیوس سوروس (متولد ۱٤٦ در **لپ‌تیس** افریقا) ــ وی گردان گارد امپراطوری (پرتوری) را که از سربازان ایتالیائی تشکیل شده بود منحل کرده آنرا از نو ازافراد لایق از میان سربازان سابق لژیونها تشکیل داد . وی با شناسائی

یك افسر رومی ویك سرباز رومی





طاق‌نصرت سپ‌تیم‌سور

البینوس بعنوان‌سزار(یعنی وارث امپراطوری) اورا ساکت کرد . سپس **نیژر** را در جنگهای **سیزیکوس** ، و **نیکائیا** ، **وایسوس** (دروازه‌های سیلیکه) شکست داده نزدیك **انطاکیه** در ۱۹٤ او را بقتل رسانید . **بیزانتیوم** تا سال ۱۹٦ مقاومت کرد ولی در آن سال ضمیمهٔ روم شده آنرا بحالت یك قریه در آوردند . البینوس که دراین هنگام مدعی حق تساوی کامل با سپ تیمیوس سوروس در امر حکومت بود در **لوگدونوم** (لیون امروز) شکست خورده بقتل رسید (۱۹ فوریه ۱۹۷) این سرزمین نیز در این تاریخ ضمیمهٔ امپراطوری گردیده و دیگر هرگز موفق به اعادهٔ استقلال و شوکت خود نشد .

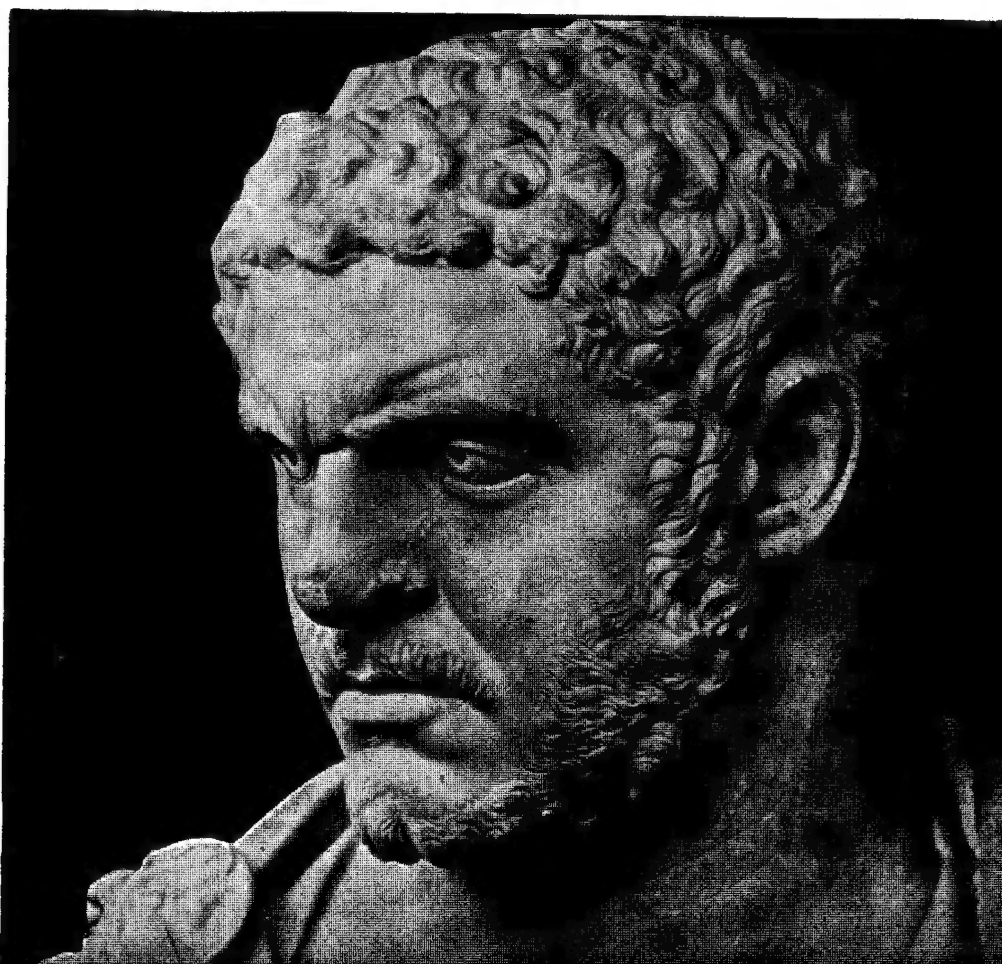
سوروس سه لژیون تازه تاسیس کرد یکی از آنها را درکنار دریاچهٔ آلبان در ایتالی مستقر نمود وتا این هنگام دراین نقطه هیچگاه سربازان مستقر نشده بودند . وی اکستریانها را بجای سناتور ها بفرماندهی این لژیونها منصوب ساخت و ایالت تازه بین‌النهرین را نیز درتحت حکم اکستریان گذاشت . چون لژیونها را خلع سلاح کرده بود ازدواج نظامیان را برسمیت شناخت . برحقوق لژیونها افزود. سوروس مجلس سنا راکه به البینوس کمك کرده بود تحقیر کرد و نمایندگان اکستریان بنقاطی که تحت حکومت سنا بودند فرستاد تا مراقب اعمال حکام آن نقاط باشند . وی دادگاه‌ها راکه دراین هنگام بحد اعلای ضعف رسیده بودند بسته قضاوت در شهر رم تا ۲۰۰ کیلو متر اطراف آن رابه حاکم (پرفکت) شهر سپرد و قضاوت در سایر نقاط ایتالی را نیز به پرفکت های پرتوری سپرد که بـه تقاضای استیناف از ایالات رومی (خارج از ایتالی) نیز رسیدگی میکردند . در قوانین کیفری و صدور احکام جزائی بین طبقهٔ ممتاز (هونس‌تیورس) وطبقه‌مردم عادی(هیومیلیورس) فرق کلی گذاشته شده و با افراد طبقهٔ ممتازه خیلی بهتر و طبق دلخواه ایشان سلوك‌میشد. امپراطور تجزیهٔ ایالات را بواحد های کوچکتر آغاز نمود و این کار تازمان **دیوکلسین** ادامه یافت . وی‌سازمان شهرداریها را بعنوان مبنای جمع آوری مالیات حتی تا مصر توسعه داد. وی علاوه برخزانهٔ امپراطوری (فیسکوس) و خزانهٔ زمامدار (خزانهٔ سلطنتی) خزانهٔ دیگری بنام **رس‌پریواتا** برای حفظ وجوه و ذخائر شخصی خود ترتیب داد وی نقرهٔ سکه های **دیناریوس** را ٦۰ درصد کم کرده بهای پول نقره را بدینطریق تنزل داد . اما با همهٔ این مشکلات وگرفتاریها کارهای حکومت را خوب اداره میکرد .

۱۹۷–۱۹۸ – سوروس در **جنگ با اشکانیان** پیروز شده تا تیسفون پیش رفت و ایالت بین‌النهرین را در تحت یك حکومت **اکستری** قرار داده دولژیون در آن ایالت گماشت .

۲۰۵–۲۱۱ – تجدید اغتشاش در بریتانیا که بسبب هجوم و حملهٔ سال ۱۵۵ و شورش سال ۱۸۰ بحال فلاکت باری افتاده بود حضور سوروس را برای جنگ با کالدونی ها لازم کرد .

وی از دیوار انتونینوس عقب کشیده در کنار دیوار هادریان متوقف شد و آنرا از نو ساخت و در ٤ فوریه ۲۱۱ در **ایبوراکوم** (یورك امروز) درگذشت .

کاراکالا





شکل سپ‌تیم‌سور بر سکه

۲۱۱–۲۱۷ – **کاراکالا** (یاکاراکاللوس– این نام بسبب پوشیدن جبه یا بالاپوش معمول گالیك به او داده شده) وی بزرگترین فرزند سپ تیمیوس بود و بنام اگوستوس (۱۹۸) با او همکاری میکرد . وی برای آنکه رابطهٔ بین خانوادهٔ **سوری** را با **آنتونین** ها محکم سازد در سال ۱۹۷ نام خود را از **سپ تیمیوس باسیانوس** به مارکوس اورلیوس (سوروس) انتونینوس تغییر داد . وی بمجردیکه بمقام امپراطوری رسید برادر کوچکتر خود **سپ تیمیوس‌گتا** (متولد۱۸۹) راکه‌ازسال ۲۰۹بعبد با او همکاری داشت و نیز **پاپی‌نیان** ژوریست معروف و عده زیاد دیگری را بقتل رسانید . سپس حقوق نظامیان را تا حدی افزود که باقتصاد امپراطوری **لطمهٔ شدید** وارد شد و آنرا **انتونی‌نیانی** نام نهاد . وی برای جبران کسر بودجه و هزینه ها سکهٔ تازه‌ئی بنام **آنتونی‌نیانوس** نشر داد که بهای ظاهری آن دودناری ولی وزن آن $1\frac{2}{3}$ بود . وی در رم **حمامهای وسیع کاراکالا** را بنانمود .

۲۱۲ – **فرمان کاراکالا** : طبق این فرمان تابعیت روم به کلیه سکنهٔ آزاد امپراطوری بجز گروه معدودی که شاید شامل مصریان نیز میشد داده شده و بسط یافت . هدف وی دراین کار مورد بحث است . زیرا تابعیت در این زمان امتیازات و مفهومی مانند سابق نداشت وچون امتیازات طبقاتی در امپراطوری روم قوت گرفته و چندی بود توجه معطوف مساوی کردن طبقات و رفع امتیازات بوده شاید مقصود ازاین فرمان برداشتن گامی در این راه بوده است . بعلاوه هدف دیگر وی آن بود که مالیات براوث که مخصوص اتباع روم بود شامل تمام مردم امپراطوری شده و بدینوسیله درآمد دولت را افزایش دهد .

۲۱۳–۲۱۷ – کاراکالا از مرزهای شمالی در برابر **الاماتی** (آلمانی) جنوب آلمان و گت های دانوب سفلی در ۲۱٤ بخوبی دفاع کرد و در جبهٔ خاور ارمنستان را در ۲۱٦ ملحق به روم کرد ولی هنگامیکه خود را برای حمله به ایران و دولت اشکانی حاضر میکرد بوسیلهٔ دسته‌ئی از افسران خود در ۸ آوریل ۲۱۷ بقتل رسید .



والرین امپراطور روم در اسارت شاهپور پادشاه ساسانی ـ نقش برجسته در نقش‌شاهپور نزدیك کازرون فارس

۲۱۷-۲۱۸ ـ امپراطور اوپلیوس (سوروس) ماکرینوس (متولد ۱٦٤ م) وی از اهل **موریتانیا** بوده و از درجهٔ سربازی بمقام پرفکت پرتوری رسیده و اولین امپراطور اکستری است . وی سرزمین هائی را که کاراکالا در خاور بدست آورده بود تسلیم کرد و خواست از حقوق نظامیان بکاهد . نظامیان نیز در ۱٦ مه ۲۱۸ برادرزادهٔ **ژولیادومنا** زن‌سوریائی سپتیمیوس را در **امزا** در سوریه بعنوان رقیبی دربرابر او تراشیدند . ماکرینوس در ۸ ژوئن ۲۱۸ از کار افتاد .

۲۱۸-۲۲۲ ـ امپراطور الاگابالوس (هلیوگابالوس متولد۲۰۵) وی در **امزا** ریاست‌روحانی داشت و کنیه یا نام سوم خود را از خدای شهر امزا گرفته ـ وی برای اینکه حکومت خود را قانونی سازد نام خود را از **واریوس آویتوس** به مارکوس اورلیوس انتونینوس بدل کرده و مدعی شد که فرزند کاراکالاست. هنگامیکه وی در رم خود را سرگرم عیاشی و هرزگی نموده و خدای خود وکیش خود را به رم معرفی کرد امپراطوری را در واقع مادر مقتدرش **ژولیا مائزا** اداره میکردو نیز مادرش او را مجبور کرد تا پسر عمه خود **(آلکسیوس) باسیانوس (الکسیانوس)** را بعنوان فرزند خوانده و جانشین خویش معرفی کند . الاگابالوس در۱۱ مارس۲۲۲ بدست پرتوریانها کشته شد .

۲۲۲ ـ ۲۳۵ ـ امپراطور مارکوس اورلیوس سوروس الکساندر (متولد ۲۰۸) ـ وی بطوری‌که دربالا اشاره شد فرزند خواندهٔ **الاگابالوس** بوده ودر تحت حکم مادرش **ماماٹیا** قرارداشت . مادرش یك کمیتهٔ‌نیابت سلطنت از سناتورها برپاکرده و نظرهای مشورتی دو نفر حقوقدان (ژوریست) **پائولوس و اولپیان** را بکار می‌بست . این حکومت سعی‌کرد که سلطنت سلسلهٔ انتونین را احیاکند . حکومت دراین زمان تسلط خود وابر اصناف بازرگانی بسط داد و بهای‌پول بازهم تنزل‌کرد .

۲۲۷ ـ امپراطوری تازهٔ ایران : درایران سلسلهٔ جدید ساسانی روی کار آمده اردشیر بابکان (ارتاخشتره ـ یا ـ ارتاگزرسس) ارتابانوس پنجم و بلاش پنجم آخرین پادشاهان اشکانی را برانداخته سلسلهٔ تازه را بنانهاد ـ قدرت این امپراطوری تازهٔ ایرانی براحیای کیش زرتشت استوارگردید.

۲۳۱ ـ ۲۳۳ ـ حملهٔ ایرانیان بسرزمین های آسیائی روم حضور امپراطور الکساندر وادر میدان جنگ لازم‌کرد ـ وی تادرجه‌ئی جلو پیشروی ایرانیان راگرفت ولی بزودی ناگزیر بمراجعت بباخترگردید .

۲۳٤ ـ ۲۳۵ ـ الکساندر مجبور شدکه صلح رااز **آلمانی**‌های اطراف رن خریداری کند . نظامیان ناراضی درمارس ۲۳۵ او را بقتل رسانیدند وبا مرگ وی آخرین کوشش برای حفظ یك‌حکومت کشوری یا مشروطه بی‌ثمر مانده دورهٔ این‌نوع حکومت بپایان رسید و یك دورهٔ انارشی نظامی آغاز گردید .

۲۳۵ ـ ۲۳۸ ـ ژولیوس وروس ماکزیمینوس معروف به **تراکس** (متولد ۱۷۲)که یك‌نفر دهقان درشت اندام وبیسواد تراسی بود ازطرف لژیونهای رن بسمت امپراطور معرفی شد ولی مجلس سنا اورا نشناخته دو سناتور **کلودیوس پوپینوس ماکزیموس** و دیگر **کائه‌لیوس‌کالوینوس بالبینوس** راکاندیداکرد. واز طرف دیگر لژیونهای افریقائی پروکنسول هشتادساله **مارکوس انتونیوس گوردیانوس** اول وپسرش **گوردیانوس دوم** را معرفی‌کردند واگرچه پرفکت‌موریتانیا دونفر اخیراشکست داده وبقتل رسانید ، سنا تحت فشار مردم رم ناگزیر شدبه‌پسرزادهٔ وی **گوردیانوس سوم** با **پوپینوس و البینوس** ملحق شود . **ماکزیمین** هنگام محاصرهٔ **اکوئی‌لیا** (ژوئن ۲۳۸) بوسیلهٔ سربازان خودکشته شد و پراتوریها (گارد امپراطوری) **پوپینوس و بالبینوس** را در ژوئن ۱۲۸ بقتل رسانیدند .

۲۳۸ ـ ۲٤٤ ـ مارکوس انتونیوس گوردیانوس سوم (متولد ۲۲۵) ازطرف **فوریوس تی‌مسی‌تیوس** (میسی‌تیوس)پرفکت پرتوری که مردی زیرك بود نامزد امپراطوری شد (۲٤۱) ودرسال ۲٤۱ گوردیانوس بادختر او ازدواج‌کرد . **تیمسی‌تیوس** با شاپور اول پسر اردشیر ساسانی جنگیده (۲٤۱-۲٤۳) اورا از انطاکیه براند ولی خود بیمارشده درگذشت . پرفکت پرتوری جدید (فرمانده گارد) که مردی‌عرب بودخودرا **کو-اوگوستوس** (همکار یاهمسنگ امپراطور وجانشین وی) خوانده سپس در اوایل سال ۲٤٤ **گوردیان** را بقتل رسانید .

۲٤٤ ـ ۲٤۹ ـ ژولیوس فیلیپوس(عربس) صلح رااز ایرانیان خریده ودر رم هزارمین سال پیدایش شهررم را جشن گرفت (۲٤۸) . وی درسال ۲٤۹ درجنگ در برابر فرمانده خود در **داسیا** در **ورونا** بقتل‌رسید .

۲٤۹ ـ ۲۵۱ ـ مسیوس کوئینتوس ترایانوس دسیوس (متولد ۲۰۰) اولین سلسلهٔ تعقیب عمومی مسیحیان و شاید تمام کسانی راکه فداکاری در راه امپراطور نمیکردند آغاز کرد . پرستش امپراطور اگرچه از زمان **پلینی** بعنوان آزمایشی ضد مسیحیان آغاز گردید دراین زمان ازشرایط ووظایف حتمی تمام رعایای وفادار گردید و این خود حاکی از اعتقاد روزافزون برجنبهٔ الوهیت و آسمانی امپراطور است یعنی آنکه اورا فرستادهٔ خداوند دانستند . **دسیوس** بسبب عدم وفاداری **گاللوس** حاکم (الگات) **موئزیا** در سال ۲۵۱ در **داسیا** بدست گت‌ها کشته شد .

۲۵۱ ـ ۲۵۳ ـ وبیوس تربونیانوس گاللوس (متولد ۲۰۷) همکار خود (کو-اگوستوس) **هوستی لیانوس** پسر **دسیوس**را بقتل رسانید . در زمان وی ۱۵ سال طاعون رواج داشت . هنگامیکه برای جنگ باجانشین خود در **موئزیا** یعنی **امیلیوس امیلیانوس** از قوم **مور** حرکت‌کرد بدست سربازان خودش کشته شد (پیش‌از اکتبر ۲۵۳).

۲۵۳ ـ ۲۵۹ ـ لیسی‌نیوس والریانوس (والرین ـ متولد ۱۹۳) فرمانده رومی در آلمان بمقام امپراطوری رسید و پسرش **گاللی‌نوس** را بسمت کو-اگوستوس انتخاب کرد . وی بافرانکها که در۲۵٦ از رن‌گذشته بودند جنگیده وشکست خورد و همچنین از **آلمانی**‌ها که به‌میلان رسیده بودند وهم ازگت‌ها شکست خورد وچون معلوم شد که دیوارهای مرزی جلو هجومها را نمیگیرد شهرهای درون امپراطوری شروع بساختن

دیوار بدور شهرها نمودند . والـریان در ۲۵۶ ـ ۲۵۸ در جبهه خاور بجنگ با شاپور پادشاه ساسانی پرداخته انطاکیه را پس‌گرفت ولی در یکی‌از جنگها در ۲۵۹ باسارت**شاپور** درآمد ودر اسارت درگذشت . تاریخ‌درگذشت او معلوم نیست ـ یکی ازنقوش برجسته بر سنگ در تنگ شاپور کازرون در فارس نقش شاپور را نشان میدهدکه براسب سوار است و والرین جلو رکاب اوزانو زده‌است .

۲۵۹ ـ ۲۶۸ ـ دورهٔ سی‌جبار

لیسی‌نوس اگناسیوس گالل نوس (متولد ۲۱۸) پس‌از اسارت والرین سلطنت را بـه تنهائی ادامه‌داد ولی در همان حال درسراسر امپراطوری عدهٔزیادی مدعیان سلطنت بظهور رسیدند وبهمین سبب این زمـان به‌دورهٔ **سی‌جبار** (تیران) معروف است ـ وی عمل تعویض سناتورها رابـا اکستریانها بـرای فرماندهی لژیونها و حکومت ایالات تکمیل‌کرد.

گت‌ها که دراینموقع‌به دریای سیاه راه یافته بودند بوسیله کشتی‌های خود سواحل آسیا ومنطقهٔ اژه رابغارت وچپاول‌گرفتند .

۲۵۸ ـ ۲۶۷ ـ اودناتوس زمامدارپالمیر در صحرای سوریه درسال ۲۶۰ ایرانیان را ازآسیای صغیر عقب نشانید وملکه وجانشین وی **زنوبیا** در ۲۶۷ اعلام استقلال نمود .

۲۵۹ ـ ۲۶۸ ـ پوستوموس خودرا در سرزمین گل امپراطور خواند .

گاللینوس بالاخـره هنـگام محاصـره **اورئولیوس** (پیش ازسپتامبر ۲۶۸)که مدعی سلطنت بود در نزدیکی **مدیولانوم** (میلان) بدست سربازان خودش کشته شد **اورئولیوس** نیز درنوبت خود بدست **کلائودیوس دوم**بقتل رسید .

۲۶۸ـ۲۷۰ـ اورئولیوس‌کلائودیوس دوم «گوتیکوس» اولین‌امپراطورلایق **ایلیریائی**بودکه راه‌را برای سلطنت**دیوکلسین** بگشود. وی‌حمله گوتهای بالکان زادر **نائی سوس** (نیش) در سال ۲۶۹ دفع کرد وبهمین سبب بلقـب گوتیکوس ملقب شد وعده‌ئی از گوتها را در اراضی خالی ایالات دانوبی سکونت داد . پس‌از مرگ اوبواسطهٔ طاعون لژیونهای‌بالکان هم‌میهن ومعاون فرماندهی خود **اورلیان** را پیش‌از ژوئیه ۲۷۰ بسلطنت رسانیدند .

۲۷۰ ـ ۲۷۵ ـ دومیسیوس اورلیانوس (متولد ۲۱٤ ؟) به « احیاکنندهٔ جهان » (رستی توتور اوربیس) لقب داده‌شد زیرا از داسیای وراء دانوب دست‌کشیده وسکنهٔ رومی آنرا در بخشی از سرزمین **موئزیا** جای داده آنجا را داسیای نو نام‌نهاد ودر ۲۷۱ آلمانیها راۤاز خاك ایتالی عقب نشانید و دیوارهای رم را (۲۷۱ ـ ۲۷۶) برای‌حفظ شهر دربرابر هجومهایٔ آینده بنا نمود که تاکنون آثار آن باقی است .

۲۷۱ ـ ۲۷۲ ـ ابتدا **پروبوس** و سپس شخص **اورلیان زنوبیا** ملکهٔ پالمیررا شکست داده ودستگیر کرد وپس‌از وقـوع شورش ثانوی درآنجا پالمیررا در ۲۷۳ تصرف کرد و پالمیر از آن پس‌بحال مخروبه باقی‌ماند .

۲۷۳ یا ۲۷٤ ـ اورلیان کشور گل‌را از چنگ **تتریکوس** جانشین پوستوموس در جنگ **شالون** بیرون آورد . زنوبیا وتتریکوس هردو پیروزی درخشان وی‌را دردم در ۲۷٤ستودند. وی درهنگامیکه خودرا برای حملهٔ بایران آماده میکرد در۲۷۵ بدست چندنفر ازافسران کشته شد .

۲۷۵ ـ ۲۷۶ ـ کـلائودیوس تاکیتوس

کـه سناتوری پیر بود خلاف میـل خویش از طرف سنا بسمت امپراطور تعیین شد زیرا سپاهیان انتخاب امپراطور را این‌باربااختیار سناگذاشته بودند ـ وی با آنکـه گت‌ها و **الان**هارا که به‌آسیای صغیر حمله کرده‌بودند شکست داد سپاهیان اورا و سپس برادرش **ان‌نیوس فلوریانوس** را بقتل رسانیدند .

۲۷۶ ـ ۲۸۱ ـ اورلـیوس پروبوس

ازاهل ایلیریارا ارتش خاوری درآغاز تابستان ۲۷۶ بسمت امپراطور شناخت . وی فرانکها و آلمانی‌ها وسایر مهاجمین راۤاز کشور گل عقب راند ، مرز دانوب را استحکام بخشید ، آسیای صغیررا آرام‌کرد و مدعیان رادر کشور گل دستگیر نـمود . هنگامیکـه خـواست سپاهیان رابه امور مربوط بصلح مانند پاك کردن کانالها در مصر بگمارد درپائیز ۲۸۱ اورا بقتل رسانیدند .

۲۸۱ ـ ۲۸۳ ـ اورلیـوس کـاروس

ازاهل ایلیریا و پرفکت پرتوری (فرمانده گارد اورلیان) بجای پروبوس نشست . وی با **بهرام** (ورهرام) پادشاه ساسانی جنگید وپیروز گردید امادر اواسط تابستان ۲۸۳ درست معلوم نیست که آیا ترور شد ویا بسبب بیماری یا برق‌زدگی درگذشت . پسرش **مارکوس اورلیوس نومـریوس نومریانـوس** که کوـاگوستوس او بود نیز درپائیز ۲۸٤ تروزشد . پسر دوم او **اورلیوس کارینوس** سعی کرد تا باختر را در برابر **دیوکلسین** که افسری بود که ارتش خاوری اورا بسمـت امپراطور شناخته بود نگاه دارد ولی بدست سپاهیان خودش در جنگ نزدیك رودخانـهٔ **مرگوس** در موراویا (تابستان ۲۸۵) بقتل رسید .

کلیات اوضاع جهان رومی در قرن سوم میلادی

اسباب وعلل اغتشاشات قرن سوم ـ اغتشاشات این قرن دوعلت اصلی داشت : (اول) فشار روزافزون بمـرزهای شمالـی امپراطوری ازطرف قبایل‌تازهٔ ژرمن وبمرزهای خاوری ازطرف امپراطوری مقـتدر ایـران (دوم) ورشکستگی‌اقتصادی‌درداخلهٔ امپراطوری که اسباب وعلل متعدد داشته است . یکی‌از علل بحران اقتصادی بارهای سنگینی بودکه حکومت باید آنرا بدوش‌کشد وازجمله مسئله دفاع بود ودیگر نتیجهٔ سیستم نامعقول و نامنظم وظالمانهٔ مالیات بود . وشاید یکی از علل دیگر اغتشاشات وخرابی اوضاع‌اقتصادی « خستگی روحی » مردم امپراطوری‌باشد .

ادبیات کاملا دراین قرن متوقف شده تقریباً راه انحطاط گرفت .

از آثار **هنری ومعماری** و ساختمانهای این دوره تنها میتوان چند آثار معدود را نام‌برد از قبیل طاق سپ‌تی‌میوس ، حمامهای کاراکاللا ، ودیوارهای اورلیان در رم :اما کلیه این آثار تقلیدی بوده وبیروح است .

حقوق رم : دردورهٔ انتونین‌ها و سورها بحداعلای ترقی رسید . اگرچه دومکتب‌بزرگ **ژوریس پروداس** (تفسیر قوانین و رؤیـه قضائی) یکـی بنـام **سابی‌نیان** و دیگـری **پروکولیان** در عصر اوگوست یـا تیبریوس بوجود آمد اما ژوریست‌های بزرگ عبارت بودند از **سالویوس ژولیانوس** که در زمان هادریان میزیست و فرمان پراتور را توجیه کرده ، ودیگر **گایوس** معاصر انتونین‌ها که کتاب مؤسسات (اینس تی‌توتس) وی‌مرجع وملاك ومیزان (استاندارد) مسائل حقوقی خوانده میشود . وسه‌نفر حقوق‌دان موسوم به **پاپی‌نیان** ، **وپول** ، **واولپیان** معاصریـن سوری که تحریرات متنوع آنها زمینهٔ تدوین کتاب مؤسسات **ژوستینیان** گردید .

فلسفه : درعالم فلسفه مکتب‌فیثاغورثی جدید (نئوپتیاگوریانیسم) جای خـود را به‌مکتب افلاطونی جدید (نئوپلاتونیسم) داد که نمایندگان برجستهٔ آن عبارت بودند از **پلوتینوس** (۲۰٤ـ ۲۰۷)، **پورفیریوس**(۲۳۳ـ ۳۰٦)، و **یامیلی‌چوس** (درگذشت ۳۳۳) .

مذهب : باوجود تعقیب‌های مذهبی یعنی تعقیب مسیحیان درزمان انتونین‌ها ،سوروس، ماگزیمین ، ودسیوس ، کیش مسیحی رواج یافته برتعداد معتقدان بدان افزوده شده و قدرت یافت . رقیب بزرگ این‌کیش آئیـن **میترای** ایرانی بود که بوسیلـهٔ سربازان انتشار یافت . گرفتاری ومشکل عمده وداخلی کلیسا در قرن سوم ظهور نوعی شرك بود موسوم به مونتانیسم (نوعـی ریاضت‌کشی افراطی) ودیگر مشکل برگشتن کسانی که مورد تعقیب قرارگرفته بودند ازمذهب یـا کسانی‌که بکتب مقدس (بعقیدهٔ مسیحیان) خیانت میکردند . جامعه روحانی مسیحـی بصورت مجموع بنام‌کلیسا خوانده شده و رهبری آن درباختر بااسقف کارتاژ **سیپریان** واسقف رم **استفن** بود کـه طرفدار سیاست مدارا ونرمی بودند . افراطیون را در قرن سوم بنام **نوواسیانها** ودر قرن چهارم بنام **دوناتیست‌ها** میخواندند (بنام **دوناتوس** کـه دسته‌های شورشی وی ایالت رومی افریقا رادچاروحشت وترورکرده‌بودند.) اپولوژتیکهای مسیحی (صاحب تحریرات دفاعی ازمذهب) جای خودرا به **هومی‌لتیك‌ها** (واعظان) و به‌نویسندگان **تئولوژیك** (فلسفه مذهبـی) افریقائی دادند ازقبیل **ترتوللیان** (۱۵۰ـ۲۲۵) و **سیپیریان** (۲۰۰ ـ ۲۵۸)و **الکساندریانس کلمنت** (درگذشت ۲۱۵) **واوریگن** (۱۸۲ ـ ۲۵۱) دونفر اخیر پلاتونیسم را با مسیحیت آمیخته بصورت نئوپلاتونیسم عصردرآوردند .

(۳) دورهٔ سوم امپراطوری روم

(از ۲۸۴ – ۵٦۵)

۲۸۴ – ۳۰۵ – اورلیوس والریوس دیوکلسیانوس (متولد ۲٤۵) که درنوامبر ۱۷ سال ۲۸۴ بمقام امپراطوری رسید از خانوادهٔ حقیری ازاهل ایلیریا بود . وی در هنگام رسیدن بسلطنت مواجه بود بامشکل برقراری نظم وبرانداختن هرج ومرج وآرزو داشت که باامپراطور اوگوست همچشمی و رقابت کند وروزهای خوش آغاز دوره امپراطوری اول را احیا کماید ولی تنها موفق گردید که یك‌استبداد شدید خاوری در امپراطوری روم بوجود آورد .

تجدید سازمان امپراطوری

چون تشخیص وتمیز اینکه تجدید سازمان امپراطوری تا چه‌حد مدیون دیوکلسین و تا چه اندازه مرهون کنستانتین میباشد مشکل است دراینجا باختصار باین جریان اشاره میکنیم . بطورکلی تمام این اصلاحات تنها عبارت بوداز فرموله کردن ومرتب کردن تجارب وسابقه عملی‌که در قرن سوم یعنی در دورهٔ امپراطوری دوم روم بظهور رسید . اگر چه سنا به تشکیل جلسات خود ادامه داد و ماژیستراتهای عالی رتبهٔ جمهوری تا تواریخ مختلف در نقاط مختلف باقی ماندند مثلا مقام کنسولی درخاور تا انحلال آن بدست ژوستینیان باقی بود وبدو ایالت آسیا و افریقا هنوزپروکنسولهائی‌اعزام‌میشدند معهذا کل دستگاه اداری امپراطوری بصورت هرمی از ادارات ودفترهای مرتبط بیکدیگر متشکل شدکه امپراطور درراس آن قرار گرفته و کلیهٔ موسسات و ادارات دولتی ناشی از او بود .

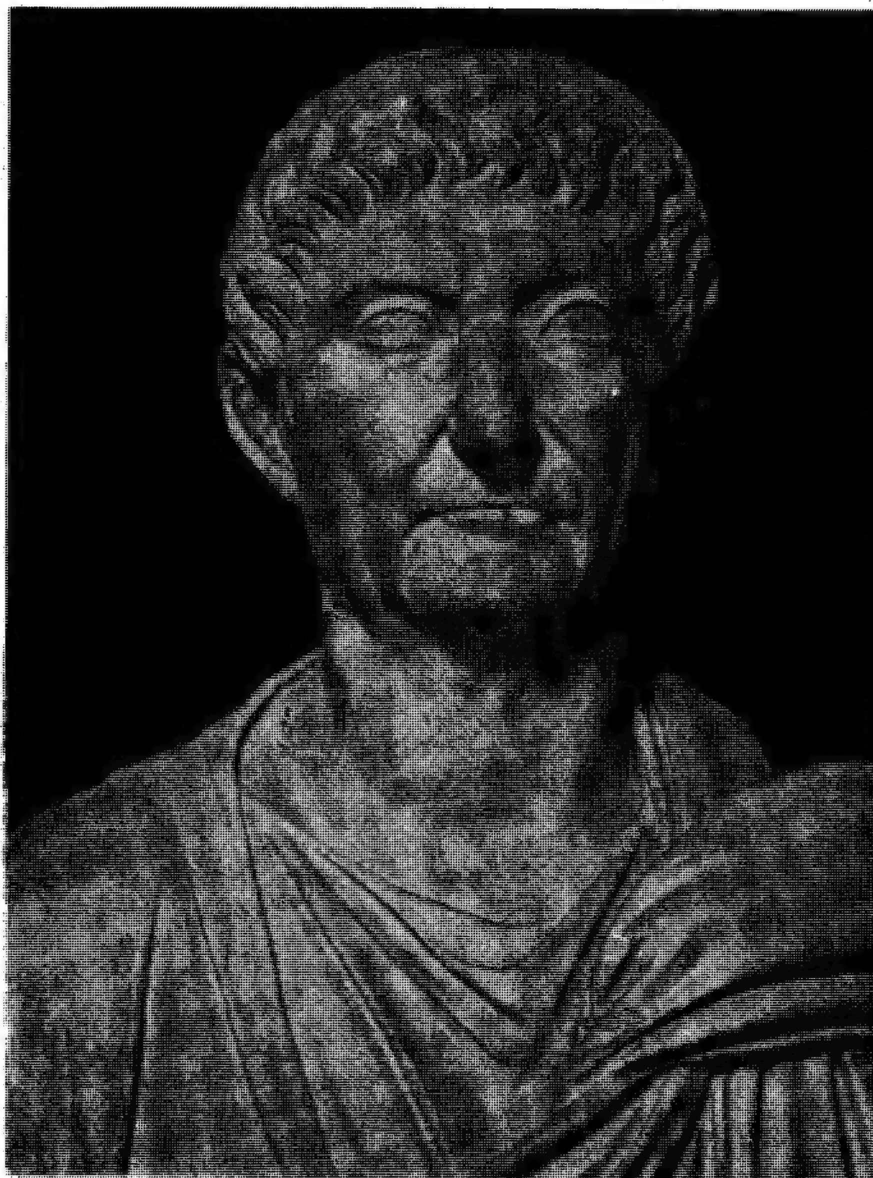
طبق سیستم دیوکلسین که تنها گاه بگاه اجرا گردید باید دوامپراطور با وظائف و قدرتهای متساوی (بنام اوگوستی) مشابه دورهٔ مارکوس و وروس در امپراطوری حکومت کنند . امادراین زمان امپراطوری تقسیم شد بدومنطقهٔ بزرگ خاوری وباختری و خط فاصل ایندو از دانوب شروع شده تا دریای ادریاتیك در جنوب دالماسیا ادامه می‌یافت وهریك از ایندو منطقه بدست یکی ازدو اوگوستی اداره میشد . اما فرامین امپراطوری باید مشترکاً صادر شود ودر مواقع لزوم هریك ازدو اوگوستی ممکن‌بوددر منطقهٔ یکدیگر فرمان دهند .

این امپراطورها باستناد اینکه ازطرف نظامیان وبدون رضایت سنا انتخاب شده‌اند (از ۲۸۲ ببعد) حکومت مطلقه داشتند و هریك از آنها خودرا محصور به شکوه و جلال ودبدبه وکبکبهٔ دربارهای شرقی نمود . امپراطور دیگر اولین تبعه درمیان مساویها (**پرین سپس**) نبود بلکه از زمان اورلیان ببعد « خداوندگار » (**دومینوس**) خوانده میشد ، آنچه که باوی ارتباط داشت «مقدس و واجب‌الاحترام» (سکراالولا – دربارمقدس که در زمان سوری بظهور رسید) شمرده میشد . هرامپراطور یك‌نفر معاون و جانشین برمیگزید (بنام سزار) بنابراین در تمام حوزه امپراطوری چهار زمامدار در آن‌واحد وجود داشت دو امپراطور ودو سزار(قیصر).

سازمان حکومت

پرفکت‌های پرتوری که اکنون ازحالت نظامی بیرون آورده شده کاملا بصورت ماژیستراتهای (شهربانان) کشوری بیرون آمده بودند درتحت نظر وحکم چهار زمامدار بزرگ (دو امپراطور ودو قیصر) چهار **پرفکتور** را اداره می‌کردند یعنی آنکه تمام سرزمین امپراطوری به چهار پرفکتور تقسیم گردید بشرح زیر: (۱) پرفکتور گل (۲)پرفکتور ایتالیا (۳) پرفکتور ایلیریوم (٤) پرفکتور خاوری . هرپرفکتور بنوبهٔ خود به چندین **دیوسس** (استان) تقسیم شد (دیوسس بعدها در تشکیلات مسیحی نام منطقهٔ اسقف نشین شد) وهردیوسس درتحت نظر یك **ویکار** (اوئی‌کاری) قرارداشت که تابع پرفکت‌ها نبوده مستقل ومستقیماً مسئول امپراطور بودند . دیوسس‌ها نیز بنوبت‌خود به **ایالات** تقسیم گشته درتحت نظر یك‌رئیس ایالت (والی = پراسیدس – یا رکتورس) قرار داشتند . این ایالات البته اجزاء وتقسیمات کوچکی بودند ازایالت امپراطوری اول وتعداد آنهااز ٦۰ به۱۱٦ رسید .

دیوکلسین



نیروی نظامی

نیروی نظامی که در خلال قرن سوم کلیهٔ وظایف حکومت را درخود متمرکز کرده بود دراین هنگام کاملا از امور کشوری مجزا گردید .

در هرایالت یك دیوك **(دوکس)** یا کنت **(کومس)** در راس پادگان ثابت مقیم ایالت گماشته شد که شباهتی باوضع امپراطوری اول نداشته یك اردوگاه بزرگ مرکزی‌برای ایشان مقرر گشت ولی افراد هرپادگان تقسیم بدسته‌های کوچك شده در پست‌های کوچك مرزی قرار داده شدند که غالباً هم‌بصورت سرباز دهقان یادهقان سرباز بودند . درهر پرفکتور یك نیروی احتیاطی متحرك دراختیار فرماندهان پیاده وسوار قرار داشت که بمجرد حادثه‌ئی ویا هنگامیکه نقطه‌ئی مورد تهدید واقع شود بدان نقطه **بشتابند** و آنها را **کمیتاتنس** یعنی همراهان امپراطور مینامیدند) . بعلاوه امپرطورها واحدهای بزرگی‌گاردمخصوص **(پروتکتورس** یادومستیکی) داشتند . لژیونهای قدیم تجزیه شد به واحد های کوچکتر متحرك ولی تعلیمات آنها زیاد نبود وتعداد هر واحد در حدود ۲۰۰۰ نفر بود. سواره نظام‌سنگین اسلحه**(کاتافراکتاری.)** نقش بزرگی را در جنگها در عهده داشت . دستجات نظامی‌کمکی بیشتراز دستجات‌بربری روزمزد بودند که روسای آنها بحد اعلی‌صاحب نفوذ گشتند : جمع کل تعداد نیروی نظامی در این زمان ۵۰۰،۰۰۰ نفر بود یعنی ۳۰۰۰۰۰نفر بیش از زمان اگوست واین خود یکی از علل ایجاد مشکلات اقتصادی در این زمان ودوره های بعد گردید .

ادارهٔ حکومت امپراطور

علاوه بر دستگاه ادارای مکمل و جداگانهٔ هرواحد ارضی ، امپراطورها یکدستگاه بورو- کراسی وسیع مرکزی درزیر دست‌خود داشتند که شامل ادارات زیر بود : دفتر خانه های مختلف (اوفیسیا) در تحت نظر مامورینی مانند « **کواستر قصر مقدس** » که ریاست قضائی‌را درعهده داشت ، دیگر سردبیر **(ماژیسترمموریا** رئیس ثبت‌ها) ، ودیگرمدیر کارگزینی **(ماژیستر اوفیسیوروم** – یا رئیس دفترها) که چون در تمام ادارات دست داشت مقام بسیار مقتدری محسوب میشد .

این مامورین بخودی‌خود به‌سنا تعلق‌داشتند وسایر مامورین عالی رتبه دارای لقب های افتخار بودند که سابقا مخصوص اکستریانها بود ودر این زمان بعنوان یك طبقه دیگر وجود نداشته و ازمیان رفته بود .

طبقات اجتماعی – مالیاتها – پول

سناتورها در این‌دوره درسزاسر امپراطوری بصورت یك طبقهٔ ممتازه و ملاکین بسیار ثروتمند درآمده بندرت ممکن است واقعاً در مجلس سنا حاضر شوند ولی از امتیازات و معافیت ها بهره‌مند میگشتند . مابقی جمعیت سکنهٔ امپراطوری در زیر فشار مالیاتهای‌سنگین خرد شده بودند ، این مالیاتها بسبب شکست پول‌رایج، بیشتر بصورت جنس جمع آوری میشد ودر هر ۱۵ سال یکبار درآن تجدید نظر وتجدید ممیزی میشد . هم ارزش کار وهم ارزش‌اموال‌بصورت واحدی ازمساحت معینی از زمین که مقدار معین گندم از آن عاید شود سنجیده میشد . فشار سنگین مالیات بیشتر بدوش اعضای سناهای شهری بود زیرا این اشخاص مسئول جمع آوری مالیاتها و پرداخت مالیاتهای عقب افتاده بودند ودیگر فشار بر خرده مالکان وارد میشد که باید هم سرباز بدهند وهم آنکه زمین های بایر را حتمازراعت کنند . این جریان سبب شد که مردان آزاد ترجیح دادند که از مزارع و دهات فرار کنند وبه خانقاه‌ها وارد شوند ویا در املاك بزرگ قبول رعیتی یعنی نسخه ثانی بردگی نمایند و اجیر شوند . صنعتگران وبازرگانان شدیداً محدود بحوزهٔ شغل خود بودند . کلیه این دستگاه طبقاتی یا سیستم **کاست** بمنظور تامین نگاهداری وحفظ دستگاه اداری وارتش‌بوجود آمده بود . وچون این شیوه و طریقه بهیچکس سود نمیرسانید بجز مالکین بزرگ و مامورین رسمی امپراطوری اکثریت بسیار عظیم‌جمعیت علاقهٔ خودرا نسبت‌بدستگاه وبامپراطوری وهمه چیز ازکف داده نسبت‌بحملات بربرها خونسرد گشته آنرا با بیحالی تلقی کردند و یا حتی آنرا استقبال نمودند بامید اینکه شاید راه نجاتی‌برای رهائی ازظلم وجور دستگاه‌باشد. حال آیا این خواب مرگ مانند که نه تنها در زندگی سیاسی و اقتصادی بلکه در حیات فرهنگی و قریحه‌ئی هم رخنه‌کرد (بجز درحوزهٔ کلیسای مسیحی) نتیجهٔ سیستم حکومت بود یا ضعف دماغی و کوته نظری و تنگی دائره‌فکر زمامداران که بیشتر آنها اصلشان دهاتی یا بربر بوده و عدم ترتیب و بدقوارگی دستگاه خود مؤید این حقیقت‌بود ، وبانتیجهٔ پوسیدگی وبیحالی طبقه عالی بود که بارث درطبقه عالی باقی مانده بودند قابل بحث است .

۲۸۵ – پس ازشکست **کارینوس** ، دیوکلسین **اورلیوس والریوس ماگزیمیانوس** (متولد ۲۴۰) از اهل ایلیریارا بسمت همکار خود انتخاب کرد (در ۲۸۵ به او منصب سزاری و در ۲۸۶ منصب اگوستوس داد) وی مردی خشن وبی دانش اما ژنرالی لایق بود . ایندونفر بترتیب القاب **ژوویوس** و **هرکولیوس** رابرای خویشتن مقرر داشتند . دیوکلسین مقر خودرا در خاور **درنیکومدیا واقع دربیتی‌نیا** قرارداد که ازآن محل شاهراهی بمرز فرات علیا آغاز میشد . **ماگزیمیان** در باختر مستقر شده بیشتر در **مدیولانوم** (میلان امروز) درآیتالیای شمالی بسر میبرد که برای دفاع از مرز شمالی بهتر از شهر رم بود . از آن پس شهر رم باوجود حفظ تفوق احساساتی خود ، عملا از اهمیت افتاده راه تنزل پیمود . اما از طرف دیگر حرکت وانتقال دربار امپراطور از رم راه را برای پیشرفت اسقف‌مسیحی رم‌گشوده میدانی برای جولان او باز نمود .

۲۹۳ – اول مارس – دیوکلسین ، **گالریوس والریوس ماگزیمیانوس** (متولد ۲۵۰)تازه داماد خودرا به سمت سزار (قیصر) انتخاب نموده حکومت **ایلیریکوم** را بدو سپرد .

ماگزیمیان ؛ **فلاویوس والریوس‌کنستانتیوس** (که‌اورا بعضی **کلوروس هم** خوانده‌اند)را که زوجهٔ خود **هلنا** را طلاق گفته و در کار ازدواج با **تئودورا** دختر ماگزیمیان بود بسمت سزار برگزیده **پرفکتور** گل را بدو سپرده وی بفوریت **کارائوسیوس** شورشی را از **بولونی** بیرون رانده فرانکها را باطاعت آورد .

۲۹۴ – شورشی در مصر وسیلهٔ **آشیلوس** برپاشد اما دیوکلسین اورادر۲۹۵ دراسکندریه محاصره کرده دستگیر نمود .

۲۹۶ – نرسی پادشاه ساسانی به ایالت رومی بین‌النهرین حمله‌کرده‌گالریوس راشکست داد . گالریوس نیروی تازه‌ئی در زمستان جمع آورده مراجعت نمود ودر ۲۹۷ نرسی‌را شکست داده ایالت بین‌النهرین را پس گرفت . نفوذ رومیان در ارمنستان اعاده شده و پادشاه آن بمذهب مسیحی درآمد .

۲۹۷ – کنستانتیوس به بریتانیا رفته معاون وی **الکتوس** را که قبلا کارائوسیوس را کشته وجای اورا گرفته بود شکست داده بقتل رسانید .

۲۹۸ – کنستانتیوس به گل برگشته **الامانئی** (المانی) را شکست داد .

۳۰۱ – دیوکلسین فرمانی‌برای تثبیت‌ومحدود کردن بهای اجناس و کارگر صادر کرد تا شاید بهاختلال اقتصادی‌که بر اثر تنزل پول بوجود آمده بود پایان دهد . اما در باختر کوششی در اینمورد بعمل نیامد و در باختر نیز بزودی عملی نبودن این فرمان به ثبوت رسید .

۳۰۳ – ۲۳ فوریه – گالریوس به دیوکلسین اصرار کرد تا **تعقیب عمومی مسیحیان** را اعلام کند ولی کنستانتیوس در پرفکتور خود این فرمان را اجرا نکرد . در سال ۳۰۶ تعقیب ، مسیحیان در باختر کاملا متوقف شد ولی در خاور تا سال ۳۱۳ بشدت ادامه یافت .

۳۰۵ – اول مه – دیوکلسین وماگزیمیان استعفا کرده ؛ گالریوس و کنستانسیوس بمنصب او گوستی رسیدند .

دیوکلسین و گالریوس دو نفر زیر را بعنوان سزار (قیصر) برگزیدند **فلاویوس والریوس سوروس** بعنوان‌معاون‌وزیر دست **کنستانسیوس** که به سزار مزبور سمت حکومت (پرفکتور) ایتالی داده شد و دیگر **گالریوس والریوس ماگزیمینوس دائیا** برادرزاده گالریوس‌امپراطور بعنوان معاون گالریوس (با سزار) که به وی حکومت سوریه و مصر سپرده شد .

به دعاوی سلطنت ارثی **ماگزنسیوس** و **کنستانسیوس** پسران ماگزیمیان وقعی گذاشته نشد .

۳۰۶ – ۳۳۷ – فلاویوس والریوس کنستانسیوس اول مشهور به کنستانسیوس کبیر (متولد ۲۸۸ از کنستانسیوس وهلنا) از نزد گالریوس گریخته نزد پدرش به بریتانیا رفت . پس‌از مرگ پدرش (ژوئیه) سپاهیان اورا بعنوان امپراطور شناخته‌احترام گذاشتند ولی باگالریوس پیمانی منعقد کرده طبق آن بسمت سزار شناخته شد و **سوروس** بسمت اوگوستوس شناخته شد .

دررم پرتوریها‌و مردم **ماگزیسیوس‌اوگوستوس** را در ۲۸ اکتبر بعنوان امپراطور شناختند ولی وی پدر خود ماگزیمیان را دعوت کرد که به‌رم آمده سمت اوگوستوس رابپذیرد و خود موقتا لقب سزار را برای خود برگزید . هنگامیکه امپراطور سوروس با سپاهی به رم شتافت

سپاهیان وی اورا ترك گفته فرار کردند و او خود تسلیم ماگزیمیان شد و چندی‌بعد بوسیلهٔ ماگزنسیوس بقتل رسید . ماگزیمیان از بیم گالریوس به کشور گل نزد کنستانتین رفت . کنستانتین اورا بعنوان اوگوستوس ارشد شناخته با دختر او **فائوستا** زناشوئی کرده گالریوس در سال ۳۰۷ در صدد حملهٔ به‌ایتالی برآمد اما نافرمانی سپاهیانش اورا ناگزیر کرد که ازاین نقشه صرف‌نظر کند . ماگزنسیوس در ۳۰۸ خودرابلقب اوگوستوس‌خواند وماگزیمیان به نزد کنستانتین گریخت . ماگزنسیوس مدت چهار سال با منتهای بیدادگری در ایتالی حکومت کرد . گالریوس محرك دیوکلسین گردیدکه ریاست کنفرانس رادر **کارنونتوم** بر عهده گیرد . دراین کنفرانس تصمیم گرفته شد که ماگزیمیان استعفا دهد ، **والریوس لیسی نیانوس لیسی‌نیوس** بسمت اوگوست باختر تعیین گردد و کنستانتین بمقام سزاری تنزل کند . کنستانتین امتناع کرد . گالریوس ناچار به او وبه **دائیا** هردو مقام **فیلیوس‌اوگوستی** داد معهذا هردو بازهم ناراضی بودند وبالاخره در ۳۱۰ بهردو مقام اوگوستی داده شد . ماگزیمیان در صدد شورش برآمد اما بدست کنستانتین‌کشته‌شد . پس از درگذشت‌گالریوس بسبب بیماری (مه ۳۱۱) **دائیا** آسیای صغیررا تصرف‌کرده بالکان‌را به **لیسی‌نیوس** واگذاشت.

۳۱۲ ــ کنستانتین ناگهان به ایتالی حمله کرده پس از غلبهٔ بر ژنرال نیروی ماگزنسیوس در جنگی در **ورونا** ماگزنسیوس را نیز درکنار **پل‌میلویان (ساکسارو برا)** در نزدیکی رم در۲۸ اکتبر شکست داده و بدست خویشتن او را بقتل رسانید . معروف است‌که پیش از این جنگ اخیر در آسمان شکل صلیبی را دیده است در هر حال وی چندی بعد بکیش‌عیسوی درآمد . وی گارد امپراطوری (پرتوری)را منحل کرد . در ملاقاتی که در اوایل سال ۳۱۳ بین او و**لیسی‌نیوس** در میلان بعمل آمد **برای تمام مذاهب وکیشها حقوق مساوی اعلام شد** و اموالی از مسیحیان که توقیف شده بود طبق **فرمان میلان** بدانها مسترد گردید .

۳۱۳ ــ دائیا بطرف اروپا شتافت ولی در **تزیراللوم** از لیسی‌نیوس شکست خورده به **تارسوس** گریخت و بزودی در آنجا درگذشت. **لیسی‌نیوس** در این هنگام امپراطور بلامعارض بخش خاوری گشته و کنستانتین امپراطوری باختر را در عهده داشت .

۳۱٤ ــ پس از جنگ مختصری بین لوسی‌نیوس و کنستانتین در **سیبالا** در ۸ اکتبر لیسی‌نیوس شکست خورده صلحی بین آندو برقرار گشت که طبق آن تمام سرزمین بالکان بجز **تراس** به کنستانتین واگذار شد .

۳۲٤ ــ بسبب سیاست ضد مسیحی لیسی نیوس ، روابط بین ایندو امپراطور ابتدا تیره گشته وبالاخره بجنگ منتهی شد . لیسی‌نیوس خودش در ۳ ژوئیه در **آدریانوپل** و نیروی دریائی وی در **کریسپوس** از پسرکنستانتین شکست خورده لیسی‌نیوس باردیگر هم در ۲۸ سپتامبر در **کریسوپولیس** در آناطولی شکست خورده تسلیم شد ودر سال بعد اعدام گردید.

۳۲٤ ــ ۳۳۷ ــ تجدید وحدت امپراطوری بوسیلهٔ‌کنستانتین ــکنستانتین پس‌ازدستگیری لوسی‌نیوس موفق گردید باردیگر امپراطوری را وحدت بخشیده به تنهائی سلطنت کند . وی بنابدعوت کلیسای مسیحی در سال ۳۱٦ برای حل مشکل انشعابیون **دوناتیست** شروع بدخالت در امور کلیسا کرده بود واین دخالت تااین زمان ادامه یافت .

۳۲۵ ــ کنستانتین اولین شورای جهانی کلیسا (شورای اوئه‌کومنیکال) را دعوت‌کرد که در **نیکائیا** در آسیای صغیر تشکیل جلسه دهند . هدف تشکیل شورا آن بود که یك جرو بحث مذهبی را که در اسکندریه بین **آریوس** کشیش وآلکساندر اسقف آن شهر در گرفته بود فیصله دهد (آلکساندر در۳۲۸ جای خودرا به **اتاناسیوس** داد که مروج آئین آلکساندر گردید) . آریوس مدعی بود که عیسی از جنس یاذات دیگری غیر از ذات پروردگار بوده . آلکساندر میگفت عیسی و خداوند ازیك جوهر وهمذات هستند . شوری طرف آلکساندر را گرفت بعلاوه قوانین شرعی تصویب کرد که طبق آن امتیازاتی برای اسقفهای (پاتریارك) اسکندریه و انطاکیه و رم قائل گردید . قسطنطنیه نیز چندی بعد همین حقوق را بدست آورد .

از هنگام تشکیل شورای آرلس در سال ۳۱٤ تفوق رم در جهان مسیحی گرچه بمفهوم بسیار محدودی بطور کلی شناخته شد ، نقش ارجحی که کنستانتین دراین شورا ایفا کرد تفوق امپراطور را در کلیسای خاوری برای ادوار بعد بنیان گذاشت . اگر چه **آریوس** بوضع دهشت آوری در سال ۳۳٦ درگذشت ، کنستانتین و جانشینان او کلیسا را بنحوی روز افزون بسمت **آریانیسم** (یعنی آئین وعقاید اریوس) سوق دادند و کشمکش عقیده و اختلاف در موضوع بالا در حوزه کلیسا تازمان سلطنت **تئودوسیوس اول** پایان‌نیافت . کلیسای باختری جدا حمایت از **اتاناسیان** (آئین اتاناسیوس) نمود .

۳۳۰ ــ ۱۱ مه ــ کنستانتین **شهر قسطنطنیه** را که چهار سال وقت صرف بنای آن در جای **بیزانسیوم** قدیم‌کرده وازآنجا مرکزاستراتژیکی خاور یعنی بوسفور را اداره میکرد بعنوان پایتخت اعلام کرد .

۳۳۷ ــ ۲۲ مه ــ کنستانتین در نیکومدیا درگذشت . وی در سال ۳۲٦ بتحریك واغوای زوجه‌اش فائوستا پسری را که از زوجهٔ اول داشت و به **کریسپوس** موسوم بود اعدام‌کرد. وراث وی عبارت بودند از ۳ پسر و ۲ برادر زاده . ۳ پسر وی هرسه خود را با لقب اگوستوس ملقب کرده به **کنستانتینوس دوم** (متولد ۳۱۷) دو پروفکتور ایتالی و گل واگذار شد . **کنستان سیوس دوم** (متولد ۳۱۷) فرمانروای خاور گردید و **کستانس دوم** (متولد ۳۲۳) ما لك **ایلیریکوم** و بخشی از آفریقاگردید **دالماسیوس و آنیبالیانوس** بفوریت بوسیلهٔ کنستانسیوس اعدام گردیدند .

۳۳۷ ــ ۳٦۱ ــ زمامداری پسران کنستانتین هنگامیکه کنستانسیوس مشغول اداره جنگی بی‌حاصل باایران بودکنستان‌تینوس به‌برادرش کنستانس حمله آورده ولی‌در ۳٤۰ در **آکوئی‌لیا** کشته شد . کنستانس نیز بدست **ماگنوس ماگنن‌سیوس** که مدعی سلطنت بود در ژانویه سال ۳۵۰ بقتل رسید .

۳۵۱ ــ ۲۸ سپتامبر ــ کنستانسیوس در



کنستانتین بزرگ امپراطور بیزانتین

مورسا در نزدیکی دانوب ماگنن سیوس را شکست دادوماگنن‌سیوس در ۳۵۳ در **لوگدونوم** خودکشی کرد و بدینطریق باردیگر وحدت امپراطوری حاصل گردید .

۳۵۱ ــ ۱۵ مارس ــ کنستانسیوس عموی خود **گاللوس** را بسمت سزار برگزید ولی در ۳۵٤ اورا اعدام کرد ...

۳۵۵ ــ ٦ نوامبر ــ کنستانسیوس برادر ناتنی گاللوس موسوم به **ژولیان** را بسمت سزار انتخاب کرده فرماندهی قوای اعزامی برضد **آلامانی** و فرانکها را بهوی واگذاشت.

۳٦۰ ــ ژولیان برگشته بقصد جنگ با کنستانسیوس **بطرف** خاور پیشروی کرد ولی پیش از آنکه بخاور برسد کنستانسیوس در ۳٦۱ درگذشت .

۳٦۱ ــ ۳٦۳ ــ ژولیانوس معروف به **«اپوستاته»** (یعنی مرتد واز دین برگشته) شهرت وی بیشتر در کوشش او در آوردن **پاگانیسم** (شرك وبد پرستی) است بجای مسیحیت‌وتاسیس یك‌کلیسای **پاگان** . وی ابتدا به جنگ با فرانکها پرداخته پیشرفت کرد و سپس با ایرانیان جنگید و به تیسفون حمله کرده توفیق نیافت هنگام مراجعت از تیسفون در ۲٦ ژوئیه ۳٦۳ در راه درگذشت وبا درگذشت وی **سلسله کنستانتین** منقرض‌گردید

۳٦۳ ــ ۳٦٤ ــ ژوویانوس (متولد ۳۳۱) از طرف سپاهیان انتخاب شد وی بین‌النهرین را به ایرانیان واگذاشت و بزودی (پس از ۱۷ فوریه ۳٦٤) درگذشت .

۳٦٤ــ ۳۷۵ ــ فلادیوس و آلنتینیانوس‌اول (متولد ۳۲۱) نیز دومین انتخاب لشگریان بود. وی‌بخوبی دربرابر حمله بربرها درباختر دفاع کرد و برادرش **والنس را بعنوان گو ــ اوگوستوس** انتخاب کرده مامور سلطنت بر خاور نمود (۲۸ مارس ۳٦٤)

۳٦۷ ــ والن‌تینیان پسر خود **گراسیان** را

در باختر بعنوان شریك امپراطور باختر برگزید . والنتی نیان در یك لشکرکشی ضد کوادی و سارماسیانها در ۱۷ نوامبر ۳۷۵ در گذشت .

۳۷۵ — ۳۸۳ — گراسیانوس (متولد ۳۵۹) برادرناتنی خود والن‌تی‌نیان دوم (متولد ۳۷۱) را بسمت کو—اوگوستوس مامور باختر نمود .

۳۷۶ — ویسی‌گت‌ها (گت‌های باختری) از دانوب گذشتند والنس در جنگ با آنها در ۹ اوت ۳۷۸ در ادریانوپل کشته شد . گت‌ها به تاراج منطقه بالکان ادامه دادند .

۳۷۹ — ۱۹ ژانویه —گراسیان ، تئودوسیوس فرزند ژنرال لایقی را که دربریتانیا بود بسمت کو — اگوستوس برگزید .

۳۸۲ — گراسیان بخواهش اسقف امبروز سنگ قربانگاه پیروزی (آلتار)راکه نشانی از شرك و به پاگان تعلق داشت از مجلس سنا بیرون برد واز لقب پونتی فکس ماگزیموس صرف نظر کرد .

۳۷۹ — ۳۹۵ — فلاویوس تئودوسیوس‌کبیر (متولد ۳۴۶) وی از آئین اردتودوکسی (یعنی اتاناسیانیسم) در خاور حمایت نمود وباگت‌ها از در صلح درآمده موافقت کرد که بعنوان متفقین نظامی در بالکان سکونت گیرند .

۳۸۳ — ماگنوس ماگزیموس که گل را تصرف کرده بود از طرف لژیونهای بریتانیا بسمت امپراطور شناخته شد گراسیان در لوگدونوم در ۲۵ اوت‌کشته شد . تئودوسیوس ناچار ماگزیموس را برسمیت شناخت .

۳۸۷ — چون ماگزیموس والنتی‌نیان دوم را از ایتالی بیرون راند تئودوسیوس اورا در اکوئی‌لیا در ۲۸ ژوئیه ۳۸۸ دستگیر واعدام نمود .

۳۹۰ — تئودوسیوس از طریق خشم نسبت به طغیانی که در تسالونیکا بوقوع پیوست با کمال قساوت ۷۰۰۰ نفر از مردم آندریا راقتل عام کرد . اسقف امبروز مقیم میلان اورا مجبور کرد که از این رفتار توبه کند واز آن پس کلیسای باختری را مستقل و آزاد از تسلط امپراطور اعلام کرد .

۳۹۲ — ۱۵ مه — اربوگاست کنت فرانکی والنتی‌نیان‌را درویته ترور کرده اوژنیوس عالم معانی بیان و مشرك را بعنوان امپراطور اعلام کرد .

۳۹۴ — ۵ سپتامبر — تئودوسیوس در فریگدوس در خاور اکوئی‌لیا اوژنیوس و اربوگست را شکست داده بقتل رسانید و امپراطوری از آن پس تا مدت کمی وحدت حاصل کرد .

۳۹۵ — ۱۷ ژانویه : تئودوسیوس درمیلان درگذشت امپراطوری بین پسر ارشد او ارکادیوس (که در ۳۸۳ بسمت اوگوستوس خاور منصوب شده بود) و پسر کوچکتر او هونوریوس (که در ۳۹۳ بسمت اوگوستوس باختر تعیین شده بود) تقسیم گردید . این تقسیم از این پس ثابت ماند گرچه وحدت امپراطوری از لحاظ تئوری مورد قبول واقع شده وشناخته‌شد معهذایك‌کنسول(تاسال۴۷۲) همیشه در رم و یك کنسول (تا سال ۵۴۱) در قسطنطنیه مستقر بود .

۳۹۵ — ۴۰۸ ارکادیوس (متولد۳۷۷)امپراطور خاور . وی اودوکسیا دختر باثوتو از اهل فرانك را در ۳۹۵ بزنی گرفت . روفینوس پرفکت پرتوری تا هنگام قتلش بدست سربازان خویش جلوهجوم ویسیگوتها را دربالکان گرفت اما پس از وی اوتروپیوس که خواجه بود نتوانست جلو حملات ویسیگوتها یا هونهارا که اسیارا مورد تاخت وتاز قرار دادند بگیرد.

۳۹۵ — ۴۲۳ — هونوریوس (متولد ۳۸۴) امپراطور باختر : وی‌کاملا در تحت نفوذ و ارادهٔ استی‌لیکو از قوم واندال (شعبه‌ئی از تیوتونیك‌ها که در قرن پنجم به کشور گل تاخته ورم را تاراج و ویران کردند) فرمانده کلیه نیروهای نظامی باختر قرار گرفته بود استی‌لیکو دختر خود ماریا را در ۳۹۸ بعقد ازدواج هونوریوس در آورد .

۳۹۶ — ۳۹۷ — استی‌لیکو ویسیگت ها را که در تحت رهبری الاریك (پادشاه ویسی‌گت‌ها) قرار داشتند از یونان بیرون راند .

۴۰۲ — ۶ اوریل استی‌لیکو جلو ویسی‌گت‌ها را که قصد حمله به ایتالی داشتند گرفت . رومیان در پوللن سیا پیروز شدند

۴۰۶ — ۲۳ اوت — استی‌لیکو در فلورانس نیروی بربرها را که برهبری‌راداگائیسوس به ایتالی تاخته بودند درهم شکست . در همین زمان واندالها سرزمین های گل ، الانس ، سوئوی و بورگوندی را بتصرف آورده بودند .

۴۰۷ — تخلیهٔ بریتانیا از طرف رومیان : کنستانتین که لشکربان وی مقیم بریتانیا اورا امپراطور خوانده بودند با نیروهای خود از بریتانیا بیرون شتافته از سرزمین گل عبور کرد و عقیدهٔ مورخین برآنست که سپاهیان رومی دیگر به بریتانیا بزنگشتند . بومیان سکنهٔ بریتانیا که آداب و رسوم رومی را فرا گرفته ورومی ماب شده بودند بدینطریق بحال خود واگذاشته شدند . البته کالدونیانها (پیکت‌ها) از شمال و قبایل مختلف ژرمن که از دریا میآمدند تاخت و تازهائی در بریتانیا میکردند . ساکسونها در حدود سال ۴۴۱ بطور دائم در دهانه رود تایمز مستقر گردیدند .

۴۰۸ — ۲۲ اوت — استی‌لیکو بدستور هونوریوس ترور شد .

۴۰۸ — ۴۵۰ — تئودوسیوس دوم (متولد ۴۰۱) امپراطور خاور . وی فرزند ارکادیوس و زمامداری ضعیف بوده در تحت‌تسلط خواهرش پولچریا قرار داشت . تئودوسیوس با والن‌تی‌نیان سوم کهن ترین مجموعهٔ قوانین موجود آن زمان را که بنام کدتئودوسیان (مجموعهٔ قوانین تئودوسیان) معروف است در ۴۳۸ فراهم کردند .

هونها بقیادت آتیلا به تاراج و یغمای امپراطوری و گرفتن باج و خراج ادامه دادند.

۴۰۹ — الاریك پادشاه ویسیگت‌ها باردیگر به ایتالی حمله کرده آتالوس غاصب (پرفکت رم) و آخرین امپراطورمشرك (پاگان) را بسمت امپراطور برقرار کرد ولی بزودی اورا خلع نمود .

۴۱۰ — ۱۴ یا ۲۴ اوت — الاریك رم را غارت کرد وی بزودی پس ازاین تاراج در جنوب ایتالی درگذشت . برادرش اتاالوف در ۴۱۲ ویسیگوتهارا به سرزمین گل برده ازآنجا به فتح اسپانیا پرداخت و اسپانیا را در ۴۱۵ از دست واندالها بدر آورد . در اسپانیا والیا جانشین اتاالوف (۴۱۶ — ۴۱۹) اولین سلطنت بربرها را در۴۱۹ پایه‌گذاری کرد .

۴۱۱ — کنستانتین از کنستانسیوس فرمانده قوای هونوریوس در نزدیکی آرلس شکست خورد .

۴۲۳—۴۲۵ — یوهانس هنگام‌مرگ‌هونوریوس در راوننا (که آنرا بجای میلان پایتخت خود قراز داده بود) سلطنت را غصب کرد .

۴۲۵ — تئودوسیوس دوم نیروئی از خاور بباختر فرستاده یوهانس را دستگیر واعدام کردند .

۴۲۵ — ۴۵۵ — والن‌تینیان سوم (متولد۴۱۹) امپراطور باختر . وی پسر گاللاپلاسیدیا ناخواهری هونوریوس و ژنرال کنستانسیوس بود (که در ۴۰۹ بمقام اوگوستی رسید ولی تقریبا بفوریت درگذشت) والن‌تینیان ازطرف تئودوسیوس دوم رسماشناخته شده و ادوکسیا دختر والن‌تینیان را در ۴۳۷ بزنی گرفت .

۴۲۹ — ژنرال بونیفاسیوس کوشش کرد که با کمك واندالها که از اسپانیا گذشته به رهبری گائی‌سریك (گن‌سریك) بافریقا رسیده بودند خودرا در افریقا مستقل و مستقر سازد. اما واندالها پس از دو سال محاصرهٔ هیپ — پورگیوس (۴۳۰ — ۴۳۱) که درخلال آن اسقف سن‌اگوستین درگذشت (۲۸ اوت ۴۳۰) افریقا را بتصرف آورده برای خود نگاه داشتند .

۴۳۰ — آئه‌سیوس فرمانده نیروها دو نفر رقیب خود فلیکس و بونیفاسیوس را از میان برد ولی در ۴۳۲ از آفریقا فرا خوانده شد . سپس کوشش کرد که سرزمین گل را از بربر ها خالی کند ودر پیروزی مهمی که در برابر ویسی‌گت‌ها در ۴۳۶ بدست‌آورد وهم‌در فرونشاندن شورش دهقانان و بردگان بمقصود رسید .

۴۳۵ — سلطنت واندال در آفریقا برسمیت شناخته شد . واندالها در ۴۳۹ کارتاژ را تصرف کردند .

۴۵۰ — ۴۵۷ — مارسیان امپراطور خاور — پولچریا خواهر تئودوسیوس دوم (در گذشت ۴۵۰) با مارسیان که ژنرال لایقی بود ازدواج کرد . مارسیان به‌اوستروگت‌ها (گتهای خاوری) اجازه داد که بعنوان متفقین نظامی دربانونیا سکونت گزینند .

۴۵۰ — آتیلا پیشوای هونها تصمیم گرفت که اتباع خود را ازخاور بباختر به کشور گل انتقال دهد .

۴۵۱ — ژوئن — آئه‌سیوس بکمك تئودوریك اول پادشاه ویسیگوت‌ها (گتهای باختری)هونها را در جنگ شالونز (در حقیقت در صحرای موریاك نزدیك تروپز) شکست داد .

۴۵۲ — آتیلا به ایتالیا حمله کرد ولی‌ظاهرا بسبب تذکر پاپ لئوی اول اما باحتمال قوی بسبب آنکه پول خوبی دریافت کرد مراجعت نمود . اتیلا در ۴۵۳ درگذشت و قبایل متفرق گردیدند .

۴۵۴ — ۲۱ سپتامبر — والن‌تی‌نیان اجر خدمات آئه‌سیوس را بدین نحو داد که اورا بادست خود بقتل رسانید .

۴۵۵ — ۱۶ مارس — والن‌تی‌نیان بدست دو نفر از افراد گارد آئه‌سیوس کشته شد و بدینطریق سلسله تئودوسیوس نیز انقراض یافت .

۴۵۵ — ۴۷۲ — دراین ۱۸ سال عده‌ئی

فرمانداران ضعیف ودست نشانده یکی از پی دیگری در بخش باختری امپراطوری حکومت کردند . در ٤٥٥ **اودوکسیا** بیوهٔ والن‌تی‌نیان ، **پترونیوس ماگزیموس** را در رم بحکومت رسانید. در همان سال پس‌از قتل وی واندالها را از آفریقا به رم طلبید .

٤٥٥ – ٢٠–١٦ ژوئن گائی‌سریك و واندالها رم را تاراج کردند و لکه ننگی برنام آنها از آن پس بنام غارتگران باقی ماند .

٤٥٦ – آویتوس از گل جنوبی بطرف رم پیشروی کرد ولی از طرف ژنرال لایق خود **ریسیمر** از اهل **سوئدی** خلع گردید **ریسیمر** بوسیله جلب رضایت امپراطوران شرقی و کسب موافقت ایشان با کاندیدا های خود برای عنوان امپراطوری باختری قدرت را در حقیقت در دست خود نگاهداشت – نام نامزد های وی که امپراطوران دست نشانده بودند بترتیب تاریخ بشرح زیراست :

ماژوریانوس (٤٥٧ – ٤٦١)
سووروس (٤٦١ – ٤٦٥)
وپس از دو سال فترت :
آن تمیوس (٤٦٧ – ٤٧٢)
اولیبریوس (٤٧٢)

در سال ٤٧٢ ریسی مرو اولیبریوس هردو درگذشتند وپس از آنها **لئوی‌اول** امپراطور خاوری **گلیسریوس** را در ٤٧٣ و بعد **ژولیوس نپوس** (٤٧٣–٤٧٥) را برای **باختر برگزید** .

٤٥٧ – ٤٧٤ – لئوی اول از اهل تراس، بعنوان امپراطور خاور بجای مارسیان نشست وی برای آنکه از ناحیهٔ فرمانده قوای خود **الان‌آسپار** آسوده خاطر باشد دختر وی **اریادنه** را بعقد **زنو** ایسائوری ساکن کوهستان های جنوب آسیای وسطی در آورد (٤٦٧) ودر سال ٤٧٣ **لئو**پسر زنو را بعنوان همکار خویش برگزید .

٤٧٤ – لئوی دوم پس‌از درگذشت لئوی‌اول جانشین وی شد . پدرش زنو خودرا همکار پسرش قرار داد .

لئو در همان سال درگذشت .

٤٧٤ – ٤٩١ – زنو (متولد ٤٢٦) **پاسیلیس کوس** برادر زن **لئوی اول** را که مدعی سلطنت بود در ٤٧٥ از میان برداشته سپس بوسیله ایجاد اختلاف بین دو رئیس قبیله گوتها **تئودوریك پسر استرابو و تئودوریك امال** وانداختن آنها بجان یکدیگر سعی کرد که گت هارا مطیع سازد .

٤٧٥ – اورستس فرمانده‌نیروها **ژولیوس نپوس** را که در سال ٤٧٤ از طرف لئوی اول بسمت امپراطور باخترتعیین شده بود بنفع‌پسر **رومولوس اگوستوس** خلع کرد. وی اسم پسر خودرا از ترکیب نام بانی اول شهر رم (رومولوس) وبانی امپراطوری روم (اگوستوس) وضع نمود . نپوس در٤٨٠ **دردالماسیا بقتل** رسید .

٤٧٥ – ٤٧٦ – سلطنت **رومولوس‌اگوستوس** آخرین امپراطور باختر (نام وی بتخفیف **گوستولوس**)

٤٧٦ – ٤ سپتامبر – پس‌از شکست و قتل اورستس در **پاویا** ، **هرولیان اودوواکار** (اودو–آسر) رومولوس اگوستوس آخرین امپراطور باختر را در راونا خلع نمود .

و بدینطریق **امپراطوری روم منقرض گردید** .

زنو امپراطور خاور ظاهرا **اودوواکار** را بعنوان **پاتری‌سیان** شناخت (**پاتریسیوس** لقب افتخاری فرماندهان بربری گردید) **نپوس** تاقبل از قتلش در سال ٤٨٠ ادعا و عنوان اسمی امپراطوری را برای خود محفوظ میشمرد ولی پس از آن امپراطوری باختر و خاور اسما صورت وحدت‌یافت ولی عملا **اودوواکار** مستقلا برایتالی حکومت میکرد .

٤٨١ – پس از درگذشت تئودوریك پسر استرابو (یکی از روسای قبایل گت‌ها) ، **زنو** رقیب او یعنی **تئودوریك امال** را بعنوان **پاتریسیان** و فرمانده نیروها شناخت وقبیلهٔ اورا در **موئزیا** جای داد .

٤٨٨ – تئودوریك ظاهرا بعنوان نمایندهٔ زنو به ایتالیا حمله کرد .

٤٩٣ – ٢٧ فوریه – پس‌از سه سال‌محاصره **راوننا** اودوواکار تسلیم شد و بزودی بدست تئودوریك کشته شد . ایتالیا در تحت حکومت تئودوریك کبیر (متولد ٤٥٥) بعنوان سلطنت **اوستروگوتها** بصورت وحدت درآمد .

٤٩١ – ٥١٨ – آناستازیوس اول (متولد ٤٣١) امپراطور خاور – وی بیوهٔ زنورا بعقد ازدواج خود در آورده قدرت‌را از ایسائوریانها بگرفت وبدینطریق باعث بروز شورشی سخت در ایسائوریا گردید که تا سال ٤٩٧ ادامه یافت .

تجاوزات **گنائه سلاوی** اورا ناگزیر کرد که برای حفظ قسطنطنیه دیواری بدور آن بناکند.

٥٠٢ – ٥٠٦ – امپراطور یك دوره جنگ طولانی را با ایرانیان متحمل گردید .

٦١٤ – ٥١٨ – کشمکش **با ویتالیان فرمانده** قوای بلغارستان که مدعی سلطنت بود .

آناستازیوس در اول ژوئیه ٥١٨ درگذشت

٥١٨ – ٥٢٧ – ژوستی نوس اول (متولد ٤٥٠) یك نفر ایلیریائی حقیر که بمقام فرماندهی گارد امپراطوری رسیده‌بود بسلطنت رسید .

وی برادر زادهٔ لایق خود **ژوستی‌نیان** را در ٥٢٧ بسمت همکار خود انتخاب کرد ودر همان سال درگذشت .

٥٢٧ – ٥٦٥ – امپراطور **ژوستی‌نیان** (در مورد تاریخچهٔ سلطنت وی رجوع شود به بخش **امپراطوری بیزانتین** – یا امپراطوری خاوری در صفحات آینده .)

کلیات اوضاع و سرنوشت امپراطوری روم در قرون ٤ و ٥

سیاسی – دیوکلسین و جانشینان وی توانستند سقوط کامل وانقراض امپراطوری را بتاخیر اندازند ولی نتوانستند ازپیشرفت فسادی که از قرن سوم در امپراطوری رخنه کرده و آنرا بطرف زوال وانقراض سوق‌میداد جلوگیری کنند یا آنرا متوقف سازند اصلاحات اداری و حکومتی ایشان بر تحمیلات مالیاتی وفشار ها افزود و نیز نتوانست از تفوق و سلطهٔ نظامیان و کشمکش برسر حکومت و سلطنت جلوگیری نماید .

ارتش : ارتش بنحوی روز افزون بحالت بربری درآمده واز طریق‌سکونت دادن سپاهیان بعنوان دهقانان نظامی یا بربریان اسکان شده (فوئه‌دراتی) در اراضی آنها را خلع سلاح‌کردند ودفاع موثر از امپراطوری بدست بربریان روز مزد سپرده شد که در تحت فرمان روسای مقتدر قبیله ئی خویش بودند (مانند چریك ایلاتی) وبدیهی است که این فرماندهان بربری بردولت و حکومت تسلط یافتند .

امپراطوری باختری وخاوری :

بدینطریق امپراطوری باختری‌در واقع‌ساقط نشده بلکه عقب نشینی کرد وتاسیس سلطنت های بربری علامت پایان یافتن تدریجی یك سیستم بود و نه سقوط ناگهانی آن .

اما در خاور ، امپراطوری که بلباس یونانی درآمده بود در بعضی مواقع در این دو قرن بصورت قدرتی عظیم و باشکوه جلوه کرد و بهمین طریق روزگار گذرانید تا هنگام فتح قسطنطنیه بدست صلیبیون در ١٢٠٤ وافتادن شهر بطور قطع در دست ترکها در ١٤٥٣ .

معماری و هنر : در دوره امپراطوری سوم فن مهندسی و مهارت در معماری به‌شیوه دوره پیش از آن پیشرفت داشت چنانچه نمونهٔ آن در حمامهای دیوکلسین در رم و قصر وی در **سپالاتو** ، یا **باسیلیکان** ماگزنسیوس و کنستانتین در رم مشهود است . اما هنر بسرعت رو بزوال گذاشت نمونه آن کتیبهٔ رواق کنستانتین است در رم .

ادبیات وفلسفه : نیمهٔ دوم قرن چهارم‌شاهد احیای ادبیات لاتین پاگان بود و پیشوایان برجسته آن عبارت بودند از **سیم‌ماگوس** – پرفکت شهر رم که در سال ٣٨٤ به‌والن‌تینیان دوم اصرار میکرد که قربانگاه پیروزی (آلتار) را به‌معبد برگرداند ، **اوسونیوس** شاعرگالیك که در ٣٧٩ سمت کنسولی یافت ، **کلائودیوس** از اهل اسکندریه شاعر درباری هونوریوس و استیلی‌کو. **بئوسیوس** آخرین‌فیلسوف‌کلاسیك‌که معلوم نیست پاگان یا مسیحی بوده و پیش از آنکه بوسیلهٔ تئودوریك اوستروگوت در ٥٢٤ اعدام شود کتاب «تسلیت فلسفه» خود را در زندان نگاشت .

مذهب : دراین دو قرن زندگی فعال‌قریحه‌ئی بیشتر در کلیسای مسیحی ظهور کرده و پرورش یافت .

آباء بزرگ لاتن عبارت بودند از :

لاکتانسیوس (درگذشت ٣٢٥)

امبروز (٣٤٠–٣٩٧) که در ٣٧٤ اسقف‌میلان شد .

جروم (٣٤٠ – ٤٢٠) که از رم به **بتلهام** نقل مکان کرده و گوشه‌گیری اختیار نمود و در آنجا انجیل را بزبان لاتن‌ترجمه نمود(وولگاته)

اگوستین (٣٥٤ – ٤٣٠) اسقف **هیپورگیوس** در آفریقا در ٣٩٥ که تئولوژی یا فلسفه مذهبی مسیحی را برپایه **پلاتونیسم** (فلسفه افلاطون)بنا نهاد .

ادباء مهم یونانی عبارتند از :

باسیل مقیم سزاریا (٣٣٠ – ٣٧٩)

برادرش **گرگوری** مقیم **نیسا** (درگذشت ۳۹٤)

گرگوری مقیم **نازیانزوس** (۳۲۹– ۳۸۹) که هرسه نفر بالا از اهل کاپادوکیه بودند .

جان کریسوستوم (۳۲۹ – ۳۸۹) پاتریارك **قسطنطنیه** (۳۸۱)

اوسه‌بیوس (۲٦٤ –۳٤۰) اسقف ارتودوکس سزاریا (۳۱۵) .

(غیرازاوسه بیوس مقیم **نیکومدیاکه** نویسنده کتاب تاریخ کلیسا وبعضی کتب تاریخی دیگر است)

در خلال قرون پنجم و ششم ، در کلیسای خاوری‌بسبب ظهور فرقه‌معتقد به **مونوفیسیت** (که معتقد بودند بوحدت ذات یاطبعیت مسیح **یعنی آنکه مسیح** دارای دو مظهر یا دوحیات جسمانی وروحانی یا آسمانی نبوده و تنها صاحب یك ذات واحد بوده است). که آنرا شرك مونوفیسیت خواندند انفکاك وتفرقه حاصل‌شد. آئین‌فرقهٔ **ارتودوکس معتقد** بود باینکه عیسی مسیح ترکیبی بوده از دو عنصر **الهی** و بشری واین آئین را پاپ‌لئوی رم تقویت و تائید کرد و در **شورای کالسدون** در ٤۵۱ بتصویب رسید ولی امپراطوران خاوری عموما طرفدار مونوفیسیت بودند .

درباختر چون قدرت و نفوذ امپراطوری رو بضعف گذاشت ورقابت اسقفی بدست بربریان افتاد ، اسقف رم که به **پاپ** (پاپا) معروف شد اهمیت عظیم یافت و پاپهای بزرگی مانند **داماسوس** (پاپ از ۳٦٦ – ۳۸٤) علاوه برآنکه پیشوای روحانی مردم‌گردیدند پیشوای سیاسی ودنیوی نیز شمرده شدند . دعوی‌حق حاکمیت ارضی از طرف پاپ وکلیسا براساس یك‌فرمان ساختگی بنام **«عطیهٔ کنستانتین»** آغاز شدکه طبق آن ادعا کردند کنستانتین اراضی اطراف رم را به پاپ سیلوستر هدیه کرده‌است .

یکی از اقدامات تبلیغی برجستهٔ کلیساا‌عزام **اولفیلاس** بود نزد **گتها** (۳٤۰ – ۳٤۸) که آنهارا به کیش‌فرقهٔ **اریانیسم** مسیحی (منسوب به‌اریانوس که‌قبلا بدان اشاره‌شده درآورد.

خانقاه ها – اما کار برجستهٔ کلیسا درخلال این‌مدت‌ابداع **موناستی کیسم** یاموناستی‌سیسم بود (یعنی‌زندگی خانقاهی‌و گوشه گیری‌وتجرد وریاضت درخانقاه). البته در خاور زمین‌مسلك تجرد وانزوا از مدتها پیش رواج گشته و **سن‌انتونی** ابتدا عده‌ئی‌ازاین‌مردان‌مجردوگوشه گیرراگردآورده درحدودسال۲۸۵ درمصرزندگی مشترکی برایشان فراهم کرد **(کوانوبیته)**.

باسیل سزاریا (که‌دربالانامبرده‌شد) مقررات خانقاهی را درخاوروضع‌و جاری کرد. سپس زندگی خانقاهی یاموناستی‌کیسم‌بکوشش **مارتین** از اهل‌**تور** (۳٦۲) بباخترسرایت کردو **جروم** (که‌دربالا نامبرده‌شد) نیزدر باختر آنرا‌ترویج نمود. **کاسیان** مقیم‌مارسی (درحدود ٤۰۰) کتاب موسسات رابرای خانقاه نگاشت اما مقرراتی که‌تفوق‌یافت آن‌بودکه **سن‌بندیکت** برشته تحریر آورد (رگولاسانکتی‌بندیکتی) وی خانقاه خودرا در **مونت کاسینو** نزدیك ناپل در۵۲۹ دائرنمود. مقررات وی‌را **کاسیو دوروس** (٤۸۰ – ۵۷۵) وزیر یادبیرتئودوریك اوستروگوت که در ۵٤۰ خانقاهی در **بنه‌ونتوم** برپاساخت **پذیرفت** .

بستن مکتب‌ها در آتن بوسیلهٔ ژوستی‌نیان ، اعدام‌بوئه سیوس‌وتاسیس‌خانقاه بندیکت‌علامات آغاز دوره تحول از عصر کلاسیك به زندگی قریحه‌ئی قرون وسطائی محسوب میشود

(ز) امپراطوری های آسیا

(۱)- امپراطوری‌ساسانی در ایران

(۲۲٦ – ٦۵۱ میلادی)

کرونولوژی تاریخی امپراطوری ساسانی در مجلد دوم‌کتاب سال‌آمده رجوع‌شودبه‌صفحات ۱۵۹ تا ۱۷۰ کتاب مزبور

(۲) - هندوستان

تاسال ۵۰۰ میلادی

(الف)- هندشمالی

قرن اول ق م : سلطنت سکاها : تاریخ هند درمدت ۳ قرن یعنی از ۱۰۰ ق م تا ۲۰۰ ب م که **سکاها** دربخش های مهمی از هند حکومت کرده‌اند وبالاخص بترتیب‌کرونولوژیك **مبهم** و **پیچیده** و بسبب تعدد نوع مبدا تواریخ و گوناگونی ثبت سالها یا زمان وقوع حوادث احیانا نامعلوم است البته نام بعضی‌از شاهان سکاها معلوم است مانند **« شاه بزرگ موگا »** ، و **مائوئس** ، و **آزس** و **آزمی‌لیزس** .

ا . ژ . راپ سن مورخ باکمك سکه شناسی و دقت درسکه‌ها توانسته است فهرستی از نام زمامداران این چند قرن بترتیب تاریخ حکومت آنها فراهم کند .

موگا در سنگ نبشته‌ئی در **تاکسیلا** سال « ۷۸ » را ذکر کرده‌که با مراجعه به مبدا تاریخ یا تقویم اسکیت‌ها که ۱۵۰ ق م بوده میشود سال ۷۲ ق م .

آزس چنین بنظر میرسدکه خود یك مبدا تاریخ و تقویم تازه‌ئی وضع‌کرده و درکتیبه **چیرتوپ** در تاکسیلا رقم **« ۱۳٦ ایازا »** را ذکر میکند . هنوز دلائلی بدست نیامده که مبدا تاریخی موضوعه **ویکراما** که ۵۸ ق م بوده یا **ساکا** که ۷۸ ب م بوده در شمال باختری هند معمول شده باشد .

در یکی از متون **جاین** که پیش از ۱٤۲۸ میلادی نوشته شده منشا تواریخ بالا را به **اوج جاین** نسبت داده ولی شواهد و امثالی از استعمال آنها تاپیش‌ازسالهای ۳۷۲ (درمورد تاریخ ویکراما) و ۵۷۸ میلادی (در مورد تاریخ ساکا) بدست نیامده

بهرحال احتمال آنستکه **آزس** در سال ۵۸ ق م بسلطنت رسیده باشد و معمولا مورخین امروز این سال را یك تاریخ فرضی برای ثبت وقایع بعداز آن قرار میدهند .

سلسله‌پهلوا (نام بخشی از پارتها یا اشکانیان است که با اسکیت‌ها یا سکاها رابطه نزدیك داشته‌اند) این قبیله در تحت قیادت **و ونونس** و برادرش **اسپالی ری‌س** پس‌ازدرگذشت **مهردادوم** اشکانی (میتربدات ۸۸ ق م) درخاور ایران بالقب شاه شاهان مستقل گردیدند .

(بعقیده **ل . دوواله بوسن** مورخ ، پهلواها نیز مبدا تاریخ جداگانه‌ئی برای خود وضع کرده واین سال ۸۸ ق م است که مهرداد در گذشته و رئیس ایشان لقب شاهی را برای



شاهزاده خانم هندی و خدمتگزار وی
(قرن ٦ و٧ میلادی)

خود مقرر داشته و آنرا آغاز عصر پهلوا نامیده است) .

آزس دوم پسر اسپالیری سس در پنجاب جای سکاها رابگرفت . پس‌از او **گوندوفارنس** بسلطنت رسید .

آخرین پادشاه این تسلسله **پاکورس** نام دارد ولی احتمال داردکه اعقاب وی نیز مدتی بعنوان ساتراپهای امپراطوری اشکانی در هند شمالی و باختری حکومت کرده باشند

کوشانا کوجولادفیزس پنج‌قبیله **یوئه‌چی** را دربلخ (باکتریا) بیکدیگر پیوسته (قرن اول ق م) و درهٔ کابل و مناطق مجاور آنرا از تصرف **پهلواها** بیرون آورد . پسرش **ویماکا دفیزس** شمال باختری هند را فتح کرد وتا هنگام مرگش در ۸۰ سالگی بوسیلهٔ نمایندهٔ خود درآن ناحیه حکومت میکرد ودریك سنگ نبشته نزدیك **پنج تار** سخن از **کوشانا پادشاه بزرگ** بمیان آمده و تاریخ آنرا ۱۲۲ ثبت کرده که مطابقت میکند با ٦٤ یا ۲٤ میلادی بنابراین که تابع تقویم **ازس** بدانیم یا تقریم **پهلوا** .

سلسله دوم کوشانا درقرن اول میلادی از طرف **کانیشکا** بنیان‌گزاری شده . وی قلمرو سلطنت خودرا از بنارس وکابل تا **ویندهیاس** توسعه داده و **پیشاور** را پایتخت خود قرار داد . وی درسنگ نبشته های خود ارقام ۳ تا ۱۸ را آورده که باحتمال قوی آغاز سلطنت خودرا مبدا تاریخ قرار میدهد .

اما تواریخ چینی (تاریخ هان) وقایع این زمان را در هند بشرح زیر و بتواریخ زیر نشان میدهد :

۸٤ ب م ــ یکی‌از شاهان **یوئه‌چیه** ازطریق زناشوئی با زمامدار کشور سغدیانا متحد شد و **پان چائو** بوسیله تقدیم هدایا به سغدیانا کمك آن کشور را ضد کاشغر بدست آورد .

۸۸ ب م ــ شاه سنگهای قیمتی وچندشیر هدیه کرده تقاضای زناشوئی با یك شاهزاده خانم چینی کرد ولی جدا از طرف **پان‌چائو** رد شد .

۹۰ ب م ــ یك سپاه هفتاد هزار نفری بقصد انتقام بسرکردگی **هسیه** نایب‌السلطنه یوئه‌چی به **پامیر** اعزام شد که گرفتار قحطی گردیده به **پان** لایق ترین سردار جنگی‌آنزمان تسلیم شدند واو خراج سالیانه ازآنها گرفت .

اگر چه در تاریخ بالا نام این شاه ذکر نشده اما معلوم است که زمامداری مقتدر میتوانسته در کوهستانها با چنین قدرت بجنگ پردازد . بعضی‌از مورخین و محققین کانیشکا را همان شاه **چی‌ین** پادشاه **ختن** دانسته‌اند که درسال ۱۵۲ میلادی بنا بر اشتباه ازطرف یك هیئت چینی بقتل رسیده اما ازمنابع چینی ارتباط این شاه با**یوئه‌چیه** یا با هند باختری استنباط نمیشود .

چنین بنظر میرسد که کانیشکا عقیده به مدارا و اغماض مذهبی داشته و استوپای بزرگی درپیشاور برروی آثاربودا بناکرده‌است.

ظاهرا در **جالاندهارا** در پنجاب یك شورای چهارم مذهبی (که درمنابع **پالی** ذکری ازآن نیامده) از طرف **ساروواس تی وادین** که فرقه مقتدر واقع بینی بود از جمعیت محافظه‌کار **استاویراوادین** تشکیل‌گردید . ر

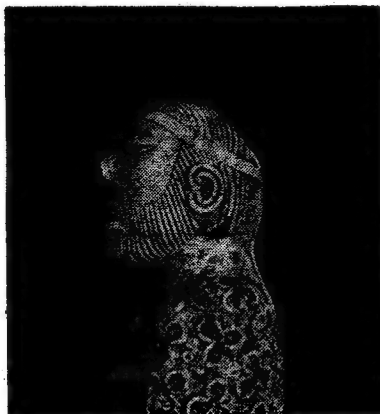
باحتمال قوی این شورا بر ترجمه کیش و آئینی که درقرون اخیر پیش‌از میلاد در **پراکریت** درماتهورا ، پنجاب وکشمیر ظهور نمود بزبان سانسکریت نظارت کرده .

آگاماهای چهارگانه **سانسکریت** با **نیکایاهای** پالی‌مطابقت میکند؛ اماکتب‌هفتگانه**ابهیدهارما** حاوی تعلیمات امور دینی بطور پرسش و پاسخ (**کاته‌کیسم**) و تفسیر وآئین نصوص آن مکتب است .

ویب جاسهاکه تفسیریکی‌ازکتب **ابهیدهارما** میباشد پس‌ازدرگذشت **کانیشکا** بوسیله معلمان کشمیر تکمیل شده وازآن پس بین شهرها بر سر اختلاف آئین های فرقه های متنوع کشمکش آغاز گردید .

قدیم ترین وقوی ترین سانسکریت کلاسیك در **ساتوندارانانداي** منسوب به **اسواگهوشا** (که تغییری است در ناندا) **وبودا چاریتا**

هنرهندی مجسمه نیم تنه‌ای‌که در حفاری‌های **موهن جودارو** در هند بدست‌آمده



که توصیفی‌هنری اززندگی بوداست وهمچنین در **سوترالامکارا** دیده میشود .

قرن دوم میلادی ــ جانشینان کانیشکا که تاریخ سنگ نبشته های آنها سلطنت کانیشکا را مبدا تاریخ نشان میدهد عبارتند از :

پسروی ــ **واسیشکا** ، پسردیگرش**کانیشکای دوم** ، برادرکوچکترش**هوویشکا**، **واسوشکا**پسر کانیشکای دوم و **واسودوا**

آشوکا درنبشته های خود از سه استان تمیلی درمنطقه **کارناتیك** نام میبرد بشرح‌زیر:

اول **پاندیا** (در انتهای جنوبی)ــدوم**کولا** (در جنوب باختری) ــ و سوم کرا ــ یا ــ **کرالا** (در سواحل جنوب باختری که بندر عمدهٔ آن **موزیریس** نام داشته) .

این نقاط دربازرگانی با امپراطوری روم با **مسولیا** در دهانه **کیستنا** و بخصوص بابندر **باری‌گازا** رقابت میکرده‌اند .

هیئت سفرائی ازطرف شاه **پاندیون** که احتمال دارد یکی‌از **پاندیاها** بوده‌است در ۲۲ ق م نزد **اوگوست** امپراطور روم فرستاده شده . **استرابو** (درگذشت ۲۱ ب م) شرحی راجع به ۱۲۰ کشتی مینویسد که از مصر عازم هند گردیده و **پلینی** (۲۳ ــ ۷۹) بهای واردات از هند را دریکسال به ۵۰ میلیون سس‌ترس تخمین میکند .

دکان از ۱۰۰ ق م تا ۲۲۵ ب م در تحت تسلط سلسله‌ئی از دروایدیان یا شاهان‌موندا قرارداشت که در **پورانا** بنام **اندهرا** خوانده شد ولی درکتیبه های **پراکریت** خودشان **ساتاواهانا** یا **ساتاکانی** خوانده شده‌اند ،

این‌سلطنت برروی خرابه‌های حکومت **سرنگا- کانوا** بوسیله **سیموکا** بناشده که پایتخت‌خود را در **پراتیشتهانا** (پائیتان) درقسمت‌فوقانی **گوداوری** قرارداد ولی از حاصل فتوحات اولیه وی درشمال باختری ساتراپهای **ساکا** برخوردارشدند . **بهوماکا** ساتراپ ساکاقدرت اسکیت را درسواحل شمال باختری برقرار کرد (درحدود ۷۰ میلادی) .

پس‌از وی **ناهاپانا** چندین‌سال **برسوراشترا** (کاتیاوار) و سواحل مجاور سلطنت کرده و پایتخت وی باحتمال قوی در **جون‌نار** در خاور بمبئی بوده . دیگر از شاهان این‌سلسله **مامبانوس** نام داشته (درحدود ۸۹) .

۱۰۹ – ۱۳۲ میلادی – **گوتامیپوتاسیری ساتاکانی** – منطقه **سوراشترا** را فتح نموده از دست **ناهاپانا** بیرون کرد و باحتمال قوی مناطق **اندهراتله‌کو** (دراویدیان) سرزمین های **گوداوری** و دلتای **کیستنا** را نیز تحت تصرف آورد . بخشی از اشعار **پراکریت** منسوب به این زمان است . **ساتاکانی** نسبت بمذاهب مختلف‌راه مدارا واغماض پیش‌گرفت. وی طبعی آزاده داشته اما بخصوص برهمن‌ها را مرتبه عالی بخشیده . حجاری و مجسمه سازی استوپای بزرگ بودائی در **اماراواتی** درکیستنای **سفلی** حاکی ازترکیب استیل‌قدیم هندواست با ناتورالیسم و در **بهارهوت** و **سان‌چی** بهتر پرورده شده وبا انگیزه های یونانی – بودائی که از **گاندهارا** آمده همراه شده واز آنجا به مالایا ، سوماترا جاوه ، **کامبودیا** و شامپا رفته است .

۱۲۰ – ۳۹۵ میلادی – **سلسله ساتراپهای باختری اوج جاین در مالوا** بوسیله **بهوماکا** پسر**چاشتانا** (تیاس تانس بطلمیوس درحدود ۱۵۰) تاسیس گردید .

۱۷۰ میلادی – رودرادامان نوهٔ **چاشتانا** درکتیبه‌ئی بزبان سانسکریت در **گیرنار** در **کاتیاوار** شرحی راجع به‌شکستن یک‌سددرسال ۱۵۰ میلادی میگوید و همچنین به شکست قبایل شمالی اشاره نموده و مکرر از قلع و قمع ساتاکانی درجنوب یاد میکند

اوج جاین دراین زمان مرکز تعلیمات سانسکریت گردیده و هیئت دانها و منجمین هندی آن نقطه را نصف النهار مبدا مقرر داشتند . در ماتهورا که مجسمه سازی سابق شبیه **بهارهوت** و **سانچی** بوده و بعد تقلید ناقصی ازاشکال **گاندهارا** شده ، مکتب یونانی نفوذ کرده وبخصوص از حیث نقش ونگار و حواشی استیلی بنام **اودایانابودا** بوجود آمد که به چین وژاپون سرایت کرد .

جامعه بودیست دراین دوره بدوبخش‌شدو دو راه را برای رستگاری پیش گرفت :

(۱) راه **هینایانا** یا گردونه کوچکتر که بسیاری از سادگی های بدوی قانون دهارما را ابقا کرد .

(۲) راه **ماهایانا** یاگردونه بزرگ که وقف کردن خویشتن را به **ساکیامونی** و بمعبدی‌که تازگی داشت مورد تاکید قرارداد . هدف این فرقه درمساعی مذهبی خود دیگر رسیدن بمرحله قدس یا جذب نهائی در **نیروانا** نبود بلکه هدف ایشان وصل مستقیم به حالت



ستونهای کوتاه سنگی هندباستان نزدیک دبمیاپور دریک جنگل که شاید برای نشانی راه بکار رفته



بودائی یا تجدید ولادت و سکونت ابدی در بهشت آسمانی بوده **ناگارجونا** (قرن دوم) موسس مکتب **مادهیامیکا** درسوترای خود تعلیم میدهد که کلیهٔ تجارب وادراکات حسی و ذهنی اشتباه خیال و تصور غلط است و معتقد به وجود « عقل کامل » شده (پراجناپارامتیا) آنرا تفسیر میکند و طبق آن ، قانون بودائی را تنها و تنها حقیقت میشمارد (این کتاب درسال ۱۶۰ به چینی ترجمه شده) .

نویسندگان هند پیش از عصر جدید کتب و رسالاتی دربارهٔ سه مرحله یا سه مظهر وجود انسان نگاشته‌اند بشرح زیر : (اول) **دهارما** یا وظیفه مذهبی و اخلاقی .

(دوم) **آرتها** یا سیاست و زندگی عملی (سوم) **کاما** یا عشق .

هدف کتاب **ارتهاشاسترا** (که درحدود ۳۰۰ تا ۳۲۰ میلادی نوشته شده)آنست‌که بزمامدار فن زمامداری موفقیت‌آمیز را برطبق اصول مورد قبول تعلیم دهد (مقایسه شود با کتاب پرنس یا زمامدار ماکیاولی) دراین‌کتاب دستور حکومت البته سلطنت مطلقه را درنظر داشته و مانند ماکیاولی بکار بردن کلیه وسائل را برای نیل بهدف مجاز و برحق میشمارد و همان نیل بهدف راکه عبارت از بزرگ نمودن شخص زمامدار درانظار و دیگر



حجاری برسنگ در هند مربوط بدورهٔ یونان و بودائی در هند



سنگهای مونولیتیك در بامیان در هندوکش(بین افغانستان و ترکستان)

ایجاد جنگ حاد است دلیل حقانیت توسل بهروسیله میداند .

و درهمین کتاب بکار بردن جاسوسی و جاسوسان را درتمام محلات و بخشها وهمه‌جا درهر مورد ، خدعه و فریب ، تهدید وارعاب، شهادت دروغ ، توقیف اشخاص برای گرفتن پول ، مکروحیله ، و ترور و آدم‌کشی را نیز درامر حکومت جایز میشمارد . زمامداری‌توام با تقوی را چنین توجیه میکند که اگرلازم شود برای آنست که جلب محبت مردم مغلوب نیز ضرورت دارد .

بطوریکه ملاحظه میشود **فلسفه ماکیاولی** که ۱۲ قرن پس‌از این کتاب نوشته شده تازگی نداشته است .

کتاب **« کاماسوترا » (قوانین عشق)** که درحدود اواخرقرن چهارم یا اوایل قرن پنجم میلادی بوسیله **واتسیایانا مالاناگا** فراهم آمده هم از حیث سبك و شکل وهم ازلحاظ مندرجات و اخلاقیات تقلیدی از **ارتهاشاسترا** است .

۳۲۰ ـ ۵۳۵ میلادی : سلطنت سلسله‌گوپتادی که پس از پنج قرن که هنددرحال تجزیه بسر میبرد بار دیگر حکومتهای منطقه شمالی هند را متحد ساخته سلطنتی واحد تشکیل داد .

۳۲۰ ـ ۳۳۰ میلادی : چاندراگوپتای‌اول : پایتخت وی **پاتالی پوترا** (پت نای امروز) بوده و بوسیله ایجاد روابط زناشوئی باقبیله قدیم‌لیچ **چاوی** موقعیت خودرا مستحکم‌نمود

۳۳۰ ـ ۳۷۵ میلادی : ساموندراگوپتا پسر چاندراگوپتای اول فتوحات پدر را درشمال (آریاوارتا) تکمیل‌کرد وبوسیلهٔ عبورازسرزمین های **تلوگو** بمنظور منقاد کردن پل **لاوا** شهرت وافتخار بدست آورد . وی از بنکال جنوب باختری واسام و نیال خراج خواست ، واز کوشان « پسر آسمان و شاه شاهان » که دراین زمان تابع شاهان ساسانی و مقروی درکابل ـ کاپیسا ـ گاندهارا بود و هم از ساتراپ **اوج جاین** ، و شاه **مگهاوان نا** (۳۵۲ ـ ۳۷۹) درسرندیپ (که در **گایا** برای رهایای خود خانقاهی بنا نهاد) هدایا دریافت داشت و رسم قربانی اسب راکه در دورهٔ ودیك معمول وعلامت دعوی «سلطنت جهانی» بود احیا نمود. وی نیز حامی شعر وموسیقی بود .

۳۷۵ ـ ۴۱۳ میلادی : چاندراگوپتای دوم ویکراما دی‌تیا (در ۳۷۹ تاجگذاری کرده) با فتح **مالوا** ، **گجرات** ، و **سوراشترا** (بین ۳۸۸ و ۴۰۶ میلادی) بحکومت ساتراپی **اوج جاین** پایان داد . وی پایتخت خود را به **ایودهیا** (در **اوده**) و چندی بعد به **کائوسامبی** درکنار رود **جومنا** انتقال داد .

۴۱۳ ـ ۴۵۵ میلادی : کوماراگوپتای اول باحتمال قوی موسس **جامعه خانقاهی** در **نالاندا** ست که سمینار عمدهٔ مذهب بودا بود تا هنگامیکه در حدود ۹۸۸ بسوخت .

۴۵۵ـ۴۶۷ میلادی : سکانداگوپتا هجوم قبایل هون را در۴۵۵ دفع نمود.

۴۷۷ـ ۴۹۶ میلادی : بوداگوپتا آخرین امپراطور این سلسله است که ازبنگال‌تامالوای باختری وشاید **تاسوراشترا** را تحت تسلط داشت . ازسال ۵۰۰ میلادی ببعد شاخه عمده این‌خانوادم بعنوان‌شاهان **ماگادها** تاقرن هشتم سلطنت کرده‌اند .

رسوم قضائی و کیفر ها در این عصر

نویسندگان قضائی برهمن دراین عصر ترکیب اجتماعی قوم هندورادر **سلوکا** تعریف کرده‌اند . **دارماساسترای** مانو (قرن اول‌ق .م) مورد احترام بوده ومکرر ازطرف نویسندگان این عصر مورد استفاده واقع شده. **دارما سوترای ویشنو** (قرن سوم میلادی) مانند حماسه‌های ، رسم **سوتی** (یعنی سوزانیدن زن بیوه بـا شوهر مرده) را اگر چه توصیه نکرده ولی شناخته است ـ نام روزهای‌هفته ازمنابع یونانی اقتباس شده . **باجناوالکیا**

(قرن ٤ میلادی) لزوم شهادت مستند را دردارسی تایید کرده وآزمایش متهم را بوسیله عذابهای جسمی زیر علاوه بربکاربردن آب‌و آتش(که‌درمانو اجازه داده شده) توصیه کرده است : شکنجه بدنی با بیل وابزار خیش‌و غیره وبکار بردن سم . ناردا (قرن ٥ میلادی) قرائض مذهبی و تکالیف اخلاقی را از محاکمات حقوقی و بحث های قضائی حذف نمود . بریهاس پاتی (٦٠٠ یا ٧٠٠ میلادی) ٩ نوع عذابهای جسمی راذکرکرده، کیفرها را نیز بطریق زیر شرح میدهد: بمیخ کشیدن ، بدار آویختن ، سوزانیدن، قطعه‌قطعه کردن ، جریمه‌های نقدی ، اخراج ومردود کردن از فرقه مربوط (سلب تابعیت فرقه). شاکی میتواند بوسیله روزه‌گرفتن درخانه مقروض تا سرحد مرگ ، عدالت را اجرا کند وبحق‌خود برسد. فاهسین زائر بودائی چینی که در دوره اوج قدرت سلسله گوپتا بهند آمده و سالهای ٤٠١ تا ٤١١ را درهند وسرندیپ بسربرده گفت‌که در مواردبزهکاران معمولا باید جریمه های نقدی را بکار برد وقطعه قطعه کردن را باید برای راهزنان‌و شورشیان نگاه داشت . وی علاقه واحساسات شدید به صلح وآرامش وسعادت هند شمالی (٤٠١-٤٠٩) وبه‌سرندیپ (٤١٠-٤١١) داشت.

شش‌مکتب فلسفی هندو

(یا مذهب عقلی‌واستدلال) درخلال قرن‌اول‌پیش ازمیلاد وقرن اول‌پس‌ازمیلاد یعنی‌درمدت‌دوقرن در هند پرورش یافت . این مکاتیب فلسفی با آنکه درواقع ازودا مشتق نشده خاصیت اصلی و قدیمی وجاودانی ودا را شناخته وازاین حیث حالت ارتودوکسی ودا را در بردارد.

دستورهای این مکاتیب با اخلاقیات ارتباطی ندارد ولی عموما در جستجوی آزادی ورهائی از قید هاست از طریق رفتارواعمالی که لازمه تجدید ولادت است . توسل به‌علم و ترك و تعطیل خیال را مضر روح میداند . پوروامی مامسا عبارت است ازتنظیم واسلوب دادن بقواعد ورسوم قربانی.

وائی سشی کا - سوترا که بعضی آنرا به‌قرن دوم وبعضی بقرون٤ وه میلادی منسوب داشته‌اند تحلیل وتفسیر ماده است وگوید ماده از اتمها ترکیب یافته واتم‌ها درتحت‌تاثیر زمان وسمت حرکت ، بیکدیگر پیوسته‌ذرات (مولکولها) را تشکیل داده‌اند . ارواح بوسیله پیوستگی به ماده بدان بسته ومقیدگشته‌اند. نیانا عبارت از يك دستگاه منطقی است‌که برای تحصیل علم بمنظورنیل به‌آزادی‌ضرورت دارد.

یوگ‌ـ سوترا (منسوب بقرن ٥) تمرکز شدید فکر وبدن را تعلیم میدهد وراه این روش بروی همه گشاده است وبسیاری‌ازفرقه های مذهبی مختلف هند آنرا با ارزش دانسته‌اند.

سامکهیا - پاریکا که منسوب به ایسوارا کریشناست (قرن ٣ یا ٤ میلادی؟) يك‌سیستم دوخدائی را پیش آورده (دوالیته) ومیگویدکه با تحقق باینکه روح جاودانی مانند جهان اطراف خود مادی نیست میتوان آنرا ازقیدها آزاد نمود.

براهما سوترا (درحدود ٣٥٠- ٤٠٠ میلادی) اولین تجلی روش ودانتا یعنی دراسنا یا «نقطه نظر» را بدست میدهدکه بطریق مداوم ازاوپانیشادهای قدیم‌تر تراوش‌کرده استو میگوید : خدا همه چیز است ، روح همان خداست ، واین کار برهمن بزرگ ودرطبقه اعلاست‌که بوسیله اندیشه وتفکر این وحدت روح وخدا را تحقق بخشد.

واسوباندهو (٣٠٠ - ٣٥٠ میلادی) فیلسوف‌پیشوای بودائی هینی‌یانا بودوبوسیله برادرش اسانکا واضع مکتب ویجناناوادین (ایدآلیست) یا مکتب یوگاچارا (اسرارآمیز) به‌مذهب ماهایانا گروید. این فلسفه، عوارض را تنها نتیجه انعکاس افکار میشمارد.

کوما راجیوا (٣٤٤ ٤١٣) مترجم این کیش بزبان چینی و دیگ‌ناگا منطق دان (قرن ٥) هردو ازپیروان این‌مکتب بوده‌اند که در قرون ٦ و ٧ شاخه‌های مهم آن درولابهی ونالاندا پرورش یافت. فاهسین اولین کسی است‌که جدائی خانقاه های ماهایانیست را از هینیانا گزارش داده‌است.

ادبیات

وتحقیقات ادبی در اوج جاین در زمان سلطنت گوپتاها ترقی‌کرده وبه‌عصر طلائی سانسکریت کلاسیك منتهی‌گردید.

آدیاسورا درکتاب جاتاکامالا (که در٤٢٨ به‌چینی ترجمه شده) داستانهای ولادت اولیه بودا را به‌نظم درآورده ، داستانهای دنیوی (جهان مادی) درکتاب پان چاتان‌ترا جمع‌آمده وبوسیله زبان پهلوی (در٥٣١- ٥٧٠) وزبان سوریانی (٥٧٠) وزبان عربی (٧٥٠) بزبانهای اروپائی ترجمه شده است.

ساکون تالا وویکومورواسی منسوب به کالیداسا (٤٠٠- ٤٥٥) درمیان درامهای هندی مقام اول را داشته وتحت نفوذ یونانی قرار گرفته‌اند .

از غزلیات معروف یکی مکها دوتا ،ودیگر کومارا سامبهاوا و دیگری راگهووامسا هرسه منسوب به‌کالیداساست.

داستان عشقی داساکوماراچاریتا اثر داندین ، ودرام سودراکا هردو منسوب به‌قرن ششم‌واشعارسانتی‌دواشاعربرجسته‌ماهایانیست موسوم به بودهی چاریا واتارا منسوب به‌قرن هفتم یعنی بعد از امپراطوری‌گوپتاست.

فن پزشکی

هندی را میتوان با پزشکی یونانی مقایسه کرد ولی محدودتر بوده زیرا بسبب منع تشریح بدن انسان ، عمل جراحی ترقی نکرده نوعی قوانین اخلاقی درفن پزشکی مانند سوگند بقراط درآثار چاراکا وسوس‌روتا (پیش ازقرن ٤) دیده میشود .

هیئت وریاضیات

درعلم هیئت درهند نفوذ یونانی دررساله تلخیصی بوسیله واراهام هیرا موسوم به پانچا سیدها نتیکا (درحدود ٥٥٠)مشهوراست. تقسیمات منطقه البروج یونانی جای تقسیمات بابلی را گرفته . وخسوف وکسوف محاسبه شده است.

آریابهاتا (٤٩٩) گردش زمین را تعلیم داده‌وهمچنین مقدارقم(پی) π را که٣٫١٤١٦ است بدست میدهد .

براهماگوپتا (متولد ٥٩٨) قواعد علم هیئت و حساب و جبر و هندسه را تحت نظم و ترتیب آورده . طریقه وی را در حل عددی معادله مجهول که شکل دیگر آنرا باسکارا در کتاب سیدها نتاسی‌رومانی (١١٥٠) آورده است هانکل هنرمندانه وزیباترین کشف در فرضیه عددی پیش از لاگرانژ (١٧٣٦-١٨١٣) دانسته است . شرح محاسبه با چرتکه در کتاب ابهیدهارماکوسا مربوط بقرن اول‌میلادی‌یعنی مدتها پیش از آنکه چرتکه در چین معمول شود (١٣٠٣-١٣٨٣) آمده است .

مهم‌تراز همه اینها اختراع واستعمال‌علامت صفر است در اعداد و محاسبه که بهندیان نسبت داده میشود (٦٠٠ میلادی) وهمچنین ارقام اعشاری در نبشته های سانسکریت در کامبودیا (٦٠٤) یعنی پیش از آنکه به اعراب سوریه (٦٦٢) انتقال یابد و از آنجا باروپا رود دیده میشود .

(ب) هند جنوبی

کلیات

تمام قسمت شبه جزیره هند که در جنوب کوههای ویندهیا واقع است باستثنای بخشی از منطقه ماهاراشترا (یعنی ناسیك و پراتیش تانا که بسهولت ممکن بوده است از منطقه مالوا بدان دسترسی یافت و پیش از عصر ما بتصرف آریانها درآمده) در تصرف بومیان یا سکنهٔ خیلی قدیم هند موسوم به دراویدیانها بوده و شاخه های این قوم بشرح زیر درنقاط مختلف شبه جزیره سکونت داشته اند :

کاناریها در شمال باختری ، قبیلهٔ تلوگو در باختر و قبیلهٔ تمیل در منطقه کارناتیك اقامت داشتند .

در زمان چاندراگوپتا کیش جائینیسم به سراوانابلگولا در میسور آمده (درواخر قرن ٤ ق م) وروش دیگامبارا یعنی «روحانیان برهنه» از آن ناشی شده که شمالی ها آنرا مردود شمردند . کیش بودا با استوپاها و مجسمه‌هایش در عصر آشوکا به اماراوائی و میسوروارد‌گشته است. اما فرهنگ سانسکریت وهند و در اوایل عصر جدید از جنوب به کامبودیا راه یافت . نفوذ سانسکریت (دردوره پیش از مسیح) در صرف و نحو تامیل («تولکاپ پیام») ودر«کورال» تیروواللووار که عبارت از نغمات يك رهبان فرقهٔ پاریا (نجس) است وبه قرون دوم و سوم میلادی مربوط است مشهود میباشد .

مهاجرین و مستعمره نشین های برهمن با کیش هندوئیسم و رسم طبقاتی خود در ادوار مختلف از منطقهٔ دره گنگ به جنوب آورده شده‌اند .

بهرحال منطقه جنوبی شبه جزیره هند شدیدا تحت تاثیر کیشهائی که از شمال بدانجا آمده قرارگرفته و بتدریج کیش بهاکتی در آن بوجود آمد که عبارت است از وقف کردن خویشتن به ویشنو ، و سیوا ، وایجاد سازمان

خانقاه های **سانیوا** وگاهگاه سخت گیری و عدم اغماض مذهبی شدید و ایجاد روحیة فداکاری و وفاداری شخص نسبت به آئین مذهبی .

کرونولوژی

در حدود ۲۲۵ میلادی : تجزیة امپراطوری **ساتاکانی** منجر به تاسیس سلسلة **ترائی‌کوتاکا** در منطقة **ماهاراشترا** نزدیك **ناسیك** گردید .

۲۵۰ـ۵۰۰ میلادی : سلطنت سلسلة **ترائی کوتاکو** باحتمال قوی بوسیلة رؤسای قبیلـه چوپانی **آبهیرا** تاسیس یافته و ۲٦ اوت سال ۲۴۹ میلادی را مبدا تاریخ خود قرار دادند که احتمال دارد بسبب تاریخ غصب تخت و تاج **اوج**جاین باشد .

۳۰۰ـ۵۰۰ میلادی : سلسلة محلی دیگری بنام **واکاتاکس** سلطنت کرده که قدرت خود را از **دو کاویل‌گار** در **برار** شمالی تا **ناگ‌پور** و **بوندلکهاند** و **کونتالا** بسط داده از توسعـه بیشتر قلمرو گوپتا بطرف جنوب جلوگیری کردند . **هاری‌سنا** (۴۷۵ـ۵۰۰) از شاهان این سلسله بـوده است در منطقه جنوبی نیز در **باناواسی** در حدود سالهای ۲۰۰ تا ۲۵۰میلادی شاخه **چوتو** ازساتاکانی‌بنام **آنندرابهیری‌تیاس** سلطنت کرده اند و بعدا سلسلة **کادامبا** جای آنها را گرفت .

۳۵۰ـ۵۰۰ میلادی ـ سلطنت سلسلة **کادامبا** که یك برهمـن شورشی **پاللاوا** آنـرا بنیـان گذاشت . نبیره وی **کاکوتس‌تاوارمان** (۴۳۵ ـ ۴۷۵) دختران خود را بعقد ازدواج یك **گوپتا**و یك **واکاتاکا** (۴۴۵) ویك **کانگای** میسور درآورد.

در سرزمین تله‌گو ، سلسله **ایکش‌داکو** (در قرن ۳ میلادی) جای **آندهراس** را گرفت .

۳۰۰ـ۴۵۰ میلادی ـ سلسله **سالان‌کایـانای** جای سلسله بالا را گرفت .

۴۰۰ـ۶۱۱ میلادی ـ سلسله **ویشنوکوندیـن** در منطقه مزبور جای سلسله بالا را گرفته و حداقل ده نفر از این سلسله در این منطقه سلطنت کرده‌اند .

(ج) جزیره سرندیپ (سیلان)

کیش بودا طبق روایات و سنت مشهور در زمان آشوکا بوسیله **دوانام پیاتیسا** به جزیره سرندیپ وارد شده .

۲۴۷ ـ ۲۰۷ ق م سلطنت **دوانام پیاتیسا** که **ماهاویها** را یا خانقاه بزرگ رادر پایتخت خود **انورادهاپورا** بنا نهاد .

۸۹ـ۴۰ یا ۲۹ـ۱۷ میلادی ؟ ـ سلطنـت **واتاگـامانی** کـه خانقاه **ابهایاگیری** را برقابت خانقاه موجود بنانهاد و در زمان وی **پالی‌تریپ تیکا** که معرف‌سنت **تراوادین** است نوشته شده.

۴۱۲ـ۴۳۴ میلادی ـ سلطنـت **مـاهانامان** . **بوداگهوشای** ماگادها مولف **ویسودهی‌ماگا** یا «راه پاکدامنی» است که در سنت های پالی سینگهالی دیده میشود .

(۳) چین

تاسال ٦۱۸ میلادی

۲۲۱ـ۲۰۷ ق م ـ سلطنت سلسله **چـاین** CH,IN موسس و اولین امپراطور این سلسله **شیه‌هوانگ‌تی** (متولد ۲۵۹ ق م که در ۲۴۷ بسلطنت رسید و در ۲۱۰ ق م درگذشت) بوده و مشاور وی **لی‌سسو** نام داشته .

وی در تقسیمات ارضی‌کشور تجدید سازمان داده قلمروسلطنت خود را به ۳٦ **چیون** تقسیم نمود که هر یك در تحت حکومت یك حاکم کشوری ، یك فرمانده نظامی و یك مامورنظارت قرارداشت . وی بوسیلة ذوب کردن اسلحه و آلات جنگی کشور را خلع سلاح نمود و برای تسهیل امر بازرگانی داخلی بین ایالات چین قوانین ، اوزان و مقیاسها و طول محور چرخها را نیز تابع یك میزان (استاندارد) قرارداد.

۲۱۴ ـ خاکریز های سابق مرزهای چین بوسیلة کارگران محکوم اتصال یافته برای جلوگیری از حملة **هسیونگ‌ـنوی** ترك یا هونها بصورت دیوار بزرگ چین درآمد .

راه‌های لشکرکشی (استراتژیکی) ساختـه شد .

بسیاری از خانواده ها بخصوص خانواده های بزهکاران برای تقویت نیروی دفاعی و تضعیف **پارتیکولاریسم** (دسته بندی مذهبی یا قومی یا نژادی یا محلی یا حزبی و سیاسی و امثال‌آن) بصورت جمعی نقل مکان داده شدند.

چین مرکزی جنوبی فتح شده از دست قبایل **تائی** و **میائو** بیرون آمد و بوسیله حفر کانال **تازه‌ئی یو هسینگـان** (از **هونان** امروز تا **کوانگ‌سی**) تاکوه های جنوبی و شهرکانتون بتصرف دولت مرکزی درآمد .

۲۱۳ ـ **تخطئه ورد کتب** : کتابهائی که مورد استفاده و استناد دشمنان و مخالفین نظم‌نوین واقع میشد تخطئه شده مردود شناخته شد ، باستثنای کلیه کتب وتحریرات علمی و کتبی که در دست هفتاد دانشمند رسمی قرارداشت.

بکاربردن لوله ابریشمی برای نگاشتن منتهی‌به **تکمیل‌قلم‌مو**گردید(کەمخترع‌آنرا ژنرال**منگ‌تی‌ین** میدانند) وهمچنین ساده کردن الفبا وحروف وشیوه نگارش (که به **لی‌سسو** منسوب است) الفبا و حروف پیچیده قدیم بزودی فراموش گردید .

۲۰٦ ـ اشعار رزمی و حماسی **هسیانگ‌یو** برضد **لیوپانگ** ساخته شده . معبد **هان** پس از درگذشت **کائو ـ تسو** موسس آن ساخته شده و تکمیل گردید .

۲۰۲ ق. م ـ ۹ ب. م ـ **سلطنت سلسله هان باختری** : پایتخت‌آن در **چانگ ـآن** قرارداشت فهرست خلاصه وقایع چین در این دوره کـه نماینده نمونه های کلاسیك و قدیم سلسله‌ئی چین میباشد بشرح زیر است :

تشکیل دستة جنگجویان خشن ودستگاه اداری خشن ، ضعف تدریجی طبقة حاکمه ، دوره تجدید حیات (رنسانس) در تحت حکومت یك جانشین قوی که در زمان وی ترقی فرهنگی حـاصل شد ، **تنزل** سلسله‌ئـی دفعة دوم ، ضعف کنترل پادشاه نسبت بمامورین زیردست، رواج ظلم وجور وسپس منتهی شدن بشورش‌ها و انقراض سلسله .

بطورکلی سلسلة **هان** همان طرز حکومت سلسلة **چه‌این** را ادامه داد با این فرق کـه تعداد ایالات **(چیون‌ها)** بتدریج از ۳٦ بـه ۱۰۸ رسید .

۲۰۰ ـ امپراطور مدت هفت روزدر محاصره **هسیونگ ـنو** قرار داشت که در ده ساله پیش ازاین واقعه اولین امپراطوری ترك را در مغولستان بنیان گذاشت . امپراطور چین با تقدیم یك شاهزاده خانم به مهاجم ترك بعنوان همسری باو و فرستادن هدایای دیگر صلح را تاسال۱٦٦برقرارنگاهداشت (تقدیم شاهزاده خانم در سال ۱۷۳ نیز تکرار شد) .

۱۹٦ ـ **چائوتو** که در سالهای ۲۱۸ـ۲۱۴ سرزمین **یوئه** جنوبی (ایالات **کوانگ** امروز) را برای امپراطور **چـاین** فتح کرده بود بعنوان پادشاه یوئه جنوبی شناخته شد . در سال ۱۸۱ سپاهی بجنگ وی اعزام شد که شکست خوردند .

۱۹۱ ـ لغو ممنوعیت ادبیات محافظه‌کار به دانشمندان خاور چین که تمدن و تربیت داشتند فرصتی داد تا آنرا احیا نمایند و هم‌آنکه آنرا بصورت الفبا و حروف تازه برشته تحریر درآورند .

۱۵۵ـ۱۳۰ ـ **لیوـته** شاهزاده **هوـچیـین** متون کتب باستانی را در یك کتابخانه جمع آورد . عموی وی **لیوـآن** شاهزاده **هوائی‌ـنان** (درگذشت ۱۲۲) همت خود را مصروف جمع آوری‌فلسفه‌های باستانی (بخصوص **تائوئیسم‌ها**) نمود .

۱۴۰ـ۸۷ ـ سلطنت **ووـتی** امپراطور نظامی که فتوحاتی در کشور های بیگانه نمود وکمك هزینه دانشجوئی بـرای دانشجویان مکتـب **کنفوسیوس** وضع کرده اداره امور حکومت را بآنها سپرد .

۱۴۰ ـ **تونگ ـ چونگ ـ شو** نیز تربیـت بروش کنفوسیوس را برای تهیه کارمندان کشوری دولت تقویت کرد . و دیگر آنکـه اصلاحات ارضی انجام داده برای تملك اراضی ونگاهداری بردگان حدی مشخص کرد تا از تمرکز ثروت در دست اشخاص که در نتیجه بازرگانی واستخراج معدن حاصل شده بود

استیل یك بنای آجری چین باستان قرن سوم میلادی

جلوگیری کرده باشد .

برائر مساعی وی امپراطور پنج مکتب کلاسیك را تصویب نمود .

۱۳۶ – وضع پنج مکتب دانشجوئی کلاسیك بشرح زیر :

(اول) **آی چنی** تحولات (دستور غیب‌گوئی باستانی) .

(دوم) **شیه** یا قصائد .

(سوم) **شو** یا تاریخ (که اسنادآن در قرن ششم جمع‌آوری و تدوین گردید) .

(چهارم) **چون‌چیو**یاوقایع‌سالیانه‌کنفوسیوس

(پنجم) **شیه‌ـلی** (که‌بعدابنام **آی‌ـلی** خوانده شد) یا عبادات .

کلیه این رشته ها بصورت تفسیرات اخلاقی و عبادات مطالعه میشد .

شاهان سلسله هان سابقه ناشایسته عمل سلسله **چو** را دربخشیدن تیول به خویشاوندان و دستیاران خود دنبال کردند و همین خط مشی باعث شورش هفت شاهزاده گردیده به تضعیف سلسله منجر شد .

۱۲۷ – **چوـفوـین** اختلاف برسر تیولات‌را بدین نحو حل کرد که پسران کوچکتر نصف تیول پدری را بارث ببرند .

۱۲۶ – **چانگ چ – این** که در سال ۱۳۸ با میسیونی برای جلب کمك **یوئه‌چیه** (یکی از اقوام هند و اروپائی کـه **هسیونگ – نو** آنها را از مرز چین بسمت باختر بطرف **ایلی** رانده بود و بعدها به باکتر یا هنگامیکه در دست یونانیـان بـود حمله کردند) در برابر **هسیونگ‌ـنو** اعزام‌شده‌بوددراین‌سال‌بدون اخذ نتیجه مراجعت‌کرد ولی علم واطلاعات‌تازه‌ئی از آسیای مرکزی و هند بدست آورده بود .

۱۲۴ – **تاسیس یك دانشکده بزرگ** بـرای تربیت کارمندان دولت از طریق مطالعه مسائلی که در این ایام بصورت ارتودوکسی فلسفـهٔ کنفوسیوس در آمده بود .

۱۲۱–۱۱۹ – **هسیونگ – نو** از طـرف **هوـچیوـبینگ** (درگذشت در سن ۲۲ در سال ۱۱۷) بسمت شمال رانده شد و چندی بعد قوم **هسیونگ‌ـنو** بدو جزء شمالی و جنوبی تقسیم شدند (۵٤)

۱۱۱–۱۱۰ – **انقیاد یوئه باختری** و یوئـه جنوبی (سراسر سواحل جنوب باختری) . این فتوحات سرحدات چین را مشخص نموده و بهترین اراضی معروف آنزمان بدست چینیان افتاد . در خلال قرن بعد مامورین دولتی چین با کشتی های بازرگانی محلی جنوبی در طول سواحل جنوبی تا اقیانوس هند مسافرت کرده بمبادله طلا و نقره با شیشه ومروارید پرداختند .

۱۱۰ – **وو – تی** مراسم قربانی آسمان یا بهشت را که از امتیازات و الزامات اولیـهٔ دربار امپراطوری بود انجام داد .

۱۰۸ – فتح **چائوـهسی‌ین** که سلطنتی بود در مرز کره .

۱۰۲ – فتح دولتهای کوچك حوزه **تاریم** و **فرغانه (تایوئان)** بوسیله **لی‌کوانگ – لی** و سپاه عظیم وی . دراین منطقه زبان های هند و اروپائی مانند **توخاریان** ، وکوچیان درواحه‌های شمالی و زبان ایران خاوری یا شاکا در نقاط جنوبی و زبان **سغدیانی** بعنوان **لینگوافرانکـا** (زبان مخلوط وترکیبی ازچند زبان‌که‌مشترك بین چند قوم باشد) بکار میرفت .

خزانه امپراطوری که بسبب جنگها خالـی شده بود بوسیلهٔ فروش القاب نظامی (۱۲۳؛ انحصارنمك وآهن (۱۱۹)، اخذ امانات اجباری از اشراف (۱۱۲) ، تبدیل حبس های محکومین قضائی و کیفری به جرائم نقدی (۹۷) باردیگر پـر شد . حکومت برهبری **سانگ‌ـهونگ‌ـیانگ** وارد معامله غلات شده (۱۱۰) ارزان میخرید و گران میفروخت تا آنکه اخاذی ها و زیاده رویهای مامورین حریص دولت درزمان **چائوـتی** (۸٦–۷۴) منجر به لغو این رویه گردید .

شیه‌چی یا «یادداشتهای تاریخی» نام اولین تاریخ عمومی چین است که سرمشقی شد برای نگارش و ضبط تواریخ سلسله های مابعد . این کتاب را **مسوـماـچـاین** (درگذشت ۸۷ ق م) تالیف و جمع‌آوری کرده .

تائی – ته و **تائی‌شنگ** اخبار ووقایع مربوط بعبادات و رسوم مذهبی مضبوط در متـون قدیمه را جمع آوری کردند و کتب آنها بـه **تاتائی لیچی** و **لی‌چی** معروف است .

لیوـهسیانگ (۷۹–۸ ق م) یك رشتـه گزارشهائی راجع به محتویات کتابخانـه امپراطوری تهیه کرده . پسرش **لیو – هسین** (درگذشت ۲۳ ب م) این مجموعه‌ها راخلاصه کرده کتاب وی اولین صورت طبقه بندی‌مرتب ادبیات منسوخه محسوب میشود . وی چندین کتاب از متون مهم را نیز به الفبای جدیـد چینی برگردانید که از آنجمله است **تسوـچوـآن** و دیگر **چوـلی** یا رسوم و عبادات **چو** .

۱ – ۸ بعد از میلاد : وانگ مانگ بـعنوان نایب‌السلطنه کودکانی که سمت امپـراطوری داشتند حکومت کرد .

۶ میلادی – مقرر گردید که کلیه نامزدان پستهای دولتی **امتحانات خدمات کشوری** را بگذرانند .

یك دولت دور دست وناشناخته جنوبی بنام **هوانگ – چیه** یك کرگدن زنده بعنوان خراج برای امپراطور فرستاد .

۹ـ۲۳ ـ وانگ مانگ شخصاً بعنوان امپراطور سلسله **هسین** سلطنت کرده اصلاحات وتغییرات افراطی زیر را در امور کشور انجام داد : **ملی کردن اراضی ، تقسیم املاك بـزرگ ، لغو ولایت** ارباب بربردگان (۱۲ ب م)

(درسال ۱۷ مالیاتی برکسانی که برده نگاه میداشتند بسته شد وبجای مقررات بالا معمول شد) ، علاوه بر انحصار نمك و آهن و ضرب سکه شراب نیز بانحصار دولت درآمد و بر منافع سایر معادن نیز مالیات بسته شد . هفت کمیسیون منطقه‌ئی تشکیل شده و مامورگردیدند که بهای حداکثروحداقل وحد وسط محصولات عمده را سالی یکمرتبه معلوم نمایند و اجناس مازاد را خریده درخارج از فصل هر جنس را بابهای بیشتری بفروش رسانیده و قیمت بازار را نیز ثابت نگاه دارند . برای جلوگیری از رباخواری دولت قرضه‌هائی بشرح زیر باشخاص محتاج میداد :برای مراسم تدفین قرض بمدت ۳ ماه بدون بهره . برای کار های تولیدی با بهره ۳ درصد بمدت یکماه یا ۱۰ در صد بمدت یکسال . بازرگانان وسرمایه داران را کـه بعنوان مدیران امور بازرگانی در استخدام دولت آورده بود محرك شورشهائی گشتند که در یکی از آن شورشها **وانگ مانگ** بقتل رسید.

۲۵ـ۲۲۰ ـ سلسلهٔ هان خاوری : این سلسله بدست یکی از افراد خیلی جوان خانواده امپراطوری موسوم به **هو ـ هان** معروف بـه **کوانگ ـ وو ـ تی** (۲۵ـ۵۷) در **لویانگ** تاسیس شد . دراین زمان **مذهب بودا** بوسیله مبلغینی که از آسیای مرکزی وبعدا از هند (باحتمال قوی در زمان حیات مسیح) به چین آمده بودند وارد این سرزمین گردید . در یکی از فرامین امپراطور **مینگ** (۵۸ـ۷۵) حضـور رهبانان بودائی و معتقدین بمذهب آنان درسال ۶۵ ب م در دربار برادر مینگ با خوش بینی یاد شده است .

ماسپرو معلوم کرده است که یك افسانه مذهبی در اواخر قرن ۲ راجع به‌این زمان تدوین گردیده که حاکی از داستانی است که این امپراطور پیش ازآنکه بسلطنت رسدخوابی دیده و بعدا آن خواب صورت حقیقت یافته است .

۴۳ ـ **ما ـ یوئان** تونکین و آنام را فتح کرد . وبیشتر از مناطق این دوکشور تا سال ۹۳۹ میلادی در دست چینیان باقی مانـد (باستثنای مدتهای کوتاهی کـه برائر شورش در اختیار ایشان نبود) از سکنه بومی این سرزمین ها عده کمی کلاسیك های چینی ، کنفوسیانیسم و بودیسم را پذیرفتند ولی توده های مردم زبان و عادات خویش را حفظ کردند .

روابط بازرگانی بتدریج بدریاهای جنوبی چین بسط یافت .

جاوه (وشاید بعدا **سوماترا**) در سال ۱۳۲ خراج برای چین فرستاد . بازرگانان امپراطوری روم در ۱۶۶ و ۲۲۶ بـه **کات تی گـارا** یا **چیائو ـ چیه** (تونکن امروز) رسیدند .

گروهی از مردم **مالایا** موسوم به **چام ها** در این زمان متشکل شده بودند در حدود سال ۱۹۲ **کوانگ نام** را که در منطقهٔ **تورانن** واقع است تصرف کردند ولی چون بطرف شمال پیش رفتند (در ۲۷۰ و ۳۶۰ و ۴۴۶) شکست خورده عقب نشینی کردند .

۷۴ ـ ۹۴ ـ پان ـ چائو بسبب تسلط در لشکر کشی (استراتژی) و سیاستمداری کلیهٔ دولتهای کوچك ترکستان را تحت انقیاد آورده راه را برای بازرگانی وسیع ابریشم با روم خاوری بگشود .

دستیار وی **کان‌یینگ** در سال ۹۷ تا خلیج فارس نفوذ یافت . قدرت پان‌چائو بجائی رسیدکه‌حتی **یوئه‌چیه** که‌بتازگی‌سلطنت **کوشانا** را در پنجاب هندوستان بنیان گذشته بود در سال ۹۰ ناگزیر شد برای او خراج بفرستد . **هسیونگ نوی** شمالـی بـرائر یك سلسله شکست هائی که بشرح زیر برآن وارد آمد (در سال ۸۵ از هسیونگ نوی جنوبی ـ در سال ۸۷ از **سی ـ ین ـ پی** مغول ودر ۸۹ از **تو ـ هسین** سردار چینی‌شکست‌خورد)بخشی ازآن باطاعت پان‌چائو درآمد ـ عده دیگری ازآن قوم بطرف باختر مهاجرت کرده اراضی خود را به **سی ـ ین ـ پی** واگذاشتند که وی نیز بنوبه خود در سال ۱۰۱ آغاز حمله بمرز نمود . در باختر چین تبتی های **چیانگ** آرامش را از **کانسوی جدید** تا مدت‌چند دهه سلب کردند تا آنکه در ۱۴۱ ـ ۱۴۴ **چائو ـ چونگ** آنها را دفع کرد .

پس از سلطنت دو پادشاه قوی دربار در تحت تسلط و نفوذ زنان و خـویشاوندان و خواجگان که دربار را احاطه کرده بودند قرار گرفت .

۸۲ ـ امپراطریس **تو** Tou رشتهٔ جانشینی سلطنت را تغییر داده خود بعنوان بیوه‌ئیکه ارث سلطنت را از شوهر بارث برده‌است باتفاق خانواده‌اش سلطنت نمود (۸۸ ـ ۹۷)

۱۰۵ ـ ۱۲۱ ـ امپراطریس **تنگ** Teng نیز بعنوان بیوه وارث سلطنت وهم ازطرف کودك ذکورخود سلطنت‌کرد و پس‌از درگذشت وی خویشاوندان درجهٔ اول و برجسته وی خودکشی نمودند .

۱۲۴ ـ امپراطریس **ین** Yen نیز رشته جانشینی سلطنت را تغییر داده خود بسلطنت پرداخت‌ولی در همان سال بامقاومت شدید و طغیان روبرو شده خلع گردید .

۱۳۲ ـ امپراطریس **لیانگ** برای پدر خود کسب احترام و افتخار نمود و از سال ۱۴۴ ، هنگام در گذشتش در سال ۱۵۰ نیز به نیابت از سه کودك که امپراطور خوانده میشدند سلطنت کرد .

یك امپراطریس جوان تر ازاین سلسله نیز تا سال ۱۵۹ در قید حیات بوده و سلطنت کرد .

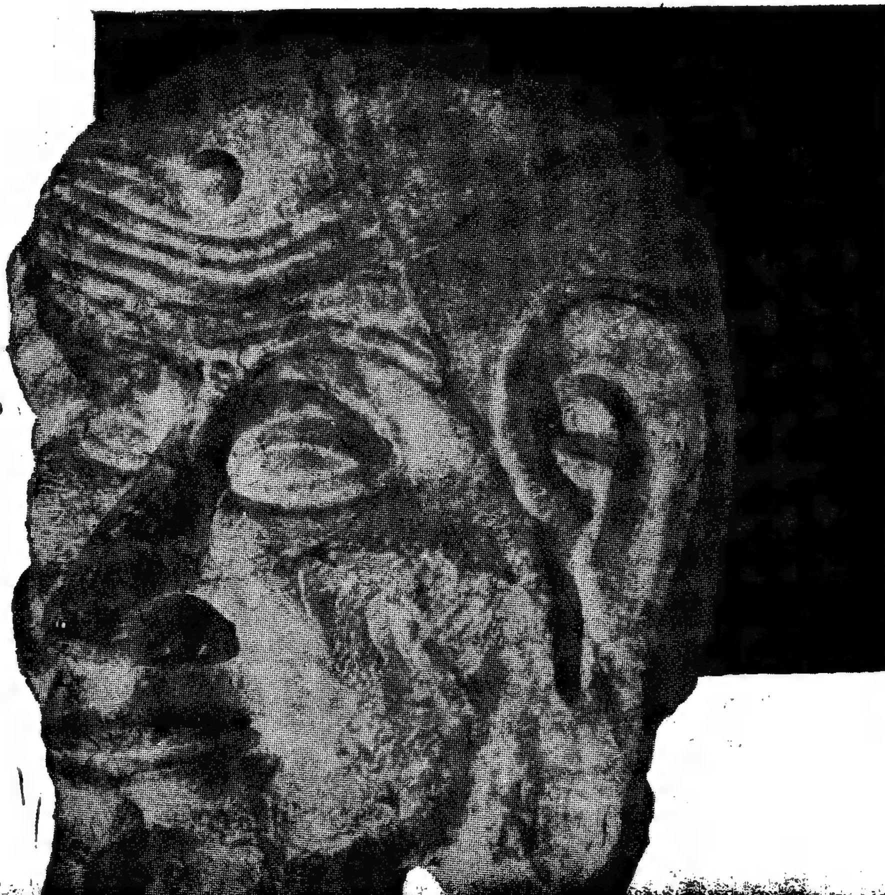
۱۵۹ ـ امپراطور **هو ـ آن** بالاخره از طریق توطئه **لیانگ‌چی** برادر امپراطریس را از بین برده خود بسلطنت پرداخت .

۱۸۴ ـ **شورش عمامه زردان** که نتیجه خشم ایشان بود از درنده خوئی ورفـتار خواجگان که نفوذ یافته و با بی‌رحمـی دانشمندانی را که با آنها مخالف بودند ترور کردند و این اعمال باعث خشم واعتراض شدید مردم گردید (۱۳۵ ـ ۱۳۶)

۱۸۹ ـ قتل عام خواجگان از طرف **یو ـ آن ـ شائو**

۱۹۰ ـ ۲۲۰ ـ سلطنت امپراطور **هسی ـ ین** آخرین پادشاه سلسلهٔ اخیر **هان** کـه حکومت واقعی نداشت ودر زمان وی قدرت واقعی به دیکتاتور های نظامی منتقل شده

سر **کاسیاپا** هنرچینی دورهٔ وی‌شمالی قرن ۶ میلادی



بود که با یکدیگر نیز در رقابت بودند .

عدم تامین و فقدان امنیت جانی و مالی موجب رواج‌عمومی مذهب **تائوئیسم** گردید که کیشی بود مرکب از میستی‌کیسم (اعتقاد به اسرار آمیز بودن همه مظاهر زندگی) و **آکل تیسم** (در جستجوی اسرار و غیب‌گوئی بودن)و بمعتقدین خود وعده طول عمر وحتی‌فنا ناپذیری بعنوان‌اجرایمان ودر برابر ریاضت خانقاهی میداد . موسسین یا پیمبران این کیش یکی **چانگ‌لینگ** بود (که معتقدین بآن مدعی اند که وی در سال ۱۵۶ ودرسن ۱۲۳ سالگی بآسمان صعود کرده‌است – مقایسه شود با اعتقاد مسیحیان به صعود حضرت مسیح وعقیده شیعیان مسلمان به غیبت امام دوازدهم) ودیگر پسرش **چانگ-هنگ** که مدعی بود از جانب **لائوتزه** یا **لائوتسه** مامور نشر مذهب تائوئیسم استولی وی بدنبال کار کیمیاگری و حبس نفس و شعبده بازی رفت که از شارلاتانهائی که به دربار های **ج – این – شیه – هوانگ – تی** و **هان – وو – تی** هجوم کرده بودند فراگرفته بود

جانشینان چانگ هنگ بتقلید بنده‌وار مذهب بودائی یك دستگاه سلسله مراتب (هیرارشی) مذهبی بوجود آورده ، یك کتاب حجیم شامل قوانین شرع خود ترتیب داده ویك جامعه خانقاهی را بانی گشتند .

سنت فرهنگی را پان – کو (۳۲ – ۹۲) حفظ کرد .

تاریخ سلسله هان قدیم‌تر را جمع‌آوری کرد . خواهرش **پان‌چائو** کتاب «**درسهائی برای زنان**» را که میزان مقیاسی برای اخلاقیات زنان بدست میداد فراهم آورد .

هسو – شن در سال ۱۰۰ میلادی اولین کتاب لغت زبان باستانی چین را موسوم به **شوئو – ون – چیه – تزو** – تالیف نمود . نثر مسجع ومقفی و موزون موسوم به **فو** در این زمان پرورش یافت .

در سال ۱۰۵ خواجه **تز – ای – لون** نوعی کاغذ از رشته های نباتی مانند چوب پنبه ، کنف شاهدانه ، و پارچه ساخته بدربار تقدیم نمود . لوله‌های کاغذی بزودی جای چوبهای نی یا صفحات چوبی و نیز لوله‌های گران قیمت ابریشم وکاغذ ابریشمی را که برای نگاشتن بکار میرفت بگرفت .

ما – چونگ طرز تازه‌ئی را برای ثبت تفسیرات در دوستون وضع‌نمود (۱۳۸ – ۱۴۰) برای آنکه پیروزی علمی و عقاید دانشمندان مکتب تفسیری محافظه‌کار تا ابد محفوظ بماند شش مکتب واصول آن ابتدا برروی سنگ نقش گردید (۱۷۵ – ۱۸۳)

نقاشی تصاویر واشکال (تصویر ۲۸ سردارنظامی) وخوش‌نویسی(کالیگرافی)بصورت هنرهای زیبا در آمد (متن کلاسیك ها بوسیله **تسائی‌یونگ** برسنگ نوشته شده)

نماز خانه و و – **لیانگ** مخصوص نماز گذشتن بر مردگان در مراسم‌تدفین با سنگهای صاف بانقوش‌برجسته تزئین‌گشته است(۱۵۱)

۲۲۰ – ۲۶۴ – تشکیل سه سلطنت – امپراطوری چین به سه سلطنت تقسیم شد وهریك از سه سلطان دعوی مقام امپراطوری داشتند .

۲۲۰ – ۲۶۴ – سلسلهٔ وی Wei

از طرف **تز – آئو – پ – ای پسر تز – آئو – تز – آئو** تشکیل شد که از سال ۱۹۶ ببعد در دربار امپراطور نفوذ و تسلط داشت. شهر **لویانگ** همچنان پایتخت باقی ماند . خواجگان از ورود بدستگاه حکومت ممنوع گشتند . خانواده های امپراطریس ها نیز از تصدی سمت نیابت سلطنت در آینده ممنوع شدند (۲۲۲) .

شرح سه‌مکتب در سالهای ۲۴۰ – ۲۴۸ بر سنگ نبشته شده و عبارت از شرح وتفسیری است که از مکتب باستانی **لیوهسین** حمایت کرده‌است .

۲۲۱ – ۲۶۴ – تاسیس سلسله شو – یا – شوهان درباختر چین بوسیله **لیو – پی** (**درگذشت ۲۲۳**)که ازسال ۱۹۴ ببعد با **تز – آئو – تز – آئو** دشمن بود.پایتخت‌وی‌درچ-**انگ-تو** قرارداشت . **چوکولیانگ** وزیر اعظم وی‌بود (۲۲۱ – ۲۳۴) درزمان وی ایالت **سزه شوان** (در وسط قاره چین) بسرعت رو بطرف ترقی وآبادی پیش رفت .

۲۲۲ – ۲۸۰ – سلطنت سلسله «وو» Wu

که بدست **سون ج – توان** درقسمت تحتانی رودسفلی تاسیس‌گشت . پایتخت این سلسله **درچی‌ین‌کانگ** (نانکن امروز) قرار داشت .

۲۴۵ – ۲۵۰ – اعزام میسیون کانگ‌تائی به **فو – نان** – دولت **خمر** درکامبو دیای جنوبی (درجنوب شبه جزیره هندو چین که ابتدا درسال ۲۴۳ خراج فرستاد) از رسوم واوضاع آسیای جنوبی بوسیله هیئت اعزامی ازطرف پادشاه هند آگاهی یافت .

۲۶۵ – ۳۱۷ – وحدت اسمی ایالات چین در تحت سلطنت **سلسله ضعیف چین باختری** که بوسیله شورش**مسوسما** برضدوئی Wei برقرار شد . تاسیس دستگاه‌سانسوروبازرسی.

۳۱۷ – ۵۸۹ – سلسله های شمالی و جنوبی امپراطوری را تقسیم کردند . شش سلسله (که شامل **ووی** خاوری Wu نیز بود) مرکز سلطنت خود را در **چی‌ین-کانگ** قراردادند .

۳۱۷ – ۴۲۰ – سلطنت سلسله «چین خاوری»

۴۲۰ – ۴۷۹ – سلطنت سلسله اول‌سونگ (یا – لیو) هشت امپراطور از خانواده لیو .

۴۷۹ – ۵۰۲ – سلطنت **سلسله چی جنوبی**

۵۰۲ – ۵۵۷ – سلطنت **سلسلهٔ لیانگ جنوبی**

۵۵۷ – ۵۸۹ – سلطنت **سلسلهٔ چ – ان** جنوبی Ch'en در خلال این ایام چندین قبیله از سلسله های بربری از تیره های مختلف بوسیلهٔ حمله یا ورود و سکونت و تصرف تدریجی در شمال چین مستقر گردیده با حرص و ولعی تمام فرهنگ و تمدن چینی را فرا گرفته از رسوم چینی پیروی کردند و بزودی جذب و منحل درتمدن چینی گردیدند.

۳۰۴ – ۴۳۹ – تاسیس ۱۶ سلطنت در سراسر کنارهٔ باطلاقهای شمالی بشرح زیر :

۳ سلطنت چینی‌از جمله پنج قبیلهٔ‌شمالی
۳ سلطنت ترکی **هسیونگ نو**
۵ سلطنت مغولی **سی‌ین-پی**
۳ سلطنت **تی** Ti
۱ سلطنت **چی‌ئه** Chieh
۱ سلطنت **چیانگ** تبتی

۳۸۶ – ۵۳۴ – سلطنت سلسله **وی شمالی** که بوسیله تاتارهای **توبا** در **تا-تونگ** تشکیل گردید . زبان این قوم **نوعی** دیالکت مغولی بود که تلفظ آن در تحت تاثیر و تماس با **تونگو** غلیظ و حلقی شده بود .

۵۳۴ – ۵۵۰ – سلطنت سلسلهٔ **وی خاوری** که مقر سلطنت ایشان در **یه** (**آنیانگ امروز**) بود .

۵۵۰ – ۵۷۷ – سلطنت **چ-ای شمالی** در **چانگ – آن**

۵۳۵ – ۵۵۶ – سلطنت‌سلسله **وی باختری** که سپس **چوی** شمالی جای آنرا گرفت .

۵۵۷ – ۵۸۱ – سلطنت **چوی‌شمالی** که در ۵۷۷ سلطنت چ – ای شمالی را برانداختند .

کلیات اوضاع در دورهٔ تشتت سلطنت ها

دراین‌دورهٔ‌طولانی‌بعلت‌تجزیهٔ‌سیاسی‌کشور بواحدهای کوچکتر ، چین در ترقی فرهنگی و تمدن عقب افتاد . متون کتب چینی که در قرن دوم ق م بوسیله **کونگ – ان – کوئو** در آن تجدید نظر مختصری بعمل آمده و بر تاریخ مذهبی افزوده شده بود و در قرن اول ب م مفقود شده بود در حدود سال ۲۵۰ چیزی مشابه آن تدوین شده و در ۳۱۷ – ۳۲۲ به امپراطور تقدیم گردید . ۱۳۰ متن از متون‌قدیمه که شامل وقایع سالیانه ئی بود که بر نی‌نوشته شده بود در سال ۲۸۱ ب م از درون مقبره‌ئی کشف شد که در سال۲۹۹ ق م بسته شده بود.

ژنرال **وانگ هسی – چیه** (۳۲۱ – ۳۷۹) نمونه های کلاسیکی را که برسنگ نقش شده بود بعنوان سرمشق خوش خطی (کالیگرافی) و روان نویسی تهیه کرد .

کو-کائی – چیه (۳۴۴–۴۰۶) فن نقاشی و رنگ زنی تصاویر فنی مربوط بداستانها را تکمیل کرد .

کیش بودا در چین

بودیسم درپایان سلطنت سلسله هان در چین رو به ترقی ورواج گذاشت . شکوه معبد خدایان بودائی (پانتئون) و مراسم مذهبی آن با عقاید جدید آن که عبارت بود از اعتقاد به وجود ده بهشت و ده جهنم ، و تجدید ولادت انسان ورستگاری ارواح نزد مردم عادی طوری رواج یافته و محترم شناخته شد که غیر قابل مقاومت گردید .

سوترا ها بیشتر بوسیلهٔ مبلغین هندی و آسیای مرکزی که از همه معروف تر ومهم‌تر درمیان ایشان **کوما – راجیوا** (۳۴۴–۴۱۳ که در ۳۸۳ به چین رفت) فرزند یك هندی و یك شاهزاده خانم از **کوچا** بوده است بصورت **اصطلاحاتی که از تائوئیسم فلسفی گرفته شده** بود ترجمه شد . اختلافات فرقه‌ئی هندی بخصوص در ترجمه ها و شرحهای قانون خانقاهی موسوم به **وینایا** منعکس است . علاقه به کسب اطلاع مستقیم از متون مرجع سبب شد که حداقل ۸۲ نفر از چینیان بین سالهای ۲۰۰ تا ۶۰۰ بهند مسافرت نمایند (تنها در قرن پنجم ۶۱ نفر چینی برای همین منظور مطالعات به‌هند رفتند) . **فاهسی‌ین‌راه‌بیابانی** را در آسیای مرکزی بگشود ولی از راه دریا به چین مراجعت کرد (۳۹۹–۴۱۴) و **سونگ – یون** راه خشکی را از طریق **اودیانا و گاندهارا**

(قندهار) پیمود (٥١٨ ـ ٥٢٢) . معروف‌ترین متون قرن ششم پاری‌نیروانا سوترا نام دارد که در آن از ولادت ، و تنویر وتعلیمات اولیه و درگذشت بوداسخن میگوید . ارزیابی نامطلوب کیش کنفوسیوسی از آسه تی کیسم هندی (ریاضت طلبی) و رواج زندگی های طفیلی مانند (پارازیتیك) از قبیل تمایل به عزوبت و تجرد ، زندگی خانقاهی و حیات درویشی و دوره گردی و گدائی ، و ظهور ادبیات متافیزیکی و خیالی افسار گسیخته و نیز خصومت روحانیون تائوئیست که با این روشها رقابت میکردند منجر به تعقیباتی شد در دوره‌ئی کوتاه در وی شمالی (٤٤٦) و چوی شمالی (٥٧٤) .

سلسله وی شمالی معابد غاری (معبد در غار و در شکم کوه) در صخره های یون‌ـ‌کانگ نزدیك تا ـ تونگ در شکم کوه حفر کرده و دائر نمود و با مجسمه ها و نقوش برجسته بتقلید از غار های هزار بودا در تون‌هوانگ آنرا تزئین کرد و این نقطه بعدا محل تلاقی و انشعاب راه های بازرگانی شمال و جنوب حوزهٔ تاریم گردید .

پس از سال ٤٩٥ غارهای تازه‌ئی در لونگ ـ من نزدیك لویانگ حفر و احداث گردید .

ساختن اشکال بوداهای متنوع مانند بودی ساتواس (بوداهای آینده) ، و لوهان (بزبان سانسکریت ارهات یعنی مقدسین) ، و نگهبانان نظامی مانند قانون عموما معرف شمایل کشی و پیکر نگاری (ایکونوگرافی) هندی است که بوسیلهٔ نقاشان و هنرمندان یونانی در گاندهارا فرم و شکل گرفته و همچنین در تحت تاثیر و نفوذ هنر ایرانی قرارگرفته است.

اولین امپراطوری مغول‌وترك درآسیا مرکزی

در آسیای مرکزی جوـ‌آن ـ جو ـ آن یا آوآر هااولین امپراطوری‌مغولی را درمغولستان بنیاد نهادند (٤٠٧ـ٥٥٣) ؛ شورش در آلتائی در ٥٥١ برهبری توچیونه منجر بتاسیس یك امپراطوری ترکی بتقلید از امپراطوری مغولی گردیده و طولی‌نکشید (٥٧٢) که به دو سلطنت ترکی خاوری و باختری تجزیه گردید .

ترکهای باختری غالبا مزاحم امپراطوری ساسانی گردیده از طرف باختر مرزهای ایران را مورد تجاوز قرار میدادند و وسیلهٔ تضعیف دولت ساسانی شده‌حملات آنها زمینه را برای حملهٔ اعراب و فتوحات اسلامی در چند دههٔ بعد فراهم ساخت .

٥٨١ـ٦١٨ ـ سلطنت سلسلهٔ سوئی که‌در چانگ ـ آن بوسیلهٔ یانگ‌چی‌ین (ون‌تی) وزیر اعظم چو (٥٨٠) تاسیس گردید .

٥٨٥ و ٦٠٧ ـ ٦٠٨ ـ تجدیدبنیای دیوار بزرگ چین (بهمان نحو که در سال ٥٤٣ بوسیلهٔ وی خاوری و در ٥٥٦ بوسیله چی شمالی بنا شده بود) در برابر ترکان خاوری اورخون .

٥٨٩ ـ تجدید وحدت امپراطوری بوسیله فتح سلسلهٔ چن جنوبی .

سیر مذهب بودا درچین

چین بوضعی مخصوص بخود به حمایت قوی از بودیسم و به تشویق و ترویج و حفظ آن پرداخت . کیش مشترك چین شمالی و جنوبی ، معابد و شمایل ها را باهم درآمیخت و بر تعداد آنها بسیار افزود .

بودیسم چینی بنحوی روز افزون هدف غیر محسوس تئولوژی یا فلسفه مذهبی هندی راکه عبارت بود از احتمال نیل به زنجیر ابدی وجود های قابل درك حسی بوسیله جذب درحالت طلب‌فنا بطرف نیروانا فراموش کرده و بیشتر بطرف هدفهای عملی گروید مانند اجرفوری‌ادعیه‌وپاسخ‌آنی‌به عبادت‌ازطرف بودی ساتوا ـ کوان ـ یین (اوالوکی تس وارا) و دیگر تجدید ولادت‌مستقیم و ظهور در بهشت شادمان‌باختری (سوکهاواتی) اومیتو (امی‌تابها)، و رستگاری بواسطهٔ بودای آینده می‌ـ‌لوـ‌فو (مائی‌تریا) .

ـ دیگر آنکه اختلافات فلسفی قدیم چین در آئین فرقه‌ئی بودیست نیز ظهور کرد. فلسفهٔ تائوئیسم در کیش فرقهٔ مذهبی چان منعکس گردید که‌میگفت طبیعت بودا در هرفرد آدمی وجود دارد و تنویر درونی را تنها باید بوسیله بخود فرورفتن و حالت خلسه و تفکر جستجو کرد نه دعا و عادت و ریاضت و کارهای‌نیك . اما انعکاس عقایدکنفوسیوس در مکتب تی‌ین ـ تائی هویداست که در سال ٥٧٥ در کوه های چه‌کیانگ بوسیلهٔ چیه‌ـ‌ئی (٥٣١ـ٥٩٧) پدید آمد و تاکید میکند که تحصیل دانش برای تحقق طبیعت بودا ضرور است . در تعالیم این کیش حالت وجد و جذبه و نشانه و تشریفات و انضباط تصویب شده و همچنین بعضی از متون متنوع که آنرا مطابق‌وهم‌آهنگ بامراحل تعلیمات بودا دانسته است مورد تأیید قرار گرفته و رسیدن به‌حد کمال در سوترا ی (دستور و اندرز راجع به) چرت و کیف (حالت خلسه) میسوراست‌که آنرا سادهارماپونداریکا نامند و از این زمان ببعد بیش از سایر قسمت ها رواج گردیده مورد قبول عامه واقع شد .

٦٠٢ـ٦٠٥ ـ لیوفانگ شورش انام را فرو نشاند ، چمس را دفع کرد و پایتخت ایشان ایندراپورا (نزدیك تورین) را تاراج نمود و از آن پس چمس تا مدت یك قرن و نیم خراج‌گزار گردید . کنترل بازرگانی ورود ادویه به چین و صدور ابریشم و چینی برای خلفای عباسی که بیشتر در دست بازرگانان ایرانی بود بدست چمس افتاد .

باحتمال قوی چندی پیش از این زمان سلطنت کامبودیائی چن‌لا که فو ـ نان سلطان سابق را برانداخته بود بجای آن مستقر گردیده و در این زمان هیئتی را برای دادن خراج به چین فرستاد (٦١٦ یا ٦١٧) .

٦٠٥ـ٦١٨ ـ سلطنت یانگ تی که در٦٠٤ پدر خود را کشت . وی بسبب زیاده روی و ولخرجی در کشور و جنگهای بیهوده خارجی سلطنتش از میان رفت .

٦٠٥ ـ احداث کانال بزرگ بوسیله ارتباط دادن مجاری موجود آب از پایتخت مجلل تازه در لویانگ (٦٠٤) به رود بلند . این کانال چو ـ چیون با دست یك میلیون نفر کارگر در ٦٠٨ تا چو ـ چیون (نزدیك پکن امروز) و در ٦١٠ تا هانگ چو امتداد‌داده شد.

٦٠٦ ـ دانشکده ملی توسعه یافت و اعطاء درجه دکتری بنام چین ـ شیه اولین مرتبه در آن دانشکده مقرر گردید .

امپراطریس سوئی کو اولین‌هیئت سفرای ژاپونی را پذیرفت .

٦٠٧ ـ انتصاب پئی ـ چو بفرماندهی باختر منجربه شکست تو ـ یو ـ هون مغول در ٦٠٨ گردید که در اوایل قرن چهارم وارد منطقهٔ کوکو ـ نور شده بودند و همچنین سلطنت های کوچك در ٦٠٩مطیع گردیدند ولی این‌پیشرفت‌باعث رنجش توچوئه خاوری‌گردید.

٦١٠ ـ پادشاه جزائر لیو ـ چیو (یا فرمز) بوسیلهٔ چ ـ ئن ـ لنگ بقتل رسید .

٦١١ ـ ٦١٤ ـ جنگهای مصیبت بار با کائوـ‌لی در منطقهٔ لیائو وکره‌کاملا امپراطوری را ضعیف و ناتوان کرد .

٦١٣ـ٦١٨ ـ شورشهای داخلی منجر به ترور یانگ تی گردید .

٦١٨ـ٩٠٧ ـ سلطنت سلسلهٔ تانگ

(٤) ـ تاریخ کره

تا٦٢٥ میلادی

موقع جغرافیائی واصل مردم کره :

کره شبه جزیره‌ایست کوهستانی بعرض ٢٠٠ تا ٣٠٠ کیلومتر و طول ٨٠٠ کیلومتر که از مرز منچوری در باختر تا نزدیکی زاویه جنوب باختری ژاپون امتداد یافته است . وجود کوههای مرتفع از طرفی و دریای سرد ژاپون از طرف دیگر آبادی و عمران سواحل خاوری کره را بتاخیر انداخته اما هوای ملایم تر و مناسب‌تر سواحل باختری که بخشی در برابر چین و بخشی دربرابر ژاپون واقع شده است این منطقه را مرکز طبیعی تاریخ کره یعنی مرکز وقوع حوادث تاریخی کره قرار داده است .

اما در مورد مردم کره چنین بنظر میرسد که از ازمنهٔ ما قبل تاریخ هم از حیث نژاد و هم از حیث زبان و تمدن و فرهنگ رابطهٔ نزدیك با سکنهٔ قدیم منچوری و سیبری و ژاپون داشته‌اند ولی‌تمدن‌دوره‌مابعد نئولیتیك آنها بیشتر از ناحیهٔ چین به این کشور نفوذ یافته است .

کرونولوژی

۳۰۰-۲۰۰ ق م - یك دولت نیمه چینی مآب بنام **چوسون** (بزبان ژاپونی : **چسن** بضم چ و کسر سین) درشمال باختری و چند دولت نیمه متمدن در جنوب و خاور کره تشکیل گردید .

۱۰۸ ق م - امپراطور چینی **وو - تی** از سلسلهٔ **هان** در چین‌دولت **چوسون** رابرانداخت و آنرا تقسیم به چهار ولایت نمود . این منطقه شامل کره مرکزی و کره باختری بود و مرکز آن در **لو-لانگ** نزدیك **پیونگ - یانگ** امروز بود (بزبان چینی : **پینگ - جانگ** و بزبان ژاپونی : **هی جو**) و درآنجایك مستعمره نشین بزرگ چینی تشکیل شده و توسعه یافت .

۱۵۰ ب م - سلسلهٔ **کوگوریو** که یکصد سال پیش از این تاریخ در منچوری و کره شمالی استقرار یافته بودند و همچنین سایر دولتهای جنوبی و باختری کره در این زمان در برابر مستعمره نشین‌های چینی‌که حکومت داشتند دعوی استقلال کرده از حق خوددفاع کردند .

۲۱۰ ب م - خانوادهٔ **کونگ - سون** ساکن منچوری جنوبی **لو - لانگ** را باطاعت آورده و در جنوب آن منطقهٔ حکومت **تائی - فانگ** را برقرار ساختند .

۲۳۸ ب م - سلسله‌چینی **وی** ، **لولانگ** و **تائی - فانگ** را از طریق دریا تصرف کردند .

۲۵۰ ب م - مهاجمین شمالی ٬ دولت **پائك چه** را در جنوب باختری تاسیس کردند .

۳۱۳ - آخرین بقایای مستعمره های چینی بدست دولتهای بومی از میان رفت ولی تمدن چینی بوسیلهٔ مستعمره نشین های پراکندهٔ چینی درتمام شبه جزیره نشر یافت و دراین هنگام دوره سلطنت های سه‌گانه آغاز گردید .

۳۱۳ - ۶۶۸ - **دورهٔ سلطنت های سه‌گانه** - پس از آنکه نفوذ حکومت چین از کره قطع شد کره تا چند قرن برسه سلطنت تقسیم شده بود سلسلهٔ **کوگوریو** در شمال ، دولت **پائك چه** در جنوب باختری و دولت **سیل‌لا** که باحتمال قوی در قرن۲ یا ۳درجنوب خاوری تاسیس یافته بود حکومت میکردند .

۳۶۰-۳۹۰ - دورهٔبزرگترین نفوذفعالیت ژاپونیها در کره که پایگاهی در ساحل کره بین **سیل‌لا** و **پائك چه** برای خود ایجاد کرده بودند .

۳۷۲ - سلسلهٔ **کوگوریو** کیش بودائی را از چین بگرفت .

۴۱۳-۴۹۰ - شاه **چانگ‌سو** موفق گردید که قدرت سلطنت **کوگوریو** را بحد اعلا برساند وپایتخت را ازسواحل‌رود **یالو** به **پیونگ‌یانگ** منتقل کرد (۴۲۷) .

۵۲۸ - حکومت **سیل‌لا** کیش بودائی را پذیرفت . این‌دولت که از لحاظ‌تمدن وفرهنگ از سایر دولتهای کره عقب بود آخرین دولتی بود از دولتهای کره که مذهب بودا را پذیرفت اما در این موقع دولت **سیل‌لا** بسرعت رو به ترقی گذاشت و با تصرف پایگاه های ژاپونیها از لحاظ اراضی نیز توسعه یافت .

۵۵۴ - **سیل‌لا** راهی از کرهٔ مرکزی بدریای خاور چین یافته با چین بسهولت روابط دریائی برقرار کرد .

۵۶۲ - دولت **سیل‌لا** پایگاه های ژاپونی را در کره خراب کرد .

(۵) تاریخ ژاپون

تا ۶۴۵ میلادی

جغرافیا : ژاپون‌یا **نیپون** ازمجمع‌الجزائری تشکیل یافته که از نزدیکی نوك جنوبی کشور کره شروع شده در حدود ۱۴۰۰ کیلومتر بطرف شمال خاوری امتداد یافته و سپس بشکل یك قوس بمسافتی در همان حدودبسمت سواحل سیبری امتداد می‌یابد ولی تعدادی از جزائر کوچك دیگر آن نیز در یك خط مستقیم بطرف شمال امتداد یافته تا به شبه جزیرهٔ کامچاتکا نزدیك‌میشود و بدینطریق دریای سرد ژاپون با این قوس محصور گشته هوای سرد ومرطوبی درباختر این مجمع‌الجزائر بوجود آورده اما سواحل جنوب باختری بواسطه مجاورت با اقیانوس آرام دارای آب و هوای گرم و معتدلی است و بالنتیجه این نقاط مراکز اصلیه ترقی وپیشرفت تمدن قرارگرفت. از جزائر ژاپون چهار جزیرهٔ بزرگ آن که بیشتر مساحت اراضی را دربردارند جزائر اصلی شمرده میشوند بشرح زیر :

(۱) جزائر **هندو** یا **هونشو** که از همه بزرگتر است قسمت اعظم قوس را تشکیل میدهد .

(۲) جزیرهٔ **هوکائیدو** یا **ازو** Ezo که از حیث وسعت در درجه دوم قرارگرفته و در شمال هوندو واقع است .

(۳) جزیرهٔ **کیوشو** که در انتهای جنوب باختری واقع شده .

(۴) جزیرهٔ **شیکوکو** که در خاور آن قرار گرفته .

درمیان این دو جزیره اخیر با قسمت جنوب باختری جزیره هندو یك باریکه‌ئی از آب متصل باقیانوس قرارگرفته که محصور به جزائر بالاست و به دریای درونی موسوم است . در میان جزائر کوچکتر و بسیاری از مجمع‌الجزائر ژاپون دو جزیرهٔ **توشیما** و**ایکی** بسبب آنکه دربغاز بین کره وژاپون قرارگرفته حائز اهمیت است .

دو منطقه از مهم ترین مناطق اراضی ژاپون یکی مجموعه‌ئی از صحراهای کوچك است که در جزیرهٔ هوندو در انتهای خاوری دریای درونی واقع شده و دیگر صحرای بزرگ **کانتو** در اطراف خلیج‌توکیو درهوندوی خاوری است. دریای درونی‌که بمنزله شریان ارتباطات جزائر ژاپون میباشد واراضی شمالی وباختری جزیره **کیوشو** که روبروی سرزمین آسیا واقع شده نیز از مناطق مهم ژاپون محسوب میگردد.

رودخانه های ژاپون عموما کوتاه و کم عمق بوده و اهمیت چندانی ندارند . کوه‌ها تقریبا سراسر این مجمع‌الجزائر را اشغال کرده و بخصوص کوه‌های هوندوی مرکزی مرتفع است و بسیاری از آنها کوه های آتش‌فشانی بوده ، و زلزله و آتش فشانی زیاد در ژاپون دیده میشود . آب و هوای ژاپون معتدل و بارندگی فراوان است . از عهد باستان تاکنون برنج محصول عمدهٔ ژاپون بوده است .

نژاد و مردم :

اصل و منشاء سکنهٔ ژاپون هنوز مورد بحث و اختلاف است . تحقیقات باستان‌شناسی و انتروپولوژی جسمی و ساختمانی بدنی (فیزیکی) حاکی از آن است که رابطهٔ نزدیکی بین نژاد سکنهٔ ژاپون و مردم کره و نژاد **تونگوستیك** مقیم آسیای شمال خاوری وجود دارد .

شواهدی که از تحقیق در زبان (لینگوئیستیك) ژاپونی بعمل آمده اگر چه مورد اختلاف است ولی تا درجه‌ئی موید نظر بالا میباشد . ولی شواهد **اتنوگرافیك** (نژاد شناسی) و**میتولوژیك** (اساطیروافسانه شناسی) نشان میدهد که مردم ژاپون از نژاد مردم چین جنوبی و مالزی و حتی **پولی نزی** هستند . بعلاوه باحتمال قوی نژاد **آی‌نو** (که آنها را **ازو** و نیز **امیشی** هم مینامند) و احتمال دارد اصل آنها از مردم اولیهٔ قفقاز باشد در نیمهٔ شمال خاوری ژاپون سکونت گزیده و بدون‌شك در ترکیب نژاد ژاپونی دخالت داشته‌اند .

بنابراین میتوان چنین نتیجه گرفت که اگر چه سکنهٔ اولیهٔ ژاپون از نژاد مغول بوده‌اند ولی باحتمال قوی از اختلاط مردم جنوب خاوری آسیا و نژاد **آینو** با ایشان یك خون ترکیبی بوجود آمده است .

کیش و آئین : مذهب بدوی ژاپون عبارت بود از پرستش‌سادهٔ تجلیات گوناگون نیروهای طبیعت منضم بیك سیستم عبادات و مراسم و آداب دینی که برجسته تر از همه آنها اسرار در پاکی جسم و خلوص بدنی و عبادت است . خدایان ایشان **انتروپومورفیك** بوده (انتساب کلیه اعمال و رفتار و خصائص و احساسات آدمی بخدایان یا نیروهای طبیعت) و با یاد و خاطرات منسوب به قهرمانان باستانی ترکیب یافته اند . مردم ژاپون بعلاوه در تحت نفوذ تفسیر و توجیه مبداء انسان و جامعه بصورت اساطیر و با اصطلاحات افسانه‌ئی قرارگرفتند . واین سیرو جریان بالاخره منجر به ایجاد یك



ماسك **گی‌گاکو** (رقص مذهبی) هنر ژاپونی دورهٔ **نارا** ــ قرن هفتم میلادی

میتولوژی متشکل گردید که در اطراف الههٔ آفتاب **(آماتراسو)** و نژاد و اعقاب او تمرکز یافت که عبارت باشد از خانوادهٔ امپراطوری .

پس از ورود بودیسم بسرزمین ژاپون ، به این ترکیب که معجونی بود از پرستش طبیعت ،توجه به رسوم وعبادات ، و میتولوژی احترام به اجداد نام **شین‌تو** داده شد تا از مذهب هندی متمایز باشد .

تمدن : قدیمی ترین تمدن شناخته‌شدهٔ ژاپون یك تمدن **نئولیتیك** بوده که پیش از ظهور مسیح راه را برتمدن دیگری گشوده که از آثار آن تپه های سنگی محل مقابر مردگان است که بر **دولمن** ها بنا شده (دولمن نام اطاقك های کوچکی است که از برپا کردن چهار یا بیشتر ستون سنگی بطور قائم وگذاشتن یك یا چند تخته سنگ بزرگ روی آن تشکیل میشده و متعلق به دورهٔ **مگالیتیك** است) و محتوی ظروف سفالی و آلات آهنی و مفرغی است که نشانی از نفوذ زیاد آسیای شمالی در ژاپون است . تمدن ماقبل تاریخ ژاپونی بنظر میرسد از منطقه **آلتائیك** (در اصطلاح لینگوئیستیك یا زبان شناسی) سر چشمه گرفته باشد و نیز قویا در تحت تاثیر تمدن عالی تر چین قرارگرفته است .

تاریخ : اولین وقایع موثق و معتبر تاریخی ژاپون در تواریخ چینی متعلق به قرن سوم میلادی آمده است که شرحی از تاریخ و اوضاع ژاپون باختری در آن آمده اگر چه ذکری از سایر نقاط ژاپون نمیکند . طبق این روایات ژاپون‌باختری بین‌تعدادزیادی‌واحدهای سیاسی کوچك تقسیم شده که در بعضی از آنها هم زنان حکومت داشته‌اند . بعضی از این دولتهای کوچك روابط مستقیم با مستعمرات چینی در کره داشته و طبق این تواریخ از سالهای ۵۷ تا ۲٦٦ دولتهای ژاپونی مزبور سفارتهائی در پایتخت چین داشته‌اند .

اساطیر تاریخی ژاپون

با نشستن امپراطور **جیم مو** به تخت سلطنت در سال **٦٦٠ ق م** آغاز میگردد . این مبدأ تاریخ باحتمال قوی۱۳ قرن‌بعدانتخاب‌شده ولی‌معلوم‌نیست بچه‌علت این‌تاریخ‌رابعنوان‌مبدأ درنظرگرفته‌اند . این میتولوژی حاکی از این است که قبیلهٔ آیندهٔ امپراطور از جزیره **کیوشو** طول دریای داخلی (بین الجزایر) را پیموده وارد صحرای **یاماتو** یا **نارا** گشته و با قبیلهٔ دیگری در **ایزومو** در کنار دریای ژاپون برقابت برخاسته وفائق‌آمده‌اند . قبیله ایزومو چنین بنظر میرسدکه تمدن وفرهنگ مشخص و متمایزی داشته و با کره روابط نزدیك داشته‌اند . چنین بنظر میرسد که در خلال چهار قرن اول پس از میلاد مسیح قبیلهٔ امپراطوری در **یاماتو** بتدریج قدرت خود را بربیشتر بخش‌مرکزی و باختری ژاپون بوسیله یك سلسلهٔ جنگها با قبایل همسایه و با قبیلهٔ **آینو** در خاور ژاپون و **کوماسو** در باختر ژاپون بسط داده و مستقر ساخته اند قبیله کوماسو ظاهرا مردمی بیگانه و باحتمال قوی از جنوب آمده‌اند . ــ تاریخ بالنسبه مدون ژاپون ازاواسط قرن سوم‌میلادی آغاز میگردد.

کرونولوژی

۲۳۰ ب م ــ آغازسلطنت **دهمین‌امپراطور ژاپون** موسوم به **سوجین** که ثبت وقایع تاریخی را احتمالا میتوان از زمان وی شروع نمود . داستانهای نیمه افسانه مربوط به جنگها و پیروزیهای شاهـزاده **یاماتوداکه** بر **کوماسو** و آینو نشانی از وجود یك دورهٔ توسعهٔ ارضی سریع امپراطوری است در دهه های اوایل قرن ٤ میلادی .

۳٦۰ ب م ــ داستان **فتح کره** بوسیلهٔ امپراطریس **جینگو** که ابتدا بنام شوهر در گذشته اش و بعدا بنام پسرش سلطنت میکرد باحتمال قوی حاکی از جنگهای ژاپونیها در شبه جزیره کره است . مراجع تاریخی کره نیز به تاخت و تاز ژاپونیها در خلال این قرن اشاره کرده و در یکی از کتیبه های کره که بسال ۳۹۱ نوشته شده میگوید که وسعت سپاهیان ایشان در شبه جزیره در این زمان زیاد بوده است .

باحتمال قوی از این زمان ژاپونیها تعدادی از دولتهای خیلی کوچك را در جنوب کره که به نام **کارا** یا ایمنا (بزبان ژاپونی **میمانا**) خوانده میشود تحت الحمایه خود قرارداده‌اند

و آن نواحی تا مدتی مدید منطقه نفوذ ژاپون بوده و درهمان زمان **پاتك چه** که دولتی‌بزرگتر در جنوب باختری کره بوده است نیز حـالت نیمه تحت‌الحمایه را نسبت بژاپون داشته .

ژاپون در قرن پنجم میلادی دعوی حق حاکمیت نسبت بتمام شبه جزیره کره نمـود اما در معنی قدرت وی حتی در جنوب کـره رو بضعف میرفت چنانچه مثلا سلطنت **سیل‌لا** در جنوب خاوری کره بتدریج مستقل و مقتدر گردید .

از مشخصات تماس کره با ژاپون از همه مهم‌تر آنست که ژاپون بوسیلهٔ این تماس قادر گردید که تمدن چینی را بنحو عمیق جلب نماید و قادر گردید که یکبار دیگر روابط مستقیم با چین برقرار سازد و این هدف در سال ٤١٣ به نتیجه رسید . در حدود اواخر قرن ٤ یا اوایل قرن ٥ اولین منشیان ودبیران ژاپونی که میتوانستند زبان چینی را بخوانند و بنویسند باحتمال قوی از کره آمده بودند و از اینجا معلوم میشود که **خط چینی رسما در ژاپون پذیرفته شده** نوشتن بـآهستگی و بتدریج در ژاپون معمول گـردید ولی ابتـدا تنها برای ثبت حوادث تاریخی بکار میرفت و بدینطریق از نیمه اول قـرن ششـم ببعد کرونولوژی ژاپونی یعنی ثبت وقایع بترتیب وقوع تاریخی که قبلا هم معمول بوده دقیق‌تر میشود .

سازمان اجتماعی

در این سازمان اجتماعی ژاپون بدینطریق متشکل گردید که گروه بزرگی از خاندانها یا قبایل **(اوجی)** در تحت قیادت‌روسای خاندانها یا قبایل **(اوجی ـ نو ـ کامی)** تشکیل گردید . اعضاء هرخاندان عموما مدعی بودند که از نژاد یك جد مشترك اعلی و از نوادگان او هستند که غالبا او را خدای خاندان یا قبیله **(اوجی ـ گامی)** میخواندند . رئیس خاندان یا قبیله بعنوان امام یا نایب روحانی خدای‌قبیله بر خاندان یا قبیله حکومت میکرد و حکومت سیاسی وی در لباس کشیشی و روحانیت انجام میگرفت . این رئیس و خویشاوندان نزدیك وی دارای یکی از چندین القاب و عناوین موروثی **(کابانه)** بودند که بمرور زمان بصورت یك دستگاه سلسلهٔ مراتب (هیرارشی) درآمد . در درجه پائین تر از این خاندانها یا قبائل **گروه های موروثی حرفه‌ئی** یا پیشه ور (به ـ یا ـ **تومو**) قرار داشتند که غالبا صنف یا کورپوراسیون خوانده میشوند . این گروه های صنفی پایه اقتصادی سیستم خاندانی یا قبیله‌ئی را تشکیل میدادند . پائین تر از طبقهٔ اصناف تعداد بیشماری نیز **غلامان یا بردگان** قرارداشتند .

خاندان امپراطور که یکی ازهمین خاندانها بوده ابتدا برتری و تفوق مختصری نسبت بسایر خاندانها داشته . رئیس ایـن خاندان امپراطور بود و خدای این خاندان سپس بصورت **خدای ملی** درآمد . قدرت و حکومت امپراطور برکشور ابتدا فوق‌العاده ضعیف و مختصر بوده .

خاندانهائی‌که صاحب دولقب از مهم ترین القاب‌ارثی بنام **اومی** و **موراجی** بودند بوسیله یك رئیس خاندان بنام **اومی** و یك رئیس بنام **موراجی** ـ یا **(اوموراجی)** اداره میشدند .

تومو ـ نو ـ میات سوکو عنوانی است که به رئیس گروه‌صنفی ارثی زیردست خاندان امپراطوری داده شد و**گونی‌ـنوـ میات سوکو** ریاست تمام اراضی و مزارع برنج زار خاندان امپراطوری را در عهده داشت .

روسای خاندانهای **گومه** ، **اوتومو** ، و **مونونوبه** بعنوان ژنرالهای امپراطوری بخدمت اشتغال داشتند و روسای خاندانهای **ناکاتومی** و**ایموبه** (که **ایمدیه وایمبه** نیزخوانده‌میشدند) ریاست تشریفات مذهبی دربار امپراطور را در عهده داشتند .

نفوذ تمدن چین و ورود این تمدن به ژاپون و هجوم مهاجرین کره‌ئی بژاپون سیستم خاندانی را بشدت متزلزل کرد و بنا بتقلید از چین حکومت ژاپون بیشتر بطرف تمرکز قدرت سیرکرده و این قدرت متمرکز در دست خاندان امپراطور و وزرای وی قرارگرفت که در بعضی مـواقع هم خـود هوس کردند کـه برتخت سلطنت قرارگیرند . اراضی خالصه امپراطوری بتدریج توسعه یافت و قدرت امپراطور فزونی گرفته تا بالاخره روزی فرارسید که درتمام دستگاه سیاسی واقتصادی ژاپون تجدید سازمان کامل بعمل آمده برهمان شیوهٔ چینی استوار گردید .

٥٢٧ ؟ ـ وقوع **شورش سختی درکیوشو** مانع عبور سپاه اعزامی به کره بـرای کمك به **ایمنا** گردید .

تفرقه و اختلاف بین ژاپونیها و خیانت بعضی از افسران ژاپونی در کره باعث گردید که به اعتبار و نفوذ ژاپون در کره لطمه شدید وارد آمده و راه را برای فتح دولت **ایمنا** بدست دولت **سیل‌لا** بگشاید .

٥٥٢ ؟ ـ معرفی و اعلام رسمی **کیش‌بودا** از طرف **پاتك چه** که خود در سال ٣٨٤ آنرا پذیرفته بود آغاز یك عصر تازه در ژاپون محسوب میشود . البته باحتمال قوی تا قبل از سال ٥٥٢ افرادی در ژاپون بوده اند که به کیش بودا درآمده بودند اما از این تاریخ **بودیسم** ایفای نقش میشخص و مهمی‌را درتاریخ ژاپون آغاز نموده و هـجوم تمدن چیـن را بژاپون بواسطهٔ **پاتك چه** تشویق نمود .

بودیسم باکـمك خاندان مقتدر **سوگا** و ورود روحانیون بـودائی از کـره ، به دربار امپراطور نیز راه یافت ولی بزودی یك دورهٔ موقتی و تخطئه بودیسم بوسیلهٔ خاندانهای **ناکاتومی و مونونوبه** که رقبای سیاسی خاندان **سوگا** بودند پیش آمد . ولی طولی نکشید که دوباره راه خود را بازکرده امپراطور **یومئی** (٥٨٥ ـ ٥٨٧ ؟) مدت کمی پیش از درگذشت این مذهب را پذیرفت .

٥٦٢ ؟ ـ دولت **سیل‌لا** ژاپونی‌ها را از سرزمین **ایمنا** بیرون رانده به دورهٔ طولانی تسلط ژاپونیها بر بخشی از کره پایان داد .

٥٨٧ ؟ ـ خاندان **سوگا** در یك جنگ داخلی کوتاه مدت رقبای خودرا درهم شکسته تفوق سیاسی خودرا مستقر ساخته به بودیسم اجازه دادند که بدون مانع درمیان مردم ژاپون پیشروی کند .

٥٩٢ ـ سوگا اوماکو (درگذشت ٦٢٦) برادرزادهٔ خود امپراطور **سوشون** (٥٨٧ـ٥٩٢) را بقتل رسانید .

٥٩٣ ـ ٦٢٨ ـ سوئی‌کو اولین‌امپراطریس است که در ژاپون برسمیت شناخته شده و در یك دورهٔ بحرانی و تحول در ژاپون حکومت کردکه در آنزمان بودیسم در ژاپون ریشه میگرفت و ورود تمدن چینی بدان سرزمین قویا موثر در شکل حکومت و جامعهٔ ژاپونی گردید . روح رهبر قوم درخلال سلطنت این ملکه ، شاهزادهٔ ولیعهد وی **شوتوکو** بـود (درگذشت ٦٢١ یا ٦٢٢) که موسس واقعی بودیسم در ژاپون و پیشقدم در پایه‌گذاری شکل حکومت بسبك چینی شمرده میشود که تا چندین قرن پس‌از آن بهمان شکل دوام یافت . وی بعلاوه چند خانقاه بزرگ از قبیل **شی‌تن ـ نو ـ جی** (٥٩٣) ، **هوکوجی** (٥٨٨ ـ ٥٩٦) و **هوری اوجی** (٦٠٧ ؟) نیز تاسیس‌کرد.

٦٠٤ ـ شاهزادهٔ شوتوکو ـ ١٧ ماده قانون اساسی را وضع و صادرکرد . این ١٧ ماده عبارت از یك مجموعهٔ دستور هـای اخلاقی (کد اخلاقی) بوده شامل تحریمات و ممنوعیت هائی بود مبهم که از اخلاقیات کنفوسیوس و فلسفهٔ سیاسی چینی درباب حکومت متمرکز امپراطوری الهام گرفته بود ، و بدینطریق مبنای ایدئولوژیکی برای تمرکز سیاسی قرارگرفت .

دراین قانون اساسی نفوذ بودیسم نیز مشهود بـود و این نکته نشان میـدهد کـه شاهزادهٔ **شوتوکو** نه تنها به قدرت سحرآمیز بودیسم که ژاپونیهای معاصر اورا مسحور و شیفته و مجذوب کرده بود توجه داشته بلکه باهمیت اخلاقی و سیاسی آنهم واقف بوده است .

و درهمین سال نیز بتقلید از چین درجات رسمی موسوم بدرجات کلاه **(کانی)** و تقویم رسمی و آئین‌نامه رسوم درباری نیز پذیرفته شد .

٦٠٧ ـ اونو ـ ایموکـو اولین هیئت مامور رسمی از طرف دولت مرکزی ژاپون به دربار **سوئی** در چین اعزام گردید ، در سال ٦٠٨ نیز هیئت سفرای دیگری به سوئی فرستاده شد واز آن پس‌تا مدت دو قرن ونیم دوازده هیئت سفرا به **تانگ** اعزام گردید . چون همراه این هیئت‌ها عده‌ئی دانشجویان ، و دانشمندان و رهبانان ژاپونی نیز به چین اعزام میشدند و بعضی اوقات مدتهای مدید برای مطالعه در چین سکونت میگزیدند این هیئت های سفرا عامل مهمی گشتند درانتقال تمدن چینی بسرزمین ژاپون .

٦٣٠ ـ اعزام اولین هیئت سفرابه **تانگ**

٦٤٣ ـ شاهزادهٔ **یا ماشیرو ـ نو ـ اوئه** وارث شاهزادهٔ **شوتوکو** از طرف **سوگا ایروکا** با اجبار وا دار به خودکشی گردید ـ سوگا ایروکا (درگذشت ٦٤٥) پسر **امیشی** (درگذشت ٦٤٥) شاه ساز آن عصر بود . سوگا آرزوی سلطنت داشت و همین جاه طلبی باعث سقوط این خاندان گردید .

٦٤٥ ـ سقوط خاندان سوگا دراثر یك کودتا برهبری امپراطور آینده موسوم به **تن‌چی** (سلطنت) (٦٦١ ـ ٦٧٢) و **ناکاتومی ـ کاماتاری** (درگذشت ٦٦٩) موسس‌خاندان‌تازه‌ئی بنام **فوجی‌وارا** .

این واقعه به عناصر ترقی خواه در دربار فرصتی داد تا یك سلسلهٔ اصلاحات افراطی طبق خط مشی چینی انجام دهند و بدینطریق دورهٔ تازه‌ئی در ژاپون آغاز گردید .

بخش سوم - تاریخ قرون وسطی

الف - دورهٔ اول قرون وسطی



ظرف **گالو** – رومی‌مربوط‌به‌اوایل‌قرون وسطی که در **بووای**یافتشده

(۱) اروپای باختری

الف ـ مقدمـه درتاریخچه ظهـور و نمو مسیحیت و دستگاه‌کلیسا و آغازسازمان پاپی :

کلیسا پیش از ظهور اسقف های رم :
مرکز ثقل مسیحیت ابتدا درخاور قرار داشت نه در باختر و رم . در دست داشتن امکنه مقدسه از قبیل اورشلیم و حضور امپراطور در خاور به خاور زمین تفوق سیاسی و روحانی بخشید .

ظهور حوزهٔ اسقفی (اپیس کوپات) :
اسقف‌هاکه دراصل و ابتدا عبارت از عده‌ئی از مباشرین (اپیس کوپوس) بودند بسبب وقف کردن تمام عمر خویش بکار مذهبی و دینی و رواج سنت جانشینی حواریون مسیح و اختیارات ایشان در ادارهٔ شعائر دینی تمایز خاصی درمیان کشیشان و روحانیون مسیحی یافتند .

درابتدا هر کلیسا برای خود استقلال داشت اما بتدریج دربرابر دولت کشوری یا سیاسی متمرکز ، قوای روحانی هم راه‌تمرکز پیش گرفت و بدینطریق درقرن سوم **اسقف** بنحو آشکار حالت و خاصیت سلطنتی پیدا کرد . طبقهٔ غیر روحانی یا طبقهٔ عوام بادولت روحانی‌در شخص‌امپراطور بیکدیگر می‌پیوستند و بعبارت دیگر امپراطور خط رابط بین ایندو گروه قرار میگرفت علاوه براینکه بر هردو گروه تسلط داشت و بتدریج نیمه استقلال اولیهٔ کلیسا های مستقل از میان رفته دستگاه مذهبی مبدل بیك سیستم متمرکز گردید . تفوق **مترانها** یا سر اسقف‌ها (یعنی اسقف های حوزه های اسقفی بزرگ) درسال ۳٤۱ شناخته شد بدون آنکه از برتری و اهمیت اسقف های بزرگ موسوم به **پاتریارك‌ها** که از مدتها پیش سابقه داشت کاسته شود . درتمام حوزهٔ امپراطوری روم پنج حوزه پاتریارکی . **یا پاتریارکات** (معادلهای مذهبی استانها یا والی نشین‌های موسوم به **اکسارچات**) وجودداشت که یکی از آنها در باختر وان پاتریارکات رم بود و چهاران درخاور قرار داشته عبارت بود از **اورشلیم** ، **انطاکیه** ، **اسکندریه** ، و **قسطنطنیه** . باختر (که شامل رم نیز میشد) درشوراهای **اوکومنیك** (وابستهٔ بجامعهٔ مسیحی جهانی) خاور یا اصلا راه نداشت یا گاهی نمایندگی مختصری داشت .
اما یك نوع تفوق مبهم و تعریف نشده از

لحاظ احترام برای رم قائل بودند نه بیش.

شوراهای **اوکومنیك** مشکلات و مسائل مورد اختلاف آئینی و مربوط به اصول دین و هم مسائل انضباطی را حل میکردند. این شوراها از طرف امپراطور دعوت و تشکیل میشد و امپراطور شخصا و یا نمایندهٔ وی (کنات) ریاست آنرا در عهده میگرفت. مسائل محلی در **سینودها** (شورای کلیسا) حل وفصل میشد.

ظهور اسقف‌های رم

پاپا لقبی بودکه تا سال ۴۲۵ میلادی در مورد کلیهٔ اسقفها درتمام نقاط امپراطوری بکار میرفت و تا قرن هفتم میلادی مفهوم امروزی را نداشت.

ویکتور اسقف رم (درحدود ۱۹۰) نوعی حق حاکمیت روحانی برای خود قائل شد که تا قرن سوم دوام یافت.

اماکناره‌گیری تدریجی کلیسای خاوری، خارج شدن آفریقا از دست رومیان، وظهور کلیساهای مقتدر در خاور، رم را در باختر تنها گذاشت. البته چون رم تنها مقر اسقفی در باختر بود که دعوی میراث از حواریون داشت و محل وقوع شهادت **پطر** وهم نگهبان مقابر **پطر و پول** بود درمیان مسیحیان نوعی احترام روحانی خاص و بیمانند پیدا کرده بعلاوه تازمان سلطنت **دیوکلسین** (۲۸۵–۳۰۵) مرکز اداره امور سیاسی امپراطوری بود. پس‌از وی پایتخت به میلان انتقال یافت و این مقر جدید اسقفی یا حوزه اسقفی نیز بعضی اوقات از لحاظ نفوذ روحانی با رم همسری میکرد.

با انتقال پایتخت امپراطوری به قسطنطنیه در۳۳۰ رم نفوذ و حرمت و عظمت خودرا بخصوص درخاور از کف داد.

اما از طرف دیگر بین سالهای ۳۳۰ و ۳۹۵ چون هیچ امپراطوری بطور دائم وثابت درباختر مستقر نبود و سکونت نداشت **اسقف رم** قوت گرفته رقیب سیاسی درباختر نداشت.

نکات زیر در مورد سیرو تکامل وترقی مذهب مسیح در اروپا قابل ملاحظه است:

(۱) امپراطورها مبارزهٔ رومیان را بر ضد **پاگانیسم** وکفر و شرك (یعنی بر ضد مذاهب اریانها که از ایران آمده بود و **دوناتیست‌ها**) تشویق و تقویت کرده جرائم و کیفرهائی برای مشرکین مقرر داشته و اسقفها را نصب و عزل میکردند. بدیهی است‌که دخالت امپراطورها در اینمورد در معنی سبب سیاسی داشت و چون امپراطوری خاوری ایران را رقیب و دشمن می‌پنداشتند میخواستند مذاهبی را از قبیل **میترائیسم و مانیکیائیسم** (مذهب مانی) که از ایران به روم آمده بود براندازند تا از نفوذ سیاسی‌که ممکن بود همراه مذهب آریانها بروم میآید جلوگیری کرده باشند.

(۲) مقر اسقفی رومی که بعداً مقر پاپی‌گردید در زمان دیوکلسین ثروتمندگردیده و امپراطورهای بعد نیز بر ثروت و املاك آن کلیسا افزودند تا آنکه درمیان کلیساهای جهان مسیحی از همه ثروتمندتر شد واسقف رم بدینوسیله در سراسر جهان مسیحی ریاست خیرات و مبرات را پیداکرد.

(۳) اسقف رم تنها برحسب تقاضا و درخواست بطور اتفاقی ممکن بود در خارج ازحوزهٔ اسقفی، خود مداخله کند اما تقریبا تا سال یکهزار میلادی اسقف رم هیچگاه حتی یکمرتبه هم اتفاق نیفتاد که بخودی‌خود فتوی و حکمی درمورد کیش و آئین واصول مذهبی خطاب به جهان کاتولیك صادر کند و همچنین در امور عادی مربوط به قلمرو اسقف های دیگر هیچگاه دستور و فتوائی درمورد روابط بین اسقف های دیگر و مسیحیان تابع حوزهٔ خودش صادر نکرد و پولی ازحوزه های اسقفی دیگر مطالبه و جمع‌آوری نکرد و تنها در حوزهٔ اسقفی خود بچنین اقداماتی دست میزد.

(۴) – **فرضیهٔ پترین** – این فرضیه که بنام پطر خوانده شده براساس بخشی از انجیل بنام **ماتیو** آیهٔ های ۱۶ و ۱۸ و ۱۹ قرار دارد که میگوید پطر از طرف عیسی مسیح نامزد ومامور تاسیس کلیسا گشته و مسیح **«قدرت کلیدها»** یعنی **«قدرت بستن وگشودن»** را به او عطا کرده و فرضیه پترین میگوید که او بنوبت خود آنرا به جانشین خویش اسقف رم واگذاشته است واز طرف وی به کلیهٔ اسقف های جهان کاتولیکی محول گردیده. این فرضیه را پاپ **سلس‌تین اول** (۴۲۲ – ۴۳۲) رواج داد و بدینطریق فرضیهٔ اصلی راکه میگفت **«اسقف رم اسقفی است درمیان اسقفها»** مبدل کرد بیك فرضیه سلطنتی روحانی که میگفت **«اسقف رم اسقف اسقفهاست»**. نویسندگان اولیهٔ مسیحی‌هرگزچنین تفسیری نکرده و ذکری از این مطلب ننموده‌اند حتی آنکه عکس‌آنرا گفته اند چنانچه **سیپریان** (درگذشت ۲۵۸) جمله‌ئی را گفته که معروف گشته میگوید **«اسقف رم چیزی بیشتر از اسقفی درمیان اسقفها نیست»**.

کرونولوژی

۲۴۰ – آغاز دورهٔ زندگی خانقاهی: معرف زندگی زهد و گوشه گیری خانقاهی **(مانس تی کیسم)** در باختر زمین بوسیله **آتاناسیوس** نشانی از آغاز یك دورهٔ زهد و ریاضت قوی است که عکس‌العملی‌بود در برابر فساد زندگی باختری چنانچه این مرحله درتمام سیر تاریخ و حیات ملل و تمدنهای مختلف دیده میشود یعنی هنگامی فرا میرسد که فساد اخلاق بحد اعلا رسیده و عکس العمل آن ظهور یك دورهٔ زهد و ریاضت و گوشه‌گیری وانزوا یعنی فرار از شرکت در حیات اجتماعی است.

این‌روش‌تازهٔ زندگی‌را **جروم، امبروز،** و **اگوستن** تقویت کرده و بهمین سبب بسرعت نمو کرد و زیاد پیشرفت نمود. اسقف **اوسه‌بیوس** متعلق به **ورسل‌لی** (درگذشت ۳۷۱) اصرار داشت که روحانیون زیردست وی دارای یك زندگی خانقاهی و تجردباشند و بدینطریق روشی را جاری کردکه منجربه درجه بندی رهبانان خانقاه شد. **مارتین** متعلق به **تورز** درحدود سال ۳۶۲ جامعه‌ئی از رهبانان نزدیك **پوئی تیه** تاسیس کرد که دارای زندگی اشتراکی خانقاهی بودند.

۳۴۳ – شورای ساردیکا حق استیناف (اعادهٔ رسیدگی) راکه از طرف یك سینود ایالتی (شورای مذهبی کلیسای حوزهٔ اسقفی محلی) ازاسقف رم تقاضا شده‌باشد برسمیت شناخت.

قدیمی ترین نسخهٔ نمونهٔ موجود دراین مورد فرمانی است مربوط به حوزهٔ اسقفی **سیراکیوز** (حدود ۳۸۴ – ۳۹۸).

پدران لاتن کلیسا: (۱) جروم (حدود ۳۴۰ – ۴۲۰) وی از اهل دالماسیا بود با وجود عقیده شدید وی به ریاضت مدتی از عمر خودرا صرف مطالعهٔ **پاگانیسم** (مذهب شرك) نمود. وی اولین مخالف بزرگ باختری **مانستی‌کیسم** (زندگی خانقاهی) بود و از بزرگترین دانشمندان کلیسای لاتن بود. ترجمه وی از انجیل بزبان لاتن **(وولگاته)** هنوز تا بامروز درکلیسای رومی معتبر و ماخذ شناخته میشود و سبك نگارش وی و هم فلسفهٔ مذهبی وی در تمام ادوار قرون وسطی نفوذ یافت.

(۲) امبروز (حدود ۳۴۰ – ۳۹۷) از اهل **تریر** – وی یکی از حکام ایالتی رومی بود که درسال ۳۷۴ پیش‌از آنکه غسل تعمیدنماید بسمت سراسقف (ارك بیشاپ) میلان انتخاب شد. کتابی بنام **«وظائف کشیش»** نگاشته (که بیشتر براساس کتاب **اوفی‌سیس سیسرو** است) که‌تا قرنها بعد ملاك و میزان اخلاقیات شمرده شد و باحتمال قوی تنها منبع عمدهٔ سنت رواقیون درافکار قدیمهٔ باختری است. وی میلان را از لحاظ احترام به پایهٔ رم رسانید و امپراطور تئودوسیوس را مجبور به توبه کرد. واین عقیده را رواج دادکه درمسائل روحانی یك اسقف مقدم‌برامپراطور است.

(۳) اوگوستن (۳۵۴ – ۴۳۰) از اهل **هیپ‌پو** و درمیان آباء مسیحی باختری از همه برتراست. وی ابتدا بکیش‌های مختلف دیگر مانند **نئوپلاتونیسم** (مذهب افلاطونی جدید) و بعد مانیکیانیسم **(مذهب مانی)** درآمده و سپس بآئین مسیحی گروید. وی موسس تئولوژی باختری (فلسفه مذهب) است و خط رابطی است که سنت مذهبی عهد قدیم یا کلاسیك را به اهل مدرسه قرون وسطائی می‌پیوندد وبوسیلهٔ‌وی قسمت زیادی از افکار افلاطونی و عقاید افلاطونی جدید مانند جریان رودخانه‌ئی عظیم وارد کلیسا و مذهب مسیح‌گردید. در واقع مدت یکهزار سال کلیهٔ افکار و عقاید باختری تحت تاثیر اگوستن قرارگرفته و حتی نفوذ وی تا بامروز هم در تئولوژی هنوز دیده میشود. وی آئین‌ها و عقاید شامل اصول «گناه اصلی» «تقدیر و سرنوشت که از پیش مقدر گشته» و «رستگاری بوسیلهٔ مشیت الهی وآسمانی» را بسیار رواج داد و نفوذ عقاید وی در **کالوین و لوتر** هم محسوس است. کتاب وی موسوم به **«شهر پروردگار»** معرف نوعی **دوالیسم** یا اعتقاد بدو خداوند است که یکی متعلق به شهر آسمانی است (که‌کلیسای مسیحی در زمین نماینده و معرف آن است) و دیگر به شهر زمینی (اشاره به رم) تعلق دارد و میخواهد ثابت کند که بدبختی‌ها و مصیبت های واردهٔ به رم (اشاره به غارت سال ۴۱۰) نتیجهٔ مسیحیت نبوده است. کتاب **«اعترافات»** وی نمونه‌ئی قرارگرفت برای

نوشتن شرح حالهای روحانی .

۴۰۲ ــ ۴۱۷ ــ اینوسان اول مدعی شد که پاپ حافظ و نگهبان سنت **اپوستولیک** (حواریون) است و دعوی حق قضاوت جهانی برای کلیسام رم نمود .

۴۴۰ ــ ۴۶۱ ــ پاپ لئوی‌کبیر : اولین پاپ بزرگ که رومی و دانشمندی عالی‌رتبه و دشمن قوی مذهب مانی بود . وی فرمانی ازامپراطور **والن‌تی‌نیان سوم** در ۴۴۵ بدست آورد حاکی از اینکه تصمیمات پاپ قوت قانونی دارد . لئو باحتمال قوی اولین پاپی است که فرضیهٔ وحدت اسرارآمیز پطر و جانشینان اورا اعلام کرد وکلیهٔ کردار وگفتار جانشینان را به پطر نسبت داد وگفت که همه ناشی از پطر مقدس (سن‌پتر) است . وی تصویب نامه شورای **افه‌سوس** (۴۴۹) را در شورای **کالسدون** (۴۵۱) رد کرد و منکر آن گردید که سراسقف قسطنطنیه درکلیسا فرد اعظم شمرده میشود . جلوگیری وی از پیشروی **آتیلا** و مساعی او در موقوف داشتن حملهٔ**گایسری** در ۴۵۵ باعث گردید که مقام پاپی در ایام بعد احترامی عظیم بدست‌آورد.

ب ـ مهاجمین بباختر

اصل مهاجمین : نژاد **ژرمن** در هزاره دوم پیش‌از میلاد در اسکاندیناوی (ابتدا در دانمارك) و بین **الب** و **اودر** مستقرگردیده در حالیکه در سمت خاور ایشان **بالت‌ها** (لت‌ها) و در باختر ایشان در غرب الب **سلت‌ها** قرار داشتند .

توسعهٔ ژرمن‌ها :

(۱) ژرمن هـای باختری (تیوتن ها) در حدود ۱۰۰۰ ق م جای سلت‌ها را گرفته بطرف فوقانی الب و رن بالا رفتند (در ۲۰۰ ق م به ماین رسیدند) . طبق آنچه که سزار در کتاب تفسیرات خود نگاشته جنوب آلمان در ۱۰۰ ق م تصرف شده و کشور گل مورد تهدید واقع گشته . این مهاجمین گروه های کشاورز و چوپان بوده مایل به سکونت بودند .

در زمان **تاسیتوس** (حدود ۵۵ ــ ۱۱۷ میلادی) تمام این قوم کشاورز شده بودند . چندی بعد نامهای قبیله‌ئی تازه‌ئی و هم‌نوعی سازمان اتحادیه‌ئی دربین آنها بوجود آمد .

(۲) ژرمن‌های خاوری (اسکاندیناوی‌ها) از دریای بالتیك گذشته (۶۰۰ ــ ۳۰۰ ق م) بطرف شمال‌تا **ویستولا** وبه **کارپاتیان** مهاجرت کردند .

(۳) ژرمن های شمالی در اسکاندیناوی باقی ماندند .

تقسیمات گروهی تازه ژرمن های باختری :

(۱)**الامانی** (آلمانی) که اصل آنها از **سوئه‌وی‌ها** بود درون علیا سکونت گزیدند

(۲) **فرانك‌ها** (بمعنی «آزاد» یعنی آزاد از رومیان) .

(۳) **ساکسونها** ، این دو قبیلهٔ اخیر بین **وسر** و **الب** تا **هرز** جای گرفتند .

(٤) **تورین جیانها** در جنوب ساکسونها قرار داشتند .

حکومت : حکومت این‌قبایل عموما بصورت دموکراسی‌های قبیله‌ئی بود. بعضی از ایشان شاه داشتند و بعضی **گراف** و در هر دو صورت رئیس حکومت اعم از شاه یا گراف از طرف مجمع آزادمردان انتخاب میشد . شاهان از میان خانوادهٔ سلطنتی مانند **آمال‌ها** (اوستروگوتها) و **بالتاها** (ویسی گوتها) و **مروینگ‌ها** (فرانکها)انتخاب میشدند ولی برای انتخاب گرافنها محدودیتی وجود نداشت .

پیشروی و سیر مهاجرتها : ژرمن هـای خاوری یعنی قبایل **الانی** ، **باستارنا** ، **بورگوندی‌ها** ، **گپیدها** ، **گت‌ها** ، **هرول‌ها** ، **روگیان‌ها**، و **سکیری** بطرف دریای‌سیاه روی آورده در سال ۲۱۴ میلادی بدانجا رسیدند. تقسیمات **ویسیگوت** (گت های باختری) و **اوستروگوت** (گت های خاوری) باحتمال‌قوی پس‌از ورود طوایف بالا بسواحل دریای سیاه صورت گرفت .

(۱) هجوم هون‌ها

هونها مغولهای چادرنشین از گروه نژادی **اورال ــ التائیك** باحتمال قوی براثر فشار امپراطوری **ژو ژو** در آسیا در قرن چهارم میلادی باروپا روی آورده و در حدود پنجاه سال در درهٔ دانوب و **تئیس** متوقف شدند .

۳۷۲ ــ هونها قبایل الانها و هرولهای ژرمنیك را شکست داده امپراطوری استروگوتیك **هرمانریك** را در هم شکسته اوستروگوت را تا چندی ضمیمهٔ امپراطوری خود کرده ویسیگوتها را نیز کـه تحت فرمان **اتاناریك** و در سواحل رود **دنیستر** قرار داشتند برانداخته و سپس هجوم تازه‌ئی بطرف باختر آغاز کردند .

۴۴۵ ــ ۴۵۳ ــ آتیلا وهونها در اوج قدرت درزمان وی. **هونوریا** خواهر **والن‌تی‌نیان سوم** برای فرار از ازدواجی که مایل بانجام آن نبود حلقه انگشتری خود را نزد آتیلا فرستاده درخواست کمك کـرد . آتیلا آنرا بمنزله تقاضای‌ازدواج‌تلقی کرده دعوی‌زناشوئی با هونوریارا داشت ..

در همان‌زمان **گائی سریك** از قوم واندال مشغول تحریك بود که آتیلا را وادار به حمله به ویسیگوتها نماید . آتیلابایك سیاست‌زیرکی وتظاهر بدوستی با هردو طرف ، رومیان و گت‌ها را ازیکدیگر جدا نگاهداشته با نیروئی عظیم که شامل گپیدها ، اوستروگوتها ، ــ روگیانها ، سکیریانها ، هرولها ، تورین جیانها، الانها ، بورگوندیها ، و فرانکهای **ری‌پواریان** بود در سال ۴۵۱ عازم باختر گردید . وی **متز** را متصرف شده و ایالات بلژیك را تاراج کرد. **ائه‌سیوس** رومی برای مقابله با آتیلا نیروئی از **فرانکها سالیان** ، **ری‌پواریـان ــ بـور گوندیها** ، سلت‌ها ، وویسیگوتها درتحت فرمان تئودوریك اول و همچنین از رومیان **گالیك** تابع خود جمع‌آوری نمود . اتیلا ظاهرا از جنگ باوی در نزدیکی اورلئان سرباز زده عقب نشینی کرد .

۴۵۱ ــ ائه‌سیوس در نقطه‌ئی در نزدیکی **ترویس** که در آنزمان بـه **لاکوس مائوریاکوس** (**شالون** امروز) معروف بود آتیلا را غافلگیر کرده بجنگ کشانید . آتیلا جنگ مختصری کرده وبعقب نشینی خود ادامه داد . آتیلا که هنوز **هونوریا** را بعنوان زوجه خویش مطالبه میکرد بطرف ایتالیا روی آورده **اکوئی‌لیا** را بـاخـاك یکسان کرد ، و **ونیز را** تاراج نمود و راه خـود را به رم باز نمود . امپراطور هیئتی سه نفری را بنمایندگی نزد آتیلا فرستاد که **پاپ لئو** یکی از ایشان بود . دراین اثنا بیماری طاعون در سپاه آتیلا بروز کرده مواد غذائی ایشان تمام شد واز طرف دیگر نیروئی از سمت خاور بکمك سپاه رومی رسید و آتیلا ناچار عقب نشینی کرد .

۴۵۳ ــ درگذشت آتیلا : پس‌از درگذشت آتیلا ژرمن های تابع وی برهبری **گپیدها** سر بشورش برداشتند .

۴۵٤ ــ شکست هونها درنداثو (درپان‌نونیا) بقیه هونهادر دانوب سفلی سکونت گزیدند ، گپیدها سلطنتی در آسیا بـرقـرار کـرده و ویسیگوتها در پان‌نونیا مستقر گردیدند .

(۲) ویسیگوتها

ویسیگوتها پس از شکست از هونها (که عده آنها باحتمال در حدود ۸۰۰۰۰ نفر بوده است) بامپراطوری روم پناهنده شدند .

۳۷۶ ــ امپراطور والنس بدیشان فرمان داد تا خلع سلاح شوند وبعد بآنها اجـازه داد برای سکونت در **موئز یای سفلی** ازدانوب بگذرند . دولت روم که با مشکل غیر منتظره پناهندگان مواجه گردید از عهده حل مشکل برنیامده نتوانست حقیقهٔ گت‌هارا خلع‌سلاح کند و نتیجه آن بود که مجبور شد یك جنگ دوساله را با آنها تحمل کند .

۳۷۸ ــ ویسیگوتها برهبری **فری‌تی‌گرن** امپراطور والنس را نزدیك **ادریانوپول** شکست داده وبقتل رسانیدند و اولین مرتبه مرز رن ــ دانوب را بشکستند . این شکست **پیاده** نظام رومی از جنگجویان سوار مقدمه انقلابی شد در فن جنگ‌که باعث نمو و تحولی در امور نظامی واجتماعی و سیاسی در اروپا در سراسر قرون وسطی گردید .

فـری‌تـی‌گـرن که امید تاسیس یك امپراطوری ویسیگوت را در ایالات رومی داشت مدت دوسال تراس را تاراج کرد ولی بالاخره نتوانست ادریانوپول را فتح کند .

پس‌ازدرگذشت وی در ۳۷۹ ، امپراطور **تئودوسیوس** که سیاست کلی خود را برمدارا و جلب تدریجی مدعیان قرار داده بود بـا ویسیگوتها صلح نمود . وی بعضی از روسای قبایل گت‌ها را بخود جلب نمود که از آن جمله بود **الاریك** ازخانوادهٔ سلطنتی **بالتا** کـه امید آنرا داشت که درخدمت امپراطورشغلی و منصبی بدست آورد ، اما الاریك پس از درگذشت تئودوسیوس نا امید گردیده از طرف ویسیگوتها بعنوان شاه ایشان انتخاب شد و تراس را تا دروازه های قسطنطنیه به تاراج گرفت .

ارکادیوس امپراطور خاور (۳۹۵ –۴۰۸) بیچاره شده بود تا هنگامیکه **استی‌لیکو** که لقب فیلد مارشال یافته بود براو وارد گشت

استیلی‌کو که از نژاد **واندال** بود با خواهر تئودوسیوس زناشوئی کرده نگهبان **ارکادیوس و اونوریوس** پسران تئودوسیوس گردید : وی در تسالی و پلوپونزونس با الاریك روبرو شده ولی ظاهرا بنابحکم اونوریوس از جنگ خودداری کرد . الاریك در **ایلی ریکوم** بسمت **ماژیسترمیلی‌توم** حاکم نظامی منصوب شد و استیلیکو که در قسطنطنیه وجهه خودرا از کف داده و مورد توجه نبود بعنوان دشمن عامه اعلام شد .

۴۰۱ – **آلاریك** شروع به پیشروی بطرف ایتالیا کرد و ونیز را باراج نمود وشاید بدان سبب بود که یکی از گروه های ضد ژرمن در قسطنطنیه به فتحی نائل گردیدند .

از طرف دیگر یکی از استروگوتها موسوم به **راداگائیسوس** آغاز حمله به **رائه‌سیا** وایتالی نمود. **استی‌لیکو** که سخت با هرحمله **ژرمنیك** درباختر مخالف بود حملات راداگائیسوس را دفع کرد .

۴۰۲ – **جنگ پولنسیا** بین **استی‌لیکو** و الاریك منجر به یك شکست استراتژیك برای الاریك شد جلو پیشروی او را گرفت و با استی‌لیکو کنار آمد . ویسیگوتها بار دیگر در سال ۴۰۳ در **ورونا** متوقف شده از پیشروی آنها جلوگیری شد و تا **اپیروس** عقب نشینی کردند .

۴۰۶ – **مرزرن** از نیروهای نظامی رومی که برای دفاع از ایتالی رفته بودند بکلی خالی شده و سیل عظیمی از مهاجرین که بیشتر آنها ژرمن های‌خاوری‌یعنی واندالها ، **سوئیوها** و نیز آلانها (غیر ژرمنی) بودند از مرز مزبور گذشتند .

کنستانتین غاصب از بریتانیا به گل آمد و سنای روم مبالغ گزافی طلا بعنوان خدماتی که الاریك برضد کنستانتین کرده بود در **نوریکوم** به وی داده **استی‌لیکو** که وجهۀ عمومی خود را بسبب این وقایع و دشمنی قسطنطنیه از کف داده بود دستگیر شده و سراورا از بدن جدا کردند اما تاریخ شواهدی که دلالت بر خیانت استی‌لیکو نماید نشان نمیدهد . بدنبال اعلام‌وی یك‌قتل عام کلی از خانواده‌های بربریان کمکی در ایتالی بعمل آمده و درحدود ۳۰،۰۰۰ نفر از ایشان به نوریکوم رفته به الاریك پناهنده شدند .

۴۱۰ – **فتح رم بدست الاریك** : پس از محاصره های مکرر و متناوب و مذاکرات بالاخره الاریك رم را تسخیر کرد و مدت سه روز بغارت شهر پرداخته سپس بسمت جنوب حرکت کرده عازم افریقا که بمنزلۀ انبار غلۀ ایتالیا بود گردید . اما دراین سفر کشتیهای خود را از کف داده و درگذشت و در **بوسن‌تو** مدفون گردید و یکی از منسوبان او بنام **آتااولف** بجانشینی وی انتخاب شد . آتااولف که اصولا مایل به تخریب و حتی برانداختن نام رم بود دراین هنگام همت خود را برترکیب قدرت و نیروی ویسیگوت یاسنت روی نمود .

۴۱۲ – **آتااولف** ویسیگوتها را بطرف شمال کوچ داده ، **اوتریا** را ویران ساخت و از آلپ گذشته گل را ویران کرد و در ۴۱۴ با **گالاپلاسیدیا** (برخلاف میل اونوریوس برادر گالاپلاسیدیا) طبق رسوم زناشوئی رومی ازدواج نمود . وی در سال ۴۱۵ ناگزیر شدکه بطرف اسپانیا بشتابد و در آنجا بقتل رسید. پس از مدت کمی که **سیگی‌ریك** ، سلطنت کرد ، **والیا** (۴۱۵–۴۱۸) جای او را بگرفت .

اولفیلاس (۳۱۱–۳۸۱) که یك اسقف گوتیك بود و دارای عقاید و تمایلات ادیانی بود **الفبای‌گوتیك** را اختراع کرد و انجیل را ترجمه نموده بصورت آن الفبا درآورد ، این ترجمه که اولین اثر ادبی مهاجمین ژرمنی است تاثیری عظیم دربرداشت و نشان میدهد که مذهب شرك آریانیسم تا چه درجه درآنزمان توسعه داشته و کلیه مهاجمین مهم ژرمنیك را بخود جلب نمود بجز فرانکها که این نیز نتایج عظیم سیاسی در آینده دربرداشت زیرا سرزمینی را که سابقا ژرمن‌ها در آن سکونت داشتند اکنون در دست کاتولیکهای رومی ارتودوکسی قرارداشت .

اسپانیا در این هنگام بدست گروه های مهاجم **واندال‌ها** ، **سوئوها** ، والان ها (۴۰۹) ، افتاده ولی محاصرۀ دریائی رومیان ایجاد قحطی درآن سرزمین نمود . **والیا** در صدد برآمد که از مدیترانه گذشته به انبار غله افریقائی دست یابد اما کشتی های خود را از کف داده ناگزیر شد که با هونوریوس صلح کند و زوجۀ خود **گالاپلاسیدیا** را به برادرش برگرداند و نیز موافقت کرد که اسپانیا را از سایر بربرها نیز تخلیه نماید و چون بوعدۀ خود وفا کرده و موفق باخراج بربرها از اسپانیا گردیدسرزمین **اکوئی‌تانیاسکوندا** (یعنی اراضی بین **لوار و گارون**) به وی بخشیده شد و او **تولوز** را پایتخت خود قرارداده بدینطریق **سلطنت تولوز** آغاز گردید .

۴۱۹–۵۰۷ – **سلطنت تولوز** : ویسیگوتها دو ثلث از اراضی را متصرف شده بقیه را به مالکین رومی واگذاشتند . و بدینطریق یك **دولت‌گوتیك در درون‌دولت رومی‌بوجودآمد** . هونوریوس برای خنثی‌کردن نفوذ های خارجی یکی از رسوم رومی را احیا کرده شوراهای ایالتی را برقرار ساخت و جلسه ئی سالیانه از مصادر امور مهم دولت و مالکین عمده برای بحث در مسائل عمومی تشکیل داد .

مهم ترین زمامداران سلطنت تولوز بشرح زیر بوده اند :

۴۱۹ – ۴۵۱ – تئودوریك‌اول که درجنگ اول شالون ساقط گردید .

۴۶۶ – ۴۸۴ – **اوریك** که در زمان وی سلطنت تولوز در اوج عظمت خود بود . وی فشار ویسیگوتها را بدو کشور گل واسپانیا ادامه داده ودر ۴۸۱ قلمرو خودرا از کوههای **پیرنه** تا **لوار** ودر خاور **تارون** بسط داده سر زمین **پرووانس** را از دست **اودوواکار** بدرآورد. اوریك ابتدا قوانین ویسیگوت را جمع‌آوری وتدوین کرد اما مجموعه قوانین رومی که برای

هجوم هون‌ها



La chevauchée des Huns à travers l'Europe occidentale fut aussi brève que catastrophique. Cet ouragan devait marquer les imagination pour des siècles. Aujourd'hui encore, il n'est pire insulte que de traiter quelqu'un de Hun.



مجسمه سرینگی از پادشاهان استروگوت

استفاده ویسیگوتها بنام بروباری الاریك فراهم آمده بود تاثیری عظیم هم در ویسیگوتها وهم سایر مردم بربرداشت . در دورهٔ حکومت ویسیگوتیك دستگاه‌اداری بطورکلی بهمان‌شکل رومی باقیمانده وزبان حکومتی‌نیزبهمان زبان بومی لاتن باقی ماند . جمعیت مرکب ازگالليك ورومی و همچنین طبقه روحانی وکشیش ویسیگوتها را آرین دانسته باآنها دشمن بودند و این خصومت راه را برای فتوحات فرانکها (۵۰۷) باز کرد وقدرت ویسیگوتهارا از آن‌پس‌محدود به قلمرواسپانیائی‌ایشان نمود.

۵۰۷ – ۷۱۱ – سلطنت ویسیگوتیك اسپانیا : این سلطنت بامشکلات وبدبختی های فراوان مواجه بوده که بزحمت از آنها نجات یافت وزمامداران متعدد برآن حکومت کردند که بعضی از ایشان بمنزله شبیحی بودند تا هنگامیکه مسلمین باسپانیا راه یافتند .

۵۵٤ – حمله بلی‌ساریوس به اسپانیا که جزئی بود از نقشه **ژوستی‌نیان** برای تجدید بنای امپراطوری روم .

اگرچه رومیان جنگی درخشان کردند ولی تنها توانستند گوشه‌ئی ازجنوب خاوری‌اسپانی را متصرف شوند که آنهم چندی بعد بوسیله ویسیگوتها از چنگ ایشان بدرآمد .

ویسیگوتها **سوئوها** را درشمال نیزضمیمه قلمرو خود ساختند .

(۳) وآندآلها

٤۰٦ – واندالها (آسدینگ و سی‌لینگ) با **سکیری** و **آلان‌ها** متحد شده از رود **رن** در نزدیکی **ماین** گذشتند واز طریق **موزل و آلین** پیشروی کرده **ریمس** ، **آمی‌ین** ، **ارراس** ، و **تورنائی** را تاراج نموده میس بسمت جنوب بطرف **اکوئی‌تاین** برگشته از کوههای پیرنه گذشته در ٤۰۹ وارد اسپانیا گشتند .

٤۲۹–٥۳٤ – سلطنت واندال در افریقا : واندالها **وآلانی** در اسپانیای در تحت حکومت **گوندریك** مستقر گشتند . برادر وی **گائی‌سریك** نامه استدعا وتوسلی از **بونیفاس** حاکم رومی آفریقا که برضد دولت خود سر بشورش برداشته بود دریافت داشت و بدنبال آن واندالها که تعداد آنها شاید درحدود ۸۰٫۰۰۰ نفر بوده‌است در ٤۲۹ وارد افریقا شدند .

٤۳۰ – اولین محاصرهٔ هیپ پو به نتیجه نرسید اما بونیفاس که به نیابت سلطنت **گاللاپلاسیدیا** خواهر اونوریوس تن درداده واز در آشتی برآمده بود بقتل‌رسید ودر ٤۳۱شهر هیپ‌پو ساقط گردید . **سن‌اگوستن** اسقف هیپ‌پو در اثنای محاصره درگذشت .

بوجود آمدن یك قدرت بزرگ واندال در افریقا که یك نیروی قوی دریائی که بزودی تدارك شد پشتیبان آن گردید ، دولت روم را از توجه به سلطنت های تازهٔ بربری درباختر منصرف کرده وتاثیری عظیم و قطعی در تحول اوضاع بضرر رومیان نمود .

– در افریقا واندالها بهیچ‌کس وهیچ‌چیز رحم نیاوردند واز آنچه که توانستند بکنند فروگذار نکردند و حتی پیمانی که بین ایشان وورومیان منعقد گردید نیز جلو اعمال آنهارا نگرفت . پس از ورود یك نیروی دریائی از قسطنطنیه یك پیمان ثانوی بین آنها ورومیان منعقد شد **اودسیا** دختر**والن‌تی‌نیان** امپراطور روم بنامزدی پسر **گائی‌سریك** درآمد .

بیشتر اراضی رومی در افریقا باستثنای منطقه اطراف **کارتاژ** به **هیونریك** و واندالها واگذار شد .

٤۳۹ – گائی سریك کارتاژ را از رومیان گرفته آنرا پایتخت وپایگاه دریائی خود قرار داد .

٤۵۵ – حمله‌گائیسریك به رم بسبب‌دعوت **اودوسیا** زوجه بیوهٔ والن‌تینیان (به تبعیت از سابقه و سنت) به رم حمله کرده با سهولت تمام آنشهر را متصرف شده مدت دو هفته بابی‌رحمی و خشونت اما طبق نقشه بچپاول وغارت شهر پرداخت اما خرابی های ناشی از خشم و حماقت بشهر وارد نکرد .

در افریقا واندالها بقدر اریان‌ها مورد نفرت سکنه آنجا بودند و همیشه با شورشهای غیر وآندالها مواجه بودند اما قدرت آنها تا هنگام جنگهای **ژوستی نیان** درهم نشکست .

۵۳۳ – ۵٤۸ – جنگهای واندالیك – ژوستی نیان : بلی‌ساریوس نیروهای واندالی کارتاژ را بسرعت درهم شکست .

بدنبال این واقعه شورش بربرها آغاز گشت که تا سال ۵٤۸ بطول انجامید .

(٤) مهاجمین بورگوندی

٤۱۱ – ۵۳۲ – بورگوندیها که از منطقه **اودر – ویستولا** سرازیر شده بودند سراسر **ماین** واز وسط **راین** پیشروی کرده برهبری پادشاه خود موسوم به **گوندیکار** وارد سرزمین گل شدندوبالاخره بعنوان‌فدراتهای امپراطوری روم در آلمان علیا (یعنی سرزمین‌هائی که‌شامل لیون ، وینه ، بزانسون ، ژنو ، (ئوتون وماسون بود) سکونت گزیدند .

شاه گوندی‌بالد (درگذشت ۵۱٦) قوانین بورگوندی‌را در مجموعه موسوم به **لکس‌گوندو–بادا** جمع‌آوری کرد . بورگوندیها عاقبت مغلوب پسران **کلوویس** (حدود ۵۳۲)گردیدند اما دولت بورگوندی در تحت کنترل فرانکها و حکومت شاهزادگان مووین جی تا سال ٦۱۳ بصورت دولتی مجزا از سایر دولتهای مجاور باقی ماند و از٦۱۳ ببعد بصورت‌ایالتی ازامپراطوری فرانکها بیرون آمد .

استروگوتها در ایتالیا

٤۸۹–۵۵٤ ب م

پس ازتجزیه وانقراض امپراطوری هون‌ها (بعداز **نداثو** ٤۵٤) اوستروگوتها بعنوان‌فدرات های امپراطوری در **پان‌تونیا** سکونت گزیدند (این اولین اسکان‌آنها دردرون مرز امپراطوری روم بود) – در زمان تسلط هونها ظهور یك زمامدار واحد غیرممکن بود . **تئودوریك** که بعنوان گروگان در قسطنطنیه نگاهداشته شده ودر آنجا تعلیم یافته بود در ٤۷۱ تنها بعنوان يك شاه رسمی انتخاب شد اما با پیشروی بطرف شبه جزیره بالکان بصورت یك رهبر واقعی مردم تابع خود درآمده امپراطور **لئو** را مجبور کرد که بخشی از اراضی مقدونیه را به او واگذارد . ولی مطامع وی برای احراز مقام امپراطوری بتدریج صورت واقعیت پیدا کرده در ٤۸۳ بسمت فرمانده نیروهای نظامی ودر ٤۸٤ به منصب کنسولی نائل آمد . پس‌از آن با امپراطور به ستیزه برخاسته بطرف قسطنطنیه پیشروی کرد . امپراطور برای اینکه از شروی خلاص یابد بطورغیر رسمی او را ماموردفع **اودوواکار** ازایتالیانمود . **اودوواکار** فائق آمدند اما نتوانستند **راونا** را تا سال ٤۹۳ تصرف کنند . تئودوریك بادست خویش اودوواکار را بقتل رسانیده و سپاه اورا قتل عام کرد .

٤۸۹ – ۵۲٦ : سلطنت تئودوریك کبیر : تئودوریك بطور کلی همان خط مشی و سیاست اودوواکار را پیش گرفته و تنها فرق آن بود که اوستروگوتها را بجای ژرمن‌های تابع اودو–واکار گذاشت و یك سوم از املاك رومی را (که باحتمال قوی اودوواکار هم چنین کرده بود)

به‌اوستروگوتهای تابع‌خود واگذاشت . حکومت تئودوریك در سال ٤٩٧ از طرف قسطنطنیه برسمیت شناخته شد . وی باتفاق امپراطور کنسولهای باختری را تعیین نمود اما هیچ یك از اوستروگوتهارا بدان سمت ها نگماشت . تئودوریك تنها فردی از اوستروگوتها بود که تبعیت رم را داشت واز لحاظ حقوقی و قانون سایر اتباع وی تنها سربازان بیگانه درخدمت امپراطور محسوب میشدند . هیچ رومی در دستگاه وی فرماندهی نظامی نداشت و هیچ اوستروگوت در خدمات کشوری وارد نبود . امپراطور کماکان قانونگذاری میکرد و ضرب سکه مینمود . **ادیکتوم تئودوریکی** نام مجموعه فرمانهای اداری و حکومتی تئودوریك است نه مجموعه قوانین زیرا آنچه‌که‌بقوانین تئودوریك معروف‌است چیزی جز تفسیرفرامین ومقررات امپراطوری نیست . وزیر ومشاور تئودوریك دانشمند ایتالیائی‌موسوم به **کاسیودوروس** بود و همراه امپراطوری دوگانه رومی (یعنی تجزیه به امپراطوری خاور وباختر) دستگاه مذهبی نیز بصورت دوگانه درآمده بود .

تئودوریك‌نسبت به‌کاتولیکهای ارتودوکس بمدارا رفتار میکرد ولی حافظ و طرفدار یهودیان بود . هدف اصلی وی این بود که مردم تابع خودرا در تحت محیط رومی متمدن کند و صلح را حفظ نماید .

تئودوریك در همین حال با سایر مردم ژرمنیك همکاری نزدیك داشت واین روابط را بوسیله انجام زناشوئیها استحکام بخشید (یکی از دختران خود را بعقد ازدواج **الاریك دوم** ویسیگوت ودیگری را بعقد یکی از سران بورگوندی در آورد و خود وی نیز با خواهر **کلوویس** ازدواج کرد) وی برای **حفظ‌الامانی** از شر کلوویس دخالت کرده وسعی کرد که ویسیگوت هارا حفظ کند . سرزمین **پروونس**‌را از بورگوندی گرفته بایتالیا ملحق ساخت . پس‌از درگذشت **الاریك** دوم تئودوریك خودرا نایب‌السلطنه ونگهبان پسرزاده‌اش **آمالاریك** خواند وبدینطریق در معنی‌تا هنگام‌در گذشتش در سال٥٢٦ برسلطنت‌ویسیگوتیك نیزفرمانروا بود .

درنظر مردم‌ایتالی حکومت‌اوستروگوتیك بیگانه وکافر تلقی میشد ونسبت بدان خشم داشتند و در پایان سلطنت تئودوریك حس بدبینی وبدگمانی وی شدت یافته بود چنانچه **بوئه‌تیوس** فیلسوف رومی ومفسر فلسفه‌ارسطو و نویسنده کتاب«**تسلیت فلسفه**»که ازمتصدیان امور در حکومت تئودوریك وپدرزن وی بود ، وهمچنین **سیماکوس** که‌از رومیان برجسته و درخشان بود هردو باتهام توطئه خیانت‌آمیز اعدام گردیدند (در حدود ٥٢٤)

٥٣٥ ــ ٥٥٤ ــ تجدید فتح ایتالیا ازطرف امپراطور :

ژوستی‌نیان که نقشه عظیمی برای تجدید بنای امپراطوری روم را داشت بعنوان جزئی از نقشه خود **بلی‌ساریوس** و چندی‌بعد **نارسس** را برای فتح ایتالی فرستاد . ایندو سردار اوستروگوتهای سرسخت را شکست داده آنهارا بطرف جبال آلپ راندند .

پس از دفع اوستروگوتها استانداری **راونا** در تحت امپراطور **موریس** (٥٨٢ ـ٦٠٢) تاسیس گردید . به‌این استاندار هم قدرت لشکری و هم کشوری وهم تمام احترامات امپراطوری اعطا گردید . وی کلیساها را نیز که شامل حوزهٔ اسقفی رم نیز بود تحت اختیار خود قرار داد . در اینموقع جنگ و بیماریهای واگیر ایتالی شمالی را کاملاویران ساخته بود. رم نیز بصورت یك ویرانه درآمده از آن‌مقام عظمت امپراطوری به یك شهر ولایتی یا ایالتی تنزل کرده وراه برای مهاجمین **لمبارد** گشوده شده بود .

راونا پایتخت باختر قرارداشته (٤٠٢ـ ٤٧٦) وجایگاه دربار مجلل تئودوریك بود : معماریهای شهردران دوره یك سلسله منحصر بفرد از نمونه های ساختمانهای ترکیبی روم و بیزانتین است که در زمان امپراطورها آغاز شد وتئودوریك در سنت آلمانی در **دیتریخ ــ فون‌برن** (یعنی **ورونای** امروز که وی در آنجا قصری داشت) هنوز باقی مانده‌است .

پیشرفت دستگاه پاپی : گلاسیوس (٤٩٢ـ ٤٩٦) اولین پاپی بود که دعوی‌استقلال دستگاه پاپی را نموده در مسائل مربوط به عقیده و ایمان مذهبی و فتواهای دینی پاپ را هم از امپراطور وهم از شورای کلیسا جدا وبی‌نیاز اعلام نمود . وی اعلام کرد که بر جهان تنها دو قدرت حکومت میکند یکی **قدرت روحانی** ــ (**ساکردوتیوم**) ودیگر **قدرت جسمانی یادنیوی** (ایمپریوم) . واز آنجا که قدرت روحانی‌وسیله رستگاری آدمی است بر قدرت سیاسی یا دنیوی تفوق و ترجیح دارد .

بمجردیکه ایتالیا قدرت حاکمه خود را نسبت بجهان امپراطوری روم از کف داد یك سلسله مساعی طولانی را آغاز کرد که در آن سرزمین ایجاد وحدت ملی‌نموده واستقلال ملی ایتالی را بوجود آورد .

حملات بربری ایتالی را از جهان مجزا کرده قطع آن سرزمین را از پیکر امپراطوری تشدید نمود وپاپ را تنها نمایندهٔ بومی‌وحدت قدیم و تفوق ایتالی قرار داد . ودر عین حال اوستروگوتها (که نیمه رومی شده بودند) فرهنگ وتمدن ایتالی را از میان نبرده واجازه دادند که کلیسا میراث وسنت یونان وروم را از لحاظ زبان ، ومسائل اجتماعی و فرهنگی واداری وکیش وآئین بباختر انتقال دهد .

٥١٩ ــ **مانستی کیسم باختری :** زندگی خانقاهی باختر که عبارت از نوعی ریاضت بود در واقع عکس‌العمل فساد روز افزون در زندگی باختری بوده و **جروم** ، **امبروز** ، و **اگوستن** آنرا حمایت کردند و بسرعت در قرن ششم بسط یافته تا بمرحله ابتذال و هرج و مرج وافراط و تفریط رسید یعنی در بعضی از این خانقاه ها ریاضت و عزلت افراطی حکمفرما بود ودر بعضی فاسدترین‌وضع زندگی اشتراکی وتجرد مردان معمول گشت که به تسکین‌امیال نفسانی‌ودنیوی آدمی می‌پرداختند. **بندیکت** از اهل **نورسیا** افتضاحات را علنی و خانقاه ها را رسوا کرده خود نیز به **مونت کاسینو** رفت ودرآنجا در ٥٢٩ یك کلنی دائر کرده قوانین و مقرراتی برای آن جمعیت وضع کرد که به **قانون بندیکت** معروف گشت . این قانون که تا قرنها بعد در مانستی‌کیسم و خانقاهها مجری‌بود عبارت‌بود ازقوانین رومی که مناسب حال مردم متوسط اصلاح وتدوین شده بود . این قانون رهبانان خانقاه را در تحت کنترل یك اسقف گذاشت وهر خانقاه را مستقل شناخته و تنها یك‌رابطه فدراسیونی اسمی بین آنها برقرار بود وبرای ورود افراد تازه بخانقاه شرایطی احتیاط آمیز آزمایشها ومدت خدمت‌آزمایشی مقررمیداشت . انضباط شدید بود ولی نه بحد افراط وبمسئله کار دستی و بدنی بخصوص در هوای آزاد اهمیت داده شد . در این جامعه های کوچك نوظهور هر فرد به یك عالم ریاضت فرو میرفت که خود بر خویشتن تحمیل کرده وباید خود رفع حاجات خویشتن را بنماید وبی‌نیاز از غیر باشد ودر عین حال عضو یك جمعیت از افراد مشابه باشد . نشر قوانین بندیکت (بندیکتین) بسرعت انجام گرفت و پس از آن تنها خانقاه مهمی که بحال عزلت و ریاضت قدیم باقی ماند خانقاه رهبانان ایرلندی **سن‌کلمبو** بود . این نظم خانقاهی ابزار مهمی گشت برای اصلاح در کلیسای فرانك ها (گالیك) وهمچنین در نشر مذهب مسیح وهم تمدن در انگلیس وآلمان نقش مهمی درعهده داشت . وهمین‌دستگاه‌خانقاهی یا **مانستی‌کیسم** در طی تاریخ در حدود ٢٤ پاپ ٢٠٠٠ کاردینال وپنجهزار مقدسین(سنت‌ها) و ١٥٠٠٠نویسنده ودانشمندان روحانی بوجود آورد .

شهر رم بسبب حملات و هجوم ها وقطع مجاری آب آن ویران گشته و جمعیت آن از نیم میلیون به پنجاه هزار نفر یعنی به یك‌دهم تنزل یافت . دستگاه اریستوکراسی اشرافی رم ناپدید شد و فساد و پوسیدگی قرون وسطائی درآن شهر جای عظمت وشوکت دوره پاگانیسم را گرفت وشهر تا دورهٔ **رنسانس** بهمان حال فلاکت باقی ماند .

٥٥٤ــ تجویزات پراگماتیك ژوستی‌نیان :

(پراگماتیسم یعنی‌اعتقاد باینکه هرعملی‌رابابد از لحاظ ارزش دنیوی و سودمند آن سنجید وعقیده به نوعی واقعیات وزندگی عملی در برابر زندگی روحی و معنوی و خیالی) .

ژوستی نیان اراضی ایتالیائی را از **اوستروگوتها** پس گرفته وبصورت ظاهر دولت روم باختری را احیا کرد اما شرایط واوضاع چنان تغییر یافته بود که موفقیتی حاصل‌نکرد زیرا اراضی کشاورزی خالی از جمعیت‌گشته مبدل به بیابان گشته و خرده مالك های دهات ومزارع مبدل به بردگان شده بودند . شهرها نیز از لحاظ فقر وتنزل کمتر از دهات و مزارع نبودند . سنای روم از سال ٦٠٣ به‌بعد ناپدید شد و **کوریا** های محلی نیز در همان اوقات از میان رفت .

ژوستی نیان **هرسیونا** را در تحت حکومت یك امیر (**دیوس** Duce) بصورت جزئی از اداره کل امپراطوری قرارداد اما این دیوس ها بتدریج مبدل به مالکین گشته وظائف نظامی ایشان وظائف کشوری را تحت الشعاع قرارداد .

سپس لقبی که مرکب از امارت ومالکیت بود بآنها داده شده بدینطریق طبقه تازه‌ئی از مالکین نظامی ارثی بوجود آمده در کنار طبقه روحانی و طبقه اشراف قدیم قرار گرفت . جزئیات این سیر وجریان بسبب نقص و نارسائی شواهد ودلائل درست‌در دست نیست.

د ـ سلطنت فرانك‌ها

فرانکها ابتدا بصورت خوش نشین در رن‌سفلی بنام دو شعبه سکونت گزیدند یکی **سالیان‌ها** (یعنی سکنهٔ دریا) ودیگر **ریپواریان‌ها** (یعنی سکنه کنار رودخانه) در پایان قرن ٤ سالیانها در منطقه بین **موز** و **شلت** بعنوان فدراتهای امپراطوری روم منزل گرفتند . وریپوریانها دربرَیکه بین **رن** وموز جای‌گرفتند . فرانکها تشکیل کنفدراسیون ثابت نداده و برخلاف ژرمن‌ها بصورت یك ملت یا یك گروه مهاجرت ننموده بلکه پراکنده شده ودر نقاط مختلف گسترده شدند .

٤٣١ ـ ٧٥١ ـ فرانکهای سالیان درتحت حکومت مرووینژی‌ها

٤٥١ ـ کلودیو (پسر مرو ـ وك) به‌آرتوا حمله کرده واز **آئه‌سیوس** شکست خورد . در جنگ شالونز ، فرانکهای سالیان در زمره نیرو های رومی بودند . شاه **کیلدریك** ـ (شیلدریك در گذشت ٤٨١) بعنوان فدرات امپراطوری در اورلئان بکمك نیرو هـای امپـراطوری بجنگ پرداختند ودر نتیجـه ائه‌سیوس ویسیگوتها را شکست داد و چندی بعد ساکسونها را در **لوار** شکست داد . قبر وی در ١٦٥٣ در **تورناگی** پایتخت سالیانها کشف گردید .

٤٨١ ـ ٥١١ ـ کلوویس (کلودووچ) پسر کیلدریك در خدمت **نپوس** و **زنو** قرار داشت . وی ژنرال‌گاللو ـرومیك موسوم‌به **سیاگریوس** را در ٤٨٦ در **سواسون** شکست داده قدرت سالیان را تا **لوار** توسعه داد . وی بااسقف **رمی‌گیوس** روابط صمیمانه داشت . **زیگ‌برت** ریپواریانی حمله آلامانی هارا در **تولبیاك** در سال ٤٩٦ دفع کرده وبا کمك سالیانها آنهارا شکست داد . در همان سال **کلوویس** نیز در استراسبورگ الامانی را شکست داد و چندی بعد بسمت شاه ریپواریانها انتخاب شده در هردو طرف رن بصورت فرمانروای کل فرانکها بیرون آمد .

٤٩٦ ـ کلوویس در سال ٤٩٦ طبق روایات بکیش کاتولیکی رومی درآمد . وی سابقا با **کلوتیلدا** دختری از بورگوندی که به جامعه رومی تعلق داشت زناشوئی کرده بود .

بورگوندی‌ها بطورکلی ازجمله آرین‌ها بودند وکلوویس باحتمال قوی ازروی اندیشه وتدبیر باآرین‌ها وصلت کرده بود . گرویدن وی بمذهب مسیح سبب شد که کمك پاپ مقتدر و حوزه‌های اسقفی را نیز بدست آورده وی را برای فتوحات کشورهای آرین که مشرك شمرده میشدند (یعنی غلبه بر مردم ژرمـن) بگشاید . پس بورگوندی را پس از سال ٥٠٠ فتح کرده ودر ٥٠٧ در **ووئیل** ویسیگوتها را شکست داد وتمام سرزمین سلطنت آنها را در شمال پیرنه (باستثنای **سپتی‌مانیا و پرووئس**) مطیع ساخت . این فتوحات را روحانیون گالليك ورومی بعنوان جنگ مذهبی ستوده وآنرا حمایت‌کردند .کلوویس کلیسای حواریون مقدس (سن‌ژنه‌ویو) را در پاریس بنا نهاده و بزودی پایتخت خودرا از **سواسون** به پاریس منتقل ساخت .

سپس امپراطور **اناستازیوس** منصب‌کنسول افتخاری را باو عطا کرد و بدینطریق فرانکها هم اولین مرتبه وارد در امپراطوری روم یعنی شریك آن گشتند .

٥١١ ـ ٦٢٨ ـ تجزیه سر زمین فرانکها پس از درگذشت کلوویس :

(١) چهار پسر وی چهار پایتخت برای خود تعیین کردند بشرح زیر :

متز ، اورلئان ، پاریس ، و سواسـون وقلمرو کشور رابطرف خاورتا **آلپ** علیا توسعه دادند . بورگوندی وسرزمین اوسترگوتها را در شمال جبال آلپ ضمیمه کردند . پس از یك دوره کشمکش های سخت تنها **لوتایر** (کلوتار) زنده ماند ومدت کمی (٥٥٨ ـ ٥٦١) باردیگر سرزمین های فرانکها در تحت حکومت واحد درآمد .

(٢) **لوتایر** سرزمین فرانك را بین چهار پسر خود تقسیم کرد واین عمل منجر به بروز کینهٔ خانوادگی بزرگی شد که در نتیجه آن سه سلطنت تازه بظهور رسید : اول **آستراز یا** (پایتخت آن **متز**) در طرف خاور که‌آنرا **آوستر** نیز مینامیدند وبیشتر منطقه **تیوتونیك** بود ـ دوم **نیوستریا** (یعنی سرزمین نو پایتخت آن سواسون) که سکنه آن ترکیبی از گل‌ها و رومیان بودند ـ سوم بورگوندی که پادشاهی از خود نداشت ولی ملحق به نیوستریا شده هردو تحت اداره یك زمامدار قرار گرفتند . شاهزاده نیوستریا خانوادهٔ سلطنتی رقیب خودرا در استرازیا از میان برد ولی بارونهای محلی آن سلطنت را حفظ کردند . در زمان **لوتادوم** در ٦١٣ باردیگر هرسه سلطنت درتحت حکومت یك فرمانروا بیکدیگر پیوستند .

٦٢٨ ـ ٦٣٨ ـ داگوبرت (پسر لوتایر) آخرین زمامدار مقـتدر خانواده سلطنتـی **مرووئژی** بود که باسلسله های مختلف سلاطین آنزمان عقد اتحاد نمود ومشاور آن خردمندی برای خویش یافت مانند اسقف **آرنولف و په‌پین‌لاندن** ـ حکومت سختگیر وی منجر به بروز شورش شد . پس‌از داگوبرت پادشاهی تنبل ولاقید بسلطنت رسید ودر زمان وی هم در استرازیا وهم در نیوستریا حکومت کار گزاران قصر معمول گردیده این اشخاص از درجات پائین‌بمقام فرمانروایان کشور رسیدند.

حکومت **سلسله مرووئژی بالاسیوتا**های رومی را بعنوان واحد اداری وحکومتی نگاه داشته ودر راس هرکدام یك **کنت (کومس یا گراف)** گماشت . منبع قانون در حکـومت‌ایشان شاه نبوده بلکه عرف وعادت محلی در تحت نظر گراف با کمك مالکین محلی صورت قانون پیدا میکرد . رهبران نظامی بخش های بزرگ امرا یادیوس‌هـا بودند کـه زیر دست هریك چندین کنت وجود داشت .

زمین بازاء پرداخت پول به مقامات رسمی باشخاص واگذار میشد .

گرگوری اسقف **تور** (٥٤٠ ـ ٥٩٤) ازقوم **فرانك** بود . وی تاریخ **فرانکها** را بزبان **لاتن** نوشته واین کتاب تنها و بهترین ماخذ تاریخ دوره سلسله **مرووئژی** است .

تنزل قدرت سلطنت در زمان آخـرین شاهان مرووئژی وآغاز دوره عدم تمرکزوتجزیه یعنی فئودالیسم :

عوامل زیر موثر در ظهور فئودالیسم گردید :



لوی اول معروف به (پارسا)

(١) تمرکز مالکیت اراضی در دست عدهٔ معدود (یعنی طبقه اشراف مالك زمین که کار گزاران قصر نمایندهٔ آنها و بعبارت دیگر در معنی خدمتگزار ایشان بودند ودرظاهرحکومت را بدست داشتند) .

(٢) درهم شکستن سیستم طبقاتی قدیم وسازمان قبیله‌ئی بدون آنکه یك سیستم‌موثری جانشین آن شود که منجر به اتکاء اقتصادی مردم به اشخاص وافراد معین گردید نه‌دولت که از جمله ظاهر آن این بود که مصونیت اشخاص‌ورفع مشکلات یاانجام کارهای اشخاص به توصیه و سفارش وبست وبند بستگی‌داشت وافراد طبقات معین مصونیت داشتند .

(٣) در قرن ٨ خدمت نظامی بدینصورت درآمدکه هرکس توانست اسبی تهیه کند وبربشت‌زین نشیند به **بنه‌فیس** (دستگاه‌املاك ودرآمد کلیسائی) ملحق گردید ـ مثلا سواران **مارتل** برای خدمت برضد **ساراسن** ها (اعراب ومسلمین) گماشته شدند . چون کلیسا دارای املاك زیاد بود مارتل در واقع کلیسا را مجبور کرد که بدفاع ملی کمك کند .

(٤) املاك شاهی معاف از مالیات بود و بجز مستخدمین شخص‌شاه احدی حق ورودبه آنها را نداشت . این مصونیت به آن قسمت از املاك و اراضی شاه که به اشخاص اهداء گردید و سپس به‌املاکی که هرگز جزء املاك شاهی نبود نیز بسط داده شد .

نتیجه این سیستم ظهور یك نوع عدم تمرکز کامل بود که طبق آن نمایندگی قدرت سلطنت به متصدیان امور محلی داده شد که میخواستند کاملا مستقل باشند .

کارولین‌ژیها

ظهور کارولین ژیانها در استرازیـا : پسر **آرنولف** با دختر کنت **په‌پین اول** (اهل

لاندن – درگذشت ۶۳۹) کارگزار قصر ازدواج کرد ونسلی که از آنها بوجود آمد به‌**کارولینژی** موسوم گردیدند .

۶۵۶ – **گریموالد** پسر په‌پین کوشش کرد که تاج وتخت را غصب کند موفق نشد وجان خود وپسرش‌را برسرآن از کف داد و عکس العمل بنفع **مرووینژی** ها بظهور رسید.

۶۷۸ – ۶۸۱ – **ابروئین** کارگزار قصر در نیوستریا اتحادیه‌ئی از کارگزاریها در تحت اداره یك سلسله تشکیل داد ولی در ۶۸۱ ترور شد .

۶۸۷ – **په‌پین دوم** (اهل **هریستال**) پسر زاده په‌پین اول درآسترازیا و نیوستریا بسبب فتح **ترتری** بقدرت رسید این سلطنت بزودی بسبب انشعاب بین دیوس ها (امرا) رو انحلال میرفت و په‌پین کوشش کرد که اریستوکراسی مالك زمین را که خود از میان آنها بقدرت رسیده بود از میان بردارد .

۷۱۴ – ۷۴۱ – **شارل مارتل** (مارتل یعنی چکش) پسر په‌پین که بالمباردها متحد بود به میسیون بونیفاس در آلمان کمك کرد .

(بونیفاس) اقرار کرد کـه پیشرفتهای وی بدون کمك مارتل محال بود) .

۷۳۲ – مارتل به پیروزی بزرگی در **تور** نائل آمده از پیشرفت مسلمین درباختر جلوگیری نمود و در نتیجه در سال ۷۵۹ مسلمین از جبال پیرنه عقب‌نشینی‌کردند .

پیروزی په‌پین بر **فریزی‌ها** ادامه یافت . وی پنج جنگ برضد ساکسونها نمود و نیرو های غیر متمرکز ولی مقتدر را (بخصوص در بورگوندی والامانی) درهم شکست .

۷۳۹ – **پاپ‌گریگوری سوم** مورد تهدید لمبارد ها قرار گرفته هیئتی را بسفات نزد مارتل فرستاد وبازاء محافظتی که در برابر لمباردها طلب کرد اعطاء لقب کنسول را به مارتل پیشنهاد کردشارل مارتل‌که با شاه‌لمبارد متحد بود بتقاضای پاپ اعتنائی نکرد . مارتل در پایان عمر خود مانند یك سلطان واقعی سر زمین های مروونژی را بین پسران خود **تقسیم** نمود : استرازیا و دوچی‌های آلمان سهـم **کارلومان شد** ونیوستریا وبورگوندی به‌په‌پین رسید . کارلومان و پپین‌از ۷۴۱ تا ۷۴۷ باتفاق یکدیگر سلطنت کردند واز ۷۴۷ تا ۷۶۸ پپین تنها سلطنت کرد .

هـ ـ لمباردها وپاپها

۵۶۸ – ۷۷۴

در زمان امپراطور اوگوست هنوز لمبارد ها در آلپ سفلی (باردن‌گائو) سکونت داشتـه ودر سال پنجم میلادی از رومیان شکست خوردند . تاریخ ایشان تا مدت چهار صد سال مبهم وتاریك و غالبا نامعلوم‌است .

ایشان جزء امپراطوری **هونیك** (هونها) بوده در ۵۰۵ تابع **هرول‌ها** بودند که در سال ۵۰۸ آنهارا تارومار کردند . این قوم باحتمال قوی شعبه‌ئی از آرین ها بوده‌اند . در سال ۵۴۶ آغازمخالفت‌با گپیدها کردند. ژوستی‌نیان در **نوریکوم** و **پانونیا** به‌آنها زمین داد ودر ۵۵۳ در حملـه به اوستروگوتها به نیـروی امپراطور کمك کردند .

آوارها در حدود سال ۵۶۰ از منطقه ولگا سرازیر شده در ۵۶۲ به **تورین ژیا** وارد گشتند واز فرانکها شکست خورده در حدود سال ۵۶۵ بالمباردها برضد گپیدها متحدگشته آنهارا از میان برداشتند . سپس لمباردها به طرف ایتالی حرکت کرده و **آوارها** سرزمین **داسیا** را تصرف کردند .

آلبوئین (درگذشت ۵۷۳) شاه لمبارد **کونیموند** شاه گپید را بادست خود کشته و **روزاموند** دختر اورا بزنی گرفت . (داستانی در اینمورد وجود دارد که داران داستان جمجمه کونیموند برای جام‌شراب بکار میرود). لمباردها در فتح **بلیساریوس** نیزشرکت داشته وبزودی حرکت بطرف جنوب بسمت ایتالـی را آغاز کردند .

۵۶۸ – **فتح ایتالی بدست لمباردها :**

ایتالیا که بسبب جنگهای گوتیك و قحطی و شیوع بیماریهای واگیر کاملا ازپا درآمده بود در برابر لمباردها مقاومت کمی نشان داد قسطنطنیه خونسرد و ساکت بود وبنا براین فتح آسان انجام گرفت . لمباردها که عده ایشان همیشه کم بود مردم اقوام دیگر را در فتوحات خویش با خود همراه میکردند (مانند ۲۰۰۰۰ساکسونی وعده‌ئی ازسلاوها) بااینحال باز عده آنها برای تصرف تمام شبه جزیره ایتالیا کافی نبود . رم وناپل بدست آنها نیفتاد وراونتا تنها مدت کمی در تصرف آنها بود و برسواحل بطور کامل مسلط نگشتند . لمبارد ها (برخلاف سایر مهاجمین وحتی واندالها) به امپراطوری نپیوستند واحساسات مردم ایتالی سخت برضد آنها بود . **پاویا** را پایتخت خود قرار دادند (ایتالیا تا سال ۷۷۴ همیشه دو و غالبا سه پایتخت داشت : یکی رم که پایتخت پاپ بود ، **روانتا** که پایتخت بیزانتین بود و دیگر **پاویا** که از ۵۷۳ ببعد پایتخت لمباردها بود) ودر واقع سرزمین ایتالیا یك صفحـه موزائیکی از حکومتهای بیزانتین وپاپ ولمبارد بود **متصرفات** لمبارد در ایتالی (که ابتدا حکـومت نظـامی بود) عـبارت بود از درون **لیگـوریا** ، درون **توسکانی** ، درون **ونسیا** دوچی **اسپولتو**، و دوچی **بنه‌ونتو** . ایتالی امپراطوری شامل **ونیز** واراضی ازشمال‌**راونتا** بود تا جنوب **انکونا** که شامل دوچی رم‌ودوچی ناپل وهمچنین پاشنه وپنجه شبه جزیـره چکمه مانند ایتالی نیز میگردید . یك سوم محصول اراضی **هوسپی تالیتاس** به‌لمباردها داده میشد بعلاوه لمباردها اراضی اشخاص درگذشته و تبعید شده را نیز متصرف میشدند .

ابتدا املاك بالتمام واگذار میشد ولی بعدا **لیوت پراند** (۷۱۳ و۷۳۵) اجاره رامعمول کرد واملاك را بطور موقت باجاره واگذار میکرد .

لمباردها القاب واسامی رومی راپذیرفته و بالاخره مذهب‌کاتولیکی روم را هم‌قبول کردند . درزمان **لیوت پراند** (۷۱۲–۷۴۴)کاملا با زبان ایتالیائی صحبت میکردند اما مردم بومی به‌گذشته خود وفادار بوده کاملا مجزا ازلمباردها میزیستند . از لحاظ قضائی دو سیستم حقوق خصوصی دران واحد معمول بود و درسرزمین‌های حکومت لمبارد دو سیستم حوزه های اسقفی نیز رواج داشت یکی سیستم ارین ودیگر سیستم رومی.

۵۷۳ – ۵۸۴ – پس ترور **آلبوئین**، حکومت بدست **کلف Cleph** (درگذشت۵۷۵) افتاد و پس از او ده سال با هرج ومرج وجنگهای خصوصی برهبری یك اتحادیه‌سستی از امرا (دیوکها که تعداد آن‌ها درحدود ۳۶ نفربود) گذشت . مخالفت کاتولیك رومی‌و مذاکرات پاپ با فرانکها اعلام خطری برای لمباردها بود ومنجر بانتخاب **آئوتاری**‌گردید.

۵۸۴ – ۵۹۰ حکومت **آئوتاری** پسرزاده **آلبوئین** . وی درحدود نصف اراضی بارون‌ها را بعنوان املاك سلطنتی مالك‌گردید . املاك دیوکها نیز بتدریج تصرف شد .

پس از آئوتاری **تئودولینا** زوجه وی‌کـه مذهب‌کاتولیك رومی داشـت درصدد برآمد که شوهری اختیار کند که شاه باشد وبالاخره بعقد ازدواج یك **تورینجی** بیرون آمد.

۵۹۰ – ۶۱۵ – حکومت دیوك‌**آگیلاولف** ازاهل تورین . وی باکلیسای رومی روابط دوستانه برقرار کرد و موسس واقعی دولت لمبارد شناخته میشود . گریگوری بزرگ از یك توطئه ایتالیائی برضد لمبارد جلوگیری کرد. **روتاری** (۶۳۶– ۶۵۲) بکیش کاتولیك رومی درآمد . وی قوانین عرفی‌لمبارد را جمع‌آوری کرده بزبان لاتن نگاشت وقدرت لمبارد را استحکام بخشید .

ولی بالاخره حقوق رم بر حقوق لمبارد غالب آمده حقوق لمبارد تنها در مدارس لمباردی مانند پاویا تدریس میشد .

اسقفهای ایتالیائی از سال ۴۷۶ ببعد رهبران مردم صلح طلب کشوری در شهرها وحامی مظلومان وتوزیع کننده خیرات‌ومبرات بودند .

در زمان حکومت لمباردها یك سیستم **مصونیت حوزه اسقفی** بوجود آمدکه عملا اسقفها را فرمانروای سیاسی ودنیوی محلی قرار داده توانستند روحیه محلـی استقلال شهری و شهرداری و سازمان هـای امور شهر را از قبیل کنسول ها و اصناف حفظ کنند . – سکنه شهرهاازقید های فئودالی آزاد بوده و دیوارهای شهرها که غالبا ازطرف اسقفها ساخته شده بود بمنزله بست یعنی پناهگاه پناهندگان شمرده شد . میلان عظمت خود را بازیافت وبپای رم رسید. این‌تحولات راه را برای احراز استقلال شهرهای ایتالی دربرابر روحانیان رومی و دربرابر تجاوزات فئودالهای ژرمنی بگشود . **پولدیکن** (اهل دیکن – ۷۲۰– ۸۰۰) اولین مورخ مهم قرون وسطی **تاریخ لمبارد** را برشته تحریر در آورد .

۵۹۰– ۶۰۴ – **گریگوری بزرگ**‌که‌قامتی متناسب و چهره‌ئی جذاب داشته ازخانواده یك سناتور ثروتمند رومی بوده ودر۵۷۳ سمت **پرفکت** رم راداشت . در ۵۷۴، شش خانقاه در سیسیل و یکی دررم (سن‌آندریوز) تاسیس کرده درخانقاهی که دررم تاسیس کرد شخصا بصورت یك راهب خود را بازنشسته کرد. از ۵۷۹ تا ۵۸۶ بسمت سفیر درقسطنطنیه بسر برد . در ۵۸۶ بسمت راهب کل‌خانقاه سن‌آندریوز تعیین شد وانضباط شدید بر قرارکرد . در۵۹۰ برخلاف میل خویش‌بسمت پاپ انتخاب شده و تشکیل یك دستگاه‌اداری

موثر را آغاز کرد . انضباط شدید درحوزه فرمانروائی وی حکمفرما بود ونکاتی راکه بیشتر مورد توجه قرار میداد عبارت بود از تجرد و علوبت (دوبرابر تاهل) ، دقت کامل درانتخابات ، اصرار درانحصار حق قضاوت روحانیان درمورد متخلفین مذهبی. مالیات ماخوذه از طرف‌کلیسا به‌چهار قسمت تقسیم شد یك‌قسمت برای اسقف ، قسمت دوم برای روحانیان ، قسمت سوم برای فقرا، وقسمت چهارم برای ساختمان های کلیسا. دستگاه اداری وی که املاك و مستغلات کلیسا را اداره میکرد امانت بخرج داده ودستگاهی درخشان بود و مالیات ها را بسط و توسعه داد تابتواند احتیاجات خیریه‌هـا و اوقافی عظیم رم را رفع نماید . پاپ‌معمول امپراطوری قدیم را درمورد تقسیم غله مجانی در رم وسایر نقاط ادامه داد ، نهرها و مجاری آب را تعمیر کرد واصلاحاتی دراداره امور شهرها مخصوصا رم بعمل آورد .

گریگوری در خارج حوزه صلاحیـت پاتریارکی خود نیز نفوذ کرده صلاحیـت پاپ را بالا برده و ادعاکرد که پاپ برطبق مشیت الهی درراس کلیه کلیساها قرار دارد .

وی لقب و عنوان اسقف‌جهانـی‌پاتریارك قسطنطنیه را مردود دانسته و حتی شکایات یا تقاضاهای رسیدگی‌برضدپاتریارك‌قسطنطنیه را هم می‌پذیرفت . گریگوری بالاخره باکمال تهور نقش امپراطور را در باختر در عهده گرفته وهمان قدرتهای یك زمامدار سیاسی ودنیوی را اعمال کرده دربرابر وجهه‌وعظمت قسطنطنیه قد علم کرد . ابسولوتیسم پاپی (قدرت مطلقه پاپ)که بعدها مورد ادعای پاپها واقع شد ازهمین حکومت گریگوری ریشه گرفت . گریگوری رهبر واقعی ضد لمباردها بوده فرمانداران شهرها را منصوب میکرد وبه‌ژنرالها در جنگ‌ها دستور میداد واز قسطنطنیه وجوهی برای نگاهداری ارتش دریافت مینمود .

چون وی اولین راهبی بود که بمقام پاپی نائل آمده‌بوداتحاد نزدیکی‌بین‌**بندیکتین‌ها** (رهبانان سلك و فرقه **سن‌بندیکت**) ودستگاه پاپی (بضرر اسقفها) برقرار ساخت . برای رهبانان منشوری وضع‌کرده و آن‌هارا از آزار اسقفها حفظ‌کرد ، قانون‌وحقوق‌بندیکتین را رواج داد و یك سلسله مبارزات بزرگ با کمك رهبانان بشرح زیر آغاز گشت:

(۱) درسال ۵۹٦ میسیونی درتحت‌ریاست **اوگوستن کانتربری** به بریتانیا فرستاد و آوردن مردم آنجا بمذهب مسیح بوسیله این هیئت مبلغین پایه وپایگاهی شد که ازآنجا درکلیسای **فرانکها** (گالليك) اصلاحاتی بعمل آمده و مردم ژرمن را نیز بدین مذهب وارد کردند .

(۲) درگل وایتالی وسیسیل مبـارزه دامنه‌داری بر ضد پاگانیسم (مذاهب‌آرینها) و درافریقا وسیسیل بر ضد **هرتیکیسم**(شرك) شروع‌شد .

گریگوری آخرین نفر از آباء چهارگانه قرون وسطائی است‌که خط رابطی بین‌سنت **گرکو- رومن** (یونانی - رومی) عصرکلاسیك ورسوم **رومانو - ژرمن** (رومی - آلمانی) قرون وسطی میباشد . وی البته دانشمند بزرگی نبود اما وجهه ساز بزرگی بود یعنـی آنکه خوب میتوانست عامه را جلب کند. وی آئین ودکترین‌های **اوگوستن اهل‌هیپو** را درسراسر باختر نشر داد ودرعین حال بوسیله کتاب مکالمات (دیالوگ) خود عقایدی ازقبیل اعتقاد به فرشتگان ، شیاطین ، جن‌ودیو، پرستش یادگارها ، معجزات ، آئین برزخ و اعراف و بکاربردن حکایات تمثیلی را(که غالبا مبدا آنها پاگانیسم آرین‌ها بود) بین عامه رواج داد . گریگوری لاتن عصرکلاسیك را ازلحاظ روحانی مورد تحقیر قرار دادو این عمل بنحو عمیق در لاتن قرون وسطی موثرافتاد .

کتاب **پاستورال** (شیوه کشیشی‌واسقفی) وی تا قرنها بعد یك رکن اساسی درتعلیمات و فرهنگ روحانی باختر قرار گرفت. در رم یك آموزشگاه موسیقی وجودداشت امااینکه گریگوری تا چه حد درآن دخالت کرده و نغمه‌های گریگوریکی درآن واردساخته مورد شك است .

ادامه انفکاك ودوری ایتالیا ازخاور:

عواملی‌که به‌ادامه این انفکاك کمك‌کرد بشرح زیراست:

(۱) مشاجره **مونوتلیت** (برسریکتاپرستی دربرابر تثلیث درمذهب مسیح) که درنتیجه آن **سینود لاتران** (٦٤٩) امپراطور **هراکلیوس** وامپراطور **کنستانس** را محکوم نمود . دیگر توقیف مارتین اول (٦٤٩- ٦٥٥) درسال٦٥٣ ازطرف نایب مناب پاپ ودرگذشت وی در تبعید درخاور . **شورای قسطنطنیه** درمورد این مشاجره مذهبی بمصالحه وسازش پرداخته ونظری بطرفداری عقیده رم ابـراز داشت. شورای قسطنطنیه در ٦٩٢ بار دیگر تساوی دو پاتریارك نشین قسطنطنیه ورم‌را تایید کرد.

(۲) **امپراطور لئو ازایساریان** (٧١٧- ٧٤٠) کوشش کرد که ایتالیا را باردیگرباطاعت آورد وبدین سبب مالیات سنگین برای درهم شکستن نفوذ وقدرت مالکین بزرگ برایشان وضع نمود . این عمل باعث خشم **پاپ‌گریگوری دوم** گردیدکه بزرگترین ملاك وزمین‌دار در ایتالیا بود . بالاخره لئو در٧٢٦ فرمان **ایکونوکلاستیك** را صادر کرد (یعنی فرمان بت‌شکنی وازبین‌بردن‌شمایل‌پرستی‌وبرانداختن عقاید غلط) صدور این فرمان تمام مردم‌ایتالی را برانگیخت . **گریگوری سوم** تمام بت‌شکن‌ها (ایکونوکلاست‌ها) را تکفیرکرد (٧٣١) ،عاقبت گریگوری دراین مبارزه شکست خورده و تحقیری که درپایان نسبت بوی بعمل آمد. پاپ را ضعیف کرد و راه را برای آخرین پیشروی لمباردها بازکرد.

٧١٢- ٧٤٤ - سقوط سلطنت‌لمبارد:

لیوت پراند پادشاه لمباردی بسبب بیم از فرانکها ، سلاوها ، مجارها (هونگریها)، بیزانتین وخصومت پاپ شروع به‌اقداماتی برای تحکیم سلطنت خود نموده دوچی‌های **بنه ونتو** و **اسپولتو** را تصاحب کرد و**راوننا** را موقتا متصرف گردید . درخلال مشاجره ایکونوکلاستیك کوشش **لیوتپراند** برای نزدیك شدن به پاپ موفقیت مختصری‌دربرداشت.

٧٤٩- ٧٥٦ - آئیست اولف همان خط مشی وسیاست لیوتپراند رابرای استحکام سلطنت دنبال کرد . پاپ‌که ازپیشرفت‌لمباردها بوحشت افتاده‌بود در ٧٤١ کوشش کرد تا خود را به **شارل مارتل** نزدیك‌کند .شارل‌مارتل که گرفتار جنگ بامسلمین بود نسبت به‌اتحاد خود با لمباردها وفادار ماند.

ادامه پیشروی **آیست اولف** سبب شد که پاپ **استفن دوم** در ٧٥٣ از او ملاقات کند .

استفن در آن وقت شروع بمذاکره با **پپین** کرده بود واحتیاج هردو طرف‌بیکدیگر (یعنی آنکه پاپ برای اعاده عظمت خودو سلسله تازه‌بدولت رسیده **کارولینجی**‌بیکدیگر احتیاج داشتند) آن‌ها را بطرف اتحادبایکدیگر سوق داد .

٧٥٤ و٧٥٦ - پپین در دو پیشروی وحمله **آیست اولف** را مجبوربه‌ترك‌**پنتاپولیسن** و **راوننا** نمود و بدین طریق درواقع لمباردها را به محل سابق خود در ٦٨١ برگردانید. از لحاظ حقوقی سرزمین هائی که جزء **هبه به‌پپین** (در٧٥٦) بود به‌امپراطوری خاوری تعلق داشت .

این هبه امپراطوری بمنزله شناسائی ضمنی دعوی پاپها بود که بمنزله وراث امپراطوری در ایتالی بودند نسبت باراضی هبه شد . از نظر پاپ مهم‌تر ازهمه این بود که کلیسا متحد مقتدر نظامی درخارج‌ایتالیا بدست آورده بود ، ازآن پس **کارولینژها**سمت حافظ دستگاه پاپ را درایتالیا پیداکردند.

٧٧٤ - شارلمان وارث سنت‌های‌**پپین** **رسیدریوس** دختر پادشاه لمبارد را طـلاق گفته برای کمك وحفظ پاپ از ایتالی سر در آورد . پس از ۹ ماه محاصره **پاویا** رامتصرف شد ، **اسپولتو** و **بنه‌ونتو** فتح شد .وی‌سلطنت لمبارد را منقرض کرده سرزمین آن‌هارا ضمیمه امپراطوری در حال ظهور فرانك نمود وخود را پادشاه لمباردها خواند.ـ در سفری‌که در ٧٧٤ به‌رم نمود (اولین دیدار یك پادشاه فرانکی از رم) هبه پپین راتایید نمود ولی این نکته را محرز نمودکه وی حتی در سرزمین های پاپی فرمانرواست. وی هیچگاه برای پاپ احترام ومقامی بیش از احترام و مقام سراسقفی قائل نشد واز ایـن حیـث از سنـت جـدی بیزانتیـن پیـروی کـرد . بایـن طـریق هبه بخشی از اراضی واملاك ازطرف امپراطور به پپین در زمان سابق پایه و بنیان **املاك پاپی** را گذاشت و قدرت سیاسی ودنیوی واقعی دستگاه پاپ در حقیقت از این زمان آغاز گردید و از آن پس دیگر نه مزاحمین لمباردی وجود داشتند و نه نواب امپراطور که با قدرت روزافزون و در واقع دستگاه سلطنت پاپ مقابله و درکار پاپ دخالت نمایند. بدین مفهوم سقوط‌تاثیر قاطع در تاریخ حکومت پاپی داشت و بهماندرجه در تاریخ و سرنوشت ایتالیا تاثیر قاطع داشت زیرا پیروزی پاپ برلمباردها به آخرین کوشش موثر در ایجاد وحدت ملی وتاسیس یك حکومت ملی درایتالیا پایان داد و تا پایان قرن ۱۹ این وحدت بوجود نیامد . و نیز این حادثه تاریخی بهمان

درجه برای سلطنت و تاریخ کارولینجی اهمیت داشت .

در دوره سلطنت جانشینان شارلمان امپراطورها شرکت درانتخابات پاپها را ادامه دادند وبرای حفظ ایتالیا دربرابرحمله‌مسلمین از ناحیه افریقا آنچه که در قوه داشتند فروگزار نکردند .

۸۲۷-۸۳۱ - مسلمین جزیره سیسیل را فتح کردند .

۸۳۷ - مسلمین به **ناپل** حمله کرده در ۸۳۹ **آنکونا** را غارت نموده و در ۸٤۰ **باری** را تسخیر کردند .

۸٤٦ - در **جنگ لیکوسا** ، **سرگیوس** دوک ناپل مسلمین را دردریا شکست داد .

۸٤۷-۸٤۸ - **پاپ لئوی چهارم** (۸٤۷ - ۸۵۵) برای دفاع از سن‌پطر در برابر مسلمین **دیوار لئونین** را بنانمود .

۸۷۵-۸۷۷ - امپراطور **شارل بالد** (بالد یعنی‌سربیمو وطاس) بکمك خود به پاپ در برابر مهاجمین ادامه داده در ۸۷۵ به رم آمد تا تاجگذاری کند و **شارل فت** (یعنی شارل چاق) را مجبور به عقب نشینی کرده و برادرش **کارلومان** را وادار کرد که پیمان متارکه‌ئی امضاء کرده و عقب نشینی کند . وی سپس از طرف‌اعیان محل بسمت پادشاه ایتالیا انتخاب شد .

۸۸۸ - **برنگار از فریولی** بسمت امپراطور در پاویا تاجگذاری کرد .

۸۹۱ - **گیدو از اسپولتو** با مراسم تبرک و تقدس روحانی بمقام امپراطوری رسید و پسرش **لامبرت** بسمت همکار امپراطور و همکار شاه معرفی شد .

۸۹۳ - **زون تی بولد** Zwentibold (پسر نامشروع آرنولف) برحسب تقاضای **پاپ فورموزوس** (۸۹۱-۸۹٦) به ایتالی اعزام گردید ولی کاری از پیش نبرد . سپس ارنولف در ۸۹٤ شخصا به ایتالی آمده اعیان ایتالی سوگند تبعیت و وفاداری نسبت باو اداکردند اما گیدو همچنان عنوان امپراطور را داشت تا پسرش لامبرت جانشین او شد .

۸۹۲ - ۸۹۹ - **امپراطور لامبرت** : در زمان وی **ارنولف** مرتبه دوم عازم ایتالی شده رم را تصرف کرد و رسما در ۸۹٦ تاجگذاری نمود .

دستگاه پاپی در عصرکارولینژی‌ها

پاپ نیکلای اول (۸۵۸ - ۸٦۷) یکی از زمره چند پاپ بزرگ ومعدود است که در دوره بین زمان گریگوری اول و گریگوری پنجم سمت پاپی داشته و خودرا حکم مطلق مسیحیت باختری اعلام کرد .

وی با کمک **لوی دوم** انتخاب شد و در زمان وی مشاجره بزرگ مذهبی بوجود آمد بشرح زیر :

(۱) مشاجره بین **ایکناسیوس** سر- اسقف (پاتریارک) قسطنطنیه با پاپ نیکلا در مسئله تکفیر رقیب‌وی **فوسیوس** وتکفیربیهوده نیکلا ازطرف‌فوسیوس که‌کلیساهای‌خاوروباختر را به قطع رابطه نهائی (در ۱۰۵٤) نزدیکتر کرد .

(۲) موضوع انضباط مذهبی بود درباره شاه **لوتایر** شاه لورن که زوجه خود **تیوت‌برگا** را طلاق داده و شورای کلیسائی اکس به او اجازه تجدید ازدواج داد و پاپ نیکلا قضیه را ازسرگرفته به‌شورای **متز** ارجاع‌کرد.

(۳) **مسئله‌حق تقاضای رسیدگی‌پاپ رم** به شکایات اسقف های محلی برعلیه سراسقف محلی که در اثر شکایت اسقف از سراسقف ریمس شروع شد و در اثر این کشمکش این فرضیه بوجود آمد که هیچ اسقفی را نمیتوان بدون اجازه و تصویب پاپ خلع یا منصوب نمود .

۸٦۷ - تنزل و انحطاط دستگاه پاپی پس‌از دورهٔ پونتیفی (حکومت پاپی) نیکلاس و درگذشت **لوی دوم** : چون پاپها تا سال ۹٦۱ حامی مقتدری درخارج ایتالی نداشتند بنحوی روزافزون درتحت‌تسلط اشراف‌فئودال رومی و ایتالیائی قرارگرفتند . ازبین رفتن قدرت امپراطوری جائی برای ظهور تدریجی آئین **استقلال پاپ** که بوسیلهٔ اسناد تقلبی خوب فرموله شده بود بگشود . امادر خارج ایتالیا سست شدن کنترل پاپ و تنزل مقام و احترام پاپ ظهور و صعود اربابان و لردهای فئودال مقتدر محلی همراه گردیده و بر قدرت اسقف‌های محلی افزوده شد و بدینطریق وحدت‌کلیسای باختری یعنی‌حوزه مسیحیت غربی تنها اسمی و بمنزلهٔ شبحی بود تاآنکه پاپ درنیمهٔ دوم قرن یازدهم بتجربه آموخت که چگونه از عهدهٔ فئودالیسم برآید و چگونه باآن سلوک‌کند و بدینطریق باردیگر تفوق پاپ در حوزه کلیسائی احساس گردید .

و - امپراطوری شارلمان و تجزیه آن

۷٤۷ - ۷٦۸ - **پیپن‌کوتوله** (کوتاه قد) سعی‌کردکه بوسیلهٔ بخشش زمین و برگرداندن اراضی و املاک به‌پاپ اورا جلب‌کند .

۷۵۲ - **پیپن** (یا - پ‌پین) از طرف اعیان واشراف فرانکها بسمت **شاه** انتخاب شد . هم پیپن وهم پاپ برای غصب کنترل سیاسی امپراطورکه مقیم‌قسطنطنیه بود بکمك یکدیگر احتیاج داشتند . احتیاج آنی پاپ باین بودکه در برابر سلطنت در حال توسعهٔ لمبارد قدرتی اورا محافظت نماید - **آلیت دولف** پادشاه لمباردها شهر **راونا** را که‌مقر نایب‌السلطنه (نایب امپراطور) بود درسال ۷۵۱ متصرف شده ، رم‌را محاصره کرد و خراج‌گرفت .

۷۵٤ - **پاپ استفن دوم** وارد گل شده پیپن را تدهین کردوبا اهداء لقب **پاتریسیوس** به‌وی (که از لحاظ کانون معمول بودکه تنها از قسطنطنیه باید اعطا شود) اورا درواقع بسمت **نایب‌السلطنه ونگهبان ایتالیا** تعیین‌کرد. نتیجهٔ واقعی اعطای این لقب تازه آن بودکه به پیپن قدرت مختصری بعنوان شاه فرانکها داده شود .

۷۵٤ - پیپن بطرف ایتالی پیشروی کرده لمباردها را شکست داد واز آنهاخواست که مقام وعنوان و حوزهٔ نایب‌السلطنه و هم **پنتاپولیس** را به‌پاپ واگذارند . لمباردها امتناع کردند .

۷۵٦ - پیپن بطرف لمباردها برگشته باردیگر آنها را شکست دادو هبهٔ معروف خود را به‌پاپ که به **هبهٔ پیپن** مشهور گشت انجام داد . البته پیپن حق قانونی برای انجام چنین امری نداشت . طبق این فرمان هبه ، دولتهای پاپی تاسیس گردید (**پاتری موتیوم پاتری**) واعمال قدرت سیاسی و دنیوی پاپ آغاز گردید و نیز فرانکها را که ایتالیائی نبوده و دور ازایتالی سکونت داشتند متحد ومدافع پاپ قرارداد .

۷۵۹ - پیپن موفق به‌فتح **سپ تیمانیا** گردیده **اکوئی تاین** را باطاعت درآورد و بدینطریق فرمانروائی فرانکی را تا **پیرنه** بسط داد . پس‌از درگذشت وی سرزمین او بین پسرانش تقسیم شد : **اوسترازیا** ، **نیوستریا** ، **اکوئی‌تاین** شمالی سهم **شارل**شد . اکوئی‌تاین جنوبی ، بورگوندی ، پرووانس ، و **سپ تیمانیا** به‌**کارلومان** رسید این دوبرادر از ۷٦۸ تا ۷۷۱ باتفاق یکدیگر سلطنت‌کردند ودر ۷۷۱ تا ۸۱٤ شارل تنها سلطنت‌کرد .

۷۷۱ - ۸۱٤ - سلطنت شارل بزرگ - (معروف به**شارلمان**) سلطنت وی سلطنتی بودکه درتاریخ اروپا در درجهٔ اول عظمت و اهمیت قراردارد . شارل یك ژرمن نمونه و بتمام معنی بود - خود وی قدی بلند و اندامی کشیده وچهره و چشمانی گیرا داشته درشت اندام وورزشکار وشناگر قابلی بود . زبان یونانی را میفهمید ولاتن را صحبت میکرد معهذا فن نوشتن نمیدانست . وی لباس فرانکی را برسایر اشکال لباسها ترجیح میداد وبطورکلی خط مشی وسیاست فرانکی را بدین شرح پیش گرفت : (۱)حوزهٔ حکومت فرانکی را بسط داده تمام ژرمن‌ها را تابع فرانك نمود (باستثنای اسکاندیناو و بریتانیا) (۲) با پاپ تفاهم نزدیك حاصل کرد (۳) به‌اصلاحات کلیسا کمك‌کرد و این قسمت از سیاست وی وحدت مسیحیت قرون وسطائی را بنیان‌گذاری کرد .

فتح ایتالیا و انقیاد قبایل ژرمن : شارلمان که برلمباردها غلبه یافته بود وبا دختر شاه **دسیدریوس** ازدواج کرده بود اورا طلاق‌گفته عازم فتح ایتالیا و جنگ بالمباردی ایتالیا گردید .

۷۷۳ - ۷۷٤ - شارلمان‌که برلمباردهای ایتالی غلبه کرده سرزمین آنهارا در ایتالی ضمیمهٔ امپراطوری فرانك نمود و همچنین حکومت خودرا به **ونیسیا** ، **ایستریا** ،**دالماسیا** و **کرسیکا** بسط داد .

۷۸۷ - ۷۸۸ - شارلمان **باواریا** را تصرف‌کرد و **دوك تاسیلو** را ابتدا تابع خود قرارداده وبعد اورا خلع‌کرد .

۷۸۵ - **ساکسونی** پس‌از یك دورهٔ کشمکش و جنگهای شدید سی‌ساله که بسیار گران تمام شد بوسیلهٔ شارلمان فتح شده و مذهب مسیح باوجود مقاومت و سرسختی شدید مردم‌که پاگان بودند بازور بر مردم آن سرزمین تحمیل شد . اسقف نشین **برمن** در ۷۸۱ تاسیس‌گردید .

۷۹۵ – ۷۹۶ – آوارهای دانوب سفلی باطاعت شارلمان درآمدند .

۸۰۱ – پس‌از شکست فرانکها در **رون‌سس‌والس** در ۷۷۸ ، مسلمین درشمال‌خاوری اسپانیا بتدریج روبضعف وتحلیل رفتند و **بارسلون در ۸۰۱** تصرف شده ومرز اسپانیا مشخص گردید .

تاسیس مارش‌ها یامارک‌ها پس‌از ۷۸۲ شارلمان برای حفظ فتوحات خود درنواحی مرزی قطعاتی را بنام مارش یا مارک تعیین نمود بشرح زیر : **دین‌مارک** ، **بوهیمیار مارک** (دانمارک) ، **آلفمارک** (دربرابر آوارها) ، **فریولیان پارک** (در مرز ایتالی) **واسپانیش مارک** این مارکها خود مراکزی برای مستعمره نشینی و نشر فرهنگ و تمدن ژرمن درمیان قبائل همسایه و نژادهای دیگر گردید .

رابطهٔ شارلمان با کلیسای باختری و با قسطنطنیه :

شارلمان دفاع از کلیسای باختری و پاپ وحفظ ایمان مذهبی مسیحی را وظیفهٔ خود قرارداد . وی باپاپ مانند یك اسقف فرانکی رفتار میکرد معهذا احترام و عظمت روحانی منحصر بفرد اورا بشناخت . درسال ۷۷٤ بەرم آمد واین اولین دیدار یك پادشاه فرانکی از رم بود . وی هبهٔ پیپن را بەپاپ تایید کرد . پاپ بازاء آن پیپن پسرشارلمان رادر ۷۸۱ شاه ایتالی شناخته وتاج سلطنت ایتالی رابرسر او وتاج سلطنت **اکوئی تاین‌را** برسر **لوی** پسر پیپن‌گذاشت .

احیای امپراطوری روم درباختر :

پاپ لئوی سوم‌که پاپی‌مطیع بودشارلمان را ازانتخاب خود بسمت پاپی آگاه‌کرد . وی درسال ۷۹۹ دراثر یك‌توطئه و شورش از رم بیرون رانده شد وبه‌دربار شارلمان پناهنده گردید و شارلمان او را بوسیلهٔ سپاهیان فرانکی بجا ومقام خودبرگردانید .

۸۰۰ – ورود شارلمان بەرم به لئو فرصت دادتا بمنظور فرار از محاکمه شدن بوسیلهٔ پاپی دیگر ، بوسیلهٔ ادای سوگند خودرا از یك سلسلهٔ اتهامات مبرا سازد . شارلمان در روز میلاد مسیح درسال ۸۰۰ در سن‌پطر بعنوان **امپراطور** تاجگذاری کرد . اما شارلمان لقب امپراطوری و شرایط آنرا نادیده گرفته در ۸۰۶ امپراطوری را تقسیم نمود و اجازه دادکه **لوی** پسروی در ۸۱۳ خود تاجگذاری کند بدون دخالت پاپ یا شرکت اعیان یا حکام . تاجگذاری شارلمان در سال ۸۰۰ در معنی نشانی برگشت بهمان **دوالیسم** یا حکومت دوگانهٔ **تئودوسیوس** اول بود یعنی وجوددو امپراطور درآن واحددریك‌امپراطوری تقسیم نشده .

امپراطوری فرانکی هم ازلحاظ جمعیت وهم ازحیث مؤسسات ودستگاه اداره در حقیقت بیشتر آلمانی بود تارومی .**بیزانتیوم** شارلمان را یکنفر غاصب میدانست .شارلمان برای حل مشکل درصدد بودکه با امپراطریس **ایرن** زناشوئی کند . تاجگذاری وی در رم بدست پاپ‌که درنظر بیزانتین یك عمل شورشی تلقی شده‌بود بنحو قاطع بین رم و قسطنطنیه جدائی انداخت . امپراطور میخائیل اول‌درسال ۸۱۲ بازاء تفویض سلطنت ونیز ، ایستریا ودالماسیا به‌وی ، لقب و مقام امپراطوری شارلمان رادرباختر برسمیت شناخت .

دستگاه حکومت شارلمان :

(۱) درکلیسا وامور مذهبی : حکومت شارلمان درحوزهٔ مسیحیت حکومت‌تئوکراسی (ترکیب سیاست ومذهب باهم یا حکومت مذهبی) بود واصرار داشت‌که جداً برحوزهٔ کلیسای فرانکی تسلط داشته باشد در تمام موضوعات مذهبی وضع قانون میکرد و اختلافات در مسائل و عقاید مذهبی را حل و فصل میکرد ، اشخاصی را منصوب‌مینمود و برسینودها (شوراهای حوزه‌های اسقفی) ریاست مینمود .

(۲) در دولت فرانکی : سیستم تمرکز قدرت وحکومت ادامه یافت . سیستم وضع و اخذ مالیات بمفهوم رومی مبدل گردید به‌انجام خدمات از طرف اشخاص بازاء اعطای زمین به‌ایشان واین روش مبنای اقتصادی جامعهٔ کاروليـنچی بود . این خدمات عبارت بود از کار اجباری ازطرف طبقات پائین در انجام امور مربوطه بعامه ، تهیهٔ موادغذائی برای دربار ومتصدیان امور دولتی که‌مشغول انجام وظیفه هستند ، انجام الزامات قضائی و نظامی از طرف طبقات بالاتر ، جنگهای دائمی شارلمان از تعداد کشاورزان کوچك کاسته آنهارا بطرف حالت بردگی سوق‌میداد. شارلمان برای جلوگیری ازاین جریان اجازه دادکه گروههای کشاورزان فقیرتر درفرستادن یك سرباز ازهر گروه با یکدیگر همکاری نمایند و همچنین آنهائی راکه خیلی فقیر بودند از خدمات معمولی صحرائی معاف‌کرد . وی اصلاحات ارتش وخدمات نظامی را نیز آغاز کرد . مصونیت های اشخاص و طبقات خاص که سابق معمول شده‌بود نیز دوام‌یافت و پایه‌های نمو وبسط فئوداليسم سالهای بعد محکم‌تر گردید .

دستگاه اداری : شارلمان قسمت بیشتر دوك‌های قبیله‌ئی رااز میان برده و حکومت را بدست کنت‌ها دادکه آنها را برای مدت عمر منصوب میکرد معهذا مکررآنها را عزل نموده وتغییر داد .

این سیستم حکومت به‌ایتالیا و باواریا وساکسونی نیز بسط داده شد . بمنظور جلوگیری ازاینکه کنت‌ها حکومت ولایات و بخشها وتصرف اراضی را موروثی ننمایند وبرای محدود کردن سوءاستفاده‌های محلی در سال ۸۰۲ سیستمی را مقرر داشت بنام **میسی‌دومی‌نیسی** که طبق آن معمولا یك‌اسقف ویك کنت بعنوان افسران سیار درهر بخش حکومت داشتند . **میسی** عبارت از دادگاه یا هیئتی بود که میتوانست کنت‌هارا بسببی معزول نماید ومامور نظارت در ادارهٔ امور مالی وقضائی وروحانی بود . این میسی‌ها خط رابطی بین‌حکومت‌های محلی وحکومت مرکزی بودند . درزیر دست کنت‌ها **وبیکونت‌ها** وزیر دست آنها **ویکارها** (سنته‌نازی) قرارداشتند. در راس مارك‌ها (حاشیه‌های مرزی) **مارگراوها** (مارك‌گرافن) قرار داشته وقدرت کافی برای حفظ موقعیت و انجام وظائف خود بآنها مفوض شده بود . دستگاه قضائی محلی اصلاح شده دادگاهی بنام **اسکابنی** در هر محل ازمالکین بوسیلهٔ کنت‌ها تشکیل شد که‌بعنوان قضات دائم امور قضائی را در عهده داشته باشند .

احیای تعلیمات کاروليـنچی : شارلمان‌شاید بدون آنکه قصدش ترقی و تکامل تعلیمات مذهبی باشد **آموزشگاه قصر** را در تحت نظر **آلکوئین** از آموزشگاه **یورك** تاسیس نمود. الکوئین بعدا بسمت اسقف تور انتخاب شدبه روحانیون مختلف نیزاجازه داده‌شد که آموزشگاه های محلی دائر نمایند ولی در امپراطوری فرانکی یك سیستم عمومی فرهنگ وتعلیم وتربیت وضع نشد .بطور کلی منبع الهام این مدارس بیشتر زبان لاتن وادبیات لاتن بود نه یونانی. مثلا **آین‌هارد** که‌از**فولدا**‌به مدرسه قصر آمد بیوگرافی شارلمان را به سبك **سوئه‌تونیوس**‌برشته تحریر آورد . دانشمندان وادبا از هرملیت در دربارشارلمان جمع آمده بودند که از آن زمره بود**پطرازپیزا** که عالم صرف و نحو ویسیگوتیك بود ودیگر **تئودولف** مورخ‌لمباردی ، **وپول‌ازدیکان** که‌تاریخ لمبارد را نگاشت . در استنساخ متون قدیمه دقت زیاد بعمل آمد و حروف کوچك وظریف کاروليـنچی‌بوجود آمد .

۸۱٤ – ۸۸۷ – تجزیه امپراطوری‌کاروليـنژی:

قدرت‌وفعالیت و پیشرفت حکومت‌کاروليـنچی در زمان شارلمان بیشتر ناشی از شخصیت و لیاقت خودشارلمان بود و کمتر به‌موسسات ثابت حکومت وی تعلق داشت .

اداره‌امورمحلی دردست متصدیان‌وماموربن بی‌حقوق بود که تنها سهمی از مالیات‌بعنوان حق‌الزحمه خوددریافت میداشتند . پستهای تصدی ادارات محلی بتدریج ارثی میگشت. تقسیمات امپراطوری درزمان شارلمان‌بپیروی از همان‌سنت زمان فرانکها انجام گردیدو هیچگونه ارتباطی باعناصر نژادی یا ملی نداشت . تنها یکی ازپسران شارلمان‌معروف به **لوی پرهیزکار** درهنگام درگذشت شارلمان



سکه شارلمان

در حیات بود و لذا تمام امپراطوری بدون تقسیم به وی رسید. معهذا مرحله قطعی تجزیه امپراطوری در زمان لوی و وراثوی بوقوع پیوست .

۸۱۴ – ۸۴۰ – لوی پرهیزکار (امپراطور) در آموزشگاه قصر تعلیم یافت و در زمان حیات پدرش‌تاجگذاری کرد . وی که از صمیم قلب مردی مذهبی بود باصلاح درباروکلیسای فرانکی و خانقاه ها پرداخته و درسال ۸۱۶ اجازه داد که‌باردیگر پاپ تاج را بر سراو گذارد . وی از لحاظ سربازی وزمامداری شخصی بی‌اثر بود .

لوی ووراث وی گرفتار کشمکش طولانی بر سر اختلافات ارضی گشتند که‌بالاخره منجر به جنگهای داخلی‌شد و نیز غفلت حکومت و سوء سیاست خارجی و مسائل دفاعی انقراض امپراطوری را نزدیك کرد.

۸۱۷ – ۸۳۸ – یك سلسله تجزیه‌وتقسیمات در امپراطور انجام گرفت که فرزندان لوی بشرح زیر در آن شرکت‌داشتند :

لوتایر(درگذشت۸۵۵) ، **لوی‌ژرمن**(درگذشت ۸۷۶) ،**پپین** (درگذشت ۸۳۸) و برادر ناتنی ایشان **شارل سرطاس** (درگذشت ۸۷۷) .

تقسیمات‌سال ۸۱۷ : اکوئی تاین وبخشهائی از **سپ‌تیمانیا** و بورگوندی به پپین بعنوان شاه فرعی واگذار شد. باواریا و مارکهایا مارش های خاوری به‌لوی ژرمن بعنوان شاه فرعی سپرده شد . **فرانسیا**، آلمان ،و گالیك وبیشتر اراضی بورگوندی را لوی و پسر ارشد وی لوتایر برای خویش نگاه داشتند وایتالیابه يك شاه فرعی سوم واگذارگردید.

تقسیمات سال ۸۳۸ :نیوستریا به شارل سرطاس سپرده‌شد و پس‌از درگذشت پپین اکوئی‌تاین نیز بر سر زمین وی افزوده گشت. قلمرو شارل که نامی نداشت حاوی‌فرانسه قرون وسطی بود .

۸۴۰ – ۸۵۵ – لوتایر اول (امپراطور) پس از درگذشت لوی پرهیزکار سه نفر وراث بجان یکدیگرافتادند و پس از**جنگ‌فونته‌نای**در ۸۴۱ که نتیجه آن نامعلوم بود حیثیت‌واعتبار کارولینژی بیش از پیش روبه تنزل گذاشت. شارل سرطاس بالوی ژرمن برضد لوتایر (که طبقه‌روحانی بمنظور وحدت نفوذ و حکومت خود از او حمایت میکرد) متحد گردیدند. وبدوزبان (تیوتونیك **ورومانس** که زبان‌باستانی فرانسه‌ازریشه‌لاتن بود)در سال ۸۴۲سوگندی بنام **سوگند های استراسبورگ** هم زمامداران و هم سپاهیان ایشان هریك بزبان بومی خود یاد کردند .سپس لوتایر را مجبور کردند که در **وردون** باایشان جلسه خانوادگی‌تشکیل داده بمذاکره اصلاحی پردازند.

۸۴۳ – پیمان وردون :طبق این‌پیمان اداره حکومت و کنترل امپراطوری کارولینجی‌بشرح زیر تقسیم گردید :

(۱) ــبه **لوتایر** لقب توخالی امپراطورداده شده و سلطنت ایتالیا و بخشی‌از اراضی تعریف نشده و بی‌شکل بنام «سلطنت وسطی» که بطور تقریب از طرف باختر محدود به **شلدت**،موزعلیا ، سائون ورون واز طرف خاور محدود به رن‌و فریزیا میشد (یعنی سرزمین **پروونس و بورگوندی**و سرزمینی که بعدا لوتارین ژیاخوانده‌شد)نیز به وی واگذارشد.

(۲) ــبه‌لوی ژرمن بعنوان پادشاه فرانك‌های خاوری سرزمینی‌داده شدکه‌هم اکنون ازحیث خون‌و نژاد و هم‌از حیث زبان و جغرافیا تیوتونیك بودند واراضی آن از رن(باستثنای فریزیا) تا مرز خاوری امپراطوری امتداد داشت .

(۳) ـــ به **شارل سرطاس** بنام پادشاه فرانکهای باختری سرزمینی رسید (که تا چندی کارو لینژیا خوانده شد) که از فرانسیای باختری ، اکوئی تاین ، گاسکونی ، سپ تیمانیا وغیره تشکیل شده سکنه‌آن‌غالبا بزبان **رومانس** صحبت میکردند وتقریبا شامل فرانسهٔ قرون وسطی میگردد .

۸۵۵ – ۸۷۵ – لوی دوم (امپراطور) پس‌از **درگذشت** لوتایر سرزمین وی بشرح زیر بین فرزندانش تقسیم شد : ایتالیا به **لوی دوم ؛** سلطنت تازه تشکیل‌یافتهٔ **پروونس** به شارل (که در ۸۶۳ درگذشت) رسید که مرکز آن شهر **آرلس** بود . سهم **لوتایر دوم** عبارت بود درسرزمین بین فریزیا و آلپ واز **رن** تا **شلدت** که از آنوقت بنام **لوتارین ژیا** (لورن امروز) نامیده شد .

۸۷۰ – پیمان مرسن Mersen پس‌از درگذشت لوتایر دوم پادشاه لورن (در۸۶۹) منعقد گردید . لوی ژرمن شارل را که بعنوان شاه لورن در۸۶۹ تاجگذاری کرده بود مجبور کردکه سرزمین لوتایر راکه درخارج ایتالی قرارگرفته است بالتساوی و براساس میزان مالیات تقسیم کند . بدینطریق به‌لوی ژرمن زمین باریکه‌ئی رسید که مرز قلمرو او را بباختر رن رسانید .

۸۷۵ – ۸۷۷– شارل‌سرطاس (امپراطور)

۸۷۷ – ۸۸۱ – هرج و مرج و دورهٔ فترت در امپراطوری .

۸۷۹ – سلطنت‌بورگوندی (سپس‌جوران بورگوندی) بدست **بوسو** از پروونس تشکیل شد .

۸۸۸ – سلطنت جوران بورگوندی (شامل **بزانسون** ، **بال** ، لوزان ، ژنو وغیره) بوسیلهٔ **رودولف اول** تاسیس یافت و بعد در

لوی پارسا سفیر اعزامی امپراطوری لئوی پنجم را برای مذاکرات سیاسی و اقتصادی پذیرفته است



امپراطوری فرانك ها
متصرفات اصلی
فتوحات شارلمان
مقیاس بمیل

زمان گونراد دوم به ارث به امپراطوری انتقال یافت .

۷۸۷ – ۹۲۵ – هجومهای قرن نهم :

(۱) درشمال : دسته‌هائی از مردم شمال (اسکاندیناوی) در تحت فشار جمعیت و بسبب خشم از ظهور شاهان محلی ، از اسکاندیناوی بدر آمده فشار بخارج را آغاز کردند . سوئدها بدرون روسیه رخنه یافتند، نروژیان و **داین‌ها** (دانمارکی‌ها) بطرف جزائر شمالی (که شامل جزائر انگلیس نیز بود) و جمعی از ایشان نیز بطرف جنوب قاره حرکت کردند . درخلال نیم قرن که ازاولین هجوم به انگلیس گذشته بود (درحدود سال ۷۸۷) انگلیس مورد هجوم ثانی واقع شد و جمعیت زیادی سیل‌مانند بدان روی آوردند. مردم شمال درباختر فرمانروایان دریا شده بودند از دهانهٔ رودهای بزرگ مانند **رن** ، **شلدت** ، **سوم** ، **سن** ، **لودر** بدرون اراضی اروپائی راه یافته شهرهای **اوترخت** ، پاریس، **نانتس** ، بردو ، هامبورگ ، و **سویل** راغارت کردند . **نورماندی** در ۸۴۱ مورد حمله قرار گرفت و در ۸۴۵ به هرسه سلطنت فرانکی حمله کردند . در ۸۴۳ به مدیترانه رخنه کردند . در باختر قسطنطنیه مورد حمله سوئدها (روس) قرارگرفت که از روسیه سرازیر شده بودند . حملهٔ بزرگی ازایشان بپاریس در ۸۸۵ ازطرف کنت **اودو** (اودس) پسر **رابرت نیرومند** شجاعانه دفع شد . این حملات درخاك فرانسه پیش رفت و در خلال قرن نهم به مدیترانه رسید .

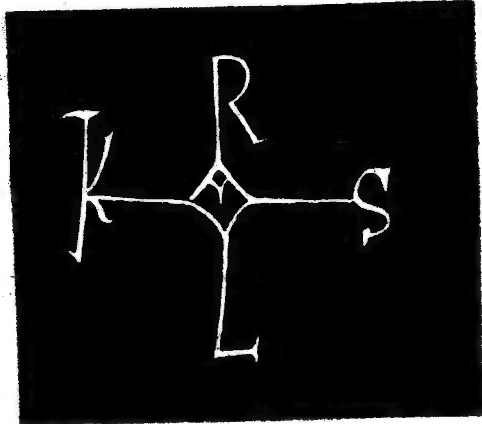
(۲) – درخاور : توسعهٔ ارضی بلغاری يك دولت بزرگ بلغاری بین دو امپراطوری فرانکی و بیزانتین بوجود آورد . بلغاریان در ۸۷۰ برسوم یونانی گرویدند و آنرا بپذیرفتند . **مجارها** (هونگاری‌ها) و بدنبال ایشان **پچه‌نگ‌ها** از جبال کارپات و دانوب سفلی‌گذشته در۹۲۵ بطرف **ونسیا** ، لمباردی، باواریا ، تورین‌جیا ، **ساکسونی** راین‌لند ، لورن و بورگوندی روی آوردند .

(۳) – در مدیترانه : تسلط مسلمین بر سیسیل ، کورسیکا ، ساردینیا ، جزائر **بالهریك** درحقیقت مدیترانه را مبدل به يك دریاچهٔ اسلامی‌کرد . این هجوم‌ها و حملات استمرار داشت . رم در ۸۴۶ و چندی بعد **مونته کاسینو** مورد حمله واقع شد .

۸۵۲ – ۸۸۶ – برااثر ترکیب و همزمانی دو عامل یکی تجزیهٔ امپراطوری **کارو لینژی** و دیگرفشار هجومهای قرن نهم تیولات بزرگ فرانسه بظهور رسیدکه تنها مراکز موثر مقاومت محلی دربرابر حملات و هجومهابود و فئودالیسم از همان ریشه کرد .

فئودالیسم (ملوك‌الطوایفی) : ریشه و منشاء فئودالیسم را میتوان در **کومی‌تاتوس** ژرمن‌وسیستم مالکیت مابعدآن درامپراطوری روم یافت . فئودالیسم دراصل عبارت بوده است از يك سیسم غیر رسمی قرارداد هائی برای استفادهٔ از اراضی دربرابر انجام خدمات افتخارآمیز و بهیچ مفهومی عبارت ازشکلی ازحکومت نبوده است . بدیهی‌است که سازمان کشاورزی (**مانوریالیسم**) که براساس رعیت و مالکی و هم اجیر شدن برای کارهای دستی و بدنی قرارداشت از فئودالیسم جدا نبوده است . **مانوریالیسم** که پیش از فئودالیسم معمول بوده نیز از سیستم مالکیت رومی ریشه گرفته است . سیستم فئودالی یا ملوك‌الطوایفی در هر کشوری برطبق شرایط محلی بوجود آمده خودرا باآن وفق داد وبه طرق مختلف رو به نموگذاشت . فئودالیسم فرانسه معمولا بعنوان فئودالیسم نمونه محسوب میشود .

امضای مخفف شارلمان که خوانده میشود **کارلوس یعنی شارل**



ز ـ فرانکهای باختری تحت حکومت شاهان کارولینژی
۸۴۳ - ۹۸۷

۸۴۳ـ۸۷۷ ـ شارل سرطاس(امپراطور از ۸۷۵ تا ۸۷۷) : قلمرو سلطنت وی طبق **پیمان وردون** تقریبا شامل فرانسهٔ امروز بود بانضمام بخشی از اراضی درشمال و در جنوب فرانسه و مرز محدودی در خاور . وی برمنطقه‌لائون‌تسلط کامل داشت‌ولی‌حکومت‌او بر **نیوستریا**اسمی بوده وحکومت‌وی‌درآنجا گاهی بوسیلهٔ جنگ و زمانی بوسیلهٔ انتریگ و تحریك تا درجهٔ کمی حفظ میشد شارل سه تیول بزرگ بعنوان اراضی فاصل با دیگر کشورها در مرزهای خود ایجاد نمود : یکی کنت نشین **فلاندر** که آنرا بداماد خود **بالدوین آهنین‌بازو** (۸۶۲) واگذاشت ، دیگری **نیوستریا** که آنرا به **رابرت نیرومند** بعنوان امیر یا دوك بین **سن و لودر** سپرد و سوم دوك‌نشین فرانسوی بورگوندی که آنرابدست **ریشارد** کنت **آئوتون** داده ایالت **بریت تانی** (موسوم به **آمریکا**) در تحت تسلط دوکها و کنت های خود درقرن نهم نیمه مستقل بود و عملا تا پایان قرون وسطی بهمین حال باقی ماند . **اکوئی تاین** در ۶۳۸ به نیوستریا ملحق شده جزء قلمرو شارل درآمد ولی بزودی مبدل به یك دوچی شده و دشمن شارل شد. دوچی **گاسکوئی** در ۱۰۵۲ به اکوئی تاین ملحق‌گردید . از نیوستریا کنت‌نشین های **آنجو** (در ۸۷۰) و **شامپانی** جدا شد . **سپ‌تی‌مانیا** همچنان مجزا باقی ماند .

۸۷۰ـ کارلومان پسر شارل‌که درخانقاه درانزوا بسر میبرد ناگهان بیرون آمده ویك سلسله تحریك و انتریك را برضد پدر خود شارل رهبری کرد تا آنکه او را دستگیرکرده کور کرده و نزد عموی خود لوی ژرمن‌گریخت و در ۸۷٤ درگذشت . شارل بسبب‌تحریکات درلورن و ایتالی بیش‌از پیش ضعیف شد و مجاهدات وی در بدست آوردن تخت و تاج امپراطوری سبب شدکه فرانسه در معرض هجوم مهاجمین و هرج و مرج قرار گرفته میدان جولان دستجات راهزن وغارتگرگردید.

سلطنت دراین‌هنگام ناتوان وورشکست شده اعیان یا اسقف‌ها احترامی برای آن قائل نبودند . یکی‌از شواهد بارز این جریان **کاپیتولاری موسن** است (دسته هائی از مجموع قوانین که در زمان شارلمان و جانشینان وی جمع‌آوری شده به‌کاپیتولاری معروف است) که طبق آن « هر آزاد مردی باید حتما یك آقا (لارد) و ارباب برای خود اختیار کند و هیچکس نمیتواند ارباب خود را ترك‌کوید و هر فرد باید درجنگ بدنبال ارباب خود باشد » بطوریکه ملاحظه میشود این کانون تنها جنبهٔ نظامی واجبار دارد و یك عمل نظامی یا قانون نظام اجباری است . فرانسه دراین‌زمان به کنت‌نشین‌هائی تقسیم شده بودکه تنها رسما بوسیلهٔ شاه قابل عزل شمرده میشدند .

۸۷۵ ـ حرکت شارل به ایتالی و تاجگذاری وی بعنوان امپراطور .

۸۷۷ ـ کاپیتولاری کی ارسی حیثیت و افتخار را ارثی ساخت ولی واگذاری زمین هنوز مانند سابق تنها برای مدت عمر گیرندگان زمین بود .

۸۷۷ ـ ۸۷۹ ـ لوی دوم معروف به الکن (یعنی دارای لکنت زبان) پسر شارل سرطاس باوجود کمك‌کلیسا به وی با سختی و زحمت خودرا در اینمدت کم برتخت نگاه داشت . دو فرزند وی **لوی سوم و کارلومان** کشور را بین خود تقسیم کردند .

۸۷۹ ـ ۸۸۲ ـ سلطنت لوی سوم که نیوستریا را درتصرف داشت .

۸۷۹ ـ ۸۸٤ ـ سلطنت کارلومان که اکوئی تاین ، سپ تیمانیا ، و بورگوندی را درتصرف داشته و رقبای خودرا سر جای خود نشاند .

پیروزی لوی برمردم شمالی (سائوکور) درسال ۸۸۱ جلو حملات آنها را نگرفت .

۸۸٤ ـ ۸۸۷ ـ شارل فربه پسر لوی ژرمن که در ۸۷۹ بسلطنت برفرانکهای خاوری نائل آمده و از ۸۸۱ تا ۸۸۷ عنوان امپراطور یافته بود بجای شارل **ساده لوح** برادر پنجسالهٔ لوی و کارلومان بسمت شاه فرانکهای باختری انتخاب شد . شارل فربه چون در ۸۸٦ نتوانست به **اودو** (یودس) در برابر حملات مردم شمالی کمك **برساند** در ۸۸۷ از سلطنت خلع شد .

۸۸۸ ـ ۸۹٦ ـ اودو (یودس) کنت پاریس ، مارکیز نیوستریا (پسر کنت رابرت نیرومند که نام سلسلهٔ **روبرتیان** که بیش‌از سلسلهٔ **هیوکاپت** سلطنت میکردند از آن گرفته شده) ازطرف یکی‌از احزاب اعیان (برای اجتناب از عزل درطرف یکدستهٔ اقلیت مانند عزل شارل فربه در ۸۸۷) بسمت شاه فرانکهای باختری انتخاب شد . حزب دیگری از اعیان **شارل سوم** معروف به ساده لوح پسر لوی دوم (کارولنژی) را بسلطنت برگزید . وبا وجود پنج سال جنگ های داخلی شارل سوم سلطنت کرد .

۸۹۳ ـ ۹۲۳ ـ شارل سوم مقر خود را در **لائون** قرارداده از آنجا حکومت میکرد . وی آخرین شاه کارولنژی است در فرانسه شارل که قادر نبود مردم شمالی را از دهانهٔ رودسن بیرون کند در ۹۱۱ به یکی‌از روسای ایشان موسوم به **روللو** (معروف به **هرولف ـ فازنر** ـ درگذشت ۹۳۱) بخش بزرگی از سرزمینی راکه بعدها **نورماندی** نامیده شد واگذاشت و وی بدین سبب دربرابر اوکرنش و تعظیم میکرد .

تشکیل نورماندی ـ روللو در سال۹۱۲ تعمید شده نام **رابرت** باو داده شد وی قسمت وسطای نورماندی رابتصرف‌آورد (بسین در ۹٦٤) و بخش باختری دوچی (یعنی **کوتنتین** و **اورانش**) را در ۹۳۳ تصرف‌کرد . دراین اراضی مستعمره گروه‌های تازه‌ئی از اسکاندیناوی سکونت گزیدند و توانست استقلال محلی خودرا حفظ‌کند . با این حال پس‌از سال ۱۰۰۰ میلادی دوچی هم از لحاظ زبان تکلم و هم از حیث قوانین فرانسوی بود . درمدت فاصل بین این زمان و سلطنت دوك ویلیام اول (ویلیام فاتح) تاریخ **نورمانها** درست روشن نیست و تنها بعضی از قطعاتش معلوم است .

۹۲۳ ـ ۹۸۷ ـ سلطنت فرانسوی : **رابرت** ، کنت پاریس (دوك سرزمین بین‌سن و لوار) تخت و تاج فرانکی باختری را با کمك دامادهای خود **هربرت** کنت **ورماندوا** و **رودولف** دوك بورگوندی بدست آورد ولی درسال ۹۲۳ بقتل رسیده پسری از وی باقی ماند که برای سلطنت بسیار جوان بود و بعدها بنام **هیوی بزرگ** نامیده شد .

۹۲۹ ـ ۹۳٦ ـ رودولف جانشین‌رابرت دشمن شارل ساده لوح بود وپس‌از درگذشت شارل بدون وجود مخالفی دربرابر خود حکومت کرد . **هیوی بزرگ** فرمانروای بورگوندی ونیوستریا از قبول تخت و تاج امتناع کرده ترجیح داد که بوسیلهٔ وارث جوان کار ولینژی حکومت کند .

۹۳٦ ـ ۹۵٤ ـ سلطنت **لوی چهارم** پسر شارل ساده لوح هیوبه « **دوك فرانسوی** » ملقب بود و چنین بنظر میرسد که این لقب علاوه برحکومت ارضی وظائف حکمرانی را هم دربرابر داشته . وی بیشتر بارون‌های شمالی را در تحت تسلط خود آورد .

۹۵٤ ـ ۹۸٦ ـ لوتایر بجای پدرش‌لوی چهارم نشست .

پس‌از درگذشت هیوی بزرگ پسرش هیو که به **کاپت** معروف‌گشت در ۹۵٦ بجای وی بسلطنت رسید .

۹۷۸ ـکوشش لوتایر برای تصرف لورن منجر به حملهٔ امپراطور **اوتوی دوم** به دیوار های پاریس شد. **هیوکاپت** با **امپراطوراوتوی سوم** متحد شده وباکمك **گوبرت** از **ریمس** قلمرو حکومت لوتایر را کوچك نموده و تقریبا از میان بردند .

۹۸٦ـ۹۸۷ ـ لوی پنجم آخرین‌زمامدار کارولنژی فرانسه بود .

۹۸۷ ـ انتخاب هیوکاپت را **آدالبرو** اسقف ریمس و **گربرت** رهبری میکردند . هیو در **نویون** باکمك دوك نورماندی و کنت **انژو** (آنجو) تاجگذاری کرد . لقب و عنوان شاهی وی را امپراطور اوتوی سوم دربرابر سلب ادعای هیو نسبت به لورن برسمیت شناخت .

ظهور سلسلهٔ جدید **کاپت** را نباید پیروزی یك نژاد ، یا یك ملیت یا یك اصل و عقیده دانست بلکه عبارت بود از غلبهٔ یك خانواده مشخص وبرجسته بر یك خانواده رقیب که بفساد و تنزل گرائیده بود .

ح ـ آلمان تحت حکومت کارولینژ ها وامپراطوری ساکسونی
٤٨٣ - ١٠٢٤

٨٤٣ ـ ٨٧٦ ـ لوی ژرمن: دراین‌سالها بر فشار قبایل سلاویك و نورس برسرزمین کارولنژها افزوده شد . (حملهٔ عمومی‌نورسها در ٨٤٥ بوقوع پیوست) لوی ژرمن سه پسر داشت : کارلومان (که در ٨٨٠ درگذشت) لوی (که در ٨٨٢ درگذشت) وشارل فربه . بـاو اریا و مارکهای خاوری به کـارلومان سپرده شد . ساکسونی و فرانسونیا به لوی، و الامانیا به شارل واگذار گردید و لورن مورد مشاجره بین ایشان و شارل سرطاس بود . طبق پیمان مرسن (٨٧٠) باریکهٔ زمینی درباختر رن برسرزمین لوی افزوده شد .

٨٧٦ ـ شارل فربه : وی جلو پیشروی شارل سرطاس راکه بطرف رن میآمد بگرفت. در زمان وی سلطنت سیس ژوران بـورگونـد (شامل دوفین ، پروونس ، و بخشی از لانگوئه دوك) برهبری بوسو (٨٧٩) بظهور رسید . شارل به ایتالی لشکرکشی کرد . و در ٨٨١ بوسیلهٔ پاپ جان هشتم تاجگذاری کرد . در ٨٨٢ با مردم شمالی که دراین هنگام درفلاندر مستقر شده بودند بمذاکرات پرداخت . هنگامیکه شارلی در ایتالی مشغول به حل موضوع انتخاب پاپ بود یك هجوم و حملهٔ بزرگ نورس به فرانسه بوقـوع پیوسته در ٨٨٦ اودو از پاریس دفاع کرد .

خلع شارل از سلطنت در ٨٨٧ ازطرف اعیان فرانسوئی ، ساکسوئی ، باواریائـی ، تورینجی ، و سوابی‌ها انجام یافت .

٨٨٧ ـ ٨٩٩ ـ سلطنت ارنولف (پسر نامشروع کارلومان پسرزادهٔ لوی ژرمن) زمامداران مختلف آلمان و ایتالی که برای ارنولف احتراماتی قائل بودند به وی تسلط و برتری بخشیدند . وی در ٨٩١ در دایل (لوون) بر نورس پیروز شد و در ٨٩٣ با کمك مجار در برابر پیشروی سلاوهـا (موراوی ها) مقاومت کرد . در سال ٩٠٠ مجار آغاز حمله نمود .

پاپ استفن پنجم (٨٨٥ـ٨٩١) ازوی‌دعوت و درخواست کمك کرد ولی او جرئت نکرد آلمان را ترك کند .

پاپ فورموزوس (٨٩١ـ٨٩٦) نیز از او کمك خواست وی‌پسر نامشروع خودزوِن‌تی‌بولد را در ٨٩٣ نزد پاپ فرستاد که کاری هـم نتوانست انجام دهد .

در ٨٩٤ ارنولفر شخصا به ایتالی رفته بعنوان شاه تاجگذاری کرد و بیشتر اعیان سوگند وفاداری نسبت به وی یاد کردند . یکمرتبهٔ دیگر نیز پاپ فورموزوس در ٨٩٥ از او دعوت و تقاضای کمك کرد در اینمرتبه رم را تصرف‌کرد ، ودر ٨٩٦ بعنوان امپراطـور تاجگذاری کرد .

٩٠٠ـ٩١١ ـ لوی کودك (متولد ٨٩٣) آخرین پادشاه کارولین ژی است . وی ازطرف اعیان درسال٩٠٠ در فورچیم بسلطنت انتخاب شد . از آن پس فشار نورس ، سلاو ، ومجار روزافزون شده و سلطنت کارولینژی منقرض گشت .

ضعف قدرت سلطنت از جملـه سلطنت فرانکی کارولینژی‌خاوری‌سبب‌احیای‌احساسات قبیله‌ئی شده راه رابرای ظهور سیستم دوچی های قبیله‌ئی (استم estem و به آلمانـی Stamm یعنی قبیله) بازکرد . این دوچی‌ها سنت های باستانی فرهنگ قبیله‌ئی را حفظ کرده و تحصیل استقلال در تحت حکومت دوك های نیمه پادشاه که در قرن نهم آغاز گشت درهم شکستن وحدت آلمان و تجزیه آن را تا مدت یکهزار سال مسلم کرد . این دوچی های استم عبارت بودند از فرانسونیـا (بابن‌برجوها عاقبت کونرادینرها) را به مـارك خاوری که بعد اطریش یا اوستریا خوانده شد راندند) ، و لورن ، سوابیا ، باواریا (در تحت حکومت‌ارنولفینیگ‌ها که مارك کارین‌تیا را نیز ضمیمه خود کرد ، ساکسونی (درتحت حکومت لیود ولفینگرها که تورین‌ژیا را نیز ضمیمـه نمود) و فریزیا (که در آن دوك قبیله‌ئی ظهور نکرد) .

٩١١ ـ انقراض فرانکی خاوری کارولینژی

پس از درگذشت لوی‌کودك (٨٩٩ـ٩١١) اعیان ژرمن برای اجتناب از قبول زمامدار فرانکی باختری (فـرانسوی) کونراد دوك فرانسونیا را بزمامداری خود برگزیدند .

٩١١ـ٩١٨ ـ کونراد اول : حملات‌مجارها و شورشیان دوك نشین ساکسونی ، باواریا و سوابیا با مقاومت شدید ولی بیهوده کونراد مواجه شد . در ٩١١ لورن موقتا بدست شارل ساده لوح زمامدار فرانك باختری افتاد کونراد قوی ترین دشمن خود هانری دوك ساکسونی بعنوان جانشین خود نامزد کرد و وی انتخاب شد .

٩١٩ـ١٠٢٤ـ سلطنت سلسلهٔ ساکسون ـ یا ـ اتونیان :

٩١٩ـ٩٣٦ ـ شاه **هانری اول** (معروف‌به فولو یعنی شکارچی پرندگان زیرا گویند هنگامیکه خبر انتخاب او را بسلطنت به وی اطلاع دادند با قوش مشغول شکار پرندگان بود) وی با دوك‌ها بمدارا رفتار میکرد معهذا قدرت خود را بازور تحمیل کرد . نسبت به کلیسا خونسرد بود و از تاجگذاری روحانی بوسیلهٔ پاپ خودداری کرد .

٩٢٠ـ٩٢١ ـ دوك نشین باواریا تصرف شد و باشارل ساده لوح عقد اتحاد بست .

٩٢٣ـ٩٢٥ ـ لورن به سلطنت آلمان (ژرمن) برگردانده شده و بنام دوچی لورن مرکزتحولات روحی‌وقریحه‌ئی‌وروشنفکری‌گردید. دخترهانری در ٩٢٨ با دوك لورن زناشوئی کرد .

٩٢٤ـ٩٣٣ ـ متارکه جنگ با مجـار ها و پرداخت خراج انجام شد سایر وقایع این سالها بشرح زیر است : استحکام دژ هـای الب و دره های وسر (ساکسونی و تورین‌ژیا)، نرده کشی شهرها ، وبلاها ، خانقاه ها وغیره. تاسیس بورگ واردها (یعنی پادگانها که بعدها مبدل به‌شهرها گردید از قبیل نائوم‌برگ و کوئه دلین برگ) که در آنجا یك نهم ازقوای ساکسون همیشه حاضر خدمت و مشغول انجام وظیفه بوده و همه ساله عده‌ئی اسب سوار تربیت میکردند .

٩٢٨ ـ لشکرکشی ساکسونها در سراسر رودخانه‌منجمد هاون دربرابر وندها : برائی‌بور (براندن‌بورگ) مورد حمله‌شدیدواقع شدوندها بطرف‌الب علیارانده شدند.مارکهای برانی‌بور ، میسن ، و بعدا لوزاتیا بعنوان نگهبانان الـب وسطی بوجود آمد .

٩٣٣ ـ هانری با فتح ریاد درکنار رود اونستروت پیمان متارکه جنگ با مجار را بشکست و این اولین شکست بزرگ مجارها بـود . اراضی بیـن شیلی و ایدر (یعنی‌دیـن مارك شارلمان) تصرف شده و مارك شلسویگ بعنوان نگهبان دهانه الب تاسیس شد . پادشاه دانمارك مجبور شد که خراج دهد و مبلغین مسیحی را بپذیرد . هانری زمینه را برای جانشینی پسرش فراهم کرد و انتخاب وی ظاهراسازی (فورمالیته) بود ودرواقع سلطنت را موروثی نمود .

٩٣٦ـ٩٧٣ شاه اوتوی‌اول (اوتوی‌بزرگ): اوتو خط مشی وسیاست ارنولف را احیاکرد. وی در آخن پایتخت شارلمان تاجگذاری کرده و تعمید شد . مجلس شام تاجگذاری وی مجالس شام تاجگذاری کارولینژ را کـه اصل آن رومی بود احیا کرد . در این مجلس امیر (دوك) فرانسونیا در تشریفات نقش سر ـ پیشخدمت را انجام داد ، امیرسوابیا حامل جامهای شراب گردید ، امیر لورن پرده دار شد ، وامیرباواریا نقش ناظم تشریفات و پذیرائی را در عهده گرفت .

اوتو قدرت سلطنـت را اعاده داد : پس از سه سال جنگ ، دوك های باواریا ، فرانسونیا ، لورن ،وساکسونی را مطیع ساخت سیاست وی چنان بود که دوچی های بزرگ را (باستثنای ساکسونی) در دست خود یـا افراد خانواده‌اش نگاه داشت . در ٩٣٧ کونراد پسر بچه را که پادشاه آرلس (پروونس و بورگوندی) خوانده میشد در تحت حفاظت خویش گرفته شناختن مقام خود را بعنوان شاه مافوق تمام شاهان کوچك تحمیل نمود . آدل‌هید خواهر کونراد با لوتایر که یکـی از مدعیان سلطنت ایتالی بود زناشوئی کرد و پس از او بعقد ازدواج خود اوتو درآمد باواریائی‌ها در ٩٤٤ اوتو را در ولس شکست دادند ، اما اوتو در ٩٥٠ دوك نشین بولسلاو را در بوهیمیا فتح کرده دوچی را در تحت حکومت باواریا قرارداد .

٩٥١ـ٩٥٢ ـ اولین لشکرکشی اوتو به ایتالی بمنظور اینکه معبرها و تنگه هـای کوهستانها را که راه به ایتالیاست باز نگاه دارد . وی با ادلهید خواهر کونراد ازدواج کرده خود را صاحب تخت و تاج ایتالیا نیز خواند . پاپ از اقدام به تاجگذاری او بعنوان امپراطور امتناع کرد . برنگار از ایوریا مطیع

پاپی بشناسد .

۹۶۶–۹۷۲ – لشکر کشی سوم اوتو به ایتالی : در این مرتبه نیز اوتو پاپ را خلع کرده دیگری را بجای او نشانید رومیان را کیفر داد – در۹۶۷ مراسم تاجگذاری امپراطور آینده یعنی **اوتوی دوم** را انجام داد و بر منطقه های **کاپوئا** و **بنه ونتو** در ایتالی نیز در ۹۶۷ تسلط یافت . در ۹۶۹ تئوفانو دختر **رومانوس اول** امپراطور یونان را نامزد اتوی دوم امپراطور آینده نمود . در ۹۷۲ مراسم تاجگذاری تئوفانو عروس خود را فراهم کرد و عقد ازدواج او را با اوتوی دوم انجام داد بخیال اینکه یونان و ایتالی هر دورا بعنوان سهم تئوفانو در تحت حکومت اوتوی دوم قرار دهد .

اوتو با کمك برادر لایق خود **برونو** که سر اسقف **کولونی** بود احیای فرهنگ و تمدن را بسبك شارلمان آغاز کرد (که اقدام او به رنسانس اوتونیان معروفشد) وی در اواسط عمر خود شروع بخواندن درس لاتن کرد و توانست بخواند اما نمیتوانست صحبت کند . برونو زبان یونانی را هم میدانست . در حوزه ادبی دربار رهبانان ایرلندی وانگلیسی هم وجود داشته و زبانهای یونانی و ایتالیائی را تدریس میکردند و از آنجمله‌اند **لیوت‌پراند** از **کرمونا** (ازآثار وی **هیستوریااوتونیس** یعنی تاریخ اوتو ، و دیگر قانون قسطنطنیه) . خانقاه ها فعالیت عظیم ادبی را آغاز کردند . نویسندگان آنها یکی **ویدوکیند** از **کوروی** ، و دیگر **روس ویتا** راهبه **گاندریشم** و دیگر **اکه‌کارد** از **سن‌گال** .

زمامداران و اشراف قرن نوزدهم آلمان خانقاه ها را مانند ملك شخصی خود دانسته و راه را برای یك عکس‌العمل قوی روحانی برای انجام اصلاحات مذهبی باز کردند . این روش را بعضی از روحانیون مانند **کلونی** نیز تقویت نمودند .

۹۷۳–۹۸۳ – سلطنت اتوی دوم : شورش هانری (معروف به قارقارو یا مشاجره جو) دوك باواریا باتفاق **بولسلاو** از بوهمیا وبعضی دیگر پنج سال طول کشید تا فرونشست . در ۹۷۸ هانری تبعید شد . حمله دانمارکی‌ها دفع شد .

۹۷۸ – لوتایر پادشاه فرانك های باختری به لورن حمله کرده و ناگزیر شد که از دعاوی خود نسبت به حمله اتو به فرانسه (۹۸۰) دست بردارد .

۹۸۱–۹۸۲ – جنگ اتو در ایتالی جنوبی برای اخراج **ساراسن‌ها** (مسلمین) وسلب‌قدرت بیزانتین که با شکست اتو پایان یافت .

۹۸۳–۱۰۰۲ – اتوی سوم (کودك ۳ ساله) که **تئوفانو** مادر برجسته وی(۹۸۳–۹۹۱) باتفاق مادر بزرگش **آدلهید** و **ویلی‌گیس** اسقف **ماینز** از طرف او حکومت میکردند . تعلیم و تربیت این کودك در تحت تاثیر تئوفانو به سنت بیزانتین و تحت نظر معلمش **گربرت** از **اَئوریلاك** انجام گرفت که دانشمندی درجه اول و بالاتر از همه در عصر خود بود .

هانری قارقارو دعوی سلطنت کرد ولی او را مجبور باطاعت کردند .

۹۹۶ – اولین لشکر کشی اتو به ایتالی به تسلط و نفوذ **کرسن‌سیوس دوم** در رم



اتوی اول برتخت امپراطوری جانشین وی پسرش اتوی دوم نیزدر خدمت اوست

گردید ومارکهای **ورونا** ، **فویولی** ، **ایستریا** را (که کلید های تنگه ها و معبرها بود) به هانری پسر اوتو که دوك باواریا بود واگذار کرد .

۹۵۳ – شورش پسراوتو (**لیودولف** دوك سوابیا) باتفاق **کنراد** داماد اوتو (دوك لورن) و سایرین در ۹۵۵ فرو نشانده شد .

۹۵۵ – جنگ لچ فلد : اوتو با سپاهی که از تمام دوچی ها فراهم شده بود بوسیله فتحی بزرگ بدرد سر مجارها پایان داد .

وندها نیز در کنار رود رخ **نیتز** شکست خوردند . مستعمره های مارك خاوری شارلمان از نو تاسیس و تجدید شده با واریائی ها بعنوان مستعمره نشین در آن نقاط سکونت داده شدند .

۹۶۸ – حوزه های اسقفی که در میان سلاوها (یعنی **براندنبورگ** ، **هرسه‌بورگ** ، **میسن** ، و **زیز**) تاسیس شده بود در تحت ریاست **ارك بیشاپ تازهٔ ماگدبورگ** استحکام یافت .

حوزه های اسقفی آلمان در همه جا پر بود از اسقف های وفادار به سلطنت و این خود مقدمه اتحاد شاه بود با کلیسا در برابر فئودالها که با هر دو مخالف بودند .

۹۶۱–۹۶۴ – لشکرکشی دوم اوتو به ایتالی برحسب درخواست **پاپ جان دوازدهم** برای محافظت پاپ صورت گرفت و اوتو در **پاویا** بعنوان شاه ایتالی تاجگذاری کرد .

۹۶۲ – تاجگذاری امپراطور بوسیلهٔ پاپ . احیای امپراطوری روم در باختر :

اوتو موقتا به هرج و مرج فئودالی در رم پایان داده پاپ را خلع نمود و پاپ دیگری را بجای او گذاشته پاپ را مجبور کرد تا حق امپراطور رانسبت به قبول یا رد انتخابات

پایان داده اتو عموی خود **برونو** را نامزد سمت پاپی نمود که‌بعدا به **گریگوری پنجم** موسوم‌شد.

۹۹۸ ـ اتو در **لشکرکشی دوم** خود به ایتالی پاپ **کرسن‌تین** ، **جان شانزدهم** را معزول کرده کرسن تین را سربریـد وی **گربرت** از ائوریللاك‌رابنام **سیلوستردوم** بسمت‌پاپ‌منصوب کرد . سیلوستر همان سنت کارولنژی را که مورد حمایت اتو بود تعقیب کرده اتحاد و همکاری نزدیکی بین پاپ و امپراطور فراهـم کرد . عقیده **انتی‌کواریانیسم** رومانتیـك اتـو (یعنی کهنه پرستی افسانه وار واعتقاد به رویه قدما) او را وادار کرد که بعنوان طرح اصلاحی رسم اربابی (لاردی) مستقل از سلطنت آلمان را در سراسر قلمرو خود معمول سازد وی رم را محل اقامت خودقرارداده بیهوده شروع به احیای شکوه و جلال و اعاده رسوم قدیمه‌شهر نمود : قصر **اون‌تین** و دربار بیزانتین را دائر کرده القاب بیزانتین را معمول ساخت و فرمولهای بیمعنی قدیم را حمایت کرد . در **۱۰۰۲ درگـذشت و وارثی از خود باقـی** نگذاشت و بنابدستور خودش در **آخن** در کنار شارلمان مدفون گردید .

۱۰۰۲ـ۱۰۲۴ ـ **هانری سوم** (پسر هانری قارقارو عموی اتو ، نوه زاده هانری شکارچی پرندگان) در کشمکش و مسابقهٔ نیل به سلطنت فائق آمد و در ۱۰۱۴ در رم بعنوان امپراطور تاجگذاری کرد .مردی بود دیندار و پارسامنش (باتفاق زوجه اش **سن‌کونیگوند** مراسم تقدس در مورد وی اجرا شد یعنی آنکه جزء مقدسین شمرده شود) اما در سیاست واقع بین بوده تسلیم کلیسا نشده و باکلیسا با سیاست جدی رفتار میکرد و توجه خود را نسبت به آلمان متمرکز داشت . دربرابر ایرادات روحانیان و اسقف ها در سال۱۰۰۷ حوزه بزرگ اسقفی (بیشاپریك) **پامبرگ** را تاسیس نموده آنرا غنی ساخت و بصورت پایگاهی در خارج برای نشر **فرهنگ وتمدن ژرمن در برابر سلاو** قرارداد . مقبرهٔ وی در کاتدرال که یکی از افتخارات معماری ژرمن است قرار دارد . وی اصلاحات شدید نیز در خانقاه بعمل آورد .

۱۰۰۲ ـ شورش موفقیت آمیز **اردوین** در لمباردی .

۱۰۰۳ـ۱۰۱۷ ـ کشمکش طولانی بی‌نتیجه با **بولسلاو** لهستانی معروف بـه غـیرتمـند (خروبری ـ ۹۹۲ـ۱۰۱۸) دوك بوهیمیا که **لوزاسیا** و **سیازیا** را ضبط کرده بود .

۱۰۰۶ـ۱۰۰۷ ـ بحران و ناراحتی در بورگوندی و شورش **بالدوین** از اهل **فلاندرز** که در سال ۱۰۰۷ فرونشانده شد .

هانری عملا چاره‌ئی نداشت جز آنکه موروثی شدن تیولات بزرگ را اجازه دهد تکیهٔ وی بسیار به‌طبقه روحانی بود کـه مشاوران و مدیران امور و عمال حکومـت را برای وی تهیه میکردند و همچنین برای کمکهای نظامی و مالی به‌کلیسا چشم دوخته بود اما در آلمان بعکس بوسیلهٔ انتصاب عمال کلیسا و دستگاه اسقفی برکلیسا حکومـت میکرد ونتیجه این بودکه توجه به‌دنیویات و روح دنیا داری در آنجا بسط یافـته و اصلاحاتی در خانقاه‌های کلیسا بعمل آمد .

ط ـ تاریخ اسپانیا

(۱) سلطنت ویسیگوتیک ۴۶۶ ـ ۷۱۱

در زمان **اوریك** (۴۶۶ ـ ۴۸۴)سلطنت ویسی‌گوتیك از **لوار** تا جبل‌الطارق وازخلیج **بیسکای** تا **رون** بسط یافت و پایتخت آن تولوز بود .

۵۰۷ ـ پیروزی **کلوویس** در جنـگ **ووئیلله** ویسیگوتها را مجبور کردکه از پیرنه عقب‌نشینی کنند وتنها **سپ تیمانیا** در شمال کوهستانها در دست ایشان باقی ماند و**تولدو** پایتخت جدید ایشان شد .

عدهٔ ویسیگوتها در اسپانیا کم بـوده تقریباً یك‌پنجم سکنه را تشکیل میداد و بسرعت به کیش ورسوم رومی درآمدند .

تبدیل کیش شاه **ریکارد** (۵۸۷) از **آریانیسم به** ارتودوکسی رومی به جدائـی مذهبی اوستروگوتها از رومیان پایان داده رومی شدن آنهارا تسریع کرد وطبقهٔ روحانی رابر سلطنت مسلط ساخت .

سینود (شورای کلیسا) **تولدو**(۶۳۳) حق تأیید انتخاب شاه را برای خودقائل‌شد. پس‌از سال ۶۰۰ یهودیان را مجبور به‌قبول تعمید کردند و بهمین سبب بود که یهودیان چندی بعد حملات مسلمین را باآغوش بـاز استقبال کردند . زبان ویسیگوتیك بتدریج از میان رفت وزبان بومی وجاری بین ایشان زبانی شد که مبدا آن لاتن بود . سازمان و سنت رومی تادرجهٔ مشخصی احیا گردید . **ایسودور** از **سویل** (۵۶۰ ـ ۶۳۶)که اسقفی بود تئولوژیست و مورخ وادیب و دانشمند بوسیلهٔ کتاب **اتیمولوژیا** ی خود (علم صرف و اشتقاق لغات) درواقع کتابی تهیه کرد که تا ۵۰۰ سال مأخذ ومرجع عمومی بوده و ابزار ورابطه‌ئی شد برای انتقال بسیاری از علوم قدیمه به‌جهان قرون وسطی .

(۲) اسپانیای اسلامی ۷۱۱ ـ ۱۰۳۱

۷۱۱ ـ ۷۱۵ ـ فتوحات مسلمین در اسپانیا : درسال ۷۱۱ نیروئی مرکـب از اعراب وبربرها برهبری **طارق** بربر (کـه جبل‌الطارق بنام وی نامیده شد) از سرداران **موسی** از افریقا بخاك اروپا وارد گشتند . **رودریك** آخرین شاه ویسیگـوت در جـنگ **گوادالت** (ریوبارباته امروز) شکست‌فاحشی خورده وسلطنت وی سقوط کرد . مسلمیـن **کوردوا** ونیز **تولدو** راکه پایتخت وی بـود تصرف کردند . سال بعد یعنی در ۷۱۲ خود موسی به اسپانیـا تاختـه **مـدیناسیدونیا** ، **سویل** ،**مریدا** ، و**ساراگوسا** را هم تصـرف کرد و مسلمین بزودی (در ۷۱۹) به‌جبال پیرنه رسیدند و بقیهٔ مسیحیان را بکوه‌های شمال وباختر راندند .

۷۳۲ ـ در **جنگ تور** مسلمین که وارد خاك فرانسه شده بودند شکست قاطعی از **شارل مارتل** و فرانکها برایشان وارد آمد . در سال ۷۵۹ کاملا از خاك فرانسه بیرون رانده شده‌بودند .

۷۵۶ ـ ۱۰۳۱ ـ سلسلهٔ اموی‌کوردووا:

۷۵۶ ـ ۷۸۸ ـ امیـر عبدالـرحمن وی پسرزادهٔ معاویه خلیفهٔ اموی مقیم دمشق بوده و مؤسس **دولت مور** دراسپانیاست . وی بازاء پرداخت مالیات سرشماری (خراج) با مسیحیان مدارا میکرد . با یهودیان سلوکی بسیار نیکو داشت اما اشراف عرب قویـاً بمخالفت برخاستند و **پپین** و **شارلمان** هم به‌مخالفین وی‌کمك میکردند .

۷۷۷ ـ حمـلهٔ شارلمان به اسپـانیا بسبب دفاع قهرمانی **ساراگوسا** دفع شد و گروه پس‌قراول وی در ۷۷۸ دررون **سس‌والس** نابود شدند .

جنگ بین عبدالرحمن و فرانکها تااواخر قرن ادامه داشت و شارلمان بالاخره موفق به‌تصرف شمال خاوری اسپانیا گردیده تـا رود **ابرو** را بتصرف آورد ودر ۸۰۱**بارسلون** را تسخیر کرد .

۷۸۸ ـ ۷۹۶ ـ امیـر هشـام پسر عبدالرحمن که در زمان سلطنت وی کیش فرقهٔ مالکی یکی ازفرقه‌های اسلامی دراسپانیا رسوخ یافت .

۷۹۶ ـ ۸۲۲ ـ امیر حکم بن هاشم : در زمان وی‌درسالهای ۸۰۵ و۸۱۴ درکوردووا ودر ۸۲۴ درتولدو نیز شورش‌هائی بـوقوع پیوست . شورشیان تولدو از اسپانیا بیرون رانده شده به‌اسکندریه وازآنجا به **کـرت** رفته آن‌جزیره رافتح کردند .

۸۲۲ ـ ۸۵۲ ـ عبـدالرحمـن دوم پسر حکم ، درزمان سلطنت وی **الفونسوی‌دوم** از لئون به**آراگون** حمله‌کرد . وی شکست یافته و سلطنتش ازبین رفت . فرانکها نیز از **کاتالونیا** عقب رانده شدند . **نورمانهـا** اولین مرتبه دربنادر اسپانی پیاده شدند . در ۸۳۷ شورش مسیحیان و یهودیان فـرو نشانده شد اما متعصبین مسیحی بخصوص در کوردووا از فعالیت خود دست نکشیدند .

۸۵۲ ـ ۸۸۶ ـ محمد اول : وی طغیان دیگری از مسیحیان را درکوردووا فرونشانید و عملیات دامنه‌داری برضد دولتهای مسیحی لئون ، گالیسیا وناوار انجام داد . در ۸۶۱ **پامپه‌لونا** را تصرف‌کرد .

۸۸۶ـ۸۸۸ ـ سلطنت منذر

۸۸۸ ـ ۹۱۲ ـ عبدالله برادر منذر

۹۱۲ ـ ۹۶۱ ـ عبدالرحمن سوم :لایق ترین و برجسته ترین عضو خانوادهٔ اموی اسپانیا که خودرا در ۹۲۹ به‌القاب خلیفه و امیرالمؤمنین ملقب ساخت . ودر برابرخلفای عباسی بغداد مدعی برتری در جهان اسلام گردید .

عبدالرحمن بوسیلهٔ‌تکمیل‌سازمان‌حکومت خود وتمرکز دادن حکومت و فعالیت دریائی ، وترقی دادن کشاورزی وصنعت توانست صلح

را درقلمرو خود برقرار سازد . شهر **کوردووا** که نیم میلیون جمعیت داشت بزرگترین مرکز علم ودانش وپرورش قریحه در اروپا گردید و کتابخانه‌های بزرگ و دانشکده‌های طب و ریاضیات وفلسفه وشعر و موسیقی در آن شهر تاسیس یافت ،وکتب بسیاری ازیونانی ولاتن ترجمه شد .

بوسیلهٔ **ابن رشد** (۱۱۲۶ — ۱۱۹۸) فیلسوف ، پزشک ومفسر فلسفه‌های افلاطون وارسطو که استاد طلاب مسیحی هم بود فرهنگ دورهٔ اسلامی بحداعلای ترقی خود رسید .

اریستوکراسی دراین زمان تقریباً ازمیان رفته وجای‌اشراف سابق را عده‌ئی‌ثروتمندان طبقهٔ متوسط و نظامیان فئودال گرفتند . مسیحیان و یهودیان همچنان وضع خوبی داشته باآنها خوش‌سلوکی میشد .

عبدالرحمن جنگ با **لئون** و **ناوار** را ادامه داد واین جنگهادر بیشتر قسمت‌سلطنت طولانی وی دوام یافت . درسال ۹۵۵ صلحی بنام صلح ۹۵۵ بین وی و اوردونوی سوم پادشاه لئون‌برقرار گردیدکه‌طبق آن‌عبدالرحمن استقلال لئون وناوار را بشناخت و مرز مسلمین تا رود **ابرو** عقب رفت ودر مقابل لئون وناوار حق حاکمیت خلیفه را شناخته و خراجی نیز باو پرداختند . اما این صلح بزودی‌بوسیله **سانکو یا سانچو** برادر اوردونو در ۹۵۷ شکسته شده وبشکست سانکومنتهی شده رعایایش اورا تبعید کردند ولی در ۹۵۹ خلیفه اورا بجای خودبازگردانید .

۹۶۱ — ۹۷٦ — سلطنت حکم دوم : وی جنگ با **کاستیل** ،**لئون** ، **وناوار** را ادامه داده و زمامداران آن سه‌سرزمین را وادار به تقاضای صلح نمود (۹٦۲ — ۹۷۰) ودرهمان زمان باسلسله فاطمی در مراکش جنگیده پیروز شد وبه‌سلطنت سلسله فاطمی در۹۷۳ در آنجا خاتمه داده مراکش را در زیر تسلط اموی آورد .

۹۷٦—۱۰۰۹ — هشام دوم که سلطنت او مصادف با تنزل وبالاخره سقوط سلسلهٔ‌اموی در جهان اسلامی گردید . دراسپانیا نیزقدرت بدست وزیر هشام موسوم به**محمدابن‌ابی‌امیر** ملقب به **حاجب‌المنصور** (که اروپائیان اورا **الامنصور** میخواندند) افتادکه وزیری برجسته وطالب اصلاحات بود واصلاحاتی در ارتش و دستگاه اداری حکومت انجام داد . وی با لئون وناوارو کاتالونیا و موریتانیا جنگیده و پیروز شد وموقتاً با انشعاب مذهبی و نژادی که بعداً بابت سقوط بنی‌امیه گردید مقابله‌کرده پس‌از درگذشت المنصور پسرش **عبدالملك المظفر** بسمت وزارت جانشین وی شد که چندین مرتبه مسیحیان را شکست داد برادرش **عبدالرحمن** معروف به **سانچول** نیز ازاو پیروی کرد بعداً جای اورا گرفت. عبدالرحمن هشام را مجبور کردکه اورا وارث خود اعلام کند ودر همان زمان شورشی در کوردووا برهبری **محمد** یکی ازاعضاء خانوادهٔ سلطنتی اتفاق افتاد . هشام ناگزیر شدکه بنفع **محمد** ازسلطنت‌استعفا کند وعبدالرحمن وزیر (سانچول) اعدام‌شد . در خلال این احوال بربرها **سلیمان** را نامزد خلافت‌کردند و بدنبال آن جنگ داخلی آغاز شده اسپانیا را مبدل به‌جایگاه عدهٔ زیادی سلطنت‌های کوچك ونیم‌بند موسوم به **تائی‌فا** نمود وراه را برای تجدید حیات و نفوذ مسیحیت باز کرد .

۱۰۲۷ — ۱۰۳۱ — هشام سوم : وی آخرین خلیفهٔ اموی اسپانیا بود .

(۳) اسپانیای مسیحی

دولتهای‌کاستیل ولئون ۷۱۸ — ۱۰٦۵

۷۱۸ — ۷۳۷ . **پلایو** جانشین رودریك ویسیگوت سلطنت **آستوریا** را بوجود آورد که سلطنتی بود مذهبی (تئوکراتیك) و سلطنتی انتخابی به سنت ویسیگوتیك .

۷۵۷ — ۷۳۹ — الفونسوی اول : اتحاد متقابل بین شاهان وروحانیان اززمان سلطنت وی آغازشد — وی باسخاوت تمام سهمی بیشتر از اراضی راکه از مسلمین بدست آورده بود به‌کلیسا بخشید و طبقهٔ روحانی را بمنزلهٔ وزنهٔ تعادلی در برابر اریستوکراسی بکار برده و تقویت نمود .

۸۹۹ — کشف معجزآسای استخوانهای **سن چیمزاکبر** وبنای اولین کلیسای **سانتیاگودوکامپواستللا** که مرکز مذهبی ملی اسپانیا و یکی از متنفذترین زیارتگاه‌ها و معابداروپا گردید .

۹۱۰— ۹۱٤ — گارسیا پادشاه لئون بسرعت قلمرو خودرا بطرف خاور توسعه‌داد و دژهای بسیار بنانهاد و بهمین سبب به **کاستیله** بمعنی دژ نامیده شد .

۹۳۰ — ۹۷۰ — کنت فرنان گونزالس کنت **بورگوس** (که بعداً **کاستیل** نامیده‌شد) در زمان وی کنت‌های بورگوس ظهورکردند. وی بوسیله آنتریگ و اتحاد با مسلمین قلمرو خودرا بضرر سرزمین لئون توسعه داده و کشور کاستیل را مستقل نموده سلطنت آنرا موروثی کرد . پیشروی او بوسیلهٔ**سانچوی فربه** فرمانروای لئون (درگذشت ۹٦٦)که با عبدالرحمن سوم متحد شده بود متوقف گردید .

۹۷۰—۱۰۳۵ — سانچوی‌کبیر پادشاه ناوار با کاستیل متحد شده وشروع‌به‌تصرف لئون نمود .

۱۰۳۵—۱۰٦۵ — فردیناند اول پادشاه کاستیل دنباله تصرف وفتح لئون را گرفته در ۱۰۳۷ بپایان رسانید وخود را شاه لئون نامید .

نمونهٔ چهره ولباس اصلی انگلوساکسون



ی — جزائر بریتانیا

(۱) انگلستان تا سال ۱۰٦٦

بریتانیای ماقبل تاریخ : سکنهٔ ماقبل تاریخ بریتانیا که براساس زبانشان به‌سلت‌ها معروف شده‌اند ظاهراً ترکیبی از نژاد های مدیترانه ، آلپ ، ونوردیك بوده‌اند که‌چهره تیره ازنوع شبه جزیرهٔ **ایبری** (اسپانی و پرتقال) وموهای روشن داشته‌اند و شواهد باستان‌شناسی رابطه وتماس آنها را باشبه جزیرهٔ ایبری در ۲۵۰۰ ق م وبا مصر در ۱۳۰۰ ق م نشان میدهد .

۱۲۰۰ — ٦۰۰ ق م — دوقوم معرف سلت های اصلی هستند : یکی **گوئیدل‌ها** (**گائل‌ها**)که بقایای آنها در ایرلند شمالی واسکاتلند علیا دیده میشود ودیگر **سیمری** و بریتون‌هاکه اعقاب آنها هنوز تااین زمان در **ویلز** سکونت دارند . بریتون‌ها با گل‌ها

خویشی نزدیك داشتند بخصوص با **بلژی** . مذهب ایشان درتحت تسلط یك طبقهٔ ممتازه مقتدر ومتشکل روحانی یعنی **درویدهای** گل وبریتانیا قرار داشت که مذهب و فرهنگ وتعلیم و قضائیات را در انحصار خودقرار داده بودند (درويد Druids نام این طبقه یا گروه روحانی بریتانیا وگل‌است)

۵۷ ق م – ۴۵۰ ب م : انگلستان در تصرف رومیان

تصرف رومیان از زمان فتوحات **ژول سزار** در کشورهای گل وبریتانیا آغاز گشت (۵۷ – ۵۰ قم) پس‌از آن امپراطور کلادیوس شخصاً به‌انگلستان لشکرکشی کرده و در۴۳ آنجا را فتح‌کرد واین فتح تأثیر قاطع در رومی‌کردن بریتانیا داشت . سقوط سلطنت **سیم‌بلین** (۴۳ ب‌م) وفرونشاندن شورش ملی بودیکا (بوادی کیا) در ۶۱ میلادی‌بوقوع پیوست . درسالهای ۴۸ – ۷۹ ویلز فتح‌شد . رومیان ساختن یك شبکهٔ بزرگ راه‌ها را در بریتانیا آغاز کردند (پنج راه اصلی احداث شدکه چهار خط آن درلندن تقاطع میکردند) حمامهای رومی را نیز در انگلیس معمول کردند .

۷۸ – ۱۴۲ – فتوحات رومیان‌درشمال
درزمان **اگریکولا** آغازگردید . وتا **کلید–فورث** رسید . امپراطور **هادریان** شخصاً فتح بریتانیارا کامل‌کرد ودر ۱۲۳ از **سولوی‌فرث** تادهانهٔ **رود تاین** دیواری‌ساخت که بدیوار هادریان معروف شد – در ۱۴۲ باروی **فرث–کلید** ساخته شد .

۲۰۸ – امپراطور سپتی‌میوس سوروس
در ۲۰۸ وارد بریتانیا شده به **کالدونیا** (اسکاتلند امروز) حمله‌کرد وتسلط رومیان رادر شمال اعاده داده دیوارهادریان را مرز نهائی فتوحات رومی اعلام‌کرد .

۳۰۰ – ۳۵۰ – بنای ویلاهای بسیار در صحراهای بریتانیا معمول گردید .شهرهای عمدهٔ این زمان عبارت بودند از **ورولامیوم** (سن‌البان امروز) ،**گول چستر** ، لینکلن ، **گلوسس‌تر** ، **ویورك** . مهارت صنعتگران وپارچه بافان بریتانی در قرن چهارم میلادی دراروپا شهرت داشت . بخشی ازجزیره‌که در جنوب دیوار هادریان واقع شده بودکاملا واز هر جهت رومی‌مآب‌گردید .

حدود ۳۵۰ – حملات دزدان دریائی ایرلندی وپیکت‌ها (نژادی‌که درخاوراسکاتلند سکونت‌داشتند) فراوان بود . فتح‌گل بوسیلهٔ **تیوتونها** در قرن ۵ رابطهٔ بریتانیا را بارم قطع‌کرد ورومیان‌وسکنهٔ بریتانیا ناگزیرگردیدند هریك در برابر حملات ساکسونها بجنوب و خاور ازخود دفاع کنند . ساکسونها بزودی باراضی سفلی راه یافتند .

۴۱۰ – ۴۴۲ – تخلیهٔ بریتانیا از لژیونهای رومی وپایان حکومت رم در آنجا همزمان بود باشدت فشار **نوردیك** و هجوم **ژوتها** ، **آنگل‌ها وساکسونها** که بنحو دائم و پایدار بنیان نژادی سکنهٔ جزیرهٔ بریتانیا را تغییر دادند . درحدود سال ۶۱۵ آنگلها و ژوتها به بغاز ایرلند رسیده و بربخشی از جزیره که امروز انگلستان (انگلند)خوانده میشود فرمانروا گشتند . **سلت‌ها** هم باردیگر بودت کرده در اراضی علیای باختر وشمال باختری جزیره ظاهر شدند .

تاریخ بریتانیا در اینموقع تا حدود دوقرن (حدود ۳۵۰ تا ۵۹۷) تاریك ومبهم است . مسیحیت در زمان تسلط رومیان پیشرفت چندانی دربریتانیا نکرد .

پس‌از پیروزی تیوتونها **هفت سلطنت کوچك انگلوساکسون (هپ تارکی)** بشرح زیر بظهور رسید . (۱) **اسکس** ، (۲) **وسکس** ، (۳) **سسکس** (که باحتمال قوی و بطوری که ازاین نام پیداست از قوم ساکسون بوده‌اند)، (۴) **کنت** (ژوت‌ها) ، (۵) **انگلیای خاوری** ، (۶) **مرسیا** ، و(۷) **نارتم بریا** (انگل‌ها) .

۵۶۰ – ۶۱۶ – تسلط **اتل‌برت از کنت‌در هپ‌تارکی** (سلطنت هفتگانه) مصادف گردید باورود اوگوستن راهب .

۵۹۷ – ورود **اوگوستن راهب** ودرآوردن سکنهٔ **کنت** بکیش کلیسای رومی . تفوق و تسلط در هپ‌تارکی نصیب **ادوین** از **نورتم بریا** گردید که وی نیز بکیش مسیحی رومی درآمده بود .

۶۳۳ – شکست وقتل **ادوین** (که با **اتل برت** نسبت داشت) بدست مرسیانهای مشرك به‌تسلط نورتم بریا پایان داد وموقتاً کلیسای رومی تسط یافت وپس‌از آن‌یك‌دورهٔ هرج ومرج بظهور رسید .

۶۳۳ – اوسوالد از **نورتمبریا** دعوتی‌از **آیدان از ایونا** بعمل آورد میسیون آیدان نفوذی عظیم در مسیحیت سلتیك یافته تا چندی کلیسای رومی را در معرض تهدید بزوال قرار داد وخواست جای آنرا بگیرد .

۶۶۴ – سینود **ویت‌بی** بریتانیا را به حوزه کلیسای رومی ومسیحیت قاره اروپا برگردانیده و راه برای فعالیت مذهبی و انجام نقش قاطع **تئودور** بازکرد .

۶۶۹ – ۶۹۰ – تئودور از تارسوس ، اسقف بزرگ (آرك بیشاپ) **کانتربری** . وی یك سیستم تقسیمات محدود بخشی و محلی رومی وسیستم تمرکز حوزهٔ اسقفی رامعمول کردکه سرمشق سازمان و اداره حکومت در دولتهای سیاسی گردیده وفرضیهٔ تازه‌ئی از سلطنت را بمیان آورد . سینودهای ملی (شورای کلیسا) سلطنت‌هائی راکه با یکدیگر رقابت داشتند اولین مرتبه باهم جمع آورده ویك تکامل طولانی را آغاز کردندکه بعدها ملیت انگلیسی و مؤسسات ملی‌انگلیس رابوجود آورده وسپس آنرا در سراسر جهان متمدن نشرداد .

حوزهٔ اسقفی تئودور تمدن و فرهنگ گرکو – رومن (یونان وروم) رااز نو معمول کرده ویك سنت فرهنگی تازه وپایداری را بنا نهاد وحاصل آن ظهور **بده** Bede یا **بائدا** (۶۷۳ – ۷۳۵) پدر ادبیات انگلیس بودکه پاپ لئوی سیزدهم اورا درجهٔ دکترای کلیسا بخشید . مدرسهٔ بزرگ یورك نفوذی عظیم یافت که تاقارهٔ اروپا نفوذ آن بسط یافت چنانچه **الکوئین** دانشمند انگلیسی در دربار شارلمان تعلیم و تدریس را احیانموده رواج داد . حوزهٔ **ارك بیشاپریك** (اسقف بزرگ) دریورك نیز درسال ۷۳۵ تأسیس گردید . معماری جالب کلیسائی و موسیقی کلیسائی ترقی کرد .

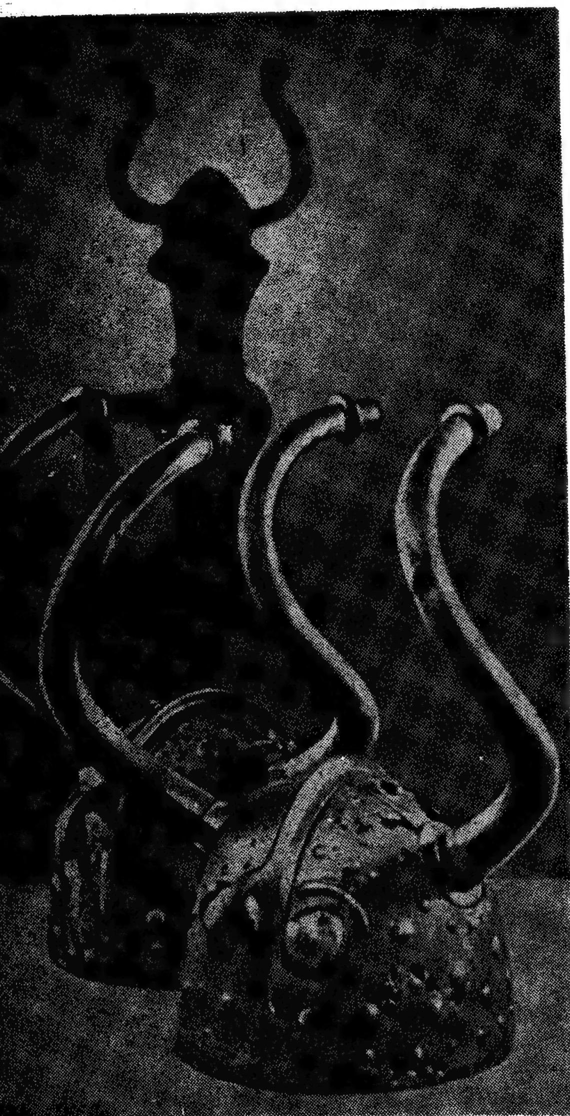
۷۵۷ – ۷۹۶ – درزمان **اوفای دوم** سلطنت **مرسیا** بحداعلای قدرت خود رسید وپس‌از آن درهم شکست .

۷۸۷ – اولین حملهٔ دانمارکی‌ها به انگلستان که ضبط تاریخ گردیده است‌بوقوع پیوست وپس‌از آن دانمارکی‌ها مانند سیل به ایرلند سرازیرشدند .

۸۰۲ – ۸۳۹ – اگبرت زمامدار **وسکس** که قبلا درخدمت شارلمان بود مرسیا رافتح کرده وتادرجه‌ئی بر **نورتمبریا** نیز تسلط یافته تمام شاهان کوچك انگلیس در برابر وی سرتعظیم فرودآوردند .

۸۵۶ – ۸۷۵ – اولین دورهٔ حملات شدید **وایکینگ**‌ها به‌انگلیس . **وسکس** در برابر این حملات مقاومت میکرد .

۸۷۱ – ۸۹۹ – آلفرد بزرگ : صلح را



کلاهخود وایکینگ‌ها

بادادن پول خریداری‌کرد تا فرصتی برای سازمان دادن به‌نیروهای خود وساختن نیروی دریائی بدست آورد . وی در ۸۷۸ مواجـه باحملهٔ زمستانی **داین‌ها** (دانمارکی‌ها) شد وبالاخره آنهارا شکست داده و **صلح ودمور** را برایشان تحمیل‌کرد . بالاخـره **گوترون** دانمارکی مسیحی شده وسرزمین انگلستان‌را باآلفرد تقسیم بردند . قسمت شمال رود تیمس‌ـ تا خط لنا سهم گوترون شد وقسمت جنوب بانضمام لندن به‌آلفرد رسید .

۸۷۸ ـ ۹۰۰ ـ دانمارکی‌ها فرمانروای شمال خاوری بوده و بر اثرفشار دانمارکی‌ها **اسکاتلند** آغاز شکل گرفتن و وحدت‌نمود .

آلفرداقدام به‌تشکیل سازمان‌دفاعی برای حفظ سلطنت خود نمود وبدور لندن دیوار کشیده پایگاه نظامی ساخت و عـده‌ئی را مأمور دفاع آزلندن نمود ، نیروی دریائی را تجدید سازمان داد و بر تعداد سپاه‌افزود . کلیهٔ اتباعی راکه تا درجه‌ئی ثروتمند بودند مجبور کرد که وارد گروه **تگن** Thegn یاتین شوند که گروهی بودند از سواران مسلح در رکاب شاه یابعنوان گارد شاه‌که درواقع نوعی خدمت نظام اجباری پیوستهٔ بدربار بود . دانمارکی‌ها در سالهای ۸۹۲ تا ۸۹۶ عکس‌العملی نسبت باین اقدامات نشان دادند که فرونشانده شد .

آلفرد از بسط تعلیم حمایت میکرد و دانشمنـدان خارجی و پناهندگـان دانشمند در دربار وی بگرمی پذیرفته می‌شدنـد . آلفرد کتاب تاریخ انگلیس را بقلم **بده** وکتاب **گونسولاسیو** بقلم‌اوروسیوس و **بئوتیوس**بزبان بومی انگلیس ترجمه کرد . وی برای تهیهٔ مأموران تربیت یافته دولت آموزشگاه‌هائی برای پسران تگن‌ها و اشراف تاسیس نمود و **کرونیکل** (ثبت وقـایع بترتیـب تاریخ) انگلوساکسون از زمان وی‌آغاز گردید .

۸۹۹ ـ ۹۲۴ ـ ادوارد پسر آلفردبجای آلفرد نشست وباتفاق خواهر خود **اتل‌فردا** از مرسیا شروع به‌فتح **داین‌لا** نمود که بعدآ درزمان‌پسرش تکمیل گردید .

۹۲۴ ـ ۹۳۹ ـ اتل‌ستان پسر ادوارد . پسران آلفرد اولین شاهان واقعی انگلیس محسوب میشوند . **ادگار** نوهٔ او (۹۵۹ـ۹۷۵) بهمین سمت شناخته شد . اسقف بـزرگ **ونس‌تن** مشاور مهم ادگار مصلح مذهبـی بزرگی بود ودر امور کلیسا و هم مردم اصلاحاتی بعمل آورد .

سیاست وی مبنی بر ترکیب دانمارکی‌ها بامردم انگلیس وصلح و سازش با ایشان‌بود چنانچه **اودا** که دانمارکی بود در ۹۴۲بمرتبهٔ اسقف بزرگ کانتربری نائل آمد . تصرف **داین‌لا** بوسیلهٔ **وسکس** حاشیهٔ باریکی رادر اسکاتلند و ویلز برای سلت‌ها باقی گذاشت که بانوعی تابعیت مبهم از شاه نیمه‌مستقل باقی ماندند .

پس از تصرف **داین‌لا** در تقسیم‌بنـدی ولایات (شیر) وبخش‌ها (باروها) تجدیدنظر شد واداره امور حکومت وبخش‌ها وولایات در دست دانمارکـی‌هـا بـود . کشاورزان انگلوساکسون‌ها علاقه‌ئی به جنگ نداشتند و تگن‌ها بتدریج بصورت یك طبـقهٔ سربازان حرفه‌ئی درآمدند . سازمان قبیله‌ئی وطبقه‌ئی قدیم مبدل گشت به شکلی مشابه فئودالیسم یا نیمه فئودالی بدینمعنی‌که هر فردی از افراد اربابی داشت وارباب در برابر قانون مسئول آن فرد شمرده میشد و **امیرنشین‌های** بزرگ (ارل) بتدریج بظهور رسید .

یك قانـون عمومی و مشترك وجـود نداشت . درهر ولایت (شیر Shire) دادگاه‌هائی بنام **هندردکورت** (یکصددادگاه) تاسیس شدکه مراقب بود عادات و رسوم محلی رعایت شود وقضات این دادگاه از مردان آزاد بعنوان نمایندهٔ شاه تعییـن میشدند .

از زمان **ادگار** عناصر فئودالی شروع کردند که بقدرت سلطنت تجاوز کرده خود را مقتدر سازند . **مانستی‌کیسم** (زندگـی خانقاهی) قدیم بسبب هجومها از میـان رفته وکلیسا در انگلیس راه فساد وانحطاط پیش گرفت وتنها بعدها بوسیلهٔ نفوذ **کلونی وفلوری** و فتوحات **نورمن**ها در آن اصلاحاتی بعمل آمد .

۹۹۱ ـ موجی از حمـلات و هـجوم **وایکینگ‌ها** در خلال سلطنت **اتلرد** (۹۷۸ ـ ۱۰۱٦) برهبری **سون اول** Sven (معروف به‌ریش چنگالی) پادشاه دانمارك آغازگردید .

۱۰۱۳ ـ ۱۰۱٤ ـ سون اول (درگذشت ۱۰۱٤) ازطرف انگلیس برسمیت شناخته‌شد و **اتلرد** به نورماندی وطن زوجه دومش **اما** گریخت .

۱۰۱۷ ـ۱۰۳۵ ـ شاه کانوت یکی ازدو پسر سون بود که ازطرف **ویتان** انتخاب‌شد . ویتان عبارت بوداز هیئتی ناجور مرکب از اسقف‌ها ، اعیان وماموربن دولت بدون‌داشتن قانون اساسی . **کانوت** بنا بهمان نمونـهٔ شارلمان امپراطور خوانده میشد و حوزهٔ امپراطوری او شامل دانمارك ، نروژ و انگلستان بود ولی بزودی درگذشت . سیاست دورهٔ وی جوش دادن این نژادها بایکدیگر و تعقیب خطمشی مدارا و سازش بود . کلیسا دراین زمان در تحت ادارهٔ روحانیان **انگلو ـ ساکسون** بود . کانوت یك نیروی دریائی مقتدری را نگاه میداشت . دراین زمان چهـار ارل نشین بـزرگ : **وسکس** ، **انگلیای خاوری** ، **مرسیا** ،و **نورتمبریا** وهفت ارل‌نشین کوچك وجود داشت . بزرگترین امیـر (ارل) در میان ارل‌ها **گادویـن** امیـر وسکس بود . پسران کانوت لیاقت وصلاحیت سلطنت نداشتند و سلسلهٔ وی در ۱۰٤۲ منقرض گردید .

گادوین بیش از سایر ارل‌ها درانتخاب جانشین سلسله‌کانوت دخالت داشت وانتخاب **ادوارد** پسر **اما** و **اتلرد** که در ۱۰٤٥ بادختر گادوین زناشوئی‌کردمرهون نفوذ گادوین‌است .

۱۰٤۲ ـ ۱۰٦٦ ـ سلطنـت **ادوارد** معروف به اقرارکننده که منسوب به سلسلهٔ آلفرد بوده ودست نشاندهٔ گادوین بود ـ وی در دربار **نورمان** پرورش یافته و بزبان فـرانسه صحبـت می کرد و سعی کـرد کـه دربار انگلیس را فرانسوی مآب کند . دراثر نفوذ گادوین ، اسقف بزرگ کانتربری کـه از قوم نورمن بود خلع شده **استی‌گاند** از قوم ساکسون از طرف **ویتان** بجای او انتخاب شد . چون **استی‌گاند** به‌گروه ضد پاپ کمك کرده بود پاپ الکساندر دوم که قـدرت **هیلدبراند** را همراه داشت از نـورمن‌هـا طرفداری میکرد . **هارولد** پسر گادوین در ۱۰٥۳ بعنوان امیر وسکس بجای پدرنشست و مانند پدرش بر ادوارد تسلط داشت . پسر دیگر گادوین موسوم به **توستیگ** بسمت امیر (ارل) نورتمبریا تعیین شد . هارولد درسال ۱۰٦٤ بساحل بغاز انگلیس رانده شده بجنگ ویلیام دوك نورمندی گرفتارشد و مجبور شد سوگند یادکندکه برای رسیدن ویلیام به‌سلطنت انگلیس مجاهده نماید .

۱۰٦٦ ـ تـوستیگ پس از شورش **نورتمبریان** که در ۱۰٦٥ اتفاق افتاد تبعید شد ودر ۱۰٦٦ باتفاق **هارولد و هاردرادا** برای حملهٔ به نورتمبریا مراجعت نـمود . شاه **ادوارد** در ژانویه این سال درگذشت و ویلیام بفوریت بتدارك نیرو برای فتح‌انگلیس پرداخت .

۱۰٦٦ ـ پس‌ازدرگذشت ادوارد ، پسرش **هارولد** از طرف **ویتان** بسلطنت برگـزیده شد ودر سواحل انگلیس نگهبانانی گماشت تا از ورود ویلیام جلوگیری کند . دراین هنگام توستیگ و هاردرادا در شمال ظاهر شدند . هارولد بدفاع از شمال پرداخته آنها رادر پل **استامفورد** در سپتامبر شکست فاحشی داد ودر همانموقع مهاجمین **نورمن** از بغاز بخاك انگلیس پیاده شدند . هارولد پس‌از فتح درخشان شمال بجنوب روی‌آورده با نورمن‌ها مواجه شد و چون نیروی او خسته و فرسوده شده بود شکست خورده در جنگ **هیس تینگ** یا **سنلاك** در ۱٤ اکتبر بقتل رسید .

(۲) تاریخ اسکاتلند تا سال ۱۳۰٤

اصل نـژادی آنهـا نامعلـوم است : گروهی از مردم عصر **نئولیتیك** از دریـای مدیترانه ابتدا بدینجا آمده و بدنبال آنها **سلت‌ها** و بعد **گوئیدلها** ، بعـد **بریتون‌ها** ، وساکسونها در قرن ٦ قم و سپس پیکت‌ها بدین سرزمین قدم گذاشته‌اند . رومیان در پایان قرن اول میلادی بدانجا راه یافتندولی آثار پایداری ازخود باقی نگذاشتند .

٤٥۰ـ٦۰۰ میلادی : چهار هسته سیاسی دراسکاتلند قرارداشت: (۱) **پیکت‌ها** که‌ازخلیج پنتلند تا صحرای مرکزی دردست ایشان بود (۲) **والریادا** که درارگیل **شیر** وجزائر **ژورا وایسلای** ساکن بودند (۳) **پناهندگان‌ولش** (ازویلز) که **دراسترات‌کلاید** بسرمیبردند (٤) **ایدا** مربوط بقلمرو **برنیسیا**که‌از**تووید** تاخلیج **فورت** را دردست داشتند .

٥٥٥ـ گولومبا از **ایونا** آمده وشـاه پیکت‌ها را بکیش‌کلیسای سلتیك درآورد و بدینوسیله اسکاتلند اولین مرتبه تماس‌فرهنگی با جهان متمدن پیداکرد .

٦٦٤ـ سینودویتبی انگلستان را بکیش رومی درآورده وموقتا اسکاتلند درمذهب‌خود تنهاماند . ولی پیکت‌ها بالاخره درحدودسال ۷۰۰ بجامعه رومی پیوسته **ایونا** نیز در۷۱٦ ازآنها پیروی کرد.

٦٨٥ ـ قدرت انگلیس در مرز جنوبی درهم شکسته شد واسکاتلند مقدمات استقلال خود را فراهم کرد وبرهبری **کِنت اول** (درگذشت ۸۵۸) اولین اتحادیه اسکاتلندی بوجود آمد .

۷۹٤ ـ ورود نورس‌ها : ایونا در۸۰۲ باتش کشیده شد ویك سلسله ویرانی‌های دیگر بدنبال آن پیش‌آمد.

۹۲۱ ـ ادوارد پسرالفرد بزرگ بعنوان **لارد** اسکاتلند پذیرفته شد . **اتلستن** دستجات مسلحی در ۹۳٤ فراهم کرد واسکاتلند را به‌شورش آورد ولی در ۹۳۷ این شورش‌درهم شکسته شد .

۱۰۰۵ـ۱۰۳٤ . دبر زمان سلطنت **ملکم دوم** سرزمین **لوتیان** نیز به‌قلمرو سلطنت اسکاتلند افزوده شد **واستران‌کلید** در۱۰۳٤ درزمان **دن‌کن** وحدت چهارهسته اسکاتلند را تکمیل‌کرد .

۱۰۳٤ـ۱۰٤۰ . سلطنت **دن‌کن** اگرچه وحدت‌کشور حاصل شده بود ولی فاقدتجانس نژادی وبنیان سیاسی بوده جزائر وبخش شمالی اسکاتلند در تحت تسلط اسکاندیناویها قرارداشت و هدف انگلستان آن بود که اسکاتلند را ضمیمه خودنماید .

(۳) تاریخ ایرلند تا ۱۱۷۱

منشاء واصل نژادی . پس از سکنه‌دوره نئولیتیك ، **سلت‌ها وگوئیدلها** درحدودسالهای ٦۰۰ تا ۵۰۰ ق م به‌ایرلند راه یافته‌اند. پنج شهر **لینستر** ، **کانات** ، **اولستر** ، **مونستر** خاوری **ومونستر** باختری احتمال دارد اززمان ورودگوئیدلها وجود داشته‌اند . درحدود سال های ۳۰۰ تا ۱۵۰ نیز باحتمال قوی **بلژیك‌ها** وسایر اقوام **بریتونیك** نیز به‌جنوب خاوری ایرلند مهاجرت کرده‌اند . در قرن چهارم میلادی سلطنت بریتونیك **تارا** در ایرلندتسلط داشته. پیکت‌ها به **انتریم** وپائین‌تر وارد گشتند .

در مورد اصل ومنشاء قدیم مردم ایرلند عده بی‌شماری افسانه وجوددارد .

٤۳۱ ـ ورود **اسقف پالادیوس** ومیسیون وی به‌ایرلند طبق روایات .

٤۳۲ ـ پاتریك ازشاگردان **ژرمانوس** از اهل **اوکسر** که بخصوص برای همین میسیون تعلیم یافته بود برای ادامه فعالیت پاتریك به‌ایرلند آمد ، وی کلیساهائی در شهرهای **میت** ، **اولستر** ، **کانات** تاسیس کرده وباحتمال قوی حوزه اسقفی **آرماگ** را نیز وی دائر کرد .

روسای قبایل بکیش عیسوی درآمدند ولی شرك یا پاگانیسم همچنان باقی بود. پاتریك شروع به‌دادن تعلیمات کشیشی نمود. سازمان مذهبی پاتریك باحتمال قوی برروی بریتانیا وگل بسته بود اما با تخلیه بریتانیا ازلژیونهای رومی رابطه رومیان با ایرلند نیز قطع شده وپاگانیسم به‌ایرلند عودت‌کرد وسازمان اسقفی پاتریك ظاهرا به‌یك سیستم بومی تنزل‌یافت.

روسای قبایل پس از گرویدن بآئین مسیح زمین‌هائی به‌کلیسا هدیه‌کردند وابتدا پست‌های مذهبی وکلیسائی بنظر میرسدکه دردست **سپت** (خانواده رئیس قبیله) بوده‌و وارث رئیس قبیله سمت اسقف را داشته است.

سازمان **سنوبی‌تیك** (خانقاهی یا زندگی مشترك) قرن پنجم عبارت بود ازهمان **سپت** که رئیس آن یکنفر مسیحی بود ـ چندی بعد شکلی سختگیر وشدید ازآن بظهور رسیدکه مردان وزنان را ازیکدیگر جدا کرد. هنگامیکه سازمان اسقفی قدیم تنزل کردتعداد اسقفها زیاد شده به رقمی باورنکردنی رسید. درخلال قرون ۸ و۹عده زیادی ازدانشمندان ورهبانان ایرلندی ازکشورخارج شده به‌اروپا رفتند که به‌خروج بزرگ معروف است.

۵۰۰ـ۸۰۰ ـ عصر طلائی علم ودانش خانقاهی ایرلند درقرن ٦ تا۹ واقع شد.مدرسه بزرگی بوسیله **اودوشاهزاده‌اوریل**(۵۰٤ـ۵٤۰) **درآرانمور** تاسیس‌گشته ازتمام نقاط اروپا دانشمندان ودانشجویان را جلب نمود. خانقاه **کلونارد** (درحدود ۵۲۰) درتحت الهام **ولش** گشایش یافت . گویند ۳۰۰۰ دانشجو که در چپرهای (کپر) جداگانه ساخته شده ازجگن وترکه درهوای آزاد زندگی میکردند درآنجا جمع‌آمده بودند . ازهمین خانقاه کلونارد بودکه **دوازده حواریون ایرلند** ظهورکرده ابتدا در سراسر ایرلند وبعد درتمام قاره اروپا مدارسی تاسیس‌کردند .

۵۳۳ ـ مانستی کیسم واقعی‌بافعالیتهای **کولومبا** آغازگردید . کولومبا در ۵٦۳ **ایونا** را تاسیس‌کردکه کلیسای مادربن‌اسکاتلنداست، **آیدان** حواری انگلستان در ۹۳۵ **لیندیس فازن** را بمنظور رواج‌کیش مسیحی **درنورتم‌بریا** بنیان نهاد.

۵۹۰ـ کولومبان ازاهل **لینستر ازبانگور** ماموریت تبلیغی خود را دراروپا آغازکرده **لوکسوئیل** وتعداد دیگری ازتاسیسات را از قبیل **گائیل** ، **وورزبرگ** ، **سالزبرگ** ، **تارانتوم**، **وبوب‌بیو** را بنا نهاد . قرن هشتم شاهدجریان عظیمی ازحرکت میسیونهای مذهبی ومبلغین بودکه ازناحیه **رن ـ موز** بدرون اروپا راه افتاده در خط **رون ـ آلپ** پیش رفتند . این پیشروی بزرگ وموثرمسیحیت سلتیك چنین بنظرمیایدکه هدفش آن بوده‌که اروپای شمالی را از چنگ رومیان بدرآورد . اختلافات عمده بین مسیحیت سلت‌ها ومسیحیت‌رومی یکی در مورد تراشیدن سر بود ودیگری در مورد تاریخ عید پاك **(ایستر)** ودیگر درطریقه رسیدن بمدارج اسقفی با تقدیس اسقفی . در قرن هفتم کلیسای ایرلند با رسوم مسیحیت رومی موافقت کرد معهذا به‌کلیسای رم نزدیك نشد وبدان نپیوست .

۷۲۳ ـ بونیفاس . **(وینفرد)** از قوم انگلوساکسون وارد قاره اروپا شد تا سازمانی برای تاسیسات سلتیك درمیان فرانکها و تورینژیانها والامانی وباواریائیها برطبق‌اسلوب رومی برقرارسازد .

پیش از ورود **نورس‌ها** در ایرلند شهر ویا پلهای سنگی و بازرگانی خارجی قابل‌توجهی درآنجا وجود نداشت.

۷۹۵ ـ اولین حمله نورس ـ دوبلین (۸٤۰) ، **واترفورد** ، **ولیمریك** بعنوان مراکز بازرگانی نورس با قاره اروپا بنا نهاده شد. بزودی نژاد مخلوطی که **گالگوئید** (گاللووی) باشد بظهور رسید ومسیحیت رو به‌تنزل گذاشت . اسکاندیناوی‌ها بیشتر در بنادر باقی ماندند .

۱۰۰۲ـ۱۰۱٤ ـ بریان از مونستر بر ایرلند تسلط یافت . دراین زمان راه‌هاودژها ساخته شد . بریان در ۱۰۱٤ **درکلونتارف** نورس را شکست داده به تسلط آن ها بر **دوبلین** پایان داد ولی‌نورسهادرشهرهای‌ایرلند باقی ماندند .

بریان در یکی از جنگ ها کشته شد و بدنبال آن هرج و مرج حکمفرما شده **اوبریان** از مونستر و **اونیل** از **اولستر** و **اوکونور** ازکانات بجنگ با یکدیگر برخاستند تا بالاخره **درموند مك‌مرو** از هنری دوم شاه انگلیس درخواست کرد که به‌غائله ایرلندپایان دهد .

۱۱۵۲ـ سینود **کلس** سیستم حوزه‌اسقفی **(دیوسس)** فعلی ایرلند را وضع نموده تفوق **آرماگ** (یکی ازکونتی‌های اولستر درایرلند) وهمچنین آرك بیشاپریك **کاشل** ، **توآم** ، و دوبلین را شناخت . به‌مالیات عشریه نیزرای داد.

۱۱٦۷ـ۱۱۷۱ـ فتح نورمان : هنری‌دوم چون به‌تخت نشست بفکر تسخیر ایرلندافتاد. بنا بتقاضای **جان‌افسالیس‌بری** پاپ **آدریان چهارم** نامه‌یی برای هنری فرستاده فرمانروائی ایرلند را باو واگذاشت وحلقه انگشتری‌نیز بعلامت اعطای این منصب فرستاد ولی هنری وقعی بدان نگذاشت .

۱۱٦۷ـ هنری‌بنابتقاضای **درموندمك‌مورو** فرمانی صادر کرده به درموند اجازه دادکه سپاهی در انگلیس جمع‌آوری‌کند . درموند با **ریشارد اف‌کلیر** ازقوم نورمان وامیر **پمبروك** وسایر نورمانهاکه بیشتر با یکدیگر منسوب بودند پیمان بست . سپس یك سلسله لشکرکشی به‌ایرلند نمودند و چندین‌خانواده نورمان بدانجا راه یافته یك‌مستعمره مقتدر تشکیل دادندکه باعث وحشت هنری‌گردید.

۱۱۷۱ـ هنری دوم که اجازه پاپ را داشت برای احراز تفوق و سلطه خود وآشتی با بومیان وارد ایرلند شد . سینود **کاشل** درجلسه‌ئی که هنری حضور نداشت سلطنت او را تصدیق‌کرد.

ك ـ تاریخ اسکاندیناوی

منشاء واصل نژادی : درنوشته‌ها وآثار **پی‌تیاس** ، **پومپونیوس میلا** ، **پلینی‌ارشد** ، **تاکیتوس** ، **بطلمیوس**، **پروکوپیوس** ، **وژوردانس** ازاین سرزمین نام برده شده . بقایای‌باستان شناسی رابطه رومیان را با اسکاندیناوی در قرن سوم میلادی نشان میدهد اما شواهدی از رابطه آن با قاره اروپا وسایر نقاط پیش ازدوره وایکینگها دردست نیست.

دوره وآیکینگ : اسکاندیناوی در خلال



نمونه ناو اسکاندیناوی در قرون وسطی

مهاجرت های بربری ماند تا قرن دوم کنار افتاده ومصون مانده بود . کشورگشائی و توسعه قلمرو وایکینگ که ازخود سرزمین اسکاندیناوی آغازگشت دوره مهاجرت‌ها را دراروپا طولانی‌ترکرده به‌چهار صدسال‌رسانید. شرکت اسکاندیناوی‌ها در مهاجرتهای وایکینگ درسراسر اروپا طبق روایات مورخین بشرح زیر است:

(۱) نروژی‌ها : که به‌اسکاتلند ، ایرلند، وفرانسه (که آنرا مهاجرت باختری نامند) مهاجرت‌کردند **(هرولف معروف به روللو)**.

(۲)دانمارکی‌ها یا داین‌ها (مهاجرت‌وسطی) که به‌جزائر بریتانیا وفرانسه‌وکشورهای‌بلژیك وهلند روی آوردند.

(۳)سوئدها (مهاجرت خاوری)که بکشور-های سلاوی تا قلمرو بیزانتین گسترده شدند **(نووگورود** را در۸٦۲ وکیف را درروسیه‌در ۹۰۰ بنانهادند) .

باید دانست‌که این اقوام مهاجرت‌بزرگ دسته جمعی وگروهی نکرده ودر هر مرحله ازمهاجرت‌باحتمال‌قوی‌درهریك ازقبائل‌بانژاد-های‌بالا افرادی شرکت‌کرده‌اند واین مهاجرتها چند سبب داشته بشرح زیر : (اول)عکس‌العمل پاگان (مشرکین وغیرمسیحیان)که شامـل مسیحیان از دین مسیحیت برگشته نیز بوده است (دوم) فشار جمعیت (سوم) جنگهـای قبیله‌یی وبرده کردن شکست‌خوردگان‌بخصوص پس از ۸۷۲ (واین خود سبب مهاجرت**رولو** در۹۱۱ بوده است) . (٤) علاقه به‌تحصیل منفعت وکسب‌مال (٥) معمول روز وعشق به‌حادثه‌جوئی .

استعمار نروژوی :

(۱) درایرلند : فتوحات نروژدر ایرلند ازسال ۸۲۳ آغاز شد وعده‌ئی ازآنها در دوبلین متمرکز گشتند (سلطنت آنها تا ۱۰۱٤ درآنجا بطول انجامید) وبقیه **درواترفوردو لیمویك** سکونت‌گزیدند ودرهمین موقع رهبانان دانشمند ازآنجا بطرف اروپا براه افتادند که ازآنجمله است . **اسکوتس اریگنا . پیکت‌ها ودانمارکی‌ها** حملاتی بدانجا نمودند.

وچون چندی بعد جزائر اسکاتلند مستعمره اسکاندیناوی ها شد نروژیهای مقیم ایرلند بدان جزائر شنافتند وعده‌ئی که باقی ماندند درسلت‌ها منحل شدند.

(۲) درجزائر : هبرید ، مان ، فاروئس، اورکنیز ، وشتلاند ، (۳)آیسلند : رهبانان ایرلندی در ۷۹۰ بدانجا رسیدند ودر ۸۷٤ بوسیله **نورسها** کشف شد وبلافاصله آنجا را مستعمره خود قرار دادند. و **نروژ جدید** را با تمدنی عالی درآن تاسیس نمودند.

(٤)گرین‌سد . ابتدا **اریك** سرخ ازاهل آیسلند در ۹۸۱ قدم بدانجا نهاد وآنرابفوریت مستعمره نمود . ازگرینلند هیئت‌هائی به-امریکای شمالی راه یافتند . مستعمره‌های نورس درگرین‌لند تا قرن ۱٥ دوام نمود.

تمدن اسکاندیناوی : ذخائر وافری از سکه‌های قدیمه موجود است‌که حاکی ازمنافع حملات اسکاندیناوی ها وبازرگانی آن‌ها با جزائر انگلیس ، مدیترانه ، بیزانتین وآسیای مسلمین میباشد . صادرات ایشان پوست‌وخز واسلحه بود به‌اروپای خاوری و دیگر از مشاغل ایشان سربازی مزدوری بود برای زمامداران‌چنانچه‌عده‌ئی ازایشان‌گاردمخصوصی **اتل‌رد** ، کانوت، شاهزادگان‌وزمامداران‌سلاوی، وامپراطوری بیزانتین را تشکیل میدادند. بازرگانی ایشان با باختر اروپا بوسیله هونها وآوارها در قرن ٥ و٦ میلادی قطع‌گردید ولی‌پس ازآنکه لشکرکشی **روریك** درسال۸٦۲ راه روسیه را انرنوبروی آنها بکشود تجارت ایشان با اروپا تجدید شد .

رونس (ریشه این لفظ از اسکاندیناوی است وبمعنی نوشتن) رسم تحریر قدیم دوره وایکینگ بوده وباحتمال قوی شکلی تغییر یافته از حروف رومن است - درام **اَدداس** که برخی به‌نثر وبعضی به‌شعر است وبطبقه اشراف نروژی بخصوص آیسلندی ارتباط‌دارد وصف خدایان وقهرمانان را میکند (که بسیاری ازایشان ازسنت آلمانی گرفته شده ازقبیل **سیگورد ونی‌بلونگ)** وازعالی ترین آثار ادبی اسکاندیناوی غیر مسیحی وبت پرست‌است.

جامعه اسکاندیناوی بر بنیان‌ثروت‌حاصله ازحملات وبازرگانی استوار بوده و تشکیل یافته بود از یك طبقه اشراف مالك زمین با اجاره داران کشاورز با حق حضور والزام بحضور در دادگاه های محلی . بردگی دراین سرزمین چندان رواج نداشته وعده خیلی‌کمی بردگان وجودداشته‌اند . تنها مجمع عمومی آنها **آلتینگ** بوده است در آیسلند که در ۹۳۰ تاسیس یافته که قدیم‌ترین پارلمان‌ثابتی است‌که تاکنون وجود دارد .

میتولوژی ومذهب : میتولوژی نروژی‌ها از میتولوژی سایر قبایل میتوتونیك بمراتب پیچیده‌تر و بیشتر ازهمه معمائی وافسانه‌وار است .

طبق افسانه‌های ایشان دیوها وپری‌ها وجن‌ها وکوتوله‌ها ومارها جای خودرابه**اودین** فاتح وزوجه‌اش **فریگا** وپسرش **تور** میدهند.

قبول مذهب مسیحی : اولین مسیحیانی کـه باحتمـال قوی از اسرا بوده‌اند درقرن‌ششم دراسکاندیناوی وارد شده‌اند . اولین هیئت سلفین مسیحی که باسکاندیناو آمده بریاست **ویلی بورد** انگلوساکسون بوده ودرحدود سال ۷۰۰ بدین سرزمین قدم گذاشته اما موفقیت چندانی نداشته‌اند و در ۸۲۰ یك میسیون کارولنژی به‌سوئد آمده وشاه **بژورن** مقدم آنها را گرامی داشت . در ۸۳۱ اسقف بزرگ هامبورك دراسکاندیناوی استقرار یافته ومرکز تبلیغاتی شمال را دائرکرد .

۲ـ اروپای خاوری

الف امپراطوری خاوری

تا ۱۰۲۵ میلادی

۵۲۷ـ ۵٦۵ ـ ژوستی‌نیان : وی ازاهل مقدونی ومتولد مقدونی و از۵۱۸ مشاورعمده عمومی خود **ژوستین** بود . ژوستی نیان مردی بسیار جدی وقوی وصاحب طبیعت استبدادی ولی دارای حس قضاوت معتدل بود وضمنا افکاری عظیم در سرداشت اما قویا تحت‌تاثیر زوجه‌اش **تئودورا** (درگذشت ۵٤۸) قرارداشت که زنی بود از اصل پست وظالم ، حیله‌گر بوده و حرص .فراوان داشت اما دارای اراده آهنین بود وشم سیاسی قوی داشت وقضاوت سیاسی او فوق‌العاده بود . هدف سیاست کلی‌ژوستی نیان نیل بقدرت مطلقه‌امپراطوری واحیای امپراطوری مسیحی جهانی رومی‌بود. تمام دوره سلطنت وی همراه با جنگهائی درخاور و باختر بوده و دائما مواجه باحملات بربرها ازشمال بود.

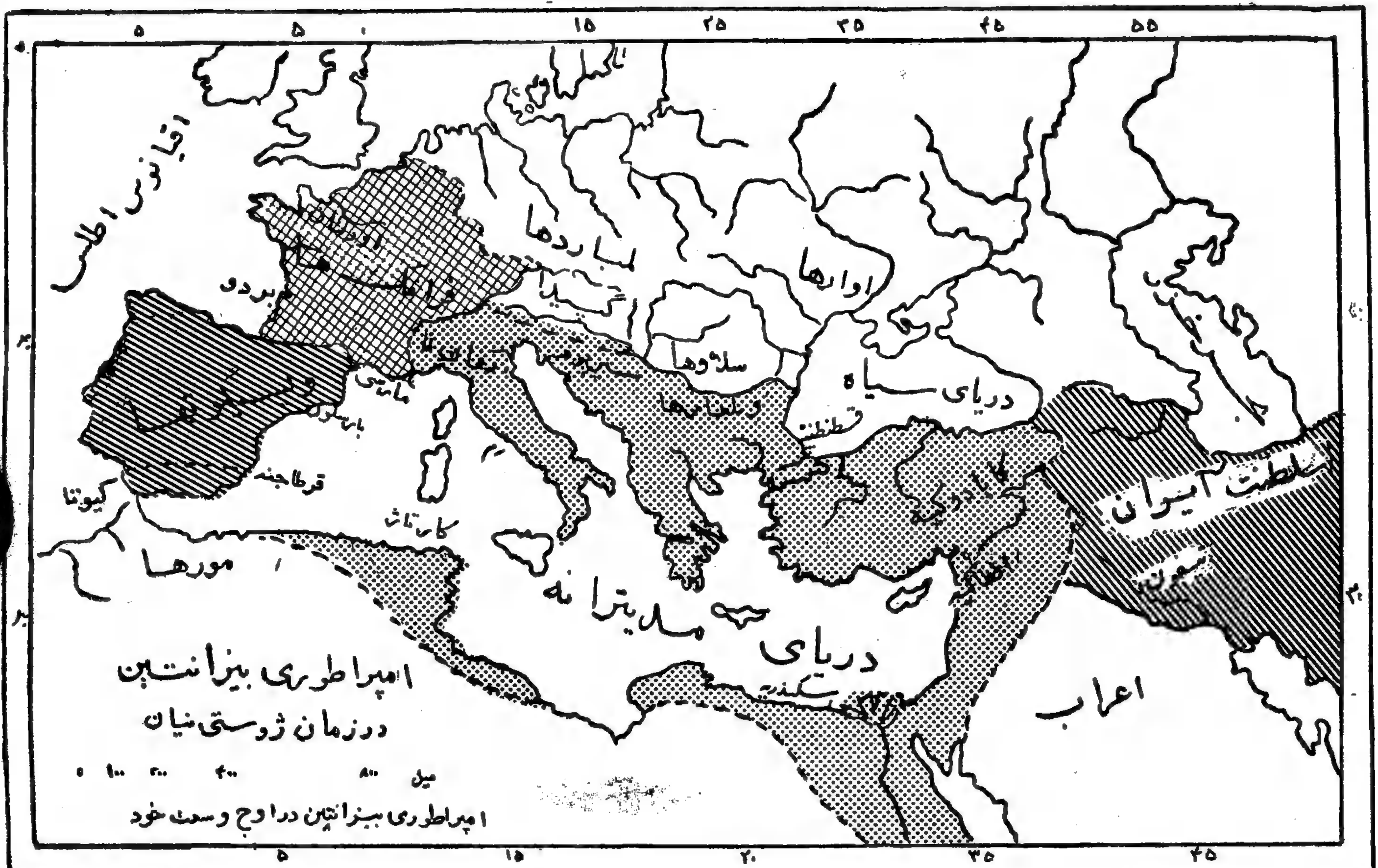
۵۲۷ ـ ۵۳۲ ـ اولین جنگ ژوستی‌نیان با ایران : فرمانده قوای وی **بلیساریوس** در ۵۳۰ در **دارا** پیروز شد ولی در**کالی‌نیکوم**از ایرانیان شکست خورد . بالاخره جنگ در ۵۳۲ به عقد پیمان **صلح دائمی** منجر شدو هدف ژوستی‌نیان ازاین صلح نیرنگی بود تا ارتش امپراطوری را برای عملیات باختر آزاد سازد .

۵۳۲ ـ طغیان نیکا : این آخرین طغیان بزرگ احزاب بوده و منجربه شورش‌وتخریب عظیمی شد که بیشتر شهر قسطنطنیه ازطرف شورشیان بآتش کشیده شد . ژوستی‌نیان تنها بسبب مخالفت واحتیاج‌زوجه‌اش‌تئودورا از فرار ترسید و درشهر باقی ماند تا بالاخره بلیساریوس سردار وی ونیروهای او طغیان را بانتهای بی‌رحمی فرونشاندند ودر حدود ۳۰۰۰۰ نفررا بقتل رسانیدند . ازآن پس دوره حکومت عامه پایان یافته و عصر حکومت مطلقه آغازگردید .

۵۳۵ـ ۵٤۳ ـ فتح افریقای شمالی: بلی‌ساریوس با نیروی بالنسبه مختصری‌که از راه دریا آنها را انتقال داد **گلیمر** غاصب واندالی را شکست داده کلیه سرزمین‌افریقای شمالی باردیگر برای امپراطوری بدست آورد .

۵۳۵ـ ۵۵٤ ـ تجدید فتح ایتالیا : بلیساریوس وسیسیل پیاده شده جزیره را تصرف کرد و سپس جنوب ایتالی را ازچنگ اوستروگوتها بدر آورده در ۹ دسامبر ۵۳٦رم را تصرف نمود . **ویتی‌گس** شاه اوستروگوت شهر را یکسال تمام (۵۳۷ـ ۵۳۸) محاصره کرد ولی نتوانست آنرا بدست آورد .

سال بعد بلیساریوس بطرف شمال پیشروی کرده **ویتی‌گس** را دستگیر نمود. اما پس از احضار بلیساریوس پیشوای تازه استروگوت موسوم به **توتیلا** ایتالیا را دوباره تا ناپل فتح‌کرد (۵٤۱ـ۵٤۳) وی در۵٤٦ شهر رم را هم تصرف‌کرده‌آنرا غارت‌کرد.بلیساریوس مراجعت کرده رم را تصرف‌کرد و سپس در ۵٤۹ آنرا ترک گفته به‌گت‌ها واگذاشت.چندی بعد **نارسس** بجای بلیساریوس مامور شده وی با سپاه عظیمی که بیشتر آنرا بربرهای روزمزد تشکیل میدادند از طریق خشکی از سمت شمال به‌ایتالیا حمله‌کرده استروگوتها



را در جنگ **تاگینا** در ۵۵۲ شکست فاحشی داد و تمام سرزمین ایتالیا را بزیر فرمان امپراطور آورد .

۵۴۰ ـ هونها وبلغارها و سایر قبایل بربری ازدانوب گذشته منطقه بالکان را تا جنوب تا تنگه‌کورینت در معرض تاخت وتاز قراردادند.

۵۴۰ـ ۵۶۲ ـ جنگ بزرگ با ایرانیان (با خسرو اول) . ایرانیان به‌سوریه حملـه کرده انطاکیه را متصـرف شده و سپس **لازستان** وارمنستان وبین‌النهرین را مـورد حمله قرار دادند . در ۵۴۴ **ادسا** رامحاصره کردند ولی به‌نتیجه نرسید . در ۵۴۵ پیمان متارکه بین روم وایران منعقد شد ولی بزودی جنگ در منطقه ماوراء قفقاز تجدید شد. ایرانیان در ۵۴۹ **پترا** را تصرف‌کرده ودر۵۵۱ آنرا باردیگر ازکف دادند. ژوستی‌نیان در **۵۶۲ پیمان صلح پنجاه ساله** با ایرانیان منعقد ساخته وموافقت‌کرد که‌خراجی بایرانیان بدهد اما **لازستان** به امپراطوری روم واگذار شد .

۵۴۲ـ ۵۴۶ ـ بیماری مهلك وواگیـر طاعون بنحو بسیار شدیدی در قسطنطنیه وسرزمین های امپراطوری روم بروزکرد که تلفات هنگفت وارد آورد .

۵۵۴ ـ فتح اسپانیای جنوب خاوری بوسیله نیروی امپراطوری انجام گرفت ـ **کوردووا** پایتخت این ایالت قـرار داده شد .

۵۵۹ ـ هونها وسلاوها تا دروازه‌های قسطنطنیه پیشروی‌کردند ودر آنجا بوسیلـه بلیساریوس بعقب رانده شدند.

اوضاع امپراتوری درزمان ژوستی‌نیان

رابطه ژوستی نیان باکلیسا

ژوستی نیان در ۵۱۹ با رم صلح‌کردو **پاپ جان اول** در ۵۲۵ سفری به قسطنطنیه نمود . ژوستی‌نیان کوشش بسیار کرد تا وحدت کلیساهای خاوری و باختری را عملی سازد . امااین اقدام اورا بواسطه مواجهـه با **مونوفیسیت‌های** سوریه ومصر دچار زحمت نمود (مونوفیسیت‌ها معتقد بوحدت طبیعت مسیح بودند نه به‌وجود دوگانه او) وی‌کوشش کردکه آن ها را نیز رام کند اما به‌نتیجه نرسید .

شکاف بین مسیحیت لاتن و مسیحیت یونانی روبفزونی گذاشت . ژوستی‌نیان شرك وپاگانیسم ومذاهب غیر عیسوی را قدغن کرده آکادمی افلاطونی جدید را در آتن در سال ۵۲۹ ببست . فعالیت وسیع تبلیغاتی مسیحی بین بربرها و درافریقا انجام شد، امپراطور خود را مافوق کلیسا قرار داده وبخود حق داد که حتـی احکام وفتواهائی که صرفا جنبه تئولوژیك (فلسفه مذهبی)دارد صادر نماید .

اداره امور امپراطوری

امپراطور روی دو موضوع‌درستی‌وجدیت پا فشاری میکرد. وی خرید و فروش‌پستهای دولتی را ملغی کرده حقوق و مواجب‌مامورین را افزود و قدرتهای کشوری و لشکری را در ایالات جمع‌آورده بدست مقامات محلـی سپرد .

برای جلوگیری ازهجوم بربرها صدهادژ



هنر بیزانتین ـ (۱۱۸۵ ـ ۱۰۸۱)

در سراسر مرزها ساخته و یك‌سیستم‌نیروهای مرزی تنظیم (مرزبانی)تاسیس‌کرد بنام**لیمیتانی**. از لحاظ مالی بسبب عملیات جنگی دامنه‌دار وهم بسبب فعالیت‌های عظیم ساختمانی‌دربار امپراطوری در مضیقه شدید افتاد.

اصلاح قوانین : ژوستی‌نیان‌کمیسیونی را بریاست **تری بونیان** حقوقدان مامورروشن ساختن قوانین نمود . این کمیسیون کلیـه قوانین اساسی وسایر قوانینی را که اززمان هادریان تا آن تاریخ وضع شده بود دریك کتاب جمع آوری‌کردکه‌به **کدژوستی‌نیان** (۵۲۹) معروف است . سپس شروع بجمع‌آوری عقاید ونظریات ژوریستها نمودکه بنام **دیرست پاند کتس** (۵۳۳) موسوم شد ویك‌کتاب‌درمتن‌قوانین کلی تهیه کرد که **انس‌تی‌توتس** نام دارد.

قوانین موضوعه خود ژوستی‌نیان موسوم به**نوولا** در۵۶۵ جمع‌آوری شد . با این‌کار بزرگ‌کدیفیکاسیون قوانین ژوستی‌نیان احترام ومرتبه ونفوذی عظیم برای حقوق روم فراهم کردکه تا حال باقی است اما درعین حـال‌از احتمال نمو وترقی بیشتر آن کاست.

فعالیت‌های ساختمانی :عصرژوستی‌نیان ازلحاظ‌کثرت و فراوانی ساختمانها از بنـای شهرگرفته تا ساختمان حمامهای عمومـی، قصرها ، پلها ، راهها ، دژها ، کلیساهاو صومعه‌ها درتاریخ قرون سابق نظیر ندارد. این‌زمان‌درواقع دوره‌ابتکار وتجربه‌آزادبوده‌ودر نتیجه‌تنوعاتی غیرمعمول درمعماریهابوجودآمد که عموما واجد عظمت وشکوه هستند واز آنجمله است **کلیسای‌سن‌صوفیا** درقسطنطنیه که درسال‌های بین ۵۳۲ و ۵۳۷ بوسیلـه



مسجد ایاصوفیه در قسطنطنیه از آثار معماری این دوره

۵۹۱ – اوارها تا دروازه قسطنطنیه رسیدند.

۵۹۳ – ارتش امپراطوری بسرکردگی **پریسکوس** بجنگ اوارها رفتند. اوارها در ویمیناکیوم در ۶۰۱ شکست‌خوردندوپریسکوس بطرف **تەئیس** پیشروی‌کرد.

۶۰۲ – شورش لشگریان امپراطور در حوالی دانوب به‌رهبری **فوکاس** منجر بحرکت سپاهیان بطرف پایتخت شده مردم شهر نیز سر بطغیان برداشتند و امپراطور فرار کرد.

۶۰۲– ۶۱۰ – امپراطور فوکاس: وی یك سرباز بیسواد و تعلیم نیافته ومردی جبار وازهر جهت ناصالح برای این مقام بود.

موریس و پسرانش دستگیر شده واعدام شدند وکلیه حامیان وی نیز بهمین سرنوشت دچارگردیدند.

۶۰۶– ۶۰۸ – تجدید جنگ با ایران: ایرانیان باردیگر شهر دارا را تسخیر کرده و در ۶۰۸ سوریه وبین‌النهرین متصرف شده دراناطولی تا **کالسدون** پیشروی‌کردند.

۶۱۰ – توطئه برضد فوکاس برهبری **پریسکوس** وکمك الگزارك (نایب‌السلطنه)افریقا به‌نتیجه رسید. نایب‌السلطنه افریقا سپاهی از راه خشکی اعزام داشت‌که مصر را فتح



ژوستی‌نیان و همراهان وی ـ موزائیك‌کاری‌سال ۵۴۷ بردیوار سن‌ویتال

انتەمیوس ازاهل **ترالس وایسودوروس** از اهل **میلتوس** بنا شده وبزرگترین اثر تاریخی دوره ژوستینیان است. (این کلیسا پس از افتادن قسطنطنیه بدست مسلمین‌مانندبسیاری ازکلیساهای دیگر آن شهر مبدل بمسجدشده به‌**مسجد ایاصوفیه** نامیده شد.)

ادبیات: زمان ژوستی‌نیان عصر احیای ادبیات بوده از جمله آثار این دوره‌کتاب **تاریخ سری** اثر **پروکوپیوس** است دیگر از مورخین مشهور این زمان **آگاتیاس**، **وجان افەسوس** میباشند. احیایا رنسانس شعر کلاسیك یونان دراین دوره انجام گرفت. **رومانوس** خلاق اشعار مذهبی نیز دراین زمان میزیسته است.

دنباله‌کرونولوژی

۵۶۵– ۵۷۸ – ژوستین دوم: برادرزاده ژوستی‌نیان با کمك **تیبریوس** فرمانده‌گارد سلطنت را بدست گرفت. ژوستین مردی محتاط و صرفه‌جو بود که ازهمان سیاست سلف‌خود پیروی کرد اما بیشتر توجه به‌وضع وخیم مالی وخطر روزافزون بربرها داشت. وی در سال ۵۷٤ دیوانه شد وازآن پس **تیبریوس** باشرکت امپراطوریس**صوفیا**حکومت میکرد.

۵۶۸– ۵۷۱– حمله لمبارد به‌ایتالیامنجر به‌ازکف رفتن بیشتر متصرفات امپراطوری در شمال ومرکز گردید اگرچه **راون نا**، و رم، و ناپل حفظ شد.

۵۷۲– ۵۹۱ – جنگ با ایران نتیجه طغیان ارمنستان بودکه امپراطور ازون‌پشتیبانی میکرد.

ایرانیان در ۵۷۳ شهر **دارا** را متصرف شده وسوریه را ویران کردند. در ۵۷۵ خسرو پادشاه ایران سرزمین امپراطوری را تاکاپا دوکیه ویران ساخت ولی بالاخره‌بوسیله **موریکیوس** فرمانده امپراطوری عقب نشینی کرد.

۵۷۸– ۵۸۲ – امپراطور تیبریوس: از وقایع مهم دوره او هجوم سیل مانند سلاوها بودکه تاتراس ویونان پیشروی کرده وبصورت گروه‌های بزرگ در نقاط مختلف بالکان مستقر گردیده ترکیب نژادی جمعیت بالکان‌رابنحوی عمیق وموثر تغییردادند.

۵۸۲– ۶۰۲ –امپراطور موریس (موریکیوس) وی مانند ژوستین سیاست تقلیل بودجه‌و هزینه ومحدودکردن امور را پیروی میکردکه تنها نتیجه آن فقدان وجهه عمومی درپایتخت بود وسلطنت وی با اغتشاشات پیوسته وبسط عدم رضایت همراه بود.

۵۸۳ – اوارها قوت گرفته بصورت قدرتی خطرناك بیرون آمدند وتمام دژهای سراسر دانوب را تصرف‌کردند.

۵۸۹ – ۵۹۱ – آخرین مرحله جنگ با ایران: خسرو اول در۵۷۹ درگذشت.در۵۸۹ یك‌شورش نظامی منجر بخلع خسرو دوم شده وی به قسطنطنیه گریخت. امپراطور در۵۹۱ لشکر عظیمی بخاور سوق داده اورا به‌تخت سلطنت برگردانید وخسرو درعوض آن شهر **دارا** وقسمت بیشتر ارمنستان را بامپراطور واگذاشت.

هنر بیزانتین ـ فتح یك امپراطور را نشان میدهد ـ این تصویر درقـرن ششم برعاج حکاکی شده (موزهٔ لوور)



کردند ویك نیروی دریائی اعزامی ازکارتاژ بهقسطنطنیه رسیده مردم عوام درقسطنطنیه بپا خاسته فوکاس را بقتل رسانیده و **هراکلیوس** پسر نایب‌السلطنه افریقا را بسمت امپراطور اعلام داشتند .

۶۱۰ – ۶۴۱ – هراکلیوس اول موسس یك سلسله تازه گردید . درزمان سلطنت‌وی امپراطوری کاملا یونانی مآب گردیده بصورت یك سلطنت یونانی (بیزانتین) درآمــد. امپراطوری هراکلیوس دروضع خطرناکی قرار گرفته ازشمال مورد تهدید آوآرها وازخاور در معرض تهدید ایرانیان قرارداشت . اما وی نشان داد که هم سازمان دهنده وهم‌سردار نظامی وهم سیاستمدار لایقی است واسقف بزرگ **سرگیوس** راکه مردی با جرئت بودبکمك خود آورد .

۶۱۱ – ۶۲۲ – پیشروی ایرانیان : ایرانیان انطاکیه ، **اپامیا** ، **امزا** ، **کائی‌ساریا** ودمشق را در ۶۱۳ وبیت‌المقدس را در۶۱۴ تصرف‌کردند و**صلیب مقدس**‌راازآنجابه‌**تیسفون** بردند .

در ۶۱۵ ایرانیان در**کالسدونیا** بودندودر ۶۱۹ مصر را فتح‌کردند .

۶۱۶ – متصرفات امپراطوری در اسپانیا بدست ویسیگوتها افتاد .

۶۱۹ – آوارها ازباختر وارد قسطنطنیه شدند وخاور قسطنطنیه نیز درمعرض تهدید ایرانیان قرار گرفت . معهذا هراکلیوس تنها بسبب نفوذاسقف بزرگ جرئت نکرد بافریقا فرارکند .

۶۲۲–۶۳۰ – شکست ایرانیان : هراکلیوس تدبیری اندیشیده سپاه تازه‌ئی فراهم‌کرده و باکمك احساسات شدید و عظیم مذهبی که برانگیخته شده بود (بنام **جهاد بیزانتین**) جنگ را بخاك دشمن کشانیده بطرف سرزمین ایران درماوراء **قفقاز** شتافت وابتکار عملیات را دردست گرفته بحمله پرداخت وسه‌جنگ مهم درآن منطقه نموده وبهیچوجه فکر خود را متوجه آوارها که پی‌درپی به‌منطقه بالکان حمله میکردند ننمود ومساعی خودرا درجنگ باایران متمرکز کرد بالاخره در ۱۲ دسامبر ۶۲۷ در **جنگ‌نینوا** پیروزی قاطعی بدست آورده در ۶۲۸ بطرف تیسفون شتافت.

دراین هنگام خسرو در ۶۲۸ درگذشت واختلافات داخلی بین مدعیان سلطنت وظهور بی نظمی درایران انجام یك صلح دلخواهی را برای هراکلیوس میسر ساخت و طبق‌این صلح کلیه نقاطی راکه ایرانیان فتح کرده بودند به‌روم برگردانیده وصلیب مقدس را نیز پس دادند وبه بیت‌المقدس فــرستاده شد .

۶۲۶ – آوارها وسلاوها ازخشکی ودریا به‌قسطنطنیه حمله کردند ولی نتوانستند از دیوارها بدرون شهر رخنه کنند . این زمان مصادف با اوج قدرت **آوار** بود .

۶۳۴ – ۶۴۱ – فتوحات اعراب : اعراب در ۶۳۴ **بوسترا** ودر۶۳۵ دمشق را متصرف شده در**جنگ یرموخ** در ۶۳۶ تمام خاك سوریه را تصاحب کردند ودر ۶۳۷ بیت‌المقدس را وادار به‌تسلیم نمودند . در ۶۳۹ بین‌النهرین ودر ۶۴۰ تا ۶۴۲ مصر را نیز فتح‌کردند.

۶۳۵ – عقد اتحاد بین امپراطور و **کوورات** پادشاه بلغار که هدف آن درهم شکستن قدرت آوآرها بود.

۶۲۸ – الاتز یا الاکتزیس نام فرمولی‌است که سراسقف **سرکیوس** وسایرروحانیان‌کلیسای خاوری بامید آشتی وآرام کردن‌مونوفیسیت‌ها ابداع‌کردند زیرا مونوفیسیت‌ها بجای‌مخالفت با مسلمین مقدم آنها را گرامی میداشتند. طبق این فرمول عیسی مسیح دارای اراده واحد بوده ولی این اراده واحد درطبیعت دوگانه اوحلول‌کرد(این‌عقیده بنام **مونوتله‌تیسم** نیز خوانده شد) معهذا این فرمول‌هم کاری ازپیش نبرده مورد قبول سوریه ومصر واقع نشد بعلاوه با مخالفت شدیدارتودوکس ایتالیائی ومتصرفات‌افریقائی امپراطوری‌مواجه گشت .

۶۴۱ – هراکلیوس کنستان تینوس پسر هراکلیوس امپراطور شد ولی چند ماه بعد بوضع مشکوکی درگذشت .

۶۴۱– ۶۶۸ – کنستانس دوم پسرزاده هراکلیوس امپراطور شد . وی زمامدارپرکار وجدی ولایقی بود وحداکثرکوشش خودرابرای جلوگیری ازپیشروی اعراب بکار برد وبهمین منظور درسازمان اداری ایالات تغییراتی داده **تم‌ها (تماتا)**را درتحت فرمانداران نظامی بــا قدرت واختیار تام (استراتگوئی) وتسلطایشان بر مـامورین کشوری دائــر نمود . این‌سیستم اختیار و کنترل اداری را بسیـار تقـویت کرده و تا قرنها مبنای سازمان امپراطوری گردید .

۶۴۳– اعراب **اسکندریه** آخرین‌پایگاه یونانیان را در مصر تصرف کردند .

۶۴۷ – ۶۴۸ – اعراب به افریقای شمالی حمله کردند .

۶۴۸ – اعراب یك نیروی دریائی فراهم کرده قبرس را متصرف شدند .

۶۴۹ – پاپ مارتین تعلیمات **اکتزیس** را محکوم کرد ولی نایب‌السلطنه **راوننا** در۶۵۳ او را بازداشت کرده به قسطنطنیه فرستاد .

۶۵۳ – پیشروی اعراب ادامه یافت . اعراب ارمنستان را در ۶۵۳ فتح کرده **رودسن** را در۶۵۴ غارت کردند . در ۶۵۵ یکدسته از کشتی‌های اعراب ناوگان عظیم امپراطوری را که در تحت فرمان خود امپراطور قرارداشت درسواحل **لیسیان** شکست دادند ولی در۶۵۹ پیمان متارکه‌ئی بافرمانده عربی در سوریـه منعقد گردید .

۶۶۳ – ۶۶۸ – انتقال دربار امپراطوری به ایتالیا : کنستانس کوشش بسیار کرد که از فتح سیسیل وایتالی بدست اعراب‌جلوگیری کند و آرزو میکردکه رم را بعنوان پایگاه و مرکز قدرت امپراطوری بوضع قدیم برگرداند ولی خود موفق به فتح ایتالی و بیرون راندن لمباردها از آن سرزمین نشده و در غیبت وی‌هم ازقسطنطنیه اعراب همه ساله مرتبا اناطولی را در معرض تاخت وتاز قرارداده ویران کردند .

۶۶۸ – قتل کنستانس درخلال شورشی در**سیراکیوز** اتفاق افتاد .

۶۶۸ – ۶۸۵ – کنستانتین چهـارم (پوگوناتوس) پسر کنستانس که دارای اخلاق و رفتاری خشن بود ولی سرباز لایقی بود . وی برای فرونشاندن شورشی‌که بقتل پدرش منتهی شده بود به سیسیل آمد ، درمراجعت به‌قسطنطنیه سپاهیان اورا مجبورکردندکـه دو برادرش **هراکلیوس و تیبریوس** را نیـز در سلطنت شرکت دهد معهذا پس‌از سال ۶۸۰ وی به تنهائی امپراطور و بی‌شریك بود . در زمان وی حمله اعراب بحد اعلا رسید وطبق معمول تاخت و تاز سلاوها دربالکان هــم تکرار میشد .

۶۷۳– ۶۷۸– حمله اعراب به‌قسطنطنیه. اعراب پس از محاصره شهر از دریا وخشکی از آوریل تا سپتامبر ۶۷۳ تا مدت پنجسال‌همه ساله حمله به قسطنطنیه را تکرار ومحاصره را تکرار کردند . اما شهر بسبب قوت و استحکام دیوارها و هم بسبب اختراع تازه **آتش پرانی یونانی** بطرف ناوگان اعراب نجـات یافت . در۶۷۷ یونانیان ناوگان اعراب را در **سیلائیوم** درهم شکسته ودر۶۷۸ یك پیمان‌صلح دلخواه سی ساله ازایشان بدست آوردندو تهدید حملات عربی دیگر پس ازآن تا این‌درجه شدت نیافت وامپراطوری نشان دادکه سـد عظیمـی درجلو اعراب برای حفظ اروپـا میباشد .

۶۷۵ – ۶۸۱ – حملات‌سلاوها در **تیسالونیکا** تجدید شد . شهر مقاومت‌کرد اما خوش‌نشینی و سکونت قبایل سلاویك درتراس ومقدونیه و یونان شمالی پیوسته ادامه یافت .

۶۷۹ – ظهور تهدید بلغار : بلغارها کـه از نژاد ترك بودند از جنوب روسیه بطرف باختر فشار آورده و در **بسارابیا** سکونت گزیدند . امپراطور ازعهدهٔ دفع ایشان برنیامد. بلغارها ازدانوب گذشته در منطقهٔ بین‌رودخانه و کوههای بالکان سکونت اختیار کرده بتدریج باسلاوها آمیختند و تا درجهٔ زیادی سلاوم‌آب گشته اولین قدرت فشردهٔ سلاو را دربالکان تشکیل دادند .

۶۸۰–۶۸۱ – ششمین شورای اوکومنیك در قسطنطنیه آئین **مونوتلیت** را کفر و شرك اعلام کرده آنرا محکوم نمود و به کیـش ارتودوکس خالص برگشت . و چون سوریه و مصر از دست مسیحیان بیرون شده بود دیگر ضرورتی نداشت که جانب کیش **مونوفی‌سیت** هم رعایت شود . این رجعت به ارتودوکس برای موقعیت پاپ بمنزلهٔ یك پیروزی بود و باحتمال قوی هدف این رجعت آن بود که موقعیت بیزانتین در ایتالیا تقویت گردد . در واقع در این هنگام که حوزه سر اسقفی (پاتریارك) انطاکیه و بیت‌المقدس و اسکندریه بدست مسلمین افتاده بود بر اهمیت و نفوذ سراسقف قسطنطنیه بمراتب در خاور افزوده شد و تفوق پاپ رم‌تقریبا اسمی بود و معنویتی نداشت .

۶۸۵–۶۹۵ – ژوستی‌نیـان دوم پسـر کنستانتین و آخرین‌امپراطور سلسلهٔ هراکلیان وی در سن ۱۶سالگی به تخت نشست وبزودی نشان داد که جوانی خشن و جبار است اگر چه مانند بیشتر اعضاء خانواده‌اش جدی و پرکار و جاه طلب بود .

۶۸۹ – امپراطور سلاوها را در تراس شکست داده و عدهٔ زیادی از ایشان را بـه آناتولی منتقل کرد .

۶۹۲ – نیروهای بیزانتین در جنـگ **سباستوپول** شکست فاحشی ازاعراب خوردند.

۶۹۵ – شورشی برهبری لئون‌سیوس و بکمك روحانیان و مردم برضد امپراطور بوقوع پیوسته و در نتیجه مدت بیست سال هرج و مرج حکمفرما شد .
ژوستی‌نیان خلع‌شده وبه **کریمه (خرسون)** تبعید شد .

۶۹۵–۶۹۸ – امپراطور **لئون سیوس** . از خواص عمدهٔ سلطنت او تسلط و تفوق آرتش بود .

۶۹۷–۶۹۸ – اعراب بالاخره **کارتاژ** را تصرف کرده و به حکومت بیزانتین درافریقا پایان دادند .

۶۹۸–۷۰۵ – تیبریوس سوم بوسیلهٔ شورش دیگری درآرتش بمقام امپراطوری رسید. واقعه مهم زمان وی طغیان ارمنستان بود برضد حکومت بیزانتین و دیگر حملات مداوم اعراب در آناتولی خاوری .

۷۰۵–۷۱۱ – ژوستی‌نیان دوم – با کمك شاه بلغار به تخت‌سلطنت برگشت وی انتقامی دیوانه‌وار از کلیهٔ دشمنان خود گرفته و یك **حکومت ترور** واقعی برقرار نمود .

۷۱۱ – امپراطور از عهدهٔ جلوگیری **شورشی که در کریمه** با کمك **خزرها** بظهور رسید برنیامد . سپاهیان یاغی برهبری **فیلی پیکوس** بطرف قسطنطنیه‌پیشروی‌کرده وبالاخره ژوستی‌نیان را شکست داده و در جنگی در آناتولی شمالی اورا بقتل رسانیدند .

۷۱۱–۷۱۳ – امپراطور فیلی پیکوس : شخص نالایق و ناصالحی بود و نتوانست جلو حملهٔ بلغارها را که در ۷۱۲ به قسطنطنیه رسیده بودند بگیرد و یا از حملات اعراب در سیلیکیه ممانعت نماید . اعراب **آمازیا** را در ۷۱۲ متصرف شدند .

۷۱۳–۷۱۵ –آناستازیوس دوم –امپراطور که بدست سپاهیان شورشی تراسی بسلطنت رسید . وی در صدد تجدید سازمان آرتش برآمد اما همین اقدام نیزمنجر به شورش تازه گردید .

۷۱۵–۷۱۷ – تئودوسیوس سوم –یك‌نفر مامور دولتی گمنام‌بود که‌بدست ارتش بسلطنت رسید ، وی دربرابر اعراب که در ۷۱۶ تا پرگامون پیش روی کردند عاجز بود . مهاجمین را بالاخره **لئو** حاکم آناتولی عقب نشانیده امپراطور را مجبور باستعفاکرد و طبقهٔروحانی ومردم پایتخت اورابا شوق‌بسلطنت برداشتند.

۷۱۷–۷۴۱ – لئوی سوم (ایسائوریان) موسس **سلسلهٔ ایسائوریان** . وی فرماندهی برجسته ولایق و سازمان دهنده ئی بزرگ بود واقدامات او انضباط را ازنو برقرار ساخت. اوضاع مالی را به برقراری مالیاتهای سنگین اصلاح نمود و هدف **قانون کشاورزی** وی حفظ آزاد مردان و خرده مالکان بود . در ادارهٔ امور کشورسازمان **تم‌ها** را کامل‌کرده تقسیمات وی شامل **هفت تم** (استان) در آسیا و چهار تم در اروپا بود .

۷۱۷ – ۷۱۸ – دومین محاصرهٔ بزرگ قسطنطنیه از طرف اعراب . این محاصره دریائی و خشکی یکسال بطول انجامید و بسبب جدیت در دفاع از شهر بجائی نرسید .

۷۲۶ – آغاز بت شکنی بزرگ (ایکونوکلاستیك): لئو دریافت که سراسر امپراطوری را بطور کلی فساد و فساد اخلاق فراگرفته و کشور وی بازیچهٔ اوهام و خرافات و شکار معجزه سازها گردیده پس مانند بسیاری خیرخواهان پارسایان دیگر (بخصوص در نواحی آناتولی) پرستش شمایل را که فوق‌العاده شیوع یافته بود ممنوع اعلام داشت والبته ضمن این عمل مقصود اساسی دیگری داشت که از نشر وحشت‌آور زندگی خانقاهی (**مانستی‌کیسم**) جلوگیری کند زیرا این مسلك هزاران اشخاص را از فعالیت و زندگی اقتصادی و کار برای کشور بازداشته آنها را بانضمام ثروتهای هنگفت در خانقاه ها جمع‌آورده بود که معاف از مالیات بودند . اولین گامی که در این راه برداشت بلافاصله مواجه با بروز شورشی در یونان گردید (۷۲۷) و یك دسته ناوگان یونانی ضد امپراطور عازم قسطنطنیه گردید . این ناوگان ازطرف ناوگان امپراطوری با بکار بردن همان اختراع آتش پران یونانی درهم شکسته شد . پاپ رم (گریگوری دوم) نیز برضد **ایکونوکلاسم** (بت شکن که مقصود در اینجا همان مخالفت با شمایل‌پرستی است) امپراطور اعلامیه داد . حوزهٔ اسقفی **روان‌نا** نیز قیام کرده با لمباردها برضد امپراطور متحد گردید. تنها با کمك ونیز چند پایگاه حساس در دست نیروهای امپراطور باقی ماند و ناوگان اعزامی از خاور هم نتوانست قدرت بیزانتین را بازگرداند (۷۳۱) – امپراطور در سال ۷۳۳ برای گرفتن انتقام از پاپ **کالابریا** ، **سیسیل** و **ایلیریا** را که درحوزهٔ‌حکومت پاپ‌قرار داشتند از حوزه وی خارج کرده تابع اسقف بزرگ (پاتریارك) قسطنطنیه قرارداد .

۷۳۹ – نیروهای بیزانتین در جنگ **اکروئی‌نون** پیروزی مهمی‌براعراب‌که به آناتولی حمله کرده بودند بدست آوردند .

۷۴۱–۷۷۵ – کنستانتین پنجم (کوپرونی **موس)** پسر لئو که سالها در امر حکومت با پدرش همکاری میکرد بمقام امپراطوری نائل شد . وی مستبد و ناسازگار وتند مزاج ولی لایق و جدی و صمیمی بود . یکی از منسوبان اوباکمك بت‌پرستان وبخشی ازارتش بشورش برخاست و دوسال طول کشید تا آن شورش فرونشانده شد .

۷۴۵ – امپراطور ابتکار حملهٔ بر ضد اعراب را در دست گرفته جنگ را به سرزمین سوریه کشانید .

۷۴۶ – یونانیان یك ناوگان عظیم عربی را درهم شکسته و قبرس را از نو متصرف شدند .

۷۴۶ – امپراطوری گرفتارشیوع‌بزرگترین **بیماری طاعون** گردید که از زمان ژوستی‌نیان تا این زمان سابقه نداشت .

۷۵۱–۷۵۲ – امپراطور جنگی را برضد اعراب در ارمنستان رهبری کرده و پیروز شد اعراب بسبب انقراض خلافت بنی‌امیه انتقال پایتخت از دمشق به بغداد ضعیف گشتند .

۷۵۱ – لمباردها حوزهٔ اسقفی **روان‌نا** را فتح کردند . پاپ سپس فرانکها را دعوت به ایتالی نمود و **پیپن** معروف شد . (رجوع شود به تاریخ پاپ دوم) .

۷۵۳ – شورای کلیسائی هیریا سیاست **ایکونوکلاستیك** (بت شکنی) امپراطور را تصویب کرد و از آن پس مرحله مشاجرهٔ بسیار شدید برسرموضوع آغاز گشت‌رهبانان مقاومت سخت نشان دادند اما امپراطور تسلیم نشد ورهبانان را بزندان انداخت و تبعید کرد و حتی بعضی از آنها را اعدام نمود . خانقاه ها را بست و اموال خانقاه ها را ضبط کرد . شمایل هارا از میان برد یاآنها راکه بردیوارها نقش بود بشست .

۷۵۵–۷۶۴ – ۹جنگ پی‌درپی با بلغارها بوقوع پیوست که در همه آنها امپراطور پیروز گشت . امپراطور در ۷۵۹ در **مارسلا** و در۷۶۳ در **آنشیالوس** بفتوحات درخشانی دربرابر بلغارها نائل گشته در ۷۶۴ آنها را مجبور به عقد پیمان صلح نمود .

۷۵۸ – سلاوها درتراس شکست خوردند و عده زیادی از آنها در آسیا سکونت گزیدند.

۷۷۲ – جنگ با بلغارها تجدید شد و باردیگر امپراطور پیروز گردید .

۷۷۵–۷۸۰ – لئوی چهارم پسرکنستانتین امپراطور شد . وی درمسائل مذهبی همان سیاست و خط‌مشی اسلاف خود را تعقیب کرد .

۷۷۸–۷۷۹ – امپراطور در ۷۷۸ در **گرمانیکلا** بر اعراب ظفر یافته و آنها را از آناتولی بیرون راند .

۷۸۰–۷۶۷ – کنستانتین ششم : کودك‌بود که بسلطنت رسید و مادرش **ایرن** زنی بی‌بندوبار ودسیسه‌کار و جاه‌طلب بودوکسانی که طرف توجه او بودند بنام کودك حکومت میکردند . ایرن از آنجاکه مشتاق کسب قدرت بود منحصرا وقت خود را مصروف مسائل مذهبی نمود . اعراب را که باردیگر در ۷۸۲ تا **بوسفور** پیشروی کرده بودند با دادن باج و خراج سنگین در ۷۸۳ آرام کرد . اما ازطرف دیگر **استوراکیوس** سردار وی در ۷۸۳ درجنگ درخشانی با سلاوها در مقدونیه و یونان پیروز گردید .

۷۸۷ – شورای نیکائیا فعالیت **ایکونوکلاسم** را ترك گفته و بعکس فرمان داد که شمایل ها را پرستش کنند . صدور این فرمان پیروزی عظیمی برای حزب رهبانان بود که بزودی بمقام اول خودبرگشتند و آزادی کلیسا در مسائل مذهبی از آن محرز و تکمیل گردید

۷۹۰ – ارتش بارهبانان‌بمخالفت‌برخاسته بشورش‌پرداخت وکنستانتین‌را بقدرت رسانید، **ایرن** مجبور به گوشه‌گیری شد . امپراطور بجنگ با بلغارها و اعراب پرداخت ولی‌برهیچ یك فائق نیامد .

۷۹۲– کنستانتین مادرخودرا بازخوانده و او را در حکومت با خود شریك ساخت . ایرن از طریق پستی از او سوء استفاده نموده و او را وادار کرد که زوجه‌اش را طلاق گوید و در ۷۶۵ زن دیگری برای او گرفت و خودرا در راس حزب رهبانان مخالف با امپراطور قرارداد . شورشی در ارتش اتفاق افتاد که سبب شد ایرن اختیارات حکومت را در دست گیرد اوبلافاصله پسرش را دستگیر کرده وکور کرد (۷۹۷) .

۷۹۷–۸۰۲ – ایرن اولین امپراطریس در سلطنت روم اگر چه سرداران نظامی لایقی‌چون **استوراکوئیس و آئه‌تیوس** بحمایت اوبرخاستند ولی ترجیح داد که بادادن پول صلح اعراب را خریداری کند (۷۹۸) و وجود خود را وقف انتریگ‌های داخلی نماید .

۸۰۰ – **طغیان درباختر** و تاجگذاری شارلمان . امپراطوری خاور از شناسائی شارلمان خودداری کرد .

۸۰۲ – ۸۱۱ – نیسه‌فوروس براثرتوطئه گروهی از مامورین دولت بسلطنت رسید . این ازسلطنت خلع‌شده و در ۸۰۳ درگذشت. نیسه فوروس زمامداری جدی بود و چندین اصلاحات در امور مالی بعمل آورد که بسیار ضرورت داشت .

۸۰۳ – امپراطور با شارلمان صلح کرد و در نتیجه ایتالیای جنوبی و ونیز و دالماسیا برای امپراطوری خاور باقی ماند .

۸۰۴–۸۰۶ – اعراب تاخت‌وتاز های خود



نیسه‌فوروس امپراطور بیزانتین و افسران وی
(مینیاتور کار قرن یازدهم)

را در آناطولی ازسرگرفتند و قبرس و رودس را تاراج کردند و صلحی تحقیر آمیز را بر امپراطور تحمیل نمودند .

۸۰۹ – تبعید رهبانان **استودیون** که برهبری **تئودوروس** از اهل استودیون دعوی آزادی‌عملیات کلیسارانمودند وتاآنجا بمخالفت امپراطور برخاستند که به پاپ رم متوسل شده و حاضر شدند تفوق پاپ رم را برسمیت بشناسند .

۸۰۹–۸۱۳ –جنگ با **کروم** پادشاه مقتدر بلغارها . امپراطور در یك جنگ بزرگ در۸۱۱ شکست خورده و کشته شد .

۸۱۱– **استوراکیوس** پسر نیسه فوروس تنها چند ماهی سمت امپراطور را داشت .

۸۱۱–۸۱۳ – **میخائیل اول** (رانگابه) از منسوبان امپراطور استوراکیوس که معلوم شد بسیار نالایق و ناصالح است و نتوانست جلو پیشروی **کروم** را به قسطنطنیه بگیرد و یا از موفقیت حزب‌رهبانان در امور داخلی جلوگیری کند .

۸۱۳–۸۲۰ – **لئوی پنجم** (ارمنیان)بدست ارتش برتخت نشست . اگر چه شخصا علاقه چندانی به بحث های مذهبی و امور دینی نداشت ولی نتوانست در برابر مبارز طلبی رهبانان سکوت کند .

۸۱۵ – **شورای سن صوفیا** ایکونوکلاسم (بت شکنی) را احیا کرد و دوره دوم فعالیت شدید ضد رهبانان و تعقیب سخت آنان آغاز شد .

۸۱۷ – امپراطور را فتح بزرگی دربرابر بلغارها در **مسمبریا** نصیب گشت (**کروم** در۸۱٤ درگذشته بود) بلغارها ناگزیر شدند یك صلح سی ساله را بپذیرند .

۸۲۰–۸۲۹ – **میخائیل دوم**(موسس‌سلسلهٔ فریژی) پس از قتل لئو بدست توطئه گران بسلطنت رسید .

۸۲۲–۸۲٤ – **توماس** سردار نظامی در آناتولیا دست بطغیان زد . طبقات پائین این شورش را تقویت کرده و اعراب آنرا تشویق نمودند . توماس دومرتبه‌کوشش‌کرد تاقسطنطنیه را تصرف کند ولی بالاخره شکست خورد ، و در تراس اعدام شد .

۸۲۶ – **جزیرهٔ کرت** بدست راهزنان مسلمان افتاد که ازاسپانیا بدانجا آمده بودند و تا سال ۹٦۱ در تصرف ایشان بوده آنرا مرکز و ستاددزدیهای دریائی‌قرارداده مدیترانه شرقی را بباد تاراج گرفتند .

۸۲۷–۸۷۸ – **فتح جزیرهٔ سیسیل** بدست مسلمین از ناحیهٔ شمال افریقا .

۸۲۹–۸٤۲ – **تئوفیلوس** امپراطور . وی مردی خودبین و متکبر و متعصب در مذهب بود و فرمان تازه‌ئی در۸۳۲ برضد بت‌پرستان صادر کرده و تعقیب مذهبی را بحد افراط رسانید .

۸۳۷–۸۳۸ – **جنگ بااعراب** . ارتش بیزانتین پس از حملهٔ به سرزمین خلافت‌عقب رانده شدند . شهر **آموریون** که از نقاط استراتژیکی مرزی بود پس از یك محاصرهٔ طولانی در ۸۳۸ بدست مسلمین افتاد .

۸٤۲–۸٦۷ – **میخائیل‌سوم** که مادرش تئودورا بعنوان نایب‌السلطنه حکومت میکرد. تئودورا بنابه نصیحت برادرش **بارداس**تصمیم گرفت‌که بمشاجرات مذهبی پایان دهد .

۸٤۳ – **شمایل پرستی عودکرد** واین‌خود پیروزی بزرگی برای حزب مخالف بود اما اینمرتبه در مسائل مذهبی و آئینی پیروز گشتند . ازلحاظ سیاسی اگر بر قدرت امپراطور و تسلط وی برکلیسا افزوده نشده باشد چیزی ازآن کاسته نشد .

۸٤۹ – جمعیت سلاوی پلوپونزی پس‌از آنکه بکیش عیسوی درآمدند تقلیل یافت .

۸۵٦ – تئودورا مجبور به کناره‌گیری‌شد ولی برادرش **بارداس** که مردی لایق اما سیاستمداری بی‌مسلك وبی‌مرام بود ازضعف امپراطور حداکثر استفاده راکرده و قدرت واقعی امپراطوری را دردست داشت .

۸٦۰ – **اولین ظهور روسها** (ورنگیان‌ها) در قسطنطنیه

۸٦۳–۸۸۵ – فعالیت تبلیغاتی مذهبی **سیریل و متودیوس** از اهل **تسالونیکا** در میان سلاوهای . موراویا و بوهیمیا . ایندو مبلغ **الفبای گلاگولیتیك** (یعنی سلاویك) وضع‌نموده وبا بکار بردن زبان سلاویك در مراسم‌کلیسائی راه را برای ارتباط دادن مسیحیت سلاویك با قسطنطنیه بازکردند.

۸٦۵ – **تزاربوریس** قیصر بلغارستان (۸۵۲–۸۸۹) اجازه داد که اورا تعمید نمایند و بکیش مسیحیت درآید . اگرچه میخائیل‌سوم نسبت به‌او نقش پدر مذهبی را در عهده گرفت ولی زمامدار بلغاری مدتها مردد بودکه بین دعاوی رم و قسطنطنیه نسبت بحق‌قضاوت و تسلط مذهبی در بلغارستان کدام‌یك را بپذیرد .

۸٦٦– **بارداس** بدست **باسیل** دوست میخائیل بقتل رسید .

۸٦۷ – میخائیل نیز خلع شده بحکم **باسیل** تبعید شد

۸٦۷ – **انشعاب ازرم** : در ۸۵۸ **فوتیوس** پاتریارك بزرگ قسطنطنیه بجای **ایگناتیوس** نشست . ایگناتیوس به پاپ رم متوسل‌گردید. فوتیوس بنمایندگی احساسات ملی یونانی برضد پاپ قیام‌کرد و دعاوی پاپ را مردود شناخت و **شورای قسطنطنیه** در ۸٦۷ پاپ را لعن‌کرده اورا متهم بانحراف از آئین نموده منکر عقیده تفوق پاپ در جهان مسیحی گردید .

۸٦۷–۸۸٦ – **باسیل اول** موسس **سلسلهٔ مقدونی** (وی اگرچه در مقدونیه تولد یافته‌بود در واقع از نژاد و ملیت ارمنی بود) . دورهٔ سلطنت وی را شاید بتوان مشعشع‌ترین دوره تاریخ بیزانتین دانست . امپراطوری در این زمان کاملا بصورت یك سلطنت مطلقه یونانی ودر تحت حکومت یك زمامدار مستبد درآمده بود . حل موضوع مشاجرهٔ ایکونوکلاستیك‌که سالها وقت مردم را گرفته بود نیروهای ملی را آزاد کرد و بدنبال این یك دوره موفقیت های درخشان نظامی و مترقی مادی و ازدیاد ثروت و آبادی و ترقی فرهنگی پیش آمد، از جمله تحولات این زمان شناسائی فکر حقیقت سلطنت و خانواده امپراطوری بود بموازات ظهور تدریجی سیستم فئودالیسم در سرزمین های بیزانتین .

باسیل اول زمامداری قوی‌الاراده ، باهوش و منظم و مدبر وهم سرداری لایق‌بود. وی آرزو داشت که عظمت امپراطوری‌راهم در داخله وهم در خارجه اعاده دهد . در ارتش و بخصوص در نیروی دریائی تجدید سازمان داد و برای تجدید نظر در سیستم حقوقی کوشش فراوان کرد . و مهم‌ترین قوانین ژوستینیان و هم قوانین عادت را جمع‌آوری و مدون کرد .

۸٦۹ – سینودهشتم**اوکومنیك**فوتیوس‌را در ۸٦۷ تبعید کرده و ایگناتوس را فراخواند. ایگناتوس با رم آشتی نموده شرایط رم را

پذیرفت بااینحال اختلاف و تصادم بین رم و قسطنطنیه همچنان ادامه یافت .

۸۷۹ـ۸۷۱ ـ جنگهای خاور : جنگ‌های مرزی بااعراب شدت یافته و مبارزه‌ئی تازه برضد پائولیسیانها (پیوریستهای مسیحی مخالف امپراطور ـ پیوریست یعنی‌ملانقطه‌ئی) بوجود آمده بود . ارتش امپراطوری بطرف فرات‌علیا پیشروی کرده در ۸۷۳ **ساموزاتا** را تصرف‌کرد . در ۸۷۸ـ۸۷۹ جنگهای موفقیت آمیزی در کاپادوکیه و سیلیکیه بوقوع‌پیوست. در خشکی نیروهای بیزانتین بتدریج وضع تهاجمی نسبت بمسلمین گرفتند زیرا مسلمین بسبب نفاق و اختلافات داخلی در حال تنزل بودند

۸۷۵ ـ نیروهای بیزانتین **باری** را در ایتالیای جنوبی تصرف کردند در سال ۸۸۰ تارنتوم ودر ۸۸۵ **کالابریا** را بدست آورده دو استان تازه (تم) در ایتالیای جنوبی بوجود آوردند که پناهگاه یونانیانی شد که از سیسیل براثر فتح‌مسلمین رانده شده‌بودند (مسلمین شهر سراکیوز را در سیسیلی در ۸۷۸ و **تائورمینا** را در ۹۰٤ متصرف شدند)

۸۷۷ ـ بار دیگر فوتیوس بجای سابق خود برگشته پاتریارك قسطنطنیه شدوروابط بارم را از نو قطع کرد .

۸۸۱ـ۸۸۰ ـ فتوحات دریائی مکرری بر علیه دزدان دریائی مسلمین در خاورمدیترانه نصیب بیزانتین شد و این خود آغازیك‌مبارزه طولانی در برابر این بلای تازه در مدیترانه بود .

۹۱۲ـ۸۸٦ ـ لئوی ششم (معروف بـه خردمند) فیلسوفی علم فروش و ملانقطی‌ودر عین‌حال زمامداری مصمم بود که الزاما مقام خودرا احساس میکرد . وی فوتیوس‌راازسمت سراسقفی قسطنطنیه فوری عزل کرده باردیگر ایگناتیوس را بجای وی گذاشت . نتیجه این تجدید اتحاد بارم بود (۹۰۰) که بازهم جنبه ظاهری و خارجی داشته فاقد معنویت بود.در زمان لئو باردیگر جمع‌آوری قوانین و اصلاح امور قضائی تعقیب‌شد . **باسیلیکا**(۸۸۷ـ۸۹۳) یك سلسله کتب قوانین تازه در شصت مجلد تهیه کرد که بیشتر آن عبارت از فرامین‌صادره از زمان ژوستی‌نیان ببعد بود .

۸۸۹ ـ جنگ با بلغارها که دراین‌هنگام برهبری **تـزار سیمئون** (۸۹۳ـ۹۲۷) بـدوره عظمت تازه‌ئـی وارد شده بودند . امپراطور مجارها را تشویق بحمله به بلغارها کرد و بسبب این جریان بیشتر دوره سلطنت‌سیمئون به‌جنگ برضد این دشمن تازه مصروف شد . سیمئون در قسطنطنیه تربیت یافته و تحت تاثیر فرهنگ و تمدن یونانی قرار داشت‌وآنرا به‌بلغارستان آورد .

۹۰٤ ـ غارتگران ساراسن (عرب) بکمك **لئو** از اهل طرابلس به **تسالونیکا** ریخته آن منطقه را غارت کرده و بیست هزار نفر از سکنه را همراه بردند.

۹۰۷ ـ روسها باردیگر برهبری شاهزاده خود **اولگ** درقسطنطنیه ظاهرشده‌حق‌بازرگانی را بدست آوردند .

۹۱۳ـ۹۱۲ ـ الکسانـدر برادر لئو در مدتی کمتر ازیکسال سمت امپراطوررا داشت.

۹۵۹ـ۹۱۳ ـ کنستانتین هفتم :درکودکی بسمت امپراطور تعیین شد و نیابت سلطنت وی بعهده هیئتی بود مرکب از مادرش **زویه** Zoë و پاتریارك **نیکلاس** ، و **جان‌الاداس**. کنستانتین مردی بود دانشمند و دارای ذوق هنری (آرتیستیك) وی در حقیقت هیچگاه حکومت نکرد و انجام واقعی امور را بدست مردانی قوی که با او آمیزش داشتند محول کرده بود .

۹۱۷ـ۹۱۳ ـ تهدید بلغارها : تـزار **سیمئون** که پایتخت مجللی در **پرسلاو** (که مقر پاتریارك یا سراسقف بلغار نیز بود) تدارك کرده بود خود را امپراطور رومیان لقب داده و امید آنرا داشت که روزی برتخت امپراطور جلوس کند . در سال ۱۹۱۳ در قسطنطنیه دیده شد و در ۹۱٤ ادریانوپل را تصرف کرد و دوباره آنرا از کف داد اما در ۹۱۷ ارتش بیزانتین را در **آنکیالوس** شکست داد جنگ سالهـا بدون نتیجه قطعی بطول انجامید . در ۹۲٤ باردیگر در قسطنطنیه ظاهر شد .

۹۱۵ ـ پیروزی بیزانتین براعراب در **گاری‌گلیانو** باعث حفظ مستملکات امپراطوری در ایتالی جنوبی گردید .

۹٤٤ـ۹۱۹ ـ رومانوس لکاپنوس شریك مقام امپراطوری با کنستانتین . وی که شوهر مادر امپراطور بود از قوم ارمنی و مردی

نقشی از خیلفه عباسی که از طلا ساخته‌شده‌است



لایق اما بی‌رحم بوده سیاست وی ازدیاد قدرت و اختیارات خود و بالا بردن خانواده خودش بود .

۹۲۰ ـ ۹۴۲ ـ جنگهای درخشان جان کورکواس سرداربیزانتین‌درخاور. وی‌ارض‌روم را در ۹۲۸ و ملی‌تن را در ۹۳٤ متصرف شده و حوزه قدرت امپراطوری را تا فرات و دجله توسعه داد .

۹۲۰ ـ تجدید اتحاد رسمی با رم

۹۲٤ ـ ناوگان‌دزدان‌دریائی لئوی‌طرابلسی در خارج لمنوس شکست فاحشی خورده کاملا درهم شکست با اینحال مدیترانه همچنان در معرض تطاول دزدان دریائی مسلمین قرار داشت .

۹۲۷ ـ سرزمین‌امپراطوری گرفتارقحطی شدیدی شد که باحتمال قوی نتیجه وضع قوانینی بود از طرف دولت که خرید جنس را از کشاورزان کوچك از طرف اربابان و مالکین بزرگ و ثروتمندان منع میکرد .

۹٤۱ ـ یك ناوگان بزرگ روسی برهبری پرنس ایگور از یونانیان شکست فاحشی خورد

۹٤٤ ـ امپراطور رومانوس بدست پسران خود که برای تعالی وترقی آنها کوشش فراوان میکرد دستگیر وزندانی شد (ودر۹٤۸درگذشت) و امپراطور کنستانتین از آن پس رسمازمامدار بی‌شریك امپراطوری گردید ولی با کمك‌بارداس فوکاس سردار بزرگ بیزانتین و تحت نفوذ امپراطریس هلنا و دوست او باسیل حکومت میکرد .

۹۵۵ ـ اولگا شاهزاده خانم روسی از قسطنطنیه دیداری بعمل آورده وغسل تعمید کرده بکیش عیسوی درآمد .

۹۵۹ ـ ۹۶۳ـ رومانوس دوم . پسرمسرف و ولخرج کنستانتین سلطنت کرد .

۹۶۱ ـ تجدید فتح جزیرهٔ کرت بدست دزدان دریائی اعراب . ناوگان عظیمی بریاست نیسه فوروس فوکاس برای دفع ایشان اعزام شد کاندیا مورد حمله قرارگرفته تصرف شد و مسلمین از جزیره برون رانده شدند و یاآنکه بکیش مسیحی درآمدند .

۹۶۲ ـ اوتوی اول امپراطور روم‌درباختر مدعی سلطنت برلمباردها در ایتالی جنوبی شده و یك دورهٔ کشمکش با قسطنطنیه راآغاز کرد که تنها مدتی‌موقتی درهنگام ازدواج اوتوی دوم با تئوفانو شاهزاده خانم بیزانتین در۹۷۲ قطع گردید .

۹۶۳ ـ ۱۰۲۵ ـ باسیل دوم در هنگام درگذشت پدرش کودکی خردسال بود لذا با شناختن حق وی به تخت و تاج تا وقتیکه به سن رشد رسید دونفر از سرداران نظامی که با وی همراه بودند حکومت گردند .

۹۶۳ـ۹۶۹ـ نیسه فوروس فوکاس که در جنگی درخاورپیروز شده‌بود قدرت را دردست گرفته با تئوفانو امپراطریس بیوه زناشوئی کرد . با آنکه‌وی محبوبیتی درمیان عامه‌نداشت و بخصوص روحانیان با اومیانه‌ئی نداشتند بسبب پیروزیهایش درمیدان جنگ به رسانیدن امپراطوری به حد اعلای عظمت خود کمك فراوان کرد .

۹۶٤ـ۹۶۸ ـ جنگ و پیروزی در خاور : در ۹۶٤ ادانا و در ۹۶۵ تارسوس بتصرف نیروی امپراطوری‌درآمد . قبرس از نوفتح شد و در ۹۶۸ سوریه شمالی مورد حملهٔ سپاه بیزانتین واقع شد . حلب و انطاکیه بدست یونانیان افتاد .

۹۶۶ـ۹۶۹ ـ جنگ بابلغار با کمك سویاتوسلاو و روسها انجام گرفت . ناوگان روسی در دانوب چنان قدرت یافت که یونانیان با بلغارها از در آشتی درآمدند .

۹۶۹ ـ نیسه فوروس فوکاس براثر توطئه‌ئی بدست افسران وبرهبری برادرزاده خودش برانداخته شد .

۹۶۹ـ۹۷۶ ـ جان زیمی‌سس از ارامنه که یکی از بزرگترین سرداران بیزانتین بود بقدرت رسید .

۹۶۶ ـ سویاتوسلاو روسی از کوههای بالکان گذشته فیلیپ پوپولیس را تسخیر کرد. جان زیمی‌سس بطرف وی شتافته او را نزدیك ادریانوپول شکست داد و باکمك ناوگان‌بیزانتین در دانوب او را مجبور کرد که در ۹۷۲ بلغار را تخلیه کند . جان سپس بلغارستان خاوری را تا برسد به دانوب به سرزمین امپراطوری ملحق ساخت . حوزهٔ سراسقفی (پاتریارکی) پرسلاو منحل گردید .

۹۷۱ ـ طغیان بزرگ فئودالی برهبری بارداس فوکاس با زحمت بسیار فرونشانده شد .

۹۷۲ ـ ۹۷۶ ـ ادامه جنگ در خاور : جان ادسا وتریب رادر ۹۷٤ ، دمشق‌وبیروت را در ۹۷۶ تصرف کرده تا دروازه های بیت‌المقدس پیشروی کرد و در آنجا بسبب مقابله نیروهای مسلمین که از مصر اعزام شده بودند متوقف گردید .

۹۷۶ ـ درگذشت ناگهانی جان زیمی‌سس در سن ۵۱ سالگی .

۹۷۶ـ۱۰۲۵ ـ باسیل دوم (معروف به بلغارکش) زمامدار بی‌شریك گردید در این هنگام بیست سال داشت اما جدی وپرکار ، شکاك و جبار بود . تاسال ۹۸۹ بسیار در تحت تاثیر باسیل خواجه (فاقد نیروی جنسی) پسر نامشروع رومانوس‌لکاپنوس قرارداشت.سلطنت باسیل با طغیان‌فئودالی بزرگ دیگری برهبری بارداس اسکله‌روس آغاز گردید که سپاه خود را از خاور از راه آناطولیا بطرف قسطنطنیه سوق داد . باسیل متوسل به بارداس فوکاس رهبر شکست خورده طغیان فئودالی قبلی متوسل گردید و وی هم پذیرفته در ۹۷۹ اسکله روس را در پانکالیا شکست داد .

۹۷۶ـ۱۰۱٤ ـ تزار ساموئل قیصر بلغارستان امپراطوری‌بزرگ‌دیگری دربلغارستان بنیان گذاشته پایتخت خود را در آکرید‌قرار داد و سرزمین خود را از طرفی تا دریای آدریاتیك و از سمت دیگر تا دریای سیاه و از دانوب تا پله‌پونزی توسعه داد . وی در۹۸۱ باسیل را نزدیك صوفیه شکست داد .

۹۸۷ ـ قیام بارداس فوکاس وبارداس اسکله روس ضد باسیل وقدرت‌امپراطوری بارونهای بزرگ فئودالی آناطولی را تصرف کردند . و در ۹۸۸ قسطنطنیه در معرض تهدید ایشان قرارگرفت ولی با شکست فوکاس در ابیدوس در ۹۸۹ و درگذشت وی نهضت شکست خورد و اسکله روس هم مطیع گشت.

۹۸۹ ـ ولادیمیر شاهزادهٔ روسی در خرسون بکیش عیسوی درآمد . و از این زمان گرویدن عمومی‌روسها به کیش مسیحیت‌خاوری و رابطهٔ نزدیك بین کیف و قسطنطنیه آغاز گردید .

۹۹۲ ـ امتیازات وسیع بازرگانی در امپراطوری به ونیز داده شد که در این زمان کاملا مستقل و آزاداز دخالت دولت‌امپراطوری بود اما با قسطنطنیه در دریای آدریاتیك همکاری نزدیك داشت .

۹۹۵ ـ جنگهای‌توام با پیروزی امپراطور در خاور : حلب و حمص بتصرف امپراطور درآمده سوریه ضمیمه امپراطوری شد .

۹۹۶ ـ قانون اصلاحات ارضی و تقسیم زمین ها بین دهقانان از طرف باسیل دوم بسیاری از املاك بزرگ توقیف شده و بین دهقانان تقسیم گشت و مقرراتی وضع شد تا از بسط بیشتر فئودالیسم جلوگیری شود .

۹۹۶ـ۱۰۱٤ ـ جنگهای بزرگ با بلغارها : باسیل در ۹۹۶ ساموئل را در کنار رودخانه اسپرکیوس شکست داده یونان را از دست بلغارها بدرآورد . در ۱۰۰۲ مقدونیه را تصرف کرد . ساموئل باردیگر قوائی جمع کرده بجنگ پرداخت و مقدونیه را پس گرفته در ۱۰۰۳ ادریانوپول را غارت کرد . در ۱۰۰۷ باردیگر باسیل مقدونیه را متصرف شد و پس از سالها جنگ بی‌نتیجه در ۱۰۱٤ موفق شد که سپاه بلغار را در بالاتیستا نابود سازد . وی چندین هزار از سربازان بلغاری را کور کرده نزد ساموئل فرستاده ساموئل از وحشت جان داد. بالاخره در ۱۰۱۸ بلغارها تسلیم گشتند ولی بایشان استقلال داده شد وکلیسای اتوسفالوس در آرکید نیز بآنها واگذار گشت . بسیاری از خانواده های اشراف بلغاری در قسطنطنیه سکونت گزیده و با اشراف یونانی و ارمنی مخلوط گشتند .

۱۰۱۸ ـ نیروهای بیزانتین در برابر قوای مرکب از لمباردها و نورمان ها در کان نائه به پیروزی بزرگی نائل گشتند و بار دیگر تسلط یونانیان در ایتالیای جنوبی مسلم شد .

۱۰۲۰ ـ پادشاه ارمنستان که از مدتها پیش با یونانیان ضد اعراب متحد شده بود برای فرار ازتهدیدتازه از جانب ترکان‌سلجوقی سلطنت خود را به باسیل واگذاشت . از آن پس امپراطوری مرزهای خود را درماوراء قفقاز و سراسر رود فرات مستحکم کرد .

تمدن و فرهنگ بیزانتین

تمدن و فرهنگ بیزانتین در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم میلادی باوج ترقی خود رسید . قلمرو امپراطوری از ایتالیا تا بین‌النهرین گسترده شده و نفوذ آن حتی تا مسافتی دورتر نیزتوسعه یافته بود. قسطنطنیه در واقع بصورت‌مرکز اقتصادی و هنری جهان مدیترانه درآمده بود .

حکومت : امپراطور در حکومت بیزانتین زمامدار مطلق بوده و تقریبا مقدس و واجب‌الاحترام شمرده میشد . در زمان امپراطورهای سلسله مقدونی عقیدهٔ به‌حقیقت قانونی امپراطور ریشه کرد و مستحکم گردید . دربار امپراطور منعکس کنندهٔ قدرت و شکوه و جلال امپراطور بود .

مراسم و تشریفات وسیع و مبسوط

معمول بود کنستانتین هفتم کتابی بنام کتاب تشریفات نگاشته است . امور اداری **حکومت** کاملا در قسطنطنیه‌تمرکز یافته بود و از لحاظ تاثیر و قوت بی‌نظیر بود . خزانه پر بود معهذا بازهم برعایدات آن بوسیلهٔ اخذ مالیاتها و گمرک و انحصارات افزوده میشد . نیروهـای زمینی و دریائی در اوج ترقی و تکامل قرار داشتند و سازمانی عالی و رهبری کامل در ارتش وجود داشت . **استانها در تحت اداره** استاندار **(استراتگوئی)** قرارداشتند دراین زمان ۳۰ **تم** یا ولایت (۱۸ در آسیا و۱۲ در اروپا) وجود داشت ولی بسرعت برتعداد و قدرت متنفذین و اعیان وثروتمندان محلی و بارونهای فئودال که بتدریج اراضی را از دست خرده مالك بیرون میآوردند افزوده میشد و روز بروز نفوذ ایشان فزون میگشت **تا آنجا که با شخص امپراطور** بمبارزه برمیخاستند و قوانین موضوعه امپراطور های سلسله مقدونی هم نتوانست جلو این جریان را بگیرد .

کلیسا : کلیسا ارتباط بسیار نزدیك با تخت وتاج داشت اما دراینده‌وره بیش از پیش ثروتمند شده و بتدریج یك طبقه اریستوکراسی مذهبی و یکدستگاه اشرافی روحانی بوجود آورده اتحاد قسطنطنیه با رم در فواصلی که صورت میگرفت تنها اسمی و ظاهری بود . پاتریارکهای یونانی‌در عمل نسبت بدعوی رومیان و پاپ روم خشمگین بود . وبی میلی و شاید نفرت یونانیان به لاتن ها همکاری واقعی بین رم و قسطنطنیه را غیر ممکن میساخت .

زندگی اقتصادی : امور اقتصادی کاملا در دست دولت بود که قسمت زیادی از عایدات خود را از گمرکات و انحصارات تامین میکرد . با اینحال این دوره را باید دورهٔ توسعهٔ بزرگ‌اقتصادی امپراطوری خاوری دانست و قسطنطنیه نقطه رابط بین خاور و باختر در روابط اقتصادی و بازرگانی بود و همچنین مرکز بزرگ صنعت و تجملات بود تجارت در آنجا بصورت اصناف و غیره دارای سازمان بود .

تعلیمات : دانشگاه قسطنطنیه (که در ۸۵۰ گشایش یافت) بسرعت مرکز مطالعات فلسفی و علوم انسانی گردید و امپراطور ها نسبت بدان علاقه مستقیم نشان میدادند . در قرن ۱۱ بزرگترین دانشمند بیزانتین موسوم به **پسللوس احیاکنندهٔ** فلسفه افلاطون ونابغهٔ جهانی بوجود آمد . در قسمت ادبیات علاقه‌ئی به رجعت به سبك های یونانی آغاز دورهٔ بیزانتین دیده میشد . مورخین معروف این زمان عبارتند از خود کنستانتین هفتم **(پورفیروجنی توس) و لئو** از اهل **دیکون** . اشعار حماسی ورزمی بزرگ **دی‌گنیس اکریتاس** بیان زندگی قهرمانی سربازان مرزی (اکریتائی) است و مربوط به قرن دهم میباشد .

هنر : دراین عصر ساختمان وابنیه بسیار بخصوص در قسطنطنیه بوجود آمد و صنعت معماری کلیسا که نمونه آن کلیسای سن صوفیا (بعد ها مسجد ایا صوفیه) است بحد اعلا رسید و همچنین صنایع موزائیك و ساختن تمثال و تصویر و شمایل و مطلاکاری و نقره کاری ترقی شایان کرد . نفوذ هنری بیزانتین در این‌عصر به سراسر جهان مدیترانه اعم از مسلمین و مسیحیان سرایت کرد .

ب ـ اولین امپراطوری بلغار
تا سال ۱۰۱۸

اهل و نژاد و آئین: ازنام بلغار اولین مرتبه در ۴۸۲ میلادی بعنوان یك قوم نام برده شده و در آنزمان گروهی بودند که در شمال خاوری دانوب سکونت داشتند . این گروه ترکیبی از نژاد **فین** و **تاتار** بوده‌اند که باحتمال قوی با هونها هم مخلوط شده و با آنها نسبت داشته‌اند و ابتدا شاهزادگانی از خانواده آتیلا برآنها **حکومت** میکردند . **سازمان اجتماعی** آنها براساس طبقاتی بوده افتاب و ماه را پرستش میکردند و قربانی کردن انسان و بعضی از عادات دیگر اقوام بدوی نیز در ایشان معمول بود .

۵۸٤–٦٤۲ – **کورت** یا **کوبرات**ازخانوادهٔ **دولو** اولین زمامداری است از بلغار که وجود او از لحاظ اسناد معتبر تاریخی صحت دارد . قلمرو حکومت وی در جلگه های خاوری بین **دون** و قفقاز قرار داشت .

در سال ٦۱۹ برای اخذ کمك در برابر آوارها به قسطنطنیه آمد و در همان سفر بکیش عیسوی درآمد با اینحال ازاین کار نتیجه‌ئی برای بلغارها بدست نیامد .

٦٤۳–۷۰۱ – **ایس پریخ** (اس پروخ) پسر یا نوهٔ کورت بود . بلغار قدیمی که وسعتش بیشتر بود در معرض حمله و تطاول آوارها و **خزرها** قرارگرفت و قبائل مختلف بلغار بطرف باختر کوچ کرده وارد **پان‌نونیا** و حتی ایتالی شدند . عده دیگری از ایشان برهبری ایسپریخ در سالهای بین ٦۵۰ تا ٦۸۰ از دانوب گذشته پایتخت را در **پلیسکا** قراردادند . در٦۸۰ سپاه بیزانتین را شکست داده اراضی بین دانوب و کوههای بالکان را اشغال کردند . در آن زمان هنوز **والاکیا** ، **مولداویا** و **بسارابیا** نیزدر دست بلغار ها بود . اختلاط و ترکیب ایشان با سکنه سلاوی این نواحی باحتمال قوی خیلی آرام و بتدریج **انجام** گرفته حتی آنکه طبقهٔ عالیه و هم طبقات نظامی ایشان تامدتی مدید جدا بلغار خالص باقی ماندند .

۷۰۱–۷۱۸ – **تره‌ول** در ۷۰۸ نیروهای امپراطور در **انکیالوس** از بلغار ها شکست خورده تره‌ول در۷۱۲تا دروازه‌های قسطنطنیه پیشروی کرد و سپس با امپراطور ژوستی‌نیان دوم روابط‌دوستانه برقرار کرد و خراج یاکمك مالی نیز از امپراطور میگرفت .

۷۱۸–۷۲٤ – زمامدار این چند سال نامعلوم است .

۷۲٤–۷۳۹ – **سواد** : در زمان سلطنت وی صلح با امپراطوری بیزانتین برقرار بود . سلطنت سلسلهٔ **دولو** با سوار پایان رسید پس از درگذشت وی کشمکشی بین احزاب اشراف درگرفت که جزئیات آن معلوم نیست .

۷۳۹ – ۷۵٦ – **کورمیسوش** از خانوادهٔ **اوکیل** سلطنت کرد . وی تا اواخر ایام سلطنت خود صلح با امپراطوری بیزانتین را حفظ کرد و تنها درسال ۷۵۵ وقوع بی‌نظمی در داخلهٔ کشور او را متوجه خطر حملات بیزانتین نمود.

۷۵٦ – ۷٦۱ – سلطنت **وی‌نخ** (بکسرنون) که در خلال یك طغیان بقتل رسید .

۷٦۱ – ۷٦٤ –سلطنت **ته لتس** ازخانوادهٔ **اوگـائین** وی درسال ۷٦۳ در **آنکیـالوس** از بیزانتین شکست‌خورده و بدست بلغارها اعدام شد .

۷٦٤ – **سابین** از خانواده کورمیسوش . وی از سلطنت خلع شده و به قسطنطنیه گریخت .

۷٦٤ ؟ – **پاگان** بالاخره با امپراطور عقد پیمان صلح کرد .

۷٦٦ – **اومور** وی نیز بدست **توکت** از سلطنت خلع شد .

۷٦٦ – **توکت** . وی بدست یونانیان اسیر شده و بقتل رسید . سپس تاریخ وقایع سال ۷٦٦ تا ۷۷۳ کاملا تاریك و نامعلوم است .

۷۷۳ – ۷۷۷ – **تله ریگ** که خانواده او نامعلوم است سلطنت کرد . یونانیان حملات خود را به بلغارها ازسرگرفته و روبهمرفته پیروز گشتند و منجر به اطاعت بلغارستان از ایشان شد .

۷۷۷ – ۷۹۱ – زمامدار این سالها نیز معلوم نیست .

۷۹۱ – ۷۹۷ – **کاردام** که در سلطنت وی اوضاع بنفع بلغارها تغییر یافت وی ازظهور اغتشاش و ابهام در امپراطوری استفاده کرده یونانیان زا در ۷۹۲ در **مارسلا** شکست داد و بنیان دولت بلغاری را براساسی تازه نهاد ولی وقایع پس از درگذشت وی تا سال ۸۰۸ معلوم نیست .

۸۰۸ – ۸۱٤ – سلطنت **کروم** که یکی از بزرگترین زمامداران بلغاری بـوده است . وی ظـاهرا از بلغارهـای **پان نونیان** بـود که بسبب فتوحاتش دربرابر آوارها بقدرت رسید. وی در مدت سلطنت کوتاه خود دولت را سازمان داد و عناصر سلاویك را بخرج اشراف بلغار تشویق نمود و هدفش آن بود که قدرت مطلقهٔ شبیه خانها را بدست آورد . وی از سال ۸۰۸ تا ۸۱۳ گرفتار جنگ با امپراطوری بیزانتین بود . یونانیان در ۸۰۹و۸۱۱ **پلیسکارا** تاراج کردند . اما **کروم** در جنگی درکوهستانها در سال ۸۱۱ امپراطور را شکست داده و بقتل وسانید . در ۸۱۲ دژ مهم **مزمبریا** را تصرف کرد و در۸۱۳فتح دیگری در **ورسینی‌کیا** نصیب او شد . درهمان سال در نزدیکی قسطنطنیه ظاهر شد . البته شهر قسطنطنیه بسیار قوی بود و کروم از عهده تصرف آن برنمیآمد لذا عقب نشینی کرده تراس را ویران کرد و **ادریانوپل** را تصرف نمود .

۸۱٤ – ۸۳۱ – سلطنت **ادمورتاگ** پسر کروم . وی پس از شکست از یونانیان که در سال ۸۱۵ بروی وارد آمد در سال ۸۱۷ یك صلح سی ساله با ایشان منعقد کرد **مزامبریا**و ادریانوپل را باتهابرگردانید . وی سدی دفاعی (بنام حصار بزرگ) در مرزتراسی بلغار بنانمود. و در ۸۲۱ **پرسلاو بزرگ** را بعنوان پایتخت جدید بنا نهاد . در خلال دورهٔ صلح با خاور بلغارستان بلغار ها حملات مرتبی از ۸۲۷ تا ۸۲۹ به **کرواتیا** و **پان‌نونیا** نمودند .

۸۳۱ – ۸۵۲ – **مالامیر** پسر اوموتاگ تاریخ دورهٔ سلطنت وی مبهم و تاریك است تنها آنچه که معلوم است در سال ۸۳۹ کشور

وی تا مقدونیه علیا و سرزمین **سربیا** توسعه یافته است .

۸۵۲ – ۸۸۹ – بوریس اول : وی‌جنگهای خود را درباختر ادامه داد اما در ۸۵۳ شکست های سختی از ژرمن ها خورد و در ۸۶۰ از ناحیه سرب ها نیز عقب نشست . اهمیت دورهٔ سلطنت بوریس بیشتر بسبب قبول کیش مسیحی است .

۸۶۵ – قبول دین مسیحی : زمینه ورود آئین مسیح به سرزمین بلغار را مسلما اسرای جنگ مسیحی که تعداد آنها خیلی زیاد بود فراهم‌کردنداما بوریس درتحت فشارقسطنطنیه آنرا پذیرفت زیرا مشتاق بود که از امکان پیشروی ژرمن ها و رومیان جلوگیری کند . بوریس کلیه رعایای خود را وادار به غسل تعمید و قبول کیش عیسوی کرد . این عمل وی منجر به شورش شد که در نتیجه عده‌ئی از رهبران از طبقه اشراف اعدام شدند.تا چندی بوریس مردد بود که به رم‌تکیه کند یا به قسطنطنیه .بالاخره برای مقابله با نفوذ تجاوز کار یونان در ۸۶۶ تفوق‌رم را پذیرفت ولی‌در۸۷۰ چون پاپ از انتصاب یك‌سراسقف برای‌بلغارستان‌امتناع کرد بوریس بقسطنطنیه گرویده در ۸۸۵ نماز عشاء ربانی سلاویك‌به سلاوهای مقیم بلغارستان بوسیله جانشینان **سیریل** و **متودیوس** معرفی وبین ایشان رواج داده شد .

بوریس در سال ۸۸۹ خود بنحو داوطلب به خانقاه پناه بـرده و گوشه گیری اختیـار کرد .

۸۸۹–۸۹۳. سلطنت **ولادیمیر** پسربوریس‌که بزودی با عکس‌العمل شدید و طغیان اشراف مشرك (غیر مسیحی) مواجه گردید.

۸۹۳– بوریس ازانزوا بدر آمده مـقام سلطنت را باردیگر اشغال کرد و شورش را فرو نشاند و پسرش را خلع وکور کرد و سازمان کلیسا را تکمیل نمود و نماز عشا ربانی سلاویك را در قلمرو خود عمومیت‌داد. پایتخت خود را به پرسلاو منتقل ساخت و سپس به خانقاه برگشت ودر آنجا در سال ۹۰۷ درگذشت .

۸۹۳–۹۲۷ – سیمئون پسر دیگربوریس به سلطنت رسید . وی اولین زمامدار بلغاری بود که لقب **تزار** (قیصر) را برای خـود انتخاب نمود .

سیمئون بعنوان یك رهبان در قسطنطنیه تعلیم یافته بود ؛ وی‌بنحوعمیق از فرهنگ‌و رسوم یونانی الهام گرفته و ترجمه هـای متعددی را از یونانی تشویق کرد . در زمـان وی شهر پرسلاو بزرگ پایتخت بلغارو دربار سیمئون بجلال و شکوه بسیار رسید و یـك مرکز مانوی فرهنگی در **آرکید** در تحت نظر **سن کلمنت** و سن‌ناهوم بوجود آمده تقویت یافت .

۸۹٤–۸۹۷– سلطنت سیمئون بیشتر در جنگ باامپراطوری بیزانتین سپری شد که سبب اصلی آن ناشی از اختلاف در موردحق بازرگانی بود ولی بالاخره منجر به مشاجره بر سر **تملك** تاج وتخت امپراطوری گردید. این جنگها در سال ۸۹٤ آغاز گشته منجر بـه شکست سپاه یونانی شد . سپس امپراطور **ماگیارها** را که درحوالی **پروت** سکونت‌داشتند در ۸۹۵ تحریك بحمله به بلغارها در**بسارابیا** نمود . سیمئون با حیله یونانیان را وادار به عقب نشینی کرده آنگاه ماگیارها را شکست داد و سپس بطرف یونانیان در **بولگاروفیگون** برگشت.بالاخره در ۸۹۷ صلحی بین دو طرف منعقد گردیده و امپراطور خراجی‌به بلغارها پرداخت .

دراین‌اثنا **ماگیارها** که بوسیله**پاتزیناکها**(په‌شه‌نگ‌ها)بطرف باختر رانده شده بودندبه سمت ترانسیلوانی‌و پانونیا تاختند که بدست بلغارها افتاده بود .

۹۱۳ – سیمئون از اختلافات درون قصر امپراطور بین مدعیان سلطنت در قسطنطنیه استفاده کرده بطرف آن شهر پیشروی کرد. ولی پس از دریافت هدایای بسیار و قول امپراطورجوان **کنستانتین پورفیروجنی‌توس**به ازدواج با یکی از دختر های او عقب کشید . سیمئون بطوریکه معلوم است امید آن را داشت که خود به تخت امپراطوری نشیند ولی هنگامیکه امپراطریس **زوئه** قدرت را در دست گرفت ناامید گشت . وی از آن پس‌از سال ۹۱٤ جنگ را آغاز نموده مقدونیه‌و **تسالیی** و آلبانی را در معرض تاخت وتاز قرارداده اما **پاتزیناکها** بتحریك یونانیان در ۹۱۷ آغازحمله به بلغار رانموده **واگیار**اتصرف کردند و در همان زمان سیمئون یونانیان در **آنکیالوس** شکست داد. سیمئون در ۹۱۸سربها را که نیز بتحریك امپراطریس قیام کرده‌بودند شکست داد .

۹۱۹–۹۲٤– سیمئون چهار مرتبه به طرف **هلسپونت** (بغاز داردانل امروز) و قسطنطنیه پیشروی کرد ولی بسبب نداشتن ناوگـان موفق‌به‌تصرف شهر نشد . در ۹۲٤ باامپراطور **رومانوس**لکاپنوس ملاقات کرده و بالاخره‌صلح نمود .

۹۲۵ –سیمئون خود را**امپراطوررومیان** و **بلغارها** اعلام کرد . امپراطور یونانی بیزانتین اعتراض‌کرداما پاپ این لقب را برای‌سیمئون شناخت .

۹۲۶ – سیمئون **لئون‌تیوس** مقیم پرسلاورا به سمت پاتریارك (اسقف بزرگ) منصوب نمود .

۹۲۶– فتح وویرانی سربستان بدسـت سیمئون انجام گرفت .

۹۲۷–۹۶۹–بطر پسر سیمئون که روی‌عابد و زاهد و زمامداری ضعیف بوده بسلطنت رسیده‌بادختر زاده **رومانوس‌لکاپنوس**زناشوئی کرد و صلح با قسطنطنیـه را حفظ کـرد . امپراطوریونانی زمامدار بلغاری را نیز بعنوان امپراطور بشناخت و حوزه اسقفی(پاتریارکی) بلغاری را نیز پذیرفت . بلغارستان دراین دوره گرفتار دردسر تهدید **ماگارها** (که‌در ۹۳٤ و ۹٤۳ و ۹۵۸ و ۹۶۲ حمله نمودند)و **پاتزیناکها** بود (که در ۹٤٤ حمله بزرگـی انجام دادند). از لحاظ اوضاع داخلی‌کشور گرفتار ناراحتی و تحولات و غوغای مذهبی بود (تاسیس خانقاه ها ، سن‌ژان ازاهل ریلا، آغاز ظهور کیش کفر و شرك موسوم به **بوگومیل** در حدود سال ۹۵۰ که کیشی بود معتقدبدو خدایادوالیسم واحتمالا از **پائولیسیانها**الهام گرفته بود که امپراطورهای بیزانتین آنهارادر منطقه تراس سکونت داده‌بودند .)

۹۶۷ – حمله به بلغارهااز طرف**سویاتوسلاو** وروسها . **تزار بطر** پادشاه بلغار پاتزیناکها در ۹۶۸ تحریك بحمله به کیف نمود وسویاتوسلاو راناگزیر به عقب نشینی کرد .

۹۶۹–۹۷۲ –بوریس‌دوم : در زمان سلطنت وی کشور سلسله حملات دوم **سویاتوسلاو** گردید که پرسلاو را متصرف شده در سال ۹۶۹ بوریس و خانواده او را دستگیر کرده یونانیان بوحشت افتاده سپاهی برای مقابله بااو فرستادند که در ۹۷۰ در **آرکادیوپولیس** او را شکست داد . در ۹۷۲ امپراطور **جان** – زیمی‌سس روسها رااز خشکی و دریا مورد حمله‌قرار داد .

وی پرسلاو را تصرف کرده و ویران ساخت و **سویامستولاو** را در **یس‌ترا** در کنار دانوب محاصره کرده و او را مجبور به تخلیه خاك بلغار نمود. بوریس ناگزیر باستعفا شدوحوزه اسقفی‌منحل گشته و دوره استقلال بلغارستان بپایان رسید .

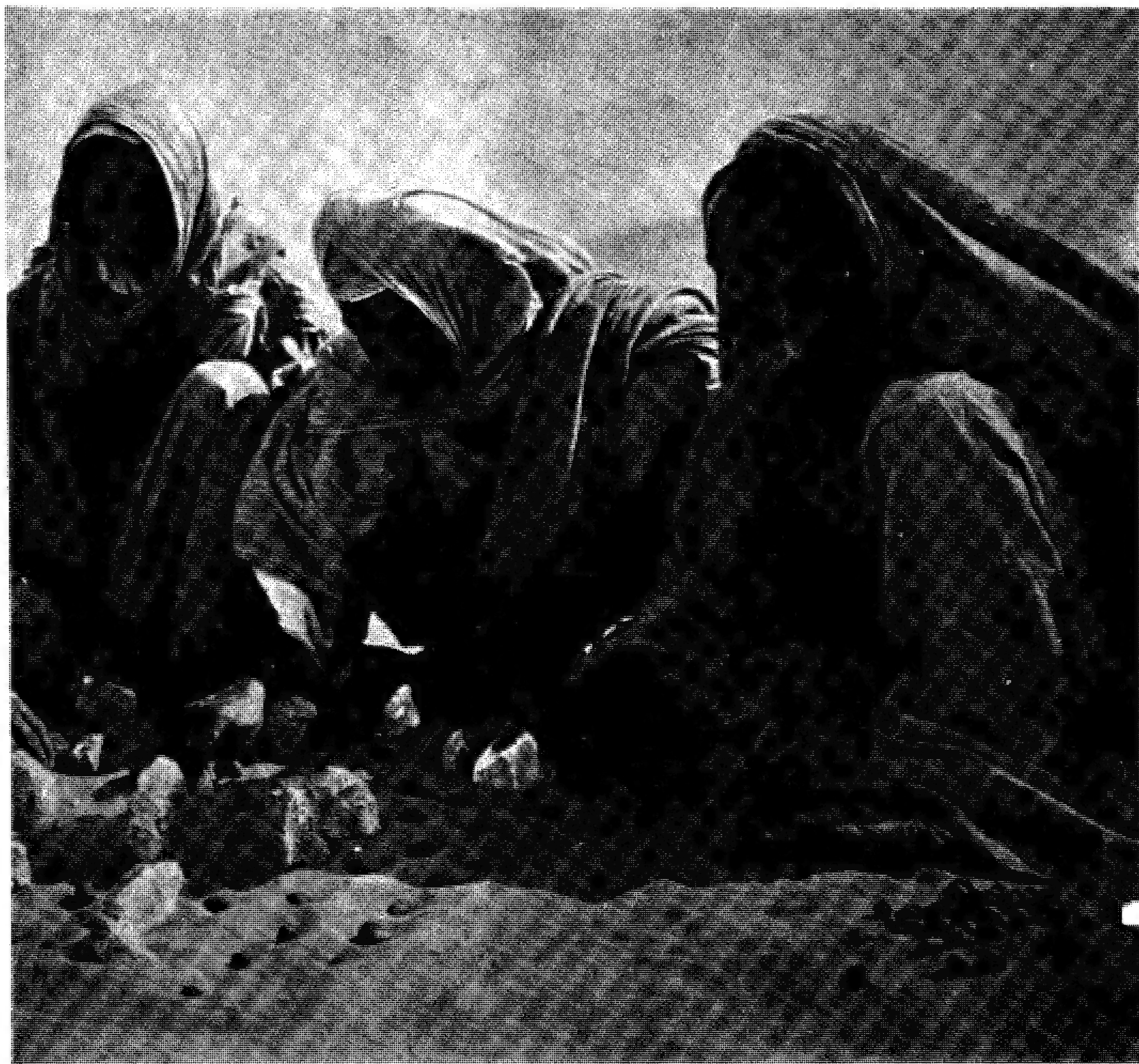
۹۷۶– ۱۰۱٤ – **ساموئل** پسریکی ازحکام ازیکی از بخشهای باختری‌که از محلات‌روسها مصون مانده بود خودرا زمامداراعلام کرد . وی‌بسرعت قلمرو حکومت خود را تا صوفیه بسط داده وحوزه اسقفی را بار دیگربرقرار ساخت وبالاخره آرکید را مرکزدولت‌تازه‌قرار داد .

۹۸۶–۹۸۹– ساموئل **لاریسا** راپس‌ازچندین‌حمله سالیانه‌به تنالی تصرف‌کرد ودر۹۸۹**دیرهاسیوم** را درساحل ادریاتیك نیز بدست آورد درخاور قلمرو خود را تا دریای سیاه بسط داد .

۹۹۶–۱۰۱٤ – جنگهای باسیـل دوم (معروف به **بولگاروك‌تونوس** یعنی قاتل‌بلغارها یا بلغارکش) . وی برضـد ساموئل بـجنگ پرداخته پایگاهها ودژهای اورا یکی بعد از دیگری بدست آورد . ساموئل از جنگ‌صحرائی اجتناب داشت وبسبب آنکه افسران‌ورهبران سپاه وی‌از امپراطور رشوه‌های‌خوب‌میگرفتند دچار زحمت شده بود بالاخره بلغـارها در ۱۰۱٤ از سپاه امپراطور شکست خورده اسیر شدند و امپراطور ۱۵۰۰۰ جنگجویان آنها را کور کرده نزد ساموئل فرستاد و ملاحظه این منظره سبب مرگ ساموئل گردید .

۱۰۱٤–۱۰۱۶ – گابریل رادومیر (یار و مانوس) پسر ساموئل کوشش کرد تا صلحی با امپراطوری برقرارسازد ولی بدست عموزاده خود کشته شد .

۱۰۱۶ – ۱۰۱۸ – جان ولادیسلاوجنگ را دنبال کرد اما درجنگی نزدیك **دیرهاگیوم** کشته شد و پسران خردسالی از او باقی ماند . از آن پس رهبران بلغاری تصمیم بانقیاد نسبت بامپراطوری گرفتند و بلغارستان ضمیمـه امپراطوری بیزانتین‌گردید (بنام تم بلغارستان و تم **پاریستریوم**) حوزه اسقفی بلغار منحل گردید اما اسقف بزرگ آرکید عملا استقلال خود را حفظ کرد .طبقه اریستوکراسی بلغاری در قسطنطنیه سکونت گزیده و با خانواده های اشرافی یونانی ترکیب یافت .



۳- جهان اسلامی

الف ـ حضرت محمد و خلفا

عربستان پیش از حضرت محمد محل سکونت قبایلی از نژاد سامی بوده‌و ازاین قبایل آنها که در صحراها میزیستند و زندگی چادرنشینی داشتند وبه اعراب بدوی (بدوئین) معروف اند بشبانی اشتغال داشتند و آنها که در سواحل و دره های ساحلی سراسر دریای سرخ (حجاز و یمن) سکونت داشتند به کشاورزی و بازرگانی میپرداختند . شهرهای **مکه** و **مدینه** مراکز توسعه بازرگانی و فرهنگی عربستان بوده و فرهنگ و تمدن اقوام یونانی و یهود باحتمال قوی در آن دو شهر نفوذ یافته بود .

۵۷۰ـ۶۳۲ ـ حضرت محمد فرزندعبداله از قبیله هاشمی مکه که پس از درگذشت پدر ولادت یافته و در شش سالگی مادر را ازکف داده یتیم گشت و در نزد جدش عبدالمطلب و عمویش ابوطالب پرورش یافت . حضرت محمد ابتدا در کاروان مکه که برای بازرگانی در خدمت خدیجه قرار داشت به بازرگانی اشتغال داشت و در بیست و پنج سالگی با خدیجه ازدواج فرمود .

۶۱۲ ـ بعثت حضرت محمد : پس از مبعوث شدن حضرت محمد به نبوت عده معدودی از آنحضرت پیروی کردند ولی همشهریان حضرت بمخالفت و مخاصمه با او پرداختند .

۶۲۲ ـ هجرت حضرت محمد : در ژوئیه این سال حضرت محمد با پیروان خود از مکه

به مدینه مهاجرت فرمود ولی در تواریخ اسلامی رسما روز ۱۵ ژوئیه بنام روز هجرت خوانده میشود و این روز آغاز تقویم اسلامی شمرده میشود ، و سالهای تقویم اسلامی طبق ماههای قمری است نه شمسی .

۶۳۹ ــ حضرت محمد در مدینه مهاجرین از مکه را با قبایل مدینه بیکدیگر آمیخته و آنها را سازمان داد و قبایل یهود را یا از آن شهر خارج کرده و یا باطاعت درآورد وسپاهی ترتیب داده بجنگ با مردم مکه برخاست .

۶۲٤ ــ ۶۳۰ ــ مسلمین مردم مکه را در سال ۶۲٤ **درجنگ بدر** شکست دادند ولی در ۶۲۵ **درجنگ احد** شکست خوردند . درسال ۶۲۷ مردم مکه شهر مدینه را محاصره کردند ولی محاصره آنها دفع شد . درسال ۶۲۸ پیمانی بنام پیمان حدیبیه بین طرفین منعقد شده طبق آن اهل مکه موافقت کردند که محمد و پیروانش بزیارت مکه بروند . بعدا که متحدین مردم مکه پیمان را شکسته جنگ تجدید شد و حضرت محمد در سال ۶۳۰ شهر مکه را متصرف گردید و تا قبل از سال ۶۳۲ که سال رحلت حضرت محمد بود بسیاری از قبایل عرب بکیش اسلام درآمده ابراز اطاعت نمودند .

اصول عقاید اسلامی عبارت است از توحید یعنی اعتقاد به خداوند یکتا و نبوت یعنی اعتقاد بهاینکه حضرت محمد خاتم‌النبیین (آخرین پیغمبر) است و اعتقاد باینکه قرآن آخرین کتاب آسمانی است که برحضرت محمد نازل گردیده و دیگر اعتقاد بروز قیامت و معاد و مشیت الهی درسرنوشت و اعمال و افعال افراد آدمی .

وظایف دینی هرمسلمان عبارت است از ایمان و اعتقاد بخدای یکتا و رسالت و نبوت حضرت محمد وگزاردن پنج مرتبه نماز در هرشبانه روز و گرفتن روزه در ماه رمضان و انجام حج مکه و جهاد (جنگ مقدس مذهبی) برضد کفار .

۶۳۲ ــ ۶۶۱ خلافت چهار نفر خلفای بلافصل حضرت محمد : (۱) ابوبکر (۲) عمر (۳) عثمان (٤)حضرت علی ابن ابیطالب شیعیان (فرقه شیعه که اکثریت عظیم سکنه ایران را تشکیل میدهند سه خلیفه اول را غاصب خلافت و خلیفهٔ چهارم جانشین بحق پیغمبر میشمارند . در مقابل فرقه شیعه فرقه سنی قرار دارد که بیشتر سکنه سایر کشور های اسلامی را تشکیل میدهد و خلافت سه خلیفه اول را نیز برحق میدانند) .

۶۳۲ــ۶۳٤ : خلافت ابوبکر : ابوبکر که دختر وی عایشه از زوجات حضرت محمد بود از طرف پیروان حضرت محمد پس از رحلت آنحضرت در اجتماع عام برگزیده شد . دونفر دیگر بنام طلیحه و مسیلمه (کهبه کذاب یعنی دروغگو معروف شد) در این‌زمان‌دعوی پیغمبری کردند که با شکست روبرو گشتند . در ۶۳۲ قبایل شورشی باطاعت درآمدند .

۶۳۲ــ۷۳۸ ــ توسعه سرزمین اسلامی در ماوراء عربستان : ابتدا اعراب بسرکردگی **خالدبن ولید** در ۶۳۳ بمنطقه عراق که جزء خاك ایرانبوددست اندازی کرده **هیره پایتخت** قدیم **لاخمید** و **اوبولا** رامتصرف شده بمعرض فدیه (آزاد کردن دربرابر اخذ پول) گذاشتند .

از طرف دیگرنیز اعراب بطرف سوریه پیشروی کردند درسال ۶۳٤ **تئودور** برادر امپراطور **هراکلیوس** (هرقل) در **اجندین** (جاناباتاین) بین **غزه** و بیت‌المقدس شکست خورد . ابوبکر در سال ۶۳٤ عمر را بجانشینی خود منصوب کرد و در همانسال درگذشت .

۶۳٤ــ۶٤٤ ــ خلافت عمر پسرخطاب دومین خلیفه حضرت محمد که به خود لقب امیرالمومنین داد . و هم‌آنکه دختر او **حفصه** یکی از زوجات حضرت محمد بود . وی باوضع مالیاتی بررعایای تابع اعراب تفوق و تسلط اعراب را مسلم ساخت . از اشخاص هم که قبول‌اسلام نمیکردندخراجی بنام جزیه میگرفت و اگر نه جزیه میدادند و نه قبول اسلام میکردند بقتل میرسیدند .

۶۳۵ ــ فتح سوریه : نیروی بیزانتین بسرکردگی **بانس در مرج‌الصفار** نزدیك دمشق از سپاه اعراب برهبری خالد شکست خورده دمشق و **امسا** بدست اعراب افتاد ولی سپس بواسطه تفوق نیروی بیزانتین پس گرفته شد.

۶۳۶ ــ شکست قاطع بیزانتین در جنگ **یرموخ** در جنوب دریاچه تیبریاس و تجدید تصرف دمشق و **امسا** بدست اعراب . چندی بعد شهرهای‌شمالی‌سوریه مانند حلب وانطاکیه نیز تسلیم اعراب گشتند .

۶۳۸ ــ تصرف بیت‌المقدس بدست‌اعراب

۶٤۰ ــ تصرف شهر قیصریه (سزاریا) و اراضی ساحلی بدست اعرا بو رسیدن مرز قلمرو خلافت به کوههای آمانوس .

۶۳۹ ــ ۶٤۱ ــ تصرف بین‌النهرین بوسیلهٔ اعراب .

فتح ایران بدست اعراب

۶۳۳ ــ جنگ زنجیر با ایرانیان : سپاه اعراب بسرکردگی خالدبن ولید سرزمین عراق را مورد تاخت و تاز قرار داده با مرزبانان ایرانی بجنگ پرداختند در نزدیکی کویت امروز **هرمز** مرزبان با خالد جنگ تن به تن (۲ نفری) کرده کشته شد و اعراب سواحل فرات را بتصرف آوردند . در این اثنا خالد از طرف خلیفه برای ماموریت در جبهه بیزانتین در سوریه احضار شد . چون در این جنگ افسران پای بعضی از سربازان ایرانی را با زنجیر برای جلوگیری از فرار از جنگ می‌بسته‌اند اعراب آنرا جنگ زنجیر نامیدند .

۶۳٤ ــ جنگ جسر (پل) یزدگرد پادشاه ایران و آخرین پادشاه ساسانی **رستم فرخزاد** والی خراسان را طلبیده سرکردگی کل سپاه ایران را برای جنگ با اعراب باو سپرد و او سپاهی بسرکردگی بهمن به بابل فرستاد . سپاه اعراب بسرگردگی **ابوعبید** پلی از قایق برروی فرات بسته عبور کردند و بجنگ پرداختند . ابوعبید در زیر پای یك فیل‌جنگی کشته شد . و اعراب ٤۰۰۰ نفر تلفات داده شکست فاحشی از ایرانیان خوردند . این جنگ را اعراب بسبب بستن پل جنگ جسر نامیدند ــ بهمن دراین اثنا خبر بروز اغتشاشی را در تیسفون شنیده از تعقیب اعراب صرف نظر کرده بطرف تیسفون شتافت .

۶۳۵ــ۶۳۷ ــ اعراب به عراق حمله کرده آن سرزمین را تصرف کردند .

۶۳۵ ــ ایرانیان بسرکردگی **مهران** در بودیب از اعراب شکست خوردند .

۶۳۶ــ۶۳۷ ــ جنگ قادسیه ــ عمر سی هزار سپاه بسرکردگی **سعدوقاص** بطرف ایران فرستاد و در قادسیه نزدیك کربلای امروز با ۱۲۰۰۰۰ سپاه ایران بسرکردگی رستم فرخزاد روبرو شدند این جنگ سخت چهار روز بطول انجامید و رستم فرخ زاد در جنگ کشته شده وشکست فاحشی به سپاه ایران وارد آمد . سپاه عرب به بین‌النهرین حمله نموده تیسفون (مداین) پایتخت ساسانی را تصرف کرده یغما کردند و غنائم بی‌حساب بدست اعراب افتاد .

۶۳۸ــجنگ‌جلولا ــسعدوقاص ۱۲۰۰۰۰سپاه بطرف **حلوان** محل اجتماع سپاه‌یزدگرد فرستاد در **جلولا** یکصد کیلومتری مداین با سپاه ایران بسرکردگی **مهران** جنگید و اعراب باردیگر پیروز شده غنائم بسیاربدست‌آنها افتاد و از جمله آنکه یکصد هزار اسب ممتاز از سرزمین مدی گرفتند .

۶۳۹ ــ اعراب به شوش وفارس و قسمت های مرکزی ایران حملاتی کرده در رامهرمز ایرانیان را شکست دادند .

۶٤۰ ــ شوشتر بدست اعراب افتاده و خوزستان را تصرف کردند .

۶٤۲ ــ جنگ نهاوند که آخرین جنگ اعراب با یزدگرد بود . سی‌هزار نفر سپاه اعراب بسرکردگی **نعمان** با ۱۵۰ هزار نفر سپاه ایرانیان بسرگردگی **فیروزان** در نهاوند یکصد کیلومتری جنوب همدان روبرو شده نزدیك بود اعراب بسبب تمام شدن آذوقه شکست بخورند و تظاهر بفرار و عقب نشینی کردند . فیروزان اشتباه کرده به تعقیب آنها پرداخت پس اعراب در صحرا بطرف سپاه ایران برگشته آنرا منهزم نمودند ــ تلفات سپاه ایران را دراین جنگ یکصد هزار نوشته‌اند .

۶٤۲ــ۶۵۰ ــ تصرف ایران : سپس‌اعراب غالب ایالات ایران را تصرف کرده به قلمرو خلافت اسلامی منضم ساختند

۶۵۱ ــ یزدگرد که به بلخ فرار کرده بود در نزدیکی مرو بدست آسیابانی که به وی پناه برده بود بطمع جامه فاخر کشته شد و سلسله ساسانی منقرض گردید .

فتح مصر بدست اعراب

۶۳۹ ــ حمله اعراب بمصر بسرکردگی **عمروبن عاص** .

۶٤۰ ــ تصرف **پلوسیوم** بدست اعراب . شکست بیزانتین در **هلیوپولیس** .

۶٤۱ ــ درگذشت امپراطور هراکلیوس .

٤۶۲ ــ تصرف **بابل** .

تسلیم **مصر** بااعراب بوسیله سیروس اسقف اسکندریه با شرایط زیر : جان ومال سکنه دربرابر پرداخت جزیه (خراج دینی) در امان باشد و مذهب نیز آزاد باشد .

۶٤٤ ــ قتل عمر ــ ظهور شورش درتمام ایالات ایران برضد اعراب که بواسطه فقدان سرکرده به نتیجه نرسید و **ابن‌عامر** حاکم بصره ماموریت یافته باردیگر ایالات ایران‌را تسخیر نمود .

۶٤٤ــ۶۵۶ ــ خلافت عثمان : وی ازطرف هیئتی که مامور انتخاب خلیفه شدند انتخاب گردید . عثمان از خانواده امیه و از اهل مکه بود و تمام خویشاوندان و کسان خود را کار

و منصب داد . قرآن در زمان وی بدست **زیدابن‌طالب** جمع آوری و تدوین گردید .

٦٤٢-٦٤٣ — تصرف برقه و پنتاپولیس بدست اعراب .

٦٤٥ — شورش اسکندریه بر ضد اعراب همراه باورود ناوگان بیزانتین و تجدید تصرف آن براثر حمله اعراب .

٦٤٩ — ساختن کشتی‌ها و تهیه یك نیروی دریائی عربی بدست عبدالله بن سعد حاکم عربی مصر و تصرف قبرس در ٦٤٩ و **ارادوس** در ٦٥٠ .

٦٥٢ — سپاه عرب بسرکردگی ابن عامر حاکم بصره برودجیحون رسیده ایالات خاوری ایران را مطیع کرد و هم آنکه سپاهی بطرف هندوکش فرستاده کابل و سیستان و کرمان را باطاعت آورد ولی در آذربایجان از خزرها شکست خورد و مازندران (طبرستان) تا مدتها مستقل باقی ماند .

٦٥٥ — پیشروی سپاه عرب بطرف قسطنطنیه و نابودی کشتی های بیزانتین در ذات‌السواری در ساحل لیکیه (لیسیا) .

٦٥٦ — **قتل عثمان** بسبب عدم رضایت سپاه عراق و مصر ازتبعیضات عثمان و سپردن پست ها به اقوام و کسان خویش و تقویت بنی‌امیه .

٦٥٦ — ٦٦١ — خلافت حضرت علی‌ابن ابیطالب (امیرالمومنین) پسر عم‌وداماد حضرت محمد .

٦٥٦ — ظهور اولین جنگ داخلی در امپراطوری اسلام : طلحه و زبیر از پیروان سابق حضرت محمد وبتحریك‌آنها **عایشه** دختر ابوبکر و از زوجات خاصه حضرت محمد در عراق شورش کرده عایشه برای تشویق افراد به جنگ برضد علی بعنوان خونخواهی قتل عثمان در هودجی بالای شتر وارد میدان جنگ شد و لذا این جنگ به جنگ جمل نامیده شد . طلحه و زبیر در این جنگ بقتل رسیدند و عایشه دستگیر شد ولی با او با ملاطفت رفتار شد . حضرت علی شهر **کوفه** را پایتخت و مقر خلافت قرارداد .

٦٥٧ — شورش معاویه : معاویه از زمان عمر حاکم شام و سوریه بود . وی نیز بنام خونخواهی عثمان ، حضرت علی را بخلافت نشناخته سربطغیان برداشت . علی با سپاهی بطرف **صفین** حرکت فرمود . نتیجه جنگ‌صفین که مدتی بطول انجامید قطعی نبود و معلوم‌نشد و قرار متارکه جنگ و واگزاری حل اختلافات بحکمیت گذاشته شد که مورد قبول حضرت علی قرارنگرفت . دراین اثنا دوازده هزار نفر از پیروان و سپاهیان علی شورش کرده کلیه مدعیان خلافت را مردود شناخته معتقد شدند بلزوم انتخاب خلیفه از طرف تمام مسلمین از هر نژاد و هر کشور اسلامی و هرطبقه و هم اینکه خود خلیفه نیز ممکن است از هر نژاد یا از هرکشور اسلامی انتخاب شود و این‌گروه به **خوارج** معروف گشتند .

خوارج عقیده خود را تا اقصی نقاط امپراطوری اسلام انتشار دادند . علی ناچار پیش از ادامه‌جنگ با معاویه با خوارج‌جنگیده ١٨٠٠ نفر از آنها را بقتل رسانید . گروهی از ایشان در ایران تا اقصی نقاط کرمان نیز دست بطغیان زدند .

٦٥٨ — حکومت مصر بر ضد حضرت علی طغیان کرده مصر را از حوزه خلافت آنحضرت خارج کرد و بوسیلهٔ عمرو و تحت اطاعت معاویه درآمد .

در همین سال یکی از روسای عرب مردم جنوب ایرانرا بشورش‌برضد خلافت برانگیخت بطوریکه حکومت عربی را از فارس بیرون کردند . و **زیادابن ابیه** نابرادری معاویه از طرف حضرت علی بحکومت فارس اعزام شده امنیت را برقرار ساخت .

٦٦٠ — حضرت علی با معاویه صلح‌نمود.

٦٦١ — شهادت حضرت علی (ع) حضرت علی بدست ابن ملجم که یکی از خوارج بود بشهادت رسید و حضرت **امام حسن** فرزند ارشد آنحضرت بخلافت منصوب شد ولی دوره خلافتش دوام نیافته استعفا فرمود .

ب — حکومت خلفای اموی (بنی‌امیه)

(٦٦١ — ٧٤٩)

٦٦١—٦٨٠ — خلافت معاویه پسر ابی‌سفیان مؤسس سلسله اموی‌که دربار خودرادردمشق بشیوه شاهان ساسانی آراسته و دستگاه سلطنت برقرار نمود . معاویه در ٦٦٠ در زمان خلافت حضرت علی خود را در بیت‌المقدس خلیفه اعلام کرد . در ٦٦١ پس از شهادت علی فرزند ارشدش حضرت امام حسن بخلافت منصوب شد . معاویه با سپاهی برای جنگ با امام حسن بطرف عراق حرکت کرد . حضرت امام از طریق صلح‌جوئی پیش ازرسیدن معاویه از خلافت استعفا داد و معاویه مقر خلافت خود را از بیت‌المقدس (اورشلیم) به دمشق انتقال داد .

٦٦٩ — معاویه سپاهی بعزم قسطنطنیه فرستاد که **کالسدون** را تصرف کرده قسطنطنیه را محاصره کردند .

٦٧٠ — افریقیه مورد حمله سپاه معاویه قرارگرفته بدست **عقبةبن نافع** فتح‌شد (افریقیه نام اراضی شمالی آفریقا از حدود خاوری الجزایر تا مرز مصر بوده است) .

معاویه در آغاز خلافت به نابرادری خود **زیادابن ابیه** حاکم فارس که از طرف حضرت علی اعزام شده بود تامین داده وی با یك میلیون سکه طلا بعنوان پیشکش علاوه برمالیات تمام ایران بدربار معاویه بدمشق آمد و بعد از طرف معاویه بحکومت بصره و کوفه منصوب گشت و بعنوان‌نایب‌السلطنه معاویه اداره امور تمام سرزمین خاوری امپراطوری اسلامی یعنی ایران باو سپرده شد و-او وپسرانش را بسمت حکام ایالات ایران منصوب کرد .

٦٦٢ — قدرت عرب درخاور مستقرگشته هرات که بشورش برخاسته بود سرکوبی شد .

٦٦٤ — سند وبخش تحتانی دره سند بتصرف **مهلب** سرداراعزامی**زیادابن ابیه** درآمد و به افغانستان خاوری نیز حمله نموده کابل را تصرف کرد .

٦٧٤ — سپاه عرب از جیحون گذشته بخارا را تسخیر نمود .

٦٧٦ — سپاه مسلمین سمرقند راگرفته بحدود رود سیحون رسیدند .

قبایل عرب برای سکونت به خراسان کوچ داده شدند و خراسان و بلخ و سرزمین های اطراف آنرا به چهار ایالت تقسیم کردند که مراکز آنها عبارت بود از **نیشابور ، مرو، هرات ، و بلخ** .

٦٧٣—٦٧٨ — محاصره قسطنطنیه بوسیله ناوگان مسلمین که با عدم موفقیت و شکست فاحش سپاه معاویه منجر شد و معاویه درسال ٦٧٨ ناگزیر گردید که‌صلحی سی ساله با دولت روم منعقد سازد .

٦٨٠ — معاویه درگذشت .

٦٨٠—٦٨٢— خلافت‌یزید اول پسرمعاویه- وی برخلاف سنت جاری خلافت ، از طرف پدرش معاویه درسال ٦٧٦ بسمت جانشین خلیفه معرفی گردید و این اقدام باعث سرو صدا و مخالفت در مکه و مدینه گردید .

٦٨٠ — دومین جنگ داخلی درامپراطوری اسلامی و **فاجعه کربلا** :

پس از درگذشت معاویه ، سکنه کوفه در عراق حضرت امام حسین (ع) فرزند دوم حضرت علی را که در مکه بود دعوت کردند تا بکوفه‌آمده مقام‌خلافت را بپذیرد . آنحضرت با خانواده و کسان از مکه عازم کوفه گردید. **عبیدالله** حاکم کوفه ازطرف یزید مامور مقابله با حضرت امام حسین گردید و مسلم پسر عم حسین را که بنمایندگی حسین نزد او آمده بود بکشت و **عمر سعد** را باسپاهی بجلو امام حسین فرستاد وی خیمه های امام حسین و خانواده آنحضرت را در **کربلا** محاصره کرده مانع نوشیدن آب از فرات شدند . مردم کوفه حمایتی نکرده و عده‌ئی‌هم که باو گرویده بودند فرارکرده آنحضرت را تنها گذاشتند تا با تمام کسان و فرزندانش که تعداد آنها را ٧٢ تن نوشته‌اند در روز عاشورا (دهم محرم) بمرتبه شهادت رسیدند و زنان خانواده با دو پسر کوچك و دودختر وخواهر آنحضرت را باسارت بشام فرستادند . کربلا محل بقاع متبرکه و مقابر شهدای آن فاجعه از آن پس زیارتگاه فرقه شیعه و بخصوص ایرانیان گردید و تا اکنون درماه محرم و بخصوص در روز عاشورا بیاد آن روز مراسم عزای عمومی برپا میشود.

٦٨٢ — شورش عبدالله بن زبیر درمکه و مدینه و دعوی خلافت : سپاه یزید برعبدالله غالب آمده مدینه را غارت کرد و مکه را محاصره نموده کعبه را آتش زد . دراین اثنا یزید درگذشت و سپاه او پراکنده شد .

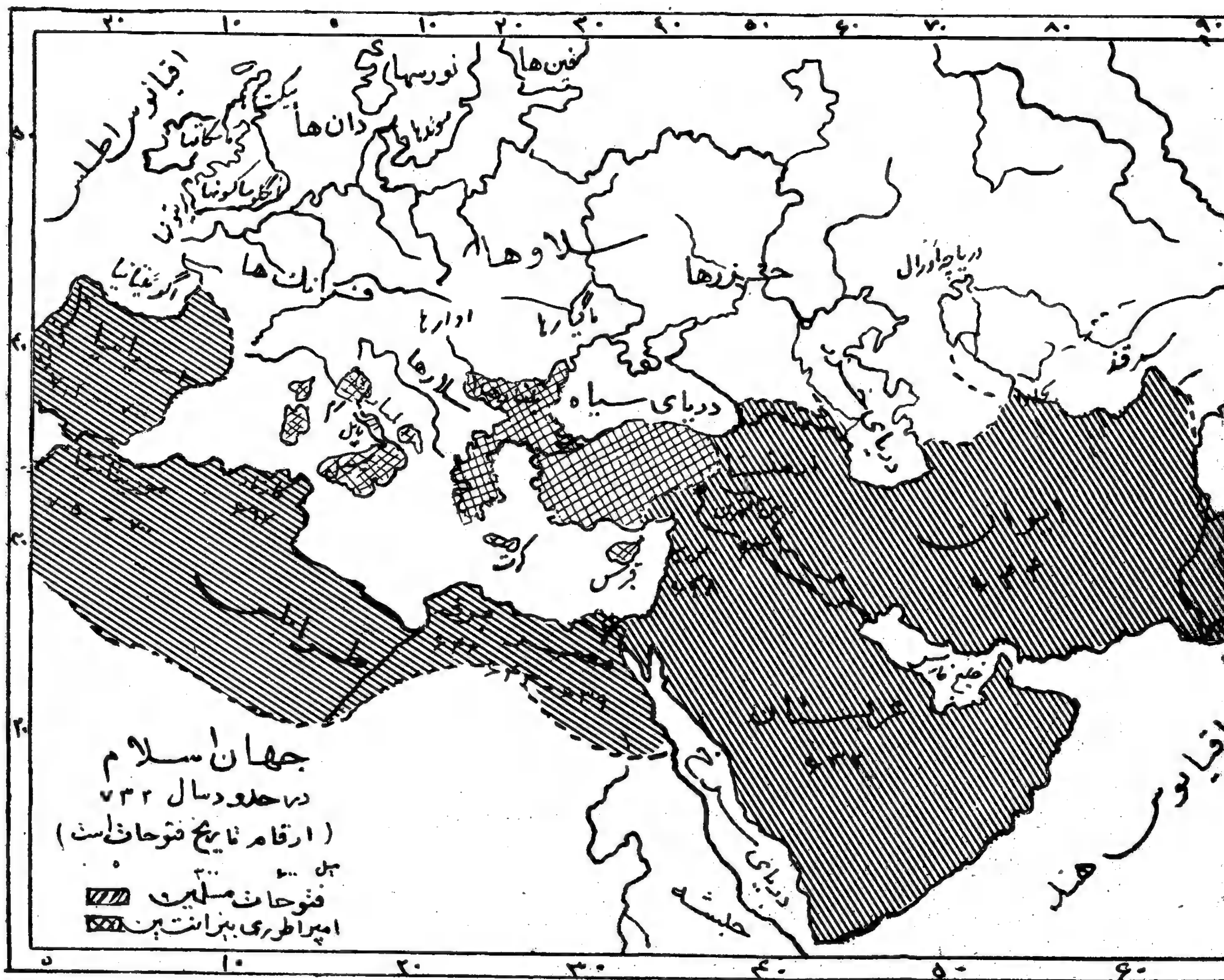
معاویه دوم پسر یزید و جانشین وی چند ماه پس از مرگ پدر درگذشت و **ابن زبیر** در عربستان و عراق و مصر و هم از طرف قبیله **قیس** در سوریه بعنوان خلیفه پذیرفته شد ولی قبیله **امیه** و پیروان ایشان قبیله **کلب** ، **مروان بن حکم** پسر عموی‌معاویه رابخلافت برداشتند.

٦٨٤ — قبیله **قیس** در مرج‌الراحة در شمال دمشق شکست فاحشی خورده قتل عام شدند و از آن پس اعراب بدوگروه دشمن یکدیگر بنام **اعراب شمالی و اعراب جنوبی** تجزیه گردیدند و همین تجزیه اسباب سقوط سلطنت امیه را فراهم کرد .

٦٨٤ — ٧٥٠ — خلافت مروانیان .

٦٨٤ — ٦٨٥ — خلافت مروان اول که در سوریه اعلام خلافت نمود و مصر را از تصرف ابن زبیر بیرون آورد .

٦٨٥ — قتل عام قاتلان حضرت امام حسین (ع) : گروهی از خوارج از طرف **محمد حنفی** بسرکردگی **مختار** که‌اطلاعات محلی داشت



کوفه را تصرف کرده کلیه کسانی را که درقتل امام حسین و کسانش دست داشتند دستگیر کرده اعدام کردند.

مروان در ٦٨٥ درگذشت.

٦٨٥ــ٧٠٥ ـ خلافت عبدالملك پسرمروان موسس اداره امپراطوری عرب که دیوان محاسبات امپراطوری بدستور وی از فارسی بعربی برگردانیده شد و ضرابخانه تاسیس نمود.

تاخت و تاز **مردیت های امانوس** بتحریك دولت بیزانتین سالهای اول خلافت عبدالملك را مشغول ساخت و رقیب وی **ابن‌زبیر** سرگرم جنگ با دوفرقه **شیعیان** (فرقه شیعه) وخوارج بود که در کوفه و بصره و عربستان و ایران بشورش برخاسته بودند. **فرقه شیعه** دراین زمان قوت گرفته آئین ایشان رواج یافت. فرقه شیعه معتقد بود که خلافت و هم امامت (حکومت دینی و سیاسی یا سلطنت اخروی و دنیوی) به‌آل محمدیعنی فرزندان علی وفاطمه و نسلهای ایشان تعلق دارد.

خوارج برخلاف شیعه معتقد بودند که هریك از افراد جامعهٔ مسلمین میتواند بسمت خلیفه انتخاب شود و نیز **کارکردن** را جزءعمد و از اصول اولیه مذهب میدانستند. هردو فرقه هم با سلسله اموی و هم عباسی دشمن بودند ولی بعداایرانیان شیعه برای برانداختن سلسله اموی ازعباسیان که به آل علی نزدیکتر بودند حمایت نموده اداره امور دربار وامور لشکری و کشوری آنها را نیز بعهده گرفته بصورت مرتب و منظمی درآوردند و در معنی دربار و حکومت را مدتها در دست داشتند.

٦٩٠ ـ مصعب برادر **ابن زبیر** و حاکم عراق در نزدیکی دجله از عبدالملك شکست خورد.

٦٩١ ـ مدینه بتصرف **حجاج** سردار اعزامی عبدالملك که بعدا او را در همین سال بحکومت عراق منصوب کرد و به قساوت و خونریزی و ظلم شهرت دارد درآمد.

٦٩٢ ـ مکه محاصره شد و بتصرف سپاه عبدالملك درآمد. **ابن‌زبیر** بقتل رسید و عبدالملك فرمانروای بلامعارض امپراطوری اسلامی گردید.

٦٩٣ ــ ٦٩٨ ـ گروهی از خوارج موسوم به **ازارقه** (ازرقیان) در عراق و ایران بدست **مهلب** سردار عبدالملك منهدم گردیدند.

٦٩٩ ـ سپاهی‌بسرکردگی**ابن اشعث** برای تلافی شکست نیروی‌مسلمین در ماوراءسیستان از **روت بیل** پادشاه هند فرستاده شد.

ابن اشعث بسبب بدرفتاری حجاج با کمك مردم وسپاهیان درآیران‌بشورش برخاسته خود را خلیفه خواند و حجاج را شکست داده از بصره بشام راند. حجاج با سپاهی دیگر برگشته اورا شکست داد ووی‌به‌کابل‌فرارکرد. پادشاه کابل او را گرفته تسلیم نماینده حجاج

کرد و کابل نیز باردیگر بتصرف اعراب درآمد.

۶۸۳ ـ در افریقا ، **عقبةابن نافی**که دراین هنگام از اولیاءالله‌شمرده میشد تا **طنجه** پیش رفت ولی در مراجعت درگذشت .

۶۹۸ ـ کارتاژ بتصرف مسلمین درآمد . پس ازشکست اعراب برهبری **حسن‌بن‌نعمان** از بربرها در نزدیکی مونس اوراسیوس پیمان صلحی در ۷۰۳ بین آنها منعقد گردید و ازآن پس بربرها با اعراب متحد گردیدند .

۷۰۵ـ۷۱۵ خلافت‌ولید اول پسرعبدالملك وی مسجد بزرگی در دمشق بناکرد . **قتیبه** سردار وی ماوراءالنهر را تسخیر کرد (۷۰۵ـ۷۱۵) .

وی در ۷۰۹ بخارا و در ۷۱۲ فرغانه را بتصرف آورد . گویند قتیبه به خاك چین نیز حمله نموده و در ۷۱۳ تا **کاشغر** رسیده است .

در ۷۰۸ ـ ۷۱۵ سند و بخشی از پنجاب بدست **محمدبن قاسم** فتح شد .

۷۱۰ـ۷۱۱ ـ سپاه اسلامی به‌سیلیکیه ودر۷۱۴ به**گالاسیا** حمله نمود وسپاهی‌عظیم برای حمله بزرگ به‌قسطنطنیه از دریاوخشکی فراهم گردید .

۷۰۸ ـ۷۱۱ ـبربرهای باختری باطاعت مسلمانان درآمدند و اوضاع شمال افریقا بدست **موسی‌بن‌نصیر** آرام‌گردید .

۷۱۱ ـ ۷۱۵ ـ فتح اسپانیا : اسپانیا مورد حمله نیروئی مرکب از اعراب وبربرها بسرکردگی **طارق** (که سابقا درزمره بردگان بوده ودر ۷۱۱ ازطرف موسی آزاد شده بود) قرارگرفت . گتها برهبری پادشاه خود**رودریك** در **وادی بکا** نزدیك **ریوبرتاته** درژوئیه‌سال ۷۱۱ ازمسلمین شکست فاحش خوردند.شهر های **اکیجا** ، **کوردووا** و پایتخت یعنی‌**تولدو** بدست مسلمین افتاد وطارق فرمانروای نصف اسپانیاگردید .

(جبل‌الطارق بنام وی نامیده شده) در ۷۱۲ **موسی** شخصا شروع به‌پیشروی درخاك اسپانیا گذاشته شهرهای **مدینا** ، **سیدونیا**، **کارمونا** ، **وسویل** را در ۷۱۲ **ومریدا**،**وساراگوسارا** در ۷۱۳ تصرف کرد وتنها درکوههای **آستوریاس** مقاومت دربرابر اعراب ادامه‌یافت **ولید** در ۷۱۵ درگذشت وبرادرش جانشین وی شد .

۷۱۵ـ ۷۱۷ ـ خلافت‌سلیمان برادر ولید .

۷۱۶ ـ یزیدبن‌مهلب ازطرف‌سلیمان‌بجای قتیبه‌که یاغی‌شده‌بود(وبعدابقتل‌رسید) بسمت حاکم خراسان اعزام شد . وی پس ازتسلط برخراسان با سپاهی بزرگ قصد تسخیر **هیرکانیا** (گرگان) وطبرستان (مازندران) راکرد که تا آنزمان مستقل مانده بودند. ابتداگرگان را تسخیرکرده آن ایالت را تاراج وعده زیادی را اسیرکرد و کشتارنمود سپس‌درحمله به‌مازندران در دره‌ئی محصور شده تلفات **بسیار داد و شخص خودش حیاتش را با** سیصد هزار دینار خریداری‌کرده ازمهلکه جان بدر برد و به‌گرگان گریخت که شورش کرده بودند .

وی قلعه ماران را که مقر مرزبان گرگان بود پس از هفت ماه محاصره تصرف نمود و تمام سکنه را اسیر و مردان آن‌قلعه را بقتل رسانید و چون سوگند خورده بودکه آسیابی را از خون مردم آنجا بکار اندازد و از آرد آن نان پخته بخورد هزاران مردم بیگناه ومسافران بین شهرها را گرفته مانند گوسفند سربرید و چون خونها لخته میشد وگردانیدن سنگ آسیاب میسر نبود درپایان برای اجرای سوگند خود ناچار شد آب‌گرم و شیر گرم با خون مردم مخلوط کند تا سنگ آسیاب را بحرکت آورد.

۷۱۷ـ۷۱۸ ـ شهر قسطنطنیه بوسیله **مسلمه** برادر خلیفه محاصره شد ولی به‌نتیجه نرسید .

هور جانشین موسی ازکوههای پیرنه گذشته بسرزمین های جنوب فرانسه حمله نمود .

۷۱۷ ـ۷۲۰ ـ خلافت‌عمربن عبدالعزیز عموی سلیمان (عمردوم) وی درامور مالی امپراطوری اسلامی تجدید سازمان داده ودر مورد پرداخت مالیات بین اعراب‌و سایرملتها ونژادهای تابعه مساوات برقرار کرد وحکام جابر را عزل نمود ونسبت به‌زرتشتیان ایران که هنوز بمذهب اسلام نگرویده بودند دستور داد بهتر رفتار شود.

درزمان وی **ناربون** درجنوب فرانسه بتصرف **سامح** جانشین هور درآمد.

۷۲۰ ـ ۷۲۴ ـ خلافت یزید دوم سر سوم عبدالملك.

۷۲۱ ـ سامح بدست دوك (امیر) **اودو** در**تولوز** شکست خورده کشته‌شد، ـ**یزیدابن مهلب** درعراق بشورش برخاست ،در **عقره** درساحل فرات از **مسلمه** شکست خورد.

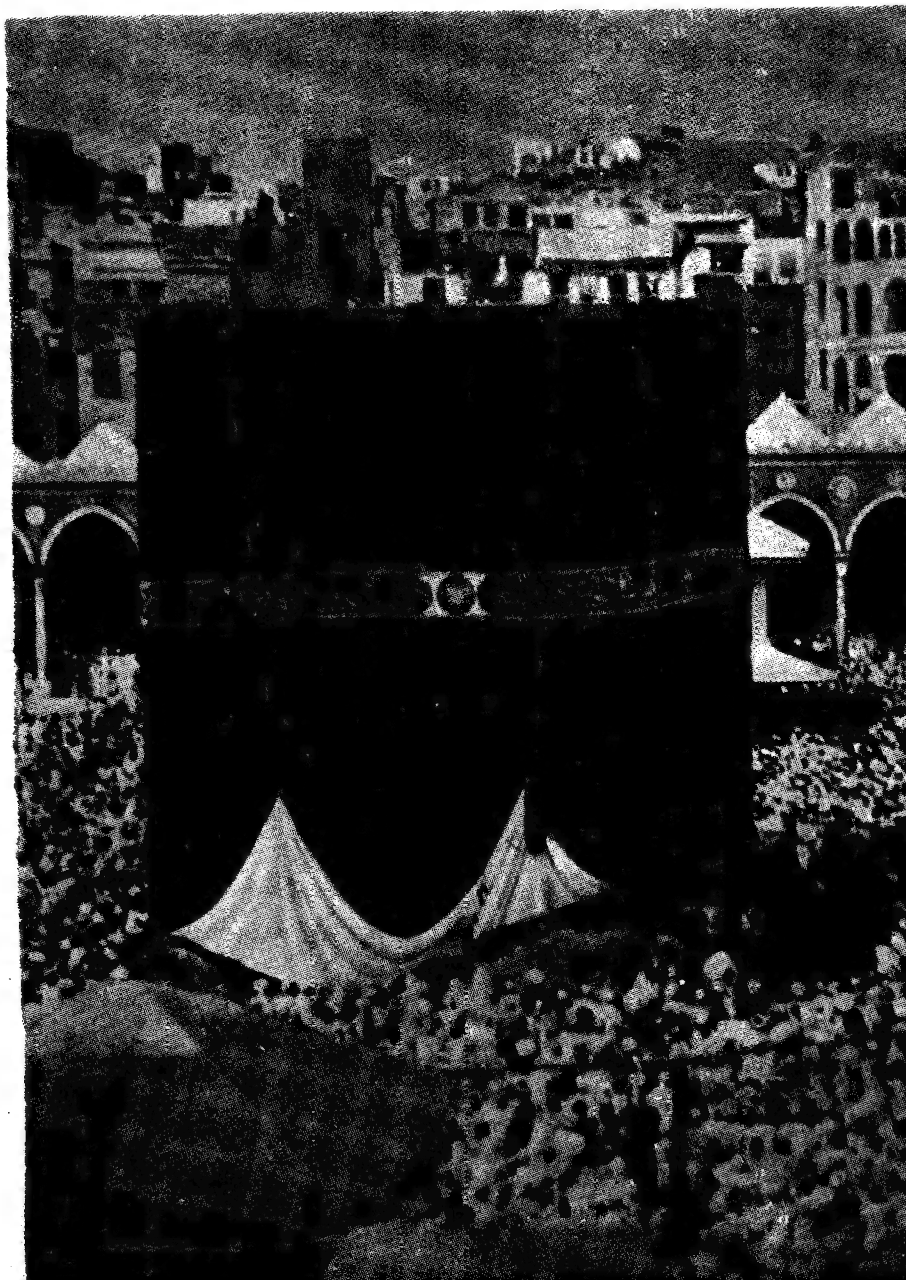
طغیان و شورش و جنگ داخلی بین **یمنی‌ها** (قبیله‌کلب) **ومواداریت‌ها** (قبیله‌قیس) **که باعراب جنوبی وشمالی معروف شده بودند در** سراسر امپراطوری اسلامی بخصوص در خراسان وماوراء النهر بالاگرفت ودر **این دو ایالت تبلیغات بنفع عباسی‌ها** (نواده های عباس عموی حضرت **محمد**) وبرضد بنی‌امیه آغازگردید .

۷۴۲ ـ ۷۴۳ ـ خلافت هشام برادریزید

در **۷۲۷ ـ ۷۳۳ خزرها از اعراب شکست** خوردند و گرجستان بدست مسلمین افتاد.

۷۳۲ ـ عبدالرحمن حاکم اسپانیا از

بقعه زیارتگاه مسلمین در مکه



طرف خلیفه بجنوب فرانسه حمله نمود ودر **پواتیه** (تور) **ازشارل مارتل شکست‌خورد.**

۷۳۸ ــ خوارج درعراق شورش کردند.
سغدیها واعراب مقیم خراسان‌درخراسان بکمك ترکمن های ماوراء النهر طغیان کرده ولی از **اسدالکسری** حاکم خراسان ازطرف خلیفه شکست خوردند .

۷٤۰ ــ شورش شیعه درعراق برهبری **زیده** نوه حضرت امام حسین (ع) وشکست شیعیان و قتل زید بسبب اینکه بار دیگر سکنه عراق او را مانند جدش تنهاگذاشتند. اما قتل زید زمینه افکار عمومی را بیشتراز پیش برای سقوط بنی‌امیه حاضرکرد.

۷٤۱ ــ ۷٤۲ ــ طغیان خوارج وبربرها درشمال افریقا بوسیله **حنظله** نایب خلیفه‌در افریقای شمالی فرونشانده شد.

۷٤۳ ــ ۷٤٤ ــ خلافت ولیددوم :وی غرق در فسق وفجور و شهوات شد ودریك شورش ازطرف حزب یمنی برهبری عمویش یزید سوم‌کشته شد.
یزید سوم نیز پس از چند ماه‌درگذشت.
ابراهیم عباسی جانشین **محمدعباسی** دعوی عباسیان را برای خلافت تعقیب نموده بر طرفداران سلطنت عباسی افزوده شد.

۷٤٤ ــ ۷۵٦ ــ خلافت مروان دوم
آخرین خلیفه اموی نوه مروان اول. درزمان وی در حمص وفلسطین درسوریه شورش بوقوع پیوست ودر ۷٤۵ دربین‌النهرین‌خوارج طغیان‌کردند . در۷٥٤ و۷٤٦ عربستان‌بشورش برخاست و شورشیان مکه ومدینه را تصرف کردند .

۷٤۵ ــ ۷٤۷ ــ حکومت عبدالله درایران:
شیعیان عراق وایران برهبری‌عبدالله نوه‌جعفر برادر حضرت علی‌ابن ابیطالب شورش کردند ولی اهل کوفه بشیوه معمول او را تنها گذاشته وی بمدینه فرارکرد . گروهی از خوارج وگروهی ازطرفداران عباسیان به‌وی پیرستند و او به **استخر** پارس رفته وآنجا را مرکز خود قرار داد و فرمانداران اودر اصفهان و قم و ری حکومت میکردند. ولی در ۷٤۷ از سپاه شام شکست خورده به‌**مرو** رفت و به **عبدالرحمن بن‌مسلم** معروف به **ابومسلم خراسانی** که ایرانی بوده ومرو و هرات را در تصرف داشت پناهنده شد. ابومسلم بحمایت عباسیان برضد بنی‌امیه‌قیام کرد . عبدالله بدست حاکم هرات کشته شد.

۷٤۷ ــ قیام ابومسلم خراسانی: وی پرچم سیاه علامت عباسیان را بحمایت‌ایشان در خراسان برافراشت و **نصر** راکه ازطرف **مروان** حاکم خراسان بود درنیشابور شکست داده خراسان را قبضه نمود و**قحطبه** سردار ابومسلم گرگان را تصرف کرد . ابومسلم‌سپاه اموی را در ری شکست داده تا نهاوند و بعد تاکوفه و کربلا پیش راند واین نقاط را بتصرف آورده **ابوالعباس** را ازخاندان عباسی که پس از دستگیری برادر بزرگش **ابراهیم** وقتل سری او ازطرف مروان درکوفه پنهان شده بود از خفا بیرون آورده اورا خلیفه اعلام کرد .

۷۵۰ ــ جنگ بزرگ زاب : مروان خلیفه که در **حران** مقیم بود شخصا با ۱۲۰ هزار سپاهی جنگی از فرات وازپل زاب گذشته بمقابله سپاه ابومسلم شتافت ولی شکست خورده فرار کرد وسپاه ابومسلم که دراین هنگام سپاه عباسی خوانده میشد او را تا **بوسیر** درمصر تعقیب کرد و درآنجا کشته‌شد و سلسله اموی بدین طریق بدست ابومسلم منقرض شد .
ابوالعباس تمام اعضاء خانواده عباسی را بقتل رسانید تا مدعی نداشته باشدو تنها چند نفر آنها ازمعرکه جان بدر بردند که ازآنجمله بود **عبدالرحمن نوه** هشام‌که‌در سال ۷۵۵ سلطنت اموی را **درکوردووا** در اسپانیا (اندلس) تأسیس نمودوبه‌امویان‌اندلس معروف‌گشتند .

ج ــ حکومت خلفای‌عباسی

۷۵۰ــ ۱۱۰۰ میلادی

خلافت عباسی هیچگاه در اسپانیاومراکش راه نیافت . تنها ازسال ۷٦۱ تا مدت‌کمی درشمال افریقا تا الجزیره برقرارگردید.

۷۵۰ ــ ۷۵٤ ــ خلافت‌ابوالعباس معروف به **سفاح** اولین خلیفه عباسی . وی بدست ایرانیان بخلافت رسید . خانواده امیه در سوریه و شام وبین‌النهرین بشورش‌برخاستند وابوالعباس برآنها دست یافته همه راکشت بجز چند نفرکه فرار نمودند . وی مردی خونریز وجابربود .
در زمان وی سپاه بیزانتین به‌ایالات شمالی اسلامی بنای دست‌اندازی گذاشتند پس از وی خلافت به‌برادرش منصور رسید.

۷۵٤ ــ ۷۷۵ ــ خلافت‌منصور (ابوجعفر) موسس واقعی سلسله‌عباسی‌وبرادرابوالعباس.

۷۵۲ ــ برامکه (برمکیان)بعنوان صدارت ووزارت بقدرت رسیدند و تا سال ۸۰۳برامور امپراطوری اسلامی تسلط داشتند .

هنراسلامی : مسجد عمر دربیت‌المقدس ــ قرن هفتم ــ دورهٔ اموی





هنر اسلامی : درون مسجد کردوئه پایتخت‌سلطنت اموی در اسپانیا که بوسیله عبدالرحمن اول در ۷۵۶ ساختمان آن آغاز شد واتمام‌آن دویست سال طول کشید .

۷۵٤ ـ عبدالله عمومی منصور حاکم سوریه سر بشورش برداشت . منصورابومس . را مامور دستگیری اوکرد. سپاه **عبدالله** از ابومسلم شکست خورده ابومسلم اورا دستگیر و دربصره زندانی‌کرد .

۷۵٤ ـ قتل ابومسلم ـ منصور بجای حق‌شناسی ابومسلم را ازترس قدرت ونفوذ اوبقتل رسانید ولی خود منفور و بدنام شد .

۷۵۵ ـ پیروان ابومسلم ، درخراسان بخونخواهی اوقیام‌کردند .

۷۵٦ ـ شورش سرتاسر ایران را فرا گرفت . رهبر شورش **سندباد** مجوس ازمغان و پیروان مذهب زرتشت بود. وی ری‌وقم را فتح‌کرده تا نیشابور را درتصرف داشت ولی بالاخره شکست خورده ۶۰،۰۰۰ نفر از پیروان او بدست اعراب کشته شدند و شورش موقتا فرونشست ولی درخراسان‌و طبرستان طغیان وشورش بزودی تجدیدشد.

۷۵۸ ـ حملات سپاه بیزانتین دفع شد. کشتار زیاد ازسپاه رومی بعمل‌آمد.

کاپا دوکیه باردیگر بتصرف سپاه عباسی درآمد . شهرهای **مالیکیه** (ملی‌تن)و **موپ‌سوئس تیا** وسایر شهرها تجدید بنا شده دربرابر حملات بیزانتین بصورت دژها درآمد.

۷۵۹ ـ شورش طبرستان (مازندران) فرونشانده شده بار دیگر ضمیمه امپراطوری خلفا شد.

۷٦۲ ـ شیعیان عراق ومدینه‌برهبری فرقه **حسنیان** (محمد وابراهیم ازاولادحضرت امام حسن) شورش کردند . محمد بمرتبه شهادت رسید و ابراهیم بصره راتصرف‌کرده به‌کوفه شتافت ولی شکست خورده وی نیز درجنگ بمرتبه شهادت‌رسید.

شهر بغداد دراین سال ازطرف منصور درچند میلی مداین بناشده آن را مقر سه دسته از سپاهیان خود : خراسانیان ،اعراب شمالی ، واعراب جنوبی درسه نقطه مختلف درساحل دجله قرارداد. در ۸۱۷ مامون‌پایتخت را بدین شهر انتقال داد.

خزرها دراین سال به‌گرجستان حمله نمودند وحملات آن‌ها دفع‌شد .

۷٦۷ ـ **استادسیس** ایرانی درخراسان وسیستان بادعای نبوت قیام نموده این دو ایالت را تصرف‌کرد ولی بعدا با کشتارو تلفات بسیاری که بسپاه خلیفه واردآمد استادسیس شکست خورد . **خیزران** دختر اورا **مهدی** خلیفه جانشین منصور بزنی‌گرفت و دو فرزند **هادی وهارون** ازاین مادرایرانی بوجود آمدندکه هردو بمنصب خلافت‌رسیدند

۷۷۵ـ ۷۸۵ ـ **خلافت مهدی** پسرمنصور. وی راهها وجاده‌ها را در حوزه خلافت‌تعمیر کرده در بهبود ارتباط شهرها کوشش نمود

پایگاه های نظامی و دژهای محکم در نقاط مهم ساخته شهرها و آموزشگاههائی بناکرد وهنر را تشویق نمود.

پیروان مانی را مهدی مورد تعقیب قرار داد.

۷۷٤ ـ ۷۷۸ـ ظهور پیمبر نقابدار: در خراسان شخصی بنام **مقنع** (بسبب پوشیدن مقنعه یا نقاب) متولد **قارص** بین مشهدو هرات که همیشه **نقاب** میپوشید و به پیغمبر نقابدار معروف‌گردید خود را پیمبر اعلام کرده بشورش برخاست و مدت چهارسال آسیای مرکزی را درتصرف داشت ولی‌عاقبت در محاصره افتاد وخودرا در خم تیزاب انداخته هلاك‌کرد .

ظهور زنادقه : فرقه دیگری‌که مرام اشتراکی و **نیهیلیستی** (منکرهمه چیز) داشتند نیز درخراسان و باختر ایران وعراق ظهور کردند که به **زندیق‌ها** معروف شدند.

۷۸۳ـ ۷۸۵ ـ سپاه بیزانتین بار دیگر آغاز حمله به‌کشور اسلامی‌گذاشت ولی حمله آنها دفع شد ومسلمین تا نزدیکی قسطنطنیه پیشروی‌کردند . **ایرن** امپراطریس‌ناگزیربه‌صلح گروید .

۷۸۵ ـ **خلافت هادی** پسر **مهدی** تنها یکسال بطول انجامید .

۷۸۵ ـ ۸۰۹ ـ خلافت‌هارون‌الرشید: دوره خلافت وی وپسرش مامون که اززوجه ایرانی بوجود آمد به**عصر طلائی اسلام** معروف است.

وی باشارلمان مبادله سفراکرده وطبق خواهش وی اجازهٔ زیارت **بیت‌المقدس** بمسیحیان داد وهیئت سفرائی نیز به‌چین فرستاد. کتاب معروف **هزارویکشب** ازماخذ ایرانی و هندی وعربی در زمان وی جمع‌آوری وتدوین‌گردید .

۷۸۷ ـ کابل و**سنهار** ضمیمه‌حوزه‌خلافت گردید .

۷۹۲ـ یحیی از اولاد حضرت امام حسن که درديلم (طالش) درگیلان حکومت مقتدری تشکیل داده بود با تدبیر **فضل برمکی** با خلیفه صلح کرده تامین گرفته ببغداد آمد ولی بعد ازچندی هارون نقض عهدکرده ببهانه‌ئی او را زندانی‌کرد.

۷۹۹ ـ خزرها ارمنستان را موردتاخت‌و تاز قراردادند.

۸۰۳ ـ هارون **جعفر برمکی** وزیر وشوهر خواهرخود عباسه وپدر اویحیی وفضل‌برادرش وسایرکسان برمکیان همه را بقتل‌رسانیدو نسل آنها را برانداخت.

خوارج شورش کردند ..

۷۹۱ ـ ۸۰۹ ـ جنگ با دولت بیزانتین: دراین سالها هارون با دولت‌روم خاوری در جنگ بود . امپراطور **نیسه فوروس** در۷۹۸ در**هراکلیا** (دوری لائیوم) از خلیفه شکست خورده پیمان صلحی‌منعقد شد ولی‌امپراطور پیمان را شکست و مسلمین برهبری شخص خلیفه بآسیای صغیر حمله‌کردند ودر ۸۰٦ شهر **تیانا** را متصرف شده بطرف **آنسیرا** پیشروی‌کردند . در ۸۰۵ جزیره قبرس ودر ۸۰۷ رودس بوسیله کشتی‌های مسلمین‌تصرف وغارت شد . **ایکونیوم** وافه‌سوس درلیدی بتصرف مسلمین درآمد و**سیدروپولیس ، اندرـ اسوس ، ونیکائیا** تسلیم شدند .

امپراطور باردیگر در ۸۰۸ بسرزمین مسلمین حمله‌کرد ولی شورش درسمرقند و خاورهارون را ناگزیرکرد که بطرف خاور حرکت‌کند ودرمشهد درگذشت واورا درهمانجا دفن کرده‌اند.

در زمان خلافت وی مکتب حقوقی **حنفی** پیشرفت کرده بصورت مرتبی درآمد .

۸۰۹ ـ ۸۱۳ ـ **خلافت امین** پسرهارون از زبیده زوجه عربی‌او . وی برایران‌حکومت نداشت وپس از درگذشت هارون ، مامون فرزند دیگر او اززوجه ایرانی درایران بعنوان خلیفه .شناخته شده **مرو** را پایتخت خود قرار داده بود و خود را خلیفه شرق اعلام کرد .

۸۱۳ ـ محاصره بغداد : طاهر سردار ایرانی (موسس سلسله طاهریان) فرزند حسین از طرف مامون مامور جنگ باامین‌شد وبغداد را تصرف کرد امین تسلیم شد ودرارگ سلطنتی بدست سربازان خراسانی کشته شد.

۸۱۳ ـ ۸۳۳ ـ خلافت مامون معروف به**مامون‌کبیر** که دوره خلافت او مشعشع‌ترین دوره تاریخ خلافت محسوب میشود وتاثیر فرهنگ وتمدن ایران در حکومت ودستگاه اداری و سازمان خلافت وی بسیار قوی‌بود. علوم و هنر و ادبیات در زمان او ساخته شد و **دارالعلمی** که از لحاظ کتب غنی بود نزدیك رصدخانه بغداد بنا نمود . آثارادبی و علمی و فلسفی از زبانهای یونانی و سریانی وایرانی وسانسکریت بعربی ترجمه شد و بدینطریق میراث تمدن یونانی باقی مانده بعد ها باروپا رفت و اروپای جدید ابتدا آنهارا ازکتب عربی بزبانهای اروپائی ترجمه نمودو بدینوسیله باتمدن یونانی آشناشد . به‌علم جغرافی اهمیت داده‌شده سه جغرافی‌دان بزرگ : **استخری** (مقیم استخر فارس)و**ابن حوقل ومقدسی** بوجود آمدند که جغرافیای جامعی ازکشورهای تابع امپراطوری اسلامی نگاشته‌اند .

در عقاید مذهبی تجدید نظر بعمل آمد و آزادی بیشتری ملحوظ شد . عقاید وتعالیم فرقه **معتزله** مورد توجه واهمیت قرارگرفت‌و قوت یافت .

این فرقه مانند قدریون که دراواخر عصر اموی میزیستند معتقد شدند به**اختیار (دربرابر جبر) وهم اینکه عدالت وعقل** باید رفتار خداوند را نسبت بایشان نظارت کند .

بعدها فرقه ارتودوکسی دیگری بنام **اشعری** بوجود آمدکه عقاید هر دو فرقه بالارا مردود شناختند .

۸۱۳ ـ مامون سمت نایب‌السلطنه شرق را دربرابر خدمات طاهر به‌وی داده طاهر در خراسان مستقر گردید و اوبعدا سلسله نیمه مستقل طاهریان را درخراسان ومرو تشکیل داد .

۸۱۷ ـ انتقال پایتخت : بسبب بروز شورش فرقه شیعه در عربستان و عراق و بین‌النهرین بعنوان حمایت ازآل علی‌و همچنین شورش بنی‌امیه برضد خلیفه ، مامون برای‌جلوگیری‌ازبحران، حضرت‌امام‌علی‌الرضا نواده حضرت علی ابن‌ابیطالب را که رئیس خاندان علی درآن زمان بود بسمت ولایتعهد و جانشین خلیفه تعیین کرده خود ببغداد رفت و پایتخت خود را ازمرو به‌بغداد انتقال داد. وی یکی از دختران خود را بحضرت‌رضا و دختر دیگرش را بزنی به‌پسر آنحضرت داد **وریاست حج را بیکی ازبرادران** آن حضرت واگذاشت ولی درسال ۸۱۸ حضرت رضابطور ناگهانی رحلت فرمود و در مشهد مدفون گردید .

شیعیان معتقدند که فرستاده مامون بوسیله انگور آنحضرت را زهرداده است‌ولی خاور شناسان رحلت آنحضرت را طبیعی میدانند .

۸۲۵ – **فتح‌کرت** – جزیره کرت بوسیله اعرابی‌که از طرف امویان ازاسپانیا اخراج شده بودند ازطریق مصر فتح شد .

۸۲۷ – سیسیل را اغلابی‌های شمال افریقا تصرف‌کردند .

۸۳۱ – پالرمو بتصرف اعراب درآمدو تنها **سیراکیوز** و **تائورمین** در دست دولت بیزانتین باقی‌ماند.

۸۱۶–۸۳۳ – **قیام بابك خرمی:** وی از پیشوایان روحانی مجوس وموسس فرقه خرمیان در آذربایجان بودکه معتقد به‌نوعی آئین اشتراکی (کمونیستی) بودند . وی‌ایالات جنوب آذربایجان را مورد تهدید قرار داد ودر حدود بیست سال آذربایجان را درتصرف داشت وشش مرتبه نیروهائی که ازطرف‌مامون برای مقابله باوی فرستاده شدشکست‌خوردند و۲۵۰۰۰۰ نفر سپاه خلیفه بقتل رسیده هزاران اسیر بدست بابك افتاد.

۸۲۹– ۸۳۳ – دولت بیزانتین بعنوان حمایت از بابك آغاز حمله بسرزمین اسلامی نمود ومامون شخصا عازم جنگ شده حمله بیزانتین را دفع‌کرد.

طاهریان از ۸۲۰ ببعد کاملا استقلال یافتند تا سال ۸۷۲ برایالات ایران حکومت داشتند .

۸۳۳ – ۸۴۲ – **خلافت معتصم:** وی در ۸۳۶ پایتخت خود را به **سامره** انتقال دادویك نیروی نظامی ثابت تشکیل داد که ازغلامان ترك و سربازان روزمزد ترکیب یافته وخلفای پس‌از وی تنها بازیچه‌ئی دردست این سپاهیان گردیدند .

۸۳۴– شورش **جات‌ها** یا **کولی‌ها**دردجله سفلی .

۸۳۷– ۸۳۸ – بابك خرمی از **افشین** سردار ایرانی اعزامی از طرف معتصم پس از دوسال پیکار سخت و خونین در نزدیکی اردبیل شکست خورد و بارمنستان رفت واز طرف یکی از امرای ارمنستان دستگیر وتسلیم خلیفه گردید و بوضع فجیعی وی وبرادرش بقتل رسیدند .

۸۳۷– ۸۴۲ – **جنگ با بیزانتین :** بیزانتین در **آنزن در هالیس** شکست خورد . **انکیرا** ویران گردید و **آموریوم** محل اولیه واصلی سلسله بیزانتین در ۸۳۸ بتصرف سپاه خلیفه درآمد ومسلمین درصدد محاصره قسطنطنیه برآمدند. ناوگان اعراب بسبب طوفان درهم شکست – معتصم در ۸۴۲ درگذشت وپسرش وثیق به‌تخت خلافت نشست .

۸۴۲ – ۸۴۷ – **خلافت وثیق :** وی سیاست پدر خود را دنبال‌کرده ترکان را در برابر اعراب و ایرانیان‌گرامی داشته‌بزرگ کرد .

بین مسلمین وبیزانتین زندانیان مبادله شدند . خلافت وثیق آغاز زوال ومقدمه دوره سقوط عباسیان است .

پس از وثیق برادرش بخلافت رسید.

۸۴۷ – ۸۶۱ – **خلافت متوکل :** وی‌در صدد برآمدکه عقاید اولیه وسنن قدیمه اسلامی را احیاکند فرقه‌های اسلامی‌معتزله وشیعه وهم یهودیان ومسیحیان را موردتعقیب قرار داد وبقعه حضرت امام حسین وسایر بقاع متبرکه را درکربلا ویران وهمسان خاك نمود .

دامیتا درمصر تصرف وسیلیکیه بدست قوای بیزانتین ویران و غارت شد ، متوکل بدست نگهبان ترك خود بقتل رسید وپسرش جای اوراگرفت .

۸۶۱ – **خلافت منتصر :** وی تنها ششماه حکومت‌کرد وسپس‌بدست روسای نگهبانان‌ترکمن خود عزل شده ویکی دیگر ازنوه های معتصم را موسوم به **مستعین** به تخت نشانیدند .

۸۶۲ – ۸۶۶ – **خلافف معتصم :** وی از دست ترکان ببغداد گریخت ولی اورا مجبور باستعفا کردند و چندی بعد بدست فرستادهٔ پنهانی جانشین خود **معتز** بقتل رسید .

۸۶۶ – ۸۶۹ – **خلافت معتز :** درزمان خلافت وی مصر برهبری **احمد تولون** موسس سلسلهٔ تولونی مستقل گردید . معتز بدست سپاهیان شورشی خود بقتل رسید و **مقتدی** یکی‌از پسران وثیق جای اوراگرفت .

۸۶۹– ۸۷۰ – **خلافت مقتدی** پسروثیق: ترکها اورا وادار به استعفا کردند واو **معتمد** پسر ارشد متوکل را جانشین خود کرد .

۸۷۰ – ۸۹۲ – **خلافت معتمد:** وی‌دربار خودرا به بغداد انتقال داد و درزمان او ودو خلیفهٔ پس از وی قدرت گارد ترکی تحت مراقبت کامل قرارگرفت .

۸۶۹ – ۸۸۳ شورش غلامان معروف به **فتنهٔ زنج** درکلده ظهور کرد و مدت **پانزده** سال دستگاه خلافت را دچار تزلزل و ضعف نمود و ناحیهٔ بین‌النهرین را بتاراج داد و بالاخره بدست موفق برادرخلیفه فرونشست. حملهٔ بیزانتین به سوریه از طرف حکومت تولونی **تارسوس** دفع شد .

– درزمان خلافت معتمد ایالات خاوری یعنی ایران از دست اعراب کاملا بیرون شد **یعقوب لیث صفاری** سلسلهٔ صفاری را در سیستان تاسیس نموده **طاهریان** رادرخراسان برانداخت وبر غالب ایالات ایران تسلط یافت واز سال ۸۷۰ تا ۹۰۳ سلطنت کرد و پس‌از آن بدست **سامانیان** که از ماوراء النهر شروع به کشورگشائی کرده وجای طاهریان را گرفته بودند (۸۷۲) منقرض گردید

قلمرو سامانیان وسعت یافته از مرز های هند تابغداد واز صحرای بزرگ ماوراء النهر تا خلیج فارس در تحت تسلط ایشان قرار گرفت . ولی درسال ۹۹۹ قدرت ایشان بدست **ایلك** خانهای ترکستان که سپس در ماوراء النهر و کاشغر و تاتار خاوری (۹۳۲ – ۱۱۶۵) حکومت کردند درهم‌شکست: در زمان سامانیان بخارا مرکز فرهنگی اسلامی گردید .

پس‌از معتمد ، برادرزاده‌اش **معتضد** بجای وی نشست .

۸۹۲ – ۹۰۲ – **خلافت معتضد :** وی مصر را به قلمرو خلافت برگردانیده و در قانون ارث اصلاحاتی بعمل آورد .

۹۰۲ – ۹۰۸ **خلافت مقتفی** وی مصر را تحت ادارهٔ مستقیم خود آورده حملات بیزانتین رابه ادالیا دفع کرد .

۸۹۱ – ۹۰۶ – **شورش قرمطیان** (قرامطه) : این شورشیان کمونیستی برهبری **حمدان** معروف به **قرمط** ، عربستان و سوریه و عراق را تاراج کرده مکه را تصرف نموده **حجرالاسود** را از جای کنده بیغما بردند .

۹۰۸ – ۹۳۲ – **خلافت مقتدر** برادر **مقتفی :** درزمان خلافت وی عبدالله المهدی فاطمی شمال افریقا را فتح کرده سلسلهٔ مستقل فاطمی را درمصر تشکیل داد و زیادت‌الله آخرین زمامدار اغلابی را ازمصر بیرون کرد .

وهم در زمان وی درایران سلسلهٔ مستقل **آل زیار** (۹۲۸ – ۱۰۲٤) بوجودآمد که گرگان و اصفهان و همدان و طبرستان (مازندران) را در تصرف داشتند .

ظهور سلسله **آل‌بویه** (۹۳۲ – ۱۰۵۵) درایران که ایالات و عراق را سه برادرکه موسسین آن سلسله‌بودند یعنی **عمادالدوله** ، **رکن‌الدوله** ، و **معزالدوله** فتح کرده و بین یکدیگر تقسیم کردند . خلیفه مستکفی به معزالدوله لقب **امیرالامرا داد (۹٤۵) و خلفا** از آن پس دست نشاندهٔ معزالدوله گردیدند. بعدا سلسلهٔ آل‌بویه بسبب اختلاف و نفاق بین‌ایشان بدست غزنویان منقرض‌گردید

۹۶۲ – ۱۱۸۶ – **غزنویان** – موسس سلسله **سبکتگین** غلامی بود ترك در خدمت **الپ تگین** که خود او نیز سابقا از غلامان پادشاه سامانی درخراسان بود و بعد بمرتبه فرماندهی قوای سامانی رسید و سپس در غزنه درکوههای سلیمان حکومت‌ملوك‌الطوایفی کوچکی برای خود دائر کرد .

سبکتگین **راجپوتهای** هند را شکست داد و خراسان را در ۹۹٤ از دست سامانیان بدر آورد . جانشین وی **محمود** (معروف به بت شکن بسبب شکستن بتهای سومنات در هند) از پادشاهان بزرگ و مشهور آسیای مرکزی گردید و در سال ۱۰۰۰ میلادی برتمام خاك خراسان غالب آمده سپس چند مرتبه بهند حمله کرد . دربار وی مرکز اجتماع شعرا و ادبا و دانشمندانی مانند **بیرونی** و **فردوسی** گردید . غزنویان بدست ترکهای سلجوق (سلاجقه) منقرض گردیدند .

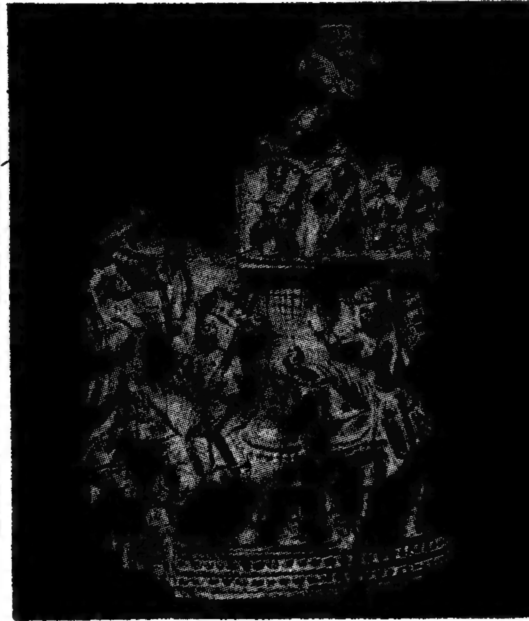
۹۲۹ – ۱۰۹۶ – دراین‌یك‌قرن درسوریه وبین‌النهرین چهار سلسلهٔ عربی و یك سلسله کردی زمام امور را دردست داشتند .

۹۲۹ – ۱۰۰۳ – **سلسلهٔ حمدانیان موصل و حلب** که درمیان ایشان ازهمه معروف تر **سیف‌الدوله** است که حلب را در ۹٤٤ از دست اخشیدی های مصر بدرآورد و با بیزانتین بجنگ پرداخته پیروز گشت ودربار وی یکی‌از مراکز درخشان تمدن اسلامی در



هنر اسلامی : صورت یکی ازشاهزادگان سلسلهٔ آل‌بویه مدال طلائی که درفارس درزمان‌سلطنت آل‌بویه ساخته شده از کلکسیون خصوصی در تهران عکسبرداری شده

یکی از مهره های شطرنج (پیاده) ازعاج که هارون‌الرشید برای شارلمان هدیه فرستاد



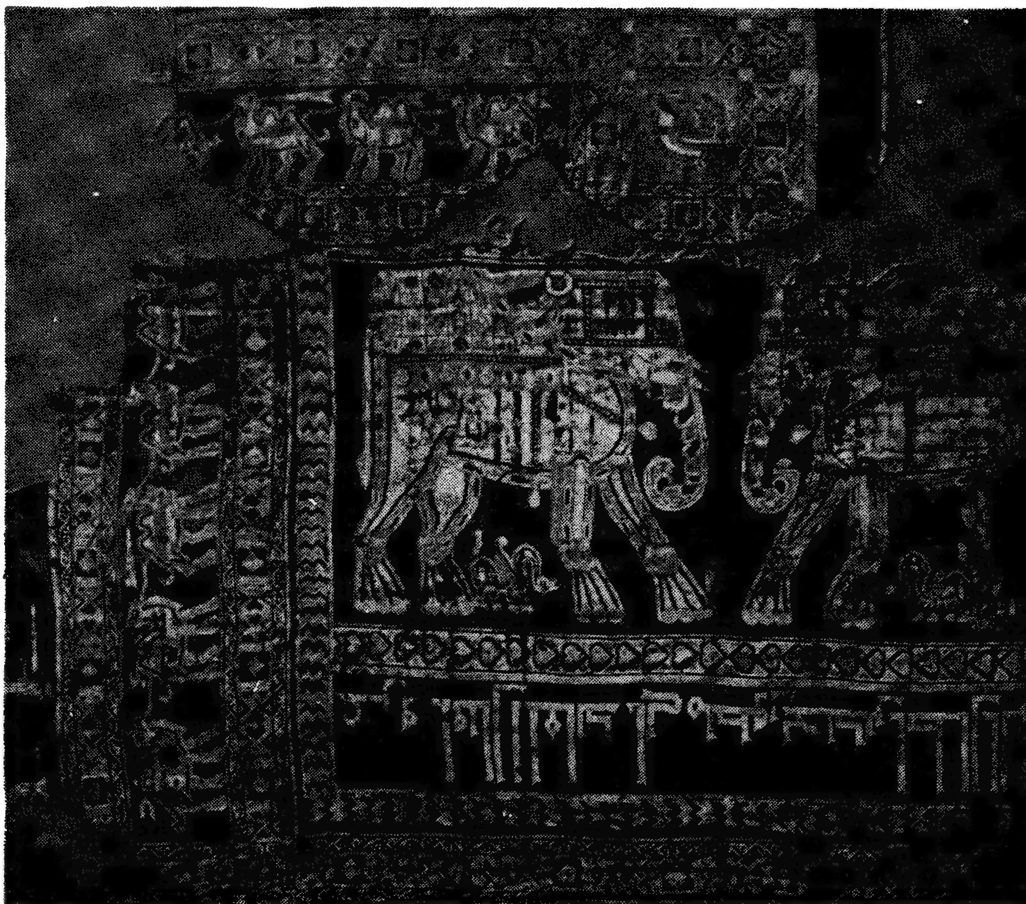
قرن دهم میلادی‌گردید . و متنبی شاعر بزرگ عرب در دربار وی بود . حمدانیان از نژاد يك قبیلهٔ عربی موسوم به **تغلیب** بودند . سلطنت حمدانیان بدست فاطمیان مصر و آل بویهٔ ایران منقرض‌گردید .

۱۰۲۳ – ۱۰۷۹ – سلسلهٔ میرداسی حلب : آنها از قبیلهٔ عربی **بنی‌کلاب** بودند و دائما با فاطمیان مصر وآل‌بویهٔ ایران درجنگ بوده وبالاخره بدست اقالید موصل منقرض گردیدند .

۹۹۶ – ۱۰۹۶ – اقالید موصل بخشی بودند از قبیلهٔ عربی‌**بنی‌کعب** که در موصل جانشین حمدانیان گشتند . در زمان حکومت **مسلم‌بن قریش** قلمرو آنها از بغداد تا حلب توسعه یافت و بالاخره قلمرو آنها ضمیمه امپراطوری سلاجقه گردید .

۹۹۰ – ۱۰۹۶ – سلسلهٔ مروانیان دیاربکر : موسس این‌سلسله ابوالعلی‌بن‌مروان از قبیله کردان بود و برنواحی آمبید ، معیر فریقون و حلب حکومت کرده و پیش‌ازظهور سلجوقیان دولت ایشان منقرض گردید .

۱۰۱۲ – ۱۰۵۰ – سلسلهٔ مزیدی یـا مزیادید حاکم هیللا ، که از قبیله اعراب بنی‌اسد بودند . چهارمین زمامدار ایشان **صدقه** یکی‌از شجاعان بزرگ تاریخ عـرب محسوب میشود . قلمرو حکومت ایشان که بین‌النهرین و سوریه بود بعدا بدست سلسلهٔ زنگی (۱۱۲۷ – ۱۲۵۰) افتاد که موسس آن **امام‌الدین زنگی** بود .



هنر اسلامی ـ پارچه ابریشمی که نقش فیل برآن بافته شده کار دورهٔ عباسی درایران در نیمه دوم قرن دهم (موزهٔ لوور پاریس)

ب ـ عصر صلیبیون

قرون ۱۱ و ۱۲ و ۱۳

اروپای باختری

الف ـ جزائر بریتانیا

[۱] انگلستان

۱۰۶۶ ـ ۱۳۰۷

۱۰۶۶ ـ ۱۰۸۷ ـ سلطنت ویلیام فاتح
وی مردی تندخو و دروغگو و حریص اما سربازی بزرگ و حکمرانی شایسته و مبتکر و قانونگزاری بود و در تمرکز دادن امور صاحب استعداد بود .

۱۰۶۶ ـ ۱۰۷۲ ـ جنوب و باختر انگلستان بسرعت یا تسلیم ویلیام شده و یا مقهور گردیدند و با این **پیشرفت سلطنت** ویلیام مسلم‌گردید . در ۱۰۶۸ جنوب باختری وازسال ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۰ بقیهٔ سرزمین‌انگلیس را فتح کرد و سپس **یك** سلسله **طغیانهای** داخلی را فرونشانید وبا استفاده از کار اجباری کارگران بومی دژهای پایگاه نظامی (تپه های خاکریز نورماق) بنا نمود .

شورش بزرگ شمال راکه در ۱۰۶۹ باکمك دانمارکی‌ها و برهبری **ادوین** و **مورکا** بوجود آمده بود شخصا فرونشاند .
تاراج شمال (۱۰۶۹ ـ ۱۰۷۰) که باریکهٔ بین **یورك** و **دورهام** را ویران نمود باعث دشمنی و مخالفت اسکاندیناویها درانگلیس شد . آخرین پایگاه **هروارد** را در جزیرهٔ **الی** در ۱۰۷۰ تا ۱۰۷۱ متصرف شد و در ۱۰۷۲ به اسکاتلند حمله نمود .

اصلاحات ویلیام در ادارهٔ امور کشور

(۱) فئودالیزاسیون : وی همان خط مشی نرمان‌ها را در کار تمرکز حکومت و شیوهٔ فئودالیسم قدیم ساکسون را پیروی کرد . از ۱۰۶۶ ـ ۱۰۷۰ سرزمین های شورشیان را با قدرت نظامی تصرف نمود . از لحاظ تئوری یا اسماً کلیهٔ **اراضی** در انگلستان به تخت و تاج تعلق داشت ولی در عمل تنها املاك بزرگ بشیوهٔ واگذاری باجاره که ازطرف نورمن‌ها معمول‌بود با عقاب ویلیام تعلق داشت ، عملا شاه درحدود **یك** ششم اراضی را دردست خود نگاه داشت وقدری کمتر از نصف آنرا بصورت اجاره فئودالی به نورمن‌ها واگذارکرد . اراضی ارل‌نشین‌ها کوچکتر و محدود گردید و بیشتر جنبهٔ تشریفاتی و احترام داشت و بدینطریق در حدود ۱۷۰ فئودال نشین بزرگ و عدهٔ بسیاری مستاجر بوجود آمد . کلیه رعایا ملزم به ادای سوگند وفاداری بشاه گشتند (۱۰۸۶) بنا کردن دژ (بجز در مرزها) بسته باجازهٔ شاه بود . ضرب سکه منحصر به پادشاه گردید . جنگهای شخصی ممنوع شد .

(۲) تقسیمات کشوری ـ ایالات انگلو ـ ساکسون : کشور را به ۳٤ ایالت یا ولایت (موسوم به **شیر** Shire) تقسیم نمود اسقف ها پس‌از آن در دادگاه های ایالت حق قضاوت نداشتند و از تعداد **ارل‌ها** (امرا) کاسته شد و قضاوت محلی یا قضاتی موسوم به **شریف‌ها** بود که رتبهٔ ایشان معمولا معادل با **بارون** بود که از زمان انگلو ساکسون ها بیادگار مانده بود و شریف‌هارا شاه‌میتوانست تغییر دهد وعزل نماید شریف‌ها رابطی بودند بین مردم بومی دستگاه اداری محلی) با دولت مرکزی (نورمان) . کمیته های محلی مسئول حفظ نظم هر محل بودند و گاهگاهی مامورین شاهی نیز به‌بازرسی **میآمدند** . در قوانین انگلوساکسون تغییرات مختصری داده شد .

(۳) حفظ عادات و رسوم محلی لندن بر طبق یك منشور سلطنتی تعهد و ضمانت شد .

(٤) ابداعات برای تمرکز حکومت : یك شورای سلطنتی‌بنام **شورای بزرگ(کوریارژیس)** بجای **ویتان انگلوساکسون** تاسیس‌شد که‌معمولا سالی ۳ جلسه تشکیل میداد ولی اعضاء آن همان اعضاء ویتان سابق بوده و عبارت بودند **از :**

اجاره داران بزرگ املاك ، وزیر اعظم (**شانسلر** بمعرفی نورماندی) ، مدیر امور قضائی ومالی (که عضوی تازه بود) و **نایب‌السلطنه** ویلیام در غیاب وی و روسای دربار شاهی . اجاره‌داران بزرگ غالبا خود جلسه میکردند و آنرا **شورای کوچك** مینامیدندوبتدریج اداره واقعی امور بدست **این هیئت افتاد** .

کلیسا اراضی متصرفی خودرا که شاید در حدود ربع از کل اراضی انگلیس بود نگاهداشت . پاپ‌آلکساندر دوم فتوحات ویلیام را تأیید و تقدیس کرد . ویلیام هم اصلاحات مذهبی معروف‌به اصلاحات **کلونیاك** را (منسوب به‌خانقاه کلونی) در انگلیس انجام داد . مس اسقف **استی‌گاند** و بیشتر اسقف ها وکشیش ها (ابوترها) را معزول نمود و بعضی هاهم درگذشتند و جای آنهارا رفورمرهای باحرارت نورمان گرفتند مانند **لانفرانك** (که یك‌حقوقدان ایتالیائی وسابقا **پریور** در **بك** بود) ودیگر سر اسقف **کانتر بری** که اصلاحات وسیع مذهبی بعمل آورد از قبیل اجرای‌الزام به تجرد برای کشیشها و اجرای الفاظ تازه در مدارس مذهبی و تاسیس خانقاه های متعدد . طبق فرمان سلطنتی قضاوت بین روحانیون از قضاوت بین غیر روحانیون یعنی سایر مردم تفکیك گردیده دادگاههای خاص‌برای روحانیون از طرف خود ایشان تاسیس شد واین اقدام گام قاطعی بود که در راه تکامل حقوق عمومی و قانون عرف بعنوان یك نیروی مستقل برداشته شد ویلیام از یاد کردن سوگندبیعت ووفاداری نسبت‌به پاپ‌گرگوری هفتم خودداری کرد وبا وجود صدور فرمان پاپ در سال ۱۰۷۵ اختیارات خودرا در مورد انتصاب اسقف ها وکشیش های مهم حفظ کرد . وی مدیران‌عمده خودرا از میان همین اسقف ها و کشیش ها برگزید و بدینطریق در واقع کلیسا را وادار کرد که خرج اداره دولت را برعهده گیرد . بدون اجازه و تصویب شاه هیچ حکم یافرمان یا دستور یا نماینده‌ئی از پاپ پذیرفته نمیشد وکلیسای انگلیس نیز نمیتوانست بدون اجازه شاه اجاره‌داران بزرگ یا افسران شاهی را تکفیر کند : شاه حق وتو (رد رای و حکم) را در مورد کلیه فرامین سینودها (شورای کلیسا) برای خود حفظ نمود . **پری‌لیت‌ها** (اسقف‌ها) ملزم بحضور درشورای بزرگ وحتی ملزم بانجام خدمات نظامی بودند .

۱۰۸۶ ـ ممیزی بزرگ املاك و اراضی :
ویلیام یك سلسله ممیزی از اراضی واملاك انجام داده در دفتر بزرگی ثبت نمود که بنام دفتر **دومزدی** و ممیزی **دو مزدی** موسوم شده ومبنای مالیات و اداره امور حکومت قرار گرفت . کمیسیون هائی سیار از طرف شاه ماموریت یافته از هر یك از اتباع میخواستند که باادای سوگند راجع به صحت اظهارات





هنر انگلیس (پایان قرن !!)
سه‌بخش از تصاویری‌که روی پارچه بطول ۷۰ متر بشکل‌گل‌دوزی نقش‌شده قسمت وسط پادشاه **ادوارد کنفسور** را نشان میدهدکه **هارولد** را نزد **دوك ویلیام نورماندی** میفرستد ـ درقسمت بالا **هارولد** در کشتی نشسته از راه دریا عازم نورماندی است ـ قسمت پائین میدان جنگ **هیستینگ** رانشان میدهدکه ویلیام در ۱۰۶۶ هارولد را بقتل رسانید .



خود اطلاعاتی را که درباره مساحت و منابع و عایدات گذشته و حاضر و مالکیت هر قطعه از اراضی دارد بکمیسیون عرضه دارد و نتایج آن در هر بخش جمع‌آوری شده ثبت دفتر ممیزی مزبور گردید .

منابع مالی دولت : عایدات دولت از منابع زیر بود :

(۱) مالیات های غیر فئودالی ، مالیات دانمارکیهای ساکن انگلیس ، مزارع ایالات (شیرها) ، وجرائم کیفری و قضائی .

(۲) مالیاتهای معمول فئودالی .

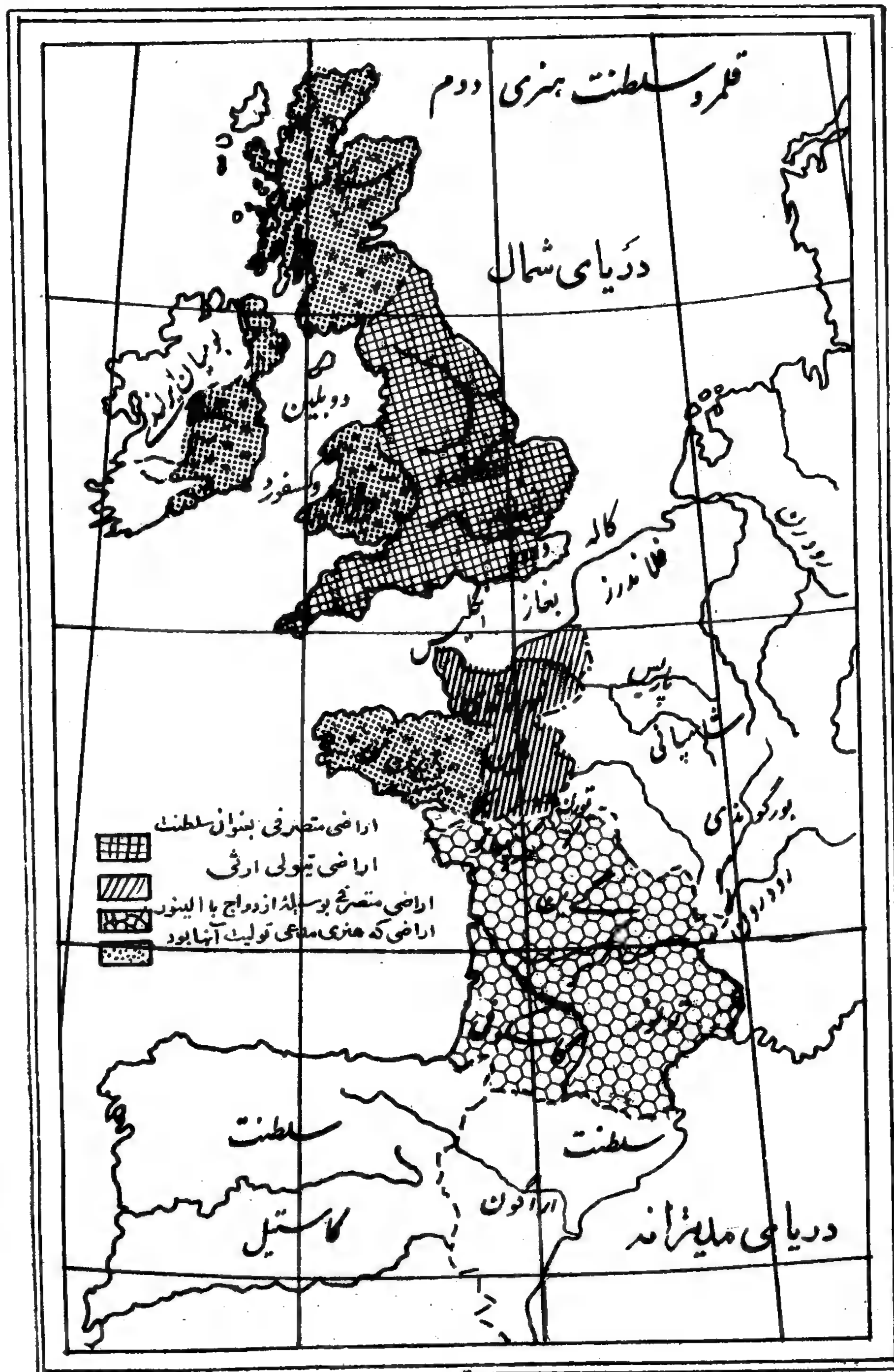
منابع نظامی سلطنت :

(۱) غیر فئودالی که از انگلوساکسونهای سابق تشکیل شده و نظامیان ملی وفادار به تاج و تخت محسوب میشوند (که در ۱۰۷۵ در برابر شورشیان نورمان بکار رفتند) .

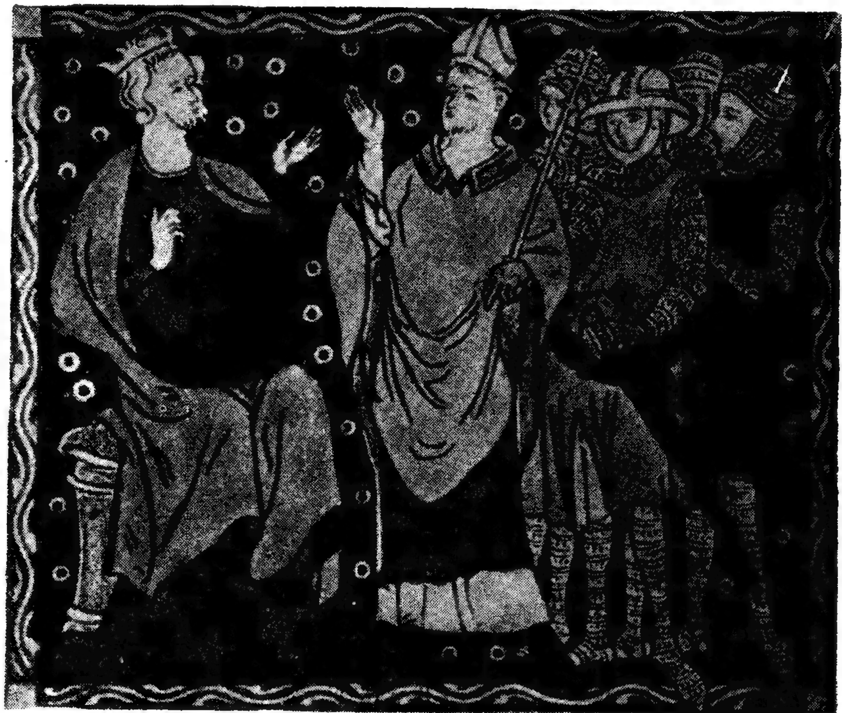
(۲) فئودالی که از مالیات پرداختی پنجهزار شوالیه اداره میشد که خودشان طبق شرایط معمول فئودالی موظف بانجام خدمت بودند و در صورت عدم انجام خدمت مالیاتی میپرداختند .

آبادی کشور : در زمان حکومت نورمان ها عمران و آبادی بسیار در انگلیس انجام گرفت وبناهای زیاد ساخته شد که شامل کلیسا ها و کاتدرال‌ها (کلیساهای مقراسقف‌ها) وخانقاه ها نیز بود . ساختمان این ابنیه در زمان ویلیام آغاز گشت و پس از او نیز ادامه یافت .

۱۰۸۷ ــ ۱۱۰۰ ــ ویلیام دوم (معروف به **روفوس** بمعنی سرخ رنگ) پسر دوم ویلیام‌فاتح مردی بود هرزه و شهوتران وتند خو و حریص واز سنخ اوباش وی از طرف پدرش در بستر مرگ انتخاب شد به برادر بزرگترش **رابرت** سرزمین نورماندی وبه برادر کوچکش **هنری** پول نقد داده شد . در ۱۰۸۸ نورمانها **شورش‌کردند و آن شورش بیشتر با کمك** انگلیسها فرونشانده شد و تخت‌ویلیام مستحکم گردید . در زمان وی احقاق حق عدالت پولکی و قضاوت متاعی فروشی گردید و هزینه آنهم گزاف بود . دستگاه اداری وی جبار و منفور ومالیات سنگین بود . شاه کلیسا را استثمار میکرد . پس‌از درگذشت **لانفرانك** در ۱۰۸۹ ویلیام عایدات حوزه اسقفی کانتربوری را خود ضبط میکرد و جانشینی برای لانفرانك معین نکرد تاسال ۱۰۹۳ که نزدیك‌بودن مرگ‌خود را نزدیك‌دید ویلیام‌راکه‌ازدانشمندترین مردان‌زمان خود ومردی مذهبی بود بجای لانفرانك بسمت سراسقف کانتربوی تعیین کرد . ولی بزودی بین او و ویلیام برسر شناسائی پاپهای رقیب مشاجره برخاست . آنسلم مدعی بود که قانون شرع مقدم برقانون عرف است وبالاخره در سال ۱۹۰۷ خود بنحو داوطلب به تبعید رفت. ویلیام بنحوی شدید و عمیق مورد نفرت‌مردم بود ودر سال ۱۱۰۰ در **نیوفارست** (جنگل نو) ترور شد .



۱۱۰۰ ــ ۱۱۳۵ ــ هنری اول (ملقب به دو لقب **بوکلرك** بمعنی روحانی نیکو ودیگر شیر عدالت) مردی بود تحصیل کرده سرسخت و زمامداری محتاط ، مردم شناس‌و در قضاوت



توماس بکر در حضور هنری دوم (نقاشی در کتاب خطی)

مردم بصیر . وی با حمله به خزانه سلطنتی در وین‌چستر و نشر فوری اعلامیه‌ئی بنام منشور تاج گذاری که در آن بمردم توسل جسته و به آنها قول اصلاحات و برگشتن به روشهای نیکوی زمان ویلیام فاتح را میداد (همان عهد وقولی‌که غالباشکسته شد) بسلطنت رسید وی با **ادیت از خانواده آلفرد** زناشوئی کرد . ظهور هرج و مرج در نورماندی بسبب عدم لیاقت **رابرت** در امر **حکومت** برای سر زمین بارونهای نورمان را بشورش دعوت کرد و فرصتی بدست هنری آمد تا در ۱۱۰٦ در جنگ **تینچه برای** پیروز شده نورماندی را تصرف کرد و نتیجه آن بود که از چندی بعد کشمکش بین سلطنت تازه انگلیس را با سلسله **کاپه‌سیان** در فرانسه که‌در حال صعود بودند اجتناب ناپذیر نمود .

انسلم از تبعید فرا خوانده شد ولی چون تبعیت از نظریات هنری در مورد **املاك** کلیسا و سایر مسائل مذهبی ننمود هنری همینقدر که بر تخت خود استوار و موقعیتش مستحکم گردید املاك متولی کلیسا را تصرف کرده و آنسلم را تبعید کرد . در ۱۱۰۷ با وساطت **آدلا** خواهرهنری کشمکش بین‌روحانیان و شاه بدینطریق پایان یافت که آنها با تولیت شاه بر املاك متصرفی موافقت کردند وشاه هم به آنها اجازه مناصب روحانی و استعمال شعار های مذهبی داد ولی شاه همچنان خود اشخاص را برای مناصب اسقفی نامزد میکرد.

دستگاه اداری **حکومت** وحوزه صلاحیت و قضاوت و اختیارات دادگاههای سلطنتی توسعه یافت و قدرت قضائی آنها افزون شد . صدور فرامین شاهی وتعیین اعضاء شوراهای کوچك وقضات سیار بیش از پیش معمول‌گشت وبدینطریق قسمت زیادی از **کارهای شریف‌ها** گرفته شده و اختیارات آنها محدود شد .

برآبادی کشور افزوده شد ورواج بازرگانی در لندن مهاجرین نورمان را بدانجا جلب‌کرد. در ۱۱۲۸ **سیسترسیانها** (گروهی خاص از رهبانان سیسترسیوم یا سیتوی امروز در فرانسه) به آنجا آمده اجرای برنامه وسیعی را برای خشکانیدن با تلاقها ، ساختن آسیاها و جاده‌ها و توسعه کشاورزی و دام پروری آغاز کردند .

تاثیرات غلبه تمدن و فرهنگ انگلیسی در انگلستان :

(۱) در معماری : شیوع کامل وبسط سبك معماری نورمان (معروف به **رمانسك**) نمونه آن نمازخانه **سن جان** در برج لندن که درپایان‌قرن ۱۱ ساخته شده ودیگر کاتدرال **دورهام** که در حدود سالهای ۱۹۰٦ تا ۱۱۳۳ بنا شده‌است .

(۲) **ادبیات** : انگلوساکسون که زبان مردم مغلوب بود اهمیت خود را از کف داد ولذا در ادبیات تاریخ مشخصی ندارد و به صورتی ساده و تغییر پذیر درآمد . زبان فرانسوی نورمان زبان درباری و طبقه اشرافی و مدارس و مکاتب وحقوقدانها و قضات گردید . این زبان تا سال ۱۲۰٤ که نورماندی از تصرف انگلیس بیرون آمد از قاره اروپا الهام میگرفت . سپس‌نورمانها شروع به‌تحصیل **زبان انگلیسی** کردند و زبان انگلوساکسون بسبب آمیختن یك سلسله کلمات وافکار و ظرافت های زبان نورمان با آن از لحاظ لغات و فرهنگ غنی گردید .

فرهنگ و تمدن انگلو ـ نورمان :

(۱) نوشته های تاریخی : تحریرات **گئوفری** از اهل **مانموت** که از آنجمله است «تاریخ پادشاهان بریتانیا» که بزبان لاتن پیش از سال ۱۱٤۷ نوشته شده و داستان **آرتور** در اروپا از آن اقتباس شده .

والترمپ (۱۱٤۰ ـ ۱۲۰۰) سراینده اشعار **گولیاردیك** .

ویس (۱۱۲٤ ـ ۱۱۷٤) نویسنده **رومان دوبرو و رومان دورو** .

ماری دوفرانس . هرسه نفر بالا در دربار هنری دوم بودند

(۲) علوم : والچر آف مالورن که کسوف سال ۱۰۹۲ را دیده وسعی کرد که اختلاف ساعت بین انگلستان وایتالی را محاسبه‌کند وی در سال ۱۱۲۰ درجه ودقیقه وثانیه را برای اندازه گیری زوایا و قوسها شناخته وآغاز کرد .

ادلارد آف بت که از طلاب **علوم عربی** ودر خدمت هنری دوم بود و سرعت صوت را با سرعت نور مقایسه کرد و جداول علم هیئت وستاره شناسی **الخوارزمی** را در ۱۱۲٦ از زبان عربی به لاتن ترجمه کرد و جداول مثلثاتی خوارزمی را بباختر معرفی نمود .

رابرت اف چستر جبر ومقابله الخوارزمی را در ۱۱٤٥ به لاتن ترجمه کرد .

(۳) فلسفه : جان آف سالیسبری (درگذشت ۱۱۸۰) شاگرد **آبه‌لارد** وی ازبهترین انسان شناسان عصر کلاسیك ودر دربار هنری دوم بوده بعدها اسقف **چارترس** گردید .کتاب **پولیکراتیکوس** را نگاشت .

گشایش دانشگاه آکسفورد و آغاز کار آن در حدود سال ۱۱٦۷ انجام گرفت واین‌دانشگاه بشیوه دانشگاه پاریس تاسیس یافته مرکز فرهنگ ملی انگلیسی گردید .

۱۱۳٥ ـ ۱۱٥٤ ـ استفن : در سال ۱۱۲۰ پسر هنری در دریا غرق شد و هنری دختر او ماتیلدا را (بیوه امپراطور هنری‌پنجم) بعنوان وارث خود پذیرفته و اورا بعقدازدواج **گوفری اف ـ انجو** (بعنوان نگهبان دختر) در آورد . **استفن ـ اف ـ بلویز** (پسر **آدلا خواهر** هنری) مدعی حق تخت و تاج شده ودر **نتیجه** جنگ داخلی واختلاف خانوادگی بین وی با ماتیلدا آغاز شد که تا سال ۱۱٥۳ دوام یافت و در این هنگام هرج ومرج بحد اعلا رسیده و انگلستان رو به تنزل‌وویرانی گذاشت . بالاخره در ۱۱٥۳ سراسقف **تئوبالد** وساطت کرده بین آنها صلح برقرار ساخت و قرار شد **هنری** پسر ماتیلدا پس از **درگذشت استفن** بسلطنت رسد . در این سالها تعداد خیلی زیادی ابنیهٔ مذهبی بوجود آمد .

۱۱٥٤ ـ ۱۳۹۹ ـ سلطنت سلسله پلان تجه‌نت (معروف به انژوین) .

۱۱٥٤ ـ ۱۱۸۹ ـ سلطنت هنری دوم :

وی زمامداریك امپراطوری‌ترکیبی عجیبی بشرح زیر گردید :

انگلستان ، نورماندی ، آنجو، ماین، وتورن بطریق ارث سلطنت به‌وی منتقل گردید .

سلطنتت پواتو اکوئی‌تن ، وگاسکونی

بسبب زناشوئی با **الینور ـ اف ـ اکوئی‌تن**(در سال ۱۱۵۲) به‌وی انتقال یافت .

بریتان‌نی (که در۱۱۹٦ تصرف‌شد) وویلز، وایرلند ، و اسکاتلند (که پیوستگی ضعیفی **باامپراطوری** یافت)بدون وحدت باامپراطوری وتنها بسبب اشتراك درقبول شخص هنری‌دوم بعنوان پادشاه خویش جزء قلمرو وی محسوب گردیدند .

زناشوئی های سلسله‌های شاهان در این سالها انجام گرفت بشرح زیر :

دختر **الینور** بعقد ازدواج شاه **کاستیل** درآمد.

جون با شاه سیسیل ازدواج‌کرد .

ماتیلدا با هنری معروف به‌هنری‌شیر پیمان زناشوئی بست.

هنری دوم اهل فضل و دانش‌بود ونیرو وپشتکاری بی انتها داشت ومدیری با تدبیر وواقع شناس ولی تندخوبود.

برگشت نظم به انگلستان در زمان‌هنری اول انجام گرفت . وی سربازان روزمزد را مرخص‌کرد ، قلاع ودژهای بی پروانه، را که تعداد آن بحدود یکهزار میرسید خراب‌کرد. **نارتمبرلند وکمبرلند** را ازاسکاتهـا پس گرفت .

اراضی خالصه سلطنتی را دوباره‌بدست آورد و موسسات و اداراتی‌که در زمـان استفن از حیطه اقتدار سلطنت بیرون شده بودند باردیگر بحوزه حکومت برگردانید.

در موسسات خزانه و دادگاه مالیاتی **(اکس‌چکر)** وشورای بزرگ تجدید سازمان‌داد. پس از سال ۱۱۵۵که هنری وضع خودرا در انگلیس مستحکم ساخت توانست به‌سایرنقاط جزء قلمرو خود مسافرت کند ودرحدود نصف دوره سلطنت خود را درخارج انگلیس ولی درسایر نقاط امپراطوری خودگذرانید.

۱۱۵۵ ـ ۱۱۷۲ : کشمکش با روحانیان: در این مدت بین هنری و روحانیان کشمکش بر سرقدرت و حدود قدرت بود . روحانیان میخواستند در دادگاه های سلطنتی شرکت داشته باشند وهنری مانع‌بودومیخواست‌کنترل و دخالت خود را در انتخابات پیشوایان روحانی حفظ کند . **توماس بکت** وزیر اعظم وی استعفـا داده در ۱۱٦۲ بسراسقفـی کانتربری تعیین شد و باهنری به‌کشمکش پرداخت از جمله آنکه **بکت** یکمرتبه بفرانسه گریخته و سپس باهنری صلح کرده برگشت وکشیشان طرفدار هنری را تکفیرکرد هنری درخشم شد وچهارنفر از شوالیه‌های درباری هنری نتوانستند خشم او را تحمل‌کنند وبدون اجازه او بکت را درکاتدرال کانتربری بقتل رسانیدند . هنری برای فرارازتکفیربه‌قضاوت پاپ تن در داد وسوگند یاد کردکه، دران قتل شرکتی نداشته پس‌از این واقعه هنری ناگزیر شد درمورد منافع روحانیان شیوهٔ مدارا پیش‌گیرد و سوء استفاده روحانیان بدینطریق روزافزون گردید تا زمان سلطنت هنری هفتم . معهذا هنری دوم حق خودرا نسبت به نمایندگی درانتخابات و کنترل انتخابات روحانیان محفوظ داشت . تشکیل دادگاه جنائی (یا هیئت منصفه) **کلارندون** و صدور فرمان کلارندون در ۱۱٦٦ شامل وضع اولین قانون عرفی یاکشوری بود در مورد کفرو شرك که پس‌از **دورهٔ** رومیان در اروپا وضع گردید .

۱۱۷۰ ـ **دراین‌سال هنری تعداد زیادی** از شریف های منتخب بارونها را عزل کرده افرادی از طبقهٔ پائین‌تر راکه در خدمت شاه تربیت یافته بودند بجای آنها گماشت وازآن پس پستهای **شریف** درشهرها و قصبات از دست بارونها خارج شد .

۱۱۷۳ ـ ۱۱۷٤ ـ شکست‌آخرین‌شورش فئودالی : تنها دراین واقعه بودکه هنری سپاهیان روز مزد در انگلستان استخدام‌کرده آخرین مرتبه بکاربرد .

۱۱۸۱ ـ فـرمان تسلیحات یا دادگاه تسلیحات (اسیز ـ اف ـ آرمز) نام فرمانی است‌که دراین سال ازطرف هنری صادر شده و طبق آن هر آزاد مردی باید به تناسب عایدات خود مسلح گردد و بسهم خود در دفاع از قلمرو امپراطوری شرکت جوید .

این فرمان متضمن نوعی نظام اجباری بوده و تجدید شکل و سازمانی بود ازقانون **فیرد** قدیم . شاه بدینوسیله یك نظام عمومی ملی درکشور برای دفاع دربرابر بارونها تشکیل داد .

هنری قانونگذار بزرگی نبود ولی یك سلسله **ابداعاتی در امر حکومت بکار برد که قالب سیاسی وحدت ملی را بنانهاد .**

اصلاحات قضائی :

(۱) امور قضائی را بیشتر در شورای کوچك تمرکز داد .

(۲) در سال ۱۱۷۸ پنج نفر از قضات **حرفه‌ئی را از شورای کوچك** برای تشکیل دادگاه ثابت مرکزی انتخاب کرد . امور قضائی را بنحوی روز افزون بوسیله فرامین متعدد به دادگاه های سلطنتی **احاله داد و مالیاتی** برای رسیدگی معین کرد که یکی از منابع مهم عایدات دولت را تشکیل داد . دستگاه قضات سیار را در ۱۱٦٦ مرتب کرد و این دستگاه منبع بزرگی برای پرورش قانون عرف شد که **درتمام** قلمرو سلطنت‌یکسان بود . یکی ازقضات موسوم به **گلانویل** کتابی بنام «تحلیلی از قوانین و عادات سلطنت انگلیس » نگاشت که **اولین‌کتابی است‌که دربارهٔ قانون عرف‌**نوشته شده و نفوذ حقوق رم را در حقوق انگلیس که اصل آن انگلیسی باقی مانده است نشان میدهد .

قضات سیار مامور رسیدگی بمحاکمات **کیفری مانند قتل و غارت ، و تقلب** و هم‌مامور برسیدگی امور مالی و قضائی بودند .

(۳) رواج و بسطرسم بازجوئی ازاشخاص پس از سوگند (که باحتمال قوی‌مبدا آن از رسوم رومی بوده و ویلیام فاتح آنرا در انگلستان معمول ساخت) با حضور هیئت منصفه .

تجدید سازمان خزانه واداره مالیات کـه بسبك زمان هنری اول برگردانیده شد .

ابداعات برای افزایش مالیات :

(الف) وضع‌مالیات بطریق **عقد** پیمان‌های **محلی با بارونها و مستاجرین بوسیله قضات** سیار .

(ب) اخذ مالیات از دانمارکی ها .

ناوهای جنگی در زمان سلطنت ماتیلدای زیبا (نقاشی در کتاب خطی)



(ج) اخذ مالیات از روحانیون و شوالیه ها بجای خدمت نظامی .
(د) اخذ مالیات از اموال شخصی .
توسعه بازرگانی : بازرگانان آلمانی در **۱۱۵۷ در لندن مستقر** گردیدند و ایتالیائیها معاملات بزرگ پشم با انگلیس انجام میدادند . بازرگانی داخلی نیز بسیار توسعه یافت .

روابط خارجی :
(۱) نفوذ و رخنه نورمان هادرویلز
از زمان فتح ویلز باعث بعضی مقاومت‌های ملی پراکنده گردید . هنری سه مرتبه بدانجا لشکر کشید و آنرا اسما تابع تخت و تاج انگلیس نمود .

(۲) **ایرلند** با وجود داشتن فرهنگ وتمدن درخشان بومی بسبب اختلاف شاهان کوچك قبایل آن گرفتار مصیبت های سیاسی شده و از لحاظ اقتصادی فقیر گشته بود .

پاپ **آدریان چهارم** بامید آنکه هنری در کلیسای ایرلند تغییراتی بمیل پاپ میدهد در ۱۱۵٤ ایرلند را به هنری بخشید . **ریشارداف کلیر** در ۱۱۶۹—۱۱۷۰ بدانجا لشکر کشیده حکومت خشنی برقرار ساخت .

هنری در ۱۱۷۱ بدانجا رفته موقتا از قدرت حکومت‌بارونها کاست ودرکلیسای ایرلند (سینودکاشل ۱۱۷۲) اصلاحاتی بعمل آورد .

جان لك لند پسر هنری در ۱۱۷۷ بسمت لرد ایرلند منصوب‌شده و در ۱۱۸۵ به ایرلند وارد شد ولی بزودی بسبب عدم صلاحیت احضار گردید .

از سال ۱۱۷۳ بعد انتریك و تحریکات آغاز شده و شورش‌هائی از طرف پسران هنری با کمك مادرشان **الینور** و **لوی هفتم** و بعد از او **فیلیپ دوم** پادشاهان فرانسه و همچنین با کمك بارونهای ناراضی داخلی برپا گردید .

طبقه حاکمه در دوره سلطنت هنری همچنان بزبان فرانسه صحبت‌میکردند اما وضع قانون ارشدیت در ارث(که طبق آن تمام اموال و اراضی شخص متوفی تنها به پسر ارشدش میرسید وسایرپسران اواز ارث محروم بودند) پسران کوچکتر هر شخص متوفی ناچار داخل طبقات غیر اشرافی شده با صنوف مختلف جامعه آمیختند و بدینطریق ترکیب نورمانها با عناصر بومی تسریع گردید . و با ادامه صلح و آرامش در درون کشور تعداد بسیاری خانواده های تازه صاحب زمین و خانه یا ملك و مال بوجود آمدند و خانواده های بسیاری نیز از **سیسترسیانها** که سابقا از فرانسه آمده و مقیم شده بودند روشهای تازه کشاورزی و بخصوص تهیه پشم را توسعه و ترقی دادند .

۱۱۸۹—۱۱۹۹ — ریشارد اول (معروف به **شیردل**) وی نه قانونگذار،نه‌مدیر ونه زمامدار بود بلکه بزرگترین شوالیه آواره و حادثه جو بود که در واقع زمامدار غائب انگلستان بوده در تمام دوره سلطنت خود مدتی کمتر ازیکسال را در انگلستان بسر برد و قلمرو سلطنت خود را تنها دومرتبه دیدن‌کردآنهم بمنظور جمع‌آوری پول برای ادامه حادثه جوئی های خود در قاره اروپا .

درزمان وی مالیات سنگین بود و حکومت بیشتر در دست وزرائی باقی‌ماند که تربیت شدهٔ زیر دست هنری دوم بودند و ضمنا هم بارونها و هم مردم دراینددوره بی‌علاقه به تخت و تاج گردیدند . ریشارد باتفاق **فردریك بربروسا** و **فیلیپ دوم** که خطرناك ترین دشمن او بود در جنگ صلیبی سوم شرکت کرد و همراه اندو بجنگ رفت . وی در مراجعتش در ۱۱۹۲ اسیر دوك **لئوپولد** اطریشی شده و دوك او را تسلیم امپراطور هنری ششم (امپراطور مقدس روم درآلمان) نمود که میخواست مبالغ هنگفت و باور نکردنی بازای آزادی او دریافت دارد . جان و فیلیپ حاضر بخریداری زندانی شدند ولی بالاخره خون هنگفتی که بخشی از آن‌بوسیله افزایش مالیات ریشارد در ۱۱۹٤ آزادی خود را با مبلغ در انگلیس بدست آمد خریداری نمود امپراطور هنری ششم ضمنا میخواست بدین طریق انگلستان را خراجگذار و ضمیمه امپراطوری خود نماید .

نتیجه شرکت‌انگلیسها در جنگهای صلیبی آن بود که مزه نیکوی حادثه جوئی وفتوحات خاوری را چشیدند و همین نکته مبنا و ریشه استعمار های آینده انگلیس در آسیا گردید و بعد ها نتیجه داد . عکس‌العمل‌آن در داخله انگلیس ظهور یك سلسله طغیانهای ضد نژاد سامی بود .

به جان لك‌لند برادر **ریشارد** حکومت چند ولایت (کونتی) سپرده شد ولی وی برضد ریشارد توطئه کرد و توطئه او را **هوبرت‌والتر** سراسقف کانتربری با کمك شهر لندن خنثی نمود . هوبرت والتر از ۱۱۹٤ — ۱۱۹۸ که سمت سراسقف کانتربری و رئیس القضات را داشت در واقع در انگلستان حکومت میکرد ولی حکومت او نیکو بود و صلح و آرامش را که بنفع شاه بود برقرار ساخت و درشهر ها و ایالات طبقه متوسط را تقویت کرده بدانها تکیه داشت . به شهر لندن اجازه داده شد که شهر دار خود را انتخاب کند و در ایالات (شیرها) شوالیه ها را برای موازنه در برابر شریف‌ها در امور ایالتی دخالت دادند . شوالیه ها که خود منتخب طبقه اعیان بودند سمت بازجوها راداشتند و هیئت های منصفه (ژوری) محلی را انتخاب میکردند و این نوع انتخابات زمینه ومقدمه‌ئی شد برای انتخابات ملی و دموکراسی آینده انگلیس . اولین صنف بازرگانی که در تاریخ انگلیس شناخته شده مربوط به سال ۱۱۹۳ است .

۱۱۹٤—۱۱۹۹ — تقلای ریشارد در اروپا دربرابر فیلیپ دوم :
ریشارد **دژگی‌یارد (شاتوگای یارد)** را که سبکی تازه از قلعه سازی و براساس شیوه شرقی بود در کنار رود **سن** بعنوان پایگاهی دربرابر فیلیپ بنانهاد .

۱۱۹۹—۱۲۱۶ — جان (معروف به **لك‌لند** و **سافت سورد** یعنی نرم شمشیر) مردی بود جبار ، پست ، هرزه و شهوتران ، بی‌ایمان و ضعیف‌الاراده و ناقدصفات نیکو . وی دربرابر برادرزاده اش **آرتور** (پسر **گوفری**) که بسبب ارشدیت دعوی‌سلطنت داشت با کمك بارونهای نورمان بسلطنت رسیده و قیم ارتور گردید .

۱۲۰۲ — ۱۲۰٤ — اولین مشاجره جان با فیلیپ (برای حفظ‌مستملکات‌فرانسوی انگلیس) این کشمکش ها برسر زمین های **بریت تانی** ، **ماین** ، **وانجو** بوقوع پیوست . (جان در ۱۲۰۰ موقتا عنوان سلطنت جان را پذیرفته بود) جان با **ایزابل لا** از اهل **انگولم** که بنامزدی یکی از اتباع خود **هیو** از اهل‌لوزینگان درآمده بود ازدواج کرد . هیو به فیلیپ دوم بعنوان سرور مشترك خود و **جان** شکایت برد . فیلیپ در ۱۲۰۲ جان را برای قضاوت احضار کرد و جان اعتنائی نکرد . فیلیپ حق جان را نسبت به سرزمین های فرانسوی انگلیس ساقط شده و بی‌اعتبار اعلام نموده و جنگ برضد جان را آغاز نموده و پیروز شد .

مرگ **آرتور** در ۱۲۰۳ برادرزاده جان که محتمل‌است بدست‌خود جان انجام گرفته باشد جان را بدنام و منفور کرده و سبب شد که فیلیپ مالك انجو ، بریت‌تانی ، و ماین شود و نورماندی را نیز در ۱۲۰٤ و سپس **تورن** را بتصرف آورده رعایای جان در فرانسه جنوبی که ترجیح میدادند تابع اربابی غائب از سلسله **انژوین** باشند تا فرمانروائی از سلسله **کاپه‌سین** که مشغول تجاوز بخاك آنها بود ، دربرابر فیلیپ مقاومت کرده او را در جنوب **لوار** متوقف داشتند . از کف رفتن سرزمینهای شمال **لوار** از قدرت و احترام شاه انگلیس بسیار کاست و رابطه بارونهای نورمان را در انگلیس با متصرفات فرانسوی خود قطع کرد و آنها ناچار توجه خود را بدرون جزیره معطوف داشتند و این واقعه نتایج قاطع و اساسی در اوضاع اجتماعی انگلیس ببار آورد .

۱۲۰۵—۱۲۱۳ — کشمکش جان با پاپ اینوسان سوم : پس از دومرتبه انتخاب در حوزه اسقفی کانتربری پاپ اینوسان هردو انتخاب را (که شامل نامزدجان نیز بود) مردود شناخته در ۱۲۰۷ **استفن لانگتون** راکه دانشمند و تئولوژیست برجسته‌ئی بود بسمت سراسقفی کانتربری منصوب کرد . جان از پذیرفتن لانگتون امتناع کرده تمام مستغلات و املاك حوزه اسقفی را توقیف نمود و رهبانان کانتربری را تبعید کرد . اینوسان در ۱۲۰۸ حکم تحریم انگلیس را صادر کرد . جان اموال روحانیان انگلیس راکه از اینوسان اطاعت کرده بودند توقیف کرد و مخالفت شدیدی هم از طرف مردم بعمل نیامد .

اینوسان در ۱۲۰۹ جان را تکفیر کرد . اما جان کودکان بعضی از بارونها را برای جلوگیری از مخالفت آنها با وی به گرو نگاه داشت و بدینطریق طوفان را فرونشانید . اینوسان در ۱۲۱۳ جان را مخلوع از سلطنت اعلام کرده و به فیلیپ دوم اجازه داد که حکم خلع جان را اجرا کند . جان که از نتایج تشدید این دشمنی بیم داشت از در اطاعت بیرون آمده تعظیم وتکریم به پاپ را در انگلیس و ایرلند پذیرفت وقول داد که غرامت‌خسارات روحانیان انگلیس را بپردازد و موافقت کرد که باجی سالیانه به پاپ بدهد و بدینطریق از بند های تحریم و تکفیر و خلع بدست پاپ رهائی یافت .

۱۲۱۳—۱۲۱٤ — آخرین کشمکش جان با فیلیپ دوم برای تجدید تصرف سرزمین های شمال **لوار** : جان اتحادیه بزرگی با بعضی از کشور های اروپائی (از جمله با عموزاده خود امپراطور اتوی چهارم و امیر فلاندرز) برضد فیلیپ تشکیل‌داداما بیشتر با رونهای انگلیسی خود را کنار کشیدند . در ۱۲۱٤ در جنگ

بوویتر با شکست فاحش این **اتحادیه تمام** امیدهای جان و حکومت انگلیس برای **بدست** آوردن اراضی شمال لوار مبدل به یاس شد (در سال ۱۲۵۹ انگلیس رسما از دعاوی خود نسبت باراضی فرانسوی صرف نظر نمود)

۱۲۱۵ ـ مکناکارتا : اولین جنبش سیاسی برای تحصیل مشروطیت و وضع قانون اساسی در انگلیس :

مبداء این جنبش از آنجا آغاز گشت که بارونهای فئودالی با کمك سراسقف **لانکتون** (با وجود کمك پاپ دراینموقع به جان) و همراهی افکار عمومی سعی کردند که حقوق خود را طبق قراردادی که با شاه در مورد املاك فئودالی و حوزه بارونی خود داشتند بدست آورند و هدف آنها در ابتدا آن نبود که سلطنت را از میان‌بردارند یا اداره حکومت را از دست شاه بگیرند .

درسال ۱۲۱۳ بارونها تقاضاهای مقدماتی خود را تقدیم شاه نمودند . پس از آن جان به کلیسا امتیازاتی داده و با پاپ اینوسان پیمان بست . سپس جنگ داخلی آغاز شد . شهر لندن (باوجودیکه جان بدان منشور آزادی داده بود) با جان بمخالفت برخاست . جان ناچار منشور ماگناکارتا را که به نام **منشور بزرگ** معروف شد در **رون نیمد** پذیرفت **ماگناکارتا** اصلا سندی بود فئودالی که بارونها **آنرا از ارباب خود ، یعنی شاه بخیال‌خویش** برای حفظ منافع خود در برابر ارباب بدست آورده بودند ولی متضمن اصلاحاتی ملی بود. وشامل‌سه‌قسمت عمده بود . (۱) امتیازاتی به بارونها داده شده بود (۲) امتیازاتی به طبقات کشاورز و معامله گر و بازرگان داده شده بود و ضمنا آزادیهای قدیم لندن وشهرها تائید شده و قدرت شاه در توقیف اموال شخصی محدود گردید و هم متضمن اصلاحاتی در قانون جنگل ها و اصلاحاتی در محاکم و وحدت اوزان و مقیاسها بود (۳) امتیازاتی نیز به کلیسا داده شده علاوه برتائید منشور سال ۱۲۱٤ جان وی طبق این منشور قول داد که کلیسا را در انتخابات خود آزاد بگذارد و به کلیسا آزادی دهد .

طبق فصل ۳۹ این منشور : «**هیچ آزاد مردی را نمیتوان توقیف** و زندانی کرد یا از اموالش خلع ید کرد یا محروم از مصونیت قانون کرد یا تبعید نمود یا بنحوی از انحاء مزاحمت او را فراهم کرد یا عملی برضد او انجام داد مگر بحکم قضاوت قانونی **پیر** های او و بحکم قانون آب و خاك » .

اگر چه همین جمله نیز جنبه فئودالی داشت معهذا قرنها تجربه همین فراز و هم سایر مواد ماگناکارتا را مبدل به فرمولی کلی برای جریان مشروطیت نموده آنرا پایه و اساس قانون اساسی انگلستان جدید قرار داد و بعد از چندی این اصل را در روحیه وفکر مردم انگلیس پابرجا کرد که قانون مافوق سلطنت است . زمامداران بعد از جان ناگزیر بتائید و تکرار صدور آن گردیدند . پاپ منشور بزرگ را بیهوده و بلا اثر اعلام کرد بدنبال آن جنگ داخلی درانگلیس اعاده شد . فرقه بارونهای **طرفدار** فرانسه (فرانکوفیل) در ۱۲۱٦ **لوی** پسر فیلیپ دوم را به تخت وتاج انگلیس دعوت کردند . اتفاقا جان در همین سال بموقع درگذشت و پسر جوان وی **هنری با** کمك **بارونهای** طرفدار انگلیس (انگلوفیل) بجای وی نشست ولوی در ۱۲۱۷ از فکر دست یافتن به تخت سلطنت انگلیس منصرف گردید .

۱۲۱٦ـ۱۲۷۲ ـ هنری سوم (پسر ۹ ساله جان) ازسال ۱۲۱٦ تا ۱۲۱۹ درتحت قیمومیت **ویلیام مارشال** امیر **پمبروك** قرار داشت که مردی لایق و میهن پرست بود . و دو اصلاحیه در سالهای ۱۲۱٦ و ۱۲۱۷ نسبت به منشور بزرگ صادر کرده ، از نفوذ و دخالت فرانسه در انگلیس کاست ، و با تجاوزات پاپ درامور انگلستان مخالفت کرده و قلاع فئودالی را



ریشارد شیردل درمراقبت ازجنگ صلیبی سوم بدست سربازان **دوك لئوپلد** اطریشی اسیر میشود و بیش از یکسال دراسارت بسرمی‌برد (۱۱۹۲ـ۱۱۹٤)

تصرف کرد . وی در سال ۱۲۱۹ درگذشت و حکومت بدست نماینده پاپ **هوبرت دوبرگ و پطردروش** معلم هنری افتاد . در ۱۲۲۰ **دومینی کانها** و در ۱۲۲۴ **فرانسیسکانها** وارد خاك انگلیس شدند .

شخص هنری از سال ۱۲۴۷ تا ۱۲۵۸ سلطنت کرد و در زمان سلطنت وی بحران مشروطیت پیش آمد .

بیداری وجدان ملی و احساسات ملیت :
هنری پس از کوشش پر خرج و بیهوده ئی که در سال ۱۲۲۹ برای تجدید تصرف **اکوئی‌تاین** نمود خود را وقف خدمت و ابراز ارادت بـه پاپ نموده او را در اخاذی و جمع پول و مالیات و زیاده روی در انگلیس آزاد گذاشت و از طرف دیگر پاپ عده زیادی از خارجیان را وارد کلیسای انگلیس کرده پست و مقام داد که بسیاری از ایشان ایتالیائی بوده و غیابا پست داشتند یعنی سرپست خود حاضر نبودند و مردم محلی را از دادن این پست ها محروم نمود و این باعث خشم مردم و ظهور احساسات ضد پاپی شد و در نتیجه **دبورگ** را از مقام خود انداختند و **دروش** جای او را گرفت (۱۲۳۳–۱۲۳۴) **و او پواته وین هـا را** به پستهای کشوری حکومت گماشت . **ازدواج** هنری با **الینور** دوشیزه فرانسوی از اهل پرونس برنفوذ خارجیان افزوده افکار عمومی را بیش از پیش برانگیخت . در ۱۲۴۴ مامور مالیاتی پاپ رابیرون کردند و در ۱۲۴۲شورای بزرگ از دادن پول به هنری برای برگرداندن سرزمین **پواتو** امتناع کرد و هنری توفیق نیافت . هنری سلطنت سیسیل را در ۱۲۵۴ از پاپ برای پسر دوم خود **ادموند** گرفت و در ۱۲۵۷ از پاپ نیزاجازه گرفت کـه برادرش **ریشارد – اف – کورنوال** برای اینکه بسمت امپراطور مقدس روم‌انتخاب شود کوشش‌نماید و این هردو کار که بسیار گران تمام میشود برعدم رضایت عامه مردم انگلیس افزود . بالاخره درهنگامیکه‌کسادی اقتصادی‌بزرگی روی داده بود ریشارد از شورای بزرگ خواست که اجازه دهند یك سوم از کل مالیاتهای انگلیس به پاپ تقدیم شود . شورا این درخواست را رد کرد و بارونها در ۱۲۵۸ با تصویب عامه داوطلب انجام اصلاحات درامور حکومت شدند و کمیته ۲۴ نفری نمایندگان شاه و بارونها بالتساوی پیشنهادی برای اصلاحات تهیه کردند .

۱۲۵۸ – مقررات‌آکسفورد : نتیجه‌کوشش بارونها بود در اعاده و تجدید اجرای مـواد منشور بزرگ با کمك موثر روحانیان و طبقه متوسط . شورای ۱۵ نفری که اکثریت آن با بارونها بود با حق وتو (ردونقی) نسبت به تصمیمات شاه تشکیل شد و قرار شد جای شورای بزرگ را یك کمیته ۱۲ نفری بگیرد که سالی ۳ مرتبه تشکیل جلسه دهد و یك شورای پانزده نفری ثابت تشکیل گردد و وزیر اعظم ،قاضی‌القضات و خزانه‌دار حکومت سالی یکمرتبه از طرف این شورا انتخاب گردد کلیه متصدیان امور و مامورین دولت و حتی شاه و پسرش نیز نسبت به این مقررات کـه بنام اکسفورد معروف شد سوگند وفاداری یاد کردند .

۱۲۶۰–۱۲۶۴ – شوالیه ها که از طرف این دستگاه الیگارشی بارونها برکنار و خارج از کار شده بودند به **ادوارد** پسر ارشد هنری متوسل گشتند . بتدریج گروهی از اصلاح‌طلبان ترقی خواه مرکب از بارونهای جوان ، عده زیادی از روحانیان ، شوالیه ها ، شهرنشینان بخصوص از مردم لندن و آکسفورد تشکیل گردید . اما بارونهای محافظه‌کار جانب شاه را گرفتند . هنری از طرف پاپ در سال ۱۲۶۱ از تعهدات سوگند خود نسبت به پاپ آزاد گردید و شورای پانزده نفری را منحل کرده شورای پانزده نفری دیگری مرکب از افراد منتخب خود بجای آن دائر کرد . بدنبال آن در ۱۲۶۳ جنگ‌های داخلی آغاز گشت . اخاذی مالیاتی پاپ‌ادامه‌داشت . **لوی نهم** شاه فرانسه برای حکمیت در مورد مقررات آکسفورد وارد معرکه شد و ۱۲۶۴ بنفع شاه رای داد . شهر لندن و شهرهای بازرگانی انگلیس رای اورا مردود شناخت و جنگهای داخلی شدت یافت .

۱۲۶۴ – سیمون دومونت فورت (پسـر سیمون ازصلیبیون آلبی جنسی) باجناغ هنری که خون فرانسوی و تعلیم و تربیت فرانسوی داشت و دوست **گروسه تست اسقف لینکلن** بود رهبری گروه اصلاح طلبان را بر عهده گرفت . این گروه که عقاید و افکار شان از زمانه خود جلوتر بود حرارت مذهبی نشان‌داده و ضمنا مختصر افکاری از دموکراسی درعقاید و رفتار ایشان دیده میشد . سیمون در ۱۲۶۵ در جنگ باهنری در **لیوز** پیروز شده هنری را دستگیر کرد و اصلاحات سال ۱۲۵۸ را اعاده داد .

در خلال این ایام نام شورای بزرگ به **پارلمان** تبدیل یافت و گاهگاه شوالیه های ایالات برای‌شرکت در مشورت احضار گشتند. پارلمان در این هنگام هم در امور اداری **حکومت وهم درقضاوت و قانونگزاری دخالت** میکرد و امور مالی را نیز تحت اختیار گرفت ولی وظائف آن‌بنحو مشخص تعریف نشده بود. احضار شوالیه ها درمعنی موجب شد که‌ایالات نیز در مذاکرات وتصمیمات شرکت داده شوند و این روش مشورت را به ایالات نیز بسط دهند .

۱۲۶۵ – پارلمان دومونت فورت : دو شوالیه از هرایالت (شیر) و دو نماینده (برجس) از هربخش (بارو) برای شرکت در پارلمان احضار گردیدند و باحتمال قوی این اولین شرکت مردم شهرها در پارلمان درتاریخ جهان است .

۱۲۶۵ – ادوارد پسر هنری که دراین هنگام رهبر بارونهای محافظه‌کار و مخالف اصلاح طلبان بود مونت فورت را در **اوه شام** شکست داد و مونت فورت درگذشت .

هنری باردیگراسما بسلطنت برگشت ولی قدرت واقعی در دست ادوارد بود و ادوارد وهم بارونها لزوم‌اصلاحات را احساس میکردند. ادوارد باتفاق لوی نهم بجنگ صلیبی رفت و دراین اثنا پدرش هنری درگذشت و ادوارد را در غیاب او بسلطنت برداشتند وی در مراجعت خود یکسال را در **گاسکونی** گذرانید و تا سال ۱۲۷۴ تاجگذاری نکرد .

۱۲۷۲–۱۳۰۷ – ادوارد اول (معروف بـه دراز ساق و هم به ژوستی نیان انگلیس) زمامداری بود لایق و قانونگزاری بزرگ و میتوانست بافردریك دوم ولوی نهم والفونسوی خردمند برابری کند . و این جمله را شعار خود قرارداد **« راستی را نگاهدار »** و آنرا رعایت کرد ولی آنرا با وضع قلمرو خود وفق داد . وی اولین پادشاه واقعی انگلیس محسوب میشود . وی وزرای لایق و حقوق دانهای دانشمند را بدور خود جمع نمود و بتکرار با شوالیه ها و نمایندگان شهرها (غالبا خارج از پارلمان) بمشورت درامر حکومت پرداخت و موسسات دولت انگلیس از زمان وی شکل گرفتند .

امور خارجی

۱۲۷۶ – ۱۲۸۴ – تصرف ویلز : در زمان سلطنت هنری سوم سرزمین ویلز از دست انگلستان خارج شده و زندگی مستقل ملـی یافت . **لیه ولین** شاهزاده ویلز با مونت‌فورت همدست شده در ۱۲۷۶ از اطاعت نسبت بـه انگلیس سرپیچی کرد و باتفاق برادرش **داوید** (داود) در ۱۲۸۲ جنگ با انگلستان را تجدید نمود . ادوارد بطرف‌ویلز پیشروی‌کرده لیه‌ولین در ۱۲۸۳ بقتل رسید و داوید را اعدام کرد و تسلط انگلیس را برویلز محرز ساخت .

ادوارد در این جنگها از قوت و نیروی مردم ولز آگاه گردید .

پسر دوم ادوارد (که بعدها **ادوارد دوم** نامیده شد) در ۱۲۸۴ در **کارناروون** بدنیا آمده و باو لقب **پرنس اف ویلز** (شاهزاده ویلز) داده شده از آن پس تا بامروز ونیمهد انگلیس همیشه در دوره ولایت عهد بنام شاهزادهٔ ویلز خوانده میشود . حکومت محلی در ویلز در زمان ادوارد سازمان داده شد و **قانون ویلز** حالت حقوقی و وضع **ولش** را که اکنون ویلز خوانده میشد و تازه تحت انقیاد و انضباط درآمده بود روشن کرد .

۱۲۸۵–۱۳۰۷ : اسکاتلند : ویلیام معروف به ویلیام شیر بوسیله ابراز اطاعت نسبت به ریشارد اول پادشاه انگلیس در ۱۱۸۹ آزادی اسکاتلند را حفظ کرد و جانشینان او و نیز از این شیوه تبعیت کردند . اشراف اسکاتلندی بیشتر نورمان مآب گشتند . **مارگارت** دختر **اریك** پادشاه نـروژ دختـر زاده و وارث **الکساندر دوم** پادشاه اسکاتلند بود و پس از درگذشت الکساندر در ۱۲۸۶ ادوارد در ۱۲۹۰ ترتیب ازدواج او را با پسرش شاهزاده ویلز داد اما مارگارت درراه سفربه‌انگلیس درگذشت و امید ادوارد برای وحدت این دوتخت وتاج نقش برآب شد . سه نفر **جان بالیول ، رابرت بروس ، و جان هیستینگ** دعوی سلطنت **اسکاتلند را داشتند . ادوارد** خواست کـه حکمیت او را بپذیرند و هم تقاضا کرد که ابراز اطاعت نموده به برتری **انگلیس** اقرار کنند و آنها چنین کردند ولی مردم اعتراض کردند . وی در ۱۲۹۲ سلطنت اسکاتلند را به **بالیول** تفوض نمود که نسبت به شاه انگلیس ابراز اطاعت کرد .

اصرار ادوارد در اینکه حق قضاوت استینافی نسبت بامور و دعاوی و شکایات مردم اسکاتلند دارد اسکاتلندی ها را بطرف فرانسه کشانید در ۱۲۹۵ با فرانسه متحد شدند و این اتحاد تا ۳۰۰ سال دوام یافت . ادوارد به اسکاتلند حمله کرده بالیول را در

دنبار در ۱۲۹۶ شکست داد و خود را شاه اسکاتلند اعلام کرد و اشراف نسبت باوابراز اطاعت کردند . اما ظلم مامورین ادوارد باعث طغیان **ویلیام والاس** در سال ۱۲۹۷ گردید و اعیان و طبقات پائین نیز او را حمایت کردند ولی اشراف درابتدامختصری باو کمك نمودند. والاس در **استیرلینگ** برادوارد پیروز گشت . ادوارد با بکار بردن تیراندازان دسته تیر ـ اندازان با تیر و کمان راهی را برای حمله سواران بازکرده والاس را در ۱۲۹۸ در **فالکرك** شکست داده والاس فرارکرد و ادوارد در ۱۳۰٤ دومین مرتبه اسکاتلند را فتح نمود . در ۱۳۰۵ والاس دستگیر شده و اعدام شد و اسکاتلند جزء سلطنت انگلیس گردید البتــه قوانین داخلی و محلی اسکاتلند حفظ شد و بنمایندگان اسکاتلند در پارلمان انگلیس کرسی داده شد اما اشراف اسکاتلند مجبور شدندکه قلعه های خود را واگذار نمایند و يك نفر افسر انگلیسی به اسکاتلند فرستاده شد تا باتفاق يك شورای محلی در آنجا حکومت کنند وبدانها قدرت اصلاح قوانین مفوض گردید . ولی احساسات ملی اسکاتلند از میان نرفت و برهبری **رابرت بروس** (پسر زاده یکی از مدعیان سلطنت اسکاتلند) طغیان کرده رابرت بروس در **اسکون** تاجگذاری کرد . در ۱۳۰۷ ادوارد برای جنگ با وی لشکر کشید ولی در راه سفر درگذشت .

۱۲۹۳ ـ ۱۳۰۳ ـ فرانسه : کشمکش ملوانان پنج جزیره (ساندویچ ، دوور ، رومنی ، هیت ، و هیستینگ) و بعدا دو جزیره **ری و وینچل سی** با فرانسویان منجر به فتح ایــن جزائر بوسیله ناوگان انگلیس و گاسکونی در سال ۱۲۹۳ گردید . **فیلیپ چهارم پادشاه** فرانسه که خود را ارباب ومافوق ادوارد میدانست او را احضار کرد . در ۱۲۹٤ بین ایشان سازش شده ادوارد دژ گاسکونی را به فیلیپ واگذاشت بعدا که آنرا مطالبه کـرد فیلیپ از پس دادن آن امتناع کرده اعلام‌کرد که گاسکونی را ضبط کرده است . ادوارد در ۱۲۹٤ و ۱۲۹٦ و ۱۲۹۷ باتفاق کنت **فلاندرز** در برابر فیلیپ لشکر کشی کرد ولی بجائی نرسید . فیلیپ چون باپاپ بونیفاس هشتم در کشمکش و مبارزه بود و بسبب گرفتاریهای دیگر در ۱۳۰۳ گاسکونی را به ادوارد پس داد .

امور داخلی

۱۲۹۰ ـ اخراج یهودیان : تا این زمان یهودیان بسبب اینکه منابع قرضه دادن بــه پادشاهان بودند شاهان انگلیس از آنها حمایت میکردند . دراین اوقات افکار عمومی بایهودیان مخالف گشته و مردم خصمانه بآنهامینگریستند و خانواده های‌ایتالیائی **باردی** و **پروززی** برای دادن قرضه به شاهان انگلیس آماده گشتند . بازرگانی خارجی مانند صرافی و بانکداری در دست بیگانگان افتاده بود و تنها عده‌خیلی کمی بازرگانان بومی وجود داشتند بجز درمورد صدور پشم که ۳۵ درصد معاملات آن در دست انگلیسها و ۲٤ درصدآن در اختیار ایتالیائیها بود . يك کارخانه‌پشم ریسی در زمان ادوارد در **آنتورپ** تاسیس گردید .

۱۲۹٦ ـ کشمکش باپاپ بونیفاس هشتم : **وین چسلی** سراسقف کانتربری طبق يك فرمان پاپی (**کلری‌سیس لائیکوس**) بروحانیان دستور داد از دادن هرنوع اعانه به شاه امتناع کنند. ادوارد با پشتیبانی افکار عمومی اعلام کرد که دادگاه های شاهی از آن پس حفاظت وحمایتی از روحانیان نخواهند داشت و بدینطریق روحانیان را مجبور کرد که بوسیله تقدیم هدایائی به سلطنت فرمان پاپ را نادیده بگیرند و اراضی روحانیان متمرد را توقیف کرد . پاپ بفوریت در فرمان خود تجدید نظر کرد و پیروزی‌کامل دراین‌مبارزه نصیب ادوارد گردید .

ترقیات موسسات و تکمیل قوانین :

(۱) در ۱۲۷۵ پارلمان به شاه اجازه داد که بر گمرك پشم و چرم بیفزاید تا تامین هزینه روز افزون حکومت بشود (تا این تاریخ هیچگاه شاهان انگلیس از پارلمان اجازه ئی در اینگونه موارد نخواسته بودند .)

(۲)وضع‌مقرراتی راجع به منصب شوالیه مبنی براینکه‌هرکس که سالی از ۲۰ لیره به‌بالا مایدی از زمین دارد باید وظایف يك شوالیه را هم از حیث دادن مالیات این منصب وهم حاضر بودن بخدمت نظامی انجام دهد و بدینطریق هم برعایدات مالیاتی افزوده شد و هم يك دسته جنگجو تحت اختیار شاه بوجود آمد .

(۳) حق شرکت اعیان فئودالی در دادگاه های عمومی بعنوان قضات .

(٤) منع‌اعطای اراضی به روحانیان بدون رضایت شاه (اعطای اراضی به کشیشان در سایر نقاط اروپامعمول بود بدون لزوم رضایت شاه یا دیگری) اما غالبا شاه این اجازه را میداد و مکرر هم برخلاف آن رفتار شد و بدون اجازه شاه اراضی به روحانیان تفویض گردید .

(۵) مقررات دوم **وست مینستر** (۱۲۸۵) مربوط به اراضی فئودالی بود که آنرا تابع شرایطی قرار داده و بعدا منجر بوضع قانون امانت اراضی گردید و همچنین این قانون شامل تجدید سازمان نظامی و توجه از راه ها بود .

(٦) مقررات سوم وست مینستر (۱۲۹۰) منع ایجاد فئودال‌های فرعی جدید در زیردست فئودالها (نایب فئودالها) انتقال زمین آزاد گردید ولی هر مالك جدیدی باید مستقیما اراضی از شاه و یا مستاجر بزرگ به او انتقال یافته باشد .

۱۲۹۵ ـ پارلمان نمونه : اینمرتبه اسقف ها ، نایب اسقف ها ، ارل ها ، بارونها ، شوالیه ها ، وکلای شهر (برجس) و نمایندگان بخش ها و حوزه ها به پارلمان احضار شدند .

۱۲۹۷ ـ تایید منشور : اهمیت این سند در تاریخ مشروطیت انگلیس کمتر از ماگناکارتا یا منشور بزرگ نیست و بااعمال نفوذ و فشار بارونها و نمایندگان طبقه متوسط بدست آمد که هردو طبقه از افزایش مالیات ناراضی و بارونها بخصوص از جنگهای گاسکونی نیـز خشمگین بودند ورهبری ایندوگروه‌را سراسقف **وین چسلی** در عهده داشت . این الحاقیــه منشور اولا ماگناکارتا وسایر منشور ها را تایید میکرد ثانیا این ماده را بر آن افزود که شاه نمیتواند هیچ نوع مالیات غیر فئودالی بدون اجازه پارلمان وضع نماید . در حقیقت این تایید نامه منشور شاه را بیش از پیش محدود ساخته و رژیم حکومت را بمشروطیت نزدیك تر میکرد . اما شاه امتیاز حق وضع مالیات را به پسر خود ادوارد بعنوان نایب ـ السلطنه واگذاشت .

۱۳۰۳ ـ کارتامرکاتوریا نام‌تصویب نامه‌ئی از پارلمان است که طبق آن بازرگانی را در برابر پرداخت حقوق تازه گمرکی و همچنین رفتار سالم افراد را (یعنی آنکه هرعملی کــه مزاحم دیگری نباشد) آزاد اعلام کرد .

۱۳۰۵ ـ بارونها و نمایندگان طبقه عامــه از تجاوزات پاپ و بخصوص اخذ مالیات از طرف پاپ در انگلیس (که ادوارد آن امتیاز را در برابر آزادکردن وی در تعهداتش از طرف پاپ به پاپ داده بود) شکایت و تظلم نمودند . و شاه مواد تظلم را بجز اخذ مالیات پاپی وارد دانست .

در این زمان شاه مکرر با طبقه متوسط (هم در پارلمان و هم در خارج پارلمان) بمشورت پرداخت و آنها هم به تقدیم تظلم و تقاضای احقاق حق تشویق شدند . پارلمان در این سال غالبا در حال اجلاس بود و این خود موثر در تربیت ملت هم درراه حکومت برخویشتن وهم از لحاظ تحول و تجدد افکار گردید و سلطنت را نیز درتماس نزدیك با افکار عامه قرار داد .

اصلاحات قضائی : در زمان ادوارد سه‌نوع محکمه وجود داشت :

(۱) دادگاه شاه که مخصوص رسیدگی بامور کیفری و مسائل مربوط به سلطنت بود

(۲) دادگاه مربوط بامور مالی سلطنتی **(اکس چکر)**

(۳) دادگاه عامه که مخصوص رسیدگی بدعاوی بین مردم بود .

شورای‌شاه نیز معروف به شورای کوچك مافوق محاکم بالا بوده و بمنزلــه دادگــاه **استیناف** بود .

دادگاه دیگری نیز بنام دادگاه انصاف تشکیل شد که اموری که مربوط بدادگاههای بالا نمیشد دراین دادگاه مورد رسیدگی قرار میگرفت وبتدریج بصورت دادگاه مهمی‌درآمد .

برای حفظ سنت و قانون عادت خانــه طلاب حقوقی و وکلای دادگستری در لندن در تحت نظر ادوارد بوجود آمد و کتابخانه هائی در آن تاسیس یافت و سالنامه‌ئی نگارش می‌یافت که جریان محاکمات و شرح و تفسیر مواد قانون عرف در آن ثبت میشد که جای قوانین حقوق رم را گرفته بود .

ترقیات فرهنگ انگلیس :

معماری : معماری گوتیك قدیم انگلیس در تحت نفوذ فرانسه که نمونه های آن بشرح زیر است : بنای **کانتربری** که در ۱۱۷۵ آغاز شد ، **لینکلن** (۱۱۸۵ ـ ۱۲۰۰) ، **سالیس‌بری** (۱۲۲۰ـ۱۲۵۸) ، اما نمونه های گوتیك تزئینی: بخش دیگری از **لینکلن** (۱۲۵۵ـ۱۲۸۰) ، **یورك** (جبهه باختری ۱۲٦۱ـ۱۳۲٤) .

نقاشی و هنر های درجه دوم سن آلبان

در آغاز قرن ۱۳ بزرگترین مرکز هنر در اروپا بود . دربار هنری سوم کعبه صنعتگران اروپائی بخصوص فرانسویان شده بود .

ادبیات : آثار ادبی مهم این دوره بشرح زیر است :

اوزمولوم (اوایل قرن ۱۳) ترجمه ئیست از بخشهائی از انجیل بزبان انگلیسی بوسیله اورم .

آن کرن رول ـ قواعد زندگی توام با ریاضت (حدود ۱۲۰۰)

بروت اثر **لایامون** ترجمه‌اشعار **ویس** است بانگلیسی .

دیگر کتاب « نغمات سیاسی و هجو جنگهای بارونها » .

هیستوریامایور نام کتابی است اثر **ماتیوپاریس** (۱۲۰۰ ـ ۱۲۵۹) دوست هنری سوم و راهب سن آلبان شامل تاریخ جهان که بیشتر آن متضمن تاریخ سالهای ۱۲۳۵ـ۱۲۳۹ است و در آن انگلیس و آنچه را که انگلیسی است ستوده است .

تاسیس دانشگاه کمبریج (۱۲۰۹) .

علوم و تعلیم : بارتولومیو انگلیکوس (در حدود ۱۲۳۰) کتابی بنام «در خواص اشیاء »نگاشته‌که‌بمنزله یك‌انسکلوپیدی‌عمومی زمان است .

فرانسیسکای انگلیسی درآکسفورد :

(۱) **رابرت گروسه تس (درگذشت ۱۲۵۳)** اسقف لینکلن که زبان یونانی و هیبرو را خوب میدانست و در فلسفه و ریاضیات و هیئت و فیزیك و انسانیات مسیحی تحقیقاتی داشته معلم **راجرباکن** بود .

(۲) **راجرباکن** (درگذشت۱۲۹۲) بزرگترین مفسر زمان از امر تجربه و مشاهده است و ترقیات وسائل حمل و نقل حتی پرواز را پیش بینی کرده و فرمول باروت را بدست داد وی نویسنده کتابهای **اوپیس مایوس** و **اوپیس مینوس** است .

مخالفان عقلیون تامیست :

دترسکوتس (۱۲۷۰ـ۱۳۰۸) و **ویلیام اف اوکام** (۱۳۰۰ ـ ۱۳۴۹)

(۲) سوئد

۱۰۳۴ ـ ۱۳۰۴

۱۰۳۴ـ۱۲۸۶ ـ دوره آشوب و غوغای سیاسی و نژادی .

در این سالها **دنکان اول** حکومت داشت و پس از وی قاتل او **ملکبث** غاصب .

۱۰۴۰ـ۱۰۵۷ ـ حکومت **ملکبث** و پسرش و بعد **اوبخر** .

۱۰۵۹ـ۱۰۹۳ ـ مالکولم کانمور . در ۱۰۷۲ ویلیام فاتح و در ۱۰۹۱ ویلیام رونوس او را مجبور به ابراز اطاعت و تکریم نمود و از آنزمان رخنه و نفوذ انگلیس و نورمان در سرزمین اسکاتلند آغاز گشت .

زوجه مالکولم معروف به مارگارت مقدس که انگلیسی بود و باخانواده ادوارد اقرار کننده خویشی داشت بانوئی بسیار برجسته بود که فرهنگ‌انگلیسی را بحد وفور درفرهنگ اسکاتلند نفوذ داده و تاثیر او در حیات ملی و کلیسای محلی اسکاتلند عمیق بود و هرسه پسر او بخصوص **داوید اول** این‌سیاست‌موسوم به **«فتح بی‌خونریزی نورمان»** در اسکاتلند ادامه دادند .

۱۱۲۴ـ۱۱۵۳ ـ سلطنت داوید اول .

۱۱۵۳ـ۱۲۸۶ ـ چهار نفر دراین مدت سلطنت کردند . دراینمدت سلطنت اسکاتلند قوام یافت و مقدمات جنگ باانگلیس فراهم گردید .

ویلیام شیر در یکی از جنگها باسارت انگلیسها درآمده در ۱۱۷٤ تسلط فئودالی پادشاه انگلیس را بر اسکاتلند پذیرفت .

ریشارد اول موقعیت انگلیسها را در اسکاتلند ضعیف کرد .

۱۲۴۹ـ۱۲۸۶ ـ الکساندر سوم در۱۲۷۸ در عین حال که نسبت بشاه انگلیس ابراز اطاعت کرد وفاداری خود را نسبت باسکاتلند حفظ نمود . پس از وی تنها یك دخترزاده موسوم به **مارگارت** دوشیزه نوروژ از او باقی مانده بود ادوارداول خواست بوسیله زناشوئی با وی‌اسکاتلند راضمیمه انگلیس نماید مارگارت **درراه‌سفر درگذشت وپس‌ازاوسیزده‌نفردعوی** سلطنت اسکاتلند راداشتند ولی بالاخره‌دونفر **رابرت‌بروس وجان بالیول** نامزدسلطنت‌شدند . ادوارد بین آنهاحکمیت کرده در ۱۲۹۲بالیول را بسلطنت اسکاتلند رسانید . اما بالیول باحضار ادوارد اهمیت نداده در ۱۲۹۵ با فرانسه متحد شد و ادوارد به اسکاتلند لشکر کشید و پس از چند سال جنگ در ۱۳۰٤ آنجا را فتح کرد .

(۳) ایرلند

۱۱۷۱ ـ ۱۳۰۷

پس ازلشکرکشی هنری اول‌درسال ۱۱۷۱ کشمکش بین سیستم فئودالی نورمانهائی که به ایرلند میآمدند با سازمان قبیله‌ئی قدیم ایرلندی ادامه داشت . در مراحل بعدی این کشمکش مبدل به خونریزی گردید که قرنها طول کشید .هنری به نایب‌السلطنه خوددستور داده بود که خیلی در کار حکومت محتاط‌باشد و با مردم بومی آنجا با مدارا رفتار نماید و با این سیاست عناصر لودمان را درایرلند دور از مردم نگاه داشت .

۱۱۸۵ ـ جان للكلند پسر هنری پس از مدت کمی حکومت برایرلند بعنوان لرد ایرلند که چندانهم دلپذیر نبود بانگلستان برگشته ایرلند را بدست نماینده خود **ویلیام مارشال امیر پمبروك** سپرد که با دختر **ریشارد اف‌کلیر** ازدواج کرد .

۱۲۱۳ ـ جان ایرلند و انگلستان را به پاپ اینوسان سوم سپرد .

۱۲۱۶ـ۱۲۷۲ ـ در زمان سلطنت هنری سوم قدرت و مستملکات انگلیس و نورمان بسرعت توسعه یافت ، دژها و پل ها ساخته شد ، شهرها آباد گردید و اصناف (گیلد ها) بوجود آمد .

۱۲۷۲ـ۱۳۰۷ ـ قوانین انقلابی ادوارد اول در انگلستان تا ایرلند بسط داده شد و حداقل در بخشهای **انگلو ـ نورمن** باعث ادامه آبادی و ترقی گردید معهذا شکاف بین دونژاد ایرلندیها و انگلیسها کاملا مشخص بود وقبایل بومی رام نشده همچنان بسرسختی خود باقی ماندند .

ب ـ اسکاندیناوی

(۱) دانمارك

۹۵۰ ـ ۱۳۱۹

۹۵۰ـ۹۸۵ ـ هارولد بلوتوت : در زمان سلطنت وی مسیحیت پیوسته در حال پیشرفت بود و قدرت دانمارك بر **شلسویك** ، دهانه **اودر** و نوروژ توسعه یافت ولی خود دستگاه سلطنت اهمیت چندانی تازمان‌سلطنت جانشین هارولد نداشت .

۹۸۵ـ۱۰۱٤ ـ سون اول (بکسر سین و واو) (معروف‌بریش چند شاخه یاریش چنگالی): وی نروژیها و سوئدیها و **وندها** را شکست داد و در ۱۰۱۳ انگلستان را فتح کرد .

۱۰۱٤ـ۱۰۳۵ ـ کنوت بزرگ (کانوت) پسر **سون** در ۱۰۲۸ هم پادشاه دانمارك و هم نروژ بود و در ۱۰۱۶ تا ۱۰۳۵ پادشاه انگلیس بوده و **اولین امپراطوری شمال** را تشکیل داد. قبول مذهب عیسوی از طرف کنوت باعث شد که رعایای او نیز همه بکیش مزبور درآیند. وی از قلمرو انگلیسی خود عده‌ئی کشیش و معمار و صنعتگر بدانمارك وارد کرده و افکار و روشهای تازه ازآنجا به نروژ و سوئد هم نفوذ یافت . پس از درگذشت وی نروژ از امپراطوری شمال خارج گشت و انگلستان هم جدا شده در تحت سلطنت ادوارد اقرارکننده قرار گرفت .

۱۱۵۷ـ۱۱۸۲ ـ ولادیمیرکبیر : موسس **والدماریان** : در زمان وی توسعه عظیمی از اراضی بطرف خاور بضرر **وندها** انجام گرفت و **کپنهاك** در اینموقع برای پایتخت انتخاب شد .

۱۱۸۲ـ۱۲۰۲ـکنوت ششم درمکلن‌بورگ و پومرانیا (بخش‌سلاوی) بفتوحاتی نائل گردید.

۱۲۰۲ـ۱۲۴۱ ـ والدمار دوم (معروف بفاتح) بعنوان جنگ جهاد مذهبی به **لیوونیا** و **استونیا** لشکر کشیده به خلیج فنلاند نفوذ یافت و **بالتیك** جنوبی را بمنزلهٔ یك دریاچه دانمارکی یعنی تحت تسلط خود قرارداده بدینطریق **دومین امپراطوری شمال** را تشکیل داد . اما این امپراطوری دوامی نکرده در ۱۲۲۳ درهم شکست زیرا پیشروی وی بیشتر صورت یك جهاد مذهبی را داشت تا توسعه پایدار امپراطوری . اما سلطنت دانمارك در دورهٔ تسلط خود قرارداشت . اشراف غالبا بصورت فئودالی درآمده و روحانیان بسبب امتیازات ماخوذه از شاه مقتدر گردیده وطبقه بورژوازی که به ماهی گیری و پرورش دام اشتغال داشتند قوی شدند . خرده مالکان نیز قوی و مستقل گردیدند .

۱۲۴۱ـ۱۲۵۰ ـ اریك پلوپنی : سلطنت وی با جنگهای داخلی برضد برادرانش **کریستوفر** و **آبل** همراه بود .

۱۲۵۰ ـ ۱۲۵۲ ـ آبل : باکمك نابرادری خود کنت **هولشتین** و سوئدها و مردم شهر **لیوبك** سلطنت کرد .

۱۲۵۲ـ۱۲۵۹ ـ کریستوفر : کوشش وی برای وضع مالیات برکلیسا کشمکشی را بوجود آورد که در حدود یك قرن بطول انجامید .

۱۲۵۹ ـ ۱۲۸۶ ـ اریك (پنجم) گلی‌پینگ: وی در اثر فشار طبقه اشراف ناگزیر شد

خود از آلپ گذشت و مورد پذیرائی ایتالیائی های شمال واقع شد و بدینطریق از یك محاکمه تحقیر آمیز در حضور عامه درآلمان فرارکرده در **کونوسا** در ۲۱ ژانویه خود را بعنوان توبه‌کاری پشیمان معرفی کرد . گرگوری که درصدد بازیگری بااین پیش‌آمد بود تاسه روز تردید داشت ولی بالاخره بنابدرخواست **کنتس ماتیلدا** و نایب اسقف **هیوی کلوئی** (پدر روحانی هنری) قول وعهد هنری وسوگند پرهیبت و توبه او را پذیرفته هنری را بخشید و برای وی طلب آمرزش کرد .

۱۰۷۷ ـ حزبی از اشراف **رودولف** ازاهل **سوابیا** را که مخالف با هنری بود با تصویب نمایندگان گرگوری بسلطنت برداشتند ولی پاپ آنرا تایید نکرد .

۱۰۷۷ ـ ۱۰۸۰ ـ جنگ داخلی جریان داشت . شهرها که به هنری وفادار مانده‌بودند بتدریج قدرت یافتند و در ۱۰۸۰ رودولف شکست خورده و کشته شد . گریگوری باردیگر هنری را تکفیر و خلع کرد ، اما سینود آلمان و اسقفهای ایتالیای شمالی گریگوری را خلع کرده **گیبرت** از اهل **راون نا** را که اسقفی طرفدار اصلاحات مذهبی و سابقا دوست گریگوری بود در۱۰۸۰ بسمت جانشین گریگوری معرفی کردند .

۱۰۸۳ ـ **هنری** پس از یك سلسله لشکر کشیها (از ۱۰۸۱ ـ ۱۰۸۲) به ایتالی رم را

شجرةالنسب امپراطورهای سالیان

کنراد دوم
۱۰۲۴ ـ ۱۰۳۹
هنری سوم
۱۰۳۹ ـ ۱۰۵۶
هنری چهارم
۱۰۵۶ ـ ۱۱۰۶



اگنس
(بافردریك سوابیا جد هوهنس تائوفن ازدواج کرد)

کنراد

هنری پنجم
۱۱۰۶ ـ ۱۱۲۵

۱۱۰۶ـ۱۱۲۵ ـ هنری پنجم ـ (در ۱۱۱٤ با ماتیلدا دختر هنری اول پادشاه انگلستان ازدواج کرد) مردی بود جبار ، و خیانت‌پیشه اما با تدبیر و محیل و دنباله همان سیاست پدر را گرفت . وی از طریق مکر تظاهر به اتکاء به‌شاهزادگان نموده و بدینطریق حق

در ساکسونی خاوری و **تورین جیا** بوقوع پیوست .

هنری در نتیجه وفاداری آلمان جنوبی به وی ازاین مخمصه نجات یافت .

۱۱۱۵ ـ **ماتیلدا** کنتس‌توسکانی که‌اراضی وسیعه متصرفی خود را به پاپ واگذاشته و

منشوری‌راکه بنام **ماگناکارتای دانمارکی** نامیده شد در ۱۲۸۲ امضا نماید و طبق آن مجلس‌ملی برسمیت شناخته شده و شاه را تابع و زیردست قانون قرارداد . وی مشاجره با روحانیان را ادامه داد ، برضد رقبای سلطنت در خانواده خود جنگید ، و برای توسعه قلمرو تا **مکلن بورگ** و **پومرانیا** طرح نقشه کرد و **سکانیا** و **هالندشمالی** را دربرابز سوئدیها از کف داد .

۱۲۸٦ ـ ۱۳۲۰ ـ اریك (ششم) من‌ود : در زمان وی کشمکش بین سلطنت و کلیسا بحد اعلا رسید . بالاخره طبق سازش سال ۱۳۰۳ حقوق کلیسا شناخته شد اما حق شاه برای اخذ مالیات از اراضی کلیسا برای امور نظامی نیز تایید و تقویت گردید .

(۲) سوئد

۹۹۳ـ۱۳۱۹

اصل و مبداء سلطنت سوئد معلوم نیست ولی میتوان تاریخ آنرا بزمان اتحاد **گوتیا** با **سویلند** (پیش از ۸۳٦) رسانید . درهرحال آنچه که معلوم است این کشور در قرن نهم میلادی بکیش مسیحی درآمده است .

۹۹۳ـ۱۰۲٤ ـ سلطنت **اولاف سکوت کونونگ :** که اولین زمامدار مسیحی سوئد و پسر **اریك فاتح** موسس سلطنت شمال بوده و عده زیادی کارگران انگلوساکسون را به سوئد آورد. با **سن اولاف** پادشاه‌نروژبجنگ برخاست وفتوحاتی هم نصیب او شد ولی بزودی سرزمین های تصرف شده را از کف داد . قرن بعد از وی سراسر آمیخته با جنگهای بین گت‌ها و سوئدها و همچنین مشاجرات مذهبی بوده است .

۱۱۳٤ـ۱۱۵۰ ـ سودکر : اختلاط‌سوئدها با گت‌ها صورت گرفت و گاهی زمامداری با سوئدها و زمانی با گت‌ها بوده و این روش تا یکقرن بطول انجامید . بتدریج سلطنت براساس محکمی استوار شد و مسیحیت نیز پیشرفت نمود حوزه های اسقفی متعدد تاسیس شد که ازآنجمله است **اپسالا** که در سال ۱۱٦۳ تشکیل شد . اولین خانقاه ها نیز در ایندوره گشایش یافت .

۱۱۵۰ـ۱۱٦۰ ـ اریك نهم یا سن اریك (مشهور به مقدس) دوره سلطنت وی یك عصر طلائی کوتاهی برای کشور سوئد بود . وی برای یك جنگ جهاد به فنلاند لشکر کشید و این اولین کشور گشائی و توسعه سوئد است . سلسله سن‌اریك با سلطنت **اریك لائسپ** بپایان رسید .

۱۲۲۳ـ۱۲۵۰ ـ اریك لائسپ : درسلطنت وی نابرادری او **ژارل** (ارل ـ امیر) **بیرگر ماگنوسون** بزرگترین زمامدار قرون وسطای سوئد براوضاع تسلط داشت و حکومت را از ۱۲٤۸ تا ۱۲٦٦ تحت اختیار داشته و طرحی ریخت که در ۱۲۵۰ پسرش **والدمار** موسس سلسله **فولکونگ** بسمت پادشاه انتخاب شد

۱۲۵۰ـ۱۲۷۵ ـ سلطنت والدمار : ژارل بیرگر بعنوان نایب‌السلطنه پسرش شکنجه با آتش را که از طرف دادگاه ها اجرا میشد موقوف کرد و به بردگی نیز برابر تقاضای هربرده پایان داد ، بازرگانی را تشویق نمود و از اسکان صنعتگران آلمانی طرفداری نمود. وی کوشش کرد که فئودالیسم خاص اروپائی را به سوئد آورد و برای این مقصود پسرانش را بحکومت دوچی‌های نیمه مستقل گماشت .

۱۲۷۹ـ۱۲۹۰ ـ مگنوس لادولوس برادر خود **والدمار** را از تخت پائین کشیده زندانی کرد . مگنوس ابداعات فئودالی پدر را دنبال کرده قدرت روحانیان را توسعه داد و یك طبقه اشرافی ارثی بوجود آورد . با ثروتمند شدن سکنه شهرها ازطریق‌بازرگانی واستخراج معدن منشور های متعدد شهر ها بوجود آمد .

۱۲۹۰ ـ ۱۳۱۹ ـ برگر (پسر مگنوس) : حکومت وی بسبب جنگهای داخلی بابرادرانش که بالاخره دستگیر شده و اعدام گردیدند مصیبت بار بود و بالاخره منجر به شورش عامه و تبعید برگر شد وبرادرزاده سه ساله او جانشین وی گردید .

(۳) نروژ

۸۷۲ـ۱۳۱۹

نروز منطقه‌ئی بود که وحدت طبیعی در آن قلیل بود ودر اوایل قرون وسطی بوسیله تعداد بسیاری از شاهان کوچك اداره میشد .

۸۷۲ـ۹۳۰ ـ هارولد هارفاگر (هارفاگر یعنی خوش موی) وی بوسیله خلع بسیاری از روسای قبایل(از جمله **هرولف** و **روللو**) برای وحدت کشور کوشش نمود . و در همین دوره بود که **تورسها** طبق روایات فتوحاتی در **آیسلند ، فاروئس ، شت لند ، اورك نیز ، هبرید ، اسکاتلند** و **ایرلند** نمودند .

۹۳۵ـ۹٦۱ ـ هاکون معروف به نیکو که بیموقع و پیش ازآنکه زمینه حاضر شود سعی کرد که مردم را بکیش مسیحی آورد .

۹۹۵ـ۱۰۰۰ ـاولاف (اول) تریگ‌وسون : وی با کمك روحانیان انگلیس مذهب مسیحی را در نروژ و ایسلند و گروئنلند رواج داد . وی از پادشاهان دانمارك که باشراف نروژ کمك کردند شکست خورد و بدنبال آن یك دوره تجزیه فئودالی پیش آمد .

۱۰۱٦ ـ ۱۰۲۸ ـ اولاف دوم (سن‌اولاف ـ اولاف مقدس) از نو وحدت کشور را بوجود آورد و مسیحیت را برپایه استواری بنانهاد

۱۰٤٦ ـ ۱۰٦٦ ـ هارالد (سوم) هاردرادا از هارولد پادشاه‌انگلیس **درجنگ پل‌استامفورد** شکست خورد و بدنبال آن یك دوره آشوب دیگر آغاز گردید که در آن بین مدعیان سلطنت دائما جنگ‌برقرار بود و نیز مبارزه‌ئی دربرابر قدرت روزافزون روحانیان در جریان بود . با این حال توسعه بازرگانی باعث افزایش آبادی گردید .

۱۱۸٤ـ۱۲۰۲ ـ سورره (بکسرواو) : وی با کمك خرده مالکان توانست دربرابر مخالفت اشراف و روحانیان سلطنت را قدرت بخشد و در عین حال هنوز نروژ گرفتار کشمکش بین مدعیان سلطنت و جنگ داخل سلسله شاهی بود .

۱۲۲۳ـ۱۲٦۲ ـ هاکون چهارم : پادشاهی مقتدر بود که بطور موقت نظم را اعاده داد و ایسلند را فتح نمود ولی در جنگی بااسکاتلند شکست خورد .

۱۲٦۲ـ۱۲۹۹ ـ اریك معروف به دشمن کشیش که واقعه مهم سلطنت وی جنگ با شهرهای **هانزا** بود که با شکست او مواجه شد و ناچار گردید امتیازات کامل به شهر های نروژ دهد و به جامعه **هانزاتیك** ملحق شود .

۱۲۹۹ ـ ۱۳۱۹ ـ هاکون پنجم درزمان وی قدرت سلطنت روبه تنزل گذاشت .

سلطنت در اسکاندیناوی هم از لحاظ سربازگیری و هم از حیث اداره امور سلطنت براساس تیولات و رعایای شاه قرار داشت ، سواره نظام در اسکاندیناوی ابتدا در سال ۱۱۳٤ در دانمارك بظهور رسید و پیدایش سواره نظام براهمیت این تمایل وسیرفئودالی افزود و درنتیجه یك طبقه اشراف‌تازه بظهور رسید . این طبقه اشرافی عبارت از یك طبقه نظامی حرفه‌ئی بود که همیشه حاضر برای جنگ بوده و از مالیات معاف بودند و بزودی این طبقه مبدل‌بطبقه حاکمه شده پستهای‌محلی و اراضی را بعنوان مزد خدمات نظامی بدست آورد . این جامعه تازه از دانمارك به نروژ و سوئد هم بسط یافت و بدینطریق اشراف خود مزید ابهام امور و باعث جنگهای درون سلسله سلطنت و مدعیان تاج وتخت وموجب یك‌سلسله بحرانها گردیده تکامل عادی قدرت سلطنت را محدود ساختند .

سرمایه آلمانی وبازرگانی آلمان (ژرمن) به اسکاندیناوی رخنه و نفوذ کرده و در نیمه دوم قرن ۱۳ موقعیت تفوق و تسلطی بدست آوردند . نمو جامعه هانزیاتیك ترقی طبقه بورژوای بومی را بتاخیر انداخت اما رواج بازرگانی باعث نموموثر شهرها و زندگی شهری گردید . جمعیت بسرعت روبافزایش گذاشت ، زمین ها پاك و مستعد کشاورزی شد ، صنایع بنحوی بارز در تحت حمایت شاهان ثروتمند و اسقف های‌متمول راه پیشرفت و تکامل گرفت.

عصر پهلوانی آیسلندیك (اسکالدها ـ یا شاعران درباری) در قرون ۱۰ و ۱۱ صنعت و هنر را بمرحله کمال نزدیکتر کرد ولی تمرکز دادن تمام نیروها در جنگ بالاخره آن هنرها را نابود کرد . شاهان هم به سیاست و هم به جنگ علاقه داشتند (بخصوص **سورره** پادشاه نروژ حدود ۱۱۸۵) و از قصه گویان وداستان سرایان نروژی بخصوص ایسلندیها حمایت میکردند و بدینطریق **ساگاها** (افسانه های قهرمانی اسکاندیناوی) بوجود آمد . مشهورترین این ایسلندیها **سنورری ستورلسون** (۱۱۷۹ـ۱۲٤۱) است که مردی سیاسی و فعال هم درایسلند و هم در نروژ بود . کتاب وی بنام **ادای جوان‌تر** بنظم و نثر شامل قواعدشعر **گفتن** وافسانه‌های باستانی ونیزمجموعه‌ئیست از اشعار کهن ایسلندی و رویهمرفته کتاب بی‌مانندی است مورخ معروف آنزمان **ساکسو گراماتیکوس** (درگذشت ۱۲۰۸) نام داردکه‌کتاب **هیستوریادانیکا** را نوشته و منبع عمده الهام داستان **هاملت** شکسپیر است . هم **سنورری** و هم **ساکسو** هردو دارای ایدآلهای وحدت‌ملی و طرفدار قدرت سلطنت و لزوم مقاومت با **پارتیکولاریسم** بارونها بوده‌اند .

(۲) در ایتالیا وبورگوندی مراسم تقدیس باید ششماه پس از انتخابات انجام شود و عصاوردای سلطنت پس‌از تکریم بشعائر مذهبی باو مفوض گردد .

این موافقت نامه (**کونکوردا**) به مشاجره **انوستی تور** پایان داد اما برقابت عمیق بین پاپ و امپراطور پایان نداد زیرا پاپ که‌اکنون آشکارا پیشوای روحانی مستقل اروپا شده بود نمیتوانست مدت‌مدیدی وجود یك‌امپراطور رقیب را تحمل نماید .

۱۱۲۵ ــ هنری وارث مستقیمی از خود باقی نگذاشت پس از درگذشت وی کشمکش شدیدی در مورد انتخاب‌جانشین وی در ۱۱۲۵ درگرفت سراسقف **ماینز وکولونی**که از دشمنان سلسله ضد روحانی **سالیان** بودند با زیرکی تمام و با کمك پاپ مانع انتخاب نزدیکترین وارث هنری یعنی **فردریك** سوآبیا از خانواده **هوهنس تائوفن** گردیدند ومتقدر شدندکه رعایت اصل توارث در تعیین امپراطور کاری خطرناك است **ولوتایر** سوپلین برگ دوك ساکسونی انتخاب شده و از آن پس کشمکش بزرگ بین خانواده **ولف** (بکسر واو) و **وایت لینگر** (هوهنس تائوفن) در آلمان و بین **کوئلف وگیبه لین** درایتالی آغاز شد .

۱۱۲۵ــ۱۱۳۷ ــ لوتایر دوم : وی باکمك روحانیان انتخاب شده و به کلیسا وفادار ماند و او اولین پادشاه آلمانی است که از پاپ تقاضا کرد که انتخاب او را تصویب نماید وتا چند سال ازحقوق خود طبق موافقت‌نامه (کونکوردا) **وورمز** استفاده نکرد . از ۱۱۲۵ تا ۱۱۳۵ جنگ داخلی شدیدی بین او باخانواده هوهنس تائوفن برقرار بود . در دوره سلطنت وی آلمان سیاست قوی توسعه اراضی را در سرزمین **وندها** (بکسر واو) واسکاندیناویها پیش گرفته در ۱۱۲۷ تحمیل کیش عیسوی به وندها از سرگرفته شد .

۱۱۳۳ ــ لوتایر در تحت نفوذ **برنارد از کلروو** تصمیم گرفت دربرابر **آناك لتوس دوم** به پاپ **اینوسان دوم** کمك کند و شخصا برای حل مسئله انشعاب در مقام پاپی به ایتالیا رفته در آنجا پاپ تاج برسراو گذاشت و لوتایر عهدنامه وورمز را تایید نمود و اراضی **ماتیلدا** بعنوان تیول به اوواگذار شد .

۱۱۳۵ ــ «سال صلح» در آلمان : صلح عمومی در درون آلمان‌اعلام شده لوتایر درصدد بود تا سرزمین های وسیعی را از طریق یافتن عناوین و راههای قانونی یا عرفی بنام داماد خود **ولف هنری** (معروف به مغرور) نموده و بدینطریق او را وارث تخت و تاج امپراطوری نماید واین‌سرزمین‌ها عبارت بودند ازباواریا ، سوابیا ، ساکسونی و املاك خصوصی (غیر فئودالی) و هم تیولات ماتیلدای توسکانی . اما لوتایر درهنگام مراجعت از یك لشکرکشی دربرابر **روجر دوم** پادشاه سیسیل ناگهان درگذشت و در انتخابات سال ۱۱۳۸ روحانیان برهبری **آدآلبرت** از **تروس** (بکسر تا ورا) از خانواده وایب لینگر **گونراد** هوهنس تائوفن را بسلطنت برگزیدند . کنراد بفوریت هنری مغرور را توقیف‌کرده ، ساکسونی را به‌آلبرت (معروف به آلبرت خرس) و باواریا را به **لئوپولد** از اطریش نابرادری خود واگذاشته در نتیجه جنگهای داخلی از سرگرفته شد .

۱۱۳۸ــ۱۲۶۸ ــ سلسله هوهنس تائوفن : (منسوب به **استائوفن** نام قلعه سوابیائی‌ایشان) اولین سلسلهٔ سلطنتی‌آلمان است‌که به اهمیت نقش تاریخی‌خوددر سنت امپراطوری واستفاده از حقوق‌روم برای‌تثبیت مقام سلسله امپراطور و دعاوی ولاف و گزاف امپراطوری آگاه گردید. سیاست ایشان فشار به‌اصل تمرکز اموردولت و بزرگ نشان دادن قدرت امپراطوری بود در برابر تفوق و صعود تازه روحانیان ودعاوی سیاسی پاپ بدین سبب دوره سلطنت آنها آغاز دومین دوره کشمکش های بزرگ بین پاپها و امپراطورهاست و دراین دوره است‌که فلسفه‌ها و استدلالات بسیار درمورد حقانیت دعاوی هریك از دو رقیب یعنی سیاست و روحانیت از طرف حامیان و پیروان آنها بوجود آمد .

۱۱۳۸ ــ ۱۱۵۲ ــ کنراد سوم : قهرمانی بود شجاع شوالیه مانند ، جذاب و صاحب وجهه در میان مردم اما با فن زمامداری آشنا نبود .

ولف ، **هنری شیر** (پسر هنری مغرور و جانشین وی) عنوان و مقام کنراد رابشناخت اما ساکسونی را بازور متصرف شد و در ۱۱۴۲ باکنراد صلح کرده ساکسونی به وی واگذار شد . کشمکش بین خانواده ولف با خانواده وایب لینگر آلمان را گرفتارمصائب کرد و کنراد هم عازم جنگ صلیبی‌دوم‌گردید و در مراجعت خود اوضاع آلمان را وخیم‌تر از سابق دید .

در زمان وی توسعه آلمان بطرف سلاوها و اسکاندیناویها (بیشتر از ناحیه آلبرت خرس و هنری شیر) انجام گرفت . در ۱۱۴۷ جنگ جهادی ازطرف آلمانها برضد سلاوها بوقوع پیوست . **هولستین** خاوری مستعمره آلمان شد و در ۱۱۴۳ **لیوبك** تاسیس گردید . **براندنبرگ و پومرانیا بکیش عیسوی** در آمدند . آلبرت خرس لقب **مارگریو** براندنبورگ بخود داد (یکی‌از القاب معادل مارکیز) هنری شیر ایالتی در خاور **الب** بوجود آورد . کنراد در این فعالیت‌ها شرکت نکرد و بدریافت لقب امپراطوری هم نائل نگردید ــ دراواخر عمر باکلیسا کج افتاد و درصدد تحکیم موقعیت امپراطوری خود برآمد و به **فردریك** سوابیا برادرزاده‌اش بعنوان نامزد تاج و تخت که امپریالیستی قوی بود کمك کرد . هنگام درگذشت کنراد هرج و مرج چنان صحنه سرزمین آلمان را فراگرفته بودکه حتی اعیان و بزرگان قوم نیز طالب ظهور یك زمامدار مقتدر بودند و لذا **فردریك** دوك سوابیا که نامزد کنراد بود باتفاق آراء انتخاب شد .

۱۱۵۲ ــ ۱۱۹۰ ــ فردریك اول (معروف به بار باروسا ــ بمعنی ریش قرمز) مردی‌بود خوش قیافه با موهای طلائی پر پشت که چهره و قیافه‌اش درآن واحد هم جذاب و هم ترس آور بوده و روح مجسم ایدآل یك شاه قرون وسطائی آلمان بود . مطالعه تاریخ زیاد کرده و اورا قانون دانهای رومی احاطه کرده بودند و خودرا وارث سنت کنستانتین، ژوستی نیان و شارلمان میدانست و هدفش این بودکه شکوه و افتخارات امپراطوری روم را احیا کند و عنوان **امپراطوری مقدس روم** را برای سرزمین خود انتخاب کرد .

سیاست وی تحکیم اساس امپراطوری و توسعه اراضی بود : سرزمین بورگوندی رابوسیله ازدواج باب**ئاتریس** وارث کنت‌نشین بورگوندی در ۱۱۵۶ بدست آورد . در**سوابیا و ایتالی** اراضی ولف‌ها را خریداری کرد

چون فردریك نظم را برقرارکرد و با همسایگان و اعیان و هم با روحانیان از در سازش و صلح‌جوئی درآمد به لقب**صلح‌جو (پاسی فیکوس)** ملقب گردید .

۱۱۵۶ ــ ۱۱۸۰ ــ هنری شیر : امارتی مستقل در وراء **الب** تشکیل داد و دربرابر سلاوها قدرت نظامی خود را تقویت کرد و از مستعمره‌نشینی‌هلندیها ودانمارکیها وفلمینگ‌ها جلوگیری‌نمود . در ۱۱۵۶ **برمن** را از سراسقف و در ۱۱۵۸ **لیوبك** را از **ادولف هولستین** پس گرفت . با دانمارك و سوئد و نروژ روابط بازرگانی برقرار کرد . با **ولادیمیر دوم** پادشاه دانمارك متحد شد . از راهزنیهای سلاو ها جلوگیری‌نمود . **مکلن بورگ** رامستعمره ساخت. مسیحیت را رواج وتوسعه‌داد . با **آلبرت‌خرس** جنگید . در ۱۱۷۶ از کمك به فردریك در ایتالی امتناع کرد .

فردریك هم سرزمین او را تصرف کرده در ۱۱۸۰ او را به تبعید فرستاد و بیشتر در انگلیس بسر برد . ساکسونی تجزیه شد .

۱۱۵۶ ــ انجمن راتیس بون : ظهورهیئت شاهزادگان انتخاب کننده که جزء ثابتی از دولت آلمان شد .

۱۱۵۷ــ انجمن بیزانسون: اعزام ماموران مخفی اعزامی از شهرهای رم ، فرانسه ، انگلیس ،شاهزاده نشین های اسپانیا ، اپولیا، توسکانی ، ونیس ، ولمبارد برای ادای احترام به فردریك جان کاردینال رولاند نماینده پاپ را که اظهار دعاوی پاپ از طرف وی خشم اشراف آلمان را برانگیخته بود از مرگ نجات داد .

۱۱۵۸ ــ فردریك به دوك بوهیمیا این افتخار را دادکه خود را شاه بوهیمیا بخواند.

۱۱۴۷ ــ ۱۱۷۷ ــ پنجمین لشگر کشی فردریك به ایتالیا : محاصرهٔ‌بیهودهٔ **آلساندریا** و کوشش بیفایده برای آشتی با پاپ .

۱۱۷۶ ــ لگناتو : شکست قاطع فردریك از جامعهٔ لمباردی در لگناتو (لگناتو نام شهری است در ایتالی‌در ۳۲ کیلومتری شمال باختری میلان) اولین شکست سواره نظام فئودالی از پیاده نظام که مقدمه و پیشرو نقش تازهٔ طبقهٔ بورژوازی بود .

۱۱۸۳ ــ صلح کنستانس بین فردریك و پاپ و شهرهای لمبارد ، برگشت کلیهٔ آنچه

جنگ با **اسقف** بمجارستان لشکر کشید و موفقیتی حاصل نکرد ولی در ۱۰۳۱ دولشکر کشی به‌مجارستان فاتح شد و **لوزاتیا** را تصرف کرده و از لهستان خراج گرفت .

۱۰۳۹ ــ ۱۰۵۶ ــ هنری‌سوم (معروف به سیاه) . در زمان وی قدرت امپراطوری به اوج خود رسید . عصر وی عصر آبادی های بزرگ شهرهاست که سبب آن ترقی بازرگانی بود . هنری اصلاح طلبی درستکار بود و خرید و فروش و معامله اشیاء مقدس کلیسا را که به **سیمونی** معروف بود موقوف کرد و دربار را برطبق همان روش **کلونی** تصفیه نمود وکلیسا را قویا کنترل کرد . وی مقتدر ترین امپراطور آلمان بوده برلهستان و بوهیمیا و مجارستان کاملا مسلط گردید . ساکسونی تنها دوچی بود که استقلال اصلی خود را تا درجه‌ئی حفظ کرد . برگشت کار خطرناك بخشیدن دوچی ها به اشخاص خارج از سلسله سلطنتی آلمان را مبدل بیك آتش فشان فئودالی نمود . عمل **می‌نیس تریالس** (گماشتن اشخاصی از طبقات پائین دربستهای دولتی‌بجای‌کشیشان)راادامه داد ولی اسقف ها را بعنوان مشاور و مدیران امور حکومت نگاه داشت . اصلاحات هنری اسقف ها و اعیان و اشراف را ناراضی کرد وهنری آنها را کنار گذاشت .

برمن بنام وی حکومت کرده خانقاه ها را که یکی از منابع عمده عایدات شاه بود بین خود تقسیم کردند .

۱۰۶۶ ــ انجمن تریبور بسبب عکس‌العمل روحانیان و اشراف برضد آدآلبرت ، هنری را از دست آدآلبرت درآورده و آزاد کرد و دوره حکومت خود هنری آغاز گردید .

هنری مردی لایق ، با هوش ، ثابت قدم و دارای عزمی راسخ اما بی‌انضباط ، دارای فکری ناموزون و شتاب زده بود و از آغاز سلطنت خود با مشکلات مواجه گردید . در ۱۰۶۹ در تحت فشار پاپ با زوجه خود برتا آشتی کرد و در زندگی شخصی خود تجدید نظر نموده یك دوره زمامداری با اقتدار را آغاز کرد . سیاست وی برگشت به عادت **اوتونی** بود که کلیسا را بدوشد و آنرا منبع بیشتر عایدات و مالیات قرار دهد . رسم خرید و فروش مزایای کلیسائی و روحانی معمول شد و حزب اصلاح طلب از هنری به رم شکایت برد . هنری آنچه را که سلطنت از دست داده بود شروع کرد پس بگیرد و تجدید سازمان را آغاز نموده اراضی سلطنتی را متصرف شد ومالیاتهای سلطنتی را باردیگر بخصوص در ساکسونی برقرار کرد و در صدد

این اتهامات را نشر داده او را مخلوع اعلام نمودند . هنری نیز نامه‌ئی بسیارشدیداللحن و اهانت آمیز به گرگوری نگاشته استعفای او را طلب کرد . افکار عمومی از مضمون این‌نامه دچار حیرت گردید اما اسقف های شمال ایتالی در **پیاسترا** با هنری همصدا گشتند گرگوری در سال ۱۰۷۶ در سینود **لن‌تن** در رم اسقف های آلمان و لمبارد را معلق کرده و تکفیر نمود و هنری را تکفیر کرده مخلوع اعلام نمود و رعایای او را از قید تبعیت و وفاداری به هنری آزاد کرد و بدینطریق باعث اغتشاش سیاسی و مذهبی در آلمان گردید . هنری تنها مانده ، شورشیان ساکسونی طغیان را ازسر گرفتند و اتحادیه ئی مقتدر ازاعیان آلمان که مشتاق کسب قدرت بودند برضد هنری تشکیل شد . **انجمن تریبور** درماه اکتبر این سال هنری را مجبور کرد که خود را حقیر شناخته و حاضر برای محاکمه شود و تاپیش از ۲۲ فوریه ۱۰۷۷ خویشتن را از اتهامات گرگوری پاك و تبرئه نماید وگرنه سلب حمایت و تبعیت ازاو خواهند کرد . شاهزادگان یك شورای کلیسائی (سینود) در **اوگس‌برگ** تشکیل داده گرگوری را برای ریاست آن دعوت کردند . گرگوری هم پذیرفته و عازم آلمان شد.

۱۰۷۷ ــ هنری در نیمه زمستان بازوجه

شجرةالنسب دوخانواده سلطنتی آلمانی ولف و هوهنس تائوفن

خانواده هوهنس‌تائوفن (استائوفر)
فردریك ــ دوك سوابیا (درگذشت ۱۱۰۵)
با اگنس دختر امپراطور هنری ٤ ازدواج كرد

- کنراد سوم
  - فردریك (درگذشت ۱۱٦۷)
  - هنری (درگذشت ۱۱۵۰)
- فردریك ــ دوك‌سوابیا (درگذشت ۱۱٤۷) ازدواج
  - فردریك اول بارباروسا ۱۱۵۲ــ۱۱۹۰
    - فیلیپ سوابیا ۱۱۹۷ــ۱۲۰۸
      - بئاتریکس با فردیناندسوم کاستیل ازدواج کرد
        - الفونسوی دهم‌کاستیل
      - بئاتریکس با آتوی٤ ازدواج کرد
    - فردریك دوك‌سوابیا (درگذشت ۱۱۹۱)
    - هنری‌ششم ۱۱۹۰ــ۱۱۹۷ باکنستانس‌ازدواج کرد
      - فردریك دوم ۱۲۱۱ــ۱۲۵۰
        - مانفرد (درگذشت ۱۲٦٦)
          - کنستانس باپطرسوم اراگون ازدواج کرد
        - انزیو (درگذشت ۱۲۷۲)
        - مارگارت (درگذشت ۱۲۷۰) باالبرت تورینجیا ازدواج کرد
          - دیزمان
          - فردریك
        - کنراد چهارم ۱۲۵۰ــ۱۲۵٤
          - کنراد ین (درگذشت ۱۲٦۸)
        - هنری (درگذشت ۱۲٤۲)

خانواده ولف
ولف چهارم
دوك باواریا (درگذشت ۱۱۰۱)

- هنری سیاه
  دوك باواریا (درگذشت ۱۱۲٦)
  - جودیت
  - ولف‌ششم (درگذشت ۱۱۹۱)
  - هنری مغرور
    دوك باواریا وساکسونی (درگذشت ۱۱۳۹)
    - هنری شیر
      دوك‌ساکسونی وباواریا (درگذشت ۱۱۹۵) با مالتیدا دختر هنری‌دوم انگلیس ازدواج کرد
      - ویلیام
        - اوتوی کودك
          اولین‌دوك برانشویك لیونه‌برگ
      - اتوی‌چهارم امپراطور
        (۱۲۰۱ــ۱۲۱۸)
        زناشوئی‌اول ــ با بئاتریس دختر فیلیپ‌سوابیا
        زناشوئی‌دوم ــ با ماریا دخترهنری چهارم‌برابانت

که در خلال انشعاب پاپی از طرف امپراطور **توقیف شده بود به پاپ** ، شناسائی اختیاراتی کلی و عمومی برای امپراطور در ایتالی . شهرهای لمبارد عملامبدل به دولت‌های مستقل شهر گشتندکه در تحت اداره ضعیف و سستی از نماینده امپراطور و **ویکارها** (نمایندگان یا معاونین اسقف‌ها) قرارداشتند . فردریك بار دیگر اراضی متعلق به ماتیلدا را بدون تعریف وضع و حالت سیاسی آن بدست آورد . ازآن پس وحدتی در امپراطوری وجود نداشت زیرا آلمان وایتالی هریك راه جداگانه‌ئی را در توسعه و ترقی خود پیش گرفتند .

۱۱۸۴ ـ مجلس بزرگ ماینز : انجام یك نمایش قرون وسطائی عظیم برای مراسم شوالیه کردن دو پسر فردریك در حضور اجتماعی بزرگ که شامل هفتاد شاهزاده و زمامدار و هفتاد هزار شوالیه بود .

۱۱۸۶ ـ ازدواج هنری ششم آینده با کنستانس (دختر **راجر دوم** شاه سیسیل) که وارث شاه ویلیام دوم بود . وسائل این ازدواج باحتمال قوی بوسیلهٔ پاپ فراهم شد بامید آنکه صلح‌پایداری بین وی و امپراطوری برقرارگردد . اما تنها نتیجهٔ این ازدواج آن بود که در کشمکش بین پاپها و امپراطور مرکز ثقل سیاسی منتقل به سیسیل گردد و همچنین از نتایج آن درهم شکستن قطعی وحدت آلمان و ضعف و بربادی سلسله **هوهنز تائوفن** بود . پاپ از انجام مراسم تاجگذاری امپراطوری هنری خود داری کرد .

۱۱۸۶ ـ سه تاجگذاری در زمان واحد در میلان : (۱) **فردریك** بعنوان پادشاه بورگوندی (۲) **هنری** بعنوان قیصر (لقب‌سزاررا بدینطریق فردریك خواست با کمال جرئت احیا کند) . (۳) **کنستانس** بعنوان ملکهٔ ژرمن ها

۱۱۹۰ ـ ۱۱۹۷ ـ هنری ششم که در این زمان عنوان قیصر و هم نایب‌السلطنه راداشت در ۱۱۹۱ بعنوان امپراطور تاجگذاری کرد . امپراطوری قرون وسطائی دراین زمان هم از حیث ایدال و افکار و هم از لحاظ اراضی در اوج اعلای عظمت و توسعه خود بود . هنری فاقد خوش طبعی معمول خانواده هوهنز تائوفن بود اما سربازی خوب ، مردی تعلیم یافته ، عملی ، و سیاستمداری محیل و سخت‌گیر ، ظالم و صاحب دماغی مبتکر و شجاع بود .

۱۱۹۰ ـ ۱۱۹۵ ـ کشمکشهای متناوب بین هنری ششم با خانواده ولفرها برهبری هنری شیر .

۱۱۹۱ ـ ۱۱۹۴ ـ اعادهٔ نظم در سیسیل: کشمکش با **تانکرد ـ لکسه** (درگذشت ۱۱۹۴) که از نورمانها و ضد شاه بود .

تاجگذاری هنری بعنوان پادشاه سیسیل در ۱۱۹۴ .

تولد فردریك (فردریك دوم آینده) در **ژسی** در ۱۱۹۴ .

۱۱۹۲ ـ ۱۱۹۴ ـ هنری در صدد برآمد که از اسارت ریشارد اول پادشاه انگلیس استفاده نماید و انگلیس را تیول امپراطوری قرار دهد و مبالغ گزافی پول بازاء آزادی ریشارد بدست آورد و موفق گردید پول خوبی تحصیل کند .

مساعی هنری برای وحدت سلطنت آلمان و سیسیل و به تخت نشانیدن پسرش فردریك بدون انتخاب و موروثی ساختن سلطنت آلمان بسبب مقاومت مخالفین آلمانی و پاپ بجائی نرسید .

۱۱۹۶ ـ فردریك بسمت پادشاه رومیان انتخاب شد .

هنری با کمك نورمانها در صدد تاسیس یك امپراطوری مدیترانه برروی خرابه های امپراطوری بیزانتین بمنظور ایجاد پایگاهی برای سلطنت جهانی برآمد . وی روابط زناشوئی‌بین خانواده‌خودبا خانواده امپراطوری یونانی برقرار کرد و تدارکاتی برای یك جنگ صلیبی دید و تا مرکز ایتالیا پیشروی کرده و ایتالی شمالی‌را تسخیر کرد . طغیان مردم سیسیل برضد حکومت آلمانها با شدت عمل درهم شکسته شد . پس از درگذشت هنری عکس‌العمل ضد امپراطوری شدیدی در ایتالیا بظهور رسید و در آلمان نیز مدت ۱۴ سال جنگ داخلی برقرار بود .

۱۱۹۷ ـ۱۲۱۲ ـ جنگ داخلی در آلمان: سراسر امپراطوری دچار اختلال و مصیبت گردید ، جنگ بین مدعیان سلطنت بشرح زیر درگرفت : **فیلیپ سوابیا** ازخانواده **وایبلینگر** با پشتیبانی فیلیپ دوم پادشاه فرانسه ، **اوتوی** برانشویك از خانواده **ولف** پسر هنری شیر با پشتیبانی ریشارد اول پادشاه انگلیس و از طرف دیگر برادران هنری . اشراف آلمان گاهی **طرف** این و زمانی طرف آنرا گرفته مدعیان را بجان یکدیگرمیانداختند در سیسیل نیز اغتشاش برپا شده در آنجا پاپ اینوسان سوم از ۱۱۹۸ ببعد بعنوان قیم فردریك در آنجا دخالت میکرد . در ۱۲۰۱ اینوسان عنوان **اوتو** را برسمیت شناخت . در ۱۲۰۸ فیلیپ ترور شد .

در۱۲۰۹ **اوتو** بعنوان‌امپراطور تاجگذاری کرد . در ۱۲۱۰ پاپ با اوتو در افتاد وفردریك و فیلیپ دوم بکمك او برخاستند . در ۱۲۱۱ فردریك برای مرتبه دوم انتخاب شده عازم آلمان شد .

۱۲۱۱ ـ ۱۲۵۰ ـ فردریك دوم : مردی بود صاحب وسواس بیماری ، متوسط‌القامه ، مودب ، خوشخو ، مهربان ، جذاب اما متکبر و بی‌رحم . وی برجسته‌ترین زمامدار عهد خود و از دانشمند ترین مردم آن عصر بود ، در قانونگزاری نیز نظیر نداشت ، سربازی لایق ، سیاستمدار و شکاك و در آنزمان یکی از پیشوایان تحقیقات علمی نیز بود . در استرولوژی (شناختن ستارگان از لحاظ ارتباط موقعیت آنها با حوادث بین مردم روی کره‌زمین که‌در قدیم اهمیت داشت) و تجدد طلبی (رنسانس) بود . صاحب ذوق و تربیت سیسیلی و از لحاظ خون نیمه نورمان و کمی آلمانی بود .

وی در ۱۲۱۲ بعنوان شاه رومیان و در ۱۲۱۵ بعنوان‌شاه ژرمن ها در **آخن** و در۱۲۲۰ بعنوان امپراطور در رم تاجگذاری کرد .

۱۲۱۲ ـ اتحاد با فیلیپ دوم پادشاه فرانسه .

۱۲۱۳ ـ فردریك چون سوگند یادکرده بود که دو سلطنت خود را از یکدیگر مجزا نگاه دارد و **به پاپ** کمك کند کلیسای آلمان را یکسره به پاپ اینوسان واگذاشت و آزادی انتخابات اسقف ها را رعایت کرده و حق توسل و واخواست به پاپ را هم تایید کرد و متعهد شد که در برابر مشرکین و کفار و غیر مسیحیان به پاپ کمك کند .

۱۲۱۴ ـ جنگ بووینز : فردریك وفیلیپ دوم **اوتو** و ولف ها را کاملا شکست داده کار آنها را بپایان رسانیدند . از ۱۲۱۶ که پاپ اینوسان سوم درگذشت در واقع زمامداری مستقل شخص فردریك آغاز گردید .

۱۲۱۶ ـ ۱۲۲۷ ـ فردریك با پاپ **اونوریوس سوم** که معلم سابق او بود با مدارا رفتار میکرد . در ۱۲۲۰ فردریك برخلاف قولی که داده بود هنری پسر خود را بسمت شاه رومیان انتخاب کرد . وی سیسیل را درمدت حیات در قبضه خود نگاه داشت . سوگند جهاد (جنگ صلیبی) خود را تکرار کرد . در ۱۲۲۰ امتیازات سخاوتمندانه‌ئی بروحانیان داده کلیسا را از مالیات و از قضاوت غیر روحانیان دربارهٔ ایشان معاف کرد ، زمامداران روحانی را عملا در اراضی متصرفی خودشان مستقل نمود و به اسقف ها برضد مخالفت شهرها بایشان کمك نمود و قول داد که شرك و کفر را براندازد . ولی جنگ صلیبی تا سال ۱۲۲۵ بتعویق افتاد .

۱۲۲۲ ـ اولین ظهور مغولان در اروپا : تصرف **کراکو** در لهستان در ۱۲۴۱ بدست مغولان ، شکست مجارها و سیلزیها از مغولان.

۱۲۲۶ ـ نظام تیوتونیك . (تشکیلات جمعیت رهبانان‌نظامی وشوالیه های تیوتونیك آلمانی که لباده سفید و برروی آن علامت صلیب سیاه می‌پوشیدند و مرام ایشان جهاد و کمك بفقرا و هدایت اشخاص مرتد و خارج از مذهب بود بمذهب عیسوی) متعهد گردید که مردم سرزمین پروس را بکیش مسیحی درآورد .

فردریك که از فوائد مالی و تجارتی دوستی با مسلمانان آگاه بود در ۱۲۲۹ یك پیمان متارکه ده ساله با الکامل سلطان مصر منعقد کرد و طبق این پیمان بیت‌المقدس ، نازارت و بیتلهم باردیگر در دست مسیحیان قرارگرفت و فردریك بعنوان شاه بیت‌المقدس تاجگذاری کرد . در ۱۲۲۸ تا ۱۲۲۹ جنگ با پاپ در اپولیا بوقوع پیوست که در آن‌سرزمین ویرانی ببار آورد و این اولین جنگی بود که سربازان روز مزد **پاپ** بنام سربازان کلیدها در آن شرکت داشتند . فردریك در مراجعتش بدان سرزمین نیروهای پاپ را از آنجا بیرون کرد و پاپ تهدید به حمله نمود .

۱۲۳۰ ـ صلح توخالی سن ژرمانو باپاپ گرگوری نهم . فردریك قول داد که قلمرو حکومت پاپ را حفظ کند و حقوق پاپ را در سیسیل تایید نمود و در برابر پاپ او را عفو و برای او طلب آمرزش کرد . فردریك در تدارك کشمکش آینده با پاپ نیروی خود را در ایتالی و بخصوص در سیسیل متمرکز کرد . هنری پسر فردریك از ۱۲۲۸ ببعد توجه خود را مصروف به آلمان داشت و از شهرها طرفداری نمود . فردریك مانند بارباروسا در برابر پاپ و برای اداره امور حکومت بیشتر به اسقف ها و حوزه های اسقفی آلمان بخصوص به **انگلبرت** کولونی تکیه کرده و بر استقلال شاهزادگان غیر روحانی و برقدرت مامورین دولتی (مینیس تریالس) بیفزود .

پستهای اداری تقریبا بصورت موروثی درآمد و پس از درگذشت انگلبرت در ۱۲۲۵ از تاثیر دستگاه اداری کاسته شد . شوالیه های تیوتونیك در پروس سکونت گزیدند . در۱۲۳۷ با **لیوونی ها** معروف به برادران شمشیر متحد شده توسعه اراضی را بطرف خاور آغاز کردند .

۱۲۳۱ ـ امتیازات وورمز : فردریك بامید جلب موافقت آلمان نسبت به سیاست وی در ایتالی عطایا و مزایائی را که در سال۱۲۲۰ برای روحانیان قائل گردید شامل زمامداران و حکام غیر روحانی نیز نموده بآنها اختیارات در مورد امور قضائی محلی و حق ضرب سکه و استفاده از جاده ها و رودخانه‌ها را داد . از این زمان در آلمان بنحو مشخص حق حاکمیت ارضی شاهان کوچك و زمامداران و حکام روحانی و غیر روحانی محرز گردید .

فرمان راونا (۱۲۳۲) توسعه قدرت این نوع حکام را بضرر شهر ها اجازه داد . هنری که طرفدار **شهرها** بود بااین عمل ایراد کرده و در ۱۲۳٤ بشورش برخاست و سعی کرد که شهر های آلمان و ایتالی را بحمایت خود وادارد .

۱۲۳۱ـ تکمیل تجدیدسازمان درسیسیل : کلیه القاب شخصی و امتیازات شاهی که بطریق نورمن داده شده بود ملغی گردیده اراضی سلطنتی به شاه برگشت . ساخلوهای نظامی شخصی و دژ های فئودالی را ویران کرد و جنگ های شخصی را ممنوع ساخت ، محاکمات کیفری از دادگاه های فئودالی به دادگاه های شاه انتقال یافت . شهر ها از دست کلانترها گرفته شده به افسران شاهی سپرده شد . از روحانیان مالیات اخذ گردید و روحانیان از ورود بمشاغل کشوری ممنوع گشتند . و از ۱۲۲۱ تا ۱۲۲۵ نظم و ترتیب در سیسیل برقرار گردید . شورشهای فئودالی فرونشانده شد و شهر ها را باطاعت وادار کرد . پادگانهای بزرگی از مستعمره نشین های اعراب مسلمان که به فردریك وفادار بوده و به تهدید های پاپ بی‌اعتنا بودند در **لوسرا و توسرا** مستقر کرد . **فردریك** که از منبع واقعی قدرت خود در سیسیل یعنی اهمیت پول و افراد وفادار آگاه بود میخواست سیسیل و ایتالی را بصورت یك **سلطنت متحده** درآورده و تابع امپراطوری قراردهد . در ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۰ و در ۱۲۳۲ شورشهای محلی در اپولیا و سیسیل بوقوع پیوست و در ۱۲۳٤ درایتالی جنوبی حالت بحرانی بوجود آمد .

۱۲۳۱ ـ کنستی ترسیون ملفی (قانون اساسی ملفی ـ ملفی‌نام شهری‌است درایتالی) نام برجسته ترین وسود مندترین قانون مثبت وبانی است در قرون وسطی که تجدید سازمان سیسیل را کامل کرد . این قانون مبتنی بود بر حقوق مطلقه الهی بنحو موثر (که بیشتر شامل برگشت به سیاست **راجر دوم** بود) که عمیقا تحت نفوذ و تاثیر حقوق رم قرارگرفته بود . دراین قانون اساسی به تمرکز قدرت در یك دستگاه بوروکراسی متخصص و آزموده اداری اهمیت داده شده ، قوه قضائی ازدست روحانیان‌بیرون آمده و قضاوت ایشان محدود **بمسائل مذهبی گردید** ، شرك و کفر یك جرم کشوری شناخته شد ، خرید و فروش پست در ادارات کشوری جرم بزرگ محسوب گردید اهداء یا فروش اراضی کلیسا ممنوع گردید، جای مامورین اداری فئودالی و روحانی و شهرداری را مامورین سلطنتی گرفتند . در **کاپوئا** دیوان عالی تمیز تاسیس گردید . قضات به نوبت در هرسال تعویض میشدند امورمالی کشور با کمال‌دقت سازمان داده شد . دانشگاه ناپل (اولین دانشگاه اروپائی براساس منشور سلطنتی) در۱۲۲٤ برای تهیه و تربیت مامورین دولت تاسیس یافته وتعلیمات‌عالیه در انحصار آن دانشگاه قرارداده شد . **سالرنو** بعنـوان مدرسه پزشکی تجدید حیات کرد .

سیاست اقتصادی مترقی در سیسیل براساس آزمایش اعراب قرار داده شد ، باج راه وراهداری در داخله موقوف‌شد ، مقرراتی در مورد امور بازرگانی وضع شد و بعضی تجارتها در انحصار دولت درآمد . مالیاتهای فئودالی به پرداختهای مقطوع مبدل گردید ، مالیات مستقیم وضع شد و دستگاه گمرك موثر تاسیس گردید که عایدات خوب داشت و و بدینطریق کشور بطرف آبادی و عمران پیش رفت .

۱۲۳۵ ـ ۱۲۳۷ ـ آخرین دیدار فردریك از آلمان : فردریك در این سفر پسرش هنری را خلع و زندانی کرد و او در ۱۲٤٤ درزندان خودکشی کرد و در ۱۲۳۷ برادرش **کنراد** جای او را گرفت . آشتی و صلح با ولف ها باعث تقویت فردریك در آلمان شد .

انجمن ماینز (ملفی آلمان) در ۱۲۳۵ اصلاحات بزرگی در مورد اراضی بعمل آورد . فردریك نتوانست از ترقی مستدام شهر ها که زندگی ایشان براساس توسعه بازرگانی استوار بود در آلمان یا ایتالیا جلوگیری کند .

۱۲۳۷ ـ فردریك در **کورته نوئووا** دومین جامعهٔ لمباردی را درهم شکسته و میلان را تحقیر کرد .

۱۲۳۹ـ پاپ گرگوری دومین دفعه‌فردریك را تکفیر کرد : بدنبال واقعه یك رشته مبارزات شدید بوسیله نشر رسالات و وعظ و خطابه آغاز شد . در رسالات مخالف ، فردریك را بصورت یك کافر و مشرك و هرزه و فاسد و ضد مسیح معرفی میکردند . وی در پاسخ این رسالات تقاضای اصلاح کلیسا را نموده و از کلیه زمامداران اروپا درخواست وپیشنهاد کرد که انجمنی از شاهان اروپا دربرابر **پاپ** تشکیل دهند .

آغاز ترکیب و وحدت ایتالی شمالی و مرکزی با اداره امپراطوری براساس همـان خط مشی وسیاست حکومت سیسیل . ظهور یك سیستم حکومت که عبارت بود از تقسیم کشور به حوزه های **ویکاری** (نایب اسقفی یا کشیشی) در تحت‌اداره ویکار های امپراطوری و در هرشهر یك **پودستا** (حاکم یا کلانتر) مامور گردید که معمولا از **اپولیانها و** غالبا از خویشاوندان فردریك بودند .

۱۲٤۱ ـ دعوت گرگوری برای تشکیل سینودی در رم بمنظور خلع فردریك :

فردریك سرزمین های تحت حکومت پاپ را ویران و تاراج کرده و تقریبا رم را متصرف شد و ناوگان وی یك هیئت نمایندگی بزرگی از کشیشان را در خارج **ژنوا** که عازم سینود بودند دستگیر نمود و **توسکانی** بخش پاپ را بامپراطوری ملحق کرد . گرگوری در ۱۲٤۱ درگذشت .

در خلال دو سال فترت دستگاه پاپی و عدم انتخاب پاپ فردریك با تدبیری در صدد برآمد پاپی انتخاب شود که با او دوست باشد ولذا انتخاب **سینوبالدو** را اقبال کرد .

۱۲٤۳ ـ انتخاب سینوبالدوفیسکو (اینو سان چهارم) بسمت پاپ که فردریك‌اورا خوش آمد گفت و بعد معلوم شد که وی متخصص شایسته‌ئی برای شکست دادن واز بین بردن فردریك بوده‌است .

۱۲٤٤ ـ حمله‌فردریك‌به‌کامپاگنا وکوشش بیهوده برای آشتی با پاپ . فرار اینوسان به **لیون** ودعوی برای تشکیل سینود .

۱۲٤۵ ـ سینودلیون : درخواست از ژرمن‌ها که شورش کنند وشاه‌تازه‌ئی را بر گزینند و خلع فردریك از طرف سینودلیون .

مساعی لوی نهم وپیشنهاد های فردریك برای آشتی با پاپ بجائی نرسید و پاپ آنرا رد کرد ، اینوسان فرابیسکانها ودومینی‌کانها را مامور یك جنگ تبلیغاتی نموده وبرضد فردریك **اعلام جهاد** نمود . **هنری را سپه** دوك تورین‌جیاد (درگذشت ۱۲٤۷) در ۱۲٤٦ بعنوان چند شاه در آلمان تقویت‌شد وپس ازاو ویلیام اف‌هولند جای اورا گرفت .

۱۲٤۷ ـ ۱۲٦۵ ـ ویلیام اف‌هلند مورد کمك جامعهٔ تازه تشکیل یافته شهرهای‌رن قرار گرفت . اینوسان مبارزه‌ئی‌بیرحمانه اما بیهوده برضد متحدین روحانی فردریك در آلمان آغاز نمود . جنگی شدید در ایتالی شمالی توام با ظلم و بی‌رحمی از دو طرف بوقوع پیوست. در ایتالیا توطئه‌ای باحتمال قوی با اطلاع اینوسان برای ترور فردریك انجام گرفت کـه فردریك با خونسردی آنرا شکست داد . **پیرودلاویگنه** که بیش از هر کس مورد اعتماد فردریك و از مامورین عالیمقام او بود مورد بدگمانی واقع شدو فردریك او را توقیف و کور کرد و در ۱۲٤۹ خودکشی کرد .

فردریك درهمین سال پسر خود **انزیو** را دستگیر و زندانی نمود و او در ۱۲۷۲ در زندان درگذشت .

۱۲٤۸ ـ شکست فردریك پس از یـك محاصرهٔ طولانی **پارما** نتوانست ایتالی شمالی را از چنگ او بدر آورد .

۱۲۵۰ ـ درگذشت ناگهانی فردریك : جسد وی در کاتدرال **پالرمو** مدفون گردید که تا اکنون مقبرهٔ سنگی او (سارکوفاگوس) باقی است .

۱۲۵٤ ـ ۱۲۷۳ ـ دورهٔ فطرت بـزرگ (اینتررگ نوم)

۱۲۵۰ ـ ۱۲٦۸ ـ تعقیب سخت افـراد خانواده هوهنز تائوفن ازطرف پاپها .

۱۲۵۰ ـ ۱۲۵٤ ـ کنراد چهارم امپراطور مقدس روم و پادشاه سیسیل طبـق وصیت پدرش‌فردریك . **مانفرد** برادر نامشروع وی بسمت نایب‌السلطنه سیسیل منصوب شد .

پاپ اینوسان چهارم در ۱۲۵۳ تخت و تاج سیسیل را در تحت اقتدار و سلطه پاپ بـه **ادموند** (پسر هنری سوم پادشاه انگلیس) پیشنهاد کرد . پاپ بار دیگر **کنراد را تکفیر** کرده و بر ضد وی اعلام جهاد نمود . پاپ سپس به جزیره سیسیل و ایتالیای جنوبی

که جـزء سلطنت سیسیل بود حمله نمود .

۱۲۵۵ – ۱۲۶۱ ـ مانفرد در۱۲۵۵ ایتالی جنوبی و در۱۲۵۸ سیسیل را باردیگر بتصرف آورد و پس از فتح فلورانس در جنگ **مونتاپرتو** در ۱۲۶۰ تقریبا برتمام ایتالی تسلط یافت . در ۱۲۶۱ مانفرد پیشنهاد صلح پاپ الکساندر پنجم را رد کرد .

۱۲۵۷ ـ انتخاب دوبیگانه در آلمان :

ریشارد آف کورن‌ول (برادر هنری سوم شاه انگلیس و نا برادری فردریك دوم) و **الفونسوی دهم** از کاستیل .

۱۲۶۶ ـ شارل آف‌انجو (برادر لـوی نهم پادشاه فرانسه) در ۱۲۶۲ پیشنهاد پاپ را مبنی برقبول سلطنت سیسیل بشرط آنکه تحت سلطه پاپ باشد قبول کرده طبق نقشه پاپ و بسبب مطامع خـودش برای ایجـاد امپراطوری مدیترانه ایتالی جنوبی را مورد حمله قرارداد . وی مانفرد را شکست داد و مانفرد در ۱۲۶۶ در جنگ **بنه‌ونتو** کشته شد و با این واقعه امید زمامداری مردم بومی در ایتالی از میان رفت .

۱۲۶۸ ـ کنرادین : (پسر کنراد چهارم در سن ۱۵ سالگی) که در آلمان بود از طرف گیبلین های ایتالـی دعـوت شد ولی در **تاگلیاکوزرو** شکست خورده و دستگیر شد و او را تسلیم شارل آف‌انجو کردند وشارل با تصویب ضمنی پاپ کلمنت چهارم در ناپل سر او را از تن جدا کرد . افکار عمومی مردم اروپا برآشفت‌وهنری‌سوم پادشاه‌انگلیس ولوی نهم پادشاه فرانسه از این واقعه بیدار شده و تحریك گشتند . تنها وارث سلسله هوهنزـ تائوفن که باقی مانـده بود **کنستانس** دختـر مانفرد بود که شوهر وی **پطروی سوم** از اهل **اراگون** طبق چنین تقدیری اولین شاه اراگونی سیسیل گردید (۱۲۸۲ – ۱۲۸۵)

عنوان و لقب امپراطوری از آن پس (۱۲۶۸ – ۱۸۰۲) منضم به سلطنت آلمان گردید اما از آنجا که آلمانها علاقه چندانی به این عنوان نداشتند راه رسیدن به تخت و تاج امپراطوری‌بروی بیگانگان جاه طلب گشوده شد .

کشمکش‌شدید هوهنزتائوفن‌هاباپاپها منجر به انتقال دستگاه پاپ بخاك فرانسه گردید و بدینطریق بین مردم آلمان با پاپها شکاف افتاد و تخم بدگمانی ابدی را نسبت بکلیسای لاتن در دلهای مردم آلمان کاشت و بالاخره منجر به تقویت حس ناسیونالیسم گردید و ثمر آن **رفورماسیون** (اصلاحات مذهبی) اروپا بود که از آلمان آغاز گردید .

شاهزادگان و زمامداران و شاهان کوچك درون سرزمین آلمان چون سرگرم تحکیـم موقعیت و ازدیاد قدرت خود بودند چندان تمایلی بانتخاب‌یك پادشاه نداشتند و انتخابات برای تعیین پادشاه انجام نگرفت تا هنگامیکه پاپ گرگوری دهم از ترقی و پیشرفت شارل اف‌انجو و تنزل آلمان و بهم خوردن تعادل قدرتها در اروپا که پاپ از آن برای تحکیم موقعیت خود استفاده میکرد بوحشت افتاد . بعلاوه تنزل آلمان باعث کاهش مالیاتهای پاپ گردیده و غیر مستقیم فرانسه را نیرومند کرد و دیگر آنکه پاپ محتاج به یك رهبر برای ادامه جنگهای صلیبی بود که باید عنوان امپراطوری داشته باشد لذا آلمان را تهدید کرد که خود او شخصی را بسمت امپراطور منصوب خواهد کرد .

فطرت بزرگ بمنزله بخش‌آخر نمایشنامه کشمکش های قرون وسطائی بین پاپها و امپراطور ها بود و در واقع امپراطوری مقدس روم در این فطرت پایان یافت و مساعی امپراطوری برای تشکیل یك آلمان متحد و واحد بجائی نرسید و هم این فطرت پیش درآمد و دیباچه‌ئی بود به پیروزی کـامـل **پارتیکولاریسم** (نوعی سیستم دولت شهر قرون وسطائی و علاقه شدید هر شهر بحفظ حـالت خاص خود و استقلال سیاسی و آزادی فردی و نگاهداری رسوم و قوانین و رژیم شهر یا کشور ها و ایالات تابعه امپراطوری) که برزندگی مردم آلمان سایه افکند و تا قرن ۱۹ دوام یافت و قطعات آلمان را از یکدیگر مجزا نگاه داشت .

عناصر مشخص در آلمان قرن سیزدهم

[اول] اجاره داران بزرگ درجه اول :

(۱) چهار خانواده شاهزاده نشین های قدیمی بشرح زیر: **اسکانیان** (دربراندنبورگ‌وساکسونی خاوری‌بالقب دوکی) ، **ولفها** (دربرانشویك) ، **ویتلز باخها** (در باواریای علیا ، کنت نشین پالاتین در رن ، و باواریای سفلی) ، **وتین هـا** (در محل ساکسونی پس از قرن ۱۵)

(۲) **اوتوکار** شاه‌سلطنت سلاویك بوهیمیا (۱۲۵۳ – ۱۲۷۸) با ادعای نسبت باطریش ، **استی‌ریا** ، **کارین‌تیا** ، و **کارنیولا** .

[دوم] اجاره‌داران بزرگ کلیسائی : بخصوص در **راین‌لند** و بالاخص سراسقف ماینز ، **تریر** ، وکولونی .

[سوم] سه خانوادهٔ کوچکتر که نزدیك بود بدرجه اهمیت رسد :

(۱) لوگزامبورگ‌ها (۲) هاپسبورگ هـا (۳) هوهنزلورن ها .

[چهارم] اجاره داران بزرگ درجه دوم : **دیترشافت** که طرفدار قدرت مرکزی بوده آنرا بمنزله دفاعی از وضعیت خود در برابـر شاهزادگان بزرگ می‌پنداشتند .

[پنجم] **شهرهای امپراطوری** (رایش ستاد) که در این قرن روز بروز ثروتمندتر و مقتدرتر شده و برضد شاهزادگان بحمایت سلطنت برخاستند . شهرها مایل بودند که مانند عصر باستانی یونان جامعه هائی از شهر ها تشکیل دهند .

مشروطیت (کنستی توسیون) غیر رسمـی سلطنت آلمان تا قرن ۱٤ شامل عناصر زیر بود :

(۱) انتخاب شاه که در اصل و آغاز بوسیله روسای قبایل و طوایف انجام میشد ومنجرگردید به‌انتخاب از طرف اجاره‌داران بزرگ و سپس بوسیله گروهی از ایشان و قرار شد پس از انتخاب سایر اجاره داران هـم آنرا تایید کنند . در قرن ۱۳ انتخاب بوسیله این گروه انتخاب قطعی و نهائی تلقی شد و عده انتخاب‌کنندگان به هفت‌نفر محدودگردید که افراد آنهم متغیر بودند .

(۲) **رایشتاك** (کوریارژیس) فئودالی‌قدیم مبدل شد به **دایت** آلمان (معادل پارلمان یـا اتاژنروی فرانسه) و تقسیم گردیدند بـدو مجلس یکی مجلس شاهزادگان و یکی مجلس انتخاب کنندگان ولی وظائف این مجالس مبهم و بی‌شکل بود . به شهرها در ۱٤۸۹ اجازه شرکت دراین مجلس داده شد .

دولتهای بزرگ مذهبی راینلند و اقمار فئودالی آنها در قرن ۱۳ باوج اقتدار خود رسیدند . دربرابر آنها دولتهای غیر مذهبی ساکسونی ، براندنبورگ ، اطریش و بوهیمیا قرارداشتند که مانع تجاوز دولتهای مذهبی شده باعث تعادل قدرتها در درون آلمـان گردیدند . دراین دولتها سلطنت در دست سلسله‌ها قرارگرفت که عموما با روحانیان مخالف بودند .

شوالیه‌های تیوتونیک

۱۱۹۰ – ۱۱۹۱ . مبداء جنگ صلیبی و جهاد : بازرگانان **لیوبك** و **برمن** در آلـمان بیمارستانی در **اکر** تاسیس کردند که بزودی به کلیسای مریم باکره در بیت‌المقدس ملحق گردید .

۱۱۹۶ ـ برادران این‌بیمارستان (اعضاء آن خود را برادران میخواندند) مبدل‌گشتند به یك دستگاه نظامی و یك نظام شوالیه‌ئـی (تحت عنوان نظام شوالیه های بیمـارستان **سن ماری** تیوتن های اورشلیم) و باعث این تغییر ژرمن هائی گشتند که برای شرکت در جنگ صلیبی هنری ششم جمع آمدند . از آن پس عضویت این‌نظام منحصر گردید به ژرمن‌ها و منصب شوالیه آن تنها به اشراف . پاپ اینوسان سوم حکم **تمپلر** یعنی مدافعین زوار بیت‌المقدس و پاسبانان **مدفن** مسیح را درباره ایشان صادر کرد . ستاد این نظام ابتدا در **اکر** بود (۱۱۹۱ – ۱۲۹۱) و بعد به **ونیز** و پس از ۱۳۰۹ به **مارین بورگ** انتقال یافت‌که خود دلیل برتغییر هدف و مقاصد تازه شوالیه ها بود . رقابت شدیدی در درون این نظام بین **تمپلرها** (مدافعین‌زوار) ومهمانداران بیمارستان در بیت‌المقدس جریان داشت تا هنگایکه شکست صلیبیون توجه آنها را معطوف بمسائل دیگر کرد . لباده های شوالیه های‌تیوتونیك سفید و برآن در روی سینه و پشت سرصلیب سیاه روی آن نقش شده بود .

سپس در اساس این نظام تغییراتی داده شده و به مرز خاوری آلمان انتقال یافت . **پیشروی بطرف خاور (در انگ ناخ اوستن** شعار آلمانهای این زمان بود بمعنی « پیش بطرف خاور ») در زمان شارلمان‌آغازگردید و دیگر هیچگاه پس از آن کاملا متوقف‌نگشت واستعمار باتفاق کشاورزان‌هلندی و بازرگانان آلمانی همراه با کوششهای **سیسترسیان‌ها** تـا زمان **ادولف اف هولش تین** ، البرت خـرس حاکم براندنبورگ ، هنری شیر از ساکسونی ادامه‌یافته‌آلمانها را **درمکلن‌بورگ وبراندنبورگ** کاملا مستقر کرد . **لیوبك** که در ۱۱٤۳ بنا شد از مراکز مهم‌بازرگانی گردید . **ریگا** که در۱۱۹۸ بنا شد مرکز صلیبیون و مرکز تبلیغات مذهبی گردید . تاسیس جمعیت **لیوونی** « بـرادران



جنگ شوالیه ها

شمشیر » و هجوم اشراف **وستفالیا** و دهقانان مهاجر آلمانی پیشروی و آلمانی کردن این سرزمین ها و نشر و پیشرفت مذهب مسیح را در **لیوونیا** مسلم کرد . شکست دانمارکی ها در ۱۲۲۷ در **بورن هورد** از نیروی مرکب از قوای شاهزادگان آلمان شمالی شهرهای **هوشتین لیوبك ، مکلن بورگ** و **پومرانیا** را از چنگ آنها بدرآورد و تنها **استونیا** را برای دانمارکی ها باقی گذاشت . لهستانیها در این زمان رواج دادن مذهب مسیح را در پروس و پومرانیای شرقی آغاز کرده بودند .

۱۲۱۰ - ۱۲۳۹ . هومان فون سالزا

اولین ارباب بزرگ نظام شوالیه های تیوتونیك بود (لقب ارباب بزرگ داشت) که بدعوت **اندریوی** مجارستان نظام خودرا در **ترانسیوانی** (۱۲۲۱ - ۱۲۲٤) بصورت سنگری در برابر **کومان‌ها** (کومانی) برقرارکرد تا اینکه پیشرفت و قدرت یافت ایشان شاه مجار را بوحشت انداخت .

هومان دوست خیلی نزدیك امپراطور فردریك دوم بود و موسس حقیقی عظمت و ثروت و ترقی نظام شوالیه های تیوتانیك محسوب میشود زیرا تا قبل از وی بالنسبه ضعیف بوده و زیاد قابل توجه نبودند .

۱۲۲٦-طبق **فرمان طلائی ریمی‌نی** فردریك سازمان این نظام را منحل کرد (مشابه خط مشی در سیسیل) و شوالیه های آنرا برای کارتازه‌ئی مامور نمود و آن عبارت بود از پیشقدمان آلمانی کردن و مسیحی کردن خاور اروپا . فردریك مکرر جوائز و هدایای زیاد بآنها داد و آنها را برای جهاد خودش بکار برد و شوالیه های منفرد را نیز برای مسیونهای مهم‌استخدام نمود و به ارباب بزرگ (هومان فن سالزا) نیز عنوان شاهزاده امپراطوری داد .

سازمان نظام شوالیه‌ها : هریك ازبخش ها در تحت فرمان یك فرمانده قرارداشت و یك مجلس عمومی بعنوان مشاور ارباب بزرگ انجام وظیفه میکرد . پنج افسر عالی رتبه و ارباب بزرگ از طرف شوالیه ها برای مدت عمر انتخاب میشدند . این نظام اسما تابع پاپ و امپراطور بود ولی در روزهای قدرت این نظام ، تنها پاپهای مقتدر میتوانستند در آن نفوذی داشته باشند .

۱۲۲۹ - دعوت به پروس (نام پروس باحتمال قوی مشتق از یك کلمه بومی **پروسیاسکای** است نه **بوروسیا**) .

کنراد اف ماسوویا دوك لهستان ازهومان

نمونه‌ای از دژ های شوالیه های قرون وسطی



و شوالیه های او درخواست کمك كرد (۱۲۲۵ ـ ۱۲۲۶) و این واقعه مصادف بود با هنگامیکه فردریك در نظام شوالیه هاتجدید سازمان میداد . هومان اف سالزا دعوت او را پذیرفته با شوالیه های خود عازم یك جنگ جهاد منحصر بفردی گردید که شاید تنها نظیر آن درشبه جزیره **ایبری** (آسیای پرتقال) بوقوع پیوست این گروه بعنوان قهرمانان مسیحیت و ژرمنیسم عازم گردیدند کنراد در ۱۲۳۰ **کوکمولند** را بآنها واگذاشت و قول داد که آنچه که از سرزمین پروس بدست آنها فتح شود به خود آنها تعلق خواهد داشت . فردریك نیز حقوق آنان را تایید کرد .

۱۲۳٤ ـ شوالیه ها کلیه متصرفات خود را به پاپ واگذشتند و باردیگر بعنوان تیولات کلیسا بآنها واگذار شد بنابراین با این تدبیر ارباب و مافوق دیگری در آن حدود جز پاپ که آنهم در مسافت دور دست قرارداشت نداشتند .

۱۲۳۷ ـ اتحاد با برادران لیوونی : بدنبال آن ترقی و پیشرفت قابل توجهی در لیوونیا بظهور رسید . سپس شوالیه ها در صدد برآمدند که روسها را از کیش کلیسای یونانی به آئین کلیسای رومی درآورند ولی با شکست فاحشی مواجه شدند . در ۱۲۵۲ **کورلاند** را نیز بدست آورده و **ممل** را برای نگاهداری فتوحات خود بنا نهادند و بالاخره سواحل جنوب بالتیك از **آلپ** گرفته تا فنلاند بدست نظام شوالیه ها بروی مبلغین مسیحی و بازرگانی و استعمار آلمانها گشوده شد .

عصربزرگی از بنای شهرها (جمعادرحدود هشتاد سال) درتحت نظام شوالیه ها گشایش یافت **تورن** (بصورت دژدر۱۲۳۱) **کولم** (بصورت دژ در ۱۲۳۲) ، **مارین وردر** (در ۱۲۳۳) ، **البینگ** (بصورت دژ در ۱۲۳۷) ، **ممل** (در ۱۲۵۲) و **کونیگسبرگ** (در ۱۲۵٤) بنا نهاده شد .

۱۲٤۲ ـ ۱۲۵۳ ـ شورش پروس فرونشانده شد و فتح پروس با کمك **اوتوکار** بوهیمیا ؛ **رودولف** هاپسبورگ ، و **اتوی** براندنبورگ ادامه داده شد .

۱۲٦۰ ـ جنگ دوربن ـ شکست فاحش و مصیبت باری از طرف لیتوانی ها به نظام شوالیه های تیوتونیك وارد آمد و بدنبال آن باردیگر پروسی ها شورش کردند که با کمك لهستانیها فرونشانده شد . اینمرتبه پروسی ها قلع و قمع شده و کاملا پروس آلمانی مآب (ژرمنیزه) گردید . در ۱۲٦٦ دژ براندنبورگ

ند و در ۱۲۸۵ تصرف و تسخیر **پروس**
شد .
نظام شوالیه ها آزادی زیادی به شهر ها
بخصوص پس از سال ۱۲۳۳) باج راه
ف گشت و تنها مالیات گمرکی اخذ میشد.
ای بزرگ بازرگانی به جامعه **هانزیاتیک**
تند. شوالیه ها پس از۱۲۳۶ در مجلسهای
ی نسبت باشراف آلمانی و لهستانی
ت نفس بخرج میدادند و با دهقانان
رفتاری میکردند و مهاجرت بصورت
های بزرگ بـه سر زمین های تحت
ت شوالیه ها رواج گردید .
۱۲۶۳ ـ پاپ به نظام شوالیه ها اجازه
انی داد نه برای منفعت و همین امتیاز
توسعه یافته بوسائل غیر مستقیم مبدل
ادی کامل تجارت گردید . بالنتیجه نظام
یه ها که ابتدا بصورت یك جامعه جهادی
خانقاهی تاسیس شده بود ، در پایان
بیك کورپوراسیون یا شرکت نظامی و
انی بسیار ثروتمند و صاحب هدفهای
رستی و اولین رقیب همان شهر هائی
که آنها راخود بنانهاده بود . شوالیه‌ها
ازوظیفه و عنوان **تمپلر ها** (نگهبانان زوار
مسیح) فرار کرده از لباس هجوم و
درآمده حالت دفاعی بخودگرفتند .
ستاد و مرکز آنها در **مارین‌بورگ** بود و
ت حکومت **وین ریخ** (۱۳۵۱۱ – ۱۳۸۲)
داشتند . این نظـام مکتب شوالیه گری

شوالیه اروپائی قرن ۱۳ (حجاری درکاتلال تروگونیل)

شمال گردید وبعدهابوسیله‌تاسیس‌آموزشگاه‌ها
درتمام نقاط قلمرو خودوگذاشتن ابنیه وعمارات
خود را در اختیار مراکز تعلیم و تدریس
تاثیر فرهنگی عظیم درآن منطقه نمود .

د ـ ایتالیا و حکومت پاپی

۸۸۸ – ۱۳۱۴

دستگاه پاپ تا سال ۱۰٤۸ عبارت از
موسسه‌ای محلی و سیاسی (دنیوی) بوده و
ایتالیا نیز فاقد یك حکومت بومی موثر بود .

۸۸۸ – ۹۲٤ ـ امپراطور برنگار اول
آخرین امپراطور سلسله **فانتوم** است (از ۹۲٤
تا ۹٦۲ پست امپراطور در ایتالیا خالی بود).
برنگار پسر زاده لوی پارسا بود . از اعقاب
امپراطور ها کسانی که باقی ماندند عبارت
بودند از **گیـدو ـ اف ـ اسپولتـو** ، پسرش
لامبرت ، و لوی **پرووانس** که در ۹۱۵ تاجگذاری
کرد .

۸۸۹ ـ حمله **ساراسن ها** به لمباردی
۸۹۸ ـ حمله **ماگیارها** به لمباردی .

ساراسن ها بوسیله در دست داشتن
پایگاه محکم **فری نت** تنگه های معبر آلپ را



و باروی دژ **آویلا** دراسپانیا

دراختیار داشتند ، در این زمان گروهی از ساراسن‌ها در جنوب ایتالی سکونت گزیدند .

۹۱۷ – فتح سیسیل بدست مسلمین
رابطه ساراسن های جنوبی ایتالی را با شمالی ها قطع نمود و زندگی شهرنشینی و تمدن ایتالیائی تقریبا از میان رفت . شاهان ضعیف و سایه مانند نتوانستند جلو هجومها را بگیرند بلکه ظهور و صعود فئودالیسم تا درجه‌ئی جلو هجومها را گرفت .

۹۱٤ –۹۶۳– دوره پورنوکراسی حکومت پاپی (تسلط فحشاء و فواحش و شهوترانی و پستی های اخلاقی و کار های رکیك جنسی) و حکومت پاپی در حضیض پستی و افتضاح و رسوائی .

شهر رم در این نیم قرن در تحت تسلط اریستوکراسی (اشراف) قرارداشت و رهبری این گروه با سناتور **تئوفیلاکت** و زوجه اش **تئودورا** و دخترش **ماروزیا** (معشوقه **پاپ سرگیوس سوم** که از او پسری بنام جان آورد که بعدها **پاپ جان یازدهم** نامیده شد) بود که **برگوریا حکومت** میکردند .

۹۲۸ – ماروزیا (معشوقه سابق پاپ سرگیوس) پسر خود پاپ جان یازدهم را بزندان انداخت و بررم‌حکومت‌کرد تا هنگامیکه در سال ۹۳۲ پسر دیگرش **البریك دوم** قدرت را بدست آورد .

۹۳۲ – ۹۵٤ – البریك دوم بازیچه‌دست **گره سن‌تی** (خانواده ماروزیا) بود و چندمرتبه در خلال سالهای بالا بطور متناوب قدرت بدستش آمد . پاپها دراین دوره فاقد قدرت سیاسی و حتی فاقد احترام و نفوذ روحانی بودند و کلیسای‌باختری عملا مبدل بیکدستگاه سیست وبی نفوذ گردید که در زیر نظر اسقف‌ها اداره میشد و کلیساهای ملی نوعی رابطه مبهم با رم داشتند .

۹۲٤ – رودولف اف بورگوندی (جوران) بعنوان شاه انتخاب شد .

۹۲۶ – ۹٤۵ – هیو – اف – پروونس سلطنت کرد .

۹٤۵ – لوتایردوم (درگذشت ۹۵۰) پسر هیو و نایب‌السلطنه و شریك سلطنت در زمان وی تنها شاه اعلام شد .

۹۵۰–۹۶۱ – برنگار دوم زوجه مطلقه خود را زندانی کرد و زوجه وی طبق سنت به **اوتوی بزرگ** شکایت برد .

۹۵۱ – ۹۵۲ – اولین لشکرکشی اوتوی بزرگ به ایتالیا .

۹۶۱ – ۹۶٤ – دومین لشکر کشی اوتوی بزرگ به ایتالیادر اثرتوسل پاپ جان دوازدهم که مردی‌هرزه و فاسق‌بود برای حفظ خویشتن دربرابر برنگار . اوتو در پاویا بعنوان پادشاه ایتالی و از طرف پاپ بعنوان امپراطور روم تاجگذاری کرد .

۹۶۲ – تجدید حیات امپراطوری روم
با تاجگذاری اوتو – وی برای خود حق دخالت در انتخابات پاپ را قائل شده و با پاپ مانند یك اسقف آلمانی رفتار میکرد بدینمعنی که او را مطیع دولت قرار داده بود بعلاوه **اوتو** از رومیان قول و تعهد گرفت که بدون رضایت امپراطور کسی را بسمت پاپ انتخاب نکنند . وی سینودی (شورای کلیسا) در رم تشکیل داده بوسیله آن سینود در سال ۹۶۳ پاپ جان دوازدهم را باتهام قتل و جنایات دیگر خلع نمود وبجای وی دیگری را بنام **لئوی‌هشتم** انتخاب نمود (۹۶۳ – ۹۶٤) و این عمل یعنی تشکیل سینود از طرف امپراطور برای خلع پاپ سابقه گردید برای بعد . این سینود باعث شد که تا مدت یك قرن دستگاه پاپ تابع امپراطور های آلمان و کنت های **توسکو سوم** بودند که اینان نیز با القاب **پاتری‌سیوس** از اتباع امپراطور ها بودند . در همین اوقات اسقف های باختر نیز موقعیتی را که در قرن ۹ بدست آورده بودند از کف دادند و بتدریج متکی به شاهان و اشراف فئودالی گردیده و چهره دنیوی پیداکردند . تسلیم **پالدوف اول** به‌کاپوئا و **بنه‌ونتو** (۶۹۷) وتعهد وی دربرابر دوك نشین **اسپولتو** آغاز یك دوره کوشش طولانی امپراطوری بود برای آنکه ایتالی جنوبی را نیز ضمیمه امپراطوری نماید .

۹۶٤ – پاپ لئوی هشتم : مدت کوتاهی پس از آنکه انتخاب گردید از طرف رومیان اخراج گردید و **بندیکت پنجم** (۹۶٤–۹۶۵) از طرف رومیان‌بدون رضایت امپراطوربسمت پاپ انتخاب شد .

۹۶۶ – ۹۷۲ – لشکرکشی سوم اوتو به ایتالیا : اوتو باردیگر سینود رم را تشکیل داده **بندیکت** را از سمت پاپی خلع نمود . پاپ جان سیزدهم که با همکاری امپراطور انتخاب شد بزودی از طرف رومیان اخراج شد و اوتو پس‌از گرفتن یك انتقام دهشتناك از مردم رم جان را به کرسی پاپی بازگردانید– در ۹۶۷ مراسم تاجگذاری اتوی دوم آینده بسمت امپراطور آینده از طرف پاپ جان سیزدهم و در ۹۷۲ مراسم تاجگذاری ملکه **تئوفانو** و زناشوئی او با اوتو در رم انجام گرفت .

۹۸۰ – ۹۸۳ – لشکر کشی اوتوی دوم به ایتالیا : اوتوی دوم در این لشکر کشی **کرسن سیوس اول** دوك رومیان را شکست داده در ۹۸۱ پاپ را بمقر خود بازگردانید ولی در کوششی که برای اخراج ساراسن ها از جنوب ایتالی بعمل آورد سخت شکست خورد و نیز در ۹۸۲ از اتحادیهٔ یونانیان و مسلمین شکست خورد ، اوتو جان چهاردهم (۹۸۳ – ۹۸٤) را بعنوان پاپ اعلام کرد .

۹۸۳ – انجمن بزرگ ورونا : عبارت بود از اتحاد بزرگان ایتالی و آلمان برای اجرای یك جهاد مقدس‌برضد مسلمین وانتخاب اوتوی سوم آینده بجانشینی پدرش . شهرونیز چون از بازرگانی با مسلمین سود میبرد از دادن ناوهای خود امتناع کرده و نسبت بامپراطور بی‌اعتنائی کرد .

۹۹۶ – اوتوی سوم : در لشکرکشی اول خود بایتالی **کرسن سیوس دوم** پاتری سیوس رم را خلع‌کرده وبخواهش رومیان **برونو** عموی خودش را بنام **گریگوری پنجم** (۹۹۶ – ۹۹۹) بسمت پاپ انتخاب‌نمود و او اولین پاپ آلمانی بود. گریگوری واوتو **گربرت** را مجبور ساختند تا مقام سراسقفی ریمس را به **آرنولف** آلمانی واگذارد و دستگاه‌اسقفی فرانسه را نیز وادار باطاعت نمودند . گریگوری پادشاه فرانسه **روبرت** را سرزنش کرد – اوتو **گربرت اف اوریللاك** را جانشین پاپ گریگوری اعلام نمود.

۹۹۹ – ۱۰۰۳ – سیلوستر دوم (گربرت اوریل لاك) اولین پاپ فرانسوی است . اصل وی از طبقات پائین بود ولی در زمان خود دانشمندی درجه اول بوده عربی و ریاضیات و علوم طبیعی را خوب میدانست و نیز مردی دیپلمات وسیاستمدار و أهل تحریك واتتریك بوده و با اوتو همکاری کرده بنحوی مرموز امپراطوری را احیا نمود . مصلحی معتدل بود و رسم سیمونی‌را بدترین‌آفت‌کلیسا میدانست.

۱۰۱۲ – ۱۰٤۶ – پاپهای توسکولان
یا از خویشاوندان و منسوبان کنت های توسکولوم و یا مخلوق ایشان بوده و عبارت بودند از :

بندیکت هشتم (۱۰۱۲ – ۱۰۲٤) که اصلاحات مختصری انجام داد ، برادرش **جان نوزدهم** (۱۰۲٤ – ۱۰۳۲) .

بندیکت نهم (۱۰۳۳ – ۱۰٤٤) که مردی هرزه و عیاش بود و دستگاه پاپی را با پول نقد به **پطر** انگلیسی‌که پدرروحانی او وکشیشی بیش نبود فروخت .

گریگوری ششم (۱۰٤٤ – ۱۰٤۶) که مقر پاپی پطر را خرید تا در آن اصلاحات و تغییراتی انجام دهد .

امپراطور ها در این دوره چون گرفتار امور داخلی آلمان بودند بندرت دیداری از ایتالیا نمودند .

کلیسا اقدامات محلی‌زیر را برای اصلاح کلیسا و جامعه بعمل آورد :

(۱) سینود های محلی لزوم تجرد و عدم زناشوئی کشیشان را مقرر داشتند .
(سینود **اگس برگ** در سال۹۵۲ – سینود **پواتیه** در ۱۰۰۰ – سینود **سیلیگن ستاد** در ۱۰۲۳ – سینود **بورجس** در ۱۰۳۱) و برضد سیمونی أقدام نمودند .

(۲) ویلیام پارسا و دوك اکوئی تن در ۹۱۰ صومعهٔ کلونی را بعنوان خانه أصلاح شده **بنه دیکتین** دائر نمودند –این صومعه ازاختیار فئودالی آزاد بوده‌مستقیما تحت‌نظر روحانیون اداره میشد و تمام خانواده های منضم بدان **(پریوری ها)** را درتحت نظراسقف **کلونی** تمرکز داده بسرعت سازمان کلونیاك را در فرانسه و لورن و آلمان بسط داده و افکار اصلاح‌طلبی و طرفدار تحول در باختر اروپا بسط یافت و آن عبارت بود از لزوم تجرد کشیشان و روحانیان ، الغای **انوستی تور** و **سیمونی** .

(۳) **جرارد لرداف برونی** در۹۲۳ خانقاهی در ملك شخصی خود برپا کرد که مرکز اصلاحات کلیسائی در میان موسسات موجود در فلاندرز و لورن گردید .

(٤) سینود های اکوئی تن و بورگوندی (که در آنجا مخالفت شاه با انارشی فئودالی ضعیف بود) در ۹۸۹ ویران کنندگان و غارتگران کلیسا و ستمگران به فقرا را (که نظرشان به شاهان بود) مورد لعنت و تکفیر قرار دادند و تبلیغاتی وسیع در اروپا برای **تحکیم رژیم فئودالیسم** خودمختار تحت عنوان **صلح الهی** آغاز نمودند . این فرامین تکرار و مکرر تجدید شد و توسعه یافت و در ۱۰٤۰ توام گردید با عنوان **پیمان متارکهٔ الهی** که طبق آن **جنگ** را محدود کردند به روز های معین و فصول معین سال .

(۵) مجاهده برای اعادهٔ قدرت مرکزی کلیسا بعمل آمد و برای اثبات آن متوسل به اسناد معروف به فرامین جعلی (**الیسی‌دوریان**) گردیدند که منسوب به **ایسی دوروس مرکاتور** بود و در حدود سال ۸۵۰ بوسیله یك روحانی فرانکی انتشار یافت و بعدها معلوم شد که جعلی بوده است . طبق این فرامین و اسناد منسوب به شاهان و پاپهای قدیم که عموما جعلی بودمیخواستندبرقدرت‌اسقفها افزوده و موقعیت پاپ را بالا برده او را قانونگزار و قاضی اعظم مافوق همه کس و مافوق تمام شوراها قلمداد کنند .

(۶) افزایش قابل توجهی در نظامهای ریاضت در ایتالیا و مکتب های خانقاهی در شمال و جنوب آلپ . پیشوایان برجستهٔ این جنبش عبارت بودند از **پطردامیان** (درگذشت ۱۰۷۲) **لانفرانك** (درگذشت ۱۰۸۹) و **آنسلم** (درگذشت ۱۱۰۹) .

ایتالیا در آغاز قرن یازدهم : سیسیل در دست ساراسن ها ، **اپولیا** و کالابریا در زیر اداره ضعیف قسطنطنیه ، **گائتا** ، ناپل ، **امالفی** شهرهای مستقل و جمهوری بودند . **بنه ونتو** ، کاپوئا ، و **سالرنو** پایتخت های ایالات لمبارد بودند . مهاجرین نورمان که در ۱۰۱۶ وارد زیارتگاه **سن میشل درمونت‌گارگانو** گردیدند سربازانشان بتدریج‌درخدمت دولتهای کوچك رقیب یکدیگر درآمده بجنوب ایتالی راه یافتنداولین‌مقر پایدار نورمانها **اورسا** بود (۱۰۲۹) و تا سال ۱۰۵۱ اخلاف ایشان بجنوب نفوذ یافتند . پس از آن انارشی فئودالی در شمال بظهور پیوست .

۱۰۲۷ – کنراد دوم در ایتالی تاجگذاری کرده نظم را در شمال مستقر ساخت و از عده اشراف لمبارد کاست .

۱۰۳۷ – کنراد در لشکر کشی دوم خود سراسقف **اری برت** میلان را سرجای خود نشانید و نظم را در جنوب نیز مستقر ساخت. وی طبق فرمان موسوم به قانون فئودالی تیولات ایتالیا را موروثی ساخت .

۱۰۴۴ – ۱۰۴۶ – گریگوری ششم : تخت و تاج پاپی را با پول خرید تا تغییراتی در دستگاه پاپی دهد ولی در پایان سلطنتش سه پاپ رقیب بظهور رسیدند یکی گریگوری (هم نام وی) دیگر **سیلوستر سوم** و دیگر **بندیکت نهم** . هر سه نفر از طرف سینود سوتری و سینود رم تحت فشار هنری سوم امپراطور طرفدار تحول و اصلاح خلع گردید. امپراطور مزبور **سوئیدگار** اسقف **بام برگ** را بعنوان **کلمنت دوم** (۱۰۴۶ – ۱۰۴۷) بمرتبه پاپی رسانید و اولین پاپ از دسته پونتیف‌های آلمان بود.

دیاسوس دوم (۱۰۴۸) لئوی نهم (۱۰۴۸ – ۱۰۵۴) و **ویکتور دوم** (۱۰۵۵ – ۱۰۵۷) معرف نفوذ شدید کلونیاك هستند هنری جنوب ایتالیا را آرام کرد و حق امپراطور را در نامزد کردن کسی برای مقام پاپی تثبیت کرده نظم را در تمام ایتالی برقرار ساخت .

۱۰۴۹ – ۱۰۸۵ – پاپ باردیگر استقلال یافت و رهبری کلیسا و ریاست اعظم روحانی باختر بدست **پاپ** افتاد .

۱۰۴۹ – ۱۰۵۴ – لئوی نهم : (برونو– آف – تول از خویشاوندان هنری سوم) دستگاه پاپی را با اصلاحات کلونیات آغاز کرد و تفوق روحانی مقر پاپی را اعاده داد . وی پس از نشستن بر تخت پاپ در دستگاه اداری پاپی تجدید سازمان نموده آنرا بسبك دربار امپراطوری در آورد و از کلیسا های مختلف یا خود او ویا نماینده‌اش دیدار نموده تحولات و اصلاحاتی در کلیسای باختر بعمل آورد . **سینود رم** در ۱۰۴۷ فرامین سختی برضد رسم سیمونی و زناشوئی روحانیان صادر نمود .

۱۰۵۲ – هنری سوم دوك نشین **بنه ونتو** را به پاپ بخشید .

۱۰۵۳ – لئو شخصا برای احراز حقوق پاپ در جنوب ایتالی مجاهده نمود ولی در **سیوی تاته** از نورمانها شکست فاحشی خورد.

۱۰۵۴ – مشاجره و مباحثه آئینی مذهبی طولانی با **کلیسای ارتودوکس یونانی** که به اصلاحات اساسی بین خاور و باختر ارتباط داشت با ایجاد انشعاب **قطعی** بین کلیسای خاوری (ارتودوکس) و کلیسای باختری (رومی) پایان یافت .

۱۰۵۴ – ۱۰۵۷ – ویکتور دوم : باصرار **هیلدبراند** (بعدها گریگوری هفتم) انتخاب شد .

بئاتریس مادر **ماتیلدا** و بیوه کنت بونیفاس اف توسکانی در ۱۰۵۴ **بعقد گادفری** ریشو دوك لورن علیا درآمد که خطرناك ترین دشمن هنری در آلمان بود و بونیفاس نیز دشمن هنری در ایتالیا بود . هنری بئاتریس و دخترش ماتیلدا راکه وارث بونیفاس بود زندانی کرد . گادفری فرار اختیار کرد . ماتیلدا در تمام عمر خود متحدی مقتدر برای پاپ گردیده و ایتالیای وسطی را نسبت به پاپ وفادار نگاه داشت .

۱۰۵۷ – ۱۰۵۸ – استفن نهم (برادر گادفری ریشو) یك نفر کلونیاك (معتقد به آئین فرقه خانقاه کلونی) پرشوق بود .

پاتاریا (۱۰۵۶) نام نهضتی است عامه که نتیجه مبارزه های بوسیله وعظ وسخنرانی بوده و در منطقه میلان بسبب طرفداری از لزوم مجرد بسر بردن و زن نگرفتن روحانیان ومخالفت با عمل سیمونی و سادگی در طرز رهبری روحانی کشیشان بسیار رواج یافت و با اسقف ها و روحانیان بمبارزه برخاست .

پطر دامیان نماینده اعزامی پاپ در۱۰۵۹ مقام پاپی را قوام داد و سراسقف ها را وادار بمصالحه و سازش نمود .

۱۰۵۸ – ۱۰۶۱ – نیکلای دوم .

۱۰۵۹ – بسبب نفوذ **هیلد براند** اتحادی بین **ریشارد اف اورسای** نورمان و نیکلا منعقد گردید و این اتحاد سبب شد که قدرت دنیوی (سیاسی) پاپ اولین مرتبه بایتالیای جنوبی راه یابد .

سینود ملفی نیز در ۱۰۵۹ ازدواج روحانیان را محکوم نمود .

۱۰۶۱ – ۱۰۷۳– الکساندر دوم : انتخاب وی بدون مشورت با هنری چهارم باعث تشنج شدید در اوضاع‌ایتالی گردید . **سینود بال** این انتخاب را بی‌اعتبار اعلام کرده و شخصی را بنام ضد پاپ انتخاب نمود .

الکساندر که با ویلیام فاتح روابط دوستانه داشت فتح انگلیس را بدست نورمانها ستود و دعا کرد .

۱۰۷۱ – رابرت گیس کارد (درگذشت ۱۰۸۵) **باری** را تسخیر کرده بقدرت یونانی در ایتالیا پایان داد و با تصرف پالرمو در ۱۰۷۲ فتح‌سیسیل بدست نورمانها آغاز شد .

۱۰۷۲ – ۱۰۹۱ – فتح سیسیل بدست نورمانها : راجر اول (درگذشت ۱۱۰۱) بعنوان لارد ایتالیای جنوبی (باستثنای‌کاپوئا ، امالفی و بنه ونتوی پاپی)جانشین گیس کارد گردید .

۱۰۷۳ – ۱۰۸۵ – گریگوری هفتم هیلد براند) پسر یك دهقان ایتالیائی بود که در رم در تحت نفوذ شدید فرقه کلونیاك بتحصیل پرداخت وتحت الهام گریگوری بزرگ و گریگوری ششم و با مطالعهٔ فرامین جعلی نشستن برتخت پاپ را در دماغ پرورانیده و چون اهل عمل بود بمقصود رسید و فعالیت خودرا ابتدا در **کوریا** آغاز کرد . پس ازانتخاب بسمت پاپ اسقف های آلمان بانتخاب وی اعتراض کردند اما هنری باو کمك کرد وی فرمانی در مورد برنامه و دستور خود حاوی شش ماده صادر کرد بشرح زیر :

(۱) کلیسای روم هرگز اشتباه نکرده و اشتباه نمیکند .

(۲) پاپ قاضی اعظم بوده و جوابگوی باحدی نیست و هیچکس نمیتواند او را بقضاوت بخواند و یا از او بدیگری شکایت کند .

(۳) هیچ سینودی‌را نمیتوان بدون اجازه وی سینود عمومی خواند .

(۴) وی میتواند اسقف ها را خلع کند ، انتقال دهد یا دوباره برقرار نماید .

(۵) تنها اوست که حق دارد شاهان را باطاعت خود بخواند .

(۶) تنها اوست که میتواند امپراطور را خلع کند .

۱۰۷۵ – ۱۱۲۲ – کشمکش بر سر **انوستی‌تور** (مراسم برقرار کردن هراسقف در یك حوزه اسقفی)

امپراطور هنری چهارم پس از فتح ساکسونی مواعد خود را در مورد اصلاحات مذهبی در آلمان مطابق میل پاپ فراموش کرد. **سینود رم** در ۱۰۷۵ فرامین شدیدی برضد سیمونی و ازدواج روحانیان و اولین مرتبه برضد مراسم انوستی‌تور بدست غیر روحانیان و خلع روحانیان بدست غیر روحانیان (که مقصود او امپراطور بود) و تکفیر ایشان صادر کرده نامه‌ئی در سرزنش و نکوهش به هنری فرستاد و هنری بدان بی‌اعتنائی کرده **سینود و ورمز** را در ۱۰۷۶ احضار نمود و این سینود گریگوری را از سمت پاپی خلع کرد . در ۱۰۷۷ گریگوری هنری را در**کانوسسا** تکفیروتحقیرکردودر۱۰۸۰اوراخلع‌نمودولی‌ازاین کار نتیجه‌ئی نگرفت . هنری پس از یك سلسله حملات (۱۰۸۱ تا ۱۰۸٤) وارد رم شده و بدست شخص ضد پاپ تاجگذاری نمود ولی **رابرت گیس کارد** متحد نورمانی گریگوری او را از رم بیرون راند اما همینکه رم بدست گیس کارد نورمان با سپاه **ساراسنی** او افتاد

گریگوری دست نشانده شده نتوانست در رم بماند و در تبعید و در حقیقت بصورت زندانی متحدین خود در **سالرنو** درگذشت و هنری و ضد پاپ وی مجدداً تا چندی بر رم تسلط یافتند .

گریگوری در دوره تسلط خود قدرت پاپ را به مجارستان ، اسپانیا ، ساردنی و کرسیکا بسط داد .

پس از گریگوری مدت یکسال مقام پاپی خالی بود و سپس **ویکتور سوم** (۱۰۸۶–۱۰۸۷) که مردی پیر و ازدوستان گریگوری بود بسمت پاپ انتخاب شد و طولی نکشید که طرفداران هنری او را از رم بیرون کردند .

۱۰۸۸ ـ ۱۰۹۹ ـ اوربان دوم : ازاشراف فرانسه و دوست‌صمیمی گریگوری بود و همان خط مشی گریگوری را در مورد استقلال پاپ و مخالفت شدید با امپراطور ها پیروی نمود. وی در ۱۰۸۹ وسائل زناشوئی کنتس ماتیلدا را با پسر **ولف** دوك باواریا فراهم نمود . هنری بایتالی شمالی حمله کرد و ماتیلدا به کوهها پناه برد . اوربان از هرج و مرج در آلمان استفاده کرده **کنراد** پسر هنری را در ۱۰۹۳ تحریك بشورش کرد و این شورش نصف لمباردی را فراگرفت . امپراطور بیزانتین در سینود **کلرمونت** در ۱۰۹۵ از اوربان برضد ترکها کمك طلبید .

اوربان فیلیپ اول شاه فرانسه را باتهام عمل **زنا** تکفیر کرد . اوربان جنگ صلیبی اول را اعلام نمود و بجای توسل به شاهان از اشراف و مردم استمداد کرد که اکثریت ایشان با دستگاه پاپی مخالف بودند .

این جنگ‌جهاد اول بمنزله‌اولین پیروزی بزرگ نظامی پاپ بود و کوششهای نظامی وی تحت عنوان دفاع از آئین مسیح احترامی تازه برای دستگاه پاپ بوجود آورد و باعث تنزل امپراطور ها درافکار عمومی گردید .

۱۰۹۹ ـ ۱۱۱۸ ـ پاسکال دوم ـ تکفیر هنری چهارم را تجدید نموده با پسر او موسوم به هنری به انتریك و تحریك پرداخت .

آنسلم مبارزه انوستی تور را درانگلستان دنبال کرد (۱۱۰۳ ـ ۱۱۰۷) و در سال ۱۱۰۷ منتهی به سازش گردید .

در سال ۱۱۱۱ تیولات پاپی از پاپ‌گرفته شد و روحانیان نیز او را مردود شناختند و هنری پنجم او را زندانی نمود و این عمل تاثیری عمیق در اروپا نمود و باردیگر مقام پاپ را پائین آورد .

۱۱۱۵ـ کنتس ماتیلداکه املاك ومتصرفات خود را در ۱۰۸۶ و ۱۱۰۲ باختیار پاپ گذاشته ولی تا هنگام فوت برای خود حق تغییر در وصیت داده بود در هنگام درگذشت در ۱۱۱۵ املاك را به‌هنری پنجم واگذاشت . در نتیجه هنری پنجم بایتالیا آمده در ۱۱۱۷ سرزمین متصرفی ماتیلدا را تصرف کرد و بدینطریق مشاجره بین پاپها و امپراطور ها ریشه کرده تا مدت یك قرن ادامه یافت .

۱۱۱۸ ـ ۱۱۱۹ ـ گلاسیوس دوم مجبور به فرار از رم شد و هنری پنجم خود یك نفر را بسمت پاپ تعیین کرد . گلاسیوس که در ۱۱۱۸ هنری را تکفیر کرده بود به فرانسه گریخت .

۱۱۱۹ ـ ۱۱۲۴ ـ کالیکس توس دوم: از اهل بورگوندی با چند نفر اززمامداران کوچك اروپا بستگی داشت و سیاستمداری با هوش بود و بوسیله **کنکوردای وورمز** در ۱۱۲۲ بمشاجره انوستی‌تور پایان داده سازش کرد. اما سینود **ریمس** در ۱۱۱۹ فرامین ضد سیمونی وضد زناشوئی‌روحانیان‌وضدانوستی‌ـ تور غیر روحانیان وتکفیر هنری پنجم راتجدید کرد.

۱۱۳۰ـ۱۱۳۸ ـ انشعاب دردستگاه پاپی: این انشعاب نتیجه انتخاب فاسد کاردینال **پیرلون** از فرقه کلونیاك وبسریك صراف یهودی رم بود که بمذهب عیسوی درآمده بود وبنام **اناکلتوس‌دوم** (۱۱۳۰ ـ ۱۱۳۸) بسمت پاپ انتخاب شده و خانواده‌های **کرسی‌و فرانگی پانی** برقابت وی برخاستند پاپ رقیب وی **اینوسان دوم** بود(۱۱۳۰ ـ ۱۱۴۳) که **برنارد آف‌ کلروو** وبیشتر اروپا بکمك او برخاستند **ولوتایر** دربرابر تائید حقوق خود طبق کنکوردای ۱۱۲۲ و تاجگذاری بعنـوای امپراطور و اخذ حق انوستی‌تور ونیز تصرف اراضی ماتیلدا به اینوسان کمك نظامی داد. اناکلتوس کمك **راجردوم** را دربرابر تائید سلطنت او جلب نمود.

۱۱۳۹ ـ شورای دوم لاتران (دهمین شورای عمومی درباختر) تشکیل شد که‌یکهزار اسقف درآن شرکت کردند ودوره انشعاب دراینموقع پایان‌یافت.

۱۱۴۳ ـ کمون‌رم برای مخالفت باپاپ غیر رومی تشکیل شده سه پاپ ضعیف(سلس تین دوم ـ لوسیوس دوم ـ اوژنیوس سوم) را مردود شناخت و آن‌ها را بمبارزه طلبید.

ارنولداف برسیا شاگرد **آبه‌لارد** رهبری گروهی را برضد اعمال روحانیان وخونریزیها وسوزاندنها که پاپهـا باعث آن گشته بودند بدست گرفت وطرفدار فقر روحانی وسادگی گردید.

دولت روم قدیم موقتا احیا شد و از امپراطور حمایت طلبید.

برناردآف کلروو با ارنولد همراه شد ولی معتقد گردید که باید اصلاح کلیسابوسیله تصفیه و تهذیب درونی انجام گیرد نه ازطریق کاستن قدرت کلیسا.

۱۱۴۷ ـ ۱۱۴۹ ـ جنگ صلیبی‌دوم بوقوع پیوست .

۱۱۵٤ ـ ۱۱۵۹ ـ ادریـان چهـارم (نیکلای نیزه‌شکن که تنها پاپ انگلیسی بود) وی پسر مردی فقیر بود ولی خود مردی دانشمند ، مهربان وصاحب اخلاق و صفات عالی بود و مردی بود خود ساخته که بالیاقت خویشتن بمقام پاپی رسیده بود. ـ هرج ومرج روم بواسطه نهی شدید وی پایان یافت.ارنولد تبعید شد. ادریان با **فردریك بارباروسا** در برابر ویلیام پادشاه سیسیل متحد شد. ولی بعدا با فردریك بسبب امتناع متکبرانه وی از انجام تشریفات نسبت‌به‌پاپ‌بمشاجره‌پرداخت. دشمنی شدید رومیان باپاپ وامپراطورباعث شدکه پاپ محرمانه تاجگذاری نماید و باعجله از رم بیرون رود.

۱۱۵۵ ـ فردریك ، ارنولد را باتهـام شرك وکفر اعدام‌کرد وآدریان را مجبور کرد که نورمانها راترك‌گفته یك سیاست ایتالیائی مستقل پیش‌گیرد یعنی آن‌که با جامعه چند نورمان بارونهای جنوب ایتالی وقسطنطنیه متحد شود وبدین طریق پاپ ویلیام سیسیل‌را بزانو درآورده مطیع خود نمود.

آدریان کمون رومی را پذیرفته وتوانست به‌رم مراجعت‌کند.

۱۱۵۸ـ ۱۱۶۲ ـ لشکر کشی دوم‌فردریك بایتالی: جامعه پاویا (مرکب ازبرسیا، **کرمونا، پارما** ، **وپیاسنزا**) به فردریك کمك‌کردند، میلان وجامعه آن باطاعت درآمدند.

مجلس بزرگ **رونکاگلیا** تشکیل شدو فردریك ازحقوق رم برای احراز حقوق امپراطوری استفاده نموده بجای **پودستاهای** امپراطوری کنسولهائی را درشهرهای لمباردی گماشت و بدین طریق میلان را به‌شورش علنی کشانیده (۱۱۵۹ ـ ۱۱۶۲) وشهرها را مجبور به‌اتحاد باپاپ نمود . اتحاد پاپ بـا بیزانتین تجدید شد . شهرهای لمباردتحت‌نظر پاپ با یکدیگر متحد شده یك اتحادیه تشکیل دادند.

۱۱۵۹ ـ ۱۱۸۱ ـ الکسانـدر سوم: وی امپریالیست و ضد پاپهای زیر بود:ویکتور چهارم ، **پاسکال** سوم ، و **کالیکس توس** سوم. فردریك به‌سوابقی‌ازادوارکنستانتین، شارلمان و اوتوی بزرگ استناد کرده سینودی **درپاویا** برای داوری نسبت بدعاوی الکساندرسوم و ویکتور چهارم که ضد یکدیگر بودند تشکیـل داد. الکساندر آنرا نادیده گرفت وویکتور بسمت پاپ شناخته شد . الکساندر پس از چندی‌که در فرانسه در تبعید بسر برد در ۱۱۶۵ برگشته و فردریك را تکفیر کـرد.

۱۱۶٤ ـ تشکیل انجمن های شهـری باردیگر معمول گردید. میلان تجدید بناشد **پودستاهای** امپراطور (حکام) اخراج شدند.

۱۱۶۷ـ ۱۱۶۸ ـ لشکر کشی چهارم فردریك بایتالیا : پاپ الکساندر به‌نزدنورمانها گریخت . فردریك رم را تسخیر کرد. ـ جامعه لمبارد در ۱۱۶۸ از نو تشکیل‌گردیده اعضاء آن قول مساعدت بیکدیگر دادند. سازمانی برای اداره حکومت فدرال داده شد . شهر دژ مانند **السانذریا** برای حفظ معبر هـا و تنگه‌ها در ۱۱۶۸ بنام پاپ بنا شد. ایتالیا دراین هنگام عملا مستقل گردید.

۱۱۷٤ ـ لشکرکشی پنجم‌فردریك‌بایتالیا: وی السانذریا را محاصره کرد ولی کاری از پیش نبرد و در۱۱۷۶ **درلگنانو** شکست فاحشی خورد . در ۱۱۷۷ صلح مقدماتی‌ونیز منعقد گردید.

۱۱۷۹ـ شورای سوم لاتـرانتصویب‌نامه‌ئی صادرکردکه برای انتخاب پاپ اکثریت دوثلث آراء اعضاء **کونکلاو** (مجلس سری‌کاردینال‌ها) ضرورت دارد.

۱۱۸۱ ـ ۱۱۹۸ ـ عده‌ئی ازپاپهای بی اهمیت مکرر بسبب هرج ومرج محلی تا سال ۱۱۸۸ ازرم تبعید شدند تاهنگامیکه کمون رم دستگاه پاپی رابرسمیت شناخت وپاپها توانستند در آرامش و صلح در روم زندگی کنند.

۱۱۸۳ ـ صلح‌کنستانس : طبق این‌صلح، سلطنت امپراطوری درایتالیا شناخته شد شهرهای لمباردی امتیازات و حقوق سابـق

خود **(رگالیا)** را (ازقبیل حق نگاهداری ارتش، قلعه بندی شهر، نگاهداری یا توسعه انجمن شهر ،حق قضاوت کامل درامور شهر، حق سکه کردن وانحلال پودستاهای امپراطوری) بدست آوردند وتنها اثری‌که از اختیارات امپراطور باقی ماند عبارت بود ازحق اونسبت به‌تائید کنسولهای انتخاب‌شده وحق تقاضای استیناف أشخاص به‌دادگاه امپراطوری وحفظ دژها بسبب احتیاجات نظامی . شهرهای لمباردی درتحت یك سیستم بسیارسست حکومت اسمی لگات ها وویکارهای امپراطوری عملا مستقل گردیدند .

۱۱۸٤ـ لشگرکشی ششم‌فردریك‌بایتالیا: وی پس از ۱۱۸۱ از شکافی‌که در جامعه لمبارد بوجود آمد وهم از فئودالهای محلی توسکانی وبولونی استفاده کرده یك حزب قوی امپراطوری درایتالیای وسطی بوجود آورده و در ۱۱۸۵ بسبب نشر منشورآزادی دهنده برمیلان نیز تسلط یافت .

۱۱۸۹ـ ۱۱۹۲ ـ دوره جنگ سوم صلیبی .

۱۱۹۸ـ ۱۲۱٦ ـ اینوسان سوم یکنفر ایتالیائی سرسخت واصل وی آلمانی‌بود(از خانواده وی هشت پاپ بوجود آمد) ازطرف کاردینالها بمنظور اعاده قدرت سیاسی پاپ انتخاب گردید .

وی مدیری لایق بود ودردستگاه پاپی تجدید سازمان داد و آنچه اسناد وسوابق در مورد پاپ ودستگاه وحدود قدرت وی وفلسفه وتئولوژی پاپی وجودداشت جمع آوری کرد. درزمان وی دستگاه پاپی قرون وسطائی به‌اوج قدرت خود رسید.

بعلاوه سرزمین‌های پاپی راکه ازکف رفته بود به پاپ بازگردانید **(اسپولتو، انکونا، وروماگنا)** امابسیاری ازشهرها مقاومت‌کرده استقلال خود را حفظ کردند.

جنگ صلیبی چهارم فرصتی بدست پاپ برای تعقیب کفار داد وهم موقعیتی را بوجود آورد که کلیساهای رومی وارتودوکس بار دیگر متحد شوند . اینوسان دل‌خود را باین خوش‌کرد که سازمان کلیسای تازه لاتن امور مذهبی قسطنطنیه را در دست‌گیرد.

جنگ صلیبی یا جهاد **آلبی‌جنسی** برای جلوگیری از نشرکفر وشرك در فرانسه جنوبی بوجود آمد وباعث خونریزی بلکه خونخواری بسیاردرآن منطقه‌گردیده ویکی ازپیشرفته‌ترین فرهنگها و کولتورهای محلی را دراروپا خاموش کرد و سبب آن بیشتر شورشهای فئودالی و خشونت وتندروی روحانیان بود.

اینوسان کوشش کرد که شوق وحرارت صلیبیون را متوجه اسپانیا کند وبرضد مسلمین اسپانیا بجنگ پردازد ولی **سیمون دومونت فورت** مساعی او را خنثی‌کرد.

دعاوی سیاسی پاپ ومجاهده وی در کسب قدرت سیاسی :

(۱) اینوسان مدعی شدکه حق دارد انتخاب امپراطور را تصویب یا رد کند وبهمین سبب دعوی **فیلیپ سوابیا (هوهنش‌تائوفن)** را به‌تخت امپراطوری رد کرد وحقوق مسلم فردریك را نادیده گرفت واز **اوتو** حمایت کرده پس ازگرفتن قول اطاعت نسبت به‌اتوریته پاپ تاج برسر اوگذاشت وپس ازآن با اتحاد با شاه فیلیپ دوم وسائل انتخاب فردریك دوم را فراهم‌کرد.

(۲) اینوسان درسال ۱۱۹۸ با تکفیر کردن فیلیپ دوم اورا مجبور کردکه زوجه خود **اینگه برگ** را برسمیت بشناسد اما همین‌که خواست درکشمکش بین فیلیپ با **انژوین‌ها** دخالت‌کند فیلیپ به او بی‌اعتنائی کرد.

(۳) حقوق نامزدهای خود را برای‌شرکت در مقر اسقفی **کانتربری** بدست آورد **وجان** شاه انگلیس رامجبور کردکه انگلیس را تابع مقر اسقفی مقدس قرار دهد وسپس آنرا ازپاپ بعنوان امتیاز تیولی دریافت داردو برآن حکومت‌کند (۱۲۱۳) .

(٤) اینوسان از دولتهای زیر بعنوان رعایای پاپ ابراز اطاعت شنید: آراگون، بلغارستان ، دانمارك ، مجارستان ، لهستان، پرتقال ، صربستان ، وبالاخره کلیسای رومی را تقریبا بمقام ایدآلی ملل مشترك‌المنافع (کامنولث) جهانی مسیحی رسانید.

مبارزه برضد شرك وکفرشهری :

کلیسا طوری سازمان داده شده بودکه سالهای سال توانست برضد شرك وکفر در جامعه‌های دهقانی ودهات وقصبات مبارزه کند و با تجدید حیات شهرها و زندگی شهری بنحوی روز افزون از تماس با بورژوازی درحال ظهور وترقی وپرولتاریای شهری عاجز بود ونشر عقاید ضد روحانی در شهرها برای کلیسا مشکلی بزرگ شده‌بود.

فرانسیس ـ آف ـ اسیسی ازاهل ایتالیا و **دومینیك** اسپانیائی بطور خلق‌الساعه دستگاهی دردرون کلیسا برای حل مشکل بالا و بحرانی‌که دراین‌مورد بظهور رسیده بود بوجود آوردند.

فرانسیس (درگذشت ۱۲۲٦) که مردی جوان و خوش مشرب وشاعرپیشه بود بصورت حماسه سرای مذهب **(تروبادور)**شروع‌بسرودن اشعار ووعظ نموده زیبائی‌های حقارت‌وکوچکی و فقر وسادگی وفداکاری و برادری انسان‌و زندگی با حیوانات و زندگی با طبیعت را ستوده و نغمه‌های نشاط آور ساخته وی بزودی درشهرهای ایتالی مشهور شده‌موفقیت عظیم یافت وحزبی بنام‌وی یعنی **فرانسیسکان** (که آنرا رهبانان حقیر یا کوچکتر، ورهبانان خاکستری ، واقلیت‌ها و نیز **کوردولیه‌ها** می‌نامیدند) تشکیل شد . پاپ اینوسان با احتیاط اما نه بطور رسمی بآنها کمك‌کرد ولی رسما آنها را تاسال ۱۲۲۳ نشناخت. افراد این جمعیت بصورت دراویش اندرزگوی شهرهابودند (نظام ماندیکان یا سلسله‌دراویش) دومین سلسله دراویش (ماندیکان یا فقرای آواره) بنام **دومینی کان** ها (دومینیك موسس آن) خوانده شده درنتیجه مبارزه دومینیك باشرك **آلبی جنسی** جنوب فرانسه بوجود آمده و در۱۲۱۵ پاپ اینوسان فعالیت آنها را مجاز اعلام‌کرد.

این نظام واعظان بنام راهبان واعظ ، راهبان سیاه ، یا **ژاکوبین‌ها** (درپاریس) خوانده میشدند.

این دو گروه دراویش منسوب به‌خانقاه‌ها ونیز جزء رهبانان دهات نبودند بلکه در شهرها سکونت داشته خود را وقف موعظه وهدایت مردم ووقفیات کرده‌بودند.

عمل **انگیزیسیون** یا تحقیق ورسیدگی قضائی راجع بمذهب وآئین‌اشخاص نیز در ۱۲۳۳ بایشان محول گردید ونفوذ مستقیم ایشان در فرهنگ وتعلیم و تربیت (بخصوص نفوذ دومینیکانها) بسیار عظیم بود.

۱۲۱۵ـ شورای چهارم لاتران . اوج‌دوره حکومت مذهبی (بونتی فیکات) اینوسان بوده چهار صد اسقف و ۸۰۰ راهب کل وروسای روحانی (پریر) ونمایندگان سلاطین مسیحی در آن شرکت کردند وفرامین ده‌گانه‌آن بشرح زیر اهمیت عظیم یافت.

(۱) کلیسا در جهان یکی است و جهانی است.

(۲) آئین و عقیده تبدیل نان وشراب به‌جسد و خون عیسی مسیح رسما اعلام گردید.

(۳) شعائر دینی راه رحمت را معلوم میسازد و رسم اوکاریست (نان‌وشراب) از شعائر بزرگ‌دینی‌است.

(٤) اقرار وتوبه وکمونیون سالیانه برای هر فرد مسیحی مقرر گردید.

(٥) مقررات دقیق برای انتخابات‌مذهبی وخصائص کشیشان وضع شد .

(٦) دردست گرفتن تعلیم و تربیت‌و فرهنگ ازطرف‌کلیسا وتاسیس مدرسه در ده کاتدرال و برای تعلیمات مذهبی مقرر شد.

(۷) شرك وکفر **آلبی جنسی وکاتاریست** محکوم‌گردید.

(۸) محاکمه بوسیله شکنجه‌وعذاب‌جسمی وجنگ ممنوع‌شد.

(۹) پرستش آثار و بقایا تحت قاعده درآمد.

(۱۰) مقررات زندگی خانقاهی شدیدتر وسخت‌ترشد.

وبالاخره جنگ جهاد (جنگ صلیبی)اعلام گردید .

۱۲۱٦ ـ ۱۲۲۷ ـ اونوریوس سوم
مردی شریف و صلح صلب بود وافکار عالی داشت ورروابط نیك را با فردریك دوم حفظ کرد.

۱۲۲۷ ـ ۱۲٤۱ ـ گریگوری نهم
از منسوبان اینوسان سوم ومردی پیر وتند مزاج بود و بدون وقفه با فردریك درکشمکش بود .

در ۱۲۲۸ **فرانسیس آف اسی‌سی** ودر ۱۲۳٤ **دومینیك‌را** (پس‌ازمرگ) درجزء فهرست مقدسین واردکرد (این عمل را **کانونیزاسیون** یعنی مقدس کردن گویند).

۱۲٤۳ ـ ۱۲٥٤ ـ اینوسان چهارم
یك نفر حقوق‌دان شرعی بود وی بنحوی آشتی ناپذیر حمله به امپراطور را ادامه داد.

۱۲۷۱ ـ ۱۲۷٦ ـ پاپ گریگوری‌دهم
(ویسکونتی) صاحب دماغی قوی بود وهدفهای وی عبارت بود از آرامش ایتالیا، جلوگیری

ازشارل اف انجو وجلوگیری‌ازقدرت‌روزافزون فرانسه و دیگر آرامش آلمان.

جانشینان گریگوری سرگرم امور داخلی ایتالیا (مانند جنگ ناپل وسیسیل، انارشی بارونهادررم وغیره) وامورخانواده‌خودگردیدند بشرح زیربود:

۱۲۷۷ – ۱۲۸۰ – نیکلای سوم (اورسینی) که دشمن شارل‌انجو بود.

۱۲۸۱ – ۱۲۸۵ – مارتین چهارم که عروسکی دردست شارل انجوبود.

۱۲۸۵ – ۱۲۸۷ – اونوریوس چهارم (ساوللی).

۱۲۸۸ – ۱۲۹۲ – نیکلای چهارم (کولونا) – رقابت وکشمکش بین خانواده‌های مدعی مقام پاپی بقدری شدید بودکه دوسال طول‌کشید تا جانشین نیکلا انتخاب شودو بالاخره شخصی منزوی را طبق‌خواب‌کاردینال مالابرانکا برخلاف میل خودش از انزوا بیرون کشیده بنام **سلس تین پنجم** برتخت پاپی نشانیدند.

۱۲۹٤ – سلسطین پنجم که هرگز رم‌را ندید و بازیچه دست شارل انجو وکاردینال کائتانی بود وبالاخره دراثر تلقین کائتانی (که مگافونی (اسباب بزرگ کردن صدا) بالای تخت‌خواب او نصب کرده وحی باندای نیمه شب را بسمع او رسانید) استعفا کرد (رجوع شود به فصل «امتناع بزرگ» اثر دانته درکتاب جهنم بخش ۳) وزندانی جانشین خود **بونیفاس هشتم** (کائتانی) گردید.

۱۲۹٤–۱۵۳٤–دنیوی‌شدن دستگاه پاپ:

در این دو قرن ونیم پاپها ودستگاه ایشان تقریبا کاملا رهبری امور روحانی را کنار گذاشته غرق درامور دنیوی وسیاست ومسائل نفسانی گردیدند.

۱۲۹٤ – ۱۳۰۳ – بونیفاس هشتم (کائتانی) وی درسیاست بازی ودیپلماسی وکار چاق‌کنی دست تمام همکاران خود را درکالج مقدس از پشت بست. وی نسبت بمذهب شکاك بود اما اعتقاد کاملی به‌سحر وطلسمات وتعوید داشت. وی آخرین پاپ قرون‌وسطی محسوب میشود وآخرین پاپی است‌که بشیوه گریگوری هفتم واینوسان سوم دعوی‌اتوریته جهانی نمود. وی معتاد به‌آمیزش با اطرافیان پست ومردی بدکار وشریر بود وگاه بگاه لباده پاپی را به‌لباس ورگالیای امپراطوری بدل میکرد یعنی‌گاهی لباس پاپی وزمانی لباس امپراطور میپوشید و این جمله از اوست:

«منم پاپ، منم قیصر»

مردی بی‌اندازه خشن وبی ادب‌ومنفور بود و هدف عمده وی آن بود که خانواده کائتانی را بیش ازاندازه بزرگ وبزرگتر جلوه دهد.

وی ضمنا حامی معماری وهنرها بودو گیوتو دررم ازآثار اوست.

۱۲۹۶ – بونیفاس فرمانی صادر کرد مبنی براینکه شاهان انگلیس وفرانسه باید دخالت پاپ را نپذیرند وبرپرداخت مالیات را بانها منع‌کرد آنها نیز مقابله بمثل گردندو بونیفاس دراین مبارزه شکست خورد.

۱۳۰۰ – جشن بزرگ پاپی یکی ازبزرگترین نمایش‌ها و جشن‌های قرون وسطائی پاپی است‌که باشکوه وتظاهرات عظیم‌همراه بود واز طرف بونیفاس بافتخار دوره پاپی خودش برقرارشد وهدفش تشکیل دولت دوم کائتانی درتوسکانی وباطاعت آوردن سیسیل بود.

۱۳۰۲ – ۱۳۰۳ – بونیفاس ازطرف دولتهای ملی تحقیر شد و درتحریکاتی که میکرد شکست خورد.

در ۱۳۰۲ فرمان دیگری در مورد دعاوی پاپ نسبت بدولتهای ملی صادر کرد فیلیپ چهارم سعی کرد پاپ را برای محاکمه در شورای عمومی بخاك فرانسه بکشاند وبرای این منظور **نوگارت** را به ایتالیا فرستاد.

۱۳۰۳ – «روز وحشت آور اناگنی»:

دراین روز **نوگارت‌واسکیارراکولونا** به‌عمارت محل سکونت پاپ راه یافته بونیفاس را در تخت‌خواب غافلگیر نموده او را تهدید بمرگ نموده خواستند از او استعفا بگیرند وبالاخره او را زندانی‌کردند. وچون مواجه‌باعکس‌العمل عامه بسبب بیگانه بودن ایشان گشتند فرار کردند و طولی نکشید که بونیفاس بسبب این تحقیر درگذشت. ودستگاه پاپی که اخیرا چون چراغ درحال خاموشی درخشندگی‌موقتی یافته و برامپراطور فایق آمده بود از یك نیروی تازه و تازه نفس شکستی فاحش خورد وآن عبارت بود از احساسات تازه بیدار شده ملی‌که حامی سلطنت ملی شده بود واین پیش آمد باعث شدکه حتی دولتهای جدید ملی بر روحانیان مالیات ببندند وآنها را در وقایع جنائی بمحاکمه بکشند.

۱۳۰۳ – ۱۳۰٤ – بندیکت یازدهم: بسبب هرج و مرج در رم به‌**پروگیا** تبعید شد.

وی فرمانی صادر کرده پرنسیپالهای **اناگنی** را محکوم کرد و بلافاصله درگذشت ومشهور است‌که او رامسموم کردند.کاردینالها بدو گروه طرفداران ومخالفان بونیفاس‌تقسیم شده و پس از ده ماه اجلاسی برسر انتخاب یك نامزد فرانسوی سراسقف **بردوبرترانددو‌گوت**(که اورا دشمن فیلیپ چهارم‌میپنداشتند) توافق کردند و او بنام پاپ کلمنت پنجم‌نامیده شد.

۱۳۰۵ – ۱۳۱٤ – کلمنت پنجم‌وی به ایتالیا نیامد – و دراثر اخذرشوه بافیلیپ دوست شد.

ایتالیا گرفتار هرج ومرج بود وکلمنت (کلمان) پس از برقرار کردن صلح بین‌انگلیس و فرانسه باایتالیا آمده اعلام جنگ جهاد (جنگ صلیبی) نمود. وی برای فرار ازجنگ فیلیپ دربار پاپی را در **اونییون** برقرارکرد که **درونسین** قرار داشت و جزء سرزمین‌پاپ بود.

(۱) سلطنت نورمان در جنوب‌ایتالیا و سیسیل

۱۱۳۰ – ۱۱۵٤ – راجردوم سیسیل – (کنت نورمان) (۱۱۰۵ – ۱۱۳۰) جانشین **دوك ویلیام اف ابولیا** (۱۱۱۱–۱۱۲۷) گردید ودر۱۱۳۰ با تصویب **اناکلتوس دوم** ضد پاپ عنوان شاه سیسیل واپولیا وکاپوئا را یافت.

پاپ اینوسان دوم در ۱۱۳۹ بسبب اتحاد راجر با اناکلتوس او را تکفیر کرد وراجر در۱۱٤۰ اینوسان را شکست داده اورازندانی کرد و مجبور نمود تا عنوان سلطنت او را بپذیرد.

وی با یك سیاست زیرکانه مانع حمله مشترك امپراطوران روم ویونان به‌سیسیل گردید.

راجر که نقشه ایجاد یك امپراطوری بازرگانی مدیترانه را در سرداشت اراضی وسیعی را در شمال افریقا بتصرف آوردو در۱۱۵۳ دراواج قدرت خود بود.

۱۱۵٤ – ۱۱۶۶ – ویلیام اول همان سیاست راجر را پیروی کرده در ۱۱۵۶ متحدین بیزانتین پاپ آدریان چهارم راشکست داده وآدریان را مجبور کرد که عنوان سلطنت او را در سیسیل، اپولیا، ناپل، امالفی وسالرنو بشناسد.

وی به پاپ‌الکساندر سوم‌دربرابر فردریك اول کمك‌کرد.

۱۱۶۶ – ۱۱۸۹ – ویلیام دوم – وی‌نیز همان سیاست را تعقیب نمود اما چون در صدد ایجاد یك امپراطوری مدیترانه بودو میخواست دستش باز باشد باکمال میل در ۱۱۸۶ ازدواج **کنستانس** دختر راجر دوم را که وارث او بود با هنری ششم امپراطور آینده استقبال نمود و خود او با **جون** خواهر ریشارد اول پادشاه انگلیس زناشوئی کردو قصد داشت‌که جنگ صلیبی سوم را رهبری کند که جزئی از نقشه تهیه زمینه امپراطوری وی‌بود.

۱۱۹۰ – ۱۱۹٤ – تانکرد اف لس (پسر راجر، دوك اپولیا وبرادرکنستانس) پس از درگذشت ویلیام جای او را گرفت‌و در برابر امپراطور هنری ششم (از۱۱۹٤– ۱۱۹۷ شاه بود) با کمك پاپ و ریشارد اول مقاومت‌کرد.

هنری سیسیل و جنوب ایتالی وبخشی از توسکانی را با کمك **پیزا وژنوا** تصرف‌کرد سرزمین‌های **ماتیلدا** را درایتالی‌مرکزی‌بدست آورد و **یکدستگاه** امپراطوری برای اداره متصرفات خود بوجود آورده و طرح یك امپراطوری بزرگ را ریخت‌که ایتالیا مرکزآن باشد.

اما حکومت نورمان با **تانکرد** پایان یافت.

سلطنت نورمان در جنوب ایتالیا وسیسیل **سلطنت مذهبی** (تئوکراتیك) وبه‌شیوه‌حکومت بیزانتین بود. دستگاه اداری‌آن قوی‌وبصورت بوروکراسی اداری بود. ثروت هنگفت و دستگاه مالیاتی قوی، سلاطین سیسیل را شاید ثروتمندترین شاهان اروپا نمود.

زمامداران نورمان چون با یك سلطنت مرکب از ملل مختلف ایتالیائی، یونانی‌و ساراسن سروکار داشته و احتیاج به مهاجر و جمعیت داشتند روش مدارا را نسبت‌برسوم و قواعد ورعایت قانون و مذهب و فرهنگ هر ملت پیش گرفتند.

دربار جهانی یعنی ترکیبی راجردوم‌و حمایت سخاوتمندانه وی از دانشمندان یك حوزه علمی درخشانی دراطراف وی بوجود آورد که اشخاص زیر دران شرکت داشتند:

ادریسی جغرافی دان عرب ، **اوژنیوس** مترجم علم نور وبصر بطلمیوس ، **وهنری اریستی پوس** مترجم **فائدوی** افلاطون وکتاب چهارم **متئورو لوژیکای** ارسطو.

(۲) ترقی شهرهای ایتالیائی

به ریشه وسوابق اولیه حکومت شهر های قدیمی وقرون وسطائی درایتالیا نمیتوان درست پی برد . آنارشی پس از دوره کارولینژی دفاع را بدست مردم محلی وسکنه شهری واگذاشت وبرای شهرها دیوارهائی دراثر همکاری مردم محلی ساخته شد.

اسقفهای لمباردی که طبق سنت بنمایندگی شاهان باصطلاح خودشان شبانهای رمه‌های خویش (نگهبانان مردم) بودند نقش قاطعی درسازمان کمون برای دفاع انجام دادند (نمونه آن اسقف **برگامو** ۹۰۴).

اولین موارد استقلال واقعی مناطق شهر نشین در **آمالفی** ، **بنه ونتو** وناپل (۱۰۰۰- ۱۰۳۴) بظهوررسید.

تکامل عظیم مناطق وبخش‌های شهری درشمال ایتالیا وبخصوص درلمباردی بوقوع پیوست و درآنجا جامعه‌های شهرداری سوگند خورده وانجمن‌های بخش درقرن دهم بظهور رسید.

دراین شهرها اشراف نقش مهمی بر عهده داشتند اگر چه همیشه با اسقفها در حال موازنه بودند یعنی آن‌که اسقفها دربرابر آنها بمنزله وزنه‌های تعادل قوا بودند.

امپراطور ها بسبب گرفتاری در آلمان یا کشمکش با پاپها ناچار بودندکه به‌این‌شهرها آزادی و استقلال نسبی در بسیاری از امور او جمله ضرب سکه، اخذ مالیات ، گمرک و اداره پلیس وقوه قضائی بدهند.

کمونهای کامل در قرون ۱۱ و۱۲ بظهور رسیدند (مانند **آلتی** در۱۰۹۳ ، پاویا در۱۱۰۵، فلورانس در ۱۱۳۸ ، ورم بوسیله منشورپاپ در ۱۱۸۸) . توسعه دریانوردی بزرگ‌وجمهوری های بازرگانی بسیار سریع بود. دیوارهای تازه پیزا در ۱۰۸۱ ودیوار دوم فلورانس بمنظور وسعت دادن شهر در ۱۱۷۲ - ۱۱۷٤ ساخته شد . توسعه شهر ونیز درآدریاتیك پس از تصرف **باری** بدست ساراسن‌هادر۱۰۰۲ آغازگردید.

در آغاز قرن ۱۲ بسبب شورش‌هاو پیمانها ، شهرهای لمباردی بصورت کمون‌های مستقل درآمدند وکنسولات یا چیزی معادل آن در پایان قرن ۱۲ در منتهای فعالیت بودند.

شهر ها سازمان مخصوص داشت، هر شهر مجلسی داشت با حق قانونگزاری ، اعلام جنگ و صلح وغیره.

تعداد کنسولها که هسته امور شهربانی‌و حفظ نظم بودند معمولا ٤ تا ۲۰ بودو دوره ماموریت ایشان یکسال بود وازخانواده های رهبر و درجه‌اول انتخاب میشدند. هر شهر دارای شورائی بود و هم شهربانان درجه دوم داشت.

ترقی و توسعه اصناف بازرگان و صنعتگر باعث ظهور و ترقی یك طبقه متوسط (بورژوا) شده منجر بظهور جنگ شدیدطبقاتی گردیده درربع‌آخر قرن ۱۲ **پودستاها** (حکام) را مبدل به نوعی دیکتاتورهای محلی نمود.

در توسکانی شهرها باکنت‌ها همان سلوك را پیش گرفتند که لمباردها با اسقفهای خودداشتند . **ونیز** بسبب موقعیت خاص خود مبدل بیك الیگارشی بازرگانی منحصر بفرد گردید.

(۳) صعود ونیز تا سال ۱۳۱۰

فراریان وآوارگان هونها در قریه ها ودهات ماهیگیری **لاگونها** پناه گرفتند . تاسیس پایدار ونیز چنین بنظر میرسد که از زمان حمله لمباردها در ٥٦۸ آغاز شده باشد. كمك ونیزیها به **بلیساریوس** آغاز رابطه رسمی بین ونیز و قسطنطنیه و ارتباط ونیز با امپراطوری روم خاوری گردید ، یک‌کمیته حکومت مرکزی جزائر بنام **تری بونی مایورس** در٥٦۸ تشکیل‌گردید .

٦۸۷ - انتخاب اولین دوگه (عنوان رئیس شهربانی انتخابی ونیز که مقاوی بنام **دوکاتا** نامیده میشد ومعادل با منصب‌حکمرانی بود) انحصار نمك و انحصار تجارت ماهی‌نمك زده اولین منبع ترقی اقتصادی‌وثروت‌وآبادی ونیز بود . در ونیز دو حزب بوجود آمد.

(۱) حزب اریستوکرات طرفداربیزانتین که طرفدار دوگه ارثی بود.

(۲) حزب دموکرات که با کلیسای روم وبعد با فرانکها طرح دوستی ریخت. ونیز به**اگزارك** (استاندار درایالات بیزانتین) **روان‌نا** که **ازلیوت پراند** فرار کرده بود پناه دادودر برابر حقوق تجارت روان‌نارا بدست آورد. هنگامیکه شارلمان به‌پاپ امر کرد تا ونیزیها را از پنتاپولیس بیرون کند ونیزیها را تهدید باعزام جمعیتی برای سکونت در لاگونها نمود ونیز باردیگر به قسطنطنیه روی آورد.

۸۱۰ - شارلمان **ونیسه فرروس** طبق یك پیمان ، ونیز را جزء سرزمین بیزانتین شناخته و حقوق تجارت ونیز را در سرزمین اصلی ونیز شناختند.

۱۰۰۰ - پس از دویست سال توسعه درآدریاتیك ، ونیز کاملا دزدان دریائی**دالماسی** را بزانو درآورده **دوگه** لقب **دوك دالماسیا** گرفت.

ونیز دراین هنگام آقای راه دریائی‌به بیت‌المقدس بود.

۱۰۳۲ - کوشش اشراف برای ارثی کردن مقام **دوگه** شکست خورد . یك شوراو یك مجلس سنا تاسیس‌گردید.

۱۰٦۳ - بنای کلیسای **سن‌مارك** آغاز شدکه یکی از بهترین و نمونه معماری بیزانتین ونمونه نفوذ آن درباختراست.

۱۰٦۳ - اولین سه جنگ صلیبی حقوق بازرگانی ونیز را درتعدادی از بنادر **لوانتین** از قبیل **سیدون** در ۱۱۰۲ **وتیر** در۱۱۲۳ مجزرکرده و قدرت یك طبقه حاکمه ثروتمند را پایه‌گذاری‌کرد . جنك ونیز با امپراطوری خاوری (که هزینه از فروش اولین اسناد ذمه‌ئی‌دولتی از تاریخ فراهم شده بود)بجائی نرسید ومنجر به تاسیس یك مجلس ٤۸۰ نفری شد که هسته شورای بزرگ ونیز گردید .

۱۱۷۱ - انتصاب **دوگه** به‌این شورا محول گردید و این کار بمنزله پیروزی کامل حزب بازرگانی اشرافی بود.

۱۱۹۸ - مراسم سوگند وانتصاب(نوعی تاجگذاری) برای دوگه وضع شد.

۱۲۰٤ - درجنگ صلیبی چهارم ونیز مالك **سیکلادس** ، **اسپورادس** ، **پروپونتیس**، سواحل دریای سیاه ، سواحل تسالی گردیده وکنترل **موریا** نیز بدست ونیز افتاد . ونیز این امپراطوری وسیع رابشکل اجاره دادن فئودالی اداره میکرد وحکومت این سرزمین‌ها را به‌خانواده‌هائی وامیگذاشت که دفاع ازراه های دریائی را در عهده گیرند.

ونیز حتی در بنادر سوریه نیز چند پایگاه بدست آورد.

از این دوره ببعد دوره بزرگی از ساختمان‌ها آغاز گردید و همین قدر که حکومت ونیز مبدل به‌یك شرکت دربسته از خانواده‌های درجه اول گردید برفشار الیگارشیك افزوده شد.

۱۲٥۳ - ۱۲۹۹ - کشمکش با ژنوا بر سر تجارت دردریای سیاه و لوانتین. فئود

ژنوا وونیزهر دو قدیمی بودند وکشمکش‌آن‌ها در **اکر** در۱۲٥۳ آغاز گشت. اولین جنگ با ژنوا در ۱۲٥۸ با شکست کامل ژنوا پایان یافت.

۱۲٦۱ - یونانیان در غیبت ناوگان ونیزی قسطنطنیه را تسخیر کردند وازژنوا حمایت کرده **گالاتا** را به ژنوا دادند.

۱۲٦٤ - ونیزیها ناوگان ژنوائی را در **تراپانی** درهم شکسته وبرودی در قسطنطنیه بمقام اول خود بر گشتند.

۱۲۸۹ - ۱۲۹۹ - پیشروی ترك ها (تصرف طرابلس در ۱۲۸۹ **واکر** در۱۲۹۱) منجر به‌عقد پیمانی بین ونیز واربابان تازه آسیای وسطی گردد. ژنوا برای مقابله با موقعیت تازه داردانل رابست و در ۱۲۹٤ در **الکساندراتا** پیروزی یافت. ونیز به داردانل فشار آورده گالاتا را تصرف‌کرد. ژنوا در **کورزولا** در ۱۲۹۹ ونیزی‌ها را شکست داددولی **ماتئوویسکونتی** در همان سال پیمان صلح آبرومندی برای ونیزیها با ژنوا فراهم کرد.

۱۲۸٤ - اولین سکه **دوقات** ضرب شد.

۱۲۹۰ - ۱۳۰۰ - تکمیل کشتی های بادبانی و پاروئی خیلی بزرگ (**گاللی**) وتاسیس گاللی‌های فلاندر در**فلاندرز** در۱۳۱۷.

۱۲۹۷ - عضویت **شورای بزرگ** منحصر شد بکسانیکه در خلال چهار سال گذشته عضو شورا بوده‌اند . کمیسیونی نام چند نفر دیگر را بر فهرست افزود وسپس عضویت شورا بروی اعضاء تازه بسته شد باستثنای عضویت ارثی وبدین طریق قسمت اعظم اتباع ونیز از شرکت درکار حکومت محروم گشتند واین جریان بنفع یك‌عده معدوداز‌الیگارش‌های بازرگان تمام شد . مردم در۱۳۰۰ شورش

کردند و رهبر این مردم بدار آویخته شدند.

۱۳۱۰- شورش تیه پولو که تنها قیام جدی درتاریخ ونیز بود درهم شکسته شد. وبنظر میرسد که این واقعه بمنزله اعتراض **پاتریسی ها** بود به‌الیگارشهای افراطی ومنجر به‌ایجاد یك‌کمیته احتیاطی برای حفظ امنیت عمومی گردید بنام **شورای ده نفری** که‌بزودی (در ۱۳۳۵) بصورت شورائی ثابت درآمد.

حکومت ونیز بدین طریق عبارت بود از:

(۱) شورای بزرگ (یعنی‌طبقه‌پاتریسی).

(۲) سنا (مجلس مقننه با اختیارات درامور خارجه ، صلح ، جنگ ، مالیات‌ها و بازرگانی).

(۳) شورای ده نفری‌که شورائی سری بود و بسرعت در مورد اخلاقیات وتوطئه‌هاو امور اروپائی ومالیات واداره امور جنگ عمل میکرد ومیتوانست تصمیم سنا راوردکند.

(٤) **کولجیو** یاکابینه‌که بمنزلهٔ قوهٔ مجریه واداره‌کنندهٔ اموربود .

(۵) **دوگه** وشورای وی (حاکم یاشهربان) که در شورای ده‌نفری شرکت‌کرده شورای هفده نفری بدینطریق تشکیل میشد .

هـ - فرانسه
۹۸۷ - ۱۳۱٤

۹۸۷ -۱۳۲۸ - سلطنت سلسلهٔکاپه‌سین (که تاسال ۱۷۹۲ نیز ادامه یافت) .

۹۸۷ - ۹۹۶ - هیو (معروف به‌کاپت به‌سبب خرقه‌ئی که بعنوان راهب سن‌دنیس میپوشید) . هنگامیکه وی به سلطنت رسید سلطنت در فرانسه در حضیض قرارداشت و قدرت هیو تنها یك قدرت فئودالی‌بود . و مفهوم عنوان سلطنت آن بودکه پادشاه در دستگاه فئودالی تفوقی دارد . احترام ومقام سلطنت قدیم را در منطقه‌ئی که فرانسه نامیده میشد طبق سنت از طرف دستگاه مذهبی تبرك میشد . قلمرو فئودالی خودهیو عبارت بود از **ایل دوفرانس** (که از لائون‌بود تا اورلئان ومرکزآن پاریس بود) بانضمام یك چند قطعه اراضی پراکنده . بارونهای بزرگ تیولات باصطلاح شاهی هیو را بعنوان سلطان‌شناختند ولی هرگز به‌وی تعظیم‌نکردند ونه آنکه خدمتی به‌وی انجام دادند علاقهٔ خاص هیو به‌آن بودکه اختیارات خودرانسبت بمنابع عمدهٔ استفادهٔ خود حفظ کند واین منابع عبارت بودند از حوزهٔ سراسقفی‌ریمس و حوزه‌های اسقفی بزرگ **سنس** ، **تور** ، و **بورجس** وخانقاه‌های ایل‌دوفرانس ،وهمچنین مایل بودکه شمال خاوری فرانسه را ازعلاقهٔ امپراطور و کارولنژی‌ها دور نگاه دارد . باوجود فشار روحانیان ، هیو از اطاعت نسبت به امپراطور سرپیچی کرد و این سیاست تعیین مرز و حدودفاصل بین فرانسه وآلمان را تسهیل‌کرد . وی برخلاف میل پاپ وامپراطور کاندیدای خودرا با زور به‌مقام سراسقفی ریمس رسانید . هیو پس از تاجگذاری‌خویش بزودی یك مراسم تاجگذاری نیز برای پسرش فراهم نمود و این کار بنام **کو - اوپلاسیون** سابقه شد وکاپسیان های اولیه آنرا ادامه دادند تا زمان فیلیپ دوم‌که دیگر آنرا ضروری ندانست وبدینطریق سلطنت را برخلاف میل فئودالها موروثی‌کرده اصل انتخاب‌شاه راکه‌فئودالها عزیزمیداشتند ضعیف نمود .

۹۹۶ - ۱۰۳۱ - رابرت دوم (معروف به‌پارسا) وی زمامداری فعال ، تحصیل‌کرده و خوش‌سلوك ودرعین حال سربازی خوب‌بود. دوك نورماندی درجنگهای دائمی باهمسایگانش کمك کرد وخانواده‌های مذهبی بورگوندی نیز درحمله‌های وی به دوك‌های بورگوندی اورا یاری نمودند . دوك‌نشین بورگوندی به‌سلطنت فرانسه انتقال یافت وبه رابرت پسرکوچکتر رابرت‌پارسا واگذار شد . رابرت‌پارسا مانند پدر خود از مصلحین مذهبی کلونیاك حمایت نمود . در زمان وی بروسعت قلمرو او مقداری افزوده شده و سبب تجدید قدرت سلطنت گردید .

۱۰۳۱-۱۰۶۰ - هنری اول مردی فعال وشجاع وزمامداری خسته نشدنی بود باوجود این در زمان سلطنت وی قدرت سلسلهٔ کاپسیان تنزل‌کرد . شورش برادرش رابرت بکمك **اودس** کنت **چارترس وترایز** با کمك دوك نورماندی فرو نشانده شد ورابرت با واگذاری سلطنت دوك‌نشین بورگوندی به‌وی با برادرش صلح‌کرد و این سمت تا سال ۱۳٦۱ در خانوادهٔ اوباقی ماند . هنری در ۱۰٤۷ به‌دوك نورماندی کمك‌کرد ولی دوسال بعد اتحادیه‌ئی برضد او تشکیل داده و شکست خورد . وی پاپ وسینود ریمس را تحریم‌کرد و با جنبش اصلاحی کلیسا مخالفت نمود .

مقامی بنام **پروو** برای اداره امورقضائی و مالیات در سرزمین‌های سلطنتی بوجود آورد . در۱۰۳۲سلطنت بورگوندی به‌امپراطور منتقل شد .

۱۰۳۵ -۱۰٦٦-ترقی وتوسعه‌نورماندی : **ویلیام اول** در ۱۰۳۵ بمنصب دوك نورماندی رسیده وتا ۱۰٤۷ مواجه بایك‌رشته شورشهای بارونها گردید . در ۱٤۰۷ با هنری پادشاه فرانسه‌که حامی او بود بارونهای شورشی‌را شکست داد و دژهای آنها را ویران کرد .در ۱۰٦۳ وحدت نورماندی و ماین در برابر مخالفت کنت‌های مقتدر انجو تکمیل شد . در ۱۰۵۳ اتحاد ویلیام با هنری بهم خورد ودر ۱۰۵۸ هنری تا قلب نورماندی را تاراج کرد . دراین هنگام نورماندی یك دولت‌کاملا فئودالی پیشرفته بود ودر تحت ادارهٔ دوك قرار داشت . انجام خدمات نظامی به هر قطعه از اراضی خاصی ملحق گردید . کسی حق نداشت بدون اجازهٔ دوك قلعه بسازد یا دژنگاه دارد . جنگهای شخصی وخونریزیهای فئودالی اکیداً محدود گشت . ضرب سکه در انحصار دوك بود . وسعت منطقهٔ صلاحیت حقوقی دوك زیاد بود وحکومت‌های محلی تابع نمایندگان دوك (ویکونت‌ها) بودندکه فرماندهی نیروهای محلی را نیز در عهده داشته دژها را نگاهبانی کرده ، عدالت را اجرا نموده ومالیاتها را (که بیشتر آن پول نقد بود) جمع‌آوری میکردند .

کلیسا تجدید حیات کرد ولی در اینجا نیز دوك صاحب قدرت اعظم بوده اسقفها و بیشتر راهبانان راتعیین کرده درسینودهای ایالتی نیز می‌نشست .

روابط نورمان با انگلستان نزدیکتر شده در ۱۰۰۲ منجر به ازدواج **اما** خواهر دوك رابرت با **اتلرد** شاه انگلیس گردید . فرزند این زناشوئی ادوارد معروف به **کنفسور**(اقرار کننده) بودکه بیشتر در دربار نورمان تربیت یافته در ۱۰٤۲ بسلطنت انگلیس‌رسید ودر ۱۰٦٦ بدون وارث درگذشت . **ویتان** بلافاصله **هارولد** پسر **ارل گادوین** را انتخاب کرد . ویلیام اول نورماندی بانیروئی داوطلب درحدود ۵ تا٦ هزارنفر که از نورماندی و تارهٔ اروپا گردآورده بود هارولد را درجنگ **هیستینگ** (۱٤ اکتبر) شکست داده درروز کریستمس (تولد مسیح) بعنوان پادشاه انگلیس تاجگذاری‌کرد . تصویر این لشکرکشی در یك قالی منحصر بفرد معروف به قالی **بایو** نقش‌گشته است .

۱۰٦۰ - ۱۱۰۸ - فیلیپ اول : بی‌اندازه فربه ولی فعال وقوی بود ، دراثر یك زناشوئی که بمنزلهٔ زنا خوانده شد وهم بسبب آنکه مخالف اصلاحات مذهبی بود و روحانیان با اومیانهٔ خوشی نداشتند او را تکفیر کردند . وی در ۱۰۷۹ ویلیام دوك نورماندی (ویلیام فاتح) را شکست داده **و به رابرت گرتوز** پسر ویلیام دربرابر فشار انگلیس ونورمان‌کمك کرد . باوجود مقاومت شدید فئودالها مرتباً قلمرو خودرا توسعه‌داده و سرزمین‌هائی به قلمرو خود پیوست . اشعار رزمی و حماسی ملی فرانسه موسوم به **شانسون دوـرولند** باحتمال قوی در خلال سلطنت وی ساخته شده‌است .

نمو فئودالیسم از هرج و مرج کاست و امنیت عمومی را بهبودی بخشید وبالاخره منجر به بهبودی قاطع اقتصادی در اروپای باختری‌گردید که بطرف اقتصادی شهری‌پیش میرفت و یك‌طبقه بورژوازی را بوجود آورد که شروع بجمع سرمایه نمودند . این تحول و ترقی اقتصادی نقش قاطعی در امور اقتصادی و اجتماعی وتکامل دستگاه سلطنت ورژیم شاهی قرن ۱۳ داشت .

صلح الهی درقرن دهم **وپیمان متارکهٔ الهی** (که ابتدا در ۱۰۲۷ عنوان‌شد) ازطرف کلیسا باکمك کاپسین‌ها پیشرفت کرد و مجاهده و اقدام مؤثری در کاستن تعداد جنگها .

۱۱۰۸ - ۱۳۲۸ - دراین دو قرن کاپسین‌ها فئودال نشین‌های بزرگ شمال **لوار**را مقهور وتصرف کرده و نوعی تحول مذهبی وقضائی ونظامی را آغاز نمودندبعنوان حقوقی‌که ناشی از سنت‌کار ولنژی‌ها بوده و آنرا مبدل بقدرت سلطنت فرانسه نمودند .

۱۱۰۸ - ۱۱۳۷ - لوی ششم (معروف به‌فربه) سربازی شجاع بود واندامی عظیم وباهیبت داشت ، مردی باهوش و مهربان ولی حریص وطماع بود معهذا دهقانان وطبقهٔ بازرگانی وهم روحانیان اورا دوست‌میداشتند واو اولین شاه کاپسین بودکه محبوبیت عامه داشت . وی با هنری اول پادشاه انگلیس دومرتبه جنگید (۱۱۰۹ - ۱۱۱۲ و۱۱۱٦ -

۱۱۲۰) ومرز نورمانی خودرا مستحکم کرد وتیولات کوچکتر را تالوار متصرف گردید . منشورهای وی خطاب به‌کسانی‌که اراضی لم‌یزرع را آباد ومستعمره‌کنند و سکونت گزینند و کمك‌های متعدد وی به‌کمونها بخصوص اراضی‌کلیسا وبارونهاباعث اشتراك منابع بین کاپسیان‌ها و طبقهٔ بورژوا وموجب اتحاد آنها گردید وزندگی شهری روبه‌ترقی گذاشت . پست‌ها و خدمات درباری به روحانیان و بورژواهای لایق نیز واگذارشد. **سوگر** معلم سابق لوی‌که یك روحانی ازطبقات پائین بوده ودر ۱۱۲۲ راهب‌کل خانقاه **سن دنیز** شد نفوذعظیم درردربار‌یافت. سازش لوی باکلیسا درموردتیولات ومراسم**انوستی‌تور** سبب شدکه شاه فرانسه نقش مؤثری را بعنوان « **پسر ارشدکلیسا** » در عهده‌گیرد . وی اولین شاه کاپسین بودکه بنحو مؤثر در سرزمین‌های خارج از اراضی فئودالی خود نیز دخالت کرد . وی اتحادیه هنری اول پادشاه انگلیس را باامپراطور هنری پنجم شکست داده ودر ۱۱۲٤ جلو حملهٔ آلمانها را نیز گرفت . زناشوئی پسر لوی با **الینور** وارث ویلیام دهم **اکوئی‌تن انگلو‌ـنورمان** درشمال گردیده برخی ازاراضی در ۱۱۳۷ موجب حصول موازنهٔ نسبت به‌خطر جنوب لوارنیز به‌سرزمین فرانسه افزوده‌شد. هنگامیکه در ۱۱۲۹ **گوفری** بسمت کنت **انجو** **وماین** **وتورن** تعیین شد . خطر انگلونورمان خوب آشکار گردید . لوی در ۱۱۲۸ با **ماتیلدا** دختر هنری اول پادشاه انگلیس زناشوئی کرده ودر ۱۱۳۵ فتح نورماندی را آغاز نمود .

ترقی دستگاه اداری کاپسین در زمان سلطنت کاپسین‌های اولیه

دربار شاه معمولا به **کوریارژیس** معروف بود وشامل بزرگان ورؤسای تیولات سلطنتی ومأموران دربار بود که بیشتر آنها از میان بارونها انتخاب شده بودند واین دربار از لحاظ روحیه و عادات و سنت أصولاً دربار فئودالی بود . مجلس دربار مکرر برحسب احضار شاه جلسه تشکیل میداد ووظائف آن مشخص نبود وروبهمرفته وظائف آن جنبهٔ قضائی ومشورت و قانونگذاری داشت . اداره امور سلطنت در دست افسران عالی‌رتبهٔ شاه بودکه هدف آنها تمرکز قدرت در دست خودشان بود ومنجر به‌انحصار قدرت در خانوادهٔ **گرلاند** در قرن ۱۲ گردید .

لوی ششم پس‌ازقدری‌کشمکش (۱۱۲۸ـ ۱۱۳۰) قدرت راازدست‌آنها گرفت و ازآن پس کاپسیان‌ها بنحوی روزافزون به اشراف سربراه وروحانیان مطیع وبورژواهای اهل سازش وزد وبند تکیه‌کردند . این اشخاص درکار خود آزموده شده وخودرا بیشتر در خدمت شاه قراردادند تا مطامع فئودالی و حضور آنها در دربار باعث شدکه توجه آنها بیشتر بطرف شاه باشد تا نفوذ فئودالی : بطوریکه اشاره شد معروف‌تر از همه دراین طبقهٔ درباری **سوگر** بودکه بسمت راهب‌کل سن‌دنیز تعیین گردید . وی سیاستمدار لایقی بود ونفوذ او در سلطنت لوی وپسر وی لوی هفتم تأثیر قاطع داشت . سوگر در ۱۱۳٦ **ساختمان** بنای کلیسای خانقاهی تازهٔ **سن‌دنیز** راکه اولین اثر با استیل تمام **گوتیك است** آغاز کرد .

۱۱۰۰ – ۱٤۰۰ – ترقی شهرها – تجدید حیات اقتصادی اروپای باختری با اعادهٔ زندگی شهری وترقی شهرها درسراسر باختر بخصوص در فرانسه همراه گشت ودر قرن ۱۲ درفرانسه باوج خود رسید .

صعود وترقی شهرهای فرانسه بمنزلهٔ کوششی بود برای احراز حقوق گروه های غیرفئودالی وهدف‌آن ترقی اقتصادی وامنیت شخصی بود . این جنبش را شاهان فرانسه مدام تقویت میکردند ولی درعین حال مراقب بودند که از استقلال شهرها جلوگیری‌کنند تا مبادا ازقدرت خودشان چیزی کاسته شود اما طولی نکشیدکه طبقهٔ بورژوا وطبقهٔ سوم وضع خودرا بنفع خود تغییر دادند .

۱۱۳۷– ۱۱۸۰ – لوی هفتم (معروف به‌لوی جوان) پادشاه مقتدری نبود ولی پارسا بود **ولذا** روحانیان با اومیانهٔ خوبی داشتند . وی‌تاسال ۱۱۵۱ که **سوگر** درگذشت تحت نفوذ اوقرارداشت .

۱۱٤۷ – لوی ظهور **جنگ دوم صلیبی** را باعث‌گشت . وی امپراطور **کنراد سوم** و **برنارد اف‌کلروو** را تحریك کردکه به‌وی ملحق شوند وکشور خودرا بدست **سوگر** سپرده خود بطرف خاور حرکت‌کرد .

وی در ۱۱٤۹ بحال شکست خورده و تحقیر شده ودرحالیکه زوجه‌اش **الینور** (که درسفر باآو همراه بود) ازاو رنجیده واورا ترك‌گفته بود بفرانسه برگشت در ۱۱۵۲ ازدواج آنها احتمالا بسبب فقدان نسل ذکور ابطال شد واین اقدام برای کاپسین‌ها گران تمام‌شده سرزمین‌های **پواتو** ،**گی‌ین** وگاسکونی را ازدست دادند زیرا **الینور** بفوریت بعقد ازدواج‌هنری دوك‌نورماندی درآمدکه در۱۱۵۱ بعنوان‌کنت**انجو**،**ماین** **وتورن**بجای پدر نشسته بود .تصرف قلمرو **الینور** ، هنری رافرمانروای نصف بیشتر فرانسه نمود بطوریکه توانست هم از شمال و هم از جنوب به بقیه متصرفات فرانسه فشار آورد . هنگامیکه هنری در ۱۱۵٤ بسلطنت انگلیس رسید ، امپراطوری باصطلاح آنژوین تقریبا از **توید** تا کوههای **پیرنه** توسعه یافت .

۱۱۷۳ ـلوی به **توماس بکت** برضد هنری دوم پادشاه انگلیس کمك کرد و تنها بوسیله وساطت‌پاپ‌الکساندر سوم (که‌بسبب برافراشتن یك نفر ضد پاپ از طرف امپراطور فردریك) بفرانسه پناهنده شده بود از خشم هنری نجات یافت . لوی بسبب فشار امپراطور به بورگوندی علاقه داشت که بکشور های ضد امپراطور کمك کند .

در خلال سلطنت لوی هفتم دادن پستها و مناصب به افراد آزموده غیر فئودالی در دستگاه دولت و سلطنت (کوریارژیس) ادامه یافت و تاثیر قاطع در تحولات آینده نمود .

ترقیات فرهنگی وفسفی :

صنفی‌بنام «**صنف‌استادان**» تشکیل‌شدکه هسته دانشگاه پاریس گردید و عده‌ئی از دانشمندان ظهور کردند از قبیل **سن‌برنارد اف کلروو** ۱۰۹۰ – ۱۱۵۳) موسس نظام **سیسترسی** . وی واعظ و ناطقی بزرگ و اصلاح طلبی با حرارت و یك روحانی برجسته بود . دیگر **روسه لینوس** (درگذشت ۱۱۲۱) **قهرمان فلسفه** و مسلك **نامینالیسم** (اعتقاد باینکه آنچه در عالم وجود دارد نامهاست و تصورات مجرد و مجردات وجود واقعی ندارند) .

آنسلم (درگذشت ۱۱۰۹) راهب‌کل **بك** و بعداسراسقف**کانتربری**قهرمان **رئالیسم** (اصالت واقعیات) **پترآبه‌لارد** (درگذشت ۱۱٤۲) استاد در پاریس پس از ۱۱۱۵ حامی فلسفه **کانسپ توالیسم** (دربرابرنامینالیسم ورئالیسم) و اعتقاد باینکه در عالم اشیائی محسوس‌که با افکار و تصورات کلی ما مطابقت کند وجود ندارد) .

جان اف سالیسبری (درگذشت ۱۱۸۰) اسقف چارترز طرفدار انسانیات (هیومانیتیك) و تقرب به علم از طریق انسانیات نه دیالکتیك (مباحثات) .

پطرلمبارد ـ اسقف پاریس (۱۱۵۹) که در کتاب **سن تن‌تیای** خودراه‌احتیاط آمیزی برای حل مشکلات تئولوژیکی و فلسفی بدست داده و کتاب متن فلسفی مدارس پاریس قرارگرفت. از آثار ادبی این دوره **شانسون‌دوژست** و حماسه های تروبادور است .

۱۱۸۰ – ۱۲۲۳ – فیلیپ دوم (معروف به اوگوستوس) وی سلطنت خود را در سن ۱۵ سالگی آغاز کرده و مجال درس خواندن و تعلیم و تربیت نیافت (لاتن نمیدانست) وی حسابگری واقع بین و در زمان خودش مردی برجسته بود و سلطنت را قوام و استحکام بخشید . و موسس دولت متشکل (سازمان داده شده به ارگانیزه) است . وی بناکننده شهر پاریس محسوب میشود . کوچه های شهر را سنگفرش کرده دیواری بدور شهر کشید و بنای لوور را آغاز نمود .

۱۱۸۰ ـ فیلیپ با عقد پیمان اتحاد شش ساله با هنری دوم شاه انگلیس توانست **فیلیپ دارتوا** و کنت های شامپانی را شکست داده و انجمن بارونها را که برضد وی تشکیل یافته بود درهم شکند و مالك **آرتوا** و **ورماندوا** گردد . فیلیپ با پسران هنری وارد انتریک شده در ۱۱۸۷ ریشارد را به شورش تحریك کرد و باو پیوسته در ۱۱۸۹ هنری را شکست داد و هنری در همان سال درگذشت .

۱۱۹۱ ـ فیلیپ بسبب فشار افکار عامه برای جنگ سوم صلیبی به شاه ریشارد و **امپراطورفردریك**بارباروسا پیوست و باریشارد **بهم** زده بفرانسه برگشت و در خلال مدت اسارت ریشارد باتفاق **جان** بتحریك ضد وی پرداخت (۱۱۹۲ – ۱۱۹٤) .

۱۱۹٤ – ۱۱۹۹ ـ ریشارد در یك جنگ بیرحمانه انتقامی **دژگای‌یارد** را درکناررود سن ساخته قدرت **آنژوین** را درشمال‌فرانسه اعاده داد .

۱۱۹۸ ـ فیلیپ بسبب طلاق دادن **زوجه‌اش اینگه‌برگ** دانمارکی مورد تکفیر پاپ اینوسان سوم قرارگرفت و افکار عمومی اورا **مجبور** به آشتی بازوجه‌اش نمود ولی وساطت اینوسان رابرای‌آشتی با **جان** جانشین ریشارد جدا رد کرد . (۱۱۹۹)

۱۲۰۲ – ۱۲۰٤ ـ آخرین جنگ با **جان** برای فتح سرزمین **آنژوین** در شمال فرانسه . فیلیپ سپس جان شاه انگلیس را بعنوان تابع

خود دعوت بمحاکمه نموده و با امتناع جان تیولات فرانسوی او را از دست رفته اعلام کرد (۱۲۰۳) وبه **ارتوراف بریت‌تانی** برادرزاده جان کمك کرد . آرتور ترور شد (۱۲۰۳) و دربرابر دژ فرانسوی جان (گای‌یارد) و پس از آن نورماندی و **پواتو** از دست او بیرون رفت و فیلیپ مالك سرزمین آنژیـن در شمال **لوار** گردید .

در زمان **فیلیپ** یك ارتش نیمه پایدار تشکیل گردید .

۱۲۰۸ ـ۱۲۱۳ ـجنگ صلیبی‌آلی‌جنسی‌ـ والدنسی :

(آلی جنسی نام کاتاریست های آلبی و والدنسی نام پیروان پطروآلدو است) این دوگروه در حقیقت نماینده عکس‌العمل طبقات پائین بودند برضد فساد طبقه روحانی ولی بزودی اشراف این جنبش را وسیله خوبی برای تصرف اراضی کلیسا دیده آنرا دردست گرفتند . اینوسان پس از توسل بیهوده به فیلیپ اعلام جهاد برضد مشرکین و کفار نمود . فیلیپ مستقیما در این فعالیت شرکت نکرد ولی به رعایای شمالی فرانسه اجازه داد که بجنوب رخنه‌کنند و راه پیشرفت فیلیپ‌را برای فتوحات جنوبی بازنمایند . پس از یك سلسله اعمال وحشت‌بار بالاخره فتح جنوب در ۱۲۲۶ در جنگی بوسیله لوی هشتم جانشین فیلیپ تکمیل شد . در سطنت لوی نهم کنت نشین تولوز نیز بتصرف کاپسین ها درآمد و قلمرو سلطنت فرانسه تا دریای مدیترانه توسعه داده شد .

۱۲۱۳ ـ ۱۲۱٤ ـ اتحادیه بزرگ ضد کاپسین تشکیل شد که شامل **جان** پـادشاه انگلیس ، امپراطور اتوی چهارم ، دربارهای بولونی و فلاندرز و بیشتر فئودالهای فلاندرز بلژیك و لورن بود .

۱۲۱٤ ـ ۲۷ ژوئیه ـ جـنگ بووین :

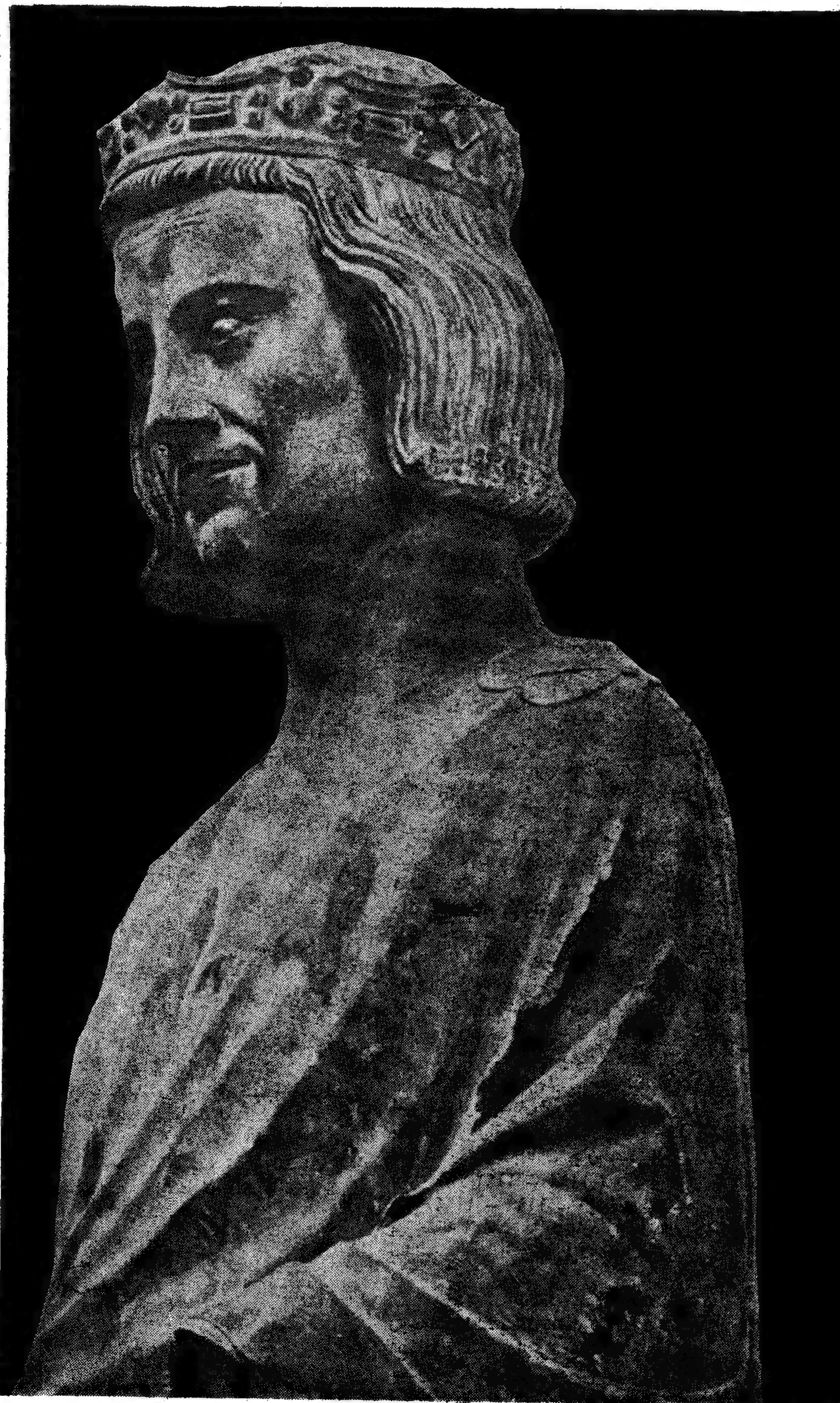
فیلیپ با امپراطور فردریك دوم متحد شده اتحادیه بزرگ را نزدیك **تورنه** شکست داد و بدینطریق سلطنت فرانسه رادر ردیف قدرتهای اول اروپا قرارداده جان شاه انگلیس را عقب نشانید و موقعیت فردریك دوم را مستحکم ساخته فلاندرز را تحت نفوذ فرانسه آورد . از لحاظ نظامی‌پیروزی این جنگ بسبب تفوق سواره نظام‌آزموده سربازان بورژوا بود نسبت به پیاده نظام قدیم‌تر .

۱۲۲۳ ـ۱۲۲۶ ـ لوی هشتم : وی نسخه ثانی ضعیفی از پدرش بود و اولین شاه کاپسین بود که در زمان پدرش تاجگذاری نکرد .

۱۲۲٤ ـ فتح موقتی اراضی بین **لوار** و **گرون** . انگلیسها بزودی آنرا دوباره تصـرف کردند بجز **پواتو، لیموزین** ، و **پریگورد**(۱۲۲۵)

۱۲۲۶ ـ تجدید جنگ جهاد **البی‌جنسی** و فتح جنوب بدست لوی عمل خطرناکی را آغاز کرد که بعد ها نتایج مرگبار برای‌سلطنت ببار آورد و آن عبـارت بود از بخشیـدن تیولات تابعه سلطنت .

۱۲۲۶ ـ ۱۲۷۰ـ لوی نهم (بعدها معروف به سن لوی یا لوی مقدس شدزیرادر۱۲۹۷ پس از وی او راجزء مقدسین‌آوردند) جوانمردترین مرد زمان خود و شاه ایدآلی قرون وسطائی



مجسمهٔ سن‌لوئی دولگیزدومنویل نمونه شاهکارحجاری قرن ۱۳ فرانسه است

و مردی خوش صورت و باوقار بود و بسبب تعلیم و تحصیل دستگاه سلطنتی منحصر بفرد در آن زمان‌داشت چنانچه اخلاقیات دردستگاه سلطنت تفوق داشت . عدالت وی باعث جلب قلوب عامه و کمك ملی گردید و او را حکم و حلال مشکلات و اختلافات اروپا قرارداد . دوره سلطنت وی عصر طلائی فرانسه قرون وسطی محسوب میشود .

۱۲۲۶ – ۱۲۳٤ در این سالها لوی نهم صغیر بـود و مادر فـداکار ولایقش **بلانش اف کاستیل** بنام نایب‌السلطنه حکومت میکرد و با کمك کلیسا و مامورین درباری و مردم شورش های فئودالی را فرونشانید (۱۲۲۶ – ۱۲۳۱) طبق پیمان۱۱۲۹ پاریس **ریموندافتولوز** تسلیم شد و دختر و وارث وی بعقد الفونسو برادر لوی درآمد . خودلوی با **مارگارت اف پرووس** وصلت کرده و بدینطریق آن ایالت را از امپراطوری جدا کرده بفرانسه ملحق ساخت .

۱۲۳۳ – پاپ گرگوری نهم بعنوان جزئی از مبارزه ضد شرك قدرت مستقل برای تفتیش عقاید (انکیزیسیون) به **دومینیکانها** داد و از اسقف ها خواست که با او همکاری کنند – لوی بعدا به انکیزیسیون کمك کرد .

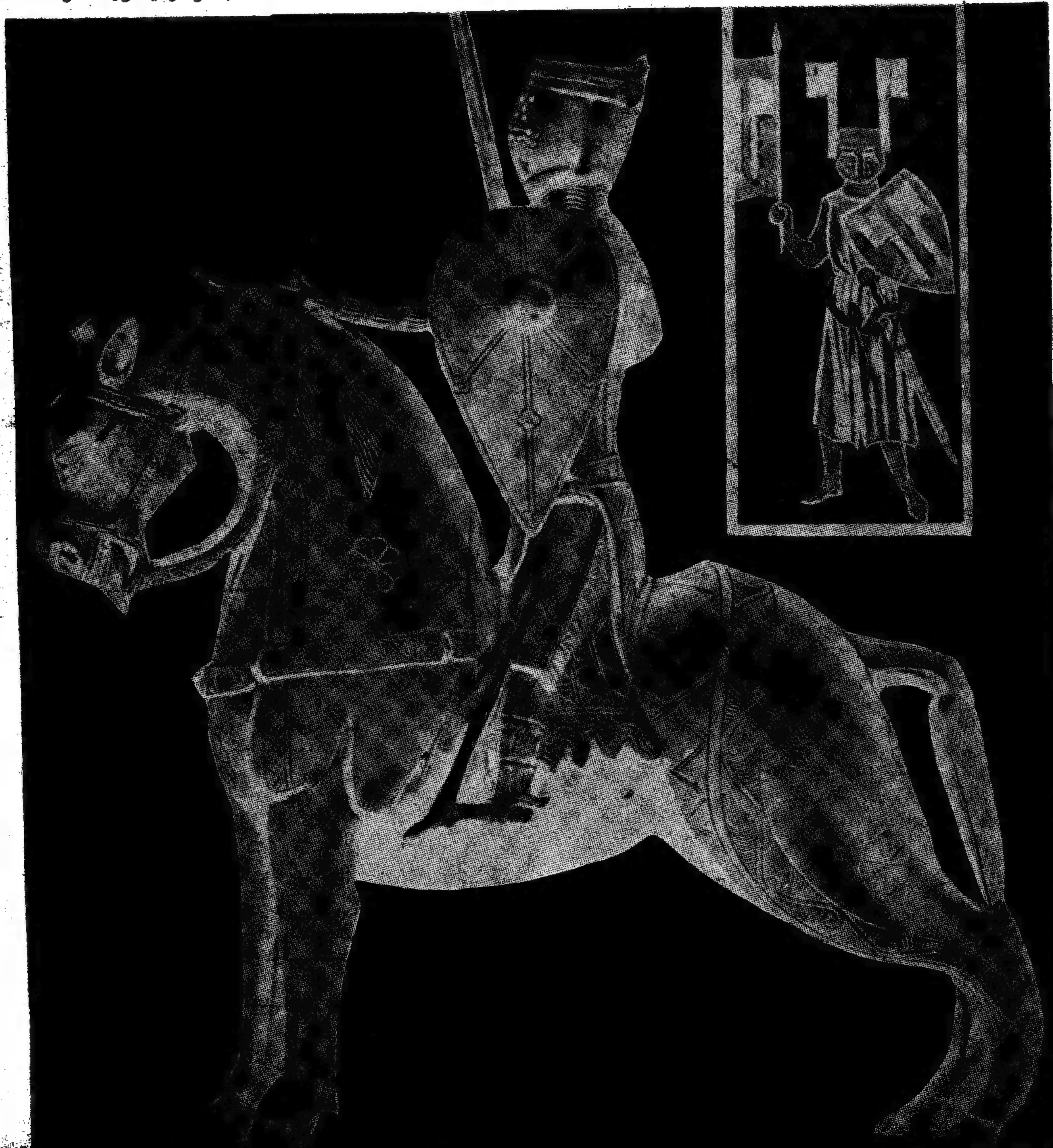
۱۲٤۱ – لوی از امپراطور فردریـك خواهش کرد که روحانیان اسیر شده را که عازم سینودرم بودند آزاد کند و بافردریك برضد پاپ همدردی کرد و از کمك به پاپ برضد امپراطور امتناع کرد . (۱۲٤۷)

۱۲٤۲ – **حمله بفرانسه** از طرف هنـری سوم پادشاه‌انگلیس با اتحاد بالردهای فئودال فرانسه جنوبی‌با شکست مواجه‌شد و **اکوئی‌تن** و **تولوز** نیز مطیع فرانسه شدند (۱۲٤۳)

۱۲٤٤ – لوی برخلاف پند مادر صلیب را برافراشته در ۱۲٤۸ برای شرکت در جنگ صلیبی به کشتی نشست و میخواست فلسطین را از چنگ مصر بدرآورد اما امور اداره لشکر کشی‌ضعیف بود ولوی در ۱۲۵۰ باسارت افتاد و لشکریانش از دم تیغ گذشتند . خـود لوی را با پول خریداری کردند و بفرانسه برگشت .

۱۲۵۸ – **پیمان کوربل** بین فرانسه و **آرگون** بنفع فرانسه منعقد شد . و **ایزابلای**

یکنفر شوالیه قرن ۱۳ فرانسه



ارگون بعقد فیلیپ پسر لوی درآمد .

۱۲۵۹ ـ پیمان پاریس بین لوی و شاه انگلیس انعقاد یافته لوی برای نشان دادن حسن نیت **پریگورد و لیموزین** را برخلاف میل سکنه آندو ایالت بانگلیس واگذاشت وانگلیس دعاوی خود را نسبت به نورماندی و **ماین** و **پواتو** سلب نمود و بسبب این جریان موقعیت فرانسه در جنوب ضعیف شده به جنگهای صدساله نزدیك شد .

۱۲۷۰ ـ جنگ صلیبی دوم لوی : لوی بتحريك و تشويق **شارل افانجو** كه دسترسی به اقصی نقاط مدیترانه را در سرمی‌پروراند عازم تونس گردید و در آنجا بیمار شده درگذشت .

اوضاع عمومی فرانسه

در سلطنت لوی دادگستری موثر برقرار شد و **شامبردکومت و پارلمان** (بعنوان دادگاه عالی) تشکیل شد و نظاری برامور اداری حکومت گماشت و به حفظ حقوق موروثی سلطنت توجه بسیار داشت . دیپلمات ها را بیشتر از اقوام یعنی از خانواده سلطنتی انتخاب میکرد بخصوص شوالیه های پادشاه را و عده‌ئی از دیپلماتها نیز از روحانیان انتخاب شده بودند .

انجمنی از دیپلماتها نیز از روحانیان

انجمنی از تیولات و سرزمین های تابع سلطنت ترتیب داد که گاهی تشکیل میشد ـ سکه خود را در تمام‌قلمرو نشر داد ـ در۱۲۷۰ جنبش کممون رو به تنزل‌گذاشت و شاه در شهرها بیشتر نفوذ یافت . روابط الیکارشی بورژوای شهرها با طبقات پائین روبوخامت گذاشت لوی از موقع استفاده کرده در ۱۲۶۲ در هر شهر يك دائره مميزی و حساب ماليات برقرار كرد . در اینه‌دوره روبهمرفته كشور رو بآبادی رفت ولی اجرای دو جنگ صلیبی و طرحهای خارج از حدود توانائی که شارل انجو بمیان میآورد باعث شکایات شده و مردم معتقد شده بودند که مالیاتهای سلطنتی کشور را به ورشکستگی میکشاند و این جریان سابقه و زمینه نامناسبی برای فیلیپ چهارم فراهم کرد .

فرهنگ و علوم : همراه ترقی سیاسی در دوره فیلیپ دوم ولوی نهم فرهنگ نیز بنحوی درخشان رو به ترقی گذاشت .

نمونه تکمیل سبك معماری **گوتیك فرانسه** کاتدرال چارتر (۱۱۹٤) و نمونه ترکیبی رومی و گوتیك ، **آمی‌ین** (۱۲۰۰) و **ریمس** (۱۲۱۰) است . **سن‌شاپل** لوی نهم‌نمونه‌ترقی **ناتورالیسم** است در مجسمه سازی گوتیك .

دانشگاه پاریس : منشور تاسیس آن در ۱۲۰۰ صادر گردید در ۱۲۱۵ مقررات اینوسان سوم در آن معمول شد در ۱۲۵۷ **رابرت دو سوربون** املاکی را برآن وقف کرده بخشی از آن سوربون نامیده شد .

ترقی ادبیات بومی : از آثار این‌پیشرفت یکی کتاب « فتح قسطنطنیه » است بقلم **ویه‌هاردوئن** (درگذشت۱۲۱۲) كه اولين نگارش تاریخی بزبان بومی است .

دیگر **کرتین دو تروی** وداستانهای آرتوری **اشعار گولیاردیك** (كه اثری از پاگانیسم دارد) .

فابليو مجموعه قصه های نیمه واقعی طبقهٔ متوسط است **اوكاسين و نيكولت** تركيبی از رئالیسم و استهزای نیشدار است .

ژین‌دومون (درگذشت ۱۳۰۵) کتاب **رومان دولاروز** ویلیام اف لوریس‌را تكميل كرد که شامل‌هجو بلاهت های تمام طبقات بخصوص زنان و روحانيان است .

« تاریخ سلطنت سن لوی» (۱۳۰۹) اثر **ژین دوژوئن‌ویل** اولین کلاسیك بومی بیوگرافی طبقات غیر روحانی است .

پاریس مرکز فلسفی قرن ۱۳ : فلسفه یونان بخصوص فلسفه ارسطو (که بتازگی در خلال دورهٔ رنسانس قرن ۱۲ بصورت ترجمه به لاتن احیا شده بود) با فلسفه ارتودوکس مسیحی وفق داده شد .

ـ **ونسان دوبووه** (درگذشت ۱۲٦٤)کتاب **اسپکولوم مائیوس** را در علوم معاصر نگاشت .

البرتوس ماگنوس (آلمانی ـ درگذشت ۱۲۸۰) رئیس‌معلمین بزرگ دومینیکان درپاریس بود .

توماس داکوئین (ایتالیائی ـ درگذشت ۱۲۷٤) شاگرد البرتوس مگنوس کتاب **سوممات‌تئولوژیا** را نگاشته بین عقل و مذهب را آشتی داد و تعلیمات کلاسیك را باتئولوژی مسیحی ترکیب کرده فلسفه وی تا بامروز مبنای کلیه تعلیمات مذهبی کاتولیك باقی مانده است .

۱۲۷۰ ـ ۱۲۸۵ ـ فیلیپ سوم : (شتاب زده) پادشاهی شتابزده و مشاعر اوناموزون بوده دست نشانده کسانی بود که آنها را دوست میداشت . در ۱۲۷۲ قدرت فرانسه بسبب درگذشت‌الفونسو عموی فیلیپ استحکام یافت دیوار های **کارکاسون و اگومورت** ساخته شد (که به مدیترانه دسترسی داشت) . در ۱۲۸۲ جنگ جهادی برضد شاه اراگون برپا کرد .

۱۲۸۵ ـ ۱۳۱٤ ـ فیلیپ چهارم (معروف به نیکو) ـ در دورهٔ سلطنت وی اوضاعی تازه و تجددی مشهود بود و قدرت سلطنت بنحوی خشونت‌آمیز فزونی گرفت . حقوقدانان رومی که در بولونیا و **مون‌بولیه** تربیت یافته بودند در دستگاه حکومت برروحانیان تفوق یافتند

بهانه جوئی های پاپ تقلیل داده شد و کلیسای ملی فرانسه عملا در تحت تسلط شاه مستقل از پاپ گردید .

۱۲۸٦ ـ ادوارد اول پادشاه انگلیس بسبب سرزمین **گوئی‌ین** ابراز احترام و اطاعت کرد .

۱۲۹۳ ـ فیلیپ بطرزی خیانت آمیز گاسکونی را که بطور موقت از طرف ادوارد بعنوان حسن نیت پس از يك جنگ دریائی گاسکون ـ نورمان باو سپرده شده بود ضبط کرد .

۱۲۹٤ ـ ۱۲۹۸ ـ جنگ باادوارد اول برسر **گوئی‌ین** . فیلیپ بعنوان جنگ ، مالیاتی به روحانیان بست که مورد اعتراض و باعث مبارزات شدید رساله‌ئی بین طرفداران پاپ و گروه ضد پاپ گردید (مبارزه بوسیله نشر رسالات و حملهٔ بیکدیگر) ـ فیلیپ برای تامین هزینه جنگ بهای پول مسکوك را پائین آورد . وی ابتدا در ۱۲۹۵ با اسکاتلندیها متحد شده مانع ورودکشتیهای انگلیس بتمام‌بنادر گردید. ادوارد در ۱۲۹۷ با اتحاد با کنت فلاندرز بشمال فرانسه حمله کرد ولی با وساطت پاپ بونیفاس هشتم متارکه جنگ بعمل آمد .

۱۲۹٦ ـ ۱۳۰۳ ـ کشمکش فیلیپ با پاپ بونیفاس هشتم .

دراین کشمکش طولانی روزی که بنام روز دهشتناك نامیده شد در ۱۳۰۳ دو نفر **نوگارت و سکیارا** مامورین سری فیلیپ بقصر پاپ راه یافته او را در بستر دستگیر نموده و استعفای او را خواستند پاپ پیر طولی نکشید که درگذشت .

۱۳۰۲ ـ اولین اجتماع مرتب مجلس **اتاژنروی** فرانسه بدعوت شاه برای اطمینان به کمك ملی در کشمکش شاه با پاپ . این مجلس از نمایندگان شهرها بعنوان فئودالها تشکیل گردید .

۱۳۰۲ ـ ۱۱ ژوئیه ـ جنگ سیورز (یا **کورتره**) که اغتشاش فلاندرز باعث آن گردید. فیلیپ قصدتجاوز به فلاندرز را داشت . کنت فلاندرز از ادوارد کمك خواست . اما اشراف فلاندرز باو خیانت کردند و هم آزادی و هم کنت نشین خود را در ۱۳۰۰ از کف داد ولی حکومت فرانسه بزودی مورد خشم مردم واقع شده فرانسویان را قتل عام کردند و بدنبال آن‌جنگ کورتره پیش آمد و فرانسویان شکست خوردند .

۱۳۰۵ ـ انتخاب کلمنت پنجم (کلمان) که فرانسوی بود بسمت پاپ وی در **اوین‌یون** سکونت گزید که به اسارت بابلی یا **اونیبیونی** پاپ معروف شد . (۱۳۰۹ ـ ۱۳۷٦) و در اینمدت پاپ تحت نظر و تسلط شاه بود و ناگزیر شد تمام کار های شاه را تائید کند فیلیپ رامیتوان بحق موسس **گالليكانيسم** يعنی استقلال کلیسای فرانسه دانست .

۱۳۰٦ ـ یهودیان زندانی شده و غارت شده و از خاك فرانسه بیرون شدند .

۱۳۰۷ ـ نظام شوالیه های زوار :

اینها گروهی از اشخاصی ثروتمند و فاسد بودند که بعنوان زوار نگهبان مدفن مسیح سازمانی تشکیل داده‌برای پاپ درحکم صرافان بوده پول قرض میدادند و همچنین به فیلیپ قرضه میدادند و بتدریج دولتی در درون دولت تشکیل دادند .

فیلیپ در این سال شروع به حملهٔ به ایشان نموده‌املاك آنها را تصرف کرده بافسران شاهی داد و اموال ایشانرا توقیف کرد .

بسبب يك مبارزهٔ تبليغاتی قوی و توسل به مجلس **اتاژنرو** در ۱۳۰۸ تمام کشور برضد این نظام قیام کرد . پاپ کلمان ناچار بهمکاری با شاه و مردم‌شده و انکیزیسیون در محاکمات این گروه بکار رفته و بابی‌رحمی و وحشت و بکار بردن شکنجه برای گرفتن اقرار با آنها رفتار شد .

۱۳۱۲ ـ نظام شوالیه های زوار طبق رأی **سینودونیه** ملغی گردید . اموال آنها به بیماران و **اوسپیتالرها** واگذار شد (بجز در اسپانیا و بجز در فرانسه که به شاه تعلق گرفت) فیلیپ این اموال را بخرج اداره قسمتی از امور کشور رسانید .

اوضاع جدید مالی و اجتماعی فرانسه

توسعه سریع فرانسه و بخصوص اجرای جنگهای فیلیپ سوم و چهارم با انگلیس و فلاندرز ایجاد مشکل بزرگ مالی در فرانسه نمود . فیلیپ چهارم انواع تدابیر را برای جمع آوری پول بکار برد (مانند کمك فئودالی، مالیات جنگی بجای خدمت نظامی ، وضع مالیات بر شهر ها و براشراف و روحانیان ، قرضه، عطایا ، مالیات فروشی ، تنزل مسکوك، حمله به یهودیان و تمپلارها یعنی شوالیه های زوار) معهذا نتوانست مشکلات مالی را حل کند و همین وضعیت سبب و علت اولیه ظهور مجلس **اتاژنرو** گردید ،

مجلس اتاژنرو ــ وضع مالیات براشراف و روحانیان از مدتها پیش بوسیله نمایندگان این دو گروه معمول شده بود . سپس طبق مذاکرات بین شهر ها با نمایندگان شاه افراد باتباع شهرها نیز مالیات بسته شد .

از املاك ایالتی نیز مکرر در خلال قرن ۱۳ مالیات خواسته شد .

مقصود از اجتماع اتاژنرو در حقیقت آن بود که مذاکرات و قرار ومدار ملی را جانشین مذاکرات و قرارداد های محلی و شهری و ایالتی بگذارند و متضمن اصل رضایت یا کنترل مالیاتهائی که شاه میگرفت نبود . در مدت بین سلطنت لوی نهم و فیلیپ چهارم مالیات شاید ده برابر شده بود و از تمام طبقات مالیات زیاده از حد اخذ شده در زندگی اقتصادی تاثیر وخیم بخشید و افکار عمومی را تحریك کرد . انجمن های ضد مالیات و مجامع محلی تشکیل شده فهرست هائی از شکایات مردم ترتیب دادند . فیلیپ مجبور شد که باردیگر در ۱۳۱٤ اتاژنرو را احضار کند ولی از آنجا که اشراف و طبقهٔ متوسط بیکدیگربدبین بوده واعتمادی بیکدیگرنداشتند نتیجه‌ئی گرفته نشد و پیشرفت اساسی در تهیه قانون اساسی ثابت حاصل نگشت .

از نمونه های خاص نمایندهٔ افکار این دوره کتابی‌است که در ۱۳۰٦ **پیردوبوا** نگاشته است . بنام «تصرف ارضی مقدس» و در آن از فیلیپ تقاضا میکند که یك جنگ صلیبی برای نجات‌ارض‌مقدس (اورشلیم) از **ساراسن‌ها** براه اندازد و در آن برنامهٔ وسیعی از رفرم واصلاحات بنفع یك **سلطنت ملی قوی‌تر** بدست میدهد .

دوبوا تشکیل یك‌انجمن اروپائی را برای اجرای‌صلح‌بوسیلهٔ عمل نظامی مشترك و تحریم اقتصادی و منازعات بین احزاب و حل آن بوسیلهٔ روشهای قضائی را پیش بینی میکند . وی بعلاوه جهان را به اجرای یك سیستم فرهنگ‌جهانی و تصرف اموال کلیسا واستفاده آن در امور دنیوی دعوت مینماید .



شارل انجو پادشاه سیسیل و برادر لوئی نهم (قرن ۱۳) .

و ـ شبه جزیرهٔ ایبری

(اسپانیا وپرتقال)

(۱) اسپانیای مسلمین

۱۰۳۷ ـ ۱۰۸۶ ـ ملوك‌الطوایف : سلسله های کوچکی ازسلاطین برروی خرابه ـ **های خلافت اموی** در اسپانیا بشرح زیر بوجود آمد که به دورهٔ ملوك‌الطوایف معروف گشت :

سلسله **حمودی در ملاگا** (از ۱۰۱۶بعد)
سلسلهٔ **الجزیره** (از ۱۰۳۹ ببعد)
سلسلهٔ **عبادی در کوردووا** (از۱۰۳۱ ببعد)
سلسلهٔ **زایری در گرانادا** (از۱۰۱۲ ببعد)
سلسلهٔ **جعفری درکوردووا** (از۱۰۳۱ ببعد)
سلسلهٔ **دول نونی در تولدو** (از ۱۰۳۵ ببعد)
سلسلهٔ **امیری در والنسیا** (از۱۰۲۱ ببعد)
سسلهٔ **توجیبی و هدی در ساراگوسا** (از ۱۰۱۹ و ۱۰۳۱ ببعد)

در میان سلسله ها از همه برجسته تر سلسلهٔ عبادی بودکه قبیلهٔ **المواوی** را ازافریقا احضار کرد تا در جنگ با **الفونسوی** چهارم کاستیل بآنها کمك کند .

۱۰۵۶ ـ ۱۱۴۷ ـ سلسلهٔ **المراوی** از قبیلهٔ بربر بوده و مؤسس آن عبدالله بن طشفین پیمبر بربری بوده این قبیله مراکش و بخشی از الجزیره را فتح کرده و از طرف **عبادی** هابرلی دفاع در برابر مسیحیان دعوت گردیده **آلفونسو** از کاستیل را در **زالاکا** در ۱۰۸۶ شکست دادند و سپس اسپانیای **مورها** را باستثنای **تولدو** و **ساراگوسا** تصرف‌نمودند .

۱۱۳۰ ـ ۱۲۶۹ ـ سلسله **المحدث** که از طرف **محمدبن تومارت** پیمبر بربری تاسیس یافت . **عبدالمومن** جانشین وی در ۱۱۱۴ سپاه المراوی را نابود کرده و پس از آن مراکش در ۱۱۴۶ بدست ایشان فتح شد .

۱۱۴۵ ـ ۱۱۵۰ ـ المحدث به اسپانیای **مور** حمله کرده آنرا فتح نمودند و سپس در ۱۱۵۲ الجزیره و در ۱۱۵۸ تونس را تصرف کردند و بالاخره در ۱۲۲۱ از پادشاه اسپانیا شکست خوردند .

۱۲۱۲ ـ ۱۶ ژوئیه ـ جنگ لاس ناواس دوتولوزا منتهی به اخراج المحدث از اسپانیا گردید و از آن پس تنها سلسله های محلی مسلمین در اسپانیا باقی مانده که از آنجمله سلسلهٔ **ناصری** در **گرانادا** (۱۲۳۲ ـ ۱۴۹۲) در برابر مسیحیان مقاومت بسیار نمودند تا هنگامیکه اتحادیه دولتهای مسیحی آنها را بزانو درآوردند .

(۲) کاستیل

۱۰۷۲ ـ ۱۱۰۹ ـ آلفونسوی ششم ـ کاستیل وی **تولدو** را از چنگ مورها در ۱۰۸۵ بیرون آورد و داماد خود هنری بورگوندی را در ۱۰۹۳ بسمت کنت پرتقال منصوب کرد .

۱۰۸۶ ـ مسلمین‌که از پیشرفت الفونسو بوحشت افتاده بودند **یوسف‌بن طشفین** بزرگ (درگذشت ۱۱۰۶) رهبر فرقه متعصبین بربر المراوی را که تازه تفوق یافته بودند بکمك طلبیدند . یوسف در ۱۰۸۶ در الجزیراس‌پیاده شده و با کمك **سویل** جنگ برضد مسیحیان را آغاز کرده و موفق گردید . وی در ۱۰۸۶ الفونسو را در **زال لاکا** شکست داد . یوسف بسبب بروز اغتشاش در افریقا ناچار شد که بدون گرفتن ثمرفتح خود بافریقا بازگردد ولی پس از مراجعت باسپانیا با جدیت تمام اصلاحاتی انجام داد که موفقیت مسلمین را در اسپانیا مستحکم کرد و بین اسپانیای اسلامی با امپراطوری بزرگ افریقائی خود که مرکز آن مراکش بود در ۱۰۹۱ رابطه پایدار برقرار کرد . ولی این امپراطوری بلافاصله پس ازدرگذشت یوسف تجزیه گردید .

الفونسوبا کمك **رودریگو** (روی) **دیاز ـ اف بیوار** فتوحات مسیحی را تجدید کرد .

رودریگو که اصل وی از کاستیل و در خدمت **سانشوی دوم** کاستیل بودبعدا بخدمت الفونسوی ششم درآمد ولی در ۱۰۸۱ تبعید شد و در ۱۰۸۷ تا ۱۰۸۸ باردیگر برگشته بخدمت کاستیل ها درآمد و دفعه دوم تبعید شده اینمرتبه به شاه مسلمان ساراگوسا پناه برد و در پایان حاکم **والنسیا** شد . رودریگو که دوسره بازی میکرد مردی جبار و خودخواه و مغرور بود با وجود این در تاریخ اسپانیا بصورت مرد افسانه‌ئی و قهرمان بزرگ ملی اسپانیا درآمد . پس از درگذشت وی در۱۰۹۹ والنسیا بزودی از دست المراوی ها بدرآمد .

در خلال قرن یازدهم نفوذ فرانسه در شبه جزیرهٔ ایبری پیش رفت . کلوبناك ها که در ۱۰۳۳ در **کاتالونی** ، **کاستیل** و آراگون قوت یافته‌بودند نفوذ فرانسه را تقویت کردند و اصلاحات مذهبی و تجدید [illegible] این نقاط را تشویق نمودند .

۱۱۲۶ ـ ۱۱۵۷ ـ الفونسوی هفتم در ۱۱۳۵ براساس **قدرت نظامی و حس شدید تساوی با سلاطین رقیب بخصوص امپراطوران** مقدس روم بعنوان امپراطور تاجگذاری کرد . سلسلهٔ المراوی در این هنگام بسبب تجمل پرستی رو بضعف گذاشته و رقبای آنها (المحدث) در افریقا (۱۱۲۵) بقدرت رسیده از ۱۱۴۴ تا ۱۱۴۷به تجدید حمله به **اندالوسیا** نموده بفتوحاتی نائل آمدند . در ۱۱۴۶ دعوت المحدث از افریقا باعث شد که در ۱۱۷۲ باردیگر وحدت‌مسلمین حاصل شود و اسپانیای اسلامی **ایالتی‌ازامپراطوری افریقا قرارگیردو** بدینطریق نفوذ عرب در اسپانیا بنفع بربرهای متعصب تقلیل یافت .

پس از درگذشت الفونسوی هفتم مدت هشت سال بحران واختلاف در درون سلسله الفونسوی هشتم تفوق یافته بسلطنت رسید . سلطنت وجود داشت و بالاخره پسر او

۱۱۵۸ ـ ۱۲۱۴ ـ الفونسوی هشتم : پس از یك رشته حملات موفقیت آمیز بر علیه مسلمین ، بالاخره الفونسو در ۱۱۹۵ در **الارکس** شکست فاحشی از المحدث خورد که در آن هنگام در اوج قدرت خود بودند . **لئون و ناوار** بموقع به کاستیل حمله کردند ولی الفونسو برآنها غلبه یافت و با کمك پاپ اینوسان سوم و روحانیان شروع به تهیه یك حمله عمومی به مسلمین نمود که منتهی به تجدید تصرف **لاس‌ناواس دتولوزا** در ۱۲۱۲ گردیده و پس‌از آن قدرت المحدث در اسپانیا و افریقا رو به تنزل گذاشته و بین مسیحیان نیز نفاق و اختلاف افتاد .

۱۱۷۹ ـ استقلال پرتقال . عنوان سلطنت پرتقال را پاپ در مورد الکساندر سوم شناخت

۱۲۱۷ ـ ۱۲۵۲ ـ فردیناند سوم جنگ درون سلسله را در کاستیل پایان داده به مورهای درهٔ **گوادالکبیر** حمله نموده در ۱۲۳۶کوردووا ودر۱۲۴۸ **سویل** را متصرف شد . در اثر درخواست امپراطور المحدث فردیناند کمك برای وی فرستاده و در عوض یك رشته دژ های پایگاه افریقائی و اجازهٔ تاسیس کلیسای مسیحی را در مراکش بدست آورد و نقشه های وی برای حملهٔ به افریقا بسبب درگذشت او از میان رفت . پس از تصرف **جائن** در ۱۲۴۶ به امیر اجازه داده شد که در **گرانادا** آخرین پایگاه **مور** بعنوان امیر تابع فردیناند مستقر گردد .

طول مدت جنگهای چریکی در کاستیل وضع کشاورزی را درهم ریخت و مردم از کشت و زرع روبرگردانیده بیشتر در شهرها متمرکز گشتند و بهمین سبب کشاورزان کاستیل فقیر گشته در کاستیل قرون وسطی شهرداریها قدرت و نفوذ یافتند و یك نژاد سرباز پرورش یافت و افکار اسپانیائی کاملا از جریان کلی اروپائی کنار افتاد . بطورکلی مورها مورد نفرت سکنهٔ اسپانیا نبودند و تا قرن ۱۳ ازدواج با ایشانهم تا درجه‌ئی معمول شده بود . ولی بعدا وعظ های واعظان صلیبی و تجدید فتح اسپانی بدست مسیحیان و تبلیغات پاپ فکر اسپانیولی ها را برای عدم سازش و مدارا و برای تعصب مذهبی که در نیمه دوم قرن ۱۵ آغاز گردید آماده ساخت .

جنگ های تجدید فتح اسپانی بوسیله مسلمین موجب ظهور سه گروه نظامی بومی بود برای دفاع از مرز ها گردید که برخی تقلیدی از جامعه های موری و بعضی براساس نظامهای بین‌المللی صلیبی مخصوصا **تمپرها** (شوالیه های زوار و نگهبان بیت‌المقدس) بوجود آمده بود و بعضی از ایشان نذر های مرتب رهبانی داشتند . دو راهب **سیسترسیان** در ۱۱۵۸ دفاع از **کالاتراوا** را پس از آنکه تمپلرها آنرا ترك گفتند در عهده گرفتند و سپس **نظام کالاتراوا** نمو کرده پاپ در ۱۱۶۴ آنرا تایید نمود .نظام سانتیاگو در۱۱۷۱تاسیس یافت وبزرگتر وغنی‌تر ازاین نظامها بود .

نظام آلکان ترا در ۱۱۵۶ تاسیس شده و مولودی ازکالاترا بود و بیشتر جنبهٔ روحانی داشت . در ۱۴۹۳ این نظامها از لحاظ توسعه و تعداد بحدی شگفت آور رسید بطوریکه نظام سانتیاگو ۷۰۰٫۰۰۰ اعضاء و اتباع و سالی در حدود یك میلیون دولار به بهای امروز عایدی داشت .

در دورهٔ پس از سال ۱۲۵۲ دیگر ترس و بیم از کفر و شرك در سیاست شبه جزیرهٔ آیبری نقش مهمی نداشت و حملات اشراف به مورها متوجه دستگاه سلطنت گردید .

کشمکش بین سلطنت و بارونها (که در اروپا هم مشابهائی داشت) در اسپانیا بسبب عمیق بودن تنزل حکومت شدید تر و قابل توجه بود و عناصری که در چنین موقعیتی بظهور رسید درسلطنت الفونسوی دهم بخوبی مشهود گردید .

۱۲۵۲ – ۱۲۸٤ – الفونسوی دهم (معروف به‌دانشمند) مردی بود دانشمند ولی تنوع دوست که در رشته های مختلف دست انداخته بود و بیشتر بعنوان یك هیئت‌شناس ممتاز معروف بود (جداولی در هیئت بنام **جداول‌الفونسو** از آثار اوست) و هم شاعر و هم مورخ بود و در هر حال حامی علم بوده و هم در علم حقوق و قوانین و جمع‌آوری قوانین (کدیفیکاسیون) دست داشت .

(**لس – سی‌یته – پارتیداس** ازآثاراوست) به ایدالهای رومی در مورد سلطنت مطلقه متمرکز معتقد بود ولی خود از لحاظ حکومت سلطانی بی‌عرضه و دو دل و مردد بود . در ۱۲۷۱ امتیازات بی حد و حساب باشراف داد برای اجتناب از جنگ داخلی اریستوکراسی بمرتبه‌ئی بالا برد که تازمان سلطنت **فردیناند** و **ایزابلا** کسی نتوانست آنرا از آن مرتبه پائین آورد . برای تخفیف فقر ، بهای سکه را تنزل داد و باعث بحرانهای اقتصادی گردید . متناوبا با شاه **گرانادا** که تابع او بود به‌اتحاد و جنگ پرداخت و با آراگوان دشمنی کرد و در این کشمکشها کاری هم از پیش نبرد . سلطنت **مورسیا** را در ۱۲٦٦ با کمك **جیمز اول** آراگون بار دیگر تصرف کرده و سپس ضمیمهٔ کاستیل کرد .

در سیاست‌خارجی الفونسو روش طولانی سلاطین سابق اسپانی را که کناره‌گیری از امور اروپائی بود ترك گفت و یك رشته پیمانها و اتحاد ها با سلسله های سلاطین اروپا منعقد کرد و سعی کرد که به کاستیل یك موقعیت مهم اروپائی بدهد .

۱۲٦۳ – ۱۲٦۷ – مساعی‌وی برای اصلاح مرزی با پرتقال بنفع کاستیل باعث از کف‌دادن بخشی از سرزمین **آنگاروه** گردید . الفونسو کوشش کرد که پرتقال را که اخیرا در زمان فیلیپ دوم(۱۵۸۰) پیشرفت کرده بود باردیگر ضمیمه اسپانیا نماید . در ۱۲۵۳ دعاوی اسپانیا رابرعلیه انگلیس برسر **گاسکونی** تجدید کرد و در ۱۲۵٤ آنرا ترك گفت . جنگهای بی‌ربطی با فرانسه نمود . بیست سال تمام برای بدست آوردن تاج و تخت امپراطوری مقدس روم (با وجود مخالفت پاپ و افکار عمومی) مجاهده نمود و دومرتبه در ۱۲۵۷ و ۱۲۷۳ شکست خورد . درگذشت فردیناند پسر ارشد الفونسو باعث کشمکش شدیدی در مورد جانشینی گردید که **سانچو** پسر دیگر الفونسو باعث آن گردید .

(۳) بارسلونا – و – کاتالونیا

مارك اسپانیا (نام یك قطعه اراضی بین فرانسه و اسپانیا از ساحل باختری تا ساحل خاوری که برای حفظ و دفاع امپراطوری مقدس روم از طرف شارلمانی ترتیب داده شد و حکومتی برای آن تعیین گردید) یا **مارش اسپانیا** در نتیجه فتح کاتولونیا بدست شارلمان (۷۸۵ – ۸۱۱) تاسیس گردید . کنت نشین بارسلونا (که در ۸۱۷ تاسیس شد) در زمان سلطنت فرانکها شاید در حدود قرن نهم مستقل گردید . در آغاز قرن ۱۲ کنت‌های بارسلونا اراضی وسیع در شمال جبال **پیرنه** بخصوص در **پروونس** در تصرف‌داشته که مدت کمی یعنی از ۱۱۱٤ تا ۱۱۱۵ **ماژورکا وایویزا** و موقتا **تارراگونا** را نیز بدان پیوستند .

۱۱۳۷ – اتحادیهٔ کاتالونیا و آراگون از طرف **ریموند برنگوئر چهارم** کاتالونیا آغاز گردیده دولتی مقتدر بوجود آورد که بدریا دسترس داشت .

سرزمین های کاتالونی شامل **سردانی** بخشی بزرگ از پروونس و غیره بوده و بعدا در ۱۱۷۲ **روسیللون** و در **۱۲۰٤** (در تحت سلطنت فرانسه) **مون پولیه** ، **فوا** ، نیمس ، و در ۱۱٦۲ تا ۱۱۹٦ **بزیه** بدان‌افزوده گشت .

۱۲۱۳ – جنگ مورت کاتالونیا را به منطقهٔ اسپانیا برگردانید .

در قرن ۱۳ **بارسلونا** از هوش و تجربهٔ ناویان بومی و جمع شدن سرمایه های محلی (بیشتر بوسیله یهودیان) و منفعت بردن از بازرگانان ایتالی استفاده کرده شروع بیك سلسله معاملات‌وسیع برده فروشی از زندانیان و اسرای مورنمود . توسعه امپراطوری ارگون در مدیترانه (در سیسیل و مجمع‌الجزایر یونانی) منافع بیشتری را نصیب بارسلونا کرده و آنرا یکی از فعال ترین بنادر مدیترانه نمود .

رامون لول (۱۲۳۲ – ۱۳۱۵) بزرگترین شخصیت صاحب قریحه و استعداد کاتالونی در قرون وسطی است . وی شاعری بود که اشعار بومی میسرود و هم رمان نویس ، هم مبلغ و مردی اسرار آمیز و هم معلم و منطق دان و دانشمند علوم طبیعی بود و به سیاحت و مسافرت هم علاقه داشت .

(٤) ناوار

ناوار استقلال خود را در قرن ۱۹ از حکومت کارولنژی بدست آورد و آراگون بعنوان حقوق موروثی کارولنژی در قرن دهم ضمیمه ناوار شد .

سانچوی بزرگ (۹۷۰ – ۱۰۳۵) بعنوان جانشین اسلاف کاستیل را بدست آورد و بیشتر خاك **لئون** را فتح‌کرده و موقتا سلطنت‌های شبه جزیرهٔ ایبری را متحد کرد . طبق وصیت وی‌آراگون به پسرش **رامیرو** (درگذشت ۱۰٦۳) انتقال یافت و عمر اتحادیه بپایان رسید .

پس از درگذشت **الفونسوی جنگجو** (۱۱۰٤ – ۱۱۳٤) ناوار به سلسلهٔ حاکمهٔ قدیم خود برگشت تا آنکه در ۱۲۳٤ بتصرف فرانسه درآمد ومدت دو قرن در دست آندولت بود .

٥ – آراگون

آراگون در تحت دولت کار و لنژی‌بعنوان یك کیفر نشین در ساحل رودخانه اراگون‌آغاز زندگی کرده ودر اواسط قرن ۱۹ تحت اختیار ناروا قرار گرفت سپس در ۱٦۰۳ در تحت حکومت **رامیرو** مستقل گردید . از ۱۰٦۳ تا ۱۱۳٤ ابهام وانتریگ حکمفرما بود و تا درجه‌ئی در برابر مورها پیشرفت‌حاصل شده ودر۱۷۰٦ ناوار بدان ملحق گردید .

۱۱۰٤ – ۱۱۳٤ – الفونسوی‌اول (معروف‌به جنگجو) بطرف **ابرو** پیشروی کرده در ۱۱۱۸ ساراگوسارا تصرف نمود ودر مدیترانه بحملاتی پرداخت . پس از درگذشت الفونسو ، آراگون برادروی **رامیرورا** که راهبی بود بسلطنت برگزید و او ازگوشه نشینی طولانی‌بیرون آمده ازدواج نمود ودختری بنام **پترونیلا** از او بوجود آمدکه با **ریموند برنگوئر چهارم** (۱۱۳۱–۱۱٦۲) کنت کاتالونیا زناشوئی کرد.

سپس در ۱۱۳۷ بخانقاه برگشت و پترونیلا را بشوهرش سپرد ودیگر وارثی‌برای سلطنت وجود نداشت . نتیجه اتحادکاتالونیا با اراگون واقعه مهم و قاطعی درتاریخ اسپانیا محسوب میشود .

پس از این اتحاد ، شاهان اراگون‌گرفتار امور داخلی اسپانیائی بوده **پروونس**راباختیار پیش آمدواگذاشتندوپس ازدرگذشت‌الفونسوی دوم (۱۱٦۲ – ۱۱۹٦) بدست پسرش الفونسو وآسمادرتحت‌سلطنت‌برادرش **پطردوم** (۱۱۹٦–۱۲۱۳) افتاد اما درواقع از کف ایشان بدر رفت الفونسو سعی‌کرد که متصرفات پروونسی خود را از شرك وکفر **آلبی جنسی** عاری سازد اما **ریموند** کنت تولوز که حامی شرك بود کوشش نمود تا پطردوم را با نظر خود موافق سازد . پطر در ۱۲۰٤ برای شرکت‌در تاجگذاری پاپ به‌رم رفته خود را تابع‌دستگاه مقدس **پاپی** اعلام کرد ودر**لاس‌ناواس‌دتولوزا** مورد احترام واقع شد ولی بسبب دهشت‌های جنگ جهادبرضد **آلبی جنسی** ودرخواست‌های حقانی رعایایش ناگزیرشد تا **باسیمون‌دمونت‌فورت** مخالفت کند .

۱۲۱۳ – **جنگ مورت** پایان واقعی‌تعلقات اراگونی‌ها بود درشمال پیرنه .

۱۲۵۸ – طبق پیمان**کوربی** ،**شاه فرانسه** دعاوی خود را نسبت به **بارسلون** ، **اورگل**، **سردانی** ، و **روسیللون** سلب کرد واراگون سرزمین های **کارکاسون** ، **فوا** ، **بزیه**،**نیمس**، **ناربون** وتولوزراواگذار کرد.

کلیه حقوق نسبت به**پروونس** به**مارگارت** زوجه لوی نهم تعلق گرفت وبین فیلیپ پسر لوی با ایزابلا دختر **جیمزاول** اراگون پیمان زناشوئی منعقد گردید .

۱۲۱۳ – ۱۲۷٦ – جیمز اول (معروف بفاتح) وی‌که یکی ازبزرگترین سربازان قرون وسطی بود پس از ضعف مخالفین وبروز هرج ومرج درمیان ایشان **والنسیا** را درچندجنگ متناوب (۱۲۳۳– ۱۲٤۵) فتح کرده سلطنت **مورسیا را** در۱۲٦٦ برای کاستیل بدست‌آورد ومرز اراگون را ازمزاحمت مسلمین آزاد

کرد . جیمز نیز سعی‌کرد تا تسلط خود را در **تلمسن وبوگیا** درشمال افریقا مستقر سازد وپایگاهی درتونس بدست آورد . جیمز برخلاف میل اشراف آراگونی و باکمك رعایای کاتالونی و فرانسوی خود جزائر **بالریك** رافتح کرد (۱۲۲۹- ۱۲۳۵)وبدین‌طریق‌یك‌امپراطوری آراگونی درمدیترانه بوجود آورد .

فرهنگ وتمدن اسپانیولی

در قرون وسطی بسیار درتحت تاثیر عوامل خارجی قرار گرفت .

معماری : (۱) درمعماری **ماقبل رومی** اسپانی آثاری ازمعماری ویسیگوت ، کارولنژی ، ایرانی ، بیزانتین واسلامی دیده میشود .

(۲) درمعماری رومی اسپانی نفوذ**اوورنی ولانگودوك** (مثلا درکلیسای دوم **سانتیاگود کوسپوس تللا**) مشهود است .

(۳) درمعماری گوتیك اسپانی عناصرقویه استیل بورگوندی دیده میشود که‌کلونیاکها آنرا آورده‌اند وبیشترآن بدست سبیستربانها بدانجا آمده (که ازآنجمله است‌کاتدرالهای تولد ودر۱۲۳۰ ، بورگوس در۱۱۲۶ ولئون در۱۲۳۰) .

معماری **کاتالان - گوتیك** معرف نفوذ آلمان است (نمونه‌ان کاتدرالهای بارسلونا ۱۲۹۸ وگونا ۱۳۱۲ است) ، درمعماری‌گوتیك مؤخر اسپانیا آثار معماری فرانسوی، آلمانی وفلاندر مشهور است (نمونه‌آن‌کاتدرال سویل که ساختمان آن در ۱۴۰۱ آغاز شده،برجهای غربی‌کاتدرال بورگوس ۱۴۴۲).

(۴) **معماری موری** نمو مخصوص بخود را پیروی کرده نمونه‌های آن مسجد بزرگ کوردووا (که در۱۱۱۸ تمام شد) **والکازارو سویل** (درحدود۱۱۸۱) **والامبرا** است(که‌بیشتر آن درقرن ۱۴ بپایان رسید .

تاسیس اولین **دانشگاه‌ها** : دانشگاه **سالامانکا** در۱۲۴۲ **والکالا** در ۱۲۹۳ تاسیس گردید .

٦ - پرتغال

۱۰۵۵ - فردیناندبزرگ لئون وکاستیل قسمت بیشتر سرزمین پرتقال امروز را از دست مورها بدرآورد و آنرا بصورت‌یك‌کشور متشکل کرده **کوامبرا** را پایتخت آن قرار داد.

۱۰۹۳ - ۱۱۱۲ - هنری اف بورگوندی از نژاد **رابرت** شاه فرانسه باسایرشوالیه‌های ماجراجو برای جنگ باموره‌ا به‌اسپانیا آمد. شاه‌کاستیل درعوض ، کنت نشین پرتقال را بدو واگذاشته ودست دختر خود**ترزا** را (بطریق نامشروع) دردست اوگذاشت. هنری یك جنگجوی صلیبی‌نمونه ومردی ناراحت‌و حادثه طلب بود وامید اصلی اوآن بود که‌یك سلسله سلطنت از خود درکاستیل تاسیس کند .

۱۱۱۲- ۱۱۸۵ - افونسو هنریك موسس سطنت پرتقال‌و سلسله بورگوندی : افونسو درهنگام درگذشت پدرش سه سال داشت . مادرش **ترزا** بعنوان نایب‌السلطنه‌وی حکومت کرد ولی بزودی وارد معرکه‌کشمکش باگالیسیا وکاستیل گردید وچون شکست‌خورد موافقت کرد که تفوق کاستیل را بپذیرد.

۱۱۲۸- افونسو خود قدرت را بدست گرفته پیمان مادر را مردود شناخته وپس‌از شکست دادن اسپانیائی‌ها مادرخود را تبعید کرد.

۱۱۳۹ - افونسو یکی ازمشهورترین شوالیه ها یك رشته طولانی کشمکش‌باموره‌ارا دنبال کرده در **جنگ‌اوریك** آن‌ها را شکست داد.

۱۱۴۳ - افونسو بوسیله **کورتز** (مجلس مقننه پرتقال) بعنوان پادشاه اعلام شد. پاپ طبق **پیمان زامورا** ترتیب صلحی‌را بین‌پرتقال وکاستیل داده وکاستیل استقلال پرتقال را بشناخت واسپانیا هم تفوق پاپ را پذیرفت.

۱۱۴۷ - پرتقالی‌ها **لیسبون** را تصرف کرده و مرزی **درتاگوس** بنا نهادند.

۱۱۶۹- باردیگر کشمکش باکاستیل آغاز شده منجر به‌حمله افونسو به **باداجوز**گردید. افونسو شکست خورده واسیر شد ولی‌بزودی آزاد گردید .

۱۱۸۵ - ۱۲۱۱ - سانچـوی اول پسر افونسوهنریك. در زمان‌سلطنت‌وی‌شهرها روبه‌ترقی وتوسعه گذاشت ونظامهای نظامی شوالیه‌یی تاسیس یافت .

سانچوکوشش بسیار کرد تا عده‌یی از مستعمره جویان را درسرزمین‌هائی که در جنگهای طولانی ازمورها پس گرفته شده بود سکونت دهد .

۱۲۱۱ - ۱۲۲۳ - افونسوی دوم: آغازکشمکش بین شاه پرتقال باروحانیان‌که منجر بمداخله پاپ وایجادناراحتی‌بین‌اشراف گردید .

۱۲۲۳ - ۱۲۴۵ - سانچـوی دوم: کشمکش وی با روحانیان واشراف منجربه‌عزل وی ازطرف پاپ‌شدکه‌تخت وتاج را به‌افونسوی سوم واگذاشت .

۱۲۴۵ - ۱۲۷۹ - افونسوی سوم: برادر سانچوی دوم وکنت **بولونی** وی‌پادشاهی ضعیف بود وبیشتر به**کورتز** (مجلس مقننه پرتقال) تکیه داشت که درآن مردم عوام اولین دفعه نماینده داشتند .

جنگ با کاستیل در ۱۲۵۳ طبق یك‌پیمان صلح پایان یافت .

۲- اروپای خاوری

الف - اسلاوها

سلاوها یك شاخهٔ خاوری از خانوادهٔ هند واروپائی بوده که در نزد نویسندگان رومی ویونانی قرون اول ودوم میلادی **به‌وندی Venedi** خوانده شده ودر منطقهٔ وراء رود **ویستولا** سکونت داشته‌اند .

اما بعقیده اکثریت مورخین معاصر وطن اصلی سلاوها سرزمین های جنوب خاوری رودویستولا بوده وتا شمال خاوری جبال **کارپات** در حوضه‌های علیای **بگ** باختری ، و **پری‌پت و دنیستر** امتداد داشته‌است .

در اوایل قرون میلادی سلاوها در تمام جهات شروع به پیشروی و توسعهٔ اراضی نمودند . در قرن ششم میلادی نویسندگان **گوتیك** وبیزانتین آنهارا **سلاونی** Selaveni خوانده‌اند و ظاهرا در آن قرن به سه بخش اصلی تقسیم گردیده‌اند بشرح زیر :

(۱) سلاوهای‌باختری (لهستانیهای امروز چك‌ها ، سلوواك‌ها و موراویان‌ها) .

(۲) سلاوهای جنوبی (بلغارها ، سرب‌ها، کرواتها وسلوون‌ها)

(۳) سلاوهای خاوری (روسها که بعدا به سه شعبهٔ زیر تقسیم گردیدند :

اول روسهای بزرگ **دوم** روسهای کوچك یا اوکرانی‌ها **سوم** روسهای سفید)

اما طبق بعضی فرضیه های تازه درباب سلاوها ، محل سکونت سلاوها مقدار خیلی بیشتری از آنچه که در بالا ذکر شد بطرف جنوب وباختر امتداد داشته و طبق این‌فرضیه از اهمیت مهاجرتهای تالی سلاوها کاسته میشود .

لیتوانی ها طبق یك فرضیه قرابت‌نزدیك با سلاوها داشته وباتفاق **لتها** Letts (لاتوایائی‌ها) و پروسی های قدیم تشکیل‌شاخهٔ بالتیك خانواده هند واروپائی را داده واین شعبه در سواحل جنوب خاوری دریای **بالتیك** بین محل فعلی **ممل** Memel و **استونیا** سکونت داشته‌اند .

ب - بوهیمیا ومرآویا

تا سال ۱۳۰٦

قدیمی‌ترین کوششی‌که طبق‌تاریخ مضبوط برای تاسیس **یك** دولت سلاوی بعمل آمده از طرف **سامو** انجام گرفته ظاهرا یك بازرگان

فرانکی بوده که به اروپای مرکزی مسافرت کرده‌است .

۶۲۳ – ۶۵۸ – سامو باحتمال قوی در از شکست **آوارها** از یونانیان در سال ۶۲۶ استفاده کرده چك‌ها را با بعضی **وندها** متحد کرد و موفق گردید که نه تنها آوارها را عقب بنشاند بلکه در جلو فرانکها نیز که تحت سلطه **داگوبرت** (۶۳۱) قرار داشتندنیز مقاومت نماید اما با درگذشت سامو اتحاد این قبایل درهم شکست .

۸۷۰ – ۸۹۴ – سویاتوپ‌لوك شاهزادهٔ موراوی موفق به ایجاد وحدت موراویا ، بوهیمیا و سلوواکیای امروز در تحت حکومت خود گردیده موقعیت خود را در برابر ژرمن‌ها مستحکم کرد . در زمان سلطنت‌وی سلاوهای باختری بوسیلهٔ **سیریل** و **متودیوس** (درگذشت ۸۸۵ درموراویا) مبلغین یونانی بمذهب مسیح درآمدند . اما در سالهای اخیر آن قرن کشیشان آلمانی کوشش عظیم نموده بو هیمیا وموراوی‌را تابع کلیسای لاتن نمودند وبدین طریق سلاوهای باختری را از لحاظ مذهب وروحانیت متکی به رم کردند .

۹۰۶ – سلطنت موراویا در نتیجه‌شکست بزرگی که از مجارها بدیشان وارد آمد منحل گردید .

۹۲۹ – درگذشت سن‌ونسس‌لاس ازخانوادهٔ **پرمیسل** که در اواخر قرن نهم ظهور کرد . ونسس‌لاس بدست برادر کوچکترش‌که نماینده عکس‌العمل مشرکین یعنی اشخاص خارج از مذهب مسیح بود بقتل رسید و خود بجای برادر بزرگتر نشست .

۹۲۹ – ۹۶۷ – بولسلاو اول : وی دائما در برابر تجاوز و حملات ژرمن ها تا سال۹۵۰ در جنگ بود ودر آن سال ناگزیر شد تفوق آلمانها را بپذیرد . اما از طرف خاور بفتوحات متعدد نائل آمد که از آنجمله بود فتح‌موراوی، بخشی از سلوواکیا ، بخشی از سیلزی وحتی **کراکو** را ضمیمه سلطنت خود کرد . بعلاوه قدرت سلطنتی خودرا بر روسای قبایل قدیم نیز تحمیل نمود .

۹۶۷ – ۹۹۹ – بولسلاو دوم : پسربولسلاو اول ظاهرا همان سیاست پدر را دنبال کرد و ایمان مسیحیت را مستقر کرده اسقف‌نشین **پراگ** را در ۹۷۳ تاسیس‌نمود . مبلغین مسیحی بوهیمیا نقش فعالی را در قبولاندن مذهب مسیحی به مجارستان و لهستان در عهده داشتند .

سراسر دو قرن ۱۱ و ۱۲ مشحون از مشاجرات مکرر درون سلسله بین اعضاء خانواده **پرمیسل** و مدعیان مختلف سلطنت گذشته که از لهستان و بخصوص ازامپراطوران آلمان کمك میطلبیدند و نتیجه آن نفوذ روز افزون آلمان و الحاق تدریجی بوهیمیا بـه امپراطوری آلمان بود .

۹۹۹ – ۱۰۰۰ – بولاسلاو دلیر پادشاه لهستان از هرج ومرج بوهیمیا استفاده کرده سیلزی ، موراوی و کراکو را تصرف کرد . در ۱۰۰۳ دوك (امیر) بوهیمیا گردید ولی در سال بعد بوسیله یك لشکرآلمانی بیرون رانده شد وبدنبال آن یك دورهٔ دیگر بی‌نظمی بظهور رسید .

۱۰۳۱ – تجدید فتح موراویا بدست بولسلاو لهستان سبب‌شد که از آن پس‌موراویا ملحق به بوهیمیا گردد .

۱۰۳٤ – ۱۰۵۵ – بوتیسلاو اول (معروف به بهبودی) بخش سیلیزیارا متصرف شده سپس در ۱۳۰۹ کراکو را تسخیر نمود وچندی در لهستان حکومت کرد که در آنموقع دچار تجزیه شده بود .

۱۰٤۱ – امپراطور هنری سوم از توسعهٔ قدرت بوهیمیا بوحشت افتاده بدان کشور حمله نمود و تا پراگ پیش رفت . برتیسلاو موافقت کرد که فتوحات لهستانی خود را به امپراطور واگذارد و خراج گذار او گردد .

۱۰۵۵ – ۱۰۶۱ – اسپی‌تیه‌نف پسر برتیسلاو در سلطنتش واقعه مهمی رخ نداد .

۱۰۶۱ – ۱۰۹۲ – وراتیسلاو دوم – در دورهٔ سلطنت خود باوفاداری به هنری چهارم امپراطور آلمان در کشمکش وی با پاپ کمك کرد و در جنگهای ایتالیائی امپراطور نیز شرکت نمود .

هنری بازاء آن در ۱۰۸۶ تاج بر سر او گذاشت ولی مقرر داشت که منحصر به خود او خواهد بود .

۱۰۹۲ – ۱۱۱۰ – برتیسلاو دوم .

۱۱۱۱ – ۱۱۲۵ – ولادیسلاو اول .

۱۱٤۰ – ۱۱۷۳ – ولادیسلاو دوم مانند اسلاف خود به امپراطور های آلمان کمك‌کرد و ۱۱۵۶ از طرف **فردریك بربروسا** بسبب‌کمك وی بامپراطور در جنگ با شهرهای ایتالیائی سلطنت موروثی بوی اعطا گردید .

۱۱۷۳ – ۱۱۹۷ – دورهٔ دیگری از مشاجرات داخلی درون سلسله جریان داشت ودر این مدت بیش از ده زمامدار حکومت کردند .

۱۱۹۷ – ۱۲۳۰ – اوتوکار اول وی از کشمکش داخلی آلمان برسر جانشینی‌امپراطور استفاده نموده هرزمان با یکی از دو طرف مخاصمه ساخته وپادشاه بوهیمیا را یکی از قدرتهای قاطع و موثر در امور آلمان قرار داد (پادشاه بوهیمیا از اوایل قرن ۱۲ببعد یکی از انتخاب کنندگان امپراطور بود) . دراین زمان کشمکش طولانی باروحانیان (۱۲۱٤ – ۱۲۲۱)، منجر به استقلال کامل کلیسا گردید .

۱۲۱۲ – فرمان طلائی فردریك دوم حق اشراف بوهیمیا را در انتخاب زمامداران‌کشور برسمیت شناخت .

۱۲۳۰ – ۱۲۵۳ – ونچس‌لاس (والدلاو) اول : در زمان وی عده خیلی زیادی از آلمانها بتشویق زمامداران باحتمال قوی برای مقابله با قدرت روز افزون اشراف بمهاجرت پرداختند . آلمانها (بخصوص روحانیان و اشراف ایشان) از مدتها پیش به بوهیمیا مهاجرت میکردند ولی‌دراین هنگام بتعدادخیلی زیاد مهاجرت نموده راه جنگلها را گشودند و شروع به ساختن شهرها نمودند که طبق‌قانون ژرمن (ماگدبورگ) عملا دارای استقلال بودند :

۱۲٤۷ – ۱۲۵۰ قیام اشراف بر ضد شاه که باحتمال قوی مقصود ازآن اعتراض به جانبداری شاه از آلمانها بود .

۱۲۵۱ – املاك ومستغلات اطریشی پس‌از درگذشت آخرین دوك **بابن‌برگ** منصب دوکی آن محل را به **اتوکار** پسر **ونسس‌لاس** وا گذاشتند .

۱۲۵۳ – ۱۲۷۸ اتوکار دوم (معروف به کبیر) در زمان وی توسعه اراضی و قدرت سلطنت بوهیمی بحد اعلای خود رسید و کشور بسیار آباد شد . معادن معروف نقره استخراج گردیده بوهیمیا را یکی از ثروتمند ترین کشورهای قسمت اخیر قرون وسطی نمود .

۱۲۵۵ – اتوکار بکمك شوالیه های تیوتونیك بجنگ برضد غیر مسیحیان (لگار) پروسی پرداخت و پیروز شد .

۱۲۶۰ – پس‌از شکست مجارها ، اتوکار ایالت **استی‌ریا** را از ایشان بگرفت .

۱۲۶۷ – در جنگ دوم شمالی با لیتوانیها موفقیت چندانی بدست نیاورد .

۱۲۶۹ – اتوکار از دورهٔ فترت در امپراطوری آلمان استفاده کرده قدرت خود را بر **کارین‌تیا** ، **کارنیولا** و **ابیستریا** نیزتوسعه داد .

۱۲۷۳ – انتخاب **رودلف‌افهاپسبورگ** بسمت امپراطور ، اتوکار از شناسائی وی خودداری کرد لذا مجلس ریگنسبورگ (۱۲۷٤) کلیهٔ متصرفات و فتوحات اورا غصب وبی اعتبار اعلام کرد . امپراطور با کمك مجار ها وبعضی از اشراف بوهیمی به‌اتوکار حمله کرد واتوکار حاضر شد که بجز بوهیمیا وموراویا سایر متصرفات خود را تسلیم‌نموده و سلطنت وتفوق رودولف را برسمیت بشناسد .

۱۲۷۸ – جنگ تازه‌ئی بین رودولف و اتوکار درگرفت که به‌شکست قطعی اتوکاروقتل وی (۲۶ اوت) در **مارچ‌فلد** منتهی گردید .

۱۲۷۸ – ۱۳۰۵ – سلطنت **ونچس‌لاس دوم** پسرهفت ساله‌که ابتدااوتوی براندنبورگ بعنوان نایب‌السلطنه وی حکومت میکرد .

۱۲۹۰ – ونچس‌لاس بعنوان پادشاه لهستان انتخاب شده وتاجگذاری کرد .

۱۳۰۱ – پسر وی که نیز ونسس‌لاس نام داشت بسلطنت مجارستان (هونگری) انتخاب شده تا سال ۱۳۰٤ سلطنت کرد .

۱۳۰۵ – ۱۳۰۶– ونچس‌لاس سوم وی‌از دعوی خود نسبت به مجارستان صرف نظر کرده و در راه مسافرت به لهستان بـرای جلوگیری از شورش اشراف ترور شد وبدین طریق عمر سلسلهٔ **پرمیسلید** پایان یافت .

لهستان (پولند)

تا سال ۱۳۰۵

دولت لهستان در قرن دهم در اثر یکی شدن شش قبیله در تحت حکومت **پولانی** که قبلا در زیر حکومت خانواده نیمه افسانه‌ئی **پیاست** قرار داشتند بوجود آمد . پول‌ها یا لهستانیها از همان آغاز ظهور ناگزیر بودند که در برابر تجاوز ژرمن ها از باختر و پروسیها از شمال و بوهیمی ها از جنوب و مجارها نیز از جنوب بجنگ پردازند .

۹۶۰ – ۹۹۲ – می‌یش‌کوی اول ازخانواده

پیاست اولین زمامدار تاریخی لهستان است. وی سرزمین بین **اودر** ورودخانه های **وارته** را فتحکرد ولی از **مارك‌گراف گرو** شکست خورده در ۹۷۳ ناگزیر شد که تفوق آلمان را بپذیرد .

۹۶۶ – میش‌کو بوسیلهٔ مبلغین بوهیمی وباحتمال قوی بعلل سیاسی بمذهب عیسوی درآمد تا بهانه حمله را از دست آلمانهاگرفته باشد . معنی قبول‌مذهب مسیحی لاتن‌آن بودکه لهستان نیز مانند بوهیمیا و مجارستان بـه فرهنگ اروپای باختری بپیوندد .

۹۹۲ – ۱۰۲۵ – بولسلاو اول (معروف به **کروبری** دلیر) – وی در ۲۵ سالگی بتخت سلطنت نشسته و سازمان دهندهٔ واقعی دولت لهستان محسوب میشود . وی مردی با اراده ونیرومند ولی بعضی اوقات به فریب و ظلم می‌پرداخت . وی یك دستگاه قوی نظامی تاسیس کرده دستگاه اداری دولت را بنیان گذاشت (کمیته‌ها – کاستلانی – بورگ‌گرافن با قدرت های کشوری و نظامی) ، کلیسا را سازمان داد (تاسیس خانقاه های بندیکتین و غیره) . هدف سیاسی وی این بود که کلیه سلاوهای باختری را در تحت‌حکومت خویش متحد سازد . وی پومرانیای خاوری را تسخیر کرده وبه دریای بالتیك دست یافت (۹۹۲ – ۹۹۴) . سیلزی ، موراوی وکراکو را در ۹۹۹ بخاك خود ملحق نمود . ودر سال ۱۰۰۰میلادی اوتوی سوم را وادار کرد تا حوزهٔ اسقفی مستقل **گنه‌سن** را دائر نماید . پس‌از درگذشت اوتو از ظهور ابهام در آلمان استفاده کرده **لوزاتیا** و **میسن** را تصرف کرد و در ۱۰۰۳ خودرا دوك بوهیمیا اعلام کرد . امپراطور تازه آلمان هنری دوم جنگهای طولانی بابولا- سلاو نمود تا در ۱۰۰۴ که قدرت اورا درهم شکست ودر ۱۰۰۵ ناگزیر شد که بوهیمیا و لوزاتیا را ترك گوید . اما در ۱۰۱۸ طبق‌پیمان **بائوتزن** سرزمین‌لوزاتیا بعنوان‌تیول‌امپراطوری به‌وی واگذار شد و چند روز پیش از مرگ خود در ۱۲۰۵ بولاسلاو توانست خودرا پادشاه لهستان اعلام کند .

۱۰۲۵ – ۱۰۳۴ – میش‌کوی دوم زمامداری بمراتب ضعیف‌تر از سلف خود بود .

لهستانیها نیز مانند سایر سلاوها کشور را بین پسران شاه متوفی تقسیم کرده باعث مشاجرهٔ بی‌انتها در درون سلسله ودادن‌فرصت مداخله بزمامداران همسایه گردیدند . درزمان سلطنت میسزکو بیشتر سرزمین های مفتوحهٔ بوسیله بولسلاو از کف رفت : **سن‌استفن** مجارستانی سلوواکی را در ۱۰۲۷ فتح کرد– **برتیسلاو** بوهیمی در ۱۰۳۱ موراویا ، و**کانوت** دانمارکی در ۱۰۳۱ پومرانیارا تصرف نمود . در ۱۰۳۲ امپراطور **کونراد** آلمان در واقع لهستان را بین میسزکو و دونفر از منسوبان تقسیم نمود .

۱۰۳۴ – ۱۰۴۰ –کشمکش شدیدوطغیانی در درون سلسله وافراد مدعی سلطنت و یاغی گری و طغیان عمومی که از آنجمله بود ظهور عکس‌العمل غیر مسیحیان (کفار) که خانقاه‌هارا بآتش کشیده و روحانیان را **قتل عام** نمودند ونیز دهقانان برضد اربابان و مالکان قیـام کردند ودراین احوال برتیسلاو بوهیمیا در ۱۰۳۸ سیلزی را بتصرف آورد .

۱۰۳۸ – ۱۰۵۸ – کازیمیر اول (معروف به بهبودی بخش) با کمك امپراطور هنری سوم موفق به تجدید فتح سرزمین های خودگردیده مسیحیت را از نو مستقر ساخت و نظم را برقرار کرد . در ۱۰۵۴ سیلزی را پس گرفت . در مراجعت به لهستان ناگزیر شد که ازعنوان سلطنت صرف نظر کرده بهمان لقب گراندوك (دوك بزرگ) قناعت کند و امتیازات بیشماری باشراف وروحانیان دهد و بدینطریق عمـل زیان آوری را در کار دولت و حکومت بدعت گذاشت .

۱۰۵۸ – ۱۰۷۹ – بولسلاو دوم (معروف به جسور) یکی از زمامداران‌بزرگ قرون وسطی است . در کشمکش بزرگ بین امپراطور وپاپ وی طرف پاپ‌را گرفت و به پاپ بعنوان‌وزنه‌ئی در برابر نفوذ آلمان کمك کرد و در عین حال کوشش بسیار کرد تا از فشار اشراف خود را آزاد کند . وی جنگهای بسیار کرده در۱۰۶۱ تا ۱۰۶۳ سلوواك علیا را پس گرفت وتا **کیف** پیش رفت (۱۰۶۹) تا یکی از منسوبان خودرا به تحت سلطنت روسیه بنشاند . در ۱۰۷۶ بار دیگر با تصویب پاپ تاجگذاری نمود . ولی سیاست وی که باعث خصومت شدید اشراف بااو شده بود سبب گردید که بالاخره اورا از تخت بزیر آورند .

۱۰۷۹ – ۱۱۰۲ – ولادیسلاو اول (لادیسلاو) **هرمان** برادر بولسلاو زمامداری‌سست‌وتن‌پرور بود واز جنگ اجتناب داشت پس از عنوان سلطنت استعفا کرده بوسیلهٔ کمك به امپراطور هنری چهارم و نز عرض بندگی به اشراف و روحانیان سعی کرد که صلح را در کشور خود حفظ نماید .

۱۱۰۲ – ۱۱۳۸ – بولسلاو سوم (معروف به دهن کج) پس یك سلسله تقلای شدید و کشمکش طغیانی با برادرش **زبیك‌نیف** موفق به تصرف تخت سلطنت گردید . وی یکی از بزرگترین شاهان لهستان بود که پومرانیها را در **جنگ‌نکلو** در ۱۱۰۹ شکست داد و پومرانیا را ضمیمه لهستان نمود (۱۱۱۹ – ۱۱۲۳) و دسترسی بدریا را از نو برقرار ساخت . وی در عین حال امپراطور هنری پنجم را در جنگ **هوند سفلد** نزدیك **برسلاو** در ۱۱۰۹ شکست داده و جلو پیشروی آلمانها را بگرفت . اما جنگهای وی‌درجبهه‌مجارستان (۱۱۳۲–۱۱۳۵) به نتیجه قطعی نرسید .

بولسلاوسازمان دولت را تکمیل کرد . در این سازمان طبقهٔ مالکین بزرگ (**نوبیلس – مگناتس**) وطبقه متوسط (**میلی‌تس** یا نظامیان شوالیه‌ها – **زلاختا**) وطبقه دهقان که درادوار آشوب موقعیت خودرا از کف‌داده بودند بنحو مشخص تعریف شدند . کلیسا در تحت حوزه اسقفی **گنه‌ش** بوسیله **لگاتووالوی** پاپی تجدید سازمان داده شد و برای جلوگیری از نزاع مسئله جانشینی‌را تابع‌اصل ارشدیت‌قرار داد. لهستان را به پنج استان (سیلزی – لهستان بزرگ – ماسوویا– ساندومیر – کراکو) تقسیم وبه فرزندان خود سپرد و کراکو را پایتخت کشور قرار داد و فرمانروای آنرا گراندوك نامیـده مقرر داشت که مسن ترین عضـو خانواده سیاست زمامدار این استان باشد معهذا این اقدامات‌مانع اختلافات و رقابت‌های درون سلسله نگشت بلکه باعث ظهور یك‌دوره طولانی نفاق و تجزیه گردیده بر قدرت اشراف وروحانیان بیش از پیش افزوده شد بطوریکه قدرت دوکها وسلطنت را تحت الشعاع قرار داد وتنها ضعف دولتهای همسایه را از تخریب و تجزیه نجات داد .

۱۱۳۸ – ۱۱۴۶ – ولادیسلاو دوم – (لادیسلاو)

۱۱۴۶ – ۱۱۷۳ – بولسلاو چهارم زمام‌داری بی‌تاثیر بود که در زمان سلطنت وی ژرمن‌ها برهبری آلبرت خرس و هنری شیر با کمك **ولادیمار** دانمارك لهستانها را از تمام اراضی سواحل‌بالتیك وباختر رود **ویستولا** در ۱۱۴۷ بعقب راندند . امپراطور فردریك‌بربر- وسا دخالت کرده ودر ۱۱۵۷ انقیاد تحقیر آمیزی را بر بولسلاو تحمیل کرد :

۱۱۷۳ – ۱۱۷۷ – می‌اش‌کوی سوم : شاهزاده‌ئی جبار و مستبد بود . وی بااشراف بمخالفت برخاست و بزودی از تخت سلطنت بیرون رانده شد .

۱۱۷۷ – ۱۱۹۴ – کازیمیر دوم – (معروف به عادل) عملا از طرف اشراف واعیان وبزرگان (ماگناتها) انتخاب شد که از وی امتیازاتی بدست آوردند .

در انجمن **لنسزیکا** در ۱۱۸۰ به‌روحانیان نیز امتیازات فراوان اعطاگردید کازیمیر برای اجتناب از طغیانهای بیشتر حکومت برکراکو وسلطنت را در نسل خود موروثی نمود .

۱۱۹۴ – ۱۲۲۷ – له‌شك اول (معروف به سفید) بیشتر سلطنت وی‌سراسر در جنگهای پی درپی آبتدا با میسزکوی سوم گذشت که سعی داشت باردیگر سلطنت را بدست آورد و در ۱۲۰۲ درگذشت و بعد با پسر وی **ولادیسلاو لسکونوگی** (۱۲۰۲ – ۱۲۰۶) درجنگ بود . در این زمان هرج و مرج کامل فئودالی حکمفرما بوده و مهار اوضاع در دست اشراف و روحانیان بود .

۱۲۲۷ – ۱۲۷۹ – بولسلاو پنجم درسلطنت وی بسبب حملات دائمی دولتهای همسایه تجزیه و آشوب دائم برقرار بود .

۱۲۲۸ – شوالیه های تیوتونیك بدعوت **کونراد** دوك **ماسوویا** به پروس وارد شده در ظرف پنجاه سال پروسیا را فتح کرده و سد بزرگی در جلو لهستانیها قرارگرفته مانـع دسترسی آنها بدریا گشتند .

۱۲۴۱ –آغاز هجوم و حملات بزرگ‌مغول که تا پایان قرن ۱۳ ادامه داشته و باعث تغییرات متوالی در اوضاع کشور های اروپائی گردید. لهستانیها بدفع تسلط‌مغولان برخاستند ولی کشورشان ویران گشت و از جمله نتایج آن مهاجرت‌عده‌زیادی‌آلمانیهای‌مستعمره‌نشین‌به لهستان بود که جنگلها را پـاك کرده مناطق تازه‌ئی برای سکونت در سیلزی و **پوزن** ایجاد نمودند و مابقی ایشان در شهر های لهستانی سکونت‌گزیدند ، لهستانیها برای حفظ‌استقلال خود طبق **قانون ماگدبورگ** انواع امتیازات را بهمه کس دادند ، نفوذ آلمانها در لهستان سبب شد که از اراضی بهتر و شایسته تـر استفاده شود و بازرگانی و کشاورزی در این کشور ترقی کند .

۱۲۷۹ – ۱۲۸۸ – له شك دوم (معروف

به سیاه)

۱۲۸۸ – ۱۲۹۰ – ادامه جنگهای داخلی و سلسله‌ئی و فئودالی در زمان سلطنت کوتاه **هنری پروبوس** .

۱۲۹۰ – ۱۲۹۶ – **شه میسلاو دوم** : وی در ۱۲۹۵ با رضایت پاپ تاجگذاری کرد ولی بزودی ترور شد .

۱۳۰۰ – ۱۳۰۵ – **ونچس لاس اول** پسر شاه بوهیمیا از طرف اشراف بسلطنت لهستان انتخاب شد ولی مدعیان سلطنت از خانواده **پیاست** با او بمبارزه برخاستند . وی بزودی استعفا کرده بمیهن خود بازگشت .

د – روسیه تا سال ۱۲۶۳

سلاوهای خاوری در خلال قرون ۵ تا ۸ میلادی در سرزمینی که امروز بنام روسیه اروپا خوانده میشود سکونت گزیدند . از تاریخ سیاسی ایشان در خلال قرون مزبور اطلاعات خیلی کمی در دست است . آنچه که مسلم است کوششهائی از طرف ایشان برای ایجاد یك‌سازمان سیاسی هم بصورت حوزه‌های طوایف و قبایل و هم دولتهای شهر دراطراف مراکز مهم بازرگانی بعمل آمده است . درقرن هشتم بعضی از سلاوهای خاوری تحت‌الحمایه **خزرها** بوده که قبیله ئی از ترکان بودند و دولتی نیرومند و ثروتمند در سراسر ولگای سفلی بوجود آوردند .

پس از پایان قرن هشتم وایکینگ های اسکاندیناوی که در وقایع نامه های باستانی روسیه بنام **ورنگیان ها** (فرنگیان) یا **روس** (که‌نام خود رابروسیه داده است) ثبت شده‌اند شروع به نفوذ به بخش شمالی روسیه نمودند .

در خلال قرن نهم ورنگیانها در سراسر رودهائی که از بالتیك بدریای سیاه جاری است پیوسته بطرف جنوب سرازیر گشته و تسلط سیاسی خود را برجامعه های سلاوی مستقر داشتند . طبق شایعه تاریخی رئیس قبیله‌اسکاندیناوی موسوم‌به **ریوریك** (روریك؟) در حدودسال ۸۶۰در **نووگورود** حکومت داشته و چندی بعد وی بعنوان موسس سلسله‌سلاطین روسی شناخته شد .

۸۶۰ – اولین ظهور روسها (ورنگیان ها) در قسطنطنیه که در تاریخ ضبط شده دراین سال است و این ظهور بصورت حمله‌ئی مشابه حمله نورس ها به بریتانیا و فرانسه درهمین اوان بوده است .

۸۸۰ – ۹۱۲ – **پرنس اولگ** موفق به پیوستن نووگورود – و – کیف (درکنار رود دنیپر) بیکدیگر در تحت حکومت خودگردید . کیف پس از آن مرکز سیاسی یك فدراسیون سست دولتهای روسی قرارگرفت .

۹۱۱ – روسها باردیگر به قسطنطنیه فرود آمده امتیازات بازرگانی از امپراطور بیزانتین بدست آوردند . بازرگانی شغل اصلی شاهزادگان روسی شد و با پیروان خود (موسوم به **دروژینا**) کشتی های تجارتی را حفاظت میکردند . روسها نیز شروع کردند که بتعداد زیاد در خدمت امپراطوران یونانی درآیند وبدینطریق نقش مهمی را در سپاههای روز مزد بدست آوردند .

۹۴۵ – عقد پیمانهای بازرگانی دیگری با امپراطور یونان در این سال دلیل برارتباط نزدیکتر اقتصادی روسها با یونان است و شکی نیست که تماس فرهنگی ایشان نیز با آن کشور فزونی یافته است .

۹۵۷ – **اولگا** شاهزاده خانم روسی به قسطنطنیه سفر کرده و بکیش مسیحی درآمد ولی این واقعه جنبه شخصی داشت و منحصر باولگا بود .

۹۶۴ – ۹۷۲ – **شویاتوسلاو** پسر اولگا اولین شاهزاده از جمله شاهزادگان فاتح و بزرگ روسی بود . وی در ۹۶۵ خزرها را در ولگای سفلی شکست داد ، و در صدد تاسیس یك دولت روسی بجای **امپراطوری خزر** برآمد . پس از آن برای کمك بامپراطور یونان در برابر بلغارهای نیرومند به بالکان دعوت شده در ۹۶۷ نبردی موفقیت آمیز انجام داد و تصمیم گرفت که در دانوب سفلی مستقر گردد . در این هنگام قدرت وی از **نووگورود** در شمال تا دانوب در جنوب باختری وولگای سفلی در جنوب خاوری بسط یافته بود . ولی بمنظور مقاومت در برابر **پاتزیناکها** که از سمت خاور وارد روسیه جنوبی شده کیف را در معرض تهدید قرارداده بودند ناگزیر گردید تا بلغارستان را ترك گوید . وی پس از عقب نشاندن پاتزیناکها به بلغارستان برگشت ولی اینمرتبه مورد استقبال یونانیان واقع نشده و یونانیان بین آنها با بلغارهافرقی ندیدند . در۹۷۱ از امپراطور **جان ژی‌میس‌چس** شکست خورده بیرون رانده شد و سپس در راه عقب نشینی به کیف در ۹۷۲ از پاتزیناکها شکست خورد و بقتل رسید .

۹۷۲ – ۹۷۸ – یك سلسله کشمکش و نزاع سلسله‌ئی بین پسران شویاتوسلاو با پیروزی **ولادیمیر** پایان یافت .

۹۷۸ – ۱۰۱۵ – **ولایمیر مقدس** (سنت) در زمان وی درحدود سال ۹۹۰ روسها بصورت گروه های عظیم بآئین مسیحی بکیش عیسوی خاوری (بیزانتین) درآمدند . کیسای روسی برطبق نمونه یونانی سازمان داده شده که مفروض این بود که در تحت حکومت روحانی پاتریارك (سراسقف) قسطنطنیه قرارگیرد . از این تاریخ بین قسطنطنیه و کیف روابط بسیار نزدیك برقرار گشت .

۱۰۱۵ – ۱۰۱۹ – ادامه کشمکشهای سلسله‌ئی بین پسران ولادیمیر .

۱۰۱۹ – ۱۰۵۴ – **ایاروسلاو** (معروف به خردمند) بزرگترین زمامدار روسی در دوره مرکزیت کیف است . وی در کشمکش با برادرش **شویاتوبولك** بالاخره فائق آمد ولی ناگزیر شد که بخشی از سرزمین خاوری رود دنیپر را به برادر دیگرش **مش‌چیسلاو** واگذارد که در ۱۰۳۶ درگذشت ولی پس از آن مالك رقاب اعظم کل روسیه گردید ، در زمان وی فعالیت ساختمانی در کیف بسط یافت که نمونه آن کاتدرال سن‌صوفیا است ، و همچنین فعالیت مذهبی شدت یافت (نمونه آن احداث هیلاریون و خانقاه غارها) . در **حقوق روس** (قانون روس) در تحت نفوذ بیزانتین تجدید نظر شد و آن قدیمی ترین مجموعه (کد) قانون روسی است که شناخته شده . با دولتهای باختری بوسیله زناشوئی بین سلسله سلاطین اتحاد هائی‌برقرار گردید (**آننا** دختر ایاروسلاو با هنری اول پادشاه فرانسه ازدواج کرد) .

دوره پس از درگذشت ایاروسلاو بزرگ دوره تجزیه و انحطاط سلطنت کیف بود اما تفوق کیف عملا تا چندی دوام یافت و قدرت در خانواده‌ایاروسلاو باقی ماند . بعدا بتدریج کیف اهمیت خود را از کف داده و قدرت بین اعضاء خانواده سلطنت براساس سیستم ارشدیت و نوبتی تقسیم گردید که خود لزوما مزید رقابت و کشمکش درون سلسله و دسته بندیهای بیشمار و سازش با همسایگان یعنی گاهی با لهستانیها و زمانی با مجار ها گردید .

در همین احوال دولت کیف درمعرض فشار بزرگتر و روزافزون قبایل بدوی (پاتزیناك ها و کومان ها) قرارگرفت که از خاور روسیه بطرف جنوب پیشروی نمودند .

در این دوره راههای سابق بازرگانی نیز بسبب سقوط خلافت بغداد و فتح قسطنطنیه در ۱۲۰۴ بدست صلیبیون لاتن تغییر یافت .

ظهور مراکز سیاسی جدید:

۱ و ۲ : گالیسیا –و– **ولی نیا** درجنوب باختری ایالاتی بودند که شکل حکومت اریستوکراسی قوی را داشت .

۳ : نووگورود بزرگ در شمال سر زمین های خاوری را تا اورال اداره میکرد . در نووگورود انجمن آزاد مردان (ویه چه) بحد اعلای نمو خود رسید .

۴ : سوزدال – ولادیمیر در روسیه‌مرکزی پیشرو **گراندوچی** آینده **مسکو** گردید .
در این‌منطقه قدرت سلطنتی تفوق داشت.

۱۱۱۳ – ۱۱۲۵ – **ولادیمیر مونوماخ** شاهزاده کیف . وی چندین جنگ با کومانهای مقیم استپ ها (جلگه های وسیع روسیه و سیبری) نموده و سلطنت وی آخرین دوره درخشندگی کیف‌بود که بزودی بمرکز مشاجره و کشمکش بین شاهزادگان **وولی نیا** و **سوزدال** مبدل گردید .

۱۱۴۷ – اولین مرتبه نام **مسکو** در فهرست ها و کتب ثبت وقایع در این سال دیده میشود .

۱۱۵۷ – ۱۱۷۴ – **آندره بوگولیوبسکی** شاهزاده سوزدال . وی جلو قدرت روزافزون اشراف (بویارها) را گرفت و قسمت عظیمی از سرزمین ها را متحد ساخته و پایتخت خود را در ولادیمیر قرارداد .

۱۱۶۹ – آندره کیف را فتح کرده آنرا جزء استان ولادیمیر نمود ولی پس ازدرگذشت وی این ایالت روبانحطاط گذاشت .

۱۱۹۹ – ۱۲۰۵ – اوج قدرت استان **گالیسیا** در تحت حکومت **پرنس رومن** .

۱۱۹۸ – بنای شهر **ریگا** که مرکز مبلغین و توسعه بازرگانی گردید .

۱۲۰۲ – تاسیس نظام آلمانی موسوم به **شمشیرداران** بوسیله اسقف آلبرت از لیوونیا (لاتویا) .

۱۲۱۹ – **فتح‌استونیا** بدست **والدماردوم** دانمارکی .

۱۲۲۳ – **جنگ رودکالکا** نزدیك دریای **آزوف** . مغولها (تاتارها) برهبری سابوتائی از

کلیسای **سن دیمیت**
ری درشهرولادیمیر
که در سال ۱۱۹۵
ساخته شده

هنر روسیه ـ ســر
ارکانژل (رئیــس
فرشتگان) ـ ازشمائل
های مذهبی (آیکون)
کار اواخر قــرن ۱۲
موزه لنینگراد



منطقه ماوراء قفقاز روسیه جنوبی را مورد حمله قراردادند و اتحاد شاهزادگان روسی را با رهبران کومان درهم شکستند ولی پس از چندی بدون اخذ نتیجه از فتوحات خود عقب نشینی کردند .

۱۲۲۶ ـ**شوالیه های تیوتونیك** ماموریت یافتند که پروسیا را فتح کرده مردم ایـن منطقه را بکیش مسیحی درآورند . این گروه در ۱۲۳۷ باگروه‌شمشیر داران متحد گردیدند.

۱۲۳۶ ـ ۱۲۶۳ ـ الکساندر نوسکی : ابتدا شاهزاده نووگورودو از ۱۲۵۲ ببعـد زمامدار ولادیمیر بود .

۱۲۳۷ ـ ۱۲٤۰ ـ فتح مغول برهبری **باتو** . سپاه های عظیم‌مهاجمین سراسر روسیه جنوبی و مرکزی را تاراج کرده و گذشته و به اروپا ریختند و به‌۶۰ میلی نووگورود رسیدند. کیف را در ۱۲٤۰ تصرف کردند و بالاخـره در ۱۲٤۲ در **سرای** در ولگای سفلی مستقر گشتند .

خانات گلدن هورد (گروه طلائی) ازاین پس تا مدت دوقرن برتمام سرزمین روسیـه تسلط داشته از مردم باج و خراج و سرباز گرفتند ولی شاهزادگان را از کار معزول نکردند و به‌کلیسای روسی نیز احترام گذاشته و مداخله قلیلی نمودند .

۱۲٤۰ ـ الکساندرنوسکی سوئدی ها را که برهبری **بیرگرجرل** در ساحل رود **نیوا** بااو در جنگ بودند شکست داد و جلو پیشروی سوئدی ها را گرفت .

۱۲٤۲ ـ الکساندرشوالیه های تیوتونیك را در جنگ **دریاچه پی‌یوس** شکست داد .

۱۲۵۲ ـ الکساندر نوسکی شاهزاده (حکمران) ولادیمیر حداکثر کوشش خود را بکار برد تا طغیان و شورشی برضد حکومت تاتار صورت نگیرد و بدینطریق بوسیله انقیاد و سازش با تاتارها حکومت و قلمرو حکومت خود را حفظ کرد .

۱۲۵۳ ـ دانیل ـ اف ـ وولی نیا سعی کرد که جهادی برضد تاتارها براه اندازد و برای بدست آوردن کمك پاپ بیعت و وحدت کلیسای روس را با رم پذیرفت ولی کوشش وی بجائی نرسید .

۱۲۶۳ ـ درگذشت الکساندر نوسکی هنگام مراجعت وی از گولدن هورد .

فرهنگ وتمدن روسیه در این دوره هنوز در درجه‌اول جنبه مذهبی داشت وبیشتر

از لحاظ شکل و خواص مشابه بیزانتین بود . کلیسا های عمده در کیف ، نووگورود ، و چرنیکوف در قرون ۱۱ و ۱۲ ساخته شده و با نقاشی آب و رنگ ظریف روی گچ (فرسکو) تزیین شده است . ادبیات کلیسا فعالیت داشت و اولین ثبت فهرست وقایع یا تاریخ نویسی روسیه و نگارش داستانهای رزمی و جنگهای برضد قبایل بدوی دراین دوره شروع شده است .

هـ ـ مجارستان (هونگری)
تا سال ۱۳۰۱

۸۹۶ ـ هونگری ها ابتدا بصورت قبایلی متشکل گردیدند و قبیله‌ئی که برسایر قبایل هونگری حکومت داشت بقبیله **مجار (ماجیار)** موسوم بوده که در دره دانوب وسطی و**تئیس** اقامت گزیده بودند . ایشان برهبری **ارپاد** (درگذشت ۹۰۷) از جنوب روسیه از طریق مولد اویا در اثر فشار **پاتزنیاکها** (بچه‌نک‌ها) و سایر مردم آسیائی بمنطقه بالا آمدند . هونگری ها خود نیز از قبایل صحرا نشین و بدوی ازشعبه **فین‌نو ـ اوگریان** بودند. متجاوز از نیم قرن پس از تصرف سرزمین هونگری به حملات و تاخت و تازهای خود هم بطرف خاور و هم بطرف باختر ادامه دادند .

۹۰۶ ـ هونگری هـا سلطنـت سلاویـك موراویا را که در حال صعود بود برانداختند.

۹۵۵ ـ جنگ اگسبورگ : دراین جنگ امپراطور اوتوی اول شکست قاطعـی بـه هونگریهای مهاجم داد . از این زمان هونگری‌ها شروع کردند که سکونت اختیار کرده مرزی برای خود قائل شوند و از حالت قبیله‌ئی بیرون آیند .

۹۷۲ ـ ۹۹۷ ـ گزا امیر (دوك) قبیله مجار و سازمان دهنده قدرت مجار حکومت داشت . وی شروع کرد که تعداد سران قبیله را تقلیل داده و آنها را منقاد سازد و مبلغین مسیحی را از آلمان دعوت نمود (**پیل گریـن** از پاسائو در ۹۷٤ و **سن ادالبرت** از پـراك در ۹۹۳ بدانجا آمد) مذهب عیسوی از خاور بدین کشور در آن هنگام سرایت و نفوذ یافته بود و بسبب ازدیاد تعداد اسرای جنگی نیز بیش از پیش توسعه یافت .

۹۹۷ـ۱۰۳۸ـ سن استفن اول بزرگترین زمامدار سلسله **ارپاد** بود . وی جلو نشر مسیحیت خاوری را بازور بگرفت و برضد پاگانیسم (کفر و شرك) به جهاد برخاست . پاگانیسم هنوز مورد حمایت روسای قبایل بود . استفن‌صریح و آشکار بمسیحیت باختری پیوست، با یكشاهزاده‌خانم **باواریائی** زناشوئی کرده کلیسائیان و رهبانان رومی (بندیکتین ها) را دعوت کرد و قطعات خیلی بزرگ اراضی را بآنها واگذاشت . وی با کمك روحانیان قدرت روسای قبایل را درهم شکست واراضی آنها را بعنوان قلمرو سلطنت تصرف کرد ، و بوسیله **کنت ها** (موسوم به **ایسپان**) و تقسیم کشور به **کونتی ها** (کنت نشین ها)آن سرزمین ها را اداره کرد . کنت ها و روحانیان عالی رتبه شورای سلطنتی را تشکیل دادند . کشاورزی و بازرگانی را بسیار تشویق نمود ، و یك سیستم‌دفاعی مرزی (بوسیله کمر بندهای بزرگ باطلاقی و جنگلهای غیرمسکون درتحت نظر مرزبانهای ثابت) بوجود آورد و با مرور زمان این مرز بتدریج بسط داده شد .

۱۰۰۱ ـ استفن با تاجی که از طـرف پاپ برای او فرستاده شد تاجگذاری کرد ـ پس از مرگش در ۱۰۸۳ کلیسای رم او را در حلقه مقدسان(سنت‌ها) وارد ساخت (کانونیزه)

۱۰۰۲ ـ استفن یك بلوای ضد مسیحی را در ترانسیلوانیا فرونشانید .

۱۰۳۰ ـ حمله آلمانها برهبری کونراد دوم که سعی داشت تسلط آلمان را برهونگری بزور محرز نماید دفع شد .

۱۰۳۸ ـ ۱۰۷۷ ـ دوره کشمکش درون سلسله برسر جانشینی که در این دوره هریك از اعضاء خانواده ارپاد دعوی سهمی ازقدرت مینمود و بعضی اوقات آلمانها را برای کمك خود دعوت میکردند .

۱۰۳۸ ـ ۱۰٤٦ ـ پتراور سئولو پسر خواهر استفن ودوجه یادوگه شهرونیز (شهربان و حاکم ونیز به تخت سلطنت نشست . وی دوستان و هواداران آلمانی و ایتالیائی خود را به مجارستان دعوت کرد و باعث تحریك احساسات خصومت آمیز هونگریها شده در ۱۰٤۱ او را از کشور بیرون کردند و تا چند سالی **ساموئل ابا** نابرادری استفن برتخت سلطنت استوار بود ولی پتر عاقبت او را برانداخته باتفاق امپراطور هنری سوم بـه تخت سلطنت برگشت و او نسبت به هنری سوگند وفاداری یاد کرد .

۱۰٤٦ ـ پتر در جریان یك شورش بزرگ غیر مسیحیان (پاگانها) که از روسای قبایل برهبری **واتها** بوجود آمده بود برون رانده شد . شورشیان مسیحیان را قتل عام کرده کلیسا ها را ویران نمودند و این‌آخرین شورش جدی از این نوع بود .

۱۰٤۷ ـ ۱۰٦۱ ـ آندریوی اول برای‌اعاده قدرت سلطنت کوشش کرد .



هنر بیزانتین‌درروسیه‌ـ قطعـه موزائیك در **کلیسای‌سن‌صوفیادرکیف** (روسیه) اتحادحواریون را نمایش میدهد کار اواسط قرون وسطی

۱۰۴۹ ـ ۱۰۵۲ ـ امپراطور هنری سوم سه جنگ با مجار ها نمود . **اندریو** مقاومت کرد و در ۱۰۵۸ امپراطور استقلال هونگری را شناخت .

۱۰۶۱ ـ ۱۰۶۳ ـ **بلای اول** (بکسر باء اول) برادر اندریو . وی در نزد عامه قهرمان جنگهای برضد آلمان شناخته شد .

۱۰۶۳ ـ ۱۰۷۴ ـ **سلیمان** پسر اندریو کاندید حزب آلمانی بود و از پسرعموی خود **گزای اول** شکست خورد .

۱۰۷۴ ـ ۱۰۷۷ ـ گزای اول

۱۰۷۷ ـ ۱۰۹۶ ـ سن لادیس لاس اول (در ۱۱۹۲ پس از مرگ او را بحلقه مقدسین وارد کردند) اولین‌پادشاه بزرگ مجارپس از سن استفن بود . وی پاپ را در مشاجره با امپراطور کمك کرد و در داخله کشور نظم را برقرار ساخت و کشور را به آبادی سوق داد.

۱۰۹۱ ـ لادیسلاس **کرواتیا** و **بوسنیا** را فتح کرد ولی‌آن دومنطقه رابحکومت‌برخویشتن در تحت حکمرانی **بان** (عنوان حکومت این دو منطقه) باقی گذاشت .

۱۰۹۵ ـ ۱۱۱۴ ـ کولومن (کالمان) اول نیز زمامداری نیرومند بود .

۱۰۹۷ ـ ۱۱۰۲ ـ کولومن دالماسیا را فتح کرده از جمهوری ونیسی منتزع ساخت .

۱۱۱۴ ـ ۱۱۳۱ ـ استفن دوم : در زمان سلطنت وی‌کشمکش های درون سلسلهٔ سلطنت تجدید شد :

۱۱۳۱ ـ ۱۱۴۱ ـ بلای دوم که بدست کولومن‌کور شده‌بود بسطنت رسیده و انتقامی هولناك از مخالفان خود گرفت .

۱۱۴۱ـ۱۱۶۲ ـ گزای دوم : کشمکش‌های داخلی بسبب کوشش امپراطور یونانی مانوئل برای تصرف مجارستان شدت یافت و پیچیده گردید . اماجنگهای متعدد بین مانوئل ومجارها که از ۱۰۹۷ تا ۱۱۰۲ بطول انجامید بجائی نرسید اگر چه درسال ۱۱۵۶ مجارها تفوق بیزانتین را پذیرفتند .

۱۱۵۰ ـ ساکسون ها (یعنی آلمانهای منطقهٔ **موزل**) در **زیپس** و جنوب ترانسیلوانی اقامت گزیدند و برای دفاع مرز هادر برابر لهستانیها و یونانیان دعوت شدند . این قوم کشاورزی و بازرگانی و شهر سازی را در هونگری ترقی دادند . در این دوره عده زیادی از **پچه‌نگ‌ها** و **شکلرها** بحفاظت مرزها گماشته شدند .

۱۱۶۲ ـ ۱۱۷۲ ـ استفن سوم

۱۱۷۲ـ۱۱۹۶ـ بلای سومکه درقسطنطنیه تربیت یافته بود . وی با خواهر فیلیپ اوگوستوس فرانسه زناشوئی کرده و رابطهٔ نزدیك بین خانواده های سلطنتی با فرانسه برقرار کرد . **بلا** زمامداری قوی بود که با موفقیت از **دالماسیا** در برابر ونیز دفاع‌کرد .

۱۱۹۶ ـ ۱۲۰۴ ـ امریك اول (بکسر الف و میم) . برادرش اندریو مدعی سلطنت بوده وبا او بمبارزه برخاست .

۱۲۰۴ ـ ۱۲۰۵ ـ لادیسلاس سوم بوسیله اندریو از تخت بزیر آمد .

۱۲۰۵ ـ ۱۲۳۵ ـ اندریوی دوم : وخیم‌ترین و مصیبت بارترین‌دوره درسلطنت سلسله آرپاد بود . اندریو به اتلاف واسراف مال و تبذیر آن به دوستان بیگانه خود شهرت داشت. وی در ۱۲۱۷ برای شرکت در جنگ صلیبی عازم بیت‌المقدس شد و مبالغ خیلی گزاف بمصرف رسید که بوسیلهٔ فروش قطعات عظیم از اراضی قلمرو کشور آنرا تامین نمود و بدینطریق راه را برای ظهور یك طبقه مالکین بزرگ یا الیگارش ها باز نمود .

۱۲۲۲ ـ فرمان طلائی : نام فرمانی است که اندریو تحت فشار اشراف درجه دوم یا طبقه متوسط برهبری **بلا** پسرخود اندریوصادر کرد وبر او تحمیل شد . این سند در واقع **منشور امتیازات فئودالی** بود. طبق این سند طبقه متوسط و روحانیان از مالیات معاف شده و مجاز گردیدند که در انتقال اراضی تیولی متصرفی خود آزاد باشند و از توقیف وحبس معاف باشند و بتوانند یك مجمع سالیانه برای ابراز شکایات خود تشکیل دهند و طبق این منشور نیز حق واگذاری اراضی یا مقام و پست دولتی به بیگانگان و یهودیان ممنوع شد .

۱۲۲۴ ـ امتیازاتی به ساکسونهای ترانسیلوانی اعطا شد و بآنها استقلال داخلی و حق حکومت برخویشتن تحت نظر مستقیم شاه داده شد .

۱۲۳۵ـ۱۲۷۰ ـ بلای چهارم : زمامداری مقتدر بود و سعی کرد که خسارات وارده بحکومت را در سلطنت سلف خود جبران کند ولی کوشش او بجائی نرسید . اعیان ومالکین بزرگ در برابر سعی کردند که یك زمامدار حریف برای او بتراشند و بلا دربرابر عمل اعیان به چهل‌هزار خانواده کومانها که درزمان حمله مغول بطرف باختر رانده شده بودند اجازه داد تا در منطقه **تهئیس** سکونت گیرند تا بدینوسیله کمك‌آنها را دربرابر اعیان‌بدست آورد .

۱۲۴۱ ـ حمله بزرگ مغول که بطور ناگهانی کشور مجار را در خلال آنکه غرق در نفاق و اختلاف بود دربرگرفت . سپاه بلا **در موهی**نزدیك **ته ئیس** ازمغولان شکست‌فاحشی خورده و بلا ناگزیر شد به ادریاتیك فرارکند . مغولان او را دنبال کردند ولی ناگهان با رسیدن خبر مرگ **خان بزرگ** فتوحات خودرا از کف داده‌برگشتند در حالیکه‌کشورمجارستان را بویرانه‌ئی مبدل ساخته بودند . سپس بمنظور دفاع آینده باشراف اجازه ساختن دژها داده شد و این قلاع بزودی بصورت پایگاه هائی برای جنگهای فئودالی و هم جنگ برضد خود پادشاه درآمد .

۱۲۴۶ ـ بلا فردریك پادشاه اطریش و آخرین سلطان سلسله **بابن‌برگ** را که از حمله مغول استفاده کرده بعضی از ایالات باختری را تصرف کرده بود شکست داد .

۱۲۶۵ ـ ۱۲۷۰ ـ جنگهای **بلا** برضد **اوتوکار دوم** پادشاه بوهیمیا .

۱۲۷۰ ـ ۱۲۷۲ ـ استفن پنجم زمامداری ضعیف بود .

۱۲۷۲ ـ ۱۲۹۰ ـ لادیسلاس چهارم مجاهده وی برای‌جلوگیری از حکومت اشرافی فئودالی نتیجه چندانی نداد ولی بوسیلهٔ اتحاد با **رودلف** آف‌هاپسبورگ موفق به درهم شکستن قدرت **اتوکار** در جنگ **دورن‌کروت** گردید (۱۲۷۸)

۱۲۹۰ ـ ۱۳۰۱ ـ اندریوی سوم آخرین پادشاه سلسله بومی مجار بود . وی نیز بـه تقلا برای از میان بردن تسلط اریستوکراسی فئودال ادامه داد ولی نتیجه کمی از آن برگرفت .

و ـ سربستان (سربیا)
تا سال ۱۲۷۶

۶۵۰ ـ تاریخ تقریبی تکمیل تصرف منطقه بالکان بدست سلاوها . بخشی از مردم سلاو بطرف باختر تا **کارنیولا** و **کارین تیا** پیش رفتند ولی این گروه که به **سلوونها** معروف گشتند در اوایل قرن ۹ مغلوب فرانکها گردیده و از آن پس جزء امپراطوری ژرمن (آلمان) گشتند.

۸۱۸ ـ **کرواتها** که نیز مغلوب فرانکها شده بودند شورش کردند ولی باردیگر مطیع گشتند .

۹۲۴ ـ تامیسلاو بسلطنت **کرواتیا** رسیده تاج خودرا ازپاپ پذیرفت. وی علاوه برکرواتیا برسرزمین هائی تا جنوب قره‌طاغ **(مونته‌نگرو)** نیز تسلط یافت‌اگر چه شهرهای ساحلی بیشتر در تصرف بیزانتین باقی مانده بود .

۹۶۰ ـ درگذشت چاسلاو که‌اولین کوشش را برای وحدت سرب ها بعمل آورده سربها در یك منطقه کوهستانی سکونت داشته و به قبایل و طوائف ودسته ها بریاست روسای قبایل معروف به **زوپان ها** منقسم شده بودند و زوپان بزرگ تفوق افتخاری برسایر زوپانها داشت . عملا این سرزمین در تحت تسلط بیزانتین قرارداشت ولی هرزمان دولت بیزانتین قوی بود این تسلط صورت واقعیت میگرفت و هروقت ضعیف بود تسلط بیزانتین چندان موثر نبود . در پایان قرن دهم سکنهٔ سربیای امروز **بوسنیای** خاوری بیشتر مسیحیت‌خاوری راپذیرفتند در حالیکه بوسنیا و کرواتیای باختری بطرف کاتولیکیسم **رومی** تکیه کردند و مشاجره بین کلیسا های خاوری و باختری سلاوهای جنوبی را گاهی بدین سمت و زمانی بدان سمت‌میکشانید وبدینطریق این کشمکش غالبا بصورت یك موضوع مهم سیاسی و در عین حال مذهبی درآمد .

۱۰۷۷ ـ میخائیل پادشاه سربیا بوسیله نماینده پاپ تاجگذاری کرد .

۱۰۸۱ ـ ۱۱۰۱ ـ بودین یك‌دولت سربی در **زتا** (قره طاغ) تاسیس کرد .

۱۱۰۲ ـ کرواتیا بوسیلهٔ زناشوئی بین دو خانواده سلطنتی پس از شکست **پتار** آخرین زمامدارش از شاه **لادیسلاس** به مجارستان پیوست و بدینطریق ، در کرواتیای باختری پیروزی قطعی باباختریان شده منجر به‌جدائی آن بخش از سلاوهای جنوبی گردید .

۱۱۶۶ ـ ۱۱۹۶ ـ استفن نمانیای اول موسس سلسلهٔ **نمانید** (بکسر نون) در **راسکا** (یعنی **راسکیا** که بعدا سربیا خوانده شد) . اگر چه استفن تنها زوپان بزرگ بود ولی‌چنین بنظر میرسد که موفقیت قابل توجهی درایجاد وحدت بین دستجات متنوع نموده است . وی قطعا مذهب ارتودوکس یونانی را پذیرفته و

تاجگذاری کرده و تاجی را که از نیکائیا فرستاده شده بود برسرگذاشت و بدینطریق سربیا بطرف کلیسای خاوری تکیه کرد .

۱۲۲۳ ــ ۱۲۳٤ ــ رادوسلاو پسر استفن زمامداری ناتوان بود که بدست برادرش از سلطنت خلع شد .

۱۲۳٤ ــ ۱۲٤۲ ــ ولادیسلاو . وی با دختر تزار جان اس دوم قیصر بلغارستان زناشوئی کرده دراین دوره قسمت زیادی از سربیای خاوری در تحت تسلط بلغار قرار داشت .

۱۲٤۲ ــ ۱۲۷٦ ــ اورش اول (بضم راء) برادر دو زمامدار بالا . وی با دختر امپراطور مخلوع لاتن **بالدوین دوم** ازدواج کرده و با **شارل افانجو** وارث دعاوی لاتن ها به قسطنطنیه متحد گردید .

۱۲٥٤ ــ هونگریها (مجارها) که در این زمان بخشی از سربیای شمالی را تصاحب کرده بودندتسلط خودرا بر **بوسنیا وهرزگوین** محرز کردند .

ز ـ دومین امپراطوری بلغاری

پس از سقوط امپراطوری اول بلغار در سال ۱۰۱۸ ، این کشور تا مدت ۱٦۸ سال جزء لاینفك امپراطوری بیزانتین بود . مالیاتهای روزافزون و سختی که برآن کشور تحمیل گردید و سایر فشار ها منجر به ظهور شورشی سخت در سال ۱۰٤۰ برهبری **پطر دلجان** پسر **گابریل رادومیر** گردیده ولی محدود بود به بخشهای باختری و شمال باختری امپراطوری سابق بلغار . **دلجان** ــ یا ــ **دلیان** خود راتزار (قیصر) خواند ولی این جنبش گرفتار رقابت با **تیخومیر** ــ اف ــ **دورازو** گردید . دلجان در ۱۰٤۱ شکست خورده اسیر سپاهیان امپراطوری گردید . شورش دوم در سالهای ۱۰۷۲ ــ ۱۰۷۳ برهبری **جورج ووی** بوقوع پیوست و بدون اشکال از آن جاوگیری شد . در خلال دوره بیزانتین بلغارستان مدام در معرض حمله راهزنان و غارتگران **قبیله پاتزیناك** قرارداشت (۱۰٤۸ ــ ۱۰٥٤) که بسیاری از ایشان در شمال خاوری بلغارستان بالاخره سکونت گزیدند و همچنین کومانها (۱۰٦٤) بدان کشور تاخت و تاز میکردند . **آئین شرکت بوگومیل** با وجود تعقیبات مذهبی حکومت (۱۱۱۰)روبه انتشار گذاشت و درتحت رهبری رهبانها تا درجه‌ئی بمنزله عکس‌العملی دربرابر نفوذ یونانی قرارگرفت که روحانیون عالی رتبه از آن پشتیبانی مینمودند .

۱۱۸٥ ــ قیام جان و پطر آسن دوبرادر از لاردهای بلغاری مقیم منطقه **تیرنووو** که در ۱۱۸٦ از امپراطور **اسحق انژلوس** شکست خورده به نزد کومانها گریخته و با سپاهی از **کومانها** مراجعت کردند . پس از حمله **تراس** ، پیمان متارکه‌ئی را پذیرفتند که بلغارستان شمالی و کوههای بالکان را در تصرف ایشان قرارداد .



اتین‌دوزان فرزند **اوروس** سوم

بوگومیلها را مورد تعقیب قرار داده آنها را در سراسر مرزبطرف **بوسنیا** راند که درآنزمان در زیر حکومت شاهزاده‌ئی قوی موسوم به **کولین** (درگذشت ۱۲۰٤) قرارداشت .

شکست مانوئل اول از **کومنیوس** (در ۱۱۸۰) و تنزل امپراطوری شرقی پس از آن به استفن فرصتی داد تاخود را از قید اطاعت قسطنطنیه بیرون آورده‌مستقل شود وسرزمین هائی وسیع را تاجنوب فتح‌نماید. وی‌در۱۱۹٦ به خانقاهی در کوه آتوس که از طرف پسرش **سن‌ساوا** ساخته شده بود پناه برده انزوا اختیار کرد و در سال ۱۲۰۰ درگذشت .

۱۱۹٦ ــ ۱۲۲۳ ــ استفن نمانیای دوم پسر استفن نمانیای اول ، درآغاز سلطنت با برادر بزرگترش **ووکان** که قره‌طاغ به وی سپرده شده بود در نبرد بود . مجارها که بنحوی روزافزون‌خطری بزرگ برای سربستان شده بودند به **ووکان** کمك میکردند تا آنجا که استفن ناگزیر شد بدربار بلغارستان فرارکند . سپس با سپاهی از کومانها که از طرف **کالویان** (رجوع شود بتاریخ بلغار در زیر) برای او فراهم شده بود به سربستان برگشت . کالویان قبلا از موقع استفاده کرده بیشتر قسمت سربستان خاوری را که شامل بلگراد و **نیش** بود بتصرف آورده و برای خویش ضبط کرده بود . بالاخره برادر دیگر استفن یعنی **سن‌ساوا** بین دونفر برادر مدعی سلطنت میانجی شده و استفن زمامدار سربیای اصلی شد .

۱۲۱۷ ــ استفن بوسیله نماینده پاپ تاجگذاری کرد .

۱۲۱۹ ــ سن‌ساوا از بیم نفوذ رومیان به **نیکائیا** رفته و پاتریارك یونانی را وادار کرد تا او را بعنوان سراسقف کل سربستان و در راس‌کلیسای **اتوسفالوس** (کلیسای خود-مختار غیر تابع پاتریارك) بشناسد .

۱۲۲۲ ــ استفن‌باردیگر از طرف سن‌ساوا

۱۱۸۹ ـ آسن های بالا سعی کردند که با **فردریك بربروسا** و پیشوایان جنگهای صلیبی سوم دربرابر **یونانیها متحد** شوند به نتیجه رسید اما بلغار ها حملات خود را به تراس و مقدونیه از سرگرفتند . ارتش امپراطوری برهبری اسحق انژلوس در جنگ نزدیك **برهو** کاملا شکست خورد .

۱۱۹۶ ـ پتر آسن موفق شد که پس از قتل **جان** بدست توطئه‌گران **بویار** (یعنی طبقه اشراف) رهبری جنبش را کلا در دست گیرد .

۱۱۹۷ ـ پطرآسن نیز بدست رقبای بویار خود کشته شد .

۱۱۹۷ ـ ۱۲۰۷ ـ کالویان (ژوئان نیت‌سا) برادر جوان تر جان و پطر . وی در ۱۲۰۱ با یونانیان صلح کرده و سپس در ۱۲۰۲ بجنگ با سربها و مجار ها پرداخت و آنها را بوراء دانوب عقب راند . **ونیش** را از سربها بگرفت .

۱۲۰۴ ـ سقوط امپراطوری خاور فرصتی بزرگ به کالویان داد تاقلمرو خود را استحکام بخشد . وی بوسیلهٔ شناختن تفوق پاپ موفق به انتخاب‌سراسقفی (پریمات) برای بلغارستان گردید و نیز خود توانست بعنوان شاه بلغار بوسیله نماینده پاپ تاجگذاری کند و درهمین احوال تمام مقدونیه باختری را بتصرف آورد

۱۲۰۵ ـ کالویان با کمك کومان ها و یونانیان محلی صلیبیون فرانکی را درنزدیکی ادریانوپول (ادرنه) درهم شکسته و امپراطور بالدوین اول را دستگیر کرد .

۱۲۰۶ ـ کالویان شورش‌یونانیان را درهم شکسته و ادریانوپول و **تسالونیك** را محاصره نمود . وی در ۱۲۰۷ ترور شد .

۱۲۰۷ ـ ۱۲۱۸ ـ بوریل برادرزاده کالویان سلطنت داشت اما رهبران دیگر عموما مقام او را نشناخته و بعضی از ایشان درصدد برآمدند که بخشهای مستقل برای خود ترتیب دهند .

۱۲۰۸ ـ بوریل کاملا از فرانکها برهبری هنری اول در جنگ **فیلیپ پوپولیس** شکست خورده و در ۱۲۱۳ ناگزیر به صلح شد .

۱۲۱۷ ـ ایوان (جان) آسن پسر کالویان با کمك روسهادر بلغارشمالی بشورش‌برخاست، وی **تیرنووو** را محاصره و تصرف نمود و در ۱۲۱۸ بوریل را دستگیر و کور کرد .

۱۲۱۸ـ۱۲۴۱ ـ جان آسن دوم . سلطنت وی دوره اوج قدرت امپراطوری دوم بلغار بود. وی زمامداری ملایم وکریم بود و حتی جمعیت یونانی نیز او را بسیار دوست میداشتند .

۱۲۲۸ ـ ۱۲۳۰ ـ چون‌امپراطور بالدوین دوم خیلی جوان بود عده‌ئی از اشراف فرانك در قسطنطنیه درصدد برآمدند که جان آسن را امپراطور کرده و بدینطریق خود را دربرابر حمله **تئودور ـ آف ـ ایپروس** حفظ نمایند اما روحانیون لاتن با این طرح مخالفت کردند و به نتیجه نرسید .

۱۲۳۰ ـ جان آسن **در کلوکوت نیت زا** نزدیك رودخانه **ماریتزا** موفق گشت که‌تئودور ایپروس را شکست داده و او را دستگیر کند و سپس تمام تراس باختری و مقدونیه و حتی آلبانی شمالی را تصرف کردو تسالونیکا و ایپروس را به **مانوئل** برادر تئودور واگذاشت که به تبعیت وی درآمد .

۱۲۳۲ ـ جان با رم قطع رابطه کرده و کلیسای بلغاری را مستقل ساخت .

۱۲۳۵ ـ جان دربرابرفرانکها باامپراطور یونانی نیکائیا متحد گشت . یونانیان پاتریارك تیرنووو را برسمیت شناختند ، متحدین بالا قسطنطنیه را محاصره کردند و قسطنطنیه ناوگان ونیروهای اعزامی از **آکائیا** نجات یافت.

۱۲۳۶ ـ هونگری ها بتحریك پاپ ، بلغارها را تهدید نموده و جان را مجبورکردند که از عملیات‌ضد امپراطوری لاتن دست‌بردارد.

۱۲۴۱ ـ ۱۲۴۶ ـ کالیمان اول پسر جان آسن دوم . واقعه مهم سلطنت وی تاخت وتاز بزرگ مغولان بود که از هجوم به اروپای مرکزی (در ۱۲۴۱) باز میگشتند .

۱۲۴۶ـ۱۲۵۷ ـ میخائیل آسن جوان‌ترین پسر جان که‌کودك بود بسلطنت رسید امپراطور نیکائیا موسوم به **جان واتات زس** از موقع استفاده کرده کلیه مناطق تراس جنوبی و مقدونیه را برای خویش ضبط نمود .

۱۲۵۴ ـ پس از درگذشت جان واتاتزس میخائیل آسن سعی کرد که اراضی از کف‌رفته را باردیگر بچنگ آورد ولی از **تئودور دوم لاسکاریس** در ادریانوپول و بعدا در ۱۲۵۶ در مقدونیه شکست فاحشی خورد .

۱۲۵۷ ـ ۱۲۵۸ ـ کلیمان دوم با کمك بویارها (اشراف) میخائیل آسن را خلع کرده و بیرون کرد ولی خود نیز بزودی بنوبت خود خلع و تبعید شد .

وی آخرین زمامدار سلسله **آسن** بود .

بلغارها و سربها میل داشتند که دولت‌بیزانتین‌را ویران سازند بلکه جانشین آن شوند



(۳) خاور نزدیک

الف ـ امپراطوری خاوری
۱۰۲۶ ـ ۱۲۰۴ میلادی

دوره متاخر امپراطور های مقدونی (تا سال ۱۰۵۰) و سی ساله پس از آن را باید دوره تنزل امپراطوری خاوری دانست که خصائص و وقایع عمده آن خلاصه میشود در حکومت زنان ، حملات بربرها دربالکان ، پیشروی نورمانها در ایتالی و کشور گشائی ترکان‌سلجوقی درآناتولیا ، دردرون امپراطوری یك نمو سریع قدرت روحانی و اشراف بوروکراتیك‌درپایتخت و قدرت یافتن بارونهای فئودالی در ایالات و استانها مشهود است که بالاخره منجر به کشمکش قاطع بین دو فرقه گردید .

۱۰۲۵ ـ ۱۰۲۸ ـ کنستانتین هشتم :

۱۰۲۵ ـ ۱۰۲۸ ـ کنستانتین هشتم : برادر کوچکتر باسیل دوم . وی دائما نسبت بفرماندهان‌نظامی خود بدگمان بوده و بسیاری از مقامات عمده دولتی را به درباریان خود سپرد .

۱۰۲۷ ـ پاتزیناکها که بالکان را مورد تاخت و تاز قرارداده بودند عاقبت بدست ژنرال **کنستانتین دیوژن** بوراء دانوب عقب رانده شدند .

۱۰۲۸ ـ ۱۰۵۰ ـ زویه امپراطریس . وی دختر سوم کنستانتین بود و با آنکه هنگام رسیدن بسلطنت ۴۸ سال داشت سه مرتبه پس از آن ازدواج کرده شوهران خود را در امور امپراطوری شرکت میداد .

۱۰۲۸ ـ ۱۰۳۴ ـ رومانوس سوم (ارگیروپولوس) شصت ساله شوهر اول زویه وی کوشش بسیار کرد تا بوسیله سوردادن و تملق نسبت باشراف و هم به مردم عوام و بخصوص کلیسائیان وجهه می پیدا کند . به دستگاه پاتریارك‌اجازه داد که مونوفیسیت‌های سوریه را موردتعقیب مذهبی قراردهد چنانچه هزارها از ایشان بسرزمین مسلمانان گریختند و تخم نفرتی که ازاین سیاست نسبت بحکومت در دل مردم کاشته شده و پرورش یافت مبین اسباب و علل‌پیشروی ترکان سلجوق درسالهای بعد است .

۱۰۳۰ ـ رومانوس در یکی از جنگها با امرای اسلامی که به سوریه حمله کرده بودند شکست فاحشی خورد .

۱۰۳۱ ـ فتوحات **گئورگیوس مانیاکس** بزرگترین ژنرال امپراطوری در این دوره امپراطوری را از این وضع آشفته و سقوط فوری نجات داد .

۱۰۳۲ ـ ناوگان متحد **بیزانتین** ـ **راگوسان** دزدان دریائی اعراب (ساراسن ها) را کاملا در ادریاتیك شکست داد .

۱۰۳۴ ـ ۱۰۴۱ ـ میکائیل چهارم (پافلاگونیائی ـ نام ایالتی است در قدیم در آسیای صغیر)شوهر دوم زویه . وی از طبقات پست و پائین بود و برادران خود را که بیشتر آنها لایق و فعال بودند به پست های عالی دولت گماشت .

۱۰۳۴ ـ ۱۰۳۵ ـناوگان بیزانتین‌برهبری **هارالدهارددادای** از قبیله نورسها و سربازان روزمزد اسکاندیناوی که در خدمت بیزانتین بودند مکرر دزدان دریائی عرب (ساراسن) را در خارج سواحل آناطولی شکست داده و سواحل افریقای شمالی را تاراج کردند .

۱۰۳۸ ـ مانیاکس و هادرادا باتفاق سربلوان روز مزد اسکاندیناوی و ایتالیائی و با کمك ناوگان بیزانتین **به مسینا** هجوم کرده ساراس های (اعراب)سیسیل راابتدا در۱۰۳۸ در **رامتتا** وسپس در۱۰۴۰ در **دراژینا** شکست دادند .

۱۰۴۰ ـ شورش بلغارها برهبری دلجان از نواده های قیصر ساموئل . این شورش بر ضد سیاست شدید مالی حکومت بپا شد . بلغارها به تسالونیکا حمله کردند ولی به شهر دست نیافتند . این جنبش سبب اختلاف



بین رهبران آن بالاخره با شکست مواجه شد . بلغارستان ازاین پس ضمیمه امپراطوری شده وکلیسای اتوسفالوس (مستقل) **اوکرید** مقهور ومطیع دستگاه سلسله مراتب مذهبی پاتریارک قسطنطنیه گردید .

۱۰۴۱ ــ ۱۰۴۲ ــ میکائیل پنجم (کالافاتس) یکی از ندیم های مقرب و مورد توجه زویه سلطنت کرد . وی سعی کرد که با انتقال امپراطریس بیك صومعه وبستن در بروی وی تمام قدرت را در دست خود گیرد ولی این کار باعث شورش اشراف در قسطنطنیه شده خود اورا گرفته در خانقاهی زندانی کردند .

۱۰۴۲ ــ ۱۰۵۴ ــ کنستانتین نهم (مونوماکوس) شوهر سوم زویه مردی دانشمند بود وبا ارتش واریستوکراسی نظامی میانه خوشی نداشته بلکه از آن بیزار بود .

وی در دفاع مرزی و جلوگیری از نیرو های بیگانه خارج مرز غفلت ورزید .

۱۰۴۲ ــ مانیاکس کاملا نورمانهارا که شروع بحمله بجنوب ایتالی کرده بودند در جنگ **مونوپولی** (نزدیك ناپل) شکست داد .

۱۰۴۳ ــ شورش مانیاکس که معرف عدم رضایت طبقات نظامی بود مانیاکس در **دورازو** پیاده شده و تهیه حرکت بطرف پایتخت را میدید که ناگهان بر حسب تصادف در راه حرکت بقسطنطنیه تیر خورده و کشته شد .

۱۰۴۶ ــ نیروهای بیزانتین **آنی** را متصرف شده و حکومت ارمنستان را که میدان دیگری برای استثمار مذهبی شده بود دردست گرفتند .

۱۰۴۷ ــ یك شورش نظامی بقیادت **لئوتورنیکیوس** باشکست مواجه شد .

۱۰۴۸ ژنرالهای امپراطوری سپاه ترکان سلجوق را که مشغول پیشروی بودند در **استراگنا** شکست دادند .

۱۰۵۰ ــ درگذشت زویه درسن هفتاد سالگی شوهر سوم وی کنستانتین به تنهائی سلطنت کرد .

۱۰۵۱ ــ پاتزیناك ها پس‌از سالها غارت و ویرانی وعدم موفقیت بیزانتین در جنگلهای با ایشان در این سال از بلغارستان بیرون رانده شدند .

۱۰۵۴ ــ ۱۰۵۶ ــ تئودورا امپراطریس : وی خواهر بزرگتر زوئی وزنی‌باهوش ، بااراده وزمامداری صاحب وجههٔ عمومی بود ولی سن وی زیاد بوده واجازه ادامه سلطنت را باو نمیداد .

۱۰۵۴ ــ آخرین انشعاب وجدائی بین رم و قسطنطنیه : با فتح ایتالیای جنوبی بدست نورمن ها که پاپ بایشان کمك میکرد اصطکاك وکشمکش طولانی بین پاپ یا پاتریاك خاوری باوج خود رسید . پاتریاك **میخائیل کرولاریوس** ادعای پاپ لئوی نهم را در مورد حق قضاوت ودخالت در امور ایتالیای جنوبی را مردود اعلام کرد .

مذاکراتی برای اصلاح آغاز شد ولی بجائی نرسید و هیچ یك از دو طرف حاضر به گذشت یا تقلیل دعاوی خود نگشتند و خصومت بین آنها باقی مانده در سالهای بعد ثمرهای تلخ ثر داد که در سیاست و سرنوشت باختر وخاور اهمیت بسزا داشت .

۱۰۵۶ ــ ۱۰۵۷ ــ میخائیل ششم ــ (استراتیوتیکوس) پس‌از رسیدن‌بسلطنت‌طولی نکشید که بوسیله شورشی از طرف بارونهای فئودال اناطولی ساقط گردید .

۱۰۵۷ ــ ۱۰۵۹ ــ اسحق کوم ننوس : یاغیان و شورشیان اورا بسمت امپراطور اعلام کردند . وی یك نظامی لایق و فعال بود .وظیفه ها ومستمری ها و مقرری های بسیاری را لغو کرد وبه اصلاح امور مالیه پرداخت و بـه اصلاحات دیگری نیز دست زد ولی پیربود و بزودی از کار خسته شده بنفع کنستانتین‌دهم استعفا داد .

۱۰۵۹ ــ ۱۰۶۷ ــ کنستانتین دهم ــ (دوکاس) یکی از اعضاء عالی رتبه اداره دارائی بود که در دوره حکومت خود مامورین کشوری و کلیسائیان و دانشمندان را روی کار آورده وبراوضاع مسلط کرد و در زمان وی به‌ارتش بانظر بد گمانی نگریسته شده توجهی بدان نشد و سبب گردید که ارتش راه‌دشمن بادولت را پیش گیرد .

۱۰۶۰ ــ لورمانها **رگجیو** را تصرف‌کرده فتح **کالابریا** را تکمیل کردند .

۱۰۶۴ ــ ترکان سلجوق برهبری **آلپ‌ـ ارسلان** آنی را متصرف‌شده ارمنستان را تاراج کردند .

۱۰۶۵ ــ کومانها از رود دانوب گذشته سیل‌وار به بالکان ریخته و تا تسالونیکا پیش رفتند . ولی بعدا بوسیله نیروهای محلی عقب رانده شدند .

۱۰۶۷ ــ ۱۰۷۱ ــ رومانوس دیوژنس پس از درگذشت کنستانتین باامپراطریس بیوه وی **اودوکسیا** ازدواج کرد . وی سربازی جاه طلب بود و حداکثر کوشش خود را برای جلوگیری از پیشروی دشمن در خاور وباختر بکار برد .

۱۰۶۸ ــ نورسها **اوترانتو** وسپس **باری**‌را که آخرین پایگاه وی درخارج بود تصرف کردند و با این واقعه حکومت بیزانتین در ایتالیا پایان یافت .

۱۰۶۸ ــ ۱۰۶۹ ــرومانوس‌ترکان سلجوق را عقب راند اگر چه مکرر سراسر اناتولیای خاوری را مورد تاخت وتاز قرار دادند .

۱۰۷۱ ــ جنگ مانزی کرت (در شمال دریاچه وآن) : رومانوس نیروهائی عظیم‌برای یك جنگ قاطع تمرکز داده و کـلیه پیشنهاد های صلح وسازش را رد کرد . در خلال یك جنگ سخت **اندرونیکوس‌دوکاس** وسایر بزرگان بیزانتین اورا ترك گفته فرار کردند و بدین طریق رومانوس شکست خورده دستگیر شد ولی بعدا ترکان سلجوق اورا آزاد کردند . وی سعی کرد تا بار دیگر تخت و تاج بیزانتین را بدست آوردولی ازمخالفان خود شکست خورد واورا گرفته کور کردند واو بزودی درگذشت.

۱۰۷۱ ــ ۱۰۷۸ ــ میخائیل هفتم (پاراـ پیناکس) ــ پسر کنستانتین دهم . معنی رسیدن وی بسلطنت پیروزی دیگری برای گروه بودو کراتها بود . میخائیل دانشمندی بزرگ موسوم به **میخائیل پیل‌لوس** را بسمت مشاور کل خود انتخاب کرد و عمر خودرا وقف تحصیل دانش نمود و دستگاه نظامی باردیگر در معرض فراموشی و غفلت قرار گرفت .

۱۰۷۴ ــ پیمان با سلاجقه امپراطور برای جلب کمك ترکان سلجوق در برابر عمویش که مدعی سلطنت شده بود با ایشان بست . سلاجقه عموی اورا شکست دادند ولی از موقع استفاده کرده قدرت خودرا در بخش بیشتری از اناطولی توسعه دادند .

۱۰۷۸ ــ نیسه فوروس برین تیوس در آلبانی بشورش برخاست . شورش دیگری نیز در اناطولی برهبری **نیسه‌فوروس بوتانیاتس** با کمك سلاجقه برپاگشت .

۱۰۷۸ ــ ۱۰۸۱ ــ نیسه‌فوروس سوم (بوتانیاتس) پس از استعفای میخائیل امپراطور شد . بمجردیکه بسلطنت‌رسید با چندین‌طغیان در بخشهای مختلف آرتش روبرو شد . ولی این شورشها با دست ژنرال لایقی موسوم بـه **الکسیوس کوم‌ننوس** فرو نشانده شد .

۱۰۸۱ ــ الکسیوس‌کوم‌ننوس‌خودبشورش برخاست . وی با نیروئی مرکب از سربازان روز مزد قسطنطنیه را تصرف کرد و سربازان وی پایتخت را بباد غارت‌دادند . مفهوم‌پیروزی کوم‌ننوس آخرین موفقیت وفتح اریستوکراسی نظامی وآغاز دوره تازه‌ئی از فتوحات نظامی بود .

۱۰۸۱ ــ ۱۱۱۸ ــ الکسیوس کوم‌ننوس ژنرالی لایق و مدیری فعال و قوی و دیپلماتی زیرك وزمامداری آگاه بود . چون این حقیقت را درك کرده بود که برای بقای خویشتن باید به خانواده های فئودالی بزرگ تکیه کند سعی کرد تا با دادن امتیازات وافتخارات القاب و رتبه بی‌حد وحصر کمك آنها را جلب نماید و در همان حال سعی کرد تا طبقه روحانی را برای تعادل قدرتها سدی جلو نفوذ اشراف قرار دهد . وی دستگاه قضائی ودارائی را اصلاح کرده و مرتبا منابع مالی خود را بکار انداخت تا دشمنانی را که نمیتواند بازور از میان بردارد دوستی یا سکوت آنها را با پول خریداری کند .

۱۰۸۱ ــ ۱۰۸۵ ــ جنگ با نورمانها به رهبری **روبرت‌گیس‌کارد** . وی با نیروئی عظیم در **اپیروس** فرود آمده **دورازو** (دیراکچیوم) را محاصره کرده الکسیوس بوسیله اعطاء امتیازات وسیع بازرگانی در ۱۰۸۲ کمك ونیزیهارا بدست آوردمعهذا **گیسکارد** امپراطور را در جنگ **فاراسالوس** شکست داد و پس‌از آن دورازورا تصرف کرد .

جنگ بوسیله **بوهموند** پسر روبرت گیسکارد ادامه داده شده باردیگر الکسیوس در ۱۰۸۳ شکست خورده تمام خاك مقدونی تا **واردار** بدست دشمن افتاد . ولی **لاریسا** با تاکتیك جنگ چریکی (جنگ وگریز) بومیان محلی که نسبت به کفارلان ها نفرت داشتند و سواران سلجوقی که از طرف امپراطور اجیر شده بودند جلو پیشروی آنها را گرفت . در ۱۰۸۴ ناوگان متحد بیزانتین و ونیز نورمانها را نزدیك **کورفو** شکست دادند . دراین هنگام درگذشت روبرت گیسکارد باعث نفاق بین پسران وی شده طرح تصرف بالکان را ترك گفتند .

۱۰۸۶ ــ ۱۰۹۱ ــ شورش بوگومیل ها در تراس و بلغارستان . غیر مسیحیان (کفار) باکمك پاتزیناکها و کومانها موفق گشتند که

الکسیوس‌وارتش عظیم‌اورا در جنگ درلیسترا یا دوروستولون در ۱۰۸۷ شکست دهند . کومانها سپس سراسر منطقه خاوری بالکان را تا قسطنطنیه تاراج کردند تا آنکه الکسیوس باپول آنهارا ساکت کرد و آنها را بخدمت امپراطوری در آورده وایشانرا برای بر انداختن پاتزیناکها در جنگ لبورنیون در ۱۰۹۱ بکار برد .

۱۰۹۲ — درگذشت ملك شاه زمامداری امپراطوری سلجوقی ایکونیوم که تقریبا تمام اناطولی را در تصرف داشت . پس‌از وی در مورد جانشین او واختلاف افتاد وراه را برای تجدید فتح اناطولی بدست امپراطور بازکرد.

۱۰۹٤ — کنستانتین دیوژنس مدعی تاج وتخت با سپاهی از کومانها از دانوب گذشته ادریانوپول‌را محاصره کرد ولی در جنگ توروکومون شکست خورد .

۱۰۹٦ — ۱۰۹۷ — جنگ صلیبی اول . صلیبیون که بوهموند نیز یکی از رهبران آنها بود در خاور اروپا قویا مورد بدگمانی ودر معرض بدبینی بودند و خاوریان به‌این جنبش که بعقیده آنها بدست پاپ لاتن ومشترك ترتیب داده بود نظر خوشی نداشتند . اما الکسیوس قادر بجلوگیری از صلیبیون نبوده و لذا ناچار شد خود تنظیم واداره نهضت را بدست گیرد وی از صلیبیون قول گرفت که بازاء سرزمین هائی که از دست کفار خارج میکنند و متصرف میشوند نسبت بامپراطوری خاوری احترام و ابراز انقیاد کنند . ضمنا فتوحات صلیبیون در نیکائیا و دوری لائیوم در ۱۰۹۷ الکسیوس را قادر ساخت تا کلیه سواحل باختری اناطولی را که از دست داده بود باردیگر بچنگ آورد.

۱۰۹۸ — ۱۱۰۸ — جنگ باترکان سلجوق صلیبیون انطاکیه را که در ۱۰۸۵ بدست ترك ها افتاده بود فتح کرده آنرا به بوهموند سپردند که از شناسائی‌تفوق الکسیوس امتناع کرد . سپس بین ایشان جنگ در گرفت . بوهموند به ایتالیا برگشته لشکر عظیمی‌فراهم آورد ودر ۱۱۰٤ باآن لشکر به اپیروس رسیده در محاصره دور از رو موفقیتی بدست‌نیاورد والکسیوس حاضر بصلح شده تسلط بیزانتین را برانطاکیه برسمیت شناخت .

۱۱۱۰ — ۱۱۱۷ — جنگ باترکان سلجوق که باردیگر تا بغاز بوسفور پیشروی کرده بودند . الکسیوس در ۱۱۱٦ در فیلوملیون به پیروزی نائل آمده ترکان را دعوت به صلح‌کرد ودر ۱۱۱۷ صلح اکروئی‌نون بین ایشان منعقد گردید ترکها کلیه مناطق ساحلی اناطولی (شمال ، باختر و جنوب) وتمام قسمت باختری اناطولی را در غربی خطی از سینوپ که از انسیرا (یا انکیرا — آنکارا) و فیلوملیون میگذشت ترك گفتند .

۱۱۱۱ — امتیازات بازرگانی به پیزانها اعطا گردید و این قسمتی از نقشه امپراطور بود تا پیزانها را از نورمن ها جدا کند واز طرف دیگر در برابر موقعیت بازرگانی عظیم ونیزیها در حوزه امپراطوری رقیبی برای موازنه بوجود آورده باشد .

۱۱۱۸ — ۱۱٤۳ — جان‌کوم‌ننوس زمامداری دارای اخلاق عالی و مردی ملایم ، شجاع و صمیمی بود . وی بیشتر توجه خود را بخاور امپراطوری ورسانیدن مرز امپراطوری بحدود قدیم یعنی فرات وباطاعت اوردن دولتهای‌لاتن سوریه معطوف داشت .

۱۱۲۰ — ۱۱۲۱ — جان در جنگی برضد سلاجقه پیروزشده‌جنوب‌باختری اناطولی‌را از ایشان پس گرفت ولی بسبب فتوحات بیشتر پاتزیناکها و پیشروی ایشان در بالکان ناگزیر شد از ادامه پیشروی خود در اناطولی دست بردارد .

۱۱۲۲ —برپاتزیناکها شکست‌فاحشی وارد شد بطوریکه از آن پس تهدیدی به امپراطور حساب نمیشدند .

۱۱۲۲ — ۱۱۲٦ — جنگ باونیز نتیجه امتناع جان بود از تجدید امتیازات وسیع بازرگانی ونیز که بدانوسیله ونیزیها حد اعلای استفاده را میبردند . ناوگان ونیز جزائر اژه‌را بباد تاراج داده کورفو وسفالونیا را ضبط نمود و بالاخره جان مجبور شد که در ۱۱۲٦ امتیازات آنهارا تجدید کند .

۱۱۲٤ — دخالت امپراطور در امور مجارستان از طرف بلای‌دوم (بکسرباء اول) موجد سیاستی گردید که در تمام‌قرن ۱۲ ادامه در کشور مجار ادامه داده شد . هدف‌امپراطور ها خانواده کوم‌ننی آن بود که مانع تسلط هونگریها (مجارها) برمناطق سلاویك دالماسیا، کرواتیا ، وسربنا شوند . امپراطور طبق پیمان صلح ۱۱۲٦ برانی‌کووا را که پل حیاتی و مهم روی دانوب بود بتصرف آورد .

۱۱۳٤ — ۱۱۳۷ — فتح ارمنستان سیلیکی (ارمنستان کوچك) که با سلطنت لاتن انطاکیه متحد شده بود . جان در نتیجه ریموند پادشاه انطاکیه را مجبور کرد که برای حفظ قلمرو خود نسبت به‌جان ابراز اطاعت کند .

۱۱٤۳ — جان بسبب زخمی که در هنگام شکار برداشت درگذشت و در همان موقع بود که در تدارك تجدید جنگ با سوریه بود .

۱۱٤۳ — ۱۱۸۰ — مانوئل کوم‌ننوس پسر جان ، مردی شریف ، باهوش و ایدآلیستی جوانمرد بود ودر عین حال زمامداری زبردست و سربازی جاه‌طلب‌بود . وی‌بزرگترین‌امپراطور سلسله کوم‌ننی و سلطنت وی باشکوه بود . در زمان سلطنت وی قسطنطنیه بعنوان پایتخت جهان و مرکز فرهنگ و تمدن پذیرفته شد . هنرهای دوره وی هم در خاور وهم در باختر مورد تقلید واقع شد . مانوئل با ماریا از اهل انطاکیه که شاهزاده خانمی از قوم لاتن بود ازدواج کرده و بسبب موقعیت خویش امید آنرا داشت که رستاخیزی برای تشکیل امپراطوری جهانی بوجود آورد . بدین سبب بود که با اشراف لاتن گرم گرفته معاشرت میکرد و آنها را استخدام مینمود و باباریستو‑ کراسی یونانی زناشوئی کرد و دائما در فکر تجدید وحدت بارم بود و برای سرزمین های ایتالیا طرح هائی میریخت که حاکی از نیت بالا بود وهم آنکه با امپراطور های هوهنش تاؤفن مخالف بود . اما کلیه تدابیر فوق‌الذکر باعث ایجاد خصومت بسیار در میان یونانیان شد که محرك آن فعالیت های بازرگان‌بزرگ و متنفذ ایتالیا بود واین خصومت‌ها به بهای گزاف برای امپراطوری تمام شده مبالغ بسیار هنگفت و بی‌اندازه زیان وارد کرد بعلاوه باعث جنگهای مکرر امپراطوری بانورمانها گردید . از طرف دیگر گرفتاری امپراطوردر باختر سبب شد که از رسیدگی بوضع خاور غفلت ورزد و بار دیگر به سلطنت سلجوق ایکونیوم (روم) فرصت دهد که دوباره جان گرفته به‌جنبش درآید .

۱۱٤۷ — ۱۱۵۸ — جنگ با راجر پادشاه سیسیل : ناوگان نورمان اوبوئیا و آتیکا را تاراج کرده تبس و کورنیت را غارت‌نموده عده زیادی کارگران ابریشم را کوچ داده آنها را در پالرمو مستقر ساختند . امپراطور که از توجه به ناوگان بیزانتین غفلت ورزیده بود ناگزیر گردید کمك ونیز را در سال ۱۱٤۸ با دادن امتیازات بازرگانی وسیع خریداری کند ونیزیها در ۱۱٤۹ برای فتح کورفو بامپراطور کمك کرده وراه را برای فتح آنکونا در ۱۱۵۱ بدست بیزانتین گشودند . امامساعی امپراطور برای بسط قدرت یونانی به ایتالی در۱۱۵٤ با شکست مواجه شده وبالاخره مانوئل در ۱۱۵۸ ناگزیر شد تن به صلحی غیر قاطع دهد.

۱۱٤۷ — ۱۱٤۹ — جنگ صلیبی دوم : صلیبیون منطقه بالکان‌را غارت‌کرده با یونانیان در قسطنطنیه دست بگریبان گردیدند ولی مانوئل با سیاست ودیپلماسی مانع زد و خورد بین آنها شد . یونانیان برای جلوگیری شکست صلیبیون در اناتولیا اقدامی بعمل نیاوردند.

۱۱۵۲ — ۱۱۵٤ — جنگ برضد مجارها که سعی داشتند دعاوی خود را نسبت به سربیا و بوسینا به ثبوت رسانند و به پیروزی بیزانتین منتهی شد و در ۱۱۵٦ صلح بین دو طرف منعقد شده مجارها حاکمیت امپراطور را شناختند .

۱۱۵۵ — امپراطور بامید آنکه ژنوئا را برضد ونیزی ها برانگیزد امتیازات بازرگانی به ژنوئا داد .

۱۱۵۸ — ۱۱۵۹ — سپاهی برای مقابله با ریموند زمامدار انطاکیه اعزام شده اورا مجبور کردند تا ابراز اطاعت خود را نسبت بامپراطور تجدید کند .

۱۱٦۱ — قلج ارسلان چهارم سلطان روم با امپراطوم صلح کرده تفوق اورا شناخت .

۱۱٦۵— ۱۱٦۸ — جنگ‌بامجاورها : نیروهای امپراطوری دالماسیارا تصرف کرده و پس‌از انعقاد صلح در ۱۱٦۸ بخشی از کرواتیارا ضبط کرد . در سالهای بعد مانوئل با فعالیت در امور سلسله سلطنت مجار دخالت کرد و بلای سوم (۱۱۷۳ — ۱۱۹٦) عملا به تبعیت او درآمد .

۱۱۷۰ — ۱۷۷۷ — جنگ باونیز نتیجه طبیعی افتاده بخشی‌هائی از دالماسیاو ایتالیا بود بدست بیزانتین . امپراطور کلیه بازرگانان ونیزی را در قسطنطنیه زندانی کرده واجناس آنهارا ضبط کرد ولی چون به ناوگان خود توجهی نکرده بود سودچندانی ازاین کار نبرد. ونیزیها در ۱۱۷۱ راگوسا . و کیوس را تصرف کردند ولی در ۱۱۷۳در حمله به انکونا توفیقی حاصل نکردند ونیزیها در ۱۱۷۵ بانورمانها بر ضد امپراطورمتحده شده‌اندوبدینطریق مانوئل را ناگزیر به تسلیم کردند . طبق صلح ۱۱۷٦ امتیازات بازرگانی آنها تجدید شد وامپراطور غرامت سنگینی بایشان پرداخت .

۱۱۷٦ — ۱۱۷۷ — جنگ برضد سلاجقه : بیزانتین در ۱۱۷٦ در میریوسفالون شکست خورد اما سال بعد مانوئل‌دشمن را در بی‌تی‌نیا

شکست داد در حالیکه جان **واتاتزس** آنها را از دره **میاندر** بیرون کرد .

۱۱۸۰ – ۱۱۸۳ – مانوئل الکسیوس دوم: پسر مانوئل کومننوس کودك بود و مادر وی **ماریا** بعنوان نایب‌السلطنه حکومت کرد و کاملا متکی به لاتن هائی بود که در خدمت او بودند.

۱۱۸۲ – شورش مردم قسطنطنیه برضد لاتن‌ها و مامورین دولت وبازرگانان و قتل‌عام آنها که عده زیادی از ایشان را کاست وگروه مردم عوام‌شورشی**اندرونیکوس‌کومننوس**را روی کار آوردند .

۱۱۸۲– ۱۱۸۵– اندرونیکوس‌کوم ننوس: عموی امپراطور که پسر بچه‌ئی بود ابتدا به عنوان **شریك امپراطور** حکومت کرد ولی در ۱۱۸۳ الکسیوس را خفه کرده خود به تنهائی زمام حکومت را در دست گرفت . اندرونیکوس بارها برضد مانوئل بانتریگ پرداخته بود و معروف به سست پیمانی و فقدان مسلك ومرام اخلاقی بود ولی شخصیتی بسیارجذاب داشت وبا هوش و قوی وبی ملاحظه وجبار بود . وی از طریق تعقیب ، توقیف واعدام ، دربار را تصفیه کرد و خود را از لاتن های منفور خلاص بخشیده ، فروش پست های دولتی و مقرری و وظیفه ها را ملغی نموده ، دستگاه قضائی را اصلاح‌نمود و مالیاتها را سبکترکرده تخفیف داد . هدف این اقدامات واین سیاست تضعیف مامورین مقتدر حکومت واریستوکراسی مالك اراضی بود واگر این اصلاحات ادامه یافته بود بهبودیهائی در کلیه امور امپراطوری بوجود میآمد .

۱۱۸۵ – حمله نورمن‌ها : نورمن ها **دورازو** را تصرف کرده یك نیروی زمینی و یك نیروی دریائی به تسالونیکا فرستاده آن منطقه را ویران و یونانیان را قتل عام کردند . این حمله منجر به شورش اشراف یونانی بر علیه اندرونیکوس گردیده وی از سلطنت خلع و مورد شکنجه قرار گرفت و بعدا اعدام شد.

۱۱۸۵ – ۱۱۹۵ – اسحق انترلوس رهبر یاغیان حکومت کرده . مفهوم سلطنت وی برگشت دوره غفلت وفساد و رشوه خواری قدیم بود . در مدت قلیلی امپراطوری شروع به تجزیه گذاشت . در استانها خانواده‌های مقتدر فئودالی (مثلادر یونان خانواده**سگوروس** در طرابوزان خانواده گابراس) شروع کردند که استانهای مستقل تشکیل دهند .

۱۱۸۵ – الکسیوس براناس ژنرال‌بیزانتین در **دمتریت سا** بر نورمن ها غلبه کرد در ۱۱۹۱ نورمن‌ها از بالکان و حتی از **دورازو** و **کورفو** بیرون رانده شدند .

۱۱۸۶ – ۱۱۸۸ – طغیان بزرگ در بلغارستان برهبری **پطر آسن** و **جان آسن** که سبب آن در درجه اول زیاده ستایی مامورین مالی امپراطور بود .

کومانها این شورش را تقویت کردند و منجر به ویرانی بسیاری در منطقه بالکان گردید وعده زیادی از جمعیت یونانی بالکان بهلاکت رسیدند . فرماندهان یونانی با آنکه چند مرتبه پیروز گشتند ولی موفق به فرو نشاندن این جنبش نگردیدند وبالاخره منجر به تشکیل یك دولت بلغارستان تازه در۱۱۸۸ در شمال کوههای بالکان گردید .

۱۱۸۷ – سقوط بیت‌المقدس : اسحق انژلوس از بیم وقوع یك جنگ صلیبی دیگر با **صلاح‌الدین** متحد گشت .

۱۱۸۹ – جنگ صلیبی سوم : جان‌آسن در بلغارستان مقدم **فردریك بربروسا** را گرامی دانسته سپاهی به اوداد تا برضد امپراطور بکار برد . اما فردریك از ستیزه با امپراطور ناتوانست اجتناب کرده واسحق هم با عبور صلیبیون بخاك اناطولی مخالفت نکرد .

در ۱۱۹۳ بادرگذشت صلاح الدین خطراز جانب خاور تقلیل یافت .

۱۱۹۰ – ۱۱۹۴ – ادامه جنگ دربلغارستان نیروهای بیزانتین در ۱۱۹۰ در **برهو** و در ۱۱۹۴ در **ارکادیوپولیس** شکست خوردند .

۱۱۹۵ – ۱۲۰۳ – الکسیوس سوم برادر اسحق که اسحق را خلع نموده و کور کرد .

۱۱۹۶ – هنری ششم امپراطور باختر وارث قلمرو نورمن‌ها **دورازو** و **تسالونیك** را مطالبه کرد : الکسیوس مبالغ هنگفتی پول پرداخت ودعوی را فیصله داد .

هنری در ۱۱۹۷ درگذشت والکسیوس از تهدید نزدیك و فوری از ناحیه غرب خلاصی یافت .

۱۲۰۱ – صلح بابلغارها که بایشان اجازه داده شد که بیشتر منطقه خاوری بالکان را در تحت اداره برادر جوان تر **آسن‌ها** یعنی **جان نیت‌ساکالویان** (۱۱۹۷ – ۱۲۰۷) نگاه دارند .

۱۲۰۲ – ۱۲۰٤ – جنگ صلیبی چهارم : رهبران این جنگ **دوجه های** ونیزی و عبارت بودند از **انریکوداندولو** و **بونیفاس –اف – مونت‌فررات** .

الکسیوس پسراسحق ازصلیبیون‌درخواست کمك برضد عموی خود کرده و قول داد که امتیازات بزرگی به ونیزیها بدهد . **داندولو** موفق گشت که این لشکر کشی را بر علیه قسطنطنیه بکار برد . صلیبیون **دورازو** را در ۱۲۰۳ تصرف کرده و در ژوئن همان سال وارد قسطنطنیه شدند . امپراطور در ماه ژوئیه به ادریانوپول گریخت سپس صلیبیون برادر مخلوعش اسحق را باتفاق پسرش برتخت نشانیدند .

۱۲۰۳ – ۱۲۰٤ – الکسیوس چهارم ، وی کاملا در تحت اراده صلیبیون قرار داشت و تحت فشار ایشان ناگزیر به پرداخت خراجی سنگین گردید .

مردم ناراضی بشورش برخاستند .

۱۲۰٤ – ۲۵ ژانویه – انقلابی بوقوع پیوست که منجر به سلطنت الکسیوس پنجم شد .

۱۲۰٤ – الکسیوس پنجم (دوکاس) : الکسیوس چهارم بقتل رسید . زمامدار تازه از پرداخت پول به صلیبیون امتناع کرده تقاضای بیرون رفتن آنهارا از کشور نمود .

– ۱۲ آوریل – صلیبیون به شهر حمله کرده با بی‌رحمی قسطنطنیه را غارت و کشتار کردند . امپراطور توانست از معرکه فرار نماید .

ب – ترکان سلجوق

۱۰۳۷ – ترکان سلجوق شاخه‌ئی ازترکان **غز** بودند که برهبری دو برادر بنام **طغرل‌بیگ** و **چغربیگ** بخراسان حمله کرد وسپاه غزنوی را شکست دادند : وسپس بلخ ، گرگان ، طبرستان (مازندران) و خوارزم را فتح نمودند .

۱۰۵۵ – ورود طغرل بیگ به‌بغداد : وی در آن شهر خود را سلطان خوانده و لقب ملك‌الشرق والغرب (پادشاه خاور وباختر) را برای خود برگزید . و سپس به سرزمین های کاپادوکیه و فریریاکه در تحت‌حکومت بیزانتین قرار داشت حمله نمود .

۱۰۶۳ – ۱۰۷۳ – الپ ارسلان برادر زاده رشید طغرل بود که بجای وی نشست وی گرجستان وارمنستان را فتح نمود .

۱۰۷۱ – جنگ منزی کرت (ملا ذکر) . آلپ ارسلان امپراطوری بیزانتین دیوژن – رومانوس را شکست داده قدرت بیزانتین را در آسیای وسطی درهم شکست .

۱۰۷۳ – ۱۰۹۲ – ملك شاه پسر الپ ارسلان وزیر وی **خواجه نظام‌الملك** لایق‌ترین زمامداری بود که در قاره آسیا مانند وی هنوز بوجود نیامده بود . وی در عین حال حامی علم ودانش بود و دانشکده هائی (از جمله مدرسه نظامیه در بغداد) در بغداد و سایر شهرهای عمده تاسیس نمود . در زمان وی در تقویم بوسیله شاعر معروف **عمر خیام** اصلاحاتی بعمل آمد .

۱۰۸٤ – سلاجقه انطاکیه را تصرف کردند .

۱۰۹۰ – قیام جمعیت اخوان اسمعیلیه که به حشاشین معروف شدند بدست حسن صباح همدرس نظام الملك در عهد جوانی و مبلغ کیش فرقه فاطمی (حشاشین را بزبانهای باختری **اسعسن** خوانند بمعنی آدم کشها یا تروریستها واعضاء این فرقه غالبا تروریست بوده برای ترور تربیت یافته بودند)

حسن صباح قلعه **الموت** را در سلسله جبال البرز در مازندران تسخیر کرده آنرا پایگاه خویش قرار داد . حشاشین چندی بعد قدرت خودرا در بسیاری از دژهای کوهستانی در شمال ایران وعراق وسوریه‌مستقر ساختند و صلیبیون با شاخه سوریائی این فرقه بر خورد کردند .

۱۰۹۱ – خواجه نظام‌الملك پس از آنکه دو مرتبه برای مقهور ساختن اسمعیلیه لشکر کشید و موفق نگشت بدست یکی از پیروان فرقه بقتل رسید .

۱۰۹۲ – برکیارق (رکن‌الدین) پسر ملك شاه بسلطنت رسیده جنگ داخلی بین وی و برادرش محمد در مورد حکومت برایران و خراسان درگرفت و شاخه های‌مختلف خانواده سلجوق هریك‌در بخش های‌مختلف امپراطوری سلجوق خودرا مستقل ساختند اگر چه رشته اصلی وارثان سلطنت تا سال ۱۱۵۷ اسما عنوان سلطنت را حفظ کردند . **امپراطوری سلجوق در بخش خاوری** بالاخره بدست

خوارزم شاه در ۱۱۵۷ ساقط گردید . **سلاجقه کرمان** (۱۰٤۱ — ۱۱۸۷) بدست **ترکمن** های غز ساقط گردیدند . **سلاجقه سوریه** (۱۰۹٤ — ۱۱۱۷) بدست **بوریدها** و **اورتوکیدها** منقرض گردیدند : سلاجقه عراق و کردستان (۱۱۱۷— ۱۱۹٤) مقهور پادشاهان خوارزم گردیدند ، سلاجقه روم (مقیم ایکونیوم یا قونیه) که بر بیشترخاك اناطولی‌حکومت داشتند شاهزاده نشین موسوم به **دانشمندی** را در کاپادوکیه تصرف نمودند ولی مغولان و ترکان عثمانلی (عثمانی) آنها را بیرون راندند .

۱۱۰۰ — ۱۲۰۰ — درخلال قرن۱۲سراسر امپراطوری سلجوق باستثنای قسمت روم (که مقرانها در قونیه بود) بدست افسران ارتشهای سلجوقی یا باباللههای پسران امرای سلجوقی بنام **اتابکان** (نایب‌السلطنه‌ها) افتاد که از آن جمله‌اند : **اتابکان سلسله بورید** در دمشق (۱۱۰۳ — ۱۱۵٤) که موسس آن **توغ‌توگین** بود. **اتابکان** زنگی در بین‌النهرین و سوریه (۱۱۲۷— ۱۲۵۰) بدست **عمادالدین زنگی** تاسیس شد که پسرش **نورالدین** به مخالفت باصلیبیون شهرت دارد .

اتابکان زنگی در ۱۱۵٤ منطقه تابع بورید را ضمیمه خودکردند . **اتابکان اورتوکید** حاکم بردیار بکر بوده واین سلسله بدست اورتوك پسر عقرب در ۱۱۰۱ تاسیس شد و پسران وی **سوکمن** و **ایل‌غازی** هردو در جنگهای برضد شاهزادگان **لاتینی** فلسطین شهرت یافتند و این سلسله تا سال ۱۳۱۲ دوام یافت . **سوکمن قطبی** اولین شاه‌سلجوقی ارمنستان بود (۱۱۰۰— ۱۲۰۷) . **اتابکان آذربایجان** (۱۱۳٦—۱۲۲۵) بدست **اللدوقز** تاسیس شد و پسرش محمد زمامدار واقعی سلطنت سلجوق در عراق بود . **اتابکان سلغری** از ۱۱٤۸ تا ۱۲۸۷ در فارس سلطنت کردند **اتابکان هزار اسبی** از ۱۱٤۸ تا ۱۳۳۹ بر لرستان مسلط بودند .

بالکاتی گین سلجوقی فرمانروای غزنه بود **وانوشتکین** غلامی بود ترك در خدمت بالکاتیکین . انوشتکین جد اولین‌پادشاه‌مستقل غزنه موسوم به **آتز** است .

۱۰۹۵ —صلیبیون به قلمرو سلطان‌روم سلجوقی حمله کرده انطاکیه را تصرف نموده کشتاری خوفناك از مردم نمودند. در ۱۰۹۹ بیت‌المقدس را تصرف کرده و سلطنت لاتن بیت‌المقدس (اورشلیم) را بنیاد نهادند. در ۱۱۰۹ قیصریه (سزاریا)، طرابلس ، نیزو سیدون را تصرف کردند . از آن پس صلیبیون با مسلمین (فاطمیان ، بوریها ، زنگی‌ها، اورتوکیدها و بالاخره صلاح‌الدین ایوبی سلطان مصر) مدام در نبرد بودند.

ج ـ جنگهای صلیبی

مقدمات و علل اولیه جنگهای صلیبی

(۱) زندانی کردن زائرین مسیحی برای توبه که باحتمال قوی اززمان **هلنا** مادر کنستانتین معمول گشت . پس‌از فتح بیت‌المقدس بدست مسلمین در ٦۳۸ این شهر مرکز مقدس مذهبی مشترك‌هردوگروه‌مسیحیان و مسلمین گردید . سپس در۸۰۷هارون‌الرشید خلیفه عباسی حق حفاظت شارلمان را نسبت بشهرهای مذهبی بشناخت . در ۱۰۱۰ خلیفه عباسی **الحاکم** از روی دیوانگی این امتیازرا لغو کرد .

(۲) جنگ شارلمان در اسپانی و تجدید تصرف اسپانیا بدست مسیحیان.

(۳) تجدید حیات فرقه کلونیاك و اصرار ایشان در لزوم زیارت اماکن مقدسه باعث افزایش سریع تعداد زائرین‌بیت‌المقدس گردید بدون آن‌که مخالفین از طرف مسلمین ابراز شود تا زمان ظهور سلاجقه .

(٤) جنگهای مسلمین با مسیحیان و تجدید فتوحات ایشان‌درباختر‌باعث‌عکس‌العمل اروپائیان نسبت بفشار مسلمین شده .تجدید فتح **پیزان** درساردینی در حدود ۱۰۱٦ باکمك پاپ ، اتحادکاستیل واراگون در فتح اسپانیا در ۱۰۵۰ ، و تجدید فتح سیسیل بدست نورمن‌ها (۱۰٦۰— ۱۰۹۰) .

۱۰۸۷ — ژنوئا —و— پیزا بواسطه فتح مهدیه درافریقا تسلط بر باختر مدیترانه را از دست مسلمین گرفتند . پس از جنگ **منزیکرت** یونانیان ازپاپ گریگوری هفتم کمك طلبیدند . گریگوری با اتحاد با **راجرگیسکارد** در ۱۰۷٤ لشکری برای کمك به یونیان فراهم کرد .

پاپ **اوربان دوم** کمك نظامی به‌قسطنطنیه را از برکت دستگاه پاپی که تجدید حیات کرده و بنحوی تازه قدم بعرصه وجودگذاشته بود مبتدل به نوع تازه‌ئی از جهاد یا جنگ مقدس و بعبارت دیگر نوعی از امپریالیسم مذهبی نمود .

۱۰۹۵ — امپراطور یونانی از سینود **پیاسنزا** تقاضای کمك نمود . پاپ‌اوربان در ۱۰۹۵ در سینود کلارمونت حضور یافته وی که از فرقه کلونیاك و فرانسوی بود خطاب بفرانسویان بحماسه سرائی و مدح وذکر افتخارات فرانسویان و هم روضه خوانی و قصه سرائی و بیان داستانهائی ازشرارت و قساوت و ستمگری مسلمین پرداخت وهم آنکه باشاره و تلویح وعده منافع مالی بسیار به‌مجاهدین داد و ضمنا فئودالهای داخلی را مورد حمله قرار داده وایجاد احساسات وحشیانه ودیوانه‌وار در شنوندگان خود نمود و او خود صلیب هائی را برای داوطلبان در شرکت در جهاد بر ضد مسلمین تقسیم کرد .

مسافرتهای تبلیغی اوربان و هم وعظ و خطابه های **پطرگوشه‌گیر** و سایرین باختر را بلرزه در آورد و تبی تند سراسر باختر را فراگرفت ولی این تب در فرانسه ولورن تندتر بود زیرا این مناطق بیشتر درتحت‌نفوذ فرقه کلونیاك قرار داشت . زمامداران بزرگ با پاپ میانه‌ئی نداشتند و یاگرفتار امور داخلی خود بودند و بقیه اروپا هم خونسرد باقی ماند و صلیبیون درتحت حمایت فرانسه شروع بفعالیت کردند .

۱۰۹٦— ۱۰۹۹ — جنگ صلیبی اول: پنج گروه عظیم از مردم عوام بدون‌هدف‌درسال ۱۰۹٦ بنام عزم جنگ جهاد شروع بمسافرت و مهاجرت بطرف خاور نموده کلیه ده‌ها و قریه‌ها را تخلیه کرده و هرچه سر راه خود یافتند غارت و چپاول کردند ازاین گروه‌ها که ابراز احساسات ضد سامی(عرب‌و یهود) مینمودند تنها دوگروه . (که یکی ازآنها احتمالا در حدود ۷۰۰۰ نفر و برهبری **پطر۔گوشه‌گیر** وگروه دوم در حدود ۵۰۰۰ نفر بقیادت **والتربی‌پول** یالات بودند) توانستند خود را بآسیای صغیر برسانند وعموما بدست مسلمین نابود گشتند .

سپس سپاهی مرکب از لورمانهاوفرانسویان از طرف بارونها تشکیل شده و لباس و علائم جنگ صلیبی را پوشید به‌سه لشکر تقسیم و عازم قسطنطنیه شدند : لشکر لورن برهبری **گادفری —آف— بوئیون** و برادرش بالدوین از طریق مجارستان پیشروی نمودند.
لشکر **پروونسی** بقیادت **کنت ریموند** ازتولوز و نماینده پاپ موسوم **آدهمارآف پوی** ازطریق **ایلیریا** عازم گشتند . نورمانها بسرپرستی **بوهموند —اف—اوترانتو** (که ازسایر سران لشکر لایق تر بود) از راه **دورازو** از طریق دریا و خشکی پیش رفتند . وجمعاکل‌این‌لشکر احتمالا ۳۰۰۰۰ نفر بود.

امپراطور یونانی **الکسیوس کوم‌ننوس** که منتظر سربازان روزمزد خود بوده و برای صلیبیون تدارکی نداشت ناچار شد که غذا و راهنما برای ایشان تهیه کند وغارتگران را هم تنبیه نمود . وی از رهبران صلیبی (باستثنای ریموند که امتناع کرد) قول‌وفاداری گرفت و از آنها خواست‌که هر قسمت‌ازایالات ازکف رفته امپراطوری یونانی راکه تصرف کردند بنام وی آنرا گشوده و نام امپراطور را برسران گذارند .

مخالفت مسلمین : ترکان سلجوق تنها در سوریه پادگانهائی داشتند و جمعیت بومی و محلی هم از آنها خوششان نمیآمد ووحدت مسلمین نیز با درگذشت ملك شاه سلجوقی در ۱۰۹۲ پایان یافته سوریه ازلحاظ سیاسی و نژادی ومذهبی تجزیه گردید به‌سنی و شیعه . در ۱۰۹۸ حکمران فاطمی مصر بیت‌المقدس را از دست فرقه شیعه بدر آورد .

۱۰۹۷ — **نیکائیا** پایتخت ترکان سلجوق در آسیای صغیر بدست نیروهای مرکب‌یونانی و صلیبیون افتاده سپاه زمینی مسلمین در **دوری لائیوم** شکست خورد . **بالدوین وتانکرد** بنای پیشروی گذاشته درسیلیکیه برقابت یکدیگر برخاستند . اما **بوهموند** در منطقه انطاکیه مستقر گردید و باخدعه و خیانت انطاکیه را محاصره و تصرف‌کرد (۱۰۹۷— ۱۰۹۸) سپس امیر موصل مسیحیان را در انطاکیه محاصره نمود .
بوهموندبسمت‌پیشواانتخاب‌شد. بالدوین در ۱۰۹۷ **ادسا** را تصرف‌کرد.

ادهمار — اف— پوی در ۱۰۹۸ درگذشت. بین مسیحیان نفاق افتاده تجزیه گشتندو نورمانها با پروونسی ها معروف به نیزه داران مقدس برقابت برخاستند .

۱۰۹۹ — حرکت بطرف بیت‌المقدس: (قافه ژنوئانی وحمل مواد غذائی) محاصره وتصرف بیت‌المقدس همراه با چپاول وتاراج وحشت اوران شهر . در اثر درگذشت نماینده

پاپ سازمان حکومت بیت‌المقدس به‌فئودال غیر روحانی واگذار شد . **گادفری ـ آف ـ بوئیون** بعنوان شاه آن سرزمین انتخاب شد و لقب **نگهبان مزار مقدس** را یافت. قسمت اصلی صلیبیون بزودی بمیهن خود برگشتند. کوشش نورمن ها برای تسلط برحکومت بیت‌ـ المقدس بوسیله پاتریارك **داگوبرت** منجر به خلع این سراسقف ازطرف فرقه ضدنورمن گردیده و بیت‌المقدس بجای آنکه دارای یك رژیم تئوکراسی تابع پاپ‌گرددکه منظور اصلی بود مبدل بیك سلطنت فئودالی گردید .

بطوریکه از کتاب قوانین اورشلیم (کامل‌ترین مجموعه قوانین یا که فئودالی‌که باقی مانده است) برمیآیدحکومت‌بیت‌المقدس در این زمان کاملا فئودالی بوده و شاه‌آن‌یك ارباب فئودالی بوده نه شاه باین معنی‌که مستاجرهای بزرگ املاك موقوفه تحت اداره خود را حاکم برامور قرارمیداد.

و دوش بدوش سازمان فئودالی سازمان شهر و سازمان مذهبی وجود داشت‌و هریك دارای دادگاه های جداگانه مخصوص بخود بودند .

ادامه تجزیه بین مسلمین و ضعف یونانیان موجب پیشرفت و ترقی دولتهای لاتن گردید: سلطنت اورشلیم بوسیله اتحادنزدیك‌بازرگانی با شهرهای ایتالیا (ژنوا ـ پیزا ـ وچندی بعد ونیز) از تجارت از راه بندرهای خود استفاده کرده و سرزمین خود را بطرف جنوب توسعه داده به‌تجارت دریای سرخ نیز تا حدی دست یافت .

دولتهای دیگر لاتن عبارت بودند از: کنت نشین **ادسا** (بکسراول) که بالدوین آن را بنا نهاد . ـ استان انطاکیه که بوهموند آنرا تاسیس نمود ـ کنت نشین تری‌پولی (یاطرابلس نام شهری است درشمال باختری سوریه) که ریموند آف تولوز آنرا بنیان‌گذاشت و عموما جزء تیولات بیت‌المقدس محسوب میشدند . قلمرو حکومت بیت‌المقدس به‌چهار بارون نشین بزرگ و عده‌ئی تیولات کوچکتر تقسیم شده بود . مراجعت‌بخش‌اصلی‌صلیبیون فرانکها را بی‌یار و یاور رها کرده نتوانستند مانع نفوذ خاوریان در آن سرزمین ومانع سقوط خود شوند و پس ازتسخیربیت‌المقدس در ۱۱۸۷ بدست صلاح‌الدین سلطنت بیت‌ـ المقدس ساقط شده و دیگر ازآن پس بصورت یك دولت متشکل بیرون نیامد.

وحدت مسلمین در سوریه بوسیله اتابکان موصول تکمیل شد که در ۱۱٤٤ **ادسا** را تصرف‌کردند . اتابکان موصل بزودی بر مصر تسلط یافتند .

در ۱۱۷۱ صلاح‌الدین ایوبی در مصر قدرت یافته و بسرعت دمشق و حلب را تسخیر کرد و سوریه و مصر را تحت یك حکومت مقتدر قرارداد .

۱۱٤۷ ـ ۱۱٤۹ ـ جنگ صلیبی دوم: **برنارد ـ آف ـ کلروو** بتحریك**پاپ‌اوژنیوس‌سوم** برخلاف میل خود در ۱۱٤٥ شروع به‌تبلیغ برای جنگ دوم صلیبی نمود.

امپراطور **کونرادسوم** و هنری هفتم شاه فرانسه صلیب رابدست گرفته پیشقدم شدند .

این دو پادشاه برای اجتناب ازتصادم و کشمکش هرکدام راهی جداگانه را برای مسافرت در پیش گرفتند و درتمام مدت این جنگ هیچگاه وحدت فرماندهی بین‌ایشان حاصل نشد . **راجو** ازقوم نورمان و پادشاه سیسیل را جنگ صلیبی دوم استفاده کرده جزایر یونانی را متصرف شده به آتن ، تبس، وکورینت حمله کرد .

از جنگ صلیبی دوم نتیجه‌ئی بدست نیامد و جنبش در سراسر اروپا محکوم شد .

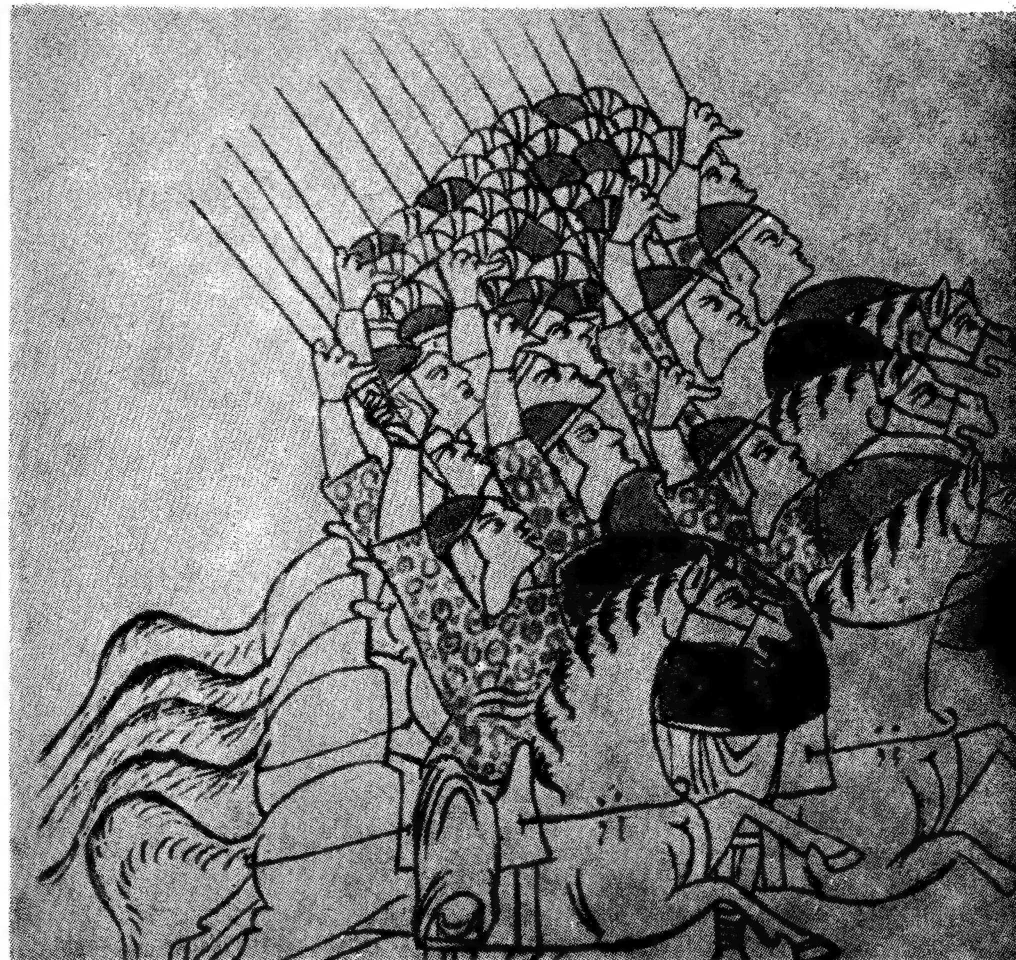
۱۱۸٤ ـ پیشروی پیوسته صلاح‌الدین موجب تحریکی درباختر شده ، فیلیپ دوم پادشاه فرانسه و هنری دوم پادشاه انگلستان هردو پیشنهاد قبول تاج و تخت اورشلیم را رد کردند ولی یك مالیات عشریه بنام **عشریه صلاح‌الدین** در ۱۱۸۸ بمردم بستند تاپولی **برای راه انداختن یك جنگ** صلیبی‌دیگرفراهم **کنند .**

مسیحیان به‌کاروانی که شنیده بودند **در خدمت خواهر صلاح‌الدین** است حمله کردند و این عمل صلاح‌الدین راتحریك‌به‌ایجاد جنگ جهاد کرد (۱۱۸۷ـ ۱۱۸۹) در۱۱۸۷ بیت‌المقدس را تصرف کرده اما از طریق نوع دوستی آن را غارت نکرد و جوانمردی بخرج داد. و دولتهای لاتن را منقرض کرده مبدل به شهرهای انطاکیه ونیز وتری‌پولی (شهری در شمال باختری سوریه) نموده ودراطراف هرشهر تنها منطقه کوچکی را تابع‌آن قرارداد

۱۱۸۹ ـ ۱۱۹۲ ـ جنگ صلیبی سوم: این جنگ بسبب سقوط بیت‌المقدس با شتاب زدگی فراهم آمده و صد درصد جنبه غیر مذهبی و سلطنتی داشته با اراده چند پادشاه بوجود آمد و باوجود آن که پاپ کوشش‌کرد که اختیار آن را دردست گیرد موفق نگردید و قسمتی از هزینه آن از مالیات عشریه معروف بعشریه صلاح‌الدین که سلاطین اروپا از رعایای خود جمع آوری‌کردند تامین شد و رهبری آن را سه پادشاه بزرگ اروپا در عهده داشته بشرح زیر :

(۱) فردریك بربروسا (که درجنگ دوم صلیبی هم شرکت داشت) بعنوان امپراطور که طبق سنت رسما رهبر نظامی مسیحیت خوانده شد ولی خود در راس یك لشکر منظم و متشکل و باانضباط آلمانی قرار

جنگهای صلیبی ـ دوئل مسیحیان بامسلمانان



داشت در ۱۱۸۹ از **رگنس بورگ** از راه مجارستان (هونگری) عازم شده وارد آسیای صغیر شد و پس از غرق فردریك در۱۱۹۰این لشکر منحل گردید .

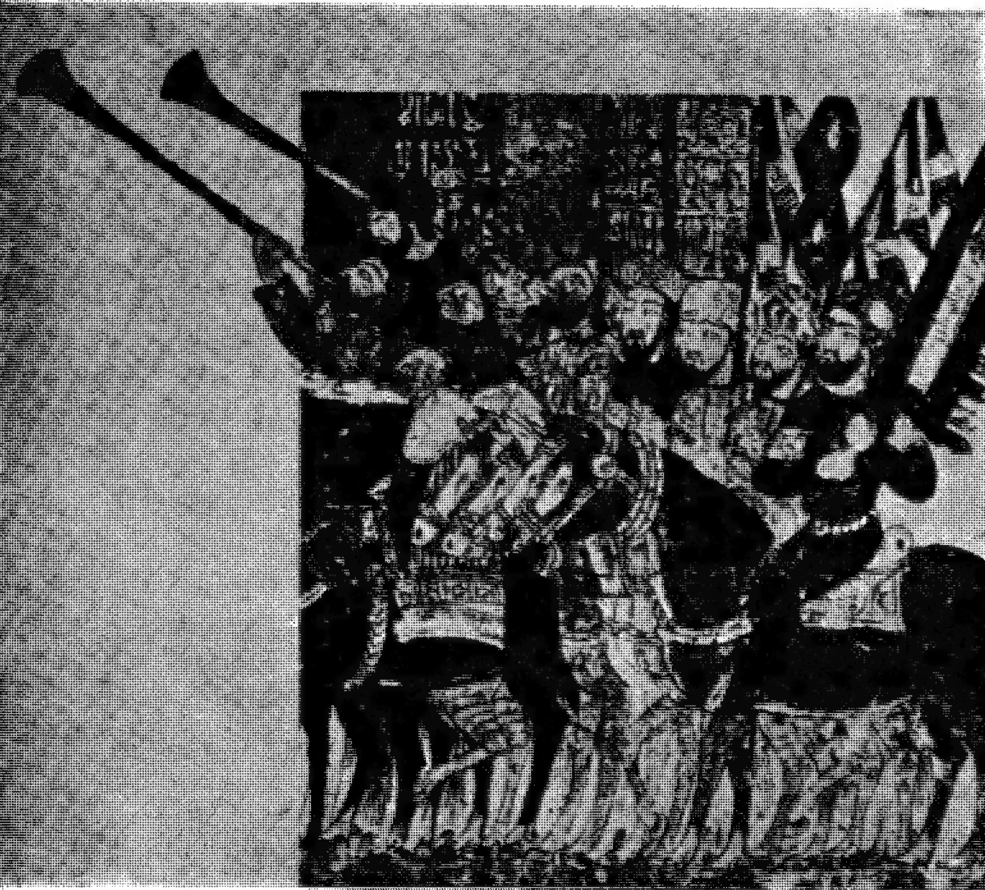
(۲) ریشارد اول پادشاه انگلیس .

(۳) فیلیپ دوم پادشاه فرانسه که ازراه دریا سفر کرد .

دو پادشاه اخیر که رقیب سیاسی یکدیگر بودند در ۱۱۹۰– ۱۱۹۱ که زمستان را در سیسیل میگذرانیدند با یکدیگربکشمکش برخاستند . ریشارد دربهار به قبرس شتافته آنجا را متصرف شد و به‌گی **دولوزینیان** فروخت .

کشمکش بین فیلیپ وریشارد در ارض مقدس نیز ادامه یافت و فیلیپ پس ازتصرف **اگر** در ۱۱۹۱ بفرانسه برگشت. ریشارد با صلاح‌الدین پیمان صلح منعقد کرده پیشنهاد کرد که خواهرش **جوانثار** را بعقدبرادرصلاح‌ـ الدین در آورد و بیت‌المقدس به شوهر خواهرش سپرده شود در نتیجه در سال ۱۱۹۲ سه سال پیمان متارکه منعقد گردیدو یك‌باریکه ساحلی بین **جوپ‌پا** **واگر** بمسیحیان واگذار شده و قرار شد به بیت‌المقدس نیز دسترسی داشته باشند . ریشارد در مراجعت دراروپا باسارت **لئوپولد**دوك اطریش درآمده که او را تسلیم امپراطور هنری ششم نمود وامپراطور هنر بازاء دریافت پول هنگفت‌اورا به‌انگلیسها فروخت .

– جنگ صلیبی سوم به عصر طلائی صلیبیون پایان داد.



جنگهای صلیبی ـ دوئل مسیحیان بامسلمانان

۱۲۰۲ ـ ۱۲۰٤ ـ جنگ صلیبی چهارم:

امپراطور هنری ششم پادشاه سیسیل (بسبب ازدواج‌وی با**کنستانس** ازنورمانها) ووارث‌طرح نورمانها برای ایجاد یك امپراطوری تازه بر خرابه های امپراطوری یونانی تصمیم گرفت که جنگ صلیبی پدر خود فردریك‌را دنبال کند و شروع به‌تجاوز جزایر یونانی گذاشته قبرس وبعدا ارمنستان کوچك را مطیع ساخت (۱۱۹۵) فیلیپ برادر هنری‌با **ایرن** دختر امپراطور مخلوع **اسحق انژلوس** زناشوئی کرد و ایجاد آدعائی ازطرف سلسله **هوهنش تائوفن** به‌تحت و تاج یونانی نمود. هنری در ۱۱۹۷ درگذشت .

پاپ اینوسان سوم تصمیم گرفت تا اختیار جنبش جنگ صلیبی را در دست‌گیرد و بامید آنکه کلیسای یونانی و لاتن را متحد سازد از سلاطین استمداد نمود ولی تقاضای وی را ناشنیده گرفتند : فیلیپ دوم وجان پادشاه انگلیس با پاپ دشمن بودند ، آلمان گرفتار مصیبت‌های داخلی بود، وزمامداران آسیائی سرگرم کشمکش با **مورها** بودند ولذا بار دیگر مشقات این تصمیم بردوش بارونهای فرانسه تحمیل‌گردید . به‌مصر که هدف اصلی بود تنها ازراه دریا امکان داشت دست‌یابند.

در ۱۲۰۱ با ونیز پیمانی بسته شد بشرط آنکه ۸۵۰۰۰ مارك به‌ونیز داده شودو نیمی ازاموال غارتی و آراضی متصرفی آینده نیز سهم ونیز باشد . در ۱۲۰۱ در **هاگه‌نو** ملاقاتی بین فیلیپ (برادر هنری ششم)، و **بونیفاس اف مونت فردات والکسیوس** بعمل آمد و تصمیم گرفته شد که جنگ صلیبی را بجای مصر متوجه **قسطنطنیه** نمایند واین در واقع برگشت به نقشه هنری ششم بود. ونیز نیز میتوانست دراین تصمیم سهیمی داشته باشد . چون محال بود بتوانند ۸۵۰۰۰ مارك را تهیه کرده‌کمك ونیزرا با آن‌خریداری کنند و نیز موافقت کرد که با آن‌ها همراهی کند مشروط براینکه صلیبیون شهر **زارا** را تصرف نمایند .

با وجود مخالفت و خشم اینوسان‌در اینمورد ، شهر زارا در ۱۲۰۲ تصرف وغارت شد ، اینوسان این جنگ صلیبی را تحریم و تکفیر نمود .

صلیبیون در ۱۲۰۳ وارد **قسطنطنیه** شده اسحق انژلوس امپراطور مخلوع‌وپسرش الکسیوس ششم را باردیگر به تحت نشاندند. یونانیان از باج وخراجهای تازه که برای پرداخت به صلیبیون پر سر وصدا وجنجال گرفته میشد خشمگین شده بزودی الکسیوس پنجم رابجای اسحق نشانیدند . صلیبیون هجوم کرده قسطنطنیه را در ۱۲۰٤ گرفتند واین اولین **تصرف قسطنطنیه** بازور درتاریخ بود و با دهشت و وحشت بطرزی مخوف که نظیر نداشت بغارت و کشتار وسکنجه پرداختند .

امپراطوری **لاتن** در خاور یعنی رومانی بجای **امپراطوری یونانی در قسطنطنیه**مستقر گردید که از ۱۲۰٤ تا ۱۲٦۱ دوام یافت. اولین امپراطور جدید **بالدوین ـ اف‌ـ فلاندرز** یك پاتریارك لاتن وازاهل ونیز (موروسلین) جانشین پاتریارك یونانی گردیده و ظاهرا انشعاب پایان یافت اما در واقع یونانیان از قبول این اتحاد سرباز زدند . ونیزسه‌هشتم شهر قسطنطنیه بانضمام ادریانوپل، گالی‌پولی، ناکسوس ، اندروس ، اوبوئیا ، کرت وجزایر ایونی را تصاحب کرد . اینوسان سوم بشنیدن این اخبار وحشت‌کرد ولی چاره‌ئی ازدستش ساخته نبود . دولت امپراطوری لاتن کاملا فئودالی بوده و درتحت قوانین رومانی‌که از قوانین اورشلیم (که فئودالی) استنساخ شده بود اداره میشد . امپراطور های‌یونانی از ۱۲۰٤ تا ۱۲٦۱ درنیکائیا حکومت کردند تاهنگامی‌که میخائیل هشتم در۱۲٦۱قسطنطنیه را تصرف کرد . جنگ صلیبی چهارم اروپا را دچار حیرت وبیزاری نموده پاپ و تمام جنبش جهاد صلیبی را لعنت کردند واین جریان پیشروی ترکها را تسهیل‌کرد .

۱۲۰۸ ـ جنگ صلیبی البی جنسی:

یك جهاد اروپائی بود برضد کفار البی‌جنسی مقیم جنوب فرانسه که اینوسان سوم در ۱۲۰۸آنرا اعلام کرد.

۱۲۱۲ ـ جنگ صلیبی کودکان (!)

موسوم به‌**نیکلاس** ازاهل کولونی در آلمان پسرجوانی بنام **استفن** ازاهل **واندوم** ودیگری

شروع به تبلیغ وموعظه برای جمع آوری کودکان واعزام بجنگ صلیبی نمودند وعده زیادی پسر بچه‌ها را جمع‌آوری‌کرده براه افتادند . گروه استفن تا مارسی رسیدوکلیه کودکانی که همراه او بودند بعنوان بردگان به‌بیگانگان فروخته شدند .

اما گروه نیکلاس پس از چندی مراجعت نمود . مجموع این اعمال بصورت داستانی مسخره و نفرت‌انگیز بوده و علامت‌خل‌خلی مردم آن زمان است.

۱۲۱۸- ۱۲۲۱ - جنگ صلیبی پنجم: پاپ اینوسان سوم متاسف بود ازاینکه دکان جنگ صلیبی بسته شود فراموش شود لذا در شورای چهارم **لاتران** جنگ صلیبی پنجم را مطرح کرده آنرا ستود و تبلیغات کردوهدف را این مرتبه مصر وموقع آنرا سال ۱۲۱۷ **پلاگیوس** نماینده پاپ بعنوان رهبر در بیت‌المقدس بجای **جان‌آف‌بری‌ین** پادشاه آن‌شهر منصوب شد .

در۱۲۱۹ **دامی یت‌تا** بدست مسلمین تصرف شد . سلطان در ۱۲۱۹ پیشنهاد کرد که **دامی‌یت‌تا** با بیت‌المقدس مبادله شودولی صلیبیون بانتظار ورود فردریك دوم آنرا رد کردند . پیشروی صلیبیون بطرف قاهره با شکست مواجه شده طبق **پیمان سال ۱۲۲۱** متارکه هشت ساله برقرارشد و نتیجه این جنگ تنها از کف‌دادن دامیت‌تا ومراجعت باروپا بود .

۱۲۲۸ - ۱۲۲۹ - جنگ صلیبی ششم بوسیله امپراطور فردریك دوم: مبنای این جنگ اصولا غیر مذهبی بود ولی نام جهاد یا جنگ صلیبی برآن گذشته شدوازهمان‌سیاست پدر فردریك وهنر ششم پیروی میشد.فردریك شاه اورشلیم در ۱۲۲۵ با **پولانده** از اهل **بری‌ین** زناشوئی کرده در ۱۲۲۷ پس‌ازتدارکات دقیق بکشتی نشست و عازم شد ولی **بیمار** شده مراجعت نمود و پاپ او را تکفیرکرده وی باردیگر در ۱۲۲ با کشتی عازم شد.پاپ بر صد جزایر سیسیلی فردریك اعلام جهاد نمود و تکفیر فردریك را تجدید کرد. **هرمان‌آف ساترا** رهبر نظام شوالیه های تیوتونیك نسبت بفردریك وفادار باقی ماند . فردریك اولین رهبر جنگ صلیبی بودکه با مسلمین تفاهم پیدا کرده در ۱۲۲۹ با **ملك‌الکامل** برادر زاده صلاح‌الدین سلطان مصر پیمان صلح ده ساله منعقد کرد **ونازارت، بتلهم،** واورشلیم و بعضی نقاط دیگر بانضمام یك راهرو (کوریدور) ازاورشلیم بساحل دریاه به مسیحیان واگذار شد . پاتریارك اورشلیم با فردریك مخالفت کرد و فردریك در ۱۲۲۹ خود را پادشاه اورشلیم اعلام‌کرده در کلیسای ضریح مقدس تاجگذاری کرد و بلافاصله‌بمیهن برگشت تا جنگ جهاد پاپ‌را درسرزمین‌های خود دفع کند . مسلمانان در۱۲۴۴ با یك‌حمله بوسیله سپاهیان روزمزد خود بیت‌المقدس را تصرف کردند واین عمل منجر به‌اعلام جنگ صلیبی دیگری از طرف لوی نهم پادشاه فرانسه گردید ولی بجائی‌نرسیدوبیت‌المقدس ازآن پس در دست مسلمین باقی مانده ودیگر هیچگاه بدست مسیحیان نیفتاد تا سال ۱۹۱۷ در هنگامه جنگ اول جهانی که بدست**ژنرال النبی** انگلیسی افتاد.



پاپ گریگوری دهم

جنگ های صلیبی تئوبالد - آف ناوار (۱۲۳۹) و **ریشارد-آف- کورنوال** (۱۲۴۰-۱۲۴۱) از طرف پاپ تحریم شده وممنوع اعلام گردید و به‌نتیجه‌یی هم نرسید.

۱۲۴۸ - ۱۲۵۴ - جنگ صلیبی هفتم: که ابتدا بوسیله **لوی نهی** پادشاه فرانسه اعلام گردید . این سپاه موضعی حقیر وضعیف سازمان شده‌بود **دامیت‌تا** بدون‌کشمکش تصرف شد و در۱۲۴۹ صلیبیون بطرف قاهره‌پیشروی کردند ولی سپاه صلیبی کاملا بدست سپاه مسلمین تار ومار شده دامیت‌تا باردیگربدست مسلمین افتاد ولوی نهم أسیر مسلمین گردید و بقیه سپاه وی بدست مسلمانان قتل عام شدند .

لوی آزادی خود را با پول خریده و مدت چهار سال (۱۲۵۱ - ۱۲۵۴) بعنوان زائر دربیت‌المقدس مقیم گردید.

۱۲۶۷ - شارل اف انژو (یا-انجو)که آرزویش فتح قسطنطنیه بود طبق پیمانی‌وارث امپراطوری لاتن گردید . وی در صدد برآمد سیسیل را با بیت‌المقدس متحد نماید ولی قتل عام فرانسویان با اعلام ناقوس نمازشام در روز ۲ شنبه عید پاك سال ۱۲۲ اورامایوس و منصرف ساخت .

۱۲۶۹- جیمز فاتح از اهل آراگون در تحت فشار پاپ بعنوان جنگ صلیبی به آسیای صغیر لشکر کشید ولی موفقیتی‌حاصل نکرد .

۱۲۷۰- جنگ صلیبی هشتم: دومین مرتبه بدست **لوی نهم** شاه فرانسه **وادوارد** پادشاه انگلیس انجام شد واین آخرین جنگ صلیبی باختریان بود - ادوارد در۱۲۷۱ به‌لوی پیوست ولی کاری از پیش نبرد . صلیبیون این بار باحتمال قوی بنابا‌صرار شارل‌اف‌انژو به تونس حمله کردند . لوی در این هنگام درگذشت وشارل جنگ را ادامه داد ولی‌هیچ نتیجه‌ئی نگرفت .

۱۲۷۴ - پاپگریگوری دهم **درلیون** به وعظ وتوصیف ومدح جنگ صلیبی پرداخته‌و هریك اززمامداران حاضر صلیب جهاد را از

دست او دریافت داشتند ولی با درگذشت گریگوری این طرح هم فراموش گشت. **اگر** در ۱۲۹۱ ساقط‌گردید.

پس ازآن تحت عنوان جنگ جهاد یا جنگ صلیبی بعضی لشکر کشی های محلی وخصوصی در نقاط مختلفه اروپا در مواقع مختلف وتحت شرایط واوضاع متغیر انجام گرفت و در۱۴۵۳ نیز با سقوط قسطنطنیه بنا به ترغیب پاپ شوق وحرارتی موقتی در عیسویان برای تجدید جنگهای صلیبی بوجود آمد ولی آن جنگهای صلیبی دیگر هرگز تکرار نگردید و فرزندی که ازجنگهای صلیبی باقی ماند تنها عبارت بود از ظهور نظامهای‌بزرگی از شوالیه ها وشوالیه گیری که ترکیبی بود از ابرازشجاعت وپهلوانی با **مانستی‌کیسم** (زندگی خانقاهی) - **شوالیه های‌سن‌جان**: یا **هاسپی تالرها** (یا مهمانداران که جبه سیاه می‌پوشیدند که برآن صلیب بارنگ سفید نقش شده بود) این نظام ابتدا درحدود سال ۱۰۷۰ بوسیله **آمالفی‌ها** بمنظور توجه از بیمارستان سن‌جان دربیت‌المقدس تاسیس شد ولی در ۱۱۳۰ به‌تقلید ازنمونه‌شوالیه‌های **تمپلر** بصورت نظامی درآمد . در۱۲۹۱ به‌قبرس و در۱۳۱۰- ۱۵۲۲ به **رودس** انتقال‌یافت‌وبنام **شوالیه های رودس** خوانده شد و بعدبه جزیره **مالت** منتقل شده بنام **شوالیه‌های مالتی** نامیده شد . داشتن خون باصطلاح اشرافی و نجیب زادگی شرط ورود باین نظام شوالیه‌ئی بود.

شوالیه‌های تمپل (معبد) (چون مرکز آنها دربیت‌المقدس نزدیك معبد واقع شده وخودشان را حافظ نظامی زوار بیت‌المقدس ومعبد معرفی میکردند . بنام **تمپل** -یا- **تمپلر** خوانده شدند ولباده سفید پوشیده صلیب سرخ رنگ براق نقش میکردند) این نظام در حدود سال ۱۱۲۰ بوسیله **هیو-اف-پاژنس** برای راهنمائی وحفظ زوار اورشلیم تاسیس شده در ۱۱۲۸ سینود ترآی (شورای کلیسای ترآی) وهم **پاپ اونوریوس سوم** آنرا تائید کرد . **برنارد اف‌کلروبو** برای آن مقرراتی وضع نمود که شبیه مقررات **سیسترسیان**بود با قدری اصلاح. وشعار یانذر خودرا سه اصل خانقاهی یعنی : **فقر** ، **عفت** ،**واطاعت** معرفی کرده و مقررات ایشان بطور کلی همان مقررات شرعی بود وازسه گروه تشکیل می‌شدند: (۱) شوالیه‌ها (۲) سلاح‌داران (حاضربخدمت)، و(۳) شاپلین‌تما (پیشمازها) . ورود به‌گروه شوالیه تنها برای کسانی ممکن بود که دارای خون اشرافی پاك باشند . سازمان آنها شامل فرماندهانی بود در زیر دست ارباب بزرگ. این نظام پس از انتقال به‌قبرس در سال۱۲۹۱ ازطرف **سینود وینه** در ۱۳۱۲ منحل اعلام شد .

- اما سایر نظامهای بزرگ شوالیه‌ئی مربوط و همراه بود با نفوذ های ملی یانژادی و نمیتوان آنها را معرف یانمونه مظاهربین‌المللی و قدیم تر نظام شوالیه‌ئی دانست .

شوالیه های بیمارستان سن‌ماری (مریم مقدس) تیوتن ها در اورشلیم معروف به شوالیه‌های **تیوتونیك** (که لباده سفید با صلیب سیاه میپوشیدند) در حدود سال ۱۱۹۰ تاسیس شده ستاد آنها **دراکر** بود (در مورد تاریخ وعملیات‌آنها درآلمان‌به‌بخش کرونولوژی تاریخ آلمان که گذشت رجوع شود.)

نظامهای بزرگ اسپانیولی عبارتند از: **کالاتراوا** که در۱۱۴۶ تاسیس شد ، **آویس** (پرتقالی) که در ۱۱۶۶ تاسیس یافت ، **سن جیمز- اف- کوم پوس تل‌لا**که در ۱۱۷۵ بنیان گذاری شد و**آلکان تارا** که در ۱۱۸۳ بوجود آمد .

نظامهای شوالیه‌ئی مشهوری‌که ازطرف سلاطین تاسیس گردید عبارتند از:

نظام‌گارتر (بند جوراب) درانگلیس که در ۱۳۴۴ تاسیس‌یافت .

نظام ستاره در فرانسه درسال ۱۳۵۱ تاسیس شد و در ۱۴۶۹- ۱۸۳۰ **نظام‌سن‌میشل** جای آنرا گرفت .

نظام گولدن فلیس (شرابه طلائی)بورگوندی ها که در ۱۴۲۹ تاسیس یافت ودر۱۴۷۷مبدل به‌نظام **هایس بورگ** گردید .

د - دولتهای لاتن و یونانی در خاورنزدیك

تجزیه امپراطوری خاوری پس ازسقوط قسطنطنیه :

شورائی مرکب از تعداد مساوی از نمایندگان صلیبیون و ونیزی‌ها تصمیم گرفت که تخت و تاج امپراطوری خاوری را به‌**کنت بالدوین اف فلاندرز** اعطا کند و**پی‌یرموروسنی** ونیزی را بسمت پاتریارك (رئیس کل روحانی کلیسای خاوری معادل با پاپ درکلیسای باختری قسطنطنیه انتخاب نماید . **بونیفاس اف مونت فرات** به‌سلطنت **تسالونیکا**برگزیده شد و مابقی اجزاء و بخشهای امپراطوری بدست بارونهایا حکام وامرا بعنوان اتباع امپراطور سپرده شد . ازآن پس صلیبیون هرگز موفق نگشتند که درآناطولی راه یابند بجز در بخش **بی‌تی‌نیا** نزدیك بغاز **بوسفور**. دراروپا مدام مواجه بودند با حملات‌بلغارها. سلطنت تسالونیك ابتدا تا بخشی از**تراس** و مقدونیه و**تسالی** بسط یافت ولی در منطقه باختر یونانیان ، میکائیل **انژلوس‌کوم‌ننوس** خود را بعنوان حاکم مطلق‌العنان **اپیروس** مستقر ساخت و بزودی شروع به‌توسعه‌قلمرو خود بطرف خاور نمود .

آتیك و **پلوپونزی** بدست بارونهای‌جنگ های صلیبی در مدت کوتاهی فتح شد واین سرزمین‌ها براساس تشکیلات فئودالی بشرح زیر تقسیم گردید :

لرد نشین‌آتن : دردست **اوتودولاروش**از ۱۲۰۵- ۱۲۲۵ .

دردست **گوی اول** از ۱۲۲۵ - ۱۲۶۳.

دردست **جان اول** از ۱۲۶۳- ۱۲۸۰.

استان اکائیا : بوسیله **گیوم‌دوشامپلیت** و**گوفری دوویله هاردوئن** در ۱۲۰۵ فتح شد .

اکائیا بنوبت خود تقسیم شد ، دوازده بارون نشین فئودالی که نمونه کاملی بوداز سیستم فئودالی فرانسه .

و خانواده ویله ها دوئن بشرح زیر برآن حکومت کردند .

گوفری‌اول از ۱۲۰۹-۱۲۱۸ .

گوفری‌دوم از ۱۲۱۸ - ۱۲۴۶ .

گیوم - از ۱۲۴۶ - ۱۲۷۸ .

جمعیت این منطقه از یونانی‌ها وسلاوها ترکیب یافته بود و خوب اداره شد. **ونیزیها** بیشتر جزائر و پایگاه‌های سوق‌الجیشی‌و بازرگانی مهم دیگر را بعنوان سهیم خود از لاشه امپراطوری تجزیه شده متصرف شدند. آنها بخشی از قسطنطنیه ، و دیگر **گالی‌پولی**، **اوبوئیا** ، جزیره **کرت** ، نوك جنوب باختری پلوترنزی(شامل**کورون‌ومودون**)، **دورازو**وسایر پایگاه‌های ساحل اپیروس وجزایر ایونی‌و جزایر دریای اژه‌را بتصرف آوردند .

بیشتر ازاین متصرفات بعنوان تیولات به‌خانواده‌های بزرگ و متنفذونیزی‌واگذارشد ازقبیل **تریارشی‌های** اوبوئیا ، ودوچی‌مجمع‌الجزایر وأمثال آن .

۱۲۰۴ - ۱۲۰۵ - بالدوین اول امپراطور لاتن.

۱۲۰۴ - ۱۲۱۴ - میخائیل انژلوس‌کوم ننوس مستبد اپیروس .

۱۲۰۴ - تئودورلاس کاریسباتفاق‌بیشتر از رهبران بیزانتین در **بی‌تی نیا** استقرار یافت .

تئودورمانسافاس در فیلادلفی سکونت گرفت .

لئوگا بالاس رودس را در دست گرفت .

مانوئل موروزومس در دره **میاندر**مستقر گردید .

الکسیوس کوم‌ننوس -و- داودکوم‌ننوس دولتی در ساحل شمالی آناطولی تشکیل داده **داوددرسینوپ‌والکسیوس**درطرابوزان‌استقرار یافت و**امپراطوری طرابوزان**را بنیان‌گذاشت‌که تا فتح آسیای صغیربدست آل‌عثمان در۱۴۶۱ دوام یافت .

۱۲۰۴- تئودور لاسکاریس با سلطان روم (قونیه) ومانسافاس فرمانروای فیلادلفی‌متحد گردید تا جلو پیشروی صلیبیون را درآناطولی بگیرد ولی از صلیبیون برهبری **پطر-اف- براشوئی** شکست خورد .

۱۲۰۵ - بلغارها برهبری **کالوجان** امپراطور بالدوین و دوجه **داندولو** را درجنگ نزدیك ادریا نوپول شکست‌دادند . بالدوین دستگیر شده و دراسارت درگذشت‌بلغارها سپس بیشتر تراس و مقدونیه را تصرف کرده جمعیت عظیمی از یونانیان را بقتل رسانیدند .

۱۲۰۵ - ۱۲۱۶ - هنری اول امپراطور لاتن وی برادر بالدوین ولایق ترین‌امپراطور لاتن‌ها بود.

۱۲۰۶- ۱۲۲۲ - تئودوراول(لاسکاریس) خودرا در**نیکائیا** امپراطوراعلام‌کردوامپراطوری نیکائیا را بنا نهاد.

۱۲۰۷ - کالوجان و بلغارها تسالونیك را بیهوده محاصره کردند . کالوجان ناگهان درگذشت و باحتمال قوی ترور شده است .

۱۲۰۷ ـ تئودور **لاسکاریس** با سلاجقه روم (قونیه) متحد شده داودکوم‌ننوس را شکست داد و او را به سینوپ عقب نشانید. سپس تئودور برای جلوگیری از پیشروی الکسیوس امپراطور طرابوزان که دراین‌هنگام با سلاجقه متحد شده بود پیمان متارکه‌ئی‌با امپراطور هنری منعقد ساخت.

۱۲۰۹ ـ تئودور دومین کوشش **پطرـ افـ براشوئی** و صلیبیون‌را برای‌فتح‌بی‌تی‌نیا دفع‌کرد.

۱۲۱۰ ـ پارلمان راون نیکا: در این انجمن ، اربابان فئودالی یونان بالاخره‌سروری امپراطور قسطنطنیه را شناختند اما درعمل این شناسائی تنها اسمی و تنها عنوان‌بود و امپراطور همچنان تنها رها شد تا خود بفکر حفظ خویشتن باشد و چشمش بدست میزان کمك ونیزی‌ها باشد که هروقت صلاح خود را چنان دیدند او را یاری نمودند.

۱۲۱۱ ـ تئودورلاسکاریس الکسیوس طرابوزان وسلطان روم هر دوشکست داده‌و دستگیر کرد و بدین طریق بخش بزرگی از سواحل اناطولی ضمیمه امپراطوری نیکائیا گردید.

۱۲۱۲ ـ هنری اول تئودور را **درلویار کوس** شکست‌داده و شروع بحمله به‌آناطولی نمود. تئودور با او صلح‌کرده بخشی ازمیسیا و بی‌تی‌نیا را به امپراطور لاتن واگذاشت.

۱۲۱۴ـ ۱۲۳۰ ـ تئودور دوکاس‌انژلوس برادر میخائیل خود را حاکم مستبد اپیروس نمود و شروع به توسعه قلمرو خود درخاك لاتن‌ها و بلغارها نموده **دورازو وکورفورا** نیز در ۱۲۱۴ از دست ونیزیها بدرآورد.

۱۲۱۶ ـ ۱۲۱۷ ـ پطر ـ افـ کورتنی امپراطور لاتن . وی نابرادری بالدوین وهنری بود وهنگامیکه هنری درگذشت دراروپا بود. وی در راه حرکت از دورازوبه‌تسالونیکا از طرف **تئودور دوکاس** فرمانروای اپیروس دستگیر شده در ۱۲۱۸ درگذشت.

۱۲۱۷ ـ ۱۲۱۹ ـ نیابت سلطنت پولاندا زوجه پطرـ افـ کورتنی.

۱۲۱ ـ ۱۲۲۸ ـ رابرت ـ افـ کورتنی امپراطور لاتن قلمرو وی منحصر شد به‌شهرت قسطنطنیه وبیشتر وقت‌خودرا‌صرف‌درخواست کمك ازباختر نمود.

۱۲۲۲ ـ تئودور دوکاس زمامدار اپیروس تسالونیك را تصرف کرده سلطنت‌آن‌رامنقرض رد.

سپس خود را امپراطور باختر اعلام کرد و طولی نکشید که فتوحات خود را تا حدود **فیلی پوپولیس** وادریا نوپـول بسط داد.

۱۲۲۲ ـ ۱۲۵۴ ـ جان‌دوکاس واتات‌زس امپراطور نیکائیا. وی نشان دادکه زمامداری بزرگ و ژنرالی لایق است. در زمان سلطنت وی‌کشاورزی تشویق شد و بازرگانـی وصنعت ترقی کرد و درامور مالـی اصلاحات بعمل آمد.

امپراطوری نیکائیا در این دوره ازآبادی و قدرت واقعی بهره‌مند گردید.

۱۲۲۴ ـ جان واتات زس فرانکها رادر **پوامانئون** شکست داد. وی بترتیب جزائر نزدیك سواحل اناطولی مانند **ساموس،کیوس، ولمنوس** را تصرف کرده **رودس**‌را مطیع‌ساخت ونیز سپاهی از طریق بغاز برای تصرف‌ادریا نوپول فرستاد.

۱۲۲۴ ـ تئودور اف اپیروس ارتش امپراطور لاتن را در **سررس** شکست داده‌سپاه نیکائیائی را از ادریا نوپول بیرون راند.

۱۲۲۸ ـ پس از درگذشت رابرت‌اف کورتنی پیشنهاد شد که نیابت سلطنت **به‌جان آسن دوم** (۱۲۱۸ ـ ۱۲۴۱) زمامدار بلغار واگذار شود ولی روحانیان لاتن مانع اجرای این پیشنهاد شدند.

۱۲۲۸ ـ ۱۲۶۱ ـ بالدوین دوم‌امپراطور لاتن : وی پسر یازده ساله پطرـ افـ‌کورتنی بود . سلطنت وی با بدبختی و بیچارگی همراه بود و دراین مدت امپراطور کارش بجائی رسید که مبتدل شد بیك نفر خرده فروش آثار تاریخی و یادگارهای قسطنطنیه در سراسر اروپا.

۱۲۲۹ـ ۱۲۳۷ ـ نیابت سلطنت جان اف بری‌ین شاه سابق بیت‌المقدس ازطرف امپراطور پسر بچه . در ۱۲۳۱ جان شریك امپراطور در امر حکومت گردید.

۱۲۳۰ ـ تئودور اف اپیروس درجنگ **کلوکوت‌نیکا** از **جان‌آسن** شکست خورده و اسیر شد.

سپس زمامدار بلغاری بیشتر بخشهای خاوری امپراطوری باختری را ضمیمه قلمرو خود ساخت . تسالونیك وتسالی نصیب‌مانوئل برادر تئودور گردید.

۱۲۳۰ ـ ۱۲۳۶ ـ سلطنت مانوئل برادر تئودور.

۱۲۳۰ ـ جان واتات زس سپاهی‌برضد ونیزیها به‌کرت فرستاد ولی کاری ازپیش نبردند.

۱۲۳۶ ـ یونانیان نیکائیا با جان آسن بلغار متحد گشته به قسطنطنیه حمله‌کردند. شهر بوسیله ونیزیها ونیروی اعزامی دوك آکائیا نجات یافت.

۱۲۳۶ـ ۱۲۴۴ ـ جان پسر تئودور دوکاس اف اپیروس حاکم مستبد تسالی‌و امپراطور باختر گردید.

۱۲۳۶ ـ۱۲۷۱ ـ میکائیل دومـزمامدار مستبد اپیروس.

۱۲۴۲ ـ جان واتات زس باتفاق تئودور که از طرف بلغارها آزاد شده بود سپاهی فراهم کرده تسالونیك را محاصره کردند. وی بسبب فاقد بودن قدرت دریائی نتوانست شهررا تصرف کند ولی جان حاکم تسالی ناگزیر شد ازعنوان و لقب امپراطور باختر صرف نظر کرده تفوق امپراطور نیکائیا را بشناسد.

۱۲۴۴ ـ حمله مغول به‌اناطولی پس از شکست سلاجقه از ایشان در **جنگ ارزنجان**. مغولان به‌انقره (آنکارا) رسیدند . جان‌واتات زس با مغولان روابط دوستانه برقرارساخت و بدینوسیله توانست قسمت زیادی‌ازسرزمین سلاجقه را درانا‌طولی‌های مرکزی تصـرف کند.

۱۲۴۶ ـ لشکرکشی دوم جان واتاتزس به‌بالکان . وی مقدونیه شمالی‌وسپس‌تسالونیکا را فتح کرده **دمتریوس انژلوس** حاکم مستبد آنجا را که از ۱۲۴۴ هرآن منطقه حکومت داشت خلع کرد.

۱۲۵۴ ـ میخائیل دوم زمامدار اپیروس پس از شکست از نیروهای جان واتاتزس تفوق نیکائیا را شناخت.

۱۲۵۴ ـ ۱۲۵۸ـ تئودور دوم(لاسکاریس) امپراطوری یونانی نیکائیا.

۱۲۵۵ ـ تئودور ارتش بلغار را برهبری میکائیل آسن در مقدونیه شمالی شکست داد.

۱۲۵۷ـ شورش میکائیل دوم زمامدار اپیروس وموفقیت وی درشکست‌دادن نیروـ های نیکائیا که برای جنگ با وی فـرستاده شده بود.

۱۲۵۸ـ ۱۲۶۱ ـ جان چهارم(لاسکاریس) امپراطور . وی هنگام رسیدن بسلطنت‌کودکی بیش نبود و آن وضعیت منجر به شورش نظامیان برهبری **میخائیل پالئولوگوس** گردید که بالاخره خود را نایب السلطنه جان‌قرار داد.

۱۲۵۹ ـ ۱۲۸۲ ـ میکائیل هشتم(پالئو لوگوس) که ابتدا با جان چهارم پسربچه‌شریك امپراطوری بود ولی در ۱۲۶۱ او را زندانی‌و کور کرد.

میکائیل ژنرالی لایق وپرکار بود وهدف عمده وی این بودکه قدرت یونانی را باردیگر در قسطنطنیه مستقر سازد.

۱۲۵۹ ـ میکائیل دوم شاه اپیروس‌با شاه سیسیل و شاهزاده اکائیا متحد شده به‌تسالونیك حمله کرد ولی ازطرف‌نیکائیائی‌ها در جنگ پلاگونیا شکست خورده عقب رانده شد.

۱۲۶۱ ـ تجدید فتح قسطنطنیه: میکائیل با بلغارها متحد شده وباژنوئا **پیمان‌نیمفائیون** را منعقد ساخته و بآنها قول داد که کلیه امتیازاتی را که ونیزیها تا آن زمان ازآنها برخوردار میگشتند به ژنوئا واگذارده دره۲۵ ژوئیه یك ارتش یونانی برهبر **الکسیوس استراتگوپولوس** از غیبت ناوگان‌ونیزی‌استفاده کرده از بوسفور عبور کرد و بدون هیچ اشکالی قسطنطنیه را بتصرف آورد . بالدوین دوم فرار کرد و بدین طریق به‌امپراطوری لاتن پایان داده شد.

هـ ـ امپراطوری مغول

در زمان خلیفه‌های متاخر خلافت بغداد توانست باردیگر قدرت سیاسی‌خودرا تاچندی در عراق وبین‌النهرین و فارس برقرار سازد و قدرت روحانی وی خلیفه نیز که ازرمان **الواثق** (۸۴۷) متزلزل شده و ازمیان رفته بود اعاده گشت ولی این قدرت بازیافته‌موقتی بوده بزودی مورد تهدید مغولان قرارگرفت که در اواخر قرن ۱۲ میلادی ازمغولستان شروع به پیشروی نمودند.

۱۲۰۶ ـ تموجین (۱۱۶۲ـ ۱۲۲۷) رئیس قبیله مغول خود را دراین سال فرمانروای اعظم کل مغول اعلام‌کرده و نام خودرا**جنگیز خان** (بمعنی خان صاحب قدرت اعظم)گذاشت

لشکرهای مغول برهبری وی سراسر شمال چین را تسخیر کرده روبطرف باختر گذاشتند آذربایجان وگرجستان وشمال ایران را تصرف و تاراج کرده و قتل عام‌نمودند .

در ۱۲۱۹ به‌ماوراء النهر حمله نموده‌و بخارا متصرف شدند و در ۱۲۲۰ سمرقندرا تسخیر کرده خراسان وسپس مرو ونیشابور را ویران ساخته و هرات را مسخر نمودند.

۱۲۲۳ – جنگ رودکالکا . در جنوب روسیه . مغولها نیروئی قوی ازروسهاوکومانها را شکست دادند ولی پس از پیروی به‌آسیا برگشتند .

۱۲۳۷ – ۱۲٤۰ – سپاهیان مغول‌بسر کردگی **باتو** (ولی درواقع بفرماندهی**سوبوتای**) سراسر روسیه جنوبی و مرکزی را فتح‌و مسخر کرده و سپس به‌لهستان ومجارستان حمله نمود .

۱۲٤۱ – **مغول**ها **لهستانیها والمانها** را در جنگ **لیگ نیتز** (والشتات) درسیلزی شکست داده و درهمان زمان سپاه دیگری از ایشان برهونگریها غلبه یافتند .

در این هنگام بسبب ابهام وآشفتگی سیاسی که در نتیجه مرگ جان بزرگ در مغولستان بظهور رسید **باتو** ازباختر اروپا عقب کشیده و در راه مراجعت بلغارستان، والاشیا و مولداویا را غارت کرد ومطیع ساخت و بالاخره در ولگای سفلی اقامت گزید ودرآنجا یك دولت مغولی (تاتار) بنام **گولدن‌هورد** (گروه طلائی – شاید بمناسبت نژاد زرد ؟) تاسیس نموده **سرامی** را پایتخت خود قرار داد .

گولدن هورد نیز مانند سایر **خانات** مغولی قدرت حاکمه جان بزرگ را که پایتخت وی ابتدا در **قره‌قوروم** درمغولستان وبعددر **خان بالیك** (**پی‌پنیگ** امروز درچین) بود میشناخت . اما پس از درگذشت **کوبلای‌خان** (۱۲۹٤) وحدت امپراطوری تنها اسمی‌بود.

۱۲٤٥– ۱۲۵۳ – مغولان بغارت وویرانی در بین‌النهرین و آذربایجان وارمنستان و گرجستان ادامه دادند .

۱۲۵٦– ۱۳٤۹ – ایلخانهای ایران :
هلاکو پسر زاده چنگیزخان از طرف برادرش **منگو** برای درهم شکستن گروه حشاشین (اسمعیلیه) و برانداختن خلیفه بغداد اعزام داشت .

۱۲۵٦ – فرقه اسمعیلیه درهم شکسته شده و اعضاء آن بقتل رسیدند .

۱۲۵۸ – **تصرف وغارت بغداد** –هلاکو مستعصم خلیفه را دستگیر نموده و بقتل رسانید .

و سپس به سوریه حمله کرده حلب را متصرف شد .

۱۲٦۰ – پیروزی بزرگ مملوك‌های‌مصر برهبری **بای‌برز** (وی غلامی بود در دربار صلاح‌الدین ایوبی‌که بعدا مرتبه سرداری‌لشکر و بعد بقدرت رسید وسلسله مملوك‌ها را در مصر تاسیس نمود) در **عین جالوت** . این فتح بزرگ جلو پیشروی مغولان را گرفته‌و مصررا از تاراج وویرانی نجات داد و مصراز آن پس آخرین پناهگاه و محل حفظ تمدن و فرهنگ اسلامی گردید . **بای‌برز** با دعوت **احمدابوالقاسم** ازنوادگان سلسله عباسی خلافت رااحیاکرده‌اورا ملقب‌به**المستنصربالله** نامیده و بخلافت برداشتند .

۱۳٤٤ – ۱۳٤۹ – سلطنت نوشیروان
آخرین ایلخان ایران . پس از انقراض سلسله ایلخان درایران تعدادی ازخانواده‌های‌کوچکتر جای آنرا گرفتند .

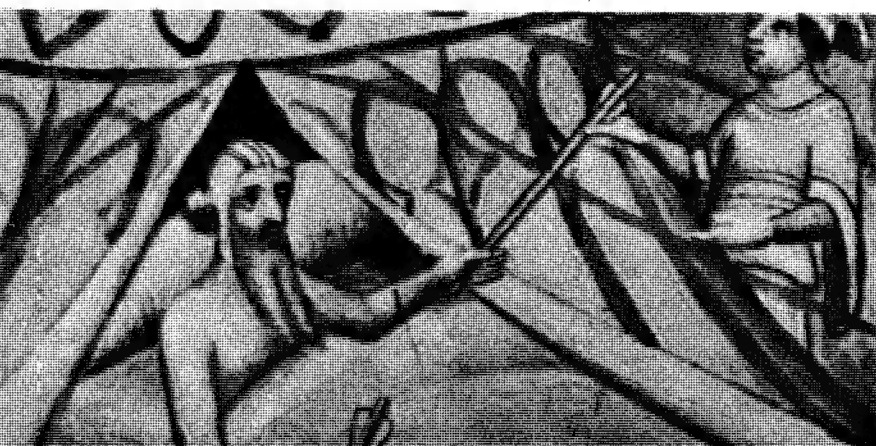
و – مصر اسلامی

۸٦۸–۹۰۵ سلطنت سلسله **تولونی**.
۹۳۵ – ۹٦۹ – سلطنت‌سلسله**ایخشیدی**
این هردو سلسله برسوریه نیز تسلط داشتند .

امپراطوری مغولی چنگیزخان و جانشینان وی‌از مجارستان تا کره امتداد داشت این تصویررا ژاپونیها ازمغولان درقرن ۱۳ درروی طومار نقش کرده‌اند .



تصویر مغرقان برادر کوبلاخان پرزادگان چنگیز



چنگیزخان در حیات خود متصرفات خویش را بین ٤ فرزند خود تقسیم میکند (این‌تصویررا مارکوپولو درکتاب‌عجایب جهان‌خویش نقل کرده است)

۹۶۸– ۱۱۷۱ – سلسله فاطمی که در زمان آیشان مصر بصورت درخشان‌ترین‌مرکز فرهنگ اسلامی درآمد . فاطمیان مدعی بودند که از نژاد حضرت علی ابن ابیطالب وحضرت فاطمه دختر پیغمبر هستند . این سلسله در نتیجه تبلیغات شیعه (فرقه اسمعیلیه) در میان بربرها بقدرت رسیده و در ۸۹۴ جنبش خود را از یمن آغاز نمودند . **ابوعبدالله** از مبلغین اسمعیلیه قبیله مقتدر **کتامه** را بخود جلب نموده و در ۹۰۹ سلسله اقلابی را برانداخت . **عبیدالله** پسر یکی از پیشوایان یا امام اسمعیلیه که مخفی شده بود درسال ۹۱۰ ناگهان ظاهر شده خود را در قیروان (درشمال افریقا) خلیفه و مهدی موعود اعلام کرد .

وی در ۹۲۲ ادریسی ها را ازمیان برد ولی کوشش وی در فتح مصر به‌نتیجه نرسید .

پسرش **القائم** که در ۹۳۴ بجای او نشست نیز چند بار شکست خورد و در پایتخت خود بمحاصره خوارج برهبری **ابویزید مخلد** افتاد . **المنصور** پسر القائم بالاخره ابویزید را در ۹۴۷ شکست داده‌و کلیه سرزمین های شمال‌افریقابانضمام‌سیسیل **وکالابریا** را در زیر حکمرانی سلسله فاطمی آورد تنها مراکور ازکودادکه بدست امویان اسپانیا افتاده پس از وی پسرش **المعز** در ۹۵۲ جانشین او شد و **المعز** مراکش‌را بار دیگر بتصرف آورده و در ۹۶۶ آخرین نیروهـای بیزانتین را ازسیسیل بیـرون راند .

۹۶۸ – المعز مصررا تصرف‌کرده‌پایتخت حکومت فاطمی را به‌قاهره انتقال داد (۹۶۹بنا نهاده شد) .

۹۷۵ – ۹۹۶ – العزیز پسر المعز بلقب سلطان خوانده شده سوریه و بخشی ازبین‌النهرین را فتح کرد واز فرات تا سواحل اقیانوس اطلس در تحت فرمان وی قـرار گرفت .

۹۹۶– ۱۰۲۰ – الحاکم پسر العزیز–سلطان . وی به خلیفه دیوانه شهرت یافته بود وی خود را قطعا من جانب‌الله میدانست. وی سعی کرد تا مذهب شیعه را مذهب مصر قرار دهد .

و مذهب حاکمی تجلی الهی تا بامروزدر میان **دروزی‌های** سوریه باقی مانده است.

۱۰۲۰ – ۱۰۳۵ – سلطنت **الظهیر**مقدمه تنزل وسقوط قدرت فاطمیان بود. وی بیشتر قسمت سوریه را ازکف داد.

۱۰۳۵ – ۱۰۹۴ – سلطنت **المستنصر** : شهرهای مقدس مکه ومدینه در ۱۰۴۷ تبعیت و وفاداری خود را نسبت بدولت فاطمی انکار کردند و شمال افریقا نیز از تحت حکومت ایشان بیرون آمد . پس ازدرگذشت المستنصر جنگ داخلی بین پسران او نظر واحمد در گرفت . نظر شکست خورده و کشته شد و واحمد بسلطنت رسید .

۱۰۹۴ – ۱۱۰۱ – المستعلی . در ۱۰۹۹ بیت‌المقدس را صلیبیون از او پس گرفتند و قدرت فاطمیان مدام راه تنزل می‌پیمود .

۱۱۶۷– شیرکوه فرمانده‌سپاه **نورالدین زنگی** در دمشق‌برای کمک به **المستنجد** آخرین سلطان فاطمی وارد مصر شد . شیرکوه بسمت وزیر سلطان منصوب گردید و پس از او برادر زاده‌اش **صلاح‌الدین ایوبی** جای اورا گرفت که **سلسلهٔ ایوبی** را بنیان گذاشت .

۱۱۶۹ – ۱۲۵۰ – سلطنت سلسله ایوبی: صلاح‌الدین ابتدا بسمت‌نایب‌السلطنهٔ نورالدین حکومت میکرد اما پس‌از درگذشت نورالدین در



هنر اسلامی — بهرام‌گور همـراه با دوست خـود آزاده قرن ۱۳ — (موزهٔ عرب در قاهره)

هنر اسلامی — قطعه‌ئی از فرسک‌که در شهر قدیـم قاهره یافت شده مـربوط بدورهٔ فاطمیان در مصر— قرن ۱۰ تا ۱۱

خود نمود ، ولی در ۱۲۳۵ این سلسله شکست ۱۱۷۳ خود را مستقل اعلام کرده و قدرت خویش را بر مصر و بخشی از **نوبیا** ، حجاز ویمن مستقر ساخت .

۱۱۷۲ ـ صلاح‌الدین نورمانها را از طرابلس بیرون کرد .

۱۱۷٤ ـ صلاح الدین به سوریه حمله کرده دمشق را فتح کرد و حلب را در ۱۱۸۳ تصرف نمود .

۱۱۸۵ ـ ۱۱۸٦ ـ صلاح‌الدین موصل را گرفته و بین‌النهرین را منقاد ساخت .

۱۱۸۷ ـ جنگ هیت‌تین : صلاح‌الدین در این جنگ سلطنت بیت‌المقدس را از میان برد.

۱۱۹۰ ـ ۱۱۹۳ ـ صلاح‌الدین ازسر زمین های فتح شده در برابر صلیبیون جنگ سوم صلیبی دفاع نمود .

ز ـ سلسله‌های اسلامی شمال آفریقا

۷۸۸ ـ ۹۸۵ ـ سلطنت سلسلهٔ علی یا علوی از خانواده ادریسی‌در مراکش که موسس آن **ادریس ابن عبدالله** از نواده های حضرت امام حسن فرزند حضرت علی‌علیه‌السلام بود این سلسله بدست بربر های **میکناژا** منقرض گردید .

۸۰۱ ـ ۹۰۹ ـ سلطنت سلسله اغلبی در تونس : موسس آن **ابراهیم‌ابن اغلب** حکومت افریقا از طرف خلیفهٔ عباسی بود . این سلسله سیسیل را (۸۲۷ ـ ۸۷۸) فتح کردند وجزائر مالت و ساردینی را نیز متصرف شده بجنوب ایتالیا حمله نمودند . این سلسله بالاخره بدست فاطمیان منقرض گردید :

۱۰۵٦ ـ ۱۱٤۷ ـ سلطنت **سلسله المروای** خانواده‌ئی بود بربری که بدست **عبدالله‌بن طشفین** تاسیس شده مراکش و بخشی ازجزیره را تسخیر کرده و بنحو موثر در امور اسپانیا دخالت کرد .

۱۱۳۰ ـ ۱۲٦۹ ـ سلطنت **سلسلهٔ المحدث** این سلسله هزار بربرها بوده موسس **محمدبن تومارت** بود که دعوی پیغمبری کرد . جا نشین وی **عبدالمومن** سیاه المراوی را در ۱۱۱٤ نابود کرد و در ۱۱٤٦ مراکش را فتح کرده به اسپانیا حمله برد . الجزیره را در ۱۱۵۲ مطیع ساخت ودر ۱۱۵۸ نورمن هارا از تونس بیرون کرد . طرابلس را نیز منضم به قلمرو خورده و بتدریج از اسپانیا بیرون رانده شدند .

۱۲۲۸ ـ ۱۵۲٤ ـ سلطنت سلسلهٔ **حفصی** در تونس که جای سلسلهٔ المحدث را گرفتند .

۱۲۳۵ ـ ۱۳۳۹ ـ سلطنت سلسله **زیانی** در الجزیره که جای سلسله المحدث را در آن سرزمین گرفتند و بالاخره بدست **مرینی** ها منقرض گردیدند .

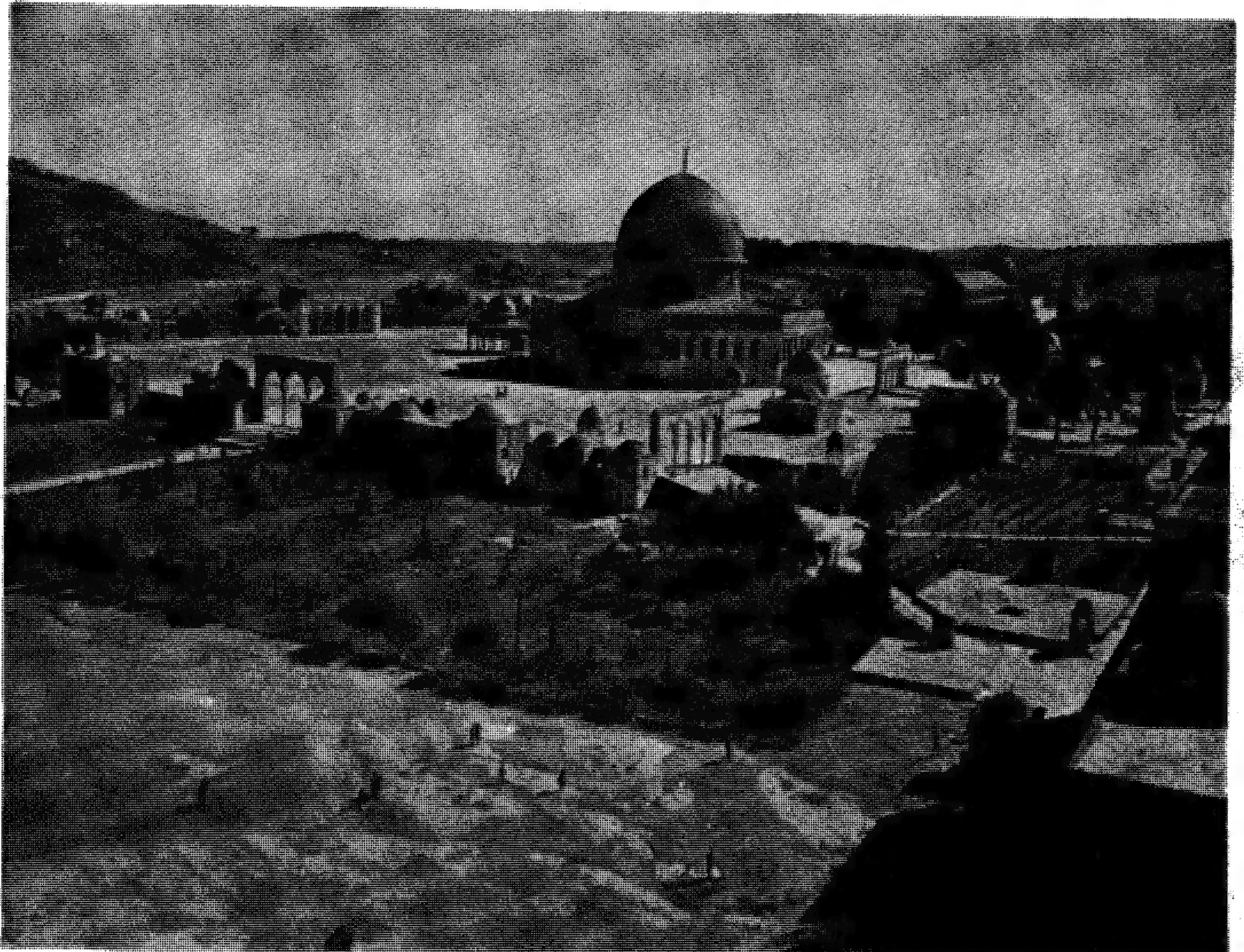
۱۲۹٦ ـ ۱٤۷۰ ـ سلطنت سلسلهٔ **مرینی** در مراکش . این سلسله ابتدادر ۱۱۹۵ تاسیس یافت ودر ۱۲۹٦ توانست پایتخت مراکشی از دست سلسله المحدث بد آورد .

پایان

کرونولوژی تاریخ جهانی ازازمنه ماقبل تاریخ تا پایان قرن دوازدهم دراینجا پایان یافت . دنبالهٔ این کرونولوژی از آغاز قرن سیزدهم تحت عنوان

«(ج) دوره‌آخرقرون وسطی» درجلد ٤ کتاب سال خواهد آمد.

بیت‌المقدس درقرن ۱۲ پس‌ازافتادن آن‌بدست اعراب ـــ درجلو مسجد عمر ودرعقب‌مسجد المعکه دیده میشود .





دنباله فهرست وقایع جهان از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۶۳ صفحات ۵۵۳ تا ۵۶۰ مجلد دوم کتاب سال

دنباله نوامبر ۱۹۶۲

۱۹ نوامبر ــ فرانسه : طرفداران ژنرال دوگل در انتخابات مجلس ملی پیروز گشتند

۲۰ نوامبر ــ چین و هند: فرمان‌آتش‌بس در جنگ مرزی بین دو کشور داده شد .

۲۱ــ امریکا و کوبا : کندی رئیس‌جمهور امریکا محاصره دریائی کوبا را برداشت .

دسامبر ۱۹۶۲

۸ دسامبر ــ امریکا : اعتصاب اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها باعث تعطیل ۹ روزنامه نیویورک گردید .

ــ شورای اکومنیك (شورای جهانی مسیحی) دوره اجلاسیه اول خود را پایان‌داد.

۹ دسامبر ــ تانگانیکا بیك جمهوری‌مستقل در درون ملل مشترك‌المنافع بریتانیا مبدل گردید .

۲۱ ــ امریکا و انگلیس ــ کندی‌رئیس جمهور امریکا و مك‌میلن نخست‌وزیر انگلیس در ناسائو در باهاما ملاقات کرده درموردتاسیس یك نیروی بین‌المللی هسته‌ئی در درون ناتو NATO موافقت کرده فرانسه را دعوت بالحاق نمودند .

۲۴ ــ کوبا ۱۱۱۳ نفرزندانیانی را که درسال ۱۹۶۱ به‌کوبا حمله‌نموده‌بودند آزادکرد .

ژانویه ۱۹۶۳

۲ــ اروپا ــ ژنرال لم‌نیتزر بجای ژنرال نورستاد بسمت فرمانده عالی ملل متحد باختر اروپا منصوب گردید .

۳ ــ کاتانگا : نیروهای ملل متحد جادوت‌ویل را متصرف‌شدند .

۱۳ ــ کوبا آلمان خاوری را برسمیت شناخت .

۱۳ ــ توگولند : یاغیان‌ارتش‌سیلوانوس اولیمپیو رئیس‌جمهورتوگولندرا ترورکردند.

۱٤ــ پیمان اتلانتیك شمالی : ژنرال شارل دوگل رئیس جمهور فرانسه پیشنهاد امریکارا برای تشکیل یك نیروی آتمی درون سازمان نظامی پیمان اتلانتیك شمالی که از نظامیان عضو پیمان تشکیل یافته است رد کرد .

بازار مشترك اروپا : ژنرال دوگل در یك کنفرانس مطبوعاتی با ورود انگلیس به بازار مشترك اروپا مخالفت‌کرد.

۱۵ــ کشمیر : مذاکرات راجع‌به‌کشمکش بین هند وپاکستان درموردکشمیردردهلی‌ازسر گرفته شد و در ۱٦ مه این سال بالاخره مذاکرات بجائی نرسیده قطع‌شد .

ــ کاتانگا : موسی چومبه طرح ملل متحد را برای تسلیم کاتانگا پذیرفت .

۱٦ ــ عدن : عدن به فدراسیون‌عربستان جنوبی پیوست .

۱۸ ــ انگلیس : هیوگیت‌سکل رهبر حزب کارگر انگلیس درگذشت و هارولد ویلسون جای اورا گرفت .

۲۱ ــ کاتانگا : نیروهای ملل متحد فتح ایالت کاتانگا را تکمیل کردند .

۲۲ ــ فرانسه و آلمان : ژنرال دوگل رئیس‌جمهوری فرانسه ودکتر ادنائرصدراعظم آلمان پیمان همکاری ملی فرانسه و آلمان‌را امضا کرده به‌اختلافات چهارصدساله آندو کشور پایان دادند .

۲٤ــ ایتالیا طرح امریکا را برای تشکیل نیروی هسته‌ئی دوجانبه پذیرفت.

۲٦ ــ ایران : درایران در مورد شش ماده پیشنهادی شاهنشاه برای اصلاحات‌اجتماعی و کشاورزی رفراندوم بعمل آمده شش ماده بتصویب رسید .

۲۸ ــ امریکا : ایالت کارولینای‌جنوبی هاروی‌گانت دانشجوی سیاه‌پوست رادردانشکده کلمسن پذیرفت .

۲۹ ــ انگلیس : فرانسه تقاضای انگلیس را مبنی بورود ببازار مشترك وتوکرده و لذا رد شد .

۳۱ ــ انگلیس : الیزابت ملکه انگلیس وشوهرش عازم فیجی زلاندنو و استرالیا گردیده در ۲۸ مارس مراجعت کردند .

فوریه ۱۹۶۳

۱ــ ترکیه : در یك تصادم هوائی بالای شهر آنکارا ٦۷ نفرکشته‌شدند.

ــ نیازالند : در تحت حکومت دکتر هیستینگ باندا بعنوان اولین نخست‌وزیر مستقل گردید .

ــ کانادا : جان دیفن‌بیکر نخست‌وزیر کانادا امریکا را بدخالت در امور کانادا در مورد اختلافات داخلی‌راجع به سیاست دفاعی متهم نمود .

۴ــ **کانادا** : **هارکنس** وزیر دفاع بسبب مخالفت با سیاست دولت در مورد اسلحه‌اتمی استعفاء کرد .

۵ــ **کانادا** : پارلمان کانادا رای عدم اعتماد بدولت **دیفن‌بیکر** داده کابینه ساقطشد.

۶ــ **کانادا** : پارلمان کانادا منحل شد و تجدید انتخابات اعلام‌گردید.

ــ **امریکا و کوبا** : امریکا محدودیت های کشتی‌رانی را در مورد کوبا مستقرکرد.

ــ **فرانسه و اسپانیا** : درمورد برنامه همکاری نظامی توافق‌کردند.

۷ــ **استرالیا** یك دیپلمات روسی موسوم به **ایوان اسکریپوف** را باتهام جاسوسی‌اخراج کرد .

۸ــ **عراق** : شورشیان عراق نخست‌وزیر ژنرال عبدالکریم قاسم را در یك کودتا که ازطرف طرفداران ناصر اجرا گردید بقتل رسانیدند و **سرهنگ عارف** بریاست جمهـور اعلام‌شد.

ــ **سرندیب** ــ کمك امریکا به سرندیب قطع‌شد .

۹ ــ **شوروی** : بیراسقف **لووف** پس از۱۸ سال زندانی از طرف روسها آزادشد.

۱۲ ــ **خلع سلاح** : کنفرانس‌خلع‌سلاح از نمایندگان ۱۷ دولت در ژنو جلسات خود را برای کوشش در کنترل و تقلیل سلاح تجدید کرد . و در ۲۴ نوامبر جلسات را تعطیل‌کرده و تصمیم گرفت که در ۲۱ ژانویه ۱۹۶۴ جلسات خود را تجدید نماید .

ــ **کوبا** : عناصر طرفدار کاسترو که با **رومولو بتانکور** رئیس جمهوری ونزوئلامخالف بودند کشتی ونزوئلائی موسوم به**انزوئاتگوئی** را تصرف کردند .

۱۳ــ **انگلیس** : انفلوانزای آسیائی در بریتانیا شیوع یافت .

۱۴ــ **پزشکی** : بیمارستان **لیدز** درانگلیس اعلام‌کرد که کلیه شخص‌مرده را بجای کلیه مردی زنده گذاشته و با موفقیت اتصال داده است .

ــ **انگلیس** : حزب کارگر انگلیـس **هارولدویلسون** را بعنوان رهبر حزب بجای گیت‌سکل انتخاب‌کرد .

۱۵ ــ **فرانسه** : توطئه تازه‌ئی برای ترور ژنرال دوگل کشف‌گردید .

۱۹ ــ **روسیه** موافقت‌کرد که سپاهیان خود را از کوبا فراخواند .

۲۰ــ **ناتو** : امریکا به ناوهای سطح توصیه کرد که در نیروی موشك‌انداز ناتو موشك‌انـدازهای پولاریس حمل‌کنند .

۲۱ ــ **زلزله** در **بارچه** ــ **لیبی**متجاوز از ۳۰۰ نفر تلفات داشت .

۲۶ ــ **ترکیه** عفو عمومی با آزادکردن ده هزار زندانی آغازشد.

درعراق پس‌از یك‌کودتا عارف حکومت را دردست‌گرفت





هیات نمایندگی شوروی بریاست آندره‌گرومیکو در کنفرانس ژنو

مارس ۱۹۶۳

۸ ـ سوریه ـ دولت ضد ناصر سوریه بوسیله یك کودتای نظامی برانداختهشد .

۱۹ ـ آتشفشانی ـ کوه مونتاگونگ دربالی (جاوه) آتشفشانیکرده ۱۱۰۰۰ نفر بهلاکت رسیدند.

امریکا ـ کندی وروسایجمهورشش کشور امریکای لاتن در سنژوزه درکوستاریکا ملاقاتکرده متعهدشدندکهدرمقابلهر نوعتجاوز شوروی به نیمکره باختری مقاومت نمایند .

۲۱ ـ اطریش به شورشیان اعلام عفو عمومی داد .

ـ چینکمونیست ـ لو هسو ـ چانگ وزیر جمهوری چین کمونیست اولین مرتبه (پس از ۱۹۴۹) برای ملاقات سران دولت انگلیس به لندن وارد شد .

۲۳ ـ انگلیس : جان پروفیومو وزیر جنگ انگلیس در مجلس عوام در مورد عدم رابطه خود با کیلر رقاصه کاباره اظهاراتی داشت که در ٤ ژوئن آنرا دروغ اعلام کرده و از پستخود استعفاکرد .

۲۶ ـ انگلیس : پنجهزار نفر بیکاران در جلو پارلمان بتظاهر پرداختند .

۳۱ ـ گواتمالا : آرتش حکومت را در دستگرفت .

آوریل ۱۹۶۳

۱ ـ امریکا : روزنامههای نیویورك پساز ۱۱٤ روز تعطیل بسبب اعتصاب کارگران چاپخانهها آغاز انتشار نمودند.

ـ لائوس : کوئینیم فولسنا وزیر خارجه ترور شد .

۲ـ آرژانتین : شورش نیروی دریائی برضد حکومت ژوزه ماریاگیدو رئیسجمهور فرونشانده شد .

ـ چین کمونیست اعلام کرد که ۳۲۱۳ سرباز هندی را که سال پیش باسارت گرفته است آزاد خواهد کرد .

ـ شوروی اعلام کرد که چهارمین قمر مصنوعی را بطرف ماه رها کرده است .

۵ ـ فرانسه ـ کارگران معدن پساز پنج هفته اعتصاب بهکار بازگشتند .

ـ شوروی و امریکا : شوروی پیشنهاد امریکا را برای احداث یك خط رابطهمخابراتی مستقیم بین مسکو و واشنگتن جهت تقلیل تهدید خطر یك جنگ ناگهانی موسوم به « هاتلین » (خطداغ) پذیرفت .

٦ـ انگلیس و امریکا : پیمانموشك پولاریس بین انگلیس و امریکا بامضاء رسید .

ـ لائوس : نیروهای بیطرف وطرفدار کمونیست جنگ داخلی را تجدید کردند.

۷ـ امریکا : موسسه راکفلر اعلام کرد که درمدت پنجاه ساله موجودیتخود ۲۷۲ میلیون دولار برای امور خیر وصلح اهداء کرده است .

۸ـ کانادا :حزب لیبرال درانتخابات غلبه کرده حزب محافظهکار را برهبری جاندیفنبیکر نخستوزیر شکستداد .

۹ـ چرچیل : به وینستون چرچیل تابعیت افتخاری امریکا داده شد.

۱۰ـ امریکا : زیردریائی اتمی امریکا موسوم به ترشر در ۲۲۰ میلی خاور بوستون



فیدلکاسترو ، مرد شماره یك کوبا درمسکوبهمراه نخستوزیر اتحاد جماهیر شوروی

دراقیانوس اطلس با ۱۲۹ نفر سرنشینان آن غرق‌شد .

ـ پاپ جان بیست و هشتم اعلامیه‌ئی تحت‌عنوان «صلح بر روی زمین» انتشارداده پیشنهاد تشکیل یك جامعه سیاسی جهانی را برای تامین صلح نمود .

۱۳ ـ کوبا : دکترژوزه‌میروکاردونا رئیس شورای انقلابی کوبائیان تبعید شده استعفا کرده امریکا را متهم به ممانعت از تجدید حمله وی بکوبا نمود .

۱۷ ـ انگلیس اولین زیردریائی اتمی خود را بآب انداخت .

ـ جمهوری متحده عرب : مصر وسوریه و عراق بعنوان تشکیل جمهوری متحده‌عرب بیکدیگر پیوستند .

ـ کانادا : دیفن‌بیکر نخست‌وزیراستعفا داد و روز ۲۲ آوریل **لستر پیرسون** رهبر لیبرال دولت را تشکیل داد .

۲۰ ـ اسپانیا : ژولیان‌گریمائو رهبر کمونیست اسپانیا در مادرید اعدام‌شد.

۲۲ ـ گینه انگلیس : اعتصاب عمومی اجرا شد . شورش و تروریسم آغاز گشت . در ۸ژوئیه اعتصاب‌کنندگان بکارهای خود برگشتند .

۲۲ ـ کوبا و امریکا : ۲۷ نفر امریکائی زندانی در کوبا دربرابر آزادی سه نفرکوبائی که باتهام جاسوسی و یك نفر که باتهام قتل یك‌کودك در نیویورك زندانی شده بودند آزاد شده و مبادله گردیدند.

۲۳ـ اسرائیل : بن‌زوری رئیس‌جمهوری اسرائیل درگذشت و **زالمان شازار** در ۲۱ مه جای او را بگرفت .

۲٤ ـ امریکا و شوروی : کندی سفیر مخصوص خود **اورل هریمن** را برای مذاکره درمورد بحران لائوس بشوروی فرستاد .

انگلیس : ـ شاهزاده خانم الکساندرا با **انگس‌اوگیلوی** زناشوئی کرد .

ـ **فاسلین** در **گاره‌لوش** بعنوان پایگاه پولاریس انگلیس اعلام‌شد .

۲٦ـ انگلیس ـ دکتر **مارتللی**‌کارشناس اتمی باتهام فاش‌کردن اسرار دولتی توقیف شد. در ۱۵ ژوئیه تبرئه گردیده آزادگردید .

۲۸ ـ کوبا : فیدل‌کاسترو نخست وزیر وارد مسکو گردید .

ـ جمهوری دومینیکان و هائی‌تی : پس ازآنکه پلیس هائیتی در **پورت‌اوپرنس** وارد سفارت دومینیکان شد دولت دومینیکان به هائیتی اولتیماتوم داد .

۲۹ ـ هائیتی پلیس‌های‌خودرا ازسفارت دومینیکان خارج کرد .

۳۰ ـ ایتالیا : کمونیستها درانتخابات موفقیت عظیم حاصل‌کردند .

ماه مه ۱۹۶۳

۱ـ گینه نو هلند ازطرف ملل متحد به اندونزی انتقال‌یافت .

ـ انگلیس : و ینستون چرچیل اعلام کرد که پس از شصت سال خدمت اکنون دیگر خود را کاندیدای انتخابات مجلس عوام نخواهد کرد .

ـ کوه‌نوردی : یك هیئت امریکائی به قله اورست بالا رفت و این چهارمین‌موفقیت درصعود به اورست درجهان بود ـ در ۲۲ همین ماه دو گروه دیگر نیز به اورست رفتند .

۲ـ سرندیپ : حالت اعلام خطر که در ۱۷ آوریل ۱۹۶۱ در سرندیپ اعلام شده بود پایان یافت .

۳ـ امریکا : در برمینگهام درایالت الاباما دربرابراعتراض دسته‌جمعی سیاهان برعلیه تبعیض نژادی سگها و لوله‌های آب ماشین‌های آتش نشانی بکار برده شده وبیش از ۷۰۰ نفر توقیف‌شدند .

٤ـ دومینیکان و هائیتی : جمهوری دومینیکان کشور هائیتی را درصورت عدم اجرای تقاضاهایش تهدید به‌حمله نمود .

ـحادثه غرق : ۱۸۵ نفر در حادثه واژگون شدن کشتی قری رودنیل علیا غرق شدند .

٥ـ الجزایر : محمد خمیستی وزیر خارجه الجزیره که با گلوله تروریستی‌مجروح شده بود درگذشت .

٦ ـ امریکا : یکهزار نفر دیگر از سیاه‌پوستان جوان و غالبا کم‌سال درتظاهرات ضد تبعیض نژادی برمینگهام الاباما زندانی شدند .

۷ ـ امریکا : ـ قمر مصنوعی دوم (تل استار دوم) برای آزمایشهای مخابراتی‌بفضا پرتاب شد .

ـ ۳۰۰۰ نفر سیاه‌پوستان برمینگهام به تظاهرات ضد تبعیض نژادی پرداختند .

۸ـ امریکا : امریکائیان مقیم هائیتی بعلت ادامه بحران بین آن کشور ودومینیکان از هائیتی خارج‌شدند .

۹ـ شوروی و چین : چین‌کمونیست موافقت‌کرد که رئیس آن دولت بمسکورفته اختلافات ایدئولوژیکی را با شوروی مورد بحث قراردهد .

۱۰ ـ پاپ جان بیست و سوم جایزه صلح **بالزان** را بمبلغ ۲۳۰٫۰۰۰ دلاردریافت داشت . وی اولین پاپی بود که جایزه صلح گرفت .

۱۱ـ کانادا و امریکا : کندی‌وپیرسون نخست‌وزیرکانادا موافقت خود را در مورد سیاست دفاعی مشترك اعلام داشتند . موشك های هسته‌ئی امریکائی که در کانادا نصب‌شده بود قرار شد در کانادا باقی بماند .

۱۲ ـ امریکا : بمباندازی به موتل سیاه‌پوستان و خانه رهبر آنها در برمینگهام شورش ایشان را تشدید کرد .

ـ کندی نیروی فدرال را برای حفظ نظم به آلاباما **اعزام داشت** .

۱۳ـ انگلیس و امریکا درمورد تعیین یك مرکز آزمایش های زیردریائی اتمی در جزائر باهاما موافقت کردند .

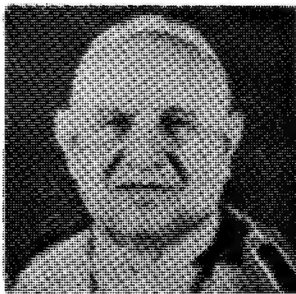
ـ امریکا و شوروی : امریکا پس از دریافت یادداشت خروشچف سه فقره آزمایش هسته‌ئی خود را در نوادا موقوف‌کرد .

۱٤ ـ کویت بعنوان یکصد ویازدهمین عضو ملل متحد پذیرفته شد .

ـ شاه بائودوئین و ملکه فابیولابانگلستان وارد شدند .



پروفیومو عامل افتضاح سال



پاپ ، برنده جایزه صلح

۱۵ ــ امریکا : سرگرد هوائی **گوردون کوپر** فضانورد امریکائی بقصد ۲۲ مرتبه گردش بدور زمین بفضا رفت .

افریقای جنوبی : **دیوان عالی کشـور** اتهام کفر و شرك را نسبت به پروفسورگبیسر کنار گذاشت .

ــ هائیتی : **فرانسوا دووالیه** رئیس‌جمهور اعلام کرد باوجودیکه دوره ریاست وی‌سرآمده پست خود را ترك نخواهد گفت .

۱۶ــ ملل متحد : کنفرانس ژنو راجع به‌پیمان عمومی راجع به تعرفه‌های گمرکی وبازرگانی گشایش یافت و قرار شد این‌پیمان ها از ٤ مه ۱۹٦٤ بموقع اجرا گذاشته شود . دراین پیمانها مقداری از تعرفه ها کاسته شد .

ــ امریکا : گوردون کوپر درمدت ۳٤ ساعت ۲۲ دور بدور زمین گردش کرده و مراجعت نمود و بدینطریق رکورد تازه‌ئی بدست‌آمد .

۲ــ شطرنج : **پتروسیان** در مسابقـــه قهرمانی شطرنج جهانی بر **بوت‌وین‌نیك** غلبه کرد .

ــ امریکا : دیوان عالی کشور امریکا رای‌داد که دولتهای جزء امریکائی(حکومت ها ی‌ایالات یا شهرها حق دخالت درتظاهرات صلح‌آمیز سیاهان برضد تبعیض نژادی و جلوگیری از آنها را ندارند .

ــ انجمن‌آموزشگاههای‌برمینگهام ۱۱۰۰ دانش‌آموز سیاهپوست را که در تظاهرات ضد تبعیض نژادی شرکت کرده و توقیف‌شده بودند ازآموزشگاه‌ها اخراج‌کرد . ولی‌بحکم قاضی فدرال در روز ۲٦ مه بمدارس خود بازگشتند .

ــ ترکیه : دولت ترکیه دومین‌کوشش گروه شورشی را برای بدست گرفتن قدرت درهم شکست .

۲۱ ــ امریکا : دادگاه فدرال حکم‌داد که دو دانشجوی سیاهپوست باید در دانشگاه الاباما پذیرفته شوند . **جورج والاس** حاکم الاباما در دهم ژوئن مانع اجرای این حکم گردید .

۲۲ــ افریقا : کنفرانس سران سی‌کشور افریقائی در آدیس‌آبابا (حبشه) بمنظور تاسیس یك سازمان برای اجرای وحدت‌افریقا گشایش یافت .

۲٤ ــ انگلیس : مقداری طلابه‌بهای ۲۰۰ر۰۰۰ لیره در لندن بسرقت رفت.

۲۵ ــ افریقا : سی‌کشور افریقائی در آدیس‌آبابا سازمانی بوجود آوردند که طبق منشورآن بایکدیگر یك فدراسیون سست‌تشکیل داده درسیاست واقتصاد و فرهنگ ودفاع همکاری نمایند سپس کنفرانس تعطیل‌شد.

۲۷ ــ کینیا : **جوموکنیاتا** که چندسال پیش بعنوان رهبر قبیله شورشی مائومائو زندانی گردیده بود بسمت اولین نخست‌وزیر کینیای مستقل تعیین شد و حزب اتحادملی وی اکثریت زیادی را درانتخابات ملی بدست آورد .

۲۸ ــ تمبرپست : یك‌عدد تمبر پست ۲سنتی سال ۱۸۵۱ هاوائی بمبلغ ۱٤ر٦۰۰ دولار خریداری شد و رکورد بهای تمبر را درجهان شکست .

ــ پاپ : واتیکان اعلام‌کرد که حال پاپ جان بیست و سوم وخیم است .

۲۹ــ پاکستان : بیش از ۱۰ر۰۰۰ نفر بسبب گردباد تلف‌گردیدند .

۳۱ ــ امریکا : پلیس شهر جکسون در ایالت می‌سی‌سی‌پی ٦۰۰ کودك سیاه‌پوست را بسبب تظاهرات ضد تبعیض نژادی زندانی کرد .

ــ اطریش : **ارشدیوك‌اوتوفون‌هابسبورگ** طبق حکم دادگاه حق مراجعت به اطریش‌را بدست آورد . سوسیالیستهای اطریش ا شناختن این قضاوت امتناع‌کردند .

ژوئن ۱۹٦۳

۳ ژوئن ــ پاپ جان بیست و سـوم درگذشت . در ۳۰ ژوئن کاردینال مون‌تینی بنام پاپ پل ششم بجای وی نشست .

ــ امریکا و هائیتی : امریکا تماس عادی دیپلماسی خود را که سه هفته بود‌بمنظور نشان‌دادن عدم موافقت امریکا با **رئیس‌جمهور دووالیه** قطع‌کرده بود باردیگر برقرار ساخت.

٤ژوئن ــ ایران : صبح در تهـــران شورشی بدست رجاله و با تحریکات عناصر مخالف اصلاحات اجتماعی ششگانه بوقوع پیوست که بغارت مغازه‌ها وتخریب وسابوتاژ پرداختند .

ــ امریکا ــ اعلام شدکه **جیمزهوففا** رئیس اتحادیه تیمستر با همدستی ۷ نفر دیگر درشیکاگو بیست میلیون دولار از مردم‌بعنوان اتحادیه حقـــوق بازنشستگی کلاه‌برداری کرده‌اند.

قرن بیستم و تجلی تظاهرات ضد تبعیض نژادی

۵ــ **امریکا** : دومین دانشجوی سیاه پوست در دانشگاه می‌سی‌سی‌پی پذیرفته‌شد.

ــ **ایران** : شورش روز پیش در تهران بدست نیروی دولتی درهم شکسته‌شد طبق گزارش این شورش ۸۶ نفر تلفات داشته است .

ــ **امریکا** اعلام‌کرد که یك خطهوائی سوپرسونیك (مافوق‌سرعت صوت)دائرخواهد کرد .

۶ــ **انگلیس** : **جان‌پروفیومو** وزیرجنگ انگلیس استعفا داده اقرار کرد که اظهارات وی در مجلس عوام در۲۲ مارس که منکر داشتن‌روابط نامشروع‌با **میس‌کریستین‌کیلر** ۲۱ ساله گردیده دروغ بوده است .

۷ــ **انگلیس‌ــ لکی‌گوردون** بسبب حمله بمیس کریستین کیلر به سه سال زندان‌محکوم گردید و در ۳۰ژوئیه تقاضای استیناف او پذیرفته شد .

ــ میس کیلردر ٦ دسامبر این سال بسبب گواهی دروغ در دادگاه به نه ماه زندان محکوم گردید .

۱۰ ــ **آزمایش های اتمی** : انگلیس و شوروی برای تهیه پیمانی راجع بمنع‌آزمایش های اتمی بمذاکره پرداختند . کندی اعلام کرد که تا زمانیکه دیگر کشورها ازآزمایشهای جوی‌اتمی خودداری کنند وی نیز خودداری خواهد کرد .

۱۱ــ **ویت‌نام** : یك راهب بودائی برای اعتراض به سیاست خشن مذهبی دولت‌ویت‌نام جنوبی و عدم مدارا و اغماض خود را در خیابانی ازشهر سایگون درجلو عموم مردم با نفت آتش زد . عده دیگری نیز بدوپیوستند وخودکشی نمودند .

ــ **عراق** جنگ با کردها را از سر گرفت .

ــ **امریکا** : جورج والاس حاکم متمرد الاباما سعی‌کرد که از ورود دو دانشجوی سیاه‌پوست بدانشگاه الاباما جلوگیری کند ولی با دخالت گارد ملی فدرال‌کنار رفت و سیاه‌پوستان ثبت‌نام کردند.

ــ **نقاشی** : درسوتبی مبلغ۱٫۰۴۳٫۰۹۰ لیره بهای یك نقاشی امپرسیونیست در مزایده پرداخت شد و رکورد جهانی دراینموردبوجود آورد .

۱۳ــ **امریکا** : **مدگار اورس** رهبـــر سیاه‌پوستان میسی‌سی‌پی باگلوله تیراندازی ناشناس در شهر جکسن بقتل رسید .

ــ **آلمان باختری** جزئیات کمك‌نظامی خود را به دولت‌های افریقائی افشا کرد .

۱۳ ــ **یمن** : میسیونی ازملل متحدوارد یمن شد .

۱٤ــ **شوروی** : پنجمین فضانورد خود نایب‌سرهنگ **بایکوفسکی** را بمدار زمین‌بفضا فرستاد .

۱۵ــ **امریکا** : صدها سیاه‌پوست در **جکسن میسی‌سی‌پی** پس‌از دفن مدگار اورس بشورش پرداختند .

۱٦ ــ **شوروی** : ششمین فضانورد واولین زن‌فضانورد دوشیزه ستوان **والن‌تیناترشکووا** را بفضا و بمدارزمین فرستاد و در خلال گردش در فضا با سرهنگ بایکوفسکی‌که وی نیز هنوز بدور زمین در گردش بود سخن میگفت .

۱۷ــ **انگلیس** : بانو **پلودن** بریاست کمیته مامور تحقیق در برنامه و روش تحصیلات دبستانی انتخاب شد .

ــ **امریکا** : دیوان عالی کشور رای‌داد که دعاخواندن و انجام امور مذهبی و حفظ ادعیه یا متون انجیل در دبستانهای دولتی با اصول قانون اساسی مغایرت دارد و باید موقوف شود .

ــ **انگلیس** : **مك‌میلن** نخست‌وزیر برسر داستان فضاحت‌آور **پروفیومو** ازمجلس عوام رای‌اعتماد گرفت ولی بواسطه نداشتن‌اکثریت زیاد وضع او متزلزل گردید.

۱۸ ــ **امریکا** : ٤۵۰ سیاهپوست در تظاهرات **گادسدن الاباما** توقیف‌شدند.

۱۹ ــ **امریکا** : کندی‌ازکنگره‌درخواست کرد که قوانین حقوق مدنی را طوری بسط داده و مقرر دارند **که** جوابگوی بحـــران موجود راجع بروابط نژادی‌باشد .

ــ**رم** : هشتاد کاردینال برای انتخاب پاپ جدید به جلسه انجمن سری‌رفتند.

ــ **شوروی** : مرد و زن روسی‌ازمسافرت فضائی برگشته سالما بزمین نشستند ترشکووا ۲۹ دور زمین را در ۷۰ ساعت و ۵۰دقیقه و بایکوفسکی ۸۲ دور زمین را در ۵ روز منهای ۵٤ دقیقه پیموده رکورد طول مدت و مقاومت در فضا را شکستند .

۲۰ ــ **شوروی و امریکا** پیمان«خطداغ» را مبنی بر تاسیس یك خط ارتباطی مخابراتی مستقیم بین واشنگتن و مسکو برای تقلیل خطر جنگ ناگهانی امضاکردند .

۲۱ ــ **فرانسه** : نیروی دریائی خودرا در اقیانوس اطلس از **ناتو** خارج‌کرد .

ــ **پاپ** : **گیووان‌نی‌بات‌تیستا کاردینال مون‌تی‌نی** ٦۵ ساله سراسقف‌میلان بسمت پاپ انتخاب شده بنام پاپ پل ششم نامیده شد.

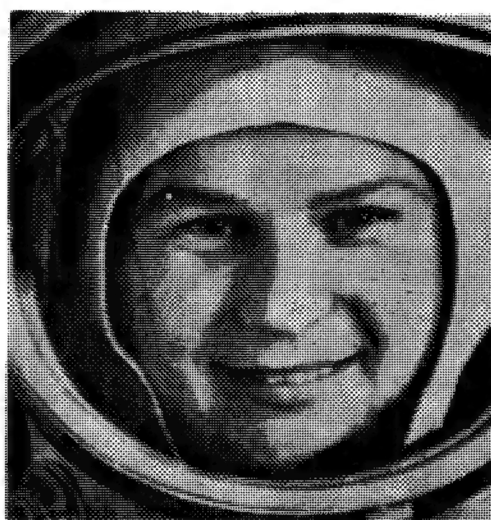
۲۳ ــ **یمن** : ۵سرباز انگلیسی در یمن کشته شد .

خودسوزی : نشان اعتراض بسیاست خشن مذهبی درویتنام





کندي ، رئیس جمهوري امریکا در میان‌دوستان‌و خویشان خود پس‌از بازگشت از سفر



بازگشت از فضا

— **پاپ** : پل ششم اعلام‌کرد که شورای جهانی مسیحی (اکومنیك) را که سلف وی جان بیست و سوم آغازکرده است ادامــه خواهد داد .

— **امریکا** : کندی رئیس‌جمهوری برای سفرده‌روزه عازم اروپاگردید .

۲۳ — امریکا : کندی در بن پایتخت آلمان غربی به‌آلمان اطمینان داد که‌تاهنگامیکه حضور امریکا در اروپا لازم باشد ومورددتقاضا باشد خواهد ماند .

— **امریکا** : **بایرون دولابکویت طرفدار** تفوق سفیدپوستان متهم بقتل مدگار رهبر سیاهپوستان گردید .

۲۵ — کاتانگا : موسی چومبه ازعنوان رئیس جمهــوری کاتانگا محروم و عزل گردید .

— **امریکا** : کندی درنطق تاریخی خود درفرانکفورت آلمان باز دیگر لزوم اتحاد و تکیه امریکا و اروپای کاملا متحد وپیوسته را بیکدیگر اعلام‌کرد .

۲۶ — برلن : بیش از یك میلیون‌سکنه برلن باختری با احساسات به‌کندی‌خوش‌آمد گفتند . کندی به شهر تجزیه‌شده بعنوان خط جبهه‌کشمکش‌جهان برای آزادی سلام‌گفت .

۲۷ — امریکا : کندی درمسافرت به‌وطن اجدادی خود در **وکسفورد ایــرلند** مورد پذیرائی بسیار گرمی واقع‌شد .

۲۸ — برلن : خروشچف در برلن‌خاوری مورد پذیرائی واقع شد . این مسافرت بـه مسافرتی دربرابر مسافرت اخیر کندی‌به‌برلن باختری تفسیرشد .

۲۹ — شوروی وچین : شوروی‌ازچین خواست که سه مامور رسمی چین‌را در سفارت چین در مسکو و دو چینی دیگر را احضار کنند و گفته شد که این اشخاص نسخه‌های نامه ۲٤ژوئن چین را درانتقاد به شوروی درمیان مردم روسیه منتشر میکرده‌اند .

— **امریکا و انگلیس** — کندی بــرای مذاکره با مك‌میلن وارد انگلستان‌شد .

۳۰ — پاپ پول‌ششم در تشریفات‌باشکوهی درمیدان سن پطر در هوای آزاد تاجگذاری کرد و اعلام کرد که هدف وی تقویت«تفاهم متقابل بیشتر و خیرات و مبرات صلح» است درمیان مردم .

— **انگلیس و امریکا** : کندی‌ومك‌میلن اعلام‌کردند که دو دولت در این نکته موافقت نموده‌اند که عقد یك پیمان منع آزمایشهای اتمی کلیداولیه روابط‌خاور وباختراست .

ژوئیه ۱۹۶۳

۱ ژوئیه ــ امریکا : ــ امریکا گناندی سواستیانوف وابسته سفارت شوروی را در امریکا بجرم جاسوسی اخراج کرد .

ــ کندی به رم وارد شده برای تقویت اتحادیه اتلانتیك با مقامات ایتالیائی بمذاکره پرداخت .

۲ ــ واتیکان : ــ کندی ازپاپ پول ششم درواتیکان دیدن کرد .

ــ **شوروی** : خروشچف باختر رادعوت بامضای یك پیمان عدم تجاوز بین خاور و باختر و تحریم آزمایشهای هسته‌ئی در جو هوا و در فضا و در زیر آب نمود .

ــ **امریکا** : اداره جاسوسی دو زن و



آثار لرزش زمین وبی‌خانمانی گروه بسیاری‌در یوگوسلاوی



دکتر وارد

شوهر را در نیویورك و واشنگتن باتهام جاسوسی توقیف کرد . یکی از آندو کارمند کارگزینی ملل متحد بود .

٤ــ فرانسه و آلمان : دوگل رئیس جمهور فرانسه برای ملاقات ادنائر صدراعظم آلمان باختری وارد آن کشور شد .

٦ ــ شوروی و چین : مذاکرات ایدئولوژیکی بین روسیه وچین کمونیست‌در مسکو آغاز شد و روز بیستم این ماه پایان یافت و تنها چیزی که مورد موافقت قرار گرفت آن بود که چندی بعد مذاکرات از سر گرفته شود .

۸ــ امریکا و کوبا : امریکا دارائی کوبا را در امریکا بمنظور فشار اقتصادی رژیم کاسترو بلوکه‌کرد .

۹ــ انگلیس : تظاهراتی مخالف در هنگام ورود شاه و ملکه یونان به لندن از طرف مردم انجام شد .

۱۰ ــ هندوراس انگلیس : کنفرانسی درلندن برای تعیین تکلیف هندوراس تشکیل گردید و قرار شد در روز اول ژانویه ۱۹٦٤ استقلال داخلی به‌هندوراس داده شود .

۱۱ــ اکوادور : ارتش اکوادورکارلوس اروسه‌منا رئیس جمهور را که از مدتها پیش بسبب زندگی تجملی‌وعدم‌توجه به‌وظایف خود مورد انتقاد قرار گرفته بود به پاناما تبعید کرد .

ــ **اروپا** : کمیته اقتصادی اروپاموافقت کرد که با انگلیس تماس‌بگیرد .

۱٤ ــ شوروی : یك مقاله شامل۱۸۰۰۰ کلمه درمورد اختلافات ایدئولوژیکی بین‌چین و شوروی انتشار داد .

۱۵ ــ مذاکرات مسکو : امریکا وانگلیس و شوروی مذاکرات راجع به پیمان منع آزمایشهای اتمی را در مسکو آغازکردند .

۱٦ــ مالتا : کنفرانس راجع به مالتا در لندن گشایش یافت و در اول اوت‌پایان یافت و قرار شد روز ۳۱ مه ۱۹٦٤ روزاستقلال مالتا اعلام شود .

۱۸ ــ سوریه : دولت سوریه شورش عناصر طرفدار ناصر را درهم شکست .

۲۰ ــ چین و شوروی : مذاکرات احزاب کمونیست شوروی و چین درمورد اختلافات ایدئولوژیکی بجائی نرسید.

۲۳ ــ کنگو : **ادولا** نخست‌وزیر کنگو به‌لندن وارد شده پس‌از گرفتن‌قول ۷۰۰ر۰۰۰ لیره کمك مراجعت کرد .

۲٤ــ گواتمالا روابط سیاسی خود را با انگلیس قطع‌کرد .

۲۵ ــ امریکا و انگلیس و شوروی پیمان منع آزمایشهای اتمی را در هوا ، در فضا و زیرآب امضاکردند .

۲٦ ــ زلزله دریوگوسلاوی‌شهرسکوپژه را ویران کرد و درحدود ۲۰۰۰ نفر تلفات داشت .

۲۸ ــ سقوط هواپیمای خط هوائی اتحادیه عرب در نزدیك بمبئی و قتل ٦۲نفر.

۳۰ ــ **جایزه صلح اتمی** : **ادوین‌مك‌میلان** امریکائی و **ولادیمیروکسلر** از شوروی‌برندگان مشترك جایزه صلح اتم اعلام‌گردیدند .

ــ **انگلیس** : **دکتر استفن‌وارد** درقضیه افتضاح‌آمیز پروفیومو وکریستین‌کیلربزهکار شناخته شده و بسبب اعمال خلاف‌اخلاق‌محکوم گردید ولی پیش از ابلاغ رای دادگاه به‌وی بااستعمال مقدار زیاد داروی خواب‌آور قصد خودکشی کرد و در ۳ اوت‌درگذشت .

ــ **ملل متحد و پرتقال** : **شورای‌امنیت** ازتمام دول جهان درخواست کرد که بمنظور جلوگیری از تعدیات پرتقال درمستعمرات افریقائی خود و برای اعاده نظم درآن‌سرزمین ها از حمل و فروش اسلحه به پرتقال‌خودداری کنند .

اوت ۱۹۶۳

۳ **اوت ــ انگلیس** : دکتر استفن‌وارد پزشك **اوستوپاتی** (درمان با ماساژ) که در **افتضاح دوشیزه** کیلر ووزیرخارجه شرکت داشت بسبب استعمال داروی **باربی‌تورات** بر اثر محکومیت وی بعنوان اینکه از رواج فحشاء اعاشه میکرده درگذشت.

ــ **امریکا** : ۶۸۵ نفر سیاهان بسبب تظاهرات نژادی در گادسلان زندانی شدند .

۵ **اوت ــ منع آزمایشهای اتمی**: وزرای خارجه انگلیس و امریکا و شوروی پیمان راجع بمنع آزمایشهای اتمی را که در ۶۵ ماه گذشته پاراف شده بود رسما امضا کردند. تا اول اکتبر این سال که اجرای این‌پیمان آغاز گردید یکصد کشور جهان بدان پیوسته و آنرا امضا کردند ــ فرانسه آنرا امضا نکرد .

ــ **هائیتی** : نیروی تبعیدشدگان **هائیتی** بقصد برانداختن رئیس جمهور فرانسوادووالیه در هائیتی پیاده شدند .

۷ــ **ملل متحد** : شورای امنیت ازکلیه اعضاء ملل متحد خواست که بسبب امتناع دولت افریقای جنوبی از پایان دادن به سیاست تفوق سفیدپوستان و تمرد از دستور ملل متحد حمل اسلحه و **آلات** موتوری‌نظامی را بدان کشور قدغن نمایند .

۸ــ **انگلیس** : گروهی از دزدان‌ماسك‌دار به قطار پستی بین اسکاتلند و لندن در نزدیکی **چدینگتون بوکینگهام شیر** حمله کرده متجاوز از دو میلیون و نیم لیره را بسرقت برده و فرار کردند .

۱۳ ــ **مجارستان** : درگذشت **راکوسی** دیکتاتور استالینیست گزارش داده شد.

ــ **ویت‌نام** : بسبب ادامه کشمکش‌مذهبی و سیاسی در ویت‌نام یك روحانی بودائی‌دیگر (سومین‌نفر) خود را آتش زده درمیان شعله های آتش درگذشت .

ــ **کونگو** : اتحادیه کارگران مخالف حکومت رئیس جمهور **فولبرت‌یولو** بشورش برخاسته بزندان شهر برازویل ریخته زندانیان را آزاد کردند ــ حداقل ۵ نفر بقتل‌رسیدند.

۱٤ ــ **الجزیره** : فرحت‌عباس استعفاکرده سیاست بن‌بللا را مورد حمله قرارداد .

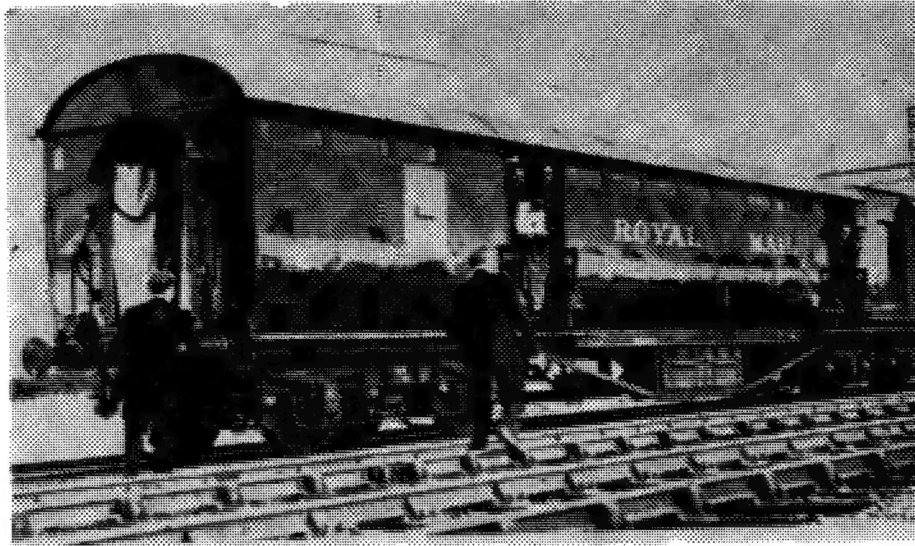
۱۵ ــ **کونگو** : **فولبرت پولو** بسبب‌شدت شورش برعلیه او از ریاست جمهوری استعفا داده ارتش قدرت را در دست‌گرفت .

۱۶ ــ **ونزوئلا** : دیکتاتورسابق ونزوئلا **مارکوس پرزجیمنز** که درخارج بسر میبرت موفق به تحصیل اجازه توقف در خارج نشده برای تسلیم خود بدادگاه باتهام سرقت ۳۱٫۰۰۰٫۰۰۰ دولار به ونزوئلا پرواز کرد.

ــ **امریکا و شوروی** موافقت خود را درمورد پیمان راجع‌به همکاری در پرتاب اقمار بفضا بمنظور ارتباط مشترك وآزمایش های جوی و هواشناسی اعلام‌کردند .

۱۷ ــ**کوبا** : کاسترو اعلام‌کرد که‌اقتصاد کوبا برپایه کشاورزی قرار خواهد گرفت نه‌صنعت .

بزرگترین سرقت سال باحمله باین قطار انجام گردید



جیمزمردیت اولین سیاه‌پوست ــ که ازدانشگاه ۱۱۵ ساله میسی‌سی‌پی درجه علمی‌گرفت



ـ **امریکا** : بسبب واژگون‌شدن کشتی فری در طوفان **اوکیناوا ۵۵** نفرمفقودالاثر شده و ۱۸۵ نفر از آب گرفته شدند .

۱۸ ـ امریکا : **جیمز مردیت** اولین سیاه‌پوستی بود که از دانشگاه ۱۱۵ ساله **میسی‌سی‌پی** درجه علمی گرفت .

۲۰ ـ شوروی : **خروشچف** نخست‌وزیر شوروی مسافرتی ۱۵ روزه به یوگوسلاوی نمود .

۲۱ ـ ویت‌نام جنوبی فرمان حکومت نظامی را در سراسر کشور صادر کرد . نیروهای نظامی و پلیس به‌بتکده‌های بودائی (پاگودا) حمله کرده صدها بودائی را **توقیف** کردند .

امریکا **دیم** رئیس جمهور ویت‌نام را متهم کرد که قول خود را نسبت به آشتی ومدارای با بودائیان شکسته است .

۲۲ـ شوروی واردن : اولین مرتبه روابط دیپلماسی بین شوروی و اردن برقرار گشت .

ـ **ملل متحد** : شورای امنیت برای استماع شکایت اسرائیل از تجاوز ازطرف سوریه بدنبال تصادمهای مرزی تشکیل‌جلسه‌داد.

۲۳ ـ اسرائیل و سوریه با تقاضای‌ملل متحد درمورد آتش‌بس موافقت‌کردند.

۲٤ـ هند : نهرو نخست‌وزیر تغییرات فاحشی در دولت خودداد .

۲۵ ـ ویت‌نام جنوبی : نیروی نظامی و پلیس حداقل ۶۰۰ دانشجو را برای درهم شکستن آخرین نقطه تمرکز مخالفین دولت توقیف‌کردند .

۲۷ ـ امریکا : ـ از ۲۵ نفر کارگر که بسبب انفجار در معدن پتاس نزدیک **موآب ـ یوتاه** گرفتارشده بودند ۷ نفر نجات داده شدند .

ـ دونفر (**دیویدفللین و هنری ترون**) که درمعدنی **درشپ‌تون** ـ پنسیلوانی‌مدت ۱٤ روز در یکصد متری زیرزمین درحفره‌ئی که راه آن بخارج بسته شده بود گرفتار ومحبوس شده بودند نجات داده شدند .

۲۸ ـ امریکا : ـ بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر سیاهپوست و سفیدپوست با صلح و صفا در واشنگتن بیك تظاهر آرام برای‌کسب‌حقوق کشوری و اعطای فرصت‌ها و پست‌ها بطور متساوی بهر دو نژاد پرداختند .

ـ چون کشور امریکا درمعرض تهدید اعتصاب کارکنان تمام خطوط آهن قرارگرفت کنگره قانونی گذراند و برای اولین مرتبه در تاریخ امریکا حق اعتصاب عمومی‌کارکنان راه‌آهن را ممنوع داشته و طبق آن کارگر و کارفرمای راه‌های آهن را مجبوربقبول‌حکمیت کرد .

۳۰ـ امریکا و شوروی : خط رابطه مستقیم واشنگتن ـ مسکو (معروف‌بخط داغ) برای جلوگیری از خطر جنگ ناگهانی رسماً گشایش یافت .

ـ **افریقای جنوبی**: دکتر**کنت‌ابراهامو** که مدعی بود که او و سه نفر دیگر در خاك **بکوانالند** از طرف پلیس افریقای جنوبی در ۲۳ ژوئیه ربوده شده‌اند مستخلص‌گردید .

سپتامبر ۱۹۶۳

۲ـ امریکا : جورج والاس دبیرستان **توسکه‌گی** را در الاباما با سربازان ایالتی محاصره کرده مانع ثبت اسم سیاهپوستان درآن آموزشگاه گردید .

۳ـ ملل متحد : شورای امنیت‌خواست قراری صادر کند که طبق آن قتل دو نفر اسرائیلی را بدست سربازان سوریه در ۲۰ اوت محکوم سازد . شوروی بابکار بردن یکصد و یکمین وتوی خود در تاریخ ملل متحد از آن جلوگیری کرد .

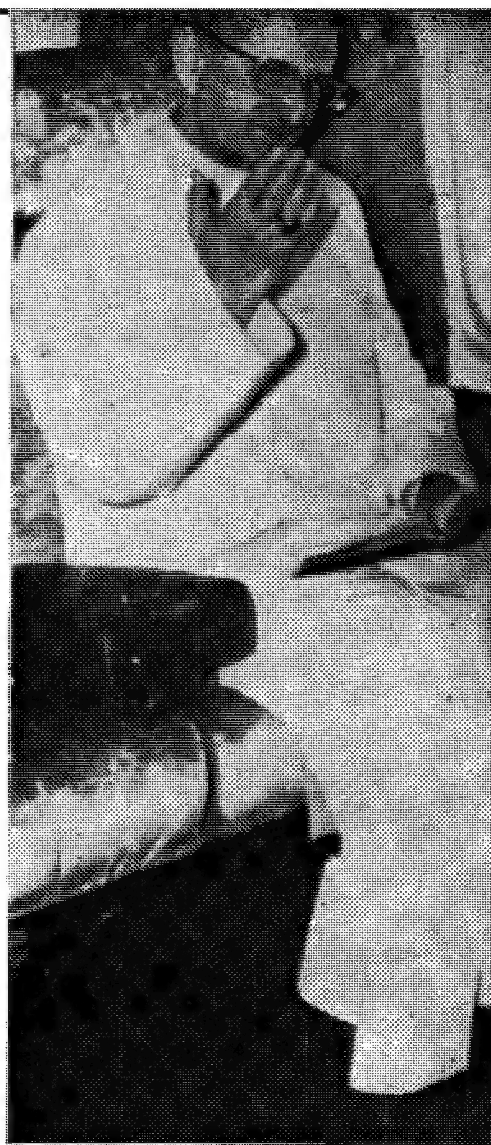
٤ـ سویس : هواپیمای **کاراول** سویسی بروی قریه **دورناش** نزدیك زوریخ سقوط کرده هشتاد نفر سرنشینان آن و یك پنجماز سکنه قریه تلف‌شدند .

ـ **امریکا** : در برمینگهام الاباما برسر تجزیه مدارس سفیدپوست وسیاه‌پوست‌شورش تجدیدشد .

۵ـ امریکا : ـ دراثر بمباندازی بیك خانه سیاهپوستان در برمینگهام الاباما شورش

روز ۱۸ سپتامبر عده‌ای از تظاهرکنندگان **جاکارتا** سفارت انگلیس را آتش زدند .





پاپ پل ششم

تجدید شد و اداره فرهنگ بخواهش جورج والاس حاکم سه آموزشگاه سفیدپوست راکه قرار بود سیاهپوستان را **بپذیرند بست.**

ــ امریکا مسافرت مامورین امریکائیو خانواده‌های آنها را به **ویتنام جنوبی تا** روشن نشدن اوضاع قدغن کرد .

٦ ــ برزیل : براثــر حریق جنگل در ایالت **پارانا** ۳۰۰،۰۰۰ نفر بی‌خانه‌گردیدند .

۷ــ ویت‌نام جنوبی : حــداقل ۸۰۰ دانش‌آموز دبیرستان در سایگون بسبب‌تظاهر برضد دولت توقیف شدند . **(در ۹ سپتامبر** یکهــزار دانش‌آموز دیگر نیز بزندان افتادند) .

۸ــ ونزوئلا : یك‌مادر بزرگ ۳٤ساله در **مارا‌کائی‌بو** پنج‌قلو زائید که همه پسر بودند .

۸ــ امریکا : پنج قاضی فدرال عملیات جورج‌والاس حاکم الاباما را که در شهرهای برمینگهام و توسکه‌گی ، و موبیل مدارس سفیدپوست را برای جلوگیری از ورود سیاه پوستان در محاصره سربازان ایالتی قرار داده است مردود اعلام کردند .

ــجزائرمالدیو : کشمکش در جزائر **مالدیو** انگلیس طبق پیمانی پایان یافت .

۱۰ــ امریکا : کندی گارد ملی الاباما را به فدرال تبــدیل نموده و سیاهان در آموزشگاههای سفیدپوستان **پذیرفته شدند.**

۱۱ــ نیجریا : اوولووا رهبر گروه‌عمل در نیجریه محکوم به ده سال زندان‌گردید.

ــ اسپانیا : هواپیمای وایکینگ درکوه های پیرنه سقوط‌کرده ۳٦ جهانگرد انگلیسی بهلاکت رسیدند .

۱۳ــ افریقای جنوبی برای جلوگیری از عمل آوارگان فعالیت بعضی از سرویس های هواپیمائی را متوقف داشت.

ــ ملل متحد : انگلیس درشورای‌امنیت (اولین مرتبه پس از وتوی کانال سوئز) قرار صادره درمورد رودزیای جنوبی را وتو کرد .

۱٤ــ امریکا : پنج قلوئی از بانــــو **اندریوفیشر** در **ابردین** در ایالت داکوتای جنوبی بوجود آمد که شامل یك پسر و٤دختر بود .

۱۵ــ امریکا : بیك دبستان کلیسا در برمینگهام **الاباما** بمب انداخته شده ٤ دختر سیاه‌پوست بقتل رسیدند .

۱٦ــ فدراسیون مالزی : مالایا، صباح (بونئوی شمالی سابق) ، سنگاپور ، و ساراواك بیکدیگر پیوسته فدراسیون مالزیا را تشکیل دادند . روز بعد مالزی باااندونزی قطع رابطه کرد . اندونزی با تشکیل ایــن فدراسیون مخالفت کرده سفارتخانه‌های‌مالایا و انگلیس در **جاکارتا** مورد حمله‌قرارگرفتند .

ــ شوروی و کانادا : پیمان فروش ۱٦٦ میلیون لیره (۵۰۰میلیون دولار) گندم ازطرف کانادا بەشوروی امضا شد .

ــ ویت نام جنوبی حکومت نظامی و سانسور را که در ۲۱ اوت هنگام حمله نیروی دولتی به بتکده های بودائی برقرار شده بود ملغی کرد .

۱۷ ــ ملل متحد : هــجدهمین دورۀ اجلاسیۀ مجمع عمومی با امید فراوان بحفظ صلح گشایش یافت . ودکتر **کارلوس سوزادرو-دریگز** ونزوئلائی بریاست مجمع انتخاب شد

۱۸ ــ ملل متحد : کمیتۀ ملل متحد مامور رسیدگی بکار افریقای جنوبی پیشنهاد کرد که افریقای جنوبی از ملل متحد اخراج شود .

ــ اندونزی : در جاکارتا جمعیت شورشی اندونزی **بعنوان اعتراض** به کمك انگلیس به تشکیل فدراسیون تازه مالزی بسفارت انگلیس ریخته آنرا غارت نموده و بآتش کشیدند .

۱۹ ــ انگلیس و فرانسه : گزارش‌مشترك انگلیس و فرانسه لزوم احداث یك تونل را در زیر دریای مانش برای اتصال انگلیس بفرانسه تائید کرد .

۲۰ ــ امریکا : کندی در نطق خود در مجمع عمومی پیشنهاد کرد که امریکا وشوروی مشترکا هیئتی را بکرۀ ماه بفرستند .

۲۱ ــ امریکا : کندی ازرابرت **مك‌نامارا** وزیر دفاع و **ماکسول تایلو** رئیس ستاد مشترك خواست که در مورد اقدامات ضد کمونیستی خود در ویت‌نام جنوبی تجدید نظر نمایند .

ــ چك‌اسلواکی : سیروکی نخست وزیر از پست خود معاف گردید .

۲۳ ــ انگلیس : گزارش کمیتۀ تحقیق راجع به‌تجدید نظر در سیستم پول انگلیس و تبدیل آن به سیستم اعشاری از تقسیم‌کردن هرلیره به صد واحد طرفداری کرد .

۲٤ ــ امریکا : مجلس سنا پیمان منع آزمایشهای اتمی را با ۸۰ رای در برابر ۱۹ رای مخالف تصویب کرد .

۲۵ ــ دومینیکان : رهبران نظامی دولت **ژوان بوش** رئیس جمهور را بعنوان فساد و طرفداری از کمونیسم برانداختند . امریکا روابط سیاسی خود را با آن کشور برقرار نساخت و کمك اقتصادی خود را متوقف داشت. ژوان بوش در ۲۸ سپتامبر تبعید شد .

۲٦ ــ انگلیس : گزارش دنینگ مامور تحقیق در قضیه پروفیومو وزیر جنگ سابــق انگلیس منتشر شد و گزارش رسمی حاکی از آن بود که رابطۀ پروفیومو با **کریستین کیلر** دختر کاباره و **رابطه** مشابه مامور اطلاعات شوروی با کیلر لطمه‌ئی بمنافع دولت انگلیس وارد نساخته است .

ــ نیازالند : ادارۀ افریقای مرکزی انگلیس ششم ژوئیه ۱۹٦٤ را روز استقلال نیازالند اعلام کرد .

ــ اسپانیا و امریکا تا مدت پنجسال دیگر پیمان ابقای پایگاه های دریائی و هوائی امریکا را در اسپانیا تمدید کردند .

۲۷ ــ انگلیس : ۹۰،۰۰۰ لیره از بانك **وان** نزدیك **لانگفیلد** در **کنت** بسرقت رفت .

۲۹ ــ واتیکان : پاپ پل ششم دومین دورۀ اجلاسیه شورای جهانی مسیحی را گشود.

اکتبر ۱۹٦۳

۱ ــ نیجریه در درون ملل مشترك‌المنافع به رژیم‌جمهوری درآمده دکتر **ازی‌کیوه** بسمت اولین رئیس جمهور انتخاب شد .

ــ الجزیره کلیه‌اراضی متصرفی‌فرانسویان را ملی کرد .

ــ انگلیس اعلام داشت که در مذاکرات راجع به تسلیح‌اتمی ناوهای سطحی ناتو شرکت خواهد کرد .

۳ ــ **هندوراس** : نیروهای نظامی دولت **رامون ویللداموراس** رئیس جمهور را باتهام اینکه در برابر خطر کمونیسم کور گشته است برانداختند .

٤ ــ **چك اسلواکی : ژوزف بران** سراسقف پراگ را که مدت ۱٤ سال توقیف بود آزاد کردند .

ــ **طوفان** در دریای کارائیب ششهزار نفر را تلف کرد .

٥ ــ **ویتنام جنوبی** : در خیابانی از سایگون پس از آنکه یك رهبان بودائی خودرا آتش زد (ششمین نفر که چنین کرد) پلیسهای ویتنامی سه نفر مخبر امریکائی را مضروب ساختند .

۷ ــ **ویتنام جنوبی** : **بانونگودین نهو** زن برادر رئیس جمهوری ویتنام برای جلب امریکائیان بطرفداری از دولت ویتنام وارد امریکا گردید .

ــ **ملل متحد** : کمیتهٔ قیمومیت ازانگلیس خواست که نیروهای مسلح فدراسیون رودزیا را به رودزیای جنوبی واگذار نکند .

۷ ــ**امریکا** : کندی پیمان منع آزمایشهای اتمی را باشوروی امضاء کرد .

۸ــ **انگلیس** : مك میلان نخست وزیر در بیمارستان بستری شده در ۱۸ این ماه استعفا داد وروز بعد ارهان **ارل‌اف‌هیوم** بسمت نخست وزیر تعیین گردید .

۹ــ**بوگاندا** :**کاباکا** بسمت اولین نخست وزیر این کشور تازه استقلال یافته منصوب گردید .

ــ**ایتالیا** : سیل از سد وایونت گذشته دهات را فرا گرفته و ۲۰۰۰ نفر رابهلاکت رسانید.

ــ**امریکاو شوروی** : کندی اجازه دادمعادل ۲۵۰ میلیون دولار گندم به شوروی فروخته شود .

۱۰ ــ**امریکا وشوروی** اجرای پیمان منع آزمایش های اتمی آغاز گردید .

ــ**جایزه صلح** نوبل سال ۱۹٦۲ به دکتر **لینوس‌پاولینگ** فیزیك‌دان هسته‌ئی داده شد که برای منع آزمایشهای اتمی مبارزه کرد. جایزه سال ۱۹٦۳ به کمیته بین‌المللی‌صلیب سرخ و انجمن جامعه های صلیب سرخ‌خواهر رسید .

۱۱ ــ **ملل متحد** : با۱۰٦ رای در برابر یك رای فشار و رفتار دولت افریقای جنوبی را نسبت باقلیت ها محکوم کرد .

ــ**امریکاوشوروی** : وزارت خارجه امریکا اعلام کرد که دو جاسوس شوروی ایوان و الکساندر اگوروف را با دو نفر امریکائی **والترسیزك** و **ماروین مکی‌نن** که در روسیه باتهام جاسوسی دستگیر شده بودند مبادله‌کرده است .

۱۳ ــ **آلمان** :نیروی شوروی به جلوگیری از کاروان نیروی امریکائی که از آلمان غربی عازم برلن شرقی بوده و ٥۲ ساعت آنها را در راه نگاه داشته بودند پایان داد.

۱٤ ــ**الجزیره‌ومراکش** :الجزیره ادعا کرد کەمراکش‌حمله بیحاصلی بخاك الجزیره نمود. بسبب اختلاف مرزی و مشخص نبودن‌مرزهای بین دوکشور زدو خوردهائی در مرزانجام گرفت . در ۲ نوامبر پیمان آتش بس بین طرفین بامضاء رسید .

۱٥ــ**آلمان‌باختری**: دکترادنائر صدراعظم ۸۷ ساله پس از ۱٤ سال که در این سمت بود استعفا کرده باز نشسته شد و دکتر **لودویگ ارهارد** جای وا را گرفت .

ــ**امریکا** : روزنامه **نیویورك‌میرر** (آئینه نیویورك)با ۸۰۰،۰۰۰ تیراژ که دومین روزنامه امریکا از حیث تیراژ بود پس از۳۹ سال انتشار تعطیل کرد .

۱٦ ــ**آلمان** : نیروی مسلح شوروی‌کاروان نظامی انگلیسی عازم برلن را ۸ ساعت در راه نگاه داشت .

۱۷ ــ **انگلیس** :گزارش **نیوسوم** راجع به تحقیق در مورد تعلیمات متوسطه انتشار یافت دراین گزارش توصیه شده است که تعلیمات اجباری باید تا شانزده سالگی ادامه یابد.

ــ**ملل متحد** : مجمع عمومی قراری صادر نموده طبق آن تقاضای منع پرتاب سلاحهای هسته‌ئی و تخریب دسته جمعی را از فضا نمود .

ــ**جایزه نوبل** : ۱۹٦۳ در فیزیولوژی و پزشکی به الن‌**للویدهاج‌کین واندریوفیلدینگ هوکسلی**انگلیسی‌و**اندریوکاریواکلس**استرالیائی داده شد .

۱۸ ــ**انگلیس** : **الکساندر فردریك دوگلاس هوم** بسمت نخست وزیر بریتانیا بجای هارولد مکمیلن اعلام گردید .

۲۲ ــ**انگلیس** : کنفرانس ۱۹٦۲ راجع به استقلال‌گینه انگلیس در لندن بار دیگرگشایش یافت وبه نتیجه نرسیده در ۳۱ این ماه‌تعطیل گردید . دولت انگلیس پیشنهاد کرد که انتخابات با نمایندگی نسبی انجام گیرد .

۲۳ــ **انگلیس** :نخست وزیر انگلیس برای اینکه بتواند از یکی از حوزه‌های انتخابی بنمایندگی مجلس انتخاب شود و طبق سنت‌با سمت نمایندگی بسمت نخست وزیر منصوب گردد از لقب **ارل** استعفا داد.

ــ**انگلیس** :گزارش **رابینز**درموردتعلیمات عالیه توصیه کرد که بفوریت شش دانشگاه‌تازه تاسیس گردد ویك وزارت تازه نیز دائر شود. دولت توصیه‌های اساسی‌گزارش را پذیرفت .

۲٤ ــ جایزه نوبل در ادبیات به‌**گیورگوس**



مادام نهو



سرانجام ارهاردرقیب دیرین ادنائررا شکست داد ورهبر سالخورده آلمان باختری مقام صدراعظمی راترك گفت

سفریادس شاعر یونانی (معروف به گیورکوس سفریس) داده شد .

۲۵ ــ واتیکان : شورای واتیکـان روز تعطیل **ایسترثابتی** رامقرر داشت (روز صعود و ناپدید شدن جسد عیسی مسیح پس از بدار کشیدن.)

۲۶ ــشوروی :خروشچف اظهار داشت کـه شوروی در مورد فرستادن انسانی بماه باامریکا رقابت نخواهد کرد .

۲۷ ــویت‌نام جنوبی هفتمین راهب بودائی بعنوان اعتراض بر ضد فشار دولت به‌بودائیان خود را در خیابان سایگون آتش زد .

۳۱ ــاندونزی : کمك انگلیس باندونزی موقوف شد .

ــاقتصاد : بهای شکر بحداکثر بهای خود پس از جنگ جهانی دوم یعنی به ۱۰۵ لیره استرلینگ هرتن رسید .

نوامبر ۱۹۶۳

۱ــ ویت‌نام جنوبی :ارتش شورش کرده قدرت را دردست‌گرفت و **دیم** رئیس جمهوری و برادرش **نهو** بقتل رسیدند .

ــپرتوریا : عده‌ئی بجرم خرابکاری اعــدام گردیدند .

۱۰ ــژاپون : در دو حادثه در ژاپــون یکی در معدن و دیگر در راه آهن ۶۰۰ نفر تلف شدند .

۱۲ ــ امریکا :ویلیس امریکائی هفتادساله پس از پیمودن ۱۵٫۰۸۰ کیلومتر در ۱۳۰ روز بایك قایق بومی از **الوار** وارد **ساموئا**گردید.

۱۶ ــ یونان : آزاد کردن زندانیان کمونیست را که در خلال جنگ دستگیر کرده بود آغاز کرد .

ــشوروی : پروفسور **بارگهورن** امریکائی استاددانشگاه **ییل** را که در ۳۱ اکتبربجاسوسی توقیف کرده‌بود آزاد کرد .

۱۷ ــمصر : پیمانی بین مصر و خارجیان برای حرکت دادن بنای عظیم معابد ابوسیمبل از محل فعلی(که بسبب ساختن سد اسوان زیر آب خواهد رفت) واستقرار آن در محل دیگر بامضاء رسید .

۱۸ــ عراق : پس از چندین روز کشمکش و بحران در عراق ،بالاخره **عارف** رئیــس جمهوری وارتش براوضاع مسلط گردیدند .

۲۲ــامریکا :جان‌اف‌ــکندی رئیس‌جمهوری امریکا در شهر **دالاس** درایالت تگزاس ترور شد . نایب رئیس جمهوری **لیندن‌جانسون**طبق سنت و قانون سوگند یاد کرده جای او را گرفت .

۲٤ ــامریکا :لی‌اسوالد قاتل جان کندی بدست **جك‌روبی** ترور شد .

۲۵ ــامریکا : جسد پرزیدنت کندی در قبرستان ملی ارلینگتون مدفون گردید .



درسایگون پس ازکودتای نظامی که منجربه برکناری نگودین‌دیم گردیدمردم مجسمه مهر (خواهر ترونگ) را بعلت شباهتی که به مادام نهو داشت سرنگون کردند

۲۷ ـ کانادا : یك هواپیمای مسافربری کانادائی در **سن‌ترزدوبلن‌ویل** در کبك سقوط کرده ۱۱۸ نفر تلف شدند .

دسامبر ۱۹۶۳

۱ـ هند: ناگالند بعنوان شانزدهمین دولت (ایالت) هند جشن گرفت .

۳ـ انگلیس :اولین زیر دریائی اتمی انگلیس موسوم به **والیانت** بآب انداخته شد.

٤ـ واتیکان : دومین دوره اجلاسیه‌شورای جهانی مسیحی واتیکان (اکومنیك) بااعلام تصمیم پاپ بزیارت‌بیت‌المقدس (در ٤ژانویه) پایان یافت .

ـ ملل متحد: رای داد که در مورد حمل تجهیزات نظامی بافریقای جنوبی امبارگـو (منع حمل ونقل)تا حد معینی اجـرا گردد .

۸ـ امریکا :هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ پـان امریکن در **مری‌لند** سقوط کرده ۸۲ نفر تلف شدند .

۱۰ ـ زنگبار یك کشور مستقل در درون ملل مشترك‌المنافع بریتانیا اعلام‌شد .

۱۱ ـ غنا : پس از آنکه سه نفر متهم بـه خیانت از طرف دادگاه آزاد شدند نکرومـه رئیس جمهور **ارکوکورساح** رئیس دادگستری را عزل کرد .

۱۲ دسامبر ـ کنیا یك کشور مستقل در

درون ملل مشترك‌المنافع اعلام شد .

ـ**امریکا** اعلام داشت که در خلال سه سال ونیم آینده ۳۳ پایگاه امریکائی در جهان‌ـــا تعطیل میشود و یا کوچکتر و محدود مـــی گردد .

۱۶ ـ**شوروی** بودجه هزینه دفاعی خود را تقلیل داد .

۱۷ ـ**آلمان** : پیمانی بین برلن غربی و آلمان شرقی بامضاء رسیده اجازه داده شدکه درایام میلاد مسیح سکنه برلن باختری بتوانند کسان ودوستان خود را در برلن خاوری ملاقات کنند .

در روز کریستمس یك جوان از آلمـــان خاوری روی دیوار بین دو برلن با گلولـــه بقتل رسید .

۱۸ ـ**شوروی** : دانشجویان افریقائی بسبب مرگ یك دانشجوی غنائی نزدیك مسکو در میدان سرخ بتظاهر و شورش پرداختند .

۱۹ـ**آلمان** : بزرگترین محاکمه جنایتکاران جنگ در آلمان باختری در فرانکفورت گشایش یافت .

۲۲ ـ**اروپا** : جامعه اقتصادی اروپا درمورد خط مشی کشاورزی موافقت کردند .

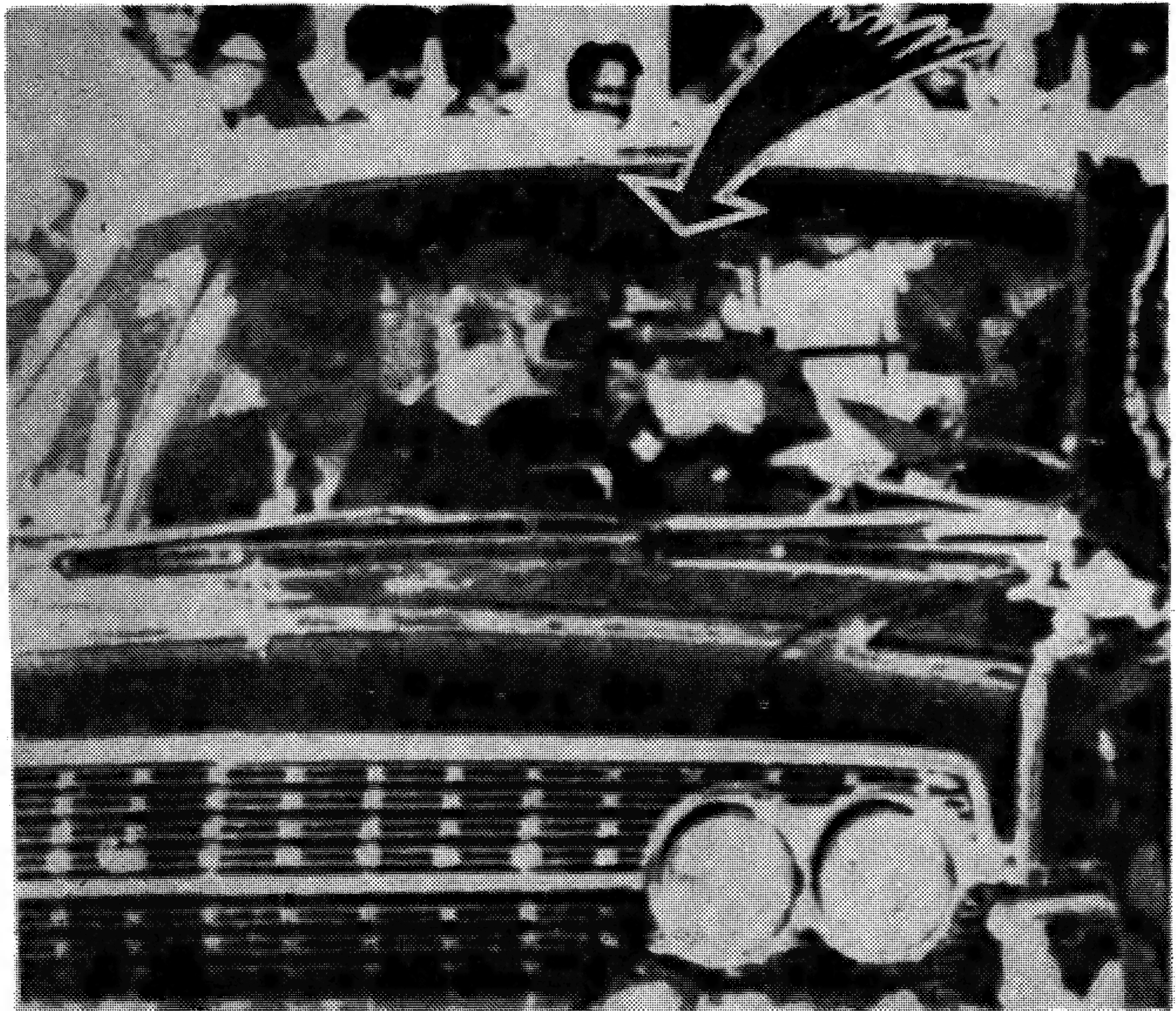
ـ**نیکوزیاوقبرس** : کشمکش بین یونانیان وترکها در نیکوزیا و قبرس بظهور رسید و زدوخورد ادامه یافت و چند نفر سربازانگلیسی مورد اصابت گلوله قرار گرفتند . روز ۲۸ این ماه پس از ورود **ساندیز** یك کمیتة صلح تشکیل شد و در ۳۰ دسامبر یك منطقه بیطرف بین دو گروه متخاصم باموافقت طرفین ایجاد شد .

ـحریق : ناو یونانی **لاکونیا** در اقیانوس اطلس شمالی آتش گرفت واز ۱۰۴۱ نفر سرـ نشینان آن ۹۱ نفر مقتول شده و ٦٤ نفرمفقود گشتند بقیه نجات داده شدند .

۲۵ ـ **کنیا** : درمنطقه مرزی کنیاوسومالی حالت فوق‌العاده اعلام شد .

۳۱ ـ **فدراسیون رودزیا و نیازالنـــد** منحل گردید .

کندی در دالاس مورد اصابت گلوله قرارگرفت وبقتل رسید (دراین عکس اوبافلش مشخص شده است)





کرنولوژی سازمان ملل متحد

از ۱۹۴۱ تا ۱۹۶۳

(۲۳ سال)

از :

(دکتر بهاءالدین پازارگاد)

دیباچه

«ملل متحد» که در سالهای اول «سازمان ملل متحد» خوانده میشد و بعد کلمه «سازمان» از آن حذف گردید اکنون ۱۹ سال از عمرش میگذرد (۱۹۴۵ — ۱۹۶۳) . با تجربه تلخی که جهانیان ازدستگاه پیش‌آهنگ ملل متحد یعنی «جامعهٔ ملل» و چگونگی سرنوشت آن داشتند در آغاز تاسیس ملل متحدکه جانشین جامعه ملل‌گردید چندان امیدوار نبودند که دستگاه ملل متحد بصورت یك دستگاه مؤثر جهانی درآید و تا ایندرجه در حفظ صلح وتقلیل تشنجات جهانی ورفع و لااقل تخفیف وتقلیل اختلافات بین ملل و دول و درکمك به آبادی وعمران وپیشرفتهای فنی ملل عقب افتاده و مجاهده درحفظ حقوق بشر ورفع تبعیضات نژادی وبخشیدن استقلال به ملت های اسیر و استعماری توفیق یابد و تا این درجهان متشنج نفوذ واهمیت پیدا کند .

فعالیت های ملل متحد دراین ۱۹ سال ، سال به سال ، ماه بـه ماه ، هفته بـه هفته و حتی روز بروز بطوری بسرعت و بوضعی غیرمنتظر توسعه یافت و تعداد عملیات و تصمیمات شعب و متفرعات آن بطوری به نسبت مجذور و مکعب فزونی گرفت که حساب آن ازدستها بدررفته. تعداد فعالیت‌های ملل متحد اکنون ازمیلیون گذشته وبدیهی است دستگاهی که ارگانهای اصلی و فرعی آن بحد متوسط درسال ۲۰۰۰ جلسه تشکیل میدهند و درحدود ۴۰۰۰۰ سند تنها بزبان انگلیسی و تعداد بیشتری بزبانهای دیگر صادر کرده ونشر میدهند حساب شماره تمام فعالیت های آن وبذهن سپردن جریان اعمال آن کارآسانی نیست ومحتاج به مراجعه به کتب ورسالات و نشریات متعدد میباشد . همین تنوع و کثرت تعداد موسسات و متفرعات ملل متحد و ازدیاد روزافزون فعالیت های آن درتمام نقاط جهان نه تنها برای مردم عادی‌که علاقه به‌کسب اطلاع راجع به فعالیت و اوضاع و جریان این دستگاه دارند بلکه برای محققین و معلمین ودیپلماتها و دانشجویان علوم سیاسی هم باعث اشکال گردیده . کسانی که میخواهندکنفرانسی درموردی خاص مربوط به ملل متحد بدهند یا سخنرانی نمایند راهنمائی برای بدست آوردن منابع در دست ندارند لذا لزوم یك کرونولوژی خاص ملل متحد که راهنمای اهل تحقیق و مطالعه وهم سایر مردم باشد که وقت ومجال یا دسترسی بمنابع اطلاعات مبسوط ندارند از سه سال باینطرف احساس گردیده شعبه مطبوعات ملل متحد نیزتاسال ۱۹۵۴ درآخر هرسال فهرستی از عملیات و تصمیمات ملل متحد وشعب آن درهرسال تهیه میکرد وانتشار میداد و پس از آن شاید بسبب تعدد وکثرت وقایع وتصمیمات و اشکال در جمع‌آوری آن ویا شاید بجهات دیگر آنرا تعطیل کرد در دوسال پیش دونفر آقایان والدوچمبرلن و توماس هووت در صدد تهیه چنین کرونولوژی برآمدند و چون تعداد تصمیمات ملل متحد دراین مدت کوتاه ۱۹ سال از هزارها و میلیون هم فزون است ناچار بانتخاب بودند . دراین انتخاب سعی کردند که مهم‌ترین وقایع را از میان وقایع برگزینند یعنی وقایعی را درنظر گیرند که در حفظ صلح جهانی وجلوگیری ازجنگ وتشنجات مؤثر بوده باشد . این فهرست وقایع‌واقدامات ملل متحد نیز تاسال ۱۹۶۰ تهیه شده وناقص‌بود ومنبع‌دیگری نظیر آن باکمال تأسف در دسترس نبود ناچار نگارنده این سطورمتوسل به شش مجلهٔ گزارشهای سالیانه دبیرکل ملل متحد شده و استخراج وقایع بترتیب کرونولوژیك از این ۶ مجله خالی از اشکال نبود ولی درهرحال فراهم شده وتکمیل گردید . از جملهٔ وقایعی که دراین کرونولوژی گنجانیده شده و مورد توجه مردم جهان بوده وهست تعداد وتاریخ و موضوع وتوهائی است که در شورای امنیت از طرف نماینده دولت شوروی و احیانا دولتهای دیگر اعضاء شورای امنیت داده شده و مسئله وتو پس از ۱۹ سال آزمایش ملل متحد اکنون بصورت مشکلی لاینحل بیرون آمده ونظر مردم جهان متوجه حل این مشکل است زیرا وتو در واقع بمنزله نفی ونسخ تصمیمات است وجلو هراقدام مثبتی را میتواند بگیرد . منشور ملل متحد درخلال جنگ جهانی دوم قدم بعرصه هستی گذاشت ودراین هنگام قدرتهای بزرگ با شوروشوق وحرارت مانند دوستان یکجان ویکدل بیکدیگر پیوسته بودند و اساس منشوررا برپیوستگی این قدرتها بیکدیگر ساختند وپرداختند بتصور آنکه این شوق وشور دوستی تا ابد برقرارمیماند وازطبیعت بشری وروانشناسی هیئت های حاکمه وگروه های ذینفع درجنگ و رقابت اقتصادی و سیاسی و از چرخ وگردش اوضاع زمانه غافل بودند که بمجرد پایان جنگ جهانی بین همان دوستان « صلح مبدل بجنگ و مهر بکین گشت » و دوستی ها وهمکاریهای زمان جنگ فراموش شده همان پیش بینی هیتلر تا درجه‌ئی صادق آمد که پس از شکست آلمان متفقین جنگ آلمان خود بجان یکدیگر خواهند افتاد . اما ازحق نباید گذشت که وجود همین دستگاه ملل متحد تا بامروز ازوقوع جنگ جلوگیری‌کرده و چندین آتش جنگ راکه درگوشه وکنارجهان روشن شده بود و نزدیك بود جهان را به آتش جنگ سوم بکشاند از قبیل وقایع برلن ، کره ، کنگو ، کانال سوئز ، فلسطین ، سوریه وامثال آنها را خاموش کرده و تشنجات را کم وبیش فرونشانیده . درهرحال چون تصور سازندگان وخالقین منشورآن بود که حفظ صلح براساس پیوستگی قدرتهای بزرگ تامین گردد اتفاق آراء را درشورای امنیت شرط پذیرفتن واجرای تصمیمات قراردادند بدینمعنی که از پنج قدرت بزرگ معروض آنزمان (شوروی و انگلیس و امریکا و فرانسه و چین ملی) چنانچه یکی از آنها مخالف باشد و «نه» بگوید (که آنرا وتو یا ویتو اصطلاح کنند) آن تصمیم کان‌لم یکن تلقی میشود و قابل اجرا نیست و چون دوستی ها مبدل به بدبینی و بدگمانی و بیم گردید بدیهی است که وتو بتکرار بکار رفت و اختراع تازه‌ئی بنام «جنگ سرد» در جهان سیاست بین‌المللی بوجود آمد که اکنون همه جهانیان بمفهوم آن آشنائی دارند . البته باید این نکته را افزود که حداقل فایده وجود ملل متحد آن بود که جنگ‌گرم را مبدل به جنگ سرد کرد وبدیهی است که اگرچه جنگ سرد غالبا همه مردم جهان را درحال اضطراب و نگرانی نگاه داشته ولی بهتر از جنگ گرم است .

چند فهرست سودمند از اختصارات وفهرست اعضاء ملل متحد وروسای مجمع عمومی واعضاء شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی و دادگاه بین‌المللی دادگستری در پایان کرونولوژی آمده است که برای مراجعه سودمند است .

امید است این‌کرونولوژی برای اهل مطالعه وتحقیق و دانشجویان وعلاقه مندان به تاریخ ملل متحد وفعالیت های این دستگاه مهم وبزرگ بین‌المللی سودمند افتد .

تهران — آذرماه ۱۳۴۲ دکتر بهاءالدین پازارگاد

۱۹۴۱

۱٤ اوت ـ پیمان اتلانتیك : دراین پیمان اصولی که باید مبنای تاسیس یك دستگاه امنیت جهانی قرار گیرد و برآن دستگاه حکمفرما باشد قید گردید.

۱۹٤۲

اول ژانویه ـ اعلامیه ملل متحد : این اعلامیه که بامضای ۲٦ ملت از ملل جهان رسیده بود پیمان اتلانتیك را تأیید کرد.

۱۹٤۳

۳۰ اکتبر ـ اعلامیهٔ مسکو : این اعلامیه که بامضای چهار کشور **چین ، روسیه شوروی ، انگلیس ، وامریکا** رسیده بود لزوم تشکیل یك سازمان بین‌المللی را متذکر گردید.

۱۹٤٤

۱ـ۱۷ مه ـ انجمن نخست وزیران کامنولث : در این انجمن موافقت حاصل شد که انگلستان برای طرح تاسیس یك سازمان بین‌المللی با امضاکنندگان اعلامیهٔ مسکو **مذاکره** کند.

۹ اکتبر پیشنهاد های دومبارتن اوکس : دردومبارتن‌اوکس در باختر امریکا انجمن هائی بشرح زیر از نمایندگان چهار دولت تشکیل شده توصیه هائی برای تاسیس‌یك‌سازمان بین‌الملا ی نمودند.

(۱) از ۲۱ اوت تا ۲۹ سپتامبر مذاکرات بین نمایندگان روسیه شوروی و انگلیس و امریکا.

(۲) از ۲۹ سپتامبر تا ۷ اکتبر مذاکرات بین‌نمایندگان چین‌وانگلیس و امریکا

۱ـ٦ نوامبر ـ کنفرانس ویلینگ‌تون: استرالیا و زلاندنو دوازده ماده برای تاسیس یك سازمان بین‌المللی‌عمومی وضع کرده و تصویب نمودند.

۱۹٤۵

۳ ژانویه ـ ۲ فوریه ـ کنفرانس مالتا : نمایندگان **انگلیس** و **امریکا** پیش از تشکیل کنفرانس **یالتا** در مالتا بمذاکره پرداختند.

٤ ـ ۱۱ فوریه ـ کنفرانس یالتا : نمایندگان **شوروی** و **انگلیس وامریکا** درموردفرمول رای‌گرفتن در**شورای امنیت** موافقت حاصل‌کردند.

۲۱ فوریه ـ ۸ مارس ـ کنفرانس کشورهای امریکائی درمسائل مربوط بجنگ و صلح : جمهوریهای امریکائی باستثنای آرژانتین در مکزیکوسیتی تشکیل جلسه داده بمذاکره پرداختند و موافقت کردند که پیشنهاد های دومبارتن اوکس حقا مبنای تاسیس یك سازمان بین‌المللی است.

٤ـ۱۳آوریل‌ـ انجمن‌کامنولث‌انگلیس تأیید کرد که پیشنهادهای دومبارتن اوکس اساس تشکیل یك سازمان بین‌المللی تلقی میشود.

۹ـ۲۰ آوریل ـ مجمع حقوقدانان (کمیتهٔ ژوریستها) که از حقوقدانان ٤٤ ملت تشکیل شده بود قانونی‌برای تشکیل یك دادگاه عدالت بین‌المللی تدوین نمود.

۹ آوریل ـ ۲۵ ژوئن ـ کنفرانس‌ملل متحد برای تشکیل سازمان‌بین‌المللی: از نمایندگان پنجاه ملت تشکیل شده طرح **منشور ملل متحد** را تهیه کرد.

۷ ژوئن ـ شورای امنیت : اظهار نامهٔ نمایندگان چهار دولت بزرگ درمورد جریان رأی دادن در شورای امنیت منتشر گردید.

۲٦ ژوئن ـ منشور ملل متحد : به امضای نمایندگان پنجاه ملت رسید.

۲۷ ژوئن ـ کمیسیون تهیهٔ ملل متحد : اولین دورهٔ اجلاسیهٔ خودرا آغاز کرد.

٦ ژوئیه ـ منشور ملل متحد : اولین ملتی که آنرا تصویب کردملت **نیکاراگوا** بود که دراین روز آن را تصویب و امضا نمود.

٦ اوت ـ نیروی آتم : بمب اتم‌بر هیروشیما انداخته شد.

۸ اوت ـ منشور ملل متحد : دولت کشورهای متحدهٔ امریکا آنرا تصویب نمود.

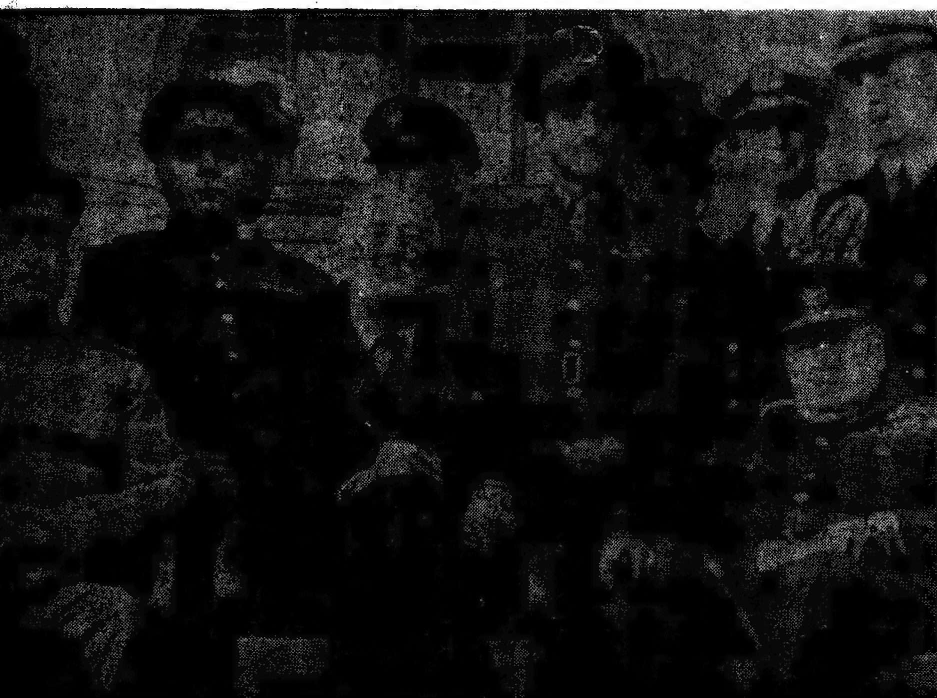
۱٦ اوت ـ ۲٤ نوامبر ـکمیسیون تهیه : جلسات کمیتهٔ اجرائیهٔ آن تشکیل شد.

۲٤ اکتبر ـ منشور ملل متحد : با تصویب و امضای روسیهٔشوروی منشور ملل متحد قابل اجرا گردیدو اجرای آن آغاز شد.

۱۵ نوامبر ـ نیروی اتم : دولتهای **کانادا** ، **انگلیس** ، **امریکا** تشکیل کمیسیون انرژی اتمیك ملل متحدرا تصویب کردند.

۲٤ نوامبر ـ ۲۳ دسامبر ـ کمیسیون تهیه : دوره اجلاسیه دوم خودرا آغاز کرد.

نمایندگان شوروی و انگلیس در کنفرانس‌یالتا



۱۶ ـ ۲۶ دسامبر ـ نیروی اتم : **شورای وزرای خارجه** روسیه ، شوروی و انگلیس و امریکاباتشکیل کمیسیون نیروی اتمی ملل متحد موافقت کردند .

۱۹۴۶

۱۰ ژانویه ـ ۱۴ فوریه : تشکیل بخش اول از اولین دورهٔ اجلاسیهٔ **مجمع عمومی** درلندن .

۱۷ ژانویه ـ تشکیل اولین‌جلسهٔ **شورای امنیت** درلندن .

۱۹ ژانویه ـ ایران : اولین‌شکایت و اختلافی که درشورای امنیت‌مطرح گردید شکایت ایران بود از روسیهٔ شوروی مبنی برعدم خروج نیروهای شوروی ازایران پس از جنگ بر خلاف تعهد و قرارداد .

۲۱ ژانویه ـ یونان : دولت‌شوروی عدم خروج نیروهای انگلیس را از یونان درشورای امنیت مطرح کرد.

۲۱ ژانویه ـ اندونزی : دولت اوکرانی موضوع عدم خروج نیرو های انگلیسی را از اندونزی در شورای امنیت مطرح کرد .

۲۳ ژانویه ـ ۱۸ فوریه ـ تشکیل اولین‌دورهٔ‌اجلاسیهٔ **شورای‌اقتصادی واجتماعی** درلندن .

۲۴ ژانویه ـ نیروی اتم : تاسیس کمیسیون نیروی اتمی ملل متحد از طرف مجمع عمومی .

۲۵ ژانویه ـ عضویت : آلبانی تقاضای عضویت در ملل متحد کرد.

۱ فوریه ـ انتخاب دبیرکل : **تریگوهلی** بسمت‌اولین‌دبیرکل‌سازمان ملل متحد تعیین گردید .

۴ فوریه ـ کمیتهٔ ستاد نظامی‌ملل متحد اولین جلسهٔ خود را تشکیل داد .

۴ فوریه ـ سوریه و لبنان : از عدم خروج نیروهای‌فرانسه‌وانگلیس از سوریه و لبنان به **شورای امنیت** شکایت کردند .

۶ فوریه ـ دیوان بین‌المللی دادگستری : اولین دسته قضات عضو دیوان بین‌المللی دادگستری از میان قضات کشورهای مختلف‌عضو از طرف مجمع عمومی انتخاب‌شدند.

۹ فوریه ـ سرزمین های غیر خودمختار: مجمع عمومی از دبیرکل ملل متحد خواست که در گزارش سالیانهٔ خود خلاصه‌ئی از اطلاعات واصله مربوط‌بکشورهای غیرمستقل و سرزمین های غیرخودمختار را به اطلاع مجمع برساند .

۱۴ فوریه ـ مرکز و مقر سازمان ملل متحد : مجمع عمومی شهر نیویورک را مقر و مرکز سازمان‌ملل متحد یعنی‌اجزاء اصلی آن (دبیرخانه وشوراها ومجامع‌اصلی) مقررداشت.

۱۶ فوریه ـ کمیسیون داروهای مخدر : شورای اقتصادی‌واجتماعی کمیسیونی برای مسئلهٔ مواد مخدره تشکیل داد .

کمیسیون حقوق بشر : شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیونی مخصوص مطالعه درحقوق بشر تاسیس نمود .

کمیسیون تهیهٔ مشاغل : شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیونی مخصوص برای حل مشکل بیکاری‌و مبارزه با آن و بمنظور تهیهٔ‌مشاغل برای بیکاران در همه جهان تاسیس کرد .

کمیسیون اجتماعی : شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیونی موقتی برای مطالعهٔ درامورا‌جتماعی تشکیل داد .

کمیسیون آمار : شورای‌اقتصادی و اجتماعی یک کمیسیون آماری دائر نمود .

کمیسیون حمل ونقل وارتباط : شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیونی موقتی برای مسئله حمل و نقل و ارتباط تاسیس کرد .

سوریه و لبنان : (اولین وتوی شوروی) : شورای امنیت در مورد شکایت سوریه و لبنان از حضور قوای انگلیس درآندوکشور بهر دو طرف توصیه کرد که بطریق صلح آمیز رفع اختلاف نمایند .

۲۱ مارس ـ انتقال مقر سازمان ملل متحد : مقر سازمان از لندن به نیویورک و موقتاً به **دانشکدهٔ‌هنترز** (هنترزکالج) انتقال یافت .

۳ ـ آوریل ـ دادگاه عدالت بین‌المللی اولین جلسه خودرا تشکیل داد .

۸ آوریل ـ اسپانیا : لهستان موضوع اسپانیا را به شورای امنیت آورد .

۸ ـ ۱۸ آوریل ـ جامعهٔ ملل منحل گردید .

۲۵ مه ـ ۲۱ ژوئن ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : دومین دورهٔ اجلاسیهٔ آن دائر بود .

۱۴ ژوئن ـ نیروی اتم : امریکا طرح **باروخ** را برای تاسیس ادارهٔ پیشرفت اتمی به کمیسیون انرژی اتمی ملل متحد تقدیم کرد .

۱۸ ژوئن ـ موضوع اسپانیا : (دومین وتوی روسیه شوروی) : شورای امنیت بعضی از اصول را تأیید نمود .

موضوع اسپانیا : (سومین وتوی شوروی) : شورای امنیت توصیه هائی در اینمورد به مجمع عمومی نمود .

موضوع اسپانیا : (چهارمین وتوی شوروی) : شورای امنیت توصیه‌هائی در اینمورد به دبیر کل سازمان ملل متحد نمود .

موضوع اسپانیا : (پنجمین وتوی شوروی) : شورای امنیت تصمیمی در مورد مسائل موضوع وتوهای دوم وچهارم شوروی اتحاذ نمود .

۱۹ ژوئن ـ انرژی اتم : روسیه شوروی تصویب مقاوله‌نامه‌ای را به کمیسیون نیروی اتم ملل متحد پیشنهاد کرد که طبق آن ساختن و بکار بردن اسلحه اتمی تحریم گردد.

۱۹ ژوئن ـ۲۲ ژوئیه ـبهداشت: کنفرانس بهداشت بین‌المللی سازمان ملل متحد طرح اساسنامهٔ سازمان بهداشت جهانی را تهیه کرد .

۲۱ ژوئن ـ آزادی اطلاعات : شورای اقتصادی و اجتماعی تشکیل کمیسیون فرعی آزادی اطلاعات را تصویب کرد .

مقام زن : شورای اقتصادی واجتماعی تشکیل کمیسیون را برای رسیدگی بمسئله مقام زن تصویب نمود .

ـ مناطق ویران شدهٔ از جنگ : شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیونی فرعی‌برای رسیدگی‌بوضع مناطق ویران شده تشکیل داد .

ـ سازمان های غیر دولتی : شورای اقتصادی واجتماعی موافقت کرد که سازمانهای غیر دولتی را میتوان بمنوان مشاور وبرای مشاوره شناخت .

۲۴ ژوئن ـ عضویت : جمهوری

مغولستان از ملل متحد تقاضای عضویت کرد .

۲۶ ژوئن ـ اسپانیا : (ششمین وتوی شوروی و وتوی (فرانسه) : شورای امنیت پیشنهاد کرد که موضوع اسپانیا علاوه بر شورای امنیت در مجمع عمومی هم بهمان کیفیت مورد بحث واقع شود .

اسپانیا : (هفتمین وتوی شوروی) : حفظ موضوع بحث راجع باسپانیا در دستور شوارى امنیت .

۲ ژوئیه ـ عضویت : افغانستان تقاضای عضویت کرد .

۸ ژوئیه ـ عضویت : کشور **اردن** تقاضای عضویت کرد .

۲۹ ژوئیه ـ ۱۳ سپتامبر : تجدید آبادی : دورهٔ اجلاسیهٔ اول کمیسیون فرعی تجدید عمران وآبادی مناطق ویران شدهٔ از جنگ تشکیل شد و بمشاوره پرداخت .

۱ اوت ـ جامعه ملل : اموال و دارائی جامعهٔ ملل به سازمان ملل متحد انتقال یافت .

۲ اوت ـ عضویت : آیسلند ، ایرلند و **پرتقال** درخواست عضویت کردند .

۵ اوت ـ عضویت : تایلند درخواست عضویت کرد .

۹ ـ اوت ـ عضویت : سوئد درخواست عضویت کرد .

۱۶ ـ ۱۹ اوت ـ انتقال مقر ملل متحد : مقر ملل متحد از کالج هنترز به بخش **لیک سکسس** درحومه نیویورك انتقال یافت .

۲۴ اوت ـ یونان : اوکراین وضعی را که سیاست وروش دولت یونان در بالکان بوجود آورده بود در شورای امنیت مطرح کرد .

۲۹ اوت ـ عضویت : (هشتمین و نهمین و دهیمن وتوی روسیه شوروی) شورای امنیت نسبت به درخواست سه کشور **اردن** ، **ایرلند** ، و **پرتقال** رای داد .

۱۱ سپتامبر ـ ۳ اکتبر ـ شورای اقتصادی واجتماعی : دوره اجلاسیهٔ سوم آن دائر بود .

۲۰ سپتامبر ـ یونان : (یازدهمین وتوی شوروی) : شورای امنیت کمیسیونی برای تحقیق و تفتیش در موضوع یونان تاسیس کرد .

۲۱ سپتامبر ـ کارگذاریهای تخصصی : تاسیس کمیتهٔ ادارهٔ امور همکاریها ACC

۲۶ سپتامبر ـ نیروی اتم : کمیته علمی و فنی کمیسیون نیروی اتم گزارش داد که هیچ دلیل علمی وجود ندارد که نتوان کنترل موثر نیروی اتم را برقرار کرد .

۱ اکتبر ـ کمیسیون مالی : شورای اقتصادی واجتماعی کمیسیون مالی را تاسیس کرد .

۳ اکتبر ـ جمعیت : شورای اقتصادی واجتماعی کمیسیون جمعیت را دائر نمود .

۲۳ اکتبر ـ ۱۵ دسامبر ـ مجمع عمومی : دومین بخش از اولین دورهٔ اجلاسیهٔ آن دائر بود .

۱۹ نوامبر ـ عضویت : دولتهای **افغانستان ، آیسلند ، وسوئد** بعنوان پنجاه ودومین ، پنجاه وسومین و پنجاه چهارمین اعضای ملل متحد پذیرفته شدند .

۱۹ نوامبر ـ دارو های مخدر : وظائف جامعهٔ ملل سابق در مورد کنترل مواد مخدرطبق تصویب مجمع عمومی به کمیسیون داروهای مخدر ملل متحد انتقال یافت .

۲۷ نوامبر ـ ۱۳ دسامبر ـ کمیسیون داروهای مخدر اولین دوره اجلاسیه خودرا تشکیل داد .

۳ دسامبر ـ یونان : اوضاع مرزی خودرا درشورای امنیت مطرح کرد .

۸ دسامبر ـ اتحادیهٔ افریقای جنوبی : مجمع عمومی در موردهندیان مقیم اتحادیه افریقای جنوبی بکشور های عضو اتحادیهٔ مزبورتوصیه هایی کرد .

۱۱ دسامبر ـ کودکان: صندوق ملل متحد برای کودکان (یونیسف ـ UNICEF ازطرف مجمع عمومی تشکیل گردید .

ـ **حقوق بین‌الملل : اصول محاکمات نورنبرگ** (محاکمهٔ سران آلمان نازی) مورد تصویب مجمع عمومی قرار گرفت .

۱۲ دسامبر ـ اسپانیا : محروم داشتن اسپانیا از استفاده از کار گزاریهای (اژانسهای) تخصصی ملل متحد بتصویب مجمع عمومی رسید .

۱۳ دسامبر ـ قیمومیت : پیمان های راجع به گینهٔ نو ، **روآندااوروندی** توگولند انگلیس و فرانسه ، کامرون انگلیس وفرانسه ، تانگانیکا ، و ساموئای باختری بتصویب مجمع عمومی رسید .

۱۴ دسامبر ـ سرزمین‌های غیر خود مختار : مجمع عمومی کمیته‌ئی‌را مامور کسب اطلاعات در محل (کمیتهٔ ادهاك) در مورد سرزمین های غیر خود مختار نمود .

کنترل اسلحه : مجمع عمومی از شورای امنیت خواست که درمورد تقلیل سلاح اقدام نماید .

مقر سازمان ملل متحد : ـ نیویورك از طرف مجمع عمومی برای مقر دائمی و ثابت ملل متحد انتخاب شد و مجمع مزبور مبلغ ۸ر۵۰۰ر۰۰۰ دولاراهدائی روکفلررا برای ساختمان بنای مقر سازمان پذیرفت .

بودجه : مجمع عمومی ۴۷ر۱۳۰ر۰۰۰ دولار بودجه سازمان ملل متحد را بشرح زیر تصویب کرد :

بودجه سال ۱۹۴۶ ... ۱۹ر۳۶۰ر۰۰۰ دولار .

بودجه سال ۱۹۴۷ ... ۲۷ر۷۴۰ر۰۰۰ دولار .

اجتماعی : مجمع عمومی تصمیم گرفت که خدمات اجتماعی ادارهٔ اعانات واحیای ملل متحد را ادامه دهد .

کارگزاریهای تخصصی : مجمع عمومی تصویب کرد که با هریك از اژانسهای تخصصی زیر که از سابق وجود داشتند پیمانی منعقد گردد که ازاین پس از اجزاء پیوستهٔ به ملل متحد محسوب شوند .

سازمان بین‌المللی کار (ایلو ILO)

سازمان خواربارو کشاورزی ملل متحد (فائو FAO)

سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو Unesco)

سازمان هواپیمائی کشوری بین المللی (ایکائو ICAO)

افریقای جنوب باختری : مجمع عمومی پیشنهاد الحاق افریقای جنوب باختری را به اتحادیهٔ افریقای جنوبی رد کرد .

۱۵ دسامبر ـ پناهندگان : تاسیس سازمان پناهندگان بین‌المللی بتصویب مجمع عمومی رسید .

عضویت : تایلند بعنوان پنجاه وپنجمین عضو پذیرفته شد .

۱۹ دسامبر ـ یونان : کمیسیون تحقیق (بنام کمیسیون بالکان) ازطرف

شورای امنیت تاسیس گردید .

۳۱ دسامبر ـ نیروی اتم : در اولین گزارش کمیسیون نیروی آتم ملل متحد ، ایجاد دستگاه بازرسی و کنترل بین‌المللی آتم توصیه‌گردید .

۱۹۴۷

۱۰ ژانویه ـ مسئله بغازکرفو : موضوع خسارات واردهٔ به کشتی ها در بغاز کورفو از طرف انگلیس به شورای امنیت ارجاع شد .

تریست : شورای امنیت مسئولیت موضوع تریست و حل اختلافات برسرانرا پذیرفت .

۲۰ ژانویه ـ ٤فوریه ـ اجتماعی: اولین دورهٔ اجلاسیهٔ کمیسیون اجتماعی .

۲۰ ژانویه ـ ٥ فوریه ـ اقتصادی : اولین دورهٔ اجلاسیه کمیسیون اقتصادی و تهیه مشاغل .

۲۷ ژانویه ـ ۱۰ فوریه ـ حقوق بشر : اولین دوره اجلاسیه کمیسیون حقوق بشر .

۲۷ ژانویه ـ ۲۷ فوریه ـ آمار: اولین دورهٔ اجلاسیه کمیسیون آمار

٤ ـ ۱۸ فوریه ـ رفاه اجتماعی: اولین دورهٔ اجلاسیه کمیته موقت رفاه اجتماعی .

٦ ـ ۱۸ فوریه ـ حمل و نقل وارتباط : اولین دورهٔ اجلاسیهٔ کمیسیون حمل و نقل و ارتباطات

٦ ـ ۱۹ فوریه ـ جمعیت : ـ اولین‌دورهٔ‌اجلاسیهٔ کمیسیون‌جمعیت

۱۰ ـ ۲٤ فوریه ـ زنان : ـ اولین دورهٔ اجلاسیهٔ کمیسیون مقام زن .

۱۰ فوریه ـ آزادی اطلاعات : کمیسیون فرعی آزادی اطلاعات و مطبوعات از طرف کمیسیون حقوق بشر تاسیس شد .

اقلیت‌ها : کمیسیون فرعی منع تبعیضات و حفظ اقلیت‌ها از طرف کمیسیون حقوق بشر تاسیس گردید .

۱۳ فوریه ـ کنترل اسلحه : شورای امنیت کمیسیون تسلیحات قراردادی را تاسیس کرد .

۲۸ فوریه ـ ۲۹مارس ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : چهارمین دورهٔ اجلاسیه آن دائر بود .

۲۵مارس ـ بغازکورفو(دوازدهمین وتوی شوروی) شورای امنیت رفع اختلاف را بطرفین دعوی توصیه کرد .

۲٦ مارس ـ ۲۸ آوریل ـ شورای قیمومیت : دورهٔ‌اجلاسیهٔ اول خودرا تشکیل داد .

۲۸ مارس کمیسیون‌اقتصادی اروپا : از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی تشکیل گردید .

۲۸مارس ـ کمیسیون‌اقتصادی آسیا و خاور دور : از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی تاسیس‌گردید .

۲ آوریل ـ فلسطین : تشکیل دورهٔ اجلاسیه خاص مجمع‌عمومی برای رسیدگی بموضوع فلسطین از طرف انگلیس پیشنهاد شد .

قیمومیت : شورای امنیت پیمان قیمومیت را در مورد جزایر زیر قیمومیت واقع در اقیانوس‌کبیر پذیرفت .

۹ آوریل ـ بغاز کرفو : ارجاع موضوع بغاز کرفوبه دادگاه بین‌المللی دادگستری از طرف شورای امنیت توصیه گردید .

۲۲ آوریل ـ عضویت : مجارستان (هونگری) تقاضای عضویت کرد .

۲٤ آوریل ـ قیمومیت : اعزام اولین هیئت اعزامی از طرف شورای قیمومیت به ساموئای باختری .

۲۸ آوریل ـ ۱٥ مه ـ مجمع عمومی : اولین دورهٔ اجلاسیهٔ خاص مجمع عمومی برای رسیدگی بمسئله فلسطین تشکیل گردید .

۳۰ آوریل ـ کنترل اسلحه : کمیتهٔ ستاد نظامی گزارشی در مورد اصول کلی راجع به اجرای ماده ٤۳ منشور تهیه کرد .

۲ ـ ۱٤ مه ـ کمیسیون‌اقتصادی اروپا : اولین دورهٔ اجلاسیه تشکیل شد .

۷ مه ـ عضویت : ایتالیاتقاضای عضویت کرد .

۱۲ مه ـ ۱۷ ژوئن ـ حقوق بین‌الملل : اولین دورهٔ اجلاسیهٔ‌کمیته بسط مترقی حقوق بین‌الملل وتدوین (کدیفیکاسیون) آن دائر گردید .

۱٥ مه ـ فلسطین : کمیتهٔ‌خاص فلسطین UNSCOP از طرف مجموع عمومی تاسیس گردید .

۱۹ ـ ۲۹ مه ـ کمیسیون‌مالی: اولین دورهٔ اجلاسیه آن تشکیل شد .

۱۹ مه ـ ٤ ژوئن ـ آزادی اطلاعات : اولین دوره اجلاسیه کمیسیون فرعی آزادی اطلاعات و مطبوعات تشکیل گردید .

۱٦ ـ ۲٥ ژوئن ـ کمیسیون اقتصادی آسیا و خاور دورECAFE اولین دورهٔ اجلاسیهٔ آن دائر گردید.

۲٥ ژوئن ـ یونان : گزارش کمیسیون تحقیق (کمیسیون بالکان) حاضر شد .

۲٦ ژوئن ـ مقر سازمان ملل متحد : پیمانی بین امریکا و دبیر کل ملل متحد در مورد اینکه مقر ملل متحد در نیویورك باشد بامضا رسید.

۲ ژوئیه ـ عضویت : اطریش تقاضای عضویت کرد .

۸ ژوئیه ـ مصر : در مورد وجود نیروهای انگلیس در آن کشور بشورای امنیت شکایت کرد .

۱۰ ژوئیه ـ عضویت : رومانی تقاضای عضویت کرد .

۱۹ ژوئیه ـ ۱۷ اوت ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : پنجمین دورهٔ اجلاسیه .

۲٤ ژوئیه ـ ۸ اوت ـ کمیسیون داروهای مخدر : اولین‌دورهٔ‌اجلاسیه

۲٦ ژوئیه ـ عضویت : بلغارستان تقاضای عضویت کرد .

۲۹ ژوئیه ـ یونان : (سیزدهمین وتوی شوروی) شورای‌امنیت تعیین کمیسیون تحقیق را پیشنهادکرد .

۳۰ ژوئیه ـ اندونزی ، استرالیا و هند مسئله اوضاع اندونزی را بشورای امنیت آوردند .

۱ اوت ـ اندونزی : شورای امنیت اجرای آتش بس را از هلند و اندونزی خواست .

۸ اوت ـ کودکان : درخواست ملل متحد در مورد کمك بکودکان مورد تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی قرار گرفت .

۱٥ اوت ـ عضویت : پاکستان تقاضای عضویت کرد .

۱۸ اوت ـ عضویت : (چهاردهمین و پانزدهمین و شانزدهمین وتوی شوروی) درخواست های اردن و ایرلند و پرتقال برای عضویت‌مطرح گردید .

۱۹ اوت ـ یونان (هفدهمین وتوی شوروی) تصمیم باینکه وضع

یونان باعث تهدید صلح است .
عضویت : (هجدهمین وتوی شوروی) توصیهٔ بکشور های عضو ملل متحد که کمك به نیروهای غیر دولتی یا غیر رسمی (چریك) را که بجنگ می‌پردازند (گریلا) موقوف دارند .
۲۱ ــ اوت ــ عضویت : (وتوی ۱۹ و ۲۰ شوروی) : شورای امنیت نسبت بدرخواستهای عضویت ایتالیا واسترالیا رای داد .
۲۵ اوت ــ اندونزی : (وتوی ۲۱ فرانسه و شوروی) : تاسیس یك کمیسیون تحقیق از طرف شورای امنیت برای رسیدگی بمسئله اندونزی
اندونزی : کمیتهٔ میانجی گری از طرف شورای امنیت در مورد اندونزی تشکیل شد .
۳۱ اوت ــ فلسطین : کمیتهٔ خاص فلسطین (انتسکوپ) تجزیهٔ فلسطین را توصیه کرد .
۸ ــ ۱۲ سپتامبر ــ آمار :کنگره آماری جهانی تشکیل شد .
۱۱ سپتامبر ــ نیروی اتم : گزارش کمیسیون نیروی اتم ملل متحد راجع به اصول حاکم براژانس بین‌المللی انرژی اتم تهیه شد .
۱۵ سپتامبر ــ یونان : (وتوی ۲۲ شوروی) : پیشنهاد رسیدگی به مسئله یونان در مجمع عمومی .
۱۶ سپتامبر ــ ۲۹ نوامبر ــ مجمع عمومی : دومین دورهٔ اجلاسیهٔ مجمع .
۱۹ سپتامبر ــ عضویت : فنلاند درخواست عضویت کرد .
۲۴ سپتامبر ــ تریست :(وتوی ۲۳ شوروی) نامزد کردن یك فرماندار برای تریست .
۳۰ سپتامبر ــ عضویت : پاکستان و یمن بعنوان پنجاه‌وششمین و پنجاه هفتمین عضو ملل متحد پذیرفته شدند .
اول اکتبر ــ عضویت : (وتوی ۲۴ و ۲۵ شوروی) : درخواست‌نامه ایتالی و فنلاند برای عضویت مطرح شد .
۲۰ اکتبر ــ پرچم :مجمع‌عمومی شکل وطرح ورنگ پرچم سازمان ملل متحد را تصویب کرد .
۲۱ اکتبر ــ یونان : تاسیس کمیتهٔ خاص بالکان Unscob از طرف مجمع عمومی .

۳۰ اکتبر ــ بازرگانی : پروتکل درخواست موقتی پیمانهای عمومی در مورد تعرفه گمرکی و بازرگانی CATT بامضا رسید .
اول نوامبر ــ افریقای جنوب باختری : مجمع عمومی بار دیگر توصیه کردکه این سرزمین در تحت قیمومیت قرار داده شود .
قیمومیت: مجمع‌عمومی قیمومیت سرزمین **نائورو** را تصویب کرد .
۱۳ نوامبر ــ کمیتهٔ موقتی (فاصل) مجمع عمومی تشکیل شد (بمنظور آنکه‌در بین‌دوره‌های‌اجلاسیه مجمع عمومی این کمیته جا نشینی موقتی برای مجمع عمومی برای رسیدگی به‌بعضی امور باشد .)
۱٤ نوامبر ــ کره: مجمع‌عمومی کمیسیون موقتی کره Untcok را تاسیس کرد .
۱۵ نوامبر ــ کارگزاریهای تخصصی : مجمع‌عمومی‌عقد پیمانهائی را برای ایجاد ارتباط بین ملل متحد یا موسسات بین‌المللی زیرکه از سابق وجود داشتند یا قبلا تاسیس شده بودند تصویب نمود :
بانك بین‌المللی ترمیم و توسعه IBRD
صندوق بین‌المللی پول IMF
اتحادیه پستی جهانی UPU
اتحادیه بین‌المللی ارتباطات‌دور ITU
۱۷ نوامبر ــ تعلیم: مجمع‌عمومی توصیه کرد که کشور های عضو ملل متحد تعلیم راجع به ملل متحد را در آموزشگاههای خود معمول دارند .
۲۰ نوامبر ــ مقر سازمان ملل متحد : مجمع عمومی طرح بنای‌دائمی سازمان ملل متحد واخذ ٦٥ میلیون دولار از امریکا را برای این منظور تصویب کرد .
ــ **بودجه** : مجمع عمومی ــ ۳٤‌ر۸۲۵ر۱۹۵ دولار بودجه سازمان ملل متحد را بشرح زیر تصویب کرد :

بودجه سال ۱۹٤۷ ۸٤٦ر۵٦۸ر۸٤٦ دولار

بودجه سال ۱۹٤۸ ۱۹۵ر۸۲۵ر۳٤ دولار

۲۰ نوامبر ــ ۱٦ دسامبر ــ شورای قیمومیت : بخش اول دومین دورهٔ اجلاسیه .
۲۱ ــ نوامبر ــ کمیسیون حقوق بین‌الملل : از طرف مجمع عمومی تاسیس گردید .

۲۱ نوامبر ــ ۲٤ مارس ــ بازرگانی : قرارشد کنفرانس بازرگانی وتهیهٔ مشاغل منشوری برای سازمان بازرگانی بین‌المللی ITC در هاوانا تهیه کند .
۲۹ ــ نوامبر ــ فلسطین : طرح تجزیهٔ فلسطین بتصویب مجمع‌عمومی رسید :

مقررگردیدکه‌شهر بیت‌المقدس (اورشلیم) در تحت رژیم بین‌المللی اداره شود .
۸ دسامبر ــ قیمومیت : اولین حضور یك فرد از سرزمین های تحت قیمومیت بعنوان شاکی در پیشگاه یکی از ارگانهای اصلی ملل متحد : **سیلوانوس‌اولیمپیو**از توگولند فرانسه در محضر شورای قیمومیت بعنوان شاکی حضور یافت .

۱۹٤۸

۱۷ ژانویه ــ اندونزی : پیمان **رانویل** بین هلند و اندونزی بامضا رسید .
۲۰ ژانویه ــ کشمیر کمیسیون هند و پاکستان از طرف شورای امنیت برای رفع اختلافات دوکشور مزبور تاسیس شد .
۲ فوریه ــ ۱۱ مارس ــ شورای اقتصادی و اجتماعی : ششمین‌دورهٔ اجلاسیه .
۱۹ فوریه ــ ٦ مارس ــ حمل ونقل : کنفرانس دریائی ملل متحد طرح مقاوله نامه‌ای برای تاسیس سازمان مشاورهٔ دریائی بین دولتها IMCO تهیه کرد .
۲۵ فوریه ــ کمیسیون‌اقتصادی امریکای لاتن ECLA : ازطرف شورای اقتصادی و اجتماعی تاسیس گردید .
۵ مارس ــ فلسطین : شورای امنیت از تمام دولتها خواست که از بی‌نظمی جلوگیری کنند .
۲۳ مارس ــ مقر ملل متحد : پیمان‌اخذ ۰۰۰ر۰۰۰ر٦۵دولار وام‌از آمریکا برای ساختمان بنای دائمی ملل متحد منعقد گردید .
۲۳ مارس ــ ۲۱ آوریل ــ آزادی اطلاعات : کنفرانس آزادی اطلاعات ملل متحد سه مقاوله‌نامه را تصویب کرد .

۲٤ مارس ــ بازرگانی : منشور سازمان بازرگانی بین‌المللی ITO در هاوانا بامضا رسید .

۳۰ مارس نیروی اتم : جلسات کمیته شماره ۲ کمیسیون نیروی اتم ملل متحد (کمیتهٔ کنترل) بسبب افتادن به بن بست تعطیل شد .

اول آوریل ــ فلسطین : شورای امنیت مجمع عمومی را دعوت به تشکیل دوره اجلاسیه فوق‌العاده نمود .

۱۰ آوریل ــ عضویت : (وتوی بیست وششم شوروی) شورای امنیت راجع بدرخواست عضویت ایتالیا رای داد .

۱٦ آوریل ــ فلسطین : شورای امنیت طرفین منازعه را دعوت به موقوف داشتن خصومت و کشمکش نمود .

۱٦ آوریل ــ ۱٤ مه ــ مجمع عمومی : دومین دوره اجلاسیه فوق العاده .

۱۹ آوریل ــ عضویت : برمه بعنوان پنجاه هشتمین عضو ملل‌متحد پذیرفته شد .

۲۱ آوریل ــ ٥ مه ــ شورای قیمومیت : بخش‌سوم دورهٔ احلاسیهٔ دوم .

۲۱ آوریل ــ کشمیر : شورای امنیت مراجعه باراء عمومی را توصیه کرد .

۲۳ آوریل ــ فلسطین : شورای امنیت کمیسیون متارکه راتشکیل‌داد

۱۰ مه ــ کره : کمیتهٔ Untcok شاهد وناظر انتخابات کره بود .

۱٤ مه ــ فلسطین : قیمومیت انگلیس بر فلسطین پایان‌یافت .

فلسطین : تصویب‌تعیین‌میانجی در مورد فلسطین از طرف مجمع عمومی .

اسرائیل : خودرا دولت مستقل اعلام کرد و امریکا آنرا برسمیت شناخت .

۱٥ مه ــ فلسطین : مصر ورود نیروهای نظامی مصری را به فلسطین اعلام کرد .

۲۰ مه ــ فلسطین : کنت‌فولك برنادوت بسمت میانجی بین اعراب ویهود تعیین شد .

۲۲ مه ــ فلسطین : شورای امنیت ازتمام دولتهای جهان خواست



حمایت از کودکان آواره

که از اقدام بعملیات خصمانه نظامی خودداری کنند .

۲٤ مه چکوسلواکی : (وتوی بیست‌وهفتم شوروی) تاسیس کمیسیون تفتیش و تحقیق .

۲۸ مه ــ عضویت : صدور رای مشورتی دادگاه بین‌المللی دادگستری در مورد عضویت .

۲۹ مه ــ فلسطین : شورای امنیت پیشنهاد شوروی را که مورد تائید امریکا نیز قرار گرفته بود در مورد صدوردستور به‌دولتهای‌مربوط برای موقوف داشتن عملیات نظامی رد کرد و تنها دولتهای مزبور را دعوت به اجرای آتش بس نمود .

۱۱ ژوئن ــ فلسطین : پیمان متارکه جنگ مورد قبول کلیه کشور های متخاصم قرار گرفت .

۱۵ ژوئن ــ فلسطین : پیشنهاد شوروی راجع به اعزام ناظران‌نظامی از طرف اعضاء دائمی شورای‌امنیت بفلسطین از طرف شورای امنیت رد شد .

۱٦ ژوئن ــ ٥ اوت ــ شورای قیمومیت : دورهٔ اجلاسیه سوم .

۲۲ ژوئن ــ نیروی اتم : (وتوی بیست‌وهشتم شوروی) طرح‌گزارش کمیسیون نیروی اتم ملل متحد .

۲۵ ژوئن ــ کره : کمیتهٔ Untcok نظرداد که انتخابات کره جنوبی نمایندهٔ میل آزاد مردم بود .

٦ ژوئیه ــ قیمومیت : اولین میسیونی که تشکیل جلسات مرتب وبی‌تعطیل دهد برای رسیدگی به موضوع **تانگانیکاورواندا ــاوروندی** تشکیل گردید .

۱۵ ژوئیه ــ فلسطین : شورای امنیت فرمان آتش بس داد .

۱۹ ژوئیه ــ ۲۹ اوت ــ شورای اقتصادی : دورهٔ اجلاسیهٔ هفتم .

۲۸ ژوئیه ــ دادگاه بین‌المللی دادگستری : سویس دروضع مقررات دادگاه شرکت داده شد .

۱۳ اوت ــ کشمیر : شورا هند وپاکستان را دعوت به آتش‌بس کرد .

۱۸ اوت ــ عضویت : (بیست‌و نهمین وتوی شوروی) شورای امنیت نسبت بدرخواست سرندیب (سیلان) برای عضویت رای داد .

۱۷ سپتامبر ــ فلسطین : کنت برنادوت ترور شد .

۲۱ سپتامبر ــ ۱۲ دسامبر ــ مجمع عمومی : بخش اول دورهٔ اجلاسیهٔ سوم .

۱۱ اکتبر ــ کودکان : اعلام شد که براثر درخواست ملل متحد از جهان برای حمایت از کودکان مبلغ ۰۰۰ر۰۰۰ر۱۸ دولار جمع آوری شده‌است .

۲ اکتبر ــ نیروی اتم : شوروی پیشنهاد کرد که در موردمنع آزمایش های اتمی و کنترل نیروی اتم کنوانسیونهای جداگانه وضع شود .

۸ اکتبر ــ دارو های مخدر : پروتکل در مورد داروهای ترکیبی

۲۵ اکتبر ــ برلن : (سی‌امین وتوی شوروی) : شورای امنیت بدو طرف اختلاف توصیهٔ سازش کرد .

٤ نوامبر ــ نیروی اتم : لزوم کنترل و تولید بین‌المللی نیروی اتم بتصویب مجمع عمومی رسید .

۱۸ نوامبر ــ قیمومیت : مجمع عمومی افزایش تسهیلات فرهنگی و تعلیم وتربیت را در کشور های تحت قیومیت توصیه کرد .

کارگزاریهای تخصصی : مجمع عمومی عقد پیمان با IRO را تصویب نمود .

۱۹ نوامبر ــ فلسطین : مجمع عمومی کمیتهٔ کمك به پناهندگان فلسطین UNRPR را تاسیس کرد و ۲۵ میلیون دولار هدایای داوطلبی در نظر گرفته شد .

۲٦ نوامبر ــ افریقای جنوب باختری : مجمع‌عمومی‌باردیگر توصیه کرد که سرزمین مزبور در تحت قیومیت قرار داده شود .

۲۷ نوامبر ــ یونان : مجمع‌عمومی استرداد کلیهٔ کودکان یونانی را خواستار شد .

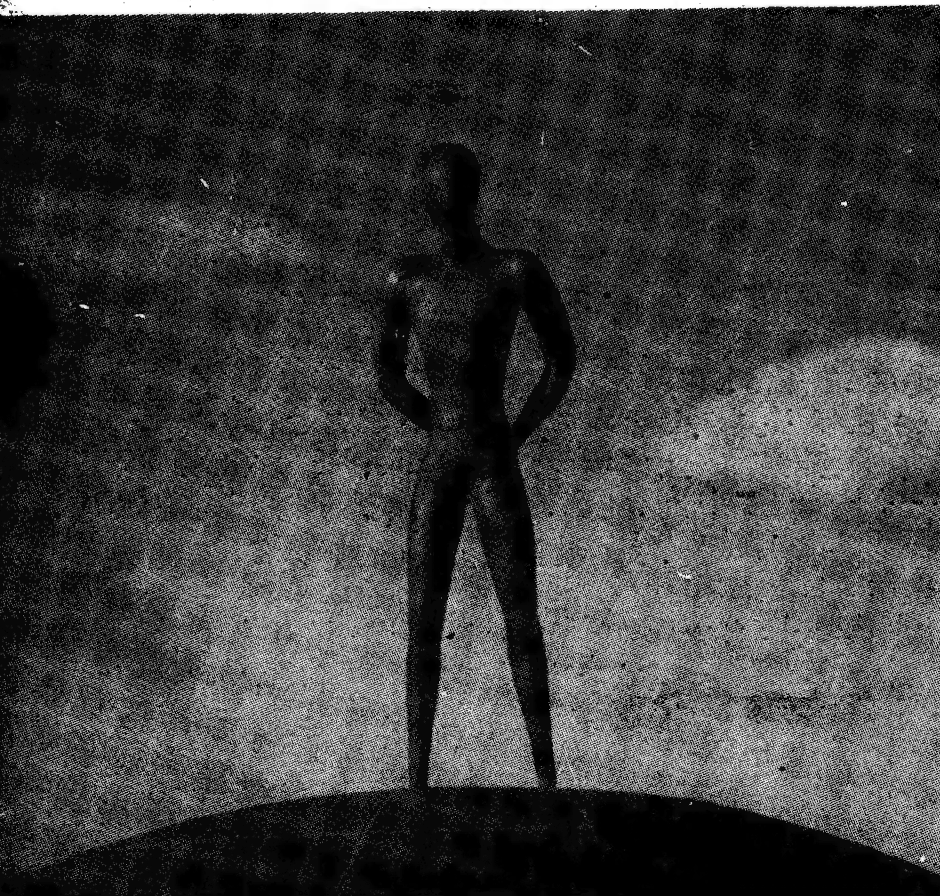
۳ ــ دسامبر ــ زنان،کودکان، ومطبوعات قبیحه : وظائفی را که دولت فرانسه در موردخرید وفروش وحمل ونقل‌زنان وکودکان ومطبوعات قبیحه انجام میداد به سازمان ملل متحد انتقال یافت .

٤ دسامبر ــ کمك فنی : بدبیر کل اجازه داده شد که انواع کمکهای مشخصی را بدولتها بدهد .

۹ دسامبر ــ منع کشتار دسته جمعی (نسل کشی یا نوع کشی یا کشتار دسته جمعی یك نژاد یا قوم) **(ژنوسید)** : کنوانسیونی در اینموردبتصویب مجمع‌عمومی رسید.

۱۰ دسامبر ــ حقوق بشر : اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر بتصویب مجمع عمومی رسید .

از سری عکسهای مصور اعلامیه حقوق بشر



۱۱ دسامبر ـ بودجه : مبلغ ـ ۶۶۹ر۹۴۷ر۴۷ دولار بودجه سازمان ملل‌متحد بشرح زیر بتصویب‌برسید: ۵۴۱ر۶۶۹ر۴۰ دولار برای سال ۱۹۴۸ و ۱۲۸ر۴۷۸ر۴۳ دولار برای سال ۱۹۴۹ .

فلسطین : مجمع عمومی‌کمیسیون آشتی فلسطین را تاسیس‌کرد .

۱۲ دسامبر ـ کره : مجمع عمومی دولت جمهوری کره را تایید نموده وکمیسیون ملل متحدابرای حل مسئله کره (UNCOK) تاسیس نمود .

۱۵ دسامبر ـ عضویت : (وتوی سی ویکم شوروی) شورای امنیت در مورد درخواست عضویت کره رای داد .

۲۴ دسامبر ـ اندونزی : شورای امنیت طرفین منازعه را دعوت به آتش بس‌کرد .

۱۹۴۹

۱ـ ژانویه ـ کشمیر : هندو پاکستان فرمان آتش بس دادند.

۲۴ژانویه ـ ۲۵مارس‌ـشورای قیمومیت : دوره اجلاسیه چهارم.

۲۸ ژانویه ـ اندونزی : شورای امنیت دستور آتش بس‌داد. برنامه عمل ضمنی برای انتقال خودـ مختاری و اعطای استقلال به‌اندونزی مطرح‌گردید .

۷ فوریه ـ ۱۸ مارس ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : دوره اجلاسیه هشتم .

۲۴ فوریه ـ فلسطین : متارکه جنگ بین مصر و اسرائیل عملی شد .

۲۱ مارس ـ کشمیر : چسترـ و. نی‌میتز از طرف شورای امنیت مامور مراجعه به آراء عمومی در کشمیر شد .

۲۳ مارس ـ فلسطین: متارکه جنگ بین لبنان و اسرائیل عملی شد .

۳ آوریل ـ فلسطین : متارکه جنگ بین اردن و اسرائیل عملی شد .

۵ آوریل ـ ۱۸ مه ـ مجمع عمومی : بخش دوم دوره اجلاسیه سوم .

۸ آوریل ـ عضویت : (وتوی سی و دوم شوروی) تقاضای‌عضویت جمهوری کره مطرح شد .

۹آوریل ـ موضوع واقعه بغار کورفو : دادگاه بین‌المللی دادگستری رای دادکه آلبانی مسئول جبران خسارات وارده به‌کشتی‌های‌انگلیسی است .

۱۱ آوریل ـ مسئولیت‌حقوقی ملل متحد: دادگاه‌بین‌المللی‌دادگستری ازلحاظ رای مشورتی نظر دادکه‌ملل متحد میتواند یك‌دعوی بین‌المللی علیه هرحکومتی اقامه نماید .

۱۴ آوریل ـ موضوع دادن‌رای درشورای امنیت : مجمع عمومی فهرستی از ۳۴ موضوع را که نمیتوان نسبت بآنها **وتو** داد بصورت توصیه بشورای امنیت فرستاد.

۲۸ آوریل ـ حل‌مسالمت‌آمیز اختلافات : مجمع عمومی یك هیأت منصفه برای تحقیق درمواردداختلاف بین دولت‌ها وآشتی دادن بین آنها برقرار کرد .

۴ مه ـ محاصره برلن: چهار قدرت بزرگ (شوروی وامریکا و انگلیس و فرانسه) موافقت کردند که روز ۱۲ مه محاصره را موقوف دارند .

۷مه ـ اندونزی : عقد پیمان مقدماتی بین هلند و اندونزی .

۱۱ مه ـ عضویت : اسرائیل بعنوان عضو پنجاه ونهم ملل متحد پذیرفته شد .

۱۲ مه ـ برلن : محاصره برداشته شد .

۱۴ مه ـ هندیان مقیم اتحادثه افریقای جنوبی : مجمع‌عمومی‌طرفین را دعوت به تشکیل کنفرانس میزگرد نمود .

۱۵ ژوئن ـ ۲۲ ژوئیه ـ شورای قیمومیت : پنجمین دوره اجلاسیه .

۱۵ ژوئن ـ ۱۵ اوت ـشورای اقتصادی واجتماعی : نهمین دوره اجلاسیه .

۱۱ ژوئیه ـ افریقای جنوب باختری : تعطیل ارسال گزارش را اعلام کرد .

۲۰ ژوئیه ـ فلسطین : پیمان متارکه بین سوریه و اسرائیل بامضا رسید .

۲۹ ژوئیه ـ نیروی اتم : کمیسیون نیروی اتم ملل متحد کار خود را متوقف داشت .

۱۱ اوت ـ فلسطین : شورای امنیت‌کار دفتر میانجی گری را پایان داد .

۱۵ اوت ـ کمك‌فنی : شورای اقتصادی و اجتماعی توسعه برنامه کمکهای فنی را توصیه کرد .

۱۷ اوت ـ ۶ سپتامبر ـ حفظ ذخائر ومنابع : کنفرانس علمی ملل متحد برای بحث در مورد حفظ ذخائر و استفاده از منابع دائر بود .

۲۳ اوت ـ ۱۹ سپتامبرـحمل ونقل : کنفرانس ملل متحد درمورد راه‌ها و حمل و نقل بوسائل‌موتوری دائر بود .

۲۳ اوت ـ ۲ نوامبر ـاندونزی: کنفرانس میزگرد منشورانتقال‌خودـ مختاری را به اندونزی تصویب‌کرد.

۷ سپتامبر ـ عضویت :(وتوی ۳۳ شوروی) شورای امنیت درمورد قبول درخواست عضویت نپال رای داد.

۱۳ سپتامبر ـ عضویت:(وتوی ۳۴ و۳۵ و۳۶ و۳۷ و۳۸ و۳۹ و۴۰ شوروی) شورای امنیت نسبت بقبول درخواست عضویت کشورهای پرتقال ، اردن، ایتالیا ، فنلاند ، ایرلند ، اطریش وسرندیپ رای‌داد .

۲۰ سپتامبر ـ ۱۰ دسامبرـ مجمع عمومی : چهارمین دوره اجلاسیه .

۲۷ سپتامبرـ شورا ی قیمومیت: اولین دوره اجلاسیه فوق‌العاده آن آغازگشت .

۱۱ اکتبر ـ کنترل تسلیحات: (وتوی ۴۱ شوروی) گزارش کمیسیون تسلیحات در مورد تجدید تسلیحات مطرح شد .

۱۸ اکتبر ـ کنترل تسلیحات: (وتوی ۴۲ شوروی) : موضوع‌تحقیق **در تسلیحات مطرح شد .**

کنترل تسلیحات (وتوی ۴۳ شوروی) مقررات تسلیحات مطرح شد .

۲۱ اکتبر ـ کره : مجمع‌عمومی **کمیسیون ملل متحد** را در موردکره (UNCOK) ادامه داد.

۲۲ اکتبر ـ بلغارستان ، مجارستان ، ورومانی : مجمع عمومی

از دادگاه بین‌المللی دادگستری درخواست ابراز نظر مشورتی در مورد اختلافات سه کشور بالا نمود.

۲۲ اکتبر ـ ۱۶ دسامبر ـ استخدام: پنج نفر متخصص برای بحث درمورد استخدام تمام وقت تشکیل جلسه دادند.

۱۵ نوامبر ـ قیمومیت: مجمع عمومی هفت فقره تصمیم راجع‌به ایجاد وسائل رفاه سکنه‌سرزمین‌های زیر قیمومیت را تصویب‌کرد.

۱۶ نوامبر ـ کمك فنی: مجمع عمومی برنامه توسعه کمك فنی را تصویب کرد.

۱۷ نوامبر ـ رفاه اجتماعی: مجمع عمومی خدمات مشورتی را بر بنیان ثابتی قرارداد.

۱۸ نوامبر ـ یونان: مجمع عمومی به دبیرکل دستور داد که برای کمك به برگشت کودکان‌یونانی از آژانس های صلیب سرخ‌مساعدت بخواهد.

۲۱ نوامبر ـ لیبی: مجمع‌عمومی تصمیم گرفت که روز اول ژانویه ۱۹۵۲ کشور لیبی مستقل گردد.

سومالی: مجمع عمومی تصمیم گرفت که پس از ده سال اداره‌کردن سومالی بوسیله ایتالیا بعنوان قیم، سومالی باید استقلال یابد.

حبشه: مجمع عمومی کمیسیونی را مامور تحقیق در مورد امیال مردم آنجا نمود.

۲۲ نوامبر ـ هیئت منصفه برای ملاحظه و نظارت در محل: مجمع عمومی به‌دبیرکل اجازه دادکه فهرستی ازاشخاصی‌که برای نظارت در اجرای متارکه جنگ و ملاحظه جریان‌مراجعه‌به‌آراء عمومی‌شایستگی وصلاحیت دارند تهیه کند.

خدمات ملل متحد در مراکز منازعه وجنگ از طرف مجمع عمومی تصویب شد.

۲۳ نوامبر ـ نیروی اتم: طرح کنترل نیروی اتم‌بتصویب‌مجمع عمومی رسید.

۲۴ـ نوامبر ـ دادگاه اداری ملل متحد از طرف مجمع عمومی تاسیس شد.

۱ دسامبر ـ شخصیت حقوقی ملل متحد: مجمع عمومی به‌دبیرکل اجازه دادکه بتواند ضد دولتهای عضو یا غیر عضو اقامه دعوی کند.

حل مسالمت آمیز اختلافات: تصمیم راجع‌به«اصول‌صلح»بتصویب مجمع عمومی‌رسید.

۲ دسامبر ـ خرید وفروش آدمی: کنوانسیونی بتصویب مجمع عمومی رسید راجع به منع خرید وفروش افرادآدمی‌واستثمار فواحش و استفاده از فحشا.

۳ دسامبر ـ پناهندگان: مجمع عمومی دفتر ماموریعالی‌برای‌رسیدگی بکار پناهندگان را تاسیس کرد.

۶ دسامبر ـ افریقای جنوب باختری: مجمع عمومی بار دیگر توصیه کرد که این سرزمین درتحت قیمومیت‌قرار داده شود وتاکید کرد که اتحادیه جنوب افریقای جنوبی از نوگزارش دهد، واز دادگاه بین‌المللی دادگستری خواست تا در این مورد نظر مشورتی دهد.

۸ دسامبر ـ فلسطین: مجمع عمومی آژانس کمك‌ملل متحد را به‌پناهندگان فلسطینی در خاورمیانه UNRWAPRNE تاسیس نمود.

۸ ـ ۲۰ دسامبر ـ شورای قیمومیت: دومین دورهٔ اجلاسیه فوق‌العاده.

۹ دسامبر ـ دادگاه اداری: اعضاء آن تعیین گردیدند.

فلسطین: بین‌المللی کردن بیت‌المقدس باردیگر بتصویب مجمع عمومی رسید.

۱۰ دسامبر ـ بودجه: ۴۹،۳۵۸،۷۲۵ دولار بودجه سال ۱۹۵۰ بتصویب رسید.

لیبی: کمیسیونی از طرف مجمع عمومی مامور رسیدگی بموضوع‌لیبی گردید.

۱۳ دسامبر ـ اندونزی: (وتوی ۴۴ شوروی) اعضاء کمیسیون‌تحقیق معلوم گردیدند.

انونزی: (وتوی ۴۵شوروی)ملل متحد به طرفین اختلاف تبریك گفت.

۱۵ دسامبر ـ بغازکورفو: دادگاه بین‌المللی دادگستری رای داد که آلبانی مبلغ ۲٫۰۰۰٫۰۰۰ دولار به عنوان‌جبران‌خسارت‌بانگلیس‌بپردازد.

۲۷ دسامبر ـ اندونزی: هلند به تمام سرزمین اندونزی استقلال داد بجز به **گینه‌نو** (ایریان باختری).

۱۹۵۰

۱۳ ژانویه ـ چین: شوروی بر سرمسئله نمایندگی چین از شورای امنیت خارج شد.

۱۹ ژانویه ـ ۹ آوریل: شورای قیمومیت: ششمین دورهٔ اجلاسیه.

۷ فوریه ـ ۶ مارس ـ شورای اقتصادی و اجتماعی: دهمین دورهٔ اجلاسیه.

۲۷ فوریه ـ سازمانهای‌غیردولتی: حالت حقوقی این نوع مؤسسات از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی معلوم گردید.

۱ مارس ـ خدمات صحرائی: (درمیدان جنگ) ازطرف دبیرکل تاسیس شد.

۳ مارس ـ عضویت: دادگاه بین‌المللی دادگستری نظر داد که‌پذیرش عضویت محتاج به توصیهٔ شورای امنیت است.

اختلاف بین مصر و فرانسه: دادگاه بین‌المللی دادگستری تصمیم خودرا اعلام کرد.

۱۴ مارس ـ کشمیر: شورای امنیت کمیسیون هند ـ پاکستان را برچیده و درخواست کرد که ظرف پنجماه آن سرزمین را از نیرو های نظامی خالی نمایند.

۱۵مارس ـ ۶آوریل ـ اشخاص گمشده: کنفرانسی برای اعلام درگذشت اشخاص گمشده تشکیل گردید.

۲۹ مارس ـ دادگاه بین‌المللی دادگستری: کشور **لیختن‌اشتین**مقرر گردید در دادگاه‌شرکت داشته باشد.

۳۰مارس ـ بلغارستان،مجارستان ورومانی: نظر مشورتی دادگاه بین‌المللی دادگستری دربارهٔ پیمان های صلح بین‌کشورهای بالا اعلام شد.

۱۲ آوریل ـ کشمیر: شورای امنیت **سر ـ اوون ـ دیکسون** را به سمت نمایندهٔ ملل متحد در مسئله اختلاف هند ـ پاکستان تعیین نمود.

۱ ژوئن ـ ۲۱ ژوئیه ـ شورای قیمومیت: هفتمین دورهٔ اجلاسیه.

۶ ژوئن ـ دبیرکل: طرح صلح بیست سالهٔ **تریگولی** دبیرکل ملل متحد انتشار یافت و نزد دولت ها فرستاده شد.

۱۲ ـ ۱۴ ژوئن ـ کمك فنی:

تشکیل اولین کنفرانس برای قبول مساعدت مالی ــ ظرف ۱۸ ماه تا دسامبر ۱۹۵۱ مبلغ ۲۶۰ر۲۰۰ر۷۰ دولار بمصرف کمك های فنی رسید.

۱٤ ژوئن ــ فلسطین : اسرائیل غرامت قتل‌کنت برنادوت راپرداخت کرد.

۲۵ ژوئن ــ کره : شورای امنیت ازکره شمالی خواست که به خط۳۷ درجه عرض جغرافیائی عقب بکشد، و از اعضاء ملل متحد خواست‌که از دادن کمك به کره شمالی خودداری کنند ، و از اعضاء ملل متحدخواست که هرنوع کمکی که میتوانند به ملل متحد برای اجرای این تصمیم‌بدهند (شوروی ازاین جلسه غیبت داشت)

۲۷ ژوئن ــ کره : شورای امنیت از اعضاء ملل متحد خواستار شدکه به جمهوری کره کمك دهند .

۳ ژوئیه ــ ۱٦ اوت ــ شورای اقتصادی واجتماعی : یازدهمین‌دورهٔ اجلاسیه‌آن درژنو(سویس) دائربود.

۱۱ژوئیه‌ــ‌افریقای‌جنوب‌باختری: دادگاه بین‌المللی دادگستری ابراز عقیده کرد که قرار دادن سرزمین مزبور تحت قیمومیت الزامی نیست اما افریقای جنوبی هم نمیتواند یك طرفه درمورد آیندهٔ آن سرزمین تصمیم بگیرد .

۱۷ ژوئیه ــ کره : شورای‌امنیت وحدت فرماندهی ملل متحد را بر قرار کرد .

۱۸ژوئیه‌ــ بلغارستان‌ومجارستان ورومانی: دادگاه‌بین‌المللی دادگستری نظر دادکه دبیرکل مجاز نیست‌بدون موافقت کشورهای مزبور ماموری برای رسیدگی باختلافات آنهاتعیین کند .

۳۱ ژوئیه ــ کره : شورای امنیت از فرماندهی ملل متحد خواست تا درمورد حوائج کمك بکره تصمیم بگیرد .

۱ اوت ــ شوروی که شورای امنیت را ترك گفته بود بدان برگشت نمود .

۹ اوت ــ آزادی اطلاعات : کمیته‌ئی از طرف مجمع عمومی‌مامور تهیهٔ طرح کنوانسیونی دراین مورد گردید .

۲۱ اوت ــ مقر دائمی ملل متحد: اولین واحد های دبیرخانه از محل سابق خود درحومهٔ نیویورك به ساختمان تازه مقر دائمی ملل متحد درشهرنیویورك انتقال یافت .

٦ سپتامبر ــ کره : (وتوی ٤٦ شوروی) اعلام اینکه کره شمالی‌صلح را شکسته است .

۱۲ سپتامبر ــ موضوع بمباران چین : (وتوی ٤۷ شوروی) تاسیس کمیسیون تحقیق دراینمورد .

۱۵ سپتامبر ــ کشمیر : نمایندهٔ ملل متحدگزارش داد که قادرنیست طرفین را حاضر به خلع نظامی این سرزمین نماید .

۱٦ سپتامبر ــ کانال سوئز : اسرائیل به شورای امنیت شکایت کرد که مصر کانال را بسته است .

۱۹ سپتامبر ــ ۱۸ مه ۱۹۵۱ : مجمع عمومی : پنجمین‌دورهٔ‌اجلاسیهٔ آن دائر بود (اما رسماً تا ۵ نوامبر ۱۹۵۱ جلسات آن تشکیل میشد)

۲۸ سپتامبرــ عضویت : اندونزی بعنوان عضوشصتم‌ملل متحدپذیرفته شد .

۷ اکتبر ــ کره : مجمع عمومی کمیسیونی برای ایجاد وحدت کره و برگردانیدن اوضاع کره بحال‌عادی تاسیس کرد .

۱۲ اکتبرــ ۱۳ دسامبر ــ شورای اقتصادی واجتماعی : بخش‌دوم‌دوره اجلاسیه یازدهم .

۱۲ اکتبر ــ انتصاب دبیر کل : (وتوی ٤۸ شوروی) تجدید انتصاب **تریگولی** بسمت دبیرکل .

۲۵ اکتبر ــ ۲۱ نوامبر ــ کالا : کنفرانس ملل متحد راجع به قلع در ژنو دائر بود .

۳ نوامبر ــ وحدت برای صلح : مجمع عمومی تصمیم نامه‌ئی دراین مورد تصویب کرد **گروه ناظرصلح** از طرف مجمع عمومی‌تشکیل یافت .

٤نوامبرــ اسپانیا : دوفقره‌تصمیم مصوب سال ۱۹٤٦ راجع باسپانیا از طرف مجمع عمومی لغو گردید .

۵ نوامبر ــ کره : حضورنیروهای نظامی چین کمونیست درکره ازطرف فرماندهی‌ملل متحد گزارش‌داده‌شد.

۸ نوامبر ــ چین : از جمهوری مردم چین دعوت شد که نماینده‌ئی به **شورای امنیت** بفرستد .

۱٦ نوامبر ــ ادارهٔ پست : ادارهٔ پست ملل متحد از طرف مجمع عمومی تاسیس یافت .

۱۷ نوامبر ــ فلسطین : شورای امنیت از مصر و اردن و اسرائیل خواست تا موضوع شکایات خودرا بین خود حل نمایند .

ــ وظائف دولتها : مجمع عمومی جریانی را بدولت ها توصیه کردکه درهنگام بروز اختلافات و دشمنی رعایت نمایند .

۲۰ نوامبر ــ برنامهٔ صلح بیست ساله : مجمع عمومی نظر دبیرکل‌را پسندیده و ستایش کرد .

موضوع‌پناهندگی : قضاوت‌دادگاه **بین‌المللی دادگستری .**

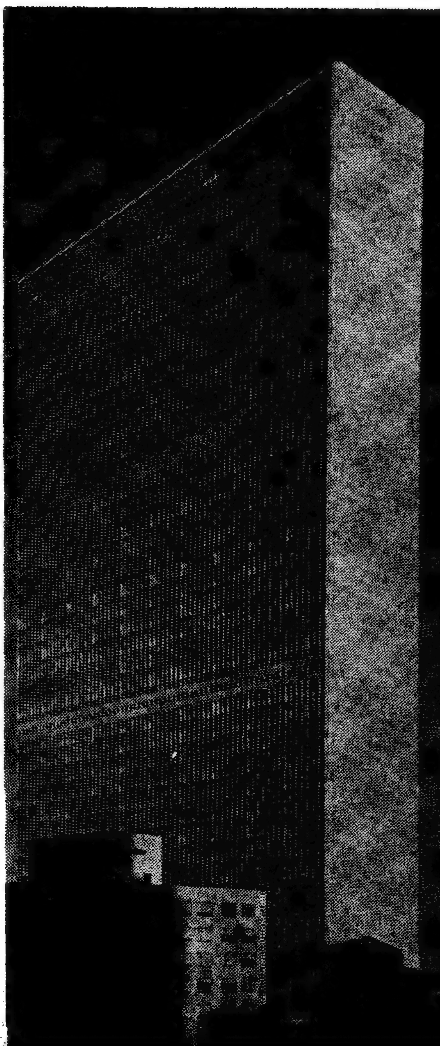
۲۲ نوامبر ــ شورای قیمومیت : دوره اجلاسیه فوق‌العادهٔ سوم

۲۷ نوامبر ــ مسئله پناهندگی . تفسیر دادگاه بین‌المللی دادگستری درموردقضاوت ۲۰ نوامبردراینمورد.

۳۰ نوامبر ــ کره : (وتوی ٤۹ شوروی) پیشنهاد اقدامات موقت .

۱ دسامبر ــ یونان : مجمع‌عمومی خواست که اعضاء نیروهای مسلح یونانی بمیهن خود باز گردانیده‌شوند و برای این منظور یك کمیتهٔ ثابت تاسیس کرد..

نمای ساختمان سازمان ملل متحد





کمك بکودکان و مجروحین و محتاجان از طرف مؤسسات ملل متحد

کودکان : یونیسف : UNICEF
مقرر گردیدکه این بنگاه کمك به کودکان تا سه‌سال دیگر ادامه‌داشته باشد و بیشتر کمك دائم در نظر گیرد تا اعانات موقتی .

بهبود امور اجتماعی : مجمع عمومی برنامهٔ آنرا توسعه داد .

کره : مجمع عمومی آژانس کمك به‌کره و تجدید بنای نقاط ویران شده را تاسیس کرد

۲ دسامبر ـ هندیان جنوب افریقا : مجمع عمومی تاسیس یك کمیته را برای کمك به طرفین اختلاف و همچنین بحث بدور میز گرد (مذاکرات برای حل‌اختلاف) را توصیه‌کرد .

اتحادیهٔ افریقای جنوبی : مجمع عمومی از این اتحادیه خواست که از انجام کارهای گروهی منطقه‌ئی خودداری‌کند .

سومالی : مجمع عمومی عقد پیمان قیمومیت‌ایتالی را برسومالی تصویب کرد .

اریتره : مجمع عمومی تشکیل فدراسیون اریتره را باحبشه توصیه کرد .

۴ دسامبر ـ حقوق بشر :مجمع عمومی تصمیم گرفت که حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی هر سه‌را در یك‌پیمان نامه جمع آورد .

۱۲ دسامبر ـ کره : مجمع‌عمومی استعمال نوارهای معرف خدمت را تصویب کرد .

۱۳ دسامبر ـ افریقای جنوب باختری : مجمع عمومی یك کمیتهٔ پنج نفری را مأمور کردکه بااتحادیهٔ افریقای جنوبی بمذاکره پرداخته گزارش مذاکره و شکایات را باطلاع مجمع برساند .

۱۴ دسامبر ـ کره : مجمع‌عمومی یك هیئت چهار نفری را مأمور کرد تا در مورد اساس و مبنای اجرای آتش‌بس درکره تصمیم بگیرند .

فلسطین : مجمع عمومی بحل مسئله آوارگان فلسطین ابراز علاقه

آوارگان در کوچه های قدیمی بیت‌المقدس



کرده و کمیسیون اصلاح را مأمور کرد تادفتری برای تشخیص وتعیین و پرداخت غرامت دائر سازد .

زندانیان : مجمع عمومی کمیسیون **ادهاك** (خاص این موضوع) برای رسیدگی بمسئله زندانیان جنگ تاسیس کرد .

آوارگان : مجمع عمومی مقررات دفتر ریاست عالیهٔ امور آوارگان را تصویب کرده و **گ.ژ. وان هیوون گوئدهارت** را بسمت کمیسیونرعالی (ریاست عالیهٔ) آن انتخاب نمود .

۱۵ دسامبر ــ بودجه :
۴۲ر۶۷۷ر۰۰۰ دولار بودجه سال ۱۹۵۱ ملل متحد بتصویب رسید .

لیبی : مجمع عمومی دادگاه ملل متحد را برای کمك به‌تعیین مرزهای لیبی تشکیل داد .

سومالی لند :مجمع عمومی جریان تعیین مرزهای سومالی را معلوم کرد.

فلسطین : مجمع عمومی نتوانست با اخذ تصمیمی در مورد حالت سیاسی بیت‌المقدس موافقت کند .

۲۳ دسامبر ــ کره : جمهوری مردم چین هیأت مأمور اجرای آتش‌بس را غیرقانونی اعلام کرده و از شرکت درآن امتناع کرد .

۱۹۵۱

۱ ژانویه ــ آوارگان : دفتر کمیسیونر عالی آوارگان تشکیل‌شد.

۱۲ ژانویه ــ نوع‌کشی (ژنوسید): آغاز اجرای مقاوله‌نامه مصوبه در اینموضوع .

۳۰ ژانویه ــ ۱۶مارس ــ شورای قیمومیت : هشتمین دورهٔ اجلاسیهٔ

۱ فوریه ــ کره : مجمع عمومی جمهوری مردم کره را متجاوزاعلام کرده وکمیتهٔ میانجی‌گری و کمیتهٔ اقدامات اضافی را برای حل مسئله کره دائر کرد .

۱۳ فوریه ــ چین : مجمع عمومی اتهام شوروی را نسبت بامریکا که آن دولت را متجاوز شناخته بود رد کرد .

۱۹ فوریه ــ ۲مه ــ توسعه اقتصادی : کمیتهٔ متخصصین تاسیس یك شرکت مالی بین‌المللی IFG و یك مؤسسهٔ بین‌المللی توسعهٔ اقتصادی را توصیه‌کرد .

۲۰ فوریه ــ ۲۱ مارس ــ شورای اقتصادی واجتماعی : دوازدهمین دورهٔ اجلاسیه .

۵ مارس ــ ۳ اکتبر ــ کمیتهٔ اقدامات دسته‌جمعی (کولکتیف) جلسه داشت .

۱۴ مارس ــ اندونزی :کمیسیون ملل متحد راجع به‌اندونزی تصمیم گرفت که وجود ناظران نظامی در اندونزی دیگر ضرورت ندارد .

۱۹ مارس ــ کار اجباری :کمیتهٔ **ادهاك** (مخصوص این موضوع) از طرف شورای امنیت تاسیس یافت .

۲۸ مارس ــ دستگاه اداری‌پست: عقد پیمان‌بین این دستگاه بین‌المللی با دولت امریکا و موافقت براینکه سازمان ملل متحد تمبرهای خودرا برروی پاکت‌ها بکاربرد .

۲۹ مارس ــ لیبی :حکومت‌موقتی لیبی تاسیس شد .

۳۰ مارس ــ کشمیر : فرانك گراهام از طرف شورای امنیت بسمت نماینده ملل متحد درمسئله کشمیر تعیین گردید .

۳ آوریل ــ اندونزی :کمیسیون ملل متحد در اینمورد کار خود را پایان داد .

۸ مه ــ فلسطین : شورای‌امنیت به‌اسرائیل دستور داد که از ادامهٔ عملیات درباطلاقهای هوله خودداری کند .

۱۸ مه ــ کره : مجمع عمومی اجرای **امبارگو** (جلوگیری ازورود و خروج کشتی‌ها) رادر موردکره شمالی و جمهوری مردم چین توصیه کرد .

فلسطین : مسئله‌عقد پیمان‌متارکه جنگ از طرف شورای امنیت تاکید ودستگاه مأمور اجرای‌آن تقویت‌شد.

۲۸ مــه ــ نوع‌کشی : دادگاه بین‌المللی دادگستری نظر مشورتی خودرا درمورد خودداری یامشروط کردن اجرای کنوانسیون مصوبه در اینموضوع را اعلام‌کرد .

۵ ژوئن ــ ۳۰ ژوئیه ــ شورای قیمومیت : نهمین دورهٔ اجلاسیه .

۱۳ ژوئن ــ مسئله پناهندگی : دادگاه بین‌المللی‌دادگستری قضاوت خودرا اطلاع داد .

۲۹ ژوئن ــ کره : فرماندهی ملل متحد پیشنهاد کردکه موضوع آتش بس مورد بحث و مذاکره واقع‌شود .

۱ژوئیه ــ کره : فرمانده‌کمونیست کره پیشنهاد کردکه مذاکرهٔ آتش‌بس درنزدیکی **کائه سونگ** انجام‌گیرد .

۲ــ۲۵ژوئیه ــ آوارگان :کنفرانس ملل‌متحد دربارهٔ تعیین‌حالت‌سیاسی آوارگان وافراد بی‌دولت .

۵ ژوئیه ــ ایران : دادگاه‌بین‌المللی دادگستری انجام اقدامات موقتی را در مورد شرکت نفت ایران‌وانگلیس اطلاع داد .

۱۰ ژوئیه ــ کره : مذاکرات راجع به‌آتش‌بس آغاز شد .

۱۶ ژوئیه ــ کره : پیمانی راجع به‌روابط بین فرماندهی ملل متحدبا UNKRA منعقدگردید .

۲۵ ژوئیه ــ آوارگان :کنوانسیونی در مورد حالت سیاسی و وضع آوارگان بامضا رسید .

خرید وفروش انسانها : اجرای کنوانسیون مربوط آغاز گردید .

۳۰ ژوئیه ــ ۲۱ سپتامبر ــ شورای اقتصادی واجتماعی :اولین بخش دورهٔ اجلاسیه سیزدهم .

۱ــ ۳۱ اوت ــ حق قضاوت در جرمهای بین‌المللی : اولین دورهٔ اجلاسیه کمیته ملل متحد راجع بقضاوت درمورد جرمهای‌بین‌المللی .

۱ سپتامبر ــ کانال سوئز:شورای امنیت‌مصررادعوت به‌رفع‌محدودیت های‌کشتی‌رانی درکانال نمود .

۱۸سپتامبرــکمیسیون اقتصادی وتهیهٔ مشاغل پایان یافت .

۲۴اکتبر ــ دستگاه اداری پست : اولین تمبرهای پستی ملل متحد انتشار یافت .

۵ نوامبر ــ کمك فنی : اولین پروژهٔ بزرگ برای دادن تعلیمات در فن‌ادارهٔ امورعمومی(درریودوژانیرو) مطرح شد .

مجمع عمومی : پنجمین دورهٔ اجلاسیهٔ آن پایان یافت .

۶ نوامبر ــ ۵فوریه ــ مجمع عمومی : ششمین دورهٔ اجلاسیه .

۱۰ نوامبر ــکشمیر : شورای امنیت به نمایندهٔ ملل متحد دستور دادکه مساعی خودرا دربارهٔ عقد پیمان‌تخلیهٔ نظامی بین‌هند وپاکستان دنبال‌کند .

۱۳ نوامبر ـ چین : موضوع نمایندگی چین در مجمع عمومی با ۳۷ رای در برابر ۱۱ رای و ٤ رای ممتنع بتعویق افتاد .

۲۷ نوامبر ـ کره : متارکهٔ موقتی جنگ آغاز شد .

۱٤ دسامبر ـ یوگوسلاوی : مجمع عمومی توصیه کرد که دولتهای کمونیست روابط خود را با یوگوسلاوی ورفتار خود را باآن دولت تابع روح ومفاد منشور ملل متحد قرار دهند .

۱۸ ـ ۲۰ دسامبر ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : بخش دوم از دورهٔ اجلاسیهٔ سیزدهم .

۱۸ دسامبر ـ شورای قیمومت : چهارمین دورهٔ اجلاسیهٔ فوق‌العاده

اختلاف انگلیس و نروژ در مسئله صید ماهی : دادگاه بین المللی دادگستری قضاوت کرد .

۲۰ دسامبر ـ آلمان : کمیسیونی از طرف مجمع عمومی مأمور تحقیق ومطالعه درامکان انجام‌انتخابات آزاد در آلمان گردید ،

کارگزاریهای تخصصی : عقد پیمان‌باسازمان متئور ولوژیکی‌جهانی (علم به آثار جوی WMO بتصویب مجمع عمومی رسید .

۲۱ ـ دسامبر ـ بودجه : ۵٤ر۷٤۸ر٦٥۰ دولار بتصویب رسید بشرح زیر :

برای سال ۱۹۵۱ مبلغ ۱۲٦ر۹۰۰ دولار وبرای سال ۱۹۵۲ مبلغ ـ ۷۸۰ر۶۲۱ر۵۳ دولار (۵ر۹۷۰ر٥٢٤ دولار آن تا ٤ فوریه ۱۹۵۲ هنوز به تصویب نرسیده بود.)

۲٤ دسامبر ـ لیبی : استقلال یافت و تقاضای عضویت در ملل متحد نمود .

۱۹۵۲

۱۱ ژانویه ـ کنترل اسلحه : مجمع عمومی کمیسیون خلع سلاح را تاسیس‌وجانشین کمیسیون‌نیروی اتم و کمیسیون محدودیت تسلیحات نمود .

۱۲ ژانویه ـ توسعهٔ اقتصادی: مجمع عمومی از شورای اقتصادی و اجتماعی درخواست کرد تا طرحی برای تدارك بودجه‌ئی برای توسعهٔ اقتصادی (که بعدا Sunfed نامیده شد) تهیه نماید .

۱۸ ژانویه ـ قیمومیت : مجمع عمومی الغای مجازات های بدنی را توصیه کرد واز اعضا دعوت کرد که کمك هزینه های تحصیلی دانشجوئی برای مطالعهٔ این موضوع تخصیص دهند .

۲۳ ژانویه ـ کمیسیون مراقبت از صلح : کمیسیون فرعی بالکان را دائر کرد .

۲٤ ژانویه ـ گم شدگان : اجرای کنوانسیون مربوط به آن آغازگردید.

۲٦ ژانویه ـ فلسطین : مجمع عمومی ۵۰ میلیون دولار بودجه برای برنامهٔ کمك و ۲۰۰ میلیون دولار برای‌برنامه احیاوتجدید بنای ویرانی ها بوسیلهٔ کمیسیون مخصوص Unrawaprne تخصیص داده‌شد.

۳۱ ژانویه ـ کشمیر : شورای امنیت ازنماینده ملل‌متحد درکشمیر خواست که بمساعی خود برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات‌هندوپاکستان





٤ نوع کمك از انواع کمکهای ملل متحد





۲۷ فوریه ـ سازمان ملل متحد درنیویورك رسماً گشایش یافت .



ادامه دهد .
آوارگان : IRO بعملیات خود پایان داد .
یونان : کمیسیون فرعی بالکان که از طرف کمیسیون نظارت برصلح مأمور شده بود تصمیم گرفت که ناظران نظامی در مرزهای یونان بگمارد .

۵ فوریه ــ حقوق بشر : مجمع عمومی تصمیم گرفت که دو کنوانسیون در اینمورد تهیه شود .

۶ فوریه ــ عضویت : (پنجاهمین وتوی شوروی) شورای امنیت در مورد درخواست عضویت ایتالیا رای داد .

۶ـ۷ فوریه ـ کمك فنی : دومین کنفرانس که در آن تعهد پرداخت ۱۸٫۷۹۵٫۳۵۵ دولار شد .
۲۷ فوریه ــ مقر ملل متحد : ساختمان تازهٔ مقر ملل متحد در نیویورك رسما گشایش یافت .
۲۷ فوریه ـ ۱ آوریل ـ شورای قیمومیت : دهمین دورهٔ اجلاسیه .
۳ـ۲۱ مارس ـ آزادی اطلاعات: آخرین دورهٔ اجلاسیهٔ کمیسیون فرعی .

٤ مارس ــ شورای اقتصادی واجتماعی : آغاز اولین دورهٔ اجلاسیهٔ فوق‌العاده .

۲٦ مارس ــ حمل ونقل : آغاز اجرای کنوانسیون حمل و نقل در جاده‌ها .

۵ آوریل ــ کنترل اسلحه : پیشنهاد امریکا بکمیسیون خلع سلاح برای افشای حقایق و تحقیق .
١٤ آوریل ــ تونس : شورای امنیت باگذاشتن آن در دستور مذاکرات مخالفت کرد .

۲۰ مه ــ ۱ اوت ــ شورای اقتصادی و اجتماعی : چهاردهمین دورهٔ اجلاسیه .
۲۸ مه ـ کنترل اسلحه : فرانسه وانگلیس وامریکا به کمیسیون خلع سلاح پیشنهاد محدودیت چونی و چندی کمیتی اسلحه نمودند .
۳ ژوئن ــ ٢٤ ژوئیه ــ شورای قیمومیت : بخش اول دورهٔ اجلاسیهٔ یازدهم .
۲۰ ژوئن ــ تونس : تقاضای تشکیل جلسه فوق‌العاده مجمع عمومی برای رسیدگی به مسئله تونس رد شد ــ تنها ۲۳ عضو به تشکیل آن رای دادند .
۲۳ ژوئن ـ توسعهٔ اقتصادی : کمیته‌ئی برای تهیه طرح صندوق مخصوص ملل متحد برای توسعهٔ اقتصادی SUNFED از طرف شورای اقتصادی واجتماعی تاسیس یافت .
مسئله امباتیلوس : دادگاه بین‌المللی دادگستری در اینمورد رای داد .

۳ ژوئیه ــ جنگ میکروبی ــ (بالکتریولوژیك) (وتوی پنجاه‌ویکم شوروی) پیشنهاد شد که کمیسیونی برای تحقیق در اینموضوع تشکیل گردد .

۹ ژوئیه ــ جنگ میکروبی : (وتوی ۵۲ شوروی) بازرسی بیطرفانه آن مطرح شد .
۹ ژوئیه ــ ایران : دادگاه بین‌المللی دادگستری خودرا صالح برای قضاوت در مورد شکایت شرکت نفت انگلیس وایران از دولت ایران ندانسته از خود سلب صلاحیت کرد .

۵ اوت ــ آلمان : کمیسیون تحقیق در مورد شرایط انتخابات آزاد در آلمان بسبب عدم دسترسی و عدم امکان تماس با مقامات آلمانی در منطقهٔ شوروی تعطیل شد .
۲۷ اوت ــ مسئله اتباع امریکا در مراکش : دادگاه بین‌المللی دادگستری در اینمورد ابراز نظر کرد .

۱۱ سپتامبر ـ اریتره : باحبشه تشکیل فدراسیون داده بدان ملحق گشت .

۱٦ سپتامبر ـ عضویت: (وتوی ۵۳ شوروی) شورای امنیت درمورد درخواست عضویت لیبی رای داد .

۱۸ سپتامبر ـ عضویت: (وتوی ٥٤ شوروی) شورای امنیت در مورد درخواست عضویت ژاپون رای‌داد .
۱۹ سپتامبر ــ عضویت (وتوی ۵۵ و ٥٦ و ۵۷ شوروی) : شورای امنیت در مورد تقاضای عضویت سه‌کشور **ویت‌نام** ، **لائوس** و **کامبودیا** رای داد .

۱ اکتبر ــ گمشدگان : گشایش دفتر بین‌المللی برای اعلام درگذشت اشخاص گمشده .
١٤ اکتبر ــ ۲۲ دسامبر ــ مجمع عمومی : اولین بخش دورهٔ اجلاسیه هفتم .
۲۵ اکتبر ــ چین : مسئله نمایندگی چین در مجمع عمومی با ٤۲ رای در برابر ۷ رای مخالف و ۱۱ رای ممتنع بتعویق انداخته شد .
۱ نوامبر ــ بمب ئیدرژنی : اولین آزمایش آن بوسیله امریکا انجام شد .
٦ نوامبر ــ فلسطین : ۲۳٫۰۰۰٫۰۰۰ دولار بودجه برای UNR WARRNE در سال منتهی به ۳۰ ژوئن ۱۹۵۳ مقرر گردید .
۱۰ نوامبر ــ دبیر کل : **تریگولی** دبیر کل استعفا داد .
۱۹ نوامبر ــ ۳ دسامبر ــ شورای قیمومیت : بخش دوم دورهٔ اجلاسیهٔ سیزدهم
۳ دسامبر ــ کره : مجمع‌عمومی تشکیل کمیسیون باز گرداندن به میهن را برای ایجاد تسهیلات برای برگشت زندانیان بمیهن‌خود پیشنهاد کرد .

۵ دسامبر ــ اتحادیهٔ افریقای جنوبی : کمیسیون حل مسئله نژادی در اتحادیه افریقای جنوبی از طرف مجمع عمومی تاسیس یافت .
۱۰ دسامبر ــ سرزمین های غیر مستقل : مجمع عمومی کمیتهٔ خاص (ادهاك) برای تحقیق در این موضوع تاسیس کرد .
۱٦ ــ ۱۹ دسامبر ــ شورای اقتصادی واجتماعی : دنبالهٔ دورهٔ اجلاسیه چهاردهم .
۱٦ دسامبر ــ آزادی اطلاعات: مجمع عمومی کنوانسیون راجع به حق بین‌المللی اصلاح را برای اصلاح باز گذاشت .
۱۷ دسامبر ــ یونان : مجمع عمومی امتناع کشور های همسایهٔ یونان را (بجز یوگوسلاوی) از برگرداندن کودکان یونانی به میهنشان محکوم کرد .

تونس : مجمع عمومی نسبت بمذاکرات طرفین اختلاف ابراز اعتماد کرد .
۱۹ دسامبر ــ مراکش : مجمع عمومی نسبت بمذاکرات طرفین اختلاف ابراز اعتماد کرد .
۲۰ دسامبر ــ زنان : کنوانسیون راجع به‌حقوق سیاسی‌زنان بتصویب



داگ‌هامرشولد دبیر متوفی سازمان ملل متحد



ملل متحد قویاً برای برانداختن اعتیاداستعمال تریاك و یا سایر مواد مخدره مبارزه می‌کند

مجمع عمومی رسید .

۲۱ دسامبر ـ بودجه : ۵۰،۷۷۸،۵۸۰. دولار بودجه بشرح زیر تصویب گردید :

۸۸۰ر۴۵۰ر۲ دولار برای سال ۱۹۵۲ و ۷۰۰ر۳۲۷ر۴۸ دولار برای سال ۱۹۵۳ .

قیمومیت : مجمع عمومی تصویب کرد که سکنهٔ سرزمین های زیر قیمومیت شرکت بیشتری در کار های شورای قیمومیت داشته باشد.

۲۲ دسامبر ـ کره : اتهام شوروی راجع به کشتار دسته‌جمعی زندانیان کره شمالی مردود شناخته شد .

۲۳ دسامبر ـ کشمیر : شورای امنیت به هندو پاکستان تاکیدکرد که با نمایندهٔ ملل متحد بمذاکره پردازند .

۱۹۵۳

۲۴ فوریه ـ ۲۳ آوریل ـ مجمع عمومی : بخش دوم دورهٔ اجلاسیهٔ هفتم .

۲۶ ـ ۲۷ فوریه ـ کمك فنی : سومین کنفرانس تعهد پرداخت ۶۸۷ر۳۹۵ر۲۲ دولار

۱۳ مارس ـ انتخاب دبیرکل (وتوی ۵۸ شوروی) : نامزدی **لستر پیرسون** برای سمت دبیر کل .

۲۳ مارس ـ کشمیر : گزارش نمایندهٔ ملل متحد مورد بحث واقع نشد .

۳۱ مارس ـ ۲۸ آوریل ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : پانزدهمین دورهٔ اجلاسیه .

۸ آوریل ـ کنترل اسلحه : مجمع عمومی از کمیسیون خلع سلاح خواست که بکار خود ادامه دهد .

۱۰ آوریل ـ انتصاب دبیرکل: داگ هامر شولد بسمت دبیر کل تعیین شد .

۱۱ آوریل ـ کره : عقد پیمان بین کره شمالی و جنوبی در مورد مبادله زندانیان بیمار و زخمی .

۲۳ آوریل ـ توسعه اقتصادی: گزارش کمیته توسعه اقتصادی و پیشنهاد تاسیس SUN FED

برمه : مجمع عمومی حضور نیروهای نظامی خارجی را درآن کشور محکوم کرد .

جنگ میکروبی : مجمع عمومی کمیسیونی را مامور رسیدگی به اتهامات در اینمورد نمود .

۱۱ مه ـ ۱۸ ژوئن ـ داروهای مخدر: کنفرانس تریاك ملل متحد پروتوکلی را برای محدودیت بازرگانی واستعمال تریاك تصویب کرد .

۲۰ مه ـ موضوع آمباتیلوس : دادگاه بین‌المللی قضاوت کرد .

۸ ژوئن ـ کره : درمورد زندانیان جنگ موافقتی بین طرفین حاصل شد .

۱۶ ژوئن ـ ۲۱ ژوئیه ـ شورای قیمومیت : دوازدهمین دورهٔ اجلاسیه.

۳۰ ژوئن ـ ۵ اوت ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : دورهٔ اجلاسیهٔ شانزدهم .

۲۷ ژوئیه ـ کره : پس از پیمان متارکه جنگ کمیسیون نظارت ملل بیطرف (NNSC) و کمیسیون ملل بیطرف برای برگردانیدن زندانیان به میهن خود (NNRC) تشکیل گردید.

۲۷ ژوئیه ـ ۲۰ اوت ـ حق قضاوت کیفری : قانونی برای تشکیل یك دادگاه کیفری بین‌المللی ازطرف کمیته قضاوت کیفری بین‌المللی تهیه شد .

۳۰ ژوئیه ـ کره : نیرو های متحد ازمنطقهٔ تخلیهٔ نظامی شده فراخوانده شدند .

۵ اوت ـ ۶ سپتامبر ـ کره : مبادلهٔ زندانیان و اسرا انجام گرفت.

۱۷ ـ ۲۸ اوت ـ مجمع عمومی : دنبالهٔ دورهٔ اجلاسیهٔ هفتم .



ملل متحد پس‌از تصویب اعلامیه حقوق بشر اعلامیه‌ای خاص نیز بنام اعلامیه حقوق کودك وضع نمود .

۲۸ اوت ـ کره : مجمع عمومی توصیه کرد که کنفرانس راجع به‌کره پیش از ۲۸ اکتبر تشکیل گردد .

۱۰ سپتامبر ـ کره : کمیسیون ملل بیطرف‌برای برگردانیدن‌زندانیان بمیهن‌خود تحویل گرفتن‌زندانیان‌را آغاز کرد .

۱۵ سپتامبر ـ ۹ دسامبر ـ مجمع عمومی بخش اول هشتمین دورهٔ اجلاسیه .

۱۵ سپتامبر ـ چین : موضوع شرکت نمایندهٔ چین در مجمع‌عمومی با ٤٤ رای در برابر ۱۰ رای و ۲ رای ممتنع بتعویق افتاد .

۲٤ سپتامبر ـ کره : ۲۱ر۶۰۱ نفر زندانی ازطرف فرماندهی ملل‌متحدو ۳۵۹ نفر ازطرف فرماندهی کمونیست انتقال یافتند .

٦ اکتبر ـ کودکان : صندوق ملل متحد برای کمك بکودکان از طرف مجمع عمومی بربنیان و اساس‌دائمی استوار گردیده همان نام UNICEF برای آن حفظ شد .

۲۳ اکتبر ـ بردگی : موسسهٔ اجرای کنوانسیون منع بردگی‌مصوب سال ۱۹۲٦ جامعه ملل به سازمان ملل متحدانتقال یافت .

۲۷ اکتبر ـ فلسطین : شورای امنیت تصویب کرد که منحرف‌کردن مجرای آب رود اردن از طرف اسرائیل موقوف شود .

۱۱ نوامبر ـ تونس : مجمع‌عمومی نتوانست درمورد تونس اخذ تصمیم نماید .

۱۲ ـ ۱۳ نوامبر ـ کمك فنی : چهارمین کنفرانس تعهد پرداخت کمك مالی به‌مبلغ ۲٤ میلیون دولار. دولت شوروی اولین مرتبه در این کمك شرکت کرد .

۱۷ نوامبر ـ موضوع جزائر مین کوئیررز ـ اکوه‌هوس : دادگاه بین‌المللی دادگستری‌دراینمورد قضاوت کرد .

۱۸ نوامبر ـ موضوع نوت تبوهم: قضاوت مقدماتی دادگاه بین‌المللی دادگستری

۲٤ نوامبر ـ فلسطین : شورای امنیت اسرائیل را بمناسبت عملیات آندولت در قیبه (کیبیا) سرزنش کرد .

۲۷ نوامبر ـ فلسطین : ۲٤ر۸ میلیون دولار بودجه سال منتهی به ۳۰ ژوئن ۱۹۵٤ و ۱۸ میلیون دولار برای کمك در خلال سال منتهی به۳۰ ژوئن ۱۹۵۵ به هیئتUNRWAPRNE بتصویب مجمع عمومی رسید .

کشور های غیر خود مختار : فهرست عوامل مربوط به این کشور ها که از طرف کمیسیون مامور تهیه آن فراهم شده بود بتصویب مجمع عمومی رسید .

پورتوریکو : موقوف داشتن انتقال اطلاعات از طرف امریکا بتصویب مجمع عمومی رسید .

۲۸ نوامبر ـ افریقای جنوب باختری : مجمع عمومی نظر خودرا درباب قراردادن این منطقه درتحت قیمومیت تکرار کرد .

حقوق بشر : جملهٔ اصلاحی وحق تظلم دراعلامیهٔ حقوق بشرموردتوجه مجمع عمومی واقع شد ـ

کنترل اسلحه : مجمع عمومی تأسیس یك کمیسیون فرعی متشکل از قدرتهائی را که بیشتر با این موضوع مربوط میشوند به کمیسیون خلع سلاح توصیه کرد .

۳۰ نوامبر ـ ۷ دسامبر ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : دنبالهٔ دورهٔ اجلاسیهٔ شانزدهم .

۳ دسامبر ـ کره : مجمع عمومی علاقه خودرا نسبت به حل مسئله زندانیان ملل متحد در کره ابراز کرد .

۷ دسامبر ـ کار اجباری : مجمع عمومی ازشورای‌اقتصادی واجتماعی و ILO (سازمان بین‌المللی‌کار)دعوت کرد که گزارش کمیتهٔ ادهاك را در مورد کار اجباری مورد مطالعه قرار دهند .

۷ دسامبر ـ زندانیان جنگ : مجمع عمومی از دولتهائی‌که‌زندانیان جنگ دوم را هنوز دراختیار دارند خواست که اجازهٔ برگشت آنها رابه میهن خود بدهند .

کره : مجمع عمومی برنامه UNKRA را تا اول ژوئیه ۱۹۵۵ تصویب کرد.

توسعهٔ اقتصادی : مجمع عمومی ریموند سکیون را مامور مطالعهٔ‌پاسخ های دولتها راجع به صندوق ملل متحد درباره توسعهٔ اقتصادی SUNFED نمود .

۸ دسامبر ـ نیروی اتم : رئیس جمهور امریکا تاسیس آژانس نیروی اتمی بین‌المللی را به مجمع عمومی پیشنهاد کرد .

اتحادیهٔ افریقای جنوبی : مجمع عمومی نسبت بگزارش کمیسیون تحقیق در باب مسئله نژادی دراتحادیه افریقای جنوبی ابراز علاقه کرد .

برمه : مجمع عمومی کوشش‌برای تخلیهٔ برمه از نیرو های خارجی را تصویب کرد .

۹ دسامبر ـ بودجه : ٤۹ر۳٦۸ر۸٦۰ دولار بودجه بشرح زیر بتصویب رسید :

۱ر۵٤۱ر۷۵۰ دولار برای سال ۱۹۵۳ و ٤۷ر۸۲۷ر۱۱۰ دولار برای سال ۱۹۵٤ .

۲۰ دسامبر ـ حمل و نقل : پروتوکل راجع بعلائم راه ها بموقع اجرا گذاشته شد .

۱۹۵٤

۱۰ ژانویه ـ مجمع عمومی : پیشنهاد هند برای تجدید دعوت و

تشکیل دوره اجلاسیهٔ هشتم ردشد (تنها ۲۲ عضو رای‌موافق دادند).

۲۲ ژانویه ـ فلسطین : (وتوی۵۹ شوروی) از دولتهای سوریه و اسرائیل خواسته شد که درمورد بر گردانیدن مجرای آب نهر اردن همکاری نمایند.

۲۳ ژانویه ـ کره : باقیماندهٔ زندانیان از طرف کمیسیون ملل بی طرف برای برگشت بمیهن آزاد گردیدند.

۲۳ ژانویه ـ ۲۵ مارس ـ شورای قیمومیت : سیزدهمین دورهٔ اجلاسیه

۱۸ فوریه ـ دادگاه بین‌المللی دادگستری : سن‌مارینو بعضویت گروهی از ملل که مقررات و پیمان راجع بقضاوت دادگاه را پذیرفته‌اند درآمد.

۲۹ مارس ـ کانال سوئز : (شتصمین وتوی شوروی) ازدولت مصر خواسته شد تا تصمیم سال ۱۹۵۱ شورای امنیت را راجع‌برفع محدودیت کشتی رانی در کانال‌سوئز رعایت نماید.

۳۰ مارس ـ ۳۰آوریل ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : هفدهمین دورهٔ اجلاسیه.

۲ آوریل ـ دادگاه بین‌المللی دادگستری : ژاپون به پیمان راجع بقبول قضاوت دادگاه پیوست.

۹ ـ ۱۹ آوریل ـ کنترل اسلحه: جلسات کمیسیون خلع سلاح دائر بود.

۲۴ آوریل ـ آوارگان : کنوانسیون راجع به وضعیت و حالت حقوقی‌و سیاسی آوارگان شروع به اجرا گردید.

۲۶ آوریل ـ ۱۵ ژوئن ـ کره : وزرای خارجه نتوانستند درمورد وحدت مسالمت آمیز سرزمین کره‌با یکدیگر موافقت کنند.

۱۱ مه ـ ۴ ژوئن ـ حمل و نقل : کنفرانس ملل‌متحد راجع‌به‌فورمالیته های‌گمرکی برای ورودموقتی‌وسائط نقلیهٔ موتوری از راههای اتومبیل رو بوسیلهٔ توریست ها و موضوع سیاحان (توریسم)دوکنوانسیون‌وضع و تصویب کرد.

۱۳ مه ـ توسعهٔ اقتصادی : اولین‌گزارش سکوین‌درموردSUNFED تهیه شد.

۱۳مه ـ ۲۲ ژوئیه‌ـ کنترل‌اسلحه: جلسات کمیسیون فرعی ازکمیسیون خلع سلاح دائر بود.

۲ ژوئن ـ ۱۶ ژوئیه ـ شورای قیمومیت : چهاردهمین‌دورهٔ‌اجلاسیه

۱۵ ژوئن ـ طلای آلبانی : دادگاه بین‌المللی دادگستری تصمیم خودرا اعلام کرد.

۱۸ ژوئن ـ تایلند : (وتوی ۶۱ شوروی) تقاضای از شورای امنیت برای اعزام ناظرانی از کمیسیون نظارت برصلح

۲۰ژوئن ـ گواتمالا: شورای‌امنیت خواست که از اعمالی‌که منجر بخون ریزی گردد خودداری شود.

گواتمالا : (وتوی ۶۲ شوروی) رجوع به سازمان دولتهای امریکائی

۲۹ ژوئن ـ ۶ اوت ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : دورهٔ‌اجلاسیه هجدهم.

۷ ژوئیه ـ زنان : کنوانسیون‌راجع به حقوق سیاسی زنان شروع باجرا گردید.

۱۲ ژوئیه ـ دعوی مجارستان علیه امریکا : دادگاه بین‌المللی دادگستری‌متوجه‌گردیدکه‌مجارستان وشوروی حق قضاوت دادگاه‌را نمی شناسند.

۱۳ ژوئیه ـ پاداشهای دادگاه اداری : دادگاه بین‌المللی دادگستری نظر مشورتی خود را اعلام کرد.

۲۰ ـ ۲۹ ژوئیه ـ کنترل اسلحه: جلسات کمیسیون خلع سلاح تشکیل شد.

۱ اوت ـ یونان : کمیسیون‌فرعی کمیسیون نظارت‌برصلح ناظران‌نظامی را احضار کرد.

۵ اوت ـ امور مالی : شورای اقتصادی واجتماعی کمیسیون امور مالی را تعطیل کرد.

کالا : شورای اقتصادی واجتماعی کمیسیون بازرگانی بین‌المللی کالارا تاسیس نمود.

۱۰ اوت ـ توسعهٔ اقتصادی : دومین گزارش سکوین‌درمورد SUNFEDتسلیم شد.

۳۱اوت ـ ۱۰ سپتامبر ـ جمعیت: جلسات کنفرانس ملل متحد راجع‌به جمعیت جهان.

۱۳ ـ ۲۴ سپتامبر ـ اشخاص بی دولت : کنفرانس نمایندگان مختار ملل متحد کنوانسیون راجع به‌حالت و وضع و تکلیف اشخاص بیدولت را تصویب کرد.

۲۰ سپتامبر ـ مجمع عمومی : هشتمین دورهٔ اجلاسیه تجدیدانجمن کرده آخرین جلسه را تشکیل دادند

۲۱ سپتامبر ـ ۱۷ دسامبر ـ مجمع عمومی : نهمین دورهٔ اجلاسیه.

۲۱ سپتامبر ـ چین : مسئله نمایندگی چین در مجمع عمومی با اکثریت ۴۵ رای در برابر ۷ رای و ۵ رای ممتنع بتعویق افتاد.

۱۱اکتبر ـ افریقای‌جنوب‌باختری: مجمع عمومی مقرراتی‌درموردگزارش ها، و شکایات و رای دادن وضع نمود.

۲۱ اکتبر ـ آوارگان : پنج میلیون دولار بودجه طبق طرح کمیسیونر عالی آوارگان بتصویب مجمع عمومی رسید.

۲۹ اکتبر ـ برمه : مجمع‌عمومی خلع سلاح و نگاهداری هنر های خارجی را در برمه تصویب کرد.

۲۳ نوامبر ـ افریقای جنوب باختری: سه فقره قرارمورد تصویب مجمع عمومی‌قرارگرفت‌که ازآنجمله بود درخواست ابراز نظر مشورتی از طرف دادگاه بین‌المللی دادگستری در مورد امکان اجرای اصل‌اعتباراجرائی اکثریت دو ثلث آراء درمجمع عمومی.

۲۶ نوامبر ـ کمك فنی : پنجمین کنفرانس تعهد پرداخت برای کمك فنی که طبق آن شصت ملت تعهد پرداخت ۲۷٫۹۶۵٫۵۵۰ دولار را نمودند.

کمك فنی: مجمع‌عمومی‌تصویب کرد که اقداماتی برای هم‌آهنگ ساختن آژانسهای ملی با آژانسهای بین‌المللی در مورد کمکهای فنی بعمل آید.

۴ دسامبر ـ نیروی اتم : پیش‌نویس پیمان راجع به IAEA بتصویب مجمع عمومی رسید.

حقوق بشر : مجمع عمومی از دولتها و هم از آژانسهای تخصصی خواست که نظر خود را در مورد پیش‌نویس دو پیمان نامه راجع بحقوق بشر ابراز دارند.

۱۰ دسامبر ـ کره : مجمع عمومی از دبیر کل درخواست کردکه در تحصیل آزادی زندانیان جنگ کمك کند.

ایریان باختری (گینه‌نو) : مجمع عمومی نتوانست با صدور قراری در این باب موافقت کند .

۱۱ دسامبر ـ توسعه‌اقتصادی: انتصاب **سکیون** یکسال دیگر تمدید شد تا درمورد پاسخهای دولتها راجع به SUNFED بیشتر مطالعه نماید .

شرکت (کورپوراسیون) مالی بین‌المللی : مجمع عمومی از بانک بین‌المللی عمران و توسعه خواست که پیش‌نویس پیمانی را دراین مورد تهیه کند .

۱۷ دسامبر ـ بودجه : ۵۰ر۶۶۵ر۶۷۰ دولار بشرح زیر تصویب شد :

۷۰۱ر۸۷۰ دولار برای سال ۱۹۵٤ و ۴۹ر۹۶۳ر۸۰۰ دولار برای سال ۱۹۵۵

تونس : مجمع عمومی به مذاکرات بین طرفین اختلاف ابراز اعتماد کرد .

۱۹۵۵

۵ ـ ۱۰ ژانویه ـ کره : دبیر کل در مذاکرات **پی‌پینگ** برای استخلاص زندانیان شرکت کرد .

۲۵ ژانویه ـ ۲۸ مارس ـ شورای قیمومیت : پانزدهمین دورهٔ اجلاسیه .

۳ فوریه ـ چین : جمهوری مردم چین دعوت شورای امنیت را برای شرکت دربحث راجع بجزایر ساحلی رد کرد .

۱۵ـ۲۵ فوریه ـ نقشه‌برداری: کنفرانس نقشه‌برداری محلی ملل متحد برای آسیا و خاوردور جلسات داشت .

۲۵ فوریه ـ ۱۸ مه ـ کنترل اسلحه: جلسات کمیتهٔ فرعی کمیسیون خلع سلاح تشکیل شد .

۷ مارس ـ بازرگانی : ایجاد سازمانی برای همکاری بازرگانی OTC از طرف GATT پیشنهاد شد .

۷ ـ ۲۵ مارس ـ توسعهٔ اقتصادی : کمیتهٔ **سکیون** برای بحث درباره SUNFED تشکیل جلسات داد .

۲۹ مارس ـ ۷ آوریل ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : نوزدهمین دورهٔ اجلاسیه .

۲۹ مارس ـ فلسطین : شورای امنیت حملهٔ نیروهای مسلح اسرائیل را به **غزه** محکوم کرد .

۶ آوریل ـ موضوع‌نوته‌بوهم : دادگاه بین‌المللی دادگستری قضاوت کرد .

۱۵ آوریل ـ کورپوراسیون مالی بین‌المللی : بانک بین‌المللی توسعه و عمران منشوری را پیشنهاد کرد .

۹ مه ـ کنترل اسلحه . پیشنهاد جامعی از طرف شوروی به کمیته فرعی کمیسیون خلع سلاح فرستاده شد .

۱۶ ـ ۲۷ مه ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : دنباله نوزدهمین دورهٔ اجلاسیه خود را تشکیل داد .

۱ ژوئن ـ کنترل اسلحه : جلسه کمیته فرعی کمیسیون خلع سلاح تشکیل شد .

۷ ژوئن ـ افریقای جنوب باختری : دادگاه بین‌المللی دادگستری نظر مشورتی داد .

۸ ژوئن ـ ۲۲ ژوئیه ـ شورای قیمومیت : شانزدهمین دورهٔ اجلاسیه .

۲۰ ـ ۲۶ ژوئن ـ مراسم یادبود دهمین سال وضع منشور ملل متحد برگزار شد .

۱ ژوئیه ـ کنترل اسلحه : امریکا پیشنهادی راجع به عکسبرداری هوائی نمود .

۵ ژوئیه ـ ۵ اوت ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : بیستمین دورهٔ اجلاسیه .

۲۳ ژوئیه ـ کنترل اسلحه : جلسهٔ پیشوایان دولتهای بزرگ‌که نتیجه آن ارجاع موضوع به‌کمیتهٔ فرعی کمیسیون خلع سلاح بود .

٤ اوت ـ کره : یازده زندانی از طرف کمونیستها آزاد شدند

۸ ـ ۲۰ اوت ـ نیروی اتم : اولین کنفرانس بین‌المللی راجع به استعمال صلح‌آمیز نیروی اتم .

۲۹ اوت ـ ۷ اکتبر ـ کنترل اسلحه : جلسات کمیتهٔ فرعی از کمیسیون فرعی خلع سلاح .

۸ سپتامبر ـ فلسطین : شورای امنیت از مصر و اسرائیل خواست تا با رئیس ستاد نیروهای ملل متحد همکاری نمایند .

۱۳ سپتامبر ـ کنترل اسلحه: انگلیس طرحی‌را برای‌کنترل مناطق آزمایش در اروپا به‌کمیتهٔ فرعی کمیسیون خلع سلاح پیشنهادکرد .

۲۰ سپتامبر ـ ۲۰ دسامبر ـ مجمع‌عمومی: دهمین دورهٔ‌اجلاسیه

۲۰ سپتامبر ـ چین : مسئلهٔ نمایندگی چین درمجمع عمومی با اکثریت ٤۲ رای دربرابر ۱۲ رای مخالف و۵ رای ممتنع بتعویق‌افتاد.

۲۳ سپتامبر ـ قبرس: مجمع عمومی با قراردادن موضوع قبرس در دستور مذاکرات مخالفت کرد .

۳۰ سپتامبر ـ الجزیره : موضوع‌الجزیره دردستور مذاکرات برخلاف توصیهٔ کمیتهٔ عمومی مجمع عمومی قرار داده شد .

۳ ـ ۱۷ اکتبر ـ کالا : کنفرانس ملل متحد راجع به روغن زیتون تشکیل شد .

۲۱ اکتبر ـ کنترل اسلحه : جلسهٔ کمیسیون خلع سلاح

۲٤ اکتبر ـ ۱٤ دسامبر ـ شورای قیمومیت ـ پنجمین دورهٔ اجلاسیهٔ فوق‌العاده

۲۶ اکتبر ـ ۱۶ نوامبر .کالا: کنفرانس گندم ملل متحد دائربود .

۲۶ اکتبر ـ کمك فني : ششمین کنفرانس برای تعهد پرداختهای ملل برای‌کمك فنی‌که ۷۲ دولت شرکت کرده و پرداخت ۲۸ر۹۶٤ر۵۶۳ دولاررا تعهد کردند .

۲ نوامبر ـ فلسطین : تقاضای دبیر کل از متخاصمین برای اصلاح

۳ نوامبر ـ کورپوراسیون مالی بین‌المللی : پیمان نامه مربوط بدان بتصویب مجمع عمومی رسید.

۲۱ نوامبر ـ منشورملل‌متحد: مجمع عمومی کمیته‌ئی را مامورکرد تا وقت و محل تشکیل کنفرانسی‌را برای تجدید نظر درمنشور تعیین نماید .

۲۳ نوامبر ـ کنترل اسلحه : جلسهٔ کمیسیون خلع سلاح

۲۵ نوامبر ـ الجزیره : مجمع عمومی تصمیم گرفت که بحث در موضوع الجزائر راکنار گذارد .

۲ دسامبر ـ حقوق بشر : مجمع عمومی تصویب آزمایشی مقدمه و ماده اول راکه در هر دو اعلامیهٔ حقوق بشر مشترك بود بپایان رسانید .

۳ دسامبر ـ مراکش : مجمع عمومی نسبت به مذاکرات موفقیت‌آمیز بین دوطرف اختلاف ابراز امیدواری کرد .

افریقای جنوب باختری : مجمع عمومی نه قرار در مورد این منطقه صادر کرد و بار دیگر تکرار نمود که این سرزمین باید تحت قیمومیت امانی (طبق مقررات ملل متحد) درآید . ضمنا نظر مشورتی دادگاه بین‌المللی دادگستری را در مورد حق‌پذیرش واستماع شکایات شفاهی استفسارکرد و به شاکیان اطلاع دادکه این سرزمین هنوز در تحت **ماندات** (قمومیت سابق پس از جنگ اول طبق مقررات جامعهٔ ملل) قرار دارد .

تشعشع اتمی : مجمع عمومی کمیتهٔ ملل متحد را برای تحقیق در تاثیرهای تشعشع‌آتمی تاسیس نمود .

نیروی اتم : مجمع عمومی دستور دادکه کمیتهٔ مشورتی راجع به استعمال صلح‌آمیز نیروی اتم ادامه یابد .

۵ ـ ۱۵ دسامبر ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : دنبالهٔ بیستمین دورهٔ اجلاسیه خود را تشکیل داد .

۹ دسامبر ـ توسعهٔاقتصادی: مجمع عممی هشت پرسش راجع به SUNFED نزد دولتها فرستاد و یك کمیتهٔ ۱۶ نفری را مامور رسیدگی به پاسخها نمود .

۱۳ دسامبر ـ عضویت : (و توی ۶۳ از طرف چین داده شد) شورای امنیت در مورد پذیرش درخواست عضویت مغولستان خارجی رای داد .

عضویت (وتوهای ۶۴ تا ۷۸ از طرف شوروی) : شورای امنیت درمورد پذیرش درخواستهای عضویت کشورهای زیر رای داد : جمهوری کره ، ویتنام ، اردن ، ایرلند ، پرتقال ، ایتالیا ، اطریش ، فنلاند ، سرندیب ، نپال ، لیبی ، کامبودیا ، ژاپون ، لائوس ، اسپانیا.

۱۴ دسامبر ـ عضویت : (وتوی ۷۹ شوروی) شورای امنیت راجع بدرخواست عضویت ژاپون رای داد .

عضویت : کشورهای آلبانی ، اردن ، ایرلند، پرتقال، مجارستان، ایتالی، اطریش،رومانی، بلفارستان، فنلاند ، سرندیب ، نپال ، لیبی ، کامبودیا ، لائوس ، واسپانیا بعنوان شصت و یکمین تا هفتادو ششمین اعضاء ملل متحد پذیرفته شدند .

۱۵ دسامبر ـ قیمومیت : کمیسیونری ازطرف مجمع عمومی برای نظارت در انتخابات **توگولند انگلیس** انتخاب شد .

عضویت : (وتوی هشتادم شوروی) شورای امنیت در مورد درخواست عضویت ژاپون رای‌داد.

آلمان : جمهوری فدرال‌آلمان در کمیسیون اقتصادی اروپا پذیرفته شد .

سرزمین های غیرخودمختار: مجمع عمومی تصویب کردکه انتقال اطلاعات ازانتیلهای هلند وسورینام موقوف گردد .

۱۶ دسامبر ـ بودجه : ۵۵۰ر۸۲۰ر۵۱ دولار بودجه بتصویب رسید بشرح زیر : ۲۰۰ر۲۶۴ر۳دولاربرای سال۱۹۵۵و ۳۵۰ر۵۶۶ر۴۸ دولار برای سال ۱۹۵۶

قیمومیت : مجمع عمومی مشاورهٔ یا سکنهٔ توگولند فرانسه را در تحت نظر ناظر ملل متحد توصیه کرد .

منشور ملل متحد : شورای امنیت نظر مجمع عمومی را بتاریخ ۲۱ نوامبر راجع به تشکیل کمیته مربوط برای تعیین تاریخ و محل کنفرانس تجدید نظر در منشور تایید کرد .

۱۹ دسامبر ـ ایریان باختری (گینهٔ نو) : مجمع عمومی ابراز امیدواری کرد که مذاکرات بین طرفین اختلاف به نتیجهٔ نیکورسد .

۲۲ دسامبر ـ هند : پرتقال مسئله‌حق عبوررا بدادگاه بین‌المللی دادگستری آورد .

۳۱ دسامبر ـ کره : از مبلغ ـ ۰۰۰ر۰۰۰ر۲۲۶ دولار که هدف UNKRA برای جمع آوری اعانات دول برای UNKRA بود مبلغ ۱۰۱ر۸۳۵ر۱۳۹ دولار جمع‌آوری‌شد

۱۹۵۶

۷ فوریه ـ ۶ آوریل ـ شورای قیمومیت :هفدهمین دورهٔ اجلاسیه .

۱۴ مارس ـ موضوع سانحهٔ هوائی : دادگاه بین‌المللی دادگستری دستور داد که دعوی امریکا بر ضد چکاسلواکی در اینمورد از فهرست دعاوی حذف شود .

موضوع سانحهٔ هوائی : دادگاه بین‌المللی دادگستری دستور داد که دعوی انگلیس برضد شیلی در مورد مزبور از فهرست دعاوی حذف‌شود.

موضوع اراضی قطب جنوب : دادگاه دادگستری بین‌المللی دستور داد که دعوی انگلیس برضد ارژانتین در مورد بالا از فهرست دعاوی‌حذف شود .

۱۹ مارس ـ ۴ مه ـ کنترل اسلحه :جلسات‌کمیتهٔ فرعی‌کمیسیون خلع سلاح دائر بود .

۹ آوریل ـ تشعشع اتمی : اولین گزارش کمیتهٔ علمی ملل متحد در مورد تاثیرهای تشعشع آتمی‌داده شد .

۱۷ آوریل ـ فلسطین : دبیرکل ملل متحد وارد خاور میانه گردید .

۱۷ آوریل ـ ۴ مه ـ شورای اقتصادی واجتماعی : دورهٔ اجلاسیهٔ بیست‌ویکم

۱۸ آوریل ـ نیروی آتم : پیش نویس پیمان نامه اژانس نیروی بین‌المللی اتم مورد تصویب کمیته تهیهٔ پیش نویس قرار گرفت .

۹ مه ـ قیمومیت : کمیسیونر ملل متحد بر مراجعهٔ باراء عمومی مردم توگولند انگلیس‌در مورد اتحاد آن سرزمین با ساحل طلا (گانا) نظارت کرد .

۱ ژوئن ـ افریقای جنوب باختری : دادگاه‌بین‌المللی دادگستری نظر مشورتی خودرا درمورد شکایات مربوط اعلام کرد .

۷ ژوئن ـ ۱۴ اوت ـ شورای قیمومیت : دورهٔ اجلاسیهٔ هیجدهم .

۲۶ ژوئن ـ الجزیره : شورای امنیت باقرارگرفتن موضوع الجزیره

در دستور مذاکرات موافقت نکرد .

۳ ـ ۱۶ ژوئیه ـ کنترل اسلحه کمیسیون خلع سلاح جلسات داشت.

۹ ژوئیه ـ ۹ اوت ـ شورای اقتصادی واجتماعی : دورهٔ اجلاسیهٔ بیست ودوم

۲۴ ژوئیه ـ کورپوراسیون مالی بین‌المللی شروع بکار کرد .

۷ سپتامبر ـ مسئله بردگی : کنوانسیون الغای بردگی ، و معامله وبازرگانی برده (برده فروشی) و لغو مؤسسات و اعمال مشابه به برده فروشی بامضای ۳۳ دولت رسید .

۲۰ سپتامبر ـ ۲۶ اکتبر ـ نیروی اتم : پیمان نامه اژانس نیروی بین‌المللی اتم بامضای هفتاد دولت رسید .

۱۳ اکتبر ـ فلسطین (وتوی۸۱ شوروی) شورای امنیت از مصر خواست که انجام عملیات معین را موقوف دارد .

کانال سوئز : شورای امنیت شش اصل برای حل مسئله کانال سوئز وضع وتصویب کرد .

۱۷ اکتبر ـ کمك فنی : هفتمین کنفرانس تعهد پرداخت مبلغ ۱۲۳ر۸۷۴ر۳۰دولار برای‌سال ۱۹۵۷

۲۶ اکتبر ـ قیمومیت : مراجعهٔ باراء عمومی در توگولند فرانسه

۲۸ اکتبر ـ مجارستان : موضوع در دستور مذاکرات شورای امنیت قرار داده شد .

۲۹ اکتبر ـ کانال سوئز : اسرائیل بمصر حمله کرد .

۳۰ اکتبر ـ کانال سوئز :(وتوی ۸۲ ازطرف انگلیس‌وفرانسه) شورای امنیت از انگلیس و فرانسه خواست که از بکار بردن نیرو خودداری‌کنند.

کانال سوئز : (وتوی ۸۳ ـ انگلیس و فرانسه) شورای امنیت از اسرائیل خواست که از بکار بردن نیرو خودداری کند .

۳۱ اکتبر ـ کانال سوئز : فرانسه وانگلیس به کانال سوئز حمله کردند .

۱ ـ ۱۰ نوامبر مجمع عمومی : اولین دورهٔ اجلاسیه خاص مجمع عمومی بسبب پیش آمد ناگهانی برای مذاکره درباب واقعهٔ کانال سوئز .

۲ نوامبر ـ کانال سوئز : مجمع عمومی لزوم آتش بس و عقب‌کشیدن کلیهٔ نیروهای مهاجم واقدام در گشودن کانال سوئز را مورد تاکید قرارداد .

۴ نوامبر ـ مجارستان : (وتوی ۸۴ ـ شوروی) شورای امنیت از شوروی خواست که از بکار بردن نیرو خودداری کند .

کانال سوئز : مجمع عمومی از دبیر کل خواست که طرحی برای تشکیل نیروهای احتیاطی ملل متحد UNEF در مواقع ضروری و هنگام پیش‌آمد های غیر منتظره تهیه و تقدیم کند و همانروز دبیر کل طرح‌را تقدیم کرد

۴ ـ ۱۰ نوامبر دومین دورهٔ اجلاسیهٔ مجمع عمومی‌برای رسیدگی به‌پیش آمد ناگهانی (مجارستان)

۵ نوامبر ـ نیروی احتیاطی ملل متحد از طرف مجمع عمومی بوجود آمد .

۷ نوامبر ـ کانال سوئز : مجمع عمومی از اسرائیل وفرانسه وانگلیس خواست تا نیروهای خود را عقب بکشند .

۸ نوامبر ـ کانال سوئز : اولین گروه مامور پاك کردن کانال از موانع عبور کشتی‌ها که در کانال ریخته شده بود از طرف دبیر کل تعیین گردید .

۱۰ نوامبر ـ UNEF (نیروی احتیاطی ملل متحد) اولین دسته‌های آن وارد ایتالیا گردیدند .

۱۲ نوامبر ـ UNEF مصر با استقرار UNEF در سرزمین مصر موافقت کرد .

عضویت : سودان ، مراکش ، وتونس بعنوان هفتادو هفتمین تا هفتادونهمین اعضاءملل‌متحدپذیرفته شدند .

۱۲ نوامبر ـ ۸ مارس ـ مجمع عمومی : یازدهمین دورهٔ اجلاسیه .

۱۵ ـ نوامبر ـ UNEF : اولین دسته نیروی ملل متحد وارد اسمعیلیه شدند .

۱۶ نوامبر ـ کانال سوئز : دبیر کل ملل متحد وارد مصر شد .

چین : موضوع نمایندگی در مجمع عمومی با ۴۷ رای در برابر ۲۴ رای مخالف و ۹ رای ممتنع به تعویق افتاد .

۱۸ نوامبر ـ کانال سوئز : مصر از ملل متحد تقاضای کمك در پاك‌کردن کانال کرد .

۲۰ نوامبر ـ کانال سوئز : صدور یادداشت راجع به شرائط موافقت دبیر کل با مصر در مورد UNEF (نیروهای احتیاطی ملل متحد) .

۲۱ نوامبر ـ کانال سوئز : مجمع عمومی با تسهیم ده میلیون دولار هزینه نیروی احتیاطی ملل متحد UNEF براساس فرمول معمول تشخیص موافقت کرد .

۲۴ نوامبر ـ کانال سوئز : ر . ا . ویلر وجان ج . مك‌کلوی برای کمك و دادن نظر مشورتی درمورد پاك‌کردن کانال تعیین شدند.

کانال‌سوئز ـ مجمع عمومی از قصور اسرائیل و فرانسه وانگلیس در عقب کشیدن نیروهای خود از کانال ابراز تاسف کرد.

۱۰ دسامبر ـ ۳۱ ژانویه ـ شورای قیمومیت : ششمین دوره اجلاسیه .

۱۳ ـ ۲۶ دسامبر ـ حقوق بشر : مجمع عمومی مواد ۶ تا ۱۲ پیمان حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را بنحو آزمایش تصویب کرد .

عضویت : ژاپون بعنوان هشتادمین عضو ملل متحد پذیرفته شد .

۲۱دسامبر ـ بودجه: ۷۰۰ر۹۳۲ر۶۲ دولار بشرح زیر تصویب گشت : ۰۰۰ر۱۱۷ر۲ دولار برای سال۱۹۵۶ و۶۵۰ر۸۰۷ر۴۸ دولار برای سال ۱۹۵۷ و۰۰۰ر۰۰۰ر۱۰ دولار برای UNEF (در ۲۷ فوریه۱۹۵۷ مبلغ ۰۵۰ر۰۸۰ر۲ دولار دیگر نیز ببودجه UNEF اضافه‌گردید).

۲۲ دسامبر ـ کانال سوئز : خارج شدن آخرین نیرو های انگلیس وفرانسه

۲۸ دسامبر ـ کانال سوئز: پاك کردن کانال آغازگردید

۱۹۵۷

۲۳ ژانویه ـ افریقای جنوب باختری : مجمع عمومی به‌کمیته

مربوط اجازه داد که به شکایات رسیدگی کند .

۲۴ ژانویه ـ کشمیر: شورای امنیت تصمیم خود را راجع به لزوم مراجعه بآراء عمومی بنحو آزاد تکرار کرد .

۳۰ ژانویه ـ اتحادیه افریقای جنوبی : مجموع عمومی نسبت بـه پیروی ازسیاست تجزیه نژادی در افریقای جنوبی ابراز تاثرکرد.

هندیهای مقیم اتحادیه افریقای جنوبی : مجمع عمومی بطرفین اختلاف تاکید در مذاکره وسازش کرد .

۲ فوریه ـ کانال سوئز : مجمع عمومی از اسرائیل خواست که قوای خود را عقب بکشد .

۱۴ فوریه ـ کنترل اسلحه: مجمع عمومی توصیه کرد که کمیسیون خلع سلاح چند پیشنهاد وارده را مورد مطالعه قراردهد.

۱۵ فوریه ـ الجزیره : مجمع عمومی نسبت به حل مسالمت آمیز مناقشات ابراز امیدواری کرد.

۲۰ فوریه ـ کورپوراسیون مالی بین المللی : مجمع عمومی تصویب کرد که پیمانی بین IFC (کورپوراسیون مالا) و شورای اقتصادی واجتماعی منعقد و بین آنها رابطه برقرار شود .

کشمیر : (وتوی ۸۵ شوروی): شورای امنیت موضوع بکار بردن احتمالی نیروی ملل متحد را در کشمیر مورد مطالعه قرار داد.

کشمیر : شورای امنیت از **گون نارجار رینگ** خواهش کرد که راه حلی برای پایان دادن بغائله کشمیر بیابد.

زنان : کنوانسیون راجع به تابعیت و ملیت زنان شوهر دار بتصویب مجمع عمومی رسید .

۲۶ فوریه ـ توسعه اقتصادی: مجمع عمومی از کمیته **ادهاك** درخواست کرد که نظریات خودرا ابرازدارد .

قبرس : مجمع عمومی نست به اعاده مذاکرات ابراز امیدواری نمود .

افریقای جنوب باختری: مجمع عمومی هفت تصمیم نامه صادرکرد که از آنجمله بوددرخواست از کمیته مربوط که معلوم کند چه اقدامات قانونی میتوان در این مورد بعمل آورد .

۲۸ فوریه ـ ایریان نو(گینه نو) : مجمع عمومی نتوانست تصمیمی دراین باب اتخاذ کند .

۸ مارس ـ عضویت : کشور **غانه** (گانا) بعنوان هشتاد و یکمین عضو پذیرفته شد .

۱۴ مارس ـ ۱۵ مه ـ شورای قیمومیت : نوزدهمین دوره اجلاسیه.

۱۸ مارس ـ ۶ سپتامبر ـ کنترل اسلحه : جلسات کمیته فرعی کمیسیون خلع سلاح .

۸ ـ ۱۸ آوریل ـ تشعشع آتمی : جلسات کمیته علمی

۱۶ آوریل ـ ۲ مه ـ شورای اقتصادی واجتماعی: بیست وسومین دوره اجلاسیه .

۱۶ آوریل ـ قیمومیت : طبق تصویب نامه فرانسه قانون **کامرون ها** انتشار یافت.

۲۹ آوریل ـ کشمیر:جرربنگ گزارش دادکه نتوانسته است پیشنهادهای مشخص و قاطعی برای حل اختلافات تقدیم دارد .

۲۰ مه ـ ۱۲ ژوئیه ـ شورای قیمومیت : بیستمین دوره اجلاسیه.

۶ ژوئیه ـ اختلاف نروژ با فرانسه : دادگاه بین المللی دادگستری از قضاوت خودداری کرد .

۲۹ ژوئیه ـ نیروی اتم: IAEA تاسیس شد

۲ اوت ـ سرزمین های غیر خود مختار : بلژیك اعلام کردکه اطلاعات راجع به این سرزمین های تابع او به کتابخانه ملل متحدفرستاده خواهد شد .

۹ سپتامبر ـ عضویت: (وتوی ۸۶ ـ شوروی) شورای امنیت راجع به پذیرش جمهوری کره بعضویت ملل متحد رای داد .

عضویت : (وتوی۸۷ـشوروی): شورای امنیت راجع به پذیرش ویتنام بعضویت رای داد .

۱۰ ـ ۱۴ سپتامبر ـ مجمع عمومی : دنبالـه دوره اجلاسیه یازدهم .

۱۲ـ ۲۰ سپتامبر ـ شورای قیمومیت : هفتمین دوره اجلاسیه فوق العاده.

۱۷ سپتامبر ـ ۱۴ دسامبر ـ مجمع عمومی . دوازدهمین دوره اجلاسیه .

۱۷ سپتامبر ـ عضویت: مالایا بعنوان هشتاد و دومین عضو پذیرفته شد .

۲۴ سپتامبر ـ چین : مسئله نمایندگی چین در مجمع عمومی با ۴۷ رای دربرابری ۲۷ رای و ۷ رای ممتنع بتعویق افتاد.

۲ اکتبر ـ دعوی سویس برضد امریکا : به دادگاه بین المللی دادگستری احاله شد.

۱۰ اکتبر ـ کمك فنی : هشتمین کنفرانس تعهد پرداخت ها بمبلغ ۹۰۰ر۳۱۷ر۳۲ دولار. **دعوی هلند برضد سوئد :** بدادگاه بین المللی دادگستری ارجاع شد.

۱۱ اکتبر ـ ۴ نوامبر ـ حقوق بشر : مجمع عمومی مواد ۱۴ و۱۶ پیمان راجع به حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بشر را بنحو آزمایش تصویب کرد.

۱۶ اکتبر ـ حادثه هوائی : دعوی اسرائیل و امریکا وانگلیس برضد بلغارستان به دادگاه بین المللی دادگستری ارجاع گردید .

۲۵ اکتبر ـ افریقای جنوب باختری : کمیته وساطت ازطرف مجمع عمومی تشکیل یافت .

۱۳ـ ۲۵ نوامبر ـ حقوق بشر: مجمع عمومی ماده ۶ پیمان را راجع به حقوق کشوری وسیاسی بشر بنحو آزمایش تصویب کرد.

۱۴ نوامبر ـ تشعشع آتمی: مجمع عمومی از تمام مراجع مربوط خواست که با کمیته علمی همکاری نمایند .

۱۹ نوامبر ـ کنترل اسلحه: بر تعداد اعضاء کمیسیون خلع سلاح افزوده شده از ۱۱ به ۲۵ رسید.

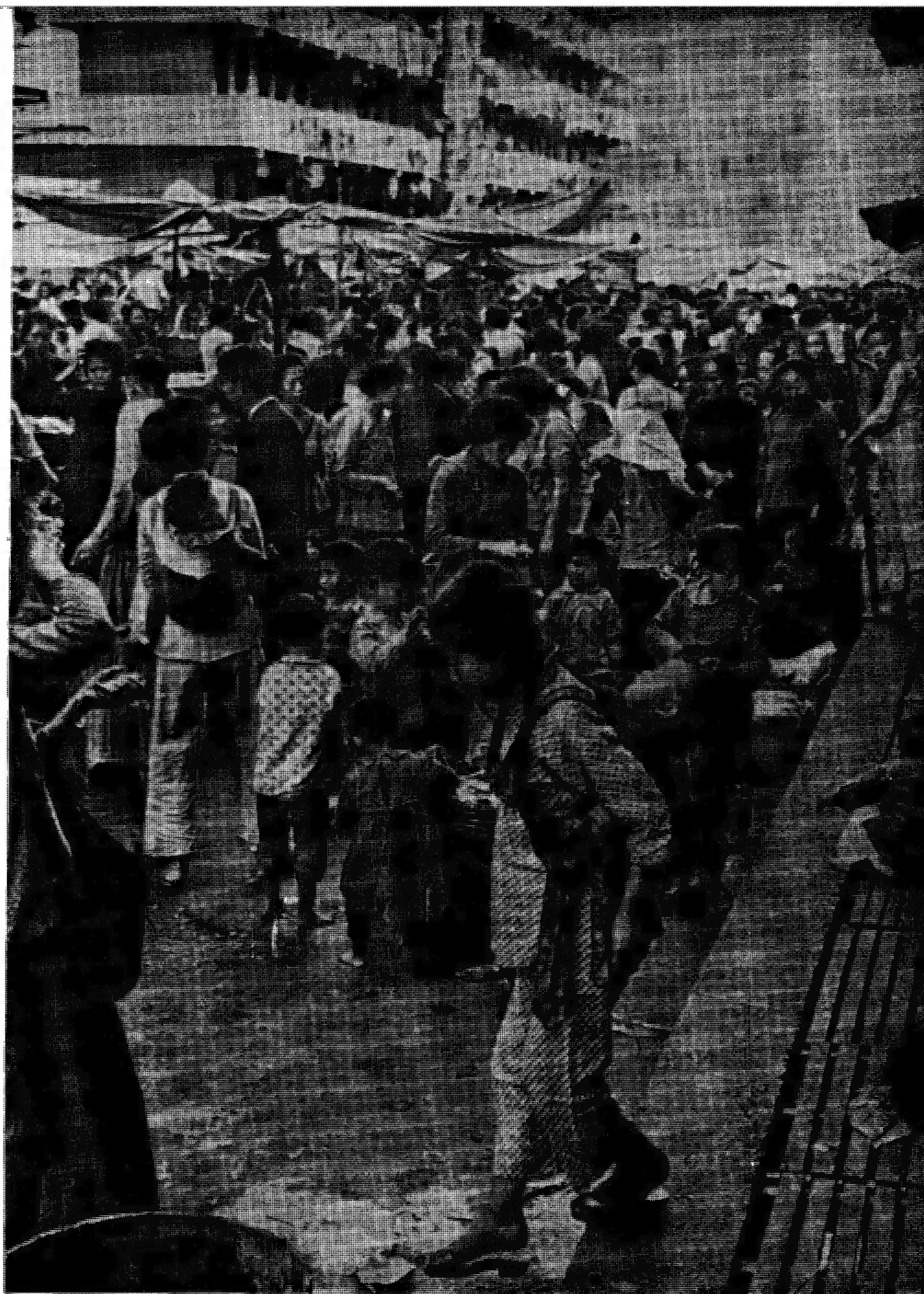
۲۶ نوامبر ـ اتحادیه افریقای جنوبی : مجمع عمومی از قصور این اتحادیه در تغییر سیاست نژادی خود ابراز تاسف کرد.

سرزمین های غیر خودمختار: پیشنهاد مطالعه تفسیرات منشوراز طرف مجمع عمومی رد شد.

بازرگانی : مجمع عمومی لزوم تاسیس IFC را تاکیدکرد.

کره : مجمع عمومی پایان و انحلال UNKRA را در ۳۰ ژوئن ۱۹۵۸ تصویب کرد .

آوارگان : دفتر کمیسیون عالی



آوارگان هونگ‌کونگ . ملل متحد در بیست سال گذشته به هزاران آواره برای تامین زندگی و مسکن آنها کمک کرده است

آوارگان از طرف مجمع عمومی تا ۵ سال تمدید داده‌شد .

آوارگان :مجمع‌عمومی تقاضای اقدام و فعالیت برای نجات‌آوارگان هونگ‌کونگ نمود .

۲۷ نوامبر ـ دعوی بلژیك بر ضد هند : مسئله اختلاف مرزی این دو کشور به دادگاه بین‌المللی دادگستری احاله شد .

۲۹ نوامبر ـ ایریان باختری : مجمع عمومی نتوانست در اینمورد تصمیمی بگیرد .

کره : مجمع عمومی هدف وحدت صلح‌آمیز کره را تکرارکرد .

۲ دسامبر ـ کشمیر : شورای امنیت از نماینده ملل متحد در کشمیر خواهش‌کرد که توصیه‌های خودرا اظهار دارد .

۹ دسامبر ـ مجارستان : نماینده مخصوص ملل متحد گزارش داد که مذاکرات وی باشوروی و مجارستان بجائی نرسیده است .

۱۰ دسامبر ـ الجزیره :مجمع عمومی از طرفین اختلاف خواست‌که وارد گفتگو شوند .

۱۰ ـ ۱۳ دسامبر ـ شورای اقتصادی واجتماعی : دنبالهٔ دورهٔ اجلاسیه بیست وچهارم .

۱۴ دسامبر ـ ادارات محلی : زمین در سانتیاگو و شیلی برای بنای ادارات محلی شعب مؤسسات ملل متحد از طرف مجمع عمومی پذیرفته شد .

توسعهٔ اقتصادی :مجمع‌عمومی تصمیم گرفت که بجای SUNFED صندوق مخصوصی برای کمکهای فنی تاسیس نماید .

بودجه مبلغ ۸۷ر۴۲۱ر۸۵۰ دولار بشرح زیر تصویب شد : ۲ر۳۵۹ر۰۰۰ دولار برای سال ۱۹۵۷ و ۵۵ر۰۶۲ر۸۵۰ دولار برای سال ۱۹۵۸ و ۳۰ر۰۰۰ر۰۰۰ دولار برای UNEF (نیروی احتیاطی ملل متحد) .

قبرس : مجمع‌عمومی‌نتوانست تصمیمی درمورد قبرس بگیرد .

قیمومیت : مجمع عمومی تشکیل یك هیئت حکمیت را برای تعیین مرز حبشه توصیه‌کرد .

قیمومیت : مجمع عمومی کمیسیونری برای‌نظارت درانتخابات توگولند فرانسه انتخاب‌کرد .

کانال‌سوئز : اخذ سه درصد **سورشارژ** (عوارض اضافی)نسبت به عوارض کانال برای پرداخت ۸ر۴۰۰ر۰۰۰ دولار هزینهٔ پاك‌کردن کانال بتصویب مجمع عمومی رسید .

۱۶ دسامبر ـ فلسطین : دبیر کل **فرانسیسکو اوروتیاهولکین** را بعنوان نمایندهٔ شخص خود دراردن و اسرائیل معرفی‌کرد .

۲۱ دسامبر ـ مجارستان : نمایندهٔ ثابت مجارستان در ملل متحد از ارسال نامهٔ‌کمیتهٔ موضوع مجارستان به دولت خود امتناع‌کرد.

۳۱ دسامبر ـ کودکان : جمع عطایای تقدیمی به UNICEF در سال ۱۹۵۷ به ۱۷ر۸۹۹ر۸۱۱ دولار بالغ گردید .

۱۹۵۸

۱۸ژانویه ـ فلسطین : نمایندهٔ دبیرکل حصول موافقت بین‌اسرائیل و اردن را دربارهٔ وضعیت کوه اسکوپوس گزارش داد .

۲۲ژانویه ـ فلسطین : شورای امنیت جلوگیری از حوادث سوء را دربیت‌المقدس خواستار شد .

۲۷ ژانویه ـ ۲۸ فوریه ـ تشعشع اتمی : جلسهٔ کمیتهٔ علمی .

۳۰ ژانویه ـ ۲۶ مارس ـ شورای قیمومیت : بیست و یکمین دورهٔ اجلاسیه .

۱۸ فوریه ـ تونس : شورای امنیت به شکایت راجع به حملهٔ هوائی فرانسه‌به‌ساکت سیدی‌یوسف گوش داد . انگلیس وامریکا داوطلبی خودرا برای وساطت اعلام داشتند .

۲۲ فوریه ـ سودان : شورای امنیت به شکایت علیه دعاوی مرزی ضد مصرگوش داد .

۲۴ فوریه ـ ۲۷ آوریل ـ حقوق بین‌الملل : آخرین بخش چهار کنوانسیون و یك پروتوکل مورد تصویب کنفرانس ملل متحد (درمورد قانون دریاها) قرارگرفت .

۲۶ ـ ۲۷ فوریه ـ سازمانهای غیردولتی : کنفرانسی در مورد اطلاعات ملل‌متحد دراین باب دائر بود .

۶ مارس ـ جمهوری متحده عرب UAR :تعداد اعضاء ملل متحد بسبب تسلیم اعتبارنامه‌های نمایندهٔ جمهوری متحده عرب به دبیرکل که حاکی از وحدت مصر وسوریه بود از ۸۲ به۸۱ تقلیل یافت .

۱۱ مارس ـ ۱۵ آوریل ـ کمك فنی : جلسات کمیتهٔ تهیهٔ صندوق مخصوص .

۱۷ مارس ـ حمل‌ونقل : با قبول ژاپون پیمان IMCO بموقع اجرا و اعتبار درآمد .

۳۱ مارس ـ کشمیر : نمایندهٔ ملل متحد پنج توصیه به طرفین اختلاف را به شورای امنیت‌گزارش داد .

۱۵ آوریل ـ ۲ مه ـ شورای اقتصادی واجتماعی : دوره اجلاسیه بیست وپنجم .

۲۱ آوریل ـ کنترل اسلحه : شورای امنیت به‌شکایت شوروی از پروازهای امریکا درمنطقهٔ منجمدهٔ شمالی گوش گرفت .

۲۷ آوریل ـ قیمومیت : کمیسیونرملل متحدانتخابات توگولند فرانسه را نظارت‌کرد .

۲۹ آوریل ـ افریقا : کمیسیون اقتصادی افریقا از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی تشکیل شد .

۳۰ آوریل ـ آوارگان : شورای اقتصادی و اجتماعی کمیتهٔ‌اجرائیهٔ برنامهٔ کمیسیونر عالی آوارگان را تاسیس کرد .

آزمایشهای اتمی : شوروی به ملل متحد اطلاع داد که بنحو یکطرفه به آزمایشهای اتمی خود پایان داده است .

۲مه ـ کنترل اسلحه (هشتاد و هشتمین وتوی شوروی) طرح نقشه برای بازرسی منطقهٔ منجمدهٔ شمالی .

۷ـ۸مه ـ نیروی‌اتم: جلسات کمیتهٔ مشورتی بکاربردن صلح‌آمیز نیروی اتم .

۲۲ مه ـ لبنان : شکایت به شورای امنیت از دخالت جمهوری متحد عرب در امور داخلی لبنان .

۴ ژوئن ـ تونس : شورای امنیت مذاکرهٔ در اینمورد را تا ۱۸ ژوئن بتاخیر انداخت تا طرفین اختلاف فرصت مذاکره داشته‌باشند

۹ ژوئن - ۱ اوت - شورای قیمومیت : بیست ودومین دورهٔ اجلاسیه .

۱۰ ژوئن - حقوق بین‌الملل : کنوانسیون شناسائی واجرای جوائز حکمیت خارجی بتصویب کنفرانس ملل متحد راجع به‌حکمیت‌بازرگانی بین‌المللی رسید .

۱۱ ژوئن - لبنان : گروه ناظر سازمان ملل متحد در لبنان UNOGIL از طرف شورای امنیت تأسیس گردید .

۱۸ ژوئن - تونس : موافقت فرانسه با تخلیهٔ تونس از نیرو های فرانسه به شورای امنیت گزارش داده شد .

۲۱ ژوئن - مجارستان :کمیتهٔ مخصوص مسائل مجارستان ازاعدام **ایمرناگی ، پال ،مالتر** و سایرین ابراز تأسف‌کرد .

۳۰ ژوئن - بودجه : معلوم شد که وجوه نقدی موجودی ملل متحد در این تاریخ تنها برای سه هفته فعالیت و کار سازمان ملل متحد کافی است .

۱ ژوئن - هندوراس - نیکاراگوا : هندوراس از نیکاراگوا بدادگاه بین‌المللی دادگستری‌شکایت برد .

۱ - ۳۱ ژوئیه - شورای اقتصادی و اجتماعی : بیست و ششمین دورهٔ اجلاسیه .

۱۴ ژوئیه - عراق : کودتای عراق‌منجر به‌تغییرحکومت عراق‌شد.

مجارستان : گزارش کمیتهٔ مخصوص راجع بمسائل مجارستان تهیه شد .

۱۵ ژوئیه - لبنان : پیاده شدن نیروهای امریکا بخاك لبنان به شورای امنیت گزارش داده‌شد .

۱۶ ژوئیه - لبنان : UNOGIL آزادی کامل دسترسی بتمام‌مرزهای لبنان راگزارش داد .

۱۷ ژوئیه - اردن : اردن از دخالت جمهوری متحدهٔ عرب در امور داخلی اردن بشورای امنیت شکایت کرد .

۱۸ ژوئیه - لبنان : شورای امنیت پیشنهاد شوروی را مبنی برتخلیهٔ اردن و لبنان از نیروهای انگلیس و امریکا ردکرد و همچنین پیشنهاد سوئد را در مورد انحلال UNOGIL ردکرد .

امریکا پیشنهاد اقدامات‌اضافی درلبنان نمود (هشتاد ونهمین وتوی شوروی).

۱۹ ژوئیه - خاورمیانه : دبیر کل از طرف شوروی برای شرکت در کنفرانس سران دول بزرگ‌راجع بخاورمیانه دعوت کرد .

۲۱ ژوئیه - لبنان : (وتوی ۹۰ شوروی) : پیشنهاد ژاپون‌برای تقویت UNOGIL

۸ - ۲۱ اوت - مجمع‌عمومی : سومین دورهٔ اجلاسیه مخصوص رسیدگی بواقعهٔ غیرمترقبه درباره خاورمیانه طبق‌دعوت شورای‌امنیت درتاریخ ۷ اوت .

۱۰ اوت - تشعشع اتمی : اولین گزارش جامع‌کمیتهٔ علمی‌راجع به تاثیرات تشعشع اتمی .

۱۱ اوت - زنان : کنوانسیون راجع به ملیت زنان‌شوهردار شروع باجرا گردید .

۱۳ اوت - خاورمیانه :برنامهٔ صلح شش ماده‌ئی از طرف رئیس جمهور امریکا به مجمع عمومی پیشنهاد شد .

۲۱ اوت - لبنان - اردن : مجمع عمومی ازتمام دولتها خواست که احترام متقابل را در روابط با یکدیگر رعایت نمایند و از دبیرکل خواستار شد که طریقهٔ عمل باین دستور را معلوم نماید .

کنترل اسلحه : هشت دولت از قدرتهای جهانی موافقت کردند که بکار بردن یك سیستم عملی و مؤثر برای‌کشف انفجارها امکان‌پذیر است .

۲۲ اوت - حادثه هوائی : امریکا در مورد حادثهٔ هوائی پائین‌آوردن هواپیمای آن‌کشور در خاك شوروی از شوروی بدادگاه بین‌المللی دادگستری شکایت‌کرد .

۲۶ اوت - لبنان : UNOGIL گزارش دادکه ۱۹۰ نفر ناظران‌نظامی از پانزده کشور در لبنان حضور دارند .

۱ -۱۲ سپتامبر -نیروی اتم: دومین کنفرانس بین‌المللی ملل متحد در مورد بکار بردن صلح‌آمیز نیروی اتم .

۸ -۱۰ سپتامبر -کالا :جلسات اکتشافی ملل متحد درمورد مس .

۱۱ - ۱۳ سپتامبر - کالا : جلسات اکتشافی ملل متحد درمورد سرب .

۱۵سپتامبر-شورای‌قیمومیت: هشتمین دورهٔ اجلاسیهٔ فوق‌العاده .

۱۶ سپتامبر - ۱۳ دسامبر - مجمع عمومی : سیزدهمین دورهٔ اجلاسیه .

۲۰ سپتامبر - لبنان : UNOGIL حضور ۲۱۴ نفر ناظران نظامی را در ۲۱ کشور جهان درلبنان گزارش‌داد.

۲۲ سپتامبر - کالا : کنفرانس شکر ملل متحد .

۲۳ سپتامبر - چین : موضوع نمایندگی چین در مجمع عمومی با ۴۲ رای در برابر ۲۸ رای مخالف و ۱۱ رای ممتنع بتعویق افتاد .

دعوی شرکت نور و نیروی بارسلون : ازطرف بلژیك به دادگاه بین‌المللی دادگستری تقدیم گردید .

۲۹ سپتامبر - لبنان -اردن : دبیرکل گزارش اقدامات عملی خود را داد که از آنجمله بود حضور نمایندگان ملل متحد درمحل .

۱۳ - ۱۷ اکتبر - شورای قیمومیت : هشتمین دوره اجلاسیهٔ فوق‌العاده .

۱۳ اکتبر - قیمومیت: فرانسه به‌شورای قیمومیت اطلاع داد که توگولند فرانسه در ۱۹۶۰ مستقل خواهد شد .

۱۶ - ۲۹ اکتبر -مجمع‌عمومی بنحو آزمایش مواد ۷ تا۹ پیش‌نویس پیمان راجع بحقوق‌کشوری(سیویل) وسیاسی بشررا تصویب‌کرد .

۱۶اکتبر-کمکهای فنی: نهمین کنفرانس تعهدات پرداخت برای کمکهای فنی :

۲۷ر۰۰۰ر۰۰۰ دولار برای توسعهٔ برنامه‌و۲۱ر۰۰۰ر۰۰۰ دولار برای صندوق مخصوص .

۲۳ اکتبر - ۱۱ دسامبر - شورای اقتصادی و اجتماعی : دنبالهٔ دورهٔ اجلاسیهٔ بیست و ششم

۲۵اکتبر - لبنان : نیروهای امریکائی ازلبنان بیرون رفتند .

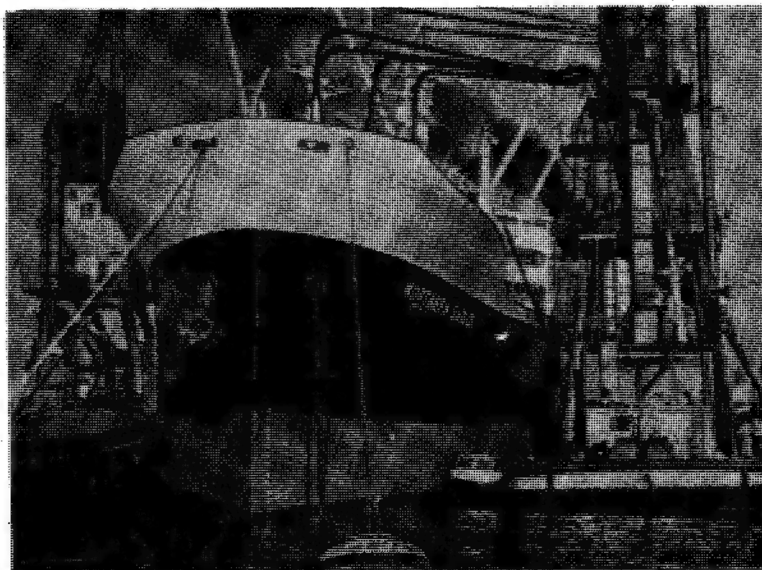
۲۷ اکتبر - فلسطین :پرداخت ۲۷ر۵ میلیون‌دولار از طرف ۳۲دولت برای مصرف UNRWAPRNE

اجرای برنامه خانه سازی در ونزوئلا: مسئله جای سکونت برای جمعیت در حال افزایش در تمام کشورهای جهان یکی از مسائل مشکل امروز است.

ملل متحد برای تهیه مسکن وبهبودی شرایط زندگی کمکهای فنی رابوسیله کارشناسان‌خود بلاعوض در اختیار ملتها میگذارد.

در ژاپون طرحی در دست عمل است که طبق آن ۲۷٫۷۳۰ اگر زمین بایر پوشیده از خاکستر آتش فشانی را در **هوکائیدو** مبدل‌به اراضی کشاورزی برای تربیت دام ها وتهیه لبنیات مینمایند برای تامین هزینه هنگفت اینچنین برنامه توسعه عظیمی **ژاپون** ازصندوق های مختلف مالی ملل **متحد کمك** گرفته است.





بارگیری در بندر روتردام

باکوشش ملل متحد کشورهای صاحب بازرگانی عمده دریائی سعی دارند از موانع و سدهای بازرگانی بکاهند و بر رواج بازرگانی و معاملات و مبادلات بین ملت ها بیفزایند.

تعهد شد .
آوارگان : پرداخت ۱ر۳میلیون دولار ازطرف ۲۶ دولت بدفتر کمیسیونر عالی آوارگان بمنظور اجرای‌برنامهٔ رفاه آوارگان تعهدشد.
۳۰ اکتبر ــ افریقای جنوب باختری : مجمع عمومی با تجزیهٔ این‌کشور مخالفت‌کرد .
اتحادیهٔ افریقای جنوبی : مجمع عمومی ازعدم تغییر سیاست تجزیهٔ نژادی ابراز تأسف‌کرد .
۲ نوامبر ــ اردن : قوای انگلیس از اردن خارج شدند .
٤ نوامبر ــ کنترل اسلحه : مجمع عمومی تسریع در انعقادپیمان را در مورد آزمایشهای اتمی مورد تأکید قرارداد .
کنترل اسلحه : مجمع عمومی تسریع در انعقاد پیمان راجع به‌منع حملهٔ‌بی‌سابقه را مورد تأکیدقرارداد.
کنترل اسلحه : تعداد اعضاء کمیسیون خلع سلاح از ۲۵ به ۸۱ بالغ گردید و عموماً اعضاء ملل‌متحد بودند .
۶ ــ ۷ نوامبر ــ شورای قیمومیت : نهمین دورهٔ اجلاسیهٔ فوق‌العاده .
۱٤ نوامبر ــ کره : مجمع عمومی از مقامات کمونیست دعوت کرد که با انتخابات آزاد کره موافقت نمایند .
حقوق بشر : مجمع عمومی ماده ۱۰ پیش نویس پیمان راجع به حقوق کشوری وسیاسی بشررابنحو آزمایش تصویب‌کرد .
٤ دسامبر ــ کمکهای فنی : **پل هوفمان** بسمت‌مدیر عامل‌صندوق مخصوص ملل متحد منصوب‌گردید.
۵ دسامبر ــ قیمومیت : از شورای قیمومیت خواسته شد که گزارشی در مورد امکان استقلال هر دو کامرون در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۵۹ به‌بخش آخر دورهٔ اجلاسیهٔ مجمع عمومی تقدیم دارد .
قیمومیت : مجمع عمومی از مقامات حاکمهٔ سرزمین‌های تحت قیمومیت دعوت کردکه تواریخی را که در نظر است‌که در امور این سرزمین‌ها بخودشان واگذار گردد اطلاع دهند .
قبرس : مجمع عمومی ابراز اعتماد کرد که طرفین به حل‌اختلاف موفق شوند .
آوارگان : مجمع عمومی به اعضاء ملل متحد تأکید کرد که در سالی‌که برای نجات و تعیین تکلیف آوارگان تعیین‌میشود همکاری‌نمایند.
۸ دسامبر ــ فلسطین : شورای امنیت بشکایت اسرائیل راجع به حمله جمهوری متحدعرب بدان‌کشور گوش گرفت .
۹ دسامبر ــ لبنان : UNAGIL عملیات خودرا تعطیل‌کرد .
۱۰دسامبر ــ حقوق‌بین‌الملل : مجمع عمومی تصمیم گرفت که در سال ۱۹۶۰ دعوتی برای تشکیل کنفرانس بین‌المللی قانون دریاها بعمل آورد .
لیبی : مجمع عمومی از دولتها دعوت کرد که کمك اقتصادی بدهند.
۱۲ دسامبر ــ مجارستان:مجمع عمومی از شوروی و مجارستان خواست که از اقدامات شدید دست بردارند .
منابع طبیعی : مجمع عمومی کمیسیونی را مأمور کرد تا درمورد حقوق مردم درتسلط وحق حاکمیت نسبت بمنابع طبیعی مطالعه نمایند .
آزادی اطلاعات : مجمع عمومی بتمام اعضاء توصیه‌کردکه کشورهای خودرا برای آزادی بیشتری نسبت بکسب‌اطلاعات ومخابرات وارتباطات ملل متحد بگشایند .
توسعهٔ اقتصادی : مجمع عمومی ۹ تصمیم دراینمورد اتخاذ کرد که از آنجمله بود درخواست ایجاد وسائل تقویت و توسعهٔ‌تجارت بین‌المللی کالا ومطالعه در کیفیت تشویق سرمایه‌گذاری دراین راه و تاسیس یك جدول نوبت خدمت در کارگزینی برای‌اشخاص فنی داوطلب خدمت در امور بازرگانی کالا .
فلسطین : مجمع عمومی علاقه خودرا در مورد حل مشکل آوارگان فلسطین و اصلاح وضع متزلزل‌مالی Unrwaprne تکرار کرد .
عضویت : کشور گینه بعنوان هشتاد ودومین عضو ملل متحد پذیرفته شد .
سرزمین‌های غیر خودمختار : مجمع عمومی به مقامات حاکمه این سرزمین‌ها تاکیدکرد که مدام نسبت بمسئله تبعیض نژادی توجه داشته باشند .
سرزمین‌های غیرخودمختار : کمیتهٔ کسب اطلاعات‌راجع بسرزمین های غیرخودمختار تا سه‌سال دیگر تمدید گردید .
۱۳ دسامبر ــ بودجه : ۱۷۰ر۸۶۱ر۹۱ دولار بشرح زیر بتصویب رسید :
۵۰ر۰۵۹ر۶۰ دولار برای سال ۱۹۵۸ و ۱۲۰ر۸۰۲ر۶۰ دولار برای سال ۱۹۵۹ و ۰۰۰ر۰۰۰ر۲۵ دولار برای نیروی ملل متحد UNEF
مسئله فضای‌دوردست :مجمع عمومی یك گروه **ادهاك** برای مطالعهٔ این امر تشکیل داد .
تشعشع اتمی : کمیتهٔ علمی تمدید یافت .
مجارستان : کمیتهٔ مأمور رسیدگی به‌اعتبار نامه‌ها از طرف مجمع عمومی درمورد اعتبارنامه‌های نمایندگان مجارستان اقدامی بعمل نیاورد .
الجزیره :مجمع‌عمومی‌نتوانست تصمیمی در مورد الجزیره بگیرد .
۱۸ دسامبر ــ کنترل اسلحه : اولین جلسهٔ کنفرانس متخصصین راجع به‌حملهٔ ناگهانی .
۲۹ دسامبر ــ کمیسیون اقتصادی افریقا : اولین دورهٔ اجلاسیه .

۱۹۵۹

۱ ژانویه ــ صندوق مخصوص ملل متحد : گشایش یافت .
۲۶ ــ ۲۷ ژانویه ــ صندوق مخصوص ملل متحد : اولین دورهٔ اجلاسیهٔ هیئت مدیره .
۳۰ ژانویه ــ ۱۸ فوریه ــ شورای قیمومیت : بیست وسومین دورهٔ اجلاسیه .
۱۳ فوریه ــ دعاوی فرانسه علیه لبنان : راجع به‌بستن مالیات‌بر شرکتهای‌فرانسوی بدادگاه‌بین‌المللی دادگستری احاله گردید .
۲۰ فوریه ــ۱۳ مارس ــمجمع عمومی : بخش آخر دورهٔ اجلاسیهٔ سیزدهم .

۱۲ مارس ـ قیمومیت :مجمع عمومی به قیمومیت فرانسه نسبت به‌کامرونها در اول ژانویه ۱۹۶۰ پایان خواهدداد .

۱۷ ـ ۲۰ مارس ـ شورای قیمومیت : بخش آخر دورهٔاجلاسیهٔ بیست وسوم .

۲۱ مارس ـ اختلاف بین سویس و امریکا (اینترهندل) : دادگاه بین‌المللی دادگستری بنفع دولت سویس رای داد و استدلال امریکا را وارد ندانست .

۲۵ مارس ـ موضوع IMCO از دادگاه بین‌المللی دادگستری تقاضا شدکه نظر مشورتی خودرا درمورد قانونی بودن کمیتهٔ امنیت دریائی IMCO اطلاع دهند .

۷ ـ ۲٤ آوریل ـ شورای اقتصادی واجتماعی :بیست‌وهفتمین دورهٔ اجلاسیه .

۲۶ مه ـموضوع حادثه‌هوائی : دادگاه بین‌المللی دادگستری اطلاع دادکه رسیدگی بدعوی اسرائیل بر علیه بلغارستان ازحدود صلاحیت دادگاه خارج است .

۲۶ ـ ۲۸ مه ـ صندوق مخصوص : دومین دورهٔ اجلاسیهٔ شورای صندوق مخصوص صرف ۷٫۵۵۰٫۰۰۰ دولار را برای اجرای ۱۳ پروژه در ۱۶ کشور تصویب‌کرد.

۲ ژوئن ـ ٦ اوت ـ شورای قیمومیت : بیست و چهارمین دورهٔ اجلاسیه .

۱۵ ژوئن ـ تشعشع اتمی : گزارش پیشرفت کمیتهٔ علمی ملل متحد در مورد تأثیرات تشعشعات اتمی .

۲۰ ژوئن ـ دعوی بلژیك بر علیه هلند:دادگاه‌بین‌المللی‌دادگستری در مورد دعاوی مرزی بنفع بلژیك رای داد .

۲۶ ژوئن ـ کالا : پیمان بین‌المللی راجع بروغن زیتون شروع باجرا گردید .

۳۰ژوئن ـ ۳۱ ژوئیه ـشورای اقتصادی واجتماعی : بیست و هشتمین دورهٔ اجلاسیه .

٤سپتامبر ـ لائوس : شکایت لائوس به شورای امنیت‌مبنی براینکه **ویت‌نام شمالی** به شورشیان کمك میکند .

۷ سپتامبر ـ لائوس : شورای امنیت یك‌کمیتهٔ فرعی برای تحقیق وضع لائوس تعیین‌کرد .

۱۰ سپتامبر ـ کنترل اسلحه : کمیسیون خلع سلاح برای تشکیل کمیته‌ئی ده‌نفری در خارج ملل‌متحد بمنظور مذاکره در مورد خلع سلاح تسهیلات فراهم کرده و این عمل را تشویق نمود .

UNEF : دبیرکل سومین گزارش خودرا در مورد سازمان و امور مالی نیروی ملل متحدتقدیم داشت .

۱۵ سپتامبر ـ ۱۳ دسامبر ـ مجمع عمومی : چهاردهمین دورهٔ اجلاسیه .

۱۷ سپتامبر ـکنترل اسلحه : وزیر خارجه انگلیس سه مرحله برای خلع سلاح به مجمع عمومی پیشنهاد کرد .

۱٦ سپتامبر ـکنترل اسلحه : نخست‌وزیر شوروی (خروشچف) شخصاً در مجمع‌عمومی حضوریافته وتمام ملل جهان را دعوت به خلع سلاح عمومی کامل نمود .

۲۲ سپتامبر ـ چین : مسئله نمایندگی چین در مجمع عمومی با ٤٤ رای در برابر ۲۹ رای و۹رای ممتنع بتعویق افتاد .

٦ اکتبر ـ دعوی کامبودیا برعلیه تایلند : دعوی مرزی راجع بمعبد **پریاج ـ وی‌هیار** بدادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع شد .

۲۱ اکتبر ـ لائوس: گزارش‌کمیته فرعی بشورای امنیت راجع به‌لائوس

۷ نوامبر ـ قیمومیت :ملل متحد مراجعه بآراء عمومی را در بخش شمالی کامرون انگلیس اداره کرد .

۱۷ نوامبر ـ افریقای جنوبی : مجمع عمومی از قصور اتحادیه افریقای جنوبی در تعدیل سیاست تجزیه نژادی (دپارت هید) ابراز تاسف کرد .

۲۰ نوامبر ـ کنترل اسلحه : مجمع عمومی باتفاق آراء پیشنهاد های انگلیس و شوروی را درباب کنترل اسلحه به کمیسیون خلع‌سلاح و به کمیته ده نفری جدید خلع‌سلاح که خارج از ملل متحد تشکیل‌گردیده است احاله کرد .

آزمایشهای اتمی : مجمع عمومی از فرانسه تقاضا کرد که از آزمایش های هسته‌یی در صحرای افریقا خودداری کند .

حقوق بشر : اعلامیه حقوق‌کودك بتصویب مجمع عمومی رسید .

۲۱ نوامبر ـ آزمایشهای اتمی : مجمع عمومی ابراز امیدواری کرد که دولتها برمساعی خود در حصول موافقت بین‌خودشان درموردآزمایش های اتمی بیفزایند و بدولتهای وارد درمذاکرات مزبور تاکید نمود که روش داوطلبی فعلی خودرا درمورد متوقف داشتن آزمایشهای اسلحه هسته‌یی ادامه دهند .

۲ـ۱٤دسامبرـشورای‌قیمومیت. دهمین دورهٔ اجلاسیه فوق‌العاده نتایج مراجعه بآراء عمومی را در بخش شمالی کامرون انگلیس مورد مداقه قرار داد .

٥ دسامبر ـ توسعه اقتصادی : مجمع عمومی مطالعه درباره تاسیس صندوق توسعه سرمایه ملل متحد را درخواست کرد .

قیمومیت : مجمع عمومی روزاول ژوئیه ۱۹۶۰ را روز آغاز استقلال سومالی‌لند اعلام کرد که تحت قیمومیت ایتالیا قرارداشت .

قیمومیت : مجمع عمومی روز ۲۷ آوریل ۱۹۶۰ را روز آغاز استقلال **توگولند** اعلام کرد که در تحت اداره فرانسه قرار داشت .

بودجه : ۸٤٫۰۰۵٫٦۸۰ دولار به شرح زیر بتصویب رسید :

۶۳٫۱٤۹٫۷۰۰ دولار برای سال ۱۹۶۰ و ۲۰٫۰۰۰٫۰۰۰ دولار برای هزینه نیروی ملل متحد ONEF

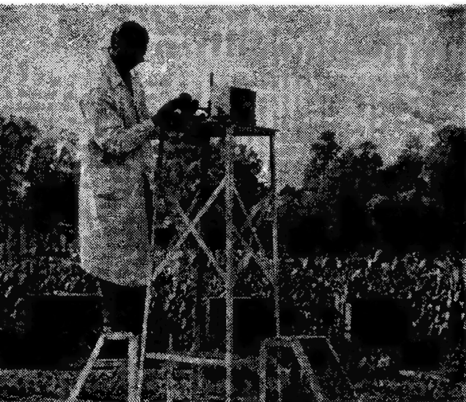
۷ دسامبر ـ حقوق بین‌الملل : مجمع عمومی تصمیم گرفت که دعوتی برای تشکیل کنفرانس راجع به مذاکرات و مصونیت های دیپلماسی بعمل آورد .

۸ ـ ۱۰ ـ دسامبر ـ صندوق مخصوص :سومین دوره اجلاسیه هیئت مدیره مبلغ ۲۳٫۷۱۰٫۹۱۰ دولار بودجه برای اجرای ۳۱ طرح در ۳۵ کشور تصویب کرد .

۹ دسامبر ـ کره : مجمع عمومی ادامه کار UNCURK را تصویب کرد .

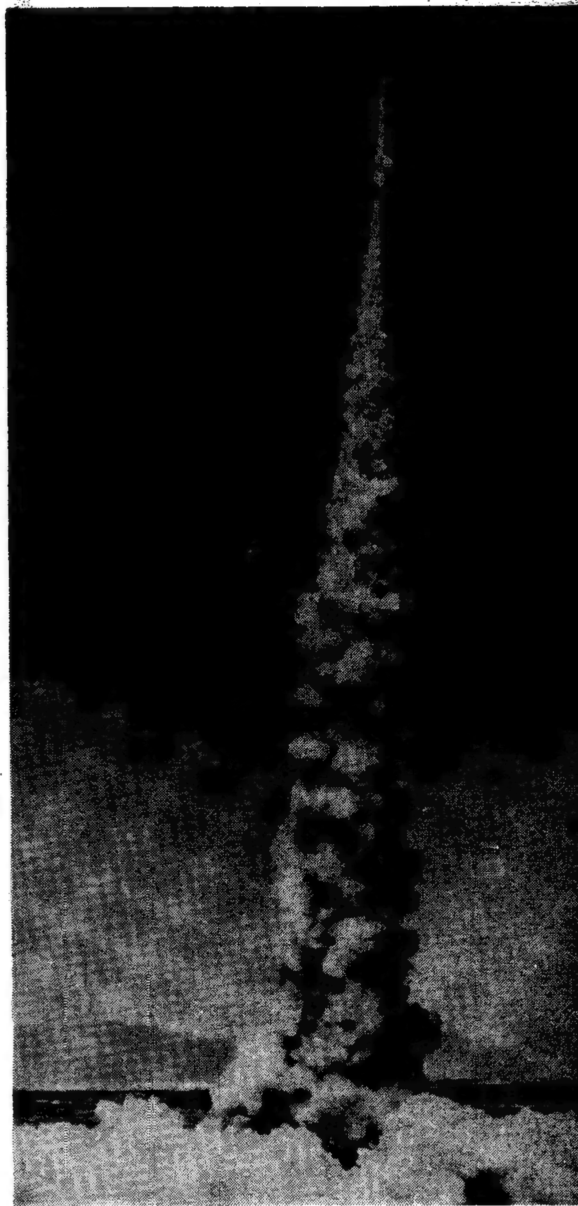
فلسطین : مجمع عمومی ادامه کار UNRWA را تصویب کرد .

تحقیقات و مطالعات متئورولوژیکی برای
کشاورزی

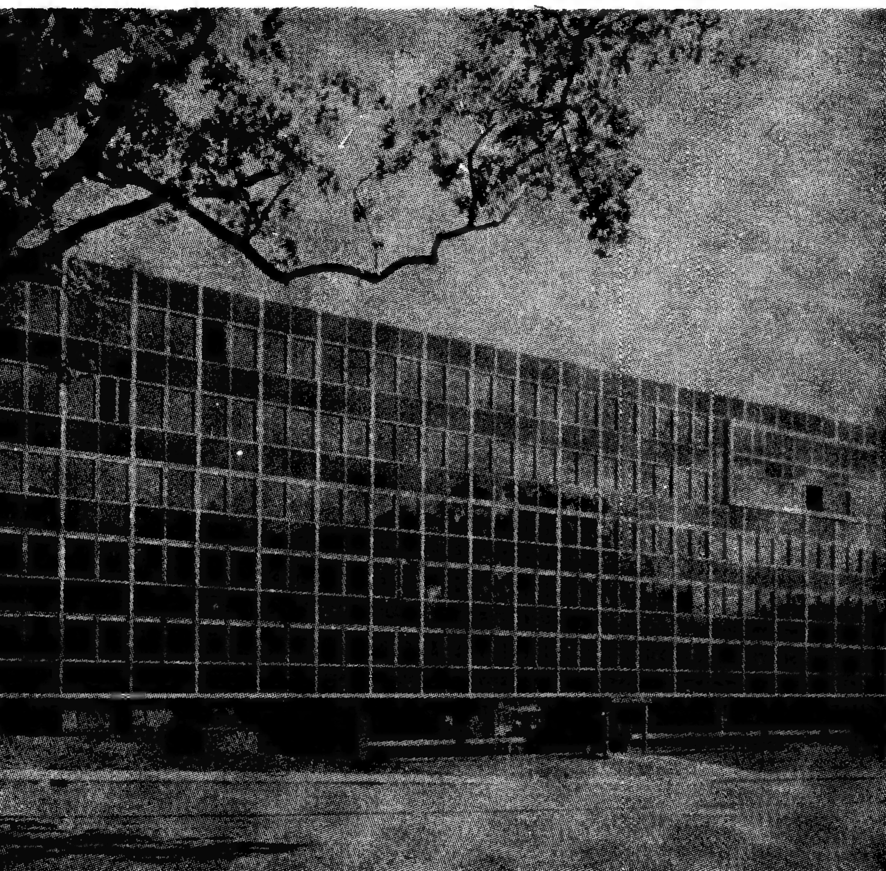


رادیو سوند برای تحقیقات هواشناسی





موشکی که برای تحقیقات متئورولوژیکی بفضا
فرستاده شده



بنای مرکزی سازمان متئورولوژیکی
(هواشناسی) جهانی در ژنو

مجارستان : مجمع عمومی از عدم توجه شوروی و مجارستان بـــه تصمیمات مجمع عمومـی درمـورد مجارستان ابراز تأثر کرد .

۱۰ دسامبر ـ آوارگان : پرداخت ۰۰۰ر۰۰۰ر۷ دولار درجلسه مجمع عمومی برای سال کمك به آوارگان جهانی تعهد شد .

افریقای جنوبی : مجمع عمومی‌از اتحادیه افریقای جنوبی درخواست کرد که درمورد رفتار کسانیکه اصل و نسب هندی دارند باهندوپاکستان بمذاکره پردازد .

۱۲ دسامبر ـ فضای برون جوی: مجمع عمومی‌کمیته‌ئی‌برای‌تحقیق در استعمال صلح آمیز فضای‌برون‌جوی تاسیس نمود .

الجزیره : مجمع عمومی نتوانست پیشنهاد راجع به تقاضای از فرانسه و ملیون الجزایر را برای مذاکـره تصویب کند .

۱۴ـ۱۵ دسامبـــر ـ شـورای اقتصادی و اجتماعی : آخرین‌بخش دوره اجلاسیه بیست و هشتم

۱۹۶۰

۱ ژانویه ـ قیمومیت : کامرون‌ها مستقل گردیدند ـ سرزمینی کـه تحت قیمومیت فرانسه بود اولین سرزمینی بود که تحت قیمومیت‌ملل متحد بوده و ملل متحد قیمومیت آنرا بفرانسه واگذاشته و درایـــن تاریخ بدان حق حاکمیت و استقلال بخشید .

۲۵ ژانویه ـ ۸ فوریه ـ شورای قیمومیت : بیست و پنجمین دوره اجلاسیه .

۱۸ فوریه ـ خاورمیانه : دبیرکل اعلام کرد که اوضاع خاورمیانه‌وخیم است .

۱۵ مارس ـ آزمایشهای اتمی : ۲۲ دولت آسیائی و افریقائی‌تقاضای تشکیل‌جلسه فوق‌العاده مجمع‌عمومی را برای رسیدگی به مسئله آزمایش هسته‌ئی فرانسه در صحرای افریقا نمودند .

۱۷ مارس ـ ۲۶ آوریل ـ حقوق بین‌الملل : دومین کنفرانس ملل‌متحد درمورد حقوق دریاها .

۳۰ مارس ـ افریقای جنوبـی : شورای امنیت برحسب تقاضای ۲۹ دولت آسیائی و افریقائـی تشکیل جلسه داد تا وضعیت ناشی‌از کشتار زیاد تظاهرکنندگان غیرمسلح وصلح طلب را برضد سیاستهای نـژادی اتحادیه افریقای جنوبی مورد مطالعه قرار دهد .

۱ آوریل ـ افریقای جنوبـی : شورای امنیت از اتحادیه افریقای جنوبی خواست تا سیاست تبعیض و تجزیه نژادی (آپارتهید) خـود را که درصورت ادامه آن ممکن است صلح بین‌المللی را بخطر اندازد ترك گوید .

۵ـ۲۱ آوریل ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : بیست و نهمین دوره اجلاسیه .

۱۲ آوریل ـ دعوی پرتقال‌برضد هند : دادگاه بین‌المللی دادگستری درمورد شکایت پرتقال به هندراجع به حق دسترسی داشتن پرتقال به معموره های پرتقالی در هندقضاوت کرد .

۱۲ آوریل ـ توسعهٔ اقتصادی :

شورای اقتصادی و اجتماعی کمیتهٔ دائمی ملل متحد را بـرای توسعهٔ صنعتی تاسیس نمود .

۱٤ آوریل ـ ۳۰ ژوئن ـ شورای قیمومیت : بیستمین دورهٔ اجلاسیه

۱۵ آوریل ـ آزمایشهای اتمی : تقاضای تشکیل جلسهٔ فـوق‌العادهٔ مجمع عمومـی برای رسیدگی بـه آزمایشهای هسته‌ئی فرانسه مورد تصویب اکثریت قرار نگرفت .

۲۶ آوریل ـ حقوق بین‌الملل : دومین کنفرانس ملل متحد راجع به حقوق دریا ها نتوانست پیشنهـاد هائی را که راجع به عرض حریـم دریائی کشور ها و حق ماهیگیری درسواحل رسیده بود تصویب کند.

۲۷ آوریل ـ قیمومیت . توگـو سرزمینی که تحت قیمومیت‌فرانسه اداره میشد استقـلال یافت

۲۳ مـه ـ ۲٤ ژوئـن ـ کالا : کنفرانس قلع ملل متحد .

۲۵ـ۲۷ مه : صندوق مخصوص : چهـارمین دورهٔ اجـلاسیهٔ شورای مدیره اجرای سی طـرح را ببهای ۰۰ر۶۰٤ر۵۸ دولار تصویب کرد .

۲۶ مه ـ حادثهٔ هواپیمای U-۲: شورای امنیت پیشنهاد شوروی را راجع به‌محکوم‌نمودن پروازهواپیمای امریکائی برفراز شوروی رد کرد .

۲۷ مه ـ کنفرانس دولتهای‌بزرگ: براثر موقوف شدن تشکیل ایـن کنفرانس بعلت‌واقعه هواپیمای۲ـU شورای امنیت به فرانسه و انگلیس و امریکا و شوروی تـأکید نمود که راه حل هائی برای مشکلات ومسائل موجود بین‌المللی بیابند .

۶ ژوئن ـ اشخاص بی دولـت (فاقد تابعیت) : کنوانسیون‌ملل‌متحد دراینموضوع کـه حقوق اساسـی اقتصادی و اجتماعی و قضائی را درمورد این اشخاص تضمین میکرد شروع باجرا گردید .

۸ ژوئن ـ موضوع IMCO دادگاه بین‌المللـی دادگستری نظـر مشورتی داد .

۲۳ ژوئن ـ واقعهٔ آیشمـن : شورای امنیت از اسرائیل‌خواست که «غرامت شایسته‌ئی» برای انتقال ادولف‌آیشمن ازآرژانتین به‌اسرائیل بپردازد .

۲٤ ژوئن ـ کالا : دومین پیمـان بین‌المللی راجع به قلع تصویب شد.

۳۰ ژوئن ـ شورای قیمومیت : تاریخ آغاز بیست و هفتمین دورهٔ اجلاسیهٔ خودرا درسال ۱۹۶۱ تـا اقدام مجمع عمومی درمورد مشکل عضویت این شورا بتأخیر انداخت .

۱ ـ ژوئیه ـ قیمومیت : سومالی سرزمین تحت قیمومیت ایتالیـــی مستقل گردید .

۵ـ ژوئیه ـ ۵ اوت ـ شورای اقتصادی واجتماعی : سی‌امین‌دورهٔ اجلاسیه

۱۲ ژوئیه ـ کنگـــو : رئیس جمهور و نخست وزیر کنگوتقاضای اعزام فوری نیرو و کمك نظامی از ملل متحد نمودند .

۱۳ ژوئیه ـ کنگو : شورای‌امنیت طبق درخواست‌دبیرکل‌برای‌رسیدگی بوضع کنگو تشکیل جلسه داد .

۱٤ ژوئیه ـ کنگو : شورای امنیت پیشنهاد تونس را راجع به کنگـو پذیرفته از بلژیك خواست که نیرو های خودرا از کنگو خارج کند وبه دبیرکل اجازه داد که‌کمك نظامی و فنی به کنگو بدهد . ONUC سی هیئت مأمور عملیات در کنگو شروع بکار کرد .

۱٤ ژوئیه ـ ONUC : دبیرکل ژنرال **فون هورن** را بسمت فرمانده

نیروهای ملل متحد درکنگو منصوب کرد .

۱۵ ژوئیه ـ ONUC : اولین دسته نیرو های ملل متحد واردکنگو شدند .

۱۸ــ ۱۹ ژوئیه ـ کوبا : شورای امنیت تصمیم گرفت که مذاکره‌در مورد شکایت کوبارا از امریکاتاوصول گزارش سازمان دولتهای امریکائی بتعویق اندازد .

۲۲ ژوئیه ـ کنگو : شورای‌امنیت تخلیهٔ سریع کنگو را از نیرو های بلژیك خواست .

۲۶ژوئیه ـ حادثه‌هوائی‌۴۷ــ RB طرح اتمام وارده بامریکا از طرف شوروی درمورد حادثهٔ هوائی ـ (وتوی ۹۱ شوروی) : پیشنهادامریکا برای ارجاع امر بدادگاه بین‌المللی دادگستری ـ (وتوی ۹۲ شوروی) درخواست ایتالیا از صلیب احمر بین‌المللی .

ONUC : دبیرکل دکتر **استورـ لینر** را بسمت رئیس عملیات‌کشوری (غیرنظامی) ملل‌متحددرکنگومنصوب کرد .

۲۶ ژوئیه ـ ۳ اوت ـ کنگو : دبیرکل شخصا به کنگو مسافرت‌کرد (اولین اقدام مستقیم و دست اول دبیرکل)

۱ اوت ـ ONUC : دبیرکل عده نیروهای ملل متحد را درکنگو ۱۵۵ر۱۱ نفر اطلاع داد که عبارت از دستجاتی بودند که از جبشه ، گانا ، گینه ، ایرلند ، لیبریا، مراکش، سوئد و تونس اعزام شده بودند .

۸ــ۱۹ اوت ـ جلوگیری از جرم و جنایت : دومین کنگره ملل متحد راجع به جلوگیری از جرم و جنایت و طرز سلوك با بزهکاران دائر بود.

۹ اوت ـ کنگو : شورای امنیت از بلژیك تقاضا کرد که از کاتانگا خارج گردد .

۱۱ ـ ۱۵ اوت ـ کنگو : دبیرکل دومین مرتبه برای‌کمك بحل‌مشکلات به کنگو رفت

۱۲ اوت ـ افریقای‌جنوب باختری: کمیتهٔ افریقای جنوب باختری در خواست‌کرد که‌درسیاست وخط ـ مشی و روشهای اداری بخش ماندات (قیمومیت پیش‌از جنگ‌دوم) افریقای جنوب باختری تغییراتی داده شود .

۱۳ اوت ـ ONUC : ورود نیرو های ملل متحد به کاتانگا آغازگردید.

۱۶ ـ ۱۸ اوت ـ کنترل اسلحه : جلسات کمیسیون خلع سلاح دائر بود و تقاضا کرد کوشش دراینمورد ادامه یابد .

۲۰ اوت ـ ONUC : دبیرکل **راجشواردیال** را بسمت نماینده‌خود در کنگو منصوب کرد .

۳۱ اوت ـ کره : آژانس‌ملل‌متحد مامور تجدید بنای ویرانیهای کره پس از آنکه ۰۰۰ر۰۰۰ر۱۵۰ دولار بمصرف اجرای برنامه کمك به کره رسانیده بود منحل گردید .

۸ سپتامبر جمهوری دومینی‌کن: درخواست شوروی برای توجه به تصمیمات OAS وزاری خارجه راجع بجمهوری دومینیکان مورد توجه شورای امنیت قرار گرفت .

۱۲ ـ ۱۵ سپتامبر ـ کالا : جلسات گروه مأمور مطالعهٔ سرب و روی‌بین‌المللی .

۱۷ ـ سپتامبر ـ کنگو : شورای امنیت پیشنهاد شوروی را مبنی بر اینکه فرماندهی نیروهای ملل متحد از دخالت در سیاست داخلی کنگو خودداری نماید ردکرد .

(وتوی ۹۳ شوروی) : سرندیب و تونس به‌دبیرکل پیشنهاد کردند که تصمیمات سابق رادر مورد کنگو تکمیل نماید . شورای امنیت پس از برخورد به‌بن‌بست در مورد کنگو مجمع عمومی را دعوت به‌تشکیل دورهٔ اجلاسیهٔ مخصوص مواقع‌خطر نمود .

۱۷ ـ ۲۰ سپتامبر ـ مجمع عمومی: چهارمین‌دورهٔ اجلاسیهٔ‌خاص برای رسیدگی به‌وضع کنگو .

۱۹سپتامبر ـ کشمیر : اختلاف راجع به‌آب رودسند باکمك بانك جهانی حل شد . هندو پاکستان پیمانی راجع به‌استفادهٔ ازآب رود سند امضاء کردند .

۲۰ سپتامبر ـ کنگو : مجمع عمومی درخواست ادامهٔ کمك‌به‌کنگو نمود واز کشورهای عضو ملل‌متحد خواست‌که از دادن کمك نظامی به کنگو درخارج دستگاه ملل متحد خودداری نمایند .

۲۰ سپتامبر ـ ۲۰ دسامبر ـ مجمع عمومی : بخش اول از دورهٔ اجلاسیهٔ پانزدهم .

۲۰ سپتامبر ـ عضویت : کشورهای زیربعنوان هشتادوسومین تا نودوششمین عضو ملل متحد پذیرفته شدند : **کامرون ، توگو ، ماداگاسکار ـ سومالی ، کنگو (لئوپولدویل) ، داهومی ، نیگر (یانیجر) ، ولتای علیا ، ساحل‌عاج، چاد ، کنگو (برازاویل) ، گابون ، جمهوری افریقای مرکزی ، قبرس**

۲۲ سپتامبر ـ افریقا : رئیس جمهور امریکا در مجمع عمومی‌نطقی ایراد کرده پیشنهاد کرد که ملل متحد برنامه‌ئی برای استقلال وترقی افریقا ترتیب دهد .

دبیرکل : نخست‌وزیر شوروی در مجمع عمومی نطقی ایراد کرده پیشنهاد کردکه پست دبیرکلی ملغی گردد وبجای آن یك هیئت اجرائیه سه‌نفری وظائف اورا انجام دهند .

۲۶ سپتامبر ـ توسعهٔ‌اقتصادی: انجمن توسعهٔ اقتصادی بین‌المللی تاسیس گردید .

۲۸سپتامبر ـ عضویت :سنگال و مالی بعنوان نود وهفتمین ونودو هشتمین اعضاء ملل متحد پذیرفته شدند .

۱۳اکتبر ـ دبیرکل : نخست‌وزیر شوروی پیشنهاد خودرا برای‌تعویض پست دبیرکلی با هیئت اجرائیه سه نفری تکرارکرد .

دبیرکل ـ دبیرکل بنا بتقاضای شوروی درموردتغییر وی توضیحات و پاسخ داد .

۷ اکتبر ـ عضویت : نیجریا بعنوان نود و نهمین عضو ملل‌متحد پذیرفته شد .

۸ اکتبر ـ چین : مسئله نمایندگی چین در مجمع عمومی با ۴۲ رای در برابر ۳۴ رای و ۲۲رای ممتنع بتعویق افتاد .

۳۱ اکتبر ـ تیرول جنوبی : مجمع عمومی تجدید مذاکرات بین ایتالیا واطریش‌را درمورد وضعیت و حالت سیاسی تیرول جنوبی مورد تاکید قرارداد .

۴نوامبر ـ دعاوی علیه‌افریقای جنوبی : حبشه و لیبریا موضوع‌نقض تعهدات پیمان را از طرف افریقای جنوب باختری به دادگاه بین‌المللی دادگستری آورده و بر علیه دولت

نیروهای ملل متحد برای اعادهٔ نظم و امنیت و وحدت بحکومت کنگو کمکهای فراوان و فداکاری کردند

عروس و داماد افریقائی در سایه مجاهدت ملل متحد



این بالون در یکی از کشتیهای هلندی عضو شبکه مرتبط جهت تأمین سلامت مسافرین کشتیها و هواپیماها برای کارهای هواشناسی بکار میرود



افریقای جنوبی اقامه دعوی کردند.

۸ نوامبر ـ توسعه اقتصادی : انجمن توسعه اقتصادی بین‌المللی شروع بکار کرد .

۲۸ نوامبر ـ دعوی هندوراس علیه نیکاراگوا . دادگاه دادگستری بین‌المللی بنفع هندوراس رای داد.

۲۲ نوامبر ـ کنگو : مجمع عمومی اجازه داد که نمایندگان **کاساوویو** رئیس جمهور کنگو در جلسه مجمع بنشینند.

۳ دسامبر ـ عضویت : (وتوی ۹٤ شوروی) : تقاضای عضویت **موریتانیا** مطرح شد .

۵دسامبر ـ اوراگان : فلیکس ـ شنایدر بسمت کمیسیونر عالی آوارگان انتخاب شد .

۱۳ دسامبر ـ کنگو : شورای امنیت نتوانست پیشنهاد دبیرکل‌را برای ادامه مساعی خود در اعاده نظم و قانون در کنگو تصویب کند (وتوی ۹۵ شوروی)

۱٤ دسامبر ـ سرزمین های تحت قیمومیت و غیر خود مختار : اعلامیه مجمع عمومی حاکی از لزوم اعطای استقلال بمردم مستعمرات .

۱۵دسامبر ـ توسعه‌اقتصادی: مجمع عمومی رای داد که صندوق توسعه سرمایه ملل متحد تاسیس گردد .

سرزمین های غیرخودمختار: مجمع‌عمومی تاکیدکردکه به‌تبعیضات نژادی پایان داده شود .

توسعه اقتصادی : مجمع عمومی پیشنهاد هم آهنگ کردن فعالیت‌های‌مربوط بتوسعه‌اقتصادی کشورهای توسعه نیافته را تصویب کرد .

سرزمین های غیرخودمختار: اصولی که باید در تعیین تصمیم اعضاء ملل متحد درمورد اینکه‌برای آزادی انتقال‌اطلاعات‌طبق‌ماده۷۳ـه منشور الزاماتی وجود دارد یا نه مورد تصویب مجمع عمومی قرار گرفت .

۱۸ دسامبر ـ قیمومیت : مجمع عمومی در مورد استقلال ساموئاسی باختری نظر دادکه درماه مه ۱۹۶۱ باراء عمومی مراجعه‌شود.

افریقای جنوب باختری : مجمع عمومی شش فقره قرار را در مورد قسمتهای مختلف مربوط بافریقای جنوبی تصویب کرد .

۱۹ دسامبر ـ الجزیره : مجمع عمومی حق مردم الجزیره را در مورد اخذ تصمیم در مورد استقلال خود تایید کرد .

۲۰دسامبر ـ شورای‌اقتصادی و اجتماعی : مجمع عمومی پس از اخذرای‌که قاطعیت نیافت نتوانست کرسی ششم شورای اقتصادی و اجتماعی را که خالی بود پرکند لذا موضوع را تا تجدید جلسات مجمع عمومی درسال۱۹۶۱ بتعویق‌انداخت

قیمومیت : مجمع عمومی کمیسیونی برای نظارت درانتخابات **رواندا ـ اوروندی** و ملاحظهٔ کنفرانس راجع به آیندهٔ سر زمین های تحت قیمومیت بلژیك تاسیس

کنگو : مجمع عمومی نتوانست دو فقره قرار پیشنهادی راجع به کنگورا تصویب کند ولذا دردستور جلسه باقی ماند .

کنترل اسلحه : مجمع‌عمومی سه فقره قرار را در مورد منع اشاعه و انتشار بیشتر اسلحه اتمی و موقوف داشتن آزمایش های هسته‌ئی مورد تصویب قرار داد .

بودجه : ۵۰۰ر۰۵٤ر۱۶۷دولار بشرح زیر تصویب شد : ۳۰۰ر۹۶۹ر۷۲ دولار برای سال ۱۹۶۱ ، و ۲۰۰ر۵۸۵ر۲ دولاربرای سال ۱۹۶۰ ـ ۰۰۰ر۰۰۰ر۱۹ دولار برای UNEF و ۰۰۰ر۵۰۰ر٤۸ دولار برای ONUE در ۱۹۶۰ و ۰۰۰ر۰۰۰ر۲٤ دولاربرای ONUC درسه ماهه اول سال۱۹۶۱

۲۱ ـ ۲۲ دسامبر ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : آخرین‌بخش دورهٔ اجلاسیهٔ سی‌ام

۱۹۶۱

۱ ژانویه ـ ONUC: ژنرال **سین ملك‌کئون** بسمت فرمانده نیروهای ملل‌متحد درکنگو منصوب گردید .

۳ ژانویه ـ ۲۰ فوریه ـ کنگو : کمیسیون ملل متحد برای آشتی دادن متخاصمین در کنگو وارد کنگو شد .

٤ ـ ۵ ژانویه ـ کوبا : شورای امنیت به اتهامات کوبا برضد آمریکا رسیدگی کرد .

۶ـ۱۲ ژانویه ـ افریقای جنوبی : دبیرکل طبق دستور کتبی آوریل ۱۹۶۰، شورای امنیت با دولت افریقای جنوبی در مورد سیاست نژادی بمشورت پرداخت .

۲٤ ژانویه ـ ۲۵ مارس ـ مواد مخدر : کنفرانس ملل متحد در مورد کنوانسیون راجع بمواد مخدر .

۱۱ـ۱۲ فوریه ـ قیمومیت : ملل متحد در مراجعهٔ بآراء عمومی درمورد آینده‌کامرون انگلیس‌نظارت کرد .

۲۰ فوریه ـ کنگو : (وتوهای ۹۶ و ۹۷ شوروی) : اصلاح پیش‌نویس قرار راجع به وقوع شرارت‌ها و ترورها درکنگو.

۲ مارس ـ ۱٤ آوریل ـ حقوق بین‌الملل : کنفرانس ملل‌متحد در مورد مذاکرات بین دول و مصونیت‌ها .

۷ مارس ـ ۲۱ آوریل ـ مجمع عمومی : آخرین بخش دورهٔ اجلاسیهٔ پانزدهم .

۱۰ مارس ـ انگولا : شورای امنیت نتوانست درمورد شکایت لیبریا از سیاست و روش پرتقال در انگولا اقدامی بعمل آورد .

۱۶ مارس ـ افریقای جنوب باختری : مجمع عمومی از اعضائی از ملل متحد که بخصوص تماس نزدیك و روابط دائمی با افریقای جنوبی دارند درخواست کرد که نفوذ خودرا در دولت مزبور بکار برده از او بخواهند که رفتار خود را با الزامات ملل متحد وفق داده و به قرارها و تصمیمات مجمع عمومی ترتیب اثر دهد .

۲۰ مارس ـ کنگو : کمیسیون آشتی ملل متحد در کنگو گزارش دادکه : (۱) لازم است پایان دادن بدخالت بیگانگان درکنگو موردتوجه اکید و اقدام موثر واقع شود . (۲) باید از تشکیل حکومت فدرال درکنگو پشتیبانی کرد . (۳) اوضاع اقتصادی کنگو روبوخامت میرود .

۲۷مارس ـ توسعهٔ اقتصادی: پیمان نامه بین ملل متحد و انجمن توسعه‌اقتصادی بین‌المللی بتصویب رسید .

۳۰ مارس ـ مواد مخدر :

کنوانسیون واحد راجع به‌کنترل دارو درتمام جهان ـ معلوم شده‌که مدت ده سال کار ازطرف ملل‌متحد برای‌کدیفیکاسیون آن لازم است .

۳ آوریل ـ بودجه : مجمع عمومی بدبیر کل اجازه داد که اعتبار هزینهٔ ONUC را بطوری که درهرماه متجاوز از ۸٫۰۰۰٫۰۰۰ دلار نباشد تا ۲۱ آوریل تصویب نماید .

٤ آوریل ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : دورهٔ اجلاسیهٔ سی‌ویکم پس‌از تشکیل یك جلسه تعطیل‌شد و موضوع مشکل‌انتخاب هیجدهمین عضو را بطوریکه مطابق باموازین اساسی ملل متحد باشد به رئیس مجمع عمومی محول نمود .

٦ آوریل ـ خاور میانه : شورای امنیت اعتراض اردن را نسبت به نمایش نظامی اسرائیل در بیت‌المقدس مورد توجه قرارداد .

۷ آوریل ـ افریقای جنوب باختری : مجمع عمومی از شورای امنیت خواست‌که باوضاع افریقای جنوب باختری توجه نماید .

۱۰ آوریل ـ دعوی کامبودیا علیه تایلند : دادگاه دادگستری بین‌المللی استماع بیانات طرفین را در مورد اختلافات مرزی آغازکرد.

۱۱آوریل‌ـ شورای قیمومیت: یازدهمین دورهٔ اجلاسیهٔ فوق‌العاده گزارش واصله راجع به مراجعهٔ بآراء عمومی در کامرونهای انگلیس را مورد مذاکره قرار داد .

۱۳ آوریل‌ـ اتحادیهٔ افریقای جنوبی : مجمع عمومی ازاینکه‌نسبت بتقاضا های مکرر برای تجدیدنظر درسیاست تبعیض نژادی بی‌اعتنائی شده است ابراز تاثر کرد .

اتحادیهٔ افریقای جنوبی : مجمع عمومی تاکید کردکه پیمانی بین این اتحادیه با دولتهای هند و و پاکستان در مورد طرز سلوك با کسانی که اصل هندی دارند منعقد گردد .

۱۵ آوریل ـکنگو : مجمع عمومی یك کمیسیون آشتی برای رفع بحران سیاسی کنگو و یك کمیسیون تحقیق برای رسیدگی به ترورهای کنگو تشکیل داد .

۱۸ آوریل‌ـ شورای اقتصادی و اجتماعی: مجمع عمومی به بن‌بست رسید وایتالیا رابعنوان هیجدهمین عضو برگزید .

۱۹ و ۲۰ آوریل ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : سی‌ویکمین دورهٔ اجلاسیه

۱۹ آوریل ـ عضویت : مجمع عمومی از پذیرفتن مفولستان برونی و موریتانیا بعنوان اعضاء ملل متحد پشتیبانی کرد .

۲۰ آوریل ـ انگولا : مجمع عمومی به پرتقال تاکید کرد که در انگولا اصلاحات بنماید و یك کمیته فرعی را مامور مطالعهٔ دراین امر نمود .

۲۲ آوریل ـ کوبا : مجمع عمومی از تمام اعضاء خواست تا برای رفع تشنجات سیاسی اقدامات صلح آمیز بنمایند .

قیمومیت : مجمع عمومی تصمیم گرفت که در اوت ۱۹٦۱ در **رواندا ـ اوروندی** تحت نظارت ملل متحد رفراندوم و انتخابات انجام شود .

قیمومیت : درتعقیب مراجعه بآراء عمومی که در فوریه انجام گرفت مجمع عمومی تصمیم گرفت که کامرونهای شمالی در اول ژوئن ۱۹٦۱ به نیجریا و کامرون های جنوبی در اول اکتبر ۱۹٦۱ به جمهوری کامرون ملحق شوند .

بودجه : ۱۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰دولار اعتبار برای مخارج ONUC (نیرو های ملل متحد در کنگو) از اول ژانویه تا ۳۱ اکتبر ۱۹٦۱ تصویب شد .

قیمومیت : مجمع عمومی با موافقت انگلیس تصمیم گرفت که قیمومیت انگلیس بر **تانگانیکا** در۲۸ دسامبر ۱۹٦۱ پایان یابد و استقلال تانگانیکا درآن روز آغازگردد .

۱ مه ـ آوارگان : در مدت ۱۲ ماه منتهی به‌اول مه۱۹٦۱ جمع‌تعداد آوارگان فلسطین که در UNRWA ثبت اسم کرده بودند ازرقم۳٤٫٤۳۵ به رقم ۱٤۷٫۱۵۵ بالغ گردیدو‌تعداد افرادی را که ملل متحد درچادر جای داده بود از ۲٤٫۰۰۰ نفر به ٤٤٠٫٤۱۱ نفر بالغ گردید و ۵۰۰٫۰۰۰ دولار برای ساختن محل سکونت آوارگان اختصاص داده‌شد.

۲۲ مه ـ انگولا : تعیین کمیته فرعی از طرف مجمع عمومی بعضویت نمایندگان بولیایا ، داهومی ، مالایا، فنلاند وسودان برای رسیدگی‌بوضع بحرانی آنگولا(متصرفی پرتقال).

۲٦ مه ـآنگولا: تقاضاتشکیل جلسه فوق‌العاده شورای امنیت از طرف ٤٤ دولت‌برای‌رسیدگی بمسئله وقوع قتل عام از طرف پرتقالیهادر آنگولا .

۳۰ مه ـ بودجه : جمع‌تعهدات دولت ها برای سال ۱۹٦۱ معادل ٦۹٫۳۹۹٫۸۳۹ دولار بود که دراین تاریخ ۲۳٫۳۸۱٫۱۹۱ دولار آن پرداخت شده و بقیه ، یعنی مبلغ ٤٦٫۰۱۸٫٦٤۸ دولار هنوز نرسیده بود.

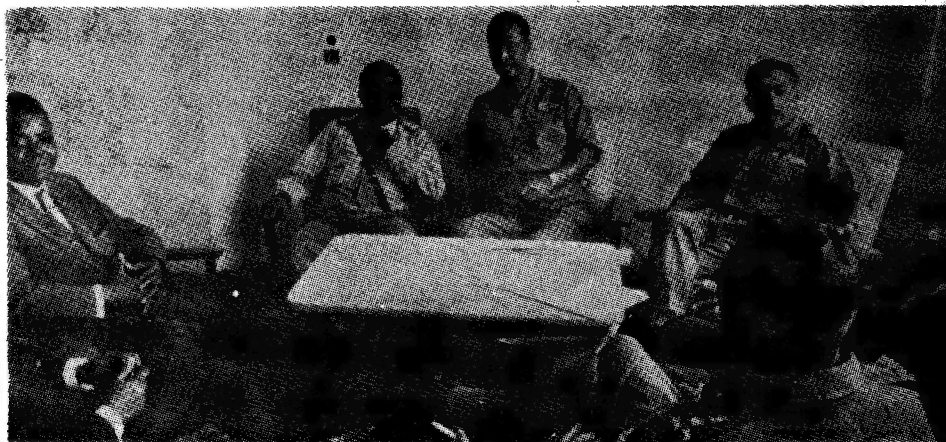
۳۱ مه‌ـ کنگو : بودجه مصوبه برای عملیات ملل متحد در سال ۱۹٦۱ درکنگومعادل ۱۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ دولار مقرر گردید .

٦ ژوئن ـ انگولا: تشکیل‌جلسه فوق‌العاده شورای امنیت برای رسیدگی بموضوع انگولا و ابرازتاثر شورای امنیت از وقوع قتل عام در آنگولا و تصریح‌باینکه‌عمل‌تهدیدی بصلح بین‌المللی است واخطار به‌ـ پرتقال که تحقیقات وانجام ماموریت کمیته فرعی ملل متحد را تسهیل نماید .

۱۵ ژوئن ـ اسرائیل:آرژانتین به شورای امنیت شکایت‌کرد که اسرائیل‌محرمانه **آدولف‌آیشمن**افسر سابق نازی را ازآرژانتین ربوده‌و بخاك اسرائیل منتقل کرده و این عمل نقض حقوق حاکمیت‌آرژانتین است وتقاضای تشکیل‌جلسه‌شورای امنیت را نمود.

۱۹ـ ۳۰ ژوئن ـ خلع‌سلاح: تبادل نظر بین نمایندگان شوروی‌و امریکا در واشنگتن برای حل مسئله خلع سلاح برطبق قرار ۲۱ آوریل مجمع عمومی.

۲۲و۲۳ ژوئن ـ اسرائیل:شکایت آرژانتین ازاسرائیل در شورای امنیت مطرح گردید . درنتیجه اسرائیل از آرژانتین‌معذرت‌خواست و حاضر شد غرامتی برای عمل خود در ربودن آدولف آیشمن بآرژانتین بپردازد و با مذاکره با این‌کشور رفع شکایت نماید.



جلسه ملاقات مامورین ملل متحددرکنگو باموسی چومبه (نفر سمت‌چپ) در **الیزابت‌ویل** برای‌مذاکره‌راجع بورود نیرو های ملل متحدبه آن شهر (دونفر وسط افسـران‌چومبه هستند)

۳۰ ژوئن ــ عضویت: کـویت تقاضای عضویت خود را به دبیر کل تقدیم کرد.

ژوئن ــ یونیسف : اعلام شد که یونیسف در این تاریخ به اجرای ٤٢٥ طرح در ۱۰۵ کشور وسرزمین کمك میکند و درسال ۱۹٦۱ درحدود ۵۷ میلیون کودکان و مادران در سراسر جهان از کمکهای ملل متحد در درمان بیماریها و برنامه هـای تغذیه‌شایسته‌بوسیله‌یونیسف‌بهره‌مند میشوند.

۱ ژوئیه ــ کویت از تهدید عراق به استقلال آن کشوربه‌شورای امنیت شکایت کرد.

۲ ژوئیه ــ کنگو : پارلمان‌کنگو که مدتها تعطیل بودبنابااجرای‌دستور ۲۱ فوریه ۱۹٦۱ شورای امنیت و مجمع عمومی گشایش یافت.

۱۷ ــ ۲۹ ژوئیه ــ خلع‌سلاح: تبادل نظر بین نمایندگان شوروی‌و امریکا در مسکو برای حل مسئله‌خلع سلاح برطبق قرار ۲۱ آوریل مجمع عمومی.

۲۰ ژوئیه ــ تونس از تجاوز فرانسه بخاك خود بشورای امنیت شکایت‌کرد.

۲۹ ژوئیه ــ تونس: شورای امنیت در جلسه خود نتوانست در مورد شکایت تونس به نتیجه مثبتی برسد . رئیس شورا بطرفین توصیه سازش و اصلاح کرد.

۸ اوت ــ کوبا ازکشورهای متحده امریکا بمجمع عمومی شکایت نموده تقاضا کرد که شکایت آندولت بعنوان تجاوز و دخالت امریکا در امور داخلی کوبا در دستور مذاکرات قرارگیرد.

۱۱ اوت ــ الجزیره: ۴۱ دولت تقاضا کردند که موضوع الجزیره در دستور مذاکرات مجمع عمومی قرارگیرد.

۲۱ ــ ۳۱ اوت ــ شـورای اقتصادی واجتماعی: کنفرانس ملل متحد در رم در مورد منابع تازه نیرو طبق قرارهای‌شورای‌اقتصادی و اجتماعی تشکیل شد تا در مـورد استفاده از نیروی آفتاب و باد و نیروی **ژئوترمیك** (بخار طبیعی وآب گرم) مشاوره بعمل آید.

۲۵ اوت ــ تونس : مجمع‌عمومی قرار پیشنهادی ۳۳ دولت را شامل ۳ ماده مبنی برشناسائی استقلال و حق حاکمیت تونس و لزوم تخلیه تونس از نیرو های‌فرانسوی‌وتوصیه بطرفین برای مذاکره و حل مسالمت آمیز اختلافات تصویب‌کرد.

۲۸ اوت ــ کنگو : ONUE برای تخلیه کنگو از نیرو ها و سربازان روز مزد خارجی اقـدام کرد.

٦ ــ ۱۹ سپتامبرــ خلع سلاح: تبادل نظر بین نمایندگان شوروی و امریکا در نیویورك برای حل مسئله خلع سلاح بر طبق قرار ۴۱ آوریل مجمع عمومی و توافق دو دولـت بزرگ در تقدیم اصول مورد موافقت ایشان در مسئله خلع سلاح به‌ملل متحد مشتمل بر ۸ماده.

۷ ــ ۲۳ سپتامبر ــ شورای اقتصادی واجتماعی: سمیناری‌از۱۹ کشور دربانکوك درمورد آمار های صنعتی جهان تشکیل شد.

۱۲ سپتامبر ــکنگو: نمایندگان ملل متحد با موسی چومبه بـرای تخفیف تشنجات کنگو ملاقات‌کردند.

۱۳ سپتامبرــکنگو : نیرو های ملل متحد در کنگـو شروع باخراج بلژیکیان و خارجیان مقیم کنگو ازآن کشور نمودند.

۱۷ سپتامبر ــ درگذشت دبیر کل: هواپیمای داك هامرشولد دبیر کل که بنابدعوت موسی چومبه برای مذاکره آتش بس‌ازلئوپولدویل‌باتفاق هفت نفر ازکارکنان ملل متحد و شش نفر کارمندان هواپیما و دو سرباز سوئدی عازم **ندولا** بود در شمال رودزیا سقوط کرده کلیـه سرنشینان آن تلف شدند و چون هواپیمائی ناشناس در پرواز درآن حدود دیده شده احتمال آن بود که هواپیمای دبیرکل هدف حملـه هواپیمای ناشناس قرار گـرفتـه است.

۲۱ سپتامبر ــ کنگو : آغاز اجرای آتش بس موقتی در جنگهای داخلی کاتانگا.

۲۱ سپتامبر ــ الجزیره: کمیته عمومی گنجانیدن موضوع الجزیره را در دستور مذاکرات مجمع عمومی توصیه کرد.

۲۵ سپتامبر ــ عمان : مسئله بحران درعمان و زدوخوردبین‌نیروی ملیون و نیروی انگلیس در تعقیب تصمیم ۲۱ آوریل دردستورمذاکرات مجمع عمومی قرار گرفت.

الجزیره : مجمع‌عمومی‌موضوع الجزیره را دردستور مذاکرات خود قرارداد.

خلع سلاح : تقدیم پیشنهـاد امریکا بصورت اعلامیه در مـورد برنامه خلع سلاح کامل و عمومـی بمجمع عمومی و پیشنهاد اجرای آن در ۳ مرحله .

خلع سلاح : ارجاع مسئله‌بکار بردن فضا برای امور مربوط بصلح به‌کمیته فرعی .

۲۷ سپتامبر ــ آوراگان‌فلسطین: ارجاع کارآوارگان فلسطین ازطرف مجمع عمومی به‌کمیته خاص‌سیاسی.

۱۳ اکتبر ـ کنگو : امضای پروتوکل آتش بس درکاتانگا.

۱۸ اکتبر ـ قیمومیت: مجمع عمومی انتخابات **ساموئای باختری** را تحت نظر گرفت و اول ژانویه ۱۹۶۲ را روز پایان قیمومیت وآغاز استقلال ساموئا اعلام کرد.

۲۲ اکتبر ـ کویت بشورای امنیت اطلاع داد که نیرو های انگلیس که بنا بدعوت کویت برای دفاع ازآن کشور دربرابر تجاوز عراق در آنجا بوده و مورد ایراد بعضی از دولتهای عضو ملل متحد واقع شده بود کویت را تخلیه کرده وجای آن ها برای دفاع از استقلال کویت به نیرو های جامعه عرب داده شده است .

۱۳ اکتبر ـ اپارتهید: رسیدگی بموضوع تبعیضات نژادی درافریقای جنوبی (اپارتهید) در کمیته سیاسی از طرف مجمع عمومی بعمل آمد.

۲۷ ـ اکتبر ـ ۱۰ نوامبر ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : بدستور این شورا سومین کنفرانس نقشه کشی (کار توگرافی) ملل متحد برای آسیا و خاور دور دربانکوك (تائیلند) منعقد گردید و ۲۵ دولت در این شرکت کردند.

۱ـ۲ نوامبر ـ کنگو: اقدامات ONUC برای برگردانیدن ۳۵۰۰۰ آوارگان کنگو بمحل خود وایجاد امنیت در کاتانگا.

۳ نوامبر ـ کنگو: انتخاب کمیسیون رسیدگی به سبب قتل **پاتریس لومومبا** وهمکاران وی ازطرف شورای امنیت.

انتخاب دبیر کل ملل متحد: مجمع عمومی بنابه پیشنهاد شورای امنیت باتفاق آراء **یوتانت** نماینده دائمی برمه را در ملل متحد بسمت کفیل دبیر کل ملل متحد انتخاب کرد و پایان دوره ماموریت وی ۳ نوامبر ۱۹٦٦ اعلام شد.

٦ نوامبر ـ استقلال تانگانیکا: مجمع عمومی روز استقلال تانگانیکا را طبق توصیه **شورای قیمومیت** جلو انداخت و بجای ۲۸ دسامبر ٦۱ روز ۹ دسامبر ٦۱ مقررگردید.

۲۱ نوامبر ـ کنگو: تهیه گزارش کمیسیون قتل لومومبا مبنی براینکه لومومبا و دو نفر همکاران وی بدست سربازان روز مزد بلژیکی در ۱۷ ژانویه ٦۱ درنزدیکی الیزابت ویل و باحتمال قوی در حضور چومبه و مونونگو و کیب وه از حکومت ایالت کاتانگا اعدام شده اند.

۲۳ ـ ۲٤ نوامبر ـ کنگو : تشکیل جلسه خاص شورای امنیت برای رسیدگی باوضاع وخیم کاتانگا واعمال خلاف قانون سربازان روزمزد بنابتقاضای حبشه ونیجریا وسودان.

۲۱ نوامبر ـ کوبا : از شورای امنیت تقاضای تشکیل جلسه فوق العاده و رسیدگی بشکایت خود از امریکا را نمود.

۲٤ نوامبر ـ کنگو: تصمیم شورای امنیت راجع به کاتانگا .

۲۷ نوامبر ـ ٤ دسامبر عمان: کمیته خاص سیاسی ، مسئله عمان را مورد بحث ومذاکره قرار دادو قرار پیشنهادی ۱٦ دولت را راجع به شناختن حق استقلال سیاسی عمان و لزوم تخلیه آن از نیروی بیگانه و توصیه سازش بطرفین اختلاف تصویب کرد.

۲۸ نوامبر ـ آپارتهید : مجمع عمومی قراری راکه بامضای ۸ دولت راجع باقدامات لازم برعلیه تبعیضات نژادی درافریقای جنوبی رسیده بود تصویب کرد.

افریقای جنوبی: مجمع عمومی به قرار مصوب کمیته مامور رسیدگی بموضوع هندیان و پاکستانیهای مقیم افریقای جنوبی برای جلوگیری ازسوء سلوك بایشان رای داد.

۲۹ نوامبر ـ ۷ دسامبر ـ شورای اقتصادی واجتماعی: سمیناری راجع به استاتیستیك بازرگانی خارجی از ۲۲ دولت در آدیس آبابا تشکیل شد.

۳۰ نوامبر ـ عضویت کویت: طرح تقاضای عضویت کویت در شورای امنیت دراثر تقاضای جمهوری متحد عربی و ارجاع این مجمع عمومی بسبب مخالفت یکی از اعضاء ثابت شورای امنیت.

٤ دسامبر ـ خلع سلاح : تصویب قرارپیشنهادی ایرلند بمجمع عمومی (در ۱٦ اوت ۱۹٦۱) راجع بقرار دادن موضوع منع استعمال اسلحه آتمی و منع تهیه بیشتر آن در دستور مجمع عمومی برای طرح در دوره اجلاسیه شانزدهم .

٤ ـ ۱۹ دسامبر ـ فلسطین: تشکیل جلسات کمیته سیاسی خاص فلسطین برای رسیدگی به کارآوارگان و تصویب ادامه ماندات کارگزاری مخصوص ملل متحد تا ۳۰ ژوئن ۱۹٦۳.

۸ـ ۱٦ دسامبر ـ مستعمرات پرتقالی درهند (گوئا ، دامائو ، دیو) هند و پرتقال هردو نامه هائی بشورای امنیت فرستاده از وضع مستعمرات بالا ابراز نگرانی وشکایت کردند.

۱۳ دسامبر ـ خلع سلاح : تقدیم پیش نویس قرار مشترکی از طرف امریکا و شوروی بمجمع عمومی در مورد خلع سلاح .

۱٤ دسامبر ـ عمان : قرار پیشنهادی کمیته خاص سیاسی در مجمع عمومی برای گذاشته شد ولی چون دو ثلث اکثریت را حاصل نکرد بتصویب نرسید.

۱٤ ـ ۱۹ دسامبر ـ الجزیره: مجمع عمومی در این مورد مذاکره و بحث نمود.

۱۵دسامبر ـ چین : مسئله عضویت چین بسبب عدم موافقت اکثریت آراء بتعویق افتاد.

۱۸ دسامبر ـ بودجه : مجمع عمومی ۷٤۰ر۱٤٤ر۸۲ دولار بودجه سال ۱۹٦۲ ملل متحد را تصویب کرد.

مریم ماکبا خواننده مشهور افریقای جنوبی بعنوان شاکی درکمیته ملل متحد مخصوص امور افریقای جنوبی حضوریافته از **آپارتهید**(تبعیض وتفکیك نژادی) درافریقای جنوبی تظلم واز حکومت افریقای جنوبی شکایت کرد وبیانات اوجلب توجه نمود .



مستعمرات پرتقالی در هند: (وتوی شوروی) ـ پرتقال بشورای امنیت شکایت کرد که هند باتمام نیرو شروع بحمله وتجاوز بمستعمرات پرتقالی نموده . درهمان روز شورای امنیت سه جلسه تشکیل داد وقرار پیشنهادی ٤ دولت را مبنی برتوصیه اکید بطرفین در رفع خصومت ودر سازش و اصلاح وعقب نشینی قوای هند بخط ماقبل ۱۷ دسامبر ٦۱ برای گذاشت ولی بسبب عدم موافقت شوروی بتصویب نرسید.

۱۹ دسامبر ـ توسعه اقتصادی: مجمع عمومی در جلسه ۱۹ دسامبر قرار صادر کرد که طبق آن در این تاریخ تا ده سال را **«دهه توسعه اقتصادی ملل متحد»** نام نهاد که در این ده‌سال بخصوص برای توسعه اقتصادی کشورهای توسعه نیافته کوشش بعمل آمد. و تمام دولتهای عضو حداکثر مساعی خود را برای ترقی اقتصادی تمام ملل جهان بکار برند.

۱۹ و ۲۰ دسامبر ـ الجزیره: مجمع عمومی دو قرار پیشنهادی ۳٤ دولت و کمیته اول را مبنی بر توصیه بفرانسه و الجزیره برای مذاکره و حل مسالمت‌آمیز اختلاف تصویب کرده و ضمنا حق الجزیره‌را به تحصیل استقلال و حاکمیت برخویشتن بشناخت .

۲۰دسامبر ـ نیروی ملل‌متحد: مجمع عمومی ۱۹ر۸۳٦ر۸۰۰ دولار بودجه هزینه نیروی ملل متحد را برای سال ۱۹٦۲ تصویب کرد .

ـ آوارگان فلسطین : مجمع عمومی قرار پیشنهادی کمیته خاص سیاسی را تصویب کرد .

ـ کره : مجمع عمومی قرار پیشنهادی ۱۵ دولت را راجع به‌حل مشکلات کره و تخلیه تدریجی آن از نیروهای ملل متحد تصویب کرد .

ـ تبت : مجمع عمومی قرار پیشنهادی ٤ دولت را در مورد تبت مبنی بردعوت تمام دولتهای عضو برای بکاربردن هرنوع کوشش بمنظور اینکه حقوق بشری و اساس مردم تبت پایمال نشود تصویب کرد (موضوع تبت در ۱۸ اوت ٦۱ بنابه پیشنهاد مالایا وتایلند مطرح شده بود).

ـ خلع سلاح : تصویب قرار مشترك امریکا و شوروی راجع به خلع سلاح از طرف مجمع عمومی .

۲۱ دسامبر ـ کنگو : عقدپیمان **کیتونا** بین چومبه‌ونماینده ملل متحد

ـ مجارستان : مجمع عمومی از عدم رعایت تصمیم سابق مجمع در مورد مجارستان از طرف شوروی و مجارستان ابراز تاثرکرد .

۱۹٦۲

۱ ژانویه ـ کنگو : کشتار۲۲ نفر مبلغ که بیشتر آنها بلژیکی بودند در شمال کاتانگا بدست سربازان یاغی کنگوئی .

۲ ژانویه ـ خلع سلاح : تصویب قراری از طرف مجمع عمومی راجع به بکار بردن فضا برای مسائل صلح‌آمیز .

۲۳ ژانویه ـ انگولا : پیشنهاد ٤۵ دولت در حمایت انگولا ضد مظالم پرتقال و محکوم کردن عملیات پرتقال در انگولا و بکار بردن انواع اقدامات برای استقلال مستعمرات پرتقال و جلوگیری از تعدی به مستعمره های پرتقالی مشتمل بر ۱۱ ماده بتصویب مجمع عمومی رسید .

۲۳ ژانویه ـ ۲۱ فوریه ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : بدستور این شورا سمیناری از ملل متحد در مورد توسعهٔ صنعت نفت در دفتر مرکزی ملل متحد در نیویورك تشکیل شد .

۲٦ ژانویه ـ کنگو : انتصاب **رابرت گاردینر** رئیس امور اداری ملل متحد بسمت رئیس ONDC (عملیات ملل‌متحد درکنگو) ازطرف دبیرکل بجای **استورلینر** که استعفا کرده بود .

ژانویه ـ کمکهای فنی : اعلام شدکه درسال ۱۹٦۱ جمعاً ۱۰۳۲ نفر کارشناس از ۸٤ کشور برای کمك فنی بطرحهای ملل متحد بکار مشغول بوده و در همان سال ملل متحد به ۱۱۰۷ نفر دانشجو و محقق برای تحصیل و تحقیقات علمی کمك مالی کرده است .

۱٤ ـ ۲۳ مارس ـ کوبا : شورای امنیت در۷ جلسه موضوع اختلاف کوبا و آمریکا را مورد بحث و مذاکره قرارداد ولی مذاکرات بجائی نرسید (وتوی شوروی) .

۲۱ مارس ـ خلع سلاح : تشکیل کمیتهٔ فرعی از طرف کنفرانس ۱۸ دولت برای مذاکره درمورد منع استعمال اسلحهٔ اتمی .

۱ مه ۱۹٦۲ ـ آوارگان فلسطین : تعداد ثبت شده آوارگان **فلسطین** در دفتر UNRWA به ۱ر۱٦۹ر۸۷۹ را رسید یعنی ۲۲ر۷۲٤ نفر برتعداد سال پیش افزوده گردید . از این عده تا اول مه جمعاً به ٤۵٦ر٦۰۰ نفر مسکن داده شد یعنی به ۱٦ر۱۸۹ نفر در ظرف یك سال در تهیهٔ مسکن کمك شد .

۱۵ مه ـ شورای اقتصادی و اجتماعی : تعداد دولت های عضو کنوانسیون عبور و مرور وسائط نقلیه درجاده‌ها از۲٦ عضو پروتوکل ۱۹٤۹ راجع به علامات جاده‌ها به ۵۵ رسید .

۳۱ مه ـ خلع سلاح : تشکیل کنفرانس ۱۸ دولت برای مذاکره درمورد خلع سلاح .

۱ ـ ۲۲ ژوئن ـ کشمیر : (وتوی شوروی) دراثر تقاضای تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹٦۲ پاکستان ازشورای امنیت برای حل‌اختلاف هند و پاکستان در مسئله کشمیر ، شورای امنیت موضوع را مورد مذاکره قرارداده درجلسه ۲۲ ژوئن قرار پیشنهادی ایرلند را مبنی‌بر تاکید بدو دولت برای مذاکره وحل مسالمت آمیز اختلاف برای‌گذاشت ولی بسبب عدم موافقت شوروی تصویب نشد .

۲۷ ژوئن ـ قیمومیت : مجمع عمومی روز اول ژوئیه را روز استقلال **روآندا ـ و اوروندی** بعنوان دو کشور خود مختار و مستقل اعلام کرد .

۳۰ ژوئیه ـ استقلال گینه انگلیس : کمیتهٔ مخصوص مطالعه در اعطای استقلال بمستعمرات ، قراری صادر کرده بدولت انگلیس

و حکومت گینه انگلیس اعلام کرد که بفوریت وارد مذاکره شده برسر تاریخ اعلام استقلال گینه انگلیس موافقت نمایند .

ژوئیه واوت ــ کنفرانس بین‌المللی قهوه : این کنفرانس از ۷۱کشور صادرکننده و واردکنندهٔ قهوه در نیویورك تشکیل شده پیش‌نویس پیمانی پنجساله برای تعیین سهمیهٔ صدور و ورود و مصرف هرکشور در هر سال تهیه کرد و مقرر گردید دفتر سازمان بین‌المللی قهوه سی روز پس از امضای پیمان در لندن بوسیلهٔ دبیر کل دائر گردد .

۳ ــ ۲۲ اوت ــ شورای اقتصادی و اجتماعی : طبق قرار این شورا کنفرانس تهیه نقشه بین‌المللی جهان بمقیاس یك‌میلیونم در بن پایتخت آلمان باختری منعقد گردید .

۱۰ اوت ــ استقلال‌موزامبیك: کمیتهٔ‌مخصوص استقلال مستعمرات قرارپیشنهادی بامضای یازده دولت را مبنی‌بر طرح موضوع موزامبیك درمجمع عمومی و تأکید به پرتقال برای استخلاص زندانیان سیاسی و اعطای استقلال به موزامبیك تصویب کرد و تصمیم گرفت در صورت امتناع پرتقال ضمانت اجرا های لازم را برضد پرتقال بمجمع عمومی پیشنهادکنند .

۱۵ اوت ــ اندونزی وهلند (ایریان) : درمورد اختلاف و جنگ بین اندونزی و هلند ، ملل متحد هیئتی را بنام مقام اجرائی موقتی ملل متحد UNTEA مأمور رسیدگی نمود .

ــ ایریان باختری : امضای پیمان بین نمایندگان هلند و جمهوری اندونزی در دفتر مرکزی ملل متحد راجع به ایریان باختری .

۱۸ اوت ــ ایریان باختری : بین نیروهای اندونزی و هلند که بر سر گینه‌نو باختری (ایریان باختری) جنگ درگرفته بود در این تاریخ بدستور ملل‌متحد آتش‌بس برقرار شد .

۲۸ اوت ــ ایریان باختری : تعیین گروه ناظران نظامی مأمور ملاحظهٔ اجرای آتش‌بس در ایریان باختری .

۳۰ اوت ــ ایریان باختری : موافقت پاکستان در اعزام هزار سرباز به ایریان بعنوان نیروی ملل متحد .

٤ سپتامبر ــ اندونزی : نیروهای تأمینی ملل متحد UNSF مرکب از سربازان پاکستانی و هواپیماها و ناوهای کانادائی و آمریکائی بفرماندهی ژنرال سعیدالدین خان پاکستانی ازطرف دبیرکل ملل متحد مأموریت یافته وارد **هولاندیا** شده بامقامات هلندی بمذاکره پرداختند .

۷ سپتامبر ــ ایریان باختری : انتصاب **ژوزه ــ رولز ــ بنت** بعنوان نمایندهٔ دبیرکل ملل‌متحد درایریان .

۱۱ سپتامبرــ استقلال‌زنگبار : کمیتهٔ مخصوص مطالعهٔ اعطای استقلال بمستعمرات قراری صادر کرد مبنی‌براینکه مجمع عمومی باید در زودترین موقعی که ممکن است وسائل استقلال زنگبار را فراهم سازد .

۱۸ سپتامبر ــ افریقای‌جنوب باختری : کمیتهٔ مخصوص استقلال مستعمرات قراری صادر و صریحاً اعلام کردکه رفتار تبعیض نژادی حکومت افریقای جنوبی و سلوك آندولت نسبت بسکنهٔ افریقای جنوب باختری برخلاف اخلاق و برخلاف قانون حقوق بشری ومنافی با شرایط قیمومیت (ماندات)جامعه ملل است که آن سرزمین را بدان حکومت واگذاشته و اکنون وقت آن رسیده است که ملل متحد بافریقای جنوب باختری استقلال دهد و مانع الحاق آن بافریقای جنوبی گردد و درصورت تمرد حکومت مزبور ، سانکسیونهای لازم را بکار برد .

ــ استقلال انگولا : کمیته مخصوص استقلال‌مستعمرات قراری صادرکرد مبنی‌بر لزوم اقدام جدی ازطرف مجمع عمومی در **تأکید** به پرتقال در اعطای استقلال به انگولا و اقدام به سانکسیون علیه پرتقال درصورت ادامهٔ تمرد از اجرای نظر مجمع عمومی .

ــ استقلال کینیا : کمیته مخصوص استقلال‌مستعمرات قراری صادر کرد مبنی‌بر اینکه ازمجمع عمومی تقاضاکندکه از انگلستان مؤکداً بخواهد که انتخابات عمومی را در کینیا انجام دهد و بدان‌کشور استقلال بخشد .

ــ عضویت : جمهوری **روآندا** (تاریخ تقاضا ۲٦ژوئیه ۱۹٦۲)بعنوان یکصدوپنجمین عضو ملل متحد پذیرفته شد .

ــ عضویت : سلطنت **بوروندی** (تاریخ تقاضا ۲٦ ژوئیه ۱۹٦۲) بعنوان یکصدوششمین عضو ملل متحد پذیرفته شد .

ــ عضویت : جامائیکا (تاریخ تقاضا ۱۲ سپتامبر ٦۲) بعنوان یکصدوهفتمین عضو ملل متحد پذیرفته شد .

ــ عضویت : ترینی داد و توباگو (تاریخ تقاضا ۱۲ سپتامبر ٦۲) بعنوان یکصدوهشتمین عضو ملل متحد پذیرفته شد .

۲۱ سپتامبر ــ ایریان‌باختری: تصویب پیمان ۱۵ اوت از طرف مجمع عمومی .

۲۲ سپتامبر ــ ایریان باختری: ورود **ژوزه رولز بنت** به هولاندیا ــ کوتابارو .

۲٤ سپتامبر ــ ایریان باختری: خروج گروه ناظران نظامی ازایریان پس‌از پایان مأموریت .

۲۷ سپتامبر عضویت : سیرالئون که در ۲۷ آوریل ۱۹٦۱ تقاضای عضویت کرده بود ازطرف مجمع عمومی بنا بتوصیهٔ شورای امنیت بعنوان یکصدونهمین عضو ملل متحد پذیرفته شد .

۱ اکتبر ــ ایریان باختری : هلند ادارهٔ امور ایریان باختری را **به هیئت مامور ملل متحد** در اندونزی UNTEA واگذاشت و **ژوزه رولز بنت** بعنوان فرماندار موقتی تعیین گردید .

۷ اکتبر ــ ایریان باختری : نیروی اعزامی پاکستان بعنوان نیروی ملل متحد وارد **سورونگ** گردید .

۸ اکتبر ــ عضویت : جمهوری دموکراتیك **الجزایر** (تاریخ تقاضا ٤ اکتبر ۱۹٦۲) بعنوان یکصدو‌ــ

دهمین عضو ملل‌متحد پذیرفته‌شد.
۱۵ اکتبر ـ ایریان باختری : به زندانیان سیاسی تأمین داده‌شد.
۲۲ اکتبر ـ ایریان باختری : ملل متحد **دکتر جلال عبده** رابعنوان مدیر امور حکومت ایریان باختری از طرف ملل متحد UNTEA منصوب نمود.
وی پس‌از رفتن به هاگ و جاکارتا و انجام مشاورهٔ لازم در ۱۵ نوامبر۱۹۶۲وارد ایریان باختری شده مأموریت خودرا آغاز نمود.
۲۳ ـ ۲۵ اکتبر ـ کوبا : شورای امنیت براثر دریافت سه‌نامه از شوروی وآمریکا و کوبا مبنی‌بر بروز بحران و وخامت اوضاع در کوبا و اعلام آمریکا مبنی‌براینکه شوروی درکوبا پایگاه پرتاب موشك بالیستیك ساخته و آمریکای شمالی و جنوبی در معرض خطر موشك های هسته‌ئی قرار گرفته تشکیل جلسهٔ فوق‌العاده داد که به نتیجه نرسید. دراین اثنا آمریکا بعنوان حفظ امنیت خود کوبا را محاصرهٔ دریائی کرد.
۲۵ اکتبر ـ عضویت : یوگاندا که درتاریخ ۱۵ اکتبر ۶۲ تقاضای عضویت کرده‌بود بعنوان یکصدو ـ یازدهمین عضو ملل متحد پذیرفته شد.

ـ کوبا : دبیرکل از شوروی و آمریکا تقاضا کردکه از برخورد کشتی های آنها بیکدیگر دراطراف کوبا خودداری کنند و هر دو دولت پذیرفتند.
ـ عضویت : دوکشورجمهوری **مغولستان** و **موریتانیا** از طرف مجمع عمومی بنا بتوصیه شورای امنیت بعنوان یکصدو دوازدهمین و یکصدو سیزدهمین اعضاء ملل متحد پذیرفته شدند.
۲۹ اکتبر ـ ایریان باختری : دریاسالار **ریسر** فرمانده کل قوای هلند در ایریان به هلند بازگشت.
۳۰ اکتبر ـ عضویت : موضوع عضویت چین کمونیست در ملل متحد بار دیگر در مجمع عمومی مطرح شده وبا ۵۶ رأی دربرابر ۴۲ رای و ۱۲ رای ممتنع بتعویق افتاد.
۷ نوامبر ـ ۱۷ دسامبر ـ مجمع عمومی : جلسات خاص مجمع عمومی برای رسیدگی بموضوع اعطای استقلال بمستعمرات دائر بود.
۱۳ نوامبر ـ ایریان باختری : دکتر جلال عبده حاکم مأمور ملل متحد وارد **هولاندیا** گردید.
۱۵ نوامبر ـ اندونزی : نیروهای هلند که از چندی پیش برحسب قرارداد با هیئت مأمورین ملل متحد شروع به تخلیه کرده بودند دراین تاریخ تخلیه را بپایان رسانیدند.
۲۲ نوامبر ـ ایریان : آخرین واحدهای نظامی هلند به آمستردام برگشت.
۲۶ نوامبر ـ کوبا : دولت‌کوبا بدبیرکل ملل متحد اطلاع داد که شوروی موشك های خودرا ازکوبا خارج کرده و آمریکا محاصرهٔ دریائی کوبا را برداشت.
۲۹ نوامبر ـ ۲۰ دسامبر ـ قیمومیت : موضوع انگولا وپرتقال در هشت جلسهٔ مجمع عمومی مطرح شد.
۹دسامبرـ عضویت : تانگانیکا بعنوان یکصدوچهاردهمین عضوملل متحد از طرف مجمع عمومی پذیرفته شد.
۱۱ دسامبر ـ عمان : موضوع عمان و جدا شدن از مسقط و خروج آن از تحت حمایت انگلیس که از طرف یازده کشور عربی مطرح شده بود در مجمع عمومی مورد مذاکره واقع شد ولی به نتیجه نرسید.
۱۵ دسامبر ـ کنگو : تصویب هشتاد میلیون دولار هزینهٔ عملیات ملل متحد درکنگو از اول نوامبر ۶۱ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۶۲ از طرف مجمع عمومی.
۱۷ دسامبر ـ مجمع عمومی اعلامیه‌ئی صادر کرده بکلیهٔ کشور های استعماری اخطار و توصیه کرد که برضد مردم مستعمرات استعمال اسلحه نکنند واز فشار و جور بمردم خودداری نموده وسائل استقلال مستعمرات را هر چه زودتر تحت نظر ملل متحد فراهم سازند.

استقلال مستعمرات : مجمع عمومی قرارهای پیشنهادی کمیتهٔ خاص اعطای استقلال بمستعمرات را مبنی‌بر لزوم اعطای استقلال به **رودزیای شمالی ، نیازالند ، زنگبار وموزامبیك ، کینیا ، انگولا ، رود ـ زیای جنوبی ، افریقای جنوب باختری ، با سوتولند ، بکوانالید ، و سوازیلند** تصویب نمود (موضوع پنج کشور اخیر در کمیتهٔ چهارم

استقلال گینه باختری (ایریان) بدست ملل متحد : مراسم خداحافظی دکترپواتیل آخرین‌حکمران‌هلندی گینه با رالزبنت نماینده‌خاص دبیر کل ملل متحد ـ باحضور نیرو های ملل متحد ـ درسمت چپ ژنرال سعیدالدین خان‌پاکستانی فرمانده نیروی امنیت‌ملل متحد دیده میشود.



دورهٔ اجلاسیهٔ هفدهم مجمع عمومی بتصویب رسید) .

۱۸ دسامبر ــ قیمومیت : مجمع عمومی قرار پیشنهادی ۱۳ دولت را راجع به تکرار شناسائی استقلال و حاکمیت انگولا و محکوم شناختن عملیات پرتقال و منع فروش اسلحه به پرتقال و تأکید به پرتقال در استخلاص زندانیان سیاسی تصویب کرد .

۱۹ دسامبر ــ کره : مجمع عمومی قرار مصوبهٔ کمیتهٔ اول پیشنهادی ۱۵ دولت را راجع به لزوم ادامهٔ کار UNCURR و تأکید به کره شمالی در قبول تصمیمات ملل متحد تصویب کرد .

ــ تعیین سال همکاری بین‌المللی وبیستمین سال تشکیل ملل‌متحد : مجمع عمومی تصمیم گرفت که سال ۱۹٦۵ را که بیستمین سال تشکیل ملل‌متحد است سال‌همکاری بین‌المللی اعلام نموده و در تمام جهان مراسم و جشن هائی بر پا شود و اقداماتی بعمل آید و برای اجرای این نظر کمیته‌ئی خاص از ۱۲ عضو از اعضاء ملل متحد تأسیس نمود .

۲۰ دسامبر ــ مجارستان : مجمع عمومی قرار پیشنهادی کمیته خاص رسیدگی بموضوع مجارستان را مبنی براقدام دبیرکل در رفاه حال مردم مجارستان بهرطریقی‌که ممکن میداند تصویب نمود .

۲۱ دسامبر ــ دادگاه‌بین‌المللی دادگستری : درمورد شکایت جلسه علیه افریقای جنوبی و شکایت‌لیبریا علیه افریقای جنوبی رای صادر کرد.

۲۸ دسامبر ٦۲ ــ ٤ ژانویه کنگو : نیروی هوائی ملل متحدنیروی هوائی کاتانگا را که مانع پیشرفت نیروی ملل متحد و برقراری نظم بود و شامل دو هواپیمای جنگی بود از کار انداخت ولی هفت هواپیمای ملل متحد (ONUC) ویك‌هواپیمای شکاری آن نیز آسیب‌دید و تلفاتی به نیروی ملل متحد وارد آمد .

۳۰ دسامبر ــ ایرمان باختری: ژنرال **جانی** فرمانده‌کل قوای‌اندونزی برای دیدار سه روزه وارد هولاند شد .

۳۰ دسامبر ــ آوارگان : تعدادآوارگان بی‌مسکن بسبب‌مساعی ملل متحد دراین تاریخ از ۶۵۰۰۰نفر درآغاز سال (اول ژانویه ۱۹٦۲) به ٤۵۰۰۰ نفر رسید و ۴۰۰،۰۰۰ر۵ دولار اعتبار برای تهیه مسکن برای ۲۷۰۰۰ نفر بتصویب رسید که‌جزئی است از ۶،۸۰۰،۰۰۰ دولار بودجه سال ۱۹٦۳ برای کمك بآوارگان ملل متحد درسال ۱۹٦۲ به آوارگان الجزیره ، انگولا درکنگو(لئوپولدویل) توگو ، رواندا ، چین، تبت ،کامبودیا، پاکستان جزائر کارائبین و امریکای لاتن کمك کرده است .

۳۱ دسامبر ــ ایریان باختری: پرچم اندونزی (بجای پرچم هلند)در کنار پرچم ملل متحد قرارداده شد.

۱۹٦۳

۱ ژانویه ــ کنگو : ورود نیرو های ملل متحد به **جادوت ویل**

۲ ژانویه ایریان باختری : فرمانروای ملل متحد درایریان‌رابطه رادیوئی مستقیم بین هولاندیا و جاکارتا برقرار کرد .

٤ ژانویه ــ کنگو : نظم کامل درتمام سرزمین کاتانگا و کنگوبدست روابط عادی بین لئوپولدویل و نیروهای ملل متحد برقرار گردید و الیزابت‌ویل برقرار گشته کاتانگا در تحت اداره ملل متحد قرار گرفت و ONUC که قیمومیت کنگو را از ۱۹٦۱ در عهده‌گرفته بودآنرا درتمام کشور صورت واقعیت داد .

۷ ژانویه ــ کوبا : کوزنتسوف معاون وزارت خارجه شوروی و **استونسون** نماینده ثابت‌امریکادرملل متحد از اقدامات و مساعی دبیرکل درکمك بدو دولت در رفع‌اختلافاتی که صلح جهانی را بخطرانداخته بود تشکر کردند .

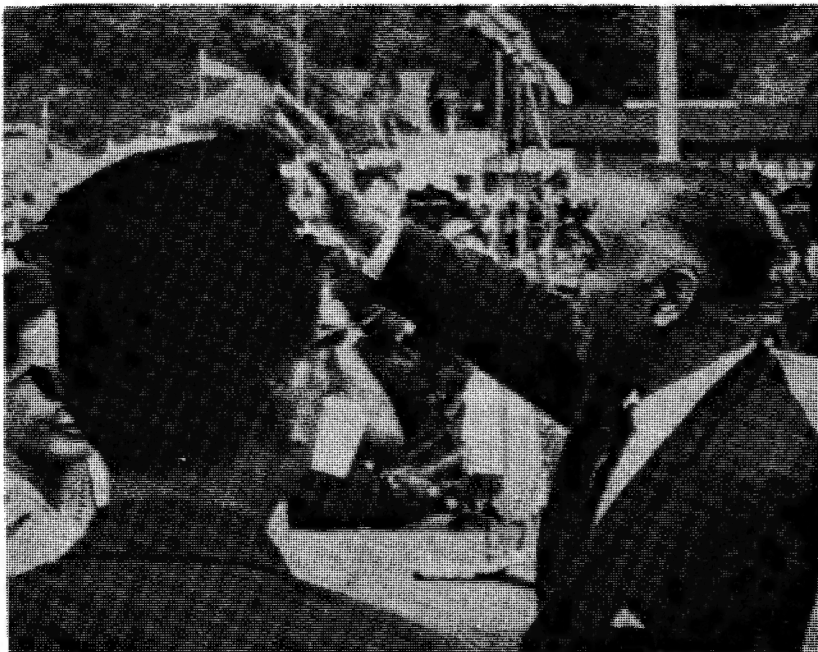
۱۳ مارس ــ هلند و اندونزی : روابط‌دیپلماسی بین هلند واندونزی که قطع شده بود باردیگر برقرار گردید .

۱۰ آوریل ــ شکایت سنگال : سنگال از پرتقال شکایت کردکه‌چهار هواپیمای جنگی پرتقال در ۸ آوریل بخاك سنگال تجاوز کرده بر روی قریه **بوگ‌نیاك** بمب فرو ریخته‌اند .

۲۳ آوریل ــ ایریان باختری : فرمانروای ملل متحد در ایریان در جلسه خاصی شورای تازه گینه نو نطقی ایراد کرد .

۲٤ آوریل ــ شکایت سنگال :

دکتر جلال عبده حکمران‌ایریان باختری از طرف ملل‌متحد



شورای امنیت قرار پیشنهادی مراکش و غانه را مبنی برابراز تاثر و تاکید به پرتقال در رفع تجاوز به سنگال تصویب کرد .

۲۹ آوریل ــ ایریان : چاکر اوارتی ناراسیم هان نماینده شخص دبیرکل برای تحویل حکومت بـه ایریان وارد شد .

۱ مه کنگو : رابرت گاردینر رئیس عملیات ملل متحد وظائف خود را به **ماکس‌دورسین‌ویل** تحویل داده و خود بسمت دبیر اجرائیه‌کمیسیون اقتصادی افریقا منصوب گردید .
ثبت شده در دفتر

ــ آوارگان فلسطین : تعدادنفرات تا این تاریخ ۱٫۲۰۴٫۰۶۲ نفر یعنی ۳۴٫۱۸۳نفرنسبت بسال‌پیش‌افزایش نشان داد .

جمع هزینه کمك به آوارگان فلسطین در ۱۹۶۲ بالغ بـر ۳۵٫۷ میلیون دولار بود .

ــ اندونزی : طبق ماده ۲۲پیمان ۱۵ اوت ۱۹۶۲ دکتر جلال عبده‌مدیر UNTEA حکومت ملل متحدرا درایریان پایان داده پس از انجام انتخابات حکومـــــت را به نماینده جمهوری اندونزی واگذاشت و نیرو های ملل متحد نیزپس ازآن‌سرزمین مزبوررا ترك گفتند . دکتر جلال‌عبده نیز ایریان را ترك گفت :

۵ مـه ــ شکایت هائیتـی : هائیتی از تجاوزجمهوری دومینیکان بمرز آن کشور بعنوان خطری بصلح و امنیت بین‌المللی بشورای امنیت شکایت کرد و تقاضای تشکیل فوری جلسه شورای امنیت را نمود و چون پس از این سازمان محلی دولتهای امریکائی (OAS) برای حل‌اختلاف مشغول اقدام شد شورای امنیـت شور دراینموضوع را متوقف‌داشت.

۱۰ مـه ــ استقلال مـالتا : کمیته خاص استقلال مستعمـرات قراری صادر و طتق آن تصویب‌کرد که باید برای استقلال جزیره **مـالتا** ازطرف مجمع عمومی اقدام لازم‌بعمل آید .

ــ استقلال عـدن : کمیتــه مخصوص استقلال مستعمرات پس‌از استماع سخنان و شکایات‌نمایندگان مردم عدن تائید کرد که باید حقوق مردم عدن و استقلال عدن شناخته شود و بدولت انگلیس تاکید شودکه زندانیان سیاسی را آزاد نموده و رهبران‌سیاسی تبعید شده را که به عدن بازگرداند .

و یك کمیته فرعی متشکل از پنج دولت را مامور اقدام درموضوع عدن کرد .

۱٤مهـ عضویت : کویت‌بعنوان یکصد و شانزدهمین عضو ملل متحد پذیرفته شد .

۳۱ مه ــ بودجه : مبلـــــغ ۹۱۸٫۲۱٫۵۲۱٫۸۹ دولار بودجـه ملـل متحدبرای سال۱۹۶۳و۳۵٫۶۱۱٫۹۶ دولار برای سال ۱۹۶٤ بتصویـب رسید .

۲۱ ژوئن ــ کنگو : تعداد نیرو های ملل متحد در کنگو که حداکثر درفوریه ۱۹۶۳ به ۱۹٫۷۹۸ نفربالغ بود تقلیل داده شده دراین تاریخ به ۸٫۳۸۲ نفر وسید .

ــ کنگو : ٤۸ قاضی‌از۱۲کشور مختلف ازطرف ملل متحد برای‌کمك بحکومت جدید کنگـو در برقراری عدالت و اداره امور قضائی مامور کنگو گردیدند .

اعضاء سازمان ملل متحد
(تا ماه سپتامبر سال ۱۹۶۳ ــ ۱۱٤ کشور)

---

۱ * اتحاد افریقای جنوبی
۲ افغانستان
۳ اردن
٤ * آرژانتین
۵ اسپانیا
٦ اسرائیل
۷ * استرالیا
۸ اطریش
۹ * اکوادر
۱۰ آلبانی
۱۱ الجزایر
۱۲ * السالوادر
۱۳ ایسلند
۱٤ * امریکا (ایالات متحدهٔ امریکای شمالی)
۱۵ اندونزی
۱٦ * انگلستان
۱۷ * اوروگوای
۱۸ * اوکراین «جمهوری شوروی سوسیالیستی»
۱۹ ایتالیا
۲۰ * ایران
۲۱ ایرلند
۲۲ * برزیل
۲۳ بروندی
۲٤ برمه
۲۵ * بلژیك
۲٦ بلغارستان
۲۷ * بلیوی
۲۸ پاکستان
۲۹ * پاراگوای
۳۰ * پاناما
۳۱ پرتغال
۳۲ * پرو
۳۳ تانگانیکا
۳٤ تایلند «سیام»
۳۵ * ترکیه
۳٦ ترینیداد
۳۷ توباگو
۳۸ تونس
۳۹ توگو
٤۰ جمهوری افریقای مرکز ی
٤۱ * جمهوری دومینیك
٤۲ * جمهوری شوروی ــ روسیه سفید
٤۳ جامائیکا
٤٤ جمهوری کره
٤۵ جمهوری گینه
٤٦ * جمهوری متحده عرب «مصر سابق»
٤۷ چاد
٤۸ * چکوسلواکی
٤۹ * چین
۵۰ * حبشه
۵۱ * دانمارك
۵۲ داهمی
۵۳ رومانی
۵٤ رواندا
۵۵ * زلاند جدید
۵٦ ژاپن
۵۷ ساحل عاج
۵۸ سوئد
۵۹ سودان
٦۰ * سوریه
٦۱ سنگال
٦۲ سیرالئون
٦۳ سیلان
٦٤ * شیلی
٦۵ * شوروی «اتحاد جماهیر سوسیالیستی»
٦٦ صومالی
٦۷ * عراق
٦۸ * عربستان سعودی

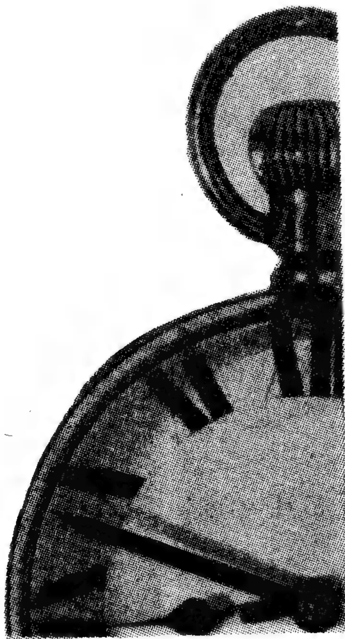
۶۹ غنا
۷۰ فدراسیون مالایا
۷۱ * فرانسه
۷۲ فنلاند
۷۳ * فیلیپین
۷۴ قبرس
۷۵ کامبج
۷۶ * کانادا
۷۷ کمرون
۷۸ * کوبا
۷۹ کنگو (برازاویل)
۸۰ کنگو (لئوپولدویل)
۸۱ * کلمبیا
۸۲ * کستاریکا
۸۳ * گواتمالا
۸۴ کویت
۸۵ گابون
۸۶ گینه‌ی جدید
۸۷ لائوس
۸۸ * لبنان
۸۹ * لوگزامبورك
۹۰ لیبی
۹۱ * لیبریه
۹۲ لهستان
۹۳ مالی
۹۴ ماداگاسکار
۹۵ مراکش
۹۶ * مکزیك
۹۷ مغولستان
۹۸ موریتانیا
۹۹ مجارستان
۱۰۰ نپال
۱۰۱ نروژ
۱۰۲ نیجر
۱۰۳ نیجریه
۱۰۴ * نیکاراگوا
۱۰۵ ولتای علیا
۱۰۶ * ونزوئلا
۱۰۷ * هائیتی
۱۰۸ * هندوراس
۱۰۹ * هندوستان
۱۱۰ * هلند
۱۱۱ یمن
۱۱۲ * یوگوسلاوی
۱۱۳ یوگاندا
۱۱۴ * یونان

* اعضای اصلی

اختصارات راجع به بعضی از کمیته‌ها و کمیسیونها و شعب و موسسات متفرع از ملل متحد

کمیتهٔ اداری مامور هم‌آهنگی	ACC
کمیسیون نیروی اتم	AEC
کمیسیون اقتصادی آسیا وخاوردور	ECAFE
کمیسیون اقتصادی اروپا	ECE
کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتن	ECLA
پیمان عمومی تعرفه های گمرکی و بازرگانی	GATT
آژانس بین‌المللی نیروی آتم	IAEA
بانك بین‌المللی توسعه و عمران	IFC
دادگاه بین‌المللی دادگستری	ICJ
کورپوراسیون مالی بین‌المللی	IFC
سازمان مشورتی بازرگانی دریائی بین الدول	IMCO
صندوق بین‌المللی پول	IMF
اتحادیه بین‌المللی مخابرات دور	ITU
کمیسیون ملل بیطرف برای باز- گردانیدن اشخاص بمیهن خود .	NNRP
کمیسیون ملل بیطرف برای نظارت	NNSC
سازمان همکاری بازرگانی	OTC
هیئت عملیات نظامی ملل متحد در کنگو	ONUC
صندوق مخصوص ملل متحد برای	SUNFED
توسعهٔ اقتصادی ملل متحد	UN
کمیسیون ملل متحد برای اموركره	UNCOK
کمیسیون ملل متحد مامور وحدت و احیای کره	UNCOK
نیروی احتیاطی ملل متحد	UNEF
صندوق بین‌المللی احتیاطی‌کودکان و صندوق کودکان ملل متحد	UNICEF
آژانس ملل متحد برای عمران کره	UNKRA
گروه ناظر ازطرف ملل متحد درلبنان	UNOGIL
کمك ملل متحد بآوارگان فلسطین	UNRPR
آژانس ملل‌متحد برای‌کمك وکاریابی آوارگان فلسطین در خاورمیانه	UNRWAPRNE
کمیتهٔ خاص‌ملل‌متحد درمورد بالکان	UNSCOB
کمیته خاص ملل متحد در مورد فلسطین	UNSCOP
کمیسیون موقتی ملل متحد در مورد کره	UNTCOK
اتحادیهٔ پستی بین‌المللی	UPU

سازمان ملل متحد و کارگزاریها (آژانسها و مؤسسات) وابسته بآن.



لحظات حساس در سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد ، این پارلمان بزرگ جهانی درمدت عمر کوتاه خود با لحظات حساس و اوقات تلخ وشیرین روبرو گردیده که یادآوری آنها از قلم خبرنگاری که در تمام این لحظات خود حضور داشته و از علل آشکار ونهان حوادث مطلع بوده خالی از لطف نخواهد بود .

در سپتامبر ۱۹۶۰ ، مقر سازمان ملل متحد در کناره «ایست‌ریور» تمام مشخصات یك دژ نظامی را پیدا کرده بود . صف فشرده‌ای از افراد پلیس در پشت میله‌های آهنی از مجموعه بناهای سازمان دفاع میکردودرهمانحال هلیکوپتری مدام برفراز کناره رودخانه که از آنجا نیمرخ خاکستری رنگ کشتی بالتیکا از دور دیده میشد پرواز مینمود . از همین کشتی رهبران کمونیست برای شرکت در مجمع عمومی پیاده شده بودند .

در مدخل تنها شبکه‌ورودی کارمندان و روزنامه‌نویسانی که عموما به شورای امنیت وارد میشوند بایستی کارت‌مخصوصی که عکس و اثر انگشت‌شان برآن منقوش باشد ارائه دهند. چهاربار در روز ، عبور و مرور در خیابان اول و دوم شریانهای بزرگی که بمقر سازمان ملل مرتبط میشوند تا مدت یکربع ساعت بکلی‌قطع گردید . لیموزین‌های سیاه آژیرکشان باتمام سرعت در حرکت بودند تا شخصیت‌هائی نظیر خروشچف ، ناصر، کادار، تیتو ، کاسترو و غیره را به در ورودی نمایندگان برسانند و درخاتمه جلسات آنها را دوباره بجای خود برگردانند . هریك از آنها هدف بسیار مناسبی برای ده ها هزار پناهنده‌سیاسی مجار ، کوبائی و ضدکمونیست از هر ملیتی بود .

داخله بناها منظره‌ای غیرعادی داشت . سالنهای بزرگ که معمولا در آن سیاحان ـ شهرستانی‌ها، اطفال مدارس ، خارجیها ـ وول میزنند و مقر سازمان ملل در نیویورك برای آنها جاذبیت خاص دارد بکلی خالی بود و توده تماشاچی و همچنین افراد خانواده و دوستان دیپلماتها که در جلسات مجمع عمومی حضور بهم‌میرسانند از ورود باین سالنها منع شده بودند .

در عوض، هجوم ۱۶۰۰ خبرنگار ، که از ۶۳ کشور برای کسب خبر از آنچه امریکائیها « بزرگترین نمایش روی زمین » نام نهاده بودند تمام دالانها و سرسراها را هم به‌صورت سالنهای خبرنگاری در آورده بود . سخنرانیهای‌مفصل فیدل کاسترو وپرخاش‌های نیکیتا خروشچف از بیست ایستگاه تلویزیونی پخش می‌شد .

در تالار مجمع، مذاکرات که معمولا با سنگینی و وقار جریان دارد خیلی زود به داد و قال و هیاهوی نیمه دائمی تبدیل گردید و فردریك‌بولند، رئیس ایرلندی جلسه خیلی باشکال بکنترل مذاکرات‌موفق میشد .

درخلال همین مذاکرات بود که چکش ریاست او دونیم شد . قصد خروشچف به برهم زدن مذاکرات پارلمانی ملل متحد موقعی برملا شد که داگ‌هامرشولد برای دفاع از اساسنامه دبیرخانه دربرابر جمله رهبر شوروی که درخواست انحلال آنرا می‌کرد رشته سخن بدست گرفت. بعد از سکوتی کوتاه، نمایندگان بتقاضای داگ‌هامرشولد که از آنها خواسته بود بین یك دبیر کل مستقل یا یك دبیر کل دست‌نشانده یکی را انتخاب کنند، بعلامت‌اعلام انتخاب‌شان از جا بلند شدند و برای او بشدت کف زدند . نیکیتا خروشچف با مشت به تخته جلوی صندلیش کوبید وازاین حرکت آندره گرومیکو وهمه نمایندگان کمونیست تقلید نمودند .

و او بسرعت به تکمیل این صحنه‌سازی پرداخت‌ومدام بمیان صحبت‌ها میدوید و به نمایندگان درحین سخنرانی‌هایشان توهین میکرد و ناسزا می‌گفت چنانکه‌هارولدمکمیلان هم موقعی که طرح‌خلع سلاح عمومی چندمرحله‌ای راپیشنهاد می‌کرد از این توهین‌بی‌نصیب نماند و بژست‌ها و حرکاتی متوسل می‌گشت که صحنه مشهور لنگه‌کفش نمونه‌ای از آن بود .

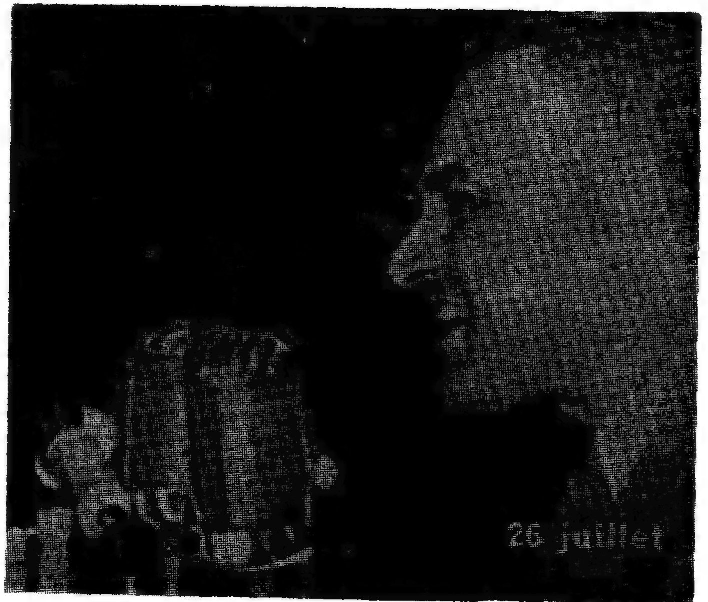
در ۱۲ اکتبر ، دیپلماتها وروزنامه‌نگاران ، رئیس‌دولت اتحاد جماهیر شوروی رادیدند که کفش پای چپش را بیرون آورد و آنرا بروی میزکوبید و بعد با دست سناتور جوانی از فیلیپین را که از امپراتوری مستعمراتی شوروی در اروپای مرکزی سخن می‌گفت تهدید نمود .

چند لحظه بعد ، دکتر مانسکو نماینده رومانی که آشکارا مامور حرکات خنده آور و مانورهای دیگر برای برهم زدن جلسه بود مستقیما

پس از امتناع دولت امریکا ازاعطای کمکهای مالی بـه‌سد اسوان ، ناصر در اسکندریه در مقابل یکصد و پنجاه هزار مصری اعلام کرد « کمپانی بین‌المللی کانال سوئز دیگر وجود ندارد ، ما آنرا بنفع مردم‌ملی می‌کنیم کانال از امروز بما تعلق‌دارد، کاملا بما »



برنارکوردنوژانتی نماینده دائمی فرانسه در سازمان ملل -(چپ در حال مذاکره بـا **هنری‌کابوت‌لاج** نمایندهٔ امریکا) در خـواست تشکیل‌کمیسیون امنیت کرد . فرانسه وانگلیس میخواستند ناصـر را محکوم‌کنند و امریکـا نقش میانجی را بازی کرد .





دو وزیـر خارجـه **کریستیان پینووسلوین لوید** (چـپ در حال مذاکره با محمودفوزی) به کمیسیون امنیت پیشنهادکردندتوصیه‌ای بمصر بشود مبنی بر عدول از تصمیم‌متخذه کـه **محمودفوزی** آنرا رد کرد .

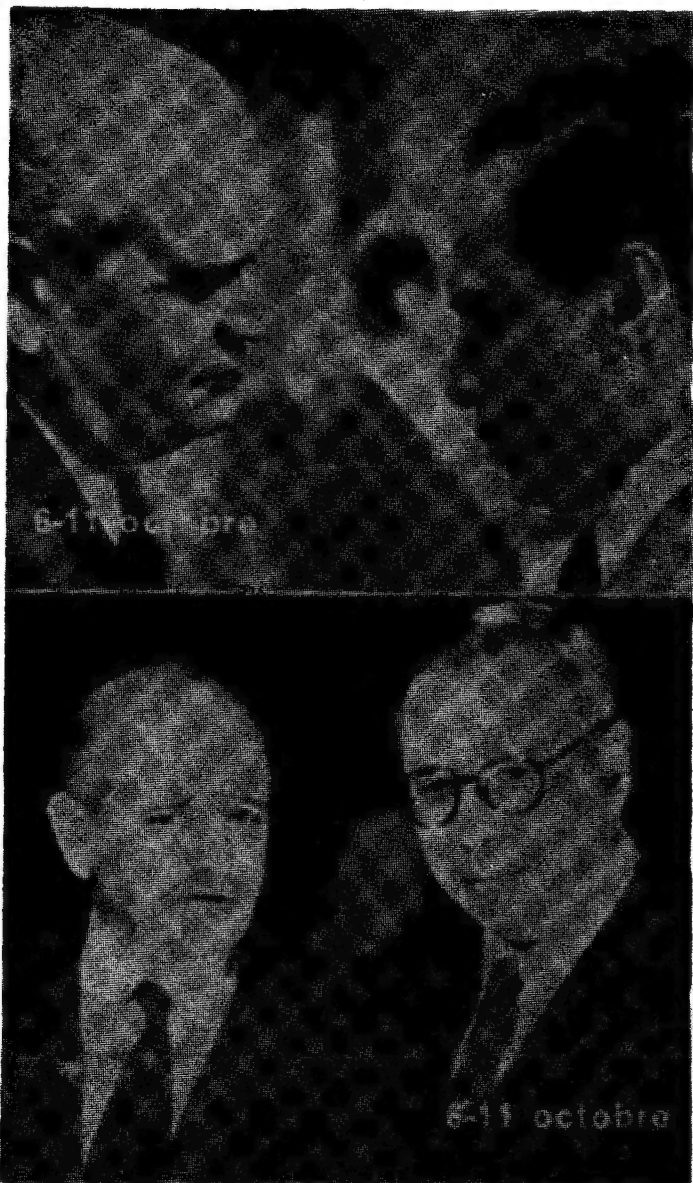
پرزیدنت بولند را مخاطب‌قرار داده و شروع به اهانت به ایرلند کرد . فردریك بولندکه رنگ و روی سرخی دارد ، صورتش از خشم تیره شد و فیش‌هائی که تریبون را به دستگاه پخش صوت وصـل می‌کرد از جا کند و با این حرکت از پخش صدای دکتر مانسکو جلوگیری‌نمودوتعطیل جلسه را با ضربه چنان شدیدی اعلام کرد که چکش او چند تیکه شد .

نیکیتا خروشچف مانور های خود را به تالار مجمع محدود نساخت ، و بطـور خستگی ناپذیر متناوبا شوخی و تهدید می‌کرد و از صبح تا شام دسته‌ای از روزنامه‌نگاران را بدنبال می‌کشید و برای‌آنها بـا پیراهن آستین کوتاه از بالکون عمارت هیأت نمایندگی شوروی در پارك آونیو یا جلوی شبکه‌محل‌اقامت‌تابستانی گلن‌کو برای آنها سخنرانـی می‌نمود و در کوکتل‌هـای سیاسی که حتی یکی از آنهارا هم رد نمیداد حکایت‌هـای خوشمزه نقل می‌کرد .

نخست‌وزیر شوروی در این بازی فیدل‌کاسترو را هم بعنوان همکار انتخاب کرده بود که در اولین جلسه مجمع با حرارت هرچه تمامتر او را درآغوش کشید رهبر کوبائی نه‌تنها نطق‌های معروف چهار پنجساعته خود را به تریبون سازمان ملل منتقل کرد بلکه بدبیر کل سازمان اخطارنمود که فورا مسئله جا و مسکن او را برای وی حل کند . روز دوم مجمع ، فیدل کاسترو بهمراه ستاد خود که مثـل خودش ریشووملبس بلباس‌های نامرتبی بودند به‌حیاط‌دبیرخانه وارد شد و درحالیکه یك‌تشك بادی حمایل کرده بود ، در آسانسوری که بدفتر داگ ـ

عمرلوفتی (چپ) نماینده دائمی مصر در سازمان ملل متحدسعی دارد موافقینی پیدا کند .

عمرلوفتی در حال مذاکره با نماینده شوروی **ارکادی سوبولو** در کمیسیون امنیت روسها اعلام کردند که کمپانی سابق سوئز دژ مستحکمی بود برای استثمار .



هامرشولد در اشکوب سی و هشتم بالا می‌رفت چپید و گفت هیات نمایندگی کوبا دیگر یك لحظه هم در هتلی که برای او تعیین شده نخواهد ماند . صاحب این هتل نه‌تنها کرایه را پیشکی از او خواسته بلکه ورود آنها را به سالن غذاخوری قدغن کرده چونکه کراوات نداشته‌اند.ونمایندگان کوبا خواسته‌اند در اطاقهای خود جوجه سرخ کنند ولی همسایگان بصدا درآمده‌اند.

فیدل‌کاسترو در محله هارلم سکونت می‌کند

دکتر بونچ‌که عنوان او « معاون دبیر کل در مسائل سیاسی خاص» میباشد و هرگز با چنین مسائلی روبرو نشده بود ، از طرف داگ‌هامرشولد مامور گردید بلافاصله برای رهبران کوبا منزلی درخور آنها پیدا کند . و او بوسیله تلفن موافقت چندین هتل را در مجاورت سازمان ملل‌جلب نمود اما فیدل کاسترو آنها را یکی بعدازدیگری رد کرد و از طرف هیات نمایندگی کوبا اعلام نمود که به هتل ترزا در قلب محله هارلم که محله سیاه‌پوستان نیویورك است نقل مکان خواهد کرد و مسلما در آنجابگرمی‌ازاواستقبال خواهد شد . نیکیتا خروشچف درمدت اقامت وی درآنجا از اوبازدید نمود و پلیس نیویورك ازدیدن کاسترو که از بالکن هتل ترزا برای سیاهان و پورتوریکی‌ها سخنرانی میکرد و سخنرانی های او حتی بلوای کوچکی براه انداخت در نگرانی شدید بسر می‌برد .

پنج شخصیت بزرگ به این بازیها کمابیش با نظر مساعدی می‌نگریستند ولی در آن‌مداخله نمی‌کردند . اینهارا «پنج‌مؤبد» می‌نامیدند و این عنوان یك سال بعد در بلگراد بعنوان‌ساده‌تر «غیرمتعهدین» تبدیل گردید آقایان نهرو ، ناصر، تیتو، سوکارنو ونکرومه روزانه و معمولا در سر میز غذا با یکدیگر انجمن‌میکردند و معتقد شده بودند که‌ماموریت مقدسی برای ایجاد آشتی و تفاهم بین دو رهبر بزرگ‌شرق و غرب دارند . اما از همان نخستین جلسه مجمع معلوم شد که این ماموریت مقدس مورد قبول قرار نگرفته و صحنه سازی دقیقی که بر سر قضیه هواپیمای یو دو بمعرض اجرا نهاده شد از ملاقات احتمالی بین خروشچف و ایزنهاور جلوگیری کرد .

کار کردن در سازمان ملل ، بهر عنوان که باشد یك نحو زندگانی علیحده‌ای در نیویورك بوجود میآورد . این سازمان خلاصه و عصاره همه کشورهای جهان است در آن ممالك و حتی قاره‌ها علیرغم تیرگی‌هائی در روابط سیاسی و تندیهائی که ممکن است در سالنهای کنفرانس رد و بدل گردد گاهی با رشته علایق محکمی بهم پیوند خورده‌اند . بعداز خاتمه ساعت کار باشگاههای کثیری بسبك باشگاههای انگلوساکسن اوقات فراغت این سیاستمداران دور از وطن را اشغال می‌کنند . گروه‌ها دسته‌ها درکافه وسیعی که‌چشم‌اندازش دریاست‌وقایقها و کشتیهای باری و جنگی و گاهی هم یك کشتی بادبانی روی آن درحرکتند بهم ملحق میشوند .

سالن بزرگ نمایندگان که دیوارهای شیشه‌ای مورب آن به تنها باغ بسبك‌فرانسوی نیویورك مشرف است نه‌تنها میعادگاه دیپلماتها بلکه روزنامه‌نگاران «دائمی» و یك توده خوشگذران است که ارتباط‌هائی با دستگاه سازمان دارند و سر و کله آنها شب درکوکتل‌هادوباره پیدامیشود. کارمندان بین‌المللی جمعه شب در این مکان آسوده که « سالن نمایندگان شمال » در مقابل «سالن نمایندگان‌جنوب» نام دارد اجتماع می‌کنند و

سالن اخیر چون مجاورسالن شورای امنیت است کمتر در آن آمد و رفت میشود . تمام نیویورك سعی میکند روز انتخابات که بارهای شهر تعطیل هستند بهاین سالن‌دعوت شوند .

کارمندان سازمان هم از توفانهای سیاسی‌برکنارنمیمانند و بهمین سبب کارمندان و روزنامه‌نگاران فرانسوی و انگلیسی درموقع‌حادثه سوئز و بلژیکیها در اولین مرحله حوادث کنگو عملا از طرف همکاران خود تحریم شدند . ولی شورویها حتی در وقایع بوداپست هم چنین عکس‌العملی نسبت بخود مشاهده نکردند .

اما تقارن غم‌انگیز عملیات جنگی در سوئز با شورش‌مجارستان، سازمان ملل و همه ساکنان آنرا به ناراحتی عصبی‌شدیدمبتلا نمود . شورای امنیت و بعد مجمع عمومی فوق‌العاده که مدت سه هفته‌شب و روز بدون انقطاع نمایندگان تشکیل جلسه دادند منعکس کننده همه دلواپسی‌ها ، همه عملیات جنگی و تمام تهدیدها بود .

شوروی میغرید وسازمان ملل برهبری جان‌فوستردالس سعی میکرد آنچه را که در محافل سازمان « آخرین حادثه فتح مستعمراتی » تلقی میشد در نطفه خفه سازد . داگ هامرشولد منشور سانفرانسیسکو را برای‌کوبیدن «مهاجم» برخ می‌کشید وبعد تمام دستگاه سازمان‌مجهزگشت تا در ظرف چهل و هشت ساعت یك نیروی امدادی بین‌المللی آماده نموده و ناوگانی برای لاروبی کانال سوئز کرایه کند .

ایمری‌ناگی استمداد می‌کند

بحران درروزتعطیلی آخر هفته بوقوع پیوست و افکار نمایندگان را سخت بهیجان آورد. در جلسات اولیه‌شورای امنیت با درهای بسته بکار پرداخت . تمام مردان سیاسی و نمایندگان مطبوعات پشت درهای شوری فشار میاوردند. زنهای دیپلماتها بعداز تاتر با توالتهای‌غلیظ بدانجامی‌آمدند و شایع بود جاهای‌تماشاچیان درمقابل بلیطهات اپرت «خانم قشنگ من » که تا بیست و پنج دلار بازار سیاه پیداکرده بود مبادله میشد .

شب سوم و چهارم‌نوامبر ۱۹۵۶ از لحاظ جنبه غم‌انگیز آن از یادها نخواهد رفت . مجمع‌عمومی‌سرانجام‌باهماهنگی کم‌نظیری تصمیماتی مبنی بر وادار ساختن‌نیروهای انگلیسی و فرانسوی و اسرائیلی به‌تخلیه خاك مصر اتخاذ نمود که در همین گیرودار پیام استمداد ایمرناگی توسط دستگاههای خبرگیری مطبوعات به مجمع واصل گشت . خطری وخیم‌تر و هولناك‌تر روی نموده بود . تانکهای شوروی درهمان لحظه‌ای که نماینده شوروی ، ارکادی سوبولف ، کشورهای کوچك را ازپشتیبانی ودوستی مسکو مطمئن میساخت وارد بوداپست شده بودند . سکوتی سراسر تالار را فراگرفت . نمایندگان جاهای خود راترك گفته و برای کسب خبربیرون شتافتند . تانکهای روسی‌بروی مردم شلیك می‌کردند .

هانری کابوت‌لاج، نماینده اتازونی با قدمهای بلند به تریبون بالا رفت تا«آدمکشی شوروی » را اعلام کندوانعقاد جلسه شورای امنیت را برای ساعت سه صبح خواستار شود . در ساعت پنج سوبولف‌که ادعا میکرد « اطلاعات دقیقی‌درباره اوضاع » ندارد تصمیم شورا را که مبنی بر درخواست عقب‌نشینی نیروهای شوروی‌از مجارستان بود وتو کرد . در ساعت پنج و بیست و دودقیقه، مجمع فوق‌العاده درباره مجارستان منعقد شد و این‌قضیه هم به بحران سوئزمزیدگردید. ولی همه فصاحت‌ها وسخنرانی های بلیغ بی‌ثمر ماند زیرا

جنگ و گریزهای‌متعدد محلی در مرزهای اسرائیل و اردن و اعتراض اسرائیل دائر به‌تعرض اردن به خاك آن‌کشور .

بن‌گوریون (چپ) رئیس جمهوری اسرائیل و ژنرال**موشی‌دایان**فرمانده ارتش اسرائیل نقشه جنگ را در صحرای **سینائی** مطالعه‌مینمایند.





باوجود پیام شخصی آیزنهاور به بن‌گوریون دائر به پرهیز از هر نوع عمل غیرقابل جبران، قوای اسرائیل شبانه در صحرای سینائی دسته‌های ارتش مصر مقیم اردن را محاصره کردند ، (سربازان مصری اسیر اسرائیلی !) هدف ژنرال موشن دایان انهدام پایگاههای نظامی مصر در سیناست .

هیچکس جرأت نمی‌کرد به‌عملی علیه روسها دست‌زند .

سازمان ملل شب های بحرانی دیگری را هم بخود دید . نوسانهای متوالی بحران کنگو باعث تشکیل جلسه‌های پرشور این سازمان بین‌المللی گردید . یکی از جلسه‌ها که گذشته از غم‌انگیزی آن برای عملیات سازمان در کنگو جنبه حیاتی داشت‌جلسه شب ۲۱ تا ۲۲ آوریل ۱۹۶۱ بود که در طی آن نمایندگان از حادثه‌ناگوار دیگری اطلاع یافتند .

توضیح آنکه اجازه مصرف‌اعتبارات مقارن نیمه‌شب منقضی می‌گشت و میبایستی تدابیرتازه‌ای‌برای تامین‌مخارج حفظ نیروهای سازمان ملل در کنگو اتخاذگردد و درحالیکه تمام انحاء تهیه پول بمانع اکثریت دوثلث برخوردمیکرد، دستگاه خبرگیری خبرگزاری فرانس‌پرس اطلاع داد که ارتباطات میان‌پاریس‌والجزیره قطع گردیده . این گزارش اضطراب‌آوربسرعت در راهرو ها و سالنهای مجمع عمومی منتشر گشت . و درموقعیکه کمیته‌های تحریریه هنوز برای پیدا کردن فرمولی که نگاهداری نیروهای سازمان را درکنگو مجاز سازد درتلاش بودند روزفرا رسید و سرانجام درساعت هفت بامداد تصمیم به تامین مخارج عملیات سازمان در کنگو تصویب شد و با این تصمیم جلسه مجمع عمومی که از هفت‌ماه پیش یکسره ادامه داشت پایان یافت . اما این تصمیم هیچ تسکینی برای فرانسویهای حاضر در جلسه پدید نیاورد . چه افکار آنها متوجه مدیترانه بودکه ناگهان منافع آنها را در معرض تهدید

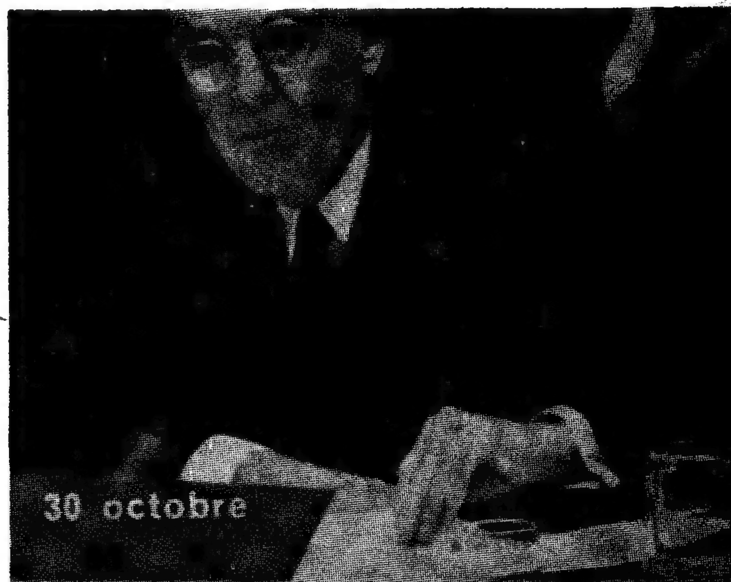
های مرموزی قرار داده بود .

لومومبا ، مرده بزرگتر از زنده

مذاکرات راجع به کنگو که اعضای سازمان را مانندیك جنگ‌مذهبی بر سر شوق‌آورده بود گاهی عکس‌العمل هـای غیرمنطقی‌ای ببار می‌آورد . شورای امنیت در ١٦ فوریه ١٩٦١ ، چند روزی پس‌ازخبر قتل پاتریس لومومباکه گروه های افریقائی و آسیائی را سخت بخشم‌آورده بود جلسه‌ای تشکیل داد .

ادلای استیونسون درطی نطقی از شورا داشت تقاضـا می‌کردکه از مساعی خودبرای استقرار صلح از راه تفاهـم بین‌الاثنین دست‌برنداردکه در همین اثنا همهمه بی‌سابقه‌ای از جایگاه تماشاچیان برخاست تمام جایگاه‌ها را سیاهـــان امریکائی اشغال‌کرده بودند که بسیاری از آنها زن بودند همه بامشتهای گره کرده ازجا برخاستند و زنها با فریادهای خشن داد میزدند : « امریکای قاتل ! استیونسون آدمکش ! » بعضی ازدولتهای‌جنوبی امریکا درآنموقع دستخوش احـساس نژادی شدیدی بودندکه براثر مبارزه جهانی‌برای از بین‌بردن امتیازهای نژادی بدانها دست داده بود . سیاهان امریکا که استقلال افریقا را بمنزله‌انتقامی از خفت‌های متحمله می‌دانستند قتل قهرمان کنگو را برای برپاکردن این تظاهرات مغتنم شمرده بودند .

نگهبانان سازمان که از حیث وقار وهوشیاری‌وزرنگی و همچنین ادب معروف‌اندسعی کردند تظاهر کنندگان را از جلسه خارج کنند ولی باخشم و فریاد آنها مواجه شدند و چندین ضربه مشت و حتـی ضربات چاقو و زنجیـرهای دوچرخه نوش‌جان کردند و زنها با دندان بجان‌شان افتادند. اعضای شورا خیره خیره باین منظره می‌نگریستنـــد ادلای استیونسون از همکاران خود ازجهت غلبه‌احساس‌هم‌میهنانش پوزش خواست . سیاهان دیگر تالار شورا را اشغال کردند و عده تظاهرکنندگان به شصت نفر رسید و در این معرکه بیست و یك نفر مجروح شدند که هیجده نفر از نگهبانـان





شـوروی اسرائیـل ، انگلیس و فرانسه را تهدید بموشك کرد . **دیمتری‌شپیلوف** بـه کمیسیون امنیـت پیشنهاد میکند کـه اعضای عضو سازمان‌به ارتش مصر کمك‌نمایند.

براثر تقاضای فـوری **ایزنهاور وفوستردالس** کمیسیون‌امنیت‌تشکیل شد تـا نسبت بوضع موجود اسرائیل ومصر رسیدگی نماید .



جلسه فـوق العاده سازمان ملل متحد که طبـق تقاضای **فوستر دالس** اعلام آتش بس پیشنهاد شدو با ٦٤ رای در برابر ٥ رای تصویب شد .

جنگ در شهر ها ادامه دارد ؛ اسرائیل مدعی شد که نیمی از جنوب سینائی را فتح کرده است و مصریها آواره شده‌اند .

خرابکاری لوله های نفت در سوریه ولبنان احتمالا بکمك تکنیسین های شوروی ؛ ناصر کشتی ها را بجانب کانال جمع و جور میکند .

بودند و از آن پس نگهبانان سازمان که برای مدافعه ازخود به‌کشتی جیوجیتسو اکتفا می‌کردند به حمل چماق مجاز گردیدند .

کریشنامنون خود را بمردن زد

یك حادثه تآتری که بهتر است آنرا از نوع کمدی ایتالیائی بدانیم در جلسه دیگری از شورای امنیت در ۱۹۵۷ اتفاق افتاد و هنرپیشه این نمایش کریشنامنون وزیر دفاع هندوستان بود .

منون جرأت کرد آشکارا با مادام پاندیت خواهر نهرو ، موقعی که جلسه مجمع عمومی رااداره می‌کرد وگاهی باعصای خود روزنامه‌نگاران جسور را تهدید می‌نمود ، مخالف‌گوئی کند و بحث شورای امنیت درباره مسئله کشمیر را ببهانه بیماری به تعویق اندازد. ولی بالاخره همراه پزشکی که اورا پشت‌سر خود نشاند بجلسه وارد شد و مدت دو ساعت‌سخنرانی کرد . صدای نافذ او گاهی بحد یك زمزمه میرسید و بزحمت شنیده میشد. آنگاه پزشك بمعاینه او پرداخت و نبضش را گرفت . منون بعداز خاتمه سخنرانی بروی میز درغلطید . ولی این امر باز مانع از آن نبود که کمك نگهبانان را که با صندلی چرخ‌دار باو نزدیك شدند با خشم رد کند . پس به کمك عصایش از جابرخاست و چنان هنرمندانه راه خروج درپیش گرفت که یك روزنامه‌نویس هندی حاضر در جلسه گفت دوای بیهوشی کریشنامنون‌دارو های شیمیائی نیست بلکه میکروفون است .

اما همه کسالت‌ها هم مصنوعی نبود و سازمان ملل چندین نماینده خود را از دست داد که یکی از آنها دکتر محمود عزمی نماینده مصربود که بمرگی ناگهانی درگذشت‌و موقعی که ادعانامه‌ای علیه اسرائیل در شورای امنیت قرائت می‌کرد بسکته قلبی‌وفات یافت . اندره ویشنسکی نه در محوطه سازمان ولی در محل اقامت هیات نمایندگی شوروی درگذشت . مرگ او مدتی مخفی نگاهداشته شد ولی‌خبر در دفاتر پلیس پیچید و در مجمع عمومی هنگامی منتشر گردید که پیرمندس‌فرانس مشغول ایراد یك خطابه رسمی بود . نمایندگی شوروی بعدها اطلاع‌داد که اعلام خبر فوت رئیس‌خود را بعلت رعایت احترام به نخست‌وزیر فرانسه بتعویق انداخته . ولی پیر ــ مندس‌فرانس دیگر راجع به مطالب روزنامه‌های آمریکائی که جزئیات زندگانی دادستان مسکو را درج کردند کاری نمیتوانست انجام دهد .

و از طرفی نمایندگان شوروی در سازمان ملل درآن زمان برای‌تماشاچیان‌امریکائی، بخصوص زنها یك نوع جاذبه و افسون خاصی داشتند و از تماشای آنها لذتی را می‌بردند که از دیدن فیلمهای وحشتناك احساس می‌کردند . آندره گرومیکو که تبسم را فقط بعد از چهل‌وپنج سالگی یادگرفت

وبعدا ژاک‌بمالیك دربین مردم انگشت‌نما بودند و این‌دو وقتی فهمیدند که یك گفتگوی تصادفی در سالن نمایندگان‌بین دکتر فیلیپ جسوپ ، عضو هیئت نمایندگی امریکا و «انسان‌شوروی» مالیك‌توانسته است بحران برلن در۱۹۴۸ــ ۱۹۴۹ را حل کند مبهوت گردیدند .

این گفتگوی مشهور که منجر به رفع محاصره برلن گردیددرلاک‌سکسس ، اقامتگاه تابستانی سازمان ملل تا ۱۹۵۱ انجام گرفت . و در همین لاک‌سکسس بود که سلسله «یکشنبه‌های غم‌انگیز» در۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ آغاز گردید . قوای کره شمالی شب هنگام کره جنوبی را اشغال نمودند وترومن رئیس جمهوری‌امریکا بیدرنگ تصمیم گرفت با این حمله مقابله ورزد . اما عمل نیروهای امریکائی میبایستی بعنوان دفاع دسته‌جمعی تلقی شود . و برای انجام این منظور بتصویب سازمان‌ملل‌حاجت‌بود . و تصادفا شوروی از آغاز سال سازمان‌ملل را به‌عنوان‌اعتراض به‌خودداری ازپذیرفتن‌حکومت پکن در سازمان تحریم کرده بود . پس دیگر ترسی هم از وتو وجود نداشت . ارنست گروس ، نماینده علی‌البدل امریکا ، یکشنبه صبح در آشپزخانه خود نامه‌ای بعنوان تریگولی دبیرکل سازمان ماشین می‌کرد که از وی درخواست تشکیل فوری‌جلسه شورای امنیت را مینمود و در همانموقع مادام گروس از همکاران شوهرش که آنها را از بستر بیرون کشیده بودند بصبحانه پذیرائی میکرد و هنگامی که دیپلماتها و روزنامه‌نگاران با عجله از تعطیل آخر هفته بازگشتند و درساعت سه بعداز ظهر بجلسه شورای امنیت رفتند منتظر بودند سر و کله نمایندگان شوروی را درآنجا به‌بینند‌ولی از ژاک‌بمالیك خبری نشد و ملل متحد وارد جنگ کره گردید .

ژنرال‌وو ازتوفان استفاده می‌کند

یك نمایش واقعا‌تماشائی پنج ماه بعد ، در فرودگاه آیدل‌وایلد‌اتفاق‌افتاد . حکومت پکن هنوز کاملا در جنگ‌کره شرکت نورزیده بود و فقط « داوطلبان چینی » در شمال رودخانه یالو اجتماع کرده بودند و لازم بود اندکی صبر کرد تا از مقاصد رهبران کمونیست سردرآورد . تسلیم شکایتی درباره فرمز ، بعنوان بهانه بکار رفت و اکوآتور از چین کمونیست دعوت نمود که هیئتی به‌نیویورك اعزام دارد . هواپیمائی که تمام شب انتظار ورودش‌را می‌کشیدند سحرگاه بزمین نشست‌وهفت‌مردقدکوتاه و دوزن که پشت‌سرهم و حوله بدست حرکت میکردند بروی زمین یخ‌زده قدم نهادند وآنها از پکن دور زمین را گشته و مثل ساکنین کره مریخ در نیویورك فرود آمده بودند . ژنرال‌وو، رئیس‌هیات‌نمایندگی، بجلوی‌میکروفون راهنمائی‌شد. و با صدای زوزه مانند یك رشته سخنان مقطعی گفت که درنظر تماشاگران وحشت زده اعلان جنگ تصور میشد. حال آنکه چنین خبری نبود ووقتی مترجم بیانات او را ترجمه‌کرد معلوم شد که او پیام دوستی ملت چین را بملت امریکا ابلاغ نموده . پس همه نفسی براحت کشیدند . و شاید هم ژنرال‌ماك‌آرتور در گزارشهای مضطرب‌کننده خود دچاراشتباه شده بود .

فردای آنروز میبایستی ژنرال‌وو نطقی دربرابرشورای امنیت ایرادکند. و برای این منظور به لاک‌سکسس رفت . اما طوفانی که از حیث شدت کم سابقه بوددر ناحیه نیویورك وزیدن گرفت و شورا بتعویق افتاد و همه بسمت اتومبیلهای خود هجوم آوردند تا پیش از اینکه برف ودرختهای فرو افتاده جاده را سد کنند سی کیلومتر راه تا نیویورك را به پیمایند ــ کمونیستهای چین از امریکا چندان خوششان نیامده واین کشور زیبائی نیافتند . چند روز بعد از آنها پرسیدند که «داوطلبان چینی» در کره چه کاری انجام خواهند داد . آنها این سؤال را دور از ادب دانسته واز نیویورك رفتند و دیگر برنگشتند .

با اینوصف روزی باز خواهند گشت . ولی سازمان ملل که کمونیست های چین را خواهد پذیرفت باسازمان ملل در۱۹۵۰ خیلی فرق خواهد داشت . زیرا این سازمان یکسره تغییر شکل یافته . ودر حالیکه در ۱۹۵۰ نمایندگان «غیر سفید» آشکارا در همکاران غربی‌خود مستهلك بودند امروز چهره های رنگی از رنگ‌سیاه‌در تالار نمایندگان ودر تالار های وسیعی که مذاکرات دوستانه درآنجا روی میدهد وطرح تصمیمات ریخته میشود اکثریت دارند . زبان فرانسوی که تحت‌الشعاع زبان انگلیسی واسپانیولی‌قرار گرفته بود باورود نمایندگان افریقائی رونق تازه ای پیدا کرده و دروس‌زبان که ازطرف سازمان ملل برای کارمندان خود ترتیب داده شده مضاعف گردیده .

بسیاری از زنان بمشاغل سیاسی دست یافته‌اند ودیگرهمه آنهافقطدر کمیسیون «اجتماعی و حقوق بشر»شرکت نمی‌کنند. دراین کمیسیون روزی یك نماینده انگلیسی که شنیده بود تمام همکاران مؤنثش سخنرانی های خود را باجمله «بعنوان یك همسر و مادر» شروع می‌کنند مناسب دید که نطق خودرا با جمله «بعنوان شوهر وپدر» آغاز نماید .

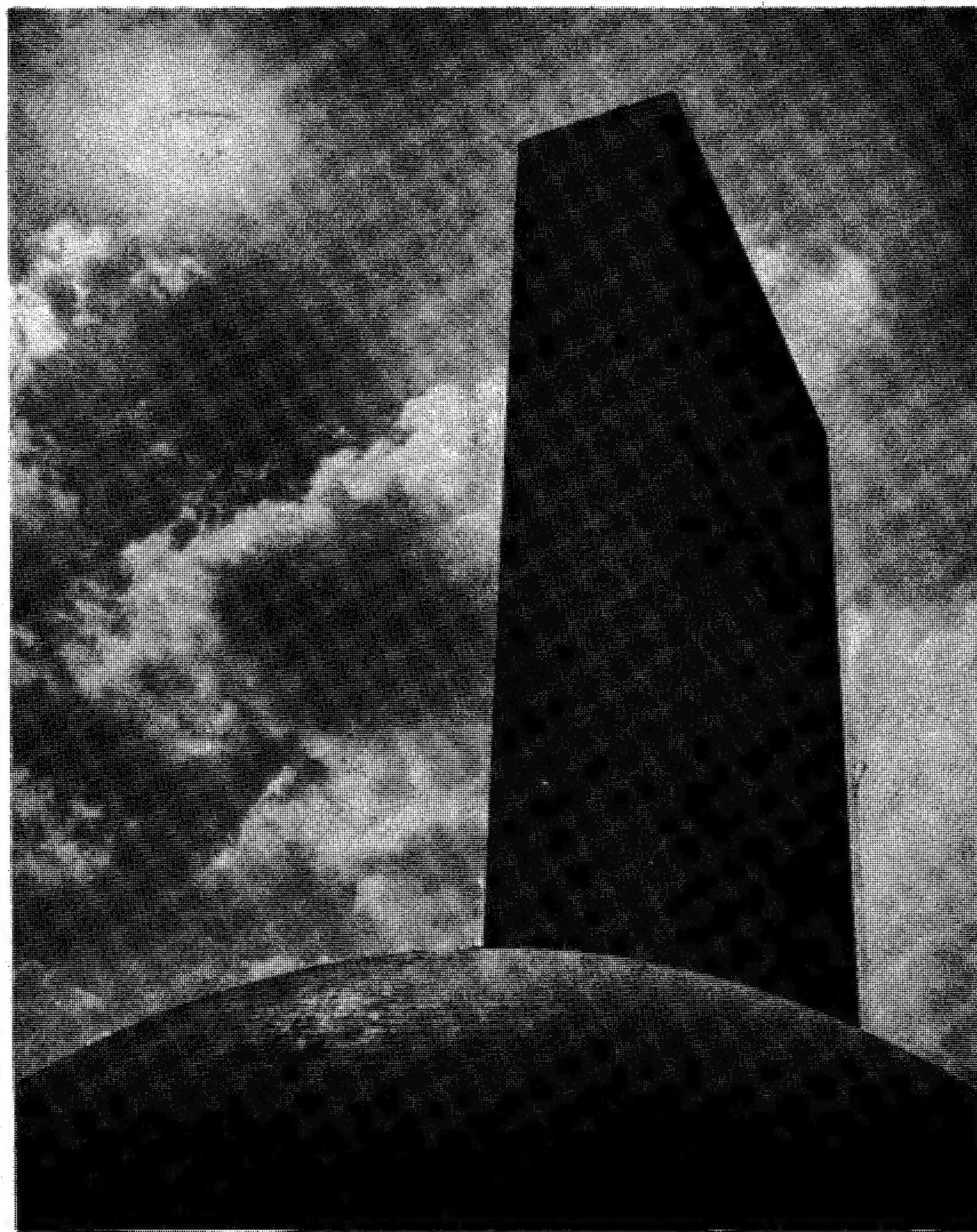
عده‌ای از نمایندگان کشور های جدید در یك ناهاری که هرسال به زنهای دیپلماتهاتوسط گلدامایر وزیر خارجه اسرائیل داده میشود واز هریك از آنها تقاضا می‌کند که کشور خودرا طی چند کلمه معرفی کند باهم آشنامیشوند . سال بسال تعداد مدعوین افزوده میشود و وزیر خارجه اسرائیل هرسال آرزو می‌کند که «سال بعد خواهران عرب ما برای پاره کردن نان‌با مادر اینجا باشند» .

خانم اسوالدلرد ،وارث‌آرد معروف «پیلس‌بری» ومعاون هانری کابوت‌لاج ناهاری در روز عید «هالووین» (جشن جادوگران) داد . خانم لردکه زن بسیار روشنفکری است خواسته بود همکارانش را در این جشن ملی امریکائی که اساس آن از افسانه‌های سلتی سرچشمه می‌گیرد شرکت‌دهد مادام زویامیرونووا ، معاون نماینده شوروی در آن جشن باکمال میل رضایت داد که کلاه کاغذی نوك‌تیزی برسر گذارد و فتیله گربه‌ای شکلی راکه روی میز در داخل یك کدوحلوائی گذاشته شده بود روشن کند .

دبیرخانه کل سازمان هم تغییرات زیادی پیدا کرده . بعد از قتل وحشیانه داگ ــ هامرشولد، «گارد قدیم» کم‌کم جای خودرا به نسل‌های جدید، یعنی به‌کشورهای‌نومی‌سپارد . اندریو کوردیئه بازوی راست تریگولی و بعد داگ‌هامرشولد بعد از هفده سال کاردرسازمان ملل بزندگی‌دانشگاهی‌بازگشته بسیاری از کارمندان درخدمت فرماندهی سازمان در کنگو هستند و در آنجا بعلت تازه بودن نوع حادثه خیلی زود در برابر عظمت و وسعت موضوع و کثرت دسایس احساس ناتوانی در آنها غلبه پیدا می‌کند . شوروی امروز باسروصدای تمام احراز مقامهائی در دبیرخانه سازمان را مطالبه می‌کند و بسیاری‌از کارمندان غربی موقع و مقام خودرا در معرض تهدید می‌بینند . «تروئیکا» راه‌خود را بآرامی باز میکند .

محمود مولوی

آینده سازمان ملل متحد



«اگر افکار عمومی موافق نظری باشد انجام هر امری میسر است و اگر افکار عمومی مخالف آن باشد هیچ امری میسر نیست .

ابراهام لینکلن



دبیر کل سازمان ملل متحد درپیام سالروز ملل‌متحد خطاب بجهانیان گفت :
«وقتی بگذشته برمیگردیم وباین هیجده سال پرحادثه که شامل سالهای طوفانی نیز می‌باشد مینگریم نور امید در دلهایمان درخشان‌تر می‌شود ... ما دراین سازمان جهانی بهم پیوسته‌ایم و چنان اتحادی از خانواده‌های ملل بوجـود آورده‌ایم که تاکنون سابقه نداشته‌است زیرا شماره اعضای سازمان ملل متحد از ۵۱ کشور که آنرا بنیان گذاشته اکنون به بیش از دو برابر افزایش یافته‌است وما اکنون در راه نیل **بهدف بزرگ خود که همان اتحاد تمام ملل جهان است گـام برمیداریم .»**

اما ملل متحد در سالهای آینده بدون مانع واشکال پیش نخواهد رفت زیرا هرچند اقدامات سازمان در زمینه های مختلف در سالهای گذشته اغلب با موفقیت قرین بوده ولی موانع ومشکلات فراوان نیز داشته‌است .

البته سازمان جهانی‌بر تمام‌مشکلات غلبه خواهد کرد و سیر تکاملی خود را طی خواهد نمود فقط وقتی که افکار عمومی مردم جهان که تنها اتکاء و پشتیبان حقیقی آنست از پشتیبانی دریغ نورزد .

تکیه‌ای که ملل متحد بروی افکار عمومی می‌کند وارزشی که سازمان برای افکار عمومی قائل است در همه چیز در منشور سازمان در رسالات منتشـره سازمان ودر گفتار دبیر کل سازمان نمایان است .

مقدمه منشورملل متحد بااین‌جمله :
ما مردم ملل متحد با تصمیم بمحفوظ داشتن نسل های آینده ازبلای جنگ . . .
آغاز می‌شود . دبیر کل سازمان ملل‌متحد همه جا بمردم جهان خطاب می‌کند :
«روی سخن من امروز بدولت‌های عضو سازمان ملل متحد که من خادم‌آنها هستم نیست بلکه **بمردمی است که سازمان ملل متحد متعلق بآنهاست »** پس افکار

عمومی است که میتواند ملل متحد را در راه نیل بهدف بزرگ و مقدس خود که اتحاد تمام ملل جهان باشد مدد رساند .

روزی که سازمان ملل متحد بوجودآمد وسعت وقدرت واهمیت امروز را نداشت . مؤسسات اختصاصی که در منشور پیش‌بینی شده بود یکی پس‌از دیگری ایجاد و آغاز بکار کرد این مؤسسات که در نوع خود در جهان سابقه نداشته‌اند کمك بزرگی بصلح‌وامنیت بین‌المللی کرده‌وبه **بزرگترین عملیات‌تهاتری وپایاپای جهانی دست زده‌اند** . میتوان گفت اهمیت فعالیت های اقتصادی فنی فرهنگی و بهداشتی با اینکه کمتر جلب توجه می‌کند کم از کار سازمان در مسائل سیاسی نبوده مثلا **کمیسیون اقتصادی آسیا و خاور دور که** خود جزئی از شورای اقتصادی واجتماعی سازمان می‌باشد در منطقه‌ای که نیمی از جمعیت جهان در آن سکونت دارند بنفع همه بدون توجه به نژاد و جنس وزبان ومذهب کار می‌کند این کمیسیون **یکی از واحدهای سیستم عظیم همکاری بین‌المللی یعنی سازمان ملل متحد** ومؤسسات اختصاصی آنست .

کار کمیسیون شامل تمام جهات زندگی اقتصادی آسیا: توسعه اقتصادی ، مسائل مربوط به جمعیت ــ صنعتی کردن ، استخراج ، صنایع کوچك ، بازرگانی وا مور مالی ، حمل ونقل وجلوگیری از خطر سیل طرح های مربوط باستفاده از منابع معدنی ، کمك های فنی و کشاورزی، و برنامه های آموزشی‌است از طرفی طبق تصمیم مجمع عمومی **ده ساله ۷۰ ــ ۱۹٦۰ دهه توسعه اقتصادی سازمان ملل متحد** اعلام شد تا فاصله بین ملل‌غنی وملل فقیر از راه توسعه و پیشرفت کلیه شئون اقتصادی کمتر گردد . واحتیاج شدیدی که ممالك در حال توسعــه و جدید الاستقلال به پیشرفت و ترقی این امور خود احساس می‌کنند برآورده شود .

پس سازمان ملل متحد اولین قدم را در راه هدف‌مقدس خود که اتحاد تمام جهانیان خواهد بود پس از رهاندن این ملت ها از قید استعمار نیز برداشته‌است که این جنبه اقتصادی دارد توجه به جنبه اقتصادی این همکاریها که اثرات و نتایج عظیمی در بردارد سازمان را بهدف بزرگ خود خیلی نزدیك خواهد کرد . زیرا **حس رأفت ومودت را میان** مردم دنیا بر خواهــد انگیخت وتمام مقصود اینست که افکار مردم بهم نزدیك شود اما این مطلب که سازمان ملل متحد در آینده چه وضعی ازحیث صوری خواهد داشت و چه شکلی از لحاظ استخوان‌بندی خواهد گــرفت میتوان گفت : بــدون شك در راه سیر تکاملی خود همانطور که دبیر کل در نطق خود گفته‌است باتحاد کامل تمام ملل خواهد انجامید .

برای رسیدن باین درجه تکامل **تجدید نظر در منشور ملل متحد** بمنظور تغییر مسئولیت ها و اختیارات سازمان و



ازدیاد قدرت آن ضروری بنظر می‌رسد . همانگونه که امروز نمایندگان دولت های جهان درمجمع عمومی سازمان گرد آمده‌اند امکان دارد **نمایندگان ملت‌های جهان نیز که مستقیما انتخاب خواهند شد برای شور ومشورت به مجمع عمومی جهانی گسیل گردند** . برای نیل باین مقاصد **طرح یك قانون اساسی جهـانی باید ریخته شود** . زیرا صلح بین‌المللی بدون قانون بین‌المللی امکان پذیر نخواهد بود بخصوص که چنین طرحی بعلت رفع خطرجنگ‌لازم وتدوین آن ضروری است. هم‌اکنون دانشمندانی دست اندر کار تهیه یك چنین قانون اساسی جهانی هستند .

از طرفی منشور ملل متحد در ماده ۳ مجمع عمومی را موظف میدارد بتوسعه قوانین بین‌المللی و تدوین آن بپردازد برای اجرای این امر مجمع عمومی در دسامبر ۱۹۴۶ و نوامبـر ۱۹۴۸ کمیسیون دائمی حقوق بین‌المللی را با شرکت ۱۵ تن از حقوقدانان که در سیستم های مختلف حقوق بین‌المللی تخصص داشتند تشکیل داد این کمیسیون اولین جلسه خود را در ۱۹۴۹ تشکیل داده واز آنسال ببعد بچند مسأله جهانی دقیقا رسیدگی وگزارش آنرا برای تصویب تقدیم مجمع عمومی نموده‌است . از جمله آن مسائل : فلات قاره جنایات علیه صلح وتکالیف دول و غیره می‌باشد .

این تصمیم قدم دیگری در راه عمومیت دادن باقدامات سازمان بوده خود نوید بزرگی است همینطور بمنظور برقراری یك سیستم امنیت دسته جمعی بنیان گذاران منشور لزوم تشکیل یك نیروی نظامی بین‌المللی را مرکب از واحدهای کشورهای عضو لازم دیدند که در بسیاری از بحران ها از آن استفاده شده و چنانکه اشکالات مالی وفنی **تشکیل ارتش دائمی نیرومندجهانی** نباشد تشکیل می‌شود البته فرماندهی این ارتش بشخصیتی از کشور های بیطرف واگذار خواهد شد اما باید خاطر نشان ساخت که تجدید نظر در منشور باعتقاد بسیاری از صاحبنظران در هرموقعیتی صلاح نیست ولی موقعیت مناسب در اثر فشار افکار عمومی بوجود خواهد آمد . والبته همانطور که بعد بتفصیل خواهیم گفت دنیای سوم در این مسأله نقش موثری خواهــد داشت .

برای اینکه ملل متحد در آینده بتواند نظارت مؤثری در کلیه شون جهانی داشته باشد باید بتواند اطمینان حاصل‌نماید که ضمانت اجرای کافی خواهد داشت باین منظور احتمالا یك **مجمع عالی جهانی فدرال وهمچنین فدراسیون های فرعی ناحیه‌ای و قاره‌ای** تشکیل خواهد شد این فدراسیون های فرعی باید خارج از دسته‌بندی های ناحیه‌ای فعلی باشند . فدراسیون های فرعی مسائل مربوط بکشور های یك ناحیه ویا قاره را هماهنگ خواهند کرد این فدراسیون ها در مسائل داخلی مربوط بخود آزاد خواهند بود فقط در روابط خارجی خود بافدراسیون اصلی هماهنگی خواهند داشت .

برای مثال میتوان ایالات امریکا یا فدراسیونهای سویس را ذکر نمود همانگونه که ایالات این دو سرزمین در امور داخلی خود مستقل می‌باشند فدراسیون های فرعی جهانی بهمانگونه خواهند بود اگردولت فدرال امریکا از ۵۰ ایالت ودولت‌جداگانه ترکیب شده فدراسیون های فرعی آینده نیز امکان دارد باتوجه بمسأله سنخیت اقوام وملل باین ترتیب تشکیل شود .

۱ ـ چین ۲ ـ هندوستان ۳ ـ شبه جزیره هندوچین ٤ ـ ژاپن واندونزی ٥ ـ دنیای‌اسلام از پاکستان تا مراکش ٦ ـ افریقای مرکزی واستوائی ۷ ـ کشورهای اروپای غربی ۸ ـ شوروی واقمار آن ۹ ـ ایالات متحده امریکا و کانادا ۱۰ ـ امریکای لاتین . بعضی از کشور ها نظیر یوگسلاوی و اسرائیل نظر بسیاست بخصوص خود نمیتوانند وارد این‌فدراسیون ها شوند .

هر یك از فدراسیون‌ها قانون اساسی واساسنامه‌ای جداگانه و مخصوص بخود خواهد داشت **وقانون اساسی دیگری مخصوص مجمع بزرگ جهانی تهیه خواهد شد** که مناسبات فیمابین فدراسیون‌های فرعی را کنترل خواهد کرد . و چنانکه گفتیم فدراسیون بزرگ فقط در مناسبات خارجی فدراسیونهای فرعی دخالت خواهد کرد **مجمع بزرگ که در حقیقت مجلس مقتدر پارلمان جهانی خواهد بود** پیمان هارا تصویب خواهد کرد و کلیه روابط فیمابین را کنترل خواهد نمود و حق‌خواهد داشت احتمالا در پیمان ها تجدید نظر نماید .

متذکر شدیم تشکیل یك ارتش بین‌المللی مدتی است مورد بحث قرار گرفته . حالا باید گفت قوه اجرائیه فدراسیون جهانی آینده این نیروهای مسلح را رهبری خواهد کرد وهرنوع تجاوزی را که از طرف سرزمین های جزءفدر اسیون ها بعمل آید اعلام واقدام لازم مرعی خواهد داشت ولی خود نیز البته در مقابل قوه مقننه جهانی مسؤل خواهد بود .

سازمان جهانی آینده مسلماً احتیاج بیك قوه قضائیه نیز خواهد داشت تا حکومت قانون را در جهان عملی نماید این دادگاه جهانی که مشابه دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه حالیه می‌باشد فقط این قضاوت را خواهد داشت که احکامش قطعی و قدرت احکام صادره از دادگاه های ملی خواهد داشت قانونی که دادگاه در روابط بین‌المللی طبق آن انجام وظیفه کرده و حکم خواهد داد قانونی خواهد بود که مرتکبین جنایات بین‌المللی را بنحوی عامه پسند تنبیه و مجازات نماید . هم‌اکنون اساسنامه دادگاه نورنبرگ که جنایتکاران جنگ جهانی دوم بموجب مفاد آن محکوم‌شدند موردتوجه سازمان ملل‌قرار گرفته‌است (۱)

***

اینست صورت و شکل آینده سازمانی که از آن سخن می‌گوئیم اما سیاست صحیح وروش قطعی و مطلوب سازمان در نیل بآرزوهای بزرگ مردم جهان وایجاد یك دنیای بهتر ومستعد همانست که بنام برنامه های اقتصادی ، فرهنگی و بهداشتی اتخاذ کرده وخواهد کرد . توفیق دراین راه موکول برویه همه‌جهانیان خواهد بود زیرا سازمان جهانی در دنیائی فعالیت می‌کند که در آراء و عقاید گوناگون ورویه های متضاد وجود دارد دنیائی‌که

---

(۱) ـ این پیش‌بینی‌ها حتمی‌الوقوع نیست و جنبه علمی وتئوروی آن قویتر می‌باشد .

فاصله عمیقی ملت های آن مشاهده می‌شود . **گروهی در راه تسخیر کرات آسمانی گام برمیدارند و جمعی از بدوی‌ترین وسایل زندگی و حداقل معاش هم محرومند .**

دسته‌ای که می‌خواهند آزاد شوند وتحت حکومت قانون زندگی کنند ودسته‌ای که میل دارند مرتجعانه با بشر رفتار نمایند .

ولی بهرحال سازمان جهانی سیر تکاملی خودرا طی خواهد کرد وجریان تاریخ عوض نخواهد شد .

نگاهی بافق ....

در حالیکه مردمان صاحب نظر وروشنفکر جهان در آرزوی «حکومت جهانی» هستند واین حکومت را بصورت «ملل متحد» و قانونی «ناظر برروابط کلیه ملل وافراد» می‌خواهند و آنرا در آتیه نزدیك پیش بینی می‌کنند ؛ دسته‌ای اصولا منکر سازمان ملل متحد شده و وجود آنرا عاطل وباطل می‌دانند . باید میان خوش بینان وآرزومندان دسته اول و بدبینان وانکارکنندگان دسته دوم بوجود دسته‌ای قائل شویم و گروهی ایجاد کنیم که بسازمان نامطلوب موجود توجه کنند و مجاهدت نمایند افکار عمومی را متوجه آن سازند تا برکمال مطلوب خود دست یابند .

محفوظ داشتن نسل های آینده از بلای جنگ آرزوی یك ایده‌آلیست نیست بلکه زائیده ولزوم جبر عصر اتمی است هر روزیکه می‌گذرد وضع استعماری بتدریج وبیشتر بدست تاریخ سپرده می‌شود اما حاکمیت سیاسی با پیشرفت اجتماعی واقتصادی و سطح زندگی بالاتر و بهتر توام نبوده شکاف اقتصادی و فقر ملی بنحو وحشتناکی در کشور هائی که اخیرا آزادی یافته‌اند نمایان است اکنون سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ که‌از طرف ملل متحد «دهه عمران» اعلام شده برنامه های عدیده‌ای برای مبارزه با فقر ، جهل و بیماری در نظر گرفته شده واجرای آن را مجمع عمومی از کشور های عضو خواسته است اکنون در کلیه کشور های در حال توسعه این برنامه ها دنبال می‌شود .

اما اگر کشور های بزرگ همچنان به زرادخانه خود وسعت دهند و منابع تحت‌الارضی و سطح‌الارضی خود را دراین راه ها بمصرف برسانند و برقابت تسلیحاتی ادامه دهند البته این مساعی به نتیجه نخواهد رسید .

ضمن نطقی که دبیر کل فقید سازمان ملل در پارلمان انگلستان ایراد کرد اجمالا گفت :

«در آینده استفاده مؤثر و بیشتر از سازمان ملل متحد بعنوان یك رویه دیپلوماسی که بموجب آن بحث ورای اغلب بمنظور توسعه وفاق ودوستی برطبق منشور بوده باشد امکان‌پذیر خواهد بود . و نه تنهاواجد جنبه تبلیغاتی نخواهد بود بلکه‌حاوی عالیترین امید برای پیشرفت رویه **صلحجویانه در روابط آسیا و افریقا با ملل مغرب و همچنین در روابط مغرب با بلوك کمونیست می‌باشد** . علی‌رغم تاکید زیاد اینجانب در سالهای اخیر نسبت به جرح و تعدیل دیپلوماسی اختصاصی که موجب شالوده همه جانبه سازمان جهانی و برطبق هدف های منشور ملل متحد بعمل آورده‌ام انتقاداتی وارد ساخته‌اند .

چنانچه شما آنرا دیپلوماسی اختصاصی یا دیپلوماسی آرام ویا چیز دیگری بخوانید باعتقاد من تمایل ملل عضو در اینست که از همین جهت حرکت نمائیم...» واین رویه‌راسازمان ملل متحد در پیش گرفته وادامه خواهد داد .

امروز هر اقدامی که در راه عمومیت دادن باقدامات ملل برداشته شود سازمان ملل متحد را قوی‌تر میسازد واین دستگاه قادر می‌شود بطور کاملتری در اجرای نقش‌اساسی خود توفیق یابد ودر اجرای مقاصد عالیه منشور تواناتر باشد اما سازمان ملل متحد به تنهائی قادر بانجام کارها نیست بلکه کوشش دسته‌جمعی مردم و پشتیبانی افکار عمومی جهان است که میتواند آینده سعادت‌بخشی برای ملل‌متحد و مردم جهان‌پی‌ریزی نماید .

با تجربیاتی که سازمان ملل متحد در طول عمر خود بدست آورده از آن در اقدامات آتی استفاده خواهد کرد وروش های همکاری بین‌المللی خود را درمورد انواع مسائل بطور سودمندی بکار خواهد برد .

اما قلمرو سازمان و حدود مسئولیت آن هرروز بیشتر توسعه می‌یابد . هرروز مشکلات جدیدی‌پیش می‌آید **این مشکلات گاهی چنان بزرگ وسنگین است که موجودیت سازمان را در مخاطره می‌اندازد** واز حل آنها قطع امید می‌شود ولی هربار بکوشش رهبرانی‌که در راس سازمان قرار گرفته‌اند با صبر و تحمل بنحو مطلوبی حل می‌شود .

تقسیم جهان به بلوك شرق و غرب ــ تبعیض نژادی و بیداری ملت‌ها وحس عدالتخواهی ــ گرسنگی و فقر ناشی از تسلیحات اهم این مشکلات‌است .

۱ــ دنیای تقسیم شده :شرق وغرب ودنیای‌سوم

سه بیلیارد جمعیت جهان در سه بلوك تقسیم و پراکنده شده‌اند . بلوك کمونیست اصطلاحاً بشرق و بلوك سرمایه‌داری بغرب اطلاق می‌شود . **بی‌طرف‌ها وغیر متعهدین هم دنیای سومی تشکیل می‌دهند** نیم قرن‌است که مرام کمونیستی ایجاد و توسعه یافته و هرروز در سرزمین های جدیدی رخنه می‌کند شوروی و اقمارش نیروی عظیمی را در جهان تشکیل می‌دهند . طبق نوشته نیویورك تایمز امروزه ۴۰ تا ۴۱ بیلیون از مردم جهان عضو حزب کمونیست می‌باشند . **ومتجاز از یك بیلیارد تن از جهانیان بلوك کمونیست را تشکیل می‌دهند** . جهان سرمایه‌داری تمام کشورهای غرب را شامل است ولی باذکر کلمه غرب بیشتر امریکا درمد نظر قرار می‌گیرد که درراس کشورهای سرمایه‌داری است . دنیای جدیدی که از دولت های بیطرف تشکیل می‌شود

بدون آنکه بهیچ یك از دو بلوك ارتباط و پیوند داشته باشد احترام و علاقه هردو را نسبت بخود جلب کرده و در بسیاری از موارد بمنظور رفع اختلاف دوبلوك نقش اساسی خودرا با مبانجیگری ایفا می‌نماید .

***

امریکا و غرب مقاصد زیر را تعقیب می‌کنند :

ــ استقرار صلح مستلزم اینست که امریکا با سایرکشورهای تا برای هرکشور متجاوزی این نکته مسلم میشود که مبادرت بجنگ اشتباه محض است .

استقرار صلح‌مستلزم اینست که‌امریکا با سایر کشورهای باصطلاح آزاد مغرب زمین برای بهبود وضع سیاسی واستقلال اقتصادی کشورهائی که تازه استقلال یافته‌اند بکوشد واز هرج و مرج ونا‌امیدی جلوگیری وراه پیشرفت مرام کمونیستی را سد نماید .

***

شوروی یا شرق مخصوصاً در سیاست جدید خود با اعمال زور در حل مسائل جهانی شدیدا مخالف‌اند وروش‌تبلیغات را برای پیشرفت مرام کمونیست در کشورها موثرتر می‌داند . اما در عین حال چون دولت‌ها ناچارند برای اجرای مقاصد سیاسی خود واستفاده تاکتیکی وبرای حفظ وضع موجود نیروی نظامی خودرا حفظ کنند شوروی نیز اجبارا موقعیت نظامی خود را حفظ می‌کند .

بهر حال اختلافات ایده‌ئولوژی میان شرق و غرب موجب شده طرفین اتهامات گوناگونی نسبت بیکدیگر وارد آورند .

***

نهضت استقلال‌طلبی ومبارزه برای‌آزادی برعلیه‌استعمار در دو قاره آسیا وافریقا از مجرای سازمان ملل متحد عـلاوه برآنکه زمینه را برای پیشرفت وترقی کشورهای جدید مهیاکرد صف جدیدی در مقابل شرق و غرب بوجود آورد که عملا ودر حقیقت عایقی میان کمونیزم و کپیتالیزم می‌باشد دنیای جدیدیا دول غیر متعهد وبیطرف با رویه تحسین آمیز خود توجه دو بلوك را سخت نسبت بخود جلب نموده وهر دو بلوك می‌کوشند آراء این دولت‌ها را چه در سازمان ملل و چه در خارج بنفع خود بدست آورند . نیروی جدید سران کشورهای بزرگ دو بلوك را به بی‌لیاقتی در اداره امور جهانی متهم می‌کنند ولی در عین حال مورد توجه واحترام هردو طرف بوده باتشکیل‌کنفرانس وایجاد زمینه مساعد برای مذاکره از تصادم شرق و غرب تاکنون جلوگیری کرده‌اند .

***

مشکلاتی را که دو بلوك شرق و غرب برای جهان و سازمان ملل متحد ببار می‌آورند در نظر داریم اما با بوجود آمدن دنیای سومی در مقابل آندو که بجرات می‌توان گفت موجد آن سازمان ملل متحد بوده بار سنگینی از دوش جهانیان برداشته می‌شود و امید بصلح و ترقی بیشتر می‌گردد . دلیل این مدعـا اینست که در بدو تشکیل سازمان دو بلوك سابق‌الذکر آراءکشور های دیگر را بنفع خود داشتند بمرور در اثر تقویتی که محیط مساعد سازمان موجب آن شد کشورهای کوچك و جدید وزنه‌ای شدند و بلوك بیطرف را بوجود آوردند که روزبروز قدرت‌مادی ومعنوی وارزش واهمیت آن افزوده شده کشورهای جدیدی بآن می‌پیوندند . البته نباید از نظر دور داشت ترقی وپیشرفت واهمیتی که سازمان ملل متحد روز بروز بآن‌نائل‌می‌شود بدلیل کمك ومساعدتی است که بلوك اخیر بسازمان میدهند .

انتظار میرود دنیای‌سوم بمرور بصورت وزنه‌نیرومندی درآمده و بتواند حلال‌بسیاری ازمشکلات‌جهانی ازمجرای‌سازمان ملل متحد باشد .

۲ــ تبعیض نژادی

یکی دیگر ازمشکلاتی که سازمان ملل متحد باآن‌روبرو بوده وخواهد بود مسأله تبعیض نژادی است . در نیمه دوم قرن بیستم در دو قاره افریقا و امریکا هنوز مساله تبعیض نژادی مشکلات دردناك و تأثر انگیزی بمیان می‌آورد . تبعیض درافریقا وسیله حکومت اتحادیه افریقای جنوبی بنحوی شدید همچنان اعمال می‌شود . وقتی قبح این طرز فکرکه نژادی نژاد رنگین را پست‌تر از خودبداند درك نشود البته‌وزیر خارجه‌اتحادیه افریقای جنوبی هم قادر نیست بفهمد بمردم جهان چه تنفری از بیان او دست خواهد داد . وقتی او در محضر مجمع عمومی بگوید .

«علی رغم تصمیم سازمان ملل متحد ما بسیاست تبعیض نژادی خود ادامه خواهیم‌داد» البته وی وحکومت متبوع وی از طرف مجمع عمومی تنبیه واز شرکت در جلسات محروم می‌شوند. وسازمان دراین قبیل موارد ساکت نمی‌نشیند واز ضمانت اجرا وقدرت خود استفاده می‌کند اما همین امر در امریکا بنحوی زننده و بشکل دیگری جلوه می‌کند .

درماه‌مه ۱۹۶۱ گروهی ازدانشجویان سیاه‌وسفید برای عملی کردن حکم دادگاهی که ۱۵ سال پیش از آن رأی داده بود براه افتادند . دراین فرمان تصریح شده بود که سیاهان میتوانند در وسائط نقلیه پهلوی سفید پوستان بنشینند . اما جمعی ازسفید پوستان بر آنان تاختند وسنگسارشان کردند . بربدن سیاه‌بینوائی بنزین ریختند و اورا زنده زنده سوزاندند . در سال ۱۹۶۲ دانشجوی سیاه پوست امریکائی «مردیت» پس از زحمات فراوان وبکمك ۱۵ هزار تن ازافراد ارتش فدرال سرانجام هم موفق‌نشد در دانشگاه تامین کامل داشته باشد زیرا دانشجویان ــ رئیس دانشگاه ورئیس ایالت میسی‌سی‌پی حتی تسلیم حکم دیوان‌کشور امریکاهم نشدند . رئیس جمهور بمنصور آماده ساختن فکر مردم نطق موثری ایراد کرد :

«فرامین دادگاه درمورد مردیت علیرغم مخالفت مردم میسی‌سی‌پی اعمال می‌شود .. سرپیچی از قانون مسـلماً بحکومت حق خواهد انجامید دولت امریکا براساس ملاحظه قانون ایجاد



باین کودك گرسنه بنگرید . سازمان همچنان وظیفهٔ سنگینی را بعهده خواهد داشت .

شده است . امریکائیها مختارند با قانونی موافق نباشند اما در هرحال باید از آن اطاعت کنند میهن پرستی و یکپارچگی خودرا نشان دهید . بهترین طریق اعمال قانون پلیس ایالتی یا پلیس فدرال نیست بلکه شخص شما هستید . این بستگی به شهامت شما دارد . همانطور که باعمال قوانین که باآن موافق هستید کوشش می‌کنید در مورد قوانینی نیز که موافق میلتان نیست همین کار را بکنید ...»

ولی سفید پوستان ناراضی کندی را بدلیل کوشش‌هائی که در راه از میان برداشتن این تبعیض می‌کرد کشتند .
اینک سازمان ملل متحد با مشکل آماده ساختن افکار واذهانی نیز روبرو است که اینچنین در نگاهداری و دفاع از عقایدغلط خود تعصب نشان می‌دهند . البته سازمان با کوشش های مداوم خود در زمینه پیشرفت امور فرهنگی و علمی وبالا بردن سطح فکر نژاد سیاه آنها را جهت پیشرفت دوشادوش سایرین آماده خواهد ساخت وبهمه خواهد قبولاند که نژاد رنگین چیزی از دیگری کم ندارد .

در تمام تاریخ دیده شده هرفکر سخیف ومطرود قبل از محو ونابودی کامل تلاش مذبوحانه کرده‌است این امر نیز بتاریخ سپرده خواهد شد . هم‌اکنون افریقای سیاه همگام باسایر قاره‌های پیشرو بندای سازمان ملل پاسخ می‌دهد .

۳ـ بسازمان ملل متحدنیازمندیم !؟

در خصوص این سئوال که آیا هنوز هم بسازمان ملل متحد احتیاجی هست دبیر کل فقید سازمان در خطابه خود پاسخ داد : «در موقعیت فعلی برای مذاکره در خصوص حوادثی که پی درپی پیش می‌آید بسازمان ملل نیازمندیم . نیازمندی ما باین سازمان بعنوان یك دستگاه اجرائی است وبالاخره احتیاج ما باین دستگاه بعنوان تشکیلاتی است که بشدت وبا حوصله زیاد راه حل هائی جهت حل اختلافات وبرطرف ساختن مناقشات احتمالی مبذول میدارد هیچیك از تشکیلات بین‌المللی که تاکنون مورد آزمایش قرار گرفته نتوانسته‌اند راه حل عملی در هیچیك از موضوعات فوق نشان بدهند . بنابر این، این فعالیت بایستی ادامه پیداکند تا اینکه همه مشکلات از بین برداشته شود » سازمان ملل متحد در درجه اول نهضتی است از مردم وباین دلیل تعیین سرنوشت آن بستگی بمردم دنیا دارد در عصری که وسایل وابزار جنگ از وسائل وابزار صلح پیشی جسته ، سازمان ملل آخرین و بهترین ملجاء امید بشراست با تشکیل سازمان ملل‌متحد دیپلوماسی مخفی که درگذشته یکی از موجباب اصلی جنگ بود نمیتواند وجود داشته باشد زیرا بموجب منشور قراردادها و معاهدات بین‌المللی وقتی معتبراست که در دبیرخانه سازمان به ثبت‌رسیده و منتشر شده باشد . در اکتبر ۱۹۶۰ پاندیت نهرو ضمن بیانات خود در مجمع عمومی گفت :

«میتوانم بگویم‌سازمان ملل متحد با جلوگیری از تبدیل برخی حوادث بیك جنگ بزرگ علت وجودی خود را توجیه کرده‌است ... »

بحران کوبا در اول آبان ماه ۱۳۴۱ کابوس وحشتناکی را در جهان گسترده بود . بشریت در آستانه اضمحلال قرار گرفته بود، تمام چشم‌ها بسوی سازمان ملل دوخته شده بود زیرا در اختلاف بین دو دولت بزرگ افکار عمومی مردم مقام دیگری جز سازمان ملل را دخالت نمی‌دهد . نقشی را که یوتانت دبیرکل سازمان دراین تراژدی غم‌انگیز برعهده داشت نمی‌توان فراموش کرد حتی تهدید وی بدول متخاصم مبنی بر اینکه اگر از طریق مسالمت وارد نشوند وی استعفا خواهد داد ، اثر گذاشت .

۴ـ سازمان ملل متحد هنوز حکومت جهانی نیست

اشتباه بزرگ افکار عمومی در اینست که سازمان ملل متحد را در حال حاضر قادر بر اقدامی می‌دانند که چنانچه در حل مساله‌ای توفیق نیابد آنرا یك‌دستگاه عاطل و باطل وبی‌خاصیت می‌شمارند . اما باین نکته توجه باید داشت که سازمان ملل متحد جز مردم صافی نهاد جهان یاوری ندارد . این افکار عمومی است که باید از آن پاسداری کند وبآن نیروبخشد .

متاسفانه هنوز برخی این تصور غلط را دارند که سازمان ملل متحد یك نوع حکومت جهانی است . افکارعمومی باید بداند سازمان یك میانجی است و حکومت جهانی نیست . طبق منشور ملل متحد سازمان نمیتواند بهیچیك از دول جهان امری را تحمیلا بقبولاند . ماموریت نیروهای سازمان ملل جنگ کردن و وارد کارزار شدن نیست اینها سربازان صلح واخلاقند . سازمان از ارزش های معنوی خود کمك می‌گیرد وهردولتی تسلیم‌نظرات سازمان شود در حقیقت تسلیم این ارزش های خلاقه معنوی گردیده البته این آرزو که سازمان قادر بهر کاری باشد آرزوئی است قابل احترام و مقدس ولی جز با پشتیبانی مادی و معنوی مردم جهان امکان پذیر نیست .

در پیامی که دبیر کل سازمان «یوتانت» بمناسبت روز ملل متحد سال ۱۹۶۲ فرستاد گفت :

«سازمان ملل متحد قدرت ونیروی خود را متکی به منابع نظامی نمیداند . بلکه اتکای آن به وفاداری میلیون ها زن ومردی است که از سازمان پشتیبانی می کنند . نه‌از روی استیصال که سازمان ملل متحد آخرین امید بشر بادامه حیات است بلکه با این ایمان خلاقه که سازمان بهترین آرزوی همه برای تأمین صلح وترقی است و چون عقاید عمومی جهانی تا این اندازه برای ما یك منبع پر بهای قدرت ، حمایت وحتی الهام می‌باشد لذا امروز روی سخن من بدول عضو سازمان که من خادم آنها هستم نیست بلکه بمردمی است که سازمان ملل متحد متعلق به آنهاست .»

٥ـ سازمان ملل متحد در عصر فضا

آرزوها و تخیلات بشر برای مسافرت بسیارات دیگر بسرعت بمرحله عمل نزدیك می‌شود وبا عملی شدن این آرزو بشر ازمنافع ومزایای‌سفر بفضابرخوردار خواهدشددرنتیجه‌فضای‌اطراف زمین بمنظور تجارت کنترل خواهد شد . **تمام کائنات شامل‌صدها بیلیارد ستاره است . قریب یك بیلیارد ستاره وجود دارد کـه مثل زمین درآن آثار حیات وجود دارد** . با توجه باین نکات ودر حالیکه حکومت قانون باید در زمین بسط یابد می‌بایستی کوشش کرد ، تا با تحول دنیای جدید هماهنگ شد و بمنظور جلوگیری از هر نوع اختلاف و پیش آمدی قانون را درقلمرو جدید بشر بفضا نیز توسعه داد . جهت تامین این منظـور **البته منشور ملل متحد تا آخرین حدود اکتشافات بشر گسترش‌خواهد یافت‌تافضای خارج‌هم‌درقلمرو منشوروسازمان‌قرار گیرد** اماعجایب فضای خارج نباید افکار و نیروهای بشررا چنان بخود مشغول دارد که از حقایق دشوار و مشکلات خود در زمین غافل شوند درنیمه‌دوم قرن‌بیستم مساله‌قلمرو فضای‌ماوراء جو موردبحث قرار گرفته وامروزه دولتین امریکا و شوروی بازیگر میدان فضا شده‌اند از بدو شروع این فعالیت‌ها یعنی از ۱۹۵۷ که مساله‌پرتاب موشك پیش کشیده شد **مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضمن بحث در خلع سلاح متذکر شد که یك سیستم بازرسی بین‌المللی باید برقرار شود اکنون سازمان بین‌المللی پژوهش فضا تأسیس شده تا درباره حق حاکمیت دول در فضای ماوراء جو تقسیم بندی فضا وتعیین حدود قلمرو دول بحث نماید .**

بدین ترتیب دایره فعالیت ونتیجهٔ مسئولیت سازمان ملل متحد بزرگتر گردیده مشکلی بر مشکلات بیشمار سازمان افزوده شده‌است .

در خاتمه بحث باردیگر متذکر می‌گردیم افکار عمومی باید بارزش واهمیت واثر خود واقف گردد و به‌نقشی که میتواند ایفا نماید پی ببرد . ما باید باهمیت و حقوق خود در اموجهانی پی‌برده در عین حال حقوق هر ملتی را بشناسیم . **باید اعتراف کنیم در دنیای حاضر نه ما ونه هیچ ملتی نمیتواند تنها زندگی‌کند وبجامعه بزرگ جهانی احتیاجی نداشته باشد .** امروز هریك از افراد جهان باید معتقد شود که بجامعه بشری بستگی غیرقابل انکار دارد . **ممکن است یکفرد متعلق بیك ملت و تبعـه دنیـا باشد ولی بدلایلی واضح وروشن از یك حیث هم تبعه دنیا است .** ضمن نطقی که دبیر کل فقید سازمان ملل در ۱۹۵۵ در دانشگاه کالیفرنیا ایراد کرد گفت : **«مساله این‌نیست که ملت مقدم است یا دنیا مساله اینست که ما چگونه ضمن خدمت بدنیا بملت خودمان خدمت نمائیم» .**

مردم ما باید بدانند در دورانی زندگی می‌کنیم کـه پیوندهای ما با همنوعانمان بهتر و بیشتر احساس می‌شود . سیر تکامل دستجات بشری دنیارا از پراکندگی بسوی وحدت می‌برد. مشیت الهی و جبر طبیعی چنین مقرر داشته ، که تمام عوامل‌هستی از پراکندگی بسوی وحدت بگرایند .

التهابات روحی : کینه‌توزی ـ بدخواهی ـ تعصب ـ نادانی خودپسندی و بی‌رحمی دیری نخواهدپائید. عداوتی که‌باین‌درجه نسبت بـه نژاد سیاه وجود داشتـه و مـردم را از ابراز شفقت نسبت بهمنوع محروم میدارد مدت مـدیدی باقی نخواهد ماند . و سرانجام عالم بشری براه صمیمیت و یگانگی خواهد رفت **خوشبختانه رویه مساعدی که کشورهای نوبنیاد در پیش‌گرفته‌اند در افق جهان نور امیدی است ودر تعیین سرنوشت سازمان ملـل ارزش وافری خواهد گذاشت این کشورها در قوانین اساسی‌خود پیش بینی کرده‌اند** در صورتیکه سایر کشور ها آمادگی نشان دهند آنها **حاضرند از قسمتی از حاکمیت خود بنفع سازمان ملل صرفنظر نمایند .**

افکار بشر سازمانی را بوجود آورد تا بتواند سراسر گیتی را زیر نظر بگیرد و از منافع ثروت‌های طبیعی بنفع بشر وصلح بهره‌برداری کند .

بشر راه جدیدی را که اورا از میدان های جنگ و نابودی به بهشت صلح و عافیت هدایت می‌کند شناخت مطالعه تاریخ سازمان ملل متحد مارا با اقدامات موثر سازمان آشنا می‌سازد . روزی خواهد رسید که در سایه این همکاری واتحاد برهبری سازمان ملل این خواب خوش تعبیر خواهـد شد وصفای ابدی جانشین ترس و وحشت جنگ خواهد گردید و جهانیان را غرق آرامش وسعادت جاودان خواهد کرد آنوقت است که بشر بهشت موعود را بچشم خواهد دید .

***

روابط بین‌الملل در قرن بیستم

پیش از آنکه وارد بحث در متن مطلب یعنی روابط واقعی و جاری بین‌الملل در جهان معاصر شویم لازم‌است به کلیاتی اشاره کنیم که کم‌وبیش درتمام ادوار زندگی بشری حاکم در روابط بین ملت‌ها بوده و بنیان اولیه روابط اجتماعی گروه‌های بشری برآنها نهاده شده و شامل جهان امروز نیز هست .

ابتدا باید توضیح دهیم که هدفهای اصلی ملت‌ها که بیشتر از ترکیب‌هدفهای افراد سازنده ملت‌ها بوجود میاید سه‌چیز است :

(اول) امنیت یعنی اینکه‌گروه‌های آدمی در سرزمین‌هائی که **سکونت‌دارند** ازهرحیث امنیت داشته باشند و از **خطر** تجاوز گروه‌های همسایه **مصون باشند** و بتوانند زندگی خودرا **با آرامش‌خاطر** و بی‌دغدغه **بگذرانند** .

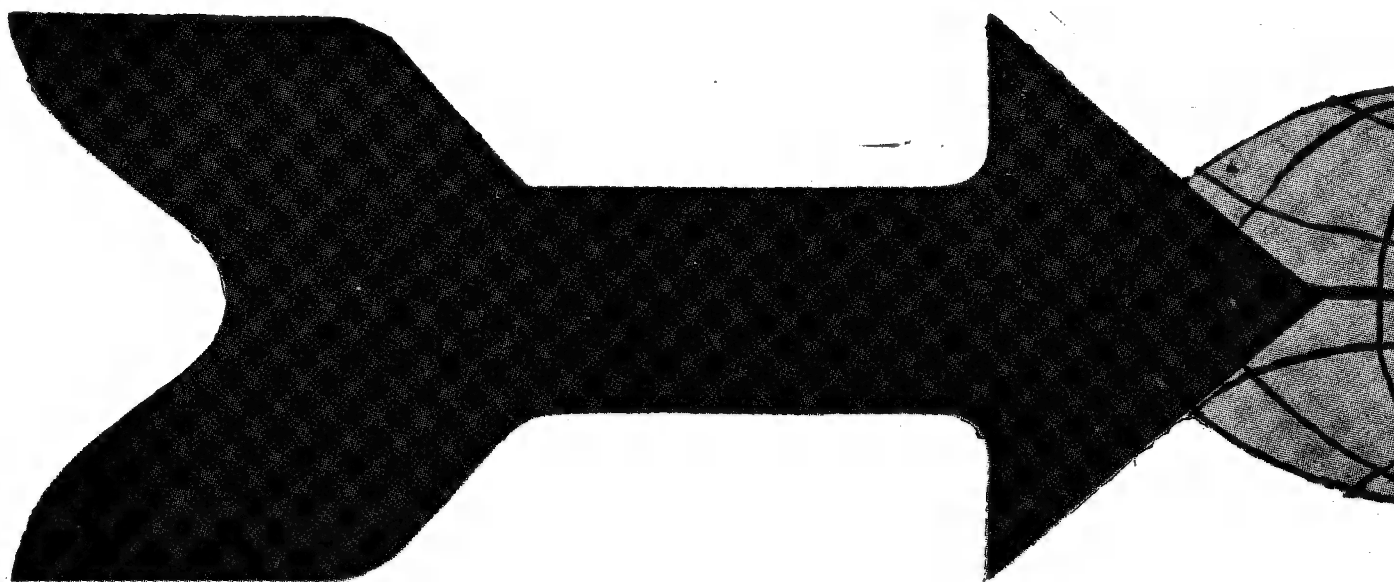
(دوم) آبادی یا عمران: یعنی‌آنکه سعی دارند سرزمین خودرا روز بروز ازهرحیث آبادتر و زندگی در آنرابرای خود گواراتر و آسان‌تر سازند . **بدیهی** است‌که این عنوان کلیه هدفهای**اقتصادی وصنعتی** را دربر **میگیرد** .

(سوم) وحدت ملی :این هدف‌البته ناشی از هدفهای فردی و طبیعی **نیست** بلکه هدفی است **اجتماعی** و مصنوعی و نتیجه وجود سیستم گروه های ملی بنام کشورهای مستقل در جهان امروز است و بسبب وجود این سیستم است‌که وحدت ملی نیز یکی از هدفهای اصلی ملل‌قرار گرفته . البته بسبب ازدیـاد جمعیت و تسهیلات مسافرت در زمان ما وهم‌بسبب چند هزار سال تاریخ ، شامل هجوم‌ها ، جنگها ، مهاجرتها ، اختلاط نژادها و گروه‌ها ، هیچ ملتی نمیتواند ادعا کندکه ازیك نژاد خالص تشکیـل یافته است بنابراین دولتها که ظاهرا نماینده سیاسی ملت‌ها در روابط بین‌الملل هستند سعی دارند افراد ملت خودرا بوسیله داشتن زبان واحد و مشترك یا ایجاد زبان‌واحد و ادبیات واحد و عادات و آداب‌ورسوم مشترك بیشتر بیکدیگر پیوسته و وحدت ملی را بیش از پیش ولو بطور مصنوعی و ظاهرسازی تحکیم نمایند و یا لااقل درنظر سایر ملل جهان (که آنهانیز کم‌و بیش دارای همین شرایط هستند) محکم جلوه دهند .

البته هدفهای دیگری هم درروابط بین ملت‌ها وجود داردکه ما آنرا**هدفهای فرعی** نام میگذاریم ازقبیل‌کسب **احترام و افتخار و شرف** (پرستیژ) ودارابودن موقـع مشخص و برجسته در جهـان و واجد بودن نفوذ درحوزه ملل، ودیگر کوشش در شناساندن ایدئولوژی (سابقا مذهب و آئین) خود به‌ملل دیگر واحیانا تحمیل آن‌واثبات برتری‌آن‌به‌ایدئولوژی (یا مذهب) کشورهای همسایه . اگرچه بعضی از مفسرین اوضاع جهانی، اختلاف مردم جهان را **جنگ ایدئولوژیك**میدانند اما این عقیده صحیح نیست و برجهان امروز که بیشتر با واقعیات سروکاردارد، تا **ایدئولوژیها** صدق نمیکند . حتی در دنیای قدیم هم در پشت‌پرده جنگهـای ایدئولوژیك یا اختـلاف عقاید دینـی‌و جنگهای مذهبی، علل‌اقتصادی‌واحتیاجات اقتصادی و عوامل مربوط به امنیت یـا فقدان امنیت وجود داشته است .

در این مقاله برای روشن ساختن ذهن خواننده نسبت بروابط بین‌الملـل اصول مسائلی را که پایه و اساس‌روابط بین‌المللی میدانیم بافشردگی و اختصار بعنوان مقدمه‌ئی برای درك اوضاع‌سیاسی **جهان** معاصر بشرح زیر میاوریم تا برای سهولت مراجعه وارتباط مطالب‌بایکدیگر و استنباط حقایق بکار رود :

اصل (۱) : جهان امروز بر پایـه سیستم **کشورهای ملی** و **استقلال مطلقـه** هرملت یاکشور استوار است وچون‌طبق این سیستم ، هرملتی تحت عنوان **استقلال وحق مالکیت** مجاز و مختار است که‌در **داخله** مرزهای خود آنچه‌که **میخواهد انجام دهد** وهر **سیستم** حکومتی راکه‌میل **دارد بپذیرد** یا **از طرف گروه‌های‌**صاحب قدرت برای او مقرر شود و هر دولت



میتواند هرطور که میخواهد با رعایای خود رفتار کند مثلا بایك اراده دولت یا مجلس در هر زمان که خواهد آنهارا بزیر سلاح کشد و بنام دفاع از وحدت و امنیت‌ملی بمیدان جنگ فرستد(چنانچه در جنگ جهانی دوم بوضوح بخصوص در کشورهای اروپائی دیده شد) بدیهی است که وجود چنیـــن سیستمی با سیستم **حقوق بین‌الملل** تضاد داشته و مانع‌وجود، و فعالیت دادگاه عدالت جهانی وقضاوت موثر بین‌المللی و پلیس موثر بین‌المللی است .

اصل (۲) آنارشی پیش از جنگ اول جهانی وهرج ومرج بعد از آن جنگ و همچنین بحرانهای بعد از جنگ دوم جهانی و اختلافات موجود زمان ما در میان ملل عموما نتیجه وجود سیستم حکومتهای ملی است که در بالا بـــدان اشاره شد و بدیهی است درصورت فقدان قانون بین‌المللی و دادگاه موثروپلیس و نیروی بین‌المللی لزوما **زور واعمال قوه وسیله نهائی ملل برای نیل‌بهدفهای ملی است** (که عبارت باشد از امنیت و آبادی ووحدت‌ملی) ودر معنی‌بایدگفت **که خط مشی ملل در نیل بهدفهای خود بکار بردن زور و نیرو بوده و هست .**

اصل (۳) : همانطور که در یك گروه کوچك یا بزرگ از اجتماعـــات بشری از آنجاکه منافع افراد وخط‌مشی آنها در تحصیل آن‌منافع ورسیدن‌بهدفها فرق میکند **مشاجره و اختلاف** خاصیت عمده روابط بین افراد بوده و تنها‌وجود **قانون عرف** مانع اعمال زور و باعث‌حل اختلافات بطریق مسالمت‌آمیز میشود، در روابط بین ملت‌های مستقل که تعدادآن تا بامروز از یکصدو بیست تجاوز کرده نیز بسبب اختلاف منافـــع و اختـــلاف خط‌مشی‌ها در رسیدن بمنافع ونیل‌بهدفها **«مشاجره» خاصیت‌عمده روابط‌بین‌المللی است‌ووجود استقـــلال مطلق** (اصل اول بالا) **مانع حل اختلافات بوسیله‌حکمیت وسایر وسائل صلح‌آمیز است .**

اصل (٤) : ازحیث تئوری کلیـــه ملل جهان اعم از بـــزرگ و کوچك ، برای حفظ منافع یا تحصیل منافع و نیل بهدفهای خود چاره‌ئی جز توسل به زور ندارند . اما در عمل ، چون وضعیت‌ملل ازحیث جمعیت و نفرات و اسلحه‌ووسعت اراضی و وسائل و مواد لازم فرق دارد، ناچار بدوگروه مشخص و متمایز تقسیم میشوند :

یکی گروه اقویایازورمندانودیگر **ملل ضعیف** و بالطبع ملت‌های قوی‌تـــر **یعنی آنهاکه** از حیث ثـــروت وسلاح و وسائل دفاعی و نفـــرات قوی‌تر بوده و هستند قادر گشته‌اند که خط مشی خودرا بدون سازش با ملل ضعیف تعقیب کننـــد و همیشه اراده‌خودرا مستقیم‌یاغیرمستقیم، بازور یا تهدید یا تطمیع ویا لشگرکشی و حمله و هجوم و تصرف برملل ضعیف تحمیل نموده **نقش آنها در روابط بین‌ــ المللی نقش فائق گشته است .**

اصل (٥) : وجود فرقهای بسیار بین شرایط زندگی و موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی و وضعیت همان‌ملل‌مقتدر، آنها را نیز بدودسته مشخص تقسیم کرده:

دسته اول ــ کشورهای استاتیك یا ساکن آنها هستند کـــه از حد اکثر هدفهای سه‌گانه مذکور که نیل بـــدانها میسور است (یعنی امنیت‌وآبادی‌ووحدت ملی) برخوردارنـــد لذا میل ندارند در **وضـــع موجود (استاتس‌کوئو)** جهـــان تغییری حاصل شود و طالب حفظ وضع موجود هستند .

دسته دوم ــ کشورهـــای دینامیك یا متحرك‌که جویندگان عناصر بالا بوده یا فاقد آن هستند ویا از آن کم دارند و میخواهند بیشتر بدست آورند .بنابراین **دارای نیروی محرکه بوده** تمایل‌طبیعی به پیشروی و تحول و انقلاب دارنـــد . **پس درواقع جنگ بین** این دو دسته از **ملل‌معنی‌میشود به «جنگ بین آنکه دارد وآنکه ندارد»** . البته آنکه دارد اگـــر **حاضر شود سهمی ازآنچه‌راکه** درانحصار

خود آورده به‌آنکه ندارد بدهد، بسهولت سازش بعمل میاید و جنگ موردی پیدا نمیکند ولی تاریخ وقوع چنین امری را بین ملت‌ها نشان نداده و ناچار همین اختلاف بین آنکــه دارد و آنکه ندارد روزی بمشاجره وجنگ منتهی میشود.

اصل (۶) : خط مشی هردو گروه منوط باوضاع طبیعــی است یعنی موقع جغرافیائی و وضع اقتصادی‌ودموگرافی (امور مربوط به جمعیت و میزان‌افزایش جمعیت و رابطه تعداد موالید بامتوفیات) و منابع طبیعی‌که در دسترس آنها قرار گرفته است .

اصل (۷) : چون علاوه بــر زور وسائل دیگر از قبیل تدابیر اقتصادی و ارزی و مالی وسیاسی نیز برای تعقیب سیاست و خطمشی کــم‌وبیش دراختیار دولت‌ها قرار دارد ازقبیل وضع تعرفــه های گمــرکی و امبارگــو و دمپینگ و جلوگیری از ورود اجناس یامصنوعات بعضی ملل دیگر ، بنابراین **درزمان صلح نیز روابط بین ملل براساس رقابت قرار گرفته‌است نــه همکاری ؛ بالطبع تمــام منافع یا بیشتر منافع نصیب‌دول استاتیك است و دول دینامیك از آن منافع‌محروم میمانند .**

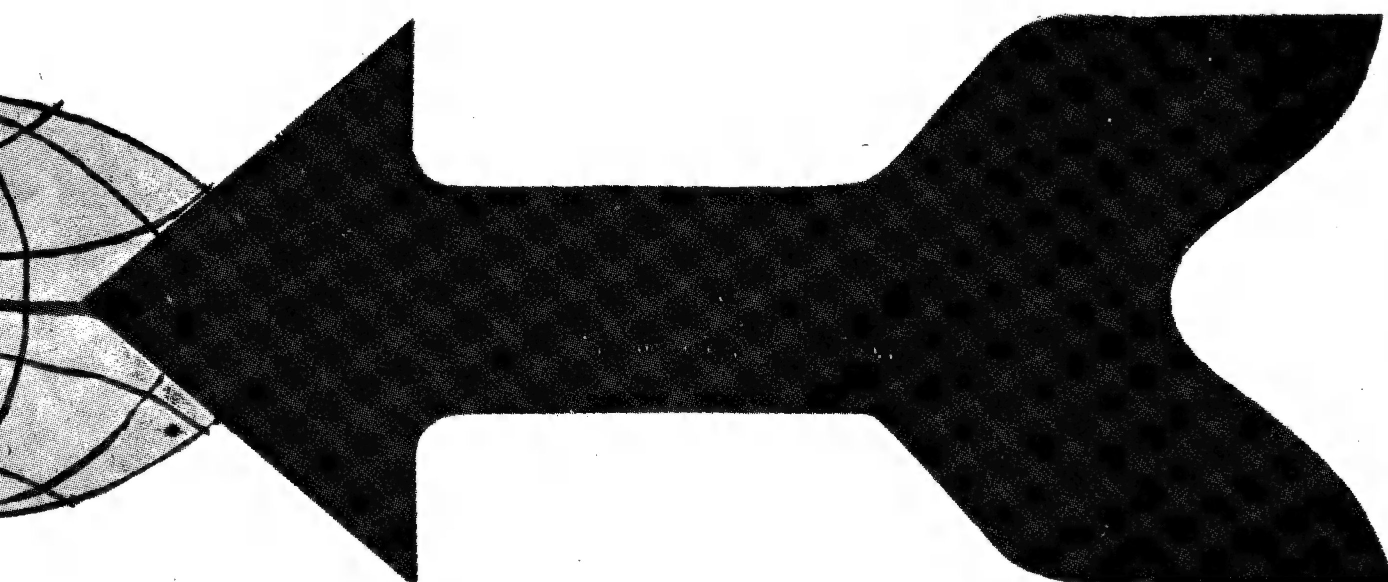
اصل (۸) ــ همکــاری وشرکت ملل در حفظ صلح نیز مانند سایر روابط انسانی باید براساس **اشتراك منافع** یــا **وحدت منافع** باشد و چون جمع کردن منافع دول استاتیك بادینامیك در یکجا بسبب وجود تضاد میسر نیست بنابرایــن سازش نمیکنند و دول دینامیك بــرای تعقیب خط مشی خود و نیل بهدفهــای خویش چاره‌ئی جز توسل بزور ندارند. زیرا معنــی سازش بین این دوگــروه درحقیقت این است‌که دول استاتیك‌تاابد غنی و ثروتمند و صاحب امتیازات باقی مانده و دول دینامیك همچنان فقیر باقی بمانند .

اصل (۹) ــ تنها راه‌منحصرمیشود به **اتحاد کشورهای دارا و استاتیك‌برای حفظ وضــع موجــود (استاتس‌کوئو)** و تحمیل آن برکشورهائی که ندارنــد یعنی از این منافع ثروت و وسائل‌معیشت بعلل موقعیت جغرافیائی یاعلل دیگــر محرومند یا مثلا دست بدریا ندارند .

اصل (۱۰) شرکت و همکاری‌ملل استاتیك نیز تنها وقتی ممکن میشود که بر پایه مساوات و برابری قرار گــرفته باشد و چون این برابری وجود ندارد ، در عمل شرکت واقعی و اتحاد حقیقی و پایدار بین ملــل استاتیك هم تاکنون صورت نگرفتــه . اختلافــات سیاسی و اقتصادی روزمره بین کشورهای انگلیس و امریکا و فرانسه که ظاهرا در بــرابر روسیه بایکدیگر متحد هستند نمونــه و شاهدی است ازاین حقیقت و اصــولا تفاوتی‌که در زندگی مردم این کشورها ودر سطح زندگی ودرجه رفاه آنهاوجود دارد عــدم مساوات و برابری را نشان میدهد مزیدبراینستکه‌درغالب‌وقایع‌سیاسی روزمره جهانی منافع این کشورهــای متحد هم بایکدیگر اصطکاك پیدا میکند.

اصل (۱۱) ازحیث تئوری چون **وضع موجود برپایه‌پیمانهای بین‌کشورها استوار است درواقع استاتس‌کوئو موجد حقوق بین‌الملل عمومی ومشخص آنست** اما ملل دینامیك وضع موجود را قبول نداشته و ندارند و تجدیدنظر میخواستند و میخواهند و لازمه تجدید نظر دروضع موجود گذشت طرفیــن مخصوصا دول استاتیك است از منافع خود که آنهــم چنانچه دیده ومی‌بینیم ممکن نمیشودزیرا دول استاتیك حاضر نیستند یکقدم عقب نشینی کنند و از جزئی‌ترین امتیازات خود صرف‌نظر نمایند .

اصل (۱۲) برنامه صلح‌بعدازجنگ اول‌ابداعی ملل انگلوساکسون بودوبرپایه فرضیه تنفر عمومی مردم جهان از جنگ قرار گرفته بود درحالیکه این برنامــه ناقص بوده فاقد عنصر جلب رضایت ملل دینامیك بود زیرا کشورهــای دینامیك مانند آلمان بیش از آنکه صلح بخواهند



طالب تحصیل منافعی بودند که فاقد آن بوده و ملل استاتیك آنرا داشتند .

اصل (۱۳) دراثر دو جنگ‌جهانی عملا ثابت شد که فرضیه‌های یکطرفی که دول دینامیك (مانند آلمان) می‌پنداشتند میتوان دول استاتیك را ازبین‌بردویاآنکه دول استاتیك عقیده داشتند که میتوان ملل دینامیك را باحفظ وضع موجود و باوجود عدم تساویها اداره کرد و صلح را برقرار داشت هردو پوچ و بی‌اساس یا آرزوهای خیالی و غیر عملی بوده و معلوم‌شدکه **طرح شایسته وعملی بین ــ المللی برای‌حفظ‌صلح آنست‌که درخط‌مشی دول استاتیك و دینامیك هردو تعدیل حاصل شود و برنامه صلح دوطرفی باشد نه‌یکطرفی** و این‌کار مستلزم کف نفس و گذشت دوطرف بوده و هست طرحهائی که تاکنون تهیه شده عموما براساس‌حفظ منافع پیشنهاد کنندگان بوده است.

اصل (۱٤) ــ اختلاف نژاد وزبان و مذهب و مسلك ومرام ورژیم و ایدئولوژی عموما عوامل فرعی و اسمی و مستمسك و بهانه بوده لااقل‌درروابط واقعی بین‌المللی امروز کم‌اثر است‌ونکته عمده‌همان**موقعیت جغرافیائی واحتیاجات اقتصادی است** و سه هدفی‌که در اصل‌دوم بالا ذکر شد حداقل آرزوها و هدفهای هرملت است . بدیهی است اگر دول استاتیك و دینامیك جای‌خودرابایکدیگر عوض‌کنند نقش آنها در روابط‌بین‌الملل بلافاصله عوض میشود. بنابراین **درك موقعیت جغرافیائی و اوضاع طبیعی و منابع ثروت** هرکشور بمنزله درك خط‌ـ مشی ومیزان قوت و قدرت‌آن‌کشوراست.

اصل (۱۵) برای تغییر خط مشی يك ملت یا باید شرایط و اوضاعی راکه موجد آن خط‌مشی است تغییر دهیم ویا آنکه نیروئی بالاتر از نیروی او تهیه دیده همیشه آن ملت‌را تحت مراقبت‌قرار دهیم وچون طریق دوم لااقل امروزعملی ومیسر نیست (شاید بعدها بوسیله تشکیل پلیس و نیروی بین‌المللی میسر شود) باید به راه حل اول متوسل گردید یعنی بوسیله تشکیل سازمانهای بین‌المللی‌سعی کنیم بارفع تدریجی احتیاجات ملل دینامیك شرایط و اوضاعی راکه‌موجد خط‌مشی آنهاست تغییر دهیم .

اصل (۱۶) سرنوشت مردم جهان دردست ملت‌هانیست‌بلکه‌دردست‌دولتهاست دولتها ازچه‌کسانی تشکیل میشوند از طبقات حاکمه و زرنگ وقوی‌وثروتمند و باهوش‌که اختیار حکومتها را دردست گرفته در هرکشوری بطرزی و بنحوی برامور مسلط هستند . اراده دولتها هیچگاه درتمام ادوار تاریخ در تمام اعصار و قرون و زمانها ومکانها اراده ملتها نبوده و اکنون هم نیست و بعدها هم نخواهد بود . دولتها از طرف‌ملت‌ها واز زبان آنها صحبت میکنند درحالیکه عقاید و امیال ملتها غیراز آن است خواه حکومت حکومت پارلمانی و دموکراسی باشد یاکمونیسم یادیکتاتوری یا فاشیسم . دولتها همیشه از دیپلماتها و سیاستمداران حرفه‌ئی تشکیل یافته که خیلی بندرت ممکن است اهل سازش و مدارا باشند وغالبا بازیچه سرمایه‌داران ومراکز ذی‌نفع پشت‌پرده هستندکه‌کسی آنها را نمی‌بیند و نمیشناسد ولی خالق جنگها بوده و هستند و خواهند بود

در هیچیك از اعصار تاریخ مردم یعنی طبقات تابع امر دولت و مطیع حکومت در تمام جهان تااین‌درجه عاشق صلح نبوده و تااین‌درجه بیدار نشده‌بودند درگذشته تبلیغات و محرکات مذهبی یا قومی و نژادی و افتخار طلبی و حماسه سرائی در مردم ایجاد يك نوع جنون میکردکه بنحو داوطلب بمیدان جنگ میرفتند و نمونه آن جنگهای صلیبی‌است ولی امروز هیچ‌فردی از مردم جهان‌خود داوطلب جنگ نیست مگر آنکه بزور قوانین یا سرنیزه اورا بمیدان جنگ بکشانند ــ مردم جهان صلح‌طلب هستند ولی اختیار مطلق تامین صلح جهانی در دست این گروه دیپلماتهای حرفه‌ئی و سرمایه‌داران و صاحبان منافع است‌که اگر عقل و فتوت ایشان اجازه دهد سر سازش پیش‌گیرند وصلح راحفظ نمایند.
سازش پیش گیرند و صلح راحفظ‌نمایند.

یکصد سال پیش صلیب سرخ بوجود آمد

LA CROIX ROUGE

فکر تاسیس سازمان صلیب سرخ‌در ۲۴ ژوئن سال ۱۸۵۹ در میدان نبرد سولفرینو بمخیله فردی گوشه‌گیر وساده و بدون هیچ منصب و مقام گذشت و موسس سازمانی گردید که هدفش تعاون اجتماعی و همدردی ملی و بین‌المللی‌است و اگر اغراق نباشد ازلحاظ اهمیت و پیشرفت کمتر از جامعه ملل و یاسازمان ملل‌متحد نمی‌باشد این‌شخص هانری‌دونان نام داشت .

هانری‌دونان که بود ؟

او در سال ۱۸۲۸ در ژنو متولد گردید خانواده‌اش از اشراف سرشناس شهر بودند و در میان مردم قدرو منزلتی داشتند از طرف مادر فرانسوی بود وی بکالون اعتقاد داشت و با اصول مذهبی سختی تعلیم یافته بود .

دونان چهره‌ای باز ، متبسم‌وخوش آیند که‌چشمانی باروح‌ودرخشان‌شخصیتی پرنفوذ و جذاب ازاو میساخت داشت از لحاظ روحی فوق‌العاده حساس وشدید‌التاثیر بود طبیعتی برجسته و طبعی پر حرارت داشت . مصمم ، قاطع ومتکی بخود بود هنگامی‌که تصمیم بانجام کاری میگرفت برای اجرایش اگر لازم میشد زمین‌و زمانرا بهم میدوخت و از هیچ کوششی فروگزار نمیکرد روشن‌بینی و دقتش موجب اعجاب همگان بود .

هانری دونان از بیست سالگی وارد جامعه کشیشان گردید از محله‌های‌فقیران و از زندانها دیدن میکرد در این هنگام اقدام بایجاد اتحادیه مردان مسیحی و اتحادیه زنان مسیحی نمود و انجمن‌هائی از جوانانیکه در شهرهای بزرگ اروپا بتحقیق و مطالعه در اصول انجیل‌پرداخته بودند بوجود آورد امابالاخره اومیبایست شغلی انتخاب و ازاینراه زندگیش‌راتامین نماید ابتدا نزد بانکداران بکار مشغول شد و سپس بقسمت شرکت کلنی‌های سویس در ستیف قسطنطنیه منتقل گردید در سال ۱۸۵۳ به الجزایر فرستاده شد دونان مایل بود برای خودش کار کند و همش صرف گسترش قلمرو خود گردد ازاینجهت سعی کرد امتیاز قطعه‌زمینی‌را بمساحت ۵۰هکتار وآبشاری راکه‌بتواند آسیابی را بگردش درآورد بگیرد اما موفق نگردید بالاخره از طرف حاکم کل در ۱۷ کیلومتری‌جمیلادرنواحی‌قسطنطنیه ۷ هکتار زمین باو واگذار گردید و او توانست آسیابش را در وسط این قطعه زمین بسازد ــ مساحت زمینش ناچیز بود اما او مصمم بودکه آنرا توسعه دهد . با خود اندیشید که یك موسسه بیش از یك فرد موفقیت و پیشرفت میتواند داشته‌باشد لذا شرکت سهامی آسیاهای ونزوجمیلا را باسرمایه ۵۰۰۰۰۰ فرانك بنیان گذارد که بعدها این سرمایه به یکمیلیون فرانك افزایش یافت و این مبلغ‌درآنزمان قابل توجه بود امابعدها این‌شرکت‌موجب دردسرهائی برای او گردید شرکتها تقاضاها و پیشنهادهای اورا بلاجواب گذاردند و کارها پیشرفتی نداشت‌تصمیم گرفت که شخصا با ناپلئون سوم ملاقات کند و مشکلاتش را بااو درمیان گذارد بدین منظور در تابستان سال ۱۸۵۹ راه اروپا رادرپیش گرفت ودانست‌که‌ناپلئون در ماژانتا با اطریشیها می‌جنگد. دونان قدم‌بقدم ناپلئون را تعقیب کرد و هیچ مانعی نتوانست اورا از تصمیمش منصرف نماید . او بشانس خود اعتماد داشت و به توصیه‌ای که برای مارکی بوفردتپول یکی از فرماندهان ناپلئون سوم همراه داشت دلگرم بود وبخصوص‌روی‌دستخطی که خود انشاء کرد ودر آن از برقراری امپراطوری شارلمانی وارث امپراطوری رم تحت سرپرستی و بنفع ناپلئون سوم سخنها گفته بود خیلی حساب میکرد . تردیدی نداشت که اقدامش‌قرین موفقیت خواهد بود . کالسکه و اسبی تهیه کرد ویك درشکه‌چی اجیر نمود . در راه شخصی راکه میتوانست نشان جنگندگان را بیابد درکنار درشکه‌چی نشاند در راه همه از خود می‌پرسیدندکه این شخص منفرد بالباس غیرنظامی کیست ؟ بعدها باو لقب مرد سفیدپوش دادند زیرا چون مردم الجزایر جامه‌ای از کتان سفیدبرتن

و کلاهی حصیری مانند کلاههای محلی الجزایر برسر داشت.

در بامداد ۲۴ ژوئن در نواحی جنوبی دریاچه گاردا گوییتو جنگ خونینی بین فرانسویان و اطریشیها درگرفت و نبرد مدت ۱۴ ساعت در زیر آفتاب سوزان ادامه یافت. دو جبهه‌برای تصرف برج قدیمی سولفرینو مبارزه میکردند ودر این راه کشته میدادند. بالاخره فرانسویها فائق آمدند ولی‌شماره کشته‌شدگان و مصدومین بچهل هزار میرسید فقط هفده هزار فرانسوی مقتول شده بودند. پس از اینکه تیراندازی خاتمه یافت دونان در میدان نبرد که انباشته از مجروح و خون وگل و اجساد بود بگردش پرداخت از هرجانب صدای ناله‌ای برمیخاست و از هرطرف کسی طلب‌کمك میکرد ــ مجروحینی که‌عاجزانه التماس میکردند که یا بکمکشان‌بشتابند ویا ازقید زندگی نجاتشان‌دهند ــ بهداری ارتش پر از مصدومینی بودکه احتیاج بکمك فوری داشتند و آمبولانس و پرستاری درکار نبود ووسائل پانسمان بحدکافی دراختیار نداشتند.

تمام انبارها، کلاسهای درس، کلیساها بصورت بیمارستان درآمده و مجروحین سرپائی را میپذیرفتند.منظره این اماکن بمراتب رقت‌بارتر از میدان جنگ بود. در برابر این مصیبت‌دیدگان دونان‌هیجان عجیبی احساس‌کرد.فریادی از اعماق وجودش می‌شنید که روحش‌را بهیجان میآورد. موجی از ترحم جانش رافراگرفته بود ــ مرد سفیدپوش زمان درازی صرف تفکر نکرد. در ۲۵ ژوئن در کلیسای بزرگ شهر مستقر گردید و هزاران مجروح راگرد آورد وبدرمان و یاریشان پرداخت. تسلیشان میداد و دقت میکرد که اطریشیها و مجارهابعلت ندانستن زبان در زحمت نباشند. برای کمك و مواظبت مصدومین ازاهالی شهر کمك خواست. بآنها گفت که ماهمه برادر هستیم وبایدبیاری یکدیگر بشتابیم. زنان سرشناس شهر، بورژواها و خلاصه همه و همه در این نیکوکاری شرکت جستند.

وقتی هانری دو نان به ایتالیا برگشت بکلی تغییر یافته بود در روح خود نوری میدید که الهام بخشش در راه دیگری بود:

«اگر نمی‌توانیم جنگ را از روی «زمین برداریم وظیفه ماست که نیروی «خود را در راه تخفیف آلام ناشی از آن «صرف کنیم وبدین منظور باید سازمان «کمك بمجروحین رابنیاد نهاد تا درزمان «صلح تعلیمات لازم‌را دیده وبا تجهیزات «و وسائل کامل آماده کمك بزخمی «شدگان باشد.»

تحقق این فکر که معرف روح دونان است وبقیه زندگیش در راه تکمیل آن میگذرد بمرحلهٔ عمل درآمد. درآمدی که از الجزایر عایدش میگردید در راه اجرای طرح دومش صرف‌میشد. ناپلئون سوم با همهٔ لطفی که باو داشت دراین راه یاریش نکرد ــ دونان دوستان بیشماری در پاریس و ژنوداشت که‌هریك صاحب منصب و مقامی بودند. با آنکه تجربهٔ تلخی از گذشته داشت نقشه هایش را با دوستان درمیان گذاشت واز همه سو حسن استقبال گردید و همه اورا با این امر خیر تحریض وتشویق میکردند.



برای موفقیت بیشتر باید از گروه بیشتری استعانت جست، دونان با این فکر نشریه‌ای مؤثر چاپ و توزیع کرد و برای تهییج مردم آنچه براو گذشته بود نقل کرد «خاره‌ای از سولفرینو» نام بروشوری بود که در سال ۱۸۶۲ در ژنو بخرج دو نان انتشار یافت.

نتیجهٔ انتشار این جزوه فوق‌العاده درخشان بود. هرکس که آنرا میخواند تحت تأثیر قرار میگرفت. درهمهٔ محافل صحبت از آن بود وهمه جادست بدست میگشت بطوریکه چاپ‌آن تجدید گردید. دو نان دیگر آن‌مرد ژنوی‌نبود اونویسنده خاطرات سولفرینو بودکه همه تقدیس و تحسینش میکردند ــ در میان آثار ادبی اروپا، درمکاتب‌مختلف نظیرنوشته دو ــ نان را نمیتوان یافت، او با بیانی مؤثر و کلماتی ساده مناظر وحشتناك جنگ را که خود ناظر آن بوده است بیان میکند. برادران گنکور در روزنامه مورخه ۸ ژوئن ۱۸۶۳ مینویسند:

هزار بار زیبا تر از هومر است زیباتر از همه. فقط صفحاتی ازسگوردر کتاب (بازگشت از روسیه) بآن مختصر شباهتی دارد.

این سبك را شما نه در آثار زولا نه در استاندال و نه در تولستوی خواهید یافت بمحض انتشار این بروشور از هر طرف دست یاری بسوی دونان دراز شد. او برای مطالعه نتایج مستخرجه از جزوه که جنبه بین‌المللی‌داشت کمیسیونی‌مرکب از ۵ نفر تشکیل داد و گوستاو موینیه حقوق‌دان مشهور ژنرال دوفور سرباز برجسته جنگهای‌ساندربندکه همیشه‌دونان را محترم و گرامی میداشت و دو طبیب تئودور مونوار ولوئی آپیا را فرا خواند. کمی بعد این کمیته نام کمیته دائمی بین‌المللی یافت ومبدأ پیدایی کمیته بین‌المللی صلیب احمر گردید که امروز بجای ۵ عضو بیست عضو دارد و مقر اصلیش در ژنو بوده ورهبری سازمانهای صلیب سرخ تمام جهان راه بعهده دارد.

برای شناساندن تشکیلات کمیته

دائمی‌بین‌المللی ومقاصدش کنفرانس‌های سیاسی در ژنو تشکیل شد ، در سپتامبر ۱۸۶۳ اقدام به تشکیل یك کنگره آمار-گیری در برلن گردید .دو نان از این فرصت استفاده کرده توانست علاقه و کنجکاوی و احساسات شدید مردم‌پایتخت پروسیها را برانگیزد بطوریکه بحضور پادشاه وملکه پروس معرفی گردید . ولیعهد ، شاهزاده خانم ، برادر پادشاه ، افراد برجسته و پزشکان‌ارتش همه و همه اورا بگرمی پذیرفتند ــ دونان منظور از تشکیل کنفرانس هارا برای آنها تشریح کرد . باو قول داده شدکه نمایندگانی بکنفرانس ژنو بفرستند و آلمان ازاولین کشورهائی بودکه اهمیت و عظمت تأسیس این سازمان‌را شناخت‌وبا فرستادن نمایندهٔ برای خود کسب افتخار و وجهه نمود . این افتخار بطور وسیع‌تر نصیب فرانسه نیز گردید . دو نان میدانست که پاریس کانونی است که بیش از برلن با دنیای خارج مرتبط است بهمین جهت بود که در فرانسه که‌تاحدی موطنش بشمار میآمد کوشش بیشتری مصروف داشت .

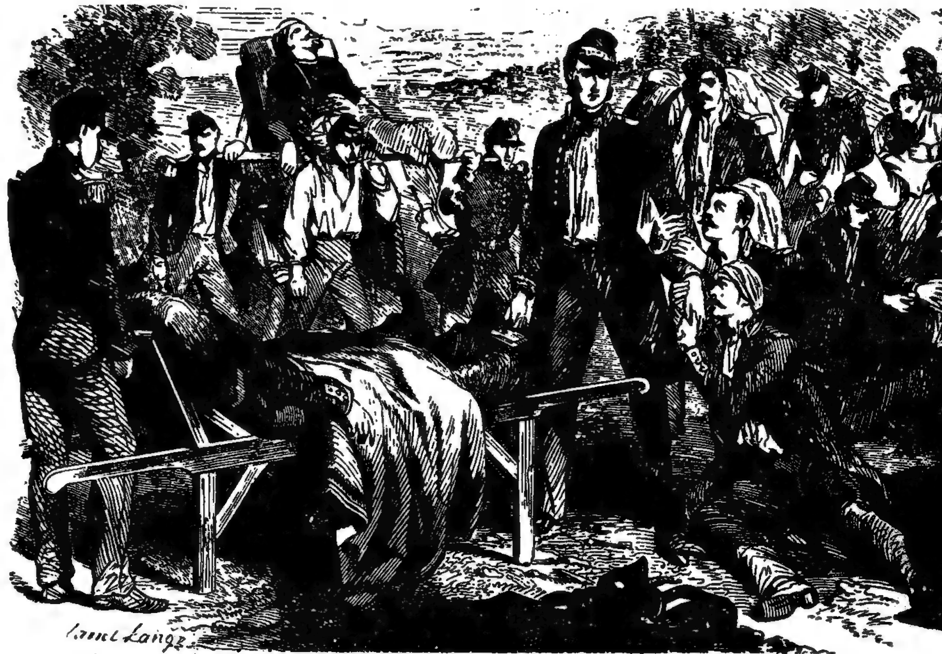
در نتیجه فعالیتهای دونان درفرانسه کمیته موقتی انجمن کمك بآسیب‌دیدگان جنگ در ۲۵ مه ۱۸۶۳ تشکیل گردید . این مجمع در سالن هیأت مدیره شرکت ارلئان گرد آمد وبالاخره انجمن یکسال بعد یعنی در ۲۵ مه ۱۸۶٤ بنیان گذارده شد . در همانسال انجمن بلژیك نیزتأسیس گردید ، که از لحاظ بین‌المللی نیز موفقیتهای بسیار نصیب این سازمان شد در ۲٦ تا ۲۹ اکتبر سال ۱۸۶۳ یك کنفرانس مقدماتی در ژنو تشکیل یافت و نمایندگان رسمی ۱٦ کشور (اطریش-باویر ــ باد ــ اسپانی ــ فرانسه ــ بریتانیای کبیر ــ هانور ــهس ــ ایتالیا هلند ــ پروس ــ روسیه ــ ساکس ــ سوئد ــ سویس ــ ورتمبرگ) در آن شرکت کردند . کنگره مقدماتی تصمیم گرفت دعوتی جهت تشکیل کنفرانس سیاسی بعمل آورد ودر آن راجع به‌شکل نهائی‌سازمان ــ برسمیت‌شناختن‌سازمانهای کمك بمصدومین و بالاخره مصونیت آسیب دیدگان جنگ و پرستاران آنها بحث نمایند . دراین کنفرانس پرچم و



علامت سازمان نیز انتخاب گردید . ازآن زمان ببعد علامت صلیب سرخ بر روی زمینه‌ای سفید اهمیت جهانی یافت . کمیته دائمی که دیگر بشکل سابق نبود تحت سرپرستی دولت فدرال سویس درآمد . دولت سویس مسئولیتها را بعهده گرفت و بعنوان یك مقام رسمی کلیه کشور هارا برای شرکت در کنفرانس فوق فراخواند . این کنفرانس در ماه اوت ۱۸۶٤ تشکیل شد . وعلاوه برکشور های سابق‌الذکر نمایندگان مکزیك ــ برزیل واتازونی هم در آن حضور یافتند. در ۲۲ اوت اولین قرار داد ژنو بوسیله نمایندگان ۱۲ کشور (بلژیك ــ باد ــ دانمارك ــ اسپانی ــ فرانسه ــ هس ــ ایتالیا ــ هلند ــ پرتقال ــ پروس ــ سویس ــ ورتمبرگ) بامضاء رسید وبعد ها سایر کشورها آنرا امضاء کردند .

روز ۲۲ اوت ۱۸۶٤ را باید یك واقعه مهم در تاریخ بشریت و بعنوان تاریخچه حقوق ملل و بخاطر تسلط نوعدوستی بر شقاوت و ظلم بشمار آورد.

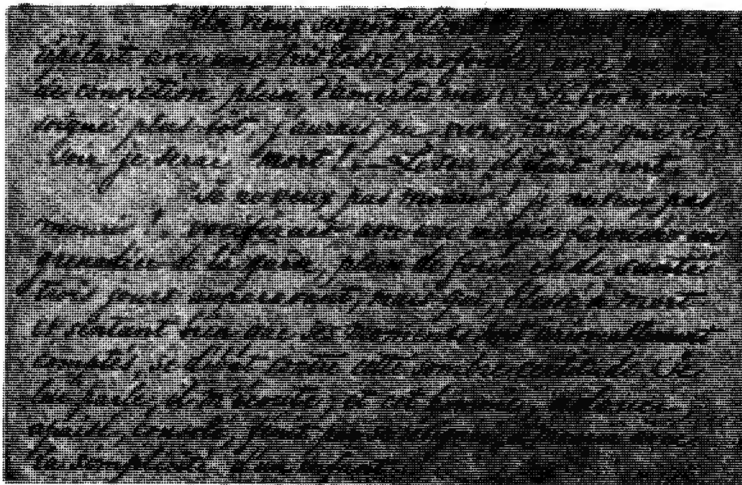
متأسفانه قهرمان ما دچاراشکالاتی میگردد که بکلی وضعش را مغشوش میسازد . دونان از نزدیك شدن روش تارپئین‌به‌کاپیتول آگاه‌میشود وکارهایش در الجزایر دستخوش نابسامانی میگردد



جنگ سولفرینو در دل هانری دونان صلیب سرخ جهان را بنیاد ریخت

با آنکه میکوشد سدها را از سر راه بردارد ولی‌هربار مشکل‌تازه‌ای درمقابلش قد علم میکند . شرکتهای جدید ــ حتی کمپانی الجزایر ــ ژنو که وسیلهٔ او بنیان گذاری شده بود نمیتواند وضع وخیم اورا سامانی دهند . طلبکاران اورا بمحکمه میکشانند ودر سال ۱۸۶۷ بکلی ورشکست میشود . دیگر کسی نمیتواند دونان را در ژنو به‌بیند . دوستان همه از او روی بر میتابند در حالیکه بشهادت همه او ثروت و زندگیش را در راه دیگران صرف کرده و منافعش را برای کمك بهمنوع مذاکره است . ناچار ترك وطن میگوید و چون روحی سرگردان از پاریس بلندن واز انگلستان بآلمان میرود . در خارج کسی از گرفتاریهائی که او در وطنش داشته آگاه نیست . لذا اوراگرامی میدارندوباو احترام‌میگذارند هیچکس از فقر او باخبر نیست ونمیداند که گاهی چگونه از گرسنگی رنج‌میبرد. معذلك او هرگز لحظه‌ای از اندیشیدن درباره کاری که شروع کرده‌است غافل

نمونه خط هانری دونان از کتاب‌یادگار سولفرنیو





هانری دونان مؤسس صلیب سرخ

نمیماند . مشاهده میکندکه وضع‌زند انیان دلخراش است . پس‌از مصدومین جنگ وظیفهٔ خود میداند که در بهتر ساختن وضع آنان بکوشد . او میفهمد که اگر در زمان صلح در مردم حس ترحـم برانگیخته نشود هرگز در زمان جنگ نمیتوان از آنها انتظار مروت و عاطفه داشت پس باید بدبختیهای زمان صلح‌را نیز برطرف ساخت .

در طول جنگهای سال ۷۰ او از هیچ تلاشی فرو گزار نمیکند و برای نجات مجروحین ازملکه و خدم وحشمش استمـداد میجوید وبالاخره «سازمـان بین‌المللی پیش بینی برای شهر نشینان زمان جنگ» را تأسیس میکند . همچنین درسال ۷۱ موفق بتأسیس «پیوند جهانی نظم وتمدن» میگردد که هدفش ایجاد هماهنگی بین ملل است .

ولی دونان روزبروز وضعش وخیم تر میگردد . مشکلات زندگی درلندن چون پاریس اورا رنج میدهد . بآلمان میرود ولی آنجاهم در آسایش نیست و بعد در هیدن مستقر میشود ودر نزدیك دریاچه‌کنستانس درپانسیون‌آنپزل میماند. او دیگر بیمار و فراموش شده وپیراست ودوران سختی را در مکانی میگذراندکه دیگر قادر بترك آن نخواهد بود . در

فیلمی که از زندگی او بنام (از مردی تا مردان) توسط یکی از برجسته ترین کارگردانان بنام‌کریستیان ژاك وباشرکت هنر پیشه‌ای چون ژان‌لوئی بارو تهیه‌شده دونان را می‌بینیم که با لباس پانسیونرها از عزلتگاه خود در آنپزل خارج میشود.

پس از گذشت قرنی دونان هنوز پرافتخار وبا ابهت درخاطره ها برجاست. هنوز از موفقیتهای او سخن میگویند و هنوز درباره نوعدوستیهایش قلمفرسائی می‌کنند .

امپراطریس روسیه چهارمیلیون‌فرانك مقرری برای او تعیین میکند و شورای فدرال ۱۰۰۰ فرانك جایزه باو میدهد شاهزاده خانم ویسنیویکا بارون سویتزباو لقب رئیس افتخاری اتحادیه خلع سلاح خودرا اعطا می‌کنند وبالاخره پارلمان نروژ باو وبه فردریك پایسی جایزه صلح نوبل را میدهد .

اینهمه تجلیل و بزرگداشت بروح او گرمی خاص میبخشد وهمین‌دلگرمیها بود که تا حدی روزهای واپسینش را روشن‌تر و قابل تحمل‌تر میساخت . قبل از مرگش بخود میگفت که اعمال‌افراد مفید ، نیکوکار ، مخترعین‌وناجیان باحق شناسی روبرو میشود وازاین جهت‌شکایتی نمیکرد . چون او یك فرد خیر یك

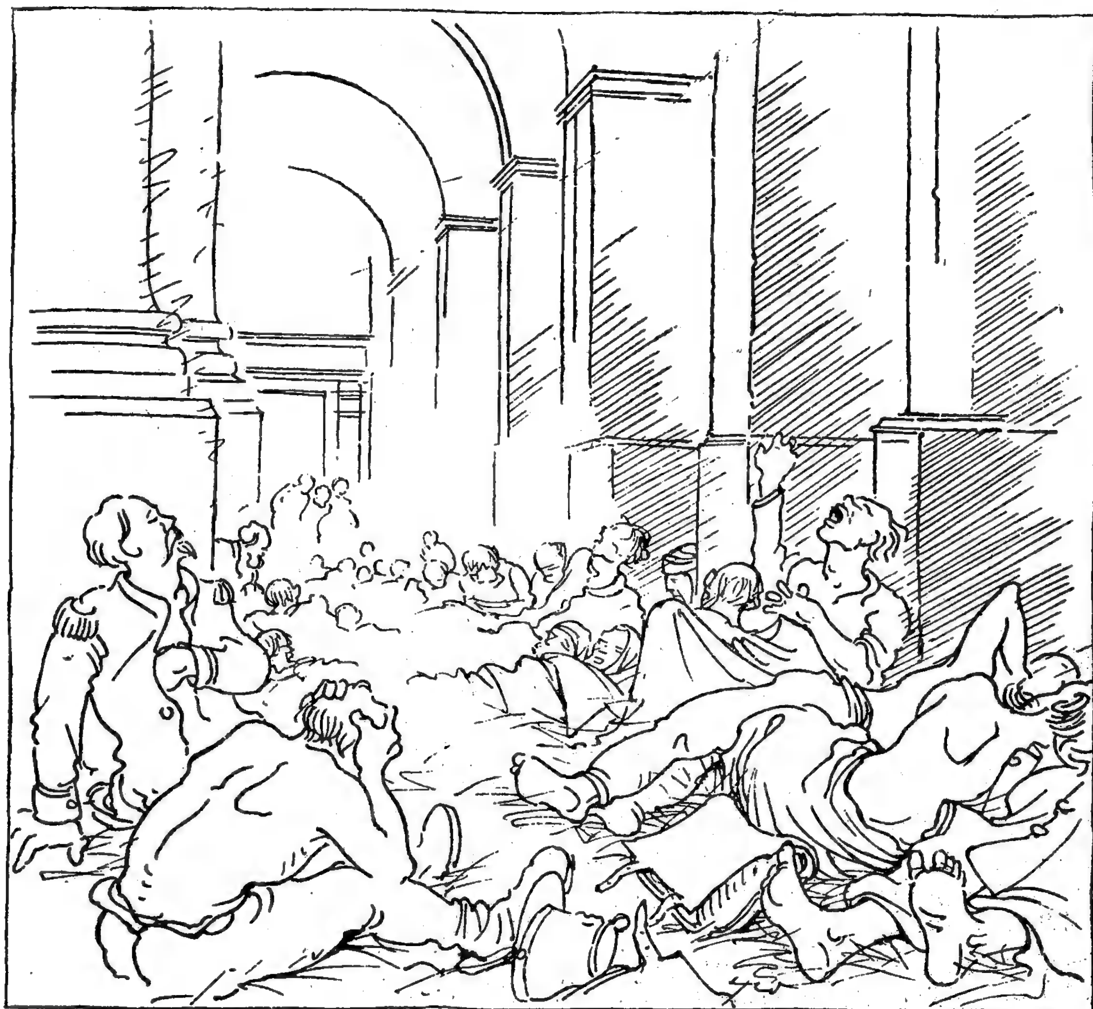
مکتشف ویك ناجی بود واین مرد که‌تمام وجودش انسانیت محض بود در ۱۹۱۰ زندگی را وداع گفت .

اگر امروز او در میان ما ظاهر شود می‌بیند که خلفش دربارهٔ او عادلانه قضاوت میکند . در هیچ جای دنیا دفتر و بیمارستان صلیب سرخی دیده نمیشود که در آن تصویر هانری دونان بردیوار نصب نشده باشد . اگر بازگردد می‌بیند در راهی که او نخستین گام را برداشته انسانها فرسنگها پیش رفته‌اند و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جانشین کمیته کوچکی که از پنج عضو تشکیل میشد ، گردیده و بجای ٤ ماده ٤٠٠ ماده برای حمایت‌قربانیان جنگی_ مجروحین‌زمینی ودریائی _ افسران و سربازان زندانی _ مردم شهرهای اشغال‌شده در اساسنامه‌اش گنجانده شده‌است .

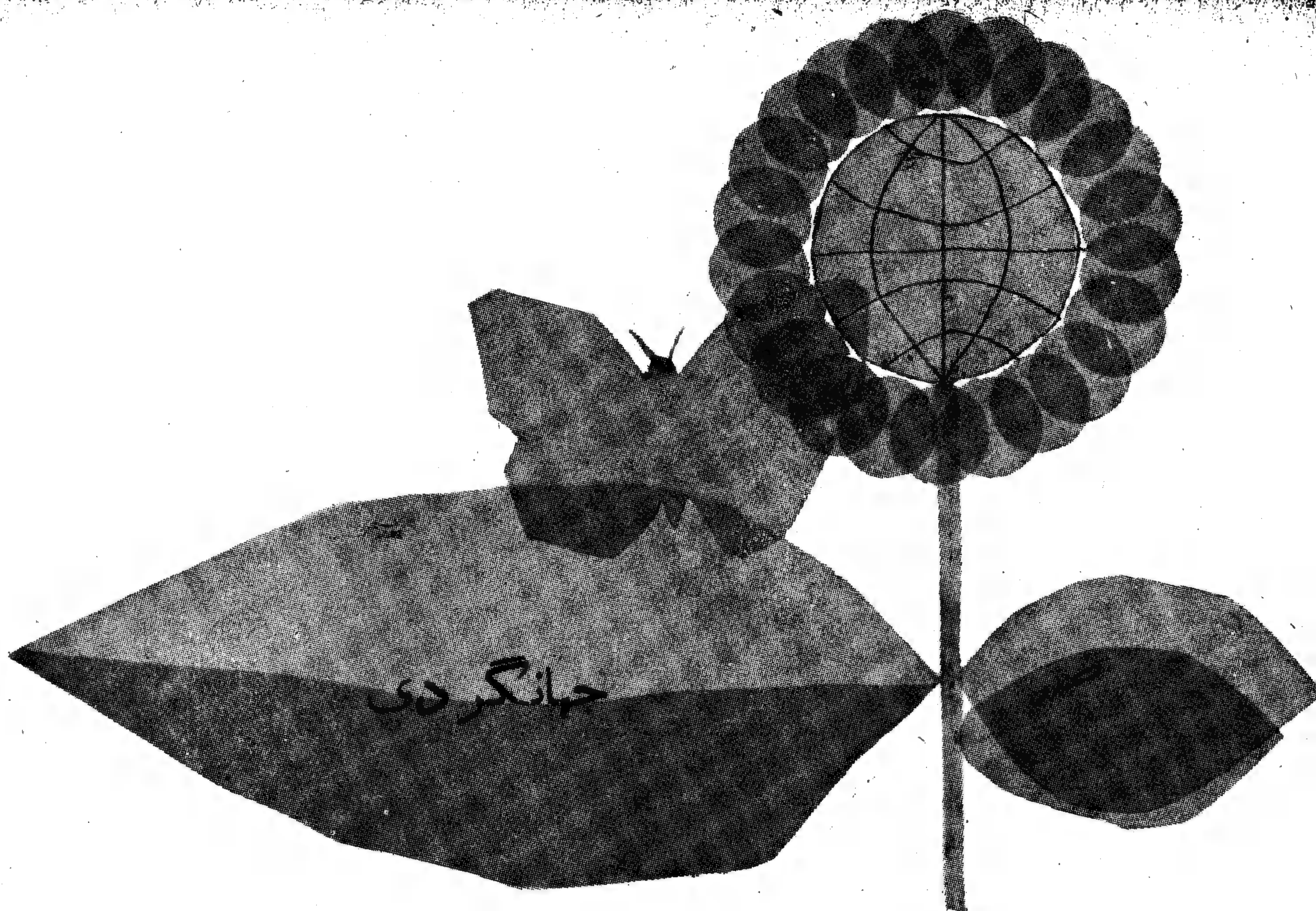
موضوع قابل اهمیت آنستکه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که اغلب باحروف (C.I.E.R.) مشخص میشود منحصرا از اهالی سویس برگزیده میگردد زیرا سویس کشوری است که بیطرفی آن از طرف همه کشورها شناخته و تضمین شده‌است .

این کمیته میتواند در جنگ بین دو کشور وساطت کرده بدون آنکه طرفداری از یك جبهه نماید وظیفه‌انسانی خودرا انجام دهد .

نکته دیگرآنستکه ٤ قراردادسویس که بامضاء حکومتهای وقت رسیده ودر مجلس تصویب گردیده بودند برای همه محترم‌وقابل اجراشمرده میشدند بطوریکه در سال ۱۹۳۹ سه قراردادی که وجود داشت اجرا میگردید و مجروحین درمان واز زندانیان حمایت میشد . فقط درجبهه جنگ سربازان نازی بود که جنایت‌وگناه را میشد بچشم دید . اگر در سال ۱۹۳۹ چهارمین قرارداد نیز تنظیم شده بودشاید بشریت از تحمل این همه مصیبت وشقاوت که متحمل شده‌است معاف میگردید .



مجروحان برروی سنگ فرشهای کلیسا درد می‌کشند



بکجا میروید ؟

از عهد باستان تا کنـون چـه هنگامیکه تنها بوسیله پیاده روی‌از جائی بجای دیگر میرفته‌اند و یا زمانی که با اسب و الاغ و قاطر سفر میکردند و یا اکنون که بـا اتومبیل و کشتی تندرو و هواپیما و جت های سریع‌السیر دنیا گردی مینمایند ، یکی از لذات زندگی انسان و هم یکی از وسائل ترقی و کسب علم ومعرفت وتجربه وپیشرفت تمدن جهانگردی است .

سیاح وجهانگرد در سفر آدمهای تازه ، قیافه‌ها و صورتهای تـازه ، رسوم دیگر،آئین‌دیگر، وزندگی‌های مردم دیگر را می‌بینند و تجربـه میگیرد .

در قدیم اشخاص دانشمنـد و آزموده کسانی بودند که آنها را «دنیا دیده» میگفتند یعنی آنها که چند سال عمر خود را بجهانگردی گذرانده بودند مثل سعدی شیرازی شاعر بزرگ ایرانی که باکثرکشور های شناخته شده آن عصر سفـر کرده و نتیجه تجربیات سفر خود را در کتاب فلسفه اخلاقی خـود بنام گلستان‌بصورت عصاره و فشرده آورده و هم سراسر بدایع وغزلیات وی مملو از اندرز های مربوط به واقعیات زندگی و حقایق عملی زیستن است حنانچه در باره سفـر تاکید میکند که هر زمان در چشم مردم دیار خود خوار شدی و قدر تورا نشناختند «**سبك سفر كـن از آنجا بروبجای دیگر**» .

و یا میگوید :

« **بهیچ یار مده خاطر و بهیچ دیار**
که بروبحر فراخ است‌وآدمی‌بسیار»

ودیگری گفته است که :

«**سفر مربی‌مرد است و اوستادهنر**»

وعلی علیه‌السلام فرماید

« ... فسافـرففی‌الاسفـار خمس فوائد تفرج هم واکتساب معیشة و علم‌وآداب و صحبت ماجد»

پس سفر کن که در سفـر پنج فایده است : (۱) رفع غم و اندوه (۲) کسب معیشت (۳) کسب علم (٤) کسب آداب(۵) شنیدن سخنان نیکو .

جهانگردان از عهد قدیم تا حال انتقال دهنده فرهنگ و تمدن و اکتشافات و تجربیات هر گروه بشری به گروه های دیگر بـوده و عامل مهم ترقی تمدن محسوب میشوند .

این جهانگردان بزرگ بوده‌اند که با نیروئی مافوق بشری وهمتی شگرف و عزمی آهنین باکتشاف نقاط مجهول و اعماق جنگلهای افریقا و استرالیا و کشف جزائـر اقیانوس آرام و کشف قاره جدید (امریکا) پرداخته و دنیای کوچك قدیم را مبدل بجهان بزرگ امروز کردند و در ارتباط نقاط مختلف جهان بیکدیگرعامل‌موثری‌گردیدند.

شأن کریستف‌کلمب کاشف امریکا و ارزش‌مارکوپولو جهانگرد بزرگ قاره قدیم یا کاشفین قطب های شمال و جنوب که خود را درمعرض خطر های عظیم قرارداده و جهان را با کشفیات خود توسعه دادند

از علما و مکتشفین بـزرگ کمتر نیست و جهان بشری آنها را در عداد بزرگان و نوابـغ انسانـی میشمارد .

جهانگردی در قدیم مخصوص کسانی بود که همت و جرات سفر کردن را داشتند زیرا سفر عاری از مشکلات نبوده و تحمل مشقات را لازم دانسته و تنهـا اشخـاص حادثه‌جو وماجرا دوست دست‌باینکار میزدند و هم آنکه بدنی سالـم و بنیه‌ئی قوی لازم داشته اما امروز که شامیتوانید چاشت را در تهران ناهار را در استانبول و شام را در پاریس و چاشت روز بعد را در نیویورك صرف کنید بدون آنکـه احساس کوچکترین خستگی نمائید همه‌کس میتواند ازلذتها وفایده‌های سفر بهره‌مند شود بهمین سبب است که توریسم و جهانگردی در زمـان ما اهمیت مخصوص یافتـه بـرای بعضی کشور ها عایدات هنگـفت میآورد و جزء مهمی از بودجـه درآمد آنها را تشکیل میدهد و لذا دولتها غالبا آنرا تشویق واداره کرده و بعضی دولتها نیز ادارات بزرگ یا وزارت جهانگردی ترتیب داده با تاسیس دوائر راهنمائـی جهانگردی در هرشهر و تهیه وسائل آسایش جهانگردان و مراکز خاص برای راهنمائی و توقف ایشان جلب سیاح میکنند و آمار ایشان ارقام عظیم را در هر سال از جهانگردان نشان میدهد .

دولت جدید ایران هـم که روز ۱۷ اسفند ماه گذشته روی کارآمد در برنامه ۲۴ ماده‌ئی خود که به مجلسین تقدیم نمود ماده ۱۳ خود را اختصاص به توسعه جهانگردی داده و این اولین مرتبه است کـه این موضوع بعنوان یك ماده‌دربرنامه هیئت دولت ایران ظاهر میگردد و بدیهی است که اگر بدان عمـل شود منبع عایدات هنگفت بـرای کشور و هم باعث شهرت بیشتر و کسب افتخارات بیشتر برای ما در جهان امروز خواهد بود .

ماده مزبور چنین است :

«۱۳ ـ توسعه جهانگردی :

دولت سرمایه‌گذاریهائی راکه برای جلب‌سیاحان‌خارجی‌درتمام‌نقاط‌کشور بعمل میآید ارشاد و حمایت خواهد کرد و لایحه آنرا بزودی تقدیم قوه مقننه خواهد نمود تا مزایای سرمایه گذاریهای تولیدی صنعتی نسبت بسرمایه گذاریهای خصوصی که برای جلب سیاحان خارجـی ضرورت کامل دارد تعمیم داده شود .»

و ما دراینجا باختصار چنددستور کلی برای راهنمائی کسانیکه قصد سفر یاجهانگردی دارند ذکرمیکنیم:

بکجا میروید ؟ البته بدون مقصد از خانه خود بیرون نمیروید و کشور یـا کشور هائی را در نظر گرفته‌اید کـه بدانجا سفـر کنید . حتما پیش از سفر بوسائل مقتضی مثلا صحبت باکسانیکه بآنجا رفته‌اند و تجربیاتی دارنـد و ملاحـظه گزارشها در سالنامه ها و تقویم‌ها ویا بدست آوردن رسالات و اوراق و کتابچه هائی که سفارتخانه هر کشور مجانی برای راهنمائی بشمـا میدهد قدری با تاریخ و جغرافیا و عادات و رسوم و زبان و وضع کشور مقصد آشنائی پیدا کنید و اگر با اتومبیل سفر میکنید حتما نقشه راههای آن کشور را بدست آورده مطالعه کنید و مسیر حرکت خود را معلوم کرده علامت‌گذاری نمائید . درتهران میتوانید با اداره جلب سیاحان و بعضی موسسات مسافربری هوائی و زمینی نیـز مشورت کنید و قبلا برای مسافرت خود طرح نقشه قطعی بنمائید .

گذرنامه ـ ویزا ـ اسناد لازم :

پیش از حرکت مطمئن شوید کـه گذرنامه و ویزای شما درست است و تاریخ های آن منقضی نشده و تجدید لازم ندارد . قبل از مسافرت آنرا برای آنکه گذرنامه شمامعتبر باشد و مدت آن منقضی نشده باشد باید چندروزپیش ازحرکت باداره گذرنامه‌شهربانی‌مراجعه کرده‌یك‌برگ اجازه‌خروج هم‌دریافت کنیدوگرنه در مرز و یادرفرودگاه دچاراشکال خواهید شد و ممکن است مجـبور بمراجعت به مبداء شوید ـ اگـر با ترن یا اتومبیل مسافرت میکنید حتما گذرنامه‌شماویزای قونسولگری های کلیه کشورهائی را که در راه شما واقع شده‌اند لازم دارد ولو آنکه در آن کشور ها توقف نکنید و یا از اطاق ترن خارج نشوید .

پول های خارجی : هنگام گرفتن ویزا از کشور یا کشور های مقصد و هم کشور های مسیر راه باید بپرسید چه‌مبلغ پول آنها رامیتوانید از خارج وارد کنید یعنی همراه داشته باشید و در کجا و چگونـه چك های مسافری خود را میتوانید نقد، کنید و با چه قیمت و بـا داشتن این اطلاعات ارزهای لازم را تهیه کنید و در اظهار نامه‌هائی‌هم که برای‌ورود به هرکشور پرمیکنید قید نمائید تا دچار زحمت نشوید . مهم‌اینکه در هرکشور بهمان اندازه احتیاج خود چك مسافرتی خرج کنید که جزو پولهای زاید درجیب شما بلا مصرف نماند .

زبان : وقتیکه به کشوری وارد میشوید که قصد اقامت چند روز یا چند هفته یا چند ماه در آن‌دارید اگر زبان مردم آن کشور و احیانا یکی از دو زبان انگلیسی یافرانسه را هم ندانید بشما خوش نخواهد گذشت و خود را در میان آن قوم مانند لال ها خواهید یافت . بهتر است (ولو اینکه زبانهای انگلیسی و فرانسه راهم بدانید) اگر بکشور های ایتالیا یا آلمان یا اسپانیا یا هرکشور دیگر سفر میکنید چند ماه پیش از حرکت یك نسخه کتابچه مقدماتی خودآموز و محاوره زبان را که برای مسافران و جهانگردان تهیه شده بدست آورید و دست کم دویست تا چهار صد لغت و پنجاه تا یکصدجمله را که برای احتیاجات روزانه وعادی‌شمابکار میرود حفظ کنیدبدون‌اینکه درصدددرست نوشتن آنها باشید . البته چه بهتر کـه بتوانید آن جمله ها را هم بنویسید این کار معلم و کلاس لازم ندارد و تنها یك یا دو جلسه کافی است که طرز تلفظ و صدای الفبای آن زبان را یکی از دوستان شما که آن زبان را میداند بشما بیاموزد اگر از این دستور پیروی کردید از سفر خود خیلی بیشتر لـذت خواهید برد .

سبکبار باشید : در سفر هرچـه سبکبارتر باشید بیشتر بشما خـوش میگذرد حداکثر یك جامه‌دان بـا همان وزن مجاز سفر هواپیما یعنی بیست کیلوگرم برای شما کافی است . با حمل چیز های اضافی و احتیاطی بارخود را سنگین نکنید. اگر با راه آهن مسافرت میکنید حداکثر با دوجامه‌دان سبك مسافرت کنید و اگر در سفر با قطار هم بیك جامه‌دان سبك قناعت کنید باز بهتر است . در اینصورت در انتقال از محـلی بمحـل دیگر به مصیبت اسباب‌کشی وباربری دچار نخواهید شد و لوازم سفر شما در معرض خطر سرقت‌قرارنخواهد گرفت چون خودتان همه‌جا حامل آن خواهید بود ، البته اگر با اتومبیل شخصی سفر میکنید دو کیف مخصوص یکی محتوی اغذیه قوطی و یکی حاوی چند ظرف نایلون و پلاستیك ودو ترموس برای مشروبات گرم و سرد همراه داشته باشید تا در عرض راه هرگاه اراده کردید ساعتی توقف کرده بیاسائید و به قهوه خانه های عرض راه احتیاجی نداشته باشید ضمنا دو پتو نیز برای خود در اتومبیل بگذارید .

حفظ اسناد : دسته چك مسافری و پول و گذرنامه و شناسنامه وسایر اسناد مسافرت را اگر مرد هستید همیشه در جیب بغل درون کیف خود که باید قابل بستن باشدمضبوط نگاه دارید و هیچگاه آنرا از خود جدا نکنید . اگر در تابستان سفر میکنید و لازم است کت خود را بیرون آورید حتما کیف کوچك حاوی اسناد را به جیب جلو شلوار انتقال بدهید(نه جیب عقب) و اگر زن هستید اسناد را در کیف دستی خود قرار داده و کیف را هرگز از خود جدا نکنید .

اگر جزء شرایط ورود کشور مقصد داشتن گواهی آبله‌کوبی یا استعمال واکسن امراض دیگر است انجام آنرا در کشور مبدا فراموش نکنید و گواهی نامه های لازم را در جوف گذرنامه نگاهداری کنید و بطور کلی اسناد مربوط بمسافرت و پولهای خود را مجموعا در یك بسته همراه داشته باشید .

چند احتیاط لازم :

پول نقد و بسته اسکناس خودرا جلو اشخاص متفرقه و در مراکز عمومی و ایستگاه راه‌آهن یاهواپیما و گاراژها بیرون‌نیاورید و بعابرین نشان نـدهید و از جیب بـرها بپرهیزید .

در ایستگاه‌های هواپیما ازمحوطه مجاز دور نشوید و گوش بزنگ صدای اخطار حرکت باشید که جا نمانید . اگرزبان نمیدانید خجالت نکشید مقصود خود را بدیگران بفهمانید و از دقیقه حرکت آگاه شوید .

اگر با راه آهن حرکت میکنید چه بهتر که در ایستگاه ها مطلقا پیاده نشوید و از همان اطاق خود مناظر خارج را تماشا کنید چه اگر ترن حرکت‌کردوشماجاماندید ممکن است گرفتاریهای بسیار برایتان پیش بیاید .

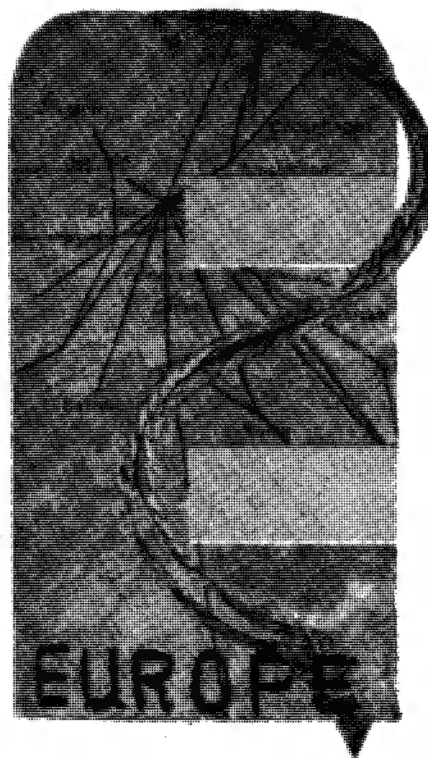
اگر با اتومبیل سفر میکنیـد مراقب تابلوها باشید مدام چشمتان به تابلوهای راهنما و شماره راه ها و دستور ها باشد و گاه بگاه توقف کرده به نقشه خود نظر کنید تـا مطمئن شوید که از جاده خارج نشده و بجاده عوضی نرفته‌اید .

به علائم راههای ممنوعه و نظامی توجه داشته باشید و بمناطق ممنوعه نروید از راندن در اراضی باتلاقی وگل‌ولای حذرکنید . اگراتومبیل به‌گل یا باتلاق نشست اگر بخطر نیفتاده باشیددچار زحمت وخسارت فراوان خواهید شد .

سفر بخیر ـ خدا نگهدار

از بهترین قاره‌ها برای سفر و یك سرزمین ایده‌آلی برای جهان گردی است، تنوع ملت‌ها ، زبان‌ها ، رسوم وعادات ، معماریها ، غذاها ، مناظر شخصی جهانگرد را خسته نمیکند و در هر نقطه‌و مکان چیزهای مختلف می بیند و تجربه‌ها واطلاعات تازه بدست میآورد .

اینك تقویم وقایع و حوادث جالب را در اروپا در سال ۱۹٦٤ برای شما نقل میکنیم تا هر قسمت آن که مورد توجه وعلاقهٔ شماست بار سفر خود را برای شرکت در ان قسمت یا تماشای ان واقعه یا نمایش ببندید وسپس چند مطلب راکه بطور کلی دانستن آن برای مسافرین اروپا سودمند است می آوریم و پس از آن بمعرفی چند کشور اروپائی میپردازیم :



اروپا

تقویم وقایع جالب اروپا در سال ۱۹٦٤

ژانویه

بازیهای زمستانی اولمپیك ــ در اینس بروك ــ اطریش

فستیوال زمستانی ــ در مالاگا ــ اسپانیا

بازارمکاره‌مبل ــ در کولونی ــ آلمان

اسکی‌تینگ قهرمانی اروپائی (فیگور) در فرانسه

مسابقه بازی هاکی روی یخ در لاهه ــ هلند

فوریه

بازار مکاره بازیچه های کودکان در آلمان

اسکی‌تینگ قهرمانی جهانی (سرعت) در سوئد

بازار مکاره بازرگانی بهاری‌در فرانکفورت ــ آلمان

فستیوال گل‌بادام در ارژن‌تینو ــ ایتالیا

بازار مکاره بازرگانی پارچه در آمستردام ــ هلند

مسابقه اسب دوانی روی یخ‌در سن‌موریتز ــ سویس

جشنهای کارناوال پره‌لن‌تن در آلمان ، اطریش وهلند ،فرانسه و بلژیك

مارس

نمایشگاه گلهای کیوکن هوف ــ در لیس ــ هلند

جشن سن ژوزف «فالالاس» ــ در والنسیا ــ اسپانیا

فستیوال تآتر ــ در پاریس (فرانسه) ــ تا ماه ژوئیه ادامه دارد

بازار مکاره بازرگانی ــ در اوترخت ــ هلند

نمایشگاه بین‌المللی اسپورتهای ابی ، زندگی اردوئی وکاروان ــ در آمستردام ــ هلند

بازار مکاره فنی واجناس مصرفی ــ در لیپزیك ــ آلمان خاوری

آوریل

مسابقه قایق رانی بین اکسفورد وکمبریج ــ درلندن ــ انگلیس

تجدید نمایشگاه گلهای کیوکن هوف ــ در لیس ــ هلند

بازارمکاره‌بین‌المللی پلاستیك ــ در کپنهاك ــ دانمارك

بازارمکاره نمونه ــ در میلان ــ ایتالیا

جشن فستیوال چهارصدمین سال تولد شکسپیر ــ در انگلستان

مه

نمایش صدا وروشنائی ــ درقصر ورسای ــ فرانسه

بازار مکاره صنعتی ــ در هانوور ــ آلمان

فستیوال موزیك ــ در پراگ ــ چك اسلوواکی

فستیوال فیلم ــ در کان ــ فرانسه

ژوئن

مسابقه دوچرخه سواری توردو ــ فرانس ــ در فرانسه

مراسم دفیله و نمایشهای گارد مخصوص ملکه انگلیس بمناسبت روز تولد در لندن ــ انگلیس

مسابقه جایزه بزرگ اتومبیل رانی در مونت کارلو ــ فرانسه

فستیوال هلند ــ در آمستردام، لاهه ،روتردام ، اوترخت ــ هلند که تا اواسط ژوئیه ادامه دارد.

فستیوال فیلم ــ در برلن ــ آلمان

مسابقه اتومبیل رانی ــ در لومن ــ فرانسه

مسابقه قهرمانی تنیس روی چمن ــ در ویمبل دون ــ انگلیس

ژوئیه

دوانیدن گاوهای نر و جنگهای باگاوها بوسیله گاوبازان در پامپلونا ــ اسپانیا

مسابقه بزرگ بین‌المللی شطرنج ــ در پاریس ــ اسپانیا

فستیوال هنرها ــ در اسپلیت ــ یوگوسلاوی

نمایش نظامی ناتو ــ درارنهم ــ هلند

مسابقه پیاده روی چهار روزه ــ در نیژمگن ــ هلند

فستیوال موزیك در اکس ــ آن ــ پروونس ــ فرانسه

فستیوال‌موزیك در سالزبورگ ــ اطریش

اوت

نمایش اسب سواری ــ دردوبلین ــ آیرلند

فستیوال اوپرا ــ در مونیخ ــ آلمان

فستیوال‌موسیقی ــ در لوسرن ــ سویس

فستیوال بین‌المللی ــ در ادین بارو ــ اسکاتلند

فستیوال فیلم ــ در ونیز ــ ایتالیا

نمایش نظامی هلند ــ دردلفت ــ هلند

نمایش بین‌المللی اسب سواری ــ در روتردام ــ هلند

نمایش بین‌المللی فولك لور ــ در آنشده ــ هلند

سپتامبر

رژه گلها ــ درآلس‌میر ــ هلند

بازارمکاره بین‌المللی‌بازرگانی ــ در اوترخت ــ هلند

جشن اکتبر (اکتوبرفست) ــ در مونیخ ــ آلمان

فستیوال بین‌المللی موسیقی ــ در برلن ــ آلمان

فستیوال هنرهای کامنولث ــ در لندن ــ انگلیس

بازار مکاره بازرگانی ــ در فنلاند

بازار مکاره انتیك (عتیقه ها) در دلفت ــ هلند

بازار مکاره بین‌المللی بانوان ــ در روتردام ــ هلند

اکتبر

فستیوال شراب ــ در دفنوس ــ یونان

جنگ باگاو ــ در سویل ــ اسپانیا

نمایشگاه اتومبیل ــ درپاریس، لندن ، وتورین

بازار مکاره خوراکها و طرز خوردن آنها ــ در دیژون ــ فرانسه

نوامبر

فستیوالهای شراب ــ درفرانسه

مراسم سین‌ترکلاس ــ درهلند

دسامبر

هفته گوبلین ــ در توفت‌لوند ــ دانمارك

تیراندازی کریسمس و سال‌نو ــ در برچتسگادن ــ آلمان

کنگره بین‌المللی سالیانه شطرنج ــ در هیس تینگ ــ انگلیس

مراسم اعطاء جایزه نوبل ــ در استکهلم ــ سوئد .

چند نکته‌کلی برای‌سفر اروپا

در هر جا برسم آنجا رفتارکنید مثلا ساعات صرف شام درکشورهای مختلف فرق میکند در اسپانیا در حدود ساعت ۹ بعداز ظهر شام می خورند ولی مردم ایتالیا خیلی دیر شام میخورند .

انعام پیشخدمت : اگر درصورت حساب رستوران سرویس افزوده شده دادن انعام اضافی لازم نیست ولی اگر افزوده نشده ۱۲ تا۱۵ درصد بهای صورت غذا را برسم انعام به پیشخدمت بپردازید .

برکارت پستال های مصور که بیاد بود برای دوستان میفرستید اگر بخواهید هزینه پستی آن ارزان تمام شود وآدرس‌پس‌گیرنده را بنویسید و مطلبی ننویسید اگر اسم‌شما از ۵کلمه تجاوز نکندبهای پستی آن کمتر خواهد بود. برای پست هوائی ارسال نامه های مخصوص هوائی ارزان‌تر تمام میشود و همان صورت تمبری که پشت ورقه چاپ شده بمنزله پستی است و کفایت میکند بشرط آن‌که درجوف آن نوشته دیگری نگذارید.

فیلم عکاسی در تمام شهرهای اروپائی یافت میشود و فروشنده فیلم بشما میگوید که چه نوع وچه فیلم بدرد دوربین شما میخورد و چون وضع نور در نقاط مختلفه قاره فعلی خیلی باهم فرق میکند بکار بردن نورسنج مفید است .

سلمانی و واکس زنی واتوکشی و رخت شوئی در همه جا فراوان است‌هتل شما راهنمائی‌میکند . خود را همیشه تمیز و پاکیزه و خوش لباس و آراسته نگاه دارید .

دراستعمال حمام وتوالت رعایت کامل نظافت وپاکیزگی و احتیاط را بنمائید اگر در طبقات بالا منزل دارید وکف حمام چوبی است مبادا آب بر کف حمام‌بریزید و ساکنین طبقه زیر را در زحمت اندازید .این نوع بی احتیاطی‌ها علاوه بر بی آبروئی پرداخت‌جریمه راهم احیانا در بردارد .

لباس: همراه خود لباسهائی را بر دارید که مطمئن باشید آنها را خواهید پوشید . لباس مشکی برای شب همراه داشته باشید . در سفر تابستان لباس‌شنا را فراموش‌نکنید. کفش راحت بپوشید یک پالتو بارانی نازک همراه داشته باشید .در زندگی کنار دریا و درتابستان‌می توانید بین پلاژ و دریا باهتل خود باهمان لباس شنا آمدورفت کنید . اما در بعضی نقاط باید با لباس خیابان به پلاژ رفته درمحل معین لباس خود را با لباس شنا عوض کرده بدریا بروید . اگر به کشور پرتقال گذرتان افتاد متوجه باشید در آنجا چه زنان و چه مردان از لحاظ لباس شنامحافظه کار هستند .

بطور کلی زنان اروپائی از حیث پوشیدن لباس با حیا و ملاحظه کار هستند مگر درپلاژهای بزرگ‌که‌آزادی بیشتری درانتخاب نوع لباس شنا دارند . زنها در هنگام رفتن به کلیسا نوعی روسری بکا رمیبرند و با شانه وبازوها و سینه عریان به کلیسا نمیروند .

این لوازم را در سفر همراه داشته باشید :

عینک تار آفتابی ،سوزن و نخ، یك ساعت کوچك شماطه‌دار ،یك جعبه کوچك کمکهای نخستین‌شامل مرکورکرم و باند و پنبه و چند داروی مسکن ، یك یا دو زوج جوراب اضافی ، آقایان لوازم ریش تراش وبانوان لوازم آرایش که باید در کیسه نایلون باشد .

مردان یك کیف بغلی چرمی برای نگاهداری گذرنامه و پول وسایر اسناد مسافرت .

اگر عینك بکار میبرید حتما یك زوج عینك اضافی‌همراه‌داشته باشید تا اگر یکی از آن‌ها شکست درمانده نشوید . اگر داروهائی برای احتیاجات خود بکار میبرید بقدر کفایت از آن‌ها همراه داشته باشید .

جامه‌دان خود را زیاد فشرده نکنید و جای کمی برای چند چیز که در سفر خریداری میکنید وبر اشیاء شما علاوه میشود بگذارید.

مقیاسات معمول در اروپا

در اروپا دو نوع مقیاس بکارمیرود یکی انگلیسی و دیگر قاره‌ئی (یعنی معمول در قاره‌اروپا)و در جدول زیر مقایسه شماره های دو نوع مقیاس راملاحظه میکنید تا اگر با یکی از آن‌ها آشنائی دارید معادل آنها رابشناسید مثلا اگر نمره لباس ۴۲به تن‌شما میخورد در انگلستان ،شماره۳۶ را بخواهید

لباس‌بانوان

شماره اندازه بلوز وزیر پیراهن

شماره قاره اروپا	۴۲	۴۴	۴۶	۴۸	۵۰	۵۲
شماره انگلیسی	۳۶	۳۸	۴۰	۴۲	۴۴	۴۶

لباس و کت‌بانوان

شماره قاره اروپا	۳۸	۴۰	۴۲	۴۴	۴۶	۴۸
شماره انگلیسی	۳۲	۳۳	۳۵	۳۶	۳۸	۳۹

کفش بانوان

(شماره فرانسوی)	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲
شماره انگلیسی	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

لباس آقایان

پیراهن

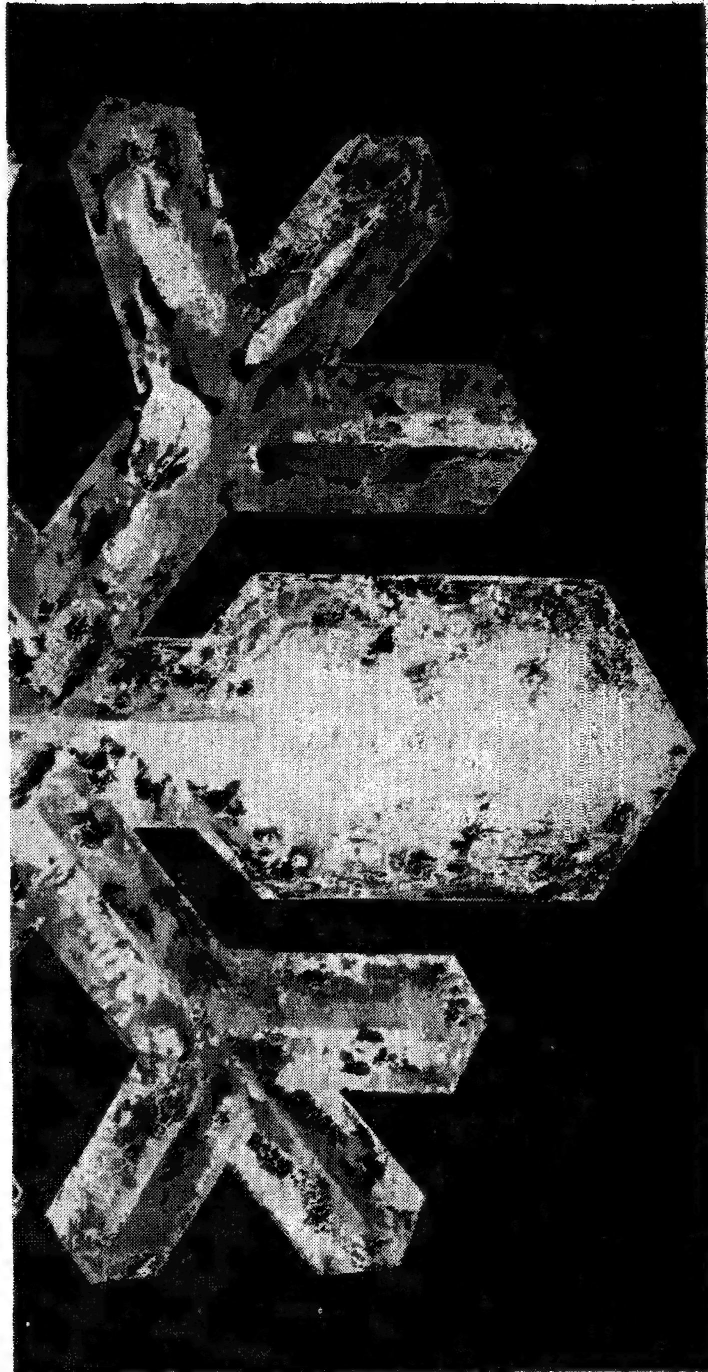
شماره قاره اروپا	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲
شماره انگلیسی	۱۴	۱۴ ۱/۲	۱۵	۱۵ ۱/۲	۱۵ ۳/۴	۱۶	۱۶ ۱/۲

لبال و پالتو

شماره قاره اروپا	۴۶	۴۸	۵۰	۵۲	۵۴	۵۶
شماره انگلیسی	۳۶	۳۸	۴۰	۴۲	۴۴	۴۶

برای اندازه دستکش وشلوار درتمام جهان یك نوع شماره بکار میرود

به اطریش میروید؟



مساحت ۳۲٫۳۷٤ میل مربع
جمعیت (۱۹٦۱) : ۷٫۰۷۳٫۸۰۷ نفر (عموما اطریشی)
(۲۱۸٫۵ نفر در هر میل مربع)
زبان : آلمانی
واحد پول : شیلینگ ــ معادل با ۱۲ ریال
مذهب: (۱۹۵۱) : ۸۹٪ کاتولیك ٦٪ پروتستان ۵٪ سایر مذاهب.
شهرهای عمده : **وین** (۱٫٦۲۷٫۵٦٦ نفرجمعیت) پایتخت و شهر صنعتی
گراز (۲۳۷٫۰۸۰ نفر شهر صنعتی)
لینز (۱۹۵٫۹۷۸ نفر ــ شهر صنعتی)
سالزبورگ (۱۰۸٫۱۱٤ نفر شهر جهانگردان)
اینس‌بروك (۱۰۰٫٦۹۵ نفرشهر جهانگردان)

اطریش ــ یا **آوستریا** به‌کشور رقص وآواز معروف است. موسیقی مطلوب ومحبوب بتمام طبقات است ودرگوشه و کنار صدای آکوردئون دل مسافر جهانگرد را به طپش‌می اندازد .

ــ موزار و اشتراوس در آن سرزمین بوجود آمده ووالسها و قطعات موسیقی جاودانی ایشان‌نام اطریش را در دلهای جهانیان‌زنده نگاه داشته . والس‌معروف‌اشتراوس بنام **«دانوب‌آبی»** آبهای گل‌آلود دانوب را در نظر هرشنونده این والس که دانوب را ندیده باشد مانند فضای لاجوردی آسمان به رنگ آبی دلپذیر مجسم میکند

ــاطریش‌کشوری سرسبز و زیبا و دارای کوههای مصفا و خرم است مردم اطریش مهربان ومودب و گرم ودوست داشتنی هستند و ممکن نیست مسافری از آنجا بگذرد و شیفته این کشور زیبا نگردد . از لحاظ سبکهای معماری نیز شهرهای اطریش چشم‌جهانگرد را خیره میسازد .

رسوم و عادات : مردم اطریش قدری خجول هستند ولی صاحب روح شوخ و بذال میباشندو به سهولت میتوان با ایشان آشنائی‌و دوستی پیدا کرد و در دوستی هم صمیمی هستند .

اگر چه غالبا هنگام خداحافظی همان اصطلاح آلمانی **«آوف ــ ویدرزین»** (خدا حافظ) را بکار میبرند ولی ترجیح میدهند که بگویند

« ایش امب فهله میش سهر »
یعنی این دیدار مسرت بخش را باید تکرار کنیم ملتفت باشید اگر خانم پیشخدمت میهمانخانه یا کافه از شماپرسید «ایا بزه baiser (که بزبان فرانسه بمعنی بوسه است) میل دارید ؟»

مقصودش بوسه نیست بلکه نام نوعی شیرینی است که از سفیده تخم مرغ و شکر تهیه می شود و آن را در انگلیس وفرانسه مرینگو میگویند و در ایران هم احیانا ساخته میشود .

ــاگر بخانواده یك اطریشی دعوت شدید مبادا بدون دسته گل بروید وحتما درست ۱۵ دقیقه هم دیرتراز وقت مقرر بروید . دست خانم میزبان را حین ورود ببوسید تابهترین شراب و قهوه را از شما دریغ ندارد .

در کافه ها به پیشخدمت **هر‌ــاوبر** Herrober (یعنی آقای رئیس) خطاب‌کنید. همراه قهوه چند مجله وروزنامه‌هم برای شما میآورند که بخوانید و پس از آن دو گیلاس آب هم روی میز شما میگذارند .

در تآتر سروقت حاضر شوید وگرنه باید بیرون بایستید تا پرده اول تمام شود .

در کنسرت در میان سمفونی‌یا پس از قطعات موسیقی مقدس‌دست نزنید و تحسین نکنید شرط عقل اینست که لباس تیره نپوشید اما اگر میخواهید دوست پیدا کنید مانعی ندارد ولی فراموش نکنید که‌اطریشی ها دوست دارند از موسیقی سخن بگویند .

هر زمان که شما از یکی از موسیقی دانان بزرگ اطریش‌مانند **هایدن ، موزارت ، شوبرت،یوهان اشتراوس ، فرانزلهر ، یا شیونبرگ** سخن بمیان آورید مطمئن باشید که شنوندگانی خواهید داشت.

اتومبیل‌رانی : راههای اطریش عالی است و شما با گردش با اتومبیل در سراسر اطریش از سفر خود لذت میبرید . اتومبیل هم با شوفر هم بدون شوفر با قیمت معتدلی در شهرهای عمده کرایه میدهند . اگر قصد مسافرت با اتومبیل دارید فراموش نکنید که

نقشه واضح و رنگینی که راهها را نشان میدهد بدست آورید. این نقشه ها کلید اطلاعات لازم رابشما خواهدداد . در زمستان حتمازنجیر به چرخها یاتومبیل ببندید .

غذا : غذای اطریشی ها عموما لذیذ ومطبوع است وآنچه کهخوب بوده از آلمانها و هونگریها و ایتالیائی ها وسودوها فرا گرفته ذوق خود را نیز بر آن افزوده‌اند. پس از غذاهمیشه قهوه و پس از آن حتما شراب میآورند و شراب ایشان نیز خوش طعم وگوارا است .

ورزش : در تابستان کوه گردی ، قایق رانی ، قایق بادی، اسکی آبی روی دریاچه ها .

درزمستان :اسکی بسیار رایج است و همه نوع سطحهای مایل مناسب همه طبقه از مبتدی گرفته‌تا اسکی باز آزموده یافت میشود. در اطریش در حدود ۳۰۰ **تل‌اسکی** وجود دارد و همه‌جا کلاسهای تعلیم اسکی بامعلمهای انگلیسی‌زبان یافت میشود .

اعیاد وجشنها وموسیقی : هر شهزوهر ناحیه اعیاد و جشن هائی درسال دارند که همه سکنه بلباسهای بومی رنگارنگ و زیبادر آمده برقص و شادی میپردازند و مناظری بسیار زیبا و شادی را بوجودمیآورند‌مثل‌اینکه درو دیوار و زمین و آسمان این کشور را موسیقی‌فرا گرفته‌و بزبان موسیقی بآنهاسخن میگویند . کنسرت و اپرا وارکستر و مجلس بال نیز دراین مواقع زیاد شایع است.تآتر وینه مشهور است .

موزارت اولین قطعه **مینوئت** خود را درسن ۵ سالگی و اولین اپرای خود را در ۱۲ سالگی‌ساخته است .

وین : پایتخت اطریش شهری تاریخی و زیباودیدنی است و به شهر شراب ووالس معروف است واین هردو تا اکنون محبوبیت عمومی دارند .

جاهای دیدنی : **معماری سبک‌باروك** در کلیساها ، قصرها و خانه های شخصی دیده‌میشود .

سواحل‌دانوب محل تلاقی‌افسانه ها وتاریخ‌است و خاطره های بسیار از قرن ها دارد جنگلهای وین الهام بخش اشتراوس برای ساختن‌والس معروف‌وی‌وبیت هوون برای ترکیب سمفونی پاستورال بوده است . در شمال رودخانه محل دوجنگ از بزرگترین جنگ های ناپلئون یعنی **واگرام‌واسترلیتز** را ملاحظه خواهید کرد .

کاتدرال‌سن استفن که در جنگ ویران شد و اکنون تجدید بنا شده ـ درون آن منبری که‌**جان‌اف کاپیس‌ترانو** هنگامیکه عازم جنگ های صلیبی بر ضد ترکها بوده‌از آنجا وعظ و تبلیغ کرده است دیده میشود .

سایر کلیساهای وین نیز مانند **پطرکیرشه** که طلای زیاد در درون آن مصرف شده ، **کارلس‌کیرشه، سن‌مریم ـ گستاده واولوستیز کیرشه** دیدنی است .

قصربلودر وساختمان ها وباغها وفواره‌های ان با شکوه است .

موزه تاریخ هنر : دراین موزه مجموعه‌ئی قیمتی از شاهکارهاست .

قصرشون‌برون که بمنزله قصر ورسای اطریش است و پسر ناپلئون دوره تبعید خود رادرآن‌گذرانیده و هم آنکه زمانی پایتخت قیصرها بوده‌است .

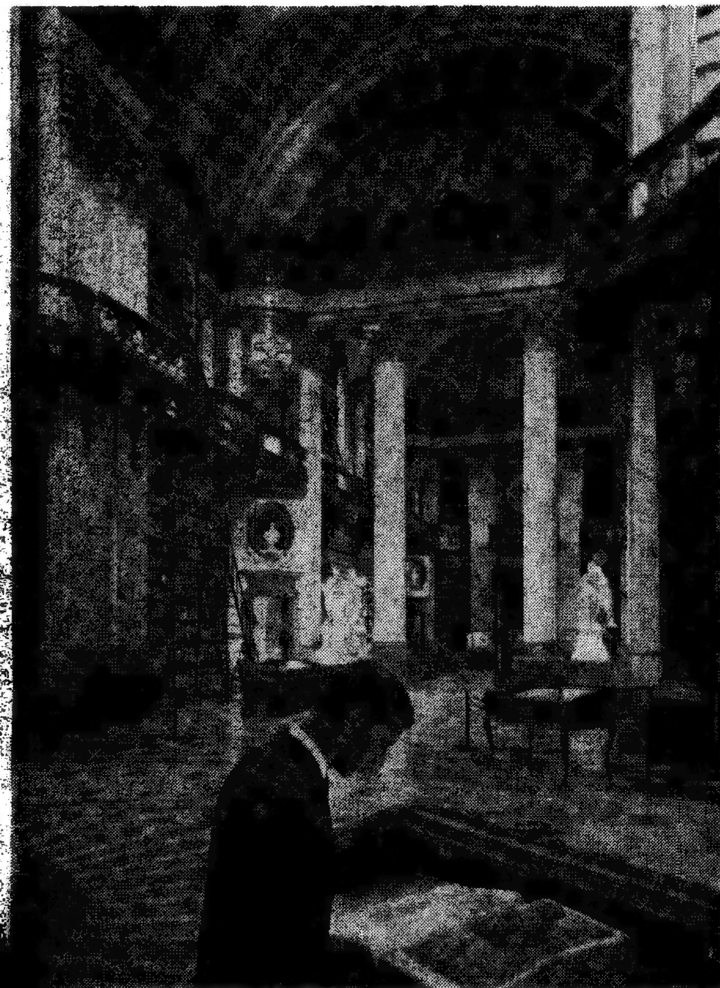
حتما از **دوتالار بزرگ آئینه**، اطاق چینی که بطرزی استادانه تزئین شده و مجموعه های ظروف چینی دیدن کنید در این قصردر همه جا شبح یا سایه پسر امپراطور بزرگ را جلو خود می‌بینید .

درآکادمی هنرهای زیبا ازدیدن مجموعه‌آلمانی آن وملاحظه‌لوکرسیا غفلت نکنید .

پرانز نام پارك‌مخصوص‌تفریحات است طرف عصر از آن دیدن‌کنید بهتراست .

درهیلی‌گن‌اشتاد بیت هوون را بخاطرخواهید آورد زیرا در اینجا پیمان هیلی‌گن اشتاد را ساخته است .

سالزبورگ : برای درك محیط سحرآمیز و جادوئی اطریش باید بخارج وین هم سری‌بزنید .خوب است‌ابتداء به سالزبورگ بروید‌که در قلب کشور اطریش قرار گرفته مولد موزارت است و معماری‌های آن جلب نظر میکند ، در ماه‌اوت فستیوال های آنجا واپرا وکنسرت ها ی‌سمفونیك اجرا میگردد وقطعه معروف به **فدرمان**که داستان مردی ثروتمند و شهر تران است در جلو کاتدرال سالزبورگ بمعرض‌نمایش



اطریش : کتابخانه ملی در وین



یکی از تمبرهای‌اطریش



اطریش : تل اسکی در **هینتراشتودر** درشمال اطریش



اطریش : دسته موزیك **تیرول** ــ دریاسی محلی تیرولی

گذاشته میشود . خیمه شب بازی نیز برای کودکان نمایش داده می شود .

در نزدیکی سالزبورگ تپه‌هائی پوشیده از کاج و سرو که قله‌های آنها از برف پوشیده شده در اطراف دریاچه وولف‌گانگ قرار گرفته که اطریش رویائی را جلو چشم شما میآورد .

هالشتاد نام قدیمی‌ترین شهر اطریش است که در آن موزه آثار ماقبل‌تاریخ‌قرار دارد و در نزدیکی آن غارهای یخی که چراغانی شده است در **داخستین** دیده میشود. در آن‌جا آبشارهای یخ بسته و قطعات یخ آویزان جلب توجه می‌کند و مجموعه آن معرف زیبائی طبیعت است .

در **باداشل** روزهای‌شاد **هوسارها** و موزیك سه چهارم زمان آن هارا بخاطر میآورید و هم آنکه مقر تابستانی امپراطور **فرانزژوزف** و مسکن **فرانزلهار** را می بینید

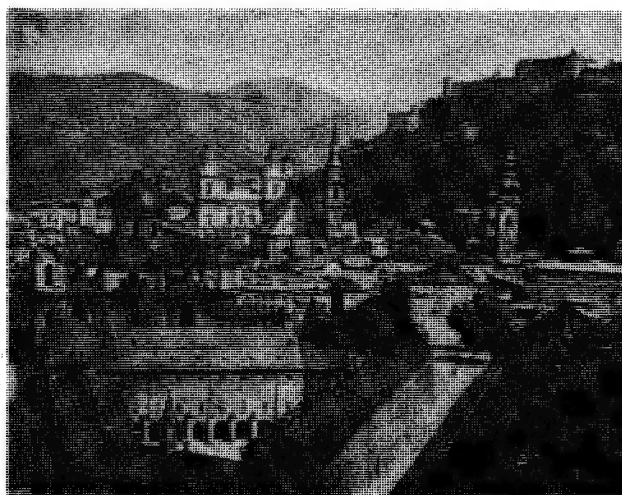
جاده کوهستانی گراس گلاکنر: هرکس بخواهد شکوه و عظمت سلسله کوههای آلپ رابا چشم خویش ببیند وآن را درك کند باید بااتومبیل ازاین جاده اسفالته وسیع کوهستانی که تازه‌ترین شاه راه آلپ در اروپاست بگذرد. در ارتفاعات زیاد این جاده بزرگ‌که بر چراگاه ها وتپه های سبز و صخره های آویزان و پوشیده از خزه مشرف است دره تنگ و هولناك معروف به « آشپزخانه جادوگران » را مشاهده خواهید کرد که از مه پوشیده شده و سپس به قله **گراس گلاکنر** میرسید که ۸۵۰۰ فوت (در حدود ۳۰۰۰ متر) ارتفاع دارد و زمین رابه آسمان پیوسته است و پس‌از آن **پاسترز** را می بینید که قدیمی‌ترین و بزرگترین **گلاسیه** (توده یخ متحرك) قاره اروپاست . درهنگام ترك این جاده کوهستانی پست راهداری یك **قطعه** نقش این کوهستان را بیادبود بشما میدهد که به پشت شیشه اتومبیل خودمی چسبانید و یادگاری از عبور ازکوهستان آلپ است که‌هروقت‌آن رامی بینید مباهات میکنید که از چنان کوههای مرتفع و عظیم گذشته‌اید .

تیرول نام‌ایالتی است از اطریش که پایتخت آن **اینس‌بروك** است. امپراطور **ماکسی‌میلین** در این شهر کهن بناهائی برپا کرده رودخانه ئی از وسط آن میگذرد و مغازه های کنار رودخانه مملو از جمعیت است . مراکز مهم اسکی اطریش در تیرول واقع شده و در غالب دهات و قصبات آن دهقانان را باشلوار کوتاه چرمی می‌بینید که همراه نغمه اکوردئون وهارمونیکاوموزیك **یودلرز**سرگرم رقص : **شوه‌پلانزاستی** هستند .

استین‌ریا : سرزمین کوهستانی و جنگلی مملو از شکار است ودر زمان حملات ترکها باروپا پناهگاه و مرکز اجتماع مسیحیان بوده دارای‌قلعه های قدیمی و رومانتیك قرون وسطائی و جائی آرام وبی سرو صدا و مناسب گذراندن تعطیلات کسانی است که سکوت و آرامش را دوست دارند . اگر می خواهید نمونه واقعی یك روز تعطیل اطریشی را ببینید به **مورزوس‌شلاگ** ــ(مبدا اسکی اطریشی) یا **ماریازل** بروید .

با پیمودن راه از کنار رودخانه مور بالاخره وارد **گراز** میشوید که دومین شهر اطریش است و در آنجا روخیه واتمسفر جنوبی را از ملاحظه باغها وتنوعات شکل‌خانه‌ها و حیاط های نشاط انگیز آن و میدانها و بازارهای رنگارنگ آن حس میکنید .

اطریش : دریاچه‌ها و رودخانه‌های اطریش با مناظر زیبای آن بهشت کسانی است که برای گذراندن تعطیل باروپا میروند .



اطریش : منظره شهر قشنگ سالزبورگ

به آلمان

میروید

جمهوری فدرال آلمان (معروف به آلمان باختری)
مساحت : ۹۵٫۷۴۲ میل مربع (باستثنای برلن باختری)
مساحت برلن غربی ٤٨١ کیلومتر مربع .
جمعیت : (۱۹٦۱) ٥٦٫۱۷۳٫۲۰۷ نفر (باستثنای برلـــن باختری) (٥٨٦٫٧ نفر در هر میل مربع)
واحد پول : مارك (دونچ مارك) معادل ۱۹٫۳۱٦ ریـــال (متغیر)ـ ۰٫۲٤ دلار
زبان :آلمانی
مذهب : پروتستان ۵۲٫۲٪ ، کاتولیك ٤۳٫۸٪ سایر مذاهب٤٪
شهرهای عمده :
برلن غربی در حدود دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر (پایتخت سابق آلمـــان) هامبورك ــ ۱٫۸۳۲٫۳۷٤ نفر (بندر عمده)
مونیخ ۱٫۰۸٤٫٤۷٤ نفر (پایتخت ایالت باواریا)
کلن کولونی ۸۰۹٫۲٤۷ نفـــر (مرکز حمل ونقل)
اسن ۷۲٦٫٥٥٠ نفر (مرکـــز فولاد)
دوسلدورف ۷۰۲٫٥۹٦ نفـــــر (بندر رودخانه)
فرانکفورت ٦٨٤٫۰٨١ نفـــــر (مرکز کارخانجات)
بن ۱٤٦٫۲۱٦ نفر (پایتخت)

کشور آلمان از نظر جهانگردی

مناظر زیبای آلمان واقتصـــاد پیشرفته این کشور با سیستم‌مدرن حمل ونقل دست بدست یکدیگـــر داده واین کشور را مطمح نظر سیاحان ساخته است . باین محسنات بایستی آب و هوای مساعد آلمان را نیز افزود .در سرتاسر رود راین بهنگام بهار که ازاواخر ماه مارس آغاز میگردد درختان جامه سبز میپوشند ودر اطراف دریاچـــــه کنستانس و حوالی هایدلبرگ و تمام سراشیبی جنوب آلمان شکوفه های گل جلوه گری میکند . چند هفته بعداز شروع بهار سراســـر نواحی شمالی آلمان که از جنوب بدامنه آلپ محصور میگردند بشکل گلستان عظیمی در میآید .تابستان آلمان گرمای مطبوعی دارد ولی این گرما هیچگاه از حداعتدال خارج نمیشود . تبدیل تابستان به

میدان ارنست ــ ویتر
در برلن غربی

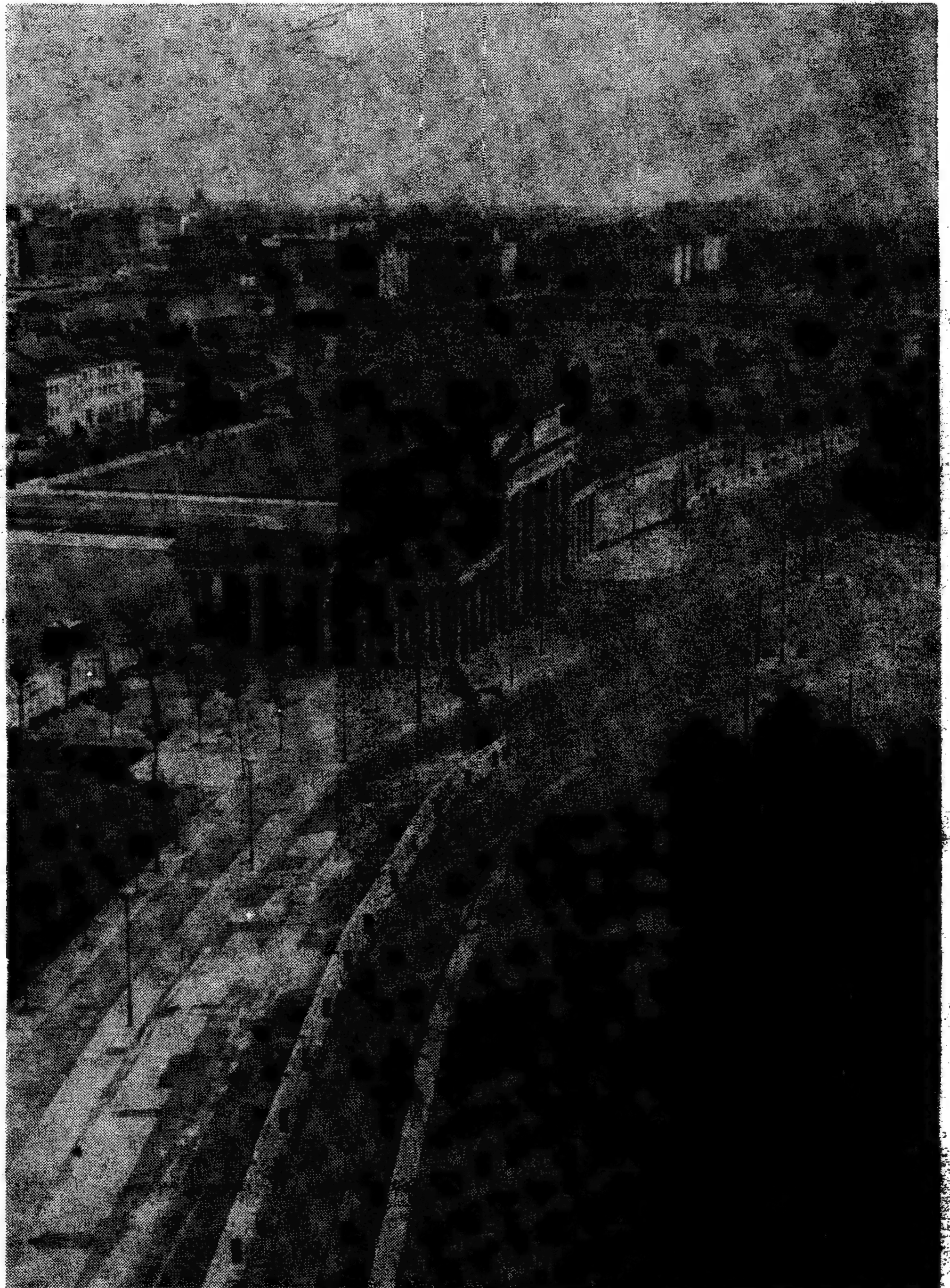
پائیز یعنی فصل انگور چینی و فستیوالهای با شکوه در آلمان بطور نامحسوسی صورت میپذیــرد فصل برگ ریزان جنگلهای این کشور را بصورت مجموعه دلفریبی از رنگهای گوناگون در میآورد. در همین حال در دامنه های سلسله جبال آلپ تا شروع فصل بهار بهترین شرایط جهت ورزش اسکی مهیااست.

تفرجگاه‌های تابستانی و مراکز استراحت و ورزش زمستانی این کشور نه تنها مورد استقبال میلیونها آلمانی میباشد بلکه با جذبه خود سیاحان خارجی را از تمام نقاط دنیا بسوی خویش جلب مینماید دراین کشور بیش از ۲۴۰ مرکز استراحت وتفریحات تابستانی وجود دارد که معروفترین آن ها در ویسبادن ــ ناوهایم ــ بادن بادن ــ دورکهایم وپیرمونت میباشند. جزایر دریای شمال از قبیل هلگولند ــ بورکم ــ نواحی ساحلی دریــــای بالتیك ــ دریاچه های کنستانس ــ تگرنزه ــ شیمزه و کونیگــزه در جنوب آلمان نقاطی هستند که هرسیاح خارجی با نامشان آشناست. نواحی کوهستانی این کشور از قبیل دراخن فلس و یاهفت تپــه باوجود ارتفاع ناچیزشان بیش از هر کوهستان دیگر دراروپا مورد استفاده کوهنوردان و سیاحــان قرار میگیرند. علاوه بر هفت تپه که سالیانه بیش از سه میلیون سیاح بخود میبیند مناطق کوهستانی دیگر آلمان نیز مانند بروکن وفلدبرگ در جنگل سیاه و یا تسوك اشپیتسه در دامنه آلپ از نظر جلب جهانگردان حائز اهمیت بسزائی میباشند.

طبق آمار موجود تنها در سال ۱۹۶۲ تعداد ۱۸۸ میلیون نفروارد این کشور شده‌اند. در آمد حاصله ا زاقامت این سیاحان درسال گذشته برقم ۱ر۲ بیلیون مارك (معادل ۴۰ بیلیون ریال) گردیده است. این ارقام بسهولت اهمیت جهانگردی را در اقتصاد آلمان نشان میدهد. گواینکه در کشوری نظیر آلمان با آن همه پیشرفتهای صنعتیش درآمد حاصله از جهانگردان بر خلاف کشورهائی از قبیل سویس و تا حدودی ایتالیا و اطریش که این درآمد یکی از پایه های اساسی اقتصادشان را تشکیل میدهد نقش بزرگی را بر عهده ندارد. طبق همین آمار در سال گذشته تنها ۸ درصد از تعداد کل کرایه اطاقهای هتل در آلمان متعلق به سیاحــان خارجی بوده است. در حالی که این رقم در مورد کشورهای اطریش و سوئیس بترتیب به ۷۰ و ۶۰ درصد بالغ گردیده است.

کتاب سال کیهان ــ ۰۴۰۸۰۱۱

دیوار برلین



تشکیلات راه آهن در آلمان‌پا بپای دیگر پیشرفت های صنعتی و اجتماعی این کشور توسعه بسیار یافته است هم‌اکنون در سراسر خطوط‌آهن‌آلمان قطارهای سریع‌السیر لوکوموتیوهای دیزلی و برقی ــ مدرنترین انواع واگنهای خواب واز این گذشته واگنهای رستوران با انواع واقسام اغذیه و مشروبها بچشم میخورند .

خط سراسری سریع‌السیر اروپا که از سال ۱۹۵۷ دراین کشور بکار آغاز نموده است دارای مدرنترین انواع ریل و حداکثر سرعت ممکن میباشد و بدین ترتیب یکی از راحت ترین و در عین حال‌سریعترین وسائل‌ارتباطی مابین کشورهای اروپا بشمار میرود .به هنگام تعطیلات عمومی قطارهای فوق‌العاده‌ای با تعداد بیشماری واگن درجه دو بمقصد نواحی مسافرتی آلمان‌بکار میافتند .این قطارها که دارای بلیط ارزانتر از معمول ومجهز به صندلی های قابل تبدیل به تختخواب میباشند بهترین وسیله مسافرتی برای کسانی بشمار میروند که مایلند اوقات تعطیل‌و یا مرخصی خود را به بهترین نحو سپری نمایند . علاوه براین‌مسافران میتوانند با پرداخت مقدار معینی براه آهن دولتی آلمان به صورت یك‌پانسیون کامل‌سفر نمایندوبدین ترتیب از لحاظ تهیه جا در هتل ویا غذا تشویش خاطری نداشته باشند . هم اکنون بیش‌از ده هزار نقطه مختلف در آلمان بوسیله راه آهن و چهارده هزار نقطه‌دیگر نیز از طریق خطوط اتوبوس‌رانی با یکدیگر مربوط میباشند . واز همه مهمتر اینکه بیشتر شهرها و قصبات آلمان بوسیله مدرنترین جاده ها که به «اتوبان» موسوم هستند بیکدیگر وصل میشوند . ضمنا بایستی خاطر نشان گردد که اداره پست آلمان نیز در بعضی نقاط این کشور دارای یك شبکه وسیع‌اتوبوسرانی اختصاصی‌میباشد. موسسات جهانگردی آلمان نیز با همکاران خود درسایر کشورهای اروپائی تماس نزدیك‌دارند واین امر موجب میشود که یك سیاح خارجی بتواند بدون صرف وقت از شبکه اتوبوس رانی آلمان استفاده نماید . تمام جاده های مدرن‌آلمان بفاصله ها ی‌کوتاه مجهز به تلفن پمپ بنزین و رستوران های متعدد میباشند .

تمام کشتی های بخاری وقایق های مسافربری آلمان که بر روی رودهای راین موزل ماین سوزر ونکار در گردش هستند بمدرن ترین وسائل ارتباط رادیو تلفنی مجهز میباشند .

علاوه بر آن دربسیاری از دریاچه های داخلی آلمان مانند دریاچه های ناحیه باواریا و در ناحیه کنستانس کشتی های تفریحی کوچك‌وقایقهای موتوری با تمام تجهیزات ممکن جهت سفر تفریحی در رفت و آمد هستند . یك‌مسافر خارجی در هر نقطه آلمان که باشد میتواند از تمام وسائل‌آسایش بهره‌مند گردد . آلمان جوانان را نیز از یاد نبرده است. برای این افراد دراین کشور بیش از ۶۰۰ استراحتگاه عمومی در تفرجگاه ها و مناطق ییلاقی وجود دارد. اقامت در استراحتگاه های‌مخصوص جوانان رایگان است ــ ارتباط هوائی داخلی و خارجی آلمان‌نیز بوسیله‌هواپیماهای شرکت‌هواپیمائی لوفت هانزا و بسیاری از شرکتهای هواپیمائی خارجی تامین گردیده است .

هواپیماهای شرکت لوفت هانزا علاوه بر پرواز مستقیم به بیشتر کشورهای‌اروپائی در مسیر قاره آمریکا و خاورمیانه نیز رفت و آمد مینمایند .

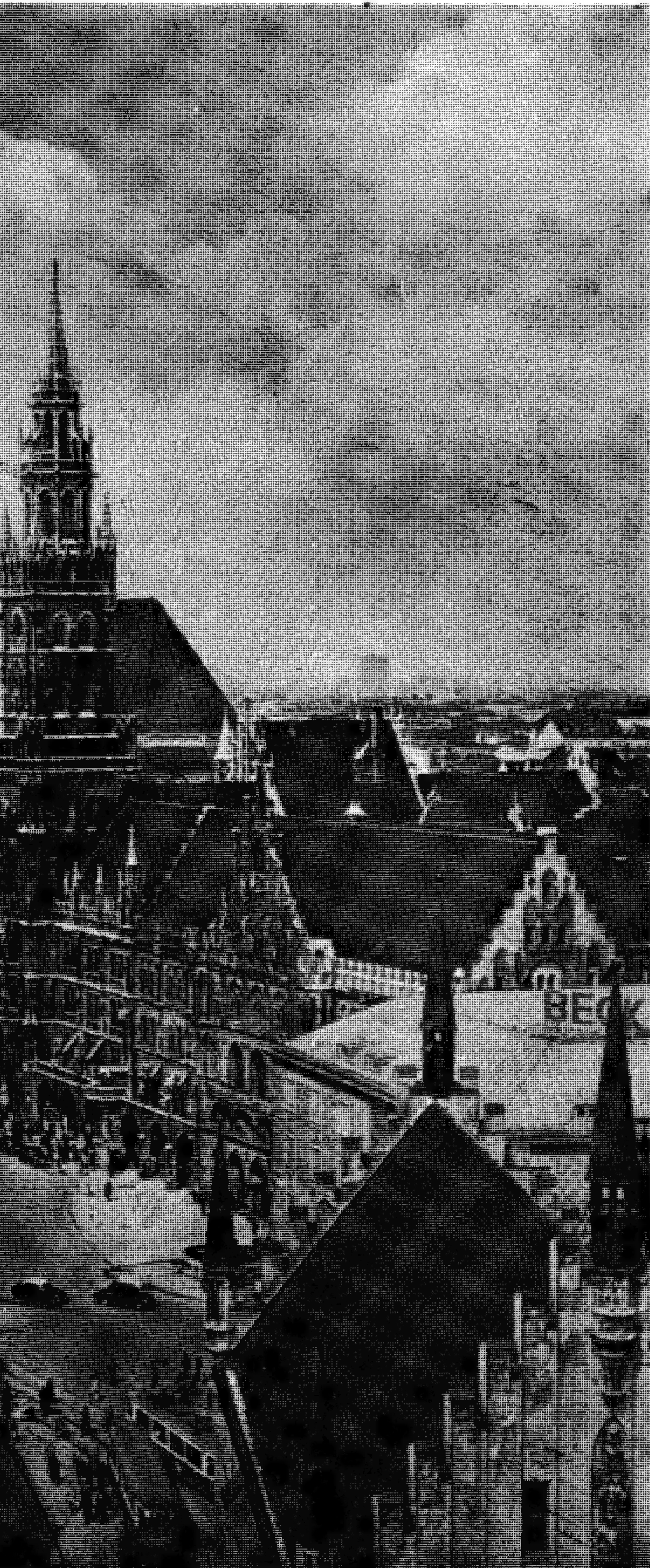
منظره‌ای از اتوبان آلمان در ناحیه رود راین اتوبانها غالبا از وسط جنگلهای انبوه و سبز و خرم میگذرنددر دوطرف اتوبان دوراه فرعی دیده میشود که به شاهراهها متصل میشود .

در فواصل معین نزدیك شهرها و قصبات راه های فرعی برای خارج شدن از اتوبان و رفتن به شهرها یابرگشتن به اتوبان وجود دارد ــ در اتوبان اتومبیل باید سرعت داشته باشد وتوقف ممنوع‌و خطرناك است .

رسوم وعادات : هنگام گردش در خیابان مرد باید در طرف چپ زن قرار گیرد ولی در بالارفتن‌از پله ها از او پیشی جوید.بوسیدن دست زنان در آلمان زیاد مرسوم است ولی بوسیدن صورت زن در انظار عمومی پسندیده نیست . در کارهای رسمی و معاملات وتلفون از سخنان زائد بپرهیزیدبحاشیه نروید پس از ذکر نام خود فوری باصل مطلب بپردازید .

صحبت : با آلمانی هائی که میخواهید تماس بگیرید قبلا نام و عنوان آنهارا معلوم کرده خوب حفظ کنید ودر هنگام صحبت‌مدام آنها را بانام وعنوان خطاب کنید مثلا: **هرپروفسور** (آقای‌پروفسور) یا **هردیرکتور** (آقای‌مدیر) وامثال آن واگر عنوانی ندارند بنام‌خطاب کنیدمانند **هربراون** (آقای براون)

مونیخ : مارین پلاتز (میدان مارین) سالون شهرداری در وسط و برجهای‌کلیسای فراوئن کیرخه درعقب‌دیده میشود .



یا **فرویلین اشمید** (دوشیزه‌اشمید)

آلمانها امروزه زبان انگلیسی‌را درتمام هتلها و رستورانها میفهمند.

رانندگی : در شهرهای بـزرگ آلمان کرایه کردن‌اتومبیل باشوفر یابدون‌شوفر بسیار آسان است . کرایه اتومبیل برانندگی خود شما روزی ١٦ مارك است و برای حقوق‌شوفرروزی ٣٦ مارك بر آن بیفزائید .

بهای بنزین : هر لیتر ٦٢ر٠تا ٧٠ر٠ مارك است .

اگر در سفر و رسیدن بمقصد عجله دارید در اتوبان برانید که جاده‌ئی وسیع وبدون چراغ ولی بدون‌مانع‌است.ولی اگر میخواهید در شهرها و قصبات عرض راه سیاحت و گردش کنید و عجله ندارید و مایلید از تماشای مناظر زیبا لذت برید ازشاهراه ها بروید ولی البته نباید با سرعت اتومبیل برانید .

خوردن وآشامیدن :

در آلمان نوعی مهمانخانه های قدیمی وجود دارد بنام **گاستهاوس** که در همه جا فراوان است و بهترین خوراك هارا دراین نقاط میتوانید صرف کنید . در آلمان انواع شراب های عالی و مشروبات الکلی و لیکورها وجود دارد . شیرینی وکیك را نیز در آلمان بسیار لذیذ تهیه میکنند.

دربعضی‌شهرها مخصوصامونیخ‌دکان های کبابی وجود دارد که آن‌را ششلیك میگویند ولی به بزرگی کبابهای شیشلیك ایران نیست ودر حقیقت یکنوع کباب است . این کباب روی یك صفحه آهنی داغ در ظرف چند دقیقه باقدری روغن در حضور شما تهیه میشودو بشما تقدیم میگردد . کلیه این کباب فروشها دوشیزگان موخرمائی چشم آبی زیبا روی هستند که دل بعضی مشتریان را هم در ضمن کباب می کنند .

اعیاد وجشنها : درهمه جای آلمان غالبا دسته هائی رامی‌بینید رنگارنگ وشاد که در اعیاد و جشن های محلی رقص کنان‌همراه آهنگ موزیك در حرکت هستند. جشن **اکتوبرفست** مونیخ‌مشهوراست واز اواخر سپتامبر تا اوایل اکتبر ادامه دارد .

در چمن زار **ترزین ویس** بـا ارکسترهای شاد و ملاحظه رقصهای والس و پولکا و بریانی گـاو لذت خواهید برد .

جشن‌مشهور شراب را در **رین‌لند** و **پالاتینات**‌بنام **رودزهایم** ـ و ـ **بازاروورست**(بمعنی‌بازارسوسیسون) ملاحظه کنید .

کارناوالهای آلمان هم تماشائی است و دیدن آن‌شما راغرق‌شادی میکند .

غالبادر نمایشگاه ها و بازارهای مکاره نیز کارناوال براه میافتد

موسیقی : یکی ازبهترین وسائل سرگرمی ملی برای گذراندن‌اوقات فراغت است و در فصل بهار جشن های موسیقی برگزار میشود .

آثار **بتهوون** دربن که محل تولد اوست اجرا میشود وموسیقی جدید در **دونائواشین‌گن**. فستیوال موسیقی ماه‌مه‌در **ویسبادن** وفستیوال موسیقی **موزارت** درژوئن‌وژوئیه‌در **ورتزبورگ** اجرا میشود .

فستیوالی در ژوئیه در **نیمفن بورگ** و فستیوال**واگنر** در**بایرویت** واپرای مونیخ و فستیوال **باخ** در **آنسباخ** در دوماه ژوئیه واوت و فستیوال برلن در سپتامبر اجـرا میگردد .

ورزش : انـــواع آن در تمام نقاط آلمان وجود دارد وبهر نوع اسپورت وورزشی که مناسب فصل باشد و بدان علاقه داشته باشید در هر نقطه آلمان که‌باشید بسهولت میتوانید محل آن راپیدا کنید .

اسکی در فصل زمستان مورد علاقه است ودر تابستان چشمه‌های آب معدنی نیز برای درمان های پوستی یا شست وشوی تفریحی وجود دارد . مجالس رقص و تآتر و کنسرت نیز فراوان است.

برلین

١ ـ برلین پس ازجنگ جهانی دوم مانند سراسر آلمان به چهار منطقه اشغالی تقسیم شد . قرار بر این بود که این شهر از طـرف فرماندهی مشترك قوای اشغالی چهار گانه اداره شود . ولی بزودی بسبب اختلاف بین شرق و غرب بدو منطقه تقسیم شد منطقه خاوری و منطقه باختری وچندی بستن راههای ارتباطی زمینی بـرلین موجب‌شد که فرمانده قوای اشغالی آمریکا دربرلین حوائج این‌شهررا از طریق هوا تامین نماید . این اقدام بابکار انداختن مقدار زیادی هواپیما در مسیر برلین وآلمان فدرال که بزودی بنام «پل‌هوائی برلین» موسوم شد انجام پذیرفت . اینك ناحیه غربی برلین که از مناطق‌تحت نظر سه دولت آمریکا ـ انگلیس‌و فرانسه‌تشکیل شده‌متعلق بـه جمهوری فدرال‌آلمان میباشد ولی بمنظور بازنگاهداشتن خطوط مواصلاتی این شهر قوای اشغالی دول غربی هنوز در آنجا مستقر میباشند .

٢ ـ برلین‌در دره بزرگی مابین رود اشپره وهاول قرار دارد . این ناحیه بعلت داشتن دریاچه هـای متعدد بسیار مشهور میباشد . علاوه براین سراسر نواحی خارج شهر از جنگلهای زیبا پوشیده شده است بطوریکه یك منطقه سرسبز برلین را محاصره نموده است .

آب وهوای برلین در تابستان خشك و آفتابی ودر زمستان سرد وپراز برف ولی در عین حال مطبوع میباشد .

٣ ـ الف :

جمعیت شهر بزرگ برلین به ٣ر٧ میلیون بالغ میگردد که ٢ر٣ میلیون آن متعلق به برلن غربی میباشد .

ب :

اهالی برلین علیرغم سرنوشت غم انگیز شهر وهمشهریان خود مردمی شاد وسرشار از مسرت و علاقه بزندگی وپراز هیجان و عواطف میباشند وروحیه شوخ‌طبع ونکته سنج از خصائص برجسته آنان بشمار میرود . طنزهـا و شوخیهای برلین در بین ساکنان کشور آلمان ارزش ومنزلت خاصی دارد . علاوه براین برلینی هااز این موهبت بزرگ برخوردارند که در مقابل مصائب وسوانح علاج ناپذیر شکیبائی وصبر پیشه سازند . ولی در عین حال امید وفعالیت خود را از کف نداده ونمیدهند پیشرفت شگرف اقتصادی برلین غربی درمدت کوتاه پس از جنگ گواه صادقی براین مدعا میباشد . اهالی پایتخت سابق آلمان دارای خصوصیات وروحیات ویژه ساکنان یك شهر بزرگ میباشند .

لهجه برلینی ها نیز در آلمان به همین نام مشهور ومعروف خاص وعام است .

٤ ـ برلین باختری که بمنزله « جزیره ای آزاد در دریـــای سیاست خاوری » بشمار میرود از لحاظ سیاست جهانـی آنچنـان اهمیت دارد که مطبوعات جهان‌با توجه به اختلافات شرق وغرب بدان نـام «انبار ویـا بشکه بـاروت» داده‌اند . ولی‌هدف ساکنان ایـن «انبار باروت» جز برقراری‌تماس‌و ارتباط باخواهران‌وبرادران خویش که درناحیه برلین خاوری بسر میبرند چیز دیگری نیست .



برلین باختری اکنون بزرگترین شهر صنعتی آلمان فدرال بشمار میرود . از لحاظ مقدار کارگران شاغل بکـار صنایع الکتریکی ـ ماشین آلات ـ نساجی ومـواد غذائی مهمترین ارکان اقتصاداین شهر میباشند . علاوه براین برلن غربی اکنون دوباره مقام گذشته خویش را به عنوان مرکز مدآلمان بدست آورده است .

صنایـع بـرلن غربی علیرغـم بمبارانهای جنگ و خسارات ناشی ازآن وباوجود آنکه قسمت اعظم کـارخـانه هابه مناطق خـاوری منتقل گردید و با وجود انسداد گـاه وبیگاه راههای ارتباطیش آنچنان رونق‌یافته است که‌بخصوص پس از احداث دیوار برلین در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۶۱ این شهر محتـاج بـه تعـداد زیـادی کارگر اضافی‌میباشد . این‌نیازمندی باورود کارگران دیگر شهرهای آلمان فدرال ویا ممالك همجوار به برلن رفع میگردد .

۵ ـ برلین در آغاز قرن‌سیزدهم میلادی جنبه یك شهر بخود گرفت وبزودی مرکز شهرها و ایـالات همجوارش شد .

برلین براثر چندین جنگ محلی صدمات بزرگی متحمل گردید و چند بار از طرف قوای مهاجم اشغال شد . درزمـان حکـومت فریدریك کبیر کـه بانی اولین کارخانه های صنعتی برلین میباشد این شهر بسرعت روبه تکامل و ترقی نهاد . برلین در قرن ۱۸ میلادی نخست مرکز اداری ودر اوایل قرن ۱۹ مرکز فرهنگی و علمـی ایالات وشاهزاده نشینهای پروس گـردید . درسال ۱۸۱۰ دانشگاه برلین تاسیس شد و در سال ۱۸۷۱ این شهر رسما بعنوان پایتخت واحدآلمان انتخاب‌گردید . درسال ۱۹۱۲ جمعیت شهر از دو میلیون فزونی گرفت و در همان زمان عنوان بزرگترین شهر صنعتی آلمان را نیز بخود اختصاص داد . در سال ۱۹۳۶ مسابقات المپیك با عظمت وشکوه بیسابقه‌ای دراین‌شهر برپاشد . پس ازپایان جنگ جهانی اخیر برلین بدونیمه شرقی وغربی تقسیم گردید و درماه ژوئن ۱۹۴۸ براثر انسداد خطوط ارتباطی برلین توسط شـوروی آذوقه ودیگـر احتیاجات اهالی بااستفاده از چند صد هواپیما تامین شد واین عمل بیسابقه که تا ۱۲ مه ۱۹۴۹ یعنی باز شدن مجدد راههـای زمینی ادامه یافت به نام «پل هوائی برلین» موسوم گردید .

در تاریـخ اول اکتبر ۱۹۵۰ قانون اساسی جدید برلین غربی بمورداجراءگذارده‌شد . براساس‌این قانون برلین غربی جزئی ازکشور جمهوری فـدرال آلـمان بشمار میرود . با توجه به شرایطخاص این شهر برلین تاکنون رسما عنوان یکی از ایالات آلمان فدرال را احراز نکرده است چه که قوای اشغالی دول غربی بمنظور حفظ و حراست برلین و جلوگیری از انسداد راههای ارتباطی این شهر در آنجا باقی مانده‌اند واز آن گذشته بعض حقوق ووظائف از قبیل هواپیمائی و یا دفاع شهر در دست ارتش اشغالی میباشد .

مجلس شورای برلین که قرار است ۲۰۰ نماینده داشته باشد در حال حاضر تنها دارای ۱۲۷ وکیل میباشد چون جای وکلای ناحیه شرقی برلین دراین مجلس خالی است . سنای برلین غربی که از شهردار اول این شهر وشانزده سناتور تشکیل میشود در حکم یك کابینه وظائف اداره شهر را بر عهده دارد .

۶ ـ برلین غربی بعنوان وارث واقعی پایتخت سابق آلمان مجددا شهرت خود را از لحاظ مرکزیت فرهنگی بازیافته است . دانشگاه آزاد برلین که از محل کمکهای بنیاد فورد تاسیس شد وبا استفاده از اعانات متعدد دیگر توسعـه یافته است اکنون جایگزین دانشگاه قدیم برلین که ساختمانهایش در ناحیه شرقی این شهر قرار دارد گردیده است .

زنـدگی فرهنگی وهنری در برلین غـربی یکی‌از عوامل اساسی جلب سیاحان خارجی وآلمانیهای مقیم جمهوری فدرال آلمان باین شهر میباشد . فستیوال فیلم برلن اکنون در سراسر جهان شهرت و معروفیت بسزائی یـافته است . وجود مقدار زیادی سالن تآتر کنسرت ـ نمایشگاهها وگالریهای هنری ـ آکادمی هنری وبالاخره تشکیل فستیوال سالیانه فیلم بـه شهر برلین غربی یك چهره کاملا فرهنگی وهنری بخشیده است .

۷ ـ با توجه به وضع خاص برلین بهترین طریقه مسافرت باین شهر هواپیمامیباشد . علاوه‌بر راه هوائی ـ جاده‌اتومبیل‌رو «اتوبان» و یك خط راه‌آهن نیز برلن غربی را به جمهوری فدرال آلمان مربوط میسازند . طبق مقررات خاص قوای اشغالی تنها شرکتهای هواپیمائی سه کشور بزرگ مجازند به برلین پرواز کنند .

۸ ـ مناسب ترین وقت برای بازدید برلین تابستان واوایل پائیز میباشد . هر سال در آخر بهار فستیوال فیلم برلین برپا میگردد که مورد استقبال عده زیادی از هنر دوستان سراسر جهان واقع میشود .

۹ ـ لباس مورد نیاز برای برلین در تابستان البسه سبك ودر فصول دیگر لباس گرم وبخصوص بارانی وچتر است .

۱۰ ـ هتلهای لوکس: ۱ ـ هتل هیلتون (کـرایه شبانه هر تخت مابین ۲۳ تا ۳۵ مارك) ۲ ـ هتل بریستول کمپینسکی (کرایه شبانه هرتخت مابین ۲۲ تا ۳۵ مارك) علاوه براین تعداد بسیار زیادی هتل از هردرجه وباقیمتهای مختلف وهمچنین متل و کامپینگ دراین شهر موجود است .

۱۱ ـ بهترین نقاط وبناهای دیدنی برلین عبارتند از : کلیسای یادبود قیصر ویلهلم ـ دروازه براندنبورگ که حد فاصل برلین شرقی وغربی است ـ باغ‌وحش ـ محله سکونتی هانزا که پس ازجنگ جهانی اخیر توسط گروهـی از معماران بین المللی ساخته شده است ـ برج رادیو تلویزیون ـ محوطه نمایشگاههای برلین ـ تالار آلمان ـ هاول (رودخانه) ـ و جنگلهای متعدد آن .

مراکز فرهنگی وهنری برلین : اوپرا ـ سالنهای کنسرتهای مجلسی و سمفونیك ـ سالنهای تئاتر و سینما ـ عده‌زیادی‌نمایشگاه هنری .

یکی از جالبترین مراکز تفریح برلین کاباره رزی میباشد که در آن رقص موزون فواره ها اجراء میشود . علاوه براین کاباره تعداد زیادی کلوب شبانه نیز در برلین موجود است .

۱۳ ـ دربـرلین غربی انواع مسابقات ورزشی از قبیل فوتبال ـ یخ بازی ـ قایقرانی ـ اسکی‌روی آب انجام میشود . بـزرگترین میدان ورزشی این شهر استادیوم المپیك نام دارد که در سال ۱۹۳۶ جهت برگزاری مسابقات المپیك ساخته شده است .

۱۴ ـ وسائل حمل ونقل در داخل شهر برلین عبارتست از : تـرامـوا ـ ترن زیر زمینی و اتوبوس . نرخ تاکسی در برلین مانند دیگر شهرهای آلمان گران است .

۱۵ بعلت ارزانی اجناس در این شهر همـه نـوع کالا را میتوان بعنوان سوقات ابتیاع نمود .

هامبورگ

۱ ـ هامبورگ پس از برلن غربی بزرگترین شهر جمهـوری فدرال آلمان بشمار میرود. نـام رسمی آن «هامبورگ ـ شهرآزاد هانزا» میباشد . این شهر دارای بـزرگترین بندر دریائی آلمان است .

۲ ـ هامبورگ درکناره مدخل رود الب به دریای شمال واقع شده است وبادریا ۹۰ میل فاصله دارد .

۳ ـ الف : جمعیت هامبورگ بالغ بر ۲ میلیون نفر می باشد معاشرت‌اهالی‌هامبورگ بابیگانگان در مقام مقایسه با ساکنان برلین‌و سواحل رود راین اندکی کمتراست البته این مطلب فقط در مـورد بیگانگانی صدق میکند که مدت بسیار کوتاهی دراین شهر بمانند چه که بمجرد آشنائی بیشتر بـا خانواده های ساکن هامبورگ تازه وارد متوجه میشود که آنها هم باندازه کافی خون گرم و اهل معاشرت میباشند .

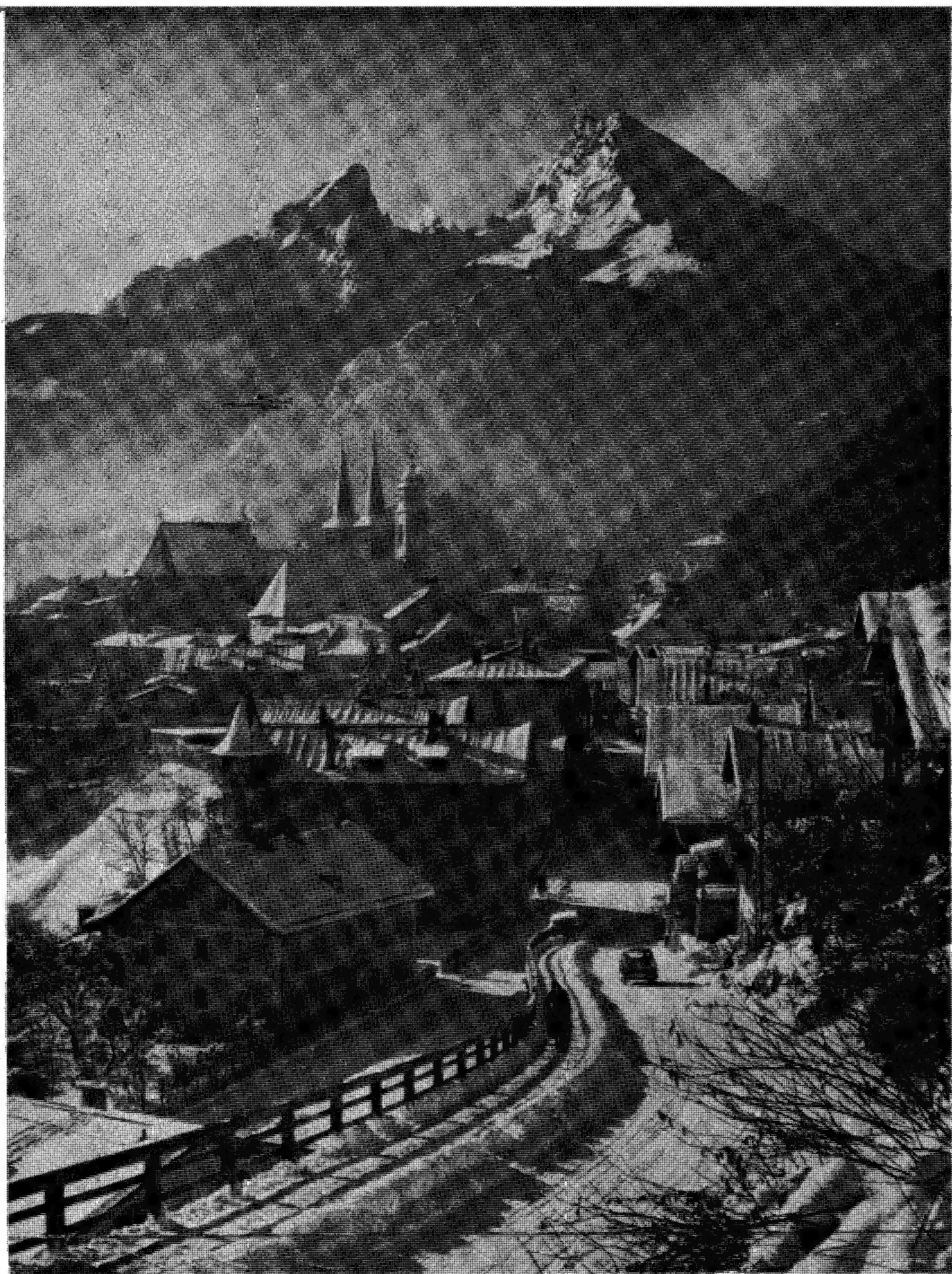
ب : اهالی هامبورگ به لهجه « شمال آلمان » صحبـت مـی کنند .

۴ ـ هامبورگ یکی از ایالات یازده گانه جمهوری فدرال آلمان و در عین حال بخودی خود یك شهر مستقل میباشد . بندرهامبورگ قبل از جنگ اخیر پس از بنادر نیویورك ـ روتردام و لندن از حیث حجم مبادلات و آمد و رفت کشتی ها مرتبه چهارم را داشت.

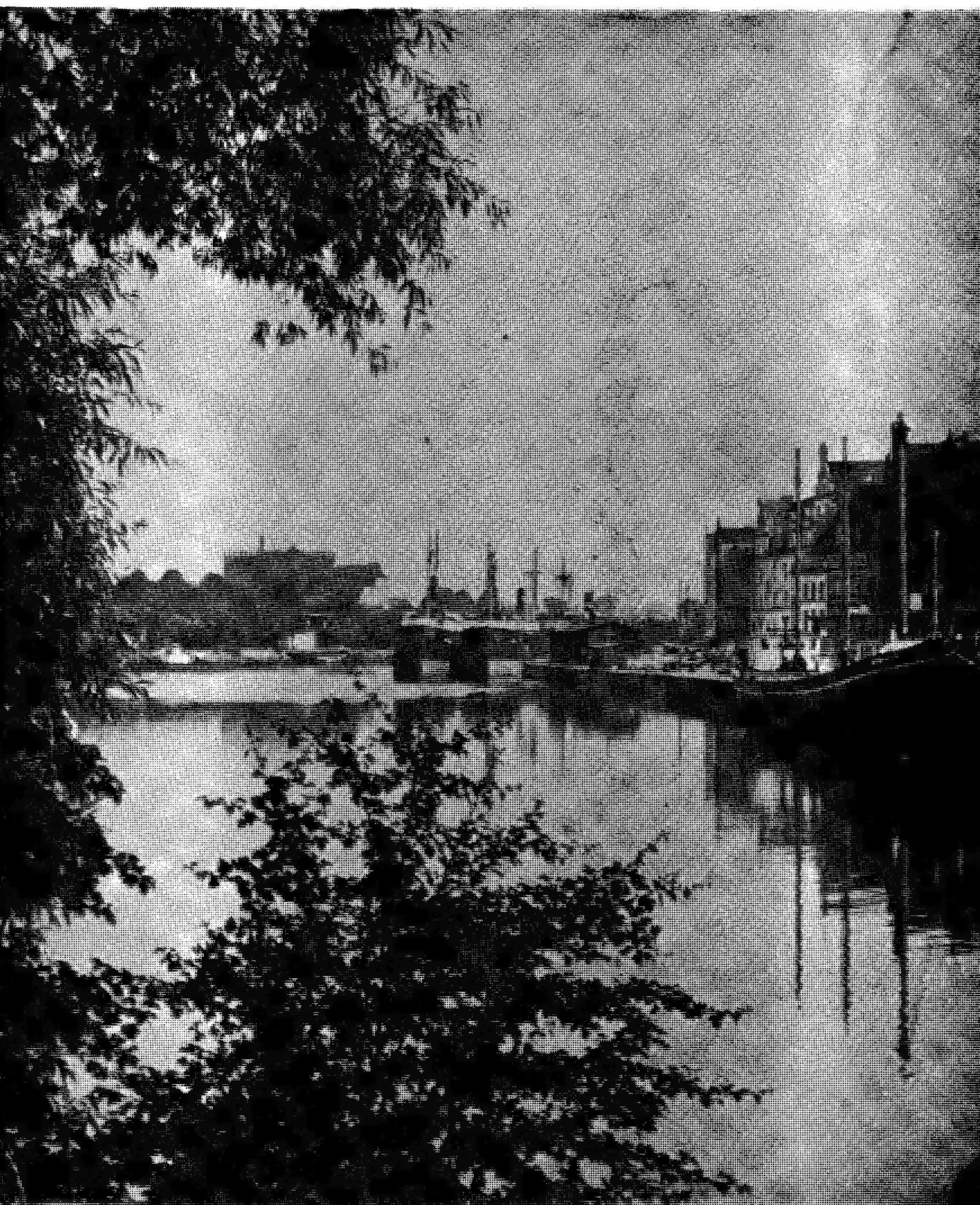
اقتصاد هامبورگ بستگی کامل به کشتیرانی ـ تجارت و صنایع شهر داد . بیش از ۱۷ درصدتمام شاغلین بامور تجارتی سراسرآلمان در هامبورگ سکونت دارند .بـا وجود اینکه هامبورگ بیش از هر شهر دیگر آلمان بر اثر بمباران های جنگ آسیب دیده است‌اکنون از ویرانه های جنگ اثری بر جای نمانده . ضمنا این شهرتوانست بزودی خسارات هنگفت ناشی از سیل ۱۹۶۱ را جبران نماید .

۵ ـ هامبورگ در قرن نهـم میلادی تقریبا شکل یك شهر رابه خود گرفت . این شهر در قرون وسطی مرکز داد و ستد تمام نواحی شمالی آلمان بود . شهرت‌هامبورگ براثر مبارزه اهالی آنبا راهزنان دریائی در قرن سیزدهم میلادی افزایش یافت. پس از انقلاب‌کبیر فرانسه سهم قابل ملاحظه‌ای از معاملات بازرگانی فرانسه و هلند بدین بندر منتقل شد .

۶ ـ هامبورگ دارای‌دانشگاهی است که در مقام‌مقایسه بادانشگاه های بیشتر شهرهای آلمان کـه هریك چند صد سال سابقه دارند



برچسگا ندرحومهمونیخ
یکی از مراکز مشهور
ورزشهای زمستانی



شهربندری لوبك در نزدیکی هامبورگ موطن توماس مان

بسیار جوان بنظر میرسد ولی همین دانشگاه توانسته است در عرض مدت کوتاهی که از تاسیس آن می گذرد یکی از بزرگترین مراکز تحصیلات عالیه آلمان گردد.

۷ ــ الف : خط آهن ــ خطوط بین‌المللی کشتیرانی .

ب : فرودگاه هامبورگ یکی‌از پر رفت وآمد ترین فرودگاه‌های آلمان فدرال میباشد .

ج : هامبورگ بزرگترین بندر دریائی آلمان است .

۸ ــ تابستان و اوایل پائیز فصل مسافرت باین شهر میباشد.

۹ ــ داشتن لباس گرم وبارانی یا چتر ضرور است .

۱۰ ــ الف : هتل های لوکس: هتل آتلانتیك (کرایه‌برای هرشب مابین ۲۰ تا ۴۰ مارك)

هتل چهار فصل (کرایه‌برای‌هر شب مابین ۲۲ تا ۴۵ مارك)

ب ــ تعداد زیادی هتل‌ارزان قیمت ومناسب و مقدار کافی متل و کامپینگ .

۱۱ــ الف : کلیسای میشائل که در حکم سمبول شهر بشمار میرود ــ ناحیه‌بندری شهر ــ دریاچه‌آلستر ــ باغ وحش وباغ نباتات ــ پارك شهر ــ تونل زیر رودخانه آلب.

ب : رودخانه آلب ــ بندر کوکسهاون در کنار دریای شمال ــ لوبك یکی ازشهرهای بسیار قدیمی آلمان که درقرون وسطی فعالیت تجارتی فراوانی داشته است. این شهر ضمنا مولد تومان مان یکی‌از مشهورترین نویسندگان آلمان می باشد . آلتونا یکی از مناطق زیبا در حومه هامبورگ.

ج : ناحیه سنت پاولی یــــا ریربان که در ناحیه بنــــدری هامبورگ قرار دارد ودر تمام‌دنیا شهرت یافته است .

۱۲ ــ الف : چندین سالن تآتر (گوستاو گروند گنز مشهورترین هنرپیشه وکارگردان تآتر آلمان‌در این شهر به فعالیت های هنری اشتغال دارد) .

ب : اوپرای شهر

ج : تعداد بیشماری نمایشگــاه هنری .

د : برنامه نمایش آثار محلی و کنسرت های مختلف .

۱۳ ــ قایق رانی ــ پاتیناژ (یخ بازی) ــاسب دوانی ــ استادیوم ورزشی هامبورگ بارها شاهد هنر نمائی تیم فوتبال این شهر بوده‌است . این‌تیم چندین بار بمقام قهرمانی فوتبال آلمان نائل آمده وبارها در مسابقــات اروپائی شرکت نموده است(مشهور ترین بازیکن تیم فوتبال هامبورگ اووه‌زیلر نام‌دارد)

۱۴ ــ الف : تراموا

ب ــ اتوبوس

ج :تاکسی مانند تمام نقاط‌آلمان گرانست.

۱۵ ــ انواع واقسام اجناس را می توان به عنوان سوقات‌خریداری نمود .

مونیخ

۱ــ مونیخ مرکز ایالت‌باواریای آلمان است .

۲ ــ مونیخ در ارتفاعات باواریا واقع شده و از رودخانه ایزار که از آن عبور میکند مشروب میشود .

سلسله جبال آلپ در ۵۰ کیلــو متری جنوب این شهر قرار دارند.

چند دریاچه نیز بفواصل مختلف در اطراف مونیخ هستند از قبیل اشتارن برگ ـ کوخل و آمر .

۳ ـ الف : جمعیت مونیخ مدتی قبل به یك میلیون بالغ شد .

ب : یك سوم جمعیت این شهر را مهاجرین و فراریان از مناطق اشغال شوروی در آلمان و دیگر اقمار کمونیستی تشکیل میدهد . این افراد اکنون کاملا بآداب واخلاق و روش زندگی اهالی مونیخ خو گرفته‌اند و حتی لهجه محلی راهم آموخته‌اند . جشنهای متعددسالیانه این شهر از قبیل جشن اکتبر ـ فستیوال رقصها و لباسهای محلی وبالاخره فاشینگ در سراسر آلمان شهرت دارند . لهجه اهالی مونیخ برای ساکنان نواحی شمالی کشور آلمان کاملا مفهوم نیست .

٤ ـ مونیخ تنها شهر بزرگ ناحیه باواریای سفلی میباشد . این شهر مقر حکومت محلی ودستگاه ها و سازمان های وابسته بآن است. مونیخ بخاطر وضع وموقع مناسبش مرکز اتصال بسیاری از خطوط آهن و جاده های اتومبیل رو می باشد . فرودگاه بین‌المللی این شهر نیز مورد استفاده بسیاری ازخطوط هواپیمائی بین‌المللی واقع میگردد. مونیخ دارای معروفترین مراکز آبجو سازی آلمان میباشد . صنایع ماشین سازی ـ نساجی ـ تولید وسائط نقلیه و صنایع دقیقه مونیخ پس از جنگ جهانی اخیر توسعه شگرفی یافته است . ضمنا پس از جنگ تعداد زیادی مطبعه بزرگ نیز در مونیخ تاسیس شده است . کارخانه چینی سازی مونیخ موسوم به نیمپفنبورگ از شهرت جهانی برخوردار است .

۵ ـ شهر مونیخ در سال ۱۱۵۸ میلادی توسط هانری شیردل بنا شد و پس از مدتی تبدیل به مرکز تجارت نمك گردید . ازقرن ۱٦ میلادی مونیخ بمرور مبدل به یك مرکز هنری گردید.

نهضت تجددطلبی پروتستانها در این شهر با موفقیت روبرو نشد و اهالی مونیخ هنوز کاتولیك هستند. در طی جنگهای سی ساله (۱٦۸۸ـ ۱٦٤۸) مونیخ چند بار بتصرف قوای اشغالی در آمد . ناپلئون به شاهزادگان حاکم این شهر عنوان پادشاه داد و این عنوان تا سال ۱۹۱۸ بر جای ماند . معروفترین پادشاهان مونیخ لودویك اول و دوم وماکسیمیلیان اول میباشند که با ایجاد بناهای مشهور وتاریخی به این شهر شکوه و جلوه خاصی بخشیدند . ریشارد واگنر آهنگساز شهیر آلمانی از حمایت ماکسیمیلیان بود . همین دو پادشاه موجبات تبدیل شهر را به یك مرکز علمی وادبی فراهم آوردند . خیابان زیبای ماکسیمیلیان نیز ازیادگار های ماکسیمیلیان دوم میباشد .

در سال ۱۹۱۸ رژیم جمهوری دراین ناحیه اعلام شد . براثر جنگ جهانی دوم بسیاری ازساختمانها وابنیه تاریخی طعمه ویرانی گردید ولی درعوض ساختمان های جدیدی جایگزین ویرانه ها شد .

٦ ـ امروزه مونیخ یکی از مهمترین مراکز فرهنگی و هنری آلمان بشمار میرود . دانشگاه این شهر که بزرگترین مرکز علمی آلمان محسوب میشود اکنون در حدود ۲۷۰۰۰ دانشجو دارد که تعداد زیادی از آنان راخارجیان و بخصوص محصلین ایرانی تشکیل میدهند . علاوه بر این تعداد قابل ملاحظه‌ای آکادمی موسیقی وهنرهای زیبا و مقداری زیاد کتابخانه در مونیخ موجود است . کتابخانه دولتی این شهر دارای بیش از ۲ میلیون جلد کتاب میباشد . «موزه آلمان» «موزه ملی» و گالری هنر نقاشی از مراکز بزرگ هنری این شهر بشمار میروند . مقدار زیادی سالن تآتر نیز در مونیخ وجود دارد . مدتی قبل تجدید ساختمان تآتر ملی نیز باتمام رسید.

۷ ـ الف : مونیخ مرکز ارتباط خطوط آهن جنوب آلمان میباشد. از این شهر همه روزه ترنهای سریع‌السیر بسمت شهرهائی ازقبیل وین ـ اینسبروك ـ اشتوتگارت ـ فرانکفورت و برلین حرکت می کنند .

ب : فرودگاه بین‌المللی مونیخ نیز مورد استفاده بیشتر شرکت‌های هواپیمائی جهان میباشد .

۸ ـ در تمام فصول سال میتوان بمونیخ مسافرت کرد . در زمستان هوا خیلی سردولی فاقد رطوبت میباشد . زمستان بهترین فصل برای اسکی در دامنه جبال آلپ میباشد. در تابستان هوا گرم و خشك است. باران بطور کلی در اکثر اوقات سال میبارد ولی بر خلاف بیشتر نقاط آلمان مدت بارش چندان طولانی نیست .

۹ ـ در زمستان لباس کاملا گرم ضروری است و در تابستان البسه سبك مناسب میباشد ـ بارانی و چتر در تمام سال بکار میآید.

۱۰ ـ الف : هتلهای لوکس :

هتل بایریشر هوف (کرایه برای یك شب از ۱٤ تا ۳٦مارك)

هتل چهار فصل (کرایه برای یکشب از ۱٤ تا ۲٦ مارك)

هتل کنتینانتال (کرایه برای یك شب از ۱۲ تا ۳۰ مارك)

هتل کونیگز هوف (کرایه برای یکشب از ۱۸ تا ۸ ۲مارك)

ب : تعداد بیشماری هتلهای مناسب وارزان و مقدار بسیار زیادی متل ومحل کامپینگ .

۱۱ ـ الف : مشهورترین بنا و در حقیقت سمبول این شهر کلیسای لیب فراو میباشد .

بقیه دیدنی‌های مونیخ عبارتست از :

میدان اودئون وطالار فلدهرن و کلیسای تئاتینر ـ هوف بروی هاس ـ کلیسای پطرز که در سال ۱۱٦۹ ساخته‌شد و پس ازویرانی درسال ۱۹۵٤ مجددا تعمیر گردید ـ کونیگز پلاتس ـ ماکسیمیلیانوم در ساحل رود ایزار ـ موزه آلمان در جزیره‌ای واقع در رودخانه ایزار ـ تآتر ناسیونال که تجدید بنایش مدتی قبل به پایان رسیده ـ خانه هنر با آثار هنرمندان جدید و پیناکوتك حاوی آثار نقاشی هنرمندان قدیمی باغ وحش انگلیسی و برج چینی ـ خیابان لودویگ اشتراسه که در انتهایش برج پیروزی و سپس محله تفریح مونیخ موسوم به شوابینگ قراردارد .

ب : در نزدیکی مونیخ قصر نیمپفنبورگ ـ کاخ هایمر وباغ وحش قرار دارد . درجنوب وبر سر راه آلپ چند دیاچه زیباواقع شده‌اند از قبیل اشتترن برگ ـ کوخل ـ تگرن زه وآمر ـ بهترین مراکز تفریح وبازدید برای سیاحان برچستگادن ـ بادویسه ـ گارمیش و دهکده او بر آمرگا میباشند که فاصله چندانی تامونیخ ندارند .

ج: برای گردشهای شبانه در قسمت قدیمی شهر مقدار زیادی آبجو فروشی بسبك قدیمی و برای افرادی که دارای سلیقه مدرنتری میباشند در ناحیه شوابینگ چندین کاباره ـ دانسینگ وباشگاه شبانه وجود دارد .

۱۲ ـ تعداد زیادی سالن تئاتر از قبیل تئاتر ناسیونال ـ رزیدانس تئاتر ـ اوپرا و چندین نمایشگاه آثار هنری وسالنهای کنسرت .

۱۳ ـ محبوب ترین ورزش در مونیخ قایقرانی و کوهنوردی در فصل تابستان واسکی در فصل زمستان میباشد .

۱٤ ـ تراموا ـ اتوبوس ـ تاکسی مانند تمام شهرهای آلمان گرانست .

۱۵ ـ در این شهر انواع واقسام کالاها جهت سوقاتی و یادبود موجود است .

مونیخ : مارین‌پلاتز (میدان مارین) ـ سالون شهرداری در

کلیسای میشائل **هامبورگ**





برلن : دروازه براندن بورگ

وسط و برجهای کلیسای **فردوئن کیرشه** در عقب دیده میشود .

برچسگادن (قصر کوهستانی ییلاقی سابق هیتلر معروف بآشیانه عقاب در این کوهستان واقع‌شده) در حومه مونیخ یکی از مراکز مشهور ورزشهای زمستانی

دوسلدورف (پاریس آلمان)

۱ ـ دوسلدورف مرکز ایالت نورد راین ـ وستفالن آلمان فدرال میباشد .

۲ ـ دوسلدورف در ساحل‌رود راین و شمال دو شهر کلن و بن واقع شده است.

معادن مختلف این ناحیه تا حومه شهر ادامه دارد . آب وهوا کم وبیش ملایم است . تابستان بسیار مطبوع و بهار و پائیز کمی مرطوب میباشد .

۳ ـ الف : جمعیت دوسلدورف بالغ بر ۸۰۰ هزار میباشد .

ب : بیشتر ساکنان این شهر متعلق بنواحی ساحلی راین هستند. اهالی راین در آلمان بعنوان مردمانی شاد ـ سرزنده و کم و بیش خوشگذران معروف شده‌اند. اهالی دوسلدورف لهجه محلی مخصوص بخود دارند . جشنهای سالیانه ساکنان ناحیه راین و کارناوالهای آنان شهرت بسزائی دارد .

٤ ـ دوسلدورف علاوه برآنکه مرکز ایالت نورد راین وستفالن است مقر حکومت پارلمان ایالتی و بسیاری دیگر از موسسات دولتی محلی میباشد .

شهر دوسلدورف ضمنا مرکز اقتصادی ناحیه صنعتی روهربشمار میرود . دراین منطقه انواع و اقسام محصولات صنعتی از قبیل فولاد ـ آهن ـ ماشین آلات ـ ابزار صنعتی وکاغذ تهیه میشود. بسیاری از موسسات بزرگ صنعتی آلمان نیز از قبیل مانسمان ـ تیسن ـ فونیکس ـ راین روهر و مقداری از بانکهای معتبر آلمان دراین شهر مستقر میباشند .

٥ ـ دوسلدورف از سال ۱۲۸۸ میلادی رسما عنوان یك شهر مستقل را بخود گرفت و در قرن‌پانزدهم مرکز چند شاهزاده نشین آلمانی گردید. دوران اعتلای این شهر از زمان‌حکومت شاهزاده یوهان‌ویلهلم آغاز گردید . از جمله اقدامات این شاهزاده تاسیس یك گالری بزرگ نقاشی بود . اکنون بسیاری از تابلوهای این گالری به شهر مونیخ منتقل شده‌است .

مطابق قرارداد سال ۱۸۱٤ وین شهر دوسلدورف به ایالت پروس ملحق گردید .این شهر ازسال ۱۹٤۷ تا کنون مرکز استان‌نورد راین ـ وستفالن جمهوری فدرال آلمان‌میباشد .

٦ ـ دوسلدورف از جمله مراکز قدیمی فرهنگی و هنری میباشد. آکادمی هنرهای مستظرفه این شهر شهرت بین‌المللی دارد . عمارات قدیمی موجود این شهر بیشتر در قرن‌سیزدهم‌میلادی بوجود آمده‌اند در بیشتر آثار وابنیه تاریخی دوسلدورف نفوذ سبك باروك به خوبی آشکار است . چهل درصد از ابنیه قسمت قدیمی شهر براثر بمباران‌های جنگ اخیر ویران شد ولی اینك بر جای آنها ساختمان های‌مدرن‌و مجلل قد برافراشته‌اند. آکادمی علوم پزشکی ـ انستیتوی علمی ماکس پلانك و تعداد زیادی هنرستان صنعتی ـ موزه وکتابخانه باضافه اپرا و تماشاخانه دولتی‌شهر از مراکز فرهنگی و هنری دوسلدورف بشمار میروند .

۷ ـ دوسلدورف در مرکزخطوط مواصلاتی اروپای غربی قرار گرفته وازاین روبتمام نقاط اروپا با سریعترین وسائل مربوط میباشد . فرودگاه لوهازن دوسلدورف همه روزه مورد استفاده تعداد زیادی از هواپیماهای داخلی و خارجی میباشد که در مسیر شهرهای اروپا وهمچنین ایران پرواز میکنند . دربندرکنار رود راین نیز فعالیت زیادی مشهود است .

۸ ـ بهترین موقع‌برای بازدید از دوسلدورف تابستان واوایل پائیز میباشد .

۹ ـ برای تابستان آلبسه سبك ودرزمستان البسه گرم وصددرصد بارانی یاچتر مورد لزوم است .

۱۰ ـ هتلهای لوکس :
پارك هتل (کرایه برای هرشب بین ۲٤ تا ۳۲ مارك) ـ بریدن با خرهوف (کرایه برای هرشب‌مابین ۲۲ تا ۳۸ مارك)

مقدار کافی هتلهای مناسب و ارزان قیمت وچندین متل ومحل کامپینگ .

۱۱ ـ مراکزدیدنی‌شهر : خیابان کونیگز آله‌که‌زیباترین ومعروفترین خیابان کشور آلمان میباشد وبنام شانزه لیزه آلمان معروف شده . تعداد زیادی کلیسای قدیمی بسبکهای گوتیك ـ رنسانس و روکوکو . بنای‌یادبود یان‌ولم . قصرهای یگرهوف و بنرات . ساختمان ویلهلم مارکس که اولین آسمانخراش آلمان میباشد ومقدار زیادی آسمانخراش دیگر مانند ساختمان مانسمان وفونیکس که‌بعد از جنگ ساخته شده‌اند .

مراکز دیدنی خارج از شهر : قلعه کایزر پفالس متعلق به قرن ۱۲ میلادی . شهرصنعتی‌دویسبورگ که دارای بندر بزرگی است که‌با سراسر جهان مرتبط میباشد . مناظر زیبای کوهستانی وبالاخره شهر کوچك وقلعه مانند زونس‌در کنار رود راین .

تفریحات وگردشهای شبانه : در ناحیه قدیمی شهر تعداد زیادی کلوب شبانه‌وکاباره‌وتعداد بیشتری بارورستوران موجود است .

۱۲ ـ اوپرا ـ کنسرت مجلسی ـ تئاتر ـ ارکستر سمفونیك ـ کنسرواتوار روبرت شومان ـ نمایشگاههای هنری .

۱۳ ـ استادیوم‌راین ـ زمینهای تنیس ـ استادیوم پاتیناژ (یخ بازی) ـ میدان اسب دوانی و فرودگاه مخصوص هواپیماهای بی موتور .

۱٤ ـ شبکه بسیار خوب ووسیع تراموااتوبوس ـ نرخ‌تاکسی‌مانند دیگر شهرهای آلمان گرانست .

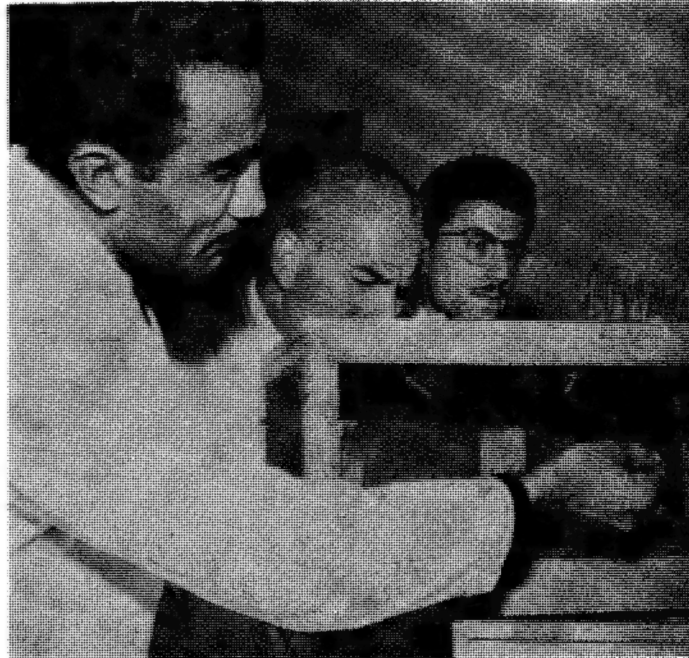
۱٥ ـ برای سوقات : بلور کریستال ـ لوازم چرمی وهمچنین **اشیاء عتیقه** .

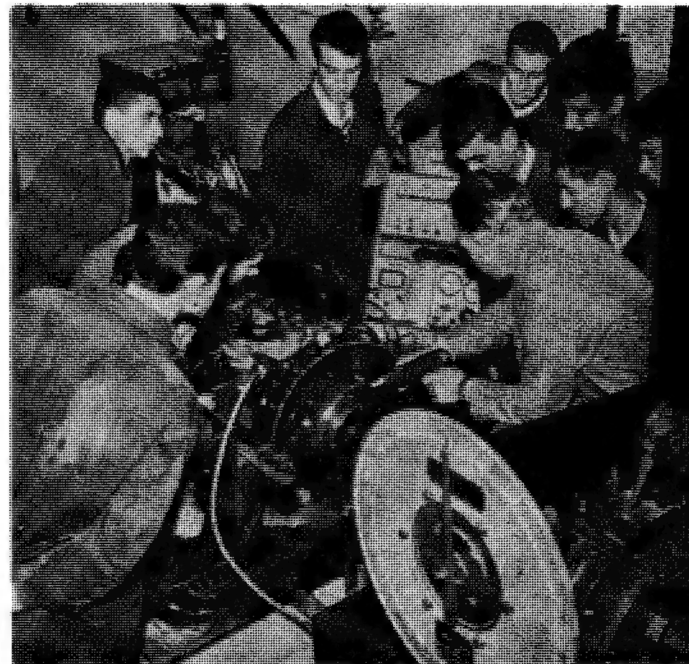
آلمان : مناظری که درآلمان بسیاراست .



همکاریهای ایران و آلمان

انستیتو دفع آفات نباتی اوین ـ تهران ، آزمایشگاه آفت شناسی





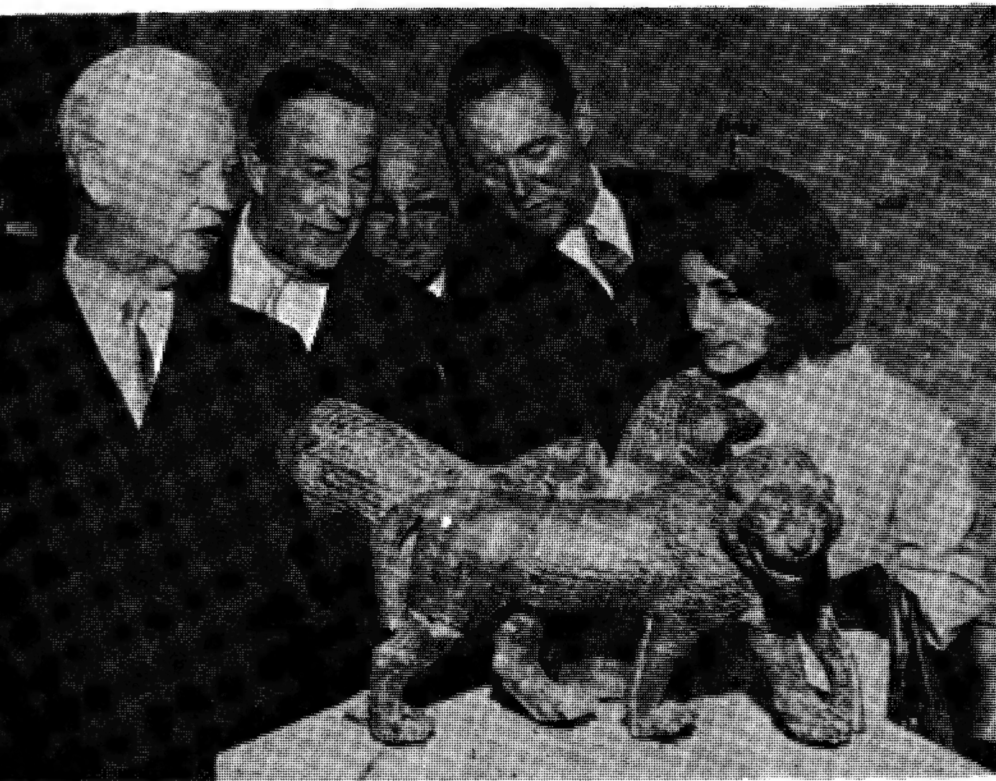
هنرستان صنعتی تهران ـ بخش مکانیك اتومبیل

روابط ایران و آلمان سابقه ای بس قدیمی دارد . در اوایل قرن هفدهم میلادی دولتین ایران و آلمان باوجود بعدمسافت واشکالاتی که مسافرت درآنزمان بهمراه داشت نمایندگانی مابین خود مبادله کرده و باب مذاکرات را جهت امضای قراردادهای همکاری مفتوح نمودند.
مناسبات اقتصادی ایران و آلمان از قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی هر لحظه توسعه بیشتری یافت تا بدانجا که در سال ۱۸۷۳ به امضاء عهدنامه مودت تجارت و کشتیرانی منجر شد . در همان سال ناصرالدین شاه قاجار طی مسافرت خود باروپا رسما از آلمان بازدید نمود . از آنزمان تا کنون دانشمندان و بازرگانان آلمانی که مدتی در ایران بودند و یا از طریق ایران بوطن خود بازمیگشتند هم میهنان خود را با نحوه زندگی و چگونگی فرهنگ ایرانیان آشنا ساخته‌اند .
در عرض قرن گذشته و اواخر قرن کنونی حدود علائق آلمان در ایران کم و بیش برشته های علمی محدودمیشد. اطباء ـ نقشه‌برداران ـ شرق شناسان ـ سیاحان و همچنین مربیان نظامی آلمانی تا قبل از جنگ جهانی اخیر جهت کار در رشته خود بایران میآمدند. در اینجا میتوان یادآور شد فراهم آوردن وسائل حفظ آثار تاریخی تخت جمشید از جمله خدماتی است که باستانشناسان آلمانی در ایران انجام دادند و بدون تردید این‌عمل موجب ایجادپایه‌ای عمومی و اساسی جهت علم‌باستانشناسی ایران‌گردید . قبل از جنگ جهانی اول عقیده عمومی برآن بود که مدرسه آلمانی طهران یکی از بهترین مراکز تعلیم و تربیت بشمار میرود .
اکنون‌چندقرنی است‌که همبستگی و ارتباط سیاسی ـ فرهنگی و همچنین اقتصادی مابین دوکشور موجود است وبا وجود اینکه سیستم فرهنگی و تمدن دوکشور صددرصد موافق یکدیگر نمیباشد این روابط روز بروز عمیقتر میگردد . آلمان بعنوان یك کشور صنعتی وایران در قالب یك کشور کشاورزی که هردو در رشته خود به ترقیات سریعی نائل آمدند بخوبی قادرند احتیاجات‌دوجانبه‌یکدیگر رابه‌بهترین نحومرتفع سازند . مهندسین آلمانی در ساختمان راه آهن سرتاسری ایران سهمی داشتند . موسسه آلمانی «یونکرز» موجب‌ایجاد شبکه ارتباط هوائی در ایران بود .
یك معمار آلمانی نقشه ساختمان بانك‌ملی را با الهام از سبك‌معماری ایران طرح کرد و شرکت تلفونکن در اولین سال شروع جنگ جهانی دوم تاسیسات فرستنده رادیو ایران را بنانهاد .اینها فقط نمودار کوچکی از همکاری فنی‌بین دو کشور ایران و آلمان میباشد .
پس از پایان‌اولین سالهای خاتمه جنگ جهانی اخیر فعالیتهای‌تجارتی و همکاریهای اقتصادی‌بین دوکشور با شعاع عمل وسیعتری از طریق سرمایه گذاری خصوصی و اهداء کمکهای فنی تجدید گردید .
حکومت جمهوری فدرال آلمان که براساس روش‌کلی خویش برای ابتکارات شخصی و فردی ارزش فراوانی قائل است عقیده دارد نه ایجاد توسعه اقتصادی در وحله اول از طریق‌صاحبان صنایع‌خصوصی عملی میباشد وبهمین دلیل بموسسات خصوصی صنعتی آلمان امکان همه نوع فعالیت در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی داده شده است . بدیهی است که موفقیت این روش بیش از هرچیز بستگی بشرایط عمومی جلب و قبول سرمایه در کشور های در حال توسعه دارد .
اعلیحضرت‌همایون شاهنشاهی در سال ۱۹۵۵ رسما به جمهوری فدرال آلمان سفر فرمودند . در پائیز گذشته بازدید متقابل‌رئیس جمهوری آلمان فدرال از ایران بارزترین و درخشانترین آثار اتحاد و همبستگی دوجانبه را بظهور رسانید .
طی سالهای اخیر مبانی دوستی ایران و آلمان هر لحظه عمیقتر گردیده است . هم‌اکنون تعداد دانشجویان ایرانی که در آلمان به تحصیل علم و یا کارآموزی اشتغال دارند به پنجهزار بالغ میگردد . ایران نیز کمافی‌السابق محل‌فعالیت و خدمت‌گروه کثیری از متخصصان فنی ـ بازرگانی ـ معلمان حرفه‌ای و صنعتی و حتی پزشکان آلمانی میباشد .
بموازات ازدیاد مبادلات فرهنگی و علمی و توسعه ارتباطات هنری مابین دوکشور از قبیل برگزاری نمایشگاه بسیار جالب هفتهزار سال هنر ایران در شهر اسن بسال ۱۹۶۲ دامنه مناسبات و مبادلات اقتصادی و آموزشی نیز گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته است .
حکومت آلمان فدرال بخوبی براین حقیقت واقف است که حل تمام معضلات مربوط به توسعه اقتصادی یك کشور تنها از طریق سرمایه گذاری خصوصی عملی نمیباشد و در این مورد همکاریهای فنی و اقتصادی مابین دو کشور بایستی با سرمایه‌گذاریهای خصوصی تلفیق گردند . اکنون چند سالی است که یك برنامه وسیع جهت عرضه کمکهای فنی و مالی از طرف کشور آلمان تنظیم گردیده است .
اعطای کمکهای مالی با توجه باین حقیقت منظور گردیده است که

انجام بسیاری ازبرنامه های اصلاحی بزرگ و اساسی از قبیل پروژه ساختمان راهها ـ پلها و نظائر آن در صورتی امکان پذیر است کـه ممالك در حال توسعه سرمایه اولیه جهت اجراء طرحهای عمرانی خود را در اختیار داشته باشند .

بهمین نسبت نیز کشور های در حال توسعه علاوه براحتیاجات مالی نیازمند راهنمائیهای فنی وآموزشی میباشند تا بتوانند اداره تاسیسات جدید خود را شخصا بر عهده گیرند و از لحاظ اقتصادی قائم بـذات باشند .

در چهارم نوامبر سال ۱۹۵٤ قراردادی مابین دوکشور در زمینه همکاریهای فنی و اقتصادی بامضاء رسید . بعضی از پروژه های مورد تصویب در این قرارداد که تعدادـ شان از بیست متجاوز است عبارتند از: توسعه مدارس حرفه‌ای ایران و آلمان ـ ایجادانستیتوی دفع آفات نباتی در «اوین» و تاسیس مزرعه آموزشی درعلی‌آباد شیراز . تاکنون تعدادی کارشناس آلمانی جهت‌کار در رشته های مختلف فنی پیش بینی شده دراین قرارداد بایران آمده‌اند و ضمنا تعدادقابل توجهی ازایرانیان نیز جهت توسعه و تکمیل معلومات تخصصی‌خویش‌بآلمان دعوت‌شده‌اند.



حضرت پرزیدنت لوبکه ووالاحضرت شهناز پهلوی درنمایشگاه هنر هزارساله ایران در شهر اسن آلمان

اخیرا نیز دولت جمهوری‌فدرال آلمان درچهارچوب کمکهای‌عمرانی اعتبار ۱۵ ساله‌ای بمبلغ دویست میلیون مارك در اختیار ایران قرارداد . از این مبلغ معادل پنجاه میلیون مارك بمنظور اتمام عملیات ساختمان سد سفید رود در اختیار دولت ایران قرارگرفت و بمصرف رسید . مبلغ ۹۵ میلیون مـارك دیگر نیز از همین اعتبار جهت ایجاد و توسعه تاسیسات وابسته به سد سفید رود از قبیل احداث کانالهای آب بر به منظور استفاده عملی از پروژه سفید رود در نظر گرفته شده است . برای استفاده از بقیه اعتبار دویست میلیون مارکی نیز هم‌اکنون چند پروژه عمرانـی در دست مطالعه میباشد .

صاحبان صنایع آلمان همیشه علاقه فراوانی بعمران و آبادانـی ایران داشته‌اند . اخیرا عده‌ای از معتبر ترین شرکتهای فولاد و آهن آلمان قراردادی با شرکت ملی نفت ایران در زمینه احداث پالایشگاه نفت طهران امضاء نمودند . قرار است ساختمان این پالایشگاه کـه مخارجش بالغ بر۳۵۰ میلیون مارك خواهد شد در سال ۱۹۶۶ (یعنی دوسال دیگر) پایان پذیرد . دراین موافقتنامه پیش بینی شده است که پرداخت‌طلب این موسسات در عرض ۷ سال پس از اتمام ساختمان انجام گیرد .

از آغاز قرن کنونی مناسبات تجاری مابین دوکشور برای هردو طرف اهمیت و اعتبار فراوان داشته است . در سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ حجم کل صادرات آلمان بایران به سه میـلیون مارك بالغ گردید و بدین ترتیب آلمان در آن سال مقام ششمین کشور صادر کننده بایران را یافت . در سال ۱۹۳۷ آلمان پس از شوروی بزرگترین صادر کننده بایران بود . حجم صادرات آلمان بایران دوسال قبل به ۵۰۰ میلیون مارك رسید ولی این رقم در سال ۱۹۶۲ براثر توسعه صنایع ایران به ۳۵۰ میلیون کاهش یافت . این کاهش حجم صادرات خارجی به ایران اختصاص‌به آلمان نداشته بلکه شامل تمام کشور های خارجی میباشد . هم‌اکنون کشور آلمان ۲۰ درصد از مجموع کالاهای وارد شده بایران را تامین مینماید .

کشور ایران نیز در لیست صادر کنندگان بآلمان جای معتبری را دارد و بیش از هرکشور دیگری در خاور میانه بآلمان کالا صـادر میکند . طبق آمار منتشره از طرف اداره تجارت خارجی آلمان حجم کلی واردات آلمان از ایران درسال ۱۹۶۲ به یك بلیون مارك بالـغ گردیده که ۸۰۰ میلیون مارك آن اختصاص به محصولات نفتـی داشته است .

نقطه ثقل مناسبات فرهنگی ایران و آلمان را در حال حاضر تربیت وآموزش متخصصان کار ـ آزموده ایرانی تشکیل میدهد . بمنظورتوسعه‌آموزش زبان و ادبیات آلمانی نیز از مدتی قبـل یـك دانشیار آلمانی‌از طرف دولت‌آلمان بایران اعزام شده است که در دانشکده ادبیات طهران به تدریس اشتغال دارد . علاوه براین بمنظور حفظ و توسعه ارتباط تحصیل کرده های ایرانی در آلمان که اکنون بعنوان استاد ومعلم و محقق درایران بکار اشتغال دارند «انجمن آلمانی تحقیقات علمی» کتب و مجلات متعددی‌بطوررایگان برای‌دانشگاهها و سایر مراکز علمی و تحقیقی ایران ارسال میدارد . مدارس صنعتی طهران وتبریز که باهمکاری مادی و فنی جمهوری فدرال‌آلمان توسعه یافته اند درحال حاضـر از محل کمکهای فنی آلمان به‌تاسیسات و ماشین آلات مورد لزوم مجهز گردیده‌اند و علاوه براین دارای معلمانی هستند که از طرف دولت آلمان اعزام شده‌اند . بخشهای فلز کاری و برق بیش از هـر رشتـه دیگری در این‌هنرستانها مورد توجه جوانان ایرانـی که در آینده با سمت متخصص فنی و هنر آمـوز بکار خواهند پرداخت میباشد . هر ساله بهترین و ممتاز ترین فارغ ـ التحصیلان این دو هنرستان بـا استفاده از بورسهای تحصیلی که از طرف دولت آلمان فدرال اهداء میگردد بآلمان اعزام میگردند تا پس از اتمام دوره هـای آموزشی ویژه‌ای بعنوان مهندس متخصص‌ویا هنرآموز هنرستان بایران‌بازگردند.

هم اکنون درحـدود سی پزشك ایرانی بدعوت دولت آلمان ازمحل بودجه‌ای‌که بکشورهای در حـال توسعه تعلق دارد یك دوره دوازده ماهه کارعملی را در بیمارستانها و دیگر مراکز پزشگی و بهداشتی برلن غربی میگذرانند .

انستیتوی‌دفع آفات نباتی طهران که در اوین تاسیس و از محل کمکهای آلمان بوسائل و لوازم مورد نیازمجهز گردیده است دارای شش کارشناس و استاد آلمانی میباشد . هدف اصلی از تاسیس این استیتو ایجاد اصول و شرایط لازم جهت مبارزه با بیماریها و آفات نباتی در سراسر ایران میباشد .

بمنظور بهره‌برداری بیشتر از فعالیتهای کشاورزی ایران در چند سال گذشته یك مزرعه آموزشی نمونه با استفاده از کمکهای آلمان در علی‌آباد واقع در نزدیکی شیراز تاسیس شده است .

هدف از اجرای تمام پروژه های اشاره شده در فوق آنستکه علی رغم بعد مسافت مابین دوکشور ملتین ایران و آلمان روز بروز بیکدیگر نزدیکتر شوند .

به انگلستان میروید ؟

انگلستان یا سلطنت متحده بریتانیای کبیر شامل انگلند ، اسکاتلند ،ویلز ، وایرلند شمالی

مساحت : ۹۳٫۸۹۸ میل مربع

جمعیت : (۱۹۶۱)

۵۲٫۸۳۴٫۲۲۹ نفر

(۵۶۲٫۷ نفر در هرمیل مربع)

زبان : انگلیسی

واحد پول : پوند (**لیره**) استرلینگ .

اجزاء آن

۱ پوند = ۲۰ شلینگ در حدود ۲۱۶٫۳۴۲ ریال .

۱ شیلینگ = ۱۲ پنس

مذهب : مسیحیت کلیسای انگلیس، مسیحیت کلیسای اسکاتلند ،(پرسی تاریان) ، مسیحیت کلیسای ویلز، مسیحیت کلیسای ایرلند ،کاتولیك، متودیست ، کنگرگاسیالیست ، باپ‌تیست ، یهود .

شهرهای عمده : **لندن** (پایتخت: ۸٫۱۷۱٫۹۰۲ نفر)

برمینگهام (محل کارخانجات آهن و فولاد :۱٫۱۰۵٫۶۵۱ نفر)

گلاسکو (بندر ـ محل کشتی سازی : ۱٫۰۵٤٫۹۱۳ نفر)

لیورپول : (بندر : ۷٤۷٫٤۹۰ نفر) .

منچستر (پارچه بافی: ۶۶۱٫۰٤۱ نفر)

ادین‌بارو (پایتخت اسکاتلند : ٤۶۸٫۳۷۸ نفر)

جزایر انگلستان در نزدیکی سواحل غربی اروپا واقع شده است . کشورهای متحده بریتانیای کبیر وایرلند شمالی‌مرکب است‌از جزیره انگلستان (که طول آن قریب به هزار کیلومتر و عرض متوسط آن در حدود ۲۰۰ کیلومتر میباشد واز شاه نشین های اسکاتلند انگلیس ـ وایالت ویلز تشکیل گردیده است)وربع شمالی جزیره ایرلند (که مابقی آن جمهوری مستقل ایرلنداست).

مردمی که اینك در جزایر انگلستان بسر میبرند از اخلاف قبایل گیلیك و همچنین از نوادگان اسکاندیناویهائی هستند که بکرات بین قرن ۵ تا۱۱ میلادی این جزایر را مورد حمله قرار داده‌اند . از آن زمان جریان آمیخته شدن و یکی گشتن این اقوام و نژاد ها وهمچنین جزایر ادامه یافت و ازقرن ۱۵ میلادی ببعد افراد و نیروی انگلیسی رو بخارج متوجه شد و درنقاطی‌بمانند استرالیا ـ دنیای نو وهمچنین‌در بین قبایل افریقائی ملل‌وکشورهای جدیدی بوجود آوردند و در بین تعدادی از کشورهای متمدن‌آسیائی اتحاد تازه‌ای ایجادکردند و جرگه‌ای از ملل مشترك المنافع بنیان نهادندکه عواملی بسیار مختلف بر اساس تفاهم‌و منافع مشترك باهم در یك صف قرار گرفته‌اند این جرگه اینك از کشورهای کانادا ـ استرالیا ـ زیلندجدید ـ هندوستان ـ پاکستان ـ سیلان ـ گانا ـ مالزیا ـ نیجریه ـ قبرس ـ سیرالئون ـ تانگانیکا ـ ژامائیك ـ ترینیداد ـ اوگاندا ـ کی نیا و زنگبارمرکب است .

الیزابت دوم ملکه ممالك متحده بریتانیا همچنین عنوان ملکه‌چندین کشورازممالك عضو جرگه‌مشترك المنافع را داراست واز طرف‌کلیه کشورهای عضو بعنوان رئیس‌جرگه (ملل‌مشترك المنافع) شناخته شده

انگلستان از نظر جهانگردی

هزینه یك سفر کوتاه مدت‌برای گذراندن دوره تعطیلات وابسته‌به طول مدت و ذوق وسلیقه مسافر است ـ ولی شاید اطلاعات کمی از برای محاسبه مخارج اصلی تا اندازه‌ای مفید باشد .

یك اطاق تنها با قیمت متوسط قریب به ٤۰ تومان در لندن و۲۵ تا ۳۵ تومان در خارج از پایتخت برای‌یك شبانه‌روز همراه باصبحانه است. یك‌وعده‌غذادریکی‌ازرستوران های لندن به ۸ تومان بالغ میشود کرایه اتوبوس نزدیك بیك ریال برای یك میل وکرایه راه آهن ۲٫۷۰ریال برای همین مسافت است .

از گاراژهای انگلستان میتوان اتومبیل کرایه نمود و کرایه آن قریب به ۱۵ ریال برای هر میل است مسافرینی که از ایران به انگلستان سفر میکنند لازمست که دارای گذرنامه و روادید معتبر





بیگ‌بن و برج عظیم این ساعت در عمارت پارلمان انگلستان یکی از مشهورترین مناظر و صداهای لندن است.

برای کشورهای متحده بریتانیا باشند. قسمت کنسولگری درسفارت انگلستان روادید صادر مینماید. در مورد میزان و نوع پولی که‌مسافر باخود بانگلستان میآورد هیچ گونه محدودیتی وجود ندارد ولی هنگام خروج مسافرین نباید بیش از ۱۵۰ لیره استرلینگ با خود داشته باشند واز این میزان تا ۵۰ لیره را بصورت اسکناس و بقیه را چك مسافرتی میتوان بهمراه‌داشت.

ورود اثاثیه و لوازم شخصی که متعلق بخود مسافر و برای استفاده شخصی است وبمنظور فروش ویا دادن بدیگری نیست معمولا بدون عوارض و حقوق گمرکی میباشد. ولی مسافر لازم است که هرنوع شیئی را که گمان میکند عوارض‌و حقوق گمرکی‌بدان تعلق میگیرد به مامورین گمرك اعلام دارد ــ چه کوشش در پنهان نگاه داشتن‌اشیائی که حقوق گمرکی بر آن‌ها تعلق میگیرد ممکنست منجر به پرداخت جرایم سنگین شود.

سرویسهای بهداشتی ودرمانی‌در انگلستان برایگان در اختیار همه منجمله مسافرین خارجی است ــ ولی مقامات مرزی دستور دارند که‌از دادن اجازه ورود بکسانی که فقط بمنظور استفاده از این‌تسهیلات بصورت رایگان بانگلستان می آیند خودداری نمایند.

افراد خارجی در صورتی می توانند دراین کشور شروع بکار نمایند که قبلا اجازه لازم را از وزارت کار دریافت داشته باشند. کسانیکه بخواهند برای تجارت‌مقر خود را دراین کشور قرار دهندو یا دررشته بخصوصی کار کنند باید اجازه قبلی از اداره اتباع خارجه وزارت کشور دریافت دارند. خارجیان بزرگتراز شانزده سال که بخواهند بیش‌از سه ماه در انگلستان اقامت نمایند باید نشانی خود را باطلاع پلیس رسانده و ثبت نمایند.

برای کسب اطلاعات بیشتر و همچنین دریافت رسالات واطلاعات چاپ شده در این مورد می توان بدفتر مطبوعات سفارت انگلستان‌و یابریتش تراول اسوسیشن شماره ٤٦ خیابان سنت جیمز لندن دبلیو ــ یك مراجعه نموده و در

یکی از نمایشهای نظامی رژه مانند گارد سلطنتی موسوم به «تروپینگ» مخصوص روز تولد ملکه

این‌محل مرکز اطلاعاتی وجوددارد که با کمال اشتیاق از مسافرین استقبال نموده و بکلیه سئوالات آنان در مورد مسافرت در داخله کشور جواب میدهد.

اطلاعات در مورد **مسافرت به انگلستان** را میتوان از کلیه آژانسهای مسافری ومراکز شرکت های مسافر بری بخصوص مرکز هواپیمائی ماوراء بحار (بی.او.ا.سی) در تهران خیابان فردوسی کسب نمود.

مطبوع ترین فصول درانگلستان بهار ـ تابستان و اوائل پائیزاست ولی هنگامیکه مقصد لندن باشد فصل چندان تاثیری ندارد چه باندازه‌ای دیدنی در داخل عمارات وساختمان‌های متعدد فراهم گردیده که ناسازگاری هوای خارج چندان لطمه‌ای به تفریح وارد نمیسازد. بهر صورت مسافرین میتوانندنسبت به میهمان نوازی واستقبال ازآنان در کلیه فصول مطمئن باشند. در سال ۱۹۶۳ دو ملیون نفر مسافربه انگلستان آمدند وبیش از ۲۰۰ ملیون لیره خرج کردند.

رسوم وعادات: مردم انگلیس معمولا خلاف فرانسویان خودگیر و ساکت وآرام هستند و از جمله رسوم انگلیسی آنکه ولو آنکه شما چند ماه همه روزه با یك‌انگلیسی در یك آپارتمان بسر برید یا باهم در یك رستوران غذا صرف کنید و یا چند روز در یك اطاق ترن در برابر هم نشسته باشید و سفر کنید ممکن نیست با شما صحبت کندمگر آنکه شخص ثالثی شما دو نفر را بیکدیگر معرفی کند ولی از آن پس باشما گرم میگیرد وبا کمال ادب به آشنائی باشما ابراز علاقه میکند واز همه باب سخن میگوید ولی‌اگر صحبت شمابه سیاست‌کشید خیلی تند نروید و افراطی درهیچ مورد نباشید وباملایمت سخن‌گوئید نه باابراز حرارت و تعصب. صحبت کردن در مورد صحت یا کسالت خودتان‌یامعاملات یا ثروت خودتان وبطور کلی مسائل خصوصی‌خودتان



رقص اسکاتلندی درمیدان ترامانگار لندن

خوش‌آیند نیست وانگلیسی ازآن خوشش نمیآید .

مشروب گرم ملی انگلیس چای است که غالبا مقدار خیلی کمی بقدر یك قاشق کوچك شیر برآن میافزایند و آنطور که ایرانیان چای را عمل میآورند در انگلستان چندان معمول نیست ولی چای عصر عنـــــوان مخصوصی دارد اگر به چای یاناهار یا شام دعوت شدید دقت کنید که درست سروقت بروید وگرنه بی‌ادبی تلقی میشود.

اتومبیل‌رانی : در انگلستـــان اتومبیل ها خلاف فرانسه و کشور های غیر انگلیسی در طرف چپ خیابان میرانند و لذا رل اتومبیل های انگـلیسی عموما در طرف راست اتومبیل قرار گرفته است ـ برای این نوع رانندگی بایدچندی دقت کنید تا با آن‌آشنا شوید و عادت شود .

غذا : اگرچه غذای‌انگلیس‌وطبخ انگلیسی در جهان شهرت به بدی پیدا کرده و شاید سبب این بوده که ذائقه مسافران با بعضی ازآنها آشنائی نداشته با این‌حال دراین ایام میتوانید غذاهای خوب هم‌در غالب رستوران ها پیدا کنید . بعضی غذاهای انگلیسی هم لذیذ است وباید با تجربه و آزمایش آن با ذائقه خود بسنجید .

کبکبه ودبدبه : مراسم خاصی از رژه های نظامی .

انگلیسها بسیار عاشق شکوه و جلال و کبکبه و دبدبه و نمایشهای پر طمطراق هستند و شما در هیچ نقطه دیگر جهان این همه مراسم موثر وجدی و رنگارنگی را که در امور رسمی در لندن انجام می شود مشاهده نخواهید کرد و چند نمایش مهم آن بشرح زیراست:

تروپینگ‌دی‌کالرز : مشق و حرکات نظامی بریگاد گارد است‌در لباس رسمی گارد در روز جشن تولد ملکه در ژوئن .

مراسم‌گشایش پارلمان از طرف همه روزه صبحها در حیاط جلو قصر بوکینگهام که در خیابان دیده میشود انجام میگیرد و نیز در ساعت ۱۱ صبح هر روز در **ویت‌هال** مراسم تبدیل گارد سوار انجام میشود .

سنت جان در کمبریج



مراسم گشایش پارلمان از طرف

ملکه در ماه نوامبر هر سال که ملکه در کالسکه سر گشاده به وست‌مینستر میرود تماشائی‌است.

کارناوال شهردار لندن درنزدیك

ترین شنبه به ۹ نوامبر هر سال . دراین مراسم شهردار جدید درلباس رنگارنگ تمام رسمی در کالسکه طلائی با شکوه و جلال بسیاربرای ادای سوگند وفاداری به تاج و تخت از خیابان های لندن می گذرد .

مراسم گشایش دادگاه های حقوق

نیز یکی دیگر از مراسم باشکوه و عظمت و موثر است در این مراسم قضات با لباس‌های سرخ بطرف کلیسای وست مینستر وسن مارگارت میروند .

نمایشهای سالیانه ارتش

مراسم کریسمس (عید میلاد مسیح) در هیچ نقطه با شکوه و جلال انگلیس انجام نمیگیرد واین مراسم از چند روز پیش از عید تا چندروز بعد ادامه دارد .درخت کاج بسیار بزرگی که چراغانی شده است در میدان ترافالگار لندن بر پا میشود و در مراکز مهم خرید شهر لندن مانند ریجنت‌استریت و خیابان اکسفورد چراغانی‌مخصوص میشود و نغمات مخصوص کریسمس همه جاشنیده میشود .

ورزش

ورزش جزء سنت و عادات ملی‌بوده و درزندگی مردم انگلیس نقش بسیار بزرگی را در عهده دارد و کمتر ملتی است که ورزش‌جزء حتمی و لازم افراد آن باشد و کمتر روزی‌است که یك واقعه مهم ورزشی یا نوعی مسابقه در انگلیس انجام نشود .

تنیس نیز در تابستان بسیارشایع

است و مردم گروه گروه‌به تماشای آن‌بخصوص به استادیوم ویمبلدون میروند .

فوتبال ورگبی نیز جمعیت‌های

عظیم راروزهای شنبه در ماه‌های سپتامبر تامه بطرف میدان های بازی برای تماشا میکشاند .

قایقرانی نیز زیاد معمول‌است و همه ساله مسابقه مهمی بین دو دانشگاه اکسفورد و کمبریج بر رودخانه تیمس انجام میگیرد.

مسابقه های اسب دوانی وسوار

خوبی دردربی و نقاط دیگر انجام میشود .

سرگرمیها : در لندن اپرا، و بالت در کاونت گاردن و تآتر سادلرزولز . نمایشهای شکسپیر گزاران تآتر و سینما انتظار انعام در تآتر اولدویك و نمایش های دیگر در شصت تآتر در نقاط مختلف لندن بر قرار است .

بعلاوه فستیوال های سالیانه موزیك ودرام در ولایات بر قرار میشود که از آن جمله است فستیوال شکسپیر در استراتفورد- اپان -اوون فستیوال ادین بارو، فستیوال . گلین‌دبورن (اپرا)- بهترین کنسرت لندن در فستیوال هال سلطنتی انجام میشود که محل آن شاید از لحاظ اکوستیك (از لحاظ صوت وانعکاس آن)بهترین سالون در جهان باشد .

کاباره نیز در لندن فراوان است ولی باید بعضویت آن درآمد وبرای این کار کافی است گذرنامه خود را نشان داده وحق ورودآن راهم بپردازید .

بدنیست بدانید که :

– پلیسهای انگلیسی مسلح نیستند .

– بانوان پلیس هم بخصوص در لندن زیادخواهید دید (باکت و دامن سورمه‌ئی برنگ لباس مردان پلیس)

– از هر سه خانواده انگلیسی دو خانواده آن یك گربه یا یك پرنده نگاه میدارند و تخمین زده شده است که تعداد سگان انگلیس معادل‌است‌با تعداد کودکان کمتراز ۳ سال .

– انگلیسها هرمرد بی استعداد وبی ذوق ولی متواضعی را طبعا تحسین میکنند .

لندن – تاریخ‌لندن اقلادارای‌قدمت دوهزار ساله است . اینك این شهر نه تنها پایتخت کشورهای متحده بریتانیاست بلکه مرکز ممالك مشترك منافع و خزانه لیره استرلینگ میباشد که خود یکی از دو ارز عمده جهانی است .

وستمینستر واقع در لندن مقر پارلمان انگلستان است که عموما آن را مادر پارلمان های جهان‌می شناسند واین امر هم از نظر کهنسالی آن وهم ازنظر رویه‌های بیشمار این پارلمان است . بغیر از این محاسن شاخص – این شهر مرکزی از ذخائر هنری -فرهنگی وتفریحی است موزه‌های بزرگ و برجسته جهان گالری های آثار هنری و تآترهای بیشماری دراین شهر وجود دارد وتقریبا می توان گفت که از جهت خرید اشیاء مختلف رقیبی بر آن متصور نیست و هرگونه شیئی که میتوان تصور آن را نمود در مغازه های این شهر عظیم پیدا میشود .

جهان باین شهر عظیم میآینداغلب از اینکه در مرکز لندن پارکهای عظیم وبسیار زیبا وجود دارددچار تعجب میگردند . این افراد ازبرج لندن وبسیاری آثار تاریخی دیگر باعلاقه خاصی دیدن میکنند واز صحنه های رنگارنگی که‌انگلیسها در عرضه داشتن آن ید طولائی دارند لذت میبرند .

همچنین لندن مرکزی از یك سلسله بی پایان از نمایشگاه ها چه محلی و چه جهانی میباشد که بسیاری از آن ها شهرت جهانی دارد وتعدادی منحصر بفرد است. از نمایشگاه اتومبیل گرفته تا جواهرات – از خانه ایده آل تا نمایشگاه کارهای دستی – گل- مبل و بسیاری دیگر . در حقیقت در سرتاسر سال نمایشگاه جالبی در لندن برای افراد علاقمند برپاست.

جاهای‌دیدنی لندن : **کلیسای وست مینستر** ، **قصر وست مینستر** درساحل‌رودتیمس ،ستون نلسون در میدان ترافالگار ، **قصر بوکینگهام** محل‌سکونت‌ملکه ، کلیسای سن‌پول محل سکونت ملکه ، کلیسای سن‌پول ، برج‌لندن که در آن جا ان‌بولین ، کاترین هوارد و عده دیگری‌باتبراعدام‌شده‌وزندان قدیمی ان بهمان حال نگاهداری شده‌است نمازخانه سن‌جان در برج سفید که قدیمی ترین کلیسای انگلیس (سال ۱۰۸۰) است . جواهرات ملکه در برج ویکفیلدبمعرض نمایش گذاشته شده و گارد آنجا لباس گارد هنری هشتم را میپوشند .

موزه انگلیس از موزه های معروف ومهم‌است .

در **گالری ملی** انواع نقاشی‌هارا ملاحظه خواهید کرد .

در **گالری‌تات** و **والاس** نیز نقاشی های معروف را می‌بینید.

پارك‌سن‌جیمز کار قدیمی ترین

پارکها است .

هایدپارك و باغهای گنزینگتون

گردشگاه عمومی مردم لندن است و برروی دریاچه آن مردان وزنان و کودکان قایقهای کوچك که خود ساخته‌اند رها میکنند و این یکی از تفریحات مردم لندن‌است.

ریجنت‌پارك بزرگترین‌پارك‌لندن

بوده باغ وحش ومحل تآتر در هوای آزاد که نمایشهای شکسپیررا در تابستان در انگلستان نشان می دهند دراین پارك قراردارد .

انعام پیشخدمت : در لندن‌اگر انعام در صورت حساب رستوران قید نشده از شما انتظاردارند که ۱۰٪ تا۱۵٪ بها ی‌صورت حساب‌را انعام‌بدهید – به باربرهای ایستگاه راه آهن یك شیلینگ برای هر جامه دان بدهید ورانندگان تاکسی نیز ۱۰٪ اضافه از آنچه که تاکسی‌متر نشان میدهد انتظارانعام دارند و یا یك شیلینگ برای طی مسافت کوتاه بآنها بدهید .خدمت گزاران تآتر و سینما انتظار انعام ندارند .

چهار ایالت کشور

چهار ایالت کشورهای متحده بریتانیا براحتی – چه توسط هواپیما – وچه ازطریق قطارهای بسیار راحت ویا جاده‌های بسیار صاف دردسترس عموم است وبا قیمت ارزان میتوان از هرنقطه‌ای به‌نقطه دیگر رفت .

انگلیس

در مناظر طبیعی این ایالت بسیاری از خصوصیات قدیمی و زیبای این منطقه حفظ گردیده است واین خصوصیات وکیفیات را میتوان در روستاها – قصور قدیمی – منازل ومزارع – وباغهائی‌که به نحوی زیبا گلکاری کرده و آراسته شده است واز افتخارات مردم انگلیس میباشد پیدا کردودر عین حال جنگلهاتپه هاومرتفعاتی را که سبز وخرم میباشد نباید از نظر دورداشت . لیك دیستریکت واقع در شمال غربی این ایالت و همچنین در عرض صدها کیلومتر نقاط ساحلی مناظری بس دلپذیر و استراحتگاههائی بیشمار یافت میشود .

اسکاتلند

ایالت اسکاتلند در شمال واقع شده ومناظر اسکاتلند آرامشی‌چون مناظر انگلیس ندارد بلکه صحبت از جوش وخروش میکند که در کوهستانها ودشتهای آن که بهنگام پائیز با ارغوانی شدن جنگلهاتغییر منظره میدهد – دریاچه‌های زیبا ونهرهای خروشان بدان زیبائی خاص‌میبخشد . شهرزیبای ادنبورگ باقلعه سربرآسمان کشیده‌آن که برفراز تپه‌ای رفیع قرار دارد – دربین سرزمینهای مرتفع شمالی و نواحی پست جنوبی – پایتختی بسیار مناسب‌برای این‌ایالت‌است – وشهری است که فستیوال موسیقی وتآتر آن که‌همه‌ساله برپامیشود – شهرتی جهانی بعنوان یکی ازمراکز بزرگ هنری برای آن بوجود آورده است .

ایالت ویلز

در قسمت غربی – سرزمین سیاحانی که از اطراف واکناف

کوهستانی قرار دارد که هیچیك از مهاجمین باین سرزمین قادر به تسلیم ساختن آنان بطور کامل نگردیدند . قلاع متعددی که دراین ناحیه دیده میشود ازتاریخ پرتلاطم آن سخن میگوید ولی اینك‌مسافرین باین سامان میتوانند از آرامش بمعنای واقعی آن بهره‌مند گردند واز کوهنوردی ــ ماهیگیری ــ وبازی گلف لذت ببرند .

ایرلند شمالی

درقسمت غربی جزیره بریتانیای کبیر سرزمینی قرار گرفته است که مناظر آن بروی هرتازه واردی لبخند میزند ــ هوای آن صاف ــ کوههای آن آبی رنگ است و سبزی «جزیره زمرد» دلربائی‌خاص مردم آن زبانزد خاص وعام است .

ورزش

شاید از لحاظ ورزش وعلاقه بآن ملت انگلستان مقام اول را در جهان حائز باشد . بوجود آمدن قهرمانان متعدد دررشته اتومبیل رانی ــ اسب سواری ــ وهمچنین افراد برجسته‌ای درزمینه‌های دیگر امری اتفاقی نیست . برای‌جهانیان کلمه داربی ــ بااسب دوانی ــ ومبلی بافوتبال ــ بروکلند با اتومبیل رانی ــ کاوز باقایق رانی ــ وویمبلدون باتنیس همراه است وتقویم در سراسر سال پراست از وقایع بیشمار ورزش درزمینه های دیگر .

فرهنـــــــگ

درانگلستان نمونه‌های برجسته‌ای در کلیه رشته‌های هنری ــ یعنی معماری ــ موسیقی ــ تـأتر ــ سینما ــ نقاشی ــ وادبیات ــ و همچنین قسمتهای دیگر یافت میشود ــ در اینجا فرصت آن‌نیست که وارد جزئیات گردیم .

انگلستان دارای ۲۲ دانشگاه است که اکسفورد وکیمبریج در میان انها از قدیمی ترین و معروفترین دانشگاههای جهان میباشند . زبان انگلیسی رایج‌ترین زبان دنیای امروزی است ــ آثار شکسپیر بیش از هر نویسنده و شاعر دیگری در جهان خواننده دارد ــ انگلستان بیش از هرملت دیگری درجهان کتاب چاپ و توزیع میکند ومردم انگلیس به نسبت بیش از هرملت دیگری در جهان روزنامه میخرند (۵۷۳ روزنامه برای هریکهزار نفر ویا بیش از سی میلیون روزنامه در روز) یك روزنامه انگلیس حد نصاب فروش را در جهان حائز است و این رقم به هشت میلیون شماره بالغ میگردد .

علـــم وصنعـت

انقلاب صنعتی قرن نوزدهم در انگلستان آغاز گردید واز آنزمان ماشینی شدن کارخانه ها ــ وتوسعه راه‌آهن برای رساندن مواد خام بکارخانه ها وتوزیع فرآورده های این کارخانه ها به نقاط مختلف آغاز گردید . ازآن هنگام تاکنون انگلستان در صف مقدم پیشرفتهای علمی وفنی در هر رشته ای باقی مانده وبسیاری از اختراعات عمده حاصل فکر علماو دانشمندان این‌سرزمین بوده است . درعالم هواپیمائی ــ نیروی اتمی بخصوص در رشته الکترونیك پیشرفتهای انگلستان در ظرف سی سال اخیر بی رقیب بوده است . رشته ایرودینامیك توسط سرجرج کی لی دراوایل قرن نوزدهم پایه گذاری شد . دراواخر نیمه اول قرن بیستم بود که سرفرانك ویتل توربین گازی رادرست کرد که منجربه شروع عصر جت گردید و اولین دسته مرکب از ۵۰۰ هواپیمای مسافربری جت توربینی که‌در جهان غرب شروع به پرواز نمودند همه ساخت انگلستان بود . بیش از ۵۰ نوع مختلف از هواپیما های خارجی از موتورهای ساخت انگلیس نیرومیگیرد .

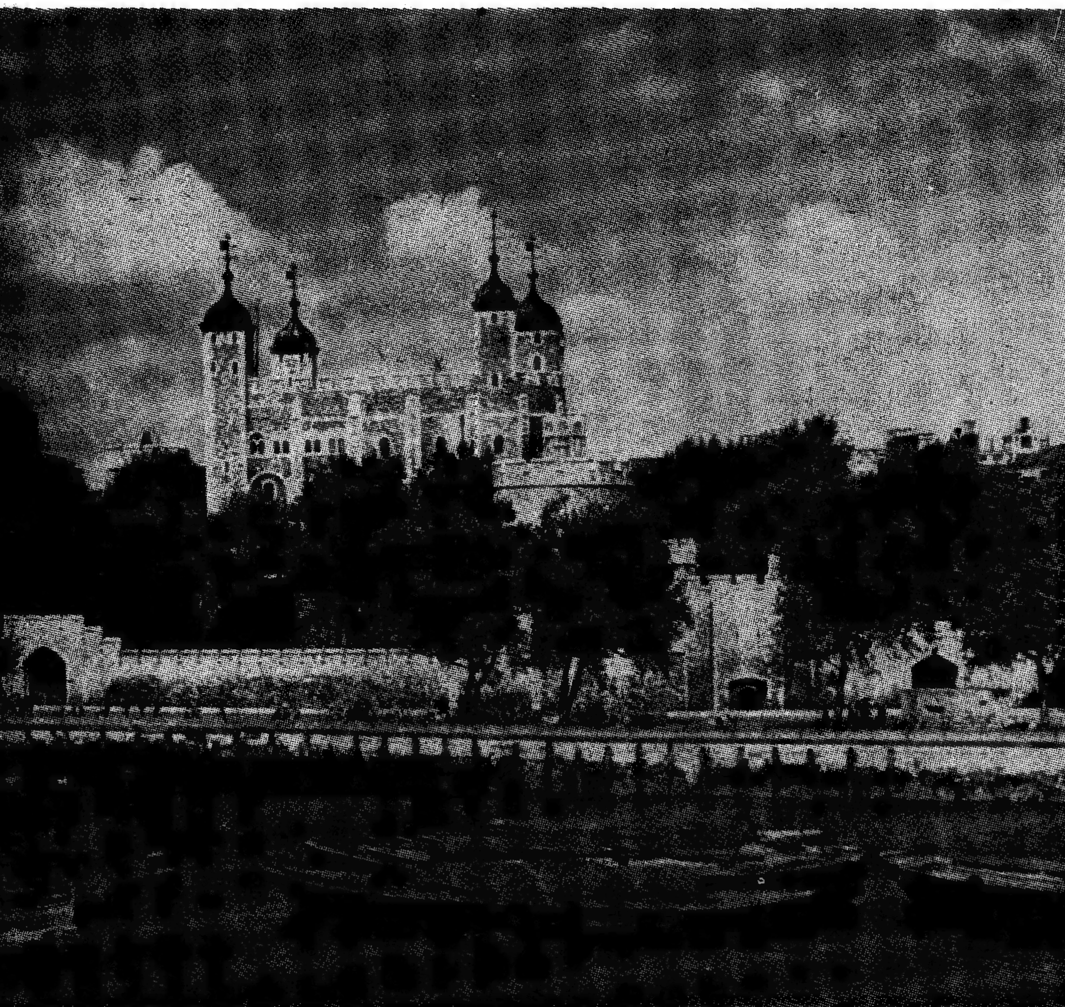
انگلستان در استفاده از نیروی اتمی بخاطر رفاه وآسایش بشری مقام رهبری را در جهان حائز است . ساختمان کالدر هال که اولین ایستگاه برق اتمی در جهان است بسال ۱۹۵۷ کامل گردید . در فوریه سال ۱۹۵۵ انگلستان برنامه‌ای را برای ساختن دوازده ایستگاه برق اتمی آغاز کرد که اینك مراحل نهائی را طی میکند . بعلاوه انگلستان تعداد زیادی راکتور های اتمی بمنظور آزمایش ساخته است که از لحاظ طراحی‌و مهندسی بهترین نوع آن در جهان است .

استفاده از نیروی اتمی تنها با تولید برق پایان نمی‌یابد . ایزوتوپ‌های رادیواکتیو اینك روز بروز مورد استفاده بیشتری در صنعت ــ پزشکی ــ وکشاورزی پیدا میکند وآثرآن بروی پیشرفت تمدن شاید بمراتب بیشتر از تولید برق از اتم باشد . امروزه انگلستان از لحاظ تولید وصادرات ایزوتوپ مقام اول رادرجهان حائز است .

دررشته الکترونیك ــ کلمه رادار‌بی‌اختیار درنظر شخص مجسم میگردد . این دستگاه که در جنگ جهانی دوم خدمات فراوانی نمود وکمی قبل‌از شروع جنگ اختراع آن در انگلستان صورت گرفت و تکمیل گردید اینك در سراسرجهان برای امور هواپیمائی ودریانوردی مورد استفاده قرار میگیرد . از لحاظ ظرفیت تقریبا نیمی از کشتیهای اقیانوس پیما در جهان بدستگاههای رادار ساخت انگلستان مجهز میباشند وسیستم رادار زمینی «مارکنی» اینك در ۲۹ کشور مختلف مورد استفاده است .

در رشته اختراعات وپژوهشهای علمی در انگلستان بهیچوجه تزلزلی رخ نداده است . پس از پایان جنگ دوم جهانی تاکنون چهارده عالم انگلیسی موفق باخذ جایزه نوبل گردیده‌اند شش نفر در رشته شیمی ــ ٤ نفر در فیزیك وچهار نفر در رشته پزشکی . بطور مداوم اصول جدیدی در عالم علم و دانش توسط دانشمندان انگلیس پیدا میشود که آخرین نمونه آن هاور کرافت میشود . این وسیله نقلیه قادر است که بروی بستری از هوای فشرده حرکت کند و بدین‌ترتیب از روی آب ــ شن ــ ویاباطلاق وزمینهای ناهموار براحتی عبور نماید .

برج لندن و رودخانه تیمس درزمینهٔ جلوی



به‌ایتالیا میروید ؟



جمهوری ایتالیا :

مساحت : ۱۱٦٫۳۰٤ میل مربع
جمعیت : (۱۹٦۱) ۵۰٫٤٦۳٫۷٦۲ نفر
(۴۳۳٫۹ نفر در هر میل مربع)
زبان : ایتالیائی
مذهب : ۹۹٫٦٪ کاتولیک ۰٫٤٪ پروتستان ، ارتودوکس و یهودی
واحد پول : لیر (۱۰۰ لیر معادل ۱۲٫۳٦۲ ریال ــ متغیر)
شهرهای عمده : رم ــ پایتخت (۲٫۱٦۰٫۷۷۳ نفر)
میلان ــ مرکز مهم مالی و صنعتی (۱٫۵۸۰٫۹۷۸ نفر)
ناپل ــ بندر (۱٫۱۷۹٫٦۰۸ نفر)
تورین ــ کارخانجات اتومبیل سازی (۱٫۰۱۹٫۲۳۰ نفر)
ژنوا ــ بندر (۷۷۵٫۱۰٦ نفر)
پالرمو ــ بندر سسیل ــ (۵۸۷٫۰٦۳نفر)

ایتالیا را باید بهشت کسانی دانست که میخواهند تعطیلات خودرا درسرزمین ایدآلی و متنوع بگذرانند .

اروپائیان بشنیدن کلمه ایتالی حس تفریحات تعطیل در آنها بیدار میشود و به تدارك وسائل مرخصی و گذراندن تعطیلات تحریك میشوند . خواه شما از هنر و نقاشی و معماری و موسیقی‌خوشتان بیایدیاازدیدن خرابه‌های آثار تاریخی لذت ببرید،خواه منظره‌دوست باشید یا تنها خیلی ساده آفتاب طلائی‌را دوست‌بداریدفرق‌نمی‌کند کشور ایتالیا همه این نعمت‌هارابحدوفور به‌پیش‌پای شما میریزد . ایتالیا یك موزه زنده است از آثار سه هزار سال تاریخ و گنشته دورودراز و هم از مدرن‌ترین صنایع و هنرهای زمان ما و کلکسیونی از آثار کهنه ونواست کشوری است رومانتیك ، افسانه‌وار ودر عین حال اولترامدرن یعنی تازه‌تر از تازه دارای اتومبیلهای شیك، اتواسترادهای‌درخشنده (جاده‌های وسیع اتومبیل‌رو) . ایتالیا میهمانان خودرا به خوراکهای لذید و شرابهای سحرانگیز نیز دعوت میکند و زیبائی وگرمی خودرا به جهانگردان تقدیم مینماید .

همینقدر که ازراه خشکی یا دریـا وارد یکی از شهرهای ایتالیا میشویـد شادی و مسرت و روح شوخ و بذله‌گوی مردم شما را خواهی نخواهی وارد دریای نشاط میکند و نگرانی‌های خود رالااقل تا چندی فراموش میکنید و ایتالیائی‌ها نیز بشما میآموزند که چگونه از نعمت زندگی بهره‌مند شده خوش باشید

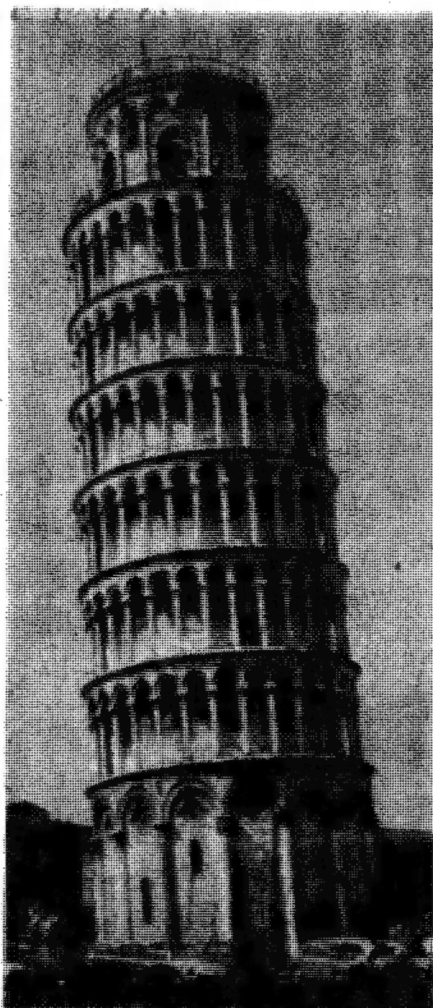
عادات ورسوم :

بهتر است در ایتالیا مثل ایتالیائیها رفتار کنید . با احساسات باشیدو کودکان را تحسین و نوازش کنید . دوست شدن بامردم ایتالی مشکل نیست تنها بـدون مقدمه ومعرفی شخص سوم خودتان سر صحبت را باآنها باز کنید فورا باشماگرم میگیرند در راه‌آهن در رستوران و در خیابان شك و تردید نکرده به گفتگو و سخن بااشخاص بپردازید مثلا اخذ کمك یاگرفتن نشانی محلی راکه درنظردارید بهانه کرده باآنها سخن بگوئید . مردم ایتالیا خم‌بابرو نیاورده باگشاده‌روئی‌بشما پاسخ میدهند وحتی همراه شما آمده‌محل را نشان میدهند . بهتر است چند کلمه و چند جمله ایتالیائی را یاد بگیرید ودر صحبت خجالت نکشید در خطاب‌کردن اشخاص عنوان آنها را ازقبیل‌پروفسور، انژنیـوره (مهنـدس) ، آووکـا، کوماندااتوره، دوکتوره (دکتر) فراموش نکنید . کودکان و خردسالان‌را **کارینو** (یعنی عزیز ـ یاجونم) خطاب کنید و از آنها تمجید کنیـد تا بزرگسالان را خوش‌آید . لااقل دانستن این چند کلمه بدنیست :

سی یعنـی آری . **نو** یعنـی نه . **سینیور** (یعنی‌آقا) . **سینیورا** (یعنی‌خانـم) . **سینیوریتا** (یعنی دوشیزه یا دختر خانم) **اسکوزاته** (یعنی ببخشید ـ معذرت میخواهم) . **پرقاووره** (یعنی خواهشمندم ـ یابفرمائید) . **گراتزیه** (یعنی‌متشکرم) در تلفون بجـای **هلو** بگوئیـد :

پرونتو ـ پرونتو

مردم ایتالی شیك‌پوش هستندوشما هم اگر بخواهید مورد احترام باشیـد همیشه بالباس مرتب و تمیز بیرون‌بیائید. هوای ایتالیا قالب اوقات سال ملایم و معتدل‌است بجز در کوهستانهاکه‌درتابستان



برج مایل پیزا
درشهر مایل پیزا



گارد مخصوص واتیکان درجلو دیوار شهـر واتیکان و درعقب‌گنبد کلیسای سن پیر دیده میشود

گرم وخشك است بنابرایـن لباس سبك مناسب شهرهای ایتالیاست . شلوارکوتاه را تنها در پلاژ در ایتالیا میتوان پوشید. اگر بانو هستید و ازکلیسا دیدن میکنید روسری و شال‌گردن رافراموش نکنید و با شانه و سینه وگـردن برهنه بکلیسا نروید .

اتومبیل‌رانی در ایتالیا لذت بخش است از مناظر متنوع لذت میبرید بـا دوچرخه یـا موتورسیکلت هم خالی از تفریح نیست . کرایه اتومبیل برانندگی خودتان روزی ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰لیراست. به‌نوع اتومبیل بستگی دارد ـ اگر از شرکت **سادملاتا** اتومبیـل‌کرایه کنیـد میتوانید در هر شهر دیگر ایتالی کـه مایل باشید آنرا بشعبه شرکت تحویـل دهید .

انعام : در رستورانهـا و هتلهـا سرویس را در صورت حساب از ۱۲٪ تا ۲۰٪ مینویسند . در هتل خود روزی ۱۰۰ لیر انعام به خانم پیشخدمت اطـاق خود بدهید ، انعام تاکسی ۱۰٪ است . در سینما و تئاتـر ۵۰ یا ۱۰۰ لیر بـه پیشخدمت راهنما انعام دهید ودرراه‌آهن برای هر جامه‌دان ۸۰ لیر به باربربدهید.

سرگرمیهای شبانه در ایتالیا معمولا ازساعت ۹ بعد از ظهر آغاز میشود بهای هر صندلی در اپرا ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ لیر ودر تئاتر از ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ لیرودرسینما از ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ لیر است .درکاباره‌ها حق ورودی گرفته نمیشود ولی‌درعوض بهای مشروبات‌گرانتر است .

موسیقی وآواز مطلوب مردم‌ایتالیا است و هر فرد ایتالیائـی اطلاعاتی در اینمورد دارد

جشن‌ها و اعیاد

فستیوالهای ایتالیائی سراسرمملواز رقص و موزیك و آتش‌بازی و شادی و

رنگارنگ است ودر هر محلی رنگ و بوی محلی دارد و چند تای آنها را در اینجا نام میبریم .

کارناوال **ویارگ‌جیو** ، شبهـای فستیوال‌ونیز ، **کالسیوی** فلورانس،مسابقه اسب‌دوانی **پالیو** در خیابانهـای **سینا** ، تشریفات و مراسم بزرگ **واتیکان** (مقر پاپ) و محراب **سن‌گن‌نارو** در ناپل

ورزش : دوچـرخـه سواری بسیـار رایـج است و ورزش ملـی است ، مسابقه چرخ‌سواری دورتادور شبه جزیره ایتالیا سالی یکبار انجام میشود .

بازی فوتبال نیز زیاد معمول‌است. برای ورزشهای زمستانی مانند اسکی‌باید بدامنه‌های آلپ رفت . اسکی آبی وقایق رانی در دریاچه‌های زیبای ایتالی‌متداول است . تنیس وگولف نیز زیادرایج‌است.

شهر رم

تماشای دیدنیهای این شهر خیلی وقت لازم دارد بخصوص اگر به ابنیه و آثار تاریخی علاقه‌مند باشید . این شهر موزائیکی از خرابه‌ها و آثارعهد باستان و دوره قیصرهای بزرگ رومی‌بوده و جلال عظمت روم قدیم و مدرن‌ترین بنا های معاصر است زیرا خرابه‌های آثـار باستانی را در کنار خیابانها و معبرها و میدانها بهمان حال نگاهداشته‌اند و از لحاظ توریسم بهمین سبب اهمیت فراوان داشته هر سال چند میلیون از اطراف و اکناف جهان بدیدار این شهر اسرارآمیز تاریخی میایند . دیدن واتیکان تنها بحد اقل یك روز تمام وقت شمارا میگیردولی برای یکماه هم باز دیدنی در این تختگاه پاپها وجود دارد .

قصر یاشهر واتیکان یك‌قطعه‌مستقلی است در شهر رم که حکومت ایتالی‌درآن دخالتی ندارد و حکومت درون قصر بـا پاپ است موزهٔ واتیکان از موزه‌هـای دیدنی و نقاشی‌های دیوارهای اطاقهاکار بزرگترین نقاشان ایتالی است و نمیتوان قیمتی روی آن گذاشت . ۵۰۰نفر گارد مخصوص پاپ بلباس نظامی سیاه و آبی‌و سرخ وکلاه مخصوص و شرابه‌هاوشمشیر ملبس و مجهزاند و وجود آنها بر شکوه و جلال این قصر میافزاید .

جاهای دیدنی رم : میدان سن‌پطر که ۱۴۰ مجسمه سنگی بزرگ دور تا دور آن نصب‌گردیده ودر مدخل واتیکـان قرار گرفته .

فوروم‌های امپراطوری در **ویادی فوری ایمپریالی** شامل **طاق تیتوس** ، راه مقدس ، حمامهای رومی ، معبد **وستال**، معبد **اپولو** ، **کولی‌سیوم** قدیمی‌ترین بنای روم قدیم که باقی مانده ، **پان‌تئو** که ۲۷ سال پیش از میـلاد مسیح ساخته شده ، **تئاتر مارسللوس** که قیصر بزرگ بنـای آنـرا شروع‌کـرد و مقبـره **اوگوست** **کاپیتول** مرکز مذهبی روم قدیم باچشمه های زیبا و مجسمه‌های متعدد آن ، قصر **ویلابورگیز** که اکنون نمایشگاه یا موزه آثار هنری **بوتی‌چللی** و رافائل است باغهـای **پین‌چیو** که بزرگترین و زیباترین باغهای رم است .

کلیساهای بزرگ‌رم مانند. **سن‌پول**. **سن‌مـاری** ، **سانتـاتری نیتادیمونتـی** ،



مجسمه‌سرمسیح ومادونا در پالسترینایی‌تیا کار میکل‌آنژ



کلیسای دوئومو در میلان



پل ریالتو و کانال در ونیز

لباس محلی زنان سن نوری
(ساساری)

سن‌جان‌لاتران ، سن‌لوی‌دفرانسه ، فورو ایتالیکو ،

محل نمایشگاه جهانی سال ۱۹۴۲

را نیز دیدن کنید . در وسط‌آن چندین بنا وجود دارد که محل نمایشگاه تمدن ایتالیائی و هنرنو میباشد .

درحومه رم‌دیدن چشمه‌ها وقصر **تی‌وولی** چشم را خیره میکند و این مناظر و کار هائی را که درآنجـا شده است نمیتوان بقلم آورد باید رفت ودید مخصوصا در شبهای چراغانی آن

ناپل در ۱۲۶ میلی جنوب خاوری‌رم

در کنار دریای **تیرنه** واقع شده وازبنادر زیبای اروپاست و مردم هیچ شهری تـا ایندرجه شادوخندان و لاقید وسهل‌انگار دیده نمیشوند و دم را غنیمت میشمرند .

بجز ساعات مقدس **سیستا** درتمام خیابانها بساط عیش و نشاط و تئاتـر وشراب و نمایش برقرار است .

جاهای دیدنی این شهر دژ **کاستل نوئووو** و طاق‌نصرت آن

کاستل سانت‌المو : دراین محـل

منظره خلیج زیبای ناپل غیرقابل‌توصیف است .

کاستـل دل‌اووو مسکـن قدیـم

لوکولوس که برروی یك جزیره بوده و اکنون به‌شهر اتصال یافته است .

قصرشاهی (۱۶۰۰ میلادی) کـه

اکنون محل کتابخانه ملی است

کلیساهای **سانتاچاریا** ، **سن‌دومنی**

کوماگیوره ، **سان‌گن‌نارو** موزه ملی که غنی‌ترین مجموعه هنر و اشیاء رومی را داراست .

بیرون بندر ناپل

کوه وزوویوس در $7\frac{1}{2}$ میلی‌ناپل

کـه درآن بالاروی شمـا را بقله کوه میرساند که ۴۲۰۰ فوت از سطح دریـا ارتفاع دارد ودر چنـد نقطـه آن دود گوگرد متصاعد را می‌بینید ودر نقطه‌یی ازآن سوراخی است که اگر کبریت‌بزنید یك شعله ناگهانی پدیدار شده و خاموش میشود .

فروشنده کارتهای **عکس یادبوداین** کوه در جلو اطاقی در مدخـل کوه زن ریش‌داری است .

پمپی : اگر به ایتالیا بروید و این شهر قدیمی مخروبه را نبینید زیارتتان قبول نیست و مثل آنست‌که ایتالیارانديده باشید . این شهر ۲۰۰۰ سال قبل بر اثر آتش‌فشانی کوه **وزوویوس** زیر خاکستر داغ و آتش و مواد مذاب آتش‌فشانی‌دفن شده و اخیرا درحدود يك سوم آنرا پاك کرده‌اند . خیابانها ، کوچه‌ها و دکانها، مراکز تفریح ، حمامها ، خانه‌ها، استادیوم معابد ، ویلاها ، قصرها ، عمارات‌دولتی، وحتی جایگاه زنان حرفه‌ئی همه دست نخورده از زیر خاکستر بیرون آمـده نقشهای دیوارها موزائیکها همه دیـده میشود ودیدار این محل شمارا به ۲۰۰۰ سال قبل به‌يك تمدن عجیب وباورنکردنی برده و برمیگردانده و سیاحتی **واقعی از** تاریخ بشری خواهید کرد چیزهای‌نادیده دراین شهر و موزه آن زیاد می‌بینید . قسمتهائی در این شهر هست که دولت ایتالیا جلو آن در گذاشته مقفل کرده‌آنها را فقط بمردان نشان میدهند و زنان از دیدن آن مناظر و آثار و مجسمه‌هاممنوع و محروم هستند . این شهر در ۱۶ میلی جنوب ناپل واقع‌شده‌باراه‌آهن واتوبوس و اتومبیل میتوان بسهولت بدانجارسید

هرکولانیوم و پائستوم دوشهر رومی

دیگر هستندکه دست نخورده بهمان‌حال در زیر خاکستر محفوظ مانده‌اند .

کاپری باکشتی‌کوچك از ناپل شمارا

به‌این جزیره میرسانند . کاپری کوهی است‌که از آب سر بدر آورده در آنجا ستاره‌های سینمای ایتالیا ، عشاق،نامزد بازها ، کسانی که بماه عسل آمده‌اند و ارتیست‌هائی را که از نقاط مختلف‌اروپا باین جزیره عشق‌بازی روی آورده‌انـد

خواهید دید .

میلان شهر بازرگانی وصنعتی‌ایتالیا

و جای دیدن انواع هنرهای معماری در شمال باختری رم واقع شده

جاهای‌دیدنی‌میلان: دوئوموبزرگترین کلیسای جهان پس از **سن‌پطر** در رم .

لاسکالا معروف‌ترین تالاراپرای‌جهان

اسفورزا مقر لردهای میلان درقرون وسطی که اکنون محل موزه است .

سانتاماریادل‌گرازی : کلیسای دورهٔ رنسانس‌شامل‌شاهکارهای لئوناردداوینچی موزهٔ **پولدی‌پزوبی**

گالری بورا : مجموعه هنرهای‌نقاشی

ونیز این شهر باستانی، تاریخی‌مبسوط

داردکه بهتر است قبل از رفتن بآنجـا خلاصه‌ئی از تاریخ آنرا بخوانیدتابیشتر و بهتر از دیدارآن بهره‌مند شویداین‌شهر نیز به بهشت جهانگردان موسوم است . زمانی این شهر استقلال داشته و دولت ونیز **نقش مهمی** را در تاریخ مسیحیت و رابطه بین کلیسای خاوری و باختری ودر امپراطوری های روم بعهده داشته است . داستان **اتللو** را شکسپیر از تاریخ شهر ونیز الهام گرفته و برشته تحریـر درآورده است .

جاهای دیدنی این شهر :

میدان سان‌مارکو ،کلیسای‌سان‌مارکو ،

قصر دوگه یا دوجه‌ها (شهرداران‌وحکام وسناتورهای دولت ونیز قدیم)

کلیساهـای **سانتاماریادلاسالوت** ، و **سان جیووانی ایائولو** ، و **سان‌سالواتور** ازجمله نودکلیسای ونیز

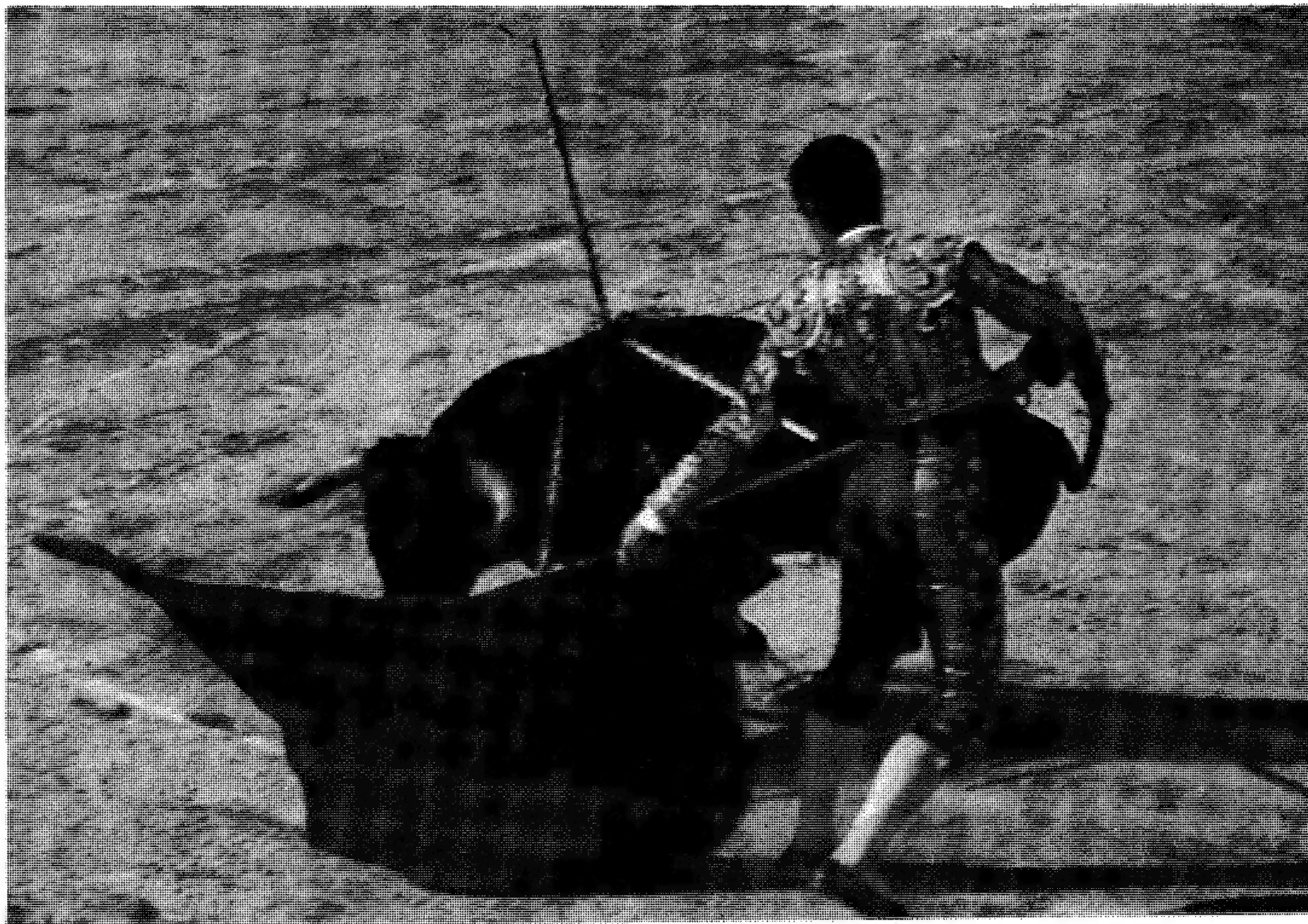
کانال بزرگ و ابنیه و قصور وآثار

تاریخی دوطرف آن

پیزا : اگر با اتومبیل ایتالیاراگردش میکنید و از رم به میلان میروید و یا از میلان عازم رم هستید در راه‌خودتانکی در این‌شهر توقف‌نموده حتما برج‌معروف این شهر راکه به برج مایل پیزا موسوم است ببینید . مطابق محاسبه‌واندازه‌گیری مهندسین اخیرا معلوم شده که این برج سالی چند میلیمتر مایل‌تر میشود یعنی يك طرف آن بزمین فرو می‌نشیند وقریبا در خطر فروریختن است و ممکن است نفوسی نیز تلف شوند اکنون مهندسیـن ایتالیا درصدد یافتن راه چاره بـرای جلوگیری از فروریختن این برج هشت طبقه هستند

کاپری (جزیرهٔ نزدیك ناپل)





کوریدا جنگ با گاو دراسپانیا تماشائی است

به اسپانیا میروید ؟

اسپانیا

مساحت : ۱۹٤٫۸۸۳ میل مربع (بانضمام جزائر بالریك وكاناری)

جمعیت (۱۹٦۰) : ۳۰٫٤۳۰٫٦۹۸ نفر

(۱۵٦٫۱ نفر در هرمیل مربع)

رژیم : اسما سلطنتی ـ واز سال ۱۹۳۸ تاکنون تحت حکومت فرانسیسکو فرانکو.

زبان : اسپانیولی، باسك، کاتالان

منهب : کاتولیك

واحد پول : پزتاس معادل ۱٫۲۹۵ ریال (متغیر)

(۱۰ پزتاس = ۱۲٫۹۵ ریال)

شهرهای عمده :

مادرید ـ پایتخت (۲٫۲۵۹٫۹۳۱ نفر)

بارسلون ـ بندر عمده (۱٫۵۵۷٫۸٦۳ نفر)

والنسیا ـ ابریشم و مرکبات (۵۰۵٫۰٦٦نفر)

سویل ـ شراب و معدن آهن (٤٤۲٫۳۰۰ نفر)

ساراگوس ـ مرکز خط آهن (۳۲٦٫۳۱٦ نفر)

اسپانیا

سرزمین فراوانی و ارزانی و کشور تنوع و ثروت است مناظر و آب و هوا وآتش مزاجی و روحیه حساس و مباهات کننده و عاشق پیشه مردم آن جهانگردرا قطعا بجهان دیگری غیراز کشور خود و دیگر کشورهائی که دیده است خواهد برد.

جذابیت مناظر متنوع اسپانیا باورنکردنی است واز طرفی از شکوه و جلال سرزمین **تولد** آغاز گشته‌تاخاك نشاط انگیز**کوستابراوا** و زیبائی های آن امتداد می‌یابد واز طرف دیگر از **باغهای پرتقال** و مرکبات **والنسیا** تاباغهای فرح بخش **گرانادا** واز طراوت طبیعی **استرامادورا** تافلات وحشی ونافذ کاستیل توسعه می‌یابد. **تاریخ‌این** کشور افسانه‌ئی را که حوادث قرون مانند افسانه های خیالی پشت سر گذاشته است در چهره آمیخته به غرور و عاشق پیشه مردم آن خواهید خواند.

شخصیتی مرکب از نفوذمسیحی و اسلامی را در سکنه آن‌وترکیبی از تمدن ها و فرهنگهای اروپائی وافریقائی را در رسوم و عادات‌و آثار تاریخی آن کشور خواهید یافت و **دون‌کیشوت** قهرمان افسانه‌ئی کتاب کلاسیك معروف میکوئل دوسروانت را نیز بیاد خواهید آورد. بادیدار اسپانیا خزانه فکر و دماغ شمااز ثروتی از خاطرات فراموش نشدنی مالا مال خواهد شد.

رسوم وعادات :

در اینجا مثل بعضی کشورهای اروپائی یا **امریکا شتاب‌زده‌نباشید** و عجله نداشته باشید **بهتراست‌خون** سرد وآرام باشید و آهسته **وقت** را بگذرانید. رفتار و سلوك‌نیکو

وتعارف وادب در اسپانیا اهمیتی بسزا دارد .

مردم اسپانیا مودب واریستوکراتیك (اشراف مآب) هستندولی خود را هم در فشار آداب قرار نمیدهند . از مصاحبت شما لذت میبرند بخصوص اگر خوش صحبتی وبحث رادوست داشته باشید. هرگز دعوت به ترتولیا را رد نکنید. ترتولیا نام گروه‌هائی است که شبها در قهوه خانه های اسپانیا بقصد حرف زدن و صحبت کردن بایکدیگر جمع میایند ولی چند نکته زیر را بخاطر داشته باشید :

دراسپانیا از تفسیر و توضیحات شوخی آمیز درمورد مذهب‌زناشوئی و زندگی خانوادگی اشخاص خودداری کنید ومتوجه باشید که مبادا با صحبت هائی مثلا ازقبیل اینکه : «کاستیل بیابان است » غرور ملی میزبانهای خود را جریحه‌دار سازید .

ضمنا هم بدانید که بیشتر این فلات مرتفع مزروع است . ودیگر آنکه چون مردم اسپانی ترجیح میدهند که نفوذ مورو اعراب را بحداقل برسانند و حتی‌الامکان از آن‌بکاهند بهتراست ازذکر «حمله اعراب » یاصحبت در این مورد پرهیز کنید .

نکته دیگر موضوع کشف امریکا است . مردم اسپانیا دوست دارند که افتخار کشف قاره جدید بسبب کشف کریستف کلمب تنها منحصر بخودشان باشد و حق هم باآنهاست زیرا پول اسپانیا و فن دریانوردی آنها بود که کریستف کلمب را بدنیای نو رسانید . دراسپانیا قدری دیرتر از وقت مقرر بمحل موعود رفتن خلاف ادب تلقی نمی شود مگر در مورد گاوبازی(جنك با گاو)که درست سر وقت مقرر شروع میشود .

ساعت اسپانیا در حدود دوساعت از سایر نقاط اروپا عقب است. این رسم و قراردادآنهاست تعجب نکنید چون هر ملتی در ترتیب ساعات خود آزاداست . دراسپانیا ناهار را در ظهر و شام را درساعت هفت ونیم بعداز ظهر سفارش نمی دهند . در مادرید در ساعت ۲ یا ۳ بعداز ظهر باید کومیدابخواهید (که بجای ناهار است) ودرساعت ده یابعداز آن سنا (که بمنزله شام است) برای احضار پیشخدمت در رستوران قاشق خودرا بهگیلاس خالی بزنید .

بسبب آب وهوای معتدل غالب مردم اسپانیا بعداز ظهرها یکی دو ساعت‌راحت و آسوده میخوابند شما هم همین کار را بکنید واگر نمی کنید متوجه باشید درساعات بعداز ظهر به کسی‌تلفون نکنید ومزاحم آن‌ها نشوید . تلفون کردن بعداز ظهر بدوستان اسپانیائی درست مثل آنستکه نصف شب کسی شما را از خواب بیدار کند آیا از چنین کاری خوشتان میآید ؟

اسپانیولی‌ها نیز مانند پدران و مادران در همه جهان خوششان می آید که از کودکان آن ها تعریف و آن ها را نوازش کنید .کودکان اسپانیولی باادب و مرتب‌تربیت یافته‌اند . ولی در مدح وستایش میزبانان خود زیاده روی هم‌نکنید و راه مبالغه را پیش نگیرید . میهمان نوازی اسپانیولی بسبب‌سنت تاریخی ایشان در سلوك نسبت به مسافر واردبرایشان است .

چندکلمه اسپانیولی : سی (یعنی آری) ـ **نو** (یعنی نه)ـ **پورفاوور** (یعنی خواهشمندم ـ بفرمائید ـ وهنگام تقاضا نیز بکار میرود) ـ **گراتسیاس** (یعنی متشکرم) ـ **کومیدا** (ناهار)ـ **لاکونتا** (صورت حساب)**لاپروپینا** (انعام) ـ **السرویسیو** (سرویس)

پوردونده‌سه‌واآ (از کدام‌طرف باید رفت ؟)

اله درچا (بطرف راست) ـ **اله‌ایزکوئیردا** (بطرف چپ) **کوانتوواله؟** (بهای این چقدر است ؟)

اوستد (شما که در مفرد بکار میرود) ولی جمع ان **اوستدس** معمولا در صحبت‌بکار میرود .



سویل ـ اسپانیادختران و زنان جوان به ترك اسب سوار شده بطرف بازار اوریل میروند .



پلاژ فورس‌تور در ماژورگا ـ اسپانیا

لباس: مردم اسپانیا لباس مرتب میپوشند وشیك پوش هستند وبی توجهی بطرز لباس پوشیدن را بد میدانند. اگر بانو هستید بگذارید شلوار کوتاه و شلواربلند شما تادر اسپانیا هستید در گوشه جامه‌دان استراحت کند و بهتراست که هوس پوشیدن آن را نکنید اگر خواستید بکلیسا یاخانقاه بروید شال گردنی روی بازوها و سرتان بیاندازید.

اگربسواحل اقیانوس اطلس میروید لباس شیك بپوشید وپالتو بارانی را حتما همراه ببرید. اسپانیولی ها برای کفش واکس زده وبراق احترام زیاد قائل هستند.

رانندگی: این کشور نیز بهشت رانندگان‌است. اگر با اتومبیل در اسپانیا مسافرت کنید بسیارلذت خواهید برد. درشهرهای عمده اتومبیل کرایه‌داده میشود. از طرف راست برانید. در شهر بوق نزنید. سرعت نگیرید زیرا غالبا انحنای راه ها زیاد است. صبحهای زود واول شب برای رانندگی مناسب‌تر است.

غذا و مشروب

در تابستان خوراکهای گوجه فرنگی، زیتون و ماهی اساس اغذیه اسپانیولی است.

پیش از غذا مونتیلا سفارش دهید که یك مشروب طلائی رنگ اشتها آور اندلسی است و سپس گامبا که نوعی ماهی است.

بقیه اغذیه را باید در محل دیده و هریك را با ذائقه خود آزمایش کنید.

پنیرهای خوب نیز در اسپانیا میسازند.

میوه های اسپانیا آبدار ولذیذ است. انار که دراروپای وسطی‌و شمالی حتی مردم از وجود آن هم خبر ندارند و همچنین انگور و هندوانه در اسپانیا فراوان‌است. توت فرنگی های درشت و بعضی میوه های دیگر را هم از مالاگا به مادرید میآورند.

اسپانیا یکی از تولید کنندگان عمده شراب است. شراب‌ارغوانی کلارنس و شراب سرخ رنگ دالدیناس را اگر شراب نوش هستید آزمایش کنید.

مانزانیلا محصول اندلس مشروبی سبك وطلائی رنگ است. مالاگا نام شراب شیرین است.

در اسپانی دونوع مشروب دیگر مخصوص بخود نیز دارد یکی هورچاتا نامیده‌میشود که درمادرید زیاد معمول است و دیگر شکلات خیلی داغ

جشن‌هاواعیاد

در اسپانیا بعضی جشن‌ها واعیاد تاریخی که در سایر نقاط اروپا منسوخ شده است هنوز وجود دارد.

هفته مقدس که بیشتر در، وال‌ـ لادولید، گرانادا و سویل باشکوه است فال‌لاس‌والن سیا که باحترام روز سن ژوزف در روز ۱۹ مارس منعقد میگردد و یکهفته طول میکشد (مصادف با ایام نوروز در ایران)

فال‌لاس عبارت‌است از مجسمه هائی خیلی بزرگ که از چوب، موم و مقوا برای کارناوال این جشن میسازند و بعضی ازآن‌ها باندازه ارتفاع دو طبقه عمارت است و آنها را در خیابانها گردش داده همراه آن‌ها ترقه میزنند و شیپور مینوازند و سپس این‌مجسمه هارا همراه رقص وآواز وگل فشانی جمعیت آتش میزنند.

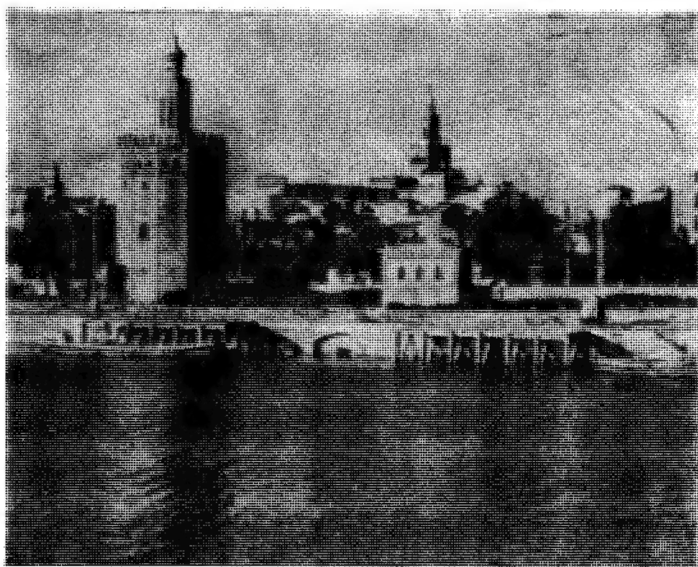
جشن فیراس‌افسویل یك هفته پس ازعید پاك گرفته میشود مدت آن هشت روز و هشت شب است در تمام چهارراهها جمعیت مردم برقص‌میپردازند و قاشقك میزنند و صدای ترقه نیز شنیده میشود آهنگهای گیتار نیز با رقصها همراهی میکنند.

ـ درجشن ان‌سیرروس، سن فیرمین درپامپلونا گاوهای نر جوان را در خیابان هارها میکنند. این جشن را ببینید بشرط آنکه از شاخ گاوبپرهیزید. دیگر ازجشنها جشن رگاتاس‌منسوب‌به‌سن‌سباستیان و تشریفات باشکوه حواریون است در سانتیاگودکومپوشلا و دیگر جشن سان‌ایسیدرو که در ۱۵ مه در مادرید منعقد میگردد.

ورزش:

سواحل طولانی و زیبای‌اسپانیا برای شنا وقایق رانی و ماهی گیری آفریده شده (بخصوص‌در سواحل جزائر بالریك)

در مراکز تفریحی و ییلاقات زمینهای تنیس و گولف فراهم است فوتبال‌نیز بقدر گاوبازی رواج است. مسابقه اسب دوانی زارزوئلا در مادرید در اروپا معروف است. شکار و ماهی‌گیری رواج‌است و میتوان اجازه نامه



شهر سویل ـ اسپانیا
منظرهٔ برج طلا



سویل ـ اسپانیا: یکی‌از مراسم هفته مقدس

لازم رااز اداره توریست بدست آورد .

در چهل میلی مادرید در **سیرادگوادراما** و در **سیرانوادا** نزدیك **گرانادا** میتوان اسکی کرد.

سرگرمیها

گاوبازی یعنی جنگ با گاو از سرگرمیهای باستانی و مطلوب و شایع اسپانیاست که‌تاریخ آن بازمنهٔ ماقبل تاریخ میرسد و مانند یك **بالت** ، **یك درام** و یك جنگ افسانه‌ئی است که گاو باز جرأت و جسارت و نیروی شمشیر خود را در برابر قوت و خشم گاو نر آزمایش میکند . این‌کار باتشریفات و مقدماتی انجام میشود نام این تشریفات و نمایش **کوریدا** است و پیش از شروع گاوبازی‌**پیکادورها** که براسب سوار هستند و **باندریل لروها**شروع بتحریك‌وخسته‌کردن‌گاو نرجنگی‌میکنند. سپس **ماتادور**ملبس بلباس حاشیه دوزی شده پر زرق و برقی وارد شده در برابر جمعیت تماشاچی خم میشود و تنها بجنگ حیوانی میرود که چندین برابر او قوت دارد .

افیکسیونادوها که مشوقین و همه مجرب هستند در اطراف نشسته و جزئیات کشمکش را فهمیده و ابراز نظر میکنند و هر حرکت ماتادور را با حرارت وشوق شدید تحت نظر دارند و فریاد میکشند ودر پایان نیز پیروزی ماتادور را تبریك میگویند وبطرف فاتح مغرور گل وسیگار و شیرینی میاندازند .

در مادرید و شمال اسپانیا بازی **باسك‌پلوتا** را خواهید دید ــ تئاتر بالت ،واوپرا نیز ازسرگرمیهای شایع اسپانیاست شب نشینی در کاباره ها تا صبح درمیان رقص و موزیك وآواز و شراب زیاد معمول است .

قیمتها :

هتلها ــ کرایه یك اطاق درهتل درجه اول (الف) باحمام روزی ۲۲۵ پزتاس ودرجه اول (ب) ۱۷۰ پزتاس است . غالب هتلها پانسیون کامل (با چاشت و ناهار و شام) دارند ــ در یك هتل لوکس بهای پانسیون کامل روزی ٤٥٠ پزتاس است ــ در جاده های اسپانیا کاروانسرا های مدرن و **پارادورس** وجود دارد (دژهای تاریخی قدیم که آنهارا بصورت میهمانخانه تازه درآورده‌اند) که بصورتی زیبا و لوکس در آمده‌است .

رستورانها انواع آن‌وجود دارد. بهای یك شام یا ناهار در رستوران لوکس ۲۰۰ پزستاست (در حدود ۲۵۰ ریال) ودر رستوران درجه اول از ۸۰ تا ۱۲۰ پزستاست (از ۱۰۰ تا ۱۵۰ ریال) وبهای هرچاشت صبح در حدود ٤٠ پزستاست (در حدود ۵۰ ریال) .

وسائط نقلیه : برای راه‌آهن اگر دسته بلیط برای مسافت کمتر از ۱۸۶۰ میل خریداری شود ۲۵٪ تخفیف دارد . اتوبوس و تاکسی نیز زیاد و نرخ آنها ارزان است. کرایه یك اتومبیل برانندگی خودتان روزی ۲۰۰ پزستاست ودر همه شهرهای بزرگ اتومبیل برای کرایه موجود است .

بهای بنزین درجه اول هر لیتر در حدود ده پزستاست .

خرید : برای یادبود میتوان پارچه حاشیه دوزی‌شده ، جواهرات فولاد طلانشان ، ظروف سفالی و سرامیك ولباس گاوبازان را خریداری کرد .

اگر نمیدانستید بدانید که :

ــ در اسپانیا بیش از هرکشور دیگر اروپائی ماهی مصرف میشود

ــ دو نفر از بزرگترین فاتحان اسپانیولی (**کونکوئیس تادورس**) یکی **کورتز** نام داشته و دیگری **پیزارو** که اولی **مکزیك** و دومی **پرو** را فتح کرد .

ــ در **هوئرتا** در منطقه **والنسیا** سالی دو مرتبه و غالبا سه مرتبه زراعت ودرو انجام میگیرد .

ــ **ال‌سید** نام‌بزرگترین‌قهرمان ملی اسپانیاست که افسانهٔ جرئت و رشادت، آن شهرت دارد و سبب شهرت او و زوجه‌اش **تیمنا** بوده که شهرت اورا پس از مرگ ابدی ساخته است .

ــ **فلامنکو** در زبان اسپانیولی بمعنی **فلمی** یا **فلاندری** است‌واکنون نام نوعی رقص اسپانیولی است که در قرن ۱٦ بوسیله سربازان اندلسی در فلاندر رواج گردید .

ــ **میگوئل دوسروانت** نویسنده شاهکار جاودان موسوم به داستان **دون‌کیشوت‌دولامانشا**در همان‌روزی درگذشت که شکسپیر نیز جهان‌فانی را بدرود گفت یعنی‌روز ۲۳ آوریل ۱٦۱٦ .

ــ شبه جزیره **ایبری** (شامل پرتقال و اسپانیا) بشکل سرگاو است .

مادرید

جاهای دیدنی : خیابانهای **کال له‌ده‌الکالا** ، **پاسئودلا کاستل‌لانا** ، **پاسه‌ئو در کوله‌توس** ، و **گران ویا**

میدانهای **سی‌بلیس** که در وسط آن مجسمه کالسکه دیده میشود که شیر ها آنرا میکشند و سمبل شهر مادریداست .

پوئرتادل‌سول در قلب مادرید ، **پلازامایور** با ابنیه کهن وبا شکوه که زمانی مرکز جشن‌ها و گاوبازی بود .

شهر **دانشگاه** که دارای ابنیهٔ مدرن با معماری های شیك و باغهاست .

پارك **ال‌ریترو** که عبارت از باغ وسیعی است که در قرن ۱۵ ساخته شده و فواره های معابد و ستونها در آن وجود دارد .

موزه پرادوآرمریا

کــه موزهٔ کلکسیون اسلحــه است و سلاح شارل پنجم و فلیپ سوم و شمشیر کورتز و پیزاررو وخیمهٔ فرانسوی اول پادشاه فرانسه را که در جنگ **پاویا** در آن شب رابسر برده است خواهید دید .

نماز خانهٔ **سان انتونینو دولا ــ فلوریدا** .

پالاسیورئال که در قرن ۱۸ برای فیلیپ پنجم بنا شده .

اندلس

منطقه اندلس که در جنوب اسپانیا و مجاور دریای مدیترانه واقع شده و چند قرن محل سلطنت های اسلامی بوده بخصوص برای جهانگردان کشورهای اسلامی از لحاظ عادات و رسوم و مساجد بزرگ آنها دیدنی است و بخصوص **دیدن دو شهر سویل و گرانادا** بسیار **جالب است** .

ــ شهرت اندلس بیشتربسبب آب و هوای بسیار متبوع و خوانندگان فلامنکو و قصر های سلسلهٔ **موری** اسلامی است .

اندلس همان اسپانیائی است که بیگانگان (غیر اسپانیولیها) آنرا در دفاع خود مجسم میکنند . ملاحظه رقص با گیتار و قاشقك در آنجا شمارا از خود بیخود میکند . شبهای آن سرد ورومانتیك است . گاوبازی را نیز در آنجا زیاد خواهید دید .

اگر با اتومبیل سفر میکنید به شهرهای زیر سری بزنید :

کردوبه که از درخشنده ترین **شهرهای موری‌است** ودر مسجد آن شبستانهای وسیع با ۸۵۰ ستون وجود دارد و تزئین بسبك مور را بر درهای بزرگ مسجد و موزائیك کاری دیوارها خواهید دید .

سویل شهر دیگری است که‌تصرف اسپانیا را از طرف مورها بخاطر میآورد . و باغها و رودخانه ــ **گوادالکویر** و ستونهای کلیسای‌آن و منارهٔ موری **گیرالدا** توجه شمارا جلب خواهد کرد .

جرز ــ و ــ مالاگا خمخانه اسپانیا وجایگاه تهیه شراب است شاید در آنجا لبی تر خواهید کرد.

قادسیه را ابتدا فنیقی‌ها بر یك شبه جزیره کوچك محصوربه آبهای عمیق بنانهادند و درجلو آسمان‌آبی منظره‌ئی غیر قابل وصف دارد.

گرنادا (قرناطه) نزدیك کوه **سیرانواداست** که قله های آن از برف پوشیده ــ این شهر تا پایان قرن ۱۵ در تصرف اعراب بود و بسیاری از آثار قرون قدیم را نگاه داشته‌است ــ درآنجا **الحمرا** (الحمراء ــ بعربی بمعنی سرخ و مقصود دژ سرخ است) وباغهای آن ومیدان شیر هارا که مجسمه های شیرها در آن نصب است و زیبائی استخرها و طاقها ورواقهای آنرا ملاحظه کنید .

گنرالیفه قصر تابستانی خلیفه اسلامی اسپانی را که دارای ابنیه و عمارات جذاب است با باغهای مملو از گل و سرو مشرف برودخانه ودره نظر شمارا جلب خواهد کرد

به بلژیك میروید ؟



بلژیك — گراندپلاس (میدان‌بزرگ) اکوزس

بلژیك مساحت : ۱۱٫۷۷۹ میل مربع . سلطنتی
جمعیت (۱۹۶۲) : ۹٫۲۲۸٫۷۲۹ نفر .
(۷۸۳٫۵ نفر در هر میل مربع)
زبان : فلامی ۵۰٪ ، فرانسه ۳۴٪ فلامی و فرانسه ۱۵٪ آلمانی ۱٪
مذهب : بیشتر کاتولیك .
واحد پول : فرانك بلژیك
شهرهای عمده : بروکسل — پایتخت — ۱٫۰۵۱٫۶۶۵ نفر .
انتورپ — بندرو مرکزبازرگانی ۲۵۴٫۸۵۶ نفر .
لیژ — آهن‌وفولاد — ۱۵۳٫۹۷۸ نفر .
گنت — پارچه‌بافی — ۱۵۸٫۴۱۴ نفر .

بلژیك در قلب اروپا

بلژیك همیشه در اروپا وضع قابل توجهی داشته که سبب آن تا حدی موقع جغرافیائی و تاحدی رفتار و اخلاق سکنه آن‌است .

بانظری به نقشه ملاحظه خواهید کرد که بلژیك در قلب اروپا واقع شده و لذا در خلال دو هزار سال تاریخ خود نقش‌مهمی را در روابط بین‌المللی در عهده داشته است . قدیمی‌ترین ذکری که در تاریخ بمیان آمده به سالهای ۵۷ تا ۵۰ پیش از میلاد مسیح میرسد که ژول سزار قیصر روم این سرزمین را فتح کرد . در قرون وسطی شهر های بلژیکی ثروتمند گردیده و بعنوان مراکز بزرگ پارچه بافی باستقلال میزیستند در ۱۳۸۵ جزء سلطنت بورگوندی وچندی بعدجزء قلمرو اسپانیا و شارل پنجم گردیده بلژیك در ۱۷۱۳ طبق پیمان اوترخت ضمیمه اطریش گردید و بعد استقلال خودرا بدست آورد . در خلال جنگهای پس‌از انقلاب فرانسه بلژیك بتصرف فرانسه در آمده منضم بدان کشور گردید .

پس از سقوط ناپلئون ، کنگره وین در ۱۸۱۵ آنرا به والون فرانسوی و فلمینگ هلندی ضمیمه کرده عنوان سلطنت متحده هلندی بدان داد . اما بلژیکیان در ۱۸۳۰ بشورش برخاسته استقلال خود را اعلام کردند . بلژیك در دو جنگ اول ودوم بتصرف آلمان‌درآمده و پس‌از هردوجنگ استقلال‌خودرا باز یافت‌بلژیك کشوری‌کاملا صنعتی‌واز لحاظ رژیم حکومت سلطنت مشروطه است ودر آوریل ۱۹۴۹ به اتحادیه آتلانتیك شمالی پیوست .

عشق به کار از خصایص برجستهٔ مردم بلژیك‌و محرك‌فعالیت آنهاست وچه در مواقع وسعت و ثروت وچه در هنگام تنگی و سختی دربالابردن سطح اقتصاد وموازین اجتماعی و فرهنگی خود کوشا بوده و بهمین سبب در قرون استعمار اروپائیان بلژیکیان نیز مستعمراتی در نقاط دور دست بوجود آوردند وازلحاظ قریحه و فکر و هنر وادبیات نیز خدماتی‌انجام‌داده‌اند . ازنویسندگان معروف بلژیکی **موریس مترلینگ** در ایران شهرتی بسزا دارد زیرا آثار او بفارسی ترجمه شده و در ایران شناخته شده‌است .

بلژیکیها تقریبا عموما زبان فرانسه را میدانند بنا براین اگر فرانسه میدانید و بسفر اروپا به خصوص بفرانسه میروید به بلژیك هم سری بزنید .

جهانگردی در بلژیك

اگر فراغت زیادی نداشته باشید میتوانید ظرف ۲۴ ساعت تا ۴۸ ساعت در سراسر بلژیك با اتومبیل سفر کرده با نظری اجمالی این سرزمین را دیدن کنید ولی البته با عجله نمیتوان همه چیز و همه کس و همه جارا بدقت دیده و بخاطر سپرد . معهذا یك سفر یك روزه در بلژیك زمینه را در فکر شما برای سفر های آینده فراهم میکند که سر فرصت شهر های آنرا دیدن کنید واکنون چند شهر و بعضی نقاط دیدنی این کشور را از نظر توریسم بشما معرفی میکنیم .

بروکسل و — برابانت :

اگر قصد سیاحت‌بلژیك را دارید بهتر است ابتدا به بروکسل بروید وپس‌از دیدار پایتخت از آنجا سفر بشهر های دیگررا آغاز کنید زیرا در بروکسل ابتدا باواقعیات بلژیك وبلژیکیان آشنا میشوید ، بروکسل علاوه برآنکه پایتخت است مرکز زندگی اقتصادی واجتماعی و هنری بلژیك است .

گراند پلاس (میدان بزرگ) **درست در وسط شهر واقع شده** در **اطراف آن منظرهٔ** خانه های مطلا کاری سابق و عمارت شهرداری و سایر ابنیهٔ معروف روح فعالیت و علاقه بکار در مردم بلژیك‌است .

شهر بروکسل بسبب دارا بودن ابنیه وآثار قرون ماقبل خواهی نخواهی شمارا وادار میکند که آهسته تر قدم برداشته در جلو این ابنیه وآثار قدری توقف کرده آنها را بدقت ببینید و مسلما کلیسا های قدیمی **کاتدرال سن‌میشل** ، **نوتردام دوسابلون** ، **کلیسای شاپل** ، میدان های کهن ، قصرها **پارکها و موزه** هارا نادیده نخواهید گذاشت .

برابانت نسبت به بلژیك مانند **تورن** است نسبت بفرانسه ، محلی است ییلاقی ، موزون ، که در آن دژها و مزارع و زمین هـای کشاورزی دیده میشود . **بروگل** نقاش معروف در آنجا میزیسته و بسیاری از نقاشی های‌خود را از مناظر آنجا تهیه کرده .

جنگل سوانیس و میدان جنگ **واترلو** که در حومه بروکسل واقع شده جهانگردان و همچنین سکنه خود بروکسل را بطرف خـود میکشاند .

گنت : از بروکسل که به **اوستند** میروید در راه خود در **گنت** که شهر **فلامی** های (مردم — یا عامه) زمان شارل پنجم است توقف‌کنید .

اگر چه شهر فعلی **گنت** شهری مدرن و نوساز است ولی قلاع و دژها وآثار کهن وتاریخی آن و خانه‌ها وکانالهای‌قدیمی نگاهداری شده وهنوز هم شهر پارچه بافهای فلامی است که برضـد اربابان فئودالی مبارزه ها کردند و گروه‌ها از ایشان به انگلستان مهاجرت‌کرده اسرار صنعت خودرا بانگلیس بردند وانگلیس را هم در قرن ۱۹ در جرگهٔ پارچه بافان آوردند وهمین نکته کمك‌مهمی به‌صنعت وبازرگانی انگلیس نمود . برجهای کلیسا و مجموعهٔ بنای «**دژامرا**» (قلعه کنت ها) شمارا تحت تاثیر قرار خواهد داد سپس بتماشای **بروگس** بروید که همه چیز در آنجا اسرار آمیز است کانالهای عجیب پیچ در پیچ خانه های‌قدیمی ، باغهای دیواردار

برجها ، یادگارهای کنت‌ها و دوک های بورگوندی خزائن نقاشی های **مم‌لینك** و بدویان **فلامی** ، و **«دریاچهٔ عشق»** در **بگوئیناژ** شمارا مسحور میکند . حق این است که چند روزی در بروکسل توقف‌کنید وزیبائی گذشته آنرا باصدای زنگ های کلیسا درك کنید .

اوستند با پلاژ بی‌مانندش دارای تمام محاسن یك کنار دریای دوست داشتنی است ، استحمام درآب دریا، حمامهای طبی (تراپوتیك) برای بعضی معالجات ، کازینو ، و سر گرمیهای روزانه وشبانه ، ماهی گیری ، قایق رانی همه در آنجا فراهم است‌مزید براینکه‌یك سرویس دریائی بین بلژیك و انگلیس به وسیلهٔ کشتی های کوچك پستی موسوم به **مال‌لس** نیز در اینجا دائر است .

سواحل دریائی بلژیك‌را یك‌رشته طلائی زیبا ازشن تشکیل میدهد که با رنگ سبز و خاکستری دریا ترکیب زیبائی را بوجود میآورد ومحلی دلچسب برای گذراندن روز های تعطیل نه تنها برای مردم بلژیك بلکه برای اهالی فرانسه وانگلیس و لوگزامبورك وآلمان است واگر چه این سواحل در زمان جنگ بسبب‌بمبارانها مخروبه گردید ولی باردیگر بهتر و بیشتر ازپیشتر آباد گشته جهانگردان بدان روی میآورند .

تورنه ــ و ــ هائینولت

وقتیکه از بلژیك بطرف مرز فرانسه میروید به **تورنه** خواهید رسید . دراین شهر بعضی از زیبا ترین آثار معماری **رومی ــ گوتیك** را مشاهده خواهید کرد از قبیل **«کاتدرال پنج مناره»** که ازقرن ۱۲ بیادگار مانده ــ سپس در **مونس** مرکز ولایت هائینولت کلیسای **سن‌وودرو** را خواهید دید ولایت هائینولت منطقه صنعتی و استخراج معدن‌است واملاکی‌معروف در آن قرار گرفته از قبیل **بلوئیل** مقر شاهزادگان **لینی** و **ماریمونت** .

اگر به **بروکسل** بر میگردید از **نیولز** ، **هال** ، و قلعه **بیرسل** بگذرید .

انتورپ : ارزش دارد که حد اقل‌یك روز رادر انتورپ بگذرانید وآهسته قدم برداشته‌اتمسفر این‌بندر بزرگ را درك کنید . اینجا زادگاه **اورتلیوس** ، **پلان‌تین** ، و **روبنس** است و شوکت و شکوه دورهٔ **هانزیاتیك** را حفظ کرده است .

بطرف خاور در راه خود به‌**لیژ** در **لوون** توقف کنید که مقر یکی از کهن‌ترین دانشگاه های اروپاست وسپس در **هوی** اندکی گردش نمائید و پس از آن در طریق **لیو** و **تونگرس** به راه خود ادامه دهید تا آثار تاثیر کنندهٔ دوره رومی را هم دیده باشید . لیژ شهر هنر و شهری است زنده ، شوخ و جذاب که محصور به کارخانجات ومشرف بر رود **موز** است قدری بیشتر به طرف خاور به **اسپا** و **شودفونتن** خواهید رسید که بسبب چشمه های معدنی خود از مراکز توجه سیاحان است و سپس به **فانی** میرسید .

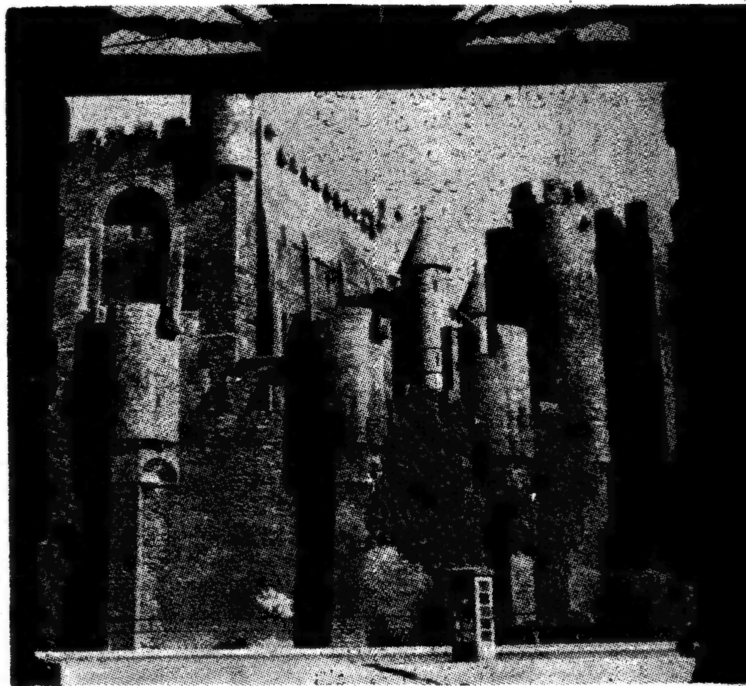
نامور واردنس نامور شهری‌است متبسم در کنار رود **موز** و شهر **دینانت** نیز چنین است این هردو شهر در طی تاریخ با محاصره ها و حریقها و نهیب و غارتهای متعدد مواجه گردیده و هنوز زیسته بوده و چون دو خواهر باوفا در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند خوب است با قایق قدری در روی رود موز بطرف پائین سفر کنید وصخره های **مارش‌لدم** را که البرت پادشاه بلژیك در ۱۹۳٤ درآن سقوط کرده ودر**گنشت** ببینید . اگر راه خودرا **بطرف جنوب** ادامه دهید **کوون** ، **فیلیپ ویل** ، و **مارین‌بورگ** را خواهید دید که در زمان کولبرت سنگربندی شده ودیدن آنها جالب است .

چند شماره تلفون و نشانی

اگر به بلژیك میروید این چند شماره تلفون و نشانی را در دفتر بغلی خود یادداشت کنید .

۱ ــ موسسه اطلاعات و اسناد بلژیك ــ بروکسل ٤ ــ خیابان ــ مونتویه‌شماره۳ــتلفون۱۲٦٦۸۸ر۰۲

۲ ــ دفتر ملی توریست بلژیك ــ گار مرکزی ــ بروکسل ۱ ــتلفون ۰۲ر۱۳۳۸٦۰



بلژیك ــ دژ کنت هاورگنت



بلژیك ــ نمایش لومسون درمونز :
جنگ سن رورز با اژدهای دودو



بلژیك ـ کاتدرال سن‌میشل دربروکسل

بلژیك ـ کاتدرال سن‌آوبین درنامور





بلژیك ـ مدخل یك‌خانقاه بگووینی در کورتژه



بلژیك ـ فولك‌لور ـ مراسم بیلچ (رقصی است طولانی با کفش های چوبی و زنگها دردست که همراه وزن طبل بصدا می‌آیند) و از طرف گیل‌ها یعنی قهرمانان روز سه‌شنبه انجام میشود .



ترکیه ـ دورنمای شهر [illegible]

همسایه ما ترکیه

اگر چه این بخش به اروپا و برای راهنمائی جهانگردان ایرانی که عازم گردش در اروپا هستند اختصاص داده شده ولی ترکیه هم با آنکه دو سوم خاك آن در قاره آسیا قرار گرفته بالاخره یك‌سوم از آنهم در اروپاست مزید برآنکه کشور های بالکان و خاور اروپا نیز قرنها جزء امپراطوری ترکها بوده و تمدن و فرهنگ آنها بخاور اروپا نفوذ عمیق داشته‌بعلاوه ترکیه برسر راه اروپا قرار گرفته و هر جهانگرد ایرانی که با اتومبیل یا راه‌آهن عازم اروپا باشد باید از این سرزمین بگذرد واگر از راه هواهم مسافرت کند . غالباً در استانبول اندکی توقف دارد . واز آن گذشته همسایه عمده ومتحد ماست بنا براین ترکیه را هم در بخش جهانگردی این شماره کتاب سال آوردیم واینك ترکیه :

جموری‌ترکیه : مساحت(بانضمام ۹٫۱۲۱ میل مربع آن که در قاره اروپاست) : ۳۰۱٫۳۸۰ میل مربع

جمعیت: (۱۹۶۰)۲۷٫۸۲۹٫۱۹۸ نفر .

(۹۲٫۳ نفر در هر میل مربع).

ترکیب جمعیت : ۹۴٪ ترك ـ ۲٫۲٪ یونانی ٤٫۱٪بلغاری ۹٫۰٪ یوگوسلاوی ٥٫۱٪ نژادهای دیگر

زبان : ترکی ،(واقلیتی‌در بخش اروپا یونانی و بلغاری) .

خط : لاتن

مذاهب : ۹۹٪ مسلمان ۱٪ سایر مذاهب .

واحد پول : لیرهٔ ترك که معادل است با ۸٫٤۲ ریال (متغیر = ۱۱٫۱۱ سنت امریکائی اجزاء لیره: هرلیره = ۱۰۰ پیاستر .)

شهرهای عمده :

استانبول ـ بندر مهم و مرکز بازرگانی ـ ۱٫٤٥۹٫٥۲۸ نفر .

آنکارا ـ پایتخت ـ ٦٤٦٫۱٥۱ نفر .

ازمیر ـ بندر ـ ۳۷۰٫۹۲۳ نفر

ادانا ـ مرکز کشاورزی ـ ۲۳۰٫۰۲٤ نفر .

بورسا ـ ابریشم وقالی ـ ۱٥۳٫٥۷٤ نفر .

اسکی شهر ـ مرکز بازرگانی ـ ۱٥۳٫۱۹۰ نفر .

غازی‌انتپ ـ ۱۲٥٫٤۹۸ نفر

شهرهای تاریخی قدیم

بورسا ، افسوس ، چناق قلعه (تروای باستان) ، ازمیر ، قونیه ، انطالیه ، انطاکیه ، پرگاموم

ترکیه : چهارراه تمدنهای جهان

بهماندرجه که مسلم است که آفتاب همیشه از خاور طلوع میکند امروز دیگر مسلم شده که فجر تمدن از خاور زمین طالع شده و آفتاب تمدن از مشرق درخشیدن گرفته است . اسنادی که از دل‌خاك بدست آمده و شامل قرصهای گلی و لوله های پاپیروس است وهم حکاکی های بر سنگها در دل کوهها که متعلق به چند هزار سال پیش میباشد غالب کشفیات آدمی را در منطقه علم ودانش و مذهب ورسوم وعادات و فرهنگ و تمدن ثبت کرده‌اند و فرهنگ و تمدن خاور بعدها به باختر سرایت‌کرده وباختر از تجارب و کوششهای خاور الهام گرفته‌است . این تمدنهای خاوری در قرون قدیمه از راه هوا نمیتوانستند بباختر راه یابند بلکه از راه زمین ودریا باید بسفر باختر بروند و جز سرزمین ترکیه و مدیترانه خاوری و سواحل آن راهی نداشته‌اند .

بدینطریق خاور میانه بطور اعم و ترکیه را بالاخص میتوان بحق چهار راه تمدنهای جهان‌لقب داد . خاور نزدیك در تمام طول

تاریخ سرزمین برخورد و تلافی و تماس و آشنائی واختلاط تمدنها و اقوام و نژاد ها و مذاهب مختلف بوده و هنوز هم هست .

اگرچه پرستش مادر ــ زمین و پدر ــ زمان وهم ستایش زئوس و ژوپیتر منسوخ گشته ولی یهوه ، «تثلیث مقدس مسیح» واللهٔ‌یاقادر مطلق اسلامی هنوز در منطقه خاور میانه حکومت دارند .

خاور میانه متن تاریخ بشری وعین تاریخ واصل تاریخ وجوهر تاریخ و خالق تاریخ است چه‌اقوام ونژادها که از خاور باختر وشمال وجنوب بتکرار بدین سرزمین آمده سکونت گرفته یا از میان رفته و یا عقب نشینی کرده ویا با مردم بومی آمیخته‌اند و چه جنگها و کشمکشها و حوادث بزرگ تاریخی را بخصوص‌سرزمین ترکیه‌وسواحل خاوری مدیترانه بخاطر دارد . در این سرزمین ها هرجا که توریست یا جهانگرد قدم گذارد مسحور تاریخ میشود و خود را در جوف سلسله حوادث هزاران سال می‌بیند وآثار و بقایای این حوادث را با دیده عبرت مشاهده میکند و قویا تحت تاثیر واقع میشود .

امپراطوریها ، سلطنت‌ها ، حکومتها، اقوام و نژاد های مختلف در این سرزمین آمده ورفته‌اند و همانطور که گفته‌اند که تاریخ آئینه عبرت است ملاحظه آثار تاریخی و محل وقوع حوادث تاریخی آئینه عبرتی مجسم و مشهود و محسوس است .

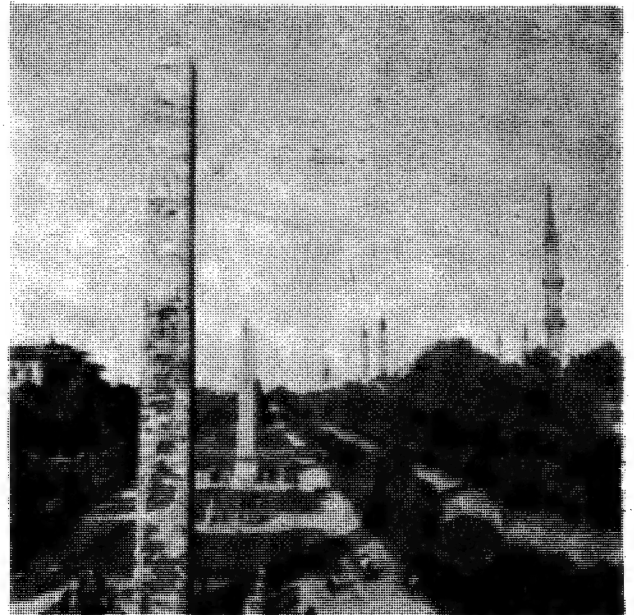
در نظر جهانگـرد عجیب تر میآید که در کنار آن آثار کهن چند هزار ساله ابنیه و عمارات و ساختمان ها و پلها و راه‌آهن ها وجاده‌ها وپارکها و گردشگاه های مدرن مطابق آخرین تجلی تمدن عصر ما را نیز مشاهده میکند .

بدینطریق خاور میانه که ترکیه قسمت اعظم آنرا اشغال کرده از هر حیث عطش سوزان جهانگرد پر حرارت و عاشق اکتشاف را فرو می‌نشاند واین سرزمین را میتوان بهشت جهانگردان دانست . دیدنی های آن تمام نشدنی است دیدار و مطالعه آنها عمر و عمر ها لازم دارد .

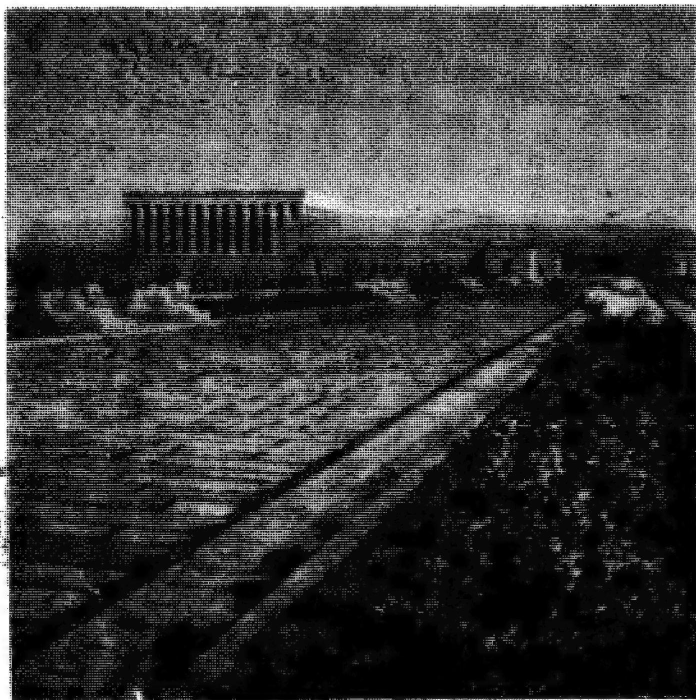
درمورد ترکیه ــ

ــ اگر نمیدانستید بدانید که :

ــ کوروش بزرگ در ٥٤٤ پیش از میلاد در لیدی (آناطولـی)



ترکیه ــ استانبول ــ میدان‌سلطان احمد



ترکیه ــ دورنمـــای آرامگاه آتاتورك



ترکیه ــ مجسمه های خرابه شهرقدیم‌پرگاموم

گرزوس پادشاه لیدی را دستگیر وبعد از سوختن نجات داده جز مشاوران خود قرار داد .

ــ داریوش در ٥١٤ ق م و خشایارشا در ٤٨٠ ق م از راه اناطولی به یونان لشکر کشیدند .

ــ **سن‌پول** جانشین مسیح در **مارسوس** تولد یافته و برای نشر مذهب مسیح مسافرتهای مذهبی خود را از همین شهر به سراسر اناطولی آغاز کرده است .

ــ **پارشمان** (کاغذ پوستی) در بوگاما (پرگاموم) اختراع شده

ــ **دیوژن** فیلسوف معروف در **هینوپ** میزیسته است .

ــ **تروا** شهر ۹ خرابه در **چناق قلعه** امروز واقع شده و **هلن** زیبا که باعث جنگهای تروا گردید نیز در همین شهر تولد یافته است.

ــ **کلئوپاترای** خوشکل ملکه مصری یکی از عشاق خود **مارك ــ انتونی** فرمانده مشهور رومی را در تارسوس ملاقات کرد .

ــ **اسکندر کبیر** گره مشهور را در **گوردیوم** نزدیك آنکارا با شمشیر خود قطع کرده است .

ــ قبر **هانی‌بال** سردار معروف کارتاژی در **کبزه** قرار دارد .

ــ مقبره **میداس** پادشاه **فریژیا** در **یاسی‌هوبوك** واقع است . اساطیر تاریخی حاکی از آنست که وی بهرچیز که دست میزد آن چیز مبدل بطلا میشد .

ــ جالب ترین محل تئاتراعصار باستانی در ترکیه قرار دارد که از آنجمله است **اس‌پندوس** ، **پرگه** ، **سیده** ، **پرگاموم** ، و **افه‌سوس** .

ــ مقبره ملانصرالدین حجا فیلسوف شوخ و خوشمزه مشهور خاور میانه در **آق‌شهر** واقع‌است.

ــ شاعر وفیلسوف صوفی معروف مولانا **جلال‌الدین رومی** در شهر **قونیه** میزیسته و مدفن وی نیز آنجاست .

ــ معبد **آرتمیس** که یکی از عجایب سبعه عالم محسوب میشد نزدیك **افه‌سوس** است .

ــ **سن‌نیکلا** (سانتاکلاوز) که محبوب القلوب همه مسیحیان است وبنام او در عید کریمس هدیه برای کودکان میآورند اهل دمره در **انطالیا** بوده‌است .

ــ **معمارسینان** معمار مشهور شاهکار های معماری‌جهانی خود را در ترکیه بوجود آورده است .

ــ قدیمی‌ترین مجسمه هاکه به هفتهزار سال پیش از میلاد تعلق دارد در **هاکیلار** یافت شده است .

ــ محلی که‌قیصر روم گفته‌است: «آمدم ، دیدم ، فتح کردم» همانا شهری در **توقات** موسوم به **زیله** است .

ــ در درون سرزمین ترکیه در حدود ۱۲ تمدن بزرگ در طی تاریخ مکشوف و مسطور بوجود آمده که زادگاه بیشتر آنها در اناطولی بوده‌است .

ــ اولین مرتبه قوم هیت در ترکیه آهن را برای ساختن اسلحه بکار بردند .

ــ آلات مسی از طرف دولت قدیم **اورارتو** بکار رفته و چندی بعد **اتروسکانهای** مقیم ایتالی از آن تقلید کرده‌اند .

ــ آلات مسی دولت **فریژه‌یه** قدیم از جمله اشیاءقیمتی موزه های ترکیهٔ امروز است .

ــ سولون فیلسوف معروف‌یونانی که به کرزوس امپراطور لیدی ، با بیان خود درسی داد که مشهور است در **سارد** میزیسته است .

ــ **پان‌فیلیانها** سالها درمدیترانه به بازرگانی اشتغال داشتند .

ــ اسکندر کبیر در خلال جنگ های خاوری خود از دروازه های سیلیکیه عبور کرده است .

چه وقت به ترکیه میروید .

بهترین وقت برای مسافرت به ترکیه از **لحاظ** آب وهوا ماه های آوریل و مه(فروردین واردیبهشت) است **اگر** چه فصل مسافرت توریست در ترکیه تا پایان سپتامبر ادامه دارد . در هر حال زمستان هم آب **وهوای** ترکیه ملایم‌است ومیتوانید **اگر** تعطیل زمستانی دارید به‌ترکیه بروید بخصوص که اخیرا تشریفات ویزابین دو دولت ایران و ترکیه از میان رفته و تسهیلات مسافرت **بین دو کشور بیش از پیش فراهم گردیده است** . راه‌آهن ایران از طریق رضائیه تا مرز ترکیه امتداد داده شده و نزدیك باتمام است و از طرف دیگر طبق ترتیباتی که در سنتو داده شده ترکیه نیز مشغول ساختن راه آهن ارض روم و مرز ایران از طریق دریاچه وان است که شاید تا دوسه سال دیگر پایان می‌یابد و آنگاه میتوان **از** خرم‌شهر به تهران‌واز تهران‌یکسره باراه‌آهن به تمام نقاط ترکیه واز آنجا باروپا مسافرت نمود . راههای‌اتومبیل رو خاکی بین ایران و ترکیه برای اسفالت کاری در دست تهیه ویا جزء پروژه های آینده نزدیك است در اینصورت جاده اسفالتی ایران وترکیه را کاملا بیکدیگر متصل میسازد و تماس و آمد ورفت بین دو کشور بمراتب فزونی خواهد یافت .

در انکارا چه می‌بینید ؟

ــ پس از تجزیه امپراطوری **هیت‌ها** ایالت آنکارا در **تحت** حکومت دولت فریژیه درآمد و طبق اساطیر محلی ، این شهر را میداس شاه فریژیا در قرن هشتم پیش‌از میلاد بناکرده . سپس این شهر در طی قرون واعصار به ترتیب در تحت سلطنت لیدی پارسها



ترکیه موزه اتنولوژی (نژادشناسی)درآنکارا

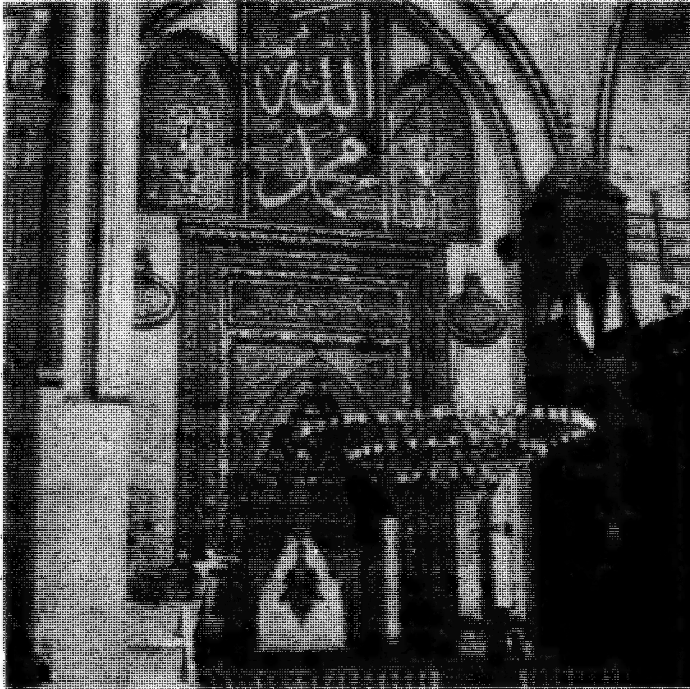


ترکیه ــ استانبول ــ دژ روم‌الحصار مشرف

ترکیه ــ ازمجسمه‌های خرابه‌افسوس



ترکیه ــ درون‌مسجداولوجمی ــ بورسا



(ایرانیان) ، مقدونی ، رومیان ، گالاسیانها ، و سپس بیزانتین در آمده است .

ــ بالاخره در قرن ۱۱ میلادی ترکان سلجوق سپاه بیزانتین را در **ملاذگرد** شکست داده آنکارا را (که درآنزمان انکیرا ــ یا ــ انقره میخوانده‌اند) بتصرف آوردند . در ۱۳۵٤ میلادی **سلیمان پاشا پسر اورهان غازی آنرا فتح کرد و** بدینطریق بدست **امپراطوری عثمانی** افتاد .

ــ **معبد اگوستوس را گالاسیانها** بنا کرده‌اند . حمامهای رومی بدست **امپراطور کاراکالا ساخته** شده وبه خدای صحت وسلامت **یعنی اسکله‌پیون** تقدیم گردیده و ستون های **ژولیانوس** که در **۳٦۲ میلادی** بنا شده از آثار باقیمانده **تاریخی امپراطوری روم است .**

ــ دو مسجد مشهورحاجی بایرام وارسلان‌خان از آثار **مهم عهد** سلطنت **سلاجقه است .**

ــ در هیچ یك از موزه های جهان اینهمه آثار دوره هیت که در موزهٔ هیت‌ها (موزه باستان شناسی) در آنکارا وجود دارد دیده نمیشود و خود ساختمان موزه نیز اهمیت تاریخی وارزش بسیار دارد این محل سابقا بعنوان **بدستان** (بازار ترکی) بکار میرفته . در این موزه آثار دوره فریژی نیز که در حفاریهای **گوردیون** بدست‌آمده نمایش داده میشود .

ــ **گوردیون** بفاصله ۲۱ کیلومتر از **پولاتلی** قرار دارد وپایتخت فریژ ها بوده واکنون خرابه های آن بر مساحتی بقدر ٤ کیلومتر مربع گسترده شده . **در این محل ۷۸** مقبره دیده میشود که به خانواده های سلطنتی فریژیه‌تعلق داشته است.

ــ محل فعلی آنکارا تا شصت سال پیش کاروانسرائی دژ مانند بود ولی پس‌از نهضت ترکیهٔ جدید برهبری کمال آتاتورك‌پس ازجنگ اول جهانی تاکنون مبدل به شهری مدرن شده که سمبل و نشانی تحول و نوسازی ترکیه جوان است.

وقسمت نوشهر و پارك بزرگ شهر دیدنی است . خیابانهای وسیع شهر ، دانشگاه ، وابنیه و عمارات عموما جلب توجه میکند و علامت ترقی و نمو یك ملت جوان است

آرامگاه آتاتورك بسیار باشکوه و جلال ساخته شده با ترن که به آنکارا میرسید بسیار برجسته در افق و مشرف به شهر دیده میشود و بیننده را تحت تاثیر قرار میدهد اتومبیلی که آتاتورك همیشه سوار میشده در آنجا نگاهداری شده و دیده میشود .

در آنکارا رستورانها و هتلهای خوب وجود دارد .

استانبول را حتما ببینید

استانبول تنها شهری است در جهان که نیمی از آن در قاره‌اروپا ونیم دیگر در قاره آسیا واقع شده دوقاره را بیکدیگر می‌پیوندد و خود ترکیبی از زیبائیها و تمدن و فرهنگ و رسوم و عادات دو قاره است . وقتیکه در استانبول هستند احساس میکنید که در آن واحدهم در آسیا هستید و هم در اروپا . احساسی عجیب است ــ آزمایش کنید .

ــ درادوارمیتولوژیکی (اساطیر **وافسانه‌های تاریخی**) این شهر مقر **خدایان وقهرمانان** محسوب میشده **است .**

ــ **استانبول** را یکی از شاهان **مگاری** موسوم به **بیزاس** در قرن هشتم پیش از میلاد بنا نهاده .

ــ استانبول یکی از شهرهائی است در جهان که معروف است بر روی هفت تپه بنا شده‌اند .

ــ **استانبول را سلطان‌محمد فاتح** از دست امپراطوری بیزانتین بدر آورده ضمیمه امپراطوری عثمانی نموده .

ــ **هیچ شهری در جهان تا این درجه صاحب مجموعه و کلکسیونی از آثار و زمینه ها وسوابق تاریخی ونمونه های تمدنهای مختلف‌نیست.**

ــ **استانبول روزهای درخشان**

وهم روزهای تیره وتار بسیار بخود دیده است .

— استانبول از لحاظ توریسم شهری است غنی وزیبائی های طبیعی این شهر با سوابق تاریخی وآثار گذشته آمیخته است .

— بمجردیکه باستانبول بعنوان یك جهانگرد قدم گذارید تاریخ با قصر های بفلك افراخته وابنیه وآثار پرشکوه خود به پیشباز شما میآید و گنبد های عظیم و مناره های پانصد مسجد که بیننده را از دیدن آن حیرت زده میکند بشما تبریك خواهد گفت :

— استانبول تا قبل از ظهور ترکیه جدید پایتخت بوده و باآنکه مدتهاست پایتخت نیست جمعیت آن رو بفزونی است و از مهمترین شهرهای مدیترانه محسوب میشود.

جاهای دیدنی :

ارزش دارد که چندین مسجد را ببینید بخصوص مسجد ایاصوفیه که در عصر بیزانتین کلیسای سن صوفیا بوده وامپراطور ژوستی نیان آنرا در ۵۳۲ میلادی بنا نهاده و باشتباه تصور شده است که وقف سن صوفیا گردیده ودیگر مسجد — سلطان احمد یا مسجد آبی که دارای موزائیك کاری درخشان است و نزدیك فواره‌های زیبای سلطان‌احمد واقع شده .

مسجدسلیمان یا سلیمانیه که ستونهای آن قابل‌تماشاست — مسجد ایوب (سلطان ایوب) که بوسیله سلطان محمد فاتح بناشده دیوارهای آن از مرمر است و شمشیر پیغمبر اسلام در آنجا نگاهداری میشود ، [illegible] شمشیر را سابقا سلاطین عثمانی [illegible]ان خلفای پیمبر در روز تاج[illegible] [illegible]اری بکمر خود می‌بستند .

سراگلیوی قدیم (توپ‌قاپی‌سرای)

در اینجا پارکی بزرگ را مشاهده میکنید که شکوه و جلال دربارهای امپراطوری عثمانی را نشان میدهد وتمام اطاقها و محل زندگی سلطان را مشاهده خواهید کرد و چندین کلکسیون در موزه های آن از اشیاء قدیم والبسه سلاطین عثمانی و ظروف چینی واسلحه و کلاه ها والبسه زنان و کودکان حرمهای سلطان و جواهرات واشیاء نفیس دیگر را ملاحظه خواهید کرد .

موزه باستان شناسی استانبول

در اینجا کلکسیونی از اشیاء عتیقه که از آنجمله تابوت بزرگ سنگی است که وقتی بقایای جسداسکندر کبیر درآن نگاهداری میشده دیده میشود .

ازبازار استانبول‌موسوم به‌کاپالی کارسی بازار که شامل ۵۰۰۰ دکان ومغازه است واز خیابان استقلال قادسی نیز دیدن کنید اشیاء یادبود ـنوع وزیبای استانبول را از جواهرات گرفته تا گردن بند های سنگ کهربا در بازار خواهید یافت .

طرف عصر از پل گالاتا قایقی گرفته در سواحل بغاز بوسفور گردش کنید واز دیدن مناظر قشنگ ویلاهای شیك ، بندر آزاد قدیم گالاتا باکاجها و سروها و مغازه‌ها ومساجد و شهر جذاب اسکوتاری و اوسکودار که دارای نوعی خانه های چوبی مخصوص است لذت برید .

شبها در محله بیوگ‌لو انواع تفریحات محلی وبین‌المللی را خواهید یافت .

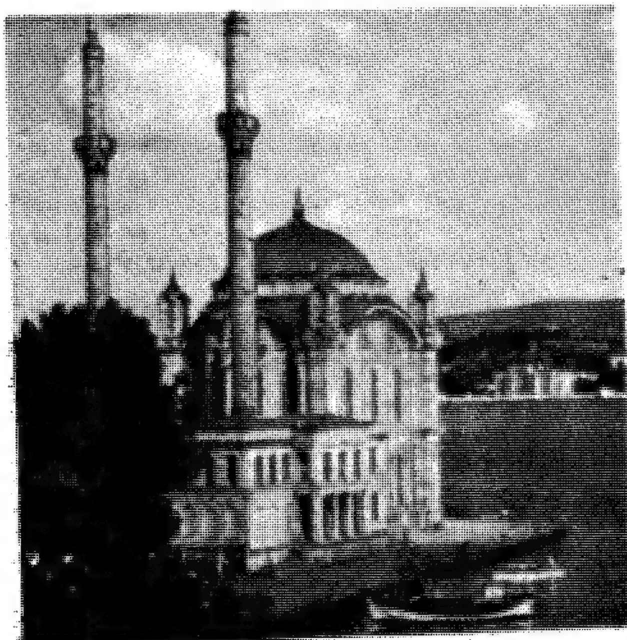
در تابستان پلاژهای اطراف استانبول زیباست و در کنار دریای مرمره نقاط متعددی برای شنا با زندگی کمپینك (در چادر) خواهید یافت .

طرابوزان اگر با اتومبیل‌شخصی سفر میکنید و از راه ساحلی‌دریای سیاه عبور کردید طرابوزان راکه بندر زیبائی در ساحل دریای سیاه است ببینید واگر تابستان است از پلاژهای آن استفاده کنید . میان ده هزار نفر یونانی که سربازان اجیر کوروش برادر کوچکتر ارذشیر دوم پادشاه هخامنشی و مدعی سلطنت بوده و پس از قتل وی بسبب متواری شدن لشکرش این سپاه یونانی از بین‌النهرین در زمستان در کنار دجله راه شمال‌را پیش گرفته بودند بسرکردگی گزنفون مورخ پس‌از یکسال‌مشقات در سال ۴۰۱ ق‌م به طرابوزان رسیده واز آن‌جا بکشتی نشسته به یونان برگشتند . گزنفون شرح این مسافرت را در سال ۴۰۰ ق‌م بصورت کتابی بنام «اناباسیس — برگشت ده هزار نفر» در آورده وقایع روزانه را شرح میدهد.

ترکیه — منارهٔ مسجد شهر قدیمی اسکندرون در انطاکیه

ترکیه — استانبول — مسجد اورتاکوی







سویس = شاله (کلبه‌های چوبی که‌خانه‌های ییلاقی است

به سویس میروید ؟

جمهوری سویس :
مساحت : ۱۵٫۹۴۱ میل مربع
جمعیت (۱۹۶۰):۵٫۴۲۹٫۰۶۱ نفر)
(۳۴۰٫۶ نفر در هر میل مربع)
ترکیب جمعیت : ۹۱٫۲٪سویسی ۳٫۶ ٪ آلمانی ۳٫۱٪ ایتالیائی ۰٫۹٪ فرانسوی ۱٫۲ ٪ سایر نژادها
زبان : ۷۱٫۹٫۰ آلمانی ــ ۲۰٫۴٪ فرانسوی ــ ۶٫۰٪ایتالیائی ۱٫۰۱٫۰ رومانش۶٫۰٪ سایر زبانها
مذهب : ۵۷٫۰ پروتستان ــ ۴۱٫۰ کاتولیك ۴۰٫۰ یهودی ۱٫۶٫۰ سایر مذاهب .

شهرهای عمده : زوریخ ــ پارچه بافی و بانکداری (۴۴۰٫۱۷۰نفر) بال (مرکز راه‌آهن) وبندر رود رن (۲۰۶٫۷۴۶ نفر)
ژنو ــ در کنار دریاچه لمان مرکزمهم‌توریست (۱۷۶٫۱۸۳نفر)
برن ــ پایتخت فدرال سویس. (۱۶۳٫۱۷۲ نفر)

سویس در قلب اروپا جایگاه استراحت و تفریح و سرزمین ایدآلی برای گذراندن **تعطیلات** و بهشت ورزش دوستان است،قله های پر برف سر بفلك کشیده ، آسمان آبی گلها و چمن‌زاران و مراتع آلپ شهرها و دژهای قرون وسطائی ، دریاچه های آبی رنگ درخشان،سکوت وآرامش در فضا و هوا ومردمی مودب ،با نزاکت ومهربان رویهمرفته کشوری رابنام سویس تشکیل میدهد که در قدیم آن را **هلوتیا** مینامیدند و درقرون وسطی عبارت از فدراسیونی مرکب از املاك تیولی وقایع‌امپراطوری مقدس روم بوده است و در ۱۸۱۵ کنگره وین استقلال آن را شناخت و امروز بصورت کنفدراسیونی است مرکب از ۲۲ کانتون مستقل و تادرجه‌ئی مشابه دولت های شهر یونان قدیم . هر کانتون نسبت بقانونی که حکومت فدرال وضع میکند بوسیله رفراندوم حق وتو یعنی قبول آن قانون دارد . حکومت فدرال آن دارای دو مجلس است عایدات آن بیشتراز کشاورزی و قسمت کمتر آن از صنعت است .

سویس در حکم قلعه است کوهستانی که از جنوب محصوریه

کوههای آلپ واز شمال غرب محصور به کوههای ژورا است و یك چهارم اراضی سویس را کوه ها و نیز کوههای یخی متحرك در بر گرفته‌است بزرگترین دریاچه ان دریاچه لمان است که دریاچه ژنو نیز خوانده میشود .

در زمستان چون برفهای تپه‌ها و کوه‌های آن مانند گرد است برای اسکی بی نظیراست ماهی گیری در دریاچه‌ها نیز از سرگرمیهای سویس است فضا وهوای آن حیات بخش است و نغمه عشق بین‌انسان و طبیعت را بگوش میرساند . زندگی در سویس با آرامش روح و صلح و صفاهمراه است ومانند یك تعطیل و استراحت مداوم وابدی بنظر میآید .

عادات ورسوم : سویسی‌هامردمی بسیار تمیز و فوق‌العاده فعال ولی آرام هستند و با هر مزاجی و طبیعتی از نژادهای مختلف سازگار هستند . وشاید همین خاصیت‌است که سویس را راحت ترین کشور جهان قرار داده . در سویس در درجه اول نظم و ترتیب وتمیزی توجه شما را جلب میکند نظم و نظافت در همه چیز . پرپراژ بمعنی پاکیزگی شهرت ملی است ومباهات بانوان خانه‌دار سویسی به‌تمیزی وشفافیت‌درودیوار و زمین‌منزلشان است .اگر ملاحظه کردید که مردی سویسی سر میز غذا نشسته و زنش خدمت میکند فکر نکنید که آن زن بمنزله خدمتکار است بلکه بانوی سویسی طبق سنت ازاین کار لذت میبرد که بشوهرش خدمت کند . فعالیت مردان در کارهایشان ملاحظه میشود صنایع سویس عموما محکم و بادوام است و اصالت دارد .

زبان : علاوه بر ٤ زبانیکه در سویس مردم باآن صحبت میکنند در رستوران ها زبان انگلیسی‌را هم میفهمند و صحبت میکنند .

اتومبیل‌رانی : چون‌سویس‌کشور کوچکی است و غالب جاده های اسفالتی امروز آن همان جاده های قدیم بوده که اسفالت شده است قدری باریك و هم بسبب وضع جغرافیائی اراضی سویس که تپه وکوهستان‌میباشد پیچ و خم های زیاد دارد لذا باید خیلی بااحتیاط اتومبیل برانید .

در روی دریاچه قایق رانی نیز لذت بخش است .

لباس در مسافرت بسویس حتما پالتو پشمی ، پالتو بارانی و یك ژاکت پشمی همراه داشته باشید ولی آوردن لباسهای پشمی اضافی ضرورت ندارد لباس در سویس گران نیست .

جشن‌ها واعیاد در ٢٢ کانتون سویس در خلال سال یکی پس از دیگری جشن مذهبی یا تاریخی دارند و مسلما شما یکی از آن‌ها را بالباسهای محلی و رقصهای‌محلی خواهید دید . جشن استقلال سویس روز اول اوت است .

در ژنو در بهار و تابستان جشن گل سرخ منعقد میشود و بالت‌ها در هوای آزادانجام میگیرد. در زوریخ در پایان آوریل مجسمه کاغذی زمستان را ساخته طی مراسمی بعنوان پیر مرد روستائی آن را آتش میزنند و تمام مردم زوریخ با خنده و شادی و آواز در خیابان‌ها همراه دسته‌های موزیك و صدای ترقه در حرکت هستند .

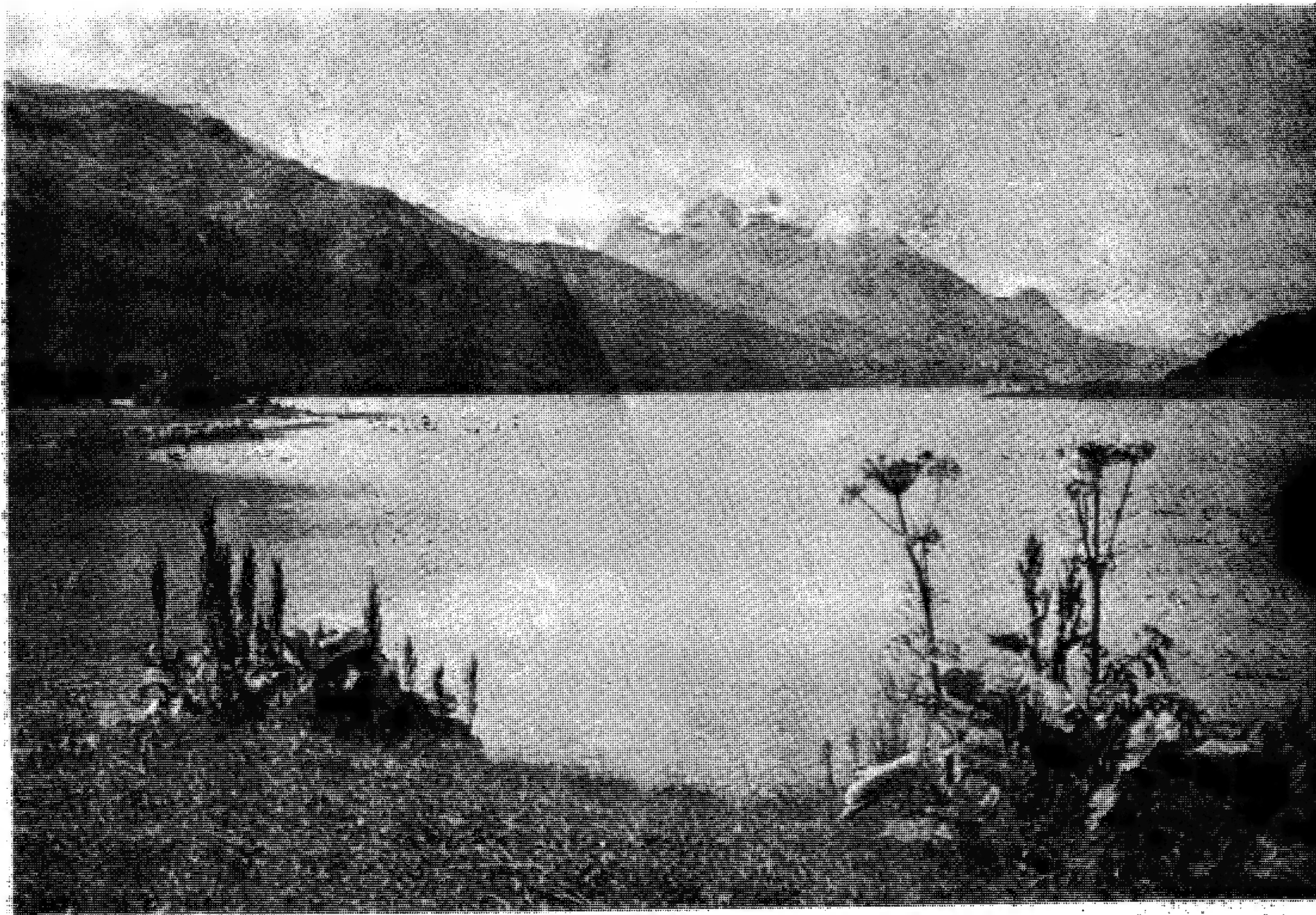
تعطیلات

تعطیلات را نیکوست که در کنار دریاچه ژنو یا نوشاتل یا مورات یا بین یا لوگانو بگذرانید . در تابستان زندگی در کوهستان‌ها فرح‌آور است .

در زمستان از مراکز ورزشی سن‌موریتز (که بهترین و زیباترین اسکتینك رینگ را دارد) یا گستاد در قلب پرنس‌اوبراند یا کرانس‌سورسیر یا زرمات استفاده کنید که دارای محلهای مناسب اسکی‌هستند . درسویس‌شعبه‌فروشگاه بزرگ میگرور راخواهید دید و در آن همه چیز یافت میشود .

خرید : درتمام‌شهرها و قصبات اگر نمیدانستید بدانید که :

ـ در لوزان دریاچه ژنو به



دریاچه لمان معروف است .

مشکلات ، دبستانها ، شرکتهای بیمه وساعت کار سویس معروف است .

ــ **ادوارد هفتم** پادشاه انگلیس وقتی در سویس سزارریتز رئیس یك هتل را **«میزبان شاهان وشاه میزبانان»** خوانده بود .

ــ سویس همیشه در طرح تصاویر وتزئین آگهی ها در جهان در درجه اول قرار داشته و رهبرفعلی طراحی آگهی ها **هانس ارنی** نام دارد .

ــ در هرسال بین ۵ تا ۵میلیون ونیم از مردم کشورهای دیگر از سویس دیدن میکنند .

رساله نقشه وراهنما : درمدخل شهرهای مهم سویس مانند برن و ژنو دفتری برای راهنمائی توریستها همیشه دائر است که نقشه و راهنمای شهر و تلفونهای لازم و نشانیهای ضرور را بلاعوض به شما تسلیم میکند

جاهای دیدنی

ــ **محلات قدیمی ژنو** که وقتی آن را «رم پرتستان» لقب داده بودند با کوچه های باریك و زمانی پناهگاه آوارگان و پناهندگان از تمام کشورهای اروپائی بود .

ــ **مجسمه یادگار رفورماسیون**

ــ **بلندترین فواره جهان** در کنار دریاچه ژنو که آب را بارتفاع ۳۹۳ فوت بالا میدهد واز مسافات دور دیده میشود و تشکیل قوس قزح میدهد .

ــ **قصرجامعه ملل** سابق در پارك **آریانا** .

ــ **کاتدارل سن پییر**

ــ **موزه هنر وتاریخ**

ــ **موزه ژان ژاك روسو** و موزه رفورماسیون در دو ضلع دانشگاه .

ــ **محل تولد روسو در گراندرو** (خیابان بزرگ) شماره ۴۰

ــ **موزه ساعت ساز ی**

زوریخ

جاهای دیدنی

ــ دریاچه و کوه ها

ــ خیابان های تازه

ــ **موزه هنرهای زیبا**

ــ **گریسونز** در حومه زوریخ بهشت ورزش دوستان .

ــ دریاچه چهار کانتون نزدیك زوریخ .

بال

جاهای دیدنی

ــ **شهر بال قدیم**

ــ **رینز اسبرونگ** :خانه های سفید و آبی .

ــ **دروازه سن پول** از آثار قرن ۱۵ مهمترین نمونه دروازه های قرون وسطائی در مرکز اروپا.

ــ **کاتدرال مونستر**

ــ **موزه هنرهای زیبا در نزدیکی بال**

ــ **سویس بخش لمانی وطن اراسموس** دانشمند ، **هولبین** نقاش، و **زوینگلی** مصلح مذهبی ، قریه‌های رنسانس ، کوچه های طاق‌دار ــ میدانهای شهر .

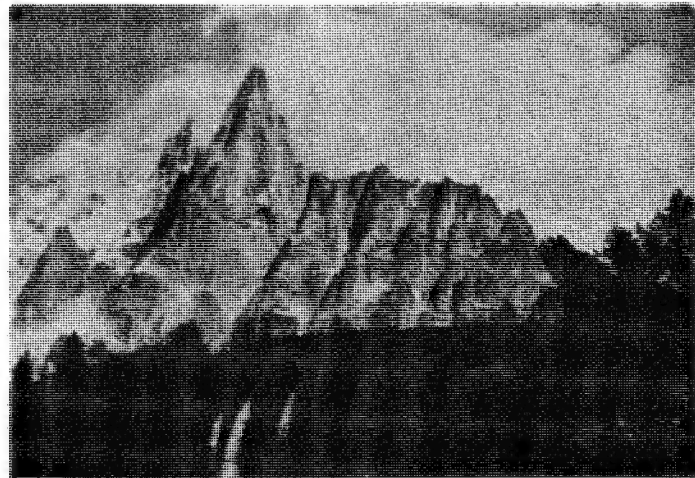
ــ **شافهوزن** نمونه خاص یك شهر قرون وسطائی دراین منطقه و موزه باستان شناسی آن .

ــ سواحل دریاچه کنستانس

مونترو

مونترو شهری است بسیار زیبا و دارای مناظر عالی در کنارشرقی دریاچه لمان (ژنو) واز طرفدیگر درست درپایه کوههای مرتفع که با ترن برقی میتوان برای اسکی به قله های آن رسید ودراین کوه سبز وخرم و پردرخت هزارها ویلا وخانه های ییلاقی وابنیه وعمارات مجللو زیبا و میهمانخانه وجاهائی برای استراحت و تعطیلات دارد.

در مونترو کازینو ، پلاژ میدان های تنیس و گولف وجود دارد.



راه‌آهن برقی درکوهپایه‌ها و تله‌فویك برای صعود بکوههای مون‌بلان وولهبلان



سویس : شاتو دورشی یون

سویس : دریاچه سیلواپلانا



به فرانسه میروید؟

جمهوری فرانسه :

مساحت ۲۱۲٫۸۲۲ میل مربع

جمعیت (۱۹۶۲) ۴۶٫۳۰۰٫۰۰۰ **نفر**

(۲۱۷٫۶ نفر در هر میل مربع)

ترکیب جمعیت : ۹۶٫۶٪ فرانسوی ۳٫۴٪ سایر نژادها .

زبان : فرانسوی .

منهب : ۹۷٫۵٪ کاتولیك ۲٫۵٪ پروتستان و سایر مذاهب

واحد پول : فرانك جدید فرانسه که معادل است با ۱۶ ریال(متغیر)

شهرهای عمده : **پاریس**ـپایتخت ۲٫۸۲۰٫۵۳۴ نفر

مارسی ــ بندرمهم ــ۶۰۵٫۵۷۷نفر

لیون ــ ابریشم و فلزات با جمعیت ۴۶۲٫۶۵۷ نفر

بردو ــ شراب ــ بندر ــ ۲۵۰٫۳۰۶ نفر

تولوز ــتنباکو ــ مرکزبازرگانی ۲۱۷٫۶۶۷ نفر

نیس ــ مرکز تفریحات و گذراندن تعطیلات ــ ۲۰۸٫۴۵۳ نفر

نانتس ــ کارخانجات با جمعیت ۱۹۷٫۹۱۵ نفر

فرانسه

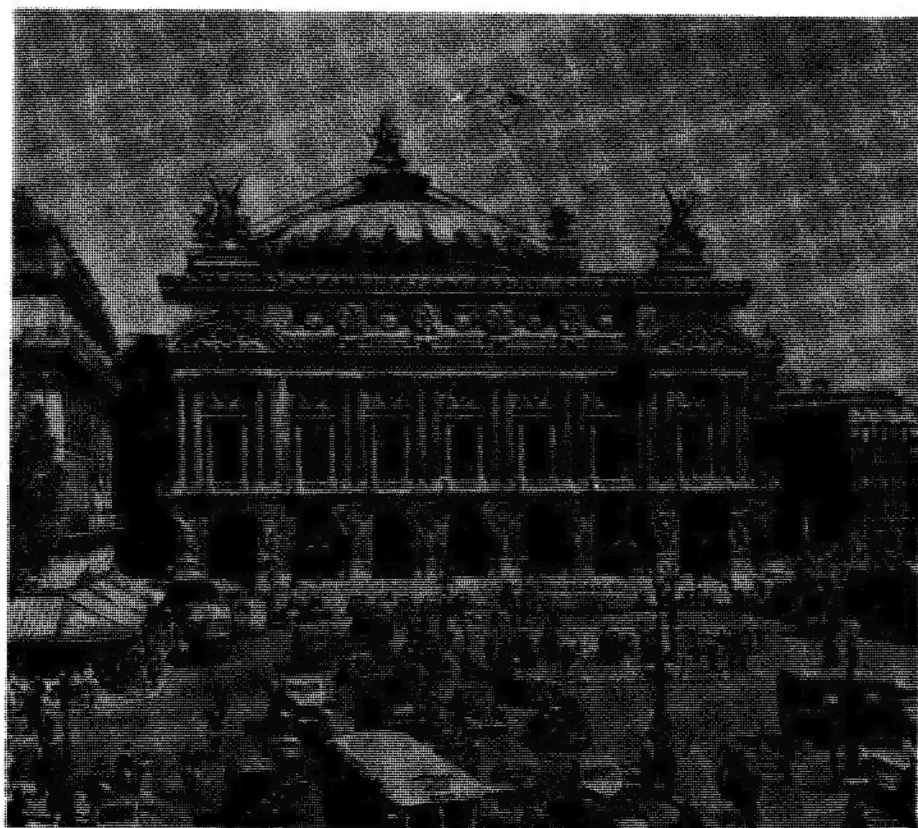
با هزاران چهره از تنوعات طبیعت وزندگی و صنعت ولطافت های طبع آدمی .

کشور عشق و فراموشی ،سرزمین شراب وشامپانی ، مهد انقلاب بزرگ آزادی بشری ، **آنجا که** خودرا فراموش میکنید و خویشتن را در فضای سکرآور و هوای سر مست کننده می یابید ، **سرزمینی** که هزاران چهره مختلف ازتنوعات زندگی و طبیعت را بشما نشان می دهد . دارای کلیساهای رومانتیك که بر تپه های مرتفع واقع شده، مالك زیبائی دره لوار و دژ شاهانه آن در میان باغهای فرانسوی مآب ، آنجا که دل شما رابه طپش میاندازد و شما را از خود بیخود میکند ، روح شما نغمه سرائی آغاز میکند وخود شما نیز آوازی را زمزمه خواهید کرد.

کشور لذیذ ترین غذاها وسرزمین ایدآل برای جهانگرد ، آنجا که

پاریس :میدان کونکورد
(پلاس دولاکونکورد)

پاریس : ایل دولاسیته
(جزیــره سیتــه) و
دورنمای کلیسای نوتردام



پاریس : میدان اوپرا
(پلاس دولوپرا) و
بنای اوپرای پاریس

توریست رادارای هر نوع سلیقه و مزاج و طبیعت وامیالی باشدو بهر درجه که عطش دیدن دیدنیها را داشته باشد او را از چشمه فیاض خود سیراب می کند و چیزی را از سیاح و مسافر خوش ذوق دریغ نمیکند . گردش بااتومبیل در راه ها در میان جنگلها وتپه های مصفا و مزارع سبز و خرم آن به شما فرح وانبساط میبخشد و هزاران میل سواحل دریائی آن بیدریغ در اختیار جهانگرد گذاشتهشده ، پیر را جوان وجوان راجوان تر و «آنچنان راآنچنانتر میکند ». از آن گذشته مهد علم و دانش و مرکز اختراعات مهم و وطن نویسندگان وفلاسفه بزرگی است که در تمدن جدید وانقلابات سیاسی واجتماعی نقش بسیار مهمی را در عهده داشتهاند .از جنبه عمومی تمدن باختری گذشته اینجا مرکز یك تمدن خاص است کهآن را بر عهده داشتهاند . از جنبه سزاوار درك و مطالعه است وتقویت کننده دماغ و روح است .

اگر زبان فرانسه را نمیدانید حتماً پیش از رفتن بفرانسه قدری بخوانید وباآن آشنائی پیدا کنید تا بیشتر ازدیدار فرانسه لذت برید از آن گذشته زبان فرانسه از شیرین ترین زبانهاست همچون موزیك در گوش شنونده صدا می کند بخصوص اگر زنان فرانسون با آن سخن گویند و بی سبب نیست کهآن را زبان خانم ها نامیدهاند.

عادات و رسوم :

شعار فرانسوی «علاقهبزندگی» و «میلبزیستن» است مردم فرانسه همیشه شاد و بشاش و در عینحال در صحبت و رفتار مبادی آداب هستند و مقید هستند که رسومادب وتعارفات را بجا آورند و در مورد آنچه را که باید کرد و آنچه را که نباید کرد فرانسویان دارای عقایدی سخت و شدید هستند و اگر شما بعنوان یك خارجی خواه قصداً و یا بدون قصد بر سبیل اشتباه بدین معتقدات و رسومتعرض کنید یا آنهارا رعایت ننمائید منتظر عکس العمل باشید و برای مثال چند نمونه آن در زیر ذکر میشود :

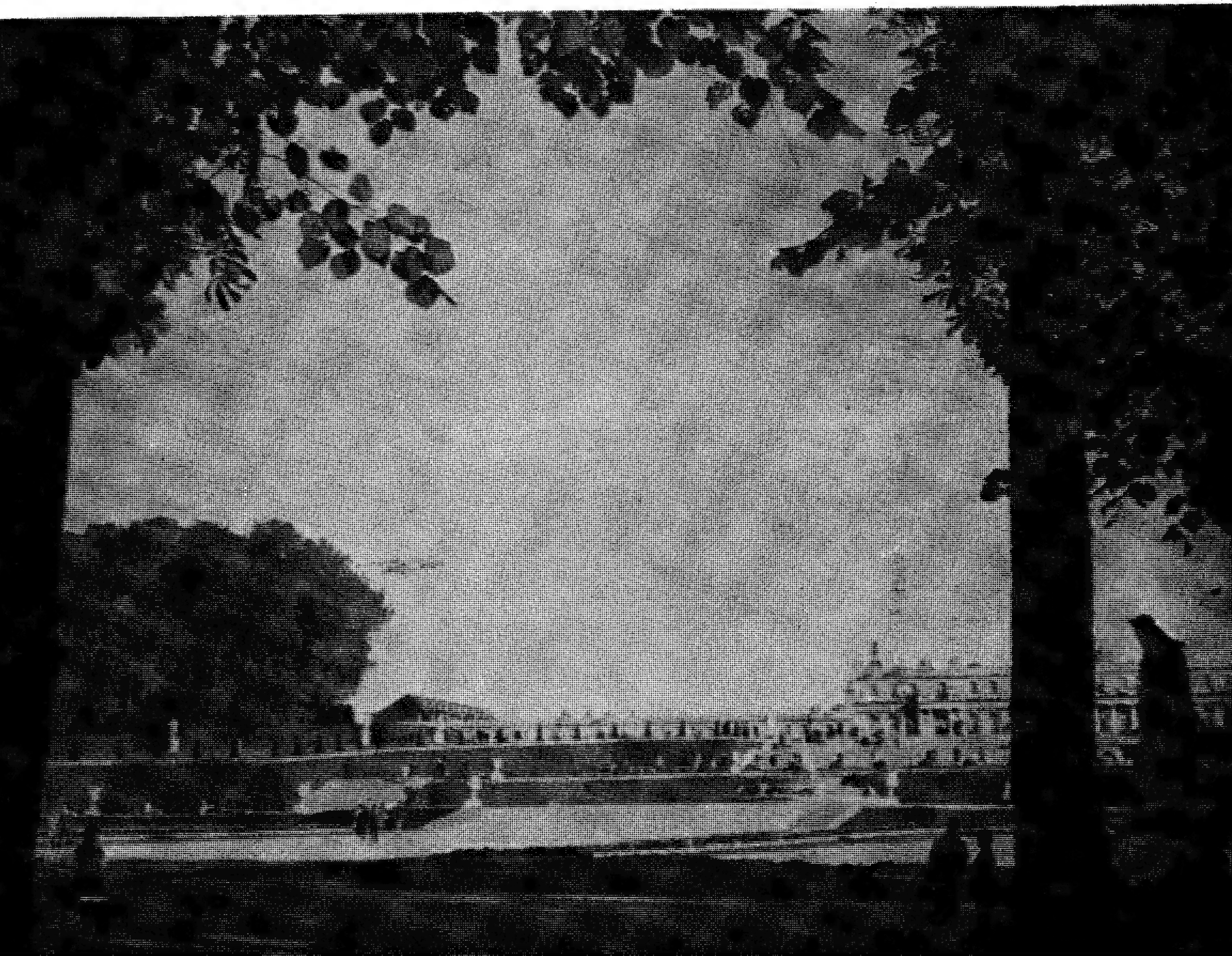
درمورد آداب خوردنونوشیدن:

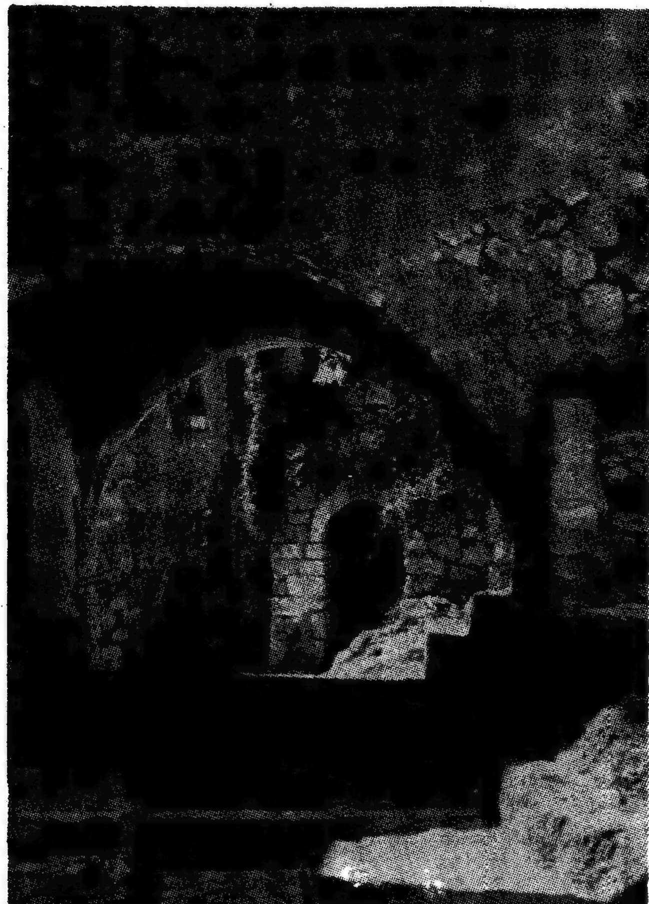
اگر به ناهار یاشام دعوت شدید بر خلاف انگلستان باید حتما در مورد خوشمزگی و خوبی غذا و زحمت خانم میزبان که چگونه آن را فراهم کردهاند صحبت کنید و اگر سکوت اختیار کردید علامت آن است که از آن غذا خوشتان نیامده است .

هرنوع شرابی را که بشما تقدیم کردند با اعتدال (نه زیاده روی) بنوشید واز آن تعریف کنید ولو آن که با ذائقه شما مناسب نباشد، اگر پیش از صرف غذا آپرتیف یا نوعی ازمشروبات سبكبشما تعارف کردند یکمرتبه آن را بالا نکشید بلکه بتدریج آن را صرف کنید

رسم دقیق دیگر راجع بحضور در دعوت های اجتماعی و ورود به چنین مجالس است که معمولاست که قبل از دقیقه دعوت و حتیدر دقیقه دعوت وارد شوید در دعوت به ناهار یا شام خانوادگی دهدقیقه دیرتر حاضر شوید و در کوکتیل پارتی که جمعیت بیشتری است نیم

فرانسه ـ شاتودوور ساری و قصر ورسای وباغهای آن







فرانسه ـ نگهبانان کارماگو محل تربیت اسبهای وحشی درارلس

فرانسه گوشه‌ای از قصبه از در پروانس

ساعت دیرتر از دعوت حاضر شوید.

با فرانسویان نه تنها در موقع معرفی بلکه در هر ملاقات و هر خدا حافظی باید دست داد واین رویه چه در مورد مردان و چه‌در باره زنان وهم کودکان صادق‌است. متوجه باشید که رسم بوسیدن دست خانم ها که در فرانسه زیاد شایع بود کم‌کم دارد منسوخ میشود بجز در اجتماعات رسمی ونیمه رسمی.

اگر بیش از حد با اشخاص خودمانی رفتار کنید خوششان نمی آید. در خطاب به اشخاص در هنگام ملاقات و خدا حافظی پس از کلمات بن‌ژور و اوروواز حتما کلمات مسیو، مادام، یا مدموازل‌را بر طبق آن که طرف که باشد بیفزائید و تنها در مورد رفقای صمیمی وبچه های کوچك آن‌دو کلمه بدون افزودن عنوان بدنبال آن ذکر میشود.

وبالاخره در تکرار کلمه‌ببخشید (پاردون) صرفه جوئی نکنید و در هرموقع که میتوانید آن را بکار برید.

کلمه تو (بمعنی تو)را هرگزبه کار نبرید مگر در مورد کودکان کم سن و همیشه وو (بمعنی شما) را استعمال کنید.

در فرانسه تنها در هتلها و رستورانهای بزرگ زبان‌انگلیسی‌را میفهمند و فرانسویان اگر معدودی از ایشان هم قدری انگلیسی‌بدانند باز ترجیح میدهند که شمابازبان خودشان یعنی فرانسوی با آن ها صحبت‌کنید ولو آنکه دست و پا شکسته و غلط باشد وبهمین سبب بهتراست‌که قدری فرانسه بیاموزید و هر جا که ماندید انگلیسی را باآن‌قاطی کنید که در ادای‌مقصود معطل نمانید.

چه لباسی میپوشید؟ فرانسویان در باب لباس سخت گیر نیستند و تقریباطرز پوشیدن لباس برای مردان وزنان مثل انگلیس وامریکا است. پوشیدن لباس مخصوص شب برای دعوت بشام این ایام منسوخ شده و نادر است مگر برای رفتن به اپرا یادر شب مخصوص جشن. در پلاژ و ملاقات لباس تاحدی آزاد است وبالباس‌سبك‌در تابستان کافی‌است معهذا احتیاطا یك ژاکت پشمی و یك بارانی همراه داشته باشید.

اتومبیل‌رانی: سیستم راه‌ها و جاده های اتومبیل رانی فرانسه عالی است علامات راه ها همان علامات‌بین‌المللی است. اتومبیلهای دست راست شما حق تقدم در حرکت دارند. زدن بوق درشهرها ممنوع است. پلیس های‌راهنمائی ورانندگی‌باتون سفید دردست‌دارند که از دور دیده میشود.

غذاومشروبات

دست پخت فرانسوی و تنوع آن در همه‌جا معروف است. برای ناهار ابتدا سوپ وسپس اوردوور وپس از آن یك یادو غذای اصلی وسپس پنیر و بعداز آن دسر داده میشود. در فرانسه متجاوز از ۷۰۰ نوع پنیر ساخته میشود که معروف‌ترین آن‌ها عبارتند از:

برمی، کاممبر، بلودوورنی، کانتال، روك فورت، ومونستر.

شراب، برندی، لیکور و شامپانی فرانسه معروف است به خصوص شراب بردو، بورگوندی، الزاس وشامپانی، البته شراب شامپانی که آن را بطور مطلق شامپانی میگویند خود عنوان‌مستقل دارد و بهترین شراب جهان است تنوعات مشروبات فرانسه خیلی زیاداست و شما میتوانید مشروب مطلوب خود را از میان آن ها انتخاب کنید.

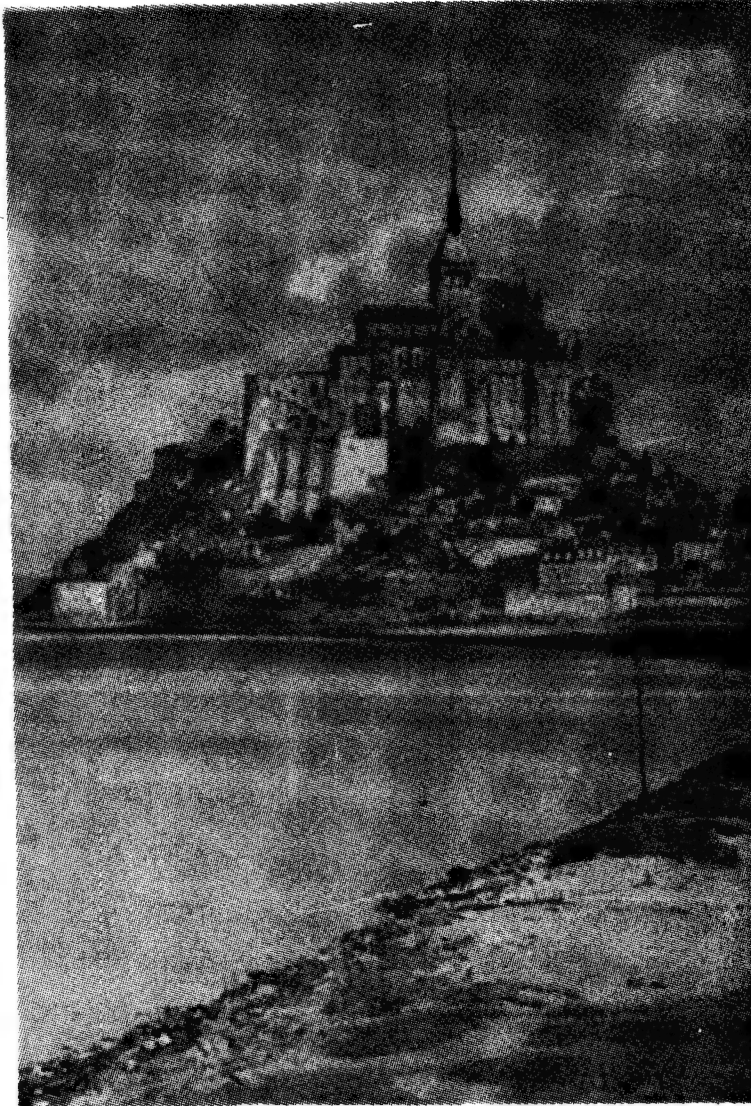
جشنها واعیاد:

۱۴ ژوئیه روزباستی تعطیل ملی فرانسه است که بمناسبت آزادی فرانسه از زنجیر استبدادو حکومت مطلقه تمام افراد ملت روز وشب به پایکوبی و رقص در خیابان ها اشتغال دارند و آتش بازی و نمایش ها ورژه‌های نظامی وانواع سرگرمی ها وبازیها معول است.

آوازورقصهای‌محلی وجشنهای‌محلی بالباسهای محلی در فرانسه زیاد است.

مثلا در بورگوندی در فصل چیدن انگور این جشن ها انجام میشود و باسك، پرووانس والزاس جشن رقص و آواز همه ساله برپا میشود.

ورزش: انواع آن در فرانسه مناسب با فصل وجود دارد. در تابستان در حدود ۳۵۰ پلاژ در سراسر ۲۰۰۰ میل خط ساحلی کنار اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه دائر است. وسائل شنا و شیرجه و اسکی آبی و قایق رانی وراندن قایق های بادبانی و ماهی گیری فراهم است و در پاریس علاوه بر کنار رود سن، استخرهای شنا و هم در نقاط دیگر درون فرانسه استخرهای شنا وجود دارد. در زمستان در ظرف ۷۰ دقیقه میتوان با هواپیمای ارفرانس از پاریس به مراکز اسکی وورزشهای زمستانی کوههای آلپ فرانسه رسید و حتی در تابستان‌میتوان باتله فریك به



فرانسه : مونت‌سن‌میشل درساحل باختری‌فرانسه مانند دژی‌زیبا برتپه‌ای بناشده خانقاهی در قله آن قرارگرفته ودرمیان آبهای مواج اقیانوس چون گوهری می درخشد .



فرانسه : دوشیزهٔ زیبای برتونی در گونکارنو

ارتفاع ۱۳۰۰۰ فوت در دامنه های **اگوئی‌دمیدی** رسیده اسکی کرد این تله فریك از **شامونیکس**حرکت میکند و از تمام تله فریکهای‌جهان مرتفع‌تر است . اسکیتینگ ، بریج، نیز فراهم است ، وسائل اسب سواری ، گولف ، تنیس، کریکت، وپرواز باهواپیما های بی موتور (گلیدر) نیز وجود دارد .

ــ تنها دو آسمان خراش نیویورك (یکی بارتفاع ۱۲٤۵ و دیگر بارتفاع ۱۰۷۰ فوت) از برج ایفل بلندتر است .

ــ **مادام‌ماری‌کوری** (کاشف رادیوم)، پاستور (کاشف واکسن)، **ولوئی‌لومیر** (مخترع سینماتو ــ گراف) فرانسوی بوده‌اند . و همچنین **برائی** مخترع طرزآموختن نوشتن به کورها که بنام متدبرائی معروف‌است .

ــ فرانسه نیز مدعی اختراع ماشین بخار ، عکاسی ، تلفون، اتومبیل ،فوتوگراف ، و موتور انفجاری ، ماشین محاسبه وبسیاری از اختراعات دیگر وهمچنین‌مدعی کشف راکسیون زنجیر آتمی نیز هست .

پاریس

سابقا به عروس کشورهای‌جهان شهرت داشت و شاید تابامروز هم این عنوان را حفظ کرده باشد. کلمه پاریس برای هر انگلیسی و امریکائی و شاید سایر اروپائیان مبین نشاط و شادی و درك لذت زندگی است .

شبهای پاریس در جهان بی‌نظیر است و کتابها راجع به آن نوشته شده . پاریس دارای ۶۰ تآترو ۳۶۰ سینما ، ۱۰۰ کاباره وسالون موزیك است و شما میتوانیه بین بالت ، اوپرا ، درام ، کمدی‌سبك، بورلسك (نمایشهای هجائی و خنده آور و تقلیداشخاص و طبقات) و (استریپ‌تیز) رقصهای زنان برهنه هرکدام را که مطابق ذوق‌شماست انتخاب کنید .

در تآترهای دولتی **کمدی‌فرانسز تآتر ناسیونال پوپولر ، تآتر دو ــ فرانس ، اپرا ، واپرا کمیك** برنامه نمایش هر شب تغییر میکند برای موسیقی دوستان سالنهای کنسرت متعدد از قبیل **پلایل‌وگاوو** مرتبا دائر است جاهائی نیز در پاریس شبها دائراست که خاص پاریس و نمونه مخصوص این شهر است مانند کاباره های **لیدو،مولن روژ ،نتان** (دنیای فانی یا عالم فنا) کاباره های محله **مونت‌مارتر وپیگال‌وسن‌ژرمن‌دپره** .

کازینو دوپاری ، و فولی برژه دو مرکز نمایشهای واریته است که بیشتر آن نمایش ها با رقص های دختران برهنه یا نیمه لخت انجام میشود و معروفیت جهانی دارد .

در پاریس چند آژانس مسافری وجود دارد که با بهای ارزان جهانگردان را با اتوبوس بگردش شبانه میبرد تا«**پاریس‌شب**» یا «**شب پاریس**» و نقاط سرگرمی شبانه را بآنها نشان دهد .

شاید هیچ شهری در جهان مالك آنقدر مناظر و مظاهر دیدنیها و جنبه های متنوع مختلف نباشد. در این شهر نورانی و شاد جنبه های دیگری راهم کشف خواهید کرد **مانندپاریس شانز لیزه ،فوبورگ سن‌اونوره** مرکز جهانی مد وشیکی **پاریس آرتیست ها ونویسندگان**

پاریس حاوی خانه های قرن ۱۷ مانند **ایل‌سن‌لوی ، پاریس لوور،** برج **ایفل ، کاتدرال ، نوتردام و سایر نقاط معروف** و برای **دیدن** نقاط دیدنی بهتراست از برنامه های توریست درون شهر استفاده کنید .

اگر نمیدانستید بدانید که :

ــ فرانسه دارای سریع السیر ــ ترین لکوموتیو راه آهن و قوی ــ ترین‌کارخانه های هیدرو الکتریك و مرتفع ترین‌راه آهن تله فریك (در **اگوئی‌دومیدی** بارتفاع ۱۲۵۰۰ فوت)میباشد .

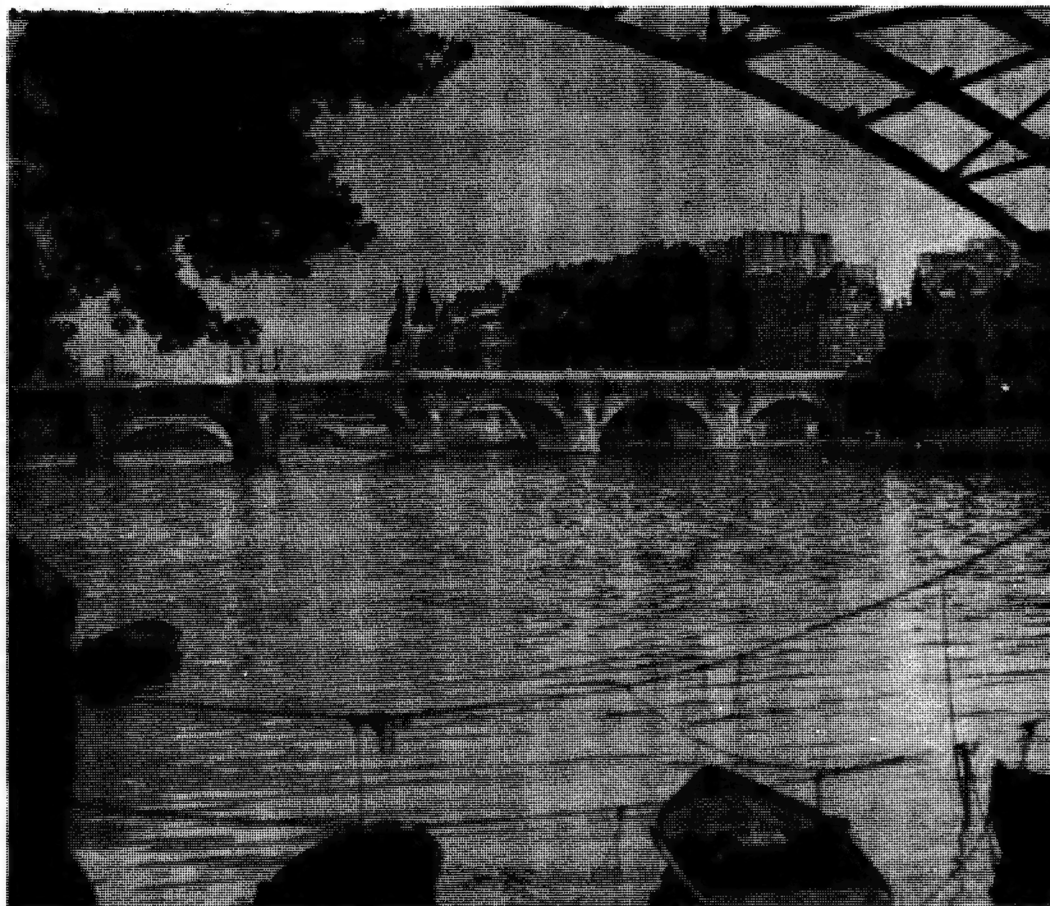
ــ در پاریس ۶۲۰۰۰ دربان‌هتل ۱٤۰۰۰ اکتر (هنرپیشه) و۳۷۰۰۰ پیشخدمت کافه وجود دارد .

نقاط دیدنی پاریس

ــ**میدان کونکورد** (پلاس‌دولا کونکورد) بزرگترین و زیباترین میدان در اروپا (بمساحت ۹۰۰ر۰۰۰ فوت مربع) که در **وسط آن اوبلیسك لوکسور** (ستون قدیمی ۳۳۰۰ ساله مصر که به پاریس آورده شده) با خطوط هیروگلیفی قدیم که بر آن‌حکاکی شده سر بفلك برافراشته و درگوشه جنوب غربی این میدان **لوئی** شانزدهم و عده زیاد دیگری رادر انقلاب با **گیوتین** اعدام کردند .

ــ**شانزه‌لیزه** خیابان وسیع معروف وگردشگاه مهم پاریس که از میدان کونکورد تا طاق نصرت (آرك دوتریومف) امتداد یافته و سینماها و مغازه های شیك و کافه تراس های متعدد درآن‌وجود دارد .

پاریس : پل نف (پونت‌نوف) برروی رودخانه سن



پاریس : برج ایفل‌درشب



ـ**ارك‌دوتریومف** که ناپلئون آن را ساخته و فرانسویان آن راسمبل افتخارات ملی خود میدانند در زیر آن قبر سرباز گمنام جنگ جهانی اول قرار گرفته و ۱۲ خیابان وسیع (بشکل ستاره) از میدان دورآن‌که **پلاس دوله‌توال** نامیده میشودمنشعب‌شده . آسانسور شمارا ببالای‌این‌طاق‌نصرت‌میبرد و منظره این خیابان هارا از آن‌جا ملاحظه خواهید کرد .

برج‌ایفل که سمبل خاص پاریس است و ۱۰۵۰ فوت‌ارتفاع‌داشته شاهکار مهندسی است وآسانسورشما رادرسه نوبت ببالای‌برج‌میبردتادور نمای پاریس را ببینید .

اوپرا که بنائی زیباست و به معماری **گارنیه** در عهدناپلئون سوم ساخته شده .

ـ**پلاس‌دولوپرا** میدان **اپرا** و خیابان اپرا .)

اکول‌میلی‌تر (مدرسه نظامی که ناپلئون بناپارت وقتی‌ومارشال فوش زمانی شاگردان آن مدرسه بوده‌اند .)

عمارت مرکزیونسکو نزدیك اکول میلی‌تر .

نوتردام ـ کلیسای‌معروف‌پاریس که در ۱۱۶۳ ساختمان آن آغاز و در ۱۳۵۰ بپایان رسید .

موزه‌لوور که از غنی ترین موزه‌های جهان است و بخش های آثار خاوری مانند مصر و ایران را نیز در آن خواهید دید .

سن شاپل ، قصر دوشایو ، موزه ملی مدرن ، قصر بزرگ وکوچك

موزه انوالید که مقبره ناپلئون بناپارت درآن قرار گرفته وموزه اسلحه قدیم و آلات و ادوات‌نظامی و پرچم ها و یادگارهای عصر ناپلئون در آن دیده میشود .

پانتئون که مقبره ملی رجال بزرگ و معروف فرانسه است مانند روسو ، ولتر ، ویکتورهوگو و جمعی دیگر .

کنسرواتوار ملی هنر ها واشیاء شامل موزه صنعتی ووسائط نقلیه

کلیسای قدیم پاریس ، مانند سن اتین دومونت ، سن اوستاش، سن ژولیان لوپوور ، و سن‌ژرمن لوگزروئه .

موزه های واقع در بناهای تاریخی بشرح زیر :

موزه کلونی .

موزه کارناواله که در سی اطاق آن سی منظره از **پاریس و حوادث** مربوطبسکنه آن را از **زمان هانری** چهارم تا بامروز نمایش میدهد .

موزه هنرهای تزئینی که در یك ضلع لوور واقع شده .

موزه گرهون که در آن مجسمه های مومی و مجالس و حوادث مربوط بزنان و مردان پاریس دیروز و امروز رانشان میدهد .

محله مونت مارتر و ساکره کور که از آنجا منظره پاریس بسیار زیبا است.

باغهای قصر شاهنشاهی (پاله رویال)

گراندبولوار که از کلیسا و خیابان مادلن واوپرا تا میدان جمهوری امتداد دارد .

باغهای تویلری

محله‌ماره در ساحل طرف راست رود سن .

محله لاتن وبولوار سن میشل .

سن‌ژرمن‌دپره کلیسای قرن ۱۱ .

جزیره سیته (ایل دولاسیته) که جزیره‌ای است برروی رودسن و کلیسای‌نوتردام درآن قرارگرفته .

ایل‌سن‌لوی نزدیك جزیره‌بالا

سواحل رودسن .

بوادوبولونی (جنگل‌بولونی) که گردشگاه عشاق پاریس است .

بوادوونسن (جنگل ونسن)در شرق پاریس که باغ وحش وشاتو دوونسن در آن‌واقع شده .

پلاس دولاباستیل که جشن ۱۴ ژوئیه بیادگار آزادی زندانیان باستیل و اعلام آزادی ملت فرانسه در اطراف آن منعقد میشود .

باغها و پارك هـای پـاریس

که تعداد آن زیاد است و همه‌روزه کودکان و گلهای رنگارنگ و پرندگان و هم عشاق را درآن‌نقاط خواهید دید .

نمایشگاه های ملی صنعت وتکنیك

ایل دوفرانس :

(حومه پاریس) نام ایالتی است که پاریس در وسط آن واقع شده دراین منطقه نقاط زیر دیدنی است :

قصرورسای ،(بفاصله ۱۲ میل‌تا پاریس) مقر پادشاهان فرانسه .

لامال‌مزون (ده میلی پاریس) محل زندگی ژوزفین با ناپلئون حاوی آثار دوره‌ناپلئون از اثاثیه و تزئینات خانوادگی خانـــه امپراطور .

سن‌ژرمن آن‌لی (۱۴میلی‌پاریس) که شاتوی آن دیدنی است .

شانتیللی (۲۵ میلی پاریس) و جنگل و شاتوی مجاور آن.

جنگل‌فونتن‌بلو (۳۷میلی‌پاریس) . قصر فرانسوای اول و آثـار ناپلئون .

نورماندی وبریت‌تانی در باختر فرانسه وسواحل آن

دوویل از سواحـل زیبا دارای کازینو و پلاژ .

پلاژهای حمله‌باروپا یادگارحمله باروپا در ژوئن ۱۹۴۴ و پیاده شدن متفقین در این نقطه در جنگ دوم جهانی .

مونت سن میشل : قریه ئیست از آثار قرون وسطی که بدور آن‌دیوار قلعه مانندی‌کشیده شده وبرروی‌یك تپه مخروطی‌شکل درساحل اقیانوس اطلس بنا شده و هنگام مد محصور به آب میشود در قله آن خانقاهی ساخته شده منظره‌ئی تماشائی دارد .

بریت‌تانی ـ سرزمین افسانه ها و حوادث‌تاریخی قرنهاست و وقایع تاریخی بسیاری را در خاطر دارد .

سن‌مالو شهر کوچکی است بـر تپه های ساحلی سبز و خرم دارای **پلاژ** که‌سیاحان و دریانوردان‌باستانی از آن نقطه عازم چین و کانادا گشته‌اند .

دینان ودینار دو نقطه مـطلوب توریستها در ساحل اقیانوس است .

لایونت دورز ، **کوئیمپر** ، **کون کارنو** ، **کارناك** هر يك دارای خصوصیاتی دیدنی است .

دره‌لوار یا **وله‌دولوار** ازجذابـ ترین ایالات فرانسه است وشهرهای **شینون** (که ژاندارك از لورن بدانجا نزد شارل هفتم آمده و تعهد دفع بیگانگان را کـرده است) ، **لوشس**،**لانگیه**، **شومونت‌ازی‌لوریدو**، **ویلاندری** ، شنونسو ، شامبورد و شونری در آن دیدنی است .

ایالت پرووانس شهرهای **اورانژ** ، **اوین یون** ، **کامارگو** ، **بندرمارسی**، **اکس آن پرووانس** در آن دیدنی است .

ریویراوکورسیکا کوت دازور یا ریویرای‌فرانسه درساحل مدیترانه شهرت جهانی دارد . **کرسیکا** (که ۴۵ دقیقه با هواپیما با نیس فاصله دارد) .

وسائط نقلیه در پاریس :

راه آهن ازپاریس به‌تمام شهرها: بهای بلیط‌درجه اول هر میل ۱۲ر۰ فرانك درجه دوم هر میل ۲۰ر۰ فرانك .

ـ **اتوبوس** ـ سرویسهائی هم در درون شهر و هم برای مسافـرت بخارج وجود دارد . برای درون شهر بایـد نقشه خطـوط حرکت اتوبوسها را خریداری کنید وبهتر است دسته بلیط تهیه نمائید .

بعضی خطوط اتوبوس تا صبح و برخی تا نیم شب و بیشتر آنها تا ساعت ۹ شب کار میکنند .

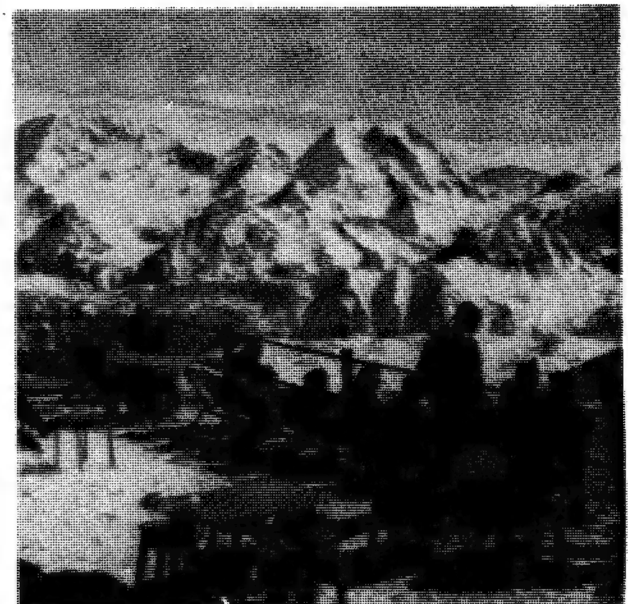
ـ **تاکسی** : نرخ تاکسی هـر کیلومتر ۵۰ر۰فرانك و بهای سوار شدن اول۵۰ر۱ فرانك است هنگامی که تابلو تاکسی متر کـلمه لیبر (آزاد) را نشان‌میدهد تاکسی برای سوار شدن آزاد است .

ـ **مترو** (ترن زیرزمینی پاریس) سرویس منظمی است و در هرنقطه میتوان بسرعت و با سهولت بنقطه دیگر شهر رسید ولی باید نقشه خطوط مترو را خریداری کرده و با آن آشنا شوید و بهتر است برای آن نیز دسته بلیط گرفته همراه داشته باشید .

آلپ فرانسه ودره‌رون برای اسکی در فصل زمستان بسیار شایسته است نقاط دیدنـی آن بریانسون ، آنسی ، اکسی‌له‌بنس ، لیون .

خاور فرانسه شهرهای دیدنی آن شامپانـی **لورن** ، **نانسی** ، **استراسبورگ**، **کولمار** ، **بورگوندی** وغیره .

فـرانسه : گورشه ول در ساووی



فرانسه : بندرکاسیس در مونت سن‌میشل





منظره هوائی . ابنیه و عمارات مقرادارات دولت هلند در لاهه

به هلند میروید؟

هلند ـ یا ـ ندرلند
مساحت : ۱۵٫٤٥۰ میل مربع
جمعیت (۱۹۶۲): ۱۱٫۷۲۱٫٤۱۶ نفر (۹۲۹نفر در هر میل مربع)
پایتخت ـ آمستردام
مقر دولت و ادارات دولتی ـ لاهه
زبان : هلندی
حکومت ـ سلطنت مشروطه
واحد پول ـ خلدن (یاگیلدر یا فلورن) که به ۱۰۰ سنت تقسیم شده و معادل ۲۱ ریال میباشد (متغیر)
مذهب : ۳۸٫۵٪ کاتولیك ، ۳۱٪ مذهب اصلاحی هلندی، ۱۳٫۳٪ پروتستان ، ۰٫۲٪ یهودی ۱۷٪ لامذهب وسایر مذاهب
شهر های عمده : آمستردام ـ پایتخت و مرکز مالی (۸۶۵٫۷۰۳ نفر) . روتردام ـ بندر عمده (۷۳۰٫۲۲۵ نفر) . لاهه ـ مقر دولت (۶۰۵٫۷۱۳نفر) اوترخت ـ مرکز راه آهن (۲۵۸٫۲۵۵ نفر) . ایندهوون ـ مرکز صنعتی (۱۷۲٫۳۸۸ نفر) هارلم ـ مرکز گل لاله (۱۷۰٫۳۷۳ نفر)
هلند از کشور های سلطنتی و صنعتی اروپا است محکمه داوری بین‌المللی در لاهه قراردارد .

صنایع رادیو سازی ماشین های کشاورزی وسائل الکتریکی مصالح ساختمانی کشتی‌سازی صنایع شیمیائی و داروسازی پارچه بافی و ماشین آلات پارچه بافی کنسرو سازی پتروشیمی و مواد گاز طبیعی از مهمترین صنایع هلندبشمار میآیند .

هلند عضو شش کشور تشکیل دهنده بازار مشترك و عضو پیمان اتلانتیك شمالی است . لاله هلند و پنیر و لبنیات آن کشور در تمام جهان شهرت دارد و گاو و گوشت گاو از مهمترین صادرات هلند بشمار میآید .

ملکه هلند ژولیانا و همسرشان پرنس برنهارد و ولیعهد هلند پرنسس بئاتریس در سفر خود بایران در سال ۱۹۴۲ از دهاتیکه در مناطق زلزله زده اطراف قزوین توسط هلندیها تجدید بنا شده‌اند بازدید بعمل آوردند .

آمستردام دروازه قدیمی اروپا

در قرن هفدهم هجری که‌دوران طلائی هلند بود شهر زیبای آمستردام را تاج اروپا می نامیدند در حقیقت این نام بسیار برازنده ومناسبی برای پایتخت هلند بود زیرا هلند باجمعیتی کمتر از یك ملیون نفر موفق شده بود که به سراسر اقیانوسهای جهان دست یابد وبهترین موفقیت هارا از نظر تجارت وحمل ونقل برای خود ایجاد نماید . یکی از علل بزرگ این موفقیت وضع جغرافیائی خاص این کشور است که بین کشورهای بزرگ اروپای غربی ودر دلتای رود خانه های «راین» ـ «مانس» و«شاد» قرار گرفته وعلت‌دیگر پشتکار ـ فعالیت واستقامت مردم هلند است که در اعتلای نام کشور خود از هیچ کوششی فرو گذار نکرده‌اند .

آمستردام علاوه براینکه دارای بندر مجهزی است دارای فرودگاه بین المللی معروفی است که خطوط بین المللی روزانه ۱۲۳ شهر از ۱۷۲ کشوررابهم‌مربوط میسازند . آمستردام از قرنها قبل مرکز تقاطع راهها برای مسافرت بتمام کشور های اروپائی وشاهراه حمل

ونقل بین المللی بوده وبعلت آنکه با قسمت بزرگی از اروپای مترقی نزدیك است بدروازه اروپا معروف وملقب گردیده است .

آمستردام امروز نیز از لحاظ امور حمل ونقل بین المللی و تجارت دارای موقعیت فوق العاده مناسب وممتازی است .

حلقه شهر های هلند

جمعیت هلند سالیانه ۱۵۰ر۰۰۰ نفر افزایش مییابد باوجود آنکه از بعد از جنگ تاکنون ۴۰۰ هزار نفر از این کشور مهاجرت کرده وسالیانه عدهزیادی نیز از کشور خارج میشوند . متخصصین پیش بینی میکنند که تا اواخر قرن حاضر جمعیت این کشور به ۲۰ ملیون نفر بالغ خواهد گردید .

اکثر مردم هلند در قسمتهای شمالی وجنوبی هلند سکونت دارند وبر خلاف اکثر کشورها که قسمت اعظم جمعیت در چند شهر بزرگ ساکن میشوند اهالی هلند کوشش میکنند که نواحی اطراف شهرها را نیز آباد نموده ودر آن سکنی نمایند ودر نتیجه شهرها وقصبات نزدیك بهم تشکیل حلقه ای را دادهاند این حلقه که قطر آن بین ۳۵ الی ۴۰ میل است شهرهای بروگی چون آمستردام (۹۰۰ر۰۰۰ نفر) هارلم (۱۷۰ر۰۰۰ نفر) لیدن (۱۰۰ر۰۰۰ نفر) لاهه (۶۰۰ر۰۰۰ نفر) دلفت (۸۰ر۰۰۰) نفر شیدام (۸۰ر۰۰۰ نفر) روتردام (۷۵۰ر۰۰۰ نفر) گودا (۵۱ر۰۰۰ نفر) اوترخت (۲۵۰ر۰۰۰نفر) وهیلور سوم (۱۰۰ر۰۰۰ نفر) وتعداد زیادی دهکده وقصبات را شامل میشود که جمعا متجاوز از ۵ ملیون اهالی هلند در این حلقه بزرگ وآباد زندگی میکنند .

این قسمت ازهلند که بنامحلقهی بزرگ معروف است تمام مظاهری که هلند را درسرتا سرجهان معروف ومشهور نمودهاست مانند گلزارهاو لاله زارها ومزارع شرورش پیاز گل بین هارلم ولیدن ــ دهکده معروف آلسمیو که محل صدور گلهای چیده شده هلند است وبباغ هلند معروف است ــ زمین های حاصلخیز غرب هلند وناحیه جنوبی لاهه که بعلت تولید انواع میوه های بسیار خوب در سراسر اروپا معروفیت زیاد دارد ومناظر مختص به کشور هلند باتمام مظاهر و زیبائی های خود بچشم میخورد .

مزارع وزمینهائی که سابقا دریا بوده ــ مراتع سرسبز باگاوهای اصیل سیاه وسفید ــ سدهای متعدد ــ آسیاهایبادی ــ کانالهای متعدد ودریاچههای زیبا (که از لحاظ ورزشهای آبی بهشت دوستاران این قبیل ورزشهاست) در کنار شهرهای زیبای هلند که قدمت تاریخی داشته وساختمانهای مدرن آن توام باموزهها وگالریها و نقاط دیدنی است که بینندگانرا دچار شگفتی واعجاب مینماید .

صنایع در هلند

اکثر مردم جهان کشور هلندرا جزء کشورهای فلاحتی قلمداد میکنند . شاید این طرز تفکر در پنجاه سال قبل درست بود لکن امروز در حدود صدی ۱۰ از مردم هلند از راه کشاورزی ودامداری وکارهای مربوطه اعاشه مینمایند .

البته هنوز هم این دورشتهدارای اهمیت زیادی درهلند است معذالك باید بخاطر داشت که اقتصادیات هلند بطور کلی بستگی بفعالیتهای صنعتی آن دارد تابه جائیکه بیش از نصف مردمی که قادر بانجام کاری هستند در کارخانجات و تاسیسات وابسته بآنها کار میکنند .

ازدیاد روز افزون جمعیت پیشرفتهای صنایع و تغییریکه در وضع این کشور در سالهای اخیر حاصل شد باعث شد که هلند بصورت یك کشور صنعتیباصادرات قابل ملاحظه تبدیل گردد و هم اکنون متجاوز از یكثلثمحصولات کارخانجات هلند بخارج صادر میشود و موسساتی که سهمبزرگی در این صادرات داشته ومعروفیت بینالمللی دارند عبارتند ازفیلیپس (ایندوون) یونی لیور (رتردام) شل (لاهه) کاــ الــام(لاهه)و بالاخره آکو(آرنهم) .

آمستردام

دارای کاخها و ساختمانهای قرون هفدهم و هیجدهم استکه در محاذی کانالها ساخته شد و جلوه فوقالعادهای باین شهر قدیمی داده است . بنظرخارجیان این شهر دارای آرامش و وقار مخصوص بخود و دارای محیط دوستانه و دلپذیری است وبغیر از چند منطقه بازرگانی که دارای ساختمان های مدرناست این شهر قیافه قدیمی خود را حفظ کرده. و انسان را بیاد آمستردام قرن هفدهم می اندازد که بنام «تاج اروپا» معروفبود و چون تعداد فوق العاده زیادی کانال و آبروها باعث شده است که آمستردام را «ونیز شمالی » بنامند و عبور ازداخل شهر بروی این کانال ها آنقدر لذت بخش و دیدنی است که خاطره شیرین آن هیچگاه فراموش نخواهد شد .

صرف نظر از قدمت و زیبائی های منحصر بخود آمستردام دارای کافهها ــ کاباره ها ــ گردشگاه ها وهزاران تفریحگاههای مدرن است که در حوالی میدان معروف شهر بنا شده و هرکس از این شهر دیدنی کند هیچوقت محیط صمیمی و دوستانه ومحبت های مردم مهمان نواز شهررا فراموش نخواهد کرد .

جا های دیدنی

کاخ سلطنتی (۱۶۴۸) کلیسای جدید (۱۴۱۷) کلیسای قدیمی (۱۳۰۶) وسترکرك (۱۶۳۰) زویدوکرك (۱۶۱۱) کلیسای آگنیتکن (۱۴۷۰) وبرج معروف اشك (۱۴۸۸) علاوه بـ ساختمانهای بالا تعداد زیادی موزه که دارای شهرت های بین المللی است وآثارگرانبهایاستادان مسلم هلندی در آنها جایگرفته است در آنجا وجوددارد که از آنجمله موزه «ریکس» است که کلکسیون معروف رامبراندوشاهکار های «نگهبان شب» را بمعرض نمایش گذاردهاند . موزه شهرداری که دارای شاهکار هائی از هنر کلاسیك و مدرن است ،موزه تروپیکال و خانه رامبراند که محل سکونت استاد نقاش از سال ۱۶۳۹ تا ۱۶۵۸ بود همه دارای آثاری است که در نوع خود در دنیا بی نظیراست. بهترین آثارمعماری مدرن رامیتوان در حوالی آمستردام دید . مرکز بورس و بانك وبیمه کشوری از آثاری است که واقعا بدیدنش میارزد .

دروازه اروپا

آمستردام از قدیم مرکز تجاری و بندری فعال بوده و هنوز هم اکثر فعالیتهای شهر براین محور اصلی دور میزند و آمستردام محل تقاطع اکثر خطوط دریائی و هوایی است و بعلت وجود راههای زمینیبسیار خوب و متعدد بتمام شهرهای هلند و سایر کشورهای اروپائی مرتبط است و از لحاظ حمل و نقل ترانزیتی دارایاهمیتفوقالعادهای است.

قرنهاست که آمستردام بعلت موقعیت جغرافیایی خاص خود که در بین شریانهای حیاتی اروپا یعنی رود های راین و ماس قرار گرفته است بنام دروازه اروپا معروف گردیده است لکن در حال حاضر فعالیت های کشتی رانی بیشتر به بندر روتردام بزرگترین بندر اروپا منتقل شده است. بعلت تراکم جمعیت در هلند و وسایط نقلیه زمینی فراوان استروزانه۱۸ قطار سریع السیر بکشورهایمجاور رفت و آمد میکنند .

فرودگاه شیفول بزرگترین فرودگاه کشور هلند است وازاین طریق میتوان بآسانی بتمام شهر های مهم اروپا مسافرت نمود فاصله این فرودگاه تا شهر آمستردام نیم ساعت است .

کشور هلند دارای بهترینو مدرن ترین شبکه جادههای اصلی دراروپاست که با اکثر شاهراههای اروپائی مربوط میباشد و ازاین لحاظ تسهیلات فوقالعاده زیادی برای امور تجارت و سیاحتفراهم شده است .

لاهه

با وجود آن که آمستردام رسما پایتخت کشور هلند است معذالك مقر حکومت شهر لاهه است که هنوز هم بعضی از اهالی هلند آن را بزرگتریندهکده اروپا مینامند ــ تاریخ ساختمان این شهر به ۷۰۰ سال قبلمیرسد. لاهه یا «گروان هاك» در اصل بمعنی باغ اشراف است و ازاین جهت باین نام معروف استکه از صدهاسالقبلمحلتفریحواستراحتگاه کنتها و اعیان هلند بوده است. شهر لاهه دورادور قصر معروف ریدرزال که در سال ۱۲۸۰ ساخته شده است بنا گردیده و اکنون دارای ۶۰۰ هزار نفر سکنهاست. این کاخ که هنوز هم مرکز ادارات دولتی است مانند نگینی در میان ساختمانهای بزرگ دولتی احاطه شده و محل تشکیل مجالس اعیان و شورای پارلمان هلند است که دوره اجلاسیه آنهاهر ساله در سومین سه شنبه ماه سپتامبر بوسیله علیاحضرت ملکه هلند طی مراسم با شکوهی افتتاح میشود .در این مراسمعلیاحضرت ملکه سوار برکالسکه طلائیمعروف از خیابان های شهر گذشته و بهپارلمان میرود .

لاهه از نظر معماری گوتیك ورنسانس معروفیت جهانی دارد و از نظر ساکنین سایر شهرهای هلند شاید خیلی کلاسیك بنظر میرسد لکن در هیچ جای اروپا پارکها و باغهای پراز گلمانند لاهه وجود ندارد و بخوبی این شهر از آنها نگاهداری نمیـ شود دادگاه بین المللی که درکاخ صلح تشکیل میشود نیز درلاهه واقع شده و این شهر علاوهبر مقر حکومت پادشاهی هلند از لحاظ این دادگاه نیز دارایاهمیت فوقالعاده است.

شوینگن که درحومهساحلی لاهه است زیبائی های یك دهکده ماهیگیری را با سایر شرایط بسیار مساعد و مدرن امروزیدر کرانه دریا توام نموده است واز نظر جهانگردان بهشتهلندمحسوب میشود .

شهر کوچك وزیبای«مادورادم» بین لاهه و شوینگن قرارگرفته است.

رتردام بزرگترینبندر اروپا

رتردام دومین شهر بزرگ هلند دارای ۷۵۰ هزار نفرسکنه و شهری تجارتی و صنعتی استکه از لحاظ تاسیسات بندریبزرگترین بندر اروپا شناخته شده و پس ازنیویورك بزرگترین و فعالترین

بندرجهان است.

ازآثار ساختمان های قدیمی که بگذریم باید از ناحیه زوی درزی‌که مظهر مبارزات پایان ناپذیر هلند برعلیه دریاست نام برد .

دراین ناحیه که تمامی زمین ها و مزارع آن از دریاگرفته شده است جنگ دائمی هلندیها برعلیه طغیان آب دلتا ادامه و سعی میکنند با بستن سدهای عظیم و آباد نگاه داشتن این منطقـه از حوادثی مانند فاجعه سال ۱۹۵۳ که سدهای دریائی شکسته شـد جلو گیری نمایند .

هلند علاوه برآن که ازکاروان تمدن و ترقی عقب نمانده است. پیشرفت های سریعی در این راه نموده و بهرکجا بنگرید آثـار فعالیت و کوشش های ثمربخش این ملت با پشتکار و مقاوم بچشم میخورد و هرروزه پروژه جدیدی ازخانه سازی ـ کارخانجـات‌سد سازی و غیره بچشم میخورد که موید شعار معروف هلندیهاست‌که بزبان خود میگویند «ماکشورمان را آباد نگاه خواهیم داشت.»

بعضی اطلاعات سودمنددرباره‌کشور هلند

خشك انداختن دریا: هلند را بفرانسه **پی‌با** یعنی زمین پست نیز مینامند زیرا چهل در صد ازاراضی آن ازسطح دریاپائین‌تر قرارگرفته (فرودگاه آمستردام (سکیفول)۱۳ فوت زیر سطح دریا واقع شده) و چهل در صد از اراضی‌آن‌بوسیله خشکانیدن دریا و پیش بـردن خاك بطرف اقیانوس بدست آمده. مرتفع‌ترین نقطه هلند تنها ۱۰۰۰ فوت از سطح دریا ارتفاع دارد.

آب وهوا : زمستان هلند زیاد سرد نیست وتابستان آنهم چندان گرم نیست و بسبب جریان آب گرم گولف‌استریم از دریای کارائیب (خاور امریکای مرکزی) و باد سرد غربی آب و هـوای این کشور معتدل است.

بهترین ماههای هلند ازلحاظ آب و هوا ماه مه تا سپتامبراست و روزهای ژوئیه کامـلا آفتابی است .

وقت : ساعت هلند تابع‌وقت اروپای مرکزی است یعنـی یك ساعت از GMT جلوتر است

ویزاوگذرنامه : چون‌ترتیب آن تغییـر پذیر است قبلا بـا قونسولگری هلندیا آژانس هوائی کلم مشورت کنید.

زبان : درسراسرهلندانگلیسی را می‌فهمند وغالبا صحبت می‌کنند وهمچنین مردم آن غالبا فرانسه و آلمانی را هم میدانند . بسیاری ازهلندیها حتی‌اسپانیولی‌وایتالیائی را هم میدانند .

بانکها وپول : بانکها باستثنای روزهای شنبه و یکشنبه وتعطیلات ملی همه روزه از ۹ صبح تا ۳ بعد ازظهر باز هستند و چـك مسافری و پولهای خارجی راهم پذیرفته و تبدیل به پول رایج‌هلند میکنند .

تعطیلات ملی : ۳۰ آوریـل تولد ملکه .

تعطیلات خاص : اول‌ژانویه، جمعه نیکو ، دوشنبه عیدپاك، روز صعود حضرت مسیح.

نشانی‌ها : هلنـد دستگـاه سرویس اطـلاعـات جهانگـردی (توریسم) موثری بنام VVV دارد که درتمام شهرهای هلند دارای شعبه است .

نشانی شعبه آمستردام آن‌خیابان روکین شماره ۵ است.

مسافات : هلند کشورکوچکی است از آمستردام تا نوك جنوبی کشور تنها ۱۷۰ میل و تااقصی نقطه شمالی آن ۲۵۰ میل استو فاصله آمستردام تا آخرین مرز خاوری ۱۲۰ میل و تا جاخـتر و ساحل دریای شمال ۱۸ میـل است .

راه‌آهن : راه‌آهن‌هلندالکتریکی و بهای آن ارزان است.

خطوط هوائی از آمستردام بتمام نقاط اروپا و آسیا وامریکا دائر است.

خطوط دریائی : هلند دارای کشتی رانی موثری بین هلندو امریکاست که ۳۵ کشتی در آن کار میکند .

باربری : اجرت باربران‌ایستگاه راه آهن دربرابر یك جامه‌دان‌یا بسته بزرگ نیم فلورین و برای دو جامه‌دان ۶۰ر۰ فلورین و۳۰ر۰ فلورین برای هر جامه‌دان یا بسته اضافی البته اگر کسی مایـل باشد انعامی هم اضافه بآنها میدهد.

تاکسی : تاکسی ها تنهابوسیله احضار با تلفون میایندودرخیابانها درجستجوی مسافر گردش نمیکنند. نرخ تاکسی برای هر کیلـومتر ۲۵ر۰ تا ۳۰ر۰ فلورین است‌باضافه ۷۵ر۰ یا یك فلورین مبلغ اولیه یا اصلی غیر از انعام که ۱۰٪ است اجرت توقف و انتظار تاکسی ساعتی ۴۰ر۲ تا ۶۰ر۳ فلورین. کلیه تاکسی‌ها تاکسیمتر دارند .

کرایه اتومبیل : ازسایـر کشورها ارزان‌تراست.

انعام : در هتل‌هاورستورانها ۱۵٪ درساندویچ فروشیها ۱۰٪ولی معمولا آن را جزء صورت‌حساب منظور میدارند .

خرید : مغازه‌ها باستثنای یکشنبه از ۹ صبح تا ۶ بعدازظهروسیگار فروشیها تا ۷ بعد ازظهر بازاست. مغازه داران ملزم هستند که در هرهفته یك صبح یا یك عصردکان خود را ببندند و تعطیل‌کنند.





شرکت هواپیمائی مجرب و آزموده

کسانیکه به توفیق در امور بازرگانی و یا سفرهای تفریحی خـود علاقمندند حتما بایستی باهواپیماهای شرکتهای مجرب و آزموده هوائی مسافرت کنند . شرکت هواپیمائی لوفت‌هانزا تمام قدرت‌خود را مصروف راحتی و خوشی مسافرین خود میکند . پرواز جتهای مدرن لوفت‌هانزا به تمام نقاط مهم پنج‌قاره جهان وطرز پذیرائی از مسافرین در داخل **هواپیماها ودردفاتر** شرکت و **فـرودگاههـا** ، لوفت‌هانزا را موردپسند و علاقه کلیه مسافرین جهان نموده است شماهم برای یك مسافرت عالی این دفعه بـا

لـوفت‌هـانـزا

لوفت هانزا

پرواز کنید

بآژانس مسافرتی خود و یا در تهران به لوفت‌هانزا خیابان فردوسی ساختمان آفتاب شرق تلفنهای ۹ـ۳۰۵۱۶۵ و در خرمشهر و آبادان به شرکت سهامـی لوانت‌اکسپرس ترانسپورت مراجعه فرمائیـد .

از مفسر اجتماعی مؤسسه‌کاته

کویت مملکتی غنی بااقتصادی استوار ومردمی مرفه

وقتی از جنوب شبه جزیره عربستان بطرف شمال حرکت‌کردید و صحاری سوزان وریگهای روان این سرزمین پهناور راکه نه‌آثاری ازگیاه ونه علائمی ازآبادانی وکار وکوشش مداوم انسانی در آن بچشم میخورد پشت سرگذاشتید ناگاه درحاشیه شمال غربی این اراضی بایر وساکت درمنتها الیه یك‌جهنم سوزان چشمتان به‌منطقه آباد وشکوفانی می‌افتدکه درساحل بحرعمان چون مرواریدی تلؤلؤ دارد دراین منطقه که درفاصله کمی از ایران قراردارد کشور نوبنیاد کویت واقع شده است‌کشوری که درطی حیات کوتاه خود درتمام شئون زندگی به‌موفقیت‌های بزرگی نائل آمده ودر بسیاری از زمینه‌های اقتصادی واجتماعی برای بسیاری ازکشورها نمونه و سرمشق قرارگرفته بعنوان یك مملکت غنی بااقتصادی استوار وبا مردمی مرفه درنزد جهانیان شناخته شده است .

کوشش پیگیر برای‌کسب استقلال

کشور کویت در قرون‌گذشته بوسیله شیوخ این منطقه اداره میشد اما هنگامیکه کشورهای اروپائی بدنبال کسب بازارهای جدید ودسترسی بمنابع ثروت ومواد خام درکشورهای شرقی بطرق‌مختلف درصدد نفوذ واستیلا برآمدند کویت نیز براثر عوامل مختلف تحت سلطه سیاسی واقتصادی دولت انگلستان درآمد و منابع نفتی آن سرزمین مورد استفاده انگلستان قرارگرفت اما روح آزاد مردم‌کویت هرگز درهم کوفته نشد ومیل باستقلال وآزادی حتی برای لحظه‌ای در وجود آنان خاموش نگردید وسرانجام در روز نوزدهم ژوئن سال ۱۹۶۱ انگلستان بناچار درمقابل فشار استقلال طلبی مردم کویت عقب‌نشینی کرد وبناچار با استقلال‌کویت موافقت نمود .

ازاین رو مردم‌کویت این‌روز را مبداء تحول عظیمی برای‌کشور خود میدانندکه سرآغاز فصل جدیدی در حیات سیاسی و اقتصادی واجتماعی آنها گشته منشاء موفقیت‌های آتی آنها را تشکیل میدهد اکنون‌که قریب سه‌سال ازاین روز پرافتخار وتاریخی میگذرد وقتی به‌تحولاتی که دراین مدت‌کوتاه دراین‌کشور رخ داده مینگریم نیك درمییابیم‌که چرا مردم کویت تااین حد تشنه آزادی و استقلال بودند و چرا خاطره این روز را مبداء تحول کشورکویت بسوی استقلال و آزادی و ترقیات اقتصادی و اجتماعی بوده تا این حدگرامی میدارند.

توجه برفاه عمومی وپیشرفتهای اجتماعی

بهبود شرائط زندگی وتأمین رفاه عامه مسئله‌ایست که درکویت بدان توجه زیادی مبذول میشود بطوریکه امروز سطح زندگی مردم کویت همطراز با سطح زندگی بسیاری از ممالك پیشرفته است و هرروز درکشورکویت کوشش جدیدی بعمل میآیدکه باایجاد سازمانها و انجمن‌های مختلف شرائط زندگی مردم را درسطح عالیتری قرار داده ودر زمینه‌های مختلف ترقیات بیشتری نصیب جامعه شود در امر شهرسازی نیزکامیابی زیادی‌نصیب‌کویت شده است ساختمانهای شخصی ودولتی چندین طبقه سبك شهرسازی و خیابان بندی و وضع اسفالت خیابانهای عریض‌کویت همه طبق آخرین اسلوب مهندسی ساختمان ورعایت تمام جوانب فن معماری وشهرسازی نوین انجام گرفته ومیگیرد بعلاوه باایجاد باغها وگل‌کاری نه‌فقط کمك بزرگی بزیبائی شهرکویت شده بلکه در وضع بهداشت و آب وهوای شهر نیز تأثیر محسوسی داشته است .

فرهنگ پیشرو

تعلیم وتربیت دراین‌کشور درتمام سنین برای همه مجانی است وکلیه وسائل تحصیل وتفریح وورزش مجاناً دراختیار دانش‌آموزان گذارده میشود در کویت به‌دانش‌آموزان و دانشجویان بی‌بضاعت نیز از طرف وزارت فرهنگ کمك وهزینه تحصیلی داده میشود بعلاوه وضع بهداشتی آنان درمدنظر بوده حتی درصورت لزوم برخی ازآنها برای معالجه بخارج فرستاده میشوند .

شرایط کار درکویت ـ

در کشور کویت قوانین کار بخوبی تدوین گشته وبنحو مطلوبی اجرا میگردد مطابق این قوانین استفاده از تعطیلات بامزایا وحقوق برای کارگران و کارمندان تا سن ۵۰ سالگی ٤۵ روز مرخصی وبرای افراد مسن ۵۰ روز پیش‌بینی شده است بعلاوه میزان حقوق ودرآمد وسایر تسهیلاتی که برای کارمندان و کارگران وجود دارد اجازه داده است‌که آنها از وسائل ومایحتاج زندگی بهره‌کافی ببرند واکثر کارمندان دارای خانه واتومبیل‌باشند.

خطوط ارتباطی

کویت علاوه برراه خشکی ودریا دارای خطوط منظم‌هواپیمائی است‌که این‌کشور را باکشورهای عربی . ایران .کراچی . بمبئی . سویس . لندن . مرتبط میسازد .

بیمه وبانکداری

درکویت هماهنگ با ترقیات دیگر بانکها و شرکتهای بیمه تشکیل شده که سرمایه وسهام آن دولتی وملی است .

نفت یك منبع درآمد سرشارکه‌کویت راازعوائد گمرکی بی‌نیاز ساخته است .

منابع نفت‌کویت باندازه‌ای است‌که نه فقط این‌کشور را در ردیف بزرگترین کشورهای نفت قرارداده بلکه درآمد این سرزمین را بحدی رسانده‌که اگر بخواهیم آنرا بطور سرانه تقسیم‌کنیم بهر فردکویتی ٤۵۰ لیره میرسد واین میزان درآمد ملی‌درسایرکشورهای خاورمیانه بی‌نظیر است کشور کویت بادرآمد سرشاری‌که از نفت عاید آن میشود قادر است زندگی تمام افراد خودرا طبق بهترین اصول اجتماعی ازجمله فرهنگ وبهداشت وتمدن اداره نماید بهمین دلیل هیچگونه صدور دائمی درمقابل مصنوعات و منسوجات خارجی وجود ندارد وباگمرك ناچیزی که ازکالاهای وارده دریافت میشود (درحدود ٤٪) لذا هرتازه‌واردی‌که قدم باین‌کشور نوبنیاد میگذارد میتواند هرنوع کالائی را باقیمتی ارزان تهیه کند ازاین‌رو تصادفی نیست‌که سیاحان خارجی کویت را ازلحاظ ارزانی بی‌نظیر میدانند. نفت‌کویت بوسیله ۵ شرکت خارجی‌ویك‌شرکت ملی‌که اخیراً بکوشش وطن‌پرستان کویت تشکیل گردیده اداره وبهره‌برداری میشود ودرهمه آنها دولت نیز سهیم است منافع نفت اکثراً بمیزان ۵۰٪ و گاهی ۶۰٪ بین دولت کویت وشرکتهای عامل نفت تقسیم میشود و دولت کویت ازاین ثروت و منبع درآمد ملی بنفع شکفتگی بیشتر اقتصاد کویت و رفاه وسعادت بیشتر مردم این سرزمین پربرکت باهوشیاری ودرایت استفاده میکند .

از ایالات متحده امریکا و ۷برابر از هندوستان و ۶۰ برابر از ژاپون و ۹۰ برابر از بریتانیای کبیر بزرگتراست .
حداکثر طول مسافت اراضی اتحاد شوروی از شمال به جنوب قریب ۵۰۰۰ کیلومتر واز مغرب به مشرق ۱۰۰۰۰ کیلومتر است که در حدود يك چهارم طول استوارا تشکیل میدهد .
از ۲٤ نصف‌النهار زمین یازده نصف‌النهار خاك اتحاد شوروی را قطع میکنند موقعیکه اهالی‌مسکو شروع به صرف ناهار میکنندسکنه ساخالین روز نو را استقبال می نمایند .

عده جمعیت و تراکم سکنه اتحاد شوروی از چه قراراست ؟

عده جمعیت اتحاد شوروی در ۳۰ ماه ژوئن سال ۱۹۶۳ به ۲۲۵ میلیون نفر بالغ بوده‌است ·اتحاد شوروی پس از چین و هند مقام سوم را از لحاظ جمعیت درجهان حائز است .

چند ملیت در اتحاد شوروی سکونت دارند ؟

اتحاد شوروی ـ کشور کثیر‌ـ الملتی محسوب میشود · طبـق سرشماری سال ۱۹۵۹ـ۱۰۹ ملیت مختلف و ۱۱ گروه ملی کوچك در اتحاد شوروی سکونت دارند .
متجاوز از ۹۰ ملیت از مـلل بومی در اتحاد شوروی زندگی می کند که‌از نظر تاریخی درسرزمین اتحاد شوروی تشکیل شده‌اند . همردیف با چنان ملت های کثیر‌ـ العده‌ای مانند روسها (۱٤میلیون ۱۰۰ هزار نفر) و اوکرائینی (۳۷ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر) بلاروسها (۷ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر) وازبك‌ها (٦ میلیون نفر) و کازاخ ها (۳ میلیون و ٦۰۰ هزار نفر) و آذربایجانیها (۲ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر)وارامنه (۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر) و گرجی ها (۲ میلیون و ۷۰۰هزار نفر) ولتونی ها (۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر) و یهودیها (۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر) اقوام دیگری نیز وجود دارند که عده آن‌ها کمتراز یکهزار نفر است‌از آن جمله آلئوتها ـ نگاناسانی ها

بقیه درصفحه ٥(آ)۰۲

واورچهاو توفالاریها و یوکاگیرها و غیره .
ملل بومی اتحاد شوروی کـه ۹۷٫٦ درصد کلیه سکنه راتشکیل میدهنداز خود دارای حکومت‌های ملی میباشند · فقط نمایندگان مللی که قسمت اساسی آن ها در خارج از حدود اتحاد شوروی سکونت دارند (مانند آلمانیها ـ لهستانی ها ـبلغاریها ـ کردها ـیونانیها) دراتحادجماهیر شوروی‌سوسیالیستی حکومتی از خود ندارند .

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در چه تاریخی و چگونه تاسیس گردید ؟

بعداز پیروزی انقلاب اکتبر‌ـ روسیه جمهوری شوروی اعلام شد

برف تازه



اتحاد شوروی

زمستان فرارسیده

وضع جغرافیائی اتحاد شوروی از چه قرار است

اتحاد جماهیر شوروی‌سوسیالیستی در بخش شرقی اروپا و بخش‌شمالی آسیا و آسیای میانه قرار گرفته است .
اقصی ترین نقاط قلمرو اراضی اتحاد جماهیر شوروی بدین قرار است :

درشمال ــ انتهای جزیره‌رودلف در مجمع‌الجزایر فرانس ژوزف. (۸۱ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی) ــ در جنوب نزدیکی‌شهر کوشك ترکمنستان (۳۵ درجه و ۸ دقیقه طول شرقی) ــ درمغرب ناحیه شهر کالینین گراد (۱۹ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی) و در مشرق جزیره را تماثف درباب برینگ (۱٦۹ درجه و ٤۰ دقیقه طول غربی).

اراضی اتحاد شوروی از سمت شمال محدود است باقیانوس‌منجمد شمالی با دریای بارنس و دریای سفید و دریای کارسك و دریای لاپتوی و دریای سیبری و دریـای چوکوتسك ــدر سمت جنوب‌محدود است به دریای سیاه ــ دریـای آزوف و دریای خزر ــ درسمت مشرق به اقیانوس آرام و دریای برینگ‌و دریای آخوتسك ودریای ژاپون و در مغرب محدود است به دریای بالتیك .

در قسمت خشکی اتحاد شوروی محدود است به ۱۲ کشور : نروژـ فنلاند ــ لهستان و چکوسلواکی‌ـ مجارستان ــ رومانی ــ ترکیه ــ ایران ــ افغانستان ــ چین ــ مغولستان و جمهوری دموکراتیك توده‌ای کره . متصرفات ژاپون و ایالات متحده امریکا تقریبا در مجاورت مرزهای شوروی قـرار دارند . نزدیکترین جزیره ژاپون یعنی جزیره هوکایدو در ٤۳ کیلو متری جزیره ساخالین که متعلـق باتحاد شوروی است قرار داردو همچنین ایالت آلاسکا که یکی از ایالات متحده امریکا محسوب می شود بوسیله باب برینگ (که‌طول آن۸۵ کیلومتر است)از کامچاتکا جدا میگردد .

طول مرزهای اتحاد جماهیـر شوروی‌سوسیالیستی قریب ٦۰ هزار کیلومتر است که بیش از دو ثلث آن را مرزهای دریائـی تشکیل میدهند . اگر مسافری قصد کند بوسیله قطار که در هر شبانه روز ۱۰۰۰ کیلومتر مسافت طی میکند مرزهای اتحاد شوروی را بپیماید دراین صورت برای انجام این مسافرت باید دو ماه وقت صـرف کند .

وسعت خـاك اتحـاد جمـاهیـر شوروی سوسیالیستی چقدر است ؟

وسعت‌خاك اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی ۲۲ میلیون و ٤۰۰ هزارکیلومتر مربع است که‌متجاوز از ۱٦ درصد کلیه اراضی‌مسکونی را تشکیل میدهد.اتحاد شوروی‌از لحاظ وسعت خاك مقام اول را در جهان احراز نموده است . سرزمین اتحاد شوروی قریب ۲٫۵ برابر

بقیه درصفحه مقابل



و در خاك آن جمهوریهای مستقلی بوجود آمد . جمهوری روسیه در ماه نوامبر سال ۱۹۱۷ ــ جمهوری اوکرائین در ماه دسامبر سال ۱۹۱۷ ــ جمهوری بلاروسی درماه ژانویه سال ۱۹۱۹ ــ جمهوری آذربایجان در ماه آوریل سال ۱۹۲۰ ــ جمهوری ارمنستان درماه نوامبر سال ۱۹۲۰ و جمهوری گرجستان در ماه فوریه سال ۱۹۲۱ تاسیس گردید . در ماه مارس سال ۱۹۲۲ جمهوریهای آذربایجان و ارمنستان و گرجستان در جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی ماوراء قفقاز متحد شدند . در آسیای میانه و خاور دور نیز جمهوریهای شوروی و همچنین چندین جمهوری خود مختار در حدود فدراسیون روسیه تاسیس گردید .

کشورهای فنلاند واستونی و لتونی و لیتوانی و لهستان ازروسیه جدا شدند دارای استقلال سیاسی گردیدند و بعد مبدل بکشورهای بورژوازی شدند .

جمهوریهای نوبنیاد مستقل شوروی در مبارزه با ضد انقلاب داخلی و با مداخله جویان خارجی و همچنین در جریان بنای اقتصاد نوین معتقد گردیدند که بهتر است مساعی خود را متحد سازند و یك دولت شوروی واحدی تاسیس نمایند .

در ماه دسامبر سال ۱۹۲۲ در جمهوری اوکرائین وبلاروسی و ماوراء قفقاز و روسیه کنگره های شوراها تشکیل گردید و دراین کنگره‌ها تصمیم گرفته شد که کلیه جمهوریهای شوروی داوطلبانه متحد شوند و دولت واحدی بوجود آورند . در همین کنگره ها نمایندگان اولین کنگره شوراهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی انتخاب شدند .

اولین کنگره شوراهای اتحاد شوروی در تاریخ ۳۰ دسامبر سال ۱۹۲۲ در مسکو تشکیل شد و اعلامیه و قرارداد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را مورد رسیدگی قرار داده آنها را بتصویب رساند

بدین ترتیب اتحاد شوروی شامل جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه و جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکرائین و جمهوری شوروی سوسیالیستی بلاروسی وجمهوری فدراتیوشوروی سوسیالیستی ماوراء قفقاز گردید . سپس جمهوریهای آسیای میانه شوروی هم به این اتحادیه ملحق شدند .

در سال ۱۹۴۰ مبارزه زحمتکشان لتونی و لیتوانی و استونی بخاطر حقوق خود قرین موفقیت گردید واین کشورها خود را جمهوریهای شوروی اعلام نموده داوطلبانه وارد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی گردیدند .

در حال حاضر اتحاد شوروی مرکب از ۱۵ جمهوری متحده یعنی جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی و جمهوری شوروی سوسیالیستی کازاخستان و جمهوری شوروی آذربایجان و جمهوری شوروی سوسیالیستی بلاروسی و جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان وجمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان و جمهوری شوروی سوسیالیستی لیتوانی و جمهوری شوروی سوسیالیستی ملداوی و جمهوری شوروی سوسیالیستی لتونی و جمهوری شوروی سوسیالیستی قرقیزستان و جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان و جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان وجمهوری شوروی سوسیالیستی استونی می باشد .

جمهوری متحده یعنی چه ؟

جمهوری متحده ، دولت شوروی سوسیالیستی مستقل و دارای حق حاکمیت کارگران و دهقانان است که در حدود خود همردیف باسایر ملل واقوام ملتی را که از لحاظ تعداد نفرات اکثریت را تشکیل میدهد و در سرزمین آن زندگی میکند متحده میسازد . جمهوری متحده بنام همین ملت نامیده می شود .

حق حاکمیت جمهوریهای متحده چگونه تضمین میگردد و صلاحیت آنها در چیست ؟

هریك از جمهوریهای متحده دارای قانون اساسی مخصوصی است که خصوصیات هریك از آن ها را منعکس میسازد .

جمهوری متحده حق دارد داوطلبانه از اتحاد شوروی جدا شود و سرزمین هریك ازجمهوریهای متحده ممکن نیست بدون موافقت آن تغییر شکل داده شود . جمهوری متحده حق دارد مستقیما باکشور های خارجی روابط سیاسی برقرار کند با آن ها موافقت نامه منعقد نماید و نمایندگان سیاسی وکنسولی مبادله کند .

هریك از جمهوریهای متحده دارای ارگان های دولتی یعنی شورای عالی وهیئت رئیسه شورای عالی و شورای وزیران و دادگاه عالی وارتش وسرود و پرچم و آرم دولتی و پایتخت میباشد .

جمهوری متحده کلیه اموردولتی جمهوری را مستقلا اداره میکند . شورای عالی جمهوری قانون اساسی و قوانین اساسی جمهوریهای خود مختار جزو این جمهوری وهمچنین برنامه اقتصادملی و بودجه جمهوری را تصویب میکند . شورای عالی حق دارد اتباع زندانی خود راکه در دادگاه های جمهوری محکوم شده اند عفو نماید و نظم ومقررات ارتش ملی خود وامور دیگر را اداره میکند .

سازمان جمهوری های متحده چگونه است ؟

هریك از جمهوریهای متحده دارای آرم و پرچم و سرودمخصوصی میباشند که خصوصیات اقتصادی هریك از جمهوری های مذکور را منعکس میسازند .

مثلا آرم جمهوری شوروی سوسیالیستی بلاروسی عبارت است از داس و چکش در میان اشعه خورشید در حال طلوع که حلقه خورشید در حال طلوع که حلقه‌ای از خوشه های چاودار بافته شده با شاخه های شبدر وکتان دور آن بچشم میخورد . یا مثلا سمبل دولتی جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان را در نظر بگیرید . در این آرم داس وچکش در احاطه خوشه های گندم و شاخه های بوته پنبه و غوزه های باز شده پنبه دیده میشود . روی آرم جمهوری گرجستان سلسله جبال آبی رنگی بچشم میخورد و پیرامون آرم خوشه های طلائی گندم و خوشه های انگور دیده میشود . سرودهای دولتی جمهوری های متحده دارای عناصر ملی هستند و پرچمهای دولتی آنها بیشتر دارای رنگ سرخ یعنی رنگ پرچم اتحاد شوروی میباشند. در عین حال هر یك از آن ها دارای رنگهای مخصوص بخود دیگر یعنی آبی و سبز و سفید نیز میباشند .

حکومت کشور در دست کیست ؟

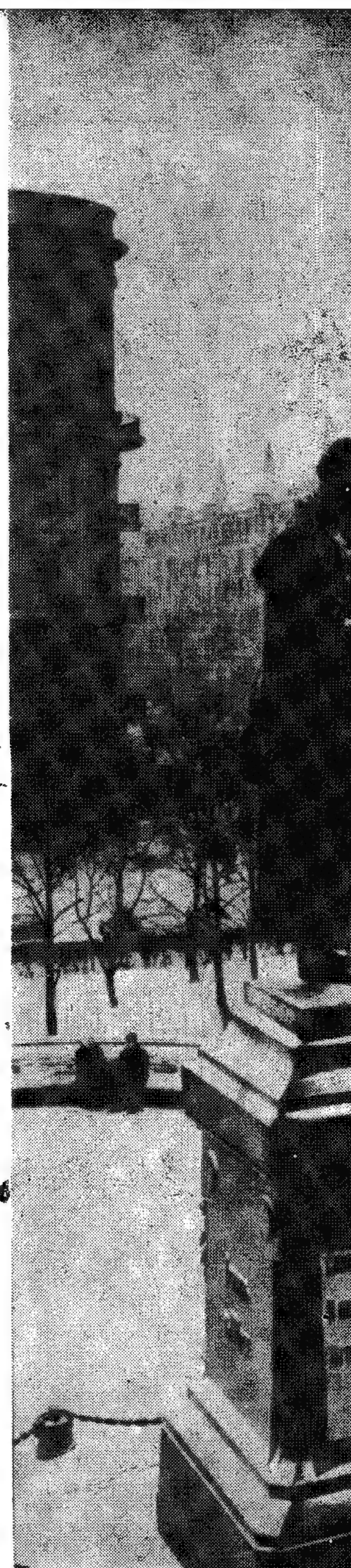
حکومت کشور شوروی دردست زحمتکشان یعنی کارگران ودهقانان و روشنفکران و بعبارت دیگر در دست تمام ملت است .

اعضای شوراهای نمایندگان زحمتکشان که توسط مردم در انتخابات برابر و مستقیم و بارای مخفی از میان مردم انتخاب می شوند ارگان های حکومت دولتی میباشند .

لنین میگفت که شوراها حکومتی است که در دسترس همگان میباشد



میدان پوشکین در مسکو



حکومتی است که تمام کارها رادر انظارتوده انجام میدهد و در دسترس توده هاست ــ مستقیما از توده ها سرچشمه میگیرد وارگان **مستقیم و مستقل توده مردم‌واراده** آنست .

در کشور شوروی متجاوز از۴۷ هزار شورا وجود دارد . عده نمایندگان تقریبا به دومیلیون نفر میرسد و عده فعالین این ارگانها که به کار شوراها کمك میکنند به بیست میلیون نفر بالغ می شود. بدین ترتیب شوراهای نمایندگان در آن‌واحد بمنزله سازمان های اجتماعی نیز هستند .مردم در فعالیت آن ها بطور وسیع و مستقیمی شرکت میجویند .

شورای عالی اتحاد شوروی‌عبارت از چیست ؟

شورای عالی اتحاد شوروی عالی ترین ارگان حکومت کشور است . قوه مقننه در مقیاس تمام کشور فقط در دست آنست .شورای عالی اتحاد شوروی وظایف زیررا انجام میدهد :

نمایندگی‌اتحاد شوروی درتماسها و مناسبات بین‌المللی ــ انعقاد و تصویب قرارداد های اتحاد شوروی با سایر کشورها ــ برقراری مقررات واحد در روابط متقابل جمهوری های متحده با کشورهای خارجی .

حل و فصل مسائل جنگ و صلح .

پذیرش جمهوریهای جدید به اتحاد شوروی .

کنترل اجرا ورعایت قانون اساسی اتحاد شوروی وتامین تطبیق قوانین اساسی جمهوریهای متحده‌با قانون اساسی عمومی کشور .

تصویب تغییر مرزهای جمهوری های متحده .

تصویب تاسیس جمهوریهای خود مختار و ایالات خود مختار جدید در کادر جمهوریهای متحده .

بازرگانی خارجی بر اساس انحصار دولتی .

تامین امنیت کشور .

تصویب برنامه های اقتصاد ملی.

تصویب بودجه واحد دولت و گزارش اجرای آن . تعیین مقدار مالیاتها و عوایدی که برای تشکیل بودجه دولتی وبودجه های جمهوری ها و محلی اختصاص دارند .

اداره‌بانکها و موسسات وسازمان های‌صنعتی و کشاورزی و همچنین رهبری‌صنایع‌وساختمان های عمومی کشور .

اداره‌امورحمل و نقل‌وارتباطات دارای اهمیت اجتماعی .

رهبری سیستم پول و اعتبار .

سازمان بیمه های اجتماعی .

واگذاری اعتبارات ووامها .

دستور شروع کارهای مربوط به استفاده از اراضی و نخایر اعماق زمین و جنگلها و آبها .

اداره امور فرهنگ و بهداری.

سازمان سیستم واحد آمارگیری اقتصادی کشور .

وضع قوانین کار و دادگاه ها و دادگستری و قوانین ازدواج و خانواده و همچنین وضع قوانین مدنی و جزائی و قوانین تابعیت و حقوق‌خارجیان .

حق اعلام عفو عمومی در سراسر کشور .

شورای عالی‌اتحاد شوروی هیئت رئیسه شورای عالی را انتخاب می نماید . هیئت رئیسه در فاصله بین دو دوره اجلاسیه وظایف شورای عالی را انجام میدهد و همچنین قوه مجریه کشور یعنی شورای وزیران اتحادشوروی (یعنی دولت شوروی) را تشکیل میدهد. علاوه بر این شورای عالی اتحاد شوروی دادگاه عالی اتحادشوروی و دادستان کل اتحاد شوروی را نیز انتخاب میکنند .

در شورای عالی اتحاد شوروی بیش از ۱۴۰۰ نماینده عضویت دارند . نمایندگان پارلمان‌شوروی برای مدت چهار سال انتخاب می شود . شورای عالی اتحاد شوروی از دو مجلس .برابر یعنی شورای اتحاد و شورای ملیت ها تشکیل شده است دوره اجلاسیه شورای عالی اتحاد شوروی سالیانه دو بار تشکیل میشود . هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی ممکن است بنابه صلاحدید خود و یا به تقاضای یکی از جمهوریهای متحده دوره اجلاسیه فوق‌العاده شورای عالی را تشکیل دهد .

محل‌شورای عالی اتحاد شوروی در کاخ کرملین مسکو میباشد .

سازمان بهداری از چه قرار است ؟

در اتحاد شوروی بهداری‌بوسیله دولت اداره میشود . دولت برای کلیه خدمات پزشکی و سرویسهای بهداشت و مبارزه با بیماریهای واگیر بودجه های مخصوصی اختصاص میدهد . کادرهای‌مربوطه را تعلیم و تربیت میکند و کار آن‌ها را رهبری مینماید . دربودجه سال ۱۹۶۳ مبلغ ۵ میلیارد و۲۰۰ میلیون روبل و یا متجاوز از ۶ درصد کلیه هزینه دولت برای بهداشت عمومی اختصاص داده شده است .

دراتحاد شوروی طول متوسط عمر چند سال است ؟

طول متوسط عمر زن‌ها ۷۳ سال وطول متوسط مردها ۶۵ سال است. طول متوسط عمر دائما افزایش می یابد . در سالهای ۹۷ ــ۱۸۹۶طول متوسط عمر انسان ۳۲ سال بودولی در سالهای ۲۷ــ۱۹۲۶ به ٤٤ سال ودر سالهای ۶۰ ــ۱۹۵۹ به۷۰سال رسید .

آیا در اتحاد شوروی چند نفر پزشك وجود دارد ؟

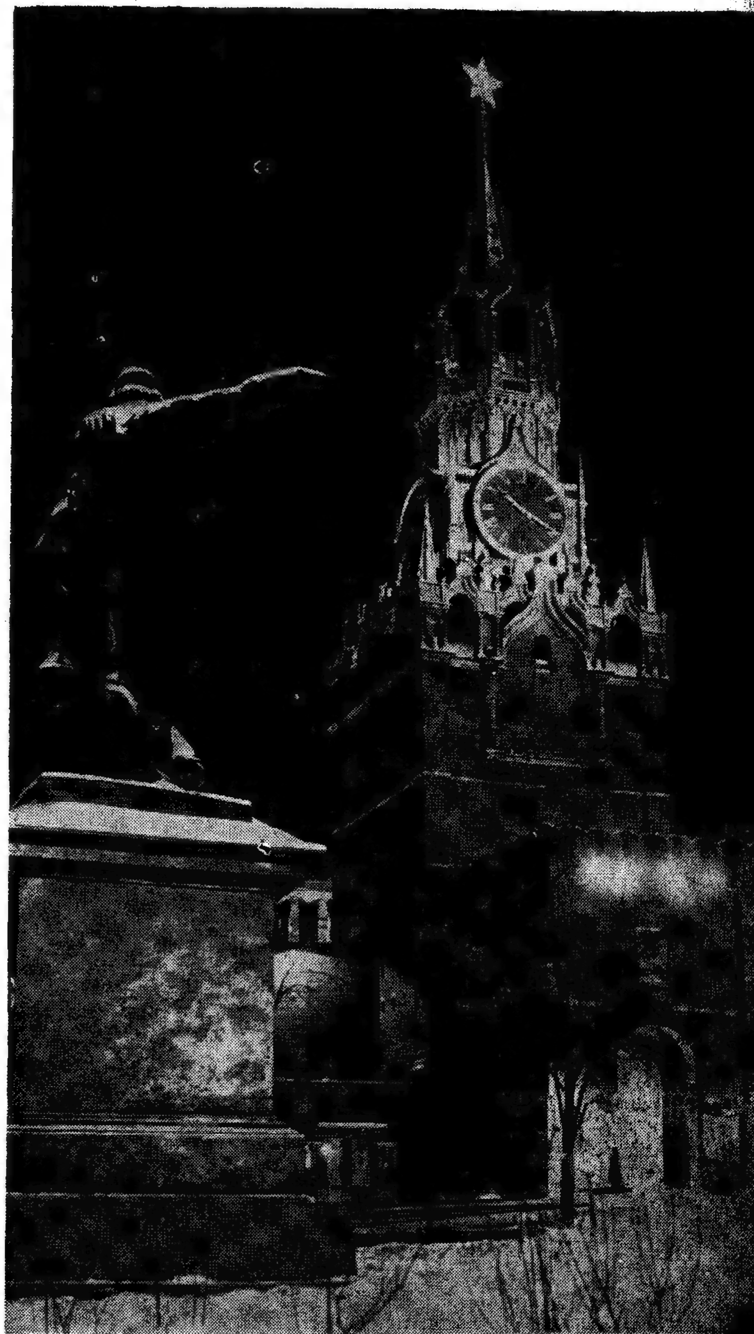
در سال ۱۹۶۲ در اتحادشوروی باستثنای دندان پزشکان که عده آن‌ها جداگانه احتساب میشود ٤٤٨ هزار نفر پزشك وجود داشت و یا اینکه بهر ده هزار نفراز سکنه ۱ر۲۰ پزشك میرسید . این رقم متجاوز از یك چهارم پزشکان‌تمام جهان و یا قریب نصف پزشکان اروپا را تشکیل میدهد . برای مقایسه متذکر میگردیم که‌درایالات متحده‌امریکا نسبت بهر ۱۰ هزار نفر از سکنه ۱۲٫۱ پزشك طبق‌آمار مربوط بسال ۱۹۶۱ و درجمهوری فدرال آلمان ۱۳٫۹ پزشك آمار سال ۱۹۶۰ و در فرانسه ۱۰٫۶ پزشك سال ۱۹۶۰ و در ترکیه ۳٫۲ پزشك سال ۱۹۶۰ وجود داشت .

اکثریت پزشکان اتحادشوروی‌را پزشکان بیماریهای داخلی تشکیل میدهند و عده آن ها به ۱۰۰هزار و ٤۰۰ نفر میرسد و عده پزشکان جراح به ٤۲ هزار و ۹۰۰ نفرو دندان پزشکان به ۳۲٫٤۰۰ نفربالغ میگردد .

در سال ۱۹۶۲ در اتحاد شوروی علاوه بر پزشکان دارای معلومات عالیه قریب ۱ میلیون و ۵۰۰هزار نفر کارمند پزشکی دارای‌معلومات متوسطه از آن جمله ٦٤۰ هزار پرستار و ۳٤۱ هزار پزشکیار و ۱٤۲ هزار قابله وجود داشتند . ۷٤ درصد کلیه پزشکان زن‌هستند.

در اتحاد شوروی چند بیمارستان وجود دارد ؟

در سال ۱۹۶۲ تعداد بیمارستان های‌اتحادشوروی به ۷٦٦بیمارستان بالغ بوده (باستثنای بیمارستان های نظامی) و متجاوز از ۱ میلیون و ۹٤۱ هزار و یکصد تختخواب در بیمارستان ها وجود داشته است (بهر ده هزار نفر از سکنه ۸۷ تختخواب میرسید) .در بیمارستان های مخصوص بیماری های داخلی بیش از بیمارستان ها تختخواب وجود دارد و تعداد تختخواب بیمارستان های مذکور



به ۴۰۳ هزار و ۲۰۰ عدد میرسد. برای بیمارهای قسمت جراحی متجاوز از ۲۶۲ تختخواب وبیماری های مبتلا به بیماریهای عفونی۱۷۰ هزار و ۹۰۰ تختخواب و کودکان بیمار (مبتلا به بیماریهای غیر عفونی) ۱۹۳ هزار و ۶۰۰ تختخواب و برای مسلولین نیز ۱۹۱ هزار و ۱۰۰ تختخواب وجود داشت .

در اتحاد شوروی علاوه بر بیمارستانها قریب ۳۸ هزار پلی کلینیك و درمانگاه نیز دایر میباشد . ظرف سال متجاوز از یك میلیارد نفر به پلی کلینیك‌ها و درمانگاه‌های مذکور مراجعه مینمایند . علاوه بر این در نقاط روستائی نیز قریب ۸۹ هزار مرکز کمك پزشکی و مخصوص وضع‌حمل و در موسسات و کارگاههای بزرك ساختمانی ۱۰۹۱ بخش پزشکی و بهداشت‌و ۴۲۰۱ مرکز کمك‌پزشکی بهداری‌دایر میباشد .

در تولیدات صنعتی جهان اتحاد شوروی چه سهمی دارا میباشد ؟

در سال ۱۹۶۲ سهم اتحادشوروی در تولیدات صنعتی جهان به قریب ۲۰ درصد بالغ بوده است که‌مطابق است با مقام اول در اروپا و مقام دوم پس از ایالات متحده امریکا در جهان . اتحاد شوروی بیش از انگلستان و فرانسه وایتالیا وکانادا و بلژیك و هلند و ژاپون رویهم رفته محصولات صنعتی تولید می کند .

سازمان صنعتی اتحاد شوروی از چه قرار است ؟

اتحاد شوروی کلیه رشته های مدرن صنایع رادر اختیار خودداره و میتواند هر نوع محصولی را تهیه و تولید نماید . صنایع کشور از بیش از ۳۰۰ رشته تشکیل شده است . رشته های گروه «آ» (صنایع سنگین) که تجدیدتجهیز فنی‌کلیه رشته ها والکتریفیکاسیون (تعمیم برق) ومکانیزاسیون و اتوماتیزاسیون (خودکار کردن) و شیمیزاسیون (تعمیم شیمی)در اقتصادیات ملی به آن بستگی دارد در ردیف اول قرار گرفته‌است. در سال ۱۹۶۲ سهم وسایل تولید در مجموع تولید محصولات صنعتی به ۷۴ درصد بالغ بوده است . مثلا در اوایل سال ۱۹۶۲ در مجموع ذخایر اساسی صنعتی سهم فلز سازی سیاه ۱۰ درصد و صنایع سوخت ۱۵٫۶ درصد و تولیدنیروی برق و نیروی حرارتی ۱۳٫۳درصد بوده است . صنایع ماشین سازی و فلز سازی یك پنجم و صنایع سبك و اغذیه سازی قریب ۱۵ درصدکیه ذخایر تولیدی را تشکیل میدهند.

کشاورزی سابقا در اقتصاد کشور چه نقشی داشته و اکنون چه سهمی دارا میباشد ؟

روسیه سابق یك کشور فلاحتی بود . پنجاه سال پیش ۷۵ درصد کلیه زحمتکشان کشور به کشت و زرع و دامپروری اشتغال داشتند. در آن زمان سهم کشاورزی در ذخایر اصلی کشور (یعنی ارزش های مادی دارای جنبه تولیدی و حیاتی)بالغ بر ۱۲٫۳ درصد و سهم صنایع و ساختمان فقط ۸٫۹ درصد بود . اکنون این تناسب تغییر کرده است . در سال ۱۹۶۲ سهم صنایع ساختمان به ۳۰٫۳درصد و سهم کشاورزی به ۱۳٫۵ درصد رسید

کشاورزی با اینکه مقام اول را به صنایع داده است از سابق‌سریعتر پیشرفت میکند . مجموع محصولات کشاورزی در ظرف سالهای‌حکومت شوروی ۲٫۳ برابر شده و ضمنا تعداد افرادی که در کلیه رشته های کشاورزی کارمیکردند به نصف تقلیل یافته‌است .برنامه‌اعتلاء باز هم بیشتر کشاورزی که بنا بابتکار ن. س. خروشچف در سال ۱۹۵۳ طرح و تنظیم ودر سالهای بعد تکمیل گردید نقش بزرگی در این زمینه ایفا نموده‌است

ساوخوز یعنی چه ؟

ساوخوز یك موسسه کشاورزی دولتی است .

اولین ساوخوزها بعداز پیروزی انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ تاسیس گردید . ساوخوزها این دو وظیفه را بعهده داشتند که شهر را از لحاظ مواد کشاورزی ارزان قیمت تامین کند و با سرمشق‌دادن به دهقانان آن ها را متقاعد سازندکه اقتصاد های ادغام شده و بزرگ روستائی به اقتصاد های کوچك مزایای بیشتری دارند .

ساوخوزهاازلحاظ تولید مجموع محصولات کشاورزی مقام شامخی دارند . مثلا در سال ۹۶۱ ـ۳۸ درصد گندم و ۱۷ درصد پنبه و ۲۸ درصد سبزیجات و ۲۴ درصد گوشت و ۲۰ درصد شیر کشور را ساوخوزها تهیه نمودند .

در کشور شوروی ۸۶۰۰ساوخوز وجود دارد . هریك از آن‌هابطور متوسط ۲۸٫۳ هزار هکتار اراضی کشاورزی از جمله ۹٫۷ هزارهکتار اراضی مزروعی و ۸۸۶۰ راس دام بزرگ وخوك و گوسفند و۱۱۳ تراکتور و تعداد زیادی کمباین و ماشین آلات دیگر دراختیارخود دارند

کالخوز یعنی چه ؟

کالخوز یك اقتصاد اشتراکی است که دهقانان یك یا چند ده‌را متحد میسازد .

کالخوزهای معاصر روستاهای مکانیزه‌و مدرن و مقرون بصرفه‌ای هستند . در سال ۱۹۶۲ هریك از کالخوزها بطور متوسط دارای۴۰۶ خانوار و ۶۲۹۸ اراضی کشاورزی و ۲۹۲۲ هکتار اراضی مزروعی و ۳۴۲۸ راس دام بزرگ و خوك و گوسفند و بز وتقریبا ۲۶ تراکتور و۶ کمباین غله جمع کن‌و ۱۰ اتومبیل باری و سایر ماشین آلات کشاورزی بودند که تقریبا کلیه‌امور کشاورزی را مکانیزه کرده‌اند . در باغها و جالیزها و فرمهای‌دامپروری نیزمکانیزاسیون اموررو براه میگردد ولی مکانیزاسیون امور دراین رشته ها هنوز چندان بالا نیست.

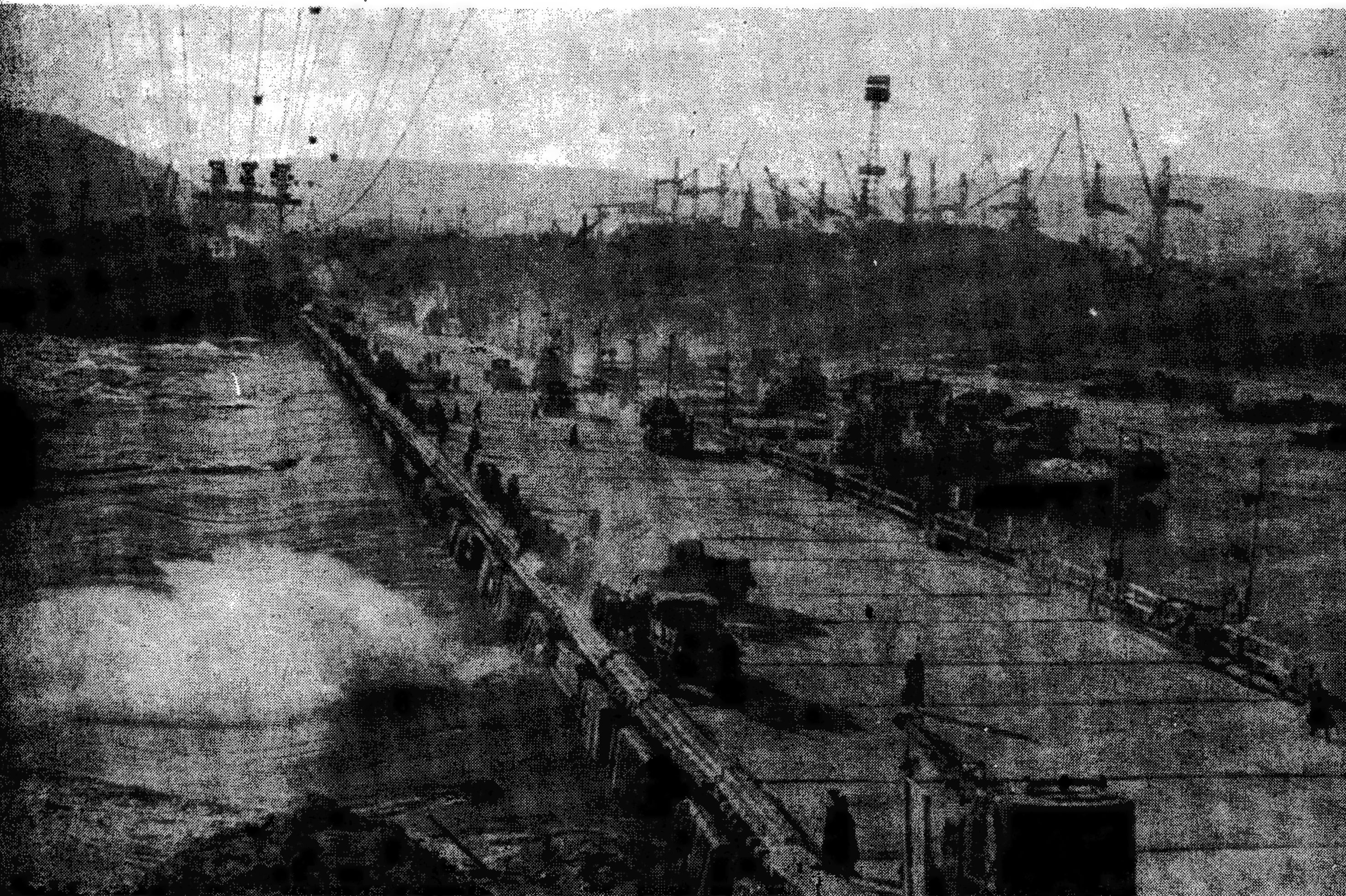
در اتحاد شوروی استفاده از چه نوع وسایط نقلیه را ترجیح میدهند ؟

در اتحاد شوروی واگن های عادی راه آهن را بر سایر وسایط نقلیه ترجیح میدهند .در سال ۱۹۶۳ ــ این واگن ها ۲میلیارد و ۳۷ میلیون مسافر حمل نمودند. در درجه دوم از اتوبوسهائی استفاده میشود که‌بین شهرها رفت و آمد میکنند . علاقه مردم به مسافرت با اینگونه اتوبوسها دائما افزایش می‌یابد . در سال ۱۹۵۰ــ این اتوبوسها ۵۱ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر و در سال ۱۹۶۲ ــ۸۰۶ میلیون نفر مسافر حمل نمودند.در طول مدت یازده سال اخیر تعداد خطوط اتوبوس رانی از ۱۹۴۲خط به ۸۴۱۳ خط افزایش یافت. حمل و نقل رودخانه‌ای و هوائی به ترتیب‌مقام سوم و چهارم را احراز نموده‌اند . بر طبق آمارمربوط به سال ۱۹۶۱ ــ در سال مذکور۱۳۲ میلیون مسافر با وسایل نقلیه رودخانه‌ای و ۲۱ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر با وسایل نقلیه هوائی حمل گردیدند .

الکتریفیکاسیون راه آهن چگونه توسعه می یابد ؟

در سال ۱۹۴۰ طول خطوط راه آهن برقی مجموعا ۱ هزار و ۹۰۰ کیلومتر بود ولی در سال ۱۹۶۳ به ۱۸۱۰۰ کیلومتر رسید. اکنون در شاهراه سرتاسری سیبری از مسکو تا بایکال که طول آن قریب پنج هزار و پانصد کیلومتر است قطارهای برقی رفت و آمد میکنند . در سال ۱۹۶۲ کار الکتریفیکاسیون راه آهن ازکرانه های دریای بالتیك تا جبال قفقاز یعنی از لنینگراد تا لنیناگان که طول آن بیش از ۲۴۰۰ کیلومتر است بپایان رسید و بدنبال آن‌رفت وآمد در خط سراسری اروپا بطول هزار کیلومتر در مسیر لووف ــ چوب ــ پراگ آغاز گردید .در سال ۱۹۶۳ دو هزار و خرده‌ای کیلومتر و تاپایان دوره اجرای برنامه هفت ساله سال ۱۹۶۵ معادل قریب ۹ هزار کیلومتر به خطوط راه آهن برقی افزوده خواهد شد تا سال ۱۹۷۰ در قریب ۴۵ هزار کیلومتر دیگر جریه برقی بکار

قطع مسیر رود ولگادر ناحیه ساختمان سلمرکز برق آبی کوبیشف



بسته خواهد شد و تا سال ۱۹۸۰ نیز کار الکتریفیکاسیون خطوط اصلی راه آهن بانجام رسانـــده خواهد شد .

اتحاد شوروی از لحاظ طـول خطوط راه آهن برقی و جریه جدید فوق‌العاده مقرون بصرفـه که با جریان متناوب کار میکند مقام اول را در جهان احـراز نموده‌است .

مسافرت از ولادیــو استوك تــا ریگاچقدر طول میکشد ؟

طول مدت مسافرت از ولادیو-استوك به ریگـا به نـوع وسیله نقلیه بستگی دارد . چنانچه این مسافرت بوسیله قطار سریع السیر انجام گیرد بدون احتساب مدت توقف در مسکو برای انتقال به قطار دیگر ۱۸٦ ساعت وچنانچـه بوسیله هواپیمای مسافر بری جت تو ــ ١٠٤ با احتسات مدف توقف در مسکو برای انتقال بهواپیمای دیگر در نظر گرفته شود ١٦ ساعت و ١٠ دقیقه بطول میانجامد .

مهمترین خطوط هوائی اتحـاد شوروی کدامند ؟

در سال ۱۹۲۳ دادن جواب باین سئوال کار آسانی نبود . در آن موقع دو کشور شوروی فقط یك خط هوائی از مسکو به گورکی که طول آن ٤٢٠ کیلومتر است وجود داشت . ولی اکنون تعداد این خطوط باندازه‌ای زیاد است که به سهولت نمیتوان آن ها را ذکـر نمود . مجموع طول خطوط هوائی اتحاد شوروی بیش از ٤٠٠ هزار کیلومتر است . این خطوط مسکو را به پایتخت های جمهوریهای متحده وجمهوری های خود مختار و مراکز ایالات و نواحی کشور متصل میسازند اکنون عملا چنان نقاط مسکونی کم وبیش مهمـی وجود ندارد که خط هوائی ازآن عبور نکند .

بر قدرت و ظرفیت و سرعـت ناوهای هوائی نیز افزوده شده است . دراولین خط هوائی اتحاد شوروی در ظرف سال مجموعافقط ۲۲۹ نفر مسافر حمل گردید. ولی اکنون هواپیمای مسافر بری‌معروف تو ــ ۱۱٤ میتواند این عده مسافر را فقط در ظرف ۳۰ دقیقه در همین خط حمل کند .هواپیماهای سریع‌السیر توربو جت وتوربـو پروپ از جمله انواع اساسی نقلیه هوائی را تشکیل میدهند و قریب ۷۰ درصد مسافرین بوسیله اینگونه هواپیماها مسافرت میکنند .

اتحـاد شوروی با کدام کشورها خط مستقیم هوائی دارد ؟

در اواسط سال ۱۹٦۳ هواپیما های هواپیمائی کشوری اتحـــاد شوروی سفرهای منظمی به‌پایتختها و کشورهای مهم ۳۰ کشور اروپاو آسیا وافریقا و امریکا انجام مـی دادند. این شهرها عبارت بودند از اکرا، آمستردام ، برلن ،بوداپست، بخارست ، بروکسل ، بلگراد ، ورشو ، وین ،هاوانا ، دهلی ، جاکارتا ، کابل ، قاهره ،کپنهاك، لندن ، پکن ، پاریس ، پراگ، پخنیان ، صوفیه ، استکهلم ،اولان باتور، خرطوم، هلسینکی ،کناکری رباط ، رانگون ، دمشق وبوماکو.

نقلیه شهری از چه نوع وسایلـی تشکیل شده ؟

قبل از انقلاب فقط در ۳۵ شهر کشور تراموای (راه آهن شهری) که‌یگانه وسیله نقلیه مکانیزه‌عمومی آن زمان محسوب میشد وجـود داشت . در پایان سال ۱۹٦۱ سکنه ۱۰۷ شهر از تراموای استفاده می کردند . در ۵۸ شهر کشورخطوط ترولیبوس (اتوبوس برقی) و در ۱۲٦۹ شهر نیز خطوط اتوبوسرانی دایر میباشد . در اکثر شهرها نیز تاکسیهای سواری وتاکسیهـــای مخصوص حمل و نقل بار درخدمت سکنه قرار دارند .

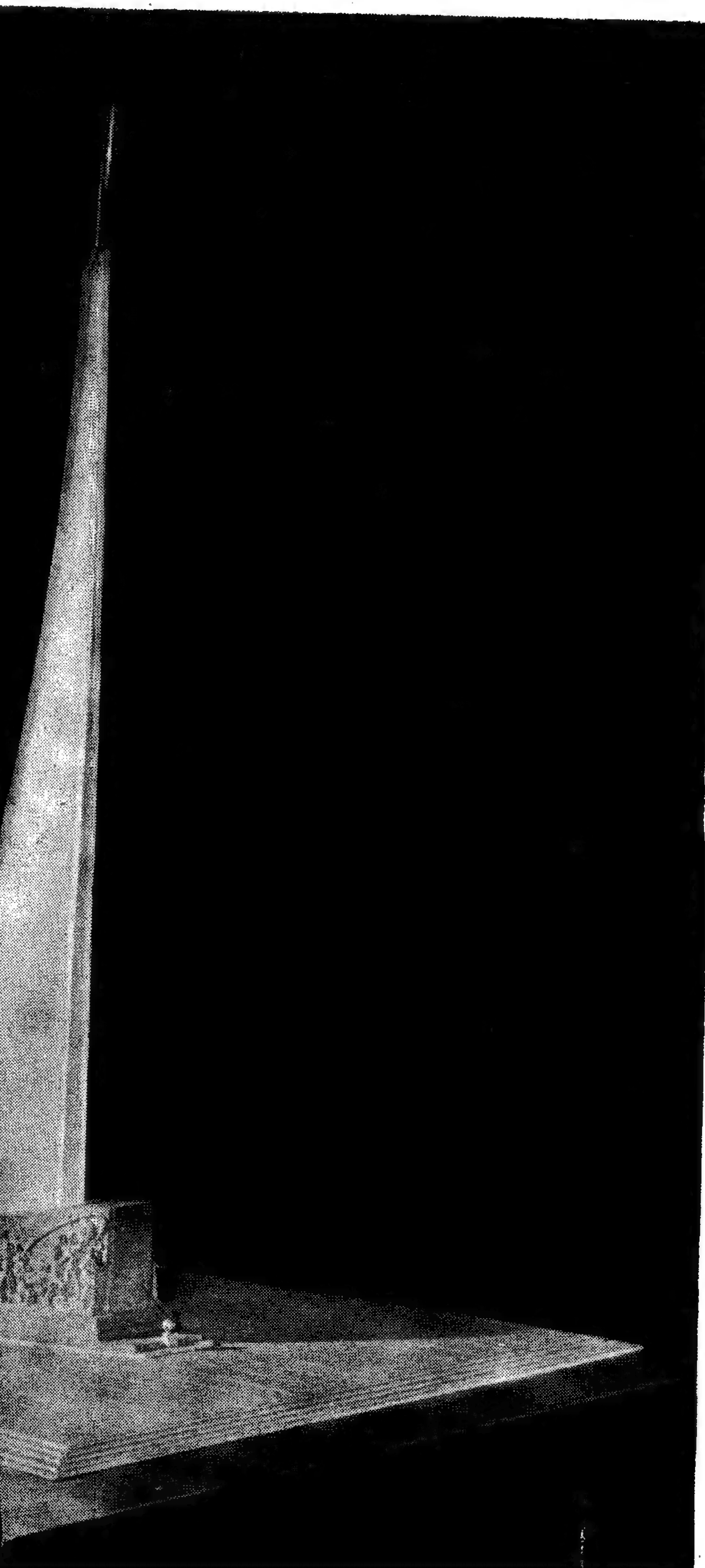
اولین مترو (خط آهن زیر زمینی) در مسکو ساخته شده‌است. مترو مسکو در سال ۱۹۳۵ افتتاح گردید.اکنون در شهرهای‌لنینگراد وکی یف نیز مترو دایر شده‌است .

مثلا در سال ۱۹٦۱ ــ ۷ میلیارد و ۷۸۰ میلیون نفر مسافر از تراموای و ۳ میلیون نفر مسافر از ترولیبوس و ۱ میلیارد و۲۳۳ میلیون نفر مسافر از مترو و ۱۱ میلیارد و ۱۳ میلیون و ۲۰۰هزار نفراز اتوبوس استفاده نمودند

دانشمندان شوروی در ایام اخیر چه کشفیات مهمی انجام داده‌اند؟

در اتحاد شوروی برای کشفیات و اختراعات مهم علمی و فنی هر ساله جوایز لنینی اختصاص داده میشود. مثلا در سال ۱۹٦۳میخائیل مالادنسکی عضو وابسته فرهنگستان علوم اتحاد شوروی بخاطر تدوین

طرح بنای یادبود بافتخار نخستین قمر مصنوعی شوروی که در مسکو بنا خواهد گردید .



متد تعیین میدان گراویتاسیون و شکل زمین وتئوری مدها و برونو پونته کورو عضو وابسته بخاطر تحقیقات تجربی و تئوریکی‌مطالعه فیزیك نیترینو و پروفسور آلکسی لئونتی‌یف بخاطر اثر علمی«مسائل تکامل روان »و نیکالای پطروف عضو وابسته فرهنگستان علوم که‌در مطالعه و معالجه سرطان استنتاج های مهمی بعمل آورده است جایزه لنینی اعطا گردید. البته لیست اکتشافات محدود به این چند کشف نمیگردد .

دانشمندان ستاره شناس شوروی امواج رادیوئی مخصوصی به کره زهره فرستادند و پس از گرفتن انعکاس این‌امواج قطر محور آن را اندازه گیری نمودند و معلوم نمودند که زهره در ظرف چه‌مدتی گردش شبانه روزی کاملی بدور محور خود انجام میدهد . آب شناسان و اقیانوس نگاران‌شوروی در اقیانوی آرام گردنه زیر آبی بزرگی بارتفاع چند کیلومتر پیدا کرده‌اند . راس این گردنه تقریبا به سطح آب میرسد . چند سال پیش دراقیانوس منجمد گردنه زیر آبی عظیمی کشف گردید که بنام میخائیل لامانوسوف دانشمند شهیر روس نامگذاری شد .

دانشمندان فیزیك دان دوبنا و انستیتوی بین‌المللی‌مشهورتحقیقات هسته‌ای که در جوار رود ولگا واقع است چند عنصر بدوی‌جدیدی را که جزو هسته اتم میباشندکشف نمودند . از جمله دانشمندان به کشف عنصری نایل آمدند که‌آنتی زیگمامینوس گیپرون نامیده شد. همچنین ترکیب نیترینونیز مطالعه شد . بارپس آستائوروف عضووابسته فرهنگستان علوم اتحاد شوروی با استفاده از آزمایشاتی که روی کرم ابریشم انجام داد ثابت کرد که انسان میتواند بمیل خود جنس حیوانات را اداره کند . مهندس ولادیمیر کابانوف به کشف‌خاصیت جدیدامواج کوتاه رادیوئی در یونوسفر که‌اکنون« پدیده کابانوف» نامیده شده است نایل گردید. در نتیجه کارهائی که آنا پطرووا بیوشیمیست انجام داده است ما اطلاع حاصل نمودیم که‌دربافتهای ماهیچه‌ای فرمان مخصوصی بنام ایزوموزازا آمیلوزا وجود دارد که «مواد سوخت » ماهیچه ها یعنی گلیکوژن آنها را بوجود میآورد. دانشمندان شوروی درایام اخیر اکشفیات مهم دیگری انجام داده‌اند .

اتحاد شوروی در تسخیر کیهان چه موفقیت هائی بدست آورده است ؟

ظاهرا باید گفت که در تاریخچه کوتاه ولی سریع عصر کیهانی مرحله‌ای هم ازلحاظ علمی و فنی وجود ندارد که اتحاد شوروی در آن مرحله مزیت وبرتری خود را از دست داده باشد . میتوان صدها اسپوتنیك با لوازم و دستگاه‌های مختلف پرتاب نمود ولی اولین اسپوتنیك همان اولین اسپوتنیك باقی میماند . میتوان پرواز های کیهانی متعددی انجام داد ولی اولین پرواز کیهانی از همه‌مهمتر واز همه شایسته‌تر میماند . بالاخره این مزیت و برتری از آن کسانی است که برای اولین بار راه‌تسخیر فضای کیهانی را باز نمودند .

چهارم اکتبر سال ۱۹۵۷ اتحاد شوروی اولین قمر مصنوعی زمین را بفضا اعزام نمود . با اعزام‌این اسپوتنیك عصر کیهانی تاریخ بشریت گشوده شد . پس از آن موشکهای شوروی راه‌کره ماه را هموار نمودند . دستگاه های ایستگاه های اتوماتیك فضائی اولین اطلاعات را در باره شرایط فیزیکی موجود دراین راه و در فضای مجاور کره ماه مخابره نمودند . بدنبال اینکار فرستادگان زمین بسوی زهره و مریخ حرکت کردند .

دوازدهم‌آوریل سال ۱۹۶۱یوری گاگارین برای نخستین‌بار درتاریخ نوع بشر از فرودگاه کیهانی با یك نور بفضا رفت و پس از یك دور گردش بدور زمین درفرودگاه بایکونو بزمین نشست

پرواز گرمان تیتوف که بیش از یك شبانه روز طول کشید و در تاریخ ۶ و ۷ اوت انجام گرفت ثابت کرد که انسان میتواند مدت زیادی در شرایط پرواز طولانی بسر برد .

یازدهم اوت سال ۱۹۶۲ ناو «واستوك ۳» به خلبانی آندریان نیکالایف و دوازدهم اوت پاول پاپوویچ فضا نورد شماره ٤ که باتفاق فضانورد شماره ۳ درپرواز جمعی شرکت نموده بود بفضارفتند.

١٤ ژوئیه سال ۱۹۶۳ فضا نورد شوروی و. بیوفسکی بفضا رفت و ۱۱۹ ساعت بدور زمین گردش کرد . در طی این مدت ناو «واستوك ٥» مسافتی بیش از سه میلیون و سیصد هزار کیلومتر طی نمود .

در پایان شبانه روز دوم پرواز بیکوفسکی‌درکیهان «ناوواستوك‌٦» بخلبانی اولین زن فضا نورد جهان والنتینا ترشکووا به فضای کیهانی هدایت شد . این پرواز نشان داد که زنان شوروی برابر با مردان میتوانندبا موفقیت پهنه های‌کیهان را تسخیر نمایند .

درآمد ملی با چه سرعتی افزایش مییابد ؟

تا سال ۱۹۶۳ در آمد ملی اتحاد شوروی نسبت بسال ۱۹۱۳ بیش از ۳۰ برابر افزایش یافت. اگر درآمد ملی سال ۱۹۱۳ را صددرصد فرض کنیم در آمد ملی سال ۱۹۶۲ نسبت به هر فرد از سکنه به ۱۸۹٤ درصد میرسد . در سال ۱۹۶۲ حجم درآمد ملی‌اتحاد شوروی به ۱۶۱٫۵ میلیارد روبل بالغ گردید . در برنامه مربوطبه آینده مقرر گردیده است که این رقم به ۷۲۰ الی ۷۵۰ میلیاردروبل بالغ گردید . در برنامه مربوطبه آینده مقرر گردیده‌است که این رقم به ۷۲۰ الی ۷۵۰ میلیارد روبل رسانده شود .

درآمد واقعی کارگران وکارمندان چگونه افزایش می‌یابد ؟

متخصصین آمار ــ ارقامی راکه نشان دهنده تغییر سطح زندگی هستند با دقت زیادی جمع آوری میکنند ولی این تغییرات با چشم غیرمسلح هم دیده میشوند . اگر خانه های متعددی ساخته میشوند واگر تآترها و مغازه ها همیشه مملواز جمعیت است واگر موتورسیکلت و پیانو به اشیاء مورد خرید همه مردم مبدل شده‌اند پس زندگی روز بروز اداردبهتر می شود .

ارقام نیزاین موضوع را گواهی میدهند . در آمد واقعی کارگران و کارمندان شوروی در سال۱۹۶۲ نسبت بسطح درآمد کارگران و کارمندان در سال ۱۹٤۰ ۲٫۲ برابر شده است . در سال ۱۹۶۲ مردم اتحاد شوروی ۱۲ درصد بیشتر از سال قبل لباس و زیر پوش و ۲۰ درصد بیشتر از سال قبل جاروی برقی و ۳۷ درصد بیشتر از سال پیش ماشین‌رختشوئی خریداری کرده‌اند .

فعلا اتحاد شوروی از لحاظ سطح زندگی از ایالات متحده عقب‌تر است . ولی این شکاف به سرعت کوچکتر میشود . اقتصاد دانان پیشگوئی میکنند که در سال ۱۹۷۰ هردو کشور از لحاظ سطح زندگی زحمتکشان در یك ردیف قرارمیگیرند و سپس اتحادشوروی از امریکا جلو میافتد .



اطمینان زحمتکشان بثبات وضع واستطاعت مادی خود از مزایای شیوه زندگی شوروی میباشد . زحمتکشان را بیکاری تهدید نمی کندو سرعت فوق‌العاده زیاد رشدو تکامل اقتصاد سطح رفاه‌واستطاعت هریك از افراد را بالا میبرد .ضمنا نباید فراموش کرد که انقـــلاب سوسیالیستی سال ۱۹۱۷ در کشور عقب مانده‌ای پیروز شده بود که اکثریت قاطع مردم آن مجبور بودند در فقر و فاقه و جهالـت زندگی کنند . و اگر امروزدرآمد واقعی کارگران نسبت بآن دوره معادل ۹٫۵ برابر فزونی یافته‌است اینکار فقط نتیجه کار قهرمانانه ملتی است که توانست از کلیـه مزایای رژیم جدیده استفاده نماید.

خط مشی اساسی سیاست خارجی اتحاد شوروی از چه قراراست ؟

خط مشی اساسی سیاست خارجی اتحاد شوروی عبارت است از دفاع از صلح بین ملتها و همزیستی مسالمت آمیز بین ممالك دارای نظام های مختلف اجتماعی .

سیاست‌صلح جویانه اتحادشوروی ناشی از خـود طبیعت نظـــام سوسیالیستی است .بر قـــراری مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید واز بین بردن طبقاتی که بحساب تصاحب ثمرات کارسایرین زندگی میکنند هرگونه راهی را « برای رشد » میلیتاریسم و سیاست‌کشور گشائی از بین برده است . هر گونه قصد و نیت تغییر مرزها و بدست آوردن اراضی جدید و یا اینکه مطیع ساختن کشور های دیگر از لحاظ اقتصادی باطبیعت اتحاد شوروی مغایرت دارد . اتحاد شوروی اکنون بصورت کارگاه ساختمانی‌عظیمی درآمده است.کسی که سرگرم ساختن کار خلاقه است میکوشد که ساختمان خود را از حریق مصون وایمن بدارد. هدف اساسی سیاست خارجی عبارت از اینکه شرایط‌صلح آمیز را برای بنای موفقیت آمیز جامعه نوین‌در اتحاد شوروی و رشد وتوسعه‌سیستم جهانی سوسیالیسم را تامین نماید.

مردم شوروی از این سیاسـت خارجی به گرمی پشتیبانی میکنند واین سیاست را بافتخار ولادیمیر لنین بنیاد گذار و پیشوای‌حکومت شوروی که مبانی این سیاست را تصریح نمود سیاست لنینی نـام گذاری کرده‌اند . اصل لنینـی همزیستی مسالمت آمیزممالك‌دارای نظامهای مختلف اجتماعی خط مشی اساسی سیاست خارجی شوروی را تشکیل میدهد .

«اطلاعاتی درباره یوگسلاوی»

مارشال تیتو در میان اجتماعی از جوانان یوگسلاوی



زمین وجمعیت :

مساحت‌جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگسلاوی ۲۲۵۸۰۴ کیلومتر مربع است. ومساحت‌هریك از جمهوریهای یوگسلاوی بقرار ذیل است :

۱ــ جمهوری صربیا (Srbia) با مساحت۸۸۳۶۱ کیلومتر مربع است (شامل دو ایالت خودمختاری ، یکی‌بنام «وویوودینا» (Voyvodina) با مساحتی درحدود ۲۱۶۰۶ کیلومتر مربع ودیگری کوسووو ــ متوخیبا ــ یا با مساحتی بالغ بر ۱۰۸۶۷ کیلومترمربع .

۲ــ جمهوری گرووآتیبا (Groatia) که‌مساحت آن ۵۶۵۳۸ کیلومتر مربع است .

۳ــ جمهوری سلووینیبا (Slovenia) که مساحت آن ۲۰۲۵۱ کیلومتر مربع است .

٤ــ جمهوری بوسنی و هرتسگووینا (Bosna-Hercegvina) که مساحت آن ۵۱۱۲۹ کیلومتر مربع است.

۵ــ جمهوری مکدونیبا (Maccdonia) با مساحت ۲۵۷۱۳ کیلومتر مربع.

٦ــ تسرناگورا (Crnagora) با مساحت ۱۳۸۱۲ کیلومتر مربع .

طبق سرشماری سی ویکم مارس سال ۱۹٦۱ جمعیت یوگسلاوی ۱۸۵۳۸۱۵۰ نفر است . جمعیت یوگسلاوی از پنج‌ملیت تشکیل میشود ونسبت آنها بقرار ذیل است:

۱ــ صربیبها (٤۱،٦٪)
۲ــ کرووآتیها (۲۳،٤٪)
۳ــ اسلووینیها (۸،۸٪)
٤ــ ماکدونیها (۵،۳٪)
۵ــ تسرونوگوراتسا (۲،۸٪)

و چند اقلیت نیز از قبیل: آلبانیها ، بلغاریها ، ترکها ، اسلواکها، لهستانیها، رومانیها، آلمانیها ، ولاحها ، ایتالیائیها وغیره دریوگسلاوی سکونت دارند. مردم‌جمهوریهای‌صربیا، کرووآتیبا و تسرناگورا به زبان « سربوکرووآتی » و اسلوونیها بزبان « اسلوونی » صحبت میکنند ومقدونیهابزبان مقدونی صحبت میکنند .

وضع جغرافیائی یوگسلاوی ازلحاظ‌کمك به پیشرفت این کشور و تشکیل فرهنگ ملی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است . محل تقاطع راه‌های مختلف شرق وغرب اینجا ــ دربالکان قراردارد . قرنها مردم یوگسلاوی درمعرض‌نفوذ فرهنگی وسیاسی وتمدن‌های باستانی وبیزانسی وقرون‌وسطی وتمدن غربی بوده‌اند واین امر درمعماری وآداب و رسوم و مذاهب والسنه یوگسلاوی تاثیر عمیقی کرده است.

تجدید ساختمان و آبادی وپیشرفت یوگسلاوی پس از جنگ دوم جهانی :

در جریان جنگ‌دوم‌جهانی ۱۹٤۱ ــ ۱۹٤۵ یوگسلاوی خسارات و تلفات هنگفتی دید ودراین فاجعه نزدیك به ۱۷۰۰۰۰۰ نفر و یا ۱۰٪ جمعیت یوگسلاوی کشته شدند. وخسارات مادی که‌به‌یوگسلاوی وارد آمد بالغ بر ۹۱۰۰ ملیون دلار وبعبارت دیگر بالغ بر ۱۷ درصد تمام خسارتی است که برهیجده‌کشوری که در سال ۱۹٤۵ درپاریس برای‌رسیدگی مساله غرامات جنگی‌کنفرانس تشکیل دادند وارد شده بود.

مقارن آزادی نواحی مختلف کشور اقداماتی نیز برای تجدید اقتصاد ویران کشور شروع شد . این تجدید عمران درمدت‌کوتاهی به‌انجام رسید . (تقریبا در اواخر سال ۱۹٤۷) . لکن عواقب شوم جنگ دوم جهانی که‌گریبانگیر یوگسلاوی شده بود حتی بعداز ده سال محسوس بود .

طبق قانونی‌که درسال۱۹٤٦ بتصویب رسید تمام وسایل اساسی تولید درهمه زمینه‌های اقتصاد یوگسلاوی بصورت ملی درآمد و سرمایه خارجی از اقتصاد یوگسلاوی بیرون‌رفت. قانون اصلاحات ارضی که در

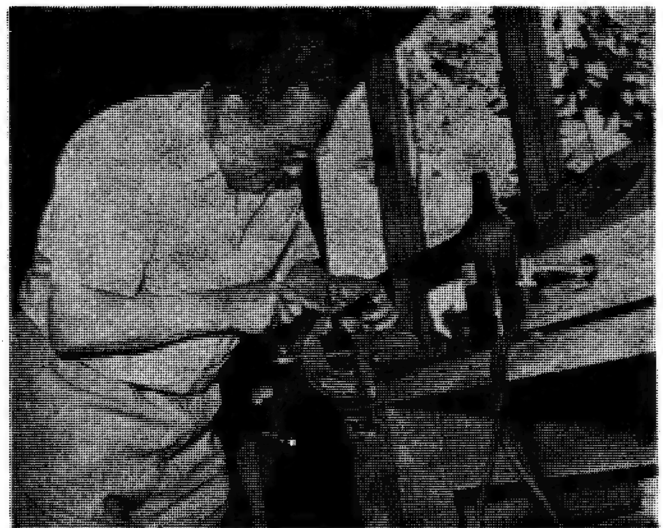


۱ـ مارشال تیتو در خانه‌ای که بدنیاآمده واکنون بمانند موزه‌است

۲ـ مارشال تیتو با اعضاء وارکان حزب مشغول مذاکره است .

۳ـ مارشال تیتو بهنگام فراغت بکارهای موسیقی که مورد علاقه اوست میپردازد .





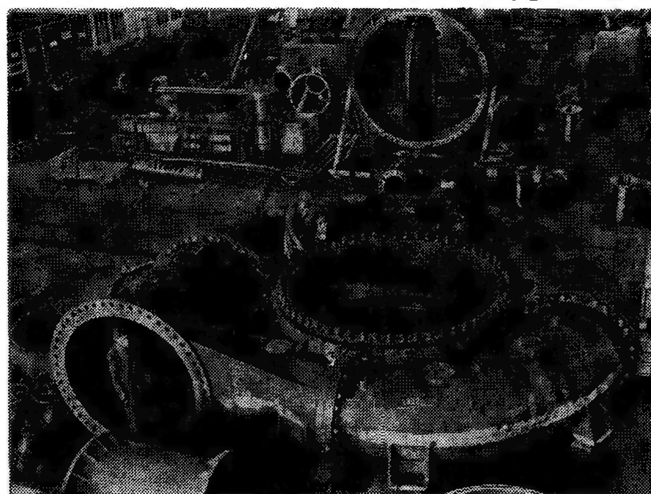
سال ۱۹۴۵ تصویب واجرا شد تناسب مالکیت زمین را در نواحی روستائی تغییر داد و حداکثر زمینی را که هر فرد کشاورز میتواند داشته باشد معیین ساخت .

دراواسط سال ۱۹۴۷ مجلس ملی جمهوری سوسیالیست یوگسلاوی برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی را تنظیم کرد . هدف اساسی این برنامه صنعتی و الکتریکی کردن کشور بود تااینکه یوگسلاوی از صورت یك کشور کشاورزی توسعه نیافته بیرون آمده وبیك کشور مترقی صنعتی وکشاورزی تبدیل شود . در این دوره یوگسلاوی طرحهای اساسی مهمی را بویژه در زمینه صنایع سنگین تهیه کرد و مقدمات‌لازم رابرای الکتریکی کردن کشور فراهم آورد . درنتیجه این امر در سال۱۹۵۲ محصولات صنعتی و معدنی بالغ بر ٪۳۷٫۹ تولیدات کل کشور شد .

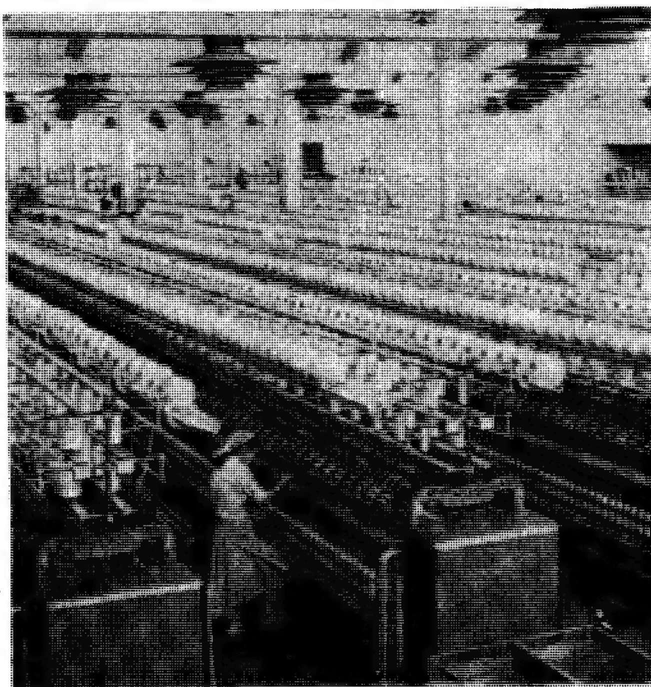
سیستم اجتماعی و سیاسی

یوگسلاوی : جمهوری سوسیالیستی فدراتیویوگسلاوی کشور فدرال مردم منساوی ـ الحقوق و جامعه سوسیالیستی ودموکراتیکی است‌که براساس خودمختاری و حکومت کارگران بنا شده بنا به اراده و میل مردم آن بوجود آمده است . یوگسلاوی از شش جمهوری مستقل ـ بوسنا و هرتسه‌گووینا ، کروواتییا ، مقدونیه تصرناگورا ، صربیا ، اسلوونیا ـ تشکیل یافته‌است. وچنانکه گفتیم جمهوری سوسیالیستی صربییا شامل دو ایالت خودمختار مستقل ـ یکی ایالت خودمختار «وویوودینا» ودیگری ناحیه خودمختار «کوسووو ـ متوحیبا» است.

سیستم اقتصادی : تمام وسایل تولید ومنابع دیگرکار وهمچنین ثروتهای زیرزمینی و حتی ثروتهای طبیعی دیگر دراختیار اجتماع است. وسایل تولیدکه متعلق باجتماع است مستقیما بتوسط طبقه کارگرکه ازآنها استفاده میکنند ، اداره میشود . کار انسانی یگانه‌میزان ومعیار استفاده از محصولات اجتماعی ویگانه اساس اداره وسایل تولید است . مردم یوگسلاوی میتوانند برای‌کسب درآمد شخصا به‌کارهای کشاورزی ، وبازرگانی وکار های دیگر بپردازند . لکن این کار باید درحدود شرایطی‌باشد که درقانون تعیین شده است . هرخانواده برزگر میتواند تا ده هکتار زمین قابل زرع‌داشته باشد . استفاده ازکار و زحمت دیگران برای‌کسب منافع‌مادی ممنوع‌است . وتنها مورداستثناء که درزمینه دیده میشود املاك زراعتی خصوصی ومغازه های صنعتگران وپیشه‌وران است‌که درحدود قانون حق استفاده از کار اضافی دارند و طبق‌قانون حق تملك اشیاء مصرفی‌که در سایه کار و زحمت شخصی بدست می‌آید تضمین شده است. کارگرانی که بطور خصوصی کارهای فرهنگی ، حرفه‌ای و



۱ــ يك‌كارخانه بزرگ برق با تجهیزات‌کامل در یوگسلاوی



۲ــ يك‌كارخانه بزرگ و مدرن نساجی یوگسلاوی که سالیانه میلیونها متر پارچه تولید میکند.

غیره انجام میدهند از همان امکانات اقتصادی و سیاسی واصولا ازهمان حقوق ووظایف کارگران سازمانهای کارگری برخوردار هستند . وظایف کارگران درتمام سازمانهای کارگری باین شرح است :

اداره سازمانهای کارگری بطور مستقیم ویا بتوسط هیات های مدیره‌ای که خودشان انتخاب‌میکنند ، تنظیم‌تولیدات و اجرای فعالیتهای دیگر ، کوشش برای پیشرفت وتوسعه سازمانها وتعیین وترتیب‌برنامه کار وتوزیع‌درآمد سازمان، و تهیه وسایل برای ترقی اساس اقتصادی کار ، تقسیم درآمد بین خودشان ، ایفای وظایف سازمان درقبال جامعه واتخاذ تصمیم راجع به‌استخدام اعضاء جامعه خود ، تعطیل‌کارفردی و رسیدگی به روابط داخلی کارگران ، اتخاذ تصمیم‌درباره تشکیل حوزه‌های مستقل در سازمان خودشان و همچنین راجع به‌تماس واتحاد سازمان خود با سازمانهای کارگری دیگر .

آزادی حقوق ووظایف

مردم : تمام افراد ملت صرفنظر از ملیت ونژاد و مذهب وجنس وزبان و تربیت ومقام‌اجتماعی دارای حقوق و وظایف‌متساوی هستند . هریکی از افراد ملت که متجاوز از ۱۸ سال داشته باشد حق انتخاب‌کردن‌وانتخاب شدن دارد . حق‌کار و آزادی کار تضمین شده است . هرکس میتواند آزادانه شغل خود را انتخاب‌کند. کار اجباری‌ممنوع است . هرفردی طبق شرایط متساوی هرشغلی را بخواهد پیش‌گیرد و هراداره‌ایکه مایل باشد وارد شود . همه افراد مملکت به‌طرزی که در قانون مقرر شده‌است در دوره‌بیکاری از بیمه اجتماعی برخوردار هستند . افراد سالمی که نمیخواهند کار کنند از حقوق بیمه‌های اجتماعی که زائیده کار است محرومند هفته‌کار حداکثر ۴۲ ساعت است . هر کارگر وکارمند حق استراحت روزانه و هفتگی داردومیتواند ازمرخصی سالانه بمدت ۱۴ تا ۳۰ روز استفاده کند وحقوق این مدت را نیز دریافت‌دارد. امنیت شخصی و حق استفاده مزایای بهداری درمدت کار برای همه کارگران تضمین‌شده است . مردان وزنان جوان و اشخاص ناتوان از حمایت مخصوصی درموقع‌کار بهره‌مند میشود . تمام اعضاء خانواده کارگر وکارمند حق استفاده‌از مزایای بهداری وهمه مزایای بیمه‌های اجتماعی را دارند . کارگران نمایندگان قدرت دولتی و کشوری هستند و خودمختاری اجتماعی اساس سیستم اجتماعی وسیاسی و خودمختاری اجتماعی‌اش‌اساس هیئتهای نمایندگی ــ یعنی مجالس گروههای اجتماعی و سیاسی است .

انجمنهای شهرداریها دارای دو شورا هستند : یکی شورای محلی ودیگری شورای سازمان های کارگری .

اعضاء مجالس محلی ، ناحیه‌ای ، جمهوری وفدراتیو ازبخشهائی که جامعه‌های اساسی مردم وکارگران‌هستند بنمایندگی برگزیده میشوند . و انتخاب نمایندگان برای‌شورا های مجالس بالاتر از طرف انجمنهای شهرداری‌ها ــ شورا های‌مجالس جمهوری وشورای فدراتیو مجالس فدرال باید از طرف تمام مردم و در جریان انتخابات مستقیم ویکدرجه‌ای تائید شده باشد . اعضاءمجالس برای يك‌دوره چهارساله‌انتخاب میشوند لکن انتخاب نصف نمایندگان مجالس هر دو سال یکبار تجدید میشود . جامعه های سیاسی و اجتماعی از این قبیل است : بخش ، ناحیه ، ایالت خودمختار ، جمهوری و فدراتیو . مجلس فدرال عالیترین ارگان کشور ، دولت وخودمختاری اجتماعی است .

مجلس فدراتیوشامل پنج‌شوری است : شورای فدرال که از نمایندگان بخشها وجمهوری‌ها تشکیل میشود و چهار شورای دیگر عبارت هستند از شورا های سازمانهای کارگری (شورای اقتصادی ، شورای اموزش و پرورش و فرهنگ، شورای بهداری و بیمه‌اجتماعی وشورای سازمانی وسیاسی)

هرشوری ۱۲۰ عضو دارد ولی شورای فدرال دارای ۷۰ عضو اضافی است که شورای ملتها را تشکیل میدهند و از طرف مجالس نمایندگان جمهوریها (هر جمهوری ۱۰ عضو) ومجالس ایالات‌خودمختار (پنج‌عضو) انتخاب میشوند .

رئیس جمهوری نماینده یوگسلاوی در داخل وخارج کشور است . بموجب فرامین خود قوانین فدرال را توشیح میکند . ، اسنادی مربوط به تصویب قراردادهای بین‌المللی را صادر مینماید . نصب و عزل سفراء و وزراء و قبول استوارنامه‌های نمایندگان و دیپلماتیك خارجی اسناد فراخواندگی‌آنها ، اعطای‌نشان و عفو مجرمین از اختیارات اوست . رئیس جمهوری حق دارد اجرای تصویبنامه‌ها و آئین‌نامه‌هائی را که دارای اهمیت سیاسی کلی است و از طرف شورای فدراتیو بتصویب رسیده است پس از اجرائیه توشیح‌آنها را بتعویق اندازد. رئیس‌جمهور مجلس‌ملی‌فدراتیو را ازمسایل داخلی وبین‌المللی وسیاست خارجی کشور مطلع میسازد . او میتواند به مجلس ملی فدراتیو پیشنهاد کند که درباره برخی ازمطالب بحث کرده و تصمیماتی اتخاذ کند. رئیس جمهور شورای فدرال را که اعضاء آن از میان مامورین جمهوری وفدراتیو سازمانهای اجتماعی وسیاسی از طرف شورای فدرال انتخاب میشوند بتشکیل جلسه دعوت میکند . شورای فدرال مسایل مربوط به سیاست‌کشور وکار ارکانهای سیاسی و مجریه و اداری را مورد رسیدگی قرار میدهد . رئیس جمهور بعنوان فرمانده کل نیروهای مسلح به‌جنرالها و آدمیرالها ترفیع درجه میدهد و طبق قانون فدرال ازکار برکنار میکند . رئیس جمهوری برای یك‌دوره چهارساله‌انتخاب میشود وممکن است تنها برای‌یك دوره متوالی برگزیده شود . لکن این محدودیت شامل حال نخستین رئیس‌جمهوری یوسیب بروز تیتو نمیشود . رئیس جمهوری از مصونیت بهره‌مند است و مطابق اساسنامه و قانون‌فدرال درمقابل مجلس ملی فدراتیو مسئول است . در غیاب رئیس جمهور وظایف او را معاون رئیس جمهور انجام میدهد و اگر از میان نمایندگان مجلس فدراتیو انتخاب شده باشد کرسی خود را درمجلس حفظ میکند . شورای اجرائیه‌فدرال ارگان مجلس فدرال است و وظایف‌سیاسی اجرائی درحدود حقوق و وظایف اتحادیه بعهده آن‌واگذار شده است .

ارگانهای اداری فدرال عبارتند از : دبیرخانه های کشوری ، شوراها ، دبیرخانه های‌فدرال، انستیتوهای‌اداری، مدیریتها ، ادارات بازرسی و کمیسیونها .

سازمانهای سیاسی و اجتماعی کارگران یوگسلاوی:

اتحادیه سوسیالیستی کارگران سازمان بزرگ سیاسی زحمت‌کشان است‌که در راه حمایت وترقی و تحکیم پیشرفت و تکامل سوسیالیستی و اجتماعی کوشش میکنند. اتحادیه کمونیستی سازمان سیاسی ، رهبر طبقه کارگر و تمام کارگران یوگسلاوی‌است که برای پیشرفت اجتماعی سوسیالیستی وتکامل تدریجی تحول‌آن بسوی کمونیزم‌مبارزه میکند . اتحادیه سندیکاهای یوگسلاوی‌متجاوزاز۲۶۰۰۰۰۰ عضو دارد . این اتحادیه دارای نقش مهمی بویژه در بالابردن مراتب‌آگاهی سیاسی کارگران وتربیت و تعلیم و پرورش‌آنها در دانشگاههای کارگری و مراکز دیگر تربیتی بزرگ‌سالان است .

اتحادیه جوانان یوگسلاوی یك سازمان اختیاری است که درآن‌هریکی‌ازافرادیوگسلاوی از ۱۵ تا ۲۵ سال میتوانند عضویت داشته باشد . سازمان

نمای سالن بزرگ از کارخانه اتومبیل‌سازی فیات در یوگسلاوی





منظره از زمان جنگ با وسایل دفاعی آنروز از خیابان های بلگراد

جوانان تقریبا از ۲۲۰۰۰ انجمن جوانان تشکیل می‌یابد و بیشتر از ۱۷۰۰۰۰۰ عضو دارد .

فوراسیون انجمنهای زنان از ۲۰۰۰ سازمان زنان تشکیل شده است . سازمانهای اتحادیه سربازان قدیم از سربازان و جنگجویان ازکارافتاده و افسران ذخیره و افسران بدون ماموریت تشکیل شده است و ۱۸۶۶۰۰۰ عضو دارد .

مذاهب یوگسلاوی: طبق سرشماری سال ۱۹۵۳ تقریبا ٪۴۸ از جمعیت یوگسلاوی را ارتودوکسیها و (صربیها) ، ٪۳۶ کاتولیکهای رومی، ٪۱۴ آنرا مسلمانها ، ٪۱،۰۱ آنرا پروتستانها، ٪۰،۴۷ آنرامسیحیان فرقه‌های دیگر ، ٪۰،۰۱۳ آنرا یهودیها ٪۰،۰۰۶ آنرا پیروان مذاهب دیگر تشکیل‌مدهند .

قانون اساسی یوگسلاوی آزادی‌عقیده و مذهب‌راتضمین میکند . مذهب بطورکلی از دولت جدا شده است . مدارس رسمی دولتی از کلیسیا مجزا است . جامعه‌های مذهبی که تعلیمات‌آنها میتواند آزادانه مراسم مذهبی خود را بجای‌آورند . لکن سوء ــ استفاده از مذهب برای‌هدفهای سیاسی ممنوع است . مدارس معقول و منقول آزاد است ولی کارآنها تحت‌نظارت دولت‌قرار دارد. دولت‌ممکن است به‌جامعه های مذهبی کمك مادی نیز مبذول دارد . بیمه وبهداری اجتماعی برای روحانیون در یوگسلاوی درسال ۱۹۵۷ آغاز شد و براساس پیمانهائی که از طرف اداره فدرال بیمه‌های اجتماعی ومقامات مذهبی و یا اتحادیه‌های حرفه‌ای‌روحانیون بسته شده است انجام میگیرد . تاکنون اینگونه پیمانها با ۱۶ جامعه مذهبی منعقد شده است.

بهداری وبیمه‌های‌اجتماعی: تمام مستخدمین دولت واعضاء خانواده‌های آنها دریوگسلاوی بیمه شده‌اند . در اواخر سال ۱۹۵۹ بیمه‌های اجتماعی توسعه یافت‌وشامل‌حال تولیدکنندگان انفرادی نیزگردید . در سال ۱۹۶۱ طرحهای مختلف بیمه های اجتماعی شامل حال ۱۸۳۰۰۰۰۰ نفر و یا ٪۹۷ از کلیه افراد ملت (۸۹۹۰۰۰۰ کارگر و ۹۳۰۰۰۰۰ کشاورز فردی و اعضاء خانواده آنها) بود . صنعتگران خصوصی در اول ژوئیه سال ۱۹۶۲ بیمه شدند و اکنون تمام افراد ملت بیمه اجتماعی دارند . در سال ۱۹۶۱ هزینه بیمه‌های اجتماعی بالغ بر ٪۱۱،۶ تمام درآمد ملی شد .

افراد بیمه شده وخانواده های آنها حق دارند از بهداری اجتماعی در تمام مدت بیماری خودشان هرقدر طول بکشد استفاده کنند و مخارج این امر از محل بیمه‌های اجتماعی پرداخته میشود . هر فرد یوگسلاوی‌که بیمه شده است حق معالجه آزاد پزشکی دارد و میتواند از دارو و درمان استفاده کند و دربیمارستانهای بستری شود و پزشکی را که میخواهدانتخاب کند. اشخاصی که دراستخدام دولت هستند در مدت بیماری از ۸۰ تا ٪۱۰۰ درآمد متوسطی را که در سه ماهه گذشته داشته‌اند دریافت میکنند .

حقوق بازنشستگی :

مردانیکه ۳۵ سال سابقه خدمت دارندوبه‌پنجاه سالگی رسیده‌اند و زنانی‌که دارای سی سال‌سابقه خدمت و پنجاه سال عمر باشند حق دریافت حقوق بازنشستگی کامل دارند ودرصورتیکه افرادی بیشتر از پنجسال‌خدمت کرده باشند یا اگر در حین انجام خدمت وفات یافته‌باشند بدون توجه بمدت خدمت‌حقوق بازنشستگی آنها به بستگانشان تعلق میگیرد . همچنین حقوق بازنشستگی‌به‌کسانیکه درجریان خدمت دچار ناتوانی شده‌اند تعلق میگیرد و این حق بازنشستگی مساوی با حقوق دریافتی اینگونه افراد است درصورتیکه‌کسی بسبب‌حادثه‌ای خارج ازمحیط کار و یا بعلت بیماری ناتوان بشود حقوق بازنشستگی او ٪۵۰ حقوقی‌که درمدت کار داشته است خواهد بود مشروط براینکه ۵۵ سال عمر و متجاوز از ۱۰ سال سابقه خدمت داشته باشد . تمام مستخدمین بعد از ۱۱ ماه‌خدمت مداوم وبلاانقطاع با استفاده‌از حقوق بمدت ۱۴ تا ۳۰ روز از مرخصی‌سالیانه بهره‌مندمیشوند. طبق قانون اساسی جدید یوگسلاوی مدت کار به هفت ساعت در روز محدود شده است لکن‌روز کار برحسب‌نوع کار ــ از ۲ تا ۷ ساعت تغییر میکند. انتقال بسیستم‌جدیدیعنی هفت ساعت‌کار بتدریج تحقق می‌یابد وهنوز درتمام رشته‌های فعالیت اجراء نشده است لکن اقدامات لازم برای عملی‌کردن این تغییر درهمه‌جا آغاز شده

است . تمام زنان کارمند یوگسلاوی حق دارند بااستفاده ازحقوق از ۱۰۵ روز مرخصی زایمان استفاده کنند بشرط اینکه بیشتر از ۶ ماه درخدمت بوده باشند واگر مدت خدمت کمتر از شش ماه باشد در دوره مرخصی زایمان از۸۰ درصد حقوق خودشان را دریافت میکنند . مادرانی که بچه شیرخوار دارند بعداز زایمان مدت کوتاهتری در سال از ۶ تا ۸ ماه کار میکنند و در این مدت تمام‌حقوق خود رادریافت میدارند . هرمادری هنگام پرستاری ومواظبت بچه‌بیماری که کمتر از سال داشته باشد حق دارد با استفاده از حقوق از ۱۵ روز مرخصی بهره‌مند شود .

اقتصاد : ازاختتام جنگ‌دوم جهانی تاکنون صدها کارخانه دریوگسلاوی بنا شده است بسیاری از محصولات صنعتی ازقبیل : کامیون ، اتومبیل، واگن ، لوکوموتیو ، ماشین دیزل ، توربین ، تراکتور ، دستگاه مرکزی تلفن ، سینماتوگراف ، یخچال ، دستگاهها ووسایل آبیاری غیره که قبلا ازخارج وارد میشده است اکنون درکارخانجات یوگسلاوی ساخته میشود . پیشرفت صنعت یوگسلاوی را بخوبی میتوان از روی آمار های تولیدات‌این‌کشوردریافت. اگر تصورکنیم‌که میزان تولید درسال ۱۹۳۹ــ ۱۰۰ بوده‌است درسال ۱۹۴۶ به ۲۰۸ و در سال ۱۹۵۸ به ۳۴۵ و در سال ۱۹۶۲ به ۵۱۶ رقم رسیده‌است. در دوره پس از جنگ بیشتراز ۶۰۰۰۰۰ کارگر ازکشاورزی دست‌کشیده ودرمراکز صنعتی استخدام‌شده‌اند . سهم تولیدات صنعتی در درآمدهای ملی دائما روبازدیاد است و درسال۱۹۶۱ رقم آن به ٪ ۴۷ ازتمام‌درآمد ملی رسید .

یوگسلاوی دارای منابع زیرزمینی وسنگهای معدنی بسیار است . تخمین زده شده است‌که ذخائر زغال‌سنگ ۲۳۴۰۰ ملیون تن ، بوکسیت ۱۰۰۰ ملیون تن ، نفت خام ۸۶ ملیون‌تن است . یوگسلاوی یکی‌ازبزرگترین‌تولیدکنندگان بوکسیت ، سرب ، سنگ‌سرمه . رنگ‌زرد فرنگی ، و روی در اروپا است و اکنون در یوگسلاوی ذخائر زیادی از اورانیوم کشف شده است . ثروت طبیعی کشور وسرمایه‌گذاریهای دائمی امکاناتی بوجودآورده‌است که‌یوگسلاوی بسیاری از رشته‌های صنعتی را توسعه دهد . تولید سرب از لحاظ حجم مساوی با تولیدفلز ومنسوجات وفلزات خام و دخانیات و زغال سنگ وصنعت چوب است . بزرگترین پیشرفتها در دوره بعد ازجنگ در زمینه تولید برق و تولید وتصفیه نفت و فلزکاری، آهن و فولاد و صنعت شیمی حاصل آمده است .

قبل از جنگ دوم‌جهانی کارخانجات کشتی سازی یوگسلاوی فقط کشتی‌هائی تا ظرفیت ۴۰۰۰ تن می‌ساختند لاکن اکنون کشتی سازان یوگسلاوی کشتیهای ۲۵۰۰۰ تنی ، و نفت‌کشهای ۳۵۰۰۰ تنی می‌سازند و بسیاری ازاین کشتیهای ساخت یوگسلاوی به کشورهای‌خارجی‌صادر میشود. در اواسط سال ۱۹۶۲ کارخانجات کشتی‌سازی یوگسلاوی جشن فوق‌العاده‌ای گرفتند : از زمان آزادی‌کشور درسال ۱۹۴۵ تا آخر ماه ژوئن ۱۹۶۲ظرفیت کشتیهائی که‌بآب انداخته شده‌اند ۱۰۰۵۵۰۰تن بوده است .

درسال ۱۹۶۲ تولید برق‌سرانه‌به ۱۱۲۷۵۰۰۰KWH
۶۰۰KWH رسیده است .

درسال ۱۹۶۲ هواپیمائی یوگسلاویYAT سرویس‌منظمی برای رفت وآمد در۴۷ خط هوائی داخلی و بین‌المللی برقرار ساخته است . و در ظرف همین سال تعدادمسافرین این خطوط ۳۰۸۴۰۰ نفر بوده است درصورتیکه این رقم در سال ۱۹۳۹ ــ ۱۲۶۸۷ نفر بوده است . سرویس‌های مهم بین‌المللی YAT عبارتند از .

۱ــ بلگراد ــ زاگرب ــ مونیخ ــ پاریس
۲ــ بلگرادــ آتن ــ بیروت
۳ــ بلگراد ــ زاگرب ــ زوریخ
۴ــ بلگراد ــ آتن ــ قاهره
۵ــ بلگراد ــ زاگرب ــ روم

حجم کالاهائی‌که ازطریق بنادر یوگسلاوی حمل‌شده است از۲۱۱۵۰۰۰ تن در سال۱۹۳۹ به۹۳۰۰۰۰۰ تن درسال۱۹۶۲، از ۱۴۰۰۰۰۰ مسافر به ۴۹۰۰۰۰۰ افزایش یافته است. درهمین مدت بنگاههائی که به کارهای حمل و نقل درآبهای داخلی اشتغال‌دارند ۵۸۰۰۰۰۰ تن بار و ۴۳۹۰۰۰ مسافرحمل کرده‌اند . درسال ۱۹۶۲ کشتیرانی بازرگانی‌یوگسلاوی ۹۰۷۰۰۰ تن ظرفیت‌داشته‌اند .

کشاورزی: یوگسلاوی‌دارای ۱۵ ملیون هکتار زمین زراعتی است . از این مقدار ۷،۶۹ میلیون هکتار کشتزارها و باغها و۶۹۲۰۰۰ هکتار باغهای میوه وتاکستانها و۶٫۵۷ میلیون‌هکتار چمن‌زارها ومرغزارها و ۶۶۰۰۰هکتار استخرهای پرورش ماهی و باتلاق‌ها را تشکیل میدهد .

قانون اصلاحات‌ارضی‌که درسال ۱۹۴۵ بتصویب رسیده است املاک بزرگ را از بین برده و املاک فردی را به مالکیت۲۰ تا ۳۰ هکتارمحدود کرده است . در سال ۱۹۵۳ این رقم به ۱۰ هکتار تنزل یافت و تمام اراضی متجاوز از ۳ هکتار از دست اشخاصی که در کار های کشاورزی شرکت نداشتند گرفته شد . طبق این قانون ۱۶۲۰۰۰ ملک تقسیم‌شده است و بیشتر از ۱٫۵ میلیون هکتار زمین ضبط شد .

پیشرفت تولیدکشاورزی اصولا نتیجه علاقه تولید کنندگان است که بمیزان زیادی از کود شیمیائی و تراکتورها و ماشین های کشاورزی استفاده می‌کنند . در سال ۱۹۶۲ ، ۳۶،۴۸۷ تراکتور دریوگسلاوی وجود داشت . درحالی که کمی بعد از خاتمه جنگ تنها ۲۵۰۰ تراکتور بود . و در همین سال میزان استفاده ازکود شیمیائی سی‌وپنج برابر آن در سال ۱۹۳۹ بود .

اکنون ۸۳ انستیتو تحقیقاتی ، ۸۰ مرکز حفاظت کشت ، ۹۸۳ مرکز دامپروری و ۸۵۳ مرکز دامپزشکی ، ۲،۱۱۳ مرکز لقاح مصنوعی ، ۴۷ شیرخوارگاه ، ۹ دانشکده دامپزشکی و بیشتر از ۶۰ مدرسه کشاورزی در بهبود و ترقی تولید کشاورزی به کشاورزان کمک میکند .

شرکتهای تعاونی روزبه روز اهمیت بیشتری درپیشرفت کشاورزی پیدا میکنند . در یوگسلاوی سه نوع شرکت تعاونی وجود دارد : شرکتهای تعاونی عمومی ، شرکت های تعاونی تولیدکنندگان ، شرکت های تعاونی اختصاصی. شرکت های تعاونی عمومی که تعداد آنها به ۳۲۲۳ میرسد ــ باستثنای کارهای بازرگانی توجه خودرا به سوی کشاورزی مبذول میدارند این شرکتها نقش مهمی در تنظیم امور کشاورزی وکمک به‌کشاورزان دارند . تخمهای برگزیده و کود شیمیائی و ماشین آلات کشاورزی را برای کشاورزان فردی فراهم میسازند . شرکت های مزبور ۱۴۰۲۰۰۰ عضو دارند و ٪۵۰ تمام مزارع در اختیار آنها است . شرکتهای تعاونی تولیدکنندگان که تعداد آنها ۱۲۹ است بمنظور تولید دسته‌جمعی بوجود آمده است و آنچه زمین و چهار پا و ماشین و چیز های دیگر در اینجا هست از طرف اعضاء این

شرکتها بعنوان سرمایه بمیان گذاشته شده است . زمینه فعالیت شرکتهای تعاونی اختصاصی توسعه تاکستانها و پرورش زنبورعسل‌ودامپروری و تهیه لبنیات است . سازمان های تعاونی‌خرید وفروش٪۵۰ از محصولات کشاورزی را در دست دارند . افراد میتوانند هر موقعی‌که بخواهند عضو این شرکتها بشوند و یا از عضویت شرکت خارج شوند . هیئات مجریه این شرکت‌ها انتخابی است و هیئات رئیسه آنها از طرف تمام اعضاء انتخاب میشوند و این هیئت در مقابل جلسه عمومی اعضاء مسئول است . رئیس هر شرکت را هیئات مدیره آن شرکت انتخاب میکنند .

مزارع سوسیالیستی ، شرکت های تعاونی تولید کنندگان و شرکت های تعاونی عمومی‌نماینده جنبه‌سوسیالیستی کشاورزی هستند و اگر این سازمانها فقط ــ ٪۱۰ زمین های زراعتی را در اختیار دارند ٪۵۵ گندم و چاودار ، در حدود نصف مقدار ذرت و چغندر و٪۲۰ گوشت و متجاوز از٪۱۶ شیریوگسلاوی را تهیه میکنند . شرکتهای عمومی کشاورزی وسیله پیوند میان جبهه سوسیالیستی و خصوصی هستند . تعداد جهان گردان خارجی در یوگسلاوی در سال ۱۹۶۲ بیشتر از تعداد آنان در دوره پس‌از جنگ دوم جهانی بود . درسال ۱۹۶۱ در حدود ۱۲۵۸۰۰۰ جهان گرد خارجی میعاد های تابستانی یوگسلاوی را زیارت کردند و تعداد افرادی از مردم یوگسلاوی که باین مناطق ییلاقی رفتند از ۶۶۳۰۰۰ در سال ۱۹۳۹ تا ۳۹۷۱۰۰۰ در سال ۱۹۶۲ افزایش یافت .

فرهنگ وتمدن : درسال تحصیلی ۱۹۳۸\۳۹ در یوگسلاوی سه دانشگاه (۲۶ دانشکده و مدرسه عالی) با ۱۷۰۰۰ دانشجو وجود داشت در حالیکه در سال ۶۲\۱۹۶۱ در یوگسلاوی ۶ دانشگاه (۲۴۴ دانشکده ومدرسه عالی) با ۱۵۸۰۱۰ نفر دانشجو مشغول کار بود .

فعالیت علمی وتحقیقاتی در سه فرهنگستان علوم (فرهنگستان علوم و هنر های زیبا در زاگرب وفرهنگستان علوم در بلگراد وفرهنگستان علوم اسلوونی در لوبلانا) و انستیتو های تحقیقاتی و آزمایشگاههای دیگر که تعداد کارکنان آنها بالغ‌بر ۲۰۰۰نفراست صورت‌میگیرد .

در سال ۱۹۳۹ــ۱۰۳۹ روزنامه (۱۹ روزنامه روزانه) در ۷۳۰۶۰۰۰ نسخه انتشار مییافت . در همان موقع ۸۶۹ مجله در ۲۸۴۶۰۰۰ نسخه بچاپ میرسید . روزنامه های مهم یوگسلاوی « پولیتیکا » بلگراد (۲۹۷۰۰۰ نسخه) ، « بوربا » بلگراد (۱۷۲۰۰۰) و « وییسنیك » زاگرب (۱۰۴۰۰۰) ، « دلو » ــ لوبلانا ــ (۷۸۰۰۰) ، و چرنیه نووستی بلگراد (۱۴۵۰۰۰) است . بزرگترین روزنامه هفتگی :

اطلاعات چهارشنبه Vyesnik u sryedu

زاگرب (۳۲۰۰۰۰) ، کمونیست بلگراد(۲۴۰۰۰۰)، « ملادوست » بلگراد (۱۱۰۰۰۰) اخبار یکشنبه Nedelyne informativne novosti بلگراد (۱۰۰۰۰۰) است .

خبرگزاری رسمی یوگسلاوی Tanyug نام‌دارد.

رادیو : درسال ۱۹۶۲ یوگسلاوی دارای ۳۳ ایستگاه رادیو بوده است . بزرگترین آنها :

۱ــ بلگراد (۱۶۲W و ۱۲۰ KW. موج ۴۳۹ و ۴۹ متر) که بجز برنامه داخلی سرویس مخصوصی برای خارج دارد .

۲ــ زاگرب (۲۶۴،۷ متر ، ۱۳۵ کیلووات)

۳ــ لوبلانا (۳۲۷،۱ متر ، ۱۳۵ کیلووات)

۴ــ اسکوپله (۳۷۰،۸ متر ، ۱۳۴ کیلووات)

۵ــ سارایوو (۴۹۰،۹ متر ، ۱۰۰ کیلووات)

۶ــ نوی‌ساد (۱۳۶ متر ، ۱۰۰ کیلووات)

۷ــ تیتوگراد (۳۴۰،۳ متر ، ۲۰ کیلووات) . ایستگاههای رادیوئی نسبتا کوچکتری نیز در یوگسلاوی کار میکنندکه عبارتند از: پریشتینا «، نیش»، «کوپار» اسپلیت ، «رییکا» و رادیو های شهرهای دیگر . درسال ۱۹۶۲ در یوگسلاوی ۲۰۴۰۰۰۰ دستگاه رادیو گیرنده وجودداشت وحال‌آنکه تعداد رادیو در سال ۱۹۳۹ ۵۵۰۰۰ دستگاه بود . در ۱۵ ماه مه ۱۹۵۶ نخستین برنامه تلویزیون یوگسلاوی در شهر زاگرب پخش شد . اکنون سه مرکز فرستنده تلویزیون در بلگراد . زاگرب . لوبلانا مشغول کار است .

پیشرفت اقتصادی یوگسلاوی

فعالیت بزرگی‌که درسال ۱۹۶۳ صورت گرفت حادثه استثنائی پیشرفت اقتصادی یوگسلاوی نیست . در دورهٔ پانزده ساله اخیر درآمد ملی در حدود ۲\۶ برابر و تولید صنعتی ۴\۳ برابر زیادتر گردید . نتایج درخشانی در ده ساله اخیر ، هنگامیکه اقتصاد یوگسلاوی بمرحلهٔ استحکام خود رسیده بود و زمانی که سیستم اقتصاد جدید با خود مختاری کارگری و اجتماعی صورت عمل بخود گرفته بود ، حاصل شده است . دراین دوره چند در صد ازدیاد درآمد ملی و محصولات اجتماعی بطور متوسط در یك سال ٪۹ وچند در صد ترقی تولید صنعتی در حدود ٪۱۲ بوده است .

کاهش توسعه اقتصادی درسال ۱۹۶۱ و اوایل سال ۱۹۶۲ خصوصیات مدت دراز توسعه اقتصادی یوگسلاوی را تغییر نمیدهد . دراین مناسبت باید ذکر کرد که تمایلات توسعه اقتصادی درسال های گذشته همواره پایدار و استوار نبوده است بلکه چند در صد پیشرفت اقتصادی سال به سال گوناگون و مختلف بود . مثلا از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ یعنی در مدت پنج سال ، چند درصد متوسط پیشرفت اقتصادی در حدود ٪۹\۱ ، در حالی که در دو سال اول چند در صد خیلی نازل (نازلتر از آنکه درسال ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ بود)، دوسال بعد چند درصد توسعهٔ اقتصادی خیلی بالا بوده ، در حالیکه چند در صد در ظرف یکسال مساوی با آن در سال ۱۹۶۱ ــ ۱۹۶۲ بود . در اینجا باید ذکر کرد که جنبش های تولید کشاورزی در این دوره باعث اختلاف زیادی در چند در صد پیشرفت اقتصادی یوگسلاوی شد . این امر تاثیرات بزرگی در زمینه تورم داشته‌است لکن درزمینهٔ صنعتی و زمینه های دیگر اقتصادی تمایلات پیشرفت سریعی پدیدار شده است . کاهش ترقی اقتصادی درسال ۱۹۶۱ــ۱۹۶۲ طولانی‌تر از گذشته بود . بجز این در زمینهٔ صنعت که چند در صد بالا و استوار داشت تمایلات انحطاطی دراین دوره ملاحظه میشود . لکن با کمك سیاست اقتصادی مثبت میزان سرعت پیشرفت به مرحلهٔ پیشین درآمد و تمایل و استحکام ترقی اقتصادی ، ازدیاد استحکام ونیروی تولید و بهبود وضع روابط اقتصادی باکشور های خارجی وغیره داشت .

دراین امرتعیین موقعیت در زمینه مصرف شخصی ، بعد ازدیاد صادرات و همچنین سیاست مطابق در زمینهٔ سرمایه گذاری اهمیت زیادی داشت .

ایران

کرنولوژی وقایع سال ۱۳۴۱

تهران



۱۳۴۱

کرونولوژی سال ۱۳۴۱ ایران (دنباله کرونولوژی تاریخ ایران مجلد دوم کتاب سال)

(پس از صفحه ۲۴۸)

۶ فروردین ۱۳۴۱ــ ورود ژاکلین کندی در تهران : بانو کندی همسر رئیس جمهوری امریکا که از سفر حسن نیت سه‌هفته‌یی خود بهند و پاکستان بازمیگشت یکساعت در تهران توقف کرد و دکتر امینی نخست وزیر در مهرآباد از او استقبال کرد .

آزادی امرای ارتش : خبر آزادی پنج نفر امرای زیر که سابقا دارای مشاغل مهم بوده و باتهام سوء استفاده در ۲۳ اردی‌بهشت ۱۳۴۰ زندانی‌شده‌وروز ۲۹ اسفند ۱۳۴۰ آزاد گشته بودند در این روز انتشار یافت .

سپهبد حاج علی کیا رئیس سابق رکن ۲ ستاد ارتش .

سپهبد مهدی قلی علوی مقدم وزیر سابق کشور و رئیس سابق شهربانی و رئیس سابق شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران .

سر لشکر علی اکبر ضرغام وزیر سابق دارائی و انحصارات و گمرکات سرتیپ فرج الله نویسی رئیس سابق شیلات .

سرتیپ آجودانی مدیرکل سابق بنگاه برق .

۷ فروردین ــ کاظم‌زاده ایرانشهر : عارف و نویسنده ایرانی و صاحب مجله ایرانشهر درسوئیس درگذشت .

شرکت هواپیمائی ملی ایران : تشکیل و شرکت هواپیمائی ایران تعطیل شد .

۱۵ فروردین ــ گشایش دانشگاه : دانشگاه تهران که بسبب تظاهرات دانشجویان علیه دولت دکتر امینی از بهمن سال ۱۳۴۰ از طرف دولت تعطیل شده بود پس از ۷۲ روز تعطیل گشایش یافت .

۲۱ فروردین ــ مسافرت اعلیحضرتین بامریکا : بدعوت پرزیدنت کندی رئیس جمهور امریکا.

۲۳ فروردین ــ بازداشت افسران : طبق اعلامیه رئیس دادرسی ارتش، افسران زیر باتهام سوء استفاده و تقلب در خریدهای ارتش توقیف شدند.

سر لشکر دفتری رئیس سابق تسلیحات ارتش .

سر لشکر خزاعی رئیس اردنانس ارتش .

سرهنگ شب‌پره .

سرهنگ نیاکیان .

۲۵ فروردین ــ اعلامیه مشترك شاهنشاه و پرزیدنت کندی مبنی بر تأیید پیمان دفاعی دوجانبه بین ایران وامریکا منعقد در سال ۱۹۵۹ انتشار یافت .

وضع مالیات دولت : دکتر امینی تصویب نامه‌ئی صادر کرد مبنی براینکه از هر فرد عازم‌زیارت اماکن متبرکه خارج ایران ۲۰۰ واز هر مسافر خارجه ۳۰۰ ریال بعنوان کمك بزندانیان بحساب انجمن حمایت زندانیان اخذ شود.

وزیر خارجه جدید : عباس آرام سفیر کبیر ایران در عراق بسمت وزیر خارجه و حسین قدس نخعی وزیرخارجه بسمت سفیر کبیر ایران درواشنگتن معرفی شد.

۲۸ فروردین ــ طوفان هولناکی در تهران روی داد ــ ۹ کیلومتر از جاده چالوس بر اثر ریزش کوه بسته شد ــ دو قریه را سیل ویران کرد

اول اردی‌بهشت ــ اسناد اولین منطقه اصلاحات ارضی (مراغه) و قراء مرزی رضائیه توزیع گردید.

۲ تا ۸ اردی‌بهشت ــ سیل‌در تهران بیش از ۷۰۰ خانه را ویران کردو خساراتی ببار آورد ۳۰۰۰ گوسفند تلف گردید و ۷ نفر بقتل رسیدند ــ طبق گزارش اداره هواشناسی در ۱۲ ساعت بقدر شش ماه سال گذشته باران آمد ــ خسارات سیل در تهران در حدود ۶۰ میلیون تومان برآورد شد .

در سایر نقاط کشور نیز سیل جاری شده خساراتی ببارآورد وبعضی‌از قریه‌ها را ویران کرد.

سوم اردی‌بهشت ــ پرونده غصب مسیل‌های تهران بجریان گذاشته شد.

مسافرت وزیر خارجه : عباس‌آرام وزیر خارجه برای شرکت در شورای وزیران سنتو از امریکا عازم لندن گردید .

دهم اردی بهشت ــ فهرست اسامی متهمین به غصب مسیل تهران‌و متن گزارش شهرداری در موردغاصبین اراضی مسیل انتشار یافت ــ طبق این گزارش از ۵۰۰ نفر از متنفذین تهران اراضی مسیل از ده میلیون و پانصد هزار متر مربع گرفته تا ۵۰۰ و ۲۰۰ متر را غصب کرده بعلاوه یك سوم از اراضی شهرتهران نیز بعنوان مسیل‌غصب شده بود. بزرگترین‌رقم تجاوزبمسیل ۱۰ میلیون متر مربع از طرف یك مقاطعه کار صورت گرفته و شهرداری از دولت

خواسته بود که پرونده غصب مسیل‌هارا مورد توجه قرار دهند.

۱۱ اردیبهشت ــ هیئت حسن‌نیت نیجریه به‌تهران وارد شده بانخست‌وزیر ملاقات کردند.

۲۴ اردی‌بهشت ــ اتومبیل های دولتی : طبق دستور دولت شهربانی از حرکت اتومبیلهای دولتی‌جلوگیری‌کرد (ولی چند روزی بیشتر دوام نیافت.)

۲۸ اردی‌بهشت ــ چهار بانوی مالك زیر املاك خود را در قزوین بطور داوطلب در اختیار دولت‌گذاشتند تا بین کشاورزان تقسیم شود.

(بانو اعتمادی ــ اتحادی ــ انور الملوك ــ عفت ــ مالکان‌قریه اسفر ــ ودین) .

۲۹ اردی‌بهشت ــ گشایش سد سفیدرود : بزرگترین سد کشور بدست شاهنشاه در گیلان انجام گرفت . هزینه سد ٤ میلیارد و پانصد میلیون ریال‌و گنجایش دریاچه پشت سد ٥٦ کیلومتر مربع و نیروی برق حاصله از فشار آب در آن ۱۳۲ هزار ولت خواهد بود.

۳۰ اردی بهشت ــ محاکمه سپهبد کیا رئیس سابق اداره دوم ستاد بزرگ ارتشتاران در سالن بزرگ دادگاه‌عالی جنائی (دادسرای دیوان کیفر) باتهام تعدی باراضی قریه حسین آباد وتصرف غیر قانونی ماشین آلات وزارت راه بعنوان بزرگترین محاکمه سال آغاز گردید .

۲ خرداد ــ ایران و لهستان : موافقت نامه بازرگانی بین دو دولت بامضا رسید و مقدار صادرات ایران به‌لهستان افزایش یافت .

۳ خرداد ــ دکتر امینی کابینه خود را ترمیم کرد و **دکتر نصر** شهردار تهران را بسمت وزیر مشاور تعیین کرد.

شهردارتهران : احمد نفیسی بسمت شهردار تهران منصوب شد .

٦ خرداد ــ قانون تمام وقت کار استادان دانشگاه بتصویب شورای دانشگاه رسید .

۷ خرداد ــ اعطای اسناد مالکیت: اولین قسمت اراضی تقسیم شده گیلان بدست شاهنشاه .

۱۱خرداد ــ دعوت بـه شوروی : بدعوت کمیته ملی المپیك شوروی، والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی‌برای شرکت درپنجاه‌ونهمین جلسه مجمع عمومی کمیته بین المللی رهسپار مسکو گردیدند .

۱۵خرداد ــ دستگیری قاچاقچیان: قاچاقچیانی که در فرودگاه مهرآباد سند جعل کرده بنام‌سفارت‌انگلیس‌اجناس قاچاق وارد میکردند دستگیر شدنـد . یك عضو ایرانی سفارت انگلیس وسه ارزیاب گمرك‌که با آنان شرکت داشتند نیز دستگیر شدند .

۲۱ خرداد ــ ایـران وشوروی: موافقت نامه بازرگانی دو دولـت‌بامضا رسیده برحجم مبادلات بین دو دولت افزوده گشت .

۲٦ خرداد ــ آزادی ابتهـاج: ابوالحسن ابتهاج مدیر عامل سابق‌سازمان برنامه که در ۲۰ آبان ٤٠ بعنوان‌تصرف غیر قانونی در اموال سازمان برنامه توقیف شده بود پس ازقریب هشت ماه بسر بردن در زندان با قرار ۷۲۰ میلیون ریال ضمانت و تبدیل بکفالت وتعهد عدم خروج از حوزه قضائی ایران آزاد گردید .

۲۸ خرداد ــ وزارت فرهنـگ گزارشی به نخست وزیر داده و انتشار یافت مبنی بر اینکه عده‌یی با اخـذ گواهی نامه هائی که در خارج فاقد هرگونه ارزش است بنام دکتر ومهندس بایران باز می‌گردند

شایع‌است بعضی‌ازدانشجویان‌ایرانی درخارجه به‌گورکنی وکفن‌دزدی اموات اشتغـال دارنـد . صـدور چکهـای بی محل و کلاهبرداری و دزدی وقتل و جنایت و خودکشی نمونه‌ئـی‌ازوقایعی است‌که در پرونده محرمانه اداره اعزام دانشجو وجوددارد !

۳۰ خرداد ــ ۳ دانشجوی ایرانی در دادگاه کلن آلمان باتهام توطئه علیه دولت آلمان محکوم به زندان گردیدند.

افزایش نرخ آب : در تهران به هر متر مکعب ٧٫٥ ریال .

اول تیر ــ حریق : در انبار بانك کارگشائی تهران در خیابان فـردوسی که ٥٦ ساعت طول کشیده و۳۰۰۰ تخته قالی امانتی مردم سوخته ۱۲۰ میلیون خسارت وارد کرد .

ورود نماینده حکومت الجزایـر دکتر مسعود شعلال پس از استقـلال الجزایر

۳ تیر ــ درمسابقات کشتی جهانی ایران عنوان قهرمانی خود را ازدست داده در رتبه سوم قرار گرفت.

٥ تیر ــ سپهبد کیا رئیس سابق اداره دوم ستاد ارتش محکوم بدو سال زندان شده فرجام داد و با پـرداخت ٥ میلیون ریال ودیعه آزاد گردید.

۹ تیر ــ مسافـرت شاهنشـاه به‌پاکستان بدعوت‌پرزیدنت‌ایوبخان‌رئیس جمهوری پاکستان درپایان این مسافرت اعلامیه مشترکی در مورد امور خاور میانه و سنتو وسیتو و اختلافات پاکستان وافغانستان انتشاریافت.

۱۱ تیر ــ قطعنامه اوپك :(سازمان کشورهای صادر کننده نفت) در تهران منتشر گردید و طبق‌اتحادیه شرکت های نفتی اخطار شد که باید بهای نفت خام را افزایش دهند .

۱۲ تیرمـاه ــ استقلال الجزایر: شاهنشاه را در مورد اختلافات بـا پاکستان پذیرفت .

۱۲ تیر ماه ــ استقلال الجزایر : از طرف دولت ایران برسمیت شناخته شد اعلام شد که مردم ایران ۷۱۱هزار ریال کمك نقدی و جنسی بمردم‌الجزایر داده‌اند .

۱۸ تیر ماه ــ تصادف یك اتوبوس با قطار راه‌آهن در گرمسار باعث‌قتل٤٨ نفر و زخمی شدن ۳۰ نفرگردید.

۱۹ تیـرماه ــ دکتر علی امینـی نخست وزیر تهدید کرد که اخلالگران را به بندرعباس تبعید میکند.

۲۳ تیر ماه ــ سیل در آذربایجان ۱۷ قریه را ویران کرد ٦ نفر وهزار راس احشام تلف شدند.

۲٤ تیر مـاه ــ دکتر امینـی نخست وزیراعلام‌کردکه اگرکار بودجه (که در مورد قسمت بودجه ارتش‌بحث داشت) درست نشود استعفا خواهد کرد ضمنا دولت امریکا را متهم بقطـع کمك وانجام وعده‌های مساعدت نمود.

۲٥ تیر ماه ــ بودجه‌ازطرف‌دولت اعلام شدکه کار بودجه کشور با بن‌بست رو بروشده است.

ایران و شوروی : دولت شوروی حاضرشد ۲٥٠ تراکتوربه‌بهای۶۳۵۰۰۰ دولار بشرکت های تعاونی روستائـی مراغه بفروشد و بازاء آن‌خشکبارتحویل گیرد.

۲٦ تیر ماه ــ اختلاس‌درراه‌آهن: کشف شد که در راه آهن مدت چند سال حقوقهائی‌بنام۳۰۰۰نفرکارمندجعلی که وجود خارجی نداشتند گرفتـه شده در نتیجه ۲۲ نفـر از رؤسای راه آهن

بازداشت گردیدند .

۲۷ تیر ماه ـ استعفای دکتر امینی نخست وزیر پس از یکسال و دوماه که نخست وزیر بود مورد قبول واقـع شد .

۲۸ تیر ـ دولت امریکا به کلیـه انتقادهای دکتر امینی پاسخ داده اعلام کردکه طی ۱٤ ماه زمامداری دکتر امینی ۶۷٫۳۰۰٫۰۰۰ دولار بایران کمك کرده و این رقم بیش از کمکهای امریکا در سالهای گذشته بوده‌است.

۳۰ تیر ـ کابینه جدید بریاست اسداله علم که روز ۲۸ تیر مامورتشکیل کابینه شده بود معرفی گردید.

٤ امـرداد ـ مسافـرت شاهنشاه بافغانستان بدعوت پادشاه آن کشور برای میانجیگری بین افغانستان و پاکستان سخن‌رانی در مجلس ملی افغـانستان‌و اظهار اینکه تعداد نفرات ارتش ایران۱۵ در صد تقلیل خواهدیافت .

۱۰ امـرداد ـ مسافرت شاهنشاه از افغانستان به‌پاکستان وتجدیدمذاکرات با مارشال ایوب خان و اعلام اینکه به‌بحران ناشی ازاختلافات پاکستان و افغانستان پایان داده شد .

۱۱ امرداد ـ ورود۳٤نفر استادان دانشگاه های امریکا به تهران بعنـوان جهانگردی .

نفت : دولت ایران تصمیمات‌اوپك را درمورد بهای نفت و بهره مالکانه‌و هزینه فروش انتشار داد.

حـادثـه وخیم سقوط اتوبـوسی در «دره مرگ» کاشان که‌منجر به‌قتل۱۳ نفر و زخمی شدن ۳۵ نفرگردید.

۱۳ امرداد ـ ایران و چك‌اسلواکی: قرارداد بازرگانی بین دولتین تـا ۵ ماه تمدید یافت .

۱۶ امـرداد ـ دکترعلی امینی با همسرش ایران را ترك و عـازم سویس گردید ـ عده‌یی از مخالفـان توقیف و محاکمه او را باتهام نقض‌قانون اساسی خواستار شده‌بودند .

نیابت تولیت موقوفات خانـدان پهلوی بمهندس شریف‌امامی نخست‌وزیر اسبق واگذارگردید.

۱۷ امـرداد ـ سیل و طوفان در آذربایجان به ده قریه آسیب رسانیدو یکصد خانه ویران‌گشت .

۱۸ امرداد ـ ایران و شوروی : موافقت نامه بازرگانی بین دو دولت بامضا رسید .

۲۰ امرداد ـ محاکمه ۳۷ نفـر متهمان انتخابات تابستانی مجلس شورای ملی از روسای و اعضای انجمن های فرعی آغاز شد .

۲۱ امرداد ـ چهار سازمان زیـر بعنوان صرفه جوئی در بودجه وتمرکز امور بازرسی منحل‌گردید : شورای‌عالی اقتصادی ـ بازرسی نخست وزیـری‌ـ سازمان تهیه‌مسکن‌ـ وبازرسی‌شاهنشاهی.

۲۳ امرداد ـ بودجـه کل کشور برای سال ۱۳٤۱ ازطرف هیئت دولت بشرح زیر بتصویب رسید:

درآمد ۳۹ میلیارد ریال ـ هزینه ٤۱٫۳ میلیارد ریال کسر بودجه ۲۳۰ میلیون تومان . از ۶۰۰ میلیون‌تومان کسر بودجه دولت سابق ۳٤۰ میلیون تومان آن حواله سازمان برنامه شد وبقیه بعنوان کسر بودجه باقی‌ماند.

۲ شهریورـ کنکوردانشگاه‌تهران: عده داوطلب امتحان ورودی ۱۲۸٤۷نفر طبق اعلام دانشگاههای تنها برای۳۰۰۰ نفر جا داشت .

۳ شهریور ـ ورود لیندن‌جانسون معاون رئیس جمهوری امریکا به‌تهران باتفاق همسر و دخترش وسه روز توقف در تهران ـ وی اظهار کرد کـه امنیت ایران برای امریکا اهمیت حیاتی داشته و امریکا پشتیبانی ایران را تعهد کرده است .

۳ شهریور ـ محکومیت متهمـان انتخاباتی : ۲۵ نفر محکوم شدند:۵ نفر از روسای و ۱۲ نفر اعضای انجمن‌های فرعی به ۲ ماه زندان و بقیه بمدت ۳سال محرومیت از حق انتخاب.

۵ شهریـور ـ محاکمه افسران زیر باتهام سوء استفاده در دادگـاه ارتش آغاز شد .

سر لشکر خزاعی رئیس سابـق اداره اردنانس‌ـ سرهنگ۲موتمنی‌آذرـ سرهنگ ۲ مشهور ـ سرهنگ نیاکیان‌ـ سرهنگ شب‌پـره ـ سروان آصفـنیـا و فریدونی .

۶ شهریور ـ بازداشت ارتشبـد هدایت : بدنبال بیانات شاهنشاه درمورد محاکمات ارتش ، ارتشبدهدایت‌بدادرسی دعوت شد و بعداً بازداشت گردید واعلام شد که دادرسی ارتش مقدمات بازپرسی ومحاکمـه مقامات درجه اول سابـق ارتش را فراهم میکند.

۷ شهریـور ـ رحیم علی خرم مقاطعه کار و رئیس شرکت اسفالت راه باتهام صدور چك بی‌محل و تبانی در کار اسفالت خیابان های تهران وغصب اراضی شهر آرا و طرشت و سـوء استفاده بازداشت گردید .

۸ شهریور ـ امریکـا و ایران : پرزیدنت کندی رئیس جمهور امریکا اعلام کرد که ایران ، پاکستان و ترکیه تحت فشار مستقیم شوروی قرار دارنـد و عدم کمك بایران اشتباه محض است. نهایت نادانی است‌که ما میلیونها دولار بودجه دفاعی برای خود تصویب کنیم ولی کمك‌بسایر کشورها را قطع‌کنیم‌و بگذاریم بدامن کمونیست بروند.

ورود وزیر خارجه‌افغانستان:سردار محمد نعیم خان به‌تهران و تـوقف دو روز.

۹ شهریور ـ ورود پرنس صدرالدین فرزند آقا خان رهبر فرقه اسمعیلیه‌و معاون کمیسر عالی سازمان ملل متحد در امور آوارگان به‌تهران برای مذاکره در مورد آوارگان در کشور هـای خاورمیانه .

۱۰ شهریور ـ سمپوزیم بین‌المللی نفت در تهران درباشگاه افسران از۲۰۰ نفر نمایندگان نفتی جهان و کارشناسان صنعت نفت‌گشایش یافت و ۲٤ شهریور بپایان رسید .

۱۱ شهریورـ فاجعه‌سال زلزله : در ساعت ۱۱٫۱ بعد از ظهر زلزله بزرگی در تهران تا مناطق قزوین وباختر ایران بوقوع بپیوست که بیش از بیست هزار نفر از مردم مناطق مرکزی را که ۹۸ درصدآنان ازدهقانان بودند بهـلاکت رسانید و متجاوز از یکصد دهکده را با خاك یکسان کرد و ده هاهزار نفر را بی‌خانمان نمود و در سرزمینی بوسعت چهل هزار کیلومتر مربع همه چیز را درهم کوبید و مطبوعات خارجی اثر آن را بیش از انفجار ۲۰۰۰ بمب ئیدرژنی که یکجا منفجر شود دانستند.

۱٤ شهریور : دبیر کل سازمان‌ملل از تمام مردم جهان برای کمك بزلزله زدگان ایران استمداد کرد ـ از کلیـه روسای کشور های جهان تلگراف های تسلیت بدولت ایران مخابره شد.

۱۶ شهریور ، زلزله: مردم تهران با هزاران اتومبیل باری و سـواری و تاکسی و کامیون مملو از مواد غذائی و لباس برای کمك بزلزله زدگان بنقاط زلزله زده شتافتند .

۲۴ شهریور ــ ایران و شوروی: بین دولتین ایران و شوروی یادداشتهائی مبنی برعدم واگذاری پایگاه‌های موشکی در ایران بدول دیگر و رفع‌اختلافـات دو کشور مبادله‌شد.

۲۵ شهریور ــ تصادف : یك‌هواپیمای با یك اتومبیل‌جیپ درروی باندفرودگاه مهرآباد منجر بقطع سر دونفر سرنشینان جیپ گردید .

۳۱ شهریور ــ شورای دانشگاه : دانشگاه پرداخت ۴۵۰۰ ریال‌شهریه‌ورود بدانشگاه را از طرف هر دانشجو مقرر داشت .

اول مهر ــ بازنشستگی امرای ارتش: سپهبد تیمور بختیار معاون سابق نخست وزیر و رئیس سابق سازمان اطلاعات و امنیت کشور که در این زمان مقیم اروپا بود و چهار سپهبد دیگر بازنشسته شدند .

۳ مهر ــ سهم کارگران : وزیرکار اعلام کرد که کارگران بزودی درمنافع کارخانه ها سهیم خواهند شد .

۷ مهر ــ قتل در وزارت‌دادگستری: حسین نام کندی بازداشتی طلبکار خود و مامور ابلاغ علی‌اکبر ابوطالبی را بسبب مطالبه طلب در کریدور وزارت دادگستری بضرب کارد از پـای در آورد .

۸ مهر ــ دادگستری : شعب ۴و۵ و۶ دادگاههای دیوان کیفر و شعبه۱۳ دادگاه استان تهران بدستـور وزیـر دادگستری منحل‌گردید .

۹ مهر ــ کنفرانس وزرای‌خارجه ایران وپاکستان و افغانستان درنیویورك آغاز گردید و درپایان اعلام شدکـه مذاکرات نهائی در مورد اختلافـات افغانستان و پاکستان بزودی در تهران دنبال خواهد شد .

محکومیت افسران : دادگاه‌ویژه نظامی افسران سابق اردنانس ارتش را باتهام تقلب و تـدلیس در خریـدهای اداره اردنانس، جعل اسناد رسمی، استفاده از سند مجعول ، غصب عناوین ومشاغل وکلاهبرداری بشرح زیر محکوم نمود: سرلشکر محمد علی خزاعی و دو نفر سرهنگ و یك غیر نظامی به ۵ سال‌حبس مجرد وتادیه ۱۰۸۵۹۵ ریال ودوسرهنگ دیگر و یك سروان هر یك به ۶ ماه‌حبس تادیبی .

۱۵ مهر ــ حق رای زنان: هیئت دولت طبق تصویب نامه لایحه جدیـد تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی را تصویب کرد و در آن قسمت های مربوط به ممنوعیت زنان از شرکت در انتخابات حذف‌گردید و بدنبال‌آن‌جنجال و مخالفت‌های بیسابقه‌ئی‌ازطرف‌مرتجعین آغازگردید .

اواسط مهر ــ ورود نمایندگان صلح هیروشیما بهتهران: این عده‌که‌آثار داغ زخمهای اتمی هیروشیما را پس از ۲۰ سال هنوز در تن داشتند بکشور های جهان‌مسافرت‌نموده برای‌جلوگیری ازیك جنگ جهانی دیگرصحبت‌میکردند وپس از توقف‌کوتاه در ایران عازم‌سایر کشورهای جهان گشتند .

ــ سیل درتهران جاری گشت ودر جوادیه و نازی آباد خساراتی وارد ساخت .

تیم فوتبال نیویورك به‌تهران آمده با تیم های مختلف باشگاه های تهران بمسابقه پرداخته در عموم مسابقات برنده شد .

۱۷مهر ــ حریق: بزرگی درمنطقه نفتی البرز بوقوع پیوست که شعله‌های آن از ۷۰ کیلومتری دیده میشد.

۱۸ مهر ــ تصادف : احمد حسین عدل وزیر اسبق کشاورزی و استاد دانشگاه تهران با پسر ۲۳ ساله‌اش دریك حادثه رانندگی در جاده قم درگذشتند.

۲۱ مهر ــ محکومیت قاتل دکتر خانعلی یعنی سرگرد شهرستانی ازطرف دادگاه نظامی به ۲ سال حبس .

۲۲ مهر ــ دکتر عبده نماینـده ایران در ملل متحد ازطرف ملل‌متحد بسمت حکمران گینه‌نوغربی منصـوب گردید .

۲۵ مهـر ــ ورود هوارد پیـج عاقد قرارداد کنسرسیوم در راس هیئت شش نفری ازکارشناسان نفت به تهـران برای مذاکره در مورد نفت .

۲۷ مهر ــ درگذشت محسن صدر (صدرالاشراف) رئیس سابق مجلس سنا و نخست وزیر اسبق و رئیس هیئت‌مدیره موقت مجلس در ایام فترت در سن ۹۱ سالگی .

۲۸ مهر ــ ورود والاحضرت پرنسس بئاتریس ولیعهد هلند به تهـران کـه میهمان شاهنشاه و شهبانو بـود . وی ازمناطق زلزله زده قزوین دیدن کرد.

۴ آبـان ــ ایران و شوروی: اسناد موافقت نامه ترانزیتی بین دولتین در مسکو مبادله شد .

۵ آبـان ــ مسافـرت شاهنشاه به‌ترکیه بدعوت ژنرال گورسل رئیس جمهوری آن‌کشور .

۸ آبان ــ ورود پریج من رئیس شرکت نفت انگلیس (شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) به‌تهران که تا روز ۱۰ آبان افشا نشد و انجام مذاکرات محرمانه راجع‌به‌نفت .

۹ آبان ــ محکومیت سارقین‌مسلح بانك صادرات ومعادن (۳ نفر) کیومرث امیر ثانی ــ محمود خسروی ــ ومنصور بخیرنیا به زندان ابد (این ۳ نفرنگهبان بانك را بقتل رسانیده ولی موفق به‌ـ سرقت پول نشده بودند .)

۱۶ آبان ــ اعتصاب اهالی اصفهان در مصرف برق بسبب گرانی بهای‌برق که به پیروزی ایشان منتهی شد وشهر های دیگر مانند زنجان و تربت‌حیدریه و مشهد نیز ازآن پیروی کردند.

اواسط آبان ــ سیل در تهـران : بسبب بارندگی های مداوم که درجنوب شهربعضی‌خانه‌هارا ویران کرده‌خساراتی ببار آورد .

۱۷ آبان ــ درگذشت‌صبحی‌مهتدی (فضل‌الـله) داستان‌گوی بخش کودکان در رادیو ایران بسبب بیماری‌سرطان و اهداء نشان سپاس ازطرف‌وزارت‌فرهنگ به وی در بستر مرگ در بیمارستان.

۲۰ آبـان ــ انتخابات مجلسین: نخست وزیراعلام‌کرد که فرمان‌انتخابات در اسفند ماه پس از پایان اصلاحات ارضی انجام خواهد شد .

۲۲ آبان : قتل مهندس ملك‌عابدی رئیس اصلاحات ارضی فیروز آبـاد فارس در راه شیـراز به فیروز آباد از طرف سران اشرار و عشایر وفئودالهای فارس بتحریك مالکین .

۲۳ آبان ــ اعلام حکومت نظامی درفارس ــ اعلام عزای ملی در سراسر ایران و قطع موسیقی رادیو واعلام تصمیم دولت مبنی بر تسریع دراجرای اصلاحـات ارضی در سراسر استـان فارس .

۲۴ آبان ــ دکتر ارسنجانی وزیر کشاورزی اعلام کرد که فئودالیته در ظرف ۴۵ روز در فارس نابود خواهد شد .

قوای مسلح ارتش و ژاندارم در کوه‌های فارس بجستجوی قاتلین‌مهندس عابدی برخاستند .

۲۶ آبان ــ ورودهیئت‌سناتورهای

امریکائی بریاست سناتور مانسفیلد رئیس گروه حزب دموکرات امریکا درکنگره این کشور بتهران و مذاکره بانخست وزیر در مورد روابط ایران وامریکا این هیئت روز بعد ایران را ترك گفتند .

اول آذر ـ اصلاحات ارضی :چند نفر از شرکت کنندگان در قتل مهندس ملك عابدی از سران طائفه قشقائی در فارس دستگیر شدند واعلام شد که برای محاکمه آن ها دادگاه‌نظامی‌تشکیل میشود.

نشر اسکناس تازه یکهزار ریالی از طرف بانك مرکزی پس از دوسال که اسکناس های سابق یکهزار ریالی و پانصد ریالی بانك ملی جمع‌آوری‌شده بود .

۳ آذر ـ اصلاحات ارضی :محمود مهدوی مالك قریه آزادمون آمل که بمنظور مخالفت با اصلاحات ارضی در ملك مزبور تیراندازی و ایجاد حریق کرده و در عملیات مامورین اخلالمی نمود بازداشت و باراك تبعید شد.

۵ آذر ـ بازداشت سپهبد عبداله هدایت بازنشسته رئیس سابق ستادبزرگ ارتشتاران و سناتور انتصابی سابق‌باتهام سوء استفاده از مخارج ساختمان های ارتش ضمنا اعلام شد که عده دیگری نیزکه در کار ساختمان های ارتش‌متهم بسوء استفاده هستند محاکمه خواهند شد .

در مسابقه فوتبال بین تیم ایران و شوروی تیم ایران (دارائی قهرمان باشگاه های کشور) برتیم شوروی۲بر۱ پیروز شد ــ تیم توربدوی شوروی در سایر مسابقات خود درایران پیروز شده بود .

منع رقص تویست ازطرف پلیس تهران در یکی از سینماهای‌تهران.

۱۰ آذر ـ مسکوت‌گذاشتن‌قانون انجمن‌های ایالتی وولایتی: نخست وزیر بر اثر فشار روحانیان بدولت و تقاضای گنجانیدن منع شرکت زنان درقانون انجمن های ایالتی وولایتی شرح زیر را خطاب به علما و روحانیان صادر کرد :

بعدالعنوان : « عطف بمرقومه (تلگرام) جنابعالی و سایر آقایان روحانیون و مراجع محترم موضوع انتخابات انجمن های ولایتی و ایالتی در جلسه هیئت دولت مطرح وتصویب شد که تصویب نامه مورخ ۱۴ر۷ر۴۱ قابل اجرا نخواهد بود . نخست وزیر اسدالهعلم» .

۱۵ آذرـ محاکمه افسراناردنانس ارتش (سرلشکر خزاعی وسایرمتهمان) در دادگاه نظامی آغاز گردید.

شورای فرهنگی سلطنتی : فرمان شاهنشاه مبنی بر تشکیل این شورا برای نظارت و راهنمائی در امور مربوط بادبیات و زبان فارسی صادرگردید.

۲۱ آذر ـ سقوط هواپیمای‌نظامی در نزدیکی ازگل حومه تهران وقتل ٤ نفرسرنشینان آن: یك سرهنگ ، یك سروان ، یك استوار ، و یك‌گروهبان.

۲۲ آذر ـ ایران و شوروی: نیکیتاخروشچف نخست وزیرشوروی در جلسه شورای عالی اتحاد جماهیرشوروی اعلام کرد که روابط شوروی وایران عمیقا بهبود یافته است.

۲۸ آذر ـ ورود سرگی لاپین معاون وزارت خارجه شوروی باتفاق **پکوف** سفیر کبیر شوروی‌به‌تهران‌وآغاز مذاکرات بین‌دولتین .

اول‌دیماه ـ سپاهدانش:اجرای‌طرح تازه تشکیل سپاه دانش برای مبارزه با بی‌سوادی آغاز گشت از ۲۷۵۸ نفر مشمولین لیسانسیه و دیپلمه که در قرعه کشی نظام وظیفه شرکت کردند ۱۰۵۶ نفر برای تعلیم بمردم بیسواد انتخاب‌شده لباس معلمی پوشیدند و برای گذراندن دوره چهار ماهه تعلیمات پیادگان های نظامی فرستاده شده ۷۲۰ نفر بخدمت نظام معمولی اعزام شدند و به۹۹۱ نفر قرعه پوچ اصابت کرده از خدمت نظام معاف گشتند .

٤ دیماه ـ اصلاحات ارضی‌وخلع سلاح : شاهنشاه برای اعطای‌اسنادمالکیت کشاورزان فارس بشیراز عزیمت نموده واز آنجا به فیروز آباد نزدیك محل‌قتل مهندس ملك‌عابدی مسافرت‌کرده اسناد مالکیت را اعطا و درشیراز برمزار ملك عابدی تاج گل نثار کرده فرمودند «بغارتگران مجال خودسری داده‌نخواهد شد ... قبل از اعلام‌دولت‌برای خلع‌سلاح در جنوب کسانی که اسلحه غیرمجاز دارند باید سلاح خود را تحویل دهند. کسانی که تفنگداران را برای مقاصدشوم خودشان تشویق میکردند دیگر نیستند و نخواهند بود و نامشان واعمالشان از صفحه این مملکت محو و نابود خواهد شد.»

۷ دیماه ـ فجیع‌ترین جنایت سال صبح این روز در آپارتمان ۵۶ تهران بدست علی نام مستخدم یك افسربازنشسته ارتش انجام گرفت که پس از کشمکش شدید با تازه عروس ارباب خودکه ٤۲ روز از عروسی او میگذشت (بنام پروین پژهان) سر پروین را با کارد آشپزخانه‌بریده وخودرا ازبالکن بحیاط پرت‌کرده ودستگیر وزندانی شد.

۹ دیماه ـ تقسیمات شهر تهران: طرح تازه تقسیم بندی شهر بده منطقه و تاسیس ده شهرداری اجرا گردید.

۱۴ دی ماه ـ ریزش تونل شماره ١٤ درجاده آمل ـ تهران منجر بهقتل ۸ کارگر گردید .

این سومین حادثه این تونل در این سال بود در دو حادثه قبل ٤ نفرتلف شده بودند.

۱۷ دی ماه ـ تظاهرات بانوان: زنان تهران بمناسبت روز ۱۷ دی واعلام روز آزادی زنان ورفع حجاب در۲۵ سال پیش بتظاهرات پرداخته در کاخ نخست وزیری دست باعتصاب نشسته زده بهلغو تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی اعتراض داشتند و با قبول مساعدت نخست‌وزیر متفرق گشتند .

۱۸ دیماه ـ سهیم‌شدن کارگران در سود کارخانه‌ها طبق تصویب‌نامه دولت طبق این تصویب نامه اگر کار فرما با سهیم شدن کارگران مخالف باشد مکلف است ۲۰ در صد از سود ویژه را بکارگران بپردازد .

۱۹ دیماه ـ اولین کنگره عظیم دهقانان با شرکت ۳۵۰۰۰ نفر نمایندگان شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی روستائی کشور در تالار محمد رضاشاه پهلوی بریاست یك دهقان ۹۳ ساله بنام منانلو و بریاست افتخاری شاهنشاه ازطرف شاهنشاه گشایش یافت و شاهنشاه اداره اولین جلسه را شخصا عهده‌دار شده و آغاز انقلاب‌اجتماعی‌وسفید ایران‌رااعلام و پس از نطق تاریخی مهمی که ایراد کردند مواد شش‌گانه زیر را بنام اصلاحات اجتماعی بتصویب ملی (رفراندوم) گذاشتند :

۱ـ الغاء رژیم ارباب ورعیتی با تصویب اصلاحات ارضی ایران براساس لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دی‌ماه ۱۳٤۰ و ملحقات آن .

۲ ـ تصویب لایحه قانون ملی

کردن جنگلهای درسراسر کشور.

۳ـ تصویب لایحه فروش سهام کارخانجات دولتی بعنوان پشتوانه اصلاحات ارضی .

۴ـ تصویب لایحه قانونی سهیم کردن کارگران در منافع کارگاههای تولیدی وصنعتی .

۵ـ لایحه‌اصلاحی قانون‌انتخابات.

۶ـ لایحه ایجاد سپاه دانش‌بمنظور تسهیل اجرای قانون تعلیمات عمومی واجباری .

در این کنگره بانوئی از قبیله‌کرد اولین مرتبه در اجتماعات ایران بنام ماه سلطان شرکت داشت .

کلیه مواد بالا باتفاق آراء مورد تصویب کنگره قرارگرفته و قرار شد رفراندوم عمومی سراسر کشور نیز برای تحکیم آن انجام گیرد.

شاهنشاه فرمودند : « ... نه فقط ما رعیت و کلمه رعیت را از بین بردیم بلکه او را یکنفر دهقان آزاد وحاکم برسرنوشت خود کرده‌ایم».

۲۰دیماه ـ قانون ملی‌شدن‌جنگلها طبق تصویب نامه دولت اعلام گردید.

۲۲ دیما : شاهنشاه شام را در سلطنت‌آباد با دهقانان نمایندگان کنگره صرف نمودند .

۲۳ دیماه ـ اعلام رفراندوم . نخست وزیر روز ۶ بهمن همین سال را روز رفراندوم اعلام کرده وگفت‌که لوایح شش‌گانه شاهنشاه بآراء عمومی‌در سراسر کشور گذاشته خواهد شد ومبلغ ۲۵٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال اعتبار برای‌اجرای رفراندوم مقررگردید .

محکومیت قاتل دکتر محمدصفدری: نصرتعلی صدری متهم بقتل دکترصفدری که محکوم به حبس ابد گردیده بود رای محکومیت وی مورد تاییددیوانعالی کشور قرار گرفت .

۲۴ دیماه ـ انتخابات: قانون‌جدید انتخابات از طرف دولت اعلام شد ومقرر گردید که انتخابات اولین مرتبه در ایران با کارت الکترال انجام شود.

در آئین‌نامه جدید نام اعیان‌و مالکان از هیئت نظار حذف وبجای آن نام طبقات کارگر ودهقان درطبقات ششگانه قرار داده شده بود .

۲۵ دیماه ـ رفراندوم : آئین‌نامه رفراندوم انتشار یافت و ۵ میلیون ورقه تعرفه در سراسر کشور انتشار یافت.

۲۶ دیماه ـ شش جت جنگی‌ایران عازم‌کنگوشد: بنابدعوت اوتانت دبیرکل ملل متحد ٤ جت‌جنگی ایران با خلبانان ایرانی عازم کنگو شد تا بجای‌نیروهای هندی که کنگورا ترک‌گفته بودنددر زیر پرچم سازمان ملل‌متحد بفعالیت‌ملل متحد در حفظ نظم در کنگو کمک‌کنند با این گردان ۵۰ نفر ازخلبانان وسایر افراد فنی به کنگو رفتند و پس از طی ۶۳۰۰ کیلومتر در ده ساعت پرواز به‌کنگو رسیدند .

۳۰ دیماه ـ محاکمه افسران اردنانس ارتش پایان یافت: سرلشکر خزاعی و سرهنگ نیاکیان هریك به ۵ سال حبس محکوم شدند و غیر نظامی فریدونی ناظر مالی به ۹ ماه حبس محکوم‌گردید.

۲ بهمن ـ اجازه املاك موقوفه بدهقانان : نامه نخست وزیر درپاسخ آیت‌الله بهبهانی راجع باملاك موقوفه انتشار یافت .

آیت‌الله بهبهانی نوشته بودند که اکنون که در مورد تقسیم اراضی که با آن مخالف بوده‌اند کار ازکار گذشته در مورد املاك موقوفه ازهرنوع اقدام دولت در تقسیم و دخالت درآن خودداری شود .

نخست وزیر نامه مبسوطی در پاسخ نگاشت مبنی‌براینکه اقدام دولت درمورد اجاره‌دادن املاك موقوفه بمدتهای طویل بدهقانان برای حفظ شرایط وقف وتامین نظر واقف و تبعیت ازدستور واحکام شرع واسلام است زیرا در وضع حاضر متولیان بانواع واقسام سوء استفاده می‌کنند و بمصارف خصوصی اشخاص‌میرسد و دولت طبق دفاتر عوائد موقوفات را تعیین و پرداخت آن را بوسیله‌دستگاه های دولتی تضمین میکند.

حکومت نظامی در فارس لغو گردید .

تظاهرات تهران : عده‌یی ناگهان به بازار ریخته دکان‌ها را بسته بعد رو بخیابانها گذاشتند وشیشه‌های مغازه‌هاو پنجره‌ها را شکسته و چند محل را آتش زده واتوبوسها واتومبیلها را واژگون کرده و جلو بازار بزنان آزار رسانیدند وبه‌تخریب و سابوتاژ پرداختند ولی پس از چند ساعت قوای انتظامی آن‌هارا درهم شکستند وآرامش را بر قرار ساختند در چند شهرستان دیگر نیز در همان زمان تظاهراتی‌انجام‌گرفت.هدف تظاهرات جلوگیری از رفراندوم۶ بهمن و مخالفت با اصلاحات ارضی وآزادی بانوان و تقسیم و اجازه دادن املاك موقوفه بمدت طویل بود.

۳ بهمن ـ اعلامیه دولت : دولت اعلامیه‌ئی مبنی‌بر تظاهرات روز پیش انتشار داده واعلام‌کرد که جلو بی‌نظمی را خواهدگرفت ونخست‌وزیر درانجمن مطبوعات اعلام‌کرد که قوای مخرب‌را سرکوب خواهد کرد ـ دکتر ارسنجانی وزیر کشاورزی‌گفت که ۱۵۰۰۰ دهقان بتهران آمده‌اند تا علیه مخالفین‌اصلاحات ارضی دست بتظاهر بزنند وجلو مخالفین را بگیرند ولی باکمال نظم و آرامی تظاهر کرده و ازطرف دولت بآنهاتذکر داده شدکه بمحل های خود برگردند.

خبرگزاری‌های‌خارجی‌ازجمله‌آسوشیتدـ پرس اخبار روز پیش را بنحوزیربجهان مخابره کردند :

«پلیس تهران اجتماع عده‌یی از دکان‌داران و برخی از رهبران مذهبی و مالکان را که برای تحریك برضد تصویب ملی پادشاه ایران برای‌اصلاحات ارضی و سایر اصلاحات تشکیل داده‌بودند متفرق کرد.

نخست وزیر ایران گفت مالکان بزرگ میکوشند تا دربازار تحریك کنند .

این اشخاص باتفاق رهبران مذهبی باصلاحات ارضی اعتراض دارند.درایران مساجد واماکن مقدسه دارای موقوفات فراوانی هستندکه درآمدآن بایدبمصرف هدفهای خیریه و فرهنگی شود وبموجب فرامین اصلاحی این زمین ها بدهقانان واگذار میشود و درآمد آن توسطدولت صرف کارهای خیریه میگردد . دو نفر از علمای مذهبی از مردم درخواست کردند که مراجعه بآراء عمومی راتحریم کنند ولی بسیاری از دکانداران از اجرای درخواست ایشان مبنی برسه‌روز تعطیل عمومی و اعتصاب سر باززدند.»

اعتصاب بانوان : بانوان آموزگار و دبیر وکارمند بعنوان اعتراض بعدم شرکت زنان در مراجعه بآراء عمومی دست ازکار کشیدند و اعلامیه‌ها و تراکتهائی با شعارهای «زنان ایران بپا خیزید» ـ «ما را درردیف ورشکستگان و جنایتکاران و بیگانگان قرار ندهید» در مدارس پخش کردند .

٤ بهمن ـ تقسیم‌املاك قم :شاهنشاه شخصا بقم عزیمت کرده طی مراسمی املاك شهرستان قم‌را تقسیم‌واسنادمالکیت را بکشاورزان اعطاکرده ودرصحن حرم

حضرت معصومه نطقی با حضوردهقانان ایراد نموده اظهارداشتند:

«ما بساط مفت‌خوری را درایران برچیده‌ایم.

از ارتجاع سیاه بیش از مخربین سرخ کینه دارم ... امروزماسکهابرداشته شد و قیافه‌های حقیقی نشان داده شد.. سرمشق ایدآلی طرفداران ارتجاع سیاه حکومت عبدالناصر است‌که ۱۵ هزار زندانی در زندان دارد و مجلس هم ندارد ... »

بازداشت سران جبهه ملی: طبق‌خبر خبر گزاریهای خارجی ۲۲ نفرازاعضای جبهه ملی و ۳ نفر روحانی وچندتن‌از دانشجویان ازطرف دولت باتهام‌تظاهرات علیه دولت واغتشاش در شهر تهران بازداشت شدند . و در قم کشاورزان با طلاب زد و خورد کردند ـ پلیس در نزدیك بازار تهران و دانشگاه‌عده‌ئی را که با تظاهرات پراکنده موجبات بی‌نظمی و ناراحتی فراهم کرده بودند متفرق کرد .

فتوای علمای تسنن : علمای‌تسنن از کردستان نامه‌ئی صادر نموده فتوادادند که تقسیم اراضی با شرع‌اسلام مطابقت داشته و باتفاق آراء اجرای آن راتائید مینمایند .

۶ بهمن ــ رفراندوم در ایران: از صبح این روز در پایتخت وتمام شهرستان‌ها و بخش‌های ایران مراجعه به‌آراء عمومی شروع شده و شب پایان یافت درتهران ۵۲۱٫۹۰۸ هزار نفر آراء مثبت خود رابصندوق‌ریخته‌بەلوایح ششگانه شاهنشاه رای موافق دادند وجمع نتیجه آراء بشرح‌زیربود: ۵٫۵۹۸٫۷۱۱ نفر ازمردان و ۲۷۱٫۱۷۹ نفر بانوان باصلاحات مزبور رای موافق دادند. این اولین مرتبه بود درتاریخ ایران که‌زنان درکاراجتماعی‌وامرحکومت‌کشورشرکت کرده رای دادند از مجموع آراء بانوان ۱۶۴۳۳ رای بزنان پایتخت تعلق داشت. جمع آراء مخالف درتمام ایران ۴۱۱۵ بود .

۸ بهمن ــ پیام شاهنشاه : شاهنشاه پس ازاعلام نتیجه رفراندوم وتصویب ملی مواد ششگانه خطاب بملت ایران فرمودند : «... درآینده ایران راکشور آزاد مردان و آزاد زنان میسازیم. زن ومردایرانی با استفاده ازشرایط جدید اجتماعی دوشادوش یکدیگر برای‌ساختن ایران آباد خواهند کوشید. آنچه روی داد انقلابی بزرگ ، قانونی و مقدس است‌که شما برآن صحه نهادید ومابهمت شماممکلتی‌خواهیم‌ساخت‌که‌باپیشرفته‌ترین ممالك برابری‌کند.

۹ بهمن ــ زنان درسپاه دانش: وزیر فرهنگ اعلام کرد که زنان نیز میتوانند مانند مردان برای مبارزه با بیسوادی بانوان کشور در سپاه دانش طبق طرحی که دردست تهیه است‌شرکت کنند .

۱۱ بهمن ــ اعلامیه خلع‌سلاح عمومی درخوزستان پس از فارس انتشار یافت

۱۳ بهمن ــ رئیس‌جمهوری امریکا پرزیدنت کندی طی پیامی که به تهران فرستاد پیروزی شاهنشاه را در رفراندوم ۶ بهمن تبریك گفت

۱۴ بهمن ــ ابلاغ فرمان شاهنشاه که بتاریخ ۹بهمن بامضا رسیده بودبدولت مبنی براجرای قوانین ششگانه ــ دولت بلافاصله جلسه تشکیل داده تصویب این قوانین را یکدرجه و معتبرتر از قوانین سابق‌که دو درجه‌ئی بود اعلام کردوآنها را قوانین قاطع دانست .

۱۵ بهمن ــ عفو زندانیان وزارت دادگستری اعلام کرد که بدستور شاهنشاه بمناسبت نزدیکی‌موعدتولددومین فرزند شهبانو زندانیان از یکدرجه عفو استفاده خواهند کرد .

۱۶ بهمن ــ درگذشت سپهبد محمد شاه‌بختی سناتور سابق و رئیس کانون افسران بازنشسته .

۱۸ بهمن ــ افتتاح کتابخانه جدید مجلس شورای ملی از طرف شاهنشاه که از آنجا نیز بمسجد سپهسالار رفته مدتی باروحانیون گفتگو نمودند .

۲۰ بهمن ــ انتشار آئین‌نامه جدید خرده‌مالکان ازطرف وزارت کشاورزی و اعلام اینکه وضع خرده‌مالکان با این آئین‌نامه تثبیت میشود .

۲۲ بهمن ــ برسمیت شناختن دولت جدید عراق : وزیر خارجه ایران اعلام کرد که رژیم تازه عراق را (بریاست عبدالسلام عارف‌که حکومت عبدالکریم قاسم را روز ۱۹ بهمن برانداخته بود و قاسم‌کشته شده بود) دولت‌ایران‌برسمیت شناخته ــ و بارگیری کشتیهای نفتکش.

در آبادان نیز که بسبب کودتای عراق متوقف شده بود آغاز گشته است .

۲۹ بهمن ــ استعفای کابینه علم : آقای علم‌استعفا داد ومجددا مامورتشکیل کابینه گردید

۳۰ بهمن ــ معرفی دولت جدید : آقای علم هیئت دولت جدید را بحضور شاهنشاه معرفی کرد .

اول اسفند ــ برنامه جدید دولت : اعلام شده نخست‌وزیر اظهار کرد که افسانه ورشکستگی دولت که مخلوق‌دولت سابق بوده بی‌اساس است ــ در نحوه‌تقسیم اعتبارات سازمان برنامه تجدید نظر شده و اعتبارات زیادی به‌کشاورزان و خرده مالکان داده خواهد شد ــ انتخابات با کارت الکترال بعمل آمد و تجدید نظر در قوانین دادگستری نیز جزء برنامه دولت است .

۹ اسفند ــ تظاهرات زنان : عده‌ئی از زنان پایتخت‌درکاخ‌مرمربرای‌سپاسگزاری از تصمیم شاهنشاه در مورد اعطای‌حقوق زنان اجتماع کردند و شاهنشاه بیاناتی در اینمورد ایرادکرده و گفتند: «انقلاب ما بدون آزادی زنان کامل نبود و بااین انقلاب ما از عقب‌افتادگی وحشتناك باسرعت عجیبی در صفوف اولیه اجتماع متمدن قرن بیستم پرتاب شدیم و با دادن حق رای به بانوان ایرانی آخرین ننگ اجتماعی ما برداشته شد و آخرین زنجیر را پاره کردیم . »

۱۱ اسفند ــ قانون‌اساسی جدید : نخست‌وزیر طی‌بخشنامه رسمابفرمانداریها و استانداریهای سراسر کشور اعلام کرد که مواد ششگانه که روز ششم بهمن بتصویب ملی رسیده است قانون اساسی جدید ایران است و اولین وظیفه استانداران و فرمانداران اجرای دقیق مواد ششگانه است .

۱۲اسفند ــاعطاء حق نمایندگی‌زنان: هیئت دولت تصویب نامه‌ئی صادر کردکه طبق آن حق انتخاب شدن و نمایندگی زنان در مجلسین سنا و شورا داده شده و بند اول از ماده دهم و بند دوم از ماده سیزدهم قانون انتخابات مبنی برمنع‌زنان ازانتخاب‌کردن‌وانتخاب شدن لغوگردیده و کلمه «ذکور» نیز از مواد ۶ و۹قانون انتخابات حذف شد و دولت باستنادقانون اساسی حق رای دادن وانتخاب شدن‌برای بانوان ایران را برسمیت شناخت .

۱۹ اسفند ــ ورود جان مك‌کلوی : جان مك‌کلوی مشاور مخصوص کندی به تهران وارد شده درخلال ۴۸ ساعت توقف خود با مقامات دولتی بمذاکره

پرداخت و طرح توسعه و مسئله سرمایه گذاری خارجی را د ر ایران نیز مورد بحث قرار داد

۲۰ اسفند ــ استعفای وزیر کشاورزی: دکتر ارسنجانی از پست خود استعفا کرده و مورد قبول واقع شد و وی چند روز بعد عازم اروپا گردید . نخست‌وزیر در مصاحبه مطبوعاتی اظهار کرد که بادکتر ارسنجانی درباره مسائل اقتصادی توافق نظر نداشتیم .

۲۰ اسفند ایران حکومت جدید سوریه را برسمیت شناخت

۲۰ اسفند ــ کشته شدن یاغیان جنوب: استاندار فارس اعلام کرد که عده‌ئی از یاغیان و اخلالگران جنوب که در کوهها به‌کشت تریاك مشغول شده و بتحریك مخالفین اصلاحات ارضی به زدوخورد در برابر نیروهای دولتی پرداخته‌بودند در جنگ بانیروهای دولتی کشته‌شده‌اند.

۲۱ اسفند ــ دومین نوزاد سلطنتی: پا بعرصه وجود گذاشت و طبق اعلامیه دربار در روز ۲۶ اسفند در مراسم نامگذاری بنام شاهدخت معصومه فرحناز پهلوی نامگذاری شد .

۲۱ اسفند ــ یاغیان جنوب : نظارت در عملیات نظامی در فارس در برابر اشرار ورفع غائله‌جنوب به سپهبد آریانا واگذاشته شد .

وزیر کشاورزی : سپهبد ریاحی بسمت وزیرکشاورزی منصوب گردید

۲۲ اسفند ــ گشایش سد محمدرضاشاه پهلوی از طرف شاهنشاه . این سد که ششمین سد بزرگ جهان محسوب گردید با تشیکل دریاچه‌ئی بطول ۶۰ کیلومتر ۱۴۵۰۰۰ هکتار اراضی خوزستان را آبیاری میکند و نیروی برقی معادل۵۲۰ هزار کیلووات یعنی‌برابربرق‌سراسرکشور تولید مینماید . نوع سد قوسی بتونی ــ ارتفاع ۲۰۳ متر (مرتفع‌ترین سد خاور میانه) و ۲٫۵ میلیون متر مکعب ظرفیت دارد . سطح مخزن ۳۶۰۰ هکتار ــ طول تونل فرعی آن ۶۵۰۰ متر و طول تونل انحرافی آن ۶۷۰ متراست .

۲۲ اسفند ــ اعتبار کشاورزی : ۲۰۰ میلیون تومان به بانك اعتبارات‌کشاورزی اعتبار داده شد .

نمایشگاه خوراك و پوشاك ایران‌پایان یافت .

۲۳ اسفند ــ سفر پادشاه و ملکه دانمارك بایران : دربار شاهنشاهی اعلام کرد که اعلیحضرتین‌پادشاه وملکه‌دانمارك روز ۱۳ اردی‌بهشت ۱۳۴۲ بایران وارد و سه روز میهمان شاهنشاه خواهند بود.

دین‌راسك ــ اعلام شدکه دین‌راسك وزیر خارجه امریکا در بهار سال بعد بایران میآید .

۲۳ اسفند: طرح‌حل‌اختلاف‌خانوادگی اعلام شد که طرحی در ۵ ماده‌درووزارت دادگستری برای حل اختلاف خانوادگی ازطرف‌کمیسیون مربوط تهیه شده‌است

۲۵ اسفند ــ سقوط هواپیمای لبنانی حامل ۶ تـن فرش در ۲۵ کیلومتری فرودگاه مهرآباد که دونفر سرنشینان‌آن تلف شده وقسمت‌زیادی از فرشها سوخت.

۲۵ اسفند بانوان : وزیر کشاورزی اعلام‌کرد که بانوان میتوانند خرده‌مالك باشند و حقوق آنها مثل‌مردها محترم است

وزیر دادگستری اعلام کرد که حق طلاق همچنان دردست مردهاخواهد بود

۲۶ اسفند ــ کشف منطقه نفتی: طبق اعلام‌کنسرسیوم نفت ایران یك منطقه بزرگ نفتی در جنوب کشف شده چاه شماره ۳ منطقه **بی‌بی‌حکیمه** به نفت رسید.

ایران و شوروی : سفیرکبیر ایران‌در مسکو اعلام‌کرد که به مذاکرات ایران‌و مسکو خوشبین است و باهمکاری‌شوروی برروی رودخانه ارس سد بسته میشود و از آب‌وبرق آن استفاده خواهد شد .

توفان درخلیج‌فارس : توفان شدید سواحل خلیج‌فارس تا مصر و سواحل خاوری مدیترانه کلیه ارتباطات هوائی‌و زمینی ودریائی را قطع کرد ودرکویت تمام مدارس بحال تعطیل درآمد.

۲۷ اسفند ــ مسافرت وزیر خارجه انگلیس بایران : اعلام شدکه لردهیوم روزهای ۱۲ و۱۳ اردی‌بهشت در تهران بامقامات ایرانی بمذاکره خواهدپرداخت

۲۷ اسفند ــ وام به خرده مالك : اعلام شدکه طبق تصمیم هیئت بانك اعتبارات کشاورزی بهر خرده مالك در فارس یکصد هزارریال وام داده میشود.

ورزش : وزنه برداران ایرانی در مسابقات وزنه‌برداری درمسکو مقام‌چهارم را بدست آوردند

۴۵ نفر ورزشکاران ایرانی با قطار بطرف مسکو حرکت کردند .

۲۸ اسفند اشرارفارس: ۱۰۹ نفر از اشرار فارس در زدوخورد با نیروی دولتی بقتل رسیده و مجروح شدند .

عفو زندانیان : ۲۰۰ نفر زندانیان عادی و محکومان دادرسی ارتش‌بمناسبت سال جدید مشمول عفو و بخشودگی گردیدند .

۲۹ اسفند ــ تقسیم املاك اشرارفارس: املاك حبیب‌اللهشهبازی یکی‌ازسردستگان غائله فارس بین رعایا تقسیم گردید .

وزیرکشور اعلام‌کردکه کسانیکه از راه نهضت ملت ایران‌منحرف شوندبعنوان خائن مجازات میشوند .

مسافرت رئیس شورایعالی شوروی بایران : سفیرکبیر ایران اعلام کرد که **برژنف** رئیس شورایعالی شوروی‌ازایران و شاهنشاه دیدن خواهند کرد و بزودی موقع مسافرت ایشان اعلام خواهد شد.

تهران

تاریخچه حدود ، وجه تسمیه

تاریخچه : درمورد تاریخچه و وجه تسمیه تهران در شماره‌های اول و دوم کتاب‌سال (۱۳۴۱ ــ ۱۳۴۲) مقالات مفصلی بچاپ‌رسید که میتواندمورد استفاده‌خوانندگان گرامی واقع شود دراینجا سعی میشود سطری چندباختصار پیرامون این دو موضوع نگاشته شود .

قدیمی‌ترین کتاب تاریخی‌که از تهران نامی میبرد مسالك‌الممالك ابواسحق استخری است که‌درحدود سال ۳۴۰ هجری نگاشته شده ، استخری دراین کتاب تهران را جزو قراء ری ذکر میکند.

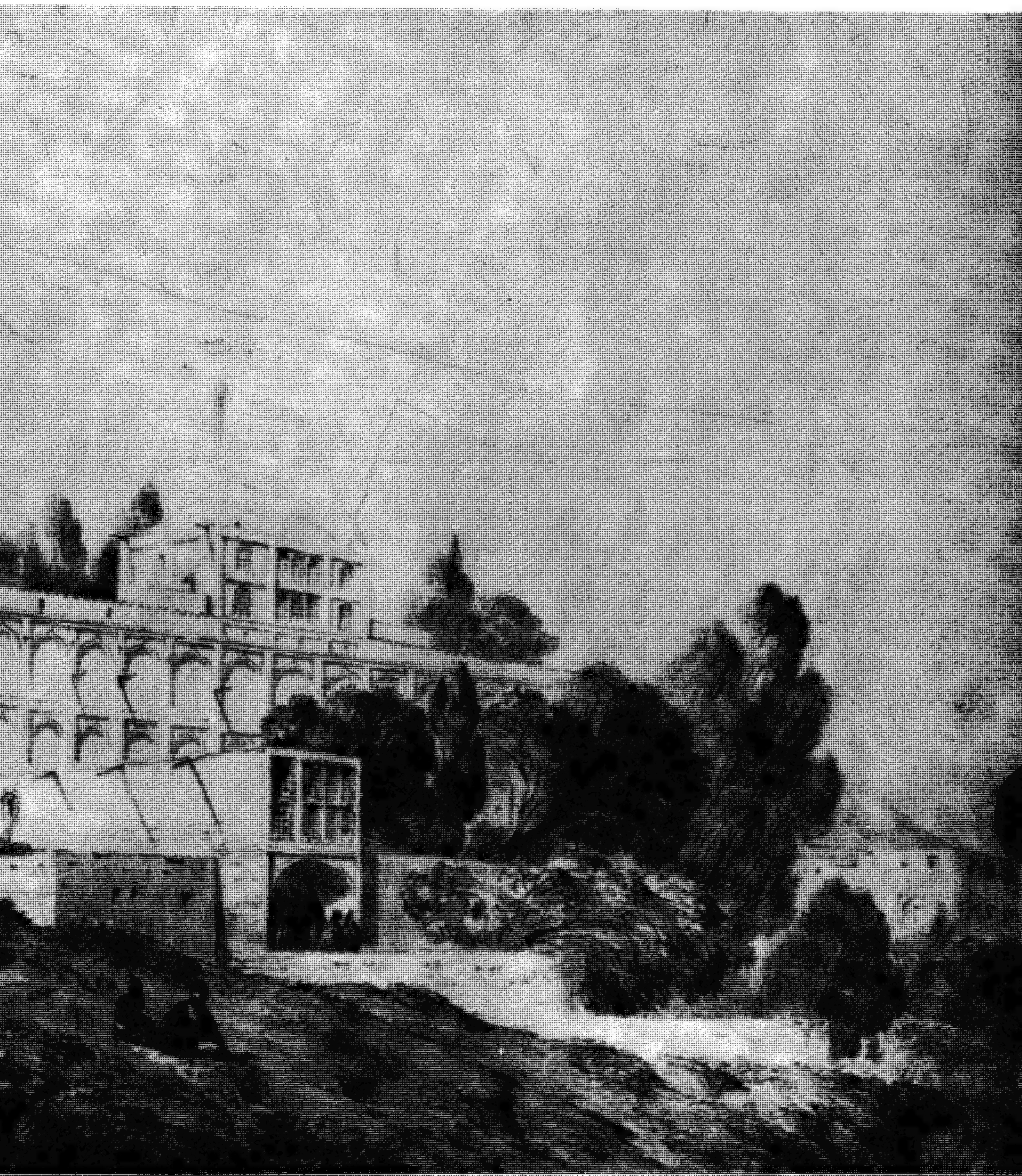
یاقوت حموی وابن‌حوقل و حمدالله مستوفی ودیگران‌نیزهمگی تهران را از دهات کوچك شمال ری ذکر کرده مینویسند : «مردم این ناحیه در زیر زمینها زندگی میکنند»

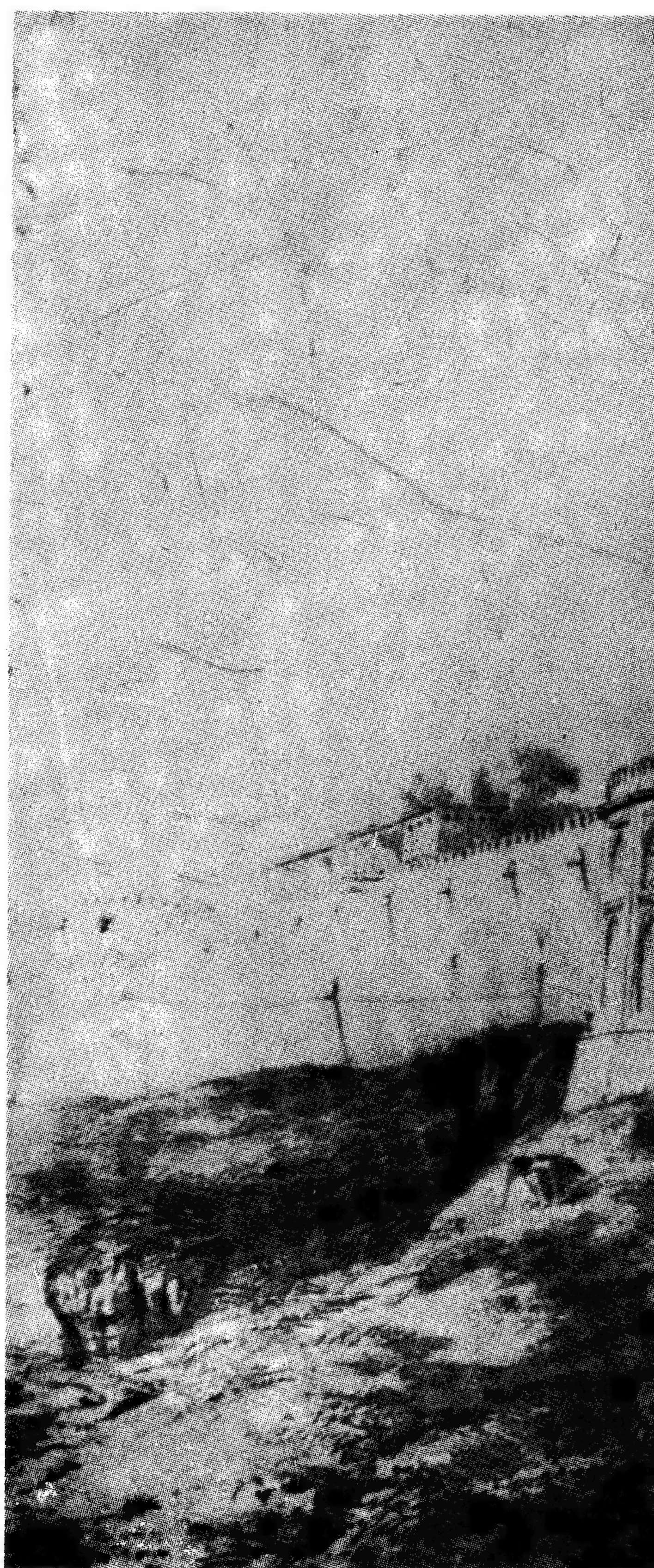
ازقرار معلوم تا پیش از حمله مغول به‌شهر بزرگ ری تهران‌مانند دولاب یکی از دهات اطراف‌شهر بشمار میآمده است‌ولی پس ازحمله مغول به‌ری و احساس ناامنی در آنجا عده‌ای به‌تهران کوچ کردند و باعث گسترش تدریجی‌آن‌شدند.

در زمان شاهان صفوی تهران مورد توجه واقع شد و درباریان برای شکار باین ناحیه میآمدند ، شاه‌طهماسب گاه و بیگاه برای زیارت مرقد جد خود سید حمزه به شاه عبدالعظیم (شهرری) آمدو رفت میکرد و گاهی برای شکار به تهران روی میاورد . رفته‌رفته این ناحیه مورد توجه شاه‌طهماسب واقع شد ودر سال ۹۶۱ فرمان‌داد باروئی گرداگرد تهران بناکردند و چهار دروازه درآن بارو قرار دادند .

شاه‌عباس بزرگ درسال ۹۸۸ باغی بنام **چهارباغ** در تهران احداث کرد وبعدابدستورشاه‌سلیمان







صفـوی عمارتی نیز درآن باغ ساخته شد .

نخستین باردر سال۱۲۰۰ هجری بود کـه تهران بصورت پایتخت درآمد و آغامحمدخان قاجار پس از فتح این شهر آنرا دارالخلافه خواند .

از زمان فتحعلیشاه بناهای‌دیگری در تهران ساخته شد وکم‌کم‌وسعت آن رو بفزونی نهاد، در زمـان ناصرالدین‌شاه که جمعیت شهـر زیـاد شده بود تصمیم گرفته شد وسعت آنرا نیز زیادتر کنند بـدین جهت باروی سابق شاه‌طهماسب را خراب کردند و بعد دورتادورشهر تازه خندقی از روی نقشه خنـدق پاریس حفر کردند ، سپس دوازده دروازه برای شهر ساختند که‌تازمان سلطنت اعلیحضرت فقید نیز باقی بود .

آغاز گسترش حقیقی تهران و تبدیل تهران کوچك به تهـران بزرگ امروزی را میتوان اززمان سلطنت رضاشاه بزرگ دانست واز همان زمان بود که با احداث بنا های عظیم و سازمانها و تاسیسات مورد نیاز پایتخت شهر بصورتـی نو درآمد .

ایجاد بناهای تازه که ابتـدا بآهستگی شروع شده بود ادامه‌یافت و باسرعت زیادتری دنبال شد تا جائیکـه بـرای اسکان جمعیت فوق‌العاده تهران نواحی خارج‌شهر نیز مورد استفاده قرارگرفت و سرانجام ظرف مدتی قریب بیست سال تهران بزرگ بشکل امروزی بوجود آمد .

تهران بزرگ : تهران بزرگ‌که از قسمت مرکزی وحومه شهرسابق تشکیل شده درحدود ۱۳۲۸٤هکتار مساحت دارد ، حدود آن از شمال ارتفاعات ۱۷۰۰ متری شمیرانات (۱۷۰۰متر از سطح دریا) ــ از جنوب پل سیمان شهری ــ ازشرق ارتفاعات دوشان‌تپه ــ واز غرب رودخانه کن است .

بخشهای جدیدالاحداث تهـران بزرگ عبارتست از شمیراناتــ قلهك ــ ضرابخانه ــ دروس ــ حشمتیه و مجیدیه و حسین‌آبادــ کوی نیروی هوائی ــ کوی شرق تهران ــ کوی غرب تهران ــ کوی جنوب شوش ــ وبالاخره جوادیه و نازی‌آباد .

وبا این ترتیب شهر تهران ، پایتخت ایران ، مرکز تقاطع‌راهها و خطوط ارتباطی کشور جمعیتی درحدود دو میلیون نفر داراست که ذیلا پس از اشاره‌ای به وجـه تسمیه آن سعی میکنیم تمام‌اوضاع و احوال و زندگی مردم آنرا ، در بخشهای جداگانه بنظر شمـا برسانیم .

طهران یا تهران ــ سالهاپیش‌از این در مورد وجه تسمیه این شهر اختلاف‌نظر وجودداشت ، عده‌ای نام صحیح شهر را با ط طهران و عده‌ای دیگر با ت منقوط تهران میدانستند و هردسته برای اثبات نظر خویش دلائلی ارائه میداشتند. یاقوت حموی در معجم‌البلدان‌آنرا طهران نگاشته و بهمین تـرتیب زکریای قزوینی در آثار البلادنیز ایـن ناحیه کوچك را بصورت طهران نوشته ولی در قرن چهارم تاریخ‌نویسانی مانند ابن‌حوقل و استخری و مقدسی آنرا تهران و ازقراء ری ذکر کرده‌اند .

اکنون سالهاست‌که نام این شهر را بیشتر بصورت تهران مینویسند، دلائـل‌کسانی‌کـه تهران را با ت صحیح میدانند حاکی از آنستکه تهران کلمه‌ایست مرکب از دوجزء (ته + ران) ته یاکه درقدیم‌بمعنای گرم بود ه‌است و همیشه در ابتدای نام نقاطی که گرمسیر بوده آمده است مانند کهرم یا جهرم و ران (پس‌وند) نیز معنای جا و مکان‌را میرساند بدین ترتیب تهران‌بمعنای جای‌گرم است همانطور که شمی‌ران یا سمی‌ران معنای محل سرد را دارد زیرا سمی در فارسی کهـن بمعنای سرد است و در نام تمـام نقاطی که سردسیر بوده‌اند ماننـد سمیرم آمده است . برای اطلاع بیشتر از مسئله وجه تسمیه تهـران بهشماره دوم کتاب سال (۱۳٤۲) رجوع شود .

تهران
ازنظر خارجی‌ها

مرد کوچه و خیابان امریکا و اروپا که ازتهران دیدن نکرده باشد نظر صحیحی نسبت به پایتخت ما ندارد و این مسئله از گفته‌ها و نوشته‌ها وحتی‌فیلم‌هائی‌که خارجیان تهیه میکنند بخوبی آشکارمیشود، بسیارند خارجیانی که تهران را هنوزهم نمونه‌ای از شهرهای‌هزارو یکشب با بازارهای پیچ درپیچ و مناظر رنگارنگ و خانه‌های شرقی میپندارند ، دانشجوئی نقل میکرد که در یکی از دانشگاههای‌امریکا همشاگردانم‌ازمن درباره‌نخلستانهای تهران توضیحاتی خواستند ! اگرچه ممکنست این سئوال بنظر ما باور نکردنی بیاید ولی ما خود نظائر این سئوال را هنگامی که به اروپا و امریکا میرویم میشنویم . اما وقتی‌که یك اروپائی یا امریکائی برای نخستین بار قدم بـه تهـران میگذارد ابتدا مبهوت و متحیر میشود و طبیعی است بهت وی در درجه اول بعلت تضادهای فراوانی است که درشهر بزرگ ما بچشم او میخورد ، ناظر خارجی خودرا در شهر بزرگی میبیند که مخلوط از مظاهر شرقی و غربی است و این اختلاط شرق و غرب بهیچوجـه هم‌آهنگی و تجانس ندارد ، در برابر آسمانخراشهای غربی ــ لباس وآرایش آخرین مد ــ تمرکـز غیرعادی و عجیب وسائط نقلیه ، زاغه‌های جنوب‌شهر ــ جویهـای سربازگـندیده ــ روستائیان الاغ سوار و خانمهای چادری بنظر او میـرسد ، بااینهمه هر خارجـی باانصافی‌که برای نخستین‌باربتهران میاید تصدیق میکند که انتظاردیدن ترقیات کنونی تهران را نداشته است و بسیاری ازاین مظاهرتمدن غربی‌تهران‌بجای‌خودمستقلا درخور ستایش است .

از مطالعه نظریات خارجیانی‌که از تهـران دیدن کرده‌اند معلوم میشود نکات مهمی که بیش‌ازسایر چیزها نظرشان را جلب کرده و برایشان غیرمنتظره بوده به‌ترتیب عبارتند از :

۱ــ عدم تجانس بناهای شهر

۲ ــ درهم بودن وضع عبورو مرور و ارتباطی تهران

۳ ــ نبودن‌پارك وگردشگاههای کافی

٤ ــ کثافت هواوکوچه‌های شهر

در زیر عقیده دو نفر از این افراد را درباره تهران بنظر شمـا میرسانیم ، اولی عقیده ریچارد نوترا ازبزرگترین‌معماران‌امریکائی است که شهرت بین‌المللی دارد وی در اواخر سال ۱۳٤۱ بتهران آمد و چند روزی در شهر ما اقامت کرد و در دانشگاه تهران سخنرانی مفصلی ایراد نمود .

نظر ریچادنوترادرباره تهران

«من نمیخواهم از تهران انتقادکنم اولا مدت اقامت من دراینجاکوتاه بوده ثانیا انتقاد از همکاران‌صحیح نیست ! زیرا اگر قرار باشد نظری ابراز کنم باید درباره سبك‌معماری و شیوه ساختمانی جدید تهران صحبت‌کنم ، ساختمان نباید تابع‌مد روز باشد و هر زمان تغییر کند، این بناهای عظیم تهران‌پس ازچند سال کهنه خواهد شد همانطور که بناهای سه‌چهار سال پیش شهرشما که درموقـع خود عظمتی داشت اکنون تقریبا بی‌اهمیت شده است ، ساختمانهای شهر شما باید بایکدیگر تجانس داشته باشد و از طبیعت و موقع محلی الهام بگیرد . هنگامی که در آغاز ورود باهواپیما برفراز شهر گردش کردم ، کوههای البرز و آسمان‌آبی واقعا مرا تحت تاثیر قرار داد در فـرودگاه احساس آرامش و امنیت خاصی کردم ولی همینکه از فرودگاه بطرف دانشگاه آمدم بین اینهمه وسائط نقلیه و ازدحام آرامش مزبور را ازدست دادم و هنگامیکه به‌قسمتهای‌مرکزی شهر رسیدم عدم آرامش من تبدیل به اضطراب شد !

آنطوریکه من طی این مـدت کوتاه دریافتم تهران بزرگ‌نیازمند پارکها ، گردشگاهها ، مدارس و دانشگاههای متعدد است آنهم بـا سبکها و اسلوب جدیدتر که درعین حال دوام و بقائی داشته باشد و مانند قالی ایرانی که هرچه پـا میخورد گرانبهاتر میشود،باگذشت زمان کهنه و دمده نشود »

عقیده دوم ازآن مخبر روزنامه مورگن بلات چاپ سویس است ، این خبرنگار پس‌از چهارماه‌اقامت در تهـران (اوائل سال ۱۳٤۲) رپرتاژ جالبی از پایتخت ما تهیـه کرد که خلاصه مهمترین قسمتهای آنرا بنظر شما میرسانیم :

«تهران شهر عجیبی است،بزرگ و جالب هرقدر بخواهید بـزرگ است و مثل‌اینکه حدود معینی‌ندارد هرچه بخواهید دراین شهر پیـدا میشود ابتدا آدم خیال میکند به يك نمایشگاه وارد شده نمایشگاه از تمام چیزهای موجود جهان . من پس از يك مطالعه شخصی و ملاقات با مقامات مهم این شهر و گرفتن چندین رقم آمار باین نتیجه‌رسیدم که :

ــ بی‌پرواترین رانندگان جهان در تهران هستند .

ــ زیباترین زنان ودختران‌ایران (که بعضی واقعا زیبا هستند) در تهران جمع شده‌اند .

ــ نرخ زندگی در تهران بعداز نیویورك و شیکاگو و کاراکاس وپکن گرانترین نرخ زندگی در جهان است .

ــ هوای شهر تهران پـس از لوس‌آنجلس و لندن آلوده‌تریـن هوای شهرهای جهان است .

ــ نامتجانس‌ترین ساختمانها در شهر تهران یافت میشود .

ــ نامنظم‌ترین سیستم برق وتلفن و اتوبوس و تاکسی در تهران‌یافت میشود .

ــ عجیب‌ترین لباس و آرایش مردم جهان بر پیکر مردم تهـران دیده میشود ، آخرین مد پاریس در کنار چادر و عمامه و لباس روستائیان درکنار هم دیده‌میشوند.

ــ مردم تهران بعد از اهالی پاریس وسانفرانسیسکو و شیکاگو بیشتر از تمام مردم دنیا به سینما علاقه دارند .

ــ آزادترین مردم جهان ازنظر اجتماعـی مـردم تهران هستند ، خوابیدن ــ خوردن ــ نشستن ــ دعواکردن ــ آواز خوانـدن ــ ناسزا گفتن ــ فریادکشیدن ــ کتك کاری کردن ــ و پاره‌ای کار های دیگر که بعلت نبودن‌آبریزگاه انجامش ضرورت پیدا میکند ! همگی در خیابانهای تهران آزاد است .

آب وهوا

وتغییر فصول



وقتی پای صحبت افرادسالخورده تهرانی مینشینیم همیشه یاد زمستان سرد و سخت و برفهای چندمتری بمیان میآید که چگونه کوچه‌ها از برف انباشته میشد و کار های مردم و عبور و مرور تعطیـل میگردید. در عین حـال هنگام صحبت از تابستان ، کمتر میشنویم که گرمای تابستان آنقدرها آنها راناراحت کرده باشد ، درصورتیکه در زمان ما اکنون سالهاست که از برف سنگین زمستانی در تهران‌خبر واثری نیست ازطرف دیگر کسی نیست که از تابستان گرم وسوزان تهران شکایتی نداشته باشد . این مسئله ظاهرا معرف آنستکه هوای تهران گرم‌تر از سابق (بیست سال پیشتر) شده است ، بسیارند کسانی‌که دلیل این گرما را تمرکز ساختمانها ــ ازدیاد وسائل‌موتوری نفت‌سوز ــ کارخانه‌ها ــ وبالاخره افزایش جمعیت و از بین رفتن باغات میدانند . اگرهم اظهارنظر این عده صددرصد صحیح باشد یك نکته محرز است و آن اینکه در سالهای پیش یعنی در زمان زندگی پدران تهرانی ما نیز شهر تهران آب و هوای سالمی نداشته وتغییر فصول مانند سایر شهرها بطورمرتب و طبیعی انجام نمیشده است.

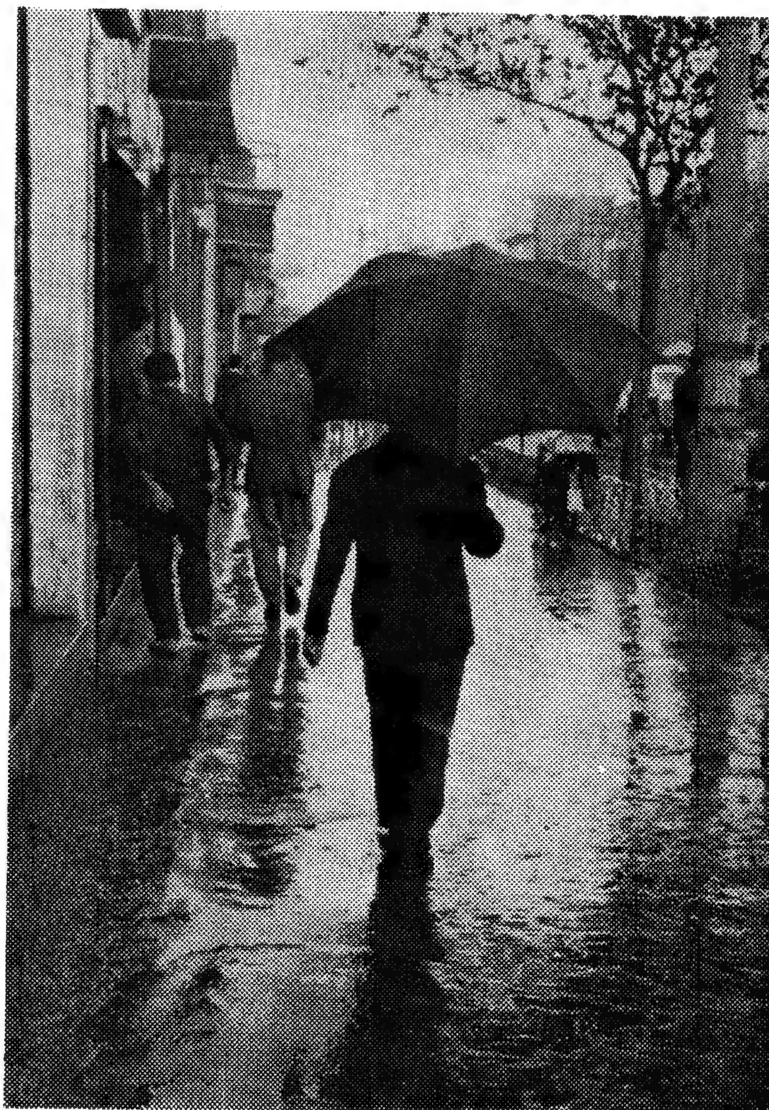
قرنها پیش از این یعنی همان زمانی‌که بنابنوشته های ابن‌حوقل واستخری وحمدالله مستوفی تهران مانند دولاب یکی از قراء شهر بزرگ ری بشمار میآمده ومردمش به راهزنی ! اشتغال داشته‌اند ، باوجود باغ و بوستان فراوان در تهران بازهم این ناحیه آب وهوای ناسالم و متغیری داشته است .

از زمان جهانگردان نامبرده دربالاتغییری در وضع آب وهوای ناسالم ایجاد نگشته و متاسفانه در سالهای اخیر یعنی ترقی و گسترش شهر تهران این آب و هوای‌ناسالم دچار آلودگی نیز شده است بدین معنی‌که براثر تمرکز کارخانه‌ها و افزایش گردونه‌های موتوری نفت سوز هوای تهران بمیزان زیادی با دود وگازهای دیگر مخلوط‌گشته است .

این نکته درخور توجه است که تهران کنونی بواسطه وسعت زیاد در نواحی و بخشهای مختلف خود دارای آب و هوای مختلف است همانطورکه ارتفاع آن نیز از سطح دریا در قسمتهای مختلف‌تغییر میکند .

تمام ناحیه تهران بزرگ در شیب دامنه کوهستان البرزگسترده شده بدینمعنی که از شیب ملایم آغاز میشود تا به شیب تند نواحی شمیران‌پایان مییابد ، ارتفاع‌تهران نسبت به سطح دریا در جنوب‌شهر در بخش راه‌آهن ۱۱۱۰ متر(هزار و صد و ده) است ، درصورتیکه درنواحی دربند و شمال تجریش به ۱۵۳۰ متر (هزار و پانصد و سی) از سطح دریا میرسد، تهران بزرگ‌هم دارای شرایط آب‌وهوای منطقه کوهستانی است و هم شرایط دشت وسیع را دارد ، اگرچه‌میزان رطوبت‌هوا نیز درقسمتهای مختلف تهران فرق میکند ولی بطور کلی مقدار رطوبت هوا در تهران کم است ، چه در تابستان و چه در زمستان بواسطه کمبود رطوبت ، هوای تهران خشك است .

اقلا هشت ماه از سال هوای تهران آفتابی است و باوجوددود



منظره‌ای از ریزش باران‌دریکی‌ازخیابانهای تهران

و گاز فراوان در هوای تهران شفافیت آفتاب بسیار زیاد و سایه‌ها مشخص و واضـــــح است . اختلاف درجه حرارت تابستان و زمستان زیاد است ، در فصل‌تابستان گرمای شدید سوزان تا ٤٤ درجه سانتیگراد درسایه نیز میرسد و برعکس در فصل زمستان سرماهنگام شب یا روز تا چندین درجه زیر صفر تنزل میکند ، بدین ترتیب مردم‌تهران‌درعین‌اینکه گرمای‌شدید تابستان را دارند ازیخبندان‌وسوز سرمای زمستان نیز فارغ نیستند . بعلت این تغییر شدید درجه هوا در زمستان و تابستان و در شب و روز و همچنین بمناسبت خشکی هوا گیاهان مناطق حاره وخشکی و حتی بعضی گیاهان مناطق معتدله نیز در تهران بعمل نمیاید .

میل شعاع آفتاب درتابستان در ساعت ١٢ (ظهر) ٧٦ درجه و در زمستان ٣٤ درجه است ، نیمروز تهران در تابستان هوای سنگین و آفتابی وزنده دارد برعکس‌نیمروز آفتابی زمستان هوا مطبوع میشود و شب درجه حرارت نسبت به روز فوق‌العاده تنزل میکند .

در پائیز و بهار مخصوصا پائیز هوای تهران ملایم ومطبوع میشود ولی افسوس که این دوران ملایمت واعتدال دوامی ندارد ، بطور کلی فصول زمستان و تابستان در تهران طولانی‌تر از حد طبیعی معمول خود میباشد وبرعکس بهار و پائیز آن کوتاه است . هنگامی که زمستان رو به اتمام است وبهار پیش میآید شاید مردم تهران فقط یکماه ازبهار بمعنای واقعی استفاده میکنند و پس‌ازآن با سرعت هوا روبگرمی مینهد ، بهمین ترتیب دوره پائیز نیز بزحمت بمدت‌دو ماه میرسد و بعد از آن هوابسرعت سرد میشود ، نکته جالب در مورد پائیز تهران آنستکه بواسطه کمی رطوبت اختلاف درجه حرارت‌شب و روز در پائیز فوق‌العاده زیاد میشود ، روزهای کوتاه پائیزتهران هوا گرم و شبها فوق‌العاده سرد میشود .

طبیعی‌است‌که تغییر نامرتب‌و سریع فصول تهران در طبیعت و وضع مزاجی مردم این شهـــر اثرمیگذارد پاره‌ای اوقات باعث بروز بیماریهای گوناگون ــ و خستگی‌های بیموقع مردم میشود ، یکی از پزشکان خارجی زمانی گفته بود : « حساسیت وتندمزاجی مردم تهران بمیزان زیادی منوط به‌ناسالم بودن آب و هوای‌شهرستان است . »

فقدان باغ و درخت ــ آلودگی هوا

ازهمان زمانی که جمعیت‌شهر تهران روبافزایش نهاد وساختمان های تازه بنای گسترش شهر را نهادند آلودگی هوا نیز آغاز شد و پا به‌پای گسترش شهر افزایش یافت ، این آلودگی هوا که اکنون بنظر کارشناسان من‌تقریبا بآخرین حد خود رسیده دو علت داشت اول آنکه باافزایش قیمت زمین وتبدیل آن به ساختمان ، مقدار زیادی از باغها ــ باغچه‌ها ــ بوستانها و حتی کشتزارهای حومه شهر از میان رفت و تبدیل به‌ساختمان گردید ، درختها را از بیخ و بن برآوردند و بجایش آجر و آهك ریختند و بناهای تازه بنیادکردند.

علت دوم آن بود که بـا بزرگ شدن شهر و زیاد شـدن جمعیت آن وسائل مولد دود و گازهای زیان‌آور مانند موتورهای کارخانه ــ وسائط نقلیه‌ــ کوره‌ها بسرعت افزایش یافت .

پس با این ترتیب ، تهران ابتدا از یك منبع تلطیف هوا و مولد اکسیژن محروم گشت و در عوض گرفتار وسائل مصرف هواو تولید دود وگاز و خلاصه آلودگی روزافزون هوا شد .

نقش مهمی که درختان و گیاهان در تعدیل و تلطیف هوای محیط مجاور خود انجام میدهند برکسی پوشیده نیست . میدانیـم درخت گذشته از آنکه با عمل‌تعرق برگهایش ، هوا را لطیف و خنك میکند اصولا گاز کربنیك موجود در هوا را جذب و بجایش‌اکسیژن تازه که برای تنفس موجودات‌لازم است تولید میکند . وقتی که در محیطی درخت و گیاه وجودنداشت و بجای آن موجودات زنده (خواه انسان و خواه حیوان) تجمع‌یافت خود بخود میزان لازم ومعیـن اکسیژن هوای آن محیط کمتر از حد معمول میشود وای از آن‌وقتی که گذشته از تجمع موجودات‌زنده که‌اکسیژن را با نفس خود مصرف میکنند مقدارزیادی‌هم منابع‌مصرف کننده اکسیژن مانند موتورها و کوره‌های نفت‌سوز وجود داشتـه باشند و درعین حال وسیله کافی برای تبدیل‌این هوای آلوده تولید شده و ایجاد اکسیژن از دست‌رفته درمیان نباشد ، و این همان وضعی است که در چند ساله اخیر برای تهران پیش آمده است ، جـای تاسف است‌که بموازات ازدیادوسائل موتوری نفت‌سوز و کارخانه‌هـا مرتبا باغهای تهران را از میان بردند و بجای درختها که‌درحقیقت ریه شهر محسوب میشوند خانـــه ساختند ، این بی‌توجهی وبی‌مبالاتی تهرانیان در چند سال اخیر چنان بود که حتی تك درختهای گوشه و کنار خیابانها را نیز تحویل تبر هیزم‌شکن دادند .

صرفنظر از پارك شهر و چند پارك و میدان کوچك دیگر ، تهران درحال حاضر باغ و پارك قابل ملاحـــظه دیگری ندارد ، آزمایشهای دقیقی که کارشناسان فنی در تجزیه هوای تهران بعمل

آوردند نشان داد گذشته از آنکه هوای شهر به نسبت زیادی بادوده و دود و گاز مخلوط شده در عین حال اکسیژن لازم را نیز فاقد است. اعلامیه وزارت بهداری که چند سال پیش تا مدتها مورد گفتگوی بذله‌گویان وروزنامه ــ نگاران بود. اظهارمیداشت که‌هریك از مردم تهران روزانه درحدود یك سیر (۷۵ گرم) دود تنفس و جذب میکنند!

برای تجسم اثر تلطیف‌وتعدیل هوا توسط باغ و پارك کافی است دقایقی راکه در روزهای گرم از کنار پارك شهر عبور میکنیدبخاطر بیاورید، در ظرف این دقایق کوتاه تازگی و لطافت هوائی که از پارك بیرون میآید بخوبی محسوس‌است و گذشته از لطافت هوا وجود درختان و گیاهان اصولا چندین درجه محیط اطراف را خنك‌تر میکند ولی افسوس که شهر بزرگ ما به تعداد زیادی نظیر این‌پارك نیازمند است و دسترسی بآن ندارد.

علل آلودگی هوای تهران

همانطور که اشاره شد عبارتند از اجاقها و بخاریهای منازل ــ موتور های بنزینی و دیزلی کارخانه‌ها و وسائط نقلیه ــ وبالاخره‌کوره‌ها ــ دودی که از موتورهای دیزلی و نفتی و بنزینی و غیره خارج میشود حاوی مقدار زیادی اکسید دوکربن گازگوگردی ــ گاز کربنیك ــ دوده میباشند که وقتی با گرد و غبار هوا هم آمیخته‌شد پوششی مانندابر برروی محیطایجاد میکند، اگر از فراز ارتفاعات تهران و یا هواپیما منظره شهر را نگاه کنیم لحاف کدر و تیره‌رنگی را برروی آن مشاهده خواهیم‌کرد که در اصطلاح علمی بآن لجن هوائی میگویند این لجن از ذرات بسیار ریزی تشکیل یافته که یك قسمت از تشعشع خورشید رابخود جذب میکند، دراینعمل مقداری از اشعه ماوراء بنفش‌خورشید که اثر ضدمیکربی دارد از بین میرود و قدرتش ضعیف میشود، اشعه ماوراء قرمز آفتاب نیز بهمین ترتیب جذب لجن هوائی میشود و براثر کمی این اشعه درجه‌حرارت بمیزانی غیرعادی در محیط اطراف بالا میرود (خواه زمستان وخواه تابستان) درنتیجه اصولا وضع طبیعی آب و هوای محیط بهم میخورد.

زیانهای ناشی از آلودگی هوا

ازطریق تماس چشمها ــ بینی ــ دهان ــ حلق و ریتین عارض افراد ساکن محیط میشود، که کمترین نتیجه آنها مسمومیت خون ــ رنگ پریدگی ــ بیماریهای قلبی و بزرگترین آن محتملاسرطان است که تعداد مبتلایان بآن درسالهای اخیر به نسبت زیادی افزایش یافته است.

تذکر یك نکته بسیار مهم در این زمینه آنستکه در دنیای‌کنونی تنها تهران باین مصیبت لجن هوائی گرفتار نیست بلکه بسیاری از شهرهای صنعتی جهان همین ناراحتی را دارند و مطابق نظر کارشناسان وضع شهر لندن و لوس‌آنجلس(درامریکا) ازاین‌حیث بدتراز تهران است اما مسئله‌آنست که در شهرهای اشاره شده و یا هر شهر دیگر صنعتی با هوای‌آلوده، اقدامات جدی برای مبارزه بااین آلودگی انجام میشود و تا آنجاکه میسر است وسائلی برای تعدیل‌هوا و ایجاد اکسیژن تازه مهیامیسازند ولی در تهران گوئی هنوز بفکر آن هم نیفتاده‌اند و شاید اکثریت مردم اصولا از وضع خطرناك شهر خود بیخبر باشند.

وسائلی که برای سالم ساختن و تخفیف آلودگی هوا درشهرهای صنعتی اروپا و امریکا بکارمیرود عبارتند از: ایجاد پارکها وکشت درخت و بوته بهر ترتیب ــ تعبیهٔ دستگاه تهویه در زیرزمینهای‌شهر ــ شستشوی هوای شهر از طریق آب‌پاشی شبانه در خیابانها ــ دور کردن کارخانجات بزرگ از محیط شهر. اینها وسائلی است‌که هریك بخوبی میتواند در تهران موردعمل قرار گیرد و نتیجه مطلوب دهد.

منظره‌ای از ریختن‌برف در یکی‌ازخیابانهای تهران



جمعیت و مشاغل

در سرشماری مخصوص تهران که درسال ۱۳۴۰ توسطاداره‌آمار عمومی بعمل آمد جمعیت تهران بزرگ ۲۰۹۴۳۰۱ (دو میلیون و نود و چهارهزار و سیصد و یك) نفر ذکرگردید.

طبیعی است جمعیت شهـــر بزرگی مانند تهران پیوسته در تغییر است بنابراین بطور متوسط جمعیت تهران را میتوان همان رقم دو میلیون نفر دانست .

این جمعیت متعلق به تهـران مرکزی و نواحی اطراف آنستکـه شامل شمیرانات ــ نواحی نارمك وتهران پارس ــ کوی‌های نیروی هوائی ، مجیدیه ، وحیدیه ــ نازی آباد ــ جنوب تهران تا حوالی پل سیمان ــ کوی غرب تهران‌ــ کوی شرق تهران میشود .

تهران‌شاید از شهرهای نادری باشد که تعداد مردانش برجمعیت زنان آن فزونی دارد ، از این جمعیت دو میلیونی در حدود ۴۸٫۵ درصد را زنان و ۵۱٫۵درصد را مردان تشکیل میدهند .

پراکندگی جمعیت در تهران یکسان و یکنواخت نیست بدیـن معنی‌که تمرکز نفوس در نواحی جنوبی شهر بیشتر از نواحی‌شمال آنست اگر خیابان سپه را باامتداد شرقی‌اش خیابان امیرکبیر خطی بدانیم که تهران را بدو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کرده باشد مشاهده میکنیم که تمرکز جمعیت در جنوب این خط یکمرتبه به‌نسبت زیادی بالا میرود و نواحی شمالی با همه ساختمانهای چند طبقه و آسمانخراشهایش بازهم از نظـر تمرکز جمعیت عقب‌تر از قسمتهای جنوبی کارگر نشین است .

در نواحی جنوبی تهران نیز پراکندگی نفوس تغییر میکند و هرچه بطرف غرب روی آوریـم تمرکز جمعیت بیشتر میشود ولی البته این تغییر ناچیز است .

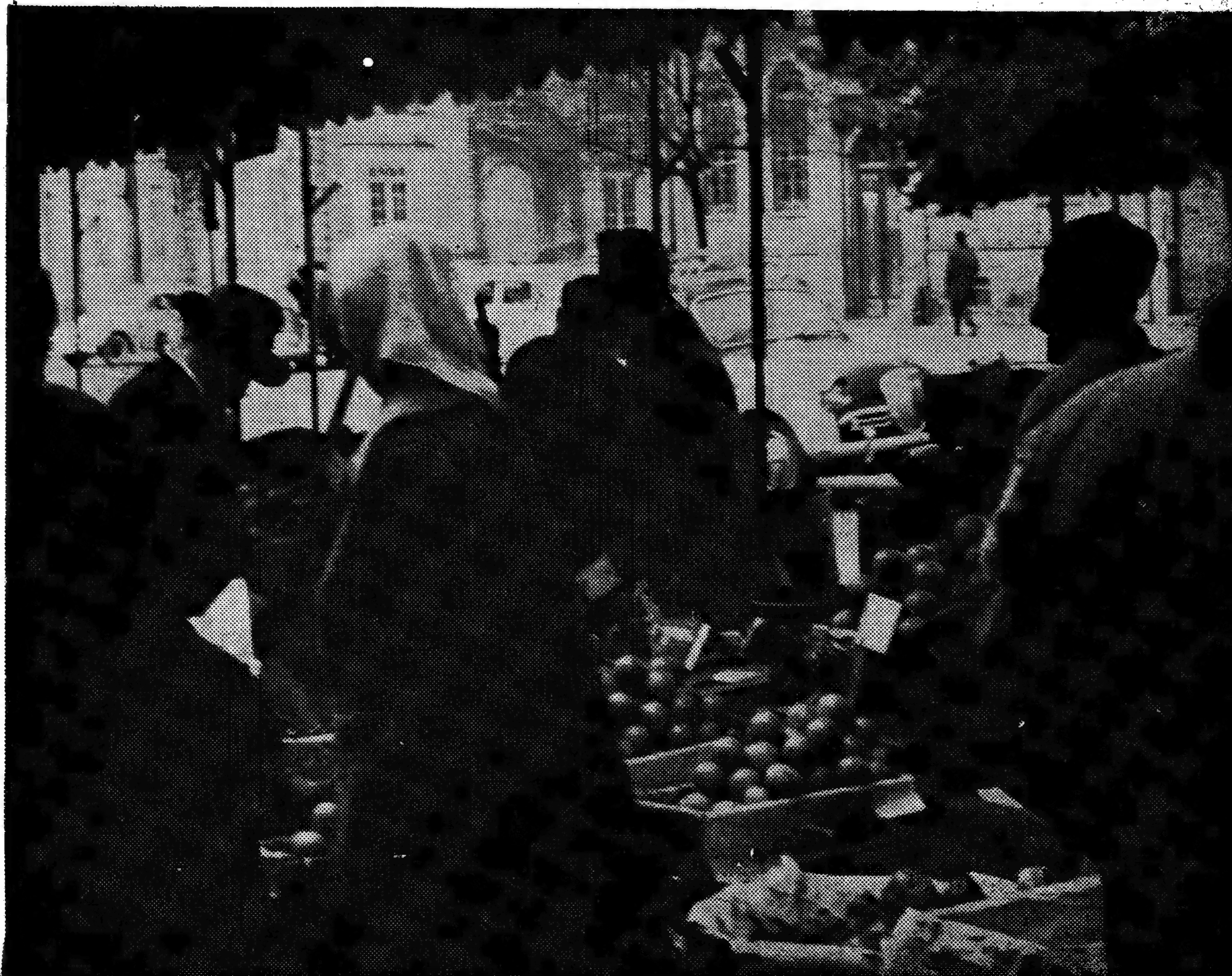
بطور کلی نواحی شمالی شهر قسمتهای اعیان‌نشین ومخصـوص طبقات درجه اول و دوم اجتماع است ولی از آنجا که هیچ ترتیبی در اسلوب شهر سازی رعایت نشده قسمتهائی از نواحی شمال شرقی و پاره‌ای از قسمتهای غرب تهران اختصاص به طبقات کارگران و درجه‌سوم دارد ، ولی قسمت عمده نواحی جنوب تهران را میتوان مسکن طبقات کارگر و پیشه‌ور و کشاورز بحساب آورد .

کار و پیشه‌ــ تهران ، این شهر بزرگ با جمعیت دو میلیونی و با همه جنب و جوش وهیاهویش، درحقیقت شهر تنبل و بیکاره‌ایست! طبق گزارشهای رسمی اداره آمار عمومی که از سرشماری سال ۱۳۳۹ استخراج‌شده عده شاغلین بکارمردم تهران فقط چهار صد و نودهزار ۴۹۰۰۰۰ نفرند ، باگسترش روز افزون شهر و نفوذ زندگی ماشینی و زیادشدن پیشه‌ها اگر هم درحال حاضر عده شاغلین بیش‌از رقـم ذکرشده دربالا باشد به‌تقریب‌میتوان گفت که این افزایش از چند صد هزار بیشتر نشده است .

ازچهارصد و نود هزار افراد شاغل بکار تهران ۴۴۳ هزار نفر مرد و فقط ۴۷ هزار زن هستند

تعداد زیادی از شاغلین‌بکار را جوانان از ده تا بیست ساله

فروشندگان دوره‌گرد و بازارهای‌متمرکز میوه فروشان کار خریدراآسان میکنند





خیابانهای کم عرض تهران همواره بعلت زیادی اتومبیلها شلوغ است!

تشکیل میدهند بدینمعنی که تمام نفراتی که از ده سال ببالا داشته و مشغول بکاری بوده‌اند نیز جزء این گروه حساب‌شده‌اند .

۲۲درصد ازتمام شاغلین مردم تهران از ده ساله ببالا کارمند دولت هستند که در ادارات دولتی و یا بنگاههای وابسته بآن مشغول کارند .

۵۶ درصد از تمام گروه شاغلین کسانی هستند که دربنگاه های ملی و شخصی بکار مشغولند. کارند .

۲۱ درصد از تمام شاغلین‌که جمعیت قابل توجهی را تشکیل میدهند وتقریبا برابر عده‌کارمندان دولت در تهران هستند افرادی میباشند که فقط و فقط برای‌شخص خود کارمیکنند ! این افراد نه کارفرما هستند و نه کارگر بلکه باصطلاح تهرانیها آقای خود و نوکر خود میباشند ، نمونه این گروه را میتوان فروشندگان دوره‌گرد ــ مغازه‌دار یکنفری (بدون شاگرد) ــ راننده‌تاکسی (که صاحب اتومبیل خود باشد) ذکرکرد .

این رقم عمده بخوبی روح آزاد تهرانی را نشان میدهد که میل دارد در کار خود آزاد و بیقید باشد اگر کارگری ندارد لااقل از کارفرما هم اطاعت نکند .

۱ درصد باقیمانده شاغلین هم کارگران متفرقه ذکر شده‌اند که گاه برای خود و گاه برای‌دیگران کار میکنند و پاره‌ای اوقات هم اصلاکاری ندارند !

مذهب در تهران ــ باوجود گروهها و طبقات مختلف و متنوع درتهران درحال‌حاضر اکثریت‌قریب باتفاق نفوس تهران یعنی ۹۲درصد مردم آن مسلمانند که شامل اهل تشیع و تسنن وسایر فرق دین‌مبین اسلام میشود .

۳ر۷درصد جمعیت تهران را مسیحیان تشکیل میدهندکه قسمت عمده آنها اقلیت ارامنه پیرو فرقه ازتودکس و تعدادی نیز کاتولیك و پروتستانند و البته خارجیانی‌که در تهران اقامت دارند نیز بحساب آمده‌اند .

۲درصد از تهرانیان یهودی هستند .

تعداد زرتشتیان که‌درحقیقت ایرانیان اصلیند در تهران ناچیز است و فقط ۳ر۰ درصد از جمعیت تهران را تشکیل میدهند .

۸ر۱ درصد از جمعیت تهران را کسانی تشکیل میدهد که پیرو هیچیك از ادیان اشاره شده دربالا نیستند و مثلا هندو ــ بودائی و غیره میباشند .

۰ر۲ درصد از جمعیت تهران نیز درآمارگیری وسرشماری اصولا منکر هرگونه دین و آئین خویش گشته و علنا لامذهبی و بی‌دینی خویش را اعلام داشته‌اند !

روحیه تهرانی ــ سالها پیش یعنی زمانی‌که تهران گسترش خود را آغاز نکرده بود و وسعت و جمعیت آن نصف وسعت و نفوس کنونی بود ذکر روحیه و صفات مشخص یك تهرانی کار آسانی میبود ، زیرا نفوس تهران که با مردم شهرستانها آمیخته نشده ونفوذ زندگی ماشینی و تمدن غربی آنها را شدید تحت تاثیر قرار نداده بود کمابیش در هر طبقه که‌بودند، آداب و رسوم و روحیه مخصوص، پدران خود را حفظ‌کرده بودند ، ولی از زمان این گسترش برق‌آسا

و نفوذ زندگی ماشینی ومخصوصا پیدایش حالت غرب‌زدگی وبالاخره سرازیر شدن سیل مردم شهرستانها به‌تهران که هریك روحیه و عادات بخصوصی دارند ، مردم تهران روحیه خود را نیز مانند بسیار چیزهای دیگر اجبارا تغییــــر داده‌اند ، صفات و مشخصاتی را رها کرده و حالات و روحیات تازه‌ای بجایش کسب نموده‌اند .

آنچه که تهرانی براثر نفوذ زندگی‌ماشینی اجباراً از دست داده بیشتر آداب و رسوم سابق خویش است زیرا با بروز مظاهر زندگی غربی واقعا وقت ارزش بیشتری در زندگی تهرانی پیدا کرده و بنابراین فرد تهرانی مجبور شده از وقت خود حداکثر استفاده برای کار و یا تفریح ببرد . با همه اینها هنوز میتوان برای تهرانی صفات و روحیه مخصوص بخود پیداکرد و اگرچه در گروهها و طبقات مختلف اجتماع تهران حتی آداب ورسوم و صفات و روحیه نیــز تفاوت میکند معهذا گوئی محیط این شهربزرگ‌طوری است‌که برای ساکنانش یکرشته صفات و عادات مخصوص تولید میکند .

تهرانی پرحرف است ، هر تهرانی در هر صنف و طبقه‌ای که باشد علاقه زیادی به بحث وگفتگو دارد اما در این مباحثه بیشتر دلش میخواهد بگوید تا بشنود ! میل دارد برای طرف خود درددل کند و اگر وقت اینکار را نداشته باشد ناگزیر درکوچه وخیابان ، درطول راه ، در اتوبوس وتاکسی و بالاخره در اداره و محل کار این امر لازم را انجام میدهد، اگر ساعتها به گفتگو و درددل بپردازد بازهم حرفش تمام نشده است والبته زنان تهرانی دست مردان خودرا ازاین نظر بسته‌اند .

تهرانی‌تندخوست اما دربرابر این تندخوئی گذشت هم دارد ، به‌کوچکترین‌چیزی برآشفته میشود و حرف یا عمل طرف برایش غیر قابل تحمل میگردد اما بمحض یك تعارف کوچك از حـــرف خود میگذرد و با کسی که رنجش‌ایجاد کرده دوست میشود !

تهرانی از خود راضی است مخصوصا وقتی دربرابر هم‌میهنان شهرستانی خود قرار بگیرد معلوم نیست‌چرا تهرانی خود را از افراد سایر شهرهای ایران برتر میداند مخصوصا به لهجه خود مینازد و آنرا طرز صحیح و معیار اصلی صحبت‌کردن میداند ، هرتهرانی بخود حق میدهد که لهجه مردم سایر شهرها را مسخره کند و این صفتی است‌که گوئی از قدیم در تهران بوده و با همه تغییرات زندگی تغییر نکرده است .

تهرانی شوخ و لوده و طالب مسخرگی است بهرچیزی با نظر مسخره و شوخی مینگرد، و در هر موضوعی‌که بدستش بیفتد یك نقطه ضعف پیدا کـرده مضمون کوك میکند .

یك تهرانی نمونه آنقدرهادر قید لباس و وضع ظاهری خویش نیست ، سعی میکند همه کارها را آسان بگیرد و با یك حالت‌صوفیانه درآن نظراندازد . جملات **ولش‌کن** یا **بی‌خیالش‌باش** ورد زبان تهرانی نمونه است که در طبقات بالاتر و تحصیل‌کرده به جمله **این نیــز بگذرد** تبدیل میشود .

تهرانی باآنکه‌اجبارا درمرکز تجمع و جنجال کشور خویش‌قرار گرفته علاقمند به زندگی انفرادی است میل دارد درکارهایش‌یکه‌تاز باشدازکسی حرف نشنود وباصطلاح تك‌رو باشد نظر و حرف‌خود را صائب‌تر از دیگران میداند و اگر درمباحثه پیروز نشد خود را کنار میکشد و دست از حرف خــود برنمیدارد .

تهرانی اصیل نمونه درعین رندی و زرنگی لوطی و جوانمرد است و بموقع خود مردانگی و گذشت‌نشان میدهد و دلش‌میخواهد همه گذشت اورا بازگو کنند ولی آنچه که باعث تاسف است زوال این‌صفت پسندیده و مشخص تهرانی است که با ماشینی‌شدن زندگی و تمرکز جمعیت و عدم هماهنگی شئون مختلف زندگی درتهران این صفت یعنی لوطی‌گری و مردانگی تهرانی درحال از بین رفتن است و شاید گزاف نباشد اگر بگوئیم بعوض آن در روحیه تهرانی ، زرنگی‌آمیخته به ریا جانشین‌میشود تهرانی در عین تندخوئی خیلی هم تعارفی است ، خوشش میآید مدتها وقت‌را با تعارف و مجامله‌بگذراند، ممکن است طرف در نظر تهرانی قابل تعارف و احترام نباشد ولی تهرانی از تعارف نمیتواندصرفنظر کند زیرا آنچه که درنظر تهرانی مهم است خود تعارف‌میباشد وطرف آنقدرها مورد نظرنیست !

تهرانی از داد و فریادخوشش میآید ، بلند حرف میزند و هنگام بحث سر و صدا راه میاندازد و از وقتیکه سر وصدای ماشین در محیط تهران زیادشده اوهم صدای خود را بهمان نسبت بلندترکرده است !

آخرین خاصیت تهرانی هم کمی تنبلی اوست ! تهرانی تنبل و درکارها کند است ازکندی‌لذت میبرد ، غالبا دیر بسرکارش میرود و با طمانینه بخانه بازمیگردد ، از استراحت زیاد خوشش میآید و از کاریکه درآن فعالیت بدنی نقش اصلی را انجام دهد گریزان‌است.

تهرانی اصیل بهترین‌تفریح خود را در نشستن زیر درخت در مکانی‌باصفا با آب و سبزه میداند، وقتی درکنار جوی آب قالیچه‌ای بیندازد و با دوستان غذای‌کاملی صرف‌کند و چند استکان چای یا مشروب بنوشد دیگر آرزوئی ندارد مخصوصا اگر فرصت یك چرت خواب هم پیدا شود !

بعداز این تفریح بهتریــن سرگرمی تهرانی مدرن سینماست‌که بتفصیل در بخش دیگر درباره آن صحبت کرده‌ایم .



کنار سبزه نشستن و یك فنجان‌چای خوردن تفریح اکثریت مردم !



مظاهر تمدن جدید : ساختمانهای سربفلك کشیده !

مسکن در تهران

بنظر کارشناسان فنی ، وضع امروزی خانه و مسکن در تهران آشفته است زیرا معماری خانه های کنونی مخلوطی از سبکهای شرقی و غربی است ، پاره‌ای از آنها نیز مطلقا شرقی و مطابق زندگی قدیم مردم ایران ساخته شده در حالیکه بعضی دیگر کاملا غربی و مانند خانه‌ها و مساکن آخرین سیستم اروپا و آمریکاست .

تا بیست سال پیش ساختمانهائی که بنا میشد کما بیش بصورت خانه های قدیمی تهران بود ولی از آن تاریخ ببعد بعلت افزایش جمعیت و گسترش شهر و ماشینی شدن زندگی ، مسئله ساختن خانه و مسکن شکل دیگری بخود گرفت واز طرفی با سرعت روبافزایش نهاد خانه سازی ابتدا سال بسال و بعداً ماه بماه با سرعت بیشتری انجام میگرفت ، سازندگان خانه‌ها گذشته از آنکه سعی میکردند اسلوب غربی را در کار خود دخالت دهند مسائل مهمی مانند خطوط ارتباط ــ آب ــ برق ــ تلفن و مخصوصا وضع آب وهوای شهر را در نظر نمیگرفتند وبهر شکل و روشی که می‌پسندیدند خانه های مورد نظر را بنا میکردند .

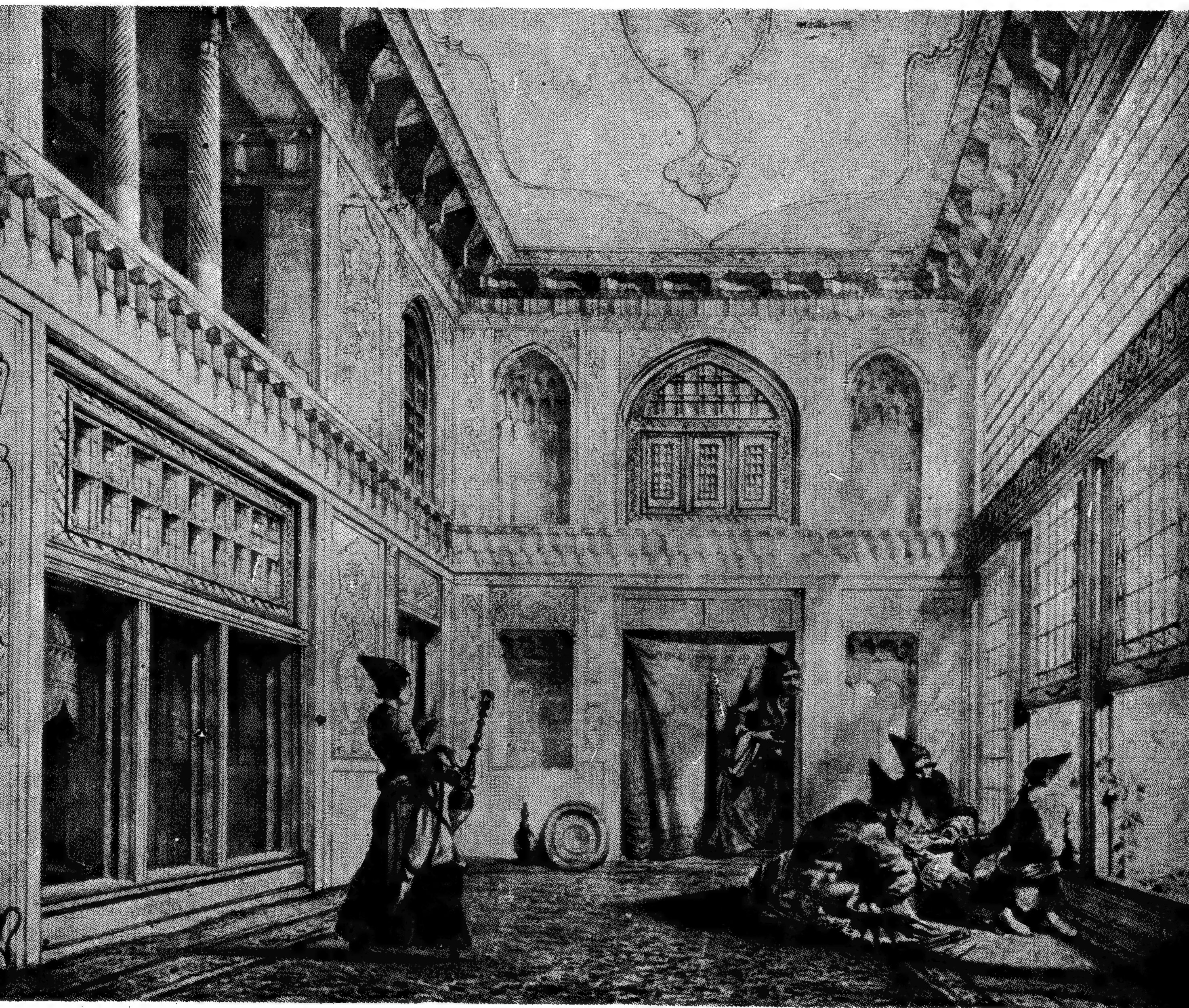
ساختن خانه و مسکن به ترتیب فوق آنقدر ادامه یافت تا آنکه شهر تهران بصورت مجموعه‌ای از ساختمانهای ناموزون درآمد که بنظر بیشتر کارشناسان فنی معماری وشهرسازی بین آنهاتجانسی موجود نیست .

این نکته درخور توجه است‌که در زمان قدیم درشهر تهران کلیه خانه‌ها را با در نظر گرفتن وضع آب و هوا و نیازمندیهای روز میساختند ، درنتیجه اسلوب وشیوه معینی در مسئله خانه سازی وجود داشت . معماران آنروزی میدانستند که هوای تهران لااقل هشت ماه از سال آفتابی است و بواسطه کمبود رطوبت و آب هوا خشك است که تابستانها گرم و زمستانها بسیار سرد است و مردم تهران گذشته ازگرمای شدید تابستان از برف و باران و یخبندان زمستان هم فارغ نیستند ، با درنظر داشتن این‌مسائل معماران آنروزی شیوه ساختمان خانه‌ها را با اوضاع جوی و جغرافیائی وفق میدادند ، خانه یك ثروتمند قدیمی تشکیل شده‌بود از یك بیرونی و اندرونی مفصل بضمیمه پارك و درشگه خانه و طویله . مسکن افراد متوسط نیز با همین شیوه بنا میشد منتهی محدودتر بود و تفصیلات کمتری داشت ، مردم طبقه سوم نیز در خانه های خشتی و گلی میزیستند که آن نیز با شرایط آب و هوا مطابقت داده شده بود ، تقریبا در تمام منازل قدیمی زیر زمینهائی برای فرار از گرما تعبیه شده بود ، پشت بامها گاه گلی بود که در جلوگیری از تابش اشعه آفتاب بسیار سودمند واقع میشد .

از زمانیکه ساختن خانه های جدید رو بفزونی گذاشت وگسترش شهر آغاز یافت رفته رفته ادامه این اسلوب از میان رفت وساختن خانه های چند اشکوبه و کم کم آپارتمان با سقف های شیروانی متداول شد و این رویه آنقدر ادامه یافت تا آنکهٔ اکنون چندسالی است که شهر تهران حتی صاحب آسمان خراشی نیز شده است .

با ساختن خانه های نوین مسئله وجود حیاط و باغچه که در خانه های قدیمی نقش مهمی بازی میکرد از میان رفت ، خانه های جدید دارای حیاط های بسیار کوچك یا اصلا بدون حیاط شدند ، طبیعی است بعقیده کارشناسان که مسئله آب و هوای شهر را نیز در نظر میگیرند این خود یکی‌از نقائص ساختن خانه و مسکن است زیرا درخت و سبزه بطور فوق‌العاده محسوسی در تعدیل هوای شهر تاثیر دارد بخصوص شهری مانند تهران که روزبروز بعلت ازدیاد کارخانه‌ها جمعیت و وسائل موتوری نفت‌سوز هوایش آلوده‌تر میشود .

بطور کلی یك خانه مدرن که برای سکونت یك خانواده درتهران اختصاص داده میشود عبارت است از یك طبقه آپارتمان (درصورتی که ساختمان دارای چند طبقه باشد)



نمای داخلی یکی از خانه‌های قدیمی تهران

که معمولا حیاط کوچکی نیز در جلو آن قرار دارد اطاقهای این ساختمان کاملا بهم‌چسبیده و حداکثر استفاده از فضا در ساختمان منظور شده‌است ، این خانه‌ها‌دارای اطاق پذیرائی ــ اطاق خواب ــ اطاق ناهارخوری ــ اطاق بچه ــ حمام ــ آشپزخانه و بالاخره یك سالن است . ولی باید در نظرداشت که حتی چنین ساختمانی را نمیتوان بعنوان یك خانه مدرن نمونه در تهران بشمار آورد زیرا درمیان ساختمانهای مدرن نیز تجانس و هم‌آهنگی لازم دیده نمیشود .

باتمام پیشرفتی که در امر خانه سازی به شیوه مدرن صورت گرفته هنوز هم در شهر تهران نمونه خانه های قدیمی با داشتن بیرونی و اندرونی و باغچه و حوضخانه و زیرزمین فراوان دیده میشود و بطور کلی در نواحی جنوبی و جنوب غربی شهر و فور خانه های قدیمی ساز بیشتر است و بتدریج که متوجه شمال شهر شویم خانه های نوساز به شیوه و سبك جدید بیشتر میشود .

خانه‌بزرگ وخانه کوچك

بزرگی و کوچکی خانه های تهران و مسئله اسکان مردم و تراکم جمعیت درآنها نیز ترتیب معینی ندارد ، ممکنست در یك خانه که بشیوه و سبك نو (غربی) ساخته شده چند خانوار زندگی کنند و درعین حال دریك خانه قدیمی‌ساز شامل بیرونی و اندرونی درجنوب شهر فقط یك خانواده چند نفری سکنی داشته باشند مطابق اطلاعات و آماری که کارشناسان معماری و شهرسازی در سمینار موسسه

تحقیقات و مطالعات اجتماعی در تیرماه ۱۳٤۱ منتشرساخته کوچکترین واحد درتهران از یك اطاق تشکیل میشود و در حدود ٤۱ درصد مردم تهران در خانه های یك اطاقی زندگی میکنند . بدینمعنی که پاره‌ای اوقات یکنفر و بعضی‌اوقات دونفر و در بسیاری موارد سه نفر و بیشتر فقط دریك اطاق زندگی میکنند. ۲۸ درصد ازجمعیت تهران از خانه های دو اطاقی استفاده می‌کنند .

۱۹ درصد درسه و یا چهار اطاق زندگی میکنند .

۷ در صد در پنج و یا شش اطاق زندگی میکنند .

و بقیه نفوس تهران که تقریبا معادل ۵ درصد جمعیت کل پایتخت میشوند درمنازل هفت وهشت اطاقی کاملا مجهز وراحت زندگی میکنند.

خانه های یك اطاقی که یك خانواده چند نفری درآن روزگار بسر میآورند در جنوب شهر تهران زیاد است . از سوی دیگر منازل وسیع مجهز که فقط یك خانواده از آن استفاده میکند نیز درشمال شهر فراوان بچشم میخورد .

بنظر کارشناسان در حدود ۷۰ در صد از خانه های تهران مکانی نیست که بتوان بآن نام خانه داد و بیشتر این منازل در برابر یك باران یا سیل شدید منهدم میگردد .

بطور کلی عدم تجانسی که در ساختمانهای شهر تهران دیده میشود شاید در هیچ یك ازپایتخت های جهان موجود نباشد زیرا در تهران از آسمانخراش ۲۰ طبقه‌ای تا زاغه زیر زمینی و آلونك و از خانه ٤۰ متری تا باغ پنجاه هزار متری دیده میشود .

حداقل فضای حیاتی برای یك خانوار تهرانی بطور متوسط در حدود ۱۲ متر مربع است حداقل فضای حیاتی برای یك فرد ساکن تهران درحدود ۱۲ الی ۳ مترمربع است در صورتیکه باید سه تا ۵ متر باشد این نکته نیز در خور توجه است که درحال حاضر بعلت تنزل اجاره بها و علل دیگر در حدود ۲۱ هزار واحد مسکونی خالی در تهران موجود است .

آسمان خراش درتهران

چنانکه اشاره شد اکنون چند سالی است که بنا بعلل گوناگون از جمله تراکم وازدیاد جمعیت ــ گسترش سیستم کار وپیشه ــ کشش شیوه زندگی بسوی ماشینی شدن وغیره بساختن عمارات چندین طبقه و حتی آسمانخراش در شهر تهران رواج یافته است ، کارشناسان شهرسازی بنای اینگونه ساختمانها را با وضع کنونی تهران و نقشه شهری‌آن آنقدرهاصحیح نمیدانند ، بحث پیرامون نظرات موافق و مخالف دراین زمینه از حوصله مقاله ما خارج است ولی ایراد بجائی‌که دراین مورد گرفته میشود مسئله پارکینگ اتومبیل هاست ، تقریبا تمام ساختمانهای چندین طبقه وباصطلاح‌رفیع‌تهران‌فاقد پارکینگ مناسب میباشند واز سوی دیگر غالبا در نقاطی ساخته شده‌اند که حتی در حوالیشان باشکال محلی برای توقف اتومبیلهای مراجعین پیدا میشود ، اگر فرض کنیم در آسمانخراشی که جمعا ۱٤۰ اطاق دارد در هردو اطاق، یك نفر از کارمندان صاحب اتومبیل باشند هرروز۷۰ دستگاه اتومبیل میبایستی دربرابر آن توقف کنند واین در صورتی است که اتومبیل مراجعین را بحساب نیاورده باشیم ، برای این ۷۰ دستگاه(یا بیشتر) اتومبیل

یکی از دروازه‌های قدیمی



محل وسیعی باید درنظرگرفته‌شود که متاسفانه در ساختمان عمارات چندین طبقه تهران این نکته را در نظر نگرفته‌اند .

ایراد دیگر مسئله وسائل نجات و محافظت بهنگام آتش سوزی آتش‌گیری است که آن نیز در آسمانخراشهای تهران مورد توجه واقع نگردیده است ، درصورتی که درکشورها و شهرهائی که آسمانخراش و عمارات چندین طبقه بلند میسازند در درجه اول و پیش‌از آغاز کار این دونکته مهم و بسیار مسائل دیگر مانند شرایط تطبیقی جوی آب و هوا وغیره را درنظر میگیرند .

در زیر آسمانخراشها و عمارات چندین طبقه بلند تهران راکه تا سال ۱۳۴۲ ساخته شده‌اند با محل آنها بنظر خوانندگان میرسانیم :

محله‌های قدیمی تهران .

درشماره گذشته کتاب سال (۱۳۴۲) محله های قدیمی تهران بتفصیل مورد بحث قرارگرفته ، اکنون ضمن اشاره‌ای بآنها خاطر نشان میشودکه درحال‌حاضرباستثنای محله شاه‌آباد قسمت عمده خانه‌های مسکونی قدیمی ساز خشت وگلی ــ خشت وآجری تهران دراین محلات قراردارد .

محله چاله میدان ــ از قدیمی ترین محلات تهران و در جنوب شرقی شهر واقع گردیده است .

محله عودلاجان ــ ازکهنه‌ترین و فرسوده ترین محلات تهران است که بعلت کهنگی منازل وتنگ‌بودن کوچه‌ها و مسئله اشکال در رفع زباله ، درنظر است تسطیح گردد و خانه‌های متحد الشکل و تازه سازی درآن بنا شود .

محله سبزه میدان ــ سبزه میدان یا سبزی میدان که زمانی شمال شهر تهران بحساب میآمد اکنون در انتهای خیابان ناصرخسرو و جزء قسمتهای جنوبی شهر است ، بازارهای مهم و معروف تهران را نیز باید جزء این محله بشمارآورد.

محله پاقاپوق ــ حدود این‌محله از انتهای خیابان خیام (میدان اعدام سابق) آغاز میشود ، دراین محله که درحقیقت جنوبی ترین ناحیه تهران بحساب میآید تغییرات بسیار زیادی صورت گرفته است .

محله شاه‌آباد ــ محله شاه‌آبادکه شامل نواحی خیابان شاه‌آباد کنونی و میدان بهارستان میشود از محلات بسیار قدیمی است کــه در سابق کاملا خارج از شهر واقــع گردیده و بنام شغال‌آباد معروف بوده است . دراین محله که‌اکنون تغییرات بسیار کرده است ساختمان های قدیمی سازکمتر وجود دارد .

عمارات نگارستان از بنا هــای قدیمی و معروف این محله بوده که بعداً منتقل به دانشسرایعالی و اداره هنرهای زیبای‌کشور گردید .

نگارستان در گذشته مقر فتحعلی شاه بوده است .

در مقابل‌محلات قدیمی‌که‌نواحی تراکم خانه های قدیمی ساز تهران میباشند خیابانهای مهم و معروف تهران راکه از نظر تمرکز ساختمان های نوساز غربی (ونه تمرکــز جمعیت) قابل توجه هستند بدین ترتیب نام برد :

خیابان شاه ــ که شامل خیابان های شاه‌آباد ــ اسلامبول ــ نادری و دنباله آن میباشد

خیابان سعدی ــ اگرچه از خیابانهای قدیمی تهران است ولی سالهاست که درآن تغییرات بسیار داده شده و نام آن نیز ازخیابان لختی به خیابان سعدی تبدیل گردیده است .

خیابان لاله‌زار ــ از خیابانهای بسیار قدیمیست ، صرفنظر از نام آن وضع ساختمانی و شیوه بناها کاملا تغییر کرده بصورت مدرن درآمده است .

خیابان فردوسی ــ علاءالدوله سابق از خیابانهای زیبا و تمیز تهران است که بکلی شکل وقیافه سابق خودرا بواسطه ساختمانهای جدید از دست داده است .

خیابان شاهرضا ــ که از یك سو به فرودگاه مهرآباد واز سوی دیگر به تهران نو و نارمك منتهی میشود و چنانچه خیابان آیزنهاور و خیابان تهران نو را جزو آن بحساب آوریم طویل ترین و درعین حال عریض ترین خیابان شهــر تهران بشمار خواهد آمد .

شاهرضا از خیابانهای نسبتا نو بنیاد تهران است‌که از نظر زیبائی ونظافت نیز نسبت به خیابانهای دیگر تهران قابل توجه میباشد .

خیابان پهلوی ــ که قسمتی از آن قدیمی و قسمت دیگر نو بنیاد است و بجاده جدید شمیران منتهی میشود .

خیابان تخت جمشید ــ این خیابان نیز که از خیابانهای جدید تهران بشمار میآید در شمالی ترین قسمت تهران اصلی قرارگرفته است.

بنا به آخرین آمار شهرداری ، شهر تهران دارای ۳۸۵ خیابان اصلی است .

کوچه پس‌کوچه درتهران

پس‌از ذکر خیابانهای مهم‌تهران، بــی‌مناسبت نیست کــه نسبت بــه کوچه های تهران نیز اشاره ای بشود مخصوصا از این نظر که این کوچه ها غالبا در محلات قدیمی قرار داشته و خانه های قدیمی ساز را از یکدیگر مجزا مینماید .

تعداد کوچه های باز تهران بنابه آمار رسمی ۹۲۱۷۸ عدد است، این فراوانی‌کوچه پس کوچه تهران نیز خود یکی از نقائص است که کارشناسان شهرسازی تذکر داده‌اند،

شهر پاریس با مساحتی در حدود چهار برابر تهران‌فقط ۳۵۸۷ کوچه دارد ، گذشته از کوچه های باز تعداد ۱۷۴۰۰ کوچه بن بست نیز در تهران وجود دارد که طول و عرض پاره‌ای از آنها از چند گام تجاوز نمیکند !

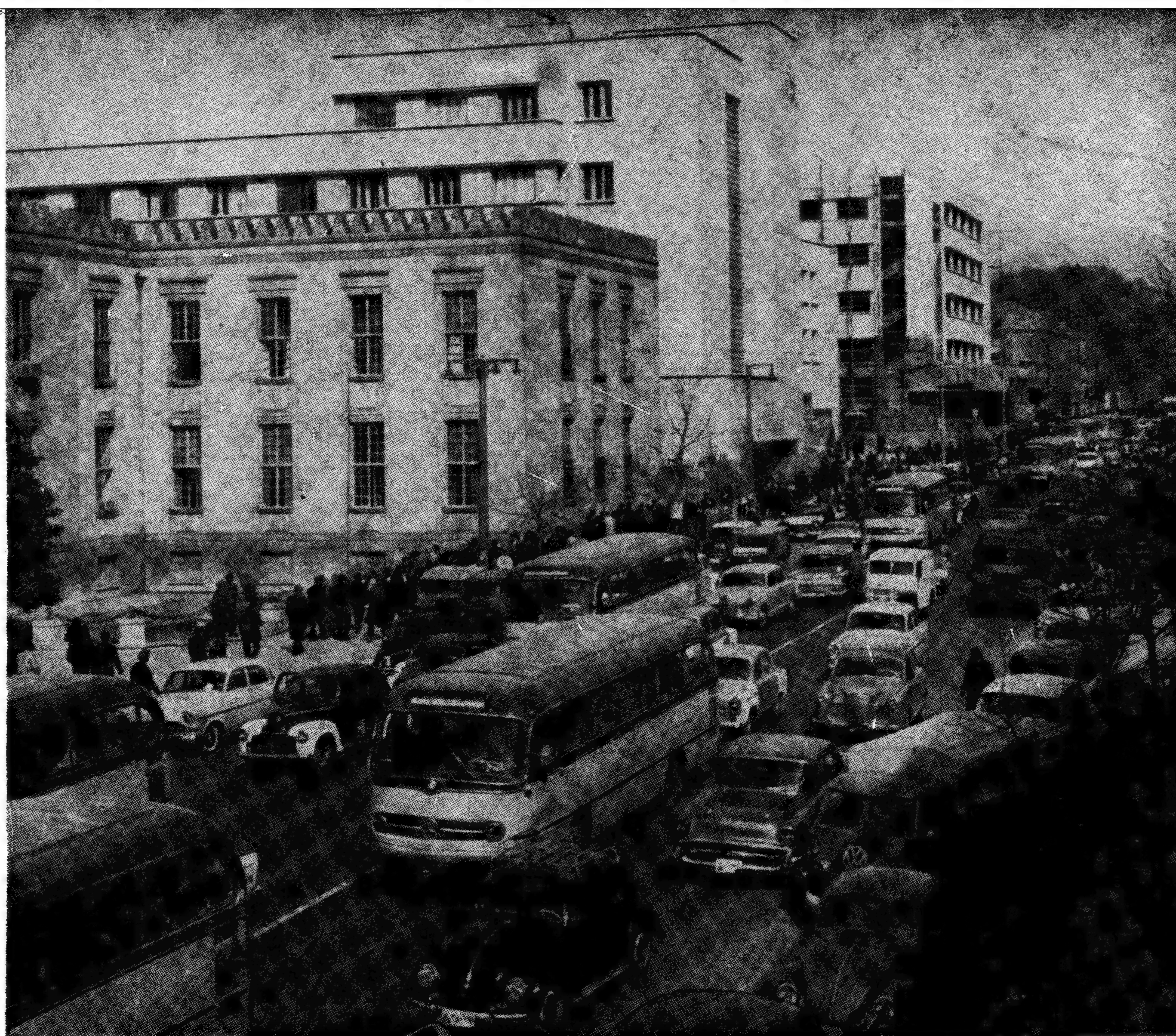
۸۰ درصد کوچه های تهران در محــلات پاچنــار ــ پامنار ــ عودلاجان ــ بازار و جنوب شهر واقع شده‌اند .

شهرهای کوچك دراطراف تهران

گذشته از تحولی که ظرف بیست سال گذشته در شیوه خانه سازی و سبك معماری خانه‌های تهران‌صورت گرفته ، برای ساختن منازلی راحت و کم بها بشیوه غربی از چند سال پیش تاکنون فعالیتی در زمینــه احداث مراکز مسکونی در اطراف تهران انجام گردیده که بنوبه خود باعث پیدایش شهر های کوچکی در نواحی حومه تهران شده است ، تهران نو ــ تهران پارس ــ نارمك شهرآرا ــ کوی چهار صد دستگاه وچند مرکز دیگر را میتوان نام برد .

دراین مراکز خانه های مسکونی متحدالشکــلی ساخته شده که از نظر زیبائی ، رعایت بهداشت ، و مخصوصا بکاربردن‌اسلوب شهرسازی و نظم و ترتیب خیابانها قابــل توجه است ، اگر چه با احداث خطوط اتوبوسرانی ، ساکنین این نواحی میتوانند آمد، و رفت نسبتا منظمی به تهران داشته باشند ولی از نظر فقدان مراکز عمده ای که بتواند نیازمندیهای‌ساکنین رامرتفع سازد (مانند سوپر مارکتها و مراکز خرید های عمده) و همچنین وسائل ارتباطی (پست و تلفن) و بالاخره دوری راه تا مرکز شهر که خواه ناخواه محل کار و پیشه ساکنین منازل خواهد بود ، نواحی مزبور آنطوریکه باید مورد استقبال واقع نشد و در نتیجه ادامه اینگونه شهر سازی متوقف ماند و باری از دوش ساکنین پایتخت که روز برور هم مجبورند درفضای حیات کمتری بسر برند بر نداشت .

هتل هیلتون	ــ	بیش‌از ۲۰ طبقه	ــشمیران جاده پهلوی
بانك کار	ــ	۲۰ طبقه	ــخیابان حافظ
شرکت ملی نفت ایران	ــ	۱۷ طبقه	ــخیابان تخت جمشید
پلاسکو (القانیان)	ــ	۱۷ طبقه	ــخیابان اسلامبول
اخوان	ــ	۱۵ طبقه	ــانتهای بلوار
آلومینیوم (القانیان)	ــ	۱۴ طبقه	ــخیابان نادری
مهندسی برزوکه	ــ	۱۲ طبقه	ــخیابان تخت جمشید
سپهبد کیا	ــ	۱۲ طبقه	ــ خیابان قدیم شمیران



سیل وسائط نقلیه و جمعیت دریکی از خیابانهای تهران

وسائط نقلیه ـ عبورومرور ازواگون اسبی تاجت

سالها پیش ازاین یعنی زمانی که تهران ما هنوز رشد خود را آغاز نکرده و حدود آن ازخیابان های لاله‌زار و شاه آباد و ری‌و بالاخره نواحی بازارتجاوز نمی کرد ساکنین پایتخت برای عبورو مرور خود از اسب والاغ ودرشکه و کالسکه استفاده میکردند ، این وسائل ساده وابتدائی البته برای تهران آن روز و جمعیت محدود آن‌کفایت میکرد .

در زمان سلطنت‌ناصرالدین شاه که تهران وسعت بیشتری یافت اولیاء امور بفکر یك وسیله‌نقلیه ارزان عمومی و مرتب افتادند، این‌بود که سیستم نقلیه واگون اسبی را هم به تهران اضافه‌کردند واگون اسبی در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه در تهران تاسیس شد و عبارت بود از دو رشته خط آهن کوچك ونازك که در مسیر معینی درخیابانها احداث میشد و بر روی این خطوط واگونهائی شبیه واگون های راه آهن(منتهی کوچکتر و سبکتر) قرار می دادند وآن وقت قوه محرکه این واگنها رادو یا چهار اسب‌تشکیل میدادند ! اسبها به واگن جلوئی بسته میشد و یك نفر متخصص واگن یاسورچی مهاراسبها و ترمز واگن را بدست میگرفت و آن‌هارا هدایت میکرد ، این وسیله نقلیه

کندرو که آن روزها برای مردم بسیار هم‌تازگی داشت درایستگاه های مختلف توقف میکرد و مثل اتوبوس مسافرین را سوار و پیاده مینمود .

هر قطار از دو یا سه واگن تشکیل میشد و جالب آنکه‌این کوپه ها زنانه و مردانه هم بود مردان در واگن مخصوص و زنان درجای دیگر قرار میگرفتند .

واگن اسبی چون وسیله ساده‌و ارزانی بود سالهای سال مورد استفاده مردم پایتخت قرار گرفت‌و خیابانهای مهم ولی محدود تهران آن روزی را بیکدیگر متصل ساخت .

اما در همان زمان هم درشگه‌ها وسیله نقلیه مهمی بشمار میآمدند و حکم تاکسی های‌امروزی را داشتند ، کالسگه نیز مخصوص کسانی بود که وضع زندگی‌بهتری داشتند و این کالسگه های شخصی نقش اتومبیلهای شخصی امروزی را بازی میکردند .

واگون اسبی تا زمان سلطنت اعلیحضرت فقید نیز در تهران باقی بود ، در آنزمان که بار دیگر تهران شروع به توسعه‌وترقی کرده‌بود این وسیله بنظر مردم قدیمی و کهنه و کندرو آمد مخصوصا که کمابیش اتومبیل نیز درتهران پیدا شده بود مردم‌به صورت خواب وخیالی پیش خود مجسم میکردند که چه‌خوبست واگون اسبی بکلی بر چیده شود و بجای آن‌برای آمد ورفت از اتومبیل استفاده شود . در سال ۱۳۰۶ واگون اسبی پس از دوره خدمتی در حدود پنجاه سال بر چیده شد ، پس از برچیده شدن خطوط واگون اسبی تا مدتی مردم پایتخت از درشگه واتومبیلهای۹ نفره مخصوصی بنام اتوکبریتی (بواسطه‌شباهت آن باقوطی کبریت واینکه اطاق آن از چوب ساخته شده بود) استفاده میکردند.ولی از آنجائی که زندگی مردم جبرا ماشینی میشد و وسعت شهر نیز افزایش می یافت سرانجام‌در سال ۱۳۱۰ سیستم اتوبوسرانی درتهران و حومه (شمیران) تاسیس یافت .

اتوبوس که برای مردم بسیار تازگی داشت مورد استقبال زیاد واقع شد وروزبروز هم خطوط مختلف آن وسیله سرمایه های ملی افزایش می‌یافت . کسانیکه تاقبل از آن بوسیله درشگه واسب‌والاغ بشمیران میرفتند از آن‌پس با پرداخت یك قران (یکریال) ظرف مدت کوتاهی (دوالی‌سه ساعت !) خود را به شمیران می رساندند ولی زائرین حضرت عبدالعظیم در ری وضع بهتری داشتند زیرا مدتها بود که آمد و رفت خود را باوسیله سریع‌ماشین دودی یا راه آهن کوچك تهران‌ـ ری اجرا میکردند .

اتوبوسهائی که در آنزمان در تهران‌کار میکرد غالبا وسیله شرکتهای خارجی اداره میشد واز نظرراحتی‌صندلی ها و مدت‌رسیدن بمقصد ـ البته با در نظر گرفتن محدودیت آن روزی تهران ـ مسافرین گله وشکایتی نداشتند اما پس ازچند سال ساختن اطاق اتوبوس در تهران آغاز شدو چون برای صرفه و زیاد سوار کردن مسافر حداکثر استفاده از محوطه اطاق را میکردند واز طرف دیگر این اطاق سازی آنقدرها هم از روی اصول فنی اجرا نمیشد مسافرین سخت ترین و پررنج‌ترین دوره اتوبوس سواری خود را می گذراندند ، باهمه اینها روزبرور بر تعداداتوبوسها و شرکتهای ملی کوچك اتوبوسرانی اضافه میشد . رفته رفته خطوط اتوبوسرانی از تهران و حومه هم تجاوز کرد وبه خطوط ارتباطی بین تهران وسایر شهرهای‌ایران گسترش یافت .

دراین جنجال اتوبوس رانی یا اتوبوس بازی درشگه ، آن وسیله قدیمی سالم‌و کندرو مقام خود را از دست نداد زیرا هم جای وسیعتری برای مسافر داشت و هم راحت‌تر بود واگرچه مسافر رادیر بمقصد میرساندولی خطر تصادف و واژگون شدن را نداشت و کسانی که برایشان میسوربود ازاین وسیله گران اعیانی استفاده میکردند .

در خلال این احوال تهران مرتبا توسعه می یافت و جمعیت آن نیز زیادتر میشد، توسعه شهر، افزایش جمعیت و بالاخره نفوذ زندگی ماشینی رفته رفته نیازمردم را به یك وسیله سریع‌السیر و راحت و نسبتا مطمئن آشکارساخت تا آنکه در سال۱۳۲۵ تاکسی‌بتهران آمد واستفاده از تاکسی بمیزان زیادی از جنجال و آشفتگی اتوبوس سواری کاست ، با رواج تاکسی رفته رفته بازاردرشگه‌کساد شد واین وسیله قدیمی راحت که درصورت رسیدگی میتوانست‌وسیله تفریحی و گردشی خوبی به شمار آید بمیزان فوق‌العاده زیادی‌تقلیل یافت تا آنکه امروز جز در محلات جنوبی و حومه و شمیران که گاه وبیگاه اسب خسته‌ای درشگه قدیمی قراضه را از روی کمال بی میلی بحرکت در میآورد ،در تهران بزرگ درشگه نمی بینیم و پنداری فراموش شده‌است ، در حالیکه در پایتخت های بزرگ‌و پیشرفته مانند پاریس با وجود وسائل سریع حرکت‌از قبیل مترو ـ تراموا ـ اتوبوس وغیره هنوز هم درشگه‌های براق وزیباو راحت برای گردش دادن ساکنین شهر یا جهانگردان در خیابانهای بزرگ حتی شانزه لیزه به سیرو حرکت خود ادامه میدهند .

مردم تهران از تاکسی بخوبی استقبال کردند و ظرف مدت چند سال تعداد تاکسی فوق‌العاده در تهران افزایش یافت ، اگرچه تاکسی در آغاز کار وسیله بسیار راحت ومناسبی بود ولی باز هم باگسترش شهر وافزایش جمعیت ومخصوصا زیاد شدن خودتاکسی‌ها و رقابت آنها با یکدیگر باردیگر مردم تهران احساس ناراحتی کردند بویژه که مسئله اتوبوسرانی نیز بر اثر رقابت شرکتهای‌کوچك به وضع ناهنجاری رسیده بود،در سال ۱۳۳۵ شرکت‌واحداتوبوسرانی در تهران تاسیس شد وبا تاسیس خطوط جدید در تهران و حومه‌آن وایجاد نظم وترتیب در وضع اتوبوسرانی به نسبت زیادی از آشفتگی وضع اتوبوسرانی کاست، در حالیکه بی نظمی و آشفتگی حرکت و کار تاکسی ها در شهر بهمان وضع باقی ماند و روزبروز هم‌بدتر شد .

در حال حاضر شهرتهران دارای همه‌نوع وسیله نقلیه میباشد .

عبور ومرور

مسئله عبورو مرور در تهران و آشفتگی آن در سالهای اخیر چیزی نیست که توجه ساکنین این شهر را بخود جلب نکرده باشد ،در حالیکه بسیار نقائص دراین شهر هست که مردم از وجودش بی خبرند و یا اهمیتی بآن نمیدهند، اما عبور و مرور وسائط نقلیه باعث ناراحتی و شکایت عموم مردم خواه اتومبیل دار و خواه پیاده‌را فراهم کرده است .

وقتی یکنفرخارجی برای‌نخستین بار وارد تهران میشودقبل از هر چیز لجام گسیختگی و عدم ترتیب حرکت وسائط نقلیه موتوری(وغیر موتوری) نظرش را جلب میکند و پس از آنکه مدتی گذشت‌وآن خو گرفت آن وقت متوجه چیز های دیگر میشود .

افزایش تصادفات ، تجمع‌وسائط نقلیه ، بی نظمی مطلق سرعت که پاره‌ای مواقع ۷ کیلومتر وپاره‌ای دیگر ۷۰ کیلومتر به وسیله نقلیه سرعت میدهد همه مظهری از آشفتگی عبور و مرور وباصطلاح ترافیك در شهر تهران است این بی نظمی و آشفتگی در سال های اخیر فوق‌العاده شدت یافته و اتفاقا تنها چیزی‌است‌که مردم‌صبور و غیور پایتخت نمیتوانند آن را تحمل کنند و بهمین علت است که اداره راهنمائی و رانندگی وسایر مراجع مانند شهرداری و غیره دائما بفکر چاره هستند ومقررات تازه‌ای برای اصلاح و تعدیل آن وضع مینمایند .

هیچ‌راننده و اتومبیل‌دار وحتی عابری نیست که از مسئله عبورو مرور شکایت نداشته باشد، درشهر تهران بسیارند اتومبیلهای نو و آخرین سیستمی که بدنه واطراف آنها را اثر مهر تصادف بیقواره و بد شکل ساخته است ، صاحبان این اتومبیلها چند روزی تامل میکنند تا پس از یك تصادف کلی بدنه را از نو رنگ کنند !بهمین

ترتیب فراوانند اتومبیلهائی که **از زیر دست تعمیر کار بیرون** آمده و در انتظار تصادف کلی و یا جزئی هستند و بالاخره زیادند اتومبیلهای کهنه‌ای که با همان مهر تصادف درمیان سیل اتومبیلهای لجام گسیخته به تقلا و تلاش خود ادامه میدهند ، بااین ترتیب شاید درتمام تهران اتومبیلی پیدا نشود که از گزند تصادف کوچك یا بزرگ درامان بوده باشد . جای تعجب است که صاحبان تمام این اتومبیلها علت تصادف را خطای دیگری میدانند !

میگویند تعداد وسائط نقلیه مخصوصا اتومبیل در تهران فوق العاده زیاد شده و کثرت اتومبیل هاست که باعث تصادفات و بی نظمی ترافیك میشود . میگویند عدم آشنائی رانندگان و عابرین با مقررات رانندگی و اصولا عدم رعایت این مقررات علت اصلی تصادفات وبی ترتیبی است . می گویند وجود تاکسیها واتوبوسها که برای درآمد بیشتر در نهایت بی احتیاطی در خیابانها جولان میدهند واز دیگران سبقت می گیرند باعث آشفتگی عبور ومرور شده است . میگویند تنگی بعضی از خیابانها ایجاد رکود و بی نظمی میکند . میگویند عبور کامیونها، دوچرخه ها، گاریها و خلاصه وسائل نقلیه کندرو از خیابانهای شهر که یکمرتبه بمیان جریان سریع ترافیك میآیند بی نظمی ایجاد میکند . اما راستش را بخواهید اگر شما یکی دو باردر ساعات اول صبح ، یا ظهر هنگام تعطیل ادارات و موسسات ، به نواحی مرکزی و جنوبی شهر نواحی بازار و خیابان های سپه و فردوسی و سعدی سر بزنید ودر جنجال و سیل وسائط نقلیه که با سرعت ساعتی ۷ کیلومتر درمیان هم دست و پا میزنند و نفیرشان بآسمان میرود دقیق شوید متوجه خواهید شد که علت اصلی بی‌نظمی عبور ومرور هیچ یك از این ها نیست .

بی‌نظمی ترافیك ازچیست؟

شك نیست تمام عللی راکه عامل اصلی بی نظمی ترافیك میدانند در این لجام گسیختگی و بی ترتیبی عبور و مرور اثر دارد ، بزبان دیگر در تمام عقایدی که ازطرف مردم در بالا اشاره کردیم کم و بیش حقیقتی وجود دارد ولی هیچکدام را نباید عامل اصلی دانست .

عامل اصلی بی نظمی ترافیك بی نقشه‌بودن شهر تهران است .

خشت اولیه بی نظمی زمانی بر زمین گذاشته شد که شهر تهران آغاز گسترش یافت بدون آن که نقشه‌ای برای آن طرح کرده باشند .

اکنون ما در دوره‌ای زندگی میکنیم که برای ساختن هر شهر خواه کوچك و خواه بزرگ ابتدا نقشه‌ای طرح میکنند شهر سازی مانند معماری ومهندسی اصولا رشته‌ای از علوم است .شایدخواننده گرامی تعجب کند اگربشنود که هزاران سال پیش مصریها ـ رومیها ـ یونانی ها نیز شهرهای خود را طبق نقشه قبلی‌بنا می ـ کردند و این علم یعنی شهر سازی یك مسئله نوبنیاد و باصطلاح مد روز نیست . طبیعی است در آن زمان های کهن که وسائط نقلیه تند روی‌امروزی وجود نداشت نقشه‌کشی شهرها بیشتر برای حفظ زیبائی و آسایش ساکنین آن بود ولی امروز با وجود زندگی‌ماشینی و تمرکز وسائط موتوری تندرو در شهرحتما باید شهر را طبق نقشه محاسبه شده قبلی بنا سازند و یا اگر یك شهر قدیمی پرارزش را نمیتوانند زیر و رو نمایند لااقل گسترش و وسعت آن را از روی حساب انجام دهند و نکته مهمتر آنکه موسسات و مراکزی را که مراجعین فراوان دارد به‌نحوی در قسمت های مختلف شهر قرار دهند تا هنگام عبور و مروراشکال عمده پیش نیاید و اتفاقا این همان مسئله‌ایست که در تهران نادیده گرفته شده وعامل این بی‌نظمی ترافیك را بوجود آورده است .

هنگامیکه تهران قدیم یاتهران کوچك پایتخت ما بود از وسائط موتوری امروزی خبری نبود ویا تعداد آنها ناچیز بود وخللی در کارها ایجاد نمیکرد و اگرچه شهر کوچك آن روزی ما هم‌از روی نقشه های نوین شهر سازی بنا نشده بودولی باز برای خودو مطابق نیازمندیهایش طرحی داشت و آن طرح طوری بود که رفاه و آسایش ساکنین آن رافراهم‌می کرد اما هنگامیکه بنای گسترش شهر آغاز شد دیگر فکری برای خیابان بندی و شهر سازی‌نکردند و هرکس هرجا دلش خواست بر نفع روز اقتضا کرد خانه و خیابان و کوچه ساخت و نام خود را نیز بر آن نهاد .

با این گسترش از نوع بی‌بندو بار ! زندگی ماشینی و هجوم سیل وسائط نقلیه موتوری نیز به هردو آنها آنقدر ادامه یافت تا وضع را بدینجا کشید .

ما همگی مشاهده کرده‌ایم که در همین بی‌نظمی ترافیك در پاره‌ای از خیابانها حتی در ساعات اول صبح سرعت اتومبیلها به۶۰و ۷۰ کیلومتر در ساعت هم میرسد در صورتی که در برخی دیگراز نواحی‌شهردر غالب ساعات شبانروز سرعت حرکت‌اتومبیلها حد اقل۶ و حداکثر ۱۰ کیلومتر در ساعت است ، این گونه خیابانها ونواحی که در اصطلاح فنی نقطه‌کورنامیده میشوند متاسفانه درتهران ما کم نمی باشند و اشکال عمده آنهادر اینستکه درست در نواحی مرکزی واصلی‌شهر قرار گرفته‌اند .

برای روشن کردن ذهن خوانندگان در یکی از این نقاط که شاید مهمترین آنها هم باشد سیری میکنیم واز نزدیك وضع ترافیك را بررسی مینمائیم .

این نقطه کور ناحیه‌ای است که حدود تقریبی آن از میدان سپه و اطراف آن تا ناحیه بازار تعیین میشود ، هنگامی که از خیابانهای شمالی ـ شرقی ـ غربی بتدریج متوجه مرکز یعنی میدان سپه شویم بتدریج از سرعت‌حرکت ماکاسته میشود ، لازم نیست حتما از وسیله نقلیه استفاده کنیم ،خیر، حتی اگر پیاده هم بخواهیم‌چنین مسیری را دنبال نمائیم سرعت حرکت ما براثر تجمع عابرین جبرا کم میشود ، اتومبیل و تاکسی‌و اتوبوس ودوچرخه و سایر وسایل گذشته از آنکه سرعت خود رااز دست میدهند با مشکلات بیشتری‌هم مانند تماس و بر خورد با سایر وسائط روبرو میشوند ، پس‌از توقف طولانی در چهارراه ها و سه راهها و خلاصه محل تقاطع نواحی میدان سپه وقتی‌که وسیله نقلیه به خیابان های خیام ـ باب همایون ـ ناصرخسرو ـ بوذرجمهری و نواحی اطرافش میرسد تمرکز ماشین ومردم (وسائط نقلیه و عابرین) به منتهی درجه خود میرسد و در نتیجه سرعت بحداقل خود کاهش می یابد و آنگاه ما یکمرتبه متوجه میشویم که گوئی قسمت اعظم اتومبیلهای تهران‌به سوی‌ناحیه بازار واطراف آن روی آورده‌اند ، براستی هم همین است زیرادراین ناحیه که برای ترافیك نقطه کور است در حدود ده‌تا دوازده سازمان و موسسه دولتی‌و ملی قرار گرفته‌اند که ازمیانشان میتوان وزارت بهداری ـ وزارت کشور ـ صنایع و معادن ـ دادگستری ـ دارائی ـ تبلیغات‌و رادیو ـ بانك بازار ـ کاخ گلستان ـ ژاندارمری ـ شیر و خورشید سرخ و بالاخره فروشگاه ها و تجارتخانه ها وبنگاه های کوچك وبزرگ ملی را نام برد که جمعا کانون بزرگی از رفت‌و آمد وتراکم و تجمع و تمرکز را ظرف روز تشکیل میدهند .

با در نظر گرفتن اینکه هیچ گونه راه فراری برای این سیل وسائط نقلیه دراین ناحیه پیش بینی نشده است و بادر نظر داشتن گروههای گوناگون مردم مانند : بازرگانان ـ کارمند ـ مراجعه فروشنده ـ خریدار ـ محصل ـ مسافر که هرروز اجبارا باین ناحیه وسیع مراجعه میکنند به هیچوجه نباید از تراکم و جنجال ترافیك در این نقطه کور تعجب کنیم ، گذشته از موسسات نامبرده دراین ناحیه در شمال آن یعنی در نواحی میدان سپه نیز تعدادی

بنگاه و سازمان وجود دارد که مهمترین آن‌ها را (از نظر رفت‌و آمد مردم)میتوان شهرداری - پست وتلگراف -بانك‌ها (سپه‌و بازرگانی) - راهنمائی و رانندگی دانست .

سیل مردم که‌از قسمتهای مختلف شهراین ناحیه بن بست هجـوم میآورند هریك سعی میکنند زودتر خود را بمقصد برسانند و زودتر خلاص شوند و این خود بیشتر باعث آشفتگی میشود . این ناحیه در عمل واقعا بن بست است و تادر مرکز نقطه کور یعنی ناحیه بازار و خیابان بوذرجمهری راه فرار ونفوذ بخارج ایجاد نشود وضع بهمین حال باقی خواهد بود ،شاید بدتر هم بشود زیرا فراموش نکنید که مطابق آمار رسمی روز بروز تعدادوسائط نقلیه بیشتر میشود.

قراردادن این مـوسسات و وزارتخانه های بزرگ دراین‌ناحیه که وضع بن بستی را دارد صلاح و صحیح نبوده است ، با در نظر داشتن اینکه باز هم ازاین نقاط کور در تهران وجود دارد آشکار میشود که علت اصلی بی نظمی ترافیك آنچه در آغاز مقال‌اشاره شد نیست ،نه‌تجمع‌وازدیاد وسائط نقلیه - نه عدم رعایت مقررات- نه وجود تاکسی های بی بندوبار و نه عبور دوچرخه وکامیون‌و گاری هیچیك نمیتواند در شهر بزرگی مـانند تهران چنیـن بی نظمی و اختلال پدید آورد .

بهترین شاهد دراین زمینـه فعالیت اداره‌راهنمائی و رانندگی است که پیوسته مسیر خیابانها را تغییر میدهد - مقررات تازه وضع میکند - خیابانها و کوچه‌ها را یك طرفـه میکند - جرائم سنگین اخذ میکند - در هر چهار راه کوچکی چراغ نصب‌میکند ولـی عملا به نتیجه‌ای نمیرسد ونبایدهم برسد زیرا نقشه شهر صحیح نبوده ونیست .

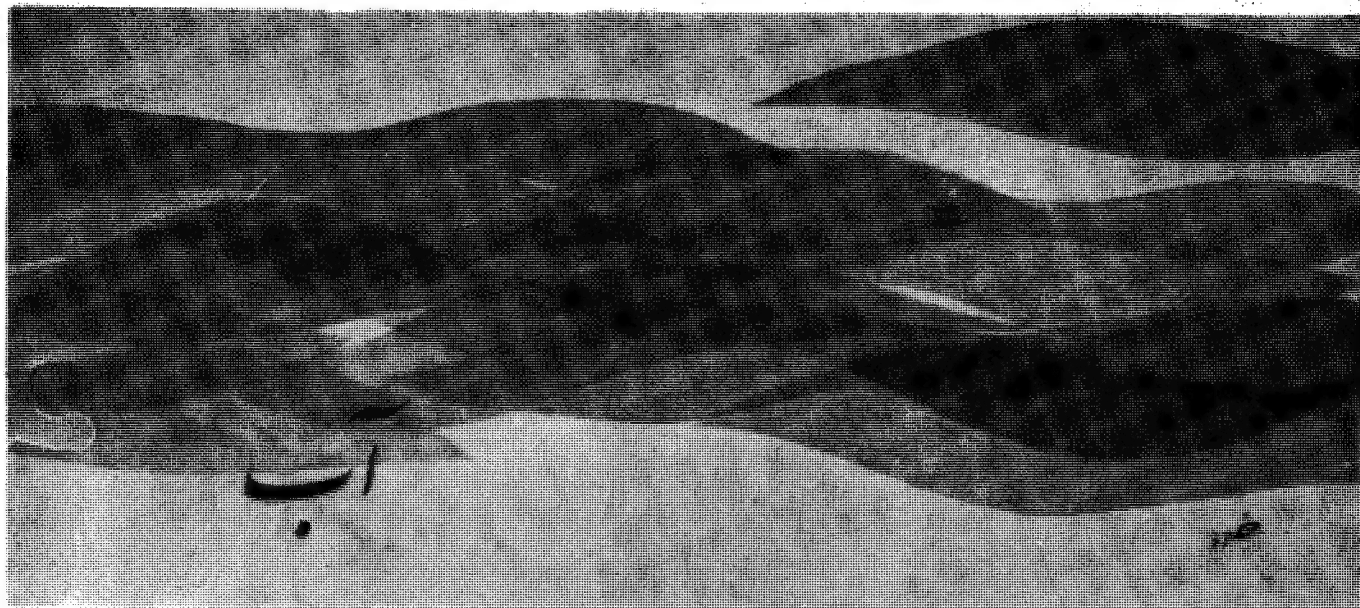
شهرهائی مانند لندن- پاریس- رم با کثرت فوق‌العاده وسائط‌نقلیه با کوچه های تنگ (لندن) -با سرعت زیاد مجاز وسائل - با جمعیت چند برابر تهران هرگز گرفتاری های ترافیك ما راندارند و حال آنکه راننده و عابر متخلف هم درآنجا فراوان یافته میشود .

هنگامی که نقشه صحیحی‌برای شهر تنظیم گردید و نقاط کور از میان رفت طبیعی است کـه باز هم مردم تهران از پـاره‌ای ناهنجاری بر اثـر ترافیك رنـج خواهند برد ، از مهم‌تـرین این ناهنجاریها که هم‌اکنون نیزمزید بر علت اصلی است میتوان بـی قیدی و عدم رعایت مقررات از طرف عابرین را نام‌برد وایــن مسئـله‌ایست که در حال حاضر کمتر بآن توجه میشود ، هنوزهم مردم تهران نمیدانند پیاده رو برای عبور پیاده و ســواره‌رو مخصوص حرکت وسائل نقلیه است! و بقول روان شناسان این فلسفـه آنطور که باید در خمیره مردم تهران وارد نشده است ، عابر تهرانی برای اتومبیل و موتور- سیکلت کوچکترین اهمیتی قائل نیست واگر فقط دو قدم تا معبر خط کشی شده فاصله داشته باشد بخود زحمت نمیدهد که از آنجا عبور کند بلکه راه را میان بر کرده از وسط خیابان می گذرد (آن هم با چشم بسته وبا سرعت زیاد)

عدم رعایت مقررات از طرف دوچرخه سواران که حتی در پیاده رو هم باصطلاح آرتیست بازی میکنند وبالاخره عبور گله گوسفند و گاری اسبی و درشکه از وسط خیابان شلوغ و بالاخره بی‌پروائی‌رانندگان تاکسی که سعی میکنند با فشار آوردن براهرم‌گاز ۱۰یا ۱۵ ریال بیشتر کاسبی‌کنند بیشك دربی نظمی ترافیك تأثیرات شدید دارد ، اگر نقشه شهر را بتوان در اصـلاح مـوارد اشاره بتوان در اصطلاح موارد اشاره شده دربالا گامی برداشت ، واین وظیفه‌ایست برعهده من و شماو دیگران .



این روزها چشم شماکمتر بدرشکه‌میخورد ....



سالها پیش ازاین یعنی زمانی که سیستم لوله‌کشی آب در تهران وجود نداشت ، یکی از روزنامه نگاران خارجی بعداز مشاهده‌دقیق شهر تهران اظهار داشته بود :

«آب تهران در لوله‌های پهن و سرباز و بیقواره‌ای جریان‌دارد بنام جوب ! این آب‌که در شمال شهر تهران آبی است مخلوط با کثافت وگل‌ولای اما همان آب‌در جنوب شهر تبدیل میشود به‌گل‌و لای و کثافتی مخلوط باآب ! و شگفت آنکه همین آب پس از ته‌نشین شدن در حوضهای سر پوشیده‌ای بنام آب‌انبار بمصرف نوشیدن مردم میرسد .»

براستی هم وضع آب آشامیدنی و مصرف مردم تهران پیش از لوله کشی بسیار اسفانگیز بود سالها وقت صرف شد ، هزینه‌ها بکاررفت زحمت‌ها کشیده شد تاآنکه آن‌وضع اسفانگیز پایان یافت، سیستم‌لوله کشی آب درتهران صورت گرفت و اکنون اکثریت قریب باتفاق مردم تهران ازآب‌تصفیه‌شده‌لوله‌کشی استفاده میکنند .

جای تعجب است اکنون پس‌از گذشت سالیان درازی که از زمان اظهارنظر آن روزنامه نگارخارجی درباره آب تهران میگذرد هنوزهم آن آبی‌که در شمال شهر مخلوط باکثافت ودر جنوب شهر کثافتی مخلوط باآب‌است در جویهای‌سرباز تهران دیده میشود اما جای بسی خوشوقتی است که دیگر بمصرف آشامیدن و شستشو نمیرسد .

تاریخچه لوله‌کشی

تاریخچه لوله‌کشی‌آب شهرتهران داستان دوروِدرازی دارد که ما سعی میکنیم آنرا باختصار بنظر خوانندگان برسانیم :

اول اینرا باید دانست که‌هنوز هم تمام مردم تهران یعنی تهران بزرگ از آب لوله‌کشی استفاده نمیکنند ولی قسمتهائی که از آب تصفیه شده محرومند بخشهای کم اهمیت و دورافتاده شهر هستند که کار لوله‌کشی نواحیشان باصطلاح دردست اقدام است و اما نکته مهم و اساسی‌آنستکه خوشبختانه اکثریت قریب باتفاق مردم پایتخت‌میتوانند براحتی از آب تصفیه شده استفاده کنند .

اخذ تصمیم جهت لوله‌کشی شهر تهران بزمان امیرکبیر مربوط میشود و ازقراریکه میگویند امیرکبیر در زمان صدارت خود تصمیم‌گرفته بود لوله‌کشی‌آب‌تهران را نیز با کارهای اصلاحی دیگر خود آغاز کند ولی با کشته‌شدن این رادمرد لوله‌کشی نیز فراموش شد .

اعلیحضرت فقید نیز لوله‌کشی آب تهران و سایر شهرهای ایرانرا جزء برنامه کارهای بزرگ خویش قرار داده بود ولی باپیش‌آمدن وقایع شهریور ۱۳۲۰ نقشه‌لوله‌کشی نیز مانند احداث کارخانه ذوب آهن راکد ماند .

در سال ۱۳۲۵ باردیگر داستان لوله‌کشی آب تهران زنده شد و اجرای آن نیز به شهرداری وقت واگذار گردید ، شهردار وقت با هیاهوی زیاد بنحوی این مژده را باطلاع اهالی محترم پایتخت‌رسانید و نخستین کلنگ ساختمان آن هم برزمین کوبیده شدوپیش‌ازاحداث تصفیه‌خانه و تهیه لوله آب پلاك شماره یك انشعاب آب را هم بر سردر منزل نخست‌وزیر کوبیدند.

اما عملیات لوله‌کشی از این مرحله جلوتر نرفت و مردم‌محترم پایتخت هم پس از چند سال‌انتظار وقتی خبر واثری از آب‌ولوله‌کشی مشاهده نکردند ، برای انتقام ! لفظ لوله‌کشی‌رامترادف‌بااصطلاحات مسخره‌ای‌برای اجرای‌هرامر دشوار و محالی بکار بردند .

باافزایش جمعیت و گسترش‌شهر گرفتاری و مشکلات مردم برای آب زیادتر میشد و هر شب در محلاتی‌که نوبت آب‌آنهابود کشمکش و زد وخورد برپا میشد ، گردن کلفت‌های محل و متنفذین حق دیگران را غصب میکردند و میرآب‌ها مقام والائی‌پیدامینمودند.

همه این دردسرها بخاطرآبی بودکه مخلوط با زباله در جویهای سرباز خیابانها جاری میشد و میبایستی پس از ته‌نشین شدن در آب‌انبارها بمصرف نوشیدن‌برسد.

کسانی‌که وضع مادی بهتری‌داشتند آب آشامیدنی خودرا از بشگه‌های تك‌اسبی تهیه میکردند و این گاریهای یك اسبه که از یك منبع بزرگ‌آب تشکیل‌شده‌بود آب لازم را از قنات پشت‌زندان مجاورراداره پست‌مرکزی تهیه میکردندوبمنازل میرساندند ولی پاره‌ای از آنهاراه را کوتاه کرده و همان بشگه رادر کوچه‌ها و خیابانهای خلوت ازآب جوی پر میکردند ودرنتیجه مردم رابه انواع بیماریها مبتلامیساختند.

تابستان که‌فرامیرسید بیماریهای اسهال و حصبه و غیره‌که بوسیله آب شیوع پیدا میکند بسراغ‌مردم میآمد و بسیاری از مردم پایتخت مخصوصا کودکان را بدیار عدم میفرستاد .

آغاز کار

در خلال این احوال صحبت‌آب تصفیه شده و وعده لوله‌کشی‌گاه‌و بیگاه برسر زبانها میافتاد تا آنکه در اوائل سال ۱۳۳۲ مسئله لوله کشی بمرحله جدی رسید ودرواقع کار حقیقی لوله‌کشی آغاز شد دراین هنگام بود که بامر وکمك شاهنشاه تشکیلات تازه‌ای بنام «سازمان مستقل‌آب تهران» بجای «اداره لوله‌کشی» تاسیس وشروع بکارکرد و طبق تصویبنامه‌قانونی تامین آب تهران ولوله‌کشی و احداث فاضلاب مرکز باین

سازمان واگذار گردید و عملیات لوله‌کشی با سرعت ادامه یافت. مردم پایتخت که بارها فعالیتهای نیمه‌تمام و ناقص را دراین زمینه مشاهده کرده بودند بازهم باور نمیکردند و آنقدرها بانجام این کار خوشبین نبودند ولی یکسال بعد باکمال تعجب متوجه شدند که این بار واقعا کار جدیست.

در آبانماه سال ۱۳۳٤ تصفیه‌خانه آب تهران بدست شاهنشاه گشایش یافت و آب سالم و تصفیه شده‌وارد لوله‌های اصلی و فرعی گردید، حالا دیگر مردم باور کرده بودند و هروقت آگهی‌های «سازمان‌آب» منتشر میشد اهالی پایتخت برای پرداخت حق‌انشعاب‌هجوم‌میاوردند.

ازآن پس‌سازمان آب به‌لوله‌کشی منازل تهران و همچنین توسعه خود سازمان ادامه داد زیرا حین عمل کارشناسان متوجه شدندکه تاسیسات اولیه تکافوی مصرف‌آب تهران بزرگ را نخواهد کرد. نخستین باری‌که تصمیم لوله‌کشی شهر تهران از طرف اولیای امور اتخاذ شد گنجایش تصفیه‌خانه آب تهران را برای یك میلیون و چهارصد هزار نفر پی‌ریزی کردند، کارشناسان پیش‌بینی کرده‌بودندکه حداکثر جمعیت تهران تا سال ۱۳٦۰ درحدود همین میزان (۱٤۰۰۰۰۰ نفر) خواهد بود، پس از اتمام تاسیسات تصفیه‌خانه و لوله‌کشی باین اشتباه پی برده شد زیرا جمعیت تهران بمیزان‌غیرقابل تصوری افزایش مییافت، بنابراین در سال ۱۳۳۸ با توسعه تاسیسات و کشیدن یك خط لوله بزرگ از کرج به تهران مقدار آب تصفیه شده قبلی راکه ۲۷ هزار مترمکعب در سال بود به ٥٤ هزار مترمکعب در سال افزایش دادند.

پس از اتمام ساختمان سد کرج و مشاهده گسترش شهر تهران و جمعیت روزافزون آن سازمان‌آب درصدد برآمد تاسیسات تازه‌تر و وسیع‌تری بوجود آورد که برای ۲٥ سال بعد و جمعیتی معادل‌چهار میلیون نفر کافی باشد بنابراین اقدام به احداث تصفیه‌خانه جدید درکن و کشیدن دو خط لوله بقطر دومتر از کرج به تهران‌نمود که هریك به تنهائی قادر است در ثانیه ۸ متر مکعب آب واردتصفیه خانه دوم نماید.

بنظر کارشناسان و مسئولین وزرات آب و برق باترتیب‌فوق‌در نیمه اول‌سال ۱۳٤۳ ظرفیت آب تصفیه‌شده‌درتهران‌به۱۲۰میلیون‌متر مکعب در سال خواهد رسید، بدینمعنی که در سال ٦٥ میلیون‌متر مکعب آب ازکرج وارد تصفیه‌خانه دوم خواهد شد و ظاهرا تمام مضیقه‌های کنونی مرتفع خواهد گردید.

آب تصفیه شده بکدام نواحی میرسد

درحال‌حاضر سازمان آب تهران گذشته از نواحی «تهران مرکزی» (باتهران بزرگ اشتباه‌نشود) بخشهای: یوسف‌آباد ــ قسمتی از عباس‌آباد و بیسیم نجف‌آباد ــ شهرآراء ــ کوی‌کن‌را نیز لوله‌کشی کرده و بآنجا آب تصفیه شده میرساند، و بنا بگفته مسئولین مربوط در سال ۱۳٤۳ نواحی نارمك ــ تهران‌نو ــ امیرآباد ــ بقیه عباس‌آباد نیز لوله‌کشی‌خواهد شد.

بجز نواحی اشاره شده در بالا که لوله‌کشی در آنها انجام نشده و یا ناقص مانده است، سازمان‌آب درآینده باید تمام قسمتهای «تهران بزرگ» را لوله‌کشی‌کند و بآنها آب تصفیه شده برساند. حدود تهران بزرگ از شمال به ارتفاعات شمیران ــ از جنوب به پل‌سیمان درشهر ری ــ ازمشرق به نواحی دوشان‌تپه ــ از مغرب به رودخانه کن محدود میشود و بخشهائی‌که دراین مساحت بزرگ قرار دارند عبارتند از شمیرانات ــ قلهك ــ ضرابخانه و دروس ــ حشمتیه و مجیدیه ــ کوی شرق تهران‌ــ کوی غرب تهران ــ کوی جنوب‌شوش‌ــ جوادیه و نازی‌آباد.

چند نفر آب تصفیه شده مینوشند

مطابق گزارشهای‌وزارت آب‌و برق درحال‌حاضر بیش از یکصدوچهل هزار واحد مسکونی درتمام‌تهران لوله‌کشی شده و ساکنین آنهاازآب تصفیه شده استفاده مینمایند. پاره‌ای ازاین واحدها خانه‌های دو اطاقی است برخی دیگر آپارتمانهای چند طبقه یا موسسات بزرگ دولتی وملی میباشند که خود یك واحد بحساب میایند.

باترتیب فوق سازمان آب به عده‌ای درحدود یك میلیون و ششصد هزار نفر در تهران آب تصفیه شده میرساند.

با آنکه اکنون سازمان آب مشغول لوله‌کشی نواحی اطراف تهران مرکزی است معهذاهنوزهم در ناحیه اخیر یعنی تهران‌مرکزی واحدهائی وجود دارد که‌لوله‌کشی نشده است و این مسئله اساسی بعلل مسافرت صاحبان منازل ویااشکالات دیگر معوق مانده است.

وضع آب درجنوب شهر

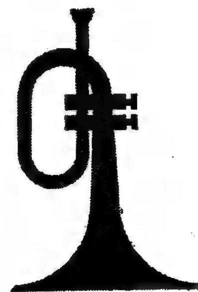
اگرچه‌قسمتهای عمده‌ای ازجنوب تهران لوله‌کشی شده ومردم‌ازآب تصفیه شده استفاده میکنند ولی درحال‌حاضر وضع آبهای جاری‌در جویهای سرباز جنوب شهر اسف انگیز است، چنانکه در آغاز مقاله اشاره شد هنوز هم آبهای آلوده و مخلوط با لجن و کثافت در جویهای سرباز نواحی مرکزی مخصوصا جنوبی شهر جریان دارد طبیعی است این آب‌های غلیظ و آلوده ــ که بعلت داشتن زباله و لجن فراوان درپاره‌ای از همان نواحی جنوب بمصرف‌کود زراعتی میرسد ــ بمصرف نوشیدن نمیرسد ولی ازآنجاکه‌وضع بهداشت جنوب شهر نسبت بشمال و مرکز عقب‌تر است همین آبها خود خواه‌ناخواه باعث اشاعه میکرب بیماریهای گوناگون ویا لااقل کسالت‌ونقاهت مردم میشود.

در نواحی مختلف شهر مخصوصا جنوب‌که کار لوله‌کشی اش ناقص مانده بانصب شیرهای فشاری‌آب، وسائل‌آسایش مردم فراهم گشته و کسانی‌که در خانه آب لوله‌کشی ندارند میتوانند ازاین شیرها آب بردارند، اشکالی‌که نصب این شیرها ایجاد کرده آنستکه مردم لباسها و اشیاء کثیف وحتی دام های خودرا بااستفاده ازآب آن شستشو میدهند و آن آب آلوده‌در جویها جاری شده بنواحی پائین‌تر میرود و محلات دیگر را بنوبه‌خود آلوده میسازد.

وجود این جویهای سربازمتعفن ازمناظر بسیار زننده تهران است. نکته دیگری که میتواند موضوعی برای یك انتقاد اساسی نسبت به‌امر آب‌شهر بزرگی مانند تهران عنوان شودنبودن یك‌سیستم‌فاضل‌آب‌صحیح مقرون به‌بهداشت است‌که البته‌اگر ایجاد شود دیگر ازجویهای سرباز ناقل گنداب وزباله اثری نخواهد بود، بنظر اهل فن اشکال‌عمده‌ای که‌درموردایجاد یك‌سیستم‌گنداب‌رو برای تهران بزرگ موجود است عدم یك سیستم صحیح و علمی شهرسازی و خیابان بندی است‌که ازآغاز گسترش تهران توجهی‌بآن نشده است.

ازدیرباز مردم تهران بشوخی و کنایه برای یکدیگر میگفته‌اند که شهر ما سرانجام در چاه یا حفره‌ای فرو خواهد رفت! این پیش‌بینی عامیانه که آنقدرها هم ازحقیقت بدور نیست ازآنجا پیداشد که از همان زمان قدیم مردم تهران‌برای دفع گنداب‌منازل خودچاه‌میکندند و هنوز هم میکنند وآبهای زائدو فضولات منازل‌درچاه‌ها دفع‌میشود. اکنون باگسترش شهر و افزایش جمعیت و مخصوصا افزایش مصرف آب‌که براثر لوله‌کشی پیش آمده است اگر فاضلابی بزرگ بر اساس شیوه‌های‌فنی ساخته نشود معلوم نیست که‌این سیستم چاه کنی‌ودفع آب زائد و فضولات سرانجام‌بکجا خواهد کشید.

آخرین انتقادی که نسبت‌به‌سیستم لوله‌کشی آب تهران عنوان میشود شکایت مردم تهران نسبت به‌بهای آب تصفیه شده است‌که از یکی‌دو سال پیش‌ناگهان بچند برابرافزایش یافت. بهای هرمتر مکعب آب تصفیه شده در تهران ۷٫٥۰ ریال است.



وسائل تفریح

وسائل تفریح برای جمعیت دو میلیونی تهران نه آنطورکه شایسته چنین شهر بزرگی است فراهم میباشد و نه آنکه جنبه عمومیت دارد، بعبارت دیگر آن وسائل تفریحات کاملی هم که در شهر وجود دارد جنبه عمومی ندارد و برای تمام طبقات میسر نیست .

بسیارند گروههای مختلف مردم تهران که مطابق میل و سلیقه خویش تفریحی را برگزیده و وسائل آنرا برای خویش فراهم ساخته‌اند در برابر آنها گروههای فراوانی هم هستند که تفریحشان دراین شهر بزرگ ازکوچه گردی و دیدن مردم و باصطلاح سیر انفس تجاوز نمیکند و این مسئله آنطور که دربادی امر بنظر میرسد آنقدرها به فقر و ثروت طبقات مختلف ارتباط ندارد. درحال حاضر تهران دارای مراکز تفریحی مانند باشگاههای شبانه ـ کاباره ـ دانسینك ـ سینما ـ تئاتر ـ قهوه‌خانه ـ و غیره است این مراکز باآنکه تعدادشان کم نیست معهذا تفریح مردم تهران پس از کار و تلاش روزانه (یاشبانه) آنطور که باید اجرا نمیشود .

ازآنجائیکه سطح فرهنگ وسواد و آداب و رسوم وطرز تفکر و زندگی ونوع پیشه و کار مردم تهران فوق‌العاده متنوع است تفریحات آنان نیز تنوع دارد و اتفاق میافتد که انواع مختلف این تفریحات کمترین شباهت یا وجه اشتراکی با یکدیگر ندارند .

تنها وسیله تفریحی که تقریبا بدون استثناء مورد استفاده تمام طبقات و گروههای مختلف مردم تهران واقع میشود سینماست. از روستائی وکارگر جنوب شهر تا تاجر بازار و زنان چادری ودانش آموز ودانشجو ،طبقه تحصیل کرده، ثروتمند و فقیر کوچك وبزرگ وخلاصه تمام طبقات مردم تهران از سینما استقبال میکنند اصولا تهرانی سینما را دوست دارد و برفتن آن معتاد شده است .

اگرچه نوع فیلمها و حتی نوع سینماها برای هر دسته از مردم تهران تفکیك میشون و هریك از طبقات بدیدن نوع خاصی از فیلم و سینماهای مخصوصی رغبت نشان میدهند ولی بطورکلی همه آنها از سینما بعنوان یك وسیله تفریحی اساسی استفاده میکنند وسیله‌ای که چیز دیگری جایش را نمیگیرد. از سینماکه بگذریم یکمرتبه وجه اشتراك تفریح طبقات مختلف تهرانی از یکدیگر جدا و متمایز میگردد و باز اگر در جائی تماس بگیرد و عمومیت پیدا کند در گردشهای روزهای جمعه و تعطیل به حوالی و اطراف تهران است.

نواحی حومه و اطراف شهر که تهرانی‌ها در روزهای تعطیل برای گردش و باصطلاح پیك‌نیك ازآن استفاده میکنند در درجه اول از نظر هجوم مردم و تمرکز جمعیت شمیرانات و مخصوصا تجریش و سرپل آنست ، اکنون سالهاست که مردم تهران به رفتن تجریش در روزهای تعطیل عادت کرده‌اند و این سرپل رفتن که بنظر بسیاری کاری خالی از تفریح است برای تهرانی و مشتاقان تجریش بیشتر جنبه هواخوری دارد ، خانواده‌ای که تمام روزهای هفته را به‌کار و فعالیت گذرانده روز جمعه رابا رفتن به این‌ناحیه نسبتاخوش‌هواکه فاصله کوتاهی تا خانه‌اش دارد استراحت میکند و اگر بتوانند غذای خود و خانواده خویش را نیز در همانجا صرف میکند ازاین نظر است‌که در روزهای تعطیل تقریبا از هر صنف و طبقه‌ای از مردم تهران از خانواده‌های طبقه دوم وسوم تا اعیان در شمیران دیده میشوند و چنانکه ذکر شد علت عمده این جنجال و هجوم‌مردم نزدیکی این ناحیه بتهران ووجود وسائل رفت وبرگشت است ، بجز طبقات مختلف و متنوعی که روزهای تعطیل مخصوصا در فصول بهار تابستان و پائیز به شمیران هجوم میبرند عده زیادی نیز روزهای جمعه برای تفریح خواه در تابستان وخواه در زمستان و سایر فصول به شهر ری و حضرت عبدالعظیم روی میاورند . افراد این گروه طبقه خاصی را تشکیل میدهند که غالبشان تجار بازار و خانواده‌های روحانی و مردم متدین و مقید تهران میباشند ، این افراد بقول خودشان دراین گردش جمعه‌دوکار انجام میدهند یکی زیارت شاه عبدالعظیم ودیگری گردش و یا دیدن یار است .

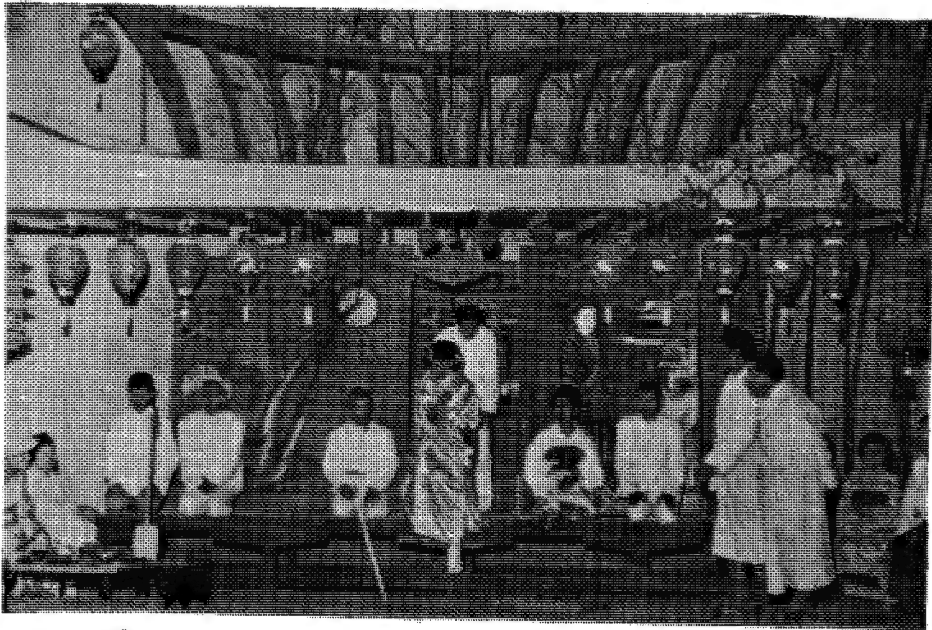
بجز این دوگروه که در ایام‌تعطیل ویا غیر تعطیل برای تفریح به شمیران و ری روی میاورند عده دیگری نیز که غالبا دارای وسیله میباشند از تهران ملال‌آور دورتر میروند و به ییلاقاتی مانند کرج و آبعلی و حتی در کناره‌های رودخانه کرج در راه تهران ـ شمال روی میآورند ، درعین حال ازآنجاکه تفریح مردم تهران عمومیت ندارد و هماهنگی بین زندگی طبقات مختلف نیست عده دیگری در روزهای تعطیل درهمان شهر خود میمانند و تفریح‌خویش را با پیاده روی بسوی پارکها و میادین شهر برگزار میکنند ، مهمترین این پارکها پارك سنگلج یا پارك شهر است ،که ازنظرتفریح وگردش مردم حتی در روزهای غیر تعطیل نیز نقش بسیار مهم و عمده‌ای را بازی میکند و تجمع دائمی زن و مرد و کودك درپارك شهر نشان میدهد که پایتخت ما تا چه‌اندازه نیازمند مراکزی نظیراین پارك میباشد که در تفریح و رفع خستگی مردم فوق‌العاده اثردارد.

پارك‌شهر که در جای سابق‌محله سنگلج تاسیس گردیده در سال ۱۳۳۹ توسط اعلیحضرت شاهنشاه افتتاح گردید . این پارك که بزرگترین و بهترین پارك پایتخت بشمار میرود ۲۶ هکتار مساحت دارد ، درون‌آن یك دریاچه‌کوچك ـ یك استخرشنا یك‌گلخانه زیبا ـ یك زمین ورزش ـ و بالاخره یك کتابخانه قرار دارد که هریك بنوبه خود میتواند باعث سرگرمی و استراحت مردم واقع شود ، خیابانهای پردرخت ، حوضچه‌های فواره‌دار منظره جالبی به پارك میدهد مخصوصا هنگامی کمشبها چراغهای رنگین فواره‌ها را روشن کنند ولی افسوس که ورود به‌این‌پارك مصفا هنگام شب ممنوع است .

بجز پارك مرکزی شهر ،یکی دوپارك کوچك دیگر نیز ازجمله پارك خیام (مشرق تهران محل‌سابق رسومات) و پارك ولیعهد (ناحیه نجف‌آباد) برای استفاده و تفریح

مردم احداث گردیده و بناباظهار مقامات شهرداری درنظر است پارکهای دیگری نیز در نواحی و محله‌هـای مختلف تهران تاسیس نمایند .

گذشته از سینما و گردش‌درنقاط و نواحی اطراف تهران و استفاده از مراکز ییلاقی‌که جنبه عمومیت دارد سایر وسائل تفریحی مـردم تهران به رشته‌های گوناگون و مخصوصی‌منتهی میگردد ، تفریحات شبانه مردم گذشته از سینما به‌تئاتر و باشگـاه و قهوه‌خانه اختصاص پیدا میکند ، آنطورکه سینمامورد توجه و استقبال مردم تهران قرار گرفته تئاتر و تماشاخانه موردنظر نیست ، تعداد تهرانیانی که شبها برای تفریح به تئاتر و تماشاخانه



تئاترهم برای عده‌ای از مردم‌نوعی سرگرمی است .

زورخانه های تهران از مراکزیست که خارجیان به تماشای آن رغبت نشان میدهند

روی میاورند بسیار ناچیز استو اصولا قابل‌مقایسه‌باتعداد طرفداران سینما نیست ، بطورکلی شهربزرگ تهران بجز یك یا دو تئاتر مناسب وقابل‌توجه که آنهم فصلی است و بعلت‌کمی مشتری ناگزیر چندین‌ماه از سال را تعطیل میکند تئاتری ندارد .

تماشاخانه‌های درجه دوم و سوم برای طبقه مخصوصی از مردم‌وجود داردکه غالبا پیس‌های کمدی را برروی صحنه میاورند و رضـایت مشتریان محدود خودرا فراهـم میکنند .

بجز تئاترها و تماشاخانه‌های اشاره شده ، در شهرماگروههای نمایشی خاصی هم هستند که شایـد درهیچیك از شهرهای جهان وجود نداشته باشند ، این گروههـای نمایشی که به موسسات و بنگاههای شادی معروف هستند بسیارمحقرند و تمام هنرمندان و وسائل‌کارشان دریکی دو باب مغازه جا میگیرد، هنگامی‌که در نواحی جنوب شهر خانواده‌های قدیمی مجلس عروسی یا جشنی برپا میکنند ازاین‌گروهها دعوت میشود آنگاه دسته هنرمندان باوسائل کار خود بمحل میایند و درهمانجا سن نمایش را تـرتیب داده نمـایش خودرا که همیشه

کمدی است بمعرض اجرا میگذارند! چون در سالهای گذشته محل صحنه نمایش این هنرمندان برروی حوض منازل برپا میشده گروههای شادی راهنرمندان روحوضی! نیزمیگویند باافزایش این سینماها وباشگاههای تفریحی اکنون چند سالی است که کار گروههای شادی رونق سابق را ندارد و روز بروز تعداد آنهاکمتر میشود.

بجز تئاتر وسینما اکنون چند سالی است که مردم تهران علاقه خودرا به تفریح در باشگاه‌های شبانه نیز نشان داده‌اند ، این باشگاه‌ها انواع و اقسام دارند ، ساده‌ترین آنها باشگاه‌های تفریحات مفید است که مشتریان آن بیشتر به‌بازیهای ورزشی و دیدن دوستان و نوشیدن چای و قهوه میپردازند و البته این باشگاهها بغیر از باشگاههای ورزشی است ، باشگاه های ورزشی که مطلقا برای ورزش و انجام برنامه‌های تربیت بدنی است شامل ورزشهای جدید و قدیم میشود در باشگاههای ورزشی جدید ورزشهای فرنگی انجام و تعلیم داده میشود ولی در باشگاههای ورزشی قدیم ورزشهای باستانی که بیشتر کشتی و شنا و غیره است انجام میشود ، این باشگاهها همان زورخانه‌های قدیمی است که نامش تغییر کرده و بیشتر مورد توجه طبقات پیشه‌ور – اصناف – کارگر وخلاصه ساکنین نواحی جنوب شهر است، معروفترین این باشگاهها باشگاه ورزشی جعفری است که در ضلع شمالی پارك شهر قرار گرفته و ازنظر زیبائی بنا ودقت درسازمان آن مورد توجه و بازدید خارجیان قرار میگیرد و معمولا هراروپائی یا امریکائی که بتهران میآید برای مشاهده آداب و رسوم ورزشهای باستانی ایران یکبارهم شده ازآن دیدن میکند .

بجز باشگاههای تفریحات سودمند و باشگاههای ورزشی که‌هم شب و هم روز مورد استفاده مردم قرار میگیرند ، کاباره‌ودانسینگ و میخانه و قمارخانه نیز به‌تعداد زیادی در تهران تاسیس شده که فقط شبها مورد استفاده مردم قرار میگیرند ، مشتریان این‌باشگاههای شبانه نسبت به جمعیت دومیلیونی تهران معدودند و میتوان گفت اینگونه کلوبها بیشتر مورداستفاده ثروتمندان و گروه خاص متجدد یا فرنگی‌مآب است، افزایش اینگونه باشگاهها ازچند سال پیش آغاز شده و روزبروز هم‌زیادتر میشوند، تفریحاتی که دراینگونه باشگاهها اجرا میشود چنانکه از نام آنها پیداست شامل رقص و نوشیدن مشروب ، سرگرمیهای قمار و احیانا تماشای نمایشات کوچك خاص است .

تفریح خاص دیگری که عده زیادی از مردم تهران پابند آنند هجوم به کافه‌رستورانها و مشروب فروشی‌هاست ، ایندسته از مردم که تعدادشان درتهران کم نیست‌تنها تفریح خودرا پس از پایان کار به گذراندن در کافه‌ها و نوشیدن نوشابه‌های الکلی اختصاص‌داده‌اند ، نوشیدن نوشابه‌های الکلی که متاسفانه میزانش سال بسال‌درتهران ترقی میکند از کافه رستورانهای درجه دو وسه شروع میشود و به دکه‌های کوچك و کثیف که به پیاله‌فروشی میپردازند پایان میپذیرد . چنانکه اشاره شد تعداد این دسته از مردم اندك نیست و این مسئله را میتوان‌بادرنظر گرفتن تعداد نوشابه فروش‌های‌شهر که رقم عمده‌ای را تشکیل‌میدهند بدست آورد .

درحال‌حاضر تعداد بسیار زیادی مشروب‌فروشی‌همچنین‌کافه‌رستوران وکافه قنادی وکاباره ودانسینگ‌ـ باشگاههای گوناگون و تعدادکمی باشگاه ورزشی در شهر تهران‌وجود دارد .

يك‌نوع تفریح شبانه دیگری‌هم درتهران وجود دارد که جزءهیچ يك از باشگاههای شبانه اشاره‌شده در بالا قرار نمیگیرد ، این‌تفریح شبانه رفتن به قهوه‌خانه‌هاست .

زمانی بود که در تهران رفتن‌به قهوه‌خانه تقریبا یگانه تفریح مردم (مردها) محسوب میشد، باگسترش تهران و تغییر وضع زندگی‌وسائل تفریح جدید دراین شهر ایجادشد ورفته‌رفته قهوه‌خانه را تحت‌الشعاع قرار داد ، طبیعی است قهوه‌خانه امروزی نیز با قهوه‌خانه سابق تفاوت زیادی دارد ولی درهرحال هنوز هم برای عده‌ای از مردم‌باز قهوه‌خانه تقریبا یگانه وسیله‌تفریح بشمار میآید . افراد علاقمند به قهوه‌خانه (که از قهوه درآن‌خبری نیست) طبقه خاصی را تشکیل میدهند که بیشتر شامل خانواده‌های قدیمی متدین ـ کسبه ـ پیشه‌وران‌ـ کارگران میباشند و میتوان گفت که این گروه بیشتر درنواحی‌جنوبی مرکزی – شرقی وغربی تهران مسکن دارند .

کسانیکه شبها به قهوه‌خانه میروند معمولا با نوشیدن چای و صحبت با دوستان و شنیدن نقل و داستان خستگی روزانه را رفع مینمایند ، هنوزهم قهوه‌خانه‌هائی که درآن نقالها و دراویش‌به‌سبك قدیم قصه و روایت و داستانهای تاریخی نقل میکنند در تهران فراوانند و بیشتر در نواحی جنوب شهر قرار گرفته‌اند، قهوه‌خانه‌هائی هم هستند که وسائل قمار به سبك قدیم مانند طاس – تخته‌نرد – قاپ وغیره برای مشتریان خود فراهم میسازند .

تا چندین سال پیش که هنوز کشیدن تریاك ممنوع نشده بود بسیاری از قهوه‌خانه‌های تهران کانونی برای اشاعه تریاك بود و مشتریان قهوه‌خانه تریاك خود را نیز در آنجا میکشیدند



منظره‌ای از پارك شهر تهران

لباس و آرایش

لباس و آرایش مردم تهران نیز مانند بسیاری از مظاهر زندگی این شهر نامتجانس و خالی از هماهنگی است . همانطور که روزنامه‌نگاران وجهانگردان‌خارجی (بعد از مسافرت بتهران) گفته‌اند درحال‌حاضر دراین شهرعجیب‌ترین آرایش و نحوه پوشیدن لباس را میتوان ملاحظه‌کرد .

آخرین مد پاریس را درکنار قدیمیترین جامه‌های روستائی‌شرقی و زیباترین آرایشها را در برابر چادر و عمامه و جامه‌های‌روستائی و لباسهای قدیمی میتوان دید .

در تهران امروزی طبقه محدود و بخصوصی از مردم ، خواه مرد و خواه زن در لباس پوشیدن و آرایش سر و وضع خود فوق‌العاده مقیدند بطوریکه دقت آنها شاید بدرجه وسواس برسدبسیاری‌اززنان و مردان این گروه شیک‌پوش باصطلاح دچار غرب زدگی شدید شده‌اند .

بانوانشان از آرایش مو و ناخن و چهره و چشم و دست و پا گرفته تا پوشیدن لباسهای‌متناسب با فصل و زمان از آخرین مدهای پاریس و نیویورك تقلید میکنند، مردان این دسته نیز در مسئله آراستن لباس وهیکل و قیافه خود، از سلمانی موی سر تا انتخاب فرم و رنگ کفش و جوراب‌دقیقا از هنرپیشگان سینما تقلید میکنند.

با درنظرگرفتن جمعیت زیاد تهران ، طبیعی است تعداد این گروه ناچیز خواهد بود ولی بطور کلی میتوان گفت از زمانی که‌شهر گسترش واقعی خود را آغاز کردو مظاهر گوناگون زندگی غربی را در تمام شئون جانشین وضع سابق ساخت قسمت عمده مردم از نقطه نظر آرایش و پوشیدن لباس دچار غرب‌زدگی شدند ، این قسمت عمده مردم یعنی نصف بیشتر جمعیت که سعی در تقلید از لباس پوشیدن و آرایش غربیهانمودند بمیزان‌زیادی در کار خود موفق نشدند بدینمعنی بسیاری از آنها فقط در آرایش ظاهری لباس وچهره خودکوشیدند و نتوانستند لباس پوشیدن بشیوه غربی را بطور کامل تقلید کنند شاید معنی این تقلید را درك نکردند و شاید هم که بیقیدی آنها را از زحمت بیشتر برحذر داشت و نتیجه همان شد که داستان و کنایه‌های ژیگولوها و مموش‌ها بمیان آمد و در مطبوعات مورد بحث قرار گرفت و مورد تفریح و توجه تمام طبقات حتی همان غرب زده‌ها واقع‌شد .

ژیگولو یا مموش تهرانی که سالها پیش بعرصه تهران پاگذاشت و هنوز هم وجود دارد جوانی است که فی‌المثل با پارچه‌های ارزان کت و شلواری مطابق‌آخرین مد بر تن میکند و آرایش موی سر خود را مانند هنرپیشگان‌سینما تنظیم مینماید و کراوات وپوشت برنگهای عجیب و زننده انتخاب میکند ولی پیراهن و زیرپوش و جورابش‌که از نظر ناپیداست پاره و وصله‌دار وکثیف است! حرکات، اطوار وی تصنعی و مانند قهرمانان خیالی سینماست ولی از دانش و اطلاعات اروپا بی‌بهره است. هنگام صحبت کلمات‌نامانوس فرانسه و انگلیسی بکار میبرد درحالیکه معنای‌صحیح‌وتلفظ‌آنهارا نمیدانند !

بهمین ترتیب ژیگولت یا دختر خانمی از این گروه هم تا آخرین حد سعی میکند آرایش سر و صورت و چشم و ابرو و دست و پا و لباس و کفش و جوراب خود را بظاهر مطابق آخرین مد اروپا وامریکا وتقلیدی از ستارگان سینما درآورد ، و در رفتار و گفتار و حرکات خود نیز شیوه‌ای پیش گیرد که‌جلب توجه دیگرانرا کند و همه اورا رقیب و شبیه ستارگان و مانکنهای غربی بدانند ولی این ژیگولت‌که مطلقا ظاهر را آراسته است از آداب معاشرت و مثلا طرز غذا خوردن بشیوه غربی کاملا بی‌اطلاع است و وضع داخل منزلش که احیانا در جنوب شهر هم قرار گرفته‌عینا از زندگی بیست سال پیش پیروی مینماید .

اگرچه آمار دقیقی در این زمینه تهیه نشده است ولی بتقریب میتوان گفت که اندکی بیش از نصف مردم تهران یعنی درحدود ۶۰ درصد ، در طرز آرایش و پوشیدن لباس از اسلوب اروپائی یعنی غربی پیروی میکنند ، این گروه از جمعیت تهران که شامل کارمندان دولت ــ محصلین ــ بازرگانان ــ ثروتمندان‌ومتمکنین‌ــ طبقات تحصیل‌کرده ازقبیل پزشك و مهندس و حقوقدان و استاد و غیره با خانواده‌هایشان میشود در پوشیدن لباس از کت و شلوار و کراوات استفاده مینمایند وآرایش سروصورت خود را نیز مطابق با همان لباس درمیاورند ، بانوان این طبقه نیز از مدهای غربی اروپائی و امریکائی پیروی‌میکنند و لباسهایشان که یا توسط‌خودشان و یا وسیله سالنهای دوزندگی و مد تهیه میشود تقلیدی کم و بیش کامل از لباسهای بانوان کشورهای غربی است که مطابق فصل و مد روز و وقت معینی از شبانروز انتخاب میشود ودراینجا باید تذکر داد که گاه این تقلید بحد افراط میرسد و مثلا لباسی‌که ماه یاهفته گذشته درخیابانهای پاریس پوشیده شده و بعنوان مد انتخاب‌گردیده پس‌از گذشتن این مدت کوتاه به تهران میرسد و برتن آنندسته از بانوان در خیابانها ومحافل و مجالس‌تهران دیده میشود .

باید درنظر داشت‌که این پیروی مد در تهران و تقلید از آرایش و لباس غربی خواه برای مردان و خواه برای زنان درتمام نقاط و نواحی تهران به یك‌نسبت نیست و همین مسئله است که موضوع عدم تجانس آرایش ولباس مردم تهران را تشکیل داده است، بطورکلی درخیابانها و نواحی شمالی و غربی شهر شدت پیروی مد بآخرین حد خود میرسد و بتدریج که از آن نواحی متوجه مرکز و جنوب و شرق شهر بشویم میزان آن کاهش مییابد و آن‌دقت وقیدی که مردم نواحی اولیه در تقلید و پیروی از مد و آرایش نشان میدادند دیده نمیشود ، اگر چه لباس و آرایش بشیوه غربی است ولی آراستگی لازم را ندارد و از طرف دیگر بتدریج شرقی میشودوبه‌مدهای قدیمی برمیگردد، از نواحی مرکزی شهر که بطرف جنوب سرازیر شویم (خواه نواحی غربی و خواه شرقی) لباسهای قدیمی که درحقیقت از هیچ سبك وشیوه‌معینی‌پیروی نمیکنند اکثریت پیدا مینماید و لباس و آرایش غربی را تحت‌الشعاع قرارمیدهد، این پیروزی شیوه شرقی برغربی همینطور شدت مییابد تا زمانیکه به‌نواحی بازار و جنوب آن‌برسیم، دراینجا شیوه و سبك لباس‌پوشیدن شرقی که‌غالبا‌آمیخته بسبك‌روستائی و پاره‌ای اوقات ابتکاری‌وباصطلاح من‌درآوردی است مطلقا جانشین شیوه و سیستم غربی میشود بقسمی که درنواحی و خیابانهای‌پرجمعیت شمال شهر کمتر زن‌و یا مردی که لباسهای مردم جنوب شهر را برتن دارند و متعلق به دوره‌ای درحدود پنجاه سال پیش‌از این میشود مشاهده میگردد .

نیمه کمتر جمعیت تهران‌که در طرز لباس پوشیدن و آرایش از شیوه و سبك غربی پیروی نمیکنند شامل خانواده‌های‌اصناف‌ــ تجار قدیمی بازار ــ پیشه‌وران‌ــ کارگران ــ و آنندسته از خرده مالکین و یا خانواده‌هائی هستند که از شهرستانها به تهران‌آمده‌اند و غالبا در محلات و نواحی‌جنوبی و شرقی تهران مسکن‌دارند.

لباس و آرایش این دسته از مردم تهران درحقیقت از هیچ سبك و اسلوب معینی پیروی نمینماید ، نمیتوان گفت‌لباس این دسته از مردم شرقی است زیراغالبا همان کت و شلوار غربی را با ابتکاراتی از قبیل شال کمر و پیراهن بی‌یقه و کراوات آمیخته میکنند و بوضعی درمیاورند که باب سلیقه و مطابق آسایش آنان باشد .

اتفاق میافتد که پیراهن تابستانی رنگارنگ غربی را بر تن شخصی میبینیم که از شلوارگشاد روستائیان‌استفاده میکند وباپوشیدن یك جفت‌گیوه دهاتی عینك آفتابی ویلسن هم برچشم میگذارد !

توجه به لباس و آرایش‌طبقه میداندارها‌که در تهران به جاهل معروفند نیز برای یکنفر خارجی خالی از تفریح نیست ، مثلا مرد هیکل‌داری بادست‌های خال‌کوبید، کت خوش‌دوختی برتن کرده و در زیر أشعه سوزان آفتاب کلاه‌مخملی بر سر گذارده درحالیکه بجای شلوار از پیژامه استفاده کرده است !

بطور کلی باید در نظر داشت که در نواحی جنوبی مسئله لباس برای ساکنین تهران قیدی است که غالب آنها خود را از فشار آن آزاد ساخته‌اند و بهنگام کار یا تفریح کوچکترین توجهی بآن ابراز نمیدارند ، شلوار پیژامه در این نواحی نقش مهمی بازی میکند و بسیار دیده میشود که کودکان و جوانان و سالخوردگان برای خرید و انجام کارهای کوچك با پیژامه از خانه خارج میشوند و یا آنکه با زیر پیراهن و پیژامه دراطراف منزل خود بگشت میپردازند !

لباس بانوان این گروه از مردم تهران به بی‌نظمی و تنوع لباس مردانشان نیست زیرا هر چه برتن کرده باشند بوسیله چادری پوشیده میشود ! چادر درخیابانها و نواحی جنوبی شهر اساسی ترین قسمت لباس زنان را تشکیل‌میدهد چادر مشکی یا چادر نماز هنگام انجام کارهای روزانه ــ خرید ــ خانه‌داری ــ رفت و آمد درشهر و تقریبا تمام مدت روز قامت این گروه را میپوشاند و طبیعی است با این استتار آسان در زیر چادر از هرکهنه و ژنده‌ای میتوان‌بعنوان

لباس استفاده نمود .

بانوان بیچادر این نواحی ناگزیرند اندکی به وضع لباس و آرایش خود توجه کنند ، لباس این دسته با دوختهای مختلف و گاه عجیب و غریب وغالبا بامدهای قدیمی تنظیم میشود ، آرایش‌چهره آنها نیز غالبا ساده صورت‌میگیرد.

بطور کلی برا ی‌یکنفـــر خارجی که برای نخستین بار به تهران میآید از نظر آرایش ولباس مردم ، شهر درنظرش‌مانند یك‌موزه مردم شناسی جلوه‌گر میشود ! زیرا لباس و آرایش آخرین مد غربی را درکنار جامه و قیافه روستائیان قرون وسطی و چادر و عمامه وعبا وپیژامه و حتی آرخالق و سرداری و شلیته مشاهده میکند که هریك از آنها متعلق به دوره و مکـان خاصی میباشند.

بانوان شیك‌پوش در حال رانندگی اتومبیل آخرین سیستم‌از کنار دهاتی الاغ‌سوار با بار پیاز یا تخمه هندوانه عبور میکنند . مرد شیك‌پوشی‌که لباس فراك‌برتن دارد درمیان افرادی‌که با صورت اصلاح‌نشده یك پیراهن و شلوار کاوبوی برتن کرده و گیوه بپا دارند گردش میکند ، افرادی‌که در آفتاب نیمروز لباس شب برتن دارند یا کسانیکه کلاه حصیری یا چوب‌پنبه‌ای برسر گذاشته‌اند دریك خیابان و یك موقع دیده میشوند آنوقت هنگام شب در گردشگاه ها همانهائی که در روز لباس شب برتن داشتند با پیراهن یقه‌باز مد قدیمی قدم میزنند !

آرایش سر مردان ازموی بلند دراویش شروع میشود و به سرهای تراشیده سبك یول‌براینر و موهای کوتاه الن‌دلون ختم میگردد .

بهمین ترتیب ریش بلند روحانیون مراحل‌مختلفی طی میکند وبصورت های نیمه تراشیده یا چند روز تراشیده و بالاخره آنها که در روز دوبار تراشیده میشوند وگرم میخورند درمیآید !

صورت‌تراشی شاید چندسالی است‌که کم و بیش مورد توجه‌قرار گرفته و رعایت میشود ولی این موضوع نیز آنطور که در شمال و نواحی‌مرکزی شهر مورد دقت است در نواحی جنوبی و شرقی انجام نمیشود از نواحی مرکزی کـه بطرف پائین سرازیر شویم صورت مردان تهرانی وضعی‌دارد که نه میتوان بآن نام ریش داد ونه‌آنکه رعایت‌صورت تراشی ، بلکه اینها چهره‌هائی هستند که چندین روز تراشیدن‌مویشان دیرشده‌است بهمین ترتیب مسئله نظافت سروصورت از شمال بجنوب تهران عینا مانند شیب خیابانهای آن قوس نزولی میپیماید !

سالنهای مد و زیبائی

باهمه تفاصیل اشاره شده در بالا بازار سالنهای مد و زیبائی‌که مخصوص بانوان است در شهر دو میلیونی تهران رواج و رونـق بسزائی داردبهمین‌ترتیب دوزندگی های مردانه که همان خیاطی‌های سابق باشد از نظر درآمد وضع مناسبی دارند مخصوصا آن دسته از دوزندگی‌هائی که بهر ترتیب شده دکه کوچك یا بزرگی در نواحی شمالی شهرباز‌کرده‌اند.

سالنهای مد ویژه بانوان که آخرین مد لباس را به بانوان‌عرضه میدارند مخصوص طبقه ویژه‌اعیان یا اعیان نماها هستند که با بهای بسیار گزاف رضایت مشتریان خود را فراهم میکنند شریك و همکار این سالنها ، سالنهای زیبائی هستند که با عرضه داشتن لوازم آرایش ظاهرا متعلق به ستارگان سینما ، از قبیل انواع کرم، روژ ، ریمل و غیره همان دسته از مشتریان را بسوی‌خویش میکشند و چون آنقدر ها هم در نحوه کارشان کنترلی نیست حتی غیر از لوازم آرایش با وسائلی مانند ماساژ و سـایر روشهای‌طبی کوشش میکنند بانوان ثروتمند را زیباتر سازند وطبیعی است نرخ اینگونه امور بسیارگزاف است و فقط از عهده آن طبقه خاص برمیآید .

سالنهای آرایش که فقط سر و صورت بانوان را توالت میکنند گذشته از آخرین مد مصنوعی ابتکاری مشتری پسند نیز عرضه میدارند و از آنجا که مسئلـه صلاحیت در کار نیست روز بروز تعداد اینگونه سالنها زیادترمیشود، درتمام کشورهای غربی و بیشتر کشورهای شرقی برای تاسیـس سالن آرایش یا دوزندگی‌صلاحیت فرد شرط اصلی است ، اگر خیاط یا آرایشگر مدرسه مخصوص را ندیده باشد باید در حضـــور مقامات رسمی امتحان بدهد تا باو اجازه بازکردن سالن مورد نظر را بدهند ولی چون در شهر ما چنین مسئله‌ای مرسوم نیست هرآدم زرنگی که ذاتاً روانشناس باشد و بتواند مشتری راجلب‌کند ساده‌ترین و مناسب‌ترین راه برای پولدارشدن را آرایشگری یا خیاطی میداند و همان را انتخاب میکند و شگفت آنکه موفق هم میشود و ظرف‌مدت کوتاهی آنقدر بازارش گرم‌میشود که از پذیرفتن مشتری تازه عذر میخواهد !

کسانیکه چند صباحی نزد یك استاد خیاط یا آرایشگر کـار کرده‌اند با تهیه مقداری سرمایه و بکار انداختن زرنگی شخصـا مغازه‌ای باز میکنند و خود استاد میشوند وبنوبه خود استادان‌دیگری تربیت میکنند ! و نتیجه این دور و تسلسل همین لباس و آرایش مردم تهران میشود .

با همه اینها در حال حاضر در شهر تهران سالنهای آرایش و مد و همچنین دوزندگیهای ممتاز درجه یك وجود دارد که استادان ایرانی و خارجی بهترین لباس و آرایش را برای کسانیکه استطاعت آنرا دارند فراهم میسازنـد ، صرفنظر از گرانی دستمزدمشتریان مخصوص این دسته از سالنهاراضی ازآنجا بازمیگردند ، این سالنهای محدود که آرایش و لباس واقعی مد روز را میتوانند تنظیم کنند تعـدادشان نسبت بدوزندگیها و آرایشگاههای درجه دو و سه بسیار ناچیز است و بی‌شك لباس‌وآرایش اکثر مردم تهران درهمان مراکز نوع دوم تهیه میشود .

آقای صمد نامور - رئیس هیئت مدیره سندیکا

سندیکای کارخانه های برق ملی ایران

عضو اطاق صنایع و معادن ایران - عضو اطاق بازرگانی بین المللی

در حدود یکسال است این سندیکا با عضویت مدیران و صاحبان کارخانه های برق ملی تهران و شهرستانها تشکیل گردیده است با وجود اینکه مدت نسبتاً کوتاهی است که از تشکیل آن میگذرد توانسته است خدمات زیادی به صاحبان کارخانه های برق ملی در تهران و شهرستانها بنماید تا جائیکه هم اکنون بیش از یکصد کارخانه برق در تمام ایران عضویت این سندیکا را قبول نموده اند :

کارخانجات برق : اصفهان - تبریز - مشهد - کرمانشاه - همدان - رشت - قزوین - مراغه - اردبیل - دامغان - بم - خرم آباد - زنجان - رودبار - قم - اسفراین - گنبد کاوس - لار - شیراز - درقان - تربت حیدریه - بهشهر - مسجد سلیمان - قصر شیرین - بجنورد - هفتگل - بهبهان - کازرون - سیرجان - شوشتر - اندیمشک - آمل - کاشمر - گرند - سنندج - رودهن - ابهر - گناباد - ایلام - قائن - جهرم - شهسوار - اراک - بروجرد - ده بید - لنگرود - دزفول - میانه - کرمان - علی آباد - ماهان - تفرش - فومن - بابلسر - بیجار - نطنز - گرگان - و همچنین کلیه کارخانجات برق خصوصی تهران و حومه عضو سندیکای کارخانجات برق ملی ایران میباشند بنابراین میتوان گفت که این سندیکا از نظر اهمیت بزرگترین سندیکای کارفرمائی ایران است .

آقای صمد نامور عضو اطاق صنایع و معادن ایران رئیس هیئت مدیره سندیکا ، آقای مرتضی رحیم زاده خوئی مدیر عامل شرکت توانیر میباشند .

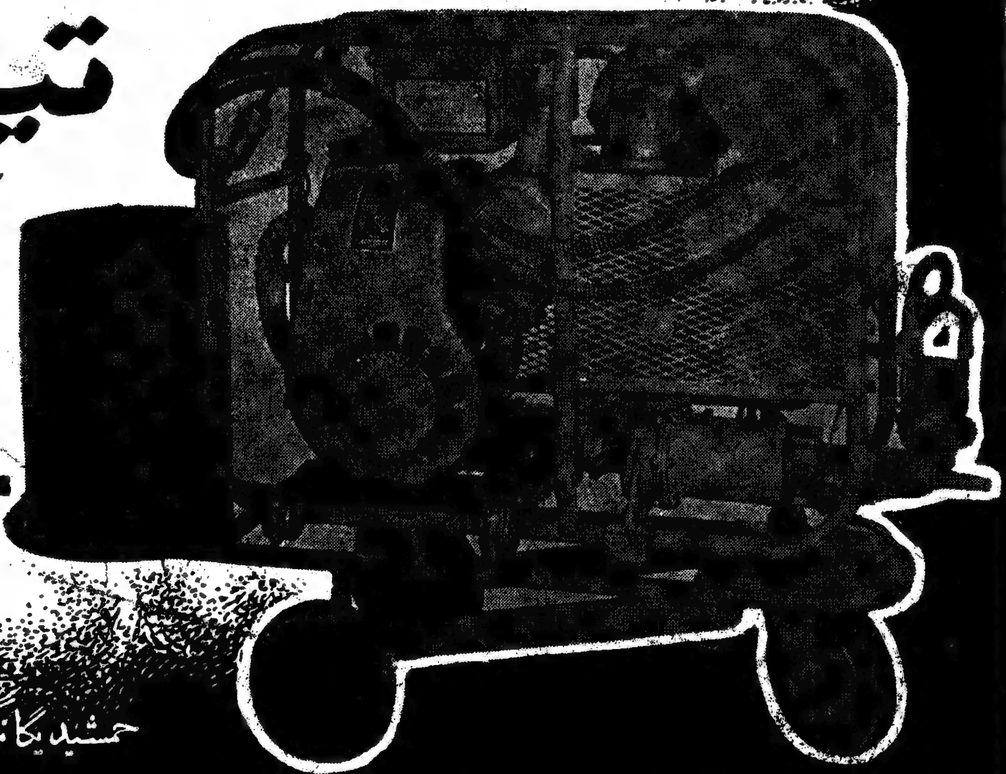
اسامی اعضاء هیئت مدیره و بازرسان و اعضاء علی البدل سندیکا بشرح زیر میباشد :

مرتضی رحیم زاده خوئی برق اصفهان - حسین یوسفی همدان - ارباب رستم گیو تبریز - جواد داود زاده رشت - دکتر علی خوئی آذربایجان - حسن بایت اراک - محمود عالمی دامغان - حاجی حافظی بروجرد - حسین خداداد تهران - حسن طباطبائی تهران - رضا شهدوست قلهک - ابوالحسن چاپچیان تهران نو - مهندس خاتم شمیران - خسرو جبرانی شمیران - مهندس کمالی تهران - مهین گل تهران - محمود قمشه ای تهران - نادرزاد تهران - فرید جهانگشا شمیران - فرخ محسن زاده تهران - حسین باقرزاده تهران .

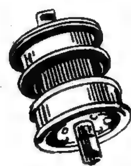


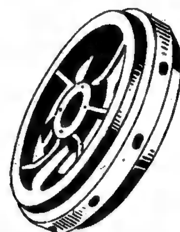
آقای مرتضی رحیم زاده خوئی - رئیس هیئت مدیره سندیکای برق ملی ایران

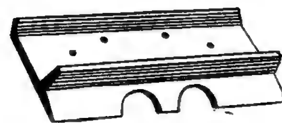
سندیکای کارخانجات برق ملی ایران عضو اطاق صنایع و معادن ایران و همچنین عضو اطاق بازرگانی بین المللی است ، هم اکنون این سندیکا با سازمان برق کشور که مسئول تنظیم و اداره برق در تمام ایران است همکاری مینماید .


برای مبارزه با آفات نباتی سم را نباید پاشید چون فوری بزمین می نشیند
« تیفا » ماشین اختراعی جدیدی است که
سم را بصورت مه می پراکند و حشرات از میان
این قشر غلیظ مه سمی حتی یک در میلیون جان بدر نمیبرند
TIFA
نماینده انحصاری
جمشید یگانگی و شرکاء - خیابان سعدی - تهران تلفن ۳۶۰۱۹ تلگرافی جمی

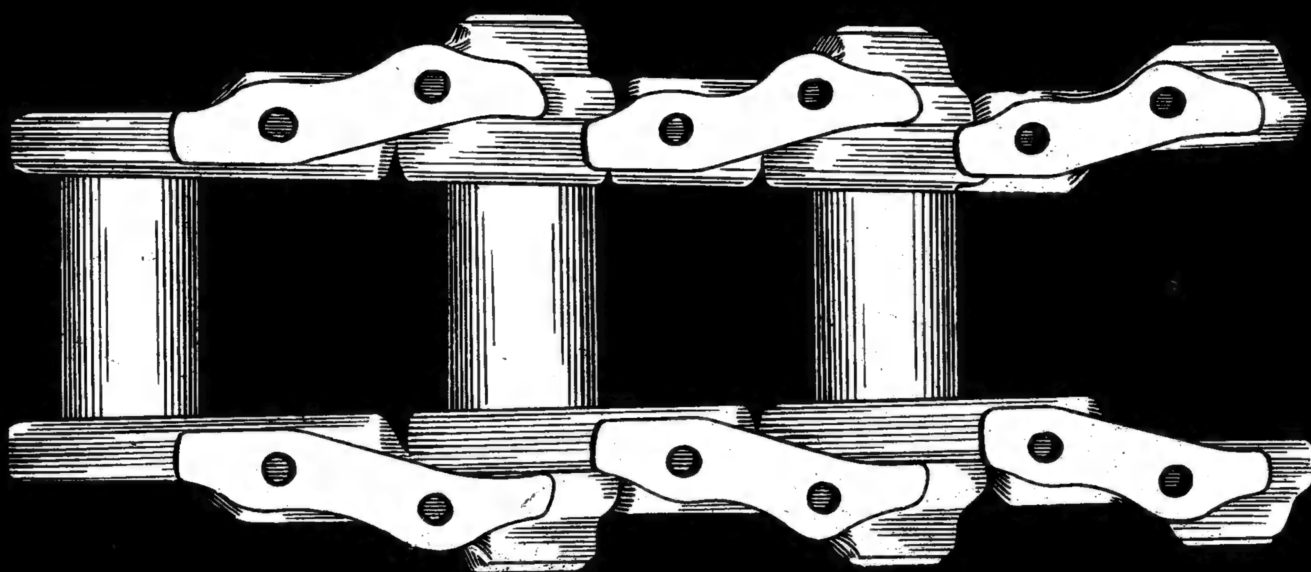
کنسرسیوم یدکی سهند شت







لوازم یدکی ماشین آلات سنگین ، انواع تیغه های گریدر و بولدوزر
زنجیر کامل بولدزر رولر یک لبه و دو لبه ، اسپراکت ، هزرگرد
(ایدلر) و لوازم داخلی آنها برای هر نوع تراکتور زنجیری



کنسرسیوم یدکی سهند شت - خیابان شاهرضا - شماره ۲۷۳ تلفن ۶۴۴۳۲ ۶۶۳۳۲ - انبار ۲۶۷۱۳

آاگ

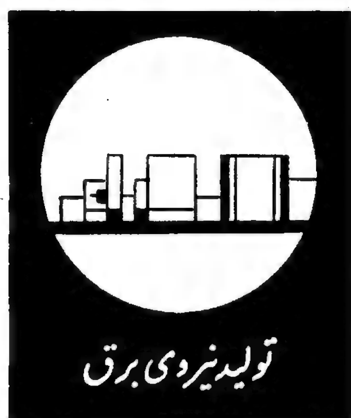
انواع ماشین آلات و لوازم و ابزار برقی

(مشاورین فنی - سازنده - توزیع کننده - مراقبت و سرویس)















آ. اِ. گ یعنی نیروی برق

شرکت سهامی آ. اِگ ایران

تهران - چهارراه کالج - ساختمان آ. اِ. گ

تلفن های ۷ - ۶۰۳۱۴





لوازم برقی مارک

پرستولایت

برای کلیه اتومبیلهای آمریکائی

نماینده انحصاری اتوتهران شرکت سهامی خیابان امیرکبیر تلفن ۳۰۵۱۱۷-۳۰۵۱۱۸

آغاز فعالیتهای عمرانی و فلاحتی در آذربایجان

اجرای طرحهای وسیع وارزنده سازمان آب وبرق آذربایجان نخستین وموثرترین گام برای توسعه کشاورزی دراین استان میباشد .

سازمان آب و برق آذربایجان طی هشت ماه فعالیت خود اقدامات مؤثری درجهت انجام پروژه‌های عمرانی آغاز نموده است

این سازمان چهارمین دستگاه عمران ناحیه‌ای درایران بشمار میرود

سازمان آب وبرق آذربایجان چهارمین سازمان عمرانناحیه است که باستناداختیارات تفویض شده بدولت تأسیس یافته . هدف این سازمان بطور کلی ودریك جمله «استفاده صحیح ازآب بمنظور تولید نیرو وبسط کشاورزی» است .

ازتاریخ تشکیل سازمان آب وبرق آذربایجان بیش ازهشت ماه نمیگذرد ودر طول این مدت که هرسازمان جدیدالتأسیس قاعدتاً سرگرم تهیه محل وتشکیل وتنظیم امور اداری است این سازمان با انجام آن وظایف در تهران و تبریز قدم‌های

ارزنده‌ای نیز درراه اجرای وظایف اصلی خود برداشته که اهم آنها بشرح زیر است.

۱ـ مذاکره با نمایندگان شوروی وعقد پنج قرارداد با آنها . توضیح اینکه دراجرای موافقت‌نامه مورخه پنجم مرداد ماه ۱۳۴۲ منعقده‌بین دولت‌شاهنشاهی‌ایران واتحاد جماهیرشوروی مذاکراتی بمنظور اجرای پنج طرح بین سازمانهای دولتین ایران وشوروی انجام‌ومنجر بعقد ۵قرارداد برای اجرای پنج طرح گردید این طرحها عبارتند از:

الف ـ ساختمان‌دو سد بـرروی رودخانه ارس واستفاده مشترك ومساوی توسط دولتین ایران وشوروی ازآب وبرق این رودخانه .

ب ـ ساختمان ۱۱ سیلو درنقاط مختلفه ایران .

ج ـ لاروبی مرداب بندرپهلوی

دـساختمان کارگاه‌تکثیرمصنوعی ماهی درسفید رود .

هـ ـ بررسی کرانه جنوبی‌بحرخزر بمنظورتهیه پیشنهادهائی جهت تکثیرانواع ماهی فلس‌دار برای صیدتجارتی .

ازطرحهای‌فوق اجرای‌طرح‌ارس (ردیف الف بالا) بعهده سازمان آب وبرق آذربایجان‌است ولی‌درمورد طرح‌ساختمان سیلوها (ردیف ب بالا) دستگاه اجرائـی اداره‌کل غله است وبرای سه طرح دیگر (ردیف ج ـ د ـ هـ ـ بالا) دستگاه اجرائی شرکت سهامی شیلات ایران است النهایـه سرپرستی این چهارطرح نیزازطرف‌سازمان برنامه بمدیرعامل این سازمان واگذارشده است .

این قراردادها درتاریخ۲ر۱۰ر۴۲ بامضاء رسید سرمای کم سابقه‌زمستان گذشته اجرای کلیه این‌طرحهارا مختصری بتأخیر انداخت ولی هم‌اکنون پنج طرح فـوق در دست اجرا است ودر تاریخی که توافق شده‌است بانجام خواهد رسید .

۲ ـ بعهده گرفتن طرح مغـان علی‌الاصول هدف طرح مغان عمران دشت مغان واسکان عشایرشاهسون درآن اراضی بمنظوربهره‌برداری صحیح اززمین وآب بوده مجری این طرح تا اسفند ۴۲ بنگاه سابق عمران دشت مغان وسرپرستی آن با سازمان برنامـه بوده تا آن تاریخ علاوه برکانال‌کشی و راهسازی و دهسازی های ارزنده‌ای‌بالغ‌برپانزده‌هزارهکتارازاراضی مغان توسط بنگاه مذکور بصورت اراضی کشاورزی درآمده وبرای کشت بین عده‌ای ازافراد عشایر شاهسون تقسیم گردیده‌است. مشکل مغان ومانع توسعه عمران آن نبودن

آب بمیزان کافی درفصل تابستان است برای حل فوری ولی موقتی این مشکل مقدمات مذاکره با نمایندگان مسئول شوروی جهت تثبیت بستر ورودخانه ارس درمحل آبگیر کانالها در جریان است وعلی‌الاصول با اجرای طرح ارس وتخصیص آبی درحدود صدمتر مکعب در آتیه بایران این مانع بنحوی کامل برطرف خواهد شد.

ازواگذاری این طرح بسازمان آب وبرق آذربایجان کمی بیش از دوماه میگذرد ودرطول این مدت ضمن آنکه مساعی سازمان صرف تجدیدنظر درتشکیلات وبسیج دستگاه برای انجام خدمت بهتر ومفیدتر بوده درراه اصلی خودنیز قدمهای مؤثری برداشته .

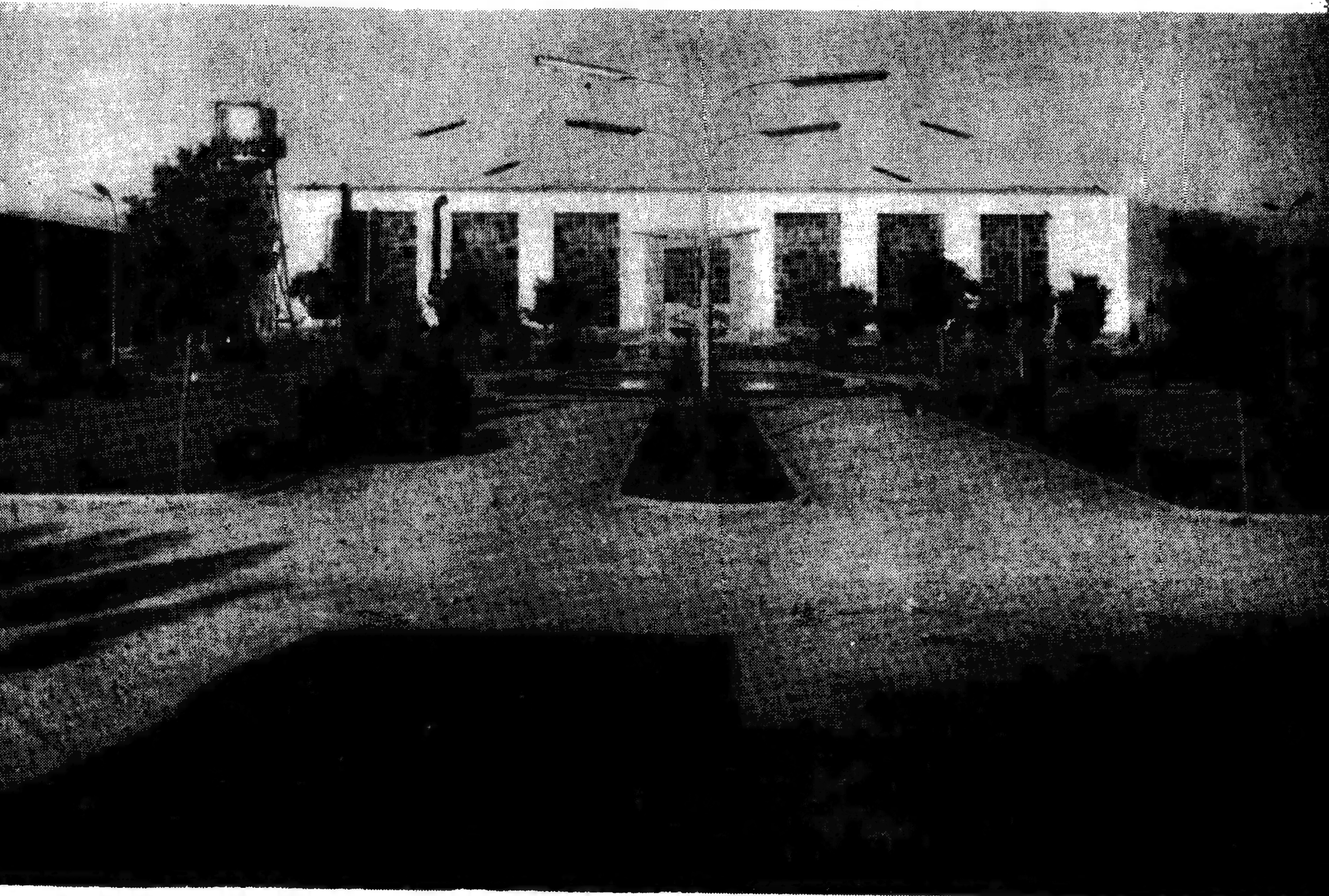
طرح مغان که درسال گذشته دچار یك رکود نامناسبی شده بود با سرعت پیشروی خودرا شروع کرده وبرنامه کار سازمان این است که درسال جاری علاوه براقدامات معینه برای این سال امور معوقه سال گذشته را نیز انجام دهد .

۳ـ بعهده گرفتن طرح زرینه‌رود.
ساختن سدی برروی رودخانه زرینه رود وآبیاری اراضی مستعد آذربایجان ازمدتها پیش مورد توجه ونظر مقامات دولتی بوده وبنگاه مستقل آبیاری وسازمان برنامه در این راه قدمهای مقدماتی لازم را برداشته‌اند اجرای این طرح نیز بعهده سازمان آب وبرق آذربایجان محول شد وقرارداد آن بامهندس مشاور که توسط سازمان برنامه تنظیم گردیده بود بامضاء رسید وکار آن شروع شد .

مطالعات مقدماتی توسط مهندس مشاور شروع شده است وموافقت لازم برای شروع کار نقشه برداری با سازمان نقشه برداری کشور شده وهم اکنون مامورین آن سازمان درمحل مشغول کار میباشند .

علی‌الاصول ارزیابی کارهای عمرانی ازنظر عموم با حقیقت امر یکی نیست فی‌المثال ساختن سدی محتاج به دوسه ویا حتی چهارسال مطالعه است درصورتی که عمل ساختمانی آن ممکن است کمتر ازیکسال طول بکشد ولی بدیهی است تا آن مقدمات سه چهارساله انجام نگیرد نوبت کار ساختمانی نخواهد رسید اما اکثریت مردم دوره مفید کارهمان یکسال ساختمان را میدانند . سازمان آب وبرق آذربایجان که یك سازمان عمران ناحیه‌ای است برنامه خودرا بصورتی تنظیم کرده است که کمی پس ازپایان دوره برنامه سوم نتیجه ریشه‌دار اقدامات خودرا دریکی از نقاط مستعد وپرنعمت این کشور به مردم ایران عرضه خواهد داشت .

کوششی ثمربخش در راه عمران جنوب شرقی پایتخت



نمای خارجی کارخانه برق ادیسون که برق قسمت عمده‌ای از نواحی جنوب شرقی تهران را تامین مینماید

مراکز برق اختصاصی در آبادانی مناطق نوبنیاد حومه تهران نقش اساسی را داشته‌اند

فعالیت شرکت برق ادیسون در تامین برق نواحی جنوب شرقی تهران

باکشف برق واختراعات پی در پی و دامنه‌داری‌که برای استفاده بیشتر ازاین نیروی پرارزش‌وفوق‌العاده بوقوع پیوست بالمره‌اهمیت برق تا آنجا افزایش یافت که‌امروزه بصورت یکی از نیازمندیهای اولیه اجتماعات درآمده و حتی میتوان گفت که اگر برای لحظه‌کوتاهی نیز این انرژی ازدسترس بشر خارج گردد نه تنها رکود وتوقفی درزندگی اجتماعی بوجود میآید بلکه حیات فردی نیز دستخوش اختلال می‌گردد.

این واقعیت را با یك‌بررسی سطحی روی آماری‌که از ایجاد مراکز بزرگ تولیدکننده برق در جهان منتشر میشود میتوان بخوبی درك نمود و دریافت که این‌نیروی شگرف تا چه حد درحیات اجتماعی بشر امروزه موثر ودخیل میباشد.

درکشور ما وبخصوص‌پایتخت دومیلیون نفری آن تا چند سال پیش کمتر توجهی باین مساله میشد تا آنجاکه حتی باکثرت تقاضا و افزایش وتراکم جمعیت درتهران این شهربزرگ با مساله کمبود برق‌مواجه



یکی ازمراکزپست فشارقوی شرکت برق ادیسون . این شرکت دارای پانزده پست فشارقوی میباشد



نمائی از قسمت مرکزی کارخانه ادیسون با تعدادی از مولد های آن ، این مولدها که تعداد آن به هشت موتور بزرگ میرسد قادربتولید ۴۰۰۰ کیلووات برق میباشد

گردید و این امر سبب شد که تامین برق پاره‌ای ازنواحی اطـراف تهران بشرکتهای خصوصی برق محـول گردد .

طی قریب به ۱۵ سال‌که از سابقه فعالیت این شرکتهادرپایتخت میگذرد مراکزبرق اختصاصی گذشته ازاینکه درآبادانی مناطق‌نوبنیادحومه تهران نقش اساسی را داشتـه‌اند با ایجاد تسهیلات فوق‌العاده‌ای برای بیش از ۱۰۰ هزارخانوار ساکنین تهران توانسته‌اند رضایت مشترکین را بخوبی جلب نمایند .

بعنوان نمونه باید شرکت برق ادیسون راکه برق مورد نیاز قسمت عمده‌ای از نواحی جنوب شرقـی تهران را تامین مینماید نام برد. این شرکت‌که بادارا بودن ۸ موتـوربرق بطور متوسط قادر بتولید ۴۰۰۰ کیلووات برق میباشد در طـول‌مدت فعالیت خویش با هدفی که‌برمبنای اداره منظم و توزیع مداوم وکافی انرژی برق انتخاب نموده توانستـه است بخوبی ازعهده انجام تعهدات خویش درقبال مشترکین‌خودبرآمده واین وظیفه را بنحو احسن بانجام برساندتاجائیکه‌بااتخاذچنین‌خط‌مشی ثابت ومشخص درطول مدتی نسبتا طولانی که از فعالیت این شرکـت میگذرد هیچیك ازمشترکین بـرق ادیسون کوچکترین نارضایتی ازاین شرکت نداشته‌اند .

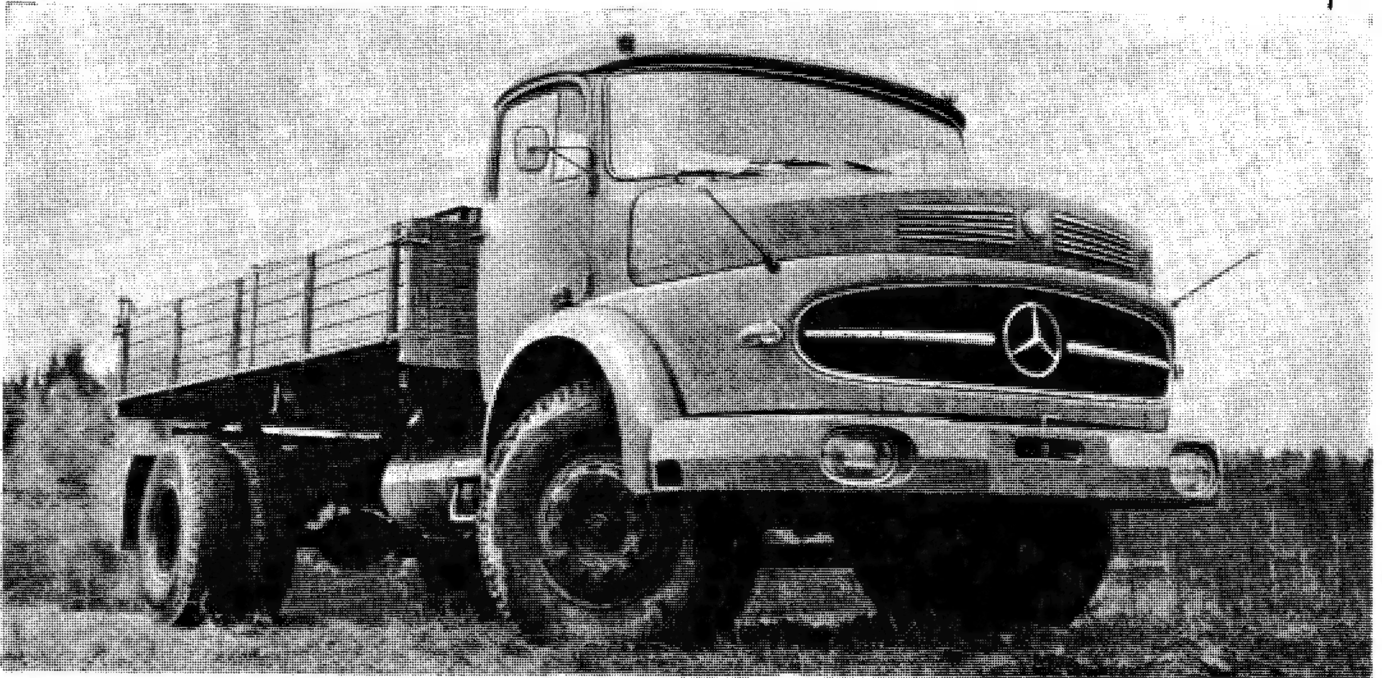
یکی از علل اساسی که امرتوزیع برق را دراین‌کارخانه بطور مداوم‌و لاینقطع موجب‌گردیده وازوقفه‌های احتمالی آن جلوگیری نموده است ترتیب خاصی است‌که درکابل کشی آن رعایت شده بدین‌معنی‌که۱۵ پست فشارقوی که مربوط باین‌کارخانـه میباشد از زیر زمین پاراللل وبیکدیگر مرتبط گردیده وباین ترتیب چنانچه تصادفا یك‌کابل نیزقطع‌گردد مشترك هیچگاه بدون برق‌نمیمانندزیرا هریك ازپستهـای مزبـور توسط رشته جداگانه‌ای به‌پست دیگر متصل‌می‌باشد .

کارکنان ومتخصصین کارخانه برق ادیسون با فعالیت شبانه روزی خود بخوبی ازعهده انجام وظایف سنگینی‌که بعهده آنهاست برآمده‌و چرخش مداوم این دستگـاه تولید انرژی رادرطول چندین سال‌کوشش ثمربخش خود موجب‌گردیده‌اند .

با ارز ش‌واهمیتی‌که شرکتهای برق اختصاصی درآبادانی پایتخت کشور داشته‌اند باید اذعان داشت‌که روشن ساختن وتثبیت وضع ایـن شرکتها راه منحصر بفردی است که کارخانجات برق اختصاصی را در انجام برنامه‌های صحیح ومنطبق با اصول اقتصادی‌کشور بیش از پیش موفق میدارد .



نتایج تجربیات ۸۰ ساله درراه تکامل صنعت اتومبیل سازی مرسدس‌بنز وآخرین‌مصنوعات این کارخانه معروف وجهانی



بموازات پیشرفت وتکامل محصولات صنعتی‌که بهبود روزافزون آن‌جهت بهره‌برداری بهتر وبیشتری مشهود است. کارخانجات اتومبیل سازی ازعالیترین وسائل وامکانات برای‌استحکام ومرغوبیت سیستم‌های سالیانه خود استفاده کرده‌اندکارخانه مرسدس‌بنزکه شهرتی‌جهانی‌دارد وبخصوص درایران اتومبیل های‌آن بانواع‌مختلف سواری ــ شکاری ــ کامیون ــ اتوبوس سالهاست مورد استقبال بی‌نظیر هم‌میهنان قرارگرفته با عرضه اتومبیلهای جدید خودبی رقیبی‌وبی‌نظیری مرسدس‌بنز را باثبات رسانده است.

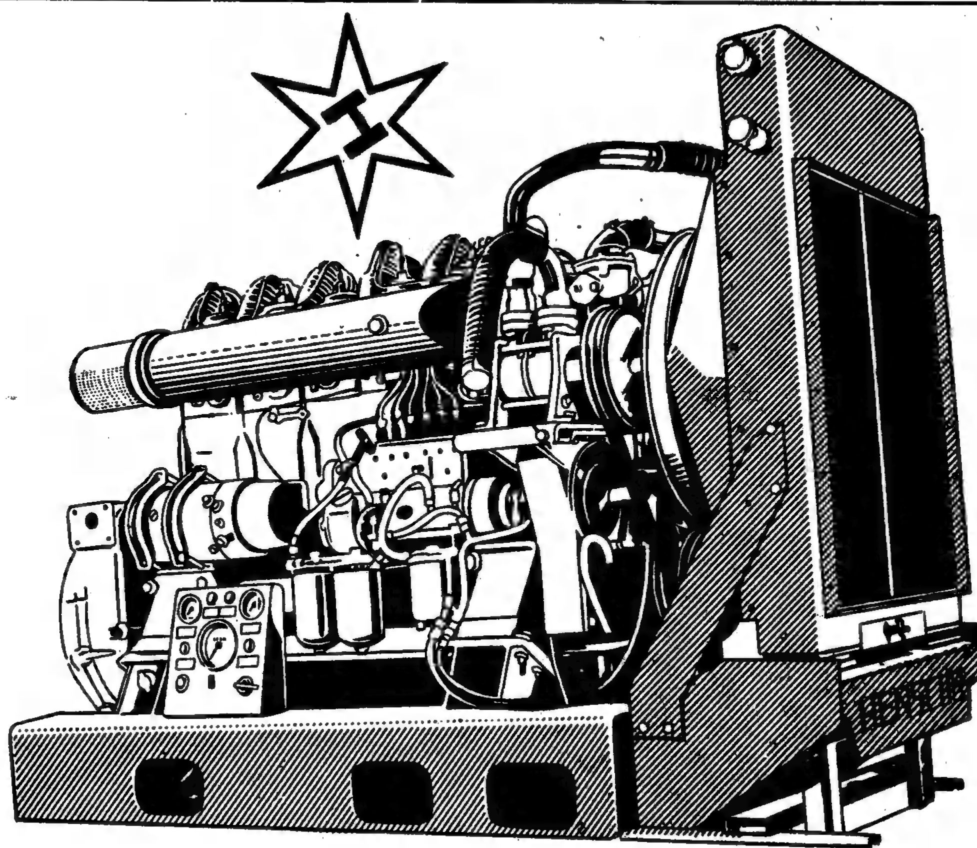
کارخانه مونتاژ خاور

کارخانه مونتاژ شرکت خاور درتهران که درسال ۱۳۳۸ تاسیس شده تاکنون فعالیتهای مثبتی درراه تکمیل‌مبانی‌صنعتی‌کشورکرده است. کامیونهای ۵ تن و۱۰کمپرسی وغیرکمپرسی مرسدس‌بنزکه درایران‌مونتاژمیشودمستحکم‌ترین وسائل حمل ونقل شناخته شده است ودربدترین جاده‌ها بهترین وکاملترین نوع‌کامیونهای‌باری‌بوده است.

اخیرا وانت مدل L . 319 دیزلی وبنزینی درتهران بوسیله شرکت‌خاور مونتاژ وعرضه شده است شرکت خاور مدلهای تازه‌ای برای مونتاژ ازنوع تناژکم وتناژ زیاد سفارش داده‌که تا چند ماه دیگر دراختیارگذاشته خواهد شد بخصوص سفارش‌کامیونهائی‌که درتمام اروپا برای حمل‌و نقل‌کم وزن محبوبیت ومعروفیت پیداکرده با تناژهای مختلف را میتوانیم باطلاع هم میهنان برسانیم.

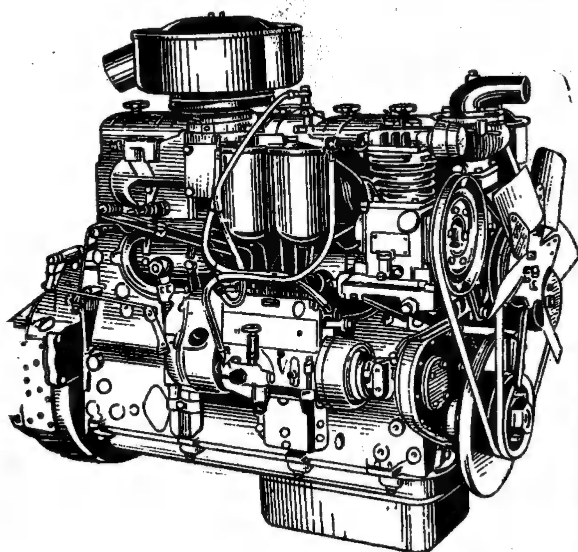
کاروان صنایع ومرسدس بنز

در کاروان ۲۵ اسفند ۱۳۴۲ رستاخیز ملی صنایع ایران مدل های ده تن کمپرسی LK . 332 وپنج تن‌کمپرسی LK - 312 مدل‌قدیم وپنج‌تن‌کمپرسی LAK . 32 که‌بمعرض نمایش گذاشته شد چه ازلحاظ استحکام وچه ازنقطه نظرتهیه وسائل فنی پیش‌بینی شده اطمینان‌بخش مورد استقبال وتائید قرارگرفت.



انواع
موتور
دیزل
هنشل

برای امور کشاورزی
و
صنعتی



انواع موتور دیزل هنشل

جهت کامیون واتوبوس

انواع دیگ‌بخار

هنشل

تمام اتوماتیک

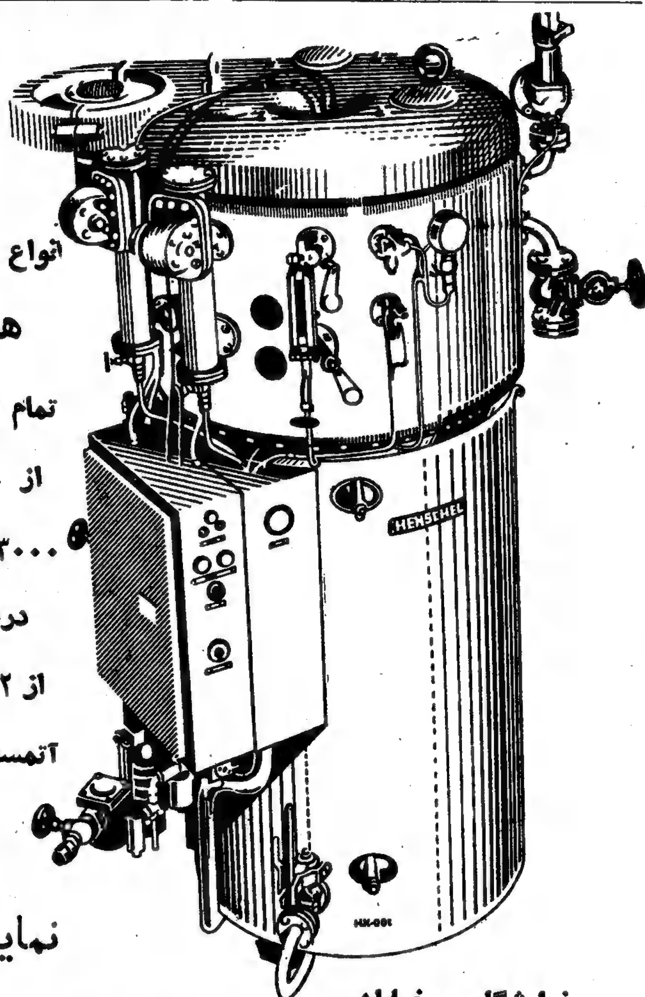
از ۲۰۰ الی

۳۰۰۰کیلوبخار

درساعت

از ۲ الی ۲۵

آتمسفر فشار



نمایندگی انحصاری



نمایشگاه ـ خیابان

اکباتان غربی

تلفن { ۳۲۱۵۸
۵۸۱۹۶۱



دکوراسیون طبیعت زیبا افتخاردارد که برای اولین بارنهضتی درهنر تزئین بوجود آورده و با استفاده اززیبائیهای طبیعت توانست قواعدی راکه منجربه‌قرینه سازی میشود پشت‌سر گذارده وبا ارائه‌نمونه هائی ازساخته‌های خوداحتیاجات تزئین را اعم ازمبلمان وامور مربوط به‌آنرا تامین نموده بطوریکه هر کدام جداگانه شکل مخصوص بخود داشته و مشابه هم نباشند واین خود مؤثرترین روشی است درتزئین که‌شخص با سلیقه‌رااز نگرانی‌داشتن‌تزئینات مشابه مصون میدارد چون امکان بوجود آوردن آن جز با استفاده از پدیده‌های طبیعی ممکن نبوده ودرطبیعت هم‌هیچ‌شکل مشابه وجود ندارد تزئین منازل فوق‌العاده مورد توجه است وهمیشه بهترین‌زیبائیها را با طبیعت مقایسه مینمایند .

دکوراسیون طبیعت زیبا باین‌خواسته طبیعی تحقق بخشیده وامیدوار است‌که در راه توسعه وتکامل آن از هیچ کوششی بازنماند .

خانه وباغ خودرا هرچه بیشترممکن است بازیبائیهای طبیعت‌بیالائیدد کوراسیون طبیعت زیبا این امکان را دراختیار شما خواهدگذاشت باغ شما را بسبك طبیعی تزئین ودر کاشتن درختهای تزئینی وایجاد گلخانه واستخر وآبشار طبیعی وساختن آلاچیق ومبلمان داخل آن بطورطبیعی‌و تنظیم نور وهماهنگی آن با موقعیت محل نظارت وراهنمائی لازمه را خواهد نمود دوست داران وعلاقمندان به دکوراسیون طبیعت زیبا میتوانند روزهای جمعه برای دیدن نمونهٔ ازآثار وکارهای ساخته شده طبیعت زیبا بسوهانك‌شمیران‌تشریف‌بیاورند ودردامن طبیعت با طبیعت زیبا آشناشوند و با تلفن ٤٤٠٠٦ تماس حاصل نمائید .

برای پیشرفت صادرات خشکبار ایران چه باید کرد؟

مصاحبه اختصاصی خبرنگارما با آقای شریف کاشانی مدیر شرکت سهامی خشکبار ایران

در مورد صادرات ایران علل عقب افتادگیها وچاره ودرمان نقاط ضعف آن اشخاص مختلف درزمانهای متفاوت وبنابوضعیات بخصوص روز صحبت‌های فراوان کرده‌اند . اما مثل اینکه متخصصین وآنها که با این امر سروکار دارند کم‌کم باین فکررسیده‌اندکه نطق‌ها ، پیام ها وپروژه‌های فورمولی کــه از صفحات کتابهای اقتصادی اروپــا وآمریکا بعاریت گرفته شده است هیچ یك دارو ودرمان واقعی برای صنعت صادرات کشور مانیست ؛

اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاه‌پیوسته ضمن ابرازخوشبختی‌از پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی کشور تأکید فرموده‌اند کــه نبایستی لحظه‌ای درنگ کرد باید مرتباً نقائص را برطرف کردوراه‌های تازه‌ای‌بسوی پیشرفت وسرعت در رسیدن بآن بکار بست

خشکبار

خشکبار ایران از آن مسائل قابل توجه وپر اهمیتی است‌کــه میتواند بعنوان یك نمونه وسمبل خوب مؤید گفتارما باشد .

امــروزه در جهان بسیاری از محصولات هستند که کم‌کم وضع انحصاری پیدا کرده‌اند بدین‌ترتیب که مثلا همه میدانند بزرگترین و بهترین صادر کننده ساعت درجهان کشور سویس است وفلان محصولات صنعتی خاص فــــلان کشور است بنابراین نه تنها هیچ اشکالی‌ندارد بلکه این امر مورد قبول سایرممالك هم هست که ایران بزرگترین و شاید تنهاصادر کننده بهترین‌خشکبار جهان است بااین ترتیب جای بحث نیست که دولت ومسئولین امر نسبت باین امــر بایستی بیش از بیش توجه داشته باشند .

از قدمهای مؤثری که تاکنون در این زمینه برداشته شده است تأسیس شرکت خشکبار ایران‌است که درسال ۱۳۳۵ بهمت آقــای



آقای حسین شریف کاشانی

حسین شریف کاشانی پی ریزی‌شده است آقای شریف‌کاشانی که‌دارای مطالعات وسوابق ممتدی در رشته اقتصاد خصوصاً صادرات خشکبار دارند پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه در ایران مدت ۲۰ سال نیز در آلمان وبلژیك در امراقتصاد ورشته خشکبار مطالعه نمودند .

درطی این مدت از امرتجارت نیز غافل نبوده واولین تجارتخانه ایرانی را دربلژیك تأسیس نموده است .

نکته‌ای کــه قابل ذکــر است فعالیت‌های شبانه روزی ایشان در بسط وتوسعه امور تجاری بین‌ایران وکشورهــای عضو بازار مشترك میباشد که در اثر آن آقــــای شریف کاشانی توانسته‌اند درشناسائی وبسط وافزایش کالای صـــادراتی ایران بممالك نامبرده توفیق قابل ملاحظه کسب نمایند .

در حال‌حاضرآقای شریف‌کاشانی برای بهبود خشکبار صادراتی‌ایران شرکتی بنام (شرکت سهامی بسته بندی وصادرات خشکبار ایران) در تهران تأسیس نموده است که خود مدیریت آنرا عهده دار میباشد .

تشکیلات بسته بنــدی خشکبار بطریق استاندارد وبازار پسند قبلا توسط ایشان در آذربایجان تأسیس شده‌است که هم اکنون نیز مشغول فعالیت است .

علاوه برتشکیلات تهـــران و آذربایجان نمایندگــی شرکت در قزوین وشاهرود نیز مشغول‌فعالیت است .

اشکالاتیکه درکار خشکبار صادرات است

آقای شریف کاشانی در مورد اشکالات صادرات خشکبار عقیده دارند که چون محصول از ابتداو سرچشمه که باصطلاح پای درخت است بااصول غیر بهداشتی بدست‌ما میرسد لذا طبق تشخیص کارشناسان شرکت ماهشتاد درصد از محصول اولیه بــرای إستاندارد بین‌المللی نامناسب وغیر قابل استفاده است .

بنابراین بایستی زارعین‌وباغداران را از هرلحاظ مجهز نمود تانسبت به ۸۰ درصد بقیه محصول نیزدقت کافی برای جمع آوری وعملکرد مقدماتی آن بعمل آورند تابرای استاندارد بین المللی مناسب باشند نکتــه قابــل ذکــر این است‌کــه متاسفانه از آنجا که درباره اوقات بی‌بند وباری جای آزادی را در تجارت میگیرد عده‌یی‌که شاید از لحاظ شناسائی کامل بوضع تجارت خشکبار ایران نیز چندان صلاحیت نداشته باشند بمنظور استفاده آنی دست بصدور محصولاتی میزنند که نتایج آن ضرر جبران ناپذیری بپرستیژ صادرات ایران واردمیکنند.

این اشخاص بدون داشتن‌تخصص وبــدون توجه برعایت اصــول تعیین شده برای یك بار وبرای نفع آنی خودشان جنس نامرغوب و غیر استاندارد را بخارج صادر میکنند و نتیجتا کشورما بسیاری از بازارهای‌خوب خودراکه‌باکوشش‌و تلاش های سایرین بدست آمده‌است از دست میدهد واین امر شکی نیست که خیانت بصادرات ایران است .

چه باید کرد ؟

آقای شریف کاشانی‌عقیده داشتند تنها عاملیکه شاید بهتر از تشویق و سایر مسائل میتواند در امر صادرات مؤثر و مفید باشد کنترل صحیح‌ودور ازشائبه وغرض‌است‌که حتما بایستی بوسیــله متخصصین فن عمل شود هم چنین نحوهٔ صدور سیاست فروش و تعیین قیمت ها بایستی توسط سندیکای مربوطه وبا نظر اطاق بازرگانی بعمل آید تادر آتیه ای نزدیك محصولات صادراتی و خشکبار ایران در ردیف بهترین و پرفروش ترین محصولات مشابه ممالك دیگر درآید .

نماینده انحصاری در ایران

حسن خالیچی

تهران ـ خیابان سعدی شماره ۶۰۷ تلفنهای ۳۹۸۸۷ و ۳۰۵۵۴۴

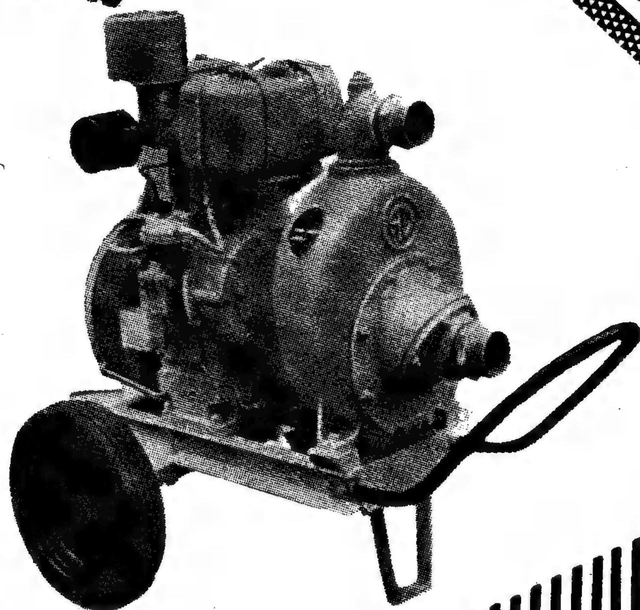
آتش‌خاموش‌کنهای گلوریا ساخت آلمان پودری و گازی

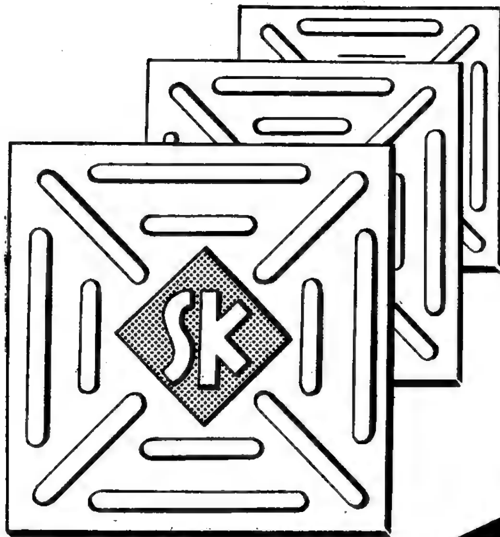


موتور پمپهای کشاورزی اتودیزل ساخت انگلستان از یك اینچ الی شش اینچ نفتی و دیزلی

الکترو موتورهای بالمر ساخت آلمان یك فاز و سه فاز بدورهای مختلف



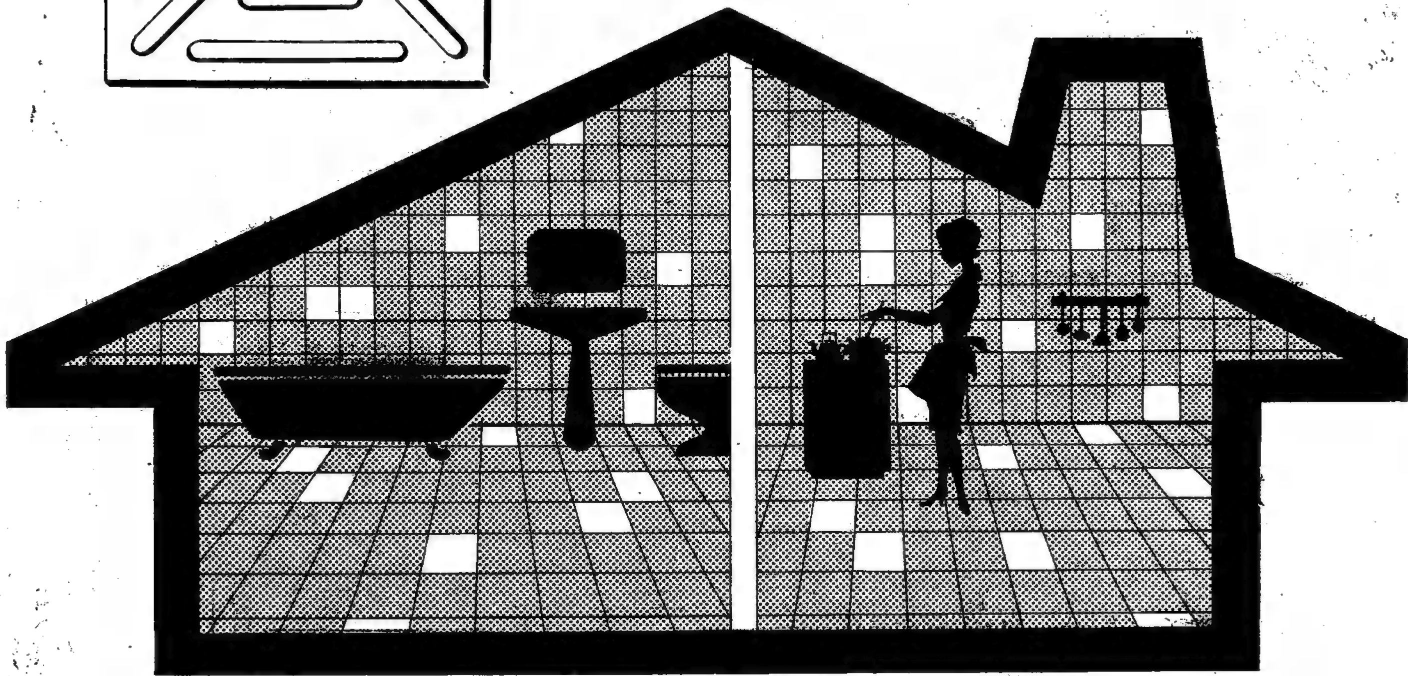




کاشی سرامیک سعدی

نظافت و راحتی

توأم باشفافیت و زیبائی را همراه دارد.



۷ امتیاز برجسته کاشی سرامیک سعدی «اِس-کا»

۱- این کاشیها تا ۱۰٪ از کاشیهای مشابه بزرگتر است

۲- تا شش میلیمتر ضخامت دارد.

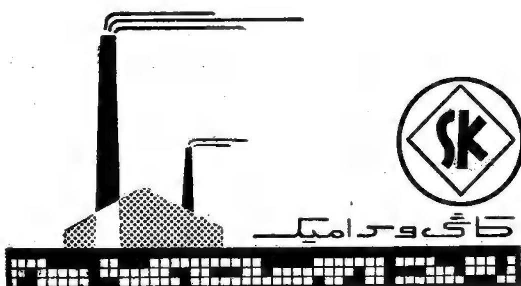
۳- سهل و آسان نصب میشود و از نظر فنی و معماری محکمتر و مطمئن تر است

۴- نوع جنس این کاشی ها از «کائولین» خالص است و لعاب آن ضخیم

۵- درمقابل سرما و حرارت مقاومت فوق العاده دارد و تا ۵ سال تضمین میگردد

۶- انواع کاشی سرامیک سعدی در رنگهای زیبای آبی، سبز، صورتی، زرد تهیه میشود و دارای شفافیت خیره کننده ایست.

۷- قیمت آن بسیار مناسب و شرایط فروش آن سهل و آسان است



کانون آگهی زیبا

مرکز فروش خیابان سعدی مقابل سوم اسفند تلفنهای ۳٤۸۹۹ - ۳۹٤۱۲ - ۳۸۸۷۷ و کلیه فروشگاههای مصالح ساختمانی و کاشی

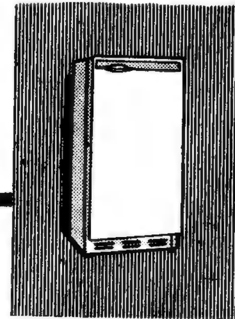
یخچال

ارج

بهترین هدیه

برای یک

زندگی بهتر





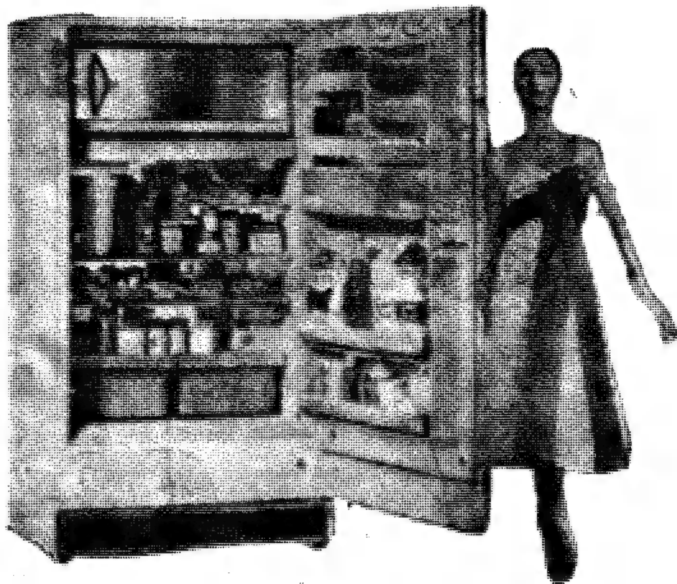


نامی که میشناسید و بآن اطمینان دارید

روابط عمومی ارج

شرکت صنایع پارس و آمریکا

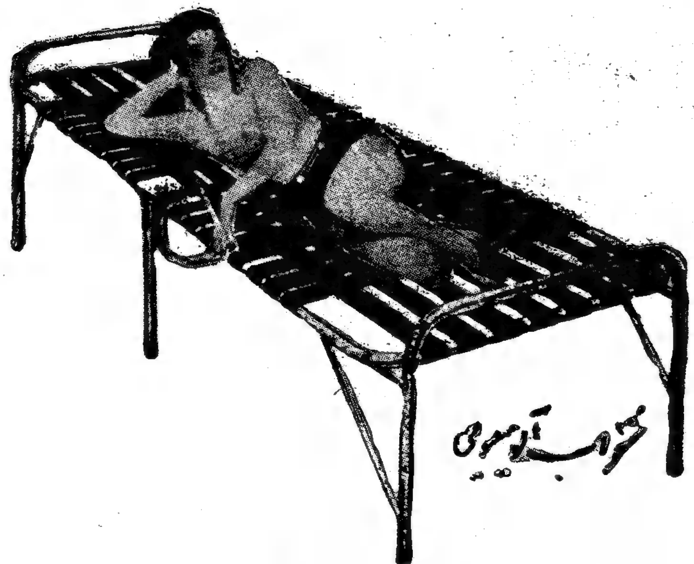
پیشرو صنایع یخچال سازی و آلومینیوم در ایران



یخچال جنرال استیل ایده‌آل هر بانوی خوش سلیقه شیك . بادوام . کم‌مصرف باگنجایش زیاد .
درسه اندازه مختلف

شرکت صنایع پارس وآمریکا باشرکت در کارناوال عظیم‌صنایع‌ملی باارائه مدلهای مختلف‌یخچال جنرال استیل و انواع مصنوعات آلومینیومی که مورد لزوم هر خانواده‌ای که معتقد بآسایش و راحتی و زیبائی است میباشد .

باردیگر ثابت‌کردکه بسوی هدف اصلی خود که تکامل مصنوعات و پائین‌آوردن قیمت میباشد همچنان پیش میرود . درحال‌حاضر بیش از پنجاه هزارخانواده یخچال جنرال استیل مصرف میکنند و رضایت این افراد خود بهترین دلیل بر چگونگی‌کارکرد این یخچالها میباشد .



تختخواب . صندلی . میز تاشو آلومینیومی راحت .
سبك بادوام برای استفاده در داخل منزل و پیك‌نیك

انواع‌پروفیلهای‌آلومینیومی. لوله ــ پروفیلهای صنعتی و دکوراتیو

امروزه اکثر ساختمانهای مدرن از پروفیلهای آلومینیومی ساخت کارخانجات شرکت صنایع پارس آمریکا بصورت در و پنجره و یا دکوراسیون و فاساد استفاده میکنند همچنین پروفیلهای صنعتی ساخت این شرکت در کارخانجات مختلف مورد مصرف است‌تمایز و برتری آلومینیوم نسبت بفلـزات مشابه هر روز آشکارتر میشود ودر موارد عدیده این فلز جانشین‌سایر فلزات شده و مصرف روزافزون آن نشانه حسن‌استقبال مصرف‌کنندگان میباشد .



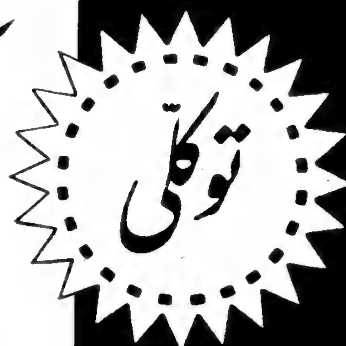




پلکان برقی صرف نظر از زیبائی وتسهیل درکار، عامل مؤثری درجلب مشتری است

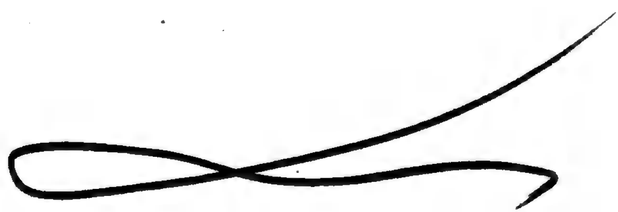
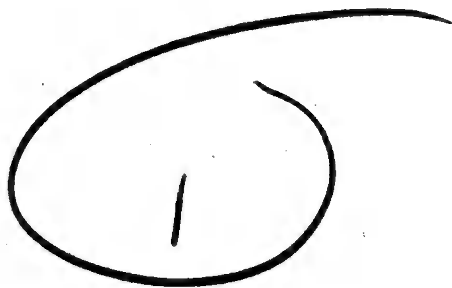
نماینده انحصاری درایران : شرکت اف - ام «فم» - خیابان شمیران نبش شهناز ۴ ساختمان هارلند - تلفن ۷۱۹۴۲

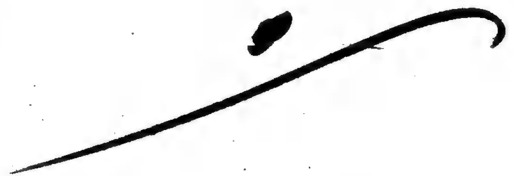
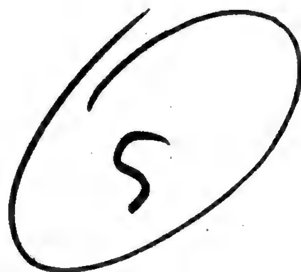
کبریت توکلی





اولین کبریت بی خطر در ایران


سازمان و تشکیلات حکومت ایران

چگونگی حکومت ایران
وزارت آب و برق
وزارت آبادانی و مسکن
وزارت اطلاعات
وزارت پست و تلگراف و تلفن
وزارت دادگستری
هدایت قانونی دادگستری
وزارت کار و امور اجتماعی
هدایت قانون برای کار



سازمان و تشکیلات حکومت ایران

تهیه‌کننده : محمود پورشالچی

الف ـ مقدمه

مردمی که در یك اجتماع زندگی میکنند ، نمیتوانند خود را از یکدیگر بی نیاز بدانند . برای حفظ طبیعی روابط اشخاص وایجاد نظامی در آن ، سازمان و تشکیلاتی متناسب لازمست که بتواند بر روابط مردم نظارت نماید واین ارتباطات را در چهار چوب مقرراتی حراست کند وضمنا احتیاجات ونیازمندیهای آنان را مرتفع سازد هر اجتماع متناسب کادر فعاله خود و بر طبق برنامه ها و فعالیت هائی که خواهد داشت و در حدود دید هیات حاکمه خویش برای رسیدن بهدف خود یعنی تامین آسایش و رفاه افراد کشور سازمان وتشکیلاتی ایجاد خواهد کرد که اداره آن اجتماع را بعهده خواهد گرفت .

هر اندازه افراد یك اجتماعی بوظایف و طرز کار وتشکیل و سازمان واداره حکومت خود آشنا باشند امکان همکاری واشتراك مساعی آنان بیشتر وتوانائی بهره‌مندی ازاین سازمان ها برای آنان فراهم تر خواهد بود. باین مناسبت کشورهای دیگر سازمان وتشکیلات حکومت خود و روابط واحدها بایکدیگر، طرز مراجعه مردم و چگونگی اداره یك سازمان ، حقوق مردم وتوقعاتی که باید از هریك از واحدها داشت و دیگر مسائل مربوط باین کاررا در یك کتاب بنام سازمان و تشکیلات حکومت منتشر کرده‌اند که این راهنما نه تنها بکار مردم خارج از کشور خواهد خورد بلکه افراد را در حقوق وتکالیفی که دارند راهنمائی خواهد نمود .

کتاب سال کیهان باین منظور تصمیم گرفته است سازمان و تشکیلات حکومت ایران را خصوصا دراین عصر که نهضت بزرگ سازندگی آغاز شده است تهیه وتدوین نماید وشرح وظایف هریك از ارکان حکومت را باحدود مسئولیت ها ونمودار سازمانی آن ها جهت آگاهی مردم تهیه ومنتشر سازد .

باین منظور از اواسط سال گذشته باین کار مهم دست زد واز مسئولان وزارتخانه ها و ماموران این کار ، ضمن اعلام هدف و قصد خود، کمك و همکاری خواست تابتواند مجموعه‌ای را که دردست تهیه دارد حتی‌الامکان کم نقص‌تهیه وتدوین کند .

طبیعی‌است بآن سهولت که انتظار میرفت وبشکلی که ماپیش‌بینی کرده بودیم بعضاً بعلت نبودن تشکیلات‌کافی دروزارتخانه‌ها و بعضاً بعلت کم علاقگی متصدیان ، کار صورت نبست و مواد اولیه مورد احتیاج بررسان جهت تنظیم سازمان و تشکیلات ووظایف هروزارتخانه در اختیار ما قرار نگرفت باین علت در سال جاری امکان معرفی وزارتخانه ها چنانکه باید مقدور و میسور نگردید .

باید تصدیق کرد که این کار عظیم بآن صورت که هدف ماست زمان زیاد و آمادگی بیشتر لازم دارد معهذا پایه واساس آن ونمونه‌ای که باید تهیه شود نسبت‌بچند وزارتخانه که باکتاب سال‌کیهان همکاری بیشتری داشته‌اند فراهم شده است که امید میرود ظرف سالهای آینده تعمیم و توسعه یابد .

ب ـ چگونگی معرفی

برای معرفی هریك ازسازمان‌ها نخست تاریخچه مختصری از تشکیل آن سازمان متضمن (هدف از تشکیل ـ تشکیل دهنده اولیه ـ سازمان اولیه) شرح داده میشود بطوریکه خواننده فی‌المثل بداند چه ضرورتی موجب ایجاد آن وزارت شده و چه کسی طرح اولیه ایجاد آن را داده است . سازمان نخستین بچه شکل بوده وباچه نیروی‌انسانی اداره میشده سپس اسامی وزراء مسئول آن‌واحد ازبدو تشکیل تاحال حاضر باذکر اینکه چه مدت عهده‌دار وزارت بوده‌اند ذکر میگردد، تصویر نخستین وزیر و آخرین وزیر نیز درج خواهد شد طبیعی است دراین قسمت مهمترین‌کار و خدمتی‌که هروزیر انجام داده وشایان ذکر باشد یاد خواهد شد .

قسمت سوم مربوط خواهد بود به سازمان و تشکیلات فعلی آن وزارت که بشکل استاندارد طبقه بندی و شرح وظایف درمیآید و نمونه مسئولیت های هر واحد ذکر میگردد و نمودار سازمانی با تشکیلات وتعداد اعضاء (متخصص ـ کارشناس ـ عضو فنی ـ عضو ساده و ...) مشخص میشود .

قسمت چهارم مربوط خواهد بود بطرح‌ها و برنامه هائی که برای آینده آن وزارت در دست تهیه یا اجراست که معلوم باشد در یك یا چند سال آینده چه اقداماتی در جهت پیشرفت بسوی هدف انجام خواهد شد و آخرین قسمت را خدمت کارهای انجام شده (یك یا پنج یا دهسال)تشکیل خواهد داد .

لازم بتذکر نیست که برای تهیه این اطلاعات از آرشیو کیهان و دیگر مآخذ موجود و یا اطلاعات‌اشخاص‌وبایگانی های وزارتخانه‌ها استفاده شده واگر سهویا اشتباهی باشد اهل مطالعه جهت اکمال آن تذکار لازم خواهند داد گواینکه نمونه های تهیه شده یکبار برای بررسی و مطالعه مسئول وزارتخانه ارسال گردیده‌است.

آخرین قسمت هربخش تعلق بروابط مردم با آن سازمان دارد تا معلوم باشد وزارتخانه ویاسازمان موجود چه حاجتی از عامه بر میآورد وچه هنگام وچگونه باید ازآن سازمان اداری استفاده‌کرد ومشکل خود راگشود .

پ ـ حکومت ایران

حکومت کشور ایران سلطنت مشروطه است که بوسیله سه قوه اداره میشود .

۱ ـ قوه مقننه که عبارت از مراکز قانونگزاری یعنی دو مجلس شورای ملی و سناست .

۲ ـ قوه مجریه که عبارت از هیات دولت یعنی یك‌تن‌نخست‌وزیر ووزراء است که ریاست عالیه آن را شاهنشاه دارند .

۳ ـ قوه قضائیه که عبارت از هیاتی است بنام دادگستری که رفتار واعمال مردم را باقوانین ومقررات وضع شده تطبیق‌میدهدواز هر نوع تعدی وتجاوز جلوگیری مینماید .

ت ـ قانون اساسی

ام‌القوانین یعنی قانون اساسی ایران که پایه واساس حکومت کشور ما بر آن بنیاد نهاده‌شده در سال ۱۳۲٤ هجری قمری شرفصدور یافته است ولی برخی ازمواد آن بضرورت (اصول چهارم و پنجم و

ششم وهفتم)بموجب تصمیم مجلس واحد (کنگره) در تاریخ بیست و ششم اردیبهشت ماه ۱۳۲٦ تغییراتی کرده‌است هم چنین است اصل چهل و هشتم که بموجب تصمیم مجلس موسسان مورخ هجدهم اردی بهشت ماه ۱۳۲۸ تغییر شکل داده است .

« آنکه مطابق فرمان معدلت بنیان همایونی مورخ ۱٤ جمادی‌الاخر ۱۳۲٤ ازبرای ترقی و سعادت ملك وملت وتشیید مبانی دولت واجرای قوانین شرح حضرت ختمی مرتبت صلی‌الله علیه وآله امر بتاسیس مجلس شورای ملی فرمودیم و نظربدان اصل اصیل که هریك از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم علـی قدر مراتبهم محق وسهیمند تشخیص وتعیین اعضاء مجلس رابانتخاب ملت محول داشتیم اینك که مجلس شورای ملی بر طبق نیات مقدسه ما افتتاح شده است اصول ومواد نظامنامه اساسی شورای ملی را کـه مشتمل بوظایف و تکالیف مجلس مزبور و حدود و روابط آن نسبت بادارات دولت است از قرار ذیل مقرر میفرمائیم .»

۱ـ درتشکیل مجلس

اصل اول : مجلس شورای ملی بموجب فرمان معدلت بنیان مورخه چهاردهم جمادی‌الاخر ۱۳۲٤ موسس و مقرر است.

اصل دوم : مجلس شورایملی نمایندهٔ قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت‌دارند.

اصل سوم : مجلس شورایملی مرکب است از اعضائی که در تهران وایالات انتخاب میشوند و محل انعقاد آن‌درتهران است.

اصل چهارم : عده نمایندگان مجلس شورایملی برای پایتخت و شهرستانها ۲۰۰ نفر خواهد بود پس از دهسال در صورت ازدیاد جمعیت کشور در هرحوزه انتخابیه طبق آماررسمی به‌نسبت هریکصد هزارنفر یك نفر اضافه خواهد شد .حوزه بندی بموجب قانون‌علیحده بعمل خواهد آمد .

صل پنجم : دورهٔ نمایندگی مجلس شورایملی چهار سال تمام است وشامل دوره نوزدهم نیز میباشد .

قبل از انقضای مدت باید انتخابات طبق قانون تجدید شود ابتدای هردوره از تاریخ تصویب اعتبار نامه بیش از نصف‌نمایندگان خواهد بود . تجدید انتخاب نمایندگان سابق بلامانع است .

اصل ششم :پس از آنکه دو ثلث نمایندگان مجلس شورایملی در پایتخت حاضر شدند مجلس منعقد میشود .

اصل هفتم : مجلس میتواند با هرعده‌ای که در جلسه حاضرباشد مذاکرات را شروع نماید لیکن برای اخذ رای حضور بیش از نصف نمایندگان حاضر در مرکز لازم است و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار در جلسه بهرد یا قبول بموضوع رای بدهند .

اصل هشتم : مدت تعطیل وزمان اشتغال مجلس شورایملی برطبق نظامنامه داخلی مجلس بتشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که‌مطابق جشن افتتاح‌اول مجلس است مفتوح ومشغول کارشود .

اصل نهم : مجلس شورایملی در موقع تعطیل فوق‌العاده منعقد خواهد شد .

اصل دهم : در موقع افتتاح مجلس خطابه‌ای بحضور همایونی عرض‌کرده بجواب خطابه ازطرف قرین الشرف ملوکانه سرافراز و مباهی میشود .

اصل یازدهم : اعضاء مجلس بدوا که داخل مجلس میشوند باید بترتیب ذیل قسم خورده و قسم نامه را امضاء نمایند :

صورت قسم نامه : «ما اشخاصی که در ذیل امضاء کردیم‌خداوند را بشهادت میطلبیم وبه قرآن قسمیاد میکنیم مادام که حقوق مجلس‌و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که‌بما رجوع شده است مهماامکن با کمال راستی و درستی و جدوجهدانجام بدهیم و نسبت باعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق وراستگو باشیم وباساس سلطنت وحقوق ملت خیانت ننمائیم وهیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد و مصالح دولت وملت ایران.»

اصل دوازدهم : بهیچ عنوان و بهیچ دست آویز کسی بدون اطلاع وتصویب مجلس شورایملی حق ندارد متعرض اعضای‌آن بشوداگر احیانا یکی از اعضاء علنا مرتکب جنحه وجنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجرای سیاست در باره او با استحضار مجلس باشد .

اصل سیزدهم : مذاکرات مجلس شورای ملی ازبرای آنکه‌نتیجه آنها بموقع اجراگذارده تواند شد باید علنی باشد. روزنامه نویس‌و تماشاچی مطابق نظامنامه داخلی مجلس حق حضور واستماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند . تمام مذاکرات را روزنامه‌جات میتوانند بطبع برسانند بدون تحریف وتغییر معنی تا عامه‌ناس ازمباحث مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند .هرکس صلاح اندیشی در نظر داشته‌باشد در روزنامه عمومی بر نگارد تاهیچ امری ازامور در پرده و برهیچکس مستور نماند لهذا عموم روزنامه‌جات مادامیکه مندرجات آن‌ها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه راهمچنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را برآن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند واگر کسی درروزنامه‌جات ومطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد وباغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت وافتراء بزند قانونا مورداستنطاق و محاکمه و مجازات خواهدشد .

اصل‌چهاردهم: مجلس شورایملی بموجب‌نظامنامه علیحده موسوم بنظامنامه داخلی امور شخصی خود را از قبیل انتخاب رئیس ونواب رئیس و منشیان و سایر اجزاء وترتیب مذاکرات و شعب و غیره منظم ومرتب خواهد کرد .

۲ـ وظایف مجلس و حدود و حقوق آن

اصل پانزدهم : مجلس شورایملی حق دارد درعموم مسائل‌آنچه را صلاح ملك وملت میداند پس از مذاکره و مداقه از روی راستی و درستی عنوان کرده و با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان با تصویب مجلس سنا بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصحه‌همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده شود .

اصل شانزدهم : کلیه قوانینی که برای تشیید مبانی دولت و سلطنت وانتظام امور مملکتی واساس وزارتخانه ها لازم است باید بتصویب مجلس شورایملی برسد .

اصل هفدهم : لوایح لازم را درایجاد قانونی یا تغییر وتکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورایملی در موقع لزوم حاضر مینماید که با تصویب مجلس سنا بصحه همایونی رسانده بموقع اجراء گذارده شود .

اصل هیجدهم : تسویه امور مالیه جرح‌و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و رد وقبول عوارض و فروعات همچنان ممیزی‌های جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهد بود .

اصل نوزدهم : مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتـی وتسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات وممالك ایران و تجدید حکومتها پس از تصویب مجلس‌سنا اجرای آرای مصوبه را ازاولیای دولت بخواهد .

اصل بیستم : بودجه هریك از وزارتخانه ها باید در نیمه آخر هرسال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد .

اصل بیست‌ویکم : هرگاه درقوانین اساسی وزارتخانه ها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرره لازم بشود باتصویب مجـلس شورای ملی صورت خواهد گرفت اعم ازاینکه لـزوم آن امور در مجلس عنوان یا ازطرف وزرای مسئول اظهار شده باشد .

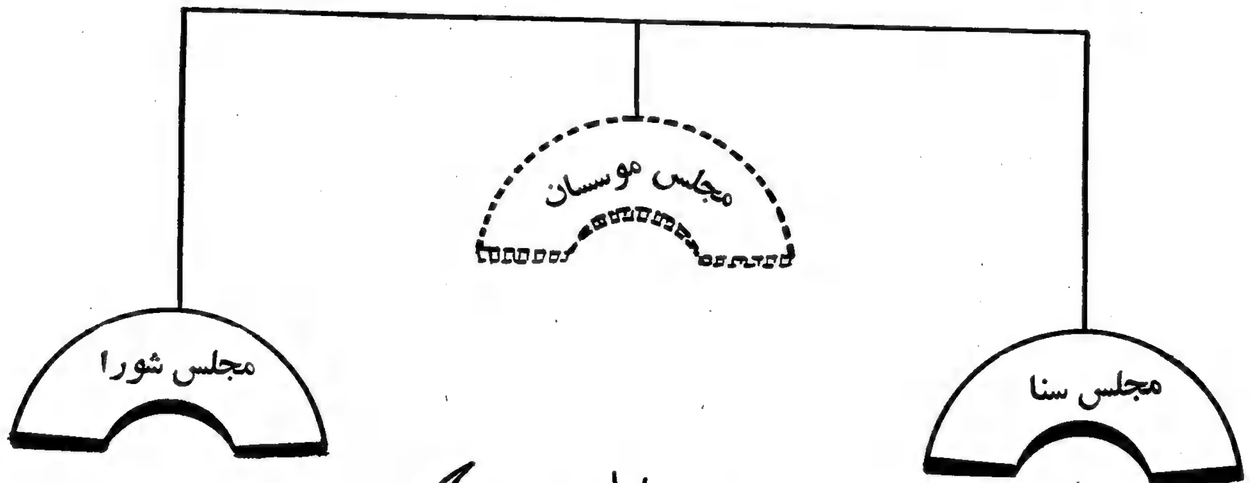
اصل بیست ودوم : مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییری در حدود وثغور مملکت لزوم پیدا میکند بتصویب مجلس شورا ی‌ملی خواهد بود.

اصل بیست وسوم : بدون تصویب مجلس شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکتهای عمومی از هرقبیل و بهر عنوان‌از طرف دولت داده نخواهد شد .

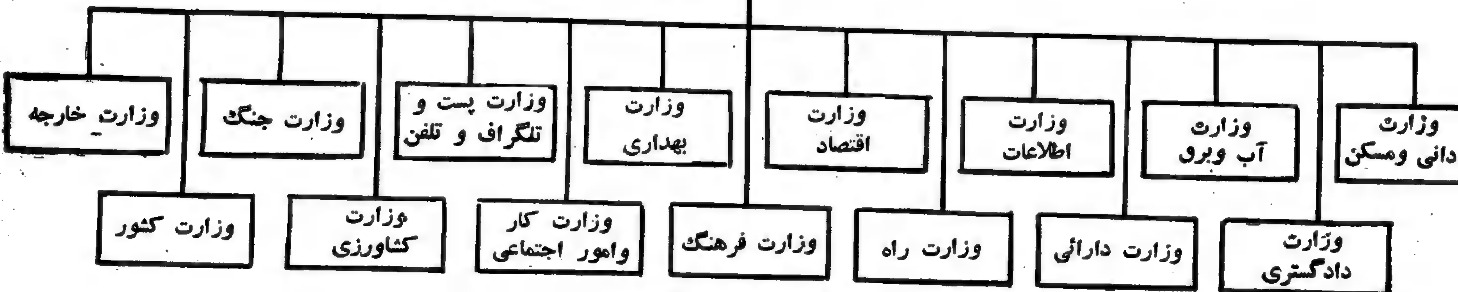
اصل بیست وچهارم : بستن عهدنامه ها و مقاوله‌نامه هااعطای امتیازات (انحصار) تجارتی و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخـله باشد یاخارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهدنامه هـائی که استتار آن ها صلاح دولـت و ملت باشد .

اصل بیست وپنجم : استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه


پادشاه


مجلس موسسان
مجلس شورا
مجلس سنا




سازمان اطلاعات و امنیت کشور
اداره کل هنرهای زیبا
وزارت خارجه
وزارت جنگ
وزارت پست و تلگراف و تلفن
وزارت بهداری
وزارت اقتصاد
وزارت اطلاعات
وزارت آب وبرق
وزارت آبادانی ومسکن
وزارت کشور
وزارت کشاورزی
وزارت کار وامور اجتماعی
وزارت فرهنگ
وزارت راه
وزارت دارائی
وزارت دادگستری

از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورایملی خواهد شد .

اصل بیست و ششم : ساختن راههای آهن یا شوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمپانی اعم از داخله و خارجه منوط بتصویب مجلس شورای ملی است .

اصل بیست‌وهفتم : مجلس در هرجا نقصی در قوانین و یامسامحه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد ووزیر مزبور باید توضیحات لازم رابدهد .

اصل بیست وهشتم : هرگاه وزیری برخلاف یکی از قوانین موضوعه که بصحه همایونی رسیده است باشتباه کاری احکام کتبی یا شفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید و مستمسك مساهله و عدم مواظبت خود قراردهد بحکم قانون مسئول ذات مقدس همایون خواهد بود .

اصل بیست ونهم : هروزیری که درامری ازامور مطابق قوانین که بصحه همایونی رسیده است از عهدهٔ جواب برنیاید و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرره کرده است مجلس عزل اورا ازپیشگاه همایونی مستدعی خواهد شد و بعد از وضوح خیانت در محکمهٔ عدلیه دیگر بخدمت دولتی منصوب نخواهد شد .

اصل‌سی‌ام : مجلس شورایملی حق دارد مستقیما هروقت لازم بداند عریضه‌ای بتوسط هیئتی که‌مرکب از رئیس و شش نفراز اعضاء که طبقات ششگانه انتخاب کنند بعرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند وقت شرفیابی را باید بتوسط وزیر دربار از حضور مبارك استیذان نمود .

اصل‌سی‌ویکم : وزراء حق دارند دراجلاسات مجلس شورایملی حاضر شده و در جائی که برای آنها مقرر است نشسته مذاکرات مجلس را بشنوند و اگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازه نطق خواسته توضیحات لازم را از برای مذاکره و مداقه اموربدهند.

۳ــ دراظهار مطالب به مجلس شورایملی

اصل‌سی‌ودوم : هرکس ازافراد ناس میتواند عرضحال یا ایراد یاشکایات خود را کتبا بدفتر خانه عرایض مجلس عرضه بدارد اگر مطلب راجع بخود مجلس باشد جواب کافی باو خواهد داد وچنانچه مطلب راجع بیکی از وزارتخانه ها است بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نمایندوجواب مکفی بدهند .

اصل‌سی‌وسوم : قوانین جدیده که محل حاجت باشد دروزارتخانه های مسئول انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزراء مسئول یاازطرف صدراعظم بمجلس شورایملی اظهار خواهد شد و پس‌از تصویب مجلس بصحه همایونی موشح گشته بموقع اجراء گذاشته میشود .

اصل سی‌وچهارم : رئیس مجلس میتواند بر حسب لزوم شخصا یا بخواهش ده نفر از اعضاء مجلس یا وزیری اجلاسی محرمانه بدون حضور روزنامه نویس و تماشاچی یاانجمنی محرمانه مرکب از عده منتخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند لیکن نتیجه مذاکرات انجمن محرمانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس محرمانه باحضور سه ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده باکثریت آراء قبول شود اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد در مجلس‌عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند .

اصل‌سی وپنجم : اگر مجلس محرمانه بتقاضای رئیس مجلس‌بوده است حق دارد هرمقدار از مذاکرات را که صلاح بداند باطلاع‌عموم برساند لیکن اگر مجلس محرمانه بتقاضای وزیری بوده است افشای مذاکرات موقوف باجازه آن وزیر است .

اصل‌سی‌وششم : هریك از وزراء میتواند مطلبی را که بمجلس اظهار کرده درهردرجه از مباحثه که‌باشد استرداد کند مگر اینکه اظهار ایشان بتقاضای مجلس بوده باشد در این صورت استرداد مطلب موقوف بموافقت مجلس است .

اصل‌سی‌وهفتم : هرگاه لایحه وزیری در مجلس موقع قبول‌نیافت منضم بملاحظات مجلس عودت داده میشود وزیر مسئول پس از ردو قبول ایرادات مجلس میتواند لایحه مزبور را در ثانی به مجلس اظهار بدارد .

اصل‌سی‌وهشتم : اعضاء مجلس‌شورایملی باید رد یاقبول مطالب را صریح و واضح اظهار بدارند واحدی حق ندارد ایشان را تحریض یا تهدید در دادن رای خود نماید . اظهار رد و قبول اعضای مجلس باید بقسمی باشد که روزنامه نویس وتماشاچی هم بتوانندادارك‌کنند یعنی باید آن اظهار به ملاقات ظاهری از قبیل اوراق کبود و سفید و امثال آن باشد .

٤ــ عنوان مطالب از طرف مجلس

اصل‌سی‌ونهم : هروقت مطلبی از طرف یکی ازاعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلا پانزده نفراز اعضای مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند دراین صورت آن عنوان کتبا برئیس مجلس تقدیم میشود رئیس حق داردکه آن لایحه را بدوا در انجمن تحقیق مطرح مداقه قرار بدهد .

اصل‌چهلم : در موقع مذاکره و مداقه لایحه مذکور در اصل سی و نهم چه درمجلس و چه در انجمن تحقیق اگرلایحه مزبور راجع به یکی از وزراء مسئول باشد مجلس باید بوزیر مسئول‌اطلاع داده‌که اگر بشود شخصا والا معاون او بمجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون اوبشودسواد لایحه ومنضمات آن را باید قبل از وقت از ده روز الی یکماه باستثناء مطالب فوری از برای وزیر مسئول فرستاده باشند همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد پس از مداقه مطلب با حضور وزیر مسئول در صورت تصویب مجلس به‌اکثریت آراء رسما لایحه نگاشته بوزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد.

اصل چهل‌ویك : هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون از طرف مجلس بمصلحتی همراه نشده باشد باید معاذیر خودرا توجیه و مجلس را متقاعد کند .

اصل‌چهل‌ودوم : در هرامری که مجلس شورایملی وزیر مسئولی توضیحی بخواهد آن وزیر ناگزیر از جواب است و این جواب نباید بدون عذر موجه وبیرون از اندازه اقتضاءبعهده تاخیر بیفتد مگر مطالب محرمانه که مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد ولی بعد ازانقضاء مدت معین وزیزیر مسئول مکلف است‌که همان مطالب را در مجلس ابراز نماید .

٥ــ درشرایط تشکیل مجلس سنا

اصل‌چهل‌وسوم : مجلس دیگری بعنوان سنا مرکب از شصت نفر اعضاء تشکیل می‌یابد که اجلاسات آن بعداز تشکیل مقارن اجلاسات مجلس شورایملی خواهدبود .

اصل چهل‌وچهارم : نظامنامه های مجلس سنا باید بتصویب‌مجلس شورایملی برسد .

اصل چهل‌وپنجم : اعضای این مجلس از اشخاص خبیر وبصیر و متدین محترم مملکت منتخب میشوند سی نفراز طرف قرین‌الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار می‌یابند پانزده نفر از اهالی تهران پانزده نفرازاهالی ولایات وسی نفر ازطرف ملت پانزده نفر بانتخاب اهالی تهران و پانزده نفر بانتخاب اهالی ولایات .

اصل‌چهل‌وششم : پس از انعقاد مجلس سناتمام امور بایدبتصویب هردو مجلس باشد اگر آن امور در سنا ازطرف هیئت وزراء عنوان شده باشد باید اول در مجلس سنا تنقیح وتصحیح شده باکثریت‌آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورایملی برسد ولی اموری که درمجلس شورای ملی عنوان میشود بر عکس ازاین مجلس بمجلس سنا نخواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص به مجلس شورایملی خواهدبود وقرارداد مجلس درامور مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسیدکه مجلس مزبور ملاحظات خودرا بمجلس شورای‌ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است ملاحظات مجلس سنارا بعدازمداقه لازمه قبول یا رد نماید .

اصل‌چهل‌وهفتم : مادام‌که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بصحه همایونی موشح و بموقع اجراء

گذارده خواهد شد .

اصل چهل‌وهشتم : اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میتواند هریك از مجلس شورای ملی و مجلس سنا راجداگانه و یا دومجلس رادرآن واحد منحل نماید . درهر مورد که مجلسین یایکی از آنها بموجب **فرمان اعلیحضرت همایونی منحل** میگردد باید در همان فرمان انحلال وعلت انحلال ذکر شده وامر بتجدید انتخاب نیزبشود .

انتخابات جدید در ظرف یکماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده ومجلس یا مجلسین جدید در ظرف سه ماه بتاریخ مزبور باید منعقد گردد .

مجلس جدید که پس از انحلال تشکیل میشود برای یك دوره جدید خواهد بودنه برای بقیه دوره مجلس منحل شده .

مجلس یا مجلسین جدید را نمیتوان مجددا برای همان علت منحل نمود .

هرگاه در مورد طرح یك لایحه قانونی که دو دفعه ازمجلسی بمجلس دیگر رجوع شده است بین مجلس سنا و مجلس شورایملی توافق نظر حاصل نشود کمیسیون مختلطی مرکب از اعضای مجلسین که بعده مساوی از طرف هریك از مجلسین انتخاب میشود تشکیل و در مورد اختلاف رسیدگی کرده گزارش خود رابمجلسین تقدیم می نماید هرگاه مجلس سنا وشورایملی گزارش را که کمیسیون مختلط داده‌است تصویب نمودند قانون مزبوربرای توشیح صحه ملوکانه ارسال میشود .

در صورتیکه مجلسین در گزارش کمیسیون مختلط نیز توافق نظر حاصل نکردند مورد اختلاف بعرض ملوکانه میرسد هرگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نظر مجلس شورای ملی را تصویب فرمودند امر باجرا میدهند واز موضوع تاشش ماه مسکوت مانده و عندالاقتضا ممکن است بعداز انقضای این مدت بعنوان طرح بالایحه جدیدی در یکی از مجلسین مطرح شود .

اصل چهل‌ونهم : منتخبین جدید تهران باید بفاصله یکماه و منتخبین ولایات بفاصله سه ماه حاضر شوند وچون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهد شد لیکن در ماده متنازعفیها گفتگو نمیکنند تا منتخبین ولایات برسند هرگاه مجلس جدید پس از حضور تمام اعضاء باکثریت تام همان رای سابق را امضاء کرد ذات اقدس همایونی آن رای مجلس شورای ملی را تصویب‌نموده امر باجرا میفرمایند .

اصل پنجاهم : در هردوره انتخابیه که عبارت از چهار سال است یك نوبت بیشتر امر بتجدید منتخبین نخواهد شد .

اصل پنجاه‌ویکم : مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاق ما حفظ این حدود واصول را که برای تشیید مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه معدلت وآسایش ملت برقرار ومجری‌فرمودیم وظیفه سلطنت خود دانسته درعهده‌شناسد .

فی شهر ذیقعده‌الحرام ۱۳۲٤

هوالله تعالی

این قوانین اساسی مجلس شورای ملی و مجلس سنا که حاوی پنجاه ویك اصل‌است صحیح است.

چهاردهم شهر ذیقعده‌الحرام ۱۳۲٤

محل صحه مظفرالدین شاه ــ امضاء ولیعهد ــ امضاء نصراله خان مشیرالدوله

ث ــ متمم قانون اساسی

متمم قانون اساسی ایران نیز بسبب جبر زمان واقتضا وپیشرفت های مملکت بحالت اولیه نمانده است . اصول سی وششم و سی‌وهفتم و سی وهشتم بموجب ماده واحده مصوبه مجلس موسسان درتاریخ بیست ویکم آذرماه ۱۳۰٤ شمسی واصل چهل و نهم بموجب تصمیم مجلس واحد (کنگره) مورخ بیست و ششم اردیبهشت ماه ۱۳۳٦ شمسی تغییر کرده است . همچنین اصل سی وهفتم و اصل هشتاد ودوم‌نیز تفسیر شده است .

«اصولی که برای تکمیل قوانین اساسیه مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم ذی‌القعده‌الحرام یکهزار وسیصد وبیست و چهار بصحه مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار نوراله مضجعه موشح شده اضافه میشود از قرار ذیل است»

۱ ــ کلیات

اصل اول : مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه‌اثنی عشریه‌است‌که باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد .

اصل دوم : مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تایید حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه و بذل ومرحمت اعلیحضرت‌شاهنشاه اسلام خلداله سلطانهو مراقبت حجج اسلامیه کثراله امثالهمو عامه ملت ایران تاسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی باقواعد مقدمه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی‌اله علیه وآله وسلم نداشته باشد و معین است که‌تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام‌اله برکات وجود هم بوده وهست لهذا رسما مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتراز پنج نفر نباشد از مجتهدین وفقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم‌باشند باین طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه امامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفراز آن‌ها را یابیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورایملی باتفاق یابحکم قرعه تعیین نموده‌بسمت عضویت بشناسند تامواد‌ی که در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و غور وبررسی نموده هریك از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رای این‌هیئت علما دراین باب مطاع و متبع خواهد بود این ماده تازمان ظهور حضرت حجة عصر عجل‌الله فرجه تغییر پذیر نخواهدبود .

اصل سوم : حدود مملکت ایران و ایالات وولایات وبلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون .

اصل چهارم : پایتخت ایران تهران است .

اصل‌پنجم :الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید وسرخ وعلامت شیر وخورشید است .

اصل‌ششم : جان ومال اتباع خارجه مقیمین خاك ایران مامون و محفوظ است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثنا میکند.

اصل هفتم : اساس مشروطیت جزئا و کلا تعطیل بـردار نیست .

۲ــ حقوق ملت ایران

اصل‌هشتم : اهالی مملکت ایران‌در مقابل قانون دولتی متساوی‌ــ الحقوق خواهند بود .

اصل‌نهم : افراد مردم‌از حیث جان ومال ومسکن و شرف‌محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم وترتیبی که قوانین مملکت معین مینماید .

اصل‌دهم : غیراز مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را فورا نمیتوان دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فورا یا منتها در ظرف بیست وچهار ساعت باو اعلام واشعارشود.

اصل‌یازدهم : هیچکس را نمیتوان از محکمه‌ای که باید درباره او حکم کند منصرف کرده مجبورابه محکمه دیگر رجوع دهند.

اصل‌دوازدهم : حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگـ بموجب قانون .

اصل سیزدهم : منزل وخانه هرکس درحفظ وامان است در هیچ مسکنی قهرا نمیتوان داخل شد مگر بحکمو ترتیبی که قانـون مقرر نمود .

اصل چهاردهم : هیچیك از ایرانیان را نمیتوان نفی‌بلد یامنع از اقامت در محلی یامجبور باقامت محل معینی نمود مگردر مواردی که قانون تصریح میکند .

اصل پانزدهم ــ هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملك نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس‌از تعیین وتادیه قیمت عادله است .

اصل شانزدهم : ضبط املاك و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون .

اصل‌هفدهم : سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاك واموال متصرفانـه ایشان بهر عنوان که باشد ممنوعست مگر بـه حکم

قانون .

اصل هیجدهم ـ تحصیل و تعلیم علم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاممنوع باشد .

اصل نوزدهم : تاسیس مدارس بمخارج دولتی وملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالیه ومراقبت وزارت علوم و معارف باشد .

اصل بیستم : عامه‌مطبوعات غیراز کتب ضلال و مواد مضره‌بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات درآن‌ها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات میشود. اگرنویسنده معروف ومقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع ازتعرض مصون هستند .

اصل بیست‌ویکم : انجمنها واجتماعاتی که مولد فتنه دینی‌ودنیوی ومخل بنظم نباشند درتمام مملکت آزاد است ولی مجتمعین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون دراین خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع ومیدانهای عمومی هم‌باید تابع قوانین نظمیه باشند .

اصل بیست‌ودوم : مراسلات پستی کلیه محفوظ واز ضبط وکشف مصون است مگر در مواردی که قانون استثناءمیکند .

اصل بیست‌وسوم : افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین میکند .

اصل بیست‌وچهارم : اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت‌ایران را بنمایند قبول و بقای آنها بر تبعیت وخلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است .

اصل بیست وپنجم : تعرض بمامورین دیوانی درتقصیرات راجعه بمشاغل آنها محتاج بتحصیل اجازه نیست مگر در حق‌وزراء که‌رعایت قوانین مخصوصه دراین باب باید بشود .

۳ـ قوای مملکت

اصل بیست‌وششم : قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه‌استعمال آن قوی را قانون اساسی معین مینماید .

اصل بیست‌وهفتم : قوای مملکت بسه شعبه تجزیه میشود :

اول ـ قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین‌و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورایملی و مجلس سنا و هریك ازاین سه‌منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت باموازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصحه همایونی لکن وضع وتصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است . شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورایملی‌است .

دوم ـ قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه درشرعیات وبه‌محاکم عدلیه در عرفیات .

سوم ـ قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مامورین دولت بنام نامی اعلیحضرت‌همایونی اجرا میشود به‌ترتیبی که قانون معین میکند .

اصل بیست‌وهشتم : قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگرممتاز و منفصل خواهد بود .

اصل بیست‌ونهم : منافع مخصوصه هرایالت وولایت و بلوك به تصویب انجمن‌های ایالتی وولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب وتسویه میشود .

۴ـ حقوق اعضای مجلسین

اصل سی‌ام : وکلای مجلسین شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات وبلوکاتی که آن ها را انتخاب نموده‌اند .

اصل سی ویکم : یکنفر نمیتواند درزمان واحد عضویت هردو مجلس را دارا باشد .

اصل سی‌ودوم : چنانچه یکی از وکلاء درادارات دولتی موظفا مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجددا عضویت‌اودر مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود .

اصل سی‌وسوم : هریك از مجلسین حق تحقیق و تفحص درهر امری از امور مملکتی دارند .

اصل سی‌وچهارم : مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه است .

۵ـ حقوق سلطنت ایران

اصل سی‌وپنجم : سلطنت ودیعه‌ایست که بموهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده .

اصل سی‌وششم : سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس موسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تفویض شده و دراعقاب ذکور ایشان نسلا بعد نسل بر قرار خواهدبود.

اصل سی‌وهفتم : ولایتعهد باپسربزرگتر پادشاه که مادرش‌ایرانی‌ـ الاصل باشد خواهد بود در صورتی که پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط برآنکه آن ولیعهد از خانواده قاجارنباشد ولی در هر موقعی که پسری برای پادشاه بوجود آید حقا ولایت‌عهد باو خواهد بود .

« تفسیر اصل ۳۷ متمم قانون‌اساسی مصوب ۱۴ آبان ۱۳۱۷ .

ماده واحده ـ منظور از مادر ایرانی الاصل مذکور در اصل ۳۷ متمم قانون اساسی اعم است از مادری که مطابق شق دوم ازماده ۹۷۶ قانون مدنی دارای نسبت ایرانی‌باشد یا مادریکه قبل از عقد ازدواج با پادشاه یا ولیعهد ایران باقتضاء مصالح عالیه‌کشوربه‌پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی بموجب فرمان پادشاه عصر صفت ایرانی باو اعطاء شده‌باشد . »

اصل سی‌وهشتم : در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصا امور سلطنت را متصدی شودکه دارای بیست سال تمام شمسی باشد اگر باین سن نرسیده باشد نایب‌السلطنه‌ای از غیر خانواده‌قاجار از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد .

اصل سی‌ونهم : هیچ پادشاهی برتخت سلطنت نمیتواند جلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورایملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید :

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام‌اله مجید وبه‌آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق آن وقوانین مقرره سلطنت نمایم و درترویج مذهب جعفری اثنی‌عشری سعی و کوشش نمایم و درتمام اعمال وافعال خداوند عزشانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران‌نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت بترقی ایران توفیق میطلبم واز ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد میکنم .

اصل چهلم : همینطور شخصی که به‌نیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امرشود مگراینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد .

اصل چهل‌ویکم ـ در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلسین سنا لزوما منعقد خواهدشد و انعقاد مجلسین‌زیاده از دو روز بعداز فوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد .

اصل چهل‌ودوم : هرگاه دوره وکالت وکلای هردو یا یکی‌از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد ووکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد میشود .

اصل چهل‌وسوم : شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود .

اصل چهل‌وچهارم : شخص پادشاه از مسئولیت مبری است‌وزراء دولت در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند .

اصل چهل‌وپنجم : کلیه قوانین و دستخطهای پادشاه در امور

مملکتی وقتی اجرا میشود که بامضای وزیر مسئول رسیده باشدومسئول صحت مدلول آن فرمان ودستخط همان وزیر است .

اصل‌چهل‌وششم : عزل ونصب وزراء بموجب فرمان همایون پادشاه است .

اصل‌چهل‌وهفتم : اعطای درجات نظامی و نشان وامتیازات افتخاری بامراعات قانون مختص شخص پادشاه‌است .

اصل‌چهل‌وهشتم : انتخاب مامورین رئیسه دوائر دولتی ازداخله و خارجه باتصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر درمواقعی که قانون استثناء نموده باشد ولی تعیین سایرمامورین راجع بپادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح میکند .

اصل‌چهل‌ونهم : صدور فرامین واحکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن‌قوانین را تعویق یا توقیف نمایند .

در قوانین راجع بامور مالیه مملکت که از مختصات مجلس شورایملی است چنانچه اعلیحضرت پادشاه تجدید نظریرا لازم بدانند برای رسیدگی مجدد بمجلس شورای ملی‌ارجاع مینمایند، درصورتی که مجلس شورای ملی باکثریت سه ربع از حاضرین درمرکز نظرسابق مجلس را تأیید نمود اعلیحضرت شاهنشاه قانون را توشیح خواهند فرمود .

اصل‌پنجاهم : فرمانفرمائی کل قشون بری وبحری با شخص پادشاه است .

اصل‌پنجاه‌ویکم : اعلان جنگ و عقد صلح باپادشاه است.

اصل‌پنجاه‌ودوم : عهدنامه هائی که مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخه چهاردهم ذیقعده یکهزار و سیصد و بیست‌وچهار استتار آنها لازم باشد بعداز رفع محظور همینکه منافع وامنیت‌مملکتی اقتضا نمود باتوضیحات لازمه باید از طرف پادشاه به مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود .

اصل‌پنجاه‌وسوم : فصول مخفیه هیچ عهد نامه مبطل فصول آشکار آن عهد نامه نخواهدبود .

اصل‌پنجاه‌وچهارم : پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق‌العاده امر بانعقاد فرمایند .

اصل‌پنجاه‌وپنجم : ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است .

اصل پنجاه وششم : مخارج ومصارف دستگاه سلطنتی باید قانونا معین باشد.

اصل‌پنجاه‌وهفتم : اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان‌است که درقوانین مشروطیت حاضره تصریح شده .

۶ــ راجع بوزراء

اصل‌پنجاه‌ونهم : شاهزادگان طبقه اول یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمیتوانند بوزارت منتخب شوند .

اصل‌شصتم : وزراء مسئول مجلسین هستند و درهرمورد که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت‌باموری که محول بآنهاست حدود مسئولیت خود را منظور دارند.

اصل‌شصت‌ویکم : وزراء علاوه براینکه بتنهائی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند بهیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول وضامن اعمال یکدیگرند .

اصل‌شصت‌ودوم : عده وزراء را برحسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد .

اصل‌شصت‌وسوم : لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است.

اصل‌شصت‌وچهارم : وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یاکتبی‌پادشاه را مستمسك قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند .

اصل‌شصت‌وپنجم : مجلس شورای ملی یا سنا میتوانند وزراء را در تحت مواخذه ومحاکمه درآورند .

اصل‌شصت‌وششم : مسئولیت وزراء و سیاستی را که بآنها میشود قانون معین خواهد نمود .

اصل‌شصت‌وهفتم : در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس‌سنا باکثریت تامه عدم رضایت خود رااز هیئت وزراء یاوزیری اظهارنماید آن هیئت یاآن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود .

اصل‌شصت وهشتم : وزراء موظفا نمیتوانند خدمت دیگر غیراز شغل خودشان در عهده گیرند .

اصل‌شصت‌ونهم : مجلس شورای ملی یامجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانه تمیز عنوان خواهند نمود ودیوانخانه مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائره خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتی که بموجب قانون اتهام واقامه دعوی از دائره‌ادارات دولتی مرجوعه شخص وزیر خارج وراجع خود وزیر باشد.

تنبیهــ مادامی که محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعهدهٔ متساوی نایب مناب محکمه تمیز خواهد شد .

اصل‌هفتادم : تعیین تقصیر و مجازات وارده بروزراء در موقعی که مورد اتهام مجلس شورای‌ملی یامجلس سنا شوند و یادر اموراداره خود دچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط به قانون مخصوص خواهد بود .

۷ــ اقتدار محاکم

اصل‌هفتادویکم : دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول و مجتهدین جامع‌الشرایط است .

اصل‌هفتادودوم : منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط بمحاکم عدلیه است مگر در مواقعی که قانون استثناء نماید .

اصل‌هفتادوسوم : تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است و کسی نمیتواند بهیچ اسم ورسم محکمه‌ای برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید .

اصل‌هفتادوچهارم : هیچ محکمه‌ای ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون .

اصل‌هفتادوپنجم : در تمام مملکت فقط یك دیوانخانه تمیزبرای امور عرفیه دائر خواهد بود آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانه تمیز در هیچ محاکمه ابتدائاً رسیدگی نمیکند مگر در محاکماتی که راجع بوزراء باشد .

اصل‌هفتادوششم : انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگرآنکه علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد دراین صورت لزوم اخفاءرا محکمه اعلان مینماید .

اصل‌هفتادوهفتم : در ماده تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق آراء جمع اعضاء محکمه بشود .

اصل‌هفتادوهشتم : احکام صادره از محاکم باید مدلل وموجه‌و محتوی فصول قانونی که بر طبق آن‌ها حکم صادر شده است بوده و علنا قرائت شود .

اصل‌هفتادونهم : در موارد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود .

اصل هشتادم : روسا واعضای محاکم عدلیه به ترتیبی که قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان همایونی منصوب میشوند .

اصل‌هشتادویکم : هیچ حاکم محکمه‌عدلیه رانمیتوان از شغل‌خود موقتا یا دائما بدون محاکمه وثبوت تقصیر تغییر داد مگــراینکه خودش استعفا بدهد .

اصل هشتاد ودوم : تبدیل ماموریت حــاکم محکمــه عدلیه ممکن نمیشود مگر برضای خود او اصل ۸۲ متمم قانون اساسی دردوره هشتم (۲۶ امرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی‌کمیسیون قوانین عدلیه) تفسیر شده است که عینا نقل میشود:

ماده اول : مقصود ازاصل ۸۲ متمم قانون اساسی آن‌است‌که هیچ حاکم محکمه عدلیه رانمیتوان بدون رضای خود او ازشغل قضائی بشغل اداری ویا بصاحبمنصبی پارکه منتقل نمود وتبدیل محل ماموریت قضا با رعایت رتبه آنان مخالف بااصل مذکور نیست.

ماده‌دوم : ماموریت هیچیك ازقضاء وصاحبمنصبان پارکه در نقاط بدآب وهوا بیش ازسه‌سال نباید بطول انجامد مگر با رضایــت خود مامور.

ازتاریخ اختتام ماموریت هرقاضی وصاحبمنصب پارکه درنقاط بدآب وهوا تا پنجسال بآن مامور نمیتوان درهیچ نقطه بد آب وهوائی ماموریت داد مگر بارضای خود او و هریکسال ماموریت اشخاص فوق

پس از اجرای این قانون درنقاط بد آب وهوا درمواقع ترفیع دوسال محسوب میشود مشروط براینکه لااقل دوسال تمام درنقاط مذکوره ماموریت داشته باشد.

تبصره : نقاط بد آب وهوای مذکوره دراین ماده بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده سوم : قضاتیکه با رعایت ماده اول این قانون محل ماموریت آنها تبدیل شده وازقبول ماموریت امتناع نمایند متمردمحسوب ودرمحکمه انتظامی تعقیب ومطابق نظامنامه های وزارت عدلیه‌مجازات خواهند شد.

ماده چهارم : نسبت بفارغ‌التحصیل‌های کلاس قضائی دوره اول شرط دوم ماده اول قانون استخدام قضات وصاحبمنصبان پارکه مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۰۶ لازم الرعایه نیست.

ماده پنجم : این قانون از۱۵ شهریور ماه ۱۳۱۰ بموقع‌اجرا گذارده میشود.

اصل هشتاد وسوم : تعیین شخص مدعی العموم با تصویب‌حاکم شرع درعهده پادشاه است.

اصل هشتاد وچهارم : مقرری‌اعضای محاکم‌عدلیه‌بموجب‌قانون معین خواهد شد .

اصل هشتاد وپنجم : روسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفه دولتی را بنمایند مگر اینکه آن خدمت را مجاناً برعهده گیرند ومخالف قانون هم نباشد.

اصل هشتاد وششم : درهرکرسی ایالتی یك محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی که درقوانین عدلیه مصرح است.

اصل هشتاد وهفتم : محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تاسیس خواهد شد.

اصل هشتاد وهشتم : حکمیت منازعه درحدود ادارات ومشاغل دولتی بموجب مقررات قانون بمحکمه تمیز راجع است.

اصل هشتاد ونهم : دیوانخانه عدلیه ومحمه‌ها وقتی احکام ونظامنامه‌های عمومی وایالتی وولایتی وبلدی را مجری خواهد داشت که آنها مطابق باقانون باشند .

۸ـ انجمنهای ایالتی وولایتی

اصل نودم : درتمام ممالك محروسه انجمن‌های ایالتی وولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود وقوانین اساسیه آن انجمنها ازاین قراراست.

اصل نود ویکم : اعضای انجمنهای ایالتی وولایتی بلاواسطه ازطرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه‌های انجمن‌های ایالتی وولایتی .

اصل نود ودوم : انجمنهای ایالتی وولایتی اختیار نظارتنامه دراصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرره.

اصل نود وسوم : صورت خرج ودخل ایالات وولایات ازهرقبیل بتوسط انجمنهای ایالتی وولایتی طبع ونشر میشود.

۹ـ دارائی

اصل نود وچهارم : هیچ قسم مالیات برقرار نمیشود مگر بحکم قانون .

اصل نود وپنجم : مواردی راکه ازدادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود.

اصل نود وششم : میزان مالیات را همه ساله مجلس شورایملی باکثریت تصویب ومعین خواهد نمود.

اصل نود وهفتم : درموارد مالیاتی هیچ تفاوت وامتیازی فیمابین افراد ملت‌گذارده نخواهد شد.

اصل نود وهشتم : تخفیف و معافیت مالیات منوط بقانون مخصوص است .

اصل نود ونهم: غیر ازمواقعی‌که قانون صراحتا مستثنی میدارد بهیچ عنوان ازاهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی وایالت وولایتی وبلدی.

اصل صدم : هیچ مرسوم وانعامی بهزینه دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون.

اصل صد ویکم: اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورایملی برای مدتی‌که بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود.

اصل صد ودوم : دیوان محاسبات مامور بمعاینه وتفکیك محاسبات اداره مالیه وتفریغ حساب‌کلیه محاسبین‌خزانه‌است ومخصوصا مواظب است‌که هیچیك ازفقرات مخارج معینه دربودجه ازمیزان مقرره خود تجاوز ننموده تغییر وتبدیل نپذیرد وهروجهی درمحل خود بمصرف برسد وهمچنین معاینه وتفکیك محاسبه مختلفه‌کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع‌آوری خواهد کرد وصورت‌کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورایملی نماید.

اصل صد وسوم : ترتیب وتنظیم واداره دیوان محاسبات‌بموجب قانون‌است.

۱۰ـ لشکر

اصل صد وچهارم : ترتیب‌گرفتن قشون را قانون تعیین مینماید تکالیف وحقوق اهل نظام وترقی درمناصب بموجب قانون است.

اصل صد وپنجم : مخارج نظامی هرساله ازطرف‌مجلس‌شورایملی تصویب میشود.

اصل صد وششم : هیچ‌قشون نظامی خارجه بخدمت دولت‌قبول نمیشود ودرنقطه‌ای ازنقاط مملکت نمیتواند اقامت و یاعبور کند مگر بموجب قانون .

اصل صد وهفتم : حقوق ومناصب وشئونات اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون.

دستخط مرحوم محمد علیشاه قاجار

درپایان متمم قانون اساسی این دستخط ازطرف مرحوم محمد علیشاه قاجار صادر شده است.

بسمه تبارك وتعالی

متمم نظامنامه اساسی ملاحظه شد تماما صحیح است وشخص همایون ماانشاء اله حافظ وناظرکلیه آن خواهیم بود اعقاب واولاد ماهم انشاء اله مقوی این اصول واساس مقدس خواهند شد.

۲۹ شعبان قوی‌ئیل ۱۳۲۵ درقصر سلطنتی تهران.

اصل‌الحاقی بمتمم قانون اساسی

این اصل بموجب تصمیم مورخ هیجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ مجلس موسسان بمتمم قانون اساسی الحاق شده است.

درهر موقعی‌که مجلس شورای ملی ومجلس سنا هریك جداگانه خواه مستقلا خواه نظر به‌پیشنهاد دولت لزوم تجدید نظر دریك یا چند اصل معین ازقانون اساسی یا متمم آن را باکثریت دوثلث‌کلیه اعضاء خود تصویب نمایند واعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز نظر مجلسین را تأیید فرمایند فرمان همایونی برای تشکیل مجلس موسسان وانتخابات اعضاء ان صادر میشود.

مجلس موسسان مرکب خواهد بود از عده‌ای که مساوی باشد با مجموع عده قانونی اعضاء مجلس شورایملی ومجلس سنا ، انتخابات مجلس موسسان طبق قانون‌که بتصویب مجلسین خواهد رسید بعمل خواهد آمد. اختیارات مجلس مزبور محدود خواهد بود بتجدید نظر در همان اصل یا اصول بخصوصی که مورد رای مجلسین و تأیید اعلیحضرت‌همایون شاهنشاهی‌بوده است.

تصمیمات مجلس موسسان باکثریت دوثلث آراء کلیه اعضاء اتخاذ وپس ازموافقت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معتبر و مجری خواهد بود.

این اصل شامل هیچیك ازاصول قانون اساسی ومتمم آن‌که مربوط بدین مقدس اسلام ومذهب رسمی‌کشور که طریقه حقه‌جعفریه اثنی عشریه میباشد واحکام آن ویا مربوط بسلطنت مشروطه ایران است نمیگردد واصول مزبور الی‌الابد غیر قابل تغییر است.

درمورد اصول چهار وپنج وشش وهفت قانون اساسی وتفسیر مربوط باصل هفتم وهمچنین دراصل هشت قانون اساسی واصل‌چهل ونه متمم آن با توجه بسابقه وقوانینی‌که نسبت به‌بعضی ازاین اصول وضع شده است یکبار مجلس شورایملی ومجلس سناکه پس ازتصویب این اصل منعقد خواهند نمود وبرای این منظور مجلس واحدی تحت ریاست رئیس مجلس سنا تشکیل داده واصلاحات لازم را باکثریت دوثلث‌آراء

کلیه اعضاء مجلسین بعمل خواهند آورد تا پس از آن که از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه تایید گردید بصحه ملوکانه موشح شده معتبر و مجری‌خواهد بود .

ج ـ سازمانهای اداری

بر طبق آخرین سازمان و تشکیلات موجود مصوب مجلسین شورایملی‌وسنادر حال حاضر اداره مملکت با پانزده وزارتخانه‌وتعدادی سازمان مستقل ووابسته انجام میشود که اسامی وزارتخانه هابرحسب الفبا بشرح ذیل است :

۱ ـ وزارت آبادانی و مسکن
۲ ـ وزارب آب وبرق
۳ ـ وزارت اطلاعات
٤ ـ وزارت اقتصاد
٥ ـ وزارت بهداری
٦ ـ وزارت پست و تلگراف وتلفن
۷ ـ وزارت جنگ
۸ ـ وزارت خارجه
۹ ـ وزارت دادگستری
۱۰ ـ وزارت راه
۱۲ ـ وزارت فرهنگ
۱۳ ـ وزارت کار و امور اجتماعی
١٤ ـ وزارت کشاورزی
۱٥ ـ وزارت کشور

البته هریك از این وزارتخانه هاموسسات وبنگاهها وسازمانها وواحدهای فرعی دارند که شرح وظایف آنها احتمالا در شرح‌وظایف کلی هر سازمان گنجانده خواهد شد وروی نمودار سازمانی نیزمشخص میگردد .

در عداداین پانزده وزارتخانه سه‌وزارتخانه آبادانی و مسکن‌ـ آب و برق ـ‌اطلاعات تازه هستند که طبعا سازمان و تشکیلات آنها یاداده نشده یااگر هست احتیاج بمطالعه وبررسی بیشتری از جانب وزرای مسئول دارد بهمین خاطر لایحه قانونی تاسیس این سه وزارتخانه که در جلسه پنجشنبه ۲۲ اسفند ماه چهل و دوبتصویب‌رسیده است عینا درج میشود :و پیش‌از آن چون وظایف وزراء ومعاونین پارلمانی و اداری کلیه وزارتخانه ها بدون توجه‌به‌نوع‌وظیفه‌یکسانست بجای تکرار آنها در هروزارتخانه نمونه وظیفه و مسئولیت هریك را چاپ کرده‌ایم .

ج ـ وظایف مقام وزارت

مقام وزارت باتوجه بمسئولیتهاوتکالیفی که بموجب قوانین اساسی و قوانین دیگر برای وزراء معین شده است وظایف کلی‌ذیل‌را نیز بعهده خواهند داشت .

۱ ـ تعیین خط مشی وزارتخانه باتوجه بسیاست کلی کشور وبرنامه دولت .

۲ ـ صدور دستور تهیه برنامه های وزارتخانه و تصویب برنامه های تهیه شده .

۳ ـ مراقبت در اجرای برنامه ها و تجدید نظر در آنها در صورت ضرورت .

٤ ـ پیشنهاد اصلاح سازمان وزارتخانه (ازاداره‌ببالا) بههیئت وزیران ـ تصویب پیشنهادات اصلاحی رسیده از معاون ثابت‌اداری در مورد سازمان واحدهای تابع هراداره .

٥ ـ تفویض اختیارات بصاحبمنصبان ومتصدیان اموری‌که‌مستقیما تحت نظر وزیر انجام وظیفه مینمایند برقراری روشی که‌راهنمائی مداوم مقامات مافوق وزارتخانه را نسبت بمقامات مادون‌ممکن ساخته و حسن استفاده از اختیارات تفویض شده را تامین نماید .

٦ـ‌ایجاد هم آهنگی بین تشکیلات واحدهای‌مختلف‌وزارتخانه‌ـ تامین هم آهنگی درامورى که باسایر دستگاه ها بستگی‌دارد‌ـ اتخاذ تدابیر برای تقویت روح همکاری دسته جمعی .

۷ ـ نظارت بر امور وزارتخانه و دستگاههائی که بموجب قوانین و تصویبنامه وابسته بوزارتخانه میباشد .

۸ ـ اتخاذ تدابیر برای اجرای کامل و موثر قوانین و تصویب نامه ها .

۹ ـ اتخاذ تصمیم در باره امور مربوط بوظایف اختصاصی یا عمومی وزارتخانه که خارج از حدود وظایف متصدیان باشد.

۱۰ ـ شرکت در هیئت وزیران برای شور و اظهار نظر درمسائل مملکتی و طرح مسائل اختصاصی وزارتخانه که‌از لحاظ‌مسئولیت مشترك باهیئت وزیران ارتباط دارد .

۱۱ ـ حضور در مجلسین برای توضیح و دفاع از خط مشی و برنامه وعملیات اجرائی وزارتخانه و دولت تقدیم لوایح و دفاع از آن ها واظهار نظر در مورد طرح‌های قانونی .

۱۲ ـ شرکت در مراسم و تشریفات رسمی .

۱۳ ـ امضاء قراردادهای مربوط بوزارت .

ح ـ وظایف معاون پارلمانی

۱ ـ انجام اموری که با قوه مقننه تماس و ارتباط دارد .

۲ ـ شرکت در جلسات هیئت وزیران ـ مجلسین وتشریفات رسمی بدستور و بجای وزیر .

۳ ـ مطالعه مسائل سیاسی وپارلمانی مربوط بوزارتخانه ـ تسلیم گزارشهای مرتب و مطلع ساختن وزیر از جریان کلی امور .

٤ ـ تهیه پاسخ سئوالات نمایندگان مجلسین و جوابگوئی در مجلسین بدستور وزیر .

٥ ـ اظهار نظر درباره لوایح و آئین نامه های مربوط وطرح تصویبنامه هائی از طرف وزارتخانه تهیه میگردد .

٦ ـ رهبری روش تبلیغاتی وزارتخانه و همچنین بررسی مندرجات مطبوعات ـ تماس با ارباب جراید نشر اطلاعات و اخبار وزارتخانه از طریق ادارات مربوط وزارتخانه .

۷ ـ همکاری با سایر معاونین وزارتخانه در انجام تکالیفی که بعهده آنها محول شده است .

۸ ـ تعیین خطمشی واقدام در مورد دعاوی له یا علیه وزارتخانه .

۹ ـ انجام سایر امور وزارتخانه که از طرف وزیر محول گردد .

۱۰ ـ شرکت در جلسات‌شورایعالی‌وزارتی و اظهار نظر در باره مسائل عمومی وزارتخانه باتوجه بسیاست کلی وزارتخانه .

۱۱ ـ‌مسئول اداره امور وزارتخانه در غیاب وزیر بوده و در صورت استعفا یا عزل و یا فوت وزیر تاتعیین جانشین‌کفالت‌وزارتخانه را بعهده خواهند داشت .

خ ـ وظایف معاون ثابت اداری

۱ ـ تهیه برنامه و اتخاذ سیاست و تدابیر لازم در موردتامین نیروی انسانی مورد نیاز وزارتخانه وایجاد هم آهنگی بین‌فعالیتهای امور کارگزینی وبر قراری اصل لیاقت و شایستگی در مشاغل وزارتخانه بوسیله اجرای مقررات صحیح کارگزینی و طبقه بندی مشاغل و آمارهای استخدامی و تطبیق نیروی موجود با نیروی انسانی مورد نیاز ازطریق آموزش ضمن خدمت وبالاخره طرح و اتخاذ تدابیری که کارمندان را بانجام وظایف شائق سازد از قبیل‌طرحهای مربوط برفاه کارکنان و مقررات انظباطی وتشویقی .

۲ ـ بررسی مداوم در سازمان وروشهای اداره امور‌ـ بنحوی که سازمان وروشها بااحتیاجات وزارتخانه از نظر وظایفی که باید انجام شود منطبق باشد واز نیروی انسانی ووسایل موجود از نظر اقتصادی ووقت حداکثر استفاده بعمل آید و بوسیله حذف تشریفات و مراحل زائد از طریق بررسی جریان کار و تقسیم کار و دیگر وسائل از تکرار عملیات وبطئی جریان امور کاسته شود .

۳ ـ تامین و تدارك ابزار ووسائل کار سازمان های مختلف وزارتخانه باتوجه به نیازمندیها از نظر وظایف واحدهای مختلف و مطالعه در استانداردیزه کردن و بررسی بازارهای بین‌المللی بنحوی که تهیه لوازم باصلاح و صرفه وزارتخانه مقرون باشد .

٤ ـ تامین خدمات مورد نیاز از نظر کمك بانجام فعالیت های عمومی وزارتخانه و آماده نگاه داشتن وسائل کار .

۵ ـ نظارت و تنظیم محاسبات ونگاهداری حساب درآمد و هزینه واجرای بودجه مصوبه وهمچنین کمك درتهیه بودجه.

٦ ـ تنظیم بودجه برنامه‌ای اداری وزارتخانه براساس برنامه‌ها وفعالیتها مصوبه وزارتخانه و پیش‌بینی بودجه لازم برای نیروی انسانی و تدارکات وخدمات وسایر امور ووسائل اداری مربوط باجرای برنامه‌ها وهمچنین بررسی وتنظیم بودجه کل وزارتخانه که توسط حوزه‌های فنی وپستی پیشنهاد میشود و تهیه طرح کامل بودجه وزارتخانه با توجه بسیاست کلی واقتصادی دولت درتنظیم بودجه هرسال و طرح آن درشورایعالی وزارتخانه.

٧ ـ ابلاغ بودجه برنامه‌ای ادارات و تفویض اختیارات مالی وکارپردازی و سایر موارد با توجه باحتیاجات وشرایط کارادارات **بمنظور اجرای بودجه برنامه‌ای ادارات و تفویض اختیارات مالی و** کارپردازی و سایر موارد باتوجه باحتیاجات و شرایط کار ادارات بمنظور اجرای بودجه برنامه‌ای .

٨ ـ ایجاد هم‌آهنگی و توحید فعالیت‌های اداری ازطریق برقراری روابط صحیح بین واحد های مختلف .

٩ ـ شرکت درجلسات شورایعالی وزارتی وطرح مسائل کلی اداری بمنظور اتخاذ تصمیم باتوجه بسیاست کلی وزارتخانه وانجام وظیفه بعنوان دبیر شوری ونظارت دراجرای مصوبات شورای‌عالی.

١٠ ـ شرکت درجلسات شـورایعالی معاونین ثابت اداری وزارتخانه‌ها واجرای مصوبات شورای مذکور با موافقت‌وزیر.

١١ ـ تشکیل وانجام امور ریاست شورای اداری که مسائل اداری وزارتخانه را مورد شور قرار خواهد داد.

وزارت آب و برق

مهندس روحانی



ماده ١ ـ بمنظور حداکثر استفاده ازمنابع آب‌کشور و تامین برق‌کافی برای مصارف شهرها وروستاها و نیازمندی‌های کشاورزی وصنعتی وزارت آب و برق باتشکیلات لازم برای انجام‌وظایف‌اساسی زیر تاسیس میشود :

الف ـ تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرحهای مربوط بتامین آب وانتقال آن بمراکز عمده مصرف .

ب ـ اداره تاسیساتی که طبق بند «الف» این ماده ایجادمیشود وبهره‌برداری ازآنها .

ج ـ نظارت برنحوه استفاده ازمنابع آب‌کشور .

د ـ نظارت برجاری ساختن فاضل‌آب‌شهرها وصنایع .

هـ ـ تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرحهای‌تولید وانتقال‌نیرو بمنظور تاسیس مراکز تولید برق منطقه‌ای وایجاد شبکه‌های فشار قوی سراسری کشور .

و ـ اداره تاسیسات برق که طبق بند «هـ» این ماده‌ایجاد میشود و بهره‌برداری ازآنها.

ز ـ نظارت برنحوه استفاده ازنیروی برق ازطریق وضع مقررات و موازین لازم.

ماده ٢ ـ سازمان آب تهران وبنگاه برق تهران و بنگاه‌مستقل آبیاری و سازمان‌برق ایران و سایر سازمان‌های دولتی که برای احداث و بهره‌برداری ازسدها ومنابع آب‌کشور بوجود آمده‌اند طبق اساسنامه و مقررات خاص خود اداره وبهره‌برداری‌شده‌ووزارت آب و برق مسئول انجام وظایف‌واختیارات‌سایر‌وزارتخانه‌هاوموسسات دولتی وشهرداری‌ها وسازمان برنامه درموسسات مذکور خواهدبود. اختیارات و وظایف وزارتخانه ها و موسسات دولتی و سازمـان برنامه وشهرداریها درسازمان‌های مذکور تدریجا طبق تصویب‌نامه هیئت وزیران بوزارت آب و برق واگذار خواهد شدوتغییرات لازم دراساسنامه سازمان‌هائی که وظایف‌آن‌ها بوزارت‌آبادانی‌ومسکن واگذار میشود به‌پیشنهاد وزارت آب و برق و تصویب هیئت‌وزیران بعمل خواهد آمد .

ماده ٣ ـ بوزارت آب و برق اجازه داده میشودکه دراجرای وظایف موضوع بند های «ب» و «و» ماده ١ این قانون موساتی را که طبق اصول بازرگانی اداره خواهند شد بوجود آورد .اساسنامه موسسات مزبور ازطرف وزارت آب و برق تهیه و به‌تصویب‌هیئت وزیران خواهد رسید .

ماده ٤ ـ آئین‌نامه‌های اجرائی این قانون توسط وزارت‌آب وبرق تهیه و پس از تصویب هیـئت وزیران بموقع‌اجراء گذارده خواهد شد .

ماده ۵ ـ دولت مامور اجرای این قانون میباشد .



وزارت آبادانی و مسکن

دکتر نهاوندی

ماده ۱ ــ بمنظور ایجاد تمرکز و هماهنگی در تهیه و اجرای برنامه ها و طرحهای ساختمانی و تهیه مسکن وهمچنین جهت تهیه واجرای طرحهای شهرسازی و دهسازی و طرحهای آبادانی وزارت آبادانی و مسکن با تشکیلات لازم برای انجام وظایف اساسی زیر تاسیس میگردد .

الف ــ تهیه و اجرای طرحها وبرنامه های تهیه مسکن وخانه های سازمانی .

ب ــ تهیه و اجرای طرحهای ساختمانی وزارت خانه‌ها و موسسات دولتی .

ج ــ تشریك مساعی باشهرداریها به منظور تهیه و اجرای طرحهای آبادانی شهرها .

د ــ نظارت بر توسعه شهرها از طریق تشریك مساعی در تهیه نقشه شهر .

ه ــ تشریك مساعی با مراجع وسازمان های مربوط در تهیه واجرای برنامه های دهسازی .

و ــ تنظیم موازین و مشخصات فنی برای طرحهای‌تهیه مسکن‌و امور شهر سازی و دهسازی وساختمان های دولتی .

ز ــ تهیه واجرای طرحهای ساختمانی که برای آنها سازمان مجهز دولتی وجود ندارد .

تبصره ــ تشخیص ساختمان هائی که مشمول بند ب این ماده میباشند بموجب آئین نامه‌ای خواهد بود که از طرف وزارت آبادانی و مسکن تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

ماده ۲ ــ بوزارت دارائی اجازه داده‌میشود سهام بانك ملی ایران در بانك رهنی ایران را خریداری کند . ازتاریخ‌تاسیس وزارت آبادانی و مسکن وزیر آبادانی و مسکن نماینده سهام دولت دراین بانك خواهد بود .

ماده ۳ ــ بانك ساختمانی مکلف است ظرف سه‌ماه از تاریخ تصویب این قانون کلیه عملیات بانکی خود را به‌تشخیص شورای پول واعتبار طبق بند ۲ ماده ۵۸ قانون بانکی وپولی کشور قطع کند . بانك مزبور پس‌از قطع عملیات بانکی بنام سازمان مسکن بصورت یکی از موسسات تابعه وزارت آبادانی و مسکن مسئول‌اجرای طرحهای ساختمانی و تهیه مسکن خواهد بود .

سازمان مسکن که دارای کلیه حقوق واختیارات قانون بانك ساختمانی و مسئول کلیه تعهدات آن خواهد بود تسویه امور مربوطبه معاملات بانکی را به‌بانك رهنی ایران محول خواهد کرد و بانك رهنی ایران تسویه امور مزبور را طبق مقررات بحساب سازمان‌مسکن تحت نظارت شورای پول واعتبار انجام خواهد داد .

تبصره ــ تغییراتی که باید بمنظور فوق و برای حسن جریان امور سازمان مسکن در اساسنامه بانك ساختمانی داده شودبه پیشنهاد وزارت آبادانی و مسکن وتصویب هیئت وزیران قابل اجراء خواهد بود .

مادام که تغییرات لازم دراساسنامه مزبور بعمل نیامده‌است وزیر آبادانی و مسکن دارای اختیارات مدیر عامل بانك‌ساختمانی خواهد بود .

ماده ٤ ــ پس از تشکیل وزارت آبادانی و مسکن سازمان خانه سازی موضوع تصویبنامه قانونی شماره ۸۲٤ مورخ ۱۹ر۱ر٤۲ منحل‌و تصفیه امور آن به وزارت آبادانی و مسکن محول خواهد گردیدپس از انجام امر تصفیه خالص دارائی سازمان مزبور به دارائی سازمان مسکن اضافه خواهد شد .

تبصره ــ کلیه تعهداتی که تاتاریخ انحلال سازمان خانه سازی از طرف این سازمان و هیئت پنج نفری مذکوردرتصویبنامه قانونی شماره ۸۲٤ مورخ ۱۹ر۱ر٤۲ در حدود تصویبنامه قانونی مزبور بعمل آمده است معتبر بوده وتا مرحله انجام طبق مقررات واختیارات بوسیله وزارت آبادانی و مسکن دنبال خواهد شد وبرای اجرای مفاد این تبصره وزیر آبادانی و مسکن دارای کلیه‌اختیارات هیئت مذکور خواهد بود .

ماده ۵ ــ از تاریخ تصویب این قانون اجرای تصویبنامه قانونی شماره ۲۵٦٤۸ مورخ ۱۱ر۷ر۱۳٤۱ در باره تشکیل شورای مسکن موقوف میشود .

ماده ٦ ــ کلیه وزارتخانه ها وموسسات دولتی مکلفندبرای تهیه واجرای طرحهای ساختمانی مورد نیاز خود موضوع بند ب ماده ۱ این قانون بوزارت آبادانی و مسکن مراجعه نمایند .

وزارت‌آبادانی و مسکن طرح مورد تقاضا را تهیه و پس‌ازتامین اعتبار از طرف وزارتخانه ها یاموسسه مزبور اجرا خواهد کرد .

تبصره ــ وزارت آبادانی و مسکن میتواند در هر موردکه‌مناسب تشخیص دهد تهیه وتنظیم اجرای طرحهای موضوع بندب ماده ۱ این قانون را بموسسات مربوط واگذار نماید .

ماده ۷ ــ اجرای طرحهای شهرسازی موضوع تبصره ماده ۱۹ تصویبنامه قانونی برنامه عمرانی سوم کشور وهمچنین تهیه واجرای کلیه طرحهای مربوط به فعالیت های عمرانی شهرداریها و موسسات وابسته بآنها و موسسات عمومی و عام‌المنفعه موضوع ماده ۲۱تصویب نامه قانونی مزبور بعهده وزارت آبادانی و مسکن محول می شود .

وزارت آبادانی و مسکن مکلف است برای تامین اعتبارات لازم طرحهای مزبور را به تصویب سازمان برنامه برساند . سازمان برنامه ضمن واگذاری طرحهای مزبور کلیه اسناد و مدارك مربوط را در اختیار وزارت آبادانی و مسکن قرار دهد .

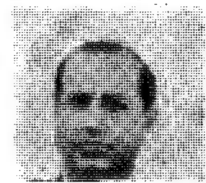
تبصره ۱ ــ آن عده از کارمندانی که در تاریخ تصویب این قانون در مدیریت اجرائی شهر سازی سازمان برنامه مشغول خدمت میباشند طبق تقاضای وزارت آبادانی و مسکن وتوافق سازمان برنامه باین وزارت مامور خواهند شد . وزارت آبادانی و مسکن حقوق‌و مزایای کارمندان مزبور را براساس آئین نامه استخدامی سازمان برنامه خواهد پرداخت .

تبصره ۲ ــ وزارت آبادانی و مسکن مجری طرح دفاتر فنی سازمان برنامه دراستانها خواهد بود .

ماده ۸ ــ بنگاه مهندسین سازمان برنامه باکلیه‌کارکنان‌واموال واعتبارات و تعهدات خود بـه وزارت آبادانی و مسکن منتقـل می شود .

ماده ۹ ــ آئین نامه های اجرائی این قانون پس از تصویب هیئت وزیران قابل اجرا خواهد بود .

ماده ۱۰ ــ دولت‌مامور اجرای این قانون میباشد .



وزارت اطلاعات

نصرت‌اله معینیان

۱ ــ لایحه تاسیس

ماده ۱ بمنظور شناساندن تمدن وفرهنگ کشوروهدایت افکار عمومی‌وتمرکز کلیه امور ووسائل تبلیغاتی وانتشاراتی وزارت‌اطلاعات باتشکیلات لازم برای انجام وظایف اساسی زیر تاسیس میشود:

الف ــ تهیه واجرای برنامه های انتشاراتی و تبلیغاتی دولت در داخل و خارج کشور .

ب ــ بهره‌برداری از فرستنده های رادیو وتلویزیون در کشور.

پ ــ نظارت درامور مربوط به‌فیلم سینما و نمایش .

ت ــ تهیه و توزیع فیلمهای مستند و خبری .

ث ــ انجام تبلیغات سمعی و بصری وزارتخانه ها وسازمان‌های دولتی .

ج ــ اجرای قانون مطبوعات .

چ ــ اداره امور مربوط به توزیع آگهی های دولتی .

تبصره ــ وزارت اطلاعات مکلف است حداکثر ظرف سه ماه پس از تاریخ تصویب این قانون آئین نامه لازم برای اجرای وظایف مذکور در بند پ راتهیه و برای تصویب هیئت وزیران تقدیم نماید. مادام که آئین نامه مذکور به تصویت هیات وزیران نرسیده است نظارت بر امور فیلم سینما و نمایش طبق مقررات موجود اجراء خواهد شد .

ماده ۲ ــ مجموع وظائف واختیارات اداره کل انتشارات و رادیو بوزارت اطلاعات واگذار میشودوکلیه کارکنان‌وبودجه‌ودارائی وتعهدات اداره مزبور بوزارت اطلاعات منتقل میگردد .

ماده ۳ ــ سه ماه پس‌از تصویب این قانون کلیه وظائف محوله بوزارت‌کشور وسایر وزارتخانه هاوموسسات دولتی در قانون‌مطبوعات در تهران و شهرستانها بعهده وزارت اطلاعات واگذار میشود .

ماده ٤ ــ ماده دوم قانون تمرکز وتوزیع‌آگهی‌های دولتی‌مصوب ۱۳ تیرماه ۱۳۳٦ باین شرح اصلاح میشود :

موسسات و سازمانهای دولتی ووابسته بدولت درشهرستانهائی که ادارات وزارت اطلاعات وجود دارد آگهی‌ها رابرای چاپ وانتشار در جراید کثیرالانتشار محلی مستقیما باداره نامبرده در محل ارسال میدارند و در شهرستانهائی که وزارت اطلاعات وجودنداردکمیسیونی مرکب از فرماندار ــ رئیس دادگستری و رئیس دارائی یانمایندگان آنها تشکیل وبا در نظر گرفتن وضع روزنامه های محلی آن‌قسمت‌از آگهی ها را که‌امکان انتشارشان در جرائد محلی‌میسراست درمحل چاپ و منتشر مینمایند و بقیه را برای درج وانتشار درروزنامه‌های کثیرالانتشار تهران بوزارت اطلاعات ارسال خواهند داشت‌فرمانداری ها مکلفند صورت جلسه کمیسیون را برای اطلاع وزارت اطلاعات ارسال دارند .

ماده ٥ ــ چاپخانه سازمان مرکزی شرکتها وابسته بوزارت اقتصاد با کلیه دارائی آن بوزارت اطلاعات منتقل میشود .

ماده ٦ ــ از تاریخ تصویب‌این قانون تاسیس واداره‌فرستنده‌های رادیو و تلویزیون در انحصار دولت میباشد.برنامه‌های‌تلویزیون‌موجود غیر دولتی تابع مقرراتی خواهد بود که از طرف وزارت اطـلاعات وضع میشود .

ماده ۷ ــ آئین نامه های اجرائی این قانون توسط وزارت اطلاعات تهیه وپس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا گذارده می شود .

ماده ۸ ــ دولت مامور اجرای این قانون است .

۲ ــ هدفها

ترویج روح وطنخواهی واحساس مسئولیت در مردم ایران برای نیل به آرمان های ملی .

ایجاد روح همکاری در مردم ایران و میل بشرکت دربرنامه‌های اساسی و اجتماعی کشور خود .

آگاه ساختن ملت ایران از وقایع وتحولات ایران .

آگاه ساختن ملت ایران از وقایع تحولات جهان

آگاه ساختن مردم جهان از وقایع وتحولات ایران .

۳ ــ تاریخچه

پیش از آنکه‌وزارت اطلاعات و پیش‌تر اداره کل‌انتشارات و رادیو باوسعت فعلی تشکیل شود ،اداره رادیو وسازمان‌وابسته بآن و تشکیلاتی که آن را اداره میکرد بسیار کوچك وابتدائی‌بود.مطالعه این تاریخچه شما راباپیشرفتهای سیستماتیك ومعقول‌دانه‌ای‌که امروز بشکل درخت باروری در آمده‌است آشنا میسازد .

روز چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ نخستین فرستنده‌ی رادیو ایران گشایش یافت بکار افتادن این فرستنده در زمان سلطنت‌رضاشاه کبیر بدست والاحضرت همایون محمدرضا پهلوی ولیعهد وقت (شاهنشاه امروز ایران) انجام گرفت و مردم تهران وبرخی از شهرستانهای نزدیك توانستند برنامه هـای رادیوی کشور خود را بشنوند .

درآن مواقع نیروی فرستنده‌های رادیو در ایران مختصر به یکدستگاه موج کوتاه بقدرت ۳۲ کیلووات ویکدستگاه موج متوسط بقدرت ۲ کیلووات بود که در شبانه روز پنج ساعت برنامـه بوسیله آنها پخش میشد یکدستگاه ۲۰ کیلوواتی‌موج کوتاه دیگرهم‌خریداری شد ولی بر اثر قطع راههای ارتباطی براثر جنگ دوم‌تکمیل آن تا مهرماه ۲۷ بتعویق افتاد . شعله‌ورشدن آتش جنگ دوم جهانی‌درایران بیطرف ، پیشرفتهای رادیو هم مانند بسیاری از فعالیتهای دیگر این کشور متوقف گردید و چند سال تقریبا به همان وضع باقی‌ماند.

برنامه های رادیو تهران در آغاز از یك استودیو که درجاده‌ی قدیم شمیران بود پخش میشد .

در سال ۱۳۲۷ یك استودیوی کوچك در میدان ارك ساخته شد که اخبار دربرخی اوقات از این استودیو پخش میگردید در سال ۱۳۲۰ دو استودیوی دیگر در کنار این استودیو ساخته شد لکن در برنامه های رادیو تحولات اساسی و مهمی پدید نیامد .

رستاخیز عظیم و درخشان ملت ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲و بر قراری آرامش و ثباتی که در کشورما حکمفرما شدسبب‌گردیدکه طرحهای عمرانی و آبادانی با سرعت هرچه بیشتر بمرحله‌ی‌اجرادرآید وایران در راه تکامل وترقی گامهای بلندی‌بردارد .

همگام با پیشرفتهای ایران در زمینه شئون مختلف اجتماعی، فرهنگی ، کشاورزی ، بهداشتی ، صنعتی وارتباطات دستگاه‌انتشارات و رادیو نیز بموفقیتهای درخشانی نائل آمد از سال ۱۳۳۲ رادیوایران مرحله‌ی نوینی را آغاز کرد وتوانست باتوسعه وتقویت‌مداوم بسیاری از برنامه های اجتماعی وآموزشی خودرا بنحو بهتر و موثرتری‌اجرا نماید.ضمن تقویت دستگاه های فنی وفرستنده‌ها وتوسعه‌ی‌شبکه‌رادیوئی کشور ، رادیو ایران در زمینه آموزش عمومی بمنظور بالابردن سطح معلومات تمام طبقات مردم کوشش های ارزنده‌ای بکار برد .

همزمان با نهضت عظیمی که ملت ایران برای تجدید بنـای عظمت و مدنیت کهن واصیل خود برهبری شاهنشاه آغاز کرده‌است دستگاه انتشارات ورادیو برنامه های خود رابراساس هماهنگی بـا انقلاب سفید و مقدس شاه و مردم تهیه و تنظیم کرده است.

هنگام‌تحولات اساسی و جدید ایران که بااجرای قانون‌اصلاحات ارضی مرحله‌ی تازه‌ای بخود گرفت رادیو ایران همواره نقش خودرا در هماهنگ کردن و آگاه ساختن مردم در راه این تحول بـزرگ ایفا کرد .

٤ ــ رادیو ایران

بدنبال موفقیتهای سریعی که در تمام رشته های مختلف نصیب مردم ایران میشد لزوم گسترش رادیو ایران مورد توجه‌قرار گرفت زیرا دستگاه انتشارات ورادیو مهمترین عاملی بودکه‌میتوانست کشور باستانی ما را بدانگونه که هست بجهانیان بشناساند و مردم ایران را در جریان پیشرفتهای مختلف کشورشان بگذارد.

در سال ۱۳۳۲ استودیوی شماره یك رادیو تهران با مـوج متوسط ۲٤۰ متر بکار افتاد از آن پس اهمیت کار انتشارات ورادیو مورد توجه عموم قرار گرفت .

درسال۱۳۳٥دستگاه دو کیلوواتی رادیو تهران به پنجاه‌کیلووات

وسال بعد به‌یکصد کیلووات تبدیل گردید و مقدمات ایجادشبکه‌رادیو ایران فراهم شد .

رادیو ایران هم اکنون چهار فرستنده‌ی نیرومند بقدرتهای یکصد کیلوواتی موج متوسط یکصدکیلوواتی‌موج کوتاه‌و۲۰کیلوواتی موج‌کوتاه وپنجاه کیلوواتی موج متوسط دراختیار دارد و بزودی‌سه دستگاه فرستنده یکصد کیلوواتی نیزکه نصب آنها پایان پذیرفته‌است مشغول کار خواهند شد درحال حاضر سه‌دستگاه‌ازفرستنده‌های‌موجود درتمام مدت بیست و چهارساعت برنامه اجرا میکنند و از فرستنده پنجاه کیلوواتی موج متوسط برنامه های جالبی که بیشتر جنبه های علمی وهنری دارد بنام برنامه دوم (رادیوتهران) برای روشنفکران ودانش‌پژوهان برنامه پخش میکند . تحولی‌که‌درکارتهیه و تنظیم برنامه‌های رادیو ایران قبلاتهیه وکنترل میشود وبرای‌پخش آماده میگردد تنها اخبار است‌که بطور آزاد و بـاصطلاح (زنده) پخش میشود .

۱ـ۴ـ ساختمان

همزمان با افزایش قدرت نیروی فرستنده‌ها بنای تازه‌ای بمساحت ۷۵۰ مترمربع ساخته شد که دارای یك استودیوی‌بزرگ وسه‌استودیوی معمولی است ، شاهنشاه روز چهارم اردیبهشت۱۳۳۸ ساختمان مزبور و استودیوهای جدید را گشودند وازآن‌پس‌رادیو ایران فعالیت تازه‌ای را آغازکرد .

درسال ۱۳۳۹ یك استودیو بزرگ دیگر با تجهیزات کـامل وچند استودیوی معمولی‌ساخته شدکه روزچهارم اردیبهشت ۱۳۴۰ بمناسبت آغاز بیست و دومین سال فعالیت رادیوایران‌بوسیله‌شهبانوی ایران‌گشایش یافت .

۲ـ۴ـ استودیوها

رادیو ایران اکنون دارای ۱۴ استودیو است‌که‌هریك بـــا مدرن‌ترین وسائل ولوازم امروزی جهان مجهزند.دواستودیوی‌بزرگ رادیو ایران هریك‌گنجایش ۱۵۰تا۲۰۰ نفر تماشاچی را دارد و مخصوص اجرای برنامه‌های موسیقی ، نمایش ، مسابقه‌های متنوع وسایر برنامه‌های تفریحی وسرگرم‌کننده است .

رادیوهای استانها نیز دارای استودیوهای مجهز میباشد و برنامه‌های متنوع خود را ازاین استودیوها پخش میکنند.

برای اینکه ازقطع صدای رادیو که‌درگذشته بعلت خـراب کردن خیابانها و قطع‌کابل ارتباطی پیش میآمد جلوگیری شده‌باشد بایجاد ارتباط میان استودیوهای رادیو ایران و محل‌فرستنده‌های بی‌سیم قصر اقدام شد و با این عمل مفید باردیگر موفقیت شایانی نصیب رادیو ایران گردید .

۳ـ۴ـ برنامه‌ها

رادیو ایران برنامه‌های متنوع خود را همگام با نهضت مقدس وعظیم ملت ایران تهیه و تنظیم میکند و بااستفاده‌ازوجوددانشمندان ونویسندگان و هنرمندان کوشش‌کرده است درنمایاندن‌پیشرفتهای مملکت و ایجاد امید وایمان درمیان تمام طبقات مختلف‌مردم‌کشور نقش اساسی خود را ایفانماید ودراین‌راه بموفقیتهای درخشانی‌نائـل آمده است .

علاوه بربرنامه‌های موسیقی ، برنامه‌های ادبی ، تاریخی ، اجتماعی ، وهنری رادیو ایران طرفداران زیادی دارد وشنوندگان رادیو ایران ضمن مکاتبات‌دائمی خود این برنامه‌ها را تائید میکنند.

رادیو ایران تصمیم‌گرفت برای اشاعه هرچه بیشتر زبان‌فارسی با توجه به‌تعداد شنوندگان‌ایرانی درکشورهای افغانستان ، پاکستان، هندوستان و سایر کشورها درتنظیم برنامه‌های خود نهایت دقت‌وتوجه کافی را مبذول دارد تا لغات وکلمات با دستور زبان فارسی‌مطابقت داشته باشد و بسهم خود درپیشرفت‌وگسترش زبان باستانی‌ما موثر واقع شود .

همچنین بمنظور اینکه رادیو ایران علاوه برنقش ارشـادی خود همگام با افکار عمومی پیش برود به‌تشکیل قسمت «سنجش‌افکار وعقاید شنوندگان رادیو ایران» مبادرت شد . تا نظرات‌شنوندگان رادیو را درمورد برنامه‌های مختلف گردآوری کند .

این قسمت تنها درسال ۱۳۴۱ ضمن جمع‌آوری عقاید ونظریات شنوندگان با ۱۳۹۶۴ خانوار درتهران درتماس بوده ونظر آنها را پیرامون برنامه‌های رادیو ایران خواسته است واکثریت آنان این برنامه‌ها مورد تایید قرارداده‌اند با اینحال رادیو ایران میکوشد تا تنوع بیشتری دربرنامه‌های خود بجادکند .

۴ـ۴ـ تعاون اجتماعی

ازتیرماه ۱۳۳۹ برنامه‌های رادیو ایران ۲۴ ساعته شد و از نیمه‌شب ببعد سرویس تعاون اجتماعی خود را براه انداخت. ازساعت ۱۲ صبح هرکس ازهرجای تهران به‌پزشك یا دارو نیاز داشته باشد کافی است‌که به شماره ۲۷۰۰۰ رادیو ایران تلفن کند و آدرس خود وگرفتاری خویش را بگوید .

این سرویس با همکاری پزشکان مردم دوست فورا بمددبیمار می‌شتابد و یا سرویس‌های امدادی را بیاری آنان میفرستند . این خدمت بزرگ واقعا بسیاری از خطرهای ناگهانی و احتیاجات‌فوری مردم را دردل شب مرتفع میسازد .

۵ـ۴ـ برنامه های خارجی

درتیرماه ۱۳۴۰ قسمت برنامه‌های خارجی رادیو ایران تاسیس شد . این قسمت روزانه اخبار و گفتارهای مفیدی را بزبانهای انگلیسی،فرانسه، عربی،ترکی ، روسی وارد و ترجمه و دربرنامه‌های مخصوص هریك از زبانها همراه با موسیقی پخش‌مینماید رادیوایران وسیله قسمت مبادلات بین‌المللی خودکه درفروردین ماه سال۱۳۴۰ تاسیس شد همواره ازآهنگها و اطلاعات رادیوئی کشورهای‌خارجی استفاده میکند و بمبادله آهنگها واطلاعات رادیوئی اقدام مینماید، این قسمت با موسسات وابسته بهرادیوها در تمام کشور ها از قبیل باشگاههای دی‌اکس ارتباط برقرار ساخته است.

تحولی‌که دراین چند سال اخیر درامور رادیوئی کشوربوجود آمد بیشك دربالا بردن سطح معلومات عمومی وشناساندن‌هرچه‌بیشتر کشور کهنسال ایران بجهانیان تاثیر بسزائی داشته است.طبق‌آماریکه بدست آمده هم‌اکنون صدای ایران بسرتاسرگیتی میرسدوشنوندگان رادیو ایران علاوه بربحرین، قطر ودوبی‌ازکشورهای‌سوئد،انگلستان، آلمان‌غربی ، زلاندجدید، فنلاند، ژاپن، دانمارك، آمریکای شمالی، سواحل اقیانوس اطلس ، نروژ،هلند، اسکاتلند ، ایرلند، پاکستان ، ایتالیا ، بلژیك ، فرانسه،هندوستان ، اتحاد آفریقای جنوبی ،برزیل، آلمان‌شرقی ، ترکیه ، اندونزی،چین‌ملی،قاره‌استرالیا،چکواسلواکی، عراق ، سوریه ، تونس الجزایر ،مراکش ، لیبی ،کویت ،اسپانیا، لوکزامبورك ، سویس ، یوگسلاوی ، افغانستان ، زنگبار ، لبنان، مالایا ، اسرائیل ،مصر ، کانادا،اطریش،عربستان سعودی برمه و شوروی با رادیوایران مکاتبه دارند و پیرامون مسائل مختـلف بحث میکنند .

۵ ـ رادیو استانها

بمنظورگسترش شبکه رادیوئی کشور درمراکز آستانها نیـز رادیوهای محلی تاسیس شد تا علاوه از رادیو تهران بوسیله‌اجرای برنامه‌های محلی نسبت به‌بالابردن سطح معلومات عمومی مردم‌استانها کمکهای موثری شده باشد بدین ترتیب درسال ۱۳۲۵ نسبت‌به‌توسعه رادیو تبریزکه مقدمات تاسیس آن درسال ۱۳۲۴ فراهم شده‌بوداقدام گردید و بدنبال آن درسالهای بعد درمراکز سایر استانها رادیوهای محلی تاسیس و شروع بکار کردند .

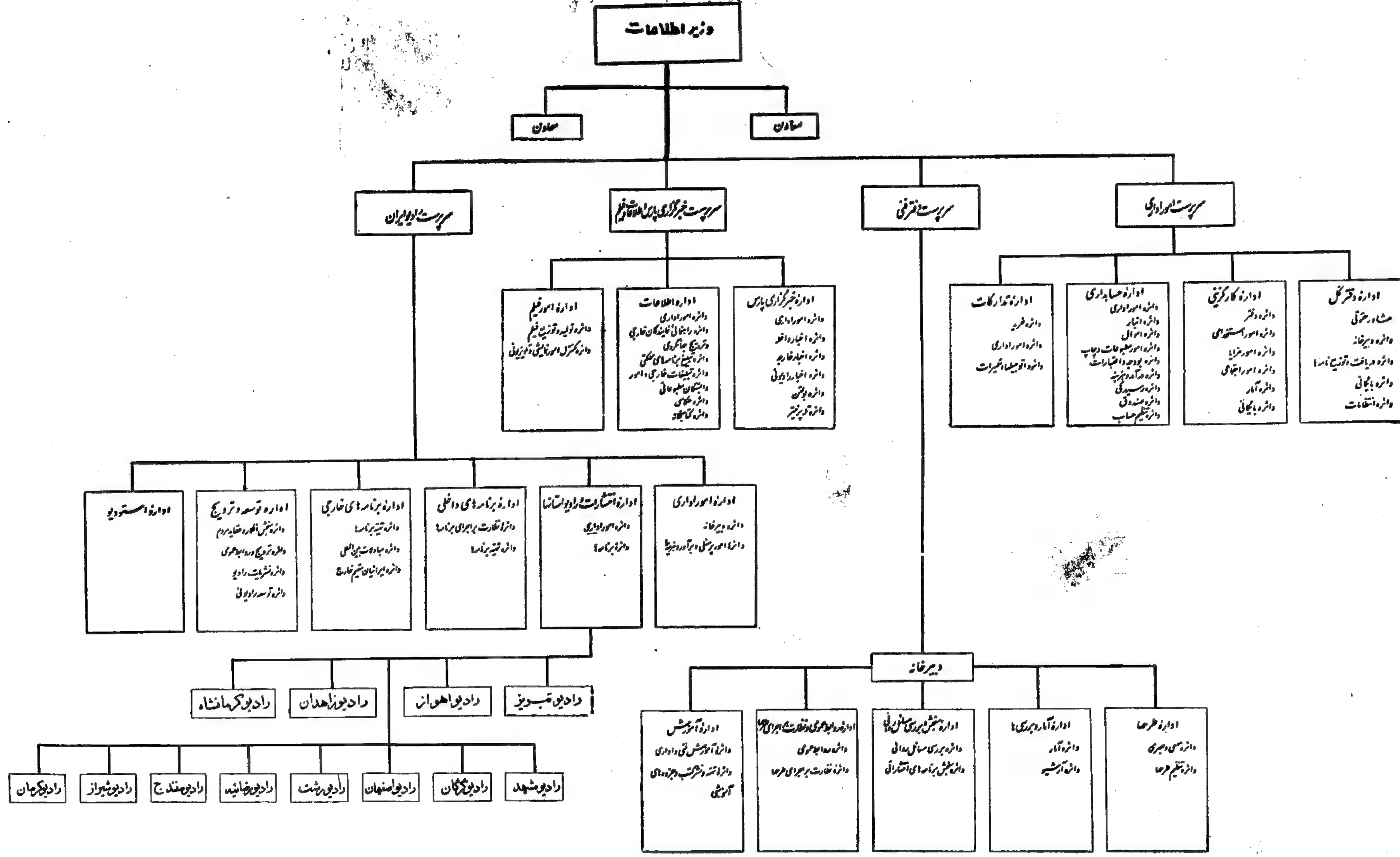
همزمان با پیشرفت رادیو ایران طی سالهای اخیر اقداماتی جهت تکمیل فرستنده‌های رادیو استانها بعمل‌آمد . هم‌اکنون‌درمراکز ۱۲ استان کشور (رشت ـ گرگان‌ـ تبریزـ رضائیه‌ـ کرمانشاه ـ اهواز ـ شیراز ـ کرمان ـ مشهدـ اصفهان‌ـ سنندج و زاهدان) فرستنده‌های محلی مشغول کارند و با اقداماتیکه ازطرف اداره‌کل انتشارات و رادیو بعمل آمد کلیه استودیوهای آنها بوسائل فنی مدرن مجهز شده‌اند و برای چهار استان خوزستان ـ کردستان ـ خراسان‌واصفهان ساختمانهای جدید با استودیوهای‌کامل طبق‌احتیاجات آنها ساخته شد و اینك دربـاره هـریـك بطور جداگانـه اطلاعات مختصری درزیر شرح داده میشود .

۱ـ۵ـ رادیو استان اول (رشت)

رادیو رشت در ۱۱ اسفند ۱۳۳۵ تاسیس و از اوائل سال ۱۳۳۶ رسما شروع بکار نمود قدرت فرستنده رادیوگیلان یك‌کیلووات‌واز نوع‌کولینز آمریکائی است .

رادیو رشت برنامه روزانه خود را روی موج متوسط۱ر۴۴۱ متر برابر با ۶۸۰کیلو سیکل دردو بخش یکی ازساعت ۹ تا ۱۲ ودیگری ازساعت ۱۶ تا ساعت ۲۱ پخش مینماید .

برنامه‌های رادیو رشت علاوه برپخش موسیقی شامل‌برنامه‌های آموزنده ومتنوعی برای جوانان ـ کودکان‌ـ کشاورزان‌ـ بانوان، وکارگران است .


وزیر اطلاعات
معاون
معاون
سرپرست امور اداری
سرپرست دفتر فنی
سرپرست خبرگزاری پارس اطلاعات و فیلم
سرپرست رادیو ایران
اداره دفتر کل
مشاور حقوقی
دائره دبیرخانه
دائره دریافت و توزیع نامه ها
دائره بایگانی
دائره انتقالات
اداره کارگزینی
دائره دفتر
دائره امور استخدامی
دائره امور مزایا
دائره امور اجتماعی
دائره آمار
دائره بایگانی
اداره حسابداری
دائره امور اداری
دائره انبار
دائره اموال
دائره امور مطبوعات و چاپ
دائره بودجه و اعتبارات
دائره درآمد و هزینه
دائره رسیدگی
دائره صندوق
دائره تنظیم حساب
اداره تدارکات
دائره خرید
دائره امور اداری
دائره اتومبیلها و تعمیرات
اداره خبرگزاری پارس
دائره امور اداری
دائره اخبار داخله
دائره اخبار خارجه
دائره اخبار رادیوئی
دائره بولتن
دائره تله پرینتر
اداره اطلاعات
دائره امور اداری
دائره راهنمائی نمایندگان خارجی
و ترویج جهانگردی
دائره تبلیغ برنامه های محلی
دائره تبلیغات خارجی و امور
دبستان مطبوعاتی
دائره عکاسی
دائره کتابخانه
اداره امور فیلم
دائره تولید و توزیع فیلم
دائره کنترل امور نمایش و تلویزیونی
اداره امور اداری
دائره دبیرخانه
دائره امور پرسنلی و برآورد هزینه ها
اداره انتشارات و رادیو استانها
دائره امور اداری
دائره برنامه ها
اداره برنامه های داخلی
دائره نظارت بر اجرای برنامه ها
دائره تهیه برنامه ها
اداره برنامه های خارجی
دائره تهیه برنامه ها
دائره مبادلات بین المللی
دائره ایرانیان مقیم خارج
اداره توسعه و ترویج
دائره سنجش افکار و عقاید مردم
دائره ترویج و روابط عمومی
دائره نشریات رادیو
دائره توسعه رادیوئی
اداره استودیو
رادیو تبریز
رادیو اهواز
رادیو زاهدان
رادیو کرمانشاه
رادیو مشهد
رادیو گرگان
رادیو اصفهان
رادیو رشت
رادیو رضائیه
رادیو سنندج
رادیو شیراز
رادیو کرمان
دبیرخانه
اداره طرحها
دائره بررسی و جبری
دائره تنظیم طرحها
اداره آمار و بررسی ها
دائره آمار
دائره آرشیو
اداره سنجش و بررسی مسائل رادیوئی
دائره بررسی مسائل صدائی
دائره سنجش برنامه های انتشاراتی
اداره روابط عمومی و نظارت بر اجرای طرحها
دائره روابط عمومی
دائره نظارت بر اجرای طرحها
اداره آموزش
دائره آموزش فنی و اداری
دائره تهیه و نشر کتب و جزوه های
آموزشی

برنامه های در مکتب استاد ــ کتاب روح بشر ــ ایران درآئینه زمان ــ در پیشگاه عدالت ــ دربزم سخنوران ــ جهان‌هنر ــ ادبیات و هنر و صدای شاعر از برنامه هائی هستند که ضمن‌نواختن‌آهنگهای جالب و موسیقی های محلی ازرادیو رشت پخش میشوند .

طبق آماریکه بدست آمده هم‌اکنون تقریبا تعداد شصت‌و پنج هزار دستگاه گیرنده رادیو دراستان گیلان موجود است و بطور تقریب دویست هزار نفر شنونده محلی دارد .

۳ـ رادیو گرگان

رادیو گرگان روز بیست وهشتم مرداد ۱۳۳۸ گشایش یافت‌وکار خود را رسما آغاز نمود . صدای رادیو گرگان در آغاز بوسیله یك فرستنده یك کیلوواتی موج متوسط ازنوع کولینزپخش میشد ولی براثر اقداماتی که بعمل آمد از بیستم خرداد ماه ۱۳۴۰ علاوه بر استفاده از فرستنده یك کیلوواتی ــ از فرستنده چهار صد واتی موج کوتاه دیگری که از نوع هالی کرافتر است نیز استفاده میکنند.

هم‌اکنون برنامه های رادیو گرگان بر روی هردو فرستنده با موج متوسط ردیف ۲۰۶٫۸ متر برابر با ۱۴۵۰ کیلوسیکل در ثانیه (یك کیلوواتی) و موج کوتاه ردیف ۴۵٫۸ متر برابر ۶۷۵۰ کیلوسیکل در ثانیه (۴۰۰ واتی) پخش میشود .

رادیو گرگان دواستودیو مجهز در داخل داردوازیك‌استودیوی موقت دیگر در محل اداره پست و تلگراف استفاده میکند این رادیو هر روز چهار ساعت برنامه پخش میکند که از ساعت ۱۷ شروع‌وتا ساعت ۲۱ ادامه دارد و دوساعت آن به‌برنامه های ترکمنی اختصاص داده شده است . طبق آمار واصله هر۱۵ نفر از مردم گرگان‌یکدستگاه رادیو خریداری کرده‌اند و بیش از هشتاد درصد از مردم بخصوص ترکمنها از شنوندگان دائمی‌رادیو گرگان هستند .

۴ـ رادیو تبریز

مقدمات تشکیل اداره انتشارات و رادیو آذربایجان شرقی ــ تبریز در سال ۱۳۲۴ فراهم شد واز ۱۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۵ تاسیس‌یافت و از ۲۱ آذر ۱۳۲۵ نسبت به تکمیل آن اقدام‌گردید.

رادیو تبریز دارای دو فرستنده است‌یکی ساخت کارخانهR·C·A بقدرت ۷٫۵ کیــلووات باموج کوتاه ردیف ۴۸٫۹ متر برابر با۶۱۵۵ کیلو سیکل و دیگری که از نوع کول‌لین آلمانی است بقــدرت پنج کیلووات با موج متوسط ۴۶۱٫۵ متر برابر با ۶۵۰ کیلوسیکل در ثانیه .

رادیو تبریز دارای دو استودیوی مجهز است که یکی بــرای ضبط برنامه ها و دیگری برای پخش برنامه ها مورد استفاده قرار می گیرند .

این‌رادیو در حال حاضر روزانه ۱۱٫۴۵ ساعت برنامه در سه بخش اجرا میکند بخش اول هر روز از ساعت ۶٫۳۰ تا۹بامداد ــ بخش دوم از ساعت ۱۱ تا ساعت ۱۵٫۴۵ و بخش سوم از ساعت ۱۷ تا ۲۲ میباشد .

رادیوتبریزروزانه حدود دو ساعت برنامه بلهجه محــلی و نیم ساعت بزبان ارمنی ۱۵ دقیقه بزبان روسی و بقیه برنامه خود رابزبان فارسی پخش میکند .

برنامه های رادیو تبریز علاوه بر موسیقی های محلی و ایرانی واخبار شامل گفتارهائی در باره مسائل آموزنده مذهبی‌ــ‌اجتماعی‌ــ فرهنگی ــ بهداشتی ــ ادبی ــ تاریخی ــ علمی ــ جغرافیائی ــ تفریحی و سرگرم کننده‌است .

این رادیو روزهای جمعه (بزم جمعه) را بمدت ۳٫۵ ساعت از ساعت ۸ تا ۱۱٫۵ بطور فوق‌العاده بلهجه محلی شامل‌قطعات‌فکاهی‌ــ نمایشنامه ــ مسابقه وداستانهای کوتاه مدت اجرا میکند. رادیو تبریز برنامه های دیگری بنام (در پیشگاه عدالت ــ ایران در آئینه‌زمان‌ــ خدمتگزاران بشر ــ رادیوو بهداشت ــ در جهان ادب و برنامه دهقان) اجرا میکند که در تنظیم مطالب آنها از وجود شعــرا و نویسندگان واستادان‌دانشگاه‌تبریز استفاده میشود .اجرای این برنامه‌ها بطور قابل ملاحظه‌ای موجب رضایت شنوندگان رادیو تبریز شده است .

۴ـ رادیو رضائیه

مقدمات تشکیل رادیو رضائیه از سال ۱۳۲۶ فراهم شد ولی‌در ۲۷دیماه۱۳۳۷ شروع بکار کرد .قدرت فرستنده رادیو رضائیه‌چهارصد وات است .رادیو رضائیه هرروز از ساعت ۱۵٫۳۰ تاساعت ۲۰ روی موج کوتاه ردیف ۳۷ متر برابر با ۶۹۴۰ کیلوسیکل وردیف ۳۰۰متر برابر با ۱۰۰۰ کیلوسیکل در ثانیه برنامه های خود را اجرا میکند .

این رادیو علاوه بر برنامه های فارسی به چهارزبان ترکی ــ کردی ــ آشوری و ارمنی برنامه پخش میکندوموجبات‌رضایت کلیه اقلیتهای مذهبی را ازاین بابت فراهم کرده‌است .

این رادیو دارای سه‌استودیو است که‌بوسائل‌نوین‌مجهز میباشد هم اکنون بیش از یازده هزار وپانصد دستگاه رادیو دررضائیه وجود دارد که مورد استفاده مردم است و در تمام استان آذربایجان غربی حدود دویست هزار نفر ببرنامه‌های رادیوگوش میدهند .

۵ـ رادیو کرمانشاه

رادیو کرمانشاه در بیست و چهارم مهرماه ۱۳۳۷ که مصادف‌با روز افتتاح فرستنده یك کیلوواتی آن بود بطور رسمی‌آغازبکارکرد. فرستنده اولیه رادیو کرمانشاه از نوع‌کولینزامریکائی‌است که‌باموج متوسط۲۷۵٫۲ متر برابر با ۱۰۹۰ کیلو سیکل مورد استفاده قرار می گرفت.

برای اینکه صدای مردم ایران بکشورهای همجوار برسـد با اقداماتیکه بعمل آمد فرستنده یك کیلوواتی‌رادیو کرمانشاه‌بیکصد کیلووات افزایش یافت و روز ۲۸ مرداد ۱۳۴۱ رسمــا کار خودرا آغاز کرد .

این فرستنده که از نوع نیتو الکتریك ژاپنی است بطور قطع‌در رساندن صدای ایران بکشورهای همجوار نقش اساسی و مهمی‌راایفا خواهدکرد و در پیشرفت شناسائی ایران بجهانیان سهم بزرگی رادارا خواهد بود .

رادیو کرمانشاه سه استودیو دارد که دوتای آن برای استفاده از فرستنده یکصد کیلوواتی و دیگری بمنظور اجرای برنامه‌واستفاده فرستنده یك کیلوواتی اختصاص داده شده وبتمام وسائل جدید فنی مجهز میباشند .

برنامه‌های جالب و متنوع رادیو کرمانشاه بخصوص‌پس‌ازگشایش رسمی فرستنده یکصد کیلوواتی بخوبی توانسته‌است در بالا بردن‌سطح معلومات عمومی موثر باشد وشنوندگان زیادی داشته باشد.برنامه‌های رادیو کرمانشاه با فرستنده یکصد کیلوواتی روی موج متوسط ۳۰۰ متر برابر با ۹۸۵ کیلو سیکل از ساعت ۱۵٫۴۵ تاساعت ۲۳ پخـش می شود .

در برنامه‌ای که برای فرستنده یکصد کیلوواتی تنظیم شده‌رادیو کرمانشاه روزانه پنج ساعت (از ساعت ۱۸ تا۲۳) برنامه هــای مخصوصی بزبان کردی پخش میکند .

هم‌اکنون بیش از شصت درصد مردم کرمانشاه دارای رادیو میباشند و بیش از هشتاد هزار نفر از ساکنین این منطقه ومناطق کردنشین‌داخلی کشور وعراق وقسمتی‌از ترکیه جزو شنوندگان رادیو کرمانشاه هستند .

۶ـ رادیو اهواز

اداره کل انتشارات ورادیو بمنظور گسترش شبکه رادیوئی در خرداد ماه ۱۳۳۱ رادیو اهواز را تاسیس کرد. قدرت فرستنده‌رادیو اهواز درآغاز شروع بکار چهارصد وات بود ودرشهریور ماه ۱۳۳۷ بیك کیلووات افزایش یافت . بمنظور اینکه مردم خاورمیانه و کشورهای عربی و شیخ نشین های خلیج فارس بتوانند صدای ایران را بشنوند وبه اهمیت پیشرفتهائیکه عاید کشور ماشده پی‌ببرند بـا اقداماتیکه از طرف اداره کل انتشارات و رادیو بعمل آمد قدرت فرستنده رادیو اهواز به یکصد کیلووات افزایش یافت .

این فرستنده از روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۹ بکار افتاد واز ۱۹ اسفند ماه ۱۳۳۹ رسما شروع بکار کرد .

این فرستنده که ازنوع R·C·A امریکائی است با قدرت خود میتواند صدای مردم ایران را به تمام ناحیه خاورمیانه و کشورهای عربی و بسیاری از نقاط جهان برساند.

رادیو اهواز برنامه های خود راروی موج متوسط ۲۱۶ متر برابر با ۱۳۹۰ کیلو سیکل هر روز از ساعت ۱۶ تا ساعت ۲۴ اجــرا میکند .

این‌رادیو روزانه پنج ساعت برنامه بزبان عربی پخش میکند. رادیو اهواز دارای چهار استودیو است که مجهز بوسائل نوین‌امروز میباشند .ازاین‌تعداد دواستودیو در محل اداره است‌ودواستودیو دیگر در مرکز فرستنده قرار دارند که مشترکا از یك فرمان استفاده‌میکنند ساختمان جدید اداره انتشارات و رادیو اهواز در ساحل غربــی رودکارون(کنار بلوار) بنا شده و یکی از ساختمانهای مدرن وزیبای اهوازاست‌اکثریت‌مردم‌خوزستان اعم‌ازمردم‌شهرنشین وروستائیان‌وایلات وعشایر از رادیو استفاده میکنند و حد متوسط شنوندگان‌رادیو اهواز

روزانه بین ۱۵۰ تا۲۰۰ هزار نفر میباشد .

۷ـ۵ رادیو شیراز

رادیو شیراز در اول فروردین ماه ۱۳۲۹ تاسیس و کار رسمی خود را آغاز کرد فرستنده رادیو شیراز از نوع کولینز آمریکائی و قدرت آن یك کیلووات میباشد . این‌رادیو برنامه‌های روزانه خود را روی موج متوسط ۲۸۳٫۰۱ متر برابر با ۱۰۶۰ کیلوسیکل دردوبخش یکی از ساعت ۱۰ تا۱۲ ودیگری از ساعت ۱۵٫۴۵ تاساعت ۲۲پخش می‌کند .

دو استودیوی بزرگ و کوچك رادیو شیراز باجدیدترین‌وسائل فنی تجهیز شده‌اند . گفتارهای رادیو شیراز درباره مسائل‌اجتماعی ـ ادبی ـ تاریخی ـ فرهنگی ـ بهداشتی و مذهبی است وبعلاوه‌هرروز برنامه‌های جالبی برای نوباوگان و جوانان و کارگران‌پخش‌میکندکه علاقمندان‌زیادی‌دارد در برنامه های موسیقی رادیو شیرازازآهنگهای جالب و دلپذیر ایرانی استفاده میشود . این رادیو نیز مانند سایر رادیواستانها توانسته‌است موفقیت شایانی‌بدست‌آورد.هم‌اکنون تقریبا صدی نود مردم دارای رادیو میباشند وقریب شصت‌درصداهالی این استان برادیو گوش میدهند و از برنامه هـای متنوع آن استفاده می‌کنند .

۸ـ۵ رادیو کرمان

فرستنده یك کیلوواتی رادیو کرمان درتاریخ چهارم آبانماه ۱۳۳۷ افتتاح شد وبرنامه های آزمایشی خودرا آغاز نمود . کـار رسمی رادیو کرمان از بیست و هفتم بهمن ماه ۱۳۳۷ شروع واز آن پس موفقیت خوبی کسب نمود . فرستنده رادیو کرمان از نوع‌کولینز امریکائی است . این رادیو هرروز برنامه های خود را روی موج موج متوسط ۲۷۵ متر برابر با۱۰۹۰ کیلوسیکل دردوبخش یکی از ساعت ۱۰ تا۱۲ ودیگری از ساعت ۱۷ تاساعت ۲۰ پخش میکند در برنامه های روزانه رادیو کرمان گفتارهای جالبی پیرامون مسائل مختلف اجتماعی علاوه بر اجرای موسیقی پخش می‌شود .

رادیو کرمان برای کارگران و جوانانـ کودکان‌وبانوان برنامه های‌مخصوصی دارد که‌باطرز جالبی‌اجرا میشودوعلاقمندان زیادی دارد .برنامه‌های رادیو کرمان ازدواستودیو که مجهزبوسائل جدید فنی‌هستند اجرا میشود. تعداد رادیوهای موجود درشعاع‌فرستنده (یکصد کیلومتر)بیش‌از هشت هزار دستگاه میباشد ودر حدود یکصد وپنجاه هزار نفر از اهالی از رادیو استفاده میکنند .

۹ـ۵ رادیو مشهد

رادیو مشهد در ۱۲ دیماه ۱۳۲۸ تاسیس‌گردید.قدرت فرستنده این رادیوکه ازنوع کولینز امریکائی است یك کیلووات‌میباشد. رادیو مشهدبرنامه‌های خود را روی موج متوسط ۲۷۲٫۷۰ متربرابر با۱۱۰۰ کیلوسیکل هر روز در دو بخش از ساعت ۱۱تا۱۲ وبخش دوم‌ازساعت ۱۷ تا۲۱ پخش مینماید .

برنامه های رادیو مشهد شامل اخبار ـ موسیقی ـ مباحث ـ کشاورزی ـ فرهنگی ـ ادبی و علمی‌است که‌بی‌شك درتوسعه رشدملی و پیشرفت سطح فرهنگ عمومی اثرات مطلوبی خواهد داشت علاوه براینها رادیو مشهد برنامه‌های جالبی بنام (ایران در آئینه زمان ـ در مکتب استاد ـ شهر سخن و کتاب روح بشر)اجرا میکند کـه علاقمندان فراوانی دارد . این رادیو دربرنامه های موسیقی خود موسیقی آذربایجانی و محلی نیز اجرا میکند و هرهفته دو روز در برنامه لشکر بمدت نیمساعت برنامه هائی بزبان کردی دارد . رادیو مشهد ازمرداد ماه سال ۱۳۴۰ به ساختمان جدید منتقل گردید.ساختمان جدید رادیو مشهد از بناهای زیبای آن شهرستان بشمارمیرود.

این رادیو برنامه های خود را از دواستودیوی مجهز بوسائل مدرن اجرا میکند اکثر مردم استان نهم از رادیو استفاده میکنند وبا بررسی که دراین باره بعمل آمده تعداد شنوندگان‌رادیو دراین‌استان به یك میلیون و دویست هزار نفربالغ میگردد.

۱۰ـ۵ رادیو اصفهان

اداره کل انتشارات و رادیو در ۲۰ دیماه سال ۱۳۲۸ رادیو اصفهان را تاسیس کرد. این رادیو ابتدا از فرستنده ۴۰۰ واتی لشگر اصفهان وسپس از فرستنده ۷۵ واتی پست و تلگراف اصفهان‌برنامه‌های خود را پخش مینمود . استفاده ازاین فرستنده تا بهمن ۱۳۳۸ ادامـه داشت واز آن موقع قدرت فرستنده رادیو اصفهان نیزبیك کیلووات افزایش یافت. این فرستنده که ازنوع کولینزامریکائی‌است‌هم‌اکنون مورداستفاده میباشد .

ساختمان جدید اداره‌انتشارات ورادیو اصفهان در محوطه‌ای بمساحت دو هزار متر مربع واقع‌در خیابان کوی‌تاج‌ازسال ۱۳۳۹ شروع‌شدوازبناهای زیبای‌آن شهرمحسوب میشودرادیواصفهان در آغاز کار روزانه سه ساعت برنامه اجرامیکرد پس از چندی ساعات کار آن‌بچهار ساعت رسید ودرسال ۱۳۳۹ نیزیکساعت ونیم‌به برنامه های آن اضافه شدوبه‌۵٫۵ ساعت‌افزایش یافت. برنامه های رادیو اصفهان هرروز ازساعت ۱۵٫۳۰ تا ۲۱ روی امواج متوسط ۲۱۰٫۴۲ متر برابر با۱۴۲۵٫۷ کیلوسیکل وکوتاه ردیف ۳۸متراز دواستودیو که مجهز بوسائل جدید فنی هستندپخش میشود.رادیواصفهان برای بالا بردن سطح‌برنامه های خود از وجود نویسندگان مبرز ودانشمندان و افراد با ذوق ومبتکر استفاده میکند و برنامه های آن درهدایت‌افکار نقش موثری بعهده دارد . گفتارهای جالب و متنوع رادیو اصفهان شامل برنامه های کارگران ـ بهداشت وتندرستی ـ ایران در آئینه زمان ـ برگی از دفتر تاریخ وآثار گذشته ـ در پیشگاه عدالت ـ گفتگوهای اجتماعی و مباحث مذهبی و برنامه هائی پیرامون مسائل کشاورزی و صنعت میباشد .

رادیو اصفهان علاوه بر پخش موسیقی ایرانی دربرنامه های روزانه خود قسمتی را به داستانهای شب اختصاص داده است هم‌اکنون دراستان اصفهان در حدود پنجاه هزار دستگاه رادیو وجود دارد و چهارصد هزار نفر از مردم به‌برنامه های رادیو گوش میدهند .

۱۱ـ۵ رادیو سنندج

مقدمات تاسیس رادیو سنندج دراوایل سال ۱۳۳۱ فراهم شدواز سوم تیرماه همان سال این رادیو کـار رسمی خود راآغازکرد.دربدو تاسیس برنامه های رادیو سنندج وسیله یکدستگاه فرستنده چهارصد واتی ساخت کارخانه هالی گرافتر امریکا روی موج کوتاه ۴۴متر اجرا میشد ولی دراوایل سال ۱۳۳۸ یکدستگاه فرستنده موج متوسط بقدرت یك کیلووات از نوع کولینز امریکائی برای استفاده این رادیو نصب گردید و در حال حاضر هردوفرستنده مشغول کارند رادیو سنندج برنامه روزانه خود را روی امواج متوسط ۲۰۳٫۴ متر برابربا ۱۴۷۵ کیلو سیکل و کوتاه ۴۴ متر در سه‌بخش اجرا میکند بخش اول آن از ساعت ۶٫۱۵ تا ساعت ۸ ادامه دارد وشامل برنامه های آموزنده اجتماعی و موسیقی ایرانی است .

بخش دوم که از ساعت ۱۵ تاساعت ۱۸ هرروز اجرا میشود بلهجه کردی اختصاص دارد و شامل برنامه های متنوع‌وآموزنده‌ای پیرامون امور اجتماعی ـ تاریخی و کشاورزی است. بخش سوم‌رادیو سنندج بزبان فارسی از ساعت ۱۸تا۲۱ اجرا میشود .

این رادیو علاوه بر اجرای برنامه هائی بزبان کردی برای جوانان وکشاورزان هرروز نیمساعت برنامه شامل اخبار و گفتار بلهجه اورامی همراه باموسیقی پخش میکند .

برای رادیو سنندج ساختمان بسیار مناسب وخوبی ساخته شد که از دیماه ۱۳۳۸ بنای آن آغاز و در مرداد ماه ۱۳۳۹ پایان یافت. رادیو سنندج در ۲۵ شهریور سال ۱۳۳۹ به‌محل جدید منتقل‌شد. ساختمان تازه دواستودیو مجهز دارد که باوسائل فنی مدرن مورد استفاده‌میباشد.طبق آماری که بدست آمده بیش از بیست هزار دستگاه رادیو در حال حاضر درتمام منطقه کردستان مورداستفاده مردم‌میباشد واکثریت مردم این استان برادیو گوش‌میدهند بطوریکه طی هرمـاه در حدود پنجهزار نامه از شنوندگان برادیو سنندج میرسد .

۱۲ـ۵ رادیو زاهدان

فرستنده یك کیلوواتی رادیو زاهدان روز بیست وهشتم مرداد ماه سال ۱۳۳۸ افتتاح شد وبا اجرای دو ساعت ونیم برنامه روزانه شروع بکار کرد . برنامه های رادیو زاهدان در آغـاز روی موج متوسط۲۱۱٫۲۶ متر برابر با ۱۴۲۰ کیلوسیکل پخش میشد .

در اسفند ماه سال ۳۹ مدت برنامه هابه سه‌ساعت ونیم افزایش داده شد و سپس در سال ۴۰ یکساعت ببرنامه‌ها اضافه گردید وتا اسفند ماه همان سال برنامه های رادیو زاهدان بمدت چهار ساعت‌ونیم با استفاده از فرستنده یك کیلوواتی اجرا میکردند .

نظر باهمیتی که رادیو زاهدان در شناسائی ایران بکشورهای خاورمیانه ودور داشت برای افزایش قدرت فرستنده آن‌اقدامات لازم بعمل آمد و در سال ۱۳۴۰ یکدستگاه فرستنده یکصد کیلوواتی موج متوسط از نوع نیپتو الکتریك ژاپنی خریداری ونصب گردیدکه پس‌از اجرای برنامه های آزمایشی خود روز هفدهم اسفندماه ۱۳۴۰ رسماً شروع بکار کرد . قدرت پخش این فرستنده درست بشعاع‌دوهزارکیلو متراست موج ثابت آن تقریبا ۷۸۵ کیلوسیکل میباشدکه‌بااین‌فرکانس طول آنتن آن صدمتر بطور عمودی نصب گردیده است جریان آنتن۴۳ آمپر و با مقاومت ۵۶ اهم‌است که این مقاومت تا۷۷ اهم نیز میرسد.

برنامه های رادیو زاهدان‌روزانه دردوبخش ازساعت ۱۱ تا۱۲ واز ساعت ۱۶٫۳۰تا ۲۲٫۳۰ روی موج متوسط۳۸۷متربرابر با ۷۷۲

کیلوسیکل اجرامیشود.

رادیو زاهدان علاوه برپخش برنامه‌های موسیقی ــ اخبارــ گفتارهای ادبی وسخنرانیهای مذهبی برنامه‌هائی شامل کتاب روح‌بشرــ درپیشگاه تاریخ دانش وزندگی وداستان شب‌دارد.

این رادیو هرروز دوساعت برنامه بزبانهای بلوچی واردو از ساعت ۱۷٫۳۰ تا ۱۹٫۳۰ اجرا میکند وازآهنگهای اردوــ هندی وعربی نیز استفاده مینماید برنامه‌های رادیو زاهدان دردواستودیوکه بتمام وسائل جدید فنی مجهزند ضبط وپخش میشود.

این رادیو بخوبی میتواند موج برنامه‌های جالب خودرا به کشورهای هند وپاکستان ــ افغانستان وبسیاری ازجزایر خلیــج فارس برساند.

طبق آماریکه بدست آمده بیش از ۳۰ هزار دستگاه رادیودر این منطقه مورد استفاده مردم است واکثریت اهالی این استان‌شنوندگان رادیو را تشکیل میدهند.

۶ــ فعالیتهای انتشاراتی

برای اینکه اداره‌کل انتشارات ورادیو درتحقق بخشیدن به‌هدفها ووظائف سنگینی‌که درقبال شاهنشاه وملت ایران بعهده‌دارد بموفقیتهای درخشانی نائل آید به‌تشکیل دوسازمان مهم‌که بتوانند در انجام وظائف خطیر خودگامهای سریعی بردارند اقدام نمود. این دو سازمان‌که یکی بنام دفترفنی ودیگری سازمان اطلاعات ، اخبار وفیلم نامگذاری شده‌اند فعالیتهای ثمربخشی را درراه نمایاندن پیشرفتهای ایران بعمل آورده‌اند.

۷ ــ دفتر فنی

دفتر فنی انتشارات ورادیوکه مسئول تهیه طرحها وبرنامه‌های جامع انتشاراتی براساس بررسیهای اجتماعی ونیز هماهنگ‌کردن تمام برنامه‌های تبلیغاتی ایران برای داخل وخارج ازکشور است ازنیمه دوم سال ۱۳۳۷ بوجود آمد. دفتر فنی ازهمان آغاز تشکیل کوشش‌کرد راه تازه‌ای درامور انتشاراتی مملکت ارائه دهد ونخستین طرحی‌راکه با بررسیهای بسیارتهیه کرد درایجاد روح هماهنگی میان مردم‌و انگیختن میل ایشان بکارهای اجتماعی وآگاهی طبقات مختلف مردم از تحولاتی که درشئون مختلف کشور پدیدار شده است تــأثیــر فراوانی داشت.

این دفترکه هم اکنون از پنج اداره طرحها، روابط عمومی، سنجش ، آموزش آمار وبررسیها ویك دبیرخانه‌که مسئول هماهنگ کردن آنهاست تشکیل یافته درایجاد حسن‌رابطه میان مردم وسازمانهای دولتی نقش بسیارمهمی بعهده داشته است. درهنگام تصویب ملــی‌لوایح شش‌گانه پیشنهادی شاهنشاه دفتر فنی نقش اساسی را دراجرای برنامه انتشاراتی این طرح بعهده داشت. پس ازتصویب لوایح شش‌گانه ونیز ازهمان آغاز اجرای قانون اصلاحات ارضی ، دفتر فنی بوسیلــه پرسشنامه‌ها وبررسی وسنجش نظریات وافکار طبقات مردم ، این نتیجه را بدست آوردکه اکثریت مردم این‌کشور بآینده خوشبین وبیش از پیش امیدوار شده‌اند.

دفتر فنی تمام مطالب ، آمار واطلاعات مورد نیاز شنوندگان رادیو ایران رادرسرتاسر گیتی وهمچنین دانشجویان مقیم داخل‌وخارج ازکشور، سازمانهای بین‌المللی وسایر مراجعین را درزمینه‌ی مسائل مختلف دراسرع وقت تهیه ودراختیار آنان قرارداده است.

۸ــ سازمان اطلاعات ، اخبار و فیلم

این سازمان که امر شناساندن ایران رابجهانیان ازطریق وابستگان مطبوعاتی درنقاط مختلف‌گیتی بعهده‌دارد ازادارات‌اطلاعات، خبرگزاری پارس وفیلم تشکیل شده است.

۱ــ۸ اداره اطلاعات

این اداره درسال ۱۳۳۹ درهفت نقطه‌گیتی دفاتر وابستگی مطبوعاتی دایر نمود ودراسفند ماه ۱۳۴۰ نیز دفتر اطلاعات‌وخبرگزاری پارس را درکویت ودر۱۳۴۱ دررم ودرسال ۱۳۴۲ دروین افتتاح‌کرد. این نمایندگی‌ها که تاکنون اثرات بسیار رضایتبخش درمعرفی ایران بجهانیان ازخود بجای‌گذارده ودرنتیجه درایجاد تفاهم عمیق‌ترمیان ایران وسایر کشورهای دنیا نقش‌مهمی راایفا نموده‌اند درحال‌حاضر درفرانسه ، آلمان غربی، آمریکا ، انگلستان، ترکیه ، پاکستان، لبنان، کویت وایتالیا فعالیت میکنند.

ضمنا برای شناساندن ایران بجهانیان بنحوی وسیع‌تر اداره اطلاعات بطور منظم نشریاتی بزبانهای‌انگلیسی ، فرانسه وعربی زیر عنوان حقایق درباره ایران وهرسه ماه یکبار مجله‌هائی بنام ایران‌امروز بزبان‌های انگلیسی وفرانسه وآلمانی منتشر میکند.

ضمنا درسالهای‌گذشته اداره اطلاعات موفق‌شده است راهنمای شهرهای مهم‌ایران مانند شیراز واصفهان‌وهمچنین‌راهنمای تخت‌جمشید را بزبان انگلیسی تهیه نموده ودرسراسر جهان توزیع نماید همچنین بتازگی کتاب جامع راهنمای ایران راکه مشتمل براطلاعات‌کلی درباره گذشته وحال ایران میباشد بزبان انگلیسی تهیه‌کرده است.

اداره اطلاعات روزنامه نگاران ونمایندگان رادیو تلویزیون‌های خارجی راکه برای تهیه خبر ورپرتاژ بایران مسافرت میکنندراهنمائی مینماید.

این قسمت تاکنون درجریان حوادث مهم خبری‌گروههای مختلف نمایندگان مطبوعات ورادیو تلویزیونها کشورهای مختلف جهان را راهنمائی‌کرده است.

۲ــ۸ وابستگان مطبوعاتی

دردیماه ۱۳۴۰کنگره وابستگان مطبوعاتی ایران درتهران تشکیل شد.

دراین‌کنگره‌کارهائی که وسیله وابستگان مطبوعاتی انجام شده بود بررسی شد وبرای اینکه وابستگان مطبوعاتی بهتر بتوانند ایران را آنگونه‌که هست بجهانیان بشناسانند برنامه‌های مهمی طرح گردید وتصمیمات‌لازم‌گرفته‌شد.

وابستگان مطبوعاتی روزشانزدهم دیماه به‌پیشگاه شاهنشاه بار یافتند واعلیحضرت همایون شاهنشاه دراین شرفیابی خطاب بآنــان چنین فرمودند.

«..... همین قدر میتوانم بگویم‌که همه‌گزارشهائی راکه»
«شما میفرستید میخوانم وعلت خواندن گزارشهای شما اینست‌که»
«می‌بینم با علاقه وایمان به‌مملکت کارها را دنبال‌میکنید . این»
«کاری‌که شما شروع‌کرده‌اید شالوده‌ی کارهائی است‌که باید بعد»
«انجام دهید لکن شما ثابت‌کردیدکه چطور یك فرد به‌تنهائی‌میتواند»
«با علاقه وایمان وفداکاری به‌مملکتش خدمت‌کند واین روحید»
«درآینده دردستگاه تبلیغات با توسعه‌ای‌که انشاءاله پیدا خواهدکرد»
«نباید ازبین برود شما بیش ازانتظاراتی که من ازشما داشتم‌کارانجام»
«داده‌اید ومطمئن هستم‌که روی پایه اقدامات‌گذشته درآینده نیز»
«اکثر ازوسائلی که دراختیار شما خواهیم‌گذاشت استفاده خواهید»
«کرد» .

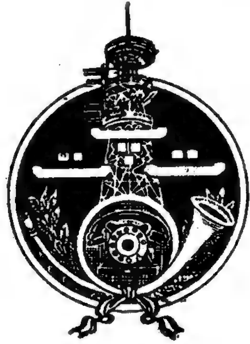
۳ــ۸ خبرگزاری پارس

خبرگزاری پارس که یادگاربنیانگزار ایران نو«رضاشاه‌کبیر» است دارای تشکیلات نسبتا وسیعی است وهم‌اکنون وظیفه خطیرومهمی را برعهده‌دارد ، خبرگزاری پارس درتمام‌مدت بیست وچهارساعت مشغول‌کار است وشصت وچهار نفر سردبیر، دبیر ، مترجم وکارمند درچند سرویس وظایف خودراانجام میدهند.

هنگامی‌که «آژانس پارس» آغاز بکارکرده دونفر مترجم داشت واکنون سیزده نفر مترجم دراختیار دارد درحالیکه میزان‌کار خبرگزاری درآن روز دست‌کم شصت برابر کمترازکارامروزخبرگزاری بود. خبرگزاری پارس هم‌اکنون سردبیرانی دراختیار داردکه بزبانهای انگلیسی، فرانسه ، ایتالیائی ، عربی وروسی‌کاملا آشنا هستــند ، خبرگزاری پارس بوسیله دستگاههای تله‌تایپ خود اخبارپنج‌خبرگزاری بزرگ بین‌المللی (آسوشیتدپرس ، یونایتدپرس ، رویتر، فرانس‌پرس وخبرگزاری آلمان) رادریافت میدارد وپاره‌ای خبرگزاریهای خارجی نیزمانند آژانس تاس وخبرگزاریهای یونان واسرائیل اخبار خــود را بصورت بولتن برای خبرگزاری پارس ارسال میدارند.

وظائف خبرگزاری پارس عبارت است ازتهیه وتنظیم اخبار رادیو ایران ورادیوهای ۱۲ استان‌کشور وتلویزیون ، تهیه وتنظیم اخبار روزبرای مطبوعات ازراه انتشار بولتن‌های خبری صبح وعصر، تهیه اخبار واطلاعات وگزارشها وتفسیرهای لازم درباره حوادث مهم بین‌المللی .

دفاتر نمایندگی خبرگزاری پارس هم‌اکنون درنه نقطه بزرگ جهان سرگرم‌کارند وبا مرکز خبرگزاری پارس ارتباط مخابراتی دائم دارند و گزارشهای خودرا مرتباً ارسال میدارندخبرهائی‌که درسرویس اخبار رادیو ایران بزبانهای بیگانه از جمله انگلیسی ، فرانسه ، عربی، ترکی ، روسی و اردو پخش میشود بوسیله خبرگزاری تهیه و تنظیم میگردد .



- وزیر
  - شرکت سهامی تلفن ایران
  - شورای عالی
  - اداره حقوقی
  - اداره دفتر وزارتی
  - اداره برنامه
  - معاون فنی
    - مدیر کل تلکومونیکاسیون
      - اداره طرح ریزی تلکومونیکاسیون
      - اداره ساختمان
      - اداره تلگراف و تلفن
      - اداره خطوط
      - اداره ارتباطات بی سیم
      - اداره امور مالی و مقررات تلکومونیکاسیون
    - مدیر کل پست
      - اداره طرح ریزی امور پست
      - اداره حمل و نقل
      - اداره برات پستی
      - اداره پست داخله
      - اداره امور مالی و مقررات پست
      - اداره پست خارجه
  - معاون پارلمانی
    - اداره اطلاعات و انتشارات امور پارلمانی
  - معاون ثابت اداری
    - مدیر کل اداری
      - اداره تدارکات
      - اداره حسابداری
      - اداره کارگزینی
      - اداره آمار
      - اداره خدمات اداری
    - اداره بهبود امور اداری
    - اداره نظارت و بازرسی
      - بازرسان نواحی
    - اداره آموزش فنی کارمندان
  - روسای نواحی



دکتر فرهنگ شفیعی

وزارت پست وتلگراف وتلفن

۱ــ پست درخارج

فکر پیدا شدن پست یا چاپار از آنرو بمیان آمد که پادشاهان و حکام میخواستند دستورهای خود را به نواحی مختلف تحت حکومت خود ابلاغ کنند وبرای انجام این منظور اسبهای تندرو دراختیار سوارکاران ورزیده میگذاشتند ولی کم‌کم این امر جنبه عمومی بیدا کرد ومردم هم پیامها یا نامه‌های خود را بوسیله همین افراد ، به بستگان خود میرساندند .

۱ــ۱ مصر

بطوریکه در تاریخ آمده است ، مصریها در حدود چهارهزار سال پیش از این ، دستگاه نامه رسانی داشتند واز بعضی مدارك مربوطه بدوهزار سال پیش از میلاد مسیح که درآن کشور کشف شده و چنین برمیآید که درآنوقت مصریها پست را معمول داشته بودند .

۱ــ۲ روم

پس از مدتی‌رومی ها هم تشکیلات پستی بوجود آوردند و نامه‌ها را بنقاط مختلف امپراطوری وسیع خود میرساندند و آن ها هم ایستگاه مخصوص پست داشتند .

۱ــ۳ اسلام

پس از ظهور اسلام ، اعراب نیز پست را معمول داشتند و این‌کار درعهد معاویه انجام گرفت ومنظور آنها هم ارتباط بین نواحی شرقی وغربی و رساندن دستوربه متصرفات اسلامی بود .

ضمنا ازقدیم‌الایام یك وسیله ارتباط پستی دیگر نیز دردنیا معمول بود وآن فرستادن نامه بوسیله کبوتران نامه‌بر بود که هنوز هم در بعضی نقاط و دربرخی موارد ازآن استفاده میشود .

۱ــ۴ انگلستان

در اروپا پست از قرون وسطی معمول شد ولی درآن قاره نیز ابتدا این دستگاه فقط در خدمت دولتها بود و مردم عادی ازآن استفاده نمیکردند تا اینکه براثر تقاضا و حتی فشار مردم که تازه قدمهای وسیعی بسوی تمدن برمیداشتند این تشکیلات نیز پس ازمدتها جنبه عمومی یافت .

ملکه الیزابت اول برای اینکه درامرحمل‌ونقل نامه هرج و مرج پیش نیاید ، فرمانی صادرکرد که بموجب آن هیچکس حق نداشت در سراسرانگلستان باین کاراقدام کند مگر آنکه «صلاحیت» و اجازه مخصوص داشته باشد .

«جیمس اول» نیز درسال ۱۶۰۹ برای اینکه منافع سرشاری عاید دولت کند ، پست را عمومی کرد وتسهیلاتی برای آن فراهم ساخت .

«کرمول» اول کسی بود که برای پست قانون وضع کرد واین قانون درسال ۱۶۶۷ صادر شد .

در زمان «چارلز اول» اولین قدم برای مبادلات پستی بین کشورها برداشته شد واین‌کار را یکی از رجال انگلستان بنام «توماس وزرنجز» انجام داد باین معنی که توانست موافقت مقامات فرانسوی را برای مبادله نامه بین دوکشور جلب کند .

این شخص ضمناً قواعد دیگری برای امور پستی وضع کرد که از جمله آنها دریافت دستمزد برای هرنامه برحسب مسافت بود .

۱ــ۵ فرانسه

از قدمهائی که درراه پست وبهبود وضع آن برداشته شد ، اقدامی بود که در فرانسه معمول گردید .

لوئی چهاردهم دستور داد که «پست محلی» درپاریس تاسیس شود و بابت هرنامه مبلغی اخذ گردد .

درسال ۱۶۸۰ مردی بنام «ویلیام» درانگلستان همین کار را معمول داشت و با اجازه دولت تاسیسات پستی محلی بوجود آورد که برای هرنامه بشرط آنکه وزن آن یك «پوند» بیشتر نباشد یك «پنی» دریافت میداشت .

در این وقت ده‌ها مرکز پستی در لندن وسایر شهرهای انگلستان ایجاد شد که نامه‌ها را دریافت میداشتند وبه ادارات مرکزی می‌بردند ودرآنجا توزیع میکردند .

این توزیع روزانه بین ٤ و ۸ بار درمحلات بزرگ و بین ۱۰ و ۱۲ بار در محلهای تجارتی بعمل می‌آمد .

روزی یکبار نیز نامه‌های «حومه» یعنی نقاطی که ۱۰ تا ۱۵ میل از لندن فاصله داشتند تقسیم می‌شد واجرت این نامه‌ها یك‌پنس اضافه برنامه‌های داخل شهر بود .

بعدها که دولت دریافت این کار نفع بسیاری دارد آنرا از اشخاص گرفت ودر انحصار خود قرارداد .

۱ــ٦ مبادله پست

پست بین شهرها نیز بتقلید عهد قدیم بوسیله ارابه ها که در مسافت های معین ایستگاه داشتند بوجود آمد و اسبهای این ارابه ها سریع‌السیر بودند بطوری که نامه‌ها را دراسرع وقت بمردم میرساندند.

نخستین اداره رسمی پست انگلستان با تشکیلات وسیع درسال ۱۷۸٤ ایجاد ودر سال ۱۷۹۷ دراین کشور ٤۲ «راه پستی» ساخته بودند و از سال ۱۸۱۵ هر سال ازاین راه در حدود یك میلیون ونیم لیره عاید دولت می‌شد .

مبادله پست بین انگلستان وسایر کشورها بتدریج صورت گرفت و درسالهای ۱٦۷۰ و ۱٦۹۸ دوقرارداد پستی بین این کشور و فرانسه منعقد شد که بموجب آن ماموران هردو دولت موظف بودند نامه ها را درسریع‌ترین مدت بمقصد رسانند واین کار هفته‌ای دوبار صورت بگیرد انگلستان برای‌نیل باین مقصود زورقهای مخصوصی درنظر گرفت و فرانسه هم درتکمیل وسایل حمل و نقل خشگی را عهده‌دار شد

بهرنسبت که زمان میگذشت ماموران اداره پست با اشکالات تازه‌ای مواجه میشدند و از جمله بعضی راه‌های صعب‌العبور واختلاف مسافت محل‌ها وزن کردن بسته‌ها و امثال این‌ها هرروز کار رساندن نامه‌ها را سخت تر می‌کرد ولی بااین حال هرچندیکبار بین دولت های مختلف قراردادهای پستی امضاء میشد تا مبادله نامه‌ها بین مردم نقاط و کشور های مختلف بآسانی انجام گیرد .

۱ــ۷ اتحادیه بین‌المللی پست

بالاخره برای اینکه همه مردم کشورها بتوانند ازاین راه قدمی بردارند ودولتها درباره رفع اشکالات آن بکوشند همه بچاره جوئی پرداختند تا این‌که مردی آمریکائی بنام «مونگومری ــ بلیر» بفکر تشکیل اتحاد پستی بین‌المللی افتاد و رئیس اداره کل پست آلمان بنام «دکتر هنریخ فون» نیز بهمین فکر افتاد ومجاهدات این دوتن بآنجا انجامید که درسال ۱۸٦۳ نمایندگان ۱۵ دولت در پاریس گرد آمدند ودر سال ۱۸۷٤ نیز در برن (پایتخت سویس) از طرف ۲۲ دولت یك مجمع پستی بین‌المللی تشکیل شد هدف نمایندگان دولتها این بود که کره زمین را یك «واحد پستی» بدانند وبرای امور نامه‌رسانی ناحیه وسرزمین یا کشور معینی درنظر گرفته نشود بلکه هرکس ازهرنقطه جهان بتواند نامه خود را بهر نقطه دیگر که درقلمرو کشور های عضو اتحادیه باشد بفرستد واین امر تاحال نیز عملی است . از جمله اقدامات دیگر اتحادیه پستی جهانی این بود که مقرر داشتند برای نامه‌ها نرخ مادی بدون رعایت مسافت در نظر گرفته شود .

و در مورد مطبوعات تخفیف قائل شوند وگذشته ازنامه ، پول و اشیاء هم بوسیله پست ارسال گردد ، واین قواعد نیز همچنان نافذ مانده است .

درسال ۱۹۲۰ نیز در مادرید یك قرارداد پستی بین‌المللی انعقاد یافت که برحسب مقتضیات زمان تغییراتی درقرارداد های سابق وارد آورد .

۲ــ پست در ایران

«پست» بمعنی آنچه امروز ازآن استنباط میشود و (چاپار) با وسایل مجهز ، بنابقول همه مورخان ، مربوط است به ایرانیها واین تشکیلات را اولین بار داریوش بیشتر بوجود آورد .

بنابرتصریح تاریخ ، داریوش راه های متعددی ساخت که مشهورترین آنها از «سارد» به «شوش» امتداد داشت ودیگری راهی بود که از پایتخت سابق مصر یعنی «ممفیس» بشهر کوروش در کنار سیحون کشیده شده بود .

دربین این راهها منازل و مهمان خانه‌های متعدد ایجاد شده بود و چاپار خانه‌هائی تاسیس کرده بودند که بقدر کافی اسبهای تندرو داشت و نامه ودستورها دراختیار آنها قرارمیگرفت .

درنقاطی که این راهها از کوهستان عبور میکرد پیادگان «ساخلو» کافی گذاشته بودند . چاپارهای دولتی احکام دولت را از مرکز بنزدیکترین پادگان میرساندند و به چاپارهای دیگر میسپردند و آنها هم به چاپار خانه دیگر میبردند ، باین‌ترتیب چاپارها شب وروز درحرکت بودند واوامر دولت ــ ونامه های مردم با سرعت بجائی که لازم بود میرسید .

۱ــ۲ زمان کورش

بطوریکه بعضی از مورخان نوشته‌اند «اسبهای چاپار» شرایط و نشانهای مخصوصی داشتند و مثلا دم آنها را می‌بریدند ، کورش کبیر در ۲۵ قرن پیش بزرگترین و کهنترین امپراطوری عالم را بنانهاد پاسداری آن سرزمین پهناور وگسترش داد وآرامش در میان اقوام گوناگونی که ملت ایران را تشکیل میداد احتیاج بوسائل ارتباطی سریعی داشت تا بتواند در کمترین مدت اخبار و گزارشهای مملکتی را از سواحل بسفور و دشت‌های خوارزم بپایتخت رساند ، وازشهر شوش مرکز فرمانفرمائی شاهنشاه هخامنشی اوامر و فرامین شاهنشاه را بحکام ولایات و نگهبانان مرزی ابلاغ نماید ، شاهنشاه ایران بدینمنظور بایجاد بزرگترین راه شوسه که از پایتخت تاکنار دریای اژه امتداد داشت وراه شاهی خوانده میشد همت گماشت و در فواصل این راه صد و یازده ایستگاه تاسیس کرد که درهریك گروهی چابك سواران با اسبان راهوار شب و روز آماده رسانیدن پیامها و نامه ها از شهری بشهر دیگر بودند .

۲ــ۲ زمان داریوش

درروزگار داریوش بزرگ رشته های جدیدی از راههای درجه اول و دوم براه شاهی افزوده شد ودرهر یك ازاین شعب نیز مراکز تازه برای حمل ونقل نوشته‌ها وفرامین مملکتی‌ایجاد شد وایستگاههائی بفاصلهٔ شش کیلومتر تاسیس گردید وبطورکلی موسسه‌ای بنام «انکارید» بوجود آمد ودرزمان داریوش گسترش یافت .

ارسال نامه‌ها ومراسلات‌وسیله پیك وفرستادن پیام توسط‌پیغامبران ورزیده پس از سه قرن درچین وبعد ها دررم وممالك دیگر تقلید گردید ومیتوان نام پست دردنیای امروز را سازمان کاملی دانست که شالوده اساسی واصلی آن وسیله پادشاهان هخامنشی ریخته شد .

سازمان انکارید که همان سازمان پست هخامنشی است در زمان اشکانیان نیز بهمین نام انجام وظیفه مینمود و در زمان ساسانیان اعضای این سازمان را پیك پادگسپان مینامیدند واز نظر اهمیتی که در اداره مملکت داشتند مردم آن را چشم‌وگوش پادشاه میخواندند . در زمان ساسانیان حمل پستی بصورت اداره خاصی درآمد که به آن «برید» میگفتند .

۳ــ۲ چاپارخانه

تشکیلات جدید پست درایران از زمان مرحوم میرزاتقی خان امیرکبیر پایه‌گذاری شد ، باینترتیب که ساختمانهای یکسانی بنام چاپارخانه درپاره‌ای از نقاط کشور بوجود آمد تا مردم از آن استفاده کنند . بعد از امیرکبیر میرزا علیخان منشی حضور که بعدها به امین‌الدوله ملقب شد امور چاپارخانه ها را زیر نظر داشت تا درسال ۱۲۵۰ هجری قمری مستشاران اطریشی کلاسی برای تعلیم و تربیت درامور پستی تاسیس کردند و نخستین خط پستی در ایران بین تهران و تبریز وجلفادایرگردید دراواخر سال ۱۹۵۶ ایران رسما وارد اتحادیه پستی بین‌المللی گردید واداره پست‌بوجود آمد و در سال ۱۳۰۷ اداره پست ایران بصورت وزارت پست و تلگراف وتلفن شروع بکار کرد .

پس از مستشاران اطریشی وبعدا بلژیکی اوضاع ایران در عوض تکامل روبقهقرا نهاد و براثربازنشسته شدن اعضاء قدیمی از نظر کادر به مضیقه افتاد ولوازم پست ایران در حال جمود باقی ماند تا درسال ۱۳۲۹ دستگاههای فرسوده پست نسبتا ترمیم وآماده کارشد ، درسال ۱۳۳٤ درتهران سرویس بروات پستی دایر گردید و در ۱۳۳۷ در ۳۵ دفتر سرویس بروات پستی دایر گردید و تا پایان ۱۳۳۷ هجری ۱۳٦ دفتر تاسیس شد .

ارتباطات پستی که تا قبل از ۱۲۵٦ درایران بدون پشتوانه مالی انجام میشد براثر ابتکار جدید مردی انگلیسی بنام هیل که در ۱۸٤۹ درانگلستان برای نخستین‌بار بااجازه مقامات رسمی تمبر پستی را در شهر لندن انتشار داد بتبعیت درسال ۱۲۵۰ شمسی نیز درایران تمبر پستی با نقش شیروخورشید منتشر گردید .

رشد پست درایران و مشمول آن بهمه نقاط بسرعت انجام نگرفت بلکه مدت زمانی بس‌دراز برای این منظور لازم بود .

برای اینکه چگونگی پست را درگذشته بیادآورید باین آگهی که در شماره ۲۷۵ روزنامه ایران مورخ ۲٦ ذیحجه ۱۲۹۲ منتشر شده است توجه فرمائید :

«از هفدهم محرم ۱۲۹۳ شروع میشود بفرستادن چاپار از تهران»
«برشت و تبریز بقانون جدید که درشماره ۲۳۳ این روزنامه اعلان»
«شده است و تاریخ و ساعات ورود و خروج پست از قرار زیر است»

«همه هفته چاپار تهران در روز های دوشنبه مقارن غروب از»
«تهران حرکت کرده و دوساعت بغروب روز سه شنبه وارد قزوین»
«میشود . دوساعت برای رفع احتیاجات و اخذ و توزیع مراسلات»
«توقف نموده غروب آفتاب حرکت و ظهر روز چهارشنبه به زنجان»
«میرسد دوساعت بعد از ظهر دوباره حرکت نموده و ظهر جمعه وارد»
«تبریز میشود .»

«چاپار تبریز بتهران اول آفتاب روزهای شنبه حرکت نموده»
«صبح دوشنبه وارد زنجان میشود وپس از دوساعت عزیمت نموده دو»
«ساعت قبل از آفتاب روز سه‌شنبه به قزوین وارد میگردد اول آفتاب»
«از قزوین حرکت و دو ساعت پیش از طلوع آفتاب روز چهارشنبه»
«بتهران ورود میکند . چاپار تبریز بجلفا دوساعت از روز برآمده»
«روزهای جمعه رهسپار و دوساعت از آفتاب گذشته روز شنبه وارد»
«جلفا میشود .»

«چاپار جلفا ظهر چهارشنبه حرکت کرده ظهر پنجشنه بتبریز»
«میرسد چاپاران تهران و تبریز درصورتیکه مراسلاتی برای رشت»
«داشته باشند روز سه‌شنبه‌درقزوین تحویل میدهند و اول طلوع آفتاب»
«روز چهارشنبه چاپار از قزوین بسوی رشت حرکت کرده دو ساعت»
«پس از طلوع آفتاب روز چهارشنبه وارد رشت میشود . چاپار رشت»
«یکشنبه حرکت کرده ودوساعت بعد از ظهر دوشنبه به قزوین ورود»
«میکند .»

«ادارات پستی همه روزه سه ساعت بغروب آفتاب تا یك ساعت»
«به غروب مانده باز است و در روزهای ورود و خروج چاپار نیز»
«سه ساعت قبل ازوقت اداره مفتوح وآماده برای اخذ و تسلیم»
«مراسلات خواهد بود .»

٤ــ۲ تمبر و لباس

بعد ازاین آگهی شاید خواندن قسمتی از نامه آقای شوالیه کوستاوریه در مستشار اطریشی پست که از اوایل سال ۱۲۹۲ قمری بکار پست ایران سرو صورتی میداده است بی‌لطف نباشد . قسمتی از مکتوب مزبور که در تاریخ نوزدهم رجب ۱۲۹۲ برای درج در یکی از جراید آن زمان اطریش فرستاده شده باین شرح است .

«مقدم و مهمتر از همه تهیه اونیفورم لباس متحدالشکل است»
«برای غلام و موزعین پست که فقط با ایجاد آن اهالی مملکت را از»
«وجود پست خبر داردنموده‌اند ــ لباس رسمی مملکت ما (سبز و قرمز»
«ابلق و زرد) در این مورد چندان لطفی نداشت ولی ترقیات و سایر»
«وسایلی‌که برای‌تکمیل منظوراساسی انتخاب شده موجب امیدواریست»
«بسعی واهتمام همقطار فرنگی خود موفق شدم که بازوبند و مقدار»
«قلیلی تمبر پست بقدریکه احتیاجات معطل نماند فراهم کنم و بااینکه»
«اسباب کار حسابی در دست ندارم کارم پیشرفت دارد ولی عمل»
«بطلان تمبر با دست انجام میشود و آن طوری که دلخواه است تمبر»
«در دسترس و معرض فروش نمانده درظرف یك ماه و نیم (٦ هفته)»
«عده قلیلی شاگردان ایرانی را بقدری که به تحریر و خواندن خط»
«و آدرس فرانسه آشنا شوند برای تاسیس پست ایالتی مهیا کردم و»
«این سرویس پست از ۲۳ رجب ۱۲۹۳ (۱٦ اوت) منظما بین تهران»

«و شمیران (آنجائیکه سکنه پایتخت تابستانها در آنجا بسرمیبرند) »
«برقرار گردید . یکنفر برنده تا صدسوار ملبس به اونیفورم مذکور»
« (بدون ابلق با چکمه لابچین ـ و شیپور پستی (بوق اعلام) واکمه»
«خورجین که روی هم رفته هیکل برازنده خوبی پیدا کرده بود»
«مرتبا همه روزه از طلوع آفتاب ابتدا از دربار سلطنتی (مقصود »
«ادارات دولتی مجتمعه در ارك است) و بعد از سه نقطهٔ دیگر »
« (مقصود سفارتخانه های روس و فرانسه و انگلیس است که اولی»
«درپامنار و دویمی در سرتخت خانه مرحوم نصیرالدوله و سومی در»
«بازار محل فعلی باغ (ایلچی بوده) مراسلات شمیران و سایر نقاط»
«عرض مسیر خود را جمع نموده حرکت میکرد و بعد از وصول و»
«دوساعت توقف و استراحت ظهر از جعفرآباد که منزل من درآنجا»
«بود ، مراجعت مینمود دراین مسیر نیز کلیه مراسلات تهران و سایر»
«نقاطی که در سرراه داشت جمع کرده و مرسولات نقاط عرض راه»
«را توزیع مینمود تمبر پست هم همراه داشت معهذا من در دهات »
«معتبر تمبر فروشی و شعبه پستی که بوسیله کسبه انجام میگرفت »
«دائر کردهام در دونقطه تمبر فروشی در داخله شهر هم دو عدد »
«صندوق خوش سلخت وین را که هم کیسه خارجی داشت و مزین »
«بعلامت شیر وخورشید ایران بود نصب کرده بودم .»

«... و نیز در تمام طول تابستان یك قسم کندی و بطوء»
«جریان در کار بود و گرما از اوایل جمادیالاول تا اوایل رجب»
«بقدری بد و مزاحم بود که هرگز افعال جدی از کسی سرنمیزد.»

جای دیگر ، مثلا در شماره های ۲۵ تا ۳۱ روزنامه اختر اسلامبول که در محرم ۱۲۹۳ منتشر میشده است ضمن مطالعهٔ نخستین آئین نامه پست جدید ایران می بینیم :

«کرایه نوشتجات بهر مسافتی باشد سه مثقال و نیم ٥ شاهی»
«دریافت میشود و پنج شاهی کرایه علاوه میشود بهردرجهٔی که از»
«وزن سه مثقال و نیم که عقد معین است زیاد شود مثلا اگر چهار»
«مثقال بشود کرایه هفت مثقال گرفته میشود که دهشاهی باشد و»
«هرگاه معادل نیم مثقال هم از هفت مثقال اضافه شودکرایه دهمثقالو»
«نیم مطالبه میشود و بهمین طریق تا پنجاه مثقال .»
«نوشته های بدون تمبر ارسال نخواهد شد .»
«قیمت قبض رسید پنج شاهی است .»
«اگر کاغذی بمقصد نرسید دولت پنج تومان بفرستنده»
«خواهد پرداخت .»

۳ـ تلفن

روزگاران طولانی ، نحوه ارتباط مردم سراسر جهان با تغییراتی جزئی برمبنای همان اصولی بود که از زمان هخامنشیان و ملل مشرق به ملل مغرب زمین بارث رسید ولی همچنان که جهان تغییر میبافت این وسائل ارتباطی نیز دگرگونه میشد پروفسور «اشتال» آلمان در جزوهای که برای تدریس در دانشگاه تهیه کرده مینویسد ایرانیان در ٥٥٨ سال پیش از مسیح مردانی بلند آواز را درفواصل متناسب با قوت ایشان دهان بدهان منتقل ساخته بمقصد می رسانیدند .

۱ـ۳ تلفن درایران

هنگامیکه تلفن بنابرسال ثبت آن در سال ۱۲۵۵ پس ازاختراع توسط دکتر رایس توسط السیشالگری والکساندر گراهام بل تکمیل گردید و به اکناف و اطراف جهان سفر کرد در سال۱۳۲۱ قمری نیز توسط مرحوم دوست علیخان معیرالممالك وارد ایران شد تلفن‌تهران در آن زمان منحصر بدورشته سیم بود که یکی بدربار و دیگری‌بمنزل صدراعظم اتصال داشت پس از چندی مرحوم معیر با چند نفر شرکتی بنام شرکت سهامی کل تلفن ایران محدود تشکیل داده و بتاسیس خطوط و شبکه تلفن طبق سیستم آن زمان در پایتخت و شهر های مهم کشور پرداختند تاسیسات تلفن مرکز و شهرستانها عموما سیستم مغناطیسی یك‌سیمه بود که هم اکنون با وجود ترقیات فنی سیستم شهرستانها از همان نوع میباشند درسال ۱۳۱۵ سرمایه شرکت به‌بیست میلیون ریال رسید و سیستم تلفن از نوع نیمه خود کار بخود کار تبدیل گردید . تا سال ۱۳۲۵ ارتباط تلفنی کاریر در داخل کشور ویا خارج وجود نداشت درسال مزبور که قوای متفقین خاك ایران راترك گفتند مقداری خطوط مسی درشمال ودرغرب کشور و قسمتی بدون وسائل مرکزی و قسمتی با وسائل تحویل تلفن ایران شد وسائل‌مرکزی مذکور عبارت از لوازمی بود که با نصب و استفاده از آنها میشد بوسیله یك جفت سیم درآن واحد چندین ارتباط تلفنی انجام داد و اینگونه لوازم را کاریر مینامید که معنی لغوی آن ناقل است بدین معنی که چندین مکالمه تلفنی را روی یك موج ناقل ارسال ودر دستگاه متقابل در مقصد به تعداد امواج ارسالی رابطه تلفنی به دست میآید و تلفنهای متعدد وصل میشود بطور ساده تلفن کاریر دستگاهی است که اصوات ساده تلفن رابا کمك امواج دیگری از نقطه بنقطه دیگر منتقل مینماید .

٤ـ تلگراف

شاید برای خواننده که با تاریخ تکامل شگرف علوم و فنون در جهان امروز آشنائی دارد و از بدو تحصیل سرزمین نشو و نمای این علوم را سرزمینی می شناسند که امروز باروپا معروف است بیان این مطلب با تعجب تلقی شود اگر بگوئیم آغاز فصل تلگراف بی‌بیان شکل اولیه آن درایران فصلی ناتمام است ، ولی این خود حقیقی است که بربنای اسناد و مدارك و اذعان علما و مهندسین تلگراف و تلفن استوار است .

تلگراف درآن روزگار عبارت بود از آتش یا دودی که‌برفراز کوهی یا برج و تپه افروخته شود و خبری کلی از قبیل غلبه‌برسپاه و فتح قلعه دشمن را بوسیله آن ها بکسانی که در پست بعدی جای داشتند برسانند . این دسته نیز همین کار را انجام داده و آن خبررا باطلاع پستی دیگر میرسانیدند ماموران این کار را کوهپایه یا حافظ کوه مینامیدند . ابداع این وسیله را بهرقوم و ملتی نسبت دهیم قدر مسلم آنست که در ۲۵۰۰ سال پیش جز امپراطوری هخامنشی دولت دیگری را یارای تحمل هزینه که اینکار محتاج بود نبود مسلما آنکه نخستین مخابره تلگراف مندرج در تواریخ عالم بوسیله ایرانیان‌صورت گرفت و آن مژده تصرف مجدد آتن بود که از راه جزایر سیگماردر مدت چهار ساعت به خشایارشا رسید این واقعه در ۱۱۰۱ سال پیش‌از هجرت درجهان اتفاق افتاده است . پس از این شکل از تلگراف مخابره الفباء نیز معمول شد و ازایران به امپراطوری روم نفوذ یافت.

از قرن هفدهم میلادی به بعد انواع گوناگونی از تلگراف ابداع شد که مشهورترین آنها «شاپ» است ولی شکل کامل تلگراف توسط مردی بنام «ویلیام مورس» امریکائی در ۱۸۳۵ اختراع شدو توسط همین مرد نیز الفبائی مخصوص آن تدارك شد و وسیله جدیدو مجهزی جهت انجام مخابرات تلگرافی در جهان قرار گرفت .

این دستگاه بنام مخترع آن مورس نامیده شد .

۱ـ٤ تلگراف درایران

اولین مخابره تلگراف توسط ناصرالدین شاه با حضور عده از امراء لشکر و رجال کشوری انجام گرفت و از سال ۱۲۷۵ به بعد مقرر گردید که سیم کشی های نقاط دیگر کشور بخصوص شمال‌غ ب که از نظر استقرار ولایتعهد در تبریز بیشتر مورد نظر بود شروع شود و پس از خاتمه سیم کشی تهران تبریز مقرر شد که بماکو امتداد پیدا کند و پس از امتداد تا مرز روسیه بین امپراطور روسیه و پادشاه ایران تلگراف های شادباش مبادله گردید .

پس از انجام مقدمات اولیه ، ایجاد تلگراف دولت انگلستان

بواسطهٔ منافعی که در هندوستان داشت در صدد عقد قراردادی با ایران برآمد و درنتیجه قراردادی منعقد در سال ۱۲۷۹ سیم‌کشی نقاط خانقین ، تهران ، بوشهر ، انگلستان از راه دریای مدیترانه به بغداد و کراچی به شرکت هند واوروپ انگلیسی واگذار شد تا در زمان شاهنشاه فقید قرارداد مذکور فسخ و لوازم و اثاثیه آن شرکت بدولت ایران مسترد گردید .

مناسب بنظر میرسد که این مقال را با بیان هرودوت مورخ بزرگ یونانی که در مورد پست‌ایران نوشته است واینك برسردر وزارت تلگراف و پست امریکا نصب شده است خاتمه دهیم :

«نه برف نه باران نه گرما نه تاریکی شب پیك های پست را از زودرسیدن بمقصد باز نمیدارد .»

۵ـ اسامی وزراء پست و تلگراف و تلفن

نام نخست‌وزیر	نام وزیر	تاریخ تشکیل کابینه یا معرفی وزیر
مشیرالسلطنه	مخبرالدوله	۱۷ خرداد ۱۲۸۷
مشیرالسلطنه	»	دوم تیر ۱۲۸۷
مشیرالسلطنه	»	۱۵ دی ۱۲۸۷
ناصرالملك	»	دوم اردیبهشت۱۲۸۸
سپهدار اعظم	سردار منصور	نهم مهرماه ۱۲۸۸
»	»	۱۰ آذر ۱۲۸۸
»	»	۸ اردیبهشت۱۲۸۹
»	معتمدخاقان	۳۰ اردیبهشت۱۲۸۹
مستوفی‌الممالك	شهاب‌الدوله	اول امرداد ۱۲۸۹
»	»	۶ آبان ۱۲۸۹
سپهدار اعظم	معاون‌الدوله	۲۰ اسفند ۱۲۸۹
»	ممتازالدوله	۲ خرداد ۱۲۹۰
»	»	۲۷ تیر ۱۲۹۰
صمصام‌السلطنه	دبیرالملك	سوم امرداد ۱۲۹۰
صمصام‌السلطنه	معاضدالسلطنه	۸ امرداد ۱۲۹۰
»	»	۷ آذر ۱۲۹۰
»	»	۲۰ آذر ۱۲۹۰
»	مستشارالدوله	۴ خرداد ۱۲۹۱
علاءالسلطنه	»	۲۸ دی ۱۲۹۱
مستوفی‌الممالك	شهاب‌الدوله	۲۶ امرداد ۱۲۹۲
»	»	۳۰ بهمن ۱۲۹۳
مشیرالدوله	نصرالملك	۲۲ اسفند ۱۲۹۳
عین‌الدوله	مهذب‌السلطنه	۱۰اردیبهشت ۱۲۹۴
مستوفی‌الممالك	مستشارالدوله	۲۶ امرداد ۱۲۹۴
فرمانفرما	سردار منصور	۳ دی ۱۲۹۴
سپهسالار	مشیراعظم	۱۴ اسفند ۱۲۹۴
وثوق‌الدوله	امین‌الملك	۷ شهریور۱۲۹۵
علاءالسلطنه	مشیرالدوله	۱۵ خرداد ۱۲۹۶
عین‌الدوله	امین‌الملك	اول آذر ۱۲۹۶
مستوفی‌الممالك	سردار اسعد	۲۷ دی ۱۲۹۶
»	»	؟
صمصام‌السلطنه	مشارالسلطنه	۱۰ اردیبهشت۱۲۹۷
»	نصرالملك	۲۷ خرداد۱۲۹۷
وثوق‌الدوله	محاسب‌الممالك ـ (کفیل)	۱۵ امرداد۱۲۹۷
مشیرالدوله	نیرالملك	۱۳دی ۱۲۹۹؛
سپهدار اعظم	سردار معتمد	۵ آبان ۱۲۹۹
»	»	۲۸ بهمن ۱۲۹۹
سیدضیاءالدین ـ طباطبائی	مشیر معظم	۳ اسفند ۱۲۹۹
	مشارالسلطنه	—
قوام‌السلطنه		۱۴خرداد ۱۳۰۰
»	شهاب‌الدوله	۸ مهر ۱۳۰۰
»	»	۱۶ مهر ۱۳۰۰
مشیرالدوله	اعتلاءالسلطنه	۳ بهمن ۱۳۰۰
قوام‌السلطنه	وحیدالملك	۱۷خرداد ۱۳۰۱
مستوفی‌الممالك	نصرالملك	۲۶ بهمن ۱۳۰۱
مشیرالدوله	فهیم‌الدوله	۲۶خرداد ۱۳۰۲
سردار سپه	سرلشکر خدایارخان	۶ آبان ۱۳۰۲
»	محمودخان انصاری	۲۵ فروردین ۱۳۰۳
»	سردار اسعد	۷شهریور ۱۳۰۳
»	»	۱۷ امرداد ۱۳۰۴
محمدعلی فروغی	»	۲۸ آذر ۱۳۰۴
مستوفی‌الممالك	مشیر اعظم	تیرماه ۱۳۰۵
»	»	۲۴شهریور ۱۳۰۵
»	»	۱۸ بهمن ۱۳۰۵
مخبرالسلطنه	قاسم صوراسرافیل	۱۱خرداد ۱۳۰۶
محمدعلی فروغی	محمدعلی‌میرزا ـ دولتشاهی	۲۶شهریور ۱۳۱۲
»	نظام‌الدین حکمت	—
محمود جم	»	۱۱ آذر ۱۳۱۴
»	ابراهیم علم	۷ اسفند ۱۳۱۷
احمد متین‌دفتری	»	سوم آبان ۱۳۱۸
علی منصور	»	۵ تیر ۱۳۱۹
محمدعلی فروغی	»	۵شهریور ۱۳۲۰
»	حمید سیاح	سی‌ام‌شهریور ۱۳۲۰
»	»	۱۳ آذر ۱۳۲۰
»	حسنعلی ـ کمال‌هدایت	۱۱ اسفند ۱۳۲۰
علی سهیلی	فضل‌اله بهرامی	۱۸ اسفند ۱۳۲۰
احمد قوام	حمید سیاح	۱۸ امرداد ۱۳۲۱
»	محسن رئیس	بهمن ۱۳۲۱
علی سهیلی	نصراله انتظام	۲۸ بهمن ۱۳۲۱
محمد ساعد	ابوالقاسم فروهر	۸فروردین ۱۳۲۳
»		۱۷ فروردین ۱۳۲۳
»	یوسف مشار	۱۵شهریور ۱۳۲۳
مرتضی‌قلی بیات	نادر آراسته	۴ آذر ۱۳۲۳
ابراهیم حکیمی	؟	۲۳اردیبهشت ۱۳۲۴
محسن صدر	؟	۲۳ خرداد ۱۳۲۴
ابراهیم حکیمی	محمود نریمان	۱۲ آبان ۱۳۲۴
احمد قوام	سهام‌الدین غفاری	۲۵ بهمن ۱۳۲۴
»	دکترمنوچهر اقبال	۱۰ امرداد ۱۳۲۵
»	اعزاز نیك‌پی	۲۸ خرداد ۱۳۲۶
»	سیدعلی نصر	۲۷ مهر ۱۳۲۵
»	جواد بوشهری	۱۹شهریور ۱۳۲۶
ابراهیم حکیمی	محمدعلی وارسته	۶ دی ۱۳۲۶
عبدالحسین هژیر	نادر آراسته	۲۷ خرداد ۱۳۲۷
محمد ساعد	»	۲۵آبان ۱۳۲۷؛
علی منصور	سیدجلال‌الدین ـ تهرانی	۱۴ فروردین ۱۳۲۹
سپهبد رزم‌آرا	مهندس قاسم اشراقی	۶ تیر ۱۳۲۹

	مهندس احمد زنگنه	فروردین ۱۳۳۰
حسین علاء	یوسف مشار	۱۲اردیبهشت ۱۳۳۰
دکترمحمد مصدق	دکتر غلامحسین ـ صدیقی	۵ دی ۱۳۳۰
»		
احمد قوام	(ـ)	۲۵ تیر ۱۳۳۱
دکتر محمد مصدق	مهندس سیف‌اله ـ معظمی	٤ امرداد ۱۳۳۱
سرلشکر زاهدی	سرتیپ عباس ـ فرزانگان (کفیل)	۲۸امرداد ۱۳۳۲
سپهبد زاهدی	»	۲ اردیبهشت ۱۳۳۳
حسین علاء	مهندس امیر قاسم ـ اشراقی	۱۷ فروردین ۱۳۳٤
»	»	۲۳ خرداد۱۳۳۵
دکتر منوچهر اقبال	»	۱۵ فروردین ۱۳۳٦
مهندس جعفر ـ شریف‌امامی	دکتر عبدالحسین اعتبار	۹شهریور ۱۳۳۹
»	»	۲۰اسفند ۱۳۳۹
دکتر علی امینی	مهندس‌هوشنگ سمیعی	۱٦ اردیبهشت ۱۳٤۰
اسداله علم	»	
اسداله علم	»	
اسداله علم	»	
حسنعلی منصور	دکتر فرهنگ شفیعی	اسفند ۱۳٤۲

٦ـ هدف

۱ ـ تاسیس نگهداری و بهره‌برداری سرویسهای پستی ومخابراتی برای ارتباطات داخله و ارتباطات با خارجه .

۲ ـ تامین اجرای‌تعهدات مربوط به قراردادهای بین‌المللی پستی و مخابراتی که دولت متعهد باجرای آنها میباشد .

۳ ـ هم‌آهنگ نمودن فعالیت های شرکت سهامی تلفن ایران با برنامه های وزارتخانه و نظارت در امور شرکت مزبور برطبق قوانین و مقررات مربوطه .

٤ ـ تاسیس و نگاهداری و بکار انداختن وسایل دولتی کشوری پخش بیسیمی اعم از سمعی و بصری .

۵ ـ انجام تکالیف فوق از طریق تنظیم و اجرای برنامه های مشخص و فراهم ساختن وسایل کار .

٦ ـ تنظیم استفاده عموم از وسایل مخابراتی بطوریکه تاثیر و توسعه آنها در داخله کشور و ارتباط با کشور های دیگر بنحو احسن تامین شود .

۷ـ نظارت فنی درتاسیس ونگاهداری وبکارانداختن وسایل غیر دولتی کشوری پخش بیسیمی اعم از سمعی و بصری .

۷ـ وظایف معاون پستی

۱ ـ نظارت و رهبری واحدهای پستی کشور بنحوی که امور پست بطور سریع و صحیح انجام گیرد .

۲ ـ تنظیم برنامه های پستی و طرحهای مربوط بتوسعه امور پست داخلی و بین‌المللی براساس احتیاجات کشور واستاندار هائی که در زمینه توسعه شبکه های پستی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت .

۳ ـ تعیین نیازمندیهای مربوط به نیروی انسانی ووسایل کار طبق برنامه هائی که از نظر انجام وظایف وتوسعه امور پست مورد تصویب قرار گیرد .

٤ ـ تهیه طرحهای قانونی در مورد امور پست بمنظور تسلیم بمقام وزارت واجرای مصوبات مربوط بامور پستی داخلی و بین‌المللی .

۵ ـ ایجاد هم آهنگی بین واحدها بمنظور تطبیق وتوحید فعالیتهای شبکه هـای پستی داخل و خارج کشور و روابط بین‌المللی .

٦ ـ تنظیم بودجه برنامه‌ای فعالیت های پستی وزارتخانه در تمام کشور براساس تجزیه هدف عمومی امور پست بفعالیت ها و وظایف وتعیین هزینه های مربوط به نیروی انسانی ووسایل وابزار زمان لازم برای هر فعالیت باهمکاری معاون اداری وزارتخانه و طرح آن در شورایعالی وزارتی باتوجه به سیاست کلی واقتصادی‌دولت در تنظیم بودجه هرسال .

۷ ـ تامین کارآئی سازمان امور پستی کشور بنحویکه باتامین حداکثر حسن جریان ارتباطات امور پستی و رفاه عمومی کارکنان و مشتریان سازمان و نفع وصلاح عمومی حداکثر عواید تحصیل گردد .

۸ ـ شرکت در جلسات شورایعالی وزارتی ـ طرح مسایل کلی مربوط بامور پست بمنظور اتخاذ تصمیم باتوجه بسیاست کلـی وزارتخانه .

۹ ـ تشکیل وانجام‌امور ریاست شورای پستی که مسایل پستی وزارتخانه را مورد شور قرارخواهند داد .

۱۰ ـ تنظیم برنامه اجرائی و توسعه امور پستی بروات وزارت پست وتلگراف و پیشنهاد آن بشورایعالی جهت ایجاد هماهنگی‌وتامین بودجه و نیروی انسانی لازم .

۱۱ ـ اجرای بودجه برنامه‌ای طبق اختیارات مالی وکارپردازی وکارگزینی خدمات اداری که باتوجه باحتیاجات هراداره طبق نظر معاون پستی بادارات تفویض خواهد شد .

۸ـ وظایف معاون فنی

۱ ـ تنظیم طرحها و برنامه‌های امور تلگراف وتلفن وامورفنی ورادیو تلویزیون متناسب بااحتیاجات کشور و تهیه و پیشنهاد طرح های مربوط بتوسعه و مدرن کردن شبکه های تلگراف و تلفن ورادیو تلویزیون براساس بررسیهای عمومی در داخل وخارج کشور.

۲ ـ نظارت و رهبری بر کلیه شبکه های تلگرافی و تلفنی و رادیو تلویزیون بنحوی که ارتباطات تلفنی وتلگرافی باسرعت‌وصحت و طبق احتیاجات مملکتی وبین‌المللی تامین شود .

۳ ـ رسیدگی به تقاضاهای مربوط بنصب و بکار انداختن دستگاه های تلکومونیکاسیون خصوصی و نظارت فنی برآنها.

٤ ـ نظارت و مراقبت در اجرای مقررات بین‌المللی مربوطبه تلکومونیکاسیون .

۵ ـ تنظیم و تکمیل سازمان مناسبی که بتواند وظایف وفعالیت های لازم را بنحو مطلوب انجام دهد وتجدید نظر مداوم در وضع سازمان بموازات توسعه امور تلگراف و تلفن باتوجه ببالا رفتن سطح احتیاجات عمومی باهمکاری اداره بهبود امور اداری .

٦ ـ تهیه طرحهای قانونی در مورد تلکومونیکاسیون بمنظور تسلیم بمقامات قانون گزاری واجرای مقررات مربوط بامـور تلکومونیکاسیون داخلی وبین‌المللی .

۷ ـ ایجاد هم آهنگی و توحید فعالیت های عمومی تل ـ کومونیکاسیون .

۸ ـ تعیین نیازمندیهای مربوط بنیروی انسانی و وسایل‌کارو خدمات مورد نیاز طبق برنامه هائی که از نظر انجام وظایف وتوسعه امور تلکومونیکاسیون مورد تصویب قرار گیرد .

۹ ـ تنظیم بودجه برنامه‌ای براساس تجزیه هدف به فعالیتها ووظایف و تعیین هزینه های مربوط به‌نیروی انسانی ووسایل وابزار لازم برای هر فعالیت و توسعه عملیات .

۱۰ ـ تامین کارآئی سازمان تلکومونیکاسیون بنحوی که حداکثر سرعت و صحت جریان امور را دربرداشته ورفاه عمومـی کارکنان و مشتریان سازمان تامین و نفع و صلاح و عواید عمومی حاصل گردد .

۱۱ ـ شرکت در جلسات شورایعالی وزارتی و طرح مسائل کلی فنی بمنظور اتخاذ تصمیم باتوجه بسیاست کلی وزارتخانه .

۱۲ ـ تشکیل وانجام امور ریاست شورای فنی که مسائل فنی وزارتخانه را مورد شور قرار خواهد داد .

۱۳ ـ تنظیم برنامه اجرائی و توسعه امور فنی وزارت پست و تلگراف و پیشنهاد آن بشورای عالی جهت ایجاد هم آهنگی وتامین بودجه و نیروی انسانی لازم .

۱٤ ـ تنظیم بودجه برنامه‌ای فعالیت های فنی وزارتخانه در

تمام کشور با همکاری معاون اداری وزارتخانه و طرح آن در شورایعالی وزارتی باتوجه به سیاست کلی و اقتصادی دولت درتنظیم بودجه هرسال .

۱۵ ــ اجرای بودجه برنامه‌ای طبق اختیارات مالی وکارپردازی وکارگزینی و خدمات اداری که با توجه باحتیاجات هراداره طبق نظر معاون فنی بادارات تفویض‌خواهد شد .

۱۶ ــ پیشنهاد تنظیم وتکمیل سازمان فنی باهمکاری اداره‌بهبود امور اداری بشورایعالی وزارتی جهت تصویب .

۹ــ وظایف مدیرکل پست

۱ ــ طرح ریزی برنامه های کوتاه مدت و طویل‌المدت در امور پست وتهیه و تنظیم خط مشی پستی کشور .

۲ ــ تعیین سازمان لازم برای انجام امور پستی و پیشنهاد تغییرات سازمانی بمقامات بالاتر .

۳ ــ تشریک مساعی با ادارات مربوطه در تهیه شرایط احراز مشاغل مختلف پستی در مرکز و شهرستانها و پیشنهاد انتصاب روسای ادارات مرکزی پست وانتصاب وانتقال کارمندان تا رئیس دائره در حوزه مدیریت کل پست باتوجه بشرایط احراز شغل وسازمان مصوبه .

۴ ــ موافقت و امضای درخواست و صدور ابلاغ خریدها با توجه بدستورات صادره و در حدود اعتبارات مصوبه .

۵ ــ صدور کلیه بخشنامه ها و دستورالعمل های کلی بواحدهای پست مرکز وشهرستانها .

۶ ــ تقدیم پیشنهادات برای توسعه و بهبود امور پست به مقام وزارت .

۷ ــ ایجاد هم آهنگی در فعالیتهای پستی و ادارات تابعه مدیریت کل پست .

۸ ــ دریافت گزارشات پیشرفت کار ــ میزان در آمد و غیره از ادارات تابعه ــ ارجاع گزارشات بادارات ــ مسئول جهت بررسی وتعیین خط مشی .

۹ ــ صدور دستورات و راهنمائی های کلی بواحدهای پستی در تمام کشور و همچنین پیشنهاد مقررات جدید پستی در حدود اختیارات مصوبه بمقامات بالاتر جهت تصویب در مراجع قانونی .

۱۰ ــ تهیه و تنظیم بودجه مدیریت کل پست با همکاری‌ادارات تابعه واظهار نظر در مورد بودجه و برنامه های واحدهای پستی درتمام کشور .

۱۱ ــ شرکت در کمیسیون ها و کنفرانسهای پستی داخلی و خارجی با صلاحدید وزارتخانه .

۱۲ ــ نظارت درانجام کلیه امور ووظایفی که بادارات تابعه محول شده وصدور دستورات لازم .

۱۰ــ وظایف شورایعالی وزارتی

۱ ــ بررسی واظهار نظر ببرنامه های مربوط بخط مشی وسیاست کلی وزارتخانه .

۲ ــ بررسی و اظهار نظر در مورد طرح های امور پستی و تلکومونیکاسیون .

۳ ــ بررسی و اظهار نظر در باره تغییرات سازمان وزارتخانه.

۴ ــ بررسی و اظهار نظر درباره طرحهای مربوط بروشها و بررسیهای مدیریت در وزارتخانه .

۵ ــ بررسی بودجه برنامه‌ای وزارتخانه قبل از تقدیم بمقامات قانون گزاری .

۶ ــ بررسی بودجه مصوبه وزارتخانه از نظر تطبیق بابرنامه‌های اجرائی وزارتخانه و تخصیص اعتبارات مصوبه بهر يك از واحدها .

۷ ــ بررسی و اتخاذ تصمیم درباره نیروی انسانی و بالا بردن سطح اطلاعات کارکنان .
وزارتخانه .

۸ ــ بررسی سیاست کلی استخدامی وزارتخانه از نظر برقراری روش لیاقت و شایستگی وطبقه بندی مشاغل وارزیابی مشاغل ورفاه کارمندان .

۹ ــ بررسی واظهار نظر در باره طرح های مالی و درآمد وزارتخانه .

۱۰ ــ رسیدگی واظهار نظر نسبت به طرحهای قانونی که‌تقدیم هیئت دولت میشود .

۱۱ ــ طرح وبررسی سایر مسائل و مواردی که توسط یکی از آقایان اعضاء از نظر اهمیت پیشنهاد و مطرح شود ویا مسائلی که بررسی آن از طرف مقام وزارت ارجاع گردد .

۱۱ــ وظایف شورای فنی

۱ ــ ایجاد هم آهنگی کامل بین ادارات فنی .

۲ ــ بررسی طرحهای جدید و هم آهنگ کردن آنها با وضع ارتباطات موجود .

۳ ــ اظهار نظر نسبت به پیشنهادات رسیده از مقامات وزارتخانه .

۴ ــ مطالعه و اظهار نظر در باره سازمان های مختلف ادارات فنی .

۵ ــ تهیه بودجه و اظهار نظر در تقسیم آن بین ادارات فنی .

۶ ــ بررسی احتیاجات ادارات فنی .

۷ ــ بررسی در باره‌بالابردن سطح معلومات کارمندان فنی‌واظهار نظر دربرنامه آموزشی .

۸ ــ مطالعه واظهار نظر نسبت به بالا بردن میزان در آمد و تقلیل هزینه .

۹ ــ تهیه برنامه سالیانه .

۱۰ ــ اظهار نظر در مورد قسمت های فنی ساختمان های وزارتخانه .

۱۱ ــ رسیدگی بوضع نقل وانتقالات کارمندان بین‌ادارات فنی تهران وشهرستانها .

۱۲ ــ توجه بوضع ترفیع کارمندان فنی .

۱۲ــ وظایف شورای پستی

۱ ــ بررسی و اظهار نظر نسبت به برنامه ها و طرح‌های پستی .

۲ ــ بررسی و اظهار نظر در باره سازمان و تغییرات سازمان پست .

۳ ــ بررسی بودجه ادارات پست مرکز و شهرستانها .

۴ ــ بررسی و اظهار نظر در باره امور استخدامی و تربیت کارکنان پست .

۵ ــ رسیدگی و اظهار نظر در باره اجرای مقررات پستی.

۶ ــ اظهار نظر در باره پیشنهادات مربوط به‌بهبود وتوسعه امور پستی .

۷ ــ طرح وبررسی سایر مسائل پستی که ازطرف مقام وزارت ارجاع و یاتوسط اعضاء مطرح گردد .

۱۳ــ وظایف شورای اداری

۱ ــ ایجاد هم آهنگی بین ادارات حوزه معاونت اداری.

۲ ــ بررسی و اظهار نظر نسبت ببرنامه‌های مربوط بخط‌مشی کلی اداری وزارتخانه .

۳ ــ بررسی واظهار نظر در مورد طرحهای امور اداری.

۴ ــ بررسی و اظهار نظر در باره تغییرات سازمان‌وزارتخانه.

۵ ــ بررسی واظهار نظر درادراه طرحهای مربوط بروشها و مدیریت در وزارتخانه .

۶ ــ بررسی بودجه برنامه‌ای اداری وزارتخانه .

۱ ــ بررسی و تهیه طرحهای لازم در باره نیروی انسانی وبالا بردن سطح اطلاعات کارکنان وزارتخانه .

۸ ــ بررسی و تهیه طرحهای استخدامی وزارتخانه از نظر بر قراری روش لیاقت و شایستگی وطبقه بندی و ارزیابی وشرایط احراز مشاغل و رفاه‌کارمندان .

۹ ــ بررسی و تهیه طرحهای مالی ودرآمد وزارتخانه .

۱۰ ــ بررسی واظهار نظر نسبت بطرح تصویبنامه ها و لوایح قانونی که دستگاه اداری وزارت خانه تهیه مینماید قبل از تقدیم مقام وزارت .

۱۱ ــ طرح وبررسی سایر مسائل و مواردیکه توسط یکی از

اعضاء از نظر اهمیت پیشنهاد ومطرح‌شود .
۱۲ ــ بررسی و اظهار نظر در مورد طرحهای توسعه تاسیسات بمنظور تامین پرسنل و هزینه تدارکات و هزینه نگهداری و سایر امور اداری مربوط باجرای طرح .

۱۴ــ وظایف اداره کل دفتر وزارت

۱ ــ دریافت نامه ها و تلگرافها و گزارشهائی که بعنوان وزارتخانه میرسد وتوزیع آن‌ها بین ادارات تابعه .
۲ ــ دریافت کلیه پرونده هاونامه ها ودرخواست هائی که باید بامضاء مقام وزارت برسد و بامضاء رساندن و اعاده یاارسال آن‌ها بادارات مربوطه .
۳ ــ تهیه بخشنامه های وزارتی که موضوع وتهیه آن ازوظایف هیچیک از ادارات تابعه نباشد .
٤ ــ اداره امور محرمانه و نامه‌های رمز وزارتخانه .
٥ ــ مراقبت‌در حسن جریان مکاتبات وتسریع درانجام مراجعات مربوط بحوزه وزارت .
٦ ــ ابلاغ اوامر و تعلیمات وزارتی بادارات تابعه .

۱۵ــ وظایف اداره کل اطلاعات و روابط عمومی

۱ ــ جمع آوری آمارهای لازم از دستگاه های مختلف وزارتخانه و تنظیم و توزیع آنها و نظارت برتهیه آمارهای پستی و تلگرافی وتلفنی تهران وشهرستانها .
۲ ــ تهیه آمارهای خارجی و تنظیم وترتیب آنها برای‌تابلوی بین‌المللی برن .
۳ ــ جمع آوری اطلاعات واخبار وفعالیتهای دستگاه های مختلف وزارتخانه وانتشار آنها با کسب اجازه از مقام وزارت در جراید و مجلات ورادیو وتـلویزیون .
٤ ــ تنظیم و انتشاربولتن ماهانه وسالنامه وسایر نشریات اختصاصی وزارتخانه .
٥ ــ مطالعه و ارسال بریده مطالب پیشنهادی وانتقادی جراید و مجلات بادارات مربوطه واخذ جواب برای درج در روزنامه هابا نظر واجازه مقام وزارت .
٦ ــ تشکیل نمایشگاه عکس از اقدامات و پیشرفت های وزارتخانه در تهران و شهرستانها .
۷ ــ انجام‌امور مربوط به باشگاه وزارتخانه و رسیدگی بامور کانتین ها وترتیب وتشکیل قسمتهای هنری ــورزشی و تفریحات سالم برای کارکنان وزارتخانه و خانواده آنان .
۸ ــ انجام امور مربوط بامور اداری و پرسنلی شرکت تعاونی وزارتخانه .
۹ ــ جلب موافقت بانکها برای پرداخت وام بکارمندان مرکز و شهرستانها (در حال حاضر از طرف بانك صادرات و معادن بـه کارمندان و خدمتگزاران جزء وام پرداخت میشود و موافقت بانکهای نیز باشرایطی جلب گردیده است .
۱۰ ــ تهیه مطالب و اطلاعات مورد احتیاج بانکها ــ شرکتهاو موسسات اقتصادی ملی و دولتی در داخل و خارج‌کشور .
۱۱ ــ راهنمائی مردم‌ومراجعه‌کنندگان‌بادارات مختلف وزارتخانه بوسیله باجه های اطلاعات درساختمان های مخابرات تهران بیسیم (حوزه وزارتی وسایر ادارات وزارتخانه) .
۱۲ ــ تقدیم گزارشهای مرتب بمقامات مافوق .

۱٦ــ وظایف اداره کل آموزش

۱ ــ اداره امور آموزشگاه های اختصاصی وزارتخانه در مرکز و دائر نگاهداشتن کلاسهای مربوطه برطبق قانون تاسیس آموزشگاه و آئین نامه ها وبرنامه های مصوبه ودر نظر گرفتن احتیاج‌ادارات وزارتخانه بکارمندان جدید .
۲ ــ صدور گواهی نامه های فارغ‌التحصیلان .
۳ ــ معرفی فارغ‌التحصیلان آموزشگاه به وزارتخانه ودستگاه های تابعه .
٤ ــ نظارت دربرنامه ها و تعلیمات وامتحانات کلاسهائی کهدر ادارات پست وتـلگراف و تلفن شهرستان دائر میشود .
٥ ــ جمع آوری اطلاعات مربوط به احتیاجات دستگاه های مختلفه وزارتخانه بانواع کار آموزی ها وتعلیمات .

۱۷ــ وظایف اداره کل بازرسی

۱ ــ تنظیم روش ومقررات بازرسی و همچنین تهیه یك‌برنامه مداوم جهت بازرسی امور وزارتخانه و پیشنهاد آن ها بـرای تصویب .
۲ ــ انجام بازرسیهای فنی ــ مالی واداری در کلیه ادارات و بنگاهها و دستگاه های تابعه وزارتخانه برحسب دستور مقامات مافوق ویا بر طبق برنامه مصوب و جمع آوری اطلاعات ونظریات درباره احتیاجات ونواقص‌دستگاه‌های مختلف وزارتخانه ضمن بازرسی .
۳ ــ رسیدگی بشکایات واصله وانجام هرگونه بازرسی و یـا بازجوئی و گزارش معایب جریان کار بر حسب امر مقامـات مافوق .
٤ ــ رسیدگی مقدماتی به تخلفات کارکنان وزارتخانه برحسب دستور مقامات مافوق وتحقیق وتکمیل پرونده مربوط وپیشنهادتشکیل دادگاه اداری وتعقیب در صورت لزوم .
٥ ــ تقدیم گزارشهای مرتب بمقامات مافوق .

۱۸ــ وظایف اداره کل حسابداری

۱ ــ نظارت وایجاد هم آهنگی درامور مالی وزارتخانه‌اعم‌از درآمد و هزینه برطبق روشها وطرحهائی که از طرف وزارت دارائی معین میشود .
۲ ــ تهیه و تنظیم بودجه تفصیلی وزارتخانه برمبنای پیشنهادات دستگاه های مختلف وتقدیم آن بمقامات مافوق .
۳ ــ ابلاغ بودجه های مصوب بدستگاه های مربوطه .
٤ ــ تامین اعتبار بمنظور اجرای برنامه های وزارتخانه در حدود بودجه مصوبه .
٥ ــ نظارت در مصرف اعتبارات وانجام تعهدات مالی بر طبق بودجه های مصوب و قوانین و مقررات مربوطه .
٦ ــ پرداخت حقوق و مخارج جاری‌ادارات مرکزی و حواله اعتبارات لازم بشهرستانها .
۷ ــ تنظیم و نگهداری دفاتر و حسابها وارسال اسناد ومدارك لازم باداره رسیدگی و تمرکز حسابها.
۸ ــ جمع آوری سیاهه در آمدها و بودجه های انتفاعی و مصارف آن .
۹ ــ تنظیم و نگاهداری دفاتر اموال بوسیله صاحب جمع اموال ــ تهیه و تسلیم حساب های آن به مقامات مربوطه بر طبق قوانین موجود .
۱۰ ــ فروش وتسویه حساب اموال فرسوده وزارتخانه بارعایت قوانین و مقررات مربوطه .
۱۱ ــ تنظیم و نگهداری دفاتر و محاسبات مربوط بپرداخت حقوق بازنشستگان و موظفین وزارتخانه .
۱۲ ــ دادن اطلاع مرتب ماهانه بدستگاه های وزارتخانه در باره باقیمانده اعتبارات مربوطه و تهیه وتسلیم گزارشهای مرتب و جامع بمقامات مافوق بنحوی که وضع مالی وزارتخانه بطور روشن معلوم گردد .
۱۳ ــ نظارت در اسناد خرید ادارات تابعه وزارتخانه .
۱٤ ــ رسیدگی بوضع درآمد ادارات مرکز و شهرستانها و تنظیم آمار درآمد .

۱۹ــ وظایف اداره کل خدمات اداری

۱ ــ انجام وظایف نگهبانی و پاسبانی ساختمان های وزارتخانه و داخل ابنیه و قسمتهای صندوق .
۲ ــ حفظ اثاثیه و لوازم وکلیدداری اطاقها .
۳ ــ انجام خدمات استحفاظی از قبیل پیش‌گیری حوادث‌اعم از اقدامات مقدماتی و اقدام لازم در جلب کمك از مقامات بهداری‌و پلیس واطفائیه و غیره .
٤ ــ انجام خدمات کلی از قبیل راهنمائی ارباب رجوع و تصدی آسانسور .
٥ ــ انجام امر توزیع کلیه نامه ها ونشریات واحدهای مختلف وزارتخانه .
٦ــانجام امور تنظیف جزئی و کلی و تامین سرویس‌خدمتگزاری داخلی ساختمان ها .
۷ ــ تامین نیازمندیهای آب ویخ وسوخت .
۸ ــ انجام امور پذیرائی و تشریفاتی از قبیل امور آبدارخانه‌ها

و کانتین ها ـ مهمانیها ـ چراغانی و غیره .
۹ ـ انجام تعمیرات اتومبیل های وزارتخانه .
۱۰ ـ تعیین وظیفه رانندگان و نظارت بر کار آنها .
۱۱ ـ تامین سرویسهای نقلیه برای امور اداری و فنیوزارتخانه از قبیل سرویسهای پست وتلگراف و تلفن و خطوط وایاب وذهاب کارکنان .
۱۲ ـ تامین سوخت و انجام سرویس وسائل نقلیهوزارتخانه.
۱۳ ـ تامین نیرویبرق مورد نیاز واحدهای وزارتخانه از قبیل بکار انداختن موتورهای مولدبرق وياتوزيع نيرو مثل سیمکشی ویا انجام خدماتی که مربوط بکار انداختن ویابکار بردن وسایل الکتریکی است مانند آسانسور ـ پنکه وآلارم .
۱۴ ـ انجام امور مربوط به تاسیسات تهویه مطبوع و حرارت مرکزی و نصب بخاری و پنکه های سقفی .
۱۵ ـ تامین سرویس تلفنی واحدهای وزارتخانه و تقسیم کار بین متصدیان مربوطه .
۱۶ـ تهیهمحل لازم برای واحدهای وزارتخانه وجابگزینی آنها باهمکاری اداره بهبود امور اداری .
۱۷ ـ تامین وسائل کار لازم برای انجام وظایف اداری واحدهای وزارتخانه .
۱۸ ـ تعمیرات وتزیینات ساختمانی .
۱۹ ـ تعمیرات اثاثیه ووسائل اداری .
۲۰ ـ انجام خدمات نگاهداری محوطه ساختمان ها از قبیل باغبانیوغیره .

۲۰ـ وظایف اداره کل کارگزینی

۱ ـ تهیه فهرست احتیاجات پرسنلی وزارتخانه .
۲ ـ بررسی قوانین و آئین نامه های استخدامی و پیشنهاد اصلاح ویا تکمیل مقررات موجود .
۳ ـ تنظیم بودجه و سازمان اسمی .
٤ ـ تهیه وشرایط احراز مشاغل مختلف .
۵ ـ تهیه آمار های پرسنلی .
٦ ـ بررسی پیشنهادات در مورد تشکیل و تغییر سازمان پست وتلگراف وتلفن در نقاط از نظر تامین پرسنل .
۷ ـ اداره وانجام امور استخدامی کارمندان و خدمتگزاران وزارتخانه و دعوت بکار ـ استخدام ـ نقل و انتقال ـ ارتقاعمقام ـ ماموریت ـ مرخصی و معذوریت ـ ترفیع رتبه واضافه ـ بازنشستگی ـ وظیفه ـ برقراری مزایا (مدد معاش اولاد ـ فوقالعاده کشیك و اضافه کار ـ علیق اسب ـ هزینه ایاب و ذهاب ـ کمك نقدی بجای کوپن ـ کمك مالی و غیره).
۸ ـ انجام امور مربوط بتوبیخ وامور انضباطی کارمندان و خدمتگزاران و تشکیل دادگاه های اداری در مرکز وراهنمائیادارات پست شهرستانها در مورد تشکیل محاکم اداری .
۹ ـ انجامامور مربوط باعطای نشان ومدال و پاداش و تقدیر از کارمندان و خدمتگزاران .
۱۰ ـ انجامامور مربوط ببهداشت و بیمه و معالجه کارمندان و خدمتگزاران .
۱۱ ـ انجام امور مربوط بکار آموزی ضمن خدمت کارمندان در داخل و خارج کشور وکارشناسانیکه بـرای خدمت از طریـق سازمان های مختلف بوزارتخانه معرفی میشوند .
۱۲ ـ انجام امور مربوط به پرسشنامه های دارائی کارکنان وزارتخانه .
۱۳ ـ تهیه وتکمیل پرونده های پرسنلی کارکنان وزارتخانه و نگهداری آنها .
۱٤ ـ تهیه و تقدیم گزارشهای پرسنلی بمقامات مافوق .

۲۱ـ وظایف اداره کل کارپردازی

۱ ـ تهیه و جمع آوری اطلاعات و آمار راجع باحتیاجات عمومی وزارتخانه بمنظور بر آورد وتنظیم بودجه مربوطه وتقسیم و تخصیص آن در اعتبار ادارات مختلفه بتناسب احتیاجات هر اداره .
۲ ـ اقدام بتهیه و خرید لوازم ووسائل فنی وغیرفنی مورد نیاز در حدود اعتبارات پیشبینی شده آنها ازطریق انتشار آگهی مناقصه و یاطرق دیگر طبق مقررات مالی و قانونی .
۳ ـ مطالعه وبررسی لازم جهت یکنواخت کردن لوازم عمومی وزارتخانه و پیشنهاد آن جهت تصویب واجراء .
٤ ـ تهیه و جمع آوری آمار و اطلاعات تجارتی لازمبمنظور دردست داشتن مشخصات محصولات کارخانجات وکمپانیهای سازنده داخلی وخارجی که مورد نیاز وزارتخانه خواهد بود ونشانیهای لازم از طریق تحقیقات و جمع آوری کاتالوگها .
۵ ـ تهیه مطبوعات مورد نیاز وزارتخانه و نگهداری آنها در انبار و تقسیم تدریجی آن بین ادارات طبق سهمیه هراداره .
٦ـ تهیه فیشها و تنظیمدفاترانبار و عمل کرد وورود و خروج اثاثیه و لوازم انبارها در دفاتر مربوطه .

۲۲ـ وظایف اداره کل طرحها

۱ ـ تهیه وسائل تحقیقاتی برای توسعه و بهبود ارتباطات کشور .
۲ ـ طرح ریزی وتهیه برنامه های لازم بمنظور توسعـه و بهبود ارتباطات کشور .
۳ ـ مطالعه مداوم در نتایج حاصله از برنامه و تاثیر و سودمندی آن از نظر تهیه طرحهای آتی .
٤ ـ تهیه بودجه برنامهای عمرانی ارتباطی .
۵ ـ همکاری با اداره بهبود امور اداری در توسعه وتکمیل وبکار بستن برنامه و روشهای پیشنهادی اداره مزبور .
٦ ـ اجرای پروژه های تنظیمی با همکاری ادارات ذینفع .
۷ ـ کوشش در بالا بردن سطح معلومات کارمندان فنـی از طریق نشریه و تاسیس کمیته های کارشناسی .
۸ ـ تهیه مشخصات و نصب و نظارت در خرید از نظر فنی واداره امور کمیسیون فنی .
۹ ـ انجام امور بینالمللی و کارشناسی از نظر تنظیم امور کارشناسان خارجی و بورسها وامور

۲۳ـ وظایف اداره امور حقوقی

۱ ـ اظهار نظر حقوقی نسبت به پروندهها وموضوعاتی که از ادارات و مقامات مافوق برای اظهار نظر فرستاده میشود و در صورت لزوم بررسی دلایل و تکمیل آنها بمنظور امکان تعقیب قضائی.
۲ ـ اقامه دعوی حقوقی جهت حفظ حقوق وزارتخانه نـزد مقامات قضائی .
۳ ـ دفاع و جوابگوئی نسبت بدعاوی اقامه شده علیهوزارتخانه نزد مقامات قضائی .
٤ ـ اقامه دعوی جزائی علیه کارکنان متخلف و تعقیب دعوی در تمام مراحل جزائی .
۵ ـ شرکت در دادرسی های حقوقی و جزائی مطروحه در دادگاههای شهرستانها .
٦ ـ مطالعه طرح قراردادهای وزارتخانه باافراد و شرکتهای حقوقی و تنظیم قرارداد های مهم در دفاتر اسناد رسمی .
۷ ـشرکت در کمیسیونهائی که بلحاظ وجود جنبه قضائی محتاج ببحث در مقررات جاریه وتطبیق موضوع با آندارد.

۲٤ـ وظایف اداره برنامه ها

۱ ـ کسب اطلاع از نظریه وزارتخانه در باره خط مشی و هدف وامکانات وزارتخانه در مورد تهیه واجرای برنامهها.
۲ ـ تنظیم دستورالعمل تهیه برنامه (چند ساله ـ یکساله ـ ماهانه) که باید از طرف ادارات تابعه وزارتخانه تهیه شود .
۳ ـ دریافت طرح وبرنامه های پیشنهادی از دستگاه هایتابعه وزارتخانه .
٤ ـ بررسی و جرح وتعدیل و همآهنگ نمودن برنامهها (از نظر اداری ومالی)با مشورت مقامات مربوطه باتوجه بخطمشی کلـی وزارتخانه وتسلیم برنامه جهت تصویب بمقام وزارت .
۵ ـ بررسی گزارشهای مرتب مربوط باجرای برنامه ها و گزارش ماهانه که از طرف دستگاه های تابعه رسیده و تطبیق آنها

باصل برنامه تنظیمی واظهار نظر نسبت ببرنامه انجام یافته.
۶ ـ نمایندگی از طرف وزارتخانه در مورد تطبیق برنامه ها با برنامه های سایر دستگاه ها.
۷ ـ تقدیم گزارشهای مرتب در باره درجه تاثیر و سودمندی برنامه ها .
۸ ـ انجام امور مربوط بنامه ها وتقاضاهای رسیده راجع به تاسیس دفاتر پستی وتلگرافی .

۲۵ـ وظایف‌اداره بهبود اموراداری (دفتر تشکیلات)

۱ ـ مطالعه مداوم در سازمان ووظایف و طرز تقسیم کاربین ادارات وواحدهای مختلف بمنظور جلوگیری از تکرار وارجاع‌امور بمتخصصین با واحدهای تخصصی .
۲ ـ مطالعه اختصاصی هریك از واحدهای سازمانی بمنظور سنجش کار و تشخیص احتیاجات آنها از لحاظ افراد و تجهیزات‌تا کار بهتر ـ سریعتر ـ منظم تر وباصرفه‌تر انجام گردد .
۳ ـ مطالعه در امور مربوط بطبقه بندی و تهیه شرح مشاغل و شرایط احراز شغل .
٤ ـ تهیه دستورالعملها و بخشنامه ومقررات لازم برای بهبود سازمان وایجاد هم آهنگی و وحدت عمل ونظر .
۵ ـ بررسی واظهار نظر درباره بودجه اداری قبل از تنظیم وارسال آن به وزارت دارائی و یا سایر مراجع ذیصلاحیت برای تصویب .
۶ ـ انجام بررسیهای مخصوص و همکاری باادارت وواحدهای مختلف برای رفع مشکلاتی که در اجرای دستورهای اداری صادر وبا آن مواجه میشوند .
۷ ـ تعیین روابط بین واحدها ومسئولیت‌آنها .
۸ ـ بررسی ونعیین فرمها واوراق مطبوعاتی .
۹ ـ مطالعه در مورد گردش کار بمنظور حذف امورزائد.
۱۰ ـ رسیدگی دقیق بروشهای انجام کار .
۱۱ ـ مطالعه و اظهار نظر در باره یکنواخت نمودن وسایل و تجهیزات سازمان .
۱۲ ـ مطالعه در استفاده از ساختمان وبناومکان وتربیت قرار دادن وسایل واظهار نظر در مورد لزوم ساختمان‌های جدید اداری .
۱۳ ـ بررسی واظهار نظر در باره کلیه اقدامات و تصمیماتی که بنحوی از انحاء در امور اداری وبابودجه اداری و هزینه‌های غیر عمرانی آن وزارتخانه و یاسازمان موثر واقع میشود قبل از اجرای آن تصمیمات .

۲۶ـ وظایف اداره ذیحسابی سازمان برنامه

۱ ـ نگاهداری حساب و عملیات محاسباتی طرحهای برنامه اول از لحاظ واریز حساب سفارشات خارجی .
۲ ـ نگاهداری حساب و عملیات محاسباتی طرحهای برنامه‌دوم از لحاظ واریز حساب و بدهکاران .
۳ ـ نگاهداری حساب و عملیات محاسباتی منتقله از برنامه‌دوم به برنامه سوم و طرحهای برنامه سوم .
٤ ـ نگاهداری حساب ارزی و ضمانت نامه ها دربانکها.
۵ ـ نگاهداری حساب مربوط باموال خریداری شده از محل اعتبارات سازمان برنامه وارسال صورت حسابهای مربوطه در هرماه باداره اموال سازمان برنامه .
۶ ـ بستن حساب و نمایش ترازنامه در هرماه .
۷ ـ شرکت در جلسات مناقصه ها وخریدهائی که از محل اعتبارات سازمان برنامه انجام میگیرد .
۸ ـ تماس با قسمتهای مالی‌وفنی سازمان برنامه برای تسریع درانجام امور مربوط به ذیحسابی ـ رفع واخواهی صورت حسابهای ماهیانه ـ اخذ چك از قسمت خزانه ـ تطبیق خسابها بااداره دفترداری .
۹ ـ اخذ ضمانت نامه سپرده حسن انجام کار ازپیمانکاران و مقاطعه کاران .
۱۰ ـ تهیه و تنظیم اسنادی که از شهرستانها و مجریان طرحها بذیحسابی تحویل میگردد .
۱۱ ـ درخواست وجه ارزی و ریالی وگشایش اعتبار ازسازمان برنامه و بانك اعتبارات صنعتی .
۱۲ ـ تنظیم و صدور چك و پرداختهای نقدی در مرکز و یا حواله بشهرستانها .
۱۳ ـ انجام امور متفرقـه‌مربوط باداره امور ذیحسابی .

۲۷ـ وظایف اداره کل کومونیکاسیون

۱ ـ رسیدگی بحساب های مخابرات تلگرافی و تلفنی باسیم‌و بیسیم با ممالك خارجه و تنظیم صورتحسابهای مربوطه و تسویه حساب های آن .
۲ـ رسیدگی‌وتسویه‌حساب‌سهم‌ایران از مخـارج اتحادیه بین المللی تله کومونیکاسیون و سایر موسسات بین‌المللی مربوطه .
۳ ـ ترجمه قراردادهاومقاوله نامه ها وآئین نامه های‌بین‌المللی وتهیه لایحه قانونی برای تقدیم آن به مجلس برای تصویب‌واقدام بطبع وانتشار آن بادارات مربوطه .
٤ ـ تهیه طرح قراردادهای خصوصی با کشورها و موسسات مخابراتی خارجه .
۵ ـ انجام امور مربوطه بارتباط وزارتخانه بااتحادیه بین‌المللی تله کومونیکاسیون و شرکت وزارتخانه در کنفرانسها و مجامع بین‌المللی تله کومونیکاسیون .
۶ ـ تهیه پیشنهاد برای تجدید نظر در قراردادهای بین‌المللی‌و آئین نامه های بین‌المللی تله کومونیکاسیون در صورت لزوم .
۷ ـ نظارت در حسن اجرای کلیه مقررات مربوط بامور مخابراتی کشور اعم از داخله وخارجه و صدور تعلیمات وراهنمائی های لازمه بادارات مربوطه در حدود قوانین و مقررات مصوبه .
۸ـ بررسی و تهیه پیشنهاد برای تسهیل امور مخابراتی و تغییر نرخ بمنظور افزایش درآمد
۹ ـ بررسی وتهیه پیشنهاد برای تأسیس مراکز مخابراتی جدید و یاحذف مرکز موجود و نیز تنظیم برنامه کار مخابراتی بین مراکز با اطلاع ادارات ذینفع .
۱۰ ـ اجرای مقررات مربوط به تعیین فرکانسها و طـول امواج رادیو های کشور .

۲۸ـ وظایف اداره کل تلفن

۱ ـ نگاهداری دستگاهها ومراکز تلفن کاریر و مـراکز سوئیچ برد (مراکز اتصالات) و اداره آن بنحو مطلوب بمنظوراستفاده و بهره برداری ارتباط تلفنی کاریر با شهرستانها و ممالك خارجه .
۲ ـ استقرار و بهره برداری ارتباط تلفنی بیسیم مرکز با شهرستانها و شهرستانها با یکدیگر .
۳ ـ مطالعه و تهیه طرح و برنامه و نیز تهیه نقشه کامل و فهرست لوازم و دستگاههای مورد لزوم با تعیین مشخصات آنها برای توسعه ارتباطات تلفنی کاریر و نظارت در اجرای آنها .
٤ ـ پیش بینی و تنظیم بودجه و تهیه فهرست لوازم ومصالح ویدکی های دستگاههای تلفن با تعیین مشخصات آنها و نگاهداری و ارسال آنها بشهرستانها طبق احتیاجات آنها .
۵ ـ نظارت در اجرای کامل مقررات داخلی و بین‌المللی مربوط بارتباطات تلفنی و تهیه پیشنهاد جهت تجدید نظر در مقررات مذکور و همچنین تغییر نرخ .
۶ ـ مطالعه و طرح برنامه برای بهبود وضع تلفن کاریر و توسعه و تقویت کادر فنی تلفنی و نظارت در اجرای آن .
۷ ـ نصب و نظارت در نصب تأسیسات تلفن کاریر وسوئیچ بردهای کشور .
۸ ـ جمع‌آوری درآمد مکالماتی تهران و واریز آن بخزانه و تهیه و کنترل نمونه های مربوطه .
۹ ـ نظارت بر مکالمات کلیه مراکز تلفن کاریر کشور و کنترل میزان مکالمات مدارها و درآمد آنها .
۱۰ ـ تهیه آمار مکالماتی تهران و کلیه مراکز کشور بطور ماهانه و سالانه .
۱۱ ـ تهیه مقدمات و واگذاری مدار و نظارت بمنظور له

برنامه های رادیو از طریق مدار های کاریر برای پخش از فرستنده های نقاط مختلف کشور بطور منظم .
۱۲ ــ کنترل . اندازه‌گیری و تحویل خطوط کابلها وانواع دیگر مدارهای ارتباطی که از طرف ادارات مسئول دیگر آماده و بمنظور بهره‌برداری تلفنی کاریر واگذار میشود .
۱۳ ــ استقرار ارتباط متعدد تلگرافی هارمونیك برای نقاط مختلف کشور و واگذاری آنها باداره کل تلگراف .

۲۹ــ وظایف اداره کل خطوط

۱ ــ حفاظت خطوط تلگرافی و تلفنی در سراسر کشور .
۲ ــ بررسی وتهیه واجرای طرح برای برقراری ویا برچیدن و یا تغییر مسیر ویا اصلاح ومرمت خطوط تلگرافی و تلفنی وبرآورد مصالح مورد نیاز و نظارت برحسن انجام آنها .
۳ ــ پیش بینی و تنظیم بودجه و برآورد مصالح مورد نیاز سیمکشی و سیمانی و لوازم قوه وارسال آنها به شهرستانها برحسب احتیاج آنها .
٤ ــ بررسی و تنظیم برنامه برای توسعه و تقویت کادر فنی خطوط و نگاهداری آمار کارمندان فنی خطوط کشور .
٥ ــ دادن نظر مشورتی و تعلیمات فنی خطوط به ادارات پست و تلگراف شهرستانها در موارد لزوم .
٦ ــ تهیه و جمع آوری اطلاعات و آمار مربوط به مصالح خطوط تلگرافی وتلفنی ولوازم یدکی موجود در شهرستانها و طرح نقشه برای استفاده صحیح از آنها بمنظور پیشرفت واصلاح و بهبود خطوط تلگرافی و تلفنی کشور .
۷ ــ نظارت بروصول غرامات ناشی از سرقت یا فقدان مصالح و لوازم منهویه خطوط ارتباطی .
۸ ــ مراقبت و نظارت در برقراری ارتباطات تلفنی وتلگرافی و بررسی گزارشات وضع خطوط .

۳۰ــ وظایف اداره کل بی‌سیم

۱ ــ نگاهداری و بهره‌برداری دستگاههای فرستنده وگیرنده بیسیم و تله‌فتو وتلکس در داخل کشور .
۲ ــ انجام عملیات مخابرات تلگراف بیسیم و مکالمات تلفن بیسیم مرکز با کشور های خارج .
۳ ــ بررسی و طرح برنامه برای توسعه تأسیسات بیسیم کشور و اجرای آن .
٤ــ نظارت فنی درامور تأسیسات بیسیم ودادن تعلیمات فنی بکلیه مراکز بیسیم کشور .
٥ ــ نصب و بکار انداختن و نگهداری دستگاههای پخش صدای رادیو .
٦ ــ تعمیر لوازم کار واجراء قراردادهای مربوط به‌بیسیم بین‌المللی .

۳۱ــ وظایف اداره کل ساختمان

۱ ــ پیشنهاد برای انتخاب محل جهت ساختمانهای وزارتخانه.
۲ ــ تهیه نقشه وتنظیم مدارك مناقصه و قراردادهای ساختمانی وزارتخانه و همکاری با ادارات مربوطه در تعیین برندگان مناقصه .
۳ ــ نظارت در اجرای قرارداد های ساختمانی و تعمیرات کلی .
٤ ــ تهیه وتنظیم بودجه واعتبارات ساختمانی و پیشنهاد آن بمقامات مربوطه .
٥ ــ تهیه نقشه ساختمانهای نمونه برای تاسیسات مورد علاقه وزارتخانه و تنظیم برنامه های کلی ساختمانی .
٦ ــ بررسی واظهار نظر نسبت به برنامه ها ونقشه های ساختمانی که باید بتصویب وزارتخانه برسد و نظارت در انجام این قبیل پروژه‌ها از نظر ساختمانی .
۷ ــ جمع‌آوری آمار ساختمانهای وزارتخانه و دستگاههای تابعه و سایر آمار ساختمانی مورد نیاز وزارتخانه .
۸ ــ انجام تعمیرات بناهای وزارتخانه در مرکز و نظارت در تعمیرات کلی ساختمانهای وزارتخانه در شهرستانها .
۹ ــ انجام امور نقشه کشی وزارتخانه .

۳۲ــ وظایف اداره کل تلگراف تهران

۱ ــ دریافت کلیه تلگرافهائی که باید بمقصد شهری ــ شهرستانها و خارج از کشور مخابره شوند از عامه و انجام کلیه عملیات مربوط بآن (کلمه شماری ــ صدور قبض ــ دریافت وجه ــ مخابره تلگراف بمقصد ثبت دفاتر مربوطه ــ بایگانی ــ متن‌تلگرافها).
۲ ــ توزیع کلیه تلگرافهائی که از مبداء شهرستانها به‌تهران مخابره میشوند وانجام کلیه عملیات مربوط بآن وتسلیم آنها به گیرندگان (دریافت تلگراف وسیله تلگرافچی ــ ثبت در دفاتر مربوطه ثبت آدرس روی پاکت ــ تسلیم به موزع جهت توزیع وبالاخره توزیع و تسلیم آنها به گیرندگان) .
۳ ــ انجام کلیه عملیات مربوط به تلگرافهای مبادله (دریافت تلگراف از مبداء وسیله تلگرافچی و ثبت در دفاتر مربوطه و مخابره آن بمقصد) .
٤ ــ نصب ودائر نگاهداشتن دستگاههای مخابراتی تلگراف جهت برقراری و دائر بودن ارتباط تلگرافی در تمام کشور .
٥ ــ نصب دستگاههای تلگراف در شهرستانها و نظارت در دائر بودن ارتباط آنها .
٦ ــ مطالعه و تهیه طرحها واقدام لازم بمنظور توسعه شبکه مخابراتی تلگرافی کشور و نیز تبدیل دستگاههای مورس به تله‌تایپ.
۷ ــ تنظیم و پیش بینی بودجه لازم برای انجام واجرای برنامه های عملیات تلگرافی در کشور .
۸ ــ اتخاذ تدابیر و انجام عملیات لازم بمنظور برقراری و دائر نگاهداشتن دائمی سرویس مخابراتی تلگراف در تمام کشور برای انجام نیازمندیهای تلگرافی عامه .

۳۳ــ وظایف اداره شاهراههای مخابراتی

۱ ــ نگهداری و سرپرستی شبکه مخابراتی پیمان مرکزی در ایران و توسعه شبکه مذکور بمنظور بهبود وضع ارتباطی کشور و بهره‌برداری بهتر از آنها .
۲ ــ اداره کلیه سیستم های مایکردویو که در ایران دائر گردد .
۳ ــ اتصال دستگاههای مخابراتی سیستم های موجود شهرستانهای مهم کشور به سیستم مایکردویو سرتاسری بمنظور بهبود امور تلگراف و تلفن کشور و بهره‌برداری بیشتر و بهتر .
٤ ــ نگهداری و تعمیرات موتور ها ــ مولد ها و تهیه سوخت آنها .
٥ ــ نگهداری جاده‌ها ــ ساختمانها ــ آنتن ها و گلها و وسایل نقلیه .
٦ ــ نگهداری و تعمیرات دستگاههای رادیو و مولتی پلکس ودستگاههای بیسیم ثابت و متحرك .
۷ ــ واگذاری کانالهای مخابراتی برای بهره برداری به ادارات مربوطه .
۸ ــ انجام بررسی های فنی و تهیه آمار و گزارشهای فنی .

۳٤ــ وظایف اداره کل پست تهران

۱ ــ دریافت کلیه نامه‌های عادی و سفارشی بقصد شهری ــ شهرستانها و خارج از کشور وانجام کلیه عملیات پستی مربوطه و ارسال آنها بمقصد (تخلیه صندوقها ــ وارسی ــ تجزیه ــ بستن کیسه‌و تحویل کیسه به پیك یا پیمانکار جهت حمل بمقصد).
۲ ــ دریافت بیمه (نامه های محتوی اسکناس) بمقصد شهرستانها وانجام کلیه عملیات پستی ــ مربوطه وارسال آنها بمقصد (تجزیه ــ ثبت در دفاتر مربوطه ــ بستن کیسه و تحویل کیسه به‌پیك جهت حمل بمقصد) .
۳ ــ دریافت امانات بمقصد شهرستانها و خارج از کشور و انجام کلیه عملیات پستی مربوطه وارسال آنها بمقصد (تجزیه ــ ثبت در دفاتر مربوطه ــ تحویل به پیك یا پیمانکار جهت حمل بمقصد) .

۴ ــ دریافت پستهای وارده به تهران اعم از شهرستانها وخارج از کشور و نیز اعم از هوائی یا زمینی وانجام کلیه عملیات پستی مربوطه و تسلیم نامه ها وامانات که مقصد آنها تهران است به گیرندگان آنها (بازکردن کیسه ها تجزیه ــ ثبت امانات و نامه‌های سفارشی و بیمه در دفاتر مربوطه و در صورت لزوم صدور اخطاریه ــ تسلیم نامه ها و بیمه ها و امانات به گیرندگان آنها).

۵ ــ انجام عملیات مبادلات پستهای عبوری(اعم از کیسه کاغذ وامانت) از قبیل دریافت و تجزیه و ثبت در دفاتر مربوطه و تحویل به پیك یا پیمانکار مربوطه جهت حمل بمقصد.

۶ ــ اتخاذ تدابیر وانجام سایر عملیات لازم بمنظور برقراری و دائر نگاهداشتن سرویس منظم و سریع پست برای انجام نیازمندیهای پستی عامه.

۱ــ۳۴ــ وظایف اداره حمل و نقل

اداره حمل ونقل تحت نظارت ورهبری مدیریت کل پست وظایف زیر را انجام میدهد:

۱ ــ تنظیم خط مشی‌ها ــ برنامه‌ها ــ مقررات و روشهای کار مربوط بحمل و نقل کلیه پستها در داخل سرحدات کشور.

۲ ــ سرپرستی پیشرفت و توسعه و کنترل وظایف حمل ونقل پست مشتمل بر تاسیس و تعطیل و تغییر خطوط پستی ــ تعیین طریقه حمل و نقل وجداول لازم برای اجرای آن ــ ایجاد استاندارد برای عملیات وسایط نقلیه ــ حفاظت پست هنگام حمل از نقطه‌ای بنقطه دیگر تعیین مراکز توزیع وانتهای خطوط پستی واداره نمودن امور مربوط بقرار دادهای حمل و نقل پستی.

۳ ــ عقد قراردادهای حمل و نقل عمومی وکلی واجازه‌عقد قراردادهای محلی حمل و نقل بادارات پست وتلگراف و تلفن در حدود مقررات و شرایط معینه وزارتخانه.

۲ــ۳۴ وظایف اداره‌پست داخله

اداره پست داخله تحت نظارت و رهبری مدیریت کل پست وظایف زیر را انجام میدهد:

۱ ــ تنظیم خط مشی ها ــ برنامه ها ــ مقررات وروشهای اداره نمودن سرویسهای پستی داخله.

۲ ــ سرپرستی پیشرفت و بسط و کنترل وظایف پست داخله که شامل سازمان و فعالیت سرویسهای پستی ادارات پست و تلگراف وجمع آوری و توزیع و تحویل پست بوسیله ادارات پست و تلگراف میباشد.

۳ ــ بسط و پیشرفت روش کار ــ تهیه و تدارك و توزیع تمبر و اوراق واسناد قابل مبادله.

۴ ــ کمك و مشاور قضائی در مسائل پستی مشتمل بردادن نظریات حقوقی ــ تهیه پیش نویس و یاتصویب اسناد حقوقی و موافقت نامه های مربوط پست داخلی وبررسی دعاوی مربوط بجبران خسارات ناشی از آسیب دیدگی و فقدان پست.

۵ ــ هم آهنگ نمودن بسط و پیشرفت واجرای مقررات پستی در موسسات دولتی یا خصوصی بمنظور تضمین پیشرفت و توسعه صحیح و موثر سرویسهای پستی در تمام کشور.

۳ــ۳۴ــ وظایف اداره پست بین‌الملل

اداره پست بین‌الملل تحت نظارت و رهبری مدیریت کل پست وظایف زیرا را انجام میدهد:

۱ ــ پیشنهاد خط مشی‌ها و تنظیم برنامه‌ها ومقررات وروشهای کار مربوط بمبادله و حمل و نقل انواع محمولات پستهای بین‌المللی برطبق موافقت نامه های پستی بین‌المللی.

۲ ــ حفظ ارتباط پست ایران با مجامع پست بین‌الملل وتهیه پیش نویس مقاوله نامه ها وشرکت در مجامع بین‌الملل پستی.

۳ــ سرپرستی توسعه و پیشرفت و کنترل وظایف‌پست بین‌المللی مشتمل براجراء مقررات و موافقت نامه‌های پستی بین‌المللی ــ تعیین نقطه ورود و خروج پستها ــ تعیین استاندارد مربوط بعملیات‌وسایط نقلیه و حفاظت پست بین‌المللی در نقاط ورود و خروج و همچنین هنگامی که پست در تحویل وسائط نقلیه بین‌المللی میباشد.

۴ ــ برقراری ارتباط با گمرکات ایران برای ایجاد مقررات و روشهای کار مشترك پست و گمرك.

۵ ــ ممیزی و تسویه حسابهای مربوط بمبادلات پستی با سایر کشورها و مخارج مربوط بدفتر بین‌المللی واتحاد پستی جهانی در برن.

۶ ــ تهیه و تنظیم مقررات پست بین‌المللی براساس قراردادها و معاهدات و مقررات اتحادیه بین‌الملل پست و کمك در تکثیر و توزیع آنها بدستگاه های پستی کشور.

۴ــ۳۴ــ وظایف دبیرخانه مدیریت کل پست

دبیرخانه مدیریت کل پست تحت نظارت و رهبری مدیریت کل پست وظایف زیر را انجام میدهد:

۱ ــ انجام امور دفتری مدیر کل پست.

۲ ــ توزیع وارسال کلیه نامه‌ها و مکاتبات فرستاده ورسیده ادارات مدیریت کل پست.

۳ ــ انجام امور کارگزینی داخلی.

۴ ــ انجام امور حسابداری داخلی واجرای بودجه.

۵ ــ انجام امور کارپردازی و سایر خدمات عمومی‌داخلی.

۵ــ۳۴ــ وظایف اداره طرح‌ریزی وتوسعه امور پست

۱ ــ بررسی و تهیه گزارش در مورد توسعه سرویسهای پستی با توجه باحتیاجات و وضع اجتماعی واقتصادی در نقاط مختلف‌کشور.

۲ ــ بررسی گزارشهای پستی در مورد پیشرفت کار ورسیدگی به نتایج حاصله از برنامه ها جهت تعیین لزوم تغییر و تهیه پیشنهاد های اصلاحی.

۳ ــ بررسیهای آماری در میزان فعالیتهای واحدهای‌پستی وتهیه پیشنهاد در مورد توسعه سازمانی واحد ها و تهیه استانداردهای کار در واحد های پستی.

۴ ــ مطالعه پیشرفتهای فنی واداری در امور پستی بمنظور بررسی و تهیه پیشنهاد های مفید در مورد تغییرات لازم درباره سازمان وروشهای کار و وسایل واحد های پست در صورت لزوم.

۵ ــ تهیه و تنظیم برنامه های مربوط به تربیت کادر اداری و فنی متخصص درامور پستی.

۶ ــ مطالعه و تهیه و تنظیم شرایط احراز مشاغل سرویسهای پست و طبقه بندی واحد های پست کشور با همکاری واحد ذیصلاحیت و پیشنهاد آنها بواحد های مربوطه.

۷ ــ بررسی و تعیین استانداردهای وسایل پستی و جمع آوری اطلاعات لازم در مورد وسایل پستی و بازار آنها و نیز نگهداری و مطالعه پیشنهادات کارخانجات و فروشندگان وسائل مذکور بمنظور بررسی آنها و تعیین بهترین وبا صرفه ترین وسایل مذکور و نیز امکان استفاده از آخرین اختراعات و وسایل پستی تهیه شده درواحد های پستی کشور.

۸ ــ بررسی قوانین و مقررات پستی داخلی و خارجی به منظور تعیین لزوم تغییرات لازم در آنها و تهیه متن پیشنهادی اصلاحی آنها با همکاری و همفکری ادارات مربوطه.

۹ ــ تهیه بروشورها وجزوات اطلاعاتی بمنظور آگاهی عموم از مقررات پستی و تعرفه ملی و سایر اطلاعات مورد لزوم.

۱۰ ــ همکاری در تهیه و تنظیم مجموعه های اطلاعاتی پستی وتوزیع آنها بواحد های پستی کشور.

۱۱ ــ بررسی و پیشنهاد تغییر و تنظیم نرخهای پستی بمنظور برقراری تعادل درآمد و هزینه پستی کشور با همکاری ادارات مربوطه.

۱۲ ــ تماس مستقیم با دفتر تشکیلات و همکاری با آن اداره در مورد بررسیهای پستی و اجراء برنامه ها.

۶ــ۳۴ــ وظایف اداره مبادلات

۱ ــ تخلیه صندوقهای پستی شهر تهران بجز صندوقهائی که فعلا درحوزه پستی دانشگاه میباشد واداره مزبور مسئول تخلیه آنها است (در صورت تشکیل ادارات پست و تلگراف و تلفن مناطق دیگر در تهران و لزوم تخلیه صندوقهای هر حوزه توسط خود آنها انجام تخلیه صندوقهای آن مناطق دیگر برعهده اداره مبادلات نخواهد

بود) .

۲ ــ دریافت امانات و نامه های سفارشی و غیر سفارشی وبیمه از اداره کل پست تهران واداره پست و تلگراف و تلفن منطقه دانشگاه (ومناطق دیگر پس از تشکیل آنها) ودفاتر و کیوسکها و تجزیه و ثبت آنها در دفاتر مربوطه و کیسه بندی وارسال آنها .

۳ ــ دریافت پست های وارده وباز کردن و تجزیه اولیه آنها وتحویل نامه های هرحوزه به ادارات مربوطه برای توزیع (اداره کل پست تهران و پستی منطقه دانشگاه و میدانشاه و سایر مناطقی کـه بعدا تاسیس میشوند) و نیز تحویل امانات وارده باداره کل پست‌تهران برای تسلیم به گیرندگان آنها و نیز ارسال امانات و نامه های‌عبوری بمقاصد مربوطه .

٤ ــ تنظیم ساعات تخلیه صندوقها و بستن پستها بطوریکه مقارن با زمان حرکت وسیله حمل پستها باشد (یعنی ساعت حرکت هواپیما ــ قطار واتومبیل) .

۷ــ۳٤ــ وظایف اداره‌پست وتلگراف و تلفن استانها و شهرستانها

۱ ــ برقراری ودائر نگاهداشتن سرویس سریع و منظم پست وانجام کلیه امور و عملیات مربوط بآن در استان یا شهرستان مربوطه برای انجام نیازمندیهای پستی عامه .

۲ ــ برقراری ودائر نگاهداشتن سرویس منظم و سریع‌تلگراف وانجام کلیه امور و عملیات مربوط بآن در استان یا شهرستان مربوطه برای انجام نیازمندیهای تلگرافی عامه .

۳ ــ برقراری ودائر نگاهداشتن سرویس منظم تلفن کاریر و انجام کلیه امور و عملیات مربوط بآن در استان یا شهرستان مربوطه برای انجام نیازمندیهای تلفنی عامه .

٤ ــ مراقبت در دائر نگاهداشتن خطوط تلگرافی و تلفنی (جهت برقراری دائمی ارتباط تلگرافی و تلفنی) وانجام کلیه امور و عملیات مربوط بآن در استان یا شهرستان مربوطه از قبیل انجام تعمیرات و سیمکشی ورفع خرابیها و تغییر مسیر و غیره .

٥ ــ بر قراری ودائر نگاهداشتن دستگاههای بیسیم وزارتخانه در استان یا شهرستان مربوطه وانجام کلیه امور و عملیات مربوط بآن جهت برقراری ارتباط تلفنی و تلگرافی و برنامه های رادیوئی .

٦ ــ نظارت وایجاد هم آهنگی‌در عملیات دفاترپست و تلگراف وتلفن تابعه و مرکز اداره با سیاست و خط مشی کلی وزارتخانه .

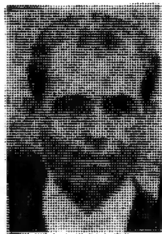
۷ ــ پیش بینی و تنظیم بودجه برنامه ای واجرای صحیح بودجه مصوبه ابلاغی .

۸ ــ مطالعه واتخاذ تدابیر وانجام سایر عملیات لازم و نیز بهره‌برداری بهتر و بیشتر از دستگاهها و وسایل و نیروی انسانی موجود بمنظور توسعه و بهبود وضع سرویسهای پست وتلگراف وتلفن در استان یا شهرستان مربوطه با توجه به سیاست و خط مشی کلی وزارتخانه .



وزارت دادگستری

دکتر عاملی



۱ــ چگونگی تاسیس

۱ــ۱ پیش از انقلاب مشروطیت، دردوران سلطنت‌ناصرالدینشاه قاجار به تقلید ازکشورهای اروپائی ، برای حل وفصل دعاوی‌و اختلافات مردم وزارتخانه‌ای بنام «عدلیه» تاسیس گردید.

وظایف این وزارتخانه درپایتخت (تهران) وسیله سازمانی بنام «دیوانخانه» ودرشهرستانها توسط «حکام» که‌منصوب سازمان مرکزی بودند انجام میگرفت . هیچیك ازاین مراجع، قانون ومقررات‌ووظایف مدونی نداشتند وبشکایت ها واختلاف‌ها ودادخواهی ها بنا برأی شخصی وقضاوت فردی حکم میکردند ودستوررسیدگی میدادند وطبیعی است دراین موارد نفوذ علماء وحکام شرع بی‌تاثیر نبود.

۲ــ۱ پس ازانقلاب‌مشروطیت، واستقرارحکومت قانون بموجب اصل بیست وهفتم متمم قانون اساسی قوه قضائیه بعنوان یکی ازقوای سه‌گانه مملکت بوجود آمد وحدود نفاذ وقدرت آن دراصول قانــون اساسی معین شد وبرمبنای آن محکمه‌هائی بنام «محکمه ملکی» «محکمه نقدی» ــ «شعبه محکمه جزاء» ــ «محکمه استیناف » تشکیل‌گردید وگاهی نیز مجلسی بنام «دیوانخانه‌تمیز» برقرارمیشد. این محکمه‌ها نیز صاحب وظایف معین وحدود اختیارات مسلمی نبودند وهریك برای تمشیت کارهای خود رویه خاص داشتند.

۳ــ۱ درسال ۱۲۹۰ شمسی بموجب دستخط سلطان‌احمدشاه‌قاجار وزارت عدلیه منقسم بسه شعبه عمده‌که اداره نامیده میشد باین شرح گردید وضمنا مجلس مشاوره‌ای هم مرکب ازوزیر ــ مستشار خارجی‌ــ رئیس دیوان تمیزــ دادستان دیوان‌تمیز وسه مدیر عدلیــه تشکیل‌شد.

۱ــ اداره‌کابینه وپرسنل
(مرکب ازدائره کابینه ــ دائره پرسنل)

۲ــ اداره امور عدلیه
(مرکب ازدائره امورحقوقی ــ دائره امور جزائی)

۳ــ اداره محاسبات
(مرکب ازدائره دریافت‌ــ دائره بودجه‌وپرداخت)

٤ــ۱ پس ازکودتای ۱۲۹۹ ، وایجاد حکومت مرکزی ، لزوم تحول دروضع قضائی‌کشور محسوس شد بهمین مناسبت درسال۱۳۰۵ بموجب قانون خاص وزارت عدلیه منحل‌گردید وطبق اختیاراتی‌که بوزیر عدلیه وقت(داور) داده شدموجبات ایجادسازمان نوین‌دادگستری فراهم آمد ودرهمان ایام کاپیتولاسیون لغوشد (۱۳۰٦ شمسی) ودر یازدهم خرداد ماه ۱۳۰٦ درکابینه حاج مخبرالسلطنه هدایت‌داوربعنوان اولین وزیر عدلیه جدید شروع‌بکار نمود.

ازآن تاریخ بتدریج وزارت دادگستری راه تکامل پیمود، قوانین ومقررات لازم را پیشنهاد کرد، نیروی انسانی مورد احتیاج را تجهیز نمود ، حدود کار ودامنه عمل خویش را بسط داد تا باین مرحله‌که امروز دارد رسید.

وزارت دادگستری با این مقدمات چهار مرحله اساسی مشخص را پشت سر گذاشته است باین ترتیب :

۱ ــ دوران پیش از مشروطیت .
۲ ــ دوران پس از مشروطیت .
۳ ــ دوران پس از کودتای ۱۲۹۹ .
٤ ــ دوران پس از انحلال دادگستری .

۲ــ نام وزراء ، دوره وزارت آنان

٭مجموعا در این مدت تا آنجا که اسناد کتبی در دست است یعنی از ۱٦ ذیحجه سال ۱۳۲٤ هجری قمری که در کابینه میرزانصراله خان مشیرالدوله وزیر عدلیه مشیرالسلطنه بکار آغاز کرد تاامروز که درکابینه آقای حسنعلی منصور نخست وزیر آقای دکتر باقر عاملی وزارت دادگستری‌را برعهده دارد مجموعا درحــدود یکصد وپانزده نوبت تعداد پنجاه وشش نفر وزارت دادگستری را تصدی نموده‌اند.

مرحوم مشیرالدوله بیش از همه وزیر دادگستری شده یعنی هشت بار و پس از آنمرحوم حاج مخبرالسلطنه هدایت شش بار وسپس مرحوم محتشم‌السلطنه ــ ممتازالدوله ــ نصرالملك ــ محسن صدر ــ مجید آهی هریك چهار بار وزیر شده‌اند .

نصرت‌الدوله ــ منصورالسلطنه ــ عباسقلی گلشائیان ــ الهیار صالح ــ جمال‌الدین ــ اخوی هریك سه‌بار بوزارت داگستری رسیده‌اند.

علاءالملك ــ مویدالسلطنه ، وثوق‌الدوله ، سردار منصور ، ذکاءالملك ، علاءالسلطنه ، عمیدالسلطنه ، مشارالسلطنه ، معاضدالسلطنه داور ، محمد سروری ، علی اصغر حکمت ، اسداله ممقانی ، علی‌هیئت ودکتر باهری دونوبت وزیر شده‌اند.

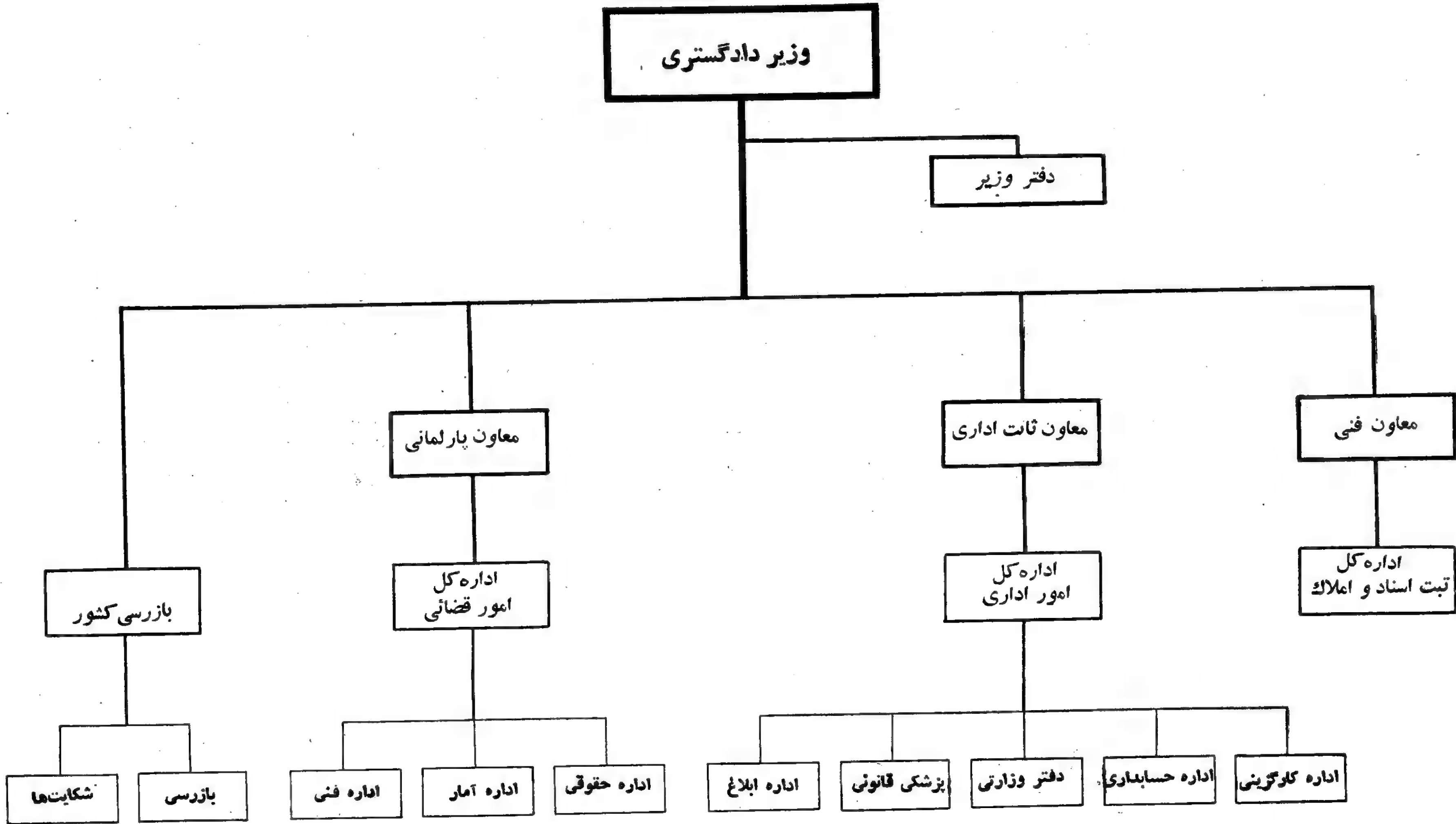
٭فهرست وزراء دادگستری با ذکر رئیس‌کابینه و تاریخ انتخاب تا آنجا که بدست آورده‌ایم بشرح ذیل است :

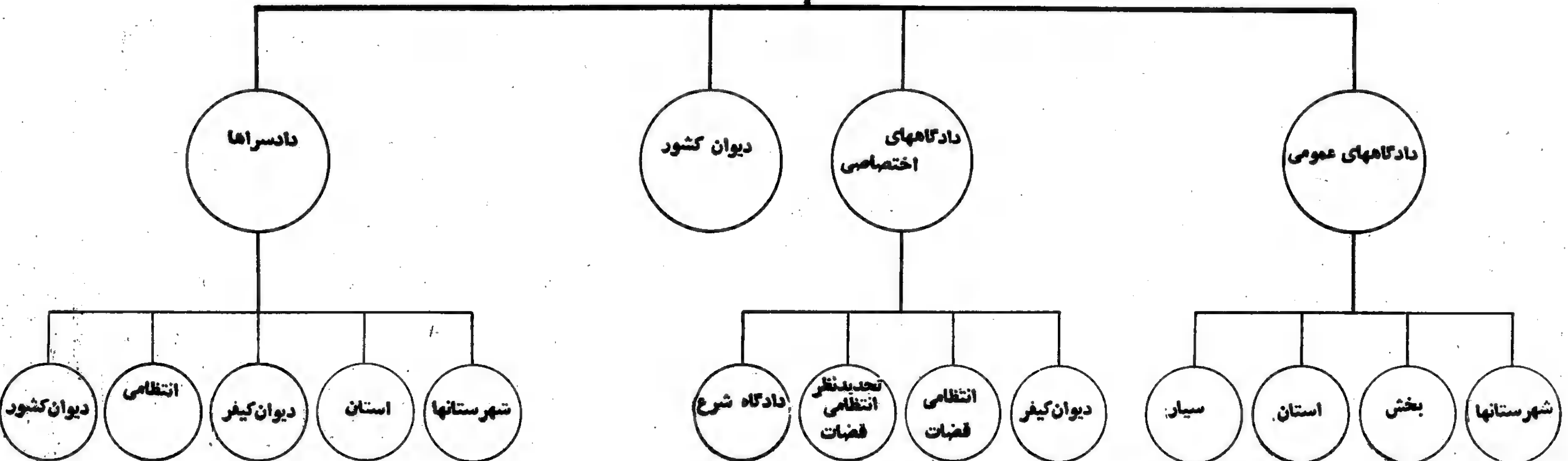
رئیس دولت	وزیر عدلیه	تاریخ معرفی
میرزا نصرالهخان مشیرالدوله	مشیرالسلطنه	۱٦ ذیحجه ۱۳۲٤ هجری قمری
وزیر افخم	فرمانفرما	۲۹ اسفند ۱۲۸۵
میرزاعلی اصغرخان اتابك اعظم	علاء الملك	۱۳ اردیبهشت ۱۲۸٦
میرزا احمدخان مشیرالسلطنه	مشیرالدوله	۱٦ شهریورماه ۱۲۸٦
ناصرالملك	مخبرالسلطنه	٤ آبان ۱۲۸٦
نظام‌السلطنه مافی	مخبرالسلطنه	دی ۱۲۸٦
نظام‌السلطنه دافی	مؤیدالسلطنه	۱۰ اسفند ۱۲۸٦
نظام‌السلطنه مافی	مؤیدالسلطنه	۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۷
میرزا احمدخان مشیرالسلطنه	محتشم‌السلطنه	۱۷ خرداد ۱۲۸۷
میرزا احمدخان مشیرالسلطنه	محتشم‌السلطنه	تیر ماه ۱۲۸۷
میرزا احمدخان مشیرالسلطنه	نظام‌الملك	۱۵ دی ۱۲۸۷
ناصرالملك	مشیرالدوله	۲ اردیبهشت ۱۲۸۸
محمد ولی خان سپهدار اعظم	وثوق‌الدوله	نهم مهر ۱۲۸۸

رئیس دولت	وزیر عدلیه	تاریخ معرفی
محمد ولی‌خان سپهداراعظم	مشیرالدوله	ده آذر ۱۲۸۸
محمد ولی‌خان سپهداراعظم	مشیرالدوله	۸ اردیبهشت ۱۲۸۹
محمد ولی‌خان سپهداراعظم	سردار منصور	۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۹
مستوفی‌الممالک	دبیرالملک	اول امرداد ۱۲۸۹
مستوفی‌الممالک	محتشم‌السلطنه	۶ آبان ۱۲۸۹
محمدولی‌خان سپهداراعظم	مشیرالدوله	۲۰ اسفند ۱۲۸۹
محمدولی‌خان سپهداراعظم	مشیرالدوله	۲ خرداد ۱۲۹۰
محمدولی‌خان سپهداراعظم		۲۷ تیر ۱۲۹۰
صمصام‌السلطنه	مشیرالدوله	سوم امرداد ۱۲۹۰
صمصام‌السلطنه	مشیرالدوله	هشتم امرداد ۱۲۹۰
صمصام‌السلطنه	محتشم‌السلطنه	۷ آذر ۱۲۹۰
صمصام‌السلطنه	ذکاءالملک	۲۰ آذر ۱۲۹۰
صمصام‌السلطنه	ممتازالدوله	۱۴ خرداد ۱۲۹۱
علاءالسلطنه	ممثازالدوله	۲۸ دی ۱۲۹۱
مستوفی‌الممالک	مخبرالسلطنه	۲۶ امرداد ۱۲۹۲
مستوفی‌الممالک	مخبرالسلطنه	۳۰ بهمن ۱۲۹۳
مشیرالدوله	ذکاءالملک	۲۲ اسفند ۱۲۹۳
عین‌الدوله	سردار منصور	۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۴
مستوفی‌الممالک	علاءالسلطنه	۲۶ امرداد ۱۲۹۴
فرمانفرما	علاءالسلطنه	۳ دی ۱۲۹۴
سپهسالار اعظم	علاءالملک	۱۴ اسفند ۱۲۹۴
وثوق‌الدوله	نصرت‌الدوله	۷ شهریور ۱۲۹۵
علاءالسلطنه	ممتازالدوله	۱۵ خرداد ۱۲۹۶
علاءالسلطنه	نصرالملک	
عین‌الدوله	مخبرالسلطنه	اول آذر ۱۲۹۶
مستوفی‌الممالک	مخبرالسلطنه	۲۷ دی ۱۲۹۶
مستوفی‌الممالک	نصرالملک	
صمصام‌السلطنه	نصرالملک	دهم اردیبهشت ۱۲۹۷
صمصام‌السلطنه	ممتازالدوله	۱۵ امرداد ۱۲۹۷
وثوق‌الدوله	نصرت‌الدوله	۲۷ خرداد ۱۲۹۷
وثوق‌الدوله	منصورالسلطنه	
وثوق‌الدوله	نصرالملک	
مشیرالدوله	مصدق‌السلطنه	دی ۱۲۹۹
سپهدار اعظم	سلیمان خان میکده	آبان ۱۲۹۹
سپهدار اعظم	سالار لشکر	
سیدضیاء الدین طباطبائی	منصورالسلطنه	۳ اسفند ۱۲۹۹
قوام‌السطنه	عمیدالسلطنه	۱۴ خرداد ۱۳۰۰
قوام‌السطنه	مشارالسلطنه	۸ مهر ۱۳۰۰
قوام‌السطنه	عمیدالسلطنه	۱۶ مهر ۱۳۰۰
مشیرالدوله	سردار معظم خراسانی	۳ بهمن ۱۳۰۰
قوام‌السلطنه	مشارالسلطنه	۱۷ خرداد ۱۳۰۱
مستوفی‌الممالک	ممتازالملک	۲۶ بهمن ۱۳۰۱
مشیرالدوله	حکیم‌الملک	۲۶ خرداد ۱۳۰۲
سردار سپه	معاضدالسلطنه	۶ آبان ۱۳۰۲
سردار سپه	معاضدالسلطنه	۲۵ فروردین ۱۳۰۳
سردار سپه	ادیب‌السلطنه	۷ شهریور ۱۳۰۳
سردار سپه	نصرت‌الدوله	۱۷ امرداد ۱۳۰۴
محمدعلی فروغی		۲۸ آذر ۱۳۰۴
مستوفی‌الممالک		تیر ماه ۱۳۰۵
مستوفی‌الممالک	وثوق‌الدوله	۲۴ شهریور ۱۳۰۵
مستوفی‌الممالک	داور	۱۸ بهمن ۱۳۰۵
مخبرالسلطنه	داور	۱۱ خرداد ۱۳۰۶
محمدعلی فروغی	محسن صدر	۲۶ شهریور ۱۳۱۲
محمود جم	محسن صدر	۱۱ آذر ۱۳۱۴

وزیر دادگستری

تاریخ	وزیر دادگستری	نخست‌وزیر
۲۵ بهمن ۱۳۱۵	دکتر متین دفتری	
سوم آبان ۱۳۱۸	محمد سروری	دکتر احمد متین دفتری
۵ تیر ۱۳۱۹	محمد سروری	علی منصور
۲۳ تیر ۱۳۱۹	مجید آهی	
۵ شهریور ۱۳۲۰	مجید آهی	محمدعلی فروغی
۱۳ آذر ۱۳۲۰	مجید آهی	محمدعلی فروغی
۱۱ اسفند ۱۳۲۰	عباسقلی گلشائیان	محمدعلی فروغی
۱۸ اسفند ۱۳۲۰	مجید آهی	علی سهیلی
۱۸ امرداد ۱۳۲۱	علیرضا قره‌گزلو	احمد قوام
اول بهمن ۱۳۲۱	جواد عامری	«
۲۸ بهمن ۱۳۲۱	علی اصغر حکمت	
۱۲ امرداد ۱۳۲۲	محسن صدر	
۸ فروردین ۱۳۲۳	اسداله ممقانی	محمد ساعد
۱۷ فروردین ۱۳۲۳	اسداله ممقانی	محمد ساعد
۱۵ شهریور ۱۳۲۳	الهیار صالح	محمد ساعد
٤ آذر ۱۳۲۳	منصورالسلطنه عدل	مرتضی قلی بیات
۲۳ اردیبهشت ۱۳۲٤	الهیار صالح	ابراهیم حکیمی
۲۳ خرداد ۱۳۲٤	حسنعلی کمال هدایت	محسن صدر
۱۲ آبان ۱۳۲٤	امان‌اله اردلان	ابراهیم حکیمی
۲۵ بهمن ۱۳۲٤	انوشیروان سپهبدی	احمد قوام
۱۰ امرداد۱۳۲۵	الهیار صالح	احمد قوام
۲۷ مهر ۱۳۲۵	موسوی زاده	احمد قوام
۲۸ خرداد ۱۳۲٦	علی اصغر حکمت	احمد قوام
۱۹ شهریور ۱۳۲٦	—	احمد قوام
٦ دیماه ۱۳۲٦		ابراهیم حکیمی
۲۷خرداد ۱۳۲۷	محمد علی نظام مافی	عبدالحسین هژیر
اول مهر ۱۳۲۷	عباسقلی گلشائیان	—
۲۵ آبان ۱۳۲۷	دکتر محمد سجادی	محمد ساعد
۲۲ اسفند ۱۳۲۸	نادر آراسته	—
۱٤ فروردین ۱۳۲۹	علی هیئت	علی منصور
٦ تیر ۱۳۲۹	محمدعلی بوذری	سپهبد حاجعلی رزم‌آرا
۲۹ اسفند ۱۳۳۰	شمس‌الدین امیر علائی	حسین علاء
۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰	علی هیئت	دکتر محمد مصدق
۱۰ آذر ۱۳۳۰	شمس‌الدین امیرعلائی	
۲۵ تیر ۱۳۳۱	—	احمد قوام
٤ امرداد ۱۳۳۱	عبدالعلی لطفی	دکتر محمد مصدق
۲۸ امرداد ۱۳۳۲	جمال‌الدین اخوی	سرلشکر فضل‌اله زاهدی
۲ اردیبهشت۱۳۳۳	جمال‌الدین اخوی	سپهبد فضل‌اله زاهدی
۱۷ فروردین ۱۳۳٤	جمال‌الدین اخوی	حسین علا
اول خرداد ۱۳۳٤	دکتر علی امینی	—
۲۳ خرداد ۱۳۳۵	عباسقلی گلشائیان	حسین علا
۱۵ فروردین ۱۳۳٦	محمد مجلسی	دکتر منوچهر اقبال
۹ شهریور ۱۳۳۹	دکتر محمدعلی هدایتی	دکتر منوچهر اقبال
۱٦ اردیبهشت ۱۳٤۰	دکتر محمدعلی هدایتی	مهندس جعفر شریف امامی
۲۸ تیر ۱۳٤۱	نورالدین الموتی	دکتر علی امینی
۳۰ بهمن ۱۳٤۱	دکتر خوش‌بین	اسداله علم
۳۰ مهر ۱۳٤۲	دکتر باهری	اسداله علم
	دکتر باهری	اسداله علم
۱۷ اسفند ۱۳٤۲	دکتر باقر عاملی	حسنعلی منصور


وزیر دادگستری
دفتر وزیر
معاون فنی
اداره کل
تبت اسناد و املاك
معاون ثابت اداری
اداره کل
امور اداری
معاون پارلمانی
اداره کل
امور قضائی
بازرسی کشور
اداره کارگزینی
اداره حسابداری
دفتر وزارتی
پزشکی قانونی
اداره ابلاغ
اداره حقوقی
اداره آمار
اداره فنی
بازرسی
شکایت‌ها


مراجع قضائی
وزارت دادگستری
دادگاههای عمومی
دادگاههای اختصاصی
دیوان کشور
دادسراها
شهرستانها
بخش
استان
سیار
دیوان کیفر
انتظامی قضات
تجدیدنظر انتظامی قضات
دادگاه شرع
شهرستانها
استان
دیوان کیفر
انتظامی
دیوان کشور


۳ـ مبانی قانونی تاسیس

تاسیس وزارت دادگستری وتشکیل قوه قضائیه درقانون اساسی ایران پیش‌بینی شده است. طبق اصل بیست وهفتم متمم قانون اساسی مورخ بیست ونهم شعبان سال ۱۳۲۵ هجری قمری‌که قوای مملکت را بسه شعبه قوه مقننه ــ قوه قضائیه ــ قوه اجرائیه تقسیم کرده است دربند دوم درباب قوه قضائیه مینویسد :
قوه قضائیه وحکمیه‌که عبارتست از تمیز حقوق واین قوه مخصوص است به محاکم شرعیه درشرعیات وبمحاکم عدلیه درعرفیات.

٤ـ قدرت محاکم

متمم قانون اساسی ایران دراصول هفتاد ویکم الی هشتادو نهم زیر عنوان اقتدارات محاکمات مواردی باین شرح پیش‌بینی کرده است:

اصل هفتاد ویکم : دیوان عدالت عظمی ومحاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند وقضاوت درامور شرعیه با عدول‌مجتهدین جامع‌الشرایط است.

اصل هفتاد ودوم : منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط بمحاکم عدلیه است. مگر درمواقعی‌که قانون استثناء نماید.

اصل هفتاد وسوم : تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است وکسی نمیتواند بهیچ اسم ورسم محکمه‌ای برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید.

اصل هفتاد وچهارم : هیچ محکمه‌ای ممکن‌نیست منعقدگردد مگر بحکم قانون.

اصل هفتاد وپنجم: درتمام مملکت فقط یك دیوانخانه تمیز برای امور عرفیه دائر خواهد بود آن‌هم درشهر پایتخت واین‌دیوانخانه تمیز درهیچ محاکمه ابتدا رسیدگی نمیکند مگر درمحاکماتی که راجع بوزراء باشد.

اصل هفتاد وششم : انعقادکلیه محاکمات علنی است مگرآنکه علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد دراینصورت لزوم اخفارا محکمه اعلان مینمایند.

اصل هفتاد وهفتم : درماده تقصیرات سیاسیه ومطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود.

اصل هفتاد ونهم : درموارد تقصیرات سیاسیه ومطبوعات هیئت منصفین درمحاکم حاضر خواهد بود.

اصل هشتادم : روسا واعضای محاکم عدلیه به‌ترتیبی‌که‌قانون عدلیه معین میکند منتخب وبموجب فرمان همایونی منصوب میشوند.

اصل هشتادویکم : هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمیتوان ازشغل خود موقتا یا دائما بدون محاکمه وثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفاء بدهد.

اصل هشتاد ودوم : تبدیل ماموریت حاکم ومحکمه عدلیه‌ممکن نمیشود مگر برضای خود او.

اصل هشتاد وسوم: تعیین شخص مدعی العموم باتصویب‌حاکم شرع درعهده پادشاه است.

اصل هشتاد وچهارم :مقرری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد.

اصل هشتاد وپنجم : روسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفه دولتی را بنمایند مگراینکه این خدمت را مجانا برعهده گیرنده ومخالف قانون هم نباشد.

اصل هشتاد وششم : درهرکرسی ایالتی یك محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی‌که درقوانین عدلیه مصرح است .

اصل هشتاد وهفتم : محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تاسیس خواهد شد.

اصل هشتاد وهشتم : حکمیت منازعه درحدود ادارات ومشاغل دولتی بموجب مقررات قانون بمحکمه تمیز راجع است.

اصل هشتاد ونهم : دیوانخانه عدلیه ومحکمه ها وقتی احکام ونظامنامه‌های عمومی وایالتی وولایتی وبلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند.

۵ـ هدف

دادگستری مرجع رسیدگی به تظلمات عمومی واحقاق حق درامور مدنی وکشف جرائم وتعقیب ومحاکمه بزهکاران وتعیین‌کیفر و اجرای آن درباره مجرمین است.
واینك تنها راجع بامور جزائی موادی چند ازقانون مجازات عمومی درباره جرم وانواع آن ومجازات های پیش بینی شده نقل میشود.

٦ـ انواع مجازات

ماده ۱ـ مجازاتهای مصرحه دراین قانون ازنقطه نظرانتظامات مملکتی مقرر درمحاکم عدلیه مجری خواهد بود وجرمهائی‌که موافق موازین اسلامی تعقیب وکشف شود برطبق حدود وتغییرات مقرره درشرع مجازات میشوند .

ماده ۲ـ هیچ عملی را نمیشود جرم دانست مگر آنچه‌بموجب قانون جرم شناخته شده .

ماده ۷ـ جرم ازحیث شدت وضعف ومجازاتها بچهار نوع تقسیم میشود :

۱ـ جنایت
۲ـ جنحه مهم
۳ـ جنحه کوچك (تقصیر)
٤ـ خلاف

ماده ۸ـ مجازات جنایت ازقرار زیر است:

۱ـ اعدام
۲ـ حبس موبد بااعمال شاقه
۳ـ حبس موقت با اعمال شاقه
٤ـ حبس مجرد
۵ـ تبعید
٦ـ محرومیت ازحقوق اجتماعی

ماده ۹ـ مجازات جنحه مهم ازقرار زیراست:

۱ـ حبس تادیبی بیش ازیك ماه
۲ـ اقامت اجباری درنقطه یا نقاط معین یا ممنوعیت ازاقامت درنقطه یا نقاط معین
۳ـ محرومیت ازبعضی حقوقی اجتماعی
٤ـ غرامت درصورتیکه مجازات اصلی باشد .

ماده ۱۰ـ مجازات جنحه کوچك بقرار ذیل است:

۱ـ حبس تادیبی ازیازده روز تا یکماه
۲ـ غرامت از ۲۰۱ ریال تا ۵۰۰ ریال

ماده ۱۱ ـ مجازات خلاف ازقرار ذیل است:

۱ـ حبس تکدیری ازدوروز تا ده روز
۲ـ غرامت تا دویست ریال

ماده ۱۲ـ حبس موقت بااعمال شاقه ازسه سال کمتر واز پانزده سال بیشتر نخواهد بود.
مدت حبس مجرد ازدوتاده سال است. مدت تبعید ازسه سال کمتر وازپانزده سال بیشتر نخواهد بود مدت حبس تادیبی ازیازده روز تا سه سال است.

ماده ۱۳ـ اعمال شاقه محکومیت بحبس با مشقت باید راجع بامور عام‌المنفعه باشد.

ماده ۱٤ـ محکومین به‌تبعید باید تحت‌الحفظ بجائی‌که محکمه معین میکند اعزام شده ودرآنجا تحت نظر بمانند .
درصورتیکه تبعید بخارج ازمملکت باشد محکوم علیه را باید تحت‌الحفظ تا سرحد برده وازمملکت اخراج نمود.

ماده ۱۵ ـ محرومیت ازحقوق اجتماعی مستلزم عواقب ذیل است :
اول ـ محرومیت از استخدام دولتی واستعمال نشان های دولتی .
دوم ـ محرومیت ازحق انتخاب‌کردن ومنتخب شدن خواه درمجلس مقننه وخواه درموسسه وانجمن‌های اجتماعی‌ازقبیل‌انجمن‌های ایالتی وولایتی وبلدی وغیره.
سوم ـ محرومیت ازعضویت‌هیئت منصفه وشغل مدیری ومعلمی درمدارس وروزنامه نویسی ومصدقی وحکم یا شاهد تحقیق شدن.

ماده ۱٦ـ مدت اقامت اجباری ویا ممنوعیت ازاقامت‌کمتراز یك‌ماه وبیشتر ازسه‌سال نخواهدبود.

ماده ۱۷ـ مدت‌کلیه حبسها ازروزی شروع میشودکه محکوم علیه برحسب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده است لیکن اگرقبل

ازصدور حکم موقتا توقیف شده باشد مدت توقیف موقت ازمدت حبس کسر خواهد شد.

۷ـ مراجع قضائی

تعریف : مراجع قضائی واحدهائی هستند که بعنوان محکمـه (دادگاه) یادیوان یادادسرا ، طبق اصول قانون اساسی و قانون تشکیلات دادگستری بوجود آمده‌اند .

مراجع قضائی بطور کلی عبارتست از :

۱ ـ دادگاههای عمومی
۲ ـ دادگاههای اختصاصی
۳ ـ دیوان کشور
٤ ـ دادسراها

۷ـ۱ دادگاههای عمومی

تعریف : قسمت عمده مراجع قضائی وزارت دادگستری را دادگاههای عمومی تشکیل میدهد .

تشکیلات : تعداد دادگاههای عمومی فعلا چهار تا وبشرح ذیل است :

۱ ـ دادگاه شهرستان
۲ ـ دادگاه بخش
۳ ـ دادگاه استان
٤ ـ دادگاه سیار

وظایف : دادگاههای عمومی صلاحیت عام دارند وبعمومدعاوی جز آنچه در قانون استثنا شده باشد میتوانند رسیدگی کنند و درهر مورد به تفصیل بحث خواهد شد .

۷ـ۱ـ۱ دادگاه شهرستان

تعریف : در هر حوزه ابتدائی یك محکمه ابتدائی برای‌رسیدگی بدعاوی حقوقی و جزائی تشکیل میشود . صورت محلهائی که باید این محاکم ابتدائی تشکیل شود و عده شعب محاکم ابتدائی را برحسب اقتضای محل و کثرت وقلت دعاوی وزیر عدلیه معین واعلام‌مینماید. (ماده ۳۱ قانون تشکیلات عدلیه)

تشکیلات : محکمه ابتدائی (دادگاه شهرستان) تشکیل‌میشود ازیك نفر حاکم ودرصورت تعدد شعب هرشعبه دارای یك نفـر حاکم خواهد بود. دراین صورت رئیس شعبه اول سمت ریاست کل را خواهد داشت (ماده ۳۳ قانون تشکیلات عدلیه) .

ـ علاوه بر رئیس دادگاه یا رئیس شعبه ممکن است قضاتی‌بنام عضو یا دادرس جانشین در موارد اعتذار رئیس دادگاه یارئیس شعبه بجای اوانجام وظیفه کنند .

ـ هریك از محاکم صلح وبدایت واستیناف یك نفر مدیر دفتر برای تنظیم دوسیه ها وتهیه مقدمات محاکمه مطابق ترتیب مقرر در اصول محاکمات حقوقی در تحت ریاست و مسئولیت رئیس محکمه خواهند داشت .

ـ در صورتیکه محکمه دارای چند شعبه باشد ممکن است هر شعبه مدیر مخصوص داشته باشد

ـ مدیر دفتر هرشعبـه تحت ریاست و مسئولیت ریاست همـان شعبه است .

ـ هر مدیر دفتر بقدر لزوم تحت ریاست و مسئولیت خـود تقریر نویس وثبات وضباط ومامور احضار وابلاغ خواهد داشت.

ـ هر محکمه یك نفر مدیر اجرا در تحت ریاست و مسئولیت محکمه خواهد داشت .

ـمدیر اجرا بقدر لزوم در تحت ریاست و مسئولیت خـود مامور اجرا دارد .

ـعده اجزاء دفتر و مامورین احضار واجرا را وزیر عدلیه تعیین خواهد کرد . (ماده ۸۱ تا ۸٤ قانون تشکیلات عدلیه).

وظایف : رسیدگی بدعاوی جزائی از درجه جنحه
ـ رسیدگی بدعاوی حقوقی
ـ رسیدگی بامور جنسی
ـ رسیدگی پروهشی به احکام صادره بخش حوزه قضائی خود .

۷ـ۱ـ۲ دادگاه بخش

تعریف : محاکم صلح (دادگاههای بخش) در شهرها وقصبات وبلوکات تاسیس میشود .

ـ عده حوزه های صلحیه را نظربه مقتضیات وقت و عمل وزیر عدلیه معین و صورت آن را اعلام مینماید (ماده ۱۵ و ۱٦ قانون تشکیلات عدلیه)

تشکیلات : دادگاه بخش ازیك نفر قاضی تشکیل میشود که ریاست آن را عهده دارد .

ـ دادگاه بخش ممکن است شعب متعدد داشته باشد دراین صورت رئیس شعبه اول رئیس کل شعب‌است .

ـ دادگاه بخش میتواند دادرس جانشین داشته باشد .

ـ دادگاه بخش دفتـری داردکه تشکیلات ووظایف آن نظیر دفتردادگاه شهرستان است .

وظایف : ـرسیدگی بدوی به‌قسمتی از امور کیفری که ازدرجه خلاف و جنحه کوچك تراست .

ـ رسیدگی بامور مدنی در مورد تعدادی از دعاوی دادگاه بخش بر طبق ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی.

ـ رسیدگی بامور حبسی بر طبق قانون خبسی مصـوب سال ۱۳۱۹ .

۷ـ۱ـ۳ دادگاه استان

تعریف : ـ در هرکرسی ایالتی یك محکمه استیناف (دادگاه استان) برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است (اصل ۸٦ قانون اساسی).

ـ تعداد دادگاههای استان و تعداد شعب هردادگاه و محـل تشکیل آن باوزیر دادگستری است .

تشکیلات : دادگاه استان از یك نفر رئیس و دونفر قاضی‌بنام مستشار تشکیل میگردد .

ـ در موارد رسیدگی پژوهشی ممکن است فقط از دو قاضی تشکیل شود .

ـ اگر دادگاه استان شعب متعدد داشته باشد رئیس شعبه اول رئیس کل شعب است .

ـ هر شعبه دادگاه میتواند یك دادرس جانشین داشته‌باشد.

ـ دادگاه جنائی در موقع رسیدگی‌بامور جنائی (اعدام ـ حبس موبد)از پنج قاضی و در سایر جنایات از سه قاضی تشکیل میشود .

ـ درمعیت دادگاه استان دادسرای استان تشکیل میگردد.

وظایف : رسیدگی پژوهشی به آراء صادره از دادگاه شهرستان خود .

ـ رسیدگی باموری که مطابق قانون مجازات عمومی جنایت تشخیص داده شده .

۷ـ۱ـ٤ دادگاه سیار

تعریف : بمنظور تامین نیازمندیهای قضائی کشور ناشی ازازدیاد جمعیت و بعلت کمبود نیروی انسانی ومواد وکالا بموجب قانـون مصوب بهمن ماه سال ۱۳۴۷ دادگاههای سیار درمحل هائی که از مراکز حوزه قضائی دور است برقرار میگردد .

وزارت دادگستری میتواند برای رسیدگی بدعاوی مدنی و کیفری بین ساکنین هر محلی که از مرکز حوزه های قضائی دوراست دادگاه سیار تشکیل دهد .

تشکیلات : دادگاه سیار از یك نفر دادرس که رئیس دادگاه است تشکیل میشود .

ـ دادگاه سیار میتواند حداکثر دوماه در هر محل توقف کند .

وظایف : رسیدگی بدوی درامور مدنی در حدودی که در صلاحیت دادگاه بخش است وبر مقررات پانزده گانه ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصرح است در صورتیکه در مورد شق‌یك ودوو چهار ماده مزبور بهای خواسته شده بیش از یکصد هزار ریال نباشد یا در صورت تراضی کتبی طرفین در مورد اموال تا هر میزانی که باشد .

ـ رسیدگی بدوی در امور کیفری از درجه خلاف وجنحه .

۷ـ۲ دادگاههای اختصاصی

تعریف :دادگاههای اختصاصی دادگاههائی هستند که صلاحیت رسیدگی به هیچ دعوی جز آنچه قانون تصریح کرده ندارند .
تشکیلات : دادگاههای اختصاصی فعلا چهار دادگاه و بشرح ذیل است :

۱ ـ دیوان کیفر کارمندان‌دولت
۲ ـ دادگاه عالی انتظامی قضات
۳ ـ دادگاه تجدید نظر انتظامی قضات
٤ ـ دادگاه شرع

وظایف : رسیدگی بامور خاصی که قانون صریحا روشن کرده است و در هر مورد به‌تفصیل بحث خواهد شد .

۷ـ۲ـ۱ دیوان کیفر کارمندان دولت

تعریف : دیوان کیفر کارمندان دولت (دیوان جزای عمال دولت) درسال ۱۳۰۷ بموجب قانون خاص تشکیل شد و تاسال ۱۳۳۱ باقی بود در نوزدهم اردیبهشت‌سال ۱۳۳٤ بموجب قانونی‌مجددا تشکیل گردید .

ـ حوزه صلاحیت دیوان کیفر تمام کشور ایران و مقر آن تهران است .

تشکیلات : دیوان کیفر درتهران شعبی دارد که رئیس شعبه‌اول سمت ریاست کل شعب را دارد .

ـ هر شعبه از یك نفر رئیس و دونفر قاضی (مستشار) تشکیل میشود .

وظایف : رسیدگی بکلیهٔجرایم استانداران، معاونین‌وزارتخانه‌ها، مدیران کل ،فرمانداران ، روسای ادارات استان ها و شهرستانها و کلیه کارمندان قضائی که بسبب شغل دولتی مرتکب میشوند .

ـرسیدگی بجرائم اختلاس ، تصرف غیر قانونی ، ارتشاء و کلاه‌برداری بسبب شغل دولتی سایر مستخدمین و مامورین درصورتی که مبلغ مورد اختلاس وهرنوع تصرف غیر قانونی و یاکلاه‌برداری دفعته واحده یا مجموعا ازسی هزار ریال ومبلغ رشوه دفعة واحده یا مجموعا از پنجهزار ریال بیشتر باشد .

ـ رسیدگی بدیگر بزه‌های مستخدمین و یاامورین جزء مورد اتهاماتی که طبق قانون مجازات عمومی مجازات آن ها اعـدام است .

چنانچه مجازات پیش بینی شده برای اتهام وارده بکارمنددولت اعدام باشد بایناتهام در دادگاه جنائی رسیدگی خواهد شد وچنانچه همین‌متهم علاوه براتهام بالا اتهامات دیگری هم‌داشته باشد که مرجع رسیدگی آن اتهامات دیوان کیفر باشد باین اتهامات نیز دادگاه جنائی رسیدگی خواهد نمود .

ـ رسیدگی باتهام شرکاء یا معاونین بزه‌های مذکوردرفوق‌ولو آنکه کارمند دولت نباشند .

۷ـ۲ـ۲ دادگاه عالی انتظامی قضات

تعریف :محکمه انتظامی قضات از ابتدای تاسیس وزارت دادگستری وجود داشت ودرسال ۱۳۳۱ همراه با تغییرات نسبتا عمیقی از نوپی ریزی شد و کار آن رسیدگی به تخلفات قضائی دادرسان وزارت دادگستری است .

تشکیلات : دادگاه عالی انتظامی قضات از یك نفر رئیس و دو نفر عضو اصلی تشکیل میگرددو دارای یك عضو جانشین‌است.

ـ مقر دادگاه عالی انتظامی در تهران است .

ـ نزد دادگاه عالی انتظامی قضات دادسرای انتظامی تشکیل می شود .

وظایف : دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است بدرخواست دادرسان انتظامی یابتقاضای وزیر دادگستری یاشکایت مستقیم‌اصحاب دعوی به تخلفات کلیه مستخدمین قضائی درهرمقام که باشند رسیدگی نموده ورای مقتضی صادر نماید .

ـ دادگاه عالی انتظامی در هرمورد که وزیر دادگستری‌تقاضا نماید مکلف است بجهات اخلاقی واعمال ورفتار منافی باحیثیت‌و شئون قضائی و سوء شهرت کارمندان قضائی رسیدگی کند تا در صورتی که صلاحیت آنها محرز نگردید صلاحیت را از آن‌ها سلب وپایه آنها را باداری تبدیل نماید .

ـ رسیدگی بامور ترفیعات قضات (ماده دو وسه لایحه قانونی اصلاح سازمان وزارت دادگستری)

۷ـ۲ـ۳ دادگاه تجدیدنظر انتظامی قضات

تعریف : دادگاه تجدید نظر انتظامی قضات همزمان با تشکیل دادگاه عالی‌انتظامی قضات تشکیل شده‌است .

تشکیلات : مرکب از یك نفر رئیس و چهار عضو اصلی ویك عضو جانشین است .

وظایف : رسیدگی بتقاضای تجدید نظر نسبت باحکام صادره از دادگاه عالی انتظامی .

۷ـ۲ـ٤ دادگاه شرع

تعریف : محاکم شرع در گذشته دارای نفوذ و قدرت بسیـار بودند و در ابتدای تاسیس دادگستری نیزوجود داشتند ولی بتدریج که بر تعداد محاکم عرفی افزوده شداز نفوذ وتعداد محاکم شـرع کاسته گردید .

در سال ۱۳۱۰ بموجب قانون تشکیلات ووظایف و حدودقدرت وصلاحیت محاکم شرع تعیین گردید و در عداد دادگاههای‌اختصاصی در آمد .

تشکیلات : ـ محکمه شرع از یك‌نفر مجتهد جامع‌الشرایط تشکیل میشود .

ـ در نقاطی که محکمه شرع وجود ندارد محضر شرع از یك نفر مجتهد تشکیل میگردد و جانشین محکمه میشود .

ـ در نقاطی که محضر شرع نباشد امور مربوط بآن دردادگاه شرع تهران رسیدگی خواهد شد .

وظایف : حل وفصل دعاوی وانجام اموری که بموجب قوانین کشوری از وظایف حکام شرع‌است .

ـ ارجاع‌امور به محکمه شرع باید از طرف دادگاهها ودادسراها انجام گیرد .

تجدید نظر در آراء صادره از محاکم شرع شهرستانها بادادگاه شرع تهران است .

ـ تجدید نظر در آراء دادگاه شرع تهران بامحکمه‌ایست که‌از یك نفر مجتهد تشکیل میشود .این‌مجتهد در جلسه علنی محکمه شرع ازمیان مجتهدین وزارت دادگستری بقید قرعه انتخاب میگردد(ماده ۱۷۵ قانون آئین دادرسی مدنی)

۷ـ۳ دیوان‌کشور

تعریف :دیوانخانه تمیز که در سال ۱۳۱۸ بدیوان کشور تغییر نام یافت درابتدای مشروطیت بشکل یك سازمان‌قضائی دائمی تشکیل نشد بـلکه هر چند گاه یکبار بدعوت وزیر دادگستری مجلسی دائر میگشت .اما در سال های ۱۳۰۷ و۱۳۲۹ در قانون تشکیلات عدلیه دیوان کشور پیش بینی گردید .

تشکیلات : دیوان کشور تحت ریاست رئیس دیوان کشور که رئیس شعبه اول نیز هست اداره‌میشود .

ـ رئیس شعبه اول سمت ریاست کل شعب را دارد.

ـ هرشعبه دیوان کشور یك رئیس و سه قاضی بنام مستشار دارد .

ـدیوان کشور فعلا دوازده شعبه باین شرح دارد :

حقوقی	شش شعبه
جزائی	چهارشعبه
استخدامی	۱ شعبه
تجدید نظر استخدامی	۱ شعبه

وظایف : دیوان‌کشور در هیچ محاکمه‌ای ابتدا رسیدگی نمیکنند مگر در محاکماتی که مربوط بوزراء باشد .

ـ رسیدگی فرجامی به آراء صادره از محاکم وابرام یـا نقض آنها .

ـایجاد رویه های قضائی برای دیگر محاکم و مراجع

ـرسیدگی بدعاوی کارمندان و سازمانهای اداری

۷-۳-۱ هیئت عمومی دیوان‌کشور

تعریف : هیئت های دیوان کشور مرجع عالی قضائی و مرکز ایجاد رویه های قضائی است که طبق قانون و مدت رویه قضائی مصوب سال ۱۳۲۸ رای آن برا ی‌کلیه شعب دیوان کشور ودادگاه‌ها لازم‌الاتباع است و جز بارای هیئت عمومی و یاقانون تغییر پذیر نیست .

تشکیلا : هیئت عمومی دیوان کشور مرکب‌است‌از روسای شعب و مستشاران شعب که تحت ریاست رئیس کل دیوان کشور و باحضور دادستان کل تشکیل میگردد .

وظایف : ـ محاکمه عمومی وزراء

ـ رسیدگی فرجامی نسبت بآرائی که یکبار قبلا در دیوان کشور نقض شده و بدادگاه ماهوی دیگر ارجاع گردیده و مجددا حکمی باستناد همان علل که حکم قبلا نقض شده صادر شود .

ـ رسیدگی بآراء مختلف صادره از دوشعبه مختلف دیوان کشور در یك موضوع واحده .

ـ محاکمه انتظامی رئیس واعضاء محکمه عالی انتظامی قضات .

۷-٤ دادسرا ها

تعریف : تشکیل دادسراها که سابقا بآن اداره مدعیان عمومی یا «پارکه» میگفتند بموجب قانون تشکیلات عدلیه مصوب سال ۱۳۰۷ پیش بینی شده‌است .

دادسرا که وظیفه آن حفظ حقوق عامه و نظارت براجرای قوانین است از سه‌رکن ـ دادستان ـ دادیار و بازپرس بوجود آمده . دادیار از نظر دادستان که در حقیقت زبان اوست‌تبعیت مینماید ولی بازپرس دراظهار عقاید بموضوعی که رسیدگی میکند آزاد است در محاکمات جزائی دادستان حکم وکیل جماعت را دارد و در محاکمات‌حقوقی‌جز در موارد معینی که قانون باو اجازه دخالت داده بیطرف میماند .

دادستان دو وظیفه دارد . وظیفه قضائی که بر طبق موادسیوسه تا چهل ودوی اصول محاکمات جزائی روشن شده . وظیفه اداری که حفظ حقوق طبقه معینی‌است .

رابطه دادسرا و دادگاه را ماده ۵۲اصول تشکیلات عدلیه روشن ساخته باین صورت که دادسرا وظیفه دارد در صورت ملاحظه تجاوز وسوء جریان مراتب را بوزیر دادگستری گزارش دهد .

تشکیلات : طبق ماده ۵۳ قانون تشکیلات عدلیه دادسراها تحت ریاست فائقه وزیر دادگستری هستند .

ـ دادسراها در معیت دادگاهها تشکیل میگردند وباین ترتیب دادسراها عبارتست از :

۱ ـ دادسرای شهرستان
۲ ـ دادسرای استان
۳ ـ دادسرای دیوان کیفر کارمندان دولت
٤ ـ دادسرای انتظامی قضات
۵ ـ دادسرای دیوان کشور

وظایف : شرح وظیفه و حدود اختیار و صلاحیت هریك‌از دادسراها جداگانه تنظیم شده‌است .

۷-٤-۱ دادسرای شهرستان

تشکیلات : دادسرای شهرستان زیر نظر دادستان شهرستان انجام وظیفه میکند .

ـ دادیاران دادسرای شهرستان دادستان را درانجام وظایف یاری مینمایند .

ـ از جمله مامورین قضائی دادسرا بازپرس است .

ـ دردادسرا شعبه مخصوصی بنام دفتر امور محجورین و تحریر ترکه وجود دارد .

ـ هر دادسرا بقدر لزوم کارمند دفتری دارد .

وظایف : حفظ حقوق عامه ونظارت براجرای قوانین و مقررات .

ـ تعقیب مجرمین و رسیدگی به اتهاماتی که به آنان وارد شده .

ـ کشف دلائل جرم وتنظیم کیفرخواست .

ـ تسلیم کیفر خواست بدادگاه و در خواست مجازات.

ـ اخذ تامین از متهم یا متهمین وسیله بازپرس برای‌جلوگیری از فرار یاتبانی .

ـ حفظ حقوق صغار و مجانین و غایب مفقودالاثر .

ـ حفظ ترکه متوفی در صورت‌غیبت یامعلوم نبودن ورثه‌یابعضی از آن‌ها .

۷-٤-۲ دادسرای استان

تشکیلات : دادسرای استان تحت ریاست دادستان استان انجام وظیفه میکند .

ـ دادستان استان بقدر کافی دادیار استان دارد که در دادگاهها بنام او اظهار عقیده میکنند .

ـ کلیه ضابطین دادگستری زیر نظر و هدایت دادستان‌استیناف انجام وظیفه مینمایند .

ـ امور اداری دادسرای استان بعهده دفتر دادسرای استان است .

وظایف : شرکت در دادگاه جنائی و تعقیب کیفرخواست‌دادسرای شهرستان که بدادگاه جنائی تسلیم شده وظیفه اصلی دادستان استان است .

ـ اجرای احکام قطعی دادگاه جنائی .

ـ فرجام خواهی نسبت به آراء صادره از دادگاه استان.

۷-٤-۳ دادسرای دیوان‌کیفر کارمندان دولت

تشکیلات : دادسرای دیوان کیفر در معیت دیوان کیفرانجام وظیفه میکند .

ـ دادستان دیوان کیفر بقدر کافی دادیار وبازپرس دارد که در مراحل تحقیق و تعقیب جرایم کارمندان دولت طبق قانون وظایف قضائی خود را انجام میدهند .

ـ امور اداری دادسرای دیوان کیفر را دفتر دادسرا انجام میدهد .

وظایف : تعقیب وتحقیق جرایم کارمندان دولت

ـ رسیدگی بجرایمی که در خارج از تهران اتفاق میافتد بـا تفویض اختیار بمامورین قضائی دادگستری .

۷-٤-٤ دادسرای انتظامی قضات

تشکیلات : دادسرای انتظامی قضات نزد دادگاه‌عالی انتظامی قضات تشکیل میگردد .

پایه دادستان مزبور کمتراز پایه ده نخواهد بود و دادستان انتظامی قضات باید لااقل دارای چهل و پنج سال سن وبیست سال سابقه خدمت قضائی باشد و در دوره ده ساله اخیر خدمت محکومیت انتظامی از درجه چهار به‌بالا نداشته باشد .

۷-٤-۵ دادسرای دیوان‌کشور

تشکیلات : ماده ٥٤ قانون تشکیلات عدلیه در مورد دادسرای دیوان کشور اینطور صراحت دارد «پارکه دیوان عالی تمیز مرکب است از یك نفرمدعی‌العموم کل ـ یك نفر معاون اول عده لازم معاون دوم ...»

ـ با این ترتیب دادستان دیوان کشور دادستان کل‌است،

معاونین دوم دادستان کل دادیارانی هستند که دردادسرا انجام وظیفه میکنند .

وظایف : دادسرای دیوان کشور به اموری رسیدگی میکند که دیوان کشور حق رسیدگی و مداخله دارد .

ـ دادستان کل نسبت بامور سایر دادستان ها حق نظارت دارد .

ـ دادستان کل ممکن‌است به دادستانهای دیگر تعلیماتی بدهدو آنها را راهنمائی کند.

۸ حوزه قضائی تهران

تعریف : ـ منظور از تشکیلات قضائی وزارت دادگستری در حوزه قضائی تهران تعداد مناسب هریك از مراجع قضائی است که

نوع کار و حدود مسئولیت و وظایف آنها بطور کلی قبلا تذکار شده است .

تشکیلات : ــ تشکیلات‌قضائی وزارت دادگستری در حوزه تهران بشرح ذیل است :

۱ ــ دادگاه شهرستان تهران
۲ ــ دادگاه بخش تهران
۳ ــ دادگاه استان تهران
٤ ــ دیوان کیفر کارمندان دولت
٥ ــ دادگاه عالی انتظامی قضات وتجدید نظران
٦ ــ دیوان کشور

۱ــ۸ دادگاه شهرستان تهران

ــ دادگاه شهرستان تهران ۳۹ شعبه دارد که هریك از شعب خود دادگاه مستقل است .
ــ رئیس شعبه اول رئیس کل تمام شعب است .
ــ از مجموع ۳۹ شعبه ۱۸ شعبه امور حقوقی و ۲۱ شعبه امور جزائی را تصدی مینماید .
ــ دادسرای شهرستان تهران تحت نظر دادستان تهران است .
ــ دادسرای تهران دوایر بازپرسی واجرای احکام واداره امور سرپرستی دارد .

۲ــ۸ دادگاه بخش تهران

ــ دادگاه بخش تهران ۳٦ شعبه دارد باین شرح :
ــ دادگاه حقوقی ۱٥ شعبه درکاخ دادگستری
ــ دادگاه کیفری ۱ شعبه در کاخ دادگستری
ــ دادگاه رفع اختلاف مالك و مستاجر ٦ شعبه خارج از کاخ
ــ دادگاه کیفر گرانفروشان ٦ شعبه خارج از کاخ
ــ دادگاه رفع اختلاف ۱ شعبه وزارت کار
ــ دادگاه خلاف ٥ شعبه در **کلانتریها**
ــ دادگاه حقوقی و جزائی ۱ شعبه شمیران
ــ دادگاه حقوقی و جزائی ۱ شعبه شهری

۳ــ۸ دادگاه استان تهران

دادگاه استان تهران ۱۹ شعبه دارد باین شرح :
ــ دادگاه جنائی ٥ شعبه
ــ دادگاه جزائی ۷ شعبه
ــ دادگاه حقوقی ۷ شعبه
ــ دادستان استان تهران ۸ معاون دارد
ــ دادستان استان تهران عده‌یی دادیار دارد

٤ــ۸ دیوان‌کیفر کارمندان دولت .

دیوان کیفر فقط درتهران تشکیل است .
ــ دیوان کیفر سه شعبه دارد
ــ دیوان کیفر یك دادستان و تعدادی دادیار دارد .
ــ دیوان کیفر تعدادی بازپرس دارد .

٥ــ۸ دادگاه عالی انتظامی قضات وتجدید نظر آن

ــ دادگاه عالی انتظامی قضات یك شعبه دارد .
ــ دادگاه تجدید نظر نیز یك شعبه دارد .
ــ درمعیت دادگاه عالی انتظامی قضات یك دادسرا است که از یك دادستان انتظامی و تعدادی دادیار تشکیل میشود تمام دادسرای انتظامی قضات در دادگاه تجدید نظر انتظامی قضات رویه ادعا از طرف دادستان کل میشود .

٦ــ۸ دیوان‌کشور

ــ دیوان کشور طبق قانون نباید بیش از ۱۲ شعبه داشته باشد .
ــ حقوقی ٦ شعبه
ــ جزائی ٤ شعبه
ــ استخدامی ۱ شعبه
ــ تجدید نظر استخدامی ۱ شعبه
ــ از طرف دادسرای دیوان کشور در هریك از شعب فوق یك دادیار انجام وظیفه مینماید .

۹ــ سازمان اداری

تعریف : ــ سازمان اداری وزارت دادگستری مقصود واحدهائی هستند که در تهران اموراداری را حل و فصل میکنند . این تشکیلات که در قانون تشکیلات دادگستری پیش بینی شده بود درسال ۱۳۳۱ تغییرات زیادی پیدا کرد و برطبق قانون اصلاح تشکیلات وزارت دادگستری مصوب شهریور ۱۳۳٥ فعلا بشرح ذیل تعیین شده است :

تشکیلات : وزارت دادگستری چهار اداره کل دارد .
۱ ــ اداره کل امور اداری
۲ ــ اداره کل امور قضائی
۳ ــ اداره کل بازرسی کشور
٤ ــ اداره کل ثبت اسناد و املاك

۱ــ۹ اداره‌کل امور اداری

اداره کل امور اداری زیر نظر مدیر کل اداری و مرکب از پنج اداره بشرح ذیل است :
۱ ــ اداره کارگزینی
۲ ــ اداره حسابداری
۳ ــ اداره دفتر وزارتی
٤ ــ اداره پزشکی قانونی
٥ ــ اداره ابلاغ

۱ــ۱ــ۹ اداره‌کارگزینی

ــ مراقبت در تکمیل تشکیلات قضائی و اداری مطابق بودجه و تهیه احکام انتصاب و انتظار خدمت و مرخصی و تغییر وتبدیل مامورین در حدود قوانین و مقررات عمومی .
ــ استخدام کارمندان جدید قضائی و اداری و مامورین ابلاغ و اجرا و مستخدمین جزء و اداره کردن مسابقات و امتحانات .
ــ رسیدگی به امور مربوطه بترفیع و بازنشستگی و سوابق خدمت .
ــ ترتیب محاکمات اداری و نظارت در حضور و غیاب کارمندان قضائی و اداری و بازرسی اداری دادگاهها و دادسراها و سایر دوائر تابعه بوسیله بازرسان اداری .
ــ تنظیم امور دفتر و بایگانی .

۲ــ۱ــ۹ اداره حسابداری

ــ اعتبارات وبودجه (مصارف ــ تنظیم‌بودجه ودفتر تشکیلات ــ حقوق مرکز و شهرستانها) .
ــ درآمد و هزینه و حساب پرداخت ــ تحویلخانه ــ حوالجات ــ صدور اسناد و تسویه لیستها ــ فروش تمبر ــ حساب سپرده ها .
ــ ممیزی (تطبیق و رسیدگی درآمد با صورت حسابها ــ تهیه حساب ماهانه) .
ــ کارپردازی (خرید و تهیه لوازم ــ اموال ــ انبارها) .
ــ انتظامات (نگهبانی ــ نظافت و سرایداری ــ تاسیسات برق و تلفن ــ حرارت مرکزی و بهداشت ــ رانندگان) .
ــ نگاهداری حساب محجورین واموال بلاصاحب و ارث .
ــ تنظیم امور دفتر وبایگانی .

۳ــ۱ــ۹ اداره دفتر وزارتی

ــ تهیه نامه های وزارتی ــ ثبت وارسال مراسلات .
ــ تنظیم امور محرمانه و رمز
ــ تنظیم امور دفتر و بایگانی .
ــ تنظیم بایگانی راکد .

۴ـ۱ـ۹ اداره پزشکی قانونی

ــ اداره پزشکی قانونی تحت نظر وزارت دادگستری و تعلیمات قضائی دادستان شهرستان اداره میشود و به تعداد لازم پزشك وپزشکیار و کارمند دفتری خواهد داشت .
ــ اداره پزشکیقانونی دارای تالار تشریح و آزمایشگاه زهرشناسی و آسیب شناسی و آزمایشگاه تشخیص دارو و مواد غذائی فاسد و سایر لوازم فنی خواهد بود .
ــ وظایف : اظهار نظر درامور پزشکی مربوط به قضاوت و رسیدگی بصلاحیت داوطلبان پزشکی قانونی وترتیب کار آموزی آنها

۵ـ۱ـ۹ اداره ابلاغ

وظایف : دریافت اوراق قضائی از مراجع قضائی ، ابلاغ ، کنترل و اعاده آنها بمراجع مربوطه .

۳ـ۹ اداره کل بازرسی کشور

اداره کل امور قضائی زیر نظر مدیرکل قضائی و مرکب از سه اداره بشرح ذیل است :
۱ ــ اداره حقوقی
۲ ــ اداره فنی
۳ ــ اداره آمار و رویه قضائی .

۱ـ۲ـ۹ اداره حقوقی

ــ اظهارنظر درمورد استعلامات قضائی .
ــ امور قضائی بین‌المللی (استرداد ــ تعاون قضائی ــ قرارداد های قضائی ــ جمع قوانین ومقایسه وترجمه ونشر آنها ــ تهیه‌طرحهای قانونی)
ــ تنظیم امور دفتر و بایگانی .

۲ـ۲ـ۹ اداره فنی

ــ امور مترجمین وکارشناسان
ــ امور مترجمان وکارشناسان
ــ عفو بخشودگی
ــ تنظیم امور دفتر وبایگانی

۳ـ۲ـ۹ اداره آمار ورویه قضائی

ــ جمع آوری آمار وسجل کیفری .
ــ تدوین رویه قضائی
ــ تنظیم امور دفتر وبایگانی

اداره‌کل بازرسی کشور

ــ بمنظور استحضار دولت از اوضاع واحوال عمومی کشور و تامین حسن جریان امور ادارات و دوائر دولتی وبازرسی نسبت به‌طرز رفتار مستخدمین ومامورین دولتی اعم ازکشوری ولشکری وقضائی وهمچنین شهرداریها و بنگاههای عمومی وهمچنین رسیدگی به شکایات مردم از ادارات و دوائر دولتی وبنگاهها و دادگستریها اداره ای در وزارت دادگستری بنام اداره کل بازرسی کشور تحت ریاست وزیر دادگستری تشکیل میشود ...
ــ اداره کل بازرسی کشور مشتمل بردو قسمت است .
ــ قسمت رسیدگی به شکایات وگزارشها .
ــ قسمت بازرسی دادگستریها و وزارتخانه و کلیه ادارات دولتی اعم از کشوری و لشگری .

۱۰ـ برنامه سال ۱۳۴۳

وزارت دادگتری در سال۱۳۴۳ همه سعی خـود را مصروف استقرار امنیت قضائی درتمام کشور خواهد نمود زیرا همانطور که مورد توجه اعلیحضرت همایونی واقع گردیده و دولت دربرنامه خود قید کرده علاوه براینکه دادگستری برای استقرار امنیت قضائی بوجود آمده امنیت قضائی موجب جلب اعتماد واطمینان عمومی و پیشرفت سایر برنامه های اقتصادی و اجتماعی میشود .
برای رسیدن باین منظور وزارت دادگستری لازم میداند که قضات را که مهمترین عامل استقرارامنیت قضائـی هستند از امنیـت واقعی برخوردار سازد تا بتواند بدست آنان امنیت قضائی و عدالت اجتماعی را با اجرای صحیح قوانین بطور مساوی و بدون تبعیض درباره عموم مستقر سازد وبرای وصول باین هدف تدابیری اتخاذ میشود تا اولا دستگاههای مراقبت که در داخل قوه قضائیه وجود دارند با اجرای دقیق وظائف خود از بروز هرگونه آلودگی در ارکان این قوه جلوگیری نمایند و چنانکه آلودگی پیدا شد با استفاده از مقررات قانونی سریعا برفع آن اقدام نمایند . ثانیا تعیین مشاغل و پرداخت حقوق ومزایا و پاداشها براساس لیاقت واستعداد وسوابق خدمت وکار های انجام شده بدون تبعیض صورت گیرد . ثالثا تمایلات شخصی واغراض سوء نتواند موجبات دلسردی وناراحتی واحیانا انحراف قضات را فراهم سازد . و برای اینکه قوه قضائیه بتواند وظائف اصلی‌خود را بخوبی انجام دهد یعنی درکمترین فرصت سالمترین رسیدگی را انجام و درپایان رسیدگی دقیقترین حکم را صادر کند وزارت دادگستری درسال ۱۳۴۳ بانجام امور زیر همت خواهد گماشت.
اصلاح قوانین بمنظور اینکه دستگاه قضائی برای احقاق حق عادلانه و سریع در همه جا آمادگی داشته باشد .
۱ ــ توسعه وتکمیل تشکیلات دادگستری در شهرها وروستاها و اصلاح قوانین بمنظور اینکه دستگاه‌قضائی برای احقاق حق عادلانه و سریع در همه جا آمادگی داشتـه‌باشد .
۲ ــ مبارزه بسیار شدید بافساد با توجه باینکه شکایات دروغ و افترا آمیز مانع انجام وظیفه کارمندان صدیق دولت نگردد .
۳ ــ تنقیح قوانین جاری کشور و بتصوب رسانیدن قوانینی هماهنگ با تحولات عمیق اجتماعی وانقلاب شاه و ملت و پیشرفت های مهم علم و صنعت در دنیای متمدن امروز .
۴ ــ تدوین قوانین ومقررات جاری کشور بطوری که مراجعه بقانون برای عموم سهل و آسان باشد وقوانین متراکم و متناقض موجب انحراف اذهان نشود .

بقلم سیدابوالقاسم انوری پور
وکیل پایه یك دادگستری

هدایت قانونی دادگستری

یکی از گرفتاریها و مشکلات زندگی روزمره اکثر هم‌میهنان عزیز بی‌اطلاعی از قوانین جاری کشور است که در نتیجه نمیدانند درهرموقع چگونه و بچه طریق بمراجع قانونی وضابطین دادگستری مراجعه کنند که زودتر و مطمئن تر بحق خود برسند یا در رفع ظلم بحکم قانون و عدالت توفیق حاصل نمایند و چون جهل برقانون رفع تکلیف‌نمیکند. غالبا این بی‌اطلاعی موجب اصراروتضییع حق واحتمالا گرفتاری جزائی افراد میگردد .

در ملل مترقی جهان مردم هنگام ابتلاء بامور قضائی اعم از ــ مدنی و کیفری و حتی برای تنظیم اسناد و قراردادها از وکلای دادگستری استفاده میکنند و با مشورت آنان یا انتخاب وکیل طریق صحیح قانونی و قضائی را طی مینمایند و حتی اکثر افراد و خصوصا خانواده‌ها مستشار و وکیل خانوادگی‌دارند و هیچ امر قضائی و تنظیم اسناد و قراردادها را بدون مشورت و مداخله آنها بجریان نمی‌اندازند وبعلاوه هیچ دعوائی در دادگستری بدون مداخله وکیل قابل طرح نیست .

اما در کشور عزیز ما متاسفانه نه تنها هنوز این رویه پسندیده معمول نشده است بلکه اغلب هم‌میهنان عزیز وقتی بوکیل دادگستری مراجعه میکنند که کارشان در مراجع بدوی و پژوهش بمحکومیت منتهی ویا دچار ادعانامه و محکومیت جنائی شده‌اند ــ و حال‌آنکه اگر از ابتدای امر با مشاوره یا مداخله وکیل درامور حقوقی وجزائی اقدام کنند مسلما کمتر دچار تضییع حق و یا محکومیت و گرفتاریهای غیر منتظره خواهند شد .

تهیه کنندگان کتاب سال کیهان با توجه باین نقیصهٔ اجتماعی مصمم شدند که با تهیه مطالبی در هدایت قانونی خدمت ملی خودرا تکمیل کنند و خوانندگان و علاقه مندان کیهان را از این حیث نیز راهنمائی و ارشاد نمایند و افتخار انجام این مهم را بهاین بنده داده‌اند و اینجانب هم دراجرای این وظیفه ملی نکات لازم مربوط بمشکلات روزمره حقوقی و جزائی افراد را با استفاده از قوانین آئین دادرسی مدنی وکیفری و تجربیات چندین ساله قضائی تهیه و تقدیم میدارم امیدوارم که این خدمت ناچیز مورد قبول واستفاده علاقمندان قرارگیرد واز اساتید محترم تقاضا دارم چنانچه اشتباهی رخ داده باشد بکرم عمیم معافم دارند ودرعین حال متذکر سازندکه درادامه این خدمت از راهنمائی آنان برخوردار شوم .

دعاوی عمومی ــ دعاوی خصوصی

دعاوی بطور کلی دوجنبه دارد :

۱ ــ جنبه عمومی

۲ ــ جنبه خصوصی

دعاوی جزائی حائز جنبه عمومی

آن دسته از دعاوی جزائی حائز جنبه عمومی است که حیثیت عمومی آن دارای اهمیت مخصوصی است وحل و فصل آنها در حفظ نظم عمومی و امنیت اجتماعی کمال تاثیر را دارد و بهمین جهت دادستانها بمحض اطلاع مکلف بتعقیب و کشف آنها هستند چه مدعی خصوصی یا متضرر از جرم بخواهد یا نخواهد ضابطه تشخیص این قبیل جرائم دردرجه اول مقررات ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی است که دراین ماده جرائم حائز جنبه خصوصی را ذکر کرده است و ماسوای آنها دارای جنبه عمومی میباشد و دردرجه دوم حائز جنبه خصوصی بودن بعضی دیگر از جرائم درماده مجازاتی مربوط بآنها تصریح‌شده است و بطور کلی هر جرمی که درماده ۲۷۷ ذکر شده و یا درماده مجازاتی آن نوشته شده باشد که باگذشت مدعی خصوصی غیرقابل تعقیب است آن جرائم حائز جنبه خصوصی است و بقیه جنبه عمومی دارد .

جرائم حائز جنبه خصوصی مندرج در ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی عبارت است از :

ایراد ضرب و جرح ساده که مدت معالجه آن از بیست روز تجاوز نکند (مشمول صحت اخیر ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی) ، ضرب و جرح غیرعمدی توقیف و جعل غیر قانونی درصورتیکه مدت آن از پنج روز تجاوز نکرده‌باشد (قسمت آخر ماده ۱۹۳ قانون مجازات عمومی) ــ امتناع ازاسترداد طفل (غیراز مادر) (ماده ۱۹۷ ق. م) ــ اعمال منافی عفت بغفلت یا تهدید و هتك ناموس (مشمول مواد ۲۰۷ و ۲۰۸ د ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۳ ق. م) تهدید بقتل کتبی یا شفاهی (۲۳۵ ق. م) رقابت مکارانه در امر تجارت (۲٤٤ ق. م) طبع تصنیف یا تالیف دیگری بدون اجازه مصنف یا مولف (۲٤۵ ق. م) سرقت از تصنیف یا تحریرات دیگران (ماده ۲٤٦ ق. م) طبع تصنیف یا تالیف دیگری باسم خود (۲٤۸ ق. م) تخریب و تضییع اسباب و ادوات زراعت یا زاغه دواب یا کلبه دهقانی (ماده ۲۵٤ ق. م) ــ مسموم یا تلف کردن دواب وحواشی دیگران (ماده ۲۵۵ ق. م) ــ کشتن عمدی حیوانات اهلی حلال گوشت دیگران (ماده ۲۵٦ ق. م) ــ تصرف ملك غیر تعهد و غلبه (ماده ۲٦۸ اصلی ق. م) افترا (ماده ۲۷۱ ق. م) ــ انتشار هجونامه (ماده ۳۷۳ ق. م) .

جرائم حائز جنبه خصوصی اموری است‌که هرچند حیثیت‌عمومی دارد ولی اهمیت آن از حیث مقام مملکتی آسایش عامه و بدرجه نوع اول نیست و عدم تعقیب آن چندان تاثیری در حال عموم و امنیت اجتماعی نخواهد داشت وبقاعده شرعی لوترك ترك اگر مدعی خصوصی در مقام تعقیب برنیاید و یا ترك تعقیب کرد باید موقوف شود .

ترك انفاق زن و فرزندان و دیگر افراد واجب النفقه (ماده ۲۱٤ ق. م) صدور چك بلامحل درصورتیکه اظهارنامه ابلاغ واقعی‌نشده باشد (قسمت اخیرماده ۲۳۸ مکرر ق. م)ــ سرقت مال در صورتیکه مدعی خصوصی با متهم قرابت سببی درجه اول دوم یا سوم و یا قرابت نسبی درجه اول یا دوم داشته باشد (ماده ۲۲۷ مکرر ق. م)

توضیح آنکه جرائم حائز جنبه خصوصی با گذشت مدعی خصوصی در صورتی غیر قابل تعقیب میشود که متهم سابقه محکومیت جنحه یا جنایت نداشته باشد (ماده ۲۷۷ ق. م) .

موارد وقوف تعقیب جزائی

بموجب ماده ۸ ــ قانون آئین دادرسی کیفری تعقیب امرجزائی که از طرف مدعی العموم (دادستان) موافق قانون شروع شده موقوف نمیشود مگر در موارد ذیل :

۱ ــ بواسطه فوت یا جنون متهم یا مقصر .

۲ ــ درصورت صلح مدعی خصوصی و متهم در مواردی که بصلح طرفین تعقیب امر جزائی ترك میشود .

۳ ــ در موقع صدور عفو عمومی در مورد تقصیرات سیاسی .

٤ ــ در مواقعی که بواسطه مرور زمان در موارد تقصیرات عرضی موافق مقررات مملکتی تعقیب ممنوع است .

مدعی خصوصی

مدعی خصوصی کسی است که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان یعنی خسارت مالی و یا معنوی شده است و درضمن ادعای عمومی از طرف دادستان مطالبه غرامت و خسارت مینماید .

ادعای‌عمومی ازطرف دادستان وقتی‌است‌که‌پرونده اتهام متهم‌منتهی بصدور کیفرخواست شده و پرونده در دادگاه جنحه یا جنائی مورد رسیدگی قرارگرفته باشد .

وقتی‌که پرونده‌ای بصدورکیفرخواست منتهی‌شدمدیردفتر دادگاه مکلف است که مدعی خصوصی را مستحضر کند (اخطارنماید) تا اگر بخواهد در امور جنحه تا اولین جلسه دادرسی و در امور جنائی تا جلسه مقدماتی دادخواست ضرر و زیان بدهد دراینصورت دادگاهها مکلف‌اند که درصورت احراز وقوع جرم وارتکاب متهم یا متهمین ضمن صدور حکم مجازات در مورد دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی هم حکم بدهد .

ضرر وزیان

ضرر و زیان قابل مطالبه بردونوع است : ۱ــ ضرر و زیان مادی ۲ ــ ضرر و زیان معنوی .

ضرر و زیان مادی معادل مبلغی است که مدعی خصوصی برای جبران صدمات مالی یا جانی داده متصور شده است مثلا در امر سرقت خیانت درامانت وکلاهبرداری و امثال آن معادل قیمت اموال و اثاثیه موضوع جرم و در امر جرائم ضرب و جرح وامثال آن مخارجی که مدعی خصوصی برای معالجه متحمل شده است .

ضرر وزیان مادی قابل مطالبه علاوه بر آنچه گفته شدعوائدی است که بعلت وضوح جرم مدعی خصوصی از تحصیل آن محروم شده‌است مثلا کارگری که روزی مبلغی اجرت کارمیگیرد هرگاه مصدوم شود در مدتی که مریض بستری است چون قادر بکار ودریافت اجرت نیست اجرت مدت محرومیت از کار را نیز میتواند ازمرتکب جرم مطالبه کند .

ضرروزیان معنوی

ضرر وزیان مادی قابل مطالبه علاوه برآنچه گفته شد عوائدی خصوصی که براثر وقوع جرم متحمل ضرر معنوی از قبیل سلب حیثیت و اعتبار و امثال آن شده ویا سرمایه معنوی خود را ازدست داده است مثل کسیکه پسر یاشوهرش بقتل رسیده ودر نتیجه متکفل خرج خود را از دست داده‌باشد .

جرائم حائز جنبه عمومی

جرائم حائز جنبه عمومی فهرست‌وار عبارتست از :

جرائم بر ضد امنیت‌مملکت ــ سوء قصد برئیس‌مملکت ــ مخالفت با حکومت ملی ــ سکه قلب ــ حبس وتزویر ــ سرقت نوشتجات دولتی ــ فرار محبوسین ــ غصب عناوین ومشاغل ــ تخریب ابنیه و آثار ــ تقصیرات مامورین دولتی ــ تعدیات نسبت‌بافراد ــ رشوه ــ امتناع ازانجام وظیفه ــ اختلاس ــ تمرد نسبت‌بمامور دولت وهتك حرمت مامورین ونمایندگان ــ اجتماع و مواضعه ــ قتل وجرح با چاقو ــ وضرب منتهی به شکستن استخوان‌یادندان وبعض عضو ــ توقیف و حبس غیر قانونی بیش ازپنج روز ــ جنحه وجنایات نسبت باطفال ــ مخالفت بامراسم دفن اموات ــ شهادت‌کذب وقسم دروغ وافشاء سر ــ سرقت اموال غیر ــ ورشکستگی و کلاهبرداری ــ خیانت در امانت ــ تقلب در کسب وتجارت ــ حرق وتخریب ــ هتك حرمت منازل واملاك ــ ولگردی واستعمال الکل ــ قاچاق عایدات دولت ومواد مخدره .

توضیح ــ جرائم حائز جنبه عمومی مورد بحث ما دراین مقال نیست زیرا ضابطین دادگستری و دادستانها بمحض اطلاع از وقوع جرم حائز جنبه عمومی مکلف بتعقیب هستند واین مقامات وظائف خود را بخوبی میدانند و بموقع بنحواحسن انجام میدهند .

چون منظور ما ارشاد و هدایت قانونی افراد دراقامه و تعقیب دعاوی خصوصی برای احقاق حق و جبران ضرر مادی و معنوی است لذا دعاوی خصوصی را که براثر بی‌اطلاعی متضرر متروك و بدون تعقیب میماند و خواهان‌خصوصی برای جبران ضرر وزیان و یا ارضاء خاطر متاثر خود میتواند در مقام شکایت و تعقیب برآید و همچنین طریق اقامه دعاوی و مرجع صالح هردعوائی را مورد بحث قرار خواهیم داد .

مرجع اقامه دعاوی

بطور کلی کلمه دعاوی حقوقی اعم از مطالبات یاضرروزیان‌های ناشیه از جرم در مراجع و محاکم حقوقی(دادگاههای بخش و شهرستان) قابل‌اقامه است ولی استثناء بعضی از مطالبات مستندباسنادی که حفظ اعتبار آن اسناد با نظم اجتماع بستگی کامل دارد مثل مطالبه وجه چك یانفقه آینده زن وفرزند وپدر ومادر .

این قبیل دعاوی در عین حال که حقوقی است مقنن از نظر حفظ نظم عمومی و حمایت ذوی‌الحقوق بآنها جنبه جزائی داده است شاکی میتواند هم از طریق کیفری و هم از طریق مدنی حق خودرا مطالبه وجه چك یا نفقه آینده زن و فرزند و پدر و مادر . مدعی ابتدا دعوای خود را درمرجع حقوقی اقامه نمود دیگر حق نخواهد داشت از طریق جزائی هم آن را مورد تعقیب قرار دهد.

دراین باب‌ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری میگوید (در صورتی که کسی محکمه حقوق را ابتدا مرجع خصوصی خود قرارداد دیگر دعوی مزبور در محکمه جزا پذیرفته نمیشود ...) مثلا کسیکه بموجب چك از کسی طلبی دارد اگر ابتدا وسیله دادگاه حقوق آن راموردمطالبه قرارداد دیگر نمیتواند بااستفاده از قانون چك یاماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی در دادسرا ومحاکم جزائی درمقام تعقیب جزائی و حقوقی صادر کننده چك بر آید و همچنین اگر زن یافرزند یاپدرومادری‌برای‌مطالبه نفقه بدوآبدادگاه‌حقوق‌دادخواست داد دیگر مجاز نخواهد بود که با استفاده از ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی شکایت جزائی ترك انفاق کند .

ناگفته نماند که مطالبه نفقه ایام گذشته صرفا جنبه حقوقی دارد ونفقه‌ای طبق ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی قابل شکایت وتعقیب کیفری است که مربوط بحال و آینده‌باشد .

مرجع دعاوی ضرر وزیان ناشی از جرم

مرجع دعاوی حقوقی که از وقوع جرائم حاصل شده باشد دادگاهی است که برای رسیدگی بجرم منشاء دعوای حقوقی صلاحیت دارد مثلا هرگاه کسی مرتکب ایراد ضرب وجرح ساده یا خیانت در امانت و یا کلاهبرداری یا صدور چك بلامحل ودیگر جرائم جنحه شده باشد مدعی خصوصی میتواند برای جبران ضررو زیان مادی ومعنوی خود قبل از اولین جلسه دادرسی بدادگاه‌جنحه‌ای که پرونده کیفری متهم در آن دادگاه مطرح شده دادخواست ضررو زیان بدهد .

شاکی خصوصی برای تقدیم این دادخواست باید مثل اقامه‌دعاوی حقوقی در برگهای مخصوصی دادخواست خود را تنظیم کند وپوشه بخرد و هزینه تمبر به‌نسبت مبلغ‌خواسته(یك‌درصد) بپردازدودادخواست را بتعداد متهمین بعلاوه یك نسخه برای دادگاه تهیه کند فقط از نظر مدارك واسناد میتواند بمحتویات پرونده کیفری مربوط استناد نماید .

و هرگاه کسی مرتکب جرم جنایتی شده باشد متضرر از جرم باید تا جلسه مقدماتی دادخواست ضرر وزیان خود رابه همان دادگاه جنائی که موضوع اتهام را رسیدگی خواهد نمود تقدیم دارد .

جلسه مقدماتی چیست و کی تشکیل میشود

وقتیکه پرونده‌جنائی‌بدادگاه‌جنائی‌ارجاع‌شدرئیس دادگاه دستورمیدهد که متهم یا متهمین برای قرائت پرونده وانتخاب وکیل مدافع بمدت ده روز احضار شود و متهم باید ازتاریخ رویت احضاریه ظرف ده‌روز وکیل خود را انتخاب و بدادگاه معرفی کند و یا از دادگاه‌تقاضای تعیین وکیل تسخیری نماید و چنانچه بارویت احضاریه حاضر نشود باین منظور جلب خواهد شد .

وقتیکه متهم وکیل خود را انتخاب و بدادگاه معرفی کرد ویا دادگاه برای متهم وکیل تسخیری تعیین نمود بدستور دادگاه دفتر بوکیل انتخابی یا تسخیری اخطار میکند که ظرف ۱۰ روز از تاریخ رؤیت پرونده اورا مطالعه کند و اگر ایراد یا اعتراضی دارد بدادگاه بنویسند پس از انقضاء اینده روز که برای یك نوبت قابل تمدید خواهد بود دفتر پرونده را بدادگاه میفرستد و جلسه مقدماتی برای مطالعه پرونده از طرف دادگاه وتوجه بلوایح امر در اعتراض وکلایا متهمین و تشخیص ورود وعدم ورود ایرادات یا اعتراضات و دستور تعیین وقت دادرسی تشکیل میشود .

پس از تاریخ ارجاع پرونده بدادگاه جنائی تاتاریخ تشکیل

جلسه مقدماتی حداقل يك ماه طول خواهد کشید و مدعی‌خصوصی باید ظرف این مدت دادخواست ضرر و زیان خود را تهیه و تسلیم نموده باشد .

البته غفلت مدعی خصوصی از تنظیم وتقدیم دادخواست ضرر و زیان در فرجه قانونی بدادگاه جنحه یاجنائی سلب حق او را از **مطالبه وسیله دادگاه حقوقی نمینمایند** ومدعی میتواند حتی‌بعدازصدور حکم محکومیت متهم و مستند بآن حکم از دادگاه حقوق مطالبه ضرر وزیان کند .

دعاوی حقوقی که دادستان در آن باید مداخله کند

گفته شد که دعاوی حقوقی عموما حائز جنبه خصوصی است و دادستان حق مداخله در آنهارا ندارد اما چون مواردی هست که عدم مداخله دادستانها موجب تضییع حق افراد و حقوق عمومی و یا حق **صغار و مهجورین** وامثال آن میشود و یکی از وظایف کلی دادستانها حفظ حقوق اشخاص مذکور میباشد لذا مقنن در ماده ۱۳۹ قانون‌آئین دادرسی مدنی مواردی را که دادستانها در دارسی های مدنی و بازرگانی باید مداخله کنند بعنوان موارد ابلاغ بشرح زیر مقـرر داشته‌است :

۱ ــ دعاوی راجع باموال و منافع و حقوق عمومی .
۲ ــ دعاوی راجعه بدولت .
۳ ــ دعاوی راجعه بوجوه بریه و امور خیریه که جنبه عمومی داشته باشد مثل وصایای عمومی واوقاف عمومی و امثال‌آن .
٤ ــ دعاوی مراجعه به مهجورین و غائب مفقودالاثر .

بموجب ماده ١٤١ قانون مذکور در موارد ابلاغ بمحض آنکه جلسه رسیدگی معین گردید مدیر دفتر باید وقت را بدادستان اطلاع دهد و دادستان مکلف است قبل از جلسه پرونده امر را مطالعه نماید در محاکمات عادی در صورتیکه مورد از موارد ابلاغ بوده و محتاج **بتعیین جلسه نباشد دادگاه بوسیله** دفتر دادسرا بدادستان اطلاع میدهدکه در ظرف ۳ روز به پرونده مراجعه و عقیده خود را کتبا اظهارکنند عدم حضور یا خودداری دادستان از اظهار نظر در موعد مقررویادر جلسه موجب تعویق رسیدگی و یارای خواهد شد .

مقنن از اینجهت دادستانها رادرموارد مذکور مکلف بمداخله ونظارت درحفظ حقوق عمومی وصغار ومجانین کرده است کـه مدعیان نتوانند با امنای اموال عمومی بسازند وحقوق عمومی را مورد تجاوز قرار دهند اما قیم صغار ومهجورین ویا متولیان امور **موقوفه و یاامنای غائبین مفقودالاثر** بنفع مدعیان تسلیم شوند و موجب اضرار افراد مذکور را فراهم سازند .

مرجع دعاوی حقوقی

صلاحیت دادگاهها از سه نظر قابل مطالعه و ملاحظه است:
۱ ــ از نظر صلاحیت ذاتی
۲ ــ از نظر صلاحیت نسبی
۳ ــ از نظر صلاحیت محلی

اصل در صلاحیت دادگاههای عمومی است مگر آنچه را کـه قانون صریحا استثنا کرده‌باشد .

صلاحیت ذاتی دادگاهها

۱ ــ مرجع رسیدگی بکلیه دعاوی حقوقی دادگاه های شهرستان است مگر آنچه را که قانون در صلاحیت دادگاه های بخش معین کرده و یامرجع دیگری مقرر داشته‌باشد .

۲ ــ مرجع پژوهش از احکام و قرارهای دادگاه بخش دادگاه شهرستان است .

۳ ــ مرجع پژوهش از احکام و قرارهای دادگاه شهرستان دادگاه استان است .

٤ ــ مرجع فرجام دیوانعالی کشور است .

صلاحیت نسبی دادگاهها

بموجب ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی دعاوی که باید در دادگاه بخش اقامه شود عبارتست از:

۱ ــ دعاوی راجع باموال اعم از منقول و غیر منقول ودیوان ومنافع و زیان و خسارات ناشیه از ضمان قهری و جرم درصورتیکه **خواسته بیش از پنجاه هزار ریال نباشد** .

۲ــ مطالبه تخلیع ید از اعیان مرهونه و مستاجره و امثال آن مگر در صورتیکه مدعی علیه مدعی مالکیت شده وادعای خود را بطور مستقیم یا غیر مستقیم بموجب سند مستند بانتقال از مدعی نماید که دراین صورت دادگاه بخش وقتی صلاحیت خواهد داشت که بهای عین بیش از پنجاه هزار ریال نباشد .

۳ ــ کلیه دعاوی راجعه بحقوق ارفاقی از قبیل حق العبور و حق‌المجری و حق حفر چاه قنات در ملك دیگری وامثال آن تاهر **میزانی که باشد و حقوق انتفاعی** در صورتیکه‌بهای آن زائد برنصاب دادگاه بخش نباشد .

٤ ــ دعاوی راجعه بحقوق مالی‌از قبیل حق شفعه و حق فسخ و دعوای بطلان معامله و بی اعتباری سند در صورتی که حق یا مورد معامله بیش از پنجاه هزار ریال نباشد .

٥ ــ دعوی مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی در عین غیر منقول تاهرمیزانی که باشد .

٦ــ دعاوی راجع باشیائی‌که بهای معین نداشته ولی دارای نوعی ازاعتبار ومتعلق اغراض ومقاصدی است مثل اعیان برگها واسناد وامثال آن.

۷ــ مطالبه وفای بشروط وعهود راجعه بمعاملات وقراردادها اعم ازاینکه درضمن معامله وقرارداد تصریح شده ویابنای متعاملین برآن بوده ویا عادتا وعرفا معامله مبنی برآن باشد مشروط براینکه‌مورد مطالبه قابل ارزیابی نباشد والانصاب دادگاه بخش معتبر خواهدبود.

۸ــ درخواست افراز درصورتیکه‌مالکیت محل نزاع‌نباشد ودر صورتیکه مالکیت محل نزاع باشد نصاب ازحیث بها معتبر است.

۹ــ درخواست تامین وحفظ دلائل وامارات.

۱۰ــ درخواست سازش بین طرفین درهردعوائی وتا هر مقداری‌که خواسته باشند.

۱۱ــ درخواست تصدیق انحصار وراثت.

لزوما متذکر میشودکه اولا بموجب ماده ١٤ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه بخش درصورت تراضی طرفین بهردعوائی تا هر میزانیکه باشد میتواند رسیدگی کند . واین درصورتی قابل عمل خواهد بود که طرفین نسبت به‌قاضی دادگاه بخش‌حداکثراعتمادواعتقاد را داشته باشند.

ثانیاً طبق ماده ۱۵ قانون مذکور اگر در مقر دادگاه بخش دادگاه شهرستان نباشد دادگاه بخش بدعاوی‌که خواسته آن تا یکصد هزار ریال باشد وهمچنین باختلافات راجع باسناد ثبت احوال نیـز رسیدگی خواهد نمود .

ثالثاً بدستور ماده ١٦ همین قانون دادگاه بخش صالح دررسیدگی بدعاوی زیر نیست اگرچه خواسته درحدود نصـاب آن باشد:

۱ــ دعاوی راجع بدولت ــ۲ــ دعاوی راجعه باصل‌امتیازاتی که ازطرف دولت داده میشود . ۳ــ دعاوی راجعه بعلائم صنعتی ونام وعلائم بازرگانی وحق‌التصنیف وحق‌اختراع وکلیه حقوق غیرمالی مثل تولیت ونسب ووصایت .

بنابراین اگرکسی خواست‌دعوائی بموضوع مطالعه حقی‌اعم از نقد یا جنس بمبلغ تا پنجاه هزار ریال اما چه‌کند باید دادخواست خودرا بدادگاه بخش تقدیم دارد ــ البته خود پنجاه هزار ریال‌هم داخل درصلاحیت دادگاه بخش است.

صلاحیت نسبی دادگاه شهرستان

بجز آنچه داخل درصلاحیت دادگاه بخش است وبحث شد دادگاه شهرستان‌بکلیه دعاوی مدنی رسیدگی مینماید (ماده ۱۷قانون آئین دادرسی مدنی) ونیز هرگاه درمقرر دادگاه شهرستان دادگاه‌بخش نباشد دادگاه شهرستان بدعاوی نیزرسیدگی مینمایدکه داخل‌درصلاحیت دادگاه بخش است (ماده ۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی) مرجع‌رسیدگی به‌پژوهش احکام وقرارهای دادگاه‌های بخش دادگاه شهرستانی است‌که دادگاه بخش صادر کننده قرار یا حکم درحوزه آن واقع است مگر احکام وقرارهائی‌که دادگاه بخش بعلت نبودن دادگاه شهرستان وبجای آن صادرکرده باشدکه دراینصورت مرجع پژوهش دادگاه استان خواهد بود (مواد ۱۸ و۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی) مرجع پژوهش قرار ها واحکامیکه دادگاه شهرستان بعلت نبودن دادگاه بخش و بجانشینی دادگاه بخش صادرکرده باشد نزدیکترین دادگاه شهرستان خواهد بود مگر اینکه وزارت دادگستری دادگاه شهرستان دیگری

را معین نماید (قسمت آخرماده ۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی) طبق‌ماده ۲۰ قانون مورد بحث مرجع رسیدگی باختلافات مربوط باسناد ثبت احوال اتباع ایران‌که درخارج‌کشور بوسیله مامورین مربوطه صادر شده باشد دادگاه شهرستان تهران است.

صلاحیت محلی دادگاهها

طبق ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی مدنی دعاوی مراجعه بدادگاههائی‌که رسیدگی نخستین مینمایند باید درهمان دادگاهی اقامه شودکه مدعی علیه درحوزه آن اقامتگاه دارد واگر مدعی علیه درایران اقامتگاه ندارد درصورتیکه درایران محل سکونت موقتی داشته باشد در دادگاه همان محل باید اقامه‌گردد.

و هرگاه در ایران نه اقامتگاه و نه محل سکونت موقتی داشته ولی در ایران مال غیر منقول دارد دعوی در دادگاهی اقامه میشود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است وهرگاه مال غیر منقول هم‌نداشته باشد مدعی میتواند در دادگاه محل اقامت خود اقامه دعوی کند.

مستفاد از مقررات این ماده آنکه دعوی باید در دادگاهی اقامه شود که مدعی علیه یا طرف دعوی درحوزه آن اقامت دائمی یا موقتی یا مالکیت غیر منقول داشته باشد والا دادگاه محل اقامت مدعی صلاحیت رسیدگی راخواهد داشت.

واما در دعاوی بازرگانی و دعاوی مربوط باجرای عقود و قراردادها مرجع اقامه دعوی دادگاه بخش انعقاد اسناد و عقود و قراردادهای مستند میباشد (ماده ۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی) .

بموجب ماده ۲۳ قانون مورد بحث دعاوی راجعه باموال غیر منقول اعم از دعوی مالکیت و سایر حقوق راجعه بآن دردادگاهی اقامه میشود که مال غیر منقول در حوزه آن‌واقع است اگرچه مدعی و مدعی علیه هم در آن حوزه مقیم نباشند بنابراین اگر کسی مدعی مالکیت یا حقوقی راجعه بملکی باشد که فرضا در حوزه تبریز واقع است و خود شخص ساکن تهران و طرف ساکن همدان باشد باید دعوی رادردادگاه بخش شهرستان (برعایته نصاب) تبریز اقامه کند .

درخواست تامین دلائل وامارات از دادگاه‌بخش باید بشود که دلائل وامارات مورد درخواست در حوزه‌آن واقع است (ماده ۲۴).

طبق ماده ۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی دعوای مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی در دادگاه بخش اقامه میشود که موضوع دعوی در حوزه آن واقع است .

ممکن است خواسته مال منقول و غیر منقول باشد دراین‌صورت مدعی میتواند در دادگاهی که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است و یا در دادگاه محل اقامت مدعی علیه اقامه دعوی کند بشرط اینکه دعوی در هر دو قسمت ناشی از یك منشاء شده باشد (ماده ۲۶) .

مثلا شخصی مدعی‌است که ملکش را که در حوزه اهواز واقع است دیگری که ساکن خرم آبادمیباشد عدوانا تصرف کرده‌و اجرت‌ المثل ایام تصرف راهم نداده‌است بنابراین تقاضای محکومیت طرف را بخلع ید وپرداخت اجرت المثل ایام تصرف دارد دراین صورت مدعی هم میتواند بدادگاه اهواز (محل وقوع ملك)و هم بدادگاه خرم آباد (محل اقامت مدعی علیه)مراجعه‌کند .

هرگاه یك ادعا راجع بچند مدعی علیه باشد که در حوزه های دادگاههای مختلفه اقامت دارند و یاراجع بچند مال غیر منقول‌باشد که در حوزه های‌دادگاههای‌مختلفه واقع شده‌اند مدعی میتواند بیکی از دادگاههای نامبرده رجوع کند (ماده ۲۷) .

بموجب ماده ۳۲ قانون آئین دادرسی مدنی ــ دعاوی راجع بترکه متوفی در صورتیکه دعوی مابین وراث باشد یااز طرف‌اشخاصی اقامه شود که خود را ذیحق در تمام یا قسمتی از ترکه میدانندا‌گرچه خواسته دین و یا راجع بوصایای متوفی باشد مادام که ترکه تقسیم نشده در دادگاه محلی اقامه میشود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران در آن محل است و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد دعاوی نامبرده راجع بدادگاهی است که آخرین محل سکونت‌متوفی درایران در حوزه آن دادگاه است .

دعوای بطلان تقسیم راجع بدادگاهی است که تقسیم توسط آن دادگاه بعمل آمده‌است (ماده ۳۳) .

طبق ماده ۳۴ قانون آئین دادرسی مدنی ــ دعوی توقف اعماز آنکه از طرف خود بازرگان یااز طرف بستانکار یااز طرف دادستان باشد باید در دادگاهی که اقامتگاه بازرگانان ورشکسته در حوزه آن واقع است اقامه شود و هرگاه بازرگان متوقف در ایران اقامتگاه نداشته باشد دعوی توقف در دادگاهی اقامه میشود که بنگاه بازرگانی یا شعبه یا نماینده برای معاملات در حوزه آن دارد یا سابقا داشته است .

دعوی راجع بورشکستگی شرکتهای بازرگانی که مرکز اصلی آن در ایرانست باید در مرکز اصلی شرکت اقامه شود (ماده ۳۵)و همچنین است دعاوی مربوط باصل شرکت و بین شرکت و شرکاءو اختلافات حاصله بین شرکاء و همچنین دعاوی اشخاص خارج بر شرکت مادام که شرکت باقی است و در صورت برچیدگی تاوقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است بموجب ماده ۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی ــ در دعاوی ناشیه از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج ذیحق میتواند دعاوی خود را در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جائی که پول باید پرداخته شود اقامه نماید .

اگر شرکت دارای شعب متعدده در جاهای مختلف باشد دعاوی ناشیه از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله درآن واقع است اقامه شود مگر آنکه شعبه نامبرده بر چیده شده باشد که دراین صورت دعاوی نامبرده نیز در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد (ماده۳۸) .

دعوای اعسار نسبت بخواسته در صورتی که ضمن رسیدگی به دعاوی اصلی اظهار شود در دادگاهی که دعوی اصلی مطرح است رسیدگی میشود و در صورتی که بعد از صدور حکم و قطعیت آن اقامه شود در دادگاهی رسیدگی میشود که حکم نخستین را صادر کرده است (ماده ۳۹) .

طبق ماده ۴۰ قانون مورد بحث دعوی اعسار در مقابل برگهای اجرائیه ثبت اسناد در دادگاه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد دعوی اعساراز هزینه دادرسی مرحله نخستین در دادگاهی اقامه میشود که صلاحیت‌رسیدگی نخستین دعوی اصلی را دارد دعوی اعسار برای معافیت از هزینه مرحله پژوهش و فرجام بدادگاهی راجع‌است که رسیدگی نخستین بدعوی اصلی نموده است .(ماده ۴۱)

بموجب ماده ۴۲ قانون آئین دادرسی مدنی ــ دعوی خسارت چه از بابت پرداختن پول و چه از بابت هزینه دادگستری و چه از بابت حق الوکاله وامثال آن در صورتیکه در ضمن دعوی اصل مطالبه شده باشد در دادگاهی رسیدگی میشود که دعوی اصلی درآن مطرح شده والا مرجع دادگاهی است که دعوی در آن خاتمه یافته است .

دعوی خسارت راجع بمرحله فرجام دردادگاهی اقامه میشود که از حکم آن دادگاه فرجام خواسته شده و در صورت نقض‌بدادگاهی راجع است که دعوی بآنجا ارجاع شده و خاتمه یافته‌است .

اختلافات مربوط باجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به حادث شود در دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی میشود اختلاف ناشیه از اجرای احکام راجع بدادگاهی است که حکم بتوسط آن دادگاه اجرا میشود .

در احترام بتوافق و تراضی طرفین دعوی ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر داشته است که درتمام دعاوی که رسیدگی آن ازصلاحیت دادگاههائی است که رسیدگی نخستین‌مینمایندطرفین دعوی میتوانند تراضی کرده بدادگاه دیگری که در عرض دادگاه صلاحیت دار باشد رجوع کنند و این بشرطی است که تراضی‌طرفین بموجب سند رسمی یا اظهار آنها در نزد دادرسی دادگاهی که میخواهند دعوی خود را باو رجوع کنند بعمل آید و دراین صورت دادرسی از آن ها را باید در صورت مجلس قید وبمهر یاامضاءآن‌ها برساند (ماه ۴۴) .

مرجع رسیدگی پژوهش احکام و قرارهای صاره از دادگاههای شهرستان دادگاه استانی است که در حوزه آن واقع‌است.

دادخواستهای حقوقی چگونه باید تنظیم شود

بموجب ماده ۷۱ قانون آئین دادرسی مدنی دادخواست بایدبزبان فارسی و در روی برگهای چاپی مخصوص (اوراق دادخواست‌رسمی)

نوشته شود مگر در نقاطی که برگهای نامبرده در دسترس عموم نباشد در موارد فوری ممکن است دادخواست تلگرافی باشد طبق ماده ۷۲ قانون مذکور در دادخواست باید نکات زیر قید باشد:

۱ ــ نام ونام خانوادگی ونام پدر واقامتگاه و شغل بدهی ووکیل در صورتیکه دادخواست راوکیل‌داده‌باشد .

۲ ــ نام ونام خانوادگی و اقامتگاه و شغل مدعی‌علیه.

۳ ــ تعیین خواسته و بهای آن مگر آنکه تعیین بها ممکن نبوده یا خواسته مالی نباشد .

٤ ــ تعهدات یا جهات دیگری که بموجب آن مدعی خودرا مستحق مطالبه میداند بطوری که مقصود واضح وروشن باشد .

٥ ــ آنچه را که مدعی از دادگاه درخواست دارد .

٦ ــ ذکر تمام ادله ووسائلی که مدعی برای اثبات ادعای خود دارد از اسناد و نوشتجات واطلاع مطلعین وغیره .

ادله مثبته باید بترتیب و واضح نوشته شود و اگردلیل‌گواهی گواه است مدعی باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آن را بطور صریح معین کند .

تبصره ــ اقامتگاه باید باتمام خصوصیات از قبیل شهر و قصبه و خیابان طوری نوشته شود که ابلاغ بسهولت ممکن‌باشد و نیزبموجب ماده ۷۳ این قانون در صورتیکه هریك از اصحاب دعوی عنوان قیمومت یا تولیت یاولایت یاوصایت ویامدیریت شرکت وامثال‌آن‌داشته باشند در دادخواست باید تصریح شود .

اوراقی که باید پیوست دادخواست باشد

بدستور ماده ۷٤ قانون آئین دادرسی مدنی‌باید رونوشت یا عکس یا گراور اسناد خود را پیوست دادخواست کندرونوشت‌یاعکس یاگراور باید خوانا و مطابقت آن بااصل گواهی شده‌باشد مقصود از رونوشت‌گواهی شده رونوشتی است که دفتر دادگاهی کەدادخواست بآنجا داده میشود یا دفتر یکی از دادگاههای دیگر یایکی از ادارات ثبت اسناد یادفتر اسناد رسمی ودرجائی که هیچیك از آنها نباشد بخشدار محل یایکی از ادارات دولتی مطابقت آن را بااصل گواهی کرده باشد در صورتی که رونوشت سند در خارجه تهیه شده باشدباید در دفتر یکی از سفارتخانه ها یاکنسولگری های ایران گواهی شود .

و هرگاه اسناد مفصل باشد مثل دفتربازرگانی یا اساسنامه‌شرکت وامثال آن قسمتهائی که مدرك ادعاست خارج نویس شده پیوست دادخواست میگردد .

طبق ماده ۷٥ قانون‌مذکوردر صورتیکه اسناد بزبان فارسی نباشد باید علاوه بر رونوشت گواهی شده سند ترجمه گواهی شده آن نیز پیوست دادخواست شود گواهی صحت ترجمه ومطابقت ورونوشت با اصل را مترجمین رسمی یا مامورین کنسولی خواهند نمود .

توضیح ــ برای تهیه ترجمه رسمی اوراق واسناد در تهران باید باداره فنی وزارت دادگستری مراجعه نمود .

اداره مذکور اسناد را بمترجم رسمی میدهد و ترجمه آن را پس از تمبر و تصدیق بارباب رجوع تسلیم مینماید پرداخت حق ــ الزحمه ترجمه طبق آئین نامه بــه عهده صاحبان اسناد است.

بدستور ماده ۷۷ قانون مورد بحث دادخواست و کلیه برگهای پیوست بآن باید د دو نسخه و در صورت تعدد مدعی علیه بعدهآنها بعلاوه یك نسخه باشد مثلا هرگاه مدعی علیه سه نفرباشد دادخواست و مدارك پیوست آن هر یك باید در ٤ نسخه تهیه وتسلیم دفتر دادگاه شود .

تاریخ تقدیم دادخواست باید شمسی و با تمام حروف نوشته شود دادخواست دهنده باید ریز دادخواست را امضاء کند و در صورت عجزاز امضاء مهر یااثر انگشت خود را بگذارد و شخص متعهدی مهریا اثر انگشت او را گواهی نماید (ماده ۷۸).

بموجب ماده ۸۰ قانون آئین دادرسی مدنی دادخواست باید بدفتر دادگاه صلاحیتدار داده شود و در نقاطی که دادگاه‌دارای‌شعب متعدد است بدفتر شعبه یك .

عدم رعایت هریك از تکالیف قانونی مذکور در تنظیم‌دادخواست موجب رد یا توقیف‌دادخواست خواهد شد مثلا ــ هرگاه درددادخواست مدعی یا محل اقامت او معلوم نباشد دادخواست رد میشود .

واگر بدادخواست و پیوستهای آن مطابق قانون تمبر الصاق نشود و یا در نقاطی که تمبر موجود نیست هزینه قانونی آن بدفتر دادگاه تادیه نشده باشد و یانام ونام خانوادگی و محل اقامت وشغل مدعی علیه یا حتی یکی از این ها در دادخواست نوشته نشده‌باشدویا خواسته و بهای آن معلوم نشده‌باشد و یاموجبات مطالبه معین نباشدویا خواسته خواهان از دادگاه معلوم نباشد ویااقامه دلیل نشده‌باشد ویا رونوشت مصدق یا عکس اسناد به تعداد مدعی علیه بعلاوه یك‌پیوست دادخواست نشده‌باشد اگر دادگاه بدستور ماده ۸٥ قانون آئین دادرسی مدنی بمدعی اخطار رفع نقص میکند و هرگاه مدعی در ظرف‌پنجروز از تاریخ رویت اخطار یاابلاغ قانونی اخطار رفع نقص نکندقراررد دادخواست صادر خواهد شد .

هرگاه مدعی محل اقامت مدعی علیه رانداند و نتواند تعیین کند میتواند تقاضا کند که مفاد دادخواست بهزینه او سه دفعه‌متوالی در روزنامه رسمی کشور و یکی از جرائد کثیرالانتشار آگهی شود (ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی) مدعی علیه میتواند بعداز درج آگهی محل اقامت خود را بدادگاه اعلام دارد .

بدستور مــاده ۱۰۸ قــانون آئین دادرســی مدنی ــ هرگاه هریك از طرفین دعوی محل اقامتی را که برگهای اولیه در آن محل ابلاغ شده ویا محلی را که برای ابلاغ برگها انتخاب کرده و دردادخواست نوشته‌اند یا طی لایحه‌ای بدادگاه اعلام نموده‌اندتغییر دهند باید فورا محل جدید را بامشخصات بدفتر دادگاه اطلاع دهندو مادامی که باین ترتیب اطلاع نداده‌اند برگها بهمان محل‌سابق‌فرستاده میشود و در صورتیکه کسی در محل نباشد یا اشخاصی که هستند نخواهند رسید بدهند مامور ابلاغ این نکته را باگواهی پاسبان یا امنیه یادونفر از اهل محل در ابلاغ نامه تصریح وبدفتر دادگاه‌عودت میدهد دراین صورت برگهای نامبرده ابلاغ شده محسوب است ودر دفتر دادگاه باقی میماند وکسیکه ابلاغ باومیبایستی بشود نمیتواند بعدم اطلاع از آن متعذر شود .

ماده ۱۱۰ قانون مذکور میگوید : هیچیك از اصحاب دعــوی ووکلای دادگستری نمیتوانند مسافرتهای موقتی خود را تغییر محل اقامت حساب کرده ابلاغ برگهای دعوای مربوط بخود را درمحل نامبرده درخواست کنند واعلام مربوط بتغییر محل اقامت وقتی پذیرفته میشود که محل اقامت مطابق ماده ۱۰۰٤ قانون مدنی حقیقتا تغییر یافته باشد و چنانچه درداداگاه معلوم شد که‌اعلام تغییر محــل اقامت بر خلاف واقع بوده اوراقی که بهمان محل اقامت اولیه‌ارسال گردیده ورعایت ترتیب ابلاغ بشرح ماده ۱۰۸ نسبت بآنها بعمل‌آمده ابلاغ شده محسوب است .

ترتیب رسیدگی بدادخواستها

دعاوی اختصاری

۱ ــ رسیدگی بدعاوی در دادگاهای بخش بطور کلی و بدون استثناء اختصاری است . یعنی وقتیکه مدعی دادخواست خود را طبق مقررات تسلیم دفتر دادگاه نمود مدیر دفتر دادگاه آن را بنظر رئیس دادگاه میرساند رئیس دادگاه دستور تعیین وقت‌رسیدگی میدهد و نسخه ثانی دادخواست و ضمائم آن ضمن ابلاغ اخطار وقت دادرسی برای مدعی علیه ارسال میشود .

۲ ــ دعاوی حاصله از اجاره خانه وانبار ودکاکین وامثال‌آن و دعاوی راجعه باجرت المثل اعیان مذکوره و دعاوی بازرگانی و دعاوی راجعه بعلائم صنعتی واختراعات ــ اختلافات راجعه باسناد سجلی دعاوی مربوطه بحقوق زوجیت ــمطالبه نفقه زوجه واقارب ــ منازعات واختلافات راجعه باجرای احکام وبرگهای لازم‌الاجرای ثبت اسناد ــ دعاوی راجعه بخسارت دادرسی در صورتی که مستقلا اقامه شده باشد و دعاوی راجعه باعسار بدستور ماده ۱٤۳ قانون آئین دادرسی مدنی بطور اختصاری رسیدگی میشود .

تکلیف مدعی در دعاوی اختصاری

در دعاوی که بطریق اختصاری رسیدگی میشود مدعی بایداصول اسنادی که رونوشت آن‌ها را ضمیمه دادخواست کرده است درجلسه دادرسی حاضر نماید والا اگر مدعی علیه درجلسه دادرسی اصول‌اسناد را بخواهد وحاضر نباشد آن اسناد از عداد دلائل اثبات دعوی مدعی خارج خواهد شد و چون دعوی بلا دلیل شد مسلما رد میشود (ماده ۱٤٦) .

تکلیف مدعی‌علیه در دعاوی اختصاری

مدعی علیه نیز باید اصول و رونوشت اسنادی را که میخواهد بآن استناد نماید در جلسه دادرسی حاضر کند رونوشت اسناد مدعی علیه هم باید بعده مدعیان بعلاوه یك نسخه باشدیك‌نسخه‌ازرونوشتهادر پرونده بایگانی و هریك از نسخ دیگر بیکی از مدعی ها داده خواهد شد .

غیبت هریك از طرفین دعوی در جلسه اول دادرسی

ولو بعذر کسالت موجب محکومیت است

بموجب ماده ۱۴۶ قانون آئین دادرسی مدنی هرگاه یکی از طرفین دعوی نخواهد یانتواند در دادگاه حاضر شود چنانچه مدعی است باید اصول اسناد خود را وسیله وکیل یا نماینده خود برای‌ارائه در دادگاه و ملاحظه طرف بدادگاه بفرستد والا اگر آن سند مورد تردید یا انکار طرف واقع شود وسند عادی باشد از عداد دلائل او خارج خواهد شد وهمچنین مدعی علیه اگر نخواهد یا نتواند حاضر شود باید اصول و رونوشت اسناد خود را برای دفاع از دعوی وسیله وکیل یا نماینده بدادگاه‌تقدیم‌دارد و در صورتیکه مدعی علیه بواسطه کمی مدت یادلائل دیگر نتوانسته باشد اسناد خود راحاضر کند حق دارد تاخیر جلسه را بخواهد و هرگاه دادگاه خواهش او را مقرون بصحت دانست جلسه دیگر معین میکند و دیگر تجدید جلسه جایزنیست مگر بتراضی متداعین .

هرگاه مدعی علیه حاضر شود دادگاه غیابا رسیدگی خواهد نمود .

محاکمات عادی

کلیه دعاوی که در دادگاههای شهرستان مطرح میشود باستثناء موارد مذکور در فوق بطریق عادی یعنی با تبادل لوایح موردرسیدگی قرار میگیرد .

بدستور مواد ۸۹ و۱۱۱ و۱۱۲ و ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی بترتیب رسیدگی بمحاکمات عادی اینست که بعدازآنکه دادخواست و ضمائم آن بدفتر دادگاه داده شد وتعرض نداشت مدیر دفتر باید در ظرف دو روز از تاریخ رسید دادخواست یارفع نقص ترتیب میدهد بایگانی و نسخه دیگر راباپیوستها برای ابلاغ بمدعی ترتیب میدهد بایگانی و نسخه دیگر را بپیوستها برای ابلاغ بمدعی علیه بمامور ابلاغ تسلیم کند . مدعی علیه باید در ظرف ده روز پس‌از رسید دادخواست بادعای مدعی پاسخ داده رونوشت گواهی شده کلیه اسناد و دلائل خود را پیوست نماید و در ضمن پاسخ کتبی دعوی‌جعل سند ومعاینه ودرخواست تحقیق محلی و استعلام ازکارشناس و هرنوع ایرادو دفاعی را که نسبت بدعوی موثر میداند اظهار کند وتمام ادله ووسائلی را که برای اثبات بتحقیق مدعی دارد اعم ازاسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین وغیره ابراز نماید و رونوشت کلیه اسناد خود را مصدق و بترتیبی که برای تنظیم دادخواست شرح‌داده‌شد تهیه و پیوست لایحه جوابیه بدادگاه بفرستد .

پاسخ مدعی علیه و پیوست های آن باید در دونسخه و در صورت تعدد مدعی بعده مدعیان بعلاوه یك نسخه باشد اگر پاسخ‌مدعی علیه یا پیوستهای آن یك نسخه باشد دفتر دادگاه رونوشت آن را بعهده مدعیان تهیه نموده و هزینه آن را دوبرابر از مدعی علیه‌بوسیله مامور اجرا وصول مینماید .

بعداز رسید پاسخ مدعی علیه مدیر دفتر باید یك نسخه ازپاسخ را باپیوستهای آن بایگانی و نسخه دیگر را باپیوستهای آن درظرف دو روز بوسیله مامور بمدعی ابلاغ کند .

مدعی باید هرپاسخی که داردبدستور قبل نوشته وگر باسناد یا گواهی جدیدی برای پاسخ از مدافعات مدعی علیه‌استفاده کرده است رونشت آن اسناد ونام گواهها را پیوست هرنسخه کرده در ظرف ده روز بدفتر دادگاه تسلیم کند مدیر دفتر باید درظرفدوروز پاسخ مدعی را برای ابلاغ بمدعی علیه بفرستد و مشارالیه آخرین‌پاسخ خود را باید تاده روز بدفتردادگاه برساند .

پاسخ آخر ر مدیر دفتر در ظرف ۲روز برای مدعی فرستاده و در ظرف ۲۴ ساعت پرونده را بنظر حاکم دادگاه میرساند بموجب ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی پس از آنکه پرونده‌تسلیم‌دادگ، شد حاکم دادگاه باید پرونده را ملاحظه کند و درصورتیکه محتاج باخذ توضیحاتی از اصحاب دعوی نباشد فورا رای بدهد واگرمحتاج بتوضیحی باشد مواردی که توضیح آن لازم‌است بطور روشن درورقه صورتمجلس قید کرده دستور تعیین وقت رسیدگی بدهد.

مدیر دفتر باید موارد محتاج بتوضیح که از طرف حاکم‌دادگاه تعیین شده است ضمن اخطاری که برای حضور طرفین فرستاده‌میشود قید کند .

در جلسه دادرسی فقط اظهارات طرفین در زمینه توضیحاتی که حاکم دادگاه خواسته است بطور خلاصه در صورت مجلس نوشته‌میشو طبق ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی مدنی در جلسه دادرسی‌هیچگونه دلیل وسند جدیدی از طرفین پذیرفته نمیشود بحکم ماده ۱۳۴ قانون مذکور دادگاه مکلف است در پایان جلسه صریحا اعلام نماید که محاکمه را بمنظور صدور حکم ختم میماند و چنانچه موجب‌مذکوردر قانون‌آئین‌دادرسی مدنی تجدید جلسه دیگری لازم‌باشد علت ذیل همان صورت جلسه باید قید گردد و پس از اعلام قیم محاکمه اقدام دیگری بجز صدور رای ممنوع است و بعداز اعلام قیم دادرسی هیچ قسم اظهار شفاهی یا کتبی از طرفین پذیرفته نخواهد شد .

تکلیف اصحاب دعوی و تماشاچی دردادگاه

بمستفاد از ماده ۱۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی اصحاب دعوی و تماشاچی مکلف هستند که در جلسات دادرسی رعایت ادب ونزاکت و نظم دادگاه را نموده و از هرعملی که موجب اخلال نظم جلسه دادرسی شود خودداری کند والا دادگاه میتواند نسبت باشخاصی که‌با اعمال و حرکات خود موجب اخلال نظم جلسه دادگاه میشوند اگر تماشاچی باشند تاچهل و هشت ساعت واگراز اصحاب دعوی یا وکلای آن‌ها باشند تا پنجروز حکم حبس بدهد این‌حکم باید فور اجرا شود واین حبس هر چند کمتراز ۱۱ روز است ولی قابل خرید نخواهد بود و محکوم چاره جز رفتن به زندان نخواهدداشت.

و نیز رئیس دادگاه در هرموقع که رفتار تماشاچی ها را مخل نظم جلسه تشخیص دهد میتواند امر باخراج تمام یا بعضی از آن‌ها را بدهد .

احکام حضوری واحکام غیابی

احکام حضوری

بموجب ماده ۱۶۴ قانون آئین دادرسی مدنی حکم دادگاه در محاکمات عادی در تمام موارد حضوری محسوب است مگر درمواردی که مدعی علیه هیچ جوابی کتبی بدعوی نداده‌باشد.

دادگاه در محاکمات عادی پس از اعلام ختم دادرسی دادگاه بتواند باید در همان جلسه رای بدهد والا باید روزوساعتی رابرای اعلام رای معین کرده و در صورت جلسه دادرسی قید وباصحاب‌دعوی اعلام نماید و نباید بین روز اعلان ختم دادرسی و روز اعلام رای بیش از یکهفته فاصله شود (ماده ۱۵۲ قانون آئین دادرسی مدنی) طبق ماده ۱۵۴ قانون مورد بحث رای دادگاه اگر راجع بماهیت‌دعوی و قاطع آن جزا یاکلا باشد حکم والا قرارنامیده میشود احکام حضوری از تاریخ ابلاغ بطرفین دعوی ظرف ۱۰ روز قابل پژوهش است و هریك از اصحاب‌دعوی که ازرای دادگاه ناراضی باشدمیتواند دادخواست پژوهش‌درظرف مدت مذکور تهیه و باکلیه اسناد و مدارك و لایحه پژوهش بدفتر دادگاه صادر کننده حکم یا دادگاه استان تقدیم نماید .

احکام غیابی

احکام دادگاه در محاکمات اختصاری وقتی غیابی است که مدعی علیه در هیچیك از جلسات دادرسی حاضر نشده ووکیل هم نفرستاده باشد احکام غیابی از تاریخ ابلاغ حکم ظرف ده روز میتواند بحکم غیابی اعتراض کند (ماده ۱۷۴ قانون آئین دادرسی مدنی) این مدت بموجب ماده ۱۷۵ قانون مذکور از تاریخ ابلاغ واقعی حکم غیابی یا رونوشت آن بمحکوم علیه یاوکیل او بارعایت مسافت قانونی بین مقرر دادگاه واقامتگاه آن ها حساب میشود .

هرگاه ابلاغ شخص محکوم علیه میسر نباشد و بطریق دیگر قانونی بعمل آید حکم غیابی پس از گذشتن مهلت های ثانوی‌اعتراض

و پژوهش (مجموعا ۲۲ روز)قطعی وقابل تقاضای صدور اجرائیه میباشد ولی هرگاه محکوم علیه غائب مدعی عدم ابلاغ باشدمیتواند در تاریخ اقدام مامور باجرای حکم دادخواست اعتراض بدادگاه صادر کننده حکم غیابی بدهد ــ این اعتراض مانع اجرای حکم غیابی نیست مگر آنکه‌از دادگاه قرار قبول دادخواست اعتراض صادر شود (ماده ۱۷۵) .

بموجب ماده ۱۷٦ قانون آئین دادرسی مدنی مدت اعتراض برای اشخاصی که درکشورهای خارجه مقیمند دوماه و برای ساکنین کشورهای دور یعنی امریکا و خاور دور واقیانوسیه سه‌ماه است .

هرگاه کسی که حق اعتراض بحکم غیابی دارد در اثنای مدت اعتراض ورشکست یا محجور یافوت شود مدت اعتراض از تاریخ ابلاغ حکم غیابی بمدیر تصفیه در مورد ورشکستهٔ وتصمیم در مورد محجور و بوارث یا قائم مقام در مورد فوت محکوم علیه شروع میشود .

واگر سمت یکی از طرفین دعوی نمایندگی از قبیل ولایت یا قیمومیت و یا وصایت بوده واین سمت قبل از انقضای مدت‌اعتراض زائل گردد مهلت اعتراض از تاریخ ابلاغ حکم بکسیکه باین سمت قائم مقام او میشود شروع خواهد شد واگر زوال این سمت بواسطه رفع حجر باشد مدت اعتراض از تاریخ ابلاغ حکم بکسیکه ازاو رفع حجر شده است شروع میگردد . (مواد ۷۷ و ۱۷۸ قانون آئین‌دادرسی مدنی) .

ملغی‌الاثر شدن حکم غیابی

بموجب ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی هرگاه پس ازابلاغ اولین حکم غیابی مرحله نخستین بمحکوم علیه وانقضای مدت اعتراض و پژوهش محکوم‌له تا شش‌ماه از تاریخ انقضای مدت پژوهش درخواست صدور برگ اجرائیه نسبت بآن ننماید و پاپس‌از صدور برگ اجرائیه تا یکسال از تاریخ صدور آن اجرای آن را تعقیب بکند حکم غیابی ملغی‌الاثر خواهد بود و مدعی میتواند تجدید دعوی کند .

مطالب بسیار دیگری از قانون آئین دادرسی مدنی و کیفری‌که استحضار آن ها برای عامه ضروری است باقیست که توفیق‌تهیه و تحریر آنها دست نداد وانشاءاله بعدا تقدیم خوانندگان وعلاقه‌مندان کتاب سال خواهد شد .





عطاءاله خسروانی

وزارت کار و امور اجتماعی

۱ـ چگونگی تاسیس

وزارت کار در امرداد سال ۱۳۲۵ تشکیل گردید و قبل از آن که بصورت واحد مستقلی در آید سازمان کوچکی بنام اداره کل در وزارت بازرگانی و پیشه وهنر بوجود آمده بود. دیگر آنکه وزارت کار در مراحل اولیه از ادغام سه اداره‌ی تبلیغات و انتشارات ـ عمران واصلاحات ـ اداره کل وزارت بازرگانی‌و پیشه و هنر موجودیت یافت و بهمین سبب در ابتدا بعنوان وزارت کار وتبلیغات انجام وظیفه مینمود. بازگشت اداره کل عمران بوزارت کشور تفکیك اداره کل تبلیغات وانتشارات در سالهای بعد موجب گردید وزارت کار منحصرا بمسائل مربوط به خود اشتغال یابد. بطور کلی وزارت کار منظما با تطـور و تغییر شکل سازمان و عنوان و قـانون مواجه بوده است. چون عوامل مطالعه کرده درمسائـل مربوط به امرکار محدود و موضوع کار وروابط انسانها در امر تولید کار تازه‌ای بوده است تهیه کارکنانی که با مسائل اقتصادی و اجتماعی و کارگری آشنائی داشته باشند اعظم وقت مسؤلان را گرفته کماآنکه هم اکنون که‌قریب به ۱۵ سال از تأسیس وزارت کار میگذرد هنوز نقص کارمند بصیر و مطلع‌محسوس وموردتوجه‌است وزارت کاردرآغازتأسیس به‌تالیف‌وتصنیف قوانین ومقررات کارگری نیازمند بوده‌و بهمین‌سبب درتشکیلات اولیه خود به ترکیب هیئتی بنام هیئت عالی مستشاری و همچنین تأسیس شورائی بعنوان شورای عالی کار اهتمام ورزید. این دو سازمان را میتوان جرثومه اصلی وزارت کار پنداشت زیرا که سازمانها و تشکیلات دیگر براساس مطالعات و مباحثات هیئت و شورای مذکور بتدریج پایه گذاری گردید.

در بیست وسوم مهرماه ۱۳۳۹ سازمان فعلی وزارت کار بتصویب رسید و هدف و وظائف تشکیلات تابعه‌ی آن در یازدهـم اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ ابلاغ گردید بطور خلاصه میتوان گفت که در سازمان فعلی وزارت کار سازمانهای اداری و فنی تفکیك گردیده وبرای هدایت و معاضدت با این سازمانها شوراها و سازمانهای مشورتی واختصاصی بشرحی که ذکر خواهد شد پیش بینی گردیده است.

طبیعی است چون موضوع کار و تشکیلات لازم برای انجام وظایف محوله بوزارت‌کار که‌در سال ۱۳۴۱ عنوان «وزارت کار و خدمات اجتماعی» واخیرا عنوان «وزارت‌کار وامور اجتماعی» یافته است دائما درحال بررسی وتکامل است یقینا تا آن‌روزکه وزارت‌کار و امور اجتماعی بتواند تشکیلاتی جوابگوی وظایف خود داشته باشد مطالعه برای رفع نقائص آن دوام خواهد داشت.

۲ـ تاریخچه قانون‌کار

در سال ۱۳۱۵ هیأت دولت براساس مطالعاتی که بوسیله اداره کل صناعت و معادن صورت گرفته بود آئین نامه‌ای بنام آئین‌نامه کارخانه‌ها ومؤسسات صنعتی بتصویب‌رساند. دراین‌آئین‌نامه‌پاداش‌بآسیب دیدگان پیش بینی شده و بعلاوه برای کارگران معادن و راه‌آهن آئین‌نامه‌های دیگری تدوین و بموقع اجرا درآمد. اجراء آئین‌نامه بعهده اداره کل صناعت و معادن محول گردیده که پس از تبدیل آن بوزارت پیشه وهنر وزارتخانه مذکور مفاد آئین‌نامه را درباره کارخانه‌هائی که دارای ۵ نفر کارگر و یا بیشتر بودند اجرا مینمود در سال ۱۳۱۸ مجلس شورای‌ملی قانون بهداشت کارگران‌را بتصویب رساند ولی بدیهی است که آئین نامه ها وقانون مذکور با توسعه صنایع کافی بنظر نمیرسید. اوضاع سیاسی خاص پس از شهریور ۱۳۲۰ دولتها را متوجه این مسئله ساخت که باید قوانین جامعی در حمایت کارگر و تعیین شرایط کار جانشین آئین نامه های سابق گردد. از سال ۱۳۲۰ تا اوائل سال ۱۳۲۵ صنایع مملکت بعلت مداخلات افرادی که کارگران را در جهت تامین منافع سیاسی تجهیز کرده بودند بصورت‌متشنج و بحرانی در آمده بود. در هر گوشه‌ای از مملکت اعتصابات پی در پی صنایع جوان و محدود کشور مارا تهدیدمیکرد وبهمین‌سبب در برنامه‌های وزارت‌کار مبارزه تبلیغاتی با عوامل مخرب ازطریق نشر دلائل خیانت‌آنها و آشنا ساختن کارگران بمنافع حرفه‌ای واصولی که ضامن بهبود وضع مادی و معنوی آنها باشدگنجانده شد. بعلاوه درکوتاهترین مدت طرح قانون کار در شورای عالی کار بتصویب رسید وپس ازتأیید هیئت دولت وزارت کار هم خود را مصروف اجرای آن واجراء آئین‌نامه های دیگری از قبیل آئین نامه شورای کارگاهها هیئت داوری و حل اختلاف تشکیل اتحادیه‌ها و آموزش و پرورش کارگران نمود.

تصویب‌نامه هیئت دولت پس‌از مطالعات مجدد ورسیدگیهای لازم در سال ۱۳۲۸ بصور قانون کار درآمد واز طرف مجلس شورای مال بتصویب رسید این قانون که تا سال ۱۳۳۸ اساس کار وزارت کار را تشکیل میداد در سال بصورت قانون جامعتری مورد تجدید

نظر قرار گرفت وبتصویب مراجع قانونگزاری رسید واینك با ۶۹ ماده و ۲۳ تبصره ملاك عمل است .

هم اکنون‌نیز هیأتی سرگرم‌مطالعه‌وبررسی وتدوین‌قانون‌کارهستند تا آنرا برطبق مترقی ترین قوانین کار دنیا در آورند ودراین رهگذر مطالعات کارشناسان ایرانی و خارجی مورد کمال استفاده قرار می‌گیرد .

۳ـ نام وزراء ومدت خدمت آنان

ازابتدای تشکیل وزارت‌کار وتبلیغات درامرداد ماه ۱۳۲۵ تاحال حاضر جمعا چهاربار درنام خود وزارتخانه تغییراتی داده‌شده‌است. ومجموعا نوزده‌وزیر مصدرخدمت بوده‌اندکه کوتاهترین دوران‌خدمت آنها متعلق به‌مظفرفیروز (۷۸روز) وطویلترین‌آن‌متعلق به‌عطاءاله‌خسروانی‌است که ازسه‌سال تجاوزکرده است . مهم اینکه نخست وزیر فعلی نیزیکبار وزیرکار بوده وازمیان دیگر وزراء کار فعلا یکی‌سناتور (سلمان‌اسدی) ویکی وزیر بهداری (دکتر آموزگار) ویکی مدیرعامل آب وبرق خوزستان (انصاری) ویکی‌سرپرست محصلین درامریکا (نفیسی) ویکی عضو هیأت مدیره شرکت نفت (آقاخان بختیار) است.

رئیس دولت	وزیر کار و تبلیغات	تاریخ تشکیل دولت یا ترمیم
احمد قوام	مظفر فیروز	۱۰ امرداد ۱۳۲۵
احمد قوام	محمد ولی فرمانفرمائیان	۲۷ مهر ۱۳۲۵
احمد قوام	سلمان اسدی	۲۸ خرداد ۱۳۲۶
احمد قوام		۱۹ شهریور ۱۳۲۶
عبدالحسین هژیر		۲۷ خرداد ۱۳۲۷
محمد ساعد		۲۵ ابان ۱۳۲۷
	وزیر کار	
علی منصور	دکتر محمد نخعی	۱۴ فروردین ۱۳۲۹
سپهبد حاج علی رزم آرا	دکتر محمد نخعی	۶ تیر ۱۳۲۹
	غلامحسین فروهر	۱۹ شهریور ۱۳۲۹
حسین‌علاء	مهندس حبیب نفیسی	۲۹ اسفند ۱۳۳۰
دکتر محمد مصدق	امیر تیمور کلالی	۱۲ اردی‌بهشت ۱۳۳۰
دکتر محمد مصدق	دکتر ابراهیم عالمی	۱۴ امرداد ۱۳۳۱
سرلشکر فضل‌اله زاهدی	ابوالقاسم پناهی	۲۸ امرداد ۱۳۳۲
سپهبد فضل‌اله زاهدی	دکتر مسعود ملکی	۲ اردی‌بهشت ۱۳۳۳
حسین علاء	دکتر محسن نصر	۱۷ فرودین ۱۳۳۴
حسین علاء	دکتر محسن نصر	۲۳ خرداد ۱۳۳۵
دکتر منوچهر اقبال	آقاخان بختیار	۱۵ فروردین ۱۳۳۶
«	دکتر جمشید آموزگار	شهریور ۱۳۳۷
	حسنعلی منصور	آبان ۱۳۳۹
«	عبدالرضا انصاری	بهمن ۱۳۳۹
مهندس شریف امامی	دکتر احمد علی بهرامی	۹ شهریور ۱۳۳۹
مهندس شریف امامی	دکتر احمد علی بهرامی	۲۰ اسفند ۱۳۳۹
دکتر علی امینی	عطاء اله خسروانی	۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۰
	وزیر کار و خدمات اجتماعی	
اسداله علم	عطاء اله خسروانی	۲۸ تیر ۱۳۴۱
اسداله علم	عطاء اله خسروانی	۳۰ بهمن ۱۳۴۱
اسداله علم	عطاء اله خسروانی	۳۰ مهر ۱۳۴۲
	وزیر کار وامور اجتماعی	
حسنعلی منصور	عطاء اله خسروانی	۱۷ اسفند ۱۳۴۲

۴ـ هدف :

وزارت کار مرجع صالحی برای حل اختلاف بین کارگر و کارفرما و عامل ایجاد حسن تفاهم کامل بین این دو طبقه است بعلاوه کارگران را مورد حمایت قرار داده و نسبت بتأمین بهداشت ورفاه وبهبود وضع اجتماعی وارتفاء سطح زندگی آنان اقدامات لازم معمول میدارد .

۵ـ تکالیف :

الف) بررسی نیروی کار کشور و مطالعه و تعیین میزان نیازمندیهای دستگاههای عمومی و تولیدی و صنعتی بافراد مورد احتیاج .

ب) تهیه وبررسی آمار نوسانات کار و بیکاری در سراسر کشور .

پ) نظارت در امور کاریابی و هدایت وراهنمائی افراد برای بدست آوردن کار مناسب .

ت) تهیه و تنظیم واجرای مقررات و طرحهای لازم در مورد اشغال بکار اتباع بیگانه .

ث) تهیه مشاغل مناسب جهت فارغ‌التحصیلان واتخاذ تدابیر لازم در ایجاد تسهیلات برای استفاده بیشتر از نیروی افراد تحصیل کرده و متخصص .

ج) تمرکز وهم آهنگ نمودن فعالیتهای اجتماعی و تهیه و تنظیم واجرای مقررات و برنامه های مفید برای حل مشکلات اجتماعی

چ) تأمین سلامت و بهداشت کارگران و خانواده آنان .

ح) تعمیم و توسعه بیمه های اجتماعی .
خ) تهیه واجرای طرحهای لازم جهت تامین مسکن کارگران.
د) نظارت درایجاد باشگاههای کارگری و تعمیم امر ورزش بمنظور تقویت روح اجتماعی کارگران .
ذ) بهبود روابط کار و آماده نمودن و آشنا ساختن کارگران و کارفرمایان کشور برای ادراك حقوق و وظایف فردی و اجتماعی .
ر) تهیه واجرای طرحهای لازم بمنظور ایجاد مرجع بی‌طرف حل اختلاف بین کارگران و کارفرمایان واهتمام در ایجاد حسن تفاهم میان آنان .
ز) مطالعه وبررسی مسائل مربوط بمزد واقتصاد کار ساعات کار .
ژ) شرایط کار و تهیه و تنظیم واجرای مقررات لازم در مسائل فوق‌الذکر .
س) توسعه و ترویج قرارداد های دسته جمعی و آشنا نمودن کارگران و کارفرمایان باصول و موازین سازمانهای کارگری و کارفرمائی .
ش) بالا بردن سطح مواد و اطلاعات فنی کارگران و تنظیم واجرای طرحهای لازم در مورد توسعه مهارت آنان و آموزش وظایف سرپرستی برای استاد کاران وسر پرستان .
ص) توسعه و ترویج شرکتهای تعاونی کارگری وکارفرمائی و تهیه و تنظیم واجرای مقررات و طرحهای لازم در انجام منظور فوق‌الذکر .
ض) هدایت و راهنمائی شرکتهای تعاونی کارگری و کارفرمائی و نظارت در اقدامات و عملیات آنان .
ط) تهیه و تنظیم واجرای مقررات بمنظور تأمین بهبود حفاظت فنی و شرایط کار مناسب برای کارگران و رفاه آنان .
ظ) راهنمائی مؤسسات و کارگاهها بکیفیت پیشگیری خطرات کار وچگونگی اجرای مقررات حفاظتی و بهداشتی .
ع) مطالعات فنی و طرح ریزی و تدوین برنامه های اجرائی برای‌حسن انجام تکالیف واستفاده ازکمکهای‌فنی سازمانهای بین‌المللی.
غ) ترجمه و نشر مصوبات کنفرانسهای بین‌المللی کار و توصیه نامه‌ها و مقاوله نامه های سازمان بین‌المللی کار تدوین آنها برای تقدیم بمقامات قانون‌گزاری .
ف) جمع آوری و تهیه اطلاعات و آمارهای لازم از تعداد کارگاههای خصوصیات و شرایط کار و غیره .
ق) ایجاد روابط فکری و معنوی با طبقات مختلف بخصوص با کارفرمایان و کارگران .
س) تأمین بودجه و فراهم نمودن وسایل کار و کارمند اثاث واجرای تدابیر لازم در زمینه بهبود اجرای تکالیف و وظایف فوق‌الذکر .

٦ــ سازمان وتشکیلات

«وزارت کار و امور اجتماعی» برای انجام وظایف وتکالیف خود و جهت رسیدن به هدفی که در پیش دارد واحد های پیوسته و وابسته دارد ، هم چنین صاحب سازمانهای اجرائی و مشورتی است که ذیلا بآنها اشاره میشود :

١ــ٦ واحدهای پیوسته :

١ ــ ١ سازمان اداری
٢ ــ ١ سازمان اختصاصی
٣ ــ ١ سازمان فنی
٤ ــ ١ سازمان استانها و شهرستانها

٢ــ٦ــ واحدهای وابسته :

١ ــ ٢ سازمان بیمه های اجتماعی
٢ ــ٢ بانك رفاه کارگران

٣ــ٦ واحدهای مشورتی :

١ ــ ٣ شورایعالی هدایت فارغ‌التحصیلان
٢ ــ ٣ شورایعالی بیمه های اجتماعی
٣ ــ ٣ شورایعالی کار
٤ ــ ٣ شورایعالی تعاون کشور
٥ ــ ٣ شورایعالی حفاظت فنی
٦ ــ ٣ شورای زنان و کودکان
٧ ــ ٣ هیأت مستشاری
٨ ــ ٣ مجمع عمومی بانك رفاه کارگران

١ــ١ــ٦ سازمان اداری

١ــ١ــ١ــ٦ : اداره دفتر کل وزارتی :
هدف : تامین صحیح وسریع جریان‌نامه‌ها وتحریرات وتوزیع آنها ونگهداری وبایگانی نامه‌ها وپرونده‌های وزارتخانه ...
وظایف : تحریر و تکثیر نامه‌ها ــ ثبت و صدور نامه‌ها ــ راهنمائی مراجعین و تعقیب کنندگان نامه ها نگاهداری و بایگانی نامه‌ها و پرونده های جار وراکد ــ وصول نامه‌ها وانجام امور توزیع آنها گزارش مرتب اقدامات و عملیات بمقام مافوق .
٢ــ١ــ١ــ٦ : اداره امور اداری :
هدف : تامین‌کارمند وسائل واثاث ملزومات ادارات ــ تنظیم بودجه واداره امورمالی وزارتخانه براساس برنامه‌های تصویب شده‌ پرداخت حقوق کارکنان ودیگر مخارج‌که با واحدهای ذیل انجام وظیفه میکند .
اداره حسابداری : اجرای بودجه تفصیلی وزارتخانه براساس برنامه پیشنهادی ادارات ــ نظارت در مصرف اعتبارات و انجام تعهدات مالی بر طبق بودجه های مصوب و قوانین مربوط ــ تنظیم دفاتر حسابهای مالی ــ تنظیم و نگهداری دفاتر اموال .
اداره کارگزینی ــ اجرای قوانین و مقررات استخدامی ــ تهیه و نگهداری آمار و حفظ سوابق و مدارك استخدامی اجرای مقررات مربوط برفاه و بیمه وبهداشت کارمندان .
امور تدارکات ــ تهیه و خرید مایحتاج وزارتخانه ــ نگاهداری اموال و وسایل واثاث .
خدمات اداری ــ حفظ ابنیه و نگهداری و تنظیف‌آن ــ تنظیم سرویس وسائل نقلیه نگهداری و تأمین آن ــ انتظامات اداری و تشریفات ــ گزارش مرتب اقدامات و عملیات بمقامات مافوق .

٢ــ١ــ٦ سازمان اختصاصی

١ــ٢ــ١ــ٦ : اداره‌کل بررسیها :
هدف : انجام تحقیقات ومطالعات امکانات لازم برای طرح‌ریزیهای فنی وتنظیم برنامه عملیات سالیانه‌وزارت‌کارـتوسعه‌روابط و همکاری بین‌المللی و تهیه آمارهای جامع وهمچنین برقراری‌روابط عمومی و اجرای برنامه های انتشاراتی
وظایف : مطالعات فنی طرح ریزی تدوین برنامه های سالیانه و نظارت در اجرای آن ــ تشکیل سمینار ها و کنفرانسهای داخلی ــ چاپ و نشر اطلاعات وارقام وراهنماهای آماری ــ توسعه روابط با سازمانهای بین‌المللی واستفاده از مطالعات و تحقیقات سازمانهای مزبور استفاده از کمکهای فنی سازمانهای بین‌المللی وانجام امور مربوط بآن ــ ترجمه مصوبات کنفرانسهای بین‌المللی کار بخصوص توصیه نامه‌ها و مقاوله نامه‌و تدوین آنها برای تقدیم بمقامات قانونگزاری ــ انجام مقدمات مربوط بشرکت‌در کنفرانسهای بین‌المللی کار و کمیسیونهای تخصصی مربوط بآن ــ ایجاد روابط فکری و معنوی با طبقات مختلف ــ بخصوص با کارگران و کارفرمایان از طریق اجرای برنامه های رادیوئی تلویزیون چاپ و توزیع مجله و پوستر وراهنما نمایش فیلم وایراد سخنرانی ــ گزارش مرتب عملیات واقدامات برای مقام بالاتر .
٢ــ٢ــ١ــ٦ : سازمان هدایت فارغ‌التحصیلان‌کشور:
هدف : تشویق فارغ‌التحصیلان ایرانی مقیم کشورهای‌خارج ببازگشت بمیهن جهت استفاده از معلومات آنان درمشاغل متناسب‌و تامین رفاه وآسایش نامبردگان .
وظایف : بررسی نیازمندیهای کشور بافراد متخصص وتحصیل کرده تهیه صورت و مشخصات کلیه دانشجویانیکه در کشور های خارج مشغول تحصیل میباشند بخصوص دانشجویان سال آخر ــ تماس با کارفرمایان و موسسات دولتی و غیر دولتی برای تهیه مشاغل مناسب

جهت فارغ‌التحصیلان راهنمائی دانشجویان اعزامی در انتخاب رشته تحصیلی برحسب نیازمندیهای کشور و تهیه طرحهائی بمنظور ایجاد تسهیلات واستفاده بیشتر از نیروی جوانان سازمان فارغ‌التحصیلان کشور تحت ریاست جناب آقای نخست‌وزیر ونیابت ریاست وزیر کار در وزارت کار تشکیل میگردد .
این سازمان دارای شورائی مرکب از اشخاص مشروحه زیر میباشد :
۱ ــ معاون وزارت فرهنگ
۲ ــ معاون وزارت صنایع ومعادن
۳ ــ معاون وزارت کشاورزی
٤ ــ معاون وزارت راه
٥ ــ معاون وزارت بهداری
٦ ــ رئیس هیئت مدیره شرکت نفت
۷ ــ مدیر امور اداری سازمان برنامه
۸ ــ معاون دانشگاه تهران
۹ ــ قائم مقام دبیر کل شورای عالی اقتصاد
ریاست شورای مزبور باوزیر کار و رئیس دبیرخانه سازمان هدایت فارغ‌التحصیلان منشی شورای مذکور میباشد .
۳ــ۲ــ۱ــ٦ دفترحفاظت :
هدف: وتکالیف‌آن طبق آئین‌نامه مخصوص پیش‌بینی‌شده‌است.

۳ــ۱ــ٦ سازمانهای فنی :

۱ــ۳ــ۱ــ٦ : توسعه نیروی انسانی :
هدف : شناسائی کمیت وکیفیت نیروهای انسانی برای انجام فعالیتهای اقتصادی وعمرانی .
وظایف : بررسی منابع نیروی انسانی در کشور از نظر تعیین کمیت وکیفیت نیروهای موجودجامعه ــ بررسی احتیاجات‌دستگاههای اقتصادی و عمرانی کشور از نظر افراد ماهر و کار آزموده تطبیق منابع با احتیاجات دستگاههای کشور و تنظیم برنامه و تعیین میزان بکمبود وافراد مورد نیاز ــ بررسی بازار کار از نظر تشخیص و تعیین نوع و میزان تخصص و مهارت کارگران فنی ــ تکنیسینها و سرپرستان کار وافراد متخصص ــ بررسی منابع ومراکز آموزشی‌کشور ازنظرکیفیت برنامه‌ها ونوع تعلیمات تعداد وکیفیت معلمین حرفه‌ای وفارغ‌التحصیلان وروشهای تدریس و وسائل و لوازم موجود وانتشار این قبیل بررسیها ــ تهیه و تدوین استاندارد های برنامه های‌آموزشی برای بهبود وپیشرفت روش آموزش حرفه‌ای درکشور با توجه بنیازمندیهای بازارکار ــ مطالعه طرحهای عمرانی دردست اقدام‌کشور بمنظور تامین نیروی انسانی مورد لزوم آن طرحها تهیه و پیشنهاد طرح های آموزشی بدستگاههای اجرائی کشور برای جبران کمبود افراد مورد نیاز و همچنین ارائه پیشنهاد های لازم برای توسعه مراکز آموزش حرفه‌ای و فنی ــ تهیه و تدوین قوانین آموزش حرفه‌ای بمنظور تنظیم روابط کارفرمایان با مراکز آموزشی و توسعه تعلیمات حرفه‌ای در کارخانجات و بنگاههای خصوصی دولتی ــ همکاری و اشتراك مساعی با دستگاههای آموزشی اعم از دولتی یا خصوصی برای تبادل نظر در پیرامون بهبود برنامه های آموزشی و تعلیمات حرفه‌ای در کشور ــ جمع آوری اطلاعات‌در مورد کتابهای فنی موجود وتعیین فصول مورد لزوم جهت تدوین یا ترجمه کتابهای خارجی و عقد قرارداد با مولفین و مترجمین جهت تهیه و تنظیم چاپ کتابهای مورد نظر ــ همکاری با کمیسیون کتاب برای‌تشخیص صحت مندرجات وجلب موافقت مراکز آموزش حرفه‌ای جهت تدریس رسمی کتابهای مزبور در مرکز تعلیماتی کشور ــ چاپ کتابهای فنی و حرفه‌ای و عقد قرارداد های فروش و توزیع آنها در کشور ــ انجام امور مربوط بکارهای دفتری از قبیل ثبت و ضبط نامه‌ها وامور کارمندان و تنظیم حسابها وامور مالی و کارپردازی ــ گزارش مراتب بالا و اقدامات عملیات انجام شده بمقام بالاتر .
۲ــ۳ــ۱ــ٦ : اموراجتماعی :
هدف: برقراری تامین اجتماعی ازراه هماهنگ ساختن و تمرکزفعالیتهای مختلف اجتماعی به‌خصوص‌کمك بحل مشکلات اجتماعی کارگران وخانواده آنان .
وظایف : تنظیم طرحهای مربوط بتوسعه بیمه های اجتماعی و تعمیم آن بین صفوف طبقات و تهیه پیشنهاد هائی در زمینه ایجاد صندوقهای تعاونی ــ مطالعات تطبیقی درباره قوانین و آئین نامه‌ای بیمه های اجتماعی کشور های مختلف ــ بررسی و مطالعه در مورد کیفیت بکارگماردن مجدد معلولین ــ همکاری با سازمان بیمه های اجتماعی جهت رفع مشکلات مربوط به بیمه کارگران ــ مطالعه و تهیه طرحهای مربوط بتامین مسکن کارگران ــ مطالعه در تهیه طرح جهت تامین وسائل رفت و آمد کارگران بکارها و مسکن کارگران ــ توسعه خدمات اجتماعی در کارگاهها با استفاده از وجود مددکاران اجتماعی ــ تعلیم وترتیب مددکاران اجتماعی ــ تهیه طرح جهت بهبود امور اجتماعی زندانها وبازداشتگاهها ودارالتادیب ها و همچنین تنظیم طرحهای تعلیماتی حرفه‌ای برامتکدیان و ولگردان نظارت در باشگاههای کارگران و تنظیم طرحهای لازم برای رفع نواقص آنها ــ تعمیم امر ورزش در میان کارگران وایجاد توسعه باشگاههای ورزشی وانجام مسابقات ــ ترتیب نمایش فیلمهای تربیتی ورزشی و فرهنگی ــ ترتیب گذاری جشنهای ملی و کارگری ــ رسیدگی و مطالعه اساسنامه های انجمنهای موسسات خیریه و همکاری با آنها همکاری با سازمان های دولتی و ملی در راه سیر بهدفهای اجتماعی ــ گزارش مراتب اقدامات و عملیات بمقام مافوق .
۳ــ۳ــ۱ــ٦ روابط کار :
هدف: بهبود روابط کارگر وکارفرما ازطریق‌آشناساختن آنان بحقوق فردی واجتماعی خود وتامین شرایط اقتصادی متناسب بمنظور ایجاد زمینه حسن تفاهم بین آنان .
وظائف : رسیدگی بصورتجلسات شوراهای کارگاهها وهیئت‌های حل اختلاف و جمع آوری آراء بمحاکم مزبور ــ نظارت در انتخابات نمایندگان کارگران کارگاهها ــ مطالعه اساسنامه های تشکیلات کارگری و کارفرمائی بمنظور انطباق آنها با قانون و راهنمائی لازم در ایجاد تشکیلات کارگری و کارفرمائی ــ توسعه وترویج قراردادهای دسته جمعی و بررسی واعلام نظر در قراردادهای کار ــ انجام برنامه های تعلیماتی برای آشنائی کارگران وکارفرمایان بقوانین و مقررات کار واصول سندیکائی اعزام نمایندگان کارگران کارگاههای کشور برای بازدید از موسسات کارگری کشور های خارج و تنظیم برنامه های مربوطه بررسیهای راجع بمزد حداقل مزد واقتصاد کار ترجمه و چاپ کتاب و نشریه و پسترهای مصور ــ مطالعه و بررسی مسائل اقتصادی‌کار و تعیین حد اقل دستمزد باتوجه بشاخص زندگی در هر ناحیه ــ بررسی پیشنهادات کارگران و کارفرمایان در مورد امور وروابط کار ــ همکاری با ادارات کار استانها و شهرستانها در مورد رسیدگی بشکایات ــ گزارش نتیجه اقدامات و عملیات بمقام مافوق .
٤ــ۳ــ۱ــ٦ آموزش :
هدف: بالا بردن سطح اطلاعات فنی ومهارتهای حرفه‌ای‌کارگران کارگاههای صنعتی بمنظور استحصال بیشتر وتجدید لیاقت حرفه‌ای‌کارگران .
وظائف : آماده نمودن کارگران برای استفاده از برنامه های تعلیمات حرفه‌ئی با اجرای برنامه باسواد نمودن آنها ــ برقراری آموزش ضمن خدمت برای کارگرانیکه از شغلی بشغل دیگر گمارده میشوند وتربیت کارگران ساده در بدو خدمت برای احراز مشاغل فنی توسعه مهارت کارگران از طریق ایجاد برنامه های آموزش در حین خدمت تعلیم مربیان حرفه‌ای برای اجرای آموزش سایر کارگران تعلیم کارگران کارگاههای کوچك از طریق جلب آنها به مراکز تعلیمات حرفه‌ای ــ اجرای تعلیمات سرپرستی بمنظور آشنا نمودن سرپرستان بایجاد روابط انسانی با کارگران خود ویا دادن نحوه کار بکارگران زیر دست ــ تامین وسایل لازم از قبیل نمایش فیلم و فیلم استریپ ونقشه ونمودار برای اثر بخش بودن برنامه‌های تعلیماتی تجدید لیاقت ومهارت حرفه‌ای در کارگران معلول ــ آموزش سواد ــ خواندن و نوشتن ــ گزارش مرتب اقدامات و عملیات برای اطلاع مقام مافوق .
٥ــ۳ــ۱ــ٦ شرکتهای تعاونی :
هدف: اشاعه وترویج روح تعاون وبهبود زندگی‌افرادمخصوصا کارگران ازراه تشویق آنها به‌تشکیل شرکتهای تعاونی وتعدیل نرخ قیمتهای اجناس ضروری مورد مصرف ازطریق شرکتهای تعاونی مصرف.
وظایف: راهنمائیهای‌لازم‌بمنظوراداره وپیشرفت وبهبود وضع شرکتهای تعاونی ــ تهیه واجرای طرحهای لازم برای کمك مالی بشرکتهای تعاونی ــ تهیه واجرای طرح های لازم جهت تاسیس کلاسهای تعلیماتی مربوط بتربیت کارشناس شرکتهای تعاونی ؛ همچنین اداره کنندگان این شرکت از قبیل فروشندگی ــ انبارداری تزئینات مغازه و غیره ــ تنظیم و تهیه اجرای برنامه های تبلیغاتی

بمنظور ارشاد وراهنمائی کارگران به تشکیل شرکتهای تعاونی و تشویق کارفرمایان برای کمك باین امر اجتماعی و اقتصادی ــ **ممیزی ورسیدگی به بیلانهای مالی** شرکتهای تعاونی بمنظور راهنمائی آنها در تنظیم دفاتر حسابداری ودفترداری ــ نظارت در اجرای تکالیف واحد های تابعه وایجاد هم آهنگی بین آنها تنظیم گزارش مرتب عملیات واقدامات وارسال آن بمراجع بالاتر انجام امور دبیرخانه شورای عالی تعاون کشور ــ نظارت در نحوه معاملات اتحادیه های تعاونی و چگونگی تامین وتوزیع احتیاجات شرکتهای تعاونی عضو اتحادیه ــ سعی در نزدیك کردن افکار و علاقمند ساختن شرکتهای تعاونی بهدف اصلی تعاون ــ مطالعه در قیمتهای اجناس فروشگاههای تعاونی مصرف واهتمام در پیدا کردن بهترین مرکز فروش اجناس مختلف وتوصیه آنها بشرکتها جهت رسیدن بهدف تعدیل قیمتها .

۶ــ۳ــ۱ــ۶ بازرسی کار

هدف : ایجاد تامین فردی واجتماعی درکارگاهها درمقابل حوادث وبیماریهای ناشی ازکار ورعایت شرائط کار ــ گزارش مرتب اقدامات وعملیات جهت اطلاع مقام بالاتر .

وظایف : بازرسی مستمر از کارگاهها از نقطه نظر حفاظت فنی بهداشت عمومی بهداشت کار رفاه کارگران ــ شرائط کار ــ وحوادث کار ــ تهیه طرحهای قانونی واستاندارد های حفاظتی برای پیشنهاد و تصویب مراجع قانونی ــ تهیه و ترجمه دستورالعملها و کتب حفاظتی ــ بهداشتی ورفاه کارگران و پوستر های مربوط با استفاده از نمونه های بین‌المللی ــ رسیدگی ببرنامه ها و نقشه های کارگاههای جدیدالتاسیس موضوع ماده ۴۸ قانون کار ــ جمع‌آوری گزارش آمار حوادث کار وتجزیه و تحلیل آنها بمنظور پیش بینی طرق جلوگیری از حوادث مشابه تعیین موارد تخلف از مقررات قانون کار واعلام آن بمنظور تعقیب ــ تعلیم تکمیل اطلاعات فنی بازرسان کار و آشنا نمودن کارگران و کارفرمایان باصول حفاظت فنی بهداشت رفاه کارگران از طریق اجرای برنامه های سمعی و بصری ــ تنظیم برنامه های شورای عالی حفاظت فنی و کمیته های مربوط تشکیل کمیته های حفاظتی برای نظارت نزدیك و مستمر در کارگاههای بزرگ صنعتی ــ گزارش مرتب اقدامات و عملیات جهت اطلاع مقام بالاتر .

۷ــ۳ــ۱ــ۶ مشاغل و کاریابی

هدف: دردست‌گرفتن وتنظیم‌امور بازارکارازراه‌بررسی‌نوسانات نیروی‌کارکشور وتامین اشتغال موثر ومناسب عرضه‌های‌کار.

وظایف : از نظارت برامور کاریابیها بمنظور تسهیل نقل وانتقالات کارگری و شرح کیفیت نوسانات بازار کار ــ نظارت بر عملیات کاریابیها خصوصی و هدایت وراهنمائی آنها تجزیه و تحلیل مشاغل بمنظور ثبت وظایف هرشغل و کیفیت انجام آن ــ تعریف وطبقه‌بندی مشاغل ــ مطالعه و تهیه تستهای استخدامی ــ رسیدگی بامور اشتغال بکار اتباع بیگانه و صدور یا تمدید پروانه کار واجرای مقررات مربوط ــ تهیه آمار و نوسانات کار و بیکاری در کشور گزارش مرتب اقدامات و عملیات بمقام مافوق .

۴ــ۱ــ۶ سازمان استانها وشهرستانها

بمنظور تعمیم واجرای مقررات و قوانین کار وبیمه های اجتماعی حفاظت فنی و غیره در حوزه عمل کشور ادارات کاراستان وشهرستان وادارات تابع استان بشرح ذیل انجام وظیفه مینماید :

۱ــ۴ــ۱ــ۶ : **ادارات کل کار:** اداره کل کار استان تهران اداره کل کار استان خوزستان ــ اداره کل کار استان اصفهان .

۲ــ۴ــ۱ــ۶ : **ادارات کار استان :** اداره کار استان یکم (گیلان) اداره کار استان دوم (مازندران) اداره کار استان سوم (آذربایجان شرقی) اداره کل استان چهارم (آذربایجان غربی) ــ اداره کار استان پنجم (کرمانشاه) اداره کار استان هفتم (فارس) اداره کار استان هشتم (کرمان) ــ اداره کار استان نهم (خراسان) .

۳ــ۴ــ۱ــ۶ : **ادارات کار شهرستان :** اداره‌کار شهرستان قم کاشان ــ سمنان ــ قزوین ــ اراك ــ همدان ــ سنندج ــ خرم‌آباد بندر عباس ــ زاهدان ــ یزد ــ اهواز ــ خرمشهر .

۴ــ۴ــ۱ــ۶ : **ادارات کار تابع استان :** اداره‌کار بابل ــ لاهیجان ــ بندر پهلوی ــ دزفول ــ مسجد سلیمان ــ آغا جاری ــ بندر شاهپور ــ بندر معشور ــ گچساران ــ بوشهر ــ تربت حیدریه

وظائف : اجرای مقررات قانون کار مربوط به بیمه‌های اجتماعی و حفاظت فنی و بهداشت ورفاه کار در حوزه عمل استان یا شهرستان ــ تشکیل شوراهای توافق کارگاهها ورسیدگی و حل اختلاف بین کارگر و کارفرما طبق مقررات با رعایت ودستورات صادره در حوزه عمل استان یا شهرستان ــ تعلیم و آموزش کارگران بمنظور بالا بردن سواد و توسعه مهارت آنان درحوزه عمل استان یا شهرستان ــ ترغیب و تشویق کار فرمایان و کارگران بایجاد شرکتهای تعاونی وراهنمائی آنان و مراقبت در عملیات شرکتهای مزبور در حوزه عمل استان یا شهرستان ــ تامین واجرای دستورات در خصوص امور مربوط بخدمات اجتماعی و تعاون عمومی درحوزه عمل استان یا شهرستان ــ تعمیم امر ورزش وایجاد باشگاههای تفریحات سالم برای کارگران کارگاههای حوزه عمل استان یا شهرستان ــ برقراری روابط معنوی باکارگران و کارفرمایان در حوزه عمل استان یا شهرستان جمع‌آوری اطلاعات و آمار های لازم از تعداد خصوصیات و شرائط کارگاههای حوزه عمل استان یا شهرستان ــ انجام واجرای مقررات و دستورات مربوط به بیمه های اجتماعی کارگران در حوزه عمل استان یا شهرستان ــ نظارت در وصول حق بیمه کارگران استان یا شهرستان مربوطه واجرای پرداختهای قانونی لازم و تنظیم حسابها برطبق قوانین مقررات و دستورات سازمان بیمه های اجتماعی کارگران ــ تهیه و تنظیم بودجه اداری و پرداخت حقوق و مخارج جاری و تنظیم و نگهداری دفاتر حسابهای مالی اداره طبق موازین قانون و مقررات و دستورات وزارتخانه در حوزه عمل استان و شهرستان ــ ومراقبت در حفظ اموال ووسائل ارتباطی نظافت ساختمان و سایر انتظامات طبی مقررات ودستورات صادره ــ تعقیب واجرای احکام صادره از شورای توافق وهیئت حل اختلاف استان و یاشهرستان مربوطه طبق مقررات و دستورات نگهداری اوراق واسناد و انجام ثبت و تحریر و صدور وتوزیع مراسلات ــ گزارش عملیات واقدامات بمقامات بالاتر بمنظور در دست گرفتن و تنظیم امور بازار کار استان یا شهرستان و بررسی نوسانات نیروی کار واشغال موثر ومناسب عرضه های کار در حوزه عمل استان یاشهرستان نمایندگیهای مشاغل در هر یك از استانها و شهرستان ها مشغول انجام وظیفه میباشند که تکالیف آنان عبارتست از بررسی نوسانات کار و بیکاری در حوزه عمل استان یا شهرستان ثبت نام متقاضیان کار در حوزه عمل استان یا شهرستان ــ بدست آوردن محلهای خالی کار در حوزه عمل استان یا شهرستان ــ رسیدگی بامور اشتغال بکار اتباع بیگانه در حوزه عمل استان یا شهرستان ــ نظارت بر عملهای کاریابی های خصوصی در حوزه عمل استان یا شهرستان ــ انجام امور اداری از قبیل ثبت و صدور نگاهداری اوراق ونامه ها ومراقبت از اموال ونگاهداری حسابها و غیره ــ انجام خدمات صنعتی از قبیل تجزیه و تحلیل وطبقه بندی مشاغل در حوزه عمل استان یا شهرستان ــ گزارش عملیات واقدامات بمقام مافوق .

۲ــ۶ واحدهای وابسته

درباره واحدهای وابسته به وزارت کار وامور اجتماعی جداگانه بحث خواهد شد .

۳ــ۶ واحدهای مشورتی

برای تدوین مقررات و آئین نامه ها ورسیدگی بامور مختلف کارگری در وزارت کار شوراهائی بشرح زیر تشکیل میشود.

۱ــ۳ــ۶ شورای عالی هدایت فارغ‌التحصیلان کشور

هدف: تشویق فارغ‌التحصیلان ایرانی مقیم کشورهای خارج ببازگشت وتهیه‌کار مناسب با تحصیلات آنها وتامین رفاه آنان .

وظائف : تعیین خط مشی کلی‌سازمان هدایت فارغ‌التحصیلان کشور در امر کاریابی ــ تعیین رشته های تحصیلی مورد نیز کشور تهیه طرحهای لازم برای اجراء دو منظور مذکور . در این شورا که بریاست وزیر کار تشکیل میشود نمایندگان وزارتخانه های فرهنگ ، صنایع ومعادن ، کشاورزی ، راه ، بهداری ونمایندگان‌شرکت ملی‌نفت وسازمان برنامه ودانشگاه تهران وشورای عالی اقتصاد شرکت دارند .

۲ــ۳ــ۶ شورای عالی بیمه های اجتماعی :

هدف : تعیین خط مشی سازمان بیمه‌های اجتماعی برای‌توسعه وتعمیم بیمه‌های اجتماعی درموردکلیه‌کارگران‌کشور.

وظائف : تصویب آئین نامه های مصرح در لایحه قانونی بیمه های اجتماعی کارگران مصوب ۲۱ر۲ر۳۹ باستثنای آئین نامه هائی که تصویب آنها بمراجع دیگری محول شده است ـ رسیدگی ببودجه و گزارش مالی و ترازنامه سازمان و تصویب آنها ـ تعیین حقوق مدیر عامل و قائم‌مقام او و حق الزحمه اعضای هیئت نظارت ـ اتخاذ تصمیم نسبت بطرز بهره برداری از ذخایر سازمان با توجه بمفاد ماده ۳۸ لایحه قانونی ـ اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نسبت بکلیه مسائلی که از طرف مدیر عامل در شورایعالی مطرح میشود ـ اتخاذ تصمیم در مواردیکه بموجب لایحه قانونی فوق‌الذکر در صلاحیت شورایعالی شناخته شده است . در این شورا که ریاست او بعهده وزیر کار یا قائم مقام اوست یکنفر مطلع در امور بیمه های اجتماعی «یکنفر متخصص امور بهداشتی» سه نفر نمایندگان کارفرمایان که عبارتند از ـ رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ودونفر کار فرما که اتحادیه ویا سندیکای آنان بثبت رسیده باشد ـ ۳ نفر نماینده کارگر شرکت دارند و برای مدت سه سال وزیر کار این ۹ نفر را انتخاب میکند و تجدید انتخاب بلامانع است .

٦ـ٣ـ٣ شورای عالی‌کار

هدف : ایجاد زمینه حسن تفاهم بین کارگران وکارفرمایان ازطریق تنظیم مقررات وآئین‌نامه‌هائی‌که‌کار برعهده شورای مزبور قرارداده است.

وظائف : تشکیل مرتب شورا بترتیبی که قانون و آئین نامه های مربوطه ـ پیش‌بینی نموده‌است ـ تصویب آئین‌نامه‌های اجرائی قانون کار ـ انجام سایر تکالیفی که قانون کار برعهده شورای عالی کار قرارداده است ـ مذاکره واظهار نظر درباره مسائلی که از طرف وزارت کار عنوان میشود . دراین شورا که بریاست وزیرکار یا معادن او تشکیل میشود جمعا ۹ نفر عضویت دارند ـ عضو شورا منتخب از طرف دولت ۲ نفر ـ ۳ نفر نمایندگان کارگران ۳ نفر نمایندگان کارفرمایان برای مدت ۲ سال انتخاب میشوند .

٦ـ٣ـ٤ شورای عالی تعاون‌کشور

هدف : تصویب واشاعه اصول تعاون اجتماعی درسرتاسرکشور وبخصوص تعیین خط مشی صحیح برای شرکتهای تعاونی وکمک به‌تشکیل وتوسعه آنها .

وظائف : اظهار نظر مشورتی در آئین نامه های مربوط باجرای لایحه قانونی شرکتهای تعاونی ـ رسیدگی و تطبیق با مقررات و تصویب اساسنامه شرکتهای تعاونی و صدور دستور ابلاغ آنها ـ تهیه و تنظیم اساسنامه های نمونه ـ راهنمائیهای لازم بمنظور اداره و پیشرفت و بهبود وضع شرکتهای تعاونی .

تنظیم برنامه های کمك مالی بشرکتهای تعاونی ـ تصویب برنامه های تاسیس کلاس تربیت کارشناس ـ شرکتهای تعاونی سلب مزایا از شرکت های تعاونی که برخلاف مقررات واصول تعاونی تکمیل نموده‌اند واعلام آنها بمراجع مربوطه رسیدگی باختلافات مربوط بامور شرکتهای تعاونی ـ تعیین محل مصرف ذخایر احتیاطی شرکتهای تعاونی منجمله ـ تنظیم و تصویب برنامه های تبلیغاتی بمنظور تشویق افراد بمقررات و هدفهای شرکتهای تعاونی ایجاد روابط با سازمانهای مشابه بین‌المللی و شرکت در کنفرانسهای عمومی آنها که اعضاء آن عبارتند از شش نفر که رئیس شورا وزیر کار یا قائم مقام او وبقیه اعضاء عبارتند از نمایندگان وزارت کشور ـ وزارت کشاورزی ـ وزارت دارائی ـ بانك کشاورزی ـ سازمان برنامه و همچنین دبیر شورا که رئیس اداره شرکتهای تعاونی وزارت کار میباشد .

٦ـ٣ـ٥ شورای عالی حفاظت فنی :

هدف : عبارتست ازتعیین شرایط مناسب برای‌جلوگیری‌وتقلیل حوادث حرفه‌ای وایجاد وسائل امنیت فردی واجتماعی درمقابـل خطرات ناشی ازحوادث کار.

وظائف : تدوین و تصویب آئین‌نامه هائی بمنظور تامین بهداشت کار حفاظت کارگران و جلوگیری از وقوع حوادث ـ تدوین آئین نامه های وظایف ونحوه عمل بازرسان فنی کار ـ اعضای شورای عالی حفاظت فنی عبارتند از ـ وزیر کار رئیس و سایر اعضاء ـ معاون وزارت کشور ـ معاون وزارت دادگستری ـ معاون وزارت صنایع و معادن ـ معاون وزارت بهداری ـ رئیس دانشکده فنی دانشگاه تهران و نیز رئیس یا مسئول اداره کل بازرسی کار که سمت دبیری شورای مزبور را خواهد داشت .

ز ـ شورایعالی مشاغل و هدایت نیروی کار : که‌هدف آن استفاده از نیروی کار افراد در راه توسعه امور اقتصادی وصنعتی وتکالیف آن بررسی آمار نیروی انسانی ومقایسه آن با احتیاجات عمومی کشور به نیروی مزبور ـ بررسی مسائل مربوط بدون وعلل پیدایش و طرق جلوگیری از آن ـ بررسی طرق استفاده از نیروی کار درامور اقتصادی و صنعتی وسایر فعالیتها ـ بررسی نحوه اشتغال فارغ‌التحصیلان مدارس کشاورزانیکه بشهرها مهاجرت مینمایند و همچنین سربازانیکه از خدمت زیر پرچم مرخص میشوند راهنمائی سازمانهای دولتی و ملی بنحوه موثر استفاده از نیروی کار ـ هماهنگ نمودن اقدامات سازمانهای دولتی در موارد اشتغال بیکاران ـ اعضاء شورای عالی مشاغل و هدایت نیروی کار از ۱٤ نفر بشرح زیر تشکیل شده ـ وزیر کار که رئیس شورا است ودبیر کل شورایعالی اقتصاد یا نماینده او ـ نماینده وزارت صنایع و معادن ـ نماینده دانشگاه ـ دونماینده کارفرما و دونفر نماینده‌کارگر ـ مدیر کل مشاغل وکاریابی وزارت کار دبیر شورا خواهد بود .

٦ـ٣ـ٦ شورای زنان وکودکان

هدف : ایجادشرایط مساعدبمنظوربهبودوضع کارزنان وکودکان وهمچنین راهنمائی خانواده‌های کارگران بفنون واصول زندگـی مناسب.

وظایف : تهیه دستورات لازم برای تامین بهبود وضع کار زنان وکودکان ـ بررسی وپیشنهاد طرحهای لازم در مورد بهبود وضع کار زنان وکودکان ـ تصویب مقررات مربوط بایجاد کلاسهای تعلیمات مددکاران اجتماعی ـ اداره اندرزگاههای ثابت وسیار زنان کارگر که ازطرف وزارت‌کار دایر میگردد ـآموزش زنان وکودکان‌کارگر.

دراین شورا معاون فنی وزارت کار سمت رئیس و۱٥ نفر اززنان واجد اطلاعات علمی وعملی برای اجرای وظایف شورا عضویت دارند.

٦ـ٣ـ٧ هیئت عالی مستشاری

هدف : ارائه طریق وهمفکری با وزارتخانه درمورد استفاده ازحداکثر مقدورات وامکانات برای انجام وظایف .

وظایف : بررسی وطرح آئین نامه هـای قـانـونی که بایستی بتصویب مقامات قانونی برسد ـ مطالعه دراصول وظائف وزارت کار وپیشنهاد روش صحیح در مورد اجرای وظایف مزبور ـ مطالعه و اظهار نظر درباره گزارشات دفتر بین‌المللی کار ـ نمایندگیهای کار و مامورین اعزامی از نظر امکان اجرای آنها وسازمان آن از وزیرکار یا معاون او و٦نفر از اشخاص بصیر ومطلع بمسائل کارگری وامور اجتماعی بانتخاب وزیر کار و٤ نفر از مشاورین واعضای ذیصلاحیت وزارتخانه .

٦ـ٣ـ٨ مجمع عمومی بانك رفاه‌کارگران

هدف : کنترل وهدایت بانك رفاه کارگران دراعمال ووظایفی که بموجب مقررات قوانین واساسنامه مربوط عهده‌دار میباشد.

وظایف : اتخاذ تصمیم نسبت بتغییر درمواد اساسنامه وپیشنهاد آن به وزیرکار و هیئت وزیران ـ پیشنهاد تغییر مدیران بازرسان قبل از انقضای مدت اختیار آنان ـ اتخاذ تصمیم نسبت بانحلال بانك و پیشنهاد آن بهیئت وزیران ـ اتخاذ تصمیم نسبت بهر موضوعی که دردستور قرارگرفته باشد ـ رسیدگی وتصویب ترازنامه وحسابهای سود وزیان ـ تصمیم راجع بمیزان اندوخته های قانون واحتیاطی و سود قابل تقسیم ـ انتخاب و تعیین جانشین برای مدیران وبازرسانی که مدت ماموریت آنها منقضی شده ـ تعیین حقوق ومزایای مدیرعامل و هیئت مدیره بازرسان بانك رسیدگی و شوروواتخاذ تصمیم نسبت به پیشنهاد های هیئت مدیره و تعیین خط مشی بانك برای سال بعد ـ ریاست آن بعهده وزیرکار وهمچنین درسازمان آن یکنفر از وزاره و مدیرعامل سازمان بیمه های اجتماعی کارگران شرکت دارند .

هدایت قانون برای کار

۱ـ کارگر:

برطبق مقررات قانون کار کلیهٔ اشخاصی که درمقابل دریافت حقوق یا مزد بدستور کارفرما کار میکنند کارگر شناخته میشوند. این تعریف کلی است بطوریکه شامل کارمندان دولت وهر کس که بنحوی ازانحاء کار میکند میشود ولی قانونگزار برای احتراز مشمول قانون بکلیه افرادیکه بطوراعم کارگر شناخته میشوند میگوید اشخاصیکه مشمول قانون استخدام کشوری یاسایر قوانین ومقررات استخدامی میباشند مشمول مقررات این قانون نخواهند بود البته مقصود ازسایر قوانین ومقررات آنهائی است که به‌تصویب مجلسین رسیده باشد والا کارگاههائی که شخصا مقررات استخدامی برای خود تدوین میکنند نمیتوانند کارگران خودرا ازمشمول قانون کار معاف دارند.

۲ـ کارآموز:

کارآموز کسی است که برای آموختن حرفه معینی نزد کارفرمائی کارمیکند ومزد مختصری دریافت میدارد چون سابقا کارفرمایان برای فرار ازاجرای قانون عده‌ای ازکارگران را بعنوان کارآموز قلمداد کرده وازاجرای قانون درباره آنها خودداری میکردند قانون کار برای کارآموز شرایطی باین شرح مقررا داشته است:

اول اینکه سن او به۱۸سال تمام‌نرسیده‌باشد. دوم‌اینکه‌بمنظور تکمیل یا فراگرفتن حرفه یاصنعت‌مخصوصی‌مشغول باشد. سوم اینکه‌باید طبق قراردادکتبی کارآموزی برای مدتی که بیشتر ازدوسال نباشد مشغول بکار شده باشد باین ترتیب برای کارهای عادی ازقبیل دربانی جاروکشی وغیره نمیتوان کسی رابعنوان کارآموز استخدام کرد.

۳ـ کارفرما:

کارفرما شخص حقیقی یا حقوقی است که کارگر بدستور ویا بحساب اوکارمیکند اشخاصیکه عهده‌دار اداره کارگاه هستند نماینده کارفرما محسوب میشوند وکارفرما مسئول کلیه تعهدات آنها درقبال کارگر میباشد.

۴ـ کارگاه:

کارگاه عبارت ازمحلی است که کارگر بدستور کارفرما درآنجا کارمیکند کلیه اماکن عمومی وتاسیسات صنعتی ومعدنی وساختمانی وبازرگانی وباربری کارگاه نامیده می‌شوند همچنین کلیه قسمت‌هائی که درداخل کارگاه واقعند ازقبیل ناهارخانه ـ حمام ـ درمانگاه ـ ورزشگاه ـ آموزشگاه جزو کارگاه محسوب میشوند.وزارت کارمیتواند کارگاههائی راکه دارای کمتر ازده نفر کارگر هستند موقتا ازمشمول قسمتی ازمواد این قانون معاف کند اینها کارگاههای کوچکی هستند که اجرای مقررات قانون کار انهارا مواجه بااشکالات اقتصادی میکند مانند کارگاههای خانوادگی که درآن کار منحصرا توسط صاحبکار وخویشاوندان اوانجام میشود.

۵ـ مزد:

مزد یا حقوق وجه‌نقد یا هرگونه مزایای جنسی‌وغیرنقدی است که درازاء انجام کار ودرمقابل ساعت معین ازطرف کارفرما بکارگر پرداخت میشود ممکن است بطورهفتگی یا ۱۵ روز یکماهه باشد.

درقانون کارقید شده که مدت کار تعطیلات ومرخصی‌ها ومزد بعضی کارگران مانندکارگران ماهیگیر وملاح وکارکنان کشتی‌ها و فرودگاهها وخلبانان وماموربن فنی وکارکنان داخل هواپیما یا کارگرانی که طرزکارشان‌بنحوی است که قسمتی یا کلیه مزد ودرآمد آنها بوسیله مشتریان تامین میشود وهمچنین کارگرانیکه نوعا ساعات کارآنها متناوب است بموجب آئین‌نامه جداگانه‌ای تعیین میشود ازاین مطلب چنین مستفاد میشود که درسایر موارد ازجمله درمورد اخراج که شرح آن بعدا خواهد آمد این قبیل کارگران نیز مشمول قانون کارمیباشند.

۶ـ مدت کار:

ساعات کاران مدتی است که قانونا کارگر بمنظور کار در اختیار کارفرما میباشد ونباید از۸ساعت درشبانه روز و۴۸ ساعت درهفته تجاوزکند ولی باشرط پرداخت ۳۵٪ اضافه برمزد هرساعت کار و موافقت طرفین کار اضافی مجاز خواهد بود بادرنظر گرفتن اینکه کار اضافی نباید ازچهارساعت درروز تجاوز نماید وهمچنین درمورد کارهای سخت وزیان‌آور کار اضافی ممنوع است ونیز کار اضافی بکارگران کمتر از۱۶ سال اساسا نیزممنوع میباشد.

درهرهفته روز جمعه تعطیل با استفاده ازمزد تعیین گردیده است ولی چون بعضی ازکارگاههای نمیتوانند روز جمعه کارگاه را تعطیل نمایند چنین درنظرگرفته شده است که درصورتیکه روزمعین دیگری درهفته بطور مستمر برای تعطیل کارگر تعیین شود روز مزبور درحکم تعطیل هفتگی خواهد بود ولی برای روزجمعه که کارگر کار کرده است حق دریافت ۳۵٪ اضافه دستمزد را خواهدداشت چنانچه کارگری روز جمعه مشغول بکار باشد وروز دیگری هم درهفته باو تعطیل داده نشود ۱۳۵٪ اضافه برمزد روزانه باید باو پرداخت شود. برای حفظ نیروی کارگر علاوه برتعطیل هفتگی وتعطیلات رسمی که درقانون مصرح است بازاء هردوازده ماه کار دوازده روز مرخصی با استفاده ازدستمزد برای کارگر درنظرگرفته شده است استفاده از ایام مرخصی برای کارگران اجباری است روزهای جمعه وتعطیلات رسمی کارگری که دربین ایام مرخصی واقع میشوند جزو مدت مرخصی محسوب نمیگردند.

درمورد کارگران کمتر از۱۶ سال تمام مدت مرخصی سالیانه با استفاده ازدستمزد ۱۸ روزتعیین گردیده است ایام مرخصی استفاده نشده جزو مطالبات کارگر میباشد بطوریکه درموقع‌فوت‌یااخراج‌ویاترك کارکارفرما موظف است مزد مرخصی استحقاقی کارگر راکه برحسب تعداد ماههای خدمت بوی تعلق میگیرد پرداخت نماید.

چون تمام کارگران نمیتوانند دریك‌موقع ازمرخصی استحقاقی استفاده نمایند علیهذا پس ازانجام یکسال خدمت که استحقاق دریافت ۱۲ روز مرخصی را خواهدداشت با موافقت کارفرما تا آخرسال بعد میتوانند ازمرخصی استحقاقی استفاده نمایند ودرصورت عدم توافق رای شورای کارگاه دراین باره قطعی است.

۷ـ شرایط کار:

چون حفظ نیروی کار برای آینده مملکت حائز کمال اهمیت میباشد بکارگماردن اطفال کمتراز۱۲سال بهرعنوان حتی‌بعنوان کارآموز ممنوع گردیده‌است زیراگذشته ازتعهدات‌بین‌المللی که‌طبق‌آن کارکودکان ممنوع‌گردیده است اصولا درسنین کمتر از۱۲ اطفال دارای روح‌حساسی است که حوادث برروی آن اثرات نامطلوبی بجای میگذارد وازنظر جسمانی نیز طفل توانائی کار مداوم را نداشته وزود ازبین میرود. کارشب نیز برای زنان وجوانان کمتراز۱۸ سال ممنوع‌گردیده است جز درمورد زنان پرستار بیمارستانها ومشاغل دیگری که طبق تشخیص وزارت‌کار تعیین میشود . همچنین برای زنان باردار شش هفته قبل وچهارهفته بعداز زایمان کارکردن منع‌قانونی دارد . ضمنا کارفرما مکلف است بمادران شیرده پس ازسه ساعت‌کار نیمساعت برای شیردادن اطفال خود فرجه بدهد.

۸ـ حداقل مزد وحقوق :

درقانون پیش‌بینی شده است‌که هردوسال یکبـار حـداقل مزد توسط هیئتی مرکب ازنمایندگان دولت وکارفرما وکـارگر طبق‌آئین‌نامه خاصی پیشنهاد شده وپس ازتائید وزارت‌کار وتصویب شورایعالی کار بموقع اجراگذارده خواهد شد ضمنا تا تعیین حداقل مزد جدید . حداقل مزد سابق باعتبار خود باقی خواهد بود. حداقـل مزدکارگر ساده با توجه بحوائج ضرور زندگی درنقاط مختلف‌کشور بایستی طوری برقرارگرددکه تامین زندگی یك مرد ویك زن ودو فرزند را بکند مزدکارگر زن وکارگرمرد برای‌کارمساوی یکسان خواهد بود.

مزدکارگرانیکه درتمام مدت ماه بطور نوبتی‌کار میکنند یعنی درشیفتهای معین کار آنها ازشب به روز وبالعکس تغییر میکند ده درصد بیشتر ازکارگر غیرنوبتی مشابه خواهد بود.

کارگران غیرنوبتی برای هرساعت‌کار درشب (بین ساعات ۲۲ وشش صبح) ۳۵٪ اضافه برمزد ساعت‌کار عادی دریافت خواهندکرد. مزدکارگر جزء دیون ممتازه است ودرمقابل دیون‌کارگر نیز نمیتوان بیش از۱٫٤ آنرا توقیف نمود.کارگر فقط درمورد تامین حوائج ضروری زندگی وخرید ازشرکتهای تعاونی میتوان بیش از ۱٫٤ مزد خود را حواله نماید .

۹ـ تشکیل سندیکا :

کارگران باکارفرمایان مربوط بیك حرفه ویا یك‌کارگاه ویا یك صنعت میتوانند برای حفظ منافع حرفه‌ای وبهبود وضع مادی واجتماعی خود تشکیل جمعیتی بنام سندیکا بدهند ازائتلاف چـند سندیکا **یك اتحادیه** وازائتلاف چند اتحادیه **یك کنفدراسیون** بوجود می‌آید.

هیچیك ازاین جمعیتها حق دخالت درامور سیاسی را ندارند. هیچ‌کارگری را نمیتوان ازعضویت سندیکائی منع‌کرد ویا اورا مجبور بقبول عضویت درسندیکائی نمود مهمترین وظیفه سندیکا حفظ منافع صنفی وانعقاد قراردادهای دسته جمعی باکارفرما یا سندیکای‌کارفرمائی وهمچنین تاسیس شرکتهای تعاونی وصندوق بیکاری است سندیکاها بایستی برای احراز شخصیت حقوقی دروزارت‌کار به‌ثبت برسند.

۱۰ـ قراردادکار:

قراردادکار عبارت ازقراردادکتبی یا شفاهی است‌که بموجب آن‌کارگر متعهد میشود درقبال دریافت مزد کاری برای‌کارفرما انجام دهد ودرآن نمیتوان مزایائی‌کمتر ازآنچه‌که درقانون‌کار برای‌کارگر مقررشد منظور نمود .

اگریکی ازطرفین قراردادکارکه برای مدت معین منعقدشده (بغیرازموارد مندرج درقانون) فسخ نماید مکلف بجبران خسارت‌طرف دیگرخواهد بود.

درمورد قراردادکار برای مدت نامحدود هریك ازطرفین میتوانند با پانزده روز اخطارکتبی آنرا فسخ نمایند.

کارگر اخراجی درصورتیکه یکسال اعم ازمتوالی ومتناوب نزدکارفرماکارکرده باشدکارفرما بایستی درموقع فسخ قرارداد به‌نسبت هریکسال خدمت معادل ۱۵ روزآخرین مزدکارگر باو پرداخت نماید. ودرصورتیکه کارگر سه ماه متوالی یا ششماه متناوب نزدکارفرما خدمت‌کرده باشد حق دارد ظرف ۱۵ روز بمراجع مذکور درفصل اختلاف شکایت‌کند ومراجع مذکور میتوانند با توجه به‌شرایط واوضاع واحوال علاوه برمبالغ فوق مبلغی‌که ازجمع مزدسه ساله‌کارگر تجاوز نشد بعنوان خسارت اخراج تعیین نمایند . کارفرما میتواند این مبلغ را بپردازد یا با پرداخت مزد ایام بلاتکلیفـی کارگر را بکـار بازگرداند.

درصورتیکه هیئت حل اختلاف تشخیص دهدکه اخراج‌کارگر براثرقصور اودرانجام وظیفه بوده است. هیچگونه‌حقی‌باوتعلق‌نمیگیرد. مقررات فوق درمورد قراردادهای کار برای مدت معین ویا برای‌کار معین نافذ نیست.

۱۱ـ حل اختلاف :

مرجع رسیدگی باختلاف بین‌کارفرما وکارگر یا کارآموزکه ناشی ازاجرای مقررات قانون‌کار ویاقراردادکار باشد مراجع حل اختلاف میباشند . این مراجع عبارتند ازشورای‌کارگاه هیئت حـل اختلاف.

درصورتیکه اختلاف بین طرفین ازطریق سازش مستقیم حـل نشود شاکی میتواند باداره‌کار محل رجوع نماید واداره‌کار ظرف سه روز ازتاریخ وصول شکایت موضوع را بشورای‌کارگاه مربوطه‌کـه مرکب ازنماینده وزارت‌کار ونماینده‌کارفرما ویکنفر نماینده‌کارگران همان‌کارگاه است ارجاع خواهدکرد . تصمیمات شورای کارگاه قطعی ولازم‌الاجرا است مگر تصمیمات مربوطه به‌مزد ویا اخراج‌کارگر ویا جبران خسارت مادی وارده بکار فرما ازناحیه‌کارگرکه ازتاریخ ابلاغ رای ظرف ده‌روز قابل ارجاع بهیئت حل اختلاف میباشد.

چنانچه درجلسه اول نماینده یکی ازطرفین درجلسه شورای کارگاه شرکت ننماید جلسه دیگری ظرف پنج‌روز تشکیل خواهد شد ودرجلسه مزبور نماینده وزارت‌کار باتفاق نماینده حاضردرجلسه‌مبادرت بصدور رای خواهد کرد واگر دراین جلسه اتفاق آراء حاصـل نشود موضوع بدون صدور رای ازطرف نماینده وزارت‌کار با ضبط ظهارات نماینده حاضر درجلسه برای صدور رای بهیئت حل اختلاف ارجـاع خواهد شد .

درکارگاههائی‌که شورای‌کارگاه ندارند موضوع با حضـور شاکی وطرف مقابل یا نمایندگان آنها رسیدگی خواهد شد ورای‌صادره بمنزله رای شورای کارگاه خواهد بود.

هیئت حل اختلاف مرکب ازسه نفر نمایندگان دولت وسه نفر نمایندگان کارگران وسه نفر نماینده کارفرمایان خواهد بودکه هریك ازدسته‌ها دارای یك رای میباشند ورای اکثریت مناط اعتبار است. چنانچه افراد یکی ازدسته‌ها با هم اختلاف نظرداشته باشند رای‌انفرادی اخذ میشود ورای اکثریت افراد حاضر درجلسه متبع است ودرصورت تساوی آراء رای دسته‌ای‌که نماینده وزارت‌کار جزوآنست قـاطع خواهد بود.

درصورت غیبت نمایندگان هردسته جلسه دیگری ظرف سه روز تشکیل خواهد شد غیبت غیرموجه نمایندگان دولت درجلسات هیئت تقصیر اداری محسوب میشود ودوجلسه متوالی غیبت نمایندگان و کارفرما وکارگر درحکم استعفای آنان تلقی میگردد.

آراء قطعی صادره ازطرف شورای‌کارگاه وهیئت حل اختلاف قطعی ولازم‌الاجراست وبوسیله اجرای محاکم دادگستری بمورد اجرا گذارده خواهد شد.

درصورت بروز اختلاف دسته جمعی بین‌کارگران وکارفرما اداره‌کار برای سازش بین آنها اقدام میکند واگر موفق نشود بلافاصله موضوع را درهیئت حل اختلاف مطرح مینماید چنانچه پیشنهادات‌هیئت حل اختلاف مورد قبول طرفین واقع نشود مراتب ازطرف اداره‌کار بوزارت‌کارگزارش میشود.

هیئت دولت میتواند مادام‌که اختلاف ادامه داردکارگاه را بنحو مقتضی وبحساب کارفرما اداره نمایند.

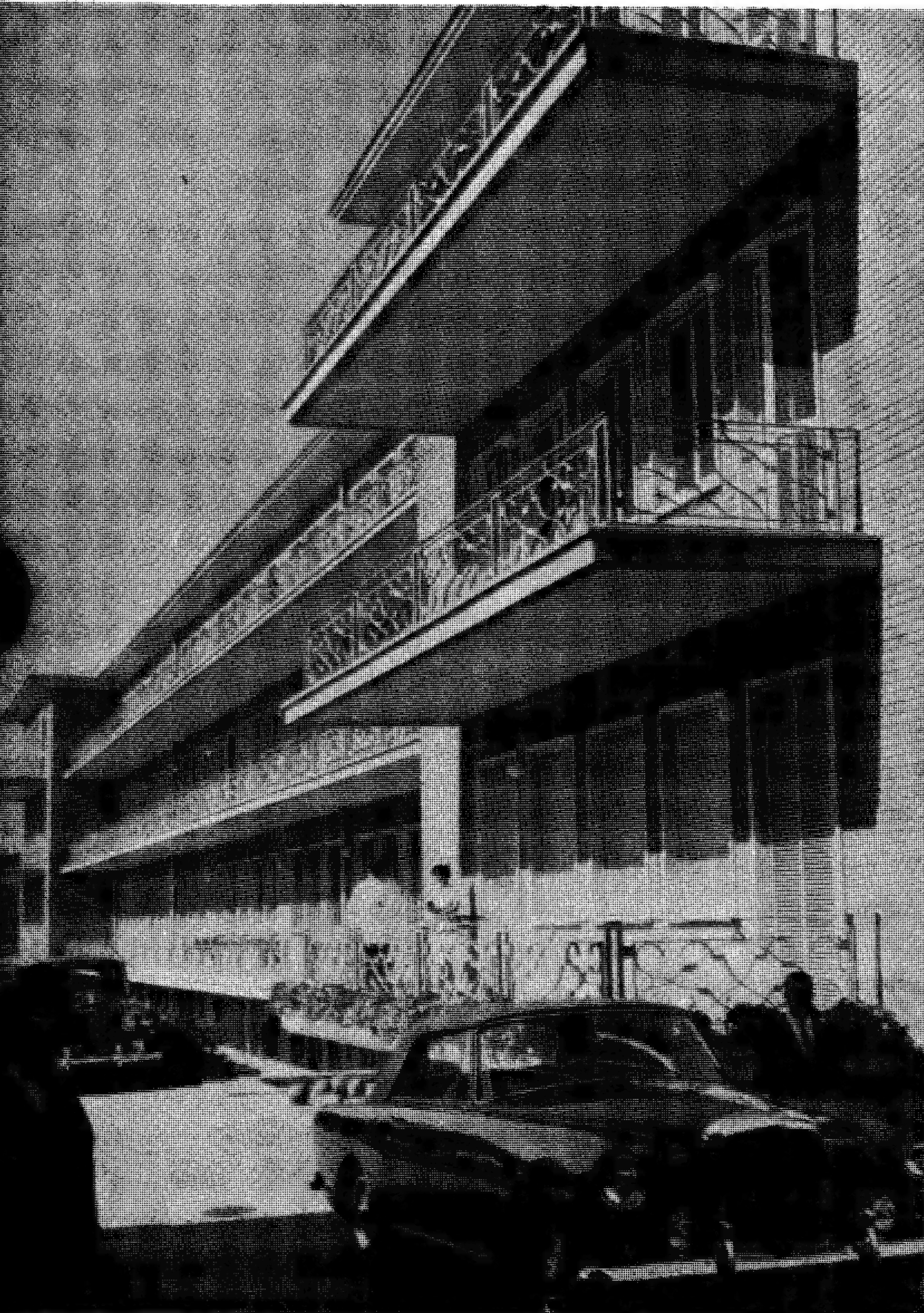
۱۲ـ حفاظت فنی وبهداشت وبازرسی‌کار:

ازنظر پیش‌بینی درامر حفاظت وبهداشت‌کارکسانیکه میخواهند کارگاه جدیدی احداث نمایند ویاکارگاه خودرا توسعه دهندمکلفند قبلا برنامه‌کار وطرحهای مورد نظر را برای تصویب بوزارت‌کار ارسال‌دارندوبهره برداری ازکارگاههای مزبور منوط برعایت مقررات حفاظتی وبهداشتی است. هرگاه درحین بازرسی توسط بازرسان‌کار تشخیص داده شودکه احتمال وقوع حادثه یا خطری درکارگاهها میرود بنا بتقاضای وزارت کار قرار تعطیل تمام یا قسمتی ازکارگاه توسط بازپرس صادر خواهد شد ودرصورت ارائه‌گواهینامه وزارت‌کار دائر شایستگی کارگاه بادامه‌کار بازپرس یا دادگاه بلافاصله دستور رفع تعطیل را خواهد داد وکارفرما مکلف بپرداخت مزدکارگران خود در ایام تعطیل فوق میباشد.

وزارت‌کار برای اجرای مقررات قانون کار افراد ذیصلاحیتی را بعنوان بازرس‌کار انتخاب مینمایدگزارش بازرسان‌کار درآنچه‌که مربوط باجرای قانون‌کار است درحکم گزارش ضابطین دادگستری میباشد این بازرسان حق دارند درهرموقع بکارگاههای مشمول مقررات قانون‌کار مراجعه وببازرسی بپردازند.

بازرسان‌کارحق ندارند درهیچ مورد اسرار تجاری وفنی کارگاهی راکه بمقتضای شغل خود بدست میآورند فاش سازند.

بنگاه حمایت مادران و نوزادان



امروزه کلیه خانوادهها، بخصوص زنان بی بضاعت ، بنگاه حمایت مادران ونوزادان را بخوبی میشناسند و از خدمات عام‌المنفعه این موسسه بزرگ اجتماعی آگاهی دارند.

وجود این بنگاه مفید و موسسات دیگری نظیر آن در کشور ، هر روز بیشتر احساس میشود - برای نشان دادن اهمیت کار بنگاه‌حمایت‌مادران کافی است بچند رقم زیر اشاره نمائیم :

● در زایشگاه فرح‌تاکنون ۱۰۳۹۲۷ زایمان صورت گرفته و تنها در ظرف سال گذشته ۹۸۰۱۷ نفر بدرمانگاه آن مراجعه واز داروی مجانی استفاده نموده‌اند .

● درمانگاه اکبر آباد روزانه چهار صد بیمار سرپائی را مجانا معاینه ودرمان میکند .

● سرویس مامائی سیار بنگاه دامنه فعالیت خود راتا شعاع ۷۰ کیلومتری تهران توسعه داده است.

● در درمانگاه مرکزی بنگاه روزانه ۳۵۰ تا ٤۰۰ بیمار مراجعه و همگی تحت نظر پزشکان معاینه و از داروی رایگان بهره‌مند می‌شوند .

● آموزشگاه بهیاری فرح همه ساله عده کثیری پرستار مجرب بیرون میدهد .

نمای جنوبی زایشگاه فرح

آموزگاری‌که از یك شکم چهارفرزند آورده و هرچهار نفر سلامت میباشند سال‌گذشته در جشن روز مادر بحضور علیاحضرت شرفیاب شدند ومورد تفقد قرارگرفتند .



بنگاه حمایت مادران ونوزادان در آذر ماه سال ۱۳۱۹ درزمان سلطنت پر افتخار اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر براساس حمایت از زنان باردار مستمند وبی بضاعت و جلوگیری از تلفات نوزادان آنها تشکیل گردید .

در اوایل تاسیس هدف ومنظور بنگاه حمایت مـادران ونوزادان علاوه بر حمایت اززنان باردار و نوزادان آنها از راه کمك‌هـای نقدی وجنسی (پخش‌لباس بدانش آموزان بیبضاعت) ونیزتوزیع‌ذغال وغیره بین مستمندان اجرا میشد ولی در سال های بعد بعلت احساس احتیاج بیشتر مردم بوجود زایشگاه وشیر خوارگاه ودرمانگاه بنگاه حمایت مادران ونوزادان را برآن داشت تابرای احداث وایجاد این نوع مراکز بهداشتی‌ودرمانی بیشتر بکوشد ودر عوض از کمکهای‌نقدی وجنسی خود بکاهد وچون در همان هنگام بنگاه نیز بابحران های مالی روبرو گردید برحسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاه محل اداره مرکزی وزایشگاه بنگاه در خیابـان (پاستور) بیکـی از ساختمانهای سلطنتی منتقل گردید .

۱۱۰ زایمان درشبانه روز

چندی بعد نیز باکمك وتوجهات مخصوص شاهنشاه بنگـاه حمایت مادران ونوزادان شروع بساختمان بزرگ ومجهزی برای یك زایشگاه چهار صد تختخوابی نمود که امروز تنها قسمت زایشگاه‌آن بطور متوسط هشتاد تا یکصد وده زایمان در بیست وچهار ساعت شبانه روز انجام میدهد .

زایشگاه بنگاه حمایت مادران و نوزادان تاقبل از انتقال بساختمان های مجهز ومـدرن خـود در خیابان مولوی دارای هفتاد وپنج تختخواب ویك شیرخوارگاه نیز ضمیمه داشت .

داروی رایگان

در جنب زایشگاه در خیابـان پاستور یك درمـانگاه وهمچنین ادارهٔ مرکزی بنگاه قرار داشت که اینك تحت توجهات مخصوص اعلیحضرت همایـون شاهنشاه و عنایات مخصوصهٔ علیا حضرت فرح شهبانوی ایران در محل ساختمان های اختصاصی خود در خیابان مولوی یك زایشگاه باچهار صد تختخواب که دویست تخت آن مخصوص نوزادان‌است‌ویك‌درمانگاه شامل بخشهای معاینهٔ زنان باردار ـ دندان پزشکی «آزمایشگا» گوش . حلق . گلو . بینی ـ مجاری ـ ادرار ورادیو لژی وقسمت داروئی است که روزانه بطور متوسط در حدود سیصد وپنجاه تا چهار صد نفر مراجعه کننده دارد که همگی آنها تحت پزشکان مجرب بااستفاده

از داروی رایگان معاینه ومعالجه میشوند .

همچنین در جنب زایشگاه ساختمان ادارهٔ مرکزی (دفتر کل) بنگاه حمایت مادران ونوزادان قرار دارد که تمام این قسمت ها در یك محوطهٔ بیست هزار متری قرار گرفته است .

افتخار بزرگ

زایشگاه جدید بنگاه که از هر حیث مجهز ونمونه ساخته شده است در سال ۱۳۳۸ بدست توانای اعلیحضرت همایون شاهنشاه افتتاح گردید وخوشبختانه در سال ۱۳۳۹ نیز مورد توجه ومراحم خاصهٔ علیا حضرت شهبانوی ایران قرار گرفت وزایشگاه بنگاه را برای وضع حمل خود انتخاب فرمودند .

بنگاه حمایت مادران ونوزادان افتخار دارد که مولود مسعود و فرخندهٔ والاحضرت همایون ولایت عهد ایران دراین زایشگاه که بعد ها باکسب اجازه از حضور علیا حضرت فرح بنام زایشگاه (فرح) نامگذاری گردید انجام گرفت وبدینوسیله کارکنان وکلیهٔ خدمتگذاران بنگاه را بیش از پیش قرین افتخار ومباهات نمود .

۱۰۳ هزار زایمان

در این زایشگاه تنها در سال گذشته تعداد بیست ویکهزارو ـ هشتصدو شصتو پنج نفر زایمان طبیعی وغیر طبیعی نموده ودر نتیجه تعداد بیست ویکهزاروسی ـ وپنج نفر نوزاد بدنیا آمده است .

همچنین از بدو تاسیس زایشگاه تا آخرسال ۱۳٤۱ تعداد صدوچهلو دوهزار وچهارصدو نودو سه نفر بیمارباین زایشگاه مراجعه نموده که ازاین عده صدو سه هزارو نهصدو بیستو هفت نفر زایمان نمودهاند و تعداد یکصدهزارو سیصدوسی ویك نفر نوزاد بدنیا آمده است تعداد مراجعین بدرمانگاه مرکزی نیز در سال گذشته نودوهشتهزاروهفده نفر بوده وازسال ۱۳۳۸ تاکنون نیز جمعا چهارصدوپنجاه وچهار هزار وپانصدوشصت وهفت نفر در این درمانگاه معاینه ومعالجه شده و از داروی مجانی نیز استفاده کردهاند .

درمانگاه اکبرآباد

یکی دیگر از قسمت های عام المنفعهٔ بنگاه حمایت مادران و نوزادان درمانگاه مجهزی است در غرب تهران (اکبر آباد) که شامل قسمتهای معاینهٔزنان باردار . معاینهٔ کودکان‌دندان‌سازی‌وغیره میباشدکه این درمانگاه نیز روزانه بطور متوسط چهار صد نفر مراجعه کننده داشته وتمام مراجعین نیز مجانا معالجه ودرمان میشوند .

درمانگاه اکبر آباد در سال گذشته از صد وهفده هزار وششصدو هشتادو یکنفر بیمارسرپائی پذیرائی نموده وجمعا از بدو تاسیس این درمانگاه تاکنون نهصدو نودهزارو یکصدو پنجاه وهفت نفر بدانجا مراجعه نموده ودرمان شدهاند .

درمانگاه سیار

درجنب این درمانگاه یکی دیگر از سازمانهای کم نظیر وبسیارمفید وسودمند بنگاه حمایت مادران و نوزادان موسوم‌به (سرویس مامائی سیار) قرار دارد .

این سرویس که از سالهاپیش در تهران مشغول کار است وامروزهٔ دامنهٔ فعالیت وخدمت خود را حتی تا شعاع هفتاد کیلومتری اطراف تهران رسانده است در تمام مدت شبانه روزباآمبولانس‌وماما وپرستار وداروی کافی که دراختیار دارد بمحض اطلاع‌بمنازل اشخاص‌مراجعه کرده ووسائل زایمان زنان باردار مستمندی را که بیشتر بعلت عدم دسترسی به زایشگاه هاوبیمارستان هاست ونیز به جهاتی از مراجعه بزایشگاه خود داری مینمایند فراهم نموده وتا بهبودی کامل بیمار همه روزه از اوعیادت بعمل آورده و دستورات لازم داروئی ودرمانی تجویز میشود .

آموزشگاه بهیاری

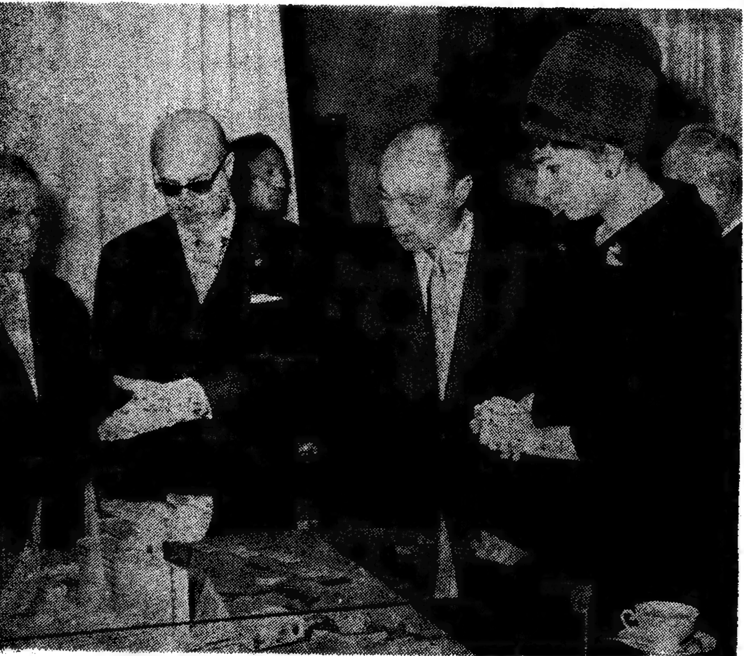
آموزشگاه‌بهیاری فرح ـ کمبود وجود پرستاران تحصیلکرده در دستگاه‌های بهداشتی ودرمانی کشور ونبودن تعداد کافی آموزشگاه برای تربیت پرستار ونیز برای بالا بردن سطح‌پرستاری درزایشگاه هاوبیمارستانها و همچنین برای رفع احتیاج قسمتهای مختلف بنگاه حمایت مادران هیئت مدیرهٔ بنگاه را برآن داشت تابرای تاسیس یك آموزشگاه کمك پرستاری اقدام نماید .

در نتیجه در سال ۱۳۳٦ یك آموزشگاه کمك پرستاری شبانه روزی با گنجایش یکصد دانش آموز تاسیس نمود . این آموزشگاه تا امروز هفت دورهٔ دانش آموز پذیرفته کهپنج‌دورهٔآن‌فارغ‌التحصیل شده ودو دورهٔآن مشغول تحصیل میباشند . فارغ‌التحصیلان این آموزشگاه هم‌اکنون‌درتمام قسمتهای مختلف بنگاه حمایت مادران و

تیمسارسپهبد یزدان‌پناه رئیس هیئت مدیره بنگاه تشریف فرمائی شهبانوی ایران را به بنگاه حمایت مادران و نوزادان خیر مقدم میگویند



آقای مهندس سهیلی مهندس مشاور بنگاه توضیحاتی در مورد ساختمانهای در دست‌اقدام بنگاه **حمایت‌مادران** که در خیابان نظام‌آباد واقع است بعرض میرسانند .آقایان مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا ودکتر مؤتمنی مدیرعامل‌بنگاه در عکس دیده میشوند



اعضای هیئت مدیره

۱ـ تیمسار سپهبد یزدان پناه «رئیس هیئت مدیره»
۲ـ آقای دکتر محمد مؤتمنی «مدیرعامل»
۳ـ آقای دکتر سعید مالك
٤ـ بانو تربیت «منشی»
٥ـ بانو فرمانفرمائیان « بازرس»
٦ـ آقای دکتر جهانشاه صالح«بازرس‌وجراح‌مشاور»
۷ـ آقای دکتر حمید آهی «جراح مشاور»
۸ـ آقای دکتر عباس نفیسی
۹ـ آقای دکتراحمد فرهـاد«نایب رئیس»
۱۰ـ تیمسار سرتیپ صفاری
۱۱ـ آقای حسین شیبانی
۱۲ـ رئیس شهربانی وقت ـ تیمسار سپهبد نصیری
۱۳ـ شهردار وقت
١٤ـ آقای حسن کاشانیان
۱۵ـ آقای فتح‌اله فرود
۱٦ـ آقای مرتضی قیصریه «خزانه‌دار»



عرض گزارش دوران گذشته بنگاه بوسیله آقای دکتر محمد مؤتمنی مدیر عامل در روز مادر بحضور شهبانوی ایران



خانم مهستی بحرینی و آقای حسین خدیوجم‌که باهمت و پشتکار فوق‌العاده‌ای کلیه آثار نظم و نثر شعرا ونویسندگان ایرانی وخارجی رادرکتابی بنام مادر جمع‌آوری وبمناسبت روز مادر انتشار دادند وسال‌گذشته در مراسم روزمادردرمحل بنگاه حمایت مادران بحضور علیاحضرت شهبانو معرفی ومورد تفقد قرارگرفتند .

نوزادان بخدمت مشغول هستند و عده‌ای از آنها نیز در سایر مراکز درمانی وبهداشتی مشغول انجـام وظیفه میباشند .

آموزشگاههای جدید

خوشبختانه استقبال کم نظیـر داوطلبان فن پرستاری در سال های اخیر بنگـاه حمایت مـادران و نوزادان را برآن داشت تا برای ساختمان محل دائمی آموزشگاهی به گنجایش یکصدوپنجاه تختخواب بـاتمـام وسائل لازم بـرای یك آموزشگاه شبانه‌روزی اقدام نماید .

بهمین منظور از سال قبل در شمال شرقی تهران دست بایجاد ساختمان آموزشگاه زدوامید میرود که تاسال آینده بتواند از آن‌بهره برداری نماید .

ساختمان این آموزشگاه بنحوی خواهد بود که بـرای تربیت و تحصیل پرستار از هر جهت مدرن ومجهز باشد .

زایشگاه رشت

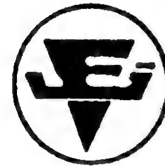
شعبهٔ بنگاه حمایت مـادران و نوزادان درشهرستان رشت نیز یکی دیگر از قسمتهای وابستهٔ باین بنگاه است که از سال ۱۳۲۰ تاکنون مستقلادر آن شهرستان مشغول انجام خدمت میباشد .

ساختمان جدید زایشگاه بنگـاه حمایت مادران ونوزادان رشت نیز درآیندهٔ بسیار نزدیکـی گشایش خواهد یافت واین زایشگاه از محل قدیمی خود به ساختمان های جدید در همان شهرستان منتقل خواهد شد .

علیاحضرت شهبانو هنگام بازدید از بنگـاه حمایت مادران ونوزادان یکی از اطفال رادر بخش کودکان مورد نوازش قرار داده‌اند .



اولین بازدید علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران از زایشگاه بنگاه در ۲۲ دیماه ۱۳۳۸ صورت گرفت .



احتیاجات مردم بفروشگاه های بزرگ

نظر باحتیاجی که مردم از نظر خرید اجناس و لوازم ضروری دارند درهر شهری بایدبفکر تاسیس فروشگاههای بزرگ ومدرن بود ، چون علاوه بر صرفه‌جوئی در وقت مسئله تثبیت قیمتها نیز در این میان رل بسیار مهمی رادارد. بنابراین اگر افراد اجتماع بوسیله‌شرکتها و یا بطور انفرادی بتوانند این نیاز جامعه را برطرف نمایند خدمتی ارزنده باجتماع خود نموده‌اند .

فروشگاه فردوسی

بهمین دلیل و براساس همین نیاز طبیعی در سال ۱۳۳۶ فروشگاه فردوسی با سرمایه‌ای کافی وبصورت شرکت‌سهامی تاسیس گردید .وضع‌آبرومندفروشگاه‌هم از نظر تزئینات وهم از نظر وفور و ارزانی جنس این فروشگاه را از بدو تاسیس در ردیف بزرگترین فروشگاه خاورمیانه درآورد .

این فروشگاه ، در همان سال طی مراسم خاصی بدست اعلیحضرت همایون شاهنشاه افتتاح و مشغول کار گردید . سهام این فروشگاه پنجاه درصد متعلق به آلمان‌ها و پنجاه درصد متعلق بدولت ایران بود . پنجاه درصد سهام دولت ایران نیز دردست وزارت دارائی و شرکت معاملات خارجی قرار داشت .

در بدو تاسیس‌بعلت‌سهامی که‌آلمانها داشتند مدیریت عامل فروشگاه فردوسی نیز باآلمانها بود ولی در اواخر سال ۱۳۳۹ وزارت دارائی تمام سهام آلمانهارا خریداری نمود و از این تاریخ ببعد ، خدمت مدیران و کارشناسان آلمانی در فروشگاه فردوسی خاتمه یافت و بتدریج



این افراد کنار رفتند تا جائیکه اینك تمام امور مدیریت و قسمتهای فنی و فروش بدست ایرانیها اداره میشود .

منافع اجتماعی

اگر باصل قضیه منافع اجتماعی نظری بیافکنیم خواهیم دید با تأسیس فروشگاه فردوسی عواملی در مملکت ما بوجود آمد که از هر جهت منافع اجتماع ما را متضمن شد ، ابتدا برای اینکه چرخ فروشگاه از نظر داخلی بچرخد عده کثیری بکار دعوت شدند واگر محاسبه‌ای دقیق بشود معلوم میگردد که خانواده‌های بیشماری از همین راه امرارمعاش مینمایند. بعد بازهم بعلت نیاز مردم بخرید لوازم و اشیاء ، فروشگاه فردوسی توانست به کارگاهها و کارخانجات داخلی سفارشاتی بدهد که در اثر همین سفارشات عده بیشمار دیگری در کارگاهها و کارخانجات مشغول کار شدند وسطح تولیدات اینگونه کارخانه‌ها و کارگاهها بالارفت بطوریکه از نظر نوع و کالیته بهبود یافت و روز بروز سلیقه‌ها و هنرهای موجود در افراد پرورش یافت و بطورکلی کارگاههای زیادی در مملکت بکار افتاد تا نیازهمگان را تامین کند . وسپس افراد واشخاصیکه سرمایه‌های خود را بعلت عدم اطمینان و عدم ظهور سلیقه‌ها و ذوقها راکد گذاشته بودند بکار انداختند و بتبعیت ازفروشگاه فردوسی فروشگاههای کوچك ولی مدرن افتتاح کردند وتقریبا رقمی‌ازنیازمندیهای عمومی را برطرف ساختند و در پیشرفت تولیدات داخلی و جلوگیری از خروج ارز کوشیدند .

رقابت بازرگانی و اقتصادی‌وسیستم عرضه احتیاجات نیز در اثر ازدیاد وجود فروشگاه‌ها ثمربخش بود زیرا در اثر همین رقابتها نوع جنس بهتر شدواجناس بنجل و بی‌خریدار جای خودرا بکالاهائی از نوع بهتر داد .

از طرف دیگر فروشگاه فردوسی بازار بزرگ و معتبری برای خرید و فروش دسترنج خانواده‌ها گردید و ضمنا محل مناسبی شد تااینکه مردم با حداقل فرصت اجناس مورد نیاز خودرا با یك قیمت عادلانه و معین از یك فروشگاه‌تهیه نمایند و وقت خودرا بیجهت‌صرف‌بازدید و چانه‌زدن نکنند. باین ترتیب فروشگاه فردوسی ، هم مدلی برای دیگران شدکه دست بتاسیس فروشگاههای نظیر بزنند وهم در تثبیت قیمتها موثر گردید و بالاخره موجب شد تا کانونهای کار و فعالیت عرض‌اندام کنند و از نظرپرورش ذوقها و سلیقه ها و بکار افتادن سرمایه های کوچك محیط مساعدی برای عموم پیدا شود .

واسطه‌ها

اثر دیگری که سبب‌تزلزل‌وافزایش نرخها میگردید وجود واسطه‌ها ودستهای دلالان بود که در هر موقعیتی سبب‌ازدیاد قیمتها میشدند . با تاسیس فروشگاه فردوسی دست دلالان ازخرید اجناس کوتاه گردید زیرا فروشگاه فردوسی‌خود مستقیما با صاحبان کالا وارد مذاکره شد و راسا از آنها جنس خریداری نمود و از این راه مبالغ هنگفتی بنفع افرادو اجتماع صرفه‌جوئی نمود. بعلاوه اینکه‌از طریق مقررات بازرگانی و گمرکی‌اقدام بسفارش کالاهای مجاز نمود و با ورود

اجناس مجاز خارجی بخواست طبقات مصرف کننده جواب مساعد داد .

سازمان فروشگاه

فروشگاه فردوسی دارای دوسازمان است یکی سازمان مدیریت که شامل مجمع عمومی صاحبان سهام ، هیئت مدیره ، بازرسان قانونی و مدیر عامل است ، یکی هم سازمان داخلی که شامل بخش‌های زیر میباشد و علاوه بر آن درسازمان فروشگاه فردوسی دو معاون مشغول انجام وظیفه هستند یکی معاون اداری و بازرگانی و دیگری فنی که هریك بر قسمتهائی از واحدهای سازمانی فروشگاه نظارت دارند.

سازمان داخلی

سازمان داخلی فروشگاه عبارتست از: منشی مدیر عامل ، دفتر ، حسابداری ، کارگزینی ، صندوق مرکزی ، انبار کل، بازرسی ، انتظامات ، بهداری، ترانسپورت، روابط عمومی ، کارپردازی ، دایره فنی، خدمات ، معاملات خارجی ، معاملات دولتی .

قسمتهای فروش فروشگاه فردوسی نیز از اینقرار است :

قسمت اسباب منزل ، صنایع دستی، لباس زنانه ، بوفه ، لباس زیر زنانه ، اجناس مردانه ، لوازم آرایش ، ساعت و زیور آلات ، نوشت افزار ، خواروبار، پرده ، فرش ، مبل ، لباس مردانه ، لباس بچگانه ، پارچه ، کرست ومایو ، خرازی، چرم و کفش ؛ اسباب بازی و ورزش ، لوازم خانه ، کافه تریا ، گل‌فروشی و سلف سرویس ، ضمنا سلف سرویس حدیدی در محل سابق لوفت‌هانزا دائر شده است که غذای مأکول را به قیمت مناسب در اختیار عموم میگذارد .

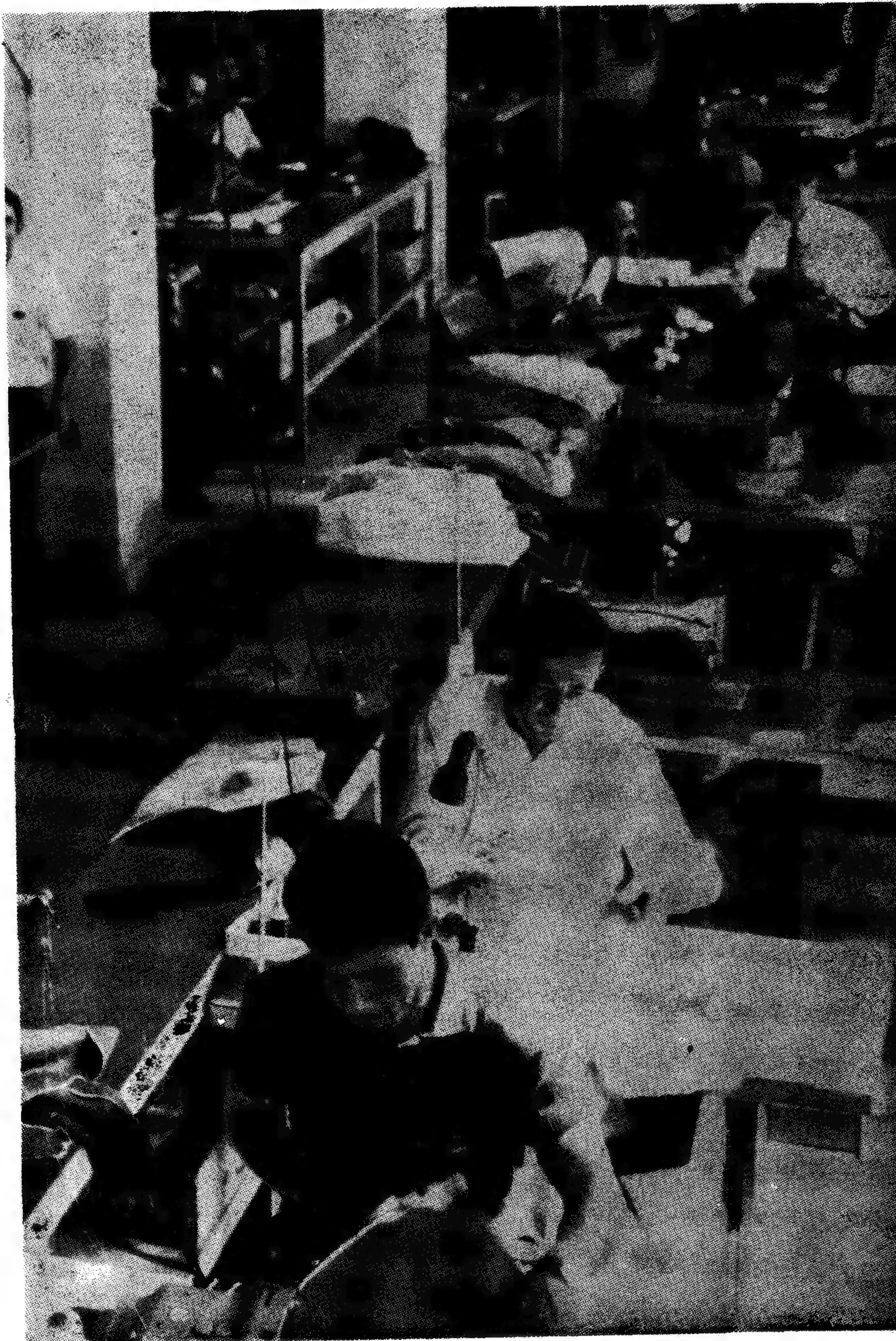
همچنین غرفه آبرومندی که تقریبا شعبه فروشگاه فردوسی است در سالن ترانزیت مهرآباد دائر است که با سازمان مخصوصی اداره میشود ودر تمام مدت ۲۴ ساعت باز است .

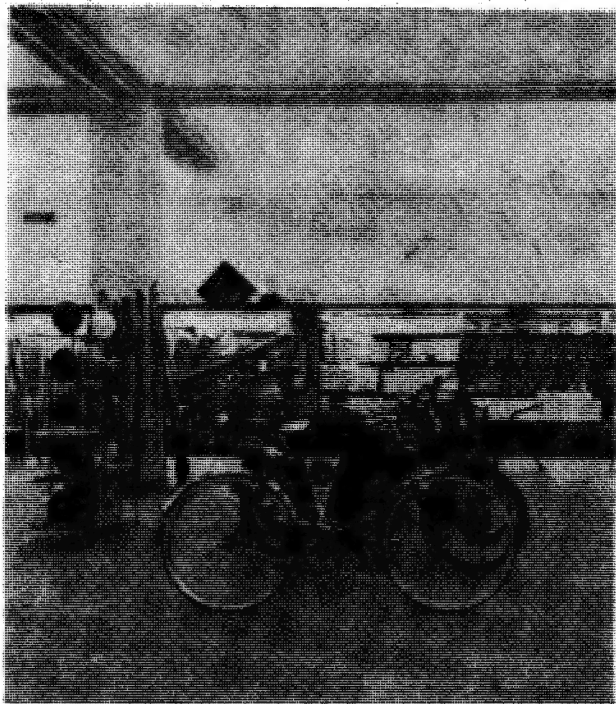
امور مربوط بخرید و کمیسیونها

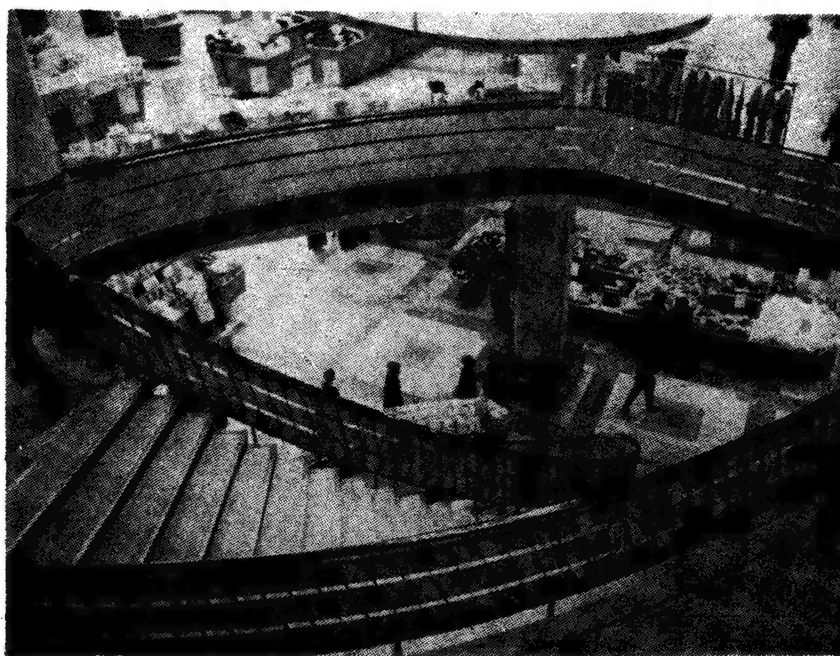
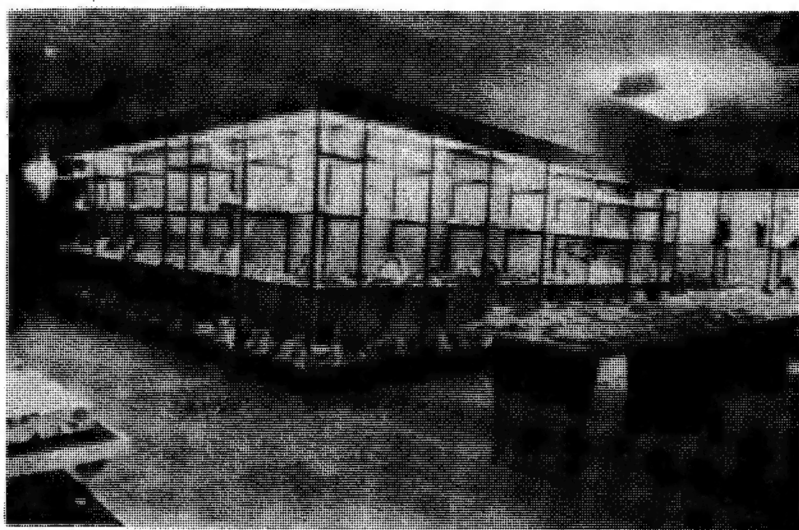
کالای مورد نیاز فروشگاه فردوسی درگذشته بوسیله قسمتهای فروش مستقلا خریداری میگردید ولی این امر درحال حاضر زیر نظر دوکمیسیون انجام میشود.

۱ ــ کمیسیون تحقیق و استعلام بها .
۲ ــ کمیسیون خرید .

کمیسیون تحقیق و استعلام برامور







مربوط به قیمتها و نوع کالا و کمیسیون خرید از نظر میزان ومقدار خرید ولزوم یا عدم لزوم آن و همچنین میزان سود فروشگاه از هر کالا نظارت مینماید ، هریك از کمیسیونهای مزبور دارای چند عضو است که ریاست آنها بایکی ازاعضاء هیئت مدیره میباشد.

۳ ــ کمیسیون طرح وبرنامه

٤ ــ کمیسیون تبلیغات

کمیسیون طرح و برنامه پیرامون طرحهائیکه از قسمت‌های کارگاهها و قسمت‌های دیگر فروشگاه میرسد نظارت میکند یا راسا اقدام به‌تهیه‌طرحهای لازم مینماید وکمیسیون تبلیغات نیزمسئله کلی تبلیغات را درفروشگاه زیرنظرداردوکلیه اقدامات تبلیغاتی زیر نظر این کمیسیون انجام میگیرد. درزمان آقای متقی علاوه بر دو کمیسیون فرق کمیسیون تحقیق و استعلام بهاء نیز بوجود آمد که بکمك کمیسیون خرید اقدام کرد و شرح آن در بالا گذشت. علاوه براین، کمیسیونها مشاورین خبره‌ای نیز دارد که‌درجلسات خود از وجود و اطلاعات آنها استفاده مینمایند . پس از قطعیت قیمت وطی مراحل لازم و گذشتن از کمیسیون های مزبور ، کالاهای خریداری تحویل انبار کل فروشگاه میشود و از این طریق‌بین قسمتهای مربوطه توزیع میگردد .

کمیسیونهای دیگری‌مانندکمیسیون کارگزینی و کمیسیون تبلیغات مشغول بکارند که هرکدام وظائف مربوطبه‌خود را طی تشکیل جلسات انجام میدهند.

نحوه مراجعات مردم

بطورکلی فروشگاه فردوسی مانند همه فروشگاههای بزرگ دنیا علاوه بر تامین احتیاجات عموم مردم ازنظرتثبیت قیمت نیز اقداماتی بعمل آورده است‌که جای هیچگونه صحبتی را بین مشتری و فروشنده باقی نمیگذارد و مشتریان هر جنسی راکه احتیاج داشته باشند اولا در قسمت خود خواهند یافت و آنگاه طبق اتیکتی که قیمت آن جنس روی آن‌نوشته شده وجه را بصندوق میپردازند و جنس را دربسته بندی مرتب و منظم ازفروشنده دریافت میدارند .

البته برای طبقات‌کارمند ومحصلین و از نظر مساعدت به‌آنان اقداماتی بعمل آمده است تا از ٦ درصد تخفیفی که‌منظور شده استفاده نمایند .

بطورکلی مراجعات مردم در این فروشگاه نظر بتسهیلاتی که در راه‌تامین احتیاجات آنها بعمل آمده است بسیارسهل و آسان میباشد و عموم کسانیکه از این فروشگاه کالای مورد نیاز خود را تهیه می‌نمایند راضی و خرسند خارج میشوند.

برنامه و هدف

هدف آقای امیرمتقی مدیر عامل فروشگاه فردوسی براینست‌که روز بروز بر وسعت این فروشگاه بیافزاید و درراه تامین احتیاجات مردم کوشا باشد. بی‌شك نیل باین هدف اجتماع ما را نیز آسوده و مرفه خواهد داشت ، روی این اصل تصمیم‌گرفته شد برای بسط و توسعه فروشگاه فردوسی اقداماتی بعمل آید و شعباتی در سایر محلات تهران و همچنین در شهرستانها دائر شود و اقدام اساسی دیگری که مطمح نظر است پائین آوردن قیمتها در سال ۱۳۴۳ است .

توسعه و بهبود امور فروشگاه فردوسی نیز یکی دیگر از برنامه‌هائیست که تصمیم باجرای آن‌گرفته شده است و بطورکلی رقابت ما با فروشگاههای بزرگ خارج و برابری باآنها نیزازجمله برنامه‌هائیست که در سال ۱۳۴۳ اجرا خواهد شد و بتصدیق کارشناسان‌اقتصادی اینك نیز فروشگاه فردوسی بزرگترین فروشگاه خاور میانه و در ردیف فروشگاههای معتبر و آبرومند اروپا و امریکا میباشد .

در سال ۱۳۴۳ فروشگاه فردوسی تصمیم دارد بفراخور حال همه طبقات مصرف کننده کالا داشته باشد وهمچنین از نظر تجهیزات ، سازمان ، کادر، توزیع کالا ، تزئینات ، دکوراسیون نیزبرنامه هائی دردست تهیه است که بااجرای آنها فروشگاه فردوسی در سال ۱۳۴۳ بصورت واحد اقتصادی مجهز و عظیمی‌عرض‌اندام خواهد کرد و بیش از پیش در زمینه وظایف اولیه و اساسی خود برای مردم پایتخت و کشور منشاء اثر خواهدگردید برای تحقق بخشیدن به برنامه‌های فوق فروشگاه فردوسی در نظر دارد ازوجود عالیترین کارشناسان و متخصصین‌مربوط به امور فروشگاهها و از بهترین فکرها، و روشها و متدها استفاده نماید .

نقش فروشگاه از نظر موسسات دولتی

درعرض ایــن چند ماه سازمــان معاملات دولتی فروشگاه تقویت و کــادر آن کامل و تجهیز شد و اقداماتی بعمل آمد تا فروشگاه فردوسی بعنوان تنهــا مرکز تامین احتیاجات دولتی ، غیر از فنی ، در سال ۱۳۴۳ آماده بکار شود و اینك‌عقیده‌براینست که‌جزفروشگاه‌فردوسی هیچ موسسه‌ای قادر نیست این منظور را برآورده‌نماید. مسئولین از نیات‌شاهنشاه معظم این‌الهام راگرفته‌اند واعتقاددارند که صلاح و صــرفه موسسات دولتــی و وزارتخانه‌ها نیز در تبعیت از این فکــر است که تامین نیازمندیهای خودرا ازیك موسسه بخواهند و بدیهی است این‌موسسه باید تجربه کافی در این امور داشته واز داخل نیز دارای کادر وتجهیزات‌ووسائل لازم باشد و فروشگاه فردوسی در حال حاضر دارای چنین شرائطی میباشد»

فروشگاه فردوسی در دیماه سال ۱۳۴۲ طبق بخشنامه‌ای از وزارتخانه‌هاوموسسات وابسته بدولت خواست کلیه احتیاجات سال ۴۳ خودرا غیر ازامور فنی‌بفروشگاه فردوسی صورت بدهند تا فروشگاه‌بتواند بابینائی و بصیرت کامل و بادقت کافی دراین‌زمینه اقدامات لازم‌بعمل آوردطبق محاسبه‌دقیق‌وبااجرای‌این‌پروژه‌سالانه‌یکصد میلیون تومان از بودجه تدارکات‌موسسات دولتی صرفه‌جوئی خواهد شد ، زیراثابت شده است کــه چنانچه کلیه احتیاجــات وزارتخانه‌ها از طریق یك موسسه تامین شود و امور مربوط باینکار در یك محل متمرکز گردد نتایج زیر حاصل خواهد شد :

۱ ــ از خرید های زائــد بر حاجت جلوگیری میشود .

۲ ــ افراط و تفریطها ازمیان خواهد رفت .

۳ ــ بهترین کالائی که مورد نیازاست تهیه خواهد شد

۴ ــ دستهای واسطه از میان خواهد رفت .

۵ ــ احتیاجات ارزانتر و مناسبتر تهیه خواهد گشت .

۶ ــ تا آنجــا که ممکن اســت احتیاجات دولتی استاندارد و یژه خواهد شد .

بهر جهت مطالب در اینمورد زیاد است و فوائد فراوان و آنچه جای امیدواری است اینست که اقدامات ما در اجرای تمرکز امور تدارکات وزارتخانه ها در فروشگاه فردوسی صورت عمــل خواهد گرفت واز اینطریق خدمتی به موسسات دولتی ودر نتیجه بکشور خواهد شد .

مجمع عمومی وبازرسان

مجمع عمومی سالی یکبار بطــور عادی تشکیل میشود که به ترازنامه و گزارش مدیر عامل و بازرسان قانونی رسیدگی و آنرا تصویب خواهد کرد . درصورت لزوم مجامع‌فوق‌العاده صاحبان سهام با انتشار آگهی در روزنامه هــای درجه اول تشکیل میگردد واعضاء آن عبارتند از ...

وزیر یا نماینده ویر دارائی نماینده ۵۰٪ سهام

رئیس‌شرکت‌سهامی معاملات‌خارجی یا نماینده ایشان نمایند ۵۰٪ سهام

همچنین فروشگاه فردوسی سه نفر بازرس قانونی

که این عده از طرف وزارت دارائی تعیین میشوند ، وظیفه بازرسان رسیدگی مستمر به امورمالی و حسابداری‌و بررسی ترازنامه‌است .

حق امضاء چکها و سفته‌ها و اوراق واسناد ذمه‌آور با مدیر عامل باتفاق یکی از دو معاون یا مدیر عامل با رئیس‌هیئت مدیره یا **مدیر عامل یا قائم مقام هیئت مدیره میباشد .**

همچنین‌نامه‌های‌صادره بامضاءرئیس و مسئول قسمت صادر کننده باتفاق یکی از معاونین مربوط میباشد

مدیران عامل

فروشگاه فردوسی از بدو تاسیس تاکنون‌هشت مدیر عامل داشته که به ترتیب عبارت‌انداز (هاینه، وینتروویزه) آلمانی و آقایان فرزاد ، نیکپور ، شادمان ومتقی دکتر ایقانی مدیران ایرانی .

اقدامات چند ماهه اخیر

طی چند ماه اخیر یعنی از بدو تصدی‌آقای دکترایقانی‌بمدیریت فروشگاه فردوسی قدمهای اساسی در فروشگاه برداشته شد و باید گفت تحولی عمیق و ریشه‌دار در شئون اداری وبازرگانی این موسسه بوجود آمده است . خبرنگاران **اقتصادی مــا خود ناظر این تحولات** بوده‌اند گزارش جامعی دراین زمینه‌تهیه کرده‌اند

فعالیتهای

سازمان برنامه

درآغاز برنامه

سوم عمرانی کشور

درفاصله ربع قرن اخیر بتوازی تحولات شگرفی که در جهان رخ داده پیشرفت محسوسی نیز در کلیه شئون اقتصادی ـ صنعتی و اجتماعی کشور ما پدیدار گشته است .

این پیشرفتها که نتیجه کوششها و اقدامات‌مداوم وارزنده سازمانهای مختلف میباشد قهرا تاثیر عمیقی در بهتر ساختن وضع اجتماعی و بالابردن سطح زندگی افراد بجا گذاشته و فی‌الواقع فصـــل تازه‌ای را در تاریخ تحولات اجتماعی ایران گشوده است .

اجرای پروژه‌های وسیع عمرانی با توسعه راهها ، ایجاد شهرها و احداث ابنیه مختلف ، بسط کشاورزی درروستاها و اراضی فلاحتی بانجام طرح ساختمان سدهای متعدد و استفاده از سیستم های جدید کشاورزی ، تاسیس کارخانجات صنعتی و تولیدی ، بهره‌برداری از منابع ذیقیمت زیرزمینی ، بالابردن سطـح بهداشت عمومی و اجرای بسیاری از طرحهای مفید دیگر در زمان محدود و فرصت اندکی که برای انجام آنهاوجود داشت بخوبی میرساند که نتیجه‌حاصله از این اقدامات تا چه حدی قابل‌ارزش بوده و چه تحولی در وضع اجتماعی کشور بوجود آورده است . گرچه‌چنین ترقیاتی با مساعی همه جانبه سازمانها و اشخاص بوقوع پیوسته لیکن اقدامات پی‌گیر سازمان برنامه در این جهت بیش از همه شایان توجه میباشد و میتوان گفت که سهم عمده‌ای از پیشرفتهای آبادانی کشور مدیون اجرای پروژه‌های مهم هفت ساله اول و دوم این سازمان بوده است .

باین جهت نظر باهمیت‌فوق‌العاده

صنعت نساجی همزمان‌بااجرای‌طرحهای وسیع‌صنعتی روزبروز توسعه‌مییابد



اقدامات سازمان برنامه از بدو تاسیس تاکنون و طرحهائی که در نظر است انجام شود در این مقاله اختصاصی ضمن آشنائی بیشتر خوانندگان با این‌دستگاه وسیع آبادانی گوشه‌ای از فعالیتهای‌سال گذشته سازمان برنامه در زمینه خدمات صنعتی معرفی خواهد شد .

علل پیدایش سازمان برنامه و تاریخچه آن

قبل از بحث پیرامون فعالیتهای سازمان برنامه لازم بنظر میرسد که شمه‌ای از تاریخچه پیدایش برنامه‌های عمرانی ذکر شود .

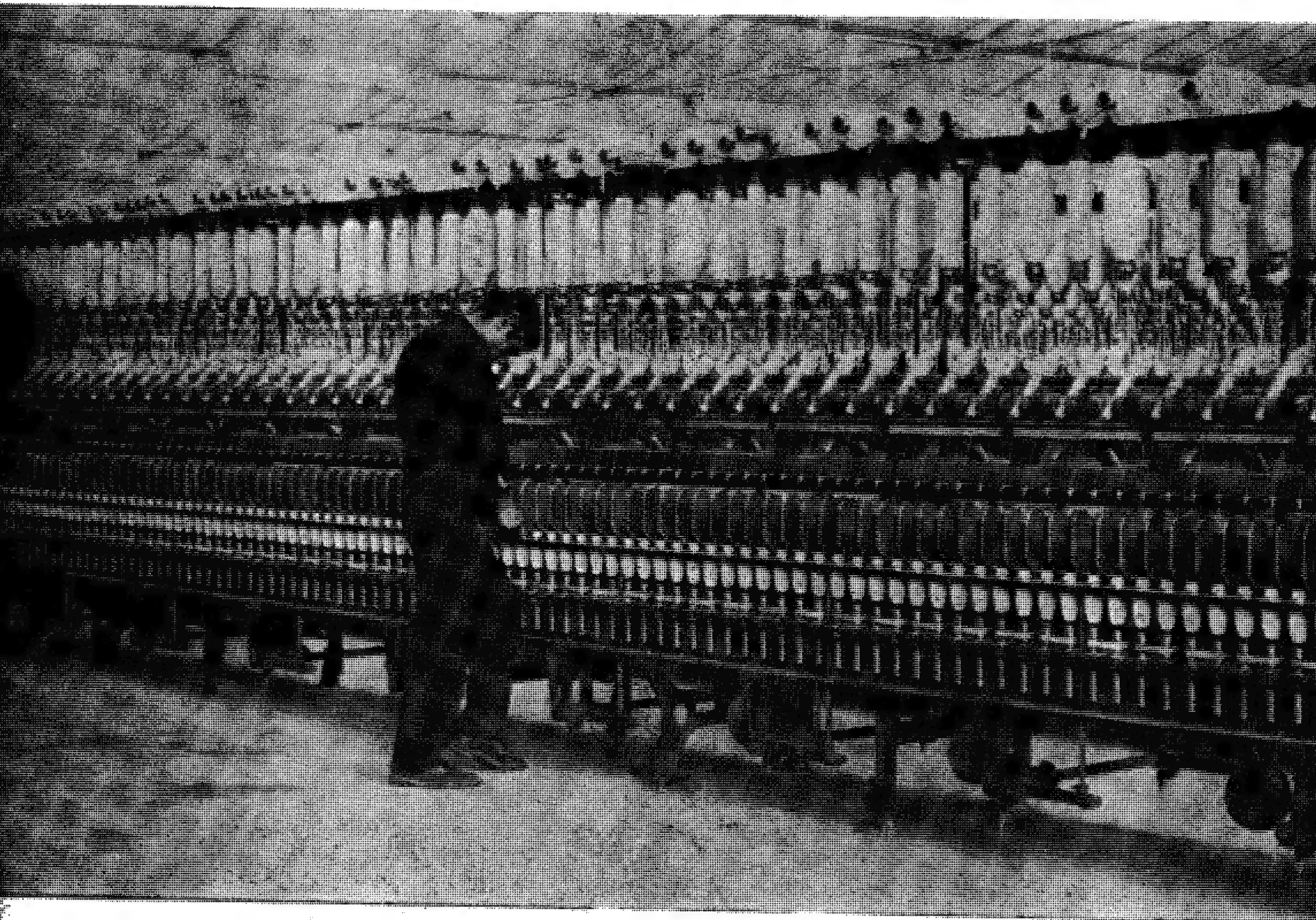
طرح‌ریزی برای‌آغاز برنامه‌وسیعی در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران قبل از شروع جنگ دوم‌جهانی بخوبی احساس میگردید . وقوع جنگ دوم گرچه خرابیهای زیادی برای کشور ما بارمغان آورد و بطور مستقیم یا غیر مستقیم موجب از هم پاشیدگی شیرازه امور اقتصادی کشور شد لیکن همین خسارات فراوان سبب گردید که فکر ترمیم و توسعه اقتصادی کشور پس از خاتمه جنگ بیش‌ازپیش قوت یابد .

در اوائل سال ۱۳۲۵ برای مرتفع ساختن چنین نیاز مبرمی دو قدم اساسی برداشته شد قدم اول مربوط به بهبود و اصلاح وضع کارخانجات دولتی بود که طی دوران جنگ دچار وضع نامطلوبی گردیده بود و قدم دوم که اساس‌اقدامات عمرانی حالیه را تشکیل میدهد عبارت‌از تنظیم یك برنامه توسعه اقتصادی برای کشور بود . برای انجام هدف اول‌بانکی بنام بانك صنعتی و معدنی ایران تاسیس یافت و کلیه کارخانجات و موسسات اقتصادی دولت باستثنای صنعت نفت و انحصار دخانیات و راه‌آهن دولتی درآن دستگاه متمرکز گردید لیکن برای‌اجرای هدف دوم طبق تصمیم متخذه هیاتی بنام کمیته‌برنامه بمنظور تهیه یك برنامه توسعه اقتصادی انتخاب شد .

هیات مزبور پس‌از تحقیقات و مشاورات لازم یك برنامه ٦٢ میلیارد ریالی (۱٫۹۳ میلیون دلار بر ماخذ نرخ بر دلار۳۲ ریال) تنظیم نمود و در نیمه دوم سال ۱۳۲۵ برای تامین اعتبار قسمتی از برنامه مذکور با بانك بین‌المللی ترمیم و توسعه تماس بعمل آمد .

بانك بین‌المللی برای مطالعه و بررسی تقاضای اعطای وام جزئیات طرحها و برنامه‌های پیشنهادی را از دولت ایران خواستار شد و بهمین جهت دولت ایران نیز برای انجام این تقاضا

وجود دستگاهها و ماشین آلات‌مدرن درکارخانجات تولیدات کشوررا بمیزان قابل توجهی افزایش داده‌است .



در آذرماه همان سال قراردادی باشرکت بین‌المللی (موریسن نودسن) منعقد ساخت تا برای تهیه برنامه‌ای که مورد قبول اولیای بانك بین‌المللی باشد اقدام نماید .

در سه ماهه دومسال ۱۳۲۶ شرکت موریسن نودسن گزارشی تحت عنوان (برنامه توسعه اقتصادی ایران) بمقامات دولت ایران تسلیم نمود لیکن از آنجا که‌وسعت برنامه پیشنهادی خارج ازحدود امکانات مالی دولت ایران بود لذا یك برنامه نهائی براساس تحقیقات شرکت مزبور تنظیم گردید و این طرح‌بصورت لایحه برنامه هفت ساله اول در بهمن‌ماه سال ۲۷ مورد تصویب مجلس قرار گرفت .

مشکلات کار در برنامه‌های عمرانی اول و دوم

باوجودیکه برای اجرای هر طرح تازه‌ای در وهله اول ممکنست مشکلاتی پیش آید لیکن از آنجا که فعالیت‌سازمان برنامه معطوف انجام پروژه‌های وسیع‌در رشته‌های مختلف اقتصادی کشور گردیده باین جهت برای شروع و انجام طرحهای مختلف قهرا سازمان برنامه تاکنون با اشکالات همه جانبه‌ای روبرو بوده‌است.

در آغاز فعالیت یعنی ازنیمه‌دوم سنه۱۳۲۸ دوسال‌ازسالهای نخستین‌برنامه اول برای ایجاد تشکیلات سازمان برنامه واصلاح‌وضع و تجدید تشکیلات صنایعی که انجام آن از بانك سابق صنعتی و معدنی سلب و به سازمان برنامه محول گردیده بود صرف‌گردید .

لیکن در اوایل سال ۱۳۳۰ بحران نفت کشور را دچار مضیقه شدید مالی نمود و این موضوع سبب گردید که اجرای قسمتی از پروژه‌های مهم برنامه اول اضطرارا بمیزان قابل ملاحظه‌ای دستخوش رکود و بطوء گردد و بهمین علت پس‌ازبرقراری مجدد درآمد نفت برنامه تازه‌ای جهت توسعه اقتصادی‌منطبق با اوضاع و احوال جدید تهیه گردید و برنامه اول در شهریور ۳۴ متوقف شد .

در برنامه دوم نیز که قانون آن در هشتم اسفند ماه ۳۴ بتصویب مجلس شورایملی رسیده بااینکه سازمان برنامه بر مبنای طرحهای کلی و پرارزشی نظیر افزایش تولید و تکثیر صادرات، ترقی کشاورزی و صنایع ، اکتشافات و بهره‌برداری از معادن زیرزمینی ، تکمیل وسائل ارتباطی و اصلاح امور بهداشت عمومی و فرهنگ فعالیت نمود لیکن هنوز هم‌آهنگی کافی در اجرای این برنامه بوجود نیامد و بعلاوه پاره‌ای مشکلات مالی و موضوع تطبیق برنامه با بودجه‌های مصوبه همچنان باقی‌ماند .

مع‌الوصف با تمام مواردی که در فوق ذکر شد باید اذعان داشت که‌نتایج حاصله از اقدامات سازمان طی برنامه‌های اول و دوم با در نظر گرفتن موقعیت سیاسی و اقتصادی کشور رضایتبخش‌بود. و تا حدود شایان توجهی در بهبودی‌وضع اقتصادی و اجتماعی کشور موثر واقع گردیده است .

اکنون که برنامه پنجساله سوم نیز بمرحله اجرا گذارده شده با تجربیات گرانبهائی که از برنامه های عمرانی سابق تحصیل گردید و طلیعه درخشانی که برنامه پنجساله سوم داشته است میتوان امیدوار شد که تحت شرایط مطلوبتر و با نتایج ارزنده‌تری پروژه‌های وسیع عمرانی اجرا گردد .

بیلان فعالیتهای سازمان برنامه در سال ۴۲

برای آشنائی بیشتر خوانندگان به فعالیتهائی که طی سال گذشته توسط سازمان برنامه انجام گردیده اجمالا گوشه‌ای از اقدامات سازمان را دررشته های‌مختلف از قبیل کشاورزی‌ـ‌ارتباطات و مخابرات ـ صنایع و معادن و نیرو ـ فرهنگ ـ بهداشت ـ نیروی انسانی، عمرانی شهری متذکر میشویم .

ازابتدای برنامه سوم تا آخر سال گذشته ۲۱ طرح صنعتی و معدنی‌بمبلغی درحدود ۳ر۲ میلیارد ریال به تصویب هیئت عامل سازمان برنامه رسیده است . ضمن این گزارش بدوا بمیزان پیشرفت طرحهائی که حائز اهمیت بیشتری است اشاره‌نموده بعدا میزان پیشرفت طرحهای دیگر شرح داده میشود .

۱ـ سال گذشته طرح بررسی صنایع پتروشیمی ایران بمبلغ ۶ر۲میلیون ریال بتصویب هیئت عامل رسیده است . انستیتو فرانسه دوپترول تعهد نمود که امکانات فعلی و آتی صنعت پتروشیمی را در ایران طی ۱۰ سال آینده مطالعه نماید و ظرف ده ماه نتیجه تحقیقات خود را به سازمان برنامه گزارش دهد . انستیتو مزبور گزارش مقدماتی را به پایان رسانید و تسلیم سازمان برنامه نمود و بر اساس آن قراردادی بین سازمان برنامه و موسسه مذکور امضاء و مبادله شد و بدین ترتیب کار صنعت پتروشیمی وارد مرحله جدیدی شد .

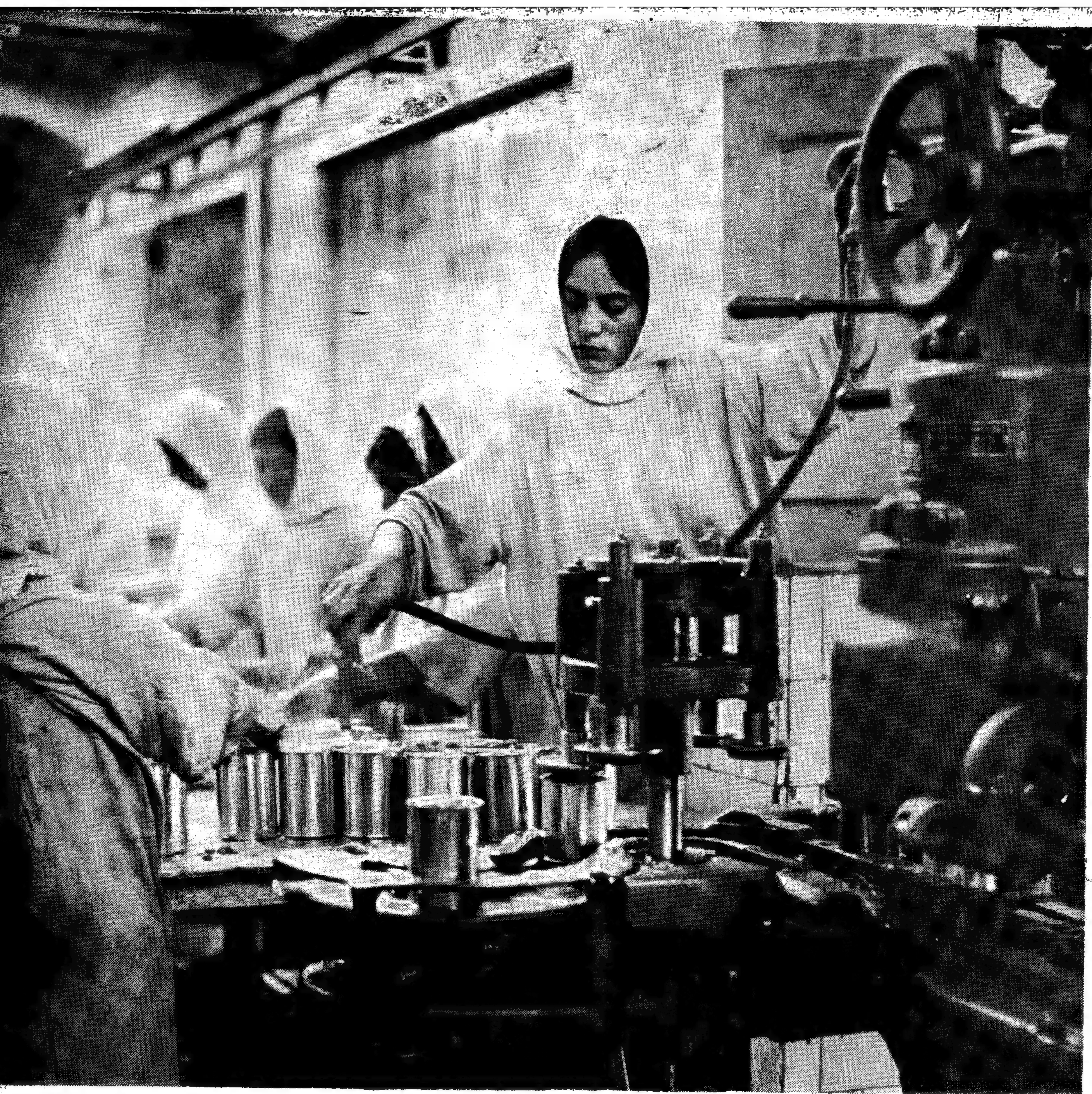
۲ـ قسمتی از مطالعات مربوط‌بمواد اولیه مورد نیاز کارخانه ذوب‌آهن که سنگ‌آهن و ذغال میباشد از نظر کمی و کیفی توسط سازمان ذوب آهن ایران در سالهای ۱۳۴۱ و۱۳۴۲ انجام گرفته و نتیجه حاصله رضایت‌بخش بوده است. معادنی که مورد بررسی قرارگرفته‌اند میتوانند جوابگوی احتیاجات ذوب‌آهن باشند .

۳ـ برای تکثیر مصنوعی ماهی های غضروفی و لای‌روبی مرداب پهلوی و بررسی آبهای جنوب دریای خزر در سواحل ایران موافقتنامه و قراردادی با کارشناسان شوروی امضاء و مبادله شده است .

۴ـ طرح مطالعات سازمان زمین شناسی ایران بمبلغ ۱۹۲ میلیون ریال و همچنین طرح‌ساختمان محل‌سازمان زمین شناسی‌بمبلغ ۶۰ میلیون ریال موردتصویب هیئت‌عامل سازمان برنامه و سازمان ملل قرار گرفته و مقدمات ساختمان آن‌فراهم گردیده است . کارشناسان خارجی طرح مطالعات زمین‌شناسی ایران مشغول بکار گردیده وقسمتی از مطالعات اولیه را انجام داده‌اند نتیجه این مطالعات بانقشه های مربوطه بتدریج چاپ و در دسترس علاقمندان گذارده خواهد شد .

۵ـ طرح شهرهای صنعتی بمبلغ ۴۰۰ میلیون ریال از تصویب هیئت‌عامل گذشته و بموجب طرح مزبور برای بهبود مدیریت فنی و مالی و اداری‌صنایع کوچك و متوسط از طریق ایجاد مراکز نمونه و تسهیل در سرمایه‌گذاری‌صنعتی شهرهای صنعتی ایجاد خواهد شد . اساسنامه شهرهای صنعتی تهیه و برای تصویب هیئت دولت تقدیم گردیده است .

۶ـ برای‌کمك به سرمایه‌گذاران خصوصی تصمیم گرفته شد که اعتباراتی بصورت وام در اختیار بانك توسعه صنعتی و معدنی و بانك اعتبارات صنعتی و صندوق ضمانت صنعتی ایران گذارده شود تا این بانکها برای اعطای وامهای صنعتی‌دراز مدت بسرمایه‌گذاران‌خصوصی مورد استفاده قرار دهند . برای انجام این منظور سازمان برنامه طی دوره برنامه سوم مبلغ ۱ر۲۰۰ میلیون ریال دراختیار بانك اعتبارات صنعتی خواهد گذارد تا بانك مزبور اقدام باعطای وامهای صنعتی



با ایجاد کارخانجات بزرگ برای کنسروسازی و تهیه مواد غذائی محصولات غذائی سالم و قابل اطمینانی ببازار عرضه میگردد

از یك تا شش میلیون ریال بنماید . از آغاز برنامه تاکنون این بانك مبلغ ۱۳۰ میلیون ریال از سازمان برنامه دریافت داشته و ۱۱۳ میلیون ریال آنرا بمصرف پرداخت وام رسانیده است .

صندوق ضمانت صنعتی نیز ۸۰۰ میلیون ریال دریافت خواهد داشت تا بمصرف وامهای صنعتی کوچك از ۵۰۰ هزار ریال تا ۲ میلیون ریال برساند . این صندوق در سال ۱۳۴۰ مبلغ ۵۰ میلیون ریال از سازمان برنامه دریافت داشته و متجاوز از ۲۵ میلیون ریال آنرا به متقاضیان وام پرداخت نموده‌است .

سازمان برنامه با استفاده از تغییر ماده ۲۳ لایحه قانونی برنامه عمرانی سوم و تحصیل اجازه مشارکت در سرمایه با سرمایه‌گذاران خصوصی مبلغ ۱٫۸۰۰ میلیون ریال از اعتبارات عمرانی برنامه سوم را برای مشارکت درسرمایه تخصیص داده است تا بوسیله بانکهای اعتبارات صنعتی و توسعه صنعتی و معدنی ایران خصوصی برسد .

بمصرف مشارکت در سرمایه گذاریهای

کمك فنی بسرمایه‌گذاران خصوصی درصنایع

۱ــ طرح کمك فنی و راهنمائی به صنایع خصوصی درسال ۱۳۴۲ بمبلغ ۱۸۰ میلیون ریال به‌تصویب رسیده است با اجرای طرح مزبور در حدود ۱۸۰ کارشناس مدیریت و متخصص فنی از خارج برای صنایع خصوصی استخدام خواهند شد و اشکالات صاحبان صنایع خصوصی راازلحاظ مدیریت ــ حسابداری صنعتی و دیگر مشکلات مرتفع خواهند نمود و درعین حال کارکنان ایرانی شاغل



درعکس بالا آقای مهندس اصفیادرباره قرارداد ایجاد صنعت‌پتروشیمی توضیحاتی بخبرنگاران میدهند

در صنایع خصوصی نیز در رشته‌های مختلف تحت تعلیم قرار خواهند گرفت تا تدریجا شایستگی اداره کردن امور کارخانجات را پیدا نموده وفقدان کارشناس مدیریت نیز که یکی ازعوامل مهم عدم توسعه صنایع در کشور است تاحدی مرتفع گردد.

سازمان مدیریت صنعتی که دستگاه اجرائی این طرح **میباشد** اقدامات‌اولیه را برای انتخاب موسسه کاریاب جهت یافتن و استخدام کارشناسان بعمل آورد.

۲ــ طرح دیگر کمك فنی بصنایع که درسال گذشته بتصویب رسیده است طرح کمك فنی و راهنمائی بصنایع‌نساجی بمبلغ ۲۳۲ میلیون ریال میباشد علت اصلی تصویب این طرح اشکالات زیادی بود که صاحبان صنایع نساجی خصوصی با آن روبرو بودند و آنها را تهدید به ورشکستگی مینمود بموجب این طرح از باقیمانده کارشناسان موسسه یونایتد مرشندیس که یك قرارداد ده ساله با کارخانه چیت‌سازی تهران دارند استفاده شد و ۱۹ نفر کارشناس برای رسیدگی بوضع صنایع نساجی خصوصی و رفع اشکالات کار آنها استخدام خواهند شد.

۳ــ مطالعات برای ایجاد صنایع و تاسیس کارخانجات ــ از ابتدای برنامه سوم تهیه طرحهائی برای بررسی صنایع مختلف از قبیل صنعت فرش ــ صنایع مواد غذائی ــ صنایع نصب فلزات ــ صنایع پتروشیمی ــ شیلات ــ رنگ ــ شیشه و صنایع‌کوچك پیش‌بینی شد و مقدمات کار انجام بررسی‌ها که عبارت از مکاتبه وتماس با سفارتخانه‌های‌خارجی و یافتن اسم و آدرس موسسات تحقیقاتی خارجی بوده فراهم گردید و با تعدادی از این موسسات مکاتبه و علاقمندی‌آنان به‌بررسی صنایع مختلف جلب‌شد.

از طرحهای مهم بررسی که درسال ۱۳۴۲ بتصویب رسید و بمرحله اجرا درآمد طرح بررسی صنایع پتروشیمی میباشدضمنا مقدمات بررسی صنعت‌فرش ــ پشم نرم و کودهای فسفاته نیز فراهم شده است که در سال ۱۳۴۳ بمرحله‌اجرا درخواهد آمد. بررسی پشم نرم‌تامرحله عقد قرارداد پیش رفته و امید میرودکه تا قبل از پایان سال جاری بمرحله‌مبادله قرارداد برسد برای اجرای طرحهای کمك بمطالعات فنی سرمایه‌گذاران

خصوصی ابتدا پیش‌بینی شده بود که این مطالعات نیز توسط موسسات مشاور تحقیقاتی خارجی انجام شود ولی بعدا با مذاکراتیکه با اولیای سازمان ملل متحد بعمل آمد سازمان مزبور موافقت نمود چهارنفر کارشناس برای بررسی صنایع ذوب فلزات سیمانی ــ مواد غذائی و صنایع روستائی بایران اعزام دارد اکنون کارشناسان سازمان ملل به ایران وارد و درسازمان برنامه مشغول کار شده‌اند و میتوان اطمینان داشت که بررسی صنایع فوق در پایان سه‌ماهه‌اول سال ۱۳۴۳ انجام گردد .

سرمایه‌گذاری درموسسات صنعتی و انتفاعی موجود دولت

۱ــ شیلات ــ فعالیتهای ماهیگیری ایران بدو قسمت شیلات شمالی و ماهیگیری جنوب یعنی خلیج فارس و بحر عمان تقسیم شده است . بمنظور فعالیتهای ماهیگیری شمال موافقتنامه‌ای در تاریخ پنجم مرداد ماه ۱۳۴۲ بامضاء سازمان برنامه و کارشناسان شوروی‌رسید و بموجب آن قرار شد عملیات‌مشروحه زیر در راس کارهای تخصیصی شوروی قرار گیرد .

۱ــ ایجاد تاسیسات تکثیر مصنوعی ماهیهای غضروفی در جوار رودخانه سفیدرود .

۲ــ لای‌روبی و اصلاح مرداب پهلوی‌بنحویکه در آبهای مشابه‌درشوروی معمول و نتایج مفید بدست آمده است.

۳ــ بررسی آبهای جنوب دریای خزر در سواحل ایران و تهیه‌گزارش فنی و اقتصادی نسبت بافزایش ذخایر ماهی درنواحی مزبور .

براساس قرارداد فوق‌شرکت‌سهامی شیلات ایران طرحی بمبلغ ۱۰٫۷میلیون ریال بعنوان بررسی و افزایش ذخائر ماهی بسازمان برنامه ارائه داد که در تاریخ هفتم آذر ماه ۱۳۴۲ بتصویب‌رسید و بشرکت مزبور ابلاغ شد ولی شرکت سهامی شیلات ایران با درنظر گرفتن مفاد قرارداد تنظیم شده بین ایران و شوروی طرح دیگری بمبلغ ۳۴ میلیون ریال برای تصویب بسازمان برنامه ارائه داد و در آن درخواست نمود که طرح جدید جانشین طرح قبلی شود و این‌طرح در دست مطالعه است .

ب ــ شیلات جنوب ــ آنچه‌مسلم است مطالعاتی که تاکنون راجع‌بذخائر ماهی در خلیج فارس و بحرعمان انجام گرفته وجود ذخایر قابل ملاحظه‌ای را دراین ناحیه پیش‌بینی نموده است .

تاکنون بواسطه سرمایه‌گذاریهای بسیار ناچیز و پراکنده‌ای که بعمل‌آمده هنوز موقعیتی در عرضه کردن ماهی به بازارهای خارجی و داخلی بدست نیامده است سازمان برنامه با تمرکز و بررسی اطلاعاتی که در این زمینه موجود است درنظر دارد طرحی برای تشکیل یك سازمان شیلات جنوب تهیه نماید .

۲ــ قند . کارخانه‌های قند کشور اعم از دولتی و یا خصوصی کلاسالیانه درحدود ۱۵۰ تا ۱۷۰ هزار تن قند و شکر تهیه مینمایند درحالیکه مصرف‌کل کشور در سال بیش از ۴۵۰ هزار تن میباشد و سالیانه مبلغ قابل توجهی ارز برای خرید قند و شکر از مملکت خارج میشود . پیش‌بینی شده که میزان‌مصرف قند و شکر ایران در پایان برنامه سوم به ۵۵۰ هزار تن برسد . عملیات انجام شده بمنظور ازدیاد تولید قند بقرار ذیل میباشد .

الف ــ توسعه کارخانجات قندموجود دولتی ــ در نظر است ظرفیت پنج کارخانه قند دولتی را که عبارتند از آبکوه ــ چناران ــ کرمان ــ تربت حیدریه و شاه‌آباد از حدود ۲۴۰۰ تن چغندر در روز به ۵۹۰۰ تن چغندر در روز برساند . در این مورد سازمان برنامه قراردادی با یك شرکت انگلیسی در تاریخ سیزدهم دیماه ۱۳۴۲ منعقد نموده است که بموجب آن شرکت مذکورتعهد نموده است درمقابل دریافت حق‌الزحمه مطالعات لازم را جهت توسعه کارخانجات مزبور انجام دهد و در عملیات ساختمان کارخانه ونصب ماشین آلات نظارت نماید .

ازنتیجه مطالعاتی که سازمان برنامه بمنظور امکانات تولید و کشت چغندر قند درمناطق مختلف کشور انجام داده بنظر میرسد که وجود مواد اولیه امکان تاسیس هفت کارخانه جدید قند را میسر میسازد در سال ۱۳۴۳ نتیجه این‌مطالعات دراختیار سرمایه‌گذاران خصوصی قرار خواهد گرفت تا سرمایه‌گذاران خصوصی با دریافت وام و یا مشارکت با سازمان برنامه اقدام به‌تاسیس کارخانجات‌مزبور نمایند و درصورتیکه سرمایه‌گذاران خصوصی اقدام به‌تاسیس تمام‌کارخانجات فوق ننمایند سازمان برنامه راسا اقدام بسرمایه‌گذاری‌خواهند نمود . ظرفیت‌این کارخانجات در حدود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تن چغندر در روز بوده و نواحی‌فارس ــ خراسان ــ آذربایجان و لرستان برای تاسیس کارخانجات فوق پیش‌بینی گردیده است .

تعدادی ازکارخانجات دولتی‌زیان میدهند و عده دیگری منافع و درآمد دارند برای بهبود و توسعه کارخانجات زیان‌دهنده مسئولین امر طرحهائی به سازمان برنامه ارائه داده و تقاضای‌تامین اعتبار از وجوه عمرانی سازمان برنامه بصورت وام و یا بصورت سرمایه‌گذاری مستقیم عمرانی نموده‌اند .

از طرحهای مصوبه میتوان چند طرح زیر را نام برد .

الف ــ تکمیل خشکبار مراغه ــ سازمان برنامه طبق موافقتنامه‌ای که با وزارت کشاورزی منعقد نموده بودمتعهد گردیده است که نواقص کارخانه مزبور را بنحویکه آماده بهره‌برداری شود رفع نماید برای این منظور طرحی بمبلغ ۹ میلیون ریال در تاریخ دهم تیرماه ۱۳۴۲ به‌تصویب هیئت عامل رسیده مجریان‌طرح تاکنون بیش از نیمی از مبلغ مزبور را خرج نموده‌اند .

ب ــ تجهیز و تکمیل کارخانه روغن‌کشی جیرفت ــ این کارخانه از محل اعتبار طرحهای عمرانی برنامه دوم ساخته شده و در حال حاضر زیر نظر وزارت اقتصاد است . سازمان برنامه در تاریخ آبانماه ۱۳۴۲ مبلغ ۱۶ میلیون ریال برای تجهیز این کارخانه تصویب اعتبار نمود و تاکنون خرید زمین انجام شده و اقدامات اولیه برای خرید ماشین‌آلات صورت گرفته است .

ت ــ دستگاه دوباره خشك‌کنی دخانیات ــ بمنظور خشك‌کردن توتونهای نوع امریکائی و جلوگیری از مرض کپك‌زدگی‌طرح کارخانه دوباره‌خشك‌کنی دخانیات مرداد ماه ۱۳۴۲ به مبلغ ۴۲ میلیون ریال بتصویب رسید از آن تاریخ انحصار دخانیات ایران با تماس با دفتر فنی سازمان برنامه راجع به مشخصات ماشین‌آلات به‌توافق رسید وعملیات‌مناقصه خرید ماشین‌آلات انجام گردیده‌است.

ث ــ کارخانه عصاره‌گیری رنگ ــ برای احیای رنگهای نباتی و تعمیم دریافت فرش طرحی بمبلغ ۷ میلیون ریال در فروردین ماه ۴۲ بتصویب‌رسیده است .

راه آهن

خلاصه مهمترین اقدامات و کارهائیکه درسال جاری در راه‌آهن دولتی ایران انجام‌شده و یا در شرف انجام است بشرح زیر میباشد.

الف ـ اقدامات کلی

۱ـ ایجاد یك دفتر فنی قوی مرکب ازکارشناسان مختلف در رشته‌های جریه ـ خط وابنیه و بهره‌برداری ـ امور مالی و اداری ـ روابط عمومی‌که هم‌اکنون درخدمت راه‌آهن میباشند بمنظور مطالعه دائمی و پیشنهاد طرحهای پیشرفت راه‌آهن بتناسب پیشرفت راه‌آهنهای دنیا.این دفتر ضمنا در بررسی کلیه طرحها مشاور رئیس کل راه‌آهن میباشد .

۲ـ تهیه وسائل فنی ضروری راه‌آهن

۳ـ تشکیل کنگره روسای نواحی راه‌آهن برای هم‌آهنگ ساختن کار کلیه نواحی با اصلاحات پیش‌بینی شده در برنامه سال ۱۳٤۲ و اتخاذ تصمیمات لازم

٤ـ تجدیدنظر در مقررات مربوط بتخفیف‌های سنگین کالاهای دولتی که توازن دخل وخرج راه‌آهن را برهم زده است و تهیه طرحهای لازم برای تصویب دولت .

٥ـ بررسی و تجدیدنظر درتعرفه راه‌آهن بمنظور انطباق آن با شرایط اقتصادی راه‌آهن کشور .

٦ـ تجدیدنظر و ایجاد تسهیلات لازم در طرز قبول و تحویل‌بار .

ب ـ امور فنی

۱ـ درخط ناحیه راه‌آهن جنوب بین ایستگاههای اندیمشك تا هفت تپه کلیه تراورسهای فرسوده چوبی برچیده و بجای آنها از تراورسهای بتونی استفاده شد و در خط مذکور بالاست‌ریزی گردید و درز کلیه ریلهای منطقه مزبور جوشکاری شد این برنامه بتدریج تا خرمشهر و بندر شاهپور ادامه خواهد یافت .

۲ـ در خط ناحیه راه‌آهن آذربایجان بین ایستگاه میا و پل دختر تراورسهای چوبی برچیده وبجای آنهاتراورسها آهنی نصب و بالاست‌ریزی گردید . این اقدام در تمام طو خط مذکور انجام میشود .

۳ـ برای‌نگاهداری وترمیم خطوط‌راه‌آهن بطور سری و اطمینان‌بخش چند کارگاه مجهز بدستگاههای مکانیک درنواحی شاهرود و اراك تشکیل وازتیرماه ٤۲ شرو بعملیات لازم شده است .

٤ـ برای توسعه امور کشتیرانی دریاچه رضائیه اقدامات تکمیلی شروع و عملیات ادامه‌دارد .

٥ـ تعمیرات اساسی کارخانه تراورس بتونی خاتمه از تیرماه ٤۲ شروع به‌بهره‌برداری و روزانه ۱۰٥ اص تراورس تهیه و بمحل کار ارسال میشود .

٦ـ اقدامات جدی و اساسی برای بهبود وضع قطارها مسافری و تامین آسایش مسافران کلیه خطوط راه‌آه بعمل آمده .

ج ـ امور آموزشی

برای تقویت کادر ماموران فنی و مالی و اداری آشناساختن آنها بروشهای علمی و اقدام به‌تشکیل کلاسها دیزل الکتریك ـ مولد بخار ـ علائم الکتریکی ـ مکانیز نمودن خطوط ـ ارتباطات ـ برق و تهویه ـ برق وموتور انبارداری ـ حرکت و بازرگانی آمار و بهره‌برداری کور تکمیلی برای آموزشگاه‌دیده‌های قدیمی و کلاسها مذکور دایر است .

د ـ امور مالی و درآمد

۱ـ بمنظور ازدیاد درآمد راه‌آهن با شرکت ملی نف مذاکرات لازم معمول و موافقت حاصل شد که نسبت بعرض بیشتر محمولات نفتی مظروف و غیرمظروف براه‌آهن اقدا و نرخ نفت سیاه و نفت گاز تحویلی در اهواز بهمان نر سابق محسوب دارند . و تنها دراثر این اقدام سالیانه درحدو

دولتی ایران

۸ میلیون ریال بسود راه‌آهن خواهد بود .

۲ــ برای جلب‌نظر تجار و ازدیاد حمل بارهای تجاری راه‌آهن درنرخ کرایه حمل کالاهای مختلف تجدیدنظر و خفیفهای کلی تاحدود امکان داده شده و برای بهبود و شرفت امور حمل و نقل بمنظور ازدیاد درآمد جلسات عددی با حضور کلیه روسای بهره‌برداری نواحی راه‌آهن کیل و تصمیمات مقتضی اتخاذ و بمرحله عمل‌درآمده‌است.

۳ــ اقدامات حادی بمنظور جلوگیری از اتلاف‌درآمد صرفه‌جوئی نمودن در هزینه‌های مختلف معمول گردیده لوریکه از این راه ارقام قابل ملاحظه‌ای بدست‌آمده‌است.

ر ــ امور اجتماعی و اداری

۱ــ برای بهبود وضع شرکتهای تعاونی راه‌آهن و یه اجناس مصرفی آنها بطور یکجا و از دست اول ویکسان ردن بهای فروش در تمام شرکتهای تعاونی نواحی راه‌آهن درنظر داشتن وضع و قیمت اجناس در بازارهای شهرستانها رفاه حال اعضاء و خانواده‌های آنان اتحادیه‌ای در مرکز ۱۵ شرکت تعاونی و مصرف که در تهران و نواحی اه‌آهن بوجود آمده و عموما نیز به ثبت رسیده است تشکیل شروع بکار کرده است . ضمنا اتحادیه مذکور به ثبت سیده .

۲ــ سازمان جدید ادارات ونواحی راه‌آهن برطبق حتیاج و با دقت تهیه و درکمیسیونی با عضویت اعضاء الی‌رتبه مورد بررسی است تا پس‌از خاتمه کار کمیسیون ذکور بمرحله عمل درآید .

۳ــ آئین‌نامه جدید استخدامی و مزایای کارکنان اه‌آهن تهیه و پس‌از تصویب سازمان کلی راه‌آهن مورد ستفاده واقع خواهد شد .

٤ــ برای ایجاد تفریحات سالم برنامه‌هائی برای استفاده کارگران و کارمندان وخانواده‌هاشان از پلاژهای فرح‌آباد واقع در ۳۲ کیلومتری شهر ساری و محمودآباد وشرفخانه و اردوگاه تابستانی درایستگاه بیشه (ایستگاه بیشه یکی‌از ایستگاههای خوش‌آب‌وهوا و سبز وخرم میباشد که درخط ناحیه لرستان واقع است) تهیه شده که درسال جاری مورد استفاده عده زیادی از ماموران واقع‌گردید .

٥ــ درمورد تهیه مسکن برای ماموران بی‌خانه طرح و پیشنهاد لازم بوزارت راه و سازمان خانه‌سازی کشور بمنظور ساختن یکهزار دستگاه منزل‌مسکونی مرکز ونواحی و طول خطوط راه‌آهن تسلیم شده‌است .

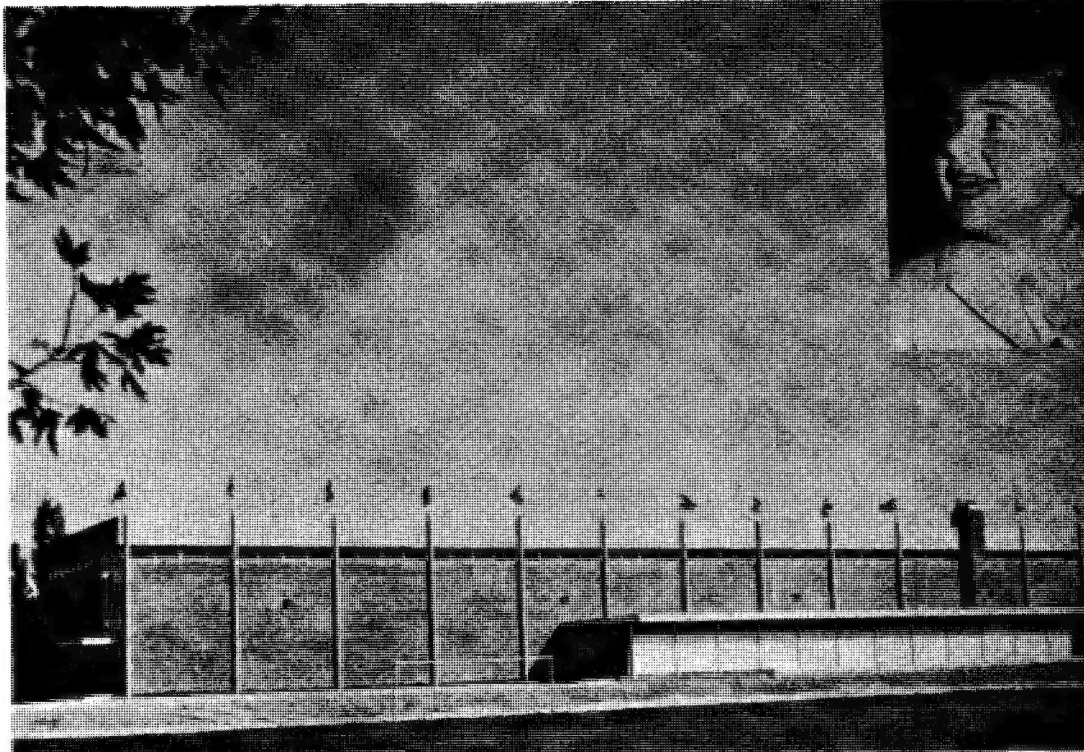
٦ــ دو تیپ نقشه حمام برای کارکنان ایستگاهها تهیه و اعتبارات لازم تامین و شروع به احداث و تاحال ۱۲۰ دستگاه آنها ساخته شده است.

۷ــ درپلاژ فرح‌آباد چند دستگاه ساختمان مسکونی و تعداد ٤۲ کابین و یك رستوران مدرن و تاسیسات دیگری نیز بوجود آمده که مورد استفاده کارکنان راه‌آهن و خانواده‌های آنان است .

۸ــ ساختمان های نیمه تمام مسکونی ایستگاههای زرین‌دشت‌ــ کبوتردرهــ کوی‌کارگران تهران‌ــ اندیمشك‌ــ تنگ پنج‌ــ تنگ هفت ــ وزنجان تکمیل و دبستان شهریار و باشگاه تبریز ساخته شده است .

۹ــ اقدامات موثری برای بهبود وضع بهداری و بهداشت ماموران و خانواده آنان بعمل آمده و بیمارستان شماره دوم ۱٥۰ تختخوابی روز ۲۱ر۳ر٤۲ در تهران‌گشایش یافته است .

۱۰ــ کتابخانه و قرائت‌خانه دریکی از سالنهای‌عمارت هنرستان راه‌آهن بر مبنای اصول کتابداری جدید وبصورت آبرومندی برای استفاده کارکنان راه‌آهن وعلاقمندان بکتاب آماده و روز ۲۳ر۱۰ با حضــور مقامات وزارت راه و مدیران کل‌و روسای‌ادارات‌راه‌آهن و عده‌ای از کارمندان عالی‌رتبه گشایش یافت .



بنای استادیوم نوبنیاد رضا پهلوی

کارنامه ورزشی درسالیکه گذشت

درسراسر ایران ساختمانهای نوبنیادورزشی دراختیار جوانان قرارگرفت

با بازگشت مجدد تیمسار سرلشگر دکتر عباس ایزدپناه بسازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم ، ورزش ایران در راه نوینی گام برداشت .

درسال گذشته سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم ایران برای توسعه و گسترش ورزش سال پر تلاشی را پشت سر نهاد .

سازمان تربیت بدنی کوشیده است که همواره پیرو اوامر خردمندانه شاهنشاه باشد وتیمسار سرلشکردکترایزدپناه دردوران تصدی ورزش ایران تنها باین اندیشیده اند که ورزش کشور را درمیان جوانان گسترش دهند ودرایجاد استادیومها و سالنهای ورزشی درسراسر کشور اقدام جدی ومؤثری بعمل آورند . بخصوص ورزشرا از قهرمان پروری بدرآورده وآن را موجد تندرستی و نیرومندی جوانان سازند . سال گذشته برای ورزش ایران سال سازندگی و مسابقه‌های داخلی و خارجی بود .

در این سال رئیس سازمان تربیت بدنی برای سرکشی وگشایش سالنها و استادیومهای ورزشی کشور باغلب شهرهای ایران سفر کردند .

جوانان ما تحت برنامه های تنظیمی سازمان تربیت بدنی و فدراسیونهای ورزشی در مسابقه های بزرگ ورزشی و همچنین تماسهای دوستانه و بین‌المللی پیروزیهای شگرفی بدست آوردند .

فعالیت های ورزشی

یکی از اقدامات پر ارزش سازمان تربیت بدنی ایران برگزاری مسابقه های قهرمانی ایران بودکه برای نخستین بار به پیشنهاد رئیس سازمان انجام یافت مسابقه های قهرمانی ایران در واقع المپیک بزرگی بود برای جوانان ورزشکاران ایران که درراه جدیدی گام بردارند در مسابقه های قهرمانی ایران دختران وپسران ورزشکاردوشادوش یکدیگر بمبارزه های شرافتمندانه ورزشی دست زدند و اغلب رکورد های قدیمی را جا بجا کردند .

قهرمانان اسکی ایران در خاورمیانه مقام اول را بدست آوردند ، در مسابقه جهانی کشتی صوفیه ابراهیم سیف‌پور و منصور مهدیزاده قهرمانان وزن سوم و ششم تیم ملی کشتی آزاد ایران دو مدال نقره و برنز بارمغان آوردند .

بزرگترین موفقیت از آن قهرمانان بکس تیم ملی ایران بود که آنان درمسابقه‌های بکس آسیائی که میان ده کشور بزرگ آسیا انجام یافته مقام دوم را بدست آوردند . تیم ایران در مسابقه های تایلند یك مدال طلا و چهار مدال نقره و چهار مدال برنز بهمراه خود بایران آورد . ورزشکاران دوچرخه سوار ایران در مالازیا مقام دوم وسوم را در قسمت جاده بدست آوردند . رکورد های قدیمی دست نخورده دوومیدانی توسط قهرمانان جوان تهرانی و شهرستانی شکسته شد و در چند تماس بین‌المللی قهرمانان دوومیدانی ایران امتیاز های فراوانی بدست آوردند .

بیش از هشت رکورد وزنه برداری را قهرمانان هالتر ایران شکسته و در دو مسابقه بزرگ بین‌المللی چند رکورد قدیمی را زیر و رو کردند .

سال پر تلاش در فوتبال موفقیت‌آمیز بود این ورزش پرهیجان در میان جوانان بقدری علاقمند پیدا کرده که هم اکنون با همکاری سازمان تربیت بدنی در گوشه و کنار تهران زمینهائی برای ورزش فوتبال ایجاد شده است .

در مسابقه های ما قبل نهائی المپیك تیم فوتبال ایران توانست طی مسابقه‌های جالب وهیجان‌انگیز تیمهای پاکستان و عراق راکه در فوتبال از تیمهای با ارزش آسیا هستند از جدول مقدماتی المپیك خارج سازد اکنون تیم ملی ایران در برابر هندوستان قرار دارد .

فوتبال ایران در سال گذشته چند تماس خارجی گرفت و در اکثر تماسهای خود موفقیت هائی بدست آورد .

***

مهمترین اقدام سازمان تربیت بدنی وتفریحات سالم ایران ایجاد استادیومها و سالن های ورزشی در سراسر کشور میباشد .

این ساختمان‌ها و تاسیسات ورزشی که در بار دوم تصدی تیمسار سرلشگر دکتر ایزد پناه ریاست سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم ایران از بودجه و کومك سازمان مرکزی و دیگر مبالغ احداث‌شده است بدینقرارمیباشد:

الف ـ تهران

۱ ـ ساختمان تریبون و زمین فوتبال و تنیس دانشگاه تهران .
۲ ـ ساختمان سرویس دوش و رختکن و توالت زمین فوتبال و زمین های تنیس دانشگاه تهران .
۳ ـ احداث سالن تمرین کشتی و وزنه برداری در ضلع شمالی سالن‌ورزشی‌دانشگاه تهران.
٤ ـ احداث دوزمین والیبال و دو زمین تنیس درکوی دانشگاه .
٥ ـ ساختمان پنج استخرشنا قانونی با ملحقات آن در نقاط گوناگون تهران .
٦ ـ پارکت کردن کف سالن استادیم فرح وکابل کشی وتامین روشنائی کامل آن برای استفاده و انجام مسابقات و تمرینهای‌ورزشی درهنگام شب و نصب سقف کاذب در سالن .
۷ ـ احداث دو زمین والیبال یك زمین بسکتبال دراستادیوم فرح
۸ ـ اسفالت زمین های ورزشی مدارس .
۹ ـ تامین نیروی برق کافی برای استادیوم امجدیه .
۱۰ ـ ساختمان سالن سر ـ پوشیده استادیوم شهبازباتجهیزات کامل و محوطه سازی از اعتبارات سازمان برنامه .
۱۱ ـ کومك به ساختمان باشگاه ورزشی نوبنیاد نیرو
۱۲ ـ کمك به‌ساختمان باشگاه ورزشی کانون جوانان شمیران .
۱۳ ـ کمك به ساختمان‌باشگاه ورزشی جدید جمشید .
١٤ ـ کمك به ساختمان باشگاه ورزشی جدیدالاحداث باشگاه ایزد فردوسی .
١٥ ـ کمك به ساختمان باشگاه ورزشی همایون .
١٦ ـ کمك به ساختمان و تشکیلات کلوپ اسکی نور .
۱۷ ـ کمك به ساختمان ورزشخانه جدیدالاحداث کاوس .
۱۸ ـ خرید یك میلیون و پانصدهزار ریال لوازم ورزشی .

۱۹ــ انجام تعمیرات ساختمانی کلیه باشگاهها و ورزشخانه‌ها .
۲۰ ــ تقلیل عمق و تعمیرات ساختمانی استخر شنای استادیوم شهباز .
۲۱ــ تعمیرات ساختمانی کلیه استخرهای شنا .
۲۲ ــ توسعه تریبون استادیوم امجدیه بظرفیت ۲۵ هزار نفر و تامین روشنائی آن جهت انجام مسابقه‌ها و تمرینات ورزشی در هنگام شب از اعتبارات سازمان برنامه که بزودی آغاز خواهد شد .

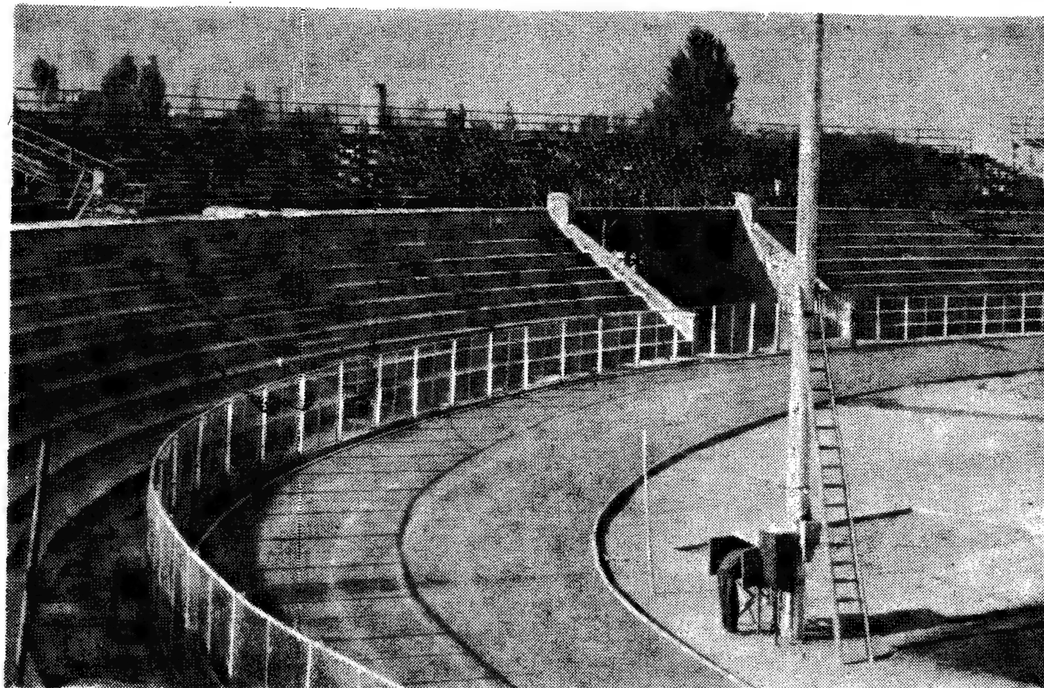
ب ــ شهرستانها :

۱ ــ ساختمان سالن ورزشی شهرستان تبریز .
۲ ــ ساختمان سالن ورزشی شهرستان همدان .
۳ ــ ساختمان سالن ورزشی شهرستان رشت .

اصفهان .
۱۱ ــ ساختمان استادیوم ورزشی باغ همایون اصفهان .
۱۲ ــ ساختمان سالن سر پوشیده شهرستان قم .
۱۳ ــ ساختمان سالن سر پوشیده شهرستان لاهیجان .
۱٤ ــ ساختمان سالن سر پوشیده شهرستان ساری .
۱۵ ــ ساختمان سالن ورزشی و استخر شنای خرمشهر .
۱٦ ــ ساختمان استادیوم ورزشی شهرستان یزد .
۱۷ ــ ساختمان استادیوم ورزشی و سالن شهرستان اهواز .
۱۸ ساختمان سالن سر پوشیده سبزوار .
۱۹ ــ ساختمان سالن سر پوشیده شهرستان شاهرود .
۲۰ ــ ساختمان سالن سر پوشیده شهرستان میاندوآب .



تیمسار سرلشگر دکتر عباس ایزدپناه نخستین کلنگ یکی از ساختمانهای ورزشی را بزمین میزنند



نمای تریبونهای میدان امجدیه که افزایش یافته است

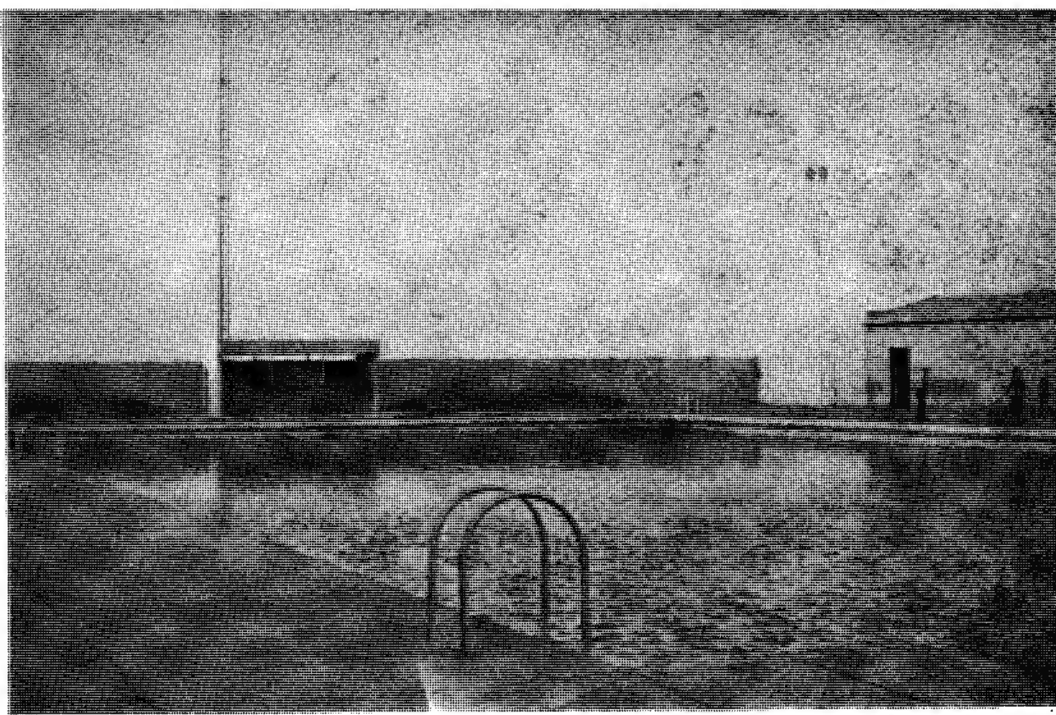
٤ ــ ساختمان سالن ورزشی شهرستان رضائیه .
۵ ــ ساختمان استادیوم ورزشی رضائیه .
٦ ــ ساختمان سالن سر پوشیده شهرستان خوی .
۷ ــ ساختمان استادیوم ورزشی مهاباد .
۸ ــ ساختمان سالن سر پوشیده و استادیوم ورزشی مراغه .
۹ ــ ساختمان استادیوم ورزشی شهرستان اردبیل .
۱۰ ــ ساختمان سالن وزنه برداری و ساختمان تربیت بدنی

۲۱ ــ ساختمان دو دستگاه پلاژ در بندرپهلوی .
۲۲ ــ تکمیل ساختمان سالن سرپوشیده بندر پهلوی .
۲۳ ــ ساختمان سالن سرپوشیده بم
۲٤ ــ ساختمان سالن سر پوشیده علی‌آباد گرگان .
۲۵ ــ ساختمان سالن سر پوشیده لنگرود .
۲٦ ــ تکمیل سالن سرپوشیده فومن .
۲۷ ــ ساختمان سالن سر پوشیده سمنان .

۲۸ ــ ساختمان سالن سر پوشیده بهشهر .
۲۹ ــ ساختمان سالن سر پوشیده نجف‌آباد اصفهان که به تازگی آغاز شده است .
۳۰ ــ تکمیل ساختمان سالن سرپوشیده ملایر .
۳۱ ــ ساختمان استادیوم ورزشی بروجرد .
۳۲ ــ تکمیل ساختمان سالن و استادیوم ورزشی مشهد .
۳۳ ــ تامین روشنائی سالن سرپوشیده مشهد برای انجام مسابقه‌ها و تمرینهای ورزشی در هنگام شب .
۳٤ ــ ساختمان استادیوم ورزشی بندرعباس .
۳۵ ــ ساختمان سالن سر پوشیده شهرستان کرمان .
۳٦ ــ ساختمان سالن سر پوشیده شهرستان نیشابور .
۳۷ ــ ساختمان استادیوم ورزشی آباده .
۳۸ ــ ساختمان سالن سر پوشیده و استایوم ورزشی قوچان .
۳۹ ــ ساختمان سالن سر پوشیده شهری .
٤۰ ــ ساختمان استادیوم ورزشی رفسنجان .
٤۱ ــ ساختمان سالن سر پوشیده مشگین‌شهر .
٤۲ ــ ساختمان سالن سر پوشیده بابل که بتازگی آغاز شده است .
٤۳ ــ ساختمان استخر شنا و تجهیزات اهواز که بتازگی آغاز شده است .
٤٤ ــ ساختمان استخر شنا وتجهیزات زاهدان که بزودی آغاز خواهد شد .
٤۵ ــ تهیه نقشه ساختمانی استادیوم ورزشی و سالن ورزشی از بودجه سازمان مرکزی برای شهرستان های قم ــ بابل ــ آبادان بندرلنگه ــ همایونشهر ــ شهرضا الیگودرز ــ بابلسر و مشهد .

عملیات ساختمانی انجام شده در سال ۱۳٤۲

۱ ــ توسعه تریبون های جنوبی استادیوم امجدیه از اعتبارات سازمان برنامه .
۲ ــ ساختمان سرپوشیده استادیوم رضا پهلوی از اعتبارات سازمان برنامه .



استخر شنای شهر اهواز که دراختیار شناگران گذارده شده‌است

۳ - تکمیل سالن سرپوشیده بندرپهلوی از اعتبارات سازمان تربیت بدنی .

٤ - تکمیل سالن سرپوشیده شهرستان خرمشهر از اعتبارات سازمان تربیت بدنی .

۵ - تکمیل ساختمان سالن سرپوشیده ساری از اعتبارات سازمان تربیت بدنی .

٦- ساختمان استادیوم رضائیه از اعتبارات سازمان تربیت بدنی

۷ - تکمیل سالن‌سرپوشیده شهرستان بم از اعتبارات سازمان تربیت بدنی .

۸ - تکمیل پلاژ های ساحلی بندرپهلوی از اعتبارات سازمان تربیت بدنی .

کار های ساختمانی در دست اقدام از اعتبارات سازمان برنامه

۱ - تکمیل ساختمان سالن سرپوشیده شهری .

۲ - تکمیل ساختمان سالن سرپوشیده گرگان .

۳ - تکمیل ساختمان سالن سرپوشیده شهرستان کرمانشاهان .

٤ - تکمیل ساختمان سالن سرپوشیده کرمان .

۵ - ساختمان سالن سر پوشیده پینگ‌پنگ استادیوم امجدیه .

٦ - ساختمان پیست‌دووزمین فوتبال باشگاه نیروی هوائی .

۷ ساختمان استخر شنا و کابین شهرستان اهواز .

۸ - ساختمان استخر شنا و کابین شهرستان زاهدان .

۹ - محوطه سازی و دیوار کشی محوطه سالن‌شهرستان ساری

۱۰ - محوطه سازی اطراف سالن استادیوم رضا پهلوی .

۱۱ - تامین روشنائی زمین فوتبال شماره یك امجدیه برای استفاده در هنگام شب .

کارهای ساختمانی از محل صرفه‌جوئیهای سازمان تربیت‌بدنی وتفریحات سالم ایران

۱ - نصب دستگاههای تصفیه آب جهت استخرهای شنای استادیومهای امجدیه - فرح - رضا پهلوی .

۲ - تکمیل ساختمان سالن بوکس استادیوم امجدیه که بدست اعلیحضرت همأیون شاهنشاه روز دهم خردادماه گشایش یافت .

۳ - تکمیل استخر های شنا ورزشگاههای شماره ٤ و ۵ و دبیرستانهای خامنه پور و دبستان فردوسی .

٤ - تکمیل استادیوم ورزشی خرمشهر .

۵ - تکمیل‌استادیوم‌شهرستان یزد .

٦ - تکمیل سالن ورزشی شهرستان نجف‌آباد .

۷ - تکمیل سالن سرپوشیده ورزشی میاندوآب .

۸ - ساختمان استادیوم بروجرد .

۹- ساختمان‌سالن‌سرپوشیده شهرستان بابل .

۱۰ - ساختمان‌سالن سر پوشیده بهشهر .

۱۱ - ساختمان استادیوم شهرستان قم .

۱۲ - تکمیل ساختمان سالن ورزشی داراب .

۱۳ - ساختمان استادیوم آذرشهر .

۱٤ - ساختمان استادیوم شهرستان همدان .

۱۵ - ساختمان سالن ورزشی شهرستان سبزوار .

۱٦ - ساختمان سالن ورزشی علی‌آباد گرگان .

برنامه ساختمانی سال ۱۳٤۳ تهران و شهرستانها از اعتبارات سازمان برنامه

الف - شهرستانها :

۱ - شهرستان کرمان بمنظور تکمیل استادیوم و سالن ورزشی .

۲ - شهرستان شیراز بمنظور ساختمان استادیوم درجنوب شهر و تکمیل تاسیسات .

۳- شهرستان اصفهان‌بمنظور ساختمان استادیوم فرح .

٤- شهرستان سنندج بمنظور تکمیل استادیوم ورزشی .

۵ - شهرستان کرمانشاهان بمنظور تکمیل استادیوم و سالن ورزشی .

٦ - بندر پهلوی بمنظور احداث استادیوم فرح در اراضی ساحلی .

۷ - شهرستان زاهدان بمنظور تکمیل استادیوم ورزشی .

۸ - شهرستان بابل بمنظور تکمیل استادیوم و سالن ورزشی .

۹ - شهرستان بندر عباس بمنظورساختمان استادیوم ورزشی.

۱۰- شهرستان بهشهربمنظور تکمیل ساختمان سالن ورزشی .

۱۱ - شهرستان مهابادبمنظور احداث زمین فوتبال و پیست‌دو و میدانی .

۱۲ - شهرستان شمیران بمنظور ساختمان سالن ورزشی

۱۳ - شهرستان قزوین بمنظورساختمان استادیوم ورزشی.

۱٤ - شهرستان بوشهر بمنظور تکمیل سالن و استادیوم ورزشی .

۱۵ - شهرستان شاهرود بمنظور تکمیل سالن ورزشی .

۱٦ - شهرستان زنجان به منظورساختمان سرپوشیده‌ورزشی.

۱۷ - شهرستان آبادان بمنظور ساختمان استادیوم فرح

۱۸ - شهرستان اهوازبمنظور ساختمان استادیوم فرح .

۱۹ - شهرستان خلخال به منظور احداث آستادیوم ورزشی .

۲۱ - شهرستان تربت‌حیدریه بمنظور احداث استادیوم ورزشی .

۲۲ - شهرستان قم بمنظور تکمیل استادیوم ورزشی .

۲۳ - شهرستان ملایر به منظور تکمیل سالن ورزشی .

۲٤-شهرستان‌یزدبمنظورتکمیل استادیوم ورزشی .

۲۵ - شهرستان بهبهان بمنظور تکمیل استادیوم ورزشی .

۲٦ - شهرستان شهرضا به منظور احداث پیست دو و زمین فوتبال .

۲۷ - شهرستان بیجار به منظور تکمیل استادیوم ورزشی .

۲۸ - شهرستان برازجان بمنظور ساختمان استادیوم ورزشی

۲۹ - شهرستان داراب به منظور تکمیل آستادیوم و سالن ورزشی .

۳۰ - شهرستان نجف‌آباد بمنظور دیوارکشی و تسطیح استادیوم .

۳۱ - شهرستان جهرم‌بمنظور تکمیل استادیوم ورزشی .

۳۲- شمیران‌بمنظورساختمان سالن ورزشی .

۳۳ - شهرستان آستارا به منظور ساختمان سالن ورزشی .

۳٤ - شهرستان کازرون بمنظور تکمیل سالن ورزشی .

۳۵ - شهرستان سیرجان بمنظور ساختمان پیست‌دو و زمین فوتبال .

۳٦ - شهرستان رفسنجان بمنظور ساختمان پیست دو و زمین فوتبال .

ب - تهران :

۱ - توسعه تریبون های شمالی استادیوم امجدیه .

۲ - احداث دوش و رختکن و توالت در زیر تریبون های جنوبی امجدیه .

۳ - احداث سالن‌سرپوشیده ورزشی در باشگاه دارایی متعلق به سازمان تربیت بدنی .

٤ - احداث استخر شنا در باشگاه ورزشی شعاع متعلق به سازمان تربیت بدنی .

وزارت کار و خدمات اجتماعی

وزارت کار و خدمات اجتماعی سازمان جوانی است که از سال ۱۳۲۵ برای تدوین و اجرای قوانین حمایت کننده کار و اجتماعی وگسترش عدالت اجتماعی در بین کارگران بوجودآمده است .

در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر که صنعت نوین ایرانپایه گذاری شد روز بروز بر تعداد کارگران شاغل درصنایع افزوده میگشت افزایش‌نیروی کارشاغل در رشته‌های تولیدی وعمرانی لزوم وضع مقرراتی از قبیل « آئین‌نامه کارخانجات و موسسات صنعتی » برای ایجاد وسایل تامین و بهداشت‌کارگران و «آئین‌نامه کارگران معادن» وبالاخره «قانون بهداشت کارگران » مصوب ۱۳۱۸ را ایجاب میکرد . پس‌ازشهریور ۲۰ این مقررات برای حمایت‌کارگران که از یکطرف تعداد آنها همواره‌افزایش مییافت و از طرف دیگر بعلت احتیـاج فراوان بازار کار به نیروی کار جدید و وجود عرضه کار فراوان منجر به اجحاف کارفرمایان میشد جوابگـوی مقتضیات و احتیاجات مملکت و یك‌رژیم اقتصادی سالم نبود و درنتیجه کارگران تحت تاثیر عوامل مختلف و تلقینات عناصر آشوبگر و بدخواه باعتصابات و خرابکاریهای جاهلانه کشانیده شدند و محیط جوان صنعت کشور دچارآشفتگی و هرج و مرج گردید .

بهمین جهت دولت به‌پیروی از منویات ترقیخواهانه شاهنشاه جوان‌خود به‌تاسیس وزارت کار همت گماشت‌اولین قانون کار مشتمل بر ۲۱ ماده در سال ۱۳۲۸ بتصویب مجلس شورایملی رسید که در آن برای اولین‌بار میزان حداقل مزد ــ تعطیلات و مرخصیها ــ حفاظت و بهداشت کارگران ــ سندیکا حـل اختلافات دسته جمعی و بعضی کمکهای تعاونی درمورد کارگران تعیین شده‌بود. چون با پیشرفت صنعت و افزایش تعداد کارگران قانــون موجود جوابگوی احتیاجات و مقتضیات نبود درسال۱۳۲۸ قانون جامعتری حاوی ٦۹ ماده و ۳۲ تبصره بتصویب رسید که کلیه‌کارگران شاغل‌درصنعت و رشته‌های مختلف‌تولیدی و عمرانی غیراز کشاورزان را مورد حمایت قرار میداد و هم‌اکنون مورد اجراء است . بموجب این قانون که حفاظت کارگران درمقابل کارهای‌سخت وزیان‌آور ــ آئین‌نامه کار اتباع‌بیگانه ــ آئین‌نامه آموزش کارگران در حین‌کار آئین‌نامه باسوادکردن کارگـــران ــ مقررات مربوط به تاسیس شرکتهای تعاونی مصرف کارگری وسندیکاها ــ آئین‌نامه حل اختلافات و مقررات‌مربوط به مذاکرات دسته‌جمعی تدوین‌گردید.

از سال ۱۳٤۰ که نام وزارت‌کار به‌وزارت کار و خدمات اجتماعی تبدیل یافت وظایف و تکالیف جدیدی بعهده این وزارتخانه گذاشته شد . اجرای‌برنامه های ایجاد مسکن برای کارگران در سراسر کشور و مخصوصا در شهرهای صنعتی بزرگ مانند تهران و آبادان و اصفهان و تشویق کارگران به تاسیس شرکتهای تعاونی مصرف‌که تعداد آنها به ۲۳٦ واحد رسیده و دارای ۱۱٤۵۳۳ نفر عضو میباشند و همچنین بموقع اجرا گذاشتن پروژه‌های ورزش و تفریحات سالم برای کارگران و ایجاد اندرزگاه های کارگری از اهم خدمات اجتماعی وزارت کار و خدمات اجتماعی‌میباشد.

با اجرای برنامه اصلاحات‌ارضی و توسعه امور صنعتی ومکانیزه شدن کشاورزی که یکی از اصول ششگانــه شاهنشاه است و طبعا قسمتی از نیروی آماده بکار و زائد روستاها را بطرف شهرها سوق خواهد داد وزارت کار برنامه‌های دیگری بمنظور تامین اشتغال تام کارگـــران در دست تنظیم دارد . خوشبختانه برنامه عمرانی سوم کشور قسمتی از این کارگران را بکاروامیدارد و قسمتی دیگر در کارهای جدیدی که در روستاها بمناسبت مکـــانیزه شدن کشاورزی بوجود خواهد آمد مشغول خواهند شد .

دراجرای سیاست اشتغال تام‌وزارت کار و خدمات اجتماعی یك سیستـم

آموزش ضمن کار بموقع اجرا گذارده است که کارگران ساده را بکارگران ورزیده و ماهر تبدیل نموده و آنها را برای احراز مشاغل تخصصی در صنایع و کارهای تولیدی آماده میکند وتاکنون درکلاسهای آموزشی وزارت کار و خدمات اجتماعی متجاوز از ۵۳۰۰ نفر از کارگران باحراز تخصصهای مورد نیاز کشور نائل آمده‌اند .

ازطرف دیگر بمنظور بالابردن میزان تولید کشور افزایش قدرت‌کار و کارآئی کارگران لایحه سهیم شدن کارگران درمنافع کارگاههای تولیدی و صنعتی را که از لوایح ششگانه‌شاهنشاه است بموقع اجرا گذارده و هم‌اکنون غالب کارگران کارگاههای تولیدی و صنعتی و یا سندیکاهای مربوط با کارفرمایان خود با عقد قرارداد دسته جمعی و ضمن کاهش میزان ضایعات ویا افزایش تولید با اجرای سیستم استحصال بهتر و یا روشهای دیگر درمنافع کارگاه سهیم و شریك‌شده‌اند .

بعلاوه مقرراتی برای حمایت کارگران دربرابر کارهای سخت و زیان‌آور درمعادن وضع و بموقع اجرا گذاشته شده و بازرسان کار ضمن‌کنترل اجرای قانون کار اجرای مقررات‌فوق را بعهده دارند .

تساوی حقوق زن و مرد درکارگاه از ابتدای تاسیس وزارت کارشناخته شد و کارگر زن با کارگر مرد درشرایط مساوی کوچکترین تفاوتی ندارند .

یکی دیگر از اقدامات وزارت‌کار در زمینه امور اجتماعی توجه‌بمطالعات درباره نیروی انسانی مملکت است که با آمارگیری صحیح ازمیزان جمعیت‌کشور و افزایش جمعیت سالیانه نیروهای‌آماده بکار مملکت را در سالهای آتی برآورد کرده و احتیاجات کشور را از نظر نیروی انسانی و تخصصهای مورد نیاز با توجه باحتیاجات برنامه‌های عمرانی و آبادانی کشور تعیین نماید . بهمین‌دلیل است که وزارت کار صرفنظر ازتاسیس اداره مشاغل وکاریابی برای درتماس گذاردن عرضه و تقاضای کار بتاسیس اداره هدایت فارغ‌التحصیلان مبادرت ورزیده است تا دانشجویان را ضمن راهنمائی به احراز تخصصی در رشته‌های مورد نیاز کشور در پیدا کردن مشاغل مورد علاقه و منطبق با تحصیلات آنها کمك و مساعدت نماید .

دیگر از هدفهای مترقی‌وزارت‌کار و خدمات اجتماعی اجرای برنامه‌های تعلیمات سندیکائی است تا کارگران را به تشکیل سازمانهای کارگری برای دفاع از حقوق صنعتی خود ترغیب و تشویق نماید .

هم‌اکنون در اکثریت‌قریب باتفاق کارگاههای کشور و صنایع و حرف مختلف سندیکاهای کارگری تشکیل و با سندیکاهای کارفرمائی بعقد قرارداد دسته‌جمعی مبادرت میورزند و قسمتی از مشکلات خود را که از ابتدای تاسیس وزارت کار از دولت انتظار داشته راسا حل‌وفصل‌کرده و نیز در تدوین مقررات کار و آئین‌نامه‌های مربوط به حرفه خود درچهارچوب قوانین موضوعه سعی و اهتمام بعمل میاورند .

سازمان بیمه‌های اجتماعی

درسال ۱۳۲۸ طبق ماده ۱۶ قانون کار صندوقی بنام صندوق تعاون و بیمه های‌اجتماعی کارگران تشکیل شد و این صندوق مقررات بیمه‌های اجتماعی واز کارافتادگی را اجرا و پاره‌ای ازکمك های قانونی را بکارگران اعطاء مینمود تااینکه در اردیبهشت سال ۱۳۳۲صندوق تعاون با تصویب لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی بنام سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران‌نامیده شدوبعد در ۲۱اردیبهشت ۱۳۳۹ کمیسیون مشترك مجلسین قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران را در ده فصل و یکصد و بیست ماده تصویب کرد .

قانون مذکور تا آخر فروردین ۱۳۴۲ اجرا میشد ولی بمنظور گسترش دایره شمول بیمه‌شدگان برای اینکه‌کادر وسیع‌تری از طبقات از مزایای بیمه برخوردار شوند تصویبنامه هیئت‌وزیران «قانون بیمه‌های اجتماعی » جایگزین قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران شد و سازمان بموجب ماده سوم این قانون مکلف شد بتدریج کلیه کارگران را صرفنظر از نوع قرارداد و کار وترتیب استخدام آنان و نیز پیشه‌وران وصاحبان مشاغل آزاد و همچنین اتباع بیگانه را طبق آئین‌نامه های خاصی بیمه نمایند موارد بیمه نیز عبارتست از : حوادث ناشی از کار و بیماریهای حرفه‌ای و عواقب‌آنها ــ حوادث‌و بیماریهای‌عادی ــ حاملگی و وضع حمل ــ ازکارافتادگی و فوت ــ بازنشستگی و ازدواج نماید . در قبال کمکهای مزبور حق بیمه بماخذ صدی هیجده از حقوق بیمه شده که پنج درصد را خود او و سیزده درصد را کارفرمای مربوط میپردازد بسازمان بیمه‌های اجتماعی پرداخت میشود .

بطوریکه‌ملاحظه میشود بموجب‌این قانون یکفرد بیمه‌شده وخانواده بلافصل او در تمام مراحل زندگی مورد حمایت قانون قرار میگیرند و میتوانند ازمزایای بیمه‌های اجتماعی بهره‌مند گردند و بهمین جهت درحال حاضر با توجه به امکانات موجود متجاوز از یك میلیون و چهارصد هزار نفر بیمه شده اعم از بیمه‌شدگان مستقیم و خانواده آنان در سراسر کشور وجود دارند که روزبروز برتعداد آنان افزوده میشود و سازمان بیمه‌های اجتماعی برای تامین امربهداشت و درمان بیمه‌شدگان فعلا ۹ بیمارستان در تهران با ۲۲۰۰ تخت و ۱۲ درمانگاه و ۶بیمارستان در شهرستانها با ۶۱۰تخت، و۳۳ درمانگاه باضافه ۱۶ شعبه‌ونمایندگی در تهران و حومه ٤٦ شعبه و نمایندگی در شهرستانها دراختیار دارد و با بسیاری از واحدهای بهداشتی مملکت نظیر بیمارستانهای وزارت بهداری و شیر و خورشید سرخ ــ شرکت ملی نفت ــ راه‌آهن دولتی ایران و وزارت راه نیز قراردادهائی برای بستری نمودن ودرمان بیمه‌شدگان منعقد نموده است که باید پزشکان قراردادی درشهرستانها را نیز به آن اضافه کرد و بعلت احتیاجات روزافزونی که وجود دارد سازمان در صدد توسعه واحدهای درمانی خود درآمده و در سال جاری درمانگاه تبریز درمانگاه بهشهر را دائر نموده‌وبیمارستان ۳۰۰ تختخوابی اصفهان‌و۲۰۰تختخوابی خزانه تهران تجهیز شده و ساختمان بیمارستان ۲۵۰ تختخوابی شماره دو نیز آماده بکار خواهند شد مضافا باینکه در رشت عنقریب بیمارستان بزرگی برای بیمه‌شدگان استان گیلان تهیه خواهدشد و برای اهواز بیمارستان ۲۵۰تختخوابی و مشهد یکصد تختخوابی و شاهی ۲۵۰ تختخوابی پیش‌بینی شده است .

از طرف دیگر برای اینکه بیمه‌شده وخانواده از ابتلاء به بیماریهای‌گوناگون مصون باشند از اردیبهشت سال ۱۳٤۱ برنامه مترقی دپیستاژ (جدا کردن‌افراد سالم از بیمار) بموقع اجرا گذارده‌شده و گروه مامور اینکار بزرگ تا اول آذر

سال ۴۲ جمعا ۳۶۰۰۰ کارگر در ۷۰ کارخانه دولتی و ملی و همچنین کارگران اصناف از قبیل خباز ــ قندریز ــ گرمابه‌دار ــ چلوکبابی و هتل پانسیون و غیره را مورد معاینه‌قرار داده که طبق آمار موجود از ۳۶۰۰۰ کارگر معاینه شده درحدود ۲۱۸ نفر بیمار مسلول ۱۶۷۶ نفر مبتلا به‌بیماریهای آمیزشی ۱۷۸ نفر بیمار ریوی غیرسلی ــ ۱۳۶۱ بیمار تراخمی و ۶۰ بیمارچشمی غیرتراخمی و ۵۹۹ بیمار قلب وعروق ۱۲۲ بیمار عصبی ۱۰۳ بیمار جلدی ۳۹ بیمار حرفه‌ای ۲۷ بیمار استخوانی و مفصلی وجودداشتندکه از میان‌کارگران سالم جدا شده و بهداری سازمان بمعالجه آنان پرداخته است‌وضمنا برای‌روشن‌شدن ذهن کارگران ضمن امر دپیستاژ جلسات سخنرانی بهداشتی نیز در کارگاهها‌انجام پذیرفته است .

اقدامات اساسی سازمان دربهبود وضع کارگران سبب شده که بعکس گذشته طبقات مختلف برای بیمه شدن رغبت فراوانی نشان میدهند و دلیل‌بارز این ادعا آمار موجود بیمه‌شدگان است که نشان میدهد در سال ۱۳۳۱ فقط۷۲۲ کارگاه که تعدادبیمه‌شدگان‌آن۳۲۵۰۰۰ نفر بوده درسال ۱۳۳۵ به ۱۷۱۲ کارگاه با ۷۶۹۰۰۰ بیمه شده ودرسال ۱۳۳۸ به ۳۴۰۴ کارگاه با ۱۱۶۱۰۰۰ بیمه شده و بالاخره در سال ۴۱ به ۷۱۹۵ کارگاه با ۱۳۱۳۲۱۰ بیمه شده کارگاه بالغ‌شده است و در سال جاری نیز همانطور که اشاره شد این عده به ۱۴۰۰۰۰۰ نفر رسیده است .

ازطرف دیگر سازمان بیمه های اجتماعی که‌بموجب قانون مکلف‌به‌پرداخت مستمری برای بیمه‌شدگان است صرف‌نظر از مستمری از کارافتادگی ومستمری بازماندگان مستمری بازنشستگی نیز میپردازد که درمورد قسمت اخیر هرچه برسالهای خدمت سازمان افزوده میگردد، تعداد مستمری بگیران نیز افزایش مییابد .

آمارزیر نشان‌دهنده میزان‌پرداخت مستمری برای‌ازکارافتادگی‌ـ‌بازنشستگی و بازماندگان در سالهای مختلف است.

سال۳۹جمعا۱۰۱۳۷۶۰۰۰ سال ۴۰ جمعا ۱۲۸۸۲۳۰۰۰ سال ۴۱ جمعا ۱۸۷۸۸۷۰۰۰ بالاخره پنج ماه اول سال ۴۲ جمعا ۹۵۳۸۰۰۰۰ ریال

ازنظر درآمد و هزینه نیز سازمان همانطور که تلاش برای وصول حق‌بیمه میکند در هزینه نیز دقت کامل بعمل میآید و باتوجه باینکه درهرمورد ازانجام هزینه‌های ضرور برای رفاه و آسایش بیشتر بیمه‌شدگان نیز فروگذار نمیشود .

ارقام زیر نمودار درآمد هزینه های انجام‌شده‌سازمان بدون درنظر گرفتن صدی‌پانزده نخائر در سالهای مختلف میباشد .

سال	درآمد	هزینه
۱۳۳۲	۲۵۳۰۲۶۲۸۱ر۸۰	۲۹۷۵۲۱۲۷۹ر۶۵
۱۳۳۳	۳۴۰۱۷۴۶۸۵ر۴۵	۳۸۹۷۰۶۳۵۲ر۸۵
۱۳۳۴	۶۳۰۳۷۸۳۰۲ر۲۵	۵۳۸۲۴۰۳۶۲ر۷۰
۱۳۳۵	۸۱۱۰۹۳۹۲۰ر۸۰	۶۳۰۶۷۸۹۹۸ر۵۵
۱۳۳۶	۹۷۰۴۷۳۵۱۴ر۷۵	۸۲۶۰۴۹۱۳۳ر۵۵
۱۳۳۷	۱۲۳۱۶۷۹۸۴۲ر۳۵	۹۹۳۶۶۴۱۱۲ر۴۰
۱۳۳۸	۱۴۷۷۳۲۴۳۰۲ر۲۰	۱۱۶۰۵۱۹۱۵۶ر۷۰
۱۳۳۹	۱۶۱۵۵۲۶۱۰۶ر۸۰	۱۲۲۱۴۲۷۸۷۹ر۳۵
۱۳۴۰	۱۸۴۱۱۶۸۷۳۷ر۷۵	۱۳۰۲۷۶۶۵۲۸ر۹۰
۱۳۴۱	۱۷۳۷۷۳۷۸۲۷ر۶۰	۱۴۶۵۰۳۷۰۰۲ر۴۳
جمع	۱۰۹۰۸۵۹۳۵۲۱ر۷۵	۸۸۲۵۶۰۹۸۰۶ر۰۵

دراجرای منویات عالیه شهریاری بمنظور رفاه و آسایش کارگران ایران در اجرای تبصره ۳۹ قانون بودجه سال ۱۳۳۸ کشور دائر به تاسیس بانگ رفاه از محل وجوه سازمان بیمه‌های اجتماعی بموجب اساسنامه‌ای که بتصویب هیئت وزیران رسیده است بانگ رفاه کارگران تشکیل و مقدمات تاسیس آن ازمردادماه ۱۳۳۹ فراهم گردید و در فروردین ماه ۱۳۴۰ با سرمایه چهارصد میلیون ریال که تماما از محل وجوه ذخیره سازمان بیمه‌های اجتماعی تخصیص داده‌شده‌رسما افتتاح گردید .

هدفهای بانگ

چنانچه اشاره شد غرض از تشکیل این بانگ حمایت از طبقه کارگروتامین وسائل آسایش و رفاه آنان میباشد که پنج هدف ذیل سرلوحه برنامه‌های بانك قراردارد.

۱ـ کمك بتشکیل و توسعه‌شرکت های تعاونی مصرف‌کارگران .
۲ـ کمك به تامین مسکن جهت کارگر .
۳ـ کمك به تشکیل شرکتهـای تعاونی اعتبار برای اعطای وام واعتبار بکارگران .
٤ـ کمك بصاحبان حرف وصنایع کوچك و دستی و بالابردن سطح‌کار و اشتغال درمملکت .
٥ـ جلب‌پس‌اندازهای کارگری .

الف ـ کمك بتشکیل و توسعه شرکتهای تعاونی

چنانکه درممالك مترقی معمول است اکثریت افراد طبقات مختلف‌اجتماع وسائل و مایحتاج زندگانی خود را از شرکتهای تعاونی مصرف تهیه میکنند در ایران نیز با آغاز نهضت تعاون بانك‌رفاه کارگران برطبق اساسنامه خود که یکی از هدفهایش کمك بایجاد شرکتهـای تعاونی مصرف و توسعه شرکتهای‌تعاونی موجود است اقدامات مفیدی انجام‌داده است و در آینده برای بهتر انجام یافتن هدف شرکتهای تعاونی را تقویت خواهد نمود تا شرکتهائی که تشکیل میشوند با همکاری کارگران و منطبق با موازین حقوقی و اصول تعاون باشد .

بـ کمك به‌تامین مسکن کارگران

مشگل مسکن یکی از مسائل مهم کشور ایران است که حل‌آن همیشه‌مورد نظر و علاقه شدید اولیاء مملکت ومردم بوده است بانك رفاه تاکنون دراین راه نقش اساسی ایفاد نموده وازسرمایه‌خود تحت شرایط بسیار ساده‌ای بکارگران وامهای طویل‌المدتی با سود ٦٪ پرداخت کرده‌است .

ج ـ کمك به تشکیل شرکتهای تعاونی اعتبار

بانك رفاه بموجب آئین‌نامه خود بشرکتهائی که مبادرت به‌تشکیل‌شرکتهای تعاونی اعتبار نموده‌اند با شرایط مناسب وامهای متعددی پرداخت نموده است .

د ـ بالا بردن سطح کار و اشتغال در مملکت

بانك رفاه دراین مدت سعی نمود صنایع کوچك را که در حال حاضر بهره‌ورشان بسیار ضعیف است ازصورت کهنه و قدیمی خارج نماید بدین ترتیب هم صنایع کوچك و دستی کشور از صورت کهنه قدیمی خارج شده و هم راندمان کارگران آن صنایع طبعا زیاد گردیده و همچنین امکان پرداخت دستمزد عادلانه تر و تامین رفاه بیشتری برای کارگران فراهم گردید .

ه ـ جلب پس‌انداز کارگران

بانك‌رفاه بموجب برنامه خود برای جلب پس‌اندازهای کارگران فعالیـت شدیدی آغاز کرد وبانك رفاه کارگران علاوه‌بر رفاه و آسایش کارگران کـه هدف نهائی آنست شروع بیك سلسلـه اقدامات بانکی نموده است که عبارتست از :

۱ـ افتتاح حسابجاری
۲ـ افتتاح حساب پس‌انداز
۳ـ پرداخت وام بکارگاههـای تولیدی کوچك
٤ـ صدور ضمانت‌نامه‌های‌بانکی
٥ـ تنزیل اوراق ناشی از فروش محصول کارخانجات

ارکان بانك

ارکان بانك عبارتند از :
۱ـ مجمع عمومی صاحبان‌سهام
۲ـ شورایعالی بانك
۳ـ هیئت‌مدیره ومدیرعامل
٤ـ بازرسان

که بالاترین مرجع اداری رئیس کل بانك بوده و کلیه اختیارات اجرائی و مسئولیت اداره بانك را با رعایت آئین‌نامه‌های مصوب شورایعالی برعهده دارد .

مرکز بانك

مرکز اصلی بانك تهران است و بموجب اساسنامه‌میتواندرکلیه شهرستانها شعب بانك را افتتاح نماید ازاین‌رو تاکنون در شهرستانهای اصفهان وتبریز موفق گردیده که شعبه بانك را افتتاح و عملیات بانك خود را آغاز نماید ضمنا درآینده نزدیکی شعب بانك رفاه را در استان دوم و ششم تاسیس خواهد کرد.

دوستی ـ برادری ـ مساوات ـ ایمان ـ وطن پرستی ـ آمادگی برای مقابله با مشکلات ـ کوشش برای ساختن ایرانی آباد و سربلند ـ تکمیل تربیت خانه و مدرسه و ... از هدف‌های پیش آهنگی میباشند



هنگامی‌که سخن از پیشاهنگی بمیان میآید . درست نیست که تنها یك مشت کودك یا جوان رادر لباس یك شکلی‌که دارای دستمال گردن و بند سوت هستند درنظر بیاوریم و یایك مقدار خنده و نشاط و گردش وبازی واردو را پیش چشمان خود قرار بدهیم بلکه بهتر است کمی وسیعتر وژرف‌تر بیندیشیم و از ورای این چشم‌اندازها بهدف‌ها و معنای این تربیت پی ببریم .

به‌بینیم خاصیت این لباس و منظور ازاین بازیها و اردوزنیها چیست و انتهای این رشته درازی که بنام پیشاهنگی است بکجاها میرسد .

سازمان پیش‌آهنگی ایران که به پیروی از منویات واندیشه‌های مترقیانه شاهنشاه بوجود آمده است هدفش ساختن‌گروههائی‌است که هرچه بیشتر بدرد خود و دیگران و کشورشان بخورند . سربار جامعه نباشند . وایران فردا که بدست آنان باید آبادتر و سربلندتر به پیش برود به‌بهترین صورتی این راه پرافتخار را طی کند .

گرچه در ابتداء کاری بسیار سخت بوده و اجرای این نقشه و شناساندن این هدف و این‌روش بزرگ تربیتی بمردم اشکال‌فراوانی داشت اما خوشبختانه مردم هوشمند ایران راه درست و فکر صحیح را زودتر تشخیص میدهند و نمونه این تشخیص همکاری و همگامی خانواده‌های گرامی کشور ما تعداد بیش از هشتاد هزار پیش‌آهنگ و مربی در سراسر کشور است .

وسوخ تربیت پیش‌آهنگی در دهکده‌های دور ونزدیك کشورآشنا ساختن سپاهیان دانش با تربیت پیش‌آهنگی از هدفهای اساسی سازمان پیش‌آهنگی‌ایران است‌زیرا ۷۵ درصد جمعیت کشور که در روستاها زندگی میکنند مدتها بود که از تربیت صحیح و اصول‌تمدن امروزی و بسیاری از مزایای دیگر محروم بودند درحالی‌که بارزحمت سنگینی‌رابدوش‌دارند . پیش‌آهنگی روستائی که سازمان پیش آهنگی ایران پرچمدار و مبتکر آن در جهان میباشد روی همین سبب بوجود آمد و گنجانیدن تعالیم پیش‌آهنگی در دوران آموزش سپاهیان دانش بمنظور تقویت و اجرای بهتر و بیشتر همین هدف است .

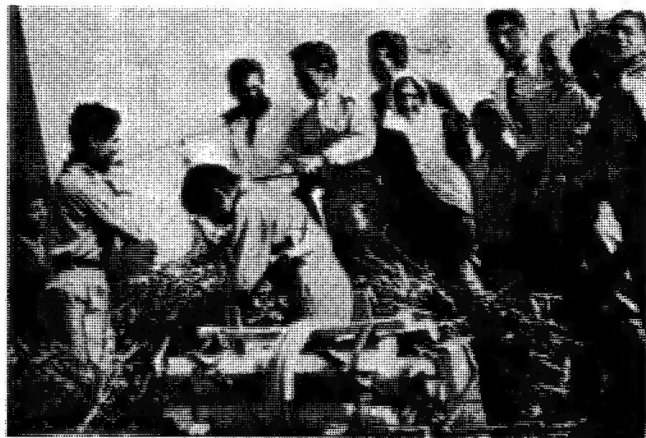
امروز کودك خردسال دبستانی با اصراربجرگه شیربچگان یافرشتگان وارد میشود و والدین آنان نیز با شوق وذوق آنها را بدست تربیت پیش‌آهنگی میسپارند زیرا کودك دنیای واقعی خود را یافته است و والدین تغییراتی سودمند را در کودکان خود مشاهده میکنند که از قدرت تربیت خانه و مدرسه بیرون است . و بزرگترها آنها که در دبستان ها و دبیرستانها بتحصیل مشغول میباشند و بجرگه پیش‌آهنگی روی آورده‌اند مایه خوشنامی ومباهات خانواده‌ها هستند واین نیست‌مگر تاثیر تعلیمات ارزنده و موثر پیش‌آهنگی در روحیه ورفتار و کردار فرزندان ما .

و آنها که دیگر سالیانی از عمرشان گذشته و جزء مادران و پدران مجرب و واقعی کشورندچرا بطرفداری ازاین تربیت برخاسته و در انجمنی بدین نام و هدف نشسته‌اند ؟ آیا جز اینست که بخوبی تشخیص داده‌اند که این راه . راه پیروزی برباطل . راه نجات فرزندان کشور از منجلاب فساد راه سعادت خانواده‌های امروز وفردای کشور و راه‌ترقی بیشتر ایران میباشد ؟

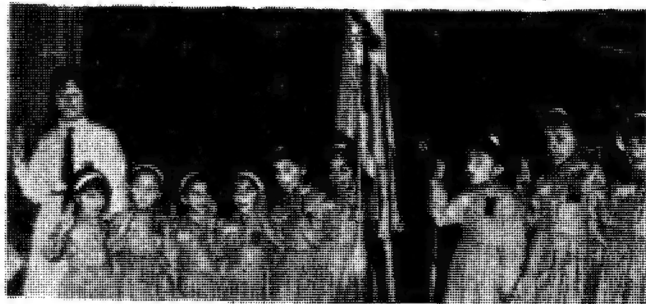
دیروز باهرچه داشت و نداشت مرده است و فردا با انتظارفراوان چشم براه ورود ماست و ازامروز باید در اندیشه فردا بود . دراین اندیشه نباید نفع شخصی ما مطرح باشد . هدف سعادت فرزندان . و سعادت کشورمان است .

برای ساختن ایرانی آباد و سربلند و استقبال از آینده‌ای افتخارآمیز همه باید کوشش‌کنند و هرکس و هر دستگاهی بنحوی... وظیفه سازمان ملی پیش‌آهنگی ایران و کسانی‌که در آن‌تشکیلات کمرخدمت و همت بسته‌اند جزاین نیست‌که آدم تهیه‌کنند . انسانی که شایستگی دارا بودن این نام‌را داشته باشد و کشور بوجودش رونق گیرد و فردا از روشنائی کار و خدمت او روشن و سپید و پرافتخارگردد .

بازدید علیا حضرت شهبانوی‌ایران از اردوی پیشاهنگی منظریه



تربیت پیش‌آهنگی در روستها اثر عمیقی داشته است



از زمان‌کودکی حس میهن‌پرستی واحترام بشعائر ملی در وجود پیش‌آهنگان جایگزین میشود



در گوشه وکنار کشور ها همه جاتعلیمات پیش‌آهنگی فرزندان مارا رهبری میکند



باتمـام سال ۱۳۴۲ و آغاز سال یکهزارو سیصدو چهلو سه یکسال‌دیگر از تاریخ شروع بهره‌برداری تاسیسات‌آب تهران گذشت و این سازمان نوبنیادوارد دهمین سال خدمتگزاری خود گردید .

باتوجه باهمیتی که سرویسهـای عمومی در زندگی مردم دارند متصدیانی که عهده‌دار مسئولیت‌اداری این‌مؤسسات هستند باید با درجریان گذاشتن مشترکین از چگونگی و کیفیت اداره این‌دستگاهها و خدماتی که از طرف کارکنان آنهاانجام شده و یا خواهد شد از همکاری مردم مدد گرفته و از راهنمائیها و ارشاد آنان کمال استفاده را بنمایند .

سازمـان آب تهران که یکی از سرویسهای عمومی شهر تهران بوده و عهـده‌دار تهیـه و تصفیه وتوزیع آب ساکنین این شهر میباشد در جهت اجرای منویات اعلیحضرت همایون شاهنشاه و برای نیل باین‌هدف درهای تأسیسات‌خود را بروی عموم بازگذارده وصرف‌نظر از آمار و اطلاعاتی که همه‌ماهه ازهریک قسمتها تهیه و باطلاع میرساند در آخـر هرسال نیز بیلانی از عملیات سالیانه‌خود را تدوین و با انتشار آن خدمات یکساله خودرا در معرض افکار و قضاوت عموم میگذارد .

خدمات سازمان آب تهران در سالی که گذشت

پیشرفت صنایع بخصوص ترقیاتی که درامر تکنیک آ ب‌پیدا میشود از طرفی و توسعه وتغییراتی که متدرجا در امر شهر سازی‌تهران حاصل میشود از طرف دیگر موجب شده‌است که متصدیان سازمان آب تهران از مشکلات و گرفتاریهای سایر موسسات پند گرفته وبرنامه خود را از طریق خدمت بساکنین شهر تهران در دو فصل جداگانه حال وآینده تهیـه نمایند .

فصل‌اول ــ خدمات یکساله کارکنان‌سازمان بمنظور تامین آب سالم وپاك ساکنین شهـر تهران .

فصل دوم ــ اجرای طرح و عملیـــات ساختمانی آب تهران بزرگ .

« فصل اول ــ خدمات یکساله کارکنان سازمان بمنظور تامین آب پاك و سالم‌ساکنین شهر تهران ».

در سال ۱۳۴۲ مجموعا ۵٤٫۲۰۰٫۰۰۰متر مکعب آب تهیه ــ انتقال ــ تصفیه واز طریق ۱۵۸٫۰۰۰ انشعاب خصوصی بین قریـــب ۱٫۹۰۰٫۰۰۰ ساکنین تهران مستقیما توزیع گردیده است بعلاوه عده زیادی از مردم‌اطراف شهر و همچنین ساکنین داخلی که مستقیما انشعاب آ ب‌ندارند از آب شیرهای عمومی وایستگاه های آبرسانی آب مورد احتیاج‌خود را برداشته‌اند .

آمارمربوط به بهره برداری تاسیسات‌سازمان در یکساله ۱۳۴۲ بشرح زیر خلاصه میشود.

تصفیه خانه و کارخانجات شیمیائی

۱ ــ آبیکه تصفیه شده است ۵٤٫۲۰۰٫۰۰۰ متر مکعب .

۲ ــ نیروی برق تولید شده بوسیله‌موتور های دیزلی سازمان در سال ۱۳۴۲ ۱٤٫۹۱۹٫۰۰۰ کیلووات ساعت .

۳ ــ تولید گاز کلر کارخانه الکترولیز نمك طعام ۵۱۳٫۰۰۰ کیلووات گرم

٤ ــ تولید کلر مایع‌جهت مصرف در تصفیه خانه ۲۵۳٫۰۰۰ کیلووات گرم

۵ ــ تولید کلرور فریك که در تصفیه‌خانه بمصـــرف رسیده یا ذخیره شده ۱۹۷٫۰۰۰ کیلووات گرم

٦ ــ تولید سودکستیك جامد که بفروش رسیده است ٦۱۷٫۰۰۰ کیلووات گرم

۷ ــ تولید جوهرنمك ۳٤۲٫۰۰۰ کیلووات گرم

آزمایشگاه باکتریولوژی

طبق استاندار آمریکائی از کلیه نقاط‌شبکه شهر در تمام مدت سال نمونه برداری شده و در نقاطی که احتمال آلودگی وجود داشته است شبکه لوله های آن نقاط باآب کلرقوی شستشو شده‌است .

ارقام زیر نمونه فعالیت آزمایشگاه در سال ۱۳۴۲ میباشد .

۱ ــ تعداد آزمایشهای انجام شده۸٫۱۵۰ نمونه

۲ ــ تعداد آزمایشهائی که نتیجه‌آن پاك بوده است ۷٫۱۸۰ نمونه

۳ ــ تعداد آزمایشهائی که نتیجه آن‌مشکوك بوده است ۹۷۰ نمونه

شبکه و توزیع

قسمت شبکه و توزیع در سال ۱۳۴۲عهده‌دار نگهداری تعمیر روترمیم شبکه لوله کشی آب شهر بوزن تقریبی ۱۰۷٫۰۰۰ تن و بطـول کلی ۱٫۷۵۰ کیلومتر از قطر ۱تا ٤٦ اینچ بوده است علاوه براین تعداد ۱۵۸٫۰۰۰انشعاب خصوصی مستغلات در تمام مدت سال دائـر نگهداری شده و ۱۷۰۰ شیر آتش نشانی و ٤۰۰ دستگاه شیر عمومی و ٥٦ دستگاه شیر فشار شکن مرتبا نگهداری و تعمیر و مورد بهره برداری قرار گرفته است .

۱ ــ طول کلـی شبکه تاسیسات آب تهران تا آخر سال ۱۳۴۲ ۱۷۵۰ کیلومتر .

۲ ــ تعداد مشترکینی که باپرداخت وجوه



عکس بالا از مراسم افتتاح کارخانه لوله‌سازی سازمان آب بدست شاهنشاه برداشته شده است آقای مهندس روحانی وزیر فعلی آب و برق وآقایان مهندس ظهیری معاون‌فعلی وزارت آب وبرق و مهندس‌دیلمقانی مدیرکل سازمان آب‌تهران‌وچندتن‌دیگراز مقامات‌این سازمان وچندتن‌دیگراز مقامات‌این سازمان‌درعکس دیده میشوند .

درخواست‌انشعاب آب کرده‌اند ۱۷۳ر۰۰۰ مستغل

۳ ــ تعداد انشعاب نصب‌شده تاآخر سال ۱۳۴۲ ۱۵۸ر۰۰۰ انشعاب .

٤ ــ نقشه برداری و ممیزی مستغلات به منظور قبول آگهی درخواست انشعاب ۱ر۸ کیلومتر مربع

۵ ــ تعداد جمعیتی که در آخر سال ۱۳۴۲ مستقیما از طریق انشعاب خصوصی از آب استفاده نموده‌اند ۱ر۹۰۰ر۰۰۰ نفر .

فعالیتهای انبار لوازم سازمان آب تهران در سال ۱۳٤۲

در سال ۱۳٤۲ مجموعا ۳۸ر۵۰۰ تن لوله و متعلقات و سیمان و ماشینهای مختلف برای احداث تاسیسات جدید توسعه شبکه شهر وسایر امور مربوط بکار آب بانبار سازمان وارد و ۳۹ر۰۰۰ تن‌از آنها از انبار صادر و در کارگاههای سازمان بمصرف رسیده است .

حسابداری ودرآمد

مجموع وصولی حسابداری سازمان در سال ۱۳٤۲ بالغ بر ۱ر۱٤۱ر۰۰۰ر۰۰۰ ریال‌میباشد که از طریق ــ آب بها ــ سپرده عقدقرارداد ــ هزینه انشعاب ــ وام توسعه تاسیسات ــ کمك سازمان برنامه و عواید متفرقه بصندوق‌سازمان واصل و جهت امور بهره برداری و مخارج

غیر مستمری و ساختمانی و توسعه تاسیسات پرداخت گردیده است .

امور اداری سازمان آب تهران

امور اداری سازمان آب تهران که شامل کلیه کارهای کارگزینی واستخدامی ــ دفترو بایگانی ــ انتظامات و نگهبانی اموال سازمان و تعمیر گاه ووسائط نقلیه و حمل ونقل و باغبانی و گلکاری است در یکسال ۱۳۴۲ امور محوله را طبق برنامه های تنظیمی و بنحو مطلوب و حداکثر سرعت انجام داده و تاجائی که امکان داشته است جلب رضایت مراجعین را فراهم نموده است .

فصل دوم ــ تهیه و تامین آب تهران بزرگ

بر حسب مطالعاتی که بعمل آمده است تهران بزرگ در مدت ۱۵تا ۲۰ سال آینده احتیاج به چهار صد میلیون متر مکعب آب دارد که تامین آن بتدریج ازمنابع نامبرده زیر بعمل آمده و یا خواهد آمد .

یك ــ آب طغیان جمع آوری شده پشت سد کرج و حقابه تهران ۱۸٤ میلیون متر مکعب

دو ــ آبهای زیر زمینی حوزه تهران ۳۷ میلیون متر مکعب .

سه ــ آب طغیان رودخانه جاجرود که پس از ساختن سد لتیان جمع آوری میشود ۸۰ میلیون متر مکعب

چهار ــ قسمتی از آب طغیان جمع آوری شده در سد لار ۹۹ میلیون متر مکعب

جمع ٤۰۰ میلیو نمتر مکعب

آب طغیان جمع آوری شده پشت سد کرج

با احداث سد کرج مرحله اول طرح تامین آب تهرا نبزرگ از آب ذخیره پشت سدکرج بظرفیت ٦۵ میلیون متر مکعب و قابل توسعه تا ۱۳۰ میلیون‌متر مکعب در سال از اواسط سال۱۳۳۸آغاز گردیده است که شامل تاسیسات زیر میباشد .

کارهای ساختمان آبگیر جدید ازرودخانه کرج ــ احداث ۱ر۵ کیلومتر تونل وتصب لوله های آب تصفیه نشده از کرج بتصفیه خانه کن ــ تصفیه خانه کن بظرفیت ٤ متر مکعب در ثانیه قابل توسعه به ۸متر مکعب در ثانیه ــ شبکه توزیع نیروی‌برق با فشار قوی از مرکز تولید نیروی تصفیه خانه جلالیه و کارخانه آلستوم بتصفیه خانه کن و چاههاو قنات شاه ــ نصب خط لوله بین تصفیه خانه کن و مخازن امیرآباد . یوسف آباد .عباس آباد . مجیدیه . نارمك ــ ساختمان مخازن جدید بتعداد ٦ عدد و توسعه مخازن ۱و۲ در یوسف آباد وبی سیم قصر ــ تلمبه خانه های شماره ۱ و۲ یوسف آباد و بی سیم قصر ــ نصب نیروی دیزلی بقدرت ۲۰۰ کیلووات برای تامین نیروی برق مورد نیاز دریچه‌های آبگیر و جاروهای میکانیکی حوض‌های ته نشین آبگیر در بیلقان

کلیه عملیات اجرائی تاسیسات فوق باستثنای قسمتی‌از نصب خط لوله بین تصفیه خانه کن و مخازن تمامی انجام یافته وبهره برداری از آن ها در بهار سال ۱۳۴۳ آغاز خواهد گردید .

با خاتمه یافتن مرحله اول طرح تامین آب تهران بزرگ ظرفیت نقل و تصفیه وتوزیع سالیانه کلیه تاسیسات سازمان آب بالغ بر ۱۲۱ میلیون متر مکعب در سال میشود واین مقدارآب تکافوی جمعیتی معادل ۲ر٦۰۰ر۰۰۰ نفر از ساکنین تهران را خواهد نمود .

آبهای زیرزمینی حوزه تهران

پس از مطالعاتی که درمورد حوزه های آبگیر زیر زمینی حومه تهران بعمل آمد مناسبترین منطقه برای استفاده از آب زیر زمینی قسمت شمال غربی تهران تشخیص‌داده شد .برای استخراج آبهای زیر زمینی ۸ حلقه چاه بعمق ۲۵۰ مترو قطر ۲٤ اینچ در دره‌کن حفر شده است که در وضع حاضر تلمبه های دو عدد آن نصب و آماده بهره‌برداری است. با استفاده از آب قنوات شاه و کوثریه هم اکنون سازمان قادر است ۱۷۰۰ متر مکعب آب در ساعت از آبهای زیر زمینی استفاده نماید.

آب طغیان رودخانه جاجرود که پس از ساختن سد لتیان جمع آوری میشود .

احداث سد لتیان بمنظورتامین آب قسمتی از شهر تهران و آب زراعتی ورامین یکی از طرحهائی است که از مدتها قبل مورد علاقه و توجه خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی‌بوده است تا درسال ۱۳۳۷ که بموجب قانون‌خاصی اجرای طرح ساختن سدهای لتیان و لار به عهده سازمان آب تهران محول گردید .

چون در برنامه دوم عمرانی کشور اعتباری برای کار سد سازی جدید وجود نداشت لذا باجرای مناقصه بین‌المللی ساختمان سد توام با سرمایه گذاری بمبلغ ۲۷ میلیون دلار بین موسسات مشهور وبزرگ دنیا انجام و درسال ۱۳۳۹ قراردادی با کنسرسیوم مقاطعه کاران فرانسوی منعقد و ساختن سد وتاسیسات لتیان به کنسرسیوم مذکور واگذار گردید.

ساختمان سد لتیان دارای دو مرحله کار های مقدماتی و کارهای اصلی است :

کارهای مقدماتی

کارهای مقدماتی شامل حفاری‌چاههای‌کمانه‌ــ تونلهای آزمایشی و زمین شناسی ــ آزمایش های متعدد ژئو فیزیك و لرزه نگاری و عملیات آزمایش تعیین میزان نفوذ و تقویت استحکام سنگها و مطالعات لیمینولژی ــ ساختمان ۵ ۱/۲ کیلومتر جاده سرویس اسفالته ــ ساختما نکوی کارگری بمنظور سکونت هزار نفر کارگر ــ ساختمان کوی کارمندان متخصص و فنی ــ دفاتر وساختمان های اداره مهندسین ناظر و مقاطعه کار و کارفرما .

کلیه کارهای مقدماتی انجام یافته وبراساس آزمایش های فوق طرح قطعی سد نیز تعیین گردید ودر اوائل اردیبهشت ماه جاری بتون ریزی سد طی مراسمی در حضور شاهنشاه انجام شد .

کارهای اصلی

طرح سد لتیان عبارت است از ساختمان‌سد روی رودخانه جاجرود در محل لتیان ــ تونل انتقال آب بتهران ــ مرکز تولید نیروی هیدرولیك ــ خط انتقال نیروبتهران .

از کارهای اصلی‌تاسیسات فوق عملیات ساختمانی مشروح زیر تا آخر سال ۱۳۴۲تمامی انجام یافته اس ت. ساختمان‌انبار و تعمیرگاه ماشین آلات ساختمانی ــ جاده های سرویس داخل‌کارگاه ــ احداث مرکز تولید نیروی موقت ــ تاسیسات تهیه شن و ماسه و بتون سازی و کابل نقاله ــ تونل انحراف بقطر۸ متر و طول ۸۱ متر ــتاسیسات انتهای تونل انتقال آب تهران .

عملیاتی که در دست ساختمان میباشد .

حفاری و سنگ بری پایه های دیواره بمقدار ٦۳۰ر۰۰۰ متر مکعب .

تونل زه کشی داخل سد در زیر پایه های بقطر ۲ر۷ متر و طول ۳۳۰ متر .

کار انجام شده ۳۵٪

پیشروی و(حفاری)دهانه تونل انتقال‌آب بطول ٤۳۵۵ متر کار انجام شده ٤۸۰ متر.

پیشروی (حفاری) انتهای تونل بطول ۵٦۹۵ متر کار انجام‌شده ۱۰۰۰ متر .

انژکسیون سیمان و آب بندی پی هـا ۲۰٪
استفاده از آب طغیان دره لار موجود است

استفاده از آب طغیان دره لار

قسمتی از مطالعات مقدماتی سد لار بموازات مطالعاتی که‌برای احداث سد لتیان بعمل‌آمده است انجام گردیده و امیداست با تامین اعتبار موردنیاز آن در برنامه عمرانی سوم کشور ساختمان این سد شروع گردیده وبامهار کردن آب طغیان دره لار و انتقال آن کمبود آب تهران. و نیازمندیها آب زراعتی قسمتی‌از ورامین و مازندران تامین گردد .

از مفسر اجتماعی کاته

فعالیت های شرکت واحد اتوبوسرانی در سالی که گذشت

شرکت واحد اتوبوسرانی که طبق احتیاجات و نیاز مبرم اجتماع به چنین سازمانی بوجود آمد در طی چند سال موجودیت خود باهمه‌مشکلاتی که باآن مواجه بود معذالك راه ترقی و تکامل را پیموده‌و برای ارضاء هرچه بیشتر این قسمت از نیاز عمومی نهایت سعی و اهتمام را بعمل آورد مسئله تامین ایاب‌وذهاب‌عمومی در حیات اقتصادی و اجتماعی يك شهر از لحاظ اهمیت در ردیف مسائل آب و برق و بهداشت قرار داشته و حل این معضل تاحد فوق‌العاده زیادی بسرعت انجام کارها و تامین رفاه عامه کمك مینماید وچون این مسئله بزندگی همه مردم ارتباط پیدا میکند بنابراین‌در همه جای دنیا کوشش میشود هرچه بیشتر ازجنبه انتفاعی‌این قسمت‌ها کاسته ووسائل‌راحتی و استفاده هرچه بیشتر عموم را از وسائل مذکور فراهم سازند در ایران نیز باتوجه به هدف و منظور از تشکیل این موسسه و باتوجه به خط مشی عمومی دولت خاصه‌اراده‌شاهانه دائر به تامین رفاه و آسایش عمومی وکاهش هزینه زندگی شرکت واحد اتوبوسرانی‌تهران سعی نموده است با فراهم‌کردن هرچه بیشتر وسائل مسافربری و ایجادخطوط‌منظم‌اتوبوسرانی نهایت سرعت و راحتی را برای حمل و نقل مسافرین فراهم آورد و از جهت دیگر از بالا بردن نرخ بلیط‌اتوبوس جلوگیری نماید اما اداره‌چنین سازمانی‌که بتواند این وظیفه خطیر اجتماعی را انجام دهد مستلزم صرف هزینه‌های گزاف و مخارج کمرشکنی است

مشکلات شرکت واحد اتوبوسرانی و عملکرد دشوار این موسسه عظیم عام‌المنفعه‌در گزارشی که روز چهارم خرداد ماه سال گذشته هنگام بازدید اعلیحضرت همایون شاهنشاه‌از تعمیرگاه شماره ۲ توسط‌آقای شجاع ملایری معاون وزارت کشور و مدیر عامل شرکت واحد به استحضارشاهنشاه‌رسید بخوبی منعکس شده است‌دراین گزارش‌گفته شد . با فعالیت شبانه‌روزی مسئولین فنی و اداری وکارگران و رانندگان و جلوگیری از سوء استفاده‌از بلیطهای فروش روزهای قبل درآمد روزانه شرکت واحد به بیش از سه‌میلیون‌ریال‌رسید بطوریکه ظرف ماههای اول سال ۴۲ فروش ماهانه شرکت به بیش از ۹۰ میلیون ریال رسید باافزایش درآمد شرکت در ماههای اول سال توانست بدون تاخیر دیون ماهیانه خارجی و داخلی و همچنین دو قسط از اقساط عقب افتاده خارجی را بپردازد در این گزارش‌گفته شد تا اواخرسال ۱۳۴۴ باید اقساط اتوبوسهای فعلی را به کمپانیهای بنز و دو طبقه پرداخت این مبلغ در حدود ششصد و نه میلیون‌ریال میشود اگر تاآن تاریخ هزینه زندگی بالا نرود و دستمزد کارگران و مخارج تعمیراتی اتوبوسها بهمین حال فعلی‌بماند در هرماه‌درحدودپانزده‌میلیون ریال شرکت عقب‌افتادگی‌دارد زیرا طبق قانون باید مالیات و عوارض‌گمرکی اتوبوسها و طلب سازمان بیمه‌های اجتماعی راکه جمعا درحدود چهارصد میلیون ریال است پرداخت‌نمود و بعد از این مدت بادرنظر گرفتن فرسودگی اتوبوسهای فعلی و همچنین وسعت روزافزون پایتخت و احداث و اسفالت خیابانهای جدید تامین اتوبوس برای اهالی تهران بامشکلات عجیبی برخورد خواهدکرد آنگاه در گزارش آقای ملایری گفته میشود که شرکت ازهم اکنون باین فکر هست و نمونه آن گشایش خط تهران ورامین است ضمنا دو دستگاه اتوبوس بین مسیر کارخانه روغن‌کشی ورامین تا ورامین وسه اتوبوس بین امامزاده جعفر تا ورامین‌بانرخ ۲ ریال و ۴ ریال بکار گمارده شده است در سال **گذشته‌بااینکه** تعداد اتوبوسهای‌موجودشرکت واحد کفاف اتوبوسرانی‌تهران را نمیکرد ولی باز هم‌باتلاشی که در تامین رفاه مردم‌انجام میشد چند خط جدید در تهران دایر گردید و چند خط تاادامه اسفالت توسعه یافت .

نگاهی بعایدی شرکت واحد

در اینباره در گزارشی‌چنین گفته شده است عایدی شرکت واحد فقط از راه فروش بلیط تامین میگردد بلیطهای شرکت واحد در چاپخانه بانك ملی زیر نظر هیئت نظارت اوراق بهادار روی شماره و ترتیب چاپ میشود وجوه و درآمد شرکت واحد مستقیما وسیله مسئولین مالی شرکت به بانك ملی تحویل میگردد در آخر هرماه فروش بلیط با موجودی تطبیق داده میشود و درهمه حال وضع عایدی و فروش بلیط و میزان موجودی بایکدیگر مطابقت دارد .

کار تعطیل‌ناپذیر

در ساعت ده و نیم یازده‌که دیگر مسافران بمنازل خود رسیده و به بستر میروند تازه کار شرکت واحد آغازمیشود باین معنی‌اتوبوسهائیکه‌سرویس کارشان تمام شده‌است‌به‌توقفگاه آمده و رانندگان اتوبوسها عازم منازل خود میشوند اما عملیات گازوئیل‌گیری‌ونظافت تعویض روغن و تعمیرات‌فوری روی اتوبوسها انجام میگیرد بطوریکه تا ساعت ۴ صبح اتوبوس برای‌کار روزانه‌کاملا آماده میگردد برای انجام این عملیات که در نظم و ترتیب کار اتوبوسها نهایت اهمیت‌را دارد کارگران بطور نوبتی نصف عده‌شان در شب و نیمی دیگر در روز کار میکنندصبح از ساعت چهارونیم ۴۶۰۰نفر راننده و کمك راننده بوسیله سرویسهای شرکت بمحل کار خود برمیگردند و هر کدام اتوبوس مربوط به خود را که سالم و آماده بکار است راه میاندازند و وارد خطوط میشوند درحقیقت کار شرکت واحد در شبانه‌روز ۲۳ ساعته است و فقط یکساعت از ۲۴ ساعت اتوبوسهاخاموش‌میشوند.

تعمیرگاههای مجهز

اداره این خطوط وسیع‌وسالم نگهداشتن اتوبوسها بدون داشتن تعمیرگاههای مجهز امری بس‌دشوار میباشدازاینرو متعاقب اقدامات قبلی در سال ۱۳۴۲ شرکت‌واحداتوبوسرانی موفق شد تعمیرگاهها را یکی پس از دیگری تکمیل نموده مورد بهره‌برداری قرار دهد

تجهیز تعمیرگاهها سبب گردید که اتوبوسها بدون ساعتی درنگ در خطوط اتوبوسرانی منظما کار کنند در این تعمیرگاهها کلیه احتیاجات فنی و الکتریکی شرکت اعم از روشنائی و جوش کاری و شوفاژ و تهویه و گلگیر سازی تعمیر موتور تراشکاری تعمیر صندلیها برآورده میشود بعلاوه در سال ۴۲ بمنظور تسریع در امر حمل و نقل مسافران یك شبکه وسیع بیسیم بین تعمیرگاهها . توقفگاهها میادین . قسمت‌های فنی و اداری شرکت نصب و مورد استفاده قرار گرفته است برقراری این شبکه بیسیم بسرعت عمل در شرکت واحد افزود و در تامین رفاه مسافران موثر واقع شد.

توجه بزندگی کارگران

در تابستان گذشته آقای اعلم نخست‌وزیر اولین کلنگ ساختمان خانه‌های کارگران شرکت واحد را بزمین‌زدند در این مراسم نماینده کارگران شرکت واحد از عنایات شاهنشاه سپاسگزاری کرد همچنین در سال گذشته مقدمات ساختمان خانه‌های کارگران شرکت واحد آماده گردید ضمنا طرحی جهت ساختمان خانه برای کارگران در جنوب شهر تهیه شد در برنامه خانه‌سازی کارگران تهیه خانه برای کلیه کارگران شرکت واحد درنظر گرفته شده است .

اتحادیه کارگران

سالها کارگران شرکت واحد فعالیتهای سندیکائی جداجدائی را داشتند اما در سال گذشته کارگران این شرکت دست ائتلاف بسوی یکدیگر دراز کردند و فعالیت سندیکائی خویش‌را دریك واحد بزرگتر شروع کردند بدنبال این ائتلاف و همبستگی تاسیس شرکت تعاونی کارگران مورد توجه قرار گرفت و مقدمات آن فراهم گردید .

ششم بهمن

کارگران شرکت واحد در تظاهرات ملی روز ششم بهمن نقش موثری داشتند در این روز انتظامات میتینگ بزرگ کارگران . کشاورزان و زنان با ماموران شرکت واحد بود. ضمنا در واقعه تاسف آور روز ۱۵ خرداد دو اتوبوس شرکت واحد و تعداد زیادی شیشه اتوبوسها خسارت دیدکه بوسیله کارگران شرکت واحد قسمتی از این خسارات جبران گردید نمونه دیگری از روح علاقه بشاه و میهن کارگران شرکت واحد ساختن اطاق یك اتوبوس بنز است که بنام والاحضرت رضا پهلوی نامگذاری گردید .

حمل مسافر و مشکلات دیگری که شرکت باآن روبرو است

سال گذشته بطور متوسط روزانه یك میلیون و پانصد هزار نفر مسافر وسیله اتوبوسهای شرکت واحد حمل گردیدواین رقم در یکسال گذشته به ۵ میلیارد بالغ گردید خود این رقم بخوبی مشکل کار و عظمت آنرا نشان میدهد

اما در سال گذشته زمستان و یخبندان شدید دوچندان بمشکلات افزود معذالك شرکت توانست باتلاش فراوان کارکنان خود در آن شرایط سخت کار کند اتوبوسهای خط شمیران ظرف یك شب مجهز بزنجیر گردید و تنها اتوبوسهای شرکت واحد رابطه تهران و شمیران را که قطع شده بودبرقرار کرد رئیس منطقه‌ایکه دست بچنین فداکاری بزرگی زد توسط مدیر عامل شرکت واحد تشویق گردید .

در سال جدید نیز باهمه مشکلات شرکت واحدبافداکاری بکار خویش ادامه داده بدان توسعه میبخشداماهمکاری مردم و حمایت بیشتر دولت میتواند بسیاری از مشکلات‌را حل نماید. ماتوفیق هرچه‌بیشتر آقای شجاع ملایری مدیر عامل اتوبوسرانی را خواهانیم .

کارخانجات ایران

در زمان اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر ضمن تحولاتی که در تمام شئون مملکت انجام گردید یکی هم ایجاد کارخانجات و استخراج از معادن بمنظور بی‌نیاز نمودن قاطبه مردم از محصولات مشابه خارجی بوده . این کارخانجات و معادن بموازات سایر امور تقریبا از سال ۱۳۱۰ شروع به نصب و بهره داری و توسعه گذاشت بطوریکه در سال ۱۳۲۰ میتوان گفت که در بعضی از صنایع احتیاجات داخلی تا اندازه زیادی تامین گردید . مثلا تاسیس کارخانه سیمان‌ری در ۱۳۱۲ بظرفیت یکصد تن و توسعه آن در ۱۳۱۶ با نصب یك دستگاه دویست تن احتیاجات داخلی آنروز سیمان‌را بخوبی جواب میداد و نصب ۷ کارخانه قند کرج ــ ورامین ــ شازند ــ شاه‌آباد ــ مرودشت ــ میاندوآب و آبکوه بین سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ و همینطور کارخانجات نساجی در شمال و نیز استخراج معادن واقع در انارك ــ سبزوار ــ عباس آباد ــ زنجان و معادن ذغال مانند زیراب و غیره احتیاجات قند و قماش و مواد معدنی را تامین مینمود .

متاسفانه این صنایع دراثر بروز جنگ بین‌المللی و آشفتگی اوضاع داخلی در ۱۳۲۰ دچار رکود شد و بعلت نابسامانیهائی که بهره برداری ازاین تاسیسات باآنهامواجه میگردید وبمنظورحفظ سرمایه‌های‌مصرف شده درایجاد این صنایع درسال ۱۳۲۱ طبق ماده ٤ از متمم بودجه به دولت اختیار داده شدکه دستگاههای صنعتی را بطور بازرگانی اداره نماید .

دراینموقع برای‌انجام این امر بنگاهی بنام بنگاه امور صنعتی احداث گردید و شروع بکار کرد و بعلت تنوع موضوع درآن موقع اینطور تشخیص داده شدکه که امور مزبور در بانکی بنام بانك صنعتی و معدنی‌ایران متمرکز شود و این عمل تا تشکیل سازمان برنامه (مهر ماه ۲۹) ادامه داشت ودراین موقع تمام این دستگاهها در سازمان مزبور متمرکز گردید و این سازمان ضمن ایجاد واحد های جدید صنعتی موظف بود که نقص کارخانجات موجودرا نیز برطرف نماید ودربرنامه‌دوم مبالغی از وصول صنایع و معادن برای انجام امراخیر پیش بینی شد وتاآنجا که‌مقدور است اجازه داد در رفع نواقص‌بعضی ازکارخانجات اقدام گردید . ولی از آنجا که سازمان برنامه اصولا طبق قوانین موجود فقط مباشرت دراثر تاسیس واحد های جدیدصنعتی را پس از مطالعه لازم داشت و امر بهره برداری از صنایع طبق قانون نیز بایستی به دستگاههای مجری پس از نصب واحد ها انتقال داده شود در شهریور ۱۳۳۸ تاسیسات مزبور برابر تصویب نامه دولت‌در اختیار وزارت صنایع ومعادن قرار گرفت و وزیر وزارتخانه مزبور نماینده صاحبان سهام در مجامع عمومی آنها از طرف دولت بود وزارتخانه مزبور نیز تا آنجا که توانست سعی نمود که کار های اساسی در این واحد ها بعمل آورد و آنها را برای تهیه محصول بهتری مجهز نماید و تا اندازه زیادی نیز دراین هدف موفق گردید .

چون همیشه نظر اولیای امور براین بوده است که این کارخانجات از دولت به دست سرمایه های خصوصی انتقال یابد درموقع شروع کار اصلاحات ارضی بنظر رسید که چنانچه بجای بهای املاك مالکین از سهام این کارخانجات داده شود . صرفنظر که هدف بالا عملی میشود مالکین میتوانند فورا سرمایه های خودرا در راههای تولیدی بکار بیندازند و از رکود این سرمایه ها تا بدست‌آمدن راه‌حل جدیدی برای سرمایه گذاری که مستقیما بموجب زیان سرمایه گذارمیباشد جلوگیری بعمل میآید ازاین فکر ایجاد یك‌شرکت‌سهامی که امور این کارخانجات را تنظیم و اداره نماید پیداشد و بالاخره با تنظیم از پنج نفر و بازرسان قانونی آن از سه نفر تشکیل میشوندکه طبق تصویبنامه هیئت دولت انتخاب و منصوب میگردند .

مدیرعامل فعلی شرکت آقای مهندس محمد قراگزلو است ایشان تحصیلات خودرا در رشته معادن درکشور فرانسه انجام و پس از بازگشت‌بایران در قسمتهای معادن ــ آبیاری وغیره فعالیت‌مداوم داشته وازمهندسین برجسته کشور بشمار میایند .

پس از تاسیس این شرکت شرکتهای قدیم که هریك عهده‌دار بهره برداری از کارخانجات مشخص بودند مانند شرکت نساجی شرکت قند دراین شرکت ادغام‌شدند وهریك بصورت‌**قسمت** صنایع‌مربوطه نام‌گذاری وتشکیلات‌شرکت باتصویب‌هیئت‌مدیره‌داده‌شد پس از اینکار شرکت شروع بارزیابی دارائی خود نمود و این عمل بسیار مفصل بوده و لازم است که در آن دقت کاملی مرعی شود .

اینکار عنقریب تمام میشود و از هم اکنون‌میتوان گفت که در صد سرمایه در صنایع مختلف بشرح زیر است :

صنایع قند	٤٥ درصد
صنایع نساجی	۳۵ درصد
مصالح ساختمانی	۹ درصد
پنبه و نوغان	۷ درصد
شیمیائی و مواد غذائی	۳ درصد

تعداد کارخانجات این شرکت نیز بشرح زیراست:
کارخانجات قند ۱۲ دستگاه
کارخانجات نساجی ۶ دستگاه
کارخانجات مصالح ساختمانی ۲ دستگاه
کارخانجات پنبه ونوغان ۲۲ دستگاه
کارخانجات شیمیائی و مواد غذائی ۳ دستگاه
که از هرگروه درقسمت صنایع متخصصی خود بهره برداری میگردند .

سرمایه این شرکت بمبلغ ۷۷۰۰ میلیارد ریال به ثبت رسیده است که به سهام ۵۰ هزار ریالی منقسم وعنقریب درمعرض فروش گذارده خواهد شد ارزیابی کارخانجات واموال شرکت نیز قریب به‌اتمام وبزودی نتیجه آن معلوم خواهد گردید .

ضمن بهره‌برداری معمولی و سالیانه شرکت در نظر دارد نواقص این واحدهای صنعتی را بمنظور یك بهره برداری صحیح رفع و در بعضی ازآنها نیزتوسعه لازم را بدهد مثلا برنامه توسعه های واحد قند سازی کاملا مطالعه شده و در دست اقدام است و تا بحال دردو کارخانه عملی گردیده‌ونتایج آن بسیار رضایت بخش بوده‌است همچنین‌مطالعات لازم‌درقسمت‌صنایع‌نساجی وپنبه ونوغان به‌نتیجه لازم رسیده است و واحد های مربوطه با برنامه هائی که مطالعه شده و مورد تجدید نظر قرارگرفته است مشغول کار میباشند.

ازآنجا که محصولات این‌شرکت مورداحتیاج‌عامه و مخصوصا طبقه ضعیف اجتماع است سعی اولیای امور همواره برآنست که ضمن آنکه بمرغوبیت این محصولات سال بسال افزوده گردد و آنها را بیشتر باب پسند بازار و مشتری نمایند از بالابردن بهای آنها جدا خودداری نماید کماآنکه موضوع کاملا روشن است که در سنوات اخیر که بهای اغلب اجناس قوس‌صعودی پیموده است بهای محصولات این کارخانجات ثابت بوده و تقریبا تغییری نکرده است بدیهی است این جدیت همواره دنبال میگردد .

بهرحال پس از عرضه سهام این شرکت تاموقعیکه اکثریت سهام آن فروش نرفته باشد اداره امور آن بدست این شرکت خواهد بود و سود سهام فروش رفته بمیزان ۶ درصد از طرف دولت و طبق قانون تضمین شده است .

اداره کل گمرک

در زمانهای قدیم دادوستد و تجارت و ارسال ودریافت کالا آزاد و تابع هیچ قیدوشرطی نبود ولی سیر تمدن‌وحفظ منافع‌کشورها تدریجا ایجاب‌کرد تا قوانین اقتصادی‌ومقررات گمرکی باقتضای شرایط ومنافع مخصوص هرکشور تدوین و باجرا درآید .

بنابراین کشور ایران نیز دربادی امر از آزادی‌مبادلات پیروی میکرده و تدریجا بگروه کشورهای نیازمند به‌تدوین و اجرای مقررات بازرگانی وگمرکی گرویده است . تاریخ حاکی است‌که‌کشور ایران بمناسبت موقعیت حساس جغرافیائی و برخورداری از ثبات و امنیت مرکز تجارت شرق وغرب‌و گذرگاه کالاهای دوکشور عظیم چین و هندوستان بوده ودر ایران کالاهای دوکشور مذکور با کالاهای روم و حلب تعویض و مبادله میشده و اولین باری که بوصول حقوق گمرکی مبادرت بعمل آمده در زمان خلافت عمر دومین‌خلیفه اسلامی است‌که پس از هجوم اعراب بایران و غلبه آنها برای حمایت از امپراتوری جدیدالتاسیس‌اسلامی‌وکمك‌به‌بازرگانان آنها مقرر میشود از کالاهای مسلمین $\frac{1}{40}$ و از کالاهای پیروان مذهب یهود و مضاری $\frac{1}{20}$ و از کالاهای پیروان‌سایر مذاهب $\frac{1}{20}$ ارزش مالیات دریافت شود ووصول این خراج تا پایان سلطه اعراب برایران ادامه داشته است . پس از رفع تسلط اعراب این مالیات لغو و دادوستد و تجارت بدون پرداخت مالیات و بطور آزاد رایج شد ، تاظهور سلاطین صفویه که در عهد آنها مجددا مالیات جدیدی برقرارگردید آزادی تجارت بدون پرداخت مالیات دوام نداشت . درزمان سلاطین صفویه وصول حقوق و عوارض گمرکی از کالاها مقرر شد ولی چون دولت ایران درآن موقع سازمان مرتبی نداشت تا بتواند حقوق خودرا در نقاط معین بحیطه وصول درآورد ناچار وصول این مالیات باجاره‌واگذار شدوکسانیکه قدرت وصول عوائد را در خود میدیدند این حقوق وعوارض را مقطوعا از دولت وقت اجاره میکردند وبانیرو و نفوذخود در محل علاوه بروصول حقوق و عوارض پرداختی بدولت مبالغی نیز بنفع خود وبرای استهلاك هزینه‌هائی‌که متحمل میشدند وصول مینمودند و ترتیب مذکور یعنی وصول‌حقوق وعوارض‌گمرکی دولتی ازطریق واگذاری آن‌باجاره ازدوره سلطنت شاه‌سلیمان تا ورود مستشاران بلژیکی‌که مدت ۲۹۰ سال است طول‌کشیده است . در سال ۱۸۱۳ میلادی که‌عهدنامه گلستان بین دولتین ایران و روسیه منعقد گردید بموجب‌آن عهدنامه مقرر شد که از کالاهای رسیده از طریق روسیه‌معادل صدی پنج ارزش کالاها حقوق و عوارض گمرکی دریافت شود و ترتیب مذکور تا ۱۵ سال یعنی تا شروع جنگ دوم ایران و روسیه که منجر بانعقاد پیمان ترکمان‌چای گردید دوام داشت . شکست در جنگ و انعقاد قرارداد ترکمان‌چای و تحمیل کاپیتولاسیون منشاء ضربهای هنگفت و بیشمارشد که مرارت و تلخیهای ناشی ازآن تاظهور سرسلسله دودمان پهلوی رضاشاه‌کبیر دوام یافت متاسفانه بموجب‌ماده۳ قرارداد ترکمان‌چای اتباع روسیه تزاری از پرداخت حقوق داخلی معاف بودند . بهمین دلیل رقابت بازرگانان‌داخلی باآنهامشکل شد و ناچار بودند موارد اختلاف را بقضاوت کنسولی رجوع نمایند که این شرایط شاق بافشار اجانب در سال ۱۸۳۱میلادی تعمیم یافت و طبق فرمان‌دولت ترتیب مندرج درپیمان مذکور در سراسر کشور و صدی پنج مذکور که اتباع روسیه از پرداخت آن معاف بودند عمومیت یافت و بعنوان ماخذتعرفه عمومی‌گمرکی ایران شناخته شدکه برای تخفیف عواقب‌امتیاز روسیه بتمام دولتهائیکه بین سالهای ۱۸۴۱ تا ۱۸۷۳ باایران قرارداد بازرگانی داشته بارعایت اصل کاملةالوداد امتیازات مذکور واگذار شد .

این تحمیلات روزبروز در امور مالی و اقتصادی‌مملکت اثرات خودرا نمودارتر و کشور را فقیرترکرد تاناچاربقرضه خارجی متوسل شدند و در ۱۲۷۶ درآمد گمرکات بغیر از گمرکات خلیج‌فارس گروگان وام دریافتی از روسیه بود و گمرکات جنوب نیز وثیقه وامی قرار داشت‌که از انگلستان دریافت شده بود . بنابرآنچه‌گذشت مناسبات و علل مذکور یعنی عدم وصول درآمدها و استقراض خارجی وضعف‌سازمان سبب‌گردید که شروع کوشش و تلاش موثری برای اصلاحات احساس‌گردد و بدین سبب بود که در ۱۲۷۷ شمسی‌باستخدام مستشاران بلژیکی همت‌گماشته شد و اولین دسته آنهابریاست مسیونوز بایران وارد شدند در همان سال بموجب فرمان‌مورخ ۱۸ ذی‌حجه ۱۳۱۸ قمری‌اجاره گمرکخانه‌ها ووصول‌عوارض داخلی ازقبیل حقوق خانات و راهداری و قپانداری ملغی و دریافت حقوق و عوارض گمرکی بعهده آقای نوز محول گردید که از ارزش کالاهای وارده و صادره بماخذ صدی‌پنج وازهر بار چهل‌منی تبریز ۲۲ شاهی ازمکاری دریافت دارد. آقای نوز پس از دوسال مطالعه در۱۹۰۳ اولین تعرفه‌گمرکی را تنظیم و بموجب آن وصولی حقوق و عوارض گمرکی‌را بر اساس وزن و تعداد عدل ودر موارد خاص بر ماخذارزش پی‌ریزی نمودند و درسنوات ۱۳۰۷ و ۱۳۱۵ و ۱۳۲۰و۱۳۲۹ و ۱۳۳۲ و ۱۳۳۷ برحسب مقتضیات و احتیاجات در تعرفه گمرکی تغییراتی داده شد و باهر تغییر وظایف اداره کل گمرك در نظارت بروصول عوائد بیشتر و سنگین‌تر گردید و مقدار وصول حقوق و عوارض گمرکی نیز بالاتر رفت‌چنانکه میتوان از تفاوت وصولی براساس اجرای اولین تعرفه‌که‌در سال ۱۲۹۲ شمسی‌حداکثرمعادل ۴۷٫۴۰۲٫۹۳۶ ریال‌بوده بامیزان وصول سال ۱۳۴۱ که معادل ۸٫۶۵۹٫۰۹۹٫۱۲۲ ریال است بسنگین‌تر شدن وظایف اداره‌کل‌گمرك و تحولاتی که در مقررات اقتصادی و بازرگانی پدید آمده پی‌برد .

دوره تصدی آقای نوز و اعقاب او آقایان مرنارد و هنسیس . لامیر . مولیتور . دکرکر۳۶سال طول‌کشید و در اردیبهشت ۱۳۱۳ به خدمت مستشاران بلژیکی خاتمه داده‌شد زیرا احساس شده بود که صاحب منصبان ایران باکفایت و لیاقت تمام رموز و دقایق کار مدیریت را آموخته و میتوانند

مستقلا سکان کشتی امور اقتصادی را بدست گرفته و هـدایت آنرا مستقیما عهده‌دار باشند ازآن ببعد مدیران ایرانی گمرك ایران را بانهایت کفایت وکاردانی اداره نموده‌اند بدیهی‌است که از خاتمه‌خدمت بلژیکی‌ها در ایران تاکنون روزبـروز وضع اقتصادکشور پررونق‌تر و وظایف‌گمرك چه از جنبـه داخلی وچه از جهات تماس باکشورهای خارجـی مهمتر و درعین‌حال مشکل‌تر شده و معهـذا افسران ایران در راس گمرك باکمال توانائی توانسته‌اند وظایف محوله و خدمـات مرجوعه را باسرافرازی بانجام برسانند .

در پایان مقال تذکر این نکته‌ضروری است که‌مستشاران بلژیکی باوصف‌اینکه صمیمانه خدمتگزاری کردند اما توفیق آنها جز در سایه همکاری موثر وصمیمانه افراد تحصیل‌کرده ایرانی‌که باکمال صداقت و وطن‌پرستی باآنها همراهی و کمك کردند امکان‌پذیر نبود دراینجا برای اینکه خوانندگان بـا چهره‌هائیکه گمرکات ایران را از بدو تشکیلات جدید اداری تاکنون اداره‌کرده‌اند آشناگردند بترتیب اسامی مدیران کل گمرك در زیر درج میشود :

۱ ــ آقای نوز — بلژیکی
۲ ــ آقای مرنارد — »
۳ ــ آقای هنسیس — »
٤ ــ آقای لامبرمولیتور — »
۵ ــ آقای دکرکر — »
٦ ــ آقای دکتر محمد سجادی
۷ ــ آقای اللهیار صالح
۸ ــ آقای دکترعلی امینی
۹ ــ آقای دکتر غلامرضا کیان
۱۰ ــ « منوچهر نیك‌پی
۱۱ ــ « احمد ظلی
۱۲ ــ « هارولد دین‌گراشام — امریکائی
۱۳ ــ « احمد ظلی
۱٤ ــ « منوچهر نیك‌پی
۱۵ ــ « احمد محمدآبادی
۱٦ ــ « نیرالدین پیرزاده
۱۷ ــ « علی‌اصغر فروزان
« محمدمهدی قهرمانی
۱۸ ــ « فروغی‌زاده
« محمدحسین اخوی
۱۹ ــ « موسی خطاطان
۲۰ ــ « محمدمهدی قهرمانی
۲۱ ــ « موسی آبتین
۲۲ ــ « سرهنگ علی‌اکبر ضرغام
۲۳ ــ « علی جهانگیر
۲٤ ــ « مهندس مسعود شکوه
۲۵ ــ « غفار نصیری
۲٦ ــ « علی فرداد
۲۷ ــ « سیداحمد بهگو

سازمان اداره مرکزی کل گمرك

اداره‌کل‌گمرك دارای یك مدیرکل ویك‌معاون فنی و یك معاون اداری و شش مشاور وپنج بازرس ویژه میباشد کارهای فنی واداری گمرك‌درمرکز بوسیله یك‌کمیسیون‌دائمی (بنام‌کمیسیون دائمی تعرفه) ویك شورای رسیدگی و ۱٤ اداره ودودفتر ویك‌دایره مستقل بشرح زیرانجام میشود

۱ــ کمیسیون دائمی تعرفه دارای هفت نفر عضو اصلی وشش‌نفر عضو علی‌البدل است‌که رئیس ونایب‌رئیس‌آن از اعضاء اصلی ومنشی‌آن ازاعضای علی‌البدل میباشد .

وظیفه ــ رسیدگی وصدور رای نسبت به‌پرونده‌هائیکه تشخیص‌نوع‌کالا موضوع آنها درمرکز یا شهرستانها ازلحاظ تطبیق با مندرجات تعرفه‌گمرکی مورد اختلاف‌نظر واقع‌شده وازطرف مدیرکل گمرك یا یکی‌ازمعاونین اوبرای حل، اختلاف‌بکمیسیون مزبورارجاع‌میشود رسیدگی بدرخواستهائی که مبنی بر استعلام تعرفی‌بندی‌کالا ازطرف بازرگانان یا از طرف اداره‌گمرك شهرستانها باداره کل‌گمرك میرسد وازطرف، مدیرکل یا یکی‌ازمعاونین او برای رسیدگی و اظهارنظر بکمیسیون احاله میگردد و رسیدگی وصدور رای درمورد هر اختلافی‌که ازاجرای مقررات‌گمرکی ناشی شده وپرونده‌آن ازطرف مدیرکل یا یکی ازمعاونین اوبرای همین منظور بکمیسیون ارجاع میگردد .

۲ــ شورای رسیدگی اداره‌کل‌گمرك مرکب ازیك‌نفر رئیس وچهارنفر عضو خواهد بود .

وظیفه ۱ ــ رسیدگی به‌پرونده‌های کسر دریافتی و تشخیص حقانیت اعتراضات‌گمرك وصاحب مال ۲ــ ارجاع پرونده‌های مورد اختلاف به‌کمیسیون ۳ــ درمواردیکه‌مطالبه کسر دریافتی محرز باشد دستور تعقیب ومطالبه کسر دریافتی را بدایره اجراء ابلاغ نماید.

۳ــ اداره کارگزینی ــ دارای یك رئیس و دو معاون و ۲۷ کارمند .

وظیفه‌ــ رسیدگی بامور پرسنلی‌کلیه کارمندان و کارکنان .

دوایر تابعه آن :
دایره امور عمومی .
دایره امور بازنشستگان
دایره امور موظفین
دایره استخدام وانتقالات
دایره آمار وپرسشنامه‌ها
دایره اعتبارات
دایره امور مامورین روزمزد
دایره دفتر
دایره بازرگانی

٤ــ اداره دفترکل ــ دارای یك رئیس و دو معاون و ۱۱ کارمند .

وظیفه ــ انجام امور دفتری
دوائر تابعه آن
دایره وصول وثبت نامه‌ها
دایره بایگانی
دایره توزیع ونامه‌رسانی
دایره امور عمومی ونگارش

۵ــ اداره حسابداریکل گمرك ــ دارای یك رئیس و ذیحساب ودومعاون و۷۰نفرکارمند

وظیفه ــ رسیدگی بامور محاسباتی اداره‌کل گمرك

وشهرستانها .
دوائر تابعه آن
دایره حسابداری مرکز
دایره رسیدگی وتمرکز حسابهای جاری ومعوقه
دایره درآمد
دایره بودجه اعتبارات
دایره بازنشستگی
دایره صندوق
دایره بایگانی
دایره دفتر
دایره تنخواه‌گردان
دایره قند وشکر
۶ـ ادارات نظارت بر واردات وصادرات دارای یك رئیس و دومعاون‌کل و مرکب از دواداره‌ـ اداره‌نظارت برواردات ــ اداره نظارت برصادرات
۱ــ اداره‌نظارت برواردات دارای یك رئیس ودومعاون و۲۰ کارمند .
دوایر تابعه آن
دایره دفتر وبایگانی
دایره معافیت‌ها
دایره سهمیه
دایره دستورات عمومی
دایره پاساوانی
دایره ترانزیت وکاپوتاژ
۲ــ اداره نظارت برصادرات یك رئیس ویك معاون و ۵ کارمند .
دوایر تابعه آن
دایره معافیت‌ها
دایره مقررات صادرات
وظیفه ــ ادارات نظارت بر واردات‌وصادرات‌بطورکلی عبارتست ازنظارت براجرای آئیننامه‌های گمرکی ومقررات انحصار بازرگانی
۷ــ ادارات تعرفه وبازرگانی دارای یك رئیس ویك معاون‌کل و ۶کارمند ومرکب ازدو اداره ویك دایره اداره سود بازرگانی ــ اداره تعرفه ــ دایره دفتر وبایگانی
۱ــ اداره سود بازرگانی ــ دارای یك رئیس ویك معاون و ۳کارمند .
دوایر تابعه آن
دایره واردات
دایره نظارت بر واردات بدون‌کارت بازرگانی
۲ــ اداره تعرفه ــ دارای یك رئیس ویك معاون و ٤ کارمند .
دوایر تابعه آن
دایره تشخیص
دایره نمونه‌ها
وظیفه اداره‌کل تعرفه بطور کلی عبارتست ازتشخیص تعرفه‌بندی کالا ونظارت براجرای جدول تعرفه وارجاع پرونده ها بکمیسیون دائمی تعرفه وکمیسیون عالی تجدیدنظر وجدول‌سود بازرگانی وجدول‌کالاهای غیرمجاز طبق‌سهمیه‌ـ های مصوب هیئت دولت است .

۸ــ اداره بازبینی ــ دارای یك رئیس و دومعاون و ۳۰کارمند
وظیفه ــ رسیدگی باظهارنامه‌های کالای مرخص شده ازگمرك ازنظر حقوق وعوارض دریافتی و وصول‌کسر دریافتی‌ها واسترداد اضافه دریافتی‌ها
دوایر تابعه آن
دایره بازرسی برگهای گمرکی
دایره نمونه‌ها
دایره استرداد
دایره دفتر و بایگانی
دایره وصول‌کسر دریافتی
دایره تحویل وتوزیع اظهارنامه‌ها
۹ــ اداره ارزش ــ دارای یك رئیس ودومعاون و ۱۱ کارمند .
وظیفه ــ تعیین ونظارت در ارزش کالاهای گمرکی
دوایر تابعه آن
دایره تحقیق ارزش
دایره دفتر و بایگانی
۱۰ــ اداره امور بنادر وانبارهای‌کل‌گمرك ــ دارای یك رئیس و دومعاون و۸کارمند
وظیفه‌ـ نظارت باموریکه‌مربوط به‌تخلیه‌کالا ازکشتی‌ها و رسیدگی بکارهای بندری در ادارات‌گمرك
دوایر تابعه آن
دایره امور انبارها
دایره نظارت برتخلیه
دایره امور بنادر
دایره دفتر وبایگانی
۱۱ــ اداره‌کارپردازی ــ دارای یك رئیس و دومعاون و ۱۶کارمند .
وظیفه ــ خرید احتیاجات اداری ازهرقبیل و تهیه ملزومات اداری
دوایر تابعه آن
دوایر دفتر وبایگانی
دایره خرید
دایره مطبوعات ونوشت‌افزار
دایره صاحبجمعی
۱۲ــ اداره ساختمان ــ دارای یك رئیس و دو معاون و ۱۳کارمند
وظیفه ــ نظارت برامر ساختمانی اداره‌کل‌گمرك
دوایر تابعه آن
دایره تعمیرات
دایره نقشه‌کشی
دایره متره
دایره دفتر وبایگانی
۱۳ــ اداره قضائی ــ دارای یك رئیس و سه‌معاون و ۳۳ کارمند
وظیفه ــ رسیدگی بامور قاچاق وتعقیب پرونده‌ها در مراجع قضائی
دوایر تابعه آن
دایره رسیدگی بدعاوی وتعقیب‌قاچاق
دایره دفتر وبایگانی
دایره اجراء

۱۴ــ اداره فروش کالاهای ضبطی ومتروکه ــ دارای یك رئیس ودومعاون و۳۰ کارمند

وظیفه ــ نظارت بر امر فروش کالاهای ضبطی و متروکه

دوایر تابعه آن
دایره کالای امور متروکه
دایره انبار
دایره فروشگاه
دایره ارزیابی
دایره دفتر وبایگانی

۱۵ــ اداره فنی وموتوری ــ دارای یك رئیس ودو معاون و ۱۲ کارمند و شش تلفنچی و ۲۹ راننده .

وظیفه ــ نظارت بامور موتوری و وسائط نقلیه که در اداره کل گمرك دراختیار دارد .

دوایر تابعه آن
دایره امور شهرستانها
دایره وسائط نقلیه و موتوری و تعمیرگاه
دایره انبار
دایره دفتر وبایگانی
دایره خرید

۱۶ــ اداره همکاریهای بین‌المللی ــ دارای یك رئیس ودومعاون و ۹ کارمند

وظیفه ــ بطور کلی جمع‌آوری سوابق پرونده های مربوطه ورسیدگی ومطالعه‌طرق ومراقبت در ترجمه واقدام بچاپ وانتشار و درج نظریات وتهیه پیشنهادهای لازم‌بمنظور هماهنگ ساختن عملیات گمرکی با تشریفات متداول درسایر کشورهای عضو شورا میباشد

دوایر تابعه آن
دایره دفتر وبایگانی
دایره دارالترجمه

۱۷ــ دفتر رمز ومحرمانه ــ دارای یك رئیس و یك معاون و ٤ کارمند

وظیفه ــ عبارتست‌ازثبت‌نامه‌های‌وارده وصادره محرمانه وتهیه‌تلگرافات ومکاتبات‌رمزونگهداری وبایگانی پرسشنامه‌های مربوط بدارائی کارمندان

۱۸ــ دارالترجمه ــ دارای یك رئیس و یك معاون و یك کارمند

وظیفه ــ عبارتست از ترجمه کلیه نامههائیکه ازطرف سفارتخانه‌ها ــ کمپانی‌ها وکشورهای خارجی بوزارت‌اقتصاد و اداره کل گمرك میرسد و ترجمه وجواب آنها .

۱۹ــ دایره مستقل اموال ــ دارای یك ذیحساب و یك معاون و ٥ کارمند

وظیفه ــ حفظ ونگهداری اثاثیه واموال و اماکن کل گمرك

ضمنا کارهای سرپائی ادارات مرکزی کل گمرك بوسیله ٥۳ نفر خدمتگزار جزء که دارای یك سرپرست‌میباشد اداره میشود .

توضیح اینکه‌کارگران روزمزد کارتی وبارشماران بطورکلی دراین سازمان قید نگردیده .

اداره کل‌گمرك در تهران و شهرستانها دارای ۱۲۰ اداره و یك دفتر گمرکی بشرح زیر است وضمنا بطورکلی وظائف آنها عبارت است ازانجام تشریفات ورود و خروج کالا وتعقیب پرونده‌های قاچاق درمراجع صالحه میباشد و نیز علت وجودی تمام ادارات مذکور درفوق بنابمقتضیات اداری واحتیاجات محلی وطبق آئیننامه مربوطه دائر وبرقرار گردیده است .

(گمرکخانه‌ها ودفاتر مجاز بکارگمرکی)

۱ــ اداره گمرك امانات پستی تهران دارای یك رئیس و دو معاون و ۷۲ کارمند و ٥ خدمتگزار جزء و یك تلفنچی .

۲ــ اداره گمرك تهران دارای یك رئیس و دو معاون و ۱۱۸ کارمند و٥ خدمتگزار جزء ویك تلفنچی .

۳ــ اداره گمرك مهرآباد دارای یك رئیس و دومعاون و ۱۰٤ کارمند و ۷ خدمتگزار و ۹ راننده و یك تلفنچی .

٤ــ اداره گمرك آذربایجان دارای یك رئیس و دو معاون ومرکب از دو اداره و شش دفترگمرکی و۷۳ کارمند ۱۲ خدمتگزار و۲ راننده و ۱ تلفنچی .

ادارات و دفاتر تابعه
اداره گمرك جلفا
اداره گمرك بازرگان
امانات پستی تبریز
ایستگاه تبریز
رضائیه
مرزخانه
اشنویه
مهاباد

٥ــ اداره گمرك بندرپهلوی دارای یك رئیس ودومعاون و ٤۰ کارمند و۱۳ خدمتگزار و۳ راننده و ۱ تلفنچی .

دفتر تابعه
۱ــ نوشهر

٦ــ اداره گمرك خراسان دارای یك رئیس و دومعاون ومرکب از ۱ اداره و ۲ دفتر و۳۷ کارمند و ۱۹ خدمتگزار و ۲ راننده

اداره ودفاتر تابعه
اداره گمرك یوسف‌آباد
باجگیران
پاسگاه صالح‌آباد سرخس

۷ــ اداره گمرك زاهدان دارای یك رئیس و دومعاون و ۲٤ کارمند ۱۷ خدمتگزار ۳ راننده

دفاتر وپاسگاههای تابعه
دفترگمرکی زابل
دفترگمرکی داورپناه (سراوان)
دفترگمرکی ده‌دوست‌محمد
دفترگمرکی میرجاوه
دفترگمرکی خواجه احمد

۸ــ اداره گمرك بندرعباس دارای یك رئیس ودومعاون و ٥۸ کارمند ۳٦ جزء ۲ راننده

دفاتر تابعه

بخش قشم شامل دفاتردرگیهان ــ لافت ــ دولاب ــ باسعیدو ــ سوزا ــ صلخ ــ دیرستان ــ لارك

تیاب شامل دفاتر ــ گرگان ــ کوهنگ ــ سیریك سك شامل دفاتر ــ بونجی ــ لبریزك

آمل دفاتر ــ پل‌پستانو ــ هرمز ــ خانه‌سرخ
بوشهر دارای یك رئیس و دومعاون و ۷۳ کارمند ۲۶ خدمتگزار ۲ راننده
دفتر گمرکی عسلویه
دفتر گمرکی لاور
دفتر گمرکی دلوار
دفتر گمرکی بوالخیر
دفتر گمرکی طاهری
دفتر گمرکی تمبك
دفتر گمرکی دیر

۱۰ــ اداره گمرك شیراز دارای یك رئیس ویك معاون و ۲۱ کارمند و ۳ خدمتگزار
دفاتر تابعه
ندارد

۱۱ــ ادارگمرك دیلم دارای یك رئیس ویك معاون و ۲۳ کارمند و ۲ خدمتگزار
دفاتر تابعه
۱ــ گناوه
۲ــ ریگ

۱۲ــ اداره گمرك چاه‌بهار دارای یك رئیس ویك معاون و ۱٤ کارمند و ٤ خدمتگزار ۱ راننده
دفاتر تابعه
دفتر گمرکی کنارك
دفتر گمرکی کنگ
دفتر گمرکی گالك
دفتر گمرکی پسابندر
دفتر گمرکی ریمدان
دفتر گمرکی گج
دفتر گمرکی کوکسر

۱۳ــ اداره گمرك لنگه دارای یك رئیس و دومعاون و ۲۵ کارمند و ٥ خدمتگزار
دفاتر تابعه
۱ــ بخش کنك
۲ــ بخش مغویه شامل دفاتر ــ کلات ــ چارك
۳ــ بخش مقام شامل دفاتر ــ شیو ــ کوشکنار
٤ــ بخش کیش ــ بندرتبن

۱٤ــ اداره گمرك بندرشاهپور دارای یك رئیس و دو معاون و ٤۷ کارمند ۲ راننده
دفاتر گمرکی ندارد

۱٥ــ اداره گمرك بندر معشور دارای یك رئیس ویك معاون و ۱۰ کارمند
دفتر گمرکی وپاسگاه تابعه
پاسگاه گمرکی سجافی
دفتر گمرکی هندیجان

۱٦ــ اداره گمرك آبادان دارای یك رئیس ودومعاون و ۹۱ کارمند ۲۲ جزء ۲ راننده
دفاتر تابعه
دفتر گمرکی خسروآباد
دفتر گمرکی سعدونی
دفتر گمرکی گسبه
دفتر گمرکی قفاس
دفتر گمرکی خارك
دفتر پاسگاه گمرکی حاجی صلبوخ شمالی وجنوبی
دفتر گمرکی بوارده وبریم

۱۷ــ اداره گمرك اهواز دارای یك رئیس ودومعاون و ٤۰ کارمند ٤ جزء ۳ راننده
دفاتر تابعه
دفتر گمرکی بستان

۱۸ــ اداره نظارت گمرکات استان ششم دارای یك رئیس
ادارات گمرك خرمشهر که دارای یك مدیر ودومعاون مدیریت ومرکب از ٦ اداره بترتیب زیر میباشد :
۱ــ اداره اول دارای یك رئیس و یك معاون و ۲٦ کارمند
۲ــ اداره دوم دارای یك رئیس و یك معاون و ٦٤ کارمند
۳ــ اداره سوم دارای یك رئیس و دو معاون و ۷٥ کارمند
٤ــ اداره چهارم دارای یك رئیس و یك معاون و ۲۲ کارمند
٥ــ اداره پنجم دارای یك رئیس و یك معاون و ٤٥ کارمند
٦ــ اداره ششم دارای یك رئیس و یك معاون و ۳٦ کارمند

دفاتر تابعه
دفتر گمرکی پل نو
پاسگاه گمرکی خین
پاسگاه گمرك دوربند

۱۹ــ اداره گمرك کرمانشاه دارای یك رئیس و دو معاون و مرکب از دو اداره و دو دفتر گمرکی ویك پاسگاه و ۲٤ کارمند و ۷ خدمتگزار و ۲ راننده
ادارات ودفاتر تابعه
اداره گمرك قصرشیرین
اداره گمرك خسروی
دفتر گمرکی پاوه
پاسگاه وشوشمی
دفتر گمرکی گمرك مهران

۲۰ــ اداره گمرك کردستان دارای یك رئیس ویك معاون و ۱۱ کارمند ۳ خدمتگزار ۱ راننده
دفاتر تابعه
دفتر گمرکی مریوان
دفتر گمرکی سقز
دفتر گمرکی بانه

۲۱ــ دفتر گمرك اصفهان دارای یك رئیس و ۳ کارمند
۱ــ مراجعین اصلی گمرك بازرگانان و پیشه‌وران و ساکنین نوار مرزی میباشند که برای انجام تشریفات کالای

وارداتی وصادراتی خود بادارات گمرک مراجعه مینمایند .
۲ـ مسافرینی که بوسیله هواپیما ـ کشتی ـ وسایر وسائطنقلیهزمینی ایاب وذهاب مینمایند جزء مراجعه‌کنندگان ادارات گمرک میباشند .
۳ـ تشریفات گمرکی مربوط بهطبقات فوق باتوجه به مقررات خاص آنها صورت میگیرد .

۱ـ درآمد۵ماههحاصله ازفروش کالاهای متروکه درحراج همگانی بامزایده	۳۲۹۴۰۱۸۷ ریال
۲ـ درآمد ۹ماههاول سال۴۱ حاصله از فروش کالاهایمتروکهدرحراجیامزایده	۲۰۱۷۹۲۴۵ »
۳ـ اضافه وصولی نسبت بهمدت مشابه	۱۲۷۶۰۹۴۲ »
۴ـ حدمتوسط فروش ماهیانه درسال۴۲ نسبت بمدت پنجماه	۶۵۸۸۰۳۷ »
۵ـ حدمتوسط فروش ماهیانه درسال ۴۱ نسبت بمدت ۹ ماه	۲۲۴۲۱۳۸ »
۶ـ اضافه وصولی حد متوسط فروش ماهیانه سال ۴۲ دریك ماه	۴۳۴۵۸۹۹ »
۷ـ اضافه وصولی با محاسبه حد متوسط در نه ماه	۳۹۱۱۳۰۹۱ »

(آمار کالاهای فروخته شده با مازاد)

اظهارنامه‌های کالای فروخته شده که تمام حقوق و عوارض‌گمرکی آن تامین ومازاد آن بصاحب کالا مسترد میشود .
تعداد اظهارنامه های سال ۴۲ درمدت ۵ ماه ۴۵ فقره
تعداد اظهارنامههای سال ۴۱ درمدت ۹ماه ۱۶ فقره
اضافه پرداختی مازاد در مدت پنج ماهه سال ۴۲ ۲۹ فقره
حد متوسط اظهارنامههای مازاد دار در سال ۴۲ برای مدت ۵ ماه ۹ فقره
حد متوسط اظهارنامههای مازاد دار درسال ۴۱ برای مدت نه ماه ۱٫۸ فقره
اضافه ۷٫۲ فقره
تعداد تقاضای رسیده برای ترخیص کالاهای متروکه درمدت نهماهه سال ۴۲ ، ۳۵ فقره
تعداد تقاضای رسیده برای ترخیص کالاهای متروکه در نهماهه سال ۴۱ ، ۹ فقره
اضافه ۲۶ فقره

فعالیت اداره بازبینی کل‌گمرك در ده ماهه سال ۴۳

کشفیات	مبلغ کشف‌شده	مبلغ‌وصولی ازمبلغ کشف شده
فروردین	۱۱۷۰۸۳۴	۳۷۴۲۷۱ ریال
اردیبهشت	۷۳۷۴۹۱۰	۲۷۱۹۱۹ »
خرداد	۱۶۳۹۳۷۸۸	۴۸۵۷۷۵ »
تیر	۱۹۳۵۴۱۵۶۷	۶۶۲۶۰۶ »
مرداد	۲۰۶۶۷۳۵۲	۱۰۱۷۹۴۱ »
شهریور	۱۱۵۰۳۹۳۵	۴۱۷۵۴۰۹ »
مهر	۳۹۱۲۹۰۹	۳۹۹۶۹۰۸ »
آبان	۱۰۲۴۱۲۸۵	۱۷۳۹۸۲۹ »
آذر	۶۴۱۲۷۵۸	۱۲۹۵۳۲۸ »
دی	۲۹۲۸۶۰۴۵	۱۷۶۵۰۲۹ »

قاچاق و تخلفات گمرکی

طبق قانون تجارت بازرگانی خارجی در انحصار دولت میباشد نهایت چون دولت نمیتواند بازرگان خوبی باشد این عمل را بهتبعیت از فلسفه حکومت مشروطه‌که کارها باید بدست مردم انجام‌گیرد بهبازرگانان محول نموده است ولی چون دولت برای انجام‌کارهای عمومی وایجاد نظم وآرامش درکشور و یا چرخاندن دستگاه سررشته‌داری بدرآمدی‌احتیاج دارد درقبال واگذاری حق انحصار تجارت بمردم ازکالاهای وارده وصادره حقوق وعوارضی دریافت میداردکه این‌حقوق وعوارض طبق قانون تعرفه‌گمرکی وقانون سهمیه واردات و صادرات دریافت میشود .

کشورایران چون‌کشور صنعتی نیست وصادرات مهمی که موجد درآمد معتنابهی باشد ندارد بیشتر تامین بودجه سالیانه خود را ازدرآمد حقوق وعوارض‌گمرکی متعلقـه بکالاهای وارداتی تامین مینماید وازطرفی برای حفظ و حمایت صنایع داخلی ناچار است که برای کالای وارداتی حقوق‌گمرکی سنگینی تحمیل نماید همین مسئله اخیر باعث شده است‌که برخی ازکالاهاکه نمیتواند سود سرسام‌آوری برای واردکننده ایجاد نماید بقاچاق واردکشور شود دولت طبق قانون مصوب اسفند ماه ۱۳۱۲ موظف است باهرکسیکه درمورد مالی‌که موضوع عایدات دولت است یا مشتقات آن یا اشیائیکه ورود یا صدور آن بموجب قوانین یا بموجب تصویبنامه هیأت‌دولت (درحدود قوانین موضوعه) ممنوع و یا بدولت اختصاص دارد مرتکب قاچاق بشود طبق قانون مذکور درفوق مجازات نماید ویا همین‌کالا راکه ورودش ممنوع میباشد به‌گمرك وارد نموده به‌تسمیه غلط اظهار کند ویادرموقع اظهارکالای مجاز دراثر اشتباه مامورین گمرك واحتساب بماخذ تعرفه عوضی حقوق وعوارض کمتری‌پرداخت شود بازهم کالا مشمول نوع دیگر مجازات میشود که از مجموع شقوق مختلف قاچاق وتخلفات‌گمرکی صورمجالسی بعناوین صورت مجلس قاچاق ـ صورت مجلس ضبط منضم وتخلفات بوجود میآید که با توجه به‌قیمت‌کالاهای ضبطی بطور منظم وقاچاق وجرائم وصولی ازاین بابت وازبابت تخلفات ناشیه ازاظهار خلاف واقع درآمد قابل ملاحظه‌ای عاید خزانه دولت میشودکه آمار نهماهه آن درسال ۱۳۴۲ بشرحی‌است‌که درفهرستهای منضم مندرج است و خلاصه‌آنها بشرح زیر میباشد :

تعداد صور مجالس نه‌گانه ۶۹۷۲
ارزش کالای قاچاق‌وضبط‌منظم ۷۱۶۷۶۵۴۶٫۲۵ریال
جریمه تعیین‌شده ۱۱۸۶۹۴۱۵۰٫۵ریال
وجریمه وصولی آن بالغ بر ۵۲۲۶۵۸۰ ریال است .

بدیهی است قسمت اعظم پرونده‌های قاچاق در جریان دادرسی است که وصول جریمه موکول بهمحکومیت مرتکب قاچاق میباشد وقسمت دیگر نیز بطور اقساطی وصول میشود و وصول‌کلیه جرائم ممکن است بسالهای‌آتی منتهی شود و درنتیجه مبالغی هم دردفاتر‌گمرکی وپرونده‌ها وجود دارد که ازبقایای سنوات‌گذشته میباشد که مربوط به فهرست تسلیمی نمیباشد .

رئیس ادارهٔ قضائی کل‌گمرك ـ فتحی

آمار تعداد صورتمجلس(قاچاق وضبط منظم وتخلفنامه) وجریمه تعیین‌شده و جریمه وصولی‌در ظرف ۹ ماه سال ۴۲

شماره	تعداد صورتمجلس ضبط	جریمه تعیین شده	جریمه وصولی	تعداد تخلفنامه	جریمه تعیین شده	جریمه وصولی	
۱	۲۹۶۳	۶۰۱	۴۴۹۰۰۰۸۵٫۵۰	۱۶۴۳۸۳۴۹	۳۹۷۳	۶۱۷۸۰۷۱	۵۳۳۶۵۸۰

آمار تعداد صورتمجلس جریمه تعیین شده و جریمه وصولی در ظرف ۹ مـاه سال ۴۲

	تعداد صورتمجلس قاچاق	جریمه تعیین شده	وصولی
۱	۳۸	۶۷۶۱۵۹۹۴	

آمار ۹ ماه سال ۴۲ انواع کالاهای قاچاق کشف‌شده وسیلهٔ شهرستانهاواداره قضائی کل‌گمرک

شماره	شرح اشیاء مکشوفه	جمع کل	واحد	آمار کشفیات اداره قضائی کل گمرک: جمع کل	ملاحظات
۱	پارچه نخی	۱۴۹۰۳	متر	۲۷۳۷	
۲	پارچه پشمی	۱۷۸	متر	۷۰۱	
۳	پارچه مخمل	۱۶۱	متر	—	
۴	ملبوس	۶۹۶۸	ثوب	۸۳	
۵	صابون	۱۴۰۱۰	قالب	۱۸۹	
۶	کفش دمپائی	۶۶۷۶	جفت	۲۸	
۷	ورق بازی وسایر لوازم قمار	۱۴۲۸	دست	۵۴۵	
۸	چای	۳۴۹۴۸	کیلو	۳۸۳	
۹	سیگار وکاغذ سیگار	۱۱۷۵۸۸	پاکت	—	
۱۰	دستمال رومیزی	۲۳۷۵	عدد	۱۳۴۹۴	
۱۱	مشروبات الکلی	۴۲۹	بطر	۱۵	
۱۲	زیر پیراهنی جوراب	۲۹۷۸	عدد	۱۹۹۲	
۱۳	قند و شکر	۱۷۳۷۹	کیلو	—	
۱۴	پتو ـ روتختی ـ روسری	۲۸۶	تخته	۲۰	
۱۵	قالیچه ـ کوسن‌دیوارکوب	۲۱۹	تخته	—	
۱۶	اسلحه	۳۳۳۹	قبضه	—	
۱۷	احشام	۲۴۹	راس	—	
۱۸	مواد خوراکی	۱۹۸۸۹	کیلو	۱۹۰۳	
۱۹	اجناس خرازی	۴۵۹۴	عدد	۱۲۴۵۴	
۲۰	متفرقه	۱۱۳۴۲	عدد	۵۰۰۲	
۲۱	ارز (سیم وزر) و سکه	۱۳۱۲۷	گرم	—	
۲۲	مواد مخدره	۱۰۷۰	گرم	—	

محل‌کار	شرح	سال ۴۲	سال ۴۳	تعداد	مساحت زیربنا
تهران	۱ـ عملیات تکمیلی مربوط به‌ساختمان دوباب انبار وساختمان‌تعمیرگاه و سالن حراج و آتش‌نشانی در سه طبقه با کلیه لوازم مربوطه واقع درگمرک ایستگاه که قریبا شروع شده است .	۴۲	ـ	۳ دستگاه	
تهران	۲ ـ تکمیل ساختمان آزمایشگاه گمرک ایستگاه که در برنامه ساختمانی سال ۴۳ منظور شده است .	ـ	۴۳	یك دستگاه	
خرمشهر	۱ ـ تکمیل منازل مسکونی یك طبقه دواطاقه کارگری با لوازم .	۴۲		۱۰۰دستگاه	۹۰۰۰مترمربع
	۲ ـ ساختمان دیوار ساحلی پشت اسکله .	۴۲			۹۰مترطول
	۳ ـ تکمیل ساختمان تعمیرگاه گمرک خرمشهر در یك طبقه شامل محل تعمیر جرثقیل و اتومبیل وسایر وسایل موتوری که در برنامه ساختمانی سال ۴۳ منظور گردیده است .	ـ	۴۳	یك دستگاه	
	۴ ـ تکمیل محوطه سازی مربوط به یکصد دستگاه منازل کارگری شامل دیوارکشی ـ اسفالت ـ کابل‌کشی که دربرنامه ساختمانی سال ۴۳ منظور شده است .	ـ	۴۳	ـ	
آبادان	تکمیل بنای اداری در سه طبقه شامل تهویه مطبوع و لوازم مربوطه که در برنامه سال ۴۳ منظور شده است .	ـ	۴۳	۱ دستگاه	
بندر شاهپور	عملیات تکمیلی مربوط به ساختمان منازل مسکونی کارمندی چهاراطاقه در یك طبقه باکلیه لوازم در یك طبقه درسال ۴۲	۴۲		۵۰ دستگاه	۸۰۰۰ مترمربع
	عملیات ساختمانی مشروح زیرکه دربرنامه ساختمانی سال ۴۳ پیش‌بینی گردیده . ۱ ـ کارخانه یخ سازی . ۲ ـ ساختمان منازل مسکونی کارمندی وکارگری و باربران موقت و دائم گمرک . شامل لوازم بهداشت و محوطه سازی و کابل کشی .	ـ	۴۳	۲۸۰دستگاه	
	۳ـ نصب انبار فلزی قبلا ساخته شده جهت نگهداری کالا در بندر شاهپور .	ـ	۴۳	۱۰دستگاه	
بندر پهلوی	ساختمان آتش نشانی وافراد پلیس آتش نشانی باکلیه لوازم مربوطه وهمچنین ساختمان محل بی‌سیم و موتورخانه که عملیات ساختمانی آن دربرنامه سال ۴۳ پیش بینی گردیده .	ـ	۴۳	۳ دستگاه	
سنندج	ساختمان یك‌باب بارانداز درسال ۴۳	ـ	۴۳	یك دستگاه	
زابل	ساختمان اداره گمرک زابل شامل اداره وسالن ارزیابی با کلیه لوازم درسال ۴۳ .	ـ	۴۳	یك دستگاه	
کرمانشاه	۱ ـ ساختمان اداره وانبار با کلیه لوازم در گمرک یاوه .	ـ	۴۳	یك دستگاه	
	۲ ـ ساختمان اداره وانبار باکلیه لوازم درگمرک مهران درسال ۴۳ .	ـ	۴۳	یك دستگاه	
تبریز	حفر چاه عمیق در محوطه گمرک و تامین برق محوطه دربرنامه سال ۴۳	ـ	۴۳		
جلفا	عملیات ساختمانی زیر دربرنامه ساختمانی سال ۴۳ پیش بینی گردیده ۱ ـ ساختمان آتش نشانی وآسایشگاه افراد پلیس آتش نشانی باکلیه لوازم	ـ	۴۳	یك دستگاه	
	۲ ـ نصب قپان . ۳ـ نصب ده دستگاه انبار فلزی قبلا ساخته شده جهت کالا .	ـ	۴۳	۱۰ دستگاه	
	۴ ـ تامین برق محوطه شامل کابل‌کشی و نصب چراغ . ۵ ـ ساختمان منازل مسکونی باکلیه لوازم یك طبقه و چهاراطاقه .	ـ	۴۳	۳۰دستگاه	
خسروی	ساختمان یك انبار فلزی و منزل مسکونی برای متصدی موتور خانه مشکاب با کلیه لوازم‌درسال ۴۳ .	ـ	۴۳	دودستگاه	



وزارت اقتصاد

... در چند ساله اخیر در مملکت ما دورهٔ رکودی آغاز شده بودکه باوجودی که اثرات آن هم‌اکنون نیز بچشم میخورد اما دراثر همت و دور اندیشی اولیاء امور جای خودرا بدورهٔ رونق سپرد دوره‌ای‌که بدون شك سیستم هدایت و رهبری وزارت اقتصاد در بوجود آوردنش نقشی بزرگ داشت و مدتی وقت لازم است تا اثرات آن آشکارتر شود و برای همگان قابل لمس باشد :

فعالیت های قسمت گمرکی

درزمینه‌گمرکی‌بعلت‌کوششهائی‌که از جانب قسمت گمرکی وزارت‌اقتصاد برای افزایش درآمد بعمل آمد بیش‌از ۱۰ میلیارد ریال گمرکات درسال ۱۳٤۲ درآمد داشت و با توجه به رقم پیش‌بینی سال۱۳٤۲ بیش‌از دو میلیارد ریال اضافه وصولی داشت بطوری که نیمی‌از کسر بودجه مملکت از طریق درآمد گمرکات جبران گردید تا آنجا که وزارت دارائی در این زمینه نامه تشکرآمیزی بوزارت اقتصاد نوشت و از فعالیت‌ها و کوشش های قسمت گمرکی وزارت اقتصاد تشکر کرد .

بازرگانی خارجی

درزمینه سیاست اقتصادخارجی قرارداد هائی منعقد گردید که هریك بنوبه خود در اقتصاد این مملکت اثرات نیکوئی در برداشت انعقاد قرارداد ترانزیتی باکشور ترکیه انعقاد موافقتنامه بازرگانی باکشور اردن هاشمی ــ اخذ پانزده میلیون دلار وام از دولت لهستان بطوریکه از محل این وام سه کارخانه قند خریداری میشود که سالانه درحدود پنجاه هزار تن قند و شکر تولید خواهد نمود (با توجه باین نکته که وام لهستان باربح ٥ر۲ درصد دراختیار ایران گذاشته میشود و باین ترتیب این وام از جمله ارزان ترین وام هائی است‌که درچند ساله اخیر بایران پرداخت شده است) . و امضای موافقت نامه ترانزیت ایران و شوروی را میتوان نام برد . در قسمت معادن مبلغی درحدود ۲۸ میلیون ریال بابت حقوق دولتی و بهرهٔ مالکانه معادن کشور وصول گردید ونیز بمنظورتشویق صادرات وکمك بصادرکنندگان طبق تشخیص و رسیدگی کمیسیون فنی مبلغی در حدود ۳٥ میلیون ریال جایزه بصادر کنندگان کالا به ژاپن پرداخت گردیده است . **بنگاه پتروشیمی** باتوجه به نقشی که توسعه این صنعت دراقتصاد ایران خواهد داشت فعالیت وسیع و دامنه‌داری را آغاز کرده است تا آنجا که درسال جاری پنجاه هزار تن کود شیمیائی محصول کارخانه کود شیمیائی شیراز اعم از اوره ونیترات امونیم بخارج صادر شده است و اولین قراردادهای صدور نیز تنظیم و اعتبار بانکی بنفع بنگاه پتروشیمی باز شده است و هم‌اکنون که این سطور از نظر خوانندگان گرامی میگذرد بنگاه پتروشیمی مقدمات حمل دومین قسمت از محصول کود شیمیائی را بخارج فراهم نموده است و اولین محموله کود شیمیائی ایران بزودی به اروپا و افریقا صادر خواهد شد و این برای اولین بار است که محصول کود شیمیائی ایران روانه بازارهای اروپا و آفریقا میشود . این موفقیت بما نوید میدهد که با اجرای طرح‌های بزرگ دیگر واز طریق تهیه سایر فرآورده های پتروشیمی متنوع در ضمن صرفه جوئی بسیار قابل توجه ارزی از راه تامین‌احتیاجات داخلی برای صدور کالا های پتروشیمی نیز اقدام کنیم ودرآمد قابل توجهی تحصیل نمائیم .

سازمان‌مدیریت صنعتی در قسمت مهندسی‌تولید، قسمت‌تعلیمات‌وکار- آموزی ، قسمت بررسی وامهای صنعتی قسمت کمك های فنی ، قسمت حسابداری صنعتی فعالیت های زیادی داشته است . بطوری که عده زیادی از کارخانجاتی که درحال ورشکستگی و تعطیل بودند ودرنقاط دوره افتادهٔ مملکت واقع و فعالیت داشتند دراثر کمك و راهنمائیهای ذیقیمت سازمان مدیریت صنعتی نه تنها از حال ورشکستگی و تعطیل خارج شدند بلکه خود یك واحد صنعتی نافع و سودمندی گردیدند و هم‌اکنون بکار خود ادامه میدهند .

بعنوان نمونه چند کارخانه‌ای

راکه سازمان مدیریت صنعتی بآنها کمك فنی کرده و یا در تهیه طرح هائی‌که در بهبود سیستم کار و بهره‌برداری کارخانه موثر بوده است نام می‌بریم .

کارخانه نجف‌آباد اصفهان ــ کارخانه نساجی فخر ایران ــ کارخانه نساجی بهشت اصفهان ــ کارخانه ریسندگی‌کاشان ـ ریسندگی ناهید اصفهان ــ کارخانه نجف‌آباد اصفهان و کارخانه ریسندگی جنوب یزد ــ کارخانه اخیر از جمله‌کارخانجاتی است‌که درصورتی که‌کمك وراهنمائی سازمان مدیریت صنعتی نبود تا بحال تعطیل شده بود . کمك وراهنمائی سازمان مدیریت صنعتی بدنبال نامه‌ای‌بود که مدیران کارخانه فوق به سازمان مدیریت صنعتی نوشتند وتقاضای کمك کردند . سازمان مدیریت صنعتی بلافاصله دست بکار شد و نه تنها کارخانه‌ای‌که مواجه با خطر تعطیل بود تعطیل نشد بلکه کارگران اخراجی بکارخانه بازگشتند و محصول کارخانه در بازار فروش رفت و دورهٔ فعالیت تازه‌ای برای کارخانه شروع شد که ثمربخش و امیدوار کننده بود.

درمورد ذوب آهن اقداماتی از جانب وزارت اقتصاد شروع شده است که نوید دهندهٔ مراحل نهائی کار میباشد و این امید هست‌که درسال جاری اقدامات عملی درمورد ذوب آهن شروع شود .

فرش ــ نساجی ــ سیمان :

علاوه برفعالیت های فوق درزمینه تقویت و حفظ صنایع قدیمی‌ایران نیز اقدامات اساسی صورت‌گرفته است ــ فرش ایران رفته رفته بازار خودرا در خارج از دست میداد و فروش آن با مشکلاتی روبرو شده‌بود دراثر اقدام وزارت اقتصاد در زمینه بهبود نقشه و رنگ و طرح وکمك به صاحبان صنایع خصوصی و جلوگیری از تقلباتی که در نقشه ، طرح وبافت فرش میشد فرش‌ایران رونق سابق را بدست میآورد درمورد نساجی و سیمان باید گفت بعلت ازدیاد تولید ظرفیت جلب بازار داخلی کمتر از میزان تولید بود و باین دلیل محصولات نساجی ایران اینك به کشور هائی از قبیل آلمان و هند که خود از بزرگترین تهیه کنندگان محصولات نساجی هستند صادر میشود . سیمان ایران نیز برای اولین بار بخارج صادر شد و میزان صدور این کالا تنها به شیخ نشینهای خلیج فارس سالانه به یکصد هزار تن بالغ خواهد شد . اقدام دیگری که در سال گذشته دررشته کشاورزی وصنعت انجام شده تاسیس شرکت سهامی کارخانه های دولتی است که سهام آن میبایست بابت بهای املاك در اختیار مالکین سابق گذاشته شود .

این شرکت شامل ۵۷کارخانه بشرح زیر است .

کارخانه های قند	۱۲ واحد
پنبه و نوغان	۳۵ =
شیمیائی	۳ =
نساجی	۵ =
مصالح ساختمانی	۲ =

ودرسال جاری سهام‌کارخانه‌ها در معرض فروش به مالکین قرار خواهد گرفت برای تقویت صنایع کوچك نیز اقداماتی صورت‌گرفته است .

چنانکه در چند ماهه اول سال ٤٢ بیش‌از بیست میلیون ریال وام بصاحبان صنایع کوچك پرداخت شده است.مهمترین‌اقدام وزارت اقتصاد درسال گذشته جلوگیری از ورود کالا هائی بود که مشابه آن در داخلهٔ مملکت تهیه میشدند این اقدام از یك طرف موجب شد که صنایع داخلی تقویت شوند واز طرف دیگرموجب سرمایه‌گذاریهائی در زمینه های مختلف صنعت گردید وزارت اقتصاد با این اقدام نشان داد تصمیماتی راکه اتخاذ مینماید در جهت حفظ و حمایت از صنایع و مصنوعات داخلی است این اقدام و سایر اقدامات وزارت اقتصاد در زمینه های مختلف صنعت و تجارت تا آن حد اهمیت یافت که یکی‌از مهمترین نشریات اقتصادی جهان در مقاله‌ای تحت عنوان ایران خود را برای سرمایه‌گذاری خارجی آماده میکند و « نشانه های تجدید اعتماد و اطمینان » و سرمایه‌گذاران بایران بازمیگردندنوشت : ایران‌ازبیماری اقتصادی نجات یافت و سال۱۹٦٤ برای ایران سال خوبی خواهد بود و کشور های آمریکا ، انگلیس ــ فرانسه ــ آلمان و بانك جهانی در سال۱۹٦٤ در حدود سیصدمیلیون دلار بایران وام خواهند داد .

گمرك

قسمت گمرکی وزارت اقتصاد در سال ۱۳٤۲ دارای فعالیت و کوشش شایان توجهی بوده است بطوری‌که افزایش درآمد گمرکی در سال گذشته موجب شده است که قسمت‌قابل توجهی ازکسربودجه سال ٤٢ از همین محل جبران‌شود بموجب بودجه‌سال ۱۳٤۲می‌بایست ۷۵۰۰ میلیون ریال ازمحل درآمد گمرك بخزانه‌داری پرداخت گردد درصورتی‌که درآمد گمرك در سال ۱۳٤۲ مجموعا بیش‌از ده میلیارد و چهل میلیون ریال بوده است و باتوجه به‌رقم پیش‌بینی سال ۱۳٤۲ مجموعا دو میلیارد و پانصد وچهل میلیون ریال اضافه‌وصولی داشته است.کوشش قسمت گمرکی‌وزارت اقتصاد در جبران قسمتی ازکسر بودجه سبب گردیدکه وزارت‌دارائی طی نامه‌ای از وزارت اقتصاد سپاسگزاری نماید .

نامه تشکروزارت دارائی به‌شرح زیر میباشد :

چون دوهزار و پانصد ودویست میلیون ریال اضافه وصولی نه ماهه اول امسال‌که رقم آن از هرجهت قابل‌ملاحظه میباشدوزارت دارائی را درتامین مصارف وانجام تعهدات منظوره در بودجه کل کشور موثرا یاری نموده است وظیفه خود میداند که بدین‌وسیله از کلیه مقاماتی که در آن وزارت برای تحصیل وجه فوق کوشش و مجاهدت نموده‌اند سپاسگزاری نماید . اظهار تشکر وزارت دارائی نشان میدهد که قسمت گمرکی وزارت اقتصاد در انجام آنچه که بعهده داشته است از هیچ نوع کوششی فروگذار نکرده مقایسه اضافه‌درآمد سال ۱۳٤۲گمرك‌نسبت به‌درآمد سال۱۳٤۱ ،که رقمی‌بیش از هشتصد میلیون ریال است کوشش گمرك را در زمینه افزایش درآمد بهتر روشن میکند .

ایجاد تسهیلات برای ورود وصدور کالا

این نکته قابل ذکر است که فعالیتها و کوششهای قسمت گمرکی وزارت اقتصاد صرفا در جهت افزایش درآمد نبوده است بلکه بخشی از فعالیتهای گمرك در زمینه تسهیلات کار مراجعه کنندگان و کمك به ترخیص‌کالاهای صادراتی و وارداتی صورت‌گرفته که نشانه‌ای از توجه و علاقه وزارت اقتصاد به تشویق وتوسعه صادرات میباشد .

مثلا بدنبال موافقت‌نامه های بازرگانی و ترانزیت ایران و شوروی و ایران و ترکیه کادر اداری ادارات گمرك شمال جهت سرعت در ترخیص کالاهای صادره و وارده توسعه یافت و تقویت گردیدهمچنین تاسیسات ساختمانی گمرکخانه‌های مذکور متناسب با فعالیتهای پیش‌بینی شده توسعه پذیرفت و همچنین تسهیلات و معافیتهائی درباره سکنه مرزنشین سواحل جنوب و خلیج فارس معمول گشت بطوری‌که سکنه‌مزبور از معافیتهای جدیدی بهره‌مند گردیدند و همین تسهیلات و معافیتها موجب گردید که باب تجارت باکشورها و امارات خلیج فارس باز شود وباتوجه باین‌نکته که بعلت اکتشافات و استخراج نفت در شیخ‌نشینها و این ممالك اقتصاد قرن بیستم با تمام‌مظاهرش پدیدار گردیده است و بعلت این تحول تغییراتی در وضع اقتصادی این ممالك و امارات بوجود آمده است و بادرنظر گرفتن این نکته که این ممالك و شیخ‌نشینهااحتیاج زیاد بکالاهای کشاورزی ، صنعتی و مصالح ساختمانی دارند و در حال حاضر ناگزیرند احتیاجات خودرا با بهای گزافی ازکشورهای دوردست فراهم‌نمایند اقدام‌قسمت گمرکی وزارت اقتصاد در زمینه ایجاد تسهیلات و معافیتها جهت داد وستد و تجارت سکنه نوار مرزی با شیخ‌نشینها روشن میشود و بطور کلی با توجهی که وزارت اقتصاد به مسئله صادرات دارد احتمال میرود در سال جاری میزان صادرات باین مناطق به بیست میلیون دلار یعنی یك پنجم کل صادرات فعلی بالغ گردد .

تربیت کادر فنی

دیگر از اقدامات قسمت‌گمرکی وزارت اقتصاد در سال ٤٢ افتتاح کلاسهای کادر فنی گمرك است . گمرك بموجب تصویب نامه‌ای در ظرف سه‌سال بمنظور تقویت کادر فنی خود ۱۵۰ نفراستخدام‌مینماید که ٦۰ نفر ازاین عده پس‌ازآنکه از عهده امتحانات مختلفی‌برآمدند وبمدت‌شش‌ماه‌تعلیم‌دیدندباستخدام وزارت اقتصاددرآمدند . این‌عده ٦۰ نفری که از هر جهت آماده میباشند و تعلیمات لازم را فرا گرفته‌اند جانشین‌آن‌عده‌ازکارمندان قدیمی گمرك خواهند شدکه بعلت رسیدن به‌سن‌بازنشستگی،بازنشسته شده‌اند .

افتتاح کلاسهای آتش‌نشانی

دیگر از اقدامات گمرك تشکیل کلاس آتش نشانی و تهیه لوازم و وسائل کافی بمنظور پیش‌گیری

از بروز حریق ودر صورت ایجاد حریق خاموش‌کردن آن میباشد. دراین کلاس به کارآموزان تعلیم داده شدکه چگونه میتوان باحریق مبارزه نمود کارآموزان این‌کلاسها که از گمرکات نواحی مختلف مملکت جهت شرکت دراین‌کلاس‌ها به تهران آمده بودند باآخرین‌متد و روشهای معمول درممالك‌پیشرفته ومترقی جهان در مبارزه باآتش سوزی آشنا شدند ضمنا قسمت گمرکی وزارت اقتصاد با تهیه‌لوازم ووسائل‌کافی ازجمله دستگاههائی‌که در سقف انبارهای گمرك نصب میشوند ودر دقایق اول‌آتش‌سوزی بوسیله یك سیستم الکترونیك وقوع حریق را باآژیراعلام‌میکنند، قسمت آتش نشانی گمرك را ازهر جهت تکمیل نمود.

قسمت دیگری از اقدامات‌گمرك در سال چهل و دو اختصارا وفهرست‌وار به شرح زیر است:

مجازکردن تجاری‌که کالا بکشور آلمان شرقی صادر مینمایند براینکه ارز حاصله ازصادرات‌خود را ببازرگانان دیگرکه کالا از همان کشور وارد می‌کنند واگذار نمایند.

الغاء انحصار ورود کسری چای خارجی مورد نیاز کشور ازممالکی که با ایران موافقت نامه بازرگانی دارند و تولیدکننده چای میباشند تهیه آئین‌نامه اجرائی‌دائرباسترداد حقوق گمرکی مواد اولیه مصرف شده در مصنوعات ماشینی که بخارج از کشور صادر میشود.

بتصویب رسانیدن سودبازرگانی آرد از قرار هرکیلو ۵ریال‌به‌۵ر۱ ریال عملیات تکمیلی ۵۰ دستگاه ساختمان منازل‌مسکونی چهاراطاقه برای کارمندان اداره گمرك بندر شاهپور.

باید اضافه کرد اداره قضائی گمرك نیز در مورد وصول جرائم کالاهای مکشوفه قاچاق‌که مبلغ آن بالغ بر یکصد و بیست میلیون ریال است اقدامات لازم ازطریق مراجع قضائی معمول داشته‌است.

سازمان مرکزی شرکتهای صنعتی و معدنی

سازمان مرکزی شرکتهای صنعتی و معدنی در زمینه های تولید و فروش دارای فعالیت های زیادی بوده است و با وجودی که کارخانجاتی که زیر نظر سازمان مرکزی شرکتهای صنعتی و معدنی اداره‌میشوند ازچندکارخانه تجاوز نمی‌کند معذالك‌فعالیت های‌سازمان فوق ثمر بخش و قابل توجه بوده است مثلا کارخانه کشمش تاکستان که در هشتمین ماه سال ۴۲ تحویل سازمان مرکزی شرکتها گردید واز تاریخ اول آذر ماه فعالیت خود را آغاز نمود، باتوجه به‌خریدمحصول اولیه درحدود یك‌میلیون کیلوگرام کارکرد داشته است با توجه باینکه کشمش تهیه شده یکی از مرغوب ترین انواع‌کشمش میباشد بطوری که در بازارهای داخلی با قیمتی بیش از نرخ معمول بفروش رفته و بعلاوه بازارهای جهانی نیز بعلت مرغوبیت این کشمش از خریداران این محصول بوده‌اند بطوری که تنها به ژاپن بمیزان ۳۰۰،۰۰۰ کیلوگرام صادر شده است بعلاوه سازمان مرکزی شرکتها بمنظور تعلیم روش های صحیح ودرست و منطبق با اصول علمی و فنی در امر تهیه، تولید و بسته‌بندی کشمش، به تولید کنندگان و بازرگانان. اقداماتی در زمینه احداث باغ‌نمونه انگوربعمل آورده است طرح احداث این باغ نمونه از جانب سازمان مرکزی آماده اجراست و انتظار میرود با احداث این باغ وتولید وتهیه کشمش و سپس تعلیم نحوه بسته‌بندی آن بمنظور صادرات و عرضه کشمش در بازارهای جهانی از یکطرف ارز بیشتری تحصیل شود واز طرف دیگر تجار علاقمند بطور صحیح و اصولی راهنمائی شوند بعلاوه سازمان مرکزی موفق به فروش ۲۱۹۲۳۴ قوطی انواع مختلف کمپوت و مربا و کنسرو شده است ولازم بتذکر است که علاوه برآنکه محصولات عرضه شده با اصول علمی وبدون دخالت دست ورعایت جهات بهداشتی تهیه شده هنگام ریختن در قوطی نیز رعایت نکات بهداشتی گردیده است و خریدار اطمینان دارد محصولی را که خریداری میکند علاوه برآنکه به مرغوبیت آن از هر جهت اطمینان هست برای فروش نیز قیمت عادله ای در نظر گرفته شده است بجهات فوق سازمان مرکزی موفق‌گردیدفرآورده‌های‌کارخانجات خود را خوب بفروش برساند و رضایت خریداران نیز فراهم گردد. در زیر اختصارا فعالیت های کارخانجات وابسته به‌سازمان مرکزی شرکت‌ها ازنظر خوانندگان میگذرد:

کارخانهٔ کنسرو مشهد

کارخانه کنسر ومشهد در خرداد ماه سال ۴۲ بسازمان مرکزی شرکتها وگذار گردید واداره آن بعهده سازمان مرکزی واگذار شد که با بهره‌برداری از آن در حدود یکصد و دوازده هزار قوطی‌کنسرو باندازه های مختلف واز انواع میوه ها بصورت کمپوت ومربا تهیه گردید و با اجرای طرحی که در دست اقدام‌است کنسرو‌بمحصولات کارخانه اضافه خواهد شد بعلاوه جهت خرید تعداد ۸۰۰،۰۰۰ قوطی باندازه های مختلف سفارش داده شد که چهار صد هزار عدد آن بکارخانه فوق اختصاص خواهد داشت لازم بتذکر است که بمنظور بالا بردن سطح تولید کارخانه طرحی برای تکمیل ماشین آلات کارخانه بارزش در حدود یازده میلیون ریال تهیه گردیده است که باتصویب واجرای آن به واردکردن محصولات‌مشابه‌کنسرو شده‌خارجی نیازی نخواهد بود و روشن است که از خروج ارز ممانعت بعمل خواهد آمد.

کارخانه کنسرو اصفهان

کارخانه فوق نیز در خرداد ماه ۴۲ بسازمان‌مرکزی شرکتهای‌صنعتی و معدنی واگذار گردید و درحدود یکصدو نه هزار قوطی کنسرو به اندازه های مختلف واز انواع میوه ها بصورت کمپوت و مربا تهیه گردید و باتوجه به موقعیت خاصی که‌کارخانه فوق از لحاظ وفور میوه دارد و بعلاوه بمراکز مصرف نیز نزدیك میباشد در صورت‌توسعه کارخانه وافزایش‌میزان تولید امید میرود که فرآورده های داخلی مملکت را از ورود محصولات مشابه خارجی بی‌نیاز سازد. بلحاظ فوق طرحی از جانب سازمان مرکزی شرکتها تهیه گردیده است که اجرای آن متضمن بالا بردن میزان تولید خواهد بود.

کارخانه‌روغن کشی جیرفت

اداره کارخانه‌روغن کشی‌جیرفت در سومین ماه سال گذشته بعهده سازمان مرکزی شرکتها سپرده شد ومطالعات‌مقدماتی ازجانب‌مهندسین سازمان فوق درباره بهره برداری این کارخانه صورت گرفت و با بررسی جهات مختلف از قبیل بالا بردن ظرفیت کارخانه از ۱۲ تن تخم پنبه به ۲۴ تن و تهیه روغن نباتی مایع از دانه های تخم‌پنبه کنجد ـ بادام زمینی و آفتاب گردان و همچنین مجهز نمودن کارخانه با یکدستگاه تصفیه و ساختن سیلو بظرفیت ۴۰۰۰ متر مکعب و انبار کالا و تعمیر خانه جهت تهیه لوازمات یدکی ماشین آلات وتعمیر آنها، کار بهره‌برداری از کارخانه با تکمیل ماشین آلات و عملیات ساختمانی در سال جاری آغاز خواهد گردید.

کارخانهٔ نمونه خرمای خرمشهر

لازم بتذکر است که کارخانه فوق‌هنگام تحویل به سازمان‌مرکزی شرکتها دارای نواقصی بود و بهره برداری از کارخانه ایجاب مینماید که نواقص موجود برطرف شود و عمل تهیه خرما با اسلوب فنی ضمن رعایت نکات بهداشتی آغاز گردد انتظار میرود با بهره‌برداری از کارخانه فوق که از جانب سازمان مرکزی جهت بهره برداری ازآن کوشش‌مجدانه‌ای آغازگردیده است علاوه بر مصرف داخلی محصول کارخانه ببازار های خارج نیز فرستاده شود.

ضمنا با توجه باین نکته که دستگاه هسته کشی خرمای این کارخانه بعلت نوع خرمای ایران نمیتوانست قابل استفاده باشد و پس از مدتی کار دستگاه مربوطه شکرك میزد و ادامه کار باآن غیر ممکن میشد واز طرفی چون هسته کشی خرما با دست برخلاف اصول بهداشتی بود از جانب مهندسین سازمان مرکزی شرکتها یك نوع ماشین هسته کشی اختراع گردید وبا امتحانی که از دستگاه فوق بعمل آید نتیجه کاملا رضایت‌بخش حاصل‌شد باینجهت سازمان مرکزی تصمیم گرفت تعداد ۵۰۰ عدد از ماشین های فوق را ساخته ومورد استفاده قرار دهد ولازم بیادآوری است که قسمتهای مختلف دستگاه فوق در ایران‌قابل ساخت میباشد.

کارخانه کشمش تاکستان

اداره این کارخانه از نیمه دوم آبانماه سال گذشته بعهده سازمان مرکزی شرکتها واگذار گردید واز تاریخ اول آذر اقدام به خرید محصول اولیه گردید و بشرح زیر در حدود یك میلیون کیلو گرم کشمش خریداری شده است که ۸۱۰،۰۰۰ کیلوگرم آن کشمش بیدانه آفتابی و بقیه‌کشمش سبزه تیزآبی میباشد وعمل بعدی، بسته بندی‌کشمش تهیه شده بوده که بمیزان ۷۰۰،۰۰۰ کیلوگرام رسیده است که از رقم ذکر شده.

۵۴۰،۰۰۰ کیلو گرم کشمش بیدانه آفتابی و ۱۶۰،۰۰۰کیلوگرم کشمش سبزه تیز آبی بوده است توضیح آنکه کشمش های مذکور در کارتن های ۱۲ر۵ کیلو گرمی

بسته بندی گردیده و به خریداران تحویل شده است .

فروش کشمش

باوجودی که فصل بازاریابی و فروش هنگام تحویل و تحول کارخانه منقضی شده بود معذالك اقدامات وسیعی جهت فروش فرآورده های کارخانجات سازمان مرکزی شرکتها بعمل آمد که نتیجه رضایت‌بخشی بدست داد و علاوه برآنکه فرآورده ها در داخله‌مملکت بفروش رفت خریداران خارجی نیز اقدام به‌خرید‌محصولات کارخانجات سازمان مرکزی شرکتها نمودند به طوری‌که ۳۰۰،۰۰۰ کیلوگرام‌کشمش بیدانه آفتابی به ژاپن و ۱۰۰،۰۰۰ کیلو گرم از نوع سبزه تیزآبی بیجار هندی باروپا و ۵۰،۰۰۰ کیلو گرم از نوع اخیر به شوروی صادر گردید بعلاوه ۳۲۶،۰۰۰ کیلوگرم در داخله مصرف گردید ضمنا برای اولین بار کشمش در قوطیهای ۱۰۰ ـ ۲۵۰ و ۵۰۰ گرمی با طرحهای جالب ونوینی به بازار داخلی عرضه گردید .

طرح احداث باغ نمونه‌انگور

به جهت آشنا نمودن تولید کنندگان وتجار کشمش به نحوه تولید ، پرورش ، تهیه وبسته‌بندی کشمش ضرورت ایجادیك باغ نمونه انگور احساس گردید و طرح لازم جهت اینکار ازجانب سازمان‌مرکزی شرکتها آماده شد تا با استفاده از ۱۸ هکتار اراضی لم یزرع متعلق بکارخانه اقدام به ایجاد چنین باغی بشود وامکان‌بررسی‌اقتصادی سیستمها و روش های مختلف پرورش تاك جهت انتخاب بهترین و مناسب‌ترین نوع فراهم آید با اجرای طرح فوق انتظار میرود که در سیستم تهیه وتولید فعلی تغییرات و تحولی در جهت بهبود وضع تولید انگور بوجود آید و آشنائی تولید کنندگان و بازرگانان باروش جدید تحول مورد نظر را آسان‌تر و سریع‌تر سازد .

کارخانه قوطی سازی

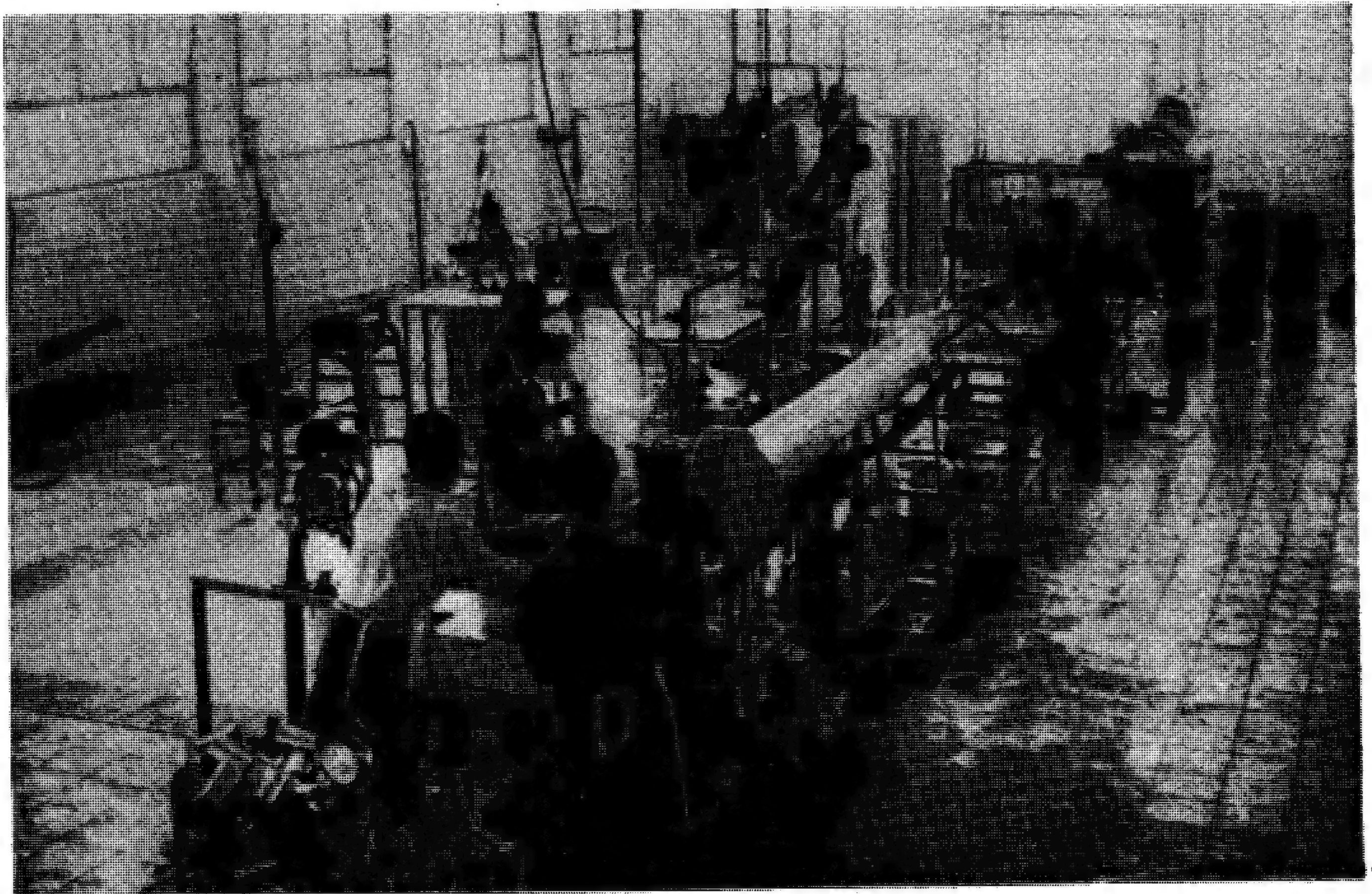
سازمان مرکزی شرکتها بلحاظ مصرف زیاد وروز افزون قوطی و لزوم وارد کردن آن در شرایط فعلی از خارج در صدد برآمد که یك کارخانه قوطی سازی از خارج وارد وبجای آنکه قوطی های مورد مصرف سازمان مرکزی از خارج تهیه شود ، در داخله اقدام به تهیه قوطی بنماید اجرای این طرح علاوه برآنکه سازمان مرکزی را ازورود قوطی ازخارج بی‌نیاز خواهد نمود سبب خواهد گردید عده‌ای در اثر بوجود آمدن یك واحد صنعتی تازه بکار مشغول شوند .

انتظار میرود با بررسی جوانب امر این پیشنهاد سازمان مرکزی جامه عمل بپوشد و با همکاری کارشناسان و متخصصین سازمان برنامه کار وارد کردن ماشین آلات و نصب آنها آغاز گردد .

بازاریابی و فروش

هم زمان با تولید کارخانجات ذکرشده اداره بازاریابی وفروش سازمان مرکزی نیز جهت فروش و عرضه محصولات بازار اقداماتی صورت داد و بعلت خوبی نوع از از یکطرف و فعالیت مسئولان مربوطه از طرف دیگر در امر فروش اقدامات ثمربخشی ازجانب قسمت بازار یابی و فروش صورت گرفت بطوری‌که‌نسبت به‌فروش محصولات کارخانجات کنسرو اصفهان ومشهد که در جریان واگذاری به سازمان مرکزی شرکت ها تعداد ۲۲۰۸۱۲ قوطی از انواع کمپوت و مربا و

منظرة از داخل‌کارخانه کنسرو سازمان برنامه ـ مشهد



کنسروموجودبود، اقدام‌نمودوتعداد ۱۷۵۲۸۷ قوطی از محصولات فوق را بفروش رسانید بعلاوه از محصول سال ۴۲ کارخانجات‌نیز تعداد ۴۳۹۴۷ قوطی بفروش رفت ضمنا طرح تکمیلی وتشویقی قسمت بازاریابی وفروش در خصوص فروشهای‌نقدی‌وعاملیت‌فروش‌موجب گردید که روز بروز بر تعداد مراجعین و متقاضیان خرید محصولات افزوده شود وبا اجرا و ادامه روش معموله امید میرود در سال جاری – علاوه بر آنکه محصولات کارخانجات سازمان مرکزی بمیزان قابل توجهی‌افزایش یابد‌میزان‌فروش‌نیزنسبت‌بگذشته اضافه شود.

سازمان مدیریت صنعتی

کمکهای فنی

سازمان مدیریت صنعتی از قسمتهای زیر تشکیل شده است: مهندس تولید – تعلیمات و کارآموزی – بررسی وامهای صنعتی کمکهای فنی – حسابداری صنعتی و قسمت تشکیلات وامور پرسنلی در قسمت مهندسی تولید بالابردن بهره‌دهی ودرنتیجه‌کاهش و بهبود کیفیت کار مورد نظر بوده و به‌این اعتبار دامنه فعالیت‌شامل همه‌گونه فعالیت در هر قسمت از یك واحد تولیدی میگردد واین منظور از طریق راه یافتن به ساده ترین عملی‌ترین وارزانترین روشها حاصل میگردد روشن است که در این راه به عامل انسانی و نقش قاطع آن در موفقیت صنعت بهمان اندازه توجه میشود که به عواملی چون ماشین و سرمایه، قسمت مهندسی تولید فعالیت هائی در کارخانجات مختلف داشته است و طرحهائی جهت بهبود وضع کار و عمل کارخانجات تهیه و بموقع اجرا گذاشته است که هریك در بهبود کار وبالابردن راندمان وبهره‌دهی نتایج نیکوئی ببار آورده است‌مثلا یکی از کارخانجات تولیدی واقع در تهران که کلیه مواد اولیه مورد مصرف کارخانه را از خارج کشور خریداری و در یك انبار وسیع در محل کارخانه نگهداری مینمود و بتدریج بمصرف میرسانید بعلت آنکه کارخانه فوق روش صحیحی برای انبار کردن مواد اولیه – حمل و نقل آن مواد در داخل کارخانه‌و کنترل موجودی‌ها نداشت قسمت مهندسی تولید ضمن عقد قراردادی با کارخانه تولیدی فوق اقدامات خودرا به شرح زیر شروع نمود:

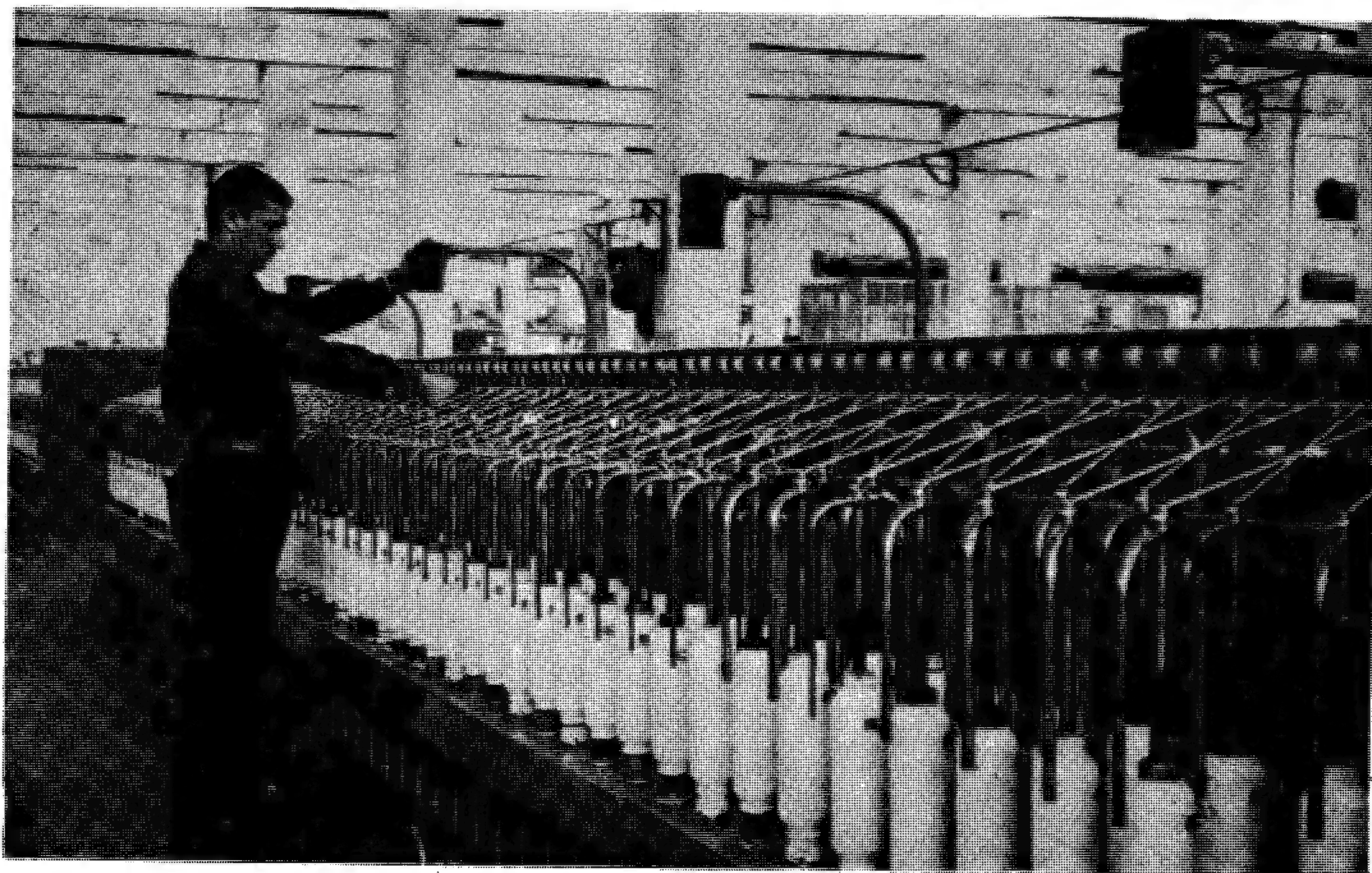
مطالعه مقدماتی‌در خصوص روش انبار کردن مواد اولیه – بررسی موجودی انواع مواد اولیه –تعیین میزان مصرف – سفارش و برنامه خرید هریك از اقلام مواد اولیه – تعیین حداقل موجودی هریك از مواد – تهیه کارت انبار و تعلیم کارکنان انبار بطوریکه کلیه عملیات تحویل مواد بانبار و ترخیص مواد از انبار در کارتها ثبت وبسهولت قابل کنترل باشد – تعیین روش بارگیری وبار اندازی درانبار – اندازه‌گیری ظرفیت انبار وابعاد کیسه های مواد بطوریکه محل انبار کردن هریك از مواد اولیه مشخص گردد.

در اثر اجرای این‌طرح یك روش منظم‌جهت‌کنترل انبارکارخانه تعیین وجهت اجراگذاشته شد به ترتیبی که بموقع مواد در انبار کارخانه موجود باشد ودر عین حال میزان موجودی مواد در انبار بحداقل برسد واز رکود سرمایه جلوگیری بعمل آید موادی که بدین ترتیب طبقه‌بندی گردید شش نوع بود و میزان صرفه جوئی کارخانه در نتیجه اجرای برنامه فوق تنها روی یك قلم از انواع فوق ۱۸۴۷۴۰ریال در سال گردید و تهیه نقشه‌استقرار ماشین آلات دکمه سازی درکارخانه فوق نیز دیگر از فعالیت های سازمان مهندسی تولید در سال گذشته بوده‌است. با اجرای نقشه استقرار ماشین آلات دکمه سازی و مطالعاتی در زمینه وضع موجود استقرار ماشین‌آلات قدیم – تهیه نمودار جریان تولید – محاسبه راندمان ماشینهای مختلف تهیه نقشه ساختمان و استقرار ماشین آلات جدید دکمه سازی و تعلیم کارگران بکار با روش جدید،

در هزینه کارگری نیز درسال ۱۱۳۰،۰۰۰ ریال صرفه جوئی گردید....

قسمت تعلیمات وکارآموزی

در این قسمت که کلاسهای مدیریت صنعتی–حسابداری‌صنعتی بازاریابی و فروش و نگهداری ماشین آلات وتعمیرات تشکیل میشود واساتید فن‌داوطلبان‌راتعلیم میدهند تنها در نیمه دوم سال ۱۳۴۲، ۴۵۸ نفر در کلاسهای فوق



تعلیم دیده‌اند شرکت کنندگان در این کلاسها مدیرانی هستند که در کار روزانه خود مسئولیت اداره کارخانه ورهبری گروهی ازکارکنان موسسه را بعهده دارند ـ مدیران ومتصدیان فروش وبازاریابی ـ کارخانجات ـ کسانی‌که بنحوی از انحاء مسئولیت گرداندن صنایع را بعهده دارند ، کسانی که مایلند سیستم حسابداری‌صنعتی وبعبارت دیگر قیمت تمام شده را بدانند در این کلاسها شرکت داشته‌اند . داوطلبان شرکت در کلاسهای فوق اصول اساسی مدیریت علمی واین مطلب را که اصول مزبور برای تسریع و تسهیل و بالاخره تضمین موفقیت هر همکاری دسته جمعی بمنظور نیل به هدف مشترك لازم وقابل اجرا است‌میآموزند فرا گرفتن این اصول ایشان در طرح برنامه کار ـ تفویض اختیار و مسئولیت به زیر دستان ـ ایجاد همکاری وهم آهنگی در گروه و بالاخره کنترل پیشرفت کار در مسیر تعیین شده و بسوی هدف های پیش بینی شده عملا یاری میکند . انجام این امر تولید کارخانجات را از جهت کیفیت و کمیت افزایش می‌دهد ودر عین حال ضمن افزایش در آمد روابطی سالم و منطقی در محیط کار ایجاد میکند ، و بعلاوه شرکت کنندگان را به برقراری یك سیستم حسابداری صنعتی مطابق با خصوصیات موسسه‌ایکه درآن کار میکنند قادر میسازد : تهیه قیمت تمام شده وداشتن حساب صحیح صنعتی‌که در هرحال‌باید از اقدامات ابتدائی هرواحد تولیدی باشد هنوز حتی در بسیاری از صنایع بزرگ کشور نیز مورد عمل نمیباشد و بدست فراموشی سپرده شده است و ناچار قیمتهای تعیین شده بر مبنای حدس و تخمین میباشد و طبعا میزان آن بسیار بالا تعیین میگردد تا نفع نهائی را مصون از هر اشتباهی نگهدارد . چنین اقدامی رقابت منطقی و سالم را غیرممکن و حدود و امکانات آن را نامعلوم وغیر مطمئن میسازد .

کمکهای فنی

طرحهائی که در قسمت کمك‌های فنی اجرا میگردد کاملا جنبه فنی دارد و بهمین مناسبت کارشناسان این قسمت دارای معلومات فنی تخصصی میباشند تابتوانند عملا مشکلات هرکارخانه را بررسی‌نموده وراه حل آنرا تعیین وبا کمك تکنیسین‌ها و متصدیان واستاد‌ـ کاران کارخانه ، بموقع اجرا بگذارند .

طرح بزرگی که در این قسمت اجرای آن شروع‌گردید وبا موفقیت ادامه دارد مربوط به‌اداره کارخانه ریسندگی و بافندگی اطلس بافت است که در اواخر سال ۴۱ بعلت بدی اداره کارخانه و نداشتن تنخوان گردان‌کافی و مشکلات‌عدیده دیگر بکلی تعطیل و کارگران آن بیکار شدند و بدین جهت وزارت اقتصاد طبق قراردادی اداره امور کارخانه را بعهده گرفت و اجرای طرح احیاء و بهره‌برداری کارخانه تحت نظر سازمان مدیریت قرار داده شد .

کمك وراهنمائی سازمان‌مدیریت به‌کارخانه‌اطلس‌بافت موجب‌گردیده است که گرفتاریهای این کارخانه در زمینه تولید و توزیع وبازاریابی ونیز سایر مشکلات دیگر رفع شود واین کارخانه در شمار واحدهای سوددهنده صنعتی درآید چنانکه رقم فروش ماهیانه کارخانه اطلس بافت که در آذر ماه سال گذشته ۱۰۱۱۰۸۱۹ ریال بود در دیماه به ۱۱۰۳۸۵۴۵ ریال بالغ گردید و فرآورده های کارخانه اطلس بافت در بازار بخوبی بفروش رفت بالنتیجه اینك برای تجدیدقرار دادهای فروش قبلی که تا آخر سال۴۲ بین‌سازمان مدیریت‌صنعتی و کارخانه اطلس بافت منعقد شده بود مذاکراتی آغاز شده است قسمتی ازاقدامات سازمان مدیریت صنعتی که بمنظور بهبود وضع کارخانه اطلس بافت صورت گرفت مربوط به بازاریابی بود . در این قسمت اقداماتی در زمینه تامین مواد اولیه کارخانه ، تثبیت برنامه تولید وازدیاد فروش محصولات کارخانه اطلس بافت بعمل آمد و با اقدامات فوق از یکطرف محصولات کارخانه اطلس بافت در بازار فروش رفت واز طرف دیگر با جلب اعتماد خریداران نسبت به مرغوبیت و خوبی جنس کارخانه اطلس بافت ثبات اطمینان بخشی دروضع عمومی کارخانه پیدا شد و کار کارخانه در مسیر عادی و جریان صحیح خود قرار گرفت اینك چنین استنباط میشود که کارخانه اطلس بافت گرفتاریهای سابق را پشت سر گذاشته ودر مسیر عادی و طبیعی خود قرار گرفته‌است .

بطوریکه ازنظر تولید محصول قسمت بافندگی به ۲۰۰۸۴۹٫۵ متر رسید وراندمان کلی قسمت بافندگی به ۷۶ در صد بالغ‌گردید. از نظر سازمانی نیز توصیه‌هائی برای سه پست کردن کار از جانب سازمان مدیریت صنعتی شد واز اول سال جاری سرویس‌کار از دو پست به سه سه پست تغییر یافت .

حسابداری صنعتی

وظیفه‌قسمت حسابداری‌صنعتی آنست که مشتریان خود را در برقراری و حفظ سیستم های حسابداری قیمت تمام شده کمك نماید . در مطالعات مالی و حسابداری رویه سازمان‌اینست که روشهای مالی پیشنهادی در حالیکه از اصول علمی مدرن سر چشمه میگیرند طوری تنظیم شوند که صرفا جنبه نظری نداشته بلکه بر اساسی متکی باشند که شرائط اقتصادی خاص اقتضا میکند . بنا براین وظیفه‌کارشناسان حسابداری صنعتی اینست که روش‌حسابداری و نگهداری دفاتر هر موسسه را طوری طراحی‌کنندکه باشرائط‌خاص آن موسسه منطبق باشد .

بطور کلی مقصود از اصلاح سیستم های حسابداری آنست که طوری تجهیز شوند که بتوانند تازه‌ترین اطلاعات مالی واقعی را برای مطالعه و اخذ تصمیم در اختیار دستگاه مدیریت موسسه قرار دهند بعلاوه سعی میشود برنامه های مالی به ترتیبی تنظیم شود که گردانندگان واحد صنعتی بتوانند بر اساس آن‌کنترل نهائی پیشرفت و گسترش و تغییرات منطقی موسسه را کاملا در اختیار خود داشته باشند . بمنظور تامین هدف های فوق حسابداری صنعتی اقدامات زیررا معمول میدارد :

تعیین قیمت تمام شده هرواحد از محصول ودر هر لحظه از زمان تهیه استانداردهای عملیات بمنظور مقایسه عملکرد واقعی نسبت بآنچه در برنامه پیش بینی شده است‌ـ سنجش میزان هزینه ها جهت‌تعیین قیمت واقعی بمنظور رقابت سالم دربازار‌ـ راهنمائی مدیران موسسه در طرح برنامه های آینده ـ ایجاد روش صحیح برای کنترل موجودی موادخام ـ تهیه سیستم‌معینی‌جهت جمع‌آوری اطلاعات وگزارشاتی که باتکاء آن بتوان حساب سود و زیان را در هرزمان برآورد کرد و تنظیم واجراء بودجه با در نظر گرفتن حقایق موجوده از طریق تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف عملکرد .

نمونه‌هائی از طرح های اجرا شده

برقراری حسابداری قیمت تمام شده در دو کارخانه ریسندگی و بافندگی پارس سمنان طبق قرارداد منعقده بین شرکت ریسندگی و بافندگی پارس سمنان و سازمان مدیریت صنعتی برقراری سیستم حسابداری قیمت تمام‌شده وتعلیم کارکنان مربوطه بعهده سازمان مدیریت صنعتی قرار گرفت و کارشناسان‌سازمان شروع باقدامات زیر نمودند : تفکیك‌سر دخل هزینه ها مطابق دستورالعمل سازمان مدیریت ثبت حسابها طبق سر فصلهای جدید ـ تنظیم ونگهداری حساب انبارها ـ برقراری روش جدید تنظیم لیست دستمزدها و طرز ثبت در دفاتر تعیین وظایف ومسئولیت متصدیان قسمتها در مورد گزارش ارقام هزینه بمنظور تعیین قیمت تمام شده وآمارتولید تعیین سهم هزینه استهلاك وبیمه ماشین‌ها و ساختمان ها ـ برقراری حسابداری قیمت تمام شده در کارخانه نخریسی و سپس در کارخانه بافندگی بطوریکه‌کارخانه های فوق موفق گردیدند قیمت ریز انواع نخ تولیدی و انواع پارچه‌های تهیه شده را در هرماه تعیین و حساب سود و زیان کارخانه را ماهیانه تنظیم نمایند.

پس از اتمام کار و برقراری کامل حسابداری چهار ماه وهرماه یکبار کارشناسان سازمان مدیریت به سمنان عزیمت و بطرز محاسبه قیمت تمام شده و طرز تهیه حساب سود وزیان رسیدگی‌نمودند و این اطمینان حاصل گردیدکه کارمندانی که تعلیم یافته‌اند کار خود را بنحو شایسته‌ای انجام میدهند ـ بمناسبت‌فعالیت‌سازمان مدیریت در زمینه بر قراری قیمت تمام شده درکارخانجات شرکت سهامی نساجی پارس ، این شرکت طی نامه‌ای اقدامات انجام شده سازمان مدیریت را تائید واز سازمان مدیریت سپاسگزاری‌کرد.

علاوه براین سازمان مدیریت صنعتی جهت برقراری حسابداری قیمت تمام شده در کارخانجات پشمی مقدم ـ شن وماسه (وابسته بسازمان آب تهران) ـ تولیدی نساجی اطلس بافت تهران وسایر کارخانجات اقدام نموده و در تمام موارد نتیجه‌کار رضایت بخش وفعالیت های سازمان مدیریت صنعتی مورد گواهی و تائید صاحبان و مدیران کارخانه‌قرار گرفته است و ضمنا لازم به‌تذکر میباشد آنچه که‌درخصوص‌فعالیتها و کوشش های سازمان مدیریت صنعتی در زمینه کمك به‌صاحبان

کارخانجات بآن اشاره شد قسمتی از فعالیت های این‌سازمان در زمینه کمك بواحد های‌صنعتی و اقتصادی بوده است .

فعالیت های‌موسسه استاندارد

بدون تردید یکی از موثرترین و مفیدترین روشهای افزایش صادرات مملکت استاندارد کردن کالاهای صادراتی است این مسئله روشن است که تولید زیبا با استاندارد کالا ملازمه‌دارد ومحال است که یك تشکیلات بزرگ‌صنعتی یا کشاورزی بدون‌توجه باستاندارد کالا موفق به فروش فرآورده‌های خود شود و قهرا موسساتی که فروش محصولات و کالاهای آنها منطبق بااصول علمی است وعلاوه بر رعایت بهداشت ونظافت متوجه اهمیت زیبائی دربسته‌بندی هستند مجالی برای‌فروش محصولات‌مشابه که بدون توجه باهمیت استاندارد محصولات خودرا عرضه میکنند ـ باقی نمیگذارند و بازار فروش متعلق بآن گروه از موسسات است که در عرضه محصولات خودرعایت اصول علمی ، فنی ، بهداشتی و حتی روانی را مینمایند وهمیشه خودرا بجای خریدار قرارمی‌دهند باتوجه‌به‌نکات‌بالاموسسه استاندارد ایران از جانب وزارت اقتصاد مأموریت یافت‌که کار استانداردکالا را آغاز نماید وبدون تردید یکی از موثرترین و مفیدترین روشهای افزایش صادرات مملکت استاندارد کردن کالاهای صادراتی است وزارت اقتصاد درتعقیب این روش موثر در تقویت موسسه استاندارد کوشید وموسسه استاندارد نیز در انجام آنچه که بر عهده اشت‌سعی کافی مبذول داشت واز تابستان سال ۴۲ موسسه استاندارد ایران ماموریت یافت‌که کار استاندارد کالاها را آغاز نماید و از صدور اجناسی‌که بااستاندارد تعیین شده تطبیق نمیکنند ممانعت بعمل آورد در اجرای این منظور موسسه استاندارد اقداماتی به شرح زیر آغازکرد .

۱ـ تعیین استاندارد شش قلم از کالاهای مهم صادراتی ایران : کشمش ـ پسته ـ برگه زردآلو ـ برنج ـ کتیرا و انقوزه البته استاندارد کالاهای‌فوق‌یك‌استاندارد نسبی است و برای آنکه به استاندارد بین‌المللی برسیم مدتی وقت لازم است .

۲ ـ تاسیس ادارات استاندارد در شهرهای تبریز ـ رضائیه ـ خرمشهر ـ شیروان ـ قوچان ـ زاهدان ـ بوشهر وجلفا .

نظر ازتاسیس ادارات‌استاندارد در شهرهای مذکور آن بود که اداره استاندارد مرکزی در کار استاندارد کالا در شهرهای فوق نظارت داشته باشد و ضمنا مانع از آن شودکه کالاهای استاندارد نشده بخارج صادر شوند وبجهات فوق‌کلیه متخصصین استانداردکه در مرکز مشغول کار بودند بشهرستانها اعزام گردیدند وضمنا چهل وپنج نفر جوان دیپلمه که بکار استاندارد کالا علاقمند بودند استخدام شدند و به شهرستانها اعزام گردیدند . نتایجی که از فعالیت این جوانان و متخصصین موسسه استاندارد حاصل‌شده‌است در بسیاری از موارد قابل‌تحسین است و کار بسیاری از ایشان حاکی از ایمان وعلاقه باطنی آنها باهمیت وظیفه‌ای که به‌آنها سپرده شده‌است میباشد .

ورود رئیس‌کل موسسه استاندارد بین‌المللی بایران

ورود رئیس‌کل‌موسسه استاندارد بین‌المللی بایران ـ بدنبال‌اقدامات داخلی در زمینه توسعه استاندارد و راهنمائی تولیدکنندگان و صادر کنندگان محصولات داخلی به‌خارج از آقای هانری سن‌لژه رئیس کل موسسه‌استاندارد بین‌المللی‌بمنظور جلب همکاری بیشتر با کشورهای مختلف جهان دعوت بعمل آمد که بایران سفر نمایند واز موسسه استاندارد ایران بازدید بعمل‌آورد.

آقای سن‌لژه این دعوت را پذیرفت وبمنظورهمکاری باموسسه استاندارد ایران به‌تهران واردشد ضمن بازدید از موسسه استاندارد ایران اظهار داشت باوجودی‌که‌این موسسه موسسه جوانی است وکار خودرا تازه آغاز کرده است ولی باید گفت‌که در کار خود پیشرفت کرده‌است وی ضمن توجه‌به‌موسسه استاندارد اضافه کرد که کالاهای ایران درصورتی که بابسته‌بندی صحیح به بازارهای خارجی عرضه شود مسلما طالب وخریداربیشتری خواهندداشت . موسسه استاندارد ایران با دعوت ازمدیرکل موسس استاندارد بین‌المللی زمینه‌همکاری بین‌المللی باکشورهای مختلف‌جهان را فراهم نموده و از تجربیات دیگران در امر استاندارد کالا برخوردار گردید .

جلوگیری از کالاهای استاندارد نشده ـ ضمن مذاکراتی‌که‌مسئولان موسسه استاندارد با آقای هانری سن لژه صورت دادند باین نتیجه رسیدند که باید اقدامات جدی واساسی بمنظورجلوگیری ازصدور کالاهای استاندارد نشده بعمل آید . بدنبال این فکر اقداماتی دراین زمینه صورت گرفت که تولیدکنندگان و صادر کنندگان محصولات ایران را متوجه این‌نکته نمودکه ازاین پس کالاهائی‌رابخارج می‌توانند صادر نمایند که استاندارد شده باشد این تصمیم جدی صادرکنندگان محصولات‌ایران بخارج رابرآن داشت که برای عرضه محصولات خود بخارج ابتدا به فکر استاندارد کردن آنها باشند و از هم‌اکنون‌که فصل تولید فرارسیده است برای استاندارد کردن کالاهای خود بخارج ابتدا به فکر استاندارد کردن آنها باشند واز هم اکنون که فصل تولید فرارسیده است برای استاندارد کردن کالا های خود دست بکار باشند . ضمنا اقدام شده است تا اتحادیه های صادراتی تشکیل شود و دراین‌مورد تاکنون اتحادیه صادرکنندگان خشکبار تاسیس شد و مشغول بکار گردیده است . در رشته فرش نیز درزمینه تشکیل اتحادیه اقداماتی صورت گرفته است . با توجه باینکه در اساسنامه این اتحادیه‌ها مقررات شدیدی علیه کسانی که درامرصادرات توجه بامر استاندارد محصولات ندارند ، درنظر گرفته شده است میتوان امیدوار بودکه از این پس در امر صادرات محصولات و کالاهای ایران دقتی بیش از گذشته بکار خواهد رفت فرآورده های ایران در خارج بازار های مناسب و خوبی پیدا خواهند کرد و از طرف دیگر میتوان انتظار داشت که اتحادیه‌ها خود حافظ و نگهبان روش جدید تجاری خواهند بود .

سازمان جدید موسسه استاندارد

سازمان جدید موسسه استاندارد ـ برای وصول به هدف فوق تشکیلات موسسه استاندارد نیز مورد تجدید نظر قرار گرفته و از این پس سازمان موسسه استاندارد بشرح زیرخواهد بود .

۱ ـ آزمایشگاه های تعیین استاندارد .

۲ ـ سازمان تهبود تولید .

۳ ـ بازرسی در گمرکات و غیره.

و هدف آنست که اولا مشخصات کالا تعیین شود و ثانیا پس‌از تعیین مشخصات کارشناسان موسسه برای بهبود کالای صادراتی به دهات و مراکز تولید بروند و بالاخره بازرسان موسسه درگمرك مانع از صدور کالاهائی شوند که مطابق مشخصات نیست .

برای اجرای این طرحها مذاکراتی با سازمان برنامه بعمل آمده و نظر مساعد ایشان جلب شده است و قطعی است که سال آینده سال تحول کار استاندارد کالاهای صادراتی ایران خواهد بود و امید میرود که بتدریج کالاهای صادراتی ایران نیزبراساس شماره کالاها و ذکر نوع و رقم آن بفروش برسد نه آنکه نماینده خریدار شخصا بمراکز تولید برود و پس از معاینات گوناگون تصمیم به خرید بگیرد .

ضمنا بموازات این اقدامات بخاطر آنکه حداکثر استفاده از تولید کالاهای صادراتی برده شود مطالعاتی در جریان است تا از صدور کالاهای خامی که درصورت تغییر شکل آن میتوان درآمد ارزی بیشتری بدست آورد (از قبیل بعضی انواع خرماکه میتوان تبدیل بالکل کرد) جلوگیری بعمل آید و همچنین تا آنجا که ممکن است با استفاده از وسایل موجود در موسسه استاندارد لوازم فنی ارزان قیمت تهیه و در اختیار کشاورزان گذاشته خواهد شد چنانکه هم اکنون موسسه مشغول تهیه یکهزار دستگاه انگور خشك کنی فلزی است که ببهای ارزان (هر یك در حدود ۱۵ هزار ریال) دراختیار کارخانه های بسته بندی کشمش گذاشته میشود علاوه براین درنظر است که کیفیت کالا های صادراتی از طرف شرکت های بیمه بصورت آنکائی بیمه شود و ضمنا کالاهای صادراتی بامهر استاندارد ممهور و صادر گردد تا خریداران با مشاهده مهر و ورقه بیمه به مرغوبیت کالا اطمینان کامل داشته باشند و بدون وقت زیاد و با مشاهده عینی کالا را خریداری نمایند .

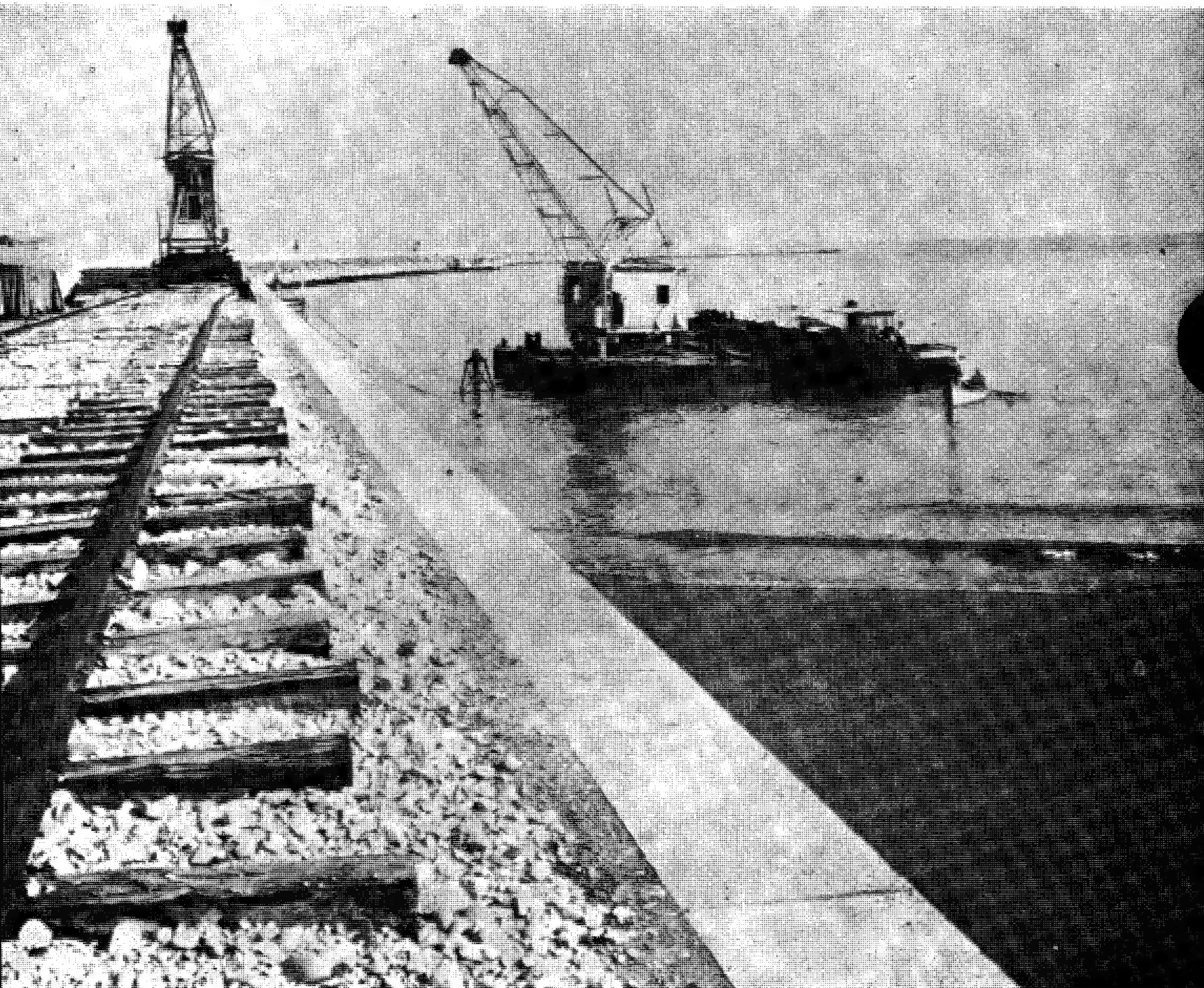
ضمنا کلیه فعالیت های موسسه زیر نظر یك کمیته فنی بشرکت مهندسین‌کشاورزی وشیمی دانان ـ اقتصاد دانان و نمایندگان اتحادیه های صادراتی اداره خواهدشد تاهنگام اتخاذ تصمیمات تازه نظریات مختلف رعایت بشود و تصمیمات جامع الاطراف اتخاذ گردد .

سازمان بنادر و کشتیرانی

با توجه به توسعه اقتصادی و تجاری کشور ، تکمیل و توسعه بنادر نیز از جانب سازمان بنادر وکشتیرانی وابسته بوزارت اقتصاد مورد توجه قرار گرفت و در برنامهٔ توسعه بنادر مطالعات و اقـدامات لازم بدین منظور بعمل‌آمد و طرح های عمرانی لازم تهیه و آمـاده گردید و نیز اقدامات اساسی بمنظور تمیز کـردن بنادر جهت حرکت و پهلوگرفتن کشتی‌ها بعمل آمد و بمنظور توسعهٔ بنادر بـه تناسب احتیاجات اقتصادی‌کشور مطالعاتی برای ساختمان بندرهائی در خلیج فارس صورت گرفت و در نتیجه ساختمان دو بندر در بندر عباس و بندر بوشهر و تکمیل بندر شاهپور بشرح زیر مورد اقـدام قرار گرفت :

طرح بندر عباس مشتمل بر ساختمان دو موج شکن سنگی و ساختمان دیوار حفاظتی و سه اسکله بطول۵۲۵ متر و یك لنگرگاه برای بارگیری سوخت و سنگهای معدنی و جادهٔ اسفالتی بعرض ۷ متر و طول ۵۵۰۰ متر و تاسیسات آبرسانی با ۱۱٫۳ کیلو متر لوله و مخازن مربوطه به حجم ۵۰۰ متر مکعب با پمپ های لازم و همچنین تاسیسات برق و دوانبار بمساحت ۸۰۰۰ متر مربع ویك‌انبار مسقف بمساحت ۶۰۰۰ متر مربع و ۱۷ دستگاه ساختمان مسکونی باکلیه لوازم و تاسیسات ساختمان ادارهٔ مرکزی وغیره میباشد . طرح قرارداد و اسناد مناقصه باشرکت آمریکائی پامروی — هاوائن در جینگ — موریسن نودسن برندهٔ مناقصه قرارداد ساختمان بندر مذکور امضاء و مبادله گردید و اولین‌کلنگ مربوط بشروع‌ساختمان بندرعباس درتاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۴۲ بزمین زده شد بعلاوه تعمیر و تعویض اسکلهٔ بندر برای پهلو گرفتن واحد های دریائی سبك جهت حمل ونقل سنگهای معدنـی شروع شده و ۸۰٪ از عملیات ساختمانی مذکور انجام گردیده است .

بندر بوشهر ــ طرح‌بندربوشهر مشتمل است براحداث یك کانال بطول ۵ کیلو متر ــ خرید اراضی و تسطیح محوطه مورد نظر برای انجام پروژه ساختمان اداره و آزمایشگاه و غیره ساختمان اسکله بتنی بطول ۲۴۲٫۳۰ متر و عرض ۱۲ متر و ۷ پل اتصالی هر



یك بطول ۲۰ متر و عرض ۸ر۸ متر ایجاد راههای ارتباطی مجاور اسکله ساختمان انبار ترانزیتی با اسکلت فلزی بمساحت ۴۰۰۰ متر مربع و ساختمان سایر تاسیسات بندرشاهپور تأسیسات وتجهیزات فعلی بندر شاهپور متناسب با احتیاجات آتی‌کشور بشرح زیر توسعه خواهد یافت .

۱ ـ جادهٔ اسفالته بین بندر و سر بندر که بلحاظ توسعه صادرات و واردات حائز اهمیت است تعریض خواهد شد .

۲ ـ تاسیسات بارگیری‌سنگ های معدنی بظرفیت ۲۰۰۰ تن در روز جهت صدور سنگهای معدنی بخارج از کشور احداث میگردد .

۳ ـ ساختمانهای تکمیلی از قبیل ساختمان مسکونی برای سکونت کارمندان ساختمان انبار مواد محترقه ـ ساختمان گاراژ وسائل نقلیه وغیره انجام خواهد شد .

۴ ـ ساختمان اسکله غربی مرمت و تمدید خواهد گردید .

۵ ـ یك تعمیرگاه و یك سر سره کوچك برای تعمیرات واحد های دریائی ساخته خواهد شد .

۶ ـ شبکه راه‌آهن بندر بموازات توسعه سایر تاسیسات تکمیل و توسعه خواهد یافت .

لاروبی بنادر ـ در سال ۴۲ ، ۳۱۹،۸۸۳ متر مکعب مقابل اسکله های بنادر خرمشهر ـ شاهپور ـ پهلوی و نوشهر بمنظور تسهیل و تامین رفت و آمد کشتیهای ورودی به بنادر لاروبی شده است که سهم لاروبی هریك از بنادر چهار گانه فوق بشرح زیر است بندر خرمشهر ۲۷۵۶۸ مترمکعب ـ بندر شاهپور ۸۱۴۶ مترمکعب ـ بندر پهلوی ۱۹۹۰۲۰ متر مکعب و بندر نوشهر ۸۵۱۵۰ مترمکعب .

میزان کالای وارده وسیلهٔ ۶۸۱ فروند کشتی های تجارتی وارده به‌بندر خرمشهر ۷۵۷۲۴۴ تن و میزان کالای صادراتی ۲۴۷۹۱۸ تن بوده است در مورد بندر شاهپور ۳۶۴ ، ۴۰۰ تن کالا باین بندر وارد و مقدار ۱۱۰۵۱ تن کالا صادر شده است بعلاوه ۳۶۷۳۰۷۵۹ تن نفت خام وسیلهٔ ۱۳۰۳ فروند کشتیهای نفتی‌ازبندر معشور صادر گردیده است . میزان کالای وارده به بندربوشهر ۵۶۵۰۰ تن و کالای صادره از این بندر ۲۴۴۹۰ تن بوده است و تعداد ۱۶۰ فروند کشتی تجارتی به بندر وارد و خارج شده‌اند . در مورد بندر عباس تعداد ۴۷ فروند کشتی با ۳۴۶۰۱ تن کالا به این بندر وارد و مقدار ۶۷۹۱۸ تن کالا از این بندر خارج شده است ـ میزان کالای وارده به بندر پهلوی بوسیله ۱۵۷ فروندکشتی ، ۷۵۰۰۰ تن و کالای صادره از این بندر ۵۱۹۰۰ تن بوده است سهم بندر نوشهر در ورود و خروج کالا ۹۴۸۹ تن کالای وارده و ۶۵۴۰ تن کالای صادره بوده است .

علاوه‌بر فعالیت های تجاری در بنادر فوق اقدامات دیگری نیز ازجانب سازمان بنادر وکشتیرانی در بنادر ذکره شده بعمل آمده است مثلا در بندر شاهپور اقدام به نصب یك کارخانه گاز استیلن شده است که ظرفیت آن ۵ متر مکعب در ساعت میباشد و با بهره‌برداری از کارخانه میتوان گاز مورد نیاز چراغهای دریائی خلیج فارس ـ بحر عمان و بنادر شمال راکه بمنظور تسهیل در عبور و مرور کشتیها نصب شده‌اند ، تامین نموده بعلاوه ضمن بازدید از ۳۰ دستگاه چراغهای دریائی نصب شده درخورموسی‌که جهت راهنمائی و هدایت کشتیهای نفتی و تجارتی نصب گردیده است ، چون نقائصی مشاهده شد ولزوم تعمیرات اساسی آنها احساس گردید ، تعمیر شدند و تعداد ۳۰۰ فشنگ گاز مربوط بآنها تعویض گردید ضمنا برای تسهیلات بیشتر جهت راهنمائی کشتیهای وارده به بندر مسیر جدیدی برای کشتیها درکانال خورموسی تعیین گردیده وتعداد هفت دستگاه چراغ دریائی و یك دستگاه قایق نورانی جدید مجهز بدستگاههای خودکار آفتابی در دو طرف معبر جدید نصب و راهنمائی کشتی ها از طریق کانال فوق آغاز گردید و مقدار ۲۶۹۱۳،۳۶۳ کیلووات ساعت برق از مولدهای برق اختصاصی بندر برای روشنائی شهر ومحوطه بندر و اسکله‌ها و تامین برق دستگاههای تعمیراتی بهره‌برداری شده است بعلاوه اقدامات دیگری در بندر شاهپور صورت گرفته که بطور خلاصه ذکر میشود .

۱ ـ نصب یکدستگاه مولد برق ۸۰ کیلوواتی جهت تامین روشنائی و برق کارکنان بندر در کوی سر بندر .

۲ ـ ساختمان و نصب یك حوض بظرفیت ۱۰۰ متر مکعب و یکدستگاه برج خنك کننده آب برای کارخانه برق .

۳ ـ تعمیر یکدستگاه مولد برق در کشتی راهنمای شهناز جهت تامین برق کشتی مذکور .

در بندر بوشهر علاوه‌برلاروبی مقدار ۸۵۱۵۰ متر مکعب از دهانهٔ موج شکن‌ها و داخل حوضچه بندر وسیله کشتی لاروب اقداماتی به شرح زیر صورت گرفته است .

۱ ـ ساختمان سد ساحلی ماشالك برای حفاظت محوطه و ساختمانهای بندر در طول ۱۵۷متر خاتمه یافت و عملیاتی به شرح زیر جهت ساختمان سد مذکور انجام گردید .

الف ـ زیر سازی بتونی ۴۷۱ متر مکعب .

ب ـ دیوار بتونی ۷۹۶ متر مکعب .

ج ـ دیوار سنگی با ملاط سیمان ۱۹۸ مترمکعب .

۲ ـ حدود ۳۰۰۰ متر مربع از دیوارهای فلزی اسکله‌ها رنگ‌آمیزی گردیده است .

۳ ـ راه‌آهن اسکله‌ها و محوطه بندر تعمیر و حدود ۱۴۲۵ اصله از تراورسهای آن تعویض گردیده است .

سازمان مرکزی بموازات اقداماتی که در بنادر بمنظور تسهیل در عبور و مرور کشتی‌ها و هدایت آنها و یا نصب کارخانه برق ، اسفالت بعضی‌از محل‌ها و نظائر آن انجام داده ، دست اندرکار اقدامات دیگری نیز بوده که هریك بنوبه خود در خور اهمیت است و فهرست‌وار وبطور اختصار اقدامات سازمان مرکزی از لحاظ خوانندگان گرامی میگذرد :

۱ ـ تهیه طرح قانون دریائی ایران پس‌از مطالعات و بررسیهای لازم و تصویب آن از جانب هیئت دولت .

۲ ـ امضاء و مبادله قرارداد خرید یك فروندکشتی راهنما برای انجام ماموریت مربوط به راهنمائی کشتیهای نفتی و تجارتی وارده به بنادر شاهپور و معشور با شرکت ژاپنی کین شو ماتائیچی .

۳ ـ امضاء قرارداد خرید چوب جهت تعمیرات و تعویض پایه های چوبی اسکله بندر خرمشهر با شرکت هلندی‌فینهوت بطوری که اخیراتعداد ۱۳۰۰ اصله ازچوبهای مذکور ازاسترالیا به‌بندر خرمشهر حمل گردیده است .

۴ ـ اقدام جهت خرید ۵ فروند قایق موتوری پنجاه فوتی جهت تسریع و تسهیل در انجام فعالیت های دریائی بنادر جنوب و دو فروند قایق نجات برای بندر پهلوی .

۵ ـ بررسی ومطالعه درمورد قراردادهای‌بین‌المللی دریائی جهت الحاق دولت ایران به کنوانسیون های بین‌المللی .

۶ ـ اقدام جهت خرید ۱۶ دستگاه گیرنده و فرستنده جهت بنادر تابعه .

۷ ـ اقدام جهت نصب و استقرار چراغهای دریائی جدید و همچنین بازدید وسرویس سایر چراغها جهت تامین رفت و آمد کشتیها و سایر وسائط نقلیه‌دریائی درخلیج فارس و بحر عمان بطوری که سه دستگاه قایق نورانی جدید ۲۲ تنی در لنگرگاه داخلی کیش ـ جزایر شیخ شعیب ـ هندورابی درخلیج فارس نصب و روشن گردیده است بعلاوه هفت دستگاه گوئه های نورانی جدید ۵ر۴ـ۵ر۳ تنی در آبهای اطراف جزایر سیری ابوموسی‌ـ بندر دیر ـ بندر طاهری بندر عباس ـ راس نابند ـ بندر شیوه در خلیج فارس نصب و روشن شده است و یکدستگاه گوئه نورانی ۲ تنی در مدخل چپ کانال ورودی پایگاه نیروی دریائی در جزیره خارك نصب وروشن گردیده است بعلاوه یك دستگاه گوئه غیر نورانی در لنگرگاه بندرگاه بندر گناوه در فاصله دومیلی امتداد لوله های زیردریائی نفت مستقر گردیده است ضمنا بجای گوئه لنگرگاههای داخلی خارك و خارکو دو دستگاه گوئه نورانی جدید ۵ر۳ تنی مستقر شده است و بجای گوئه های راس المطاف و لنگرگاه بندر کنکان در خلیج فارس دو دستگاه گوئه نورانی جدید ۵ر۷ و ۵ر۳ تنی نصب گردیده است بعلاوه گوئه های نورانی لنگرگاه های خارجی جزیره خارك وکیش جزیره‌هرمز ـ لنگرگاه‌بندرعباس‌و‌ـ بندر لنگه ـ جزیره قشم و ... سرویس و تعمیر گردیده و جمعا ۱۳۰ فشنگ گاز مربوط بآنها تعویض گردیده است لازم بتذکر است که درآمد سازمان بنادر و کشتیرانی در یك ساله ۴۲ در حدود ۴۸۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوده است .

شرکت فرش

بمنظور توسعه صنعت فرش بافی وایجاد تسهیلات لازم در این زمینه ، کارگاههای شرکت فرش از ۲۰۱۹ به ۲۱۰۹ کارگاه افزایش یافت و نتایج اقدام بصورت افزایش تولید بتدریج آشکار میشود . این نکته قابل ذکراست که اقدامات شرکت فرش صرفا متوجه افزایش محصول نیست بلکه هدف اساسی توجه به‌کیفیت و خصوصیات هنری فرش از لحاظ بافت ـ اصالت نقشه و رنگ‌آمیزی با رنگهای ثابت میباشد و دراجرای این منظور اقدامات زیر از جانب شرکت فرش صورت‌گرفته‌است :

۱ـ کلیه نقشه ها وطرحهائی که برای فرش‌ها تهیه میشودقبلا در کمیسیونی مرکب از اساتید فن هنرهای‌زیبای‌کشورومتخصصین آزموده ازلحاظ‌اصول‌فنی‌ـ‌نقاشی‌ـ اصالت نقشه وسایر شرائط لازم مورد بررسی دقیق قرار میگیرد و بهترین آن ها برای بافت‌انتخاب میشود .

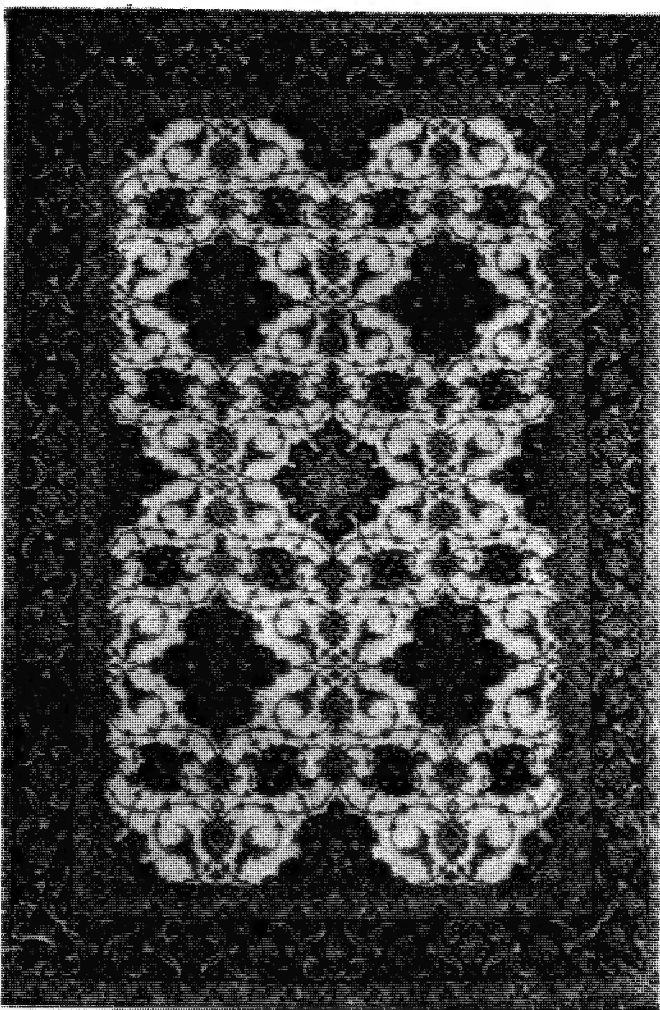
۲ـ از فرش های نفیس موجود عسکبرداری بعمل آمده اسلاید های رنگی تهیه میشود تا برای تهیه نقشه مورد استفاده قرارگیرد .

۳ـ بمنظور ایجاد یك‌نواختی در رنگ فرش رنگ رزخانه‌های شعب شرکت در مراکز عمده تولید مجهز گردیده و در شعبه تبریز که فاقد رنگرزخانه های اختصاصی بوده رنگرزخانه احداث گردیده است تا با مصرف رنگهای ثابت نباتی دورنگ فرش دقت‌لازم بعمل آید .

علاوه براین با ایجاد کلاس طراحی در مرکز شرکت که‌زیر نظر یکنفر استاد طراحی اداره میشود عده‌ای از هنرجویان تعلیم میبینند و پس ازپایان کلاس از وجود آن ها در شعب شرکت استفاده بعمل خواهد آمد . نظیر این‌کلاس باهمکاری رئیس‌هنرستان هنرهای زیبای اصفهان در شعبه شرکت واقع دراصفهان نیز دائر میگردد .

ضمنا خامه های مورد نیاز شرکت براساس شماره متر یك مشخص گردیده و هدف آنستکه بتوان انواع آن را بر طبق شماره متریك از بهترین نوع تهیه نمود . و بعبارت ساده‌تر برای خامه مشخصات تعیین شده است ووقتی میگوئیم خامه مثلا سه متریك یعنی خامه‌ای که‌یك‌گرم آن بطول سه متر میباشد وبرای بافت فرش ۲۰ رج مورداستفاده است و یا خامه ۵ متریك یعنی خامه‌ای که یك‌گرم آن ۵ متر طول دارد و دربافت فرش‌های ۳۰ تا ۳۵ رج ازآن استفاده میشود و خامه ۱۶ متریك که یك گرم آن ۱۶ متر طول دارد ودربافت فرش‌های ۷۰ رج مورد استفاده قرار میگیرد در حال حاضر بهترین خامه موجود همین خامه ۱۶ متریك است برای بهبود وتوسعه کار کارخانه پشم شوئی کرج نیز ازجانب شرکت‌فرش‌اقدام شده ودرنتیجه میزان پشم شسته شده در سال ۴۲ ، ۸۸۸۱۴ کیلو بیشتر از سال قبل بوده است چنانکه درسال ۴۲ جمعا ۲۰۴۱۶۳ کیلو پشم درکارخانه پشم شوئی کرج شسته شده است درصورتیکه در سال ۴۱ جمعا ۱۱۵۳۴۹ کیلو پشم درکارخانه فوق شسته شده بود . .

علاوه براین شرکت فرش بمنظور فروش‌میزان بیشتری‌فرش با توجه باین نکته که مظنه فروش فرشهای شرکت درگذشته بیش از مظنه بازار بوده است با تحصیل مجوزاقدام به‌تعدیل‌بهای‌محصولات نموده و درنتیجه این اقدام و تسهیلاتی که درامر فروش برای مشتریان درنظرگرفته شده‌استقبال قابل توجهی از جانب مردم و موسسات ازفرش‌های شرکت بعمل آمده ودرنتیجه میزان فروش در سال ۴۲ ، به ۱۳۵۵۰۰۴۶۰ ریال رسید در صورتیکه میزان فروش درسال ۴۱ ـ ۹۲۶۸۵۰۰۰ ریال بود بعلاوه بمنظور افزایش تولید به نسبت پنجاه درصدنسبت‌به‌سال ۱۳۴۲ طرحی تهیه‌گردیده است‌که با تصویب سازمان برنامه بموقع اجرا گذاشته خواهد شد واین امید است که در راه شروع این صنعت ملی نتایج درخشانی بدست آید .



معادن

اداره درآمد معادن از اول سال ۴۲ لغایت بهمن ماه۴۲بتعداد ۴۰۰۰ پرونده رسیدگی نموده وتا پایان دیماه جمعا مبلغ ۲۷۳۶۸۳۴۲ ریال از بابت حقوق دولتی وبهره مالکانه معادن وصول نموده‌است.

صدور پروانه

اداره صدور پروانه درسال ۴۲ جهت‌مراجعه کنندگان‌باین‌اداره اقدام به صدور پروانه نموده است. پروانه‌هائی‌که اداره صدور پروانه صادرکرده است عبارتند از ۳۳ فقره اجازه بهره برداری جهت معادنی از قبیل سنگهای ساختمانی ـ گچ ـ آهك ـ شن ـ ماسه و خاك رس ـ برای معادنی که شامل مواد فلزی و شبه فلزی میشوند ۲۲۹ فقره پروانه صادر شده است ونیز بموازات صدور پروانه و دادن اجازه به‌ـ متقاضیان جهت استخراج معادن، ۱۷ فقره گواهی نامه کشف نبز صادر و به متقاضیان داده شده است این گواهی نامه های کشف مربوط به معادن زغال سنگ ـ گل سفید ـ مس ـ باریتین ـ کائولن ـ فلدسپات وگوگرد بوده است.

وبرای بهره برداری ازمعادن زغال‌سنگ ـ نمك ـ منگنز ـ گل سفید ـ باریتین ـ فلدسپات و سرب وروی ۱۹ فقره پروانه بهره‌برداری صادر شده و تسلیم متقاضیان گردیده است .

اداره اعتبارات صنعتی

اداره اعتبارات صنعتی و معدنی دریازده‌ماهه سال۴۲ بمنظور بررسی طرحهای رسیده وتصویب وامهای کوچك تولیدی و توصیه ببانك ملی ایران و صندوق‌ضمانت صنعتی اعم از توصیه پرداخت وام ویا تمدید مدت ویا بازدید ازکارگاهها برای نظارت درمصرف وامهای پرداختی اقداماتی نموده است .

تعداد تقاضاهائی که مورد بررسی قرارگرفته بالغ بر یکهزار و دویست تقاضا وبه مبلغ ۱۱۷۵۲۷۲۰۰۰ ریال بوده‌است‌که مبلغ ۲۱۱۸۱۳۵۳۰۰ ریال‌آن‌مربوط به‌نساجی ۱۶۸۳۸۰۰۰۰ ریال آن مربوط به قندو۲۲۲۶۷۷۳۴۰۰ریال

آن مربوط به سایر صنایع بوده است‌که از جانب اداره اعتبارات صنعتی ومعدنی جهت‌پرداخت‌مبالغ فوق‌ببانك و صندوق‌ضمانت‌صنعتی توصیه شده است و تا پایان یازدهمین ماه سال ۴۲ مبلغ ۷۵۱۹۱۶۶۱۱ ریال از حساب وام وبطور اقساط به حساب بانك ملی برگشت داده شده است و مبلغ ۲۱۹۸۹۱۹۵۳ ریال به‌حساب بانك توسعه صنعتی ومعدنی ایران‌منظور شده است بنابراین جمع مبلغ برگشتی بحساب بانك ملی ایران و بانك توسعه صنعتی‌ومعدنی‌ایران مبلغ ۹۷۱۸۰۸۵۶۵ ریال میشود.

اداره نظارت‌برمعادن

بمنظور اجرای آئین‌نامه فنی و نظارت برمعادن و راهنمائی‌های لازم بمعدن داران جهت پیشگیری ازبروز حوادث‌خطرناك پیشگیری ازهدر رفتن ذخائر معدنی – رفع اشکالات معدن داران – تهیه آمار معدنی وتعیین مشخصات معادن‌و میزان استخراج سالیانه وقیمت سرمعدن بمنظورهمکاری باادارات صدور پروانه ودرآمد معادن‌تاکنون تعداد ۱۳۸ معدن وسیله مهندسین اداره نظارت برمعادن تهران و تعداد ۱۳۰ معدن وسیله مهندسین و زمین شناسان ادارات اقتصاد شهرستانها درسال ۴۲ بازدیدشده است ونیز بعض ازمعادن منجمله معادن زغال‌سنگ دوبار موردبازدید قرارگرفته است ونیز بازدیدهائی بمنظور عملیات اکتشافی و یا رفع‌اختلافات‌محلی‌بوسیله‌مهندسین اداره نظارت برمعادن صورت‌گرفته وگزارشات فنی لازم دراین مورد تهیه وتسلیم مقامات‌مربوطه‌گردیده است علاوه براین اداره نظارت برمعادن به منظور رفع مشکلات معدن داران و نیز بمنظور توسعه معادن مکاتباتی با صاحبان معادن داشته است‌که دراین مکاتبات صاحبان معادن را از نظر اشکالاتی که در کار معدن پیش آمده ویا احیانا پیش میاید راهنمائی‌نموده است وپیشنهاداتی برای توسعه معادن به صاحبان آن داده است اینکار علاوه برآن که مانع ازتلف شدن وقت معدن داران میگردد چون این پیشنهادات با مطالعات کافی تهیه میشود و با بررسی جوانب و اطراف کار طرح ریزی میگردد برای پیشرفت کارصاحبان معادن سودمند ونافع است .

بعلاوه اداره نظارت برمعادن بمنظور همکاری و همفکری با ادارات درآمد معادن و صدور پروانه اداره کل آمار صنعتی ومعدنی واجرای آئین نامه فنی ونظارت برمعادن همانطورکه ذکر شده از ۲۶۸ معدن بازدید بعمل آورده است ودرسال جاری نیز از ۷۱۴ معدن بوسیله اداره نظارت برمعادن بازدید وراهنمائی های سودمند بعمل خواهد آمد .

اداره آسیا وامریکا

ازوظایف اداره آسیا وامریکا نظارت دراجرای موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای بازرگانی با ممالك آسیائی وامریکائی ونیز جمع‌آوری اطلاعات درمورد فروش محصولات تولیدی‌کشور اعم از صنعتی و معدنی میباشد که با جمع آوری وارسال اطلاعات مزبور باداره تدوین مقررات بازرگانی و اداره نظارت بازرگانی خارجی درموقع تهیه سهمیه و تنظیم موافقتنامه‌ها مورد استفاده قرار میگیرد .

دیگر ازاقدامات این اداره رفع مشکلات بازرگانی تجار ایرانی با ممالك آسیائی وامریکائی‌میباشد ضمنا یادآور میشود در اجرای تصویب‌نامه هیئت وزیران دائر به اعطای ۲۵٪ جایزه صدور بصادر کنندگان‌کالا بژاپن و معافیت ۵ درصد حق انحصار نسبت به مواد اولیه ولوازم یدکی ماشین آلات وارده از ژاپن ازتاریخ۲۵ر۲ر۴۲ لغایت ۲۰ر۱۱ر۴۲ مبلغ۳۴۶۵۷۲۱۱ ریال جایزه طبق‌تشخیص ورسیدگی کمیسیون فنی مامور اجرای تصویبنامه مزبور بشرح زیر بصادر کنندگان کالا بژاپن پرداخت شده است .

۱– بالاترین رقم مربوط به‌ سالامبوراست‌که به پیش ازپانزده میلیون ریال بالغ میشود وبعداز آن سنگ کرومیت پنج میلیون‌و سیصد هزار ریال – اهن قراضه بیش از یك میلیون و هفتصد و پنجاه هزار ریال – کتیرا بیش‌ازنه میلیون ریال‌وشانزده قلم‌محصولات و کالاهای دیگر از قبیل برگه زردآلو – فرش – مغزبادام–سنگ روی – سنگ ساختمانی سبزه و غیره که مبلغ دو میلیون و هشتصد هزار ریال به صادر کنندگان‌کالاهای فوق پرداخت‌شده است .

فعالیت های اداره بازرگانی خارجی

در زمینه تجارت خارجی وانعقاد قراردادهائی که متضمن‌نفع ملی بوده و موجب افزایش صادرات و رونق تجارت گردیده است فعالیت های زیادی از جانب قسمت بازرگانی خارجی وزارت اقتصاد ویا شرکتهای وابسته بوزارت اقتصاد صورت گرفته است که موافقت نامه بازرگانی ایران وشوروی ازآن جمله میباشد .

بموجب موافقت نامه بازرگانی ایران وشوروی دولت های ایران و شوروی تسهیلات تازه‌ای جهت ترانزیت کالا از خاك‌یکدیگر در نظر گرفته‌اند از موارد مهم این موافقت‌نامه تخفیفاتی است‌که بطور کلی در مورد نرخ حمل کالاهای صادراتی و وارداتی ایران در نظر گرفته شده است . این تخفیفات در مورد صادرات بطور متوسط ۲۵ درصد میباشد مثلا نرخ حمل یك تن قالی از خرمشهر تاهامبورك باکشتی ۸۴۰۰ ریال است و حال آنکه از راه‌شوروی در حدود ۷۲۰۰ ریال تمام خواهد شد .

نرخ‌ها در موافقت نامه جدید

نرخ‌هائی که در موافقت نامه جدید برای ترانزیت کالاهای ایران در نظرگرفته شده است یا مشابه ویاکمتر از نرخ‌هائی است‌که برای کشورهائی از قبیل لهستان و غیره منظور شده‌است و علاوه‌براین بعضی نرخها حتی از نرخ ترانزیت کالاهای کشورهای همسایه ایران که از راه‌شوروی حمل میشود ارزان تر است از جمله قالی ایران با۹۶ دلار و قالی ممالك شرق ایران با ۱۶۵ دلار – پنبه ایران ۵۰ دلار و بقیه ممالك مزبور با ۷۲ دلار حمل میشود . در مورد پشم ودانه‌های روغنی نیز نرخ حمل کالاهای ایران به ترتیب ۶۳ و ۴۵ دلار ونرخ حمل کالاهای ممالك مذکور ۹۱ و۵۸ دلار است .باین ترتیب بااجرای موافقت نامه جدید ترانزیت کمك قابل توجهی به صادرات ایران خواهد شد .

کالازودتر ببازارهای اروپا میرسد

نکته دیگر این است که باحمل کالا از راه شوروی حداقل کالا پانزده روز زودتر ببازارهای اروپا خواهد رسید و این امر در مورد بعضی‌از محصولات نظیر خشکبار قابل اهمیت وتوجه است چه خشکبار ایران معمولا دیربدست میآید و بنابراین دیرتر ببازارهای اروپا میرسد اما بااحتساب اینکه پانزده روز از راه شوروی زودتربه بازار اروپا خواهد رسید و نتیجتا ۱۵ روز زودتر بفروش خواهد رفت – و ضمنا بعض از محصولات که‌احتمالادر هوای گرم‌و بمدت زیاد فاسد میشوند باتوجه باینکه ازمناطق سردعبور میکنند – زودتر بمقصد میرسند واز فساد آنها جلوگیری بعمل خواهد آمد . درحال حاضر بکمك موادشیمیائی مانع‌ازفساد کالاهای مذکور می شوند. ولی حمل کالا از راه‌شمال لزوم‌استعمال مواد شیمیائی را منتفی میسازد و بدون شك خریدار نیز زمانی که محصول بصورت طبیعی آن و بدون استفاده از موادشیمیائی بدست او میرسد راضی‌تراست

ترانزیت کالاهای شوروی از راه ایران

در مورد ترانزیت کالاهای شوروی از راه ایران نیز تسهیلات وتخفیفات قابل ملاحظه‌ای منظور شده است وازآن جمله بنادرخرمشهر و شاهپور و همچنین خسروی بعنوان نقاطی که کالاهای شوروی از آنجا میتواند بخارج صادر گردد .

ویا وارد شود تعیین شده است و در حدود ۲۲٫۵ درصد نیز در تعرفه فعلی راه آهن برای کالاهای شوروی تخفیف قائل شده‌اند این تخفیف مشابه تخفیفی است که هم‌اکنون در مورد کالاهای ترانزیتی افغانستان رعایت میشود ضمنا باید گفت که کالاهای ترانزیتی ایران نیز از بنادر نوشهر و پهلوی و جلفا حمل خواهد شد و بدون شك نوشهر از جهت نزدیکی به خراسان وگرگان و مازندران که مراکز تولید خشکبار و پنبه ایران است رونق تازه خواهد یافت .

از جانب ادارهٔ روابط بازرگانی خارجی جهت مذاکره بالهستان نیز اقدام شد و مذاکرات به شرح زیر منتهی به اخذ وام از لهستان گردید بموجب موافقتنامهٔ مبلغ پانزده‌میلیون دلار وام در اختیار ایران گذاشته خواهد شد که از محل آن سه‌کارخانه قند خریداری خواهد شد که جمعا روزانه پنجهزار تن‌چغندر مصرف خواهند کرد . تولید قند و شکر سالانه این سه کارخانه به حدود پنجاه هزارتن بالغ خواهد شد که در حدود یك چهارم کمبود قند و شکر فعلی مملکت را برطرف میکند .

وام لهستان با ربح ۲٫۵ درصد در اختیار ایران گذاشته میشود و باین ترتیب این وام از جمله ارزان ترین وام هائی است که در چند ساله اخیر بایران پرداخت شده است . باز پرداخت این وام یکسال پس از حمل کارخانه ها آغاز خواهد شد و مدت آن هشت سال است بزودی مقدمات تاسیس کارخانه جدید قند آغاز خواهد شد زیرا مطالعات اولیه مربوط بـه محل نصب کارخانه انجام یافته وسه محل برای نصب تعیین شده و اکنون موقع سفارش دادن ماشین آلات میباشد .

در مورد قرارداد بازرگانی ایران و رمانی نیز که در اردیبهشت ماه ۴۳ بامضاء رسید مذاکرات از یك سال قبل آغاز شد و ابتدا هیئت تجاری ایران که برای مذاکره با دولت های مجارستان ولهستان باروپای شرقی عزیمت نموده بود بنابدعوت دولت رمانی به بخارست عزیمت کرد و مذاکرات مقدماتی انجام شد و سپس تبادل نظر ازطریق دیپلماسی ادامه یافت وبالاخره چندی پیش مقامات دولت رمانی آمادگی خود را برای اعزام یك هیئت نمایندگی به تهران اعلام داشتند و پس از مذاکرات زیاد اولین موافقتنامه بازرگانی و پرداختبین رئیس هیئت نمایندگی ایران ورئیس هیئت نمایندگی رومانی بامضاء رسید .

بموجب این قرارداد ایران و رومانی در طی یکسال معادل مبلغ هفت میلیون دلار کالا مبادله خواهند کرد کالاهائی که ایران به رومانی صادر خواهد نمود عبارتند از : منسوجات پشمی ـ نخ پنبه‌ای و منسوجات نخی و در مقابل کالاهائی که رومانی بایران میفرستد عبارتند از ماشین آلات سبك و سنگین و مقداری نیز کاغذ و شیشه و اقلام دیگر خواهد بود .

کوشش هیئت نمایندگی ایران

هیئت نمایندگی ایران در جریان مذاکرات سعی براین داشت که علاوه برکالاهای صادراتی کشاورزی برای چند قلم از کالاهای صنعتی و ساخته شده ایران نیز بازار تازه فراهم شود و علاوه براین برنج نیز درلیست صادرات ایران قرارگیرد و باالنتیجه برای معادل ۸۵۰ هزار دلار از کالاهای جدید ایران سهمیه‌ای درقرارداد منظور شد و بعبارت دیگر در حدود یك هشتم کل صادرات ایران به رومانی را کالاهای صنعتی تشکیل خواهدداد ، رقم مربوط به صادرات برنج نیز ۵۷۵ هزار دلار خواهد بود یعنی ایران خواهد توانست در حدود ۴۰۰۰ تن برنج برومانی صادر کند و باتوجه باینکه مقداری از محصول برنج سال گذشته هنوز درانبارها باقی است صدور برنج به رومانی در وضع بازار داخلی بی‌تاثیر نیست .

مهمترین رقم صادرات به رومانی

از لحاظ میزان صادرات مهمترین رقم صادرات ایران به رومانی پنبه خواهد بود که رقم سهمیه صادراتی آن به ۲٫۱ میلیون دلار بالغ میشود . پس از پنبه خشکبار و سنگ آهن هریك با یك میلیون دلارسهمیه صادراتی مقام های بعدی را خواهند داشت نکته قابل توجهی که در قرارداد به چشم میخورد ذکر قماش پشمی در اقلام صادراتی ایران میباشد و با توجه باینکه دولت شوروی نیز اخیرا مقداری از پارچه های پشمی مرغوب ایران را خریداری نموده است میتوان گفت که رومانی دومین کشور اروپائی است که مبادرت‌بخرید منسوجات پشمی ایران مینماید و این امر حاکی از پیشرفت صنعت نساجی‌پشمی ایران میباشد .

از جمله کالاهای صادراتی دیگر ایران برومانی قماش نخی و نخ پنبه‌ای را میتوان ذکر کرد .

توافق تجاری ایران وهند ــ دیگر از فعالیت هـای ادارهٔ بازرگانی خارجی آغاز مذاکرات تجاری ایران و هندوستان میباشد که سرانجام به امضای موافقت نامه تجاری بین دوکشور ایران و هندوستان منتهی گردید بموجب این موافقت نامه دولت هندوستان اجازه میدهد سالانه ده میلیون روپیه جنس از ایران وارد هندوستان شود . قلم مهم جنس صادراتی ایران به هندوستان خشکبار میباشد که به ۷ میلیون روپیه درسال میرسد . یکی دیگر از کالاهای مهم صادراتی ایران به هندوستان خرمای خارك میباشد دولت هندوستان موافقت کرده است که درسال اول موافقت‌نامه اجازهٔ ورود معادل یك میلیون روپیه خرمای خارك بهندوستان صادر نماید . خرمای خارك از محصولات مهم استان های جنوب شرقی ایران است و صدور آن به هند موجب گشایش کار کشاورزان و صاحبان درخت های خرمای این نواحی خواهد شد . اقلام دیگر صادرات ایران به‌هندوستان عبارتند از انقوزه ــ کتیرا ــ نباتات طبی وخاك سرخ .

بموجب موافقت نامه تجاری قبلی ، ایران متعهد بود که سالانه شش هزارتن چای از هندوستان خریداری نماید ولی در موافقت‌نامه جدید تعهد خرید چای نشده است و بازرگانان صادر کننده هندوستان میتوانند در مورد چای نیز نظیر کلیه کالاهای دیگر که واردات آن بایران مجاز میباشد ، در بازار ایران با وارد کنندگان دیگر رقابت نمایند . باین ترتیب بهای چای وارداتی براثر رقابت وارد کنندگان مختلف در حد مناسبی باقی خواهد ماند .

انعقاد موافقتنامه بازرگانی با کشور اردن هاشمی

امضای موافقت نامه بین ایران و کشور اردن هاشمی که بموجب آن صادرات ایران به اردن هاشمی عبارت خواهد بود از : تنباکو ــ خشکبار ــ قالی ــ گلیم و قماش‌نخی فعالیت دیگر ادارهٔ بازرگانی خارجی در زمینه امضای موافقتنامه با کشور اردن هاشمی بوده است .

کارخانه لاستیك سازی بی ـ اف ـ گودریچ ایران بصورت یك نمونه آزمایشی به دست سرمایه‌گذاران بزرگ خارجی میباشد.

کارخانه لاستیك سازی بی ـ اف ـ گودریچ ایران بصورت یك نمونه آزمایشی به‌دست سرمایه‌گذاران بزرگ خارجی میباشد.

توجه وحمایت دولت ازاین دستگاه تولیدی به‌منزله تشویق وجلب سرمایه‌گذاران بزرگ خارجی به ایران تلقی میشود.

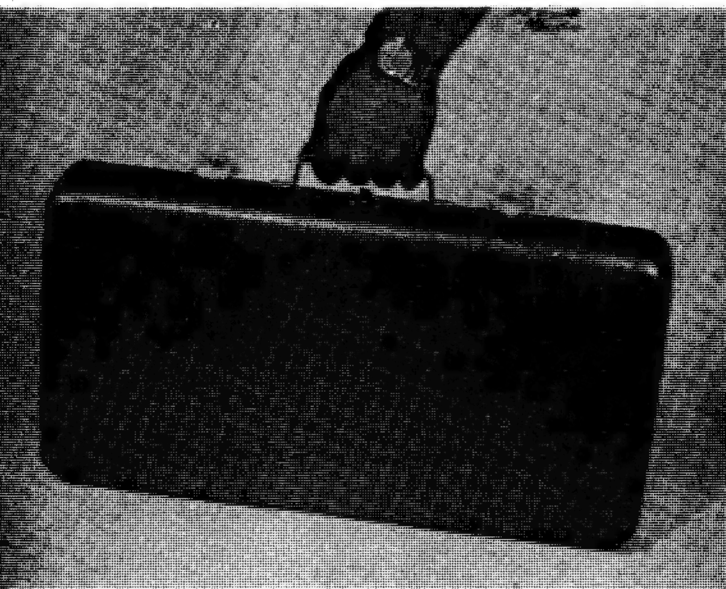
یکی ازکالاهای مورداحتیاج کشورماکه هرساله مقدار زیادی ارز برای ورود آنها ازمملکت خارج‌میشود وسایل موتوری خصوصا لاستیك است‌که خوشبختانه ازچندی پیش کارخانه تولیدکننده آن درتهران نصب شده وکالاهای‌خودرا ببازارعرضه‌کرده است‌برای اینکه نظرمدیران این شرکت رادرباب ورود لاستیك بایران باجلوگیری ازآن بدست آوریم چون اطلاع داشتیم اولین سرمایه‌گزاری بزرگ خارجی به‌استناد قانون جلب وحمایت سرمایه‌های خارجی درایران شرکت سهامی بی. اف. گودریچ ایران میباشد با آنها تماس حاصل شد.

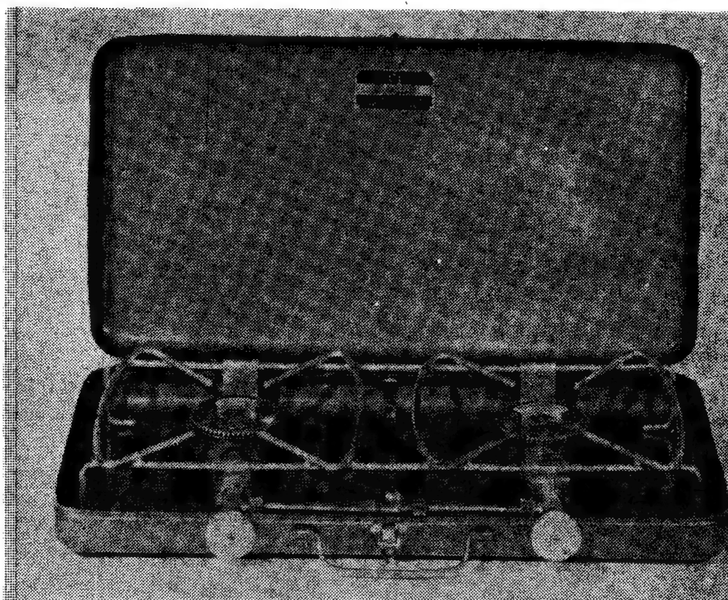
یك مقام شرکت مزبور اظهارداشت: همانطوریکه مسبوقید شرکت سهامی بی. اف. گودریچ ایران که اولین سرمایه‌گزار بزرگ خارجی درایران است موفق شدکه با مشارکت شرکاء ایرانی خود اولین واحد صنعتی بزرگ لاستیك سازی را درایران بوجود آورد واین شرکت در سال ۱۳۳۷ تاسیس وبعد ازعملیات ساختمانی شروع به‌بهره‌برداری وتولیدکلیه اندازه‌های لاستیك باری وسواری نمود ودولت ازابتدای سال ۱۳۴۲ ازطریق جلوگیری ازورود بعضی ازاندازه‌های لاستیك ازاین‌کارخانه حمایت‌کرد.

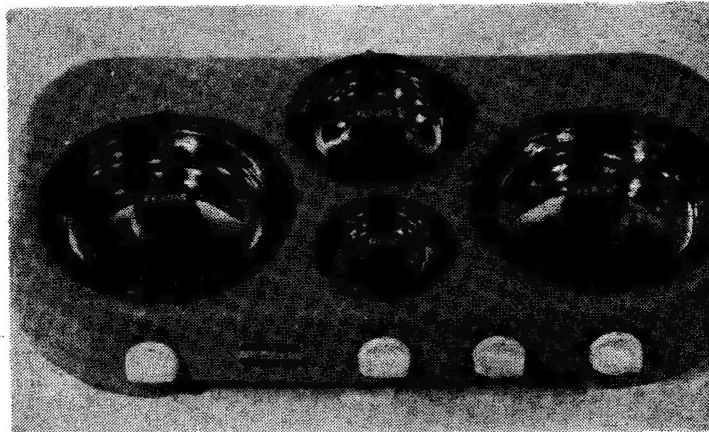
جریان گذشته چند سال قبل از حمایت عملی دولت ومشکلات فراوانی‌که دامن‌گیر این شرکت بوده ازاین بحث خارج است حمایت دولت درسال‌گذشته ازاین‌کارخانه موجب شدکه شرکای خارجی وایرانی نه‌تنها یاس وناراحتی راکه درعرض چند سال بروحیه آنان مستولی بود ازخوددورسازند بلکه تا آنجا تشویق ودلگرم شدندکه حتی مبادرت به‌توسعه‌کارخانه ووارد کردن ماشین آلات اضافی وهمچنین سرمایه‌گزاری بیشتر نمودند باید با صراحت‌گفت‌که حمایت دولت درسال‌گذشته ازاین واحد صنعتی بیشترازلحاظ‌کیفیت موثر بود نه ازحیث‌کمیت زیرا موجودی‌فراوان لاستیك های خارجی درداخل‌کشور وهمچنین استنباط بعضی واردکنندگان به نحوه حمایت دولت ازاین‌کارخانه‌برای آنان مجالی بودکه تا میزان سرسام‌آوری‌مبادرت‌به‌دادن سفارش لاستیك خارجی بنمایند وتا بحال‌که بیش از یکسال ازحمایت دولت وممنوعیت بعضی ازاندازه‌ها میگذرد هنوز ازطریق قانونی لاستیك خارجی وارد میشودکه مسلماً با تعداد موجودی فعلی تکافوی‌چندین سال مصرف کشور را خواهد داد.

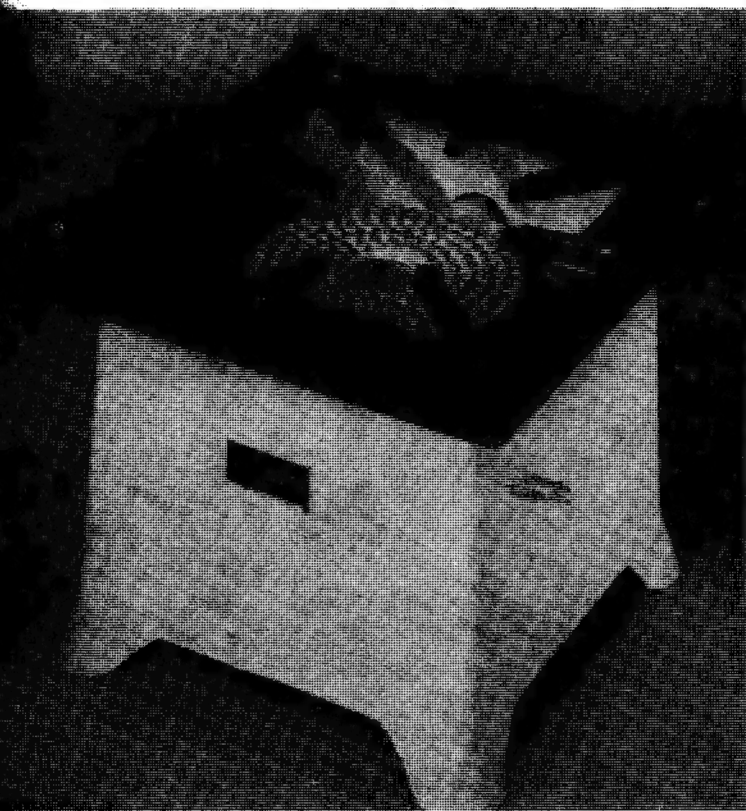
بنابراین حمایت دولت بایستی چندین سال ادامه پیداکند تا اثرات آن محسوس شود. موضوع دیگری‌که باید مورد توجه عمیق‌قرارگیرد مسئله رقابت های نامشروع خارجی (دامپینگ) با تولیدات داخلی، دربازار ایران است که امیدواریم این امر مهم حیاتی ازنظر تیزبین مسئولین محترم دولت‌که خود واقف، به‌چنین امورمشابه درسایرکشورهای خارجی بوده‌اند دورنباشد زیرا اگرکشورهای‌درحال‌توسعه‌وتولیدکننده صنایع داخلی دارای مصونیت درمقابل رقابت های نامشروع خارجی نباشند تولیدات صنایع نوزادداخلی درمراحل مقدماتی واولیه هرگز تاب مقاومت با چنین مبارزاتی نداشته محکوم بورشکستگی واضمحلال خواهند بود واین همان هدف ونقشه‌کارخانجات‌خارجی است‌که برای حفظ بازارهای خودازاعمال‌آن فروگذاری ندارند. اینست‌که درچنین‌کشورهائی ازجمله‌کانادا ـ برزیل وغیره صنایع وتولیدات داخلی با وضع قوانینی بنام قوانین جلوگیری ازرقابت خارجی حفظ ومصون داشته‌اند.

اما باید توجه داشت‌که این رقابت‌ها (دامپینگ) صرفا برای بدست آوردن بازار وعرضه‌کالای خود واستفاده ازارز خارجی اعمال واجرا میگردد وکشور های صادرکننده با کمکهای مالی به‌تولیدکنندگان‌داخلی خود موجبات ادامه‌کارکارخانجات‌خودرا فراهم ساخته واززیان وضرر آنان جلوگیری مینمایند بدیهی است درمورد نرخ بعضی ازاندازه‌های لاستیك‌های خارجی دربازار ایران باید بی‌پرواگفت ازتاریخی که‌کارخانه گودریچ ایران شروع بکار کرد متاسفانه این رقابت‌ها پیدا وباوج‌خودرسیده ونرخ‌بعضی‌ازاندازه‌های لاستیك های‌خارجی‌بمرورتقلیل پیداکرد وروبه‌مرفته امروزبه نرخی‌عرضه میشودکه حتی ازقیمت‌تمام شده لاستیك بمراتب‌کمتر وشایددرحدودارزش‌مواد اولیه تنها باشد. بنابراین یگانه راه حفظ وتقویت تولیدات صنایع در کشورهای درحال رشد همانا توجه دقیق دولت به‌این امر ووضع قانون جلوگیری از(دامپینگ) ویا طرق دیگر درحفظ صنایع ملی است‌که امیدواریم دردولت بیدار وهشیار جناب آقای حسنعلی منصورکه مورد حمایت عموم علاقمندان به‌کشوراست سیاست مدبرانه‌ومعقولی برای حفظ وتوسعه صنایع داخلی اتخاذ واعمال‌گردد.

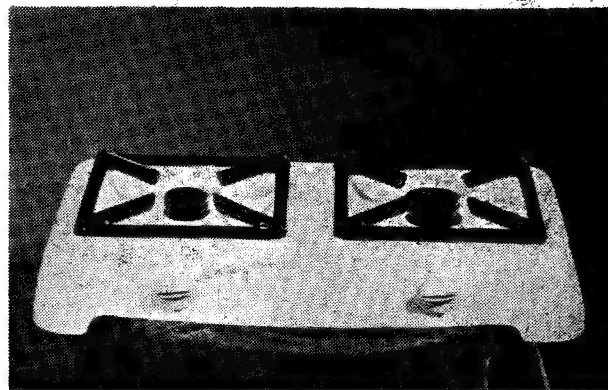


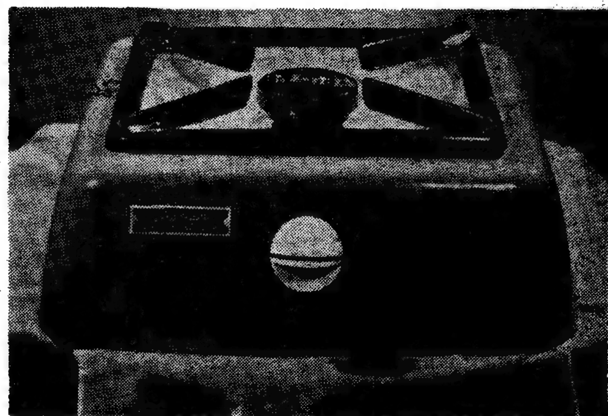




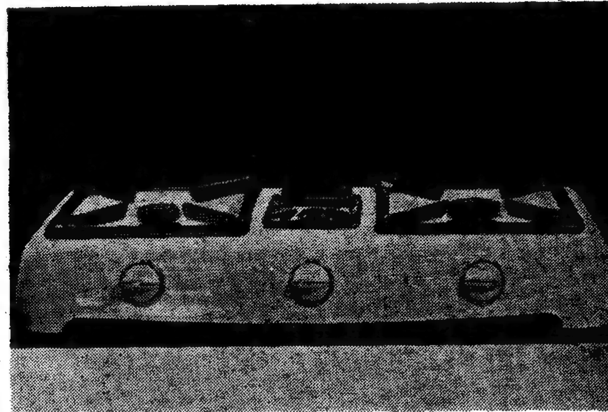


شرکت بوتان سازنده وسائل گاز سوز ومبتکر استفاده از گازمایع درایران





اجاق کوچك ۲ شعله — اجاق کوچك ۱ شعله



اجاق دوشعله کوچك

شرکت بوتان ده سال قبل توفیق یافت استفاده از گازهای مایع بوتان و پروپان که از جمله محصولات تصفیه‌خانه آبادان است درایران شروع نماید . باتوجه بعدم آشنائی مردم توسعه مصرف این سوخت کاری بس‌دشواربود وشرکت بوتان دراین راه زحمات فراوان متحمل شد و باضررهای زیادمواجه گردید ولی باتیه کار امیدوار بود زحمات خستگی ناپذیر مهندسین و کارگران شرکت پس از پنجسال به نتیجه رسید و مردم مزایای استفاده از گاز را درشئون مختلف زندگی دریافتند بنحویکه هیچ خانواده یا کارخانه‌ای که ازگاز مایع استفاده میکند هرگز حاضر نیست بسوخت قبلی خود مثل هیزم و نفت و ذغال برگردد .

مصرف‌کنندگان توجه کردندکه گاز مایع از نظر بهداشت ، سرعت عمل ، سهولت تنظیم ، صرفه قدرت حرارتی کاملا براستفاده از سایر سوختهای دیگر ترجیح دارد و در شرایط کنونی تعداد استفاده‌کنندگان ازگاز درنقاط مختلف کشور به‌ده‌ها هزارخانواده رسیده‌است . دربدایت کار چون میزان مصرف کم بود حمل و نقل گازمایع از تصفیه‌خانه به‌سایر شهرستانهاوسیله‌کامیونهای مخزندار صورت میگرفت ولی بعدا بعلت کثرت مصرف حمل ونقل گاز مایع توسط مخزندار راه‌آهن عملی‌گردید. نکته قابل توجه اینکه برای هر یك کیلوگرم گاز مایع مبلغ دوریال به شرکت ملی وبطور متوسط مبلغ دو ریال هم به‌راه‌آهن کرایه پرداخت میشود یعنی با مصرف هریك‌کیلوگرم گاز که قبلا بهدر میرفت مستقیماً چهار ریال بخزانه دولت ریخته میشود و ازآن مهمتر اینکه هر یك کیلوگرم گازکه مصرف میشود در حداقل جانشین ۱٫۵ لیتر نفت میشود در شرایط کنونی سوخت هواپیمائی از بنزین طیاره به نفت جت تغییر یافته است خلاصه اگر یك‌کیلوگرم گاز در ایران مصرف‌شود شرکت ملی در ازاء ۱٫۵ لیتر نفت جت خواهد فروخت و در مقابل بمملکت ارز وارد خواهد شد .میزان تولیدگاز مایع تصفیه خانه آبادان

۱۵۰ هزارتن در سال میباشدچنانک برای تمام این محصول مصرف‌کنند تهیه شود ازاین راه هرساله ششص میلیون ریال به درآمد شرکت ملی و راه‌آهن اضافه خواهد شد و د حداقل از طریق فروش نفت جت ۸ میلیون دلار ارز بکشور وار میگردد .

شرکت بوتان مصرف سال ۳ خودرا در حدود هفت‌هزار تن پیش بینی میکند و امیدوار است ک ازاین راه در آخر سال ۴۳ مبلغی معادل ۲۸ میلیون ریال به‌راه‌آهن شرکت ملی پرداخت نماید .

شرکت بوتان بامید اینک میتواند بعنوان یك واحد اقتصادی بطور روزافزون در راه پیشرفت اقتصادکشور مفیدباشد امرسازندگی وسایل گاز سوز را درایران شرو نموده ودر شرایط فعلی محصولات زیر را در اختیار مصرف‌کنندگا گذاشته است .

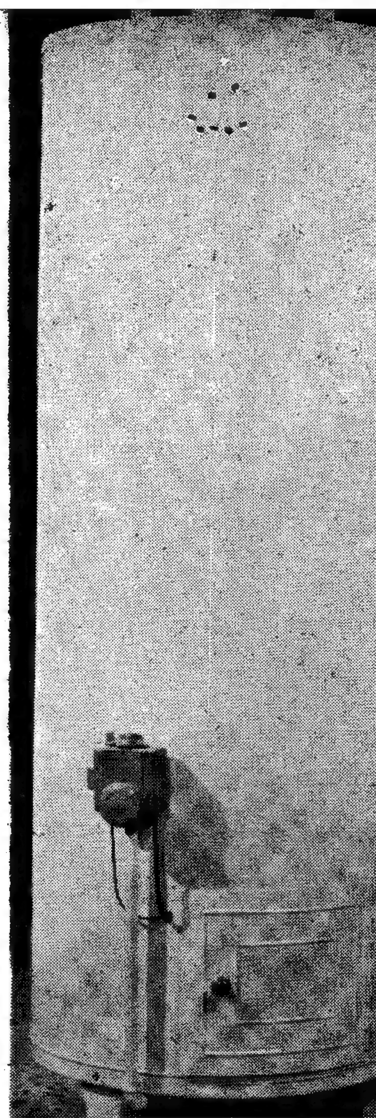
اجاق رومیزی سه‌شعله، اجاق رومیزی دوشعله ، اجاق رومیز تك‌شعله ، اجاق يك شعله پلوپزی اجاق دوردیفه پلوپزی رستورانی اجاق سه‌ردیفه پلوپزی رستوران اجاق چهارشعله رستورانی پایه‌دار سیب‌زمینی سرخ کن رستورانی آبگرمکن گازسوز ، تبدیل سماور نفتی به‌گازسوز .

در ضمن امید است در آتی نزدیك سیلندر و فرگازسوز ارزا ساخت شرکت بوتان را در اختیا مصرف‌کنندگان قراردهد .

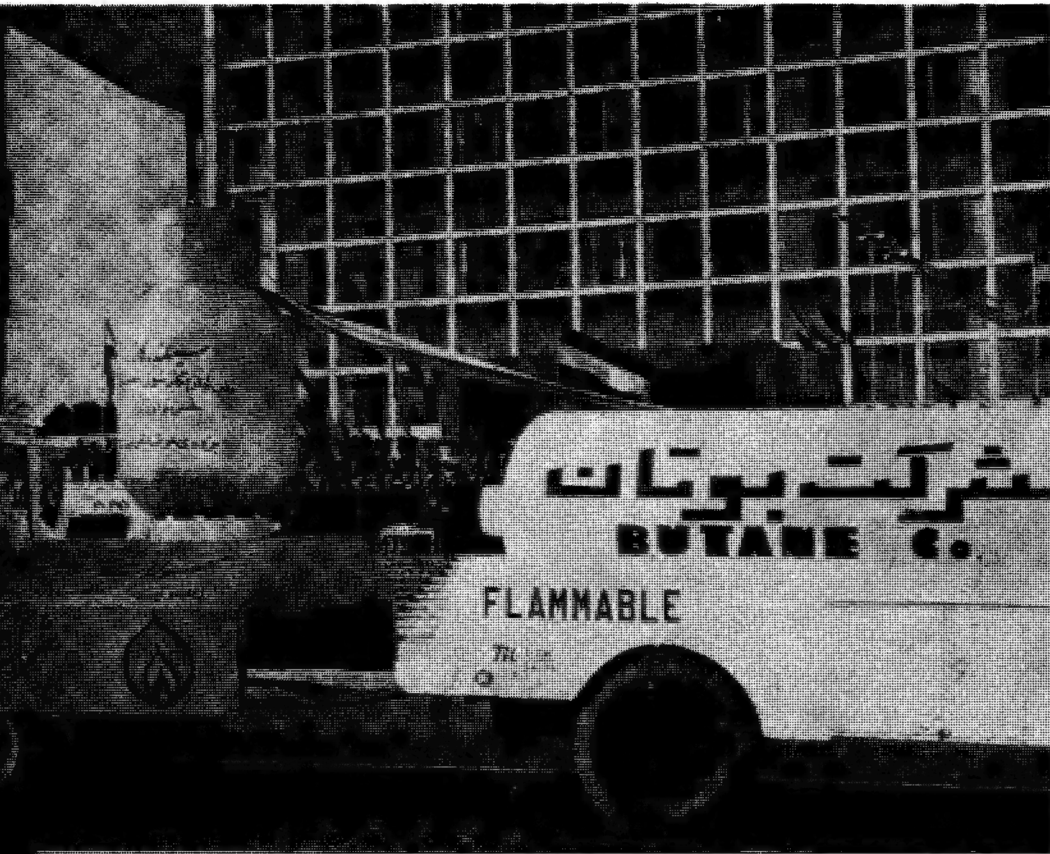
بمنظور رفاه حال مشتریان تحویل سریع گاز فعلا شرکت بوتا در امر توزیع شهری گاز از سیست بی‌سیم که روی وانتهای توزیع نصب شده است استفاده مینماید و جلب رضایت مصرف‌کننده را راز ترق خود میداند .

شرکت بوتان همانطوریکه درد ساله اول کار خود نشان داده اس امیدوار است درآینده بانجام‌خدما بیشتری موفق شود واز این ر وظیفه ملی خودرا بنحو شایسته‌ا انجام دهد .

آبگرم‌کن گازی

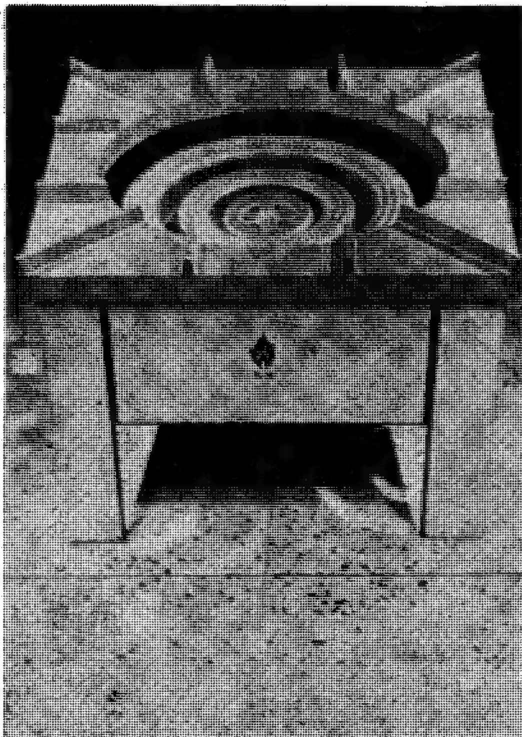


نمایش مخازن حمل‌گاز - سیلندر - و سایر محصولات‌شرکت بوتان گاز در کاروان صنعت در پیشگاه اعلیحضرت‌همایونی





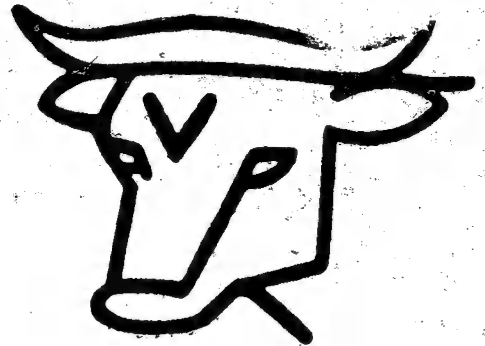
سماور گازی



اجاق سه ردیفه رستورانی

شیر ، ضامن سلامت و نشاط

کارخانه شیر پاستوریزه در خدمت بهداشت



شیر منبع غذائی کاملی است که در طبیعت مقام منحصر بفرد دارد و با جرات میتوان گفت جانشینی برای شیر یافت نمیشود .متخصصین فن درباره ارزش غذائی شیر مطالعات زیادی نموده و متفقا باین نتیجه رسیده‌اند که شیر يك غذای کامل بوده و بواسطه دارا بودن مواد آلی مانند چربی ــ پروتئین لاکتوز ــ ویتامینها و مواد معدنی مخصوصا کلسیم قابل جذب و فسفر برای نوزادان و اطفال ضروری وبرای افراد بالغ يك ماده غذائی لازم بشمار میرود .

دربین اقوام مختلف ، اجتماعی دارای سلامت و رشد کامل است که بیشتر از شیر و فرآورده های آن مصرف میکنند .

ارزش غذائی شیر مربوط بمواد مفید ترکیب کننده آنست که هرکدام بنوبه خود رل مهمی در تامین انرژی مورد احتیاج بدن و نمو سلولهای جوان و همچنین تحريك و فعال کردن اعضاء و عناصر موجود در بدن دارند .

شیر یکی‌از بهترین مواد قابل هضم است ، بطوریکه ۹۸٪ پروتئین و ۹۹٪ چربی و لاکتوز آن جذب میشود. بهمین لحاظ برای نوزادان پس‌از شیر مادر بهترین غذا شیر گاو است .

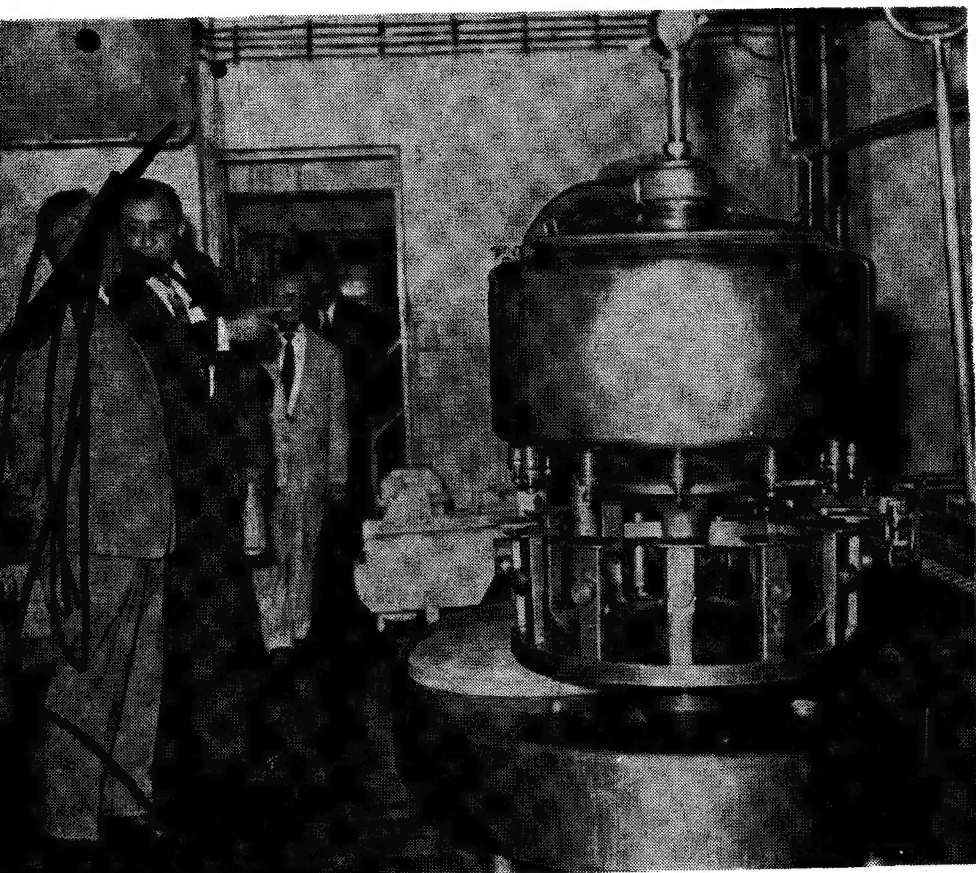
علاوه‌بر نوزادان و اطفال که درحال رشد هستند ، برای سایر طبقات

اعلیحضرت همایون شاهنشاه دربدو تاسیس از کارخانه شیر پاستوریزه تهران بازدید فرمودند

نیز شیر بهترین نوع غذاست مخصوصا کلسیم موجود در شیر در ترکیب و رشد استخوانها فوق‌العاده موثر است .

برای حفظ تعادل قوای جسمی اشخاص بالغ ، جوانان و پیران نیز مصرف روزانه مواد شیری لازمست .

از طرفی با احتساب مواد غذائی موجود در شیر و مقایسه آن با سایر مواد غذائی ثابت شده‌که مصرف شیر از هر ماده غذائی دیگر با صرفه‌تر است .



تیمسار سپهبد ریاحی وزیر کشاورزی‌نسبت بامور کارخانه توجه خاصی مبذول میفرمایند . این عکس یکی ازبازدیدهای ایشان را نشان میدهد . آقای مهندس داراب اسعد توضیحات‌لازمه را بعرض میرسانند

پاستوریزاسیون چیست ؟

پاستوریزاسیون یعنی دادن آن اندازه حرارت به شیر که هم میکربهای مضره آن کشته شده و هم مواد غذائی مورد احتیاج حتی ویتامینها در آن باقی بماند .

شیر بخودی خود دارای تعدادی میکرب میباشد ، خواه دراثربیماربودن حیوان شیر ده ، خواه بواسطه آلوده شدن آن بوسیله دست شیر دوش یا آلوده شدن آن بوسیله ظرف محتوی شیر . بهر صورت چون شیر محیط بسیار مناسبی برای رشد و نمو میکربها میباشد لذا فوراً شروع به‌تکثیر مینمایند و در اندک زمانی تعدادشان به میلیونها درهر سانتیمتر مکعب میرسد . بهمین مناسبت باید پستان دام شیر ده و دست شیر دوش قبل از دوشیدن با آب و صابون شستشو شود ، ظرف شیر باید کاملا تمیز باشد و پس‌از دوشیدن شیر آنرا خنك نموده و به حرارتی کمتراز ده درجه سانتی‌گراد برسانند .

شیر پاستوریزه

درکارخانه شیر پاستوریزه تهران در موقع دریافت شیر خام امتحانی از نقطه نظر رنگ وبو ــ وزن مخصوص و ترشی شیر میشود ، پس‌از توزین حرارت آنرا به ۵ درجه میرسانند و بلافاصله آنرا پاستوریزه مینمایند .

برای پاستوریزه کردن شیر حرارتی بمیزان ۷۲ درجه بمدت ۱۶ ثانیه به شیر میدهند و بلافاصله آن را خنك کرده و حرارت را به ۵ درجه برمیگردانند ، دراین حرارت و این مدت زمان شیر پاستوریزه میشود .

شیری که بدینطریق پاستوریزه شد در سردخانه‌ایکه حرارت آن ۵ درجه است ذخیره و پس‌از ۱۲ ساعت یعنی تقریبا درساعت دو بعداز نیمه‌شب تحویل شرکت سهامی تولید و توزیع فروشندگان لبنیات تهران میگردد تا در نقاط مختلف شهر در دسترس مصرف کنندگان گذاشته شود .

نکته مهمی‌که باید بآن اشاره‌نمود اینستکه شیر پاستوریزه حتما باید در جای خنك (۵ ــ ۸ درجه) نگهداری شود .

تاریخچه تاسیس کارخانه شیر پاستوریزه تهران

کارخانه شیر پاستوریزه تهران در هیجدهم آبان ماه ۱۳۳۶ بنام نامی شاهنشاه افتتاح گردید و سه ماه بعد اعلیحضرت همایون و خاندان جلیل سلطنتی از کارخانه بازدید فرمودند .

در ابتدای بهره‌برداری کارخانه شیر پاستوریزه تهران کار خود را با تولید و تحویل ۸ تن شیر آغاز کرده و بتدریج برمیزان آن افزود ، بطوری که در حال حاضر در حدود ۷۵ تن تولید روزانه آنست .

محصولات کارخانه

محصولاتی که هم اکنون کارخانه تهیه مینماید عبارت‌از : شیر ــ شیرکاکائو ــ ماست ــ کره ــ بستنی ــ پنیر خامه و پودینگ میباشد که تماما از شیر خالص تازه و طبیعی گاو تهیه شده و میشود .

شیر مجانی

چون قسمتی از اثاثیه کارخانه شیر پاستوریزه تهران را موسسه بین‌المللی یونیسف اهدا کرده است لذا روزانه ۱۶۰۰۰ بطری نیم لیتری شیر مجانا بین پرورشگاهها ، شیر ــ خوارگاهها ، بیماران بی‌بضاعت و مادران شیرده بی‌بضاعت توزیع میشود.

شیر خریداری

کارخانه شیر پاستوریزه تهران شیر مورد احتیاج خود را از ۱۵۰ نفر ازدامپروران تهران خریداری مینماید. دامپرورانی‌که شیر خودرا باین‌کارخانه تحویل میدهند از بهترین گاوداران کشور میباشند ، زیرا کارخانه تحت شرایط بهداشتی سختی شیر خریداری میکند و بهمین دلیل شیر کارخانه شیرپاستوریزه تهران برسایرین رجحان و مزیت دارد .

کارخانجات

تولیدی و صنعتی

ایرانفرب



مرغوبترین انواع اسفنج پالی ایتر را با مجهزترین کارخانجات موجود خود تهیه میکند.

مصارف:

تشک ـ بالش مبلمان منزل مبلمان صندلی در اماکن عمومی ـ اتوبوس و ادارات بابعاد مختلف.

لائی پوشاک ـ عایق سقف و دیوار ـ تجلید و صحافی کیف و کفش و غیره.

قطعات خرد شده‌آسیابی اسفنجهاجایگزین پنبه ـ پر وپوشاک است و مانند پنبه و غیره فشرده نیست که نیازی به حلاجی داشته باشد.

اسفنجهای ظرف شوئی بابعاد مختلف.

اسفنج بقطر ٥ر١ سانتیمتری و یا پوسته کف برای مصرف زیر فرش علاوه برازدیاد دوام فرش از رسیدن خاک به پشت آن ـ جلوگیری مینماید.

اسفنجهای پالی ایتر و پالی استر چون‌فنر حالت ارتجاعی خودرا حفظ میکنند.

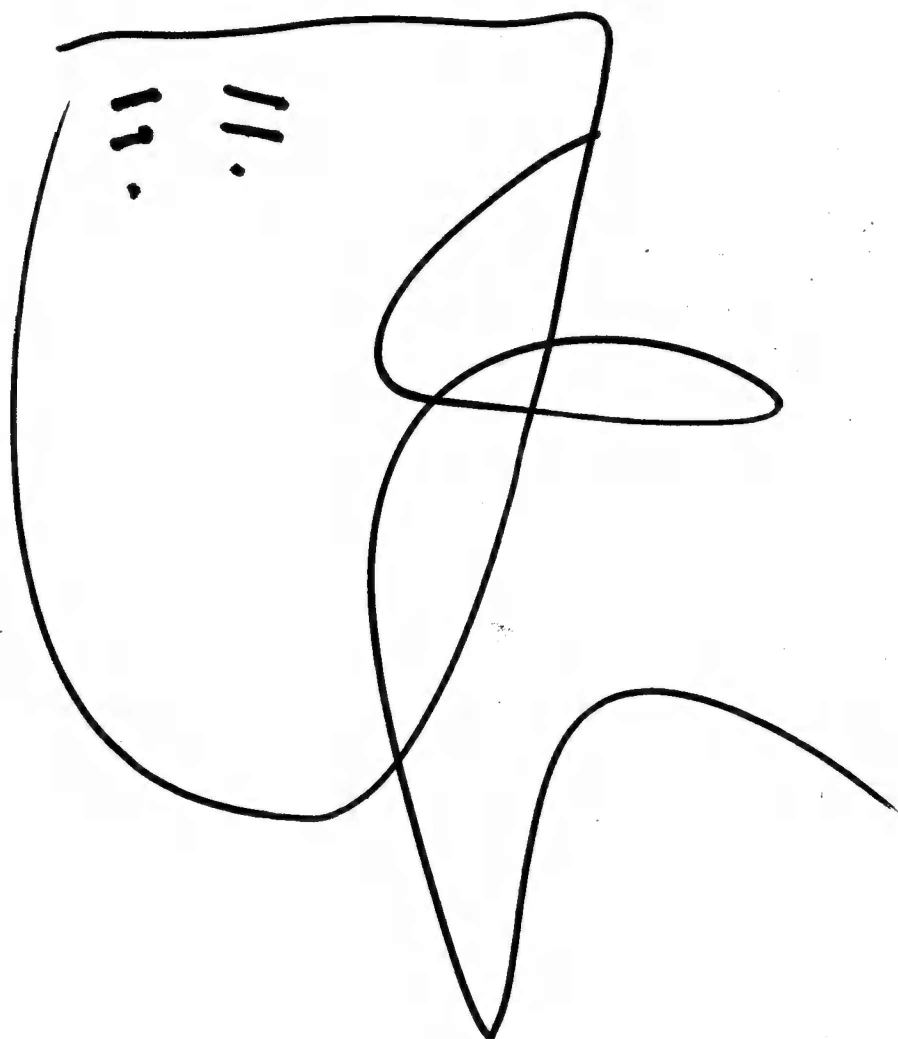
پوسته روئی و بغل اسفنجها برای ایزوله (لوله‌کشی و شوفاژ ـ تهویه ـ تانکهای آبی و مواد شیمیائی و غیره) با نازلترین قیمت.



شرکت‌تولیدی ایرانفرب‌ایزوله‌ـ خیابان‌شاهرضاساختمان ایرانفرب

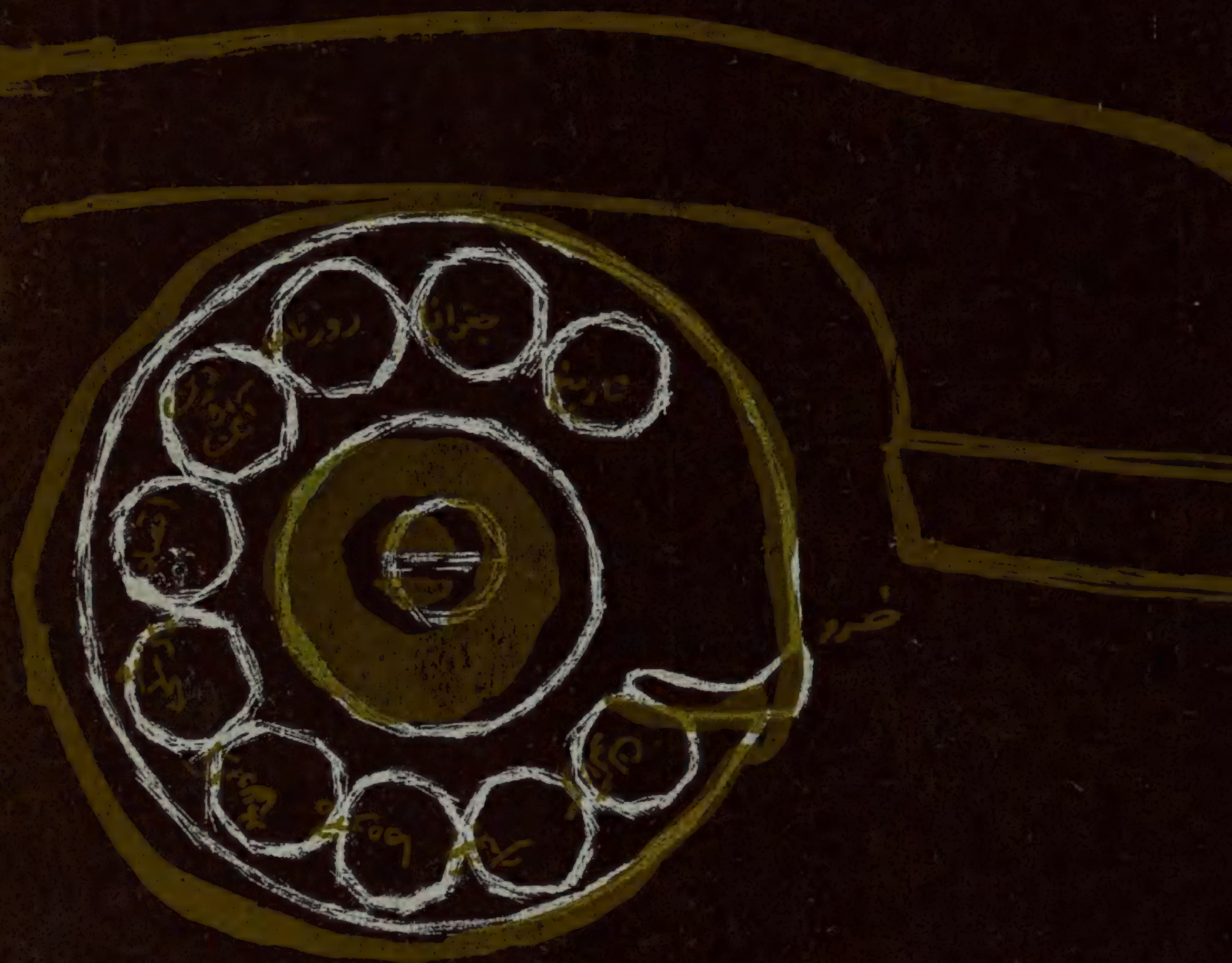
تلفن: شرکت ٦١٣٩٤٤
کارخانه ٦١١٩٤٩

جوان - جارو - جوراب
جوجه تمار تماج تبروانه

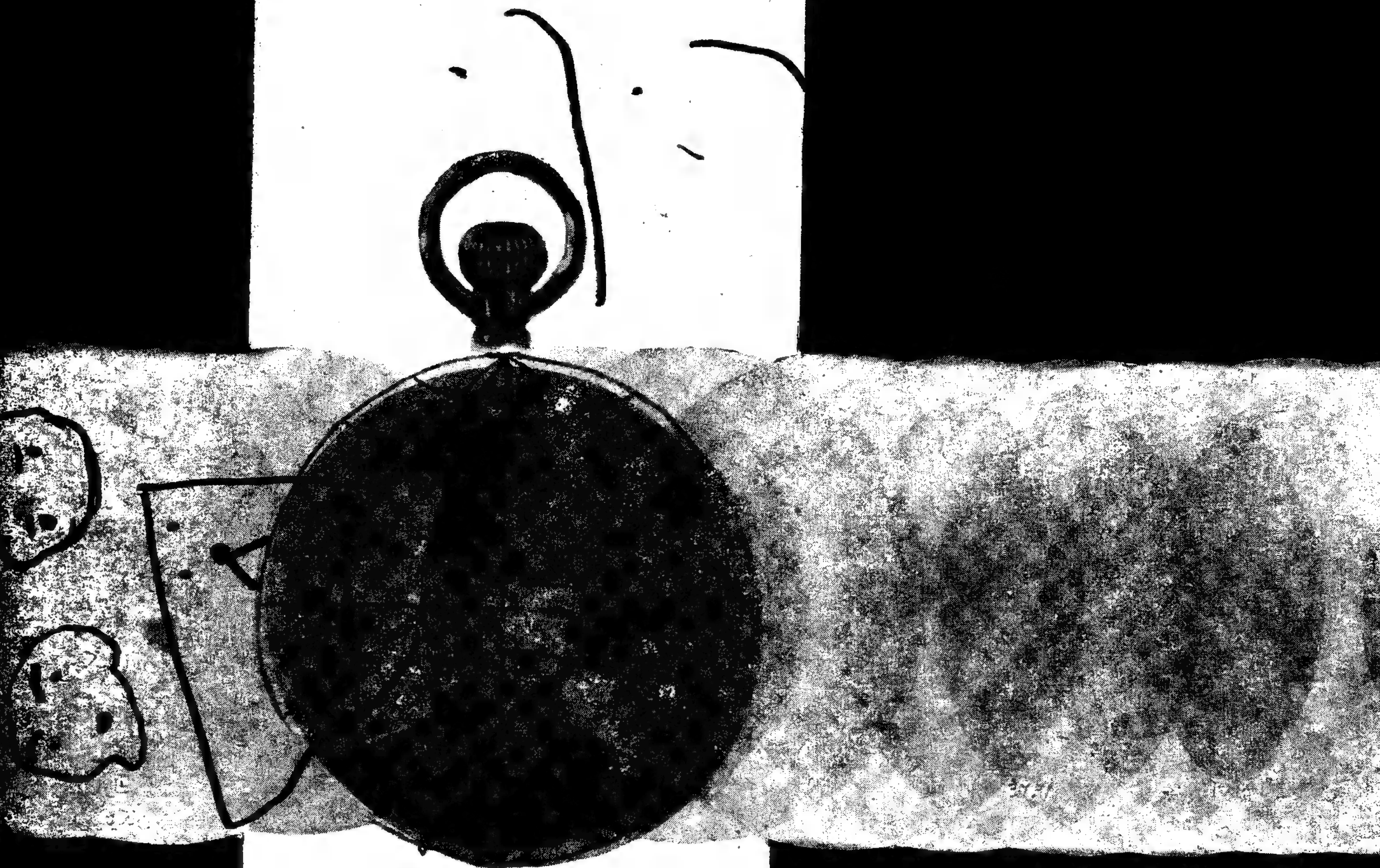


اطلاعات عمومی

تاریخ
جغرافیا
روزنامه و روزنامه‌نگاری
دین و آئین
اقتصاد
پزشکی
آراء و عقاید
چهره‌ها
تبلیغات تجاری
گوناگون



تاریخ



تاریخ فرمانروائی

نام کشور	پایتخت	جمعیت	شهراول	جمعیت	نام فرمانروا	شروع فرمانروائی	نام نخست وزیر
ایران	تهران	۲ر۰۰۰ر۰۰۰	تبریز	۲۹۰ر۰۰۰	محمد رضاشاه پهلوی (شاهنشاه)	۱۹۴۱	حسنعلی منصور
آرژانتین	بوئنوس آیرس	۳ر۷۹۹ر۲۰۰	کوردوبا	۶۳۵ر۰۰۰	خوزه ماریاگیدو (رئیس جمهور)	۱۹۶۲	—
اردن	عمان	۲۸۰ر۰۰۰			ملك حسین اول (شاه)	۱۹۵۲	وصفی‌الطلال
اروگوئه	مونتویدئو	۹۲۲ر۸۸۵			فوستینوهاریسن (رئیس جمهور)	۱۹۶۲	—
اسپانیا	مادرید	۲ر۰۰۰ر۰۰۰	بارسلن	۱ر۸۰۰ر۰۰۰	فرانسیسکو فرانکو (صدراعظم)	۱۹۳۹	فرانسیسکوفرانکو
استرالیا	کانبرا	۵۶ر۴۳۰	سیدنی	۲ر۱۸۱ر۲۱۱	وایکانت دولیل (فرماندارکل)*	۱۹۶۲	روبرت منزیس
اطریش	وین	۱ر۶۷۰ر۰۸۴	گراتس	۲۳۷ر۰۴۱	آدولف شرف (رئیس جمهور)	۱۹۵۷	آلفونس گرباش
افریقای جنوبی					چارلزسوارت (رئیس جمهور)	۱۹۵۹	هندریك‌فورورد
افغانستان	کابل	۳۰۰ر۰۰۰	قندهار	۷۷ر۰۰۰	محمد ظاهر شاه (پادشاه)	۱۹۳۳	پرنس محمد داود
اکوادور	کویتو	۲۷۷ر۲۷۰	گرایاکویل	۴۰۳ر۱۸۴	دکتر جولیواروسمنا (رئیس جمهور)	۱۹۶۲	—
آلبانی	تیرانا	۵۹۸۸۷			هاکسهی‌لی‌شی (رئیس جمهور)	۱۹۵۳	محمد شهو
السالوادور	سان سالوادور	۲۰۳ر۰۰۰	سانتاآنا	۱۰۹ر۷۱۱	جولیوریورا (رئیس جمهور)	۱۹۶۲	—
آلمان غربی	بن	۱۴۵ر۰۶۳	برلین‌غربی	۲ر۲۰۲ر۲۰۰	هاینریخ لوبکه (رئیس جمهور)	۱۹۵۹	—
آلمان شرقی	برلین شرقی	۱ر۰۸۴ر۰۱۰	لایپزیگ	۵۹۲ر۸۲۱	والتراولبریخت (رئیس جمهور)	۱۹۶۰	—
امریکا	واشنگتن		نیویورك		جانسن (رئیس جمهور)	۱۹۶۳	—
اندونزی	جاکارتا	۳ر۳۱۷ر۵۶۲	سورابایا	۱ر۳۱۰ر۶۳۱	دکتر سوکارنو (رئیس جمهور)	۱۹۴۹	جواندااکارتاویجا
ایتالیا	رم	۲ر۱۶۰ر۷۷۳	میلان	۱ر۵۸۰ر۹۷۸	آنتونیوسینیی (رئیس جمهور)	۱۹۶۲	آمینورفانفانی
ایرلند	دوبلین	۵۳۵ر۴۸۸	کرك	۷۷۹۸۶۰	ایمون دوالرا (رئیس جمهور)	۱۹۵۹	سین لماس
برزیل	برازیلیا	۱۴۱ر۷۴۲	سائوپولو	۳ر۸۵۰ر۰۰۰	جوائوگولار (رئیس جمهور)	۱۹۶۱	هرمس لیما
برمه	رانگون	۷۴۰ر۰۰۰	ماندالای	۱۸۶ر۰۰۰	ادوین‌مائونگ (رئیس جمهور)	۱۹۵۲	ژنرال نه‌وین
بریتانیای کبیر	لندن	۸ر۰۰۰ر۰۰۰	بیرمنگام	۱ر۱۰۵ر۶۵۱	الیزابت دوم (ملکه)	۱۹۵۹	الکساندر هیوم
بلژیك	بروکسل	۱ر۳۹۸ر۳۲۶	آنتورپ	۸۴۹ر۴۳۲	بودوئن اول (شاه)	۱۹۵۱	تئوله فور
بلغارستان	صوفیه	۷۲۵ر۷۵۶	پیوودیو	۱۶۲ر۵۱۸	دیمیتر گانو(رئیس‌جمهور)	۱۹۵۸	آنتون یوگف
بوتان	پوناکا				جیگ مه دورج‌وانگهو (مهاراجه)	۱۹۵۲	—
بولیوی	لاپاز	۳۴۷ر۳۹۴	کوکابامبا	۹۰ر۰۳۷	ویکتورهازاستنسورو (رئیس جمهور)	۱۹۶۰	—
پاراگوئه	آسونسیون	۲۱۰ر۰۰۰	آنکارناسیون	۳۳ر۶۶۴	آلفردواستروسز (رئیس جمهور)	۱۹۵۴	—
پاکستان	روال پاندی	۳۴۰ر۱۷۵	کراچی	۱ر۹۱۲ر۵۸۹	محمد ایوب خان (رئیس جمهور)	۱۹۵۸	محمدعلی بوگرا
پاناما	پاناما	۲۰۰ر۰۰۰	کولون	۵۵ر۰۰۰	دکتر روبرتوکیاری (رئیس جمهور)	۱۹۶۰	—
پرتقال	لیسبن	۸۱۸ر۳۸۲	پرتو	۳۱۰ر۴۷۵	آمریکوتوماس (رئیس جمهور)	۱۹۵۸	آنتونیوسالازار
پرو	لیما	۱ر۲۶۲ر۱۰۷	کالائو	۱۳۱ر۳۰۵	شورای حکومت نظامی	۱۹۶۲	نیکلاس لوپز
تایلند	بانکوك	۲ر۳۱۸ر۰۰۰			فومیفون آدولدت (شاه)	۱۹۴۶	سریت تانارات
تبت	لهاسا				پانچن‌لاما	—	—
ترکیه	آنکارا	۶۴۶ر۱۵۱	استامبول	۲ر۰۰۰ر۰۰۰	ژنرال جمال گورسل (رئیس جمهور)	۱۹۶۱	عصمت اینونو
توگو	کُل‌کشور	۴ر۰۰۰ر۰۰۰			سیلوانوس اولیمپیو	۱۹۶۰	سیلوانوس اولیمپیو
تونس	تونس	۶۸۰ر۰۰۰	اسفاکس	۶۵ر۶۳۵	حبیب بورقیبه (رئیس جمهور)	۱۹۵۷	—
چکسلواکی	پراگ	۹۸۸ر۹۴۸	برنو	۳۰۶ر۳۷۱	آنتونین نووتنی (رئیس جمهور)	۱۹۵۷	ویلیام‌سیروکی
چین کمونیست	پای پینگ	۴ر۱۴۰ر۰۰۰	شانگهای	۷ر۱۰۰ر۰۰۰	لیوشائوچی	۱۹۵۹	چوئن لای
چین ملی	تایپه	۹۴۷ر۹۲۲	کائوسینگ	۴۳۸ر۴۲۹	چیانکای شك (رئیس جمهور)	۱۹۴۸	چن چنگ
حبشه	آدیس‌آبابا	۵۰۰ر۰۰۰	آسمارا	۱۳۲ر۰۰۰	هیل سلاسی (امپراطور)	۱۹۳۰	اکلیلو عبدود
دانمارك	کوپنهاك	**۹۶۰ر۹۱۳**	**فردریکسبرگ**	۱۱۸ر۹۹۳	فردریك نهم (شاه)	**۱۹۲۴**	**جنس اتوکراگ**
دومینیکان	سانتودومینیگو	۳۶۷۰۵۳			رافائل بونلی (رئیس جمهور)	۱۹۶۲	
داهومی	پرتونوو				هوبرت ماگا (رئیس دولت)	۱۹۶۰	هوبرت ماگا
رودزیا	سالیسبوری	۲۶۰۸۰۰			لرد دالهوزی (فرماندارکل)	—	سررو‌ی‌ولنسکی
روسیه شوروی	مسکو	۷ر۰۰۰ر۰۰۰	لنینگراد	۳ر۳۰۰ر۰۰۰	لئونید برژنف (صدرهیئت رئیسه)	۱۹۶۰	نیکیتا خروشچف

سران کشور های مختلف جهان

نام کشور	پایتخت	جمعیت	شهراول	جمعیت	نام فرمانروا	شروع فرمانروائی	نام نخست وزیر
رومانی	بخارست	۱ر۲۳۶ر۹۰۵	کیوج	۱۵۴ر۷۵۲	گئورگ گئورگی (رئیس جمهور)	۱۹۶۱	یون مورر
زلاند جدید	ولینگتن	۲۴۹ر۵۳۲	اوکلند	۴۴۸ر۳۶۵	لردکوبهام (فرماندارکل)	۱۹۵۷	کیت هولیاك
ژاپن	توکیو	۱۰ر۱۱۵ر۷۹۵	ازاکا	۳ر۰۱۱ر۵۶۳	هیروهیتو (امپراطور)	۱۹۲۶	هایاتوایکدا
ساحل عاج	آبیه‌جان	۱۲۵ر۷۰۰			فلیکس بواینی (رئیس دولت)	۱۹۶۰	فلیکس بواینی
سنگال	داکار	۲۳۴ر۵۰۰			لئوپولدسنگور (رئیس جمهور)	۱۹۶۰	مامادودیا
سودان	خارطوم	۹۳ر۱۰۳	امدورمان	۱۳۲ر۶۱۹	ابراهیم عبود (رئیس جمهور)	۱۹۵۸	ابراهیم عبود
سوریه	دمشق	۴۵۴ر۶۰۳	حلب	۴۵۱ر۴۳۵	ناظم‌القدسی (رئیس جمهور)	۱۹۶۱	خالدالعظم
سومالی	موگادیشو	۸۶ر۶۴۳			عدن عبدالله عثمان (رئیس جمهور)	۱۹۶۰	عبدی رشید شرمارك
سوئد	استکهلم	۱ر۱۲۵ر۰۰۰	گوت‌برگ	۴۰۸ر۴۳۶	گوستاو آدلف (شاه)	۱۹۵۰	تاگ ارلاندر
سویس	برن	۱۶۱ر۳۰۰	زوریك	۴۲۸ر۲۰۰	پل شوده (رئیس جمهور)	۱۹۶۲	—
سیلان	کولومبو	۴۸۰ر۸۰۰	جافنا	۸۳ر۹۰۰	ویلیام گوپالاوا (فرماندارکل)	۱۹۶۲	بانو باندارانائیك
شیلی	سانتیاگو	۱ر۹۱۴ر۵۳۹	والپارزو	۲۶۱ر۶۸۴	ژرژ الساندری (رئیس جمهور)	۱۹۵۸	—
عراق	بغداد	۵۵۲ر۰۴۷	موصل	۳۴۰ر۵۴۱	عبدالسلام عارف	۱۹۶۳	—
عربستان سعودی	ریاض	۲۸۰ر۰۰۰	مکه	۳۰۰ر۰۰۰	سعودبن عبدالعزیز (شاه)	۱۹۳۵	پرنس فیصل
فرانسه	پاریس	۸ر۵۶۹ر۲۳۸	مارسی	۶۶۱ر۴۹۲	ژنرال شارل دوگل (رئیس جمهور)	۱۹۵۸	ژرژ پومپیدو
فنلاند	هلسینکی	۴۶۴ر۱۰۰	تورکو	۱۲۷ر۴۰۰	دکتر اورهوگلونن (رئیس‌جمهور)	۱۹۵۶	کارلاجانن
فیلیپین	کوزون	۳۹۴ر۳۷۴	مانیل	۲ر۰۰۶ر۶۲۷	دیوسدادوماکاپاگال (رئیس جمهور)	۱۹۶۱	—
قبرس	نیکوزیا	۸۲۰۰۰			اسقف ماکاریوس (رئیس جمهور)	۱۹۵۹	—
کامبوج	فنوم‌پن	۵۵۰۰۰۰			پرنس سیهانوك (فرمانروا)	۱۹۶۰	سامدك پن نورث
کامرون	یائونده	۶۰ر۰۰۰	دوالا	۱۲۵ر۰۰۰	احمد آحیجو (رئیس جمهور)	۱۹۶۰	چارلزآسال
کانادا	اتاوا	۴۲۹ر۵۷۰	مونترآل	۲ر۱۰۹ر۵۰۹	جنرال وایز (فرماندارکل)	۱۹۵۹	جان دیفن‌بیکر
کره جنوبی	سئول	۲ر۴۴۴ر۸۸۳	پوسان	۱ر۱۶۲ر۶۱۴	چونگ هی پارك (رئیس شورایعالی)	۱۹۶۱	کیم هون چون
کره شمالی	پیونگ یانگ				کیم‌دوبونگ (رئیس‌جمهور)	۱۹۴۸	کیم ایل سونگ
کستاریکا	سان خوزه				فرانسوا ادریخ بولمارسیخ (رئیس جمهور)	۱۹۶۲	—
کلمبیا	بوگوتا	۱ر۲۰۰ر۰۰۰	مدلین	۶۵۰ر۰۰۰	گیلرمولئون والنسیا (رئیس جمهور)	۱۹۶۲	—
کنگو	برازاویل	۱۰۵ر۲۰۰			ژوزف‌کازاوابو (رئیس جمهور)	۱۹۶۰	آبه یولو
کوبا	هاوانا	۱ر۱۵۸ر۲۰۳	ماریانائو	۲۲۹ر۵۷۶	دکتراسوالدودورتیکو (رئیس جمهور)	۱۹۵۹	—
کویت	کویت	۸۰ر۰۰۰			عبدالله سلیم (شیخ)	۱۹۵۰	—
گابون	لیبرویل				لئون مبسا	۱۹۶۰	لئون مبا
غنا	اکرا	۳۸۸ر۲۳۱			دکتر قوام نکرومه (رئیس جمهور)	۱۹۶۰	—
گواتمالا	گواتمالا	۳۸۵ر۰۰۰	کزالتونانگو	۳۶ر۲۰۹	ئیدی گوراس فونتس (رئیس جمهور)	۱۹۵۸	—
گینه	کوناکری	۱۰۰ر۰۰۰			سکوتور (رئیس جمهور)	۱۹۵۸	سکوتور
لائوس	وین‌تیان	۱۳۸ر۰۰۰	لوانگ‌پرابانگ	۴۵ر۰۰۰	ساوانگ واتانا (شاه)	۱۹۵۹	سووانافوما
لبنان	بیروت	۵۰۰ر۰۰۰	تریپولی	۱۰۰ر۰۰۰	فوأدشباب (رئیس جمهور)	۱۹۵۸	رشید کرام
لوکزامبورگ	لوکزامبورگ	۸۰ر۰۰۰			دوك شارلوت (دوك)	۱۹۱۹	پییرورنر
لهستان	ورشو	۱ر۱۳۶ر۰۰۰	برسلاو	۴۲۹ر۰۰۰	الکساندرزاوادسکی (رئیس شورا)		ژوزف سیرانکی‌ویچ
لیبریا	مونرویا	۵۳ر۰۰۰			ویلیام توب مان (رئیس جمهور)	۱۹۴۳	—
لیبی	طرابلس	۱۷۰ر۰۰۰	بن‌غازی	۷۰ر۵۳۳	محمد ادریسی السنوسی (شاه)	۱۹۵۱	محمدبن عثمان
لیختن اشتاین	وادوز	۳ر۳۰۰			فرانتس ژوزف دوم (فرمانروا)	۱۹۳۸	الکساندرفریك
مالایا	کوالالامپور	۳۱۶ر۲۳۰	سنگاپور	۱ر۶۶۵ر۴۰۰	راجه پرلیس (فرمانروای‌کل)	۱۹۶۰	تنکوعبدالرحمن
مصر	قاهره	۳ر۱۰۰ر۰۰۰	اسکندریه	۱ر۶۰۰ر۰۰۰	جمال عبدالناصر (رئیس جمهور)	۱۹۵۹	—
مالاگازی	تاناناریو	۲۴۰ر۰۰۰			فیلیبرت سیرانانا (رئیس جمهور)	۱۹۶۰	—
مجارستان	بوداپست	۱ر۸۵۰ر۰۰۰	میکول	۱۷۵ر۰۰۰	ایستوان دوبی (رئیس جمهور)	۱۹۵۲	ادلانورتوتورس
مراکش	رباط	۲۲۴ر۹۰۱	کازابلانکا	۹۶۰ر۸۱۲	سلطان حسن دوم (شاه)	۱۹۶۱	سلطان حسن دوم

نام کشور	پایتخت	جمعیت	شهراول	جمعیت	نام فرمانروا	شروع فرمانروائی	نام نخست وزیر
مغولستان	اولان باتور	۱۵۰ر۰۰۰			جارگال سائی خان (رئیس شورا)	—	ژنرال تسردن بال
مکزیک	مکزیکو	۴ر۸۲۹ر۴۰۲	گوادالاجارا	۷۳۷ر۳۴۶	آدولفولوپزماتئوس (رئیس جمهور)	۱۹۵۸	—
موریتانیا	نواک چوت				مختار داده (رئیس جمهور)	۱۹۶۰	مختارداده
موناکو					پرنس رایزسوم (فرمانروا)	۱۹۴۹	—
نپال	کاتماندو	۱۷۵ر۰۰۰			ماهندرا بریکرام (شاه)	۱۹۵۵	ماهندرابریکرام
نروژ	اسلو	۴۶۱ر۵۹۱	برگن	۱۱۵ر۰۰۰	اولاف پنجم (شاه)	۱۹۵۷	آینارگرهاردسن
نیجریه	لاگوس	۳۷۹ر۰۰۰	ایبادان	۶۰۰ر۰۰۰	دکتر نامدی‌ازی کی‌دی (فرماندارکل)	۱۹۶۰	ابوبکر تفادا
نیکاراگا	ماناگا	۱۷۶ر۵۶۹			لوئی سوموزا (رئیس جمهور)	۱۹۵۶	—
واتیکان	واتیکان				آنجلو جان بیست وسوم (پاپ)	۱۹۶۳	—
ونزوئلا	کاراکاس	۱ر۳۷۱ر۸۷۵	ماراکائیبو	۴۵۶ر۰۰۰	رومولو تبانکورت (رئیس جمهور)	۱۹۵۸	—
ویتنام شمالی	هانوئی				هوشی مینه (رئیس جمهور)	—	فام‌دان دونگ
ویتنام جنوبی	سایگون	۱ر۸۰۰ر۰۰۰	هانوئی	۶۳۸ر۶۰۰	شورای انقلابی	۱۹۶۳	—
هائی‌تی	پرتوپرینس	۲۰۰ر۰۰۰			دکتر فرانسوا دووالیر (رئیس جمهور)	۱۹۵۷	—
هلند	آمستردام	۸۶۶ر۳۴۲	روتردام	۷۲۹ر۷۴۴	ژولیانا (ملکه)	۱۹۴۸	ژان دو کی
هندوراس	تگوسیگالپا	۱۲۵ر۰۰۰	سان‌پدروسولا	۵۸ر۹۳۱	ویلداموراس (رئیس جمهور)	۱۹۵۷	—
هند	دهلی نو	۲ر۰۰۰ر۰۰۰	کلکته	۱۹۵ر۰۵۵۵	دکتر راداکریشنان (رئیس جمهور)	۱۹۶۲	جواهر لعل نهرو
یمن	صنعا	۷۵ر۰۰۰	حدیده	۴۰ر۰۰۰	محمدعلی‌عثمان (رئیس‌شورای‌جمهوری)	۱۹۶۲	سرهنگ عبدالله سلال
یوگسلاوی	بلگراد				مارشال تیتو (رئیس جمهور)	۱۹۴۶	—
یونان	آتن	۱ر۸۵۲ر۷۰۹	سالونیکا	۳۷۳ر۶۳۵	پل اول (شاه)	۱۹۴۷	کنستانتین کارامانلیس

هولناکترین بلیه های تاریخ

نام بلیه	تعداد تلفات (نفر)		(سال میلادی)
مرض	۷۵ر۰۰۰ر۰۰۰	مرگ سیاه (طاعون خیارکی)	۱۳۴۷–۵۱
انفلونزا	۲۱ر۶۴۰ر۰۰۰		اوایل نوامبر ۱۹۱۸
قحط	۹ر۵۰۰ر۰۰۰	چین شمالی	فوریه ۱۸۷۷ ـ سپتامبر ۱۸۷۸
سیل	۹۰۰ر۰۰۰	رود هوانگ‌هو ـ چین	سپتامبر ـ اکتبر ۱۸۸
زلزله	۸۳۰ر۰۰۰	ایالت شنسی ـ چین	۲۳ ژانویه ۱۵۵۶
طوفان	۳۰۰ر۰۰۰	هی‌فونگ ـ هندوچین	۱۸ اکتبر ۱۸۸۱
بمباران (۱)	۲۰۲ر۰۰۰	درسدن ـ آلمان	۱۴ ـ ۱۶ فوریه ۱۹۴۵
فروریختگی کوه	۲۰۰ر۰۰۰	ایالت کانسو ـ چین	۱۶ دسامبر ۱۹۲۰
بمباران اتمی (۲)	۹۱ر۰۰۰	هیروشیما ـ ژاپن	۶ اوت ۱۹۴۵
بهمن	۵ر۰۰۰	هواراس ـ پرو	۱۳ دسامبر ۱۹۴۱
دریانوردی (یک کشتی) (۳)	۴۱۲۰	ویلهلم گاستلوف (۲۵۴۸۴ تن) در سواحل نزدیک	۱۸ فوریه ۱۹۴۵
آتش‌گیری (یک ساختمان)	۱ر۶۷۰	سینما چانتون چین	مه ۱۸۴۵
انفجار (۴)	۱ر۶۰۰	هالیفاکس ـ نوواسکوشیا	۶ دسامبر ۱۹۱۷
معدن ریزی	۱ر۵۴۹	هونکیکو کولیری ـ منچوری	۲۶ آوریل ۱۹۴۲
گردباد	۶۸۹	ایالت جنوب و مرکزی امریکا	۱۸ مارس ۱۹۲۵
ورزش	۵۹۰	گرانـــدستاند هونگ گونگ جاکی کلوپ	۲۶ فوریه ۱۹۱۸
راه‌آهن	۵۴۳	مودین ـ فرانسه	۱۲ دسامبر ۱۹۱۷
هواپیمائی (ملی) (۵)	۱۳۷	برخورد هواپیمای ـ دبلیو ـ اـ کانسلیشن ۴۴ کشته) و یونایتدا ایرلاینز دث ـ ۸(۸۴کشته) در نزدیکی فرودگاه نیویورک روی زمین کشته شدند	۱۶ دسامبر ۱۹۶۰
جاده (۶)	۶۹	تصادف اتوبوس ـ احمد آباد ـ هندوستان	۳۰ مه ۱۹۶۲
کوه نوردی	۴۰	هیئت تحقیقاتی روسی دراورست	دسامبر ۱۹۵۲

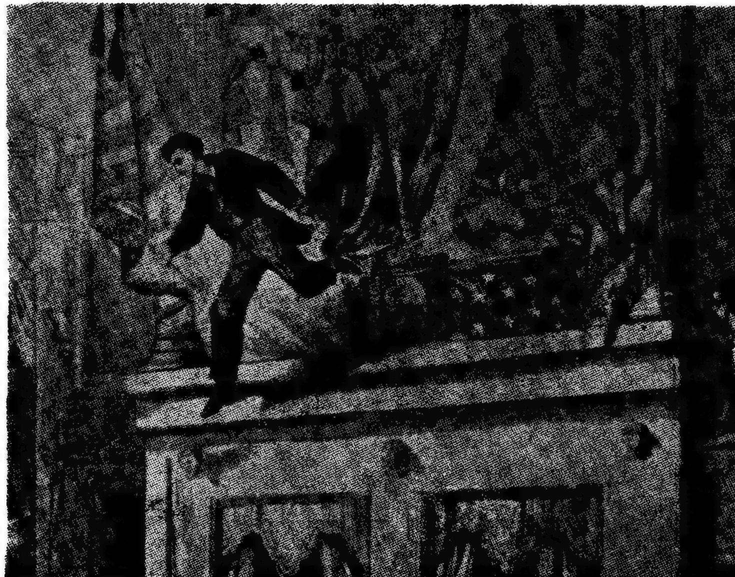
ترورهای مهم سیاسی

(از سال ۱۸۶۵ به بعد)

منظره‌یی از چگونگی قتل ابراهام لینکلن رئیس جمهوری امریکا در تآتر واشنگتن پس از پیروزی برجنوبی ها توسط یکی از آرتیست های تآتر

قاتل پس از شلیك گلوله ازنزدیك برئیس جمهوری باین ترتیب از صحنه قتل میگریزد .





۱۸۶۵ — در تاریخ ۱٤ آوریل آبراهام لینکلن رئیس جمهور امریکا در شهر واشنگتن مورد سوء قصد قرار گرفت و روز بعد زندگانی را بدرود گفت .

۱۸۸۱ — درتاریخ ۱۳ مارس الکساندر دوم امپراطور روسیه ترور شد .در دوم ژوئیه همان سال جیمس گارفیلد رئیس جمهور امریکا نیز ترور شد و چند روز بعد زندگی را بدورد گفت.

۱۸۹۳ — در ۲۸ اکتبر کارتر هاریسون شهردار معروفشیکاگو ترور شد .

۱۸۹٤ — در ۲٤ ژوئن ماری فرانسوا سادی کارنو رئیس‌جمهور فرانسه ترور شد .

۱۹۰۰ — در ۳۰ ژانویه ویلیام گوبل فرماندار کنتاکی ترور شد .

در ۲۹ ژوئیه همان‌سال اومبرت اول پادشاه ایتالی نیز ترور شد .

۱۹۰۱ — در تاریخ ٦سپتامبر ویلیام مك کینلی رئیس جمهور امریکا در ناحیه بوفالو ترور شد.

۱۹۱۳ — در ۲۳ فوریه فرانسیسکو مادر و رئیس جمهور مکزیك و خوزه پینوسوارز معاون رئیس‌جمهور ترور شدند.

در تاریخ ۱۸ مارس همان سال جرج پادشاه یونان نیز ترور شد .

۱۹۱٤ — در ۲۸ ژوئن آرشیدوك فرانسیس فردیناند ،آرشیدوك اتریش ومجارستان باتفاق همسرش کونتس سونی در ناحیه بوسیا ترور شد .

۱۹۱۸ — در تاریخ ۱۲ ژوئیه گران دوك میشل دوك روسیه ترور شد .

در تاریخ ۱٦ ژوئیه همان سال نیکلای دوم تزار روسیه باتفاق همسر و فرزندانش و چهار نفر دیگر از افراد خانواده‌اش توسط انقلابیون بقتل رسیدند .

۱۹۲۰ — در ۲۰ مه ژنرال‌ونوستیانوکارانزا رئیس‌جمهور مکزیك در ناحیه تیاکسکالتناگو ترور شد.

۱۹۲۳ — در۲۰ ژوئیه ژنرال فرانسیسکو پانچوویلا رهبر انقلابی مکزیك در ناحیه پارال ترور شد .

۱۹۲۸ — در ۱۷ ژوئیه ژنرال آلوارو اوبرگون رئیس جمهور مکزیك ترور شد .

۱۹۳۳ — در ۱۵ فوریه درناحیه میامی فلوریدا جوزف زانگارا (یك آنارشیست)بسوی فرانکلین روزولت رئیس جمهور امریکا تیراندازی کرد ولی خانمی محکم ببازویش زد تاتیر او خطارود،در نتیجه گلوله بهشهردار شیکاگو آنتوان سرماك اصابت کرد که چندی بعد زندگی را بدرود گفت . هرج ومرج طلب نامبرده نیز بوسیله صندلی الکتریکی اعدام شد .

۱۳۹٤ — در ۲۵ ژوئیه انگلبرت دولفوس صدراعظم اتریش بوسیله یکی از پیروان نازیسم ترور شد .

۱۹۳۵ — در ۸سپتامبر سناتور هوی‌لانگ (سناتور امریکائی) بوسیله دکتر کارل آستین ترور شد، محافظین سناتور مزبور درهمانجا قاتل رابوسیله چاقو کشتند .

۱۹٤۰ — در ۲۰ اوت لون تروتسکی وزیر جنگ تبعیدی‌شوروی در مکزیك ترور شد .

۱۹٤۲ — در ۲٤ دسامبر دریاسالار دارلان فرانسوی در الجزایر ترور شد .

۱۹٤۸ — در ۳۰ژانویه موهنداس گاندی در سن ۷۸ سالگی در دهلی نو بوسیله ناتوران ویناپاگ گاوس ترور شد .

در ۱۷ سپتامبر همانسال کنت برناددت میانجی سوئدی سازمان ملل در فلسطین ترور شد .

۱۹۵۰ ــ در تاریخ ۱۳ نوامبر سرهنگ دلگادوچالبه رئیس جمهور ونزوئلا در کاراکاس ترور شد .

۱۹۵۵ ــ در ۲ژانویه خوزه‌آنتونیورمون رئیس جمهور پاناما بوسیله مسلسل ترور شد .

۱۹۵۶ــدر ۲۱ سپتامبر آناستاسیوسوموزا رئیس جمهورنیکاراگا مورد سوء قصد واقع شد ویك هفته بعددرگذشت .

۱۹۵۷ ــ در ۲۶ ژوئیه کارلوس کاستیلو آرماس‌رئیس جمهور گواتمالا بوسیله یکی از محافظین شخصی خود ترور شد محافظ‌مزبور بعدا خودکشی کرد .

۱۹۵۸ ــ درتاریخ ۱٤ ژوئیه ملك فیصل پادشاه عراق وعمویش امیر عبدالله ولیعهد بوسیله شورشیان رژیم‌تازه کشور ترور شدند.

در تاریخ ۱۵ ژوئیه نیز نوری‌السعید نخست‌وزیر عراق نیز کشته شد .

۱۹۵۹ ــ در ۲۵ سپتامبر باندارانائیك نخست وزیر سیلان بوسیله یك راهب بودائی در کولومبو کشته‌شد.

۱۹۶۰ ــ در ۲۹ اوت مجالی نخست وزیر اردن باتفاق ده‌نفراز همکارانش براثرانفجار بمب ساعتی درعمان کشته‌شد.

۱۹۶۰ ــ در ۱۲ اکتبر اینجیرو آسانوما رهبر حزب سوسیالیست ژاپن بوسیله ناسیونالیست های افراطی بضرب خنجر بقتل رسید.

۱۹۶۱ ــ در تاریخ ۱۷ ژانویه نخست وزیر سابق کنگو پاتریس لومومبا و یکی از وزیران کابینه‌اش موریس مپولو باتفاق معاون مجلس سنا ژوزف‌اوکیتو درایالت‌کاتانگا کشته شد .

۱۹۶۱ ــ در ۳۰ ماه مه دیکتاتور دومینیکان رافائل تروخیلو بوسیله عده‌ای ترور شد .

۱۹۶۳ ــ روز جمعه ۲۲ نوامبر جان اف کندی رئیس جمهوری امریکا ترور شد .

ترور های سیاسی که بانجام نرسید

۱۹۵۰ ــ درتاریخ اول نوامبر دونفر ازاهالی پورتوریکوبرای ترورهاری ترومن رئیس جمهور امریکا بسوی وی تیراندازی کردند ولی تیر بیکی از محافظین رئیس جمهور بر خورد و اورا کشت، ترومن سالم ماند .

۱۹۶۰ ــ در تاریخ ۹آوریل نخست وزیر افریقای جنوبی هندریك فورورد از طرف یکنفر کشاورز سفید پوست مورد سوءقصد واقع شد .گلوله بدهان نخست وزیر خورد و اورا شدیدا آسیب رساند . ولی وی از مرگ نجات یافت .علت سوء قصد مخالفت وی باآزادی سیاه پوستان بوده‌است .

۱۹۶۰ ــ درتاریخ ۲٤ ژوئن رومولوبتانکورت رئیس جمهوری ونزوئلا بوسیله بمب مورد سوء قصد واقع شد ولی آسیب مختصری دید .

۱۹۶۰ ــ درتاریخ ۱٤ ژوئیه نوبوزوك کیشی نخست وزیر ژاپن از طرف ناسیونالیستهای افراطی مورد سوء قصد واقع شد ولی ۶ ضربه خنجر را تحمل کرد وجان بدربرد .

۱۹۶۱ ــ در ۲۷ مارس امام احمد ، امام‌یمن مورد سوء قصد گلوله واقع شد وبسختی آسیب دید ولی جان سالم بدر برد وبعداپنج نفر را بعلت این کار اعدام کرد .

۱۹۶۱ ــ در ۹سپتامبر برای کشتن ژنرال دوگل رئیس جمهور فرانسه بمبی برسر راهش قراردادندولی در موقع معین منفجر نشد ودر نتیجه دوگل سالم ماند .





ولیعهد اتریش فرانس فردیناند و همسرش وسیله یك دانشجو مورد سوء قصد قرار گرفتند .

میلیونها مردم در تله ویزیون شاهد سوء قصد و قتل آسانوما در توکیو بودند . قاتل سه هفته بعد خودرا در زندان دار زد .

۱۹۰۱ مک‌کینلی (نفرسمت چپ) و
تئودور روزولت که پس از ترور
او بعنوان رئیس جمهوری تعیین‌شد





سوانح هوائی مهم‌جهان (از سال ۱۹۲۱ تا سال ۱۹۶۳)

تاریخ	هواپیما	محل سقوط ونوع‌آن	تلفات
۱۹۲۱	زپلن انگلیسی ــ ر-۳۸	ناحیه هال ــ انگلستان	۶۲
۱۹۲۲	زپلن امریکائی ــ روما	ناحیه هامپتون ــ امریکا	۳٤
۱۹۲۳	زپلن فرانسوی ــ دیکسموند	دریای مدیترانه	۵۲
۱۹۲۵	زپلن امریکائی ــ شناندوا	اوهایو ــ امریکا	۱٤
۱۹۲۸	زپلن ایتالیائی ــ ایتالیا	قطب شمال	۷
۱۹۳۰	زپلن انگلیسی ــ ر۱۰۱	ناحیه بووه ــ فرانسه	٤۷
۱۹۳۳	زپلن امریکائی ــ آکرون	سواحل نیوجرسی ــ امریکا	۷۳
۱۹۳۵	زپلن امریکائی ــ ماکرن	سواحل کالیفرنی ــ امریکا	۲
۱۹۳۵	زپلن روسی ــ ماکسیم‌گورکی	برخورد به‌یك‌هواپیما درخاك‌شوروی	٤۹
۱۹۳۷	زپلن آلمانی ــ هیندنبورگ	آتشسوزی درخاك امریکا	۳۹
۱۹٤٤	هواپیمای نیروی هوائی امریکا ــ ب٢٤	برخورد بایك مدرسه درانگلستان	۷٦
۱۹٤۵	هواپیمای ارتشی امریکا ــ ب ۲۵	برخورد باآسمانخراش امپایراستیت	۱٤
۱۹٤٦	هواپیمای ارتشی امریکا ــ س ٤۵	برخورد با آسمانخراش مانهاهان	۵
۱۹٤۷	هواپیمای مسافربری ــ د.س ٤	سقوط درامریکا	۵۳
۱۹٤۷	هواپیمای مسافربری ــ د-س-٤	سقوط براثرطوفان درخاك امریکا	۵۰

تاریخ	هواپیما	محل سقوط ونوع آن	تلفات
۱۹۴۷	هواپیمای مسافری امریکائی ـ دس ـ ٦	آتش گیری ـ دریوتاه امریکا	۵۲
۱۹۴۹	هواپیمای مسافربری ـ دـ س ـ ٤	برخورد با هواپیمای دیگر درواشنگتن	۵۵
۱۹۵۰	هواپیمای مسافربری ـ چارتردتودر	سقوط درخاك انگلستان	۸۰
۱۹۵۰	هواپیمای مسافربری ـ دـ س ـ ٤	انفجار وسقوط برروی دریاچه میشیگان	۵۸
۱۹۵۰	هواپیمای مسافربری ـ ت.و. آ	سقوط در نزدیکی قاهره	۵۵
۱۹۵۱	هواپیمای نیروی هوائی امریکا ـ س ۱۲٤	سقوط در اقیانوس اطلس	۵۳
۱۹۵۱	هواپیمای مسافری امریکائی ـ دـ س ـ ٦ ـ ب	سقوط درنزدیکی کالیفرنی	۵۰
۱۹۵۱	هواپیمای مسافری امریکائی ـ دـ س ـ ٦	سقوط درنزدیکی کلمبیا	۵۰
۱۹۵۱	هواپیمای مسافری امریکائی ـ س ٤٦	سقوط در رودخانه الیزابت امریکا	۵٦
۱۹۵۲	هواپیمای مسافری امریکائی ـ کونور	سقوط در ناحیه الیزابت امریکا	۳۰
۱۹۵۲	هواپیمای مسافربری ـ دـ س ٦	سقوط در ناحیه الیزابت امریکا	۳۳
۱۹۵۲	هواپیمای مسافربری پان‌امریکن ـ دـ س ٤	سقوط در پرتوریکو (امریکای مرکزی)	۵۲
۱۹۵۲	هواپیمای مسافربری پان‌امریکن	سقوط در جنگل‌های برزیل	۵۰
۱۹۵۲	هواپیمای نیروی هوائی امریکا ـ س ۱۲٤	سقوط و آتشسوزی درامریکا	۸۷
۱۹۵۳	هواپیمای مسافربری ـ دـ س ٦	سقوط در خلیج مکزیك	٤٦
۱۹۵۳	جت مسافربری کانادائی ـ کومت	سقوط در کراچی (پاکستان)	۱۱
۱۹۵۳	هواپیمای نیروی هوائی‌امریکا ـ س ۱۲٤	آتش‌گیری و سقوط در توکیو	۱۲۹
۱۹۵۳	هواپیمای مسافری ـ دس ب ٦	سقوط در اقیانوس اطلس	۵۸
۱۹۵۵	هواپیمای نیروی دریائی امریکا ـ دس ٦	برخورد به صخره درهونولولو	٦٦
۱۹۵۵	هواپیمای نیروی هوائی امریکا ـ باکس‌کار	برخورد به‌هواپیمای دیگر در اشتوتگارت	٦٦
۱۹۵۵	هواپیمای مسافربری امریکائی ـ دس ٤	برخورد به‌کوه درامریکا	٦٦
۱۹۵۵	هواپیمای مسافربری امریکائی ـ دس ب ٦	انفجار وسقوط درکلرادو (امریکا)	٤٤
۱۹۵٦	هواپیمای مسافربری اسکاتلندی	سقوط وآتشسوزی درمالت	۵۰
۱۹۵٦	هواپیمای مسافربری فرانسوی ـ دس ب ٦	سقوط در صحرا نزدیك قاهره	۵۲
۱۹۵٦	هواپیمای مسافربری ونزوئلا	سقوط در اقیانوس اطلس	۷٤
۱۹۵٦	هواپیمای مسافربری ت ـ و ـ آ	سقوط درآریزونا (امریکا)	۱۲۸
۱۹۵٦	هواپیمای ارتشی امریکا ـ س ۱۱۸	سقوط براثر طوفان درنیوجرسی	٤٦
۱۹۵٦	هواپیمای ارتشی امریکا ـ س ۱۱۸	ناپدید شدن درناحیه آزور	۵۹
۱۹۵٦	هواپیمای مسافری کانادائی ـ نورث استار	برخورد به‌کوه در کشور کلومبیا	٦۲
۱۹۵۷	هواپیمای ارتشی امریکا ـ س ۹۷	ناپدیدشدن دراقیانوس آرام	٦۷
۱۹۵۷	هواپیمای مسافربری ـ ك ـ ال ـ ام	سقوط در دریای سواحل گینه جدید	۵٦
۱۹۵۷	هواپیمای مسافربری ـ دس ٤	سقوط درباطلاق درکانادا	۷۹
۱۹۵۷	هواپیمای مسافری آرژانتین ـ دس ٤	سقوط در آرژانتین	٦۲
۱۹۵۷	هواپیمای مسافربری ـ س ۱۱۸	برخورد با هواپیمای دیگر	٤۸
۱۹۵۸	هواپیمای مسافربری ـ وایکانت	سقوط در میشیگان (امریکا)	٤۷
۱۹۵۸	هواپیمای مسافربری امریکائی ـ دس ۷	برخورد با هواپیمای دیگر درامریکا	٤۹
۱۹۵۸	هواپیمای مسافربری بلژیکی ـ سابنا	سقوط درکازابلانکا	٦۵
۱۹۵۸	هواپیمای مسافربری مکزیکی ـ کونستلاسیون	سقوط براثرطوفان درمکزیك	٤۵
۱۹۵۸	هواپیمای مسافربری ـ ك ـ ال ـ ام	سقوط در اقیانوس اطلس	۹۹
۱۹۵۸	هواپیمای مسافربری شوروی ـ جت ۱۰٤	سقوط درنزدیکی مسکو	۷۵
۱۹۵۹	هواپیمای مسافربری ـ کوماندو	سقوط براثرطوفان درآرژانتین	۵۱
۱۹۵۹	هواپیمای مسافربری امریکائی ـ الکترا	سقوط در نزدیکی نیویورك	٦۵
۱۹۵۹	هواپیمای مسافربری ـ ت .و.آ	سقوط براثرطوفان درایتالیا	٦۸
۱۹۵۹	هواپیمای مسافربری فرانسوی ـ دس ٤	سقوط در بردو (فرانسه)	۵۳

تاریخ	هواپیما	محل سقوط ونوع آن	تلفات
۱۹۵۹	هواپیمای مسافربری امریکائی ــ س ٤٦	ناپدیدشدن درکشور کولومبیا	٤٦
۱۹٦۰	هواپیمای مسافربری ــ وایکانت	سقوط درناحیه هولدکرفت (امریکا)	۵۰
۱۹٦۰	هواپیمای اسکاندیناوی مسافری ــ کاراول	سقوط درنزدیکی آنکارا	٤۲
۱۹٦۰	هواپیمای مسافربری بلیوی ــ دس ٤	سقوط در بولیوی	۵۹
۱۹٦۰	هواپیمای مسافربری امریکائی	برخورد با هواپیمای دیگر در آرژانتین	٦۱
۱۹٦۰	هواپیمای مسافربری ــ الکترا	انفجار وسقوط در امریکا	٦۳
۱۹٦۰	هواپیمای مسافربری برزیلی ــ کونور	سقوط در برزیل	۱۵
۱۹٦۰	هواپیمای نیروی دریائی امریکا ــ و۳	سقوط در اقیانوس اطلس	۱۸
۱۹٦۰	هلیکوپتر امریکائی ــ سیکورسکی ــ س ۵۸	سقوط در نزدیکی شیکاگو	۱۳
۱۹٦۰	هواپیمای مسافربری ــ ارفرانس	سقوط در اقیانوس اطلس	۵۵
۱۹٦۰	هواپیمای مسافربری ــ دس ب ٦	سقوط در خاك امریکا	۷۸
۱۹٦۰	هواپیمای مسافربری ــ الکترا	سقوط در نزدیکی بستون (امریکا)	٦۱
۱۹٦۰	هواپیمای مسافربری ت .و. آکه با هواپیمای مسافربری امریکائی دس۸	برفراز شهر نیویورك بیکدیگر برخورد کردند	۱۳٤
۱۹٦۰	هواپیمای نیروی هوائی امریکا ــ کونور	سقوط در شهر مونیخ (آلمان)	۵۳
۱۹٦۱	هواپیمای مسافربری ــ سابنا	سقوط دربلژیك	۷۳
۱۹٦۱	هواپیمای مسافربری چکسلواکی ــ ایلیوشین۱۸	سقوط در آلمان غربی	۵۲
۱۹٦۱	هواپیمای مسافربری ــ ارفرانس	سقوط در صحرای افریقا	۷۹
۱۹٦۱	هواپیمای مسافربری ونزوئلا ــ دس ۸	سقوط در لیسبن (پرتقال)	٦۲
۱۹٦۱	هواپیمای مسافربری چکسلواکی ــ ایلیوشین۱۸	سقوط درکازابلانکا	۷۲
۱۹٦۱	هواپیمای مسافربری آرژانتین ــ دس٦	سقوط در برزیل	٦۷
۱۹٦۱	هواپیمای مسافربری نروژی ــ وایکینگ	سقوط در دریای شمال	۳۹
۱۹٦۱	« » ت ــ و ــ آ	سقوط در امریکا	۷۸
۱۹٦۱	« » دس ٦	سقوط در ایرلند	۸۳
۱۹٦۱	« » ارفرانس	سقوط در رباط مراکش	۷۷
۱۹٦۱	« » برزیلی ــ پانر	سقوط در برزیل	٤۹
۱۹٦۱	« » انگلیسی ــ کانستلیشن	سقوط در ریچموند انگلستان	۷۷
۱۹٦۱	« » آرژانتینی ــ کومت	سقوط در سائوپولو (برزیل)	۵۲
۱۹٦۲	« » امریکائی ــ جت بوئینگ	سقوط در نیویورك	۹۵
۱۹٦۲	« » انگلیسی ــ دس ۷	سقوط در کامرون (افریقا)	۱۱۱
۱۹٦۲	« » امریکائی ــ سوپرکانستلیشن	ناپدیدن شدن در اقیانوس آرام	۱۰۷
۱۹٦۲	« » امریکائی بوئینگ ۷۰۷	انفجار وسقوط درآیودا (امریکا)	٤۵
۱۹٦۲	« » فرانسوی ــ ارفرانس جت بوئینگ ۷۰۷	سقوط در پاریس	۱۳۰

سوانح مهم دریائی

غرق ـ تصادف ـ آتش سوزی ـ انهدام کشتی ها ، زیردریائیها و نبرد ناوها

۱۹۳۹ ـ در تاریخ دوم فوریه زیردریائی ژاپنی **ی‌ـ۶۳** درکانال بونگو با۸۱ سرنشین غرق شد .

در تاریخ اول ژوئن زیردریائی انگلیسی **ته‌تیس** در دریای ایرلند با۹۹ سرنشین غرق شد.

در تاریخ سوم سپتامبر کشتی انگلیسی **آتنیا** در حوالی جزایر هبریه اژدر خورد وبا۱۱۲ سرنشین بقعردریافت رفت .

در تاریخ ۱۷ سپتامبر ناو هواپیمابر انگلیسی **کوراجیوس**اژدر خورد و با۵۱۵ سرنشین غرق گردید.

در تاریخ ۱٤ اکتبر کشتی جنگی انگلیسی **رویال‌اوک** اژدرخورد وبا ۷۸۶ سرنشین منهدم گردید .

در تاریخ ۱۷ دسامبر کشتی جنگی آلمانی **گراف‌اسپی** منفجر و منهدم گردید .

۱۹٤۰ ـ در تاریخ ۸ژوئن ناوبر هواپیما برانگلیسی **گلوریاس** با ۱۲۰٤ نفر سرنشین غرق شد.

در تاریخ ۱۷ ژوئن کشتی انگلیسی **لانکاستریا** در ناحیه‌سنت‌ـ نازراژدر خورد وبا ۲۵۰۰ سرنشین منهدم گردید .

در تاریخ سوم ژوئیه دوکشتی جنگی فرانسوی **برتانی‌وپرودنس** غرق شدند .

در ۲۶ اکتبر کشتی انگلیسی **امپرس** اژدر خورد و غرق گردید .

۱۹٤۱ ـ در تاریخ ۲۷ مه کشتی آلمانی **بیسمارک**بوسیله‌نیروی دریائی انگلیس با ۲۳۰۰ سرنشین منهدم گردید .

در تاریخ ۱۳ نوامبر کشتی هواپیمابر انگلیسی **آرک‌رویال** در مدیترانه غرق شد .

در تاریخ ۲۵ نوامبر کشتی جنگی‌انگلیسی **بارهام** درمدیترانه اژدر خورد وغرق شدـ تلفات ۸۰۰ نفر

۱۹٤۲ ـ در تاریخ ۵ آوریل کشتی انگلیسی **دورست‌شایر** در نواحی سیلان بوسیله هواپیماهای ژاپنی غرق شد ـ تلفات ٤۲۵ نفر .

در تاریخ چهارم ژانویه ناوهای هواپیمابر ژاپنی **آکاکی**(۲۲۰ سرنشین)**کاگا** (۸۰۰ سرنشین) **هیریو** (٤۱۵ سرنشین) **سوریو** (۷۱۸ نفر) درجنگ دریائی میدوی غرق شدند .

در تاریخ دوم اکتبر کشتی انگلیسی **کوراکائو** بسواحل‌انگلیس برخورد و با۳۳۵ نفر سرنشین بقعردریارفت .

در تاریخ ۸ نوامبر ناوهواپیمابر انگلیسی **اونجر** اژدر خورد و غرق شد ـ تلفات ۵۰۷ نفر .

در ۱۳ نوامبر کشتی جنگی ژاپنی **هائی‌ئی** غرق شد .

در ۱۵ نوامبر کشتی جنگی ژاپنی **کریشیما** غرق شد .

در تاریخ ٦ دسامبر کشتی انگلیسی **سرامیک** اژدر خورد و در نواحی آزور غرق شدـ تلفات ۵۰۰ نفر .

۱۹٤۳ ـ در ماه ژانویه زیر دریائی امریکائی **آرگوناوت**بوسیله ژاپنی‌ها منهدم وغرق شدـ تلفات ۱۰۲ نفر

در تاریخ سوم فوریه کشتی امریکائی **دورچستر** اژدر خورد و غرق شد.

غرق شد . تلفات ـ ٦۰۰ نفر

در تاریخ ۲٦ نوامبر کشتی‌انگلیسی **رونا** بوسیله آلمان‌ها غرق شد ـتلفات ۱۰۱۵ر۱ نفر

درتاریخ ۲٦ دسامبر کشتی آلمانی **شانهورست** بوسیله انگلیس‌ها غرق شد .

۱۹٤٤ ـ درتاریخ ۹ آوریل کشتی امریکائی **لیبرتی** در آب های ایتالیا منفجر شد تلفات ـ ۳٦۰ نفر

در تاریخ ۲۰ آوریل کشتی امریکائی **پل‌هامیلتون** درآبهای الجزائر بوسیله اژدر غرق شد . تلفات ـ ۵۰٤

در تاریخ ۲۵ اکتبر کشتی های جنگی ژاپنی‌بنام‌های **فوسو ـ یاماشیرو ـ سوزویا ـ چائی‌کوما ـ چوکائی ـ موگامی ـ چی‌یوداـ زوئی‌کاکو ـ زوئی‌هو ـ چیتوز** در دومین جنگ دریائی فیلیپین بوسیله نیروهای امریکائی‌منهدم وغرق شدند .

در تاریخ ۲٤ نوامبر کشتی سوئدی **هانزا** منفجر وغرق شد ـ تلفات ۱۰۰ نفر

در تاریخ ۲٤ دسامبر کشتی بلژیکی **لئوپولدویل** در نواحی شربورگ اژدر خورد وغرق شد. تلفات ـ ۷٦٤نفر

۱۹٤۵ ـ در تاریخ ۳۰ ژانویه کشتی آلمانی **ویلهلم‌گوستلف** با ٦۰۰۰ نفر مسافر اژدر خورد وغرق شدوکلیه مسافرین آن تلف شدند .

در تاریخ ۷ آوریل کشتی جنگی ژاپنی بنام **یاماتو** بظرفیت ۷۲۸۰۹ تن بوسیله هواپیماهای امریکائی منهدم و غرق گردید. تلفات ـ ۳۰۳۳ نفر

در تاریخ ۱۱ مه ناوهواپیمابر امریکائی **بانکرهیل** آسیب دیدو با ۳۷۳ سرنشین غرق شد.

در تاریخ ۳۱ ژوئیه کشتی جنگی **ایندیاناپولیس** درآبهای‌فیلیپین اژدر خورد وبا۸۸۰ سرنشین غرق شد. این آخرین سانحه دریائی جنگ دوم جهانی بود .

سیلها و طوفانهای مهم

(ازسال ۱۸۸۷ به بعد)

تاریخ	محل وقوع سانحه ونوع آن	تلفات
۱۸۸۷	سیل مهیب هوانگ‌هو ـ چین	۹۰۰ر۰۰۰
۱۸۸۸	طوفان در نواحی شرقی امریکا	۴۰۰
۱۸۸۹	سیل مهیب در جانستادن ـ امریکا	۲ر۲۰۰
۱۹۰۰	طوفان در گالستون ـ تکزاس امریکا	۵۰۰۰
۱۹۱۱	طغیان رودخانه یانگ‌تسه‌کیانگ ـ چین	۱۰۰ر۰۰۰
۱۹۱۳	سیل دراهایو ـ امریکا	۷۳۲
۱۹۱۳	سیل درتکزاس ـ امریکا	۵۰۰
۱۹۱۵	تندباد در گالوستون ـ تکزاس امریکا	۲۷۵
۱۹۲۶	تندباد در گالف‌کوست ـ امریکا	۳۷۲
۱۹۲۶	تندباد در کوبا	۶۰۰
۱۹۲۸	خرد شدن سدسنت فرانسیس ـ سانفرانسیسکو	۴۵۰
۱۹۲۸	تندباد درجزایر هند غربی	۴۰۰۰
۱۹۳۰	تندباد در سان‌دومینگو	۲۰۰۰
۱۹۳۷	سیل‌در اوهایو ـ امریکا	۲۵۰
۱۹۳۸	تندباد در نیوانگلند ـ امریکا	۶۰۰
۱۹۴۲	تندباد دربنگال ـ هندوستان	۱۱۰۰۰
۱۹۴۲	طوفان و طغیان امواج دریا دربنگال ـ هندوستان	۱۰۰۰۰
۱۹۵۱	سیل درمنچوری ـ چین	۱۸۰۰
۱۹۵۱	تندباد درژامائیکا و مکزیك	۲۶۰
۱۹۵۲	طوفان در فیلیپین	۴۴۰
۱۹۵۳	طغیان امواج دریا در سراسر کناره غربی اروپا	۲۰۰۰
۱۹۵۳	طوفان درویتنام وژاپن	۱ر۳۰۰
۱۹۵۴	تندباد درناحیه کارول ـ امریکا	۶۸
۱۹۵۴	تندباد در ناحیه‌ادنا ـ کانادا	۲۳
۱۹۵۴	تندباد در ناحیه هازل ـ هائی‌تی	۳۴۷
۱۹۵۵	تندباد در کارولینا ـ امریکا	۴۳
۱۹۵۵	تندباد در ناحیه دایان ـ امریکا	۴۰۰
۱۹۵۵	تندباد درناحیه هیلدا ـ مکزیك	۲۰۰
۱۹۵۵	تندباد در جزیره ژانت واقع‌دردریای کارائیب	۵۰۰
۱۹۵۵	سیل درسراسر هندوپاکستان	۱ر۷۰۰
۱۹۵۶	طوفان درسراسر اروپای غربی	۱۰۰۰
۱۹۵۶	سیل درایران	۳۰۰

تاریخ	محل وقوع سانحه ونوع آن	تلفات
۱۹۵۷	تندباد درناحیه آدری ـ امریکا	۴۳۰
۱۹۵۷	سیلاب وطغیان رودخانه زرد درچین	۵۵۷
۱۹۵۷	سیل در جزیره کویوشو ـ ژاپن	۵۱۳
۱۹۵۷	سیل درکره جنوبی	۲۰۸
۱۹۵۷	سیل درسیلان	۳۰۰
۱۹۵۸	طوفان در نواحی شمال شرقی ـ امریکا	۱۷۱
۱۹۵۸	طوفان در ناحیه ایدا ـ ژاپن	۶۱۵
۱۹۵۸	طوفان در پاکستان شرقی	۵۰۰
۱۹۵۹	طوفان در بحرین	۵۰۰
۱۹۵۹	طوفان در ماداگاسکار	۳۰۵
۱۹۵۹	طوفان در ناحیه ایریس ـ چین	۷۲۰
۱۹۵۹	طوفان در ناحیه ریوکیوس ـ ژاپن	۲۰۰۰
۱۹۵۹	سیل درسورات ـ هندوستان	۵۰۰
۱۹۵۹	طوفان در وراهونشو ـ ژاپن	۴ر۴۶۶
۱۹۵۹	تندباد درناحیه مانزانیلا ـ مکزیك	۱۵۰۰
۱۹۵۹	سیل درسراسر نواحی غربی مکزیك	۲۰۰۰
۱۹۵۹	سیل در ناحیه فرژوس ـ فرانسه	۳۲۳
۱۹۶۰	طوفان و طغیان امواج دریا درنواحی‌هاوائی وژاپن	۲۳۷
۱۹۶۰	طوفان در ناحیه لوزون ـ امریکا	۱۶۶
۱۹۶۰	طوفان درناحیه اولیو ـ فیلیپین	۱۰۴
۱۹۶۰	طوفان در ناحیه شرلی ـ تائی‌وان	۱۰۴
۱۹۶۰	تندباد در جزیره دونا ـ دریای کارائیب	۱۴۸
۱۹۶۱	طوفان در پاکستان شرقی	۱۸۵
۱۹۶۰	طغیان دریا در پاکستان شرقی	۴۰۰۰
۱۹۶۱	طوفان درپاکستان شرقی	۲۲۶
۱۶۹۱	طوفان در پاکستان شرقی	۱۸۵
۱۹۶۱	طوفان در ژاپن	۲۲۴
۱۹۶۱	سیل درچارلستون ـ امریکا	۱۹
۱۹۶۱	تندباد در تکزاس ـ امریکا	
۱۹۶۱	طوفان درناحیه هامل ـ تائی‌وان	۱۰۰
۱۹۶۱	طوفان در ناحیه ناسنی ـ ژاپن	۱۱۴
۱۹۶۱	تندباد در هندوراس انگلیس	۴۰۰

زلزله های معروف

تاریخ	محل وقوع سانحه	تلفات
۸۵۶	یونان ـ ناحیه کورینت	۴۵ر۰۰۰
۱۰۳۸	چین ـ ایالت شانسی	۲۳ر۰۰۰
۱۲۶۸	آسیای صغیر ـ ناحیه سیلیسی	۶۰ر۰۰۰
۱۲۹۰	چین ـ ایالت چیه‌لی	۱۰۰ر۰۰۰
۱۲۹۳	ژاپن ـ ناحیه کامارکورا	۳۰ر۰۰۰
۱۵۳۱	پرتقال ـ لیسبن	۳۰ر۰۰۰
۱۵۵۶	چین ـ ناحیه شنسی	۸۳۰ر۰۰۰
۱۶۶۷	قفقاز ـ ناحیه شماکا	۸۰ر۰۰۰
۱۶۹۳	ایتالی ـ ناحیه کاتانیا	۶۰ر۰۰۰
۱۷۳۷	هند ـ کلکته	۳۰۰ر۰۰۰

تاریخ	محل وقوع سانحه	تلفات
۱۷۵۵	ایران ـ ناحیه شمالی	۴۰ر۰۰۰
۱۷۵۵	پرتقال ـ لیسبن	۶۰ر۰۰۰
۱۷۸۳	ایتالی ـ ناحیه کالابریا	۵۰ر۰۰۰
۱۷۹۷	اکوادور ـ ناحیه کیستو	۴۱ر۰۰۰
۱۸۱۹	هند ـ ناحیه کوچ	۱ر۵۴۳
۱۸۲۲	آسیای صغیر ـ حلب	۲۲ر۰۰۰
۱۸۲۸	ژاپن ـ ناحیه اچی‌گو	۳۰ر۰۰۰
۱۸۶۸	پرو واکوادور ـ نواحی مختلف دوکشور	۲۵ر۰۰۰
۱۸۷۵	ونزوئلا ـ ناحیه کولومبیا	۱۶۰۰۰
۱۸۹۷	هند ـ ایالت آسام	۱ر۵۴۲

سال	محل	تلفات
۱۸۹۸	ژاپن ـ سواحل دریا	۲۲٫۰۰۰
۱۹۰۶	شیلی ـ والپارزو	۱٫۵۰۰
۱۹۰۶	امریکا ـ سان فرانسیسکو	۴۵۲
۱۹۰۷	ژامائیکا ـ ناحیه گینگستون	۱٫۴۰۲
۱۹۰۸	ایتالی ـ ایالت مسینا	۷۵۰۰۰
۱۹۱۵	ایتالی ـ ناحیه اوزانو	۲۹٫۹۷۰
۱۹۲۰	چین ـ ایالت کانسو	۱۸۰٫۰۰۸
۱۹۲۳	ژاپن ـ توکیو	۱۴۳٫۰۰۰
۱۹۳۲	چین ـ ایالت کانسو	۷۰٫۰۰۰
۱۹۳۵	هند ـ کوتا	۶۰٫۰۰۰
۱۹۳۹	ترکیه ـ ارزنجان	۲۳٫۰۲۰
۱۹۵۰	هند ـ ایالت آسام	۱٫۵۰۰
۱۹۵۱	السالوادور ـ ایالت جوکواپا	۴۰۰
۱۹۵۳	ایران ـ ناحیه طرود	۵۳۰
۱۹۵۳	ترکیه ـ نواحی شمال‌غربی	۱٫۲۰۱
۱۹۵۳	یونان ـ جزائر یونیان	۴۲۰
۱۹۵۴	الجزیره ـ نواحی شمالی	۱۶۵۷
۱۹۵۵	جزائر فیلیپین	۴۳۵
۱۹۵۶	افغانستان ـ نواحی شمالی کشور	۲٫۰۰۰
۱۹۵۶	ایران ـ نواحی لرستان	۳۵۰
۱۹۵۷	ایران ـ ایالات شمالی	۲٫۵۰۰
۱۹۵۷	ایران ـ ایالات غربی	۱٫۰۶۲
۱۹۵۷	مغولستان ـ نواحی مرزی	۱٫۲۰۰
۱۹۵۸	پرو ـ سراسر کشور	۱۲۸
۱۹۵۸	ایران ـ نواحی غربی	۱۹۱
۱۹۶۰	مراکش ـ اقادیر	۱۲٫۰۰۰
۱۹۶۰	شیلی ـ نواحی جنوبی کشور	۵٫۷۰۰

عید های ملی

کشور و مناسبت	تاریخ
لوکزامبورگ تولد علیا حضرت ملکه شارلوت گراند‌دوشس (۱۸۹۶)	۲۳ ژانویه
هند اعلام جمهوری (۱۹۵۰)	۲۶ ژانویه
مراکش به تخت نشستن اعلیحضرت حسن دوم	۳ مارس
دانمارک تولد اعلیحضرت پادشاه فردریک نهم (۱۸۹۹)	۱۱ مارس
پاکستان روز پاکستان	۲۳ مارس
یونان اعلام استقلال (۱۸۲۱)	۲۵ مارس
هنگری عید ملی	۴ آوریل
سوریه عید ملی	۱۷ آوریل
ژاپن تولد اعلیحضرت پادشاه هیروهیتو (۱۹۰۱)	۲۹ مارس
هلند تولد علیا حضرت ملکه ژولیانا (۱۹۰۹)	۳۰ مارس
چکسلواکی عید ملی	۹ مارس
نروژ اعلام قانون اساسی (۱۸۱۴)	۱۷ مارس
آرژانتین انقلاب ۱۸۱۰	۲۵ مارس
هاشمی اردن اعلام استقلال	۲۵ مارس
افغانستان اعلام استقلال	۲۷ مارس
تونس عید ملی	۱ ژوئن
ایتالیا تاسیس جمهوری ۱۹۴۶	۲ ژوئن
بریتانیای کبیر تولد علیا حضرت ملکه الیزابت دوم	۲ ژوئن
پرتقال عید ملی	۱۰ ژوئن
ایسلند اعلام جمهوری (۱۹۴۴)	۱۷ ژوئن
کویت اعلام استقلال	۱۹ ژوئن
کانادا اعلام کنفدراسیون (۱۸۶۷)	۱ ژویه
امریکا اعلام استقلال (۱۷۷۶)	۴ ژویه
ونزوئلا اعلام استقلال (۱۸۱۱)	۵ ژویه
فرانسه عید ملی (۱۷۸۹)	۱۴ ژویه
عراق اعلام جمهوری (۱۹۵۸)	۱۴ ژویه
اسپانیا عید ملی (۱۹۳۶)	۱۸ ژویه
بلژیک عید ملی (۱۸۳۱)	۲۱ ژویه
لهستان عید ملی (۱۹۴۴)	۲۲ ژویه
حبشه تولد اعلیحضرت امپراطور	۲۳ ژویه
سویس اعلام تاسیس کنفدراسیون ها (۱۲۹۱)	۱ اوت
اندونزی اعلام استقلال (۱۹۴۵)	۱۷ اوت
رومانی عید ملی (۱۹۴۴)	۲۳ اوت
برزیل اعلام استقلال (۱۸۲۲)	۷ سپتامبر
مکزیک اعلام استقلال (۱۸۱۰)	۱۶ سپتامبر
شیلی اعلام استقلال (۱۸۱۰)	۱۸ سپتامبر
چین اعلام جمهوری (۱۹۱۱)	۱۰ اکتبر
ترکیه اعلام جمهوری (۱۹۲۳)	۲۹ اکتبر
اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۱۷)	۷ نوامبر
سوئد تولد اعلیحضرت پادشاه گوستاو ششم (۱۸۸۲)	۱۱ نوامبر
عربستان سعودی اعلام تاجگذاری اعلیحضرت ملك سعود اول (۱۹۵۳)	۱۲ نوامبر
لبنان عید استقلال (۱۹۴۳)	۲۲ نوامبر
یوگوسلاوی عید ملی (۱۹۴۵)	۲۹ نوامبر
تایلند تولد اعلیحضرت پادشاه	۵ دسامبر
فنلاند اعلام استقلال (۱۹۱۷)	۶ دسامبر

سوم ژانویه ۱۹۱۰

نامه های موسه

دراین روز درکتابخانـــه ملی پاریس صندوقچه‌ای حاوی نامه های آلفرد دوموسه شاعر نامدار فرانسوی که بیك زن ناشناس نوشته بود پیدا شد تعداد نامه ها هفتادونه و بین سالهای ۱۸۳۷ و ۱۸٤۸ نوشته شده و با ظرافت فراوان بسته بندی شده بود و یکرویان روی آنها گره خورده بود اماعناوین همه‌نامه ها را بریده بودند . آن زن خوش بختی کـه شاعر باو دلبسته است که بود ؟ خانم امه‌آلتون که مورد علاقه آلفرد و برادرش پل بود ولی وی ترجیح داده بود که با پل ازدواج کند .

نهم ژانویه ۱۹۲۱

ارتباط بین پاریس و لندن

صبح این روز اولین مکالمه بین پاریس و لندن از طریق بی سیم‌انجام شد . ساعت هفت‌و نیم صبح آقای میله‌راند رئیس جمهوری‌فرانسه نخستین پیام را برای اعلیحضرت ژرژ پنجـم پادشاه انگلستان فرستاد .

دهم ژانویه ۱۹۳۲

مرگ ماژینو

وزیر فرهنگ فرانسه آندره ماژینو ، پنجاه و پنج ساله که چهارده بار سابقه‌وزارت دفاع ملی را داشت و خط دفاعی شرق فرانسه بنام اوست ودر هفتم ژانویه دریك درمانگاه فوت کرده بود دراین روز تشییع جنازه‌رسمی شد .

۲۱ ژانویه ۱۹۲٤

مرگ لنین

پس از چند بار اعلام و تکذیب‌سرانجام معلوم شد که لنین ، ولادیمیراولیانوف در نتیجه یك فلج مغزی ، در پنجاه و چهارسالگی فوت شده است . جسد او در مسکو گذاشته شد و سه روز درانظار مردم قرار گرفت .

۲۲ ژانویه ۱۹۰۱

مرگ ملکه ویکتوریا

ساعت شش و نیم صبح ملکه ویکتوریا در سن هشتاد و دو سال و هشت ماه فوت کرد . وی در هیجده سالگی به تخت نشست وشصت و سه سال سلطنت نمود . دوران سلطنت وی طولانی ترین سلطنت‌ها در انگلستان بود . وی با شاهزاده آلبرت ازدواج کرده ودر٤۲سالگی بیوه شده بود . وی پس از ۱٤۲۲ نخستین پادشاهی بود که در سال ۱۸٥٤ بدیدارناپلئون سوم بفرانسه رفت .

۲٥ ژانویه ۱۹۳۹

اولین گل لالـه نارنجی

نخستین گل لاله نارنجی که تربیت‌کننده گل پس از سالها تحمل و شکیبائی در هلند بعمل آورده بود و روز نوزده ژانویه ۱۹۳۹ در لاهه بمعرض نمایش گذاشته شده بود بمبلغ ۱٥٥۰ فرانك بفروش رفت .

۳۱ ژانویه ۱۹٤۸

ترور گاندی

در یکی از باغهای دهلی نو مرد هشتاد ساله‌ای درحال عبادت با چهار گلوله بقتل رسید . وی گاندی رهبر ملت هند بود کـه برای استقلال آنها جانفشانی ها کرده بود .

۱٦ فوریه ۱۹۱۱

طاعون در منچوری

طاعون در منچوری بیداد میکند . تعداد تلفات روزانه متجاوز از هزار نفر استـعی دولت ها برآنست که این بیماری بدیگـر کشور ها سرایت ننماید . آمد و شد مردم و وسایل نقلیه بسختی تحت کنترل است .

۱۹ فوریه ۱۹۳۳

درگذشت قهرمان بوکس

قهرمان بوکس جهان جیمس کوربت در نزدیکی های نیویورك فوت کرد . در ۱۸۹۲ وی لقب قهرمان بوکس جهان را داشت و بر رقبای نامی خود مثل مولیوان ، جیم جفری‌و بوب فیتس مون پیروز شده بود .

۲۰ فوریه ۱۹٥۱

مرگ آندره ژید

رومان نویس شهیر فرانسوی و صاحب آثار بسیار و برنده جایزه نوبل سال ۱۹٤۷ در سن هشتاد و یك سالگی چشم از دنیابست.

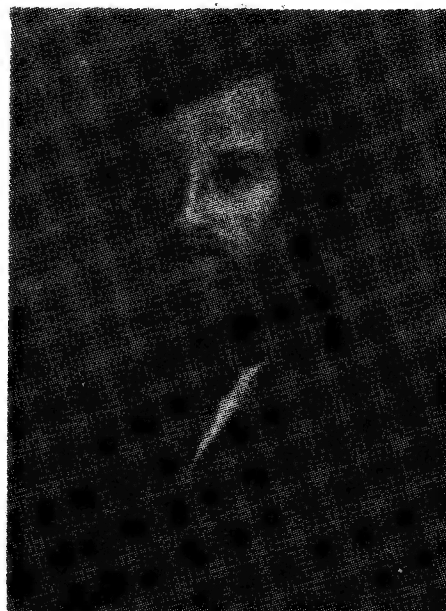
برخی وقایع جالب قرن بیستم



تصویر ویکتوریا ملکه انگلستان درسالهای آخرعمر که توسط الکساندر با سانو عکاس دربار تهیه شده‌است.



تابلو آلفرد دوموسه کار : اوژن گسنه







درمراسم تشییع جنازه لنین‌شخصیت های مشهورشوروی شرکت کردند (استالین ،کامانو تومسکی ، مولوتف، کالینین ، بوخارین) امامرنوشت‌خود آنها نیزعجیب بودکالینین در ۱۹٤٦مرد،تومسکی خودشرا در۱۹۳٦ کشت ، کامانو و بوخارین‌وسیله استالین تبعید شدند، استالین خودش هم مرد وفعلا ازایـن جمع مولوتف نامی دارد ...

۲٤ فوریه ۱۹۲۶

عبور از زیر برج ایفل

یك خلبان جسور فرانسوی بنام سروان کومو سعی کرد باهواپیما از زیر طبقه نخست برج ایفل بگذرد ولی هواپیمایش تصادف کرد و آتش گرفت .

۲۷ فوریه ۱۹۳۳

حریق در رایشتاگ

هیتلر از همان روز های نخست که قدرت حکومت را بدست آورد سعی داشت حزب کمونیست را درآلمان تعطیل کند ولی بهانه‌ای نمی جست تااینکه دراین شب حریق مدهشی در رایشتاگ صورت گرفت که عامل آنرا بنام وان‌درلوب که کارت حزب کمونیست را داشت دستگیر کردند وی بجرم خود اعتراف نمود ولی بعد ها معلوم شد این یك نوع بازی سیاسی هیتلر بوده است .

۲۸ فوریه ۱۹۳۳

اعتصاب آبجو در آلمان

پانزده هزار کافه چی در برلن برای اعتراض بافزایش مالیات اعتصاب کردند و آبجو نفروختند . زیانی که ازاین رهگذر بخزانه دولت خورد روزانه یك میلیون مارك بود .

سوم مارس ۱۹۳۳

زلزله در ژاپن

در نتیجه وقوع یك زلزله شدید در شمال شرقی ژاپن ۱۵۳۵ نفر مردند و ۹۸٤ نفر مفقودالاثر شدند و چهارصد نفر جراحت برداشتند .

پنج مارس ۱۹۳۰

قانون به نفع مشروبخور ها

درکوپنهاك قانونی به تصویب رسید که بدمست ها را جریمه میکرد . دراین قانون جریمه‌ای نیز برای صاحبان کاباره ها درنظر گرفته شده بود باین ترتیب که پاسبانی دم کاباره ایستاده است که هربدمستی را باتاکسی بخانه‌اش برساند و پول آنرا روز بعد ازصاحب کاباره بگیرد که چرا به مشتری خود بیش‌از ظرفیت مشروب فروخته است .

۱۱ مارس ۱۹۰۰

بزرگترین نیمروی تاریخ

دهاقین کر در تونس ازفراوانی گنجشك هائی که محصول را میخوردند شکایت‌داشتند و بخواهش آنها یك هنگ از سربازان مامور جمع‌آوری تخم گنجشك ها شدند . کار این عده که تمام شد پنج هزار تخم جمع آوری شده بود که با آن آشپز هنگ نیمروئی باندازه دومتر در ظرف مخصوصی که باین قصدساخته شده بود ترتیب داد .

۱۷ مارس ۱۹٤۷

درگذشت کاشف ویتامین

عالم شهیر سرفردریك هاپکینس در سن ۸۶ سالگی در کامبریج درگذشت تجسسات‌وی درباره غذا ها موجب کشف ویتامین‌ها گردیده بود . وی قصد داشت ویتامین اصلی که پایه دیگر ویتامین هاست بدست آورد ولی آخر عمر کور شد و بدون رسیدن بهدف درگذشت.

۱۹ مارس ۱۹۳۲

انفجار از راه دور

امروز آزمایشهای لازم بوسیله دستگاه فرستنده‌وگیرنده‌که بتواند بکمك‌امواج‌رادیوئی وایجادارتعاش وبازکردن دریچه‌ای‌که به‌مخزن موادمنفجره آتش بزند باموفقیت‌انجام گردید.

۲۰ مارس ۱۹۳۷

انتقال خاکستر مارشال فوش

خاکستر مارشال فوش دراین روز که مصادف با سالروز درگذشت او بود ، آرامگاه ابدی وی‌که درکنارناپلئون بناپارت در انوالید وسیله لاندوسکی ساخته شده است انتقال یافت آرامگاه مرکب از سکوئی است از برنز که روی آن زندگانی مارشال حك شده است .

سوم آوریل ۱۹٤۸

اجرای طرح مارشال

طرح ژنرال مارشال حاکی از کمکهای اقتصادی بکشور فرانسه و هشت کشور اروپائی دیگر از سوم آوریل ۱۹٤۸ تا سی‌ام ژوئن ۱۹۵۲ طبق تصویب کنگره امریکا بمرحله اجرا درآمد . طبق این طرح کشورهای فوق‌الذکر خواهند توانست اقتصاد بعد از جنگ خود را مرمت نمایند .

چهارم آوریل ۱۹۵۰

تاج‌گذاری شاهزاده موناکو

شاهزاده لویی دوم موناکو رینر که بجای پدر خود منصوب شده دراین روز تاجگذاری نموده است خاك قلمرو او ۲۵ هزار هکتار و درکنار مدیترانه است و دوهزار سکنه حقیقی دارد بدون احتساب جهانگردان که بآن کشور میروند . دراین‌کشور مالیات پرداخته نمیشود . شاهزاده روز تاجگذاری بیست و هشت سال داشت .

دهم آوریل ۱۹٤۱

مارسل پره‌وو مرد

چه‌کسی‌تصورمیکرد که این‌فارغ‌التحصیل پلی‌تکنیك روزی بزرگترین نویسنده فرانسه وعضو آکادمی فرهنگستان خواهد شد ؟ مارسل پره‌وو نویسنده رومانهای نیمه‌باکره — نامه های زنان — اعتراف یك معشوق — نامه‌هائی به فرانسواز که در اول ماه مه ۱۸۶۲ متولد



آندره‌ژید ، نویسنده فرانسوی



فرانکلین‌روزولت‌رئیس جمهوری امریکا که دوران پر مشقت جنگ دوم جهانی را با شکیبائی تحمل کرد

شده بود در هفتاد و نه سالگی دارفانی راوداع گفت . اکثر مردم پاریس در مراسم تشییع جنازه او شرکت نمودند .

۱۳ آوریل ۱۹٤۵

روزولت دارفانی را وداع گفت

متولد هایدپارك در دره‌های هودسن در سی‌ام ژانویه ۱۸۸۲ فرانکلین و بانو روزولت در ۱۹۳۲ بعنوان رئیس‌جمهوری امریکاانتخاب گردید و دوبار دیگر نیز ملت امریکا باو اظهار اعتماد کرد و بریاست رسید و در ۱۳ آوریل ۱۹٤۵ دارفانی را بدرود گفت وکار خود را ناتمام گذاشت. وی در سی سالگی مبتلا بفلج ناقص شده بود و نمیتوانست راه برود . وی در باغ منزل مسکونیش در هایدپارك دفن گردید وکتابخانه وی پر از مجموعه اشیاء بشکل موزه نگاهداری‌میشود.



پرنس رینر شاهزاده موناکو

۲۱ آوریل ۱۹۰۷

اولین کلوپ اختصاصی بانوان

برای نخستین‌بار دراین روز یك‌باشگاه ورزشی اختصاصی بانوان در پاریس افتتاح شد . گشایش این کلوپ توجه محافل اجتماعی را جلب کرد و خصوصا برای مردان چنین باشگاهی بسیار تعجب آمیز بود و از خود میپرسیدند که « چه وقت شلوار می‌پوشند و سیگار می‌کشند ؟»

۳۰ آوریل ۱۹۳۰

بیمه های اجتماعی در فرانسه اجباری شد

روزنامه رسمی متن قانون بیمه های اجتماعی‌اجباری را درمورد حوادث‌کار ، پیری و بیکاری وبیماری درمورد هرحقوق بگیری که درآمد سالانه‌اش از هجده هزار فرانك تجاوز نمی‌کند منتشر ساخت و باین طریق‌قانون سال ۱۸۹۸ و ۱۸۲۸ کامل گردید . در۱۹٤٦ این قانون تکمیل و بیمه اجتماعی مبدل به تامین اجتماعی گردید باین شرح‌که همه‌مردم را شامل شد و دامنه تعهدات نیز وسعت یافت

اول مه ۱۹٤۵

مرگ اسرارآمیز هیتلر

رادیو آلمان اعلام کرد که فوهررپیشوای آلمان مرده است . جسد هیتلر را هرگز پیدا نکردند و شایعات درباب خودکشی اسرارآمیز او و اوابراون منتشر شد ولی تابحال قاطعیت امر دقیقا روشن نشده است .



آدولف هیتلر پیشوای آلمان درزمان جنگ دوم و موسس حـزب نازی

سوم مه ۱۹٤۵

بانوی نویسنده درآکادمی

خانم کولت نویسنده کتابهای «شری» و



«ژیژی» و« گربه» بعضویت فرهنگستان کنکور انتخاب شد و این دومین زنی است که در مجامع ادبی باین شکل راه پیدا میکند . نخستین بانوی عضو فرهنگستان کنکور ژودیت گوتیه بود که در سال ۱۹۱۰ باین عنوان انتخاب گردید .

هفتم مه ۱۹۴۵

تسلیم بلاشرط آلمان

درتالار کوچك یك مدرسه واقع درریمس ژنرال آلمانی گلد قرارداد تسلیم بلاشرط آلمان را امضاء کرد . هنگام امضای این قرارداد ژنرالهای آلمانی حضور داشتند . فردای اینروز «هشتم مه» این معاهده بامضای ژنرال کاستیل در برلن رسید معهذا امضای قرارداد مانع از آن نشد که این دو ژنرال نظیر دیگر ژنرالهای نازی محکوم باعدام نشوند و در دادگاه نورمبرگ حضور نیابند .

نهم مه ۱۹۴۶

استعفای ویکتورآمانوئل

ویکتور امانوئل پادشاه ایتالیا پس از آنکه به نفع پسر خود همبر پیهمون ازسلطنت استعفا داد عازم ناپل شد تا به پرت سعید برود . پنجاه صندوق اثاثیه همراه وی بود . استعفانامه تسلیم گاسیسری رئیس دولت گردید تا در مجلس مشترك نمایندگان در تاریخ دهم ماه مه قرائت شود . بااینهمه درتاریخ پنجم ژوئن شاه جدید نیز کنار رفت زیرا در یك مراجعه بآراء عمومی ۱۲۱۸۱۸۵۵ نفردرمقابل ۱۰۳۶۲۷۰۹ نفر رای به جمهوری‌دادند .

۱۷ مه ۱۹۵۰

بازگشت خاندان سلطنتی فرانسه

مجلس نمایندگان به لغو قانون ۲۶ژوین ۱۸۸۶ حاکی از منع ورود خاندان سلطنتی فرانسه بداخل کشور رای داد و کنت

مادام کولت که در برابر آقای دوهامل قرارگرفته نه ترس دارد و نه احتیاجی به فرهنگستان کولت با قلم سحار خود نه تنها شیوهٔ جدیدی در نویسندگی ارائه کرد بلکه راهرا برای زنان گشود

موسس خاندان روکفلر جان ، و، روکفلر و پسر و نوه‌اش نلسون روکفلر که هم اکنون کاندیدای ریاست جمهوری امریکاست .





دوپاری رئیس خانواده اورلئان مجاز بهورود فرانسه شناخته شد .

۱۸ مه ۱۹۰۶

بزرگترین تونل جهان

پس‌از هشت سال کار طاقت‌فرسا تونل سمپلون بطول بیست کیلومتر پایان یافت کار پرزحمت و شاق تونل مرگ تعداد بیشماری کارگر را دربرداشت ولی امروز تاریکی‌های آلپ مسخر گردید و تونل گشوده‌شد .

۱۹ مه ۱۹۱۰

اعلام پایان دنیا

ستاره‌شناسان پیش‌بینی کرده بودند که ساعت چهار صبح این روز یکی از اقمار با شتاب بزمین اصابت خواهد کرد و موجب نابودی زمین خواهد شد . تمام مردم در اضطراب و دلواپسی بسر بردند . در پاریس برق و آب را قطع‌کردند . در بوداپست یك نفر از وحشت مرد و درلندن یك زن بـا بچه‌اش خود را بچاه انداخت‌ولی در ساعت موعود هیچ خبری نشد و آب از آب تکان نخورد !

۲۳ مه ۱۹۳۷

مرگ ثروتمندترین مرد دنیا

درتاریخ ۱۸۳۹ مردی پا بعرصه وجود نهاد که قریب یکصد سال بعد هنگام مرگش تمام دنیا او را ثروتمندترین مرد جهـــان می‌دانستند جون . د. روکفلر درابتدای‌زندگی کار ثابت و معینی نداشت وبقدری صرفه‌جو بود که در سال ۱۹۰۶ غالب چاههای نفت باو تعلق‌داشت .

اول ژوئن ۱۹۰۵

سوء قصد بپادشاه اسپانیا

الفونس سیزدهم پادشاه اسپانیا هنگام بازدید رسمی از فرانسه ، در موقعی که با رئیس جمهوری آنکشور آقای امیل‌لوبه از خیابان شانزه‌لیزه می‌گذشتند مورد سوءقصد واقع‌شدند و یك بمب روی کالسکه‌های سلطنتی افتاد . بپادشاه و رئیس‌جمهور که شب‌خوشی را در اوپرا گذرانده بودند آسیبی واردنیامد ولی بیست و چهار نفر از همراهان بسختی مجروح گردیدند .

ششم ژوئن ۱۹۳۶

برای نخستین بار زنان وارد دولت فرانسه شدند

پس از پیروزی حزب سوسیالیست ، لئون‌بلوم رهبر حزب مامور تشکیل کابینه‌شد وی برای نخستین بار در کابینه خود از چند زن دعوت بهمکاری کرد . خانم بروشویك را برای معاونت فرهنگ و خانم ایرن ــ ژولیوکوری و خانم سوزان لاکور را برای معاونت حمایت اطفال . این کابینه در همین روز رای اعتماد گرفت .

نهم ژوئن ۱۹۴۶

کشته شدن پادشاه سیام

پادشاه سیام را دیروز دراتاق خواب‌خود غرق درخون یافتند . گلوله‌ای مغز او را متلاشی کرده بود . پادشاه بیست و یکسال بیشتر نداشت وی تمام تحصیلات خود را در سویس در لوزان باتمام رسانده بود و پس از پایان جنگ بکشور خود بازگشته بود .

۲۶ ژوئن ۱۹۴۵

تصویب منشور سازمان ملل متحد

اساسنامه سازمان ملل متحد امروز در سانفرانسیسکو محتوی ۱۳۳ صفحه متن و ۲۵ صفحه اضافی برای امضاها بامضاء رسید . ترومن رئیس جمهوری امریکا ریاست جلسه را برعهده داشت . این اساسنامه یك شورای امنیت و یك شورای‌اقتصادی و اجتماعی و یك دادگاه بین‌المللی را بجای دادگاه لاهه پیش‌بینی کرده است .

سی‌ام ژوئن ۱۹۴۵

آزمایش بمب اتم در بی‌کی‌نی

یکشنبه سی‌ام ژوئن ساعت بیست‌وسه‌دقیقه بمب اتمی آزمایشی روی بی‌کی‌نی انداخته شد . چهل و پنج ثانیه پس از رها شدن بمب بررسی کنندگان (دانشمندان ــ روزنامه نویس های همه عالم) شعله قرمز رنگ بزرگی را بشکل فلش تماشا کردند سپس ابری خاکستری رنگ مانند یك قارچ بشعاع بیست کیلومتری بآسمان بلند شد . حیوانات آزمایشی که در معرض اشعه رادیو آکتیو قرار داده شده بودند رنگهای خود را از دست دادند .

بیستم ژوئیه ۱۹۴۵

پل والری در بستر مرگ

از شش هفته پیش پل‌والری شاعر و نویسنده شهیر و عضو آکادمی فرانسه که در بستر مرگ آرمیده بود ساعت نه صبح بدرود حیات گفت . وی از سال ۱۹۲۵ عضویت فرهنگستان را یافته بود . در تشییع جنازه‌اش هزاران پاریسی شرکت کردند .

بیست و یکم ژوئیه ۱۹۰۶

اعاده حیثیت دریفوس

آلفرد دریفوس افسر فرانسوی که متهم بود اسرار نظامی‌کشورش را به آلمانها فروخته است و اسناد و مدارکی نیز علیه او در دادگاه نظامی ارائه شده ودرنتیجه‌دریفوس را محاکمه و خلع درجه کرده بودند پس از مدتها معلوم شد در این ماجری وی کاملا بی‌گناه بوده است و مدافعات امیل زولا نویسنده فرانسوی

له‌او کاملا حقیقت داشته است . در این روز دادگاه حکم محکومیت قبلی را نقض و برای دریفوس اعاده حیثیت نمود .

پنجم اوت ۱۹۲۴

تعدد زوجات در ترکیه ممنوع شد

قانون مدنی ترکیه ازدواج با چهار زن را مجاز دانسته بود ولی کمیسیون مجلس مامور رسیدگی بقانون ازدواج طرح تازه‌ای را تصویب کرد که براساس آن هیچ مرد ترکی نمیتواند بیش از یك زن داشته باشد . داشتن بیش ازیك زن‌منوط بشرایط خاص و درخواست از دادگاه مخصوص است .

ششم اوت ۱۹۴۵

بمب اتمی روی هیروشیما

بمب اتمی مخربی وسیله یك هواپیمای امریکائی روی هیروشیما (ژاپن) افکنده شد . این بمب مخرب ترین بمب موجود اتمی بشمار میرفت و در نتیجه انفجار آن از هیروشیما تل خاکی با جسد نود و پنج هزار مرده و یکصد هزار مجروح باقیماند .

دهم اوت ۱۹۴۵

تسلیم ژاپن وخاتمه جنگ دوم‌جهانی

درنتیجه اولتیماتوم پوتسدام ژاپن با میانجی‌گری سویس و سوئد تسلیم بلاشرط را پذیرفت و روز پانزدهم اوت ساعت یك وپانزده دقیقه ترومن رئیس جمهوری امریکا رسما تسلیم ژاپن را اعلام نمود و باین ترتیب به جنگ دوم جهانی خاتمه داده شد .

مراسم رسمی تسلیم روز دوم سپتامبر انجام پذیرفت .

ششم سپتامبر ۱۹۳۵

(زکی!) جزو لغات فرهنگستان شد

فرهنگستان فرانسه هنگام تجدید نظر در هشتمین چاپ فرهنگستان لغات پس از یك سلسله بحث ومجادله قبول‌کرد کلمه «زکی !» جزو لغات رسمی فرهنگستان درآید و رسما مورد استفاده قرارگیرد . تا پیش از آن این کلمه جزو لغات عامیانه بود .

دهم سپتامبر ۱۹۵۰

بلبل امریکا ازدواج کرد

دیانادور بین بلبل عالم سینمای امریکا ،

ترومن خاتمه جنگ دوم جهانی را اعلام کرد .



پل والری

خواننده نامی هولیوود باشارل داوید فرانسوی ازدواج کرد وی دختر یك مامور راه آهن است که در مدت کمی اشتهارش دنیائی شد و محبوبیت و شهرت او همه جا را گرفت . در نتیجه این ازدواج وی مقیم فرانسه گردید و برای همیشه سینما را ترك گفت .

دهم سپتامبر ۱۹۵۱

ماریامونتز سکته کرد

ماریامونتز که پس از ازدواجش با ژان پیراوجون فرانسوی شده بود بین بازی در دو فیلم خویش در حوالی پاریس استراحت میکرد . شب هفتم سپتامبر وی وارد حمام شد ساعتی بعد ویرا در وان مرده یافتند . معاینات پزشکی نشان داد که وی سکته کرده و در وان غرق شده است . روز دهم سپتامبر عده زیادی از مردم پاریس در مراسم تشییع جنازه او شرکت نمودند .

هیجدهم اکتبر ۱۹۳۱

مخترع برق خاموش شد

توماس ادیسون که در اوهایوی امریکا (میلان) پا بعرصه وجود گذاشته و در جوانی شغلهای مختلفی نظیر واکسی ، روزنامه‌فروشی داشت پیش از آنکه نیروی برق را کشف کند موفق شده بود میکروفون تلفن را که بعدها مورد استفاده گراهام بل قرارگرفت اختراع نماید . وی در تاریخ هیجدهم اکتبر سال۱۹۳۱ دارفانی را بدرود گفت . ادیسون ۸٤ سال عمر کرد .

۲٤ اکتبر ۱۹٤٦

سنگ بنای سازمان ملل

پرزیدنت‌ترومن اینروز در مراسم گذاشتن نخستین سنگ بنای سازمان ملل متحد سه هدف عالی سازمان ملل را باین شرح بیان کرد :

۱ــ بازرسی سلاحهای اتمی .

۲ــ احترام حقوق بشر .

۳ ــ سازمان توسعه اقتصادی .

۲٦ اکتبر ۱۹۵۱

پاداش اختراع داروی روماتیسم

یکی از بهترین اختراعات داروئی قرن بیستم کشف کورتیزان برای مداوای بیماری روماتیسم است . سه‌دانشمندی‌که این دارو را پیدا کرده‌اند پروفسورادواردکاندال ــ فیلیپ هنچ(هردوامریکائی) وتادوزرچشتاین(سوئدی) جایزه نوبل پزشکی را دریافت داشتند .

ششم نوامبر ۱۹۲۵

هیروهیتو امپراطور ژاپن

تاج‌گذاری هیروهیتو امپراطور ژاپن در کیوتو انجام شد . بیش از پانصد هزار نفر انتظار در خیابان منتظر عبور امپراطور بودند. سرانجام وی باگارد مخصوص خود خارج شد بلافاصله مردم زانوبرزمین زده و خاك را سجده



نخستین بنای سازمان ملل متحد وسیله ترومن رئیس جمهوری امریکا برزمین گذاشته شد باین امید که سازمان ملل متحد بتواند دوستی بین کشور ها و احترام حقوق بشررامحفوظ دارد .

توماس ادیسون



جك لندن



کردند زیرا گذشته از تقدس امپراطور مرده مجاز به تماشای چهره او نیستند .

۲۶ نوامبر ۱۹۵۱

پادشاه سوئد درگذشت

گوستاو پنجم ساده ترین پادشاه روی زمین در سن ۹۳ سالگی درگذشت . وی تنها پادشاهی بودکه تشریفات درباری را ملغی‌کرده و بسادگی در خیابانها قدم میزد و بورزش مورد علاقه خود تنیس میپرداخت . وی درسال ۱۹۰۷ به تخت نشست و با شاهزاده ویکتوریا ازدواج کرد و سه‌فرزند داشت که بزرگتر آنها گوستاو آدولف بجای وی برتخت نشست .

نهم دسامبر ۱۹۵۱

دهمین سال مرگ نوبل

لئون ژوهو رهبر سندیکاهای فرانسه امروز صبح دراسلو جایزه صلح نوبل رادریافت کرد . در این مراسم مطلب دیگری هم بچشم میخورد و آن مراسم یادبود دهمین سال مرگ آلفرد نوبل بنیان‌گذار جایزه نوبل بود .

۲۲ دسامبر ۱۹۱۵

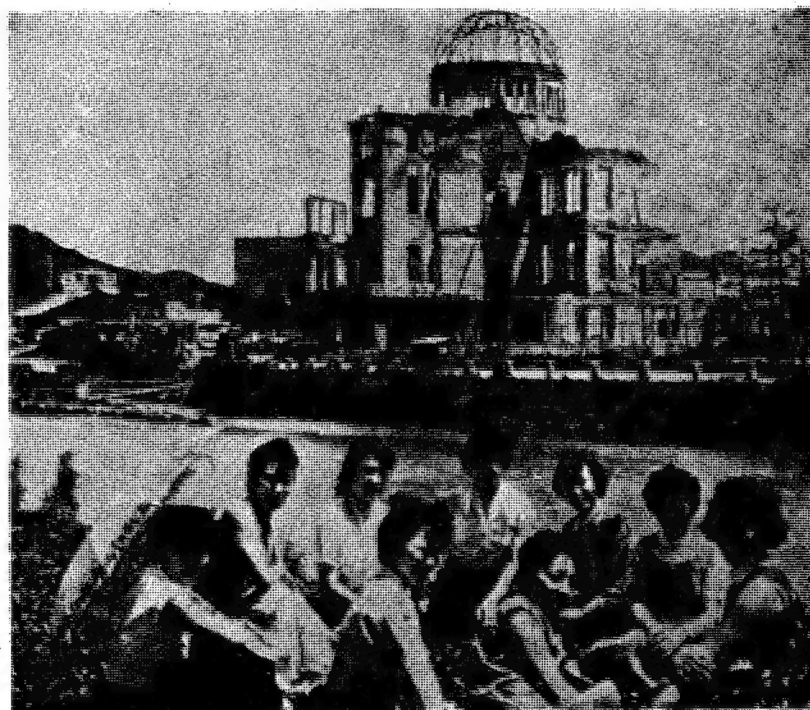
مرگ نویسنده داستانهای پرحادثه

جك لندن نویسنده شهیر داستانهای پرحادثه در هلن الن (کالیفرنیا) زندگی را بدرود گفت . وی نویسنده ای پرکار بود که قبل از رسیدن باشتهار بهمه کاری دست زده بود . روزنامه فروشی ، واکسی ، صید ماهی ، لباس شوئی، جستجوی طلا خصوصا دریانوردی

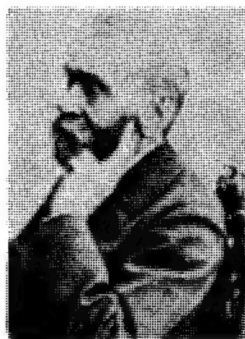
۲۹ دسامبر ۱۹۰۹

بوسیدن کتاب مقدس‌آزاد شد

طبق قانونی که از مجلس‌گذشت ازاین‌ببعد بوسیدن کتاب مقدس در دادگاهها هنگام قسم خوردن‌اجباری نخواهد بود این‌تصمیم خصوصا باین علت اتخاذ شده است که جلد کتاب‌مقدس ممکن است آلوده بمیکروب بوده و موجب ابتلاء شود . قسم خورنده کتاب مقدس را در دست راست نگاه میدارد و قسم میخورد .



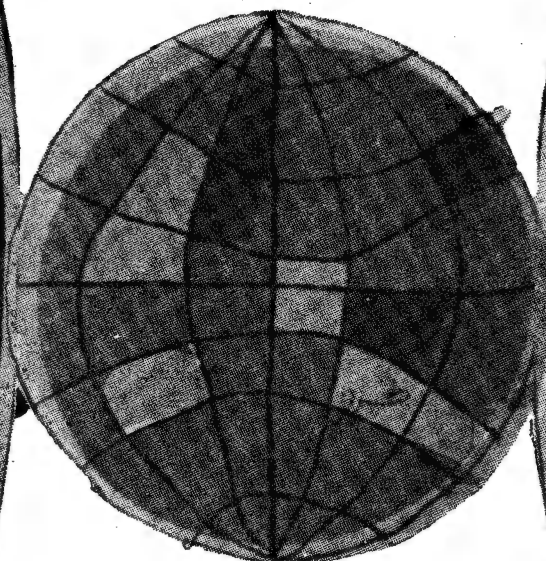
هیروشیما : ساختمانی که بیادبود انفجاربمب‌اتمی امریکا درهیروشیما از سال ۱۹٤٥ تاکنون بهمین‌صورت باقیمانده (بمب اتمی مزبور با از بین بردن ۷۰ هزارتن به جنگ‌دوم جهانی خاتمه داد)



آلفرد برنارد نوبل شیمیست‌سوئدی و مخترع دینامیت و بانی جایزه نوبل (۱۸۳۳ـ۱۸۹٦)

جغرافیا

- اوقیانوسها
- قله ها
- آتش فشانها
- جزائر
- بیابانها
- غارها
- دریاچه ها
- رودخانه ها
- آبشار ها
- چشمه ها
- سد ها
- آب و هوا
- زبانها
- مساحت و جمعیت
- جمعیت بزرگترین شهرها
- جمعیت سایر شهر ها
- منابع مهم ثروت



بلندترین قله‌های جهان

بترتیب ارتفاع از سطح دریا

نام قله	نام سلسله جبال	محل	ارتفاع بحسب فوت	نام قله	نام سلسله‌جبال	محل	ارتفاع بحسب‌فوت
اورست	هیمالیا	نپال ــ تبت	۲۹،۰۲۸	الموئرتو	اند	آرژانتین ــ شیلی	۲۱۴۵۶
گادوئن ائوستن	قره قوروم	هند	۲۸،۲۵۰	ایلی مانی	اند	بولیویا	۲۱۱۸۴
ماکالو	هیمالیا	نپال ــ سیک‌کیم	۲۸۱۶۸	کورویونا	اند	پرو	۲۱۰۷۹
کان چن جونگا	هیمالیا	تبت ــ نپال	۲۷۷۹۰	کوزکو (ائوسانگاته)	اند	پرو	۲۰۹۹۵
دائولاگیری	هیمالیا	نپال	۲۶۷۹۰	پارینا کوتا	اند	بولیویا ــ شیلی	۲۰۷۶۸
ناتگاپاربات	هیمالیا	هند	۲۶۶۶۰	سالکانتای	اند	پرو	۲۰۵۷۵
گوسائینت‌هان	هیمالیا	تبت	۲۶۲۸۹	ژنرال مانوئل بلگرانو	اند	آرژانتین	۲۰۵۰۵
ناندادوی	هیمالیا	هند	۲۵۶۴۵	کاکاآکا	اند	بولیویا	۲۰۳۲۸
راکاپوشیی	هیمالیا	هند	۲۵۵۰۰	مکین‌لی	آلاسکا	آلاسکا	۲۰۳۲۰
کامت	هیمالیا	هند ــ تبت	۲۵۴۴۷	کوندوری‌ری	اند	بولیویا	۲۰۰۹۵
نامچاباروا	هیمالیا	تبت	۲۵۴۴۵	سلیمانا	اند	پرو	۲۰۰۶۹
گورلاماندهاتا	هیمالیا	تبت	۲۵۳۵۵	فوادا	اند	آرژانتین	۲۰۰۲۳
اولوغ موزتغ	کون‌لون	تبت	۲۵۳۴۱	آنتوفالالا	اند	آرژانتین	۲۰۰۱۳
توریچ‌میر	هندوکش	پاکستان	۲۵۲۳۶	لوگان	سن الیا س	کانادا	۱۹۸۵۰
کولاکانگری	هیمالیا	تبت	۲۴۷۸۳	نارت پیک	آلاسکا	آلاسکا	۱۹۴۷۰
موزتاغ‌آتا	موزتاغ آتا	چین	۲۴۷۵۷	کلمان‌جارو	ــ	تانگانیکا	۱۹۳۴۰
چام لانگ	هیمالیا	نپال	۲۴۰۱۲	پوترو	اند	شیلی ــ آرژانتین	۱۹۱۲۷
الونگ گانگری	هیمالیا	تبت	۲۳۹۹۹	فریدت جوف نانسن		قاره قطب جنوب (انتارک‌تیکا)	۱۸۹۵۳
جومولهاری	هیمالیا	تبت ــ بوتان	۲۳۹۹۶				
موزتغ	کون‌لون	چین	۲۳۸۹۱	اوری‌زابا (سیت‌لال‌تپت)	سیرامادره‌خاوری	مکزیک	۱۸۷۰۱
گائوری سانکار	هیمالیا	نپال ــ تبت	۲۳۴۴۰	البروس	قفقاز	شوروی	۱۸۴۸۱
پائوهونری	هیمالیا	هند ــ تبت	۲۳۱۸۰	دماوند		ایران	۱۸۰۰۰
اکون کاگوئا	اند	آرژانتین ــ شیلی	۲۳۸۳۴	سن الیاس	سن الیاس	آلاسکا ــ کانادا	۱۸۰۰۸
کان گهنج‌هان	هیمالیا	هند	۲۲۷۰۰	پوپوکاته پتل	التیپلانودمکزیکو	مکزیک	۱۷۸۸۷
سینیول‌چو	هیمالیا	هند	۲۲۶۰۰	فوراکر	آلاسکا	آلاسکا	۱۷۴۰۰
اوجوس‌دل‌سالادو	اند	آرژانتین ــ شیلی	۲۲۵۸۸	ایکس تاکی هواتل	التی پلانودمکزیکو	مکزیک	۱۷۳۴۲
بونت	اند	آرژانتین ــ شیلی	۲۲۵۴۶	لوکانیا	سن‌الیاس	کانادا	۱۷۱۵۰
سیم‌وو	هیمالیا	هند	۲۲۳۴۶	کینگ پیک (قلعه شاه	سن‌الیاس	کانادا	۱۷۱۳۰
توپون‌گاتو	اند	آرژانتین	۲۲۳۰۹	دیخ تائو	قفقاز	شوروی	۱۷۰۵۴
کونگ‌پو	هیمالیا	بوتان	۲۲۳۰۰	بجالند		قاره قطب جنوب (انتارک تیکا)	۱۶۹۹۵
فالسو ــ ازوفره	اند	آرژانتین ــ شیلی	۲۲۲۷۷				
ولادرو	اند	آرژانتین	۲۲۲۴۴	ویس تینگ		قاره قطب جنوب (انتارک تیکا)	۱۶۹۹۵
پی‌سیس	اند	آرژانتین	۲۲۲۴۱				
مرسداریو	اند	آرژانتین ــ شیلی	۲۲۲۱۱	استانلی (مارگریتا)	روون زوری	کنگو ــ یوگاندا	۱۶۷۶۳
هواس‌کاران	اند	پرو	۲۲۱۹۸	کازبک	قفقاز	شوروی	۱۶۵۵۸
توکورپوری	اند	بلیویا ــ شیلی	۲۲۱۶۲	کارس تنز	ناسائو	گینه نو	۱۶۵۳۵
للول‌لائیل‌لاکو	اند	آرژانتین ــ شیلی	۲۲۰۵۷	بلك برن	ورانگل	آلاسکا	۱۶۵۲۳
لیبرتادور	اند	آرژانتین	۲۲۰۴۷	استیله	سن‌الیاس	کانادا	۱۶۴۳۹
کائیلاس	هیمالیا	تبت	۲۲۰۲۷	بونا	ورانگل	آلاسکا	۱۶۴۲۱
اینکاهواسی	اند	آرژانتین ــ شیلی	۲۱۷۱۹	سن‌فورد	ورانگل	آلاسکا	۱۶۲۰۸
کارنی‌سرو	اند	پرو	۲۱۶۸۹	واده		قاره قطب جنوب (انتارک تیکا)	۱۶۱۴۵
ساجاما	اند	بولیویا	۲۱۵۵۵				
انکوهوما	اند	بولیویا	۲۱۴۹۰				

اقیانوس‌ها و دریاهای بزرگ جهان

نام	مساحت بحسب میل‌مربع	عمق متوسط بحسب فوت	بزرگترین عمق شناخته شده	محل وقوع عمیق ترین نقطهٔ شناخته شده
اقیانوس کبیر	۶۴٫۰۰۰٫۰۰۰	۱۳۲۱۵	۳۵۹۵۸	چلن جردیپ
اقیانوس اطلس	۳۱٫۸۱۵٫۰۰۰	۱۲۸۸۰	۳۰۲۴۶	پورتوریکو ترو
اقیانوس هند	۲۵٫۳۰۰٫۰۰۰	۱۳۰۰۲	۲۴۴۶۰	سوندا تریخ
اقیانوس منجمد شمالی	۵٫۴۴۰٫۲۰۰	۳۹۵۳	۱۸۴۵۶	۴۵ ۷۷ شمالی و ۱۷۵ غربی
دریای مدیترانه (بانضمام دریای سیاه و ازوف)	۱٫۱۴۵٫۱۰۰	۴۶۸۸	۱۵۱۹۷	بین اروپا و افریقا
دریای کارائیب	۱٫۰۴۹٫۵۰۰	۸۶۸۵	۲۲۷۸۸	برون جزائر کایمان
دریای جنوبی چین	۸۹۵٫۴۰۰	۵۴۱۹	۱۶۴۵۶	درباختر لوزون
دریای بیرینگ	۸۸۴٫۹۰۰	۵۰۷۵	۱۵۶۵۹	برون جزیره بولدیر
خلیج مکزیك	۶۱۵٫۰۰۰	۴۸۷۴	۱۲۴۲۵	سیگس بی‌دیپ
دریای اختسك	۶۱۳٫۸۰۰	۲۷۴۹	۱۲۰۰۱	۱۰ ۱۴۶ شرقی ــ ۵۰ ۴۶شمالی
دریای خاوری‌چین	۴۸۲٫۳۰۰	۶۱۷	۹۱۲۶	۱۶ ۲۵ شمالی ــ ۱۲۵ شرقی
خلیج هودسون	۴۷۵٫۸۰۰	۴۲۰	۶۰۰	نیرانترنس (مدخل نزدیك)
دریای ژاپون	۳۸۹٫۱۰۰	۴۴۲۹	۱۲۲۷۶	سنترال بیسین (حوزه مرکزی)
دریای آندآمان	۳۰۸٫۰۰۰	۲۸۵۴	۱۲۳۹۲	برون جزیره نیکوبار
دریای شمال	۲۲۲٫۱۰۰	۳۰۸	۲۱۶۵	اسکاجوراك
دریای سرخ	۱۶۹٫۱۰۰	۱۶۱۱	۷۲۵۴	بین عربستان و افریقا
دریای بالتیك	۱۶۳٫۰۰۰	۱۸۰	۱۳۸۰	بین اسکاندیناوی و روسیه
دریای خزر	(رجوع شود بدریاچه های بزرگ جهان)			

آتش فشانهای جهان

تقریبا در حدود ۴۳۰ آتش فشان (۲۷۵ در نیمکرهٔ شمالی و ۱۵۵ در نیمکرهٔ جنوبی) در جهان وجود دارد که آتش فشانی آنها یا ثبت تاریخ شده و یا دیده شده است . از ۲۵۰۰ آتش فشانی ثبت‌شده در تاریخ بیش از ۲۰۰۰ آن در منطقهٔ اقیانوس کبیر بوقوع پیوسته در حدود هشتاد آتش فشان از جمله آتش فشانهای فعال امروزی از نوع زیر دریائی هستند .

اینك آتش‌فشانها را در تحت دو عنوان : منطقهٔ اقیانوسهای اطلس و هند ودیگر منطقه اقیانوس کبیر صورت میدهیم :

ناحیهٔ مدیترانه :

ایتالیا : کوه **وزوویوس** در جنوب خاوری ناپل (ارتفاع ۳۸۵۸ فوت) تنها آتش فشان فعال در سرزمین اصلی اروپاست . شهر پمپی در سال ۷۹ میلادی در زیر مواد آتش فشانی این کوه مدفون گردید ، آخرین آتش فشانی آن در ۱۹۴۴ بود .

سیسیل : کوه **اتنا** در خاور سیسیل (ارتفاع ۱۰۷۴۱ فوت) دو دهانه ولکان در انفجار های فوریه ــ مارس ۱۹۴۷ تشکیل داد . در مدت ۵۰ سال سخت ترین انفجار آن در نوامبر ۱۹۵۰ تا ژانویه ۱۹۵۱ بوقوع پیوست .

جزائر لیپاری : (در شمال‌سیسیل) : کوه **استرومبولی** (ارتفاع در حدود ۳۰۰۰ فوت) که به چراغ دریائی مدیترانه معروف است ودر ۱۹۵۶ آتش فشانی کرد .

منطقهٔ اقیانوس اطلس

جزایر کاناری : **پیکودتیدو** (تنهریف) در جزیرهٔ تنهریف (ارتفاع ۱۲۱۹۲ فوت) جزایر کیپ ورد (دماغه ورد) : کوه **فوگو** (متجاوز از ۸۰۰۰ فوت ارتفاع) ــ آتش‌فشانی شدید آن در ۱۸۵۷ آخرین آن در ۱۹۵۱ .

آیسلند : در ازمنهٔ تاریخی آن حداقل ۲۵ آتش فشان فعال دیده شده . این آتش فشانها خیلی با آتش فشانهای هاوائی شباهت دارند . آتش فشان **اسکجا** (۴۶۰۰ فوت) از همه بزرگ تر است

انتیلهای کوچك (جزائر هند غربی) : **مونت پوله** در شمال باختری **مارتی‌نیك** (در حدود ۴۴۰۰ فوت) انفجار سال ۱۹۰۲ آن‌شهر سن‌پیررا ویران کرده در حدود ۴۰۰۰۰ نفر را تلف نمود .

منطقهٔ اقیانوس هند

جزائر کومورو (در خاور موزامبیك شمالی) : آتش فشان **کارتالا** (متجاوز از ۸۵۰۰ فوت ارتفاع) از ۱۰۰ میلی دیده میشود . آخرین انفجار آن در ۱۹۰۴ بود .

جزیرهٔ رئونیون (در خاور ماداگاسکار) : **پیتون دولافورنز** (لوولکان) (۸۶۱۰ فوت) مقدار هنگفت **لاو** (مواد آتش فشانی) از آن جریان دارد .

بخش شمال باختری

کامچاتکا : دارای ۱۴ تا ۱۸ آتش فشان فعال است آتش‌فشان

اوچفس کایا (کلوچف) بارتفاع ۱۵۹۱۲ فوت در ۱۹۵٤ آتش‌فشانی کرد .

جزایر کوریل : حداقل دارای ۱۳ آتش فشان فعال و چندین آتش فشان زیر دریائی است .

ژاپون : حداقل دارای ۳۳ مخرج آتش فشانی است .

فوجی یاما (فوجی سان) در جنوب باختری توکیو (۱۲۳۸۵ فوت ارتفاع) شکل خارجی آن متقارن واز برف پوشیده ودر نزد اهالی کوهی مقدس شمرده میشود .

آذزومایاما (۷۷۳۳ فوت ارتفاع) .

اساماياما (۸۱۸۲ فوت ارتفاع) دائما فعالیت دارد . انفجار شدید آن در ۱۷۸۳ بوقوع پیوست و آخرین انفجار آن در ۱۹۵۵ واقع شد .

جزایر بونین (**اوگاساوار**) : کوه سوری باچی در **ایووچیما** (٥٤٦فوت) آتش‌فشانی است که‌بخار گوگرد ازآن خارج میشود . برافراشتن پرچم امریکا در قله کوه **سوری‌باچی** یکی از حوادث جنگ دوم جهانی بود .

مجمع‌الجزایر ساموئا : آتش فشانی **سوالی** در ۱۹۰۵ خسارت قابل توجه وارد آورد . **نیوافو** (قوطی حلبی) بین جزائر ساموئا و جزائر فیجی حفره و تنوره ئی آتش‌فشانی دارد که عمق آن از ۶۰۰۰ فوت زیر سطح دریا شروع شده و راس آن ۶۰۰ فوت بالای سطح دریا قرار دارد .

جزایر فیلیپین : در حدود یکصد مرکز انفجار در آن قرار گرفته . **هیبوك هیبوك** در جزیره **کامی گوئین** در سپتامبر ۱۹۵۰ و باردیگر در دسامبر ۱۹۵۱ آتش فشانی کرده که ۷۵۰ نفر در اثر آن تلف یا مفقود شدند و انفجار در خلال سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ نیز ادامه داشت .

گروه هاوائی : **مائونالوئا** (۱۳۶۸۰ فوت) به «کوه وراز» نیز خوانده میشود و بیش از هر آتش فشان دیگر سعیر (لاو ـ مواد آتش فشانی) بیرون میفرستد و بزرگترین کوه آتش فشان جهان از لحاظ مقدار مواد خارج شده از آن بحسب متر مکعب است . مساحت دهانه این آتش فشان ۳ر۷ میل مربع است انفجار عظیم آن در ژوئن ۱۹۵۰ واقع شد ومواد آتش فشانی آن تا ۲۵ میل را پیموده به اقیانوس ریخت .

مائوناکی (۱۳۷۹۶ فوت) بلندترین کوه است در گروه بالا .

کیلائوئیا (٤۰۹۰ فوت) دهانه آتش فشانی است در کنار مائونالوئا ولی ظاهرا منتقل بوده ارتباطی باآن ندارد و یکی از آتش فشانهای فعال و جالب توجه است . وسعت دهانه آن ۱٤ر٤ میل مربع است یکبار در ۱۹۵۲ و باردیگر در ۱۹۵۵ آتش فشانی کرده و خساراتی وارد آورد .

بخش جنوب باختری

سوماترا : نود آتش فشان در آن کشف شده که ۱۲ تای آن فعالیت دارد . مشهورتر از همه آنها **کراکاتوئا** است که در یك جزیره کوچك آتش فشانی در بغاز **سوندا** واقع شده و چندین آتش فشانی از آن در ۱۸۸۳ بوقوع پیوست و یکی از آنها باعث ناپدید شدن بلندترین قله و بخش شمالی جزیره گردید . ازاین آتش فشان خاك خیلی نرم وگرد مانند به طبقات بالای اتمسفر پرتاب شده و بدور زمین گردش کرد ، ۳۶۰۰۰ نفر درنتیجه امواج تلف شدند این امواج تا دماغه هورن احساس شد . این آتش فشان در سالهای ۱۹۲۸ ، ۱۹۵۰ و۱۹۵۳ فعالیت کرد .

زلاند نو : **تاراورا** در جزیره شمالی (نارث ایلند) در ۱۸۸۶ انفجار شدید‌داشت ودریاچه داغی تشکیل داده خساراتی ببار آورد .

نگائوروهو : (۷۵۱۵ فوت) دائما بخار داغ از آن خارج میشود . انفجار های عمده آن در ۱۹۵۲ ـ ۱۹۵٤ صورت گرفت .

بخش شمال خاوری

منطقه الئوسیان : دارای ۳۲ مخرج شناخته شده و تعدادی مخروط های آتش فشانی بی فعالیت است .

آلاسکا : ورانگل (۱٤۰۰۵ فوت) و **کاتمائی** (در حدود ۷۵۰۰ فوت ارتفاع) در ٦ ژوئن ۱۹۱۲ **نووارویتا** انفجاری عظیم‌کرده «دره ده هزار دود» را تشکیل داد .

کالیفرنیا : **اورگون** ، **ایالت واشنگتن** : **لاس‌پیك** (۱۰٤۵۳ فوت) در کالیفرنی آتش‌فشان فعالی است که در آمریکا (غیراز آلاسکا و هاوائی) دیده شده ، آخرین دوره فعالیت آن ۱۹۱٤ ـ ۱۹۱۷ بود . سایر کوههائی که اصل آنها آتش فشانی بوده عبارتند از کوه **شاستا** (کالیفرنی) کوه **هود** و کوه سامل دریاچه **کری‌تر** (اورگون) و کوه **رینیر** (واشنگتن) .

مکزیك : **پوپوکاته‌پتل** (۱۷۸۸۳ فوت) ـ تنوره آن ٦۷۳ فوت عمق دارد و محیط دور آن ۲ میل و نیم است و کاملا خاموش نشده هنوز بخار از آن متصاعد است .

کولیما (۱٤۲۳۹ فوت) دراین گروه آتش فشانیهای متعدد داشته است .

اوری زابا (سیت‌لال ته‌پتل) (۱۸٦۹٦ فوت) .

پاری‌کوتین ابتدا در فوریه ۱۹٤۳ ظاهر شده از زمین سربدر کرد ودر مدت کمتر از یك هفته مخروطی بارتفاع ۱٤۰ فوت که محیط دهانه آتش فشان آن ربع میل بود از آن بوجود آمد . درهمان سال ارتفاع این مخروط به ۱۵۰۰ فوت‌رسید ودر ۱۹۵۲ نیز آتش‌فشانی کرد .

بوکوئه‌رون (دهان بزرگ) نام تازه‌ترین آتش فشان در نیمکره غربی است که در سپتامبر ۱۹۵۲ در جزیره **سن‌بندیکتو** در حدود ۲۵۰ میل در جنوب کالیفرنیای سفلی کشف‌گردید .

گواتمالا : **سانتاماریا** **کونزال‌تنانگو** (۱۲۳٦۱ فوت) درسالهای ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۸ و ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۸ پس از قرنها خاموشی غالبا در فعالیت بوده‌است و آن خطرناکترین مخرج فعال آتش‌فشانی درامریکای مرکزی است . سایر آتش‌فشانها عبارتند از **تاجوموئلکو** (۱۳۸۱٤ فوت) و **آتیت‌لان** (۱۱٦۳۳ فوت) .

ال‌سالوادور : **ایزالکو** معروف به «چراغ دیدبان امریکای مرکزی» ابتدا در سال ۱۷۷۰ بظهور رسید و هنوز هم در حال نمو وبزرگ شدن است ـ در سال ۱۹۵۰ و ۱۹۵۶ نیز آتش فشانی‌کرد .

سن‌سالوادور در ۱۹۲۳ و **کونچاگوئا** در اوایل سال ۱۹٤۷ آتش فشانی کرده و خساراتی وارد ساخت .

نیکاراگوا : آتش فشانهای مهم آن عبارتند از **تلیکا** ، **کوزه گوئینا** و موموتومبو ، بین موموتومبو در ساحل باختری دریاچه **ماناگوئا** و کوزه‌گوئینا خلیج **فونسکا** واقع است که در آن بیش از بیست مخروط آتش فشانی دیده میشود که بسیاری از آنها هنوز فعالیت دارند . یکی از آنها **سررونگرو** است که در ژوئیه ۱۹٤۷ آتش فشانی کرده خسارات مالی و جانی ببار آورد و باردیگر از ۱۹٤۸ تا ۱۹۵۰ انفجار یافت .

بخش جنوب خاوری

کلمبیا : **هوئیلا** (۱۸۷۰۰ فوت) آتش فشانی است که بخار

آب بیرون میفرستد و تولیما که ارتفاع آن ۱۷۱۰۹ فوت است انفجار آتش فشان **یوراکه** (۱۵۴۲۰) در ۱۹۴۹ هفده نفر را تلف کرد.
اکوادور : کوتوپاکسی (۱۹۳۴۴ فوت) شایدبلندترین آتش‌فشان فعال در جهان باشد ودارای یك راس مخروطی منظم وزیباست.

کایامبه : (۱۹۱۷۰ فوت) تقریبا روی خط استوا قرارگرفته.
شیلی وآرژانتین : در حدود ۲۵ آتش فشان فعال یا قابل فعالیت در ایندو سرزمین وجود دارد . انفجارهای مخرب آنها در سالهای ۱۹۴۸ ، ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰ بوقوع پیوست .

جزائر بزرگ جهان

بترتیب وسعت و بزرگی

نام جزیره و وضع سیاسی آن	محل	مساحت بحسب میل مربع
گرین لند (جزء لاینفك سلطنت دانمارك)	اقیانوس اطلس شمالی	۸۴۰۰۰۰
گینه نو (بخش باختری آن جزء اندونزی است ـ بخش شمال خاوری آنرا ملل متحد در تحت قیمومیت استرالیا قرار داده و بخش‌جنوب خاوری آن جزءاسترالیاست)	جنوب باختری اقیانوس کبیر	۳۱۶۶۱۵
برنئو (بخش جنوبی آن متعلق به‌اندونزی بخش شمالی تحت‌الحمایه و مستعمره انگلیس)	وسط اقیانوس کبیر	۲۸۶۹۱۴
ماداگاسکار (جمهوری مالاگاسی)	اقیانوس هند	۲۲۷۷۳۷
باف‌فین (جزءکانادا) شمال باختری	شمال اقیانوس اطلس	۱۸۳۸۱۰
سوماترا (بخشی از اندونزی)	شمال خاوری اقیانوس هند	۱۸۲۸۵۹
هونشو (یکی از جزائر اصلی ژاپون)	دریای ژاپون و اقیانوس کبیر	۸۸۹۲۵
بریتانیای کبیر (شامل انگلند ، اسکاتلند ، و ویلز)	دریای شمال باختری اروپا	۸۸۱۴۰
الس‌میر (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۸۲۱۱۹
ویکتوریا (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۸۱۹۳۰
سلیس (اندونزی)	باختر اقیانوس کبیر	۷۲۹۸۶
سوت‌ایلند (زلاند نو)	جنوب اقیانوس کبیر	۵۸۰۹۳
جاوه (اندونزی)	اقیانوس هند	۴۸۹۹۰
نارث ایلند (زلاند نو)	جنوب اقیانوس کبیر	۴۴۲۸۱
کوبا (جمهوری)	دریای کارائیب	۴۴۲۱۸
نیوفوندلاند (کانادا)	شمال اقیانوس اطلس	۴۲۷۳۴
لوزون (یکی‌از جزائر اصلی فیلیپین)	باختر اقیانوس کبیر	۴۰۴۲۰
آیسلند (جمهوری)	شمال اقیانوس اطلس	۳۹۷۶۸
میندانائو (یکی از جزائر فیلیپین)	باختر اقیانوس کبیر	۳۶۵۳۷
آیرلند (بخش جنوبی جمهوری ـ بخش شمالی جزء سلطنت متحده بریتانیا)	باختر بریتانیای کبیر	۳۲۵۹۵
هوك‌کائیدو (یکی از جزائر اصلی ژاپون)	دریای ژاپون و اقیانوس کبیر	۳۰۳۷۲
هیسپانیولا (بخش‌خاوری جزء جمهوری دومینیکان بخش باختری جزء هائیتی)	دریای کارائیب	۲۹۳۵۵
تاسمانیا (جزء استرالیا)	جنوب استرالیا	۲۶۲۱۵
سرندیپ (عضو ملل مشترك‌المنافع انگلیس)	اقیانوس هند	۲۵۳۳۲
ساخالین (جزء شوروی)	شمال ژاپون	۲۴۵۶۰
بانکس (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۲۳۲۳۰
دوون (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۲۰۸۶۱
تیرادل فوئگو (بخش‌خاوری جزء ارژانتین بخش‌باختری جزء شیلی)	نوك جنوبی امریکای جنوبی	۱۸۶۰۵
کیوشو (یکی از جزائر اصلی ژاپون)	دریای ژاپون و اقیانوس کبیر	۱۶۲۲۳
ملویل (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۱۶۱۴۱
اکسل هی‌برگ (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۱۵۷۷۹
سوتمپ‌تون (جزء کانادا) شمال باختری	خلیج هودسون	۱۵۷۰۰

بیابانهای عمده جهان

نام بیابان	محل	وسعت تقریبی	ارتفاع تقریبی از سطح دریا بحسب فوت
اتاکاما	شیلی شمالی	۴۰۰ میل طول	۷۰۰۰ — ۱۳۵۰۰
بلك‌راك (صخره‌سیاه)	شمال باختری نوادا	درحدود ۱۰۰۰ میل مربع	۲۰۰۰ — ۵۰۰۰
کلرادو	جنوب باختری کالیفرنی	۲۰۰ میل طول و حداکثر ۵۰ میل عرض	چند فوت بالای سطح دریا — تا ۲۵ فوت زیر سطح دریا
دشت کویر	جنوب‌باختری‌دریای‌خزر — ایران		۲۰۰۰
کویر لوت	شمال خاوری کرمان — ایران		۱۰۰۰
گوبی (شامو)	حاوی بیشتر خاك مغولستان	۳۰۰ر۰۰۰ میل مربع	۳۰۰۰—۵۰۰۰
عربستان بزرگ	بیشتر خاك عربستان	۱۵۰۰ میل طول	
سوریه (الحمد)	شمال سی‌درجه عرض‌شمالی		۱۸۵۰
نفود (بیابان‌سرخ)	جنوب جائوف	درحدود ۴۰۰میل‌در۲۰۰میل	۳۰۰۰
دهنه	جنوب نفود	۴۰۰ در ۳۰ میل	
ربع‌الخلی	بخش جنوبی نجد		
استرالیای بزرگ	بخش باختری استرالیا	تقریبا حاوی نصف‌قاره	۶۰۰—۱۰۰۰
سالت‌لیك‌بزرگ (دریاچه‌نمك)	درباختر دریاچه نمك تا نوادا و یوتاه	۸۰ در ۵۰ میل	۴۵۰۰
کالاهوی	جنوب افریقا بین رودهای اورانژ و زامبزی	۴۰۰ در ۶۰۰میل یا تقریبا ۱۲۰۰۰۰ میل مربع	بیش از ۳۰۰۰
قره‌قوم (صحرای خیوه)	جنوب باختری ترکستان درجنوب دریاچه ارال	۱۱۰ر۰۰۰ میل مربع	
قزل‌قوم	ترکستان مرکزی درجنوب خاوری دریاچه ارال	۳۷۰ در ۲۲۰ میل یا درحدود ۷۰۰۰۰ میل‌مربع	۱۶۰ نزدیك ارال تا ۲۰۰۰ درجنوب خاوری
لیبی	خاور صحرا و باختر رودنیل	بیش از ۵۰۰ر۰۰۰ میل مربع	
موهاوه	شمال کلرادو و درجنوب دره مرگ‌درجنوب‌خاوری‌کالیفرنی	۱۵۰۰۰ میل مربع	۲۰۰۰
نوبی	از دریای سرخ تا‌انحنای‌بزرگ باختری نیل		۲۵۰۰
بیابان نقاشی (پین‌ند)	شمال خاوری اریزونا	۷۵ میل وسعت	فلات بلندان ۵۰۰۰
صحرا	از دولتهای افریقای شمالی تا ۱۵درجه عرض‌شمالی و از دریای سرخ تا اقیانوس اطلس	۳۲۰۰ میل بزرگترین طول در سراسر ۲۰درجه عرض‌شمالی— مساحت بیش‌از۳ر۵۰۰ر۰۰۰ میل مربع	۴۴۰ زیرسطح دریا تا ۱۱۰۰۰ بالای آن ارتفاع متوسط ۱۴۰۰—۱۶۰۰
تاکلاماکان	جنوب مرکزی سین‌کیانگ در حوضه تاریم	۷۰۰ میل طول	
تار (هندی)	بیشترقسمت راجپوتانا — هند	درحدود ۳۰۰میل در۳۸۰میل	درحدود ۵۰۰

غار ها و مغاره های جالب جهان

غارآگ‌تلك : در قصبه‌ئی بهمین نام در شمال مجارستان واقع شده ودارای کتیت های عظیم و طول غار در حدود ۵ میل‌است .

غار آلتامیرا : نزدیك **ساندان‌تر** در اسپانیا که در دیوار ها و سقف آن تصاویر حیوانات نقاشی وحکاکی شده واز آثار هنری عصر حجر قدیم است .

غار آنتی پاروس : در جزیره ئی بهمین نام در مجمع‌الجزایر یونان واقع است . ایتاکتیت هائی بطول ۲۰ فوت در آن وجود دارد که دارای رنگهای درخشان واشکال عجیب و غریب است .

غار بلوگروت تو : در جزیره **کاپری** ایتالیاست . این غار بسبب عمل موج دائمی در سنگهای آهکی بوجود آمده واکنون بسبب اینکه ساحل به آب فرو میرود نصف آنرا آب فرا گرفته است . نام آن بسبب رنگ آبی روشن غیر معمول غار است . نور این غار ازیك سوراخی در زیر آب وارد میشود واز وسط آب میگذرد و فضای غار را روشن میسازد .

غار مغاره های کارلسباد : در جنوب خاوری نیومکزیکو واقع است وبزرگترین راهرو زیر زمینی است که تاکنون کشف شده و عمق آنها بترتیب ۷۵۴ و ۹۰۰ و ۱۳۲۰ فوت در زیر سطح اولیه غار قرار دارد .

غارفینگال : در جزیره **ستافا** در برون اسکاتلند قرار دارد و ۲۰۰ فوت بدرون زمین ادامه یافته دارای ستونهای بازالت بارتفاع ۴۰ فوت است .

غاریخی : نزدیك **دوبسینا** در چك‌اسلواکی بسبب بلورهای یخی زیبای آن مورد توجه است .

غارهای ژنولان : در فلات بلوموتتین (کوه آبی) ویلز جنوبی جدید در استرالیا ــ استالا کتیت های زیبا دارد .

مغاره کنت : نزدیك **توركوای** انگلستان منبع اطلاعات بسیار در مورد انسان عصر پالئولیتیك است .

مغاره لورای : در لورای جدید در ویرجینیا دارای ستونهای بزرگ استالاکتیت و استالاکمیت بارنگهای متنوع است .

غار ماموت : غار سنگ آهکی در **کنتوکی** مرکزی در امریکا که ده میل قطر آن ولی حد اقل ۱۵۰ میل طول معبر های نامنظم زیر زمینی آن در سطوح مختلف است و حرارت هوای آن در حدود ۵۴ درجه فارنهایت (متجاوز از ۱۲ درجه سانتیگراد) است .

مغاره پیك ــ یا سوراخ شیطان : در **دربی‌شیر** انگلیس که تا ۲۲۵۰ فوت بشکم کوه فرو میرود و عمیق ترین نقطه آن ۶۰۰ فوت زیر سطح آن قرار دارد .

مغاره پوستوژنا (پوستومیا) گروت‌تو : نزدیك پوستومیا در آلپ های ژولیان در حدود ۲۵ میل در شمال خاوری بندر **تریست** قرار دارد و بزرگترین مغاره **استالاکتیت** در **اروپاست** ــ **رودپیوکا** در بخشی از آن جریان دارد . غار دارای **استالاکتیت** های متعدد و زیباست .

غار آوازه‌خوان : در آیسلند **غاری از جنس** مواد آتش‌فشانی (لاوا) ونام خود را از انعکاس صدای کسانی است که در آن آواز میخوانند .

غارباد : در **بلك‌هیلز** (تپه های سیاه) در داکوتای جنوبی درآمریکا این غار از جنس **سنگ آهکی** است که **فاقد استالاکتیت** واستالاکمیت میباشد ولی انواع اشکال بلوری موسوم به جعبه ها درآن دیده میشود .

غارویاندوت : در **کرافورد** در جنوب ایالت **ایندیانا**در آمریکا نیز از جنس سنگ آهك است و معبر های آن دارای **پنج سطح** است ویکی‌از بزرگترین غارهای آمریکای **شمالی‌است** ــ دراین‌غار **یك‌گروه** بارتفاع ۱۳۵ فوت نیز وجود دارد که یکی از بزرگترین کوههای زیر زمین جهان است .

دریاچه‌های بزرگ جهان

به ترتیب مساحت

نام و محل وقوع دریاچه	مساحت‌بحسب میل‌مربع	طول‌بحسب میل	حداکثرعمق بفوت	ارتفاع‌نسبت‌بسطح دریا بحسب فوت
دریای خزر ــ شوروی و ایران	۱۵۲۲۳۹	۷۴۵	۳۲۱۵	۹۲فوت‌زیرسطح‌دریا
سوپریور ــ امریکا کانادا	۳۱۸۲۰	۳۸۳	۱۳۳۳	۶۰۲
ویکتوریا ــ خاور افریقای مرکزی	۲۶۸۲۸	۲۰۰	۲۷۰	۳۷۱۷
ارال ــ شوروی	۲۵۶۵۹	۲۶۶	۲۲۳	۱۶۴
هورون ــ امریکا و کانادا	۲۳۰۱۰	۲۴۷	۷۵۰	۵۸۱
میشیگان ــ امریکا	۲۲۴۰۰	۳۲۱	۹۲۳	۵۸۱
تانگانیکا ــ خاور افریقای مرکزی	۱۲۷۰۰	۴۲۰	۴۷۰۸	۲۵۳۴
بایکال ــ شوروی	۱۲۱۶۲	۳۹۵	۵۷۱۲	۱۴۸۶
گریت‌بیر (خرس‌بزرگ) ــ کانادا	۱۲۰۰۰	۲۳۲	۲۷۰	۳۹۱
نیازا ــ جنوب‌خاوری افریقا	۱۱۶۰۰	۳۶۰	۱۲۲۶	۱۵۵۰
گریت‌سلیو (بردهٔ بزرگ) کانادا	۱۱۱۷۰	۲۹۸	۵۳۵	۴۹۵
چاد ــ افریقای جنوبی	۹۹۴۶		۲۳	۹۲۲
اری ــ امریکا وکانادا	۹۹۳۰	۲۴۱	۲۱۰	۵۷۲
وی‌نی‌پگ ــ کانادا	۹۰۹۴	۲۶۴	۲۰۴	۷۱۳
انتاریو ــ امریکا و کانادا	۷۵۲۰	۱۹۳	۷۷۸	۲۴۶
بالکاش ــ شوروی	۷۱۱۵	۳۷۶	۸۷	۱۱۱۲
لادوگا ــ شوروی	۷۰۰۰	۱۲۴	۷۳۸	۵۵
اونگا ــ شوروی	۳۸۱۹	۱۵۴	۳۶۱	۱۰۸
تی‌تی‌کاکا ــ بلیویا و پرو	۳۱۴۱	۱۱۰	۱۲۱۴	۱۲۴۹۷
نیکاراگوئا ــ نیکاراگوئا	۳۰۸۹	۱۱۰	۲۳۰	۱۰۵
اتاباسکا ــ کانادا	۳۰۵۸	۲۰۸	۴۰۷	۶۹۹

رودلف ــ افریقای خاوری	۲۴۷۳	۱۵۴		۱۲۳۰
رین‌دیر ــ کانادا	۲۴۴۴	۱۵۲		۱۱۵۰
ای‌سیک‌کول ــ شوروی	۲۳۹۴	۱۱۳	۲۳۰۳	۵۲۷۹
ارومیه ــ ایران	۲۳۱۷	۸۱	۴۹	۴۱۸۴
وانرن ــ سوئد	۲۱۴۱	۸۷	۳۲۲	۱۴۴
وی‌نی‌پگوسیس ــ کانادا	۲۰۸۶	۱۵۲	۵۹	۸۳۱
البرت ــ یوگاندا ــ افریقا	۲۰۴۶	۱۰۰	۱۸۰	۲۰۳۴
نی‌پی‌گون ــ کانادا	۱۸۷۰	۷۲		۸۵۲
مانی‌توبا ــ کانادا	۱۸۱۷	۱۴۰	۲۲	۸۱۳
گریت‌سالت ــ امریکا	۱۸۰۰	۷۵	۱۵ر۲۵	۴۲۱۸
کوکونور ــ چین	۱۶۳۰	۶۶	ــ	۱۰۵۱۵
مورو ــ شمال رودزیا وجمهوری کنگو	۱۶۲۰	۷۵	ــ	۳۰۱۰
دوباونت ــ کانادا	۱۶۰۰	۶۹	ــ	۵۰۰
وان ــ ترکیه	۱۴۵۳	۷۸	ــ	۵۶۴۳

رودخانه‌های عمده جهان

بترتیب طول رودخانه‌ها

نام رود	سرچشمه رود	مصب رود	طول تقریبی بحسب میل
نیل	دریاچه ویکتوریا	دریای مدیترانه	۴۱۵۷
آمازون	دریاچه گلاسیه‌نده ــ پرو	اقیانوس اطلس	۳۹۱۲
میسی‌سی‌پی ــ میسوری (صخرهٔ سرخ)	منبع رود صخره سرخ ــ مونتانا	خلیج مکزیک (دهانه تنگهٔ جنوب باختری)	۳۸۶۰
یانگ تزه کیانگ	فلات تبت	دریای چین	۳۶۰۲
اوب	کوههای آلتائی ــ شوروی	خلیج اوب	۳۴۵۹
رودزرد (هوانگهو)	بخش خاوری کوههای کونین در باختر چین	خلیج چیه‌لی	۲۹۰۰
ینی‌سی	کوههای تان‌نواولا ــ باختر مغولستان	اقیانوس منجمد شمالی	۲۸۰۰
پارانا	اتصال رودهای پارانائیبا وگراند	ریودولاپلاتا (اقیانوس اطلس)	۲۷۵۹
ایرتیش	کوههای آلتائی ــ شوروی	رود اوب	۲۷۵۸
کنگو	بین دریاچه‌های نیازا ــ و ــ تانگانیکا	اقیانوس اطلس	۲۷۱۶
آمور	اتصال رودهای شیکا (شوروی) و آرگون (منچوری)	بغاز تاتار	۲۷۰۴
لنا	کوههای تان‌نواولا ــ باختر مغولستان	اقیانوس منجمد شمالی	۲۶۵۲
مکنزی	رأس رود فین‌لی ــ کلمبیای انگلیس	دریای بوفورت (اقیانوس منجمد شمالی)	۲۶۳۵
نیجر	مرز سیرالئون	خلیج گینه	۲۶۰۰
مکونگ	فلات مرتفع تبت	دریای جنوبی چین	۲۵۰۰
میسوری	اتصال رودهای جفرسون و مدیسون (مونتانا)	رود می‌سی‌سی‌پی	۲۴۶۶
میسی‌سی‌پی	دریاچه ایتاسکا ــ مینه‌زوتا	خلیج مکزیک	۲۳۴۸
یوکون	ملتقای رودهای لیوز و پللی ــ یوکون	دریای بیرینگ	۳۲۰۰
ولگا	فلات والدائی ــ شوروی	دریای خزر	۲۲۹۱
مادیرا	اتصال رودهای گانوپوره و مائوموره ــ مرزبولیویا ــ وبرزیل	رود آمازون	۲۰۱۲
پوروس	جنوب باختری امازوناس ــ برزیل	رود آمازون	۱۹۹۳
سائو فرانسیسکو	جنوب باختری میناس‌گرائس ــ برزیل	اقیانوس اطلس	۱۹۸۷
سن‌لارنس	رود سن‌لویز ــ مینه‌زوتا	خلیج سن‌لارنس	۱۹۰۰
ریوگراند	کوههای سن‌ژوان ــ کلرادو	خلیج مکزیک	۱۸۸۵

براهماپوترا	هیمالیا	رودگنگ(خلیج‌بنگال)	۱۸۰۰
سند (ایندوس)	هیمالیا	دریای عربستان	۱۸۰۰
دانوب	جنگل سیاه ـ آلمان	دریای سیاه	۱۷۶۶
فرات	کوههای دوملوداغ ـ ترکیه	خلیج فارس	۱۷۳۹
دارلینگ	بخش مرکزی فلات خاوری ـ استرالیا	رود مورای	۱۷۰۲
زامبزی	۲۱ ۱۱ جنوبی ـ ۲۲ ۲۴ خاوری ـ رودزیای شمالی	اقیانوس هند	۱۷۰۰
توکان تینز	نزدیك پیرنوپولیس ـ برزیل جنوبی	رودپارا(اقیانوس‌اطلس)	۱۶۷۷
مورای	الپهای استرالیائی ـ ویلز جنوبی جدید	اقیانوس‌هند(بخش‌جنوبی)	۱۶۰۹
نلسون	رأس رودبو ـ البرتای باختری ـ کانادا	خلیج هودسون	۱۶۰۰
پاراگوئه	ماتوگروسو ـ برزیل	رود پارانا	۱۵۸٤
اورال	کوههای جنوبی اورال ـ شوروی	دریای خزر	۱۵۷٤
گنگ	هیمالیا	خلیج بنگال	۱۵۵۷
آمودریا(اوکسوس) (یاسیحون)	سلسله کوههای نیکولا در پامیر ـ شوروی	دریاچه ارال	۱۵۰۰
جاپورا	اند ـ کلمبیا	رود آمازون	۱۵۰۰
سالوین	تبت ـ کوههای جنوب کونیون	خلیج مارتابان	۱۵۰۰
ارکانساس	کولورادوی مرکزی	رود می‌سی‌سی‌پی	۱٤۵۰
کولورادو	گراند کونتی ـ کلرادو	خلیج کالیفرنیا	۱٤٤۰
دنی‌پر	تپه‌های والدائی ـ شوروی	دریای سیاه	۱٤۱۹
اوهایوالگنی	پوترکونتی ـ پنسیلوانیا	رود می‌سی‌سی‌پی	۱۳۰۶
ایراوادی	اتصال رودهای نمائی و مالی ـ شمال خاوری برمه	خلیج بنگال	۱۳۰۰
اورانژ	باسوتولند	اقیانوس اطلس	۱۳۰۰
اوری‌نوکو	سیراپاریما در مرز ونزوئلا و برزیل	اقیانوس اطلس	۱۲۸۱
پیلکومایو	کوردی‌لرای مرکزی ـ بولیویا	رود پاراگوئه	۱۲٤۲
هسی‌چیانگ	ایالت خاوری یون‌نان ـ چین	دریای چین	۱۲۳۶
دون	دریاچهٔ ایوان ـ شوروی	دریای ازوف	۱۲۲۳
سونگاری	مخزن سونگاریت منچوری ـ چین	رود آمور	۱۲۱۵
کلمبیا	دریاچه کلمبیا ـ کلمبیای انگلیس	اقیانوس کبیر	۱۲۱٤
ساس‌کات‌چه‌وان	البرتای باختری ـ کانادا	دریاچه وی‌نی‌پگ	۱۲۰۵
پیس (صلح)	کوههای استی‌کین ـ کلمبیای انگلیس	رودگریت‌سلیو(برده‌بزرگ)	۱۱۹۵
دجله	کوههای تاروس ـ ترکیه	رودفرات (خلیج‌فارس)	۱۱۸۰

بلندترین آبشارهای جهان

بترتیب ارتفاع ریزش آب

نام آبشار	محل وقوع	نام رودخانه	ارتفاع
آنژل	ونزوئلا	شاخهٔ کارونی	۳۲۸۱
توگلا	ناتال ـ افریقای‌جنوبی	توگلا	۳۰۰۰
کوکه‌ناآم	گینه انگلیس	کوکه‌ناآم	۲۰۰۰
سوترلند	سوت‌آیلند ـ زلاند نو	آرتور	۱۹۰٤
ریبون (یوسمیت)	کالیفرنی	کریك که وارد یوسمیت میشود	۱۶۱۲
یوسمیت علیا	کالیفرنی	یوسمیت کریك ـ شاخهٔ مرسد	۱٤۳۰
گاوارنی	جنوب باختری فرانسه	گاو دوپو	۱۳۸٤
تاك‌کاکا	کلمبیای انگلیس	شاخهٔ یوهو	۱۲٤۸
سیلوراسترند (اشکهای‌بیوه‌زن) (یوسه‌میت)	کالیفرنی	شاخهٔ مرسد	۱۱۷۰

نام آبشار	محل وقوع	نام رودخانه	ارتفاع آبشار به‌فوت
استائوب‌باخ	سویس	استائوب‌باخ (دره‌لوتز برون‌نن)	۹۸٤
وت‌تیس	نروژ	مورکدولا	۸۵۳
کینگ ادوارد هشتم	گینه انگلیس	کورانتین	۸۵۰
گرسوپ‌پا	هند	شاراواتی	۸۲۹
کائی‌تور	گینه انگلیس	پاتارو	۸۲۲
اسکای کجه‌فوس	نروژ	اسکای کجه‌دال(دره درونی هاردانگر فجورد)	۸۲۰
کالامبو	تانگانیکای شمالی ـ رودزیا		۷۰٤
فیری(پری) (کوه‌راینیرپارك)	واشنگتن	استونس کریك	۷۰۰
ترومل باخ	سویس	ترومل‌باخ (درهٔ لوتزبرون‌نن)	۷۰۰
ته‌وه‌رون	ایتالی	ته‌ور (تیبر)	٦۸۰
کارکاد وسطی (یوسمیت)	کالیفرنی	یوسمیت‌کریك ـ شاخهٔ مرسد	٦۷۵
مارادالسفوس	نروژ	رودی‌که به اج‌کیس دالسوانه (دریاچه) میریزد	٦٤۳
مالت‌سون‌یان	باسوتولند	کنگوی علیا	٦۳۰
بریدال‌ویل (یوسمیت)	کالیفرنی	یوسمیت کریك	٦۲۰
مولت نوماح	اورگون	مولت‌نوماح‌کریك ـ شاخهٔ کولومبیا	٦۲۰
وورینگزفوس	نروژ	بجوریا	۵۹۷
نوادا (یوسمیت)	کالیفرنی	مرسد	۵۹٤
اسکجا اگ‌گدالسفوس	نروژ	تیس‌سو	۵۲۵
ترنی	ایتالیا	ولینو ـ شعبه نرا	۵۲۵
تکوئن‌داما	کلمبیا	فونزا ـ شعبه ماگدالنا	۵۱۵
مارینا	گینه انگلیس	شاخه کوری‌برونگ که شاخه‌ئی از پاتارواست	۵۰۰
هاندول	سوئد	هاندولسا	٤۲۷
کینگ‌جورج	دماغه امید ـ جنوب افریقا	اورانژ	٤۰۰
گوائیرا	پاراگوئه ـ برزیل	پارانا	۳۷٤
ایللی‌لوئت(یوسمیت)	کالیفرنی	ایللوئت‌کریك ـ شاخهٔ مرسد	۳۷۰
ویکتوریا	رودزیای جنوبی	زام‌بزی	۳۵۵
یوسمیت سفلی	کالیفرنی	یوسمیت	۳۲۰
کومت(کوه‌راینیرپارك)	واشنگتن	وان‌ترمپ‌کریك	۳۲۰
یلواستون سفلی (سنگ‌زرد)	ویومینگ	یلواستون	۳۱۹
ورنال (یوسمیت)	کالیفرنی	مرسد	۳۱۷
ویرجینیا	کانادا ـ شمال‌باختری	ناهان‌نی جنوبی ـ شاخهٔ مکنزی	۳۱۵
گراند	لابرادور ـ کانادا	همیلتون	۳۰۲
هفت‌آبشار (سون‌فالز)	کلرادو		۳۰۰
سلوئیس‌کین (کوه‌رابنیرپارك)	واشنگتن	پارادیز (بهشت)	۳۰۰
رایشن‌باخ	سویس	روزن لائوئی	۳۰۰
چمبرلن	گینه انگلیس		۳۰۰

توضیح : (۱) آبشار نیاگارا درایالت نیویورك ـ انتاریواگرچه حجم آب آن خیلی زیاد است ولی ارتفاع سقوط آب از۱٦۷ فوت تجاوز نمیکند .

(۲) یوسمیت نام پارك بسیار بزرگ ملی جنگلی و کوهستانی‌است که درآن آبشارهای متعدد وجود دارد و رودهای متعدد از آن میگذرد .

چشمه‌های آب‌گرم وجوشان وآب فشان معروف جهان

چشمه های آب گرم و آب فشان دربسیاری از مناطق آتش‌فشانی جهان مانند ژاپون وامریکای جنوبی وجود دارد ولی بیشتراز همه در **آیسلند** و **زلاندنو** و پارك ملی **یلوستون** (سنگ زرد) امریکا دیده میشود .

درآیسلند : منطقه عمده چشمه های آب گرم در حدود ۳۰ میل در شمال باختری کوه **هکلا** واقع شده که در آنجا بیش‌از یکصد چشمه های آب‌گرم و فواره‌های آب گرم در منطقه‌ئی بمساحت ۲میل مربع دیده میشود . بیشتراین آبهای داغ بمصرف گرم کردن شهر **ریك جاویك** میرسد وچشمه های عمده آن‌بشرح زیر است .

آب‌فشان بزرگ (گیسیر) که آب را درستونی بارتفاع ۱٦۰ تا۱۸۰ متر از حفره‌ئی که مساحت دورانی ۹فوت و عمق آن ۷۰ فوت است بهوا پرتاب میکند .

استروکو (چوزن) این چشمه دائما میجوشد واحیانا منفجر میشود .

در **زلاندنو** : چشمه های بسیار وبحد وفور آبهای جوشان، بخار آب در حال فوران ،ومواد لای وگل آتش فشانی در شمال خاوری **دریاچه تائوپو** در جزیرهٔ شمالی (نارت ایلند) وجود دارد. آب **فشانهای** عمده آن عبارتنداز **وای‌کیت**‌باستون آب بارتفاع ۳۰ تا۳۵ فوت ،و **پوهوتو** و **وای‌مائوکو** .اکنون برای استفاده ازبخارهای **در حال‌فوران در تولید** نیروی محرک ژنراتور جدا مشغول مطالعه و آزمایش هستند .

درامریکا : تنها ۱۲۰ آب فشان‌درپارک ملی سنگ زرد(یلوستون) در **ویومینگ** وجود دارد که نامگذاری شده ونصف این رقم آب **فشانهائی است که** نامگذاری نشده. بیشتراین آب فشانها وچهار هزار چشمه های آب داغ یابیشتر در بخش باختری این پارک واقع‌شده که مهم‌ترین آنها بشرح زیراست :

آب‌فشان **نوریس** از ۲٤ آب فشان فعال یابیشتر تشکیل‌شده و **تعداد آنهامتغیراست** . تعداد زیادی از چشمه‌های بخار وچشمه های آب داغ وجود دارد .آب فشان **دالفتین** ازهمه بلندتر است وآب را ۵۰ تا۷۵ متر ببالا بفواصل ۱۸ ساعت‌تا۳روزیابیشترفوران میدهـد. **هینوته** ۱۵ تا۲۰ مترآب را بفواصل چندین ساعت بالا میفرستد.بقیه عبارتنداز **ستیم‌بوت** (کشتی‌بخار)، **فیرلس** (بی‌ترس)، **وتران**،**ویکسن**، **کوریوال** ،**ورلی‌جیگ** و **پین‌ویل** .

حوضه آب فشانهای سفـلی دارای حداقل ۱۸ آب فشان است: **فون‌تین** آب را بارتفاع ۵۰ تا۷۵ فوت‌بتمام جهات وبفواصل غیر قابل پیشگوئی پرتاب میکند .

کاپ‌سیدرا با شدت از چهارسوراخ‌منفجر میشود وآب رابارتفاع ۳٤ فوت میرساند .

گرت‌فون‌تین هر ۸تا۱۵ ساعت آب رااز ۳ تا۹۰ فوت فوران میدهد .

حوزهٔ آب فشان **میدوی** مقدار زیادی بخارهای الوان برنـگ **قرمز** ،نارنجی ، ارغوانی وسایر رنگها **پراکنده** میکند درآن حـوزه دریاچه ها و چشمه هائی وجود دارد که از آن جمله است چشمه‌قوس قزح بزرگ (پریسماتیک) ،ودیگر **اکسلسیور** که آب جوش از آن **فوران میکند و رودی از آن بامیزان جریان** ۶فوت‌مکعب در ثانیـه تشکیل میگردد .

جاینت (دیو) آب را تا۲۰۰ فوت بفواصل دوروزونیم تا۳روز **فوران میدهد و مدت فوران یکساعت ونیم طول میکشد.**

دیزی آب را بارتفاع ۷۵ فوت میفرستد ولی نظم وترتیبی‌ندارد غالبا فعالیت نمیکند .

اولافیت‌فول (وفادار قدیمی) ستونی از آب تشکیل میدهد که ارتفاع آن از ۱۱۶ تا۱۷۵ فوت تغییر میکند و در فواصل ۶۵دقیقه فوران نموده مدت ٤ دقیقه فوران آن بطول میانجامد ودراین مدت کم ۱۲۰۰۰ گالون آب از آن خارج میشود .

جایانتس بندرت منفجر میشود ولی در خلال فعالیت خود آب را بارتفاع ۱۵۰ تا۲۰۰ فوت میرساند .

لاینس‌گروپ (گروشیر): آب را در هر ۲ تا٤ روز بارتفاع ۶۰ فوت میرساند .

کاسل (قلعه) معمولا روزی دومرتبه تا ارتفاع ۷۵ فوت آب فشانی میکند .

چشمه های آب گرم **ماموت** :دراین منطقه آب فشان (گیسر وجود ندارد ولی چشمه‌های آب گرم معدنی جوشان بابخار زیاد است و تمام این منطقه پوشیده از **آلگ** (خزه) های بالوان مختلـف است .

حداقل وحداکثر درجه حرارت کشورها

حداکثردرسایه : ۱۳۶ درجه فارنهایت (۵۸درجه سانتیگراد بالای صفر) در **عزیزیه** در لیبی شمال افریقا .

درامریکا : ۱۳٤ درجه‌فارنهایت در دره مرگ کالیفرنی ــ در ۱۰ ژوئیه ۱۹۱۳ .

حداقل : منتهای ۱۲۶٫۹ درجه فارنهایت (زیر صفر ۸۸٫۳ سانتی‌گراد زیر صفر) در **ووستوك** نزدیك قطب مغناطیسی جنوب ــ انتارك تیکا ــ در ۲٤ اوت ۱۹۶۰ .

درسیبری : منتهای ۸۹٫۹ درجه فارنهایت در **آی‌مکون** در ۶ فوریه ۱۹۳۳

ومنتهای ۸۹٫۷ درجه فارنهایت در ورخویانسك در ۷و۵ فوریه ۱۸۹۲ .

درامریکا منتهای ۷۰ فارنهایت در تنگه **راجزر** در مونتانا ــ در ۲۰ ژانویه ۱۹۵٤ .

حداکثر معدل درجه حرارت سالیانه در جهان

۸۸ درجه فارنهایت در **لیو- سومالی** ــ افریقا حد متوسط ۱۳ ساله از ۱۹۲۳ تا۱۹۳۵ .

حداقل معدل سالیانه حرارت درجهان

۶۷٫۷ درجه فارنهایت در **ووستوك** ــ قاره قطب جنوب در۷۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض جنوبی و ۱۰۶ درجه و۵۲ دقیقه طول‌شرقی از ژانویه ۱۹۵۸ تادسامبر ۱۹۵۹ .

حداکثر بارندگی در ۲٤ ساعت درجهان

٤۶ اینچ در **باگوبو** ــ **لوزون** ــ فیلیپین ــ ۱٤ تا ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۱ .

حداکثر بارندگی دریك ماه درجهان

۳۶۶٫۱٤ اینچ در **چراپونجی**ــ‌هند در ژوئیه ۱۸۶۱ (در ۵ روز متوالی در اوت ۱۸٤۱ بیش‌از ۱۵۰ اینچ باران بارید).

حداکثر بارندگی در یك سال در جهان

٤۶۰ اینچ در کوه **وائیالیل** ــ جزیره **کائوائی** ــ از جزائر هاوائی ــ در ۱۹۱۲ تا۱۹۵۸

و ٤۵۰ اینچ در **چراپونجی** ــ هند معدل ۷٤ سال

حداقل بارندگی سالیانه در جهان

۰٫۰۲ اینچ در **آریکا** ــ شیلی ــمعدل ٤۳سال

درشت ترین تگرگ درامریکا :

بوزن یك رطل ونیم در **پوتر** ــ نبراسکا در ۶ ژوئیـه ۱۹۲۸

بزرگترین نزول برف در یك فصل درامریکا :

۱۰۰۰٫۳ اینچ در **پارادیزرینجر** ــ رینیرپارك ــ واشنگتن در ۱۹۵۵

سدهای بزرگ جهان (بترتیب ارتفاع)

حداکثر ارتفاع بحسب فوت	نام سد	محل سد	ظرفیت مخزن سد بحسب اکر ـ فوت	سالی که بنای سد پایان یافته
۸۷۳	وایونت	رود پیاو ـ ایتالیا		۱۹۶۱
۷۸۰	موووئازن	رود درانس ـ سویس		۱۹۵۸
۷۸۰	تاکی‌ین	رود تاکیا ـ تائیوان		۱۹۶۱
۷۴۰	بهاکرا	رود سوتلک ـ هند	۷ر۴۰۰ر۰۰۰	۱۹۶۰
۷۲۶	هوور	رودکولورادو ـ اریزونا ـ نوادا	۲۹ر۸۲۷ر۰۰۰	۱۹۳۶
۶۰۲	شاستا	رود ساکرامن‌تو ـ کالیفرنیا	۴ر۵۰۰ر۰۰۰	۱۹۴۵
۵۹۲	تینی	رود ایزر ـ فرانسه		۱۹۵۳
۵۶۴	هنگری‌هارس(اسب گرسنه)	رود فلت‌هد ـ مونتانا ـ امریکا	۳ر۴۶۸ر۰۰۰	۱۹۵۳
۵۵۰	گراندکولی	رود کلمبیا ـ واشنگتن	۹ر۴۰۲ر۰۰۰	۱۹۴۲
۵۴۰	رآس	رود سکاگیت ـ واشنگتن	۱ر۴۰۵ر۰۰۰	۱۹۴۹
۵۳۷	تری‌نی‌تی	رود تری نیتی ـ کالیفرنی	۲ر۵۰۰ر۰۰۰	۱۹۶۰
۵۲۵	لی‌ین	رود رون ـ سویس		۱۹۵۶
۴۸۰	فونتانا	رودتنسی کوچك ـ کارولینای شمالی	۱ر۴۴۴ر۳۰۰	۱۹۴۵
۴۶۵	لوئربیکر	رود بیکر ـ واشنگتن	۱۳۰ر۰۰۰	۱۹۴۵
۴۵۶	اندرسون رنچ	رود بواز ـ ایداهو	۴۹۳ر۲۰۰	۱۹۵۰
۴۵۴	دیترایت	رود سانتیام شمالی ـ اورگون	۴۵۵ر۰۰۰	۱۹۵۳
۴۵۰	شامبون	رود رومانش ـ فرانسه	۱۳ر۰۰۰	۱۹۳۴
۴۵۰	واراگامبا	ویلزجنوبی جدید ـ استرالیا	۱ر۴۱۱ر۶۹۲	۱۹۶۰
۴۴۰	بین‌العویدین	وادی‌العبید ـ مراکش	۱ر۲۰۰ر۰۰۰	۱۹۵۴
۴۳۰	پاین‌فلت	رود کینگز ـ کالیفرنی	۱ر۰۰۰ر۰۰۰	۱۹۵۴
۴۳۰	اوشانسی	رود تولومنه ـ کالیفرنی	۳۶۰ر۳۶۰	۱۹۳۶
۴۲۵	مدمونتین	رود وایت ـ واشنگتن	۱۰۶ر۰۰۰	۱۹۴۹
۴۲۰	کاریبا	رودزامبزی ـ رودزیای جنوبی	۱۳۰ر۰۰۰ر۰۰۰	۱۹۶۰
۴۱۷	اووی‌هی	رود اووی‌هی ـ اورگون	۱ر۱۲۰ر۰۰۰	۱۹۳۲
۳۹۵	برون‌لی	رود اسنیك(مار) ـ ایداهو	۱ر۴۷۰ر۰۰۰	۱۹۵۹
۳۹۴	لیم‌برگ	رود سالزاخ ـ اطریش	۶۶ر۵۰۰	۱۹۵۱
۳۹۴	سوته	رود دراك ـ فرانسه	۱۰۶ر۰۰۰	۱۹۳۵
۳۹۰	آدامینابی	رود اکوم‌بن ـ استرالیا	۳ر۵۰۰ر۰۰۰	۱۹۵۹
۳۸۹	دیابلو	رود سکاگیت ـ واشنگتن	۶ر۰۰۰ر۰۰۰	۱۹۳۰
۳۸۳	ناواجو	رود سن‌ژوان ـ نیومکزیکو	۱ر۷۱۲ر۰۰۰	۱۹۶۰
۳۰۸	دکان	رود زاب کوچك ـ عراق	۵ر۵۰۹ر۶۵۰	۱۹۶۲
۳۷۷	کاستلودوبوده	رود ززر ـ پرتقال	۸۹۳ر۲۰۰	۱۹۵۱
۳۷۵	موریس	رودسن گابریل ـ کالیفرنیا	۳۵ر۱۷۱	۱۹۳۵
۳۷۳	گریمسل	رود آر ـ سویس	۸۱ر۰۰۰	۱۹۳۱
۳۶۸	آن‌سیپا	رود تروئینا ـ ایتالیا	۲۴ر۶۰۰	۱۹۵۲
۳۶۵	مانگلا	رود جلوم ـ پاکستان	۳ر۵۰۰ر۰۰۰	۱۹۶۲
۳۶۰	ساریار	رود سکریار ـ ترکیه	۱ر۵۴۰ر۰۰۰	۱۹۵۶
۳۶۰	کمر (بکسر کاف و میم)	رود الك کای ـ ترکیه		۱۹۵۹
۳۵۸	پردی	رود موکه‌لومنه ـ کالیفرنی	۲۲۲ر۰۰۰	۱۹۲۹
۳۵۰	اروروك	رود بواز ـ ایداهو	۲۸۶ر۰۰۰	۱۹۱۵
۳۴۵	ژنی‌سیات	رود رون ـ فرانسه	۴۰۰ر۰۰۰	۱۹۴۸
۳۴۰	فولسوم	رود امریکان ـ کالیفرنی	۱ر۰۱۰ر۰۰۰	۱۹۵۵
۳۴۰	اوبه‌رار	رود آر ـ سویس		۱۹۵۳
۳۴۰	گراس	بولدرکریك جنوبی ـ کلرادو	۴۲ر۰۰۰	۱۹۵۵
۳۴۰	لکی‌پیك	رود بواز ایداهو	۳۰۶ر۰۰۰	۱۹۵۶

حداکثر ارتفاع بحسب فوت	نام سد	محل سد	ظرفیت مخزن سد بحسب اکر ـ فوت	سالی که بنای سد پایان یافته
۳۳۸	هیلز کریك	رود ویلامت ـ اورگون	۳۵۶ر۰۰۰	۱۹۶۱
۳۳۸	کامار اسا	رود موگوئز ایالالارا ـ اسپانیا	۸۹ر۰۰۰	۱۹۲۰
۳۳۰	آلدر	رود نیس کوالی ـ واشنگتن	۲۳۲ر۰۰۰	۱۹٤٤
۳۳۰	چری ولی	رود چری کریك ـ کالیفرنیا	۲۶۸ر۲۰۰	۱۹۵۶
۳۲۸	سالت اسپرینگز	رود موکلومنه ـ نارك فورك	۱۳۹ر٤۰۰	۱۹۳۱
۳۲۶	اکس چکر	رود مرسد ـ کالیفرنی	۲۸۱ر۳۰۰	۱۹۲۶
۳۲۵	بوفالوبیل	رود شوشون ـ ویومینگ	٤۳۹ر۸۰۰	۱۹۱۰
۳۲۲	ییل	رود لویس ـ واشنگتن	۵۹۰ر۲۸۹	
۳۲۰	پارکر	رود کلرادو ـ اریزونا ـ کالیفرنی	۷۱۶ر۰۰۰	۱۹۳۸
۳۲۹	فریانت	رود سن جوشیم ـ کالیفرنی	۵۲۰ر۵۰۰	۱۹٤۲
۳۱۸	واتوگا	رود واتوگا ـ تنسی	۷۷۸ر۸۰۰	۱۹٤۹
۳۱۳	مروین	رود لویس ـ واشنگتن ـ اورگان	۶۵۰ر۲۰۰	۱۹۳۱
۳۱۰	سلطان شماره ۱	رود سلطان ـ واشنگتن	۲۳٤ر۳۰۰	۱۹۵۲
۳۰۷	هیواسی	رود هیواسی ـ کارولینای شمالی	٤۳۸ر۰۰۰	۱۹٤۰
۳۰۵	هارس مسا	سالت ریور ـ اریزونا	۲٤۵ر۱۰۰	۱۹۳۷
۳۰۲	ال پالمیتو	رود نازاس ـ مکزیك	۳ر۲۶۲ر۷۰۰	۱۹٤۸
۳۰۱	الفنت بوت	روگراند ـ نیومکزیکو	۲ر۱۸۵ر٤۰۰	۱۹۱۶
۳۰۱	بیکر علیا	رود بیکر ـ واشنگتن	۲۹۸ر۰۰۰	۱۹۵۹
۳۰۰	سن گلاکومودیفرائل	رود آدآ ـ ایتالیا	۵۲ر۰۰۰	۱۹۵۰

توضیح : سدهای بزرگ زیراکنون در دست ساختمان هستند وهنوز ارتفاع آنها معلوم نیست لذادر فهرست بالا نیامده است : گراندیکسن ـ سویس براتسك ـ سیبری . روسلند ـ فرانسه . نورك ـ شوروی . یانهی ـ تایلند آسوان ـ مصر .

زبانهای مردم جهان

که بیش از ۵ میلیون نفر با آن سخن میگویند

نام زبان	تعداد مردمیکه با آن سخن میگویند
امریکائی : سرخ پوستان شامل زبان های مایان و کوئچوئا و ۷۵۰ تا یکهزار زبانها و دیالکت های دیگر	۱۵ر۰۰۰ر۰۰۰
آماریك (حبشه)	۵ر۶۰۰ر۰۰۰
انامی (هندوچین)	۲۰ر۰۰۰۰ر۰۰۰
عربی	۶۵ر۰۰۰ر۰۰۰
بانتو : شامل سواحلی وزولو (در جنوب افریقا)	٤۵ر۰۰۰ر۰۰۰
بنگالی (هندوپاکستان)	۷۰ر۰۰۰ر۰۰۰
دیالکت های **بربری** (شمال افریقا)	۶ر۰۰۰ر۰۰۰
بیهاری (هند)	۳۷ر۰۰۰ر۰۰۰
بیزایان (فیلیپین)	۹ر۰۰۰ر۰۰۰
بلغاری	۷ر۰۰۰ر۰۰۰
برمه‌ئی	۱۳ر۰۰۰ر۰۰۰
کاتالان (اسپانیا)	۶ر۰۰۰ر۰۰۰
چینی شامل ماندارین ، کانتونی و غیره	۵۱۰ر۰۰۰ر۰۰۰
کوشی تی : شامل سومالی (وحبشه)	۷ر۰۰۰ر۰۰۰
چك	۸ر۵۰۰ ۰۰۰

نام زبان	تعداد مردمیکه با آن سخن میگویند
سندائی (اندونزی)	۱۳ر۰۰۰ر۰۰۰
سواحلی (افریقای شرقی)	۸ر۰۰۰ر۰۰۰
سوئدی	۷ر۰۰۰ر۰۰۰
تاگالوگ (فیلیپین)	۵ر۰۰۰ر۰۰۰
تمیل (هند)	۲۷ر۰۰۰ر۰۰۰
تله‌گو (هند)	۳۳ر۰۰۰ر۰۰۰
تبت ـ برمه : شامل تبتی وبرمه‌ئی	۲۰ر۰۰۰ر۰۰۰
ترکستانی : شامل قزاقی ، تاتاری ، ترکی و ازبك	٤۵ر۰۰۰ر۰۰۰
ترکی	۲۰ر۰۰۰ر۰۰۰
اردو (هندی وپاکستانی)	۵۰ر۰۰۰ر۰۰۰
اوکرایی	۳۳ر۰۰۰ر۰۰۰
ازبك (شوروی)	۶ر۰۰۰ر۰۰۰
یهودی	۵ر۰۰۰ر۰۰۰
فلامی (بلژیك)	۵ر۰۰۰ر۰۰۰
فرانسه	۶۵ر۰۰۰ر۰۰۰
آلمانی	۹۰ر۰۰۰ر۰۰۰
یونانی	۸ر۰۰۰ر۰۰۰
گجراتی (هندوپاکستان)	۱۶ر۰۰۰ر۰۰۰

دراویدی : شامل کاناری : مالایا		هائوسا (افریقای مرکزی)	
تمیل ، وتلوگو (هند)	۹۵ر۰۰۰ر۰۰۰	هندی (هند وپاکستان)	
هنلدی	۱۹ر۰۰۰ر۰۰۰	مجارستانی	
انگلیسی	۲۹۰ر۰۰۰ر۰۰۰	اینديك : شامل آسامی ، بنگالی ،	
حبشی : شامل آماریك	۶ر۴۰۰ر۰۰۰	بیهاری ، گجراتی ، هندی ، لاندا،	
فین نو ـ اوگریك : شامل استونی،		مراتی، اوریا ، پنجابی ، راجستانی،	
فنلاندی ، مجارستانی ، کارلیان و		سندی ، وسینهالی .	۱۶۰ر۰۰۰ر۰۰۰
لاپی	۲۱ر۵۰۰ر۰۰۰	اندونزی : شامل بالینی ، ویساهائی ،	۹ر۰۰۰ر۰۰۰
موندا (هند)	۵ر۰۰۰ر۰۰۰	ایلوکانو ، جاوه‌ئی ، مدوری ،	۸۳ر۰۰۰ر۰۰۰
اوریا (هند)	۱۳ر۰۰۰ر۰۰۰	مالایائی ، مالاگاسی ، سندائی و	۴۱۵ر۰۰۰ر۰۰۰
فارسی	۲۰ر۰۰۰ر۰۰۰	تاگالوگی .	۱۰۵ر۰۰۰ر۰۰۰
لهستانی	۳۰ر۰۰۰ر۰۰۰	ایرانی : شامل بلوچی ، کردی ،	
پرتقالی	۷۶ر۰۰۰ر۰۰۰	فارسی ، وپشتو .	۲۸ر۵۰۰ر۰۰۰
پنجابی (هندوپاکستان)	۲۲ر۰۰۰ر۰۰۰	ایتالیائی	۵۰ر۰۰۰ر۰۰۰
پشتو (افغانستان و پاکستان)	۸ر۵۰۰ر۰۰۰	ژاپونی	۹۰ر۰۰۰ر۰۰۰
راجستانی (هندوپاکستان)	۱۷ر۰۰۰ر۰۰۰	جاوه‌ئی	۴۱ر۰۰۰ر۰۰۰
رومانی	۱۶ر۰۰۰ر۰۰۰	کاناری (هند)	۱۴ر۰۰۰ر۰۰۰
روسی	۱۷۰ر۰۰۰ر۰۰۰	کره‌ئی	۳۰ر۰۰۰ر۰۰۰
سربی ـ کرواتی (یوگوسلاوی)	۱۵ر۰۰۰ر۰۰۰	لاندا (هندوپاکستان)	۱۳ر۰۰۰ر۰۰۰
سیامی	۱۶ر۰۰۰ر۰۰۰	مادوری (اندونزی)	۶ر۵۰۰ر۰۰۰
سینهالی (سرندیپ)	۵ر۵۰۰ر۰۰۰	مالایائی (اندونزی)	۱۴ر۰۰۰ر۰۰۰
اسپانی	۱۵۰ر۰۰۰ر۰۰۰	مالایالام (هند)	۱۴ر۰۰۰ر۰۰۰
سودانی : شامل هائوسا (افریقای		مراتی (هند)	۲۷ر۰۰۰ر۰۰۰
مرکزی)	۷۵ر۰۰۰ر۰۰۰		

مساحت وجمعیت کشورهای جهان

س = سرشماری
ت = تقریبی

نام کشور	مساحت بمیل مربع	جمعیت	درسال
افغانستان	۲۵۰٬۹۶۶۶	۱۳٬۷۹۹٬۰۳۷	۱۹۶۱ ت
آلبانی	۱۱٬۱۰۰	۱٬۶۲۵٬۳۷۸	۱۹۶۰ س
الجزیره	۹۱۹٬۵۹۱	۱۰٬۰۵۵٬۰۰۰	۱۹۶۰ س
آرژانتین	۱٬۰۷۲٬۰۶۷	۲۰٬۰۰۵٬۶۹۱	۱۹۶۰ س
استرالیا	۲٬۹۷۱٬۰۸۱	۱۰٬۵۰۸٬۱۸۹	۱۹۶۱ س
اطریش	۳۲٬۳۷۴	۷٬۰۷۳٬۸۰۷	۱۹۶۱ س
بلژیك	۱۱٬۷۷۹	۹٬۲۲۸٬۷۲۹	۱۹۶۲ ت
بوتان	۱۹٬۳۰۵	۶۸۰٬۰۰۰	۱۹۶۱ ت
بلیوی	۴۲۴٬۱۶۳	۳٬۵۴۹٬۰۰۰	۱۹۶۲ ت
برزیل	۳٬۲۸۶٬۴۷۰	۷۰٬۵۲۸٬۶۲۵	۱۹۶۰ س
بلغارستان	۴۲٬۸۲۹	۷٬۹۸۱٬۰۰۰	۱۹۶۱ ت
برمه	۲۶۱٬۷۸۹	۲۲٬۳۴۲٬۰۰۰	۱۹۶۲ ت
بوروندی	۱۰٬۷۴۷	۲٬۲۳۴٬۱۴۱	۱۹۶۰ ت
کامبودیا	۶۶٬۶۰۷	۵٬۷۳۷٬۸۵۳	۱۹۶۲ س
کامرون	۱۸۳٬۳۷۶	۴٬۰۹۶٬۹۰۰	۱۹۶۰ ت
کانادا	۳٬۵۶۰٬۲۳۸	۱۸٬۲۳۸٬۲۴۷	۱۹۶۱ س
جمهوری افریقای مرکزی	۲۴۱٬۳۱۳	۱٬۲۲۷٬۲۳۶	۱۹۶۰ ت
سرندیپ	۲۵٬۳۳۲	۱۰٬۱۶۷٬۰۰۰	۱۹۶۱ ت
چاد	۴۹۰٬۷۳۳	۲٬۶۷۴٬۹۹۰	۱۹۶۱ س
شیلی	۲۸۶٬۳۹۷	۷٬۳۳۹٬۵۴۶	۱۹۶۰ س
جمهوری ملی چین (تائیوان)	۱۳٬۹۵۲	۱۱٬۳۰۱٬۶۵۶	۱۹۶۲ ت
جمهوری مردم چین (بامنچوری وتبت)	۳٬۶۹۱٬۵۰۲	۷۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰	۱۹۶۲ ت
کلمبیا	۴۳۹٬۵۱۲	۱۴٬۷۶۸٬۵۱۰	۱۹۶۴ ت
کنگو (برازاویل)	۱۳۴٬۷۴۹	۸۶۴٬۶۷۹	۱۹۶۴ ت
کنگو (لئوپولد ویل)	۹۰۵٬۰۶۳	۱۴٬۴۵۰٬۰۰۰	۱۹۶۱ ت
کستاریکا	۱۹٬۶۵۲	۱٬۲۵۱٬۳۹۷	۱۹۶۲ ت
کوبا	۴۴٬۲۱۸	۷٬۰۶۸٬۰۰۰	۱۹۶۲ ت
قبرس	۳٬۵۷۲	۵۷۷٬۶۱۵	۱۹۶۰ س
چك‌اسلواکی	۴۹٬۳۶۷	۱۳٬۷۴۱٬۵۲۹	۱۹۶۱ س
داهومی	۴۴٬۶۹۶	۱٬۹۳۴٬۴۴۷	۱۹۶۰ س
دانمارك	۱۶٬۶۱۹	۴٬۵۸۵٬۲۵۶	۱۹۶۰رس
جمهوری دومینیکان	۱۸٬۷۰۳	۳٬۰۱۳٬۵۲۵	۱۹۶۰ س
اکوادور	۱۰۵٬۶۸۴	۴٬۶۵۳٬۰۰۰	۱۹۶۲ ت
مصر (جمهوری متحده عربی)	۳۸۶٬۱۰۰	۲۶٬۰۵۹٬۰۰۰	۱۹۶۰ س
ال سالوادور	۸٬۲۶۰	۲٬۵۰۱٬۲۷۸	۱۹۶۱ س
استونی (بعد از جنگ دوم جزء شوروی)	۱۷٬۴۱۳	۱٬۱۹۶٬۷۹۱	۱۹۵۹ س
حبشه	۴۵۷٬۱۴۲	۲۲٬۰۰۰٬۰۰۰	۱۹۶۱ ت
فنلاند	۱۳۰٬۱۲۰	۴٬۴۴۸٬۵۷۵	۱۹۶۰ س
فرانسه	۲۱۲٬۸۲۲	۴۶٬۳۰۰٬۰۰۰	۱۹۶۲ ت
جمهوری گابن	۱۰۲٬۳۱۷	۴۴۷٬۸۸۰	۱۹۶۱ س
آلمان خاوری (غیر از برلن خاوری)	۴۱٬۶۴۸	۱۶٬۰۲۴٬۰۰۰	۱۹۶۲ ت
آلمان باختری (غیر از برلن باختری)	۹۵٬۷۴۲	۵۶٬۱۷۳٬۲۰۷	۱۹۶۱ س
غانه	۹۲٬۱۰۰	۶٬۷۲۶٬۸۱۵	۱۹۶۰ س
یونان	۵۰٬۵۴۷	۸٬۳۸۸٬۵۵۳	۱۹۶۱ س
گواتمالا	۴۲٬۰۴۲	۳٬۸۵۲٬۸۴۴	۱۹۶۲ ت

نام کشور	مساحت بمیل مربع	جمعیت	درسال
گینه	٩٤ر٩٢٦	٣ر٠٠٠ر٠٠٠	١٩٦٠ ت
هائیتی	١٠ر٧١٤	٤ر٣٤٦ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
هندوراس	٤٣ر٢٧٧	١ر٨٨٣ر٤٨٠	١٩٦١ س
مجارستان	٣٥ر٩١٩	٩ر٩٧٦ر٥٣٠	١٩٦٠ س
آیسلند	٣٩ر٧٦٨	١٨٠ر٠٥٨	١٩٦١ ت
هند و جامو و کشمیر	١ر٢٦١ر٤١٦	٤٣٩ر٠٧٢ر٨٩٣	١٩٦١ س
اندونزی (غیر از گینه نو هلند)	٥٧٥ر٨٩٣	٩٦ر٣٨٥ر٣٤٨	١٩٦١رس
ایران	٦٣٦ر٣٦٣	٢١ر٣٤٩ر٦٨٤	١٩٦٢ ت
عراق	١٦٧ر٥٦٨	٦ر٦٣٧ر٢٢٢	١٩٦١ ت
ایرلند	٢٧ر١٣٦	٢ر٨١٤ر٧٠٣	١٩٦١ س
اسرائیل	٧ر٩٩٣	٢ر١٧٣ر٩٢٣	١٩٦١ س
ایتالیا	١١٦ر٣٠٤	٥٠ر٤٦٣ر٧٦٢	١٩٦١ س
ساحل عاج (ایووری کوست)	١٢٤ر٥٠٢	٣ر٣٤٣ر٠٠٠	١٩٦١ ت
جامائیکا	٤ر٤١١	١ر٦١٣ر٨٨٠	١٩٦٠ س
ژاپون	١٤٢ر٧٢٦	٩٣ر٤١٨ر٥٠١	١٩٦٠ س
اردن	٣٧ر٢٩٧	١ر٦٩١ر١٢٣	١٩٦١ س
کینیا	٢٢٤ر٩٦٠	٧ر٢٨٧ر٠٠٠	١٩٦١ ت
کره	٨٥ر٢٨٦	٣٣ر٢٤٤ر١١٧	١٩٦٠ ت
کویت	٥ر٣٣٥	٣٢١ر٦٢١	١٩٦١رس
لائوس	٩١ر٤٢٨	١ر٨٥٠ر٠٠٠	١٩٦١ ت
لاتویا (بعد از جنگ دوم جزء شوروی)	٢٤ر٥٩٥	٢ر١٩٣ر٤٥٨	١٩٥٩ س
لبنان	٤ر٠١٥	١ر٧٨٣ر٠٠٠	١٩٦٠ ت
لیبریا	٤٣ر٠٠٠	١ر٢٩٠ر٠٠٠	١٩٦٠ ت
لیبی	٦٧٩ر٣٥٨	١ر٢٤٠ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
لیختن‌اشتین	٦١	١٦ر٦٢٨	١٩٦٠ س
لیتوانی (بعد از جنگ دوم جزء شوروی)	٢٥ر١٧٤	٢ر٧١١ر٤٤٥	١٩٥٩ س
لوگزامبورگ	٩٩٩	٣٠٩ر٣٥٩	١٩٦٠ س
جمهوری مالاگاسی	٢٣٠ر٠٣٥	٥ر٥٧٧ر٠٠٠	١٩٦١ ت
فدراسیون مالزی	١٢٨ر٥١٢	٩ر٩٧٩ر٧٠٨	١٩٦٣ ت
مالی	٤٦٤ر٨٧٤	٤ر١٠٠ر٠٠٠	١٩٦١ ت
موریتانیا	٤١٩ر٢٢٩	٧٩٢ر٠١٩	١٩٦١ ت
مکزیك	٧٦١ر٦٠٠	٣٧ر٢٣٣ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
موناکو	٠ر٥٨٨ (٣٧٠اکر)	٢٢ر٢٩٧	١٩٦١ س
جمهوری مردم مغولستان	٦٠٤ر٢٤٧	٩٩٨ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
مراکش	١٧٤ر٤٧١	١١ر٦٢٦ر٤٧٠	١٩٦٠ س
نپال	٥٤ر٣٦٢	٩ر٣٨٧ر٦٦١	١٩٦١ س
هلند	١٢ر٦١٦	١١ر٧٢١ر٤١٦	١٩٦٢ ت
زلاند نو	١٠٣ر٧٣٦	٢ر٤١٤ر٩٨٤	١٩٦١ س
نیکاراگوا	٥٧ر١٤٣	١ر٥٥١ر٦٨٨	١٩٦٢ ت
نیجر	٤٨٩ر٢٠٦	٣ر١١٢ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
نیجریا	٣٥٦ر٦٦٩	٣٦ر٥٠٠ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
نروژ	١٢٥ر٠٦٤	٣ر٦٢٦ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
پاکستان	٣٦٥ر٥٢٩	٩٣ر٧٢٠ر٦١٣	١٩٦١ س
پاناما	٢٨ر٧٥٣	١ر٠٧٥ر٥٤١	١٩٦٠ س
پاراگوئه	١٥٧ر٠٤٧	١ر٨٥٧ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
پرو	٤٩٦ر٢٢٢	١٠ر٠١٦ر٣٢٢	١٩٦١ س
فیلیپین	١١٥ر٧٠٧	٢٧ر٤٥٥ر٧٩٩	١٩٦٠ س
لهستان	١٢٠ر٥٣٩	٣٠ر١٠٠ر٨٠٠	١٩٦٠ س
پرتقال	٣٥ر٥٢٧	٩ر١٣٠ر٤١٠	١٩٦٠ س

نام کشور	مساحت بمیل مربع	جمعیت	درسال
رومانی	٩١ر٦٩٩	١٨ر٥٦٦ر٩٣٢	١٩٦١ ت
رواندا	١٠ر١٦٩	٢ر٦٩٤ر٤٧٩	١٩٦٠ ت
سان مارینو	٢٤	١٦ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
عربستان سعودی	٨٧٢ر٧٢٢	٦ر٠٣٦ر٠٠٠	١٩٥٦ ت
سنگال	٧٦ر١٢٤	٢ر٩٧٣ر٢٨٥	١٩٦١ ت
سیرالئون	٢٧ر٩٢٥	٢ر٤٥٠ر٠٠٠	١٩٦١ ت
سومالی	٢٤٦ر٢٠١	٢ر٠٣٠ر٠٠٠	١٩٦١ ت
جمهوری‌افریقای‌جنوبی (غیرازافریقای جنوب‌غربی)	٤٧٢ر٣٥٩	١٥ر٨٤١ر١٢٨	١٩٦٠ س
اسپانیا	١٩٤ر٨٨٣	٣٠ر٤٣٠ر٦٩٨	١٩٦٠ س
سودان	٩٦٧ر٤٩١	١٢ر٢٨٩ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
سوئد	١٧٣ر٦٤٩	٧ر٤٩٥ر١٢٩	١٩٦٠ س
سویس	١٥ر٩٤١	٥ر٤٢٩ر٠٦١	١٩٦٠ س
سوریه	٧١ر٢٢٨	٤ر٥٥٥ر٢٦٧	١٩٦٠ س
تانگانیکا	٣٦١ر٨٠٠	٩ر٥٦٠ر٤٠٠	١٩٦٢ ت
تایلند	١٩٨ر٤٥٥	٢٦ر٢٥٧ر٩١٦	١٩٦٠ س
تبت	٤٧١ر٦٦٠	١ر٢٧٠ر٠٠٠	١٩٥٧ ت
توگو	٢١ر٨٥٣	١ر٤٣٩ر٧٧٢	١٩٦٠ س
تری نیدادوتوباگو	١ر٩٨٠	٨١٩ر٣٩٩	١٩٦٠ س
تونس	٤٨ر٣٣٢	٤ر٢٥٤ر٠٠٠	١٩٦١ ت
ترکیه	٣٠١ر٣٨٠	٢٧ر٨٢٩ر١٩٨	١٩٦٠ س
یوگاندا	٩٣ر٩٨١	٦ر٨٤٥ر٠٠٠	١٩٦١ ت
اتحاد جماهیر شوروی	٨ر٦٤٩ر٤٨٩	٢١٩ر٧٠٠ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
سلطنت متحده بریتانیا	٩٣ر٨٩٨	٥٢ر٨٣٤ر٢٢٩	١٩٦١ س
کشور های متحده امریکا	٣ر٦١٥ر٢١١	١٨٥ر٨٢٢ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
ولتای علیا	١٠٥ر٨٦٩	٤ر٤٠٠ر٠٠٠	١٩٦١ ت
اوروگوئه	٧٢ر١٧٧	٣ر٠٨٣ر٨٥٥	١٩٦٢ ت
دولت شهر واتیکان	٠ر١٧٠ (١٠٨ر٧ اگر)	١ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
ونزوئلا	٣٥٢ر١٤٢	٧ر٥٢٣ر٩٩٩	١٩٦١ س
ویت‌نام شمالی	٦٠ر١٥٦	١٥ر٩١٦ر٩٥٥	١٩٦٠ س
ویت‌نام جنوبی	٦٥ر٩٤٨	١٤ر٩٠٠ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
ساموئای باختری	١ر٠٩٠	١١٤ر٤٢٧	١٩٦١ س
یمن	٧٥ر٢٩٠	٥ر٠٠٠ر٠٠٠	١٩٦٢ ت
یوگوسلاوی	٩٨ر٧٦٦	١٨ر٥٣٨ر١٥٠	١٩٦١ س
زنگبار	١ر٠٤٤	٣١٢ر٠٠٠	١٩٦١ ت

جمعیت‌بزرگترین شهر های جهان

نام کشور	جمعیت	در سال	نام کشور	جمعیت	در سال
١ــ شانگهای ــ چین	١٠ر٠٠٠ر٠٠٠	١٩٦١ ت	١١ ــ قاهره ــ مصر	٣ر٣٤٦ر٠٠٠	١٩٦٠ س
٢ ــ توکیو ــ ژاپون	٨ر٣١٠ر٠٢٧	١٩٦٠ س	١٢ ــ ریودوژانیرو ــ برزیل	٣ر٣٠٧ر١٦٣	١٩٦٠ س
٣ــ لندن ــ انگلستان	٨ر١٧١ر٩٠٢	١٩٦١ س	١٣ ــ برلن ــ آلمان	٣ر٢٥٢ر٨٩٠	١٩٦١ ت
٤ ــ شهر نیویورك ــ امریکا	٧ر٧٨١ر٩٨٤	١٩٦٠ س	١٤ ــ اوساکا ــ ژاپون	٣ر٠١١ر٥٦٣	١٩٦٠ س
٥ ــ پکن ــ چین	٦ر٠٠٠ر٠٠٠	١٩٦١ ت	١٥ ــ جاکارتا ــ اندونزی	٢ر٩٧٣ر٠٥٢	١٩٦١ س
٦ــ مسکو ــ شوروی	٥ر٠٤٥ر٩٠٥	١٩٥٩ س	١٦ ــ بوئنس آیرس ــ آرژانتین	٢ر٩٦٦ر٨١٦	١٩٦٠ س
٧ــ بمبئی ــ هند	٤ر١٤٦ر٤٩١	١٩٦١ س	١٧ ــ کلکته ــ هند	٢ر٩٢٦ر٤٩٨	١٩٦١ س
٨ ــ تینت سین ــ چین	٤ر٠٠٠ر٠٠٠	١٩٦١ ت	١٨ ــ لنین گراد ــ شوروی	٢ر٨٩٩ر٩٥٥	١٩٥٩ س
٩ ــ سائوپائولو ــ برزیل	٣ر٧٧٦ر٥٨١	١٩٦٠ س	١٩ ــ مکزیکو سیتی ــ مکزیك	٢ر٨٣٢ر١٣٣	١٩٦٠ س
١٠ ــ شیکاگو ــ امریکا	٣ر٥٥٠ر٤٠٤	١٩٦٠ س	٢٠ ــ پاریس ــ فرانسه	٢ر٨٢٠ر٥٣٤	١٩٥٤ س

جمعیت سایر شهرهای بزرگ جهان

نام شهر و کشور	جمعیت	در سال
احمدآباد ـ هند	۱٬۱۴۹٬۸۵۲	۱۹۶۱ س
اسکندریه ـ مصر	۱٬۵۱۳٬۰۰۰	۱۹۶۰ س
الجزیره ـ الجزایر	۸۷۰٬۰۰۰	۱۹۶۰ س
آمستردام ـ هلند	۸۶۵٬۷۰۳	۱۹۶۲ ت
باندونگ ـ اندونزی	۹۷۲٬۵۶۶	۱۹۶۱ س
بنگالور ـ هند	۹۰۷٬۶۲۷	۱۹۶۱ س
بانکوک ـ تائیلند	۱٬۵۹۷٬۰۰۰	۱۹۶۰ س
بارسلون ـ اسپانیا	۱٬۵۵۷٬۸۶۳	۱۹۶۰ س
بلوهوریزونته ـ برزیل	۶۹۳٬۳۲۸	۱۹۶۰ س
برمینگهام ـ انگلیس	۱٬۱۰۵٬۶۵۱	۱۹۶۱ س
بوگوتا ـ کلمبیا	۱٬۳۲۹٬۲۳۰	۱۹۶۲ ت
بروکسل ـ بلژیک	۱٬۰۵۱٬۶۶۵	۱۹۶۲ ت
بوخارست ـ رومانی	۱٬۲۲۹٬۱۳۵	۱۹۶۱ ت
بوداپست ـ مجارستان	۱٬۸۰۷٬۲۹۹	۱۹۶۰ س
کالی ـ کلمبیا	۶۹۳٬۱۲۰	۱۹۶۲ ت
کانتون ـ چین	۱٬۸۶۷٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
کیپ تون ـ افریقای جنوبی	۷۳۱٬۴۸۴	۱۹۶۰ س
کاراکاس ـ ونزوئلا	۷۳۹٬۲۵۵	۱۹۶۱ س
کازابلانکا ـ مراکش	۹۶۵٬۲۷۷	۱۹۶۰ س
چنگ تو ـ چین	۱٬۱۳۵٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
چونکینگ ـ چین	۲٬۱۶۵٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
کولونی ـ آلمان	۸۰۹٬۲۴۷	۱۹۶۱ س
کپنهاگ ـ دانمارک	۹۲۳٬۹۷۴	۱۹۶۰ س
دهلی ـ هند	۹۱۴٬۷۹۰	۱۹۶۱ س
دونتسک ـ شوروی	۷۰۱٬۰۰۰	۱۹۵۹ س
دوسلدورف ـ آلمان	۷۰۲٬۵۹۶	۱۹۶۱ س
اسن ـ آلمان	۷۲۶٬۵۵۰	۱۹۶۱ س
فرانکفورت ـ ام ـ ماین ـ آلمان	۶۸۳٬۰۸۱	۱۹۶۱ س
فو ـ شون ـ چین	۱٬۰۱۹٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
ژنوا ـ ایتالی	۷۷۵٬۱۰۶	۱۹۶۱ س
گلاسکو ـ اسکاتلند	۱٬۰۵۴٬۹۱۳	۱۹۶۱ س
گورکی ـ شوروی	۹۴۲٬۰۰۰	۱۹۵۹ س
گوادالاجارا ـ مکزیک	۷۳۶٬۸۰۰	۱۹۶۰ س
هامبورگ ـ آلمان	۱٬۸۳۲٬۳۷۴	۱۹۶۱ س
هاربین ـ منچوریا	۱٬۵۹۵٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
هاوانا ـ کوبا	۸۹۷٬۰۴۲	۱۹۶۱ ت
حیدر آباد ـ هند	۱٬۲۵۲٬۳۳۷	۱۹۶۱ س
استانبول ـ ترکی	۱٬۴۵۹٬۵۲۸	۱۹۶۰ س
ژوهانسبورگ ـ افریقای جنوبی	۱٬۰۹۶٬۵۴۱	۱۹۶۰ س
کانپور ـ هند	۹۴۷٬۷۹۳	۱۹۶۱ س
کراچی ـ پاکستان	۱٬۹۱۲٬۵۹۸	۱۹۶۱ س
خارکوف ـ شوروی	۹۳۰٬۰۰۰	۱۹۵۹ س
کیف ـ شوروی	۱٬۱۰۴٬۳۳۴	۱۹۵۹ س
کوبه ـ ژاپون	۱٬۱۱۳٬۹۷۷	۱۹۶۰ س
کولون ـ هونگ‌کونگ	۷۲۶٬۹۷۶	۱۹۶۱ س
کوئی‌بیشف ـ شوروی	۸۰۶٬۰۰۰	۱۹۵۹ س
کیوتو ـ ژاپون	۱٬۲۸۴٬۸۱۸	۱۹۶۰ س
لاهور ـ پاکستان	۱٬۲۹۶٬۴۷۷	۱۹۶۱ س
لیما ـ پرو	۱٬۴۱۵٬۹۷۱	۱۹۶۱ س
لیسبون ـ پرتقال	۸۱۸٬۳۸۲	۱۹۶۰ س

نام شهر و کشور	جمعیت	در سال
لیورپول ـ انگلیس	۷۴۷٬۴۹۰	۱۹۶۱ س
لودز ـ لهستان	۷۰۸٬۴۰۰	۱۹۶۰ س
لوتا ـ کوان تونگ	۱٬۵۹۰٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
مادرید ـ اسپانیا	۲٬۲۵۹٬۹۳۱	۱۹۶۰ س
مدرس ـ هند	۱٬۷۲۵٬۲۱۶	۱۹۶۱ س
مانیلا ـ فیلیپین	۱٬۱۴۵٬۷۲۳	۱۹۶۰ س
مدلین ـ کلمبیا	۶۹۰٬۷۱۰	۱۹۶۲ ت
ملبورن ـ استرالیا	۱٬۹۱۲٬۰۵۵	۱۹۶۱ س
میلان ـ ایتالیا	۱٬۵۸۰٬۹۷۸	۱۹۶۱ س
مونته ویدئو ـ اوروگوئه	۹۴۰٬۰۱۲	۱۹۶۲ ت
مونتریل ـ کانادا	۱٬۱۹۱٬۰۶۲	۱۹۶۱ س
موکدن ـ منچوری	۲٬۴۲۳٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
مونیخ ـ آلمان	۱٬۰۸۴٬۴۷۴	۱۹۶۱ س
ناگویا ـ ژاپون	۱٬۵۹۱٬۹۳۵	۱۹۶۰ س
نانکینگ ـ چین	۱٬۴۵۵٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
ناپل ـ ایتالی	۱٬۱۷۹٬۶۰۸	۱۹۶۱ س
کولون جدید ـ هونگ‌کونگ	۷۴۸٬۵۱۸	۱۹۶۱ س
نووسیبیریسک ـ شوروی	۸۸۷٬۰۰۰	۱۹۵۹ س
پونه ـ هند	۷۲۱٬۱۳۴	۱۹۶۱ س
پراگ ـ چك اسلواکی	۹۹۸٬۴۹۳	۱۹۶۱ س
پوزان ـ کره	۱٬۱۶۲٬۶۱۴	۱۹۶۰ س
رنگون ـ برمه	۷۲۳٬۰۰۰	۱۹۶۰ ت
رسیف ـ برزیل	۷۸۸٬۵۸۰	۱۹۶۰ س
رم ـ ایتالی	۲٬۱۶۰٬۷۷۳	۱۹۶۱ س
روتردام ـ هلند	۷۳۰٬۲۲۵	۱۹۶۲ ت
سایگون ـ ویت‌نام	۱٬۳۰۹٬۰۰۰	۱۹۶۰ ت
سانتیاگو ـ شیلی	۱٬۸۹۵٬۱۹۸	۱۹۶۰ س
سئول ـ کره	۲٬۴۴۴٬۸۸۳	۱۹۶۰ س
سیان ـ چین	۱٬۳۶۸٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
سنگاپور ـ مالزی	۱٬۶۸۷٬۳۰۰	۱۹۶۱ ت
صوفیه ـ بلغارستان	۶۹۸٬۴۹۴	۱۹۶۱ ت
استکهلم ـ سوئد	۸۰۸٬۴۸۴	۱۹۶۰ س
سوراَمالا ـ اندونزی	۱٬۰۰۷٬۹۴۵	۱۹۶۱ س
سوردنووسك ـ شوروی	۷۷۷٬۰۰۰	۱۹۵۹ س
سیدنی ـ استرالیا	۲٬۱۸۳٬۲۳۱	۱۹۶۱ س
تائگو ـ کره	۶۷۸٬۲۷۷	۱۹۶۰ س
تایپه ـ فرمز	۹۲۷٬۴۳۲	۱۹۶۱ س
تایوان ـ چین	۱٬۰۵۳٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
تاشکند ـ شوروی	۹۱۱٬۹۳۰	۱۹۵۹ س
تبلیسی ـ شوروی	۶۹۴٬۶۶۴	۱۹۵۹ س
تهران ـ ایران	۱٬۵۱۲٬۰۸۲	۱۹۵۶ س
تورونتو ـ کانادا	۶۷۲٬۴۰۷	۱۹۶۱ س
تسینگ تائو ـ چین	۱٬۱۴۴٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
تونس ـ تونس	۶۹۵٬۰۰۰	۱۹۶۰ ت
تورین ـ ایتالیا	۱٬۰۱۹٬۲۳۰	۱۹۶۱ س
ویکتوریا ـ هونگ کونگ	۶۷۴٬۹۶۲	۱۹۶۱ س
وینه ـ اطریش	۱٬۶۲۷٬۵۶۶	۱۹۶۱ س
ورشو ـ لهستان	۱٬۱۳۶٬۰۰۰	۱۹۶۰ س
ووهان ـ چین	۲٬۲۲۶٬۰۰۰	۱۹۵۸ ت
یوکوهاما ـ ژاپون	۱٬۳۷۵٬۷۱۰	۱۹۶۰ س

منابع مهم ثروت و محصولات عمده کشور های جهان

(ماخذ : سالنامه آماری ١٩٦٢ ملل متحد)

توضیح : (١) (غ) علامت غیر معلوم است و در اینمورد درجه کشور مربوط از لحاظ ثروت و محصولات بطور تقریب معین شده‌است. (٢) در هر ماده تا ده رتبه از لحاظ ثروت و محصولات ذکر شده است (٣) مقصود از «امریکا» کشور های متحده امریکاست و مقصود از «انگلیس» سلطنت متحده بریتانیا است .

(الف) ـ محصولات معدنی و فلزی

انتیمون (بحسب یکهزار تن متریك ـ استخراج سنگ محتوی انتیمون در سال ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ چین (کمونیست) (تقریبا)	١٧ر٠
٢ ـ جمهوری افریقای جنوبی	١٠ر٧
٣ ـ بلیوی	٦ر٧
٤ ـ شوروی (تقریبا)	٦ر٠
٥ ـ یوگسلاوی	٣ر٨
٦ ـ مکزیك	٣ر٦
٧ ـ چك اسلواکی (تقریبا)	١ر٦
٨ ـ ترکیه	١ر٢
٩ ـ استرالیا	٠ر٩
١٠ ـ پرو	٠ر٧

بوکسیت (بحسب یکهزار تن متریك در سال ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ جامائیکا	٦٦١٥
٢ ـ شوروی (تقریبا)	٤٠٠٠
٣ ـ سوری نام (درگینه هلند)	٣٤٠٥
٤ ـ گینهٔ انگلیس	٢٤١٢
٥ ـ فرانسه	٢١٩٠
٦ ـ گینه	١٧٦٧
٧ ـ کشور های متحده امریکا	١٥٠٣
٨ ـ مجارستان	١٣٥٨
٩ ـ یونان	١٣٠٠
١٠ ـ یوگوسلاوی	١٢٣٢

سیمان (بحسب هزارتن متریك ـ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ امریکا	٥٦٧١٨
٢ ـ شوروی	٥٠٩٠٠
٣ ـ آلمان باختری	٢٧١٤٤
٤ ـ ژاپون	٢٤٦٣٢
٥ ـ ایتالیا	١٨٠٣١
٦ ـ فرانسه	١٥٦٨٥
٧ ـ انگلیس	١٤٣٧٦
٨ ـ چین کمونیست	١٤٠٠٠
٩ ـ هند	٨٢٣١
١٠ ـ لهستان	٧٣٦٤

کرم (بحسب هزار تن متریك ـ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ جمهوری افریقای جنوبی	٣٩٧
٢ ـ فدراسیون رودزی ونیازالند	٢٤١
٣ ـ فیلیپین	٢٤١
٤ ـ ترکیه	٢١٢
٥ ـ ایران	٣٤
٦ ـ امریکا	٢٩
٧ ـ یوگوسلاوی	٢٨
٨ ـ ژاپون	٢٥
٩ ـ هند	٢٢
١٠ ـ کالدونی جدید	١٩

ذغال (بحسب میلیون تن متریك ـ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ شوروی (بانضمام لینیت)	٥١٠ر٠
٢ ـ چین کمونیست (بانضمام لینیت تقریبا)	٤٢٠ر٠
٣ ـ امریکا (بانضمام لینیت)	٣٨١ر٤
٤ ـ انگلیس	١٩٣ر٥
٥ ـ آلمان باختری	١٤٣ر٦
٦ ـ لهستان	١٠٦ر٦
٧ ـ هند	٥٦ر١
٨ ـ ژاپون	٥٤ر٥
٩ ـ جمهوری افریقای جنوبی	٣٩ر٦
١٠ ـ چك‌اسلواکی	٢٦ر٤

مس (خالص بحسب هزارتن متریك ـ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ امریکا	١٣٤٠ر٦
٢ ـ فدراسیون رودزیا ونیازالند	٥٦٨ر٩
٣ ـ شیلی	٥٠٢ر٠
٤ ـ شوروی (تقریبا)	٣٧٥ر٠
٥ ـ کانادا	٣٦٣ر٨
٦ ـ کنگو (لئوپولدویل)	٢٩٥ر٢
٧ ـ ژاپون (تقریبا)	٢٤٢ر٢
٨ ـ انگلیس	٢٣٨ر١
٩ ـ بلژیك	٢٢١ر٦
١٠ ـ آلمان باختری	١٨٤ر٧

طلا (بحسب هزار کیلو گرم ـ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ جمهوری افریقای جنوبی	٧١٣ر٦
٢ ـ شوروی (تقریبا)	٣٥٠ر٠
٣ ـ کانادا	١٣٨ر٢
٤ ـ امریکا	٤٨ر٧
٥ ـ استرالیا	٣٣ر٣
٦ ـ غانه	٢٥ر٩
٧ ـ رودزیای جنوبی	١٧ر٧
٨ ـ فیلیپین	١٣ر٢
٩ ـ ژاپون	١١ر٨
١٠ ـ کلمبیا	١١ر٨

سنگ آهن (بحسب میلیون تن متریك سنگ محتوی آهن ـ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ شوروی	٦٨ر٤
٢ ـ چین کمونیست (تقریبا)	٤٠ر٠
٣ ـ امریکا	٣٩ر٢
٤ ـ فرانسه	٢١ر٦
٥ ـ سوئد	١٤ر١
٦ ـ کانادا	١٠ر٠
٧ ـ ونزوئلا	٩ر٣
٨ ـ هند	٧ر٥
٩ ـ برزیل	٦ر٤
١٠ ـ انگلیس	٤ر٥

سرب (بحسب هزارتن متریك ـ خالص ـ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ امریکا	٧٩٤ر٦
٢ ـ شوروی (تقریبا)	٢٩١ر٠
٣ ـ استرالیا	٢١٣ر٧
٤ ـ مکزیك	١٧٥ر٥
٥ ـ کانادا	١٥٥ر٩
٦ ـ آلمان باختری	١٤٠ر٦
٧ ـ بلژیك	٩٩ر٩
٨ ـ یوگوسلاوی	٩٠ر٤
٩ ـ فرانسه	٨٩ر٣
١٠ ـ انگلیس	٨٧ر٧

منگانز (سنگ محتوی منگانز بحسب هزار تن متریك ـ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ شوروی	٢٧٠٠
٢ ـ جمهوری افریقای جنوبی	٥٤٩
٣ ـ هند	٤٩٨
٤ ـ برزیل	٤٤٠
٥ ـ مراکش	٢٦١
٦ ـ غانه	١٨٨
٧ ـ کنگو (لئوپولدویل)	١٥٩
٨ ـ ژاپون	١٠٦
٩ ـ گینهٔ انگلیس	٨٢
١٠ ـ مکزیك	٦٩

نفت (بحسب میلیون تن متریك ـ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ـ امریکا	٣٥٤ر٣
٢ ـ شوروی	١٦٦ر١
٣ ـ ونزوئلا	١٥٥ر٩
٤ ـ کویت	٨٢ر٧

٥ ــ عربستان سعودی	٦٩ر٢
٦ ــ ایران	٥٨ر٤
٧ ــ عراق	٤٩ر٠
٨ ــ کانادا	٢٩ر٨
٩ ــ اندونزی	٢١ر٣
١٠ ــ الجزیره	١٥ر٧

آهن لخته وباردار (مخلوط با فلزات دیگر بحسب میلیون تن متریك ــ ١٩٦١)

١ ــ امریکا	٦٠ر٥
٢ ــ شوروی	٥٠ر٩
٣ ــ آلمان باختری	٢٥ر٦
٤ ــ چین کمونیست	٢٢ر٠
٥ ــ ژاپون	١٦ر٤
٦ ــ انگلیس	١٥ر٠
٧ ــ فرانسه	١٤ر٨
٨ ــ بلژیك	٦ر٤
٩ ــ هند	٥ر٠
١٠ ــ چك‌اسلواکی	٥ر٠

نقره (بحسب تن متریك ــ ١٩٦١)

١ ــ مکزیك	١٢٥٥ر٠
٢ ــ امریکا	١٠٨٥ر٥
٣ ــ پرو	١٠٤٤ر٥
٤ ــ کانادا	٩٦٩ر٤
٥ ــ شوروی (تقریبا)	٧٠٠ر٠
٦ ــ آلمان باختری	٥٠٣ر٣
٧ ــ استرالیا (در ١٩٦٠)	٤٧٢ر٧
٨ ــ ژاپون	٣٨٩ر٢
٩ ــ بولیوی	١٢١ر٠
١٠ ــ کنگو (لئوپولدویل)	١٠٨ر٠

قلع (بحسب هزار تن متریك ــ ١٩٦١)

١ ــ فدراسیون مالایا	٥٦ر٩
٢ ــ چین کمونیست (تقریبا)	٢٤ر٤
٣ ــ بلیوی	٢١ر٠
٤ ــ اندونزی	١٨ر٩
٥ ــ تایلند	١٣ر٥
٦ ــ نیجریه	٧ر٩
٧ ــ کنگو (لئوپولدویل)	٦ر٧
٨ ــ استرالیا	٢ر٦
٩ ــ برزیل	١ر٥
١٠ ــ رواندا	١ر٥

روی (بحسب هزار تن متریك ــ ١٩٦١)

١ ــ امریکا	٨٢١ر٧
٢ ــ شوروی (در ١٩٥٦)	٣٥١ر٠
٣ ــ بلژیك	٢٤٥ر٥
٤ ــ کانادا	٢٤٣ر١
٥ ــ ژاپون	٢٠٧ر٠
٦ ــ آلمان باختری	٢٠٢ر٧

٧ ــ فرانسه	١٩٣ر٨
٨ ــ لهستان	١٨٢ر٠
٩ ــ استرالیا	١٤٠ر٩
١٠ ــ انگلیس	٩٤ر٤

اورانیوم ــ مقدار استخراج و محصول اورانیوم جهان بطور کلی بدست داده نشده و آشکار نیست . آنچه که معلوم است محصول اکسید دورانیوم امریکا در سال ١٩٦١ بالغ بر ١٧٣٩٩ تن بوده است . اشخاص مطلع مقدار ذخیرهٔ سنگ معدن اورانیوم جهان را در منطقه های شناخته شده در دسامبر ١٩٥٧ بـه ٢٥ر٠٠٠ر٠٠٠ تن تخمین زده‌اند . در امریکا از هریك تن سنگ اورانیوم بحد متوسط ٥رطل اکسید دورانیوم استخراج میکنند ، مقدار ذخیرهٔ اورانیوم درجه اعلا را در امریکا در ١٩٥٧ به ٢٠٠ر٠٠٠تن ومقدار ذخیرهٔ اورانیوم درجه پائین تر را به ٦ر٠٠٠ر٠٠٠ تن تخمین زده‌اند . تصور میرود بزرگترین ذخیرهٔ اورانیوم در کنگو (لئوپولدویل) و در منطقه شمال باختری آن کشور و بعد از آن بترتیب در کانادا ، در کلرادو ، در نیومکزیکو ، اریزونا و یوتاه وجود داشته باشد . در آلاسکا نیز ذخائری از اورانیوم دیده شده و همچنین در استرالیا ، بولیوی ، برزیل ، بلغارستان ، برمه ، سرندیب ، شیلی ، چین (در منچوری)، چك‌اسلواکی ، انگلستان ، حبشه ، فنلاند ، فرانسه ، آلمان ، یونان ، گرینلند ، مجارستان، هند ، اندونزی ، ایران ، ژاپون ، جمهوری مالاگاس ، مکزیك ، موزامبیك ، نیجریه ، نروژ ، پاناما ، فیلیپین ، پرتقال ، رومانی ، ساردینیا ، افریقای جنوبی ، اسپانیا ، سوئد ، سویس ، ترکیه ، شوروی ویوگوسلاوی نیز برطبق گزارشها مقداری اورانیوم وجود دارد.

(ب) ــ محصولات کشاورزی

جو (بحسب هزار تن متریك ــ ١٩٦١)

١ ــ چین کمونیست (تقریبا)	١٩٧٢٠
٢ ــ شوروی (در ١٩٦٠)	١٦٠٢١
٣ ــ امریکا	٨٥٦٥
٤ ــ فرانسه	٥٤١٣
٥ ــ انگلیس	٥٠٠٤
٦ ــ ترکیه	٢٩٤٨
٧ ــ هند	٢٨٦٦
٨ ــ دانمارك	٢٨٠٨
٩ ــ آلمان باختری	٢٧٢٢
١٠ ــ کانادا	٢٤٥٢

کره (بحسب هزار تن متریك ــ ١٩٦١)

١ ــ شوروی	٧٨٢ر٠
٢ ــ امریکا	٦٩٦ر٦
٣ ــ آلمان باختری	٤٥٦ر٠
٤ ــ فرانسه	٤٠٦ر٠
٥ ــ زلاند نو	٢١٦ر٧
٦ ــ استرالیا	١٨٤ر٦
٧ ــ آلمان خاوری	١٧٧ر٩
٨ ــ دانمارك	١٧١ر١
٩ ــ لهستان (تقریبا)	١٦٥ر٥
١٠ ــ کانادا	١٦٥ر٠

چارپایان (تعدادبحسب‌میلیون‌سر ١٩٦٠ـ١٩٦١)

١ ــ هند	١٧٥ر٧
٢ ــ امریکا	٩٧ر٣
٣ ــ شوروی	٧٥ر٨
٤ ــ برزیل	٧٤ر٠
٥ ــ چین‌کمونیست (١٩٥٩ـ٦٠)	٤٤ر٥
٦ ــ ارژنتین	٤٣ر٢
٧ ــ پاکستان	٢٤ر١
٨ ــ مکزیك	٢١ر١
٩ ــ حبشه (١٩٥٩ ــ ٦٠)	٢١ر٠
١٠ ــ فرانسه	١٩ر٥

پنیر (محصول کارخانه بحسب هزار تن متریك ــ ١٩٦١)

١ ــ امریکا	٧٣٩ر٥
٢ ــ فرانسه	٤٤٧ر٠
٣ ــ ایتالیا	٣٤٤ر٦
٤ ــ هلند	٢٠٣ر٦
٥ ــ آلمان باختری	١٦٣ر٩
٦ ــ شوروی (١٩٥٦)	١٣٦ر٢
٧ ــ ارژانتین	١٢٩ر٠
٨ ــ دانمارك	١٢٢ر٣
٩ ــ انگلیس	١٠٧ر٤
١٠ ــ زلاند نو	١٠٠ر٧

پنبهٔ پاك شده (بحسب هزارتن متریك ــ ١٩٦١)

١ ــ امریکا	٣١١٧
٢ ــ چین کمونیست (١٩٥٩)	٢٤١٠
٣ ــ شوروی	١٥٥٩
٤ ــ هلند	٨٠٠
٥ ــ برزیل	٦١٣
٦ــ مکزیك	٤٤٧
٧ــ پاکستان	٣٢٧
٨ ــ مصر (جمهوری متحده عربی)	٣٠٢
٩ ــ سودان	٢٠١
١٠ ــ ترکیه	٢٠٠

جنگل ها (بحسب میلیون اکر ــ ١٩٦١)

١ ــ شوروی	٢٢٧٥
٢ ــ برزیل	٩٧٥
٣ ــ کانادا	٨٣٥
٤ ــ امریکا	٨٢٥

۵ ــ افریقای باختری فرانسه ۴۲۰
۶ ــ افریقای استوائی فرانسه ۳۴۰
۷ ــ اندونزی ۳۰۰
۸ ــ کنگو (لئوپولد ویل) ۲۵۰
۹ ــ سودان ۲۲۵
۱۰ ــ چین کمونیست ۲۱۰

خوک (تعداد بحسب میلیون ــ ۱۹۶۰ ــ ۶۱)

۱ ــ چین کمونیست (۱۹۵۹ـ۶۰) ۱۸۰ر۰
۲ ــ شوروی ۵۸ر۶
۳ ــ امریکا ۵۵ر۴
۴ ــ برزیل ۴۷ر۹
۵ ــ آلمان باختری ۱۵ر۸
۶ ــ لهستان ۱۳ر۴
۷ ــ مکزیك (۱۹۵۸ـ۵۹) ۹ر۴
۸ ــ فرانسه ۸ر۶
۹ ــ آلمان خاوری ۸ر۳
۱۰ ــ دانمارك ۷ر۱

زمین های قابل کشت (بحسب میلیون اکر ــ ۱۹۶۱)

۱ ــ شوروی ۵۸۵
۲ ــ امریکا ۴۷۸
۳ ــ هند ۳۲۵
۴ ــ چین کمونیست ۲۵۰
۵ ــ کنگو (لئوپولدویل) ۱۲۰
۶ ــ کانادا ۹۷
۷ ــ ارژانتین ۷۵
۸ ــ افریقای استوائی‌فرانسه ۵۴
۹ ــ پاکستان ۶۰
۱۰ ــ فرانسه ۵۲

گوشت (بحسب هزارتن متریك ۱۹۶۱)

۱ ــ امریکا ۱۲ر۹۶۵
۲ ــ شوروی (۱۹۵۹) ۷ر۹۲۲
۳ ــ فرانسه ۲ر۹۲۷
۴ ــ آلمان باختری ۲ر۷۰۹
۵ ــ آرژانتین ۲ر۴۲۶
۶ ــ برزیل (۱۹۶۰) ۱ر۸۷۲
۷ ــ انگلیس ۱ر۸۶۷
۸ ــ لهستان ۱ر۶۲۵
۹ ــ استرالیا ۱ر۵۱۸
۱۰ ــ کانادا ۱ر۱۳۶

شیرگاو (بحسب هزار تن متریك ــ ۱۹۶۱)

۱ ــ شوروی ۶۱ر۶۰۰
۲ ــ امریکا ۵۶ر۹۰۶
۳ ــ فرانسه ۲۳ر۷۹۳
۴ ــ آلمان باختری ۱۹ر۷۹۳
۵ ــ لهستان ۱۲ر۷۵۹
۶ ــ انگلیس ۱۲ر۵۳۶
۷ ــ کانادا ۸ر۷۳۷

۸ ــ هند (۱۹۵۶) ۸ر۱۸۰
۹ ــ ایتالی (۱۹۵۹) ۷ر۲۳۸
۱۰ ــ هلند ۶ر۹۵۳
۱۱ ــ استرالیا ۶ر۲۷۷
۱۲ ــ آلمان خاوری ۵ر۶۱۲
۱۳ ــ دانمارك ۵ر۵۲۹
۱۴ ــ زلاند نو ۵ر۴۷۴
۱۵ ــ برزیل ۵ر۲۲۷

جو دوسر (بحسب هزار تن متریك ــ ۱۹۶۱)

۱ ــ امریکا ۱۴ر۷۰۲
۲ ــ شوروی (۱۹۵۰) ۱۱ر۹۹۹
۳ ــ کانادا ۴ر۳۷۹
۴ ــ لهستان ۲ر۹۴۰
۵ ــ فرانسه ۲ر۵۹۱
۶ ــ آلمان باختری ۱ر۹۱۳
۷ ــ انگلیس ۱ر۸۵۱
۸ ــ سوئد ۱ر۳۵۴
۹ ــ استرالیا ۱ر۰۳۸
۱۰ ــ چك‌اسلواکی ۹۵۹

سیب زمینی (بحسب هزارتن متریك ــ ۱۹۶۱)

۱ ــ شوروی ۸۴ر۰۰۰
۲ ــ لهستان ۴۵ر۲۰۳
۳ ــ فرانسه (تقریبا) ۲۷ر۹۵۳
۴ ــ آلمان باختری ۲۱ر۵۱۶
۵ ــ امریکا ۱۳ر۳۱۷
۶ ــ آلمان خاوری ۸ر۴۳۰
۷ ــ انگلیس ۶ر۳۰۴
۸ ــ چك‌اسلواکی ۵ر۳۳۱
۹ ــ اسپانیا ۴ر۹۱۸
۱۰ ــ ایتالیا ۳ر۹۳۲
۱۱ ــ ژاپون ۳ر۸۴۸
۱۲ ــ هلند ۳ر۷۳۲

برنج (بحسب هزار تن متریك ــ ۱۹۶۱)

۱ ــ چین کمونیست (تقریبا) ۸۵ر۰۰۰
۲ ــ هند ۵۱ر۲۲۳
۳ ــ پاکستان ۱۶ر۱۱۸
۴ ــ ژاپون ۱۵ر۵۲۴
۵ ــ اندونزی (۱۹۶۰) ۱۲ر۸۱۰
۶ ــ ویت‌نام (شمالی ۴۶۶۰) (جنوبی ۴۶۰۹) ۹ر۲۶۹
۷ ــ تایلند ۷ر۸۴۵
۸ ــ برمه ۶ر۵۸۹
۹ ــ برزیل (۱۹۶۰) ۵ر۳۱۳
۱۰ ــ فیلیپین ۳ر۹۰۹

لاستیك (بحسب هزارتن متریك ــ ۱۹۶۱)

۱ ــ امریکا (تنها نوع ترکیبی) ۱ر۴۲۶
۲ ــ فدراسیون مالایا ۷۴۹
۳ ــ اندونزی ۶۸۲
۴ ــ شوروی غیر معلوم
۵ ــ تایلند ۱۸۵
۶ ــ کانادا (ترکیبی) ۱۶۷
۷ ــ انگلیس (ترکیبی) ۱۰۷
۸ ــ سرندیپ ۹۸
۹ ــ آلمان خاوری (ترکیبی) ۹۰
۱۰ ــ ایتالیا (ترکیبی) ۸۸

خطوط هوائی (بحسب میلیون مسافر ــ کیلومتر ۱۹۶۱)

۱ ــ امریکا ۶۴ر۱۰۰
۲ ــ انگلیس ۸ر۱۳۶
۳ ــ فرانسه ۶ر۱۱۲
۴ ــ شوروی غیرمعلوم
۵ ــ کانادا ۵ر۰۳۶
۶ ــ استرالیا ۳ر۰۶۲
۷ ــ هلند ۲ر۷۹۲
۸ ــ برزیل ۲ر۶۱۶
۹ ــ ایتالیا ۱ر۸۶۴
۱۰ ــ آلمان باختری ۱ر۶۹۹

گوسفند (تعداد بحسب میلیون ــ ۱۹۶۰ ــ ۶۱)

۱ ــ استرالیا ۱۵۲ر۷
۲ ــ شوروی ۱۳۳ر۰
۳ ــ چین‌کمونیست (۱۹۵۹ـ۶۰) ۶۰ر۸
۴ ــ ارژانتین ۴۹ر۰
۵ ــ زلاند نو ۴۸ر۵
۶ ــ هند ۴۰ر۳
۷ ــ جمهوری افریقای جنوبی (۱۹۵۸ ــ ۵۹) ۳۷ر۹
۸ ــ ترکیه ۳۴ر۵
۹ ــ امریکا ۳۳ر۰
۱۰ ــ انگلیس ۲۹ر۰
۱۱ ــ اسپانیا ۲۲ر۶
۱۲ ــ اورگوئه (۱۹۵۸ـ۵۹) ۲۱ر۳
۱۳ ــ حبشه (۱۹۵۹ ــ ۶۰) ۱۹ر۰

شکر (بحسب هزار تن متریك ــ ۱۹۶۱)

۱ ــ کوبا ۶ر۷۶۷
۲ ــ شوروی ۶ر۶۳۰
۳ ــ برزیل ۳ر۳۵۴
۴ ــ هند ۳ر۰۸۶
۵ ــ فرانسه ۲ر۱۸۷
۶ ــ امریکا ۲ر۱۵۷
۷ ــ لهستان ۱ر۶۳۹
۸ ــ آلمان باختری ۱ر۵۳۳
۹ ــ فیلیپین ۱ر۵۳۰
۱۰ ــ مکزیك ۱ر۴۸۸
۱۱ ــ اسرائیل ۱ر۳۷۱
۱۲ ــ چین کمونیست ۱ر۲۰۰
۱۳ ــ چك‌اسلواکی ۱ر۱۲۵

کشور	مقدار
١٤ ــ جمهوری افریقای جنوبی	١ر٠٦٩
١٥ ــ انگلیس	١ر٠١٥

آلومینیوم (بحسب هزارتن متریك ــ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ــ امریکا	٢ر٠٣٥ر٩
٢ ــ کانادا	٦٠١ر٦
٣ ــ شوروی (١٩٥٦)	٥٣٥ر٠
٤ ــ فرانسه	٣٢٢ر٨
٥ ــ آلمان باختری	٣٠٨ر٠
٦ ــ ژاپون	٢٣٢ر٢
٧ ــ نروژ	١٧١ر٩
٨ ــ انگلیس	١٥١ر٨
٩ ــ ایتالیا	١٢٨ر٤
١٠ ــ اطریش	٩٢ر٩

گندم (بحسب هزار تن متریك ــ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ــ شوروی	٦٦ر٢٥٧
٢ ــ امریکا	٣٣ر٦٠٣
٣ ــ چین کمونیست (١٩٥٩)	٣١ر٢٩٤
٤ ــ هند	١٠ر٩٩٢
٥ ــ فرانسه	٩ر٥٧٤
٦ ــ ایتالیا	٨ر٢٩٢
٧ ــ کانادا	٧ر٧١٣
٨ ــ ترکیه	٧ر١٣٥
٩ ــ استرالیا	٦ر٧٠٣
١٠ ــ آرژانتین	٥ر١٠٠
١١ ــ آلمان باختری	٤ر٠٣٨
١٢ ــ رومانی	٣ر٩٩٠
٢٣ ــ پاکستان	٣ر٨٤٧

پشم (بحسب هزار تن متریك ــ ١٩٦١ ــ ٦٢)

کشور	مقدار
١ ــ استرالیا	٧٧١
٢ ــ شوروی	٣٤٥
٣ ــ زلاند نو	٢٦٦
٤ ــ آرژانتین	١٨٧
٥ ــ جمهوری افریقای جنوبی	١٥١
٦ ــ امریکا	١٤٤
٧ ــ چین کمونیست (تقریبا)	١٠١
٨ ــ اورگوئه	٨٤
٩ ــ انگلیس	٥٩
١٠ ــ ترکیه	٤٨
١١ ــ اسپانیا	٤٠
١٢ ــ هند	٣٥
١٣ ــ برزیل	٢٧
١٤ ــ فرانسه	٢٥
١٥ ــ شیلی	٢٢

برق (بحسب میلیون کیلووات درساعت ــ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ــ امریکا	٨٧٨ر٥٣٠
٢ ــ شوروی	٣٢٧ر٦١١
٣ ــ انگلیس	١٤٥ر٩٣٨
٤ ــ ژاپون	١٣٢ر٠٣٢
٥ ــ آلمان باختری	١٢٤ر٥٦٣
٦ ــ کانادا	١١٤ر٤٢٠
٧ ــ فرانسه	٧٦ر٤٨٩
٨ ــ ایتالیا	٦٠ر٥٦٥
٩ ــ چین کمونیست (١٩٦٠)	٥٨ر٥٠٠
١٠ ــ آلمان شرقی	٤٢ر٥١٥
١١ ــ سوئد	٣٨ر٣٨٠
١٢ ــ نروژ	٣٣ر٧٩٤

شاخص (اندکس) استخدام و کار

(غیر کشاورزی در ١٩٦١)

(سال ١٩٥٨ = رقم ١٠٠)

کشور	مقدار
١ ــ یوگوسلاوی	١٢٣
٢ ــ شوروی	١٢٠
٢ ــ اسرائیل	١٢٠
٤ ــ ژاپون	١١٨
٥ ــ رومانی	١١٧
٦ ــ فنلاند	١١٤
٧ ــ مجارستان	١١٢
٧ ــ گابون	١١٢
٩ ــ چك‌اسلواکی	١١١
١٠ ــ آلمان باختری	١٠٩
١٠ ــ فیلیپین	١٠٩
١٠ ــ ایتالیا	١٠٩

شاخص صادرات (در ١٩٦١)

(سال ١٩٥٨ = ١٠٠)

کشور	مقدار
١ ــ اسرائیل	١٩٥
٢ ــ بلغارستان	١٩١
٣ ــ ایتالیا	١٧٦
٤ ــ غانه	١٧٤
٥ ــ اسپانیا	١٧٠
٦ ــ ویت‌نام جنوبی	١٦٠
٧ ــ ژاپون	١٤٨
٧ ــ فرانسه	١٤٨
٩ ــ تایلند	١٤٦
١٠ ــ شوروی	١٤٥

شاخص محصولات صنعتی (١٩٦١)

(سال ١٩٥٨ = ١٠٠)

کشور	مقدار
١ ــ ژاپون	١٨٩
٢ ــ بلغارستان	١٥٣
٣ ــ اسرائیل	١٥٠
٤ ــ رومانی	١٤٨
٥ ــ چین (تائیوان)	١٤٣
٦ ــ ایتالیا	١٤٠
٧ ــ یوگوسلاوی	١٣٩
٧ ــ مجارستان	١٣٩
٩ ــ فنلاند	١٣٦
١٠ ــ چك‌اسلواکی	١٣٥

کشتی های بازرگانی

(بحسب میلیون تن ناویژه در ١٩٦٢)

کشور	مقدار
١ ــ امریکا	٢٣ر٣
٢ ــ انگلیس	٢١ر٧
٣ ــ نروژ	١٢ر٥
٤ ــ لیبریا	١٠ر٦
٥ ــ ژاپون	٨ر٩
٦ ــ یونان	٦ر٥
٧ ــ ایتالیا	٥ر٤
٨ ــ فرانسه	٥ر٢
٨ ــ هلند	٥ر٢
١٠ ــ آلمان باختری	٤ر٩
١١ ــ شوروی	٤ر٧
١٢ ــ سوئد	٤ر٢
١٣ ــ پاناما	٣ر٩

وسائط نقلیه موتوری (تعداد تولید بحسب هزار در ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ــ امریکا	٦ر٦٧٨
٢ ــ آلمان باختری	٢ر١٤٧
٣ ــ انگلیس	١ر٤٦٤
٤ ــ فرانسه	١ر٢٠١
٥ ــ ژاپون	١ر٠٣٨
٦ ــ ایتالیا	٧٥٩
٧ ــ شوروی	٦٨٢
٨ ــ کانادا	٣٩١
٩ ــ استرالیا	٢٠٦
١٠ ــ برزیل	١٤٨

حمل و نقل بوسیلهٔ راه آهن

(بحسب بیلیون تن ــ کیلومتر ویژه ــ ١٩٦١)

کشور	مقدار
١ ــ شوروی	١ر٥٦٦ر٢
٢ ــ امریکا	٨٢٢ر٤
٣ ــ کانادا	٩٦ر١
٤ ــ هند (١٩٦٠)	٧٢ر٤
٥ ــ لهستان	٦٩ر٧
٦ ــ فرانسه	٥٨ر٨
٧ ــ ژاپون	٥٧ر٩
٨ ــ آلمان باختری	٥٣ر٢
٩ ــ چك‌اسلواکی	٥٠ر٧
١٠ ــ آلمان خاوری	٣٤ر٧

شاخص خرده فروش بازرگانی

(در ١٩٦١ : سال ١٩٥٨ = ١٠٠)

کشور	مقدار
١ ــ آرژانتین	٢٨٤
٢ ــ یوگوسلاوی	١٦٣
٣ ــ ژاپون	١٤٠
٤ ــ رومانی	١٣٦

روزنامه وروزنامه نگاری

- روزنامه در ایران
- قانون‌حمایت مطبوعات در امریکا
- مقاوله‌نامه برن درحمایت نویسندگان
- روزنامه و مجله در امریکا
- روزنامه و مجله در اردن هاشمی
- روزنامه و مجله در آلمان
- روزنامه و مجله در انگلستان
- روزنامه و مجله ترکیه
- روزنامه و مجله در چکسلواکی
- روزنامه و مجله در سوئد
- روزنامه و مجله در سوئیس
- روزنامه و مجله در فرانسه
- روزنامه و مجله در کانادا
- روزنامه و مجله در عراق
- روزنامه و مجله در کویت
- روزنامه و مجله در نروژ



روزنامه و روزنامه‌نگاری

تاریخچه

روزنامه‌ای که امروز بآسانی وبا بهای ناچیز بدست شما میرسد در دوران زندگی پر ماجرای خویش مراحل سخت وگوناگونی را پیموده تا باین شکل و صورت رسیده است بنا به تحقیق دانشمندان باستانشناسی و تاریخ روزنامه اصولا اختراع چینی‌هاست و نخستین روزنامه جهان اگر چه که با روزنامه های امروزی تفاوت بسیار داشته درکشور باستانی چین منتشر گردیده است.

چینی‌هاکه قرنها قبل‌از میلاد مسیح موفق به اختراع کاغذ شده بودند تصمیم گرفتند دانستنیهای جالب و خبرهای سال را برروی یکنوع کاغذی که از الیاف گیاهی تهیه شده بود منعکس نمایند و برای استفاده خواص منتشر سازند. بدین ترتیب نخستین روزنامه تاریخ در حدود ششصد سال قبل از میلاد در چین انتشار یافت.

گذشته از ذوق و حکمت چینهای باستانی عامل مهم دیگری که در پیدایش روزنامه دراین سرزمین اثر داشته اختراع کاغذ بوده است، در حقیقت چینیها مدتها پیش از پیدایش پاپیروس درمصر و استفاده ازآن برای نوشتن موفق شده بودند کاغذ را اختراع کنند و اگر چه کاغذ آنروزی چینها با کاغذ های امروزی ما تفاوت بسیار داشته است معهذا از نظر ظرافت و شفافیت بمراتب از پا پیروس مصریها زیباتر و کامل‌تر بوده است.

مصریان باستانی از گیاهی بنام پا پیروس استفاده کرده و پس‌از خشك کردن برگ و ساقه‌ها وآغشتن آن بمواد شیمیائی مخصوص، مطالب خودرا برروی ورقهایش مینوشته‌اند، اوراق پاپیروس شامـل خطوط هیروگلیف مصریان باستانی هنوز هم در مقبره های فراعنه مصر کشف میشود.

روزنامه چینی‌ها با همان وضع ساده ابتدائی انتشارش ادامه مییافت ولی بعلت دوری راه در آنزمان و نبودن وسائل ارتباط به دنیای غرب یعنی مصر و یونان و آشور و سایر کشورها منتقل نگردید.

نخستین روزنامه‌ای که دراین کشورها اختراع شد در زمان ژول سزار امپراطور روم بود، ژول سزار درسال ۶۰ قبل‌از میلاد بولتن ساده‌ای ترتیب دادکه خبرهای مهم را برروی آن مینوشتند و برای حکام و افسران عالیرتبه دولت منتشر میساختند.

این دو روزنامه چینی و رومی که با زحمات فوق‌العاده منتشر میشد بعلت اشکالات فنی وسعت و توسعه نیافت، حتی بعد ازاختراع کاغذ بصورت امروزی بازهم بعلت نبودن وسائل چاپ انتشار روزنامه‌ها درکشورهای مختلف توسعه چندانی نداشت، تا سرانجام صنعت چاپ توسط گوتمبرگ اختراع شد و تحولی در دنیای تمدن ایجاد نمود.

از آنجا که کشور آلمان موطن چاپ است، نخستین روزنامه خبری و منظم نیز دراین کشور بوجود آمد، انتشار روزنامه در آلمان دراوائل قرن هفدهم صورت گرفت واز روزنامه های پیشقدم آن دوره میتوان روزنامه هـای **فرانکفورتـر جـورنال** و روزنامـه **فرانکفورتر ــ او بر پست مات تساتیونـگ** را نام برد.

پس‌از انتشار مرتب روزنامه در آلمان و استقبال مردم از آنها رفته رفته انتشار روزنامه به کشورهای انگلستان ــ فرانسه ــ بلژیك ــ هلند ــ روسیه و سایر کشورهای اروپائی نیز سرایت کرد.

بعد از کشورهای اروپائی در اوائل قرن نوزدهم انتشار روزنامه در آمریکا نیز رواج یافت. نخستین روزنامه مرتب آمریکائی در سال ۱۷۰٤ بنام **باستن‌نیوزلتر** منتشر شد، رفته رفته استقبال مردم در آمریکا از روزنامه شدت یافت و نشریات فراوانی پا بعرصه وجود گذاشت، درحال حاضر تیراژ انتشار روزنامه در آمریکا روزانه بیش‌از ۶۰ میلیون نسخه است که از تمام کشورهای جهان بیشتر میباشد.

روزنامه درایران

نخستین روزنامه مرتب درایران درسال ۱۱۹۰ هجری قمری زیر نظر میرزا تقی‌خان امیرنظام منتشرگردید، این روزنامه کـه **وقایع اتفاقیه** نام داشت در سال سوم سلطنت ناصرالدین شاه پا بعرصه وجود گذاشت، وقایع اتفاقیه بطور هفتگی منتشر میشد و مهمترین اخبار و حوادث را باطلاع مردم میرسانید.

نخستین روزنـامـه روزانـه ایـران **خلاصةالحوادث** نام داشت و درچهار صفحه بطور مرتب منتشر میشد و اخبار جهان را بنظر خوانندگان میرساند.

بعد از مشروطیت تعداد روزنامه‌ها زیاد شد و چهار روزنامه بنامهای مجلس ــ ندای‌وطن ــ صبح صادق و حبل‌المتین روزانه بطور مرتب انتشار یافت که مهمترین آنها روزنامه حبل‌المتین بود.

چند سالی که از انتشار مرتب روزنامه های فوق‌الذکر گذشت بعلت استقبال مردم باتمام مشکلاتی که دراین راه بود تعداد روزنامه‌ها و انواع آنها افزایش یافت و روزنامه های فکاهی ــ علمی نیز،که روزانه یا هفتگی منتشر میشد به روزنامه‌های قبلی افزوده شد.

روزنامه های فکاهی که در عین حال مطالب سیاسی نیزمنتشر میکردند عبارت‌بودند از صوراسرافیل ــ کشکول ــ بهلول وشیدا.

نخستین روزنامه‌ای که از طرف وبرای بانوان در ایران منتشرگردید روزنامـه **دانش** نام داشت‌که درسال ۱۳۲۸ قمری توسط همسر میرزاحسین‌خان کمال منتشر شد. ازسال۱۲۸۹ شمسی شماره روزنامه‌ها درتهران و شهرستانها بسرعت روبفزونی گذاشت و استقبالی که خـوانندگـان بعمل میآوردند به توسعه و پیشرفت روزنامه‌ها کمك شایانی کرد، دو جنگ جهانی مردم را بیش از پیش به اهمیت روزنامه واقف نمود و در نتیجه روزنامه های سودمند و کثیرالانتشاری درتهران و شهرستانها پیدا شد.

از آنجاکه روزنامه‌ها در تنویر افکار عمومی اثر مهمی دارند سال گذشته بنا به‌تصمیم هیئت وزیران برای تثبیت احترام و حیثیت روزنامه‌ها از انتشار بسیاری از روزنامه هائی که تیراژشان از **دو هزار** شماره کمتر بود جلوگیری شد و در نتیجه تعداد زیادی از روزنامه‌ها امتیازشان لغوگردید، برای اطلاع خوانندگان از میزان وقوع مطبوعات درخارج نخست قانون حمایت مطبوعات در آمریکا و سپس قانون بین‌المللی حمایت از آثار ادبی و هنری و بعد در جدولی نـام مجلات و روزنامه هی مهم بعضی کشورهاکه جزومهمترین نشریات جهان هستند با ذکر تیراژ آنها درج میگردد:

قانون ثبت حقوق چـاپ و انتشار آثار در کشور های متحده امریکا

طبق بند ۱۷ کد رسمی کشورهای متحده آمریکا ، یك مولف یا صاحب امتیاز یامصنف میتواند از مزایای قانونی حق طبع برخوردار شود .

تقاضا برای ثبت چنین حقی طبعی ، بوسیله پرسشنامه ، در دفتر مخصوصی بنام دفتر ثبت حقوق درکتابخانه کنگره واقع درواشنگتن وارد میشود ، پرسشنامه های مخصوص اینکار بضمیمه کتابچه های حاوی اطلاعات مربوطه برایگان در دسترس هرکسی قرار میگیرد .

طبقه بندی آثار

قانون حق طبع تصریح میکند که هنگام دادن تقاضا برای ثبت حق مربوط ، تقاضا کننده باید آشکار سازد اثر وی جزء کدام‌یك از دسته های ذیل است :

الف ـ کتاب ـ شامل تصنیفها ـ گردآوریها ـ ترجمه‌ها ـ مقالات و نظائرآن

ب ـ **نشریات** ـ شامل‌روزنامه ومجلات .

پ ـ **سخنرانی‌ها** ـ شامل وعظ وخطابه و انواع تشریحاتی‌که برای استفاده دیگران تهیه شده و شفاها ابراز شده‌است .

ت ـ آثار دراماتیك آمیخته با موسیقی ویا بدون موسیقی

ث ـ تصنیفات موسیقی

ج ـ انواع نقشه

چ ـ آثار هنری شامل مدلها وطرحها

ح ـ عکسبرداری از یك اثر هنری

خ ـ طرح نقشه معمولی یا نقشه‌پلاستیکی برجسته از امور و مسائل مختلف علمی

د ـ انواع عکس .

ذ ـ چاپ تصاویر و علامات شامل‌انواع برچسب‌ها و سرکلیشه‌ها برای آگهی و امور تبلیغاتی .

ر ـ انواع فیلم سینما

ژ ـ تصاویر متحرك غیراز فیلم سیمائی

شرایط آثاری که در نسخه های متعدد برای فروش ویا توزیع چاپ میشوند

۱ ـ دراینگونه آثار ، تذکر مسئله‌داشتن حق طبع میبایستی باچاپ واژه Copyright صورت‌گیرد . بجای این واژه میتوان مخفف آن "Copr." ویا علامت اختصاری C را حتما دریك دایره درج نمود و بلافاصله پس‌ازآن باید نام مصنف و صاحب اثر ذکرشود.

۲ ـ بلافاصله پس‌از چاپ اثر ، دونسخه از بهترین و نفیس ترین آن (از نظر چاپی) باید به اداره ثبت حق طبع درکتابخانه کنگره واقع در واشنگتن بضمیمه مبلغ چهار دولار ، ارسال گردد .

اگر صاحب اثر یك خارجی (غیر آمریکائی) باشد یك نسخه کافیست .

شرایط آثاری که در نسخه های متعدد درخارج از آمریکا تهیه میشوند

دراینگونه آثار شرایط ثبت مانند آثاری است که در آمریکا چاپ میشوند ، تفاوت عمده در مدت ارسال اثر است ، کتاب ـ مجلات یا آثاریکه درخارج بزبان انگلیسی چاپ میشوند برای ثبت حداکثر تا مدت شش ماه از تاریخ درج باید به اداره ثبت حق طبع درکتابخانه کنگره ارسال شوند . مولفین و مصنفین که به طریق فوق حق طبع آمریکائی بدست میآورند میتوانند ظرف پنجسال اول تعداد ۱۵۰۰ (هزار و پانصد) نسخه اثرخود را بخاك آمریکا وارد کنند .

آثاری که درنسخه های متعدد برای فروش و توزیع میان مردم تهیه نمیشوند ، نیز برای گرفتن حق طبع کماییش مشمول شرایط بالا خواهند بود با این تفاوت که یك نسخه از اثر بضمیمه همان مبلغ چهار دولار تکافو خواهد کرد .

هزینه های گوناگون

هزینه ثبت حق طبع آثاری مانند کتاب و مجله و مطالب چاپی چنانکه اشاره شد چهار دولار است .

هزینه ثبت حق طبع انواع برچسب‌ها و سرکلیشه هائی که مصارف تبلیغی و آگهی دارد مبلغ شش دولار است .

هزینه تجدید ثبت حق طبع هر اثر مبلغ دو دولار است .

هزینه ثبت حق طبع قراردادها ـ معاهدات و لوایح قضائی که از شش صفحه متجاوز نباشد مبلغ سه دولار است و برای هر صفحه اضافی نیم دولار دریافت میگردد .

هزینه کاوش و تحقیقات اختصاصی در آرشیو اداره ثبت کتابخانه کنگره جهت دادن اطلاعات گوناگون برای هرساعت مبلغ سه دولار است .

تذکر محفوظ بودن حق طبع

تذکر محفوظ بودن و ثبت حق طبع در مورد کتاب باید در نخستین صفحه پشت جلد کتاب در زیر عنوان و نام صاحب اثر درج‌شود.

درمورد مجله و نشریه یا باید در زیرنام اثر و یا در صفحه اول چاپ شود ، در مورد آثار موسیقی نیز به ترتیب فوق عمل میگردد.

اعتبار مدت ثبت

درحال حاضر حق طبع هر اثری در آمریکا بمدت ۲۸ سال ثبت میشود .

یکسال پیش‌از انقضای این مدت صاحب‌اثر ویا درصورت مرگ او نماینده مجاز وی میتواند برای مدت ۲۸ سال دیگر دوره ثبت را تجدید کند .

حق طبع بین‌المللی

درتاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۵۵ یك معاهده بین‌المللی میان آمریکا و عده‌ای از کشورهای جهان درمورد حق طبع آثار و ثبت آنها منعقد گردید، ازآن تاریخ به بعد کشورهای‌گوناگونی به آن پیوستند تا آنکه درتاریخ ژوئن ۱۹۶۱ تعداد این کشورها به ۳۷ رسید .

مطابق مواد این معاهده کلیه کشورهای امضاء کننده میتوانند از حقوق مصنفین و مولفین و صاحبان آثار تبعه خود در ۳۷ کشور دیگر دفاع کنند بدینمعنی که هر اثر هنری ـ علمی ـ ادبی ـ تجاری وغیره که در یکی‌از این کشورها منتشر شود و شرایط اصلی تذکر حفظ حق طبع را (درج حرف C دریك دایره

بقیه در صفحه ۰۵۰۳۰۲۱

مقاوله‌نامه برن

حمایت از آثار ادبی و هنری

امضاء شده‌در تاریخ ۹سپتامبر۱۸۸٦

کامل شده در پاریس در تاریخ ٤ ماه مه ۱۸۹٦ باتجدید نظر شده در برلن در ۱۳نوامبر ۱۹۰۸ وکامل شده در برن در ۲۰ مارس۱۹۱٤ و تجدیدنظر شده در۲ژوئن ۱۹۲۸ و تجدیدنظر شده در بروکسل در ۲٦ ژوئن ۱۹٤۸

استرالیا اتریش **بلژیک** برزیل کانادا دانمارک اسپانیا فنلاند فرانسه ممالك امپراطوری انگلیس و ایرلند شمالی ایسلند ایتالیا لبنان لینختشاین لوکزامبورك مراکش موناکو نروژ نیوزلند پاکستان هلند لهستان پرتقال سوئد سویس سوریه چکسلواکی تونس **ایالات متحده افریقای** جنوبی واتیکان ویوگوسلاوی .

باکمال اشتیاق مایلند به‌نحو موثر و متحدالشکلی که امکان داشته باشد حقوق‌مولفین را در مورد آثار ادبی و هنریشان حمایت نمایند .

مقاوله‌نامه مورخ ۹ سپتامبر ۱۸۸٦ راکه در برن بامضاء رسیده است ودر چهارم ماه مه ۱۸۹٦ در پاریس کامل شده و مجددا در ۱۳ نوامبر ۱۹۰۸ در برلن تجدید نظر شده ودر۲۰ ماه مارس ۱۹۱۸ در برن کامل‌تر شده ودر ۲ ژوئن ۱۹۲۸ در رم مورد تجدیدنظر قرار گرفته است مورد مداقه قرار دادند .

درنتیجه نمایندگان مختار امضاء کننده ذیل مقاوله‌نامه پس از ارائه استوارنامه‌های خود مواد زیر را تصویب و تعهد نمودند :

ماده اول

ممالکی که این مقاوله‌نامه را اجـرا مینمایند همگی متفقا ودسته‌جمعی‌که اتحادیه‌ای تاسیس کرده‌اند تعهد میکنند از حقوق مولفین در مورد آثار ادبی و هنریشان حمایت نمایند.

ماده دوم

(۱) مقصود از «آثار ادبی و هنری» کلیه ایجادشده‌هایی است که در زمینه ادبی علمی و هنری بدون توجه بشکل و قطع آن‌در دسترس گذاشته میشود مانند : کتابها جزوه‌ها وسایر نوشته‌ها کنفرانسها خطابه‌ها سوگندنامه‌ها و سایر آثاری از اینقبیل آثار دراماتیك یا درام موزیکال آثار «کور» (آوازهای دسته جمعی) پانتومیم (نمایشنامه‌هائیکه با حرکات فقط منظـور نمـایش داده میشود) و توسط نوشته‌ای روی صحنه آمده است موسیقی با یا بدون آواز نوشته‌هائی که باموزیك اجـرا میشود آثار سینمائی ویا مربوط بامور سینما نقاشیها طرحها نقشه‌های معماری منبت‌کاری گراور باسمه عکاسی یا مربوط بامور عکـاسی آثار هنری تصاویر نقشه‌های جغرافیائی نقشه‌ها کـروکیس‌ها و کارهای پلاستیکی مـربوط بجغرافیا یا تعریف‌المواقع یا معماری‌ویامربوط بدیگر کارهای علمی .

(۲) همچنین مورد حمایت هستندترجمه‌ها مقابله‌ها ترتیبات و تنظیمات موسیقی‌ویاتغییر شکلهای آثار هنری و ادبی بدون اینکه حق مصنف را ضایع نمایند برای ممالك عضو که این مقاوله‌نامه‌ها را قبول کرده‌اند حق‌محفوظ نگاهداشتن ترجمه متن رسمی قوانین وآئین نامه‌ها و مطالب قضائی آن‌کشورها بجای خود باقی میماند .

(۳) جمع‌آوری وخوشه‌چینی از آثـار ادبی یا هنری مانند تنظیم کتاب لغات‌ویاگزنده آثار باانتخاب یا نقل مطالب بدون اینکه‌حقوق مصنفین اصلی را ضایع‌کند حق تهیه کنندگان را محفوظ خواهد داشت .

(٤) آثار ذکر شده فوق از حقوق‌حمایت مولفین در کلیه کشورهای امضاء کننده پیمان بهره‌مند خواهندبود این‌حمایت بنفع‌نویسندگان و دارندگان حقوق تالیف اجرا میشود.

(٥) برای مقامات قانونگذار کشورهای عضو این اتحادیه نحوه اجرای این قانون در درمورد دارندگان آثار هنری‌نقاشیها ومدلهای صنعی همچنین شرایط حمایت ازاین آثار و نقاشیها و مدلها محفوظ است برای آثاری شبیه نقاشیها وطرحها ومدلها که درکشورهای اصلی حق تهیه آنها محفوظ گاهداشته سده است درکشورهای دیگر جز بااجازه وصلاحدید قبلی نمیتوان استفاده کرد .

ماده دوم (مکرر)

(۱) برای مقامات قانونگزار عضو این اتحادیه اختیاراستفاده جزئی‌یا کلی‌ازموضوعات و مقالات سیاسی و خطابه‌های ایراد شده در محاکم قضائی محفوظ است .

(۲) برای مقامات قانونگزار عضو این اتحادیه اختیـار استفاده از آثار منتخبه از کنفرانسها خطابه‌ها سوگندنامه‌ها وسایر آثـار دیگر که در جراید نشر میشوند محفوظاست.

(٤) معهذا تنها نویسنده مجاز است که آثـار نشر شده خـودرا در جراید بصورت مجموعه‌ای انتشار دهد .

ماده سوم

(حذف شده)

ماده چهارم

(۱) نویسندگان تبعه یکی از کشورهای عضو این اتحادیه که بخارج ازکشور خـود میروند نسبت بآثار خویش (منتشر نشده و یـا اینکه برای اولین‌بار در یکی از کشورهای عضو اتحادیه منتشر شده) از مزایا و حقوقی‌که این قانون بآنها اعطا میکند ویا در آینـده اعطا خواهد کرد بهره‌مند خواهند بود همچنین از مـزایای قانونـی آن‌کشورها نیز استفاده خواهند کرد .

(۲) مزایای این حقوق بهیچوجه‌ویاهیچ شکل نمیتواند از اعتبار ساقط شود و این‌مزایا و بهره‌مندی جدا از حمایتی است‌که قانونـا مولف درکشور خود ازآن استفاده میکنـد بنابراین خارج از آنچه این مقاوله‌نامه حقوقی بمولف میدهد دامنه این حمایت وآنچه‌مولف میتواند وسیله آن از حقوق خود دفاع کنـد تاکشورهائیکه مقاوله‌نامه را امضاء کرده‌انـد کشیده میشود .

(۳) آثار منتشر شده یا برای اولین بار نشر یافته همچنین آثاری که در کشورهای مختلف عضو این اتحادیه طبع شده دارای‌همان حقوق و امتیازی است‌که کتابی در کشوراصلی مولف طبع ونشر شود . اثر ویا آثاری که در سی‌روز اول انتشار در دوکشور عضو ایـن اتحادیه نشر شود مانند آنست که در تمام‌کشور های عضو پیمان طبع و نشر یافته است .

(٤) در مواد ٤و٥و٦ مقصود از «آثار منتشر شده» آثاریست که بهر عنوان وشکلی بطبع رسیده و باندازه کافی در دسترس عامـه گذاشته شده است .

مقصود از انتشار نمایش دادن یك اثر ویا اجرای یك موسیقی ویا اجرای برنامه رادیوئی ادبی ویا هنری واز اینقبیل نیست بلکه غرض آنست که این آثار بطبع رسیده‌ودر اختیار عامه گذاشته شده باشد .

(٥) برای آثار چاپ نشده هر مولف کشوری که نویسنده بآن تعلق دارد کشوراصلی محسوب است ودر مورد نقشه‌های مهندسی و آماری و معماری جائیکه این نقشه‌ها برای اولین‌بار ایجاد ساختمانی کرده است‌کشوراصلی محسوب میگردد .

ماده پنجم

نویسندگان تبعه یکی از کشورهای عضو اتحادیه که برای اولین بار آثار خودرا در یکی دیگر از کشورهای عضو نشر میدهند در کشور اخیر صاحب همان مزایا و حقوق نویسندگان ملی خواهند بود .

ماده ششم

(١) نویسندگانی‌که در یکی دیگر از کشورهای عضو اتحادیه برای اولین بار آثار خودرا نشر میدهند درکشور اخیر از همان حقوق و امتیازی بهره‌مند خواهند بود که نویسندگان ملی بهره میبرند ودرسایرکشورهای عضو پیمان از مقررات این مقاوله نامه‌بهره‌مند میشوند .

(٢) معهذا اگر یك‌کشور خارج از اتحادیه باندازه کافی از حقوق مولفی که از مزایای این قانون بهره‌مند است حمایت‌ودفاع نکند کشور اخیر میتواند حمایت خودرا از مولفین آنکشور بشرط‌آنکه نویسنده برای همیشه در یکی ازکشورهای عضومقیم نباشد سلب و یا محدود کند . درصورتیکه چنین وضعی پیش‌آمد سایر کشورهای امضاء کننده مقاوله‌نامه دراختیار این روش مخیر هستند.

(٣) این قانون هیچ نوع محدودیتی نمیتواند برای مؤلفی که در یکی از کشورهای عضو اتحادیه حقوقی جهت خود بدست آورده است ایجاد نماید .

(٤) کشورهای عضو اتحادیه که بموجب این ماده بخواهند حمایت از حقوق مولفین‌را در کشور خودمحدودکنند ویا تقلیل دهندباید موضوع را ضمن نامه‌ای به دولت جمهوری سویس اطلاع دهند تا عین همان محدودیت‌در کشور متقابل نیز عمل گردد . دولت جمهوری سویس موضوع را باطلاع‌کلیه کشورهای‌عضو اتحادیه خواهد رساند .

ماده ششم (مکرر)

(١) حقوق مولف بموجب این مقاوله‌نامه در تمام دوران زندگی او محفوظ است‌ومیتواند علیه هرنوع تحریف یا تغییر شکل یا حك و اصلاحی که آنرا زیان بخش برای حیثیت‌خود بداند اقدام کند .

(٢) تاحدودی‌که قانون ملی کشورهای عضو اتحادیه اجازه میدهد حقوق متصوره‌برای مولف پس از مرگ او به وراث قانونی ویا موسسه‌ایکه قانون اجازه دهد میرسد . برای کشورهای عضو این اتحادیه نحوه استفاده از حقوق متصوره احتمالی این بند محفوظ است.

(٣) طریقه حمایت و محفوظ داشتن حقوق ناشی از این ماده بوسیله قوانین هر کشور پیش‌بینی شده است .

ماده هفتم

(١) دوران‌حمایت ناشی ازاین مقاوله‌نامه شامل تمام زندگی مولف وپنجاه سال‌پس‌ازمرگ اوست .

(٢) با اینهمه در مواد یکه یك یاچندین کشور عضو اتحادیه موافقت داشته باشند میتوان مدت قانونی بند اول را بالا برد والبته در آنصورت این مطلب در قانون آن کشور ملحوظ خواهد گشت ولی بهر صورت این‌مدت نمیتواند زیادتر از مدتی باشد که در کشور اصلی نویسنده کتاب پیش بینی شده‌است .

(٣) برای آثار سینمائی یا آثار عکاسی همچنین برای آثاری نظیر اینها مدت محفوظ بودن حقوق مؤلف و تهیه کننده در قانون پیش بینی میشود بدون اینکه این مدت بتواند زیادتر از مدتی باشد که در کشور اصلی نویسنده و تهیه کننده پیش بینی شده است .

(٤) برای آثار چاپ شده بدون امضا و یا امضاء محفوظ مدت قانونی محفوظ بودن پنجاه سال از تاریخ انتشار محاسبه میشود . با اینهمه اگر نویسنده باامضاء محفوظ هیچ نوع اثری در مورد شناسائی خود نگذارد مدت قانونی محفوظ ماندن مطابق بند اول محاسبه میشود در صورتیکه نویسنده بدون امضاء ویا امضاء محفوظی در خلال این مدت‌خودرا معرفی کند مهلت قانونی محفوظ ماندن مطابق بند اول است .

(٥) برای آثاری که بعداز مرگ مولف چاپ میشود بدون توجه به‌بندهای سوم وچهارم مدت قانونی محفوظ ماندن پنجاه سال پس از مرگ مولف محاسبه میگردد .

(٦) مهلت حمایت قانونی بعداز مرگ مولف و مهلت پیش بینی شده از بندهای سوم وچهارم وپنجم از تاریخ انتشار و یا مرگ مولف محاسبه خواهد شد ولی بهر صورت تاریخ شروع اولین ژانویه بعداز مرگ ویا انتشار خواهد بود .

ماده هفتم (مکرر)

مدت قانونی حمایت ازنویسندایکه با همکاری یك یا چند نفر تالیفی کرده باشد از تاریخ مرگ آخرین همکار محاسبه میگردد.

ماده هشتم

نویسندگان آثار ادبی و هنری که از حمایت این مقاوله‌نامه برخوردار هستند برای تمام مدت قانونی خود میتوانند حق ترجمه آثار خویش را محفوظ نگاهدارند .

ماده نهم

(١) رومانها نوولها وتمام آثار دیگر خواه ادبی یا علمی یا هنری ویا هرموضوع دیگری که میخواهد باشد ودر نشریه مرتب ویا نامرتبی بصورت مکرر یا یکدفعه چاپ میشود نمیتواند بدون اجازه نویسنده آن در نشریه دیگر یا مملکت دیگری چاپ‌گردد .

(٢) موضوعات و مقالات خبری و نطق های اقتصادی یا سیاسی مذهبی در صورتیکه نویسنده ویا گوینده حق خود را محفوظ نکرده باشد میتواند در سایر مطبوعات نشر یابد . با اینهمه منبع اصلی بایدواضح وروشن ذکرگردد ضمانت اجرائی این موضوع در قانون هر کشوری ذکر خواهد گردید .

(٣) حمایت قانونی این مقاوله نامه

شامل اخبار روز وديگر مطالب ساده یومیه مطبوعات نمیشود .

ماده دهم

(۱) در تمام کشورهای عضو این اتحادیه نقل اخبار و مطالب کوتاه روزنامه ها زیر عنوان «بررسی جراید» مجاز است .

(۲) در تمام کشور های عضو این اتحادیه ویا کشورهائیکه بین خود قراری دارند نقل مقالات علمی وادبی برای نشریات علمی و فرهنگی و آموزشی مجازاست .

(۳) نقل وتلخیص و ذکر مطالب در صورتیکه نام نویسنده ذکر شده است حتما باید با ذکر نام او باشد .

ماده دهم (مکرر)

برای مقامات قانونگزار کشورهای عضو اتحادیه تنظیم شرایط استفاده از ضبط و ثبت ویا نوشتن قطعات کوتاه ادبی و هنری بمناسبت ذکر خبر ویا مطلبی چه از راه عکاسی چه سینمائی و چه رادیوئی محفوظ است .

ماده یازدهم

(۱) نویسندگان آثار دراماتیك و یا دراماتیك موزیکال ازاین حق‌انحصاری بهره‌مند هستند که اجازه دهند :

الف) آثار شان برای عامه مردم نمایش داده شود .

ب) از آثارشان بکلیه وسایل ممکنه جهت نمایش واجرا استفاده شود .

حقوق متصوره در ماده ۱۱ مکرر و ۱۳ برای آنها محفوظ است .

(۲) عین همین حقوق نیز به نویسندگان آثار دراماتیك ویا دراماتیك موزیکال در تمام مدتیکه نسبت به اثر اصلی حقی دارند از قبیل ترجمه آثار شان داده میشود .

(۳) برای استفاده از مزایای قانونی این ماده نویسندگان پس از انتشار آثارشان مجاز نیستند که از نمایش واجرای اثرشان برای‌عامه ممانعت کنند .

ماده یازدهم (مکرر)

(۱) نویسندگان آثار ادبی و هنری ازاین حق انحصاری بهره‌مند هستند که اجازه دهند:

الف) باوسایل ممکنه مخابراتی ونمایش یا بدون سیم از آثارشان به نفع عامه استفاده شود .

ب) در صورتیکه غیر از سازمان اصلی‌که ازاین آثار استفاده میکنند سازمان دیگری هم استفاده کرد باید اجازه دهد که بسود عامه بکمك وسایل (با یا بدون سیم) از قبیل رادیو تله‌ویزیون وبلند گو از آن استفاده شود .

ج) استفاده واستحضار عامه بوسیله‌بلندگو یا هروسیله دیگری شبیه این (باصدا ویا با شکل) ازاین اثر .

(۲) باکشورهای عضو اتحادیه است که شرایط اجرا واستفاده از حقوق متذکره دربند اول را در قوانین خود یادآور شوند ولی‌بهر صورت استفاده ازاین حقوق منحصر است بکشوری که آنرا تنظیم کرده است ونباید بهیچ عنوان مخل آسایش وزیان آور چه از لحاظ اخلاقی و چه مادی برای نویسنده‌باشد .

(۳) حق استفاده مذکور در بند اول بهیچوجه اجازه نمیدهد که این آثار باوسایلی ضبط و ثبت و نگاهداری شود بر کشور های عضو اتحادیه است که چگونگی استفاده را متذکر گردند ولی فقط استثنائا ممکن است بدستگاههای عمومی اجازه داد که برای آرشیو های خود این آثار را ضبط و ثبت کنند .

ماده یازدهم (مکرر)

مولفین آثار ادبی بهره‌مند ازاین حق انحصاری اجازه خواهند داد از آثار شان عامه استفاده کنند .

ماده دوازدهم

نویسندگان آثار ادبی علمی و هنری بهره‌مند از این حق انحصاری اجازه خواهند داد تفسیر ویا تنظیم و ترتیب و هر نوع‌تغییر شکل در آثارشان داده شود .

ماده سیزدهم

(۱) نویسندگان و مصنفین آثارموزیکال بهره‌مند ازاین حق انحصاری اجازه خواهند داد :

الف) آثارشان بوسایل مخصوص خودکار ضبط گردد .

ب) ازاین آثار بوسایل ممکن برای استحضار عامه استفاده شود .

(۲) شرایط وانحصارات مذکور دربند یك این ماده میتواند در هر کشوری به نحو خاص باشد اما این قیود و شروط نمیتواند کشور دیگری را ملزم باجرای آن کند .

(۳) شرایط وانحصارات مندرج در بند یك این ماده عطف بما سبق نمیشود و مثلا قابل اجرا در کشوری که پیش از مقاوله نامه امضاء شده در برلن در تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۰۸ اجازه استفاده از ضبط و ثبت بوسایل خودکار را داده است نیست و فقط منحصر است بکشورهائی که این مقاوله‌نامه را امضاء کرده و یادر آینده امضاء خواهند نمود .

(٤) آثار ضبط و ثبت شده با استفاده از بند دوم و سوم این ماده در صورتیکه بکشوری انتقال داده شود که از طرف مصنف و مولف اجازه داده نشده بوده‌است قابل توقیف میباشد .

ماده چهاردهم

(۱) نویسندگان و مصنفین آثار ادبی علمی و هنری بهره‌مند ازاین حق انحصاری اجازه خواهند داد که :

الف) از آثار شان برای فیلمبرداری ویا غیره استفاده شده در معرض نمایش عام گذاشته شود .

ب) آثارشان برای عامه نمایش داده شده ویا اجرا گردد .

(۲) بدون اینکه زیانی بحقوق مصنف و مولف وارد گردد فیلم ویا محصول تهیه شده ازاین آثار نیز مانند يك اثر اصلی تحت‌حمایت مقاوله‌نامه حاضر خواهد بود .

(۳) تصرف زیر هر شکل دیگر برای استفاده از آثار ادبی یا علمی یا هنری درسینما بدون اینکه لطمه ای به حدود نویسندگان بزند در اختیار مولف اصلی خواهد ماند .

(٤) تصرف سینمائی در آثار ادبی علمی و هنری شامل انحصارات و شرایط بند دوم ماده ۱۳ نمیشود .

(٥) مفاد این ماده در مورد هرچه که شبیه بکارهای سینمائی باشد قابل اجراست .

ماده چهاردهم (تکراری)

(۱) آثار خطی و یا نسخ اصلی یاتصنیف های موسیقی به نویسنده یا بعداز مرگ او به وراث قانونی اجازه خواهد داد که در موضوع فروش آن ذیعلاقه و ذی‌نفع باشند واثر خودرا بفروش برسانند .

(۲) حمایت قانونی مندرج در بند يك این ماده در کشور هائی لازم الاجراست که قانون آنکشور چنین حمایتی را اعلام کرده باشد .

(۳) نمونه و نرخ این واگذاری در هر قانونی تثبیت شده‌است .

ماده پانزدهم

(۱) برای اینکه نویسندگان آثار ادبی

وهنری حمایت شده براثر این مقاوله نامه بتوانند در مقابل محاکم کشور های عضو اتحادیه از حقوق خود دفاع کنند و شخص متخلف را تعقیب نمایند کافی است که نام خود وتالیف خود و نام متخلف را متذکر گردند این بند از این ماده در مورد کسانیکه بانام‌مستعار نیز مطلبی را نوشته‌اند و هویت آنها محرز است قابل اجراست .

(۲) برای آثار چاپ شده بانام محفوظ یا مستعار که در بند قبل از آن ذکری نشده است ناشر موظف‌است حقوق‌وامتیازات نویسنده را محفوظ دارد . ضمانت اجرائی این بند به محض آنکه نویسنده خودرا معرفی کند لغو میشود و ناشر دیگر سمتی نخواهد داشت .

ماده شانزدهم

(۱) تمام آثاری که بخلاف منتشر شده‌اند میتوانند وسیله مقامات مسئول‌کشورعضواتحادیه توقیف گردند .

(۲) در این کشورها توقیف نشریه قابل اجراست گرچه در کشور اصلی نشریه مورد حمایت قانون نباشد و یا حمایت قانون ازآن سلب گردد .

(۳) توقیف نشریه بموجب قانون هر کشور خواهد بود .

ماده هفدهم

مقررات ناشی ازاین مقاوله نامه نمیتواند زیانی بهرصورت که میخواهد باشد بقوانین دولتی که عضو اتحادیه است وارد آورد و دولت را از نشر یا توقیف نشریه‌ای که بموجب قانون دادگستری یا شهربانی یا بخشنامه‌های داخلی لازم الاجراست باز دارد .

ماده هیجدهم

(۱) حمایت این مقاوله‌نامه شامل تمام آثاری خواهد بود که در هنگام بموقع اجرا گذاشتن آن هنوز بمرحله انتشار و در دسترس عامه نهادن در نیامده و مدت قانونی حمایت از آن منقضی نگشته است .

(۲) در صورتیکه اثری مدت قانونی حمایت از آن گذشته باشد این مقاوله نامه نمیتواند از آن حمایت کند .

(۳) اجرای این اصول بموجب قرارهائی خواهد که بین کشورهای عضو اتحادیه وجود دارد یابسته خواهد شد در صورت فقدان چنین قرارهائی کشورها هریك مقررات و آئین نامه‌ای برای اجرای منظور تنظیم خواهند نمود .

(٤) مفاد و مقرراتی که در آینده باین مقاوله‌نامه الحاق خواهد گشت یاموارد امتیازی که بموجب ماده هفت توسعه یا تقلیل خواهد یافت قابل اجراست .

ماده نوزدهم

مفاد این مقاوله مانع از آن نخواهدبود که کشوری از کشورهای عضو این اتحادیه بخواهد اختیارات و امتیازات وسیع‌تری‌بمولف بدهد .

ماده بیستم

دولتهای‌کشورهای عضو این اتحادیه برای خود حق انعقاد هرنوع قرارداد خاصی را که به نویسنده امتیاز بیشتری مندرج از این مقاوله نامه‌را بدهد محفوظ میدارند واین مقررات و قرار دادها در صورتیکه خلاف مواد این مقاوله نامه نباشند قابل اجرا هستند .

ماده بیست ویکم

(۱) برای تمرکز امور مربوط بمولفین دفتری بین‌المللی بنام «دفتر اتحادیه بین‌المللی حمایت از آثار ادبی وهنری» تاسیس میگردد.

(۲) این دفتر بانظارت عالیه دولت‌سویس که ناظر اعمال و اجرای مقررات مقاوله نامه است اداره میشود .

(۳) زبان رسمی دفتر زبان فرانسه‌خواهد بود .

ماده بیست ودوم

(۱) این دفتر بین‌المللی کلیه اطلاعات مربوط به مولفین را تمرکز واین اطلاعات‌را جمع‌آوری ونشرخواهد داد وبکمك اخبار و اطلاعاتی که از همه جا برای او خواهد رسید ورقه‌ای برای اطلاع واستفاده همه گان بزبان فرانسه نشر خواهد داد . کشور های عضو اتحادیه بدفتر بین‌المللی اجازه میدهند که در موارد لزوم‌این نشریه رابزبانهائی که تجربه لزوم آنرا معین کرده‌است انتشار دهد .

(۲) دفتر در تمام اوقات در اختیار مولفین خواهد بود که از آن اطلاعات و معلوماتی خواهند خواست‌ویا پرسشهائی درمورد چگونگی حمایت از آثار ادبی وهنری و علمی مورد احتیاج خود خواهند نمود .

(۳) مدیر دفتر بین‌المللی در مورد امور اداری خود گزارشی همه ساله خواهد داد که برای کلیه اعضاء اتحادیه ارسال میگردد .

ماده بیست‌وسوم

(۱) هزینه های دفتر بین‌المللی اتحادیه از پرداختهای کلیه کشورهای عضو جبران میگردد وتاتصمیم تازه این مبلغ سالانه از۱۲۰ هزار فرانك طلا بیشتر نخواهد بود (این واحد سکه عبارتست از صد سانتیم بوزن ۱۰ر۳۱گرم و وزن خالص ۰ر۹۰۰) این مبلغ میتواند در صورت تصمیم دسته جمعی اعضا یا در یکی از کنفرانسها پیش بینی شده در ماده ۲٤اضافه شود .

(۲) برای اینکه سهم هریك از کشورهای عضو اتحادیه یاکشور هائی که در آینده عضو خواهند شد روشن شود ممالك را به شش‌طبقه تقسیم نموده‌اند .

طبقه	واحد
طبقه اول	۲۵ واحد
« دوم	۲۰ «
« سوم	۱۵ «
« چهارم	۱۰ «
« پنجم	۵ «
« ششم	۳ «

(۳) این میزان در کشور های هرطبقه ضرب میشود و مجموع مخارج باید بمیزان این واحد ها تقسیم گردد . حاصل واحد خرج را بدست میدهد .

(٤) هنگام الحاق هر کشوری به اتحادیه تعیین خواهد کرد جزو کدام یك از طبقات شش‌گانه است ولی در هر موقع میتواند خودرا جزو یکی دیگر از طبقات معرفی کند .

(٥) حکومت سویس بودجه دفتر را تنظیم و مخارج را کنترل خواهد نمود و همه ساله بیلانی از عملیات تهیه و برای اعضاء خواهد فرستاد .

ماده بیست وچهارم

(۱) مقاوله‌نامه حاضرمیتواند موردتغییر یا تجدید نظر یا اصلاح قرار گیرد .

(۲) این مطلب وسایر مطالبی از قبیل توسعه وتصمیم اتحادیه در کنفرانسهائی که به تناوب در کشورهای‌عضو اتحادیه‌تشکیل خواهد گردید مطرح واتخاذ تصمیم میشود . دولت کشوری که باید کنفرانس در آنجا تشکیل گردد باکمك دفتر بین‌المللی کارهای کنفرانس را تهیه خواهد کرد .

مدیر دفتر بین‌المللی در جلسات شرکت خواهد نمود ودر گفتگوها و مذاکرات وارد میشود بدون اینکه رای بدهد ویا مطلبی را توصیه کند .

(۳) هیچ تغییری در این مقاوله نامه قابل قبول نیست مگر باکثریت آراء اعضای عضو اتحادیه .

ماده بیست وپنجم

(۱) کشورهای خارج از اتحادیه که شرایط و مقررات این مقاوله نامه را متعهد میشوند میتوانند درخواست عضویت نمایند .

(۲) این تقاضای شرکت باید کتبا بوسیله دولت جمهوری سویس بعمل آید دولت اخیر آنرا باطلاع کشورهای عضو اتحادیه خواهد رساند .

(۳) این مقاوله نامه در کشور درخواست کننده یك ماه پس‌از آنکه اطلاعیه توسط‌دولت سویس برای کشورهای عضو اتحادیه ارسال گردید قابل اجرا و عمل‌است .

ماده بیست‌وششم

(۱) هریك از کشورهای عضو اتحادیه همه‌وقت میتواندکتبا توسطدولت سویس اطلاع دهد که مفاد مقاوله‌نامه حاضر در سرزمین ماوراء بحار کلنی یا تحت الحمایه یا کشوری که او برآن حکومت دارد نیز قابل اجراست در اینصورت دولت سویس مراتب را در مدت ضرب‌الاجل مندرج در بند سوم ماده ۲۵ باطلاع کلیه کشورهاخواهد رساند خارج‌ازاین ترتیبات مقاوله‌نامه نمیتواند بموقع اجراء گذاشته شود .

(۲) هریك از کشورهای عضو اتحادیه همه وقت میتواند کتبا توسط دولت سویس اطلاع دهد که مقاوله‌نامه حاضر در تمام یا قسمتی از خاك او قابل اجرا نیست تاریخ عدم اجرای مقاوله نامه دوازده ماه پس‌از وصول نامه توسط دولت سویس خواهد بود .

(۳) کلیه نامه‌های وصولی مربوط به بند یك ودو این ماده توسط دولت‌سویس‌جهت اطلاع تمام کشورهای عضو اتحادیه ارسال خواهد گردید .

ماده بیست‌وهفتم

(۱) مقاوله حاضر در روابط بین کشور های عضو جانشین مقاوله نامه برن تاریخ سپتامبر ۱۸۸۶ و اسناد پیاپی تجدید نظر شده آن خواهد بود .

اسناد پیش از این که بقوت واعتبار باقی هستند برای کشورهائی که مقاوله حاضررا امضاء نکرده‌اند قابل اجرا خواهد بود .

(۲) کشور هائی که بنام آنها مقاوله‌نامه حاضر امضاء شده‌است میتوانند اعتبار بعضی قراردادهای داخلی خودرا نگاه دارند مشروط براینکه هنگام اعلام تقبل این مقاوله نامه این مطلب را اعلام کنند .

(۳) کشورهای طرفدار این اتحادیه که در حال حاضر بنام کشور آنها این مقاوله نامه امضاء نشده است همه‌وقت میتوانند بطریقی که در ماده ۲۵ پیش بینی شده‌است الحاق خودرا اعلام دارند .

ماده بیست وهفتم (مکرر)

هرنوع اختلافی که بین دو کشور عضو اتحادیه رخ دهد و بطور دوستانه نتوانند موضوع را حل کنند اختلاف بمحکمه بین‌المللی دادگستری احاله میگردد . دفتر بین‌المللی باید بوسیله کشوری که خواهان احاله اختلاف به محکمه‌است مطلع شود و سایر کشور ها نیز از مطلب مستحضر خواهند گشت .

ماده بیست‌وهشتم

(۱) مقاوله‌نامه حاضر حد اکثر درتاریخ اول ژویه ۱۹۵۱ دربروکسل موردتایید وامضاء واقع خواهد شد . این تایید و ضمائم وملحقات احتمالی توسط حکومت بلژیك بدولت سویس اعلام میشود واز آنجا مراتب اعلام تاریخ وامضاء کشور امضاء کننده بکلیه کشورهای عضو اعلام میگردد .

(۲) مقاوله نامه حاضر قوت قانونی‌خود را یکماه پس‌از اول ژویه ۱۹۵۱ خواهد یافت معهذا اگر حد اقل بامضاء تصدیق شش دولت عضو برسد یکماه پس از تاریخ آخرین امضا که باطلاع دولت سویس رسیده قوت قانونی خواهد داشت وبرای کشورهائی که بعدا مقاوله نامه را تایید کنند قوت قانونی مقاوله‌نامه یك ماه پس‌از تصدیق وامضاء مقاوله نامه خواهد بود .

(۳) کشورهای خارج از اتحادیه میتوانند تا اول ژویه ۱۹۵۱ الحاق خود را باین مقاوله نامه ویا مقاله‌نامه دوم مورخ ۲ ژوئن ۱۹۲۸ اعلام دارند از تاریخ اول ژویه ۱۹۵۱ فقط ممکن است به مقاوله نامه حاضر ملحق گردید.

کشور های عضو اتحادیه که این مقاوله نامه‌را تاتاریخ اول‌ژویه ۱۹۵۱ امضاء نکرده‌اند مطابق ماده ۲۵ میتوانند الحاق خودرا اعلام نمایند . در اینصورت از شرایط و مفاد بند ۲ ماده ۲۷ استفاده خواهند نمود .

ماده بیست‌ونهم

(۱) مقاوله نامه حاضر بدون اعلام مدت قوت قانونی‌خواهد داشت . هریك ازکشورهای عضو میتواند هروقت قبولی خودرا اعلام کند .

(۲) این عدم قبولی که وسیله دولت سویس باطلاع کلیه کشور های عضو خواهد رسید دوازده ماه پس از اعلام آن وسیله دولت سویس برای دیگر کشورها قابل عدم اجراست.

(۳) اعلام عدم قبول پیش بینی شده در این ماده نمیتواند برای کشوری کمتر از ۵ سال از تاریخ امضاء مقاوله نامه یا الحاق بآن بموقع اجرا درآید .

ماده سی‌ام

(۱) کشورهائیکه در قوانین خود مهلت قانونی حمایت موضوع بند اول ماده هفت را میگنجانند موضوع را ضمن نامه ای باطلاع دولت سویس میرسانند که بلافاصله وسیله این دولت باطلاع کلیه کشور های عضو خواهد رسید .

(۲) همینطور است برای کشور هائی‌که تعهدات موضوع ماده ۲۵ و ۲۷ را باطل اعلام مینمایند .

ماده سی‌ویکم

اسناد واوراق کنفرانسها بزبان فرانسه تنظیم خواهد گشت . یکنسخه معادل و برابر بزبان انگلیسی نیز تنظیم میشود اما همواره نسخه فرانسوی ملاك عمل خواهد بود و سندیت خواهد داشت . هریك از کشورهای عضو اتحادیه بوسیله دفتر بین‌المللی میتواند نسخه‌ای از اسناد کنفرانس را بزبان کشور خود تهیه نماید . این متن‌ها ضمیمه اسناد کنفرانس‌و نسخه فرانسوی خواهد شد .

نمایندگان مختار نامبرده ذیل مقاوله نامه حاضر را امضاء کرده‌اند .

بتاریخ ۲۶ ژوین ۱۹۴۸ بلژیك دریك نسخه که دربایگانی وزارت امور خارجه و بازرگانی خارجی دولت بلژیك ضبط شده است. یك رونوشت تصدیق وتایید شده از طریق دیپلماسی بهریك از کشورهای عضو ارسال خواهد گشت .

امضاء

استرالیا . اتریش . بلژیك . برزیل . کانادا . دانمارك . اسپانیا . فنلاند . فرانسه . انگلستان . یونان . هنگری . هندوستان . ایرلند . ایسلند . ایتالیا . لبنان . لینحنشتاین . لوگزامبورگ . مراکش . موناکو . نروژ نیوزلند . پاکستان . هلند . لهستان . پرتغال . سنت‌سیژ . سوئد . سویس . سوریه . چکسلواکی تونس . اتحادیه افریقای شمالی . یوگوسلاوی.

نسخه تصدیق شده در بروکسل ۱۹۴۹ر۷ر۲۵

رئیس بخش معاهدات

این مقاوله‌نامه از روی نسخه تصدیق شده فوق‌که در ۲۵ صفحه است وبدو زبان فرانسه وانگلیسی نوشته شده و به مهر وزارت امور خارجه و بازرگانی خارجی‌کشور بلژیك ممهور است بفارسی ترجمه شده .

محمود پورشالچی تهران ۲۶ر۱ر۱۳۳۶

روزنامه پراهمیت امریکا

(آخرین آمار : ۱۹٦۳)

در کشورهای متحده امریکا بغیراز مجلات چند نوع روزنامه منتشر میشود ، اول روزنامه های روزانه که بطور مرتب صبح یا عصر منتشر میشوند . دوم روزنامه‌های روز یکشنبه که فقط در آن روز که روز تعطیل عمومی است منتشر میشوند ، سوم روزنامه های‌هفتگی که هفته‌ای یکبار در یکی از روزها(بجز یکشنبه) منتشر میشوند والبته آنها را نباید با مجله های هفتگی اشتباه کرد . چهارم روزنامه هائی که در تمام روزهای هفته‌حتی یکشنبه هم منتشر میشوند و روز یکشنبه چاپ مخصوص دارند و قاعدتا تیراژ آن‌هادر روز تعطیل بیشتراست .

در زیر نام روزنامه های پراهمیت امریکا را که به ترتیب بالا و بزبان انگلیسی‌منتشر میشوند بضمیمه تیراژ آنها برای اطلاع خوانندگان درج میکنیم :

نام روزنامه ها

نام روزنامه		★ تیراژ های روز معمولی	★ تیراژ روز های یکشنبه
اکرن بیکون جرنال (عصر)	Akron Beacon Journal	★۱٦٤٬۸۹۳	۱۷۹٬٦٥۱★
اتلانتا کانستیتیوشن (صبح)	Atlanta Constitution	۲۰۲٬۹۱۳	
اتلانتا جرنال (عصر)	Atlanta Journal	۲٥۹٬۰۲۳	٥۰٤٬۹۳۱
بالتیمور نیوزپست (عصر)	Baltimore News-Post	۲۲۱٬٥٤۷	
بالتیمورساندی امریکن (یکشنبه)	Baltimore Sunday Am.		۳۱٥٬٦٦۳
بالتیمورسان (صبح‌و عصر)	Baltimore Sun	٤۰۱٬۹٦٦	۳۲۱٬٥۹۸
بیرمینگام‌نیوز (عصر)	Birmingham News	۱۹٬٤۱٥	۲۲٤٬۸۲٤
بیرمینگام پست هرالد (صبح)	Birmingham Post-Herald	۹٦٬٦٤٦	—
باستن گلاب (صبح‌و عصر)	Boston Globe	۳٤۲٬۰۰۸	٤۲۷٬۷۷٥
باستن هرالد (صبح)	Boston Herald	۱۷۱٬۲۰۱	۲۹۸٬٥٦۹
باستن تراولر (عصر)	Boston Traveller	۱٦٥٬۳٤۰	—
باستن‌امریکن(عصر)	Boston American	۱٦۳٬۱۳۹	—
باستن‌رکورد (صبح)	Boston Record	۳٥۲٬۸٤۲	٤٥۷٬٥۸۷
بافالوکوریراکسپرس (صبح)	Buffalo Courier-EX.	۱٥٦٬۳۲۷	۳۰۳٬۹٥۰
بافالونیوز (عصر)	Buffalo News	۲۸٦٬٦۳٥	—
چارلت نیوز (عصر)	Charlotte News	٦٤٬۲٥۷	—
چارلت آبزرور (صبح)	Charlotte Observer	۱٦۳٬٤٥۰	۱۸۲٬۳۳۱
شیکاگو امریکن (عصر)	Chicago American	٤٥۰٬۳٤۰	٥۷۱٬۹۹۷
شیکاگو نیوز (عصر)	Chicago News	٥۳۷٬۷۹۲	—
شیکاگوسان‌تایمز (صبح)	Chicago Suntimes	٥٤٦٬۹٥۷	٦٦٦٬۰٤٤

★ تیراژ های روز معمولی

★ تیراژ روز های یکشنبه

شیکاگو تریبیون (صبح)
Chicago Tribune
۸٦٤ر٤٧١ ۱ر۲۰۹ر۱۵۵

کریسچن ساینس مونیتور (عصر)
Christian Science Monitor
۱۸۸ر٦۲٦ —

سین سیناتی انکوایرر (صبح)
Cincinnati Enq.
۱۹۹ر٦٥٤ ۲۹٤ر۱۸۹

سین‌سیناتی پست‌اندتایمزاستار (عصر)
Cincinnati Post and Times -Star
۲٥۷ر۳٥۲ —

کلیولندپلین‌دیلر (صبح)
Cleveland Plain Dealer
۲۳۲ر٤۰٦ ٥۰۹ر٦۱۳

کلیولندپرس‌اندنیوز (عصر)
Cleveland Press & News
۳۸٥ر۳٤۷ —

کالومباس سیزن‌جرنال (صبح)
Columbus Citizen-J.
۱۰۷ر۷٦٦ —

کالومباس دیسپاچ (عصر)
Columbus Dispatch
۲۱۳ر۸٦۸ ۲۸٦ر۱۲۷

دالاس نیوز (صبح)
Dallas News
۲۲۰ر٥۲۹ ۲۳۸۹۹۳

دالاس تایمز هرالد (عصر)
Dallas Times Herald
۱۸۸ر۷٤٤ ۱۹٦ر۹۳۲

دیتون جرنال هرالد (صبح)
Dayton Journal-Herald
۹۲ر۲۰٦ —

دیتون نیوز (عصر)
Dayton News
۱٥۱ر٥۸۹ ۱۸۷ر۱۸٤

دنور پست (عصر)
Denver Post
۲٦٥ر۹۸۰ ۳٤۸ر۹۳۷

دنور راکی ماونتین نیوز (صبح)
Denver Rocky Mountain News
۱۷٤ر۲٦۱ ۱۷۰ر٤۰۹

دموان رجیستر (صبح)
Des Moines Register
۲۳۰ر۰۹۳ ٥۲۱ر۱۹٤

دموان تریبیون (عصر)
Des Moines Tribune
۱٥۲ر۷۰۸ —

دیترویت فری پرس (صبح)
Detroit Free Press
٥۷۳ر۲۷۳ ٦۲۲ر۲۳۷

دیترویت نیوزاندتایمز (عصر)
Detroit News & Times
۷۳۳ر٥۸۳ ۹۲۰ر٦۰۷

فلینت جرنال (عصر)
Flint Journal
۹۷ر۷٤٤ ۹۷ر٦۱۰

فورت ورث‌استار تلگرام (صبح و عصر)
Fort WorthStar-Telegram
۲٤۲ر۸۲۷ ۱۳۲ر٤۳۷

فرسنوبی (عصر)
Fresno Bee
۱۱۱ر۸۱۲ ۱۳۲ر٤۳۷

گراندرپیدزپرس (عصر)
Grand Rapids Press
۱۲٥ر۷۳۷ ۸۷ر٦۸۲

هاکنساك رکورد (عصر)
Hackensach Record
۱۰٦ر۸٥٤ —

هاریسبرگ‌نیوز (عصر)
Harrisburg News
۷٦ر٥٥٦ —

هاریسبرگ پاتریوت (صبح)
Harrisburg Patriot
٤۱ر۳۳۳ ۱٥٤ر۷٥۷

هارتفوردکورانت (صبح)
Hartford Courant
۱۱۱ر۱٦۷ ۱٥۸ر۰۲۳

هارتفوردتایمز (عصر)
Hartford Times
۱۲۸ر۱٥۸ —

هانولولواستار بولتین (عصر)
Honolulu Star-B.
۱۰٤ر۹۳۳ ۱۱۲ر٦۸٤

هانولولوادورتایزر (صبح)	Honolulu Advertiser	٦٩٫٠٩٥	٨٤٫١٣٦
هاستن کرونیکل (عصر)	Houston Chronicle	٢١٦٫٤٥٠	٢٤٠٫٦٦٩
هاستن پست (صبح)	Houston Post	٢٢٧٫٦٢٧	٢٤٧٫٤٧١
هاستن‌پرس (عصر)	Houston Press	١٠١٥٨٣	—
ایندیاناپولیس نیوز (عصر)	Indianapolis News	١٦٤٫٥٠٣	—
ایندیاناپولیس‌استار (صبح)	Indianapolis Star	٢١٤٫٩٠٦	٣٤٩٫٧٤٩
ایندیاناپولیس تایمز (عصر)	Indianapolis Times	٩١٫٦٩٥	١٠٤٫٠١٤
جکسن‌ویل فلوریدا تایمز یونیون (صبح)	Jacksonville Florida Times Union	١٧٩٫٤٦١	١٨٤٫٨١٧
جکسن‌ویل جرنال (عصر)	Jacksonville Journal	٣٥٣٥١	—
جرسی‌سیتی‌جرسی جرنال (عصر)	Jersey City Jesey Journal	٩٦٢٫٢٩٨	—
کانزاس‌سیتی‌استار (عصر)	Kansas City Star	٣٣٧٫٤٨٢	٣٦٣٫٧٠٨
کانزاس‌سیتی تایمز (صبح)	Kansas City Times	٣٣٢٫٨٠٢	—
ناکسویل نیوز سنتینل (عصر)	Knoxville Journal	٦٣٫٧٣٤	—
ناکسویل نیوز سنتینل (عصر)	Knoxville News Sentinel.	١٠٦٫٠٧٦	١٤٢٫٥٣٣
لیتل راك آرکانزاس دموکرات (عصر)	Little Rock Arkansas Democrat.	٨٤٫٠٢٨	١٠١٫٥٩٧
لانگ بیچ ایندیپندنت (صبح)	Long Beach Independent	٣٩٫٠٢٣	١٤٠٫٤٧٩
لانگ بیچ‌پرس تلگرام (عصر)	Long Beach Press-Telegram	١١٠٫٩١١	—
لوس‌انجلس اکزمینر (صبح)	Los Angeles Examiner	٣٧٥٫٥٥٢	٧٠٤٫٨٢٧
لوس‌انجلس هرالد اکسپرس (عصر)	Los Angeles Herald-Express	٣٨٧٫٥٠٦	٧٣٥٫٩٩٢
لوس انجلس تایمز (صبح)	Los Angeles Times	٥٥٢٫٢٢٠	٩٦٥٫١٢٦
لویزویل کوریر جرنال (صبح)	Louisville Courier Journal	٢١٩٫٠٧٢	٣١٩٫٣٠٠
لویزویل تایمز (عصر)	Louisville Times	١٧٣٫٥٧١	—
ممفیس کامرشال اپیل (صبح)	Memphis Commercial Appeal	٢٢٤٫١٣٥	٢٦٤٫١٨٤
ممفیس‌پرس سیمیتر (عصر)	Memphis Press Scimitar	١٤٤٫٤٨٦	—
میامی هرالد (صبح)	Miami Herald	٣٣٦٫٢١١	٣٨٩٫٠٧٦
میامی‌نیوز (عصر)	Miami News	١٥٧٠١٢	١٣٥٫٨١٠
میلواکی جرنال (عصر)	Milwiawkee Journal	٣٧٧٫٥٨٢	٥١٦٫٢٢٠
میلواکی سنتینل (صبح)	Milwawkee Sentinel	١٩٤٫٢٤٢	٢٢٠٫٤٤١

مینیا پو لیس استار (عصر)
Minneapolis Star
٣٠٢ر٧٣٨ —

مینیا پولیس تریبیون (صبح)
Minneapolis Tribune
٢٢٩ر٤٢١ ٦٦٦ر٣٩٥

نشویل بانر (عصر)
Nashville Banner
١٠٣ر٤٨٨ —

نشویل تنسیان (صبح)
Nashville Tennessean
١٣٠ر٩٦٨ ٢٠٥ر٤٨٧

نیوهاون رجیستر (عصر)
New Haven Register
١٠١ر٠٨٨ ١٠٦ر٠٢٧

نیوهاون جرنال کوریر (صبح)
New Haven Journal-Courier
٢٨ر٩٢٧ —

نیواورلئانز تایمز پیکایون (صبح)
New Orleans Times-Picayune
١٩٥ر٤٨٢ ٣٠٩ر٣٢٥

نیواورلئانز استیتزاند آیتم (عصر)
New Orleans States and Item
١٦٣ر٨٣٤ —

نیویورك هرالدتریبیون (صبح)
New York Herald Tribune
٣٧٣ر٥٠٨ ٤٤٨ر٢٣٧

نیویورك جرنال امریکن (عصر)
New York Journal American
٦٢٥ر٦٣١ ٧٩٧ر٦٩٢

نیویورك لانگ آیلند پرس (عصر)
New York Long Island Press
٣٠١ر١٧٧ ٣٨٣ر٦٧٨

نیویورك‌لانك آیلنداستار جرنال (عصر)
New York
Long Island Star Journal
١٠٣ر٦١١ —

نیویورك میرور (صبح)
New York Mirror
٨٥١ر٩٢٨ ١ر١٥٩ر٨٢٤

نیویورك نیوز (صبح)
New York News
١ر٩٥٢ر٤٠٤ ٣ر٢١٠ر٨٨٥

نیویورك پست (عصر)
New York Post
٣٤٣ر١٤٠ ٢٨٠ر١٩٢

نیویورك تایمز (صبح)
New York Times
٧٥٤ر٢٢٥ ١ر٤٠١ر٣٧٨

نیویورك ورلدتلگرام اندسان (عصر)
New York
World Telegram and Sun
٤٧٧ر٥٩٥ —

نیوارك نیوز (عصر)
Newark News
٢٨٥ر٤٣٣ ٤٠٦ر٧٠٨

نیوآرك استار لجر (صبح)
Newark Star Ledger
٢٢٧ر٧٤١ ٣٩٤ر٧٣١

نیوزدی گاردن‌سیتی
Newsday (Gorden City)
٣٢٨ر٨٠١ —

نورفوك لجردیسپاچ‌انداستار (عصر)
Norfolk
Ledger-Dispatch & Star
٩٧ر٢٦١ —

نورفوك ویرجینیان پایلوت‌اند ساندی استار (صبح)
Norfolk Virginian Pilot &
Sunday Star
١١٣ر٦٨٣ ١٤٧ر٥٢٠

اوکلند تریبیون (عصر)
Oakland Tribune
٢١١ر٠٠٩ ٢٣٧ر١٧٣

اوکلاهماسیتی اوکلاهمان (صبح)
Oklahoma City Oklahoman
١٧٣ر٥١٤ ٢٧٢ر٧١٢

اوکلاهماسیتی تایمز (عصر)
Oklahoma City Times
١٢٢ر٥١٤ —

اوماها ورلد هرالد (صبح‌وعصر)
Omaha World Herald
٢٥٢ر٢٣٢ ٢٦٤ر٢٠٩

فیلادلفیا بولتین (عصر)
Philadelphia Bulletin
٧٢٠ر٧٩٤ ٧١٢ر٩٥٦

فیلادلفیا اینکوایرر (صبح)
Philadelphia Inguirer
۶۰۵٬۸۵۰ ۱٬۰۲۲٬۲۶۲

فیلادلفیانیوز (عصر)
Philadelphia News
۲۸۶٬۲۱۷ —

فونیکس ریپابلیک (صبح)
Phoenix Republic
۱۴۰٬۱۴۶ ۲۰۷٬۷۱۵

فونیکس گازت (عصر)
Phoenix Gazette
۸۸٬۱۹۰ —

پیتسبرگ پست گازت اندسان تلگراف (صبح)
Pitsburgh Post-Gazette &
Sun Telegraph.
۲۹۴٬۴۴۲ ۳۳۸٬۱۸۲

پیتسبرگ پرس(عصر)
Pitsburgh Press
۳۶۷٬۶۷۱ ۵۷۵٬۴۴۶

پرتلنداورگونیان (صبح)
Portland Oregonian
۲۰۷٬۸۳۵ ۳۴۹٬۵۷۶

پرتلند اورگون‌جرنال (عصر)
Portland Oregon Journal
۱۴۸٬۵۱۰ ۱۶۹٬۸۴۲

پراویدنس بولتین (عصر)
Providence Bulletin
۱۴۵٬۶۳۳ —

پراویدنس جرنال (صبح)
Providence Journal
۶۱٬۳۹۰ ۱۹۲٬۹۵۶

رالی نیوزاندآبزرور (صبح)
Raleigh News & Observer
۱۲۶٬۴۳۷ ۱۳۸٬۵۰۹

رالی تایمز (عصر)
Raleigh Times
۳۳٬۵۵۳ —

ریچموندنیوز لیدر (عصر)
Richmond News-Leader
۱۱۷٬۶۳۴ —

ریچموند تایمز دیسپاچ (صبح)
Richmond Times Dispatch
۱۴۰٬۴۸۶ ۱۸۷٬۲۲۷

راچستردموکرات اندکرونیکل (صبح)
Rochester-
Democrat and Chronicle
۱۲۷٬۵۱۹ ۱۸۷٬۸۳۰

راچستر تایمزیونیون (عصر)
Rochester Times-Union
۱۳۰٬۳۱۰ —

ساکرامنتو بی (عصر)
Sacramento Bee
۱۶۶٬۵۴۹ ۱۷۴٬۳۱۴

سنت لوئیز گلاب دموکرات (صبح)
St. Louis Glob Democrat
۳۰۶٬۴۷۰ ۳۷۵٬۲۶۵

سنت لوئیزپست دیسپاچ (عصر)
St. Louis Post Dispatch
۴۰۶٬۹۴۷ ۵۷۷٬۴۳۶

سنت پالدیسپاچ (عصر)
St. Paul Dispatch
۱۲۶٬۷۷۹ —

سنت‌پال پایونیر پرس (صبح)
St. Paul-Pioneer Press
۹۵٬۴۵۴ ۱۹۱٬۳۸۵

سنت پترزبورگ تایمز (صبح)
St. Petersburg-Times
۱۲۴٬۸۸۰ ۱۲۷٬۲۷۲

سالت لیک‌سیتی تریبون (صبح)
Salt Lake City Tribune
۱۰۱٬۶۳۶ ۱۸۴٬۷۶۳

سالت لیک‌سیتی دزرت نیوزتلگرام (عصر)
Salt-Lake City Desert
News-Telegram
۸۶٬۵۵۲ --

سان آنتونیو اکسپرس (صبح)
San Antonio Exp.
۶۸٬۷۱۲ ۱۰۹٬۴۴۳

سان آنتونیونیوز (عصر)
San Antonio News
۷۱٬۳۸۷ —

سان آنتونیولایت (عصر)
San Antonio Light
۱۱۰٬۵۴۷ ۱۲۹٬۶۰۱

سان‌دایاگو تریبیون (عصر)
San Diego Tribune

۱۲۲٬۴۳۲ —

سان دایاگو یونیون (صبح)
San Diego Union
۱۰۴٬۰۰۵ ۲۰۸٬۴۳۲

سان فرانسیسکو کرونیکل (صبح)
San Francisco Chronicle
۳۰۰٬۰۶۵ ۳۳۵٬۰۱۶

سان‌فرانسیسکواگزمیز (صبح)
San Francisco Examiner
۲۸۷٬۹۷۸ ۴۵۰٬۹۹۱

سیتل پست‌انتلیجنسر (صبح)
Seattle Post-Intelligencer
۲۱۹٬۵۳۱ ۲۵۰٬۹۰۴

سیتل‌تایمز (عصر)
Seattle Times
۲۳۱٬۱۴۰ ۲۶۰٬۶۰۲

شریوپرت جرنال (عصر)
Shreveport Journal
۴۷٬۶۳۰

شریوپرت تایمز (صبح)
Shreveport Times
۸۵٬۳۴۷ ۱۰۹٬۶۰۰

ساوث بند تریبیون (عصر)
South Bend Tribune
۱۳٬۰۹۱ ۱۸۷٬۰۵۷

اسپوکین کرونیکل (عصر)
Spokane Chronicle
۷۲٬۹۴۱ —

اسپوکین اسپوکسمن ریویو (صبح)
Spokane Spokesman-Review
۸۸٬۰۸۱ ۱۳۵٬۸۸۷

اسپرینگفیلدیونیون اندسان‌ریپابلیکان (صبح)
Springfield Union & Sun Republican
۸۲٬۱۶۹ ۱۱۳۵۳۱

میلواکی سنتینل (صبح)
Springfield News
۱۰۲٬۴۶۷ —

سیراکوز هرالدجرنال اندسان هرالد امریکن (عصر)
Syracuse Herald-Journal & Sun Herald-American.
۱۳۲٬۶۸۸ ۲۱۶٬۴۶۲

سیراکوزپست استاندارد (صبح)
Syracuse Post-Standard.
۹۸٬۶۳۵ ۱۰۲٬۲۹۸

تامپاتریبیون (صبح)
Tampa Tribune
۱۵۱٬۵۷۷ ۱۶۶٬۲۴۷

تامپاتایمز (عصر)
Tampa Times
۴۸٬۰۹۸ —

تولیدو بلید (عصر)
Toledo Blade
۱۸۲٬۹۲۷ —

تولیدوتایمز (صبح)
Toledo Times
۳۲٬۹۷۶ ۱۸۳٬۱۱۴

تولزاتریبیون (عصر)
Tulsa Tribune
۷۴٬۴۵۳ —

تولزاورلد (صبح)
Tulsa World
۹۶٬۹۸۵ ۱۵۳٬۲۴۲

وال‌استریت جرنال (صبح)
Wall St. Journal
۸۱۲٬۰۸۵ —

واشینگتن نیوز (عصر)
Washington News
۱۸۴٬۹۸۶ —

واشینگتن پست (صبح)
Washington Post
۴۰۸٬۶۴۵ —

واشینگتن استار (عصر)
Washington Star
۲۶۳٬۸۳۵ ۳۱۵٬۷۸۳

ویچیتاایگل اندبیکون (صبح وعصر)
Wichita Eagle and Beacon.
۲۰۴٬۶۰۵ ۱۶۰٬۹۲۸

ورستر گازت (عصر)
Worcester Gazette
۹۴٬۱۷۷ —

ورستر تلگرام (صبح)
Worcester Telegram
۵۷٬۵۸۲ ۱۰۲٬۹۵۶

یانگستاون ویندیکیتور (عصر)
Youngstown Vindicator
۱۰۴٬۶۶۳ ۱۵۸٬۳۹۰

فهرست مجلات مهم آمریکائی به اهمیت تیراژ

نام مجله		تیراژ
ریدرزدایجست	Readers Digest	۱۳ر۲۰۵ر۴۴۸
تی‌وی گاید (راهنمای تله ویزیون)	T.V. Guide	۷ر۴۶۰ر۰۶۷
مك كالز	Me Call's	۶ر۴۱۴ر۰۲۸
لیدیزهوم جرنال (بانوان)	Ladies Home Journal	۷ر۵۵۰ر۴۱۵
ساتردی ایوینینگ پست	Saturday Evening post	۶ر۶۲۴ر۸۶۶
لوك	Look	
اوری ومنز فامیلی سیرکل‌مگزین (بانوان)	Every Woman's Family Circle Magazine	۶ر۶۱۶ر۰۲۹
ومتردی	Woman's Day	۵ر۴۵۱ر۰۶۶
بترهومزاندگاردنز	Better Homes & Gardens	۵ر۴۳۷ر۴۹۸
گودهوس کیپینگ	Good House Keeping	۵ر۹۶۱ر۰۳۹
امریکن هوم	American Home	۳ر۷۷۵ر۶۷۶
ردبوك	Red book	۳ر۵۲۰ر۳۵۴
امریکن لیجیون	American Legion	۲ر۷۰۸ر۷۹۵
تایم	Time	۲ر۵۴۱ر۹۷۷
نشنال جیوگرافیك‌مگزین	National Geographic M.	۲ر۷۱۷ر۸۴۶
ترو	True	۲ر۴۰۸ر۳۴۸
اسکولاستیك مگزین	Scholastic Magazine	۱ر۳۵۰ر۰۰۰
ترواستوری	True story	۲ر۳۲۸ر۲۸۷
بویز لایف	Boy's Life	۲ر۰۴۷ر۳۱۳
پارنتز مگزین‌اند بترهوم‌ـمیکینگ	Parent's Magazine &Better Homemaking.	۱ر۸۴۱ر۶۰۰
نیوزویك	News Week	۱ر۴۵۷ر۱۸۹
پاپولار مکانیکس (نشریه فنی	Popular Mechanics	۱ر۳۶۴ر۶۰۳
آرگوزی	Argosy	۱ر۲۳۷ر۰۹۵
فتوپلی	Photoplay	۱ر۳۵۰ر۷۶۳
مدرن اسکرین	Modern Screen	۱ر۳۱۱ر۶۶۵
مووی دایجست	Moyie Digest	۱ر۳۰۰ر۰۰۰
الکس مگزین	Elks Magazine	۱ر۳۰۷ر۳۸۹
پاپولارینس مانتلی (علمی)	Popular Science Monthly	۱ر۲۷۷ر۳۵۲
اسکوتینگ ، پیشاهنگی)	Scouting	۱ر۲۴ر۷۵۰
یو‌ـاس ـ نیوز اند ورلدریپورت	U.S. News & WorldReport	۱ر۲۳۵ر۷۴۵
تروکانفشنز	True Confessions	۱ر۲۲۷ر۹۵۰
موشن پیکچر (نشریه سینمائی)	Motion Picture	۱ر۱۶۶ر۲۵۹
فیلداند استریم	Field & Stream	۱ر۱۵۹ر۹۱۹
سون‌تین	Seventeen	۱ر۰۸۷ر۸۴۵
پلی بوی (نشریه سکسی)	Play Boy	۱ر۲۳۵ر۷۳۳
گلمور	Glamor	۱ر۱۴۰ر۱۴۴
پرزبی‌تریان لایف	Presbyterian Life	۱ر۱۴۸ر۲۳۷
ورك بسکت	Work Basket	۱ر۱۱۱ر۹۶۷
اسپرترافیلد (نشریه ورزشی)	Sports Afield	۱ر۱۰۹ر۱۶۵
اوت دورلایف	Outdoor Life	۱ر۱۰۶ر۵۸۲

نام مجله		تیراژ
مکانیکس ایلوستریتد (نشریه فنی)	Mechanix Illustrated	۱ر۱۰۵ر۴۴۲
وی.اف. وابلیو مگزین	V.F.W. Magazine	۱ر۱۰۰ر۴۴۸
مدرن رومانس (داستان)	Modern Romances	۱ر۰۵۷ر۱۶۴
اسپرتز ایلوستریتد (ورزشی)	Sports Illustrated	۹۷۸ر۵۰۰
اورساندی ویزیتور	Our Sunday Visitor	۹۲۹ر۳۹۲
یانگ کاتولیك مسنجر	Young Catholic Messenger	۹۲۸ر۰۸۲
هالیدی	Holiday	۹۲۱ر۰۶۱
هوس بیوتی فول	House Beautiful	۹۰۲ر۰۸۳
توگدر	Together	۸۳۴ر۳۲۷
اسکوایر (نشریه مخصوص اشراف)	Esquire	۸۷۷ر۰۶۲
کاسموپولیتان	Cosmopolitan	۹۰۳ر۴۶۴
هوس اندگاردن (باغداری)	House & Garden	۸۰۶ر۴۳۱
گرت	Grit	۸۰۷ر۹۰۵
رجیستر	Register	۷۶۳ر۰۳۵
نیشیتر بی‌زینس	Nation's Business	۷۶۰ر۱۰۴
کاتولیك دایجست	Catholoc Digest	
امریکن گرل	American Girl	۷۲۶ر۹۸۳
لیوینگ فوزیانگ هوم‌میکرز	Living for Young Homemakers	۷۷۲ر۰۰۵
تین	Teen	۶۶۹ر۸۶۷
سان‌ست مگزین	Sunset Magazine	۶۸۶ر۴۴۶
تی‌وی ریدیومیرور (رادیو وتله‌ویزیون)	TV-Radio Mirror	۵۴۶ر۷۶۰
هات رادمگزین	Hot Rod Magazine	۶۳۸ر۳۷۳
ابونای	Ebony	۶۲۸ر۷۸۲
سیمپلیسیتی	Simplicity	۵۸۱ر۳۵۵
اسپرت (نشریه ورزشی)	Sport	۵۹۴ر۵۶۴
مادموازل	Mademoiselle	۵۹۱ر۰۰۹
بوی‌اسکاوت هندبوك (پیشاهنگی)	Boy scout Hand book	۵۱۲ر۱۰۹
لاین	Lion	۵۲۰ر۰۶۶
فلووراندگاردن مگزین (باغداری)	Flower & Garden Magazine	۵۳۹ر۱۴۷
واگ (نشریه مد)	Vogue	۴۸۰ر۴۸۳
کر ـاد	Co-Ed	۵۵۴ر۶۸۹
هارپرزبازار	Harper's Bazaar	۴۶۸ر۱۱۹
ترورمانس (داستان)	True Romance	۴۵۳ر۴۹۰
کاوالیر	Cavalier	۴۱۸ر۴۴۵
کاپرزویکلی	Cappers Weekly	۴۴۵ر۲۲۸
کریسچن هرالد	Christian Herald	۴۳۳ر۰۲۱
موتور ترند	Motor Trend	۶۵ر۵۸۳
نیویورکر	New Yorker	۴۲۵ر۷۸۱
ساینس اند مکانیکس (فنی و علمی)	Science & Mechanics	۴۲۴ر۲۲۶

نام مجله		تیراژ
فلاورگرور ـ دهوم‌گاردن‌مگزین (باغبانی)	Flower Grower The Home Garden Magazine	٤٠٢ر٤٤٣
پاپولارفتوگرافی نشریه عکاسی	Popular Photography	٣٩٧ر٩٧٤
جت	Jet	٣٩٦ر٩٢٨
اکستنشن	Extension	٣٨٢ر٧٥٥
بیزینس ویك	Business Week	٣٨٩ر٢٤١
پاپولار الکترونیکس (نشریه الکتریکی)	Popular Electronics	٣٥٧ر٤٩٤
اسکرین استوریز	Screen Stories	٣٥٤ر٦٣١
سیگا	Saga	٢٩٥ر٨٥٥
فرچون	Fortune	٣٣٩ر٨٥٥
فربز	Forbes	٣٢١ر٧٧٥
ساین	Sign	٣٢١ر٢٠٠
ترواکسپیرینس (حادثه)	True Experience	٣٤٦ر٢٥٦
اسکیپ	Escape	٣١٧ر٥٦٤
واگ پاترن بوك	Vogue Pattern Book	٣١٤ر٨٠٢
پاپولارگاردنینگ (باغبانی)	Popular Gardening	٣١٤ر٦٠٤
اسکیپد	Escapade	٢٤٤ر٧١٢
ساینس ورلد	Science World	٣٨٧ر٤١٢
ورك‌بنچ	Workbench	٣٠٨ر١٢٥
ترولاو (داستانهای عشقی)	True Love	٢٧٠ر٩٤٩

نام مجله		تیراژ
آفیشال دیتکتیو استوریز (پلیسی)	Official Detective Stories	٢٨٨ر١٤٥
ترو دیتکتیو (داستان پلیسی)	True Detective	٢٧٠ر٤٠٩
تین اسکرین	Teen Screen	٢٧٥ر٠٠٠
اتلانتیك	Atlantic	٢٦٥ر٢٣٤
کیوانیز مگزین	Kiwanis Magazine	٢٦٢ر٢٦٩
راگ	Rogue	٢٦٠ر٩٠١
سیلوراسکرین	Silver Screen	٢٣٣٠١٨
پرسونال رومانس داستان عشقی	Personal Romances	٢٨٠ر٦٦١
هوم مدرنانیزینگ گاید (راهنمای آرایش منزل)	Home Modernizing Guide	٢٥١ر٦٩١
اسکرین لند	Screen Land	٢٥١ر٤٣٣
ساتردی ریویو	Saturday Review	٢٤٨ر٠٧٩
فامیلی هندی من	Family Handyman	٢٥٩ر٢٢٥
هارپرز مگزین	Harper's Magazine	٢٣٨ر١٤٨
ری‌ویلینگ رومانس	Reaviling Romances	٢٦٣ر٠٤٣
ددیود	The Dude	٢٤٦ر٣٣٠
وست ویز	West Ways	٢٣٤ر٦٦٦
کارکرافت‌اندکارت‌مگزین	Car Craft and Kart Magazine	٢٢٨ر١٣٠
فورمن انلی	For Men Only	٢٢ر١١٠

مطبوعات در اردن هاشمی

نام نشر	سیاست	محل انتشار	نوع	تیراژ	ترتیب انتشار
الجهاد	مستقل	بیت‌المقدس	سیاسی‌ـخبری	در حدود ١٠٠٠٠٠	روزانه
فلسطین	مستقل	بیت‌المقدس	سیاسی‌ـخبری	در حدود ١٠٠٠٠٠	روزانه
الدفاع	مستقل	بیت‌المقدس	سیاسی‌ـخبری	در حدود ١٠٠٠٠٠	روزانه
المنار	مستقل	بیت‌المقدس	سیاسی‌ـخبری	در حدود ١٠٠٠٠٠	روزانه
الاردن	مستقل	عمان	سیاسی‌ـ خبری	در حدود ١٠٠٠٠٠	روزانه
اخبارالاسبوع	مستقل	بیت‌المقدس	سیاسی‌ـخبری‌ـمصور	در حدود ١٠٠٠٠٠	روزانه
عمان‌المساء	مستقل	بیت‌المقدس	سیاسی‌ـخبری	در حدود ١٠٠٠٠٠	هفتگی
الحوادث	مستقل	بیت‌المقدس	سیاسی ـ خبری	در حدود ١٠٠٠٠٠	هفتگی
النضال‌العربی	مستقل	بیت‌المقدس	سیاسی ـ خبری	درحدود ١٠٠٠٠٠	هفتگی
الرقیب	مستقل	بیت‌المقدس	ادبی	درحدود ١٠٠٠٠٠	هفتگی
هنا عمان	نشریه اداره‌مطبوعات‌وانتشارات	بیت‌المقدس	متنوع	درحدود ٢٠٠٠٠٠	ماهانه
الافق‌الجدید	مستقل	بیت‌المقدس	ادبی	درحدود ١٠٠٠	ماهانه
التعاون	نشریه وزارت امور اجتماعی	بیت‌المقدس	متنوع	درحدود ١٠٠٠٠٠	ماهانه
الاسره	مستقل	بیت‌المقدس	خانه وخانواده	درحدود ٥٠٠٠	ماهانه

مطبوعات درآلمان غربی

در میان روزنامه‌های آلمان وبرلن‌غربی حداکثر رقم تیراژ ۵ر۳ میلیون و حداقل ۷۰۰ نسخه میباشد .

بدون اغراق‌میتوان گفت‌که روزنامه‌های کوچکتر که‌در منطقه‌محدودتری منتشرمیگردند تاثیر سیاسی عمیق‌تری برروی خوانندههای خود دارند . جراید محلی در میان خانواده‌ها نقش دوست ومشاور خوبی را بازی میکنند که از سالیان دراز در راس ساعت معینی بخانه آنها وارد میشود . آلمانها بطور کلی علاقه خاصی به اشتراك روزنامه وعلی‌الخصوص آن نوع روزنامه دارند که ضمن درج اخبار سیاسی اطلاعات و تازه‌گیهائی نیز راجع به حول و حوش آنها در اختیارشان بگذارد . بسیاری از خانواده‌های آلمانی از حتی بیش از صد سال قبل روزنامه‌بخصوصی‌رامرتب مشترك بوده‌اند .

بیشتر آلمانیها به خواندن یك روزنامه قناعت میکنند ودر اینصورت قسمت آگهیها نیز ناخوانده نمیماند . در حال حاضر رقابت شدیدی بین روزنامه هائیکه متکی باشتراك هستند وآن دسته که از راه تك‌فروشی گذران میکنند مشاهده میشود بهر صورت میتوان‌گفت که امر اشتراك روزنامه از ممیزات ومشخصات جراید آلمان میباشد .

در حدود ۴ر۳ از روزنامه های یومیه آلمان فقط ۵ درصد از تیراژ خود را از طریق‌تك فروشی بفروش میرسانند . روزنامه «بیلد زایتونگ» در این مورد استثناء خارق العاده‌ای بشمار میرود چه که این روزنامه باتیراژ حیرت‌آور ۵ر۳ میلیون‌نسخه‌فقط به تك‌فروشی متکی است . در مقابل این غول عظیم‌الجثه که در سالهای پس از جنگ جهانی اخیربه چنین پیشرفتی نائل آمد روزنامه دیگری‌در آلمان موجود است که بارقم ۷۰۰ نسخه تیراژ داستان «فیل وفنجان» را بذهن متبادرمیسازد .

امروزه در کشور آلمان تقریباً چهل روزنامه تیراژی بیش از صد هزار دارند : دومین روزنامه آلمانی از لحاظ تیراژ بنام «وست دویچه آلگماینه» میباشد که درچهار صدوسی هزار نسخه‌در شهر اسن منتشر میشود . این روزنامه برای هریك از شهرهای منطقه صنعتی وپرجمعیت‌روهر صفحات محلی‌اختصاصی انتشار میدهد . از آنجائیکه بیشتر خوانندگان این روزنامه را کارگران تشکیل میدهندروش سیاسی این روزنامه مستقل ویا کم‌وبیش‌متمایل به سوسیال دمکراتها میباشد . ضمنا تعدادی روزنامه نیز طرفدار حزب دموکرات مسیحی یعنی حزب اکثریت این کشور هستند . در شهر دورتموند «روهر ناخریشتن» در سیصدو پانزده هزار نسخه در شهر دوسلدورف «راینیشه زایتونگ» بادویست وهفتاد هزار نسخه — در شهر کوبلنس روزنامه «راین زایتونگ» با صدوهشتادودوهزار نسخه وبالاخره درشهر کلن روزنامه «کلنیشه روند شاو» در صدو پنجاه‌وپنج هزار نسخه منتشر میشود

درباره روزنامه‌هائی که تیراژی بالاتر از صدهزار نسخه دارند میتوان این مطالب راهم افزود : پنج روزنامه در شهر فرانکفورت بچاپ میرسند معروفترین این روزنامه‌ها «فرانکفورتر آلگماینه» میباشد که در حقیقت بجای روزنامه بسیار مشهور «فرانکفورتر زایتونگ» که در زمان حکومت ناسیونال سوسیالیستها در محاق تعطیل افتاد اکنون با تیراژی در حدود دویست وپنجاه هزار نسخه منتشر میشود — روزنامه «آبند پست» با صدو هفتاد هزار — روزنامه «ناخت آوسگابه» با صدوبیست وسه هزار — روزنامه «فرانکفورتر روندشاو» با صدوهجده هزار وبالاخره روزنامه «فرانکفورتر نوی‌پرسه» با صدو پانزده هزار نسخه نیز در شهر فرانکفورت منتشر میشوند . روزنامه‌های زیر با تیراژی بیش از صدهزار متعلق به شهر هامبورگ میباشند :

۱ — بیلد زایتونگ تیراژ ۵ر۳ ملیون
۲ — هامبورگر آبندبلات تیراژ ۳۴۰ هزار
۳ — دی ولت تیراژ ۲۶۰ هزار
۴ — هامبورگر مورگن پست تیراژ ۳۲۳ هزار

سه روزنامه نخستین متعلق به مطبعه اکسل اشپرینگر میباشد و روزنامه چهارم متمایل به سوسیال دموکراتها است . آکسل اشپرینگردر شهربرلن پایتخت سابق آلمان نیز از طریق مشارکت با مطبعه بزرگ اولشتاین چندین روزنامه بانفوذ برلن را ازقبیل «برلینوب تست» با سیصدوسی وپنج‌هزار — برلینو مورگن پست بادویست وچهل هزار تیراژدر اختیار دارد . بطور کلی روزنامه های تحت اختیار مطبعه اشپرینگر متمایل به هیچیك‌از احزاب سیاسی نبوده ومستقل هستند . یکی دیگر از روزنامه‌های برلن نیز موسوم به «تاگس‌اشپیگل» تیراژی بالاتر از صدهزار نسخه دارد .

فهرست بعضی روزنامه‌های یومیه آلمان با تیراژی بیش از صد هزار بشرح ذیل است :

« آکس بورگر آلماینه» (صدوهفتاد هزار) — «وستفالن بلات» منتشره در شهر بیلفلد (صدودوازده هزار) «براونشوایگر زایتونگ» (صدوسی‌و چهارهزار) — «وزر کوریر» در برمن (صدوبیست هزار) — «ستفلیشه روند شاو» دردورتموند (دویست‌وسی هزار) — «نوئه روهر — راین زایتونگ» دراسن دوسلدورف‌وکلن (دویست‌وسی هزار) — «وستفالن پست» درهاگن (صدوبیست‌و دو هزار) — «هانورشه آلگماینه» (صدوسی‌و چهارهزار) — «هانورشه پرسه» (صدوپنجاه وهشت هزار) — «بادیشه نویسته ناخریشتن» در کارلسروهه (صدوسی‌وهشت هزار) — «هسیشه آلگماینه» درکاسل (صدوده‌هزار) — «کلنراشتات آنسایگر» (صدوهشتادوهفت هزار)— «شوبیسه‌زایتونگ» و «لویتکیرش» .

بطور کلی اکنون فقط ده‌درصد از مجموع تیراژ روزنامه‌های یومیه آلمان متعلق به جرائدی است که ارگان ویا وابسته یك حزب هستند . ازاین میان ۳ر۴ در متعلق به حزب دموکرات مسیحی و ۱ر۴ درصد از آن حزب سوسیال دمکرات میباشد در حالیکه قبل از جنگ اخیر وضع چنین نبود . امروزه در آلمان فدرال ۱۴۰۳ روزنامه یومیه منتشر میشود . جالب توجه اینکه درسی سال قبل این رقم خیلی‌بیش از امروز یعنی ۲۴۸۳ عدد بوده است .

درباره خواننده‌آلمانی نیزذکرمختصر توضیحی ضرور بنظر میرسد . خواننده آلمانی درعین حال که مایل است تصویری کلی وعمومی‌از حوادث روزانه کشور خود داشته باشد خواهان آنستکه از حقیقت وقایع وبه اصطلاح کنه مطالب نیز باخبر شود . روزنامه در نظراهالی آلمان در حکم وسیله باوجدان وبیداری جهت وقوف برحقایق است که بایستی درنهایت آرامش ودقت مورد مطالعه قرار گیرد وحتی بدان استناد شود . بدین سان جرائد آلمان پس از جنگ جهانی اخیر بمرور از حالت دو قطب متضاد ومخالف یکدیگر بودن در آمده‌و تبدیل به عوامل مختلف کسب وعرضه اطلاعات وحقایق شده‌اند که بموازات یکدیگر ودر جهت واحدی که همانا وقوف برحقایق وقایع باشد گام برمیدارند . البته هنوز میتوان در آلمان وجود این دوقطب مختلف را که عبارت از روزنامه‌های باتیراژ سرسام آور وجرائد محلی باشند دید ولی این دوگروه مختلف‌از جرائد آلمان روز بروز به جهت واحدی نزدیکتر میگردند . ضمناً بایدیاد آورشد که اکنون یك گرایش وتمایل آشکار در خوانندگان آلمانی به قرائت هردونوع جرائد درآن واحد بچشم میخورد .

در انگلستان روزنامه و مجله باهمه نوع عقیده ومرام سیاسی منتشر میگردد. آزادی بطور کامل حکومت دارد و هیچ نشریه‌ای سانسور نمیشود مگر آنکه پارا از حدودقوانین و مقررات فراتر نهد.

مردم انگلیس بخواندن روزنامه اهمیت میدهند و طبق آماری که بدست آمده از هریکهزار نفر ششصد ویازده نفر روزنامه را میخرند واز حیث فروش روزنامه بعدانگلیس کشور سوئد است زیرا از هر هزار نفر چهارصد نفر روزنامه بخر (نه روزنامه بخوان) هستند . میزان مصرف روزنامه را باید ازمصرف کاغذ فهمید . در سال ۱۹۵۳ میزان مصرف کاغذ روزنامه ششصد و پنجاه هزار تن بوده واین مقدار در ۱۹۵۴ به هفتصد وبیست هزار تن رسیده‌است .

سابق براین دولت بر مصارف کاغذ روزنامه‌ها نظارت داشت ولی این نظارت از سال ۱۹۵۹ رفع شد .

قیمت روزنامه نسبت بسایر چیزها کم‌است وبهای روزانه از یك پنی ونیم تا چهار پنی میرسد .

در انگلستان قریب یك صدوپنجاه روزنامه نشرمیگرددکه سی‌تای آن صبح و عصر درلندن منتشر میشود و مابقی در سایر شهرها مثلا اسکاتلند هشت روزنامه صبح و نه روزنامه‌عصر دارد .

تعداد مجلات درحدود یکهزار وسیصدنشریه‌است که هفتگی و دوهتگی و ماهانه منتشرمیشوند .

جراید روزانه

روزنامه های عمده روزانه همه در لندن‌بچاپ میرسد و سپس بسایر نقاط کشور توزیع‌میگردند (باستثنای دو روزنامه عصر که فقط در لندن و حومه آن انتشار می‌یابد) .

روزنامه	تیراژ	مسلك سیاسی	روزنامه	تیراژ	مسلك سیاسی
تایمز	۲۵۲۳۴۱	مستقل	دیلی میل	۲۵۴۷۸۷۶	محافظه‌کار
گاردین	۲۶۱۶۶۰	مستقل	دیلی اسکچ	۹۹۵۵۵۰	محافظه‌کار
دیلی تلگراف	۱۲۶۸۷۲۹	محافظه‌کار	دیلی هرالد	۱۳۴۸۶۸۶	کارگری
تایمز مالی	۱۳۶۹۰۰	مستقل	دیلی ورکر	۶۰۰۰۰	رسما کمونیست
دیلی میرور	۴۶۶۰۴۴۵	میانه‌رو و متمایل به چپ	نیودیلی	۵۰۰۰۰	مستقل
			ایونینگ نیوز	۱۴۲۵۰۰۰	محافظه کار
دیلی اکسپرس	۴۲۸۹۷۵۰	مستقل	ایونینگ استندارد	۷۴۱۰۰۰	مستقل

هفتگی

(این نشریه‌ها روزهای یکشنبه درلندن‌منتشر میشوند و در تمام کشور توزیع می گردند .)

نام	تیراژ	مسلك سیاسی	روزنامه	تیراژ	مسلك سیاسی
ابزرور	۷۱۵۹۳۴	مستقل	ساندی اکسپرس	۴۳۳۳۱۶۴	مستقل
ساندی تایمز	۱۱۲۴۰۲۰	محافظه کار	ساندی سیتزن	۳۶۱۲۶۲	پشتیبان شرکتهای تعاونی وحزب‌کارگران
ساندی تلگراف	۶۶۶۳۷۴	محافظه‌کار			
نیوز آردورلد	۶۴۸۴۴۴۵	مستقل			
پیوپل	۵۵۳۲۱۹۹	مستقل	ساندی میرور	۵۱۷۲۴۶۱	میانه رو مایل به چپ

مطبوعات شهرستانی

تیراژ مجموع جراید شهرستانی در روزتقریبا به ٦ میلیون بالغ میشود . درشهرستانها ۱۲ روزنامه صبح ٦۲ روزنامه عصر به چاپ میرسد . تیراژ این جراید از ۱۰۰۰۰ هست تا ۴۰۰۰۰۰ علاوه براین ۸۵۰ هفته‌نامه محلی‌است که در محلات لندن یا تقریبا در ۵۰۰ شهرستان منتشر میگردد واکثرآن‌ها تیراژی‌بین ۱۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ دارند گواینکه یکی یادوتا تیراژشان به ۸۰۰۰۰ هم میرسد .

مجلات

مجلات منتشره در بریتانیا آنقدر زیاداست‌که نمیتوان جزئیات آنها را بدست داد. درانگلستان متجاوز از ۴۰۰۰ مجله منتشرمیگردد که هریك چندین فعالیت را در اوراق خودمنعکس میسازند و بطور کلی عبارتند از :

مجلات عمومی با تیراژی معادل یك‌میلیون ـ مجلات بانوان که چند تائی از آن که خیلی‌فرهنگی هستند تیراژی متجاوز از یك‌میلیون نسخه دارند. تعداد بیشماری مجلات کودکان‌تعداد کثیری از مجلات مذهبی‌متعلق بـه هم‌مذاهب و فرق ـ مجلات قصه‌ای ـ مجلات ورزشی ـ باغبانی ـ سرگرمیها ـ فکاهیات ـ مجلاتی خاص موضوعات مختلف از قبیـل‌سیاست امور مالی و اقتصادی علوم حرفه‌ها و هنرها ـ مجلات‌بازرگانی و فنی وانتشارات‌انجمن های علمی وادبی ـ اتحادیه های‌کارگری ـ هنگ‌ها ـ دانشگاهها ـ کالجها ـ مدارس ـ وسایر جوامع وجمعیت‌ها .

مجلات هفتگی که بالاترین فروش رادارند،از اینقرارند .

عنوان	نوع	تیراژ
رادیو تایمز	راجع ببرنامه‌های بی.بی.سی	۵۵۰۰۰۰۰
تی .وی.تایمز	برنامه های تلویزیون مستقل	۵۵۰۰۰۰۰
وومن	موضوعات مربوط بزنان	۳۳۰۰۰۰۰
وومنزاون	موضوعات مربوطبزنان	۲۵۰۰۰۰۰
وومنزویکلی	موضوعات‌مربوطبزنان	۱۵۰۰۰۰۰
وومنزرلم	موضوعات‌مربوطبزنان	۱۴۰۰۰۰۰
وومنزمیرار	موضوعات مربوطبزنان	۱۱۰۰۰۰۰
ریوالی	خبر ومقاله	۱۱۰۰۰۰۰
ویکند	خبر و مقاله	۱۱۵۰۰۰۰

مجلات خبری و سیاسی ذیل تیراژکمتری‌دارندولی خوانندگان آنها متفکرین و روشنفکران‌میباشند که درامور ذینفوذ هستند .

عنوان	محتوی	تیراژ
اکونومیست	اقتصادی و سیاسی	۷۰۰۰۰
نیواستیتسمن	سیاست و هنر	۹۰۰۰۰
اسپکتاتور	سیاست و هنر	۵۰۰۰۰
پانچ	فکاهی	۳۰۰۰۰
ایلوستریتد لندن‌نیوز	اخبارمصوروهقالات هنری	۳۰۰۰۰
اسفیر	مجلات‌مصور خانوادگی	تیراژ در حدود
تاتلر	مجلات مصور خانوادگی	۱۰۰۰۰
کانتری لایف	مجلات‌مصورخانوادگی	۱۰۰۰۰

مطبوعات ترکیه

در ترکیه ۳۷۲ روزنامه یومیه چاپ‌ومنتشر میشود و علاوه بر آن روزنامه های زیادی نیز هست که بصورت هفتگی ،دوهفتگی وغیره انتشار می‌یابد . بطور کلی در ترکیه ۱۱۵۳ روزنامه و مجله منتشر میشود که ۸۳۶ امتیاز آن‌مربوط بروزنامة های اعم از یومیه وهفتگی دو هفتگی و ۸۱۷ امتیاز آن متعلـق بمجلات ست .

در ترکیه ۹۳ روزنامه و مجله بزبان های خارجی چاپ میشود که ٤۰ امتیاز آن بزبان انگلیسی ۱۱ امتیاز آن بزبان‌ارمنی ۱۵۰ امتیاز آن بزبان یونانی ۱۱ امتیاز آن بزبان‌فرانسوی پنج امتیاز آن بزبان آلمانی بوده و دوامتیاز نیز بزبان عبری میباشد علاوه‌بر این ها در ترکیه مجلات زیادی بصورت دو زبانی‌انتشار میابند .

ازاین ۹۳ روزنامه و مجله مرکز انتشار۶۸ تای آن در استانبول و بقیه در سایر شهرستان های ترکیه میباشد .

بموجب آخرین آماری که دردست هست تیراژ مجموع روزنامه ها در ترکیه‌در حدود ۱,۳۵۳,۰۰۰ نسخه در روز میباشد . (درتمام ترکیه) .

پرتیراژ ترین روزنامه ها حریت وجمهوریت چاپ استانبول و سپس ملیت میباشدروزنامه‌های مذکور علاوه برپر تیراژ ترین ــ از نظـر سیاسی بهترین جراید ترکیه هستند .

اغـلب جراید ترکیه وابسته باحزاب‌سیاسی هستند .

پرتیراژ ترین مجله ترکیه مجله حیات است که جنبه اجتماعی آن برسایر جنبه های آن می چربد . در ترکیه کلیه جراید بایك قطع و در هشت صفحه انتشار یافته و درایام تعطیل جراید ترکیه با صفحات اضافی منتشر میشوند وبعلاوه درایام اعیاد بزرگ مثل عید فطرو قربان کلیه جراید باهم اشتراك مساعی کرده مجله واحدی بنام (بایرام گازتسی)یا مجلـد عید منتشر میکنند .

پرتیراژ ترین روزنامه آنکارا (اولوس) یا (ملت)است که موسس آن کمال‌آتاتورك میباشد .این روزنامه ارگان حزب جمهوری خلق را تشکیل میدهد .

جراید ترکیه مثل جراید ما در مالکیت فرد میباشد .

مطبوعات در چکوسلواکی

مطبوعات چکسلواکی نه فقط مردم را از جریانات مختلف داخلی و خارجی آگاه می سازند بلکه بآنها در سازمان دادن کارهای مربوط بتوسعه ورشد اقتصاد ملی و فرهنگی کمك ومساعدت مینمایند . روزنامه ها ناشر افکار احزاب و همه سازمان ها و موسسات عمومی از قبیل اتحادیه صنفی ، سازمان های جوانان ، سازمان های ورزشی ،و غیره‌هستند

سازمان های سیاسی واتحادیه های صنفی بطور منظم در کارخانه‌های بزرگ مجله و نشریه‌هائی مربوطبه جوانب مختلف کار و فعالیت و نیز روزنامه هائی در نواحی مختلف کشور منتشر مینمایند .

در کشور چکسلواکی روزنامه هـای خصوصی که صرفا جنبه تجاری دارند وبمنزله عایدی میباشند وجود ندارد بلکه مطبوعات این کشور کار مهم و عظیم اجتماعی را انجام میدهند .

دانشکده فلسفه در پراگ و دانشگاه‌براتیسلاوا هر کدام دارای کرسی روزنامه نگاری‌هستند که دوره آموزش آن ها چهار سال است.

تعداد کل مجلات نشریه ها و روزنامه ها در سال ۱۹۶۱ بر حسب موضوع بشرح ذیل بوده است :

۱٤ نشریه عمومی در پایتخت و ۹ نشریه عمومی درشهرستانها ــ ۱۳ نشریه وابسته احزاب سیاسی ــ ۳۵ نشریه سازمان های اجتماعی ــ ۹ نشریه مقامات ادارات محلی ــ ۲٤ نشریه مخصوص جوانان ــ ٤۳ نشریه در موضوعات سیاسی واقتصادی وامورادارای ــ ۳۳ نشریه در موضوعات مختلف صنعتی ــ ٤۰ نشریه مربوط به امور تخصص کشاورزی و جنگلداری ــ ۳۸ نشریه و مجله مربوط بامور اجتماعی زبان شناسی و فلسفه وتاریخ ۳۰نشریه در رشته علوم طبیعی و ریاضی ــ ٤٤ نشریه مربوط بزیست شناسی و پزشکی ــ ۳۱ نشریه مربوط بتعلیم وتربیت ــ ۶۷ نشریه مربوط بامور حرفه های مختلف ــ ۱۷ نشریه مربوط بمسائل مختلف و عمومی ــ ۵۵ نشریه در موضوعات فرهنگی موزیك و تآتر و غیره ــ ۲۱ نشریه مربوط بدستجات مختلف مذهبی ۲٤ نشریه مربوط بورزش ــ ۷ نشریه‌مربوط بمد لباس و غیره ــ ۱۹ نشریه مصور وفکاهی علاوه بر آن در آنجا ٤۸۰ مجله مربوط به جوانب مختلف کار وپیشه و تعداد زیادی روزنامه در شهرهای مختلف بچاپ میرسد .

درسال۱۹٤۸ هر خانواده چکسلواکی(شامل چهار نفر) در سال بطور متوسط ۳۰۰ نشریه مختلف خریداری مینمود و در سال ۱۹۵۹ هر خانواده ٤۱۵ نشریه های مختلف خریداری میکرد .

در سال ۱۹۵۹ هر ۱۰۰۰ نفر اهالی ۱۷۳ روزنامه یومیه خریداری مینمودند .

روزنامه های یومیه

نام روزنامه	محل انتشار	ناشر افکار
روده‌براوو	پراگ	حزب کمونیست چکسلواکی
پرودا	براتیسلاوا	حزب کمونیست اسلواکی
پراتسه	پراگ	اتحادیه‌ی صنفی انقلابی
پراتسا	براتیسلاوا	شورای اتحادیه‌های‌صنفی اسلواکی
وچرنی‌پراها	پراگ	شورای اتحادیه‌ی ایالتی
وچرنی براتیسلاوا	براتیسلاوا	شورای اتحادیه ایالتی اسلواکی
ملادافرونتا	پراگ	اتحادیه جوانان چکسلواکی
زمدلسکه نووینی	پراگ	وزارت کشاورزی
سووبودنه سلوو	پراگ	حزب سوسیالیست چکسلواکی
لیدوودموکراتسی	پراگ	حزب توده چکسلواکی .
لود	براتیسلاوا	حزب تجدید ساختمان اسلواکی
اوبرانالیدو	پراگ	ارتش چکسلواکی
اوبرانالودو	براتیسلاوا	ارتش
اسمنا	براتیسلاوا	اتحادیه جوانان چکسلواکی
نوُوا اسوویودا	استروا	حزب کمونیست
لودست	برنو	حزب‌کمونیست
اوی‌سزو	براتیسلاوا	اقلیت مجارستانی دراسلواکی

بقیه از صفحه ۰۵۰۳۰۰۳

درنخستین صفحه اثر ذیل عنوان ونام اثر) رعایت کند میتواند از حقوق مشابه طبع و انحصار در تمام کشورهای دیگر عینا ومتساویا برخوردار شود .

تجدید نظر در قانون حق طبع آثار

درتاریخ ژوئیه ۱۹۶۱ اداره ثبت حق‌طبع واشنگتن پیشنهادی مبنی برتجدید نظر درقانون حق طبع آثار به کنگره تقدیم داشت . دراین پیشنهاد تقاضا شده بود که تاریخ تجدید حق طبع از یك دوره ۲۸ ساله مجدد به ۷۶ سال تمدید شود بدون آنکه وجهی ازاین بابت دریافت گردد .

این پیشنهاد نتیجه پنج سال تحقیق مداوم کارشناسان اداره مربوطه است و علت تنظیم و تقدیم آن اشکالاتی بوده که دراین راه گاه و بیگاه بظهور می‌پیوسته است .

مطبوعات در سوئد

طبق آمار دقیق علاقه سوئدی ها بمطبوعات بخصوص روزنامه بیش از کلیه ملل دنیاست، روزانه چهارمیلیون نسخه روزنامه در سوئد بفروش میرسد و باتوجه بجمعیت هفت‌میلیون و نیمی سوئد اهمیت این رقم بیشتر تجلی میکند بطوری که برای هر یکصد نفر سوئدی روزانه ٥٣ روزنامه چاپ و منتشر میشود این نسبت در انگلستان ٥١ و در آمریکا ٣٢ میباشد.

قدیمی ترین روزنامه سوئد پست تیدندر میباشد که از سال ١٦٤٥ مرتب منتشر میگردد و تنها نشریه رسمی دولتی است.

قدیمی ترین روزنامه ملی سوئد (آفتو ـ نبلادت) در سال ١٨٣٠ منتشر گردید. تیراژ امروزه آن ٢٤٥ هزار نسخه در روز بوده و متمایل بحزب کارگر سوئد است.

پرتیراژترین روزنامه سوئد که عصرهامنتشر میشود اکسپرسن است که به لیبرالها متمایل بوده‌و تیراژ آن ٤٢٠ هزار نسخه است.

پر تیراژ ترین روزنامه صبح سوئدداگنس نیهتر است که آنهم به لیبرالها بستگی داشته و روزانه در ٣٥٠ هزار نسخه بطبع میرسد.

روزنامه های وابسته به حزب لیبرال‌دارای بزرگترین تیراژ روزانه (نزدیك به ٢میلیون) میباشند دومین تیراژ (یك میلیون در روز) متعلق به حزب کارگر است که قویترین حزب سوئد میباشد نام دیگر این حزب سوسیال دمکرات است حزب محافظه کار یاسومین‌حزب سوئد دارای ٥٢ روزنامه یومیه و تیراژ کلی ٩٠٠ هزار نسخه در روز میباشد در سوئد سه روزنامه کمونیستی نیز منتشر میشود که‌دارای تیراژی در حدود ٢٦ هزار نسخه هستند.

مجلات در سوئد نیز مانند سایر کشورهای غربی هواخواهان فراوانی دارد تا چهار سال پیش تیراژ مجلات سوئد به ٦ میلیون رسیده بود ولی در حال حاضر این رقم به ٥ میلیون ونیم‌تقلیل یافته‌است علت اصلی‌این‌تقلیل‌راتعمیم تلویزیون در خانه های سوئدی ذکر کرده‌اند.

مجله هفتگی کورین با تیراژ ٧٠٠ هزار پر تیراژترین مجله سوئد است که حاوی آگهی ها وتبلیغات زیادی در باره کالاهای مورد احتیاج منازل است و اغلب خریداران آن خانمهای خانه‌دار میباشند.

دومین و سومین مجله پرتیراژ سوئد وی با تیراژ ٥٤٠ هزار نسخه وآرت‌رونت باتیراژ ٤٠٠ هزار نسخه می باشند که در استکهلم‌بطبع میرسند.

مطبوعات در سوئیس

نظر باینکه در کشور سوئیس نشر مطبوعات بسیار غنی است و توضیح کامل آنها برای ما غیرمقدور است فقط باین اکتفا کرده‌ایم‌که مجموع نشریات یك مبحث را در یك جا منعکس نمائیم.

موضوع	تعداد
روزنامه‌های مد، هنر، سیاست و روزنامه های مصور خانوادگی و مجله ها	٤٦
روزنامه های زنان ومد	٢٤
روزنامه والدین و جوانان	٢٣
مجله های ادبی وسیاسی	٤٥
موسیقی وآواز	٢٠
هنر ـ تآتر و رادیو	٢٢
مذاهب	
مذهب پروتستان	٢٢
مذهب کاتولیك	٣١
مذهب دیگر	٥

موضوع	تعداد
نظامی، ورزش	
ورزشی حرفه‌ای	١٠
پیاده روی ـ کوهنوردی، ورزش‌زمستان	١٣
شکار، ماهی‌گیری، صید	١٤
اتومبیل رانی ـ موتورسواری ودوچرخه	٢١
انواع ورزشها	١٩
سرگرمیها، وقت گذرانی وپیشاهنگی	٢٧
نظامی	٣٢
سلامتی تن، مراقبت و کمکهای اولیه	
ملالت‌جسمی و مداوای طبیعی	١٠
مراقبت از مریض وکمك	٣٣
پرهیز	١٣
کشاورزی، گلکاری، جنگل بانی حمایت از حیوانات	
روزنامه های کشاورزی	٤٠
مربوط بلبنیات	٤٠
چوب و جنگل	٢٠
حمایت از حیوانات	٣
تکنیك، صنعت و پیشه	
روزنامه های مربوطه	٢٧
ساختمانی، معماری، نقشه	٢٧
گاز، آب، الکتریك و شوفاژ	١٧
البسه، پارچه، چرم	١٣
ماشین، ماشین خیاطی، ساعت	٢٣
اتومبیل، موتورسیکلت، دوچرخه	٩
چاپخانه و کاغذ	١٨
تغذیه ـ آشامیدن و توتون	٢١
کارهای مختلفه	٣١
مسافربری، نقلیه، مهمانخانه	
مسافر بری وانتقال	٢٣
مهمانخانه و سیاحان	١٧
روزنامه های خارجی	٢٢
بازرگانی و تشکیلات	
بازرگانی بطور کلی	٢٢
مالی	٨
تشکیلات وموسسات مقاطعه کاری	٢٢

موضوع	تعداد
بیمه وبیمه بیماری	١٤
اقتصاد	
شبکه های اقتصادی	١٧
روزنامه کارفرمایان	٣
نیازمندیها	٣٧
علوم طبیعی، ریاضی، وفلسفه	٢٩
تاریخ و فولکور	١٢
پزشکی	
طب، دندانپزشکی و پزشکی	٢٠
شیمی، داروسازی، آزمایشگاه	٤
حقوق منشی گری و تشکیلات	١٩
روانشناسی، تعلیم و تربیت و دانشگاه	٥٠
روزنامه های مربوط بکارها	١٩
مختلفه	١٣

مطبوعات در فرانسه

روزنامه های یومیه پاریس

نام روزنامه	نوع	تیراژ
فرانس سوار	خبری	۱٫۳۵۰٫۰۹۸ نسخه
پاریزین لیبه‌ره	خبری	۸۵۸۲۶۰
فیگارو	خبری	۴۶۵۱۵۸
اورور	خبری	۴۳۸۲۵۱
اکیپ	ورزشی	۲۴۸۳۳۵
لوموند	خبری	۲۲۷۳۴۴
اومانیته	حزبی	۱۹۵۹۳۱
پاری ژور	خبری	۱۷۰۲۶۶
پاری پرس	خبری	۱۴۲۳۷۹
لاکروا	مذهبی	۱۳۴۷۰۱
پاری‌تورف	ورزشی	۹۸۹۵۶
لیبراسیون	خبری	۸۷۹۴۸
اسپورت کمپاه	ورزشی	۷۳۵۱۲
انفورماسیون	خبری	۵۶۶۱۴
کمبا	خبری	۴۹۸۴۷
له‌وگو	خبری	۴۵۲۱۸
پوپولر	حزبی	۱۳۰۰۷
	جمع	۴۶۵۵۸۲۵

این ارقام‌درماه مارس۱۹۶۱ ازطرف وزارت‌وزارت اطلاعات فرانسه انتشار یافته است‌و روزنامه های‌فرانس سوار وپاریزین لیبره با تیراژ ۲٫۲ میلیون تقریبا نصف‌تیراژ کلیه روزنامه های پاریس را داراهستند .

روزنامه های شهرستانهای فرانسه جمعا۷٫۰ ملیون تیراژ دارند و ازین لحـاظ‌از روزنامه های پاریس جلوترند .

نام روزنامه	شهرستان	تیراژ	نام روزنامه	شهرستان	تیراژ
اوست فرانس	رن	۵۹۰۸۱۳	میدی لیبر	مونت پلیه	۱۸۰۰۳۵
لوپروگره	لیون	۴۲۴۰۵۹	نیس‌ماتن	نیس	۱۷۹۴۱۷
دوفین لیبه ره	گرنوبل	۳۷۰۴۲۰	نورد ماتن	لیل	۱۷۱۶۰۳
لا ووا دونورد	لیل	۳۴۴۲۴۴	لامونتانی	کلرمون فرانس	۱۷۰۲۱۵
سود اوست	بردو	۳۳۰۱۸۹	پاری نورماندی	روئن	۱۵۶۳۴۳
لوپرووانسال	مارسی	۳۲۱۵۰۵	اونیون	نیم	۱۵۲۴۰۱
دپش دومیدی	تولوز	۲۳۲۵۶۷	آخرین‌اخبار آلزاس	استراسبورگ	۱۳۷۹۱۹
لانوول ریوبلیك دوسانتراوست	تور	۲۶۴۷۱۶	لافرانس لانوول ریوبلیك	بردو	۱۲۰۷۰۶
است ریوبلیکن	نانسی	۲۴۳۴۲۷	تلگرام دوبرست دولواست	برست	۱۲۰۵۸۲
ریوبلیکن لورن	متس	۱۸۳۱۲۱	مریدیونال لافرانس	مارسی	۱۰۲۲۶۰

نشریه های هفتگی و ماهیانه

دربین نشریه های هفتگی وماهیانـه‌نشریه های پاریس از لحاظ تیراژ نسبـت‌بکلیه نشریه های فرانسه مقام‌اول را دارد و ذیلا مهم‌ترین آنهارا بیان میکند.

نام مجله	تیراژ	نام مجله	تیراژ
پاری ماچ	۱٦٤۲٥۲٥	بون سواره	٦٦۷۷٤۸
نودو	۱۳٦٥۷۰۳	انتیمیته	٦۳٦٥٦۰
فرانس دیمانش	۱۲۳٦٥۳۹	لوپلەرن	٥۸۷۸۰۷
اکودولامد	۱۰۰٦۱۷۱	وی کاتولیك ایلوستش	٥۲۳٦٤۲
ایسی پاری	۹٥۲۰۷٦	کنفیدانس	٥۰۸۰۸۱
ال	۷۳٤۲۹۸	اومانیته دیمانش	٤۹۷۲۹۱
لوژورنال دو دیمانش	۷۳۰٦٥۷	ژوردوفرانس	٤۷۹۸٥۷
مددوپاری	٦۸۷٤۳۰	جمع	۱۲۲٥٤٤۸۳

مجله های اختصاصی رادیو تلەویزیون از لحاظ افزایش تیراژ درسنوات‌اخیر قابل توجه بوده است

مجله رادیو سینما تلەویزیون	۱۰۲٤۸٥ و (در سال ۱٦۹۱)
لاسومن رادیوتله	۲٥٤٦۸٥
تله ماگازین	۳۷۰٥۳۸
تله ستژور	۸۰۰۰۰۰ (در سال ۱۹٦۲)

نشریه های دوهفته یکبار (باتیراژبیش از ۳٥۰۰۰۰ نسخه)

لوکوئوپراتوردوفرانس	۱۰۰٥٦٦۰
لوتوژورنال	۳٦٦۲۸۸

نشریه های ماهیانه (بیش از ۳۰هزار نسخه)

نام مجله	تیراژ	نام مجله	تیراژ
اکودوفرانس	۱٦٤٤٥۲۹	کنستلاسیون	٥۱۳۰۰۰
منتخبات ریدرزدایجست	۱۲۹۱٥٦۳	بونور	٥۰٥۲۱۰
مد وکار	۱۱۱۰۳۳۳	اکسیون اتوموبیل توریستیك	٤٦۸۳۳۳
ماری کلر	۱۰۹۰۹۱٥	مون اووراژ	٤۱۰٤٥۱
لوشاسور فرانسه	۷۹٥٦٥۳	هیستوریا	۳۳۳٥۲۹
ماری فرانس	۷۳۱۷٦۳	گدریه	۳۰٥۰۰۰
مجله تورینگ کلوب	٥۷۰٦۸۲	جمع	۱۰۱۷۰۹٦۳

مطبوعات در کانادا

کانادا کشوریست که با ۱٦ میلیون‌جمعیتش دارای دوزبان رسمی واداریست . زبان‌انگلیسی دردرجه اول و زبان فرانسه که در حـدود یك سوم مردم بآن تکلم میکنند در درجه‌دوم اهمیت قرار دارد ولی هردو زبان باهم‌برروی پول رایج و تمبر پست ظاهر میگردند. این موضوع یعنی رایج بودن دو زبان در این کشور در وضع مطبوعات وانتشار وتیراژآنها همیشه تاثیر فراوانی داشته است.

در کانادا روزانه ۱۰۹ روزنامه یومیه در چهار میلیون نسخه منتشر میگردد . از تعداد فوق ۱۲ روزنامه بزبان فرانسه است که دارای تیراژی در حدود ۷۲۰ هزار نسخه میباشند از این تعداد ۱۰ روزنامه آن فقط در استان‌کوبك که اکثریت اهالی آن فرانسوی زبان میباشند منتشر میگردد استان کوبك مرکز نشر کلیـه کتابها واغلب جراید فرانسوی در کاناداست‌و شهر مونترال بزرگترین شهر کانادا و دومین شهر فرانسوی زبان دنیا در آن قرار دار. روزنامه معروف لاپرس نیز دراین شهر منتشر میشود .

بغیراز جراید یومیه ، کانادا دارای یك هزار نشریه هفتگی است که تیراژ آن ها بـه هفت میلیون نسخه در هفته میرسد . ایـن نشریات بیشتر در شهرهای کوچك و دهـات دور افتاده بفروش میرسند و مطالب آن ها مطابق ذوق اهالی و احتیاج زندگی آنان‌تهیه شده‌است. بزرگترین‌تیراژمطبوعات‌درکانادامتعلق بمجلات آنست . تعداد مجلات کانادا ٦۰۰ و مجموع تیراژشان ۱۱ میلیون نسخه میباشد.

اولین روزنامه‌ئی که در کانادا تاسیس شد هالیفاکس گازت در سال ۱۷٥۲ بود کـه نام فعلی آن رویال گازت است و ۲۱۲ سال از تاریخ آن میگذرد .

پر تیراژترین روزنامه های انگلیسی کانادا در تورونتو مرکز استان أونتاریو که پـر جمعیت ترین استان کاناداست منتشر میگردند و بترتیب عبارتنداز : تورونتو ، دیلی‌استار، تورونتو تلگرام ، و گلوب اندمیل.

ونکوورسان و مونترال استار روزنامه های پر تیراژی هستند که درخارج از تورونتوتهیه میشوند . مجلات معروف و پرتیراژ کـانادا عبارتنداز فاینئشال پست ، ساتردی نایـت ، شاتلین و ملك لینز ماگازین که کلیه آن‌هادر تورونتو بطبع میرسد .

مطبوعات در عراق

نام	محل انتشار	زبان	نوع مطالب	نمونه انتشار
الجمهوریه	بغداد	عربی	سیاسی	روزانه
البلد	بغداد	عربی	سیاسی	روزانه
العرب	بغداد	عربی	سیاسی	روزانه
الفجر الجدید	بغداد	عربی	سیاسی	روزانه
الاوقات العراقیه	بغداد	انگلیسی	سیاسی	روزانه
اخبار بغداد	بغداد	عربی وانگلیسی	سیاسی	روزانه
الملعب	بغداد	عربی	ورزشی	روزانه
المتاهل	بغداد	عربی	مجله ادبی وفرهنگی	هفتگی
الاسواق التجاریه	بغداد	عربی	اقتصادی	هفتگی
الشئون الاقتصادیه	بغداد	عربی	اقتصادی	هفتگی
الاقتصاد العراقی	بغداد	عربی	اقتصادی	هفتگی
القالب	بغداد	عربی	کارگری	هفتگی
مجلة الفنون	بغداد	عربی	ادبی ــ فنی	هفتگی
الاجیل	بغداد	عربی	مجله فرهنگی وحرفه‌ای	ماهیانه
المکتبیه	بغداد	عربی	مجله ادبی وفرهنگی	ماهیانه
ظتراث العیشی	بغداد	عربی ــ کردی ــ ترکمنی	هنرهای ملی	ماهیانه
ظتراث العیشی	بغداد	انگلیسی ــ فرانسوی ــ آلمانی	هنرهای ملی	ماهیانه
العاملون فی النفط	بغداد	عربی ــ انگلیسی	فرهنگی و کارگری	ماهیانه
مجلة التربیة الاسلامیه	بغداد	عربی	دینی	ماهیانه
مجله الاخاء	بغداد	عربی وترکمنی	فرهنگی	ماهیانه
الهاوی العراقی	بغداد	عربی	در امور کلکسیونها بویژه کلکسیونهای تمبر	ماهیانه
الام والطفل	بغداد	عربی	بهداشتی	ماهیانه
فتی العرب	موصل	عربی	روزنامه سیاسی	روزانه
الهدف	موصل	عربی	ادبی	روزانه
الفکر العربی	موصل	عربی	ادبی	روزانه
الکشکول	موصل	هفتگی	ادبی ــ فکاهی	هفتگی
الادیب	موصل	هفتگی	ادبی	هفتگی
المنار	بصره	عربی	روزنامه سیاسی	روزانه
الثغر	بصره	عربی	روزنامه سیاسی	روزانه
الغر	نجف اشرف	عربی	ادبی ــ دینی	هفتگی
الایمان	نجف اشرف	عربی	ادبی ــ دینی	ماهیانه
الاضواء الاسلامیه	نجف اشرف	عربی	ادبی ــ دینی	ماهیانه
النهضة	سلیمانیه	عربی ــ کردی	ادبی	روزانه

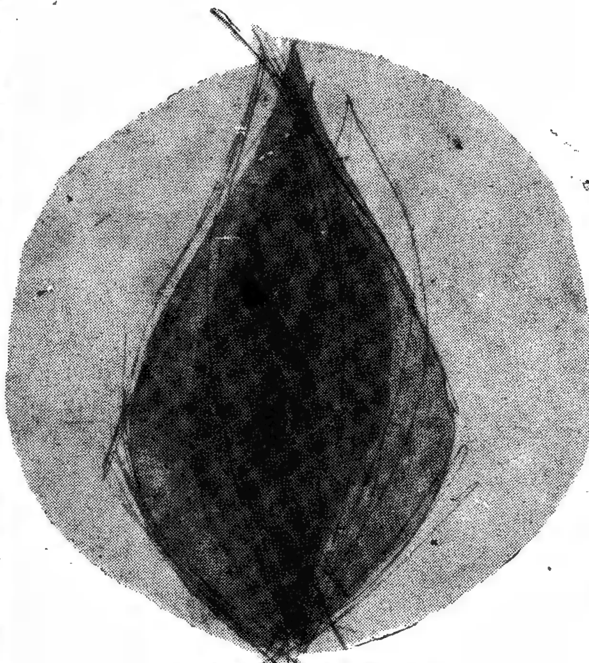
مطبوعات در کویت

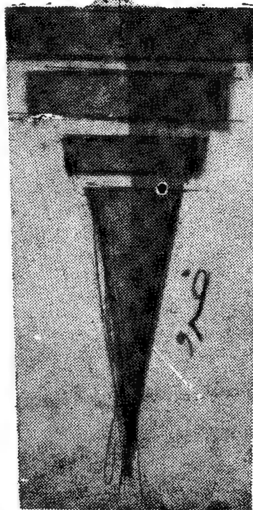
نام نشریه	سیاست	محل انتشار	نوع	تیراژ	ترتیب انتشار
۱ ــ الوطن	مستقل	کویت	سیاسی ــ اجتماعی	نامعلوم	روزانه (فعلا هفتگی)
۲ ــ الرای العالم	مستقل	کویت	سیاسی	نامعلوم	روزانه (فعلا هفتگی)
۳ ــ اخبار الکویت	مستقل	کویت	سیاسی	نامعلوم	روزانه (فعلا هفتگی)
٤ ــ کویت تایمز	مستقل	کویت	سیاسی	نامعلوم	روزانه (فعلا هفتگی)
٥ ــ دیلی نیوز	مستقل	کویت	سیاسی	نامعلوم	روزانه (فعلا هفتگی)
٦ ــ اضواء المدینه	مستقل	کویت	ادبی ــ فنی ــ اجتماعی	نامعلوم	هفتگی
۸ ــ الکویت الیوم	نشریه رسمی دولت	کویت	سیاسی	نامعلوم	هفتگی
٦ ــ الطلیعه	مستقل	کویت	مجله	نامعلوم	هفتگی
۱۰ ــ الهدف	مستقل	کویت	سیاسی	نامعلوم	هفتگی

دین و آئین

= محمد پیامبر ما

= مانی





محمد پیامبر ما

نوشتهٔ : نصرت‌الله بختورتاش

محمد در ۵۷۰ میلادی دیده بدنیا گشود .

در کودکی از محبت و نوازش پدر و مادر محروم شد و بااینکه از آغوش پرمحبت پدر بهره‌ای نداشت و در سینه گرم و سوزان مادر چند صباحی بیش رمز عشق و سرود زندگی نیاموخته بود ، در سراسر زندگانی مظهر مهر و عطوفت و عشق وعلاقه بود.

او یتیم شد تا طعم یتیمی را چشیده باشد و برای انسان ، انسانی که یتیموار سزاوار ترحم و شفقت است پدر باشد .

کودکی یتیم که پابرهنه برروی ریگهای سرزمین حجاز در زیر آفتاب دویده وچهره‌اش بسیاهی مایل گشته بود انقلابی بس عظیم در تمام شئون اجتماعی پدید آورد . در تاریکی نادانی و فساد و فحشاء چراغ دانش و دین را برافروخت و بشر را به نیکبختی و سعادت رهبری نمود ، راه پاك زیستن و یکتاپرستی را هموار کرد و فرمان داد تا با پلیدیها و بدیها نبردی جاودانه آغاز شود .

هنوز از غم مرگ پدر و عزای مرگ مادر دلش می‌سوخت و گیاهی چند برگور آنها نروئیده بود که پدر بزرگش یعنی سرپرست و مربی او نیز بدرود زندگی گفت ومحمد را در ۸ سالگی که فصل رشد و نمو احساس و هرگونه عواطف است تنها و بی‌کس گذاشت .

وقتی بدوازده سالگی رسید نخستین سیر و سفر و گشت و تماشای او از جهان پهناور و کـاوش در روح مردم آغاز گردید او روزگاری را در مکه و پیرامون آن بچوپانی گذرانید و فرصت کافی بدست آورد که با آسودگی خاطر و دور از آلایشهای مادی در جهان تفکر و اندیشه فرو رود و به سازمانها و روحیات مردم زمان خویش عمیقانه بنگرد « مدتی را به چوپانی رمه و گوسفندان سپری کرد تا مانند دیگر پیغمبران شبانی بشر را از شبانی گوسفندان آغاز کند . »

بعد از این گردشها و سیر و سیاحتهای دیگری آغاز شد در سفرهای تجاری تلاش و پشتکار او درباره خرید و فروش کالا وتبدیل

اجناس و نقل و انتقال آنها از سرزمینی به سرزمین دیگر که با امانت و درستی همراه و برپایه صداقت و وفاداری استوار بود، رضامندی و مسرت خاطر خدیجه را جلب کرد.

کم‌کم مسرت به‌محبت تبدیل شد و زن چهل‌ساله ثروتمند عرب بهمسری محمد درآمد و اموال خود را بیدریغ دراختیار اوگذارد، از این تاریخ‌فصل نوینی در زندگی آنان گشوده شد فصلی که آغازش شیرین و دل‌انگیز بود ولی پایانش را کسی نمیدانست.

***

کوه حرا در ۱۲ کیلومتری شمال‌خاوری مکه غاری دارد که **پناهگاه و مأمن محمد** بشمار میرفت. **محمد** همه ساله ماه رمضان را درآنجا بتفکر و اندیشه **میپرداخت وبدنبال** گمشده‌ای میگشت و حقیقت را **جستجومیکرد** سالیانی دراز محمد، **ماهی از سالی را بهاین** ترتیب سپری مینمود و روح و جسم را **صفا** و جلا میداد و خود را برای ابراز **فعالیتها** و کوششهای **نوینی آماده میساخت**.

چرخ زمان **بسرعت‌میگریخت، محمدچهل** ساله شد و هنوز دامن از کوه **ودست از غار** نکشیده بود دریکی از روزها فرشته‌ای بحضورش ایستاد نامه‌ای را نشان‌داد و گفت:

« اقرءباسم‌ربك‌الذی خلق، خلق‌الانسان من علق » (سوره علق)

قرآن را بنام پروردگارت که آفریننده عالم است بخوان، آن خداوندی **که انسان را** از دگرگونی نطفه و خون‌بسته آفرید.

بخوان؛ خدای تو از همه بزرگتر است، خداوندی که نوشتن را با **قلم** به‌انسان‌آموخت و به او مطالبی را که نمیدانست تعلیم‌داد.»

او دیگر از مأمن خود **گریخت** و غار خاموش کوه حرا را که **رفیق تنهائی** وسکوت او بود رها کرد تا وظیفه آسمانی **خود** را که راهنمائی بشر و **نجات انسان از تیره‌بختی** و **رهائی از نظام ننگین اجتماعی عصر** بود انجام دهد. وقتی که فلسفه و فرهنگ و **ایده‌اولوژی عمیق** خویش را عرضه کرد آزار بسیار دید، **رنج و ناکامی بسیار کشید**، **بستگانش درهای خانه را به روی او بستند**. بهسینه گرم و **پرحرارت** و سر **اندیشناکش** سنگ‌ها فروریختند. **زمانی دیوانه‌اش‌پنداشتند** و روزی بیمار و **جادوگرش خواندند** و شبی توطئه قتل او را چیدند ولی او مصائب کمرشکن‌زندگی، سرزنشها، آزارها، دربدریها را بمتانت کوه و عمق دریا **در** خود پذیرفت و همچون ستاره صبح **برتیرگیها لبخند زد**.

آغاززندگی اجتماعی وسیاسی محمد

سیزده سال بعد در ۶۲۳ میلادی براثر تیزهوشی و دیپلماسی مخصوص خود پیمان عقبه را با نمایندگان مردم شهر مدینه امضاء و مرکز ثقل فعالیتهای اجتماعی و سیاسی و ستاد عملیات نظامی خود را بسیار زیرکانه و ماهرانه از مکه به مدینه انتقال داد و در روز دوشنبه‌دوازده ربیع‌الاول که آغازتاریخ هجری است درمیان شور و غوغا و استقبال مردم مدینه وارد این شهر گردید.

دو طایفه بزرگ (اوس) و (خزرج) درمدینه با یکدیگر کینه‌های دیرینه و تاریخی داشتند و چون امنیتی در آن شهر وجود نداشت و همه نسبت بهمدیگر خصومت میورزیدند **علیهذا** برای رفع کینه‌ها و بهبود وضع خود عنصر سوم و بیطرفی را از جان و دل میخواستند. محمد نیزمیخواست نظم وقانونی را حاکم بر **زندگی** مردم **کنند** تا **ازهرگونه** فشار و رنج نسبت **بطبقات** پائین بکاهد وبرای مردم یثرب **(مدینه)** درپناه قانون اساسی رفاه و آسایشی پدید آورد تا **این** زمان نظم وقانونی باین معنی در عربستان جز در سرزمین یمن حکمفرما نبود و از طرفی مسلمانانیکه از مکه مهاجرت کرده و بمدینه آمده بودند **همه** چیز حتی **نیازمندیهای** اولیه زندگی **نداشتند** و اموالشان در مکه بوسیله افراد قریش **توقیف** شده بود.

پس قبل از هرچیز و برای **تهیه** زمینه آن نظم سیاسی لازم بود که کینه‌های مردم مدینه **ریشه‌کن** شود و مهاجران ازنظر کار و مسکن و خوراك و پوشاك تامین پیدا کنند.

فرمان‌داد که مسلمانان هردونفر از مهاجر و انصار برادر خوانده **یکدیگر بشوند**. بموجب این فرمان، برادری مردم باچیز و بی‌چیز و یا طرفین عقد برادری (انصار و مهاجر) از دارائی و ثروت باشتراك بهره‌مند میشدند. سود حاصله ازنتیجه کار طرفین بر سرمایه مشترك افزوده میشد و طرفین **قرارداد** ورثه یکدیگر شناخته میشدند. وقتی آگهی بسیج داده میشد معمولا یکی از دو برادر بجبهه میرفت وامور جنگی را اداره میکرد ودیگری در شهر میماند و اداره کار خانوادگی هردو را برعهده میگرفت.

نخستین اقدام بمنظور تامین زیست‌مهاجر و ایجاد اتحاد و نظم سیاسی با پیروزی همراه بود با توجه به پدیده‌های این کار سیاستمدارانه چند ماه بعد قراردادی میان (اوس)و(خزرج) منعقد شد که قبایل یهودی ساکن شهر مدینه نیز به آن پیوستند.

محمد با تدبیر عاقلانه‌ای اتحاد یثرب را بوجود آورد؛ ریشه دشمنیها را برانداخت ومدینه را **مرکز یك حکومت متحده** قرارداد و بدین ترتیب شهر پر از هرج و مرج و کشت و کشتار تابع **نظم** وقانون و سیاست شد.

بموجب همین **قرارداد** سیاسی که شاهد نخستین سند و قانون **اساسی** دنیاست، آزادی رأی و عقیده، رفاه اجتماعی، لزوم همکاری در زمینه پیشرفت مسائل همگانی، امور مربوط بدفاع ملی، تعیین رهبر و حدود مسئولیت او درامور داخلی و روابط خارجی گوشزد و **محترم شمرده** شده‌است.

شهرستان مدینه نیز (حرم) **اعلام** گردید، **منظور از حرم از جنبه مذهبی این** است که هرچیزی در داخل این حدود قرار گیرد مقدس شمرده میشود. شکار ممنوع میگردد، مردم از هر گزندی درامان هستند، درختها نبایستی بریده شود. متحصنین محترم و از تعرض مصون خواهند بود. لیکن از نظر سیاسی مفهوم دیگری میتوان برای آن قائل شد یعنی تعیین و تمیز حدود شهروالبته



شمایل مبارک حضرت محمد بن‌عبدالله صلی‌الله علیه‌وآله درسن
هیجده سالگی موقعیکه از مکه بشام با حبیب عم اکرم خودشان
بقصد تجارت عزیمت میفرمودند بقلم راهب نصرانی برداشته‌شده
و اصل آن فعلا درموزه روم موجود است .

این کار در دولتهای باستانی یونان نیز پیشینه نقاط برجسته‌ای از زمین مشخص میگردیده داشته و منطقه حرم با ساختن ستونها یا تعیین است .

اما اینکه میگوئیم نخستین سند و قانون اساسی است از آنجاست که قبل از بسیاری از قوانین اساسی دنیا و فرمانها و اعلامیه‌های کشورهای مترقی دنیا صادر گردیده است . این قانون قریب چند قرن جلوتر از منابع حقوق اساسی کشورهای معظم امروزی مثل انگلستان و فرانسه تنظیم و تدوین گردیده است .

قانونی که بموجب آن امت (ملت) واحدی نخستین‌بار درمدینه تشکیل گردیده و به عقاید و آراء و مذاهب آنها احترام گذارده و مناسبات را بر پایه نیکی و نیکخواهی و مساوات و عدالت قرارداده و در امور دفاعی و اجتماعی اشتراك مساعی همگانی لازم دیده است جلوتر از :

۱ـ فرمان‌مورخ ۱۱۰۰ میلادی انگلستان
۲ـ فرمان کبیر مورخ ۱۲۱۵
۳ـ اعلامیه حقوق مورخه ۱۶۸۹
٤ـ اعلامیه فرانسوی حقوق بشر مورخ ۱۷۸۹
٥ـ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۹٤۸

به رشته تحریردرآمده‌است و برای‌انسان‌و همکاری درراه پیشرفت اجتماع ارزش واهمیت فوق‌العاده‌ای قائل‌گردیده است .

اینك در زیر نمونه‌ای از مفاد این قانون را می آوریم :

ـ مؤمنان پرهیزکار علیه آنکس کـه سرکشی‌کند یا در صدد بیداد و ستم برآید یا جرمی مرتکب شود یا تجاوز و تعدی از او سرزند ، یا میان مسلمانان اقدام بفساد و تباهکاری نماید ، قیام میکنند اگرچه شخص مجرم فرزند یکی از آنها باشد ضد او همدست میشوند و همکاری میکنند .

ـ یهودیان با مسلمانان متحد و درحکم یك ملتند ، یهودیان پیرو دین خود ومسلمانان پیرو آئین خویشند و یاران و بندگانشان نیز از این قانون بهره‌مند میشوند مگر بزهکاران و گناهکاران.

ـ قصاص ممنوع نیست هرکس خون‌کسی را بریزد مسؤل است .

ـ سرزمین یثرب برای پیروان و امضاء کنندگان این قرارداد منطقه حرم اعلام میشود .

ـ هرطایفه‌ای که همراه ما و در جبهه ما می‌جنگد دسته‌های نیروی آنها پشتیبان یکدیگرند .

***

شرح فعالیتهای نظامی

بعدازآنکه نظامی برروابط اجتماعی مردم شهر حاکم شد توسعه و پیشرفت و گسترش ایده‌اولوژی مورد نظر بود.

دراین هنگام شهر مکه بازار تجارت بود وبت‌خانه عظیم و مجلل آن مورد توجه و علاقه کلیه مسافرین بشمار میرفت بازار تجارت میان شهرستانهای مکه ، شام ، یمن و سایر نقاط گرم بود و رونق فراوان داشت و ثروت و تجمل‌پرستی و عیاشیهای قریش درپناه بازار آن فراهم میشد .

پس لازم بود که بمردم مکه بویژه دودمان قریش که شالودهٔ اقتصادی و امور دینی و سیاسی شهر را در دست داشت ، نشان داده‌شود که مسلمانان می‌توانند دلیرانه بساط آنها را با در دست‌گرفتن راه‌های کاروان رو و تسلط بر خطوط ارتباطی و جلوگیری از عبورکالا درهم بریزند و به آن همه مستی و عیاشی‌پایان بدهند.

بنابراین طرح جامعی بمنظور تظاهرات نظامی تهیه و تنظیم گردید . بموجب این طرح وسیع محمد بارها سردارانش را باگروهی سوار از مدینه درمحورهای مختلف بیرون فرستاد . بارها خودش دراین تظاهرات نظامی شرکت کرد و با همه قبایل و عشایری که در مسیر راه تجاری قریش و یا میان مدینه و دریای سرخ (بحراحمر) می‌زیستند پیمان مودت و یگانگی بست

اعزام واحدهای نظامی با پیش‌بینی‌های قبلی و طرحهای آماده شده یا بمناسبت پدیده هائی که حرکت آنها را ایجاب میکرد همیشه تکرار میشد.

این مانورها و این جنبشهای دامنه‌دار نظامی بود که موقع سیاسی و نظامی مدینه را بالا برد و هم‌سنگ مکه قرارداد و دربرابر مکه مرکز ثقل و نقطه اتکائی بوجود آورد .

این تظاهرات و مانورهای درخشان و پیاپی و پیمان‌های نظامی که بین طوایف و محمد بسته میشد و تا آن روز کسی نظیر آنرا ندیده بود ، از یك سوی حکومت مکه را متوجه ساخت که راه تجارت و کلیه خطوط ارتباطی کم‌کم در چنگ نیروئی تازه‌نفس قرار میگیرد ، نیروئی که دارای تحرك و سرعت کافی است و در هر هنگام می‌تواند راه را بر روی کاروانهای کالا ببندد و خواهی نخواهی این قدرت نظامی و اجتماعی درشبه جزیره عربستان جائی برای خود باز کرده و فرماندهی آن در سیاست روز آن سرزمین برای خود وزنه‌ای شده است . و از طرف دیگـــر یهودیانی که در مدینه و پیرامون آن زندگی میکردند و سر ناسازگاری داشتند بخود آمدند این تدبیر عالی که لرزه براساس اقتصاد مکه

می‌انداخت و دیگران را بیمناك می‌ساخت سرانجام موفقیت‌آمیزی را نویدمیداد .

بی‌سیم و تلگراف و تلفن و رادار و سایر وسایل ارتباطی امروز نبود ولی اخبار بسرعت برق درهمه‌جا پخش میشد ، حتی امروز هم دیده میشود که در میان عشایر و مردم صحرانشین این خصوصیات حفظ شده اخبار و اطلاعات دهان بدهان میگردد و در همه‌جا ازآن آگاه میشوند .

کاروانها و مسافرین ، اخبار شیرین وجالب و دلپذیر ، مربوط به دولت جدید مدینه را که در همه جا مشتاق و خریدار داشت با تظاهرات جالب و منظم و بی‌سابقه‌ای که از ارتش این دولت میدیدند به سرزمینهای دوردست ، بعنوان بهترین ره‌آورد میبردند و درهمه‌جا پراکنده میکردند . بازار این اخبار و اطلاعات همان اندازه گرم بود که بازار سوداگری و خرید و فروش می‌چرخید . اخبار مربوط به حرکت دسته‌های منظم سرباز تاحدود مرزهای حجاز و یمن و کرانه‌های دریای‌سرخ و ایجاد یك حکومت متحده بوسیله طوایف و نیروهائی که در مسیر راهها زندگی میکردند و پیمان آنها با محمد برای مردم تصورات دور و دراز و نامتناهی بوجود آورده بود درمی‌یافتند که دیگر مسلمانان نیروی کافی دارند و درنتیجه مصلحت اقتضا میکند که با آنان موافقت و مسالمت نمایند تا بتوانند کالا های خود را به‌بازارهای بزرگ عربستان مانند شام و مکه برسانند .

برای شناختن و پی‌بردن باصالت همه فلسفه‌ها ، پندارهای سیاسی ، دینی وهرگونه تغییرات‌اجتماعی ، بایستی چگونگی وپدیده‌های اجتماعی مردمی را که آن پندار و آئین در سرزمینشان پدیدآمده بررسی‌کرد.

زیرا عوامل محیطی و پدیده‌های اجتماعی، چه‌نیك و چه بد مانند انگیزه‌ای بسیار توانا و نیرومند در روان مردم اثر میگذارد . در اینجا ما جنگ را از نظر فلسفه و آئینی بررسی میکنیم‌که آن آئین خود پدیده محیطی تاریك و آلوده مردمی بی‌فرهنگ بوده است ، وابسته به محیط و سرزمینی است که جنگ و خون‌ریزی و چپاول و تاراج درآن کاری عادی و پسندیده بوده است .

قانون اسلام ضد سنن و مراسم جاهلیت تنظیم شده و این قانون تنها به شخصیتها و ارزشهای انسانی حرمت میگذارد و تشریفات طبقاتی را ناچیز و بی‌ارج میشمارد .

اسلام به‌عنوان یك ایده‌ئولوژی جهانی ارائه شد و نتیجه نهائی ایده‌ئولوژی‌های‌جهانی گسترش و پیشروی است از اینجاست که رهبران اسلام پیوسته درصدد توسعه افکار و فرهنگ اسلام بودند و گاهی باتمام اجتناب پذیری از جنگ ناگزیر از پیکار میشدند . اسلام می‌بایستی درآن زمان به‌عنوان یك‌نیروی آزادی بخش میان دو نیروی عظیم وگردنکش امپراطوری رم و شاهنشاهی ایران با افکار نو و فرهنگ تازه خویش بپاخیزد .

خوی جنگجوئی تازیان بیابانگرد را که درتحت تأثیر آن پیوسته در جنگ و غارت و چپاول بسرمیبردند هرگز نمیتوان نادیده‌گرفت، این بود که نظام اسلام با داشتن آن فکر پسندیده و مقدس همه جنگها را محکوم کرد ولی از نیروی سلحشوری و پیکارجوئی‌تازیان بهره‌برد و جنگ را بصورتی مشروع تحت‌نظام و قاعده‌ای استوار ساخت و درجهاد را بروی ملت‌خود گشود . بدین ترتیب (جهاد) جزئی از نظام اسلام است و با روح آئین سازش و هم‌آهنگی دارد . جهاد در مفهوم بسیار وسیع یعنی تلاش و کوشش در راه خدا ، در راه آنچه به رفاه و امنیت و آسایش عمومی و به‌رستگاری و رهائی انسانیت از تیرگیها و بیدانشی ها وابسته است میباشد .

جهاد بمعنای یك نبرد جاودانی میان (خداپرستی) و (بت‌پرستی) است ممکن است مقداری از این مفهوم از راه پند و اندرز و تبلیغ و تدریس نیز از راه پیکار بمعنای اخص تحصیل شود .

جنگ از نظر آئین اسلام

پیامبر اصولا در کار جنگ بسیار دقیق و دوراندیش بود و از جنگ تا میتوانست دوری می‌جست مگر در صورت ضرورت و ناچاری .

هرجا که زبان با منطق نیرومند اسلام بعلت تعصبهای جاهلانه و خشك مردم سودمند نبود و یا هرجا که پیروان حزب خدا از روشهای سیاسی خود بعلت کارشکنی احزاب مخالف مانند حزب منافقان ، حزب یهودیان، حزب بت‌پرستان کاری از پیش نمی‌بردند و هرجا که شئون و حیثیت مسلمانان در خطر میافتاد ، اقدام بجنگ میشد ، و کاری جز این مقدور نبود .

در هر عصر و زمان دفاع از عقیده و ایمان و دفاع از میهن و مبارزه و پیکار در آن راه شایسته و پسندیده بوده و هست و محمد نیز جهاد در راه خدا ، یعنی جنگ با کسانی که مسلمانان را آزار میدهند و ازدین و عقیده‌ی خود بازمیدارند و می‌خواهندبرآنها حکومت کنند روا دانسته است .

هنگامی که جنگ برای دفاع از جان و ناموس و عقیده باشد ، نه بخاطر مادیات و توسعه آب و خاك میتوان گفت از جنبه‌ی حیوانی خارج شده و بحدود انسانی رسیده و محمد نیز با آن مخالفتی ندارد .

در آئین زرتشت اصلی است که میگوید میان نور و تاریکی و خوبی و بدی و سایر مظاهر آن‌ها پیکار وجود دارد و انسان باید خود را از کثافات و آلودگیها و مظاهر اهریمنی حفظ کرده ، مظاهر یزدانی و روشنائی را تقویت و درنتیجه به‌پیروزی این آئین کمك نماید .

در جهان این دو نیرو فعالیت میکنند و موجودات در درون خود این دو قطب‌متضاد را دارا هستند پس این دو نیرو پیوسته در جهان درون انسان و یا موجود دیگری در کشمکش و پیکار است و با هم سازگاری ندارند . نبرد این دو قطب جاودانی است.

درقرآن نخستین فرمانی که درباره‌جنگ صادر شده است چنین است :

« اجازه جنگ با دشمنان بجنگجویان اسلام داده شد زیرا آنها از دشمن ستمها‌کشیدند و خدا بر یاری آنها توانا است » (قرآن سوره حج آیه ۳۹)

سپس این فرمان را منطبق با یك فلسفه کلی میکند و میگوید :

« آن مردمان مؤمنی که بناروا از خانه‌هاشان آواره شدند جز اینکه میگفتند پروردگار ما خدای یکتا است گناهی داشتند؟ اگر خدا اجازه جنگ ندهد و بدکاری و بیداد برخی از مردم را بدست پاره‌ای مردم دیگر دفع نکند و نراند ، صومعه‌ها ، دیرها ، کنشتها و مساجدی که در آن نماز گزارده میشود و یاد خدا میکنند همه مخروب وویران میشود . »

(قرآن ــ سوره حج آیه ٤٠)

دستورهای دیگری دارد که هریك ازآنها با یك فلسفه کلی و یا یك اصل اساسی انطباق داده شده و جنگ مشروط بدفع زیان و دفاع از موجودیت خود شده و نیز شرایط دیگری درآنهاپیش‌بینی‌گردیده است.

« در راه خدا با کسانی که بجنگ و ستیز شما برمی‌خیزند جهاد کنید لیکن ستمگر نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد . » (سوره بقره آیه ۱۹۰)

دراین‌جا جنگ روا شمرده شده بشرط‌آنکه بمنظور دفاع باشد و از حالت ملایم و حدود انسانی خارج نشود و جنبه بیداد وستمگری پیدا نکند . و سپس یادآوری شده که شما مؤمنان که دوستی مرا خواهانید باید بدانید که من ستمگر را دوست ندارم . پس هرگز ستم نکنید تا من دوستتان داشته باشم و از پرتو مهر خود سرافرازتان سازم.

حق ستیزه در «مسجدالحرام » را ندارید مگر اینکهدر آنجا بشما حمله کنند، دراینصورت ستیزه‌جویان را در همان جای پاکیزه ومقدس

بکشید کیفر «مشرکان» همین است و چون و چرا ندارد و اگر دست از «شرك» وستم برداشتند آنها را ببخشید .

« با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برخیزد و دین همه آئین خدا باشد » (آیه ۱۹۳ سورهٔ بقره و آیه ۳۸ سوره انفال)

برای آنکه آئین خدائی درجهان فرمانروا شود و هرگونه فتنه از جهان رخت بربندد پیکار کنید ، زیرا کافران فتنه‌جو هستند ، توطئه میکنند و آئین خدا را نمی‌شناسند و به «حق» سازش و هم‌آهنگی ندارند.

« پس ای پیغمبر تو خود در راه خدا بکارزار برخیز که جز شخص تو برآن مکلف نیست و مؤمنان را نیز تشویق و ترغیب کن، باشد که خدا آسیب کافران را از شما بازدارد». (آیه ۸٤ سوره نساء)

« ای پیامبر با کافران و منافقان تا ایمان نیاورده‌اند جنگ کن و برآنها سخت بگیر . » (آیه ۹ سوره تحریم)

« هرکس در راه خدا کشته شد مرده نیست ، زنده جاوید است واز خدا روزی میگیرد ، و اگر در راه خدا بمیرید یا کشته شوید به رحمت ایزدی پیوسته وبسوی خدا رهسپارخواهیدشد.» (آیه۱٦۹ سوره‌آل عمران و آیه ۱۵۸ سوره آل‌عمران)

همچنین بیاد داشته باشید :

« هرگز مؤمنانی که بدون عذر موجه از کارجهاد وپیکار بازمیایستند باآنانکه بمال و جان کوشش و تلاش میکنند یکسان نخواهند بود . خداوند کوشـندگان فداکار را بر بازنشستگان ، بلندی و برتری بخشیده‌است . » (آیه ۹۵ سوره نساء)

« فرمان جنگ برشما نوشته و مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار است ، چه بسیار چیزها که برای شما ناگوار و نامطلوب جلوه میکند ولی فرجامی نیك در آن است و چه بسیار که چیزیرا دوست دارید درحالیکه زیان و پلیدی برای شما دربردارد، خدا بمصالح امور داناست و شما نمیدانید . »

خصوصیات جنگهای پیامبر

هراکلیوس امپراطور رم از یك نفر بیزانسی که بزندگی مسلمانان آشنا و آگاه بود از چگونگی کارآنان پرسش کرد .

بیزانسی گفت :

« آنها مردمانی هستند که در روز سوارکارانی سلحشورند و در شب پارسایانی وارسته . »

کسب خبر و دریافت اطلاعات رزمی و برقراری تامین همیشه مورد نظر و توجه مخصوص پیامبر بوده است .

سربازان خود را بگوشه و کنار میفرستاد تا اخبار را جمع‌آوری کنند . درمیان‌طوایف و ساکنین دهکده‌ها و شهرهای عرب مردانی داشت که اخبار را باو میرساندند و درنتیجه او در جریان اوضاع و احوال روز قرارداشت وخود را پیشاپیش برای مبارزه آماده مینمود. درباره تامین نیز نظریات خاصی داشت که امروز هم در نبردهای نوین ارزش خود را از دست نداده است . یکبار دریافت که عده‌ای از طایفه غطفان در «ذات‌الرقاع » بمنظور زد و خورد گرد آمده‌اند ، محمـد بدون درنگ با نیروئی درحدود یك گردان «چهارصد نفر» بذات‌الرقاع حرکت کرد اما دشمن بدون برخورد و درگیری پراکنده و فراری شد و غنائم بسیاری بجا گذارد . مسلمانان غنائم را برداشتند و بازگشتند ولی چون گمان میکردند ممکن است نیرنگی در کار باشد و دشمن بخواهد ناگهان در حال پراکندگی مسلمین بازگردد و با صفوف مرتب خود حمله نماید ازاین‌رو رده‌به‌رده‌باتامین‌بمدینه میآمدند .

در هنگام نماز هم دسته‌ای بنمازایستادند و عدهٔ دیگر امور نگهبانی و تامین را عهده‌دار میشدند ، سپس دسته‌ایکه نماز خوانده بود عهده‌دار حفاظت و تامین میشد و دسته دیگر بنماز می‌ایستاد .

« هرگاه درسفرهای جنگی شخص تو یا فرماندهان تو درمیان سپاه اسلام باشید و نماز بپای دارید باید لشگریان با تو مسلح بنماز بایستند و چون سجده نماز بجای‌آورند، این دسته برای حفاظت رفته ، گروهی دیگر که نماز نخوانده‌اند به نماز آیند . لازم است با لباس جنگ و با اسلحه آماده شوند زیرا دشمنان آرزو و انتظار دارند که شما ازاسلحه و افزار خود غفلت کنید تا ناگهان و یکباره برشما حمله‌ور شوند . » (قرآن آیه صدودو سوره نساء)

در تاکتیك ، بحثی داریم بنام ترکیب آتش و حرکت. عده‌هائی که در حال حرکت هستند قدرت رزمی زیادی ندارند و برعکس آنان که متوقف شده و از زمین استفاده‌میکنند قدرت رزمی زیاد و قابل انعطافی دارند.

امروز تخلیه‌ها و عقب‌نشینیها با تامین و ایجاد سرپل انجام میگیرد و منظور این است که نیروی تخلیه‌کننده یا عقب نشیننده باآرامش و بدون آسیب نقطه‌ای را که میخواهد ترك کند و در جای دیگر موضع مناسب و بهتریرا که درنظر دارد اشغال نماید .

برای انجام این منظور حرکت واحدها بایستی رده به رده انجام شود تا تامین و حفاظت و آزادی عمل لازم برای عده‌هابوجود آمده باشد .

سرعت و غافل‌گیـــری یکی دیگر از خصوصیات لشکرکشیهای محمداست .

«فیلیپ‌هتی» مینویسد : « قدرت لشگر مسلمان عربستان نه در برتری اسلحه‌اش بود و نه درامتیازات سازمانش بلکه به‌برتری اخلاق و روحیه‌اش بود که دراین‌باره مذهب سهم وافری داشت و نیز مربوط به مقاومت و پایداریش بود که تربیت صحرائی درآن دخیل بوده و بالاخره مربوط به سرعت حرکت و حمل و نقلش بود که اغلب بوسیله شتر انجام میگرفت .)

همیشه افراد را آماده نگاه میداشت و وقتیکه عواملی اعزام نیرو را ایجاب میکرد همه‌جا با سرعت حرکت مینمود در حرکت بمنظور غافل‌گیرکردن نیروی دشمن ، قواعد استتار را رعایت میکرد ، همه‌جا از بیراهه و یا راه‌های اشتباه‌آور میرفت و سپس بمحور اصلی حرکت بازمیگردید . گاه شبها حرکت میکرد و هرگز سمت و مقصد و ماموریت را افشاء نمینمود و سخت از آشکار شدن اخبار و اسرار نظامی جلوگیری می‌فرمود زیرا اگر جلوگیری‌نمیکرد میتوان گفت اصول‌غافلگیری درست و صحیح انجام نمیشد .

« فقط در دو مورد فرمانده میتواند اسرار را پنهان سازد یکی در مسائل خصوصی جنگ و نقشه‌های حمله که اگر لشگریان‌عموما از آن آگاه گردند ممکن است راز نهفته بگوش خصم راه یابد و جان سپاه در خطر افتد و دیگر در قضاوت و داوری ... » (سخنان علی (ع))

عمل راه‌پیمائیهای شبانه : حفظ اسرار و رعایت دستورهای‌استتارنظامی همان‌است که در جنگهای امروزی رعایت میگردد وهمین است که امروز در سربازخانه‌ها تعلیم داده میشود .

محمد مایل بخون‌ریزی نبودمگردرصورت اجبار و برای این مقصود محاصره اقتصادی یکی از تدبیرها ونقشه‌های‌استادانه او است . میکوشید تا دشمن را از راه محاصره اقتصادی وادار بتسلیم نماید و از خون‌ریزی جلوگیری شود .

سرعت همان عاملی است که نادرشاه میگوید :

« پیروزی ثبات درپای‌داری و سرعت در حمله است » .

همان عامل اساسی است که از جنگ جهانی اول تاکنون سبب شده که ارتشها بر قدرت موتورها و سرعت آن بیفزایند تا جابجا کردن نیروها در زمان کمتری انجام گیرد و بهمین نحو نیز سرعت ابتدائی گلوله‌های خود را بیشتر میکنند تا زودتر از نبرد نتیجه بگیرند .

تشریفات و انجام مراسم نظامی مانند سان و بازدیدهای رسمی و تنظیم صفوف و درنتیجه تجلی روح غرور و افتخارآمیز سربازی ، تقدیر از شهیدان میدانهای نبرد ، و سرکشی و کمکهای لازم بباز ماندگان وفرزندان‌شهیدان ایراد نطقهای آتشین و سخنرانیهای دلپذیر دربرابر صفهای مسلح نیرو بمنظور تقویت روحیه سلحشوری و تحمل سختیهای میدان‌رزم، از نکات باریك و فنون فرماندهی است که هیچگاه حقیقت وارزش خود را از دست نخواهد داد .

زبان نیز حربه‌ای است کـه گاه گاه واماندگان و فرسودگان را بسـوی مرگ میکشاند و چنان آنها را برمی‌انگیزاند که اغلب مسیر عمومی تاریخ را با فداکاری خود تغییر میدهند .

کوتاه سخن آنکه توجه دقیق بگفته‌های بالا و مطالب روان‌شناسی و روحیه افراد از نکاتی است که در آئین اسلام ارزنده وشایسته است.

اسلام جنگ و ستیزه را با دین و اخلاق هم‌گام و هم‌آهنگ ساخته ، سربازان پارسایانی خداشناس و مهرپرور هستند و پارسایان نیز سربازانی فداکار و از جان گذشته و آهنین چنگ‌اند .

رفتار با اسیران جنگی

جنگجویان اسلامی در هر درجه ومقام، اعم از افسر و سرباز باید متوجه باشند که بریکدیگر امتیازی ندارند .

مصالح جنگی و اقتضای امور نظامی چنین است که یکی افسر و دیگری سرباز باشد این عناصر باید بیاری خداوند امیدوار بوده و در خشونتهای زندگی و صحنه پیکار بردبار و برخود چیره باشند ، درهیچجا از هوای نفس و قدرت خشم و شهوت خود پیروی نکنند .

کسانیکه در نبردها به چنگ نیروی خروشان اسلام اسیر میشوند انسانند و با آنان بایستی با مهربانی رفتار کرد . از کشتن رهبانان و پیشوایان مذاهب باید خودداری کرد و بآنها احترام گذارد .

بی‌احترامی به کشتگان دشمن روا نیست از بریدن دست و پا و بینی و گوش و پاره پاره کردن آنها باید سخت خودداری شود .

علفها و سبزه‌ها نبایستی آلوده و نابود شوند و هنگامیکه بدشمن امان داده یا پیمان بسته شد ، به پیمان وفادار باید بود .

چشمه‌های آب را چه دشمن از آن بنوشد و چه ننوشد زهرآلود نبایستی کرد .

مجروحین جنگ از هرگونه تعرض و شکنجه مصون و در بهبود آنان کوشش باید نمود.

اگر اسرا به یگانگی خدا ایمان بیاورند، در کلیه حقوق با سایر مسلـمانان برابرند .

زنان ، کودکان و پیران ، ناتوانان ، بیماران ، کوران ، کران و دیوانگان را نبایستی کشت ، حتی اینها را از پرداخت جریمه باید بخشود .

اما در این زمینه حالت ویژه‌ای پیش‌بینی شده ودستور این است ، اگر دشمنان از راه حیله و نیرنگ کودکان ودیوانگان را وسیله تسلط خود قرار دهند وبدست آوردن پیروزی ویا جلوگیری از دشمن راه دیگری نداشته‌باشد از کشتن معاف نخواهند بود و تیراندازی به چنین مردمی مانعی ندارد .

مانند اینکه گروهی از کودکان یا دیوانگان را پیشا پیش سپاهیان مسلح حرکت دهند و منظور از آن برقت آوردن نیروی مسلح طرف وبرانگیختن احساسات و عواطف انسانی آنها باشد ودر واقع بهاین ترتیب قصد پیشروی و نزدیك شدن بمواضع را در پناه آن کودکان با دیوانگان داشته باشند .

در جنگ بدرکه هفتاد نفر بدست‌مسلمانان اسیر شدند با آنکه مسلمین خود در مضیقه و رنج بودند بکسانیکه لباس نداشتند لباس دادند واز همان غذائی که خودشان میخوردند باسرا خوراندند وپاره‌ای نیز بخوردن خرما اکتفاء کرده خورش ونان خود را باسیران دادند .

«وهم بردوستی خدا بفقیر و اسیر ویتیم غذا میدهند و میگویند ما فقط برای رضای خدا بشما خوراك میدهیم واز شما هیچ پاداش وسپاسی هم نمیخواهیم » .

(آیه ۸ و ۹ سوره دهر قرآن مجید)

راستیکه عجیب است ، شگفتی آن‌هنگامی برما روشن میشود که این صحنه را بایکی از صحنه های جنگ دوم جهانی و مواد «قرارداد ژنو» در مورد زندانیان جنگی مقایسه کنیم .

در سال هزار و نهصد و چهل میلادی «ژنرال ژیرو» افسر فرانسوی که فرماندهی ارتش نهم فرانسه را داشت در جنگ جهانی دوم بدست‌آلمانیها اسیر وبقلعه «کونیگشتاین» اعزام و زندانی میگردد ، وی مینویسد :

«ظهر آنروز یك نفر درجه‌دار بهمعیت یك امر بروارد شدند و بشقابی راکه داخل آن مایع رقیق و نامعلومی بود باضافه قدری نان ، آب روی میز گذاشتند ، با قاشق آن سوپ را چشیدم . این غذا بنظر من مانند آبی بود که پس از شستشوی ظروف غذا باقی میماندگذشته از کیفیت آن بسیار کثیف و نامطبوع بود .».

سپس بافسر زندان میگوید :

«من غذائی میخواهم که قرار داد ژنو برای اسراء جنگی پیش‌بینی کرده ، یعنی همان غذائی که مراقبین من میخورند » .

در جنگ‌بدر با وجودیکه عده زیادی ازبستگان محمد ویا بستگان سردارانش اسیر شده بودند و باوجود دلایل کافی وقانع کننده‌ای که برای اعدام اسیران در دست بود محمد در برابر پا فشاری عمر دایر باینکه اسراء اعدام شوند مقاومت ورزید و گفت هر اسیریرا سربازان در برابر دریافت غرامتی‌معادل چهار هزاردرهم آزاد نمایند وباین ترتیب میخواست ضمن کمك مادی به ارتش اسلام ، از خونریزی بیهوده جلوگیری شود .

طرح با سواد کردن مردم

بدستور پیامبر مقرر گردید اسیران باسوادی که پول برای پرداخت گـروگان ندارند هریك ده کودك مسلمانرا خواندن و نوشتن بیاموزند و آزاد شوند .

این فرمان مقدس دلپذیر نشانه خواست و دلبستگی پیامبر به آموزش و پرورش و فرهنگ مردم ونسل جوان است ، نسلی که در آغوش اسلام پرورش میگیرد وباید دراستوار ساختن نظام نو بکوشد . وی نه تنها بافرمان «زگهواره تا گور دانش بجوی» تمایل خویش را به با سواد کردن مردم اعلام فرموده بلکه عملا هم از کوچکترین فرصت‌حتی دقایق باریك و بحران آمیز میدانهای جنگ برای استقرار فرهنگ و اقتصاد ، در تلاش و کوشش‌است .

ملت آمریکا وقتی مبارزه با بیسوادی را در کشور خویش آغاز کرد گفت که :

«هر نفر یك نفر را تعلیم دهد»

"Each one teach one"

آیا برای ملتی مسلمان و کهن که فرهنگش روشنی بخش فرهنگ جهان بوده و قبل از بسیاری از ملتها بکسب دانش پرداخته و دانشگاهها بنیان نهاده و نظریه های علمی و فلسفی ارائه داده است ، کتاب و کتابخانه داشته ، شرم آور نیست که در زمان حاضر تکان نخورد وبرای باسواد کردن نسل موجود کوشش نکند ؟

آیا شرم آور نیست که گذشته پرافتخار فرهنگی خود را فراموش کنیم و با آنهمه سابقه درخشان فرهنگی ناظر آن باشیم کـه سالهای بسیار از دیگران عقب بمانیم ؟

راستی که شرم‌آور است ، ۱۳٤۲ سال پیش پیامبر اسلام فرموده هریك نفر ده نفررا تعلیم وآموزش دهد ولی افسوس این نوای جان فضای آزادیبخش بگوش سود جویان‌کهنه پرست خود بین ناگوار آمد و چنین فرمان بزرگی را بیمنصه اجرا نگذاشتند زیرا اگردانش وبینش بیاید دیگر کسی گفته های دور ازخرد و منطق را نخواهد پذیرفت !!

(شرح کامل زندگانی محمد بصورت کتاب تهیه و چاپ شده‌است)

مانی

محمود پور شالچی

● مانی کـه بود ● اعـلام رسالت ● آغـاز مخالفت ● ماجرای مرگ‌مانی ● آثار مانی ● چیره‌دستی‌های مانی ● ادعای پیغمبری ● اصول وعقاید ● وظایف مانویان ● مانویت در دنیـا

مانی که معادل **مانیکوس** رومی است در سال ۲۱۶ مسیحی در قریه **مردینو** خطه **بابل** در زمان سلطنت **اردوان** پا بعرصه وجودگذاشته است . پدر و مادر او هردو از نجبای پارت بوده‌اند . پدرش**پتگ** و مادرش **نوشیت** نام داشت .

آگاپیوس در باب پدر مانی مینویسد که وی اهل شوش بودودر تیسفون اقامت داشت ،بعدها بواسطه انقلاب و تحولی که در قلب و روحش پدید آمد و هاتفی که‌باو نداداد از شراب ، گوشت و زن بپرهیزد بجنوب رفت و در دشت نیشان ساکن شد و بفرقه مـذهبی **مغتسله** (غسل کنندگان) درآمد .

مانی در میان این قوم بزرگ شد و قسمتی از عقاید خود رااز آنان **گرفت زیرا** در جوانی شوق **تحصیل اطلاعاتی** از ادیان‌گوناگون داشت وبهمین‌دلایل بجانب ادیان متداول در بابل گرایش پیدا میکرد

خصوصا بفرق مبتدعه مسیحی **گنوسی** مثل پیروان**مرفیون**و **باردیصان** نزدیکی حاصل مینمود .

خودش اظهار کرده است که در دوازده‌سالگی ملکی براوظاهر شد وباو نداد داد که آماده تعالیم پروردگاری شود .

این فرشته ندا دهنده را **توم** یعنی توام و دوگانه مینامد ووقوع آن در سال دوم سلطنت اردشیر یعنی سال ۲۲۸ مسیحی است. ظهوراین فرشته بار دوم در دوازده سال بعد یعنی بیست و چهار سالگی مانی بسال ۲۴۰ مسیحی انجام گرفت دراین مرتبه اورا بــه ظهور و تعلیمات الهی دعوت نمود .

مانی نخست مردم ولایت خویش را فراخواند و اصحابی یافت سپس ناگهان جلای وطن کرد وبجانب **هند** سفر نمود و در آنجا کار تبلیغ دین خویش راشروع کرد و در مراکزی معین بزرگی از جانب خود تعیین نمود . این زمان مصادف با اواخر سلطنت شاه **اردشیر** در پارس بود که بلافاصله پس از مرگش **شاهپور** براریکه پادشاهی جلوس کرد و او مانی را دعوت برجعت نمود ووی با کشتی از خاك هند به سرزمین پارس بازگشت و یکسر به بابل و خوزستان **(دشت میسان)** پیش شاپور شد .

چنین پیداست که اردشیر با مانی سر مخالفت نداشته و یابراثر کیاست و تدبیر نمیخواسته که در هنگام سلطنتش صاحب داعیه‌ای را آماده قیام ببیند و یاصلاح در آن دیده که ویرا از پایتخت خود دور نگاهدارد اما ظن قوی برآنست که مانی باپسر اردشیربنــام **فیروز** آشنائی و دوستی داشته و وسیله اوبا برادرش **مهرشاه** حاکم میشان نزدیکی یافته و در آنجا دین خود را عرضه کرده است.

اعلام رسالت

این مسافرت دوساله باعث شد که مانی با دین **بودائی**و زردشتی آشنائی بیشتری پیدا کند و در پایان همین مسافرت بود که یکباره بجانب هند رفت و بمحض اطلاع از مرگ‌اردشیر بازگشت .

فیروز راهنمای مانی و دوتن از اصحابش بنام **زکواو شمعــون** و پدر مانی پتگ بدربار شاپور میشود و مانی دراین مجلس رسالت خویش را اعلام میکند ، این روز مصادف با ۱۵ مهر ماه و یکشنبه‌دوم عید پاك‌بوده‌است .

مانی میگوید : « من پیش شاپور شاه رفتم و او مرا بااحترام کامل پذیرفت و بمن اجازه داد که در مملکت مسافرت کرده کــلام زندگی را تبلیغ کنم و من تا مرگ اوسالهای بسیاری در ایران و ممالك پارت تابه ادیب و ایالات مجاور امپراطوری روم سفــر کردم » .

در این زمان مانی که محیط را مساعد یافته بود به نشردین خویش همت گماشت و سه‌تن از راویان و دعوت کنندگان خاص را باطراف واکناف فرستاد . از جمله **توماس** رابه مصر ،**ادا** رابه‌روم‌شرقی و صحابه دیگرش را که بنام **هرمیاس** نامیده میشد نزد خود نگاه داشت . این سه تن در عداد مبلغین دین او محسوب میشدند. دو نفر نخست پس از چندی باز گشتند و مشکلات کار را بیان داشتند و از عدم انتشار دین مانی در میان مسیحیان شکوه کردند . مانی آنها را با تعالیم تازه باز گرداند وهرمیاس رانیز مامور مصرنمود .

آوازه مانی و دین او همه جارا فراگرفته بود. برتعداد پیروانش بتدریج افزایش می یافت . مساعدت شاپورشاه با مانی چند سالی‌باقی بود تا آنکه هرمز بجایش برتخت نشست .

در کتاب مواعظ **قبطی** مینویسد :

« پس از آنکه شاپور بشهر **بهشاپور** درفارس آمد سخت ناخوش شد ومرد و هرمز پس از شاپور تاج بر سرگذاشت و مولای من (یعنی مانی) پیش او رفته و گفت ترا مردم پادشاه خوب مــی نامند ».

از قراین پیداست که هرمز در مدت یکسال واندی پادشاهیش بامانی سرمخالفت بر نداشت و حتی « حقانیت او را پذیرفت »وباین ترتیب مانی باپیروانش دربابل ماند .

دوران امن و آسایش مانی دوام نیافت زیرا با شروع سلطنــت **بهرام** مخالفت های پنهانی بامانی آشکارا شد و مریدان که اساسانظر خوشی بااو نداشتند تحریك را آغاز کردند .

قبطی میگوید :

« مانی شش سال در دنیا مانند اسیر در میان بیگانگان راه میرفت » واین قرینه آنست که مانی در شش سال آخر عمر بامخالفت های شدید روبرو شده‌است .

آغاز مخالفت

در اواخر سلطنت بهرام کار مخالفت بامانی **نضج گرفته** بود ووی احساس میکرد دیگر جا برای رشد و زندگی ندارد از این‌رواز بابل حرکت کرد و رو بجنوب در طول ساحل دجله راه میپیمود و در مسیر خویش بکار اتباع خود میرسید تا وارد **اهواز** شد. دراین هنگام قصد کرد بجانب **خراسان** برود ولی او را از حرکت بازداشتند و حکم رسید که به ولایت**شوش** برود .

مانی با تانی بطرف مقر شاه روان گردید ، از اهواز بمیسان واز آنجا باکشتی روی دجله بجانب **تیسفون** بالارفت. در نقطه‌ای‌واقع در نودو چهار کیلومتری تیسفون بنام **پرگلیا** یکی از اتباع وی بنام **بت باو** پیوست . بت یکی از امراء وبزرگان ولایت بود که از این دین خویش بر گشته و آئین مانی را پذیرفته بود .

دربار هردوی آنان را احضار کردند و مانی که دانسته بــود پایان کارش رسیده است درهر‌کجا با یاران واتباع خود وداع میکرد. در **کوخی** فرمان رسید که **بلادرنگ** بحضور برسد و این حکایت داشت که دیگر کار مانی تمام‌است .

یکی از یاران‌وی‌بنام **نوح‌زادگ** که‌سمت مترجمی وی را بزبان ایرانی داشته و در همه مراحل بامانی بود شرح بار یافتن مانی ووقایع را باین شکل در یك نوشته پارتی یادگار گذاشته‌است :

ــ « قبل از رفتن بحضور شاه مرا و**کوشتای**و **ابزاخیای** ایرانی و فلانی را باهم صدا کرد . پادشاه سر سفره غذابود و هنوز دستش نشسته بود (از غذا خوردن فارغ نشده بود) حاجب پیش شاه رفت و گفت مانی آمده‌و دم درایستاده ، شاه پیغام داد که قدری منتظرباش که من خود پیش شما میآیم . مانی مجددا پهلوی حاجب نشست وتامل کرد تاشاه از غذا خوردن‌فارغ شد . پادشاه از سفره برخاست ویك‌بازو بگردن ملکه **سکا** (زن سکانشاه از اقربای خود شاه)وبازوی دیگردور **گرزیر** (پسراردوان)انداخت وبسوی مانی آمد واولین حرفش این بود که گفت : خوش نیامدی .

مانی جواب داد : من بشما چه بدی کرده‌ام .

شاه گفت : من قسم خورده‌ام که ترا نگذارم باین مملکت بیائی (وبا تغیر)تو برای چه کاری‌خوب هستی ؟نه‌بجنگ‌میروی ونــه بشکار شاید توبرای طبابت و معالجت هستی‌که آن را هم نمیکنی مانی جواب داد:

ــ من بتو هیچ بدی نکرده‌ام ، بسیاری بودند ازخدام شما‌که‌من آن‌ها را از شیاطین و جادو خلاص کردم‌ونجات دادم و بسیاری‌بودند که من آنها رااز بستر بیماری بلند کردم وبسیاری بودند که من آنها را از انــواع تــب و لــرز خلاص کردم وبسیاری مشرف بــه موت بودند که من آن‌ها را دوباره زنده کردم.

در پایان این مکالمه شاه فرمان بحبس مانی میدهد و ظاهــرا

کاردیر موبد بزرگ در تغییر خاطر شاه بی‌اثر نبوده است. درکتاب فارس نامه تالیف **ابن‌البلخی** ماجرای گرفتاری مانی اینسان آمده است.

« ...و چون بهرام باز جای پدر نشست از آنجائی (که) عصبیت او بود در کیش حیلتها تمام کرد تامانی‌زندیق را بدست آورد. قومی را از اتباع اوکی در زندان بودند رها کرد وبنواخت و در پس ایشان را گفت (درپنهانی) مرا معلومست کی‌مانی برحق است اکنون شما رابباید رفت و استمالت اوکردن تانزدیك من آید و من او راتقویت دهم و کیش او را آشکارا گردانم . این قوم رفتند و مانی رابرین جمله گفتند و اوبیامد وبهرام اورا کرامت فرمود ویك چندی سخن‌او میشنود تا اورا گستاخ کرد و داعیان اتباع اورا بشناخت پس علمارا جمع گرد آورد درسر وأیشان را گفت من این سگ زندیق را بدست آوردم واتباع او را بشناختم ومیخواهم کی همه را بردارم تا این فتنه و فساد فرو نشیند اما در عدل و پادشاهی نیست بی‌الزام حجت کسی را کشتن اکنون شما فردا بامداد بااومناظره‌کنید واورا مقهور گردانید تامن او را سیاست کنم . علما براین اتفاق رفتند و بهرام مرمانی را خواند و گفت فردا علما حاضر خواهند آمد. بایدکی‌ساخته باشی مناظره ایشان را.

چون بازگشت درسر(پنهانی)موکل‌بروی‌گماشت‌وروزدیگر علمارا واو را بهم بنشاند ومناظره کردند و مانی مقهور شد وپرده از روی کار و مخرقه او برخاست رسواشـد چه باطل کجا پای حق دارد. پس از علمافتوی‌پرسیدکی بااوچه‌باید کرد؟گفتند اگر اقرار آورداین مذهب کی آوردست باطلست واز آن توبه کند قتل از وی برخیزداما زندان مخلد او را واجب آید چنانك تابمردن از آنجا بیرون نیاید و اگر توبه نکند اورا بعبرتی باید کشت کی جهانیان را بدان اعتبار باشد ، پس بهرام مانی را گفت از این هردو یکی اختیار کن، قتل اختیار کرد و توبه نکرد . آنگاه بهرام‌بفرمود تاپوست او را بیرون کردند و بکاه بیاگندند ... چون او را هلاك کرد اتباع او راجمع کرد هرانك از داعیان و سران‌ایشان بودند آنان را کی‌توبه میکردند حبس مخلدی فرمود و آنان را کی‌توبه نمیکردند و برآن ضلالت اصرار مینمودند بردارمیکرد ودیگران را کی‌نمود زندقه نمیدانستند از سپاهیان عوام هرکی توبه میکرد بفرمود تارها میکردند و آنان‌را کی‌توبه نمیکردند میکشتند و آن مادت بریده شده الا از ولایت چین کی هنوز مانده است خدای عزوجل همه مخالفان دین و دولت را هلاك کند بمنه ... »

ماجرای مرگ مانی

معهذا مسلم است که مانی پس از رسیدن بحضور پادشاه‌بلافاصله کشته نمیشود بلکه جمعاً ۲۶ روز در حبس میماند . روز یکشنبه او به جندی شاپور میرسد ، روز دوشنبه مردم خبر پیدا میکنند، روز شنبه توقیف میشود و پس از بیست وشش روز در یك روز دوشنبه او را می کشند .

با مانی در حبس بسیار سخت ووحشیانه معامله کردند . دست‌و پای او را بازنجیرها بسته و بعد زنجیرها را چنان تنگ کردند کـه قدرت نفس‌کشیدن نیافت تامرد. وزن‌این زنجیرها را ۲۵ کیلوگرم ذکر میکنند که یکی بگردن و سه‌تابدست‌ها و سه‌تابپاها زده شده و مانع حرکت سر واعضاء بدن بود .

در زندان صحابه‌اش آمدو رفت داشتند و مانی درباب دین خود دستور هائی میداد و ظاهراً دو تن از نزدیکترین اصحابش تا دم مرگ که یازده ساعت از روز دوشنبه اول فوریه ۲۷۷ مسیحی بود تا آن لحظه که باصطلاح‌خودش منحل شد بااو بودند . دراین تاریخ سه‌سال از سلطنت بهرام گذشته بود و مانی شصت سال وسیصدو نوزده روز عمر کرده‌بود .

پس از مرگ مانی سرش را از تن جدا میکنند و جسدش را از دروازه شهر میآویزند ،او را مثله مینمایند و بروایتی **پوستش** را پرکاه میکنند و بر دروازه جندی‌شاپور میآویزند که این دروازه در عهد اسلامی بدروازه مانی معروف بوده‌است .

در باب مسائلی که بین مانی و شاه بهرام گذشته و مکالماتی که صورت گرفته و منجربه زندانی شدن و سپس مرگ او گشته روایت بسیار است نویسنده کتاب **جوامع‌الحکایات ولوامع‌الروایات، محمدبن‌عوفی** مینویسد :

« در کتابی کی آنرا **اغراض‌السیاسه** خوانندچنین مطالعه آمده است که مانی در عهد بهرام هرمز در آمد و نقاشی کامل و مهندسی دانا بود و به تزویر خـلق را بفریفت و کیش بد در میان خلایق پدید آورد و خلاصه سخن او آن بود که گفتی کی روح که دربدن آدمیزاد مجسور است وی از آن عالم است و اینجا دربدن محبوس است و مقهور چنانك مرغ در قفس افتد وپیوسته خود را برقفس میزند تاکی خلاص یابد او نیز پیوسته مترصد و منتظرست تاکی‌باشد که آن قفس بگشایند تا بمطار ومقصد خود رود و اکنون جهد درآن باید کرد تا آدمی خود را چنان سازد که هرچند زودتر روح صافی او از کدورت نفس صافی خلاص یابد و بدین تمویه و تزویر خلق را بفریفت و گفتی مردن به از زیستن و حیوة عاریتی اصلی ندارد. چون خبر او به بهرام بردند باحضار او مثال داد .

چون پیش تخت او آمد گفت : سخن بگوی . مانی هم چنین فصول تقریر کرد بهرام گفت چگونی حیوةبهتر یاوفات ؟

گفت : وفات .

گفت : ما بقول تو کار کنیم چون نزدیك تو وفات توبرحیوة راجح است ترا رنجه ندارم و بدوزخ فرستم . در حال بفرمود تا اورا بردار کردند و ماده حیوةاو منقطع شد .»

آثار مانی

مانی جدا از منشورها و رساله هایش‌هشت‌کتاب نوشته که‌درکتاب الفهرست بعضی از آنها یاد شده‌است . از این هشت کتاب، هفت‌تا را بزبان خودش یعنی زبان محلی (آرامی شرقی) نوشته ویك کتاب‌هم بفارسی .

این آثار عبارتست از : **شاپورگان** بزبان پارسی یعنی زبان‌جنوب غربی ایران که مندرجاتش در باب **معاد است و نفس رهائی یافته‌ونفس** درآمیخته با شیاطین و آلوده بکثری و کاستی را توصیف میکند و فلك را سطح هموار میداند و میگوید عالم برکوی سراشیب قـرار گرفته و چرخ بلند برآن کوه میگردد . دیگر کتاب **کنزالاحیاءاست** دروصف آنچه در نفس از جهت روشنائی مایه خلاص واز جهت‌تاریکی مایه فساد است . دیگر کتاب **سفرالجبابره** که قطعاتی از آن بزبان ایرانی بدست آمده است . دیگر کتاب **سفرالاسرار** است که آیـات (معجزات) انبیاء را مورد طعن قرارداده است . دیگر ازکتابهای‌او باید **کتاب‌الهدی والتدبیر** و **دوازده انجیل**‌را نام برد که هرانجیل را بحرفی از حروف تهجی نامیده و نماز را بیان نموده و آنچه‌باید در خلاص روح بعمل آید توضیح داده است و حاوی بیست و دو قسمت (حروف تهجی آرامی) میباشد وظاهرا یك مجلد آلبوم تصاویر که مبین و نشان دهندهٔ مطالب کتاب بوده و در یونانی باسم **ایتون** در زبان پارتی **اردهنگ** و در پارسیك **ارتنگ** نامیده میشد

ضمیمه آن بوده است .
در همین زمینه‌باید گفته شود که غیر از کتاب شاپورگان دیگر کتابهای مانی رسم‌الخط خاصی داشته است که حروف مصور داشته‌و خالی از هزوارش بوده است .
مانویان بکتابت اختراعی خود و بهنر خوش نویسی بسیار توجه داشتند و پروفسور **بوان** حدس میزند منشاء این فکر که مانی نقاش زبردستی بوده همین است که وی توجه زیادی به خط نشان می داد .
آثار مانی بدیگر زبان هاترجمه شده و تعداد زیادی بعربی نقل شده است .
ابن‌الندیم از کتب مانی هفت واز رسالات مانویه هفتادو پنج رساله ذکر کرده است . این نکته مسلم است که از این کتب ورسالات اگر همه بعربی ترجمه نشده باشد قسمت بزرگی باین زبان درآمده‌و در قرن چهارم و پنجم شهرت داشته است چنانکه دانشمندان بزرگی مانند محمدبن زکریای رازی در اواخر قرن سوم و اوایل قـرن چهارم وابوریحان بیرونی در قرن چهارم و پنجم آن کتب رامطالعه کرده‌اند و ابوریحان‌از جمله این کتب : فرقماطیا ــ سفرالجبابرهـ کنزالاحیاء ــ صبح‌الیقین ــ التاسیس ــ الانجیل ــ شاپورگـانـ سفرالاسرار را دیده ودر تملك خود داشته است . وی مینویسد کهمن کتاب محمدبن زکریای رازی را در علم الهی خوانده‌ام و او درآن تحت تاثیر کتب مانی و خاصه کتاب او مرسوم به سفرالاسـرار است .
✶✶ هنینگ در قسمتی ازمقاله‌ای که درباب مانی نوشته‌آثار مانی را برحسب تقدیم تحریر اینطور میداند :
۱ ــ انجیل بزرگ
۲ ــ کنزالحیاة
۳ ــ فرقماطیا
٤ــ سفرالاسرار
٥ ــ سفرالجبابره
براین کتاب ها باید افزوده شود :
٦ ــ مجموعه مراسلات یامنشورات
۷ ــ ادعیه و اوراد
۸ ــ آردهنگ (مجموعه تصاویر)
۹ ــ شاپورگان

چیره دستیهای مانی

باید مذعن بود که درمانی خصوصیاتی وجود داشت که موجب میشد عامه مردم باو گرایش پیداکنند ورفتاری داشت که انظاررا بخود جلب میکرد . قطعا دراین جلب توجه و گرایش عامه هنرمانی بی اثر نبوده است زیرا از ظاهر وی جز آنکه بروایتی پای کجش دیده میشد چیز دیگری که جلب نظر کند نبود گو آنکه **هنینگ** این مطلب را ناصحیح میشمارد معهذا روحیه و افکار و تخیلات مانی و ابتکارات اوبسیار منحصر بفرد بود .
«ثبت است که صورت گری بوده بی نظیر چنانکه بانگشت‌خود دائره کشیدی که قطر آن پنج زرع بودی که چون به پرگار امتحان کردندی و دائره کشیدندی اصلا تفاوت در اجزای محیط دائره معلوم نشدی وانصاف اقطار متساوی بودی و هم چنین خطهای دراز وکوتاه کشیدی همه بمسطر راست آمدی . و طرفه‌تر ازهمه اینکه صورت‌ربع مسکون را چنانچه تمامی شهرها و دریاها ورودها در آن ظاهر بودو سه ربع غیر مسکون را در گوئی برابر بیضه‌ای کشیده بود و غریب‌تر از اینها پیراهنی بود که چون پوشیدی پیدا و نمایان بود و چون‌از تن بدر کردی ناپیدا بود .»
نظامی گنجوی درکتاب **شرفنامه** درباب‌مانی و کتاب **ارژنگ**و ابتکار و هنر خلاقه وی داستانی دارد باین شرح که چون مانی از ری بجانب چین بقصد تبلیغ دین‌خود میرود برای آزمایش وی‌مردم چین حیله‌ای بکار میبرند باین ترتیب که در مسیر او حوضخانه‌ای بسیار زیبا طراحی میکنند که آب‌شکن برشکـن بسبب باد بر آن نمایانست . در کنار این حوض ساختگی نظیر گیاهان و خزه‌هائی که‌لب جویها میروید نیز نقش‌مینمایند . مانی آسیمه و تشنه و خسته وامیرسد تا از این حوض لبی ترکند ، کوزه سفالین بر میدارد تا بداخل حوض بزند ، سفال میشکند و مانی در می‌یابد که فریب نقش ظاهر را خورده‌است از اینرو قلم بر میگیرد و بر سطح آب لاشه‌سگ مرده‌ای نقاشی میکند تا دیگران چنین فریبی نخورند . حکایت رااز زبان حکیم نظامی گنجوی بشنوید :

شنیدم که مانی بصورتگری
زری سوی چین شدبه پیغمبری
از او چینیـان چـون خبر یافتند
بـــر آن راه پـیشینه بشتافتند
درخشنده حـوضی ز بلور نـاب
بر آن راه بستنـد چون حوض آب
گـزارندگیهـای کلـك دبیـر
بر انگیخته موج از آن آبگیـر
چـو آبی که بارش کند بی قرار
شکن بر شکن میـدود بـر کنار
همان سبزه کو بر لب حوض رست
بسبزی بر آن حوض بستند چست
چو مانـی رسید از بیابان دور
دلی راست از تشنگی نـا صبـور
سوی حوض شد تشنه تشنه فـراز
سـر کـوزه خشك بگشـاد بـاز
چوزد کوزه در خوضه سنگ بست
سفالین بد آن کوزه حالی شکست
بدانسـت مانـی کـــه در راه او
بد آن حوضـه چینیـان چـاه‌او
بر آورد کلکی به آئیـن و زیـب
رقـم زد بر آن حوض مانی‌فریب
نگارید از آن کلك فرمـان پذیر
سگی مرده بـر روی آن آبگیر
دروکرم جوشنده بیش از قیـاس
کزو تشنه را در دل آمـد هراس
بدان تا چوتشنه در آن حوض آب
سگی مـرده بیند نیارد شتـاب
چودرخاك چین این خبر گشت‌فاش
که مانی بـر آن آب زد دورباش
ز بس جادوئی هـای فرهنـگ او
بـــدو بگرویدند و ارژنـگ او

ادعای پیغمبری

مانی در ابتدای کتاب شاپورگان مینویسد :

«انبیاء و رسل همیشه افکار واعمال نیکوئی برای بشرآورده‌اند در یکی از اعصار بودا رسول خدا بود و آن‌ارمغان رابرای‌هندوستان برد . عصری دیگر زردشت بر ایران بعثت یافت . باز در عهد دیگر عیسی برای مغرب زمین ظهور کرد سپس **نیز وحی** نازل **گردیدوهم** اکنون دراین دوره اخیر من که مانی وپیامبر خداوند حقیقت‌هستم بر بابل برسالت و نبوت مبعوثم.»

داستان پیدائی ارژنگ مانی را که بمنزله معجزه و کرامت وی است محمدبن عوفی اینطور نقل میکند :

« ... چنین دعوی میکرد که من آن کسم که عیسی وعده‌داده است .من ختم پیغمبرانم و آنچه عیسی فرمود من شارح آنم. چون شاپور از حال آگاه شد اورااز مملکت خود بیرون کرد و او بزمین هندوستان‌به‌کشمیر وتبت رفت و اهل تبت وترکستان او راقبول‌کردند وبتان ساخت و بتصویر و به تزویر ایشان را از راه برد ودرکوه های آنجا بسیار بگشت و بیك‌جای قرار نمیگرفت و در اثنای این سیر وقتی بشکاف کوهی رسید که در تنه آن کوه آبها روان و فضای فسیح بود و مدخل آن تنگنائی دارد پس آن موضع را اختیار کرد و یکساله طعام خود درآنجا برد چنانکه هیچ‌کس از او خبر نبود پس یك‌روز اصحاب خود را گفت من بآسمان خواهم رفت و یکسال آنجا خواهم بود چون سر سال شد بفلان روز باید که شما در پای فلان‌کوه جمع شوید و اسبی بیارید تا من بیایم و از مراسم دین و محاسن شریعت خود شما را اعلام دهم پس ناگاه بدان غار در شد و مقام ساخت و درجی بزرگ بشکل کاغذی طومار مهیا کرده بود که تنکی و صفاء بیاض بپوست بیضه مرغ ماننده بود پس در وقت میعاد آن درج در دست‌گرفت و برون آمد و گفت من بخدمت و درگاه خدای آسمان بودم مرا فرمود تا احکام او را قایم کنم و این کتاب خدایست چون خلق آنرا بدیدند و همگنان از مثل آن عاجز بودند باور داشتند و تصدیق کردند و آنرا ارتنگ مانی خواندند و آن در میان خزائن پادشاه چین هنوز باقی است... »

اصول عقاید مانی

دین مانی بر دو اصل یعنی(خیر و شر) یا (**نور و ظلمت**) و سه دور یعنی (گذشته ، حال ، آینده) استوار شده است . منشاء اصلی و کلی وجود و درواقع **خدای بزرگ دوتاست** که یکی نور و یکی ظلمت نام دارد درمنابع ایرانی این دو اصل **دوبن** نامیده شده است .

دربدو امر یعنی در ازل و قبل از حدوث خلقت و دنیا این دو اصل جدا و مستقل و منفك از هم بودند که آن دور را مانویان **گذشته** مینامند **قلمرونور** دربالا ومنبسط‌بشمال ومشرق و مغرب بوده و از قسمت جنوبی نیز یك ثلث داشته است و **مقر ظلمت** درپائین و ممتد در جهت جنوب بود و اگر چه باهم هم‌حدود بودند ولی سرحد فاصلی داشتند و تماسی درکار نبود. باآنکه وسعت **قلمرو نور پنج‌برابر قلمرو ظلمت** بود ولی هریك از این دو درحدود خود ساکن وآرام بودند . عالم نور دارای تمام صفات خوب : **نظم ، صلح ، فهم ، سعادت و سازش** بود ولی درعالم ظلمت **اغتشاش وبی‌نظمی و کثافت** مستولی‌بود. در قلمرو نور پدر عظمت حاکم است و در قلمرو ظلمت پادشاه تاریکی.

قلمرو نور از **پنج ناحیه** بوجود آمده که پنج عضو خدا یعنی‌هوش، فکر ، تامل ، اراده و **ائون‌های بیشمار** (مظاهر خدا) درآن‌ساکن هستند قلمرو ظلمت هم از **پنج‌طبقه** برای یکدیگر بوجود آمده که از بالا بپائین عبارتست از **دود یا مه** ، **آتش بلعنده** ، **باد مخرب** ، **آب لجنی و ظلمات** .

این پنج عالم را پنج رئیس یا **آرخونت** بشکل **دیو** ، **شیر** ، **عقاب، ماهی** ، **افعی** اداره میکند . این اشکال همه درپادشاه ظلمت که سلطان بزرگ آنهاست جمع شده و درمقابل آن **پنج عنصر** پنج فلز یعنی **طلا** ، مس ، **آهن** ، نقره و **قلع** و **پنج‌طعم** یعنی **شوری** ، **ترشی** ، تیزی ، **بی‌مزه‌گی** و **تلخی** وجود دارد و در هریك از پنج طبقه ظلمت نوعی مخصوص از موجودات دوزخی پراست: دیوان **دوپا** ، **چهارپایان**، طیور، **ماهی‌ها** ، **خزندگان** .

نور یا خیر در قلمرو خود مانند ذات مقیم در قصر شاهانه قائم بود ولی ظلمت و شر مانند یك خوك در کثافت میغلطید و از زباله و ناپاکی خشنود میشد و مثل مار در سوراخ کثیف‌خود خزیده بود . در داخله قلمرو ظلمت کشمکش ونزاع و جنگ دائمی و حمله و هجوم پی‌درپی دیوان بهمدیگر و دریدن وبلعیدن و خوردن و اشتهای وحشی و بهیمی بطور دائم وجود دارد ودائما درحال جوش و خروش است و روبه‌بالا بسوی عالم نور هجوم میآورد .

ابتدا درخت حیات (نور) که از وجود درخت مرگ (ظلمت) اطلاع داشت خودرا پنهان میکرد که دیده نشود و شر بهیجان نیاید ولی موجودات‌عالم طبیعت یعنی میوه‌ها ، شاخه‌ها ، نهالهای منشعب از درخت مرگ‌که ابتدا از وجود درخت حیات اطلاع نداشتند برحسب طبیعت خود بجدال برخاسته و دراین کشمکش بسرحد فوقانی یعنی حدود قلمرو نور رسیدند وناگهان درخشندگی نور آنها را مجذوب و مفتون کرد و خواستند که با اردوی دیوان خود باین قلمرو بیگانه حمله کرده و آنرا تسخیر نمایند و با بلعیدن آنرا جزو وجود خود کنند .

در برابر این ظفر پدر عظمت اعوان خویش را برای دفاع بجنگ نفرستاد زیرا برحسب طبیعت خود از هرنوع وسائل جنگ و اسلحه و لشکرکشی مستقیم محروم بود از این رو بر آن‌شدکه‌دشمن‌را باجان خویش (باصطلاح‌مانوی من‌خود) براند و برای این منظور یك موجودی از خود خلق میکند که **مادر حیات**است و او جوهری دفع مینماید که **انسان ازلی** است .

احداث این دوموجود اولین **ایجاد** پدر عظمت است .انسان ازلی باپنج پسر خود ،**باد** ،**روشنائی** ،**آب وآتش** که اسلحه اویا جان او هستند بهمراهی فرشته‌ای بنام **نحشنبط** بـا تاج پیروزی به سرحد پائین نزول میکنند و با ظلمت در میآویزند ولی مغلوب میشوند و دیوان پسران او را دریده میخورند !

رفتن انسان ازلی و شکست او اصل **امتزاج ومنشاء نجات**است آنچه را که ظلمت بلعیده روح پسر خداست و آن پسر نیز جلوه‌ای از روح پدر خودش بود ولذا یك جزءزنده ونورانی جوهر خدا درقلعه ظلمت متوقف شده است . گرچه ظاهرا در آغاز کار پیروزی با غلبه شر مشهود میشود ولی دراین کار غایت و قصد نجات هست ومیتوان این شکست وبلع روح انسان‌ازلی را بدست دیوان یك فداکاری ویك اختیاری تلقی کرد که خود خدایان بآن راضی **بودند تا** باین طریق با فدای قسمتی از نور ظلمت را بجنگ آورند و تحت حکـم خود نگاهدارند و در حقیقت نوعی خدعه جنگی است که پایان آن‌به نفع‌نور تمام میشود . عمل نور را میشود اینطور توجیـه کـردکه پیش قراولانی‌فرستاده تاباقی سپاه بجای مانند .

چون خیانت مخالف طبیعت ماده است لذا روح الهی دیوان را مسموم میکند معهذا دیوان تقلا خواهند کرد که این مار سمی را که هضم کرده‌اند در خود نگاهدارند و این وسیله اتصال بعالم نور را حفظ نمایند زیرا حس میکنند در غیر آن زندگی از آن ها گرفته می شود . ش

از جانب دیگر پدر عظمت سعی خواهد کرد وسایلی تهیه کندکه

ظلمت مغلوب شود ونور محبوس آزاد گردد . انسان ازین که هنگام سقوط گیج و بیهوش شده مجددا بهوش میآید و هفت بار بپدرش تضرع مینماید و خدا موجود دومی بنام « روشنائی یار » خلق می کند .

او هم من بزرگ را بوجود میآورد دومی روح زندگی‌را اپدید میآورد احداث این سه موجود ایجاددوم پروردگار است . روح زندگان با پنج پسر خود سپند که عبارتست از پیرایه تجلی،پارسا، شرافت ، الماس نور ،بادشاه افتخار ،فرشته حامل بسرحد ظلمت پائین میرود و یك نعره نفوذکننده که خود اصل دعوت بهنجات است بر میآورد و انسان ازلی ساقط نیز بآن جواب میدهد . این دعوت و اجابت در عقاید مانوی دو مظهر الهی هستند باسم خروشتگ بدواختگ .

روح زنده دست راست خود را بسوی انسان ازلی دراز میکند ووی آنرا میگیرد وباین طریق محبوس از ظلمت بدر میآیدوآزاد میشود . وی اولین شهید و نیز اولین نجات یافته است ومثالی‌است‌از سقوط ونجات ما.

انسان ازلی بدبختانه پنج عنصری را که اسلحه‌او وجان اوبودند در عالم ظلمت باقی میگذارد و نجات این جوهرها علت غائی ومقصود یگانه تشکیل وتاسیس دنیاست .

همین مقدار از عقاید مانی کفایت میکند تا معلوم شود نوع تفکر و تعقل وی چگونه بوده و چطور گرفتار اوهام و تخیلات‌بوده است د ر بعضی موارد اصول عقاید وی چنان پیچیده است که حتی‌از جانب خود مانویان نیز محتاج تفصیل وتوضیح و تصویر بوده‌وبهمین دلایل شاید مانی سعی داشته است افکار و عقاید خود را بکمك تصاویر جلوه‌گر سازد وآنها راآسان برای فهم بنماید .

وظایف مانویان

مؤمنین مانوی مذهب به پنج طبقه تقسیم میشدند که پائین‌ترین درجات سماعین (بفارسی نغوشاك) وبرترین درجات صدیقین (به فارسی یزدامذ) بودند و میان آنها درجات معلمین ،مشمسین وقسیسین وجود داشت .

آثار وشعائر ظاهری دین‌آنها نماز وغناء وروزه . چند چیز را پیروان مانی فرض میدانستند : بجا آوردن نماز ، ترك پرستش بت ها، ترك دروغ، ترك بخل وطمع ،ترك آدمکشی ،ترك زنا، ترك دزدی، ترك جادو ، ترك تزویر و شك در دین ، ترك تنبلی باین احکام‌منفی احکام دیگری افزوده میشد :

اعتقاد بچهار گوهر عالی (خدا ، نور خدا ، نیروی خدا،عقل خدا)هفت روز ، روزه گرفتن در هرماه و قبول مهرهای سه‌گانه (مهردهان ـ مهر دست ـ مهر سینه)این سه مهر علامت ترك‌گفتار بد ـ ترك کردار بد ـ ترك اندیشه بداست .

نماز با شستن تن ،باآب جاری و مسح وروبه آفتاب انجام‌میشد ضمنا وظایف هریك از طبقات پنجگانه معین بود باین ترتیب که عامه مردم‌وظایفی داشتند و خاصه مردم وظایف دیگری .

سماعین میتوانستند یك صنعتگر یا تاجر شوند ، زن داشته‌باشند، صاحب فرزند بشوند ، گوشت بخورند لکن صدیقین از خرید وتملك و هرگونه شغل دیگری ممنوع بودند .شبانه روز یك وعده غذا ودر سال یك دست لباس .بر گزیدگان حق نداشتند برای خود چیزی تهیه کنند بلکه یك نفراز مردم عادی پرستاری آنها را عهده میگرفت و حتی لقمه دهان آن‌ها میکرد . غذاشان غالبا میوه وسبزی (خربزه وخیار) بود که میبایست یکی از سماعین در حالی که زانو زده‌است بآنان تقدیم کند . برگزیده هنگام تناول غذا اورادی میخواند حاکی ازاینکه ای نان من ترا نکاشته‌ام ومن ترا ندرویده‌ام ، من ترا بوجار نکرده‌ام، من ترا آرد نکرده‌ام ، من ترا خمیر نکرده‌ام ،من ترا نپخته‌ام ، من ترا نشکسته‌ام (زیراکه همه این اعمال اذیت به‌نوری است که در ترکیب آنهاست) .بهمین جهت همیشه برگزیده درسیرو سفر یك نغوشاك همراه دارد .

درباره ترك آزار جاحظ در کتاب الحیوان حکایت دوجهانگرد را مینویسد که در خوزستان شاید بلعیدن مرواریدی وسیله شتر مرغ بوده‌اند و صاحب مال که جواهر را گم کرده بود آندو را متهم بدزدی مینماید و گریبان آنان را میگیرد اما دو مرد مانوی واقعه‌را تشریح نمی‌کنند زیرا بیم دارند که‌بخاطر مروارید حیوان را بکشند زیرا ریختن خون حیوان را گناه بزرگ میدانسته‌اند .

مانویت در دنیا

ظهور مانی وادعای وی به پیغمبری و گشت‌وگلای او برای معرفی دین تازه‌ا ش‌مدت مدیدی طول نکشید اما در همان مدت کوتاه زمانی باوج قدرت خود رسید و سپس افول کرد و رو به ضعف گذاشت .

طبیعتا مرگ مانی‌و زجرو شکنجه‌ای که‌باتباعش‌وارد آمدوقتل عامی که از آن‌ها شد بسیاری از مانویان را بمهاجرت واداشت و همین مطلب انگیزه نشر دین مانی گردید .

شاپور نخست بدین مانی گرویده بود و مانی را عزیز میداشت ودهسال تمام براعتقاد خود باقی بود تاسرانجام به‌توصیه موبد بزرگ خویش و تشکیل یك مجلس مناظره و توفیق موبد از اوروی بر گرداند .

معهذا همین مدت کفایت میکرد که مانی بتواند پیروان‌خو، را زیاد کند و آنعده را که دین وی را پذیرفته‌اند معتقد و مومن سازد .

بعدا که آزار و شکنجه مانویان آغاز گردید ، پیروان مانی از رودخانه بلخ گذشته بمملکت خاقان رفتند و در ماوراءالنهر اقامت گزیدند تا زمانی که قدرت ایرانیان از بین رفت و تازیان غلبه‌نمودند آنگاه به عراق وبابل بازگشتند .

خالدبن عبداله‌القسری مانویان را در کنف حمایت خود قرارداد ولی نتوانستند جز در بابل برای خود رئیس فرقه‌ای تعیین کنند. درزمان حکومت المقتدر مانویان ازترس جان به‌خراسان رفتند آن‌جا سرگردان بودند ، یك جماعت پانصد نفری آنها را که در سمرقند بودند والی خراسان خواست بکشد ولی پادشاه چین پیغام فرستاد که مسلمین در ولایت من بیش از مانویان در ولایت توهستند بدین ترتیب مانع کشتار آنها گردید .

معهذا آزار وشکنجه مانویها باقی بود بطوری که در زمان خلافت المهدی پدر هرون‌الرشید قاضی خاصی برای تحقیق و کشف واعدام مانویان برگزیده شد .

امپراطوران روم شرقی و مسیحیان بامانویان خصمانه رفتار میکردند وبا انتشار این دین مخالف بودند . معذلك در اواخر قرن چهارم تااواسط قرن پنجم دین مانی در کشور روم انتشار داشت‌و سیاری از اهل دانش به‌آن گرویدند ولی امپراطور ها وسپس‌پاپها بقلع و قمع آنان همت گماشتند و پیروان مانی را محکوم به مرگ کردند .

دین مانی و پیروانش بتدریج رو بضعف رفتند تا حدود قرن سیزدهم میلادی که در نتیجه ایجاد سازمان های تفتیش عقایدبامر پاپها کلا ریشه وبنیاد این دین برکنده شد.

امروز از مانی وارژنگ او جز در اشعار یادی نمیشود وهرکجا نامی از این مدّعی پیغمبری برده میشود بیشتر بخاطر قلم چیره‌و کلك سحار اوست تا عقاید و آراء پیچیده و خرافی وی .

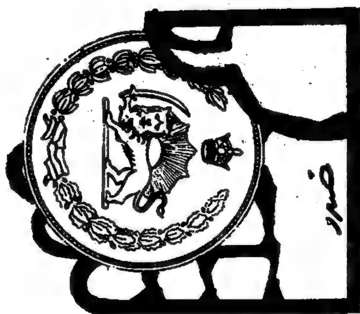
برای تنظیم و تدوین این مختصر از کتابهای مانی و دین او (حسن تقی‌زاده) ـ تاریخ ادیان (علی‌اصغر حکمت) ـ تاریخ براون (علی پاشا صالح) ـ تاریخ ادبیات (دکتر ذبیح‌اله صفا)ـ جوامع‌الحکایات (محمدبن عوفی) ـ شرفنامه (نظامی گنجوی) دائرةالمعارف (فرانسوی) استفاده شده است .

اقتصاد

- پول و بانک
- معاملات پایاپای
- بهای صادرات و واردات کشورها
- سازمان و تشکیلات بانک ها
- انجمن موسسین قسم خورد



پول و بانک



در اجتماعات ابتدائی و عقب افتاده ــ افراد بوسیله شکار حیوانات و صید ماهی امرار معاش میکردند ووسایل خود راار قبیل‌البسه ــ مسکن وابزار وآلات باندازه مایحتاج خود تهیه‌مینمودند **بخلاف مجامع** پیش رفته که تولید کمتر جنبه رفع احتیاج شخصی دارد .

کم‌کم با ایجاد خانواده ها ــ گسترش اقوام ــ توجه به مسئله زمین واختصاص دادن ان بافراد خانواده و اقوام وقبیله موضوع تولید اضافی همچنین لزوم تقسیم ابتدائی کاربپیش آمد وهرکس‌در رشته بخصوصی شروع بفعالیت نمود . عده‌ای بشکار حیوانات ــ کشت زمین ــ صید ماهی ــ تهیه البسه ــ تهیه مسکن پرداختند و عده‌یی دیگر در زمینه های دیگر فعالیت کردند و باین ترتیب امکان تولید اضافی بوجود آمد .

مبادله کالا باکالا

با تولید اضافی محصول (علاوه براحتیاج شخصی)واختصاص دادن مازاد برای عرضه کردن بدیگران ملاکی برای برآورد ارزش نسبی کالاها و محصولات لازم است بشر جاهل چه چیز را میتوانست ملاک کند ؟ طبیعی است آنچیزهائی که دردسترس او قرار داشت و میتوانست در دنیای خارج و واقع آنها راببیند ــ لمس کند و بسازد ــو آن جنس یاشیئی نسبت بسایر کالاها نادر و طرف توجه عمومی و بالنتیجه باارزش باشد .

از آنجا که اول نیاز بشر باشیاء و موارد کالاها محدود بود نوع اجناسی هم که میتوانست شاخص مبادله جنس قرار گیرد کم و مشخص بود وطبیعی است که نوع معاملات و معاوضات علاوه بــر محدودیت نمیتوانست نیز قابل اهمیت باشد و چون وسیله دیگری برای مبادله کالاها وجود نداشت که نقش واسطه رابازی کند ناچار کالاها در مقام مقایسه با شیئی نادر مورد بحث از قبیل ــ ماهی ــ میخ ــ نمك و غیره مبادله میشد ــ ودر هرمنطقه‌کالائی خاص نقش واسطه را داشت مثلا درتبت چای در هندوستان قند و در امریکا توتون و بالاخره مروارید و صدف که هرکدام در مناطقی مقبولیت داشته است .

مبادله جنس با جنس وسیله شیئی واسطه (پول) خالی از اشکال نبود زیرا اگر شخصی میخواست گاو خود را بدهد و مقداری گندم بدست بیاورد لازم بود اولا شخص را پیدا میکرد که دارای گندم‌باشد و همان شخص نیز احتیاج بگاو داشته باشد بدیهی است انجام چنین معاملاتی در میان مردمی که دادوستد محدودی دارند بر محدودیت معاملات‌میافزود در مبادله کالا به کالا در مقابل کالای واسطه‌مواردی بشرح ذیل بچشم میخورد :

۱ ــ محدودیت نوع و تعداد معاملات .

۲ ــ وسیله مبادله جنس دیگری بود وپول بمعنای امروزی‌وجود نداشت .

۳ ــ جنس واسطه میبایستی قابل توزیع وتقسیم بوده بعلاوه حمل و نقل ونگاهداری آن آسان باشد .

٤ ــ از لحاظ حقوقی نحوه معاملات فاقد پیچیدگی و اشکال مبادلات امروزی بود .

پول واسطه معامله

مبادله جنس به جنس شکلی از اشکال مبادله است که در میان ملل کم‌رشد بیشتر رایج میباشد همچنانکه اکنون در بعضی دهات‌ایران معاملات بطریق فوق صورت میگیرد ــ واصولا پولی مبادله نمیشود فی‌المثل موقعیکه مردم بحمام میروند بجای پول ــ سالیانه مقداری گندم ــ آرد و یانان تحویل میدهند .

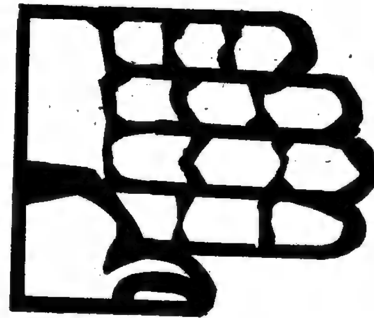
چون مبادله جنس به جنس دارای اشکالات زیادی بودو ناگزیر متوسل بکالای واسطه گردیدند تاباین طریق از کندی مبادلات که‌با احتیاجات سازگارنیست کاسته شود و همین ضرورت ایجاب نمود که پول وارد معاملات شود ــ پول نیز بعدها تغییراتی یافت‌وامروز دونوع پول رایج است .

۱ ــ پول کالا که خود بخود دارای ارزش معاوضاتی است.

۲ ــ پول اعتباری که اگر قوه اجبار از آن برداشته شود فاقد جنبه معاوضاتی خواهد بود پس مسکوك از نمونه پولهای کالاهائی‌و اسکناس نمونه پول اعتباری است .

هنگامی که ملل مختلف دارای سازمان های مختلف شدندکثرت افراد و معاملات لزوم تقسیم کار بیشتر را مخصوس‌ترنمود وبطوری که دیدیم پول وارد معاملات گردید وابتدا پول از مس ــ آهن‌و نقره و طلا بصورت شمش ساخته میشد که دارای وزن وحجم متفاوتی بودند وباین ترتیب اگر اشکال وجود یك محك از بین رفت درمقابل اشکال وزن و حجم مختلف شمشها پیش آمد وبالاخره اشکال مزبور باین ترتیب برطرف شد که دولتها دستور دادند شمشها بوزن و حجم واحدی درست شود و روی هریك مهر وعلامت دولتی حك گرددو بعدها پول شکل مزبور را از دست داد وبصورت پول مسکوك وکاغذی که امروز رایج است درآمد .

راجع باینکه اولین بار در کجا پول پیدا شد اختلاف است‌بعضی ابتدای آن را از یونان میدانند وگروهی معتقدند که قبل از یونان



نیز در سایر جاها پول در مبادلات وارد بوده است .

بهر حال صرفنظر از این دو نظر باید گفت چیزهائی که مورد احترام واحتیاج عمومی بود نقش پول را بازی میکرد چنانکه در روسیه با ارائه قطعات ممهور مربع شکل پوست سمور یك قطعه بزرگ از پوست مزبور را میشد خریداری کرد و این حکایت از نقش‌دولتها درایجاد اعتبار برای پول اعتباری که ذکر آن گذشت مینماید.

در ایران تا آنجائی که اطلاع داریم در زمان داریوش پولی بنام «دریك» رایج بود که در زمان مغول بآن «جاو» میگفتند و بطور مسلم تا زمان ناصرالدینشاه در ایران پول کاغذی رواج‌نداشته است .

در قسمت های پیشین نوشتیم که مدتها نمك ـماهی وسیله برنده سنگی و نظایر آنها وسیله مبادله بودند وبعدها بعضی فلـزات از قبیل آهن ـمس ـنقره ـطلاوارد مبادلات گردید ولی بمرور زمان طلاو نقره بعلت خاصیت ممتازی که دارا بودند جایگزین سایر وسایل مبادله گردیدند . خواص ممتاز این دو فلز درسه چیزبود .

۱ ـ به آسانی قابل تورق وتقسیم‌بود .

۲ ـ غیر قابل فساد بود وباگذشت زمان از بین نرفته و فاسد نمیشد . بدلیل اینکه سکه های قدیمی هنوز هم از بین نرفتـه است .

۳ ـ جنس طلا و نقره‌با مختصر تفاوتی در تمام دنیا یکسان‌است مانند طلای ترانسوال و مکزیك بعلاوه وقتی یك قطعه طلا را تقسیم میکنیم اجزاء آن را میتوان مجددا به قطعه اولی تبدیل کرد و قطعات کوچك نیز دارای ارزش هستند و ارزش تمام قطعات برابر بامجموع قیمت یك قطعه اصلی است در صورتی که این خاصیت در سایر اجناس و فلزات نیست .

پول مساله اقتصادی

چون پول یکی از مسائل علم اقتصاد است و اجتماع نمیتواند ببقای خود بدون توجه عمیق بمسائل اقتصادی ادامه دهد از این‌لحاظ پول اهمیت فوق‌العاده کسب کرده و قطعا بعلت همین اهمیت است که دولتها نشر وتوزیع و نظارت آن را دراختیار خود قرار داده‌اندتا بتوانند دقیقا آن را کنترل نمایند .

بطور کلی پول دونقش عمده دارد :

۱ ـ پول برای تسهیل معاملات است .

۲ ـ پول واحد ارزش است .

این دو نقشی که برای پول ذکر کردیم اهمیت آن را بخوبی نشان میدهد . لهذا بذکر دو نکته اساسی دیگر بپردازیم و آن مقدار پول در گردش و سرعت جریان آن است که تاثیر عمده‌ای در اقتصاد هر کشور دارد و بعلت همین اهمیت است که دولتها کنترل پول و اعتبارات را غالبا بموسساتی نظیر بانك های مرکزی سپرده‌اند .

دیگراینکه‌پول در کشورهای مترقی رواج قانونی داشته و دارای قوه پرداخت غیر محدود میباشد مگردر مورد پول خرد که بموجب قانون اشخاص مجبور بقبول بیش از حد معینی از آن نمیباشندولی در هر حال موسسات دولتی بهر مقدار و میزان که بآنها ارائه شود مکلف بقبول میباشند .

چنانچه بحث راجع بپول را بهمین جا خاتمه دهیم بدون اینکه بموضوع پول داخلی و پول خارجی و ترتیب تسخیر آن‌دو بپردازیم در حقیقت رکن مهمی از مساله را ندیده گرفته‌ایم . ماهم‌قصدورودبدر این موضوع را داریم و بحث مربوط بآن را ضمن سخن در باره بانك مرکزی دنبال خواهیم نمود .

تاریخچه پول در ایران

پول رایج در ایران از زمان داریوش «دریك»بود کـه درزمان مغول بآن جاو میگفتند و این نشانه این است که اززمان‌داریوش تا مغول این پول در جریان بوده واز آن ببعدش مسکوك‌فلزی‌در ایران رواج داشته و پادشاهان سکه بنام خود میزدند و تا زمان‌ناصرالدینشاه وضع بدین منوال بوده است .

چون دوران سلطنت سلسله قاجار مصادف باتوجه کشورهای اروپائی بشرق‌بود ایران نیز که در سرراه تجار و سیاحان اروپائی که قصد هندوستان داشتند قرار داشت خواه ناخواه‌در ایران نیز موضوع پول و صرافی طرف توجه عموم قرار گرفت .

عده‌ای بکار صرافی مشغول شدند ـ علی‌الخصوص که تجارت ایران بااروپا وضعی بوجود آورد که زمینه را برای فعالیت صرافها وبالاخره بانکها مساعد و مناسب نمود .

صرافان وبانکها

ملل مختلف در دادوستد بین‌المللی احتیاج بصرافانی داشتند که مبادله مسکوکات گوناگون را باتخصصی که داشتند عملی نمایند. این صرافان در ابتدا وظیفه توزین و تعیین عیار شمشها و مسکوکات را بعهده داشتند بعدا تجارت باخارج ایجاب نمود که‌پول از نقطه‌ای بنقطه دیگر در داخل و خارج ارسال گردد این وظیفه نیز عملا بـه عهده صرافان واگذار گردید و آن‌ها نقل و انتقالات پول را وسیله

صدور حواله آسانتر کردند و باین ترتیب از خطراتی که حمل پول در برداشت اجتناب گردید .

با متداول شدن حواله یابرات دوران اقتصادی تازه‌ای آغاز گردید که در آن اعتبارات نقش عمده‌ای بازی میکرد و کم‌کم کار **کسانی که بخرید و فروش برات و سفته مشغول بودند** رونق یافت.و منجر به تشکیل بانك گردید اولین بانك در ایتالیا تاسیـــس یافت .

بعد ازرواج صدور حواله و برات و سفته بجای ارسال وجـه بازرگانان باین نتیجه رسیدند هرگاه موجودی خود را دربانك نگهداری نمایند از مزایای زیادی برخوردار خواهند شد وبهمین مبنا کار بانکها رونق گرفت و آن‌ها مبادرت بافتتاح حساب جاری نمودند و از راه دادن اعتبار بکار بانك توسعه دادند . تجار هم که براثر توسعه مبادلات و بازرگانی بسرمایه گردان احتیاج داشتند ولازم بود مزد کارگران را تاتولید محصول کارخانه بپردازند و به علاوه مقداری مواد خام و مورد احتیاج کارخانه را خریداری نمایندبفکر استفاده از وجوه گردان افتادند ومبادرت باخذ وام واعتبار ازبانکها کردند ــ بانکها در مقابل پرداخت وام واعتبار بتجار بادریافت بهره وکارمزد کارشان رونق گرفت ــ ازطرف دیگر چون صنعتگران خریدهائی در ازاء تسلیم سفته بطرف خود مینمودند بانکها برای اینکه از این منبع نیزاستفاده کنند حاضر شدند وجه بروات وسفته ها را قبل ازسررسید از ذینفع‌برات وسفته باکم‌کردن‌مقداری‌ازوجه‌آن‌بذینفع بپردازند و از این طریق نیز منبع دیگری برای عایدات خود پیدا کردند . و بهمین دلیل است که بانکدار را «تاجر اعتبار » مـی نامند .

با توسعه تجارت دامنه فعالیت بانکها از آنچه که گفتیم‌وسیعتر گردید و اکنون بانکها علاوه بر قبول وجوه نقدی مردم وافتتاح حساب برای آن‌ها واعطای اعتبار عملیات مختلف دیگری نیز انجام میدهند .

مثلا **بانك کشاورزی** فقط درامور فلاحتی فعالیت دارد وبانـك **رهنی در مقابل اعطای وام باشخاص وثیقه غیر منقول قبول میکند** و **بانك کارگشائی** باقبول اموال منقول مردم در کار آنها گشایشی‌ایجاد مینماید و بعضی از بانکها فعالیت تجاری دارند وبتجار در مقابـل صادرات و واردات وایجاد کارخانه وام میپردازند .البته در عمل خیلی‌از بانکها کار مختلط انجام میدهند .

تاریخچه بانکداری

در زمان های قدیم معاملات پولی مردم غالبا وسیله صرافان صورت میگرفت واقوام و ملل مختلف کمابیش با داد وستد وسپرده‌و **حواله و انواع دیگر آشنائی داشتند ــو تا آنجائی** که‌اطلاع داریم بابلیها ــ فنیقیها و مصریها و یهودیان بدادوستد صرافی آشنا بودند ولی در زمان قدیم هنوز مردم سفته وبرات را نمی‌شناختند .

در مذهب یهودگرفتن ربح جایز نبود واین ممنوعیت بخود یهودیان اختصاص داشت و آن‌ها میتوانستند از غیر یهود بهره‌بگیرند و بهمین جهت غالبا در دادو ستد ومعاملات دیگران مداخله مـی کردند .

یونانیها گرفتن ربح راعمل ناپسندی میدانستند و با اینکـه مستعمراتی داشته و بامور بازرگانی سرگرم بودند از گرفتن ربح اجتناب مینمودند ولی بعدا بموجب قوانین سلن گرفتن ربح مجاز شناخته شد و در معابد نیز سپرده‌های مردم را قبول میکردندو بـه شهرداریها وام میدادند ــ وهمین موجب تاسیس بانکهائی در یونان شد **بانکداران یونانی بدهکاری** وبستانکاری‌های مردم را در دفاتر خود ثبت میکردند و درداد‌نامه‌ها ارائه میدادند .

در رم قدیم عواید دولتی ومالیاتها باجاره داده میشد و طبعا ماموریـن وصولمتمول میگردیدند و بشهرداریها وام میدادند وصرافان علاوه بر آن بمبادله پولهای مختلف اشتغال داشته و در میادین مـی ایستادند و تعویض پول مینمودند و بطوری که معلوم گردیده بانکهای رومی در شهرهای مختلف شعبه داشته وبانکها قسمتی از سپرده‌های مردم را **بآنها** وبوام گیرندگان وام میدادند و **گاهی وامها** درمقابل سیر منقول پرداخت میشد .

بعدها تدریجا فن بانکداری تکامل یافت و جنبه بین‌المللی‌بخود گرفت و تشکیل بازارهای عمومی متداول شد و چون کشیشها نیـز باین‌امر مبادرت ورزیدند ممنوعیت گرفتن ربح از بین رفت‌و مجاز شناخته شد و بتوسعه بانکها کمك بیشتری نمود و کم‌کم همین کشیشها سمت خزانه دار را پیدا کردند وبالاخره کار بانکداری بجائی رسید که بانکها خصوصی در کنار بانکهای دولتی بفعالیت پرداختند .

شروع رنسانس و تحول اقتصادی و اجتماعی در قرن ۱٦ و اکتشاف امریکا و حفر کانال سوئز و آمد و رفت اروپائیان بآسیا وایجاد مستملکات تاثیرعمیقی در توسعه مبادلات وبازرگانی‌بین‌المللی نمود و با انتقال قدرت حکومتی از رم به انگلستان ــ فرانسه ــ اسپانیا و غیره کشورهای مزبور جانشین رم گردیدند و تجارت جهانی را در دست‌گرفتند و مقدار زیادی طلا و نقره از امریکا و افریقا باین کشور ها انتقال یافت و چون عده‌ای از علمای اقتصادی آنزمان اساس ثروت را طلا و نقره موجود در هر کشور میدانستند برای تحصیل آن کوشش بسیاری نمودند و ورود و خروج کالا ازکشور را تابع این فکر نموده و ترتیبی دادند که مجموعـه واردات و صادرات کشور در هر حال موجب ازدیاد طلا و نقره در داخل کشور گردد و چون انتقال فلزات مزبور در داخله بعلت‌ازدیاد آنها مشکل شده بود انتقال وسیله اسناد بانکی و دفاتر مربوط صورت میگرفت و باین ترتیب بانکها طرف توجه عموم قرار گرفتند و چون روز بروز زمینه فعالیت آنها بیشتر میشد مضافا باینکه با گذشت زمان قبح اخذ ربح از بین میرفت دولتها درصدد برآمدند که خود نیز بتاسیس بانکهای دولتی مبادرت ورزند و کم‌کم کار بجائی کشید که بانکها نقش عمده‌ای در رفع حوائج پولی کشور و استحکام پول داخلی درمقابل پولهای خارجی داشته باشند و چون بتدریج وظایف بیشتری بعهده بانکها گذاشته میشد بانکها در کلیه زمینه‌های اقتصادی تاثیر نمودند مثلا اگر لازم بود که یکرشته از صنایع توسعه یابد بانکها با سپرده‌های مردم بصاحبان صنایع وام میدادند ودرمقابل ازبهره دریافتی سود سرشاری میبردند وباین‌ترتیب مشخص میگردد که امروزه بانکها چه تاثیری دراقتصاد عمومی‌کشور دارند .

بطوریکه قبلا گفتیم چون دامنه فعالیت بانکی گسترش یافت مسئله تخصص نیز مطرح‌گردید و بالاخره امروز هریك از بانکها در زمینه‌ای تخصص داشته و فقط بآن نوع معاملات مبادرت مینماید . مثلا بانکهای سپرده و نزول که بنام بانکهای تجاری معروف هستند با سرمایه معینی تشکیل شده و سپرده‌های ثابت و موقت و دیداری وحسابجاری و غیره قبول مینمایند و چون طریق تحصیل استفاده‌آنها اعطای وام و اعتبار بتجار است و هرآن ممکن است سپرده‌هائی را که بتجار بصورت وام پرداخته‌اند مورد مطالعه مردم قرار گیرد این نوع بانکها معاملات کوتاه مدت انجام میدهند تا هرموقع مردم جهت وصول سپرده‌های خود ببانك مراجعه کردند بانك بتواند وجوه کافی برای پرداخت سپرده‌های آنان دراختیار داشته باشد .

این بانکها درمقابل اسناد بازرگانی پیش پرداخت بتجار میدهند و از این راه استفاده میکنند .

بانکهای خصوصی نیز هرکدام یك نوع‌کار و یا بطور مختلط بچند نوع کار میپردازند .

دیگر از انواع بانکها بانك ناشر اسکناس است که بآن بانك‌مادر نیز گفته میشود و این بانك وظیفه نشر اسکناس ــ حفظ ارزش داخلی و خارجی پول را دارد و بعلاوه وظیفه کنترل اعتبارات بانکها و هدایت آنها را نیز بعهده دارد . این بانك از هرنوع معامله با اشخاص برکنار بوده و فقط بانکها و موسسات دولتی طرف آن قرار میگیرند .

معاملات عمده بانکها

بانکها بطور کلی عملیات مختلفی انجام میدهند که ذیلا آنها را بسه دسته تقسیم میکنیم :

۱ــ معاملات اعتباری ۲ــ معاملات مالی ۳ــ خدمات .

۱ــ معاملات اعتباری که قبلا راجع بآن بحد کافی توضیح دادیم و گفتیم که بانك اسناد بازرگانی را که در داخل یا خارج قابل وصول باشد قبل از سر رسید پولش را بمشتری میپردازد وخود از بهره‌ای که نسبت بمدت از اصل پول برداشت میکند استفاده میبرد یا بانك درمقابل اسناد معتبر و فلزات گرانبها پیش پرداخت میکند واز بهره وکارمزدی که بتراضی تعیین میشود استفاده میبرد همچنین بانك از سپرده‌های نقدی مردم بمدت کوتاه استفاده میکند و درمقابل بمشتری بهره میپردازد میزان بهره درمورد سپرده‌های ثابت و دیداری متفاوت است و چون میزان بهره پرداختی مشتری کمتر از استفاده بانك از سپرده اشخاص است بانك از این طریق مبالغی سود عایدش میشود .

۲ــ معاملات مالی و آنها معاملاتی هستند که بانك بحساب خود یا مشتری انجام میدهد که عبارتست از :

الف ــ خرید و فروش برگه‌های بهادار که چون در معرض خطر هستند بانك‌ها بیشتر از محل سرمایه خود مبادرت بچنین معاملاتی مینمایند .

ب‌ــ معاملات بورسی بحساب دیگران ــ بانك درکشورهائی که دارای مرکز بورسی است مبادرت بخرید و فروش سهام و اوراق بهادار میکند و ازمشتری کارمزد میگیرد.

ج‌ــ انتشار برگه‌های بهادار ــ دراین‌مورد بانك برگه‌های بهادار دولتی را در پشت باجه‌های خود بفروش میرساند و ممکن است برگه‌های خصوصی باشد ودرهرحال بانك از کارمزد دریافتی استفاده میکند .

دــ خرید و فروش فلزات گرانبها و ارز ــ استفاده بانك از تفاوت دو قیمت بدست میآید .

۳ــ خدمات و معاملاتی که بانك برای مشتریان خود انجام میدهد که عبارتست از :

الف ــ وصول براتها و اسناد بازرگانی

ب ــ وصول قبوض وصورت حسابها .

ج‌ــ وصول وجه کوپ‌ها (در ایران چندان رواج‌ندارد)

د ــ قبول اسناد بعنوان سپرده

هـ ــ قبول شمش و مسکوك

وــ مبادله پول و درحقیقت تعویض پول خرد و اسکناس‌کهنه

زــ اجاره صندوقهای آهنی

ح ــ بانکها با دریافت کارمزد چکهای قابل پرداخت در شعب دیگر و نزد کارگزاران صادر میکنند.

طــ مشتری وقتی بخواهد درموقع مسافرت بجای پول سند قابل پرداختی درشعبه مقصد در دست داشته باشد .

چك

درپیش گفتیم که بانکها باوجوه نقدی مردم بروات آنها را قبل از سررسید تنزیل نموده همچنین بمشتریان بانك اعتبار میدهند. استفاده مشتری از وجوه نقدی سپرده ببانك وسیله چك بعمل میآید و طبق قانون تجارت چك نوشته است که بموجب آن صادر کننده تمام یا قسمتی از وجوهی راکه نزد بانك دارد مسترد یا بشخص دیگری واگذار میکند ــ مشتری بجای‌آنکه وجوه نقد خود را درصندوق آهنی شخصی یا درخانه نگهداری نماید و دائما بیم سرقت آن برود وجوه مزبور را با افتتاح حساب جاری یا پس‌انداز و غیره ببانك میسپارد و بانك در مقابل بوی چك میدهد تا وسیله چك از حساب خود هرگونه نقل وانتقالی که مایل باشد بدهد چك ممکن‌است بچند طریق کشیده شود .

۱ــ در وجه حامل‌که وجه آن بآورنده چك پرداخت شود .

۲ ــ در وجه شخصی که در همان بانك حساب دارد و چك را بحساب خود منظور میکند ودر اینصورت نیازی بدریافت وجه‌نیست .

۳ ــ ذینفع در بانك دیگری حساب دارد که در اینصورت تسویه حساب بصورت انتقالی صورت میگیرد .

بااینکه چك همیشه در عمل تجارتی مورد استفاده نیست معذلك قانون مقررات مربوط بظهرنویسها واعتراض واقامه دعوی و ضمان را شامل چك نیز نموده است ــ بموجب قانون تجارت در چك باید محل وتاریخ صدور قید شده وتاریخ باتمام حروف نوشته شود و چنانچه بین مبلغ حروفی و عددی اختلاف باشد رقم حروفی ملاك خواهد بود ولی در عمل بانکها از پرداخت چکهائی که در آنها اختلاف باشد خودداری مینمایند . چك بدون وعده باید باشد وبمحض رؤیت وجه آن پرداخت‌گردد . نکته قابل توجه این است‌که غالب مردم چك وعده‌دار کشیده و تصور میکنند که وجه چنین چکی قبل‌از سررسید قابل مطالبه نیست اگر توجه‌کنیم که طبق قانون وجه چك میبایستی بمحض صدور دربانك موجود باشد ودر صورت بلا محل بودن کشنده چك قابل تعقیب حقوقی وبا شرایطی قابل تعقیب‌کیفری است واز طرفی هم ادعای اینکه چك وعده‌دار ممنوع نیست در این صورت متوجه خواهیم شد که صدور چك وعده‌دار واستنادکردن بوعده‌دار بودن آن از نظر قانونی درست نبوده و کشنده قابل تعقیب است .

در صورتیکه دارنده چك در سررسید در مقام وصول وجه چك از بانك برنیاید نمیتواند از مزایای قانونی استفاده کند ــ توضیح آنکه دارنده چك باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور نسبت بوصول چك اقدام و آنرا ببانك ارائه دهد (در صورتیکه در همان محل صدور باید پرداخت شود) همچنین ظرف ٤٥ روز اگر از نقطه ایران بنقطه دیگر صادر شده باشد و ظرف ٤ ماه اگر در خارجه صادر شده باشد ــ حال چنانچه دارنده چك ازاین حق خود استفاده نکند ومدتهای مذکور منقضی شود دارنده حق مراجعه بظهر نویس نخواهد داشت .

انواع چك

متن چك برچند قسم نوشته میشود :

۱ ــ چك در وجه بانك

۲ ــ چك در وجه حامل وآن در صورتی است که نام

گیرنده وجه در چك ذکر نشده باشد ودراینصورت هرکس آنرا ببانك ارائه دهد میتواند پولش را از بانك دریافت کند .

۳ ــ چك بحواله کرد که در اینصورت پس از ذکر نام گیرنده وجه کلمه حامل خط میخورد وتنها آن شخص میتواند وجه چك را دریافت دارد .

٤ ــ چك با اسم که کلمات «حامل» و «بحواله‌کرد» خط میخورد و چك فقط در وجه ذینفع که نامش در متن‌چك آمده پرداخت میشود مگر اینکه واگذاری وی بدیگری محرز باشد .

علل برگشت چك

چك در چند صورت برگشت میشود و بانك روی آن ورقه‌عدم پرداخت الصاق کرده وبا ذکر علت عدم پرداخت آنرا بارائه دهنده مرجوع میدارد علل عدم پرداخت عبارتست از :

۱ ــ بلامحل بودن چك

۲ ــ بانك اعتبار صادر کننده را بسته و یاطبق حکم مقامات قضائی وجه آنرا برداشت کرده باشد

۳ ــ عدم مطابقت امضای چك با امضای صادرکننده .

٤ ــ قلم خوردگی

طرز وصول وجه چك بلامحل
از طریق قانونی

چك بلامحل را بدو طریق میتوان از مراجع قانونی وصول کرد .

۱ ــ چکی که بهر علتی برگشت شده باشد طبق قانون درحکم سند لازم الاجراء شناخته میشود وبا ابلاغ اظهارنامه ظرف ده روز از تاریخ پروتست میتوان بطریقه اجرای اسناد رسمی نسبت بوصول آن اقدام نمود در اینصورت اقدام ما اقدام حقوقی خواهد بود مگر اینکه بدادسرا هم مراجعه نماید .

۲ــ وصول وجه چك از طریق دادسرا . دارنده چك شرحی بعنوان دادستان شهرستان نوشته ورونوشت مدارك‌خود را ضمیمه مینماید وپس از ارجاع بیکی از شعب بازپرسی ــ صادر کننده احضار ودر صورت عدم حضور جلب میگردد . چنانچه صادر کننده مدعی جعل چك یا امضای آن گردد وتتواند از عهده اثبات ادعای خود برآید علاوه بر تعقیب کیفری بپرداخت ربع وجه چك نیز محکوم میشود . اگر صادر کننده مدعی جعل نباشد و نتواند وجه چك را بپردازد (باتوجه باینکه قبلا هم وسیله اظهارنامه ظرف ده روز وجه چك مطالبه شده وسوء نیت صادره کننده با عدم پرداخت مسلم شده باشد) بازپرس قرار صادر میکند وپس از صدور قرار منجر بصدور کیفر خواست میگردد تا زمان صدور کیفر خواست با استرداد شکایت از طرف مدعی خصوصی موضوع فیصله مییابد ولی بعداز صدور کیفر خواست بفرض استرداد شکایت از طرف مدعی خصوصی صادر کننده از جهت ارتکاب عمل کلاهبرداری طبق ماده ۲۳۸ مکرر قانون جزای عمومی قابل تعقیب میباشد ضمنا ذینفع از طریق اجرا نمیتواند مانع تعقیب ظهرنویسان گردد و رسیدگی بکلیه دعاوی مربوط بچك خارج ازنوبت وبفوریت صورت میگیرد .

حال که از چك سخن گفتیم بی‌مناسبت نیست بطور اجمالی برات وسفته را نیز بشناسیم وبعداز توضیح مختصری راجع باعتبار بحث اصلی را که پول وبانك باشد تعقیب نمائیم .

برات وسفته

الف ــ سفته سندی است که بموجب آن امضاء کننده تعهد میکند در سر رسید معینی یا عندالمطالبه مبلغی را در وجه حامل یا شخص معین یا بحواله کرد آنشخص کارسازی نماید . سفته و برات ممکن است وسیله پشت نویسی بدیگری انتقال داده شود . در طـرز نوشتن سفته قانون مواردی را متذکر شده ازجمله :

۱ــ مبلغ بتمام حروف نوشته شود .

۲ ــ نام گیرنده وجه قید شود .

۳ ــ تاریخ پرداخت و محل پرداخت روشن باشد ــ سفته بنا به تعریفی که ازآن کردیم دارای دو امضاء است شخصی که اورامتعهد مینامیم تعهد میکند مبلغ معینی را در موعد معین در وجه دیگری بپردازد .

ب ــ برات نوشته‌ایست که بموجب آن شخص بدیگری دستور میدهد مبلغی را برویت یا بوعده دروجه یا بحواله‌کرد خودش یا شخص ثالثی یا حواله کرد او بپردازد ــ برات در تجارت نقش عمده‌ای دارد وخیلی از اشکالات زمان گذشته را حل نموده وامروز دیگر مجبور نیستند مبالغی را از شهری بشهری بفرستند بلکه با صدور برات‌طلبی را که نزد دیگری دارند و بشخص ثالثی که بآن بدهکار هستند حواله میدهند واز این جهت بین برات و حواله تشابه زیادی وجود دارد ــ قانون برای صحت برات شرایطی معین کرده که عبارتست از :

۱ ــ تاریخ تحریر ــ (سال وماه وروز)

۲ ــ نام شخصی که باید برات را تادیه کند

۳ ــ تعیین مبلغ برات بتمام حروف

٤ ــ تاریخ تادیه وجه برات

٥ ــ مکان تادیه وجه برات

٦ ــ اسم شخصی که برات در وجه او پرداخت میشود .

۷ ــ تصریح اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم است

۸ ــ قید کلمه برات در روی برات

هفت شرط اولی از شرایط اصلی برات است وبدون وجود آنها برات صحیح شناخته نمیشود .

بدیهی است برات بایستی برویت شخصی که وجه برات را تادیه میکند برسد اگر قبول نمود که در سررسید میپردازد ولی درصورت عدم قبولی میگویند **برات نکول شد** . ممکن است برات پس از آنکـه قبولی نوشته شد یارویت شد در سررسید پرداخت نشود ودر اینصورت نیز برات بعلت عدم پرداخت وجه آن نکول میشود ــ اگردارنده برات بخواهد نکول برات یا عدم پرداخت وجه آنرا مشخص سازد براترا **واخواست** میکند .

واخواست ظرف ده روز از تاریخ سررسید بعمل میآید وآن نوشته‌ایست که از طرف مراجع قانونی بکسی که وجه برات را بایستی بپردازد ابلاغ میشود .

وصول وجه برات

ظرف ده روز از تاریخ واخواست دارنده برات باید بوسیله اظهار نامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه مراتب پروتست برات را بواگذارنده اطلاع دهد شاید واگذارنده مایل باشد شخصا وجه برات راکارسازی نماید واز تعقیب قانونی جلوگیری بعمل آید غالبا مردم باین موضوع توجه نمی‌نمایند وحق تعقیب خود را نسبت بواگذارنده از دست میدهند ــ چون بموجب قانون تجارت در صورتیکه ظرف ده روز از واخواست مراسله سفارشی دو قبضه بواگذارنده ابلاغ شده‌باشد دارنده برات حق دارد ظرف سه ماه علیه واگذارنده طرح دعوی نماید وبا گذشتن مدت مزبور حق وی نسبت به تعقیب واگذارنده ساقط میشود ولی در مورد براتگیر ــ دارنده برات حق تعقیب اورا تامدت

۵ سال داراست .

چنانچه دارنده برات علیه براتگیر واگذارنده با رعایت موارد فوق اقامه دعوی نماید براتگیر و کلیه ظهر نویسان در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی خواهند داشت .

دارنده برات قبل از دادخواست یاضمن آن میتواند درخواست تامین اموال خواندگان را بنماید ــ وچون برات وسفته سند تجاری محسوب میشود و قانونگزار برای اسناد تجاری مزایائی قائل شده و خواهان دعوی میتواند بدون استناد بماده ۲۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی وبدون تودیع وجهی بصندوق دادگستری فورا قرار تامین را صادر نماید و چنانچه دارنده برات به‌بیند که مال در معرض تفریط است میتواند از دادگاه درخواست نماید که قبل از ابلاغ آن بطرف اجازه دهد اموال خواندگان بازداشت وتامین شود .

تنزیل برات

بانک برای ایجاد تسهیلاتی بمشتریان خود وهمچنین ایجاد منبعی درآمدی برای بانک سفته وبروات مشتریان اعتبار دار خود را تنزیل نموده و وجه آنهارا با کم کردن بهره مربوط نقدا بحساب مشتریان خود منظور مینماید .

وبطوریکه گذشت عمل تنزیل برات یکی از عملیات بانکها محسوب میشود .

اعتبار

یکی دیگر از عملیات بانکها اعطاء اعتباراست . تجار غالبا احتیاج بسرمایه‌گردان دارند واین سرمایه را از بانکها که کمی بشهرت آنها وقوف دارند دریافت میکنند بانکها اعتباررا بوسایل مختلف‌اعطاء مینمایند :

۱ ــ قرار داد اعتباری

۲ ــ تنزیل بروات

۳ ــ پیش پرداخت در مقابل اسناد و کالایا اموال دیگر .

اعتبارات اعطاء شده از نظر مدت بر سه قسم تقسیم میشود ــ اعتبار بلند مدت ــ متوسط‌المدت وکوتاه مدت ــ گاهی اوقات بانک روی اعتمادی که بمشتری خود دارد و صرفا بعلت حسن شهرت‌مشتری بوی اعتبار اعطاء مینمایند وگاه در مقابل اسناد ویا کالا یا اموال دیگر غالبا در قراردادهای اعتبار برای حصول‌اطمینان بوصول مبلغ آن بانک وثیقه غیر منقول یا اسناد قبول میکند حتی در بعضی موارد بانک در مقابل اموال منقول اعتبار میپردازد .

البته عمل اعطاء وام واعتبار در امر تجارت موضوع مهمی است و چون مقاله ما گنجایش بحث عمیق درباره آن نمیدهد بهمین مختصر قناعت میکنیم ودر بحث مربوط ببانک مرکزی باهمیت موضوع متوجه خواهیم شد .

تاریخچه پول وبانکداری در ایران

اولین پادشاهی که در ایران سکه طلا زد داریوش کبیر بود وآن سکه هارا دریک مینامیدند . بعدا دوره هخامنشیان سکه هــای نقره نیز بجریان افتاد وهر بار ایران مورد هجوم اقوام خارج قرار گرفت سکه‌های طلا نایاب شده احتمال داده میشود که اولین پول کاغذی در زمان گیخاتو بجریان افتاده باشد ولی چون بعلت مخالفت جریان پیدا نکرد بدستور خان مغول لغو شد . در دوره‌های بعد نیز تا زمان ناصرالدینشاه سکه‌های طلا ونقره باسامی مختلف جریان پیدا کرد ودر تاریخ پول ایران سکه‌های عباسی ونادری وقران وشاهی مشهور است .

بجریان افتادن پول در معاملات خود بخود عده‌ای را بفکر انداخت که نقش انتقال و تمرکز پولهارا نزد خود ایفاء نمایند این اشخاص همان صرافانی بودند که از آنها سخن‌گفتیم و حتی امروز نیز بفعالیت خود در کنار های بانک ها بزرگ چه دولتی و چه خصوصی همچنان ادامه میدهند .

از زمان سلطنــت سلسله قاجار در ایران همراه ســایر مظاهر اجتماع ما از قبیل فرهنگ ــ دارائی ــ دولت ــ پول و بانکداری نیز صورت درخشان وروشنتری بخود گرفت بنحویکه مقایسه آن با دوران سابق بهیچوجه ممکن نیست ــ دوران سلطنت قاجاریه در ایران مقارن با مستعمره جوئی کشور های اروپائی بود .

استفاده از ماشین موجب شده بود که بر سرعت تولید افزوده شود و تولیدات اروپا تمام بازار داخلی را پر نماید . واز طرفی کارخانه ها مرتبا مواد خام را بمصرف میرسانندند وبرای فروش محصولات ساخته شده بدنبال بازارهای جدید بودند ــ رقابت سخت بین کشور های اروپائی برسر تصاحب کشورهای عقب افتاده و فروش مصنوعات آغاز شد وبعلاوه چون کشورهای مستعمره و نیم مستعمره هنوز صنعتی نشده بودند مواد خام آنها بقیمت ارزان بدست اروپائیان میافتاد و آنها میتوانستند با حداقل قیمت مواد خام را بدست آورده در کارخانه های خود تبدیل بکالای ساخته شده بنمایند و بقیمت‌های گزاف دوباره بمردم کشورهای عقب افتاده بفروشند .

توسط روابط بین دولت ایران ودول اروپائی موجب توسعه رفت وآمد ومسافرت عده‌ای از مردم ورجال کشور ما گردید . آنها بارها بفرنگ مسافرت کردند و شیفته تمدن اروپائی گردیدند و وقتی بکشور ایران برگشتند سعی نمودند حتی‌المقدور تمدن اروپائی را در ایران تقلید نمایند شکی نیست که بهمراه توسعه کارخانه‌ها ــ کشاورزی ادبیات و علوم و فنون در اروپا دامنه مبادلات بین‌المللی نیزگسترش یافت ولازم آمد که نسبت به تبدیل پولهای کشورهای مختلف راهی جسته شود وهمین ضرورت موجب‌توجه عده‌ای بامرصرافی و بانکداری گردید .

خارجیان نیز که در ایران امتیازاتی بدست آورده بودند ودر جستجوی منابع استفاده بیشتری در کشور ما بودند متوجه این‌ضرورت شدند وچون بانکداری عمل سودبخشی بود وبعلاوه با کنترل امــور پولی میتوانستند دولتهای ایران را تضعیف نموده و هرگونه درخواست زیان بخشی را بدولتها تحمیل نمایند در صدد تاسیس بانک در ایران برآمدند . البته همانطور که گفتیم قبلا عده‌ای درایران بکار صرافی اشتغال داشتند که معروفترین آنها **تجارتخانه تومانیانس** بود این‌موسسه بزرگ اول از دکه کوچکی شروع شد که نام موسس آن هاراتون تومانیانس بود و دکه خودرا در شهر تبریز ایجاد نمود وبامر صادرات و واردات و ملک‌داری مشغول گردید و چون بعدها با پولهای‌مختلف سروکار پیدا کرد توجهش بامور صرافی جلب شد ودست از سایرکارها برداشت وبجهت سود سرشاری که عایدش میشد صرافی را پیشه خود ساخت بعداز او پسرانش شغل پدررا دنبال نمودند و علاوه برتومانیانس از تجارتخانه های **جهانیان ــ جمشیدیان ــ کمپانی فارس ــ شرکت اتحادیه** و شرکت عمومی ایران میتوان نام برد ــ دامنه فعالیت تجارتخانه های مزبور وسیع بود ولی در رقابت با بانکهای خارجی شکست خوردند و بانکهای خارجی بفعالیت خود ادامه دادند اولیــن بانک خارجی **بانک جدید شرق** نام داشت که وسیله دولت انگلیسی‌ها دائر گردید ، بانک مزبور بعملیات بانکی از قبیل افتتاح حساب پرداخت بهره بدان اعطاء واعتبار کوتاه‌مدت وانتشار اسکناس ۵تومانی که تاحدی مقبولیت داشت پرداخت ــ تاسیسات این بانک پس از دو

سال فعالیت از طرف بانك شاهنشاهی که در ۱۲۶۷ در زمان ناصرالدین شاه تاسیس یافت خریداری گردید . **بانك شاهنشاهی** اجازه یافت علاوه برامور صرافی بامور تجاری نیز اشتغال ورزد و از منابع معدنی نیز استفاده نماید در مقابل چند صد از سود خالص خود را بدولت ایران بدهد . و حسابهای خزانه ایران را در مقابل کار مزدنگاهداری نموده و برای تامین پشتوانه طلا با دولت ایران همکاری نموده ضمنا بدولت وام بدهد . بانك مزبور پس از دو سال فعالیت وایجاد ۲۵شعبه در نقاط مختلف ایران همه سرمایه خودرا بخارج انتقال وبا سپرده های مردم بکار ادامه داد . این بانك اجازه انحصاری انتشار اسکناس را نیز بدست آورده بود ولی درجریان ملی شدن صنعت نفت تعطیل گردید .

بعداز تاسیس بانك شاهنشاهی بانك **استقراض روس** تشکیل شد ودر ۱۵ شهر ایران شعبه تاسیس نمود که این بانك بعدها بدولت ایران واگذارگردید .

بانك ملی ایران

اروپائیان باتاسیس بانك شرق جدید ، بانك شاهنشاهی ایران ـ بانك استقراض روس دست بر نبض حیاتی ومالی کشور نهادند ودر مقابل وامی که بدولت ایران می‌پرداختند غالبا عواید گمرکات و شیلات ـ گذرنامه ـ تلگرافخانه و غیره را بگرو برمیداشتند و مداخله در نقل وانتقالات کشوری و لشگری میکردند و چون ایرانیان متوجه سود سیاست بانکهای خارجی شده بودند وبعلاوه در ایران انقلابی‌حادث شده‌بودکه ضداستبداد وموافق استقلال سیاسی‌ومالی بود افکار عمومی علیه هرنوع نفوذ خارجی تحریك شده وبقطع ایادی آنها علاقه نشان میداد ـ اولین نمایندگان مجلس ایران پیپروی ازنیات عمومی مردم اظهار تمایل زیادی به تاسیس بانك ایرانی مینمودند و این علاقه موقعی ابراز شد که دولت وقت از مجلس اجازه استقراض خارجی خواست و نمایندگان که سابقه خوبی از استقراض نداشتند به مخالفت برخاستند وتشکیل بانکی که با مشارکت دولت وملت بوجود آید خواستار شدند پس از آنکه عده‌ای از بازرگانان تعهد مشارکت دادند اجازه تشکیل بانك داده شد واعلان آن در ۱۲۸۵ منتشر گردید وهرکس بقدر قوه و قدرت وجهی بعنوان سرمایه و قبض وسهام دریافت داشت ـ قبوض مزبور موقتی بود وباین شرح صادرگردید .

«مبلغ ... رایج ایران بتوسط ... تحویل اداره بانـــك ملی ایران شده است مشارالیه بمیزان مبلغ مزبور در بانکملی ایران شریك است بتاریخ شهر سنه ۱۳۲»

قرار شد بانك بعملیات زراعتی ـ رهن‌املاك ـ خریدوفروش بروات تجاری داخله و خارجه و قرض واستقراض واکتشاف معادن واحداث راههای شوسه و آهن مبادرت نماید ومحاسبات دولت از بانك شاهنشاهی گرفته شده و ببانکملی داده شود و قرار شد پس از انقضاء مدت امتیاز بانك شاهنشاهی وباانفساخ آن این حق مخصوص بانکملی باشد وبرای جلوگیری از نفوذ بیگانگان مقررات سختی درباره انتقال سهام آن باتباع بیگانه صورت گرفت ولی بانك بعـــللی بوجود نیامد بعدا دولت وقت لایحه اجازه تاسیس بانکملی ایران را تسلیم مجلس کرد ودر ۱۳۰۶ بتصویب رسید وبالاخره بانك در ۱۳۰۷ تشکیل شد وسرمایه آن بیست میلیون ریال که ۸ میلیون ریال آنرا پرداخت شده بود تعیین گردید .

تشکیل بانك بصورت شرکت سهامی صورت گرفت وباین ترتیب دارای شخصیت حقوقی مستقلی شد وبعدها سرمایه بانك که همه آن بدولت تعلق دارد افزایش یافت باین شرح .

	سرمایه	پرداخت شده
سرمایه اولیه	۲۰ر۰۰۰ر۰۰۰ ریال	۸ر۰۰۰ر۰۰۰ریال
۱۳۱۴	۳۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ ریال	۲۶ر۰۰۰ر۰۰۰ ریال
فعلا	۲ر۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ ریال	۲ر۰۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ ریال

عملیات بانك

۱ـ اکنون بانك علاوه براداره کردن صندوق پس‌اندازوبانك کارگشائی طبق آئین‌نامه‌ایکه بتصویب شورایعالی رسیده عملیات ذیل را انجام میدهد :

الف ـ افتتاح حساب جاری و قبول سپرده اعم از دیداری یا مدت‌دار .

ب ـ تنزیل اوراق تجاری از قبیل برات ـ سفته وبطورکلی هرسندی که حاکی از طلب بوده و دارای لااقل دو امضای معتبر باشد .

ج ـ اعطای وام در مقابل فلزات گرانبها ـ ارزهای آزاد ـ رسید انبار رسمی اسناد بهادار ویا غیر منقول ثبت شده .

د ـ عرضه نمودن اوراق وسهام برای فروش بحساب مشتریان.

هـ ـ خرید و فروش قرضه صادره یا تضمین شده از طرف دولت ایران یا دولتهای خارجی ویا موسسات معتبر مالی .

و ـ گشایش اعتبارات اسنادی و صدور ضمانت‌نامه

ز ـ انجام معاملات ارزی در حدود مقررات بانك مرکزی ایران .

ح ـ قبول اسناد بهادار بعنوان امانت وانجام هرگونه عملیات مربوط بآن .

ط ـ گرفتن اعتبار از خارجه ویا دادن وام بخارجه باتصویب شورای عالی .

ی ـ افتتاح حساب جاری نزد بانکهای خارجه یا داخله .

ك ـ نگاهداری واداره صندوقهای امانت .

ل ـ انجام هرگونه عملیات دیگر بانکی که بموجب قانون بانکداری منع نشده باشد .

۲ ـ بانك میتواند در موارد ضروری نمایندگی موسسات پولی یا بانکی را که بموجب قانون تشکیل شده قبول نماید .

۳ ـ بانك میتواند از پذیرفتن سپرده ها وباز کردن حساب جاری ونزول اوراق وهرنوع پیشنهاد معامله دیگر بدون ذکر دلیل خودداری نماید .

ارکان بانك

بانك دارای ارکان ذیل است :

الف ـ مجمع عمومی

ب ـ هیئت عامل ومدیر عامل

ج ـ شورایعالی

د ـ هیئت نظار

هـ ـ بازرس دولت

تشکیلات اداری

بعد از مدیرکل ـ قائم مقام و معاونین تشکیلات اداری بانك بشرح زیر میباشد :

اداره بازرسی کل

اداره اعتبارات

اداره کارگزینی
اداره خارجه
اداره حسابداری کل
اداره کارپردازی
اداره اسکناس و فلزات
اداره اطلاعات
اداره سازمان
اداره حقوقی
اداره ساختمان
اداره بررسیهای اقتصادی
اداره دبیرخانه
اداره بهداری
اداره انتظامات
بنگاه چاپخانه
شعب باشگاه بانك

ضمنا اداره پس‌انداز وبانك کارگشائی نیز زیر نظر بانك ملی اداره میشوند ودارای شخصیت جداگانه‌ای نیستند .

بانك کارگشائی ابتدا درسال ۱۳۰۵ ازمحل وجوه بازنشستگی کارمندان دولت تحت عنوان «موسسه رهنی دولت ایران» تاسیس‌یافت و در ۱۳۰۸ ببانك کارگشائی تغییر نام داد . شعب آن درشهرستانهای زیر مشغول کاراست .

تهران ـ اصفهان ـ تبریز ـ زنجان ـ شیراز ـ کرمان ـ مشهد ـ یزد ـ همدان ـ قزوین ـ کرمانشاه ـ این بانك درمقابل گرو اموال منقول بمردم پول میدهد .

با تاسیس بانکملی علاوه برانتقال حسابها و وجوه دولت ببانك ـ امتیاز نشر اسکناس نیز باین بانك واگذار گردید واولین اسکناس بانك در ۱۳۱۱ منتشر شد و بانکملی ضمن انجام عملیات بانکی بانك ناشر اسکناس نیز بود چون بانك خصوصی تامین نیافته بود و بانکهای سپه وکشاورزی ورهنی وتجارت خارجی وچند بانك دیگر همه دولتی بودند موضوع تفکیك عملیات بانکی از عملیات نشراسکناس مطرح نبود ولی با تشکیل بانکهای خصوصی و توسعه عملیات آنها و سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی وتاسیس بانکهائی که باسرمایه‌خصوصی ایرانیان و خارجیها بوجود آمد مسئله کنترل عملیات آنها پیش آمد وبانکملی که خود رقیب بانکهای خصوصی بود در عین رقابت با آنها میبایستی تعیین نرخ بهره ـ کنترل اعتبارات و غیره را نیز انجام میداد و طبیعی است انجام هردو عمل خالی از اشکال نبود وبناچار در سال ۱۳۳۹ بانك ملی بدو قسمت شد .

۱ ـ بانکملی ایران

۲ ـ بانك مرکزی ایران که عملیات نشر اسکناس و کنترل اعتبارات ببانك مرکزی سپرده شد که در جای خود راجع بآن صحبت خواهیم کرد .

بانکملی ایران فعلا در حدود ۱۷۰ شعبه و ٦۰ نمایندگی و ٤۰ باجه میباشد و علاوه برکارهای بانکی بنمایندگی از طرف بانك مرکزی در شهرستان حسابداری دولت را نیز نگاه داشته ودر پایان‌سال کار مزد متناسبی از بانك مرکزی دریافت میکند ـ این بانك که سی‌وچند سال سابقه کار دارد دربین تجار ـ بازرگانان و همه مردم ایران جلب اعتماد واطمینان نموده ورمز بقاء ودوام این بانك که تشکیلات آن با مقایسه با تشکیلات سایر موسسات دولتی منظم ترین آنهااست درهمین جلب اعتماد مشتریان است ودارای مقررات خاصی است که سرمنشاء همه آنها رعایت احترام مشتریان بانك وانجام سریع کارهای‌آنهااست .

بانك ملی موسسه‌ایست که نقش عمده در هدایت بازرگانان دارد وبا اعطای اعتبارات بزرگ سرمایه عمده‌ای را در اختیارصاحبان صنایع قرار میدهد تا بتوانند حتی در شرایط بحران بادامه کار وتولید محصول که بالمال بسودمردم کشوراست موفق‌گردند ودر کناراعتبارات بزرگ با اعطای وامهای صنعتی ـ فرهنگی ـ ومتفرقه بگشایش کار مردم از هردسته و طبقه‌ای کمك مینماید . واخیرا نیز وقتی بانك مرکزی اعلام داشت نرخ بهره مارا در کشور پائین میآورد بانك‌ملی به تبعیت از هدفی که سی‌وچند سال است آنرا تعقیب نمود . نرخ بهره اعتبار وامهای خودرا آنهم بیشتر در مورد تجاری که بعملیات تجارتی دست میزنند از قبیل صادرات پائین آورد وبااین اقدام نشان داد بهر اقدامیکه هدف آن توسعه صنایع ـ راهنمائی آنها ـ ایجاد گشایش در کار مردم باشد مبادرت میورزد و بااین ترتیب نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفاء مینماید .

علاوه بر موارد فوق بانك ملی در توسعه سیستم بانکی ایران نقش قابل توجهی داشته وبطور کلی از نظر سازمان طی سی‌وچند سال کار کارمندان ورزیده‌ای تربیت نموده و اصولا پایه واساس بانکهای خصوصی بدست کارمندان بانکملی ایران ریخته شد وهم‌اکنون همانها هستند که با بکار بردن ابتکارات جدید در مقابل بانك ملی ایران عرض وجود میکنند .

امروز شبکه بانکی در تمام کشور گسترده شده وجائی که‌از نظر بانکی تاسیس نمایندگی و شعبه در آن ممکن باشد باقی نمانده وعلی‌الخصوص بانك ملی در یکی دو سال اخیر قدمهای بزرگی دراین راه برداشته است .

برای اینکه نقل وانتقال پول از شهری بشهری واز کشوری بکشوری دچار اشکال نشود و مانع تسریع معاملات نگردد آشنائی مردم باستفاده از برات وسفته علاوه بر مزایای دیگر اشکالات عمده بازرگانی را برطرف میسازد ودر حقیقت یك سیستم بانکی و پولی توسعه یافته شبکه بانکی و استفاده مردم ازبرات و سفته وچك مشخص میگردد درجداول زیر موجودی براتهای نزولی و خریداری‌بانکها همچنین چکهای‌متبادله بوضوح نشان داده شده‌است .

موجودی براتهای نزولی‌و خریداری بانکها در تمام کشور

(به میلیون ریال)

تاریخ	۱۳٤۰	۱۳٤۱	۱۳٤۲
فروردین	۱۵۲۸۷ر٦	۱۵٤۹۰ر٤	۱۹٦٤۷ر٤
اردیبهشت	۱۵۹٦۱ر ــ	۱۵۸٦۳ر۵	۲۰۰۳۰ر۱
خرداد	۱۵۹۰۸ر٤	۱٦۱۹۰ر۹	۲۰۰۵۹ر
تیر	۱٦۰۳۳ر٤	۱٦۵۵٤ر۹	۲۰۳۱۲ر۹
مرداد	۱۵۸۵۵ر۳	۱٦۸۱۹ر٦	۲۰٤۳۰ر۷
شهریور	۱٦۰٤۷ر٦	۱۷٦۲۳ر۷	
مهر	۱٦ر۲۸۱ر٤	۱۸۲۸۲ر۱	
آبان	۱۵۹۸۱ر٤	۱۸٦۸۱ر۸	
آذر	۱۵۵۱٦ر۵	۱۸٦۳۹ر٦	
دی	۱۵۳۷۲ر ــ	۱۸۸٤۳ر۲	
بهمن	۱۵۲٦۰ر۵	۱۸۹٤۱ر۲	
اسفند	۱۵٦۳۹ر۱	۱۹٦٦۰ر۵	

آمار عملکرد اداره پایاپای چکها

(مبلغ به میلیون ریال)

تاریخ	اسناد متبادله تعداد	اسناد متبادله مبلغ	اسناد برگشتی تعداد	اسناد برگشتی مبلغ	نسبت اسناد برگشتی به اسناد متبادله تعداد درصد	نسبت اسناد برگشتی به اسناد متبادله مبلغ درصد
۳۱ فروردین	۲۷ر۰۹۹	۲٤۸٤	۲۱۷۲	۷۹	۸	۳ر۲
« اردیبهشت	۳۱ر۷۹۳	۲۵۱۵	۲٤۱۷	۷۲	۷ر٦	۲ر۸
« خرداد	۲۸ر۳۵۰	۲۳۵۵	۲۳۱۹	۹۷	۸ر۲	٤ر۱
« تیر	۳۲ر۸۰۱	۳ر۰۲۵	۲٤۹۹	۷۳	۷ر٦	۲ر٤
« مرداد	۲۸ر۱۵٤	۲ر٤٦۷	۲ر٤۱٦	۸۳	۸ر٤	۳ر۳
« شهریور	۲۹ر۱۷۹	۲٤۳٦	۲۱۲٦	۷۷	۷ر۲	۳ر۱
« مهر	۳۰ر۵٤۷	۲٦۱۵	۲۱۳۷	۸٤	٦ر۹	۳ر۲
« آبان	۳۲۹۳۹	۲٤٦٤	۲۱٦۹	۵۷	٦ر۵	۲ر۳
« آذر	۲۹۲۱۱	۲۱۱٤	۲۳۰۷	۱۰٤	۷ر۸	٤ر۹
« دی	۳۳ر۹۵۹	۲۵۸۱	۲۵۷٤	۸۱	۷ر۵	۳ر۱
« بهمن	۳۰۸۵٦	۲٤۲۳	۲٤۵۹	٦٤	۷ر۹	۲ر٦
« اسفند	٦٤۹۰٤	۳۲۳۰	۵۳۰٦	۱۳٦	۸ر۱	٤ر۲
جمع	۷۷٤۳٦۵	٦۱۱۰۰	۵۹٦۸۲	۱۹۸۱	۷ر۷	۳ر۲

اداره پس‌انداز بانك ملی

پس انداز عبارتست وجوهی‌که افرادوموسسات خصوصی وبخش دولتی بصورت نقد نزد خود ویا بصورت سپرده در حسابهای بانکی نگاه میدارند واز نظر علمی هرکس بنحوی تعریف نموده و تعریف‌زیر با نظرات علمای اقتصاد بیشتر مطابقت دارد .

«پس‌انداز عبارتست از آن قسمت درآمد یا تولید غیرخالص ملی که دولت ومردم بمصارف جاری وزودگذر تخصیص نداده وبعوض صرف سرمایه‌گذاری برای تحصیل دارائی هائی میکنندکه براثر استفاده وبهره‌برداری از آن دارائی ها سطح تولید ملی ودرآمد سرانه کشور افزایش می‌یابد » .

بانك ملی ایران با تاسیس شعب مردم را تشویق به‌پس انداز نموده وبرای حسابهای پس‌انداز بهره متغیری نسبت بمبلغ میپردازد و علاوه برآن تا یکسال پیش سالیانه یکبار در خردادماه قرعه‌کشی نموده وبکسانی که برنده شناخته میشوند جایزه میدهد ــ نتیجه این شده که اکنون پس‌ازگذشتن سی‌وپنج سال اینك متجاوز از ۱۸۰۰ر۰۰۰ نفر در بانکملی حساب پس‌انداز دارند که جمع موجودی آنها بمتجـاوز از ۱۸ر٦۷۵ر٤۰۰ر۰۰۰ ریال است‌که سالیانه در حدود ۲۰ر۰۰۰ر۰۰۰ریال جائزه بآنها تعلق میگیرد واینك مدت‌دوسال است‌که یك قرعه‌کشی‌محلی نیز بعمل میآید .

امروز تنها بانك ملی نیست که مردم را بهپس انداز ملی‌تشویق میکند بلکه بانکهای دیگر نیز با افتتاح حسابهای پس‌انداز بنامهای مختلف مبالغ هنگفتی از سرمایه های مردم را نگاهداری میکنند و بطوریکه آمار نشان میدهد در فاصله سال ۱۳۳٤ تاکنون برمیزان پس انداز مردم مبلغ قابل توجهی افزوده شده وما بدون اینکه بعلل ازدیاد آن از نظر اقتصادی توجه کنیم ناگزیر از یادآوری دو نکته میباشیم .

۱ ــ مساعی بانك ملی ایران در تشویق مردم به پس‌انداز در وجه اول وسایر بانکها در مراتب بعدی در خور توجه وتحسین‌است .

۲ ــ چنانچه برنامه‌های صحیحی برای سرمایه‌گذاری اجرا شود بکار افتادن چنین سرمایه های کلانی میتواند در تولید ملی‌فوق العاده موثر واقع شود .

طبق آمار بدست آمده که وسیله بانك مرکزی استخراج گردیده میزان پس‌انداز مردم نزد بانکها از اسفند سال ۱۳۳۸ تا اسفند ۱۳٤۱، بشرح زیر تغییر نموده است

به میلیون ریال

۱۳۳۸ اسفند	۱۳۳۹ اسفند	۱۳٤۰ اسفند	۱۳٤۱ اسفند
٦۳۷۹	۷۲۷۷	۹۳۰۲	۱۳٤٦۸

بانك مرکزی

اولین‌بار امتیاز انتشار اسکناس ببانك شاهنشاهی اعطاءگردید و بعدا که بانك ملی تاسیس یافت این حق ببانك مزبور منتقل گردید و بانك توانست درسال ۱۳۱۱ اولین اسکناس بامضای بانك را منتشر کند از سال ۱۳۱۱ تا سال ۱۳۳۹ بانك ملی بانك ناشر اسکناس بود و ضمن انجام امور بانکی به‌نشر اسکناس و حفظ پشتوانه و کنترل اعتبارات نیز میپرداخت تا زمانیکه سرمایه‌های خارجی بایران سرازیر نشده بود و بانکهای خصوصی یا تشکیل نشده و یا هنوز نقش عمده‌ای نداشتند انجام این وظایف بدست بانکی که بامور بانکی میپرداخت چندان مشکل وخارج از قاعده نمینمود ولی سرازیر شدن وامهای خارجی و لزوم انتشار اسکناس بیشتر و سفته‌بازی و تاسیس بانکها کنترل وارشاد اعتبارات را مشکل نمود و ضرورت تاسیس مرکزی‌که بتواند ضمن حفظ ارزش پول بارشاد اعتبارات بپردازد محسوس‌تر گردید وبالاخره بانك مرکزی ایران بموجب قانون بانکی و پولی‌کشور مصوب ۷خرداد ۱۳۳۹ تاسیس یافت وشروع بکار نمود .

برای اینکه بانك مرکزی یك‌موسسه مستقلـی از دولت بـاشد درکشورهای اروپائی و امریکائی زیاد اظهار تمایل‌میشد که بانك بصورت شرکت سهامی اداره شود تا با دولت چندان ارتباطی نداشته باشد ولی رفته رفته که مسائل پولی اهمیت خاصی برای دولتها پیدا میکرد لزوم نظارت دولت محسوس‌تر گردید ــ درایران نیز بانك ملی بصورت شرکت سهامی تشکیل شد ولی بانك مرکزی بموجب قانون یك موسسه مستقل شناخته شده و دولت در آن نظارت‌دارد.

وظیفه بانك مرکزی

بموجب ماده ۲۸ قانون پولی و بانکی کشور بانك مرکزی دارای وظایف زیر است :

« بمنظور **حفظ ارزش پول و تنظیم اعتبارات** موسسه مستقلی بنام بانك مرکزی ایران تشکیل میگردد که دارای **حق انحصاری انتشار** اسکناس وپول فلزی خواهد بود » .

پس درحقیقت دو وظیفه بعهده بانك واگذار گردیده ۱ــحفظ ارزش پول ــ ۲ــ تنظیم اعتبارات.

۱ــ حفظ ارزش پول ــ حفظ ارزش پول در داخل کـه درحقیقت نگهداری قوه خریدپول‌باشد درایران با اتکاء به پشتوانه اسکناس صورت میگیرد ــ درتمام دنیا نسبت‌معینی بین اسکناس و پشتوانه نگهداری میشود که در ایران ٤۰ درصد است و چون

بانك مكلف برعايت این نسبت گردیده عملا نمیتواند بیش از حد معین اسکناس منتشر نموده تورم ایجاد نماید ــ درایران‌وضع‌پشتوانه خوب بوده و جای نگرانی نیست و عملا نسبت ۴۰ درصد فعلا ۵۶ درصد نگهداری میشود .

اسکناس پس از چاپ چنانچه انتشار آن ازنظر اقتصادی ضروری تشخیص داده شود وسیله اعتبارات بانکی دراختیار مردم گذاشته میشود و یا ممکن است بدولت وام داده شود و دولت آنرا بجریان بگذارد . البته حفظ ارزش پول در داخل کشور علاوه‌بر حفظ نسبت پشتوانه با مسائل دیگر ارتباط پیدا میکند ازقبیل عرضه و تقاضای پول و مالیاتها ــ تعرفه گمرکی ــ مقررات ورود وصدورکالا ــ

ارزش خارجی پول از راه مراقبت در موازنه پرداختها صورت میگیرد و چون طبق قانون اختیار کلیه معاملات اروی بیانك مرکزی داده شده بانك میتواند با سیاست صحیح ارزی ارزش خارجی را بنحو خوبی نگهداری و حفظ نماید .

۲ــ تنظیم و ارشاد اعتبارات ــ چون پول در گردش از طریق اعطاء اعتبارات وسیله بانکها صورت میگیرد پس اگر حفظ ارزش پول که قانون عرضه وتقاضا نیز برآن موثراست لزوم داردراینصورت کنترل اعتبارات نیز ضرورت پیدا خواهد کرد . اعتبارات بانکها را بچند طریق میتوان انجام داد ــ بشرح زیر:

۱ــ چون طبق قانون کلیه بانکها مکلف هستند که سپرده قانونی نزد بانك مرکزی داشته باشند شورای پول واعتبار که مکلف بهدایت اعتبارات است میتواند سپرده قانونی آنها را تقلیل داده و باقتضای مصالح پولی کشور بالا و پائین ببرد ــ مثلا مطابق قانون بانکها بایستی برای سپرده‌های مدت‌دار و پس‌انداز ۲۰ درصد و برای سپرده‌های جاری ۳۰ درصد سپرده قانونی نزد بانك مرکزی داشته باشند که فعلا این نسبت ۵درصد و ۱۵ درصد است ــ حال چنانچه ایجاب نماید بانك مرکزی میتواند این نسبت را پائین و بالا برده و دست بانکها را در اعطاء اعتبار بسته و یا باز بگذارد .

۲ــ کاهش و افزایش نرخ تنزیل اتکائی که اخیرا بانك‌مرکزی دست بآن زد و نرخ تنزیل را تنزل داد ــ توضیح اینکه بانکها مجبور هستند همیشه نرخ تنزیل خود را یك یا دو درصد کمتر از نرخ تنزیل اتکائی تعیین نمایند حال چنانچه بانك مرکزی درنظر داشته باشد اعتبارات بیشتری بجریان افتد می‌تواند نرخ تنزیل اتکائی را پائین بیاورد و برعکس چنانچه کاهش اعتبارات مورد نظر باشد نرخ تنزیل اتکائی را بالا ببرد .

۳ــ کنترل اعتبارات از راه تعیین نسبت قانونی بین دارائیهای آنی و بدهیهای دیداری بانکها چون بموجب قانون پولی و بانکی کشور وظیفه کنترل اعتبارات بعهده شورای پول و اعتبار گذاشته‌شده درین باب توضیح بیشتری میدهیم ــ

عمده وظایف شورای پول و اعتبار بشرح زیر است :

۱ــ همکاری با رئیس کل بانك‌مرکزی در اداره عمومی‌بانك.

۲ــ هدایت فعالیت بانکها ونظارت درامور بانکداری‌دراین مورد بانك میتواند هرگونه اطلاعی ازسایر بانکها بخواهد .

۳ــ دادن نظر مشورتی بدولت درامور مالی و اظهار نظر درمسائل پولی واقتصادی .

ازنظر سازمانی شورای پول و اعتبار ازیك دبیرکل و یك دبیرخانه تشکیل شده است .

واحد پول ایران

واحد پول ایران ریال است که بیکصد دینار تقسیم‌میشود .

قیمت یك‌گرم طلای خالص ۸۵٫۲۳۹۶۱۵۹ ریال است و یك ریال محتوی ۰٫۰۱۱۷۳۱۶ گرم طلای خالص است .

برابری پولهای خارجی نسبت بریال ونرخ خرید وفروش ارز توسط بانك مرکزی بارعایت تعهدات کشور درمقابل صندوق‌بین‌المللی پول تعیین و در روزنامه رسمی کشور درج میشود که نرخ خرید و فروش فعلا بشرح زیراست :

نرخ رسمی خریدوفروش ارزها

نوع ارز	خرید بریال	فروش بریال
یك دلار امریکا ــ تهاترمجارستان	ــر۷۵	۷۶٫۵۰
« دینار عراق	ــر۲۱۰	۲۱۴٫۲۰
« روپیه هندوستان	۱۵٫۷۵	۱۶٫۱۰
« فرانك بلژیك	۱٫۵۰	۱٫۵۳
« فرانك‌سویس ــ تهاترچك	۱۷٫۱۵	۱۷٫۵۰
« فرانك فرانسه	۱۵٫۲۰	۱۵٫۵۰
« گیلدر (فلورن) هلند	۲۰٫۷۰	۲۱٫۱۵
« کرون دانمارك	۱۰٫۸۵	۱۱٫۰۵
« کرونای سوئد	۱۴٫۵۰	۱۴٫۸۰
« کرون نروژ	۱۰٫۵۰	۱۰٫۷
« مارك آلمان	۱۸٫۷۵	۱۹٫۱۵
« شلینگ اطریش	۲٫۹۰	۲٫۹۵
یکصد لیر ایتالیا	۱۲ــ	۱۲٫۲۵
یك‌لیره انگلیسی ــ تهاتر لهستان	ــر۲۱۰	۲۱۴٫۲۰

جریان قانونی و قوه ابراء

تنها اسکناس و پول فلزی جریان قانونی و قوه ابراء دارد و پول طلا جریان قانونی نخواهد داشت مگر با اجازه شورای پول و اعتبار .

پشتوانه

دارائیهائیکه جزو پشتوانه طلا قبول میشوند عبارتند از شمش طلا و طلای مسکوك موجود درخزانه های بانك و طلائیکه دربانکهای مرکزی بیگانه و یا موسسات مالی بین‌المللی سپرده شده طلای تحویلی بصندوق بین‌المللی پول و بانك بین‌المللی ترمیم و توسعه .

دارائیهای ارزی قابل‌قبول پشتوانه عبارتند از اسکناسهای خارجی مورد قبول بانك مرکزی ــ مطالبات ارزی اعم از دیداری یا مدت‌دار که مدت آن از ششماه تجاوز نکند ــ هرگونه پرداخت‌بصندوق بین‌المللی پول و بانك بین‌المللی توسعه و ترمیم و شرکت مالی بین‌المللی ــ مطالبات ریالی یا ارزی از خارجه ــ اسناد بازرگانی قابل پرداخت بارز صادره عهده خارجه .

سرمایه بانك مرکزی

مبلغ ــر۰۰۰ر۰۰۰ر۶۰۰ر۳ ریال سرمایه و مبلغ۸۵ر[illegible]ر۸۵۳ر۹ ریال اندوخته بانك را تشکیل میدهد .

ارکان بانك

۱ــ مجمع عمومی ۲ــ رئیس کل ــ ۳ــ شورای پول واعتبار ۴ــ هیئت عامل ۵ــ هیئت اندوخته‌اسکناس ۶ــ هیئت نظار ۷ــ بازرس دولت .

بهای صادرات و واردات کشور های جهان

بحسب میلیون دولار ـ درسال ۱۹۶۱

(مأخذ : سالنامهٔ آماری ۱۹۶۲ ملل متحد)

نام کشور	صادرات	واردات	نام کشور	صادرات	واردات
افغانستان	٤٩ (۱*)	٥٨ (* ۱)	عراق	٦٦٢(٤*)	٤٠٨(٤*)
آلبانی	٤٩ (۲*)	٨١(۲*)	ایرلند	٥٠٥	٧٣٢
آرژانتین	٩٦٤	١٤٦٠	اسرائیل	٢٣٩	٥٧٧
استرالیا	٢٣٢٤	٢٠٩٣	ایتالی	٤١٨٨	٥٢٢٢
اطریش	١٢٠٢	١٤٨٥	ژاپون	٤٢٣٦	٥٨١٠
بلژیك ـ لوگزامبورگ	٣٩٢٤	٤٢١٩	اردن	١٥	١١٧
بلیوی	٦٥	٧٣	کره جنوبی	٤١	٣١٦
برزیل	١٤٠٣	١٤٦٠	لائوس	١	١٧
بلغارستان	٦٦١	٦٦٦	لبنان	٤٢	٣٤٣
برمه	٢٢٠	٢١٦	لیبریا	٨٣ (۲*)	٩١
کامبودیا	٦٣	٩٧	مالایا	٨٥٧	٧٢٨
کانادا	٥٨١١	٥٦٩٤	مکزیك	٨٢٦	١١٣٩
سرندیپ	٣٦٤	٣٥٨	مراکش	٣٤٣	٤٥٢
شیلی	٥٠٨	٥٨٥	هلند	٤٣٠٧	٥١١٢
چین (جمهوری مردم ـ کمونیست)	١٠٠٠(۳*)	١٠١٠(۳*)	زلاند نو	٧٩٣	٩٠١
چین (ملی ـ تائیوان)	١٩٦	٣٢٢	نیکاراگوا	٦١	٧٤
کلمبیا	٤٣٤	٥٥٧	نروژ	٩٣١	١٦١٦
کستاریکا	٨٤	١٠٧	پاکستان	٤٠٠	٦٤٢
کوبا	٦١٧ (۲*)	٨٠٨(۲*)	پاناما	٣٠	١٢٤
چك اسلواکی	٢٠٤٦	٢٠٢٤	پاراگوئه	٣١	٣٥
دانمارك	١٥٣٧	١٨٧٣	پرو	٤٩٤	٤٦٨
جمهوری دومینیکان	١٤٣	٦٩	فیلیپین	٤٩٩	٦١١
اکوادور	١٢٧	١٠١	لهستان	١٥٠٤	١٦٨٧
مصر (جمهوری متحده عربی)	٤٨٥	٦٧٨	پرتقال	٣٢٦	٦٥٦
السالوادور	١١٩	١١٢	رومانی	٧٩٣	٨١٥
حبشه	٧٦	٩٣	جمهوری افریقای جنوبی	١٣٣٣	١٤٠٦
فنلاند	١٠٥٤	١١٥٣	اسپانیا	٧١٠	١٠٩٢
فرانسه	٧٢١٠	٦٦٧٨	سوئد	٢٧٤٣	٢٩٢٧
آلمان باختری	١٢٦٨٧	١٠٩٤١	سویس	٢٠٤١	٢٧٠٧
آلمان خاوری	٢٠٤٢	٢٠١٩	سوریه	١١٠	١٩٩
غانه	٢٩٢	٣٩٤	تایلند	٤٧٧	٤٨٥
یونان	٢٢٣	٧١٤	ترکیه	٣٤٧	٥٠٩
گواتمالا	١١٥	١٣٤	سلطنت متحده (بریتانیا)	١٠٣٠٨	١١٨٦٤
هائیتی	٣٢	٣٥	کشور های متحده امریکا	٢٠٧٥٥	١٤٧٠٢
هندوراس	٧٣	٧٢	اورگوئه	١٧٥	٢٠٨
مجارستان	١٠٢٩	١٠٢٦	اتحاد جماهیر شوروی	٥٩٩٨	٥٨٣٢
آیسلند	٧١	٧٥	ونزوئلا	٢٤١٣	١٠٥١
هند	١٣٨٦	٢٢٤٦	ویت نام	٧١	٢٥٥
اندونزی	٧٨٤	٧٩٤	یوگوسلاوی	٥٦٩	٩١٠
ایران	١١١	٥٧٢			

توضیح راجع بجدول بالا : کلیه‌ارقام معرف‌بهای صادرات وواردات‌در سال ۱۹۶۱ است باستثنای اقلام‌زیر :
(۱*) سال ۱۹۴۸ (۲*) سال‌۱۹۶۰ (۳*) تقریبی (بسبب دردسترس نبودن گزارش رسمی)(٤*) سال ۱۹٥٤

معاملات پایاپای

تجارت خارجی هرکشوری ممکن است بچند طریق صورت‌گیرد و هدف معین و مشخصی را تعقیب نماید.

زمانی در اروپا هدف ازتجارت خارجی ازدیاد طلا و نقره درداخله کشوربود ، آنها وجود این فلز را دلیل ازدیاد ثروت کشور و توسعه و پیشرفت آن میدانستند ، بعدها عده‌ای بفکرافتادندکه بمنظورافزایش کار و فعالیت در داخل کشور صادرات را رونق دهند و باازدیاد صادرات به نتیجه مطلوب‌برسند.ولی امروز غالب کشورها برای بالابردن رفاه اقتصادی مردم کشور که‌یك موضوع کلی است و بالنتیجه‌موجب ازدیاد فعالیت نیز درداخل میشود تجارت خارجی را تشویق میکنند.

برای رسیدن بهدفهای مزبور طرق مختلفی ممکن است پیش‌گرفته شود از جمله آزادی اقتصادی ، سیاست‌درهای باز ، محدودیت‌ورود و صدور کالا ووضع مقرراتی جهت آن ــ و بالاخره معاملات دوجانبه که باشکال مختلف ظاهر میشود از جمله ــ تهاتر ــ پایاپای ــ پرداخت وغیره .

موضوع مورد بحث ما معاملات تهاتر و پایاپای است البته معاملات تهاتر که همان مبادله جنس با جنس است تا حدود زیادی متروك شده و بعلت محدودیت و اشکالات‌دیگر دول در مواقع لازم بطریق پایاپای عمل مینمایند .

در معاملات پایاپای وقتی مبیع را میدهیم بلافاصله (فاصله‌ای که عرفا فاصله گفته نشود) جنس‌را که همان ثمن باشد تحویل میگیریم ولی درمعاملات پایاپای ممکن است ثمن پس از مدت چند ماه بدست‌ما برسد .

معاملات پایاپای بین دو کشور که مدت کم یا طولانی در مضیقه ارزی هستند واغلب بعلل اقتصادی پول آن‌ها ارزش خود را از دست داده یا مصالح سیاسی ایجاب نماید برای رفع احتیاجات داخلی وصدور کالا های مازاد بدون صرف ارز خارجی مبادرت به معامله پایاپای نمایند انجام میگیرد .

تقریبا تا شروع جنگ اول‌و بروز بحرانهای مالی و تنزل ارزش پول کشورها معاملاتی بصورت‌معامله پایاپای بین کشور ها صورت نمی‌ـ گرفت و با پیش آمد جنگ مزبور و ظهور و بروز بحران‌ها دولت‌ها ناگزیر شدند برای ورود کالاها مقرراتی وضع نمایند تا بتوانند کنترل بیشتری برامور اقتصادی داشته باشند . وجود این مقررات موجب تقلیل تجارت خارجی شد و چون همه مللی‌که قبلا به‌تجارت با هم اشتغال داشتند با محدودیت آن دچار اشکالات بی‌شماری می‌ـ شدند در صدد راهی برای خروج از بن بست برآمدند . و بالاخره باین فکر افتادند که مایحتاج خود را در مقابل کالاهای مازاد مبادله نمایند .

آلمان هیتلری که بمواد خام ارزان قیمت برای ادامه سیاست تسلط جوئی خود احتیاج داشت باین طریق متوسل گردید .

معاملات پایاپای یا خصوصی و یا عمومی است ــ وقتی معامله خصوصی است که بین دو بازرگان‌یا یك بازرگان و یك دولت معامله صورت گیرد مثلا در مقدمه قرارداد پایاپای سابق ایران و دانمارك نوشته شده «هیئت وزیران درجلسه ... تصویب نمودند وزارت بازرگانی قرارداد پایاپای خصوصی با نماینده شرکت ایران و دانمارك منعقد نماید » ووقتی معامله پایاپای عمومی است که بین دو دولت صورت گیرد. درمقدمه قرارداد ایران‌وچك‌اسلواکی نوشته شده «دولت‌شاهنشاهی‌ایران و دولت جمهوری چك‌اسلواکی با توجه به ... نسبت بمراتب زیر توافق نمودند.»

ترتیب انجام معامله

در معامله پایاپای دو کشور لیست کالاهائی را که قصد صدور آنها را دارند تهیه نموده و لیست‌ها را با هم مبادله میکنند با هم در مورد صدور چند قلم از کالاها موافقت می‌نمایند بدیهی است انجام این توافق بسهولت صورت نمیگیرد چون هر کشوری سعی میکندکالائی را که در بازار های آزاد باب‌معامله

معاملات پایاپای

نیست بدهد و در مقابل کالای مورد احتیاج خود را بگیرد.

البته بعداً پولی‌که طرفین‌معیار و مقیاس قرار دهند لازمست تا کالاهای خود را مبادله کنند ـ و معمولا در معاملات دلار یا لیره را بعنوان محك ومقیاس تعیین‌مینمایند سپس طرفین قیمت هریك ازکالاهای خود را بپولی ملی تعیین نموده و سپس معین میکنند که مجموع قیمت يك کالا برابر با چند دلار یا لیره است و با توجه بسهمیه هرکالا عمل مبادله صورت میگیرد.

درانتخاب‌معیارومقیاس‌دول‌بیشتر باین توجه دارند که پول موردنظر پول محکمی بوده و دائما درنوسان نباشد.

بطوری که دیدیم در معامله پایاپای پولی رد وبدل نمیشود ودر حقیقت پول مقیاس معیاری است‌که کالاهای صادراتی ووارداتی را باآن میسنجند واگر درآخر مازادی‌وجود داشت ویك طرف مقداری بدهکار بود بقیه را ممکن است بصورت پرداخت ارز قابل قبول بپردازد ویا بهمان میزان کالا صادرکند.

سپس دو کشور دربانك‌مرکزی خود حسابی بنام دولت طرف معامله باز میکنند ـ اگر معامله بین دودولت صورت گیرد از نظر اعتباری‌که دول در معاملات بین‌المللی‌کسب نموده‌اند وبرعایت و حفظ آن کوشا هستند اشکالی پیش نمیآید و دوطرف با اطمینان بمعامله میپردازند ولی اگریك طرف شرکت یا بازرگانی‌باشد برای اینکه دولت طرف معامله بانجام صحیح معامله مطمئن باشد رعایت احتیاط را مینماید ـ مثلا وقتی بازرگان ایرانی بخواهد از خارج جنس وارد کند لازم است اعتبار او مورد تأیید بانك ملی یا هربانك خصوصی دیگر قرار بگیرد و سپس معامله صورت گیرد.

پس از تصویب قراردادبوسیله مقامات ذیصلاح دو کشور قرارداد ازتاریخی که در قرارداد تعیین شده باجرا گذاشته میشود و طرز کار بدین ترتیب است‌که هریك‌کالائی راکه صادر مینماید قیمت آن رابارز پیش بینی شده در قرارداد تعیین نموده و درحسابی‌که نزد خوددارد حساب دولت و یا طرف خودرا بدهکار میکند و برعکس باورودکالا حساب مشتری خود را بدهکارنموده وحساب بانك طرف را بستانکارمی‌کند و بالاخره این عمل تا آنجا ادامه‌پیدا میکندکه‌کاملا بمفادقرارداد عمل شده و در پایان معامله هیچیك ازطرفین طلبکار ها بدهکار نباشد.

امروز بیشتر کشور های کم ارز و بلوك شرق بمعامله پایاپای مبادرت میکنند و کشور های‌مترقی غربی علاقه‌ای باین نوع معاملات نشان نمیدهند بدلیل این که آن‌ها ارزکافی دراختیار دارند وترجیح میدهند کالاهای مورد نیاز خودرا از بازارهائی که جنس ارزان‌تر تمام شده و بفروش میرسد خریداری نمایند.

انجام معاملات پایاپای درایران موجب ابراز نظرات موافق ومخالفی در مورد این نوع معاملات گردیده است مخالفین میگویند:

از زمانیکه ما مبادرت به‌معاملات پایاپای نموده‌ایم بحکایت ارقام و آمار موجود، قسمت عمده صادرات ما بآن کشور ها تخصیص داده شده و نه‌تنها این نوع معامله موجب‌ازدیاد صادرات نشده بلکه خطری برای بازارهای ما در سایر نقاط بشمار رفته است ـ اگر در مواردی‌مشاهده کنیم که ارزش صادرات بالارفته مربوط به تنزل ریال است و درواقع ازدیاد صادرات‌وجودندارد. همچنین معاملات پایاپای جریان معامله را عوض میکند و این تغییر جهت بنفع ایران نیست چون صادرات ما محدود بچند قلم است واین چند قلم در بازارهای آزاد سال ها است که فروخته‌میشوندوبا انجام‌معاملات پایاپای ناچار هستیم جنس را بجای ارسال ببازار های آزاد بکشور هائی که با ما معامله پایاپای دارند بفرستیم و بازارهای اصلی خودرا که موجب تحصیل ارز برای ما هستند از دست بدهیم بعلاوه کشور

معاملات پایاپای

هائی‌که با ایران معامله پایاپای می کنند اجناس ما را بعداً خود صادر میکنند و ما اگر دربازار های آزاد با آنها روبرو شویم آنها جنسی را که از خود ما گرفته‌اند بقیمت ارزانتری ببازار ارائه میدهند و مانع فروش محصولات ما میشوند ــ در صورتیکه میشود باسرمایه گذاری رشته‌هائی را در داخل که محصول آن باب صادراتی است و درخارج خریدار عمده دارد مثل پنبه وسنگ های معدنی تقویت و صادر نمود ــ و با معاملات چند جانبه استفاده بیشتری تحصیل کرد.

موافقین معاملات‌پایاپای‌بموارد زیر استناد میکنند :

۱ــ چون کالاهای صادراتی ما دربازار های آزاد بعلت عدم رعایت صحیح بسته‌بندی ومرغوبیت جنس و مخلوط بودن آن با مواد خارجی خریدار عمده ندارد ناگزیریم برای تحصیل کالاهای مورد نیاز خود بدون‌صرف‌ارز، کالاهای‌نامرغوب‌خود را صادرکنیم‌و کالاهائی که درداخل مصرف داشته طرف احتیاج است وارد نمائیم.

۲ــ با اینکه کشور ما تاحدی دارای منابع ارزی است از قبیل نفت معذلك چون منابع مزبور در گرو سایر تعهدات ما است استفاده از آن بمقدار کافی مقدور نیست بعلاوه منابع ارزی متضررند کما اینکه در سال های ۱۳۳۲ ــ ۱۳۳۱ ما از راه نفت نتوانستیم تحصیل ارزی بکنیم . و بهمین دلیل ناچاریم احتیاجات خود را از راه انجام معاملات پایاپای بدست آوردیم.

۳ــ اقدام لیست کالا های صادراتی ایران بکشور هائی که با آنها طرف معامله تهاتری هستیم حاکی است که ما درمقابل یك مقدار مواد غیر قابل صدور ببازارهای‌آزاد بیشتر ماشین آلات ــ مواد وکودهای شیمیائی‌ــ کاغذــ لوازم راه آهن ــ حمل ونقل وغیره‌که بیشتر طرف احتیاج مردم این‌کشور است وارد مینمائیم و درحقیقت ازاین راه احتیاجات خود را تامین میکنیم.

صرفنظر از نظریات دوطرف باید توجه داشت مادامیکه‌منابع‌ارزی کافی درایران وجود نداشته و محصولات و مواد داخلی کشور ما بازار های مناسبی در خارج از کشور بدست‌نیاورده‌اندانجام‌معاملات پایاپای نبایستی متوقف شود. نهایت درانجام این معاملات باید توجه داشت باکشورهائی‌که‌کالای موردنیاز ما را ندارند حتی‌المقدور با قرارداد منعقد نکنیم اگر درموادی مصالح سیاسی ایجاب مینماید حتی‌المقدور بصدورکالاهائی‌که دربازارآزادچندان خریداری ندارند مبادرت نمائیم.

فعلا ما با کشورهای مشروحه زیرقرارداد پایاپای داریم: لهستان‌ــ چك‌اسلواکی ــ مجارستان ــ افغانستان ــ هند ــ پاکستان ــ ترکیه ــ شوروی ــ سیلان‌ــ اردن هاشمی اخیرا بعضی ازاین کشورها برای ایران اعتباراتی قائل شده‌اندو بدین ترتیب در آینده مناسبات اقتصادی این‌کشورها با ایران‌توسعه خواهد یافت.

تاسیس انجمن قانونی محاسبین قسم خورده ایران

رسمیت یافتن وبه‌ثبت‌رسیدن انجمن قانونی محاسبین قسم‌خورده ایران در سال ۱۳۴۲ قدم موثری برای پیشرفت اقتصاد و مالیه‌کشور بشمار میرود.

نظیر این انجمن در کشور های مترقی جهان از سال‌ها پیش تاسیس شده است و حسابرسان مستقل و حسابداران عضو انجمن های مذکور در تهیه طرح سیستم حسابداری و رسیدگی حساب ها وراهنمائی وکمك به‌مدیران‌موسسات خصوصی ، سرمایه گذاران وادارات مالیات بردرآمد و بهبود امور مالی و حسابداری موسسات عمومی و خصوصی نقش عمده وموثری‌داشته و دارند.

در ایران تاسیس انجمن حسابداران و حسابرسان رسمی برای نخستین بار در ماده ۳۳ قانون مالیات بردرآمد مصوب ۱۶ فروردین ۱۳۳۵ بشرح زیر پیش‌بینی شده است :

ماده ۳۳ — در هر موقعی که انجمن محاسبین وکارشناسان قسم خورده درکشور تشکیل شود وزارت دارائی مکلف است نتیجه رسیدگی محاسبین قسم خورده را در مورد حساب یا ترازنامه بازرگان یا شرکت بپذیرد. دراین صورت برای‌تشخیص مالیات مودی دیگر حاجت رسیدگی بدفاتر و اوراق مودی نخواهد بود.

در مرداد ماده ۱۳۴۰ وزارت دارائی براساس اختیارات حاصله از ماده ۳۳ قانون مذکور در فوق آئین‌نامه مربوط بتاسیس انجمن محاسبین قسم خورده و کارشناسان حساب را «بمنظور تشکیل مرجع رسمی جهت رسیدگی بحساب ها ودفاتر اشخاص وشرکتهاوموسسات دیگر و اظهار نظر در اختلافات محاسباتی» صادر کرد. در این آئین نامه انجمن مذکور انجمنی «مستقل و دارای شخصیت‌حقوقی» شناخته شده است.

در دی ماه ۱۳۴۰ مقدمات تشکیل این‌انجمن فراهم‌شدونخستین هیات مدیره انجمن اساسنامه آن‌را مشتمل بر ۲۴ ماده و۱۰ تبصره تنظیم کرد که اساسنامه مذکورپس از تصویب وزیر دارائی‌بشماره۷۲۳۱ وبتاریخ ۳۱ر۲ر۱۳۴۲ ازطرف‌وزارت دارائی انتشار یافت. در نهم‌خرداد ماه ۱۳۴۲ هیات مدیره جدیدانجمن بر اساس مقررات اساسنامه‌مصوب انتخاب ، و پس از بثبت رسانیدن انجمن در تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳۴۲، انجمن حسابداران و حسابرسان رسمی ایران بنام **انجمن قانونی محاسبین قسم خورده وکارشناسان حساب ایران** رسما تشکیل شد.

ماده اول اساسنامه انجمن‌منظور از تشکیل آنرا بشرح زیر تعریف میکند :

« متشکل ساختن حسابداران صلاحیتدار کشور و تربیت حسابداران خبره و تمرکز عمل کارشناسی حساب و تدوین اصول حسابداری و حسابرسی و اجرای دقیق موازین‌حرفه‌ای‌واخلاقی‌توسط اعضای انجمن.»

تعداد اعضاء انجمن قانونی محاسبین قسم خورده و کارشناسان حساب ایران (حسابداران قسم خورده) تا پایان سال ۱۳۴۲ به ۵۱ نفر رسیده است که ذیلا اسامی اعضاء مذکور درج میگردد:

فهرست اسامی اعضاء رسمی

انجمن قانونی محاسبین قسم‌خورده ایران

۱ــ آقای دکتر محمدحسین فرخ پارس — رئیس هیئت مدیره
رئیس دانشکده بانکداری‌وعلوم مالی و اقتصادی دانشگاه ملی ایران.
تلفن ۴۹۵۱۶ — ۶۴۷۴۹ — ۶۲۶۰۰

۲ــ آقای دکتر ضیاء الدین هیات — نایب رئیس هیات مدیره
دبیر کل کانون بانکها
خیابان سپهبدزاهدی‌ــ‌خیابان خوشبین — شماره ۴
تلفن ۴۱۱۸۶ — ۴۷۷۴۶

۳ــ آقای دکتر عزیز نبویــ
دبیر انجمن و عضو هیات مدیره
استاد حسابداری دانشگاه ملی ایران
خیابان حافظ — جنب بانك ایرانیان — ساختمان زمرد
تلفن ۴۵۰۶۰ — ۶۲۶۰۰۱ — ۶۲۶۴۵۵ — ۶۴۷۴۹

۴ــ آقای دکتر مهدی کاتوزیانــ
عضو هیات مدیره
قائم مقام مدیر عامل بانك اعتبارات کشاورزی‌وعمران‌روستائی
تجریش — کوچه کاشف‌ــ شماره ۶۰
تلفن ۸۳۴۵۲

۵ــ آقای حسین میر شمس شهشهانی — عضو هیات مدیره
بازرس دولت در بانك‌کشاورزی و سازمان مرکزی تعاون روستائی
تلفن ۶۲۲۷۵۶

۶ — آقای ضیاءاله شهیدیــ
عضو هیات مدیره
رئیس اداره کل حسابداری بانك ملی ایران
تلفن ۶۷۷۰۷

۷ــ آقای حسین‌سجادی‌نژادــ
عضو هیات مدیره
قائم مقام و سرپرست سازمان امور مالی شرکت ملی نفت ایران
تلفن ۶۱۱۴۹۹

۸ــ آقای سید جعفرنوشینــ
بازرس
میدان ژاله‌ــ خیابان‌فرح‌آباد‌ــ کوچه ارغوان شماره ۲۱

۹ــ آقای پرویز اظهاری —
بازرس
رئیس اداره‌حسابداری‌سازمان برنامه
خیابان پروفسور براون‌شماره ۳۸
تلفن ۴۳۰۹۳

۱۰ــ آقای طغرل آذر
رئیس حسابرسی مالی شرکت ملی نفت ایران

تلفن ۴۴۶۹۳ – ۱۹ر۶۰۳۱۱
۱۱ـ آقای احمد آهی
خیابان تخت جمشید کوی نراقی – صندوق‌پستی ۱۰۶۵
تلفن ۴۵۱۳۲
۱۲ـ آقای بیوك ابریشمیان
سازمان امور مالی شرکت ملی نفت ایران
تلفن ۳۹۶۶۲
۱۳ـ آقای محمد علی احمدی
مدیر کل تطبیق اسناد وتعهدات– وزارت دارائی
تلفن ۴۱۴۱۸ – ۳۰۵۳۵۴
۱۴ـ آقای ابراهیم افتخار
خیابان شمیران کوچه صفا – شماره ۲۳۰ صندوق پستی ۶۳۳
تلفن ۸۵۱۱۴۰
۱۵ـ آقای جعفر افشار
معاون ومدیر قسمت مالی بانك اعتبارات کشاورزی ایران
تلفن ۲۵۸۸۶ – ۳۰۳۰۴۲
۱۶ـ آقای محمد علی امیرخانی
رئیس حسابداری شرکت‌سهامی سیمان تهران
تلفن ۷۱۶۷۱ – ۶۴۸۷۰
۱۷ـ آقای لقمان انصاری کفاش
کارمند بانك ملی ایران – حافظ
خیابان‌گرمابه طوس شماره ۲۹
تلفن ۳۱۰۶۶
۱۸ـ آقای سید علی بحرینی
رئیس اداره امور مالی روزنامه کیهان
خیابان پهلوی کوچه رضوان شماره ۱۲
تلفن ۶۲۰۸۹۸ – ۳۰۴۱۳۵– ۳۱۵۶۱
۱۹ـ آقای احمد برومند جزی
رئیس اداره‌نظارت‌مالی‌سازمان برنامه
تلفن ۶۷۱۱۷ – ۴۴۳۰۶
۲۰ ـ آقای اردشیر بینش‌آق اولی
رئیس اداره تنظیم سازمان‌و بهبود شرکت ملی نفت ایران
تلفن ۶۱۵۷۵۷ – ۸۵۹۵۶
۲۱ـ آقای اصغر ثمره گلستانه
معاون قسمت نظارت مالی سازمان برنامه
مدیر مجله حساب
خیابان شکوفه کوچه‌قندهاری شماره ۱۴
تلفن ۳۴۱۱۶
۲۲ـ آقای بهادر حقیقت پورصوفی
ذیحساب ورئیس اداره‌پرداخت طرحها
قسمت مالی سازمان برنامه
۲۳ـ آقای محمود حکمی
معاون حسابداری کل بانك‌ملی ایران
تلفن ۶۱۳۷۴۲
۲۴ـ آقای اسداله خیر اندیش
حسابرس شرکت ملی نفت
تلفن ۸۴۱۰۵
۲۵ـ آقای حسین داریوش
خیابان اکباتان شماره ۳۰
تلفن ۳۷۶۰۵
۲۶ـ آقای هارمیا داوید خانیان
مدیر عامل شرکت ایرانیت
خیابان ثریا – کوچه بشارت
تلفن ۴۶۲۴۶
۲۷ـ آقای پرویز دبیری فراهانی
حسابدار شرکت ملی نفت ایران
خیابان سلون شماره ۱۳۲۱۵ لندن ناحیه یك جنوب غربی
۲۸ـ آقای صمدسام
حسابدار وام وقراردادها
اداره مرکزی شرکت ملی نفت ایران
تلفن ۶۱۵۷۱۴
۲۹ـ آقای مهدی سمیعی
رئیس کل بانك مرکزی‌ایران
خیابان کاخ شمالی کوی‌فروتن
تلفن ۳۱۲۱۴
۳۰ـ آقای نجات‌اله شاولیان
حسابداری سازمان امور مالی شرکت ملی نفت ایران خیابان شاه ساختمان آلومینیم شماره ۳۲۷
تلفن ۴۹۲۳۱ – ۶۱۵۸۲۱
۳۱ـ آقای سلیم شفا
صندوق پستی شماره ۹۹۷
تلفن ۴۹۰۲۴
۳۲ـ آقای حسین صدرالحفاظی
مدیر عامل بانك بین‌المللی ایران وژاپن
قلهك خیابان دولت کوچه لاوردی شماره ۲۶
تلفن ۳۶۶۵۲– ۸۶۷۱۲
۳۳ـ آقای اسمعیل عرفانی
عضو هیات عالی بازرسی‌شرکت ملی نفت ایران
خیابان فرانسه – روبروی دبیرستان شهناز
تلفن ۴۶۶۶۸
۳۴ـ آقای غلامعلی عرفانی
خیابان نیاوران شماره ۵۱۶
تلفن ۸۴۶۳۷
۳۵ـ آقای محمد علی عطارچی
سرچشمه کوچه کیا شماره ۸
صندوق پستی ۶۳۳
۳۶ـ آقای فتاح علوی
متصدی حسابداری فروش داخله سازمان کل پخش
شرکت ملی نفت ایران
تلفن ۷۴۸۲۶ – ۲۱۰ر۳۰۱۹۱
۳۷ـ آقای هادی غنیمی فرد
قسمت بهبودوروشها
سازمان امور مالی شرکت ملی نفت ایران
تلفن ۳۱۴۵۲ – ۶۱۵۷۹۲
۳۸ـ آقای ادوارد قازاریان
قسمت بهبود روش های مالی
شرکت ملی نفت ایران
تلفن ۶۱۵۹۷۲
۳۹ـ آقای دکتر ملاقاسم کاوسیان
مدیر مالی ورئیس حسابداری
شرکت سهامی انبار های عمومی ایران
خیابان پهلوی کوچه غفاری شماره ۱۱
تلفن ۶۲۰۱۹۴
۴۰ـ آقای رستم کسرائی
حسابداری پخش سازمان امور مالی
شرکت ملی نفت ایران
تهران نوتیر ۳۳ دستگاه
تلفن ۲۰۱ر۳۰۰۹۱
۴۱ـ آقای عنایت‌اله‌کاظمی
رئیس حسابداری شرکت‌سهامی قند پارس
خیابان پهلوی کوچه سیمرغ
تلفن ۶۹۳۱۰
۴۲ـ آقای منوچهر گلبر همدانی
حسابدار ارشد فروش مواد نفتی
ساختمان آلومینیم – شماره ۳۲۷
تلفن ۶۱۳۱۳۱ و۴۹۲۳۱
۴۳ـ آقای شهریار گودرزی
خیابان اکباتان نو
تلفن ۳۳۶۰۷
۴۴ـ آقای محمد مبین آصف
رئیس هیات مدیره شرکت همفن با مسئولیت محدود
مشاور مالی هیات مهندسین

مشاور فرانسوی ژیکوف
مشاور مالی هیات مهندسین مشاور هنر
خیابان حافظ جنب بانك ایرانیان ساختمان زمرد
تلفن ٦١١١٦٣ ـ ٦٤٧٤٩

٤٥ ـ آقای محمد رحیم متقی ایروانی
خیابان ۲۱ آذر شماره ١٤
تلفن ٢٥٦٢١

٤٦ ـ آقای ابراهیم منشی
خیابان مزین شماره ۱۸
تلفن ٨١٧٤٢ ـ ٦ر٧٣٦٩٥

٤٧ ـ آقای حسین میرغفوری
خیابان شهناز پنجم ـ مقابل شماره ٥٢
تلفن ٧٣٧٧١

٤٨ ـ آقای محمود ناطقی
خیابان شاه ساختمان آلومینیوم شماره ٣٤٨
تلفن ٦٨٩٤٥ ـ ٦٢١٩٧٩

٤٩ ـ آقای پرویز نبوی
بانك مرکز یایران اداره نظارت بربانکها

٥٠ ـ آقای منوچهر هوشمندراد
سازمان امور مالی شرکت ملی نفت ایران
تلفن ٦١٥٧١٤

٥١ ـ آقای حسین هوشنگ‌نژاد
رئیس قسمت تصفیه سازمان برنامه
خیابان سعادت کوچه دربار شماره ٢٤
تلفن ٦٢٥٥٧٤

بانك روس و ایران

بانك روس وایران یکی از قدیمی‌ترین بانك‌هـای ایران میباشد روز اول شهریورماه ۱۳۴۲ با چهلمین سالگـرد وتاسیس این بانك مصادف بود هدف فعالیت این بانك چنانچه ازاساسنامه آن پیداست‌انجام اموراعتباری‌ومحاسباتی‌تجارت‌ایران بااتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی ودیگر ممالك‌وهمچنین‌مساعدت‌به‌توسعه‌کشاورزی وصنعت وتجارت داخلی ایران میباشد دراین مدت بانك روس وایران مجدانه‌کمك های زیادی برای توسعه صادرات‌کالاهای‌ایرانی بشوروی بعمل آورده است.

بانك روس‌وایران‌بوسیله‌اعتبارات‌خود به‌توسعهٔ صادرات ایران مخصوصـا صادرات‌کالائی نظیرپنبه وپشم وپوست وخشکبار وسنگهای معدنی وغیره‌که جزو سنت های صادراتی ایران میباشند کمك‌مینماید بازرگانان ومؤسسات ایرانی وارد کننده که‌ازاتحادجماهیرشوروی ویا ممالك‌دیگر کالا وارد مینماینـد نیز ازمساعدت اعتباری بانك برخوردار میگردند.

بانك روس وایران‌که یك بانـك‌تجارتی میباشد هرگونه معاملات بانکی از قبیل‌تنزیل سفته وبروات وضمانت پرداخت‌اسنادپولی بنفع اشخاص ومؤسسات‌درداخل کشور وهمچنین وصول اوراق بهادار وقبول اعتبارات اسنادی ودریافت و پرداخت حواله‌های انتقالی بین ایران‌وسایر کشورهاودیگر اموربانکی را درحدود اختیاراتی که ازطرف بانك مرکزی ایران به‌این بانك‌تفویض شده است انجام میدهد. بانك روس وایران دارای مناسبات‌کارگزاری با اغلب‌بانکهای اروپا وآسیا است و درهرموقع میتوان چك‌های مسافرتی عهده بانکهای‌مسکو ولندن وپاریس وبیروت وسایـر پایتخت‌های جهان را ازاین‌بانك‌خریداری‌نمود.

تهیه چك‌های مسافرتی (تراول‌چك) وسیله مؤثری درصرفه‌جوئی وقت‌و تسهیل سفرمسافران‌وجلوگیری‌ازضررهای‌احتمالی میباشد.



اظهار عقیدهٔ ناظری از یك شرکت تعاونی

راچدیل ایران

قطره قطره جمع گردد   وانگهی دریا شود

در زبان ما أشعار و ضرب‌المثل‌هائی یافت میشود که عموم طبقات‌حتی کسانیکه از نعمت خواندن ونوشتن محروم ویا اساسا نابینا به دنیا آمده‌اند در مکالمات ومباحثات‌روزمره خود بکارمیبرند بدون‌آنکه‌بمعنی ومفهوم اصلی و واقعی آن‌توجه کنند و یا موردی را ارائه دهند که مصداق واقعی آن شعر یاضرب‌المثل باشد . از آنجمله است‌مصرع بالا که مکرر در محاورات‌روزانه مورد استعمال دارد .

برحسب تصادف روزی جزوه‌کوچکی را مقابل خود دیدم‌که مصرع‌چاپ‌شده‌بودطبق‌معمول باین‌شعرپیش‌زیر در بالای آن با حروف درشت پاافتاده (البته‌بصورت‌ظاهر) توجهی‌نکرده و جزوه را گشودم . دیدم‌اساسنامه شرکتی است تعاونی که‌در مقدمه‌اش مطالب بسیار مختصری با استناد باین مصرع نگاشته‌شده . حس کنجکاوی مرا واداشت‌که برای اطلاع از چگونگی‌مطلب شخصا بشرکت مزبور مراجعه و ازکم وکیف آن دقیقا آگاه‌شوم.

چه عیبی دارد ازاینجا شما رابا خود ببرم واز نزدیك معنای‌واقعی (قطره قطره جمع گردد وآنگهی دریاشود) را دریابیم ؟

شرکت تعاونی گنجینه دوستان‌یعنی شرکتی که با این اساسنامه‌واین شعر بوجود آمده دستگاهی‌است که دقیقا دوازده سال و نیم از عمرش میگذرد . این شرکت‌امروز دارای دو فروشگاه بزرگ‌و مجهز است که یکی از آنها درچهار طبقه ساخته شده و ملك خود شرکت میباشد . ارزش بنای این‌فروشگاه بنظر من در حدود چهارمیلیون ریال تخمین شد ولی پس‌از تحقیق از مسئولین شرکت معلوم گردید باوجود استحکام و زیبائی‌بواسطه مراقبت و دلسوزی متصدیان‌شرکت جمعا از بهای زمین ـ ساختمان ـ آب ـ برق ـ تلفون قفسه بندی و تزیینات بیش از دومیلیون ریال تمام نشده است . درحال حاضر تعداد شرکاء شرکت‌حدود سه هزار نفر میباشد که از طبقات مختلف مردم بوده وارمعاون‌وزارتخانه تا خدمتگزار جزء ـ ازمالك بزرگ تا کشاورز جزء ـ ازبازرگان تا پاره دوز دربین آنان دیده میشود و بدین لحاظ میتوان‌گفت یك شرکت بتمام معنی‌ملی و عمومی‌است .

کلیه نیازمندیهای شرکاء ازخوراکی و پوشاکی و لوازم منزل‌در این شرکت موجود است که بابهای مناسب و شرائط سهل در اختیار شرکاء قرار گرفته . یعنی‌باصطلاح عوامانه از سیاهی زغال‌تا سفیدی ماست هرچه بخواهی‌دراین شرکت یافت میشود .

ضمن تماس با مسئولین امر آئین نامه های متعددی در شرکت‌دیدم که نشان میداد شرکا علاوه‌بر رفع احتیاجات کالائی خود هر یك حسابهای متعددی در شرکت‌باز نموده واز مزایای آن استفاده‌مینمایند این حسابها عبارت است ازحساب کالا ـ وام ـ گردان ـ مسکن پس انداز و حساب سپرده‌و غیره و بدین ترتیب هر شریك‌میتواند علاوه بر خرید کالاباقساط‌در مواقع‌لزوم‌وبرای رفع‌احتیاجات دیگر خود نیز از شرکت وام نقدی‌دریافت دارد وحتی با کمك شرکت‌مبادرت بساختن مسکن کند همچنین‌وجوه خودرا در حسابهای گردان که مشابه حساب جاری بانکها است‌ویا در حساب پس‌انداز و سپرده‌بریزد و بهره خوبی معادل دوتاشش برابر آنچه بانکها میپردازند دریافت دارد . کارکنان شرکت‌که بلا استثنا از خود شرکا میباشندعموما تحصیلکرده و آشنا بوظائف‌خود بوده و با مراجعین بسیار دوستانه و مؤدبانه رفتار میکنند وبدینوسیله رضایت عمومی را جلب‌کرده‌اند .

وقتی از سرمایه و شرکاء اولیه‌سوال کردم جوابی بمن داده شدکه شما هم مسلما مانند من درابتدانمیتوانید قبول کنید و آنراافسانه میپندارید ولی وقتی مثل من بدفاترواسناد منظم و مرتب دوازده ساله‌آن مراجعه کردید بصحتش ایمان‌حاصل‌میکنید . سرمایه اولیه‌شرکت چهار صد وبیست ریال (چهل ودو تومان) و تعداد شرکا فقط سه‌نفر بوده‌اند که در اواسط سال۱۳۲۹ باایمان بموفقیت‌خود شروع بکار نموده و امروز با بیش از ده‌میلیون ریال سرمایه وسه هزار نفرعضو صمیمی و مومن بکار خوداِدامه میدهند و معلوم‌شد این‌سرمایه با جمع آوری روزی دو الی سه‌ریال از هر عضو گردآمده وامروزمنشاء این اثر بزرگ گردیده .قسمت اعظم این سرمایه را سودهای سالیانه که بشرکاء بنسبت سرمایه‌و میزان معامله پرداخت‌شده تشکیل‌میدهد . زیرا طبق دفاترموجود همه ساله صدی دوازده به سرمایه و صدی پنج بخرید شرکاسود پرداخته‌اند که اکثراً بنابمیل‌خود شرکا بحسابهای مختلف آنان‌ریخته شده و سرمایه آنانرا افزایش داده‌است .

سوال کردم آیا از طرف‌موسسات‌دولتی ـ بانکها ـ سرمایه داران‌و بطور کلی موسسات مالی‌در ظرف‌این چند سال کمکی باین شرکت شده است یانه ؟ خوشبختانه پاسخ‌منفی بود و مسلم شد که نه خود رانیازمند باین کمکها میدیده ونه‌معتقد بآن بوده‌اند بلکه عقیده داشته‌اند که شرکت باید روی پای‌خود بایستند و تکیه گاهش منحصرشرکاء شرکت باشند تا دچار نوسان‌و عدم تعادل نشود و بنا بمثل‌معروف (همیشه بقدر دوغش بزند کره) .

مشاهده این وضع مرابیاد شرکت‌های تعاونی که در کشور های‌مترقی جهان تشکیل شده‌اند وبی‌اختیار لقب (راچدیل ایران) باو دادم وایمان حاصل‌کردم که ایرانی‌لایق همه کار هست وقدرت درك‌و فهم همه چیز وانجام همه کار را دارد . اگر راچدیل درانگلستان با سرمایه چند لیره تشکیل وپس‌از صدو ده سال عمر باین مقام‌میرسد در ایران هم گنجینه دوستان‌بهمت چند نفر که از تعداد انگشتان یکدست کمتر بوده‌اند با چهارصدوبیست ریال سرمایه بوجود میآید ودوازده سال بجائی میرسد که‌سرمشق و نمونه فعالیت وایمان برای همه میتواند باشد . من که ازدیدن این شرکت تعاونی بسیار لذت‌بردم . نمیدانم خواننده عزیزچطور ؟ اگر باور نمیکنید شمارا با نشانی زیر بشرکت هدایت‌میکنم.

«خیابان شاهرضا ـ جنب‌میدان شهناز ـ خیابان‌خواجه‌نصیرطوسی‌ـ شماره ۲۳»
شرکت تعاونی‌گنجینه‌دوستان .



عکس فوق نمونه‌ایست از پیشرفت پروژه های وسیع خانه سازی را استفاده از نیرو های انسانی‌انجام باسرعت بیشتری میسر میسازد . های خانه سازی درفرح آباد

با انجام پروژه ساختمان ده هزار خانه در مراکز مهم کشور مشکل تامین مسکن‌برای کارمندان حل خواهد شد .

اجرای این پروژه عظیم و بسیاری ازطرح ها ی‌وسیع عمرانی بعهده وزارت‌آبادانی و مسکن میباشد .

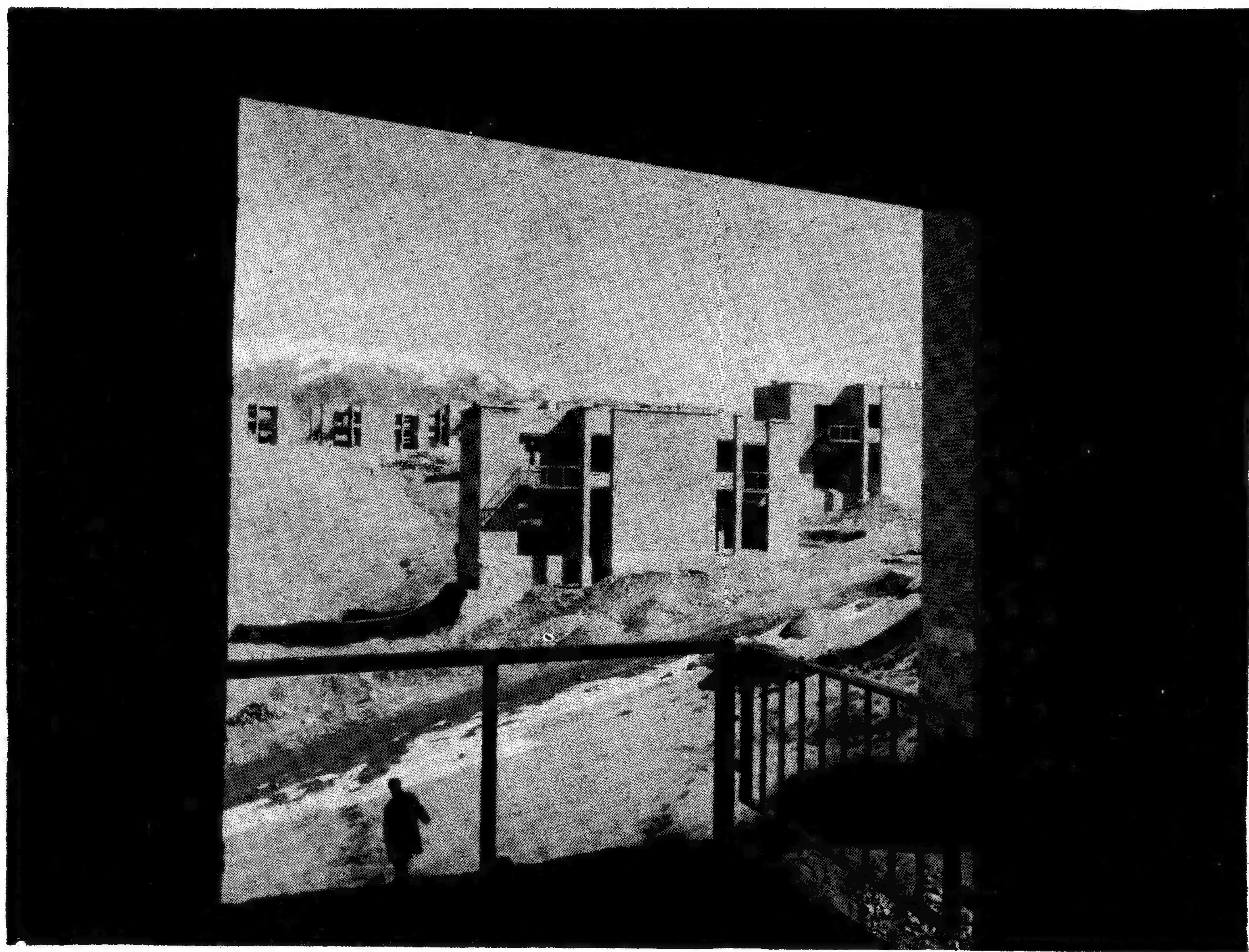
تهیه مسکن بـرای کارمندان

افزایش نسبی جمعیت در تهران طی سالهای اخیر با در نظر گرفتن تمرکز فعالیتهای گوناگون اجتماعی و تجمـع افراد شهرستانهای مختلف در این شهر بزرگ پایتخت کشور را با تمام وسعتی کـه دارد بصورت یکی‌از جنجالی ترین وشلوغترین شهرهای خاورمیانه درآورده است .

تمرکز این فعالیت‌هـا در پایتخت قهراً عده‌ای از خانواده‌ها را از طبقه کارگر گرفته تا کارمند و بازرگان بسوی این شهر جلب نموده است .

تمکن خـانواده هـای شهرستانی که پاره‌ای بـرای یافتن شغل عـده‌ای بـرای برخورداری از زندگانی مرفه و برخی جهت توسعه فعالیت خود بتهران روی آورده‌انـد یکی‌از مواردی است‌که جمعیت شهر تهران را بچند برابـر میزان حقیقی خود افـزایش داده است .

زندگی در شهر بزرگی مانند تهران وانس و عـادت



نمائی از ساختمانهای مدرن لویزان که بوسیله وزارت آبادانی ومسکن تهیه و آماده گردیده است .

بآداب و رسوم و زندگی اجتماعی آن چنان تاثیری در اهالی شهرستانی مقیم این شهر بجا گذاشته که شاید بیشتر آنها در جواب این سئوال که موطن اصلی شما کجاست دچارتردید شده ویا اساسا مدعی شوند که تهرانی هستند .

اشتباه نباید کرد این مطلب تنها مختص پایتخت دو میلیون نفری کشور نیست در غالب شهرهای بزرگ یامناطقی که‌بسبب‌دارابودن‌شرایط طبیعی مطلوب باوجود کارخانه های متعدد ودستگاههای فعاله‌مورد توجه مردم قرار گرفته بیش وکم چنین وضعی حکمفرماست و هریك از شهرهای مزبور نیز بنا بهمان مرکزیت و یا بهتر بگوئیم اهمیتی که نسبت بشهرهای مجاور خود دارند نقطه متمایزی برای جذب و تمرکز افراد وازدیاد جمعیت بشمار میروند .

با توجه بمطلب فوق این واقعیت را نیز باید قبول کرد که بیش‌از دو میلیون نفوس شهر بزرگ تهران و همچنین پاره‌ای از شهرستانهای دیگر جزو جمعیت آنها بشمار رفته ومیبایدازکلیه مزایای زندگی دریك شهر بزرگ وآباد برخوردار گردند .

موضوع تامین‌مسکن‌برای اهالی پایتخت و شهرستان هائی که بامشکل کمبود مسکن مواجه بودند یکی‌از مسائلی بود که با ازدیاد روز افزون جمعیت دراین شهرها مشکل بزرگی را بوجود آورده بود و این مطلب بویژه در مورد تهران حائز اهمیت خاصی بود بالمره توجه افراد برزمین‌های خارج از شهر جلب شد و این موضوع باروی کار آمدن موسسات مختلف ساختمانی موقعیتی پیش‌آورد که خانواده های بسیاری بفراخور توانائی خویش در نواحی مختلف شهر ازخانه های ساخته شده وآماده استفاده نمایند . لیکن فعالیت چنین سازمانهائی با بودجه محدودی که دراختیار آنها بود همیشه و در همه جا نمیتوانست این نیاز اجتماعی را برای عموم طبقات برآورده سازد و گذشته از این مشکل تامین مسکن باگذشت زمان بصورت بیماری مسری ومزمنی درآمده بود که نه تنها برای



فعالیت وزارت آبادانی ومسکن درنارمك از چندی پیش آغاز گردیده‌و باسرعت رو‌بتمام است .

تهران بلکه برای‌غالب شهرهای پرجمعیت نیز پیش‌بینی آن ضرورت داشت .

کمبود مسکن در این شهرها بویژه برای طبقه کارمندان دولت که بنا بنوع حرفه وکار خود دائما به ماموریت شهرستانها میروند و برای مدت محدودی در شهر های مختلف اقامت مینمایند ناراحتی بیشتری نسبت بطبقات دیگرداشت . فی‌المثل‌هنگامیکه یك‌کارمندپس‌ازسالها ماموریت در شهرستانها به تهران منتقل میشد با اینکه شاید درآمد او مدت محدودی اقامت در هتل یا مسافرخانه را برای وی میسر مینمود اضطراراً میبایدبرای یافتن منزل مناسبی که حداقل با موقعیت وکار وی وفق دهد روزها و شاید ماهها در معیت صاحبان بنگاههای معاملات ملکی کوچه‌ها و خیابانها را زیر پا میگذاشت و چنانچه منزل مناسبی نیز پیدا میشد معلوم نبود تا چه حد میتوانست با اجاره بهای گزاف خود نظر مشتری را جلب نماید .

در فروردین ماه سال۴۲ تصویبنامه‌ای از هیات دولت گذشت که طی آن مقرر گردید هیاتی متشکل از وزرای دارائی ـ کشور ـ کار ـ فرهنگ ـ و مدیر سازمان برنامه جهت تهیه تعداد ده هزار خانه برای سکونت کارمندان در سراسر کشور تصمیم بگیرند .

برای اجرای این منظور در ۲۵ اردیبهشت ماه ۴۲ سازمانی بنام خانه سازی (وزارت آبادانی و مسکن حالیه) تشکیل شد تا مستقیما با تقبل مسئولیت اجرای این پروژه بزرگ‌عملیات خانه‌سازی را در تهران و نیزشهرستانهائی که بامشکل کمبود مسکن‌مواجه

هستند آغاز نماید .

سازمان خانه سازی که از اول خرداد سال ٤٢ شروع بفعالیت نمود در اواخر سال گذشته باروی کار آمدن دولت جدید گسترش یافت و با ضمیمه شدن بانك ساختمانی و چند سازمان دیگر بآن بصورت وزارتخانه مستقل و جداگانهای امورمربوطباجرای ساختمانهای دولتی را نیز تحت اختیار خود گرفت .

در وهله نخست و قبلاز شروع عملیات نکتهحائز اهمیت موضوع نحوه تقسیم خانه های مزبور بین شهرستانها و نقاط مختلفبود . پساز بررسی کافی دراین مورد قرار شد که تقسیم این خانهها بین شهرستانها به نسبت ازدیاد جمعیت وسعت وتعداد شهرها وبالاخره میزان کمبود مسکن و احتیاجات اهالی انجام گردد و این کار با بازدیدی که از نقاط مربوطه بعملآمد قریب به سه ماه بطول انجامید .

نتیجه کلی که از بررسی در مورد خانه سازی و نحوه اجرای این پروژه بدست آمده بدین قرار است :

۱ ــ تمام منازل مزبور بجز ۲٦۱ دستگاه که بکارگران شرکت واحد تخصیص دادهشده و در نارمك بنا خواهد شد در داخل شهرها ساخته میشود .

۲ ــ این خانهها تماما سازمانی بوده و ملکیت آن تعلق بدولت داشته و در اجاره کارمندان خواهد بود .

۳ ــ ساختمانها مطابق باشرایط محلی موجود و با درنظر گرفتن آب و هوای شهرستانها بنا خواهد شد وبین استانها و فرمانداریهای کل و شهرستانها بنسبت احتیاجات آنها تقسیم گردیده است .

باوجودیکه منازل مزبور تحت بهترین شرایط وبا اسلوب فنی ساخته شده برای کمك بیشتری بکارمندان با اجازه بهای بسیار جزئی و نازلی در اختیار کارمندان مزبور و خانواده آنها گذارده میشود .

در مقدمه کار برای تهیه طرح مقدماتی و قطعی خانهها و نظارت دراجرای این طرحها تعداد ۳٦ مشاور فنی و دفتر فنی دراستانها و شهرستانها مامور گردیدند و برای صرفه جوئی هرچه بیشتر و عدم ایجاد بازار سیاه و ناراحتی های بورسی دیگرتصمیم گرفته شد که از زمینهای وقفی (مطابق باموازین شرعی) و اراضی شهرداری و خالصه و سایر زمینهای دولتی استفاده شود و علاوهبر صرفه جوئی لازم درشهرسازی حتیالمقدور اراضی انتخاب شده در داخل شهر باشد بنحوی که ایاب و ذهاب کارمندان دچار خدشه نگردد .

گذشته از ده هزار خانه مزبور قریب به هزار خانه نیز جهت افسران و درجهداران ولشگرگارد سلطنتی طبق اوامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه بوسیله این وزارتخانه و با بودجهای که از طرف وزارت جنگ تعیین گردیده ساخته خواهد شد .

فعالیت های وزارت آبادانی و مسکن (سازمان خانه سازی) در فاصله زمان کوتاه چند ماهی که شروع بکار کرده بقرار زیر است :

۱ــ تعداد ۳۰۰ دستگاه درفرح آباد که از دهم تیر ماه ٤۲ ساختمان آن شروع شده و اکثر منازل بلوك ها و قسمتهای اصلی و حتی سقف طبقه دوم آنها نیز بپایان رسیده است و طبق قرارداد منعقده با مقاطعه کار مربوطه حداکثر پس از ۱۸ ماه از تاریخ شروع بکار آماده بهره برداری خواهند بود .

۲ــ در لویزان فعالیت برای ساختمان ۳۸۲دستگاه از اولمرداد ماده ٤۲شروع شده و کار های اصلی ساختمان ۲٤۰ دستگاه آن باتمام رسیده است .

۳ــ از نیمه اسفند ماه سال گذشته ساختمان دویست دستگاه خانه در قزوین آغاز گردیده است .

٤ ــ از ١٤ مرداد ٤۳ ساختمان ٤۰۰ دستگاه خانه جهت کارگران شرکت واحد در اراضی نارمك شروع شد و حداکثر پساز ۱۸ ماه از تاریخ فوق قابل استفادهخواهد بود .

علاوهبر مواردی که در بالا ذکر شد عملیات ساختمانی تعداد ۱۹۰ دستگاه در سنندج ۲۵۰ دستگاه در شهر کرمانشاه ۲۵۰ دستگاه در کرمان و ۲۱۷ دستگاه درزاهدان ۳۰۰ دستگاه درشیراز طی سالگذشته آغاز گردیده لازم بتذکراست کهنقشه های خانهسازیبرایاکثرمراکز استانها نیز مانند اصفهان و رضائیه تهیه و آماده گردیده است که اجرای آن در اواخر سال گذشته بعلت سرمای شدید امکانپذیرنبود و قریبا شروع خواهد شد خانه های مزبور از دو تا شش اطاق خواهند داشت و برای رفاه ساکنین آنهادرطرحهائی که تهیه گردیده ایجاد اماکنعمومیمانند بازار و پارك و سینما درنظر گرفته شده است .

دربرنامه فوق ساختمان ٦۱۱ دستگاه در بخشداریبرای بخشدار و قریب به ٤۰۰دستگاه مرزداری برای ژاندارمری و یك دبستان درهر بخش ز شهرستان برای فرهنگ گنجانیده شده است .

آقای دکترنهاوندیوزیر آبادانی و مسکن ضمن مصاحبه خود در هفدهم فروردین ماه سال جاری درمورد اجرای این برنامه اظهار داشتند : طبیعیاست که تحقق این برنامه وطرح های وسیع دیگریکهاجرای آن باین وزارتخانه محول گردیده است قبل از هر چیز احتیاج بزمان دارد لیکن با توجه بمقدورات مالی واقتصادی دولت و امکاناتی که برای وزارت آبادانی و مسکن وجود دارد و نیز فعالیتیکهبرای تامین این هدف میشود می توان گفت برنامه مزبور که ٤۵۰ میلیون تومان هزینه آن برآورد گردیده است ظرف مدت کوتاهی بپایان خواهد رسید و با اجرای این طرح وسیع اشکالات اساسی که در حال حاضر بیش و کم برای غالب کارمندان و دولت درمورد تامین مسکن وجود دارد مرتفع خواهد گردید .



شرکت تعاونی فرهنگیان تهران

عامل موثر در تقلیل هزینه زندگی و تامین اجناس مرغوب برای نیازمندیهای فرهنگیان

تجربه نشان داده است که یکی از طرق موثر برای جلوگیری از بالارفتن قیمتها ویکی از راههای عملی برای تهیه اجناس مرغوب و مطمئن وبالاخره دسترسی آسان‌باجناس مورد احتیاج ایجاد شرکتهای تعاونی است فرهنگیان‌تهران‌نیز از سال۱۳۳۸اقدام بتاسیس‌شرکت‌تعاونی‌خودنموده‌وباین‌ترتیب اتفاق نظر و تصمیم راسخ خویش را مبنی بر حفظ حقوق و منافع صنفی و استفاده از وسائلی‌که در زندگی امروزه به تثبیت قیمتها و ازدیاد درآمدها کمك میکند ابرازداشتند .

شرکت تعاونی فرهنگیان تهران نه‌فقط مقداری ازپول فرهنگیان بصورت سهام در این شرکت شکل سرمایه بخود گرفت که مرتب با ازدیاد فعالیت شرکت سود و بهره آن بیشتر میگردد بلکه بااین سرمایه‌گذاری توانستند نیازمندیهای خویش را بقیمت دست اول بخرند باین ترتیب شرکت در طی چند سال فعالیت خویش بطور مداوم در طریق تکامل گام‌زد و توانست اعتماد هرچه بیشتر فرهنگیان وسایر کسانی راکه از اجناس فروشگاه این شرکت استفاده میکنند جلب نماید آمار و ارقام زیر بروشنی این سیرترقی‌شرکت رانشان‌میدهد.

عده سهامداران دربدو تاسیس ۱۴۰۹ نفر باسرمایه ۷۷۲۵۰۰ ریال

عده سهامداران دربدو شروع بکار (مهر ۳۹) ۲۲۷۰ نفر باسرمایه ۹۶۲۵۰۰ ریال

عده سهامداران در پایان سال ۱۳۳۹ ۳۱۱۲ نفر باسرمایه ۲۱۱۱۵۰۰ ریال

عده سهامداران در پایان سال ۱۳۴۰ ۴۸۲۲ نفر باسرمایه ۳۵۰۰۵۰۰ ریال

عده سهامداران در پایان سال ۱۳۴۱ ۶۶۹۰ نفر باسرمایه ۴۸۸۴۵۰۰ ریال

عده سهامداران در پایان سال ۱۳۴۲ ۸۳۲۱ نفر باسرمایه ۵۷۳۸۵۰۰ ریال

باید توجه داشت کسانی میتوانند سهامدار این شرکت شوندکه حتما فرهنگی باشند ازدیاد تعداد سهامداران شرکت نشان میدهد که فرهنگیان روزبروز از نحوه کار و نتیجه عمل این شرکت تعاونی راضی‌تر و مطمئن‌تر شده و بر مبنای همین اعتقاد بعضویت آن درآمده‌اند .

اجناس شرکت تعاونی فرهنگیان تهران برای اعضاء بطور نقد و اقساطی فروخته میشود و برای انجام این امر دفترچه مخصوصی دراختیار آنها گذاشته شده‌است‌اماخریداران

آزاد نیز میتوانند از فروشگاه این شرکت نقد جنس بخرند که البته قیمتها برای آنها نیز یکسان است وفقط امتیازی که اعضاء به اشخاص آزاد دارند آنستکه اعضاء میتوانند نقد و اقساطی معامله کنند بعلاوه هر ساله سود معینی بسهام آنها و همچنین سود خرید بآنان تعلق میگیـــرد و باتوجه به ازدیاد حجم معاملات شرکت بخوبی میتوان فهمید کهحتی خریداران آزاد نفعخودرا در ابتیاع اجناس فروشگاه شرکت تعاونـــی فرهنگیان تهران تشخیص دادهاند

حجم معاملات درپایانسال ۱۳۳۹ ۲۱۱۷۳۹۸۳ریال
» » » ۱۳۴۰ ۷۲۵۸۰۹۱۰ »
» » » ۱۳۴۱ ۹۱۶۱۰۹۵۷ر۵ »
» » » ۱۳۴۲ ۹۵۰۶۸۷۵۶ر۵ »

افزایش حجم معاملات طبعا سود شرکت را نیز بالا بردهاست و ارقام زیر بطرزگویائی مبین این موضوع میباشد

سود سال ۱۳۳۹ ۹۲۹۳۳ر۳ ریال
» » ۱۳۴۰ ۳۸۱۱۹۸۲ر۷۵ »
» » ۱۳۴۱ ۶۲۷۴۸۲۲ر۹۵ »
» » ۱۳۴۲ ۳۱۹۸۹۷۹ر۵۵ »

بطوریکه ملاحظه میشود سودی که تاکنون نصیبشرکت و طبعا سهامداران شده است رقم قابل توجهی را تشکیـــل میدهد که پرداخت آن بسهامداران طبق اساسنامه شرکتباید در مجمع عمومی بتصویب برسد البته برای این امر ورسیدگی به ترازنامه شرکت کارکنان و کارمنـــدان شرکت تعاونـــی فرهنگیان تهران باید برای تشکیل مجمع عمومی اقدامنمایند.

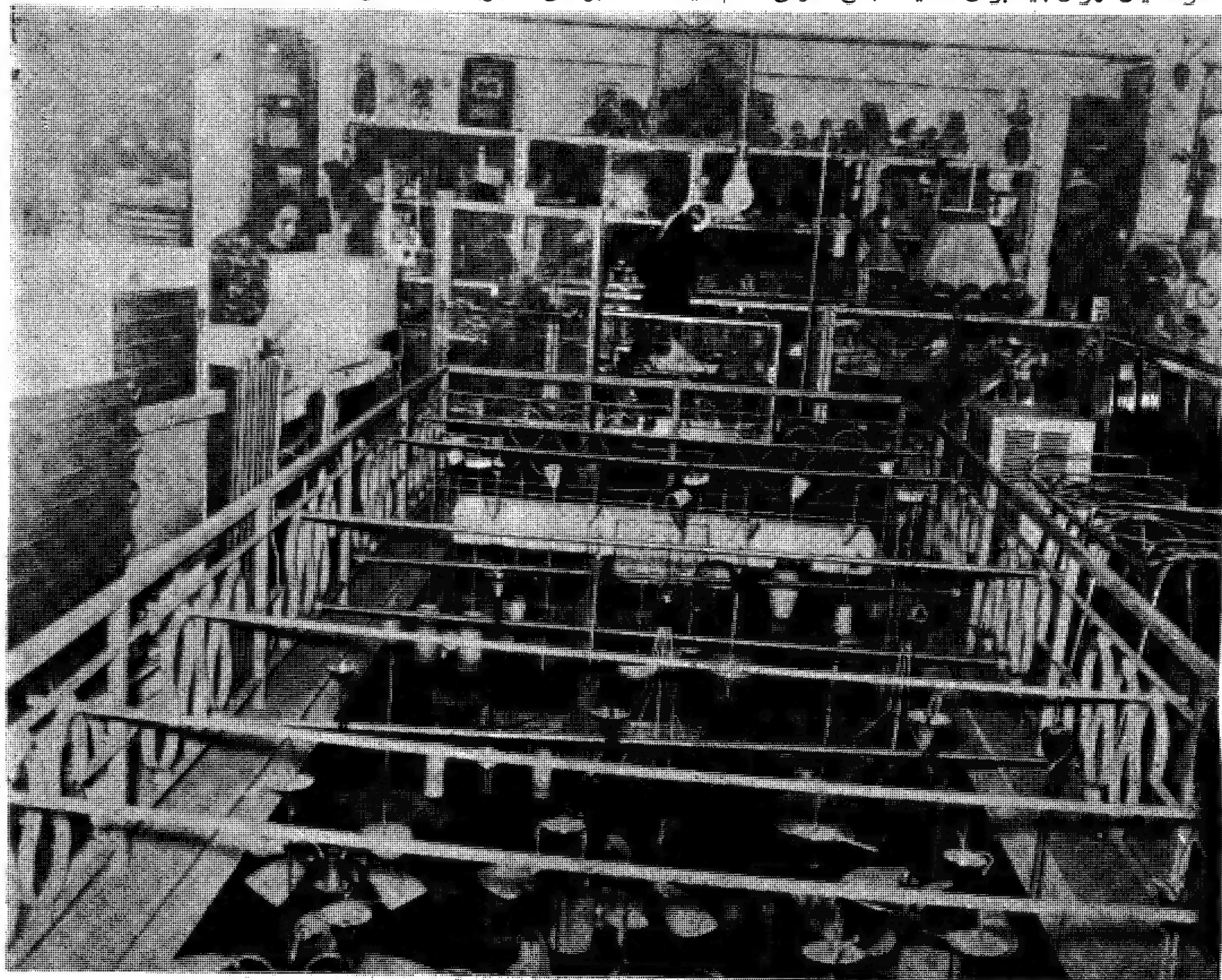
درحالحاضر امور شرکت بوسیله هیئت مدیره پنجنفری، کهعبارتند ازنماینده‌صاحب‌منصبان ـ نماینده‌روساودبیرستانها ـ نماینده مدیران دبیرستانها . نماینـــده دبیـــران و نماینـــده آموزگاران . اداره ورهبری میشود بدین معنی کـــه هیئت مدیره افراد هیئت عامله برای امور جاری شرکت انتخاب میکند که اعضاء این هیئت یا از بین کارمندان فرهنگ و یا مستقیما از خارج برگزیده میشود

شرکت تعاونی فرهنگیان تهران در خیابان سپه میدان موزه واقع است وساعات‌کار آن از ۸ر۵صبح‌تا ۱۲ر۵و۴تا۷ عصر میباشد ضمنا بـــرای کسب هـــر نوع اطلاع میتوان از تلفن ۳۰۴۷۰۰ استفاده نمود .

شرکت شعبه شماره ۱ خودرا نیز در خیابان شهبازجنب آتش‌نشانی دائر نموده و امیدوار است که در سال جـــاری شعبات دیگری‌که دراختیار دارد افتتاح نماید.

شرکت بابعضی ازموسسات‌که همه‌گونه همکاری‌مینمایند طرف معامله میباشد از جمله شرکت بازرگانی نامجو واقع‌در خیابان فردوسی مقابل فروشگاه فردوسی که جمیع وسایـــل پوشاك شرکت را تهیه نموده و بمشتریان عـــرضه مینماید و همچنین موسسات وشرکتهای ذیل‌نیز از هیچگونه همکاری دریغ نمینمایند .

۱ـ شرکت فیروز ۲ـ شرکت ارج ۳ـ مبل‌عدالت ۴ـ مبل ندیل ۵ـ مبل هنر ۶ـ مبل فردقاسمی ۷ـ کفاشیهای نایس ـ فردطوطی ـ کبریت‌چی الوند . فرش فروشیهای برهانی . هیربد ـ صدرائی ـ محسنیان





آقای دکتر حسن زاهدی رئیس بانک اعتبارات کشاورزی و عمران روستائی ایران

بانك اعتبارات کشاورزی و عمران روستائی ایران سرمایه ده میلیارد ریال

بانك اعتبارات کشاورزی و عمران روستائی ایران که بموجب قانون اساسنامه بانك مصوب ۴۱٫۱۱٫۱۳ با سرمایه ده میلیارد ریال عهده‌دار تامین اعتبار برای برنامه های توسعه‌کشاورزی و بهبود زندگی کشاورزان است در حال‌حاضر یکی از مهمترین سازمان های مالی واعتباری کشور است و خوانندگان محترم این سالنامه با مطالعه مطالبی که بطور اختصار در باره هدف ووظائف و عملیات بانك ذیلا ملاحظه خواهند فرمود به عظمت کار و [illegible] مهم این بانك در راه ایجاد ایرانی آ[illegible] مند پی خواهند برد .

وظائف بانك

بقسمی که از مطالعه اساسنامه بانك فهمیده میشود بانك‌اعتبارات کشاورزی یك سازمان بزرگ قانونی و مرکزی اعتبارات کشاورزی کشور است و وظیفه اصلی آن تامین مالی کشاورزی ایران از طریق پرداخت انواع‌وامها واعتبارات مختلف بمنظور تهیه وسائل کار کشاورزان ویا بهبود آن و همچنین توسعه منابع آبهای زراعتی و اراضی زیر کشت و بکار بردن روشهای جدید و مصرف انواع کودهای شیمیائی و ماشینی کردن‌کشاورزی ایران است تا بارونق و بالا رفتن میزان عوائد و سطح زندگی و قدرت خرید کشاورزان انگیزه های لازم برای انواع فعالیت های تولیدی و بخصوص پیشرفت صنایع داخلی پدید آید .

اعتبارات کشاورزی :

گفتیم که بانك یك سازمان بزرگ‌اعتباری برای کشاورزیست . برای تغییر شکل وایجاد تحول مطلوب در کشاورزی تا حدی که حوائج مصرفی جمعیت روز افزون ایران‌به مواد غذائی و پوشاك و همچنین مواد خام صنایع جوان داخلی رفع شود لازمست که در روشهای قدیمی کشاورزی تغییر داده شود از اسلوبهای علمی وتکنولژی جدید برای زراعت و دامداری استفاده گردد . این کار محتاج به بکار انداختن سرمایه های زیاددر امر کشاورزی و دامداریســـــت اعتبارات کشاورزی موجبات سیر سرمایه های لازم را اعم از منابع موجود در مناطق روستائی‌و یا منابع عمومی و سرمایه های خارج از مناطق مذکور به قلمرو کشاورزی تسهیل میکند و وسیله و عامل مشوقی برای سرمایه گذاری های‌بمنظور طرحهای مختلف کشاورزی‌خواهد بود .

بعداز این مقدمه کوتاه حال به‌ببینیم که اقدامات بانك در این نهضت و انقلاب عظیم که با اجرای منویات اعلیحضرت همایون شاهنشاه برای ترقی کشور پیش آمده استچه بوده و چه عملیاتی در راه وصول بمقاصدی کهاشاره شده انجام داده است

اصلاحات ارضی :

درامر اصلاحات ارضی که یکی از اصول ششگانه ومبنای تجدید حیات‌سیاسی‌واقتصادی جامعه روستائی ایران است بانك اعتبارات کشاورزی یك سلسله تکالیف قانونی به‌عهده داشته است که تا پایان سال ۱۳۴۲ اقدامات زیر را در اجرای این تکالیف انجام داده است .

خزانه‌داری اصلاحات ارضی :

۱ ــ وصول اقساط کشاورزانی که صاحب زمین شده‌اند ۵۹۸۷۵۶۵۸٫۹۰ ریال .

۲ ــ تنزیل دستور پرداخت ها بطور اعم ۲۶۱۱۹۴۵۴۰٫۴۰ ریال .

تامین مالی کشاورزان و خرده مالکان :

۱ ــ وامهای پرداختی شعب بانك در سل ۱۳۴۲ و مقایسه آن با سالهای قبل :

دوره‌عمل	تعداد	مبلغ
سال ۱۳۴۰	۵۹۴۲۲	۱۲۳۰۲۳۸۲۲۰ ریال
سال ۱۳۴۱	۱۰۷۹۶۸	۱۳۸۱۱۲۷۰۰۵ ریال
ده ماهه‌سال اول سال ۱۳۴۲	۱۹۳۶۲۱	۲۵۹۷۷۸۴۱۱۰ ریال

بقسمی که ملاحظه میشود وامهای‌پرداختی بانك در ده‌ماهه از فروردین تاپایان دیمـاه ۱۳۴۲ حدود دو برابر پرداختی سال سابق (که در حد خود نصاب پرداخت قابل‌توجهی نسبت بسنوات قبل بدست آورده بود) بوده است .

۹۹ درصد اعتبارات پرداختی بانك را وامهای کوچك کمتراز یکصد هزار ریال که برای مصارف جاری وتامین مالی خرده‌مالکان و کشاورزان جزء و متوسط پرداخت میشود تشکیل میداده است .

آبیاری

در دوران خشك سالی اخیر توسعه و تهیه منابع جدید آب برای رفع احتیاجات زراعی کشور از اهم وظائف بانك بوده است کـه با پرداخت وامهای تضمینی جمعی بکشاورزان ویا وامهای مستقیم بخرده مالکان تا این تاریخ حدود هشتصد چاه آب عمیق و نیمه عمیق در سراسر کشور حفر شده وباین طریق متجاوز از شش هزار سنگ آب اضافی در دسترس کشاورزان گذاشته شده است . در عین‌حال بر اساس طرح جدیدی که با استفاده از اعتبارات سازمان برنامه تنظیم شده قرار است تا پایان سال ۱۳۴۳ سیصد چاه عمیـق و نیمه عمیق جدید با شرایط بسیار سهل و عملی برای کشاورزان محتاج به آب در استان‌های مختلف حفر شود .

اکیپهای سیار

برای رسیدگی سریع بدرخواست‌کشاورزان در تمام مملکت و تسهیل شرایط وتسریع در پرداخت وامهای بمنظور تهیه وسائل کشت پائیزه و بهاره و همچنین کمکهای فـوری بمناطقی که براثر خشکسالی ــ سیل ــ زلزله سرمازدگی دچار خساراتی شده بودند در سال ۱۳۴۲ با استفاده از حد اکثر ظرفیت پرسنلی بانك و منابع موجود وهمچنین اعتبارات سازمان برنامه اکیپهای سیاری بروستاهااعزام شدند و با تحمل مشکلات ناشی از زمستان سخت سال گذشته و مسدود بودن راههاوام های مورد نیاز کشاورزان را تحت نظـــر

کمیسیونی بریاست آقایان فرمانداران درمحل پرداخت کردند براساس آخرین ارقام و اطلاعاتی که از اکیپهای اعزامی بمناطق مختلف کشور رسیده حدود هفتاد هزار وام از محل اعتبار پانصد و پنجاه میلیون ریالی که بوسیله سازمان برنامه در اختیار بانک گذاشته شده وبااز منابع اصلی بانک توسط اکیپها بین روستائیان محتاج به کمك بانك توزیع شده و موجبات خوشوقتی و افزایش فعالیت آن ها را برای کار وبهره برداری از اراضی مزروعی فراهم کرده است .

طرحهای نظارت شده :

صرفنظر از وامهای کوچك که بشرح‌فوق پرداخت شده است با بررسی دقیق طرحهای ارائه شده از طرف خرده مالکان و صاحبان موسسات کشاورزی وامهای مدت دار بآنها پرداخت شده و مصارف وامها توسط کمیسیون های فنی مرکب از کارشناسان مختلف در اداره فنی بانك نظارت شده است .

مکانیزاسیون کشاورزی توسعه مصرف‌کودهای شیمیائی‌وبذر ونهال مرغوب ـ کمك به‌صنایع روستائی

برای توسعه زراعتهای ماشینی ـ مصرف کودهای شیمیائی ـ بکار بردن بذر ونهال مرغوب کمك به صنایع روستائی و تبدیل مواد کشاورزی ـ اعتباراتی در دسترس موسسات ذیصلاحیت دولتی گذاشته شده واز این طریق موجبات رونق و پیشرفت کار کشاورزان وتوسعه‌کارکشاورزی‌فراهم گردیده است .

کمك بکار سازمان مرکزی تعاون روستائی ایران :

نظارت و سرپرستی و تامین اعتبارات‌مورد لزوم شرکتهای تعاونی روستائی که ظرف سالهای قبل با هدایت و تعلیمات کافی از طرف بانك در سراسر کشرو تشکیل شده است بعداز تشکیل سازمان مرکزی تعاون‌روستائی ایران‌باتمام سوابق‌و کادر موجود سرپرستی بآن سازمان واگذار ومبلغ یك میلیارد ریال نیز بعنوان سهم بانك در سازمان مذکور پرداخت شد . اکنون در سراسر کشور بیش‌از ۳۰۰۰ شرکت تعاونی با عضویت ۵۳۷٤۳۳ خانوار کشاورز وجود دارد که تاپایان دیماه سال گذشته ۹۸۵٦۵ وام بمبلغ ۳۱۰۲۲٤۷۰٦ ریال در دسترس اعضاء گذاشته است .

سهم سرمایه گذاری کشاورزان بابت سهام خریداری در شرکتها بالغ بر ۳٥٦٤٦۹۱۳۰ ریال بوده است .

توسعه سازمان و بهبود اداری :

سازمان بانك برای پاسخ به نیازمندیهای جدیدی که با توسعه کار و فعالیت آن پیش آمده است از طریق تربیت کارمندان جدید وسعت یافته است . ظرف سه سال اخیر تعداد ۲۹ واحد جدید در مناطق مختلف تاسیس گردیده وبنابراین جمع تعداد شعبه ها و نمایندگیهای بانك در پایان سال ۱۳٤۲ به ۱۱٥ واحد افزایش یافته است . بموازات افزایش شعب و نمایندگی ها در سازمان مرکزی بانك تغییرات لازم داده شده ـ آئین نامه‌های بانك به تناسب با حوائج روزافزون فعلی اصلاح گردیده و ادارات وواحدهای جدید برای تسریع در کار و تسهیل‌مراجعات وانجام امور مشتریان‌تا سیس شده است.

اقدامات تامینی برای کارکنان بانك :

برای کارکنان بانك که مجریان این برنامه وسیع هستند ازهر نوع مجاهدت و فداکاری برای پیشرفت برنامه های جاری مضایقه ندارند اقدامات تامینی از قبیل اصلاحات لازم در آئین نامه استخدامی و بازنشستگی واستفاده از وسائل بهداری و همچنین ایجاد کودکستان کودکستان در مرکز و غیره در نظر گرفته شده‌است و امید میرود بتدریج این اقدامات وسعت یابد .



بیمه
در زندگی امروز
فعالیت های شرکت سهامی بیمه ایران

پیدایش بیمه دردنیا پاسخگوئی بیك احتیاج دوران جدید یعنی دوران بکار انداختن سرمایه‌های بزرگ و فعالیت‌های اقتصادی بیسابقه بود. احساس خطرات فاجعه‌آمیز ونیاز به‌پیشگیری این خطرات ومقابله باآنها بمنظور ایجاد امنیت خاطر منشأ بیمه وموجد توسعه آنست.

بهمین جهت توسعه بیمه یکی‌از مظاهر جلوافتادگی کشورهاست و باتکیه بآمار دقیق میتوان گفت هرقدر کشوری توسعه یافته تر باشد بیمه درآن رایج‌تر وبیشتر موردنیاز است. (طبق‌آمار درسوئد برای هرخانواده دوبیمه‌نامه ــ درسویس یك بیمه‌نامه و درفرانسه برای هرنه‌نفر یك بیمه‌نامه وجود دارد).

بیمه قرنها پس‌از پیدایش دراروپا بطور خیلی پراکنده و وسیله‌کمپانیهای خارجی بایران آمد. گواینکه درابتدای فعالیت درایران امر بیمه توسعه چندانی نداشت لیکن مسلم بود که با رونق اقتصادی بیمه بیش ازپیش مورد احتیاج مردم قرار میگرفت ومیزان بیشتری از پس‌انداز مردم را در دست شرکتهای بیمه خارجی متمرکز میساخت.

مجموع حق بیمه دریافتی شرکتهای خارجی تا قبل از تشکیل شرکت سهامی بیمه ایران یعنی سال ۱۳۱٤خورشیدی ـــر۸ر۰۱۷ر۰۰۰ ریال بود واین رقم درسال بعداز تشکیل شرکت یعنی سال ۱۳۱۵ به سی‌وهشت‌درصد این‌رقم تنزل‌یافت.

هفتصد میلیون
ششصد میلیون
پانصد میلیون
چهارصد میلیون
سیصد میلیون
دویست میلیون
صد میلیون

۱۳۱۵ ۱۳۱٦ ۱۳۱۷ ۱۳۱۸ ۱۳۱۹ ۱۳۲۰ ۱۳۲۱ ۱۳۲۲ ۱۳۲۳ ۱۳۲٤ ۱۳۲۵ ۱۳۲٦ ۱۳۲۷ ۱۳۲۸ ۱۳۲۹ ۱۳۳۰ ۱۳۳۱ ۱۳۳۲ ۱۳۳۳ ۱۳۳٤ ۱۳۳۵ ۱۳۳٦ ۱۳۳۷ ۱۳۳۸ ۱۳۳۹ ۱۳٤۰ ۱۳٤۱

بدین ترتیب روشن میگردد هدف ازتشکیل شرکت سهامی ایران با سرمایه دولت درسال ۱۳۱۴ چهبود . در درجه اول پاسخگوئی بیك احتیاج تازه « ایجاد تامین خاطر برای تجار » صنعتگران ومردم عادی وبالاخره کوششی برای جلب پس‌اندازها .

دراینجا ازاشکالاتی‌که دربدو تشکیل برای یك‌شرکت بیمه ایرانی وجود داشت بحثی نمیکنیم زیرا بالاخره این شرکت توانست علی‌رغم مشکلات بحیات خود ادامه دهد و بیست وهشت سالی‌که از تشکیل آن میگذرد وظیفه‌ای راکه برعهده داشت بنحو رضایت‌بخشی انجام دهد .

درحال حاضر شرکت سهامی بیمه ایران علاوه‌بر دویست میلیون ریال سرمایه‌ایکه کلیه آن پرداخت‌شده است درحدود یك‌میلیارد ریال اندوختهٔ فنی دارد مجموع کارکرد شرکت سهامی بیمه ایران درسال گذشته رقم ۶۷۲،۲۴۴،۰۲۹ ریال بوده است .

نمودار زیر توسعه فعالیت شرکت سهامی بیمه ایران و میزان حق بیمه‌های دریافتی را ازسال ۱۳۱۵ تا سال‌گذشته نشان میدهد .

شرکت سهامی بیمه‌ایران ازبدو تاسیس بعنوان تنها سازمان بیمهٔ متعلق بدولت دراجرای طرحهای بیمه‌های عمر ـ بیمه اشیاء وبیمه‌های اجتماعی فعالیت داشته است .

اساس بیمه‌های اجتماعی کارگران نخست در شرکت سهامی بیمه ایران آنهم با امکانات محدود تشکیل یافت و سپس بسازمان بیمه‌های اجتماعی منتقل‌گردید همینطور است بیمه‌کارمندان دولت که‌نخست شرکت سهامی‌بیمه ایران‌عهده‌دار آن بود واخیرا با تصویب طرح ادغام کلیه سازمانهای‌بهداشتی بوزارت بهداری انتقال یافته است .

فعالیت شرکت سهامی بیمه ایران در درجه اول مصروف بیمه‌های آتش‌سوزی ـ باربری واتومبیل وبیمه‌های‌عام‌المنفعه نظیر بیمه‌های عمر وحوادث است ومسلما درآینده هنگام تحقق بیمه‌های اجباری اتومبیل شرکت سهامی بیمه ایران نقش قاطعی دراین‌مورد برعهده خواهدداشت .

شرکت سهامی بیمه ایران با شبکه وسیع وجهانی‌اتکائی خود مطمئن‌ترین وسیله امنیت‌خاطر نه‌تنها برای سازمانهای دولتی موسسات تجارتی وافراد میباشد بلکه امنیت‌خاطری برای سایر شرکتهای بیمه وموسسات مالی واقتصادی کشور نیز بشمار میرود .

تنها درسال گذشته شرکت سهامی بیمه ایران مبلـغ ۴۵۴،۴۱۷،۶۵ ریال خسارت پرداخت نمود وبااینکه یکی دوسال گذشته ازلحاظ وضع اقتصادی وعمومی برای شرکت های بیمه سالهای بسیار نامناسبی بود شرکت سهامی بیمه‌ایران توانست بکلیه تعهدات خود درقبال مشتریان عمل نموده وظیفه خود را انجام دهد .

امید است با توسعه فعالیت شرکت دررشته‌های بیمه‌های دسته‌جمعی عمر وحوادث درسالهای آینده وازطریق بکار انداختن اندوخته‌های فنی درراه‌های ثمربخش وتولیدی این شرکت بتواند بیش‌ازپیش درفعالیت اقتصادی کشور وبهبود وضع مردم موثر باشد .

بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران

بانك توسعه صنعتی و معدنی ایران يك شركت سهامی خصوصی با سرمایه ۴۰۰ میلیون ریال كه تماما پرداخت شده میباشد چهل در صد سهام بانك متعلق به بیست موسسه عمده بانكی و صنعتی آمریكا وشش كشوراروپائی میباشد و شصت در صد آن متعلق به در حدود ۱۸۰۰ نفرایرانی و موسسات خصوصی ایرانی است . بانكرسما در مهر ماه ۱۳۲۸ افتتاح گردید و برطبقاساسنامه آنسهامداران غیر ایرانی مدیریت بانك را در پنج سال اول عهده‌دار میبودند .

این بانك كه‌اولین بانكخصوصی سرمایه گذاری در ایران استجهت تشویق و توسعه صنایع و جهت پس‌انداز های خصوصی داخلی و خارجی و همچنین جهت ایجاد و توسعه بازار سرمایه تاسیس‌گردیده است واز طریق اعطاء وامهای متوسط و بلند مدت و وامهایقابل تبدیل بسرمایه سهامی ومشاركت در سرمایه و تضمین‌سهام و اوراق قرضه موسسات صنعتی و همچنین طرح‌ریزی سازمان مالی صحیح صنایع واعطاء كمكهای فنی ازقبیل راهنمائیهای فنی و حسابداری و مدیریت و غیره بصنایع خصوصی كشور كمك مینماید . از ابتدای تاسیس تا این تاریخ بانك بیش‌از دو میلیارد ریال بصنایع خصوصی مختلف وام داده است و ۱۶۷ میلیون ریال جهت مشاركت در سرمایه سهامی آنها تصویب نموده است .

انواع صنایعی که در تهران وشهرستانها تاكنون‌بآنها وام اعطاء شده عبارتند از :

لاستیك

فرشهای لاستیكی برای كف‌اطاق

روكش لاستیك

محصولات پلاستیكی

سیمان

نو تخته

آجر

مصالح ساختمانی

فلز كاری

پیچ ومهره

لوازم برقی

سواركردن گیرنده تلویزیون

سوار كردن لوازم الكترونیك ودستگاههای صوتی

رادیو وانواع وسائل برقی

پنبه پاك كنی

تهیه باریت

كارتن سازی

تولید نخ پشم برای قالیبافی

ساختن و سوار كردن اتوبوس و كامیون

كمپوت میوه

بیسكویت

قند

كفش

نساجی

كبریت

دستمال كاغذی ومحصولات مشابه

لباسشوئی

چراغ وبخاری نفتی

یخ سازی (در جنوب كشور)

یخچال سازی

براش (پاك كن‌های موئی وكنفی)

روغن نباتی

لبنیات

كشمش

آب میوه و گوشت

در آبانماه سال جاری چنانچه در جرائد كشورنیز منعكس گردید مدیر عامل بانك توسعه صنعتی و معدنی ایران برای اولین‌بارازمیان شركای ایرانی وآنهم‌قبل ازانقضای مدت پنج سال‌اولیه كه دراساسنامه ذكر شده انتخاب گردید .

مدیر عامل جدید بانك آقای ابوالقاسم خرد جو در موقع قبول مدیریت عمل نظر خود را نسبت به گذشته وحال وآینده بانك چنین بیان نمود :

بانك توسعه صنعتی و معدنی ایران دوره طفولیت را بپایان رسانده یعنی دوره‌ایكه پرازنشیب و فراز بوده است بانك در این دوره راهی را پیش‌گرفته كه همیشه دلچسب وام‌گیرندگان یا دولت یا حتی بعضی از مدیران و سهامداران نبوده است اما همیشه راه راست بوده یعنی‌تنها راهی‌كه‌یك بانكی كه بخواهدمطابق اصول صحیح سرمایه‌گذاری و مدیریت باكفایت رفتار كند باید پیش‌گیرد ....

سازمانی را كه ما تحویل میگیریم سازمانی است با دستگاه های اداری مرتب كارمندان خوب وامهای سالم‌ووضعیت مالی بسیار محكم دراثر اقدامات اساسی كه برای توسعه صنایع خصوصی كرده برای صاحبان سهام سود خوبی كسب كرده و اندوخته‌های قابل ملاحظه‌ای درست نموده است از همه مهمتر اعتقاد عموم را نسبت بروال كارش و نسبت به‌رای‌صائب و امانت و درستكاری خود جلب نموده است و اینهمه با همكاری يك هیئت مدیره بین‌المللی و كارمندان ایرانی و مدیریت مختلط بوجود آمده است .

آقای خردجو ادامه دادند كه اكنون ما باید بانك را در دوره بلوغ هدایت كرده بدوره ثمر برسانیم برای بانك دوران جالبی در پیش است چه كه بحران اقتصادی در شرف پایان است و همگی برای تحرك مجدد اقتصاد كشور خودرا آماده میسازند . پیرو اوامر اعلیحضرت همایونی دولت برنامه عمرانی را با سرعت و در سطح‌بالاتری میخواهدتعقیب كند . سرمایه‌گذاری سالانه بانك خیلی بیش‌ازپیش خواهد شد امید ما اینست كه نه‌تنها كمك های مالی خودرا بصنایع در سطحی خیلی بالاتر از پیش بگذاریم بلكه در اثر تحول صنعتی‌كشور وآغاز صنایع نیمه سنگین و سنگین فلزی و شیمیائی طرحهای مشكلتری را كمك مالی كنیم .

دراین دوره امیدواریم قدمهای اولیه را در ایجاد بازار سرمایه در كشور كه ملازمه مراحل بعدی رشد صنعتی است برداریم و در ایجاد بعضی صنایع نوین خودمان پیشقدم شویم .

راجع بتاثیر و همكاری بانك توسعه صنعتی و معدنی ایران در امور عمرانی كشور مدیر عامل‌جدید اظهار داشتند با اینكه این بانك يك موسسه بین‌المللی خصوصی است و مالكیت و اختیارات در دست اشخاص است وسیله اجرای سیاست عمومی دولت و در حقیقت يك بازوی برنامه عمرانی دولت است و بیك معنی میتوان گفت‌كه زاویه خصوصی سازمان برنامه است و در عین استقلال درعملیات وامها و سرمایه‌گذاری همواره ساعی بوده و هست كه با سیاست صنعتی دولت همگام واز آن تبعیت نماید .

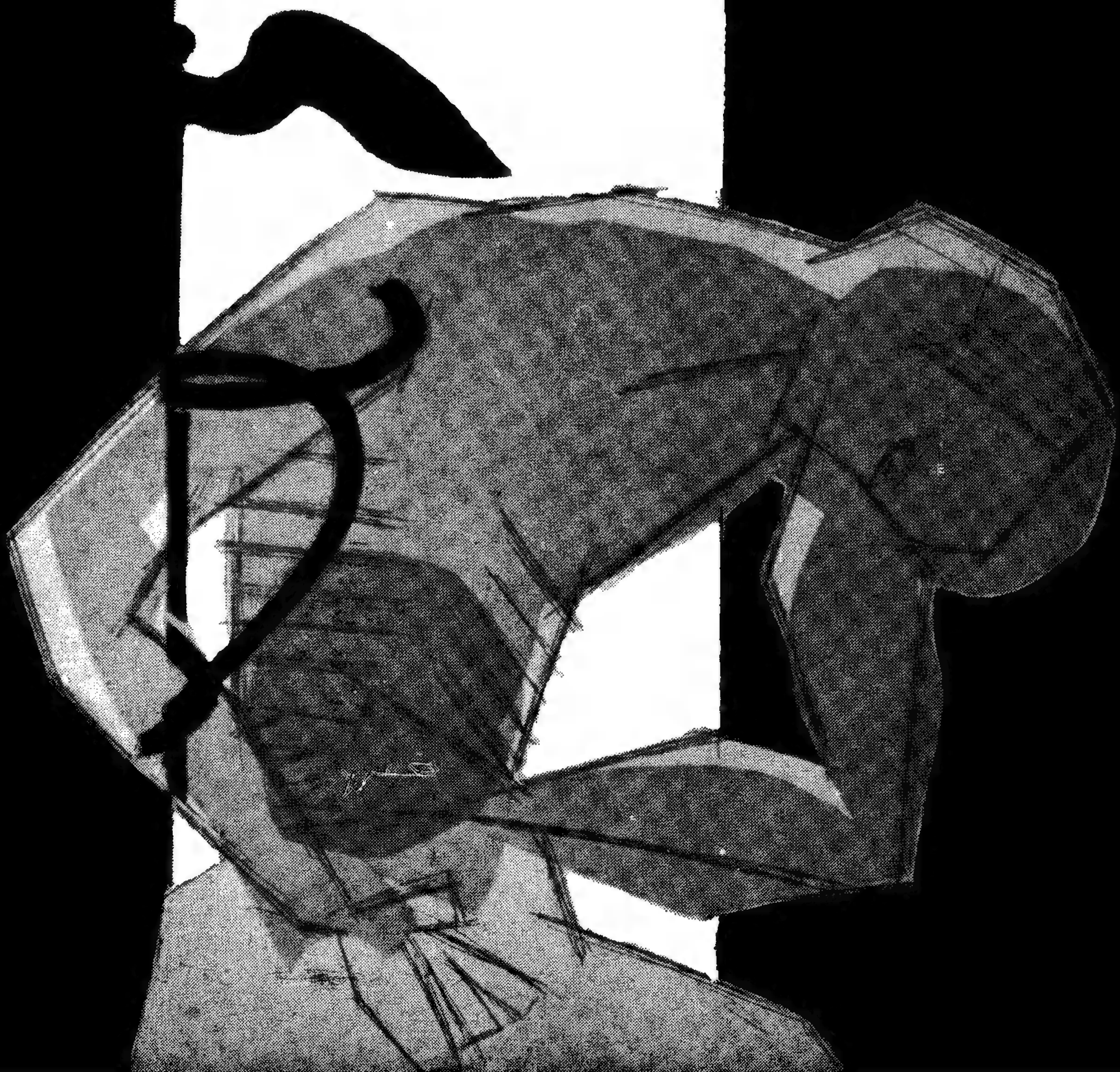
بانك توسعه صنعتی و معدنی ایران برای رسیدن بهدفهای عالی مندرج در اساسنامه اش كه توسعه صنایع و جلب‌سرمایه های‌خصوصی داخلی و خارجی در امور صنعتی و بسط بازارسرمایه است امیدوار است پیوسته از حمایت دولت برخوردار باشد .

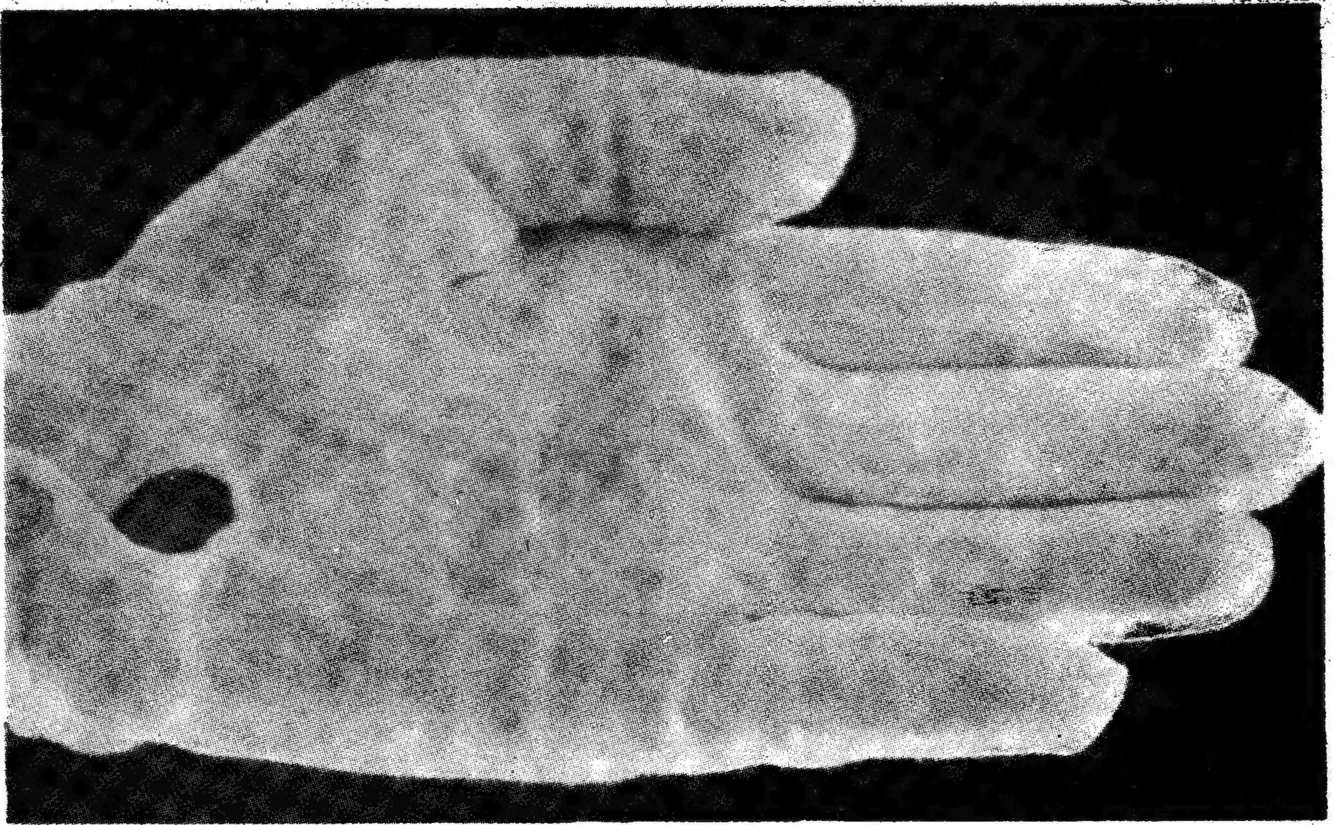
پزشکی

* کمکهای نخستین پیش از رسیدن پزشك

* روان‌شناسی یادرمان شناسی

* سرگذشت جوانی که بازوی او قطع شد وعلم جـراحـــی دستش را بازگرداند .





کمکهای نخستین پیش‌ازرسیدن‌پزشك

مقدمه

چگونگی وقوع‌حوادث وبیماریها قابل پیش بینی نیستند . دسترسی به پزشك نیز همه وقت و همه جا فراهم نیست . دراین قبیل موارد باید اطلاعات اولیه‌ای راهنمای‌هر حادثه دیده یا اطرافیان اوباشدکه بیمار یا حادثه دیده را پیش از رسیدن پزشك مراقبت نماید .

دراین مختصر سعی شده است دانستنیهای لازم‌ضمن شرح‌چگونگی بیماری و مداوای اولیه تا رسیدن پزشك شرح‌داده شود . این‌دانستنیها از دفتر اطلاعات بهداشتی آکادمی داروسازی نیویورك نقل گردیده است و شامل چگونگی حوادث و بیماریها ودرمان‌آنهاست‌که دربیشتر خانواده‌ها روی میدهد . گواینکه اطلاعات مفیدی جهت راهنمائـی شماست معهـذا چنانچه در هـر شرایطی احساس کردید کهاحتیاج به‌پزشك دارید در رساندن خـود یا بیمارتان به‌او مسامحه ننمائید .

حوادث همیشه بزرگترین قاتل اطفال‌است ـ وما بدینوسیله‌خطرات ناشی از آنرا بشما تذکرمیدهیم‌و یادآور میشویم که داروها را در منزل جائی بگذارید که ازدسترس اطفال دور باشد وطبق دستور از آنها استفاده نمائید .

متوجه بـاشید ، با وجودیکـه داروهای ضد میکربی در درمان بیماریهای چرکی اعجاز میکند ، هرگز بدون تجویز پزشك از آنها استفاده ننمائید .

این مطالب را با دقت مطالعـه فرمائید و یك قفسه دوا از روی فهرستی‌که ذکر شده برای منزل تهیه کنید و برای رفع احتیاجات ضرور از آنها استفاده نمائید . چه « علاج واقعه را قبل از وقوع بایدکرد .»

مواد اولیه واصلی قفسه دوا

قرص‌های مسکن
محلول امونیاك
داروی ضد حساسیت
قیچی
کیف یخ
کیف آبجوش
پودر کوچك
چشم‌شوی
موچین
دستگاه بخور
درجه حـرارت ۲ عدد عـادی و مخصوص نشیمن
آسپرین معمولی و مخصوص اطفال
جوش شیرین
شیر منیزی
قرص نعناء
ترکیبات ضد اسهال
ترکیبات بیسموت
داروهای بین‌المللی ضدسم
مایع طبی پاك‌کننده
بانداژ گاز استریل
گاز چهارگوش استریل
پنبه استریل
لوکوست (نوارچسب)
باندژ های دوانزده
وازلین استریل درلوله (وازلین های سرباز غیراستریل هستند)
محلول ٪۱ زفیرون
محلول بارد
آب کالمین
الکل سفید
آرژیرول ٪۱۰
ادرنالین برای مصارف موضعی
مرهم چشم
داروی سینه‌درد
قطره بینی غیرروغنی درشیشه‌های پلاستیکی قابل فشار
قطره گوش
تنطور بنژوئن
روغن میخك

نشانی ها

دربرابر بعضی دارو ها نشان هائی گذاشته شده که درهمه جا مفهوم آن علامت ها یکسانست،اینك بجای اینکه در مقابل هر نامـی علامتی‌بگذاریم و ذیل صفحه مطالب را تکـرار کنیم ـ از جهـت اختصار و هم چنین توجه بیشتر مفهوم نشان‌ها را با تفسیر آنها شرح میدهیم واز خوانندگان‌عزیز خواهشمندیم که با مطالعه این یاد- آوری هر جا علامتی دیدندمتوجه معانی آنها باشند.

۱ـ علامت ستاره ✶ :
اگر در مقابل نام داروئی باین علامت بر خوردید تفسیر آن چنین است:
از پزشك خانوادگی سئوال کنید چه نوع از آن دوا را اگر تهیه‌کنید بهتر ومفیدتر خواهدبود وپس از تهیه آن دارو درآنرا محکم به‌بندید و نگاهدارید.

۲ـ علامت بعلاوه + :
اگر در مقابل نام داروئی باین علامت بر خوردید تفسیرآن چنین است:
هرگز بکودکی مبتلا بـهـ حساسیت شدید است آسپرین‌ندهید. هرگز آسپرین را در دسترس‌اطفال نگذارید.

دستور مصرف آسپرین:
اطفال بیش از ۵ سال یك قرص ـ از سه ساله تا پنج‌ساله نصف قرص ـ شش ماهه تا سه ساله یك قرص آسپرین مخصوص

اطفال ـ کمتر از شش ماه نصف قرص آسپرین مخصوص اطفال.

۳ـ علامت دایره ●

اگر در مقابل داروئی باین علامت برخوردید تفسیر آنچنین است.

دستور مصرف شیر منیزی:

اطفال بیش از پنج سال یك تا دو قاشق سوپخوری ـ ازیکساله تا پنج ساله دو قاشق چایخوری. کمتر از یکسال یك قاشق چای خوری.

توجه لازم

۱ـ تمام داروهائی را که بدستور پزشك تهیه کرده‌اید باید از یکدیگر جدا نگهدارید.

۲ـ هر داروئی را که برای اطفال میگیرید اگر تا یکسال مصرف نشد دور بیندازید.

۳ـ هر نسخه‌ای را که برای بیمارتان تهیه میکنید فقط بمصرف همان بیمار برسانید.

۴ـ به گنجه دوای منزل چفت وبست محکم بزنید تا اطفال نتوانند بازکنند.

۵ـ مسمومیتهائی که اطفال را در دو سه سالگی بمرگ می‌کشاند اغلب درنتیجه خوردن دارو های قفسه دوای منزل است.

بیماریها:

۱ـ گزیدگی بوسیله جانوران
۲ـ تاول سائیدگی
۳ـ دمل
۴ـ ضرب خوردگی
۵ـ سوختگی وتاول
۶ـ یبوست اطفال
۷ـ غش
۸ـ سرفه
۹ـ خروسك
۱۰ ـ بریدگی روی جلد
۱۱ـ جوش پای کودك
۱۲ـ اسهال
۱۳ـ گوش درد
۱۴ـ شوك برق
۱۵ـ بیهوشی
۱۶ـ تب
۱۷ـ سرما زدگی
۱۸ـ سرما خوردن سر
۱۹ـ آسیب دیدن سر
۲۰ـ گرما زدگی
۲۱ـ سکسکه
۲۲ـ کهیر
۲۳ـ گزیدگی حشرات
۲۴ـ خون دماغ
۲۵ـ سرخ شدن چشم
۲۶ـ مسمومیت
۲۷ـ مسمومیت نباتی
۲۸ـ عرق جوش
۲۹ـ خفگی اطفال
۳۰ـ گزیدگی مار
۳۱ـ گرفتن گوش
۳۲ـ چیزی درون چشم‌رفتن
۳۳ـ چیزی درون بینی‌رفتن
۳۴ـ چیزی درگلوگیرکردن
۳۵ـ گلودرد
۳۶ـ خراشه فرو رفتن درگوش
۳۷ـ رگ برگ شدن
۳۸ـ گل مژه
۳۹ـ دل درد
۴۰ـ آفتاب سوختگی
۴۱ـ آفتاب زدگی
۴۲ـ چیزی قورت دادن
۴۳ـ دندان در آوردن اطفال
۴۴ـ دندان درد
۴۵ـ استفراغ

۱ـ گزیدگی بوسیله‌جانوران

احتیاجات:

۱ـ صابون سفید معمولی یا آب پاك‌کننده طبی ✶

۲ـ گاز کمپرس

۳ـ محلول زفیرن ٪۱

۴ـ گاز استریل‌ولوکوپلاست.

چه‌باید کرد:

۱ـ زخم را با آب پاك کننده کاملا شستشو داده و مدت پنج دقیقه با گازکمپرس آرام‌آرام‌مالش دهید ، بعد خوب خشك کنید.

۲ـ با محلول زفیرن ضد عفونی کنید.

۳ـ گاز استریل روی آن بگذارید.

۴ـ و به پزشك مراجعه نمائید.

احتیاط لازم

۱ـ گزیدگی جانوران ممکن است تولید چرکهائی بنماید ولی نکته بسیار مهم و قابل تذکرایسنت که احتمال انتقال میکرب هاری از بزاق جانور هار بانسان بسیار زیاد است. بیمار مبتلا به هاری را اگر فورا به پزشك نرسانندواز خطر جلوگیری نکنند بدون شك بهلاکت خواهد رسید . دراینصورت هر جانور گزیده‌ای را بیدرنگ به پزشك برسانید .

۲ـ اگر میتوانید جانور گزنده را هم بگیرید تا بدان وسیله از شیوع بیماری هاری جلوگیری بعمل آید . چنانچه لازم شد جانور مزبور را بکشید ولی ، مراقب باشید که بمغز او صدمه وارد نیاید ، زیرا میتوان از مغز جانور هار در آزمایشگاه آزمایش میکربی بعمل‌آورد.

۶ـ تاول سائیدگی

احتیاجات:

۱ـ صابون سفید معمولی یا آب طبی پاك‌کننده✶

۲ـ آب نمك رقیق:نصف‌قاشق چایخوری نمك در هشت اونس آب .

۳ـ قیچی ـ لوکوپلاست ـ گاز استریل و بانداژ داروئی نشده .

۴ـ وازلین استریل شده در لوله .

چه‌بایدکرد:

۱ـ محل تاول را تکان بدهید.

۲ـ تاول را بدون ترکاندن خوب با آب صابون‌بشوئید.

۳ـ یك چهار گوش گاز استریل را در آب نمك خیس کرده و روی زخم بگذارید تااینکه تاول بخوابد.

۴ـ وازلین استریل‌روی‌تاول که فروکش کرده بگذارید وبه بندید.

۵ـ اگر پوست ترکیده باشد بدستوراتی که برای بریدگی داده شد عمل نمائید.

احتیاط لازم

۱ـ اغلب تاول هائی که به پا میزنند از پوشیدن کفش‌تنگ است . برای جلوگیری از آن میتوان کفش های راحت تر با پاشنه کوتاه یا بدون پاشنه‌بپوشید.

۲ـ از ورم کردن ودردناك شدن و سائیدگی کشاله ران وزیر بغل جلوگیری کنید ، زیرا اگر در آن قسمت ها تاولی پیدا شد و اطراف آن را جوش های سرخ رنگ پرکرد یقین بدانید کهمی‌خواهد چرك کند و باید فورا به طبیب رجوع‌کنید.

۳ـ دمل

احتیاجات

۱ـ آب نمك گرم : نصف قاشق چایخوری نمك درهشت‌اونس آب

۲ـ گازکمپرس

چه‌بایدکرد

۱ـ دمل را فشارندهید.

۲ـ برای تسکین درد آب نمك داغ روی‌دمل بگذارید.

۳ـ بدکتر مراجعه‌کنید.

احتیاط لازم

۱ـ دمل یك منبع چرك‌است و باید آن را بسیار تمیز نگهداشت.

۲ـ دمل هائی که تجدید میشوند و یا دمل‌هائی که توی صورت و مخاط بینی میزنند باید با دستور پزشك مداواگردد.

۴ـ ضرب خوردگی

احتیاجات

کیف یخ یا کیف آبجوش و یا پارچه با آب سرد و یاآب گرم

چه بایدکرد

۱ـ از آب گرم یا سرد و یا کیف یخ یا کیف آبجوش هرکدام را که بیمار بهتر میپذیرد روی کوفتگی بگذارید.

۲ـ اگر پوست ترکیدگی‌پیدا کرد بدستورات بریدگی پوست مراجعه‌کنید:

احتیاط لازم

اگر مرتبا در روی بدن‌لکه های سیاه و کبود مشاهده شد با پزشك مشورت کنید .

۵ـ سوختگی وتاول

احتیاجات

۱ـ صابون سفید معمولی یا آب طبی پاك‌کننده ✶

۲ـ وازلین سفید استریل شده

۳ـ قیچی ـ لوکوپلاست‌ـ گاز استریل

۴ـ آسپرین +

چه‌باید کرد

۱ـ محل را آرام آرام با آب و صابون بشوئید .

۲ـ روی سوختگی راوازلین بمالید و باگاز استریل بپوشانید.

۳ـ و اباند استریل محکم به بندید.

۴ـ برای رفع دردآسپرین بدهید.

احتیاط لازم

۱ـ برای جلوگیری‌ازحوادث ناگوار هیچوقت کتری آبجوش را لب اجاق ، دستشوئی ویا میز نگذارید.

بچه ها را از برداشتن‌وسایل برقی وبخاریها وگازونزدیك شدن به آتش وپریزهای برقی ممانعت کنید.

هرگز بر روی روغنی که درحال جوشیدن وسوختن است‌آب نریزید . میتوانید بجای آب ، نمك ـ شن و سودا بکار ببریدتا آتش خاموش شود.

۲ـ درسوختگی‌های‌درجه‌سوم (یعنی آن‌هائی‌که به نسج میرسد) وآن سوختگی هائی که تولید شوك

میکند بیمار را بخوابانید و گرم بپوشانید و با عجله او را به بیمارستان برسانید.
۳ـ هرگز روی سوختگی را مستقیما پنبه نگذارید ـ وهیچوقت لباسی را که به سوختگی چسبیده است نکشید.

۶ـ یبوست اطفال

احتیاجات

شیر منیزی یا هر مسهل ملایم ●

چه بایدکرد

۱ـ در مورد اطفال بایدمقدار آبی که داخل مسهل میکنیدبیشتر باشد و در مورد تغییر نوع مسهل با دکتر مشورت کنید.
۲ـ مواظب رژیم غذائی کودك باشید ـ مواد سبزی ، میوه وآب میوه غذای طفل را زیاد کنید. شوکلات وغذا های سنگین وچرب را از برنامه حذف نمائید . روزانه یك لیتر شیر مرتبا به طفل بدهید.
۳ـ آلو و آب آلو برای یبوست مفید است ـ حتی میتوانید آب آلو را بشیر مخلوط کرده و بطفل بدهید.
٤ـ برای بچه هائی کهبیش از دوسال دارند یك قاشق چای‌خوری سبوس به حبوبات مورد علاقه‌اش اضافه کنید.
٥ـ شیر منیزی هم بدهید.

احتیاط لازم

۱ـ هرگز کودکی را که آپاندیسیتش را عمل نکرده‌اید. موقع دل درد مسهل ندهید، وتنقیه نکنید ـ تنقیه نباید برای طفل عادت شود . فقط در مواقع خیلی ضرور میتوانید از آن استفاده نمائید.
۲ـ از دادن روغنهای معدنی بکودك خودداری کنید ـ چه که کودك روغن معدنی را دوست ندارد و بعلاوه ممکن است موقع خوردن در گلویش گیر کرده و داخل ریه شود.
۳ـ متوجه باشید که اصرار زیاد برای اجابت مزاج طفل‌باعث یبوست میشود.

۷ـ غش

احتیاجات

۱ـ چند حوله و آب‌گرم
۲ـ آلتی که زبان را باآن نگاه میدارند ـ قاشق یا گازلوله کرده.
۳ـ پوارکوچك

چه بایدکرد

۱ـزبان را با اسباب‌مخصوص یا قاشق و یا گاز نگهدارید ـ یعنی طوری یکی از آن‌ها را دردهان بیماربگذاریدکه در حال‌غش‌زبانش را گاز نگیرد.
۲ـ برای کمك به بهبودی سریع بیمار او را در حوله‌های خیس از آب گرم به پیچید ـ البته آب نباید داغ‌باشد.
۳ـ اگر تب از ٤٠ بالاست یك تنقیه بوسیله پوار با آب ولرم بدهید.
٤ـ دکتر را خبرکنید.

احتیاط لازم

سعی کنید عصبانی وناراحت نشوید . زیرا بجای رسیدگی به بیمار باعث ناراحتی او خواهید شد ـ این غش ها در اطفال اغلب با تب همراه است وبندرت اتفاق میافتد که این بیماری در کودك مزمن گشته یا ادامه یابد و اگر چنانچه تکرار شد و مخصوصا بدون تب بود بایستی تحت نظر پزشك متخصص قرار گیرد.

۸ـ سرفه

احتیاجات

۱ـ قطره بینی بدون روغن با شیشه پلاستیکی که بتوان محتوی آن را با فشار خارج کرد. ✱
۲ـ داروی سرفه ✱
۳ـ دستگاه بخور دهنده اگر موجود باشد.

چه بایدکرد

۱ـ مطمئن باشید که پوشش بیمار با حرارت هوای اطاق مناسب است.
۲ـ بیمار را در اطاق گرم دور از پنجره بخوابانید و از حمام دادن قبل از خواب صرفنظر نمائید.
۳ـ دربینی قطره بچکانید.
٤ـ برای این‌که بیمار بتواند شب را استراحت کند داروی ضد سرفه طبق دستوری که قبلاگرفته‌اید به بیمار بدهید.
٥ـ اگر دستگاه بخوردهنده دارید روزی سه مرتبه هر مرتبه ١٥ دقیقه به‌بیمار بخور بدهید.

احتیاط لازم

۱ـ توجه داشته باشید که‌اگر سرفه ملایم و عادی باشدعوارضی نخواهد داشت زیرا این سرفه ها فقط اخلاطی‌راکه درسینه‌وگلوجمع میشود خارج میکنند و لزومی‌ندارد که برای تسکین آن اقدامی‌شود.
۲ـ چنانچه مشکوك هستیدکه ذرات خارجی داخل ریه شده‌اند فورا بدکتر رجوع‌کنید.
۳ـ مطمئن بشوید که علت سرفه از حساسیت نیست.
٤ـ اگر سرفه بیش از یك هفته ادامه یابد باید به پزشك مراجعه شود تا علت آن تشخیص داده شود.
٥ـ قطره چکان را همیشه خارج از شیشه نگاهداری کنید و قبل و بعد از استعمال آنرا بشوئید.
٦ـ طفلی را که درحال بخور دادن باو هستید بخیال خودش رها نکنید.

۹ـ خروسك

احتیاجات

۱ـ دستگاه بخوردهنده
۲ـ تنتور دوبنژوئن

چه بایدکرد

۱ـ دکتر را خبرکنید.
۲ـ قبل از رسیدن دکتر قدری تنتور دوبنژوئن بآب داخل کرده بخور بدهید . متوجه باشید که بخاربطورکامل داخل‌بینی‌بیمار گردد اگر دستگاه بخور ندارید بیمار را دراطاق محفوظ ویا در حمام منزل بوسیله یك کتری آب جوش بخور بدهید.
۳ـ تازسیدن پزشك درکنار بیمارتان (اگرطفل‌باشد) بمانید .
٤ـ کودکی را که خروسك میگیرد ، باید شب ها از تنفس او اطمینان پیدا کنید و گاه‌بگاه بر بالین او رفته و تنفسش راگوش بدهید.

احتیاط لازم

۱ـ علائم خروسك ، سرفه‌های بلند و دنباله دار است که تنفس را هم مشکل میکند .اغلب هنگام بروزسرماخوردگی‌این‌بیماری عارض میشود.
والدین متوجه باشند که این بیماری مهم و قابل اهمیت‌نیست. ولی درهرصورت بایستی بیماررا تحت نظر پزشك قرارداد.
اطفالی که اغلب‌دچارخروسك میشوند بعلت بزرگ شدن لوزتین آنها و یا از حساسیت شدید است . باید در هر دو حال ازآنها جلوگیری بعمل آید.
۲ـ کودك را هیچوقت با دستگاه بخور تنها نگذارید.

۱۰ـ بریدگی‌ها ـ خراشیدگیها

احتیاجات

۱ـ صابون سفید معمولی یا آب طبی پاك‌کننده ✱
۲ـ قیچی ـ لوکوپلاست‌و گاز استریل
۳ـ محلول ١٪ زفیرن
٤ـ محلول رقیق آب نمك: نصف قاشق چایخوری در ۸ آونس آب

چه بایدکرد

۱ـ موضع را با آب وصابون کاملا بشوئید.
۲ـ اگر خون ریزی شدید است با یك گاز استریل روی زخم را محکم فشار بدهید.
۳ـ با محلول زفیرن ضد عفونی‌کنید.
٤ـ زخم را با مقداری گاز استریل که روی آن کمی‌وازلین مالیده‌اید به پوشانید ـ وازلین برای آنست‌که گاز بزخم بچسبد.
٥ـ در زخم های ملتهب و وآماس دار بهتر است‌که زخم‌بندی مرطوب بنمائید . بدین ترتیب‌که گاز استریل را در آب نمك رقیق خیس کنید و روی زخم بگذارید.

احتیاط لازم

۱ـ در مورد اطفال فورا و بدون شك سرم ضد کزاز بکار ببرید ، ضمنا تزریقات دیگرتوام با داروهای تقویتی بسیار لازم است.
اگر طفلی حساسیت داشته‌باشد و از تزریق سرم ضدکزازخودداری شود خطرات غیر قابل جبران ببار خواهد آورد .
۲ـ اگر زخم ناشی ازجسمی آلوده یا زنگ‌زده‌بود، برای‌معالجه آن به پزشك رجوع‌کنید.
۳ـ از تولید شدن میکرب در اطراف زخم جلوگیری‌کنید ـ زیرا پیدایش دانه های قرمز ، یا تورم و یا درد در محل زخم‌و بریدگی مسلما علامت‌بروزانفکسیون است.

۱۱ـ قرمز شدن وسوختگی پای کودك

احتیاجات

۱ـ پودر بچه و یا پماد
۲ـ داروی مخصوص شستن کهنه کودك

چه بایدکرد

۱ـ تا آنجا که امکان‌دارد پای کودك را نباید در کهنه پیچید و یا اینکه بمحض ترشدن کهنه باید آنرا عوض‌کرد.
۲ـ کهنه ها را با داروی مخصوص بشوئید و چهار مرتبه آب بکشید.
۳ـ هر مرتبه که کهنه را عوض میکنید محل قرمز شده و سوخته را چرب کنید و پودر بزنید.

احتیاط لازم

اغلب این قبیل سوختگی‌ها در اطفال بسبب حساسیت‌ازغذاست. مثلا آب پرتقال وگوجه فرنگی، تخم مرغ ــ اسفناج و بعضی‌غذا هائی از آرد گندم درست میشود تولید حساسیت و سوختگی می‌ــ کند.

۱۲ــ اسهال

احتیاجات

۱ــ درجه تب

۲ــ مخلوطی از دارو هــای ضد اسهال که بصورت فورمــول تهیه شده است ✶ و یا ترکیبات بیسموت✶

چه بایدکرد

۱ــ درجه تب رابگیرید.

۲ــ اگر بیمار کــودك‌باشد برای تغییر فورمول غذائی ودوائی با پزشك مشورت کنید ،

۳ــ اگر بیمار بزرگ باشد بــایــد رژیــم غذائیش شامــل غذا هــای آردی ، بــرنج ، پالوده سیب ، موز ، پنیر ، ژله ، گوشت و چای باشد .

۴ــ شیری که سر شیریش را گرفته باشید و مدت پانزده دقیقه جوشانده باشید میتوانید بهــ بیماربدهید.

۵ــ ترکیبات بیسموت و یا فرمولهای ضد اسهال را بایــد طبق تجویز پزشك بدهید .

احتیاط لازم

۱ــ اگر اسهال تــوام با تب عارض شد بدکتر رجــوع کنید.

۲ــ اطمینان یابید که عارضه اسهال ناشی از مسمومیت غذائی‌و یا خوردن میوه خام نباشد چه‌در آنصورت نباید بیمار را بدون‌دستور پزشك تحت درمان قرارداد .

۳ــ اسهال در کودکان یکی از بیماریهای خطرناك و قابــل اهمیت است و بایستی حتما با مراجعه به پزشگ معالجه شود.

۴ــ بعضی از دارو های ضد میکرب تولید اسهال میکنند اگر چنانچه نسبت به بیمار خود دراین باره مشکوکید با پزشگ مشورت نمائید.

۱۳ــ گوش درد

احتیاجات

۱ــ درجه تب

۲ــ قطره بینی بدون روغن یا شیشه‌های پلاستیکی که محتوی آن را بتوان با فشارخارج کرد.✶

۳ــ قطره گوش✶

۴ــ آسپرین +

چه باید کرد

۱ــ درجه حرارت بدن را بگیرید.

۲ــ چون گاهی گوش درد باعث گــرفتن بینی میشود پس لازمست که همیشه در اینطورمواقع دربینی هم قطره بچکانید.

۳ــ شیشه محتوی قطره گوش را مختصری گرم کرده و درگوشی که دردمیکند بچکانید.

۴ــ برای بر طرف کــردن درد آسپرین بدهید.

احتیاط لازم

۱ــ اگر گوش درد با تب توام بود پزشك را خبرکنید .

۲ــ بچه را ازفین‌کردن با فشار مانع شوید و همچنین وقتی یکی از سوراخ های دماغش گرفته است نباید فقط از یك سوراخ فین کند.

۳ــ قطره گوش را بیش از دومرتبه درگوش بچکانید مگــر اینکه دکتر دستور بدهد .

۱۴ــ برق زدگی

چه بایدکرد

۱ــ اگر امکان دارد جریان برق را فورا قطع‌کنید.

۲ــ در غیر این صورت برق زده را از سیم لخت دورکنیدــ مواظب باشیدکه خودتان با سیم لخت و یا بدن بیماری که در آن جریان برق است تماس پیدانکنیدــ با یك چوب خشك ، یا طنــاب خشك یا پارچه خشك سیم را کنار بزنید ــ هرگز دستهایتان را بدون وسیله عایق بکار نبرید.

احتیاط لازم

۱ــ همیشه وسایل الکتریکی مورد اعتماد بخرید . وسایــــل الکتریکی خراب شده را یا فــورا تعمیر کنید و یا عوض کنید. برای نصب وسایل الکتریکی طبق مقررات و قوانین محلی رفتارکنید وازصحت نصب و نداشتن اتصــال اطمینان کامل یابید.

۲ــ سوراخ‌های‌سربازسیمکشی ها را با گذاشتن دریچه و سرپوش از دسترس اطفال دور نگهدارید.

۳ــ هیچوقت وسایل الکتریکی را در حمام نبرید و یا نزدیك‌وان نگذارید.

۱۵ــ بیهوش شدن

احتیاجات

نمکهای قابل بو کردن یا آمونیاك قابل استشمام با آب

چه بایدکرد

۱ــ اگر کسی احساس‌بیهوشی کرد او را به سینه بخوابانید و یا طوری بنشانید که سرش‌بین زانوهایش قرار بگیرد.

۲ــ کسی که تازه بیهوش میشود باید او را چنان خواباند که سرش از پاهایش پائین‌تر قرار بگیرد.

۳ــ نمك بودار جلو دماغش بگیرید و یا با دست بصورتش‌آب بپاشید.

۴ــ اگر بیهوشی با خونریزی های شدید شروع بشود ازاستعمال آمونیاك و یا سایر دارو هــای محرك خودداری کنید و فورا به پزشك مراجعه نمائید .

۱۶ــ تب ۴۰ یا بیشتر

احتیاجات

۱ــ درجه حرارت

۲ــ آسپرین +

۳ــ کیف یخ

۴ــ کیف آبجوش یاتشك برقی

چه بایدکرد

۱ــ پزشك را خبرکنید.

۲ــ آسپرین بدهید.

۳ــ اگر درجه حرارت از۴۰ بالا بود کیف یخ روی سروآبگرم روی پا بگذارید.

۴ــ اگر درجه حرارت از ۴۰ کمتر بود پاشویه با آب نیمگرم و یا مساوی الکل سفید و آب نیم گرم پاشویه کنید.

۵ــ گاهگاه آب و یــا آشامیدنی ملایم و خنکی به‌بیمار بدهید تا براثر حرارت تب ، آب بدنش تبخیر نشود.

احتیاط لازم

در این گونه مواقع بــدون اجازه پزشك از دادن دارو های ضد میکربی خودداری‌کنید.

۱۷ــ سرما خوردگی

چه بایدکرد

۱ــ قبل از اینکه بیماررا به فضای پوشیده و محفوظ برسانید او را با لباس‌هائی پشمی بپوشانید.

۲ــ اگر موضع سرما زده هنوز بی حس بود در آب ولرم مالش بدهید و یا در پتوی گرم به پیچانید .

۳ــ اطراف موضع سرما زده را ماساژ بدهید ولی هرگز روی محل را با دست و یا با بــرف نمالید.

۴ــ یك آشامیدنی‌قوی‌مخصوصا قهوه به‌بیمار بنوشانید. زده‌گی را دستمالی نکنید.

۵ــ تاولهای ناشی از سرما

۶ــ بدکتر رجوع‌کنید.

احتیاط لازم

۱ــ شخص ضعیف و خسته استقامتش در برابر سرما ازدیگران کمتراست.

۲ــ اگر قسمتی از بدن سرما خورد آن را خوب بپوشانید ، ماساژ بدهید و سطح پوست راگرم کنید.

۴ــ هرگاه درمعرض سرمــا زدگی هستید از خوردن مشروب و کشیدن سیگار خودداری‌کنید.

۱۸ــ سرماخوردگی سر

احتیاجات

۱ــ جوش شیرین

۲ــ پنبه مناسب

۳ــ قطره بدون روغن برای بینی و یا شیشه‌ای که محتــوی آنرا بتوان با فشار خــارج‌کرد✶

۴ــ درجه تب

۵ــ پوار گوش با نوك‌کوچك لاستیکی

چه بایدکرد

۱ــ برای کودك ، مجــرای بینی او را با مقداری پنبــه که در محلول جوش شیرین فــرو برده‌اید پاك کنید ــ یك قاشق چایخوری جوش شیرین در۸ اونس آب.

۲ــ قطره دربینی بچکانیدــ برای بچه‌ها که نمیتوانند دماغشان را فین کنند ، بایستی بعد از چکاندن قطره پوار کوچکی را آهسته در سوراخ دماغشان‌کنید و مایع درون بینی را با آن‌بیرون بکشید.

۳ــ هرکس که مبتلا به سرما خوردگی میشود باید استراحــت کامل نماید.

۴ــ مواد آبکی بمقدار فراوان به‌بیمار بدهید.

۵ــ ازبالا رفتن‌تب‌جلوگیری کنید.

احتیاط لازم

۱ــ اگردرسرما خوردگی تب عارض نشود، ممکن‌استیك‌حساسیت باشد و اصولا سرما خــوردگــی نباشد.

۲ــ ولی آنچه که درظاهر سرما خوردگی بنظر میآید ممکن است یا سینوسها چرك کرده باشد و یا اگــر بیمار طفل بــاشد احتمال سرخك برود.

۳ــ همیشه قطره چکان را خارج از شیشه نگاهدارید وقبلو بعد از استعمال آن را خــوب بشوئید .

۱۹ــ صدمه،ضربه‌وکوفتگی

چه بایدکرد

۱ــ اگر کودکی پس‌ازافتادن از جائی یا خوردن ضربتــی‌بسرش

گریه و ناله او بعد از پانزده دقیقه متوقف شد و رنگش بحال طبیعی بازگشت و استفراغ نکرد بگذارید راحت باشد و دنبال بازی برود.

۲- اگر کودکی پس ازجریان فوق استفراغ کرد- بی اشتها شد دهان دماغ وگوشش‌خون‌ریزی‌کرد و چندین ساعت رنگش پریده ماند و بنظر خواب آلود و کسل‌آمد فورا بدکتر مراجعه کنید. کودك را آرام و بیصدا نگاهدارید و دراولین شب حادثه یکی دوبار او را از خواب بیدار کنید تا مطمئن شوید که حواسش بجاست.

۳- اگر براثر ضربت ، سرش متورم شد روی آن را یخ بمالید تا بجای اول برگردد.

٤- اگرکسی پس ازافتادن ازجائی یا ضربت خوردن بسرش، حواس خود را از دست داد و از خود بیخود شد باید فورا او را نزد پزشك‌برد .

احتیاط لازم

۱- هیچوقت کودك رابحال خود روی صندلی بلند رها نکنید

۲- تا مطمئن نباشید که اطراف گهواره و یا تخت کودك بحد کافی بلند است او را ترك‌نکنید.

۳- با وجودیکه براثرضربت سرانسان اغلب ورمهای بزرگ‌می- کند ، اگر عوارض دیگری‌نداشته باشد نباید نگران شد زیرا ممکن است‌که‌تورم براثرپاره شدن یکی از عروق کوچك زیر جلد باشد.

۲۰- گرما زدگی

احتیاجات

۱- آب نمك : نصف قاشق چایخوری نمك در یك سوم گیلاس آب

۲- چای یا قهوه گرم

چه بایدکرد

۱- شخص گرما زده رنگی پریده و پوستی چسبناك‌دارد. نبضش ضعیف میزند وحرارت بدنش‌پائین است - ممکن است بیهوش شود. اگر بیهوش شد او را به پشت بخوابانید.

۲- محلول آب نمکی را که بطریق فوق آماده شده شش مرتبه به بیمار بدهید تا این دو قاشق سوپخوری نمك باو داده باشید.

۳- قهوه یا چای گرم بخورانید.

٤- اگر عوارض بر طرف نشد بدکتر رجوع کنید.

۲۱- سکسکه

چه بایدکرد

۱- بیمار اگر کودك باشد- بوسیله شیشه باو قدری آب‌گرم بدهید - اگر آب ساده نمی‌خورد قدری شکر بآن اضافه کنید.

۲- اگر کودك نباشد یك پاکت کاغذی باو بدهید که جلو بینی و دهانش بگیرد و دوازده مرتبه درآن نفس عمیق بکشد.

احتیاط لازم

۱- دربچه‌های کوچك سکسکه بعلت اینست که کاملا گازمعده‌شان خالی نشده است.

تا وقتی که سکسکه طولانی نشده است نگرانی موجبی ندارد.

۲- ادامه سکسکه دراشخاص بزرگ توجه و دستور های پزشکی لازم دارد.

۲۲- کهیر

احتیاجات

۱- جوش شیرین یا نشاسته ذرت

۲- داروی ضد حساسیت (اگر بیمار مبتلا به حساسیت‌مزمن باشد)★

۳- آب کالامینی یا پماد کالامین

٤- شیر منیزی یا هر مسهل ملایمی ●

چه بایدکرد

۱- بیماررا حمام وجوش‌شیرین یا نشاسته ذرت بدهید . یك مشت بزرگ از هرکدام که موجود دارید کافی است که در آب وان بریزید.

۲- اگر بیمار حساسیت‌دارد، داروی ضد حساسیت باو بدهید- شیر منزیم یا مسهل هم برای پاك کردن معده ضروری است.

۳- روی جوش ها آب یا روغن کالامین بمالید.

احتیاط لازم

۱ - غالبا کهیر علامت حساسیت است و باید حساسیت را ازبین برد . در مورد اطفال ممکن است براثر تغییراتی دررژیم غذائی حساسیت بوجود آید- ودر اشخاص بزرگ خوردن شوکلات صدف ، آجیل ، میوه‌های خام‌و اقسام توتها حساسیت میدهد.

۲- بعضی از داروهای ضد میکربی هم تولید کهیر و یا حساسیت های جامدی میکنند . اگر چنین بود ادامه معالجه را قطع کرده و با پزشك مشورت کنید.

۲۳- حشره گزیدگی

احتیاجات

۱- محلول بورو

۲- گاز استریل‌ولوکوپلاست

۳- کیف یخ

٤ - آب کالامین یاپماد آن

۵- داروی ضد حساسیت (اگر بیمار مبتلا به حساسیت باشد)★

چه بایدکرد

۱- اگر نیش حشره هنوز در پوست باشد با موچین آن را خارج کنید -محل نیش را با محلول یك در ده‌آب و بوروتمیز کنید.

۲- اگر محل نیش دردکند کیف یخ بگذارید تا تسکین‌یابد.

۳- برای جلوگیری ازخارش روی زخم را آهسته با پماد آب کالمین مالش دهید.

٤- برای کسانی که مبتلا به حساسیت هستند طبق دستورهای بالا داروی ضد حساسیت بدهید.

احتیاط لازم

محل گزیدگی‌را اگربخارانند چرك میکند - چنانچه‌علامت‌چرکی ظاهر شد فورا به پزشك مراجعه کنید.

۲٤- خون دماغ

احتیاجات

۱ - کیف با پارچه کمپرس و آب‌یخ .

۲- گاز بانداژ باریك

۳- وازلین

٤- آدرنالین برای مصرف موضعی ★

چه بایدکرد

۱- بیمار را آرام بنشانید و سرش را بسمت عقب خم‌کنید.

۲- کیف یخ یا پارچه را در آب یخ کرده و پشت گردن بیمار بگذارید.

۳- اگر خون ریزی بند نیامد لوله بینی را که خون ریزی میکند با مقدار زیادی گازکه آغشته بوازلین و آدرنالین‌کرده‌اید به‌بندید.

٤- تا چندین ساعت پس‌از بند آمدن خون دماغ را فین نکنید.

احتیاط لازم

خون دماغهای عادی دراطفال امر مهمی نیست و معمولا براثر سرما خوردگی و یا نزدیك شدن دوران بلوغ بوجود میآید. و نباید موجب نگرانی شود . ولی بهرحال متوجه باشید که اگر براثر خون دماغ شدن مختصر کبودی در صورت یا بینی ظاهر شود باید فورا به پزشك‌مراجعه کرد.

۲۵- چشم درد (آماس ملتحمه)

احتیاجات

۱- آرژیرول ۱۰٪

۲- آب نمك رقیق : نصف قاشق چایخوری در ۸آونس آب

۳- پنبه استریل یا چشم شوی

٤- پماد چشم ★

چه بایدکرد

۱ - چشم را نمالید .

۲- هر روز روزی سه مرتبه یك قطره آرژیرول درهر چشم بچکانید - پنج دقیقه بعد با پنبه یا چشم شوی با آب نمك شستشو دهید.

۳- روزی دو مرتبه پلك زیرین چشم پماد بگذارید.

احتیاط لازم

۱- آرژیرول را هرگز بیش از سه روز مصرف نکنید.

۲ - آماس‌ملتحمه یك‌بیماری مسری است - بیمار مبتلا باید مرتبا دست هایش را بشوید واز استعمال حوله و دستمال دیگران خودداری کند .

۳- اگر التهاب آرام نشد بدکتر مراجعه کنید زیرا ممکن است جسم خارجی در چشم رفته باشد.

۲٦- مسمومیت

احتیاجات

۱- آب گرم یا شیر

۲- داروی ضد مسمومیت ★

چه بایدکرد

«مسمومیت از راه دهان»

۱- اگر بیمار بهوش باشد و سمی که خورده قلیائی نباشد مثل نفت سفید و بنزین- فورا باین طریق تولید استفراغ نمائید:

چندین گیلاس آب گرم یا شیر به مسموم بخورانید تا سم داخل معده را رقیق کند . آنگاه با دم قاشق انتهای گلویش را لمس کنید.

اگر مسموم کودك بود او را وارونه‌روی دامان‌خودبخوابانید بطوریکه سرش از رانهایش پائین‌تر قرار گیرد و دراین حالت موادی را که باید استفراغ کنندداخل‌روده هایش‌نمیشود.

۲- اگر بیمار در حال اغماء بود و مواد قلیائی خورده بود نگذارید استفراغ‌کند - اورا فورا به بیمارستان ببرید.

۳- میتوانید در همان‌ظرفی که مسموم سم را خورده است باو داروی ضد سم بدهید البته این در صورتیست که ظرف دیگر در دسترس نباشد - اگر داروی ضد سم دردسترس ندارید این محلول را درست‌کنید وبمسموم

بخورانید: يك قطعه نان تست‌خورد شده ـ يك قاشق سوپخوری شیر منیزی ـ يك فنجان چای‌پررنگ.

۵ـ اگر بیماررابه‌بیمارستان میبرید ظرفی که ازآن سم نوشیده است همراه بردارید تا در آنجا نوع و مقدار سمی را که خورده است تشخیص دهند.

«مسمومیت جلدی»

۱ـ اگر اسید یا سایردارو های خانگی روی دست ریخت ، مدت پنج دقیقه دست را باصابون بشوئید.

۲ـ بدکتر مراجعه کنید.

«سمها یا داروهائی که بچشم میروند».

۱ـ چشم را مدت پنج‌دقیقه با آب گرم شستشو دهید.

۲ـ بدکتر مراجعه نمائید.

«مسمومیت براثر استنشاق»

۱ـ مسموم را فورا به هوای آزاد برسانید اما مواظب باشید سرما نخورد.

۲ـ بدکتر مراجعه کنید.

احتیاط لازم

۱ـ جلوگیری از مسموم شدن خیلی مهمتر از دفع آن است ـ داروهای خانگی و سمیات را هر يك جداگانه نگاهداری کنید و از دسترس اطفال دور نگهدارید.

۲ـ داروی هر نسخه‌ای را که میخرید از سایر دارو ها جدا بگذارید ، نسخه‌ها و داروهای بی مصرف و زائد را دوربیندازید.

۳ـ هرگاه از مسمومیت کسی یا طفلی مطمئن شدید بدون معطلی او را به‌دکتر برسانید.خیلی از مسمومیت ها اثرش دیر ظاهر میشود.

۲۷ـ مسمومیتهای گیاهی

احتیاجات

۱ـ محلول بورو
۲ـ گاز استریل ولوکوپلاست
۳ـ آب کالمین یا پماد آن
۴ـ داروی ضد حساسیت*

چه بایدکرد

۱ـ محل را با آب بورو (يك قسمت آب بورو و سه‌قسمت آب معمولی) آرام پاك‌کنید.

۲ـ اگر ممکن است چرك کند پانسمان مرطوب نکنید ـ یعنی گاز را در محلول بورو کاملا فرو ببرید و روی محل بگذارید.

۳ـ ودرغیر آن صورت محل مسموم شده را محلول یا پماد کالامین بمالید.

۴ـ اینگونه مسمومیت ها اگر در ناحیه چشم باشد طبق دستورهای معالجه چشم دردآب‌نمك وپماد چشم مصرف کنید.

۵ـ اگر مسموم حساسیت داشته باشد باید داروی ضد حساسیت باو داده شود.

احتیاط لازم

بچه ها را از مضار گیاه‌ها ومیوه‌های سمی آگاه‌کنید وآنان را با انواع آن‌ها که خطربرخورد دارند آشنا سازید تا از خوردن ودست‌زدن بآن‌ها خودداری کنند.

۲۸ـ عرق سوز

احتیاجات

۱ـ پودر بچه
۲ـ محلول کالامین

چه بایدکرد

۱ـ لباس کودك را تا آنجا که ممکن است کم کنید ولی هوای اطاق نباید سرد باشد.

۲ـ اگر هوا خیلی گرم باشد روزی چند مرتبه کودك را در آب بدون صابون شستشو دهید.

۳ـ روی عرق سوزها را با روغن کالمین چرب کنید و پودر بزنید.

احتیاط لازم

مطمئن بشوید که جوشهابراثر حساسیت ظاهر نشده‌اند.

۲۹ـ خفگی دراطفال

چه بایدکرد

طریق زیر را برای مداوای کودکی که در حوض آب افتاده و یا براثر بوی گاز حالت خفگی پیدا کرده است بکار برید :
کودك را روی دست راست‌خودتان سرازیر کنید بطوری که پاهایش آرنج شما را لمس‌کند. انگشت میانه دست راست را در گلوی کودك فرو ببرید و زبانش را بیرون بکشید بقیه دست راست شما حافظ کودك و دست چپ شما بالای‌گردن و شانه‌اش قرار میگیرد و ازافتادن او جلوگیری میکند . در این حال بازوی راست را بطور زاویه قائمه بالا و پائین ببرید بطوریکه در هردقیقه ۱۲ مرتبه دست شما بالا وپائین رفته باشد.

۳۰ـ مارگزیدگی

احتیاجات

۱ـ بانداژ یا پارچه باریکی که بتوان دور عضو گزیده شده پیچید.
۲ـ چاقوی تیز یا تیغ اصلاح
۳ـ الکل
۴ـ بادکش شیشه‌ای یا ظرف گود کوچکی که بتوان کار بادکش را با آن انجام داد.

چه بایدکرد.

۱ـ اگرمار بدون زهرگزیده باشد باید دستورهائی را که در مورد خارش ها و حساسیتهای جلدی داده شده بکار برد.
اما اگر مار زهردار باشد باید خیلی زود اقدام کرد ـ بیمار را بخوابانیدوآرام‌نگهدارید.

۲ـ باند را درست‌بالای‌نیش، دورعضوگزیده‌شده به‌ببندید . آنقدر آن را محکم به‌ببندید که رگها بالا بیایند آن را بصورت شریان بند به ببندید ولی اگر تورم، باند را محکم کرد و فشار آورد می‌توانید قدری شل‌کنید.

۳ـ چاقو را با الکل یا شعله کبریت استریل کرده‌ودرحدود نیم سانتیمتر بصورت خوب درروی محل‌گزیدگی را ببرید.
متوجه پاره شدن‌رگها،اعصاب ونسوج باشید ـ همانقدر که‌نوك چاقو به نسج نرم زیر پوست برسد کافی است.

۴ـ بوسیله بادکش محل گزیده شده را بادکش کنید ـ اگر بادکش در منزل ندارید‌شیشه یا ظرف کوچك گودی را گرم کرده وروی شکاف‌پوست‌بگذارید‌ـ شیشه درحالی که سرد می شود عمل بادکش کردن را انجام میدهد ـ مکیدن با دهان هم امکان دارد.

۵ـ فورا بیمار را به‌بیمارستان برسانید.

احتیاط لازم

۱ـ اطلاعات کافی دربارهٔمار های بومی کشور خود بدست آورید.

۲ـ اگر مشغول جمع‌آوری توت فرنگی ، گل و یا بالا رفتن ازکوه و دره هستید مواظب‌خودتان و اطرافتان باشید و سعی‌کنیدکه همیشه چکمه‌های بلند بپا کنید.

۳ ـ به بیمار داروهای محرك ندهید.

۳۱ـ گرفتگی گوش

احتیاجات

روغن زیتون یا روغنهای معدنی

چه باید کرد .

۱ ـ اگر درگوش کودك جسمی گیرکرد سعی نکنید آنرا با سنجاق و یا سیم بیرون بیاورید زیراممکن است صدمات شدیدی به گوش وارد آورید .

۲ ـ اگر حشره‌ای وارد گوش شد چند قطره روغن زیتون یا روغنهای معدنی درآن بچکانید تا حشره آنجا کشته شود .

۳ـ اشیاءخارجی که وارد گوش میشوند باید بوسیله دکتر خارج شوند .

۳۲ـ جسمی داخل چشم

احتیاجات

۱ ـ پنبه استریل که با آب مرطوب شده باشد .
۲ ـ آرژیرول ۱۰٪
۳ ـ پماد چشم *

چه باید کرد

۱ ـ برای بیرون آوردن جسم خارجی از چشم دست را بشوئید و پلك بالائی را روی پلك پائینی بمالید . و با يك تکه پنبه آهسته گوشه چشم را پاك کنید .

۲ ـ اگر چشم ناراحت باشد يك قطره آرژیرول درآن بچکانید ـ پنج دقیقه بعد باآب جوشیده خنك بشوئید و در زیر پلك پائینی پماد بگذارید .

احتیاط لازم

۱ ـ چشم را هرگز نمالید زیرا جسم خارجی را داخل نسج چشم میکنید .

۲ ـ اگربهم‌خوردگی چشم ادامه یافت بدکتر مراجعه کنید .

۳ ـ آرژیرول را هرگز بیش از سه روز استعمال نکنید .

۳۳ـ جسمی در بینی

احتیاجات

روغن زیتون یا روغنهای معدنی

چه باید کرد

۱ ـ اگر جسم خارجی با فین کردن خارج نشد چند قطره روغن زیتون یا روغنهای معدنی در بینی بچکانید تا ناراحتی برطرف شود .

۲ ـ جسم خارجی را بگذارید دکتر از بینی‌خارج کند زیرا ممکن است کوشش شمابرای بیرون آوردن آن باعث شود که آن جسم بیشتر درون بینی برود .

احتیاط لازم

بچه ها اغلب لوبیا ، نخود و هسته میوه‌جات را در دماغشان میکنند و در نتیجه دماغ میگیرد . اگر يك لوله دماغ بچه گرفت و علائمی از تورم و یا چرك کردن ظاهر شد بدانید که حتما جسم خارجی در بینیش گیر کرده است.

۳۴ـ جسمی درگلو

چه باید کرد

۱ ـ اگر کسی سرفه میکرد و

بسختی نفس‌می‌کشید و رنگش کبود شد او را سرازیر کنید و یابگذارید تا کمرخم شود آنوقت محکم پشت گردنش بزنید .
۲ ــ اگر جسم باینطریق خارج نشد او را به بیمارستان برسانید .
۳ ــ هیچوقت خودتان سعی نکنید جسم خارجی را از گلوی بیمار خارج کنید .

۳۵ ــ گلو درد

احتیاجات

۱ ــ درجه تب
۲ ــ کیف یخ
۳ ــ آب نمك رقیق ، نصف‌قاشق چایخوری در ۸ اونس آب
٤ ــ قطره‌بینی بدون روغن یا شیشه پلاستیکی که محتوی آن را میتوان بافشار خارج کرد *
٥ ــ قرصهای ضد میکربی برای گلودرد *
۷ ــ دستگاه بخور

چه باید کرد

۱ ــ درجه حرارت را بگیرید .
۲ ــ برای‌تخفیف درد شدید روی گلو کیف یخ بگذارید .
۳ ــ با آب نمك رقیق غرغره کنید .
٤ ــ قطره را طبق دستور روی شیشه در بینی بچکانید .
٥ ــ قرص‌گلودرد را طبق دستور روی قوطی بمیکید .
٦ ــ روزی دوسه مرتبه بخور بدهید و مواظب باشید که بخار کاملا از راه بینی داخل شود .

احتیاط لازم

۱ ــ کودك را در حال بخور دادن هیچوقت تنها نگذارید .
۲ ــ اگر تب تند بود و ناراحتی برطرف نشد بدکتر رجوع کنید .
۳ ــ اگر گلو درد با تنفس ناراحت توام بود معمولا بعلت بزرگ شدن لوزتین و یا وجود پلیپ است ــ نگران نشوید .
٤ ــ متوجه باشید که غالبا گلو درد براثر حساسیت یا مقدمه سرماخوردگی ایجاد میشود . در اطفال براثر پیدایش یکی از بیماریهای کودکان بوجود میآید .
٥ ــ همیشه قطره چکان را در خارج از شیشه نگهدارید و قبل و بعد از استعمال آنرا خوب بشوئید .
٦ ــ قرصهای ضد میکرب را هرگز بیش از سه روز بکار نبرید .

۳٦ ــ فرورفتن تراشه به بدن

احتیاجات

۱ ــ چاقو و سوزن
۲ ــ موچین
۳ ــ وسایل زخم بندی استریل شده
٤ ــ صابون سفید معمولی یا آب طبی برای شستشو *
٥ ــ محلول ۱٪ زفیرن

چه باید کرد

۱ ــ برای بیرون آوردن تراشه چوب یا شیشه و یا فلز باید اول سطح موضع ناراحت را از مو پاك کنید بعد با سوزن یا نوك چاقو و یا موچین که قبلا روی شعله کبریت استریل شده است تراشه را خارج کنید .
۲ ــ زخم را قدری فشار بدهید تا مقداری خون بیرون بیاید .
۳ ــ محل را با صابون و آب بشوئید و محلول زفیرن روی آن بریزید .
٤ ــ باوسایل‌استریل شده ببندید

احتیاط لازم

اگر کمترین علامت چرکی ، یا تورم و یادرد و سرخی مشاهده شد به دکتر مراجعه کنید .

۳۷ ــ رگ برگ شدن

احتیاجات

۱ ــ کیسه یخ یا حوله با آب‌یخ
۲ ــ آسپرین *

چه باید کرد

۱ ــ موضع رگ برگ شده را بطرف بالا نگهدارید
۲ ــ کیف یخ یا حوله خیس از آب یخ را رویش بگذارید .
۳ ــ برای رفع درد آسپرین بدهید .

احتیاط لازم

برای اطمینان از دررفتگی و شکستگی بدکتر مراجعه کنید .

۳۸ ــ گل مژه

احتیاجات

۱ ــ پارچه های تمیز و آب‌داغ
۲ ــ پماد چشم *
۳ ــ الکل سفید

چه باید کرد

۱ ــ وسایل راگرم بکار برید ــ پارچه را درآب‌گرم خیس کنید که دمل را برساند
۲ ــ پمادچشم را طبق دستورهای قبل در چشم بگذارید
۳ ــ دستها راکاملا تمیز کنید ــ انگشتها را پس از مالش درالکل فروببرید .

احتیاط لازم

معمولا پیدا شدن گل‌مژه بعلت دستمالی کردن چشم با انگشتهای کثیف است . اگردستها همیشه تمیز باشند گل‌مژه هم بندرت بوجود میآید .

۳۹ ــ دل درد

احتیاجات

۱ ــ درجه تب
۲ ــ قرص سودا نعنا
۳ ــ کیف آبجوش

چه باید کرد

۱ ــ اگر دل‌درد حتی با تب خفیفی هم توام باشد بدکتر مراجعه کنید .
۲ ــ درحالیکه‌بیمار دراز کشیده است و عضلات شکمش شل است ، شکم او را معاینه کنید چنانچه در قسمت پائین‌راست شکم سفت وسخت بود فورا بدکتر مراجعه کنید .
۳ ــ اگر احساس شد که دل درد براثر خوردن غذاهای نامتناسب و سنگین است روزی سه مرتبه در روز قرص سودانعنا بدهید ــ در مورد اطفال‌کمتر ازسه سال قرصهای پنج گرینی و در بالاتر از سه سال ۱۰ گرینی بدهید .
٤ ــ غذاهای رقیق بدهید و از دادن شیر خودداری کنید .
٥ ــ اگر بیمار تب نداشت و شکم هم سخت و سفت نبود برای برطرف کردن درد کیف آبجوش بگذارید .
٦ ــ بیمار را آرام نگهدارید و منتظر عوارض بعد باشید .

احتیاط لازم

۱ ــ اگر بیمار استفراغ میکند او را بدکتر برسانید .
۲ ــ اگر احتمال یبوست میرود و شما از عمل شدن آپاندیس او اطمینان ندارید از دادن مسهل یا تنقیه خودداری کنید .
۳ ــ اگر درد خیلی شدید بود بدکتر رجوع کنید .
٤ ــ اگرگلوهم درآن حال سرخ باشد دلیل‌سرماخوردگی است . درد شکم گاهی براثر ترشحاتی است که درعقب بینی میشود .
٥ ــ اگر درد شکم تکرار میشود باید بدکتر رجوع کرد .

٤۰ ــ آفتاب سوختگی

احتیاجات

۱ ــ محلول بورد و پارچه های تمیز و نرم
۲ ــ پماد بیحس کننده که دارای بنزوکائین باشد *

چه باید کرد

۱ ــ پارچه را در محلول یك برابر بورد و سه برابر آب خیس کرده روی محل سوختگی بگذارید.
۲ ــ اگر سوختگی شدید نیست مقداری داروی بیحس کننده یا داروی ضد حساسیت برای برطرف کردن درد روی سوختگی بمالید .
۳ ــ اگر سوختگی قسمت عمده بدن را گرفته باشد یك عضو مهمی را سوزانده باشد و با تب همراه باشد بدکتر مراجعه کنید .

احتیاط لازم

۱ ــ همیشه برای حفظ بدن در مقابل نور خورشید محلول مطمئنی بکار برید و پس از مصرف در آنرا محکم به بندید .
۲ ــ از نور خورشید بدفعات کوتاه و کم استفاده کنید ــ زیرا در روز های ابری هم حتی‌احتمال آفتاب سوختگی میرود . آفتاب شدید مخصوصا برای اطفال مضر است .

٤۱ ــ آفتاب زدگی

احتیاجات

۱ ــ کیف یخ یا پارچه هائی که با آب یخ خیس شده باشند .
۲ ــ ملافه

چه باید کرد

۱ ــ نشانه های آفتاب زدگی : پوست داغ و خشك ــ صورت برافرخته ــ نبض تند ــ تب‌شدید ــ بیمار را درسایه ببرید او را به پشت بگذارید بطوریکه سر و شانه‌هایش قدری بالا بایستند ــ ممکن است بیمار از هوش برود .
۲ ــ اول سر بیمار را خنك‌کنید بعد بدن او را ــ بهترین طریق آنست که بیمار را در ملافه به پیچید و آب سرد رویش بریزید .
۳ ــ بدن را بطرف قلب ماساژ دهید .
٤ ــ داروهای‌محرك ندهید .
٥ ــ دکتر را خبر کنید .
٦ ــ وقتی بیمار بهوش آمد نوشیدنیهای ملایم و خنك باو بدهید .

٤۲ ــ جسمی را بلعیدن

چه باید کرد

۱ ــ اگر جسم نوك تیز بود بدکتر رجوع کنید .
۲ ــ مدفوع را هرمرتبه نگاه کنید تا اگر جسم بلعیده شده خارج شود آنرا به بینید ــ رژیم غذائی معمولی است ــ مسهل ندهید اگر پس از دو روز جسم خارج نشد بدکتر مراجعه نمائید .

احتیاط لازم

۱ ــ مواظب باشید اگر بچه کوچکتر از شش‌سال دارد هیچوقت سنجاق قفلی بازدر دسترسش نگذارید
۲ ــ مواظب تیغه چاقو و قیچی و انواع اشیاء برنده و نوع تیز باشید .
۳ ــ وسایل خیاطی و نجاری را از دسترس اطفال خارج کنید .

۴۳ـ دندان درآوردن اطفال

احتیاجات

۱ ــ قرص آسپرین +
۲ ــ گلیسرین و عرق نعناء
۳ ــ مسکن ملایم *

چه بایدکرد

۱ ــ برای رفع درد آسپرین بدهید .
۲ ــ لثه ها را با محلول مساوی گلیسرین و عرق نعنا مالش بدهید.
۳ ــ طبق‌دستور های قبلی مسکن ملایم برای رفع درد بدهید .

احتیاط لازم

۱ ــ مسکن های قوی بکارنبرید
۲ ــ دندان درآوردن به تنهائی تب نمیآورد . اگر دراین هنگام تب عارض کودك شد بدکترمراجعه نمائید .

۴۴ـ دندان درد

احتیاجات

۱ ــ کیف آبجوش یا پارچه و آب داغ
۲ ــ روغن میخك
۳ ــ آسپرین +

چه بایدکرد

۱ ــ صورت را داغ کنید .
۲ ــ روغن میخك را روی لثه دندان که درد میکند بمالید .
۳ ــ برای رفع درد آسپرین بدهید .
٤ ــ بدندانساز رجوع کنید .

احتیاط لازم

اگر درد از آرواره بالا بود ممکن است سینوسها چرك کرده باشد . اگرچنین است قطره دربینی بچکانید آسپرین بخورید و بخور بدهید .

٤۵ ــ استفراغ

چه بایدکرد

۱ ــ اگر استفراغ ناگهانی و همراه با تب باشد بدکتر رجوع کنید .
۲ ــ درغیر اینصورت از دادن هرنوع خوراکی خودداری کرده و هر پانزده دقیقه یکقاشق چایخوری نوشابه سرد ملایم بتدریج بدهید تا استفراغ بند بیاید .

احتیاط لازم

اگر دراطفال استفراغ ناگهانی‌و توام با دردشکم و یبوست ظاهر شد ممکن است بعلت رودل باشد و همچنین در طفلی که مبتلا به فتق هست همچنین استفراغ ناگهانی ممکن است از رودل باشد .
درغیر اینصورت فورا بدکتر مراجعه کنید .

روان شناسی یادرمان شناسی

یکی از مشکلاتی که امروزه روانشناس باآن مواجه‌است اینستکه اکثریت کسانیکه برای چاره‌جوئی و یا «تشخیص» بیماریهای روانی خود به وی مراجعه میکنند نه تنها درك درست و صحیحی از مفهوم تشخیص بمعنای معمول آن درروان شناسی جدید ندارند بلکه با سابقه ذهنی نادرستی باا‌و روبرو میشوند. این‌سابقه‌ذهنی **معمولا** دو شکـل مختلف دارد :

یا آنکه شخص بیمار و یا کسانیکه سرپرستی بیمار را به عهده دارند روان شناس را درست معادل‌پزشك قرار میدهند و چنین می‌پندارند که طرز تشخیص و روش معالجه وی باید همانند پزشك باشد ، ویا آنکه روان شناس را « فالگیر »و « افسونگر » جدید می دانند و دست نیاز به «سحرو جادوی »وی دراز میکنند وانتظار دارند کـه روان شناس فی المجلس « باطن » آنها را بخوانند و باگفتاری شیرین و دلپذیر مردم پسند خود درد از دل‌آنها بزداید و یا بکمك‌لطائف‌ـ الحیل آن هارا از شر بیماریهای ذهنی رهائی بخشد .

حقیقت امر اینست که روان شناس واقعی در شمار هیچیك از این دوگروه نیست و **وظیفه‌ای** مشکل‌تر از آنچه در اذهان عمومی است بعهده دارند . مردم علیرغم مفهوم واقعی تشخیص از لحـاظ روان شناسی با این الگوهای‌ذهنی بدنبال روان شناس میافتند و از وی‌مدد می طلبند و پاره‌ای از « روان شناسان » بجای آنکه‌زمینه کار را آنطور که باید حقا انجام یابد فراهم کنند باصطلاح خود را با محیط تطبیق میدهند و بازار غیر علمی وخطرناك ولی عـوام پسند روان شناسی را رواج می بخشند ، و هرچه بیشتر دراین راه گام بر میدارند متاسفانه دراجتماع ما بیشتر باموفقیت قرین میگردند. دستگاه‌های انتشار و توزیع مفاهیم جدید(رادیو ، تلویزیون ، روزنامه ها)نیز از همین اصل پیروی میکنند و چون نقل از هر چیـز به جنبه عوام پسندی مسائل توجه دارند بنابراین میخواهند که در وهله اول شنوندگان و بینندگان و خوانندگان خود را بطرز مطبوع و دل پسندی سرگرم سازند غافل‌از اینکه آتش جهل واغفال و فریب را دامن میزند .

بعضی مردم نیز که فکرشان‌به چشم وگوششان بسته است وباندازه کافی حس تمیز وتشخیص درست از نادرست را ندارند شهرت را ملاك کار قرار میدهند و درواقع ارزیابی آنها بدین صورت است که «هرکه مشهورتر با ارزش تر» ولی هیچگاه به شرایط این شهرت ها در وضع فعلی نمی اندیشند .

این‌مردم متاسفانه بدنبال «روان شناسان » مشهور براه میافتند پول ووقت خود را تلف می‌کنند وپس از مدتی که آثار افسون بضعف گرائید با همان بار بیماری و گاهی نیز با سرباری جانگدازتری بکار خود باز میگردند و آن‌وقت است که احساس میکنند چاره‌ای برای درد خود نیافته‌اند و« نمی دانند چرا »... برای آنکه هرگز ندانسته‌اند که چرا پاره‌ای از افراد فاقد صلاحیت خود را دراین محیط روان شناسی قلمدادکرده‌اند!

در حقیقت تمام این اشکالات و بیراهه رفتن هاناشی ازاین امـر است که قشر وسیعی از مردم به مفهوم تشخیص از لحاظ روان شناسی آشنائی ندارند و نمیدانند برای چه کار باید به روان‌شناس مراجعه کرد و از وی چه‌خواست.

اصطلاح‌تشخیص از روان شناسی غالبااذهان را دچار اشتباه میسازد. تشخیص پزشك متکی براین اصـل است که هویت وحدت علی‌الحیاتی یك بیماری را که علائم آن در بیمار بروز کرده است باز نشناسد. در جدولی که برای بیماری ترتیب میدهد ممکن است علائم روانی نیز مشهود باشند . ولی‌روان‌شناس « در تشخیص» خود سعی‌میکندکه بیك جنبه موجود زنده دسترسـی یابد تا در وهله نخست باوسائلی که از لحاظ روان شناسی در دست دارد و یاباوسائل تربیتی به کمك وی بشتابد ، ودر وهله ثانی بـه ارزیابی و سنجش یك فقره از علائم پردازد تا نتیجه کار وی‌در **تشخیص طبی و یا وران پزشکی** مورد استفاده قرار کیرند .

پس کار روان شناس تشخیص بیماریها بمعنای طبی‌کلمه‌اینست‌مثلا وقتی روان شناس شکل یا درجـه عقب ماندگی عقلی و یا ذهنی یك مردرا تعیین‌میکند و یا می‌سنجد، **بمطالعه علائمی** میپردازد که وحدت علم‌الحیاتی آن ها بعدا بوسیله‌یك تشخیص طبی ، که در حکم جمع آوری و طبقه بندی کلیه علائم مربوط به یك بیماری است ،تعیین میگردد. شاید دراین صورت‌میباشد که‌کار روان‌شناس را مطالعه یـا تجزیه و تحلیل وضع روانی یـك فرد بدانیم .

بدین ترتیب مناسبات بین‌مطالعه روان شناسی و تشخیص طبی کاملا واضح و روشن است .روان شناس خضور و غیاب پاره‌ای از علائـم را بررسی میکند و در تعییـن خصوصیات عکس العملهای ذهنـی باتوجه به سهمی که گذشته فرد و محیط وی در تشکیل آن دارد توفیق حاصل میکند .

روان شناس میتواند مطالعات خود را به چند جنبه از خصوصیات ذهنی فرد محدود سازد و دراین راه به کاوشهای دقیق و عمیق بپردازد و یا بالعکس به مطالعه‌تمام عکس العملها و تمام جنبه های شخصی اشتغال ورزد . دراین زمینه روان شناس بهمکاری متخصصان دیگرنیازمنداست ولی این‌همکاری بهر درجه و بهر شکلی که باشد نباید در کار اصلی وی وقفه‌ای حاصل کند . چه روان شناس‌باید مقدم بر هر چیز با دقت تمام بـه تجزیه وتحلیل علائمی که کشف میکند مشغول شـود و هر باراز خود سئوال کند که این علائم‌ناشی از «ناسازگاری »و یـا« عـدم ظرفیت سازگاری » فرد با محیط است ، که معمولاگذشته شخص و تربیت وی مسئول آن هستند ، و یا آنکه بالعکس باید بمطالعه‌عیوب

طرز عمل ذهن پرداخت؟ درصورت اخیر حالت ووضع بدنی فردخواه اساسی و ارثی و خواه اکتسابی باشد مطمح نظر خواهد بود، واین مسائل بدون شبهه تعداد معتنابهی از مسائل نظری و عملی علم روان شناسی را بمیدان میآورند .



تشخیص روان شناس که همواره جنبه توجیهی دارد مبتنی بر اصل یافتن رابطه بین علائم و علت آنهاست .براساس این تشخیص‌است که روان شناس میتواند تحـول حالت روانی فرد را پیش بینی کند و اقدامات آموزش وپرورش تربیتی و یا معالجه روانی لازم و مخصوص را در مورد فرد معمول دارد . این تشخیص بر پایه تعیین « وضع روانی » و «تاریخچه » شخص متکی است .

«وضع روانی» بمعنای وسیع این اصطلاح عبارت است‌از تابلو و تجزیه وتحلیل تمام خصوصیات روانی فعلی فرد که براثر آزمایش آشکارشده باشند .و اما «تاریخچه» فرد در واقع فهرست خصوصیات روانی فرد در گذشته است وطبیعی است که در تدوین این تاریخچـه به تاثیر عواملی که در فرد اثـر گذارده‌اند توجه خاصی میشود . البته باید متذکر شد که اگـر رجوع کننده کودك باشد بایداین تاریخچه بمدد افراد فامیل وی و مربیان او تدوین گردد .

پس تشخیص روان شناس در واقع تلخیص و تالیف تمام‌نتایجی است که وی با آزمایش کردن و یا بطور کلی با « معاینه » فرد بدست میآورد . این «معاینه» بـه معنای درست کلمه «اکتشاف »است وبدیهی است که یك اکتشاف‌هرگز بر حسب تصادف صورت نمی گیرد. دراین راه بهر نحوی که اقدام شود همیشه جهت آن مشخص و معین است : دراین اکتشاف روان شناس از شناخته بسوی ناشناخته گام بر میدارد و در آخرین تحلیل ناشناخته را به شناخته پیوند می دهد .

در زمینه تشخیص ، خصوصیاتی که سلوك و رفتار فرد را تعیین می‌کنند ، خصوصیاتی که علم‌روان شناسی تاکنون آن ها را دردسترس دارد درواقع پاسخگوی شناخته‌های یك فردند و حال آن که ناشناخته خود فرد و خصوصیات اوست.

پس تشخیص یك بیماری روانی عبـارت است از پیونـد دادن خصوصیاتی که در فرد کشف می‌شوند بیکی از عناصر تعییـن کننده‌ای که علم بدرك آن نائل آمده است و در عین حال نشان دادن و توجیه این نکته است‌که چنین عاملی دلیل کافی روانـی نشانه های بیماری موردمطالعه‌اند.

بدیهی است که بنابر حدود وثغور حوزه تشخیص روان‌شناس و راهی که در پیش دارد باید در وهله نخست به فهـرست دقیق و علمی عوامل تعیین کننده رجوع کند.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که علم تاکنون با تمام مجاهداتی در زمینه توجیه‌اختلافات و پریشانیهای روحی بعمل آورده موفق نشده است فهرست علل و عوامل بیماریهای روانی را طوری تدوین کند که با یك رده‌بندی ساز، سازگار باشند. فی‌الجمله به سرچشمه‌هائی دست‌رسی‌یافته است‌که نه تنها غالبا آب آن ها در یك جو نمی‌رود بلکه گاهی نیزمسیر های متضادی را می‌پیمایند.

روانشناس عملا با دو نظریا بینش عمده واساسی مواجه است: نظر «روان‌زا» (۱) که علت و منشاء یك بیماری روانی را در نفسانیات جستجو می‌کند و نظر «بدن‌زا» (۲) که اختلالات روانی را ناشی از آزردگی‌ها و فسادهای بدنی و عصبی می‌داند . هریك ازاین دو نظر حیطه‌ای مخصوص بخود که هیچکس درباره آنها شبهه و تردیدی ندارد ، لکـن طرفداران هر یك از این دو نظر توسعه حوزه مورد نظر خود را دامن می‌زنند و در نتیجه بقلمرو حوزه دیگری تجاوزمی‌کند وبراین اساس اشتباهات و خطا های قابل ملاحظه‌ای در زمینه تشخیص بروز می‌کنند.

پاره‌ای از روان شناسـان فقط‌بعوامل بدنی توجه دارند و بدین ترتیب سهم پدیده هـای «روان‌زا» را ناچیز شمرند و حتی گاهی وجود آن ها را انکـار می‌کنند ، بالعکس پاره‌ای‌دیگرسعی دارند تا آنجا که ممکن علائم را به علل روانی مرجوع‌سازند. بدیهی است که با این دو نظر، در روش تشخیص و در شکـل وضع روانی و سرانجام دو مفهوم متضاد طرز تداوی و تربیت همراه است.

در واقع توجه عمیق بهریك ازاین دو نظر و محق دانستن شایستگی هر یك ازآنها در حدود وثغوری که واقعا بهریك ازآنها تعلق دارد نخستین شرط کـار علمی روان‌شناس است . مـا پیش از ان‌که مسئله امتحان فرد را از نظر روان شناسی درچهار چوب هریك از دو نظر مطرح‌کنیم باین نکته اشاره می‌کنیم که در برشمردن علائم و نسبت دادن‌آنها بیك مرجع بدنی یا روانی ویا توسل بعناوین دیگر کاری بس خطیر ودشوار است خاصه که در بسیاری از موارد مراجع چنان‌بهم پیوسته و درهم آمیخته‌اند که پیروی مطلق در یکی از دودیدگاه «روان‌زا» و یـا «بـدن زا» جز ناهموار ساختن راه ، حاصـل دیگری ندارد.

مثلا یك علامت جسمانی مانند تب یا گریه ، بمنزله یك تظاهر جسمانی اندام است. ولی اگـر معمولا تب تابع یك‌علت بدنـی (عفونت ، اختلال مراکز عصبی، خستگی و غیره) است، بعکس‌ممکن است گریه براثر یك هیجان براه افتد ، بدیهی است که در صورت اخیر علت اولیه گریه صریحاروانی است.

یك علت روانی تظاهری است که با شکل و درجه‌ای از وظیفه وعمل ذهن مطابقه میکند. مثـلا فراموشی ، توهم ، ترس ولذت در شمار علائمی هستند که ممکن است علـت روانی داشته باشند : ازاین قبیل است فراموشی یـك حـادثـه نـاگـوار ، تـرس از یـك امتحـان ، لـذت و شادی فرد وقتی مورد تعریـف تحسین قرار گیرد ولی ممکن است بعکس این علائم علت بدنی داشته باشند : مثلا ازدست دادن حافظه براثربیماری تصلب شرائین‌ویاحالت لذت و کیف دربیماری فلج عمومی وغیره.

پس یك علامت بدنی و یا یك علامت روانی ممکن اسـت ریشه روان زا و یا بدن زا داشته باشند و با توجه بهمین شکل است که بسیاری از روان شناسان راه پیروی مطلق از یکی از دو نظر را ترك می‌کنند و به تـدوین دکترین هائی می‌پردازند که بر واقعیت و شیوع یك علیت مختلط (روان زا وبدن زا) مبتنی‌هستند.

مطالعه فرد در چهار چوب نظریه «بدن‌زا»

در میان طرق تجسس از لحاظ روان شناسی پیروان نظریه «بدن‌زا» بیشتر به جنبه هائی‌راغب هستند که با طرز عمل بـدنی در رابطه هستند . از این رو امتحان «روانی وحسی» (۳) ، «روانی حرکتی» (٤) سرعـت ادراك ، سرعت عکس‌العمل،ظرفیت تمیز ، جریان یادگیری ، اختلالات زبان ، اختلالات تداعی وهمبستگی امور و غیره بیش از همه مورد توجه آنهاست و به واکنش‌هائی‌که اثر ونتیجه جریان تحول عقلی‌و انفعالی در آنها بشدت مشهودند کمتر توجه دارند.

بسیاری از مریدان بدن‌زا، به تبعیت از مفاهیمی که بشترف ریشه (۵) بوجود آورده‌اند ، سعی دارند که روان شناسی را به یکنوع « بازتاب شناسی روانی »(٦) تقلیل دهند.

روان شناسی که‌مشاهدات‌خود را بزبان ایشان توصیف کند مورد تحسین قرار میگیرد . و کسی‌که از پوئیدن چنین راهی سرپیچی کند مورد نیشخند واقع می‌شود. البته اگر فقط مسئله طرز بیان‌و عبارات و الفاظ مطرح بود موضوع قابل اهمیت نبود . اما مسئله‌از آن لحاظ مورد انتقادات موجه و اساسی است که به بهانه غیبت مشخصات حالت ووضع‌کردار فرد را بدون کم و کاست و بـدون توجه بعامل های تعیین کننده دیگر تنها و تنها براساس جوابهای امتحان «روانی وبازتابی» مستقیم نسبت میدهند.

در یك امتحان روانی بین ادراك محرك و عکس‌العمل حاصل ممکن است یك حالت وجـدانی وجود داشته باشد و این همان حالتی است که فرددراعمال‌روزمره خود معمول میدارد ، وآن فکری است‌که در ذهن وی راسخ شده است وطبق آن معتقداست‌که نباید خود را خسته کند و یا امور را بطور جدی تلقی نماید.

بدیهی است که «بازتـاب شناسان» دراین باره خواهند گفت که انعکاس روانی وقفه دهنـده در کار است. از این لحاظ«بازتاب شناسی روانی» به سهل و ساده‌کردن

1 - Psychogéne 2 - Physiogéne 3 - Psycho-Sensaried 4 - Psycho-Moten
5 - Richet 6 - Psycho-Reflexologie

اموری پرداخته است که حتی برای توصیف و توجیه «کردار» یك حیوان نیز خطرناك است. شك نیست که براین اساس وبرای توجیه کردارهای عالیتر که پیچیدگی واقعی آنها بیشتر است ایشان‌خواه و ناخواه مجبور خواهند شد که عباراتی شبیه انعکاس وقفه دهنده در تنبلی ، درترس، درجهل و انعکاس وقفه‌دهنده در «اقناع‌موجه» بکاربرند ، عباراتی که اگر کلمه انعکاس یا بارتاب را از آن ها بردارند بهتر و رساتر خواهند بود.

در زمینه تعیین «وضع‌روانی» سرانجام ، ساده‌ترین توصیفها ، توصیف هائی که خالی ازالفاظ و عباراتی هستند که معنای آن‌ها مورد بحث و تردید است، بهتر ورساترند ... ژانه (۱) روانشناس فرانسوی میگفت «بچه حق ما باید زبانی بکار ببریم که چنین وانمود کند که با بکار بردن «اسکالپل» و«میکروسکپ» مسئله عظیم بافت شناسی و فیزیولوژی مغز را تماما حل کرده‌ایم ؟» . این انتقاد برای کسانیکه وظیفه دارند کردار یك فرد را مطالعه و مشخص کنندو قدرت و ظرفیت کاروی را از لحاظ روان شناسی ارزش یابی نمایند فوق العاده حائز اهمیت است.

روان شناس تابع‌هر نظریه‌ای که باشد بهتر است که با دقت و موشکافی تمام و بزبانی که برای همگان قابل فهم باشد آنچه راکه توانسته است مشاهده کند وشرایط دقیق این مشاهده را بیان‌نماید. غالب اوقات ترقی علمی وابسته‌به تعاریف و توصیف هائی بوده‌اندکه با دقت و صراحت تمام تدوین گردیده‌اند و اگر نظریه ها این ارزش بزرگ را دارند که هادی و راهنمای مشاهدات هستند، گاهی نیز این نتیجه را دارند که بیش از حد لازم بمشاهدات‌جهت میدهند و بناچار مانع ملاحظه جزئیاتی میشوند که یك روحیه مبرز و موشکاف نمیتواند اهمیت آنها را نادیده انگارد .

نقش روان شناس‌درچهارچوب‌نظریه «روانزا»

با آن که نقش روان شناس برحسب دکترینی‌که طرفدارآن‌است مشخص می‌گردد معذلك میتوان گفت که بطور کلی نقش وی عبارتست از کشف تمام عامل‌های تربیتی و انفعالی مساعد و یا نامساعدی که تحول روانی فرد را تحت تاثیر قرار داده‌اند وتعیین انعکاس آن ها در کردار فعلی شخص (منش ، استعدادها ، بی استعدادها ، رشد ذهنی عمومی) . دراین راه پاره‌ای از روان‌شناسان بمطالعه دقیق تاریخ یا گذشته‌روانی بیمار یا شخص مورد مطالعه می‌پردازند، پاره‌ای دیگربه‌تکنیکهای دیگری متوسل میشوند که درمیان آن ها میتوان در وهله اول به روانکاوی اشاره کرد.

دراینجا این سئوال‌مطرح‌می‌شودکه آیا روانکاو به روشهای «روان سنجی» (۲) که سعی‌میکنند استعداد یا عدم استعداد فردرا تحت شکل «حاصل کار» تعیین کنند توجه دارد ؟ متاسفانه معمولا وضع بدین منوال است که روانکاو در این مورد امتناع می‌ورزد ، چه چنین تشخیصی‌برای‌وی‌فایده‌ای در بر ندارد و معتقد است که خود در جریان تحلیل به این تشخیص خواهد رسید . بی مناسبت نیست متذکر شویم که این روش در عین حال دو جنبه دارد:

یعنی در عین کشف کردن علت بیماری به تربیت مجدد بیمار بوسیله آگاه ساختن وی می - پردازد ، و بدیهی است که در این صورت در جریان تشخیص بیماری به تغییر بیمار مبادرت می‌ورزد .

آنوقت است که از لحاظ علمی این اشکال پیش می‌آید که اکتشاف وی براساس بیمار باراهی که بعنوان معالجه بوی نشان‌داده شده است صورت می‌پذیرد.

واین درست مثل آنست که طبیبی برای مطالعه تب وعلل ناشناخته آن اول به بیمار داروئی برای قطع کردن تب وی تجویز کند . دراین حالت ممکن است که این دارو تب بیمار را قطع کند و طبیب را در راه تشخیص هدایت کند ، ولی این امکان‌نیز هست که جدول بالینی ضایع‌گردد و طبیب متاسف شود که چرامعالجه بیمار را با مطالعه سیستماتیك‌اندام وی شروع نکرده است.

در هر حال اگر روان شناس در مطالعه روحیات فرد و خاصه جنبه غیر عادی این روحیات طرفدار روانکاوی باشدبه‌نظریه‌های روان را به پیوندد، یعنی خواه پیرو مکتب فروید باشد ویاطرفدار مکتب «آدلر» ویا «یونگ»معذلك چنانچه زیر مبنای کار خودرا با مطالعه دقیق علائم شروع کندو در نتیجه طریق تشخیص «پیدایش روانی» وحالت غیرعادی بیمار را درپیش گیرد.

بدیهی است که بیشتر وبهتر از وقتی‌که کور کورانه وبیچراغ بدنبال ناشناخته گام برمیدارد ، میتواند راه و شرایط معالجه وی را پیش‌بینی کند . چه در این صورت نحوه کار وی واجد دقت و ظرافت علمی خواهد بود.

طب وروان‌شناسی

تردیدی نیست که باید در زمینه روان شناسی علمی بمعاینه طبی فرد نیز توجه داشت . وازاین لحاظ همکاری باریك بین طبیب و روانشناس مطرح است کمال مطلوب آنست که روانشناس وطبیب بقالب شخص واحدی درآیند ولی عملا چنین امکانی موجودنیست واگر پاره‌ای از روان پزشکان اطلاعاتی درباره روانشناسی دارند معذلك حوزه کار و تخصص آنها محدود به بررسی اشکال مشخص بیماریهای روحی (انواع مشخص جنون و غیره) است. درحالی‌که، بسیاری از افرادی که پاره‌ای از علائم بیماریهای روانی در آنها مشهود است و نیز بسیاری ازپدران و مادرانی که فرزندانی سازش نیافته دارند ، فرزندانی که گاهی آثار کمبود از نظر روان‌شناسی‌در آنهاهویداست‌ازمراجعه به‌متخصصان امراض روحی خودداری می کنند و ترجیح میدهند که مشکلات‌خود را با روان شناس در میان نهند. بدیهی است که اگر روانشناس وجود نداشته باشد این نوع‌بیماران بکسانی مراجعه خواهندکرد که جویای بازارآشفته‌اند.

توسعه روان شناسی عملی در سال های اخیر ، نشانداده است که این علم پاسخگوی احتیاجی است که طب دروضع کنونی نمی تواند آن را ارضاء کند . معلوم نیست درآینده نیز طب بتواند روان‌شناس را در بطن خود جذب کند.

باید بین روان شناسی عملی که مطالعه حالات روانی غیر عادی و نامنظم را بعهده دارد ورشته‌های طبی که با نظر و روشی دیگر بمطالعه همین‌حالات‌می‌پردازندوجه تمایزی قائل شد . همه میدانند که «پی شناس» (۳) معلم امراض دستگاه عصبی است وواکنش ها و آزردگی های این دستگاه را از نظر وظائف ابتدائی‌وخودکار شده وثابت آنها مورد مطالعه قرار میدهد.

متخصص اعصاب قبل از هر چیز اختلاف حساسیت ، حسیت(٤) قوه حرکت و شرایط تغذیه ورشد اعصاب را مطالعه میکند و در جستجوی علائمی است که حالت تحریکی و یا نقصان های‌مجاری و عضو های عصبی با آن ها مطابقه می‌کنند . مطالعه دقیق این متخصصان فرصت میدهدکه مقر آزردگی معلوم گردد و هویت طبیعت و علت بی نظمی مشخص گردد تا آن که سرانجام بتوان آن را در چهارچوب یك بیماری عصبی معین قرار داد.

«روان پزشك» بیشتر بمطالعه علائمی می‌پردازد که از فعالیت فکر ناشی میشوند . دراین مورد نیز تظاهرات طرز عمل دستگاه عصبی مطرح است ، ولی تظاهراتی که تحول یافته و پیچیده‌اند ودر آن ها فعالیت عصبی متوجه سازش با واقعیت علم الحیاتی واجتماعی است ، در حالی که بعکس‌فعالیت عصبی خودکار وارثا سازش یافته منشاء اعمال ساده‌ای هستند که بیشتر مورد مطالعه متخصص اعصابند.

از این لحاظ رقابتی بین متخصص اعصاب و روان پزشك وجود دارد . پی شناسی سعی‌میکند «نوع شناسی» ناسالم بدنی وروانی مورد مطالعه روان پزشکی را به وجود آزردگی ها ، و حالات تحریکی و نا هموارپهای غیرعادی دستگاه عصبی تقلیل دهد ، چه از لحاظ متخصص اعصاب تمایلات ناخوش یك «دیوانه» یا «مجنون» جز واکنش‌های وی در برابر فسادها واختلالهای مکانیسم های عصبی معین چیز دیگری نیستند . در برابر این نظر روان پزشکی مفهوم یك عمق‌روانی و ظرفیت‌های حیاتی کلی فرد که وی راوادار می‌سازند مدت مدیدی فسادمکانیسم های عصبی ، و حالات تحریکی و ضعف آن ها را نادیده انگارد و یا سرانجام دریك«بیماری‌روحی» شخص غوطه ور گردد قرار میدهند .

در هر حال قطع نظر از این اختلاف ، متخصص اعصاب و روان پزشك در همه حال کارشان تشخیص از نظر مطالعه آثار و علائمی است که یك بیماری را مشخص نموده تعریف آنرا ممکن میسازند ! سعی آنها در اینست

---

1 - Janet　2 - Psychométrie　3 - Neurologic　4 - Sensorialité

که هویت بیماریهای معینی را که تحول مخصوص بخوددارندومستلزم تداویهای مخصوصی‌هستند ، مشخص سازند .

اما روان شناس بمطالعه علائمی میپردازد که سازش فرد را با واقعیت مختل می نمایند واز تحول وی جلوگیری میکنند .

در وضع کنونی علم، علائمی در افراد وجود دارند (علائمی‌که منشاء روانی یا تربیتی وآموزش وپرورش دارند) ، که طب بمطالعه آن ها راغب نیست و نمیتواند از لحاظ طبی بآنها بپردازد. برعهده روان شناس است که همدوش ما طبیب به تعیین هویت آن ها بپردازد و سپس در زمینه روان شناس برای آن ها چاره‌ای بیندیشد.

«معاینه» ازنظرروان‌شناسی

معاینه از نظر روان شناسی باید بوجهی بی طرفانه و دور از تبعیت محض از نظریه های معمول و رایج صورت‌گیرد.

طریقه عمل و فنونی‌که روان شناس بمنظور اکتشاف اختیار میکند ، باید بقسمی معمول‌گردند که خصوصیات روانی‌فردرا برجسته سازند ، البته باید تمام خصوصیات مورد نظر باشند و نه آن که تنها خصوصیاتی که‌از لحاظدکترین معینی مهم ویا علامت ناخوشی‌فرد هستند.

اگر دراین اکتشاف، روان شناس تمام واکنش های روانی‌فعلی فرد را مطالعه کند و سر نخ‌آنها را در گذشته وی بیابد و درتدوین جدول کامل و مرتب و منظمی توفیق حاصل کند ، آن وقت است که میتواند مداخله پاره‌ای از عامل ها و خصوصیات رامبرهن سازد و درتشخیص خود راهنمائی گردد.

بدیهی است که چنین‌جدولی را هر طبیبی بشرط آنکه اهل علم باشد خواهد پسندید . چه روانشناس در برابر چنین جدولی خوب در می‌یابد براثر وجود فلان علامت بیمار بمراقبت طبی نیز نیازمند است ، در حالی که بعکس علائم دیگر چنین ایجاب می‌کنند که وی باید تحت نظر روان‌شناس و براساس اقداماتی‌که و در زمینه «معالجه بوسیله روان » و یا تربیت بعمل میآورد بدرمان خود ادامه دهد.

روان شناس در معاینه فرد با مشکلاتی چند مواجه است : اول آن که بیان حالاتی که در فرد مشاهده می‌کند کار آسانی نیست و اصطلاحات و مفاهیمی که برای ادای مطلب انتخاب می‌نماید همواره با پدیده های روانی‌مورد مشاهده کاملا وفق نمیدهند.

دوم آن که فنون آزمایش‌و مشاهده فرد نمیتوانند بآسانی و در هر شرایطی پدیده های مورد توصیف را اندازه گیری کنند و آنطور که در صحنه نظریه‌ها می‌بینیم آن ها را مشخص ومجزی نموده طبقه بندی نمایند . سوم آن که بوجود آوردن شرایطی که در آن نتیجه مشاهده و تجربه‌با واکنش های طبیعی فرد و زندگی روزمره ووقتی‌که تحت معاینه قرار نگرفته است قابل تطبیق باشدامری بی نهایت مشکل است. چهارم آنکه، اگر روان شناس برسد مشکل قبلی فائق آید آنوقت است که مسئله شناخت علت بیماری که اساس تشخیص و تدوین دستورالعمل وراه معالجه است پیش میآید.

بدیهی است که‌پیوستگی‌باریکی بین این چهار مشکل وجود دارد، چه فن امتحان بیمار تابع‌مفاهیمی است که روان‌شناس از روان‌شناسی دارد و این‌مفاهیم به نسبت تکمیل فنون مشاهده و توجه به تغییراتی که ،براثر امتحان کردن ، درنتایج بوجود میآیند ، تحول می‌یابند. بالاخره شناخت علت کمبود و یا انحراف غیر عادی مسئله «وجوب ترتب علت بر معلول » را درزمینه کردار و خصوصیات آن مطرح میکند و از این راه مسئله اعمال نظریات و فنون وابسته بآن هارا بمیان میآورد.

جای تعجب نیست واگر در زمینه این پیچیدگی و تابعیت متقابل مسائل ، جریان های نظری و عملی مختلفی ، همانطورکه در وضع کنونی شاهد آن هستیم . بوجود آیند.

خلاصه آن که روان شناس با پیش گرفتن نظریات مختلف در بدو امر و با اعمال فنون‌مربوط بهر یك از آن ها باید سعی کند آن ها را در مطالعه مورد نظر بخدمت یکدیگر بگمارد واز بکار بردن فنی بمنظور حذف نتایج فن دیگری خودداری‌کند.

این تنها وسیله مطالعه‌ای واقعا عینی وپیشرفت‌کاربطرز علمی است.

پس مسئله تشخیص عبارتست از بکار بستن فنون مختلف و برجسته ساختن فنونی‌که صریحترین و مشخص‌ترین نتایج را ببارمی‌آورند بدون آن که در مورد نتایج فنون دیگر غفلت ورزیده شود.

شك نیست که در پیش‌گرفتن چنین راهی کار آسانی نیست‌و بدون احاطه بر نظریات گوناگون و آشنائی دقیق با فنون هریك‌از آن‌ها توفیق در عمل امکان پذیر نیست.

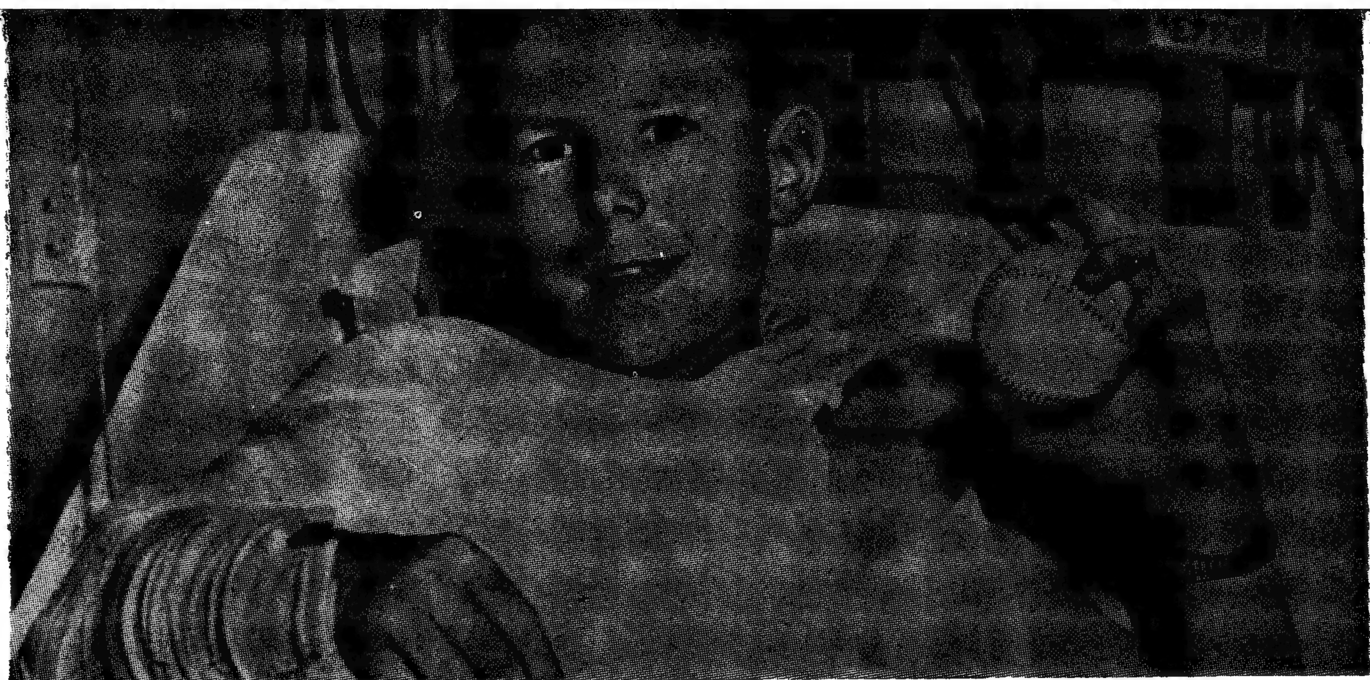
مادر این مختصر سعی‌کرده‌ایم که با طرح پاره‌ای ازمسائل حدود کار و صلاحیت طبیب و روان شناس را در زمینه مداوی بیماریها نشان دهیم تا آن که اندك‌اندك معتقد گردند که باید باین‌نابسامانی های علمی پایان بخشند واز وقوع ناگواریهائی که تاکنون بوجود آمده‌اند وازاین پس‌نیز بوجود خواهند آمد جلوگیری کرد.

در حقیقت هیچکس درطبیب بودن اطباء تردید نمیکند اگر ایشان نیز بهمین مقام شامخ خود اکتفا کنند و بقلمروهائی‌که دور ازتخصص و صلاحیت آنهاست بمنظور گرمی بازار خود دستاویز نشوند و برسر هرکوی وگذر این شهر بی در ودروازه تابلوی خود را با عنوان متخصص «روح» نیاویزند روان شناسی را بیك کلمه نامعلوم و غیر علمی ولی شاید مردم فریب تقلیل ندهند.

براثر این خودداری واکتفا بحقوق خود چند خدمت مهم انجام داده‌اند :

اول آن که از ابتذال روان شناسی جلوگیری کرده‌اند . دوم آنکه از تزلزل ایمان مریض نسبت به طبیب ممانعت بعمل آورده‌اند سوم آن که بگمراهی کسانی را که حتی مفهوم نیمه روشنی از طب و روان شناسی در سر ندارند و دراجتماعی نظیر اجتماع‌کنونی ما همواره سر گردان خواهند بود دامن نزده‌اند.

اما اگر نگارنده خواهان تحدید حوزه کار پزشگان است بدین معنی نیست که ایشان بیماران خود را بدست افرادی بسپرند که دوستار روان شناسی هستند و نه روان شناس . چه دروضع کنونی بسیارند افرادی که‌گرمی بازار روان‌شناسی رابفال نیك گرفته‌اند و چون بسیاری ازمردم فقط باین آمادگی رسیده‌اند که روان شناس را معادل سخن‌پردازی بدانند ، ایشان نیز ازفرصت‌استفاده کرده با سخن های دلپذیر ویا با بیان مطالب قرن گذشته منتی با الفاظ شیوا ، خود را برمسند روان شناسی مستقر کرده‌اند . و چون میدانند که مردم کم و بیش از روان‌شناسی ابزاری‌علمی میخواهند عنوان روانکاوی را برای حوزه عملیات خود شایسته‌تر دانسته‌اند اگر بعنوان نخستین گام بجای آنکه اطباء در رابطه خود روان شناسان طریق تباعد را اختیارکنند راه تبادل را برگزینند وهمکاری آنان را نه تنها از لحاظ صحت علمی کار خود بلکه اضافه برآن ازلحاظ مسئله انسانی که یعنی‌خیر خواهی بیماران جامعه وایمان طبقه بیماران به گروه معالجان خواستار شوند به حل مسئله «تشخیص روان شناس از طبیب» که مقدم برمسئله اختلاف روش وتفاوت نظر بین تشخیص روان شناس‌وتشخیص‌طبیب است ، کمك کرده‌اند . روان شناسان نیز بمرور اذهان عامه را باین نیاز آشنا خواهند ساخت. چه ، در آخرین تحلیل هر قدر هم بین روان شناسان اختلاف نظر و روش وجود داشته باشد، مشروط برآنکه درهرحال طریق علمی در پیش‌گیرند ، نتیجه‌کارشان بمراتب ثمربخش تر از هنگامی‌است که طبیبی بدون همکاری روان شناس و یا فقط باتکای‌به« برچسب» روان پزشکی کار روان شناس را بعهده گیرد واز عهده انجام آن برنیاید.



سرگذشت جوانی‌که بازوی او قطع شد وعلم جراحی دستنش را باو برگرداند

از : موریس کاین (۱)　　**ترجمه ـ دکتر موسوی**

مدت کوتاهی بیش نیست که یك عمل جراحی بزرگ در اروپا منتشر شده و بعلت عجیب بودن چگونگی آن بنظر میرسد که از یك رمان علمی ـ تخیلی سرچشمه گرفته باشد : در شهر بوستون‌واقع درایالت ماساچوست‌امریکا ، بازوی پسر جوانی را که براثر حادثه‌ای بکلی ازبدن جداشده بود با موفقیت عمل کرده و آنرا دوباره ببدن وصل نموده‌اند . جراحان‌امریکائی که مبتکر این جراحی ماهرانه بودند ، تردیدی نداشتند که عمل شگفتی‌آور آنها ، تا آنروز در دنیا منحصر بفرد بوده است ولی بزودی اطلاع یافتند که چنین‌عملی چند ماه قبل از اینکه توسط آنها انجام‌گیرد ، در یکی از بیمارستان های دیژون (۲) واقع در فرانسه صورت گرفته است و حتی جلوتر از این هم یعنی در سال ۱۹۶۰ نیز دو نفر از جراحان فرانسوی در بیمارستان خصوصی تونن (۳) در این مسابقه پیروز شده وامتیاز تقدم در این امر را نصیب کشور فرانسه ساخته‌اند .

ممکن است این مساله باعث تعجب شود که چرا این دو جراح فرانسوی و نیز عمل شگفتی آور آنها مدتها ناشناس مانده وپزشکان این کشور نیز سکوت محتاطانه‌ای در اینمورد در پیش گرفته‌اند .

این سکوت و توداری پزشکان فرانسوی که بطورعجیبی با آزادی بیان اطبای امریکائی تفاوت دارد بعلل متعددی مربوط است :

از یکطرف پزشکان فرانسوی معتقدندوقتی میتوان‌عمل راموفقیت آمیز دانست که برگشت اعمال عضو پیوند شده بعداز مدتی بطور صحیحی ارزیابی شود ، ولی علت اصلی این امر ، از طرف دیگر ، مربوط باین است که در فرانسه ، طبق قوانین جاری ، جامعه پزشکی موظف است از انتشار اخبار مربوط باعضای غیر رسمی خود جلوگیری نماید .

در حقیقت در فرانسه وامریکا ، این موضوع دو شکل کاملا مختلف دارد ، یعنی در فرانسه ، تبلیغات وانتشارات خصوصی برای پزشکان ممنوع است و پزشکان این کشور مجبورند معلومات جدید واطلاعات تازه خودرا فقط در اختیار جوامع پزشکی بگذارند تا از طرف آنها مورد تائید قرار گیرد .

در حالیکه در کشور امریکا عقیده براین است که معلومات مزبور باید هرچه زودتر و بمیزان هرچه وسیع‌تر ، بطور همگانی منتشر شود .

امروز ما میتوانیم موضوع ادی‌ناولزن (٤) را که در بوستون امریکا اتفاق افتاده است خیلی مفصل تر از داستان الن واشی(۵) ورژی فور (٦) که در دیژون فرانسه بوقوع پیوسته است مورد بررسی قرار دهیم .

نورمان وودساید (۷) مدیر شرکت کاغذ و مقوا سازی هاندی (۸) ناگهان ازجولان‌دادن صندلی خود باز ایستادو سیگار در گوشه دهانش بیحرکت ماند . او از دیدن وضع‌پسر بچه‌ای که‌ناگهان برروی اسکله چوبی مجاور واگون ها پیدا شد ، مبهوت ماند . پسر بچه‌ای بود ظاهرا بسن در حدود دوازده سال ، با لباسهای پاره و خون آلود و چهره‌ای که ازشدت درد بهم آمده و کبود شده بود و در حالیکه دست چپ‌خون آلود خود را روی بازوی راستش ودر محلی که رشته خون‌آلودی از آن جاری بود ، فشار میداد . زنجیری، از قطرات بزرگ و ارغوانی خون که‌از زیر تابش‌آفتاب میدرخشید ،در پشت سرخود برجای میگذاشت و بزحمت جلو میرفت .

نورمان پرسید : چه اتفاقی‌افتاده است ، پسر ؟

ـ با آوتومبیل تصادف کرده‌ام آقا .

ـ اتومبیل ؟ درکجا ؟

پسر بچه حرکت مبهمی بچانه خود داد و در همان لحظه چشمان او بهم آمد و رنگ از چهره‌اش پرید .

ـ و حالا شما باین وضع کجا میروید ؟

ـ بمنزل آقا .

کودك راه خود را ادامه داد ولی دچار رعشه ای شد و زانوهای او خم گردید . نورمان یکی از کارگران را که در همین لحظه از انبار خارج میشد متوجه ساخت تا پسر بچه را که درحال سقوط بود بگیرد و از افتادن او جلوگیری نماید .

کارگر مزبور ، بسرعت کودك را درآغوش گرفت واو را باملایمت روی تخته های آلوده بگاز اویل که در آنجا افتاده بود ، قرارداد. بزودی زیر بازوی مجروح یك لکه خونی ظاهر گردید که بسرعت بزرگ میشد .

وودساید گفت . بعقیده من این بچه بسختی صدمه دیده است . بچه جواب داد : بلی آقا اتومبیل ، یك اتومبیل با من تصادف کرد . نورمان وارد دفتر خود شد وگوشی تلفن را بدست گرفت .

ـ آلو ، اداره پلیس ، هرچه زودتر آمبولانس بفرستید . پسر بچه ای سخت آسیب دیده و خودش میگوید که بعلت تصادف با اتومبیل دچار این وضع شده است .

کودکی که‌ازقطار کنده شده بود

درحقیقت ادی ناولز باتومبیل

1 - Meurice Quayne　2 - Dijon　3 - Toneins　4 - Eddyknowlens
5 - Aleinvachedo　6 - Reyisfoure　7 - Woodside　8 - Handy

تصادف نکرده بود بلکه بعلت ترس از سرزنش و توبیخ بگفتن چنین دروغی مبادرت ورزید و مدتها هم از بیان حقیقت امر خودداری کرد. سامرویل (۱) یکی از حومه‌های بزرگ لوستبون است که خطوط آهن یکی از شرکت های بزرگ حمل و نقل از آن میگذرد و قطارهای سنگین پرازکالا باآهستگی از کنار آن عبور مینماید .

ادی ناولز نیزمانند دیگرکودکان این شهر ، با وجود اینکه بارها او را از سوار شدن بقطار باری برحذر داشته بودند دوست داشت که هنگام عبور قطار ، برروی آن پریده خود را آویزان کند تاباین ترتیب چند دقیقه با قطار مسافرت کرده باشد . روز ۲۳ ماه مه ۱۹۶۲ ادی یکبار دیگر نصیحت بالا را فراموش کرد و در لحظه‌ای که یك قطار سنگین ضمن عبور از انحنای خط ، از سرعت خود کاست ، بروی آن پرید ، ساعت درست ۱۴ وبیست دقیقه بود واو در حالیکه از خوشحالی فریاد میکشید دست چپ خود را بمیله واگون گرفت وبدن خود را بمقدار زیادی بطرف خارج خم کرد دست راست را بعنوان پیروزی در هوا میچرخاند . ولی پایه سنگی پلی که قطار از زیرآن رد میشد ، ناگهان بشکل سایه بزرگ و وحشت آوری در برابر او ظاهر گردید و او را بهراس آورد ، فرصت کوتاه تر ازاین بود که بتواند خود را از این مهلکه نجات دهد و درنتیجه دست راست ادی در هوا چرخ میخورد در یك آن دچار ضربه وحشتناك و درد کشنده‌ای شد . ادی براثر شدت ضربه وارده ، از روی پله واگن کنده شد و روی شن های کنار خط آهن غلط خورده در میان توده‌ای از آهن‌پاره‌ها و سنگریزه‌ها افتاد ـ ضمن سقوط برای اینکه اثر ضربه ناشی از آن را تخفیف دهد دست چپ خود را نیز بجلو دراز کرده بود و در نتیجه این دست اوهم ریش ریش و زخمی شد .

ادی چند لحظه‌ای گیج ماند ، در بالای سراو ، واگن های سنگین قطار ، درمیان سروصدای حرکت چرخ های آهنی ، روی ریل ها رژه میدادند . سپس بزحمت از جا برخاست . دنیای دور او رنگ طبیعی خود را از دست داده بود ، با دست چپ که سراپا آغشته بخون بود دست راست خود را که بطرز عجیبی بیحس و بیحرکت بود محکم گرفت ، روی آستینش لکه بزرگی ازخون دید که بسرعت برآن افزوده میشد .

بازویم ! در حالیکه سرش گیج میخورد فکر کرد که بازویش باید شکسته شده باشد اکنون تنها بیك چیز فکر میکرد : برگشت بمنزل زود ، خیلی زود .

آستین خالی

نورمان‌وودساید گوشی تلفن را برجای گذاشت و خود را از کابین تلفن بیرون انداخت و با صدای بلند گفت : آمبولانس هم‌اکنون خواهد آمد و او را ببیمارستان خواهد برد .

در ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه درست یازده دقیقه از آن ضربه سهمگین که ادی را از واگون جدا کرده بود میگذشت . دراینوقت یکی از کارگران گفت که خونریزی دست این کودك بسیار شدید است و باید بوسیله بستن انتهای بازوی او، از آن جلوگیری کرد . و بدنبال گفته خود بعجله‌حوله ای را دور بازوی کودك قرارداد ولی ناگهان رنگ از رویش پرید زیرا دست او در آستین کودك فرورفت ، در حقیقت بین شانه و بازوی طفل فقط یك فضای خالی وجود داشت! کودك با لهجه‌ای درهم و بریده گفت :

ـ میخواهم بروم ـ باید بمنزل برگردم .

ـ آرام باش بچه جان .

از دور صفیر آمبولانسی که بسرعت درطول جاده پیش میآمد و صدای آن دمبدم افزایش مییافت شنیده میشد . آمبولانس بزودی در پهلوی آنها توقف کرد . یك ماشین پلیس نیز همراه آمبولانس بمحل واقعه رسید . اکنون ساعت ۱۴ و ۳۳ دقیقه بود .

دنالد مك‌الری (۲) گروهبان پلیس پرسید : موضوع چیست ؟ ولی بلافاصله با یك نگاه وضع را تشخیص داد و گفت :

ـ باید عجله کرد فرصت خیلی کم است .

و پنج دقیقه بعد درساعت ۱۴ و ۴۰ دقیقه یعنی بیست دقیقه بعد از تصادم ، آمبولانس جلوی قسمت اوژرانس (فوری) بیمارستان عمومی ماساچوست (۳) توقف کرد.

آیا من بازوی خودرا از دست میدهم ؟

فردیناند اشتراوس (٤) مدیر بخش اورژانس بیمارستان زیر ساعت دیواری سالن ورودی ایستاده بود و عینك دسته صدفی خود را باآهستگی پاك میکرد . فردیناند مردی بود ساکت بزرگ جثه با موهای صاف و نگاهی آرام که فعالیت بزرگی را دراین بیمارستان سرپرستی میکرد بطور متوسط ، شب و روز در هر دوازده دقیقه بیماری باین قسمت مراجعه مینمود ولی بیمارستان‌عمومی ماساچوست بخوبی از عهده این بیماران برمیآمد زیرا یکی از بهترین بیمارستانهای امریکا و از جمله بیمارستان های مجهزی است که شهرت جهانی دارد و بجمعیت پزشگان دانشگاه هاروارد (٥) وابسته است . قسمت مرکزی بیمارستان عمارت بیست طبقه ایست که بخش های متعدد دیگر در اطراف آن قرارگرفته است و سه‌هزار نفر متخصص وخبره از هرنوع در قسمت های مختلف آن بانجام وظیفه مشغول هستند ، علاوه براین بیمارستان عمومی ماساچوست بخود میبالد که پزشکان و جراحان نخبه امریکا را در خود جمع‌آوری کرده است .

آمبولانس تازه توقف کرده بود که اشتراوس بآن نزدیك شد و در حالیکه عینکش را جابجا میکرد نگاهی به بیمار انداخت . او در اینموارد کارآزموده و با دیدن رنگ پریده کودك‌وآستین خون‌آلود او گفت :

ـ این کودك را هرچه زودتر باطاق عمل شماره یك راهنمائی کنید .

ـ کودك پرسید : آیا من بازوی خود را از دست میدهم ؟

و او جواب داد : ببینیم . !

پرستار اطاق عمل که برای جلوگیری ازانتشار میکروب ماسکی بردهن گذاشته بودعده‌ای ازجراحان را خبر کرد ، پرستار دیگری نیز با بایگانی مرکزی‌بیمارستان درباره سوابق گذشته بیمار تماس گرفت . یکی از کارمندان بایگانی جواب داد :

ـ بلی ما کارتی باسم ادی ناولز داریم که دراینجا بایگانی شده است زیرا قبلا او را در سن شش‌سالگی بعلت تشنج باین‌بیمارستان آورده‌اند و مشخصات او بشماره ۷۳۶۷۸۹ به ثبت رسیده‌است. چه اتفاق مساعدی! که باعث صرفه جوئی بسیاری در وقت شد زیرا باین‌ترتیب اطلاعات مناسبی درباره بیمار بدست آمد و از همه مهمتر گروه خونی او معلوم شد .

انتهای شریان درحال ضربان

کودك پرسید : میخواهند چه بسر من بیاورند ؟

ادی را روی تخت چرخداری گذاشتند وباطاق عمل منتقل کردند. دراین جا اونیز مثل بیماران دیگر توسط دکتر ادموند تحت معاینه مقدماتی قرارگرفت . دکتر ادموند مردی بود جوان ، با نگاههای روشن که‌روپوش سفیدی بتن داشت و گوشی طبی او از داخل جیبش دیده میشد : او جراح سی و یك ساله‌ایست‌که در جریان این روز استثنائی میبایست تصمیم مهمی‌اتخاذ کند . در حالیکه بیمار را وارد اطاق عمل میکردند باآهستگی بیکی از پرستاران گفت : ـ بیمار وضع وخیمی دارد .

کودك گفت : من بازویم مجروح شده است . و درحالیکه او را روی تخت میخواباندند و پرستار بآرامی او را دربرگرفته بود دکتر باو جواب داد :

همین الان بازویت را معاینه خواهم کرد حالا دستت را ازروی بازوی مجروحت بردار پسر جان .

کودك اندکی مردد ماند وسپس دست خود رااز روی بازوی‌دیگرش برداشت . پرستار بوسیله قیچی و با نهایت احتیاط‌آستین او راسراسر شکاف داد و لبه های آنرا کنار زد . باین ترتیب وضع بیمار بدرستی معلوم شد : از شانه فقطیك تکه خون آلود باقی مانده بود که انتهای یك شریان در حال ضربان در داخل آن دیده میشد . بین شریان و بقیه بازو یك فضای خالی بطول تقریبی ده سانتیمتر وجود داشت و اگر ادی با دست دیگرخود آنرا نگرفته بود بازوی او که بکلی قطع شده بود مسلما مدتها پیش از آستین‌بیرون آمده و بروی خاکها افتاده بود .

دکتر ادموند زیرلب تکرار کرد:

ـ بلی ، وضع وخیمی دارد .

کودك بانگرانی پرسید :

ـ بازوی من خوب خواهد شد . نیست آقا ؟

ودکترجواب داد: البته بچه‌جان.

ولی در حقیقت مساله بازو در درجه دوم قرار داشت زیرا حفظ جان کودك از هرچیزی مهمتر بود واضح بود که کودك دچار شوك سختی شده‌است زیرا پریدگی رنگ، خیس شدن بدن از عرق سرد سقوط فشار خون ، تندی ضربانات نبض

---

1 - Samervill 2 - Donald Mc. Elree 3 - Massachusetts general Hospital

4 - Ferdinand Strawss 5 - Harvard

(متجاوز از ۱۲۰ در دقیقه) بطور آشکاری وجود شوك را نشان میداد
این عدم تعادل وضع گردش‌خون که غالبا مرگ‌آور است در نتیجه جراحات خطرناك و یا تصادفات شدید بوجود میآید و پدیده تاریك و پیچیده ایست که غالبا باعث پیدایش اختلالاتی در بدن میشود که درمان آن مشکل و گاهی کشنده است .

شوك ادی ناولز نیز ناشی از ضربه و نیز اختلال روحی شدیدی بود که غالبا بعلت دردهای شدید شکستگی های استخوانی پیدامیشود ولی شدت خونریزی درایجاد این شوك سهم‌بیشتری داشت‌زیراحجم کلی خون و سرعت عبور آن از قلب ، در جثه کوچك او ناگهان بکاهش آنی شدیدی دچار شده بود . در اینموارد قوای دفاعی مرکزی بدن بلافاصله وارد میدان عمل میشود تا هرقدر که ممکن است این اختلالات ناگهانی را جبران کرده و از کمبود میزان اوکسیژن در مراکز عصبی جلوگیری نماید . بنابراین تمام عروق محیطی بشدت منقبض و در نتیجه باعث پریدگی رنگ بیمار میشود یعنی مقدار قابل ملاحظه‌ای از حجم خون در عروق مرکزی جمع میگردد . اینحالت را میتوان بوضع شهرهای کوچکی تشبیه کرد که عبور وسایل نقلیه را در کوچه و خیابان های اطراف قدغن مینماید تا تراکم بیشتری ، در عبور ومرور قسمت های مرکزی شهر ایجاد شود !!

در ضمن منابع ذخیره خونی بدن نیز که در کبد و طحال قرار دارد وارد جریان عمومی بدن‌میشود تا مقداری از کمی حجم خون را جبران کرده باشد .

این بازو را در داخل یخ بگذارید

ولی شوك ناشی از خونریزی نسبت بسایر شوك ها مزیت ویژه‌ای دارد یعنی عوارض آن چندان وخیم نیست و با متوقف کردن خونریزی و جبران خون های از دست رفته میتوان آنرا تخفیف داد و یا بکلی از بین برد . این امر برای ادی شانس تازه‌ای بود . دکتر ادموند بزودی آزمایشهای‌لازم‌را بعمل‌آورد و سپس خون بمقدار کافی به بیمار تزریق شد . باین ترتیب حجم‌خون در داخل رگ های کودك افزایش یافت و آنگاه اتروپین ، سروم ضد کزاز ، انتی بیوتیك و مسکن باو تزریق گردید .

دکتر ادموند از ادی پرسید : مطمئن هستید که تصادف اتومبیل شما را باین وضع درآورده است ؟ و ادی بانگاهی مردد و لهجه‌ای نا مطمئن جواب داد : بلی آقا .

دکتر ادموند حرکتی کرد که نشانه بدگمانی اوبود وبروی بیمار خم شد تا باقیمانده بازوی او را که بشانه وصل بود ، معاینه نماید . شریان بازو قطع شده و در حدود دوسانتیمتر از طول آن از خارج دیده میشد که بطور منظمی ضربان داشت بدون اینکه خونی از آن خارج شود . درحقیقت چنانکه میدانیم بدن انسان در مقابل هر عارضه‌ای بنحو مطلوبی از خود دفاع مینماید و در مواردی که خطری آنرا تهدید میکند باتردستی غیر قابل تصوری تمام سعی خودرا برای رفع آن بکار میبرد .

در مواردی که بریدگی شریانی وجود دارد چنان انقباض شدید و سریعی در شریان‌مربوطه پیدا میشود که بطور خارق‌العاده‌ای باعث خشك شدن زخم و جلوگیری از ادامه خونریزی میگردد. جدارقابل ارتجاع شریان چند ثانیه بعد از قطع آن (باستثناء بعضی موارد استثنائی مانند شرائین خیلی بزرگ بدن از قبیل شریان رانی وشریان سباتی) بکلی بهم میآید و جمع میشود . بنابراین خونی که بطور ملایم از بازوی ادی خارج میشد منحصرا بشرائین کوچك و وریدهای بازو مربوط بود نه شریان اصلی آن .

دکتر ادموندآنگاه بمعاینه بازوی قطع شده پرداخت . معمولا در اینموارد کمتر بعضو جدا شده توجه میشود زیرا معاینه عضوی که بکلی از بدن جداشده است فایده‌ای ندارد بلکه بیشتر باید بفکر نجات جان بیمار ، جلوگیری از عفونت و بهبودی ناحیه آسیب دیده بطرز مناسبی بود وانگهی بیشتر ازاین چه میتوان کرد ؟ ولی آنروز فکر دیگری بمغز دکتر ادموند راه یافته بود زیرا اگر چه‌ضربه وارده بسیار شدید و مخرب بود ولی خودبازو با وجود قطع شدن همچنان سالم و بدون نقص مانده بود زیرا پایه جناحی پل مانند یك ساطور طوری بازورا قطع کرده بود که مقطع آن سالم و دست نخورده بنظر میرسید.

دکتر ادموند متخصص استفاده از سرما «هیپوترمی» (۱) بودو دو نفر پزشك متخصص دیگر را نیزبعیادت بیمار آورد . ادی‌سلامی بآنها کرد و از آنها پرسید که آیا میتواند بزودی ببازی بیس‌بال بپردازد؟

سه نفر پزشك با هم تبادل نظر کوتاهی کردند سپس دکتر ادموند بطرف پرستاران برگشت وگفت :

ـ این بازو را در یخ‌بگذارید.

بزودی اشخاص لازم برای این کار دراطاق عمل جمع شدند و مقدار یخ لازم را از یخچال ها در آوردند بازوی قطع‌شده‌را در پارچه تمیزی پیچیده و درداخل یك لگن روی صفحه‌ای از یخ قرار دادند و سپس پوششی از کیسه های پلاستیك پر از یخ روی آن گذاشتند.

باین ترتیب سلول های زنده بازوی قطع‌شده میتوانستندنیروی حیاتی خود را در حال یك زندگی بطئی حفظ نمایند.

بازوی ادی که بکلی از خون خالی بود و بنابراین مثل اینکه مرده بود ، با گذاشتن آن در داخل یخ ، در وضعی قرار گرفت که بتواند زندگی سلولی خود را ادامه دهد تا امکان‌احتمالی پیوند وزنده شدن آن محفوظ بماند.

چرا تا آن روز موفقیتی در این باره بدست نیامده بود؟

مسئله‌ای که بوسیله دکتر ادموند مطرح شد ، یعنی وصل مجدد بازو ببدن ادی ، بزودی وارد مرحله عمل گردید ، ادی دربالای سر خود با چهره های جدیدی آشنا گردید که در میان آن ها مردی بود با رنگ زردو خیلی لاغر که با چشمان سیاه خود از پشت عینك با دقت زیادی او را نگاه میکرد. این شخص دکتر رونالدمالت (۲) یکی از سر جراحان بیمارستان بود که در حدود سی سال سن داشت ودر حقیقت وظیفه قاطعی را در این روز فراموش نشدنی بازی میکرد، چشمان دکتر مالت مرتب از ادی که بی حرکت روی تخت دراز کشیده بود ،متوجه بازوی اومیشد که در داخل یخ قرار داشت.

دکتر مالت گفت: وضع بیمار بسیار خوب است و بازوی او نیز برای این عمل بسیار مناسب میباشد بنابراین میتوان هر چه زودتر این آزمایش را بعمل آورد.

ادی پرسید : آقا شما میخواهید چه آزمایشی بکنید ؟ دکتر خندید وگفت:

میخواهیم کاری بکنیم تا شما دوباره ببازی بیس‌بال‌بپردازید.

در یکی از اطاق های مجاور پزشکان مجلس مشاوره‌ای‌در باره این عمل تشکیل داده بودند کاری که آن روز میخواستند با بازوی ادی انجام دهند یك عمل غیر عادی بود که‌تاکنون‌بارها امتحان شده و تا آنجائی که آنها اطلاع داشتند تاکنون هیچ‌موفقیتی در این باره بدست نیامده بود. البته ترمیم و رفع نقائص گوش، بینی و انگشتان قطع شده ونیز ساختن مجدد شست ، اعمالی است که مرتب انجام ونتایج خوبی از آن بدست میآید ولی کوشش هائی که تا آن روز برای وصل مجدد یك عضو کامل بعمل آمده بود همیشه با شکست روبرو شده بود. معهذا در مورد تکنیکهای مربوط بقسمت های مختلف این عمل پیشرفت زیادی بچشم میخورد : بازوی که از بدن جدا میشود دچار شکستگی استخوانی ، قطع شرائین وریه‌ها ، پاره شدن رشته های عصبی و گسیخته شدن عضلات و پوست میشود و چنانکه میدانیم در بخش جراحی هر روز شکستگی های مختلف استخوانی جا انداخته میشود ، زخم شریانی و وریدی بخیه میگردد، و ترمیم‌عضلات ویا پیوند پوست نیز بطور مرتب انجام میگیرد.

اگر اجرای چنین اعمالی بطور جداگانه و تك‌تك نتایج خوبی میدهد چرا باید مجموعه آن ها نیز بصورت یك عمل واحد قابل اجرانباشد ؟

ادی بیمار جوان و تندرستی بود که بازوی او خرد نشده ورمی در آن دیده نمیشد واززمانی که‌از بدن جدا گشته بود بزحمت‌نیمساعت میگذشت.

اعتراف بگناه

دراطاق عمل شماره ۱ اکنون منظره عجیبی‌بچشم میخورد،صدای نازك ادی با صدای بم و خشنی درهم آمیخته بود که نشان میداد ادی همراه کشیش بگناهان خود اعتراف مینماید.

ادی کاتولیك‌بود ودفتربیمارستان کشیش کاتولیك سی وشش ساله‌ای را بنام چانلسی که کشیش کاتولیك مخصوص بیمارستان‌است

---

1 - Hypothermie

2 - Ronald Molt

برای او احضار کرد و البته دلیلی نداشت که پزشکان درمیان این آمد و رفت غیر عادی خود باعترافات ادی گوش دهند.

کشیش خواندن ادعیه واعتراف برای او شرح داد وسپس اورا وادار کرد که از درگاه خداوند پوزش بخواهد و سپس با لحن‌موثر و گیرائی او را تقدیس نمود. ادی در این حال خود را برای هر اتفاقی آماده ساخته بود و بنابراین مجبور شد که صادقانه همه چیز را اعتراف نماید:

اتومبیلی با من تصادف نکرده است ! من سوار ترن شدم و باپل تصادف کردم اما حالا این‌مطلب را به پاپا نگوئید.

در این موقع گروه جراحان دوباره وارد سالن عمل شدند ، وضع همه آن ها جدی بود.

دکتر مالت بدکتر هرمان(۱) معاون خود گفت:

ـ جان ، این بازو رابردارید و کودك را بگروه عمل کننده شماره ۵ بسپارید.

درست ساعت ۱۵ بود !

در هر مرحله یك متخصص

خبر این عمل غیر عادی بسرعت در بیمارستان پخش شد، عده کثیری از بلوزپوشان، پزشکان کاروززان و پرستاران در بالکن مدوری که با پنجره های شیشه‌ای از محوطه عمل جدا میشد گرد آمدند تا ناظر چگونگی این عمل فوق‌العاده باشند.

منظره سالن عمل شماره ۵ چندان معمولی نبود ادی را با پارچه سبزی پوشانیدن روی‌تخت عمل خوابانده بود و داشتند او را بیهوش میکردند ، پهلوی او میز چرخ داری وجودداشت که بازوی ادی را در حالی که در پارچه تمیز و ضد عفونی شده‌ای قرار داشت بر روی آن گذاشته بودند.

در اطاق عمل جراحی های عروقی و استخوانی همه چیزباید بطرز کاملا استثنائی ضد عفونی‌شده باشد و حتی برای جلوگیری از انتشار گرد و خاك زوایای اطاق را نیز مدور میسازند.

سراسر اطاق عمل ، محل‌عمل و اسباب ها همه ضد عفونی شده‌اند، تمام کسانی که در این اعمال دخالت دارند برای عمل لباس های مخصوص ضد عفونی شده‌ای میپوشند و کلاهی بر سر میگذارند چهره آن‌ها درزیریك ماسك‌مضاعف پوشیده شده است و دست های آنان نیز در داخل دستکش های نازك و ضد عفونی شده‌ای قرار دارد.

اسباب های عمل را روی یك میز ضد عفونی شده میگذارند و یك نفر فقط متصدی دادن‌اسباب به جراحان است ، جراح نیزدسته این اسباب‌ها را میگیرد زیرا برطبق دستور مشهورجراحی،موضع عمل نباید با انگشتان جراح که در داخل دستکش قرار داردتماسی داشته باشد بلکه فقط بوسیله انتهای اسباب های مربوطه اعمال لازم باید انجام گیرد.

در جریان عمل بازوی ادی، دکتر مالت نقش رهبری داشت و خودش کمتر در کارها دخالت میکرد زیرا در هر مرحله یکی ازمتخصصین‌مربوطه، عمل‌اختصاصی خود را انجام میداد ولی دکتر مالت هم بیکار نبود زیرا گرفتن تصمیمات مهم برعهده او قرار داشت.

در حالات معمولی مثلا در مورد جراحی آپاندیسیت ، تکنیك عمل کار ساده‌ای است . و شامل اعمال معین و فهرست واری است که بترتیب صورت میگیردو‌بعبارت دیگر عملی‌است‌یکنواخت ومعمولی، ولی عملی که روی بازی ادی انجام میگرفت در حقیقت نهری بود بسیار پیچیده و ظریف که موفقیت در آن بمقدار زیادی تابع شانس و اتفاق بود ونمیشد تمام جوانب آن را بدرستی پیش‌بینی کرد.

در این موارد شناسائی قبلی زمینه بیمار و در نظر گرفتن نتایج عمل در آینده که غالبا غیر قابل جبران میباشد ، لازم‌است و حتی کوچکترین حرکت و عملی هم که انجام میگیرد بایـدمتناسب با وضع بیمار بوده و انجام آن حتما لازم باشد در عین حال عوامل نامعلوم وحوادث‌غیر منتظره را هم باید در نظرگرفت .

دکتر مالت که در طول مدت کار خود دراین بیمارستان اعمال پشت سر همی را اداره کرده بود در برابر این عمل غیر عادی سنگینی مسئولیت تصمیم های خود را برشانه هایش حس میکرد.

ابتدا نوبت دکتر شاو (۲) بود که شروع بکار نماید . شاو متخصص جراحی عروق بود ومی‌بایست شرائین ووریدهای قطع‌شده را دوباره بهم بدوزد.

عروق‌بازو دوباره‌کار خودرا ازسر میگیرند.

روش کلاسیك درمان تمام انواع مصدومین ومجروحین‌عبارت است از قطع کردن و برداشتن بافت های مرده که مشکوك‌بعفونت میکربی باشند.

ودر هر حال لازم است که تمام بافت های کوفته وله شده که بعدا دچار نکروز (۳) میشود و زمینه مساعدی برای ایجاد عفونت بوجود میآورد ، از روی عضو مجروح برداشته شود ولی مالت و همکاران او هنوزنمی‌دانستند که ضایعات قطعی این حادثه بعد از پایان عمل بچه میزانی ظاهر خواهدشد وچه‌مقدار از بافت های بازوی ادی رادر بر خواهد گرفت تا ببرداشتن آن اقدام‌نمایند ولی میدانستندکه‌بازهم وقت آن را دارند که در این‌مورد کمی تامل نمایند زیرا بریدگی‌ها و زخم های بدن معمولا در دوازده ساعت اول چرکی‌نیستندوموجودات میکروبی موجود در آن چندان فعالیتی ندارند ولی پس ازاین مدت میکروب های مزبور ممکن است تکثیر پیدا کرده و باعث ایجاد عفونت شوند.

در مورد ادی هنوز دوازده ساعت از زمان حادثه نمیگذشت وبنابراین میبایست بسرعت هرچه تمامتر بازوی قطع شده را دوباره بجریان عمومی خون وصل نمایند تا بوسیله خونی که حامل‌اوکسیژن است مشروب گردد و قدرت دفاعی آن دربرابر پیدایش عفونت‌افزایش یابد.

بازوی ادی ابتدا بطرزبسیار دقیقی معاینه و برای عمل آماده شده بود دکتر هرمان

معاون دکتر مالت به‌مقداری‌از ماده ضدانعقادخون یعنی‌هپارین‌ونیز مواد انتی‌بیوتیك برای متوقف ساختن هرگونه فعالیتی که از نظر شروع گانگونی و یاعفونت میکربی در آن موجود باشد در بازوتزریق کرد . رادیوگرافی شرائین نیز بخوبی نشان‌میداد که سیستم عروقی بازو وضع مساعدی دارد و لخته‌ای که باعث انسداد عروق شود در آن موجود نیست . دکتر شاد شروع بکار کرد ، او در ابتدا مجبور بود وریدها را بهم وصل نماید تا بعد از اینکه خون وارد شرائین شد ، بتواند از راه‌وریدها بآزادی بداخل قلب بازگردد و البته وصل کردن وریدهای اصلی بازو برای اینکار کافی بود زیرا وقتیکه شبکه جاده های یك منطقه براثر زمین لرزه یا بمباران خراب میشود ترمیم شاهراه های بزرگ ، به تنهائی برای تامین مجدد عبور و مرور لازم ، کافی است .

ترمیم وریدهای سطحی برای شاو کار آسانی بود و بنابراین او ابتدا وریدهای عمقی را برای عمل انتخاب نمود ، او برای اینکار از سوزن خمیده مخصوصی استفاده میکرد که یك رشته نخ مخصوصی بدنبال داشت . این نخ مانند تار عنکبوت نازك و در عین حال مثل یکرشته فولادی محکم بود .

کسانیکه دربالکون ایستاده‌بودند با دقت مواظب اعمال شاو بودند که چگونه سوزن را در ورید فرو میبرد و دوباره آنرا در میآورد، بهرحال پیوند عروق کار طولانی و دقیقی است که صبر و حوصله فراوان لازم دارد .

برای هرورید بازوی ادی ، سی بخیه لازم بود بنابراین بعد از یك ساعت کار مداوم دو ورید مجددا بهم وصل‌شدند و شاو نفسی براحتی کشید و چند لحظه‌ای استراحت کرد . ولی او وقت زیادی برای استراحت نداشت زیرا زمان بسرعت میگذشت واکنون نوبت شریان بازو بود که انتهای آن از ناحیه شانه سربیرون‌آورده درحال ضربان بود.

پیوند شریان آسان تر از وریدها بود زیرا قطر شریان بزرگتر است. دکتر هرمان‌بکمك انبرك مخصوصی قسمت بالائی‌آنرا بست . این انبرك، پنس مخصوصی‌است که دهانه عروق را کاملا مسدود میسازد بدون اینکه ضایعه ای متوجه آنها شود . دکتر شاو بکمك اسباب مخصوصی انتهای شریان را گرفته دهانه آنرا باز نمود وآنگاه باکمال دقت لخته‌های موجود در آنرا بیرون آورد ، سپس بجستجوی انتهای دیگر شریان که در داخل بازوی قطع شده قرار داشت پرداخت و بخیه زدن دو قسمت شریان را آغاز نمود . وصل مجدد دو قسمت شریان بیست وپنج بخیه و چهل و پنج دقیقه کار داشت . اکنون قسمت های اصلی عمل بپایان رسیده و بازو میتوانست دوباره زندگی خود را آغاز نماید. دکتر شاو با سرفرازی قد راست نمود ، جراحان بهم نگریستند و در

---

۳ ـ Necrose فسادومردن بافت های بدن

2 - Shaw

1 - John Herman

میان پرستاران جنب و جوشی براه افتاد . حاضرین بالکون همساکت بودند زیرا لحظه بزرگی فرارسیده و بعد از سه ساعت و نیم کار ، بازوی راست ادی دوباره ببدنش وصل شده بود . همه از خود میپرسیدند : آیا این بازو دوباره جان میگیرد ؟ .

دکتر مالت بازوی ادی را بآرامی در دست گرفت و دکتر شاو در حالیکه از شدت هیجان قلبش بطپش افتاده بود انبرکی را که تاکنون جریان خون را مسدودکرده بود از روی شریان بازو برداشت و بعبارت دیگر شیر لوله های آب را باز نمود . کم‌کم عضلات بازوی ادی که بدون خون و پریده رنگ بود ، گلگون‌گشت و خون درداخل عروق آن جریان یافت و وارد رگهای موئینه شد . در حقیقت مرگ کنار رفت و جای خود را بزندگی داد . و این موفقیت‌بزرگی بود که جراحان میل داشتند بخاطر آن هورا بکشند . از بالکن نیز صدای تعجب و تحسین شادی‌بخش بگوش میرسید .

دوانتهای استخوان‌بازو روی‌یك‌میخ

معهذا گروه عمل کنندگان هنوز نمیتوانستند براین افتخار خود تکیه کنند و باستراحت بپردازند . زیرا هنوز کار های زیادی باقی مانده بود .

دکتر شاو خود را کنار کشید زیرا وظیفه او بپایان رسیده بود و آنگاه دکتر مالت بازیگران دیگری بروی صحنه آورد که دکتر کانون متخصص جراحی پلاستیك و دکتر میچل متخصص در شکسته بندی نام داشتند . و میبایست دو انتهای استخوان شکسته بازو را دوباره بهم وصل سازند .

در حال طبیعی بافت استخوانی بطور دائم در حال تغییر واصلاح است و ماده استخوانی همیشه تولید میشود ولی در صورت ایجاد شکستگی پدیده استخوان سازی فوق‌العاده شدت‌مییابد بعبارت دیگر استخوان از بیکاری بیزار است و بمجرد بروز کمترین آثار شکستگی شروع بفعالیت مینماید و در نتیجه آن در هریك‌از دو انتهای استخوان شکسته ، بافت هم‌بند برای جوش دادن استخوان، ساختمانهای تازه‌ای بوجود میآورد که « کال » میگویند کال مزبور بزودی دور استخوان را فرامیگیرد و باعث اتصال مجدد دو قطعه استخوان میشود . ضمن عجله‌ای که استخوان برای ترمیم خود بخرج میدهد بدن انسان نیز برای اینکه او را در اینکار یاری‌دهد از قسمتهای مختلف خود کالسیم و فسفور لازم برای اینعمل را برداشته در اختیار استخوان میگذارد .

با وجود این ، برای اینکه استخوان بطرز صحیح و بسرعت جوش بخورد باید مدتی کاملا بیحرکت و از هرگونه فشار ، چرخش و کشش بیموقع آزاد باشد و بهمین دلیل در جراحی استخوان وسایل مختلفی مانند میخ ، پیچ ، رکاب ، صفحه ، سیخ وقاب های گوناگون و غیره بکار میرود .

در درمان شکستگی استخوان‌های دراز یا هیچکدام از این وسائل باندازه میخ گذاری داخلی آن موثر نیست که‌در سال ۱۹۴۰ بوسیله جراح مشهور آلمانی بنام کونچر اختراع شده است .

در طول هریك از استخوانهای دراز یك مجرای مرکزی قراردارد که در داخل آن مغز استخوان جایگرفته است و مرکز تولید گلوبول های قرمز بدن میباشد .

در صورت شکستن این نوع استخوان ، وارد کردن میخ کونچر درمجرای مرکزی انسان‌کار مشکلی نیست . این میخ بصورت یك سه‌پر فولادی دراز و توخالی است که دو قسمت استخوان شکسته را روی آن سوار کرده بهم متصل میسازند و اتصال قطعات‌مزبور بقدری محکم و استوار است که بعدها هیچیك از آنها دچار چرخش نمیشوند و جابجا نمیگردند .

این بند و بست فلزی روی استخوان ، بیمار را قادر میسازد که بدون کچ‌گیری هم بزودی راه افتد ویابازوی خود را بکاراندازد. در عین حال‌استخوان بتدریج جوش میخورد و بهبودی مییابد . زود بکار انداختن عضوی که استخوان آن شکسته است نتیجه دیگری نیز دارد یعنی از خمود عضلات و جمود مفاصل مربوطه که بدنبال بیحرکتی های طولانی پیدا میشود جلوگیری مینماید .

البته در نتیجه این امر یعنی داخل کردن میخ در استخوان ، و حتی اگر میخ را با احتیاط تمام هم وارد مجرای استخوان سازند ، باز مغز آن دچار آسیب میشود و بهمین دلیل مدتها عده‌ای با میخ کونچر مخالف‌بودند ولی طرفداران این وسیله نوظهور روزبروز برعده‌شان افزوده شد و تجربیات متعدد هم نشان داد که بکار بردن این اسباب هیچگونه خطر ویژه‌ای ندارد و مزایای آن بمقدار زیادی بر معایبش میچربد .

دکتر میچل هم از طرفداران این طریقه بود و میبایست از بین انواع مختلف میخ کونچر که همه ضد عفونی شده و در دسترس او قرار داشتند میخ مناسبی را انتخاب نماید . انتخاب میخ باید با دقت زیادی بعمل آید و نسبت بین قطر میخ وقطر مجرای مرکزی استخوان بخوبی مراعات شود زیرا اگر قطر میخ کوچکتر از مجرا باشد وظیفه خود را بدرستی انجام نمیدهد و اگر قطر میخ بزرگتر از قطر مجرا باشد خطر ترکیدن استخوان موجود است .

دکتر میچل بعد از انتخاب میخ مناسب ، بوسیله ضربات خفیف یك چکش پولادی ضد عفونی شده میخ را در داخل استخوان بازو فرو- کوفت ، در همین ضمن دکتر مالت شریان وورید‌های‌بازو را با ملایمت تمام از حوزه کار دکتر میچل دور نگاهمیداشت . عمل میخ گذاری بعد از نیمساعت کار توام با دقت پایان پذیرفت واکنون بعلت خاصیت میخ کونچر ادی مجددا دارای استخوان بازوئی شده بود محکم و حاضر برای ترمیم سریع و جوش خوردن .

البته هشت ماه یا یکسال دیگر باید میخ مزبور را با استفاده از بیحسی موضعی ، از ناحیه فوقانی شانه او بیرون آورد . در بعضی موارد در آوردن میخ از استخوان با اشکالاتی روبرو میگردد زیرا بافت استخوانی در حفره های داخلی نیز تولید گشته باعث میشود که میخ بوضع ناگواری در داخل استخوان ثابت شود . در اینصورت اگر در آوردن میخ مستلزم اعمالی باشد که برای استخوان زیان دارد میتوان آنرا همانطور در جای خود باقی گذارد بدون اینکه بیمار دچار ناراحتی زیادی شود .

دکتر میچل کار خود را بپایان رسانده بود و اکنون نوبت جراح اعصاب بود که وارد میدان عمل شود و متصدی اینکار خود دکتر مالت بود که اینك میبایست روی صحنه ظاهر گردد .

چهار میلیمتر در روز

پاره شدن‌رشته های عصبی معمولا با عوارض وخیمی همراه است و حتی اگر دوسر عصب پاره شده را بهم بدوزند بازهم امکان بهبودی آن بسیار کم است بطوریکه اگر پزشکی این احتمال را در حدود ۵۰٪ بداند باید او را آدم خوش- بینی بحساب آورد .

رشته های عصبی که بعلت پاره شدن از سلول خود جدا مانده‌اند، خواه و ناخواه محکوم بنابودی میباشند و بتدریج دچار فساد میگردند ولی غلافی که دور رشته های عصبی را فراگرفته است بعد از نابودی آنها هم همچنان برجای میماند و باقی ماندن همین غلاف است که ممکن است باعث پیدایش معجزه‌ای شود .

اگر دو انتهای عصب قطع شده را بدرستی بهم وصل نمایند آن قسمت رشته های عصبی که باسلول خود ارتباطدارند و بنابراین‌زندگی خود را حفظ‌نموده‌اند باعث پیدایش یك کیفیت ترمیمی میشوند یعنی رشته های باریکی از آنها بوجود میآید که در داخل غلاف عصبی برجای مانده ، مرتبا پیش میرود و تا انتهای غلاف پیشرفت آن ادامه مییابد . سرعت رشد رشته های مزبور در حدود ۴ـ۱ میلیمتر در روز است و بنابراین اگر جریان آن طبق دلخواه پیش برود بازوی راست ادی بعد از چند ماه دیگر اعصاب خود رادوباره بدست خواهد آورد .

معهذا اینکار بهمین سادگی هم نیست و برای اینکه چنین کیفیتی پدید آید باید رشته های عصبی وضع کاملا مناسبی داشته باشند و اگر بازو از محل خود کنده شده باشد کشش ناگهانی و شدیدی که بررشته های عصبی وارد میآید ضایعات فراوانی در آنها ایجاد میکند که ممکن است حتی ازمحل پاره شدن عصب هم خیلی دورباشد. ولی در اینصورت نیز نباید مایوس بود زیرا میتوان عصب را پیوند کرد .

ولی دکتر مالت بفکر چنین مسأله‌ای نبود زیرا طبق روش های فعلی بخیه کردن عصب را فقط بیست و پنج روز بعد از قطع آن باید انجام داد و بنابراین او فقط باین اکتفا نمود که در داخل بازو سه تنه عصبی اصلی را جدا نماید و آنها را با نخ مخصوصی بآرامی در محل خود ثابت سازد تا در جراحی بعدی که روی ادی انجام میشود بتواند آنها را بزودی و بدون اشکال پیدا نماید و با قسمت های دیگرشان وصل کند .

آنگاه عضلات پاره شده را تمیز کرده بافت های له شده و ضایع را از بازو جدا نمود تا خطر ایجاد عفونت بطور کلی از بین برود . دکتر مالت سپس بدوختن عضلات پرداخت و البته اینکار از نظر سهولت با اعمال قبلی قابل مقایسه نبود زیرا با زدن دوازده بخیه بزرگ بپایان رسید .

واضح بود که پوست را هم میبایست پیوند زند ولی چون این امر دقت زیادی لازم داشت بعلاوه چون وقت دیر و ساعت ۲۲ بود

دکتر مالت بعد از مشاوره با همکاران خود تصمیم گرفت که پیوند پوستی را برای بعد هم بگذارد . فقط دور بازو را بایك گاز ضد عفونی شده پوشانید و بعبارت دیگر از طریقه «زخم باز پانسمان کم» استفاده نمود .

در اینوقت دکتر میچل که قبلا استخوان بازو را جا انداخته بود مجددا وارد صحنه شد و بکمك معاونین خود یك کرست گچی بزرگ برای ادی درست کرد که دوشانه ادی را دربرمیگرفت و در حال تکیه بروی تهیگاه ، بازوی نیمه خمیده ادی را محکم دربر میگرفت .

آیا برای همیشه دارای بازو خواهم بود ؟

اکنون میبایست جراحات دست چپ کودك را درمان نمایند ، تا آنوقت درست هفت ساعت تمام بود که در سالن شماره ۵ روی ادی عمل جراحی ادامه داشت و بنابراین دکتر مالت مشکوك بود که موضع عمل همچنان بقدر کافی ضدعفونی باقیمانده باشد بهمین دلیل ادی را بوسیله میز چرخداری باطاق دیگری که کاملا ضد عفونی شده بود منتقل ساختند .

دست چپ ادی نیز بسختی صدمه دیده بودبخصوص شست و دوانگشت مجاور آن دچار آسیب زیادی شده بودند ، عضلات آنها پاره شده قسمتی از آن فاسد گشته بود ولی شکستگی استخوانی وجود نداشت ، بعد از ترمیم ضایعات مزبور چون پیوند پوستی دراینجا حتما لازم بود یك قطعه پوست از روی پای راست ادی برداشته و روی قسمت لازم پیوند کردند تا بهبودی آن سریعتر انجام گیرد .

در ساعت یك بعد از نصف شب عمل بپایان رسید و باین ترتیب عمل بازوهای ادی هشت ساعت و نیم طول کشیده بود . دراینموقع بیمار را با نهایت احتیاط باطاق دیگری منتقل ساختند که درآنجا بعد از مدتی بهوش آمد و بمتصدی بیهوشی که دربالای سراو نشسته بود لبخندی زد و گفت : سوگند میخورم که بعد از این هرگز سوار ترن نشوم ولی ادی بدون جهت ازتوبیخ میترسید زیرا بازوی خود را دوباره بدست آورده بود و این همان چیزی است که برای او ارزش زیادی دارد .

ولی آیا واقعا ادی برای همیشه بازوی خود را بدست آورده است؟ این امر به نتیجه بخیه های عصبی ارتباط دارد . زیرا اگر رشته‌های عصبی دوباره بکارافتد نتیجه عمل تحسین آمیز خواهد بود . ولی اگر بازوی ادی هرگز نتواند قوای حسی و حرکتی خود را بدست آورد وجود آن چه فایده‌ای دارد ؟ هرچند هم که بطرز ماهرانه‌ای ببدن وصل شده باشد . چنین عضوی بیفایده و عملا مرده است و برای صاحب خودزحمت دائمی و غیرقابل تحملی بوجود خواهد آورد . و شاید هم بالاخره مجبورشوند بازوئی را که بقیمت آنهمه مهارت وزحمت ببدن وصل کرده بودند دوباره از بدن جدا سازند تابیمار از شر آن راحت شود . معهذا درباره ارزیابی نتیجه عمل بازوی ادی نباید عجله کرد ــ زیرا تجدید حیات وفعالیت رشته های عصبی همیشه بزمان طولانی احتیاج دارد و گاهی سالها طول میکشد ، بنابراین از سرانجام چنین عملی نباید زود مایوس شد .

پزشکان بیمارستان عمومی ماساچوست تا پایان سال ۱۹۶۳ همچنان امیدوارو درانتظار خواهند بود که ببینندآیا ادی ناولز کوچك میتواند دوباره ببازی بیس‌بال بپردازد یا خیر ؟

ادی ناولز اولین نفر نبود

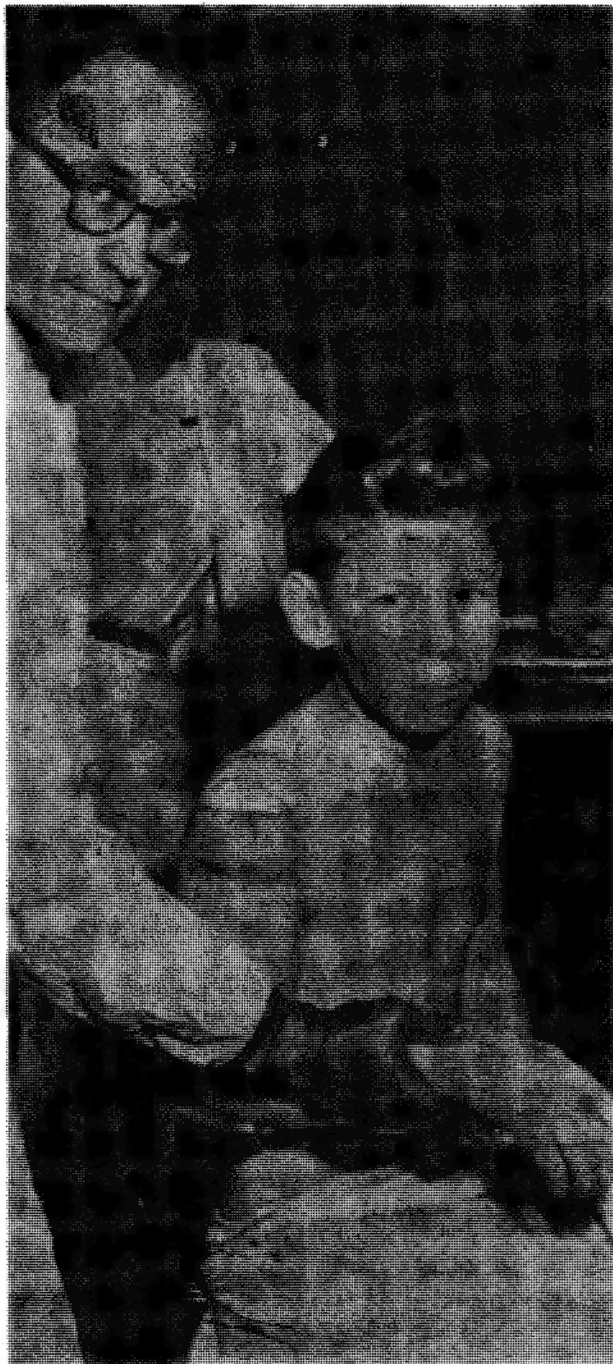
پزشکان امریکائی در تصور این مطلب که تاکنون هرگز یك عضو قطع شده بوسیله جراحان با موفقیت ببدن وصل نشده است ، سخت دراشتباه بودند زیرا شهرت عمل برجسته آنها باعث شد که دو عمل مشابه دیگر نیز که قبل از آنان توسطجراحان فرانسوی‌صورت گرفته بود ، آشکار گردد :

ساعت ۱۱ صبح روز هفتم فوریه ۱۹۶۲ بود و آفتاب رنگ پریده زمستانی روی‌بامهای یخ‌زده‌خانه‌های شهر کوچك ایسورتی واقع در ۲۲ کیلو متری دیژونی میتابید .

در یکی از کوچه های خلوت و دور افتاده شهر و در جلوی یك انبار ، الن واشی شوفر بیست و سه ساله که شیطان بزرگ لقب داشت مشغول خالی کردن بار خود یعنی تیرهای آهنی بود که هرکدام ده سانتیمتر ضخامت وهشت متر طول داشت . آلن از این کار ناراضی بود و در حالیکه به بارِبند ورمیرفت با خود میگفت این کار من نیست و من نباید آنرا انجام دهم . من شوفر هستم ! ناگهان حادثه مخوفی بسرعت برق فرارسید یعنی بدنبال‌صدای قرچ قرچ خشکی، باربند پاره شد وتیرهای آهنی یکی بعد از دیگری رویهم غلطیدند و توده درهم برهم و گیج کننده ای شبیه بهمن بوجود آوردند که روی سنگفرش کوچه سر وصدای عجیبی براه انداخت و شوفر بدبخت را مانند پرکاهی در خود فروبرد و بدنبال آن سکوت کابوس مانندی برقرار شد که ناله و فریاد آلن را در خود غرق ساخت .

مردم از هرطرف جمع شدند ، آلن در زیر تیر های آهنی محبوس شده و بازوی راستش بطرز عجیبی پیچ خورده بود بطوریکه بنظر میرسید از مفصل شانه جدا شده است . روی سنگفرش کوچه دریایی از خون جمع شد و پزشکی که با عجله خود را بآنجا رسانده بود بعد از تزریق مورفین وامتحان بیمار گفت که او وضع خطرناکی دارد و هرچه زودتر باید به بیمارستان دیژون منتقل شود .

سه ساعت بعد آلن در اطاق عمل بخش جراحی پروفسور ژیراردیه توسط دکتر اویکل مورد معاینه قرارگرفت . دکتر اویکل



مردی بود با قد کوتاه و ریش توپی و چهره‌ای که قدرت از آن میبارید از پشت شیشه های ضخیم عینك بازوی آلن را که روی تخت دراز کشیده بود بدقت امتحان میکرد . ضربه تیرهای آهنی بازوی مصدوم را تقریبابکلی قطع کرده بود و بین دو قطعه بازو فقط مقداری پوست و چند رشته عصبی (چه شانس عجیبی !) باقیمانده بود که بنظر میرسید آسیبی برآنها وارد نیامده است . عروق خونی بکلی له شده و وضع شریان بسیار اسف انگیز بود. انتهای یکی ازقطعات استخوان شکسته بازو خورد شده و بقطعات کوچکی تقسیم گشته بود .

البته باتوجه‌باین‌وضع بازو دکتر اوپکل میتوانست فقط باین عمل اکتفا کند که بازوی آلن را بکلی از بدن اوجدا نماید و آنرا دور بیاندازد وکوشش خود را تنها مصروف حفظ سلامتی بیمار سازد ولی او بترقیات جدید علم جراحی ایمان داشت و سعی داشت تا آنجا که ممکن است بازوئی را که عملا در حال از بین رفتن و مرگ است مجددا بشانه آلن وصل نماید . ولی برخلاف دکتر مالت که در حدود پانزده نفر جراح ورزیده برای اینکار در اختیار داشت دکتر اوپکل تنها بود و کسی را نداشت که در اینعمل بزرگ او را یاری دهد ، بنابراین کار خود را با استفاده از کمك انترن کشیك‌شروع کرد و ابتدا به بخیه زدن عروق پرداخت که در جریان کار اهمیت اصلی دارد . معهذا چون وضع و چگونگی پارگی شریان بازو طوری بود که دهان بدهان کردن و بخیه زدن آنراغیر ممکن میساخت مجبور شد به پیوند شریانی متوسل شود و برای اینکار تکه ای از جدار یکی از وریدهای سطحی را برداشته و بکمك دو بخیه آنرا بروی شریان منتقل ساخت . بهرحال عملیات مختلفی که روی بازوی آلن انجام گرفت پنج ساعت طول کشید وبازو مجددا ببدن بیمار وصل شد .

بعد از سه‌هفته یعنی در ۱۴ مارس، که دکتراوپکل وضع عروقی بازوی آلن را رضایت بخش یافت به ترمیم استخوان شکسته آن‌پرداخت . برای ترمیم آنقسمت از استخوان که در زیر تیر های‌آهنی بقطعات کوچکی تبدیل شده بود مجبور شد پیوند استخوانی انجام دهد یعنی تکه ای از استخوان بزرگ ساق پای آلن را برداشت و باستخوان بازوی او پیوند کرد . برای بررسی وضع رشته های عصبی دکتر اوپکل دهانه زخم را باز نگاهداشته بود و در معاینه بعدی آنها معلوم شد که با وجود اینکه عده‌ای از رشته های عصبی سالم هستند معهذا ضایعاتی در عصب میانی بازو وجود دارد وبنابراین عصب مزبور هم توسط چند بخیه مجددا ترمیم گردید .

در هفتم آوریل یعنی دوماه بعد از آن حادثه مخوف ، آلن ویشی بیمارستان را ترك کرد تا کار روزمره و خسته کننده ورزش و تمرین بکار انداختن مجدد دست را انجام دهد . یعنی بماساژ ، کشش و ورزش های متنوع و خسته کننده دست بپردازد که بدون انجام آن برگشت کامل حرکات بازو ممکن نیست . آلن ویشی میگوید نباید بیش از اندازه توقع داشت زیرا اگر تمام کارها روبراه باشد بنظر میرسد که بازوی من ۸۰ درصد نیرو و حرکات طبیعی خود را دوباره بدست بیاورد واین پیروزی بزرگی است .

ویکسال هم زودتر ازاین

در یازدهم ژوئن سال ۱۹۶۰ « رژی فور » پانزده ساله در کارگاه نجاری برادرش واقع در اگویون نزدیك آژن سرگرم کار بود و برنده کارگاه ورمیرفت ، گرمای بعد از ظهر تابستان سستی ورخوتی در اوایجاد کرده بود که ناگهان شیئی از ماشین پرت شد و صفیر آن سکوت کارگاه را درهم شکست . رژی سر خود را بلند کرد ولی نتوانست فرصت درك این حادثه غیر مشخص را پیدا نماید زیرا ناگهان ضربه موحشی بروی بازوی راستش وارد آمد و او را بزمین انداخت . در حقیقت قرقره آهنی که با سرعت سه هزار دور در ثانیه میچرخید از جای خود کنده شده و بخارج پرت شده بود . رژی در حالیکه از درد بازوی خود ناراحت بود بپاخواست ولی متوجه شد که همه با چشمان موحش و حیرت زده‌ای او را مینگرند ، بازوی خود را نگاه کرد و دید که آستین پولورش قرمز و در زیر پاهایش نیز برکه کوچکی از خون جمع شده است .

بازوی رژی تقریبا بطور کامل قطع شده اتصال زیادی با بدن او نداشت و بعدها متوجه شدند که فقط بوسیله یك نوار ساده پوستی بطول چهار سانتیمتر ببدن رژی آویزان مانده است .

رژی بیهوش شد و هنگامیکه آمبولانس او را به بیمارستان نونن رسانید بر اثر شدت خونریزی تقریبا بیخون شده بود و بهمین دلیل بشوك شدیدی دچار گشت . بعد از سه دفعه انتقال خون وضع رژی تا اندازه‌ای بهبود یافت و آنگاه دونفرازجراحان بیمارستان بنام سالس و موسو تصمیم گرفتند که عملی خارق‌العاده و ظاهرا غیر ممکن را روی او انجام دهند یعنی‌بازوی قطع شده رامجددا ببدن وصل نمایند .

کاری که ایندفعه به تنهائی و دریك جلسه در این بیمارستان کوچك انجام دادند برابر مجموعه اعمالی بود که جراحان امریکائی با وسایل بسیار مجهز خود ، بطور دسته جمعی بعمل آوردند .

بخیه زدن عروق هیجانی درآنها ایجاد کرد زیرا فکر میکردند که آنها اولین کسانی هستند که موفق باجرای چنین عملی شده اند . هنگامیکه این دوجراح انبرك روی شریان را که باعث مسدود شدن قسمت بالائی آن درجریان عمل شده بود برداشتند مشاهده کردند که همزمان با برقراری جریان خون در داخل‌عروق ، از تمام مویرگهای دست که مدتی پیش بکلی فاقد خون بود ، قطرات بیشمار خون فوران میزند چه پیروزی بزرگی !

روز بعد نبض بیمار در بازوی عمل شده بخوبی قابل تشخیص‌بود.

آنگاه جراحان مزبور بوسیله میخ‌گذاری ، دو قطعه استخوان شکسته بازو را جاانداخته ، عضله‌ها را بهم دوخته و تنه های عصبی را نیز همان روز بخیه زدند .

وقتیکه عمل بپایان رسید و رژی چشمان خود را باز کرد‌متوجه شد که بازوی راستش بکمك آستین گچی سبکی ببدنش آویزان است و فقط انگشتانش‌کمی او را ناراحت میسازد .

یکماه و نیم بعد جراحان بالاخره مجبور شدند آخرین بند انگشت سبابه و انگشت کوچك او را قطع نمایند زیرا جریان خون در آنها بخوبی انجام نمیگرفت . و ازاین ببعد میبایست کاری کند که دست رژی دوباره‌بکار افتد و برای‌اینکار لازم بود تمرینات طولانی ودقیقی برای او تنظیم شود زیرا اعصاب دست عمل خود را بطور تدریجی از سر میگیرند پروفسور سوك اهل تولوز که متخصص جراحی‌های ترمیمی است با مشاهده وضع بیمار درماه فوریه یك عمل تکمیلی روی بازوی رژی انجام داد وعصب میان را از چسبندگیهائی که پیدا کرده بود بکلی آزاد ساخت تا در بهبود و شروع کار دست رژی تسریعی ایجاد شود .

اکنون دوسال از زمان حادثه‌ای که باعث قطع بازوی رژی شد میگذرد و بازوی او حالا میتواند قسمت بزرگی از کارهای خود را از قبیل باز کردن و بستن آرنج انجام دهد ولی‌دامنه چرخش خارجی و داخلی بازو نیز ساعد فقط‌بمیزان ۲۰ درصد حال طبیعی است . و حرکات انگشتان دست نیز بقدر کافی ظرافت و دقت ندارد وبهمین دلیل دستخط رژی هنوز چندان خوانا نیست ، باوجود این ، داشتن چنین دستی هم ، برای کسیکه میبایست حالا علیل و فاقد یکدست باشد ، وضع چندان بدی بشمار نمیرود .

توجه بشرح حال سه بیماری که بازوی قطع شده آنها ، مجددا ببدنشان وصل شده‌است نشان میدهد که عمل مزبور در حال حاضر فقط در بعضی از شرائط استثنائی قابل اجرا است یعنی بیمار باید جوان و سالم باشد تا بدن او بتواند قوای دفاعی خود را جهت ترمیم ضایعات وارده ، بمیزان کافی بکار برد گذشته ازاین بریدگی عضو نیز باید کامل و بدون له شدگی باشد و خود عضو قطع شده نیز بخوبی محافظت شود دراینموارد باید بیمار را هرچه زودتربه بیمارستان مجهزی اعزام کرد و گروهی از جراحان ورزیده و حاضر بعمل بدون هیچ‌گونه تاخیری روی او شروع بکار نمایند ، اگر چه دسترسی به تجهیزات کاملی مانند آنچه که جراحان بیمارستان‌عمومی‌ماساچوست در اختیار داشتند برای همه ممکن نیست .

با وجود اینکه احتمال عدم موفقیت دراین عمل بسیار زیاداست معهذا بازهم ارزش آنرا دارد که مورد تجربه قرارگیرد و بعبارت دیگر این شانس اتفاقی باید در اختیار همه بیمارانی که عضوی از بدن خود را از دست داده‌اند قرارگیرد زیرا ممکن است باین‌ترتیب عضو قطع شده آنها ازبین نرود و مجددا مورد استفاده واقع شود قطع کردن کامل عضو را باید موقعی انجام داد که امکان چنین عملی بهیچ وجه موجود نباشد .

بدون شك با اجراء این عمل دوره جدیدی در جراحی آغاز شده است کهدرآینده‌پیشرفت های‌دیگری نیز درآن بعمل خواهد آمد و شاید روزی برسد که چنین کاری جنبه کلی تری بخودبگیرد و در مواردی هم که اکنون انجام آن نهی شده است، عملی‌گردد‌بطوریکه مصدومین بیشمار جاده‌ها و کارخانه ها امیدوار باشند که بتوانند اعضاء قطع شده خود را مجددا بازیابند و از بازوها و پاهای بظاهر از بین‌رفته خودبخوبی استفاده نمایند.

امریکائیها پیشنهاد کرده‌اند که این عمل را « کاشتن مجدد اعضاء » بنامند ، بعضی دیگر آنرا «الصاق مجدد اعضاء» گفته‌اند ولی بهرحال ، این عمل هنوز در فرانسه نامی ندارد .



از سندیکای داروسازان ایران چه میدانید؟

صنعت داروسازی کشور درحال پیشرفت است و داروهای ساخت ایران کم‌کم جای‌داروهای خارجی را میگیرد

مسئله تحریم بعضی از اقلام داروهاوسروصدای دارو در اوائل زمستان۱۳۴۲ چه‌بود وسندیکای داروسازان چه نقشی داشت

از سابقه فعالیت و تاسیس سندیکای داروسازان ایران که مرجع‌صنفی دکتران داروساز در سراسر ایران است بیش از بیست‌سال میگذرد . در خرداد ماه ۱۳۲۲ سندیکای داروساز ایران تاسیس وبشماره ۳۰ ثبت شد واز همان سال فعالیت صنفی واجتماعی سندیکا در راه دفاع از حقوق داروسازان شروع گردید .

داروسازی نوین و صنعت داروسازی در کشور ما بسیار جوان است وحتی در سالهای تاسیس‌سندیکای داروسازی رونق چندانی نداشت ولی فعالیت داروسازان در رشته های مختلف خصوصا فعالیت فارغ‌التحصیلان‌دانشکده داروسازی‌تهران که دانش جدید داروسازی برخوردار بودند به داروسازی و صنعت جوان آن رونق‌دیگری بخشیدو باایجاد کارخانجات داروسازی بهمت داروسازان ایران صنعت داروسازی وارد مرحله جدیدی شد و داروهای ساخت ایران کم کم جای خود را در بازار داروئی ایران باز کرد .



هیئت مدیره سندیکای داروسازان ایران در یکی از جلسات رسمی

بموازات این‌پیشرفت اهمیت ونقش سندیکای داروسازان ایران در فعالیت های اجتماعی و صنفی هرروز بیشتر نمایان میگردید ولی متاسفانه سندیکای داروسازان ایران هم مانند بسیاری از مجامع صنفی کشور ما در عرض بیست سال گذشته دارای فراز و نشیب بسیار بوده‌است وخصوصا درمواردی بعلت‌عدم توجه به خواسته های داروسازان ازطرف اکثریت مورد تردید قرار میگرفت تا اینکه در دو سال پیش بدنبال فعالیت چند ماهه داروسازان که منجر به تشکیل جلسه عمومی و انتخاباتی گردید (۲۷ بهمن ۱۳۴۰) هیئت‌مدیره جدیدی‌انتخاب شد که مورد تائید اکثریت قریب باتفاق داروسازان قرار گرفت . عناصر جوان وافراد فعالی که برای اولین باربعضویت هیئت مدیره انتخاب‌شده بودند باهمکاری افراد با حسن نیت و قدیمی صنف‌توانستند تحرك جدیدی در بین داروسازان بوجود آورند و موفق شوند برنامه فعالیت صنفی خود را تنظیم نمایند وبا پلان مشخص در راه پیشرفت‌داروسازی و آینده‌موفقیت آمیز آن گام بردارند .

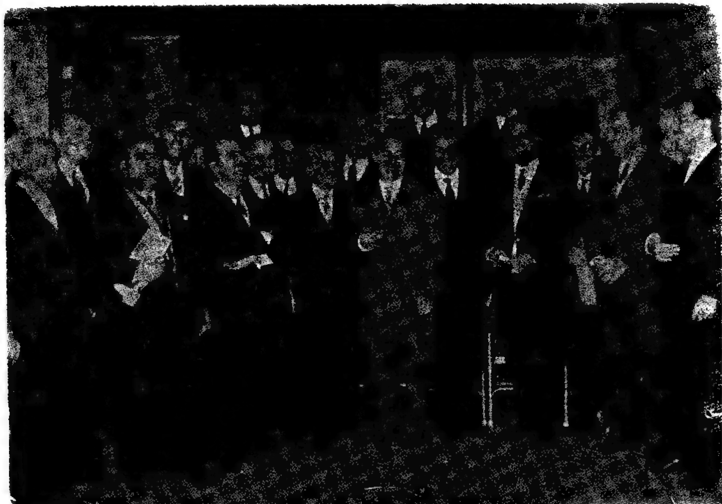
از جمله برنامه تنظیمی این هیئت ایجاد شکل جدید سازمانی در سندیکای داروسازان ایران بود ودر سازمان جدید رشته های مختلف داروسازی با نظارت ورهبری هیئت مدیره جدید سندیکا فعالیت دامنه داری را آغاز نمودند که‌از آنجمله‌اند : رشته کارخانجات داخلی ـ رشته مدیران داروخانه ها رشته مدیران آزمایشگاههای تشخیص ـ رشته وابستگان علمی ـ رشته داروسازان اداری و موسسات ملی و غیره .

فعالیت دو ساله هیئت مدیره‌ای که در سال ۱۳۴۰ انتخاب شده بود با اقدام بزرگی که در راه بالابردن سود داروخانه ها بعمل آوردند (ودر آخرین مبحث از آن جداگانه بحث خواهد شد) در بهمن ماه ۱۳۴۲ خاتمه یافت ودر دوم اسفند ۱۳۴۲ داروسازان درجلسه عمومی و انتخاباتی خود که نزدیك به ۳۰۰ نفر داروسازشرکت‌داشت(با حضورنمایندگان داروساز شهرستانها) هیئت‌مدیره جدیدی انتخاب کردند که **عده آنها یازده نفر به ترتیب آراء بقرار زیرند . آقایان دکتر قادری نژاد ـ دکتر هاشمی نژاد ـ دکتر نظمی ـ دکتر داروئیان ـ دکتر عبد ـ ربانی ـ دکتر شمس ـ دکتر سمیعی دکتر ابطحی ـ دکتر فرجاد ـ دکتر طبیب نیا ودکتر ویکتوری .**

اکثریت این یازده نفر همان اعضاء هیئت مدیره دوره فعال گذشته‌اند و باین ترتیب باید امیدوار بود که اقدامات‌دوره قبل را که مورد تائید اکثریت قریب باتفاق داروسازان ایران بود تعقیب نمایند .

تقویت صنایع داروسازی داخلی

یکی از اساسی ترین برنامه فعالیت سندیکای داروسازان ایران کوشش در راه تقویت صنایع ـ داروسازی داخلی بوده‌است و بنظر سندیکای داروسازان ایران موقع آن فرا رسیده که مسئولین امر نسبت به صنایع داروسازی ایران





اعضای هیئت مدیره سندیکای داروسازان پس از موفقیت‌دربالا بردن‌سود داروخانه در بین همکاران داروساز

توجه بیشتری مبذول دارند و داروسازان نیز به نقش اساسی خود در این امربزرگ میهنی پی ببرند.

بنظر سندیکای داروسازان ایران تقویت صنایع داخلی از جمله صنعت داروسازی تقویتی است که از اقتصادملی وطن ما بعمل میآید و بدین ترتیب از صدور بی‌جای‌ارز کشور بخارج‌جلوگیری میشود و در هرحال تقویت صنایع داخلی بعنوان اولین هدف در راه تقویت یك سیاست مستقل‌ملی واقتصادی تلقی‌میگردد و مسلم است در کشوری که استقلال اقتصادی وجود داشته باشد خود بخود استقلال سیاسی آن نیز تامین میگردد.

فعالیت سندیکای داروسازان ایران در دو سال گذشته خصوصا تماس آن با مقامات دولتی واز جمله مقامات وزارت بهداری باعث گردید که نسبت بورود بی‌بند وبار ازخارج توجه بیشتری مبذول گردد وامروز مسئله ورود بیحساب دارو مسئله‌ای است کـه مورد تائید بسیاری از مقامات مسئول میباشد و بهمین علت وزارت بهداری هم از مدتی پیش صدور پروانه برای داروهای جدید را موقوف ساخت وسندیکای داروسازان امیدوار است این سیاست در آینده بافعالیت پیگیر داروسازان تعقیب گردد. از طرف دیگر فعالیت سندیکا دراین راه صرف میشود که از ورود تمام داروهائی که مشابه آنها در داخل ایران ساخته میشود جلوگیری بعمل آید .....

یکی دیگر از اقدامات مهم سندیکای داروسازان ایران در راه تقویت صنعت داروسازی فعالیت در راه لغـو سود بازرگانی از مواد اولیه (که موردمصرف کارخانه های داروسازی داخلی است) بوده که موفق گردیده این سود را لغو نماید و متاسفانه صفحات محدود کتاب اجازه درج جزئیات دیگر کارهای انجام شده را نمیدهد.

مسئله سود داروخانه ها و تحریم داروها

سندیکـای داروسازان ایران در اوایل سال ۱۳٤۱ در راه افزایش سود داروخانه ها فعالیت دامنه داری آغـاز کرد. بنظر سندیکای داروسازان ایران سودی که برای دکتران داروساز یعنی مدیران داروخانه‌های ایران در نظر گرفته‌شده است بسیار ناچیز است و بـا مدارج تحصیلی وارزش [illegible] تحصیل کرده‌ای که ۱۷ سال عمر [illegible] صرف تحصیل نموده‌اند تطبیق ندارد.

در تمام کشور های دنیا این سود بیشتر است مثلا در لبنان سود داروخانه ها ۲۵ در صد ــ در ترکیه [illegible] در صد در عراق ۲۵ در صد ــ در فرانسه ۳۰ درصد ــ در انگلستـان ۳۰ در صد ــ درآلمان غربی ۳۵ در صد و [illegible] ٤۵ در صد ..... واین حداقل سودی‌است درحالیکه در موارد دیگر تا ۵۰ درصد (برای داروهای ترکیبی) میرسد ولی در ایران این سود ۷ الی ۱۰ در صداست با در نظر، گرفتن حد متوسط فروش داروخانه های ایران که‌رقم ۳۰۰ تا ۵۰۰ تومان در روز است وپس از کسر مخارج روزانه مانند کرایه‌محل ــ مزد شاگرد ــ مالیات وغیره معلوم میشود که برای یك دکتر داروساز پس از ۱۷ سال تحصیل چه مقدار جزئی باقی میماند بهمین علت دکتر داروساز مجبور یا از داروخانه گریزان باشد ویا علاوه بر داروخانه شغل های دولتی وملی را نیز قبول نماید و بدین ترتیب سرنوشت بهداشتی مملکت بدست افراد غیر مسئول قرار خواهـد گرفت. برای جلوگیری ازاین اتفاقات باید سود داروخانه‌ها بمیزان حداقل معمول دنیا قرار گیرد وروی این اصل سندیکا فعالیت دو ساله خود را با تماس با مقامات دولتی و وارد کنندگان دارو شروع کرد ودر اوایل دیماه ۱۳٤۲ به تحریم فروش بعضی از اقلام داروها با نتیجه نسبتا خوب بپایان رسانید. گرچه در این مبارزه بیش از ۳ در صد به داروخانه ها نرسید یعنی سود داروخانه ها بمیزان ۱۰ تا ۱۳ در صد بالا رفت که باز موفقیتی برای داروسازان بود و سندیکا امیدوار است‌ضمن تماس بامقامات دولتی این سود را بمیزان ۲۵ تا ۳۰ در صد بالا ببرد.

موضوع جالب در این جریان هم گامی تمام داروسازان واطباء محترم با نظر هیئت مدیره سندیکای داروسازان ایران بود و حقانیت مسئله باعث گردید که جراید مهم مملکت ومقامات کشوری نیز با نظرات سندیکا همکاری نمایند. با اینکه هنوز مطالب گفتنی بسیاری در باره سندیکای داروسازان ایران وجود دارد ولی بعلت محدود بودن صفحات کتاب در اینجا به بحث درباره سندیکای داروسازان خاتمه میدهیم و امیدواریم در آینده خوانندگان عزیز را در جریان امر بگذاریم.

راهنمای پزشکان تهران

دکتر سیروس اصانلو
استاد دانشگاه

میدان فردوسی ـ فیشرآباد ـ شماره ۲۳ تلفن : ۴۰۴۴۹

دکتر استپانیان
عضو کالج پزشکان سلطنتی انگلستان ـ متخصص بیماریهای قلب و عروق ـ خیابان فرانسه چهارراه بهرامی ـ شماره ۶۱ ـ
پذیرائی : صبحها : ۸٫۵ تا ۱۲ ـ عصرها : باتعیین وقت قبلی
تلفن : ۶۹۱۲۵

پرفسور منوچهر حکیم
استاد دانشکده پزشکی ـ پرفسوراگرژه دانشکده های پزشکی فرانسه
جهاز هاضمه (معده ـ روده ـ کبد) ـ
۷۵ خیابان تخت جشید ـ (اول خیابان کیوان) بین میدان کاخ و دبستان فردوسی تلفن ۴۳۶۹۵
پذیرائی : صبحها از ۸ تا ۱۲ ـ عصرها باتعیین وقت قبلی

دکتر جلال بریمانی
متخصص بیماریهای اعصاب و روانی و الکتروانسفالوگرافی
دارای دیپلم ناسیونال تخصصی امراض اعصاب و روان از دانشگاه پاریس
اکسترن سابق بیمارستانهای پاریس ـ جایزه لورآ و مدال علمی از دانشگاه پاریس
خیابان رازی ـ چهارراه بهرامی ـ شماره ۸۵ ـ تلفن ۶۶۰۲۰ پذیرائی : ۴٫۵ تا ۸ بعدازظهر

بیمارستان و زایشگاه هشترودیان
بامتد پسیکو پروفیلاکس
خیابان فیشرآباد
تلفن ۶۱۳۹۱۷ ـ ۴۴۱۲۹ ـ ۶۱۳۹۱۸ ـ ۴۰۲۸۰
بخش مخصوص برای زایمان بی درد

مهدی یافائی
دندانپزشک
باسابقه ۳۵ سال طبابت در این رشته و ساختن همه نوع دندانهای مصنوعی و روکش طلا و پلاستیکی از بیماران محترم پذیرائی مینماید .
صبح ۱۲-۸ عصر ۸-۴ خیابان سعدی شمالی مقابل بیمارستان امیراعلم شماره ۱۸۴ تلفن ۳۲۳۳۹

دکتر منوچهر زرگرپور
جراح و متخصص بیماریهای گوش و گلو و بینی و حنجره
خیابان شمیران کمی بالاتر از مولن روژ تلفن منزل ۴۱۲۱۲ مطب ۷۳۲۶۸
پذیرائی : عصرها ـ صبحها با تعیین وقت

دکتر محمدرضا جبارپور
چیف رزیدنت سابق بیمارستان نمازی شیراز
تهران ـ خیابان شاهپور مقابل خیابان فرهنگ
تلفن : ۲۲۵۱۳

دکتر پرویز سروری
متخصص امراض داخلی و جهاز هاضمه ـ دکتر در طب از دانشگاه جرج واشنگتن امریکا ـ دارای دیپلم شال برد امریکا
خیابان رازی شماره ۸۷ تلفن : ۴۱۲۰۳

دکتر علی وکیلی
استاد بیماریهای داخلی در دانشکده پزشکی

خیابان ابتهاج ـ خیابان دمشق روبروی بیمارستان ورجاوند تلفن ۴۳۸۸۲

دکتر ستار اعلم
متخصص طب داخلی (قلب ـ ریه ـ جهاز هاضمه و اعصاب)
دیپلمه فدرال سوئیس و دیپلم طب فرانسه
خیابان فرانسه چهارراه بهرامی ـ رازی کاشی ۱۰۰ تلفن { مطب ۴۷۰۱۷ منزل ۴۵۲۹۹
اوقات پذیرائی : صبحها از ۸ تا ۱۲ عصرها باتعیین وقت قبلی

درمانگاه خصوصی شبانه روزی نارمک

دارای بخشهای طبی ـ جراحی ـ زنان و زایمان ـ چشم پزشکی ـ گوش و حلق و بینی ـ مسمومین ـ سوانح و اتفاقات (نجات غریق ـ مونوم ـ برونشکتی و غیره) ـ دندانسازی و دندانپزشکی و سرویسهای مختلف پانسمان و تزریقات ثابت و سیار ـ ختنه اطفال و آزمایش (تجزیه پی‌ـ‌آ‌ـ‌سی و غیره) ـ فیزیوتراپی و درمانهای مختلف مخصوصاً فلج اطفال شبانه روز در خدمت شماست .

برای مان جهت اخذ دستورات بخصوص زنان باردار پرونده بهداشتی ودائم مراجعه و تهیه کارت قبلی ضرو ست مگر در موقع پیش آمدهای فوری ـ بخش دندان پزشکی باجدیدترین وسائل دندانسازی مجهز و زیرنظر دندانپزشکان متخصص و کارآزموده همه روزه صبح و عصر آماده کاراست ـ ترک اعتیاد با دویه مخدره و الکل با جدیدترین متد بدون عوارض و ناراحتیهای بعدی ـ نارمک ـ ۴۶ متری غربی تلفن : ۷۹۵۵۵

بیمارستان خصوصی دکتر فریدون امین صادقیه
مجهز بوسائل مدرن جراحی در تمام اوقات شبانه روز از بیماران محترم پذیرائی بعمل میآید .
درمانگاه بیمارستان در تمام اوقات برای پذیرفتن و معالجه بیماران آماده است تلفن ۲۲۲۵۳ ـ گمرک امیریه ـ ایستگاه دبنوا

دکتر علی میراحمدی
متخصص و جراح بیماریهای گوش و گلو و بینی و حنجره
آدرس مطب ـ جامی استخر (حسن آباد) مقابل کوچه سپهبد
ساعات پذیرائی ۴ تا ۸٫۵ بعدازظهر ـ درغیراین ساعات با تلفن وقت گرفته شود ـ تلفن : ۶۱۳۶۸۵

دکتر حسین فرهمندی
بیماریهای اطفال ـ داخلی
سه راه امین حضور اول خیابان ری ـ تلفن ۳۷۰۳۰

دکتر صفائی
درمان معتادین تریاک و هروئین ـ بیماریهای داخلی با ۲۵ سال سابقه
آدرس ـ سعدی شمالی جنوب شرکت بیمه ـ پذیرائی : بعدازظهرها
تلفن : ۳۰۴۱۵۳ ـ ۸۱۹۸۲

دکتر عبدالحسین طباطبائی
جراح و متخصص گوش و گلو و بینی
تلفن ۴۳۳۸۵ ـ ۷۵۶۴۱۰ ـ پذیرائی : ۴ الی ۷٫۳۰ بعدازظهر
آدرس : اول خیابان بهار ـ نزدیک شاهرضا ـ شماره : ۶۸

دکتر شمس تابش
خیابان ری جنب ایستگاه آبشار
پذیرائی ۸-۴ بعدازظهر ـ تلفن : ۵۱۸۴۶
صبح ها : خیابان آناتول فرانس باتعیین وقت قبلی تلفن : ۶۱۲۷۶۴

دکتر امیر منصور نوربخش
پزشک و جراح بیماریهای دهان و دندان
چهارراه حسن آباد ـ خیابان استخر شماره ۱۲۲ ـ تلفن : ۶۴۱۹۴
صبحها باتعیین وقت قبلی ـ بعدازظهرها : ۴ ـ ۸

پروفسور حمید نجات
عضو دائم هیئت متخصص امراض قلب و ریه امریکا
رئیس و جراح سابق بیمارستان اسانش مرکز نیروی هوائی آمریکا
پلاک ۱۰۴۷ خیابان شاهرضا ـ ایستگاه درختی ـ تلفن : ۷۵۶۱۶۸
صبح و عصر باتعیین وقت قبلی

بیمارستان و زایشگاه جامی
۲۴ ساعته بیماریهای فوری ، جراحی ، شکسته بندی زنان و زایمان و داخلی پذیرفته میشود .
خیابان امیرآباد شمالی بالاتر از پمپ بنزین
تلفن : ۶۲۳۵۱۱ ـ ۶۲۶۶۸۶

دکتر رضا شریف
بیماریهای زنان و مقاربتی خیابان سلسبیل ـ جنب سینما کاردن ـ پذیرائی : صبح و عصر

دکتر محمدرضا مسدد
جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان ـ دارای گواهینامه از بروک مدیکال امریکا ـ پذیرائی : عصرها ـ تلفن : ۳۰۲۵۴۸ دروازه دولت روبروی کمپانی فیات .

دکتر عباسی
متخصص جراحی عمومی و شکسته بندی
جراح استخوان و مفاصل ـ پذیرائی : ۶ تا ۸ بعدازظهر ـ تلفن : ۷۵۶۴۵۵
نشانی : از شاهرضا ـ اوائل بهار نمره ۷۶

دکتر علی اصغر سعادت
متخصص بیماریهای کودکان از دانشگاه پاریس
اوقات پذیرائی : عصرها
نشانی : خیابان منیریه شماره ۱۴۲ ـ تلفن شماره : ۲۵۶۴۳

دکتر امیرخسرو فتوحی
متخصص بیماریهای قلب و عروق
خیابان شاه چهارراه کاخ تلفن : ۴۲۷۱۹ ـ ۴۳۷۹۷
صبح : ۹ الی ۱۲ عصر : ۴ الی ۷

دکتر صدرالدین نبوی
متخصص در جراحی عمومی
خیابان سعدی کوچه شمالی شرکت بیمه
پذیرائی : ۴ الی ۸ بعدازظهر ـ تلفن : ۶۲۱۸۶۰ ـ ۳۲۸۳۴

دکتر کریم پویا
آسیستان سابق بیمارستان لیسندبورگ آلمان
متخصص در جراحی عمومی ـ بیماریهای زنان
خیابان استخر ـ حسن آباد ـ تلفن : ۴۹۶۳۲
ساعت پذیرائی : ۴ ـ ۷ بعدازظهر

دکتر فرین
متخصص در بیماریهای قلب و عروق از امریکا
نشانی مطب : خیابان شاهرضا چهارراه کالج ـ روبروی پلیس تهرانت
تلفن : مطب ۴۷۴۰۰ منزل ۴۷۳۶۹ اوقات پذیرائی : صبحها از ۸ ـ ۱۳ عصرها فقط باتعیین وقت قبلی

دکتر یحیی پویا
متخصص در بیماریهای خون و سرطان
آدرس : خیابان استخر کوچه سپهبد
پذیرائی : بعدازظهرها ـ تلفن ۴۶۷۵۰

شرکت تبلیغاتی و بازاریابی تلفن ۳۵۳۳۹

دکتر بیماریهای گوش، گلو و بینی
منصور پرتوی خیابان فخر رازی شماره ۱۰۱
پزشک دربار شاهنشاهی تلفن مطب ۴۷۳۷۸ بیمارستان ۴۱۲۴۲

دکتر متخصص جراحی عمومی قلب ریه و عروق از امریکا
قاسم شفیع زاده خیابان پهلوی کوچه بیدی شماره ۶
دیپلمه از دانشگاه ژنو تلفن ۴۲۵۳۶ پذیرائی: ۴ تا ۸ بعدازظهر

ترک تریاک متخصص امراض اعصاب و روح
دکتر جعفر رحمانی تلفن ۴۵۱۱۴

خیابان پهلوی چهارراه امیراکرم شماره ۱۱۷
دکتر متخصص در جراحی عمومی و جهاز هاضمه از امریکا
حسین ذوالنصر رزیدنت سابق بیمارستانهای امریکا جراح رئیس بخش بیمارستانهای رازی - تلفن ۶۱۲۱۲۲
خیابان بندگهر نمره ۵ پذیرائی عصرها ۴ تا ۷ صبحها با تعیین وقت قبلی

دکتر متخصص جراحی عمومی و شکسته بندی
حسن بشر آدرس خیابان جامی خیابان استخر روبروی کوچه سپهبد
شماره تلفن مطب - ۴۸۸۴۴ منزل - ۷۵۱۵۴

دکتر متخصص گوش و گلو و بینی
محمد کوثر رئیس بخش دانشکده پزشکی
تلفن مطب ۳۲۸۰۷ منزل ۸۳۵۱۶ بیمارستان ۴۴۳۳۸

دکتر متخصص بیماریهای داخلی قلب و عروق
پرویز خاکسار از دانشکده نیویورک
عضو انجمن قلب شناسان امریکا
تلفن - ۶۱۱۵۹۱ آدرس خیابان جامی - استخر شماره ۱۷۰

دکتر متخصص جراحی قلب - ریه و عروق
داود کاظمی خیابان تخت جمشید
چهارراه ملک الشعراء بهار شماره ۳۰
(بین روزولت و بهار)
مطب ۷۲۷۸۱ منزل ۸۵۰۸۲

دکتر متخصص بیماریهای داخلی از امریکا
سعیدی پذیرائی ۳ - ۸ بعدازظهر - تلفن ۶۵۱۵۵
آدرس خیابان شاه جنب مسجد سجاد

دکتر استپانیان
جراح و دندانپزشک
خیابان منوچهری چهارراه سید علی تلفن ۳۵۹۶۹

دکتر درمان معتادین تریاک و هروئین
صفائی با بیست و پنج سال سابقه
خیابان سعدی جنوب شرکت بیمه.
بیماریهای داخلی تلفن: ۸۱۹۸۲ - ۳۰۴۱۵۳

دکتر رادیولوژیست
امان الله فتوحی خیابان نادری کوچه نوبهار - تلفن ۳۳۵۳۳
اوقات پذیرائی ۸ تا ۱۲ و ۴ تا ۷ در سایر اوقات بیماران فوری پذیرفته میشوند

دکتر پزشک متخصص در جراحی عمومی از اروپا و امریکا
اکبر رفیعی سرشکی خیابان شاه چهارراه کاخ شماره ۷۳
پذیرائی ۴ تا ۸ بعدازظهر
از دانشکده پزشکی پاریس
تلفن ۶۱۲۲۲۰ منزل ۳۷۴۹۲

دکتر علی ناصح عضو وابسته کالج بین المللی جراحان
متخصص در جراحی عمومی حشمت الدوله بین فردوسی و اردیبهشت شماره ۱۵۶
تلفن ۲۸۰۹۷ پذیرائی: صبح و عصر

دکتر متخصص بیماریهای قلب و عروق
ض. شاه گلدیان از دانشگاه کلمبیا امریکا
تلفن: ۶۸۱۸۷ رزیدنت سابق بیمارستانهای نیویورک

دکتر جراح و متخصص گوش و حلق و بینی
اکبر طواف تلفن ۶۱۲۲۲۳
پذیرائی بعدازظهرها ساعت ۵ - ۸
آدرس - خیابان پهلوی اول بزرگمهر شماره ۸۲

دکتر متخصص بیماریهای درونی از دانشگاه پاریس
بینش ور رئیس بخش بیماریهای واگیر دانشکده پزشکی
خیابان پهلوی - بالاتر از بولوار
روبروی پمپ بنزین - کوی غفاری ۲۸
تلفن ۶۲۳۶۲۳ پذیرائی عصرها - صبحها با تعیین وقت.

دکتر دارای دانشنامه ناسیونال از دانشگاه گوتنبرگ آلمان
محمد یزدان دوست [illegible]
تلفن: ۲۸۱۱۳ تهران چهارراه مختاری شاهپور

دکتر چشم پزشک و جراح چشم از دانشگاه پاریس
مهدی شریف اسیستان سابق دانشکده پزشکی پاریس
[illegible]
تلفن: ۴۴۵۲۹

دکتر متخصص بیماریهای قلب و عروق
هنربخش خیابان یوسف آباد مقابل بیمارستان ارتش
دیپلمه از دانشگاه پاریس تلفن ۴۴۰۹۰

دکتر جراح و متخصص بیماریهای کلیه و مجاری ادرار و تناسلی
فروزان پور رئیس درمانگاه دانشکده پزشکی
تلفن: ۳۳۵۲۳ خیابان فردوسی - مقابل خیابان [illegible] شماره ۱۵۰

دکتر عضو آکادمی بین المللی جراحان دارای دیپلم عالی تخصصی
صادق حریری جراحی عمومی - بیماریهای زنان - زایمان
تلفن: آدرس: خیابان ثریا
مطب ۸۵۱۸۹۴ منزل ۴۵۱۲۶ پذیرائی عصرها.

دکتر جراح و متخصص
جعفر غروی بیماریهای زنان و زایمان.
تلفن مطب ۳۶۲۶۲ آدرس میدان فردوسی. تلفن منزل ۶۷۶۹۲

دکتر استاد دانشگاه. بیماریهای درونی
احمد امامی خیابان پهلوی پائین تر از چهارراه شاه
کوچه لقمان ادهم تلفن ۴۳۰۰۰
پذیرائی: ۴ تا ۶ صبحها با تعیین وقت قبلی

دکتر دارای دیپلم تخصصی از دانشکده
حبیب الله ثمری پزشکی پاریس
تلفن مطب ۶۱۳۷۷۳ خیابان پهلوی بین شاه و امیراکرم شماره ۱۵۴ تلفن منزل ۶۱۲۶۷۷

دکتر متخصص در جراحی عمومی از دانشگاه پاریس و ژنو
هوشنگ امیرثنائی خیابان تخت جمشید ۵۸۵
(حوالی چهارراه بهار)
تلفن مطب ۷۲۳۸۷ منزل ۸۴۲۹۳ پذیرائی بعدازظهرها ۶ تا ۸

دکتر جهانگیر وثوق متخصص جراحی عمومی - شکسته بندی
تلفن: بیمارستان ۴۳۰۲۰ - مطب ۲۴۰۱۲ منزل ۴۲۴۶۶
اوقات پذیرائی: ۴ تا ۷

آدرس مطب: خیابان بهار شماره ۱۲۶ - تلفن: ۶۴۰۱۶
دکتر قدسی تلفن مطب ۴۵۱۴۴ - منزل ۶۲۰۱۲۳
پذیرائی: صبحها با تعیین وقت قبلی؛ عصرها همه روزه از ساعت ۴ الی ۸ بعدازظهر باستثنای ایام تعطیل

نشانی: چهارراه پهلوی شاهرضا جاده شمیران مقابل خیابان بزرگمهر

دکتر امان الله وزیرزاده جراحی عمومی - اوقات پذیرائی: ۴٫۵ - ۷٫۵
تلفن مطب ۶۷۳۴۴ منزل ۶۸۳۹۳
دارای گواهینامه مطالعات تخصصی درجراحی عمومی و بیماریهای زنان از لندن - جراح بیمارستان سینا
شاهرضا میدان فردوسی جنب گاز کوچه شاهرود - ۳۹

دکتر دستوری خیابان وصال شیرازی نرسیده به بلوار کرج شماره ۱۳۲
(دندانپزشک) تلفن: ۶۵۵۹۱

روز دندانپزشکی (۲۴ دیماه) در سراسر کشور باشکوه تمام برگزار گردید . بمناسبت روز دندانپزشکی خمیردندان طبی بیناکامسواك ومیوه بین دانش آموزان مدارس پایتخت توزیع گردید»



سال گذشته سال فعالیت وکوشش دندانپزشکی ایران بود وپزشکان کارآزموده وفعال این حرفه مقدس بمنظور جلب توجه هرچه بیشتر مردم ایران باهمیت اثری که بهداشت دهان ودندان درسلامت افراد دارد بتکاپو پرداختند . نخست طرح افتتاح کنگره دندانپزشکی ایران پی ریزی شد ودر تاریخ ۲۸ر۶ر۴۲ باشکوه وعظمت خاصی این کنگره بانطق جناب آقای دکتر جهانشاه صالح ریاست دانشگاه افتتاح گردید در جلسات این کنگره که بمدت ۳ روز ادامه داشت هدف ومنظور برنامه جامعه مطرح ومورد تصویب قرار گرفت ووظایف سنگین اعضای جامعه دندانپزشکان مشخص گردید .

در طی جلسات هیئت مدیره‌این کنگره نمایندگی خمیر دندان بیناکا بعنوان اولین عضو وابسته جامعه دندانپزشکان ایران پذیرفته شد وهمچنین از طرف نمایندگی خمیر دندان بیناکا یك بورس مسافرت بسویس وبازدید از تاسیسات کارخانجات سیبا در اختیار جامعه دندانپزشکان قرار گرفت تابیکی از اعضای فعال وپرکار جامعه اهداء گردد وبرای اولین بار این بورس طی مراسمی بوسیله جناب‌آقای رئیس دانشگاه بآقای دکتر تیموری اهداگردید یکی دیگر از برنامه های فوق العاده ومهم و اساسی جامعه دندانپزشکان ایران اعلام روز دندانپزشکی‌بودبنابه پیشنهادجامعه دندانپزشکان وتصویب هیئت دولت روز ۲۴ دیماه که مصادف با روز تاسیس جامعه دندانپزشکان ایران است بعنوان روز دندانپزشکی نامگذاری شد .

در این روز کلیه دندانپزشکان عضو جامعه وهمچنین دانشجویان دانشکده دندانپزشکی ماموریت یافتند بمدارس ومراکز اجتماع کارگران بروند وطی سخنرانیهای موثری توجه آنان را به بهداشت دهان و دندان معطوف دارند وبهمین مناسبت نیز از طرف نمایندگی خمیر دندان بیناکا اولین‌عضو وابسته جامعه دندانپزشکان ایران مقدار زیادی خمیر دندان طبی بیناکا ومیوه ومسواك بین دانش آموزان وکارگران توزیع گردید عصر روز ۲۴ دیماه نیز بمناسبت روز دندانپزشکی مراسمی در هتل کمودور با حضور جناب آقای وزیر دادگستری تشکیل شد که طی آن جناب آقای وزیر دادگستری اقدامات جامعه را مورد تقدیر وستایش قرار دادند وچند تن از آقایان اعضای کمیته‌های‌مختلف‌جامعه‌طی سخنرانیهای مبسوطی تشکیلات و وظایف گروههای مختلف جامعه را توضیح دادند وضمن آن از همکاری موسسات مختلف از جمله نمایندگی خمیر دندان طبی بیناکا اظهار قدردانی نمودند .

یك مصاحبه اختصاصی با آقـای دکتر محمود صالحی‌متخصص‌جراحی پلاستیك



آقای دکتر محمود صالحی رئیس درمانگاه جراحی پلاستیك دانشکده پزشکی

جراحی پلاستیك رشته جدید و ارزنده‌ای در طب امروز

رشته های مختلف علوم و صنایع همزمان با ابداع شیوه‌های تـازه و اختراعـات و اکتشافات شگرف بسرعت رو بتوسعه میباشد.

این گسترش بالمره سبب گردیده که هریك از مباحث فرعی نیز از رشته های اساسی علوم منفك شده و خود بخش جداگانه‌ای را تشکیل دهند .

درقرون اخیر در میان رشته های مختلف دانش پیشرفت هائی که در علم طب بویژه جراحی حاصل گردیده بیش از هرچیـز شایان توجه میباشد زیرا در عصر حاضر علم پزشکی تا آنجا وسعت یافته که اعضای مختلف بدن از نقطه نظر بیماریهای گوناگون به بخشهای متمایزی تقسیم گردیده است و محرزاست که برای تحقیق وتتبع در هریك از مباحث مزبور لزوم یك سلسله مطالعات واطلاعات تخصصی اساسی ترین شرط است .

جـراحی پلاستیك یك رشته مهم و پرارزش

مبحثی که درانجا بعنوان جراحی پلاستیك از آن نام بـرده میشود روش علمی تازه‌ایست که در طب امروز متداول گردیده و نظر باهمیتی که یافته بصورت یکی‌از رشته های پرارزش جراحی درمراکز طبی جهان مورد استفاده قرار میگیرد لیکن از آنجا کـه هنوز آنطور که شاید و باید این رشته وسیع‌ومهم‌برای‌عموم شناخته نشده دراین مقاله که در واقـع مجموعه‌ای از اطلاعات مربوط باین رشته است خلاصه‌ای از جراحی پلاستیك از نظر خوانندگان خواهد گذشت

مطالب زیر اطلاعات جامع و ارزنده‌ای است که طی یك مصاحبه اختصاصی باآقای دکتر محمود صالحی رئیس درمانگاه جراحی پلاستیك دانشکده پزشکی از این مبحث جدید علمی گـرد آوری گردیده است .

باید متذکر شد آقای دکتر صالحی دوره تخصصی خود را در رشته جراحی پلاستیك در کشور انگلستان طی نموده و در این رشته مطالعات وتجربیات ذیقیمتی دارند.

چگونگی ابداع یك روش تازه در جراحی

آقای دکتر صالحی ابتدا در مورد پیدایش جراحی پلاستیـك اظهار داشتند : مطابق شواهد تاریخی حدود دو هزار سال پیش مجرمینی که طبق قانون آن زمان در هند بعلت پاره‌ای جرائم محکوم به بریدگی نوك بینی میشدندبعلت طرد شدن از اجتماع به معبد ها پناه میبردند وراهبان با پوست بازوعیـب بینی ایشان را رفع مینمودند واین‌عمل امروزدرجراحی پلاستیك به (Indian Flap) یا قطعه پوست هندی معروفاست بعدها تا مدتی رومیها از طریق دیگری برای اصلاح این عیب اقدام مینمودند لیکن از آنجا که در آن زمان جراحی‌هنوز توسعه‌نیافته بود هرگز کسی نمیتوانست قبول‌کند که قرنها بعد این فن بصورت‌یکی از پر ارزش ترین سیستمهـای جراحی مورد استفاده قرار گیرد وبهمین دلیل قبل ازاینکه فن‌مزبور نضج یابد با گذشت زمان کوتاهی بورطه فراموشی سپرده شد .

در جنگ اول بین‌الملل برای اولین‌بار در تاریخ جدید هادولد کیلیس انگلیسی موفق گردید که برخی از نسوج بدن را بقسمتهای دیگر پیوندنماید واین نخستین‌پیوند برای ابداع رشته جراحی پلاستیك بود و بهمین جهت وی بنام پدر جراحی مدرن پلاستیك نامیده شده است.

اولین استفاده‌ای که از جراحی پلاستیك شد از بین بردن اثرات نامطلوب سوختگیها و جراحات سطوح بدن بود لیکن بالمـره متخصصین جراحی پلاستیك بفکر افتادند که ازاین روش برای از بین بردن زوائد اضافی و یاچین وچروك صورت استفاده نمایند .

این فکر باتنایج مطلوبی که از چند عمل جراحی روی اشخاص مختلف حاصل گردید فوق‌العاده مورد استقبال قرار گرفت زیرا راه منحصر بفردی بود تا کسانیکه از یك نقص ظاهری رنج میبردند باینوسیله بتوانند ناراحتی خودرا مرتفع سازند .

عقده های روحی

آقای‌دکتر صالحی‌سپس افزودند کرارا مشاهده شده که پاره‌ای از این گروه افراد بواسطه نقص ظاهری بدن خود دچار یك عقده شدید روحی شده‌اند و شاید در بسیاری موارد نیز حق‌با آنها باشد زیرا معدودی از آنها حتی بواسطه زشتی صورت ازموقعیتهای مناسبی نیز که برای آنها پیش آمده محروم گشته‌اند و بطور غیر مستقیم به ترقیات آنها لطمه وارد شده‌است . جراحی پلاستیك این مساله را با اعجاز خود بشکل ساده‌ای حـل کرده‌است .

توسعه جراحی پلاستیك

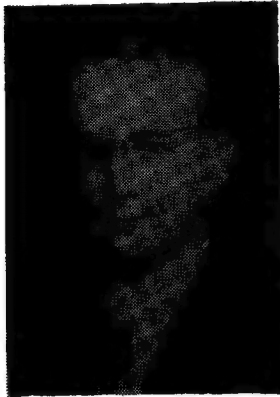
نکته‌ای که لازمست در اینجاذکر شود این است که جراحی پلاستیك امروزه دیگر منحصر بترمیم قسمت های ظاهر صورت وبدن نیست‌بلکه این رشته‌مهم در حال‌حاضر بقدری توسعه یافته که در تمام تخصصات چشم پزشکی گوش حلق بینی — جراحی عمومی و حتی در طب داخلی مورد استفاده قرار میگیرد لیکن متاسفانه در کشور ما این رشته هنوز آنطور که باید وشاید شناخته نشده واکثریت مردم این نوع جراحی را منحصر به بینی وچین وچروك صورت میدانند و هنگام تصادف یاشکستگی وسوختگی نمیدانند بچه کسی مراجعـه‌کنند تا بدنشان ناقص نشود . قسمت مهم دیگر جراحی پلاستیك اصلاح سرطانهای پوستی و سرطانهـای سرو صورت است که اگر در اول به جراح پلاستیك مراجعه شود بهبودی آن صددر صداست .

خاطره جالب

در پایان مصاحبـه آقای دکتر صـالحی خاطره جالبی از دوران طبابت خود بیان کرده وگفتند چند سال قبل مردی که زنی فوق‌العاده زیبا داشت و میخواست همسرش فقط متعلق بخودش باشد نوك بینی اورا بریده بود خانم مورد بحث نزد من آمد واز من خواست تا اورا تحت عمل جراحی پلاستیك قرار دهم منهم بنا بوظیفه‌ای که بعهده دارم بینی خانم را عمل کردم بطوریکه از اول هم زیبا تر شد ولی هنگامیکه شوهر آن خانم از جریان مستحضر شد و دانست که دامنه علم آنقدر وسیع شده که رشته های اورا پنبه کند متنبه شد ورضایت داد که خانم او همچنان زیبا باقی بماند .

این رپرتاژ با استفاده ازمطالب کتاب انجمن پزشکان آمریکا سال ۱۹۵۹ صفحه ۷۱۹ ونشنال جگرافی مگزین اکتبر ۱۹۵۹ تهیه شده است .

معرفی یك شخصیت برجسته علمی



پروفسور حمید نجات
متخصص قلب و ریه

آقای پروفسور حمید نجات درسال ۱۲۹۰ درتهران متولد شده‌اند تحصیلات ابتدائی را در تهران ومتوسطه را در مدرسه دارالفنون و دوره عالی طب را در دانشگاه پاریس (نانسی) و تهران‌انجام داده و پس‌از اخذ دکترای طب از طرف دولت شاهنشاهی درسال ۱۳۱٤ مأمور تشکیل و ایجاد بهداری و بیمارستان شهسوار شدند و پس‌از ایجاد و افتتاح بیمارستان شهسوار بریاست بهداری مشهد منصوب گردیدند و سپس مأمور تأسیس وایجاد اداره تبلیغات‌وانتشارات وروابط عمومی وزارت‌بهداری گردیدند و تا سال ۱۳۲۲ بخدمت مشغول بودند و سپس برای تکمیل ومطالعه وتخصص امراض قلب و ریه در هنگام جنگ دوم جهانی بآمریکا عزیمت نمودند و پس از طی دوره های انترنی ورزیدنتی در بیمارستان های (مدیکال سنترنیزجرزی) و نیویورك بخرج شورای انجمن پزشکی سل آمریکا برای تحقیق بموسسه معروف‌ترود ونیویورك اعزام و تا سال ۱۳۳۰ پس‌از گذراندن دوره بورد امراض قلب وریه بعضویت دائمی هیئت کالج پزشکان قلب وریه‌آمریکا پذیرفته شدند و در بیمارستان (کینزتون ــ کینزکنتی) به‌ سمت رئیس قسمت بالینی امراض قلب وریه برای تدریس دکترهای انترن آن بیمارستان وابسته بدانشگاه ایالت نیویورك منصوب و مدت چهار سال باین شغل ادامه دادند تا اینکه از طرف حکومت ایالت فلوریدا بسمت رئیس و پزشك بخش چهارم امراض ریوی بیمارستان دولتی « سوت وست‌فلوریدا» و سپس بسمت معاون و پزشك بیمارستان هیل زبروکنتی فلوریدا منصوب و بعداً بسمت رئیس و جراح بیمارستان اسالش مرکز نیروی هوائی آمریکا منصوب شدند آقای پروفسور حمید نجات پس از بیست سال اقامت در ایالات متحده آمریکا دوسال پیش با خانم خود که اهل پنسیلوانیای آمریکا و استاد پرستاری از دانشگاه نیویورك و دانشگاه استیون هال آمریکا میباشد و در بیمارستان سنت جوزف بکار تدریس بالینی پرستاری اشتغال داشته است بایران مراجعت نمودند .

آقای پروفسور حمید نجات فعلا مطب خصوصی در تهران دایر نموده‌اند و ضمناً جزء هیئت مشاورین پزشکی بیمارستان ارتش آمریکا میباشند .

آقای پروفسور حمید نجات عضو دائمی هیئت کالج پزشکی آمریکا و عضو لژهای مختلف‌برادری خیریه‌واجتماعی آمریکا نیز میباشند .

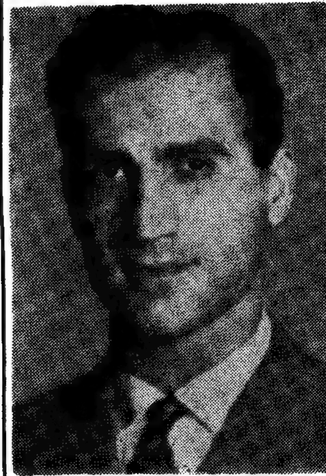
مطب فعلی ایشان ــ خیابان شاهرضا نزدیك بیمارستان زنان است .



آرتاواز میلیکیان
وکیل پایه یك دادگستری

آقای آرتاوازمیلیکیان وکیل پایه یك دادگستری در سال ۱۳۰۸ متولد شدند تحصیلات عالی آقای میلیکیان در رشته حقوق پس‌از طی‌دوره های مقدماتی تحصیلی در دانشگاه تهران بپایان رسید و از دانشکده حقوق تهران فارغ‌التحصیل شدند و دوره دکترای حقوق خودرا نیز در همین دانشگاه با موفقیت‌کامل طی نمودند تخصص ایشان در دعاوی حقوقی و امور مالیاتی و دعاوی تجارتی وکالت شرکتها و موسسات داخلی و خارجی میباشد وبا تبحری که درکار خود دارند بدون تردید یکی‌از شخصیت های ارزنده حقوقی کشور بشمار میروند .

آقای میلیکیان علاوه بر تحقیقات و مطالعات حقوقی بادبیات فارسی نیز تسلط‌کافی دارند و تاکنون مقالات ارزنده‌ای در زمینه رشته تخصصی خود در مطبوعات کشور منجمله مجلات کانون وکلاء و بورس برشته تحریر درآورده‌اند .



دکتر عزت‌اله حضرتی
متخصص جراحی پلاستیك

آقای دکتر عزت‌اله حضرتی متخصص جراحی پلاستیك و رزیدنت سابق جراحی بیمارستانهای آمریکا در سال ۱۳۲۹ از دانشکده پزشکی تهران فارغ‌التحصیل شدند و تحصیلات تخصصی‌خود را در شهرهای سان انتونیو ایالت تگزاس و شهرواشنگتن و دانشگاه پنسیلوانیا با اخذ درجه تخصصی از این دانشگاه بپایان رسانیدند .

ایشان در سال ۱۳۳٤ به اتفاق ۲۰ نفر از اساتید دیگر جراحی شعبه ایرانی کالج بین‌المللی جراحان را تأسیس و بسمت سردبیر کالج مزبور با درجه F.I.C.S انتخاب گردیدند و ضمناً عضویت هیأت رئیسه بین‌المللی International Board of Governors این کالج را نیز در شیکاگو ــ تقبل نمودند .

آقای دکتر حضرتی در ایران‌ناظر امتحانات E.C.F.M.G که مربوط باعزام طبیب به آمریکا است میباشند و علاوه براین جزو اعضاء موسسین بیمارستان البرز بوده وریاست بخش جراحی پلاستیك و فك و صورت ارتش را با درجه سرهنگی بعهده دارند .

سازمان بیمه‌های اجتماعی در خدمت مردم

از سال ۱۳۴۲ بموازات تغییرات عمده‌ای که بموجب قانون مصوبه تشکیلات‌سازمان بیمه‌های اجتماعی رخ داد سازمان توفیق یافت که در اجرای‌وظائف قانونی‌خویش گامهای موثری بردارد : باین جهت برای اطلاع بیشتر خوانندگان گرامی و ذکر فعالیتها واقدامات موثری که طی این مدت بوسیله‌سازمان مزبور انجام گردیده خبر نگار ما با آقای دکتر محمود خواجه نوری رئیس هیات مدیره و مدیر عامل سازمان بیمه های اجتماعی مصاحبه‌ای انجام داده است که ذیلا از نظر خوانندگان میگذرد .

بازدید شهبانوی ایران ازبیمارستان‌سرخه حصار



پیدایش سازمان بیمه های اجتماعی

آقای دکتر خواجه نوری ابتدا اشاره به پیدایش سازمان وتحولات آن از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲ نموده و گفتند در سال ۱۳۲۸ یعنی زمانی که قانون کاربدنبال اقدامات موثری در زمینه بهبود وضع کارگران بتصویب رسید موادی نیز درباره بیمه کارگران در آن گنجانیده شد وبا تصویب قانون مزبور صندوقی بنام صندوق‌تعاون وبیمه کارگران تشکیل گردید که اجرای مقررات مربوط به بیمه کارگران را بعهده گرفت لیکن با توسعه فعالیت بیمه های کارگران پس از مدتی سازمان بیمه های اجتماعی کارگران تشکیل گردید که انجام امور مربوط به صندوق تعاون بآن واگذار شد .

در سالهای ۱۳۳۹ و ۱۳۴۲ تغییراتی در قانون بیمه های اجتماعی کارگران‌داده‌شد وبالاخره در فروردین سال ۱۳۴۲ بموجب تصویبنامه قانونی هیات وزیران تشکیلات فعلی سازمان بیمه های اجتماعی بوجود آمد و فعالیت‌تازه خود را آغاز نمود .

ارکان سازمان

بموجب این قانون‌ارکان سازمان عبارتست از شورایعالی ــ هیئت مدیره ــ مدیر عامل و هیئت‌نظارت اعضای شورایعالی با توجه برعایت ماده۸قانون‌ازسه‌گروه‌سه‌نفری‌مرکب از نمایندگان (دولت ــ کارفرمایان و کارگران) تشکیل میشود .

هیئت مدیره سازمان مرکب از سه نفر است‌که رئیس هیئت‌مدیره بموجب قانون در عین حال مدیر عامل سازمان بوده و سمت معاونت وزارت کار و خدمات اجتماعی را نیز بعهده دارد .

هیئت نظارت از ٥ نفر تشکیل میشود که سه‌نفر ازآنان نمایندگان دولت هستند ودو نفر دیگر از نمایندگان مجلس سنا و مجلس شورایملی میباشند .

تشکیلات سازمان

آقای دکتر خواجه نوری سپس افزودند وظائف قانونی سازمان را تشکیلات سازمان مرکزی و شعب سازمان در سراسر کشور انجام میدهند .

تشکیلات سازمان مرکزی پس‌از تغییرات اخیر از شش اداره کل و پنج اداره مستقل تشکیل یافته است که عبارتند از اداره کل امور اداری ــ اداره کل‌بهداری ــ اداره کل حسابرسی و نظارت ــ اداره کل درآمد و حقوقی و امور کارفرمایان ــ اداره‌کل فنی واداره کل مالی .

اداره آمار و بررسیها ــ اداره آموزش ومطالعات وامور بین‌المللی اداره امور شعب اداره روابط عمومی واداره‌ساختمان‌ــ‌بدین‌ترتیب در تشکیلات جدید ۲۲واحد اداری غیر لازم منحل و چند اداره کل دریکدیگر ادغام‌شد والبته درنتیجه چهل نفر از کارکنان سازمان‌مشاغل خودرا از دست دادند که با توجه بتوسعه سازمان و حجم روز افزون کارها از وجوداینعده در قسمتهای دیگر استفاده شده و میشود :

وظائف سازمان

سازمان بیمه های اجتماعی در مقابل حق بیمه‌ایکه دریافت‌میدارد عهده‌دار انجام وظائف مختلفی در باره بیمه شدگان میباشد . شخص بیمه شده در صورت ابتلاء به بیماری یا وقوع حوادث ناشی از کار از کلیه وسائل‌وامکانات درمانی استفاده خواهد کرد همچنین‌افراد خانواده بلافصل که شامل‌همسر ــ فرزند وپدرومادربیمه شده‌میباشد هرگاه براثر بیماری یاحادثه‌احتیاج بدرمان داشته‌باشد ازطرف سازمان بطور رایگان درمان خواهند شد .

در صورت از کار افتادگی یا نقص عضو بیمه شده مستمری از کار افتادگی یا غرامت‌نقص‌دریافت خواهندنمودو چنانچه براثربیماری یاوقوع حادثه بیمه شده فوت نماید بازماندگان او مستمری ماهانه پرداخت خواهد شد . هنگام پیری و کهولت درباره بیمه شده مستمری بازنشستگی برقرارخواهد گردیدوبالاخره بیمه‌شده ازکمکهای دیگر مانند مراقبت و معالجه‌همسر در دوران قبل و بعد از وضع‌حمل وانجام زایمان‌ودریافت کمك‌ازدواج بهره‌مند خواهد شد .

واحد های درمانی

با توجه بوظائف فوق که در حال حاضر شامل يك میلیون و چهارصد هزار نفر بیمه شده در سراسر کشور میشود سازمان بیمه های اجتماعی فعلا از جهت امور درمانی و تامین بهداشت بیمه شدگان و سایر انجام‌وظائف قانونی خود در تهران هشت بیمارستان مجهز با ۲۲۰۰ تخت و ۱۲درمانگاه ودر شهرستانها شش بیمارستان با ٦١٠ تخت و ۳۳ درمانگاه باضافه ١٦ شعبه و نمایندگی در تهران و حومه چهل وشش شعبه ونمایندگی

در شهرستانها تاسیس گرد ودر اختیاردارد مضافابانیکه باسیاری از واحد های بهداشتی کشور نظیر بیمارستانهای وزارت بهداری و شیر خورشید سرخ ــ شرکت ملی نفت ــ راه‌آهن دولتی ایران و وزارت راه نیز قرارداد هائی برای درمان وبستری کردن بیمه شدگان منعقد کرده‌است .

بیمارستان‌های سازمان‌درسراسر کشور بخصوص در تهران از زمره مجهزترین بیمارستانهای مملکت میباشد تا آنجا که چند بار افتخار بازدید از طرف شاهنشاه و علیاحضرت شهبانوی ایران را پیدا کرده‌اند ودر سال‌جاری علیاحضرت شهبانو در تاریخ ۲۱ آذر ماه از بیمارستان سرخه حصار و هفتم دیماه از بیمارستان ۲۵۰تختخوابی کودکان سازمان دیدن فرمودند ودر هر مورد مراحم علیاحضرت شامل حال کارکنان بیمارستان ها شده است و بخصوص در پایان بازدید از بیمارستان کودکان فرمودند :

«نظم وترتیب و نظافت این بیمارستان و مراقبتی‌که در معالجه کودکان بیمار میشود موجب کمال رضایت است و امیدوارم تعداد این قبیل بیمارستان ها در کشور افزایش یابد ».

گسترش واحدهای درمانی

آقای مدیر عامل سازمان اضافه کردند :

در سال ۴۲ تا آنجا که امکان داشت واحد های درمانی سازمان توسعه داده شدکه ازآنجمله‌است: افتتاح شعبه ودرمانگاه جدید بهشهر ــ دائر شدن درمانگاه‌جدید تبریز در ساختمان اختصاصی افتتاح نمایندگی در مرودشت و نیشابور ــ افتتاح درمانگاه مهرآباد اتمام ساختمان مرکز رادیولژی و آزمایشگاه بزرگ تهران ــ تاسیس بیمارستان جدید کودکان با ۲۵۰ تخت ــ تاسیس بیمارستان جدید داخلی در اسفند ماه جاری‌با ۲۴۰ تخت مضافا بانیکه بیمارستان سیصد تختخوابی اصفهان و ۲۰۰ تختخوابی خزانه تهران در حال تجهیزات و ساختمان جدید ۲۵۰ تختخوابی که به بیمارستان سیصد تختخوابی شماره ۲ اضافه میشود در شرف اتمام است . همچنین در رشت بزودی بیمارستان بزرگی تاسیس میشود و در مشهد هم در نظر است بیمارستانی دایر گردد و بالاخره آغاز بنای بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی شاهی که در نهم آبانماه امسال از طرف آقای وزیر کار وخدمات اجتماعی سنگ اول آن طی مراسمی نصب شد ازجمله این اقدامات بشمار میرود .

کارد پیستاژ

آقای دکتر خواجه نوری اضافه کردند . سازمان بیمه های اجتماعی بموازات فعالیتهای دامنه‌داری که در جهت معالجه ودرمان بیمه شدگان دارد برای جلوگیری از ابتلاءکارگران وخانواده آنان به بیماریهای گوناگون نیز برنامه مترقی و موثر دپیستاژ (جداکردن افراد سالم از بیمار) را در کارگاه ها و کارخانه های ملی و دولتی بمرحله اجرا در آورده است و بموجب آمار موجود تا بهمن ماه سال ۴۲ در یکصد کارخانه دولتی و ملی چهل هزار بیمه شده مورد آزمایش‌قرار گرفته و کارگران بیمار جهت‌معالجه ودرمان به بیمارستان های سازمان اعزام شده‌اند این اقدامات و نظائر آن که بطور کلی در جهت بهبودی‌وضع بیمه شدگان است سبب گردیده که روزبروز بر تعداد بیمه‌شدگان افزوده شود بطوریکه طبق آمار موجود در سال ۳۱ فقط ۷۳۲ کارگاه با تعداد ۳۲۵۰۰۰بیمه شده وجود داشت ولی همان طور که گفته شد این ارقام در سال ۴۲ به ۷۱۹۵ کارگاه ومتجاوز از یك میلیون و چهار صد هزار نفر بیمه شده رسیده است .

درآمد وهزینه

آقای دکتر خواجه نوری آنگاه اشاره بمیزان درآمد سازمان‌نموده و گفتند : همانطور که اشاره شد در سال ۴۲ بمنظور جلوگیری از هزینه های زاید ودقت و مراقبت کامل درمصرف‌واقعی درآمدسازمان اقدامات جدی صورت گرفت در حالیکه برای وصول حق بیمه نیز تا سر حد امکان تلاشهای لازم شد وبرای اینکه در اینمورد نیز توجه خوانندگان محترم سالنامه جلب گردد کافی است بگویم در سال ۳۲ رقم در آمد سازمان ــ ۲۵۳۰۳۶۲۸۱ ریال بوده ودر سال ۴۱ این‌رقم به ۱۷۳۳۷۳۷۸۲۷ ریال افزایش یافته ودر ده ماهه سال ۴۲ رقم درآمد به ۱۴۸۷۱۸۱۷۳۶ ریال‌رسیده‌است‌ودرمقابل‌رقم هزینه که درسال۳۲ از۲۹۷۵۲۰۲۷۹ ریال متجاوز نبود در سال ۴۱ به ۱۴۶۵۰۳۷۰۰۲ ریال رسیده‌ودر ده ماهه اول‌سال ۴۲رقم‌هزینه به ۱۱۶۷۷۰۷۰۰۷ ریال‌بالغ‌گردیده‌است که‌البته این ارقام‌بدون درنظرگرفتن صدی‌پانزده‌ذخیره‌میباشدکه‌بموجب قانون سازمان بیمه های اجتماعی مکلف به پس‌انداز آنست .

هزینه معالجات وکمکها

ارقام ذکرشده برای کلیه‌مخارج بود لکن هزینه معالجه ودرمان و پرداخت کمکهای‌قانونی نیزبموازات گسترش فعالیتهای سازمان‌افزایش میابد بطوریکه در ده ماهه سال ۴۲ برای امور معالجه ودرمان مبلغ ۷۵۸۹۴۴۱۸۲ ریال و برای پرداخت کمکهای نقدی از قبیل مستمری بازنشستگی ــ از کار افتادگی ــ بازماندگان ــ کمك ازدواج ــ کمك نوزاد و غیره جمعاً ۲۹۹۰۶۷۸۴۷ ریال پرداخت شده است و مطلب مهم و قابل توجه در مورد پرداخت مستمری این است که همه ساله بر تعداد بیمه شدگان بازنشسته افزوده میشود واز اینراه هزینه‌سازمان به میزان قابل توجهی افزایش پیدا میکند .

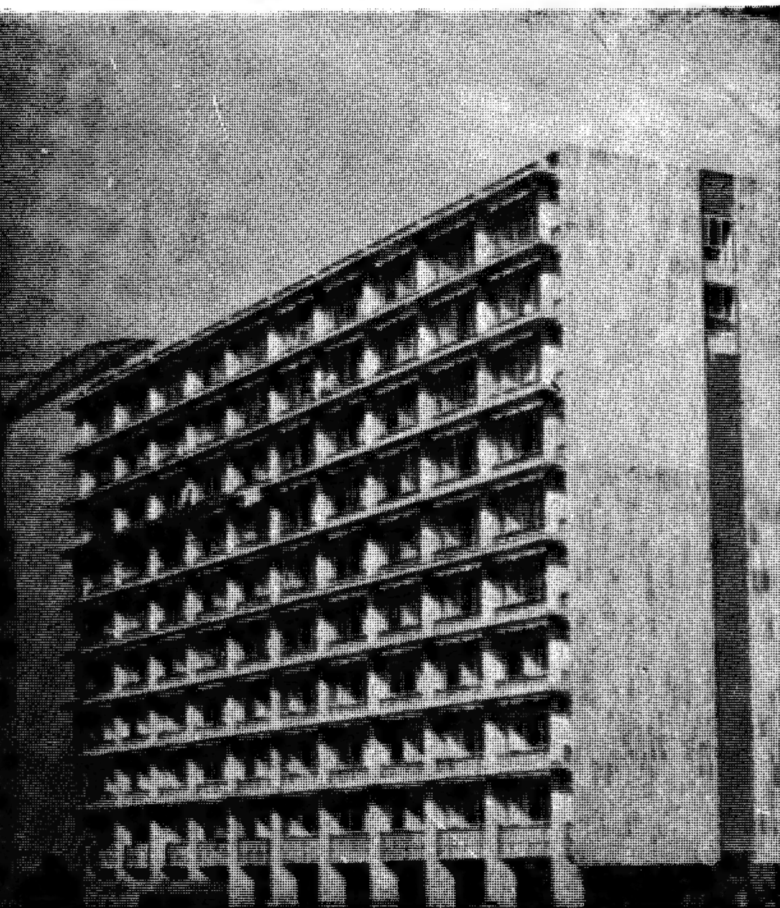
برنامه های آینده

در مورد برنامه های آینده سازمان آقای دکتر خواجه نوری اظهار داشتند بموجب ماده ۳ قانون بیمه های اجتماعی بیمه نمودن کلیه کارگران (که کارمندان دستگاه های دولتی نیز طبق قانون کار جزء آن میباشد) و همچنین پیشه‌وران و صاحبان مشاغل آزاد بعهده این سازمان است که بتدریج باید عملی شود .

و همانطور که در قسمت مربوط بوظایف سازمان نیز اشاره شد وظیفه سازمان در اینمورد فوق‌ــ العاده سنگین است و بهمین جهت در سال آینده نیز باید در توسعه تاسیسات و تشکیلات درمانی و همچنین افزایش تعداد شعب و نمایندگی های سازمان در سراسر کشور با توجه بمقدورات اقدام لازم بعمل آید زیرا شمول بیمه نسبت بطبقات دیگر اجتماع ما که در حال حاضر بیمه‌نیستند اجتناب ناپذیر است منتهی اقدام باین امر مستلزم تهیه وسائل آنست وباید با مطالعه و طبق برنامه‌های جامعی که تنظیم شده است عملی گردد و باین ترتیب در سالهای آتی تعداد بیمه شدگان سازمان بنحو قابل توجهی افزایش خواهدیافت.

ضمنا در سال ۴۲سازمان توفیق یافته که عده زیادی از جمله کارمندان بانك رفاه کارگران و کارمندان فروشگاه فردوسی را نیز از مزایای بیمه برخوردار سازد و بنا براین توسعه و تعمیم بیمه های اجتماعی که‌واجد کمال اهمیت است در حال اجراء میباشد و امیدوارم در سال های آتی هم این برنامه بتدریج بمرحله اجراء وعمل درآید .

نمائی از ساختمان جدیـد سازمان مرکزی



نوار گرم کننده دکتر ژیبود

معالج کلیه دردهای عضلانی و مفصلی

کمر درد - پشت درد - درد ناحیه زانو وغیره

کتف بند

کمر بند

پچ بند

زانو بند

قوزک بند

نوارهای گرم کننده دکتر ژیبود

بهترین وسیله‌ای است که ناراحتی و دردهای موضعی را بسرعت برطرف میکند با استفاده از کمر بند - زانو بند - کتف بند و سایر نوارهای دکتر ژیبود که از پشم مخصوص لاستکس تهیه شده است سلامتی خود را در برابر سرما و دردهای ناشی از آن در فصل زمستان تأمین نمائید.

oooooooooooooooooooooooo

نماینده انحصاری در ایران

شرکت نسبی نعمت‌الله حسین و شرکاء، رحیل، خیابان فردوسی شمالی شماره ۱۳۶ تلفن ۳۰۵۱۵۸

مراکز فروش - داروخانه مدیکال - پهلوی مقابل سینما امپایر - داروخانه طور - لاله‌زار - داروخانه نرمال خیابان نادری - مغازه کریستال - لاله‌زار نو - فروشگاه شفا - خیابان ناصرخسرو

مراکز فروش

داروخانه **مدیکال** پهلوی مقابل سینما آمپایر

داروخانه **طور** لاله‌زار

داروخانه **نرمال** خیابان نادری

فروشگاه **دکترقاسمی** لاله‌زارنو

فروشگاه بهداشتی **شفا** ناصرخسرو

داروخانه **مهر** میدان فردوسی

داروخانه **ویلا** دروازه دولت

آراء و عقاید

- ✶ نیروهای گوناگون کلمات
- ✶ مدینه فاسقه
- ✶ توفیق درانقلاب وابسته بموقعیت و اصلاحات اداریست
- ✶ بیماریهای هنری
- ✶ اشکال حقوقی عدل
- ✶ سخنی دربارهٔ فئودالیسم
- ✶ ترس چیست



نیرو های گوناگون کلمات

از :

دکتر مهدی حمیدی

استاد دانشگاه تهران

زبان ، همینکه در بـرآوردن حوائج بشری ـ که علت اصلی وجود و هدف نهائی آن است ـ پا ازحد سادگی خود بیرون گذاشت و خودرا در قلمرو صنعت و هنرکشید بجهان ادبیات داخل شده است . پس ادبیات چیزی جزهمان «زبان» نیست کـه بلباس فاخرتری ملبس است وطبعاً بسبب تعین و تشخص بیش وکم کار خودرا هم کـم وبیش عوض کـرده است ؛ به این معنی کـه دیگر او را عار میآید که درکارهائی که از عهدهٔ زبان ساخته است سهیم شود، میخواهـد محسوسات را از وراء معقولات بنگرد ، رنگی از عالم معانی برچهرهٔ صور بریزد ، چیزی را که در نهاد موجودات پنهان است بـر قیافهٔ آنها آشکار کند و بحقیقـت جهان بیرون سخنور را برنگ هـای درون سخنور بیاراید .

هر « ادبیاتـی » از اینکـه « زبان» باشد ناچار است ، اما هر « زبانی » ازاینکه بمرز « ادبیات » داخل شود ناگزیر نیست . پس برای اینکه بهثغور و حدود « ادبیات » داخل شویم باید از حدود و ثغور «زبان» گذشته باشیم .

زبان چیست ؟

زبان وجودکلامی حوائج روزمرهٔ ماست .

کلام چیست ؟

انبوهی ازکلمه است که تعداد آن با تعداد مقاصد مانسبت مستقیم دارد .

کلمه چیست ؟

ترکیبی از حروف است کـه برای بیان مفهوم خاصی وضع شده است .

حروف چیست ؟

اشکال قراردادی صدا هائـی است که ازلب وزبان ودهان وحنجرهٔ ما بیرون میآید .

پیش از حرف چیست ؟

هیچچیز مگر خدا !

اگر من ، باهمین مختصات و کیفیات وجودیخویش، مانندحکمای سبعهٔ یونان یا فلاسفه بعداز آنها در حدود قرنهای پنجم یا ششم قبل از میلاد زندگی کرده بودم و خواسته بودم بنابر علم اشراقی نه حکمت استدلالی درباب اصل اشیاء ومبداء و منشاءواقعیکائنات عقیدهایاظهار کرده باشم همچنانـکه « طـالس » رطوبت را ، «آناکزیمـن» هوا را ، « هراکلیت » آتش را ،«فیثاغورث» عدد را و «ذیمقراط» ذرات صغار و بیشمارو لایتجزای را اجزاء اصلی عالم دانستند و براثبات این نظریهها دلائـلی چندان هم نداشتند همـهٔ موجودات را از « اصـل حرف » بیرون میکشیدم و نخستین حرفرا بهنخستین موجود نسبت میدادم ؛ یعنی پیش از آنکه محمد ص بهمفهوم و مدلول آیه «کنفیکون» اشارهای کرده باشد باین معنا ایمان آورده بودم .

این نظریه فلسفی را در باب «کلمه» باثبات رساندن کاری آسان نیست ومنهم برای اثبات این‌نظریه نه اصراری دارم ونه میتوانم کـه اصراری داشته باشم ، تنها غرض من از بیان این عقیده آنست کـه تاحد معتنابهی خوانندگان عـزیز را بهنیروی عظیمیکه از کلمهٔ احساس میکنم واقف سازم و آنها را بیاد این حقیقت مسلم و مشهود انداختـه باشم که زبور وتورات وانجیـل و قرآن بهنیروی همین وسیله بود که واجد آن سیطرهٔ لایتناهی شدند ، که از اختلافها و گوناگونیها یك رنگیها و یكشکلیها بوجود آوردند، که از تشتتها وحدتها ساختند ، که از تباینها توافقها ایجادکردند . با قدرت همین رشتهٔ پولادین بودکه

مردم را بیکدیگر پیوستند ، به واندیشه تفکر واداشتند ، به یگانگی هدایت کردند ؛ یعنی درآنهمه کالبد که بتعداد افراد معاصر آنها و بعداز آنها بود روح واحد دمیدند ، از ارباب انواع وحدت وجود ساختند ، تا چه بشود ؟ـ تا حس تفاهم ایجاد شود ، تا مردم‌کشی‌ها و خونریزیها نقصان پذیرد ، تاخودپرستی‌ها با دیگرپرستی‌ها جای خود را عوض کند ، تا صحنهٔ رزم به‌مجلس بزم مبدل شود ، تا نغمهٔ چکاوك از حنجرهٔ شیر بیرون آید و زمزمهٔ صلح از دهان جنگ شنیده شود ، تا بشر بتواند در آسایش و رفاه بسر برد .

پس اجازه بدهید بگویم که اگر گوینده بتواند «کلمه» را از تمام معانی وضعی ولوازم آن پرکند و شنونده هم بتواند تمام این معانی وضعی ولوازم‌آن را درك‌کندبسیاری از سوءتفاهم‌ها بخودی خود زائل خواهد شد و تفرق‌ها و تشتت‌ها اندك اندك به‌تمایل‌ها و اجتماع‌ها تبدیل خواهدگشت .

اگر گوینده‌ای بتواند «کلمات» را دربیان معانی مهارکند و بنیروی عظیمی‌که در آنهاست دست یابد ، میتواند اندیشهٔ خودرا ، آرزوی خودرا ؛ یعنی وجود خودرا دروجود دیگران بریزد وباوجود آنهادرآمیزد؛ یعنی میتواند کاری‌کندکه دیگران را بخواستن آنچه که میخواهد و به نخواستن آنچه که نمیخواهد وادار نماید ،بعبارت دیگر برانفاس وقلوب حکومت معنوی داشته باشد .

وحدت لغت و «کلمه» اگرچه عین وحدت خواسته‌ها و اندیشه‌ها نیست بدون شبهه یکی از موجبات و مبانی‌اتفاق‌واتحاد است . این‌رشتهٔ قوی وزنجیر محکم ازآن زنجیرها و رشته‌ها نیست که پاره کردن و گسیختن آن با شمشیر و گلوله امکان داشته باشد . ممکن است با اسلحه زورمند موقتاً قطعه‌ای از مملکتی را ازآن جدا کرد اما تا کلام واحدی برزبان آن قوم جاری است تجزیهٔ معنوی آنها امکان‌ناپذیر است .

اینجاست که ارزش واقعی شاعران و نویسندگان‌هر قوم‌آنچنان که باید تجلی میکند و فوائد معنوی ادبیات از پشت پردهٔ ابهام مانند خورشیدطلوع مینماید . این‌شاعران و نویسندگان در همان حین که غزل میسازند وترانه میگویند، مقاله مینویسند و داستان میپردازند ، چه خود توجه داشته باشند و چه نداشته باشند بمرزداری کشورهای خود و بحمایت معنوی اقوام‌خویش مشغولند . از فرانسه آلزاس ولرن را بگیرید ، چیزی از او نگرفته‌اید زیرا هوگو ، دوماس و شاتوبریان برای او مانده است .

نمیدانم درکجا از زبان یکی از سیاستمداران انگلیس خواندم که گفته بود اگر از انگلستان بخواهند هندوستان را بگیرند یا شکسپیر را صلاح این مملکت در آنست که هندوستان را بدهد و شکسپیر را نگاه دارد .

قطعاً در اینجا از خاطرتان خطور میکند که اگر چنین است پس چرااجتماع حق‌عظیم‌آنان‌وهنرآنان‌را ادا نمیکند و آنها و هنرآنها را چنانکه در خور شأن ومقام آنهاست بادیدهٔ احترام نمی‌نگرد ؟

جواب این است‌که درك این مسأله با درك اقوام نسبت مستقیم دارد .

بزندگانی‌برناردشاو، سامرست موام و چرچیل ـ نویسندهٔ خاطرات جنگ ـ نگاه‌کنید تا ببینید جامعه این حقوق را پرداخته است یانه .

از آنچه‌که بعرض رساندم میخواهم این نتیجه را بگیرم‌که زبان و ادبیات علاوه برهرگونه منفعتی‌که دارد ، مرز معنوی‌کشورها و رشتهٔ ناگسیختنی افراد آن‌کشورهاست ـ اگر با حملهٔ چنگیز و تیمور وکشتار بی‌حد وحصر آنان این مملکت باقی ماند دلیل آن این بودکه مردم آن بیك زبان حرف میزدند . شکست اجانب و استهلاك بیگانگان در زیر این لوای واحد بچشم معنی بسیار آشکار است و هنوز آثار وعلائم این استهلاك و شکست را میتوانید هر دقیقه که بخواهیداز درون‌کتیبه‌های مسجد گوهرشاد و امثال آن مطالعه کنید .

مدینه فاسقه

از:
دکتر سید جعفر سجادی

این جمله عنوان یکی از مباحث **آراء اهل مدینه فاضله فارابی** — فیلسوف بزرگ اسلامی است وی یکی از بزرگترین فیلسوفان مقدم اسلامی است که درفلسفه و سیاست مدینه و کشور داری واخلاق وآداب ضروري جامعهٔ بشری رسائل و کتابها نوشته است. درست است که از لحاظ تاریخی بزرگترین و قدیمی ترین فیلسوف که در امور جامعه و اداره کشورها وروش های مختلف اجتماعی و بیان بهترین روش آن کتاب نوشته است وآرائی شگفت دارد افلاطون فیلسوف یونانی است ولکن بعضی از آراء فارابی برحسب ضرورات زمانی بدیع تر مینماید و عملی‌تر. او برحسب مبنای‌خاصی‌که دارد روشهای مختلفی برای اداره جوامع‌بشری برشمرده‌است وبهترین نوع حکومت حکومتهائی را میداندکه به نفع بشریت بر مبنای حزم و احتیاط و رعایت منافع عامه و خیر جامعه قدم بردارد و بدترین نوع مدینه و حکومت آن باشد که جهال و بی‌خردان زمام آنرا در دست داشته باشند این نوع مدینه‌را جاهله نامیده است بدینجهت که رؤساء جهال سرمشق مرئوسین وافراددیگر بوده‌و بالنتیجه چنین جامعهٔ تبدیل بمدینه جاهله‌خواهدشد. درمدینه‌جاهله‌حس تشخیص خیر و شر و حسن وقبح و صلاح و فساد وزشت و زیبا وجود ندارد واز این مقدمات نتیجهٔ حاصل میشود که همان پیروی از اهواء و آراء فاسده وامیال نفسانی است و قهرا آثار وضعی آن که فسق وفجور و ظلم وبیدادگری برای‌نیل به‌تمتعات نفسانی ولذائذ مادی است چنین مدینهٔ راتبدیل‌بمدینه فاسقه خواهد کرد و بنای چنین جامعهٔ متزلزل وارکان وجودی آن در اندك زمانی متلاشی و محو ونابود میگردد.

در مدینه جاهله و فاسقه صفات اخلاقی و ممیزات و مقومات انسانی که فصول محصله انسان‌است وارکان وجودی جوامع بشری برآنها استوار است تغییر ماهیت داده و معانی الفاظ جای خودرا با یکدیگر عوض‌میکنند مطلقیت نظامات اخلاقی متزلزل وقایع آرا واهواء اقرار میشود ظلم بجای عدل و عدل بجای ظلم نفرت بجای محبت و عشق و بالعکس بکار میرود.

واصولا درچنین جوامعی‌معانی اخلاقی جنبهٔ نسبیت بخود گرفته وافراد مطابق میل و ذوق خود که ناشی از جهل مرکب است عمل میکنند ازاین جوامع انتظار فلاح و صلاح نخواهد رفت چه بسیار از جوامع بشری که دچار این وضع بودند و مبنای اداره واراده افراد آن بر جهل ونادانی و فسق و فجور بوده است که اکنون جزء افسانه‌های تاریخی در آمده واثری از آنها بجای نمانده است.

در مدینه جاهله حکومت وزمام امور بدست اراذل ناس سپرده میشود وبعبارت دیگر حکومت اراذل برافاضل برقرار میگردد و معلوم است که این گونه افراد بجز اطفاء شهوات نفسانی وارضاء حس خود خواهی و غرور چیزی نمیدانند و بخاطر رسیدن به هدفهای پست حیوانی از ارتکاب هیچ نوع عملی و مفسدتی خودداری نخواهند کرد و متدرجاً راه وروش آنها سر مشق دیگران شده و دیگران نیز از آنها تبعیت مینمایند و بسیاری از اخلاقیات و صفات‌بارزه انسان ازبین خواهد رفت و مفهوم تمدن از بین میرود و جنون عام در میان چنین جامعهٔ حکمفرما میشود.

تمدن. بارهاشنیده‌وخوانده‌اید که کلمه تمدن از همان ریشه مدینه

م د ی ن ه
ف ا س ق ه

و مدنیت است و بمعنی شهر خواهی و شهر نشینی است در مقابل توحش که زندگی وحشیانه وانفرادی وبی بندباری است ،

خواه انسان مدنی الطبع باشد یا نه آنچه مسلم است افراد انسان ناچار شده‌اند بمنظور رفاه و آسایش خود و برخورداری زیاد تر از زندگی تأمین معیشت و ملبوس و مأکول و مسکن و صیانت ذات واهل عیال خود گردهم آیند و بیکدیگر کمك و معاونت نمایند ودر رفع حوائج یك دیگر سعی و کوشش کنند و ناگزیر شده‌اند بخاطر حفظ نفع مهمتری دست از حالات و صفات خاص حیوانی وحس سبعیت‌وامیال واعمال تجاوز کارانه بردارند واز قسمتی از آزادیهای بی‌حدو وحصر چشم بپوشند بدیهی است که در برخورد های اجتماعی تا حدود زیادی از آزادیها از بین خواهد رفت وباید هم برود زیرا نظم اجتماع ایجاب میکند که مقررات و قواعد و ضوابط‌خاصی بوجود آید که باتکا واعتماد بدانهـا بشر تامینی برای زندگی خود داشته باشد و تمنیات بی‌حد و حصر اورا تعدیل کند و آنچه باوضع اجتماع و همزیستی مدنیت سازگار نیست طـرد کند و در عـوض صفات و خصوصیات مناسب‌بااوضاع اجتماع جایگزین آن گردد . درست است که قواعد و مقررات تامینی تا اندازه زیادی بشر را ملزم میکند راه وروش درستی که مناسب جامعه باشد بر گزینند لکن بهترین و عملی ترین راه رعایت اصول اخلاقی است که منشاء آن علم و فرهنگ است . قواعد و مقررات خشك مدنی موقعی اجرا خواهد شد که یك ضمانت اجرائی معنوی میان جامعه بشری حکمفرما باشد وآن جز اخلاق چیزی دیگری نمیتواند باشد .

مدینهٔ که فاقد قواعد و اصول اخلاقی باشد همان مدینه فاسقه و مبتذله خواهد بود . ادیان و مذاهب آسمانی واولیاء الهی بجز برقراری انضباط اجتماعی و اصلاح جوامع بشری از ظلم و بیدادگری صاحبان نفوذ و قدرت وبیدار کردن حس انسانیت وتلطیف‌عواطف واحساسات بشری وظیفهٔ دیگر بعهده نداشته‌اند.

درست است کـه برخوردار کردن غرائز طبیعی و حوائج مادی مانند مآکل و مشارب و مساکن و مناکح ووسائل دیگر زندگی اساس و بنای حیات بشری است واز حوائج اولیه است‌وهمین حوائج‌ایجاب کرده است که بشر زندگی انفرادی را رها کند ودر شهر واجتماعات زندگی کند لکن در اجتماعات برخورداری ازاین حوائج و غرائز ناچار مشروط به شروط و مقید بقیودی میشود وهمین قیود و شرائط‌است که‌اصول مدنی واخلاقی را ایجاب میکند و تخطی از آن موجب درهم ریختن و تزلزل ارکان جامعه میشود . واز اینجاست که کلمه تمدن بعدا بمعنی مجموع خصائل و صفات انسانی در آمده‌است و متمدن بکسی اطلاق میشد که دارای صفات ممیزه انسانی باشد و رذائل اخلاقی را بدور ریخته متجلی به ملکات فاضله شده باشد و نظر باینکه از خاصیت تمدن و شهر نشینی پیشـرفت در امـور صنعت و علم و هنر بمنظور تسخیر طبیعت واستفاده از مواهب طبیعی برای بهبود بخشیدن بزندگی مادی بشری بوده‌است گفته شده است‌که تمدن عبارت است از مجموعه وسائل واموریکه رفاه و آسایش بشر را تامین کند و با مقدمات مذکوره باید گفت هردو تعریفه درست بنظـر میرسد زیرا در زندگی اجتماعـی براثر تبادل افکار و اطلاعـات و استفاده از نظریات یکدیگر و اسلاف خود بخود جهشی در شئون علمی و صنعتی و ادبی و هنری حاصل میشود واصولا فرهنگ‌و علم وصنعت و ترقیات مادی و معنوی از مظاهر زندگی اجتماعی است و بدین جهت است که گفته اند هیچ فردی بـه تنهائی در کشف معمای علمی و اختراعات و اکتشافات وجز آن موثر تام نیست نهایت جزء اخیر علت است و هریك از اکتشافات علمـی و هنری محصول برخـورد ها و فرضیات اجتماعات بشری در قرون متمادی است که در برههٔ از زمان رسیده و پخته شده و خودنمائی میکند وکلیه طبقات‌اجتماعی دهقانان صاحبان حرف و صنایع ، سپاهیان بازرگانان در پیدایش و پیشرفت فرضیه ها ونتایج علمی و عملی آن موثر میباشد .

وبهر حال در مدینه فاضله جنبه های مادی و معنوی باید با یکدیگر توأم بوده ودوشا دوش هم گام بردارند ونباید یك‌طرف بردیگری رجحان پیدا کند در طول تاریخ بشریت دیده شده است که هرگاه معنویات ومادیات از هم جدا شده ویکی بردیگری رجحان پیدا کرده است ارکان آن جامعه بـنـابودی گرویده است توجه زیاد بامورمادی و ترقیات آن بدون رعایت اصـول اخلاقی انسانی موجب شده است که جامعه در نهایت غرور و خود خواهی قرار گیرد وهم خود را محصور بر بهره‌برداریهای مادی بدون قیدشرط نماید و به عیش و نوش روزگار بگذراند و بیدادگری و تجاوز وتعدی با عراض ودماء مردم شیوع یافته و وآن جامعه بالمآل به نیستی کشیده شود . ودر طرف دیگر قضیه هم که بی‌قیدی به مادیات و ترقیات آن وگوشه گیری است‌موجب‌شده است .

که ملتی دچار فقر و سیه روزی شده وبالنتیجه نابود شودبدین جهت‌است که الزاماً باید دو جنبه ماده و معنی را توأم با یکدیگر موردتوجه قرارداد.

وضع امروز دنیا ـ بدبختانه باید اقرار و اعتراف‌کرد که قرن مشعشع‌طلائی، عصراتم، عصرموشك و عصر هزاران چیز دیگر ازلحاظ معنویات صفر و بلکه زیر صفر است و هر اندازه بشر توانست در قسمتی از امور مادی ترقی کند قسمتی از معنویات و اصول اخلاقی را رها کرد و بدلیل این که توانسته است با دست نیرومند و توانای خود در طبیعت تصرف کند و موفق باکتشافات و اختراعات بدیعه‌گردد دست از آداب و سنن و رسوم‌و اخلاقیات و اصول مذهبی خود شسته و با غفلت عجیبی معنویات‌را مطرود و متروك نمود. آیا بشر گمان میکند بدون رعایت اصول اخلاقی و پای بند بودن به معنویات بتواند از مواهب طبیعت و علم و صنعت خود استفاده صحیح بنماید . «آیا بشرگمان میکند بتواند تنها درگرداب مادیات غوطه‌ور باشد و زندگی سعادتمندانهٔ داشته باشد».

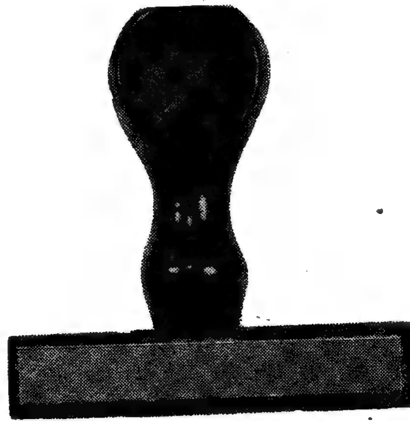
آیا بشرگمان میکند با ارعاب و تهدید و هراسی‌که در سرتاسر دنیا حکم فرماست میتواند زندگی کند «آیا کسی میتواند منکر ترقیات مادی و اکتشافات و اختراعات شگفت آور وپیشرفت صنایع‌باشد» این چیزها که علی‌الاصول بایدموجب رفاه حال بشر باشد صنعت و هنر باید سعادت بشر را تأمین‌کند پس چه شده است «کجای قضیه اشکال دارد که دنیا در خوف و هراس است دنیا در تزلزل و تحیر وسر گردانی است دنیا انتظار مرگ‌موعود را دارد آیا ثمره علم بهشت موعود نبود» پس چرا تبدیل بمرگ موعود شده است پاسخ این چراهاوهزاران چراهای دیگر این است : برای آنکه معنویات واخلاقیات از دنیا رخت بربسته است.

برای اینکه عواطف و احساسات بشری تبدیل بماشین شده است برای اینکه مذهب و اصول اخلاقی آن به سخریه گرفته شده است‌برای آن که این صحنه وسیع دنیامیدان مبارز طلبی یکعده نظامی مغرور و زمامدار بی احتیاط شده است‌شرق و غرب خاور و باختر بهم دهن کجی میکنند و هل من مبارزه می‌طلبند ودنیا را نه دربیم وامید بلکه در بیم نگهداشته‌اند برای این که دنیا تبدیل بمدینه فاسقه فاسده رذالت و کثافت شده است نتیجه این علمی که ثمره کار و کوشش‌نسل های بشر است میراث آباء واجدادو تمدنهای گذشته وکار و کوشش دانشمندان‌بزرگ، فداکاران اجتماع، ازخود گذشتگان بشریت ، حقیقت جویان ، نوابغ بشری است حسن‌و قبح و خیر وشر ازمیان بشررخت بربسته است اگر ثمره تمدن این است همان به‌که نباشد .

قتل کشتار تجاوز بغیر و همه صفات و اعمال رذلانه دوره توحش دردنیای متمدن‌امروزحکم فرما شده است به نحو فجیع‌تر وبدتر نهایت قانونی است‌کو قانون ؟ کدام‌قانون ؟ فلان کشور قوی میخواهد ازمنابع طبیعی‌کشور دیگر استفاده کند هزار و یك قانون و تعهد را بهانه تجاوز میکند وبعد میگوید من متمدنم من پای بند باصول منشور ملل متحدم. من میگویم که این ارمغان غرب‌که بوسیله های مختلف بما ملت کهن سال و نجیب رسیده است غیراز تباهی غیر از یك مشت الفاظ پوچ و فریبنده چیزی نیست علم، صنعت و هنر از حوائج ضروری بشری است لکن ما نباید در اخلاق ورسوم خود از غرب پیروی کنیم .

کهنه ونو ـ آقایان میگویند باید آداب و اخلاق کهن را رها کرد آنها دیگر فرسوده شده است و بدرد زندگی امروزه نمیخورد و همانطور که مادیات پیشرفت می‌کند ونشو نما مینماید و همانطورکه طبیعت در معرض تبدل وتحول‌است نو جای کهنه را میگیرد و کهنه فرسوده شده و میمیرد اخلاق و آداب و رسوم کهنه باید از بین برود و جای آن را اخلاق نوی‌بگیرد البته این حرفی است مطابق بااصول علمی درست و غیر قابل انکار که مقتضیات زمان و مکان و تحولات وتبدلات امور وحوادث‌ایجاب میکند که مادیات‌و معنویات دوشا دوش هم بجلو رود لکن آیا در عمل چنین بوده است کدام اخلاق کهنه را رها کردند که بجای آن اخلاق و اصل‌نو گذاشته باشند بدبختی بشرهم‌همین است که اخلاقیات و آداب کهنه‌را رهاکردند وچیزی‌بجای‌آن نگذاشتند و بلکه بطورکلی دراثر تبلیغات مداوم و زمینه‌های مساعد افکار تنهامتوجه چرخهای ماشینی شد و همواره‌بحث از فلان کشف و اختراع مادی است و همیشه بحث ازاین است‌که فلان دولت قادر است در عرض یکساعت دنیا را نابود کند و چه کند و چه نکند اگر بشریت فکری نکند و زمامداران بی احتیاط را زیر نظر نگیرد و آن‌هارا تحت‌کنترل خود در نیاورد و افراد متخلف بااخلاق حسنه را برای زمامداری و حفظ نظامات بشری بر نگزینند من قول میدهم که دنیا بفنا و نیستی‌محض و سکوت بحث‌کشانده شود.

بشریت باید بداند بجز ماده و کشفیات مادی نیروی دیگری لازم است و آن نیروی معنوی اخلاقی است و آن عواطف و احساسات بشری است و آن نیروی کنترل و ترمز کننده بشری است . باید مجامع اخلاقی تشکیل شودباید در تمام دانشگاه های دنیا اصول‌اخلاقی تدریس شود و کارخانه‌های‌انسان سازی را رونق دهند وبعد عالم‌و مخترع و نظامی و مدیر و زمامدار تربیت نمایند و تحویل جامعه دهند بشریت باید بداندکه تا صلح وصفا برقرارنشود روی‌سعادت‌وخوشبختی را نخواهد دید .



توفیق در انقلاب وابسته به موفقیت در اصلاحات اداری است

از : دکتر فرهنگ شفیعی
وزیر پست و تلگراف و تلفن

دخالت در امور و وظیفه دولتهائی‌که کشور آنها در راه‌توسعه و پیشرفت گام برمیدارد بمراتب بیش از کشورهای مترقی وپیشرفته است .

وظایف سنگین و پردامنه این دولتها که غیرقابل اجتناب و نتیجه عدم رشدکافی اقتصادی و قلت درآمد فردی و نتیجتا پائین بودن سطح زندگی ونداشتن پس‌انداز و نداشتن امکانات سرمایه‌گذاری وعدم اطمینان اجتماعی است و از طرفی پیشرفتن بسوی ترقی و پیشرفت اقتصادی مستلزم ایجاد و توسعه صنایع ـ تأسیس کارخانه‌ها ـ شهر سازی ـ راه‌سازی ـ ارشاد اقتصادی توسعه فرهنگ ـ بسط عدالت اجتماعی ـ امنیت وحفاظت فردی و اجتماعی است که در کشور های در حال رشد فعالیتها ناچار بعهده دولت است در حالیکه قسمت اعظم این امور را در کشور های مترقی خود مردم انجام میدهند .

با این همه متاسفانه باهمیت اداره امور در کشور های در حال رشد توجهی نمیشود و چون در نتیجه کمبود کار در اینگونه کشورها حمله افراد برای دست یافتن بکار بسوی دستگاههای دولتی زیاداست نیروی نامنظم و غیر مطلعی کادر اداری را تشکیل میدهند و اینان هستند که بایستی وظایف سنگین دولت را بسامان رسانندکه بهیچوجه آمادگی و قدرت ندارند .

از علائم خاص آشفتگی دستگاههای اداری این کشور ها ـ نبودن سازمان‌لازم ـ مدیریت‌ناقص ـ روش‌های انجام کار بدون مطالعه است و دراین نوع سازمان‌ها علوم و فنون اداری حکمفرما و ناظم امور اداری نیستند و ابتکار فردی ـ شخصیت و خصوصیات افراد ـ سازمان ونوع کار و روش انجام‌امور را تغییر میدهد و از آنان آثار ونام و تحول غیر صحیح و یا تا حدی منطبق باعلوم اداری باقی میماند و جانشین آنان بازباسبك‌وشخصیت و خصوصیات فردی خود اقدامات از نوع دیگر را شروع میکند .

بنظر اینجانب «کشور درحال توسعه‌ایکه به اصلاح امور اداری خود توجه کند توفیق خواهدیافت» ولی چون در امر اصلاحات اداری مسئله نیروی انسانی از اهم مسائل است و بعلت تقاضای فراوان کارگر وکمی عرضه کار در بازار کار خرید نیروی کار بابهای‌ارزان‌میسور است این امر مهم بسادگی تجارت يك کالای اقتصادی برگزار میشود وکالائی غیر متناسب و معمولا زائد براحتیاج در خدمت و یا بعبارت دیگر در اجاره دولت قرار میگیرد و از سوی دیگر توجه بفعالیت‌های اجرائی و سود آور اجتماعی و اقتصادی اینگونه دولت ها را وادار میکند که از نیروهای ممتاز انسانی خود در انواع این فعالیت‌های‌اجرائی استفاده کند که باقی مانده نیروی انسانی که نیروئی وامانده است‌برای سایرکارها یعنی امور ستاد مورد استفاده قرارگیرد و چون تصور میشود که فعالیت ستادی دارای راندمان و سود آوری نیست غالبا مورد بی مهری و بی توجهی است و این خود بزرگترین گناه و اشتباه و ترمز دستگاه در حرکت سریع بسوی ترقی وتوسعه است.

عدم توجه وبی ارزش پنداری فعالیت های ستادی در کشور ما موجب گردید که در سال های قبل هجوم جوانان‌دانشگاهی‌برای‌دانشکده هائی که فارغ‌التحصیلان فنی در رشته‌های ساختمانی ـ پزشکی ـو نظایر آن میدهد زیاد باشد وباهمیت ورل اساسی علوم نظری ومخصوصا دانشکده حقوق که بتواند عالی‌ترین نیروی ستادی را برای دستگاهها بسازد توجهی نشد ـ ولی خواه و ناخواه باید این خواب غفلت به بیداری فکرت تبدیل شود و بالاخره خواهد شد .

در سال ۱۳۳۳ که موسسه علوم اداری در دانشکده حقوق‌تهران بوجود آمد هنوز عده‌ای این موسسه را يك «فانتزی» میدانستند و در همان زمان که سازمان طبقه‌بندی مشاغل دولتی تاسیس شد آن را هم یکدستگاه غیر مهم و خلق‌الساعه تلقی میکردندهنگامی‌که درسال۱۳۳۸ سازمان خدمات کشوری تشکیل یافت هنوز دیده های حیران ودر عین حال قبول یافته دستگاه منتظر

اقدام و رهبری اداری سازمان مزبور بود و بالاخره در سال ۱۳۴۰ که شورایعالی اداری کشور باوظایف واختیارات وسیعتری جانشین سازمان خدمات کشوری گردید هنوزتردیدی باقی بود که آیا این شورا کاری خواهد کرد ؟ آیا وجودش لازم است ؟

ما در راه پیشرفت بسوی ترقی بعد از جنگ بین‌المللی دوم لنگ‌ـ لنگان قدمی برمیداشتیم . کابینه ها آمدند و هردولت و هروزیری با برنامه مختص یا بدون برنامه فقط چرخها راگردانید .

آخرالامر این کندی وخاموشی پیمانی بوجود آورد هدایت بسوی ترقی و پیشرفت با اعلام اصول‌و برنامه انقلابی تنظیم و مجدانه در راه اجرای آن تاکید شد ولی‌اجرا بکندی انجام‌میشود ـ اصول‌اصلاحی به‌تنهائی و منفك ازسایرفعالیتهای دولت قابل اجرا نیست همه‌ارکانهای مملکتی در سهم خود بایدکارکنند تا انقلاب بثمر برسد و پیشرفت سریع فراهم شود ـ فرهنگ باید کماکان بتعلیم به پردازد ـ راهها بایستی ساخته و نگهداری شود ارتباطات نیاز به توسعه و تطبیق باپیشرفت در سایرکشور دارد اقتصاد وصنایع و معادن و مالیات‌ها و انحصارات دولت و... همه باید همگام و همراه اصول انقلابی و با سرعت بجلو بروند ولی نمیروند رهبر انقلاب بعلت توجه داشتند ـ در چند مورد اصرار و امر و تاکید دربهبوداوضاع اداری و از جمله تدوین لایحه استخدام فرمودند در اجرای این اوامر و برای بهبود اوضاع اداری فقط لایحه استخدام کشوری تهیه شد ـ اگر این طرح بفرض خوب باشد هنوز جزئی ازکار انجام‌خواهد شد زیرا قانون استخدام کشوری نیز از جمله لوازم «بهبود» است‌ولی «همه» آن نیست بایستی مطالعه شود که هدف و وظایف دستگاههای دولتی منفکا و صریحا و بدون تکراری ـ معین شود و بر مبنای آن سازمانی متناسب که‌علاوه‌برتعیین وضع و جایگزینی واحدهای اداری تا حد مشاغل دستگاهها روشن و صریح باشد تنظیم گردد.

در روش کارها بررسی شود و اطاله و کاغذ پرانی بحداقل ممکن تقلیل یابد حجم‌کار دستگاه هاتعیین گردد ـ «استانداردکار» برای‌هرکار و برای هر متصدی کار معین شود تا نیروی انسانی لازم و متناسب با حجم کار هر دستگاه تعیین و تنظیم شود ـ روش های صحیح کنترل و بازرسی‌وگزارش کاربرقرار گردد و قانون استخدامی بر مبنای لیاقت و شایستگی برای جلب افراد واجد شرط برای «انجام وظایف دولت» تدوین شود که درآن‌مقرراتی بمنظور آسودگی‌فکراقتصادی‌کارمند در زمان اشتغال و آتیه او پیش‌بینی و ترتیباتی داده شود که کارمند در حین خدمت تشویق و ترغیب بانجام دادن کار بهتر و مهم‌تر باشد و ترغیب بآموزش ضمن‌خدمت‌بشود و در عین حال که همه‌گونه حمایت از او بشود ـ در جهت حفظ منافع دولت نیز چنانچه‌اوخاطی ـ متمرد ـ غیر ساعی باشد بدولت هزینه بیهوده‌ای تحمیل نگردد و کارمملکت با دست عده‌ای همفکر و عالم اداری ومعتقد باصلاحات سپرده شود باین موضوع توجه شود که دولت احتیاج بکارمند دارد که کار اورابخوبی‌انجام دهد و متناسب با مشاغل دولتی افراد واجد شرط بکارها گمارده شود ـ اینهاست مجموعه فعالیتی‌که برای بثمر رسانیدن پیشرفت سریع وبهبود اوضاع اداری بایستی مورد توجه سریع و صمیمانه قرارگیرد .

راه آسان است : شورایعالی اداری کشور از نظر افراد واجد شرط‌واختیارات‌تقویت‌شودنخست ـ وزیر ووزیر دردرجات بالا بنتایج مثبته برقراری اصول علمی اداری برای «بهبود اوضاع اداری» عالم معتقد باشند تا امکان سرعت‌درجاده ترقی و تعالی میسر باشد ومساعی وانتظاراتی‌که شاه و مردم وطالبان اصلاحات دارند بثمر برسد واینست شرط توفیق ما.

« ما کشوری در حال توسعه و پیشرفت هستیم و کشور درحال توسعه‌ایکه باصلاحات اداری خود توجه کند توفیق خواهد یافت‌اصلاح سازمان ـ اصلاح روش‌های‌کار ـ اصلاح‌وتنظیم‌نیروی انسانی‌ـ انتخاب مدیران مطلع .

تهران ـ بهمن ماه ۱۳۴۲

اشکال حقوقی عدل

از سرتیپ علی ملك‌زاده

همگان اذعان دارند که یکی از بارزترین صفات خداوند قادر متعال عدالت است . این صفت برجسته از نظر اهمیت جزء اصول دین شیعه‌اثنی‌عشری و تمام مسلمین جهان قرار گرفته است . در قرآن مجید آن کلام آسمانی که گویاترین و براترین معجزات ازجانب خداوند که اختصاص به حضرت ختمی مرتبت‌حضرت‌محمدبن‌عبدالله(ص) داردد‌ر موارد مختلف بشر را به اجرای عدالت ومساوات و برادری و برابری دعوت کرده‌اند مثلا درمورد قضاوت و حکمیت صراحتاً بیان شده است : فاذا حکمتم بین‌الناس ان تحکموا **بالعدل** والاحسان و نیز حضرت پیغمبر اکرم آن حکیم دانشمند و رهبر عالیقدر (ص) درمورد بیان ماموریت خود پس از اشاره به‌اینکه من ایمان آورده‌ام به کتابی که ازآسمان نازل شده است تاکید میفرمایند که ماموریت من اجرا و تعمیم عدل‌ومساوات در بین شماست . . . . و امرت لاعدل بینکم .

باز درسوره‌ها و آیات محکمات کلام‌الله مجید و تمام کتب مذهبی و کلیه کتب‌مربوط بمقامات شامخ اولیاءالله علیهم‌السلام و پیشوایان مذهب و غیره مثال و شواهد بیشماری میتوان درباره تاکید عدل و مساوات در میان مردم و نیز محاسن و مزایای این صفت‌خداپسند بدست آورد لیکن چون قصد براقتصار و اختصار است بیش ازاین دراین‌خصوص اطاله کلام‌را جایزنمیداند فقط اضافه میکند در اجتماعات بشری هرکس‌متصف به این صفت ارزنده **عدالت** باشد چنین شخص در نظر جامعه ارزش و احترام فوق‌العاده داشته بطریقی که اورا در دعاوی و اختلافات خویش دخالت داده و از عقیده و نظر وی که متکی بعدل و نصفت است با نهایت رضا و رغبت پیروی میکنند . همه میدانیم که یکی از شرایط شخص شاهد داشتن **عدل** و دیگری بلوغ است .

وبالعدل قامت السموات والارض

عدل در همه ادیان و مذاهب و از نظر اجتماعی بسیار مستحسن بوده و مورد تأیید همه افراد بشردوست وعلاقمند به‌اجتماع میباشد .

بسیار عادلانه استچنانچه درجریان امور و گردش کارها درمقررات مربوط بروابط اجتماعی کوچکترین بی‌عدالتی و یا ذره‌ای نارضائی بنظر رسید زعماء و بزرگان قوم که مسئولیت هدایت و رهبری جمعی را بنام قبیله و قوم یاملت برعهده دارند دور هم گرد آیند بدون ذره‌ای خودخواهی و ریا صرفاً بادرنظر گرفتن عدالت آن نکات باریك ویاابهامی را که بنام عنصر بی‌عدالتی عرض‌اندام کرده برطرف ساخته و از بین ببرند تا قوام‌ودوام اجتماع بهم نخورده بلکه روز بروز محکمتر و زوال‌ناپذتر گردد .

همه مردم روشن‌بین جهان بویژه تابعین ادیان حقیقی و آسمانی بخصوص متدینین بدین مبین اسلام خوب واقف هستند که انتخاب برگزیدگان بشر و عموم پیامبران با توجه به کمال و صفات حسن خلق و عدل و نصفت آنها بوده است تا بتوانند درمیان پیروان خویش نهایت معدلت و داد را ترویج نموده و با عدالت و حسن خلق و درایت تمام‌آنان را بشاهراه یکتاپرستی و خداشناسی رهنمون گردند .

پیغمبر بزرگوار اسلام حضرت محمدبن‌عبدالله (ص) که خاتم‌الانبیاست‌و دارای بزرگترین و کاملترین کتاب‌قانون آسمانی است که درتمام موارد اخلاقی معاملاتی ، معاشرتی و بالاخره دنیوی و اخروی بهترین و گویاترین مقررات و قوانین را برای بشر گمراه که در آن روزگاران سیاه جز تباهی و خودخواهی و ضلالت ، مادیگری و سودجوئی و بالاتر ازهمه بیرحمی و سفاکی سرمایه‌ای نداشت به ارمغان‌آورده‌اند . عموم‌اشخاص منورالفکر میدانند که حضرت پیغمبر اسلام برای مردم وحشی که داشتن‌دختر را بزرگترین ننگ برای خانواده و فامیل میدانستند و افراد آن طبقه را زنده زنده بگور میکردند و لای جرز میگذاشتند با بیان بسیار رسا و وضع مقررات خاص آن مردم را از این عمل وحشیانه مانع شد و در جامعه اسلامی برای دختر و زن مقام بس ارجمندی قائل گردید تا آنجا که مقرر فرمودند اگر در سر سفره پسر و دختری با هم نشسته بودند اول به دخترها **غذا** بدهید و مواردی بسیاری مانند اعلام **الجنة تحت اقدام‌الامهات** بیان گردید و زن را که تا آن روز موجود ضعیف (ضعیفه) و بلکه ننگ برای خانواده فرض میشد مقام شامخ‌تری داده شد . بالاخره حضرت محمد(ص) در آن وادی‌سوزان در میان قوم پابرهنه و سفاك و شقی با قد راست و صراحت تمام ندای حق و حقیقت سرداده اعراب را خصوصا و جهانیان را عموما به یکتاپرستی و حقیقت‌جوئی و برادری و برابری‌دعوت فرمودند (انماالمؤمنون اخوة) و همه را از ظلم و تعدی و تجاوز بحقوق ضعفاء و دیگران منع فرموده و صفات ممتازه ترحم بر ضعفا و رأفت برهمسالان و احترام بر بزرگترها و حاضر و ناظر دانستن خداوند قادر متعال در همه حال و همه‌جا و بالاخره مراعات عدل و انصاف در کلیه امور معاملاتی ومرابطاتی ترویج فرموده‌اند و در مورد رد تبعیض نژادی و تبختر و تفاخر مذموم مربوط بمسائل ظاهری و عرضی مانند الوان پوست و یا ثروت و تمول اقدام واوامر موکد صادر فرمودند تا آنجا که بین سید قریشی و سیاه حبشی فرقی قائل نشده و شرط تفوق و برتری را متکی به تقوی و پرهیزکاری و رعایت اصول دیانت اسلام و عدل و احسان دانسته و فرمودند : ان اکرمکم عندالله اتقاکم .

دوست و دشمن یقین دارند که کلیه قوانین ومقررات‌آن‌حضرت‌بهترین و جامع‌ترین قوانین الهی است که هر بشر پیرو را به شاهراه سعادت و نیکبختی رهنمون میباشد . چنانچه در هریك از مواد قوانین مورد بحث غور و بررسی شود و عادلانه و بدون حب و بغض در معرض قضاوت قرار گیرد درك خواهد شد که قوانین اسلام عالی‌ترین و عملی‌ترین قوانین است.

با علم و یقین بنکات بالا برای من که انشاءالله یکی از افراد مؤمن‌بموضوع عدل و نصفت بوده و یقین کامل دارد که خداوند قادر متعال و پیامبران عظام و اولیاء گرام علیهم‌الاف‌التحیه والسلام به مسئله عدالت و انصاف مزیت و رجحان خاصی قائل هستند اینك نکته قابل‌توجهی که از نظر موضوع ارث‌برها(مورثین) و سهم‌الارث آنها در قانون ارث بچشم میخورد و بعقیده من قابل تامل و تعمق است و تصور میرود این ابهام جزئی درحقیقت جزء اشکالات اکثریت مطلق مردم مسلمان که از قانون ارث واسلام پیروی مینمایند باشد .

با رعایت اینکه قانون باید با زمان و آداب و رسوم تطبیق داشته باشد رجاء واثق دارد چنانچه قانون‌گزاران حقیقی اولیه هم اکنون در قید حیات بودند خود تحول و تغییراتی را در قوانین ضروروالازم تشخیص میدادند ودگرگونی متناسب با احتیاجات بشر امروز در آنها میدادند و فعلا نیز در غیاب آن‌واضعین حقیقی بر نواب آنهاوجانشینان‌روشن‌بین و بزرگان و رهبران قوم که صلاحیت و شایستگی چنین اقدامی را دارند فرض است که هرگونه اقدام مقتضی را که متضمن آسایش و صلاح مخلوق و رضامندی خالق باشد بعمل آورند.

قسمت یکم : درقانون ارث و در مورد سهم‌الارث پسر و دختر اشاره به قاعده فللذکرمثل‌حظ‌الانثیین و درقانون مدنی ایران نیز که مستند از قوانین اسلام است در بند ۳ ماده ۹۰۷ بطریق زیر تصریح‌دارد : (درصورت تعدداولاد و نیز اناث و ذکور بودن حق پسر دو برابر دختر است) .

مصرحات بالا مربوط بزمانی است که در آن عصر فرزندان یك خانواده

اعم از ذکور و اناث در یك‌سطح از فرهنگ و هنر بودند یعنی تقریبا دریك محیط اجتماعی بسیار ساده و هم‌سطح و زندگانی بدون پیچ و خم در نهایت سادگی که صرفا همواره مطمح نظر آنها جز خوراك و پوشاك ساده چیز دیگری نبوده بسر میبردند و بمصداق:

عمر گرانمایه دراین‌صرف‌شد
تا چه‌خورم صیف وچه‌پوشم‌شتا

و نیز خور و خواب و خشم وشهوت
منشعب است وجهل‌وظلمت — حیوان
خبر ندارند ز جهان آدمیت

بشر آن‌روز جز خور و خواب و مسائلی از این قبیل کار دیگر نداشته و همه این اظهارات شعرا مؤید آنست که انسان در آن روزگاران خیلی‌ساده میخورده ساده میپوشیده و ساده زندگی میکرده و پیچ و خم حیات امروز درآن روز اصلا وجود نداشته است بنابراین اگر دختر پس از رسیدن بسن بلوغ و رشد و قبول مزاوجت با یك مرد بخانه او میرفت و از یك زندگی ساده متمتع میشد و هزینه زندگی او از نظر غذا و مسکن و پوشاك و غیره بعهده شوهر بوده که موظف بوده با رعایت وضع زندگی قبلی و خانوادگی دختر برای او کفالت هزینه زندگی نماید واین‌میزان حداقل بوده و چنانچه برای شوهرامکان بیشتری داشت که وضع عیال و اولاد و افراد تحت تکفل خویش را هرچه‌بهتر اداره نماید کمال مطلوب بوده است.

تصور میرود حکمت و فلسفه اینگونه سهم‌بندی برای اولاد ذکور و اناث همین مطلب بوده است یعنی قانون‌گزار مقدس مرد را مسئول‌تشکیل خانواده و کفالت هزینه زندگی زن و فرزند تشخیص داده و برای رعایت‌حال او دو برابر سهم دختر باو داده است و چون باز توجه داشته است که دختر خواه ناخواه شوهر اختیار خواهد نمود و بالاخره تحت تکفل یك مرد قرار خواهد گرفت و عهده‌دار هزینه زندگی کس‌دیگری نخواهد شد بنابراین سهم‌الارث او را نیم سهم‌الارث ذکور قرار داده است.

البته اینگونه سهم بندی در شرایط یکسان و عادی بسیار عادلانه وخوب بنظر میرسد و جای هیچگونه بحث‌نیست یعنی برادر و خواهر یا برادران و خواهران در شرایط مساوی از وضع جسمی و اجتماعی حرف و یا بحثی در میزان سهم‌الارث قانونی خویش‌نخواهند داشت ، همه برادران و خواهران سالم بوده و برای مزاوجت و اختیارشوهر هیچگونه اشکال و ایرادی ندارند بلکه بقول معروف‌چهارستون بدن آنان سلامت هست و قدرت کار کردن و نان‌درآوردن و حتی قبول تأهل را دارند . پسرها میتوانند کار بکنند و برای خود وعائله تحت‌الکفاله خویش زندگی مناسبی فراهم مینمایند و دخترها نیز شوهر اختیار میکنند و مقام شامخ و پرافتخار مادری را احراز میکنند و تحت‌الکفاله شوی خویش در کانون گرم خانواده مشغول ایفاء وظیفه کدبانوئی و مادری میشوند .

اما مواردی ممکن است پیش‌بیاید که وضع را غیرعادی و شایان توجه سازد فی‌المثل در بین وراث ذکور و اناث خواهر بسیار کریه ، علیل ، ناقص‌الخلقه و ناقص‌الاعضاء وجود داشته باشد که بهیچوجه نتواند شوهر بکند و یا اصلا هیچ مرد ی‌حاضر بمزاوجت با چنین عنصر نشود حال این فرد بیچاره با دارا بودن علت جسمی و بی‌نصیب‌بودن از حسن جمال و یاس از اختیار شوهر و داشتن نصف سهم‌الارث چگونه امرار معاش خواهد کرد و بچه کیفیت زندگی خود را اداره خواهد نمود (بحث در میزان ماترك و اندازه سهام نداریم بلکه بطور اصولی این موضوع را مطرح میکنیم تا شاید راه حلی بدست آید) بنظر شما خواننده عزیز و عادل درچنین حالاتی آیا بهتر نیست که این دخترسهم مساوی با برادران داشته باشد و این موضوع تساوی سهام جنبه قانونی پیدا نماید . باز اگر بین برادران وخواهران ارث بر چند خواهر یا برادر بوضع بالا بیماری و یا نقص اعضاء داشتند مثلا فلج و زمین‌گیر بودند و یا کور و کر و شل بودند و یا مبتلا به بیماری غیرقابل‌علاج بودندآیا رعایت قاعدهٔ مذکور و مقررات فعلی سهم‌الارث درباره این قبیل‌ارث‌برها غیرعادلانه نیست ؟ آیا قوانین شرعی و عرفی دراین قبیل موارد جز توسل به اخلاقیات و عاطفه بشردوستی راه حل دیگری را ارائه میدهد ؟ همه معتقدیم که از ضعفاء و مستمندان و درماندگان باید دستگیری کرد و دلجوئی نمود و بیاری آنها شتافت شعرا و نویسندگان بطور راهنمائی و تشویق مردم به نیکوکاری آنچه که لازمه گفتن بود اداء نموده‌اند ازآن جمله است :

خدا را برآن بنده بخشایش است
کهخلق از وجودش درآسایش است

و:

بنی آدم اعضاء یك پیکرند
که در آفرینش ز یك گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار
دگر عضو ها را نماند قرار

و نیز در کتاب آسمانی و قوانین مذهبی و کتب حکم و امثال و پند ازاین قبیل نصایح و راهنمائی‌های بشرباعاطفه بهاحسان و نیکوکاری فراوان دیده میشود . حال اگر یك نفر جوانمردی نشان داد و وظایف فردی و اجتماعی و فرایض دینی و اخلاقی خویش را انجام‌داد خوشا بسعادت او و اجتماعی که چنین فردی در آن زندگی میکند ولی برعکس اگر کسی تن به‌این قبیل امور نداد و اصلا اهل رحم و شفقت نبود آیا قانون و مقررات و یا مقامی هست که از چنین شخصی توضیح‌بخواهد که چرا دستگیری از مستمند نکردی و یا دیدی که فلان فرد نابینا در چاه‌میافتاد و او را نجات ندادی و یا فلان تشنه را چرا آب ندادی و چنانچه یك شخص و یا مقامی چنین استیضاحاتی از چنان شخصی نمود و او نه تنها جواب مودبانه و قانع‌کننده نداد و بلکه بسئوال‌کننده جواب‌نداد و بی‌اعتنائی کرد و از دائره ادب و نزاکت خارج شد دراین‌جاچطور میشود آن فرد را سرجایش نشاند و توجه به‌امور اخلاقی و انسانی را ازاو خواستار شد همه میدانیم اخلاقیات ضمانت‌اجرائی ندارد وآیا بهتر نیست که به عوض‌توسل و تمسك به‌اخلاقیات و رها کردن مورث علیل و ناقص بامید احسان و نیکوکاری برادر و یا منسوب دیگر و اشخاص جوانمرد و نیکوکار ، اشخاص صالح و شایسته که رهبری قوم را بعهده دارند دور هم گرد آیند راه حلی بیندیشند و باین قبیل اشکالات خاتمه دهند .

قسمت دوم : موضوع دیگری که درتقسیم سهم‌الارث بطریق بند ۳ از ماده ۹۰۷ قانون مدنی ایران که استناد از قاعده فللذکر مثل حظ‌الانثیین شده است بنظر میرسد دور از عدل و انصاف باشد همانا توجه بوضع سنی مورثین میباشد بطریق واضحتر آنکه برادر و خواهر یا برادران و خواهران ارث‌بر در هنگام فوت مورث مثلا پدر یا مادر در یك سن و سال نبوده و به‌تناسب تاریخ تولد در

سنین مختلفی از حیات خویش میباشند بالنتیجه با اختلاف سنین عمر بعضی از آنان از حیث پایه تحصیلات علم و هنر بمرتبه عالی رسیده باشند و برخی‌برعکس درسنین طفولیت بوده وای‌بسا درلحظات فوت مورث پا بمرحله تحصیل علم وهنر نگذارده و یا اصلا هنوز درحالات‌جنینی بوده و متولد نگردیده‌اند .

بدیهی است این اختلاف وضع از نظر سن و علم و هنر و بالنتیجه اختلاف از لحاظ وضع اجتماعی یك فرد با فرد دیگر خود بخود بوجود نیآمده است بعبارت روشن‌تر آنچه فرزندان اولیه‌که زودتر ازسایرین دیده بجهان گشوده‌اند و دوران حیات را طی کرده‌اند بالمآل درطریق کسب علم و کمال و هنر ودانش زودتر طی طریق نموده و بمرور دهور و گذشت زمان بتدریج از ثروت ومکنت مورث بهره‌برداری وافی نموده‌اند مثلا هزینه تحصیل علم و کسب هنر و خرج بهداشت و خوراك و پوشاك و گردشهای علمی و تفریحی افراد بزرگتر در حال حیات مورث به حدامکان تامین‌وبمصرف رسیده است تا در لحظات فوت مورث فرزندان بزرگ هرکدام بتناسب سن و لیاقت و شایستگی خویش توانسته‌اند در اجتماع محلی برای خود بازنمایند و ای‌بسا بعضی درمقام صدارت و وزارت و امارت و یا مدیریت و طبابت وغیره هستند و برای خود از این طریق درآمد سرشاری بدست آورده و عایدی دارند و نیز درلحظاتی که آنان خواسته‌اند وارد زندگی اجتماعی شوند مثلا تاهل اختیار نمایند و یا شروع به کسب و کار کنند پدر و یا مادر از دارائی‌خویش‌هزینه‌هائی را برای آنان متحمل شده مثلا خانه و جهیزیه خریده سرقفلی مغازه و بنگاه داده و ابزار و آلات ضرور را فراهم کرده و دراختیار آنان گذارده و یاهزینه عروسی را تامین کرده است .

حالا این فرزندان بزرگ و مرفه که همه‌گونه استفاده از دارائی مورث را درحال حیات وی نموده‌اند با اطلاع از فوت آن با برادران و خواهران صغیر که ممکن است حالت جنینی داشته باشد و یا جمعی از آنان رضیع و یاکاملا کوچك و در سنین اولیه زندگی باشند در یك‌ردیف قرار گرفته و باستناد قاعده مذکوره در بند ۳ از ماده ۹۰۷ قانون مدنی ایران قصد تقسیم ماترك راخواهند کرد .

میزان ماترك و سهم‌الارث هریك‌از ارث‌برها هرچه میخواهد باشد اصل اینست که آن بزرگترها با بهره‌برداری کافی از ثروت و مکنت مورث‌توانسته‌اند درحال حاضر وضع اجتماعی آبرومندی بدست آورند درصورتیکه یك یا چند نفری از ارث‌برها درعین‌حالی‌که ممکن است در حال جنینی و صباوت باشدحالت یتیم خردسالی را پیدا کرده‌اندکه هنوز نتوانسته‌اند علم وهنری یاد بگیرندچه‌رسد بهاینکه برای امرار معاش درآمدی‌ایجاد کرده باشند بالنتیجه برای اعاشه وتحصیل علم و کسب هنر جز سهم‌الارث سرمایه و اندوخته‌ای ندارند و ای بسا همان سهم‌الارث نیز کفایت برای امرار معاش ساده آن فرزندان کوچك را نمیکند چه‌رسد باینکه اتکائی برای تعلیم وتربیت و به‌ثمر رساندن آنان باشد .

دراین حالت نیز با عدم تشابه و تناسبی که ارث‌برها از نظر وضع‌اجتماعی و پایه علم و فرهنگ و سن با هم دارند تقسیم سهام بشکل قاعده و بند و ماده مذکوره دور از انصاف و عدل بنظر میرسد . یعنی اگر بزرگترها با برادر و خواهر کوچك خود برابر مقررات بالا سهام متساوی ببرند بسیار روشن است‌که فرزندان ارشد بهره‌برداری کافی راقبلا از مایملك مورث نموده‌اند با اولادصغیر که در وضع بسیار غیرعادی بوده و هیچ نوع تشابهی با ارث‌برهای بزرگ ندارند اگر سهم مساوی ببرند بدون تعارف‌باید اعتراف نمود که بر فرزندان‌کوچك‌ظلم و ستم خواهد شد .

از نظر رعایت حال ارث‌برهای کوچك و منظور داشتن عدل و انصاف آیا بهتر نیست که برآورد صحیح و دقیق هزینه مصرف شده برای‌فرزندان ارشدوحفظ توازن و عدالت بهمان‌میزانی که در راه تحصیل علم و کسب هنر فرزندان ارشد هزینه شده از کل ماترك کنار گذارده و بمصرف تحصیل علم و هنر بچه‌های صغیر برسانند قطعی است پس از تفکیك و کنار گذاردن رقم‌مزبور که شامل هزینه تحصیل . خوراك و پوشاك و بهداشت نیز خواهد بود مابقی ماترك هرچه باشد بارعایت‌نظریه مذکوره در قسمت یکم همین بحث بین وراث تقسیم نمایند .

درخاتمه ناچار بیادآوری این‌نکته است : ممکن است خوانندگان محترم اینطور نظر بدهند که مورث با توجه به اوضاع و احوال ارث‌برها احتمال دارد وضع آتی آنهارا از طریق وصیت و یا هبه روشن‌سازد . براهل‌بصیرت پوشیده نیست که هرموصی نمیتواندبیش از ثلث اموال خویش را برای هرمنظور شرعی و ضرور مورد دخل و تصرف قراردهد تازه در مورد همان ثلث نیز چنانچه رعایت تشریفات وصیت را ننمایند ممکن است اعتراض مورثین آنرا مخدوش و بلااثر سازد . درمورد هبه نیز باید اضافه نمودکه مال هبه بایستی بتصرف‌داده‌شود و طبق ماده ۷۹۸ هبه واقع نمیشود مگر با قبول و قبض متهب :

با این حال اضافه میشود که اولا هر مورثی به چنین مطالبی توجه ندارد ثانیا در مرگهای ناگهانی و درمواردی که مورث فاقد وصیت باشد و یادروصیت خود رعایت تشریفات قانونی را نکرده و بالنتیجه از طرف ارث‌برها مورداعتراض واقع و بلااثر گردیده است دراین‌حالات و بطور قطعی تکلیف فرزندان کوچك چه‌خواهد شد .

ازمباحث قسمت‌های یکم و دوم اینطور نتیجه‌گیری میشود که دروضع تقسیم ماترك مورث و میزان سهام ارث‌برها با توجه بحالات مختلفی که ممکن است پیش بیآید و آن حالات‌بطرق گوناگون خودنمائی خواهد کرد ازآن جمله است بیماری ، نقص اعضاءواختلاف سن و تفاوت فاحش وضع اجتماعی که بین فرزندان کوچك و بزرگ ارث‌بر جلوگیری مینماید . ازنظر رعایت عدل و انصاف که آن‌همه توصیه گردیده‌است بهتر است روحانیون معظم و زعمای عظام قوم و سازمانهای‌قانونگزاری اعم‌از وزارت جلیله دادگستری ، مجالس مقننه ازطریق ابداع و اصلاح و تنقیح مواد قانونی وضع هریك از ارث‌برها را روشن کرده تا از هرگونه حق‌کشی وتحمیلات ناروا جلوگیری گردد و ازاین طریق بقاء و رشد و بثمر رسیدن وراث‌خردسال و معلول تضمین و تامین گردد . هوالمعین و علیه‌التکلان.

بیماری های هنری



۱ ــ پرتو اعظم

واما بعد ...

ازبیماری های ادبی بیماری های مخوف ابتکاراست که بیماررا تا سرحد جنون میرساند وهمانجا رهامیکند تا میان لجن های عفن که از دیدار زیبا شناسان پنهان مانده ودربستر غوك‌هاو مارها که درجفت گیری وتولید مثل غوغا میکنند خزه هاوجگن‌هاوعلف‌های هرزه رابیابد وبااغتشاش آنچه یافته‌و یاانتظام آنچه نیافته‌وامید یافتنش‌را داشته اثری نوتکوین کند وبعبارت دیگر ازکثافات نادیده توده‌ای فراهم سازد وبیازارهندآورد .

بیمارابتکار ازدیدن زیبائیهائی که دیگران دیده‌اند گریزان است راه‌گوش برنواهای آسمانی‌که دیگران ساخته‌اند می‌بندد وچون ازمیان گلستان های آراسته وگلشن های پیراسته پیشینیان میگذرد چنان سبك میگذرد که‌گوئی ازآلودگی‌پای هنرجوی‌خویش هراسان است . سرسام نوجوئی وتازه خواهی چنان برسراپای وجودش مسلط است‌که ازپایکوبی درسماع مولوی ومی‌نوشی درخرابات حافظ استنکاف میکند . همه ساخته هاوآثار دیگران را برپای هنر زنجیرگران میداند ومیکوشد که‌خود راازمیان تارهای جادوئی‌نغمه هاوترانه های دلپذیر گذشتگان براند وبسرزمین موعود یعنی لجنزارموجود که دیگران نیز پیش از اودیده وخیوی افکنده و براه خود رفته‌اند برسد .

بیمارابتکارکتاب نمی خواند واگر بخواند میکوشد که تحت تأثیر قرار نگیرد . خوانده ها را فراموش میکند وگاه ازسرناسازگاری فریاد برمیآورد که نمی خواهم ونمی خوانم . پیوسته از تأثیر دیگران درخود وآثار خود میترسد . اگرچیزی بنویسد ساعت‌ها فکرمیکند که شبیه بآنراجای دیگری خوانده است وآیا میتوان جمله را بصورتی دگرگون ساخت که دیگران مانندش رانانوشته باشند درساختن يك جمله نه بزیبائی‌آن میاندیشد ونه به

مفهوم ومعنی هرچه شد باشد فقط
جمله دیگری که ثبت دفاتر دیگ
است شبیه نشود . اگردرفکر ای
حالاتی است به توصیف حالاتی بپرد
که انسان هادرك نکرده‌باشند . ا
دراندیشهٔ داستان سرائی است داست
بنویسد گنگ ونا مفهوم . زیرا
همیشه کسانی هستند که دامان هم
کمراستوار میکنند تابه تفسیر آ
گنگ ونامفهوم بپردازند . چه ب
چیزی بنویسد که‌نه خود بفهمد
دیگران واین غایت مقصود بیمارابت
است .

بیمار ابتکار از پیچیدگی و
کلمات لذت میبرد درست است که
راوسیلهٔ نشان دادن عریان زشتی
می‌پندارد ولی گاه دراین نشان د
خود را چنان بدریای ابهام وکنا
می سپارد کـه از نوشته‌هایش چی
نمیتوان گرفت . کـوشش بعضی
بیماران ابتکاردرآنست که نوشته
خودرا بصورت مائل ریاضی غامض
دشوار جلوه دهند . این جملات
بخوانید (اینکه آنگاه که ابزارهاس
وسنگین هم‌نبود یانشده بوداین استـ
عظیم هم پالگیان مادر خواستن
بدست آوردن اعمال وخدمات م
نیازازآنان که هم پالگی نیستند ا
روش یارفتار یکسانند معمول بود ی
آشکار نمیتواند بود . امابعد ازس
شدن ودر طول خط درازعمرهم‌پالگ
که درهرحال ازيك‌شب تجاوز نك
است پس ازمدتی آهنین‌شدن ابزار
آشنائی یافتن بیشتر وکامل‌تر ـ
نزدیك‌تربه کامل زیرا که کمال‌در
مورد هنوز حاصل‌نشده است ـ بار
باران یاسقوط برف یاوزش باد و
زمین بالامکان برداشت قوت بیش
بذرمساوی از فرش همه جاموجو
آشنائی باهمه اینها هم پالگیان
جنبش درآمدند وبه هرطرف که‌دان
ویاپنداشتند میدانند وبهر حال ب
ایشان درحدتجزیهٔ نزدیك بعلم بو

برداشت افزون تراست یاریزش
ن درآنگاه که باید مناسب تراست
قوطبرف وممانعت ازجریان آب‌که
ل همواره یاغالبا متلازم بوده
. . .)

ن مقدمه ویابزعم نویسنده تذکره
، کـه بـرتـرجمهٔ آثار یکی از
ندگان امریکائی نوشته شده است .
آنکه هنرنویسندهٔ خارجی در
نویسی است وجملات کتاب ازهر
پیچیدگی وابهام برکنار . اما
ابتکار همین که فرصتی برای
رلحیه بدست میآورد (اگرفرصتی
بدست نیاید مانعی ندارد) باخود
ی خاص بخیال هنرنمائی می‌افتد .
وش خود ساخته اودستورزبان را
نیست هنرمند بزعم او ازمردم
رودرراه زندگی پیشرو است و
نباید مثل‌آنها حرف بزند وبزبان
بنویسد . راه‌او از مردم جداست .
دا بیمارابتکار را نعمت حیات
یده‌تادیگران‌رابدنبال یکشدراهنمای
باشد کسانی راکه ازخیابانهای
یم گلستان هنرمیگذرند ومشام‌جان
طر گل‌های جاویدان معطرمیسازند
واب غفلت بیدار کند دست آنها
یرد ومیان علف های هرزه بکشاند
کنار مرداب عفن بدواند . بحال
ی که‌ازنغمه‌سرائی بلبل‌لذت میبرند
زی کند که چرا بغوك مفلوك
فرانمیدهند تازیبائی واقعی رادر
.

مترديده‌شده‌است که بیماری ابتکار
ردپسندی هم پالگی نباشد . این
ماری لازم وملزوم یکدیگر است .
رابتکار گوشه‌ای میگیرد . اماگوشه
ان انتخاب میکند که میزآنسن
ی باشد . گوشه‌ای باشد که برآن
غ بتابد وفاصلهٔ آن از بینندگـان
وی محاسبه شودکه از چشم‌انداز
ب تجاوز نکند . بیماران ابتکار
ن های عصر ماهستند . اگردرخمره
نند خمره درسرداب ویادرژرفنای

ظلمانی‌نیست «برسرکوچه وبازاراست»

اگر بباطن بیمار ابتکار راه یابند خواندن افکارش لذت تماشای مسخره ترین کمدی هارا تفویض میکند . سرخودرا پائین انداخته است ظاهرا بکسی کارندارد اما تمام ذرات وجودش ازاین احساس لبریزاست که همه‌بااو کارداشته باشند .

وقتیکه مینویسد بخیال خود برای خود می نویسد ویااگر مختصر تخفیفی بدهد برای سایهٔ خود می‌نویسد . اما چرا بچاپ میرساند ؟ مگرآدم وسایه‌اش به بیش ازدونسخه نیازمندند . بیمار ابتکار شبیه به ماژلان وکلمب که در جستجوی جزائروراه های مخفی‌دریا بودند دردنیای ادب جزائروراه‌های مخفی راکـاوش میکند . این دعـای شبانروزاوست که (خدای هنر چراغی سرراهم بیاویز تاچراغ دیگران راپف کنم)

دیده شده است که بعضی ازبیماران ابتکار درکار خود تقلید کنندگـانی بیش نیستند اما تقلید ناشیانـه آنها بچشم بی خبران (تااحمق درجهان‌است مفلس‌درنمی‌مانـد) ابتکارجلوه‌میکند . اگر کافـکا خدارابه موشی درکنیه تشبیه کرده است بیمار ابتکار می‌پندارد که باتشبیه خدا به خفاش اورست‌هنر رافتح کرده است . یااگر او آدمی رامسخ کرده‌است بامسخ کردن حیوان شیوه اورا نسخ کرد .

پره‌وو که خود از ریزه خواران نعمت بیماران ابتکار است واز همان هاست که نخستین فرستاده ویادلال تبلیغات هنری نامیده میشوند در قطعه‌ای بنام «گردش پیکاسو» هنراین غول‌راچنین توصیف کرده است که‌برای جلوگیری از تضییع صفحات از تحریر ترجمهٔ شعر بصورت شعر خودداری میشود (روی یك بشقاب گرد چینی اصل سیبی قرارگرفته است رودر روی سیب یك نقاش شبیه ساز بیهوده میکوشدکه سیب راآن چنانکه هست نقش کند اما سیب نمیگذارد که از او سیبی درآید آخرسیب هم برای خود حرف هادارد واینك اوست که میچرخد دربشقاب اصل خود آب زیر کاهانه به گرد خویش آرام بی آنکه فی الحقیقته جنبشی کند و . . .)

خلاصه (نقاش گیج ومنگ مدل‌را ازبرابر نظر گم میکند ودراین هنگام است که پیکاسو هم چنانکه ازهمه جاچنان میگذرد که گوئی درخانهٔ خویش است ازآنجاعبور میکند سیب رامی بیند وبشقاب را ونقاش خواب برده راومیگوید چه کاری است که آدم سیبی بکشد وپیکاسو سیب را میخورد وسیب بدومیگوید متشکرم و پیکاسو بشقاب رامی‌شکند وتبسم‌کنان ازآنجادور میشود ونقاش که ازپندار های خویش چون دندانی برکنده‌شده است خود رایکه وتنها باز می یابد برابر پرده‌ای ناتمام ودربرابربشقابی شکسته ودرمیان آن بشقاب دربرابر سیب دانه های خوف انگیزواقعیت)

آری هنر بیمارابتکار درهمین‌است که چینی های اصل رابشکند وسیب‌ها رابخورد وبراه خود برود واز همه جاچنان بگذرد که‌گوئی درخانهٔ خویش است یعنی بازیرشلوار . . . بیمارابتکار باید خلق بکند برای خلق کردن اول خراب میکند اما یقین است که‌چیزی نمیسازد که بهتر وبرتر از مخلوق‌اولی باشد . دیوارهارابرمیدارد . امااین دیوارها چرا بوجود آمده ؟ چرا ساخته شده ؟ شاید حد فاصل زیبائی وزشتی باشد . شاید پرده‌های روح افسائی باشد که برابر چشم بشر ناامید ، بشری که درحل مشکل مرگ عاجز مانده و ازآنسوی بی خبراست گسترده‌اند این دیوارها را بیمارابتکار میشکند وآن پرده هارا میدرد ودر بسیاری ازموارد شکستن دیوار شبیه بآنست که حصار باغی را بشکنند تا منظرهٔ طویله‌پشت باغ را بهتر بنمایانند .

مبارزه باسنت پرستی ناشی ازهمین بیماری است بیمار ابتکار بمبارزه با تعصبات برمی خیزد غافل ازآنکه‌بااین کار خود تعصبی بوجود میآورد . تعصب دربی‌تعصبی . دادائیست هازمانی کمر همت استوار کردند که شبیه بدیگران ننویسند . درمجلس گشایش سبك روزنامه‌ای بدست گرفتند واز هر خبرجمله‌ای گرفتند وبهم پیوستند اما این مخالفین سبك ها متوجه شدند که خود سازنده سبکی هستند که شاید بتوان به دری وری نویسی ترجمه ویا تشبیه کرد آنوقت هرچه نوشته بودند برود خانه ریختند .

مبارزه باسنت هارا نمیتوان تقبیح کرد زیراً چون سبك ویا سنتی بمرحلهٔ ابتذال کشید زیبائی خود را ازدست میدهد . اما آیا همه سبك ها وسنت‌ها مبتذل وپوچ است ؟

بیمار ابتکار اگر به اثری برسد که دست کم به یکبار خواندن بیارزد بخود تلقین میکند که وقت گرانبهارا در مطالعهٔ مهملی چند بمصرف رسانیده و شاید که بارها بخود لعنت بفرستد و در بسیاری از موارد چون مطلبی ارزنده خواند به بیماری حسادت‌دچار میشود وبلافاصله قلم بدست میگیرد و در فکر فرو میرود تا چیزی بهتر بیافریند وبا فروغ نبوغ چشم‌آنهاراکه برای انسانها می نویسند کور کند . تقلای تازه جوتوأم باناراحتی های روحی وجسمی است شب هادرخواب های آشفته دست بگریبان باقهرمانان بوجود نیاورده خویش است وروزها باچشمی کنجکاو درجفت گیری‌گربه های نروماده ویا سرقت آذوقه بوسیلهٔ موش ویازیبائی نداری‌گل‌آفتاب‌گردان ویادرپیچ وتاب عاشقانه کرم های قرمزرنگ خاك خیره میشود تاداستانی بنویسد ازعشق گربه ناکام وفراخی سوراخ موش وانوار طلائی گلبرك‌های تیغ دارگـل آفتاب گردان ورقص شهوت کرم هاوچه بساکه پایان داستان

ازدواج کرم ماده وموش نراست وقس
علیهذا . تقلاهااگربه نتیجه رسید که
بیمار ابتکار بحالتی‌بحرانی دچارمیشود
وگوش از الاغ بعاریت میگیرد ودر
انتظار فریاد نقادان سخن سال شماری
میکند .

بیمار ابتکار خود نقادی است که در
اظهار نظر منفی گستاخ است . همه
مرباها و حلویات ادب بکام او تلخ‌است
همه نغمه‌ها و ترانه ها بگوش او
انکرالاصوات است همه کس یـاوه
سرا و همه فن تقلید فنون ماضیه است.
اگر از او بپرسند که فلان کتاب را
خوانده‌ای با ادائی مصنوعی سر تـان
میدهد ودر پرسش کننده با نگاه نگه
کردن عاقل اندر سفیه می‌نگرد و زبان
حالش آنکه مگر مرا وقت خواندن‌این
مزخرفات است ؟

بیمار ابتکار در زندگی نیز
جویای راهی تازه است . اگر سنن و
مقررات منعش نکند شلوار نمیپوشد
و نیمی ازریش و سبیل را نمیتراشد .
یا دست کم پاچه های شلوار را بالا
میزند و ماهیچه های پشم آلود را
منظر دیدگان مشتاقان میکند . پیوسته
در جستجوی راهی است که دیگران
نرفته‌اند واگر چنین راهی نیافت شکم
را اسفنجی برابر عرق و مشام را
انبانی برابر دود افیون میسازد .
حشیش وبنگ و مرفین که وسیله
تخیلات ناموزون است دستاویز وصول
براه های مخفی و پس کوچه های
هنر است . بیمار ابتکار بخیال خود
کاری بکار دیگران ندارد و به نظریات
این و آن وقعی نمیگذارد . فارغ از
آنکه در نمایش جنون خویش هدفی
جز آن ندارد که دیگران ببینند وزبان
بگفتگو درباره دیوانه‌بازیهایش بگشایند

بیمار ابتکار خود را از همه
جهان مجزا و آزاد می‌پندارد در
حالیکه خود در عمق اجتماعات‌میلولد
وبالجن چهرهٔ آثار خودرا میآراید و
جهان برتر از او وبالاتر از او خواه
وناخواه اگر زیبائی‌های خودرا بخورد
او ندهد کثافات و فضولات و نجاسات
را بحلقش می‌چپانند . بعبارت دیگر
بیمار ابتکار هنگامی که زبان از مدح
زیبائی ها منع میکند تشنه کام زشتی
ها ودنائت‌ها و پستی هاست .

کلیه بیماران ابتکار «هنر در
خدمت هنر »را اصل مسلم کار خود
میدانند بزعم آنان هرچیز که تازه و
نو بود ابتکاری است و هر ابتکار
نشانه و نمودار هنر «تقلید مضحك
است» اما اگر ابتکار مضحك باشد
دلرباست ؟ چند خط بکشید مرغی در
میانش بگذارید . پری از مرغ بکنید
واثر را موشح فرمائید . این شعر است
چونکه ابتکار است .

به جمادات حس بدهید و از
آدم ها عروسك های بیجان بسازید
اولی را از عشق به نباتات‌لبریز ودومی
را از ارتکاب گناه سیراب کنید و
خود خدای چنین جهان بلبشوئی باشید
هنرمندید زیرا مبتکرید وابتکار نشانه
نبوغ است .

دالی باسبلت نوك برگشته دم
موشی با مردم جهان دالی میکند تا
خود را نابغه جا بزند . همینگ وی
ریش میگذارد تفنگ بدست میگیرد
به جنگل های افریقا میرود و خدا
میداند که دو سه حادثه بدون خطرهم
راه میاندازد تا مثل یك خبرنگار وراج
پرچانگی کند و پرچانگیها را بعنوان
بزرگ‌ترین آثار هنری بقاضیان صددر
صد بی‌طرف مجامع سوئد عرضه‌بدارد
و جائزه نوبل بگیرد .

پیکاسو تنکه بپا میکند و برابر
هیاکل شیاطینی کـه خـود بر در و
دیوار غار مسکونی منقش ساخته ضد
مافوق را میچرخاند و می‌جنباند تا
برای بانك نبوغ خود از میان ینگه
دنیائی ها وتازه بدوران رسیده های
دنیای قدیم مشتریان تازه بیابد .

بیماران ابتکار فراوانند و جمله
آنان زیبائی را در زشتی میدانند .
زمانی نابغه ای از راه رنجی که خود
میبرد برای دیگران شادی میآفرید و
اینها در رنجی که غوطه‌میزنند دیگران
را شرکت میدهند . آغاز رنج آنهـا
زمانی است که انعکاس احساس را
در روش دیگران تخطئه میکنند وچون
روشی نو برای انعکاس پیدا نمیکنند
میکوشند که «احساس» را دگرگون
سازند . اینجاست که نفرت جای‌محبت
را میگیرد ویا بهتر بگویم محبـت
و نفرت جای خود را عوض میکند .
اگر شما این پرده را زیبا می‌بینید
اشتباه میکنید واگر این نمونه کثافت
را لذت بخش نیافته‌اید تقصیر از
شماست که دست وپارا مقهور سنن و
اندیشه را محدود در شناخت دیگران
کرده‌اید . اینجاست که رنج وجزن
لذت‌بخش است‌ودیگران هم (درصورتی
که بیمار ابتکار اندك ارزشی برای
نظر دیگران قائل باشد) چشمشان‌کور
باید در رنج و حزن مبتکر شرکت
کنند .

روزگاری فرصت بود که هنرمند
کار باغبان ماهری را انجام بدهد .
علف های هرزه را بکند گل هارا کنار
هم بنشاند . نقش ها بسازد و هرچیز
را چنان دقیق در جای خود بگذارد
که امکان جا بجا کردن میسر نشود
(وهنوز هم این فرصت هست) اما بیمار
ابتکار ازاین فرصت استفاده نمیکند .
این عمل نیاز بدقت دارد و دقت نیاز
به وقت اما بیمار ابتکار عمر را کوتاه
می‌بیند و وصول بشهرت اگر باسرعت
صورت پذیر نباشد بی‌ثمر است . بیمار
ابتکار شراب شهرت را در زمان‌حیات
میخواهد و حال اگر این شهرت از
طریق نمایش دیوانگی ها باشد به‌پندار
او همسنگ شهرتی است که از طریق
عاقلان بدست آمده‌است .

راه گریز این‌بیماران از هرگونه
انتقاد استعانت از نسبی بودن زیبائی
است . فارغ از آنکه آنچه را ما زیبا
میدانیم محصول تشخیص‌پدران وپدران
پدران ماست و باستنباط ما اگرمنظری
زیباست در چشم گذشتگان ما نیز زیبا
بوده است و تردیدی نیست که سهم
ما بهمین نهج در تشخیص زشتی ها
اندك است زیرا که وارث تشخیص
پیشینیانیم . ذائقه هنری ساخته دست
ما نیست . میزان بخشی است که‌اسلاف
بما سپرده‌اند . زشت را میتوان زیبا
کرد و زیبا را میتوان به زشت مبدل
ساخت اما آن زشتی که در خاطر ما
نقش بسته قابل تبدیل بزیبائی نیست
وآن زیبائی محجر براراده غیرمستشعر
با تلقین ودلالت‌بیمار ابتکارهرگز جای
خودرا با زشتی عوض نمیکند .

اگر هنر بیان حال باشد گریزی
از نمایش زشتی ها نیست اما اصرار
در نمایش زشتی شبیه بکار رقاصی است
که چهره دلفریب را با نقاب سیاه
بپوشاند و در کیسه ای دراز فرو رود
بدانسان که خطوط وسوسه انگیز اندام
را فرصت تاثیر نباشد و آنگاه روزنی
بگشاید که تنها دندانهای زرد وبد
شکلش را نشان دهد .

پیدایش سبك ها زائیده تحولات
زمان است سبك را نمیتوان بخودی
خود آفرید و بهنر دوستان تحمیل
کرد .

اگر بپذیریم که سبك کار
نباشد دست کم تصدیق باید کرد
دسته ایست که از ابتذال سبکی
بجان آمده و یا حصاری را برای
دیدن وبیشتر احساس کردن شکست
گاه بیماران ابتکار موفقیت
میکنند وبه هدف که جلب نگاه دیگ
است میرسند . اما این «دیگ
مردمانی هستند که نیروی تشـ
بی‌هنری را از هنر ندارند . به
آنان دوغ ودوشاب یکی است .
از کار بیمار سر در نیاورند
میکنند که «چینی نمیدانند»
کسانی هستند که به پا منبری
بیشتر از واعظ گوش میدهند .
وگیج برابر اثری بی سروته
مانند اما همینکه زمزمه تفسیر کنن
ویا بهتر بگویم وسوسه جادو کنن
آغاز گردید گنگی و گیجی
خودرا به والگی و چرت میدهد
جالب است که آثار بیم
ابتکاری در تغییر سنت ها ودگر
ساختن تعصبات «نه عقائد» نقشی
نمیکنند . یعنی اگر نظر ها را
بکشد در انگیزش اراده‌ها بی‌اثر
«اصالت وجودی» نیز معد
از افراد را می‌فریبد و بکام
میاندازد تا شلنگ و تخته بیاند
ودر کثافت و طغیان شهوت خو
لـذت باشند . اجتماع به تمـ
دسته اول سوایگ (صرف نظـ
بیوگرافی های باارزش) و بو
نمونهٔ دوم ساگان است کـه در
اژدهای تبلیغات فرورفته ودراست
اژدها برغم‌سلام ودرپیچ وتاب
بر شهوات لبخندیده‌است . زنی
بیماری ابتکار وجنون آفرینش
چیزی نیست جز محصول انفجار
گذشتگان عیاش وشهوت ران مح
شکست دریك جنگ بزرگ ج
محصول غلاف‌های‌حافظه‌ای که‌نطف
منعقدشده‌را بوسیلهٔ‌سن‌بدریاتف میک
یعنی همین بیمار ابتکار هم وسیل
دست محیط است . عروسکی اسـ
نخ‌هایش بانگشتان دست محیط
است . اوکداعیهٔ ابتکاردارد آفر
نیست گـوینده افتضاحات محیـ
داستانسرای شهوترانی خود در
مدرن برده وکنیز سفیداست .

سخن کوتاه درنویسندگی هم‌آی
بوجود آمده ونویسنده می پندار
مورچه است وباید دنیا رااز‌چشم مو

سد وبزبان مورچه بنویسد ضروری
ست که فکر کند ویادقیق شود قلم‌را
ی کاغذ میگذارد حرکت آن هرچه
باشد تردیدی نیست که خطوطی
جود میآید وآنوقت درابتدا کلمه
وکلمه نزد خدا بود وکلمه خدا
. همان درابتدا نزد خدا بود . همه
ز بواسطه او آفریده شد وبغیرازاو
زی از موجودات وجود نیافت .
اما بعد ...

سال هاپیش ازاین مردی برخاست
برخاستن او مقتضیات زمان ومحیط
کم قوی مردی راداشت که زیربازوی
اده‌ای را بگیرد وبرخیزاند .
مستوفیان لباس های بلند وریش
ی دراز راکوتاه کرده‌بودند وبهمین
ب درازنویسی جای خود را بکوتاه
سی می سپرد . باآنکه هنوز در
تب فرهنگی نثر فنی نمونهٔ بلاغت
ساحت ونژاد داری سرمشق‌انشاء و
ب‌بود درنامه هاوروزنامه‌ها منشآت
مقام وفضل فروشی‌های مورخ دره
ی دعوت‌فنارالبیك‌اجابت میگفت .
مین برخاسته بودند تابر صندلی
بنند و دیری نمیگذشت کــه در
هایشان آفتابه جای خودرا به نوار
د استنجابنخشد . دیگر کسی جز
ی هاوداش مشدیها غذارا بادست
رت لقمه‌های کله‌گرگی نمی‌خورد .
قلنبه گوئی به‌دردکسی نمی‌خورد .
یش عربی (که‌دوری کامل از آن
رسی نویسی محال است) جای خود
آلایش فرنگی (که بکاربردنش
کم امضاء کردن سند مرگ زبان
) میداد .

عضاء دولت‌درنتیجه بروزحوادثی‌که
انقلاب مشروطیت ثبت درتاریخ شد
هان نزدیکی باافراد ملت بودند و
ی است که برای برقراری نزدیکی
گفتن بزبان آنها اجتناب ناپذیر
یص داده میشد . تداخلی صورت
رفت که صنوف مختلف رادر مراحل
ت کنار هم می نشاند تادرفاصلهٔ
ی کوتاهی همه رادرهم بیامیزد
ی به طریقهٔ متوسط درصف آرائی
اوپائین هاتوجهی نداشته باشد .
ت قائم مقام فارسی نویسی معرب
قاتل معنی بود تعدیل کرده و
ٔ مجدیه باردیگرازلحاظ نویسندگی
ی به عقب جلوه میکرد . نوشته‌های
اف و روش کار مترجم حاجی‌بابا
ی بود که جریده نویسان را بخیال

فرار از تنگنای‌قلنبه‌نویسی میانداخت .

نویسنده گمنام سیاحت نامه ابراهیم بیگ و **دهخدا** دستی از آستین بیرون کشیدند وبامردم کوچه وبازار بزبان خود سخن گفتند ونوشتند .

اماین مرد کوشش های گنشتگان رابه ثمررساند . ارزش کاراو از آن کس که عجم راباپارسی خود زنده کرد کمتر نیست .

این مرد در دیباچه «کتاب مقدس خود نوشت» . . . بدبختانه عموماپا از شیوهٔ پیشینیان برون نهادن رامایهٔ تخریب ادبیات دانسته وعموما همان جوهر استبداد سیاسی که مشهور جهان است درمادهٔ ادبیات نیز دیده میشود . باین معنی که شخص نویسنده وقتی قلم دردست میگیرد نظرش تنها متوجه گروه فضلا وادباست واصلا التفاتی بسایرین ندارد وحتی اشخاص بسیاری رانیز که سواد خواندن ونوشتن دارند ونوشته های ساده وبی تکلف رابخوبی میتوانند بخوانند وبفهمند هیچ درمد نظر نمیگیرد وخلاصه آنکه پیرامون دموکراسی ادبی نمیگردد .

. . . درمملکت ماهنوز هم ارباب قلم عموما درموقع نوشتن دور عوام را قلم گرفته وهمان پیرامون انشاهای غامض وعوام‌نفهم میگردند . . . انشای ساده ممدوح است ونویسندگان همواره کوشش میکنند که هرچه بیشتر همان زبان رایج ومعمولی مردم کوچه وبازار راباتغییرات واصطلاحات متداول‌بلباس ادبی درآورده وبانکات صنعتی آراسته وبروی کاغذ آورند .

این مرد قصه هانوشت واگر هم زمانی به تبلیغ پرداخت تامثلادربارهٔ تهران مینویسد زیر عنوان «تهران عزیزی است بی‌جهت » تاریخ چند صد ساله یك شهرراساده وپیرایه روی کاغذ آورد . کوشش اوبسیاری ازاصطلاحات گمشدهٔ را احیاء کرد وبتدریج کلماتی که زیر طاق‌های بازارودر پس‌کوچه‌ها منعکس میشد ونویسندگان را مفتون ساخت .

دیگران کلمات عربی را ازدامان قبای فارسی بریدند . میرزا بنویس‌هاکه سال های سال باداش مشدیها قهربودند سرآشتی دارپیش گرفتند .

جمال‌زاده نمیتواند ادعا کند کــه بباس فارسی را عوض کرده امابدون تردید کوشش پیشینیان رابه ثمررسانده است . **هدایت** که پس از جمال زاده بانبوغ خود مشعل افتادهٔ ادبیات منشور فارسی را که قرن هادرساحل مرداب فناکورسو میزد برپاساخت هنر فارسی نویسی ساده را بمنتهای درجه اوج‌و زیبائی رساند . جمال زاده در نوشته های خود طبقهٔ مشخص ومعینی را معرفی میکرد خــان هاوشاهزادگــان وازده ـ اداره‌جاتی ها ـ کسبه جزء و خلاصه‌آنهائی که اگر دستشان بچیزی نمیرسید اقلا بدهانشان میرسید ولی هدایت پای حروفچین وکارگر ونقال ولوطی وبقال ودهقان راهم بمیان کشید ونه تنها درنوشته‌های خود از زبان عوام بلکه از خود آنها هم برای بازیگری وحتی بازیگردانی استفاده کرد .

قرن هادر شاعــری لاشهٔ ادبیات منظوم خود را بدرقه میکردیم ودر نویسندگی پا از مرزهای معینی فراتر نمیگذاشتیم کوشش مردانی که زبان مارا ساده کردند ومنشات وتوقیعات و مرقعات وفرامین (!) را بصورت نوشته‌های سادهٔ عوام فهم در آوردند ازاین حیث جالب است که بکلیه طبقات اجازهٔ انعــکاس احساسات و ادراکات خود راتفویض کردند مردی که آفتابه میساخت دراجتماع آن زمان گمشده‌ای بود که درهیچ یك ازحساب های اجتماعی بحسابش نمی‌گرفتند .

بنائی که آجر روی آجر میگذاشت «قصابی که لاشه گوسفند را بقناره میکشید» عطاری که نخود نخود حنا وزرنیخ میفروخت «دلاکی‌که دنبالهٔ زلف‌هارادم اردکی میآراست» نوکری که بایك لاقبادم دکان سنگکی بانتظار نان میایستاد لال‌بودند «زیراکه بالائی هابزبان آنها حرف نمیزدند وبزبان آنها نمی نوشتند . گواینکه هنوز در چهار چوب نوشتن نامه های اداری گرفتار کلمات قلنبه‌ای هستیم که معلوم نیست از کجا آمده‌اند ؟ چرا آمده‌اند ؟ وکدام بی سلیقه‌ای آنهارا ساخته ودرزبان فارسی یابهتر بگویم زبان زورچپان کرده‌است وبازهم‌معلوم نیست که باوجود ساده نویسی این کلمات اینجانب ومتقاضی واعاده ـ مرجوعه‌کی گورشان راگم خــواهند کرد ؟ همینکه تحول آغاز شد زبان‌های بسته نیز بازشد واین کلاه‌نمدی ها پرده از احساسات خود» تمایلات و خواسته های خود برگرفتند . میان این دسته از مردم شاطرعباس‌هائی نیز پیدا میشد که باوجود تعلق‌بآنها از گفتگوبزبانشان باك داشت .

زبان همه مثل جوهری که روی کاغذ پهن شود زبان کتاب هاشد . درگنشته خطیب خوب بکسی میگفتند که بالحنی غیر عادی وآمیخته بااطوار خاص دراستفراغ عربی ترجمه‌هــای نا مأنوس ادبی را شکوفــه کنــد . نویسندهٔ خوب بکسی میگفتند که در گیرودار بقیطان کشیدن کلمات مشکل تسبیح حوصلهٔ خواننده را بگسلد . اعوجاجی که دربیان وکتابت بوددست از سرنوشتن نیز برنداشت شکسته و رقاع وفنون مختلف از حروفساده مارهای بیجانی آفریده بود که‌گاه درآغوش هم فرومیرفت وگاه دم‌های بلند خود را تا گوشه‌های کاغذهای مسطر خورده دراز میکرد .

امــا وقتیکه کوشش ساده نویسان بجائی رسید مقلدان دامنه تقلید را بدانجا کشیدند که اگر کسی زبانش میگرفت گفتگویش رابهمان طرز ثبت میکردند . اگرکسی مانند مراد موسوی قفل را قلف‌میگفت تبدیل غلطبیان‌را به درست کتابت جرح وتعدیل ناروامی پنداشتند .

ذکر مثال بافراوانی‌شاهدبی جاست . دراین راه برخی چنان پیش تاخته‌اند که‌چون نوشته هایشان راازشهری بشهری برنــد داستان نوشته های ملا را بخاطر میآورد که‌برای خواندن وفهمیدنش وجود ملالازم بوده است افراطدربکار بردن اصطلاحات‌عوام‌وثبت‌آنچه‌برزبانها جاری است برجریدهٔ ادب ناصواب است . زیرا که بتدریج ادبیات منشور ما رااز «فارسی شکر» جمال‌زاده‌به زبان های محلی سوق خواهد داد .

زبان آباده‌ای رارشتی نمی فهمد و رشتی ازدرك «مزه‌های» لهجه‌اصفهانی معذور است . امارشتی واصفهانی و جنوبی وکرد فارسی راستاحسینی را کما بیش می فهمند .

انباشتن فارسی بامتلك‌هاواصطلاحات تهرانی آنهم بهمان طرز که اداعمیشود سازندهٔ نوع خاصی اززبان فارسی است که فقط درتهران میتوان فهمید .

آنکس‌که مینویسد«هوا گرگ‌ومیش بود جعفر به زنش گفت جونت بالا بیاد پاشو نمازتو بکمرت بزن یه‌چائی بده زهرمار کونم لنگه ظهره آخه اگه یه دقه دیربریم صاحب کار بی انصاف هزاربد و بیرا میگه وزرتمو قمصور

میکنه» فقط برای همان جعفر ویابرای همسایگان جعفر می‌نویسد نه‌برای‌لرها وکردها وکرمانیها ولاهیجی‌هاکه‌مسلماً معنی و مفهوم قمصورشدن زرت را درنمی یابند .

این یك بیماری است که نویسنده مثلا امثال و حکم دهخدا را ورق بزند ونوشتهٔ خود را مصنوعا باامثلهٔ رایج اززبان افتاده آنهم بلهجه تهرانی بخیال خود بیاراید . این یك بیماری است که کلمات دست وپا شکسته و نامأنوس وغریب روی کاغذ هالنگر بیاندازند وکم‌کم املا وانشاء فارسی شیرین به مونولوگ ودیالوگ‌های فلان سیاه نمایش های روحوضی ومکالمات چاقوکشی‌هاو فاحشه ها ولات‌ها تبدیل شود .

واما بعد ...

از بیماری‌های دیگرمتداول بیماری صدور کلمات قصاراست . این بیماری درزمان حال بدان پایه از شدت وحدت رسیده است که گرد آورندگان کلمات قصاربزرگان خود درتاب وتب صدور بیمار میشوند «آری ! جنگ یك اضطراب است» (۱)

بدیهی است که تعیین کننده کلمات قصاراجتماع است . یعنی‌ازمیان‌نوشته‌ها وبیانات بزرگان وهنرمندان گاه‌جملاتی درنهایت درخشندگی وعظمت جلوه گری میکند .

(محمد دیدن وموسی شنیدن
شنیدن کی بود مانند دیدن) یك بیت است اما اجتماع فقط یك مصرع را انتخاب میکند ودر مجاورت بکار میبرد .

(زلیخامرد ازاین حسرت که‌یوسف
گشت زندانی
چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی) مطلع یك‌غزل است . امااز این غزل برزبان اجتماع یك مصرع نشسته است. (توانا بودهرکه دانا بود– به دانش دل پیر برنا بود) بیتی از شصت هزار بیت شاهنامه است . (بدین شکستگی ارزد بصدهزار دوست) کوتاه ترین قسمت منظوم از آثار منظوم یك شاعراست .

اینها ونظائر بسیارش را اجتماع استخراج کرده است ودر برخی موارد دقیقاباا‌صول زندگی هم جا افتاده است . اما بیمار صدور کلمات قصار میکوشد که جز کلمات قصار نگوید و ننویسد . جمله باید کوتاه باشد و یکدنیا معنی را در آغوش خـــود بفشارد .

هووارد فاست در کتاب همشهری توم بین آنجا که فرانکلین میگوید (جنگ بداست .) عظمت واهمیت این جمله را درپندار قهرمان داستان با (نمك‌شوراست) یکسان می بیند . و براستی که بسیاری ازکلمات قصار که مخصوصا ثبت دفتر واعظان وخطیبان روز گار شده سخت مبتذل وپیش پا افتاده است .

در گمرك‌نیویورك ازنقاشی میپرسند نامت چیست‌جواب میدهدسالوادوردالی میپرسند شغلت چیست جواب میدهد نبوغ ـ ازاو میپرسند ـ به عقیده‌تو پیکاسو بزرگ‌تراست یا . . . جواب میدهد سالوادردالی بزرگ است اینها نمونه حرف‌هائی است که بیمار مبتلا بصدور کلمات قصارقی میکند .

این بیماری سابقه داراست ولـی سرایت آن جدید است میتوان گفت که باب روز است . مخصوصا کسانی که خود رادر صف‌هنرمندان زور چپان کرده‌اند برای صدور کلمات قصار زور میزنند ، سکوت میکنند ، مارزبان را در حفرهٔ دهان می خیسانند .

شبیه بطفلی که آلوی خشك دردهان گذاشته باشد آنرا می مکند می غلطانند وناگهان بجا یا بیجا هستهٔ‌اندیشه‌ها را بیرون میاندازند . درون‌بیمار آشفتگی چندان است کـــه حصول آرامش‌جز بااستفراغ محتویات که‌فشردهٔ خزعبلات است ممکن میگردد .

کلمات قصار مثل هرموجود دیگر تابع دگرگونی هابوده ودر مسیر تحول اگر شکل خود را عوض نکرده ماهیت متغییرداشته است . زمـــانی بصورت «وطن درخطر است» یك دســـتور خونریزی بظاهرآراسته وزمانی بصورت «جنگ هفتاد ودوملت همه را عذربنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند» یك درس بیدینی وبی قیدی رندانه بوده‌است . کلمات قصار را درگذشتهٔ ـوربرای پند ونصیحت بکار میزده‌اند وعجیب آنست که مدتی بدیر انجامید تادر یافتند که «نرود میخ آهنین برسنگ » کلمات قصار درلباس پند تازیانه‌ای نبود که گمراهان رابراه هدایت کند نغمه‌ای کوتاه وموزون بود که درسامعه‌اثری‌خوش داشت . بعبارت دیگر گوینده ازتکرارش احساس غرور میکرد وشنونده از شنیدنش محظوظ میشد . اما در اکثر موارد گوینده واعظ غیر متعظ بود وشنونده دریافت کننده‌ای که **باگوشی میگرفت** واز گوشی بدرمیکـــرد . زمـــانی جمعی می‌نشستند که تاکلمات قصاررا بیابند . مدت کوتاهی (مخصوصا پس از توسعه چاپ‌درکشورها) رواج یـــافت کـــه نویسندگـــان کلمات قصار خود را از سائر نوشته ها مثلا با **حروف ۱۲ سیاه** مشخص میکردند . حالا جمعی‌میکوشند که کلمات قصار بسازند .

دریك نمایشنامه شاهزادهٔ چینی ساده لوح که بدربار سلطان عــرب بخواستگاری دختر شاه رفته است‌تصمیم میگیرد که بقول خودش حرف های بزرگ بزرگ بزند ومیگوید «فیــل حیوان بسیار بسیار بزرگی است» یا «گردن زرافه خیلی خیلی‌درازاست» در میـــان نوشته های بیماران صدور کلمات قصار ازاین قبیل فرمایشات که در معنی بقول عارف دردریات است بسیار میتوان یافت ـــ جملاتی که ظاهری عظیم دارد اماچون بشکافند توخالی تراز پستهٔ پوسیده است .

مثلا این جملهٔ **مارك توآین** «وقتیکه انسان جاه ومقامی بدست آورد خویشان دورباونزدیك میشوند»

یا این گفتـــه **جون اشتنبك** « میان جاندران انسان یگانه موجودی است که بدون احساس تشنگی آب میخورد بی آنکه گرسنه شود غذا می خورد و بی آنکه مطلبی را بیان کنـــد حرف میزنند»

یا فرمایش **روبرت استاندیش** « در دوستی اختیار انتخاب هست ولی در عشق باید مردم را هرطور باشند تحمل کرد .»

یا اظهار حیات **آلفونس کار** «زنان این وجه اشتراك را با مردان دارند که نسبت به همسر خود وفادار می‌مانند تازمانی که موقعیتی برای بی‌وفائی پیش آید . بااین تفاوت که مرد بـــه جستجوی این موقعیت میرود وزن آنرارد نمی‌کند»

گاهی صادر کنندگان کلمات قصار جواب های دندان شکنی هم میشنوند مثلا جون اشتنبك بیکی از رفقای خود میگوید «نویسنده باید استعداد را انتخاب کند وپاثروترا . زیرا استعداد بدنبال خود ثروت میـــآورد وثروت استعداد را نـــابـــود میسازد» رفیقش میگوید «توهـــم ثروتمند شده‌ای !»

سرطان صدور کلمات‌قصار دربعضی‌ج
ریشه دوانیده‌است که چون گرد
می نشینند ولبان را بلبهٔ فنجان
قهوه آشنامیسازند وگل‌گفتن‌وگل‌شن
آغاز میشود جز جملات فشرده وک
برزبان نمیرانند . هنگام صدورا
غرورند وآرزومند آنکه خبرنگاری
دست کم نوچه ادیبی در حول وح
باشد واستفراغاتشان را از هضم
بگذرانند وبخ‌بخ بگوید .

اما بکار برندگان کلمات قصار
بیماران صدور شگفت انگیز ترند
آنها که قدیمی ترند گفته‌های پیشین
را ضمن سخن چندان قرقره میکنند
حال هر هنردوستی از شعر وشاعری
میخورد .

گروهی که در حلقهٔ طلاب نشست
یا خودی بحوزه‌های علمیه رسانید
بحدی بجاوبیجا عـــربی آب نکش
تحویل شنونده میدهند که داستان
طالب علم حقیقت گورا خاطـــر
میکنند (طالب‌علمی میگفت سال نخ
استاد میگفت ومانمی فهمیدیم ـــ
دوم مامی‌گفتیم واو نمی فهمید .
سوم همه میگفتیم وهیچ نمیفهمید
جالب آنکه بکار برندگان کلمات ق
می‌پندارند که بهترین وسیلهٔ استد
استعمال گفته های این وآن است‌ج
سعدی فرموده است که دروغ مصل
آمیزبه‌ازراست‌فتنه انگیز است د
راباید گفت واز فتنه پرهیز کرد .
روی حرف سعدی میشود حرف زد

خـــریـــداران کلمات قصار بی
وکلای دادگستری‌هستندوگاه دادست
نیز استناد بفرمایش فلان بزرگ را
از استنباط شخصی وسیلهٔ اثبات ا
خود قرار میدهند .

مردی انسانهارا طبقه بندی ک
است ـ قیافه‌هارا با حیوانات تط
نموده این آدم شبیه بروباه است
روباه صفت است .

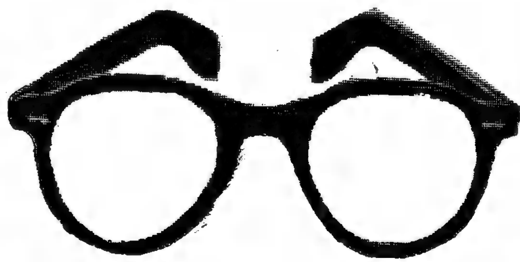
به چهره این آدم کش نگاه
تمام خصوصیات آدمکش هادر قیافه
نبت است .

برای استناد بکلمات فلان بز
حتما لازم وضروری نیست کـــه
بزرگ حرفی زده باشد . بنام
بزرگ صادر کردن کلمات قصار هم
آب خـــوردن است ولتر گفته
«خوشابحال کسانی که ندای وج
را برطاق نسیان میکوبند» اگر منک
بروید وبآثار این تجلیل کننده

(۱) از کتاب سخنان بزرگ

اجعه کنید (البته در صورتی که
صت داشته باشید)
یك مقدمه نویس برترجمهٔ فارسی
اب جنگ‌و صلح تالستوی نوشته است
لزاك نویسندهٔ مشهوروبزرگ‌فرانسوی
نقد است‌که این کتاب سلاح ورد
نماد نویسنده است وتالستوی خواسته
ت بااین سلاح گاو آهنی بسازد تا
راند زمین را برای افشاندن بذر
تماع بشری نوین آماده کند .»
لطف کار درابنست که بالزاك درسال
۱۸۰ درگذشته وکتاب جنگ‌وصلح‌در
ل ۱۸۷۶ بچاپ رسیده ومنتشر شده
ت .
بنام بزرگان بسیاری از فرمایشات
میتوان قالب زد وحتی داستانسرائی
رد . البته در این قبیل داستانها که
ی ساختگی بودن آن بانخستین‌توجه
کار میشود مشحون از کلمات قصار
ت مثلا (ازکرونین نویسنده انگلیسی
اخیرابه پاریس رفت پرسیدند که
یده‌اش راجع به محدودیت توالدو
سل چیست ؟ جواب داد مخالفم برای
که پنجمین فرزند خانواده‌ام) اگر
ل نمیکنید که این داستان ساختگی
د بآسانی قبول میتوانید کرد که
ال کننده به بیماری صدور کلمات
ار مبتلا بوده است .
در میان سیاستمداران مبتلایان باین
اری زیاد دیده میشود حتی سزار
قع مرگ آخرین جمله کوتاه خودرا
در کرده است «بروتوس توهم ! »
یجناب ناپلئون نیز برای شکار
مه‌های عفریت جنگ کلمات قصاری
در فرموده است . این جمله که‌فقط
منه وعظمت دارد وتوخالی ترین
له ایست که برقلم یکی از افراد
ناچیز صادر شده از همان مرحوم
«غیرممکن غیرممکن‌است» باتوجه
جمله بایدگفت‌که امپراطورمعزول
بخروج از سنت هلن رانداشته
گر میخواست غیر ممکن نبود .
هنگام بازگشت از آلب دراعلامیه‌ای
صادر میکند مینویسد «ماشکست
ورده‌ایم ومیتوان غلبه را تجدید
. پرچم هائی را که در گذشته
راز سرداشتید بار دیگر بر افرازید
وی سر پرست دیرین خود بشتابید
ع کلیسای نتردام در انتظار اهتزاز
م ماست» نتیجه برافراشتن پرچم بر
ی کلیسا خونریزی در صدروز !
رچیل نیز از مبرزین صادر
کنندگان کلمات قصار است « من بملت
جزاشك وخون وعده‌ای نمیدهم»
بوان هنگام حمله بـه کانال سوئز
گفت «ملتین انگلیس وفرانسه خاطره
مادام بوواری‌را تجدید کرده‌اند که از
گناهی به گناه دیگررفت‌وسرانجام خود
را کشت»
اینها زیبا — صریح ودلنشین است —
اما اگر بوان وچرچیل میخواستند
دائما سرقلم بروند وکلمات قصار صادر
کنندبکارهای دیگرشان نمیرسیدند .
مطبوعات امروز مشحون از کلمات
قصاری است که بیماران ادبی صادر
کرده‌اند برای نمونه :
— کیمیائی که برای بدست آوردن
آن بدبخت میشویم نیکبختی است
— خداوندا‌حال که‌مرازیبا نیافریدی
چه میشد که‌همه زنان‌رازشت میآفریدی
— عشق کودتائی است که از طرف
قلب دربدن انجام‌میگرددواغلب انگشت
ظریف ولطیف یك خارجی هم دراین
جریان مدخلیت دارد .
— مسواك دلاك‌دندان است وسلاح
قاتل مجاز خودکشی حماقتی جبران
ناپذیراست وآفتاب بخاری آسمان .
— هیچ‌چیز ازاین دوست داشتنی تر
نیست که شخصی عمق فکرانسان را
بخواند بشرط اینکه خودش بـاشما
موافق بـاشد (والبته شماهـم انسان
باشید)
— مست کسی است‌که اغلب خدمتکار
خانه رابجای زن خود میگیرد .
— بی احساسات بمردی میگویند
که خانمی زیبا وعشوه‌گررا بغل دست
خود نشانده باشدوهنگام عبورازخیابان
هاتصادف نکند .
— از سلیمان پیغمبرنقل است که
فرموده مردی‌که بدنبال زنی افتد تا
بااو عشقبازی کندرست مثل‌گوسفندی
است که باپای خود بسلاخ خانه‌میرود .
— هیچوقت سعی نکنیـد زنـان
راستگو وسربراه رابازدواج خود در
آورید چه اگر زنی دروغگو وحقه باز
نباشد باید درزن بودنش شك کرد .
— ادب بزرگترین سرمایه است .
این مکالمه منسوب باوسکاروایلدرا
نیز بخوانید :
« — من به نژاد خود ایمان دارم
زیرا ته مانده آن دوره هائیست که
یك‌چیزی بوده
— ولی صاحب دهـاء و تـرقی
است .
— انحطاط بیشتر مرا جذب میکند .
— قضاوت شمانسبت‌به هنرچیست ؟
— نوعی مرض
— نسبت به عشق چه میگوئید
— نوعی خیال
— مذهب ؟
— مترادف دنیا پسند
— شمامردبی ایمانی هستید
— نه ! شك‌وتردید آغاز ایمان
است
— پس‌چه هستید ؟
— تعریف موجب تحدید وانحطاط
است
— یك رشته بدست من بدهید
— نخ پاره میشود وشماسر درگم
میشوید» .
تصدیق کنید کـه در این مکالمه
سئوال کننده وجواب دهنده هردوبه
بیماری صدور کلمات قصار مبتـلا
بوده‌اند .
اما جالب آنکه اعتقاد به کوتاهی
واختصار در نقاشی ومجسمه‌سازی نو
باشدتی هرچه تمام تر رخنه و رسوخ
کرده است . دریکی از نمایشگاه‌های
ژنو که منحصرادر اختیار یکـی از
دریـافت کنندگان بی‌ینـال ونیز قرار
داشت سنگی دیدم که تنها ضرباتی‌چنداز
تیشه هنرمند نوش جان کرده‌بود —
اسمش را گذاشته بودند «خمیده» در
حالی که تمام سنگ درراستی انعطاف
ناپذیری مستغرق بود — درنمایشگاه
دیگری پرده‌ای دیدم بنام غروب که
تنها از یك لکه بی شکل سرخ برصفحه
کاملاسفید تشکیل میشد .
ت . ۱ — الیوت شاعر انگلیسـی
شعری داردبعنوان «چهار شنبه‌خاکستر»
البته ازهمین عنوان میتوان دریافت‌که
خاکستر هم شنبه ویکشنبه دارد ومسلما
طبق قانون کار از تعطیلات هفتگی و
مرخصی های سالیانه استفاده میکند .
این شعر مجموعه‌ای از جملات کوتاه
است ازاین قبیل از آنجا که میدانم‌که
زمان همیشه زمان است .
ومکان همیشه مکان است
. . .
عشق کام یافته
انتهامی پذیرند
پایان بی پایان ها
وبالاخره
کلام بی کلام — کلامی دردنیا وبرای
دنیاست
تاآنجاکه :
وحتی میان این صخره‌ها
آخواهر مادر
وروح نهر — روح‌دریا
بگذارجدانباشم
وبگذار نالهٔ من بسوی توآید .
دراین مختصر از ذکر نمونه های
بسیاری که فراهم کرده‌ام خود داری
میکنم — به اعتقاد من انتخاب شیوهٔ
اختصار پسندیده است امانه آن حدکه
یك‌جمله بنویسند وانتظار داشته باشند
که خوانندهٔ کم سوادی یك دنیا معنی
رابه کمك گمان وژرف‌اندیشی دریابد
واحساس کند
هنر چیست ؟ هرچه باشد یقین دارم
که اینها هنر نیست . . .
بیماری است . —

سخنی درباره «فئودالیسم»



از پرویز داریوش

هنوز نیك روشن نشده است اساس دستگاه‌فئودالیسم که اینك به شرح‌اجمالی آن همت خواهیم‌گماشت باقیماندهٔ تمدن روبه‌زوال روم است یا میراث هجوم وحشیانه اقوام ژرمن به اروپا . یا شاید چنانکه برخی از مؤرخان که زیادگرد تعصب بردامان نداشته‌اند میگویند : ترکیبی از آن هردو به اضافه آذین‌هایی از اعتقادهای مسلمانان پیروز افریقا و اسپانیا و نورمانهای ساکن شمال فرانسه و انگلستان باشد . هرچه هست دستگاهی بوده است که مدت پانصد سال، یااندکی بیش و کم ، از حدود سال پانصد میلادی تا هزار میلادی که نزد مورخان عموما **قرون وسطی** نام گرفته است ، درسراسر دنیای غربی رواج داشته و از آن پس در دستگاههای حکومت کشورهای‌خاور نزدیك و میانه نفوذ یافته و به‌صورتی که جنبه تشریفاتی آن برواقعیت اصلی می‌چربد در کشورهای سلطنتی اروپای غربی و شمالی باقی مانده است.

در بدو زمانی که به حکم‌قرارداد، در این مقال آنرا مبدأ قراردادیم ، آن مقدار از اراضی مزروع را که به اضافه لوازم دیگر زندگی از قبیل آهنگری و کفشگری و نانوایی و گوشت‌فروشی و دام‌پروری ومرغداری و کلیسا و داروغه و امثال آن یك واحد کامل و مستقل و مستغنی بوجود می‌آورد یا به عبارت دیگر از لحاظ ظاهر احتیاجی به‌خارج از خود نداشت ، «ملك» میخواندند. این واحد بتدریج چنان بررگ شد و چندان اهمیت یافت که از یکسو شهرها را محتاج خود ساخت و از دیگر سوی امور بازرگانی را منقاد خود کرد . ناگزیر می‌توان دید و دانست که املاك، مانند زمان ما ، به‌یك‌اندازه و با یك قدرت نبوده‌اند. هم از حیث وسعت و زراعت و کثرت حاصل و بالنتیجه‌ثروت با یکدیگر تفاوت‌های فاحش داشتند ، و هم ازلحاظ سازمان‌های داخلی و گونهٔ بستگی و وابستگی که میان هر ملك با املاك مجاور و بالمآل با دنیای خارج موجود بوده است . از یك نظرگاه‌خاص، می‌توان گفت که هر ملك اربابی داشته است و رعایایی . رعایا همان کشاورزان و شبانان و دکانداران و نگهبانان و روحانیان هرملك بوده‌اند و ارباب که خود معلوم است . رعایا خود قطعه‌زمینی را در قلمرو «ملك» ارباب « مالك » بوده‌اند و به حد امرار معاش در آن زمین کشت میکرده‌اند. جز آنکه‌به‌عنوان سپاسگزاری از کرم ارباب و اینکه در حدود مایملك وی ساکنند ، در هفته چند روزی را رایگان و بلاعوض در واحد ملك او کار می‌کرده‌اند و جزوی از حاصل خود را که **شاید قطعا** از نیمه آن افزون بوده است هرساله به ارباب تقدیم می‌داشته‌اند . ارباب به منظور حفظ‌سکون و آرامش و بسط عدالت در حد ارضاء رعایا ، خود دیوانخانه‌یی داشت که اختلافات رعایا را در آن حل و فصل میکرد . **اما هر ارباب خود مالك ملك** نبود ، یا به‌عبارت درست‌تر ، کمتراربابی بود که مالك ملك تصرفی خود باشد . حل این معما بسی آسان است ،که‌اربابی والاتر و نیرومندتر آن ملك را طبق شرائط مسلم و عدول‌ناپذیری در اختیار ارباب کوچکتر می‌گذاشت و در ازاء از او نیروی نظامی و حمایت سیاسی ومال و پول میخواست . به یك حساب ارباب کوچکتر خود رعیت ارباب والاتر بود . و همچنین تا به‌بالاتر . اکنون توجه می‌کنیم که لفظ **Feudim** در لاتین عبارت است از هبه یا **اعطاء قطعه‌یی** از جانب ارباب به رعیت . از همین کلمه . فئودال و فئودالیسم ساخته شده است . و نیز درنظر میگیریم که رابطه بین هر ارباب کوچك با ارباب بزرگی‌یکسان و همنواخت نبوده است ، کمی و بیشی همه‌جا درکار بوده است ، میزان‌ستمگری و ستمکشی خود راهنمای آن رابطه بوده است .

اما نحوه پیدایی«فئودوم» بدینگونه بوده است که چون کشور روم در جهانگشایی سخت پیش‌رفت و بیش از وسع خود مردمان گونه‌گون را به زیر یوغ خویش درآورد ، نگاهداشتن امن و امان و سکون و آرامش وپرداخت وظیفه و مقرری و رساندن لباس و خوراك و جز آنها امری سهل و ساده نبود و به یك معنی هرروز بر دشواری آن می‌افزود . مالکان عمده یا همچنان که گفتیم اربابان بزرگتر که رعایای افزونتر درملك خویشتن داشتند، اعتباری خاص یافتند ، جیره و مواجب میدادند، نظم و قرار مستقر میساختند و پاداش و کیفر میدادند و خود سرکرده حدود خود میشدند . چون نوبت به هجوم اقوام ژرمن رسید ، هرسرکردهٔ سفیدگونهٔ بورموی زاغ چشم ژرمن که بر خطه‌یی استیلا می‌یافت «اربابی» را خاص خود میخواست و میکرد . اما بتدریج که روم منحط و زائل شد و وحشیان سابق با رومیان درآمیختند و حکومت را از آن خود کردند قرار بر آن شد که فرمانده و والی هرمحل از جانب شاه تعیین گردد و کارگزار شاه‌باشد . اگر به‌قول پنجاه سال پیش ، شاه « حاکمی » از ژرمنها یا رومیان به محلی می‌فرستاد به او لقب و عنوان «کنت» میداد ، و اگر یك تن والی می‌فرستاد اورا«دوك» میخواندند . گاه چنین پیش می‌آمد دو یا چند «کنت» که ناگزیر ارباب بودند **«دوکی» برسرداشتندکه ارباب‌ایشان بود** و خود «رعیت» شاه . این« شاهکان » خود به‌نوبت باافزودن مال و نیرو وتوان به‌حدشاهی میرسیدند جز آنکه به‌ندرت عنوان شاهی می‌گرفتند . گاه از شاه خراج می‌ستاندند اما به‌ظاهر بر اوکرنش می‌کردند .

در دوره سلطنت سلسله‌کارولزین در فرانسه رسم چنان شد که چون شاه کنتی یا دوکی تعیین می‌کرد نخست **بهره را از او پیش می‌گرفت** و در ازاء ملك عظیم یا کوچکی بسته به میزان پیشکش

به‌عنوان بدومی‌بخشید. "Boneficcium" این لفظ را می‌توان به «تیول» فارسی کرد که خود مغولی است ونحوه‌عملکرد شاهان وسرکردگان مغول را در این‌سوی گیتی می‌ماند . هرصاحب تیولی که به‌هرحال و هر تعبیر همان ارباب‌بزرگ بود از خود دیوان عدالتی داشت و مالیات رعایا را توسط ماموران خود تحصیل میکرد . در ازاء اضافه بر آنچه از پیش داده بود عده‌یی را که خود تعیین میکرد با سلاح و جهاز کامل و معونه سالانه به‌خدمت شاه میفرستاد . در ابتدا ، «تیول» خاص شاه بود و اگر شاه «تیولدار»ی را عزل میکرد«تیول» ازو منفك بود . اما به‌تدریج صاحبان تیول بدین سهولت ید مالکیت را ازتیول نگشودند و چه بسا که شاه ناگزیر شد به جنگ کنت یا دوکی برود و عاقبت هم کاری از پیش نبرد و میانداران به میانداری خاستند و ظاهر امر را فیصلهٔ دادند .

چون نوبت سلطنت به شارلمانی بزرگ رسید خواست تا باپیش گرفتن روشی عاقل‌پسند بهبود در کار پدید آورد . پس بازرسان برگزید و به‌اکناف امپراطوری گسیل داشت . به هرسو دو مفتش در مصاحبت یکدیگر میرفتند : یکی روحانی و آندیگری غیرروحانی. اما شارلمانی چندان سودی ازاین شیوه پسندیده نبرد . مسافات بعید بود ووسائل ناقص ، و ازاینروی مشیت امپراتوربسیار دیر صورت عمل می‌یافت و آن خود سودی نداشت .

امپراتوری وسیع شارلمانی شامل فرانسه و بور گاندی و آلمان و ایطالیا واطریش بود وچون او مرد ، پراکندگی عظیم درگیرشد و سرکردگان قیام‌کردند و شاهی را برای خود خواستند . نتیجه این طغیان‌ها آن بود که تیولداری موروثی شد و پسر بزرگ هر دوك و کنتی پس از مرگ پدر دوك و کنت می‌شد .

دارنده تیول را Vessal میگفتند و بخشنده آنرا Suzerian نخستین به‌معنی رعیت است و دومی به معنی فرمانفرما . همچنانکه بازنمودیم این هر دو ، از طبقه اشراف و اعیان بودند جز آنکه از حیث درجه و اعتبار بریکدیگر امتیاز داشتند .

اما ژرمن‌های مهاجم یابه‌تعبیری مهاجر ، در مشابهت با همین دستگاه چیزی داشتند که آنرا Comitatus خوانده‌اند . کومیتاتوس عبارت بود از یك سرکرده جنگی و گروهی افراد جنگنده . با شیوع کیش عیسی در اروپا و گرویدن وحشیان مهاجم بدان و رواج یافتن صومعه‌ها و عمل بزرگان به وقف یا بخشش املاك عظیم به کلیسا و دیر ، به‌تدریج روسای دینی نیز صاحب تیول شدند یا عملا بدان کسوت درآمدند . و نیز از آنجا که خود لباس روحانی دربر داشتند و فرض آن بود که اهل جنگ نبودند ، سرکردگان جنگی را بخدمت می‌گرفتند و چون شاه از ایشان جهاز و عسکر میخواست آن سرکردگان را با افراد به خدمت می‌فرستادند . گاه نیز با تقدیم نقدینه ، ذمه خود را بری میکردند .

با گذشت ایام ترتیب رابطه میان « واسال » و «سوزرن» یا رعیت و ارباب ، به‌قید قسم وانجام یافتن‌تشریفات برگزار میشد . چنانکه زمانی رسم بود که‌چون رعیت آینده پس از قبول بندگی ارباب و یاد کردن قسم بر مشاهد مقدسان ، بنده ارباب میشد . ارباب اندکی خاك در دست او میریخت و رویش را می‌بوسید . با چنین تشریفاتی مثلاشاه فرانسه ، نورماندی را به‌واسالهای خود که دوك نورمان بودند واگذار کرد . گاه تیول واگذاشته ، زمین یا قلعه بود و گاه سمتی از قبیل محصلی مالیات یا حفظ و اداره محکمه صلح و امثال آن ، که در آن صورت «واسال» هرچه میخواست از درآمد ضبطمیکرد.

ارباب در مقابل سوگند خوردن «واسال» تعهد میکرد که اورادرمقابل تعدیات دیگران محافظت کند و اگر لازم آید لشکر بفرستد و خصم او را براند و حرمت اهل حرم اورانگاهدارد و در محکمه عدالت خود حق او رابرتر از حقوق دیگران بداند . واسال نیز تعهد می‌سپرد که عده‌یی را مخصوص خدمت نظامی ارباب کند . زمانی رسم شد که برای جلوگیری از اتلاف زیاده‌برحد مال و جان افراد ، هرسال چهل روز مخصوص به‌خدمت گماردن افراد یك واسال در محضر ارباب باشد . ازجانب دیگر ، هرگاه ارباب با اهل و عیال و ملازمان‌خویشتن بسفر میرفت و از تیول واسال خود می‌گذشت ، پذیرائی ازارباب و من تبع او ، افتخاری بود اجباری ؛ واسال خواه و ناخواه هیچگونه‌مضایقه‌یی درضیافت ارباب روا نمی‌داشت . برخی امور نیز بود که ضیافت را از جانب واسال به‌صورت‌تکلیف واجب درمی‌آورد. ازآنگونه بود به شوهر رفتن دختربزرگ ارباب که جهیز او نیز عملا برعهدهٔ واسالهای وی بود . و چون بزرگترین پسر ارباب به سنی میرسید که دریافت لقب و عنوان برای او مسلم میشد ، واسالها میهمانی عظیم میدادند و برحلول این افتخار شادیها میکردند و عده‌یی جنگجو با اسب و لوازم تقدیم حضور میکردند .

و اما زن بردن واسال امری نبود که با دل او پیوند داشته باشد . ارباب بایست زن را میدید و می‌پسندید و برمی‌گزید .

اگر واسالی بی‌تدبیر میخواست‌زنی ازخاندانی ببرد که با ارباب او میانه خوشی نداشت تیر بلا را به جان‌خریده بود . اگر واسالی می‌مرد بی‌آنکه‌فرزندی به‌جا نهاده باشد ، تیول به‌ارباب‌بازمیگشت اگر وارث واسال پسری خردسال بود ارباب قیم او میشد .

بقیه در صفحه ۵۰۷۰۲۷.



ترس چیست ؟

شبی درافریقا در حدود یکسال پیش درماموریت اخیرم ، در یکی از شبهای کیگالی بود که به کتاب **جواهر لعل نهرو** موسوم به «**اکتشاف هندوستان**» بر خوردم . این کتابی است که نخست وزیر هندوستان ، در سالهای اسارت خود در قلعه احمد نگار نوشته است و از کتابهای آموزنده زمان ماست. درآن جائی که **نهرو** حکایت از ظهور گاندی و فلسفه و تعلیمات و نهضت سیاسی او میکند متوجه شدم که **گاندی** اساس مبارزه خود را بر جنگ همه جانبه علیه ترس قرارداده بود.

نهرو در کتاب خود عینا مینویسد :«جوهر تعلیمات او (یعنی **گاندی**) بی باکی و حقیقت توام با عمل بود ، بااین فکر که همیشه باید رفاه و بهبود حال توده های مردم را در نظر داشت . کتب قدیمی ما بما گفته بودند که بزرگترین مظهر کمال یك انسا ن و یا یک ملت در اصل **ابهایا** ABHAYA یا بیباکی است ومقصود از بیباکی نه تنهاشجاعت جسمانی بلکه رهائی روح از ترس است. در صبح تاریخ ما ــ **چاناکیا ویاگ ناوال کا** گفته بودند که وظیفه رهبران یك ملت در آنست که مردم را بیباك سازند ولی حسی که در زمان حکومت انگلیسها بر تمام هندوستان غلبه داشت حس ترس بود ، ترس سرایت آمیز ، ترس خفه کننده واختناق آور ، ترس ارتش و پلیس و سرویس جاسوسی سرتاسری ،ترس کارمندان و طبقات رسمی ،ترس از قوانینی که بخاطر از بین بردن مردم وضع میشد، ترس از زندان ،ترس از مباشر ،ترس از صراف و آنها که پول بقرض مـی دادند، ترس بیکاری و گرسنگی که همیشه درآستانه در ایستاده بود . درمقابل این ترس همه جانبه بود که صدای آرام و مصمم گاندی بلند شد که میگفت : نترسید ! ...

و **نهرو** کمی بعد اضافه میکند : «گوئی در یك لحظه آن یوغ سیاه ترس از دوش همه برداشته شد . البته نه کاملا ولی بدرجه خیره کننده‌ای برداشته شد و همان اندازه که ترس همدم نزدیك دروغ است حقیقت نیز بدنبال پاکی میرود . مردم هندوستان خیلی صادق تر از آنچه بودند نشدند و طبیعت ذاتی آنها هم در یك شب تا صبح تغییر نکرد . ولی با همهٔ اینها ، بهمان میزان که احتیاج بدروغ گوئی و رفتار مخفیانه و پشت پرده کمتر میگردید آن تغییری نیز که در منظرهٔ کلی دریا پیدا میشد محسوس بود . این یك تغییر روانی بود چنانکه گوئی یك متخصص فن روان کاوی باعماق گذشتهٔ بیمار راه یافته بود . سرچشمهٔ عقده های روحی او را پیدا کرده و آنرا به بیمار نشان داده و بدین ترتیب وی را ازاین بارگران فارغ ساخته بود .. »

ازآن تاریخ ببعد هرچه بیشتر در این مسألهٔ اساسی ترس دقت ومطالعه کردم بیشتر باهمیت و ریشه های دور و دراز آن پی بردم ، بدرجه ایکه این توجه اختصاصی صورت یکنوع (ابسیون)یا وسوسهٔ ذهنی را بخودگرفت . شاید اکنون هم که با شما گفتگو میکنم ندانسته گرفتار همین وسوسهٔ سماجت آمیز باشم . ولی گوئی این قبیل ابسیونها گاه لازم باشند زیرا بمشعلهائی میمانند که بدون آن پیشرفت در تاریکی مشکل و یاس آور میشود . بهرحال دراین مدت اخیر هرچه بیشتر دربارهٔ ایـن مسأله فکر کرده‌ام بیشتر بدین نتیجه رسیده‌ام که ، نه تنها در هند قبل از استقلال ودرزمان ما بلکه درهمه جا و درهمه دورانها ، ترس مسلما از اساسی‌ترین مسائل انسانی بوده و هست و تا موقعیکه در مرکز دنیای فردی و اجتماعی قرارگرفته است و همه چیز را تحت‌الشعاع خود قرارمیدهد، رشد وسلامت فردی واجتماعی ماهم امکان پذیر نیست .

ترس چه میکند ؟

شاید اغراق‌آمیز نباشد که بگوئیم ترس خطرناکترین و مهلکترین آفتی است که زندگی انسانی را تهدید میکند و بهمین جهت وظیفهٔ هرانسان متفکر و روشن بین است که آنرا در هر حالتی که ظهور کند بشناسد و ازمیان ببرد تا ترس و مأمورانش نتوانند از خارج و از داخل چنان برما مستولی شوند که مراکز دید و تفاهم ما را دربست دراختیار خود قراردهند، ما را بکارهائی وادار سازند که بخاطر حفظ خود باید از آنها دوری بجوئیم و از کارهائی بازدارند که یگانه راه نجات ما درآنست . و این خاصیت‌اصلی ترس است که ما را بکارهائی که نباید بکنیم میکشاند و از کارهائی کـه باید انجام بدهیم بازمیدارد .

خاصیت دیگر ترس آنست که بمانـنـد شیطان چهره های مختلف بخود میگیرد و در لباسهای گوناگون ظهور میکند و تصادفا چنان باصول معاشرت ودیپلماسی آشناست که غالبا بلباسهائی که مورد پسند مردم است در میاید تا از راه دوستی و همدردی در دلها راه یابد . یکجا درلباس شجاعت و قدرت نمائی تجلـی میکند . جائی دیگر بصورتهای عشق و توجه و ادب درمیآید . همه جا انسان را باسم حفظ او از مرگ بدامان آن میاندازد و زندگی را در او فلج میکند .

با این صفت جای تعجب نیست که از **چاناکیا** و **یاگ ناوال کا** گرفته تا گاندی و دیگران وتمام‌آنهاکه میخواهند علم روانشناسی و روان کاوی را براساس محکم علمی استـوار سازند ، تا این اندازه بمسألهٔ ترس اهمیت داده اند . باید گفت با کشفیات و اکتشافات این علوم در واقع برای اولین بار بما فرصت

داده شده است که مسأله ترس را با دیدی که خود فارغ ازترس باشد مورد مطالعه قراردهیم. زیرا **چاناکیا** **ویاگ‌ناوال‌کا** و امثال آنان و رویهمرفته بیشتر مکتبهای فلسفی که درگذشته بجنگ ترس برمیخاستند خود ندانسته مهمترین اسلحه خود را در این راه از همان دنیای ترس میگرفتند بدین معنی که با ایجاد ترسی عظیم‌ترکه بدان‌جنبه‌های ماوراءطبیعی وماوراء انسانی میدادند بجنگ ترسهای باصطلاح زمینی میپرداختند . ولی تنها پیشرفتهای اخیر و حیرت انگیز علوم فنی و اجتماعی و روانی است که برای اولین بار بما اجازه میدهد که باصطلاح از خارج از دنیای ترس بمطالعهٔ این پدیده بپردازد و اناتومی آنرا بدون ترس تشریح و با آن یك مبارزهٔ واقعی و عقلانی کند .

لازم بتکرار نیست‌که این مبارزه ، در شرایط فعلی دنیای امروز ، جهادیست که هر انسان سالم و آزاد بایدٔ در آن شرکت جوید ، چون بقول الدوس هکسلی در کتاب فوق‌العاده جالب و وحشتناك خود موسوم به Ape and Essence «عشق ترس رابیرون میراند و بهمان ترتیب ترس نیز عشق را بیرون میراند . و نه تنها عشق را . ترس و هوش را و خوبی را وهرفکرزیبائی‌و حقیقت رابیرون میراند ..»

و چنانچه ما حقیقت و موجودیت خـود و فرزندانمان را مهمترین دلیل وانگیزهٔ زنده بودن خود بدانیم جای آنست که بدین حقیقت وحشتناك بیشتر بیاندیشیم و همه در هررشته و مقامی که میباشیم در ریشه کندن ترس وواهمهٔ تخریبی ، یکدل و یکجان دست بدست یکدیگر بدهیم .

ترس چیست ؟

ترس آن حالتی است که بیك موجود زنده هنگام مواجهه با خطری واقعی ویـا خیالی دست میدهد . درآنموقع ، تمرکزی فوق‌العاده شدید و غالبا ناگهانی بخاطر دفاع از خود مشاهده میشود که بدنبال آن شخص یا راه فرار از خطر را اختیار میکند یا راه جنگ و مبارزه و یا ترکیباتی از این دو راه را میگیرد .

اگر مسأله ترس بهمین مختصر ـــ یعنی عکس‌العمل ساده و گذران در برابر خطـر محدودمیماند درحقیقت مسأله‌ای پیش‌نمیآمد توضیح‌آنکه ترس‌انعکاسی پارئاکتیف درواقع وسیله‌ای موثر و لازم در راه حفظ زندگی و دفاع از خود بشمار میرود و بمردم اجازه میدهد که خود را دربرابر خطرات گوناگون مجهز سازند .

ولی این قبیل ترس متاسفانه فقط درنزد حیوانات مشاهده میشود و در این‌باب خانـم "Bonaro Overstreet" که یکی از جالبترین کتب موجود را دربارهٔ ترس نوشته عکس‌العمل غزالی را شرح میدهد که بمجرد نزدیك شدن خطر در جنگل فرارمیکند و ناپدید میشود . درآنموقع غزال‌فراری نه‌بفکر آنست که‌دیگران دربارهٔ فرار او چه فکر میکنند و نه از خود خجل است که چرا راه فرار را برراه مردانهٔ مقاومت ترجیح داده .. حیوان حتی بفکرش خطور نمیکند که این فرار را توهین تلقی کند چون معنای توهین را نمیداند ، و در نتیجه این امر هیچگاه برای او بحرانهای شدیدعصبی و جسمی بوجود نمیآورد . بعبارت دیگر ایـن فرار، از حدود یك عکس‌العمل عادی و سالم تجاوز نمیکند و هیچگونه اثر یا جراحت عمیق و درمان ناپذیر از خود باقی نمیگذارد . پس از رفع خطر ، غزال آزاد کار مثبت خود را در راه زنده بودن که برای او خوردن و خوابیدن و در یك جمله غزال بودن است ادامه میدهد .

ولی شبیه همین تجربه ساده در روح آدم و بخصوص درزمان کودکی یعنی درموقعیکه نفس انسانی و تصویری که انسان از خود میسازد بخود شکل میگیرد ، مکانیزم پیچیده و دامنه‌داری را بکار میاندازد و یك سلسله عکس‌العملهای زنجیری بوجود میآورد که آثار آن متوجه تمامی شخصیت فرد میشود .

علت اساسی این تفاوت فاحش بین انسان و حیوان آنستکه برای انسان تنها مسأله حفظ بدن درکار نیست و او دارای نفس وروانی است که حفظ آن اقلا بهمان درجه برای او اهمیت دارد ولی راه دفاعش بمراتب مشکلتر و پیچیده تراست .

این نفس از همان لحظه که طفل بدنیا میآید بخود شکل میگیرد و استخوان بندی آن در چهار سال اول زندگی تکمیل میشود . کودك در تماس بازندگی و پیرو تجربیات گوناگونی که بدست میآورد تصویری از خود میسازد که شخصیت بعدی او را تشکیل میدهد و با کمی تغییر عمری بهمراه او خواهد بود . عوامل و خطوطی که‌درساختن این تصویر بکار میرود همان عوامل و خطوطی است که طفل در وهلهٔ اول از پدر ومادر و سپس از نزدیکان دیگر خود و بالاخره از اجتماعی که در آن زندگی میکند بدست آورده است . لازم بگفتن نیست که در اجتماع فعلی ما بخصوص ، این تصویر خواه ناخواه درهم و برهم و مغشوش است . اطفال غالبا با پدر ومادرانی سروکار دارند که خود گرفتار هزاران آلام درونی و عصبی هستند و براثر زندگی دراجتماعی جنگل‌وار و غیر منطقی ، از هیچگونه موازنهٔ حقیقی روحی بهره‌مند نیستند . خودگریبانگیر انواع واقسام ترسها هستند و با دنیای دیگران روابط خصومت برقرارکرده‌اند ، میترسند و میترسانند ، قدرت نمائی میکنند و سرتسلیم دربرابرزورفرودمیآورند ، روبروی‌کودکانشان دروغ میگویند و بعد آنها را بخاطر دروغ گفتن تنبیه میکنند ، اطفال خود را بخاطـر حفظ موقعیت و حیثیت خانوادگی خود بـا روحیه‌ای‌خاص بارمیآورند که گوئی ازهرکس دیگر بالاتر و بهتر هستند وبرهمه رجحان‌دارند و در عین حال شخصیت او را میکشند ورفتار آنها با او طوریست که طفل حس میکنـد که‌چکترین احترام وارزشی برای شخصیت او قائل نیستند .

اگر در خانواده‌ای فقیر بار آمده باشند کسی وقت توجه بآنها را نداشته است وبهمین خاطر آن‌ها دربست دستخوش محیطی جبار و بیرحم بوده‌اند و اگر بکلی متعلق بخانواده‌ای مرفه باشند توجهی که بآنها شده ربطی‌بدنیای آنها نداشته و غالبا بخاطر ملاحظات‌اجتماعی و خانوادگی مختلفی انجام گرفته که طفل بهیچوجه آنها را نمیفهمیده است . بدین شکل تصویری که طفل از خود واز دنیای‌اطرافش در ذهن خود میسازد تصویریست درهم وبرهم، بی ربط و غیر عقلانی که هرگونه حس‌امنیت واعتماد را دراو از میان میبرد و او را در حالت اضطرابی دائم و مزمن نسبت بخود و نسبت بدنیائی که در آن گیر کرده‌است قرار میدهد .

بهمین جهت نیز طفل از همان اوان‌زندگی بخاطر نجات از دنیائی که راه دفاع را ازهر سو بروی او بسته بدنیای خیالات ورویاهای خود پناه میآورد و راه فرار از واقعیات و آفرینش دنیائی خیالی را انتخاب میکند:چون این یگانه دنیائی است که آغوش دوستانه‌خود را بروی اوباز کرده است ،یگانه جهانی‌است که طفل بدان مسلط است و او را خرد نمیکند و یگانه پناهگاهی است که در آن میتواند از آسودگی خیال و فراغ بال بهره‌مندگردد وا زتهدید ها وضربه های دنیائی غیر منطقی وترسناك که او را دستخوش هوسرانیهای‌خود قرارداده است در امان بماند. ولی طفل‌رفته رفته می بیند که بزرگتران حتی این دنیاراهم از او میگیرند و مجبورش میکنند که اونیز بسهم خود در دنیای دیوانه وار وتحمل ناپذیر آنان‌وهمانجا که راه دفاع از خطر را بر او بسته‌اند زندگی کند و دراین دنیا قاعده‌اساسی ترس است . طفل شیر خوار گرسنه است و شیر میخواهد: یا ازروی غیض و عصبانیت باو شیر میدهند و مادر اگر باصطلاح فرنگی بار آمده باشد میکوشید ساعت شیرش نیست بهر حال بچه راهی جز گریه ندارد . اگراین گریه بی اثر بماند کودك متوجه میشود که

تلاشهای او هربار عبث است و همین امر بر حس بیچارگی او میافزاید واگر مادر خسته و عصبانی بالاخره تسلیم شود این امر درطفل حس غلط و فریبنده‌ای نسبت بامکانات او و نوع روابطش بادنیای خارج بوجود میآورد. طفلی که راه میافتد و به کشف دنیای خارج میرود دست بهزار آزمایش تازه میزند :روزی کتاب پدر را پاره میکند و گلدان خانه را میشکند ، روز دیگر با آلات جنسی خود بازی میکند و روز سوم عسلی را که دوست میدارد میخورد و خود و خانه را باآن کثیف میکند . درتمام این موارد او رابه تنبیه میرسانند وتلاش او را در مراحل مختلف رشد طبیعی وی با ترس روز افزون توام میکنند بار دیگر که طفل در تعقیب غریزه زندگی همان کارها را این بار در غیاب پدر دنبال میکند ترسی در او راه می‌یابد که رنگ دیگر بخود گرفته ... این بار میداند که شکستن گلدان و باز ی‌کردن باآلات جنسی بداست ولی با علم باین حقیقت همان کارها رادنبال میکند .

دراین مرحله است که بترس از تنبیه‌جسمی، ترسی عمیق تر و خطرناکتر اضافه میشود.این بار ترس از خود ، ترس از افکار واحساساتی که مظهر زنده‌بودن اوست و ناموس رشد اورا تشکیل میدهد در او راه می‌یابد... باوگفته‌اند دروغ بد است وباهمه اینها او را مجبور کرده‌اند که‌بخاطر نجات از خطر دروغ‌بگوید واو هم باهمین دروغ و تقلب معصومانه کار خود را بنحوی گذرانده واز پل خطر جسته است .

باو گفته‌اند که باید شجاع باشد وراست بگوید و همه را دوست داشته باشد ولی حس طبیعی دفاع از خطر و حیثیت خود ومقتضیات عینی رشد او باعث شده که یکجا فرار کندو جای دیگر باز دروغ بگوید و پدری را که باو خشونت کرده دوست نداشته باشد. درچنین موقعیتی است که طفل خیال میکند مقصراست وتصور میکند که افکار او ازیکسو خطرناك است و از سو ی‌دیگر غلط و ناشایست:خطرناك از آن جهت که اگر دیگران بدان پی ببرند او را تنبیه می‌کنند و غلط و ناشایست از آن جهت که با آنچه که دیگران آن را صحیح و پسندیده تلقی میکنند مطلقامغایرت دارد .

بدین شکل‌ترس تنبیه واهانت روحی ، در روح طفل عقده‌ای بوجود میآورد که مرکب از احساسات تقصیر و مجرمیت و گناه است و همین حس گناه و مجرمیت او را در موقعی که بیش از هروقت دیگراحتیاج بدیگران و عشق و محبت آنان دارد واداد بکناره گیری میکند . طفل حس میکند مجرم است وبدین امر پی میبرد که اگر این جرم خود را با دیگران در میان بگذارد حتی اگر اورا تنبیه جسمی هم نکنند بهر حال محکوم‌شخواهند کرد . و چون کسی نیست که او را باهمه گناهانش بپذیرد او راهی جز مخفی کردن آن جنبه هائی که باعث طرد او میشودندارد. دراین سالهاست که ما بکودکان خود بعنوان موجوداتی شفاف و بیگناه نگاه میکنیم وباآنها مثل عروسکهائی بشاش بازی میکنیم غافل از اینکه در روح این فرشتگان ظریف طوفانهائی وحشتناك بر پا کرده‌ایم که حتی نزدیکترین کسان آنها هم نمیتوانند آن را ببینند. دراین مراحل ما غافلیم که غالبا همین موجودات معصوم ،بر اثر رفتار بزرگان و دنیائی که بآنها تحمیل میشود همین دنیا را بشکل تله‌ای بیرحمانه میبینند که هر راه فرار و نجاتی را بر آنان بسته است و از اینکه نمی توانند از هرجهت خود را باموازینی که بزرگتران برای آن‌ها بوجود آورده‌اند منطبق سازند رنج میبرند و در عین حال از خود بیزار میشوند .

فکر میکنند کسی برای آنها اهمیت و شخصیت قائل نیست و چون تقصیر با آنهاست پس حق هم دراینست که بزرگان آنها را مطرود کنند .این حس معصیت که بابیچارگی و ناتوانی مطلق آنها در برابر دنیای خارج توام میگردد اضطرابی شدید در آنها بوجود میآورد که نخستین احساسات تخریبی وتعرض آمیز رادرآنها تحریك میکند و امروز که علم روان کاوی باین نتیجه رسیده که غریزه زندگی همواره توام باغریزه مرگ است حس خصومت طفل ، که در اجتماع ما غالبا از راههای رشد طبیعی انسان منحرف میشود و در جهت پرورش شخصیت او بکار نمیرود،از طرفی متوجه نفس درونی واز طرفی دیگر متوجه دنیای خارج میگردد.

در نتیجه طفل که هم از خودش و هم از دنیای خصم آمیز خارج بیزار شده است با هردو بجنگ در میافتد . بدین ترتیب سیکل وحشتناك وتخریبی ترس که همان دور فاسد و پیچ هرز ترس راتشکیل میدهد رفته رفته تکمیل میشود . ترس حس معصیت ومجرمیت بوجود میآورد و حس معصیت ایجاد اضطراب میکندومنتهی بحس خصومت میشود و درحالت خصومت با خود و بادنیای خارج ــ یعنی در شرایطی که عشق واعتماد متزلزل شده است ــ ترس دنیای خارج هردم بر شدت خود می افزاید ... و هربار که این پیچ هرز یکدور دیگر میچرخد اثرات خانمان سوز آن عمیقتر میشودومیزان ناتوانی و حس‌ناایمنی طفلی را که قاعدتا باید رفته رفته بر میزان تسلط خود بردنیای خارج بیفزاید چندین برابر می کند .

بدین‌شکل‌ترس انعکاسی ــ ترس رئاکتیف ــ در وجود رخنه میکند و مبدل به ترس ذاتی یعنی آن ترسی میشود که با شخصیت ووجود پیوندمیگردد وجزئی از آن میشود . از این ببعد دیگر عکس العمل انسان در هر وضعی که قرار گیرد توام باترس است و دراین مرحله ، کودك در همه‌جا و درهر موقعیت تهدید و خطر میبیند ؛ در همه جا وبهرمناسبت در انتظار آنست که خطری او را تهدیدخواهد کرد و لذا قبلا خود را طوری مجهز میکندکه حتی قبل از مواجهه با خطر از آن فرار جوید ...

دراین حالت انسانی که بدین نحو حس واقعیات را از دست داده و دیگر قادر نیست دنیا را آنطور که هست ببیند ، انسانی که ترس زدگی دید او را بکلی تار کرده‌و خود را در دنیائی قرار داده که منحصرا ساخته و پرداخته رویاهای بی اساس اوست و روزبروز از دنیای خارج فاصله گرفته است، حالت غریقی رابخود میگیرد که ممکن است نجات دهنده خود را خود ازمیان ببرد .انسان ترس زده حالت‌طفلی را دارد که از یك تاریکی بیخطر فرار میکند ولی آتش را بادست خود بر میدارد . انسان ترس زده انسانی است که تا اندازه‌ای حق دارد بترسد چون دیگروسائل دفاع خود را علیه خطرات واقعی از دست‌داده و یگانه قوای موجود خود را در عمل یا صرف تضعیف خود میکند و یاآنها را بحیف ومیل میدهد . انسان ترس زده انسانیست که زندگی خود را از ترس مرگ دربست تحویل مرگ قرارداده و جسدی باصطلاح زنده شده است. انسان ترس زده انسانی است که از ترس‌آنچه که موضوع ترس اوست همان وضعی را که از آن میترسد قبول می کند از ترس خطر خود را در دامان خطر میاندازد .

حکایت ترس زدگی انسانها آنجا دلخراش و تحمل ناپذیر میشود که انسان ترس زده‌خود دیگرمتوجه بیماری مهلك خود نیست. کودکی که نمیتواند حس خصومت شدید خود رانسبت بپدری که شخصیت او را دستخوش هوسرانیها واشتباهات جاهلانه خود کرده بیان کند. کودکی که میداند بخاطر حفظ خود باید احساسات تقصیر کارانه‌اش را از دیگران پنهان سازد، ندانسته آنهارا بشعور باطن یا ضمیر ناخود آگاهش پس میزند. وبدین شکل احساساتی که هیچگاه در کودکی فرصت‌بروز یافتن را بخود ندیده در صندوقهای مخفی شعور باطن ، آنجا که حتی انسان خود دیگر نمیتواندآنهارا پیدا کند ، انبار میشود وایجاد عقده‌هائی را میکند که بعدها در لباسهائی که واقعا شناخته نمیشوند ظهور میکند .

نقابهای ترس

نقابهای ترس حقیقتا تعجب آور است و اهمیت شناسائی واقعی و تشریح علمی آن بیشتر از آن جهت‌است که غالبا افراد سالم‌هم گول این نقابها را میخورند و در نتیجه قبل از مواجهه با آنچه که‌در پشت نقاب قـرار گرفته از آن‌فرار میکنند و گاه مردم بدون کوچکترین دلیل عقلانی از این نقابها بعنوان مظاهر یك خطر احتمالی واقعی میهراسند.نکته مشترك این ماسکها آنست که هریك از آن‌ها نوع خاصی‌از دفاع ناخود آگاهانه در برابر خطرات احتمالی و خیالی بشمار میروند.

✶ یکی از این نقابها که بسیار شایع‌وخطرناك است نقاب قدرت است . اشخاصی که بعلـل گوناگون شخصی و اجتماعی نتوانسته‌اند هم آهنگی‌خود را بادنیا بدست آورند وبادیگران از راه‌عشق رابطه بر قرار کنند ،ورویهمرفته خود را همواره در حالت ناایمنی فرض‌میکنند از هم نوع خود وهم وترس دارند چون حتی قبل از شناسائی این همنوع، اوراشکل یك دشمن احتمالی می بینند . در نتیجه ناخـود آگاهانه طوری رفتار میکنند که آزار احتمالی را که ممکن است از ناحیه دیگران بآنهاوارد آید قبل‌از اینکه صورت بگیرد بر طرف سازند وهمواره خود را در موقعیتی قرار دهند که در معرض خطر نباشند و درامان بمانند.

بدین شکل قدرتی که این قبیل اشخاص از خود نشان میدهند قدرتی است که اساس آن متکی‌به ترس است و بهمین جهت در نقطـه مقابل قدرت واقعی قرار دارد . توضیح آنکه قدرت واقعی ناشی از آن اعتماد بنفسی است که فرد را از لزوم اثبات دائمی نیروهایش بری میسازد و باو اجازه میدهد که از راه حسن‌نیت خلاقه خود را باواقعیات خارج هم آهنگ سازد . بقول تراویس وباروك «انسانی که ترس از موقعیت خود ندارد ترسی از ملاحظه کار بودن ندارد » .برای چنین‌انسانی که حقیقتا نیرومند است بالاترین موقعیت‌و مقام ممکن همان مقام‌انسانی‌وموقعیت‌انسان‌بودن اوست و نیروی واقعی او در آنست که‌بداند او را دوست دارند و همین علاقه واحترام دیگران بمقام انسانی اوست که اساس توازن روحی وایمنی او را تشکیل میدهد. انسانی که دارای چنین قدرت واقعی باشد احتیاج باثبات آن قدرت باوسائل تصنعی از قبیـل موقعیت و مقام وزور وپول ومکنت وموفقیت اجتماعی ندارد . او از همه این مظاهر پیش‌پا افتاده قدرت مبری است زیرا قدرت واقعی‌او قدرت عشق و زندگی است و هنگامیکه این‌دو بیکدیگر پیوند شوند بر همه چیز حتی مرگ فائق میگردند .قدرت بزرگترین انسان های تاریخ وشهدای ملل دنیا در همین بوده و هست . مسیح نه احتیاجی به میزو صندلی و نشان وزارت داشت و نه بغلام وسربازه لازار هم در مقابل کالیگولاتا بروی آتش میخندید و سرود زندگی پیروز را میخواند .

✶یکی‌ازنقابهای دیگرترس نقاب خوبی یا نوعی از نیکی است که در حقیقت ناشی از خصومت فرد نسبت بخود و دنیای خارج‌میباشد با همه اینها در لباس باصطلاح « خوبی »تجلی میکند . کسانی هستند که دست بسیاه وسفید نمیزنند ،غیبت مردم را نمیکنند ، مشروب نمیخورند، قمار نمیزنند ، نسبت بآنهاکه‌اصول و موازین قبول شده و فضیلت وتقوی را رعایت نمیکنند ایراد گیر هستند ، باولعی تحکم آمیز و ارشاد مآبانه میخواهند همه را براه راست هدایت کنند واز هیچ فرصتی دریغ ندارند که بدیگران بنمایانند چقدر آنها با خوشروئی سختیها و مرارتهای روزگار را تحمل میکنند . تجزیه و تحلیل روانی این قبیل «خوبان »نشان میدهد که در اعماق نفس خود ، خودرا گناهکار ومقصرمیبینند و از ترس زندگی و نیروی ستیزه جویانه آن‌راه فرار اختیار کرده‌اند .

✶یکی‌دیگراز نقابهای رایج‌ترس نوعی از عشق است که حالت تصاحبی دارد .اغلب‌آنها که به نیروهای واقعی مردانه خود اعتماد ندارندو نیروی یك‌عشق حقیقی را در خود نمی بینند بدنبال شکارهای مختلف عاشقانه میروند تاگوئی بخود ثابت کنند که مـرد هستند .این قبیل اشخاص در عین حال ازقبول هر مسئولیتی که حاکی از رشد واقعی فکری و روحی باشد و مشخص عشق حقیقی است فرار میجویند . مادرانی نیزکه ببهانه عشق فرزندانشان مانع از رشد واقعی و استقلال آنها میشوند از این قبیل اند. و طبعا نه‌آن مرد «دون ژوان »و نه آن مادر که هردو خود را از عاشقان بزرگ میدانند لحظه‌ای فکر نمیکنند که عشق آنها ربطی بعشق ندارد و بیشتر مظهر ترسی اس ت‌که از روبرو شدن با حقایق و واقعیات در آن‌ها بوجود آمده است .

خطر اجتماعی ترس

داستان ترس داستانیست تلخ و دراز کـه بحث آن مسلما از حدود این گفتگو تجاوز میکند وباتمام این احوال هنوز مهمترین‌جنبه این مشکل را بمیان نیاورده‌ام : آنکه ترس یك مساله خصوصی نیست و در وضع فعلـی دنیا و کشورها یك خطر اجتماعی عظیم‌بشمار میرود . این خطر اساسا ناشی از این خاصیت اساسی ترس است که حس واقع بینی و روشن بینی رادر فرد از میان میبرد و همینکه ترس، مانند مانعی بین فرد و حقیقت خارج قـرار بگیرد و او دیگر نتواند دنیا را آنطور که هست ببیند و بهمان دلیل عکس العملهایش رابطه طبیعی خود را باواقعیت فعلی از دست بدهد ،اساس روابط اجتماعی و سلامت یك جامعه نیز جمعا متزلزل میشود .

افراد ترس زده یك اجتماس ترس زده آنقدر گرفتار مسائل مربوط بحفظ ایمنی خود و دفاع از تصویر خود ساخته خویش در برابر خطرهای‌واقعی واحتمالی هستند که علاقه آنها باجتماعشان هرچه زیاد بشود از حداقل‌میزانی که بخیال آنها برای فرار از خطر و یاازبین بردن رقیبان و دشمنان احتمالی لازم باشد تجاوز نمیکند . برا ی‌این‌قبیل اشخاص‌دنیای اطراف مرکب از انسانهای زنده ویکتائی‌نیست که هریك ارزش فردی و جداگانه داشته‌باشند ولی انبوه بیرنگ وبی ارزشی است که بدو دسته تقسیم میشوند : دشمنان احتمالی کـه اکثریت مردمان ناشناس را تشکیل میدهند و گروهی نزدیکتر که برای حفظ ایمنی آن‌ها ممکن است مفیدواقع شوند . از یك لحاظ دیگر دنیا بنظر آن ها ترکیبی است ازگروه های متضاد و در حال جنگ: سیاه یا سفید، خوب یابد، مسلمان و یهودی ، اجنبی و ملی، رفیق یا ناشناس ... تعجبی نیست که درچنین دنیائی رفته رفته علائم و خرافات معناهـای خارق‌العاده بخود میگیرند . خانم اوورستریت که قبلا نیز از اونام بردم فرد ترس زده اجتماع را بمرد تنهائی تشبیه میکند که شب در جاده‌ای غلط قرار گرفته و آنچه که‌میشنود و می‌بیند تحریف خیالی واشتباه آمیزی از واقعیات است . این شخص هرچه هم خوب سوت بزند وضعش بهتر نمیشود و آرامش لازم را برای تشخیص واقعیات بدست نمیآورد .... آنچه که بنظر او خطر مینماید و بهمان نحو آنچه که بخیال او کمك وپناهگاه میرسد مفاهیم خیالی و غیر واقعی است که از کارگاه ترس و احتیاج او بیرون میآید. چنین فردی بمانند کودکی ناتوان و ترس زده‌از هر وضعی که ممکن است بوی آشنای شکست از آن بیاید واورا باموقعیتهائی که امکان خطر و ناامنی در آن هست مواجه سازد اجتناب میکند و از آن هراسان است. حتی اگر اطمینان حاصل کند که تکان یـا حرکت کوچکی از طرف او ممکن است‌وضع زندگی و سرنوشت او راکاملا تغییر دهد و منجر بنجات او گردد ترس خیالی که جرء وجود او گردیده او را فلج میکند، زیرا در روح او هر تغییری ممکن است عادت کهنه او را بهم بزند و موقعیت تازه‌ای بوجود آورد که هزار امکان ناایمنی جدید وترس

تازه در آن خوابیده است .

چنین‌آدمی حتی از امکاناتی که ممکن است منجر بتوسعه آزادی و تامین خوشبختی واقعی اوگردد در هراس است . هرچه از اوبخواهند انجام میدهد و یا هردسته وگروهی که بداند زور و نیرو در طرف اوست همکاری میکند. همین تعلق به گروهی که در فکر ترس زده او زورمند جلوه میکند یکنوع خیال وتصور امنیت بیشتر باو میدهد و در دنیای ترس‌زده او همین خیال از همه چیزبرای او مهمتر است .

بطوری که ملاحظه میفرمائید این ترس دامنگیر بخصوص در اجتماعی که بکلیه‌قوای زنده خود احتیاج حیاتی دارد مانند آفت خانمانسوزیست که درراه ترقی ورشد آن اجتماع و یکایك اعضایش قرار گرفته است و تاموقعی که این خطر مستقیما مورد حمله‌ای همه جانبه قرار نگیرد احتمال نجات آن اجتماع وآن افراد از هر جهت ضعیف وبی دوام بنظر میرسد .

نقش زن در ترس

با آنچه که در باره ریشه های ترس و اهمیت دوران کودکی در رشد روانی انسان گفته شد طبیعی است که نقش زن بعنوان‌مادر در شکستن دور تسلسل ترس و پی گذاری شخصیت سالم طفل منتهای درجه اهمیت‌رادر بردارد . در واقع مادر است که میتواند در چهار سال اول عمر کودك او را از اثرات دامنه‌دار ترس مصون بدارد و باتوجه و عشق عاقلانه خود ویرا بصورت انسانی آزاد و مستقل در راه صحیح واطمینان بخش رشد واقعی قرار دهد . مادر است که میتوانداز همان ابتدا پیچ‌هرز ترس را بصورت یك پیچ تصاعدی در آورد که پس‌از مدتی خود منبع هر گونه نیروی محرکه لازم‌بشود.

مادر است کهاز نخستین لحظات عمر تا روزی که طفل تصویر خود ساخته نفس را تکمیل میکند او را بعشق واعتماد عادت بدهد ، نیروهای درونی او رافارغ از هراس بارور سازد ، شخصیت اورا بپروراند و با توجه بناموس رشد اواحتیاجات و خواستهای ویرا چنان تامین کند که طفل باخود ودنیای اطرافش در حالت هماهنگی و سازش دائمی باشد وخود را جزء لاینفکی از دنیای بزرگ و نیروبخش فرض کند .

مادریکه حقیقتا فرزند خود را دوست‌دارد و علاقمند است که شخصیت او مانند گلی که بدست باغبان دلسوز سپرده شده رشد وپرورش یابد مانند هر عاشقی دیگر باید در وهله اول بماهیت موجودی که معشوق اوست کاملا پی ببردوبی هراس در تامین احتیاجات این‌انسان زنده قدم بر دارد . علم و دانش خود بزرگ ترین دشمن ترس است و چنانچه‌این دانش بتواند با عشق حقیقی توام گردد و آن هوش بی نظیر دل را بوجود آورد میتواند بعنوان سلاحی شکست ناپذیر در راه درهم شکستن هردشمن احتمالی منجمله ترس بکار رود.ولی عشقی که بدان‌اشاره کردم باید از قماش عشقهای حقیقی باشد نه آنکه خود نقابی از ترس باشد ،نه آنکه خود باصطلاح پرژکسیون یا انعکاسی از خصومت فرد باشد که بصورت عشقی تصاحبی وتخریبی تجلی کرده است.

بیاد دارم که در زمان کودکی هر وقت غذائی را نمیخوردم دایه من سنگ بزرگی را روی بشقاب من میگذاشت و میگفت غذای توامشب همین خواهد بود. دایه عزیز من بخیال خود مرا میپرستید ودر این « عشقش» بی شك صداقتی تاثر آور داشت ولی آیا می توانست دقیقه‌ای فکر کند همین عمل او تا چقدر مرا درانظار دیگران و بالنتیجه در تصویری که خود از خود ساخته بودم کوچك وخوار میکرد و روح مرا مانند کاردی زهر آلود جریحه دار میساخت ؟ چه بسا کتکهاکه بیشترمان درکوچکی فقط باین خاطر خورده‌ایم که راست یا حقیقتی را که گویا نمیبایست بگوئیم در برابر میهمانان گفته‌ایم ! چه‌جنایت های ندانسته‌ای که برخی از مادران علیه فرزندانشان بنام عشق و تربیت مرتکب میشوند و مطلقا متوجه آن نیستند ! بیشمارند آنهاکه نمیدانند تهدیدهای بیخود آنان ، رد کردن تقاضاهای مشروع کودك ، مسخره کردن های بیجهت ، دعواهای بیمعنی سر مسائل کوچك، دروغها و خلف وعده‌های مزمن ، مقایسه کردن طفل خاطی بادیگران و سرزنشهای عجولانه و رویهم رفته تلقین روش هائی نادرستکارانه و ریاکارانه تاچه اندازه‌اساس زندگی و شخصیت کودك را متزلزل و توازن درونی و سلامت روحی را از میان میبرد. آیا پدر و مادری که این اعمال آمرانه و اقتداری را انجام میدهند و بخیال خود اطفالشان را دوست دارند دقیقه‌ای فکرمیکنند که همین طرز رفتار اساس اعتقاد کودکانشان را بدنیائی که اطراف آنهاست متزلزل‌میسازد؟ کدام یك از آن‌هامتوجه هستند که با همان اعمال بیمعنی وابلهانه اعتماد ما را بخود و بدیگران در موقعیکه همانها برای همگی ما یگانه مظهر حقیقت و نمونه عمل هستند بطرز جبران ناپذیر متزلزل میسازد ؟آیا یکی ازاین مادران که فرزند خود را مثلا بخاطر بازی کردن با آلت جنسی خود به تنبیه شدید رسانده‌اند لحظه‌ای پیش خود فکر کرده‌اند که در نظربچه این آلت نه تنها باجاهای‌دیگر بدنش فرق نداردبلکه در موقعیتی قرار گرفته که محل هندسی حرکات دست اوست ولذت خاصی‌باومیدهد ... واز همان دقیقه که بدون منطق و توضیح او را از این لذت محروم داشته‌اند این عمل اثرات وخیمی در روح‌او برای ابد از خود بجا میگذارد که عمری شخصیت اورا بیمار و ناسالم خواهد ساخت؟

مادران امروز اگر حقیقتا فرزندان خود را دوست دارند دیگر نمیتوانند ببهانه جهل چنین‌اشتباهات عجیب را مرتکب شوند. وظیفه آنهاست که صرفنظر از معتقدات و مراسم اجتماع ترس زده ما ،بادلی روشن و دیدی باز و شفاف ،به کشف دنیای شگفت آور اطفالشان بروند و باقوانین رشد آن آشنائی کامل حاصل کنند وآنگاه با آن هوش دلی که بدا ن‌اشاره کردم و باتوجه عاشقانه وهمه جانبه‌ای که‌شایسته یك مادر حقیقی و یك عاشق واقعی‌است باحتیاجات روحی و جسمی‌او بپردازد . این مادران باید با مطالعه‌هوشمندانه و کاملی از شرایط و اوضاع محیط از راه مبارزه باهرنوع افراط وتفریط تصنعی (از هرجهت که بر آید)بدنبال آن بروند که انسانی مستقل و آزاد ،انسانی با صفت و با حیثیت ، انسانی که برای خود و دنیای همنوعانش ارزش واحترام قائل باشد ،انسانی شجاع و معتقد بنفس ، انسانی بتمام معنی انسان بوجود آورند . دراجتماع ناسالم‌ماوظیفه سنگین ولی‌ارجمند هر مادر است کهابتدا در خانه خود محیطی مساعد ایجاد کند ودراین دوران سخت این محیط را برای گلهای ظریف و بیجانی که یگانه امید رستاخیز کشور مارا تشکیل میدهند بصورت گلخانه‌ای گرم‌در آورد .

در این خانه مهم آن نیست که اطفال ما لباس آخرین مد بپوشند ، گوشه اطاق ساکت‌و مودب بنشینند ، حرف باصطلاح بیجا نزنند و غذا را باچنگال بخورند و جلوی میهمان «رورانس » وتعظیم بکنند . اینها همه ثانوی است و بیشتر بروکش و شکل ظاهری یکخانه میماند . آنچه مهم است آن است که شخصیت کودك بعنوان انسانی مستقل و آزاد ، انسانی سالم و بدون عقده بار آید . مهم آنستکه طفل از خودش واز دنیای اطرافش نترسدو بیزار نگردد و نیروی درونی و معنوی او آنچنان تقویت شود که خود بتواند بعدها در کمال استقلال بر مشکلات زندگی فائق آیدو راه منحصر بفرد خود را کشف کند . کودك باید بتواند هرچه را که حس میکند و بفکرش میرسد بیترس ورودربایستی بامادر خود در میان بگذارد ، بااطمینان باینکه مادر باتوجهی عاشقانه بحرفهای او گوش میدهد واو را

در حل مشکلاتش یاری میکند . ما غالبا به بچه هایمان چنین تلقین میکنیم که بچه های خوب جز افکار و عواطف باصطلاح خوب چیزی نمیتوانند داشته باشند و باهمین فرضیه دروغ و بی اساس آنها را وادار میکنیم که فقط افکار و عواطف باصطلاح خوبشان را با مادر میان بگذارند و باقی را باحس مجرمیت واضطراب در شعور باطن خود پس بزنند.بجای این کار آیا بهتر نیست که ما آنها را بعنوان افرادی کامل بار بیاوریم که حق انسانی و طبیعی داشتن عواطف وافکار باصطلاح بد را نیز داشته باشند ؟و آیابهتر نیست که در عین حال باآنها چنان دوست و رفیق بشویم که بتوانیم رفته رفته خود آنها را برای مبارزه با افکاری که احیانا مخرب شخصیت آنهاست ببهترین نحوی مجهزسازیم ؟.. مادر خوب نه تنها باید عواطف خصم آمیز طفلش را بشناسد و آن‌ها را قبول کند بلکه باید کلیه وسائل و طرق لازم را نیز فراهم آورد کهاین عواطف راه فرار پیدا کند و در جهات‌تخریبی محض منحرف نگردد .

شاید همین مختصرنشان داده باشد تا چه اندازه نقش زن بعنوان مادر دردنیای امروز ما موثر و مهم است .بیخود نیست که گفته‌اند مادر مرکز کائنات است وبیخود نیست که طفل نیز در هر وضعی که باشد از روی‌غریزه آغوش مادر را بعنوان یگانه پناهگاه خود اختیار میکند . افسوس که بسیاری از خواهران ما بموقعیت استثنائی که طبیعت و اجتماع بآنها داده پی‌نمیبرند و غالبا دیده میشود که مادران ما بجای درك این‌موقعیت فقط سخن‌از گرفتاریها و مشکلات ومرارتها و ناکامیهای خود میبرند . مادری‌که بمقام واقعی خویش پی برده باشد و هنر مشکل و پرارج دوست داشتن را نیز آموخته باشد انسانی است که در هریك از مراحل راه‌خود شوق و لذتی تازه می‌یابد زیرامیداند که تحمل این‌مرارتها بخاطر بزرگترین افتخار یك‌انسان، یعنی ساختن انسانی دیگراست ، انسانی که‌باید بدنیای فردای ما شکل دهد و مشعل تمدن و انسانیت را بنسلهای آتیه منتقل سازد .

شکستن طلسم ترس

نقش زن بعنوان مربی نیزاهمیتی فوق‌العاده در شکستن طلسم ترس در بر دارد .زیراخارج از خانه ، مدرسه نخستین محیطی است که طفل رادر خود میپذیرد . آنجاست که طفل برای اولین بار باهمنوعان خود و آنها که باید عمری شریکان ناشناس زندگی اوباشند آشنا میشود و باآنهابتجربیات واکتشافات مشترك میپردازد . آنجاست که اولین روابط طفل با محیط واجتماع خارج از خانه بخود شکل میگیرد .

دراین محیط تازه اگر طفل خود راغریبه‌ای ببیند که عاری از ارزش وشخصیت است و هیچکس بسر نوشت او علاقمند نیست اثرات سوءاین‌بر خورد در روحیه او ریشه میاندازد. بعکس چنانچه مربیان او با محبت و درایت باو نشان بدهند که خانه یگانه پناهگاه امن‌و امان نیست و بعکس کار دسته جمعی و توسعه ارتباطات بادنیای خارجیست که میتواند سر منشاء لذتهای تازه قرار گیرد و میدان وسیعتری برای رشد امکانات اوبشود،شخصیت او میتواندبراساس محکم و واقع بینانه‌استوار گردد. هرآنجاست که‌یك مربی واقعی میتواند طفل را باجتماع خود و لذت کار خلاقه علاقمند سازد و خصائل و مشخصات منحصر بفرد او را با مقتضیات همکاری دسته جمعی طوری تطبیق دهد که پیوند بین او واجتماع را از همانجا محکم سازد. مربی‌واقعی‌میتواند سلامت فکر اورا طوری تامین کند که دنیارا آنطور که هست و نه آنطور که عینك ترسهای درونش آن را باو نشان میدهد ببیند وازآن منتفع گردد . در آنجاست که میتوان هسته‌ای را که طفل بخاطر حفظ دفاع خود دورشخص خود ساخته و درداخل آن همه چیز را تابع نفس‌خویش کرده است بدون اینکه بشخصیت‌او آسیبی وارد گردد از میان برد و او را بدنیای زنده اطراف حقیقتا علاقمند نمود.

ترس از خانه

مقام زن در خانه در نقش همسر نیز بهمان اندازه پر اهمیت است . نقش زن در خانه شاید بیش از هر جای دیگر سخت و حساس باشدزیرا دراینجا سروکار او دیگر با مردیست که شالوده شخصیت او وتقریبا شکل قطعی بخود گرفته و تغییر آن جز در مواردستثنائی بینهایت مشکل است .مردی که با او زندگی میکند مردیست که در تار عنکبوت هزاران افکار و پیش داوریهای پوسیده قرار گرفته، ترس زندگی و دیگران و بهمان اندازه‌ترس نفس خودش شیار های عمیقی در اوگذاشته؛ مردیست‌که در جنگل اجتماع خود غالباماننند گمشده‌ای تنها ، راه تاریك خود را درشرایطی بسیار نامساعد جستجو میکند و هیچ دست محبت آمیز واطمینان بخشی نیست که بسوی او دراز شود و لحظه‌ای بار سنگین او بکاهد . مردی که باواو زندگی میکند دربیشتر موارد مردیست در خود فرورفته و ترس زده که در اعماق روانش اعتماد بخود رااز دست داده وبهمین جهت هردم لازم میداند مردانگی خود رابانقابهای گوناگون باثبات برساند.

بعلاوه غالبا در اجتماعات ما زن از نظر مرد موجودیست که یگانه دلیل موجودیت او زائیدن و بچه بار آوردن است و جزئی از اموال منقول مرد بشمار میرود . بهمان دلیل ارزش زن برای او منحصر بارزشی میشود که بآن زن دربورس وبازار اجتماع داده میشود، بازاری که همه چیز را در نظر میگیردبه استثنای شخصیت زن ... طبیعی است برای زنی حساس که نه تنها بخواهد این تصویر رادر ذهن شوهر خود از میان ببردبلکه‌بدنبال آن هم باشد که همسرش را بسهم خود از زنجیر ترسهای ریشه انداخته و محرومیتها و عقده های روحیش نجات بدهد نقشی غول‌آسا در پیش است که انجام آن بادر نظر گرفتن زنجیرهای درونی که ناچار گریبانگیر زن‌نیز میباشند براستی غیر ممکن بنظر میرسد. باهمه اینها اطمینان دارم که اگر زنان پیشروی‌ما اراده کنند برایشان غیر مقدور نیست که‌حتی دراین جنگل ترسناك راه خود را باز نمایند و بادرایت عشق سنگهای سخت خصومت رابتدریج از یگانه راه نجاتی که در برابرخود دارند با صبر و حوصله بر دارند .

میدانم که گفتن این کلیات و دادن‌این قبیل نصایح بمراتب آسانتر از عملی ساختن آنهاست ولی زیبائی زندگی آنها که عشق‌با وجودشان یکی شده همانست که لذت زندگی را در مبارزه با این قبیل مشکلات بدست‌آورند و باهر موفقیتی برتری راه عشق را باثبات برسانند . بسیاری از مردان اجتماع ماعادت دارند همه گرفتاریها و مشکلات خود را تقصیر همسران خود بیاندازند و متاسفانه دراغلب مجالس گوئی امروز نشان‌مردانگی همین شده که بنحوی والده آقا مصطفی را مسخره‌کنند و او را مادر بلیات و حکومت نظامی ورئیس زندان و غیره بخوانند . مسلم است که بیشتر این نسبتها بیمورد است ولی خیلی از آن‌ها نیز ناشی از آنست که زن بجای درك دردهاو ترسهای نهفته همسر خود و تامین احتیاجات و خواستهای واقعی شوهر و بر قراری ارتباط عشق آمیز وتفاهم با شوهر بسهم خود ناخود آگاهانه میکوشد تا انتقام خود را ازشوهری که او را غلام زرخریدی بیش نمیداندبگیرد، زندگی را برای او مشکل سازد، در روابط خود بااو از راه خصومت در آید و او را از آنچه که خود نیز در اعماق دل خود میداند خوارتر و بیچاره‌تر کند . همین موضع‌گیری متقابل راه تفاهم و عشق و حل مشکلات را طبعا باز مسدودتر و مشکل تر میسازد.

زن باید بخاطر احقاق حقوقش مبارزه سر سخت‌بکند ولی مبارزه باید بر پایه های صحیح وبراساس ساختن روابطی انسانی تر باشد نه

بقیه در صفحه ۰۵۰۷۰۲۷

شبیه‌خوانی یا تعزیه ـ تکیه دولت ومراسم آن

از : علی جواهر کلام

براون و دیگر خاورشناسان معتقدند که شبیه‌خوانی یا تعزیه پیش از اسلام هم در ایران معمول بوده و داستانهای غم انگیزی مانند داستان سیاوش و سهراب و امثال آن بطور شبیه در ایران نمایش داده میشده است و طبعا منشاء اصلی آن تراژدی‌ها و نمایش‌هائی بوده که از یونان بآسیای صغیر (مستعمره‌های آن روز ایران) و از آنجا بایران انتقال‌یافته‌است.

اما بعد از اسلام برای شیعیان (ایرانیان) فاجعه کربلا مهم‌ترین موضوعی بوده که بشکل نمایش درآورند و ذوق ادبی و هنری خویش را در ضمن ابراز احساسات جلوه گرسازند برعکس شیعیان ـ سنیبان که چنان ذوقی نداشتند کمتر باین نازك کاری ها متوجه بودند بهرحال نخستین نمایش مربوط بفاجعه کربلا در دوره دیلمیان وبامر شاهنشاه عضدالدوله دیلمی در شیراز و در بغداد اجرا شد واین خود نشانه قدرت فرمانروایان دیلمی بوده که در پای تخت خلفای عباسی (سنی) موضوع فاجعه کربلا را باطول و تفصیل نمایش دادند .

درزمان صفویه داستان تعزیه وشبیه خوان خیلی رواج پیداکرد جهانگردان خارجی مانند تاورینه و شاردن که درآن ایام بایران آمده بودند از این نوع نمایشنامه‌ها در سیاحت‌نامه‌های خویش مطالبی نوشته‌اند .

پس از صفویه در دوره قاجاریه و بخصوص در دوره سلطنت طولانی ناصرالدین‌شاه تعزیه‌خوانی بحد کامل رواج پیدا کرد و تا سوم اسفند ۱۲۹۹ کم‌وبیش معمول بود و از آن به بعدبکلی متروك شد .

تکیه دولت ومراسم آن ــ موقعی که ناصرالدین‌شاه بلندن رفته بود در آنجا یکی از ساختمانهای سلطنتی توجه او را جلب کرد این ساختمان آلبرت‌هال یا محل تئاتر درباری ملکه انگلستان بودکه بنام پرنس آلبرت شوهر ملکه‌بنا کرده بودند ناصرالدین‌شاه پس از بازگشت بایران دستور داد پشت شمس‌العماره ودر جوار باغ گلستان ساختمانی به شکل آلبرت‌هال برای اجرای مراسم تعزیه خوانی بناکنند که بنام تکیه دولت‌نامیده شد . تکیه دولت بنائی بود بمساحت پنج هکتار بشکل مدور ودر چهار طرف آن سکوهای بلندی قرار داشت بالای سکوها در اطراف تکیه طاق‌نماهائی ساخته‌بودند و روی طاق‌نماها غرفه‌ها یا حجره‌هائی بنا شده بود در وسط تکیه سکوی‌مرتفعی بود که بمنزله سن یا محل نمایش بشمار میامد روبروی این سن در وسط غرفه‌های بالا غرفه بزرگتر و مجللی بود که شاه درآنجا می‌نشست تمام این غرفه‌هاازپشت تکیه بعمارت شاهی راه داشت .

فرض کنیم حالا روز اول ماه محرم است تمام این طاق‌نماها بوسیله اعیان و اشراف‌با انواع قالی‌ها و آینه‌ها وچراغ‌ها آراسته شده است جلوی غرفه‌ها پرده زنبوری آویخته‌اند جلوی غرفه شاه پرده تور سیاه آویزان کرده‌اند رجال و محترمین که طاق‌نماها را آراسته‌اند هر کدام در طاق‌نمای خود نشسته‌اند شاه و بانوان حرمسرا از راه‌های پشت تکیه بوسیله نردبان وپلکان توی غرفه‌هاجلوس کرده‌اند زنها پشت‌درهای‌تکیه دولت‌جمع شدند و منتظرند که درها باز شود وخود را به تکیه برسانند تکیه دولت دودر داشت یکی دری‌که امروز بعمارت‌وزارت راه باز میشود ودیگر دری مقابل دهنه بازار بزرگ بود و امروز آنرابرداشته‌اند فراش‌ها با چماق وچوب جلوی‌این درها ایستاده‌اند و بمحض‌اینکه در بازشد مثلا برای حفظ انتظامات چوب و چماق خودرا بکار میبردند زنهاهجوم میاوردند چادرشان برداشته میشود سرشان چوب میخورد گاه‌هم میشکند خون‌جاری‌میشود اما آنها اعتناء ندارند وهرطور هست‌خود را به‌تکیه میرسانند و روی آنسکوها دوزانو و چهارزانو می‌نشینند از اول محرم تا دوازدهم محرم شب و روز در تکیه دولت تعزیه میخواندند روزها مخصوص زنان وشب‌ها مخصوص مردان است .

معین‌البکاء کربلا ــ مرحوم میرزا تقی و برادرزاده‌اش مرحوم میرزا باقر کارگردان تعزیه‌خوانی‌بودندومعین‌البکاء لقب داشتند بعدازمیرزاتقی برادرزاده‌اش میرزا باقر بآن‌سمت اشتغال‌یافت میرزا ـ باقر ریش بلند سفیدی داشت و در ایام محرم قبای سیاه لباده سیاه عبای سیاه سر میکرد شال ترمه‌ای بکمر داشت و اشعار تعزیه را در لوله‌های کاغذ نوشته لای شال خود میزد و باعصای آبنوس خویش آهنگ‌های آواز و موزیك‌های مربوط را تنظیم میکرد معین‌البکاء از جلو وارد تکیه میشد و شبیه‌خوانها هر کدام بالباس های مخصوص دنبال او میامدند شبیه شمر باکلاه خود و شمشیر و چکمه ولباس قرمز . شبیه امام حسین باعبا و عمامه و قبای سبز. شبیه حضرت زینب که اوهم مردی بود با لباسی که فقط دوچشمش پیدا بود ظاهر میشد پسر بچه‌های خوش‌آوازی لباس دخترانه بر میکردند و شبیه حضرت سکینه ودیگران میشدند همینطور سایر نمایشگران که هر کدام لباس مخصوص بخود داشتند .

معین‌البکاء باتمام نمایشگران روی سکو (سن) میامدند قبل از همه شاه و خواهر او عزت‌الدوله و مادر شاه‌مهدعلیا را با سرائیدن این اشعار دعا میکردند

از نگین ظفر ملکش کوتاه
دست‌جمجاه ناصرالدین‌شاه
عزت‌الدوله را بعزت و جاه
دار پاینده زیر سایه شاه

بعد همگی بطور کور (آواز دسته جمعی) این ترانه را میسرائیدند

کن گرم صحبت دسته کبری را
نام شاهنشاه مهدعلیا را

سپس تعزیه شروع میشد و تمام تشریفات سلطنتی از قبیل شاطرهای

شاهی ــ سواره‌نظام ــ موزیك ــ فیل های درباری ــ اسب‌های سلطنتی و گاه هم کالسکه سلطنتی و امثال آن بمناسبتی نمایش داده میشد معمولا تعزیه از ظهر شروع میشد و اقلا چهار ساعت طــول میکشید.

گفتگــوی شیخ وشاه ــ مرحــوم آیةالله حاج‌شیخ‌هادی نجم‌آبادی کــه از روحانیون اصلاح‌طلب و متجدد بودنــد طبعا بااین نوع اسراف‌کاری‌ها مخالفت میکردند و موقعی بناصرالدین‌شاه پیغام دادند که پول این تعزیه‌خوانی‌رابمصرف ساختن بیمارستان و دبستان برسانید کــه خیلی لازم‌تر است ناصرالدین شاه جواب داده بود که یکی از رجال محترم‌درباری مرید خاص جناب‌عالــی است او هم در پارك خودش تعزیه میخواند بگویند او ترك کند من هم ترك میکنم .

مرحوم شیخ بــآن رجل محتــرم درباری فرمودند ناصرالدین‌شاه چنیــن میگوید آن مرد محترم بشیخ گفته بود که این تعزیه‌خوانی نذر بچه‌ها است و مادر بچه‌های همسر آن مرد محترم راضی نمیشود که تعزیه خوانی را ترك کنیم.

مرحوم شیخ پس از شنیدن ایــن حرف بسیار متاثر شده فرموده بودنــد **حالاکه اصلاح مملکت بدست مادر بچه‌ها افتاده است ماهم کار اصلاح ایــران را بخدای متعال واگذار میکنیم .**

بعد از ناصرالدین‌شاه تکیه دولت‌از رونق و اعتبار افتاد مدتی جنازه مرحوم مظفرالدین شاه را در تکیه دولت امانت گذارده بودند و بعد از آنجا به عتبات عالیات انتقال دادند در سال ۱۳۰٤شمسی جلسات مجلس موسسان در تکیــه دولت تشکیل یافت و پس از آن عمارت تکیــه دولت محل بایگانی پرونده‌های راکــد وزارتخانه‌ها شد و بامنسوخ شدن‌موضوع تعزیه‌خوانی مراسمی‌کەبقول خاورشناسان از پیش از اسلام در ایران معمول بوده بکلی از میان رفت .

از فرنگیانی‌که بایران آمده‌انــد ادواردبراون انگلیسی و کرزن مشهور (سرکرزن نایب‌السلطنه‌هند) تعزیه‌خوانی ایام محرم تکیه دولت را دیده‌اند و در کتابهای خود ازآن‌مراسم گفتگوکرده‌اند

این بود شرح مختصری از مراسم تعزیه‌خوانی و تاریخچه تکیه دولت که میتوان درباره حوادث و اتفاقات مربوط بآن کتابهائی تالیف‌کرد که بالطبع‌قسمتی از تاریخ سیاسی و ادبــی ایران در آن گنجانیده میشود .

بقیه از صفحه ۰۵۰۷۰۱۹

و تا وقتی پسر به سن رشد و تمیز می‌رسید چیزی از تیول نمانده بود . و اگر واسال دختری جوان و شوهر نرفته می‌گذاشت ارباب آن دختر را به‌کنیزی می‌پذیرفت و به شکرانه این افتخار ، کنیز هرچه داشت به خداوند خود می گذاشت .

وبالاخره ارباب حق داشت واسالی را که به‌نحو شایسته از عهده اجرای تعهدات برنیامده است از ملك‌خود براند و آنرا بدیگری سپارد . از جانب‌دیگر واسال نیز اسماً حق داشت ارباب را مواخذه کند و حق خود را بخواهد . و چه بسا واسال که این آرزو به گور برد . اما گاه چند واسال بزرگ که خود واسالها داشتند متحد می‌شدند و برارباب بزرگ می‌شوریدند و او را به‌جای خود می‌نشاندند . چنانکه واسالهای پادشاه انگلستان قیام کردند و بەطور کلی اگر واسالی از ملکی رانده میشد ، به‌آسانی ارباب دیگر نمی‌یافت و کارش‌به‌دربدری می‌کشید و حال آنکه به‌جانشینی او داوطلب بسیار پدید می‌آمد و ارباب در برگزیدن یکی دچار زحمت میشد.

از جانب دیگر گاه یك واسال چندین«سوزرن» می‌یافت ، و این‌ناگزیر بسته به‌اهمیت و عظمت خود واسال می‌بود . بدین معنی که یك دوك بزرگ ممکن بود واسال شاه فرانسه باشد و نیز درایطالیا یا هلند یا آلمان و نیز در همه این کشورها در املاك دیگر ، ارباب و متقابلا واسال اربابی بزرگتر شده باشد. بدینگونه بود که برخی از واسالها از یکایك اربابان‌خود نیرومندتر وتوانگرتر می‌شدند . در رفع این اشکال کوششی به‌عمل آمد تا برای هر واسال تا حدی به میل خود او یك سوزرن انتخاب‌کنند و بگویند فقط نسبت به آن یك اطاعت و انقیاد محض دارد . اما از جانب دیگر هرواسال میکوشد تا بر تعداد تیول‌های خود بیفزاید و در این راه از نبرد و پیکار با واسال همسایه و ضبط تیول‌او و درعین حال به‌گردن انداختن طوق اربابی اضافه برارباب قبلی ، ابا وامتناعی نداشت . ازاین‌روی در قرون وسطی چه بسا که در آن واحد مثلا در سراسرکشور فرانسه در بیش از بیست نقطه جنگهای سخت و خونین برپای میشد ازاین بابت که چند واسال میخواستند املاك تیول واسالهای مجاور خود را بربایند و درآن میان چند واسال به هواداری از واسال های مظلوم نیرویی فراهم آورده جنگها را کمر بسته بودند .

دستگاه فئودالیسم اروپا با پدید آمدن دوره رنسانس یا تجدید نهضت ادب و هنر که خود داستانی جداگانه دارد و بیدار شدن حس همدردی و همکاری در توده‌های مردم و پدیدآمدن احساس جدیدی به‌نام وطن‌خواهی وبروز عواطف ملیت و خصومت با دشمنان ملت نه‌به‌تدریج بلکه به سرعت بسیار ازمیان رفت .

بقیه از صفحه ۰۵۰۷۰۲۵

اینکه خود ناشی از ترسهای نهفته ودنباله‌ای از خصمهای کهنه و مخرب نفس بشمار برود. حق تمام عیار زنست که همسر خود را در زندگی خود آزادانه بر گزیند و در ایجاد روابطی مساوی و آزاد بااو مبارزه کند .ولی اگر بخواهد خانه‌ای شایسته مقام خود بوجود آورد وبه مسئولیت حیات بخش خود درساختن دنیائی بهتر و زیباتر برای خود و فرزندانش ببرد ، خوشبختی و توازن روانی اوخودایجاب میکند که با عشق خود مانند آفتابی بر خانه مشترك بتابد ، مانند پزشکی بدردهای افــراد خانواده خود برسد و چون رفیقی فهمیده و پرتدبیر همسر خود را دوست بدارد و وسائل خوشبختی او را آنطور که لازمه رشد واقعی و عینی شخصیت اوست تامین سازد و درهمه حال او را کمك کند تا برترسهای درونی اش رفته رفته فائق آید و بدنیای بزرگ با نظر عشق نگاه کند . دراین راه زن باید درتلاش مشکلی که پسرش بخاطر رشد واقعی وشگفتن شخصیت خود میکند یاروهمدم فهمیده‌اش باشد نه اینکه از روی حماقت و خودخواهی خود و خانواده‌اش را بیك زندگی بیفروغ و نازا محکوم سازد و افقهای بارور عشق‌رایکایك برخود و دیگران مسدود نماید .

مبارزه باترس

بدیهی است زن چنانچه بخوشبختی خود و اجتماعش علاقمند باشد میتواند ووظیفه دارد که دوش بدوش مرد و بخاطر ساختن اجتماعی سالم و آزاد بامظاهر گوناگون ترس درهرکجا که تجلی نماید مبارزه قطعی نماید . ولی شرط

بقیه در پشت صفحه

بقیه ترس چیست

موفقیت هرکس که در این جهاد شرکت میکند در وهله اول آنست که ابتدا بماهیت ترس و اثرات خانمانسوز آن آشنائی کامل حاصل کند وقتیکه برایش مسلم شد که ترس بزرگترین مانع موجود در راه سعادت فردی و اجتماعی است آنگاه باید با وسائل موثر و واقع‌بینانه آنرا ابتدا در خود ازمیان ببرد و سپس مبارزه در راه اعتقاداتش را با توجه بدنیا وواقعیاتش آنچنانچه هست و با توجه بخطرات واقعی و امکانات عملی آن دنبال کند .

جراحات کودکی‌هرچند باعماق روح راه یافته باشند قابل درمان هستند ولی بشرطیکه انسان خود را بادانش و عشق مجهز سازد و بتواند ابتدا حقیقت را همانطور که هست ببیند و سپس با نیروی عشق که همان غریزه زندگی و خواست زنده بودن است بدون ترس ازموهامات‌وخطرهای خیالی — ولی‌باتوجه و بیداری‌کامل نسبت‌بخطرات‌واقعی — این‌حقیقت را در راه سعادت خود و همنوعانش قراردهد. ولی بقول رومن‌رولان بزرگترین عمل قهرمانی و بزرگترین مظهر شجاعت آنست که انسان حقیقت را همانطور که هست ببیند و با آن مواجه گردد .

اکتشافات علوم روانشناسی وروان کاوی امروز بیش از هروقت دیگر نشان داده است که تعقیب سعادت فردی نه تنها بهیچوجه با سعادت اجتماعی تفاوت ندارد بلکه هردو لازم و ملزوم یکدیگرند . درگذشته هنگامیکه یك فرد جامعه ، زندگی خود را در راه پیشرفتهای اجتماعی و ملی میگذاشت عمل او را فداکاری و از خودگذشتگی محض میخواندند و چنین اشخاصی را برخ‌آنهائی میکشیدند که باصطلاح تنها بفکر خوشبختی بودند و منافع خود را بصلاح اجتماع ترجیح میدادند .

روانشناسان بزرگ دنیا امروز تقریبا باتفاق قول نشان داده‌اند که یك مفهوم صحیح و سالمانه از خوشبختی فردی ، انسان را ناچار بهمکاری اجتماعی و مبارزات دسته جمعی میکشاند . در واقع همانطور که گفته شد خوشبختی یك انسان سالم را محال است از چارچوب اجتماعی آن جدا ساخت . چون انسانی که او را از اجتماعش جداساخته‌اند انسانیست که دربست وتنها تسلیم قوای تخریبی نفس خودش گردیده است .

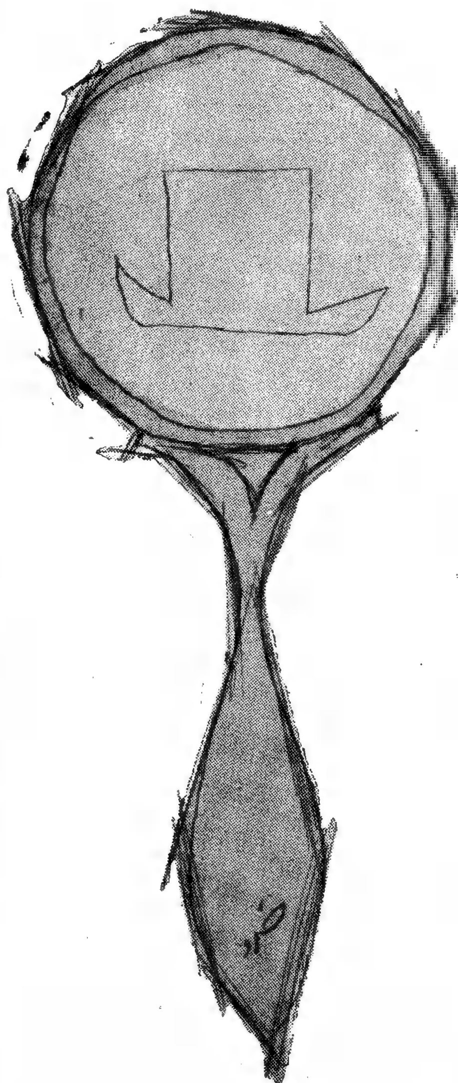
جای تاسف است که ما غالبا دربــاره دیگران طوری قضاوت میکنیم که گوئــی هیچکدام آنها لیاقت عشق و انسانیت واقعی ندارند و دوست داریم پیش خود چنین فکــر کنیم که خودمان تنها مستحق عشق هستیم و به معنای انسانیت پی برده‌ایم . حقیقت آنست که عشق از غریزه زندگی جدا ناپذیر است و انسانی نیستکه بنحوی تشنه آن نباشد . تنها ترس های پنهانی است که هردوست داشتن را درما از میان میبرد .

ساندور فرنکزی (Sandor Ferenczi) مینویسد : «همه میخواهند دوست بدارند ولی نمیدانند چگونه باید دوست داشت » و چون نمیدانند ناچار بهزار عــاطفه بدلی متوسل میشوند تا آنرا جایگزین عشق کنند و دراین‌راه غالبا چنان گول ترسهای نهانی خود را میخورند که همان نیروی عشق خود را در خدمت غریزه های تخریبی خویش میگذارند . درنتیجه جویبارهای کــوچك و معصومانه عشقهای ناتوان یا در زمینهای وحشی و بایر از میان میروند و یا خشك و بی‌آب میشوند.

دراجتماعی که آفت ترس از آن رخت بربسته باشد این جویبار های بیشمار وجداگانه خواه ناخواه مسلما بیکدیگر میرسند و این انرژیهای عظیمی که در حال حاضر یا ازمیان میرود و یا مخرب یکدیگر میشود همه درهم میریزد تا دنیائی آزاد و فارغ از هراس ، دنیائی را که شایسته سرنوشت انسانی باشد برای مردم جهان بوجود آورند و اجتماعی برپاکنند که در آن هرانسان زنده بتواند امکانات درونی خود را ببهترین نحوی رشد و توسعه دهد . چنانچه ما حقیقتا طالب خوشبختی خودباشیم همه باهم چه مرد و چه زن میتوانیم وبی‌شك وظیفه داریم که بسهم خود و هریك درحدود توانائی و کار خود در این نقش عظیم شرکت جوئیم .

چهره‌ها

کنفوسیوس
مادام کوری
الکساندر کوپرین
مارسل امه
دانته
هانری فورد
گی‌دوموپاسان
هومر
رابرت هوک
بتهوون
هارالد گروستبرک
ژنرال دوگل
دیویدهنری لارنس
تاگور
هنریش لوبکه



کنفوسیوس

جوینده نیکی‌ها

از مشاهده تصویر این شخصیت این تصور پیش می‌آید که اگر این قیافه با سوراخ های فراخ بینی و چشمان گشاد وریش و سبیل آویزان با سه شاخه دراز فتیله مانند و جامه‌ای شبیه به لباده‌های بلند ژاپنی بصورت گوشت‌و استخوان ناگهان ظاهر شود بسیار مضحك خواهد بود ولی در پس این ظاهر مسخره ، مردی بزرگ و نیرومند ، سربازی غیور و خونگرم موسیقی‌دانی مستعد و متفکری نابغه نهفته است . مغرب زمین هرگز نظیر او در خردمندی و فراست‌بخودندیده است و او وضع استثنائی و منحصر بفردی در دنیا دارد زیرا هیچکس در طول تاریخ تا آن حد نتوانسته است‌افکار و آداب يك ملت را پرورش دهد .

کنفوسیوس متجاوز از پنج قرن پیش از میلاد مسیح در چین متولد شده است و کمتر استادی توانسته است با آن سادگی فن زیستن راتعلیم دهد و بدرجه کمال‌برساند. او نه روحانی بود و نه‌پیامبر و ابداً کلید اسرار جهان را در اختیار نداشت و هر چند که دستورهای او بقدری مورد توجه قرار گرفته که عنوان مذهب چین را پیدا کرده است لیکن خود او بسیار بندرت به‌مذهب وزندگی ابدی نظر داشت بلکه همواره در جستجوی نیکی و شیفته پیدا کردن خیر و صلاح‌بود.

او بود که اصل سحر آمیز و قاعده طلائی را که بعنوان یکی از گرانبهاترین گوهر های انجیل معرفی می شود ، پیدا کرد زیرا تعلیمات او دراین جمله خلاصه میشود که :

« هرگز با دیگران‌نکن آنچه را که نمیخواهی دیگران با توکنند .»

فلسفه او گاهی آن‌قدر به مسیحیت نزدیك است که کتاب مفصلی درباب‌تشابهات و تناقضات موجود بین این دو عقیده نوشته‌اند . مثلا در نوشته های کتاب مقدس آمده است‌که :

« هیچ قضاوتی درباره دیگران مکن تا درباره تو قضاوتی نکنند .»

وکنفوسیوس نیز اظهار میکرد درمقام قضاوت نسبت بدیگران باید خودتان را در کمال صمیمیت وصفاقراردهید زیرا ممکن است مانیزبارتکاب چنان معصیتی متهم شویم با این همه در بعض جهات با مسیحیت فرق‌دارد .

و هرگاه از او سؤال میشد که چرا باید بدی را با نیکی پاسخ داد در جواب‌می‌گفت که :

«نیکی‌را باچه مبلغ پول میتوانید پاداش گویید ؟ پس بدی را بوسیله عدل و نیکی را با نیکی جواب دهید. »

از همان کودکی بآداب دینی و اصول عقاید همه مذاهب و فرق کمال علاقه را ابراز میداشت و در همین حال موسیقی را میستود وآواز خواندن و نواختن چنگ و سه‌تار را آموخت .

در اواسط عمر خود دهکده زادگاهش را ، که در امیر نشین کوچك لو واقع بود ، بقصد رفتن بپایتخت جهت مطالعه «قواعد موسیقی و کسب مهارت در آن »ترك گفت وازمسائل مربوط بآداب معاشرت وقوف کامل‌یافت.

اساس دستور های‌اخلاقی او را این اصل تشکیل میداد که ، مانند ما ، بین‌رفتار نیك واخلاق فرق بسیاری قائل نمیشد .

شاید حق با او بود.شاید بین «فقدان ادب وتربیت» که در مدارس ما اغلب دیده می شود و بسیاری از «ترقی خواهان» آن را «علامت شخصیت » میدانند ، با وضع غم‌انگیز اخلاقی نو جوان امروزی ارتباطی موجود باشد .

کنفوسیوس ، با رسیدن بسن بلوغ زندگی خود را از راه تدریس اداره میکرد.

هیچگاه درخواست مزد نمیکرد همچنین اگرشاگردی را تهی دست و مستعد میدیداز او حقوقی نمیگرفت .

تعالیم کنفوسیوس بشکل مجموعه قطوری از اندرزهاو داستانها ، که شاگردانش بر سبیل تصادف حفظ کرده‌وثبت نموده‌اند ، بما رسیده است.

بدبختانه مشخص نیست که سخنان او بکدام تاریخ از زندگی او مربوط است‌و این موضوع بحث و تفسیرآنها را دشوار تر میسازد . درضمن آن فصاحتی را که انجیل دارد فاقد است زیرا بقول خود کنفوسیوس « از او جز بیان اندیشه نخواهند » وهر چه بر زبان میآمد می‌گفت:

بعضی ملاحظات ساده و متعارفی نشان میدهد که او تا چه حد در این هنرتوفیق یافته است:

«هرجا که هستی باش ولی باینجا از ته دل بیا.»

« بزرگترین عیب آنست که انسان دارای معایبی‌باشد که در اصلاح آن تلاش‌نکند.»

« زیاد خودت را مهم مپندار تا دیگران ترا ناقابل نینگارند. »

او دارای اندیشه علمی بود و میخواست که نرمی کامل افکار خود را نگهدارند و مشاهده اعمال را جایگزین تعقیب گردانند و این طرز تفکر را که از دو هزارسال پیش تا زمان او وجودداشت بدور افکنند .

او نخستین کسی بودکه آنچه را بآن «اصل زرین» میتوان نام گذاشت ، تنظیم کرد و آن اینست :

« آنگاه‌که در جهل غوطه‌ور هستی ، تشخیص این که تو نمیدانی ، خود يك نوع دانایی است. »

همچنین از هر چیزی که برای معتقدات و پندارهای روح خطرناك بود ، اجتناب میکرد و بهمین دلایل برای صمیمیت ، اهمیت بسیار قائل میشد نه تنها برای صمیمیت در گفتار بلکه در اندیشه‌های تنهائی . وبخصوص راهی را که نشان میداد نه‌تنگ وباريك بود و نه بجهت غیر عملی‌بودن پر مانع .

او می‌گفت که «جاده حق و حقیقت بشاهراهی می‌ماند که پیدا کردن آن‌زیاد دشوار نیست و هربدبختی و شقاوتی که بانسان روی می‌آورد در آنست که آن راه‌را نمی‌جوید .»

بی آن‌که متنعم و خوشگذرانی را بستاید . کنفوسیوس يك استاد سختگیر و مشکل پسند بود و با توجه باوصافی که میخواست شاگردانش داشته باشند،تجسم «هفت کاردینال مقدس» عالم

مسیحیت بازیچه کودکانه‌ای بیش نیست . و شاگردانش میبایست که درمیان دیگران ، ازخود یك«درك سریع» ویك «قوه ممیزه ژرف بین» و «اطلاعات وسیع »نشان دهند. ومی‌بایست که بلند همت ، با گذشت و,لایق اجرای‌قدرت باشند و کسب «بزرگی» و «پشتکار» و »وفا« و«نیکی» بکنند همچنین دارای «دقت شایان احترام درکارهایشان» باشند .

« هرچه موجودات‌مدام در رشد باشند » چنین‌بنظرم میرسد که فکر عمیق آن را در اساس اندرزهای او باز می‌یابند .

بعقیده کنفوسیوس در همه ما نیرویی وجود داردکه ما را بسوی کمال مطلوب (ایده آل) می‌کشاند و میل به برتری را تا آنجا که دیگران حداقل از ما کمتر باشند ، بیدار میکند .

همچنانکه افلاطون یك قرن بعد از او بیان میکند، کنفوسیوس طرح‌یك جمهوری ایده‌آل را پیش‌بینی کرد ولی کاملا با آنچه فیلسوف یونانی بعنوان جمهوری‌طبقاتی تصور میکند مغایرت دارد.

زیرا منبع تفکر او میل وطنخواهی در دیدن یك‌جامعه متشکل براساس یك خانواده واحد نمونه بود واین مفهوم بخصوص معرف یك خصیصه خیالی در چین بود زیرا در آنجا روابط خانوادگی‌بمراتب ازجاهای‌دیگرقوی‌تروفشرده‌تر بود.

درخواست این مطلب‌که چینی‌ها با همه همنوعان‌خود مثل اعضای خانواده خویش رفتار کنند واقعا بمنتهی‌درجه رسیده بود . کنفوسیوس این موضوع را می ـ دانست ولی می خواست اقلا ببیند که بشریت بطور کامل بسوی این ایده آلروی آورده‌اند و بعقیدهٔ او تنها وسیله‌ای که در این راه‌موثر است تقویب افراد با تقوی و عاقل است.

همچنین مانند افلاطون، در تمام عمرش تلاش کرد که مقام بزرگی را از طرف تیولداران مهم چین احراز کند و با این عمل تعداد بسیاری از شاگردان برجسته او بآنجا راه یافتند ولی خودش هیچگاه مقامی بالاتر از استادی در مقابل این کارمندان ممتاز برای خود قائل نمیشد .

سالهای متمادی همراه‌با گروهی از مریدان در خاك چین گشت و در جستجوی صاحب قدرتی بودکه درتجدید بنای گیتی او را بختیار باشد .

ولی شخصیت و آثار منش او با بلند پروازی‌اش مخالفت میکرد .

و بنظر میرسد که‌برای توفیق درسیاست خیلی‌صراحت بیان بکار بسته است.

حاکم تند خویی از او درخواست کرده بود که نصایحی درباب فن حکومت باو بدهد .

در جواب باو گفت که :

ــ این‌کار را باحکومت بر نفس آغاز کن .

علاوه برآن، کنفوسیوس واقعا به حقوق موروثی اشرافیت معتقد نبود.

و میگفت‌که : ــطبیعت آدمیان را تقریبا مساوی‌خلق کرده‌است.وشایدبرای‌اولین بار در تاریخ باشد که تاکید میکند :

هدف واقعی حکومت ها فقط تامین رفاه مادی‌نیست بلکه سعادت ملت ها نیزباید باشد. چون‌پیرودرمانده‌گردید به‌دهکده زادگاهش بازگشت‌و ازاینکه در وظیفه‌خودبکمال مطلوب نرسیده است زیاد مایوس نبود و سرانجام بعداز چند سالی که در سکوت و آرامش بتعلیم سپری‌ساخت با ایمان رخت از جهان بربست.

شاگردانش ، بعادت چینیان آن عصر که کودکان را سه سال تمام در مرگ پدر نگه میداشتند ، مثل فرزندانی که در مرگ پدر می‌گریند زار زار می‌گریستند و همه وقت حقایق اساسی الهام‌شده بوسیله استاد را بخاطر می ـ آوردند و آن ها را نقل می‌ـ کردند و می‌نوشتند .

مجموعه خاطرات آنان کتاب مقدس چینی‌ها بلکه رساله علم زیستن و رویه قضائی ایشان گردید .

در قرن سوم پیش ازمیلاد مسیح ، بعضی از مستبدان قسی‌القلب عقاید کنفوسیوس را منع کردند و متون مربوط باین عقیده را سوزاندند و طرفداران آنرا محکوم بمرگ ساختند . ولی‌فلسفه‌کنفوسیوس در آن هنگام مانند آتشی که در زیر خاکستر پنهان باشد ، درست مثل مسیحیت که درزیر ظلم و ستم توسعه یافت ، نشر پیدا کرد و همانطور که برای مسیحیت پیش آمد، روزگاری فرارسید که روح کنفوسیانیسم چنان عمیق و ریشه‌دار شد که در امپراطوری بزرگ چین مبدل به مذهب رسمی گردید .

درباره تعالیم کنفوسیوس آثار بیشماری نوشته شده است وآدمی اگر بخواندن آنهاآغاز کند تمام عمرش کفاف بآخر رساندن آن را نخواهد داد . بااینهمه روح‌این‌فیلسوف‌بزرگ و پاك و میانه‌رو و ساده از خلال این شرح و تفصیلات میدرخشد.

پیر و

مادام کوری

کاشفین رادیوم

در پائیز سال ۱۸۹۱ یك زن جوان لهستانی بنام **ماریا اسکلود واسکایا** از ورشو به پاریس سفر کرد.

وی بدنبال اشغال کشور خود بوسیله نیروی روس تحت پیگرد پلیس تزاری که او را متهم بشرکت درتوطئه‌ای‌میکرد قرار گرفته بود. زن جوان که عاشق مطالعات علمی بود در دانشگاه پاریس ثبت نام کرد. مغزی پرودستی تهی داشت ومدام ازگرمای تابستان و سرمای زمستان در عذاب بود. برای تامین وسیله تحصیل خود مانند «فارادە» خدمتکاری آزمایشگاهی را بعهده گرفت «ماریا» دو سال تمام این زندگی مشقت‌بار را تحمل کرد چه شبها که پشت میز کوچك خود تا سپیده دم بیداری کشید. هفته‌ها غذایش منحصر به نان خالی بود ولی از اینکه توانسته بود به مطالعات خود در زمینه علم فیزیك ادامه دهد خوشحال و مسرور بود.

دراین‌آزمایشگاه دانشمند جوانی بنام «پیرکوری» باتفاق برادر خود مشغول تحقیقات فیزیك ـ الکتریك بود.

در سال ۱۸۹٤ ماری و پیر در محفل دوستان مشترك خود باهم آشنا شدند.

زوج جوان بعلت علاقه مشترك به تحقیقات علمی از طرفی و عشق متقابل ازطرف دیگر خیلی زود بهم نزدیك شدند و هیجده ماه بعد باهم عروسی کردند.

این خانواده کوچك مانند تن واحدی تحقیقات و مطالعات خود را تا کشف رادیوم ادامه دادند و درتاریخ علم شهرتی بسزا یافتند.

کشف یك عنصر مرموز

در مدتی که زوج «کوری» در دانشگاه مشغول کار بودند حادثه جالبی در تاریکخانه کوچك آزمایشگاه پاریس برای پروفسور «هانری بکرل» اتفاق افتاد بدینمعنی که یك پاکت محتوی اورانیوم که درتاریکخانه روی یك صفحه عکاسی قرار داشت روی آن صفحه اثر کرد. بکرل ـ فوراً دریافت که نمك اورانیوم خود بخود اشعه‌ای از خود ساطع میکند. سپس درنتیجه آزمایش «پشبلاند» (ماده اصلی اورانیوم) متوجه‌گردید که این ماده دارای خاصیت عکاسی مهمی است که مربوط به محتوی آن‌اورانیوم میباشد. «پشبلاند» میبایست محتوی عنصر دیگری باشد که میتواند روی صفحه عکاسی تاثیر نماید «بکرل» پیرو ماری کوری را میشناخت و به شایستگی آنها واقف بود.

وی کشف تازه خود را با ماری در میان نهاد وخواهش کردکه در صورت تمایل بتحقیقات درباره این پدیده بپردازد. ماری این پیشنهادرا با خوشحالی پذیرفت و شوهر خود را متقاعد ساخت که عنصر ناشناخته‌ای در روی صفحه عکاسی تاثیر کرده است دراین باره بامند لیف مخترع جدول متناوبی عناصر شیمیائی (جدول مندلیف) مشاوره شد وی از سنت پترسپورگ جواب دادکه در جدول او چنین عنصری وجود ندارد. این جا بود که «کوری‌ها» تجربیات دیگر خودرا برای جستجوی عنصر جدید کنار هم نهادند.

آزمایشگاه محقر

به آنها اجازه داده شد که یکی از انبار های کوچك زیرزمین مدرسه فیزیك را به آزمایشگاه تبدیل کنند. این اطاق در واقع دخمه مرطوبی بود که ماشینهای کهنه وغیر قابل استفاده را درآن جای میدادند.

پیرو مادام کوری نامه هائی برای تقاضای کمك به حکومت اتریش، صاحبان معادن پشبلاند و بعضی مقامات دیگر نوشتند و چند روز دیگر قریب یك تن پس مانده پشبلاند در آزمایشگاه کوچك ریخته بود.. کوری‌ها کار مشقت‌بار خودرا شروع کردند. روز های متوالی توده های پشبلاند را در یك دیك آهنی بزرگ جای داده وجوشاندند.

بخار های تندی که حاصل میشد محوطه آزمایشگاه را بیك جهنم واقعی مبدل‌کرد، بوی تندی آن چشم و حلق آنها را عذاب میداد ولی دانشمندان بکار قهرمانانه ادامه میدادند. «ماری» رنج بیشتری میکشید زیرا کاری‌که انجام میداد کار زنان نبود معذلك هرگز از وضع خود شکایت نمیکرد.

توده پشبلاند به نصف تقلیل یافته بود ولی درژوئیه ۱۸۹۸ «کوری‌ها» توانستند عنصر جدیدی راکه سیصد بار از اورانیوم موثرتر بود کشف کنند و آنرا بنام میهن ماری «پولونیوم» نام نهادند. کار مشقت بار آنها ادامه داشت و روی میز های کوچك آزمایشگاه مواد «غنی‌تر» از اورانیوم تحت مطالعه قرار گرفته بود.

بالاخره در سال ۱۹۰۲ یعنی چهل‌وپنج ماه بعد از شروع به تحقیقات ماری اولین کسی بود که توانسته بود مقداری از گرد سفیدی را که شبیه نمك طعام بود در گیلاس آزمایشگاه تماشاکند. **هدف نهائی حاصل شده و «رادیوم» کشف شده بود** دانشمندان جوان اعلام کردند که ماده جدید دو میلیون مرتبه موثرتر از اورانیوم میباشد. دنیا در تحسین و اعجاب فرو رفت و «کوری‌ها» تاج افتخار بسر نهادند. و چند ماه بعد (۱۹۰۳) جایزه نوبل به زوج جوان و بکرل که ماری را در این کار راهنمائی کرده بود تعلق گرفت.

ماری بسیارخوشحال بود زیرا اولین فرزند خود«ایرن» که در بحبوحه تحقیقات آنها بدنیا آمده بود اینك ۷ ساله و گویا مقدر بوده است که او هم بعنوان یك دانشمند برجسته جایزه نوبل سال ۱۹۳۵ را به خود اختصاص دهد. در۱۹۰٤ «ایو» فرزند جدید آنها چشم بجهان گشود و سال بعد پیر کوری بسمت استاد فیزیك عمومی دانشگاه سربن مشغول کار شد و وارد آکادمی علوم گردید.

یك حادثه غم‌انگیز

شنبه ۱۹ آوریل سال ۱۹۰۶ حوالی ساعت ۲٫۵ پیر کوری از دانشکده علوم خارج شده و بسوی منزل خود روان بود. در هوای بارانی ونیمه تاریك چرخهای سنگین درشکه‌ای بزندگی مردی خاتمه دادکه امروزه شهرت او در سراسر عالم پیچیده است. مصیبت جانگداز مرگ شوهر «ماری» را از ادامه تحقیقات علمی بازداشت و یکماه بعد

نامزد اشغال کرسی شوهر فقید
خود در «سربن» گردید . در
۱۹۱۱ ماری دومین جایزه
نوبل را در شیمی دریافت کرد.
کاری که نظیر آن هرگز
دیده نشده بود . بعد از سالها
کار پر زحمت ماری کوری
« موسسه رادیوم » رادرپاریس
ایجاد کرد و در ٤ ژوئیه
۱۹۳٤ در یك آسایشگاه چشم
از جهان بربست . او قربانی
تماس طولانی بارادیوم شده‌بود ،
عنصری که بعد از افتخار
مرگ اورا موجب شد .

الکساندر کوپرین



الکساندر کوپرین

الکساندر ایوانویچ
کوپرین که در سال ۱۸۷۰ در
یکی از ایالات روسیه بنام
نارووچاتا بدنیا آمد از زمره
نویسندگان نامدارشوروی‌است.
پدر وی مباشری فقیر بود
و هنگامیکه کوپرین بجهان
آمد اوپیر مردی سالخورده‌بود
و بهمین سبب در ایام کودکی
فرزندش در گذشت وبالاجبار
خانواده فقیر الکساندر
ایوانویچ کوپرین بقصد مسکو
ناروچاتا را ترك گفتند .
مادر الکساندرکه توانائی
آنرانداشت تافرزندرادرآغوش
خویش بپروراند فرزند هفت
ساله خودرابه پرورشگاه یتیمان
سپرده و سه سال پس‌از این
ایام وی به آموزشگاه نظام
پذیرفته شد و از همین جاست
که الکساندر ایوانویچ کوپرین
به آزمایش استعداد خود در
هنر نویسندگی آغاز میکند .
درسال ۱۸۸۹ کوپرین
هنگامیکه ۱۸ سال داشت و
هنوز در دانشکده افسری
تحصیل میکرد نخستین داستان
کوتاه خودرا در یکی از
روزنامه های ادبی شهر منتشر
ساخت و انتشار این داستان
سبب شد تا با استناد به قوانین
نظامی که هرنوع فعالیت ادبی
و مطبوعاتی را برای اعضای
کادر نظامی دانشکده ممنوع
میساخت کوپرین دستگیر و
زندانی‌گردد . این پیش آمد
حوادث جدیدی را در مسیر
زندگی کوپرین نهاد بدینمنوال
که پس‌از آزادی کادر نظامی
دانشکده افسری از پذیرش
مجدد وی به خدمت سر
پیچید وازآن پس الکساندر
زندگی آزاد و بی‌قید و بندی
را آغاز کرد و برای همیشه از
همه امتیازات نظامی خویش
چشم پوشید .
فقر سرنوشت بی بدیل
الکساندر و یار وفادار او بود
کوپرین که اینك جز فقر
امان دیگری در زندگی نداشت
درنهایت استیصال به شهر کیف
سفر کرد و درآنجاست که
سالهای بیکاری و آوارگی او
در منتهای تنگدستی ادامه
مییابد . الکساندر ایوانویچ
کوپرین در یادداشتهائی که
بخاطر این روزها تدارك دیده
بود مینویسد «در شهر غریبی
زندگی میکردم شهری که
ناچار بودم برای تهیه وسایل
معاش بکوشم درحالیکه درآنجا
هیچ قیافه آشنائی برای من
وجود نداشت بدتر از همه اینها
هیچ تخصصی نیزدر خودسراغ
نداشتم تا بان وسیله حداقل
زندگی برای خودفراهم سازم»
اما اوکه بهرسوی برای«کار»
طفره میزد و جز ناکامی
سرانجامی نمییافت برآن شد تا
داستانهائی کوتاه در مجلات
و روزنامه های شهر منتشرسازد
اما اینکار نیز نوید نانی نبود
و بناچار طی تمامی عمر بکار
هائی نظیر خبرنگاری ــ مامور
دریافت مالیات ــ مامور بخش
دارائی محل ــ هنرپیشه تئاتر
های کوچك و مستخدمی و
باربری تن درداد . وی درهمه
این ایام داستانهائی مینوشت
اما از سال ۱۸۹٦ که برای
نخستین بار اثر هنری خود
ملوچ رامنتشرساخت رسما کار
نویسندگی را آغاز کرد در
همان سال در نمایشگاه آثار
هنری آثار دیگری از او در
معرض استفاده گذاشته شد .
کوپرین معاصر نویسنده
واقع بین‌روس ماکسیم‌گورگی
بود و در زمانه‌ای میزیست که
ادبیات روس با شیوه نوین

داستان پردازی گورکی دوران نوینی را آغاز کرده‌بود تیزبینی وقدرت اندیشه کوپرین گورگی را برآن داشت تا باوی طرح آشنائی بریزد واز همین طریق است که گورکی و شیوهٔ او در آثاربعدی کوپرین اثری شگرف گذاشت و همین اثر پذیری نمایان سبب شد که کوپرین داستان دوئل خودرا به ماکسیم گورکی اهدا کند و ضمن نامه‌ای در این باب بگورکی نوشت :

« من اگر در آثار و نوشته‌هایم بوئی‌ازقدرت وتهور در هنر بمشام میرسد و اگر چیزی در جهان هست که برای آموختن آفریده شده است و من آنها را آموخته‌ام همه آنها را بشما مدیونم واز شما بیادگار گرفته‌ام و بخاطر همه آنهاست که از شما سپاسگزارم » .

درسالهای اولین انقلاب ۱۹۰۵ روسیه آثار کوپرین شهرتی عام یافت وبا صورت تازه و مضامین عامیانه‌ای که داشت قبول‌عام گرفت .کوپرین با احساسات شایسته و انسانی و همچنین طبعی و قار وعمیق آثار خویش رامیپرورید وخلق میکرد .

در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ کوپرین بناگهان در برابر وضعیت اجتماعی جدیدواکنشی قهرمانانه نشان داد و از همان طریق خویش را بعنوان یکی‌از پیروان مکتب گورکی شناساند اما آنچه که سپس اتفاق افتاد سبب شد که کوپرین از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۷ درست ۱۷ سال میهن خود را ترک بگوید و درپاریس زندگی کند .

درآنجاست که وی‌بنوشتن بیوگرافی خویش اقدام کرد و این بیوگرافی را از روز های شوم دانشکده نظام آغاز کرد .

درسال ۱۹۳۷ کوپرین مجدداً بروسیه بازگشت و هنگامیکه بخاك میهن فرود آمد خطاب بمردم شوروی چنین‌گفت «باز شما و درکنار شما این بزرگترین خوشیهای زندگیست . بکجا میتوانستم بروم درحالی که همه آثار روحم و اندیشه‌ام مال شما و بخاك شما متعلق بود » .

از کوپرین آثار متعددی بجای ماند که از آن جمله تعداد زیادی بزبانهای زندهٔ دنیا ترجمه شده است دستبند جواهر ، دوئل ، ملوچ و شب ماموریت و بالاخره من هم هنرپیشه بودم از جمله آثار جاودان کوپرین است .

الکساندر ایوانویچ کوپرین نویسندهٔ نامدار روسیه ادامه دهندهٔ سنت واقع گرائی ماکسیم گورگی درسال ۱۹۳۸ چشم ازجهان فرو بست .

مارسل امه

نوشته ــ پل‌واندروم

هردفعه مخبرین خواستند راجع بزندگی مارسل امه اطلاعاتی بدست آورند او با سکوت برگزار کرده است ــ حتی یکبار یکی‌از مخبرین که خواسته بود مدرك کتبی بدست آورد توسط نامه سئوال را از او نمود . وی در پاسخ نوشت : « از خودتان اختراع کنید برای من خیلی سرگرم کننده خواهد بود » .

چنانچه ملاحظه‌میفرمائید او دربن قسمت نظیر ندارد ــ او در ۲۹ مارس ۱۹۰۲ در ژوانی Joieny بدنیا آمد و براثر ناخوشی مجبور بترك تحصیل مهندسی شد وخودش دراین‌باره چنین اظهارمیدارد:

«اگر مهندس شده بودم هیچوقت فکر نویسندگی بسرم نمیزد بهمین جهت خود را نویسنده نمیدانم ، زیرا نویسنده حقیقی بعقیده من کسی است که استعداد فطری دارد وخواه وناخواه بدان‌سو کشیده میشود و این امر در مورد من صدق نمی‌کند .

خدمت نظام وظیفه را در آلمان اشغال شده طی مینماید و دست بکارهای مختلف میزند منجمله روزنامه نگاری .

« من روزنامه‌نویس متوسطی بودم زیرا آنچه دیده ویا شنیده بودم گزارش میدادم درصورتیکه معمولا میبایستی مطالب را سرهم کرده و شاخ و برگی بدان اضافه میکردم .»

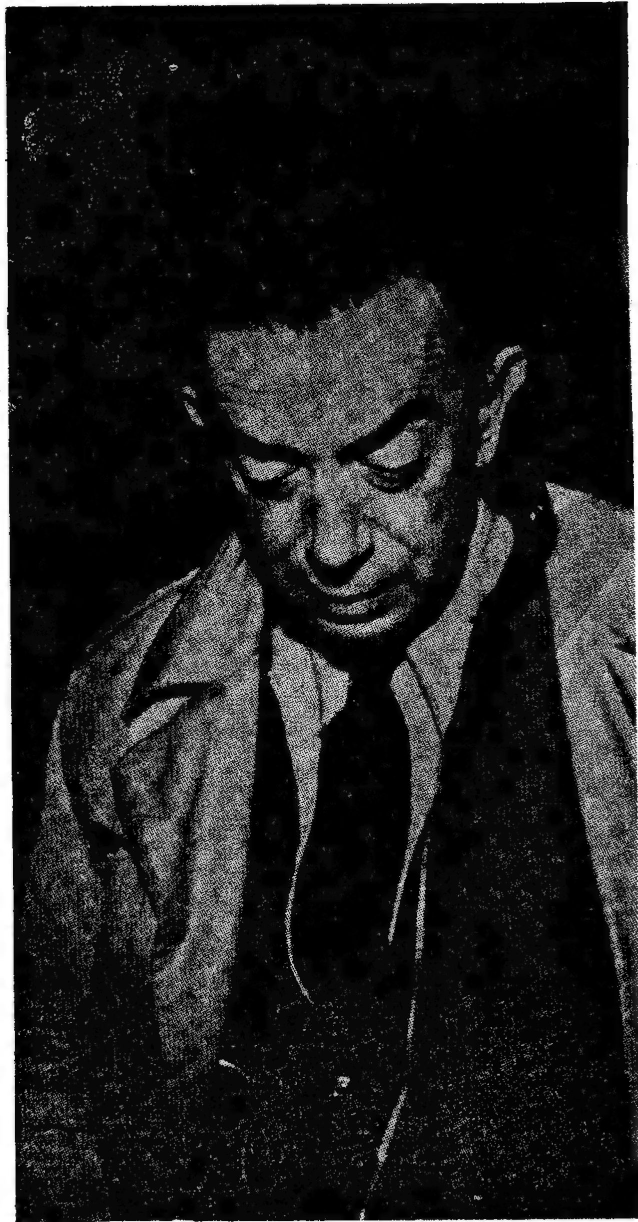
مارسل امه نویسنده‌ایست متواضع و هیچگونه تظاهر در او دیده نمیشود و اما بسیار درکار خود دقیق میباشد . سر موفقیت او دراینست که زیاده از حد اظهاری نمیکند درست آنقدر که خواننده بایستی بداند برایش‌شرح میدهد وبس.

مارسل امه شهری نیست زیرا در روستا تولد یافته و درآنجا بزرگ شده و زندگی روستائی با سرشت او آمیخته است از نیرو نوشته هایش بوی روستا میدهد ــ او بتمام جزئیات روستائی آشناست ــ کتاب «اسب ماده سبز»داستانی است در وصف روستا و آفتاب ودرو وخنده ــ شخصیت های نوشته‌های اودایم تغییر میکنند ولی آنچه عوض نمیشود ــ نظر او ، رنگ دنیای اوست ــ دنیای او مه‌آلود ــ خاکستری رنگ با مقداری اشعه خورشید باخنده ــ توام است .

زندگی درشهر خفه‌کننده است و افکار را میپوشاند ــ مارسل امه میگوید زندگی در شهر خسته کننده است و شغل شهری نوعی ظلم است اما در روستا کار توام با خوشی است در شهر کار نوعی بردگی و نابود کننده اعصاب است که نتیجه‌اش خستگی بدون انتها میباشد .

دربین ساعت پنج الی شش صبح صداهای محزون و راه رفتن سنگین در خیابان طنین‌انداز بود ــ مردان از خانه‌ها خارج میشدند تا دراین ساعت صبح خودرا بکارخانه ها بسرکار خود برسانند ــ پلك‌ها هنوز ازخواب سنگینند از روی عادت تن بقضا داده یکنواخت میرفتند تا لقمه نانی بدست‌آورند ودلشان میخواست که بآنها بگویند : برگردید به رختخواب گرمتان ، شما دیگر احتیاجی بکارنخواهید داشت ، من به شما نان وشراب میدهم و زنان شما زیبا خواهند بود .

اما در شرح زندگانی شهرها نیز قلم فرسائی کرده است و بدون رحم و بدون



مارسل امه

کمترین ملاحظه آنچه دیده ــ برشته تحریر درآورده . کتاب « جاده دانش آموزان » دربین آثار مارسل امه مقام مخصوص دارد . احتیاجی به نقاب وریا و صحنه‌سازی نیست ــ مردمان کتاب « جاده دانش‌آموزان » در شهر تنها هستند وسرگردان و سعی میکنند از یکنواختی و کسالت فرارکنند و تخیلات نویسنده است که از زندگی درهم پرسوناژ های کتاب انتقام میگیرد ــ آنچه درباره شهر میگوید فریادی است از دل ، قدری خفه ، قدری محزون ، آمیخته با موسیقی پر از درد و سوز .

کتب مارسل امه نوعی تصنیف‌میباشد ــ تصنیف‌حرکات مانند کتاب ماده اسب سبز ــ تصنیف جنگل مانند کتاب لاوویور ــ تصنیف کوچه‌ها مانند کتاب کوچه بدون اسم . درباره موضوع های غیرقابل تصور نیز قلم فرسائی میکند درکتاب عبور از دیوار چنین میگوید : « درکوچه شماره ۷۵ اورشان در مونتمارتر در طبقه سوم مرد بسیار نازنینی زندگی میکرد موسوم به دوتیلول قدرت خارق‌العاده‌ای داشت یعنی بدون اینکه ناراحت بشود میتوانست ازمیان دیوارها عبور کند . »

او دوست بشریت است و عقاید خودرا از دهان پروفسور واترن چنین بیان می‌نماید : « بمن راجع خود خواهی و دو روئی صحبت نکنید ــ خود خواهی بشر مانند خود ــ خواهی پروانه ویا سنجاب قابل پرستش است ــ هیچ چیز درما بد نیست ــ هیچ‌چیز ــ دردنیا فقط خوب و بهتر وجود دارد ما عادت داریم آنچه را که خوب است بد بنامیم ــ باور کنید زندگی همیشه درهمه جا عالی است . »

این نظریه نویسنده در کلیه نوشته هایش دیده میشود وهرآن بچشم میخورد پرسوناژ های کتب او خواه واترن باشد خواه آرسن ویا دیودات و یا لانگوست همه انعکاس افکار او و نظریه او هستند و همه شباهت به پروفسور واترن دارند ــ زشت در نوشته های او وجود ندارد ــ آنچه بنظر میخورد غیر طبیعی است ــ عنکبوت درنظراوزشت نیست ــ غیر طبیعی میباشد ــ خوبی و صفای باطنی نویسنده باواجازه نمیدهد که عمل یا شخص را تقبیح کند و بد بخواند ــ و آنرا عجیب و شگفت‌انگیز میخواند ــ خواه‌عمل‌فداکاری باشد و خواه جنایت .

نوشته های او بسیاراست که در زیر نام عده‌ای از آنها معرفی میگردد :

۱) کوچه بدون اسم ــ
۲) ماده اسب سبز
۳) آسیاب سوردین
٤) اورانوس
٥) جاده دانش‌آموزان
٦) تصویر زیبا
۷) چهار حقیقت (تاتر)
۸) پرندگان ماه (تاتر)
۹) مگس آبی‌رنگ (تاتر)

مقداری زیادی مقالات و داستان کوتاه و قصه های شیرین .

(ترجمه محمدآسیم)

دانته

شاعر سرگردان

درسال ۱۵۱۹ پاپ لئون دهم‌بنمایندگان خوددرفلورانس دستور داد که به « رن » رفته و پس‌از نبش قبر دانت ، بقایای جسد شاعر را طی مراسم رسمی بآرامگاه سنت ماری و فلور منتقل سازند . دیلمها و چکشها از هر سو برپیکر مزار شاعر فرود میآمد . اهالی «راون» با درونی آکنده از خشم و غضب ناگزیر از تسلیم و رضا بودند . چه میتوانستند بکنند ، ستم کشیده‌ای بود که بدست ستمگران سپرده میشد . بیش‌از یکقرن بود که اهالی فلورانس و راون دائما با یکدیگر درجنگ وستیز بودند. دراین ایام « مردم بزهکار » فلورانس برروی خواستهای خوداصرار وپافشاری میکردند و برای رسیدن بآرزوی خود بهروسیله‌ای متشبث میشدند . تنها هدف این جنگهای طولانی که بیشتر جنبه مذهبی داشت بدست آوردن چند قطعه استخوان دراز و یك کاسه سر بود . اکنون این جنگها پایان یافته و نیروهای کوردل ونمك ناشناس فلورانس شهر کوچك و بیدفاع آدریاتیك را تسخیر کردند .

پس از کوشش فراوان همین که قبر گشوده شد فرستادگان جمهوری فلورانس دچار حیرت شده و چیزی نمانده بود که از فرط التهاب خفه شوند زیرا درآنجا اثری از «دانت» شاعر مورد نظر ایشان دیده نمیشد . حتی یك قطعه استخوان هم نبود . تنها یك معجزهٔ آسمانی ویا یك تردستی وشعبده بازی‌میتوانست بآنها کمك کند . در پرتو انوار ضعیف و لرزان مشعلها برروی دیواری که قبر شاعر برآن تکیه داده‌شده‌بود سوراخ نسبتا وسیعی دیده‌میشد وحاکی ازآن بود که از این سوراخ استخوانهای بدن شاعر بیرون آمده است . بخوبی مشهود بود که برای‌بیرون آوردن جمجمه قدری سوراخ را وسیعتر کرده بودند تا خروج آن بسهولت انجام‌گیرد . دزدان‌نمیخواستند محفظه مقدسی را که در آن ظهور اسرار مافوق نیروی طبیعت باگذشت زمان تدارك شده بود شکسته ودرهم بریزند. این دزدی شرافتمندانه زبان گویای همه چیز بود زیرا اهالی متعصب راون بر رقیبان خود سبقت جسته و بقایای مقدس و گرامی شاعر رابجای دیگر انتقال داده بودند . در همین اثنا افرادیکه از طرف جمهوری فلورانس مأمور انتقال استخوانها شده بودند نا امید از همه جا ولی درکمال رازداری بدون آنکه دیگر اقدامی کنند محل قبر شاعر را ترك کردند .

افشای راز

قرنها سپری شد . دریکی از روز های سال ۱۸٦٤ در آستانه برگزاری ششصدمین سال‌تولددانت یکی‌ازکارگرانی که سرگرم ساختمان مسجد در مجاورت قبر مذکور بود ناگهان برروی دیواریکه در قسمتی از آن فرو رفتگی مختصری ایجاد شده بود در غلطید با عمیق کردن فرو ـ رفتگی مذکور بصندوقچه فلزی برخوردند که روی آن بلاتین نوشته شده بود : « من آنتو نیو سانتی استخوانهای دانت را در هجدهم اکتبر ۱٦٦۷ در اینجا گذاردم. » باین ترتیب صرفابرحسب اتفاق کلید رمز پیدا شد . کارگران از روی اشتیاق استخوانها را برداشته و در یکی از شبهای بین سالهای ۱۵۱۵ ــ ۱۵۱۹ آنها را بدست یکی از رفقای خود سپردند . پس از گذشت سالها و قرنها این حکایت‌دهان بدهان میان راهبه‌ها و ساکنین دیر انتشار یافت اما مرگ بآخرین امانت‌داراین‌استخوانها مجال آن نداد که این سر را برای جانشین خود بازگوکند و بهمین سبب خاطره این‌اشیاء گرانبها همچنان سالها بدست فراموشی سپرده شد .

امروز بقایای بدن‌دانت بمزار اولیه خود ملحق شده بطوریکه در معرض هیچگونه خطری نیست و اهالی فلورانس هم از پس‌گرفتن آنها منصرف شده‌اند ، بااینوصف پیشگوئی بوکاس که اندکی پس ازدانت مؤلف کمدی آسمانی میزیسته بتحقق می‌پیوندند : « وی با صدای بلند میگوید ، ای کشور غافل ، دانت آلی‌قیری تو دور ازوطن جان برلب‌آورد ، برو، برو و بدن او را مطالبه کن، من اطمینان دارم که آنرا بتو پس نخواهند داد » معهذا انسانیکه بر سر بدن بی‌جانش اینهمه نزاع در گرفته هرگز نمرده است . دشنامهای مشهور او که بسرزمین ابا و اجدادی خود نسبت میداد ، چون روباه متعفن بی‌شرم ، افعی حریص و کینه‌توز ، بزگری که گله‌ای را مبتلی میسازد ، پیش‌ازآنکه فریادهای دردناك یك عاشق ناامید باشد بفریادهای شکنجه دیده و زجر کشیده یك تبعیده شده‌سیاسی‌شباهت داشت . دانت بیش از هر چیز از تجمل پرستی و زرق و برق فلورانس متنفر بود و بگرسنه چشمی بورژوازی آن‌واز بی‌بندوباری لجام گسیخته این سرزمین بیزاری داشت. ولی به‌فلورانسی که دور از این معایب بودعشق میورزید بطوریکه کمتر کسی درابنمورد بپای او میرسید . دانت هنگامیکه در تبعید بسر میبرد برای هموطنان‌فلورانسی خود نوشت : « ای ملت من برای شما چه بکنم » . دانت داستان غم و اندوه و مدیحه سرائی‌های خود را هنگام دوری از وطن و بیان سوز و گداز سینهٔ شرحه‌شرحه‌اش را با تجسم ایام کودکی که اورا غسل تعمید میدادند آنچنان دلخراش و سوزان توصیف نموده که گوئی در حین‌تحریر این خاطرات اشك‌ازدیدگانش روان بوده است . با حسرت و اندوه سن‌ژان زیبایش راطلب میکند و بخاطر میآورد که میگفتند وقتی در سال ۱۲٦۵ بدنیا آمد درهمین سن‌ژان او را غسل تعمید دادند . تاریخ تولد دانت را نباید سرسری گرفت زیرا در تاریخ جهان منشاء دوران بزرگی است . دیری نمیگذرد که سن‌لوئی در تونس میمیرد ، مارکوپولو در جادهٔ ابریشم‌حیران‌وسرگردان میشود ، طایفه مغول با زلفهای کوتاه منگوله‌دار خود سرزمین چین‌را بفرماندهی خان‌کوبلائی متصرف میشود . ازطرف‌دیگر درگوشه‌ای ازززمین پهناور که هنوز میبایست لااقل دو قرن دیگر دور از دسترس دریا نوردان غربی بسکوت‌وآرامش خود ادامه دهد فرزندان خورشید بساط نو می‌افکنند ، درهمین حال در مکزیکو ــ تنوشتیتلان جنگجویان خنجر بدست بر روی اهرام شهر

جدید شکم اسرا را از هم میدرند . در اروپافیلیپ لوبل سلطنت میکند . بیچاره پاپ که سیلی میخورد و ازفرط خجلت میمیرد ، بدبخت دیرنشینانیکه یکی پس از دیگری بکوره‌های آدمسوزی سرازیر میشوند . ولی هرگز زبانشان از لعنت و نفرین براین دستگاه ظلم و استبداد خاموش نمی‌ماند .

در خلال اینهمه حوادث شگرف حتماً باید امور مربوط بفلورانس چون زمزمه های یکنواخت بال پشه‌ای بی‌اهمیت جلوه کند ، زهی تصور باطل زهی خیال محال ! درست‌است که فلورانس شهر کوچکی است و بیش از هشتاد هزار نفر جمعیت ندارد و هنوز از کوچه‌های تنگ و ناهموارش رفت و آمد باشکال صورت میگیرد ، شکی نیست که برج های مرتفع این شهر که بدست اشراف بنا شده بود و اندکی بعد توسط بورژواها از بن ویران گردیدفلورانس راشهری مشئوم و ستیزه‌جو نمایان میسازد وهنوز آثار شگفتی‌آور معماری آن تعمیر نشده ودیگر اثری از قصور سن‌بوری و کلیسای بزرگ سنت‌ماری‌دفلوز بچشم نمیخورد . ولی هنوز فلورانس با همین قیافه‌موحش و هراسناکش باقی مانده‌است پادشاه فرانسه و پاپ درصدد برآمدند که برای مقابله با امپراطور آلمان و حفظ فلورانس اتحادی میان‌فلورانس و توسکان بوجود آورند . از نظر جنبه اقتصادی شهر فلورانس استقلال کامل داشت. طبقه وسیعی از بازرگانان ، ماهوت فروشان ، پشم‌فروشها ، تجار ابریشم ، بانکدارها صرافها ، صنعتگران پرشور و حرارت با فعالیت زیاد سرگرم تهیه بازار برای فروش امتعه خود بودند . این افراد درواقع همان یانکی‌های قرون وسطائی بودند که همه‌جا بچشم‌میخوردند محصولات صنعتگران فلورانس از نوع ساخت اشیاء طلائی و پارچه‌های زیبا هنوز درمغازه های پاریس و در بازارهای مکاره شامپانی و پرووانس به مشتریان عرضه میشود . پول رایج آنها همان دلارهای قرن سیزدهم بود . چیزی نگذشت که اینهمه تمول و مکنت‌آداب و رسوم شهر را تغییرداد . یکی از مورخین درحالیکه سراپا غرق در تأسف و تحسر نسبت بدورانهای پرازخوشی فلورانس بوده مینویسد : « شادمانیها و اعیاد زیادی برپا میشد ، مردم با ترتیب‌دادن مجالس شادی و سرور بزندگی شیرین خود ادامه میدادند . هرسال در روز اول ماه مه دوستان ، مردان و زنان برای تفریح و رقص در هر گوشه و کناری بدور هم جمع میشدند و با سرود و دست افشانی زندگی را با خوشی طی میکردند . »

درسال ۱۲۷۵ دربحبوحه اینهمه شادی و نشاطاست که حوادثی که منشاء زندگانی دانت را مشخص‌میسازد درشرف وقوع بود : این حوادث از ملاقات او با بآتریس آغازشد. آنچه از خصوصیات زندگی اقوام و پدر و مادر دانت میدانیم ناچیز است و درباره زندگی خود او هم تا قبل از سال ۱۲۷۵ مطالب عمده‌ای وجود ندارد . از ده سال پیش تاکنون هیچ کودکی مانند او این چنین در میان سایه روشن های قرون وسطی حیران و سرگردان نشده بود ولی در چنین‌روزی تاریخ تماشاگراین واقعه‌شد:

در خانه همسایه مراسم جشن و شادی برپا است. دانت دائما در رفت و آمد است و بطنین آوای چنگ و رباب گوش تیز کرده ولی ناگهان نگاهش بنقطه‌ایکه عده‌ای جمع شده بودند ثابت میشود . با چشمان کنجکاو ولی بیحرکت خود دخترك نه‌ساله‌ایرامی‌بیند که لباسی برنگ خون وبشیوه اشراف بر تن کرده . تزئینات لباسش از هر جهت برازنده دخترکی بسن و سال او تهیه شده است . او دختر ارباب پرتیناری است واو را بیس یا بآتریس صدا میزدند . ایندو کودك که هر دو لباسهای‌عید بر تن داشتند مدتی یکدیگر را ورانداز کرده و پس از یك سلام زیر لبی در حالیکه نگاههای حیرانشان باهم تلاقی داشت از یکدیگر جدا شدند . این دوکودك در همین برخورد کوتاه‌یکدیگر را شناخته‌بودند.

مرگ بآتریس

آنچه در روح و فکر دانت میگذشت چیزی غیر از عشقهای کودکانه بود . این‌یك ارتعاش و لرزش موثر وکاری بود که بروجود او مسلط شده بود . در میان این شهر کوچك بحرانی که آکنده از زدوخورد ها و کشت و کشتارها و خیانتهاست ، این زیبائی و آرامش و اینهمه لطف ومحبت بوجود آمده . اما چگونه‌دانت خواهدفهمید که‌دختر پرتیناری از زمره همان مردمی است‌که وجودش از گل سایر آدمیان سرشته‌شده‌وبامردم عادی‌تفاوتی ندارد ؟ دانت ، دخترك را مائده آسمانی و ذات یزدانی میشمرد و میگفت : « تنها خطای خداوند اینجاست که بآتریس را بیقرین آفریده است » .

دانت هجده ساله شد . اکنون جوان محصلی است‌که تبحر او در علوم عصرخودش وی را از دیگران ممتازنموده و شاعری است که با شعرای همزمانش برقابت برخاسته‌است. در این زمان پر تجمل بیان مکنونات قلبی و عشق وعلاقه با آداب و القاب فراوانی بیان میشد و احساسات کاذب‌رواج داشت. آنچه‌که دوست داشتند، شعر میسرودند ، اما بهیچ‌چیز از روی حقیقت مهر وعلاقه نداشتند . پس از آن شب‌نشینی دیگر دانت دخترك را در آن لباس ارغوانی ندیده بود ولی پس از نه سال هنگامیکه در خیابان‌قدم‌میزد ناگهان چشمش به بآتریس افتاد . بآتریس با آن زیبائی خیره کننده ولی قیافه جدی خود ، درحالیکه لباس سفیدی بر تن داشت دوشادوش دو تن دیگر اززنان اشرافزاده‌ایکه از او مسن‌تر بودند میگذشت . دخترك سر خود را بلند کرد و با دیدن دانت دچار حیرت شد . دانت را شناخت و با لبخندی‌شیرین ورفتاریکه شایسته دختر اشراف زاده‌ای چون او بود سر خود را دربرابر دانت بعلامت‌آشنائی پائین آورد گرچه این عمل سلامی بیش نبود ولی دانت مینویسد : « این عالیترین سعادت ابدی بود که بمن‌ارزانی شد » . دانت هرگز موفق‌نشد از محبوبه جز سلام چیز دیگری بدست بیاورد . تنها همین نگاهها و لبخندها و

همین احترامات بود که بر درون ملتهــــبش آب سرد می‌پاشید . ولی مطلب تازه و عجیب در این عشق این بود که همین اشارات جزئی که ازطرف بآتریس انجام میشد بنظر او کاری بس بزرگ جلوه‌میکرد. دانت که میخواست عشق خود را درمیان تاریکی های جهان پنهان کند . تصمیم گرفت که اشعار خود را بزیباروی‌دیگری اهدا کند . تدبیر این کار بس سهل و آسان بود اما دراینکار بباید افراط میشد چون بیم آن میرفت که مردم آنرا باور کنند. دانت تصمیم خود را عملی ساخت . وقتی بآتریس ازاین کارآگاه شد با قلبی شکسته و احساساتی واخورده از شاعر کناره‌گیری کرد و حتی از سلام کردن هم که تنها مایه دلخوشی شاعر بود دریغ‌نمود .

دانت دیگر فرصت نکرد که در برابر کرده خود عکس‌العملی نشان دهد و یا شاید جرات اینکار را هم نداشت . بآتریس اندکی بعد با یك شوالیه اهل فلورانس ازدواج کرد ولی هنوز کامی از زندگی نگرفته بود که در هشتم ژوئن ۱۹۲۰ درحالیکه هنوز بیست وپنج سال‌زندگیش پایان نیافته بود بدرود حیات گفت . دیگر بخشیدن گناه شاعر محال بود . آنوقت بود که دانت با قلبی آکنده از غم و اندوه اولین کتاب خود را بنام « **زندگی نوین** » برشته تحریر درآورد : « قسمت‌این بود که من در رویای شگفت‌آوری غرق شوم و در آن‌عالم اموری مرا مصمم سازد که درباره موجود مقدس خودحتی کلامی نگویم مگر وقتیکه قادر باشم با هنرمندانه‌ترین بیان و شیرین‌ترین کلام در وصفش مدیحه‌سرائی کنم . خودش‌خوب میداند بهمین علت بود که من تا توانی در بدن داشتم کار و کوشش میکردم . اگر قرار است چند سال دیگری زنده بمانم خیلی دلم میخواهد درباره او آنچنان چیز بنویسم که هرگز تاکنون کسی درباره یك زن چنین سخن نگفته باشد . »

روز دهم مارس ۱۳۰۲ جارچی‌فلورانس در چهارگوشه شهر اعلام کرد که دانت بعلت تقلب و تزویر و قیام بر ضد آرامش شهر محکوم بمرگ شده و باید سوخته شود . در همین روز چند نفر دیگر هم از اهالی فلورانس گرفتار سرنوشت دانت شده بودند .

قرنها گذشت ، آداب و رسوم مختلف و حوادث گوناگونی در فلورانس بهم آمیخته شد و وضع جدیدی در شهر پدید آورد . دو فرقه هرج و مرج خواه و آشوب طلب با یکدیگر بر سر ستیز آمده ، یکدیگر را مسموم میکردند ، از پنجره‌ها بدرون کوچه بسوی هم تیراندازی کرده و یا آنکه در گوشه و کناری خنجر بقلب یکدیگر فرو میبردند . حتی مستخدمین و خدمتگزاران جزء افراد حزبی بودند دراین موقع افراد فلورانس بدو دسته متخاصم تقسیم شدند . در سال ۱۲۱۵ بوئون‌دلمونت نامزد یکی از دختران خانواده آمیدی دل‌در گرو عشق دختر کی بنام‌دوناتی نهاد و با او ازدواج کرد . ولی در همین روز با قتل عام خانواده بوئون دلمونت در پون‌ویو توسط کسان‌نامزد سابق بوئون دلمونت این لکه ننگ از دامان خانواده مذکور پاك شد .

از همین جا بود که دو فرقه آشوب‌طلبی که از آنها در بالاذکری بمیان آمد تشکیل شد . دسته اول که گلف‌ها نامیده میشدند دموکراتها و هواخواهان پاپ بودند ولی دسته‌دوم بنام ژیبلن‌هااشرافیون و طرفداران امپراطور آلمان بودند . هرچند یکبار یکی از ایندو حزب زمام امور شهر را در دست میگرفتند و مقررات خشن‌وخشکی برقرار میکردند.

الی‌قیری‌ها یعنی خاندان دانت گرچه جزء اشراف‌بودند ولی عضویت حزب گلف را داشتند . در روز یازدهم ژوئن ۱۲۸۹ دانت شخصا برضد حزب مخالف قدم بمیدان پیکار گذارد . این نبرد ناقوس‌مرگ تمام امیدها و آرزوهای‌حزب ژیبلین را بصدا درآورد. ولی اینکار هم نتوانست خشم و غضب اهالی فلورانس را فرو نشاند. گلف‌های غالب دوحزب تشکیل‌دادند: سیاهان وسپیدان. این دو حزب هم برای قتل و کشتار یکدیگر کمتر از موسسین خود شور و حرارت بخرج نمیدادند . کرسودوناتی سرکرده سیاهان به‌گیدو ـ کاوالکانتی که‌یك شاعرودوست و رفیق دانت بود و ضمنا عضویت حزب سپیدان را هم داشت حمله‌ور میشود ، کاوالکانتی که از زیارت‌اماکن مقدس برمیگشت بسهم خود سعی میکند که دوناتی رابکشد. روز دیگر چهار تن از اعضای حزب سپیدان از روی بی‌احتیاطی یك لقمه نان از دست یکی از اعضاء حزب سیاهان گرفته و خوردند و چند لحظه‌ای نگذشت که هر چهار نفر آنها مردند .

ای انسانهائیکه برای پرواز در آسمان بدنیاآمدید، چرا با وزش باد خفیفی‌چنین نقش بر زمین شده‌اید ؟

در حدود سال ۱۳۰۰ دانت بنا بگفته خودش« نیمه‌راه زندگی را طی کرده بود »او دراینوقت سی وپنج سال‌داشت. ده سال از پیروزی حزبی که بدست «ژانتی‌لی‌سیما» بر پاشده بود میگذشت . او خود نیز سرگذشت جالبی دارد . در تاریخ‌نامعلومی او با ژمادوناتی خویشاوند سرکرده سیاهان ازدواج کرد . دو پسر و یك دختر و یا دو دختر ثمره این ازدواج بود ولی در هر حال یکی از دخترانش نام مقدس بآتریس را داده بود .

قیافه تحقیر کننده

مردی است با قامت متوسط و مو های سیاه و مجعد ، صورتی زیتونی رنگ و لبهای پرچروك . قسمتی از چهره او که در میان پیشانی فراخ و بلند و چانه برجسته او قرار داردبیش از هر چیز بیك فندق شکن شباهت‌دارد . بوکاس در یادداشتهای خود مینویسد : « دانت همیشه قیافه‌ای محزون و متفکر داشت » . لب پائین او تابروی لب بالائی آنقدر پیش آمده‌بود که گوئی همیشه در حال تحقیر کردن اطرافیان خود میباشد . در آثار دانت شخصیت و صفاتش بخوبی جلوه کرده بطوریکه خشم و غضب ، غرور و خودبینی ، حدت ذهن و حالت‌تحقیر کننده او درآثارش باکمال وضوح وبنحو کم‌نظیری بچشم میخورد . دانت بقدری

خاموش و کم صحبت بود که گوئی او را از روز اول بهمین شکل آفریده‌اند ، همیشه در رویای نامحدود هستی غوطه‌ور بود . وقتی از او سئوالی میشد خیلی بزحمت جواب میداد میگویند شخصی از او پرسید بهترین غذای انسان کدامست جواب‌داد تخم‌مرغ . یکسال دیگر همان شخص از دانت پرسید : با چه چیز ، دانت که دربحر مکاشفت همچنان مستغرق بود بخود آمده وبدون کمترین تردید و تفکری گفت : بانمك.

درباره غرور و خودخواهی این شاعر چنین نقل میکنند که روزی برای فرستادن نماینده‌ای بحضور پاپ گفتگو و مجادله در گرفته بود . وقتی باو پیشنهاد چنین ماموریتی میشود میگوید: « اگر من بروم چه کسی خواهد ماند و اگر بمانم چه کسی خواهد رفت ؟» . در مورد خشم و غضب و یافعالیت های سیاسی او مینویسند که دانت درسنگ‌اندازی بدشمنان خواه زن و خواه مرد نظیر نداشت . روزی دانت از یك دهاتی پرسید ، ساعت‌چنداست . دهاتی که کمی از دادن پاسخ طفره میرفت سرانجام گفت درست موقع آنستکه گله را بچرا ببرم . دانت درحالیکه ازطفره رفتن ونوع جوابیکه دهاتی باو داد ، خشمگین و ناراحت شده بود ، سری تکان داد و گفت : « پس ترا چه کسی بچراگاه میبرد . »

هنگامیکه حزب گلف بدو جناح سیاه و سپید منشعب شد ، دانت که بجاه‌طلبی های سیاسی علاقه‌ای مفرط داشت با جناح سپید متحد شد . از طرف‌دیگر چون قانونی‌سال ۱۲۹۳ ازطرف دموکراتها تصویب شده بود ، که قبول هرگونه منصب ومقام دولتی را برای اشراف تحریم کرده بود ، دانت صلاح چنین دانست که در صنف پزشکان نام‌نویسی کند . گرچه با این اقدام از ارزش‌اشراف مآبی‌او کاسته شده بود ولی باو اجازه میداد بدینوسیله با قبول‌مشاغل دولتی حس جاه‌طلبی خویش را ارضاء کند . دانت با این ابتکار بر شش تن دیگر از حریفان‌خود غالب آمد و برای مدت دو ماه بحکمرانی کل‌شهر منصوب شد . دوران شومی بود بطوریکه خودش اقرار میکند: « علت تمام بدبختی‌هاوناراحتی های من همان دو ماهی است که حکمرانی میکردم » .

دانت محکوم بفنا

اوضاع داخلی فلورانس هرلحظه وخیم‌تر میشد . روز اول ماه مه سال ۱۳۰۰ درهمان موقعی که دختران و پسران جوان‌وعاشق‌پیشه برای استقبال از قدوم خجسته بهار بسوی میدان ترینیته دستجمعی در حرکت بودند افراد سراپامسلح دو جناح سپید و سیاه ناگهان دست بشورش‌وانقلاب‌برداشتند. در این حادثه فقط بینی یکی‌از افراد متعلق بجناح سپید کمی آسیب دید ولی هنوز مردم از ترس و وحشت بیرون نیامده بودند که ناگهان زد و خورد دیگری در داورودسته مذهبی سن‌ژان براه افتاد . رقبای سیاسی دانت که شش تن بودند، آزرده و دلشکسته از شکست سیاسی خود پیشنهاد کردند که هفت‌تن از رهبران جناح‌سپید بخارج از شهر تبعید شوند . در میان این رهبران بهترین دوست دانت بنام گیدو ــ کاوالکانتی هم گرفتار این سرنوشت شد . همچنین قرارشد که هفت تن از رهبران جناح سیاه هم نفی بلد شوند . هنوز اندکی‌نگذشته‌بود که‌بدون‌توجه بهرگونه مجوز قانونی تبعیدشدگان جناح سپید از تبعید خلاص شدند و در این میان دانت متهم شد که برای نجات کاوالکانتی دوست‌خود ازتبعید دست بتوطئه و تبانی زده است. شعله‌های خشم و غضب علیه او و جناح سپید زبانه کشید . معلوم‌استکه جناح سیاهان در چنین موقع‌مناسبی بیکار ننشسته بود . در اولین قدم با پاپ بونیفاك هفتم و چارلز دووالوا برادر فیلیپ لوبل که دندانهای خود را برای تصرف توسکان‌تیز کرده بودند تماس برقرار نمودند . دراین میان از دانت اثری نبود . درست در همان لحظه‌ایکه‌دانت مشغول مذاکره با پاپ بود چارلز دو والوا وارد فلورانس میشود . بدنبال او کورسو ــ دوناتی وحشی‌و مردم گریز و افراد سیاهش روان هستند . در روز های بعد بیش از ششصد تن از سپیدها بخارج ازشهر تبعید شدند ولی دانت جزو پانزده نفر دیگری بود که اگر بدست پلیس گرفتار میشد سرنوشت دیگری جز همنشینی با شعله‌های بیرحم آتش را نداشت . با این ترتیب اودیگر نمیتوانست بفلورانس برگردد و بیست سال تبعید و دربدری در انتظار او بود .

دانت که بخوبی از پستی وبلندیهای زمان خودش آگاهی داشت‌سالیان دراز با کمال صبر و بردباری مشقات را تحمل کرد . تبعیدشدگان سپید با بقایای ژیبلن‌ها اتحاد بستند و بحادثه آفرینی پرداختند. مردم فلورانس هم‌همچنان بایادآوری خاطرات تلخ گذشته بآینده خود مینگریستند . سالها گذشت، ناامیدی و یاس‌سراپای وجود دانت را فرا گرفته بود چون بخوبی درك‌کرد که دیگر برای نجات او از اسلحه‌کاری ساخته نیست . ولی هنوز هم روزنه امیدی وجود داشت.

درسال ۱۳۱۲ هنگامیکه پرنس هانری دولوکزامبورگ باسم هانری هفتم امپراطور شد و مشغول تهیه مقدماتی برای تصرف قسمتهائی از ایتالیا گردید اما هانری یعنی «بره معصوم خداوند که گناه جهانیان را می‌بخشید » در نزدیکی‌سین پس‌از ابتلاببیماری درگذشت .

ازهمین جا تلخ‌ترین ایام زندگی شاعر شروع میشود . سرگردانیها و ولگردیهای بی‌پایان هر لحظه او را از گوشه‌ای بگوشه دیگرمیکشید . گاهی در ورون ، زمانی در بولونی و بالاخره در فورلی و حتی در پاریس اقامت‌میکرد. مینویسد : « بحقیقت قایق بی‌بادبان و بی‌سکانی بودم که با وزش باد خشگی که ازصحرا های دردآور فقر و تهی‌دستی منشاء میگرفت ، بی‌اراده‌بجانب سواحل‌مختلف‌منحرف میشدم. »

کمدی الهی نیز ثمره همین خاطرات گذشته و حوادث تلخ و شیرین سالیان دراز و سرگردانی میباشد . اولین‌نغمه های این‌اثر جالب بنام«دوزخ» دست بدست از این شهر بآنشهر برده میشد و نسخه‌های مختلفی ازآن‌بدست‌منشی‌ها، دانشجویان و کشیشها تهیه شد . هرسال دانت چیزی باثر خود اضافه مینمود تا آنکه سرانجام به چهارده هزار بیت شعر بالغ

گردید . دانت دراین اثر بدیع دنیای موعود را ازلحاظ درك و دید خود توصیف کرده‌است. دانت درجنگل تاریکی گم‌شده، در پای کوهستان گله‌ای از حیوانات وحشی باو حمله‌ور میشوند اما ناگهان روح‌مقدسی ظاهر شده و او را از این‌مهلکه نجات‌میدهد . ولی این‌باتریس معشوقه دیرینه اوست که این روح‌مقدس را بیاری اوفرستاده تا از جنگل ظلمانی نجاتش‌دهد و باو سه عالم پس از مرگ‌را که دوزخ — برزخ و بهشت میباشد بشناساند .

بنظر دانت ، دوزخ شبیه قیفی است که در مرکز زمین فرورفته و دیواره آن که‌بشکل پلکانی است تعداد نه عــــدد دایره‌ایرا تشکیل داده‌که هرچه بقعر زمین نزدیك میگــردد دایره‌ها کوچکتر میشود. دانت وقتی بداخل دوزخ میرود . اهل جهنم را می‌بیند که‌هریك بعلتی مرتکب گناهی شده‌اند برخی براثر ضعف و ناتوانی و گروهی بعلت خدعه و تزویر و عده‌ای دیگر براثر فساد و تباهی اخلاق مرتکب تقصیر و خطا شده‌اند . تمام این افراد درمیان مناظر وحشتناك دوزخ سخت‌ترین عقوبت‌ها وشکنجه‌ها را تحمل‌میکنند . دانت‌گروهی ازدشمنان و رقبای سیاسی خود را درمیان این جمع مشاهــده میکنــد . اوگولن بچه‌خوار معروف ، فرانسواز ریمینی که برادر شوهر خود را دوست داشت برای همیشه در میان طوفان آتش دوزخ در آغوش یکدیگر فرورفته‌اند وفرانسواز ناله‌کنان میگوید : « هیچ‌چیز بدتر از یادآوری خــاطرات خوشبختی درهنگام نگون‌بختی نیست» . وقتی دانت باهمراهان خود بانتهای این غار عمیق میرسند از یك راه مخفی عبور کرده و پس‌از گذشتن از نیم کره دیگر بعالم برزخ میرسند . کوه پرنشیب و برفرازیست که در آن هفت حفره عمیق کنده شده است . در اینجا ارواح مردگان پس‌از تحمل شکنجه‌ها و زجرهای فراوان از هرگونه گناهی پاك میشود و صاحب ارواح در انتظار وصول به نه آسمان بهشت و گلهای عرفانی آن روزشماری میکردند. ولی برای عبور از گذرگاه سوم روح‌مقدس جای خود را به باتریس که سراپا غرق‌درگل و ریحان است واگذار میکند. باتریس بادستهای نرم ومهربان خود دانت را راهنمائی میکند و شاعری را که در روی زمین پرمنجلاب خاکی پرستش‌میکرد روانه بهشت مینماید .

امید یگانه حامی دانت

کمدی الهی آئینه‌تمام‌نمائی است از افکار و رویاهای مردم قرون وسطی که دانت ببهترین شکلی آنها را بیان و توصیف کرده است . مردم گمراه با فلسفه مخصوص بخــــود ، اعتقاداتشان، خرافات، توهمات و مظاهر و بالاخره علوم عصر آنها در آتش‌خانه این اثــر جالب ، خودنمائی کرده است ولی قبل از هر چیز کمدی الهی نغمه‌های درون مردیستکه همه چیز را شناخته بود و فقط از چشمه امید سیراب میشد .

دانت پس‌از مدتها تبعید با قیافه‌ای متفکر به فلورانس بازمیگشت . خیابانها را طی میکرد و با چشمان کنجکاو خود همشهری‌ها را برانــداز مینمود. دشمنانش بسزای کردار ناپسند خود رسیده بودند ولی او خود را در برابر شکوه و حشمت الهی سینه بسینه‌مشاهده میکرد . دانت در همان اوائل برای رهائی از تبعید نه‌تنهـا میبایست جریمه‌ای میپرداخت بلکه‌مجبور بودمانند گناهکاری برای‌طلب بخشش بمعبد سن‌ژان برود . در سن بیست سالگی پیشنهادهای متعددی‌برای‌رهائی از تبعید باو شد ولی او همه آنها را در نامه‌ای سراسرآکنده از غرور و خودخواهی‌ردکرد: « بمن میگویند که اگر تحمل خواری و خفت کنم میتوانــم بیدرنگ بفلورانس برگردم و آسوده زندگی کنم . آری با چنین تشریفاتیست‌که میخواهند مرا پس از پانزده سال تبعیــد بوطنم بازگردانند ! بدنبال‌کار خود بروید . برای من همین بس‌است که بهرچه بخود هــم می‌اندیشم ، در همه جاخورشید و ستارگانرا تحسین کنم . و تاآخر عمرلقمه نانی برای شکم گرسنه‌ام بدست آورم . »

رك‌گوئی و پافشاری دانت موجب شد که مجازات اعدام‌او ابرام‌شود. پس از سالها زندگی درتحت حــمایت اسکالیژر ، فرمانروای ورون دوران‌اقامت دانت در دربار گیدونوولــو حاکم راون پایان یافت . در تمام دورانیکه در تبعید بسر میبرد اشتهارش همه‌جاگیر شده بود و از او بنام یك شاعر ، دانشمند ، ستاره‌شناس وبالاخره یك ساحر ذکر میشد . وقتی‌از کوچه و خیابانهای شهــــــر عبورمیکرد مردم با دیده‌وحشت و احترام باو نگاه میکردند . مردم پیش خود فکر میکردند که اگر موهای او سیاه است بعلت مسافرت اخیر او بدوزخ است که برای آگاهی از حال ساکنین آن جهان این چنین دوده و خاکستر برموهای او نشسته است .

دانت هنگامیکه درراون بود بچند ماموریت سیاسی رفت و در یکی از همین ماموریتها بونیز بود که مبتلی به تب شد و در چهاردهم سپتامبر ۱۳۲۱ در سن پنجاه و شش سالگی درگذشت. جسداورا باتشریفات شاهانه تشییع کردند . گیدو حاکم راون دستور داد برای‌او مقبره بسیار زیبائی ساختند و خودش در وصف وی مدیحه سرائی نمود .

دانت مرد ولی فلورانس همچنان‌درجاده ترقی وپیشرفت صدهابار درخشانتر و غنی‌تر از گذشته بجلو میرفت. تاآخرین لحظات زندگی دانت امیدوار بود که یکبار دیگر تپه‌های گل افشانی را که درآنجــــا باتریس محبوبش‌را بخواب دیده بود ، مشاهده کند . دانت مرد ولی با مرگ او هنــوز مخالفینش تسکین نیافته بودند، بهمین جهت چندی بعد یکی از مقامات عالی روحانی با اصرار تمام خواستار سوزاندن جسداو شد . آخر او دشمن پاپ شده بود .

(مترجم‌نیا)

هنری فورد



در تاریخ ۳۰ ژوئیه۱۸۶۳، «هنـری‌فـورد» یکـی از آمریکائیان بسیار برجسته عصر حاضـر در مزرعه کوچکـی نزدیك (دیـربودن از ایالت میشگان) بدنیا آمد . بااینکه خیلی‌کم مدرسه دیده بود و استعداد خاصی برای مدیریت نداشت وکمی متعصب مینمود معهذا توانست نبوغ خودرادر تولید زیاد نمایان ساخته ثروت سرشاری بدست آورد .

پدر فورد یکی از مهاجرین ایرلندی و مادرش از اعقـاب نژاد هلندیهای پنسیلوانیا بود. هنری در طفولیت از حضور درکلاس درس گریزان بود و تا ۱۵ سالگی بمدرسه نرفت ولی او همواره علاقه شدیدی به ماشین و تجربه‌های عمای گوناگون داشت . در۱۳سالگی توانست یك ساعت را اوراق کرده و مجددا آنرا سوارکند. شانزده ساله بود که پیاده به دیترویت رفت تا روزهـا ده ساعت دریك مغازه مکانیکی و شبها نیز چندین ساعت در یك جواهر فروشی کار کند . پس از مدتی به مزرعه پـدرش برگشت و کـوشش‌کرد یك تراکتور بخاری و یك (گاری بدون اسب) بسازد ولی درهر دو مورد با شکست مواجه شد.

در سال ۱۸۸۸ هنگامی که ۲۵ ساله بود ازدواج کرد و مجددا به دیترویت‌رفت‌تابعنوان مهندس به‌کار مشغول شود . پانزده سال بعد شرکت‌اتومبیل فورد را تاسیس نمودواین‌شرکت پس از آنکه ۳ مدل اتومبیل عرضه نمودکه چندان موفقیتی نداشت مشغول ساختن «مدلـ ت» در ۱۹۰۸ شد ، مدل‌مزبور زشت و بی‌تناسب بود ،بطوریکه نقل میکنند خود فورد در این باره‌گفته بود کـه خریداران «تازمانیکه طالب رنگ سیـاه هستند میتوانند هر رنگی را بخواهنـد» ولی این مـدل نتوانست احتیاج مردم رابرای داشتن یك اتومبیل کم خرج ساده و محکم تامین کند.معهذا فصل جدیـدی در زندگـی آمریکائی شروع شده بود ودر عرض ۵ سال کارخانجات‌فورد توانستـند روزانـه ۱۰،۰۰۰ دستگاه از مدل «ت»رابیرون بدهند .

هنری فورد در تمام عمرش مردی محجوب و تیز هـوش و مهندسی خود ساخته‌بود که بشخصیت خود ،بکارهای‌دشوار بکوششهای مداوم ، وبکشورش ایمان و عقیده داشت . روی دیوار بخاری اطاقش‌این‌عبارت حك شده است : «هیزم‌هائی که خودرافراهم‌کنی دوبارتورا گرم خواهندکرد» او مردی بود فعال ، زحمت‌کش،متفکر، بی‌خبر از بسیاری‌ازموضوعات. حساس ، استدلالی، مستبد ، بیطرف نسبت‌بهرروشی،طرفدار شوخی، معمولادوست‌ومهربان، اغلب سختگیـر وگاهی هـم انتقامجو بود . او معتقد بود که پرخوری سبب نابودی بشر است وهرروز کتاب انجیل را میخواند ودر سن ۷۰ سالگی در رقص پولکا از رقاصـان جوانتر بیشتر می‌رقصید.

تا پایان‌عمرش‌خوشبین بود، یکوقت که جوانان آمریکائی ازاو خواستند که اندرزی‌بآنها بدهد جواب داد : «کارکردن پاداش خودرا خواهد داد.شما هرگز قانع وخوشحال‌نخواهید شد مگر آنکه طریقه‌کارکردن وکار مفید را هرچه باشدپیدا کنید» .

وقتیکه در هشتادمین سـال تولدش درباره مذهبش از او سئوال‌کردند گفت : «من به نیروئی ایمان دارم‌که همه‌جـا هست و جاویدان است ، من بمردم عقیده دارم ، من‌به‌هدف غائی عقیده و ایمان دارم ... و همچنین‌عقیده‌مندم‌که‌بسیاری از گرفتاریهاومشکلات‌امروزی بشر غیرضرور وقابل‌جلوگیری هستند» .

کلکسیـون حیرت‌انگیـز «آمریکانا»ی اودر دهکده‌ای بنام گرینفیلـد در نزدیکـی دیترویت قرار دارد که مورد استفاده عموم است . در این‌جا لابراتواری دیده میشود کـه توماس ادیسون مخترع نامـی و دوست صمیمی فورد ساعتها درآن‌کار میکرده‌است.همچنین در این محل محکمه‌ای کـه روزگاری ابراهام لینکلن در آن وکالت میکرده است،بچشم میخورد . نمونه‌های جدیدی از سالن آزادی تاریخی‌وسالن کنگره فیلادلفیا نیز در این محل دیده میشود . در موزه هنری فورد اسناد و تصاویر و سایر چیزهائیکه بازندگی‌هنری فورد ارتباط داشته و همچنین اولین اتومبیلی‌که ساخته است قرار دارد . در گرینفیلد شش مدرسه وجود دارد که همگی از برنامـه تحصیلاتی فورد متابعت نموده و تئوری‌راباعمل ثمر را با مزرعه و گذشته را باحال هم‌آهنگ میسازند .

گی‌دوموپاسان

نویسنده بیقرار وعاشق‌پیشه

شصت و نه سال ازمرگ «هانری رنه‌آلبرت گی دو ـ موپاسان » میگذرد . در زمان زندگانیش نوشته‌های او بخصوص داستانهای کوتاهش مظهر یکی از نادرترین پدیده های ادبی بشمار میآمد: طبایعی که در این داستانها خلق شده همه دارای نیروی زندگی و قدرت عجیبی هستند که طی نسلهای پی‌درپی با آنکه سطح فکرها کاملا عوض شده، گروه کثیر خوانندگان را تحت‌تاثیر عمیق قرار داده و همواره امتیاز کامل خود را حفظ کرده است .

دوموپاسان در یکی از نخستین رساله‌هایش مینویسد : « ما هیچ سرمشقی جز انسان در برابر خود نداریم ، و ناچاریم عواطف و احساس و کلیهٔ تصورات و اندیشه های او را هنرمندانه بیان کنیم ». و خود او با چه مهارت و استادی این‌نظریه دوران‌جوانی خویش‌را بمرحله اجرادرآورده است ـ و ما تصویر بی‌نقص این نظریه را در شش داستان منصل ، بیش از سیصد داستان کوتاه که تعدادی از آنها بهمان صورت مسوده باقیمانده است و سه سفرنامه و یك جلد شعر بخوبی میتوانیم مشاهده کنیم

در دوران جنگ «فرانسه ـ پروس» بسال ۱۸۷۰ موپاسان فقط ۲۰ سال داشت . دوران کودکی و اوائل جوانی اوزیر تسلط و نظارت مستقیم‌وکامل مادرش گذشت . مادر او زن بسیار دقیق و سختگیری بود که در جوانی از شوهرش‌طلاق گرفته‌وتمام عمرش را مصروف تربیت دوپسرش یعنی «هانری رنه آلبرت گی » و برادر کوچکتر او «هروه» کرده بود .

« گی » تا سیزده سالگی در « اترتا» بمدرسه میرفت و بعدازآن او را به مدرسه «ای‌وتو» منتقل کردندکه بواسطه نوشته‌های عاشقانه و خلاف مذهبش‌خشم شدید اولیاء مدرسه را ضد خود برانگیخت. البته این گناه کوچك و لغزش ناچیز برای او فقط توبیخ‌ها و سرزنشهای ملایمی را بدنبال داشت . اما مدتی بعد بواسطهٔ نوشیدن شراب در مدرسه و پنهان کردن بطریهای شراب در کلاس درس موقتا اخراج شد. بعداز آن او را بمدرسه «روئن» فرستادند ، و این مدرسه بخاطر وجود «گوستاو فلوبر » نویسنده سرشناس که از دوستان صمیم مادر این کودك عجیب‌الخلقه بود برای او بصورت پناهگاهی درآمد .

گوستاو فلوبر خیلی زود متوجه نبوغ این جوان شد ، چون موپاسان برای جلب‌توجه استاد خود تمام اشعار عالی و بی‌نظیر او را با زحمت‌زیاد حفظ کرده بود .

وقتی آلمانها « روئن » را تصرف کردند ، ارتش فرانسه که موپاسان جزو آن بودبکلی درهم شکست و عقب نشست و پس از آنکه قرارداد خلع سلاح بپایان رسید موپاسان بزندگی غیرنظامی خود بازگشت . یادبود این فرار در صحنه‌هائی از داستان‌های‌اولیه او مثل« گلوله مومی » بخوبی نشان داده شده است

درپاریس ، درحالیکه برای انتخاب رشته تحصیلی خود مردد بود و تصمیم داشت حقوق بخواند بکرات بمنزل «فلوبر» رفت و آمد میکردو درآنجا شخصیتهائی نظیر تورگنیف ، زولا ، کنکور و دوده راملاقات میکردوبسخنان آنها با دقت گوش میداد .

درهمین خانه بود که او در جریان گفتگوهای نویسندگان مزبور واحساسات بی‌پایان‌ادبی آنها و بطور کلی جهان‌ادبیات قرار گرفت ، و بمعنای واقعی کلمه «بورژوازی» پی‌برد و با اندیشه‌هاوافکار بلنداین‌آخرین قهرمانان مکتب « رومانتیسم» آشنا شد . هیچ عاملی درسرعت تصمیم او نمیتوانست تااین‌درجه اثر داشته باشد . پس‌ازبرخورد بااین‌نویسندگان بلافاصله‌تصمیم خود را گرفت و در دل‌گفت: « همه چیز را فدای شخصیت ادبی خودم خواهم کرد . »

دراین موقع مهمترین مسئله برای موپاسان موضوع امرار معاش بود ، چون هیچ درآمدی ازخود نداشت. عاقبت بنابرپیشنهاد پدرش درخواست کاری در نیروی دریائی‌کرد. اول او را بعنوان یك منشی موقت استخدام کردند و بعد باستخدام دائمی درآمد وشغل توزیع نشریه‌ها ولوازم‌التحریر اداره را باوسپردند ، وموپاسان مدت هفت سال طی جمهوری سوم دراین سازمان خدمت‌کرد، خدمتی که هرگز از آن راضی نبود .

ولی‌این هفت سال راباید دوران نوآموزی او در مکتب فلوبر دانست ، سالهائی که‌توام با شدیدترین انضباطها بود و تهدیدهای جدی فلوبر مبنی‌بر اخراج‌اوازجرگهٔ شاگردانش به موپاسان اجازه انتشار هیچیك از آثارش را نمیداد و طی‌این سالها او مجبور بود همه‌چیز حتی‌نبوغ و هنر خود راقربانی

گی‌دوموپاسان

نظرات و تمایلات استادش کند. باوجود این موپاسان طی این سالها گاهی از انضباط سختی که او را احاطه کرده بود سرباز میزد و آثار نظم و نثر خود رابنام‌مستعارگی‌دووالمون منتشر میساخت . در سال۱۸۷۹ نخستین نمایشنامه خود را بنام « تاریخ زمانهای کهن» با موفقیت بپایان رسانید . دراین هنگام «فلوبر» بر روی‌آخرین اثر خود یعنی بووار وپکوشه کار میکرد ، ولی هیچیك از این دو اثر مورد استقبال قرار نگرفت ، سهل است مورد اعتراض شدید هم واقع شد. فلوبر این نمایشنامه موپاسان‌و نخستین‌جلد اشعاراورا پسندید، بخصوص ازاشعار او بسیار خوشش آمد و همین اشعار وسیله‌ای شد تا او بتواند با پاسداران اخلاق و عفت‌عمومی که رسما شروع باقدامات‌قانونی ضد موپاسان کرده بودند وارد مبارزه شود . خود فلوبر هم یکبار گرفتار این پاسداران عفت عمومی شده بود ، و حالا نوبت شاگردش رسیده بود .

هنگامیکه « امیل‌زولا » گلچینی از بهترین داستانها را بعنوان نمونه کار گروهی که با او همکاری میکردند در کتابی بنام « شب‌نشینی های مدان» منتشر ساخت ، موپاسان نخستین اثر خودش را دراین زمینه بهزولا تقدیم‌کرد. (این داستان بنام تپلی درکتاب هفته ترجمه شده است)

با انتشار داستان«گردش مادام تیلر » موپاسان مورد تحسین حیرت‌آوری از جانب مردم قرار گرفت ، و حالا دیگر این نویسنده بطور کامل به نبوغ و اصالت خودش‌متکی بود . و بهمین جهت در جواب انتقادهای «فرانسیسك‌سارسی» نوشت : «بشریت را تحت‌تاثیر قرار خواهم داد » .

در مدت کوتاهی شهرت و ثروت بسویش آمد ، و در برابر این شهرت و ثروت سیل داستانهای کوتاه و مفصل ، کتابهای متعدد و سفرنامه‌ها از درون دنیای اندیشه اوبخارج سرازیر شد . اما کار مداوم و پرشور او هرگز در زندگی عاشقانه و حوادث عشقی‌پی‌در پی که برایش پیش میامد وقفه‌ای ایجاد نمیکرد ، ودر تمام لحظات فرصت برای عشقبازی داشت ، و همین عشقبازیها هم بر تعداد داستان های او می‌افزود و در هریك منشاء خلق قصه‌هایزیاددیگری میشد .

نخستین رمان او « یك زندگی» نامداشت که در آن باقدرت‌خلاقه خود پنهانی‌ترین اسرار روح و قلب زنان را فاش کرده بود ، هیچ نویسنده‌ای تاکنون چنین تحلیل درباره زنان نکرده است ، وقتی این کتاب را میخوانیم احساس میکنیم که موپاسان بتاریکترین زوایای قلب زن دست یافته و حتی بهتر از خود زنها احساس و عواطف مرموز آنها را درك کرده است .

دوسال بعد داستان «دوست زیبا » را نوشت . این داستان بیوگرافی تلخ دردناکیست از زندگی یك مرد بیشرف وهرزه که در زیر پرده دنیای کثیف و آلوده ژورنالیسم پاریس آن روز بسرعت ترقی میکند . انتشار این کتاب با حمله شدید و بیرحمانه نقادان روبرو شد، تا جائیکه آنرا نفرت‌انگیز ، منشاء فساد و ننگ ، و مایه رسوائی و رذالت خواندند ، ولی علیرغم این انتقادها مردم کتاب او را با ولع عجیبی میخواندند بطوریکه بزودی نسخه های بیشمار آن نایاب شد .

شکی نیست که مردم دنیاهمه نقائص روحی وجسمی‌فراوانی دارند ، و ما هیچکس راپیدا نمیکنیم که بطور کلی فاقد این نقیصه‌ها باشد ، و طبیعی است که موپاسان از این‌معایب مبری نبود . این قهرمان پر افتخار در عین حال که‌ازلحاظ شجاعت و شهامت نظیر نداشت، خداوند شهوت وهوسرانی هم بود، و عشق و شهوت باتمام زیبائیها و لذائذش بر وجوداو حکومت میکرد . این نویسنده پرکار و خستگی ناپذیر که‌قلم یك لحظه از دستش نمی‌افتاد بطور مداوم از یك بیماری وحشتناك در وحشت و هراس جنون‌آمیزی بسر میبرد .

بیش از هر چیز وحشت نابینائی او را رنج میداد.وضع بینائیش کاملا مختل شده‌بود و کوری تهدیدش میکرد . چشمان او سرچشمهٔ تمام اضطرابها و دلهره‌هایش بود برای مسلط شدن براین وحشت هراس انگیز خود از کوری مدام بسفر میرفت ؛ از جنوب فرانسه به ایتالیا ، از آنجا بافریقا و از افریقا به جزایر سیسیل وکرس میرفت وبیش از همه‌جا جنوب فرانسه را دوست میداشت و بیشتر ایام مسافرتش را درآنجامیگذراند. و از همین مسافرتها که همه برای فرار از وحشت انجام میگرفت آن سفرنامه‌های‌عجیب و تعدادحیرت‌آوری داستانهای کوتاه و مفصل بوجود آمد ، داستانهائی که از صفحات آنها گرمای سوزان صحرابرمیخیزد و چشم‌انداز کوهها وجنگلهای زیبای جزایر جنوب فرانسه را در برابر دیدگان ما مجسم میکند .

پس از بازگشت از هر سفر دوباره بگوشه تنهائی‌پناه میبرد و باز گذشت زمان رادر ویلای خود واقع در «اترتا»احساس میکرد و دومرتبه این نویسنده بظاهر سالم و تنومند دیوانه‌وار در جستجوی سلامت و رهائی از چنگال بیماری وحشتناکی که داشت بتلاش‌وتکاپو میافتاد و همین تلاشهای بیهوده بار دیگر اورا بحرکت درمیآورد و مجبور میشد سفر قاره‌ای را آغاز کند . در سال ۱۸۸۵ برای فرار از همین وحشت مقاومت‌ناپذیر به «اورنی» رفت ودر همانجا بودکه‌نوشتن داستان «مونت ـ اوریول » را آغاز کرد ، و این سومین اثر از شش داستانی بودکه‌در جزایر «آنتیب» بپایان‌رسانید.

هر فرار او فرار دیگری بدنبال داشت و بهمین علت‌در اواخر عمرش شب و روز در حال حرکت بود ، تا آنکه عاقبت در درون او احساس غم‌انگیزی حتی برای فرار از خودش بوجود آمد وحشت وهراس شب و روز او را شکنجه میداد و رفته رفته‌آثار این وحشت مداوم درنوشته‌های او هم ظاهر شد . داستان «هورلاـHORLA» بهترین نمونهٔ شکنجه‌های‌روحی او در این ایام است و داستان کوتاه «خاطرات یك دیوانه» نشانهٔ بارز درهم شکستن یك انسان

در برابر ترس ووحشت است.
مدتی گذشت ، این بار موپاسان برای فرار از وحشت درونی خود بدریا پناه برد و سفر دریائی طولانی را آغاز کرد . داستان «بر روی آب» یادگار همین سفر اوست .
بین سالهای ۱۸۸۸و۱۸۹۰ موپاسان سه داستان‌مفصل‌نوشت و این سه داستان عبارت بود از «پیرو ژان» «قوی مثل مرگ» و«قلبما» باضافهٔتعداد زیادی داستان دیگر و یادداشتهای مسافرت که‌آخرین آنها داستان «زندگی دربدر» بود .
عاقبت پایان کار فرا رسید و طوفان فرو نشست . اوهام زجردهنده و جنون غم‌انگیز و پایان ناپذیری که هر روز رو بفزونی بود لحظات آخر این زندگی طوفانی و انهدام این مخلوق عجیب‌راخبرمیداد. در آخرین تلاشی که برای‌فرار از خود کرد همراه معشوقهٔ باوفایش «واله» ــ عازم «کان» شد ، اما اشباح وسایه های هراس‌انگیز در اینجا هم بدنبال او رفتند ویك‌لحظه دست از سرش برنداشته ، و دیگر تنها مرگ بود که میتوانست این انسان بزرگ و زجر کشیده را از شر آن اشباح برهاند .
در بحبوحه همین بحران طاقت فرسا بود که بفکر خودکشی افتاد ، اما کوشش‌او برای خودکشی بی‌نتیجه ماند، چون وقتی هفت‌تیر را بطرف مغزش گرفت و خالی کرد خوشبختانه یا بدبختانه گلوله های آنرا برداشته بودند . در منتهای نومیدی‌یکروزباچاقوی پاکت بازکنی گلوی خودش‌را برید ، اما بازهم بموقع‌رسیدند و جلو خونریزی را گرفتند و نجاتش دادند . بعد از این حادثه آخرین باقیمانده عقل‌و شعورش هم‌زایل شد.ببحرانی‌ــ ترین مراحل دیوانگی رسیده بود ، گاه چنان طوفانی ازخشم در درون او بپا میشد که دست وپایش را می‌بستند و بدن اورا تا زیر گردن در کیسهٔ ضخیمی قرار میدادند . در این هنگام یکی از گماشته‌هایش را از پاریس فرستادند تا او را از کان به آسایشگاهی در «پاسی» ببرد ، و در همین آسایشگاه بودکه پس از یك حملهٔ شدید و طولانی در برابر چشمان اشکبار پرستاران زندگی را بدرود گفت «ششم ژوئیه ۱۸۹۳» عاقبت مرگ او را از وحشت زندگانی رهائی‌بخشید و پناهگاهی را که یکعمر در جستجویش بود بدست آورد برای همیشه از زجر و شکنجه آسوده باشد .
دنیائی را که موپاسان با قدرت سحرآمیز خود خلق‌کرد هنوز هم بهمان‌زیبائی‌وطراوت و پرنعمتی زمان حیاتش باقی وپابرجاست . داستانهای او در باره زندگی روستائیان نورماندی ، کارمندان اداری وابسته بطبقهٔ دوم ومغازه‌دارها و سایر طبقات قرن نوزدهم فرانسه تنها یکمشت داستانهای محلی و محدود بزندگی مردم این سرزمین نیست، بلکه‌اصالت و شخصیت فناناپذیر هریك از زنان و مردانی که در این داستانها زندگی میکنند معناو مفهومی خاص خودشان دارد ودر عین حال این داستانها نمونهٔ کاملی از آرزوها ، تخیلات ، عشقها ، ناکامیها ، اضطرابها وهیجانهای کلیهٔ نسلهائیست که پشت‌سرهم باین جهان میآیند و میروند .
مردمی‌که در داستانهای موپاسان زندگی میکنند همه مظهر روحیات‌وافکاروحوادثی هستند که مستقیماً مورد توجه قرارگرفته‌اند و هرکدام چنان با سادگی و اصالت سرجای خود گذاشته شده‌اند که خود بخود نیز حوادث فراموش نشدنی و ابدی دیگری‌رابوجود آورده‌اند .

(هوشنگ‌مستوفی

هومر

قریب دو هزار سال است مسئله وجود «هومر» ، مورد بحث دانشمندان ، مورخین ، باستان‌شناسان و زبان شناسان قرارگرفته ، وصدها جلدکتاب دراین باره نوشته شده است، که آیا شاعری بنام «هومر» که دومنظومهٔ بزرگ «ایلیاد» و «ادیسه» را بدو منسوب میدانند ، وجود خارجی‌داشته است یا نه ؟ لیکن هنوزنتوانسته از پرده از این راز مهم‌بردارند
دسته‌ای معتقدند، درزمانیکه «هومر» میزیسته،ــ یعنی‌قرن نهم قبل از میلاد ــ هنوز خط رواج نداشته است و در نتیجه محال است که فقطیکنفر درمیان جمعیت دنیای آنروز پیدا شود و آثاری این چنین طولانی برشته تحریر درآورد و آنها را مدون کند . بنظر این دسته از دانشمندان، اشعار «ایلیاد» و «ادیسه»مجموعه‌ای از افسانه‌های متداول عامیانه عهود باستانی است ، که سرایندگان آنها ، اشخاص متعددی بوده‌اند . سپس‌درقرن ششم ، این اشعار پراکنده و متفرق جمع‌آوری و تدوین‌شده و بروی کاغذ آمده است .
دستهٔ دیگری معتقدند که حماسه‌های «ایلیاد» و«ادیسه» داستان بسیار قدیمی است که سینه به سینه ، ازنسلهای گذشته به نسلهای بعدی رسیده، درهر نسل ، مطالب تازه و قطعاتی جالب برآن افزوده و آنرا یکدست و یکنواخت ، بصورت مجموعه‌ای اعجاب‌انگیز ، که، امروزه ملاحظه میکنیم ، درآورده‌اند . همچنین کسانی نیز براین عقیده‌اند که این دو منظومه از یك گوینده نیست ، و هریك از آنها ، شاعری جداگانه ، و مشخص



هومر

داشته است . بدیهی‌است‌هردسته هم ، ادله‌ای برای اثبات‌مدعای خود ذکر کرده‌اند . لیکن‌تمام این فرضیه‌ها ، بمنظورپر کردن خلائی است که در تاریخ ، در باره وجود این شاعر و دواثر مزبور از ازمنهٔ گذشته، وجود داشته است . خوشبختانه از قرون گذشته ، بعلت پیدایش تصویر حجاری شده «هومر» برسنگ مرمر ، دیگر شکی که درباره وجود «هومر» بود ، ازمیان رفت ، و امروزه‌دیگر بحث برسر این نیست‌که آیا چنین شاعری در هزار سال پیش از میلاد مسیح میزیسته یانه ؟ بلکه ، محقق نیست که کلیه اشعار«ایلیاد» و «ادیسه» را او سروده باشد .

حتی درباره موطن‌وزادگاه اصلی «هومر» اختلاف است، و از عهد باستان مردم ده شهر از نژاد یونانی هومر رااز‌خود میدانستند و در این باب ، منازعاتی داشته‌اند ، بدین‌گونه: «ازمیر» ، «کولوفون» ، «سالامین» ، «کیوس» ، «ایوس»، «آرفوس» ، «آتن» ، «اتیاك» ، «پیلوس» «رودس» ، اما دلائلی که‌برای اثبات مدعای‌خودذکرمیکردند، اکثراً پایه و اساس صحیحی نداشته است ، مثلا چون «ازمیر» ، مستعمرهٔ «آتن» بود ، و اهالی «ازمیر»هومر را از خود میدانستند ، مردم «آتن» هم مدعی بودند که «هومر» آتنی است. ویا اهالی «کولوفون» براین عقیده‌اند که زمانی مردم «ازمیر»شاعر را بعنوان گروگان بدست‌آنان سپرده‌اند ، بنابراین باید اورا اهل «کولوفون» دانست . بهرحال آنچه مسلم است،شاعر حماسه‌سرا ، در کودکی یتیم شد و از همان اوان کودکی به فقرو بدبختی افتاد، لیکن ازدوران زندگی او اطلاعات دقیقی ، بجز یکمشت مطالب ضدونقیض ، ودرهم وبرهم‌در دست نیست ، فقط آنچه مورد اتفاق تذکره نویسان است فقرو مسکنت شاعر است ، که مادام‌العمر اورا ترك نگفت و همین رنج تنگدستی ، به‌چهره شاعر ، لطف خاص و نجابتی مشقت‌آمیز بخشوده‌است.پدرش «مئون» نام داشت . ولی‌اینکه چکاره بوده است ، اطلاع صحیحی در دست نیست .

«هومر» ادبیات و موسیقی را در محضر «فمیوس» نامی، که مدرسه‌ای هم داشت ، فرا گرفت ، وپس از مرگ استاد، بجای او نشست وشاگردان را تعلیم میداد . بعضی از محققین عقیده دارند ،کسی‌که در آثار خود ، از آنهمه شهرومملکت بتفصیل یاد کرده ، و یکایك آنها را کاملا تشریح کرده است ، محال بنظر میرسد، که خود بدان شهرها سفر نکرده و از نزدیك آن نقاط راندیده باشد . بنابراین بایدگفت، که وی تمام عمرش را در یك‌نقطه بسر نبرده است ، و شاید یکی از دلائل اختلاف زادگاهش ، همین مسافرتهای او باشد . میگویند ، در «ازمیر» معبدی بوده ، که بیاد «هومر»ساخته بودند و مردم آنشهر ، او را از پهلوانان شهرخودمیدانستند. و حتی از او بنام «منوئید» (یعنی مردی‌ازسرزمین ازمیر) یاد میکردند ، ونیز در جای دیگر از او «ملزیژن» (یعنی فرزند شهری که رود«ملس» در آن جاری است ، و این‌شهر همان «ازمیر» است) نام برده‌اند .

جزئیات زندگی «هومر» بدست اشخاص مختلفی نوشته شده‌که پرازافسانه‌هاوداستانهای ساختگی است‌که هیچکدام اعتبار تاریخی ندارد ، مجسمه سازان یونانی، ویرا بصورت مردی سنگین و باوقار ، با چشمان نابینا نشان داده‌اند ، مدارکی در دست است که شاعر ، در جوانی از دو چشم نابینا شده ، و با اینهمه،دست از سفرهای دریائی برنداشته است ، منجمله ، سکه‌ایست‌که در «ازمیر» بنام او بیاد او زده‌اند و همچنین‌در نقاشی‌ها و حجاری‌های دیگری ، که نقش اورا برجسته نموده‌اند، چشمانش نابینا نشان داده شده است .

میگویندتاجری بنام «منت» که از طریق دریا، کالاهای بازرگانی حمل میکرد ،شاعر را بعنوان رفیق سفر و مونس راه برگزید و از راه دریای مدیترانه ، سفر کرد ، بدینگونه بودکه «هومر» موفق شد ، به مصر و لیبی ، اسپانی ، و ایتالیا، سفرکندودراین‌کشورها چندی بسر برد . وی مدتی در جزیرهٔ «اتیاك» اقامت کرد . شکی نیست که شاعر حماسه‌سرا ، در همین شهر موفق شد اطلاعاتی در بارهٔ قهرمان‌منظومهٔ‌خود، «اولیس» پادشاه ماجراجو ، جمع‌آوری کند ، و نیز در همین محل‌بود که شاعر اولین عوارض‌بیماری چشم را، که سرانجام منجر به نابینائی کامل اوشد،احساس نمود . لیکن این چشم درد ، او را از مسافرتهائی که‌درپیش داشت ، باز نداشت و مدت کوتاهی در «کیوس» اقامت گزید . در این شهر ، با مرد متمولی ،که بعدا بحمایت‌شاعر

برخاست ، آشنا شد . و بکمك آن مرد ، مدرسه ای در «کیوس» بنا نمود . شاعر ، توأنست در اینشهر ، «ایلیاد» را که از مدتها قبل شروع کرده بود، بپایان رساند . مدتهابعد، منظومهٔ دوم خویش ، یعنی «اودیسه» را شروع کرد ، لیکن بقولی ، چون ابناءزمان بااو سر ناسازگاری داشتند ، نتوانست مدت زیادی ، در «کیوس» بماند ، ناچارآنجا را ترك گفت ، بعضی را عقیده براینست که «هومر»، مسافرت را بخاطریافتن‌مستمعین‌تازه‌ای، که بـه‌اشعار رزمی و شگفت انگیز او گوش فرا دهند ، دوست میداشت ؛ بهرحال از «کیوس» بار سفر بست ، و دوباره از طریق دریا، عزیمت کرد و تا آخرین لحظه که چشم از جهان فروبست ، دائم در سفر بود .

بااینکه‌آثار «هومر» ، با حقیقت منطبق نیست ، ولی این امر از ارزش این آثار نمی‌کاهد و نیز در ادبیات ، اهمیتی ندارد؛ شهرت «هومر» مدیون افسانه‌هائی که در باره زندگی وی ساخته‌اند ، نیست، بلکه صرفاً مدیون این دو اثر جالب است که نه فقط او را از بزرگترین شعرای باستانی‌بشمار آورده ، بلکه در ردیف‌شعرای بزرگ هر عهد و زمانی قرار داده است .

این شاعر نابینا، تابلوی‌زنده و نشاط انگیزی از قهرمانان شجاع دوران باستانی برای نسلهای بعد و نسل امروزی باقی گذاشته است که تبعیض‌از خشم ، وحشت ، اشگ وعشق آنان سخن رانده است . او با حدت ذهن و طبع روان خود لحظات وحشتناك جنگ ،درد ورنج پدری که فرزندش‌رادر جنگ از دست داده ، تلخی‌ها و اشکهای زنی که شوهرش کشته شده ، و بالاخره‌مصائب کسانی راکه عزیزانش قربانی جنگ شده‌اند ، آنچنان نقاشی کرده است که هنوز ، پس از گذشت چند هزار سال ، حتی اعجاب و تحسین خواننده را ، در هر عهدوزمانی ، ازهرقوم و ملتی ، با هر کیش‌وآئینی و بهر زبانی که صحبت کند ، برانگیخته و این دو منظومه «ایلیـاد» و «اوویسه» را جاودانی ساخته است .

«وانت» شاعر مسیحی، این شاعر بت‌پرست را در اوجی رفیع ، وهم‌پایهٔ ارواح‌وجانهای باارزش قرار داده وباوعنوان «شاعر عالیمقام» اعطا نموده است .

رابرت هوك

سازنده نخستین هواسنج و پاندول

در میان دانشجویان فیزیك کمتر کسی پیدا میشود که رابرت هوك را نشناسد قانون هوك که نسبت مستقیم نیروی مکانیکی و فشار را بیان‌میکند در فیزیك مشهور است.

نتایجی که رابرت هوك از قانون فوق گرفت باعث‌شد که نام وی در تاریخ علوم ثبت گردد .

هوك گرچه بررسی های علمی خود را بحدکمال‌نرسانید ولی میتوان گفت که کلیه تئوریهای علمی را در دست دانشمندان بعد از خود نهاد . دانشمندانیکه بعدها کتابهای او را مطالعه کردند لب به تحسین او گشودند .

رابرت هوك در ۱۸ژوئیه ۱۸۳۵ میلادی در دهکده «فرش‌واتر» واقع در ساحل جنوبی انگلستان بدنیا آمد . پدرش کشیش محل بود و در خانه کوچکی که تا اوایل‌قرن اخیر در محل مزبور قرار داشت زندگی میکرد .

رابرت از بدو تولدبسیار نحیف و لاغر بود و چنانکه از یادداشتهای دوران‌جوانیش برمیآید کمتر غذائی‌بامزاجش سازگار بود . در خواب با کابوس‌های وحشتناکی دست بگریبان میشد و نیز مبتلا به سردرد مزمنی بود که خیلی او را ناراحت میکرد .

هوك قیافه بسیار مضحکی داشت دماغ بسیار بزرگ و دهان گشاد او بیننده را از آینده‌اش ناامید میساخت .

هوك ۱۳ ساله بود که‌پدرش را از دست داد . تصمیم گرفت در لندن بعنوان شاگرد پیش «پیترللی» یکی از نقاشان مشهور مشغول کار شود . ولی بوی رنگهای نقاشی سردردوی را افزون‌تر کرد . و بناچار آنجا را ترك گفت و وارد مدرسه «وست‌مینیستر» گردید در مدرسه مزبور بزودی توجه دکتر «بوسبای» یکی‌ازاستادان را بخود جلب کرد . دکتر بوسبای تنها یار و همدم‌زندگی او بود . پدر رابرت تنها ۱۰۰ لیره برایش ارث‌باقی گذاشته بود که در آن زمان پول‌کمی نبود .

هیجده‌ساله بود که‌بامختصر معلوماتی از هندسه و آشنائی جزئی بزبانهای لاتین ویونانی وارد دانشگاه آکسفورد گردید. در اندك مدتی قدرت عجیبی در حکاکی روی چوب و فلز از خود نشان داد و با مختصر آشنائی به موزیك بعنوان آوازه‌خوان در (کرایست چرچ)که یکی از دانشکده های دانشگاه آکسفورد بود مشغول کار شد . در آنجا پیش‌خدمتی شخصی بنام‌گودمن را قبول کرد و با پولی که از آوازه‌خوانی وپیش‌خدمتی میگرفت خود را اداره میکرد.

در دانشگاه آکسفورد عده‌معدودی‌از جوانان‌بااستعداد و ممتاز که علاقه خاصی به علوم آزمایشی داشتند دست به یك رشته مطالعات تازه‌ای‌زدند. «کریستوفررن» و « رابرت بویل» جزو گروه فوق بودند که در زندگی رابرت هوك تأثیر بسزائی داشتند .

بویال هفت سال بزرگتر از هوك بود و مال و ثروت زیادی در اختیار داشت وی پسر بزرگ «کرك» بود که بعدها او را پدر شیمی و کنت«کورك» نامیدند .

درحدود سال ۱۶۵۵ که هوك هنوز محصل بود بویل وی را بعنوان معاون‌آزمایشگاه

خود استخدام نمود . هوك در آزمایشگاه بویل پمپ باد را اختراع کرد که در اولین کتاب بویل نوشت و بنا بعقیده دانشمندان قوانین بویل بکمك هوك طرح گردید .

هوك در سال ۱۶۶۱ کتابی درباره خاصیت موئین مخصوصاً صعود مایعات در لوله‌های موئین نوشت وی دراین‌باره بررسی بیشتری نکرد ولی کتاب او پر از نظریات تیز و روح آزمایش بود .

وی دریافت که حرکت اجسام ریز روی سطح مایعات و بالارفتن نفت از فتیله چراغ و حرکت شیرهٔ خام و پرورده درختان براثر خاصیت لوله‌های موئین میباشد .

مشهورترین اختراع هوك اختراع پاندول ساعت وتنظیم کار عقربه‌های ساعت مچی بوسیله فنر بود بنابراین میتوان گفت وی بعداز چند سال رقاص ساعت را اختراع کرد و در سال ۱۶۷۵ بوسیله «کریستین هاپکینز» معرفی شد . پس از خبر اختراع هوپکینز هوك اختراع خود را تقدیم انجمن سلطنتی نمود ولی منشی آنجا که مختصر خصومتی با هوك داشت گفته‌های او را قبول نکرد و اظهار داشت که قبل‌از ۱۶۷۵ پاندول ساعت بوسیله دانشمند دیگری اختراع شده است .

درسال ۱۶۶۲ وقتیکه انجمن سلطنتی امتیاز خودرا دریافت کرد وی را بعنوان کتابدار و متصدی انجمن استخدام نمود . دراین‌جا هوك اجازه داشت فقط هر هفته هنگامیکه انجمن تشکیل‌میشود چهار آزمایش مهم انجام دهد .

او دو سال بدون اینکه اجرتی بگیرد درآزمایشگاه مزبور کارکرد بااینکه درسال ۱۶۶۵ کتابی درباره میکرو ـ گرافیا نوشت این اختراع بزرگ باعث شد که نام اوجزو علمای بزرگ در تاریخ علوم ثبت گردد . کتاب وی در انجمن‌های علمی انگلستان‌مورد توجه خاصی قرار گرفت و بعدها اسم او جزو دانشمندان مطالعه میکرسکوبی بیولوژی درآمد وبوسیله میکروسکبی که خود اختراع کرده بود پس‌از بررسی‌های زیاد شرحی درباره چشم مرکب مگس ودگردیسی حشرات و ساختمان‌پرحیوانات پرنده نوشت .

وی در شرح ساختمان چوب‌پنبه برای اولین‌بار لغت (سل) بمعنی سلول را بکاربرد و آنرا کوچکترین جزء ساختمان چوب‌پنبه نامید .

هوك بوسیله میکرسکپ نه‌تنها در دنیای موجودات جاندار بررسی های فراوانی نمود بلکه تجسسهای بسیاری‌در ساختمان اجسام جامد نیز بعمل آورد. همچنین اشکال تبلورات برف را تشریح و نقاشی‌نمود . نامبرده درتمام رشته های علوم آزمایشهای دقیق داشت ونتایج کلی بدست آورد .

وی‌اولین دستگاه سنجش انکسارنور در مایعات و نیز اولین (بارومتر) یا هواسنج چرخی و غلظت سنج الکلی واولین رطوبت سنجرا اختراع نمود .

هوك اولین کسی بودکه درجه صفر میزان‌الحراره را نقطه انجماد قرارداد .

دانشمند مزبور درحقیقت بنیان‌گذار علوم مربوطه به آثار جوی است . وی تئوری مکانیکی گرما و حرارت را تشریح نمود و ثابت کرد که فعالیت های فیزیکی تولید حرارت میکنند وثابت نمود اجسام بدون وجود هوا نمی‌سوزند .

رابرت هوك پس از آزمایش در ساختمان بلورهای «کوارتز» در داخل سنگ چخماق نتیجه گرفت که ساختمان اجسام از بلور های مخصوص و بشکلهای مختلف تشکیل شده‌اند و باینوسیله تفاوت فلزات و نمکها را مشخص نمود .

طاعون کبیر در سال ۱۶۶۵ و آتش‌سوزی بزرگ در سال ۱۶۶۶ نصف بیشتر شهر لندن و اهالی آنرا ازبین برد .

وی بکمك دوستش «کریستوفررن» در آبادی شهر لندن کوشید . یك هفته بعد از آتش‌سوزی هوك نقشه جدیدی برای ساختن شهرلندن که بشکل مثلث بود تقدیم انجمن سلطنتی نمود نقشه وی بعدها در ساختن ساختمان های نیویورك بکار رفت این‌دانشمند با ارزش هرگز از فعالیت‌های علمی خسته نشد و در سال ۱۶۷۴ کتابی درباره ستارگان و فاصله آنها نسبت بهم نوشت و برای مشاهده آنها اولین تلسکوب را اختراع نمود .

در سال ۱۶۷۷ « الدینبرگ » منشی انجمن سلطنتی مرد و رابرت هوك بعنوان منشی انجمن منصوب گردید .

در انجمن چندین بار با نیوتن مکاتبه نمود و درباره کشف علوم با وی اشتراك مساعی کرد .

وی درسال ۱۶۸۲ انجمن سلطنتی را ترك گفت ولی باز هم پیشنهاداتی مربوط به علوم مختلف تقدیم انجمن مینمود . درسال ۱۶۸۷ پسر برادرش که سالهای متمادی با وی زندگی کرده بود فوت کرد و این واقعه یك تشنج قوی برای هوك بود وی بعد از یکی دو سال سلامت خودرا ازدست داد و بسال ۱۷۰۳ درگذشت در مراسم ترفینش تمام اعضاء انجمن سلطنتی حضور داشتند .

دو سال بعد از مرگ او نسخه هائی از کار های علمی وی که درحدود ۵۰۰ هزار لغت بود پیدا شد این یادداشت‌ها باعث گردید که نام وی در زمره دانشمندان بزرگ در تاریخ علوم جاودان بماند .

(ترجمه علی‌اکبر فیروزی)

دکتر

هانریش لوبکه

مدافع سرسخت آزادی و عدالت اجتماعی

در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۵۹ نمایندگان مجلسین آلمان مقام ریاست جمهوری را بدکتر هانریش لوبکه که از طرف حزب دموکرات مسیحی نامزد شده بود رسماً تفویض نمودند.

در سال ۱۹۳۱ که همراه چندتن از اعضاء حزب مرکزی آلمان بعضویت مجلس شورایملی ایالتی (پروس) انتخاب گردیدو در تصویب قوانین مربوطه به اجاره زمین واصلاحات ارضی پافشاری وکوششهای بسیار کرد و در تاریکترین سالهای حکومت هیتلر نیز لحظه‌ای ازمجاهدت بخاطر سروسامان دادن بوضع کشاورزی و کشاورزان آلمان باز نایستاد او که خواهان ایجاد تعادل در اجتماع و اجرای عدالت بود خود دچار بیعدالتی‌شد و در سال ۱۹۳۳ بزندان کشانده شد قدرت روحی وبرتری فکری لوبکه‌موجب گردیدکه زندان پلیس‌نازیها نه فقط جزئی تغییری در ثبات قدم و اعتقاد وی نسبت بهدفش‌ندهد وهرگز احساس شکست و خرد شدن نکند بلکه ایمان او را نسبت بحقوق انسان و آرمانهای انسانی بیشتر سازددکترلوبکه‌بعدهانوشت که در این دوره فرصتی داشت تا درباره مفاهیم آزادی و شخصیت انسانی مطالعه و امعان نظرکند وبا همین اعتقاد بود که در دوره جنگ دوم جهانی هنگامیکه سمت عضویت یك مؤسسه ساختمانی را در برلن داشت توانست



دکتر هانریش لوبکه

بسیاری از محکومین سیاسی را از چنگال مرگ نجات دهد.

دکتر لوبکه در ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۱ از طرف دانشکده اقتصادشهربن باخذدکترای افتخاری نائل آمد وی در چهاردهم اوت ۱۹۴۹ به عضویت اولین مجلس ملی آلمان فدرال انتخاب‌گردید و در سیزدهم اکتبر همان سال‌مقام ریاست کمیسیون کشاورزی و اغذیه و جنگل مجلس‌ملی بوی تفویض شد. دردومین‌انتخابات‌مجلس‌ملی نیز بنمایندگی انتخاب شد ودربیستم اکتبر همان سال بسمت وزیر کشاورزی کابینه دکتر آدنائر منصوب گردید.

پس‌از پایان دوره‌ریاست جمهوری پروفسور تئودور هویس دکتر لوبکه از طرف فراکسیون پارلمانی حزب دموکرات مسیحی نامزد احرازمقام ریاست‌جمهوری گردیدو درتاریخ اول ژوئیه ۱۹۵۹ در طی‌جلسه عمومی نمایندگان مجلسین آلمان رسماً باین سمت انتخاب شد.

رئیس جمهوری آلمان فدرال دارای قضاوت مستقل و دقیق وحافظه‌ای قوی و طبعی شوخ‌میباشد خانم لوبکه که قبل از ازدواج معلمه ریاضیات بوده به پنج زبان خارجی کاملا آشناست و دوست و همسر لایقی برای رئیس جمهوری آلمان است و برخورد وی چه با افراد عادی و چه با دیپلماتها و سیاستمداران بزرگ بیك

نسبت دوستانه و احترام‌آمیزمیباشد رئیس‌جمهوری آلمان دکتر لوبکه همزمان با کوششهائی‌که جهت‌تحقق بخشیدن بآرمانهای خودکه بخاطر آن سالهای متمادی مجاهدت ورزید بعمل می آورد با شخصیت ممتاز خود وباتکاء احترام و علاقه‌ایکه ملت آلمان نسبت باو دارد میکوشد تا افراد جامعه آلمان را باتفاق و وحدت نظر هرچه بیشتر رهبری کند. دکتر لوبکه پیوسته عشقی عمیق نسبت بهموطنانش داشت اکنون‌که آلمان تقسیم شده است باز هم نسبت بسرنوشت ۱۷ میلیون آلمانی ساکن منطقه شرقی در خود احساس مسئولیت شدیدی مینماید و مانند هر آلمانی دیگر پیوسته در فکر و جستجوی طریق عاقلانه و عملی برای ایجاد وحدت مجدد آلمان است و قلبش پیوسته در رسیدن این روز بزرگ در طپش میباشد وباوجود این‌رئیس‌جمهوری آلمان بمسائل خارجی دیگر از جمله بسط و روابط دوستانه با سایر کشورها و ایجاد علائق گوناگون بین آلمان و ممالك دیگر توجه خاصی مبذول میدارد ودر اینراه تاکنون گامهای‌بزرگ ومؤثری برداشته است‌سفر ایشان بایران که در سال گذشته (۱۳۴۲)انجام‌گرفت در تحکیم روابط ریشه‌دار ایران و آلمان تأثیر بسیار خوب و عمیق باقی‌گذاشت مسافرت این شخصیت برجسته وبزرگ بین‌المللی بایران باردیگر آن علائقی‌را

که از دیرباز بین ایران و آلمان وجود داشت تحکیم بخشید و زمینه را برای توسعه بیشتر و دامنه‌دارتر همکاریهای فنی واقتصادی و تجاری و فرهنگی بیش‌از پیش فراهم ساخت.

همکاری دوستانه ایران وآلمان سوابق ممتدی دارد کارشناسان آلمانی درنصب ماشین آلات کارخانجات مختلف ایران و احداث راهها و بناهای مختلف مملکت ما نقش مؤثری داشته‌اند بسیاری ازوسائل الکتریکی و بسیاری از ماشین آلاتی که در کارخانجات ایران نصب گردیده ساخت آلمان است تعداد کثیری از وسائط نقلیه مارك آلمان را دارند عده زیادی از افرادتحصیل کرده و کارشناسان کشور ما درآلمان علم اندوزی کرده‌اند و از طرف دیگر آلمان همیشه بازار خوبی برای کالاهای صادراتی ما بوده باین ترتیب وجود منافع و علائق مشترك و روح دوستانه‌ایکه همیشه بین ملتین ایران و آلمان وجود داشته است با مسافرت حضرت رئیس جمهوری دکتر لوبکه‌بایران در سطح عالیتری قرار گرفت استقبال گرم و صمیمانه‌ایکه مردم ایران از رئیس جمهوری آلمان‌بعمل آوردند مبین دوستی و علاقه عمیقی است که‌سالها بین ملتین ایران و آلمان وجود دارد ودر عین حال نشانه بارز تمایل بی‌شائبه ملت ایران به بسط روابط دوستانه با کشور دوست‌ما آلمان و همکاریهای بیشتر در زمینه‌های فنی وتجاری و فرهنگی میباشد.



بتهوون

بتهوون

پا برفراز قلهٔ رفیع هنر نهاد

«روبرشومان» موسیقی‌دان و آهنگساز بزرگ آلمانی در اواخر عمر مبتلا به ضعف اعصاب شده بود. پزشك معالجش به وی دستور داد هر روز مسافتی پیاده روی کند. وی به پیروی از دستورپزشك روزانه مسافتی قدم میزد و بگردش می‌پرداخت‌ولی همیشه خطسیر معینی را پیاده‌می‌پیمود و هرگز مسیر خودرا که از منزل تا مجسمه «لودویك وان بتهوون» بود، تغییر نمیداد. چون مقابل مجسمه میرسید ساعتی میایستاد و غرق در اندیشه میشد. مجسمه نابغه ناشنوا زیارتگاه او بود و این راه پیمائی روزانه برای «شومان» درحقیقت یك «سفر زیارتی» بود. هر آهنگسازی که از شیوه بتهوون پیروی کرده باشد بی‌تردید باین زیارتگاه رفته است تا ازاوالهام بگیرد. هرکس دست بساختن سمفونی زده است خودرامدیون اینمرد اطریشی، یعنی بنیان گذار موسیقی جهان میداند، زیرا او معمار کاخ عظیم موسیقی است، سالیان دراز رنج کشید، هر روز ساعتها غرق دریای تفکر میشد، دائم در مبارزه و نبرد بود و خون دل میخورد، تا موفق‌شد بنائی چنان عظیم بسازد که تادنیاباقی است استوار بماند؛ او برای ساختن چنین کاخی، هر یك از عناصر آنرا صیقلی میکرد.

بین صدها سمفونی که از زمانهای گذشته تا امروزنوشته شده هیچیك مانند سمفونی‌های بتهوون مورد پسند عموم واقع نشده است و هیچکدام نتوانسته‌اند مقامی چنین والا احراز کنند. آیا یك سمفونی سراغ دارید که مانند سمفونی بتهوون بتواند تا اعماق دل انسانی اثر کند و تارهای قلب را بلرزه درآرد؟ کدام‌سمفونی را می‌شناسید که آب و رنگ سمفونی‌های بتهوون را داشته باشد؟ چه عاملی سبب مزیت سمفونی‌های او بر دیگر سمفونی‌ها شده است؟چه‌رمزی در لابلای سمفونی‌های او نهفته است‌که تا اینحد بآن گیرائی، شکوه، جلال و جلوه‌می‌بخشد؟

آیا بعلت «ملودی»های جاودانی آنهاست؟ آیابواسطه عمق و حالت آنهاست‌که ما را در برابر رموز آفرینش قرار میدهد؟ و یا چون در خلال «ارکستر» بگوش ما میرسد اینقدر عالی بنظر میآید؟ ... نه، هیچیك از اینهاسبب‌زیبائی و حشمت سمفونی‌های‌اونیست.

دلیل اینهمه جلال و حشمتی که در سمفونی‌های بتهوون نهفته است اینست که وی بجستجوی موسیقی ازفرازتخت زیبائی که «هیدن» و «موزارت» برای موسیقی کلاسیك ساخته بودند بالارفت و بارگاهی آنچنان منیع و پر ارج ساخت که شاید تادنیاباقی باشد دست کسی بآن نرسد. او موسیقی را تکان داد. بتهوون با موسیقی، شکنجه و عذاب‌را بیان کرده است، اضطراب. رنج، غمها، هیجان‌ها را توصیف نموده است. او تمام رنجهای بشری و لبخندهای انسانی را مجسم کرده است. او از بکار بردن وسائل تصنعی و حیله‌های حرفه‌ای گریزان بوده و آنچه در روح عاصی ولی خاموش او میگذشته‌ازدل بیرون ریخته است. او از ابتذال گریزان بود. او نمیخواست موسیقی را وسیله تأثر وسوزدلهای سهل‌الوصول

قرار دهدو «حیله‌های‌حرفه‌ای» در آن بکار برد . میتوانم در یك جمله بگویم :
سمفونی‌هـای او بدانجهت قلبها را به لرزش و تأثـر درمیآورد که او موسیقی را بیش از حد امکان «انسـانـی» کرد .
موقعیکه اولین سمفونی او بسال ۱۸۸۰ در «وین» نواخته شد ، هنوز به سی‌سالگی نرسیده بود. جوانی بود بشاش ودور از هـر نـوع خودخواهی، میکوشید با پیانو بر سراسر وین یا شهر موسیقی غلبه کند. ذوق و علاقه شدیدی به پیـانو داشت . او در وجود خـود مخزن وسیع و عظیمی‌ازقدرت و نیرو ، از ذوق و شیفتگی ، و از قریحه و الهام احساس میکرد ولی در چهارچـوب مقررات و قواعد موسیقی دست وپا میزد . همان اولین سمفونی موجب شهرتش شد وهمه‌طبقات از او استقبال کردند . بـا آراستگی و حفظ ظاهر کامل، درحالیکه پیش سینه‌ای‌تـوراو کمترین لکه‌ای نداشت‌درکوچه و خیابان ظاهر میشد و خلق برای دیدنش ازدحام میکردند
دیری نگذشت که آثار ثقل سامعه در او پدیدار شد.درآغاز امر ، میکوشید نقص خود را مکتوم بدارد و از اجتماعات دوری گزینـد ولی دیگـر پوشاندن حقیقت‌برایش امکان پذیر نبود ؛ دراینموقع بیش‌از سی و دوسال ازسنش‌نمی‌گذشت نـاچار از وین به «هیلی ، گنستاد» که در حومه وین‌بود نقل مکان کرد . از این ببعد خواه در لحظات شادمانی و خواه در دقایقی که غم سراسر وجودش را فرا میگرفت،قلب خویش را میگشود و شادکامیها یا رنجهای درونی خویش را آهسته‌آهسته بیرون میریخت؛ درائری که نامش « وصیتنامه هیلی‌گنستاد » است تـراوش رنجها و غمهای موسیقی‌دانـی که حساسترین حس خود رااز دست داده بخوبی نمایان است؛ مینویسد :
«برای من امکان نداشت‌که بمردم بگویم : بلندتـر حرف بزنید ، فریاد بکشید ، زیرامن کر هستم ! خیر ، چنین‌قدرتی در خود نمی‌دیدم . چگونـه میتوانستم ضعف یکی ازحواس خودرا که باید در من قویتر وکاملتر از دیگران باشد فاش سازم ؟ حسی‌که سابقا بمنتهـا درجه از آن برخوردار بودم . چه سرشکستگی و خفتی برای من‌بود وقتی‌کسی در کنار من ایستـاده بـود و میتوانست گوش بنوای فلوتی بدهد که من هیچ از آن نمی‌شنیدم ! این برخوردها و ناکامی‌ها مرا تا لبه پرتگاه نومیدی کشانیدو چیزی نمانده بود که به حیات خویش خاتمه دهم .»
معهذا در همین اوقات بود که دومین سمفونی جاودانـی خود را ، یعنی مجموعه‌ای از صفا و پاکی و تابلوی زنده‌ای از زیبائـی‌کـه نمودار روح بی‌آلایش و درخشان خـود اوست ، ساخت و تقدیم عالم هنر کرد .
دور ازمروت وانصاف است ولی محتملا راست است اگـر بگوئیـم ناشنوائی « بتهوون» برای‌جهان موسیقی‌وهنر،فوزی عظیم و نعمتی بزرگ بـود ؛ شاید قطع‌ارتباط موسیقی‌دان با عالم خارج سبب شد که این شاهکارهای نه‌گانه رابیافریند، او با از دست دادن حسی کـه بقول خود او ، بیش‌ازهمه‌کس مورد نیازش بود ، شور وذوق موسیقی‌نیز او را رها نکـرد. بتهوون آهنگهـای خود را نمی‌شنید بلکه باروح خودآنها را ادراك میکرد ؛ شاید با از دست دادن حس شنوائی ، نبوغ موسیقی هر لحظه در روح‌او عمیقتر و شدیدتر میشد، لیکن هر اندازه که بخویش بـاز میگشت تندخوئی‌وخشم‌اوتحمل ناپذیرتر میشد . هیچکس حق نداشت به کوچکترین اثاثیه اتاق او دست بزند .
بدینطریق بی‌نظمی و درهم ریختگی باور نکردنی برمحیط زندگیش حکمفرما بود :همیشه روی صندلی‌ها پر از کاغذ بود و زیر میزبشقابهای‌محتوی باقیمانده غذا دیده میشد؛داخل پیانو لکه‌های مرکب فراوان بود و همه‌جا را گردو غبارو کثافت فراگرفته بود و کسی جرات نداشت بنظافت اطـاق بپردازد . گاهی چنان در خود فرومیرفت که غذا خوردن‌فرا فراموشش میشد . روزی کـه یکی از سمفونی‌هایش‌بدو الهام میشد ، به رستورانی رفت‌وپشت میز نشست . آنگاه غرق در اندیشه شد و فراموش کـرد سفارش غذا بدهد ، لحظه‌ای بعد ازجابرخاست‌وصورتحساب خواست !
شهرت و افتخار را دوست داشت ولی از اینکه دستمزد شایانی باو داده نمیشد و بقدر کافی پول برای زندگی‌نداشت می‌نالید و حال آنکه پولی که نصیبش میشد بیش از آن بود که او توقع داشت (چنانکه پس از مرگش مبلغ‌قابل‌توجهی پول در یکی از کشوهای‌مخفی میزش یافتند)
مدتها میگذشت و لباسهای غرق در چرك و کثافت بـود زیرا او حاضر به تعویض‌آن‌ها نمیشد تا جائیکه بارهادوستانش شبانه از دریچه اطاق او داخل میشدند و محرمانه لبـاسهای کثیفش رامی‌دزدیدندولباسهای نو تمیز بجای آن میگذاشتند تا صبح مجبور میشد آنهـا را بپوشد . گاه چنان عصبانی‌میشد که بشقابها را با محتویاتش‌بسر وکله کلفت خانه میکوبید.
در تابستان‌سال۱۸۰۶موقعیکه بتهوون مهمـان شاهـزاده «لیخنوسکی» ولینعمت قدیمی خود بود ،شاهزاده‌ازاوخواهش کرد که برای سربازان‌ناپلئون که در قصر اقامت کرده‌اند ، آهنگی بنـوازد . بیتهوون تقاضای شاهزاده را جدا رد کرد . شاهزاده بلحن شوخی او را تهدید به بازداشت کرد . بتهوون در نهایت خشم و تند خوئی ، شبانه از قصر فـرار کرد و پیاده خودرا بشهـر رسانید و از آنجـا یك کالسکه کرایه کرد و بعجله عازم وین شد . چون بمنزل خودرسید تصویر نقاشی شاهزاده راکه‌در قاب بود از دیوار برداشت و بزمین کوبید و آنرا ریزریز کرد .
موسیقیدان نابغه ، باازدست دادن حس شنوائی خود روز بروز نسبت بدوستان‌ونزدیکان و مستخدمین منزلش بدگمان‌تر میشد رفقای نزدیك و ناشران آثارش را متهم میکردکه‌کلاه سرش میگذارند و روز بعد با حالتی مغموم و اندوهگیـن نزد یکـایك ایشان میرفت و معذرت میخواست .
یکبار ، انتشار و فروش‌یکی از آثارش‌رابنام«میساسولمنی» به‌شش ناشر وعده‌دادو سرانجام آنرا به ناشر هفتمی فروخت . لیکن در مقابل اینهمه تند

خوئی و بدگمانی ناگاه مهربان و نیکوکار میشدوجانب‌دوستان را مراعات میکرد . یکی از دوستانش بنام خانم بارون «ارتمن» طفلش را ازدست‌داده و در مرگ او سخت اندوهناك بود ؛ بتهوون بدیدار اوشتافت. بی‌آنکه کلمه‌ای بازن داغدیده حرف بزند پشت پیانو نشست و آنقدر آهنگهای نشاط‌انگیز و فرحبخش برای او نواخت که زن در آن لحظه مرگ فرزند را فراموش کرد .

«بتهوون» رغبتی به‌مطالعه داشت و بیشتر اوقات بمطالعه پلوتارك و شکسپیر می‌پرداخت اما جدول‌ضرب بلد نبودواصلا ازآن سر درنمی‌آورد . عشق عجیبی به آزادی‌داشت. اوخود مردی آزاده و آزادیخواه‌بود. در سال ۱۸۲۳ موقعیکه مساله الغاء بردگی درانگلستان‌جوش وخروشی بپا کرده بود ، او با علاقه خاصی مذاکرات پارلمان آن‌کشور را تعقیب میکرد . معهذا در خانه او استبدادمطلق حکمفرما بود و مخصوصانسبت به برادرزاده‌اش «کارل» بسیار سختگیر بود .

بتهوون از بیوه برادرش سخت نفرت داشت و اورامتهم بانحراف و فحشا میکرد و میخواست سرپرستی طفل برادرش را خود بعهده بگیرد. آنقدر این موضوع را تعقیب کرد تا بالاخره کار را بمراجع عالی قضائی و دیوان کشور رسانید و بالاخره موفق شدو قیمومت بچه باو واگذارگشت.

اینمرد چهل و پنجساله که رویهمرفته عاری از عقل و احساس عادی بود ، نسبت بکودك محبتی فراوان داشت و لحظه‌ای از تعلیم قوانین‌اخلاقی نسبت باو غافل نمیشد اما فراموش میکرد مرتبا باو غذا بدهد و یا در زمستان لباس گرم به او بپوشاند . کودك بینوا که مانند گوشت قربانی ، وجه‌المصالحه مادر و عموشده بود ، خواست انتحارکند ... بالاخره داخل ارتش اتریش شد ودر گمنامی زندگی‌نظامی فرورفت .

بتهوون به کلفت‌های خانه اعتماد نداشت و دائم با آنان در منازعه و ستیز بود .یکی از دوستانش حکایت میکرد :

روزی بتهوون ببهانه‌ای با هردوکلفت خانه نزاع کرد ، نزاعی سخت که تمام اهل‌محل ناظر بودند. سرانجام‌هردوزن، خانه موسیقی‌دان راترك گفتند. روز بعد صدای او از درون سالن دربسته که پرده‌های آن نیزکشیده شده بود بگوش میرسید که‌مشغول‌آوازخواندن بود و قطعاتی را میخواند و زوزه‌کشان پا بزمین میکوبید بطوریکه صدایش از خارج شنیده میشد ، مدتی به این «کنسرت» وحشتناك گوش کردیم دیری نگذشت‌که در حیاط نیمه باز شد و سر و کله بتهوون که خطوط چهره‌اش متشنج و درهم بود و گوئی میخواست ما را از خود بترساند، نمایان گردید.بالاخره ما چند قدم جلو رفتیم . چون چشمش بما افتاد و ماراشناخت فریاد زد : «این دیگر خیلی قشنگ است ! همه‌فرار کرده‌اند ومن از ظهر دیروز تابحال چیزی نخورده‌ام.» من‌کوشیدم اورا آرام کنم و بکمکش شتافتم و پس از صرف غذاباو کمك کردم تا بنظافت خود بپردازد .

***

بعد از بتهوون آهنگسازان دیگری سمفونی‌های زیبائی نوشته‌اند ، اما هیچیك بپای سمفونی‌های بتهوون ، که مجموعه‌ای گرانبها و میراثی ابدی برای‌آیندگانست نمیرسد.

او مانند شکسپیر آثاری از خود بیادگار گذاشته است که هر روز از عمر جهان بگذرد ، قدر آنها بیشترشناخته میشود . دفتر او مانند دفتر شکسپیر آئینه تمام نمائی از رنجها ، تلخی‌ها ، ناکامی‌ها ، و مرارتهای زندگی است دفتر او نیز ماننددفترشکسپیر وسیع و گسترده است و همه چیز جهان را دربر دارد . بیتهوون مانند درام‌نویس انگلیسی شیرینی و تلخی،نرمی و شدت ، رنج و شادی را بهم میآمیزد صفا وصداقت‌کودکان ساده را با پختگی و تجربه پیران آزموده‌بهم‌متصل‌میسازد، مانند او روحبخش و نشاط‌افزا است و مانند او غم‌انگیزوحزن آور است . مانند او صفا و آرامش می‌بخشد و مانند او شوروانقلاب می‌افکندوبالاخره مانند او یکی از عشاق‌بزرگ طبیعت است و علیرغم شك و تردیدها ، به پیروزی زندگی میاندیشد و میگوید :«موسیقی جلوه و جلالی مافوق فلسفه دارد »

تصویری که از بتهوون ساخته‌اند تصویر مردی است عبوس ، خشن ، متکبرومنزوی و بنظر من چنین تصویری‌ازاو کاملا صحیح نیست . یکی از معاصرینش که دراواخر عمرش بااو مأنوس بود، در توصیف او مینویسد :

«عقابی‌که خورشید را از روبرو نگاه میکند،» اما اودر لحظات دیگری ، پرستوی‌زیبا و آرامی است که در آسمان آبی می‌چرخد ، یا جغدی که دنیا را بادیده تیزبین مینگرد.

بتهوون علیرغم خلق‌وخوی غیرقابل پیش‌بینی اوکه گاه تحمل‌ناپذیر وگاه مهربان‌میشد و صرفنظر ازرفتار وحشتناکش برسر میز و قیافه رعب آورش فساد ناپذیر بود و تاآخر عمر نیز فداکاری خودرا که‌هرگز فساد در آن رخنه ننمود،حفظ کرد .

آخرین بیماریش بر اثر عدم مراقبت و احتیاط ، روبوخامت گذاشت ، در عرض یکماه‌قریب ۷۵ بطری داروهای مختلف نوشید .

وی تا آخرین‌نفس‌میخواست قطعات نیمه تمام را بپایان برساند و سمفونی دهم خویش را تکمیل کند که ناگهان‌براثر یك حمله شدید قلبی در ۲۶ مارس ۱۸۲۷ درسن۵۶ سالگی چراغ عمرش خاموش گشت.

(اثر ژرژمارك از ریدرز دایجست)

هارالد کروتیسبرگ

هنرمند رقص



هارالد گروتیسبروگ

هارالدکــروتیسبرگ روز ۱۱ دسامبر ۱۹۰۲ در رایشنبرگ مجارستان پا بعرصه هستی نهاد ودر رشته طراحی لباس و هنر ترسیم و چگونگی تاثیررنگ‌ها دانش کافی اندوخت و این اطلاعات برجسته باو امکان‌داد که شخصا لباسهای رقص خود را ابداع کند . کروتیسبرگ کــه در سر کلاسهای درس **ماری‌ویگمان** ، حاضــر میشد بطور آماتور هنر رادر**درسدن** آغاز کرد .

اولین بار با اپرای هانور قراردادی منعقد نمود وسپس دراپرای برلن بعنوان **سلیسب** شروع بکار کرد و در آنجــا بود که کارگردان معــروف ماکس‌رانیهارد فریفته هنراو شد و کروتیسبرگ را روانــه فستیوال سالسبورگ (۱۹۲۸) ساخت . قدرت و کمال هنری کــروتیسبــرگ در فستیوال بمنصه ظهور رسید و او رادر صف اول هنرمندان رقص‌جهان، قرار داد

چند سالی بعد،کروتیسبرگ راه‌کشور آلمان و سایر ممالك اروپائی را درپیش گرفت ، ابداعات هنری خودرادرقلمرو رقص عرضه کرد . این رقصها گواهی بر استعداد نبوغ آمیز او بود و از آن خبر میدادکه کروتیسبــرگ هنرمندی است توانا و حساس که قادر بخلق حرکات تقلید ناپذیر و بــدیع و پانتومیم موذون در رقص است کروتیسبرگ یکبارگفته بود که «رقصهای من بطــور کلی چیزی ازحرکات‌وسکنات تاتر ، کمتر ندارد»

نگاهی بگذشته و فهــرست رقصهای **پانتومیم درخشان** او بیدرنگ **ثابت میکند** که تاچه اندازه گفته او راست ودرست

است .

کروتیسبرگ در رقص بهـ
نمــایشی کــه دست بزند با
نتیجه‌اش همیشه آنستکه‌بنحوی
بسیار عالی و بی‌نظیر پرده ا
بعضی از خواص روانشناسی
برخواهد داشت وحتی پاره‌ای
اوقات باوج اساطیری عظمت
رقص نائل خواهد شد مــانند
رقص «فرشتــه سکــوت» ب
«حمد خداوند» او .

درعیــن حال کروتیسبرگ
در رقصهای‌نشاط‌آورودلنوازی
چون «بلیسفول‌والتس» نیــز
توانائی بلامنازعی دارد .

ولی یکی ازقابل‌ستایش‌ترین
قدرت‌های نمایشیکروتیسبرگ
وسعت و **جسارت حــرکــات**
انگشتان اوست که در هرلحظ
حالات گوناگون با شکوهــ
بخود میگیرد و **نیزدراعتدال**
حرکات اندام اوست که ضمن
تجسم صریح حالات جسمی بر
نمایش دقایق شورانگیز روحی
نیز قادر است .

ابیندرانات تاگور

مرد اندیشه‌های نو

در هشتم اول‌سال۱۹۴۱ در کلکته مردی از جهان چشم فروبست که میراثی فناناپذیر از خود باقی نهاد : **کلمات** ، **موسیقی** ، **نقاشی** ،**شعروفکرنو.**

شهر **کلکته** که در سال۱۶۹۰ وسیله یك انگلیسی بنام **جوب چارنوك** بنا نهاده شد در محله **جوراسانکو** خانواده تاگور را پناه داده است . این خانواده قدیمی‌که به نخستین دانایان **رهمن** میرسند در قرن هشتم‌از **کانوج** آمده و در **بنگال** رحل قامت افکندند . هزار سال‌بعد، عقاب آنان به‌شهر کلکته‌آمدند ودر یك شرکت انگلیسی‌دریائی وضع و موقعی بهم زدند. پسر کوچك آنها **نیلمونی** سرمایه قابل توجهی جمع‌کرد و در ۱۷۸۹ شرکت جوراسانکو را أسیس نمود. اما نوهٔ این مرد ود که توانست شهرت عالمگیر کسب‌کند ودر خاندان خود چون ستاره‌ای بدرخشد . او **ا گور** بود .

تاگور رومان نویس، شاعر، قاش ، معلم اخلاق وادیب‌بود. و افتخار دریافت جایزه نوبل را داشت و نویسنده‌ای بود که ثارش باکثر زبانهای زنده وسیله نویسندگان‌برجسته‌ترجمه ند . مثلا در فرانسه وسیله **آندره‌ژید** ودر اسپانیا وسیله **روان رامون ژیمنه** که هر دو خود جایزه نوبل گرفته‌اند .

نبوغ وفکرووسعت‌دامنهٔ‌کار رابیندرانات تاگوراوراازاینکه فقط بسرزمین هند تعلق داشته اشد بازداشت و ویرا در عداد مردان نامی جهان نهاد .

هنگامیکه تاگور پا بعرصهٔ حیات نهاد پدرش **مهاراجه**۴۵ سال ومادرش **سارادامونی** ۳۳ سال داشت و رابیندرانات چهاردهمین فرزندآنان‌بود. از میان فرزندان که‌اکثراً برجسته ودرکارخود موفق بودند تنها تاگورتوانست برجسته‌تر ازهمه بشود.

برادر بزرگش **دوی‌جندرانات** شاعر ، فیلسوف و ریاضی دان بود .دومی ساتین‌درانات‌مترجم آثار بزرگان بنگالی و نخستین هندی عضو «انجمن‌اداره‌هند» مامور انگلستان بود. پنجمین فرزند موسیقی‌دان و مترجم مولیر بود که چند نمایشنامه‌نیز نوشته بود . در میان دختـرها **سوارناکوماری** یك روزنامه ادبی را اداره میکرد و نخستین بانوی روزنامه‌نویس بود . در هفت‌سالگـی رابی را بمدرسه فرستادند . او چهار مدرسه عوض‌کرد و هیچیك‌را دوست نداشت ولی از درس بازنماند سومین برادر تربیت و تعلیم‌او را در خانـه برعهده گرفت .

در۱۲سالگی بندرانات‌بزرگ بمسافرت شمال هندرفت‌وفرزند خردسالش را همراه برد و در این سفر باو آموخت چگونـه تنها خودش را اداره کنـد، پیش از طلوع آفتاب برخیزد، ارزش پول را بداند و حسابش را نگاهدارد . غالبا شبها باین ترتیب خاتمه می‌پذیرفت کـه کودك برای پدرش آهنگ‌های مذهبی را میخواند تا بخواب برود .

در سیـزده سالگی اولین گلچین اشعارش را بنام **کابی کاهینی** نشر داد و سه سال بعد دوی‌جندرانات یك مجله ادبی بنام **«بهاراتی»** تاسیس کردکه رابی فرصت یافت ذوق خود را آزمایش کند . او در این‌مجله مباحثی درباب **دانته** و **پلوتارك** که اثر آنها را در کتابخانـه برادر بزرگترش جسته بـود نوشت .



تاگور

در تابستان ۱۸۷۹ رابی را بانگلستان فرستادند که تحصیلات خودرا تکمیل کند گرچه قصد از این سفر انجام تحصیل بود ولی رابی سال بعد **برایتون را** ترك گفت بدون آنکه به تحصیل ادامه دهد اما هنگام این اقامت کوتاه او با موسیقی غربی آشنائی یافت و تأثرات این نوع موسیقی در اوپراهای او بعدها نمودار گردید . اوپرای زیبای **والمیکی پراتیبوا** نمونهٔ بارز آنست که برای نخستین بار توسط خود او بازی شد و یك بیننده آن **بانکیم چاندرا** ،چهره درخشان هنری وقت آنرا پسندید و هنگامیکه سال بعد تاگور کتاب **ساندیهاسانگیت** خویشتن را نشر داد همین شخص هنرو نبوغ شاعر را ستود .

در میان خویشان و نزدیکان تاگور دونفر بودند که شاعر بآنها دلبستگی داشت و انتقاد یا اظهار نظر آنان در شاعر اثر میگذاشت ایندو **جیوتریندرا** وهمسرش **کادامبری دوی** بودند که شاعر مدتها باآنان درخیابان سوور در کلکته میزیست .

در بیست و دو سالگی رابیندرانات با **بهماباتارمینی-دوی** ازدواج کرد . اندکی پیش از آن پدرش باو نوشته بود که خودش را آماده پذیرفتن مسئولیت خاندان تاگور بنماید و سرپرستی خانواده را عهده‌دار شود .

تاگور درعین داشتن مسئولیت سنگین سعی داشت باتمام عوامل کوچك تولید کننده نظیر دهقانان منطقه‌اش در تماس نزدیك باشد تاهم درد آنها را بفهمد وهم دربالابردن محصول نقش داشته باشد وهم سطح زندگی دهقانان را ترقی دهد. چنین تماس‌های نزدیك بدون تردید موثر در روحیه شاعر بود وشما درآثار اواین تاثرات را فراوان پیدا می‌کنید .

در سال ۱۹۰۱ رابیندرانات چهل سال داشت که آثار او فراوان و شامل بیست و یك مجلد بود که میان آنهاسوتاری شاهکارش بشمار میرفت .

تاگور از زمان تحصیل خاطرهٔ خوشی نداشت وبهمین سبب اندیشناك از تعلیم‌وتربیت فرزندانش درصدد برآمددرهند مدرسه جالب و نمونه‌ای بسازد و باین منظور در صدد تهیه پول برای انجام هدفش برآمد. حق تالیف آثارش را بروی این کار گذاشت ، همسرش جواهرات عروسیش‌رافروخت و متاسفانه سه‌ماه پس‌ازگشایش چنین مدرسه‌ای همسر تاگور چشم از دنیا بست .

این اندوه بزرگ برای تاگور شروع غمهای بیشمار دیگر بود زیرا نه ماه پس از درگذشت همسرش دومین دختر خود **رنوکارا** از دست داد . غمناکتر از همه چهارسال بعد اتفاق افتاد که شاعر پسر جوانش **سامی** را که از حیث استعداد و نبوغ شبیه خودش بود بخاك سپرد. فرزند دوازده‌ساله‌اش بسبب طاعون مرد .

در میان این تاثرات فراوان شاعر بزرگترین نقش حماسی خودرا بازی کرد . دردسامبر سال ۱۹۰۳ **لردکورزون** حاکم کل تصمیم خودرا مبنی برتقسیم بنگال بدو ایالت مسلمان‌نشین و هندونشین اعلام نمود.قصد براین بود که یکپارچگی و اتحاد بنگال مزاحم نباشد . شاعر ، شعری سرود و آنرا پیشاپیش دسته‌ای که در خیابانهای کلکته تظاهر مینمودند خواند . خیلی زود شعر جان گرفت و همه جا پر شد بطوری که درتصمیمات بعدی موثر افتاد .

ترجمه **ژیتانجالی** یك اثر برجسته تاگورچنان **ویلیام - روتنشتاین** نقاش انگلیسی را تحت تاثیر قرار داد که فوری نسخه‌ای از آنرا برای **تیتس**- شاعر ایرلندی فرستاد که او در برابر جمعی نویسنده‌وشاعر گفت : «من در عصر خود مردی را نمی‌شناسم که بانگلیسی چیزی قابل مقایسه بااین نوشته باشد .» ژیتانجالی دریك زمان در هند و انگلیس انتشار یافت.

درسال ۱۹۱۳ تاگور جایزه نوبل گرفت ولی همه جایزه خودرا خرج مدرسه‌اش کرد. زحمات این شاعردرراه آزادی ودر ایجاد وحدت و روابط حسنه بین کشورها مطلبی‌نیست که قابل اغماض باشد. همچنین تلاش او برای استواری رژیم هند و برقراری صلح وآرامش در داخل این قاره فراموش ناشدنیست .

در این ایام تاگور سرگرم سفرهای خود بود . بشرق و غرب میرفت . دنیا می‌دید ودر تبلیغ افکار انسانی خود میکوشید آخرین سفر شاعر باروپا از بازدیدی از **اکسفورد** شروع شد . در آنجا یك سلسله سخنرانی کرد که مجموعه آنها بنام «**مذهب انسان**» نشریافت .

ضمن همین سفر بود که رابیندرانات بکشور اتحاد جماهیر شوروی سفر کرد . شب پیش‌ازحرکت به مهمانداران خود اظهار نمود : « این حقیقت را دریافته‌اید کسیکه میخواهد جامعه‌ای راازجمیع بدیها رهائی بخشد و آنرا ریشه‌کن سازد تنها راهی که دارد تعلیم و تربیت است»

در روسیه نیز نظیر دیگر کشورها تاگور نمایشگاهی از آثار نقاشی خویش نیزتشکیل داد .

در سن هفتاد سالگی او راه تازه‌یی برای بیان افکار خود جسته بود که بسیار جالب بود. در سال ۱۹۳۱ مردم کلکته جمع شدند و هفتاد سالگی شاعر را جشن گرفتند . در این عصر تاگور شهرت عالمگیر داشت و بیش از آنچه دنیابچشم شاعر، نویسنده ، نقاش ، فیلسوف باو بنگرد او را یك انسان واقعی میدانست .

در هشتاد سالگی بیماری سراغ شاعر آمد اما باهمه اینها در جشن هشتادمین سال خویش شرکت کرد و آخرین پیام خود را در باب تمدن بشری فرستاد. او در این پیام چنین گفت : «مدتی باورم شده بود که سرچشمه تمدن در قلب اروپاست اما حال که در لحظات ترك این دنیا هستم چنین عقیده‌ای ندارم. باطراف خود می‌نگرم جزخرابی و ویرانی‌های این تمدن مغرور چیزی نمی‌بینم . معهذا این گناه بزرگ را مرتکب نمیشوم که از بشر سلب عقیده بکنم بلکه باانتظار روزی هستم که در سایه روح فداکاری و ازخود گذشتگی این طوفان فرو نشیند و هوا قابل تنفس شود شاید افق این روشنائی و درخشش شرق باشد همچنانکه خورشید از اینجا درخشیدن آغاز کرده است . در آنروز انسان شکست ناپذیر از ورای همهٔ بست‌هاراه گمشدهٔ میراث خودراخواهد یافت. »

ترجمه از نشریه یونسکو
(شمسی آل‌طه)

دیوید هنری لارنس



دیوید هنری لارنس

داستانسرا و شاعرمشهور انگلیسی به سال ۱۸۸۷ در ایستوود ، یکی از نواحی نتینگهام شایر به جهان آمد. روزهای کودکی‌را در تنگدستی و سختی به‌پایان برد و آنگاه ، در جوانی به نوشتن داستانها و سرودن اشعار دل‌انگیزی پرداخت . دیری نگذشت که آوازه شهرتش به اکثر نقاط جهان راه یافت و در شمار شاعران و نویسندگان بزرگ درآمد .

تنها آرزویش این بودکه مسائل جنسی راهرچه آشکارتر در آثار خود بیان و توصیف کند . بهمین جهت ، پاره‌ای‌از داستانهایش ، بویژه « فاسق خانم چاترلی» بجرم « منافی عفت‌بودن » توسط پلیس انگلستان توقیف گردید . با این همه لارنس هرگز دست‌از ستیزه با اجتماعی که در آن می‌زیست بازنداشت .

هرچند به « ذهن» نفرت می‌ورزید اما بعدها ، براثر کشفیات تازه‌ای که در روانشناسی راه یافت ، خصوصا عقاید و نظریاتی که فروید عرضه‌کرد و بدان وسیله‌ارکان روانشناسی کهنه و معمول را به‌لرزه افکند ، او نیز همچون نویسندگان برجسته قرن‌بیستم، نظر خود را به جریانات‌نهانی «ذهن» آدمی معطوف داشت و مسائل روانی و جنسی را ، روی قهرمانان داستانهایش ، به نیکوترین وجهی موردتجزیه و تحلیل قرارداد .

لارنس به سال ۱۹۳۰ بر اثر بیماری سل درگذشت .

« رنگین کمان »، «فاسق خانم چترلی » ، « دختر گمشده» ، «مردی که‌جزیره‌ای را دوست میداشت . » ، «سفر های تازه » ، « لاک‌پشت‌ها » و « بنفشه‌ها» از مشهورترین آثاراوست .

ژنرال دوگل

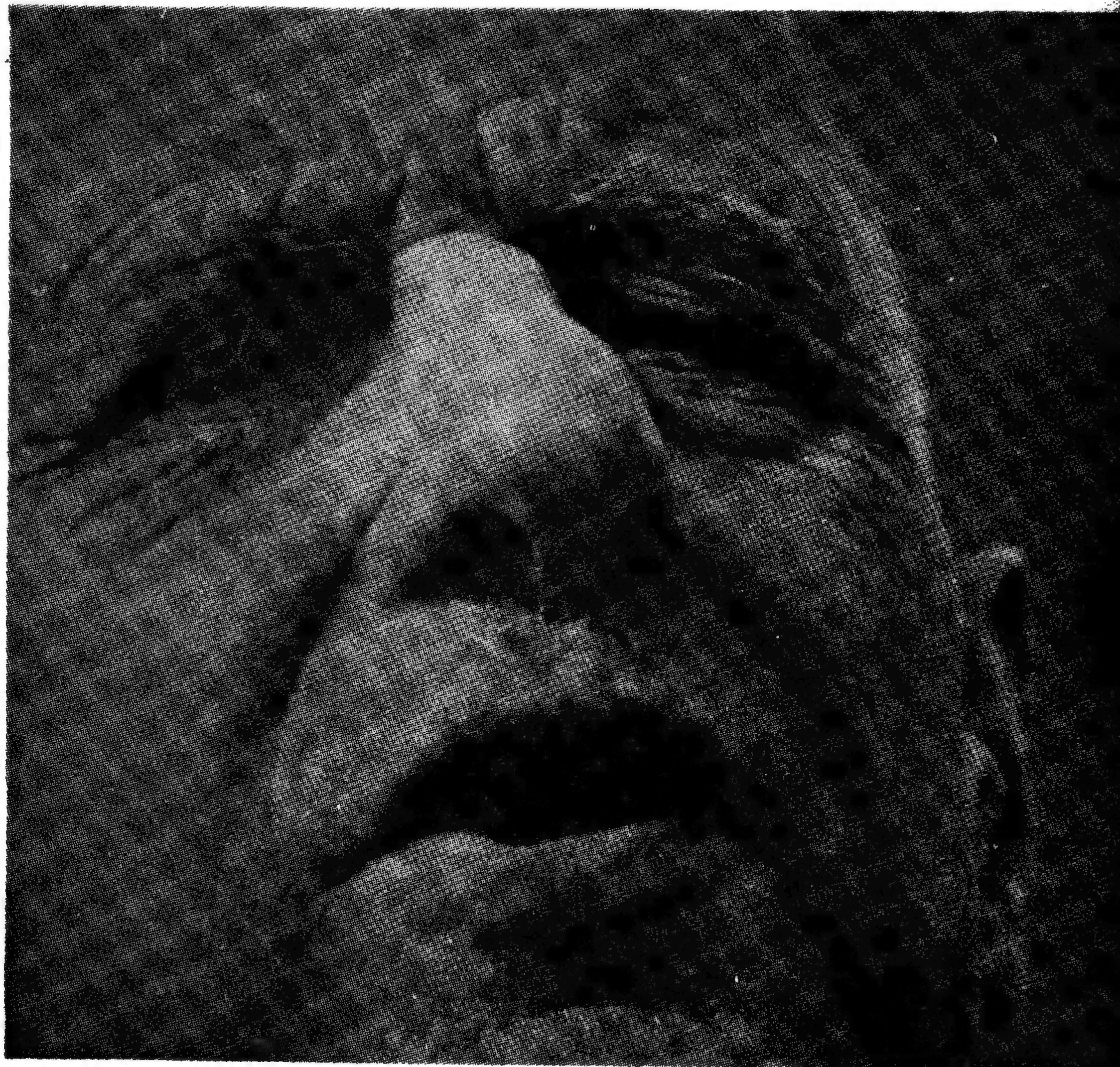
(دوگل) در دو خانه قدیمی زندگی میکند . در منزل قدیمی شهر پاریس‌خویش یا (کاخ الیزه) ، که درقرن هجدهم بنا شده و توسطمادام‌ـ پمپادور، معشوقه‌لوئی‌پانزدهمـ تقدیم پادشاه فرانسه گردید . ودرخانه ییلاقی خود(کلمبی‌ـ له‌دور ـ اگلیزر) که دارای چهارده اطاق ، و باغ بزرگی مملوازدرختهای چنار ونارون میباشد .

در هر دو خانه (دوگل) سعی میکند در نهایت سادگی زندگی نماید .

در پاریس (دوگل) هرروز صبح ساعت هفت توسط همسر خود (ایون) از خواب بیدار میشود، زیرا وی اجازه‌نمیدهد بهیچوجه دراطاق خوابش‌ساعت یا رادیو وجود داشته باشد . پس از صرف صبحانه که عبارتست از قهوه و نان برشته شده لباس خود را میپوشد ، و پس‌از خواندن روزنامه‌های روزانه‌به‌خبرهای ساعت‌۱۵ . ۸ دقیقه گوش میدهد . آنگاه بدفتر کار خود که میز مخصوص کار لوئی پانزدهم، که سالها قبل از آن استفاده میشده ، قرار دارد ، رفته و بکارهای روزانه خویش‌مشغول میشود . تلفونهای اطاق کاراو هیچگاه زنگ نمیزنند ، وحتی نزدیکترین کسان وی حق ندارند باو تلفون کنند .

کارهای روزانه پس از کنفرانس ساعت نه ، آغاز شده و سیل مراجعین باداره وی مراجعه میکنند . (دوگل) مردی مودب و خوش‌خلق‌است، و بمحض ورود مهمانان از جا برمیخیزد و بآنها تعارف مینماید .

(دوگل) با علاقه هرچه



ژنرال دوگل

تمامتر بگفته‌های مراجعین گوش فرا میدهد . وقتیکه وی متوجه میشود یکی‌از حاضرین بیخودی اطاله بیان میکند ، انگشتان خود را روی میزده، و باینوسیله اظهار خستگی مینماید ــ یا اظهار میدارد : « بسیار خوب ، دیگر تمام است » .

ناهار را در ساعت یك بعداز ظهر معمولا با دوستان یا مهمانانش صرف میکند . پس از صرف غذا ، دوگل بخواندن شماره مخصوص بعد از ظهر روزنامه (لوموند) میپردازد ، و یکی دو فصل‌از کتابی را که در دست مطالعه دارد میخواند . ساعت سه بعداز ظهر مجددا وی بدفتر کارش مراجعت میکند .

(دوگل) ساعت هشت بعداز ظهربآپارتمانش‌میآید ، واخبار را در تلویزیون تماشا نموده، و معمولا با همسرش شام صرف میکند . بعد از شام معمولا (دوگل) بتماشای فیلمهای، کمدی تلویزیون میپردازد .

بعضی از روزهای تعطیلی هفته را (دوگل) به ییلاقات اطراف شهر میرود ، یا درخانه ییلاقی خود میگذراند .

حالت مزاجی دوگل کاملا خوب است ، فقط گاهی دچار ناراحتی بینائی میشود ، ولی هنوز احساس میکند که‌احتیاج بعینك زدن ندارد .

(فرانسوا ــ موریاك) عقیده دارد که (شارل ــ دوگل) ازجانب تاریخ باعظمت گذشته فرانسه ماموریت دارد ، گذشته عظیم فرانسه را باردیگر احیاء کند وی می‌نویسد :

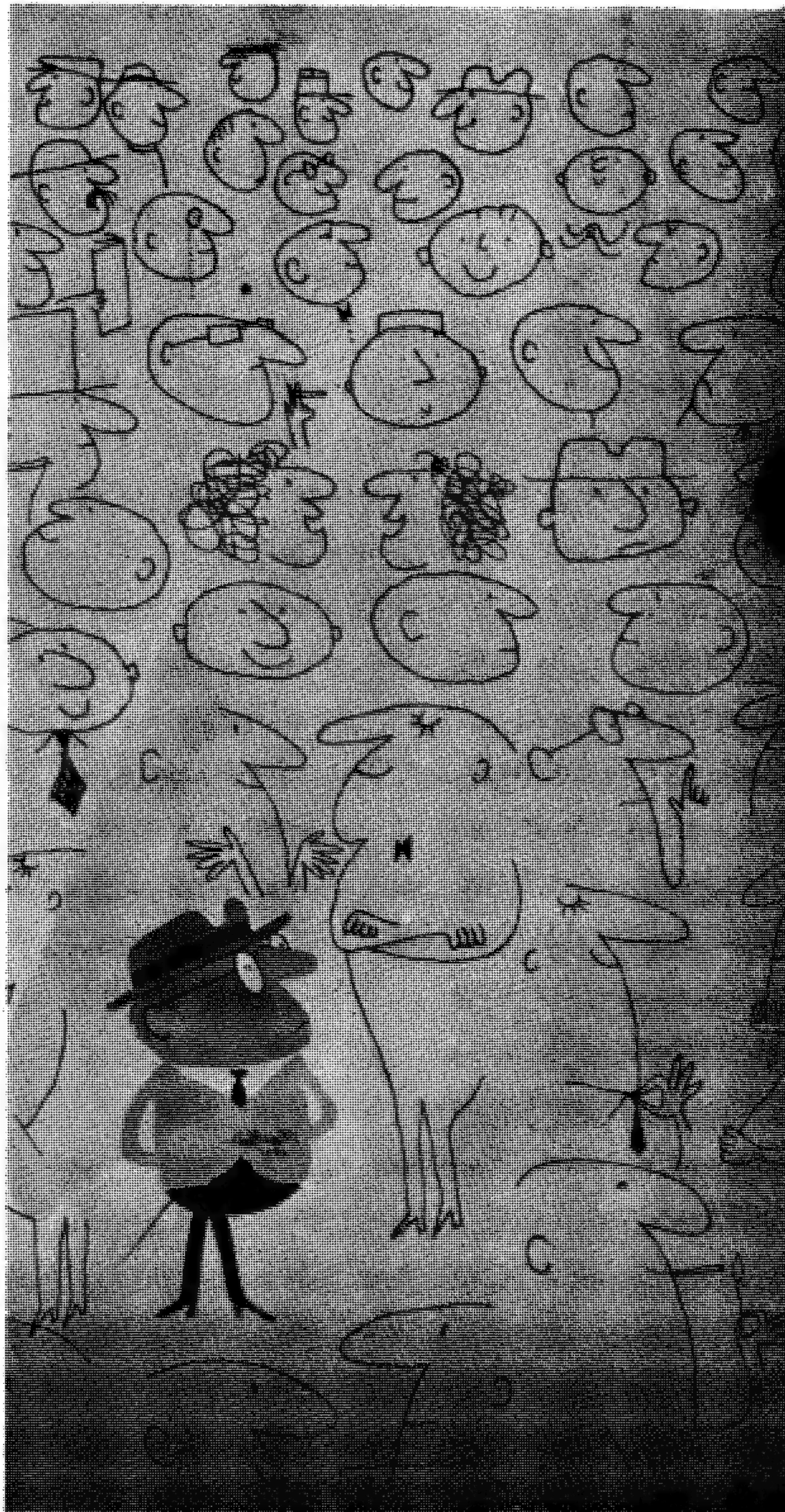
تاریخ ثابت نمود(دوگل) بعنوان یك فرستاده از جانب ملت مأموریت داشته گذشته و افتخارات پیشین ملت فرانسه را بآنها بازگرداند . سالهای مدید ازعمرش را مانندپیامبری بدون افتخارات یك پیامبر در کشور خویش خدمت نموده است .

تبليغات تجاری :

- تبلیغ چیست
- مرد تبلیغ کیست
- انواع تبلیغ
- ظرفیت تبلیغ
- وسایل تبلیغ
- تبلیغات در دنیا



بحثی دربارهٔ روش تبلیغات تجاری



مقدمه

تاکنون کتاب یا نشریه باارزشی که بتواند بعنوان یك وسیله آموزشی مورد استفاده قرار گیرد درایران انتشار نیافته‌است و کشور ما از نظر داشتن یك نشریه مرتب که حاوی مطالب و مباحث علمی مربوط بتبلیغ تجاری باشد بسیار فقیر است فقدان اینگونه کتب و نشریات بزبان فارسی شاید یکی از عوامل عمده عقب ماندن فن تبلیغ درایران باشد چه مردان تبلیغ در کشور ما که تعدادشان بسیارمعدود است بعضا بطور کلی فرصت ومجال مطالعه کتب خارجی را ندارند و یا اگر داشته‌باشند اصولاً بزبان‌هائی که این کتب نوشته شده آشنانیستند

مهم اینکه در کشور ما کمتر مقاله یا نشریه یا کتابی در باب تبلیغ تجاری نوشته شده و این حرفه را از نظر علم مورد بحث قرار داده است ، دیگر اینکه باین کار که جنبه های علمی آن جای بحث و فحص دارد توجه نمیشودو اصولا ارتباط آنرا با اقتصاد در نیافته‌اند و طبعا علم تبلیغ در دانشگاه ها نیز رسوخ نکرده است و با پیشرفت سریع صنعت در دنیا و رابطه‌ای که با تبلیغ دارد ما نیازمند فعالیت بیشتری هستیم و بهمین جهت سعی شده است دراین مقابل جنبه‌های مختلف تبلیغ‌مورد بحث قرار گیرد .

تبلیغ بحث تازه‌ایست که در کشور ما عنوان میشود ، بحثی که برای بسیاری از عمل کنندگان آن نیز گنگ و نامفهوم است .

تبلیغ تجاری ، موضوعی است در اقتصاد و علوم اجتماعی ، بدون تسلط به این دو علم وسیع انجام تبلیغ، ناشیانه ومضراست . وگرچه تبلیغ کاری است جمعی امامستلزم رهبری انفرادی و درایت و کاردانی فردی است .

هرقدر وسعت دو علم فوق افزایش یافته مسائل اجتماعی و اقتصادی پیوستگی بیشتری با ارقام و فورمولهای ریاضی می یابندتبلیغات‌نیزفرضی وخیالی‌نبوده و بیشتر جنبه واقعی و علمی‌میباید درایران متاسفانه مکتبی نیست که درآن بتوان درس تبلیغ خواندو مرجعی نیست که برای پرسش و راه جوئی از او استمداد کرد از نظر کتب علمی هم متاسفانه‌بضاعتی نداریم و جز چند جزوه کوتاه و ناقص که در سالهای اخیرانتشار یافته کسی دراین باره بحثی را عنوان نکرده است .

هدف از نگارش مطالبی که در این بخش کتاب سال آمده ایجاد زمینه ای برای تحقیق و بحث بیشتر در آینده است وگرنه‌درباره هریك از عناوین این‌بخش‌میتوان چندین کتاب نوشت چنانکه‌هزاران کتاب مختلف درمورد تبلیغات در جهان چاپ شده و بسیاری ازآنها بچندین زبان ترجمه گردیده است آنچه مورد نظر است بیان ارزش و اهمیت تبلیغات در جهان امروز میباشد . منظور آن نیست که از گروهی تعریف و یا از دسته‌ای تنقید گردد بلکه اگر این مطالب بتواند رغبتی در خواننده‌برانگیزد که برای بسط دانش و علم خود دراین زمینه به تفحص و پرسش بپردازد یا بمطالعه وبحث‌دراین‌باره ترغیب‌گردد مقصود نگارنده حاصل شده است .

درگردآوری و تنظیم این‌بخش از کتب مختلف خارجی و داخلی و همچنین از مقالات و نوشته‌های استادان و علمای اقتصاد استفاده شده است و چون اختلاط مطالب با مباحث علمی و بیان موضوعات با فورمولهای ریاضی امکان داشت فهم آنرا برای عامه مشکل سازد فقط بذکر مطالبی که کمابیش

جنبه اساسی و ابتدائی دارد اکتفا شده است و از آوردن جداول، آمار ها ، فورمولها و یانظرات اقتصادی که بیشتر جنبه علمی دارند پرهیز شده است .

قبل از شروع بحث میبایستی اذعان نمود که با توجه بتوسعه سریع تبلیغات تجاری و با نقش اساسی که این فن در اقتصادامروز جهان بعهده دارد ما در این‌رشته راهی بس دشوار در پیش داریم.

برای آنکه بتوان از سخنی که آغاز گردیده نتیجه بگیریم ابتدا احمالا می بایست به مسئله تبلیغ، جهان امروز اشاره‌کنیم و بااهمیت آن در دنیای (رقابت برای فروش بیشتر) آشنا گردیم ، خود فن تبلیغ و رشته های وابسته به آنرا تجزیه و تحلیل نمائیم و سپس به بحث درباره تبلیغ تجاری درایران بپردازیم و با تاریخچه تبلیغات در ایران آشنا شده مردان تبلیغ‌کشور خودرا بشناسیم وازعقاید ونظرات آنها آگاه گردیم . شك نیست که گسترش و توسعه تبلیغ درایران نیز مثل سایر نقاط جهان بستگی بوضع اقتصادی کشور و حتی‌جهان دارد ــ وضع بازار های داخلی قدرت خرید مردم ، محدودیت‌های گمرکی ــ حجم تولید صنایع داخلی و بالاخره قدرت خریدمردم و همچنین اعتبارات و پول در گردش همه و همه عواملی است‌که مستقیم یا غیرمستقیم در کاهش یا افزایش حجم تبلیغ موثر واقع میگردد .

تغییرات اجتماعی و تحولات روزمره ــ سنخ فکر ، عقاید و آداب مردم آشنائی بیشتربافرهنگ کشور های خارجی و بالا رفتن سطح دانش عمومی و بالاخره رشد فکری و شکل تصورات و سلیقه عامه در کشور مسائلی است که اثری عمیق روی تبلیغات ما خواهد گذاشت . پس بدون توجه بعوامل فوق و سادگی نمیتوان مسائل تبلیغی را بررسی نمود واز آنچه ظاهر امر را مشخص ساخته و خطوط اصلی و اساسی را پنهان می سازد نتیجه کلی گرفت .

مسئله تبلیغات در کشوریکه دوران تحولی عظیم را می‌گذراند ودرگیرودار رستاخیزی عظیم‌همه جانبه و ملی است نمی تواندخارج از کادر اجتماعی که برآن تسلط دارد مورد بررسی قرار گیرد .

تبلیغات تجاری چیست ؟

تعاریف زیادی برای تبلیغ در فرهنگها و کتب مختلف عنوان شده که خلاصه و فشرده آن بشرح زیر است :

«تبلیغ تجاری بکلیه اعمالی اطلاق میگردد که در فروش کالا موثر است» .

بنابراین از اولین مراحل‌برنامه ریزی برای تولید ، نامگذاری ، بسته بندی، مرغوب ساختن کالا، انتخاب عواملی برای تفکیك و مشخص ساختن جنس از سایر کالا های مشابه ، پخش صحیح وبموقع بیان مشخصات و فواید آن ، آشنا ساختن مردم بطرز استعمال آن و بالاخره همه اعمال اولیه برای رساندن کالا ببازار جزو مراحل اولیه تبلیغ بشمار میآید .

مشهور ساختن کالا از طریق تبلیغ و معرفی آن بوسائل مختلف (روزنامه ــ مجله ــ رادیو ــ تلویزیون ــ تابلو ــ نقشهای دیواری و غیره ...)

تعلیم فروشندگان برای ارائه آن ، دادن نمونه های مجانی ــ سرزبان انداختن نام کالا و نام کارخانه سازنده ــ نصب نئون ، جلب عمده فروشان و خرده‌فروشان با تزئین ویترین‌ها و دادن هدیه، بسط دامنه توزیع مرحله دوم‌تبلیغ تجاری است حفظ منافع مشتریان کالا ، تماس مداوم با آنها ــ جلب رضایت مشتری (از طریق خواستن نظرات ــ دادن جوائزو ایجاد روابط عمومی) توسعه بازار، مطالعه روی نظریات مشتریان برای بهبود کالا تقسیم منافع حاصله با مشتریان (دادن هدیه ــ سهیم کردن آنها بشکلی در مصرف ــ ارزان کردن کالا در آینده و یا دادن تخفیف به خرید های عمده) و بالاخره توسعه و گسترش فعالیت های تولیدی و توزیعی در مرحله سوم کار تبلیغ قراردارد .

ازآنچه گفته شد چنین برمیآید که حتی سخن پردازی و لفاظی فروشنده و یا تنظیم بهتر ماشین برای اینکه مارك کالا زیباتر و مشخص‌تر در جاهای معین بخورد نیز خواه وناخواه جزو اموزتبلیغ بشمار میآید و یا بقول یکی از نکته سنجان «لبخند مهماندار هواپیما و ترد بودن گوشت بیفتك غذای رستوران خود یکنوع تبلیغ است .»

کار تبلیغ کاری است بسیار حساس و دقیق ، انتخاب یك رنگ یا خط و یا بکار بردن یك جمله یا یك شعار در تعیین سرنوشت‌کالا بسیار موثر واقع میشود و بدین ترتیب عهده‌دار شدن چنین کاری و قبول مسئولیت چنین امرخطیری نیاز بکاردانی ، نکته سنجی ، مطالعه عمیق و تجربه کافی در امور مختلف اجتماعی و اقتصادی دارد و باصطلاح باید گفت که هر کسی را نتوان گفت که صاحب نظر است .

مرد تبلیغ کیست ؟

وقتی که انسان در یکی ازامور قضائی احتیاج بمشاوره دارد و یا برای احقاق حق خود و یا گرد آوری مایملکش محتاج به شخصی است که باو یاری کند و معضلات اورا گشوده مسائلی را که خوداو یا بعلت مشغله زیاد و یا بعلت عدم اطلاع یارای حل‌وفصل آنراندارد انجام‌دهد مسلماسعی‌میکندکه بیکنفر خبره یا متخصص رجوع نماید . بطور مثال فرض کنیم که برای انجام امور خود در دادگستری‌نیاز بچنین مشاوری داریم و میخواهیم برای دادخواهی و وصول‌حق‌خود که بالغ بر ده هزار ریال است وکیلی انتخاب نمائیم .

دراینجا وکیلی را برمی‌گزینیم که اولا برای‌انجام اینگونه امور مجاز باشد و بتواند بمراجع دادگستری رجوع نماید . ثانیا برای حل و فصل اینگونه مسائل تجربه کافی داشته باشد ــ بقوانین و مقررات آشنا بوده و طرز اجرای امور را از طریق صحیح بداند . ضمنا صلاحیت او از نظر صداقت و شهرت محرز باشد .

بهمین طریق برای واگذاری امور تبلیغ و سپردن سرنوشت یك کالا بدست یکفرد یا یك سازمان رعایت نکات فوق ضرور است .

آنچه بیش از هرچیز درباره کسانی که امور تبلیغات را انجام میدهند مهم است مساله صلاحیت افراد است زیرا اگر یك وکیل دادگستری در کار خود قصورکند خسارت وارده یك حد معین دارد و وکیل دیگری میتواند کار را دنبال کرده و آنرا به ثمربرساند.

اما اگر در کار تبلیغ‌اشتباهی رخ دهد جبران آن چندان آسان نخواهد بود و خسارت وارده و یا لطمه‌ای که از نظر شهرت به کالا یا کارخانه سازنده وارد میآید در بعضی موارد نتایجی بسیارسهمگین ببار می آورد .

حال همانطور که یك وکیل دادگستری می بایست شرایط‌خاصی

را برای احراز پست وکالت‌داشته باشد مثلا لیسانس حقوق باشد وه سال سابقه کار داشته و یا واجد شرایط و فضائل دیگری باشد یك مشاور تبلیغاتی نیز میبایست صلاحیتش از نظر یك مرجع‌معین مورد رسیدگی قرار گیرد وبرای مشاورت صالح تشخیص داده شود.

وسپس این مشاور تبلیغاتی می بایست در سازمانهائی بکار مشغول شده و تجربه کافی بیابد و پس‌از اینکه درمواردی ارزش و تبحر خودرا به ثبوت رساند آنوقت به عنوان یك مشاور امور تبلیغاتی پذیرفته شود.

تبلیغات تجاری در گذشته و حال

درگذشته تبلیغات اهمیت امروز خودرا نداشت و بصورت یك‌مساله بی‌ارزش تلقی میگردید. بسیاری‌از مردم حتی در کشور های صنعتی به مسائل تبلیغاتی با نظر تمسخر می نگریستند و بخت را درموفقیت های آن سهیم میدانستند. لغت موفقیت یا پیشرفت برای تبلیغات ثقیل بنظر میرسد. مردم‌ذهنشان‌با مطالبی خالی از حقیقت پرشده‌بود و حتی بنظر بسیاری از مردان اقتصاد هم تبلیغات چندان نقش موثری در تجارت بازی نمیکرد. در کشور ما هنوز هم بسیارند کسانی‌که تصور میکنند فقط در مواردی تبلیغ باید انجام شودکه جنس درانبار مانده یا رقابت‌بمرحله حاد رسیده باشد بعضی هم‌معتقدند که اصولاً تبلیغ بضرر کالاست! بسیاری‌عقیده دارندکه جنس خوب احتیاج بمعرفی و تبلیغ ندارد. احتیاج نیست درمورد غلط‌بودن این تصورات و یا باطل بودن عقایدگذشته بحثی‌بمیان‌آید. اقتصاد امروز و نتایج عملی تبلیغ ابطال اینگونه نظرات را به ثبوت‌رسانده امروزه تبلیغات نه تنها یك مساله تصادفی وشانسی یا یك عمل سرگرم کننده و تفریحی نیست بلکه یکی از عوامل حساب شده در پیشرفت و توسعه تجارت بشمار آمده وطرح ریزی و اجرای آن بصورت یك علم احتیاج به مطالعه و روش‌علمی دارد.

امروزه نه تنها حرکت بازار و تغییر و تبدیلات مداوم آن عواملی هستند که روی تبلیغات اثر می گذارند بلکه تبلیغات تجاری نیز باهمان شدت مکانیزم بازاررا تحت تاثیر قرار میدهند.

امروزه تهیه و اجرای یك‌پروژه تبلیغاتی به همان دقت و صداقت لازم برای طرح یك مساله علمی مشکل نیاز دارد و دیگر جائی‌برای عوامل غیرحساب شده نظیرتصادف یا شانس باقی نمیگذارد.

البته باید تصدیق کرد که‌مسائل تبلیغی را نمیتوان مثل علوم‌ریاضی و حتی فیزیکی در یك چهارچوب حساب شده مقید ساخت وتصورات و افکار جالب یا بهتربگوئیم ذوق، ابتکار، سلیقه و یا نیروی خلاقه هم نقش موثری در موفقیت یك طرح تبلیغاتی بعهده دارد ولی خواه و ناخواه وقتی این ذوق و ابتکار بخواهد بمرحله اجرا درآید ناچار به تبعیت از روشها و شیوه های حساب شده قبلی است.

دراجرای مراحل مختلف تبلیغی گرچه راههای معین و مطالعه‌شده وجود دارد ولی می توان همین مطالب آشنا را در سایه روشن‌تازه و فرمی جالب و نو ارائه نمود.

امروز هم مثل همیشه ایده هائی که منشاء عمیق ذوقی دارند مورد استقبال قرار میگیرد و افکار نوو تازه مثل همه علوم و فنون می تواند عامل اصلی موفقیت بشمار آیند. راهی را که تبلیغات‌امروز برای رسیدن بهدف آینده‌می‌پیماید، راهی است که هرچه جلوتر میرود محاسبات و آمار نقش موثرتری‌را عهده دار میشود و مسلما رهروانی موفق به پیمودن این راه خواهند شد که از مسائل علمی و فنی‌تبلیغ و از ذوق سلیم و ابتکار بی‌بهره نباشند.

مشکل اصلی تبلیغات جدید بر قراری یك خویشاوندی حقیقی‌بین مردم با یك یا چند کالای خاص است و مسلما اینکار در شرایطی که بازار ها بصورت جنگلی ازکالا های مشابه درآمده و عرضه یك کالای تازه و راه جستن برای‌آن دراین جنگل انبوه محتاج به نیرو و ابتکار خارق‌العاده ودر عین‌حال نیاز به دانش وسیع و تجربه کافی دارد توفیق در این امر چندان آسان نیست. بدیهی است حل‌چنین مشکلی منحصرا با ذوق سرشار و ایده جالب مقدور نیست در اینجا مسله‌نمودارها ـ آمار ها ـ اعداد ـ وفورمولهای اقتصادی و ثابت‌شده مطرح است دراینجا علاوه برقریحه کافی تسلط برعلوم روانشناسی و علم‌الاجتماع نیز ضرور است بهمین جهت برای ایجاد یك سازمان تبلیغاتی چندین عامل اصلی رامی بایست فراهم ساخت و سپس باعلم کافی بکار اقدام نمود.

نقش موسسات تبلیغاتی

موسسات تبلیغاتی سازمانهائی هستند که بصورت قیم مورد اعتماد امور مالی مربوط به تبلیغ شرکت هائی را که کارشان بآنها محول گردیده عهده دار شده منافع‌حیاتی مشتریان خودرا دراینگونه امور حفظ میکنند.

سازمانهای تبلیغاتی با تسلط و آشنائی به امور و با دانش وسیعی که نسبت به بازار ـ توزیع ـ رقابت و مسائلی نظیر عرضه‌وتقاضا دارند می توانند منافع مشتری‌خود را در جهتی هدایت نمایند که حداکثر بهره با حداقل هزینه بدست آید.

وظیفه اصلی سازمانهای‌تبلیغاتی قضاوت صحیح و منطقی روی مسائل و مشکلات موجود و تجزیه و تحلیل اصلی موفقیت یا احیانا شکست یك کالا در بازار است.

یك سازمان تبلیغاتی مجهز به کلیه وسایل علمی و عملی برای بررسی طرح ریزی و اجرای‌پروژه های تبلیغاتی است. تخصص اودر گردآوری حقایق مربوط به خود کالای مورد نظر، کالا های مشابه وسعت و قدرت آنها، نوع بازار و بالاخره اجتماعی است که کالا درآن عرضه میگردد.

یك سازمان تبلیغاتی هیچ کار عملی را شروع نمیکند مگر آنکه کاملا با اطلاعات لازم درمورد کالای مورد نظر و عوامل مربوط به آن آشنا باشد و این آشنائی نه تنها می بایست درمورد محصول کامل‌باشد بلکه‌دانش عمیق درباره تاثیرات مثبت و منفی بازاروومسائلی نظیر رقابت موجود ـ تاثیرات مکانیزم بازار چون عرضه و تقاضا نیز لازم است تا بتوان با داشتن یك تصویر روشن تبلیغات را در محیطی آشنا شروع نمود واگر نکات تاریکی دراین تصویرموجود است با انجام تحقیقات لازم آنهارا روشن ساخته وسپس اقدامات‌اساسی و عملی را شروع نماید. طبقه بندی مطالب و حقایق از نظر اهمیت دانستن تقدم و تاخر آنها به اتخاذ تصمیم صحیح‌کمك بسزائی میکند.

این اطلاعات ممکنست درسازمان تبلیغاتی بشکل زیر طبقه بندی گردد.

مشتری ـ سازنده محصول ـ سازمان فروش ـ شکل عرضه کالا و نظایر آن.

موسسات تبلیغاتی از نظررنگ، شکل، نام، بسته بندی، روش فروش مورد مشاوره قرارمیگیرند. و چون بادید وسیع تری بدینگونه مسائل مینگرند معمولا نظریاتشان صحیح و ثمربخش است، همین سازمانهای تبلیغاتی عمل هدایت‌و آموزش نمایندگان فروش را نیز عهده‌دارگردیده بعنوان راهنما همیشه در کنار مدیر فروش خواهند بود.

شروع کار با سازمان تبلیغاتی

فرض کنیم که یك مشتری در موارد اولیه و اساسی مطالب با یك آژانس تبلیغاتی موافقت نموده است دراینجا پس از مطالعه کافی موسسه‌تبلیغاتی بانتقاد از محصول، تشکیلات فروش، روش توزیع می پردازد و پس از تبادل افکارلازم باقسمت‌فروش وبازاریابی شرکت، کار اساسی آغاز میگردد دراینجا وظیفه موسسه طرح ریزی و تهیه وسائل مقدماتی و وظیفه مشتری تامین مخارج طرح‌ریزی ـ تحقیق وسایر هزینه های ضروراست جدول اجرای برنامه ها تهیه و بنظر مشتری میرسد.

دراینجا سازمان تبلیغاتی باتوجه

دربررسی امورتبلیغاتی بایستی‌توجه داشت که درهرگوشه جهان ملتی با عادات و افکار متفاوت و سنت‌ها و عقاید مختلف زندگی میکند که بدون درنظر گرفتن آنها انجام تبلیغات تجاری بی نتیجه و حتی زیان آور است



به اثر تبلیغاتی وسیله را انتخاب و بودجه را به تناسب تیراژ آن معین میکند.

ودرصورت لزوم دلائل کافی برای انتخاب وسیله و اختصاص بودجه گردآوری میکند.

سپس به تهیه وسائل کار می پردازد و مطالب و مصالح لازم‌را برای جراید ـ تلویزیون ـ سینما و یا نشریه ها و تصاویردیواری آماده میکند.

همزمان با این اقدامات خرید وقت برای اجرای‌آگهی در رادیو و تلویزیون و جا برای درج آگهی و عقد قرارداد با مراجع مختلف آغاز میگردد. و کار با نظم و ترتیب اجرا شده‌گزارشهای آن که حاکی از کنترل دقیق برنامه باشد بوسیله آژانس قبل و بعد ازاجرای برنامه برای مشتری ارسال میشود.

سپس بطور ماهیانه یا ۱۵ روزه صورتحساب برای مشتری ارسال‌می گردد و طبق توافقی که بعمل‌آمده پرداخت انجام میشود.

بنابراین وظایف یك سازمان تبلیغاتی را می توان بشرح زیر خلاصه نمود:

۱ـ تجزیه تحلیل بازار ومطالعه روی آن.

۲ـ نظارت و بررسی بازار های فعلی و ممکنه.

۳ـ تحقیق درمورد راه های فعلی و ممکنه.

۳ـ تحقیق در مورد راههای پیشرفت و انگیزه های لازم

٤ـ توصیه و انتقاد برای‌بهبود محصول

۵ـ فروش و بازاریابی.

٦ـ انتخاب وسیله تبلیغاتی

۷ـ تهیه مطالب و مصالح‌برای وسائل انتخاب شده.

۸ـ تنظیم جدول و اجرای آن

۹ـ کنترل و گزارش برنامه‌ها

۱۰ـ ایجاد و گسترش روابط عمومی برای مشتری

یك آژانس تبلیغاتی ضمن انجام وظائف فوق در امور زیر که جزو مسئولیتهای درجه ۲ آژانس قراردارد بامشتری همکاری میکند.

۱ـ وضع محصولات رقیب را

دربازار و عقاید مصرف کنندگان‌را درباره آن محصولات گردآوری میکند .

۲ـ تعداد فروشندگان و موقع عمده‌فروشان وخرده‌فروشان ووضع آنهارا درمقابل کالا های مختلف تعیین می‌کند .

۳ـ تعداد مصرف کنندگان ، موقع آنها از نظر اجتماعی و قدرت خرید ـ عادات آنهادرمورد خرید ، انتظارات و آرزوهایشان. را می سنجد .

٤ـ خط مشی تبلیغات مشتری‌را با اطلاعات کسب شده و بهره ـ برداری ازآنها از طریق رقابت مشروع معین مینماید .

هرسازمان تبلیغاتی برای‌اجرای پروژه های تبلیغاتی دارای چند اداره است :

۱ـ اداره عمومی (مدیریت ـ مدیریت تجاری ـ اداره امـــور داخلی ـ پیشرفتها ـ امورمالی ـ کنترل بودجه)

۲ـ ادارهٔ بازرگانی (مدیران اجرائی)

۳ـ اداره فنی (تهیه طرح ـ امور هنری ـ نویسندگی مطالب ـ تولید ـ وسایل‌تبلیغاتی ـ روزنامه و مجلات ـ سینما ـ مکاتبات پستی ـ رادیو ـ تلویزیون)

٤ ـ ادارات اختصاصـــــی (بازاریابـی ـ بررسی بازار ـ توسعه فروش ـ روابط عمومی ـ کتابخانه و اطلاعات)

اجرای پـروژه همیشه بـرای رسیدن بهدفهای عمومی شرکـت مورد استفاده قرا میگیرد و برای این امرکلیه تکنیك های مربوطبه تبلیغات تجاری بکار گرفته می شود بعلاوه در تهیه و اجرای‌طرح مطالبی که بوسیله تحقیق بدست می‌آید ـ بودجه تعیین شده و ظرفیت بازار مورد دقت قـرار میگیرند .

چه وسعت تبلیغ بستگی بعوامل فوق دارد .

روش تبلیغ

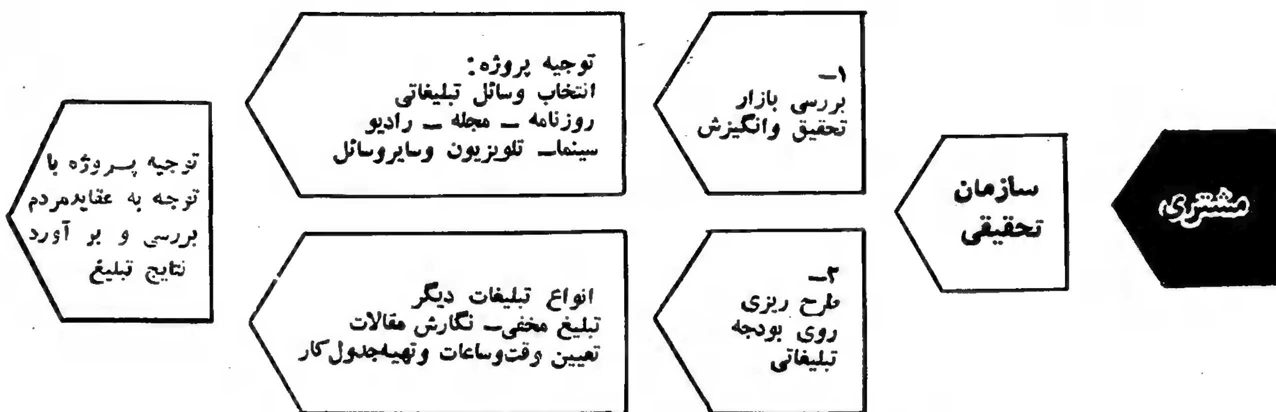
وقتی یك تولیدکننده کالا یـا بعبارت دیگر صاحب آگهی میل دارد کار تبلیغاتی خودرا شروع کند خواه و ناخواه بدنبال‌سازمانی میگرددکه بتواند بآن‌اعتماد کرده مشکلات کار ـ مسائل داخلی و حتی اسرار مربوط به کارخانه خودرا در اختیار آن سازمـان بگذارد ودر مقابل از آن سازمان برای اجرای مقاصد تبلیغاتی و پیشرفت فروش خود کمك بگیرد انتظار دارد که ازتجارب‌وتخصص آژانس که براثر کار مداوم و تماس همیشگی باوسائل تبلیغاتی و بازار بدست آورده نفعی برده و مسائلی‌را که با آن دست بگریبان است از طریق آژانس آسانتر و بهتر حل نماید .

هیچکسی درجهان امروز نمی تواند هرقدر هم باهوش و زیـرك و یا عالم و متخصص باشد بـه تنهائی کاری از پیش ببرد و با پیچیدگی و معضلات خاص هرفن را ادراك نماید . بلکه هرامری بخصوص امور تبلیغاتی بوسیلـه یك گروه می بایست انجام گردد. کار تبلیغاتی کار دسته‌جمعی‌است، کار دسته جمعی گروهها و افراد متخصصی که برکار خود تسلط کافی دارند بنابراین تاجر کـه گرفتار امور جاری مربوط بکار خویش است به تنهائی و یابکمك افراد سازمان خود بهیچوجه قادر به گشودن همه گره های بسته این کار نیست .

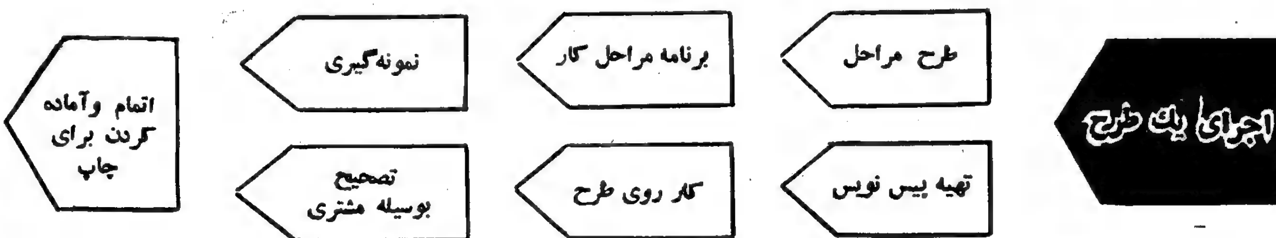
و این امر نیز مهم است کـه مشتری فقط و فقط با یکنفر مسئول در تماس باشد و بداند که مشکلات خودرا با چه کسی می بایست در میان بگذارد و هر روز و یالااقل هرهفته بتواند با او به بحث و مذاکره بپردازد .

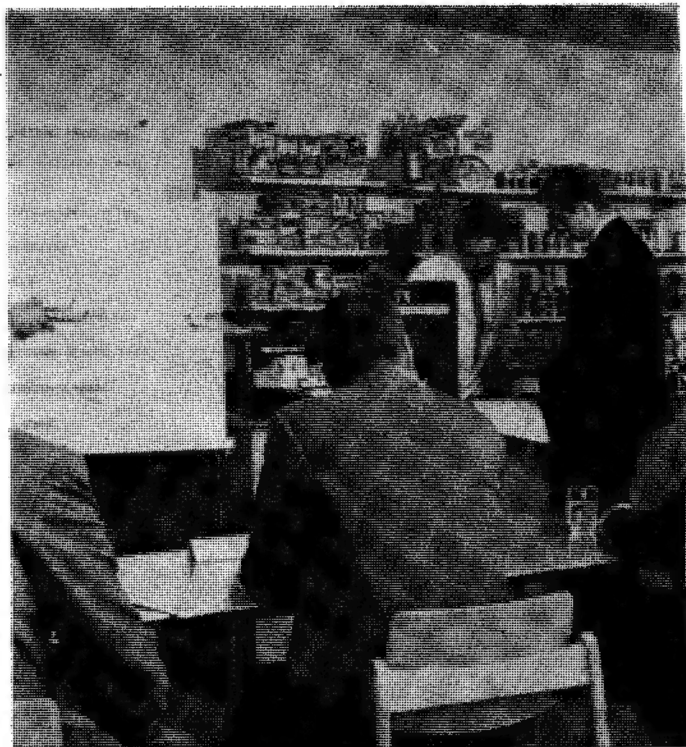
دراینجا سازمان اداره هرآژانس فردی را که از نظر تجربه و

روش کار واجرای پـروژه تبلیغاتی دریکی ازموسسات خارجی



بررسی عقاید مردم‌وبودجه تبلیغاتی‌حجم‌پروژه‌راتعین میکند







گروه تحقیق در فروشگاهها علت علت‌ارجحیت کالاهارا موردرسیدگی قرار میدهند تنظیم جدول وکنترل اجرای صحیح برنامه جزووظایف اصلی یك سازمان تبلیغاتی است

تحصیل اورا شایسته عهده دار بودن مسئولیت کار مشتری‌میداند انتخاب کرده و پس از توصیه نامبرده اورا بنام مدیر اجرائی‌در اختیار مشتری میگذارد .

مدیر اجرائی با سوابقی که دارد و با حذاقت و درایتی که دارد برای گردآوری اطلاعات لازم درمورد محصول و یا نوع‌کالا یا خدمات مورد نظر بمطالعه می پردازد .

وظایف مدیران اجرائی

مدیراجرائی فقط نقش یك‌عامل اجرائی را بعهده ندارد بلکه‌بعنوان یك «هدایت‌کننده» انجام وظیفه میکند هدایت کننده ای که وظیفه‌اش استفاده از تمام‌امکانات و تجارت متخصصین آژانس بنفع مشتری است .

وظایف یك مدیر اجرائی را می توان بشکل زیر توصیف‌کرد.

۱ـ او نماینده مشتری درداخل آژانس است که بعلت مطالعه‌عمیقی که روی وضع مشتری دارد با مشکلات او آشنائی داشته واقدامات لازم را برای حل آنها انجام میدهد .

۲ـ بسیاری عملیات را برای اجرا و بثمر رساندن پروژه های مشتری اداره میکند وبرتمام‌مراحل اجرائی یك طرح از ابتدا تا انتها نظارت کرده و کار متخصصین آژانس را هم آهنگ میسازد .

کار او دراجرای یك پروژه تبلیغاتی بسه مرحله مجزا تقسیم میشود :

الف ـ مراحل اولیه
ب ـ خلق طرح و ایجادبرنامه
ج ـ اجرا و کنترل

مدیر اجرائی درهرمرحله کاررا با اصول کلی و مشی سازمان تطابق داده و بطور مداوم تحت نظارت مدیریت قرار میگیرد .

الف ـ مراحل اولیه ـ طرح ریزی یك برنامه تبلیغاتی اغلب احتیاج به تحقیقات اولیه داردتا بتوان مسائلی مربوط به بازار را دریافت .

قسمت بازاریابی ـ کلیه‌اطلاعات لازم آمار و ارقام و همچنین‌مسائل مورد نیاز را دراختیار مدیر اجرائی میگذارد و اگر احتیاج به اطلاعات خاصی باشد باتسهیلاتی که دراختیار دارد آنهارا فراهم می‌آورد .

۳ـ طرح ریزی و ایجاد برنامه پروژ تبلیغاتی معمولا در یك جلسه عمومی که در آن مدیران متخصصین و مدیر اجرائی‌شرکت دارند طرح ریزی میشود مدیران قسمتهای زیر نیز درصورت لزوم دراین جلسه عمومی شرکت‌میکنند.

ـ مدیر بازاریابی
ـ مدیر بررسی بازار
ـ مدیر وسائل تبلیغاتی
ـ مدیر طبقه بندی کالا
ـ مدیر روابط عمومی
ـ مدیر ایجاد طرحها .

وقتی که مشتری خطوط اصلی پروژه را مورد تصویب قرار می دهد جزئیات طرح بوسیله مدیر اجرائی ترسیم شده وبرنامه‌ای‌برای هرمتخصص قسمت یا مدیر اداره تعیین میکند و خودش پیشرفت کار و کنترل عمومی برنامه را بعهده میگیرد .

روشهای عملیات عبارتست از :

انجام امور تبلیغاتی :

مدیر اجرائی با همکاری‌قسمت امور طرح ریزی فرم اصلی پروژه تبلیغاتی را تعیین کرده و خطوط اصلی آنرا تنظیم و پس از بحث‌و مذاکره لازم آنرا برای مرحله عملی آماده میسازد .

دراین مرحله نویسندگانی به تهیه شعار ها و مطالب میپردازند استودیو طرحهای روزنامه و نقشها را تهیه میکنند اگر در برنامه از رادیو و سینما هم بایستی استفاده شود قسمت مربوطه به نوشتن متن فیلم و یا مطالب رادیوئی می پردازند .

درهمین زمان مدیراجرائی کار قسمت روابط عمومی و توسعه‌فروش را کنترل میکند .

همچنین نظارت میکند مراحل پیش بینی درپروژه بوسیله‌مسئولین بموقع اجرا گذاشته شود .

قسمت تولید آژانس همیشه‌در جریان گذاشته میشود تا از نظر تکنیکی مشکلی در کار پیش‌نیاید

و طرحها با حداقل قیمت ممکنه بمرحله عمل درآید .
بالاخره اجرای مراحل طـی برگهای گزارش هر روز بقسمت مدیریت تسلیم میگردد و پس‌از اینکه کار از نظر آژانس بپایان رسید و به تصویب مسئول مربوطه در هیئت مدیره رسید و وقتی که سازمان از صحت آن اطمینان‌یافت به مشتری تسلیم می‌گردد .

اجرا و کنترل

وقتی که مشتری کلیه طرحهاو روزنامه ها را تصویب نمود مرحله اجرا درخارج از آژانس آغازمی گردد ودراینجا وظیفه مدیـــر اجرائی انجام امور نظارت برآنها و کنترل دقیق مراحل آن است.
تا مبادا بعللی اجرای طرحهای بموقع انجام نگیرد و اجـرای برنامه بعللی بتعویق افتدو مطابق جدول پیش بینی شده اجرا شود دراینجا مـــدیر اجرائی دارای مسئولیت دو جانبه‌ای است از یك طرف درمقابـــل مشتری درمورد اجرای صحیح طرحها و برنامه‌ها مسئول است واز طرف دیگـــر مسئولیت نظارت و دقت دراجرای برنامه را مطابق جدول تنظیم‌شده درمقابل هیئت مدیره بعهده دارد بنابـراین همیشه خودش را در جریان اجرای مراحل و جزئیات آنها خواهد گذاشت .
بدین ترتیب پیشرفت و به ثمر رسیدن یك پروژه تبلیغاتی ازابتدا تا انتها یك کار دسته جمعی است و جلب همکاری اشتراکی وهماهنگ کردن افکار و تجارب یك‌یك‌افراد ضروری است اجرای این مراحل وقتی به نتیجه خواهد رسید که مرحله ایجاد آن که بمنزله شریان های حیاتی پروژه میباشد بادقت کافی انجام شده باشد و بشکلی جالب ابداع گردیده باشد.
این‌امر همچنین تضمین مینماید که تبلیغ کننده تمام راه حلهای پیش نهاد شده بطور متقابل و دقیقا مورد بررسی قرار گرفتـه و بخصوص اینکه تمام مراحـل برنامه با یکدیگر در قسمت ایجاد واجرا تطابق پیدا کرده و بشکلی صحیح اجرا میشود بدین ترتیب تبلیغ کنند . اطمینان حاصل می کند که از هیچ تلاشی برای‌بدست آوردن حداکثر نتیجه با حداقل هزینه فرو گذار نمیگردد .
باتوجه بدانچه در فوق آمـده مراحل کار تبلیغاتی را میتوان‌به شرح زیر خلاصه نمود .

مرحله اول

تحقیقات شامل بررسی های‌اولیه روی محصول رقبا دربازار ــ عادات خرید ــ رشته های توزیع و غیره

مرحله دوم

تجزیه وتحلیل ــ تهیه یك‌برنامه صحیح باتوجه به بر آوردهائی که بوسیله آمار و تحقیقات اولیه بدست آمده‌است .

مرحله سوم

توصیه های تبلیغاتی
پیشنهاد و توصیه تم هـــای تبلیغاتی برای رسیدن سریع بـه مشتری یا گروه مورد نظر و رساندن پیغام فروش ــ انتخاب وسیله تبـلیغاتی انتخاب و جدول بندی عمومی وقت و مجزا کردن جدول و برنامه هر وسیله تبلیغاتی.

مرحله چهارم

اجرای طرحها
پس از اینکه برنامه هـــای پیشنهادی مورد بحث قرار گرفت وکاملا مورد تصویب قرارگرفت و تغییرات لازمه در آن‌بعمل آمد اجرای آن بوسیله آژانس عملی میگردد .

مرحله پنجم

آزمایش های اولیه و بعدی
قسمت بررسی روی بازارو یـا سازمان تحقیقات نتایج اولیـــه تبلیغات را مورد رسیدگی قرار داده و نتایج حاصله را بـــا پیشنهادات خود بـه مدیر اجرائی تسلیم میکند . پس از اجـرای طرح نیز این رسیدگی بعمل میآید و کار انجام شده مورد بررسی و بر آورد قرار میگیرد .

انواع تبلیغ

معمولا هرنوع تبلیغ هدف‌خاصی را تعقیب میکند و وسیله رسیدن

بررسی دقیق طرحهای تهیه شده جزو وظایف اصلی مدیران اجرائی است





صحنه‌ای از تهیه یك‌فیلم‌تبلیغاتی

طرحهای تهیه شده برای نمایش در **ویترین فروشگاهها** بنظر مدیر اجرائی میرسد .



بهر نوع هدفی نیز مستلزم اتخاذ روش خاصی در تبلیغ میباشد .
تبلیغ را به انواع مختلف‌میتوان انجام داد .
تبلیغ فصلی ــ تبلیغ مداوم ــ تبلیغ جمعی ــ تبلیغ آموزشی ــ تبلیغ مخفی .

۱ ــ تبلیغ فصلی

این نوع تبلیغ معمولا بایك مقدمه کوتاه و پر وسرو صدایك باره شروع شده و بایك یورش چند روزه حداکثر در مدت ۱۵ روز بپایان میرسد . معمولا این نوع تبلیغ در اواخر فصل برای خالی کردن فروشگاه از اجناس مانده و تجدید کالا بعمل میآید و در حراجهای فصلی ، کشیدن پول ببانکها ویا جلب سیاحان در یك فصل معین بسیار ثمربخش است‌در تبلیغ فصلی کمتر **بمسائل عمیق اجتماعی و فلسفی** توجه میشودبلکه سعی میگردد با استفاده از کلیه وسائل‌موجودکالا را بفروش رساند و یا مقصود را عملی ساخت.معمولا در اینگونه موارد يك شعار پر زرق وبرق و جالب انتخاب شده و به وسیله آن مشتریان را تا داخل فروشگاه ــ بانك یا محل فروش بلیط میکشانند این نوع تبلیغات برای سیرکها ــ مسابقات فوتبال و یا فیلمهای پر سرو صدا بسیار مفید است .

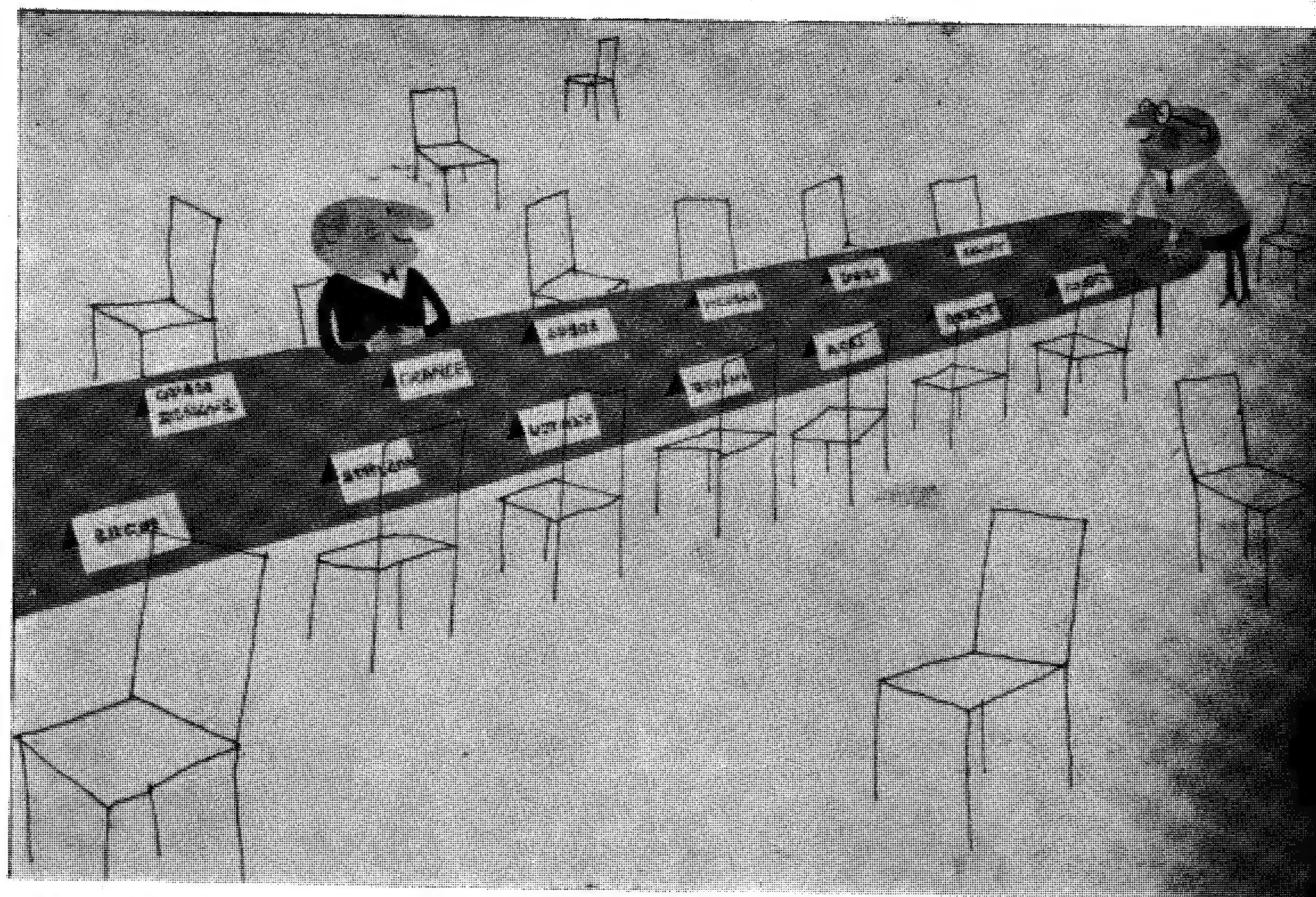
انجام کار گرچه با نقشه معین و یا بودجه‌ای مشخص مرحله به مرحله عملی میگردد ولی معهذادر جریان عمل امکان دارد تغییر روش لازم بنظر آید . دوران فروش و تبلیغ بعللی ادامه‌یابد ــ بودجه تبلیغاتی براثر نتیجه‌گرفتن سریع کم شود و یا اینکه بعلت پیدا شدن موانعی میزان بودجه افزایش یابد .

ازتبلیغ فصلی معمولا از عواملی که تاثیرآنی دارند استفاده میشود. راه انداختن کارناوالها ــ نصب اوراق‌چاپی به در ودیوار ــ اجرای برنامه های رادیوئی وتلویزیونی‌و بالاخره چراغانی محل واختصاص سطح بیشتری از صفحات روزنامه به طرحهای بزرگ تبلیغاتی از این‌نوع تبلیغ است .

۲ ــ تبلیغ مداوم

الف ــ تبلیغ روی کالای‌بدون سابقه

ب ــ تبلیغ روی کالای با **سابقه ممتد .**



الف ــ در تبلیغ مداوم روی کالاهای بدون سابقه آنچه مورد نظر است مشهور ساختن یك نام یا علامت تجاری گمنام در بازار وجلب نظر مصرف کنندگان آن کالای خاص است باین منظور باید یك زمینه ذهنی برای مردم فراهم ساخته با توجه باطلاعاتی که از طریق بررسی بازار و مطالعه روی اجتماع و مردم بعمل آمده بادرج اخبار و مقالات و یا بانصب تابلو واوراق چاپی تدریجا مردم رابا مزایای کالای جدید آشنا ساخت وقتی زمینه ذهنی آماده گردید مساله مشتاق نگهداشتن مردم برای مدتی کوتاه ضرور بوده و سپس طی مراسم خاصی کالا ببازار عرضه‌میگردد بسیاری از متخصصین روش بسته در تبلیغ را تجویز می کنند .

واین بدان معنی است که تا وقتی که کالا یا خدمت عرضه‌نشده مردم را در بی‌خبری نگهداشته و آنها رااهر روز تشنه‌تر میکنند. با توجه بمسائل منطقی این روش در مورد بسیاری از کالاهای گران قیمت و بخصوص برای اجناسی که مشتریان بیشتر اهل منطق هستند مردود شناخته شده و شکل دیگری که تکرار و بچشم خوردن نام کالا و مزایای آنست تجویز میگردد .

گروه دوم معتقدند بجای‌اینکه پول خود را از ابتدا در راه یك مسئله‌ای که با معرفی کالا ازاذهان دور میشود خرج نمائیم بهتراست باهمان هزینه همیشه نام کالا و مزایای آن را بنظر مصرف کننده برسانیم وبدین ترتیب بابودجه‌کمتر نتیجه‌ای بهتر بگیریم .

البته نمیتوان بطور دربستیکی از نظریات فوق را مورد قبول‌قرار داد زیرا اتخاذ روش صحیح در تبلیغ بیشتر بنوع کالا شرایط رقابت و محیط بازار و بالاخره عامل اصلی دیگری که روحیه‌مردم و سنخ فکر آنها است بستگی داردو نمیتوان‌یك فورمول معین ومشخص برای انجام تبلیغ تجویز نمود در تبلیغ مداوم پس از معرفی کالا معمولا برنامه‌ای از طرف آژانس تبلیغاتی باتوجه به بودجه مشتری تنظیم و طبق برنامه خاصی که‌به تفصیل شرح داده میشود برنامه های تبلیغاتی بمرحله عمل درمی آید .

آنچه در اینجا قابل ذکرمیباشد این است که در تبلیغات مداوم از یکباره گرگرفتن و خاموش شدن بایستی پرهیز نمود بلکه همیشه با استفاده از طرق مختلف خاطره تبلیغات انجام شده رادر اذهان زنده و نگهداری کرد . در غیر این صورت اگر وقفه‌ای در کار تبلیغ بوجود آید و یا تبلیغات مدت زیادی موقوف گردد تجدید آثار ذهنی گذشته مستلزم هزینه‌ای سنگین‌تر و تلاشی بیشتری خواهد بود .

ب ــ تبلیغ روی کالای باسابقه ممتد

معمولا وقتی تبلیغ کالائی مطرح میشود که کم یا بیش در بازار سابقه فروش دارد اولین عاملی که مورد توجه قرار می گیرد ، فروش گذشته کالا و نحوه تبلیغات روی آنست .

در اینجا اساس مطالعه را علل اصلی موفقیت یا شکست کالا در گذشته تشکیل‌میدهند و تجزیه تحلیل عبارت خواهد بود از:

۱ ــ سابقه کالا

۲ــ میزان تولید گذشته ــ ظرفیت تولید ــ مقدار موجودی کالا در انبار یا فروشگاهها ــ مقدار تولید فعلی .

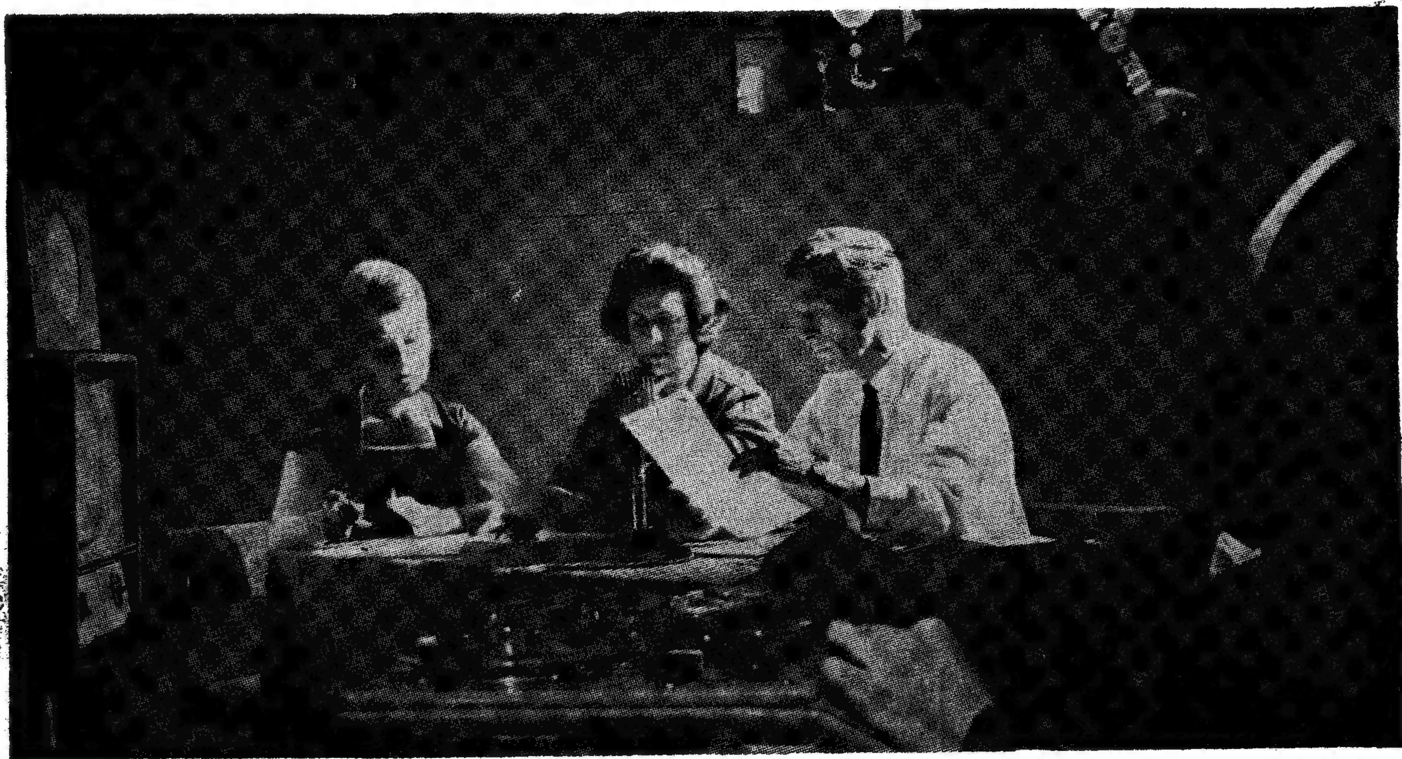
۳ ــ حجم فروش ــ استقبال مردم ــ سیستم توزیع .

٤ ــ وضع کالا از نظر فرم شکل ــ بسته‌بندی و بخصوص مرغوبیت آن .

۵ ــ امور تبلیغاتی گذشته و

ترتیب کنفرانسها ، سمینار ها و جلسات‌عمومی بحث‌وانتقادموثرترین وسیله برای درك صحیح امور تبلیغی و بالا بردن سطح آن در کشور میباشد .

صحنه‌ای از ضبط گفتار رادیوئی‌در استودیوی یك موسسه تبلیغاتی



نتایج حاصله از آن .

بررسی دقیق آنچه در فوق گذشت ما را در طرح ریزی برنامه های آینده یاری میکند و مسلما از ارتکاب بسیاری از انحرافات و خطاهای احتمالی آینده بر حذر میدارد .

۳ ــ تبلیغ باتوجه بحجم فروش یا تولید .

این روش که در مورد بسیاری از کالاهی مصرفی اعمال میشود عبارت از سیستمی است که طبق‌آن میزان تولید یا فروش ماهیانه یا سالیانه یك کارخانه بطور دقیق تعیین شده و مقدار معینی از قیمت فروش یا هزینه تولید برای تبلیغ اختصاص میابد .

فرض کنیم کارخانه‌ای در روز ۱۰۰۰۰ خمیر دندان تولید میکند که هر لوله خمیر دندان با هزینه ۱۲ ریال از کارخانه خارج میشود وبا اضافه هزینه ۲ ریال هرلوله چهارده ریال هزینه میپردازد . در اینجا اگر برای هرلوله تولید شده یك ریال هم هزینه تبلیغاتی منظور نماید لوله خمیر دندان ۱۵ زیال بدست فروشنده میرسد ومثلا ۱۸ ریال در بازار فروش خواهد رفت . در اینجا کارخانه میبایست روزانه ۱۰۰۰۰ ریال کلا بحساب تبلیغات ببرد تا بمصرف تبلیغات برسد .

معمولا این بودجه بموسسه تبلیغاتی ابلاغ شده و برای هرماه ۳۰۰۰۰۰ ریال و برای هرسه ماه (اگر پروژه‌های تبلیغاتی فصلی تنظیم گردد) ۹۰۰۰۰۰ ریال در اختیار آژانس تبلیغاتی گذاشته میشود حال اگر ما بجای افزودن یکریال به هزینه تولید منتظر شویم تا پول از دست فروشندگان برگردد ودر آخر هر سه ماه حساب کنیم که فروش سه‌ماه چقدر بوده مثلا روز ۷۵۰۰ لوله و بعد براساس فروش بابت هر لوله یك ریال منظور نموده و به آژانس تبلیغاتی بدهیم تبلیغ خودرا با توجه بحجم فروش انجام داده‌ایم ولی در هردو صورت این شکل بودجه گذاری منحصرا درتبلیغات روی کالاهای با سابقه کالا های مصرفی مثل سیگار نوشابه های غیر الکلی ــ بیسکویت و غیره قابل اجراست در مورد کالا های که تازه ببازار عرضه میگردد معمولا هزینه تبلیغات اولیه جزو سرمایه اصلی بحساب آمده در برآورد مخارج ستون سرمایه‌گذاری بشرح زیر خواهد بود .

خرید زمین برای محل کارخانه ۵۰۰۰۰۰۰ ریال .

خرید ماشین آلات و حمل و نصب آن ۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال

مخارج پرسنلی و اقدامات اولیه ۳۵۰۰۰۰۰۰ ریال

خرید مواد اولیه ۷۵۰۰۰۰۰ ریال .

وسائل اداری و وسائل نقلیه ۸۰۰۰۰۰۰ ریال

هزینه تبلیغات اولیه ۶۵۰۰۰۰۰ ریال .

جمع سرمایه گذاری ۵۵۰۰۰۰۰۰ ریال .

البته هریك از روشهای فوق معایب و محاسنی از نظر صاحبان آگهی ــ موسسات تبلیغاتی ومردم دارد اما در هر صورت روش دوم مطمئن تر و کم خطرتر وروش اول صحیح تر ومنطقی‌تر بنظر میرسد .

تبلیغ جمعی

در تبلیغ جمعی کلیه تولبد کنندگان یك رشته یا یکنوع کالا مشترکا اقدام به تبلیغ کرده مزایا و محاسن کالای خود را برای مردم بیان میکنند . این امر ممکن است صرفا از نظر آگاه ساختن مردم ویا رقابت و حتی مبارزه با کالا هائی باشد که میتواندجانشین کالای آنها شوند .

۱ ــ آگاه ساختن مردم ــ در

این مورد مثلا میتوان یخچال را مثال آورد ــ در اینجا تولید کنندگان یخچال با نوشتن مقالات در جراید ــ انتشار نشریه های متفاوت ــ صحی بودن یخچال و غیره مزایای آنرا از نظر بهداشت وبا صرفه بودن آنرا از جهت حفظ ونگهداری غذا و داشتن یخ وامثالهم برای مردم روشن کرده و با اعلانات یکجا مردم را به خرید یخچال ترغیب میکنند . حال با خریدار است که کدام مارك یخچال را برای خود انتخاب کنند .

۳ ــ رقابت یا مبارزه با کالا های جانشین دو نوع کالا ممکن است بتواند بیك شکل رفع حاجت نماید و به آسانی جانشین یکدیگر شود مثل چراغ گاز و چراغ نفتی برای پخت غذا ــ میز های فلزی و میزهای چوبی برای استفاده در منزل وادارات و نظایر آن . در اینگونه موارد تمام تولیدکنندگان وسائل فلزی جمعا با بودجه‌ای مشترك مبارزه‌ای را علیه میزهای چوبی و وسائل ساخته شده ازچوب آغاز کرده ــ دوام واستحکام و مزایای دیگر آنرا برای مردم روشن میسازند ویا بعکس صاحبان کارخانه های مبل سازی و چوب بری ــ زیبائی جلاو ،ظرافت‌وسائل چوبی را برای مردم شرح میدهند تا بازار کالاهای خود را حفظ نمایند .

تبلیغ جمعی معمولا بوسیله شرکتهای تمرکز یافته ویا کارخانجاتی که پیوسته‌اند صورت میگیرد ویا اینکه از طرف‌یك‌گروه که موقتا ائتلاف کرده‌اند انجام میشود . اینگونه تبلیغ برای صنایعی که با ظهور یك صنعت نو در شرف اضمحلال بوده‌اند بسیار موثر واقع شده و توانسته مقام و موقعیت آنها را حفظ نماید .

٤ ــ تبلیغ آموزشی

آشنائی بیك وسیله واستفاده از حد اکثر فواید آن و همچنین بکار بردن صحیح یك کالا یکی از عوامل اصلی ایجاد دلبستگی وعلاقه بدان وسیله یا کالامیباشد.

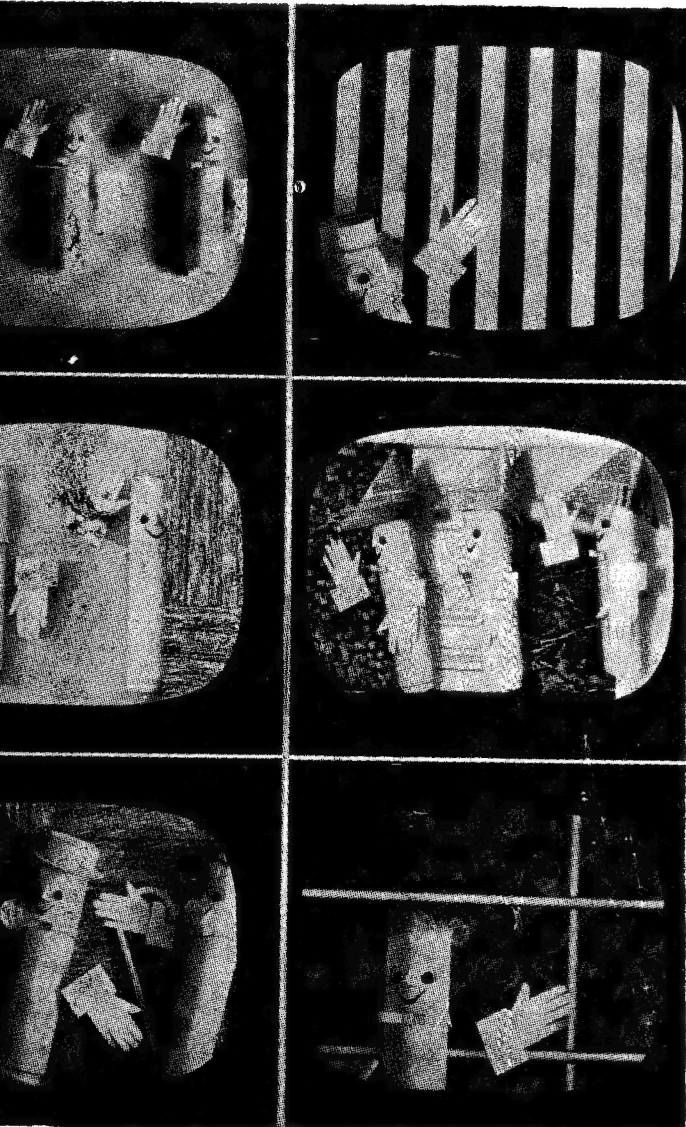
بسیاری از مردم بعلت عدم شناسائی وسیله یا کالائی که در دسترس دارند ویا بعلت نداشتن راه بهره بردن از آن از یکنوع کالای مشخص ناراضی بوده ودر موقع خرید از آن کالای خاص رو میگردانند مصرف کنندگان یا خریداران مخرب ترین عامل در ساختمان بنای فروش بشمار میآیند.

مثل معروفی است که میگویند *خریدار راضی بهترین مبلغ کالاست* بارها دیده شده که دو نفر یك نوع کالا را با مارك مخصوص در یکزمان معین خریداری کرده‌اند ولی پس از مدتی یکنفر از این خریداران از داشتن کالای خود بسیار راضی و مغرور ودیگری بسیار ناراحت و دلگیر است . تحقیقات بعدی نشان داده که آشنائی خریدار اول بکالای مورد نظر ویا آموزش صحیح او برای طرز بکار انداختن واستفاده از آن کالا سبب شده که حد اکثر نتیجه از کالا بدست آمده و مخارج تعمیرات ، سرویس ویاسایر مخارج متفرقه آن کمتر گردیده و صاحب کالا کاملا از خرید خود راضی وخوشنود است .

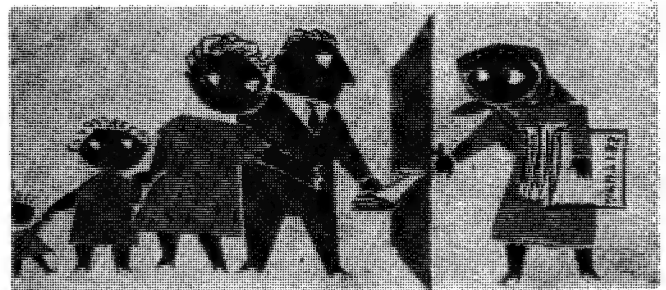
مثلا اگر کالای ما تلویزیون یا اتومبیل باشد مسلما دانستن طرز بکار انداختن آن ، رسیدگی و توجه به آن وبالاخره نگهداری‌آن سبب خواهد شد که حداکثر نتیجه با کمترین مخارج از تلویزیون یا اتومبیل حاصل شود در حالیکه عدم آشنائی بطرز استفاده که در مورد مشتری ناراضی صادق است نه تنها سبب میشود که حد اکثر راندمان از اتومبیل یا تلویزیون حاصل نگرددبلکه خرابی، تعمیرات و مخارج ناشی از آنها همیشه کار با آنها را توام با بدبینی وناراحتی خواهد ساخت .

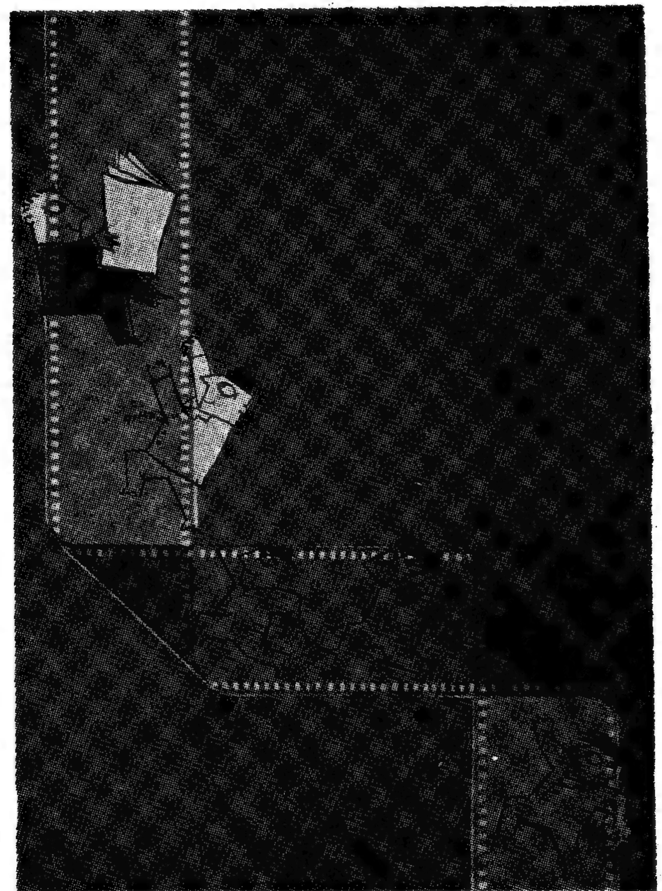
بهمین جهت علاوه براینکه امروزه تلاش صاحبان صنایع و تولید کنندگان براین‌امر قراردارد که طرز بکار بردن استفاده ازکالا ساده و یاد گرفتن آن آسان و راحت باشد و همچنین سعی آنها براین است که خریداران و مصرف

فیلم های عروسکی و کارتون‌بیش از سایر فیلمهای تبلیغاتی مورد توجه قرار میگیرد .



روزنامه همیشه قدمت و اهمیت خودرا از نظر تبلیغات حفظ کرده





فیلم وسینما سالها است در خدمت تبلیغات تجاری قرارگرفته و هنوز هم بسیار مورد توجه است .

کنندگان را نیز باطرز بکار بردن واستفاده صحیح از کالا آشنا سازند . تهیه کتابچه های راهنما ونشان‌دادن‌طرز کاروسیله باتصاویر ونقوش گذاشتن علائم مشخصه برای کار روی خود وسیله ، یاد دادن قبل از فروش ، تشکیل کلاسهای مخصوص‌وغیره‌را میتوان جزو تبلیغات آموزشی دانست .

در مورد ماشینهای سنگین ویا ماشین هائی که استفاده از آنها قدری مشکل است کارآموزی کارمندان موسسه خریدار لازم و ضروری است در این مورد میتوان ماشینهای بزرگ حساب برای بانکها ماشین های الکترونیك و غیره را نام برد . بورسهای آموزشی و تعلیماتی را نیزمیتوان یکنوع تبلیغ آموزشی بشمار آورد .

توزیع کالا برای مصرف‌مجانی ویاد دادن طرز استفاده از آنها وانواع واقسام تبلیغات بدین‌شکل جزو این سری تبلیغات آموزشی بشمار میآید در یکی از فروشگاه های بزرگ در قسمت فروش‌بستنی خانمی به کودکان طرز صحیح بستنی خوردن را نشان میداد و بآنها می‌آموخت که چگونه از طعم و عطر آن لذت ببرند وچطور بستنی را در دهان خود نگهدارند که از سردی آن ناراحت نشوند.

بهترین وسیله برای اینگونه تبلیغ با توجه به نوع کالاتشکیل کلاسهائی قبل از خرید میباشد تا در آن سیستم استفاده ونگهداری کالا بطور کامل بمشتری آموخته شود . ونظریات و مشکلات‌مشتری در محل مورد توجه ومطالعه قرار گیرد . جزوه های راهنما که در داخل کالا گذاشته میشود معمولا بایستی طرز کار آنرا بطور وضوح وسادگی نوشته موارد استفاده و شکل کار صحیح آنرا توضیح دهد .

اعمالی که نبایستی با کالاانجام داد ویا اشکال کاری را که زیانی متوجه صاحب آن یا آسیبی بخود کالا میرساند متذکر گردد . و بالاخره از طرز سرویس ، روغن کاری ، شستشو وسایرامور مربوط به نگهداری ومحافظت آن‌اطلاعاتی در اختیار صاحب کالا بگذارد .

۵ ــ تبلیغات مخفی

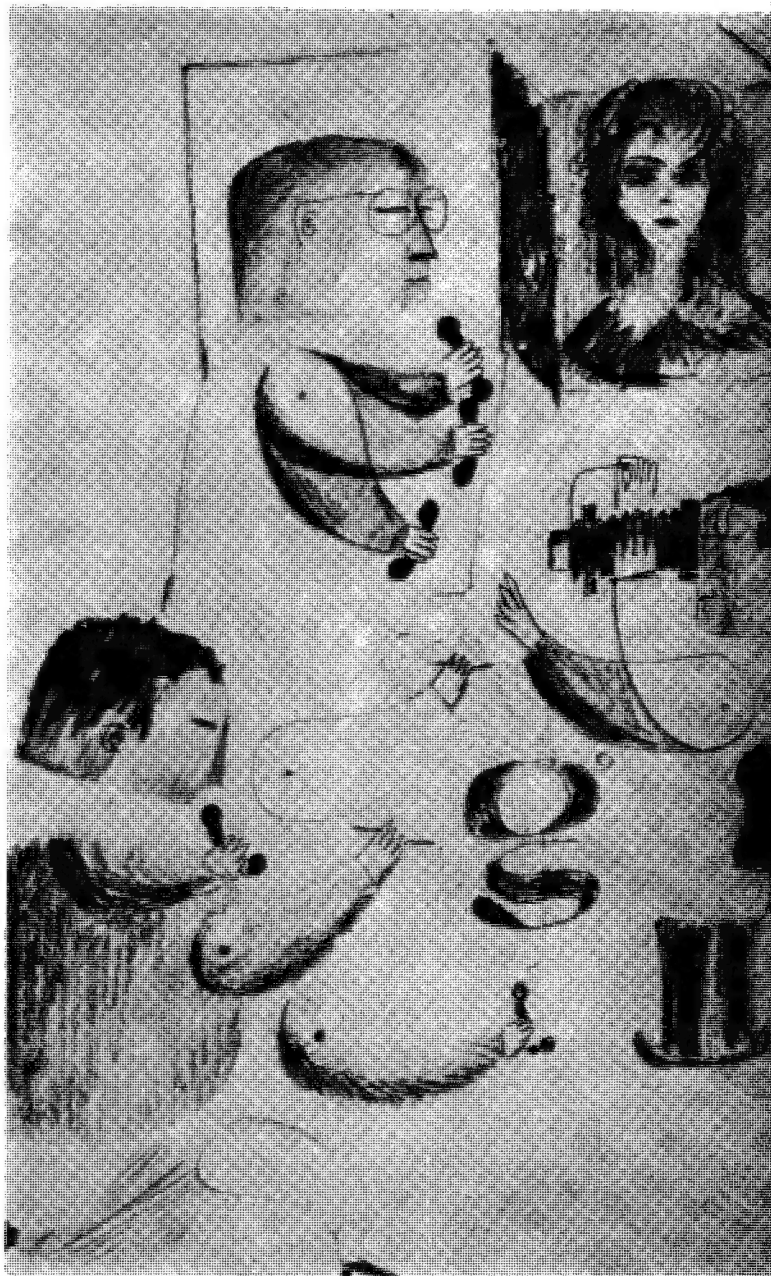
در بسیاری از موارد شرکت یا یك سازمان صنعتی بجای ارائه مستقیم مزایای کالا از طریق تبلیغ مستقیم میل دارد بر اعتبار و وجهه سازمان خود بطور غیر مستقیم در اجتماع بیفزاید . در اینگونه موارد کمتر خود کالا مورد نظر است بلکه خدمات سازمان سازنده آن مطرح بوده شخصیت مدیران شرکت از نظر علمی وفنی مورد بحث قرار گرفته و بوسیله نشر اخبار رپرتاژ ویا نشر کتابچه های راهنما مردم در جریان فعالیت های شرکت‌قرار میگیرند. در اینگونه موارد علاوه برنشر اخبار و مطالب مربوط آن این سازمانها در امور عام‌المنفعه شرکت کرده باکمك سازمانهای خیریه ویا اقداماتی که مورد توجه مردم‌است مثل تشکیل کلاسها ساختن مدرسه باسواد کردن مردم تهیه وسائل زندگی برای کارگران وکارمندان خود توجه عامه را جلب کرده به محبوبیت واعتبار خود می‌افزایند.

برای نگارش مقالات یا اخبار مطالب اصلی قبلا از طرف مدیران شرکت در اختیار سازمان تبلیغاتی یا روابط عمومی قرار گرفته و متخصصین ونویسندگان با بسطاین اطلاعات ویا گنجاندن نکات روان شناسی واجتماعی مقاله‌ای تنظیم کرده آنرا برای درج در جای مناسبی به جراید میدهند .

همچنین ترتیب مصاحبه های رادیوئی و تلویزیونی با مدیران متخصصین یك شرکت و حتی‌مردم عادی برای گفتن نظریات آنها را جزو تبلیغات مخفی بایستی بشمار آورد .

مسلما داشتن اطلاع قبلی از نظریات وعقاید مردم که با یك بررسی عمیق بعمل آمده باشد به تهیه وتنظیم اینگونه تبلیغات کمك موثری مینماید .

آژانس تبلیغاتی برای انجام تبلیغات مخفی میبایست آگاهی و دانش کافی داشته باشد موقع



نقاش ، سالهاست که در خدمت
تبلیغات تجاری است

شناسی مهمترین عامل موفقیت در اینگونه تبلیغات بشمار میرود .

باید دانست غلو کردن وتعریف های غلط ویا موجه جلوه دادن اقدامات ناصحیح و بالاخره چاپلوسی وتملق زیاد گفتن به خریداران یا مشتریان کالا نتیجه این نوع تبلیغ را معکوس خواهد ساخت .

در نگارش اینگونه مطالب بایستی از ذهن مردم استمداد خواست مسائل را طوری مطرح کرد که تدریجا مورد قبول خواننده یا شنونده قرار گیرد . ابتدا ازمطالب بدیهی و آنچه را که قبولش برای مردم آسان است شروع و تدریجا مطالب عمیق‌تر و عوامل پیچیده‌تر را بیان کرد .

بعکس طرحهای تبلیغاتی که بوسیله آژانس تهیه شده و کلیشه آن با برگ دستور برای چاپ بروزنامه ارائه میگردد .

مطالب خبری وریرتاژ ها معمولا در روزنامه بوسیله کادر هیئت تحریریه تهیه‌میگردد وازمتخصصین فن استفاده میشود تا شیوه نگارش وبیان مطالب بنحوی باشد که از سبك و شیوه خاص روزنامه‌تبعیت کرده ودر میان سایر مقالات نا هماهنگ نباشد .

امروز در سرتاسر دنیا تبلیغات مخفی باشکال متفاوت مورد استفاده قرار میگیرد و نتایج‌بسیار ثمر بخشی برای موسسات وصاحبان صنایع بوجود میآورد .

سال گذشته در یکی از مجلات خارجی خواندم وقتی یکی از مردان تبلیغ که معروفیت خاصی در تبلیغ اتومبیل دارد به آلمان غربی سفر کرد یك کمپانی اتومبیل یك اتومبیل بسیار زیبا که قیمت آن بالغ بر ۱،۵۰۰،۰۰۰ریال بوده باو هدیه کرده است مسلما هدف اساسی کمپانی از هدیه دادن اتومبیل این بوده که مردی را که خودش مبلغ چندین نوع اتومبیل است پشت فرمان اتومبیل خاصی بنشاند و بمردم امریکا نشان دهد که این شخص باوجودیکه برای اتومبیلهای دیگر تبلیغ میکند خودش اتومبیل دیگری راانتخاب کرده‌است .

اینگونه تبلیغات باشکال وصور مختلف انجام شده و نتایج بسیار موثری را برای سازمانهای ذینفع بوجود میآورد .

در ایران نیز این نوع تبلیغ کم وبیش مورد استفاده قرار میگیرد و سازمانهای بزرگ متوجه تاثیرات این شیوه گردیده و سعی میکنند اخبار و مطالب مربوط به تشکیلات خودرا بشکلهای‌مختلف بنظر عامه برسانند .

ظرفیت تبلیغ

معمولا هرنوع کالائی دارای يك ظرفیت خاص تبلیغی است‌یعنی برای بعضی از کالاها نمی‌بایست بیش از میزان معینی تبلیغ نمود . ظرفیت تبلیغ بستگی به نوع بازار تعداد مصرف کننده و میزان‌تولید دارد . برای کالاهائی که مصرف کنندگان آن يك طبقه خاص‌هستند ویا تعداد معدودی امکان خرید آنرا دارند تبلیغ همه جانبه برای طبقات وسیع اجتماع جز هدردادن پول نتیجه‌ای نخواهد داشت فرض کنیم کالای مارا یکنوع ماشین جوشکاری تشکیل میدهد که در کشوری مثل ایران حداکثر ۵۰۰ نفر خریدار دارد . هرقدر هم تبلیغ ، بتواند اقدامات رقبا را خنثی نماید نصف بازار بیشتر نمی‌تواند بدست آورد بنا براین برنامه تنظیم شده برای تبلیغ‌این نوع کالا ها باید با توجه به حد اکثر میزان فروش یعنی ۲۵۰ دستگاه ماشین جوشکاری باشد و مازاد برآن نتیجه‌ای عاید نخواهد ساخت . ظرفیت تبلیغ برای کالا های متفاوت فرق می‌کند و بچند عامل بستگی دارد وازروی فورمول زیر نسبت آن بدست می‌آید .

پذیرش بازار

کالای‌جانشین + کالاهای رقیب = ظرفیت

(کالا های جانشین بکالا هائی اطلاق می‌گردد که‌می‌توانند بآسانی جای کالای دیگری را بگیرند .)

برای کالاهای مصرفی چون‌رقم پذیرش بسیار زیاد است تبلیغ نامحدود می‌گردد .

يك مسئله را که همیشه مورد توجه باید قرار داد موضوع ایجاد

عکاسی در خدمت تبلیغ

(این عکس جالب جهت تبلیغ یك نوع زیپ است)

مقاومت در مقابل تبلیغ است . تبلیغات مضر وناشیانه ــ تبلیغات بیش از ظرفیت لازم و بالاخره تبلیغ بدون رعایت عقاید ومسائل روانی مردم بجای بفروش رساندن کالا در مردم مقاومتی شدید ایجاد می‌نماید که بدون اختیار از کالا های تبلیغ شده رو بگردانند .

اگر تبلیغ روح خود خواهی مردم را ارضا نکند و بآنها آمرانه فرمان دهد که مثلا فلان کالارا مصرف کنید و یا فلان مشروب‌غیر الکلی را بنوشید کم کم در مردم روح مقاومتی بوجود می‌آید که آنها را از شنیدن بیشتر جمله‌ای راکه برایشان‌خوشایند نیست‌ناراحت و منزجر می‌سازد . البته نباید اشتباه کرد که در بعضی موارد مردم گرچه شعار تبلیغاتی یافیلم تبلیغی وبالاخره طرحی را بباد انتقاد می‌گیرند ولی بدون اینکه خودشان توجه داشته باشند همین انتقاد روی ذهن آنها اثر مثبتی بنفع کالا می‌گذارد . اما آنچه مورد نظر ماست و سبب ایجاد مقاومت در مقابل تبلیغ می‌گردد بازی کردن با احساس ، جریحه‌دار کردن‌حس خودخواهی وخدشه‌دار ساختن روحیه ونظرات مردم است این عوامل نه تنها عکس‌العمل شدیدی در مقابل تبلیغات بوجود می‌آورد بلکه زمینه‌ذهنی نامساعدی نیز برای کالاهای دیگر آن‌شرکت بوجود می‌آورد .

رعایت دو نکته اساسی فوق در طرح ریزی تبلیغاتی بسیار ضروری



است زیرا در صورت رعایت نکردن نکته اول (ظرفیت تبلیغ) میزان هزینه تبلیغات بدون اخذ نتیجه بالا خواهد رفت ودر صورت عدم رعایت نکته (دوم) جلوگیری از ایجاد مقاومت در مردم زمینه نامساعدی در فکر واندیشه مردم بوجود آورده آنها را بطرف کالا های مشابه ورقیب می‌رانیم .

وسائل تبلیغاتی

از نظر کلی هر عاملی که‌بتواند پیغام فروش را بمشتری برساند وسیله تبلیغاتی نامیده میشود .

وسائل تبلیغاتی بترتیب اهمیت عبارتست از :

۱ ــ روزنامه و مجله
۲ ــ سینما ورادیو وتلویزیون
۳ ــ نئون وتابلو
٤ ــ نقاشی روی دیوار وتابلو های فلزی بین راه
۵ ــ نامه های پستی مستقیم
٦ ــ جزوه‌های تبلیغاتی
۷ ــ طرحهای چاپی روی دیوار
۸ ــ تقویم و هدایا
۹ ــ سایر وسایل

در انتخاب وسایل تبلیغاتی‌چند اصل عمده مطرح است که باید همیشه مورد نظر قرار گیرد وآن عبارتست از :

۱ ــ مصرف کنندگان کالا کیستند ؟
۲ ــ آنها را کجا می‌توان پیدا کرد ؟
۳ ــ چه وسیله‌ای آسانتر وبهتر پیغام مارا بآنها خواهد رساند ؟
٤ ــ آیا این وسیله از نظر هزینه مقرون بصرفه‌است ؟

اصول فوق مسئله تیراژ وتعداد کسانیکه پیام مارا دریافت می‌کنند را بمیان‌می‌آوردکه خودمسئله‌ایست بسیار مهم که متاسفانه هنوز در ایران وجود سازمان کنترل آن باوجود ضروری بودن امکان‌پذیر نیست .

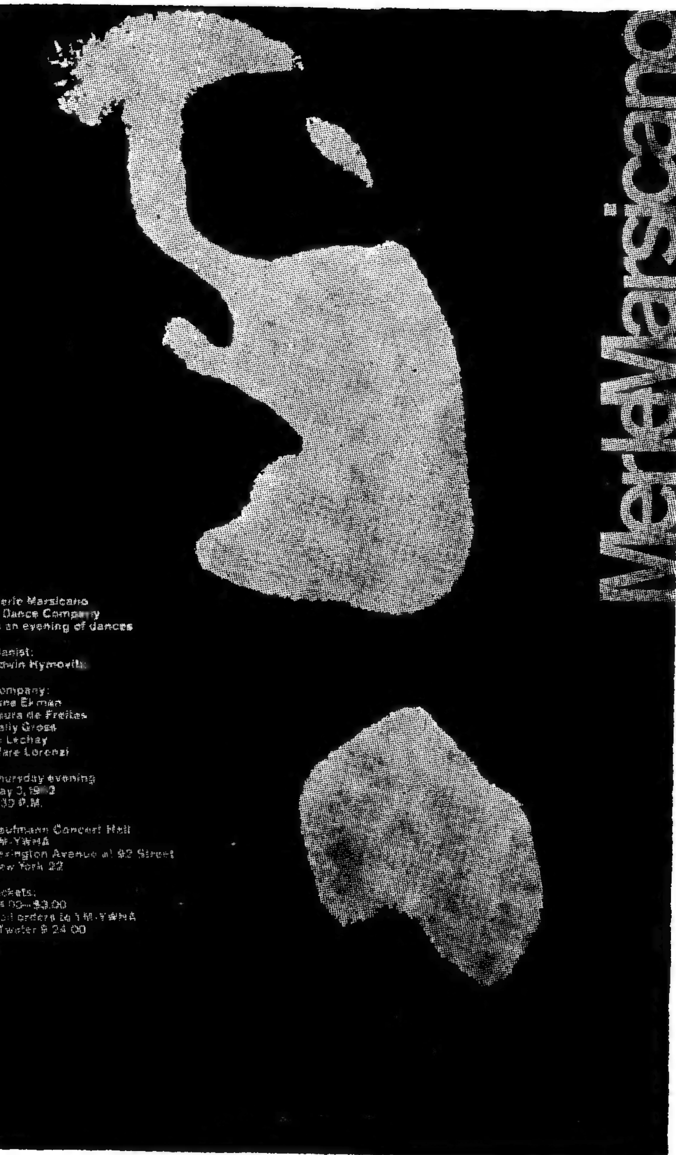
انتخاب بهترین وسیله برای دسترسی بمصرف کننده هر کالا اهمیت خاص دارد . چه بساکالائی که فقط بایك نامه ساده بتوان مشتریان فراوانی برایش یافت در حالیکه برای بسیاری از اجناس ممکن است طریقه نامه فرستادن مستقیم مضر ترین و پرخرج ترین وسیله بشمار آید .

بهمین جهت انتخاب‌وسیله تبلیغ از مهمترین وظایف یك سازمان تبلیغاتی بشمار می‌آید و بیطرفی و یکسان بودن منافع موسسه تبلیغاتی در انتخاب وسیله اساسی ترین شرط انتخاب صحیح و نافع وسیله خواهد بود .

سازمانهای بین‌المللی و آژانسهای بزرگ دنیا

آشنائی با نحوه‌کار سازمان های بین‌المللی و دانستن روش و نوع کار آژانسهای بزرگ تبلیغاتی در جهان علاوه بر اینکه اهمیت و گسترش وسیع تبلیغات تجاری در دنیای امروز را روشن می‌سازد مارا در هماهنگ کردن فعالیت های خود و همگامی بااین موسسات بزرگ جهانی یاری خواهد کرد. گرچه اصول وروشهای معموله در اروپا ــ آمریکا و حتی ژاپن واسترالیا برای موسسات تبلیغاتی ما بعلت تفاوت عمیق شرایط اجتماعی و اقتصادی قابل تقلید نیست معهذا آگاهی بر شیوه کارو نوع سازمان آنها سبب خواهد شد که ما در تنظیم وبسط امور تبلیغی و تطبیق آن با محیط کشور خود بادید وسیع تر ودانش بیشتری اقدام نمائیم .

توضیح و شرح کامل فعالیت کلیه آژانسهای بین‌المللی و بحث دربارهٔ نحوه کار وروشهای اتخاذ شده از طرف آنها برای ما مقدور نیست بهمین جهت تنها بمعرفی چند سازمان بزرگ جهانی و یك یا دو آژانس معروف از هر کشور اکتفا کرده و معرفی کلیه این سازمان هارا بوقت مناسب تری موکول می‌کنیم . هدف ازبیان‌نوع فعالیت و سیستم کار این سازمانها منحصرا معرفی آنها برای‌گسترش مناسبات فیما بین ، آشنائی با سازمان آنها و ایجاد پیوستگی ورابطه بیشتر با اینگونه سازمان هاست برای تبلیغات تجاری شاید بیش از صد سازمان ، انجمن ــ کلوپ اتحادیه و سندیکای بین‌



امریکا ــ پوستر برای یك نمایش رقص

المللی موجود باشد که بحث درباره آنها وحتی نام بردن ازاین انجمن‌ها دراین بخش امکان پذیر نیست و فقط بعنوان نمونه بذکر اسامی کلوپها وانجمن های موجود در آمریکا اکتفا میشود .

انجمن ها و کلوپ هائی که در آمریکا وجود دارد همگی به اعضا کارمندان و یامدیران سازمانهای تبلیغاتی و یاکسانی تعلق دارد که بنحوی از انحاء بکار تبلیغ تجاری مشغولند فقط در نیویورك ده‌انجمن در کالیفرنیا نوزده انجمن وکلوپ ودر شهر شیکاگو هشت انجمن موجود است در اروپا نیز چندین اجتماع بزرگ برای سازمانهای تبلیغاتی موجود است که بسیاری از آنها بیش از پانصد عضو دارند



تبلیغات در امریکا

ینترپوبلیك Inter Public تشکیل شده از گروههای بازاریاب و سازمانهای تبلیغاتی که بکار تبلیغات ــ روابط عمومی ، انتشارات ، توسعه فروش و عملیات تحقیقی در ۳۷ کشور اشتغال دارند .

اینترپوبلیك دارای ۱۶۰ اداره ودر حدود هفت هزار کارمنداست

ماریون هارپر رئیس هیئت مدیره این سازمان است که تحت نظر او چندین مدیر و معاون‌انجام وظیفه می‌کنند . سابقه این‌سازمان در حدود نیم قرن است . زیرا کمپانی اریکسن در سال ۱۹۰۱ ومك‌کان در سال ۱۹۱۱کار خودرا شروع نموده‌اند .

دو کمپانی فوق در سال ۱۹۳۰ بنام مك‌کان اریکسن بهم ملحق شده ودر تمام مراحل کار تبلیغات مشتریان بزرگی چـون استاندارد اویل کمپانی و چند، مشتری دیگررا عهده‌دار شدند و دامنه فعالیت خود را در اروپای لاتین و اروپا گسترش دادند .

مـاریون هارپرارشد پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه‌یال در قسمت تحقیق این شرکت کار خود را آغاز کرد و کار جالبی را برای تجزیه عوامل که در بالا بردن ارزش یك آگهی از نظر جلب توجه موثراست شروع نمود. و کلیه آگهی هائی را که مورد تحقیق قرار گرفته بود طبقه‌بندی نمود و آنرا اساس طرحهای آینده تبلیغاتی قرار داد این امر که با کوشش فراوانی به ثمر رسید مورد تحسین زیاد قرار گرفت .

ودر ظرف بیست سال کمپانی مك‌کان اریکسن بیش از ٦ میلیون دلار روی‌تحقیقات اولیه‌خرج کرد. ودر آن زمان‌این امر علاقه‌بسیاری از سازمانهای تبلیغاتی را برای اینگونه عملیات جلب نمود . بعلاوه وقتی که ماریون هارپر بعنوان رئیس شرکت انتخاب‌گردید مخارج تحقیقاتی شرکت به ٥٠٠ میلیون ریال رسید .

وتدریجا سازمان قبلی در سال ۱۹٦۱ کار خودرا بنام اینترپوبلیك روی امور بازاریابی و خدمات ارتباطی و همچنین مشاوره با سازمانهای صنعتی قرار داد .

این سازمان گروهی بنام گروه مشاورین تبلیغاتی دارد که دررشته تبلیغات فعالیت می‌کنند و کار سازمانهای مختلف را هماهنگ می‌سازند .

این سازمان جهانی در لندن پاریس ــ رم ــ ژنو و بسیاری از شهر های بزرگ جهان موسسات و تشکیلات وسیعی دارد .

وامورى را كه عهده‌دار میشود جنبه جهانی داشته و فعالیت خودرا برای توسعه بازار وازدیاد در سرتاسر جهان گسترش میدهد .





پوستر و اعلان روزنامه جهت تبلیـغ یك نوع مشروب

تبلیغات در ژاپن

کشور ژاپن از نظر تبلیغات تجاری امروز دومین کشور جهان بشمار می‌رود وگرچه تعدادموسسات تبلیغاتی آن محدود است اما هر یك از این موسسات شامل چندین سازمان و شرکت بزرگ و مهم میباشد این سازمانها و شرکتها بنوبه خـود دارای شعب زیادی هستند که بامور تبلیغات اشتغال داشته ودر رشته های مختلف‌فعالیت می‌کنند .

بعضی از سازمانهای تبلیغاتی ژاپن آنقدر دارای قدرت هستند که خود دارای یك استودیوی

تلویزیون خصوصی بوده و چندین شبکه رادیوئی را اداره می‌کنند .

در ژاپن مثل بسیاری ازکشورهای بزرگ بعضی از موسسات تبلیغاتی حتی برای سازمانهای دولتی و موسسات وابسته بدانها نیز تبلیغات می‌کنند ودر انتخاب وکلای مجلس و جریانات سیاسی نیز سهم مهمی را دارا می‌باشند .

دایکو یکی از سازمانهای تبلیغاتی بزرگ ژاپن است که مرکز آن درشهر اوساکا و توکیو قرار دارد اما در چهار شهر بزرگ و ۲۳ شهر متوسط ژاپن شعبه دارد . همچنین در بسیاری از شهر های مختلف ژاپن نمایندگی ویا وابستگی تاسیس نموده است .

دایکو درسال ۱۸۹۳ بوسیله (کین‌سوید) بنام دیگر در شهر اوساکا که درآنزمان بزرگترین شهر تجارتی ژاپن بود تاسیس شد .

در ۱۹٤٤ شعب زیادی درشهر های دیگر ژاپن تاسیس نمود و در ۱۹۶۰ نام دایکو را روی خود گذاشت وبا توسعه سریعی که یافت توانست خودرا در ردیف بزرگترین آژانسهای تبلیغاتی ژاپن درآورد . امروز صدها ، متخصص طراح ــ عالم اقتصاد ، روانشناس و محقق دراین سازمان بکار اشتغال دارند بطوریکه امروز سومین آژانس ژاپن و ششمین آژانس دنیا (غیراز قارهٔ آمریکا) بشمار میرود .

در ۱۹۶۳ مجموع حساب سالیانه مشتریانش بالغبر ۳۹٫۶ بیلیون دلار (یعنی معادل ۲۹۵۰ میلیون ریال) شده است و دارای یك میلیون ریال سرمایه جاری و ۱۲۸۰ کارمند است دایکو معمولا امور زیر را انجام میدهد . تحقیق و بررسی روی بازار مشاوره بررسی و نظارت روی بازار های صنعتی تعیین عکس‌العمل مصرف کنندگان و همکاری و مساعدت در امر توزیع ــ برآورد اثر تبلیغات .

اجرای امور تبلیغاتی . طرح و اجرا بوسایل مختلف و انتخاب وسائل تبلیغاتی ــ خرید جا در روزنامه و مجله و وقت از رادیو و تلویزیون ، ساختن طرح انجام امور چاپ و اجرای امور تبلیغاتی

یك استودیوی فرستنده تلویزیون در ژاپن . کلیه متعلق به یك‌آژانس تبلیغاتی است .



ژاپن ــ پوستر تبلیغاتی

از طریق رادیو و تلویزیون نظارت و هدایت فروش و توسعه آنرا نیز میتوان جزو اموری دانست که این آژانس انجام آنها را عهده‌دار است .

رئیس این موسسه فعلا آقای (کوزابور) و مدیر آن آقای (توشیهیکوشیباتا) می‌باشد .

تبلیغات در فرانسه

یکی‌ازآژانسهای معتبرو‌بزرگ فرانسه که بکار تبلیغات و بازاریابی مشغول است پوپلیس دو پاری است . این آژانس درسال ۱۹۲۷ بوسیله مارسل . ب بلانشه که فعلا ریاست آژانس را بعهده دارد تاسیس گردید بیشتر به کار تهیه فیلم و تبلیغات رادیوئی می‌پردازد .

پس‌از جنگ گسترش زیادی بفعالیت خود داد و تکنیک های جدید تبلیغ را بکار گرفت . محل آن درپاریس خیابان شانزه لیزه نزدیک طاق نصرت است . درحدود سیصد کارمند متخصص و ورزیده دارد . و مجموع حساب سالیانه‌اش بالغ‌بر۰۰۰ر۶۰۰۰ پوند یعنی بالغ‌بر ۰۰۰ر۰۰۰ر۱۲۰۰ ریال میشود امور تحقیقی این آژانس بیشتر در مورد کسب اطلاع از عقاید و نظرات مردم درباره طرحهای‌خاص تبلیغاتی یا امور روانشناسی است چون اجرای برنامه های تجارتی و تبلیغاتی فعلا از طریق رادیو و تلویزیون در فرانسه ممنوع است بیشتر برنامه های پوپلیسی بوسیله ایستگاههای لوکزامبورك ــ مونت کارلو و ایستگاه شمارهٔ ۱ اروپا پخش میشود .

این موسسه همچنین یك سازمان خرید وقت تلویزیونی و رادیوئی دارد که هرهفته درحدود ۲۰۰ برنامه‌را تنظیم و پخش‌میکند مجموع وقت این دویست برنامه از ۱۷ ساعت بیشتر میگردد .

فیلمهای کوتاه و تبلیغاتی پوپلیسی تاکنون چندین جایزه فستیوالهای بین‌المللی را ربوده است . این آژانس هرساله یك نمایشگاه برای نمایش بهترین عکس های تبلیغاتی تشکیل میدهد .

تهیه آرمهای تجارتی ، امور چاپی انتشار جزوات و نشریات طرحهای دیواری وتابلوهای بزرگ تبلیغاتی نیز جزو کارهای این سازمان است و در اروپا شهرت خاصی دارد . همچنین این موسسه درتهیه بسته‌بندی امور توزیع و کمك به نیروی فروش نیز با مشتریان خود همکاری میکند .

تبلیغات در آلمان

درشهر اشتوتکارت که ازنظر جمعیت هشتمین شهر بزرگ آلمان فدرال بشمار میرود بزرگترین سازمانهای انتشاراتی و موسسات و مراکز چاپ آلمان قرار دارد . بهمین جهت کار تبلیغات نیز ابتدا از این شهر آغاز گردید و درسایر شهر های آلمان گسترش یافت موسسه آوم در سال ۱۹۵۷ کار خودرا از این شهر شروع نمود و پس‌از چند سال توانست جای خود را در میان سازمانهای بزرگ تبلیغاتی آلمان باز کند .

این موسسه عضو انجمن آژانسهای تبلیغاتی و مشاورین ، بازاریابی و همچنین عضو انجمن موسسات تبلیغاتی اروپا که مرکز اصلی آن شهر زوریخ است و در حدود ۱۵۰ موسسه تبلیغاتی درآن عضویت دارند میباشد .

میزان صورتحساب سالیانه این موسسه به بیست‌میلیون مارك میرسد (درحدود ٤۰۰ میلیون ریال)

سازمان کنتر بلایز یکی از مجهز ترین سازمانهای تبلیغاتی آلمان بشمار میرود که در رشته‌های متفاوتی فعالیت می‌کند .

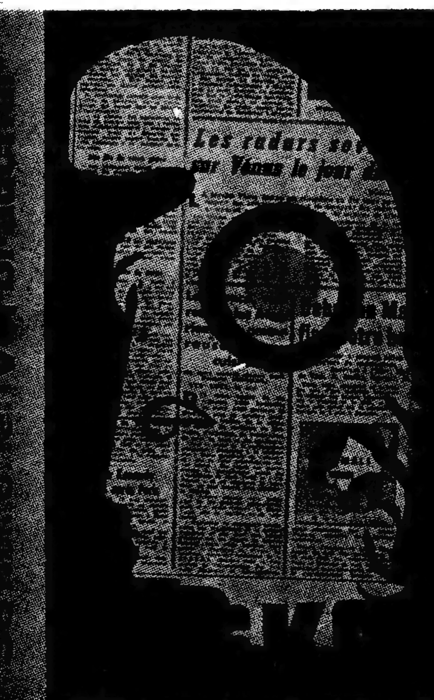
این سازمان شعبه‌ای درسوئیس (زوریخ) تاسیس کرده وباهمکاری چند نفر مدیر سوئیسی تاسیسات جدیدی را برای تبلیغات بنانهاده است و همچنین به ایتالیا وفرانسه نیز دامنه این همکاریها کشیده است .

کنتربلایزاولین‌جایزه تبلیغات روی کالا های مصرفی را در چهاردهمین‌کنگره تبلیغاتی شیکاگو که درسال ۱۹۶۲ تشکیل گردید ربود .

یك سری از کارهای تبلیغاتی







فرانسه : جلد یك ژورنال

فرانسه : اعلان برای یك آب‌معدنی

آلمان : پوستر (اعلان دیواری)

این آژانس که تحت عنوان (از خود و دیگران مواظبت کنید) انتشار داده و مربوط به جلوگیری از حوادث است نیز جایزه اول مسابقات کنگره فوق را ربود .

بعلاوه بسیاری از کالا های تبلیغ شده بوسیله این آژانس از مراجع مختلف جوائزی برده‌اندکه بیشتر در رشته تبلیغ موفقیت کسب نموده و مدالهائی نیز از طرف سازمانهای بین‌المللی دریافت کرده‌اند .

تبلیغات در نروژ

در سپتامبر سال ۱۹۵۳ بوسیله فین‌آلفسن وتورولف بکر که سالها در نروژ امور تبلیغاتی را انجام میداده و سابقه و تجربه زیادی در اینگونه امور دارند سازمانی تاسیس و از همان اوائل کار توانست مشتریان عمده‌ای را برای خود بدست آورد .

درسال ۱۹۵۳ توانست کار چند تولیدکننده بزرگ را انحصاراً بخود اختصاص دهد و قسمتی از امور تبلیغاتی فیلیپس را نیز عهده‌دار شود .

آلفسن اندبکر درسال ۱۹۶۳ سومین آژانس در بین سی و یك آژانس تبلیغاتی نروژگردید وتعداد کارمندانش از ۷ نفر که در سال ۱۹۵۳ داشت به ۱۰۷ نفر درسال ۱۹۶۲ رسید ، امروز این آژانس کار بسیاری از مشتریان خارجی راکه در نروژ فعالیت می‌کنند عهده‌دار است .

کار این آژانس بیشتر بشیوه مدرن است واز این نظر شهرت خاصی در اروپای شمالی دارد .

این موسسه یك سازمان روابط خارجی نیز داردکه با کشور های همجوار و سایر کشورهای اروپائی در امور بازاریابی و تبلیغ همکاری می‌کند .

پ ، بارت و براندت

این سازمان بین‌المللی بکار تبلیغ و بازاریابی اشتغال داشته و بیشتر امور بین‌المللی بازاریابی‌را عهده‌دار است مراکز اصلی آن در سه شهر پاریس ــ لندن ونیویورك میباشد در ۲۷ مارس سال ۱۹۶۲ از همکاری چندین سازمان با سرمایه‌ای ۵۰۰۰۰ فرانك تاسیس گردید رئیس هیئت مدیره آن آقای پل بارت میباشد .

این شرکت را میتوان جانشین سازمان قدیمی کابیت پل بارت انترناشنال دانست سازمان قبلی‌که کارش مشاوره با صادر کنندگان کالا بود از سال ۱۹۴۹ کار خودرا در لندن آغاز واز سال ۱۹۵۵ فعالیت خودرا به پاریس وانگلستان کشانده فعلا درامر بازاریابی با کشور های مشترك‌المنافع وکشور های اروپائی همکاری میکند .

درامور تبلیغاتی سازمان بارت وبراندت کارهای تولیدکنندگان بزرگ آمریکائی ــ انگلیسی‌آلمانی و فرانسوی را بخصوص در رشته های داروها ، لوازم آرایش وسائل منزل و اجناس بهداشتی و نظافت عهده‌دار است .

این سازمان بین‌المللی در نیویورك نیز شعبه بزرگی داشته و بعنوان مشاور امور صنایع و بازاریابی برای تولید کنندگان و صاحبان صنایع بکار توسعه فروش و حتی گرفتن جواز و امتیاز در کشورهای دیگر برای ساختن‌کالاها اشتغال دارد .

بسیاری از کالا هائی که در کشورهای خاوردور اجناسی را بنام وبا امتیاز شرکت اصلی ساخته میشود جوازش‌بوسیله همین سازمان گرفته شده و ایجاد همکاری و راهنمائی‌اش درآغاز کار بوسیله این شرکت بزرگ انجام شده‌است .

آژانس ایو آلکساندر

درسال ۱۹۳۹ بجای سازمان دوپلان والکساندر(۱)که از۱۸۸۷ فعالیت میکرد کار خودرا درفرانسه آغاز نمود و اکنون یکی‌از آژانس های معتبر و بزرگ دنیا بشمار میرود . این سازمان کاملا مستقل بوده واز نظر مالی باوسائل تبلیغاتی یا صابون آگهی ارتباط ووابستگی ندارد (۲)

این آژانس عضو انجمن **(C.A.S.C) (۳) نیز میباشد**

باید متذکر شد که دربین ۲۵۰۰ آژانس تبلیغاتی که عضو فدراسیون سازمانهای تبلیغاتی فرانسه میباشد، فقط ده آژانس توانسته‌اند به عضویت انجمن فوق انتخاب گردند اموری‌که بوسیله این آژانس انجام میگیرد عبارتست از :

ــ با انجام تحقیقات اولیه مسائل و مشکلات مربوط به بازار را از جوانب مختلف مورد رسیدگی قرار میدهد .

ــ کار تبلیغاتی را از ابتدا تا انتها تهیه برآورد و اجرامیکند.

ــ نتایج حاصله از تبلیغات راکه بوسیله طرق مختلف انجام شده می‌سنجد .

ــ برنامه های فروش کالا و روابط عمومی را در صورت لزوم تنظیم کرده و آنها را با همکاری سازمانهای داخلی بمرحله عمل درمی‌آورد .

تا حداکثر حمایت، از امور تبلیغات بعمل آمده باشد .

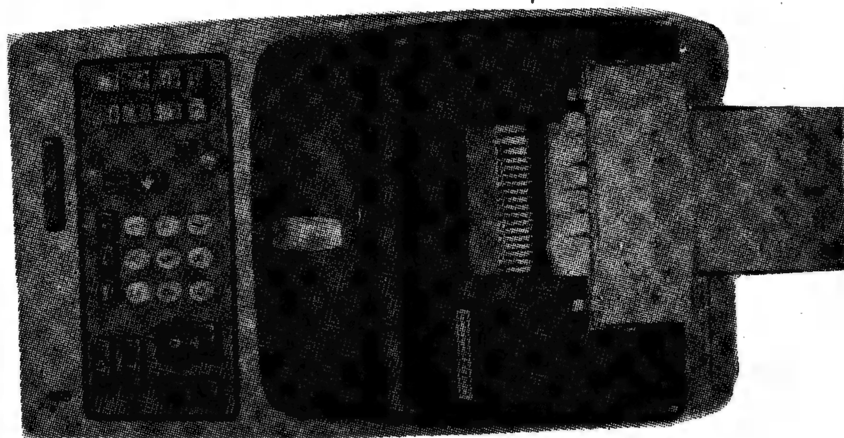
مجموع‌حساب سالیانه مشتریان آژانس ایوز بالغ‌بر ۲۵ میلیون فرانك فرانسه میشود (در حدود ۵ میلیون دلار)

(1) Deplans et Alexandre Agency

(۲) بعضی‌از سازمان های‌تبلیغاتی جهان بخصوص در فرانسه‌یا بطور کلی فقط دریك رشته تبلیغاتی کار می‌کنند ویا وابسته‌بیکی‌از وسائل تبلیغاتی هستند .بسیاری از موسسات نیز که فعالیت های همه جانبه دارند دریك رشته‌کار تخصص بیشتر یافته و یا ازمالی به تبلیغ کنندگان یا وسائل تبلیغاتی وابسته هستند .نظیر چنین سازمانها در ایران نیزوجود دارد .

(3) Compagnie des Agenses de Publicité a service complet

تبلیغات تجاری
و
علم اقتصاد



قرن‌بیستم را بایستی قرن انقلاب علم اقتصاد بشمار آورد . زیراپس از نیم قرن دوران فکری دراطراف تئوریهای قدیمی کلاسیکهاونئو ــ کلاسیکها ، اقتصاد نو تحولی‌عظیم می‌یابد و دانشمندانی چون کینز و فرانسوا پرود که خود روزی در مکتب عقاید ژان باتینت سی به تلمیذ مشغول بودند در کتب و کنفرانسهای خود مطالب جدیدی‌را عنوان میکنند . دیگر مسئله‌تعادل خود بخود عناصر تولید و تطابق جبری عرضه و تقاضا مورد قبول قرار نمیگیرد عقاید باستیا ــ که رژیم آزادی تجارت را بدون نظارت دولت تجویز میکردند خریداری ندارد بلکه تضاد فکری سوسیالیستها و انفرادیون وآزادی خواهان کلاسیك وبالاخره عدم تعادل بین تولید و مصرف وبحران های ناشیه از آن پذیرش یك‌سلسله مطالب و عقاید نوراکه با زمان وتحولات قرن ما هماهنگ باشد ضروری میسازد بطور کلی امروز اصول قدیمی مکتب های کلاسیك مثل آزادی مطلق دادوستدــشیوه انفرادی تجارت ــ عدم دخالت دولت ــ تطبیق خودبخود ــ نفع شخصی بانفع اجتماعی درهیچ‌جا عملا اجرا نمیگردد .

تمرکز و انضمام بنگاه های اقتصادی ــ گسترش کنترل‌سازمان های بزرگ اقتصادی و بالاخره اتخاذ سیاستهای تجاری و پولی دول بزرگ واعمال نظر دراجرای طرحها و پروژه‌های حساب شده و پیروی از یك اقتصاد ارشادی‌مارا در مقابل مسائل تازه‌ای قرار میدهد .

گسترش‌و پیوست متقابل بازارها بیك دید وسیع و جامع نیاز دارد تا مشکلات و موانع ناگهانی‌واقع بینی جهانی مورد بحث و مداقه قرار گیرد . نه اینکه عوامل‌مختلف اقتصادی در چهار چوب تعادل اقتصادی کلاسیکها محدود گردد وتولید صرفا بخاطراینکه روزی‌با مصرف تعادل خواهد یافت لجام گسیخته گسترش یابد .

در اوائل قرن بیستم لیبرالیسم اقتصادی عجیب سیستم اقتصادی روزرا فقدان آزادی و رقابت‌کامل میدانستند و نظریه هائی را بیان میدارد که با زندگی مردم‌وواقعیت های زمان مصداقی پیدا نمیکند و هنگامیکه نظریه های کلاسیك‌قرن نوزدهم به نظریه های نئوکلاسیك اوائل قرن‌بیستم تغییر یافت و هدف اساسی خود را در علم اقتصاد بدون‌توجه بسازمان‌سیاسی،اجتماعی واقتصادی جامعه های مختلف‌فقط و فقط درایجاد یك مکانیسم علمی دانست و مطلوبیت نهائی عناصر اقتصادی‌را اساس علم‌اقتصاد قرار داد تحولاتی در جهان صورت‌گرفت که یکباره اساس نظریه های فوق را درهم ریخت ــ تصورات ذهنی تعادل‌واحدها و گروههای اقتصادی وهماهنگی جبری عرضه و تقاضا در هریك از واحدها از طریق مقایسه مطلوبیت و عدم مطلوبیت بکلی دگرگون شد .

شکل تفکر و نحوه برداشت مسائل فرم خود را تغییر داد . دنیا ی‌روز دنیائی نبود که رقابت کامل و ایده آل لیبرالیست هادر آن حکمفرما باشد . بلکه واحدهای بزرگ‌اقتصادی کارتل ها وتراستها چه از نظر اقتصادی ملی و چه از نظر اقتصاد بین‌المللی کنترل بازار رادر دست داشته در جهانیکه بقول فرانسوپروو اصل تسلط و تفوق اقتصادی حکومت دارد و نیروهای قوی تر پیوسته سعی دارندنیروهای ضعیف‌تر را تحت تسلط وسیطره نفوذ اقتصادی خود در آورند فرضیه مطلوبیت نهائی و ایجاد تعادل اقتصادی از طریق مکانیسم قسمتها فرضیه‌ای ذهنی است که نمیتوانه در عالم حقیقت مصداق پیدا کند .

جنگ بین‌المللی اول ــ انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در شوروی بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹و بالاخره‌جنك بین‌الملل دوم و بحران های ناشی از عواقب آن همه وعاملی بودند که اساس رژیم سرمایه‌داری را متزلزل میساخت.

بحران اقتصادی سال ۱۹۳۰ ــ ۱۹۲۹ ــ شش تا ۷ میلیون کارگر را در آلمان و ۱۳ میلیون نفر را درامریکا بیکار نمود از ٤٥ درصد ظرفیت وسائل تولیه عملا استفاده نمیشد . آن‌وقت با چنین شرایطی چگونه میتوان نظریه مکانیسم خود بخود تعادل را قبول نمود ومنتظر شد تا عناصر کار و سرمایه در جامعه به‌حد کمال خود برسند با توجه بمطالبی که بیان شد لزوم نظریات جدیدی که بیشتر و بهتر باشرایطروزهماهنگ باشد ضروری بنظر میرسد نظریه های جدید اقتصادی ابتدا در سوئد رشد یافت و مکتب‌سوئد **Ecole Suedoise** که بعدها یکی از مکاتب‌پرارزش علم‌اقتصاد گردید بوجود آمد واین

نظریات در کشورهای دیگر چون فرانسه وانگلستان نیز بشکلهای مختلف ظهور نمود . **پرودبانوشتن** کتاب (عمومی کردن نظریه های عمومی کینز) وکتاب اقتصادقرن بیستم که در سال ۱۹۶۱ انتشاریافت تعادل اقتصادی را در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته بطرز جامعی بیان نمود .

این نظریات که در قرن بیستم تحولی از نظر اصول فکری بوجود آورد از نظر ترکیب اصول علمی نیز اساس جدیدی را بنیان نهاد و بنای ساختمان جدیدی را بوجود آورد که امروز مسائل اقتصادی را بدون توجه بدان اصول نمیتوان مورد بررسی قرارداد .

ما در چند ساله اخیر مشاهده برآوردخارق‌العاده اقتصادی بوده‌ایم که اثرات زیر را در برداشته است : بیشتر تولیدکنندگان که در گذشته بامشکل‌تولید مواجه بوده‌اند امروز با مسائل مربوط بفروش دست بگریبانند .

البته ساختن بهترین نوع جنس با بهترین قیمت قابل رقابت هنوز هم مهمترین عامل در تولید بشمار میرود اما مشکل یافتن بازار برای بسیاری از تهیه کنندگان کالا بصورت یك مسئله حیاتی درآمده است .

کالا و اجناس هرروز بیشتر بصورت استاندارد در میآید .

در بسیاری از رشته های تولید کالا و اجناس شرکت های سازنده اگر از نظر شکل ظاهری یك شکل نباشند از نظر تکنیك بی‌نهایت مشابه یکدیگراند . در چنین مواردی محصولاتی که در معرض فروش گذاشته میشود میبایستی نه تنها احتیاجات مشتریان را برآورده سازد بلکه از نظر روانشناسی ، اجتماعی و حتی اصول زیبا شناسی هم آنها را ارضا کند بنابراین تطبیق محصول با سلیقه مصرف‌کننده بصورت یك‌امرضروری درآمده و این امر برانحراف ذائقه یاذوق مشتری‌بشکلی‌که باخصوصیات یك کالای خاص هم‌آهنگی داشته باشد ارجحیت دارد این دو عامل . رقابت روزافزون مداوم و دخالت عوامل روانشناسی‌درامر خریدامروز بطرز عجیبی تولید کنندگان را بسوی مسائل مربوط به بازاریابی هدایت میکند .

مطالب فوق مستلزم آشنائی باصول زیر است .

۱ ــ دانش بیشتر نسبت به وضع بازار مشتمل‌بر :

الف ــ تحقیق کامل بازار از نظر روانشناسی و آمار برای تعیین احتیاجات واقعی مصرف کنندگان وبرآورد اهمیت آنها .

ب ــ بررسی رقابت در بازار و شکلهای آن .

ج ــ یافتن مناسب ترین روش توزیع برای انواع محصولات .

۲ ــ تطبیق نیروی فروش با روش توزیع انتخاب شده .

۳ ــ بهبود مرغوبیت محصول از نقطه نظر های متفاوت . با در نظر گرفتن مطالب فوق .

٤ ــ فورموله کردن یك طرح همه جانبه که کاملا «باوضاع و شرایط تطبیق کرده و بتواند تبلیغات و فروش و روابط عمومی را شامل گردد » .

آنچه موردنظر ما در بحث فعلی است تجزیه و تحلیل‌یك‌سلسله عوامل است که روی مکانیسم بازار اثر گذاشته و در ازدیاد مصرف ــ گردش سرمایه و بهبود رفاه‌اجتماعی موثر واقع گردد و آنچه در اینجا مورد نظر ماست بررسی مسائلی است که میتواند در گردش چرخهای اقتصاد یك کشور موثر واقع گردد. اگر ادعا میشود که تبلیغات تجاری درازدیاد مصرف موثر بوده و این امر خود بخود برتولید وبالنتیجه سرمایه‌گذاری میافزاید و اگر معتقدیم که ایجاد بازار در گردش پول موثر بوده و پس‌انداز های هفته را بکار تولیدی میکشاند از آنجهت است که دیگر نمیتوانیم به عوامل موثر در رقابت های بازرگانی بی‌اعتنا بمانیم و معتقد به یك تعادل خود بخود باشیم بلکه بخاطر تحولی که درشرایط اقتصادی کشورها بوجود آمده انسان وتفکر انسانی را بعنوان مهمترین عامل تغییر دهنده میشناسیم . و بدیهی است این تفکر انسانی با ابداعات و تغییراتی که در روشهای جاری و متداول بوجود میآورد اگر نتواند سدی در مقابل تغییرات مخرب بوجود آورد لااقل نیروی مخربه آنرا تقلیل خواهد داد بهمین جهت تبلیغات تجاری و بازاریابی امروزه یکی از مسائلی است که از تفکر انسانی سرچشمه گرفته با نیروی علم مجهز گردیده و برای بهبود اقتصاد و شرایط زندگی پا بمیدان نهاده است .

پس وظیفه علمای اقتصاد ومدیران سازمانهای صنعتی است که در آگاهی مردم بکوشند و آنها را به نقش ارگانها و موسسات مختلف آشنا سازند . امروزه هر تاجر روشنفکری میداند که تجارت فقط یك ماشین پول سازی نیست بلکه یك نقش حیاتی وبا ارزشی را در اقتصاد دارد شرکتهای عمومی یا خصوصی امروز بصورت موسسات بزرگ ملی درآمده‌اند موسساتی که وجود و خدماتشان با توجه به مساعدتی که به رفاه و سعادت مردم میکنند مورد قضاوت قرار میگیرد واین امر بایستی برای مردم روشن شود بایستی مردم را از اقداماتی‌که برای رفاه واستراحتشان انجام میشود آگاه ساخت و آنها را در جریان پیشرفت های و ترقیاتی که در کشورشان بعمل آمده گذاشت .

طبق تحقیقی که در سالهای اخیر در فرانسه بادستور دولت و بوسیله یك سازمان خصوصی بعمل آمد واضح شد که عقیده عمومی روی مسائل اقتصادی جاری و موقعیت آن در جهان جز آن است که واقعیت‌های موجود حکم میکند. علت این امر اول پنهان ماندن پیشرفتهای صنعتی از نظر مردم بود که قصور آن متوجه صاحبان صنایع میباشد و دوم عدم علاقه مردم به کسب اطلاعات وسیع‌تر بوده که آنهم علل خاص اجتماعی دارد .

این بررسی نشان داد که نیمی از مردم فرانسه یا اصولا « از وضع صنایع خود بی‌اطلاعند و یا اطلاعاتشان ناقص و مخالف واقعیت است . بیش‌از یك سوم مردم فرانسه حتی از تشکیل بازار مشترك اروپا بی‌اطلاعند همچنین این تحقیق نشان دادکه بیش از سه چهارم مردم فرانسه اصلا مطمئن نیستند که بازار مشترك اثری هم در اقتصاد فرانسه خواهد داشت .

دیگر از درك ناصحیح مردم که دارای اهمیت خاصی میباشد این امر است که بسیاری از مردم فرانسه معتقداند که صنایع عمده فرانسه بکسانی تعلق دارد که جزو فامیلهای ثروتمند بوده واز طریق ارث این صنایع برایشان مانده‌است درحالیکه امروز صنایع فرانسه مثل بسیاری از صنایع آمریکا وانگلستان متعلق بافرادی است‌که سهام آن شرکتها را در دست دارند .

بنابراین مسئله تنها انجام صحیح کار نیست بلکه شناسائی و تفهیم مطالب از طریق مختلف به مردمی است که یا نمیخواهند ویا فرصت شنیدن واقعیات را ندارند اولین قدم برای روشن کردن مطالب اقتصادی است مردم را باید مشتاق ساخت و باید آنها با زبان خودشان سخن گفت بایستی مرکز اطلاعاتی برای صنایع و تجارت بوجود آورد و مردم را در جریان پیشرفتهای روزمره جهان و کشور

قرار داد و اعتماد آنهارا با نشان دادن حقایق نشان داد .

پیشرفتهای اجتماعی‌واقتصادی احتیاج به سرمایه‌گذاری و فکر ــ گذاری دارد واین امر جز از راه استمداد از مردم بهیچ وجه مقدور نیست .

وقتی که صنایع یا تجارت به پول احتیاج دارد یا به منابعی از مهارت و فکر نو محتاج است نیاز به دانش وسیع در شرایط فعلــی اقتصاد کاملا آشکار میگردد .

پیشرفت و توسعه مقدورنیست مگر با سرمایه گذاری و فکرگذاری واین امر جز با جلب اعتماد عمومی طریق کار اعتماد واطلاعات عواملی هستندکه بیکدیگر بستگی تام دارند و این امر احتیاج به سازمانی وسیع دارد که پیشرفتهای اقتصادی را از طریق نوشتن مقالات مصاحبه هــای به آن علاقمند میشوند در امــور اقتصادی مسئله مالی ، آگاهی از مقدور نخواهد بود آگاهی خلاق اعتماد و ارائه صحیح اطلاعــات بوجود آورنده آگاهی است .

امروز صنایع تحت نظرواداره مردم قرار دارد ومیبایست اطلاعات مربوط به آن بطور مداوم بطور تلویزیونی و رادیوئی و سایر وسائل تبلیغاتی بنظر مردم برساند .

مسلما نتایج حاصله از ایــن امر احتیاج بزمان دارد ما آنچه بایستی مورد قبول قرار گیرد وضوح در دسترس مردم قرارگیرد وقتی که یك سازمان صنعتی درهای خودرا بروی مردم گشود مــردم عمومی درآمدها و بهبود وضع اینست کــه هــدفهای تجارتی و سرمایه‌گذاری با بالا رفتن سطح اجتماعی و رفاه مردم پیوستگی داشته و اقدامات صحیح بازرگانی سبب ازدیاد کالا و گردش سرمایه و پول خواهد شد .

نفش مؤسسات تبلیغاتی دراقتصاد امریکا

هیچ چیز بجز پول ، پول در نمیآورد

«توماش ب . ماکولی»

ترجمه : علی‌محمد اربابی

«خیابان مدیسن»را بهتراست خیابانی بنام هوس بنامیم. این خیابان از ابتدای شهر (مانهاتان) شروع شده و در میان خانه‌های متعددپائین‌شهر پیش میرود. اینجا جائی است‌که تمام امور تبلیغی آمریکا برای هدفهای مختلف حل و فصل میگردد .

مردم آمریکا بیش از هــر نقطه دیگر دنیا با تبلیغات تجاری سروکار دارند و بطور متوسطه هر فرد آمریکائی روزانه۱۶۰۰بار بطور مختلف تبلیغ برخورد میکند حال اگر از این امر خوشش‌میآید یا نه مساله‌ایست‌که احتیاج به‌بحث جداگانه دارد .

اما حقیقتی که از آن گریز نیست اینکه جلو چشم یك‌فردعادی آمریکائی چه در حال خواندن چه در حال راندن چه درحال دیدن تلویزیون و بالاخره‌چه‌هنگام کبریت زدن و راه رفتن درخیابان وعده ها و درخواست‌های عنوان شده بوسیله «خیابان مدیسن» دائما میرقصد .

سال پیش آمریکا بالغ بر ۱۲ بیلیون دلار در راه تبلیغــات تجاری خرج کرده و ایــن مبلغ از مجموع تولید ملی کشورهای اطریش و نروژ بیشتر است. در مقابل این هزینه عظیم حقیقتی وجود دارد که هم خون مجریان امور تبلیغات وهم منقدین درآن متفق القول‌اند و آن ایــن است که :

تبلیغات نیروی مهاجم و خلاقه‌ایست که با ترغیب وتشویق میل‌عمومی بفروش کالا کمك کرده و عامــل محرکه‌ای در گردش چرخ اقتصاد هــرمملکت بشمار میرود

مسئله‌ایکه امروز بیش ازحد موردبحث محافل تجاری‌واقتصادی آمریکاست مشکل افزایش تولید بر مصرف است و مسلما هیچ چیز جز واداشتن مصرف کننده بخرید بیشتر به‌حل‌این‌مشکل‌بزرگ کمك نخواهد کرد .

هر قدر مشکلات اقتصادی آمریکا که عبارتست از افزایش حجم تولید ، پیچیدگی مسائل صنعتی ، و افزایش دستمزد ها بیشتر میشود تبلیغات بیش از پیش بعنوان تنها وسیله رسیدن‌بمشتری از طرف صاحبان صنایع پذیرفته شده و جایگزین سیستم فروش بوسیله فروشندگان سیار که در گذشته معمول بود میگردد.

فروشنده زیرك گذشته‌که همیشه برای اقناع خریدار مردد بااعتماد خاصی جمله «خانواده خود منهم جزو مصرف‌کنندگان این جنس هستند » را عنوان میکرد حال جای خود را به زنبیل های چرخدار فروشگاههای بزرگ سلف سرویس داده و تبلیغ که اولین عامل ایجاد رغبت و میل در انسان شناخته شده چون آهن‌ربائی مصرف‌کننده‌را بسوی سوپرمارکتها و فروشگاههای بزرگ میکشاند .

بکار گرفتن تبلیغ بعنوان نیرومندترین عامل برای تحرك کالا ارمغانی است که منحصرا زندگی آمریکائی آن را به‌اقتصاد جهان عرضه نموده و این ارمغان مثل خصوصیات زندگی آمریکائی بطور مداوم در تغییر و تحول است.

با تغییرات شگرفی که در امر صنعت و تجارت در قرن بیستم بوجود آمده و با توسعه و ازدیاد فروشگاههای بزرگ ملی تبلیغات نیز سریعتر از هر زمان دیگر هر روز بشکل نوی در گوشه و کنار تجلی میکند و مسلما باید انتظار داشت که در آینده نیز شکل های تازه‌تری‌بخود گیرد .

از نظر پولی اگر مسئله تبلیغ مورد مطالعه قرار گیرد تبلیغات در آمریکا با مقایسه‌با سال ۱۹۵۰ تقریبا دو برابر شده و پیش بینی میشود که در ده‌سال آینده نیز این میزان دو برابر فزونی یابد .

هر قدر حجم تبلیغ‌افزایش یافته و شکل آن پیچیده ترگردد مخارج آن نیز افزایش خواهد یافت .

بطور متوسط تجارت آمریکا اکنون برای فروش ها هفتاد دلار جنس یك دلار تبلیغ می‌کند در حالی که در سال ۱۹۴۷ برای صد دلار جنس یك دلارتبلیغ‌میشده است .

هر قدر که تبلیغات بیشتر گسترش مییابد بحث و مجادله در اطراف آن نیز بیشتر میشود در گذشته هیچوقت مردان تبلیغ تا این حد نسبت به آینده شغل خود علاقه نشان نمیداده و اینقدر در مقابل این اتهام که «خیابان مدیسن» باعث از بین بردن شئون مراکز تجارتی آمریکا گردیده عکس‌العمل نشان نداده‌اند .

در کشور آمریکا بحث ومجادله درباره تبلیغ امر تازه‌ای نیست‌در این کشور هر کسی لااقل برای یکی دوبار هم که شده در مورد صنعت و تجارت اظهار عقیده نموده است . مرحوم فرد آلن بشوخی اظهار میداشته که «یك موسسه تبلیغاتی از ۸۵٪ بیاوبرو واز۱۵٪ کار مزد تشکیل میشود.»

در سال ۱۹۳۱ فرانکلین روزولت فقید با شگفتی اعتراف میکند که « اگر دوباره زندگی را از سر گیرم اولین فکرم این خواهد بودکه‌تبلیغات‌راکه تصورات واقعی را با تتبع عمیق روانشناسی درهم آمیخته حرفه خود سازم»و اما امروز آمریکائی ها بیش از هر موقع دیگر در باره تبلیغ سخن میگویند زیرا بدون اراده وبا گذراندن هر روز از زندگی خود در تار و پود در هم آن بیشترفرو میروند .

این روزها نغمه هائی که بوسیله فروشندگان دوره گرد ساز میگردد کمتر میتوانند مانند سرو صدا و هیاهوی رادیو و تلویزیون میل‌انگیز و اغوا کننده باشد.

میلیونها نفر آمریکائی ممکنست در شناسائی ارنست همینگوی‌دچار اشکال شوند اما بسیار مشکل است‌کسی را بیابیم‌که جمله(حالتی را که نشاط میآفرید) را نداند مربوط به تبلیغ کدام کالاست‌و اما همین شناسائی با تبلیغات و کالاهای مربوط به‌آن دربسیاری از مردم این توهم را بوجودآورده که آن‌ها نیز در فن تبلیغ متبحر و صاحب نظراند - گرچه در آمریکا نزدیك به پانصد آژانس تبلیغاتی کوچك و بزرگ باشکال مختلف و عناوین متفاوت موجود است اما ستون فقرات این سازمان ها را فقط ۴۲ سازمان بزرگ تشکیل میدهد که بودجه تبلیغاتی مشتریان خود را در راههای مختلف خرج مینمایند و مجموع میزان پول در گردش آن ها از ۲۵ میلیون دلار در سال (تقریبا ۱۸۷۵ میلیون ریال) تجاوز می‌کند .

مسئولین این آژانس ها ذکر این رقم راکه مجموع کار کرد آن‌هارا نشان میدهدصحیح‌نمیدانند و عقیده دارند که این رقم‌برای مردم این توهم را بوجـودمیآورد که موسسات تبلیغاتی دارای استفاده زیادی هستند و حال آن که فقط ۱۵٪ این رقم که کارمزد موسسات تبلیغاتی آمریکا را تشکیل میدهد میتواند ملاك عمل قرار گیرد .

همین ۴۲ سازمان تبلیغاتی هستند که خلق کننده طرحها و شکل های تبلیغاتی برای موسسات کارخانجات یا شرکت های بزرگ جهان میباشند و همینها هستند که مردم با اطلاع یا بدون‌اطلاع هنگام سخن گفتن از آنها بعنوان «خیابان مدیسن» یادمیکنند.

بعکس آنچه شایع است‌آژانسهای بزرگ آمریکا که در راس تبلیغات قرار دارند نقششان صرفا مشاوره نیست بلکه هر یك از این ۴۲ آژانس بزرگ تبلیغاتی دارای خصوصیات یك فرد فروشنده سیار میباشند .

محل فعالیت ۲۵ آژانس در جزیره (مانهاتان) و درحقیقت‌فقط محل کار هفت سازمان تبلیغاتی بزرگ در »خیابان مدیسن« قرار دارد . بیشتر سازمان های کوچك تبلیغاتی تحت نفوذ آژانس های بزرگتری بوده بطور مستقیم یا غیر مستقیم به تشکیلات وسیعتری بستگی دارند .

بنا بر فلسفه های متفاوتی‌که هر یك از مدیران آژانسها بدان معتقدند و یا از جهت کالائی که با آن سرو کار دارند هریك از مردان تبلیغ شیوه خاصی‌را بشکل وسیعی برای استفاده از احساسات و هیجانات بشری انتخاب و اساس کار تبلیغی خود را برآن پایه بنا نهاده‌اند .

این ها در شعار های تبلیغاتی خود از عوامل متفاوت احساس انسانی مانند خود خواهی ناراحتی های والدین تخیلات و رویا ها- مالیخولیا- رقابت های‌بچه‌گانه.. و نظایر آن استفاده میکنند . در آمریکا بطور غیر قابل اجتنابی نقطه نظر های عمده‌ایکه درمسئله ازدیاد فروش موثر واقع شده است عبارتند از : جوانی مسئله جنسی و عشق.

در ذهن مردم آمریکا زمانی یکی از مشروبات غیر الکلی بنام یك نوشابه شیرین و ارزان نقش بسته بود اما از زمانیکه همین نوشابه روش خود را درتبلیغ تغییر داد و بجای‌شعار (با پنج سنت دوبرابر نوشابه‌های دیگر) را به (برای آنهائیکه‌جوان فکر میکنند) تغییر داد فروش و مصرف آن بطرز شگفت آوری بالا رفت . سیگار (مارل برو)که قبلا بیشتر خریدارانش را زن‌ها تشکیل میدادند وقتی درصفحات مجلات بوسیله آقایان نیز دود شد فروشش در ظرف یك سال‌صدو بیست در صد افزایش یافت - این امر زنان را به این سیگار وفادارتر ساخت و مردان را نیز بسوی خود جلب نمود .

از زمانی‌که عروسك های تلویزیونی نمایش تازه‌ای را اجرا کردند و نشان دادند که دختری مشغول‌تعقیب پسری است که‌به‌موهای خود یکنوع داروی تقویت موزده وجمله (اگر دوقوطی‌مصرف‌میکرد دو دختر او را تعقیب میکردند) را عنوان کردند فروش این روغن تقویت مو در بازار در ظرف سه سال از رتبه چهارم بمرتبه اول رسید .

هر قدر که چشم و گوش مردم آمریکا دراین گونه امور بیشتر باز میشود موسسات تبلیغاتی بدنبال نکات باریکتری میروند . (داوید اوژیلوی) مدیر یکی از شرکت‌های بزرگ تبلیغاتی وقتی مسائل زیادی را در یك صور ت‌کامل باجزئیات کامل آن تحت عنوان «چگونه۹ عامل موجود در (شل) کارعالی اتومبیل را مقدور میسازد «ویا»۲۵ نکته جالب که شما بایستی در مورد لـ الـ ام بدانید »راارائه مینماید میداند که مصرف کننده و مشتری امروزی تشنه مطالب واقعی است. دلائل قاطعی که در دست است نشان میدهد که (اوژیلوی) فروش اتومبیل‌رولز رویس را در آمریکا در ظرف سه سال دوبرابر ساخته و این فقط بخاطرتبلیغی بود که(اوژیلوی)۲۱ مطلب کوتاه را تحت این جمله عنوان و منتشر ساخت:

« وقتی با سرعت ۶۰مایل در ساعت حرکت میکنید تنهاصدائی که از اتومبیل های رولزرویس جدید خواهید شنید صدای ساعت الکتریکی آنست. »

جدیدترین تغییراتی که بمذاق مردم دنیای امروز خوش میآید آنهائیست که آقای (دوبل‌برنباخ) مدیر شرکت تبلیغاتی‌برنباخ‌مانهاتان در امور تبلیغاتی بوجود آورده و در تبلیغات صنعتی شوخ طبعی

و مزاح را هم وارد کرده. درزیر تصویری که فقط دریك گوشه آن یك اتومبیل کوچك دیده میشود و بقیه فضای آن خالی است نوشته شده «به کوچك فکرکنید» وگرچه هنوزهم بعضی ازمتخصصین تبلیغ معتقداند که با شوخی نمی‌توان جنس فروخت اما نتایجی بدست آمده نشان میدهد که این روزها این امر چندان هم صادق نیست و دلیل بارز آن را نیز درازدیاد فوق‌العاده فروش‌اتومبیل های کوچك بوسیله همین آگهی میتوان یافت .

ایده های تبلیغاتی بهرنحو که ارائه گردند در صورتیکه عمقا وبا مطالعه انتخاب شده وفرم‌جالبی داشته باشند فوری بوسیله سازمان های دیگرمورد تقلیدقرارمیگیرند. وجود یك پسر و دختر با پای برهنه و یك جویبار روان آگهی مشخص اهم سیگار های دارای اسانس منتول شده .

این روزها هر قدر کالا ارزشش کمتراست‌تبلیغاتش‌پرابهت‌تر و وسیعتر میشود و همین امر بحثی را بین متخصصین تبلیغ‌بمیان آورده که آیا واقعا بایستی برای فروش این کالاهای کم ارزش تقاضای زیادی را بوجود آورد؟

شدیدترین مخالفتی که دراین مورد بعمل آمد از طرف(فیرفاکس کن) مدیریکی از آژانسهای‌معروف شیکاگو است وی معتقد است‌تبلیغ تا آنجا که ممکنست بایستی به‌گفتار یك فروشنده سیار و یا ویزیتور عادی نزدیك باشد و میگوید «چه کسی شنیده است که انسان هنگام اسکی آبی‌سیگار برگ‌بکشد و یا این که روغن موتور را در گیلاس شامپانی بریزد.»

دلیلی را که میتوان برای اختلاف نظر های موجود بین مسئولین تبلیغ ذکر کرد این است که چون شکل زندگی و سرگذشت هریك از این اشخاص متفاوت است عقاید و روشی را که هریك از آنها در مورد نحوه تبلیغ‌دارند نیز فرق میکند .

اکثر مردان تبلیغ بیش از مقدورات یك انسان عادی کار میکنند و هفتاد ساعت کار در هفته برای اینگونه مردان امری عادی است.

سال گذشته در جدول‌حداکثر سن برای مشاغل مختلف آمریکا حد متوسط سن در تحت عنوان مردان تبلیغ ۶۱ سال ذکر شده بود در حالیکه در همین جدول برای مدیران رشته‌های صنعتی و یاناشرین رقم سن متوسط در حدود ۶۸ سال بود .

در آمریکا یك تبلیغات چی ساده با حد متوسط ذوق وابتکار و حداقل ۵ سال سابقه حقوق سالیانه‌اش بالغ بر ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار (تقریبا ۱۱۲۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰ ریال) میباشد و این حقوق ۵۰٪ بیشتر از یك‌کارمند مشابهی‌است‌که درقسمت الکترونیك با درجه مهندسی بکار اشتغال‌دارد. «ماریون‌هارپر» که خودش سالیانه بیش از ۱۰۰۰۰۰ دلار(۷۵۰۰۰۰۰ ریال) درآمد دارد میگوید ـ «تبلیغات لاطاری از هنر وذکاوت است که هرکسی میتواند برنده‌آن باشد».

البته نبایستی فراموش کرد که هر کسی که در این رشته قدم گذاشت از تشویش و نگرانی دور نیست زیرا در تبلیغ عدم تامین قانون کلی است.

مردان تبلیغ در دنیائی بسر میبرند که در آن دنیا دزدیدن مشتری و یا مدیران اجرائی موسسات آن ها امری عادی بشمار میرود یك اخم و یا شانه بالا انداختن صاحب کار زحمات‌شبانه روزی چندین طراح و متخصص را یکدفعه از میان میبرد و چند روزکار طاقت فرسای‌دیگروزحمات شبانه اضافی را بدنبال میآورد.

بطور تقریب متخصصین تبلیغ در آمریکا در سن سی سالگی هرسه سال یکبار ودرچهل سالگی هر چهار سال یکبار کار خودرا در موسسات تبلیغاتی تغییر میدهند و این موضوع نسبت بمشاغل دیگر کم نظیر است . علت این تغییر شغل نبودن تامین کافی است ومثل تمام کسانیکه با افکار و لغات سر وکار دارند این تغییرات و ناراحتیها منشاء داخلی دارد.

در یك بررسی که اخیرا بعمل آمده روشن شده که فقط ۸٪ از مردان تبلیغ سایرهمکاران خود را قابل اعتماد میدانند و این شك و ناراحتی سبب شده که متخصصین تبلیغ عکس‌العمل شدیدی در مقابل انتقادات از خود نشان دهند و شاید بهمین علت است که «جان کریچستن» رئیس انجمن موسسات تبلیغاتی آمریکابه‌همکاران خود توصیه میکند که توجه‌زیادی به اینگونه انتقادات تلخ نداشته و وقت خود را صرف این‌سازند که خود را در مقابل آئینه به‌انسان خوب و زیبا بیارایند که مردم آنرا به‌پسندند .

سال هاست که مردان تبلیغ از حملات شدید منقدین مدرنی چون «اوتورونس» نویسنده کتاب (ترغیب پنهانی) رنج میبرند. «پاکارد» یکی دیگر ازکسانی است که با وجودیکه خود با درایت خاصی تبلیغات شرکتش را اداره مینماید همیشه همان نغمه قدیمی را ساز میکند که تبلیغ قلب حقایق نموده و سلیقه مردم‌راضایع میکند .

اخیرا « خیابان مدیسن » نگرانی‌اش از وجود احتمالی یك توطئه واهی بود و تصور میشد سه نفر د راین توطئه که ضد حرفه تبلیغ ترتیب داده شده دست دارند

نفر اول «آرتور شلزینگر» یکی از معاونان رئیس جمهوری میباشد که در یکی از جملات‌جزوه ۲۳ صفحه‌ای‌اش که د رسال ۱۹۶۰ انتشار داد پیشنهاد کرده بود از تبلیغات هم مالیات گرفته شود .

نفر دوم سفیر آمریکا در هندوستان «جان کالبریت» است‌که درکتاب (نفوذ دراجتماع) مینویسد «تبلیغات سبب میشود مردم پولشان را بیهوده برای اشیائی بپردازند که مورد احتیاجشان نیست در حالی‌که این پولها میبایست برای کارهای مفیدتری خرج شود.»

نفر سوم تاریخ نویس انگلیسی «آرنولد توینبی» است‌که عقیده دارد ترغیب مردم برای مصرف شخصی از طریق تبلیغ یك امر غیر مسیحی است و مینویسد« من بهیچوجه نمیتوانم موقعیتی را در نظر بیآوریم که تبلیغ بصورت عمل شیطانی جلوه نکند » وسال گذشته پیشنهاد نابخردانه را بدین شکل مطرح نمودکه«سرنوشت تمدن غربی ما در مقابل تلاشی که برای تفوق بر کمونیسم میکند بمراتب ثمره بهتری خواهد داد اگر که خیابان مدیسن نیزفعالیتش را در این راه متمرکز میساخت». با توجه به این برآشفتگی شدید ناشی از حملات چند جانبه مخالفین و با وجود نگرانی شدید مردان تبلیغ از یك تهدید واهی وعجیب که اصولا وجود خارجی ندارد باید دانست که اصولا هیچ دلیلی موجود نیست که نشان دهد این جبهه جدید تدارك حمله‌ای را برضد تبلیغات آمریکا می‌بینند . این روزها به«شلزینگر»نه « کالبریت» هیچیك وزنه سنگینی در شورای اقتصادی واشنگتن نیستند . خزانه داری آمریکا نیز علنا اظهارداشت که هیچ مالیات خاصی‌برای‌تبلیغات در نظر گرفته نشده است وکاملا روشن است که مقصد اساسی «بوبی کندی» ازاظهار عقیده در مورد موسسات تبلیغاتی نیز صرفا **بالا بردن سطح فروش‌کتاب‌جدیدش بوده است.**

قسمت اعظم مدافعات مردان تبلیغ در مقابل این انتقادات و مخالفت‌ها براساس نقش عمده تبلیغ در اقتصاد استوار شده‌است. از اینگونه مباحثات که بگذریم‌اگر واقعا معتقد باشیم که تبلیغ مردم‌را بخرید محصولاتی‌کهمورداحتیاجشان نیست ترغیب میکند بایدابتدا قبول کنیم که بشر بجز یك غار یك چاقو و تیرکمان به چیز دیگر احتیاج ندارد وگرنه **مطلع ساختن مردم از وجود محصولات جدید و تکمیل یافته از طریق تبلیغ به افزایش تقاضای عمومی کمك کرده و این امر بنوبه خود در بالا بردن سطح تولید موثر است . افزایش سطح تولید سبب ازدیاد کار و فعالیت شده رفاه و بهبود بیشتری را موجب می‌گردد.**

آنچه را که مردان تبلیغ نمیتوانندبدرستی پاسخ‌گفته وجواب قانع کننده‌ای بمخالفین خودبدهند این امر است‌که تبلیغ در آمریکا با ترغیب پنهانی خود مردم رامثل عروسکهائی بی‌اراده‌بازی‌میگیرد سلیقه عمومی را ضایع میسازد و بالاخره بنفع تجار حریص قدم برمیدارد .

عدم توانائی در پاسخگوئی به این خرده‌گیها را بایستی جستجو کرد .

در اشتباهات خود مردان تبلیغ

در میان این اشخاص بسیارانند کسانیکه میل دارند حرفه خود را بیش از آنچه شایسته است با شکوه و عظیم جلوه دهند وادعا میکنند همانطورکه یك قالب‌صابون را میشودبا تبلیغ فروخت‌دموکراسی یا «شیوه زندگی‌آمریکائی»را نیز با آن میتوان تغییر داد.

حقیقت این است‌که از نظر تعریفی تبلیغ فرم مرئی و بدون پرده‌ای از ترغیب است که‌هدف آن کاملا بر مصرف کنندگان‌روشن میباشد مطالعات عمیقی نیز که در این زمینه بعمل آمده روشن میسازد که تبلیغ بهر اندازه‌هم دارای قدرت باشد وقتی که تقاضای وسیعی برای خرید موجود نباشد بهیچوجه قادر بحل مشکلات‌نیست. هر قدر هم مردان تبلیغ برای اقناع مشتری در قدرت تبلیغ غلو نمایند بدین زودی ماجرای (ادسل) ازخاطره ها بیرون‌نخواهد رفت.

«فیرفاکس‌کن» وآژانس او

آنقدر در تبلیغات خود و در برانگیختن علاقه مردم موفقیت بدست آوردند که بیش از سه‌میلیون نفر در هفته اول برای دیدن‌اتومبیل های ادسل به نمایشگاه بزرگ فرد هجوم آوردند اما چون‌کمتر کسی این اتومبیل‌ها را مطابق ذوق‌و سلیقه خود یافت با وجود این‌تبلیغ وسیع‌کمپانی در فروش ادسل‌توفیقی بدست نیآورد .

فروش کالا بمردمی که‌باسلاح بدبینی مجهزاند وایجاد نفع دو جانبه درجریان عمل خریدوفروش مشکل ترین و در عین حال موفقیت آمیزترین عمل تبلیغ را در جهان امروزی تشکیل میدهد. امروز در آمریکا هر شرکتی به نسبت حجم کار خود یکی از تبلیغ کنندگان بزرگ بشمارمیرود وبطور متوسطهر شرکتی ۷ سال یکبار آژانس خود را تغییرمیدهد. تلاش موسسات تبلیغاتی که معمولا هم بقیمت گرانی تمام میشود برای حفظ مشتری از حدود انجام‌خدمات عادی ـ طرح ریزی نوشتن ویا نشر آنها تجاوز میکند .

امروزه موسسات مجهز و بزرگ تبلیغاتی در مورد تولید کالای جدید و روش فروش آن به مشتریهای خود توصیه های سودمندی میکنند.در موردبسته‌بندی و نوع عرضه آن ببازار نظرمیدهند و در عین حال گروههائی را برای مطالعه در امر ازدیاد فروش و بازاریابی بکار میگمارند . اینها در هر حال خود را شریك‌صاحبان آگهی دانسته سعی میکنند بهر طریق شده خدماتی نیز ازنظر ایجاد روابط عمومی مطلوب برای آنها انجام دهند.

این گونه خدمات اضافی آنقدر اثر عمیقی در تولید منافع بیشتر برای کمپانیها داشته که میزان کار مزد این امور درظرف چند سال بمیزان قابل توجهی افزایش یافته است.

سنگین‌ترین قسمت مخارج تبلیغات جدید را اقدامات مقدماتی که اصطلاحا بآن تحقیقات اولیه میگویند بوجود میآورد امروزهر آژانس معتبری عملا طراحان نویسندگان و هنرمندان خود را با کار متخصصین علم‌الاجتماع ـ اقتصادیون ـ آمارگیران و یك یا دوروانشناس تقویت و پشتیبانی میکند آنچه را که تمام این محققین بدنبالش روانند روشی‌است که با اتکاء به آمار علمی‌بتواند چهار چوب و فرم تبلیغات بهتری را مشخص ساخته و بتواند کالا را بدون هیچ وقفه‌ای بفروش رساند .

مردان تبلیغ و صاحبان‌آگهی برای یافتن فورمولی چنین اعجاز انگیز از انجام هیچگونه خرجی دریغ نمیکنند.

اکنون موسسه « مانهاتن اینتریابلیك» با دستگاه مخصوصی مشغول تحقیق است تا بفهمد کدام قسمت از یك آگهی ابتدا بچشم بیننده میخورد .

در شیکاگو ماه‌گذشته مصاحبه کنندگان آژانس (تاتام لایرد) با یك تریلی بزرگ مشغول انتخاب یك سری مشتری از مراکزفروش بودند تا بطریق راندوم از عکس‌العمل آنها درمقابل آخرین پروژه اجرا شده بوسیله آژانس خوداطلاع حاصل نمایند.

آژانس (لئوبرنت) اخیرا کوشش میکند که نظریات خانمهای خانه‌دار را در مورد فرم‌تبلیغات جدیدی‌که در صدد اجرای‌آنست جمع‌آوری نماید.

اگر چه تمام فعالیتهائیکه تاکنون انجام شده یك راه صد در صد مطمئن را برای یافتن عکس‌العمل‌های انسان‌درمقابل‌آمارگیری نشان نداده معهذا هرروزه خیابان (مدیسن) برای قانع کردن تجار و صاحبان صنایع در تصویب‌بودجه هائی جهت تحقیقات وآمارگیری پا فشاری بیشتری نشان میدهد.

مشکلی را که دراین مورد بیشتر تجار با آن مواجه هستند و بصورت معمائی در مقابلشان‌جلوه میکند مدتها قبل بوسیله (جان وانامیکر) صاحب یك فروشگاه بزرگ آمریکا در زمان خودش معتقد بودند نابغه‌ای در تبلیغات است بیان شده است.

(وانامیکر) میگفت «میدانم که نیمی از پولهائی را که در راه تبلیغ و تحقیق خرج‌کرده‌ایم بهدر رفته اما مهم این است‌که من نمیدانم کدام نیمه » . مقصود ازاین جمله این است‌که برای‌آقای (وانامیکر) هم روشن نیست که آیا نصف بودجه‌ای که خرج تحقیق کرده ضایع شده است یا نصف دیگر را که خرج تبلیغات کرده .

در موارد مشابه دیگر هم همیشه اثر تبلیغ بصورت یك‌حدس غیر مشخص در ذهن تاجر باقی میماند مسئله دیگری را که تاجر بیشتر روی آن حساب میکندگرانی قیمت تبلیغ است.

نزدیك به دوسال قبل یك میلیون دلار بودجه‌سالیانه‌بزرگترین رقم برای انجام تبلیغات یك موسسه بزرگ تولیدی بودوامروز فقط داشتن یك برنامه تلویزیونی همین مبلغ هزینه را لازم‌دارد.

با وجود تلاش‌های همه‌جانبه‌ای که برای کم کردن مخارج‌تبلیغاتی بعمل میآید این طور بنظرمیرسد که هزینه‌های تبلیغاتی بطور دائم روبافزایش است.

لزوم توسعه تبلیغ برای‌جلب مصرف کننده‌وانجام یك‌سری‌تبلغیات مخفی برای بالا بردن اعتبارشرکت یا یك علامت تجارتی خاص نیز به این افزایش هزینه کمك می‌نماید.

امسال تجارت آمریکا درامور ساختمانی و صنایع سنگین درحدود ۶۰۰ میلیون دلار تبلیغ کرده‌و بیشتر تبلیغ این صنایع برای‌جلب نظر آژانس‌های واسطه‌کارپردازیها و بر قراری یك شهرت مناسب‌برای شرکت آنهابوده . انجام‌اینگونه تبلیغ مستلزم بکار بردن ذوق و ذکاوت خاص ازطرف موسسات تبلیغاتی واستفاده صحیح و بجا ازاین نوع تبلیغات از طرف خود این سازمانها است.

بعلاوه امروز تبلیغ آموزشی نیز نقش عمده‌ای را بعهده گرفته مثلا برنامه (افکار بزرگ مردان غرب) که بوسیله شرکت (کونتیز) اجرا میگردد با نشان دادن نقش پیشرو مردان بزرگ در عصر حاضر هدفش جلب نظر کارمندان و سهامداران ـ کسب وجهه‌برای شرکت و همچنین بدست آوردن مشتری بیشتر میباشد .

(جنرال موتور) که بزرگترین تبلیغ کننده جهان بشمار میرود (بوجه سال ۱۹۶۱ این کمپانی۱۴۲ میلیون دلار بوده) هدف تبلیغات خود را برای سال آینده براساس بالابردن سطح فروش از طریق کسب اعتبار بیشتر بنیان نهاده است.

اما تولید کنندگان کالاهای کوچك و بسته بندی شده مثل‌آب جو ـ داروها ـ سیگار ـ مواد غذائی در قوطی وسایر محصولات که قیمت آنها زیاد نیست روش تبلیغ همه جانبه وسیع مثل گذشته ادامه خواهد یافت.

بعضی ازاین سازمان ها با وجودیکه وسعت کارشان از تولید کنندگان رقیب کمتر است معهذا حجم تبلیغاتشان بمراتب‌ازآنهابیشتر میباشد.

بهمین دلیل چهار شرکت‌کوچك سازنده سیگار در آمریکا ازفروش خود تقریبا در صدی معادل دو برابر شرکت های بزرگ را به تبلیغات تخصیص میدهند .

در دنیائی که سرعت درکار لازمه‌اش استفاده ازکالاهای بسته شده و آماده است و در زمانی که بودجه تبلیغاتی کالا گاهی از هزینه تولید آنهم بیشترمیشود مشتری چشم بسته‌بندرت‌قادرخواهد بود بین مارکهای رفیب هم نشخیص قائل شود واین وظیفه مردان تبلیغ است که با یافتن تفاوتها و برتریهای واقعی یا تخیلی کالای مورد نظر را به مصرف‌کنندگان بشناسانند . پیدا کردن چنین مواردی هر روزبرای خیابان «مدیسن» مشکل ومکل‌تر میشود .

هر آمریکائی بطور متوسطه سالیانه ۱۰۰۰۰ر۱۰ برنامه تبلیغاتی را از طریق تلویزیون می‌بیند هرقدر این تعداد بیشتر شود مردان‌تبلیغ در مورد کم اثر شدن آنهابیشتر نگران میشوند.

مدیرآژانس (فرتس) شیکاگو آقای (لوجین «عقیده داردکه» مشتریان کم‌کم در مقابل تبلیغ کر و کور میشوند و قدرت‌نادیده گرفتن تبلیغ وگذشتن ازآن‌درآنها نضج میگیرد .

وگرچه چندی قبل نیز مدیر آژانس (یانك‌اند روبیکام) آقای «جرج گریبین» اظهار داشت که «زمان فریاد کشیدن بزودی سپری خواهد گشت».

اما بیشتر متخصصین تبلیغ‌نظر میدهند که این زمان هنوز سپری نگشته و مدارکی را درموردازدیاد آگاهی عمومی در زمینه تبلیغ ارائه میکنند و اظهار میدارند که این آگاهی عمومی صرفا فریاد های بی اثر وتبلیغات بی هدف را از تبلیغ واقعی مشخص میسازد و درنتیجه ارزش تبلیغات را بالا خواهد برد .

اکثریت مردان تبلیغ بااستناد به روشها وافکار رهبران این‌فن برای بکرسی نشاندن عقاید خود عیب کار را متوجه‌جدیدترین‌وسیله تبلیغ یعنی تلویزیون میدانند و میگویند منطقا صحیح‌ترین جابرای یك جنس مثل داروی ضد بود ویا کرست زنانه مجله مخصوص خانم هاست واین عمل اگر با دقت انجام گیرد نتیجه مطلوب را خواهد داد اما درعین حال در میان همین طبقه انتخاب شده اگر کسی میل نداشته باشد آگهی‌مورد موردنظرما را به‌بیندمیتواندبآسانی مجله را ورق بزند واز آگهی ما بگذرد.

اما آنهائی که در اطاق‌نشیمن یك خانواده معمولی به تلویزیون مینگرند معمولا طبقات انتخاب شده برای کالای فوق نیستند

که آگهی ما برایشان مطلوب باشد و حتی در میان آنها ممکن است کسانی باشند که آگهی های ما برایشان عجیب و ناراحت‌کننده نیز باشد.

در این مورد (نورمن اشتراوس) مدیر آژانس «والتر تامپسون» میگوید ورق زدن یك مجله برای خواننده بسیار آسان است اما تلویزیون وسیله‌ایست که با جسارت هرچه تمامتر به‌بیننده‌ای که اصلا میل ندارد مطالب مورد نظر مارا بشنود یا به بیند آگهی را تحمیل مینماید و حال آیا این امر را از نظر کلی بایستی نیکو پنداشت یا نه خود بحث‌مفصلی دارد.

مشکل فروش ایجاد راههای عجیب را در تبلیغ موجب شده و سلیقه بد و تکرار و مکررات را سبب میشود.

موسسه (تدبیت) مانهاتن که نزدیك به‌هشتاد در صدکارخود را به‌تلویزیون اختصاص داده توانسته در ظرف بیست و دوسال (ازسال ۱۹۴۰) ازهیچ به‌پایه مقام پنجم آژانسهای آمریکا برسدمجموع کار این موسسه در سال گذشته بالغ‌بر ۱۶۳ میلیون دلاربوده. درطرح‌زیر (پول تبلیغات کجامیرود) مقایسه‌ای بین سال ۱۹۴۹ و۱۹۶۱ بعمل آمده و رسیدن سریع تلویزیون را به پایه وسائل تبلیغاتی دیگر کاملا نشان میدهد.

در مورد ارائه فرم های تبلیغاتی‌نیز اختلاف نظر های زیادی موجود است. مدیر موسسه (بیتز) آقای «روسرریوز» بقاعده حاضر معتقد است و آن این است که جمله‌ای را بایستی پیدا کرد‌که نفع خاصی را به‌مصرف‌کننده وعده دهد و بعد بوسیله ارائه این جمله کالا را بفروش رساند واین‌همان روشی است‌که بعضی از مردان تبلیغ آنرا مثل قطره قطره ریختن مداوم و یکنواخت آب کننده‌ترین شکنجه ها نام نهاده‌اند.

جمله «نان واندراز۱۲ طریق به‌تقویت بدن شما کمك مینماید». ازنوع همین شعارهای‌مداوم‌تبلیغاتی است.

همین موسسه (بیتز) برنامه تلویزیونی مخصوصی برای قرص «آناسین» دارد که هزینه آن‌در حدود ۲۰۰۰۰ دلار میباشد وهمین برنامه فراموش قرص را ۳۵میلیون دلار بالا برده است. آقای «ریوز» معتقد است‌که هیچ نباید از این امکان که رقبای کالا نیز ازهمین شعارها یا مشابه آن استفاده‌خواهند کرد نگران بود . کمیسیون‌تجارت آمریکا بعضی اوقات این مسائل را بنحوی مورد بررسی قرارداده و روی این ادعا ها انگشت می‌گذارد.

قرصهای (کارتر) که مسئله‌اثر گذاشتن روی‌کبد را در اعلانات خود سالها قبل ازاینکه باآژانس (بیتز)کارکند عنوان ساخته بود مورد اعتراض این کمیسیون قرار گرفته و سالها وقت این آژانس در محاکم مختلف صرف بکرسی نشاندن این ادعا گردید . نشان دادن قطرات درخشان آب درداخل روغن (بلوبنت) و ادعای این‌مطلب که این تنها روغنی است که دارای «گوهر طعم» میباشد ویا چسباندن ذرات شن روی ورقه‌های پلاستیکی برای نشان دادن این امر که با این خمیر ریش حتی‌سمباده را هم میتوان تراشید نیز شدیدا مورد مواخذه کمیسیون تجارت آمریکا قرار گرفت این امور سبب گردید که آژانس(بیتز) با هزینه گزافی چندین‌دکترومتخصص را برای موجه جلوه دادن ادعاهای خود بکار گمارد.

علی‌رغم اختلافاتی که بین موسسات تبلیغاتی در مورد استفاده از تلویزیون و یا رویه های‌تبلیغی موجود است همه آنها در مقابل اعتراضات کمیسیون فدرال قدعلم کرده‌اند و بیشتر آنها در مورد رای غیر عادلانه‌ای که از طرف همین کمیسیون برعلیه آژانس (بیتز) صادر شده اعتراض کرده آنرا عجولانه دانسته‌اند . برطبق این رای آژانس (بیتز) محکوم بپرداخت جریمه گردید و ازبکار بردن این شعار ها محروم شده است.

اکثریت کسانیکه امورتبلیغات را در آمریکا اداره میکنند از تلاشی که کمیسیون فدرال تجارت برای گرفتن اختیارات بیشتر از کنگره بعمل میآورد سخت‌نگرانند و این امر را خطر بزرگی برای آینده خود میدانند . مانع عمده‌ای که این کمیسیون فعلا با آن‌مواجه است مسئله مطرح ساختن این اعتراضات در محکمه میباشد وفقط برطبق رای محکمه میتواند ازادامه نشر یك آگهی‌که آن را ناصحیح و یا گمراه کننده میداند جلوگیری نماید.

در مورد قرص (کارتر) ۱۶ سال طول کشید تا این کمیسیون توانست شرکت را وادارسازد کلمه جگر را ازروی قرصهایش بردارد وحال این که کمیسیون‌اعمال‌قدرت بیشتری را برای جلوگیری از اعلانات تبلیغاتی بدون ارجاع آن به دادگاه طالب است. این‌درخواست سالهاست در واشنگتن موردبحث بوده و احتمال دارد مدتها نیز این امر بهمین شکل ادامه یابد. مسئله کنترل وسانسور آگهی‌ها که فقط تعداد کمی از آگهی‌ها را محدود خواهد ساخت مورد موافقت معدودی ازمتخصصین تبلیغ نیز میباشد اینها معتقداند که حتی بایستی‌قدرت بیشتری‌نیزبه‌این کمیسیون داده شود تا مسئله سلیقه مردم بیشتر مورد توجه قرارگیرد اما این مسئله ازطرف بیشتر تبلیغ کنندگان مردود شناخته شده‌است.

گروه اخیر اظهار میدارند که انتخاب وبرگزیدن یکعده ودادن این حق بآنها که سلیقه خود را در قضاوت روی خوبی و بدی آگهی دخالت دهند با روح یك اجتماع آزاد سازگار نیست.

نویسنده انگلیسی «نورمن دگلاس» مینویسد «دردنیای امروز تبلیغات هرکشوری منعکس کننده‌ایده‌آلهای مردم آن سرزمین بشمارمیرود».

از خدشه هائی که گاهگاه براین شیشه می‌نشیند که بگذریم تبلیغات بصورت آئینه‌ای عظیم‌و جهانی درآمده که دنیای اطرافش را درخود منعکس میسازد. و دور اندیشانی که تبلیغات آمریکا را مورد حمله قرار میدهند عمدا یا سهوا مثل کودکانی شلاق بدست برتمام خصوصیات اجتماعی وفردی آمریکا میتازند . عالیترین دفاعی که یك مرد تبلیغ تاکنون برود عقاید (آرنولد توینبی) نگاشته (ویلیام برنباخ) است‌که میگوید «آنچه توینبی ازآن متنفر است تبلیغات نیست بلکه آن رکورد اقتصادی است ... اگر آقای‌توینبی معتقد است‌که اجتماع ماتریالیستی اجتماع خوبی نیست و من هم‌شخصا نمی‌گویم که این عقیده عقیده‌بدی است پس وظیفه او درمقابل‌بشریت این نیست که صرفا بیکی از ابزار موجود در این اجتماع که درهر اجتماع دیگری هم نظیرش موجود است حمله کند بلکه دین اوبه بشریت حکم میکند که تمام‌عوامل موجود در چنین اجتماعی راموردعتاب قراردهد. »

در حقیقت آنچه راکه‌مورخی چون (توینبی) بایستی بداند این است که در اجتماعات مرفه امروز سلیقه‌وآموزش‌مردم عملاً به‌عالیترین درجه کمال رسیده است وتبلیغات لااقل بطور غیر مستقیم درایجاد این رفاه اجتماعی مساعدت نموده و دربالابردن سلیقه همگانی سهم موثری را داشته است واین همان توسعه عظیم‌اجتماع‌ماست‌که‌تصویرش در آئینه غول آسای‌تبلیغات‌امروزی ما منعکس گردیده است.

اکنون حتی خرده‌گیران هم اذعان دارند عهدی‌که مجلات از یك مشت آگهی خالی ازلطف و پیش پا افتاده پربود و داروهائی درآن تبلیغ میشد که از سل‌گرفته تا ضعف قوه باء را معالجه میکردند گذشته است و تبلیغات تجارتی‌راهی بس طولانی را پیموده است وآن زمان سپری گشته که یك سازنده صابون آمریکائی میتوانست جار بزند که «اگر سرخ پوستان را به استعمال پالمولیو عادت دهیم بلافاصله متمدن میشوند.»

امروز بیشتر تبلیغات تلاشش اقناع مشتری ورعایت سلیقه اوست و باتوجه نفوذی که فرهنگ‌ورشد اجتماعی را دراقتصاد آمریکابعهده خواهد داشت و هم بیش از پیش ذوق وطبق زیبا پسندی‌مردم‌آمریکا را ارضا خواهد نمود.

در هرحال وضع اجتماعی و فرهنگ آمریکا بهرشکلی که‌در آید علائم و نشانه‌های آن بصورت برجسته‌ای درتبلیغات منعکس‌خواهد گردید و چون مردم آمریکا شیفته یافتن راه بهتری برای زندگی خود هستند مسلما دراین زمینه نیز راههای‌نوتری‌را خواهندیافت.همین جستجوی برای برقراری‌یك زندگی بهتر و مشغله زیاد بمردم آمریکا کمتر مجال میدهد که وقت‌خودرا صرف این نگرانی سازند که‌ممکن است تبلیغات تجارتی به روح‌اجتماع آنها خللی وارد آورد وبعیدبنظر میرسد که هیچ‌کسی در آمریکا باندازه مردان تبلیغ بتواند علاقه و محبت عمومی را بخاطر سهمی که در غنی ساختن اجتماع‌بعهده دارندبسوی خود جلب‌نمایدوبهمین ترتیب بعید بنظر میرسد که‌مردم آمریکا در تشخیص واقعی یك مرد تبلیغ بعنوان فروشنده‌ای‌موثر دچار تردید و اشتباه گردند.

فروشنده‌ای که بدون تلاش او جهان مکانی از نظر زیستن و زندگی بدوی تر واز نظرلطف و خوش آیندی تهی‌تر جلوه‌گر خواهد شد .

نیک ونوین

معرف بهترین کالا

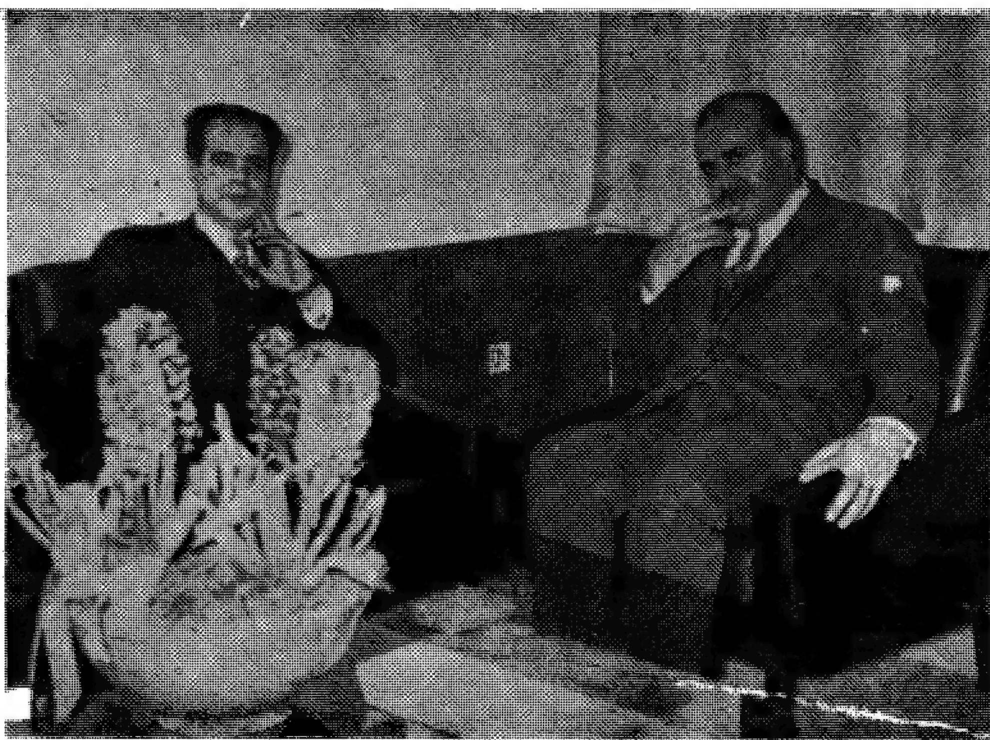
نیک ونوین ـ پر آوازه‌ترین و محبوبترین سازمان مجهز و کار ـ آزموده تبلیغات و بازیابی ـ نامی که ذوق وسلیقه وابتکار را با خاطرات شیرین و دلپذیر وشواهد بیشمار در ذهن هر ایرانی و هر فارسی زبان زنده مینماید امسال با حرحهای بیسابقه و برنامه های ابتکاری جدید بمیدان می‌آید .

گسترش و توسعه فعالیتهای تبلیغاتی نیک و نوین در برنامه های اصلی و اساسی امسال پیش بینی میشودآقای ابوالقاسم‌رحیمی موسس و سرپرست نیک و نوین بخبرنگار ما گفتند : آمیختن عالی ترین و جهاتی ترین طرحهای موفق تبلیغات بین‌المللی باذوق واندیشه و سلیقه و خواسته ایرانی و علائق وسنن ملی و مبانی .

بدرخشان هنر و فرهنگ کهن کشور ما راز موفقیت نیک ونوین درتمام طرحهای‌تبلیغاتی خود بشمار میرود ـ ما تجارت را با هنر آمیخته‌ایم و با معرفی کالا ها و مصنوعات و محصولات داخلی در راه هدف‌مقدس وباشکوه رستاخیز ملی که خواست و آرزوی هرایرانی است گام برمیداریم .

من صریحاً میگویم : تقلید خشك وتوخالی وبیجا موجبات شکست هرطرح تبلیغاتی را فراهم میسازد تبلیغات رادیوئی موثرترین‌و با ارزشترین و ارزانترین نوع بازاریابی در ایران‌بوده وتاسیسات جدید فرستنده های‌رادیو ایران وراهنمائی صمیمانه مسئولین محترم وزرات اطلاعات مارا در معرفی های بیشتر صنایع کالای داخلی یاری مینماید .

کار نو و شیوه نو
ابتکارنو سه‌عامل
اصلی موفقیت
نیك و نوین



آقای رحیمی مدیر مؤسسه باتفاق آقای فعالی معاون خود

سوقاتی مسافرت اروپا

اداره تاسیسات مرکزی سازمان نیك ونوین بتازگی از محل سابق انتقال یافته است بمحل جدید و مستقر و مجهزتری در خیابان فردوسی ـ کوچه برلن ـ ساختمان گوهر ـ طبقه چهارم که در همان لحظه ورود تمیزی ونظافت وزیبائی ودکوراسیون ساده وجالب موسسه ومهربانی و خوشروئی و نزاکت فوق‌العاده کارکنان نیك ونوین و اطلاعات و تجربیات بی‌اندازه آنها در امور تبلیغاتی و بازاریابی ودر مراحل بعدی تاسیسات مجهز ـ استودیو «اطاق فرمان دستگاههای ضبط برنامه و کار و فعالیت و مشغله دائمی گویندگان و اپراتورها واعضای ارکستر و شاعر و لطیف ساز و نویسنده و آهنگساز جلب توجه هر تازه واردی را میکند .

از یکطرف‌تلفنها پشت‌سرهم زنگ میزنند و مسئولین قسمت مربوطه بسئوالات مردم جواب داده‌در امور تبلیغاتی با صاحبان کالا مشورت کرده و سفارشهای جدید را برای بخش آگهی‌دریافت میدارند ازطرف دیگر متن اشعار ـ آهنگها وصورت برنامه ها بسرعت تایپ شده و باداره رادیو فرستاده میشود تا پس از تصویب دستور اجرای آنها داده شود .

در اطاق ادیت (کنترول) نوار های ضبط شده بدقت‌بررسی شده وعیوب واشکالات آنهامرتفع میشود در اطاق فرمان اپراتور ها و تهیه کنندگان ورزیده بضبط برنامه های جدید مشغولند . گویندگان کار آزموده شعرا ونویسندگان باذوق مسئولین فنی همه وهمه دست بهم داده‌اند وبیاری کارکنان اداری و مالی موسسه چرخ این دستگاه مجهز را میگردانند نتیجه تلاش و تکاپو بصورت مجموعه‌ای ازذوق وسلیقه وابتکار و تحت عنوان نیك ونوین معرف بهترین کالا همه روزه ساعت دو وربع تا دوونیم بعداز ظهر (۱۵ـ۱۴ الی ۳۰ـ۱۴) بوسیله امواج تیز پرواز رادیو ایران در زیر آسمان آبی‌رنگ و شفاف کشور ما انعکاس مییابد و بگوش میلیونها شنونده ایرانی و فارسی زبانان ممالك همجوار ومناطق آسیا و خاور دور میرسد . نامه ها و سفارشات فراوانی که نیك ونوین همه هفته از موسسات بازرگانی معظم ممالك اروپائی دریافت‌میدارد موید این ادعا و شهرت واعتبار هرچه بیشتر تبلیغات نیك و نوین است اگر از بنده کسی بپرسد عامل موفقیت نیك ونوین کیست یا چیست ؟ من بدون تردید وقابل جواب میدهم گذشته از ذوق و سلیقه وابتکار وابداع‌طرحهای نوین ودستگاههای مجهز و کار آزموده آنچه نیك ونوین را باین اندازه مشهور ومحبوب کرده‌است مهربانی ومردمداری ذاتی آقای ابوالقاسم رحیمی سرپرست نیك ونوین است که لبخند پر محبت و قیافه گشاده ورفتار پراز نزاکت او هرتازه واردی را مفتون کرده واینك کار بجائی رسیده که بعضی ازصاحبان کالا در تمام امور تجارتی وتبلیغاتی دلسوزانه وبا محبت و صداقت هر چه تمامتر طرحهای‌وراههای مقرون بصرفه را در اختیار آنها گذارد . بارها اتفاق افتاده که ایشان تبلیغ جنس مخصوص را از نداشتن مشتری آن جنس بصلاح ندانسته و از صاحب‌جنس خواهش‌کرده است از تبلیغ و مخارج آن کالائی که در بازار مشتری فراوانی نداشته و سود چندانی عاید تولید کننده یا وارد کننده جنس مربوطه نمیکند صرفنظر نماید واین‌پول را بمصرف دیگری میرساند چه نیك و نوین برای کالائی تبلیغ میکند که سطح تقاضای آن در بازار بالا بنظر میرسد ولانسه کردن چنین کالائی که بدرد نیازهای اجتماعی و اقتصادی مردم خوردآینده روشنی برای صاحب کالا دارد مهمترازهمه اینکه نیك‌ونوین کالاهای غذائی وداروئی را وقتی معرفی‌مینمایدکه از نظر بهداشت از طرف وزارت بهداری گواهی شده باشد .

آنروزهم باوجود اینکه آقای رحیمی بواسطه تمرکز در محل جدید و پذیرائی از دوستان و آشنایان‌و مشتریان محترمی‌که برای گفتن تبریك محل جدید و بازدید از تاسیسات تازه نیك‌ونوین باداره آمده بودند فرصت کمی داشتند با نهایت محبت و خوشروئی مرا پذیرفتند و همینکه مطلع شدند اینجانب برای استحضار بیشتر خوانندگان ارجمند از فعالیتهای یکساله نیك ونوین در موسسه حضور یافته‌ام با نهایت صمیمیت اطلاعات تازه‌ای در اختیار گذاردند سال گذشته آقای رحیمی بدعوت موسسات تبلیغاتی آمریکا و اروپا قصد مسافرت شش ماهه‌ای بخارج داشتند اما بقرار اظهر ایشان گرفتاریهای فراوان اجازه مسافرت بآمریکا ر انداده وایشان تنها مدت سه ماه در اروپا بکسب تجربیات



خانم تاجی احمدی ـ آقایان علی تابش و حمید قنبری گویندگان درحال انجام برنامه

تازه و مطالعات تبلیغات وبازاریابی پرداخته وبا حاصل گرانبهائی که بدست آورده‌اند پس‌از بازدید مهمترین موسسات رادیو تلویزیون و دستگاههای تبلیغات وبازاریابی بایران مراجعت نمودند .

اولین سئوال من از آقای رحیمی درباره سوقاتی ایشان از سفر اروپا بودآقای رحیمی گفتند: بهترین هدیه و سوقاتی من برای دوستان ارجمند وعلاقمندان برنامه های نیک و نوین تجربیات ارزنده «طرحهای نوین تحولات دامنه دار در امور تبلیغاتی و برنامه های ابتکاریست که انشااله بزودی همه شنوندگان ارجمند رادیو ملاحظه خواهند فرمود .

تاریخچه نیک ونوین

آقای علی اکبر فعالی معاون براستی فعال موسسه درباره برنامه های هشت ساله نیک ونوین وعلل موفقیت و تکامل آنها گفت : پس‌از سالهای زیادی که از آغاز اجرای این برنامه سودمند و شنیدنی و پر شنونده میگذرد و همه ناظر موفقیت روز افزون آن‌هستند باید علل موفقیت‌را درعوامل وتجربیات زیر خلاصه کرد .

اولا : نیک ونوین‌تبلیغات تجارتی رادیوئی را از صورت خشک و یکنواخت سابق خارج ساخت و برنامه های جدید و جالبی به شنوندگان ارجمند رادیو ایران عرضه کرد . البته راهنمائیهای صمیمانه کارکنان وزارت اطلاعات مارا در این هدف موفق ساخته است .

ثانیا توجه هر شنونده رادیو را بمطالب تبلیغاتی و تجارتی که‌کمتر حوصله و رغبت استماع اینگونه برنامه ها بوی دست میداده است جلب نموده واینکار مهم از طریق انتخاب بهترین آثار آهنگسازان همکار نیک ونوین واشعار جالب و بکار بردن آنها در خلال گفته های گویندگان ونیز با سبک نوین نویسندگی رادیوئی و تجارت مبنی براصول روانشناسی که ادای کلمات خوش آهنگ و آشنا را در گوش مستمع اثرات نیکوئی کرده ورغبت باطن اورا بر میانگیزد انجام گرفته است .

ثالثا امروز تبلیغات آنچنان گسترش عظیمی یافته است که صرفنظر کردن از آن برای هر صاحب کالائی ببهای هنگفت وضرر فاحشی تمام میشود . نیک و نوین با استفاده از تجربیات وبا اتکاء بردستهای مخصوصی که برای معرفی کردن هر جنس بکار میرود وبا شناسائی روحیات مصرف کنندگان وانتخاب مطلب شایسته جلب توجه صاحبان‌تقاضا را می‌کند واین نگرانی صاحبان‌کالا وموسسات تجارتی وانتفاعی را بکلی برطرف ساخته و شاهد صادق چنین پنداری رضایت خاطر و خشنودی فراوانی است که صاحبان کالا و موسسات تجارتی و انتفاعی از سیستم کار نیک و نوین و نتایج حاصله از این روش داشته و با یکبار سفارش مشتری همیشگی تبلیغات ما میشوند .

نیک و نوین اکنون با گسترش پیشرفتهای تبلیغاتی و ابداع روش های جالبتر وابتکاری تر توجه اذهان را بیش از پیش جلب کرده وامتیاز فوق‌العاده آن اینست که هرگز در یکجا توقف نمیکند مثلا امروزه که مردم حوصله کمتری دارند نیک و نوین‌طرحهای تبلیغاتی خود را در برنامه های رادیوئی بکلی با گلشته تغییر داده و بجای صحبت و گفتگو بیشتر از آواز و موسیقی استفاده کند : ناگفته‌نماند که پیشرفت و بهبود برنامه های نیک‌ونوین مرهون‌زحمات‌نویسندگان دارد .آهنگسازان‌وشعرای برجسته و مخصوصا راهنمائیهای صمیمانه و گرانبهای کارکنان محترم وزارت اطلاعات است .



اپراتور درحال ضبط نوار گویندگان

اخیرا دومین‌دستگاه‌آمپکس‌برای موسسه از خارج رسیده است که

درآینده نزدیك شروع باستفاده از آن خواهد شد و یکی از کارهای اساسی آقای رحیمی در مسافرت اخیر تهیه و حمل دستگاه مدرن ومجهز بایران بود صدها حلقه نوار نو یك آرشیو کامل از نوار آهنگها وبرنامه‌های‌پخش شده‌قدیم وجدید بهترین صفحات بدون آواز از رنگ های ایرانی گرفته تا موزیك سبك غربی و نغمات دلنشین شرقی برای استفاده در فاصله گفتکو ها و خلاصه کلیه وسایل و ملزومات یك استودیوی مجهز و همچنین تزئینات دیگر این قسمت براستی موجبات تحسین بیننده را فراهم میسازد . یکی از شاعران معروف اشعاری را که دراین برنامه توام با آهنگها وترانه های نشاط‌انگیز میشنوند میسراید و آهنگساز های معروف وطراز اول با نیك و نوین همکاری دارند .

آقای ابوالقاسم رحیمی با دست پر از اروپا آمده‌است

حالا اگر اجازه بفرمائید دوباره باطاق آقای رحیمی مراجعت کرده وبا موسس و موجد و گرداننده این سازمان تبلیغاتی مصاحبه کوتاهی میکنیم .

آقای رحیمی‌در پاسخ این‌سئوال که عامل مهم موفقیت خود و سازمان را در چه میدانید اظهار داشتند :

شیوه نو ـ کارنو ـ ابتکار نو ـ یگانه عامل موفقیت من و موسسه است من وسازمان نیك‌ونوین هرگز بدنبال تقلید خشك وبیجا وتو خالی که موجبات شکست در هر کار و منجمله طرحهای تبلیغاتی را فراهم میسازد واز ابتکار و ابداع هیچکس وحتی خارجیها که در امور بازاریابی بمراتب از ما جلوتر و پیشاهنگترند تقلید نکرده واگر مایه ها و طرحهائی را از تبلیغات بین‌المللی انتخاب کرده‌ایم و بمرحله اجرا در آورده‌ایم آداب وسنن و ذوق وسلیقه ایرانی را هم رعایت کرده‌ایم مثلا بنده برای کالائی که مشتریان آن عموم مردم ایران و فرضا اکثریت طبقه ده نشین هستند و میدانیم این کالا در دهات مشتری فراوانی بدست میآورد از موسیقی‌جاز و آوازهائی که فرضا برای معرفی یك سری لوازم آرایش یا سرشور و غیره به کار برده میشود استفاده نمیکنیم واجازه نمیدهیم‌درآین‌موسسه‌ازاین اشتباهات بشود بلکه شعرتبلیغاتی را بصورت اشعار محلی و آهنگ را بشکل نغمات روستائی تنظیم کرده و هیچگونه در تمام موارد روحیه و طرز فکر و خواسته مصرف کننده را در نظر میگیرم ناگفته نماند که ما همیشه از راهنمائیهای ارزنده اولیای وزارت اطلاعات استفاده میکنیم دیگر اینکه نیك ونوین هرگز توقف نکرده و بعقب توجهی ندارد ما بازمان با روحیه و طرز فکر زمان با مردم زمان پیش میرویم وبهمین مناسبت اغلب ملاحظه میشود طرحی که یکی در سال پیش کاملا با موفقیت روبرو شده است فعلا از طرف موسسه بایگانی شده و دیگر ازآن استفاده نمیشود چه ما باشیوه کهنه مخالفیم ودر تبلیغات تنوع و پیشرفت را اولین شرط موفقیت میدانیم ما از راهنمائیهای پرارش وهمکاریهای صادقانه مسئولین و اولیای وزارت‌محترم اطلاعات‌خاصه کارمندان رادیو ایران که متوجه ارزش زحمات ما شده‌اند در اینجا کمال سپاسگزاری نیك و نوین را اعلام داشته و در واقع داشتن هشت سال امتیاز پخش آگهی از رادیو دلیل قطعی و بحکم موفقیت ما بشمار میرود .

آقای رحیمی سپس گفتند : با اینکه امسال مخارج پخش آگهی‌ما از رادیو ایران یك میلیون و پانصد هزار تومان بیشتر از سال گذشته شد اینجانب باید باطلاع هموطنان عزیز بخصوص طبقه صاحبان کالا برسانم ضمن مطالعاتم در اروپا باین نتیجه رسیدیم بهای پخش آگهی در رادیو در مملکت ما از همه جا ارزانتر بوده و تجربیات شخصی بنده بمن اجازه میدهدبگویم‌درایران‌تبلیغات‌رادیوئی از هر تبلیغی ارزانتر و بصرفه نزدیکتر بوده و مخصوصا با بکار افتادن هشت‌فرستنده صدکیلوواتی رادیو ایران مجهز به تاسیسات آنتن گردان و وسایل مدرن و مجهز دیگر و شنیده شدن صدای ایران در تمام ساعات در منطقه آسیا و اروپا و آفریقا و خاور دور هیچ موسسه مشابه‌ای‌قدرت مقابله وبرابری با تبلیغات رادیوئی را نخواهد داشت .

درباره هدف های نیك و نوین آقای رحیمی گفتند :

ما بامخارج کمتر برای صاحب کالا و زحمات بیشتر برای کارکنان ایندستگاه در درجه اول محصولات ومصنوعات داخلی را هرچه بیشتر معرفی کرده ودر راه هدف رستاخیز ملی انجام وظیفه میکنیم منتها هرچه بیشتر مصنوعات داخلی مرغوبتر و بهتر تهیه شود زحمت ما کمتر بوده و مردم استقبال زیادتری از صنایع وطن خواهند کرد .

من درباره برنامه‌نیك ونوین باید بگویم این برنامه طبق آمار دقیقی که در دست داریم نزدیك بهفت میلیون شنونده دارد یکی ازعوامل توجه شنوندگان باین‌برنامه اینست که ما دراین ۱۵ دقیقه چند مطلب کوتاه آگهی‌بیش ازده‌آهنگ وترانه ازخوانندگان مختلف ـ و چندین آهنگ بدون آواز فاصله برنامه بارتیم و نوع مختلف پخش میکنیم من در طی بازدید هائی که ازبنگاه سخن پراکنی انگلستان B.B.C. واداره کل رادیو تلویزیون دولتی فرانسه کردم و همچنین در طی تماس متعدد باروسای موسسات تبلیغاتی اروپا و مطالعه در نحوه کار آنها بدین نتیجه رسیدم کار تبلیغات بطور عمومی در ایران نظیر ممالك اروپائی میباشد پیش افتاده است .

آقای رحیمی در پایان اظهار داشتند :

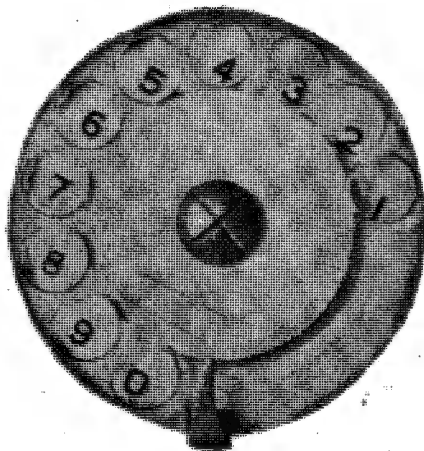
ما از همکاری کلیه مسئولین وزارت اطلاعات ورادیو ایران تشکر کرده وامیدواریم همگی در خدمت بشاهنشاه رهبر پیشرفت و عظمت وترقیات مملکت و ملت ایران موفق گردیم .



گویندگان نیك ونوین ازاطاق فرمان دستور صحبت میگیرند .

گوناگون

- جوائز نوبل
- جوائز سینمائی اسکار
- عجایب هفت‌گانه جهان قدیم
- عجایب پنج گانه جهان امروز
- کشف چند ادویه
- کرم شب تاب
- عدد هفت
- تله ویزیون و رابطه آن با سینما و رادیو
- پل های معروف جهان
- مقدار کالری غذا ها
- جدول مدت آبستنی حیوانی
- جدول حد متوسط عمر
- بیماریهای واگیر
- مردان سال







جایزه نوبل

جوائز نوبل بر طبق وصیت **آلفرد برنهارد نوبل** شیمی دان و مهندس سوئدی که در سال ۱۸۹۶ درگذشت همه ساله اعطا میشود . این جوائز در هر سال تقسیم میشود در میان کسانیکه در جهان برجسته‌ترین خدمات را در پیشرفت علوم فیزیك ، شیمی ، فیزیولوژی یا پزشکی انجام داده ویا بالاترین شاهکار ادبی را که دارای تمایل ایدآلیستی باشد بوجود آورده و یا بیش از سایر ابناء بشر در راه تامین صلح جهانی مجاهده و خدمت کرده‌باشند .

جوائز فیزیك و شیمی بوسیله آکادمی علوم سویس در استکهلم و جائزه فیزیولوژی یا طب از طرف موسسه پزشکی کارولین دراستکهلم و جایزه ادبیات توسط آکادمی استکهلم و جایزه صلح بوسیله یك کمیته پنج نفری منتخب پارلمان نروژ (موسوم به استورتیتنگ) تعیین واهداء میگردد . توزیع این جوائز از ۱۰ دسامبر سال ۱۹۰۱ مصادف باروز درگذشت نوبل در ۱۸۹۶ آغاز گردید . مبلغ هرجایزه بر حسب تعیین میزان عایدی از منبعی که نوبل مقرر داشته است متغیر است واز سال ۱۹۳۶ ببعد تقریبا هر جایزه در حدود ۸۰۰۰ لیره انگلیسی است .

در سالهای ۱۹٤۰ و ۱۹٤۱ و ۱۹٤۲ جوائز نوبل اهداء نشد ودر سال ۱۹٤۳ جوائز ادبیات و صلح اهداء نگردید . فهرست جوائزادبیات صلح در سال ۱۹۰۱ به بعد در جدول زیرو پس از آن فهرست جوائز دیگر آمده‌است.

برنده های جوائز ادبیات

۱۹۰۱ ــ رنه سللی پرودوم (فرانسه)
۱۹۰۲ ــ تئودوموم‌سن (آلمان)
۱۹۰۳ ــ بژیونس تژرنه بژیورنسون (نروژ)
۱۹۰٤ ــ فردریك میسترال (فرانسه)وژوزه اچه‌گارای (اسپانیا)
۱۹۰۵ ــ انریك سینکیه‌ویچ (لهستان)
۱۹۰۶ ــ گلوسوئه کاردوکچی (ایتالیا)
۱۹۰۷ ــ رودیارد کیپ لینگ (انگلیس)
۱۹۰۸ ــ رودلف اوکن (آلمان)
۱۹۰۹ ــ سلمالاگرلیوف (سوئد)
۱۹۱۰ ــ پول فون هیسه (آلمان)
۱۹۱۱ ــ موریس مترلینگ (بلژیك)
۱۹۱۲ ــ گرهارت هویت مان (آلمان)
۱۹۱۳ ــ رابیند رانات تاگور (هند)
۱۹۱۵ ــ رومن رولاند (فرانسه)
۱۹۱۶ ــ ورنرفون هیدنشام (سوئد)
۱۹۱۷ ــ کارل گلروپ (دانمارك) وهنریك پونتوپ پیدان (دانمارك)
۱۹۱۹ ــ کارل اسپیتلر (سویس)
۱۹۲۰ ــ کنوت هامسون (نروژ)
۱۹۲۱ ــ آناتول فرانس (فرانسه)
۱۹۲۲ ــ جاسین توبناونته (اسپانیا)
۱۹۲۳ ــ ویلیام بیتز (ایرلند)

۱۹۲٤ ـ ولادیسلاو ریمونت (لهستان)

۱۹۲۵ ـ جورج برنارد شا (ایرلند)

۱۹۲٦ ـ گراتزیا دلددا (ایتالیا)

۱۹۲۷ ـ هانری برگسون (فرانسه)

۱۹۲۸ ـ زیگرید اوندست (نروژ)

۱۹۲۹ ـ توماس من (آلمان)

۱۹۳۰ ـ سینکلر لویس (امریکا)

۱۹۳۱ ـ اریك كارلفلد (سوئد)

۱۹۳۲ ـ جان گالسورثی (انگلیس)

۱۹۳۳ ـ ایوان بونین (روسیه)

۱۹۳٤ ـ لوئیجی پیرآن جللو (ایتالیا) .

۱۹۳۵ ـ (جایزه اعطا نشد)

۱۹۳٦ ـ اوژن اونیل (امریکا)

۱۹۳ ـ روژر مارتین دوگارد (فرانسه)

۱۹۳ ـ پیرل باك (امریکا)

۱۹۳ ـ فرانس‌ای‌میل‌سیل لانیا (فنلاند)

۱۹٤ ـ جوهانس ین‌سن (دانمارك)

۱۹٤ ـ گابریلا میسترال (شیلی)

۱۹٤ ـ هرمان هس (سویس)

۱۹٤ ـ آندره ژید (فرانسه)

۱۹٤ ـ توماس استیرنز الیوت (انگلیس)

۱۹٤ ـ ویلیام فالکنر (امریکا)

۱۹۵ ـ برتراندرسل (انگلیس)

۱۹۵ ـ پارلاگوك ویست (سوئد)

۱۹۵ ـ فرانسوا موریاك (فرانسه)

۱۹۵ ـ سروینستون چرچیل (انگلیس)

۱۹۵ ـ ارنست همینگوی (امریکا)

۱۹۵ ـ هالدور کیلجان لاکس‌نس (آیسلند)

۱۹۵ ـ ژوان رامون جیمی‌نز (اسپانیا)

۱۹۵ ـ آلبرت کامو (فرانسه)

۱۹۵ ـ بوریس پاسترناك (شوروی)
ازپذیرفتن جایزه سرباز زد)

۱۹۵ ـ سالواتور کواسی مودو (ایتالیا)

۱۹٦ ـ سن‌ژان‌پرس (فرانسه)

۱۹٦ ـ ایواندریك (یوگوسلاوی)

۱۹٦ ـ جان‌اشتین‌بك (امریکا)



رودیـار کیپ لینگ
برنده جایزه‌نوبل‌ادبیات
سال ۱۹۰۷

ویلیام فالکنر برنده جایزه‌نوبل ادبیات سال ۱۹٤۹

عکسی از تشییع جنازه **پاسترناك** برنده جایـزه نوبل در ادبیات سال ۱۹۵۸ (که از گرفتن جایزه سرباز زد)



جان اشتاین‌بك
برنده جایزه نوبـل در ادبیات سال ۱۹۶۲



ارنست همینگوی برنده جایزه نوبل در ادبیات سال ۱۹۵٤

برنده های جوائز صلح

۱۹۰۱ ــ هانری دوتان (سویس) وفردریك پسی (فرانسه)
۱۹۰۲ ــ الی دوکومون ــ و ــ البرت گوبات (سویس).
۱۹۰۳ ــ سرویلیام کرمر (انگلیس)
۱۹۰۴ ــ موسسه حقوق بین‌الملل (بلژیك)
۱۹۰۵ ــ برتافون‌سوت‌نر (اطریش)
۱۹۰۶ ــ تئودور روزولت (امریکا)
۱۹۰۷ ــ ارنستومونتا (ایتالی) ــ و لوی رنو (فرانسه).
۱۹۰۸ ــ کلاس‌ارنولدسون (سوئد) وفردریك باجر (دانمارك).
۱۹۰۹ ــ اوگوست بیرنائرت (بلژیك) و بارون پول دستورنل دوکونستانت دوربك (فرانسه).
۱۹۱۰ ــ دفتر ثابت صلح بین‌المللی (سویس)
۱۹۱۱ ــ توبیاس آسر (هلند) و ــ آلفرد.ح. فرید (اطریش)
۱۹۱۲ ــ الیهوروت (امریکا)
۱۹۱۳ ــ هانری لافونتن (بلژیك)
۱۹۱۵ ــ (جایزه اعطا نشد)
۱۹۱۶ ــ (جایزه اعطا نشد)
۱۹۱۷ ــ صلیب سرخ بین‌المللی
۱۹۱۹ ــ وودروویلسون (امریکا)
۱۹۲۰ ــ لئون‌بورژوا (فرانسه)
۱۹۲۱ ــ کارل بران‌تینگ (سوئد) و کریستیان لانگ (نروژ)
۱۹۲۲ ــ فریت ژوف نانسن (نروژ).
۱۹۲۳ ــ (جایزه اعطا نشد)
۱۹۲۴ ــ (جایزه اعطا نشد)
۱۹۲۵ ــ سرآوستن شامبرلن (انگلیس) و شارل داز (امریکا)
۱۹۲۶ ــ اریستید بریاند (فرانسه) وگوستاو استرس‌من (آلمان)
۱۹۲۷ ــ فردیناندبوئیس‌سون (فرانسه) و لودویك کوئید (آلمان)
۱۹۲۸ ــ (جایزه اعطا نشد)
۱۹۲۹ ــ فرانك کلگوگ (امریکا)
۱۹۳۰ ــ لارس سیودوبلوم (سوئد)
۱۹۳۱ ــ جین‌آدمز ــ و ــ نیکلابتلر (امریکا)
۱۹۳۲ ــ (جایزه اعطا نشد)
۱۹۳۳ ــ سرلورمان انگل (انگلیس)
۱۹۳۴ ــ ارتورهندرسون (انگلیس)
۱۹۳۵ ــ کارل فون‌اوسی‌یتس‌کی (آلمان)
۱۹۳۶ ــ کارلوس دلاماس (آرژانتین)
۱۹۳۷ ــ لاردسیسیل‌اف چل‌وود (انگلیس)
۱۹۳۸ ــ دفتربین‌المللی نانسن برای کمك به آوارگان (سویس)
۱۹۳۹ ــ (جایزه اعطا نشد)
۱۹۴۴ ــ صلیب سرخ بین‌المللی
۱۹۴۵ ــ کوردل هول (امریکا)
۱۹۴۶ ــ امیلی بالش ــ و ــ جان مات (امریکا)
۱۹۴۷ ــ امریکن فرندز سرویس کامیتی (امریکا)
و جامعه انگلیسی فرندز سرویس کونسیل (انگلیس)
۱۹۴۸ ــ (جایزه اعطا نشد)
۱۹۴۹ ــ لاردجان بویداور (اسکاتلند)
۱۹۵۰ ــ رآلف بنچ (امریکا)
۱۹۵۱ ــ لئون ژوهو (فرانسه)
۱۹۵۲ ــ آلبرت شویتزر (افریقای استوائی فرانسه)
۱۹۵۳ ــ جورج مارشال (امریکا)
۱۹۵۴ ــ دفتر کمیسیونرعالی ملل متحدبرای کمك به آوارگان
۱۹۵۵ ــ (جایزه اعطا نشد)
۱۹۵۶ ــ (جایزه اعطا نشد)
۱۹۵۷ ــ لسترپیرسن (کانادا)
۱۹۵۸ ــ دومینیك ژورژهانری پیر (بلژیك)
۱۹۵۹ ــ فیلیپ جان نوئل بیکر (انگلیس)
۱۹۶۰ ــ آلبرت‌جان لوت‌هولی (افریقای جنوبی).
۱۹۶۱ ــ داگ هامرشولد (سوئد)
۱۹۶۲ ــ (جایزه اعطا نشد)

جوائز نوبل فیزیك

۱۹۰۱ ــ **ویلهلم‌رونتگن** : برای کشف اشعه رونتگن.
۱۹۰۲ ــ **هندریك لورنتز ــ ویترزیمن** : تاثیر مغناطیسی در تشعشع.
۱۹۰۳ ــ **هانری بکه رل** : ــ کشف رادیو آکتیویته لحظه‌ئی.
۱۹۰۴ ــ **جان استروت** (لاردریلی) : ــ کشف ارگون در تحقیق کثافت گاز.
۱۹۰۵ ــ **فیلیپ لنارد** : آزمایش اشعه کاتودیك.
۱۹۰۶ ــ **ژوسف‌تامسون** : تحقیق در عبور برق از گازها.
۱۹۰۷ ــ **آلبرت‌میشل سن** : تحقیقات اسپکتروسکوپیك و متئوروکوژی.
۱۹۰۸ ــ **گابریل‌لیپ‌من** : کشف طرز کپیه کردن الوان بوسیله عکاسی.
۱۹۰۹ ــ **گولیل‌مومارکونی‌ ــ فردیناندبراون** تکمیل بی سیم.
۱۹۱۰ ــ **جوهانس‌واندروالز** : کشف معادله حالت گازها ومایعات.
۱۹۱۱ ــ **ویلهلم‌وین** : قوانین تشعشع‌حرارت.

از بالا بپائین
۱ ــ جین آدامس
برنده جایزه نوبل در صلح سال ۱۹۳۱
۲ ــ وودرو ویلسون
برنده جایزه نوبل در صلح سال ۱۹۱۹
۳ ــ آلبرت شوایتزر
برنده جایزه نوبل در صلح سال ۱۹۵۲







۱۹۱۲ ـ **گوستافدالن** : دستگاه تنظیم کننده خودکار که در منارههای دریائی وراهنماهای شناور بکار میرود . .
۱۹۱۳ ـ **کامرلینگ اونس** : آزمایشهائی که راهنمای تولید هلیوم مایع شد .
۱۹۱٤ ـ **ماکس‌فون‌لاثو** : کشف انکسار اشعه رونتگن هنگام عبور از شیئی‌بلوری
۱۹۱۵ ـ دو برادر موسوم به **براگ** : تجزیه ساختمان بلوری بوسیله اشعه ایکس .
۱۹۱۷ ـ **شارل‌بارکلا** : کشف تشعشع رونتگن عناصر .
۱۹۱۸ ـ **ماکس‌پلانك** : اکتشافاتی مربوط به فرضیه کوانتوم .
۱۹۱۹ ـ **جوهانس استارك** : کشف تاثیردابلر در اشعه کانال (اشعه مثبت گذرنده از خلاء) و تجزیه خطوط اسپکتر (تجزیه نور آفتاب از میدان الکتریکی)
۱۹۲۰ ـ **شارل‌گیوم** : اکتشافاتی راجع بـه خواص غیر عادی در آلیاژ فولاد ونیکل .
۱۹۲۱ ـ **آلبرت اینشتین** : کشف قانون اثـر فوتوالکتریك .
۱۹۲۲ ـ **نیلزبوهر**: تحقیق در ساختمان اتمها و تشعشعات آنها .
۱۹۲۳ ـ **رابرت میلیکان** : تحقیق در تخلیه بدوی برق و آثار فتوالکتریك .
۱۹۲٤ ـ **کارل‌سیگ‌بان** : تحقیق در اشعه ایکس اسپکتروسکوپی .
۱۹۲۵ ـ **جیمزفرنك** و **گوستاوهوتز** : کشف قوانین بر خورد الکترونها با اتمها .
۱۹۲٦ ـ **چین‌پررن** : تحقیق در ساختمان غیر مداوم ماده و کشف تعادل در عمل رسوب .
۱۹۲۷ ـ **آرتورکامپتون** : کشف عوارض کامپتون و **ت.ر.ویلسون** مشاهده خط سیـر ذرات برق .
۱۹۲۸ ـ جایزه ۱۹۲۸ در ۱۹۲۹ به **اوون ریشاردسن** برای تحقیق در آثار ترمیونیـك و کشف قانون ریشاردسن اعطا گردید .
۱۹۲۹ ـ **پرنس لوئیز ویکتور دوبروگلی**
۱۹۳۰ ـ **سرچاندراسخار‌ارامان** :تجربه‌درانتشار نور وکشف اثر رامان
۱۹۳۱ ـ
۱۹۳۲ ـ جایزه ۱۹۳۲ در ۱۹۳۳ به **ورنـر هیزنبرگ** برای ایجاد مکانیکهای کوانتـوم داده شد .
۱۹۳۳ ـ **اروین شرودینگر** و **پول‌دیراك** : کشف اشکال بارور تازه فرضیه اتمی.
۱۹۳٤
۱۹۳۵ ـ **جیمزچادویك** : کشف نوترون

۱۹۳٦ ـ **ویکتورهس** : کشف تشعشع کوسمیك و**کارل‌اندرسن** : کشف پوزیترون .
۱۹۳۷ ـ **کلین‌تون داویسون وجورج‌تامسون**: کشف انکسار الکترون‌ها بوسیله جسم‌بلوری.
۱۹۳۸ ـ **انریکوفرمی** شناسائی ماهیت عناصر جدید رادیو آکتیو و کشف عکس‌العمـــل هسته‌ئی درتحت تاثیر آهسته نیوترونها .
۱۹۳۹ ـ **ارنست‌اورلاند ولارنس** : تکامـل سیکلوترون .
۱۹٤۳ ـ **اوتواسترن** : کشف عـزم مغناطیسی پروتون‌ها .
۱۹٤٤ـ **ایزیدوراسحق‌ربی** : حرکات مغناطیسی ذرات اتمی
۱۹٤۵ ـ **وولف‌گانگ‌پولی** : آزمایشهائی در مورد شکافتگی های اتمی .
۱۹٤٦ ـ **پرسی‌ویلیامزبریگمن** : تحقیقات و اختراعاتی در فیزیك فشار زیاد .
۱۹٤۷ ـ **سرادوارد دایل‌تن** : کشف طبقه‌ئی‌در ایونوسفور که امواج کوتاه رادیوئـی را منعکس میکند .
۱۹٤۸ ـ **پاتریك بلاکت** : تکمیل اطاق‌ویلسون واکتشافاتی در تشعشع کوسمیك .
۱۹٤۹ ـ **هیدکی‌یوکاوا** : پیشگوئی ریاضی‌در مورد سطح منصف طولی بـدن (مسون)در ۱٤ سال پیش از این سال .
۱۹۵۰ ـ **سسیل‌فرانك پاول** : کشف روش مطالعه هسته اتم از طریق عکس برداری و کشفیاتی در مورد مسون .
۱۹۵۱ ـ **سرجان دوگلاس کاك‌کروفت** ـو **ارنستوالتون** : آزمایش در تغییر ماهیت‌دادن هسته آتمی در سال ۱۹۳۲ .
۱۹۵۲ ـ **ادوارد میلز پورسل** ـ و ـ**فلیکس بلاك** : اندازه گیری میدانهای مغناطیسی در هسته آتمی .
۱۹۵۳ ـ **فریتززرنیکه** : تکمیل میکروسکوپ « فاز کونتراست » .
۱۹۵٤ ـ **ماکس‌بورن** آزمایش مکانیك‌کوانتوم **والتهربوتهه** تشعشع کوسمیك .
۱۹۵۵ ـ **پولیکارپ کوش‌وویلیس‌لامب** : آزمایش در اندازه گیری اتمی .
۱۹۵٦ ـ **ویلیام شاکلی** ـ و ـ**والتربراتاین**ـ **وجان بردین** ـ تکمیل ترانزیستورالکترونیك.
۱۹۵۷ـ**تسونگ‌داثولی** ـ و ـ**چن‌نینگ‌یانگ**: رد اصل حفظ برابری و تشابه .
۱۹۵۸ ـ **پاول‌شرنکوف** ـ وـ**ایلیافونك**ـ و **ایگورتم** تکمیل اسباب سنجش اشعه کوسمیك.
۱۹۵۹ ـ **امیلیوسگر** ـو ـ **اوون‌شامبرلن** نمایش وجود ضد پروتون .
۱۹٦۰ ـ **دونالدگلاسر** : اختراع اطاق حباب برای تحقیق در ذرات سب‌اتمیك .
۱۹٦۱ ـ **رابرت‌هوفستادتر** :اندازه گیـری شکل و اندازه هسته‌اتمی .
رودولف موسبائوئر : طرزتولید واندازه‌گیری اشعه گامای آزاد .
۱۹٦۲ ـ **لو.د. لاندائو** : وضع فرضیه‌هائی راجع بماده تغلیظ شده .

جوائز نوبل پزشکی

۱۹۰۱ ـ **امیل‌فن بهرینگ** :برای کار برروی سرم ضد دیفتری .
۱۹۰۲ ـ **سررونالدراس** : آزمایشهای راجع به مالاریا .
۱۹۰۳ ـ **نیلزفین‌سن** : ـ درمان قرحـــه آکله (خوره) بوسیله تمرکز اشعه سبك .
۱۹۰٤ ـ **ایوان پاولوف** : تحقیق و تجربه در فیزیولوژی هضم غذا .
۱۹۰۵ ـ **رابرت‌کوخ** : کشف میکروب سل.
۱۹۰٦ ـ **کامیل‌لوگولگی‌و سانتیاگورامـون کاجال** : تحقیق در ساختمان سلسله اعصاب.
۱۹۰۷ ـ **شارل‌لاوران** : آزمایش پروتوزوئا در تولید بیماری .
۱۹۰۸ ـ **پول‌ارلیخ**ـ و **الی‌مچنیکوف** :تحقیق در مصونیت بدن از بیماریها .
۱۹۰۹ ـ **تئودورکوچر** : تجربه در غده‌درقی
۱۹۱۰ ـ **البرخت‌کوسل** : پیشرفت در باب شیمی سلول .
۱۹۱۱ ـ **الوارگولستراند** : دیاپتریکـــهای (عوامل کمك به بینائی) چشم .
۱۹۱۲ ـ **الکسیس‌کارل** : آزمایش در پیوند آوندی و پیوند عروق و اعضای دوران خون .
۱۹۱۳ ـ **شارل‌ریچت** تحقیق در **انافیلاکسی**
۱۹۱٤ ـ **رابرت بارانی**: تحقیق در فیزیولوژی وپاتولوژی دستگاه وستی بولر (مجـاری و راهروها و حفره‌های مربوط بیکدیگر در درون بدن مانند مجاری گوش) .
۱۹۱۵ ـ جایزه اعطا نشد .
۱۹۱۷ ـ جایزه اعطا نشد .
۱۹۱۸ ـ جایزه اعطا نشد .
۱۹۱۹ ـ **ژول‌بورده** : اکتشافاتی در مورد مصونیت بدن از بیماریها .
۱۹۲۰ ـ **اوگوست کروگ** : کشف تنظیـم مکانیسم موتوری عروق شعریه .
۱۹۲۱ ـ جایزه اعطا نشد
۱۹۲۲ ـ جایزه سال ۱۹۲۲ در سال ۱۹۲۳ بین **آرشیبالدهیل** (بسبب کشف تولید حرارت در عضلات) و **اوتومیرهوف** (رابطه بین مصرف اکسیژن باتولید اسید لاکتیك در عضلات) تقسیم گردید .
۱۹۲۳ ـ **فردریك بان تینگ وجان‌مك‌لئود**: کشف انسولین .



نیلزبوهر برنده جایزه نوبل فیزیك سال۱۹۲۲

ویلم آینت اوون : کشف مکانیسم الکترو دیوگرام .

۱۹۲۵ –

۱۹۲۶– جوهانس فی‌بی‌گر : کشف نوعی‌سرطان اسبی روپ تراکارسینوما .

۱۹۲۷– ژولیوس‌واگنر–جورگ : بکاربردن تلقیح‌مالاریا دردرمان فلج دیمن‌تیا

۱۹۲۸– شارل‌نیکول : تحقیق درتیفوس‌اگزانته ماتیکوس .

۱۹۲۹– کریستیان‌ایژکمان : کشف ویتامینهای انتی‌نوریتیك و سرفردریك هاپکینز : کشف ویتامین های تقویت کننده نمو .

۱۹۳۰– کارل‌لنداشتی‌تر: کشف گروه‌های‌خون انسان .

۱۹۳۱ – اوتوواربورگ : کشف خاصیت ر طرز عمل تخمیر جهاز تنفس .

۱۹۳۲ – سرشارل‌شرینگتون وادگارآدریان : کشف عمل نورون .

۱۹۳۳ – توماس‌مورگان : کشف عمل کروموزوم ها در توارث .

۱۹۳۴ – جورج‌ویپل ، جورج‌مینوت‌وویلیم مورفی : کشف درمان کبد بر ضد بیماری آتمی .

۱۹۳۵ – هانس اسپمان : کشف اثر سازمان دهنده در نمو جنینی .

۱۹۳۶– سرهنری‌دیل‌و اوتولووی :کشف‌انتقال شیمیائی انگیزه های عصب .

۱۹۳۷– آلبرت سزنت‌کیورگی‌فون‌ناگیراپولت اکتشافاتی در مورد احتراق بیولوژیکی.

۱۹۳۸ –کورنل‌هی‌منز : ک... اهمیت‌مکا...سم سینوس و شریان ائورتا در تنظیم تنفس .

۱۹۳۹ – گرهارددوماك : اثر ضدباکتریائی پرونتوسیلات .

۱۹۴۳ – هنریك‌دم –و–ادواردوئیسی: تجزیه ویتامین K

۱۹۴۴ – ژوزف ارلانگر – و–هربرت‌اسپن– سرگاسر : وظائف نخهای عصبی .

۱۹۴۵ – سرالکساندر فلمینگ –و– ارنست بوریس چین – و– سرهوارد فلوری کشف پنی‌سیلین .

۱۹۴۶ – هومان مولر: تاثیرات ارثی اشعه ایکس بر روی ژن‌ها .

۱۹۴۷ – کارل‌ف. –و –گوتی.کوری:تحقیق در متابولیسم نشاسته حیوانی .

ناردوهوسای : تحقیق در غده صنوبری .

۱۹۴۸ – پولی‌میولی : کشف خواص‌حشره‌کشی د.د.ت .

۱۹۴۹ – والتررودونوهس : تحقیق در کنترل دماغی بدن – وانتونیو کاتانودوآبروفریر– اگاس‌مونیز : تکمیل عمل جراحی مغز .

۱۹۵۰ – فیلیپ‌هینچ –و– ادواردکندال– و

تادیوس‌رایش‌ستاین : کشفیاتی‌در موردهورمون های قشر اورنال (غده های روی کلیه).

۱۹۵۱ – ماکس‌تلو : تکمیل واکسین ضدتب زرد .

۱۹۵۲ – سلمن‌واکس‌من –کشف‌استرپتومی‌سین

۱۹۵۳ – فریتزلیپ‌من–و – هانس‌ادولف‌کوبر تحقیق در سلولهای زنده .

۱۹۵۴ – جان اندرس– و– توماس‌والر – و فردریك رابینز تحقیق در کشف و پرورش ویروس پولیو .

۱۹۵۵ – هوگوتئورل : اکسیداسیون انزیمها.

۱۹۵۶ – دیکین سن‌ریشاردز – و– آندره کورتاند– و– ورنرفورسمان : تکنیك تازه‌در بیماریهای قلبی .

۱۹۵۷ – دانیل‌بووه : تکمیل داروهائی در برابر الرژیها و تخدیر عضلات در خلال عمل جراحی .

۱۹۵۸ – جوشوئالدربرگ تحقیق در مکانیسم ژنتیك جورج‌بیدل – و– ادواردتاتوم کشف اینکه چگونه ژنها خصائص ارثی را انتقال میدهند .

۱۹۵۹ – سورواوچوئا – و– ارتورکورن برگ کشفیات راجع به ترکیبات باکروموزوم که در توارث نقش حیاتی رادر عهده دارند

۱۹۶۰ – سرمك‌فارلین برنت– و–پتربریان– مداوار : کشف اندازه مقاومت مصونیت .

۱۹۶۱ – جورج‌فون‌بکه‌سی اکتشافاتی در مورد مکانیسم فیزیکی گوش درونی .

۱۹۶۲ – جیمز واتسون – و– موریس ویل کینز–وفرانسیس‌کریك : تعیین ساختمان اسید دئوکسیری بونوکلیك DNA

جوائز نوبل درشیمی

۱۹۰۱ – یاکوبوس‌وانت‌هوف : برای کشف قوانین دینامیك شیمیائی و فشار اوسموتیك در محلولات .

۱۹۰۲ – امیل‌فیشر: –آزمایشهای روی گروه های شکر و پیورین مواد .

۱۹۰۳ – سوانت آرنیوس : فرضیه الکترو لیتیك تجزیه .

۱۹۰۴ – سرویلیام‌رامزی : کشف عناصرگازی بی اثر در هوا .

۱۹۰۵ – ادولف‌فون‌بایر : آزمایش بررنگهای آبی و ترکیبات ئیدرو آروماتیك .

۱۹۰۶ – هانری‌مواسان : جدا کردن فلورین وایجاد کوره فلورین .

۱۹۰۷ – ادواردبوخنر : کشف تخمیرهای‌بی سلول و تحقیق در شیمی بیولوژیك .

۱۹۰۸ – ارنست‌روترفورد : تحقیق در تجزیه عناصر .

۱۹۰۹ ــ **ویلهلم‌استوالد** : آزمایش در مورد کاتالیزر و تحقیق در میزانهای تعادل شیمیائی و عکس‌العمل شیمیائی .
۱۹۱۰ ــ **اوتوو‌الاش** : تحقیق در زمینــه ترکیبات الیسیکلیك .
۱۹۱۱ ــ **ماری‌کوری** : کشف عناصر رادیوم‌و پولونیوم .
۱۹۱۲ ــ **ویکتورگرین یارد** : کشف معرف‌هائی در شیمی که بنام خود او نامیده شد .
پول‌ساباتیه : متدئیدرژنه کردن ترکیبات آلی
۱۹۱۳ ــ **آلفردورنر** : ارتباط دادن‌اتم هابه یکدیگر در مولکول .
۱۹۱٤ ــ **تئودورریشارد** : تعیین وزن اتمی بسیاری از عناصر شیمیائی .
۱۹۱۵ ــ **ریشاردویلس‌تاتر** : تحقیق درموارد رنگی گیاهان بخصوص کلوروفیل .
۱۹۱۷ ــ جایزه اعطا نشد
۱۹۱۸ ــ **فویتزهابر** : تولید ترکیبی امونیاك
۱۹۱۹ ــ
۱۹۲۰ ــ **والدرنرنست** : درترموشیمی .
۱۹۲۱ ــ **فردریك‌سودی** : تحقیق در مبداءو طبیعت ایزوتوپها .
۱۹۲۲ ــ **فرانسیس‌استون** : کشف ایزوتوپهادر عناصر غیر رادیو آکتیو و کشف قانون عدد تمام .
۱۹۲۳ ــ **فریتزپرگی** : کشف روش میکروب آنالیز مواد آلی .
۱۹۲٤ ــ
۱۹۲۵ جایزه ۱۹۲۵در۱۹۲٦به‌ریشاردزیگموندی
۱۹۲۷ ــ **نامجانس** محلولات سریشی داده شد، برای تجربه در طبیعت .
۱۹۲٦ ــ **تئودورسودبرگ** : تحقیق در سیستم های پراکندگی .
جایزه ۱۹۲۷ در ۱۹۲۸ به **هین‌ریخ**
۱۹۲۷ ــ **ویلند** برای تحقیق در سلید های صفرائی و موادوابسته بیکدیگر .
۱۹۲۸ ــ **ادولف‌وینداوس** : تحقیق در تولید استرولها ورابطه آنها با ویتامین‌ها
۱۹۲۹ ــ **آرتورهاردن وهانس‌فون‌اولرشل‌پین** تحقیق در تخمیر شکرها .
۱۹۳۰ ــ **هانس‌فیشر** : آزمایش در موادرنگی خون وبرگها وترکیب همین
۱۹۳۱ــ **کارل‌بوش‌وفردریك‌برگیوس** :اختراع وتکمیل روشهای فشار زیاد شیمیائی .
۱۹۳۲ ــ **ایرینگ‌لانگمور** : آزمایش در قلمرو شیمی سطحی .
۱۹۳۳ ــ
۱۹۳٤ ــ **هارولداوری** : کشف ئیدرژن‌سنگین
۱۹۳۵ ــ **فردریك ــ و ــ ایرن‌ژولیوت‌کوری**: ترکیب عناصر جدید رادیو آکتیو .

۱۹۳٦ ــ **پتردبی** :تحقیق در لحظات دیپول وانکسار اشعه ایکس والکترونها در گازها.
۱۹۳۷ ــ **والترهاوورت** : تحقیق اوکر ــ بوئیدراتها وویتامین ــ و ــ **پول‌کاردر** تجربه در مورد کاروتنوئیدها ،فلاوین‌ها و ویتامین های
۱۹۳۸ ــ **ریشاردکوهن** : تحقیق در کارو ــ تینوئید وویتامین (جایزه را نپذیرفت) .
۱۹۳۹ ــ ادولف فردریك جوهان بوتنانــدت: آزمایش هورمانهای جنسی (جایــزه را نپذیرفت) **ولئوپولدروزیکا** آزمایش باپولی مستی‌لن‌ها .
۱۹٤۳ ــ **جورج‌هئوسی‌دمهوس** : بکار بردن ایزوتوپها بعنوان شاخص .
۱۹٤٤ **اوتوهاهن** : شکافتگی آتمی .
۱۹٤۵ ــ **آرتوری ایلماری‌ویرتانن** : تحقیق در **طریقه حفظ علیق** .
۱۹٤٦ ــ **جیمزسومز** بلوری کردن انزیم‌ها . **جان‌نورتروپ** و ــ **وندل‌استانلی** تهیه انزیم‌ها و پروتین‌های ویروس در شکل خالص .
۱۹٤۷ ــ **سررابرت‌رابین سن** : تحقیق درمواد نباتی .
۱۹٤۸ ــ **ارن‌تی‌سلیوس** کشفیات‌شیمیائی وجدا کردن ویروس فلج موش .
۱۹٤۹ ــ **ویلیام فرانسیس‌گیاك** :تحقیق در ترمودینامیك بخصوص تاثیرات حرارت قلیل.
۱۹۵۰ ــ **اوتودیلز ــ و ــ کورت‌آلدر**: کشف ترکیب‌دی‌ین که دانشمندان را قادر بمطالعه در ساختمان مواد آلی نمود .
۱۹۵۱ــ گلن سی‌بورگ ــ و ــ ادوین‌مك‌میلان: کشف پلوتونیوم .
۱۹۵۲ ــ آرچرجان پورتر مارتین ــ و ــ ریشاردلارنس میلینگتون‌سینج : تکمیــل کروماتوگرافی (عکس برداری رنگین)
۱۹۵۳ ــ **هرمان استائودینگر**: تحقیــق در مولکولهای بزرگ.
۱۹۵٤ــ **لینوس‌پائولینگ** : تحقیق‌درنیروهائی که پروتین و سایر مولکولها را بیکدیگر پیوسته‌اند .
۱۹۵۵ ــ **ونسن‌دووی‌نیو** : هورمونهای غدد صنوبری .
۱۹۵٦ ــ سرسیریل‌هین‌شل‌وود ــ و نیکلائــی سمنوف : تحقیق در کینه‌تیك (نیروی‌جنبشی) عکس‌العمل شیمیائی .
۱۹۵۷ ــ **سرالکساندرتاد** : تحقیق درترکیبات شیمیائی که عوامل اصلی در توارث‌هستند.
۱۹۵۸ ــ **فردریك‌سانگو** : تعیین ساختمان مولکولی انسولین .
۱۹۵۹ ــ **ژاروسلاوهیروفسکی**: تکمیــل **پولاروگرافی** یا طرز تجزیه الکترو شیمیائی
۱۹٦۰ ــ **ویلاردلیبی** : اختراع ساعت اتمی

برای تعیین عمر اشیاء بوسیله اندازه گیری رادیو آکتیویتی آنها .
۱۹٦۱ــ **ملوین کالوین** : انجام‌عملیات‌شیمیائی در خلال فوتوسین‌تز (عمل کلوروفیل وفعل وانفعالات شیمیائی در گیاه) .
۱۹٦۲ ــ ماکس پروتز ــ و ــ جان کندریو نقشه برداری از مولکولهای پروتین با اشعه ایکس .

گلن تی‌بورگ برنده جایزه نوبل درشیمی‌سال ۱۹۵۱

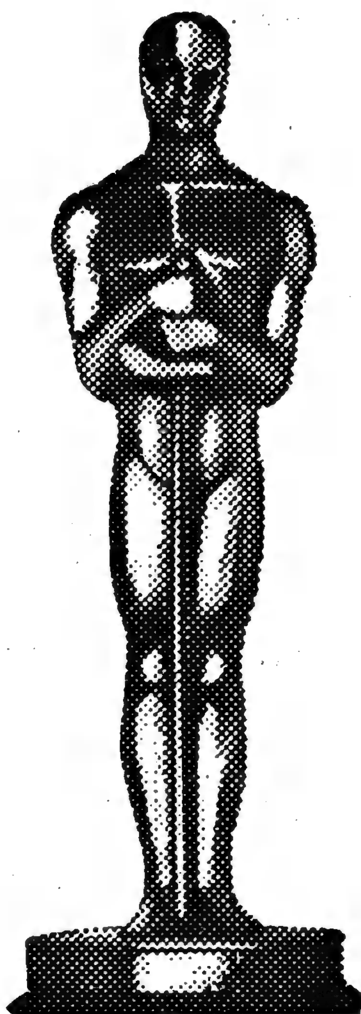


جوائز سینمائی اسکار

تهیه و تنظیم از : ساسان کمالی

۳۷ سال پیش یعنی سال ۱۹۲۷ در شهر هولیوود بمنظور کمك به موسسات فرهنگی و علمی که بکار سینما اشتغال داشتند سازمانی تشکیل گردید که آن را (آکادمی علوم وهنر سینمائی) نام نهادند این آکادمی که اعضاء آن همیشه برجسته‌ترین کارگردانان ، هنرپیشگان و متخصصین علوم سینمائی است از بدو تاسیس بخاطر ترویج و پیشرفت این صنعت جوائزی در نظر گرفت که هر ساله طی مراسم خاصی در آغاز بهار به برندگان آن اهدا میشود ،اهمیت معنوی این جوائز چنان افزایش یافته که اکنون نام‌اسکار و جوائز آن در سراسر جهان شهرت یافته و سرچشمه اصلی آن یعنی آکادمی‌را نیز تحت‌الشعاع قرارداده است . آکادمی نیز شهرت خود را مدیون جایزه اسکار میداند ولی نادیده نباید گرفت که انتخاب صحیح و خالی از غرض برندگان عامل اصلی شهرت و اهمیت آن می باشد .

هر ساله ۲۶ مجسمه طلا بعنوان جایزه به‌بهترین فیلم ، هنرپیشه، کارگردان ، فیلمبرداری ،داستان،



صدابرداری ، موسیقی و غیره‌داده میشود. انتخاب برندگان بدین ترتیب صورت میگیردکه ابتدا فیلمهای بیشماری که قبلا نامزد شده است برای شرکت در مسابقه و دریافت جایزه به آکادمی ارسال میشود و بشاخه های مختلف آکادمی تقدیم میگردد. شاخه‌های مزبور هر کدام پس از بررسی کامل ، لیست کاندیداهای مورد نظرخود را به هیئت داوران‌ارائه میدهند داوران نیز روزهای معینی بخاطر ایجاد شرایط یکسان‌فیلمهای انتخاب شده را یکی‌پس از دیگری در سالن مخصوص بدقت تماشا می کنند و سپس رای نهائی و اسامی برندگان سال را در یك محیط‌مملو از بی صبری و هیجان اعلام میدارند .

آنچه برندگان ظاهرا دریافت میدارند یك مجسمه طلای کوچك است ولی‌آنچه عملاً بدست میآورند شهرت فراوان و نام جاویدانیست که در تاریخ سینما از خودبیادگار میگذارند . بعلاوه همین شهرت باعث میشود که برندگان در قراردادهای بعدی خود استفاده‌های

مادی شایانی ببرند و بنام‌برندگان اسکار مورد احترام و توجه خاص قرار گیرند.

لغت اسکار که تلفظ امریکائی آن آسکار میباشد از بدو پیدایش معنی خاصی نداشته و فقط یك‌اسم خاص مذکر میباشد و کسی ازعلت اصلی نامیدن جوائز آکادمی بدین نام آگاه نیست ولی گفته میشود اولین‌باریکی از کارمندان آکادمی پس از دیدن یکی از مجسمه ها اظهار کرده است: « دیدن این مجسمه مرا بیاد عمو اسکار مـی اندازد » واز آن پس این نـام براین مجسمه طلائی خوش ترکیب باقی مانده و اکنون شهرت جهانی خاص یافته است.

همانطور که گفته شد هر ساله جوائز اسکار در ۲۶ رشته مختلف داده‌میشود ولی از همه آنهـــا معروفتر و پراهمیت‌تر جوائـــز اسکار بخاطر بهترین فیلم سال بهترین هنرپیشه مرد سال وبهترین هنرپیشه زن سال است. ضمناممکن است هنرپیشه‌ای بدریافت جایـزه اسکار نائل گردد ولی‌فیلمیکه‌بازی کرده جایزه‌نگیردیابعکس‌بهرصورت فهرست زیر شامل اسامی‌برندگان این سه اسکار از بدو تاسیـــس آکادمی تابحال میباشد. بطوری که مشاهده میشود تا سال ۱۹۳۳ جوائزسالیانه به بهترین فیلمهای تهیه شده در نیمه آخر سال قبـل و نیمه اول سال بعد داده میشد ولی‌از۱۹۳٤ به بعد این‌روش‌تغییر کرده است.

سال	بهترین فیلم	بهترین هنرپیشه مرد	بهترین هنرپیشه زن
۱۹۲۷—۲۸	بالها	امیل جانینگز	جانت گینور
۱۹۲۸—۲۹	ملودی برادوی	وارنرباکستر	ماری پیکفورد
۱۹۲۹—۳۰	آرامش در جبهه غربی	جرج آرلیس	نرما شرر
۱۹۳۰—۳۱	سیمارون	لیونل باریمور	ماری درسلر
۱۹۳۱—۳۲	گراند هتل	فردریك مارچ والاس بیری	هلن هیز
۱۹۳۲—۳۳	اسواران	چارلز لافتون	کاترین هیپبورن
۱۹۳٤	اتفاق یك شب	کلارك‌گیبل	کلودت کلبرت
۱۹۳٥	شورش در کشتی بونتی	ویکتور مك لاگلن	بتی دیویس
۱۹۳٦	زیگفلد کبیر	پل مونی	لوئیز ریز
۱۹۳۷	زندگانی امیل زولا	اسپنسر تراسی	لوئیز ریز
۱۹۳۸	میراث	اسپنسر تراسی	بتی دیویس
۱۹۳۹	برباد رفته	رابرت دونات	ویویان لی
۱۹٤۰	ربه‌کا	جیمز استوارت	جینجر راجرز
۱۹٤۱	دره‌سرسبز	گاری کوپر	جون فونتن
۱۹٤۲	خانم مینیور	جیمز کاگنی	گریر گارسون
۱۹٤۳	کازابلانکا	پل لوکاس	جنیفر جونز
۱۹٤٤	براه خود میروم	بینگ کروزبی	اینگرید برگمن
۱۹٤٥	آخرین تعطیل	ری میلاند	جون کرافورد
۱۹٤٦	بهترین سال زندگی	فردریك مارچ	اولیویا دهاویلند
۱۹٤۷	قول مردانه	رونالد کلمن	لرتا یانگ
۱۹٤۸	هاملت	لورنس اولیویه	جین وامن
۱۹٤۹	همه سربازان شاه	برادریك کرافورد	اولیویا دهاویلند
۱۹٥۰	ماجرای حوا	ژوزه فرر	جودی هالیدی
۱۹٥۱	یك امریکائی در پاریس	همفری بوگارت	ویویان لی
۱۹٥۲	بزرگترین نمایش روی زمین	گاری کوپر	شرلی بوث
۱۹٥۳	از اینجا تاابدیت	ویلیام هولدن	ادری هیپبورن
۱۹٥٤	در بارانداز	مارلون براندو	گریس کلی
۱۹٥٥	مارتی	ارنست بورگناین	آنا ماگنانی
۱۹٥٦	دور دنیا در هشتاد روز	یول براینر	اینگرید برگمن
۱۹٥۷	پل رودخانه کوای	آلك‌گینس	جون وودوارد
۱۹٥۸	ژی ژی	دیوید نیون	سوزن هیوارد
۱۹٥۹	بن هور	چارلتون هستون	سیمون سینیوره
۱۹٦۰	آپارتمان	برت لانکاستر	الیزابت تایلور
۱۹٦۱	داستانی از غرب	ماکسیلیان شل	سوفیا لورن
۱۹٦۲	لورنس عربستان	گریگوری پك	آن بانکرافت
۱۹٦۳	تام جونز	سیدنی پواتیه	پاتریشیانیل

عجایب هفتگانه جهان

عجایب هفتگانه جهان مربوط‌به زمانهای گذشته است که پاره‌ای از آنها ازبین رفته ونابود شده است . این عجایب هریك محصول نبوغ و کوشش عالی نوع بشراست که با صرف هزینه‌هـای سنگین و طی مدتهای مدید ساخته شده‌وقربانیان فراوانی داده است نکته جالب در مطالعه این آثار آن است که هریك از آنها در زمانی ساخته و پرداخته شده‌اند کـه جز ابزارهـای بسیار ساده و ابتدائی چیـزی در دست هنرمندان و دانشمندان زمان نبوده است .

۱ــ اهرام مصر ــ ساختمان نخستین هرم مصری از سه هزار سال پیش از میلاد مسیح آغـاز گردید و آخرین آن در سال ۱۸۰۰ پیش از میلاد بپایان رسید . اهرام مصرکه هریك شاهکاری از معماری و مهندسی و هنر بشمار میرونـد مقبره فراعنه بزرگ مصری بوده‌اند که درون آنها اشیاء گرانبهای‌متعلق به فراعنه ولـوازم زندگی آنهـا و بالاخره جسد مومیائی شده آنهـا با نهایت دقت با رعایت نکات علمی (برای محفوظ ماندنشان) قـرار داده میشد .

قدیمی‌تریـن هرم مصری در ناحیه ساکارا قرار دارد که بهمین نام نیز خوانده میشود ، بزرگترین و کامل‌ترین هرم مصری هرم‌کئوپس است که در نزدیکی گیزه (درجنوب قاهره) قراردارد .

هرم کئـوپس در حـدود ۱۳ جریب زمین را میپوشاند ارتـفاع اصلی آن ۴۸۱ پا (فوت) بوده است ولی اکنون بعلـت جـابجاکـردن و برداشتن پاره‌ای از سنگهای بزرگ آن ۴۵۰ (چهارصد وپنجاه) فوت ارتفاع دارد ، کف این هرم مساحتی معادل ۷۵۶ فوت مربع را میپوشاند.

۲ــ باغهای معلق بابل ــ بنـا بروایات تاریخی ، باغهای معلق‌بابل بوسیله نبوکـد نظر (بخت‌النصر) ساختـه شد ، بخت‌النصر پس از ویران کردن معبد سلیمان در ۶۰۰ سال پیش از میلاد ، باغهای معلق‌را برای ملکه خود ساخت .

بنا به‌روایات تاریخی باغ‌بزرگ معلق شامل ۵ طبقه با ایوان (تراس) بوده است که هرطبقه با ۵۰ فوت فاصله برروی طبقه زیرین بنا شده ، هریك ازطبقات‌شامل مقادیرفراوانی گل وگیاه ودرخت‌های کمیاب وزیبا بوده است ، واز آنجائیکه ارتفـاع این باغ بزرگ بسیار زیاد بوده و شاخه‌های درختـان و گلهـا بسوی زمین و مخصوصـاً بطرف طبقـات زیرین آویزان شده است ، این‌باغها را باغهای معلق نام داده‌اند ، درحال حاضر کوچکترین اثری ازاین تپـه وباغهای مربوط آن وجود ندارد .

۳ــ مجسمه زئوس ــ مجسمه زئوس در سال ۴۳۲ پیش از میلاد مسیح بوسیله فیدیاس ساخته شد، این مجسمه در شهر اولیمپیا حاکم نشین الیاس (یونان) نصب گردید این مجسمه در شهر اولمپیا حاکم شاهکاری از هنر ودانش بشری بوده است ، جنس مجسمه مرمر خالص بوده‌که برای‌تزئین قسمتهای مختلف آن از عاج وطلا استفاده شده است، مجسمه زئوس در خلال جنگـهای گوناگون خودبکلی نابودگشت .

۴ــ معبد دیانا ــ معبد دیانا یا

معبد آرتمیس ۵ سال پیش ازتولد مسیح در ناحیه افه‌سوس در جنوب اسمیرنا ساخته شد ، در ساختمان این معبد عظیم مـردم چندین شهر دست داشتند وخواه بوسیله‌کمکهای مادی ویاتنظیم نقشه کمك وهمکاری نمودند ،این معبد را معبد افه‌سوس نیز میخوانند پس از تکمیل این‌معبد رفته رفته جنبه تقدس پیدا کرد و از تمام نقاط‌برای زیارت بدانجـا میشتافتند .

مساحت معبد ۴۲۵ در ۲۲۵ فوت بود ، معبد دارای ۱۲۷ ستون بوده که از مرمر مخصوص بسـیار گرانبها ساخته شده بود طول هریك از ستونها ۶۰ فوت (در حدود ۲۰ متر) میبوده است .

در سال۳۶۵ بعداز میلادمسیح اروس توستن تنهـا بخاطـر کسب شهرت و قـدرت معـبد را به‌آتش کشید ولی معبد بکلی نابود نشد و پس‌از چندی آنرا تعمیر کردنـد و تالار تازه‌ای جهت آن تعبیه نمودند.

بنابه‌روایات تاریخی هل‌مقدس (سنت‌هال) درهمین معبد بت‌پرستان را به‌پرستش خدای یگانه دعوت‌نمود و خشم تمام مردم را بااین کارخود برافروخت، پس از وی نرون دستور تخریب‌معبد را صادر نمود ودستور نرون اجرا شد ولی بازهم آثـاری از معبد باقی ماند تاآنکه آخریـن بقایای آنرا آن ریك رئیس قوم‌گوتها ازمیان برد .

۵ـ آرامگاه موسولوس درسال

۳۲۵ پیش از میلاد مسیح هنگامیکه موسولوس پادشاه کاریس (آسیای صغیر) درگـذشت همسر بیوه او دستور داد تا آرامگاه بسیار مجلل و بزرگی از مرمر خـالص در شهر هالی کارناسوس برای وی بناکنند ، این آرامگاه که شاهکاری از هنر و ذوق بشری بود خوشبختانه مـورد تهاجم وتخریـب جنگجویان قـرار نگرفت ولی متأسفانه براثر زلزلـه شدیدی شکاف برداشت و بچنـد قسمت پاره شد و رفته رفته رو بتخریب نهـاد ، در قرن نوزدهـم قسمتهای گرانبها از ساختـمان و کنده‌کاریهای این آرامگاه به مـوزه لندن (بریتیش میوزیوم) رسید که هنوزهم درآنجاست . نکته قابل‌توجه در مورد این آرامگاه آن است کـه واژه آرامگاه ـ موسولئوم در زبان انگلیسی از نام همین پادشاه یعنی موسولوس گرفته شده است .

۶ ـ مجسمه بـزرگ آپولـو

مجسمه آپولوکه مجسمه رودس نیز نامیده می‌شود بنا به‌روایات تاریخی مجسمه بزرگی‌بوده که در ۲۸۰ سال پیش ازمیلاد مسیح در جزیره‌رودس در نزدیکی آسیای صغیر برپا شده است .

جنس این مجسمه از بـرنز ، ارتفاع آن ۱۰۰ پا (در حدود ۳۰ متر) وهیکل وترکیب آپولورا نشان میداده‌است ، نصب این مجسمه بر روی زمین از شاهـکارهای هنری محسوب میشده و مخصوصاً حالت ایستادن آپولو در حالی‌که پاهـای خودرا از یکدیگر بازکرده بوده‌بسیار جالب میبوده است ، این مجسمه در سال ۲۲۴ پیش از میلاد مسیح براثر یك زلزله شدید سرنگون‌گشت و تاسالیان سال بهمان ترتیب‌بحالت دراز کشیده برروی زمین باقی‌ماند، پس از مدت مدیدی رفته رفته‌مردم اطراف برای استفاده ازفلز مجسمه (برنز) از بدنه واطراف آن بریدند و آنرا ناقص کـردند ، جدا کـردن قطعات فلزی مجسمه آنقدر ادامـه یافت تا چیزی از آن برجای‌نماند!

بنا به پاره‌ای روایات دیگـر تاریخی هنگامی‌که مجسمه آپولو بر پای بوده کانال بزرگـی از دریـای مدیترانه از میـان دوپای مجسمه عبور کرده و به‌بندررودس میرسیده است، بسیاری نقاشی‌های افسانه‌ای نیز این حالت را نشان داده‌انـد ، ولی تحقیقات تاریخ‌نویسان وباستان شناسان نشان میدهد که این‌جریان افسانه‌ای بیش نبوده است .

۷ـ **فار** ، یا چـراغ دریائـی اسکندریه ـ جالـب‌ترین و شایـد سودمندترین عجایب هفتگانه دنیـای باستانی فاروس یا فار اسکندریه بوده است .

۲۰۰ (دویست) سال پیش‌از میلاد مسیح ، فرعون معروف مصر، بطلمیوس فیلادلفوس در جزیره‌ای بنام فاروس‌درنزدیکی بندراسکندریه برج بزرگی ساخت که بر فراز آن آتش فراوان پرشعله‌ای شب و روز روشن بود ، بربدنه برج با خـط برجسته‌ای جمله زیررا نوشتند .

« هدیه فرعون بطلمیوس بـه خدایانی‌که وظیفه نجات دریانوردان را برعهده دارند .»

بنابعقیده بسیاری از مورخان برج ابتکاری این فرعون خیرخـواه در حقیقت نخستین چراغ دریائی در تاریخ جهان بوده است ، بزبان دیگر مخترع چراغ دریائی که جـان هزاران هزار نفر از دریانوردان را نجات داده و میدهد همان بطلمیوس فرعون بوده‌است .

بعدها واژه فاریا فاروس کـه بمعنای چراغ دریائی بکار رفت از نام همان جزیره فاروس اقتبـاس گردید .

برج دریائی اسکندریه تا مدت ششصد سال در کمال استحکـام برپا بود و دریانوردان را راهنمائی میکرد ، در سال ۴۰۰ بعداز میلاد قسمتی از آن آسیب دید و پس‌از آن نتوانست مانند سالهای قبل‌بکار ادامه دهد سرانجام در سال ۱۳۷۵ بعداز میلاد براثـر یك زمین لـرزه شدید سرنگون ونابودگردید .

عجایب پنجگانه جهان امروز

عصر ما آغاز فصل تازه‌ای در تاریخ بشر است که با کارهای بزرگی نمایان میشود. در جهان کنونی ، انسان بخلق ساختمان های غول آسائی دست می‌یازد ، تخیلات مهندسین و تکنیسین ها واقعیت می پذیرند و ساختمان های شگفت انگیزی از بتن و فولاد سرنوشت میلیون ها انسان را دگرگون میسازند .

شگفتی های جهان ما بحدی است که کارشناسان نمی توانند تنها بر روی پروژه مشخصی انگشت گذارده و بگویند که :« این دیگر بزرگترین همه است » ، بلکه اینك باید معتقد بود که انجام همه کارهائی که بذکر آنها میپردازیم شایسته آنند که از عجایب حقیقی عصر ما بیان شوند .

۱ـ تونل مون‌بلان

هم اکنون نزدیك به پنج سالست که گروههای فرانسوی وایتالیائی برای ساختمان طولانی ترین تونل های جهان بنام **تونل آلپ** در مون بلان برای رفت وآمد وسائط نقلیه فعالیت می کنند .

از مدتها پیش از این ، بهنگام تابستان، اتوموبیلها وسایر وسائط نقلیه بآسانی از مناطق آلپ عبور میکردند ولی بهنگام زمستان وسائط نقلیه‌ای که از فرانسه ، بریتانیای کبیر ، هلند و قسمتی از سوئیس بمقصدایتالیا میآمدند با انسداد راه از برف مصادفمیشدند دراین‌مواقع لازم بود که اتومبیلها را بر روی واگنهای باری مخصوص حمل نموده واز تونلهای مخصوص راه‌آهن عبور داد. راههای دیگر عبارت بود از راه انحرافی گردنه برمز در مشرق ویا دور زدن تمام خط زنجیری سواحل جنوبی کوت‌دازور .

از اواسطسال ۱۹٦٤ اتومبیل‌های شخصی، کامیون ها واتوکارها از این تونل میان‌بر بطول ۱۱٫۵۰۰ متر ودر عمق ۱۸۱۰ متر از راس کوه عبور خواهند کرد و بدین ترتیب اولین راه زمینی مستقیم پاریس ــ رم، که در تمام سال مورد استفاده قرار خواهدگرفت نه تنها از دشواری مسافرت طولانی بهنگام تابستان خواهد کاست بلکه ۲۲۵ کیلومتراز فاصله بین رم و پاریس را نیز کوتاه خواهد کرد .این تونل همچنین فاصله ژنوـتورین را که در زمستان طی مسافتی بطول ۹۵۳کیلومتر را ایجاب میکرد اینك به ۲۷۵ کیلومترتقلیل میدهد .

قسمت عمده مخارج ساختمان‌این تونل‌عظیم که به بیش از ۲۰۰ میلیون فرانك جدید بر آورد شده‌است توسط کشورهای فرانسه و ایتالیا و بقیه‌نیز توسط بخش ایالتی و شهرستان ژنو تامین شده‌است .از دو سوی این تونل عظیم اکیپهای فرانسوی وایتالیائی‌شروع بحفاری نموده و در ١٤ اوت سال ۱۹٦۲این دو گروه بیکدیگر پیوسته‌اند . بهره‌برداری از این تونل بطریق دریافت حق‌العبور از وسائط نقلیه خواهد بود .

مشکلات فراوانی گشایش این تونل رابه مدت یکسال بتاخیر انداخت . انفجار یك مین باعث گسیختن بستر سیلابی شد واین‌امر موجب ایجاد جریان عظیمی از آب بمیزان ٤۳متر مکعب در هر دقیقه گردید. ٥فرانسوی در ۲۹ سانحه مهم از بین رفتند واین امر تاثر شدید فرانسویان را برانگیخت ــ در این میان‌ایتالیائی ها نیز هنگام شکافتن‌صخره های عظیم با مصیبت مرگ ٥ انسان دیگر روبرو شدند وبالاخره در بهار سال ۱۹٦۲ بهمن عظیمی بر روی محل اقامت کارگران فرود آمد و ۳ انسان دیگر را نیز طعمه مرگ ساخت .

در سراسر طول تونل جاده عریضی با۲ خط این‌جاده ایجاد نشده است و نیز برای‌تعمیرات ضرور و فوری و همچنین احتراز از انسداد را و در فاصله هر سیصدمتر محل وسیعی برای جادادن‌یك کامیون بزرگ بایدك کش پیش بینی شده است .

طبق محاسبه در هر سال قریب ٤۰٫۰۰۰

کـــامیون واتوکار و همچنین ۴۰۰۰۰۰ اتوموبیل شخصی از این تونل عبور نموده و این مسافت را فقط در یك ربع ساعت طـی خواهند نمود در حالیکه هم اکنون برای‌طی این مسافت حداقل یکروز تمام وقت صـرف میشود .

۲ـ طرح دلتا

در فوریه سال ۱۹۵۳ طوفان وحشتناکی که از سال ۱۴۳۱ تا آن وقت سابقه نداشته است، کشور هلند رادرهم کوبید و شکافهای‌عظیمی در سدها بوجود آورد و طغیان آب بیست و دودرصداز‌اراضی‌کشوررا فرا گرفت وبالنتیجه به بیش از ۴۷٫۳۰۰ خانه ومزرعه و مدرسه آسیب فراوان رساند و از آن میان باعث مرگ ۱۸۰۰ انسان گردید .

از سال ۱۹۵۲ مطالعات بر روی پروژه‌هائی در زمینه مسدود نمودن خلیج و جلوگیری‌از آلودگی زمین های حاصلخیز بوسیله نمـك دریا و همچنین تجدید حیات اراضی صورت گرفته است . بعداز طوفان سال ۱۹۵۳ بمنظور جلوگیری از تکرار مصیبت ، لزوم فوریـت مسئله بیش‌از پیش احساس گردید . بدیـن ترتیب اساس پروژه دلتا که طراحی واجرای آن تاکنون در دنیا سابقه نداشته است ،بـه منظور حفاظت در برابر لجام گسیختگی‌دریا پی ریزی و بمرحله اجرا گذاشته شد.

کارهائی که بدین منظور از سال ۱۹۵۵ شروع شده است تا پایان سال ۱۹۷۸ ادامـه خواهد داشت و مخارج بر آورد شده بـه ۳٫۷۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ فرانك (قریب ۵۷ میلیارد ریال) بالغ میگردد . ناحیه مورد نظر در قسمتی از جنوب شرقی هلند قرار گرفته‌است که پنج بازوی دریا (چهار بازوی عریض و یك بازوی باریك) بریدگی عمیقی در زمین ایجاد کرده‌اند . دراین ناحیه دریا بسیار طوفانی و همراه با مدهای بسیار مرتفع و سهمگین‌است .

طرح دلتا چهار بازو ازدریا و همچنین‌یك مصب را باسد های عظیمی خواهد بست وسه سد آن در قسمت خلفی متکی به ساختمانهائی خواهد بود که بمنزله تکیه‌گاه محسوب می ـ گردد . یك بازو از دریا و همچنین یك کانال آبی برای کشتیرانی در مسیر آنورس ورتردام باز خواهد ماند .

یکی از این سدها که مربوط به ویرش‌گات است هم اکنون خاتمه پذیرفته است .عملیات ساختمانی دومین سد بخوبی پیشرفت میکندو ساختمان سومین سـد نیـز شروع شده است. چهارمین سد که‌خلیج اسکوت‌شرقی را خواهد بست در سال ۱۹۶۵ رسما افتتاح خـواهد شد .

همه این عملیات ساختمانی در پهنه دریـا درجریان است و تاهم اکنون هیچ سد عظیمی با چنین مقیاس وسیع در برابر جریان های غول آسای مد در هیچ نقطه‌ای از جهان ساخته نشده است.

سد عظیم ویرش‌گات که ۳ کیلومتر طول در محلی بناشده است که‌آنقسمت بازوهای‌دریا، به اقیانوس شمال منتهی میشود ــ ساختمان این سد در ناحیه‌ای خیلی خلفی تر امکـان پذیر بوده ولی مهندسین هلندی میخواستندکه حداکثر تجربیات ممکن را در مسائلی که‌بعدا وبرای سایر بازوهای دریا پیش میآید ، بدست آورده باشند .

قبل‌از ساختمان‌این سد ، مد دریا دراین ناحیه هربار قریب ۷۷ میلیون متر مکعب آب را باطراف ویرش‌گات فرومیرفت ولی در ناحیه اسکوت‌شرقی مهندسین هلندی با یـك میلیارد و صد میلیون متر مکعب آب مواجـه خواهند بود و بهمین دلیل طول سد پیش‌بینی شده در محل مذکور بالغ بر ۸ کیلومتر خواهد گردید .

عظیمترین کار ساختمانی در ناحیه‌ای بنام هارینگ‌ولیت انجام خواهد گرفت . اجرای عملیات در این‌ناحیه ۱۳ سال تمام بطول می‌ـ انجامد و هم اکنون بیش از نیمی از آن‌به اتمام رسیده است سه سد عظیم دیگر دریاچه های‌وسیعی را نیز در داخل خود پدیدخواهند آورد .

اما هارینگ‌ولیت در عین حال میباید آب رودخانه های موزو رن و همچنین توده عظیمی از یخ را بهنگام زمستان بجانب دریا هدایت نماید . سد عظیم هارینگ‌ولیت دارای ۴٫۵ کیلومتر طول و ۱۰۵۰ آب بند از فولاد و سیمان میباشد . دو ردیف شیر و فلکه های فولادی که هر ردیف شامل ۱۷ شیر و فلکـه و هر شیر و فلکه دارای ۴۲۵ تن وزن‌و۵٫۵ متر پهناست در سراسر سدقرار میگیرند. یك مرکز عظیم هیدرو الکتریك این شیر و فلکه های غول آسا را بازو بسته خواهند نمود.

تاسیسات طرح دلتا نه‌تنها در برابر خرابی‌ـ ها اطمینان بخش خواهد بود بلکه ضمن کوتاه نمودن ۸۰۰ کیلومتر از طول سواحل،موجب کم شدن و صرفه جوئی در هزینه های‌حفاظی آب بندهای دیگر نیز خواهد گردید .

این تاسیسات ضمن آنکه ازورود آب دریا برودخانه ها و مصب ها جلوگیری میکنددر عین حال مانع ایجاد شوره زارهای زیـان آور در قسمتهای وسیعی از ناحیه جنوب‌شرقی کشور هلند نیز خواهد شد . واز سوی دیگر این سدها باعث بهبود امر توزیع و تقسیـم و کنترل آب آرامی خواهندبود که سراسر این نواحی بدان احتیاج فراوان دارند .

۳ـ پل ـ تونل چساپیك

در این سال (۱۹۶۴) گذرگاه دریائی‌خلیج چساپیك بطول ۲۸۳۰۰ متر افتتاح میشود. عملیات ساختمانی عملاً در پهنه اقیانوس و در میان امواج خروشان وجریانهای متلاطم و مدهای عظیم کولاکهای شدید توام است،انجام یافته است .بایستی گفت‌که انسان تاکنون بچنین پهنه‌ای از آب اقیانوس دست نیافته بود .ساختمان تونلی در مسیری این چنین طویل نه تنها گران قیمت ،بلکه از نظراجرای آن نیز کاری بس مشکل مینمود ــ طرح ساختمان پلهائی با ارتفاع زیاد در بالای‌معبر باریك وژرف که قابل کشتیرانی نیز باشد قبلا رد شده‌بود زیرا مقامات نیروی دریائی بیم آن داشتند که بر اثر اقدامی خرابکارانه تنگه هامپتون ریدس، که وسیع ترین‌تاسیسات دریائی جهان در آن قرار دارد ، حتی بوسیله یك بمب، مسدود شود . سرانجام طرحی دیگر برای این منظور ریخته شد ،بدین معنی کـه تونلهائی در زیر تنگه های اصلی و همچنین پلهائی بر روی تنگه های فرعی و بالاخره سدهای مشبکی بر روی بقیه تنگه ها احداث گردد . هزینه بر آورد شده برای انجام‌چنین ساختمانی بالغ بر یکصد و چهل میلیون‌دلار « ۱۱٫۲۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال » تخمین زده شد .

عملیات ساختمانی از ناحیه نورفولك‌شروع میشود . نخست سد مشبکی بطول ۵۳۰۰ متر در توسط عمق آب ساخته میشود که بر روی آن جاده‌ای بعرض ۸٫۵ متر احداث میگردد. این سد بجزیره‌ای ختم شده و سپس داخـل تونلی میگردد بعمق ۳۰ متراز کف دریا و بطول ۱۷۵۰ متر. این تونل مجددا بجزیره دیگری سوار شده و سپس به سد دیگری‌بطول ۶ کیلومتر مستقل میگردد. این سد نیز بنوبه خود بر روی سومین جزیره سوار شده ومجددا داخل دومین تونل بطول ۱۶۶۰ متر میگرددو برای بار سوم بر روی چهارمین جزیره سوار شده وبسد دیگری بطول ۷۳۰۰ متر وصل میگردد و سرانجام به‌پل فلزی بارتفاع ۲۳متر از سطح دریا متصل میشود ، از آنجا نیزبر روی سد دیگری بطول ۳۲۷۰ متر سرازیـر گردیده و بپل دیگری بارتفاع ۱۲ متر از سطح دریا (بهنگام حداکثر مد) متصل‌میشود که این قسمت توسط آخرین سد به شبه‌جزیره

الماا منتهی میشود .

در نخستین نگاه چنین مینماید که مشیتی ربانی این جزایر را برای نگاهداری دو انتهای تونل و اتصال آن ها به پلها خلق کرده باشند ولی بزودی متوجه میشویم که جزایری بدینسان هرگز وجود قبلی نداشته و دست توانای انسان است که آن هارا برای مقاصد خود آفریده است .

هریك از این جزایر در عمق ۹تا۱۲ متری آب و بایك میلیون ونیم تن شن وماسه وسیصد هزار تن سنگ بوجود آمده‌اند ـ جزایرمزبور حدود ۱۲ متراز سطح آب‌بالا آمده استو در راس خود میدانی بمساحت بیش از سی هزار متر مربع ایجاد نموده‌اند .

برای ساختمان تونل معمولا عملیات‌حفاری ضروری است ولی تونل هائی که در این گذرگاه تعبیه شده‌اندقبلادرکارگاه های‌بزرك ساخته وپرداخته شده‌اند بدین ترتیب که ۳۷ لوله عظیم فولادی دو جداره بطول ۱۱۰ متر و به پهنای قریب یك کوچه قبلا درکارگاه های بزرگ کشتی سازی تگزاس ساخته شده و سپس بوسیله کشتی یدك‌کش به نورفولك‌که در فاصله ۲٫۷۰۰ کیلومتری کارگاه استحمل میشود . در محل کار دستگاه های مخصوصی بتن را در جدار لوله ها تزریق نموده وسپس آنها را به آرامی در کانال بسیار عمیقی که در انتهای خلیج حفرشده است قرار میدهندو آنگاه کودههای متعددی تیغه های‌نگاهدارنده دو جدار را با دستگاه های جوش قطع می‌نمایند . هنگامیکه فضای داخلی بین دو جدار پر گردید و سقف داخلی لوله ها نیز آماده گردید آنگاه درون لوله را باپوششی از سرامیك اندود نموده و بالامپهای الکتریکی فلورسانت میارایند .

٤ـ کارخانه توربین مدی‌رانس

انسان از مدتها پیش از این در صدد آن بود که با استفاده از مد دریا بتواند تولید الکتریسته بنماید. وامروز در پرتو کارهای مهندسی فرانسوی بنام روبرت‌ژیرات ، که پروژه این کار را طراحی نموده‌است این تصور در ناحیه رانس فرانسه صورت واقعیت میپذیرد .

در سواحل برتون واقع در دریای مانش، مدهائی که جهت آنها از جانب اقیانوس‌اطلس است از بزرگترین و مرتفع ترین مدهای جهان بشمار میرود و ارتفاع آنها به ۵ر۱۳ متربالغ میگردد .

در نزدیکی سنتمالو و بر روی رودخانه رانس هم اکنون بیش‌از ۹۰۰ کارگر در حال ساختمان سدی حاوی تاسیسات هیدروالکتریك میباشند . این سد ،نخستین سدی در جهان خواهد بود که از مد دریا بمنظور ایجاد نیروی برق مورد استفاده قرار خواهدگرفت. هزینه ساختمان این سد که طول آن ۸۰۰ متر خواهد بود معادل ٤٤۰ میلیون فرانك (۰۰۰ر۰۰۰ر۶۵۰ر۶ ریال) است . ساختمان این سد در سال ۱۹۶۵ پایان میپذیرد و قادر است قریب ۵۰۰ میلیون کیلووات ـ ساعت در سال برق تولید بنماید .

اساس این امر مهم عبارتست از نوع‌جدیدی از توربین هیدرو الکتریك که سازنده آن شرکت نه‌یرپیك ژ گرنوبل میباشد و توسط همین شرکت نیز در محل کار نصب خواهد شد .

بطوری که میدانیم توربین های هیدروـ الکتریك قبلا نمیتوانستند که با جریان آب جز در یك جهت کار نمایند در حقیقت‌اساس کار عبارت از این بود که توسط شیر وفلکه هائی آب دریا را بهنگام مد وارد حوضچه‌هائی بنمایند و آنگاه شیرها را به‌بندند و هنگامیکه آب دریا براثر جزر پائین میرفت از نیروی کشش آب برای تولید الکتریسته استفاده نمایند . ولی این عمل که تنهادریك‌جهت‌واحد صورت میگیرد فقط موجب محدود شدن‌میزان انرژی الکتریك میگردد . اکنون این سوال پیش میآید که آیا امکان استفاده از دریا در هر دو حالت مد و جزر موجود است یا خیر ؟

کارشناسان برق آبی شرکت فرانسوی نه‌یرپیك پس از سالها کوشش مداوم بحل این مسئله ، باکشف مجموعه‌ای بنام «گروپ‌بولب» ، توفیق یافتند . این مجموعه حاوی یك توربین و یك آلترناتور است که‌در دوجهت طول این دستگاه ۱۵ متر وبالغ بر ۸۹ تن وزن آن‌است . از نظر شکل ظاهری شبیه یك زیر دریائی شکمبه‌دار و مجهز بیك‌پروانه با چهار پره میباشد .

در سال ۱۹۵۹برای اولین بار در تاریخ جهان یك مجموعه « گروپ بولب » در سد متروکی واقع در بندر سنت‌مالو نصب گردید که با استفاده از آن توانستند ضمن تولید انرژی الکتریك برای توزیع آب در فرانسه نیز مورد بهره‌برداری قرار دهند .

کارخانه برق آبی رانس شامل ۲٤« گروپ بولب » بجهت تولید نیروی برق به کمك جزر و مد دریا میباشد .این شگفتیهای‌تکنیك قادرند که مانند یك پمپ نیز عمل نمایند، بدین ترتیب که در ساعاتی که مصرف برق‌کم است (فی‌المثل هنگام نیمه‌شب) پمپهای‌مزبور مقدار زیادی آب را وارد منبع نموده و بالنتیجه سطح آب را بالا بیاورند بدین ترتیب هنگامیکه سطح آب براثر جزر پائین میآید مقداری انرژی اضافی در اختیارخواهند داشت ـ این پمپها در عین حال قادرند که بالعکس مقداری آب را خارج نموده و سطح آب را هم پائین بیاورند واز این طریق نیز هنگام مد مقداری انرژی اضافی در اختیار بگیرند .

توربین های مدی مذکور روزی خواهند توانست که در بسیاری ازکشورها مانند خلیج شوزی در شرق نهت‌بالای فرانسه ، در تنگه سورن در انگلستان ، و در بعضی‌از نقاط ساحلی آرژانتین وهندوستان که بطوراستثنائی کشش های جزر و مد دریا بسیار مرتفع‌است مورد استفاده قرار گیرند .

شوروی که در نهایت دقت بآزمایش این جریان پرداخته‌اند هم اکنون یك « گروپ بولب » کوچك‌به شرق نیروپیك سفارش داده‌اند . آنها در نظر دارندکه این مجموعه را در یك مرکز برق آبی در دریای بازشت نصب نمایند .

سی سال قبل از این ایالات متحده امریکا درصدد استفاده از مددریا بمنظور ایجاد انرژی برق در ناحیه خلیج پای‌مرکوری در مرزکانادا ، بر آمد ولی بتوفیق در این امر نائل نشد .

در حقیقت بهره‌برداری از این تکنیك را باید حقا مرهون کارشناسان « گروپ بولب» رانس بود .

۵ـ طرح تنیق «اسنوی مونتن»

« اسنوی مونتن » با سلسله جبال‌بسیار مرتفع خود در فاصله۵۰۰ کیلومتری‌شهرسیدنی پایتخت استرالیا واقع و توسط سه رودخانه محصور شده است . دوتای ازاین رودخانه ها بنامهای مورای و مورومبیج آبهای دامنه‌ای را در مسیر خود جذب نموده و آن ها را بفاصله ۸۰۰ کیلومتری در ناحیه غرب باخود میکشانند . این آبها ناحیه‌ای‌بزرگ و نیمه لم یزرع را آبیاری وقابل کشت مینمایند.اما در عین حال آب حاصله بتوسط حوضچه های این دو رودخانه جز قسمت بسیار کوچکی اززمین را برای کشت سیراب نمیکرده است در عین حال رودخانه امنوی‌ریور با حجم‌قابل ملاحظه‌ای از آب بطرف باند باریکی در سواحل جنوب شرقی که خود بطرز شایسته‌ای با آب باران آبیاری میشد ، هدایت و بهدر میرفت .

در پرتو اقدامات یکی ازبزرگترین‌موسسات

فنی که تاکنون بچنین اقدام بزرگی دست‌نزده بود ، آبهای رودخانه های مذکور توسط تونل های طویلی از مسیر اصلی خود بر ــ گردانده میشوند و باایجاد یك منبع مکمل به حجم سالیانه ۰۰۰ر۰۰۰ر۴۶۰ر۲ متر مکعب برای آبیاری نواحی لم یزرع آماده بهره ــ برداری میشوند در حالیکه این آبها قبلا با وارد شدن در دریای تاسمان کاملا بـه هدر میرفتند .

این آبها پس از آنکه از شرق بجانب غـرب منحرف شد ، داخل یك سری دهلیزهامیشود. این دهلیزها آبرابسوی‌مراکزهیدروالکتریك هدایت میکند.آبهای‌مذکورضمن‌عبور خود از مراکز هیدروالکتریك نیروی الکتریسته‌ای معادل ۰۰۰ر۵۰۰ر۲ کیلووات ساعت تولید می نمایند .

اجرای پروژه عمرانی ناحـیه « اسنوی مونتن » قریب به ۴۰۰ میلیون لیـره (۰۰۰ر۰۰۰ر۷۵ ریال) برای کشـور استرالیا خرج خواهند داشت .

این پروژه شامل‌ساختمان۹سد بـزرگ و چندین سد کوچك ، ده مرکز برق آبی ۱۵۰ کیلومتر دهلیز وبیش‌از ۱۳۰ کیلومتر قنات خواهد بود ــ برای عظمت کارهای ساختمانی کافی است بیان کنیم که برای عزیمت‌دسته‌های کارگران بنواحی لم یزرع ایجاد ۵۰۰کیلومتر جاده شوسه ،۶۵۰ کیلومتر خط آهن و بیش‌از ۲۵۰ کیلومتر خطوط الکتریك ضرور است.

همچنین یك شبکه کامل رادیوئی بـرای تقویت مخابرات بین گروههای عمـلیات ساختمانی تاسیس شده است در عین حال یك گروهان مجهز چترباز نیز بمنظور تنظیم‌امور و حوادث احتمالی پیش بینی شده است که در تمام ساعات آماده عملیات هستند .

مقامات حکومت استرالیا برای اجرای‌این پروژه اقدامات وسیعی را شروع نموده‌اند که از آن میان میباید ازبرنامه عظیم جلب‌وورود افراد متخصص و تکنیسین ها بکشور استرالیا نام‌برد .

دربهار سال ۱۹۶۲ ارزیابی کارها وعملیات ساختمانی پیشرفت محسوسی را نشان میداد. در آن هنگام بیش از نیمی ازبرنامه خاتمه یافته بود .من باب مثل سد عظیم آنکوبین که برای ساختمان آن چهار سال در مناقصه پیش بینی شده بود تنها در عرض ۲ سال خاتمـه پذیرفت .برای ذکر عظمت این سدکافی کـه بگوئیم که دریاچه پدیدآمده در پشت این سد بیش‌از ۹ بار از بندر سیدنی آب خواهد داشت .

از این دریاچه دهلیزی بطول ۰۰۰ر۲۳ متر و پهنای ۵ر۶ متر منشعب میشود . یك مرکز برق آبی نیز در عمق ۳۶۵ متری زمین ودر یك ناحیه گود و عمیق بشکل L وبطول ۱۷۲ متر نصب شده است .همچنین در عرض یکسال ساختمان این سد بیش‌از ۲۱۴۰۰ متر مکعب در قسمت جلو بتن‌ریزی و بیش از ۰۰۰ر۵۰ متر مکعب خاکبرداری انجام شده است .

اجرای پروژه عظیم عمرانی ناحیه «اسنوی مونتن » که در سال ۱۹۷۵ رسما افتتاح‌میشود قسافه‌کشور «تشنه بزرگ» را بکلی‌دگرگون خواهد ساخت .

کشف چند ادویه

قرنها از زندگی بشرگذشتـه بود ولی هنوز اطلاع صحیحـی از اوضاع قاره پنجم جهان نداشت وبا اینکه از وجود جزائر بیشماری در اقیانوس آرام آگاه بود تصورمیکرد وجود جنگلهای فراوان وانبوه مانع رسیدن پای انسان بداخل‌آنهاست .

تا اواخر قرون وسطی‌که بشر برای نگاهداری گوشت وسیلـه‌ای نداشت همواره در صدد بود که از طریق آلودن ادویهٔ مختلف به‌گوشت بتواند آنرا برای مدتی نگاهدارد ؛ باید گفت «تب» ادویهٔ معطره وتند از قبیل فلفل و زنجبیل و غیره که تا یکقرن پیش عموم افراد دنیا را فراگرفته بود مبتنی برهمین اصـل بود ــ بیمناسبت نیست یکـی از شاهکارهای انسانی رابرای تحصیل این ادویه دراینجا ذکرکنیم .

یکی از انواع ادویه که تاقبل از سلطنت لوئی ۱۵ مورد علاقه‌مردم بود «دارچین» بود .

مقدمتاً باید دانست که عموم ادویه‌ای که فعلا در زندگی روزمره از آنها استفـاده میشود نبات‌های بهمین شکل در جنگلها بوده و شاید بیش از پنجقرن نمیگذرد که تخـم آنها را از جنگلهای طبیعی بباغهـا و مزارع آوردند .

« عقاب » یکی از پرندگانـی است‌که‌آشیانهٔ خودرا در نقاط‌مرتفع بنا میکندو طبیعت این حیوان‌طوری است که برای ساختمان لانهٔ خود حتماً از چوبهای جنگلی استفـاده میکند و چون این حیوان تیز پر و شامه‌اش قوی است علاقهٔ شدیدی به‌چوبهای «بودار» دارد ، در آنموقع که هنوز دارچین در دسترس بشر نبود این حیوان بجنگلهای خطرناك که بایدگفت ببرهای درنده درختان جنگلی‌را محافظت می‌کردند میرفت وازساقه‌ها و پوست و چوب‌دارچین برای ساختن لانهٔ خود میآورد ؛ شاهکار انسانی اینجاست :

گوسفندی را میکشتند ونصف یا ثلث آنراکه عقاب قادر بحمل آن باشددر سرراهش میانداختند ؛ این حیوان آنرا برداشته و باخود بلانـه میبرد ؛ چون گوشت سنگین بود و چوبها وساقه‌ها قدرت تحمل آن راانداشت یکمرتبه درهم می‌شکست و آنچـه چوب و ساقه و پوست درخت بود بزمیـن میریخت آنگـاه ادویه فروش آنهـا را جمع آوری

کرده‌و بهرقیمتی که دلش میخواست میفروخت مخصوصاً دارچین قیمت زیادتری داشت .

درسال ۱۵۱۱ پرتقالیهامجمع‌الجزائر اقیانوسیه (استرالیا) را کشف کردند و چون توانستند بجنگلهای آنجا راه یابند موفق‌شدند زنجبیل وجوز هندی را بدست آورند منتها کوشش داشتند که انحصار این ادویه را مخصوص‌بخود کنند ولی هلندیها بزودی روی این مجمع‌الجزائر و میوه‌ها و ادویه جنگلی آن دست انداختند : آنها نیز سیاست پرتقالیها را داشتند نمی خواستند دانه‌های این قبیل گیاهان بدست کسی بیفتد تا مبادا براثر کشت ، فراوان شده و نتوانند محصول‌خودرا بقیمت گران‌بفروشند و خوشبختانه نتوانستند زیرا در دنیا رقابتی برسر اینموضوع بین کشورهای مقتدر درگرفته بود و بالاخره یکی ازحکام «ایل دوفرانس» جزائری که بفرانسه تعلق داشت روزی با تشریفات رسمی بسراغ همکارش‌حاکم جزائر متصرفی‌هلند میرود عصرروز مهمانی‌بهوس‌گردش در جنگل میافتد و چون مهمان بود حاکم هلندی تقاضایش را قبول‌کرد و با نظارت دقیقی که سربازان هلندی ، ملتزمین رکاب داشتند ، شخص حاکم موفق شد چند دانه‌از زنجبیل و جوز هندی و فلفل و دارچین را برگردانهای لباسش‌مخفی کند وبجزیرهٔ خود بیاورد ؛ این واقعه در زمان لوئی پانزدهم اتفاق افتاد ؛حاکم‌مزبور نامش «پیرپواور» بود وبهمین دلیل به‌فلفل « پواور » گفتند و مورد لطف شاهانه واقع شد .

توجه مردم آنزمان نسبت به ادویه مقطره و غذائی عجیب و باور نکردنی‌بودبقسمی‌که «واسکودوگاما» و هیئتهای کاشف امریکا همگی در سرسودای ادویه را می‌پختند ؛ علاوه براینکه یکی از دلائل علاقه شدیدمردم‌به‌ادویه حفظ ونگاهداری گوشت بوددلیل دیگر آن مشروبهای مختلفی بود که برای معالجهٔ امراض مختلف تهیه میکردند یعنی همانکاری که امروز بنام «واکسن» انجام میگیرد .

در سال ۱۶۱۱ در مارسی طاعون سختی شایع شد بقسمیکه دو ثلث ازسکنهٔ آنجا را نابود کردو بقیه بکوهها ونقاط دوردست‌متواری شدند ؛ چهارنفر از ولگردان ودزدان موقع را مغتنم شمرده با یکدیگر همدست شده و برای دزدی بخانه های مردگان میرفتند و هرچه پول وجواهر در آن خانه‌های بی‌صاحب می‌یافتند می دزدیدند ؛ پلیس « مارسی » آنها را دستگیرکرد در آنموقع هیچکس جرئت نمیکرد داخل خانهٔ مبتلای بطاعون وارد شود چه رسد باینکه دست باشیاء و اثاثیه آنها بزند ولی این چهارنفر با کمال شجاعت بکار خود مشغول بودند ؛ پلیس « مارسی » ازاینکه آنانرا سالم وقوی می‌بینند تعجب کرد که چگونه آنها بااینکه هرلحظه در خطر قرار دارند تا آنوقت مبتلا نشده بودند لذا نسبت بآنها مظنون شده و تحقیقات را شروع کردند ؛ بدواً آنها از دادن جواب خودداری‌کردند ولی پس ازاینکه بمرگ محکوم شدند و پلیس بآنها اعلام‌کرد که تنها راه نجات هر چهارنفر اینستکه بگویند برای مبتلا نشدن به بیماری طاعون چه « حقه » ای میزدند ، ناچار اعتراف کردند که سیر ،میخك ، دارچین‌و کافور باخود حمل میکردند وتمام جیبهایشان مملو از این چهار ادویه بود از آنروز مخلوط این چهار ادویه را « چهاردزد » نامبدند .

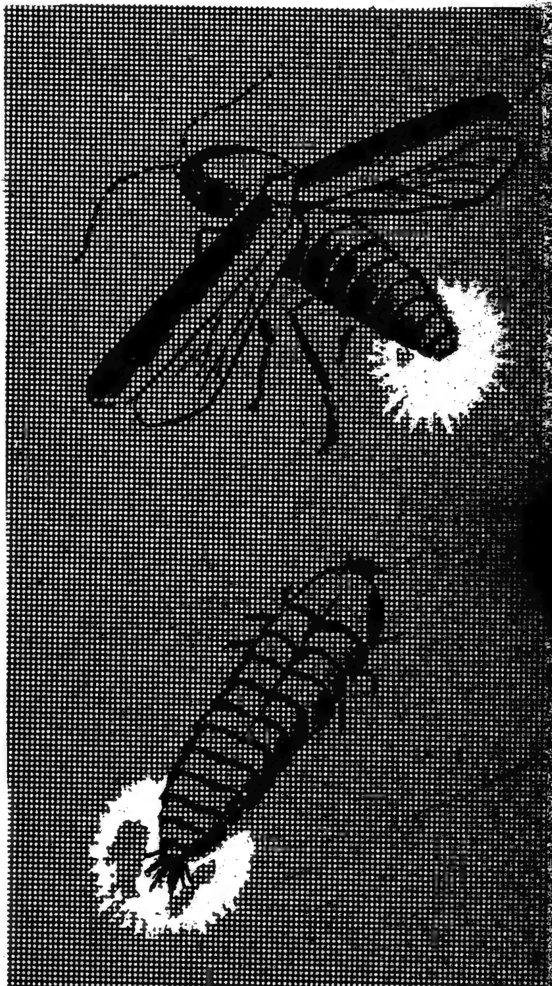
ازاوائل قرن شانزدهم انحصار ادویه معطر از اختیار هلندیهاخارج شد .

ضرب‌المثل مشهور «اشخاص گستاخ وجسور در (جاوه) بسعادت و ثروت میرسند » کاملا مصداق واقعی دارد چه حاکمان سابق آنجا یعنی هلندیها از جاوه مقادیرهنگفتی کاکائو ، چای ،گنه‌گنه واز معادن‌آنجا نفت و قلع بدست آوردند .

گنه‌گنه‌اولین‌بار در سال ۱۸۲۰ بوسیله دونفر فرانسوی بنامهای «پله‌تیه» و «گاوانتو» مورد آزمایش دقیق قرار گرفت و از آن ماده سفیدرنگ «کنین» بدست آوردندکه برای معالجهٔ تبهای نوبه‌ای و تب حاصل‌ازباطلاقها (مالاریا) فوق‌العاده مفید واقع شد وبجرئت میتوان‌گفت اگر این قرص‌های سفیدرنگ‌کوچك نبود امروز قسمت اعظم از خشگی کرهٔ زمین غیرمسکونی مانده بود . بعدها گنه‌گنه رادر جاهای دیگر نیز کاشتند و از انحصار جزیرهٔ «جاوه» بیرون‌آمد .

کرم شب‌تاب

(دکتر محمود بهزاد)



کرم شب تاب
(بالا حشره کامل
پائین نوزاد آن)

نام **کرم‌شب‌تاب** را شنیده و و شاید آن را دیده‌اید . کرم شب‌تاب خلاف آنچه‌مشهور است، کرم نیست بلکه حشره‌ای‌است ازگروه **قاب‌بالان** که نوزادی کرمی شکل دارد . انتهای شکم این حشره درحالت نوزادی و نیز هنگامی که بالغ می شود ، در شب می‌درخشد. رخشندگی‌کرم‌شب تاب همیشگی نیست بلکه شبها ودر لحاظ مخصوص و بطـور متناوب رخشندگی‌دارد. تناوب رخشندگی‌در انواع مختلف‌کرمهای‌شب‌تاب بقدری دقیق‌است‌که هرنوعی‌کرم شب‌تاب‌در زمان واحدی تعداد معینی «چراغ می‌زند» و طول مدت هربار «چراغ زدن» نیز در هرنوعی ثابت است . و از روی شماره چراغ زدنها و طول مدت هریك می‌توان نوع حشره را تشخیص داد .

کرم شب‌تاب تنها جانداری‌نیست که در شب می درخشد بلکه بسیاری از گیاهان و جانوران خشکی ودریا نیز شب تابند .

از میان گیاهان بعضی ازانـواع **باکتریها** و **قارچها** شب تابند ولـی تعدادجانورانی‌که درشب میدرخشند بسیار است . ازمیان جانوران‌دریائی بعضی از جانوران میکروسکوپی‌چون **تاژکداران** و نیز بعضی از اسفنجها و کرمها و صدفها و ماهی هشت پا و خرچنگها و ماهیها شب تابند .

نوعی از جانوران میکروسکوپـی تاژکدار به نام نوکتیلوکامیلیاریـز دربعضی از ماهیهای شب تـاب چون **فانوس ماهی** (تصویر ۳ــ بالا سمت راست) ، اندام رخشنده‌مانند فانوسی درانتهای زائده‌ای بالای سر جانور قراردارد . در بعضی ازانواع دیگرماهیهامانند **(ماهی‌آنگلو)** (تصویر ۳ــ سمت راست پایین) اندام هـای رخشنده به صورت لکه های روشن درسرتاسردوپهلوی‌جانور قرارمیگیرد بیشتر جانوران دریایی شب‌تاب دراعماق تاریك دریا زندگی میکنند.

اندام شب تاب بعضی ازجانوران، از سلولهایی ساخته شده است که هریك به تنهایی نور تولید می کندو نور اندام رخشنده مجموع نـوری است که از سلولها حاصل میشود . بعضی دیگر ازاندامهای شب تـاب ساختمانی چون فانوسهای پرطـول و تفصیل دارند و عدسیهایی درآنها است که نور را متمرکز کرده بیرون می فرستند . این‌گونه اندام شب‌تاب در بعضی ازانواع ماهیها و ماهـی هشت پا و خرچنگهای شب تاب وجود دارد .

گروهی از جانوران شب تاب هستند که از خود نوری تولیـد نمی‌کنند بلکه باکتریهای شب تاب در نقاط مختلف بدن آنها بسر می‌برد وجانور را شب تاب می‌سازد .

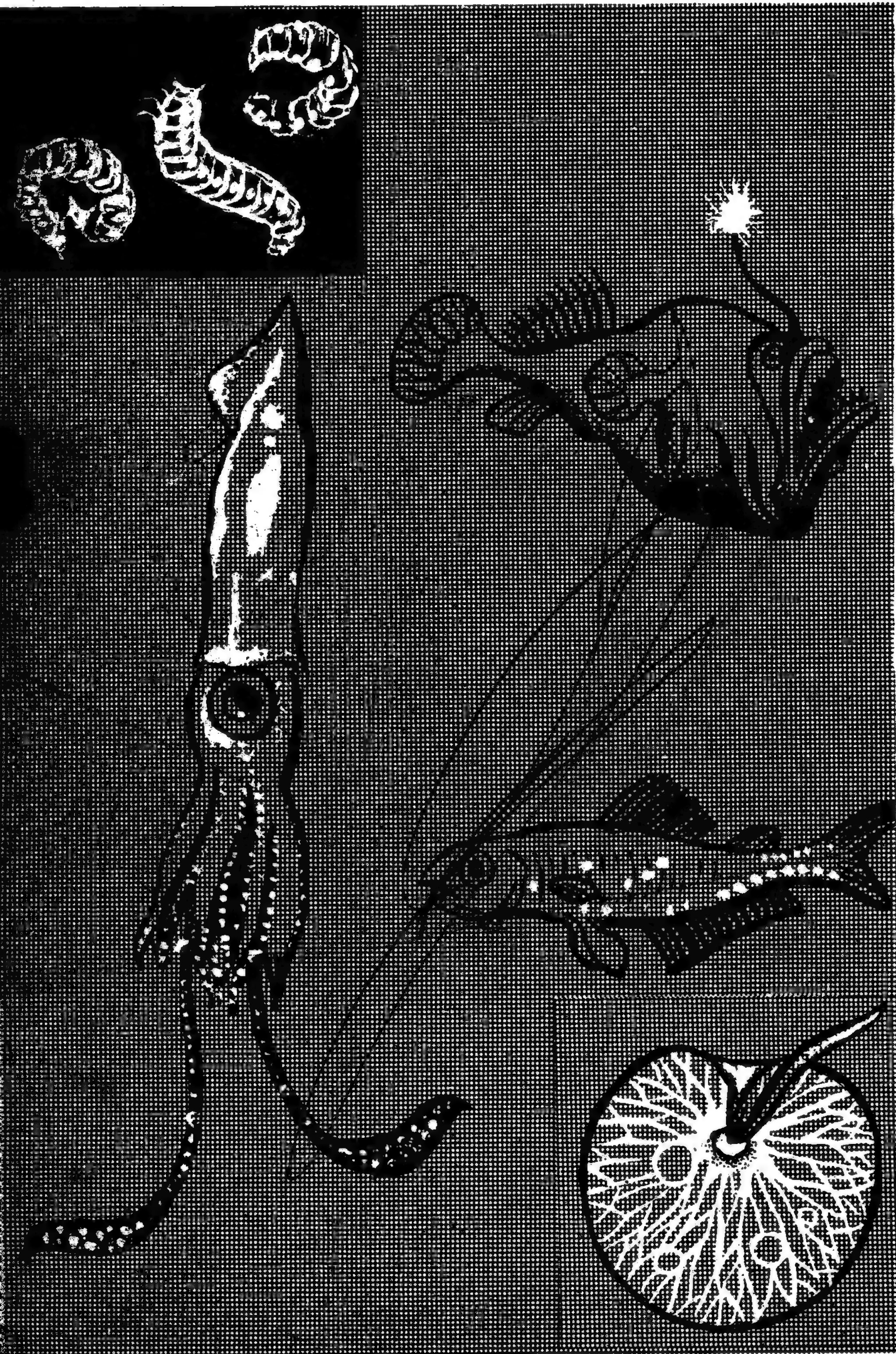
باکتریها وقارچهـای شب‌تاب رخشندگی دائم دارند ولی جانوران شب تاب تنها هنگامی می‌درخشندکه به سببی تحریك‌شده باشند ، تحریك حاصل ازطریق اعصاب‌جانور به‌اندام شب‌تاب می‌رسد و آن را رخشنده می‌سازد .

تا مدتی درخشندگی چشم گربه را درشب به سبب تولید نور گمان می‌کردند ولی تحقیقات دقیق نشان داده‌است که چشم گربه ، تنها نور را منعکس می‌کند ، اگر چه نور بسیار کم باشد . وقتی که گربه را در اطاق کاملا تاریکی قرار می‌دهند ، چشمش به هیچ وجه نمی‌درخشد .

اکنون ببینم که موجودات شب تاب از چه راهی نور تولید می‌کنند .

نوری‌که انسان‌به منظور روشن ساختن اماکن تولید می‌کند عموما با گرما همراه است (نورگرم) از شمع پیه‌سوز و چراغ نفتی گرفته تا چراغ برق ، همه نورها با گرما توام است . اصلی که درچراغهای برق‌برای تولید

سمت راست شکل اول فانوس ماهی
سمت راست شکل دوم ماهی ابگلیر
سمت راست شکل سوم تاژکذاری شب تاب
سمت چپ شکل اول سه کرم قطار
سمت چپ شکل دوم ماهی هشت پای شب‌تاب



نور به کار می‌رود این است که «هر جسمی که به‌درجه مناسبی گرم‌شود، نور تولید می‌کند. هرچه گرما بیشتر باشدنورمرئی‌بیشترمیشود.»معمولادر هر منبع نور مصنوعی، علاوه برنور مرئی مقداری هم اشعه نامرئی وگرما تولید می‌شود. آشکار است که اگر در منبعی نور مرئی نباشد از آن استفاده نمی‌شود.

اگر تولید نور در جانداران با گرمای زیاد همراه باشد زیان آور خواهد بود بنا براین نوری که در جانداران رخشنده تولید می شود **نور سرد** است.

تجسسات دانشمندان شیمی نشان داده است که در بعضی از واکنشهای شیمیائی که با تولید نور همراه است عملا گرمایی به وجود نمی‌آید و همه انرژی شیمیائی به صورت نور درمی‌آید. این‌را اصطلاحا **رخشندگی شیمیائی** گویند.

رخشندگی **فسفر** ازاین قبیل است. و نیز ماده‌آلی به نام **لومی‌نول** که شیمی دانها به آن آمی‌نوفوتالیك هیدرازیدمی‌گویندازطریق‌رخشندگی شیمیائی حاصل می‌شود.

اگر نور ماوراء بنفش را در تاریکی به بعضی از ترکیبات شیمیائی بتابانند، نور سرد به وجود می‌آید این‌را **فسفرسانس** گویند. اگر ماده حساس مزبور تنها هنگامی رخشنده شود که نور غیر مرئی به آن بتابد (نور ماوراء بنفش ومانند آن) در این حالت نوری که تولید می‌شود **فلئورسانس** گفته می شود.

لامپ فلئورسنت جدیدکه برای روشن کردن اماکن به کار می‌رود لوله‌ای است که محتوی گازی کم فشار است ودیواره لوله را از داخل با ورقه نازکی از ماده فلئورسان می‌پوشانند. هنگامی که جریان برق ازاین لامپ می‌گذرد، امواجی که بیشتر آنها اشعه ماوراء بنفش است تولید می‌شود واز برخورد اشعه

ماوراء بنفش با ماده فلئورسان نور به وجود می‌آید . دراین‌جریان گرمای کم تولید می‌شود .

هرگاه جریان برق را از گازی کم فشار عبور دهند **رخشندگی ـ الکتریکی** حاصل می‌کند . لامپهای نئون ازاین قبیلند .

به طوری که ملاحظه می‌شود انواع نورهای سرد بسیار است . حال باید دید که کدام يك از این انواع در جانداران شب تاب سبب رخشندگی است .

قبلا اشاره شد که بعضی از واکنشهای شیمیائی در حرارت کم نور تولید می‌کنند (رخشندگی شیمیائی) واکنشهای فراوانی در پرتو پلاسم سلولهای زنده صورت میگیرد که حاصل آنها انرژی حرکتی وانرژی‌ترشحی‌وانرژی‌تقسیم سلولی و انرژیهای گوناگون برای انجام همه‌گونه فرآیند های حیاتی است . بنا براین تعجبی نخواهد داشت اگر یکی ازاین گونه واکنشهای درون پرتو پلاسم منجر به تولید نور شود .

نخستین کسی که رخشندگی شیمیائی را در جانوران کشف کرد **رافائل دوبوا** بود . وی در سال ۱۸۸۷ کشف کردکه در رخشندگی شیمیائی یکی از **نرم‌تنان** فولاس داکتی‌لوس ماده‌ای دخالت دارد که وی آن را **لوسی‌فرین** نامید . بنابر کشف **رافائل دوبوا** لوسی‌فرین، تحت‌اثردیاستازی به نام **لوسی فراز** اکسید می‌شود و نور می‌دهد .

تجسسات بعدی نشان داد که رخشندگی در جانداران همیشه به علت اکسید شدن ماده‌ای نیست که **رافائل دوبوا** آن را لوسی فرین نامیده است . بلکه مواد بسیاری هستند که از نظر جنس شیمیائی با لوسی فرین **رافائل دوبوا** تفاوت دارند ولی نور تولید می‌کنند .

مطالعاتی که در سالهای اخیر روی باکتری‌های شب تاب و کرم شب‌تاب و سخت پوستان شب‌تاب صورت گرفته نشان داده است که مواد موثر در تولید نور از نظر جنس شیمیائی شباهت کمی بایکدیگر دارند.

ماده رخشنده‌ای که از باکتری های شب تاب بدست آمد ترکیبی آلی‌است به نام **فلاوین مونونوکلئوتید** احیاء شده به اضافه **آلدیئه** ، وقتی که این ترکیب آلی بادیاستاز لوسی فراز درآلی که اکسیژن محلول دارد، مجاور می‌شود نور می‌دهد . ماده حاصل از اکسید شدن ، تحت اثر ماده‌دیگری به‌نام دی‌فسفوپی ری‌دین نوکلئوتید به لوسفرین تبدیل میشود این ماده بار دیگر اکسید می‌شود و نور می‌دهد واین دور همچنان ادامه می‌یابد وبه همین دلیل است که دیده می‌شود باکتریها همیشه شب‌تابند .

ماده رخشنده‌ای که در کرم شب‌تاب است با آنچه که درباکتری ها وجود دارد متفاوت است . درکرم شب تاب علاوه برماده لوسی فرین مخصوص ولوسی فراز یونهای مانیزیم‌یوم وماده دیگری دخالت‌دارد که نامش به طور ساده آ.ت . پ‌است (آدنوزین تری فسفات) . وقتی که‌این چند ماده‌را درلولهٔ امتحانی باهم مخلوط می‌کنند نور به وجود می‌آید اگر هر يك از مواد فوق در لوله امتحانی موجود نباشد نوری حاصل نمی‌شود . لوسی‌فرین کرم شب تاب دارای چنین فرمولی است



ماده رخشنده سخت پوست شب تاب Cypridina ، لوسی فرینی است که با آنچه‌که در باکتری وکرم شب‌تاب وجود دارد متفاوت است . به‌علاوه دراین جانور ، لوسی فرین را يك عده سلولهای ترشحی می‌سازند و لوسی فراز را سلولهای ترشحی دیگر . این دو ماده درنزدیکی دهان جانور باهم در آب ریخته می‌شوند وباعث‌رخشندگی آب‌مجاور دهان جانور می‌گردند .

نوری که در جانوران شب‌تاب به وجود می‌آید عموما دارای يك‌رنگ است ولی **کرم قطار** (تصویر ٤) دو رنگ تولید می‌کند یکی زرد مایل به سبزی ودیگری قرمز . درازی کرم قطار در حدود ٥ سانتیمتر است و نقاط روشن زرد مایل به سبزی ، به فواصل منظم در دو پهلوی‌بدنش دیده می‌شود ولی در قسمت سر نقطه قرمز رخشنده ای دارد .

حرکت این کرم شبیه حرکت قطاری است که در شب نور پنجره هایش از دور به چشم می‌خورد .

آکنون جای این سئوال باز می‌شود که نورجانداران‌شب تاب‌چه فایده‌ای دارد ؟

نور متناوب کرم شب تاب علامتی است که نروماده برای جلب یکدیگر در شب تولید می‌کنند و چنانکه اشاره شد ، شماره چراغ زدنها و طول مدت هربار چراغ‌زدن در هرنوع کرم شب تابی مشخص است .

ماده رخشنده سخت پوست شب‌تاب لوسی‌فرینی است که با آنچه در باکتری و کرم شب‌تاب نور تولید می‌کنند تفاوت دارد ولی این نور برای باکتریها وقارچها چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد !

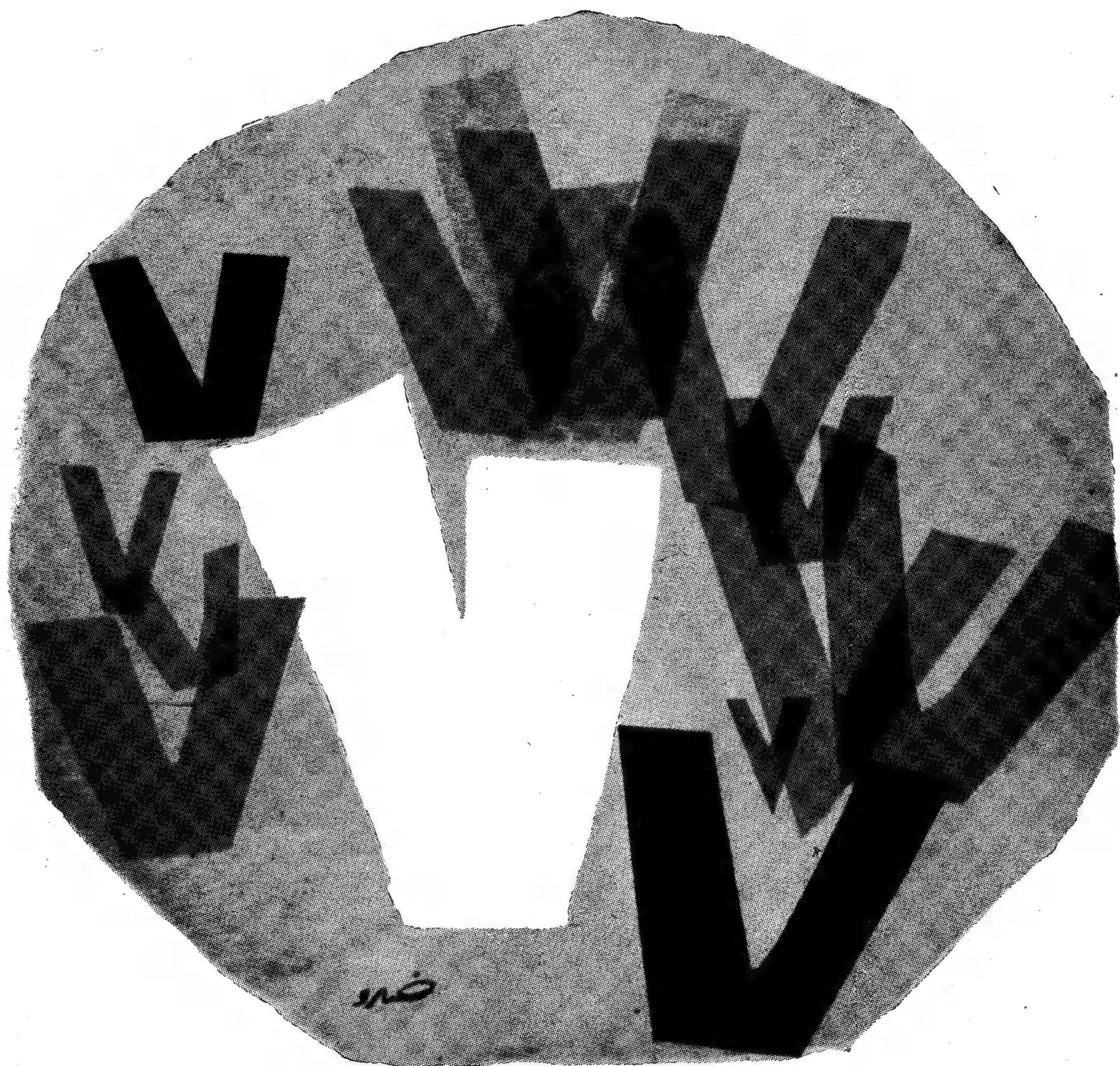
جانورانی که در اعماق تاريك دریا زندگی می‌کنند ، به احتمال قوی برای شناختن محیط زندگی نور تولید می‌کنند . جانوران پیر که در اعماق روشن دریا زندگی‌می‌کنند، درشب می‌توانند بدین گونه از نور استفاده کنند ولی این نور آن هم به صورت همیشگی برای باکتریها و قارچها چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد .

جانوارنی که در اعماق تاريك دریا زندگی می‌کنند ، به‌احتمال قوی برای شناختن محیط‌زندگی نورتولید می‌کنند . جانورانی هم که در اعماق روشن بسر مـی‌برند ، در شب می‌توانند بدین گونه از نور استفاده کنند .

ماهی هشت پایی که در اعماق تاريك زندگی می‌کند ، از ریختن ماده رخشنده در آب برای فرار از دست دشمن استفاده می‌کند ، درست بـه همان روش که ماهی مرکب درنتیجه ریختن ماده سیاه از چنگ دشمنـان می‌رهد .

ماهیهایی که نقاط رخشنـده بدنشان در دو پهلو است ممکن است برای حرکت دسته جمعـی یا به منظوری که در کرم شب‌تاب اشاره شد ، از نور استفاده کنند .

از سال ۱۹۳۰ الی کنون ، دستگاههای گوناگون‌مجهزبه‌تلویزیون را تا اعماق ده هزار متـری دریا فرستاده‌اند تا اسرار اعماق دریا را در وضع طبیعی خود مطالعه کنند . روزی که راز رخشندگی‌جانداران از پرده بیرون افتد ، چندان دورنیست



هفت شهر عشق را عطار گشت — **ما هنوز اندر خم یك کوچه‌ایم**

از قدیم‌الایام میمنت و نحوست اعداد ، اشیاء ، آدم ها مورد بحث بشر بوده است . اعتقاد باینکه بعضی از روزها سعد و برخی از روز ها نحس است هنوز هم باقی است . بهمین ترتیب اعداد نیز می‌توانسته‌اند در نظر بشر خیال پرور بی‌اثر باشند . اینکه عدد سیزده راعده‌یی میمون میدانندوبسیاری آنرا بدشکون تصور می‌کند در بین اقوام و ملل رواج‌دارد.

بحثی که اینك بنظر شما رسید پیرامون یکی از اعداد یعنی عدد هفت است که اقوام و ملل ومذاهب مختلف درباره آن چه می‌گویند و چه می‌اندیشند :

هفت بنظر اقوام مختلف

مردم بابل برای هفت‌احترام خاصی قائل بودند .طبقات آسمان و زمین ، شماره سیارات بنظر آنها هفت بوده است شماره فرشتگان مقرب و ایام هفته بنظر قوم بنی‌اسرائیل هفت بوده ــ عرب‌دوران جاهلیت و اسلام ــ رومیها هندیان و ایرانیان قدیم برای هفت اهمیت مخصوص قائل بودند .

هفت بنظر مذاهب

بعقیده هندیها در آئین برهما انسان هفت بار می‌میمرد و زنده می‌شود و در روز عروسی ، عروس و داماد باید هفت قدم باتفاق یکدیگر بردارند . در آئین زردشت هفت فرشتد مقرب ترین فرشتگان بودند که نام شش تای آنها نام ماه های فارسی و عبارتست از : اردیبهشت ــ خرداد ــ امرداد ــ شهریور ــ

بهمن و اسفند آتشکده های عصر ساسانی هفت بوده : آذر مهر ـ آذرنوش ـ آذر آئین ـ آذر خرداد ـ آذر برزین ـ آذر زرد هشت .

هفت در آئین یهود

در تورات یهود مذکور است : «و از همه بهایم پاك هفت ، هفت نروماده ، با خودبگیر.. و از پرندگان آسمان نیز هفت ، هفت نروماده را تا نسلی برروی تمام زمین نگاه‌داری زیرا که من بعد از هفت روز دیگر چهل روز و چهل شب باران می‌بارانم و هر موجودی را که ساخته‌ام از روی زمین محو می‌سازنم » در داستان کشتی نوح ذکر شده .

هفت در آئین مسیح

هفت معجر ، از سی وسه معجر ، مسیح درانجیل یوحنا ذکرگردیده . درانجیل متا از هفت روح پلید بحث شده بنظرفرقه کاتولیك هفت گناه اصلی ، هفت نوع توبه هفت نوع آداب هفت نوع اندوه ـ هفت نوع شادی و هفت افتخار وجود دارد . همچنین گفته می‌شود مسیح برفرازصلیب و پیش از مرگ هفت مطلب را بیان داشته است .

هفت در اسلام

نزد مسلمانان این عدد داری مفهوم خاصی است که خود البته اقتباس از بنی‌اسرائیل و مسیح و ملل دیگر است و قسمتی از این عقاید اختصاص بخود اسلام دارد . مثلا آنچه از بنی‌اسرائیل گرفته اینست که آسمان و زمین هفت طبقه دارد ـ فرعون در خواب هفت گاو چاق و هفت گاو لاغر رادید که نشانه هفت سال خشکسالی بود ـ جهنم هفت طبقه دارد ـ آنچه از مسیح گرفته‌اند گناهان اصلی هفت می‌باشد. آنچه در میان اعراب جاهلیت موسوم بوده : هفت بار طواف دور کعبه ـ هفت بار رمی جمرات . و قسمتی از امتیازات اسلامی است چون هفت تن قاری قرآن ـ هفت بار شستن اشیاء ناپاك ـ هفت عضو بدن که بهنگام سجده باید برزمین قرارگیرد ـ هفت امام و غیره .

هفت در تصوف

در تصوف هم عدد هفت مورد توجه قرارگرفته مثلا هفت وادی سلوك . طلب ـ عشق ـ معرفت ـ استغناء ـ توحید ـ حیرت و فنا می‌باشد و این همان اشاره‌ای است که مولوی می‌گوید که :

هفت شهر عشق را عطار گشت
ما هنوز اندر خم یك کوچه ایم

هفت در تاریخ

همراهان داریوش بزرگ با خود او هفت تن می‌شدند که هفت جفت شاهین را دیدند و عبرت گرفته و با او هم داستان شدند ـ در نقش رستم فارس در بالای آرامگاه داریوش با پیکر شاه که در وسط ایستاده هفت نقش ملاحظه می‌شود ـ در همین دوران هخامنشی هفت وزیر بخدمت پادشاه بار می‌یافتند گویند ضیافتی که پادشاه هخامنشی خشایارشاه در شهر شوش ترتیب داد هفت روز طول کشید که هفت خواجه سرا خدمت کردند و هفت تن از بزرگان فارس و ماد حضور یافته ـ در عهد ساسانی اعضای هفت خاندان حق داشتند که تاج برسرگذارند ـ در نوروز پادشاهان ساسانی مردی با هفت خوشه گندم و هفت خوشه جو ، هفت خوشه نخود و هفت خوشه کنجد و هفت خوشه برنج که برهرخوشه هفت دانه دیده می‌شد وارد می‌شد .

جنگ های هفت ساله در زمان لوئی پانزدهم انجام شد ـ همینطور : اژدهای هفت سر ـ هفت پسر گرشاسب که‌بهفت راهزن مبدل شدند، هفت خان رستم ـ هفت سردار یا هفت گرد زمان کیکاوس ـ هفت سال پادشاهی رستم ـ هفت سال خشکی و خشکسالی ـ هفت سال جستجوی گیودر طلب کیخسرو ـ هفت تازیانه گیو ـ هفت خان اسفندیار ـ هفت سالگی شاهپور که پس از هفت سال اردشیر بابکان فرزند را شناخت همه جز افسانه های حماسی است .

هفت در افسانه‌ها

در داستانهای هزار و یکشب عدد هفت چندین جاآمده است : «روزی حکیم سندباد مربی ملکزاده بطالع او نظر کرد و دید که ملکزاده تا هفت روز سخنی خواهد گفت که آن سخن سبب هلاك او شود . ملك چاره پرسید . حکیم گفت او را درنزهتگاهی بگذار و آلات طرب و مغنیان بدو جمع آور تا او این هفت روز بعیش و نوش بگذارند . ملك کنیزکی خوبروی راکه از خاصان بود بخواست و پسر بدو سپرد و گفت : با خواجه خود بفلان قصر شو و تا هفت روز مگذار از قصر بیرون آید ـ جوان مزبور با ملکه کشوری ازدواج کرد و هفت سال با او بخوشی بسر برد ـ زن بازرگان با ملکزاده هفت روز در لهو و لعب بود ـ عجوز بحیلت ، زن بازرگان را درخانه بازرگان‌زاده دیگر هفت روز بداشت و ماهی هفت رنگ که‌داروی پادشاه بیمار شد. در گردن جسد ملکه یمن هفت گردن بند ود- دست ها و پاهای وی النگو ها و خلخال ها هفت ، هفت بود » .

معابد هفت طبقه

دربابل‌و آشور هرمعبدی هفت طبقه‌داشت و هر طبقه مخصوص یکی از سیارات و برنگ همان سیاره و چنین بود :

سفید ـ سیاه ـ ارغوانی ـ آبی ـ سرخ ـ سیمین‌ـ زرین و هفت حصار همدان ـ آرامگاه کوروش در پازارگاد بر بناهای بزرگی قرارگرفته که هفت پله دارد .

هفت در علام

هفت فلز اصلی : طلا ـ نقره ـ ارزیز ـ مس ـ سرب ـ آهن و جیوه را کیمیاگران بترتیب سیاره های هفت‌گانه: خورشید ـ ماه ـ مشتری ـ زهره ـ زحل ـ مریخ ـ عطارد منتسب میدانند .

هفت در ادبیات

در فارس تالیفات زیادی که مبنای آن بر هفت است دیده می‌شود : هفت پیکر نظامی هفت بند محتشم ـ هفت حصار خواجه‌عبدالله انصاری ـ هفت اورنگ جامی ـ و بالاخره منطق‌الطیر شیخ‌عطار نیز مشتمل بر هفت وادی است .

در پایان مقال ، قسمتی از لغات و اصطلاحات فارسی متداول را متذکر می‌شویم .

هفت‌آتشکده ـ هفت‌آسیا ـ هفت آئینه‌ـ هفت اژدها ـ هفت برگ ـ هفت بند ـ هفت پرده ـ هفت پرده چشم ـ هفت پشت ـ هفت تیر ـ هفت چرخ گردان ـ هفت چشم ـ هفت پادشاه ـ هفت حکایت ـ هفت خاتون ـ هفت خزینه ـ هفت خواهران ـ هفت دست ـ هفت داوران‌ـ هفت دکان‌ـ هفت‌دوزخ‌ـ هفت دم‌ـ هفت ذرع کفن ـ هفت زبان ـ هفت سر ـ هفت سلام ـ هفت سلطان ـ هفت سین ـ هفت شمع ـ هفت طبقه ـ هفت عروس نه عماری ـ هفت فرشته ایام‌هفته ـ هفت قفل ـ هفت قلم‌ـ هفت قلم آرایش ـ هفت کره ـ هفت کره ـ هفت گردان ـ هفت‌گردون ـ هفت گنجینه ـ هفت منزل ـ هفت نوبت ـ هفت میل .

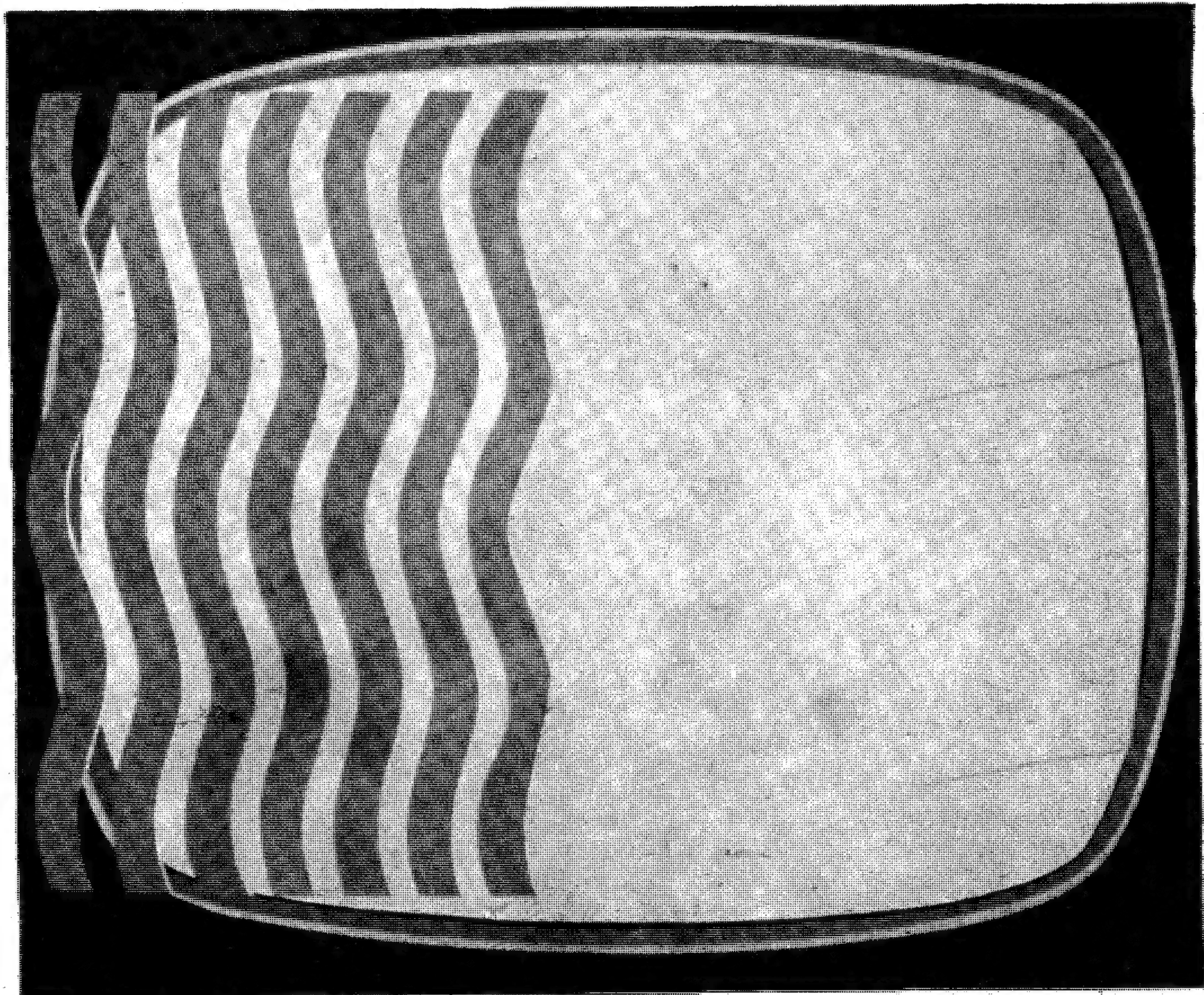
تلویزیون ورابطه آن با رادیو و سینما

انسان همیشه آرزو میکرد حوادثی‌راکه در مسافات دور دست بظهور میرسد ببیند و چشمی داشته باشد که از فرسنگها رویت کند اما این آرزورویا وخیالی بیش نبود . البته ساحران وجادوگران که از روانشناسی آدمی آگاهی داشتند وشدت این آرزو را درمردم میشناختند برای فریب مشتریان خود سورمه غیب شدن ساخته بودند که بچشم بکشند واز نظر دیگران ناپدید شوند ولی سایرین را ببینند ویا جام بلوری ساخته بودند ومدعی بودند که هرکس در آن نگاه کند حوادث دورواشخاص غایب را میبینند اما هیچیك‌از این طراریها موثر درنیل باین هدف رویائی آدمی نبود تا هنگامیکه **تلویزیون** اختراع شد واین آلت حیرت بخش انسانی را قادر کرد که بآرزوی دیرین خودبرسد ودر حالیکه براحتی هم از مسافات دور وقایع واشخاص ومناظررا ببیند وهم صداهارا بشنود .

حال چگونه چنین هنری که سابقا محال بنظرمیآمد صورت واقعیت گرفته وچگونه تصاویر وصداهااز مسافات دور بصورت نامرئی فضارا طی کرده ناگهان جلوچشم ماروی‌یك صفحه شفاف تلویزیون ظاهـر میشوند این توضیحات علمی ودر حال ساده را بخوانید

تلویزیون مرکب از دوکلمه (تله) و (ویزیون) یعنی دیدن‌ازدور است با تلویزیون، چیزهائی را که خیلی دور هستند می بینیم ، همانطورکه بارادیو صداهائی را که در فواصل خیلی زیاد بوجود میآیند میشنویم . البته با تلویزیون ورادیو نه خود شیئی را می بینیم ونه خود-صدارا میشنویم بلکه تصاویر آنهارا می بینیم ومی شنویم .

تلویزیون ورادیو ، هـردو ، اسبابهای



حیرت انگیزی مانند لوله‌های الکترونی و غیره را بکار میبرند . فرض کنید برادر شما در دستگاه مرکزی فرستندهٔ رادیو بیك قطعه موسیقی که اجرا میشود گوش میدهد وخود شماهم در خانه نشسته‌اید وبوسیله رادیوی خود همان قطعه رامی شنوید . آیا هردو بیك‌صدا گوش فراداشته‌اید ؟

نه . برادر شما صدای اصلی را می شنود وشما تجدید وتکرار آن صدارا . در دستگاه مرکزی فرستندهٔ رادیو صداهای اصلی که‌از اجرای قطعهٔ موسیقی ، یا نظایر آن ، تولید میشوند به امواج برق و مغناطیسی (الکترو مانیه‌تیك) یاامواج رادیوئی تبدیل میگردند واین امواج رادیوئی پراکنده ومنتشر میشوند . این امواج پشت سرهم مانند رشتهٔ‌آبی وارد هوا میشوند . البته انتشار آنها بانهایت نظم وترتیب است نه مثل مردمی که آخرشب از سینما خارج میشوند درهم وشلوغ ونامنظم . انتشار امواج باوزن وآهنگ خاصی است ، مانند یك رقص ، نهایت آنکه اشخاص این رقص امواج هستند . این امواج در هرجهت در آسمان سیر میکنند ورادیوی شما آنهارا میگیرد ودر داخل خود باامواج صداتبدیل میکنند واز راه بلند گوی خود بگوش شما میرساند . پس صدائی که شما می‌شنوید نسخهٔ ثانی وبدلی‌صدائی‌است که برادر شما میشنود .

در تلویزیون هم لوله های الکترونی و اسبابهای دقیق علمی دیگر برای تکرار و تجدید نور بکار میرود . معمولا تلویزیون و رادیو را باهم بکار میبرند تا منظره وصدا باهم گرفته شود ، عیناً مانند فیلمهای ناطق . بزودی تلویزیون ، که اکنون مناظر را برنك سیاه نشان میدهد ، رنگین خواهد شد و آنوقت در کشور هائی که دستگاههای فرستنده و وسایل گیرنده تلویزیون دارند هر صحنه بطور طبیعی وباصدای طبیعی دیده وشنیده خواهد شد .

مورد استعمال این دستگاه سحر آسای علمی بسیار است وشاید قسمت اعظم آن برای سرگرمی وتفنن مردم باشد . مردم می‌توانند بدون زحمت نمایشنامه‌هائی را ببینند وبشنوند وناظر نمایشگاهها ونمایشها وجریان میدانهای ورزشی باشند . انتظار میرود کـــه براثر پیشرفت این‌دستگاه دیدن‌فیلمهای رنگین که‌در تالار هانمایش داده میشود در داخل خانه‌ها میسر گردد . جالب تراز همه ناظر بودن صحنه های اجتماعی وسیاسی ، مثلا نطق و خطابهٔ مردان بزرگ است که بی‌دردسر برای هرکس که یك دستگاه گیرندهٔ تلویزیون داشته باشد میسراست .

البته برای همهٔ مردم میسر نیست که‌در همان وقت که امر مهمی اتفاق می افتد پای دستگاه جمع شوند وناظر واقعه گردند . خوشبختانه احتیاجی هم باین کار نیست چرا که دوربین‌های عکاسی منضم‌بضبط صوت وقایع راضبط وثبت میکنند وبعداً دردستگاه فرستندهٔ تلویزیون فیلمهائی را که گرفته شده‌است بروی صفحه میآورند وپراکنده میسازند . فیلمهای تربیتی وآموزشی وتفریحی بوسیلهٔ تلویزیون بمردم نشان داده میشوند بقسمی که از مربا ساختن میوه تا دوختن لباس وتعمیر اتوی‌برقی ورقص وبازی تنیس وقایق رانی بکسانی‌که مایل باشند آموخته میشود . خلاصه تلویزیون بتنهائی جای تختهٔ سیاه مدرسه وپردهٔ سینماو تماشاخانه ورادیو را گرفته است .

صنعت تلویزیون هنوز در مراحل‌کودکی است ومهندسان ودانشمندان پیوسته دست‌بکار توسعه وپیشرفت آن هستند . ولی اصولی که در اینجا ذکر خواهد شد مبنا واساس تلویزیون است وآنچه بعدهابشود برروی این اصول خواهد شد .

فوتوسل یا قلب فرستنده

فرستندهٔ تلویزیون‌درحقیقت نوعی دوربین عکاسی است که تصاویر را باامواج الکتریکی تبدیل میکند . قسمت اصلی این فرستنده ، یعنی آنکه نور را بجریان برق تبدیل مینماید ، نوع خاصی پیل‌فتوالکتریك‌است که «فوتوسل» نامیده میشود . این پیل‌نوعی اسباب الکترونی است که سطح خاص آن بقسمی است که‌به سبت نوری که‌بآن برسدجریان تولید میکند .

آیا میخواهید بدانید که چطور دستگاه تلویزیون «بافوتوسل» خود میتواند تمام سایه وروشن جزئیات منظره‌ای را که در برابر دستگاه است پیوسته وبدون انقطاع بدور مخابره کند ؟ سبب این است که تلویزیون تصویر را خرد وبچندین قطعهٔ کوچك تقسیم میکند و هر قطعه را سریع وچابك بخارج مخابره مینماید . اگر درست بعکس نگاه‌کنید می بینید که از نقاط بسیار تشکیل گردیده است که بدرجات مختلف روشن یاتیره رنك هستند .

ممکن است سایه روشن پررنك‌یاکم‌رنك تصویری‌راکه می‌بینید باشدت وضعف صدائی که میشوید قیاس‌کنید در تلویزیـــون هر تصویر بهزاران نقطه تقسیم میشود وپیل‌فوتو الکتریك دستگاه‌فرستنده‌این نقاطرا باامواج برق تبدیل ودر فضا منتشر میکند . در خانه‌ها دستگاه گیرنده این امواج برقی را بهمان ترتیب که فرستاده شده‌است میگیرد وبنور بدل می‌سازد وبروی صفحه‌یی افکند ونقاط تیره یاروشنی ، مطابق آنچه فرستاده شده است ، پدید میآورد که مجموع آنها منظره‌ئی را که‌درمقابل دستگـــاه فرستنده است تجدید میکند . سرعت تجمع این نقاط منفصل بحدی است که چشم قادر بدرك آن نیست وبنظر میرسد که تمام منظره بیکباره برروی صفحهٔ گیرنده تشکیل میگردد ، عیناً مانند دستگاه سینما که تصاویر را چنان بسرعت از برابر چشم ما میگذرانند که مجزا ومشخص ساختن آنها برای ما میسر نیست وحرکت را مداوم وبدون انقطاع می بینیم .

عمل منقسم ساختن یك تصویر باجزاء بسیار کوچك را «مقطع‌کردن» می‌نامند . این کار بوسیلهٔ ماشین وبکمك صفحه‌ایست که‌در آن سوراخهای بسیار بشکل مارپیچ احداث شده است . وقتیکه صفحهٔ دستگاه مقطع کننده بسرعت می چــرخد ـــ پـرتـو نوری را از سوراخهای آن میگذرانند وبمنظره‌ای که‌باید باتلویزیون مخابره شود میاندازد . هرنقطهٔ آن منظره در مقابل یکی از سوراخهای صفحه واقع میگردد وعمل مقطع کردن در مدتی کمتر ازآن که شما برای خواندن این عبارت صرف کرده‌اید انجام میشود .

روش دیگری که امید میرود مؤثرتر و عملی ترباشد استفاده از مقطع کننده‌هـای الکترونی است‌که شخصی‌بنام «زوری‌گین» کـه دردستگاه رادیـو آمـریکا است تعبیه نموده و خودش آنرا «آیکنوسکپ» ، که معنی لغوی آن « مراقب تصویر » است نامیده آیکنوسکپ لوله‌ایست که برای گرفتن تصویر بکار میرود وجزء دوربین عکاسی است که ممکن است عدسیهای آنرا روی منظره‌ای که بدور فرستاده شود میزان کرد . آیکنوسکپ لولهٔ الکترونی بزرگی است شبیه بیك کدوی درشت . اجزاء اصلی آن یکی «تفنگی» است که الکترون پرتاب‌میکندو دیگری صفحه‌ایست که روی آنرا قطره‌های بسیار کـوچك نقره و «سزیوم» پوشانیده است . هرقطره کـــــه از ته سنجاقی کوچکتر است مثل یك پیل فتو- الکتریك ، یافوتوسل ، بسیار کوچك است . این صفحه را «صفحهٔ موزائیك» مینامند . متکی بصفحه مرصع صفحهٔ فلزی دیگری است بنام «صفحهٔ علامت»

حالا فرض‌کنیم مقصود فرستادن منظره‌ای بدور باشد . نوری که ازاین منظره برمیخیزد از عدسیهای دوربین میگذرد وبه صفحهٔ مرصع برمیخورد . وقتی‌که‌نور بیکی از موزائیك‌ها ، یعنی یکی از دانه‌های صفحه برسد سزیوم مقداری الکترون ، متناسب باشدت وضعف‌نور م صادر میکند . دانهٔ موزائیك که باین نحو مقداری الکترون ، متناسب باشدت وضعف نور الکتریکی مثبت میگردد . این وضع در صفحهٔ فلزی ، یعنی صفحه علامت ، تأثیر میکند و این صفحه که مقداری الکترون دریافت میدارد دارای بار الکتریکی منفی میشود .

در این موقع‌تفنك الکترونی بکار میافتد

ویك رشته شعاع الکترونی ، که از مغز مداد باریك تراست ، پرتاب مینماید وآنرا بوضع افقی واز چپ براست از صفحه عبور میدهدو بعد بسرعت بعقب برمیگردد و دریك سطر پائین‌تر عمل پرتاب الکترون را تکرار میکند (درست مانند وقتی که شما مشغول خواندن هستید وهمین که چشم بآخر سطر رسید بسرعت بعقب برمیگردد واز سر سطر شروع بکار میکند) . این عمل آنقدر تکرار میشود کـه تمام صفحه موزائیك ، ودر نتیجه ، تمام‌تصویر دوربین تلویزیون ، در ٤٤١ سطر پوشیده شود . تفنك وسایر ادوات الکترونی چنان سریع عمل مقطع کردن برای تمام تصویر در هرثانیه سی‌بار بطور کامل اجرا شود .

الکترون هائی که این نحو از تفنك صادر میگردند بوسیله صفحهٔ موزائیك جـمع آوری میشوند وبار دیگر صفحهٔ مذکور از حیث بار الکتریکی متعادل میشود . اماصفحهٔ فلزی هنوز دارای بار منفی است ومقداری الکترون اضافی دارد . این بار اضافی منفی از آیکنوسکپ جدا میشود وپس‌از رسیدن به شبکهٔ یك تقویت کنندهٔ الکترونی تقویت میگردد درفضا پراکنده میشود تابدستگاههای گیرندهٔ تلویزیون برسد . درست درهمان‌وقت صوتی که در مرکز فرستنده بامنظره ارتباط دارد بامیکروفون رادیو گرفته میشود وامواج رادیوئی آن باامواج تلویزیون در فضا سیر می‌کنند ودر نتیجه ، دردستگاه گیرنده ، هم منظره دیده وهم صداهای مربوط بآن شنیده میشود .

يك نوع مقطع کنندهٔ الکترونی دیگر بوسیله دانشمندی بنام «فارنس ورث» ابداع گردیده ومرکب است از دو جزء اساسی ، یکی یك «تجزیه کنندهٔ تصویر ، ودیگری یك «تکثیر کنندهٔ الکترونـی » نـوری که از منظره برمیخیزد در «تجزیه کننده» متمرکز میشود وازهر نقطهٔاین صفحه مقداری الکترون متناسب باشدت وضعف نوری که بآن میرسد صادر میگردد . باین ترتیب از نوری کـه از منظره برخاسته است يك تصویر الکترونی نتیجه میشود وهریك از نقاط این تصویـر الکترونی بنوبهٔ خودبوسیله نیروهای مغناطیسی والکتریکی از سوراخ کوچکی گذشتـه و بدستگاه تکثیر کننده میرسد . در این دستگاه الکترونها بیك یادو صفحهٔ مستور از سزیوم ، که روبروی یکدیگرقرار دارند ، بر میخورد . سزیوم در مقابل هر الکترونی که باین نحو بآن برسد چندین الکترون صادر می‌کند واین الکترونها آنقدر بین دوصفحه سزیوم دار کمانه ورفت‌وآمد می کنند تاعدهٔ آنها چند برابر شود .

این دستگاه تکثیر کننده کارهمان لوله‌ای را میکنند که در آیکنوسکپ بارهای الکتریکی را ذخیره می کند وشرح آن در صفحات‌پیش گذشت . پس ازآنکه الکترونها باندازه‌کافی تکثیر گردیدند بوسیله سیمی بدستگاه فرستنده منتقل میشوند .

بهرحال امواجی که متناسبند باشدت و ضعف نوری که از منظرهٔ اصلی برمیخیزد بدستگاه گیرنده تلویزیون میرسند ودراینجا باید به نور تبدیل شوند بقسمی که درچشم ما همان اثری را بگذارند کـه منظرهٔ اصلی میگذاشت . اسباب اصلی برای تبدیل امواج برق باامواج نور را «لولهٔ اشعهٔ کاتودی» می نامند . اشعه کـاتودی دسته‌ای از الکترونها هستند که بوسیله دستگاه آیکنوسکپ پرتاب شده‌اند . لولـه اشعه کاتودی را هم «زوری کین» بیك صورت عملی ابداع وتکمیل کرد و آن را «کینس کپ» نامید .

کینس کپ دریك سرخود که بزرگتر است تقریباً مسطح است وسطح آن از داخل از ماده‌ئی پوشیده شده‌که چون بوسیله‌الکترون بمباران شود نور از آن ساطع میگردد .

در گردن کینس کپ ، یعنی قسمت‌باریك آن ، يك تفنك الکترونی است شبیه به‌تفنك آیکنوسکپ . امواج تلویزیون که گرفته‌شده‌اند از این تفنك میگذرند وشعاع باریك الکترونی که از آن عبور میکند بقسمت مسطح کینس کپ میخورد در حالی کـه باهمان سرعتی که شعاع مقطع کننده دردستگاه فرستنده‌حرکت میکرد از چپ براست حرکت میکند . هرچند فقط قسمت کوچکی از پرده ، یعنی صفحه‌ای که تصویر رویش تشکیل می شود ، عملادرآن واحد روشن میگردد این قسمت در کسری از ثانیه پس از زمانی که نور آنرا ترك گفته است میدرخشد شعاع باچنان سرعتی حرکت میکند که چشم نمیتواند آن را تعقیب کند و بجای آن تمام تصویر در آن واحد روی صفحه یادرآینه‌ای که در مقابل صفحه باشد مشهود میگردد . ابعاد تصویـر در دستگاه گیرنده تفاوت میکند وبستگی دارد به ابعـادقسمت مستوی لولهٔ کینس‌کپ .

بزرگترین نقص تلویزیون در حال حاضر اینست که نمی تواند برنامه‌های خود رابمسافات دور ، بیشتر از ۸۰ کیلومتر ، مخابره کند . سبب اینست کـه موجهای کوتاه رادیوئی‌که درتلویزیون بکار میروند در خط مستقیم سیر میکنند وچون زمین کروی است امواج در سیر خود بآن برمیخورند وتغییر جهت‌میدهند وبیالا میروند . بنابراین گرفتن امواج فقط در محلهائی ممکن است که بین دستگاه فرستنده ونقطه‌ای که امواج بزمین برخورد میکنند واقع باشند .

پس بهتر است که فرستنده‌های تلویزیون را در محلهای مرتفع مانند بالای کوهها یا آسمان خراشها ، قرار داد . برنامه‌ها رامیتوان با سیمهای مخصوص تلویزیون ، که «کابلهای هـم محور» نامیده‌میشوند ، نقل کـــرد . تعدادی کابلهای هم محور شهر هارا بیکدیگر موبوط می‌سازنـد . بکمك این کابلهـا و ایستگاههای واسطه که برفراز تپه‌ها قرار دارند میتوان برنامه را در مساحت بزرگتری منتشر ساخت .

نقشه دیگـر عبارت ازاین است کـــه هواپیماها یا کشتیهای هوائی در ارتفاع زیاد نگاه داشته‌شوند وهریك‌برنامه‌را بدیگری منتقل کند تاباین وسیله برنامه‌های تلـویزیون در مساحت بیشتری مورد استفاده قرار گیرند .

یکی از چیزهائی فکر امکانش انسان را از فرط شوق وذوق متاثر میسازد اینست‌که بتواند از جاهائی که‌آدمی را یارای پانهادن درآن نیست عکس بگیرد . مثلا درآزمایشهای بمب اتمی ممکن است بوسیلهٔ دستگـاههای فرستندهٔ تلویزیون که در هواپیماهای بی‌خلبان جاداشته باشند واز نزدیك محل وقوع‌انفجار بگذرند عکس گرفته‌شود حتی اگر نیـروی انفجار هواپیمای ناقل دستگاه را نابود سازد .

موج وطول موج چیست ؟

سنگی را بوسط استخر یادریاچه بیاندازید میبینید که امواجی دائره‌ای پی‌درپی در اطراف محل سقوط سنگ درآب تولید شده‌و این امواج حرکت کرده مدام بزرگتر وبزرگتر میشوند تاوقتیکه ناپدیدشوند هرموج درحرکت خود پی‌درپی ایجاد برجستگی وفرورفتگی یا قله وگـودال میکند کـه آنرا ارتفاع یا قطرموج اصطلاح میکنیم وبدیهی است که‌هر چه موجها از مبداء حرکت خود یعنی جای سقوط سنگ دورتر شوند از قطر یا ارتفاع آنها کاسته میشود تاوقتیکه این ارتفاع بصفر رسد که درآن هنگام موج ناپدید میگردد یعنی ظاهراً عمرش تمام میشود .

فرستادن ودریافت کردن صدا وتصویر بهوا عبارت است از تولید وکشف امـواج مغناطیسی الکتریکی (الکترومگنت) دراستخر بزرگ فضا .

اگر در امواجی که از انداختن سنگ در آب بوجود میآید دقت کرده باشید حتما متوجه شده‌اید که بین قله هرموج باقله موج پهلوی آن فاصله ثابت ومشخص است ــ این فاصله را طول موج گویند .

امواج الکترومگنتیك با آنکـه دیده نمیشوند مثل امواج آب طول موج معین دارند یعنی فاصله هر موج تاموج دیگرآنها

مشخص است وآلات علمی این فاصله هارا بحسب متر وسانتیمتر اندازه گرفته‌اند .

کثرت موج یاتعداد ارتعاش (فرکانس) هرموج عبارت است از تعداد امواجیکه دریك ثانیه بوجود میآید . مثلا اگر بگوئیم موجی دارای ۱۰ر۰۰۰ سیکل درثانیه است یعنی ده‌هزار ازاین نوع موج‌دریك ثانیه از نقطه حین میگذرد وما نمیتوانیم بدون توجه به دو عامل بالا یعنی طول موج وفرکانس‌آن صدا یا تصویر را از نقطه‌ئی به نقطه‌دیگر بفرستیم .

شاهراه الکترونیك چیست ؟

جریان متناوب برق معمولی که بوسیله آن لامپهای برق اطاقهای خانه خود راروشن میکنیم سمت جریان خود را درسیم ها در هرثانیه شصت بار معکوس میکند ومیتوان گفت‌که‌این جریان تولید یك‌موج الکترو ـ مگنتیك میکند بمیزان ثانیه‌ئی شصت‌سیکل یا شصت دوره یا شصت بار .

این تعداد ارتعاش یا فرکانس البته‌برای رادیو وتلویزیون خیلی کم است زیرا دراین تعداد ارتعاش امواج الکترومگنتیك تنهامسافت خیلی کوتاهی را میتوانند طی کنند .

اما با بالا بردن تعداد ارتعاش تا حدود ۱۰ر۰۰۰ سیکل (یا ده کیلو سیکل) درثانیه امواجی بوجود میآید که باآن میتوان صدارا پخش نمود که بکار برنامه‌های رادیو میآید واگر تعداد ارتعاش را بالا تروبالاتر برده‌به ۳۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ سیکل (سیصد مگاسیکل) در ثانیه وبالاتر برسانیم امواجی تولید میشود که برای فرستادن صدا وتصویر هر دوشایسته است ۱۰۰۰ سیکل معادل است بایك کیلـو سیکل بعلامت ( ) وهزار کیلو سیکل معادل است بایك مگاسیکل بعلامت .

این شاهراه یا سلسله‌ای را که بتدریج‌در آن تعداد ارتعاش امواج الکترومگنتیك را بـالا میبریم **شاهـراه الکتـرونیك** اصطلاح کرده‌اند .

واگر تعداد ارتعاش امواج را خیلی بالا تربربریم بجائی میرسید که این امواج تاثیر حرارتی دارد وگرما ازآن بیرون میآید و این نقطه در حدود ۱ر۰۰۰ر۰۰۰ مگاسیکل‌در ثانیه قراردارد وعبارت است از امواج حرارتی یا اشعـه زیر قرمز وچون فرکـانس بـه ۳۷۵ر۰۰۰ر۰۰۰ مگـاسیکـل رسد امـواج الکترومگنتیك مرئی میگردند وامواج نوری تولید میشود .

ولی از ۷۵۰ر۰۰۰ر۰۰۰ مگاسیکل ببالا بار دیگر امواج نامرئی میشوند واشعه ماوراء بنفش بوجود میآید که دربدن انسان اثر نیك دارد ودر بعضی درمانهای پزشکی بکار میآید .

اکنون تفنن کرده شاهراه الکترونیك را گرفته بازهم بالاتر میرویم تا بنقطه‌ئی برسیم که اشعه‌ئی بوجود میآید که از بدن انسان وفلزات وچوب هم میگذرد وآنرا اشعهٔ‌مجهول یا نام میگذاریم .

واگر بازهم حوصله کرده بالا تررویم به اشعهٔ گاما میرسیم واین همان است‌که از عنصر رادیوم پراکنده میشود .

وبالاخره به اشعه کیهـانی (کوسمیك) میرسیم که تعداد ارتعاش بافرکانس آن معادل ۱۰ر۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ر۰۰۰ سیکل در ثانیه است .

روابط تلویزیون بارادیو وسینما

هنگامیکه اختراع‌تلویزیون‌مراحل‌کودکی را میپیمود وبتدریج بطرف تکامل میرفت و هنوز به بازار نیامده بود بحث‌های زیادی راجع بآینده تلویزیون ورابطه آن بارادیو وسینما بین اشخاص علاقمند به رشته‌های بالا وهم کارشناسان این رشته ها جریان داشت .

تجربیات علمی زمان جنگ دوم بسبب احتیاجات جنگی بخصوص کشف رادار که ابرهاوموانع دیگرمانع‌عبور امواج الکترونیك آن نمیشوند کمك زیادی به پیشرفت تلویزیون کرد وبسیاری از مشکلات اختراع تلویزیون را حل نمود .

درست پیش از شروع جنگ جهانی تعداد ۷۰۰۰ تلویزیون ازطرف‌کارخانه‌های تلویزیون سازی بمردم امریکا فروخته شده بود . این اشخاص البته در نزدیکی شهرهـای بزرگـی مانند نیویورك ـ شیکاگو ـ فیلادلفیا و لوس آنجلس سکونت داشتند که ایستگاههای فرستنده تلویزیون ابتدا در این نقاط بوجود آمده بود زیرا امواج تلویزیون نمیتوانست در مسافتی بیش از فاصله ۱۰۰ کیلومترتصاویر را بر صفحه تلویزیون منعکس سازد .

این تلویزیون ها به بهای ۱۷۵ تا ۶۰۰ دولار خریداری شده بود .

درزمان جنگ کـه کارخانه‌ها الزاماً مشغول تهیه نیازمندیهای جنگی شدند ساختن تلویزیون متوقف گردید ولی برای تکمیل‌آن کارمیکردند وشش ایستگاه بازرگـانی وسه ایستگاه آزمایشی وجود داشت .

بعد از جنگ که کارخانه‌ها از ساختن لوازم جنگی فراغت یافتند بتدریج بکارهای اصلی خود پرداختند ـ بین کـارخانه‌های سازنده بحث بود دراینکه آیا موقع ساختن تلویزیون بمقدار هنگفت وعرضه کردن ببازار برای استعمال عموم مردم فرارسیده یاباید صبر کرد تا اختراع آن کامل‌ترشود . وتصاویر روشن تررواضح‌ترمنعکس گردد مبادا بواسطه تیرگی تصاویر دچار شکست شود .

بحث دیگر دراین بود که آیا ظهور تلویزیون مردم را از سینما بی نیاز خواهد کرد یانه وآیا بهاین دستگاه های بزرگ‌فیلم بـرداری وهولیوود وموسسات سینمـا کـه میلیاردها پول بی حساب بمصرف آنها رسیده وسرمایه‌های هنگفت درآن ریخته شده ومیلیون ها نفر از آن اعاشه میکنند لطمه‌ئی واردخواهد ساخت یانـه ؟ واگر لطمه‌ئی وارد سازد تا چه درجه خواهد بود و چگونه باید جبران شود ؟ ودیگر اینکه آیا سازندگان فیلمهای سینما جایزاست که فیلم‌های خود را برای نمایش درتلویزیون بدهندویا اینکه ایستگاههای فرستنده تلویزیون خود باید فیلمهای مخصوص بخود را تهیه کنند که منحصرا در تلویزیون نمایش داده شود . دیگر تردید دراین بود که چگونه برنامه‌هائی باید تهیه کرد مورد قبول مردم واقع شود تا از تلویزیون سرنخورند وکلدویتریون دچار شکست نشود .

بحث دیگر راجع به تاثیر این اختراع تازه درروحیه وافکار مردم وکـودکـان و جوانان بود واینکه این اسباب تازه چه‌نقشی را از لحاظ تعلیم وتربیت وفرهنگ درخانواده ها بازی خـواهـد کـرد .

مراکز وعواملی که در امریکا لازم بود در مورد رواج تلویزیون تصمیم بگیرندیکی کمیسیون ارتباطات امریکا بود که تعیین‌طول موجهای رادیو وبی سیم های دولتی وملی و هواپیماها وآتش نشانی وپلیس وهم تلویزیون وفرستنده‌های آماتور آن کشور باآن کمیسیون است . دوم کارخانه‌های تلویزیون سازی . سوم مؤسسات فرستنده مثل و چهارم مردم یعنی خریداران تلویزیون که معلوم شود باین اسباب تازه اقبال میکنند یا نـه ؟

بالاخره براثر فشار دوبنگاه فرستنده‌بالا معتقد بودند تصویری روی صفحه تلویزیون بالنسبه خوب وکافی بـرای ببازار فرستادن آنست کارخانه‌های حاضر به تهیه شدند ودر حدود دو سال بعد از جنگ بود که تلویزیون بمقدار هنگفت در معرض استفاده مردم امریکا قرار گرفت وطول موجهای فرستنده هاهم از طرف کمیسیون معلوم واعلام گردید .

اکنون پانـزده سال‌از عمومیت یافتن تلویزیون در امریکا میگذرد ودراکثر شهرهای اروپائی وبعضی از شهرهـای آسیائـی نیز فرستنده‌هائی دائر شده وبکار افتاده است .

بسیاری از مشکلاتی که در اول کـار لاینحل بنظر میرسید حل شده ومسائلی نیز

روشن شد که از آغاز بتصور در نمیآمد . مثلامعلوم شد کـه رواج تلویزیون لطمه‌ئی بدستگاه سینما واستودیوهای فیلم برداری‌وارد نمیسازد وتلویزیون جای سینما را نمیگیرد بلکـه جـای تازه‌ئی مخصوص بخود درمیان وسائل مختلف وقت گذرانی وتفریح باز خواهد کرد .

هریك از فرستنده‌های تلویزیون برنامه هائی مناسب محل خود وجامعه اطراف خود تدارك دیده ودسته‌های فیلم بردار و هنر پیشه های جداگانه وارکسترها برای تهیه مخصوص تلویزیون بوجود آمدونه‌تنها رقابت وکشمکشی بین این دودستگاه بوجود نیامد بلکه هردو دستگاه بهتر دیدند که تادرجه‌ئی همکاری هم داشته باشند .

بعضی از استودیوهای فیلم برداری‌امریکا موافقت کردند که پس‌از مدت معینی مثلا پنج تا ۸ سال که از نمایش هرفیلم سینمائی تازه بگذرد آنرا در برابر مبلغ معینی برای نمایش دراختیارفرستندهای تلویزیون گذارند . بعضی فیلم برادران هم موافقت نکرده بهمان سرسختی باقی مانده فیلمهای خـود را بـه تلویزیون نداده ونمیدهند .

استودیوهای اروپائی بخصوص ایتالیائی شرائط راسهل تر کردند ودربرابر این همکاری تلویزیون هم برای فیلمهای سینمائی تبلیغ میکند .

اما از لحاظ اقبال مردم به تلویزیون بدیهی است که طبق قاعده روانشناسی که در هر چیز تازه لذت تازه ئیست درهمه جـادر هفته ها وماههای اولیه تاسیس تلـویزیون نسبت بآن اقبال شد بعضی باحرارت وشوق زیاد به تهیه یکدستگاه گیرنده پرداختند حتی کسانیکه قدرت مالی نداشتند وآرزوی خرید آنرا داشتند سعی کردند با صرفـه‌جوئی و پرداخت اقساط این اسباب رابه خانه خود بیاورند وچه بسا که فکر میکردند پس از تهیه تلویزیون تمام لذات جهانی را یکجا جمع کرده بخانه خود آورده‌اند .

شبهای اول ورود تـلویزیون بهرخانه با شور وشوق ونشاط وافر همراه بوده‌است .

اما از آنجا که اولا آدمیزاد را هیچ لذتی قانع نمیکند و دیریازود هم ازیك نوع لذت سیر شده میخواهد به لذت دیگر بپردازد ونیز امکان ندارد بتوان برنامه جامعی برای تلویزیون تهیه کرد که همه کس را خوش‌آید وهیچکس از هیچ قسمت آن رنجیده خاطر یا ملول نشود ، طولی نکشید که دارندگان تلویزیون شروع کردند به تشخیص وتفکیك مواد برنامه از لحاظ ذوق وعلاقـهٔ خودشان وبعضی از مواد برنامه را برای خود خسته کننده یافته ویا بجهات دیگری باآن موافقت نداشته اعتراض داشتند . بدیهی است که‌در موقع نشر موادی از برنامه‌که از نظر آنها نامطلوب است معمولا تلویزیون را می بندند وغرغر میکنند یعنی همان عملی را که بارادیو نیز انجام میدهند .

مثلا معلوم شده‌که‌اغلب بلکه‌تمام بینندگان ازدیدن و شنیدن آگهی های تجاری وتکرار زیاد آنها خسته وملول میشوند اما از طرف دیگر بقاوحیات فرستنده تلویزیون تادرجه‌ئی ویا تماما بستگی بـه در آمد از این آگهی ها دارد .

یا بعضی موسیقی جاز را دوست دارند ولی بعضی دیگر بسیاراز آن نفرت دارند یادر ایران بعضی ازموسیقی غربی‌وکلاسیك خوششان میآید وبعضی ازآن چیـزی نمی فهمند و چگونه ممکن است برنامه‌ئی بین این میل ها و ذوقهای متضاد بوجود آورد که اشخاص با عقاید متباین ازآن خوششان بیاید .

در ایران فیلم‌های تکراری سینمائی‌تلویزیون مورد علاقه همه بینندگان واختلاف عقیده‌ای دراین قسمت بین آنهائیست مگر درنوع فیلم رویهمرفته فیلم سینمائی راتمام طبقات میل دارند ببینند اما چند مطلب نباید نا گفته بماند اول اینکه فیلم سینمائی در تلویزیون تهران آخرین ماده برنامه است که در ساعت ۹ونیم ویاده‌آغاز میشود وغالب بینندگانی‌که ناگزیرند صبح زود از خواب برخاسته سرکار خود بروند ودر حدود ساعت نه باید بخوابند حاضر نیستند ونمیتوانند بخود رنج بیخوابی و ریاضت داده تا نزدیك نصف شب جلو تلویزیون بنشینند .

عیب دیگر اینکه برنامه سینمائی بیش از حد اعتدال ولزوم بواسطه آگهی‌ها ی‌بازرگانی قطع میشود وباعث خستگی وعـدم رضایت بینندگان میگردد .

اما از لحاظ تاثیر تلویزیون در تعلیم و تربیت شکی نیست که تلـویزیون یـکی از وسائـل نیکووسودمند بـرای تعلیم علـوم طبیعی وشناختن اسرار طبیت وموجـودات زنـده وآزمایشهای فیزیکـی وشیمیائـی و کارخانه‌ها وامور صنعتی وبهداشتی وتاریخ و جغرافیاست . اما از طرف دیگـر این نـوع برنامه‌ها چندان مورد علاقه بزرگسالان نیست ودیگراینکه بتجربه ملاحظه شده که تلویزیون بطور کلی برای کودکان ودانش آموزان ازاین جهت زیان بخش است که تمام وقت آنها را درشب میگیرد ودیگر فرصتی برای مطالعهٔ دروس آموزشگاه‌وتهیه وانجام‌تکالیف درسی نخواهند داشت در نتیجه در امتحانات سالیانه مردود میشوند ومقداری از عمرشان تلف میشود وباوجود اخطار وموعظه‌تلویزیون در ساعت هشت ونیم به کودکان که هنگام خواب آنها فرارسیده بفرمایند استراحت کنند هیچ یك از کودکان گوششان مدیون بـه این حرفها نیست .

در اکثر خانه‌ها پدر ومادرها عرضه یا طاقت آنراندارند کـه فـرزندان خـود را برنجانند وآنهارا از اطاقی که تلویزیون در آنست بیرون کنند وبه رختخواب یا باطاق دیگر بفرستند بعضی هم اهمیتی باین مسائل نمیدهند وتوجهی ندارند . عده‌انگشت شماری هم که توجه پیدا کرده‌اند یا بسبب حمایت مادران یا مقاومت کودکان همه شب دچار زحمت وکشمکش گردیده ناچار میشوندتسلیم شوند وبدینطریق کودکان ونوجوانان تا آخر فیلم سینمائی یا نمایش هاپای تلـویـزیـون می نشینند در اینجا مشگل دیگری پیش میآید وآن این است که ملاحظه فیلم‌های عشقی یا نمایشها یا فیلم رقصها ومجالس عیش وعشرتی که اصولا برای سرگرمی بزرگسالان ساخته‌شده دیدن آنها برای کودکان ونوجوانان قطعا زیان بخش است وباعث گمراهی آنها میشود وتلویزیون دراین مورد بجای آنکه برای‌ایشان سودمند افتد اثر معکوس کرده ضرر اخلاقی وفکری وروحی میآورد وبدنبال این تاثیرنـه تنها پدر ومادر وخانواده بلکه جامعه هـم گرفتار انحراف یا شرارت کودکان وجوانان میشود .

در سینما طبق مقررات دولتی کودکان کمتر از سن معینی حق ورود به سینماها ندارند اما در خانه ها تلـویزیونها که قابل کنترل دولتی نیستند ودر حقیقت مقررات دولتی در اینمورد که بمنظور مصلحت تربیتی کودکان وضع شده خنثی وبی اثر میشود .

اینهاست شمه‌ای از مشکلاتی که تلویزیون بوجود آورده و امروزدرست مشهود نیست اما اثر آن درمدت درازتر معلوم میشود وبسیاری ازنتایج آن غیر مشهود وسری باقی میماند و از درون جامعه باعث فساد میشود .

البته زیانهای دیگری هم‌درموردتلویزیون ذکر شده از قبیل اینکه اشعه صادره از صفحه تلویزیون گیرنده برای چشم ضرر دارد وچشم را بتدریج ضعیف میکند وممکن است بـه نابینائی بکشاند ودر اینمورد بحثهائی بین پزشکان بعمل آمده که در اینجا بهمین‌اشاره اکتفا کردیم .

توصیه به خریداران تلویزیون

در اینجا چند نکته فنی برای کمك بـه خریداران تلویزیون اشاره میکنیم که هر خـریـدار تلویزیون قبل از خریدو آوردن تلویزیون بخانه حتما باید از آن آگاه باشد .

خریدار تلویزیون اولا باید قبلا درست تحقیق کند که حداکثر شعاع فرستنده امواج تلویزیون بطوریکه در محل سکونت او تصاویر را برروی صفحه گیرنده ظاهر کند تا چند کیلومتر است وفاصله خانه او باایستگاه فرستنده چقدر است قدرت دستگاههای فرستنده تلویزیون معمولا تا یکصد کیلومتر میتواند مؤثرباشد .

دوم آنکه خریدار تلویزیون باید بداند که امواج تلویزیون مانند اشعه نور تنها در خط مستقیم میتواند سیر کند برخلاف رادیو بنابراین اگر مانعی مانند عمارت وکوه وتپه سرراه آن باشد نمیتواند از آنها عبور کند ودرجه وضوح تصاویر بستگی دارد باینکه تاچه درجه موانع وچگونه موانعی بین دستگاه فرستنده وگیرنده وجود داشته باشد مثلا اگر درختانی بین آنها وجود داشته باشد البته امواج از لابلای درختان که فضای آزاد ممکن است وجود داشته باشد بخصوص در فصل زمستان که درختها برگ ندارند کم وبیش عبور خواهد کرد ولی تصاویر کاملا روشن دیده نخواهد شد وقدری محو وتیره دیده میشود وسبب محدودیت حوزه انتشار امواج تلویزیون به یکصد کیلو متر هم همین است .

اما اگر دستگاه فرستنده در نقطه خیلی مرتفعی نصب شده باشد علاوه بریکصد کیلومتر تصویر را تا سرحد افق مرئی از آن نقطه میفرستند ولی ممکن است نقاطی درده کیلومتری همین فرستنده باشد که بسبب همان وجود مانع نتواند تصویر را بگیرد

شبکهٔ تلویزیونی

البته میتوان دریك کشور پهناور دستگاه شبکه تلویزیونی بفواصل یکصد کیلومتری ایجاد نمود که گیرنده فرعی دیگری درمسافت یکصد کیلومتری از فرستنده اصلی تصویررا گرفته تا یکصد کیلومتری اطراف خود انتقال دهد واین طریقه امروز در بعضی از نقاط کشورهای متحده‌امریکا معمول گشته است که شبکه‌ئی بین بعضی شهرهای مهم وپرجمعیت دریك منطقه برقرار کرده‌اند .

تلویزیون رنگین

روی تلویزیون رنگین نیز در امریکا بعد از جنگ آزمایشهای بسیار بعمل آمده واگر چه امروزه فرستنده وگیرنده تلویزیون رنگین هم ساخته شده وببازار آمده ولی خیلی گران است وهنوز رواج کامل نیافته وتا آن درجه نرسیده که عامه بتوانند از آن استفاده کنند .

پیش قدم وقهرمان تکمیل تلویزیون رنگین نیز شرکت RCA میباشد . اگر چه بعضی ازشرکت‌های دیگر امریکائی نیز با احتیاط وآهسته وارد این کار شده‌اند ــ مسلما طولی نمیکشد که تلویزیون رنگین هم بمقدار زیاد وبالنسبه ارزان ببازار میآید وچون تصویر رنگی بهمان درجه که سینمای رنگی برسینمای بی رنگ ترجیح دارد پسندیده‌تر از تصویر سفید وسیاه فعلی است جای تلویزیونهای فعلی را خواهد گرفت ولی بحث در اینست که سرنوشت میلیونها تلویزیون که بخانواده‌ها ومردم جهان باقیمت بالنسبه گزافی تحمیل شده چه خواهد بود وآیا باید آنها را بدور انداخت یا باید فکری برا ی‌آنها کرد .

در پایان این مقاله بدنیست از بعضی از ارقام وآمار رسمی رادیو وتلویزیون در جهان نیز آگاه شوید .

آمار رادیوهای موجودکه درخانه‌های‌مردم امریکا کار میکند

سال	تعداد رادیو درخانه‌ها	مجموع رادیو درخانه‌ها وبنگاهها واتومبیلها
۱۹۴۰	۱۲ر۰۴۸ر۷۶۲	۱۳ر۰۰۰ر۰۰۰
۱۹۵۰	۲۹ر۰۰۰ر۰۰۰	۱۵ر۰۰۰ر۰۰۰
۱۹۶۰	۴۵ر۰۰۰ر۰۰۰	۹۸ر۰۰۰ر۰۰۰
۱۹۳۰	۵۴ر۵۰۰ر۰۰۰	۱۶۶ر۵۰۰ر۰۰۰

تلویزیون
آمار رادیوها وتلویزیون‌های گیرنده‌درامریکا وسایرقاره‌های‌جهان‌درسال ۱۹۶۰

درکشورهای متحده شمالی

تعداد	
تعداد رادیودر خانه های امریکائی	۵۴ر۵۰۰ر۰۰۰
رادیوهای دوم در خانه های بالا	۵۶ر۵۰۰ر۰۰۰
رادیو دربنگاه‌های بازرگانی وغیره	۱۴ر۵۰۰ر۰۰۰
رادیو در اتومبیل‌ها	۴۱ر۵۰۰ر۰۰۰
تلویزیونهای گیرنده	۵۴ر۰۰۰ر۰۰۰
جمع	۲۲۰ر۵۰۰ر۰۰۰

درسایر قاره‌های جهان

مجموع رادیوهای فعال در سایر نقاط جهان	تعداد
امریکای شمالی (غیراز کشورهای متحده)	۱۷ر۶۰۰ر۰۰۰
امریکای جنوبی	۲۳ر۶۰۰ر۰۰۰
اروپا	۹۵ر۵۰۰ر۰۰۰
آسیا	۲۴ر۷۰۰ر۰۰۰
استرالیا	۱۰ر۹۰۰ر۰۰۰
افریقا	۶ر۳۰۰ر۰۰۰
جمع	۱۷۸ر۶۰۰ر۰۰۰
تعداد گرامافونهای برقی	۴۲ر۵۰۰ر۰۰۰
تعداد ضبط صوتهای نواری (غیربازرگانی)	۲ر۶۰۰ر۰۰۰
جمع کل در تمام جهان	۳۹۹ر۱۰۰ر۰۰۰

(آمار تلویزیون فعال در سایر نقاط‌جهان‌دردست نیست) درکشورهای متحده‌امریکا در سال ۱۹۶۰ کمیسیون ارتباطات کشوری پروانه۶۶۸ر۰۰۰ ایستگاه فرستنده رادیو را تجدیدیا صادر کرده کما شامل ۲ر۲۰۰ر۰۰۰ دستگاه‌فرستنده و ۲ر۱۰۰ر۰۰۰ افراد عامل پخش اعم از بازرگانی ومتفنن (آماتور) بوده است .

پل های معروف جهان

بحسب فوت	نام پل	محل	نوع ــ سال اتمام
۶٫۵۶۱	لیك واشنگتن	سیاتل ــ واشنگتن	ش ۱۹۴۰
۶٫۵۰۰	هودکانال	پوژه سوند ــ واشنگتن	ش ۱۹۶۱
۴٫۲۰۰	گولدین گیت (دروازه طلائی)	سانفرانسیسکو (کالیفرنی)	ف ۱۹۳۷
۳٫۸۰۷	هوبارت	تاسمانیا ــ استرالیا	ش ۱۹۴۳
۳٫۸۰۰	ماکیناك	میشیگان	ف ۱۹۵۷
۳٫۵۰۰	جورج واشنگتن	شهر نیویورك	ف ۱۹۳۱
۲٫۸۰۰	ناروز	تاکوما ــ واشنگتن	ف ۱۹۵۲
۲٫۵۰۰	بوردکین	کوئینزلند ــ استرالیا	خس ۱۹۵۷
۲٫۳۱۰	ترانس‌بی	خلیج سانفرانسیسکو	ف ۱۹۳۶
۲٫۳۰۰	برونکس ــ ویت‌ستون	شهر نیویورك	ف ۱۹۳۴
۲٫۱۵۰	دلاوید مموریل	نزدیك ویل مینگ‌تون ــ دلاویر	ف ۱۹۵۱
۲٫۱۵۰	سی‌وی اسکای وی	اوگدنسبورگ ــ نیویورك ــ	ف ۱۹۶۰
۲٫۰۰۰	والت ویت‌من	اونتاریو	ف ۱۹۵۷
		فیلادلفی ــ پنسیلوانی	
۲٫۰۰۰	تانگارویل	تانکارویل ــ فرانسه	ف ۱۹۵۹
		دیترایت ــ میشیگان ــویندسورــ	
۱٫۸۵۰	امباسادور	انتاریو	ف ۱۹۲۹
۱٫۸۰۰	کبمك	نزدیك کبك ــ کانادا	ك ۱۹۱۷
۱٫۸۰۰	نزاگرنگ	برونکس ــ نیویورك	ف ۱۹۶۱
۱۷۱۰	فورت	فوت‌آف فورت ــ اسکاتلند	ك ۱۸۹۰
۱۶۵۲	کیل‌وان‌کول	بایون ــ نیوجرسی	قف ۱۹۳۱
۱۶۵۰	سیدنوهاربر	سیدنی ــ استرالیا	قف ۱۹۳۲
۱۶۳۲	بیرمونتین (کوه خرس)	پیك اسکیل نیویورك	ف ۱۹۲۴
۱۶۰۰	چساپیك‌بی	نزدیك ان ناپولیس ــ مریلند	ف ۱۹۵۲
۱۶۰۰	ویلیامزبرگ	شهر نیویورك	ف ۱۹۰۳
۱۵۹۵٫۵	بروکلین	شهر نیویورك	ف ۱۸۸۳
۱۵۷۵	نیواورلئان بزرگتر	رودمیسی‌سی‌پی ــ لویزیانا	ك ۱۹۵۸
۱۵۵۰	لاینزگیت (دروازه شیر)	وانکوور ــ کانادا	ف ۱۹۳۹
۱۵۰۰	میدهودسون	پوکیپ سی ــنیویورك	ف ۱۹۳۰
۱۵۰۰	هوراه	کالکته ــ هند	ك ۱۹۴۳
۱۴۷۰	مانهاتتان	شهر نیویورك	ف ۱۹۰۹
۱۴۴۷	انگوس ماکدونالد	هالیفاکس ــ کانادا	ف ۱۹۵۴
۱۴۰۰	ترانس بی	اوك‌لند ــ کالیفرنی	ك ۱۹۳۶
۱۳۸۰	تری بارو	شهر نیویورك	ف ۱۹۳۶
۱۲۴۰	کولونی ــ رودن کیرخن	آلمان	ف ۱۹۵۴
۱۲۱۲	تاپ پان‌زی	نیاك ــ نیویورك	ك ۱۹۵۶
۱۲۰۷	سن جانز	پورتلند ــ اورگون	ف ۱۹۳۱
۱۲۰۰	لانگ ویو	لانگ ویوــ واشنگتن	ك ۱۹۳۰
۱۲۰۰	مونت هوپ (کوه امید)	نزدیك بریستول ــ رود آیلند	ف ۱۹۲۹
۱۱۸۲	کوئینزبارو	شهر نیویورك	ك ۱۹۰۹
۱۱۱۴	فلوریانوپولیس	فلاریا نوپولیس ــ برزیل	ف ۱۹۲۶
۱۱۰۰	کارکوئینز	نزدیك سانفرانسیسکو	ك ۱۹۲۷
۱۱۰۰	سکندنروز	وانکوور ــ کانادا	ك ۱۹۶۰
۱۰۹۷	مونتریل هاربر	مونتریل ــ کانادا	ك ۱۹۳۰
۱۰۸۰	دیرآیل	دیرآیل ــ ماین	ف ۱۹۳۹
۱۰۸۰	برکنو	رودزیای جنوبی	قف ۱۹۳۵

بحسب فوت	نام پل	محل	نوع ـ سال اتمام
۱۰۷۰	سانفرانسیسکوبی	ریچموند ـ کالیفرنی	ك ۱۹۵۷
۱۰۶۰	میزویل	میزویل ـ اوهایو	ك ۱۹۳۱
۱۰۵۹	پل دورلئان	کبك ـ کانادا	ف ۱۹۳۵
۱۰۵۷	سین سینایتی	سین سیناتی ـ اوهایو	ف ۱۸۶۷
۱۰۵۰	رود کوپر	چارلستون ـ کارولینای جنوبی	ك ۱۹۲۹
۱۰۵۰	اوتوبیت	رودزیای جنوبی	ف ۱۹۳۹
۱۰۴۲	ناگازاکی ـ ساسه‌بو	ناکازاکی ـ ژاپون	قف ۱۹۵۵
۱۰۳۳	کولونی ـ میولهایم	کولونی ـ آلمان	ف ۱۹۵۱
۱۰۳۰	میاپی‌می	میاپی‌بی ـ مکزیك	ف ۱۹۰۰
۱۰۲۸	گلن کانیون	رودکو لورادو ـ اریزونا	قف ۱۹۵۹
۱۰۱۰	وی‌لینگ	ویلینگ ـ ویرجینیای باختری	ف ۱۸۴۹
۹۷۷٫۵	هل گیت (درجهنم)	شهر نیویورك	قف ۱۹۱۷
۹۶۴	وترانزمموریل	سن لویس خاوری ـ ایلی نای	ك ۱۹۵۱
۹۵۰	رین‌بو (قوس قزح)	آبشار نیاگارا ـ نیویورك	قف ۱۹۴۱
۹۴۹	گراندمر (مادر بزرگ)	کبك ـ کانادا	ف ۱۹۲۸
۹۲۴	استوری (داستان)	کوئینزلند ـ استرالیا	ك ۱۹۴۰
۸۷۵	ناچز	باختر ـ میسی‌سی‌پی	ك ۱۹۴۰
۸۷۱	بلوواتر (آب آبی)	پورت هورون ـ میشیگان	ك ۱۹۳۸
۸۶۶	ساندو	رود انگرمن ـ سوئد	ق ب ۱۹۴۳
۸۶۴	سن‌ستین سکی‌وی	سن پطرزبورگ ـ فلوریدا	ك ۱۹۵۴
۸۵۶	رودساوا	بلگراد ـ یوگسلاوی	خم ۱۹۵۶
۸۴۸	باتون روژ	باتون روژ ـ لوئیزیانا	ك ۱۹۴۰
۸۴۵	دوبوك	دبوك ـ ایووا	خم ۱۹۴۲
۸۴۳	کورن وال	رودس لارنس ـ نیویورك ـ اونتاریو	ك ۱۸۹۹
۸۴۰	گرین ویل	گرین ویل ـ می‌سی‌سی‌پی	ك ۱۹۳۰
۸۳۸	دوئیزبرگ ـ راین هائوسن	آلمان	ف ۱۹۵۴
۸۲۵	ویکس برگ	ویکس‌برگ ـ می‌سی‌سی‌پی	ك ۱۹۳۰
۸۲۵	ارل‌کلمنتس	شانی‌تون ـ ایلی نای	خم ۱۹۵۶
۸۲۰	لیدس دون	سوك کور ـ هلند	ك ۱۸۹۰
۸۲۰	لویزویل	لوئزویل ـ کنتولی	ك ۱۹۲۹
۸۰۵	رودولتا	غانا	قف ۱۹۵۶
۸۰۰	کینگزتون ـ زیینه کلیف	هودسون ـ نیویورك	خم ۱۹۵۶
۸۰۰	جزایر توسند	خلیج الکساندریا ـ نیویورك	ف ۱۹۳۸
۸۰۰	هنری هودسون	شهر نیویورك	ق ف ۱۹۳۶
۸۰۰	ریپ وان وینکل	کاتس کیل ـ نیویورك	ك ۱۹۳۵
۸۰۰	اینورا	ژاپون	قف ۱۹۵۵

علامات : (ش) ـ شناور . (ف) ـ فولادی . (قف ـ قوس فولادی) . (ك) ـ کانتی‌پور (سگ‌دست). (ق ب)= قوس بتونی . (خم) ـ خرپای‌ممتد.(پایه های مشبك) (خس) ـ خرپای ساده .

جدول مقدار کالری حرارت و مقدار ویتامین های مواد غذائی

(مأخذ : نشریه وزارت کشاورزی امریکا)

علامات استعمال شده در جدول :(خ)= خام (پ)= پخته (س) =سرخ‌کرده (آ) = آب‌پز (که‌مدت‌کمی در آب پخته شده باشد) (ك) =کباب‌کرده (ج) = احتمال‌داردکه مقدار خیلی جزئی درآن‌موجود باشدکه هنوز قابل محاسبه‌شناخته نشده (۲) اثر وجودمقدار کمی درآن دیده شده

نام مادهٔ غذائی و مقدار آن	نیروی آن به‌کالری	ویتامین A در آن بحسب واحد های بین‌المللی	ویتامین P_1 (ویتامین) حسب میلیگرم	ویتامین B_2 (ریبوفلاوین) بحسب میلیگرم	پناسین بحسب میلی‌گرم	ویتامین C اسیداسکورتیک بحسب میلیگرم
سیب ـ اعدد باندازه متوسط (خ)	۷۰	۵۰	٠٤ر	٠٢ر	١ر٠	٣ر
گوشت خوك خشك‌کرده ـ ۲ برگه ـ (پ) (س) یا (ك)	۹۵	٠	٠٨ر	٠٥ر	٨ر٠	(ج)
موز ـ يك عدد به‌اندازه متوسط (خ)	۸۵	۱۹۰	٠٥ر	٠٦ر	ر٧ر٠	۱۰
باقلای لپه سبز ـ ۱ فنجان ـ (پ) (آ)	۲۵	۸۳۰	٠٩ر	١٢ر	٦ر٠	۱۸
گوشت‌گاو ـ لخم‌با چربی‌ـ۳ انس‌ـ (۱) (پ)	۲۲۰	۲۰	٠٧ر	١٩ر	٤ر٨	(ج)
گوشت‌گاو‌ـ‌راسته باچربی ـ۳انس‌ـ (آ) (پ)	۳۳۰		٠٥ر	١٦ر	٤ر٠	(ج)
چغندر رنده شده ـ ۱ فنجان (پ)	۷۰۰	۳۰	٠٣ر	٠٧ر	٥ر	۱۱
نان چاودار ـ يك قطعه	۵۵	٠	٠٤ر	٠٢ر	٣ر	٠
نان سفید ـ يك قطعه	۶۰	(٤)	٠٦ر	٠٤ر	٥ر	(م)
نان سفید گندم خالص ـ يك قطعه	۵۵	(٤)	٠٦ر	٠٥ر	٧ر	(م)
کره ـ ۱ رطل	۱۰۰	٤٦٠	(ج)	(ج)	(ج)	٠
آبدوغ ـ ۱ فنجان	۹۰	۱۰	١٠ر	٤٤ر	٢ر	۲
کلم رنده شده ـ ۱ فنجان (خ)	۲۵	۸۰	٠٦ر	٠٥ر	٣ر	۵۰
هویج رنده شده ـ ۱ فنجان (پ)	۴۵	٨١ر٣٠	٠٧ر	٠٧ر	٧ر	۶
پنیر سویس ـ ۱ انس	۱۰۵	۳۲۰	٠١ر	٠٦ر	(م)	٠
پنیر روستائی ـ ۱ فنجان	۲۴۰	٤٣٠	٠٧ر	٦٦ر	٢ر	٠
جوجه بریان شده ـ ۳ انس	۱۸۵	۲۶۰	٠٤ر	١٥ر	٧ر١	(ج)
شکلات شیرین نشده ـ ۱ انس	۱۴۵	۲۰	٠١ر	٠٦ر	٣ر	٠
ذرت شیرین زرد ـ ۱ خوشه (پ)	۶۵	۳۰۰	٠٩ر	٠٨ر	١ر١	۶
کلوچهٔ خشك ـ ۲ عدد متوسط	۵۵	٠	٠٤ر	٠٢ر	٢ر	٠
خامه سبك ـ ۱ فنجان	۵۲۵	۲۱۴۰	٠٧ر	٠٥ر	١ر	(م)
تخم مرغ ـ ۱ عدد درشت (خ)	۸۰	۵۹۰	٠٥ر	١٥ر	(م)	٠
آرد گندم ـ ۱ فنجان	۴۰۰	٠	٤٨ر	٢٩ر	٣ر٨	٠
توسرخ (گریپ‌فروت ـ نوعی از مرکبات نصف یکدانه متوسط)	۵۰	۱۰	٠٥ر	٠٢ر	٢ر	۵۰
ژامبون دودی ـ لخم و چربی ـ ۳ انس (پ)	۲۹۰	٠	٣٩ر	١٥ر	٣ر١	(ج)
همبرگر (کباب کوبیده) سرخ کرده ـ ۳ انس	۲۴۵	۳۰	٠٧ر	١٨ر	٤ر٦	(ج)
عسل ـ يك رطل	۶۰	٠	(م)	٠١ر	(م)	۱
بستنی ـ قالب معمولی	۱۴۵	۳۷۰	٠٣ر	١٣ر	١ر	۱
گوشت‌گوسفند ـ ران لخم‌وچربی ـ۳انس(پ)	۲۳۵	(ج)	١٣ر	٢٣ر	٤ر٧	(ج)
لیمو ـ يك دانه اندازهٔ متوسط	۲۰	۱۰	٠٣ر	٠١ر	١ر	۳۸
جگر گاو ـ سرخ کرده یا کباب ـ ۲ انس	۱۲۰	۳۰۳۳۰	١٥ر	٢ر٢٥	٨ر٤	۱۸
ماکارونی ـ (پ) ۸ تا ۱۰ دقیقه ـ ۱ فنجان	۱۹۰	٠	٢٣ر	١٤ر	١ر٩	٠
مارگارین	۱۰۰	٤٦٠	(ج)	(ج)	(ج)	٠
شیر گاو مایع خالص ـ ۱ فنجان	۱۶۵	۳۹۰	٠٨ر	٤٢ر	٢ر	۲
شیر قند نیشکر سبك ـ ۱ رطل	۵۰	(ج)	٠١ر	١٠ر	(م)	(ج)
آرد جو دوسر ـ ۱ فنجان (پ)	۱۵۰	٠	٢٢ر	٠٥ر	٤ر	٠
پرتقال ـ ۱ دانه متوسط	۷۰	۲۹۰	١٢ر	٠٣ر	٤ر	۶۶

نام مادهٔ غذائی ومقدار آن	نیروی آن به‌کالری	ویتامین A آن بحسب واحد های بین‌المللی	درویتامین B_1 (وتامیـ) بحسب میلیگرم	ویتامین B_2 (ریبوفلاوین) بحسب میلیگرم	میلی‌گرم	ویتامین C اسیداسکورتیک بحسب میلیگرم
صدف خوراکی (تنهاگوشت‌آن) ۱فنجان (خ)	۱۶۰	۷۴۰	۳۰ر	۳۹ر	۶ر۶	(ج)
هلو ــ ۱ دانه متوسط (خ)	۳۵	۱۳۲۰	۰۲ر	۰۵ر	۱۰ر	۷
کرهٔ بادام زمینی (پی‌نت‌بتر) ــ ۱ رطل	۹۰	۰	۰۲ر	۰۲ر	۲ر۸	۰
بادام زمینی بو داده رنده شده ــ ۱ رطل	۵۰	۰	۰۳ر	۰۱ر	۱ر۵	۰
نخود سبز ــ ۱ فنجان (پ)	۱۱۰	۱۱۵۰	۴۰ر	۲۲ر	۳ر۷	۲۴
آلوچه ــ ۱ دانه (خ)	۳۰	۲۰۰	۰۴ر	۰۲ر	۳ر	۳
گوشت‌خوک سرخ‌کرده با چربی ــ۳ انس (پ)	۳۱۰	۰	۷۸ر	۲۲ر	۴ر۷	(ج)
سیب زمینی (پ) ــ ۱ دانه متوسط	۹۰	(م)	۰۱ر	۰۴ر	۱ر۷	۲۰
آلوبخارا شیرین نکرده ــ ۱ فنجان (پ)		۱۸۵۰	۰۷ر	۱۹ر	۱ر۸	۳
کشمش ــ ۱ فنجان	۴۶۰	۳۰	۱۸ر	۱۳ر	۹ر	۲
برنج ــ ۱ فنجان (پ)	۲۰۰	۰	۰۲ر	۰۱ر	۷ر	۰
ماهی آزاد در قوطی ــ ۳ انس	۱۲۰	۶۰	۰۳ر	۱۶ر	۶ر۸	(ج)
سوسیسون خوك درقوطی ــ ٤ انس	۳۴۰	۰	۰ر۲۳	۲۷ر	۳ر۴	(ج)
خوراك ماکارونی (اسپاگتی) ــ ۱فنجان (پ)	۱۵۵	۰	۱۹ر	۱۱ر	۱ر۵	۰
اسفناج ــ ۱ فنجان (پ)	۴۵	۲۱۲۰۰	۱۴ر	۳۶ر	۱ر۱	۵۴
شکر ریز ــ ۱ رطل	۵۰	۰	۰	۰	۰	۰
سیب زمینی شیرین ــ ۱ دانه متوسط (پ)	۱۵۵	۸۹۷۰	۱۰ر	۰۰۷ر	۷ر	۲۴
گوجه فرنگی ــ ۱ دانه متوسط (خ)	۳۰	۱۶۴۰	۰۸ر	۰۶ر	۸ر	۳۵
گوشت گوساله ــ کوتلت ــ سرخ‌کرده ــ ۳انس	۱۸۵	(ج)	۰۶ر	۲۱ر	۴ر۶	(ج)
شلغم ریزکرده ــ ۱ فنجان (پ)	۴۰	(م)	۰۶ر	۰۹ر	۰۶ر	۲۸

جدول مدت آبستنی (یا خوابیدن روی‌تخم) و طول عمر بعضی از حیوانات

ارقام درهلالین درستون آبستنی معرف حد متوسط دورهٔ آبستنی است
ارقام درهلالین درستون طول عمر معرف طول عمراستثنائی حیوان است که دیده شده
حیواناتی که دوره آبستنی‌آنها اختلاف زیادی دارد مانند خرس ، مرغابی ، فیل،میمون ، موش ، نهنگ این اختلاف به‌نوع آنها بستگی‌دارد

حیوان	تعداد روزهای دوره آبستنی یاخوابیدن روی تخم	تعداد سالهای عمر حیوان	حیوان	تعداد روزهای دوره آبستنی یاخوابیدن روی تخم	تعداد سالهای عمر حیوان
الاغ	۳۴۰ـ۳۸۵ روز	۱۸ـ۲۰ سال (۴۶)	کانگورو	۳۹ روز	۱۰ـ۱۲ سال (۱۶) سال
خرس	۱۸۰ـ۲۴۰	۵ـ۲۰ (۳۴)	شیر	۱۰۵ـ۱۱۱	۱۰ (۲۹)
گربه	۵۲ـ۶۵	۱۰ـ۱۲ (۲۱)	اسب	۳۰۴ـ۴۱۹ (۳۳۶)	۲۰ـ۲۵ (۵۰)
مرغ	۲۱	۷ـ۸ (۱۴)	میمون	۱۴۹ـ۱۷۹ (۱۶۴)	۱۲ـ۱۵ (۲۹)
گاو	۲۸۰	۹ـ۱۲ (۲۵)	موش خانگی	۱۹ ـ ۳۱	۱ ـ۳ (۴)
آهو	۱۴۰ـ۲۵۰	۱۰ـ۱۵ (۲۶)	طوطی کوچك دم‌دراز	۱۷ ـ۲۰ (۱۸)	۸ (۱۲)
سگ	۵۵ـ۷۰ (۶۳)	۱۰ـ۱۲ (۲۴)	کبوتر	۱۸	۱۰ـ۱۲ (۳۹)
مرغابی	۲۱ـ۳۵ (۲۸)	۱۰ (۱۵)	خرگوش	۲۷ ـ۳۶ (۳۱)	۶ ـ۸ (۱۵)
فیل	۵۱۵ـ۷۶۰ (۶۲۸)	۳۰ـ۴۰ (۹۸)	موش صحرائی	۲۱ ـ۳۰ (۲۲)	۳ (۵)
میش	۱۲۱ـ۱۸۰	۱۲ (۱۶)	خوك بزرگ	۱۰۱ـ۱۳۰ (۱۱۵)	۱۰ (۲۲)
بز	۱۳۵ـ۱۶۳ (۱۵۰)	۱۲ (۱۷)	سنجاب	۲۸ ـ۳۵	۸ ـ۹ (۱۵)
گراز	۲۸ـ۳۵	۴ـ۷	روباه	۵۱ ـ۶۰	۸ ـ۹ (۱۴)
خوك هندی	۶۳ـ۷۱	۳ (۶)	نهنگ	۲۷۶ـ۳۶۵	؟
اسب آبی (هیپوپوتاموس)	۲۲۰ـ۲۵۵	۳۰ (۴۹)	گرگ	۶۳	۱۰ـ۱۲ (۱۶)
			انسان	۲۷۰	حدمتوسط ۷۲

فهرست

بیماریهای‌واگیر وسرایت پذیر و مدت‌پرورش میکرب و مدت سرایت بدیگران

(ماخذ : رسالهٔ «کنترل بیماریهای واگیر در انسان » نشریه جامعهٔ بهداشت عمومی امریکا)

نام بیماری	دورهٔ پرورش میکروب دربدن انسان	دورهٔ قابلیت سرایت بدیگران
آبله مرغان	۲ تا ۳ هفته	از یك روز پیش از ظهور تاول تا ۶ روز بعد
زکام وسرماخوردگی معمولی	۱۲ تا ۷۲ساعت ــ معمولا ۲۴ ساعت	ازیك روز پیش از ظهور تاول تا۶ روز بعد
ورم ملتحمه	۱ تا ۳ روز	در خلال دوره عفونت شدید
دیفتری (خناق)	۲ تا ۵ روز	معمولا ۲ هفته یا کمتر ــ بندرت بیش از ۴ هفته
اسهال آمیبك (خونی)	۳ تا ۴ هفته (متغیر)	در خلال عفونت واگر معالجه نشودتا چندسال
مسمومیت غذائی (۱) از گوشت و ماهی‌ومیوه وسبزی فاسد(بوتالیسم)	در خلال ۱۸ ساعت	قابل سرایت نیست .
(۲) عفونت سالمونللا		۳ روز تا ۳ هفته (متغیر)
(۳) استافیلوکوکوس	نیم تا ۴ ساعت	قابل سرایت نیست .
سرخك آلمانی (روبل لا)	۱۴ تا ۲۱ روز ــ معمولا ۱۸ روز	حد اقل ۴ روز پس از ظهور علائم نزله‌ئی
سوزاك	۳ تا ۹ روز ــ بعضی اوقات بیشتر	بمدت نامحدود مسری است‌مگر آنکه درمان شود .
زرد زخم ساری (ایمپتیگو)	۲ تا ۵ روز ــ وبعضی اوقات بیشتر	تا هنگامیکه زخم شفا نیافته مسری است .
انفلوآنزا	معمولا ۱ تا ۳ روز	باحتمال قوی از مدت کمی پیش از ظهور تا یك هفته پس از آن
سرخك (روبه‌ئولا)	۱۰ روز پیش از ظهور و ۱۴ روز پیش از حمله	از ۴ روز پیش از حمله تا ۵ روز پس از حمله .
منتریت	۲ تا ۱۰ روز	معمولا تا یك روز پس از درمان شایسته
ورم غدهٔ بناگوش	۱۲ تا ۲۶ روز ــ معمولا ۱۸ روز	از ۷ روز پیش از ظهور علائم مشخص تا ۹ روز پس از آن
سینه پهلو (ذات‌الریه ــ پنومونی)		
تاکتریائی	معمولا ۱ تا ۳ روز	نامعلوم
ویروس	۷ تا ۲۱ روز معمولا ۱۲ روز	نامعلوم
پولیومیه لی‌تیس (التهاب نخاع)	۳ تا ۲۱ روز ــ معمولا ۷ــ۱۲ روز	از اواخر دورهٔ نمو میکرب تا چند روز اول ظهور ــ ولی تا ۳ الی ۶ هفته و حتی بیشتر در مدفوع باقی میماند .
هاری (هیرروفوبیا)	۲ تا ۶ هفته یا بیشتر	از حیوان سرایت میکند ــ دوره سرایت ۳ تا ۵ روز پیش از ظهور و در خلال جریان بیماری .
تب روماتیسمی	معمولا در اثر یك بیماری واگیر مقدماتی عارضی میشود	هنوز واگیر بودن آن معلوم نشده .
تب سرخ و گلودرد استرپ توکوك	۲ تا ۵ روز	درخلال دوره پرورش وبیماری کلینیکی در حدود ده روز ــ ولی ممکن است در بیمارانی که درمان نشده اند تا چند ماه دوام یابد .
آبله	۷ تا ۱۶ روز ــ معمولا ۱۲ روز	از ظهور اولین علائم تا ناپدید شدن اثرزخم و پوسته ها ــ یعنی از ۲ تا ۳ هفته متغیر است و بنحو قطعی هنوز معلوم نشده .
سیفلیس (کوفت)	۱۰ روز تا ۱۰هفته ــ معمولا ۳هفته	از انسان به انسان سرایت پذیر نیست .
کزاز (تتانوس)	۴ روز تا ۳ هفته	مستقیما از انسان به انسان سرایت پذیر نیست .
کرم خوك (تریشینوزیس)	۲ تا ۲۸ روز پس از خوردن‌گوشت آلوده ــ معمولا ۹ روز	
سل	۴ تا ۶ هفته (به مرحله اول)	تا هنگامیکه با سیل سل از بیمار دفع میشود .
تب مطبقه (تیفوئید)	۱ تا ۳ هفته معمولا ۷ روز تا ۱۰ روز و نه بیش	تا هنگامیکه با سیل تیفوئید در مدفوع بیمار دیده میشود ــ ۲ درصد تا ۵ درصد از بیماران بنحو ابدی حامل میکروب آن خواهند بود .
سیاه سرفه (پرتوزیس)	از ۲۱ روز	از ۷ روز پس از ظهور تا ۳ هفته پس از حمله آن .

آمارفرهنگی کشور های جهان

(ماخذ : سالنامهٔ آماری ملل متحد ۱۹۶۱)

(علامات : غ = غیرمعلوم ـ ن = ناچیز وغیرقابل ذکر ـ خ = خیلی زیاد)

(×) به‌توضیحی درباره این جدول در پایان جدول رجوع شود

نام کشور	٪ درصد بیسواد (از دهساله ببالا)	تعداد آموزشگاهها (دبستانودبیرستان)	تعداد دانشگاه ها وکالج ها	جمع تعداد محصلین آموزشگاهها ودانشگاهها
افغانستان	غ	۸۶۱	٤	١٥٥ر٦٢٤
آلبانی	خ	۳ر۳۳۷	۲	۲٤۷ر۹۷۲
آرژانتین	۸	۲۱ر۲۷۹	۸	۳ر٥٤٥ر۲٤۸
استرالیا	ن (درمورد اروپائیان)	۱۱ر۰۰۷	۹	۲ر۱٦۳ر۳۳۹
اطریش	ن	۸ر۷۹۳	١٤	۱ر۱٥۸ر۷۰۷
بلژیك	۳ر۱	۱۷ر۳٦۰	۱۹	۱ر۸٦۰ر۹۲۱
بلیوی	٦۹ر۲	۸۸٤	٥	۳٤۳ر۰۸٤
برزیل	٥۱ر۰	۱۰۹ر۹۹۹	۱۱	۹ر۱۳۷ر٤۹۹
بلغارستان	۲٤ر۲	۱۲ر٦۹۷	۳۲	۱ر٦۷۲ر٦٥٤
برمه	٤۲ر۹	۱۲ر٥٤٦	۷	۱ر۹٤٦ر۳۱٦
کامبودیا	غ	۳ر۷۹٥	۳	٥۹۱ر۷٥۹
کانادا	ن	۲۸ر٦۲۰	۱۲۰	٤ر۳۱٦ر٦٦۲
سرندیب	٤۲ر۰	۸ر۰۸۲	۳	۲ر۲۲۰ر۸۹٤
شیلی	۲٤ر۰	۷ر۸۲٤	٥	۱ر۲۸۷ر۷۰۳
چین (جمهوری مردم)	غ	٥۱۲ر۷٦۱	۱۹٤	٥۸ر۲٦٦ر۱۳٦
چین (ملی ـ تائیوان)	غ	۲ر۷۲۳	۲۲	۲ر۱۹۸ر٦٤۹
کلمبیا	۳۷ر۰	۲۱ر۳۳۷	۱۸	۱ر۸٥٦ر۷٥٥
کستاریکا	۲۱ر۰	۱ر۹۷٥	۲	۲۲۲ر۱۷۰
کوبا	۲٥ر۰	۲ر٤٦٥	۷	۱ر٤٦۸ر٤٦۹
چك اسلواکی	۱ر۷	۱۹ر٥۰٥	۲۷	۲ر۷٦۱ر۲۹۱
دانمارك	ن	۳ر٦٦٥	۱۲	۸۳۹ر۳۸۷
جمهوری دومینیکان	٥۷ر۰	٤ر۹۰۳	۱	٥۱۷ر٥۱۱
اکوادور	٤٤ر۰	٥ر۷٤٤	۷	٦٤۹ر۲۲٦
مصر (جمهوری متحده عربی)	۷٤ر٥	۹ر۱٤٦	۲٦	۳ر۲٤۹ر۲٦٤
السالوادور	٥۸ر۰	۲ر۸٦۷	۱	۳٦۹ر۷۸۱
حبشه ـ اریتره	۷۰ر۰	٦۰۷	۲	۱٦٦ر۹۰۹
فنلاند	ن	۸ر۲۹٥	۱۱	۹۳۲ر۷۹۲
فرانسه	۳ر۳	۹٤ر۷۸۷	۱٥۱	۹ر٥۱٦ر۳۲٤
آلمان (باختری و خاوری)	ن	٥۸ر۰۰۷	۱۰٦	۱۱ر۲۰۹ر۷۲۰
غانه	غ	٥ر۰۳۸	۲	٦۳٤ر۰۱۱
یونان	۲۳ر٥	۱۱ر٦۸٤	۸	۱ر۲٤٤ر۱۱۲
گواتمالا	۷۲ر۰	٤ر۰۳۸	۱	۳۲۹ر۲٦۹
هائیتی	۹۰ر۰	۱ر٥۹۸	۱۳	۲٥۸ر۱۹۱
هندوراس	٦٥ر۰	۲ر٥۰۱	۱	۱٦۱ر۲۸٥
مجارستان	٥ر۹	۹ر٦۱۳	۳۱	۱ر٦۸۱ر۰۰۸
آیسلند	ن	۳٥٥	۱	۳٥ر۱۹۳
هند	۸۲ر۱	۳۲٦ر۱۸۱	۱ر۱۲۹	۳۲ر۰٥۷ر۳۹۸
اندونزی	٤۷ر۰	۳۷ر۷۸۲	۸۷	۸ر۰۱٤ر٤۳۸
ایران	خ	۱۰ر۳۱۹	۱ (*)	۱ر٦۱٤ر٥۸٤
عراق	غ	۲ر۸۳۱	۱۲	٦٥۲ر۸۸۷
ایرلند	ن	٥ر۹۰۹	۳	۷۸٤ر۲٤۳
اسرائیل	٦ر۹	۳ر۷٤٥	۱۲	٥٤۷ر٥۷۰

نام کشور	٪ درصد بیسواد (از ده ساله ببالا)	تعداد آموزشگاه ها (دبستان و دبیرستان)	تعداد دانشگاهها و کالج ها	جمع تعداد محصلین (آموزشگاه ها و دانشگاهها)
ایتالیا	ر۱۰۰	۶۹ر۶۰۶	۳۴	۷ر۸۵۶ر۰۴۸
ژاپون	ن	۵۱ر۰۴۸	۵۳۴	۲۴ر۵۵۱ر۵۳۴
اردن	۵۰ر۰	۱ر۵۱۷	۵	۲۷۸ر۸۵۸
کره جنوبی	غ	۶ر۵۳۵	۲۶	۴ر۳۷۷ر۴۹۶
کویت	غ	۹۸	۲	۳۲ر۷۹۱
لائوس	۶۳ر۲	۱ر۴۷۴	۱	۱۰۳ر۵۰۱
لبنان	غ	۲ر۱۶۶	۷	۲۶۰ر۰۴۴
لیبریا	۹۵ر۰	۶۴۹	۳	۶۲ر۱۸۶
لوگزامبورگ	ن	۶۷	۱	۴۲ر۵۲۷
مالایا	۶۱ر۷	۵ر۴۲۰	۴	۱ر۲۸۲ر۴۱۵
مکزیك	۳۸ر۰	۳۲ر۴۳۷	۱۳۵	۴ر۴۶۸ر۳۵۴
مراکش	غ	۴ر۰۵۵	۶	۸۹۰ر۷۴۷
نپال	غ	۱ر۳۲۲	۱۴	۷۳ر۴۰۰
هلند	ن	۱۵ر۵۰۰	۱۱	۲ر۵۸۹ر۵۶۱
زلاند نو	ن	۳ر۲۰۴	۶	۵۶۴ر۸۵۳
نیکاراگوا	ن	۳ر۵۹۳	۱	۱۴۰ر۳۴۸
نروژ	ن	۷ر۴۰۵	۸	۵۹۵ر۸۴۱
پاکستان	۸۶ر۸	۴۹ر۴۷۵	۱۶۳	۵ر۷۰۱ر۵۰۰
پاناما	۲۸ر۰	۱ر۲۹۷	۱	۱۹۸ر۴۰۳
پاراگوئه	۶۰ر۰	۴ر۰۳۸	۱	۳۳۰ر۲۶۹
پرو	۵۰ر۰	۱۴ر۴۸۴	۷	۱ر۵۱۷ر۴۰۹
فیلیپین	۳۷ر۸	۳۲ر۱۸۹	غ	۴ر۹۱۹ر۵۲۷
لهستان	غ	۳۷ر۸۷۹	۵۷	۵ر۸۲۴ر۳۸۲
پرتقال	۴۱ر۷	۱۷ر۷۹۳	۱۳	۱ر۰۳۷ر۲۸۵
پورتوریکو	۲۵ر۶	۲ر۳۶۳	۴	۷۳۱ر۶۹۹
رومانی	۲۳ر۱	۲۳ر۲۳۸	۹۱	۲ر۸۷۳ر۲۸۲
عربستان سعودی	غ	۵۸۲	۱	۸۳ر۲۸۰
جمهوری افریقای جنوبی	۷۰ر۹	۱۰ر۲۸۱	۱۰	۲ر۰۳۶ر۰۲۷
اسپانیا	۱۴ر۲	۱۰ر۵۴۰	۲۵	۵ر۱۱۵ر۰۷۱
سوئد	ن	۸ر۹۱۶	۱۵	۱ر۲۹۲ر۶۴۵
سویس	ن	غ	۹	۷۳۱ر۹۵۰
سوریه	غ	۳ر۵۹۶	۱	۵۴۲ر۹۲۸
تایلند	۴۶ر۳	۲۴ر۷۸۹	۵	۴ر۱۱۸ر۸۱۸
تونس	غ	۱ر۸۸۶	۶	۴۲۷ر۱۶۴
ترکیه	۶۵ر۴	۲۲ر۷۸۴	۱۳	۳ر۰۳۰ر۰۸۵
سلطنت متحده (بریتانیا)	ن	۳۵ر۲۲۰	۲۶	۱۰ر۱۷۳ر۴۷۰
کشورهای متحده (امریکا)	ن	۱۲۴ر۶۸۵	۶۸۱ (*)	۴۶ر۲۵۹ر۰۰۰
اوروگوئه	۳۵ر۰	۲ر۴۴۲	۱	۳۹۰ر۷۵۴
اتحاد جماهیر شوروی	۱۰ر۰	۲۴۲ر۵۲۰	۷۶۵	۳۷ر۸۶۶ر۹۰۰
ونزوئلا	۶۰ر۰	۱۰ر۳۶۴	۵	۱ر۲۶۴ر۶۰۲
ویتنام	غ	۶ر۷۵۵	۱۸	۱ر۳۹۹ر۰۱۲
یمن	غ	۶۹۶	۱	۳۹ر۴۹۰
یوگوسلاوی	۲۵ر۰	۱۷ر۰۱۸	۶۳	۳ر ۱۹۰ر۲۹۱

(*) معمولا اداره تهیه آمار جهانی ملل متحد در هر سال از تمـام کشورهای عضو ملل متحد آمار، درتمام قسمت‌های مختلف میخواهد وبعضی از کشورها درفرستادن آمار یا غفلت روا داشته و یا بجهات سیاسی یا ملی آمار مورد تقاضا را نمیفرستند ناچار درسالنامه آماری ملل متحد به آمار سالهای جلوتر آن‌کشورها و یا به آماری که مستقیما از طرف کشورها انتشار یافته است مراجعه نموده آخرین آماری را که در دسترس است در جدول قرار میدهد چنانچه‌بعضی

بقیه درصفحه ۰۵۱۰۰۴۰

مردان سال

تهیه وتنظیم از : ساسان کمالی

مجله آمریکائی تایم که یکی‌از معروفترین و کثیرالانتشار ترین نشریات جهان است در آغاز هرسال مسیحی شخصی را بعنوان مرد سال انتخاب و معرفی میکند ، این انتخاب که فقط زاده ابتکار شایان توجه ناشرین مجله تایم است بهیچوجه جنبه رسمی نداشته و هیچ مقام دولتی و یا سیاسی ویا یك سازمان جهانی برآن‌نظارت نمیکند و حتی باید گفت که این امر بدون درنظر گرفتن آراء و عقاید خوانندگان صورت میگیرد و بعبارت دیگر تا بحال جنبه رفراندوم بخود نگرفته و تنها تصمیم و قضاوت ناشرین و هیئت تحریریه تایم است که هرساله یکی‌از رجال برجسته جهان را بعنوان مرد سال معرفی و اعلام مینماید . این معرفی توام با ارائه تصویر شخص مورد نظر در روی جلد شماره مخصوص مرد سال مجله تایم است .

سالهاست‌که این ابتکارجای خودرا دردل اغلب مردم جهان باز کرده و با فرارسیدن هر سال‌جدیدبسیاری ازمردم وبخصوص مطبوعات جهان برای پی‌بردن به نتیجه نهائی و پیشدستی در مخابره آن دقیقه شماری میکنند .

امسال مجله تایم برای اولین بار یـك سیاهپوست آمریکائی رابعنوان مردسال ۱۹۶۳ معرفی نمود . انتخاب یك سیاهپوست بدین‌مقام شایسته درکشوری مثل آمریکا ، نوید پیروزی آرمانهای پاك انسانی و نمایان موفقیت قطعی جامعه نوعدوستان بشریست بویژه آن که این سیاهپوست، مارتین‌لوترکینگ رهبرسیاهپوستان آمـریکا و پیشوای مبارزات آنها در لغو تبعیضات شرم‌آور نژادی باشد .

نگاهی بتاریخچه مردان سال : اولین مردسال مجله تایم چارلز لیندبرگ خلبان پیشرو و شجاع آمریکائیست که اکنون ٦٢ سال دارد و ژنرال نیروی هوائی آمریکاست ۳۷ سال پیش که مجله تایم در آغاز پنجمین سال حیات مطبوعاتیش بانتخاب مردان سال مصمم گشت ، لیندبرگ فقط ۲۵ سال داشت و جوانترین شخصیست که تاکنون این عنوان را احراز کرده است ، شهرت جهانگیر او که یك شبه ره صدساله پیمود با پرواز جسورانه‌اش برفراز اقیانوس اطلس آغاز گردید پروازی‌که یکه و تنها از نیویورك آغاز و پس‌از ۳۳ ساعت و ۳۰ دقیقه اضطراب و هیجان و مبارزه با خستگی و بیخوابی و پیمودن مسافتی در حدود ٦۰۰۰ کیلومتر ، با فرود آمدن در فرودگاه پاریس منتهی گردید ، درآنروز یکصد هزار نفر از اهالی پاریس در فرودگاه از او استقبال کردند . موفقیت غیر منتظره‌اش به او شهرتی جاودان بخشید تا هفته‌ها پس‌از آن بیخوابی و پرواز مداوم او مجبور بود کـه دعوت سلاطین ، رجال و فرمانروایان ممالك مختلف اروپا را بپذیرد و در مهمانی‌ها و ضیافتهائی که بافتخار او ترتیب داده میشد شرکت نماید این سفر برای او ارمغان های ارزنده‌ئی بهمراه داشت ، نشان لژیون دونور از فرانسه ، صلیب نیروی هوائی سلطنتی انگلستان و فرمان لئوپولد از بلژیك و بالاخره لقب « یکه عقاب » از طرف سران کشور های اروپائی از ره آوردهای برجسته او بود .

مرد سال ۱۹۲۸ والتر کرایسلر رئیس کارخانجات کرایسلر بود ، کرایسلر مردی بود که در عرض یکسال انقلابی در صنعت اتومبیل سازی پدید آورد و در عرض چند ماه اتومبیل



های پلیموت ، دسوتو و سپس دوج را یکی پس‌از دیگری ببازار عرضه کرد و در همان سال ساختمان بزرگترین آسمانخراش آن زمان را آغاز نمود .

مردسال ۱۹۳۰ میوه ممنوعه بود مشتاقان و منتظرین اعلام نتیجه مرد سال نه قادر بدیدن او بودند و نه بعرض تبریک موفق نشتند چون چهره اشنا و قهرمان آنسال ما یك زندانی بیش نبود . زندانی لاغر و نحیفی که در حین روزه‌داری و ریاضت ملت بزرگی را از آنسوی میله‌ها رهبری میکرد و زندانبان خود یعنی امپراطوری مقتدر بریتانیای کبیر را دربرابر اراده آهنینش بزانو درآورده بود . این شخص مهاتما گاندی نام داشت .

سالهای ۱۹۳۲ ، ۱۹۳٤ و ۱۹٤۱ سال پرزیدنت فرانکلین روزولت سی‌ودومین رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا بود اوتنهاکسی است که تا بحال سه بار این عنوان را بدست آورده است . ناگفته نماند که او تنها رئیس جمهوری آمریکاست کـه چهار بار بمقام ریاست جمهوری نائل گردیده و تاروز وفاتش ۱۳ سال متوالی این پست را اشغال کرده‌است .

اعلیحضرت هیلاسلاسی پادشاه حبشه تنها آفریقائیست که مرد سال شناخته شده انتخاب او درسال۱۹۳۵ بخاطر فعالیت های وی بمنظور حفظ استقلال وتمامیت حبشه درمقابل مهاجمین ایتالیائی و توسل و شکایت او به جامعه ملل صورت گرفت .

دهمین انتخاب تایم شاید جالبترین آن باشد درآغاز سال ۱۹۳۷ روی جلد مجله تایم را تصویر زنی اشغال کرده بودکه بالطبع « مرد سال » ۱۹۳۶ یعنی سال قبل میبایست نامیده شود . این زن والیس سیمپسون نام داشت که ماجرای عشق اعلیحضرت ادوارد هشتم پادشاه انگلستان نسبت به او نقل محافل و داستان روز آن ایام بود . در زمان سلطنت ژرژ پنجم شاهزاده ادوارد که شاهزاده‌ئی آزادمنش و دموکرات بود اغلب اوقاتش را بخاطر حفظ و تحکیم صلح بین‌المللی و یا توسعه تجارت انگلستان به جهانگردی و سیر و سیاحت میپرداخت و همین سفرها باعث شدکه مطبوعات اروپا اورا « دوره گرد امپراطوری » بنامند . در دوران کوتاه سلطنت ۱۱ ماهه‌اش در سن ٤۲ سالگی به عشق والیس سیمپسون بانوی ٤۰ ساله آمریکائی‌گرفتار گردید وتصمیم بازدواج گرفت ولی از آنجا که این ازدواج مغایر با آداب و رسوم کهن دربار انگلستان بود او سربفرمان دل روی بدیار غربت نهادو با مقام و مرتبت شاهیش برای همیشه وداع کرد . چند صباحی بعدکه برادر کوچکترش ژرژ ششم بجای او پادشاه انگلستان بود . او فرماندار جزایر کوچك باهاما بود و هزاران کیلومتر از لندن فاصله داشت .

مرد سال ۱۹۳۷ را باید خانواده سال یا بعبارت مناسب‌تر زن و شوهر سال نامید چون این مقامیست که چیانگ‌کایشك رئیس حکومت چین و همسرش چیانگ میلینگ بخاطر نبرد دوش بدوش وهمکاری صمیمانه شان درمبارزات دفاعی چین بهنگام هجوم قوای ژاپنی بدست آوردند و تنها زوجی هستند که تا بحال مشترکاً مرد سال شناخته شدند .

انتخاب مرد سال ۱۹۳۸ سروصدای زیادی پدید آورد و سیل انتقادات را بدفتر تایم سرازیر نمود چون دراین سال بود که غفلتاً و بدون کوچکترین احتمالی آدولف هیتلر رهبر آلمان نازی مرد سال معرفی گردید . اعطای این عنوان بچنین شخصی آنهم در سال عهدنامه مونیخ که تنفر ملل جهان نسبت بعهد شکنی‌های آلمان تشدید یافته و دستهای هیتلر در چکوسلواکی بخون آلوده شده بود خیلی عجیب بنظر میرسید در مقابل سیل انتقادات ، ناشرین تایم چنین پاسخ دادند : « مرد سال باید مرد یا زن خبر سازی باشدکه درآن سال

بقیه درصفحه ۰۵۱۰۰٤۰



چارلز لیندبرگ خلبان آمریکائی

چارلزلنیدبرگ خلبان آمریکائی

اولین مرد سال مجله تایم



فرانکلین روزولت تنها مردی که سه‌بار مردسال شناخته شد

کنراد آدنائر صدراعظم آلمان غربی مرد سال ۱۹۵٤





آدولف هیتلر مردی که انتخابش بعنوان مرد سال بخاطر تحقیر او بود « بمقاله مراجعه شود »



مارتین لوتر کینگ رهبر سیاهپوستان امریکا . مردسال ۱۹۶۳



نیکیتا خروشچف
مرد سال ۱۹۵۷



الیزابت دوم ملکـه انگلستان
دومین زنی که « مرد »سال شد



وینستون چرچیل برنده عنـوان « مرد نیم قرن »

بخصوص وجود واثر او درتاریخ بشری تغییری مثبت یا منفی پدید آورده باشد » البته باید اضافه کردکه درآن سال تصویر هیتلر مانند سایر مردان سال ارائه نگردید بلکه روی‌جلد ، اندام‌کوچك اورا درکلیسای‌بزرگی نشان‌میداد که مشغول نواختن ارگ‌بود واین طریق عبادت که با افکار هیتلر کوچکترین تناسبی نداشت نشان میداد که تایم با این عکس تمسخرآمیز بجای یك تصویر معمولی نمیخواسته است امر بخود هیتلر نیز مشتبه شود و او عنوان مردسال را یك نوع افتخار تلقی نماید .

سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۹ نوبت مرد سال شدن به چرچیل رسیده بود با این تفاوت که درسال ۱۹۴۹ که آخرین سال نیمه اول قرن بیستم بود چرچیل « مرد نیم قرن » معرفی گردید و بدین ترتیب امتیازی مافوق امتیاز دیگران بدست آورد .

جرج مارشال ژنرال پنج ستاره ارتش آمریکا درسال ۱۹۳۹ در پست ریاست ستاد ارتش و در سال ۱۹۴۷ در مقام وزارت امور خارجه آمریکا مرد سال شناخته شد و اوکه فعالیت های شایانی درا حیای اروپای بعد از جنگ و تصویب کمکهای خارجی آمریکا نمود همان ارائه دهنده و مبتکر طرح معروف مارشال است و کسیست که در سال ۱۹۵۳ موفق بربودن جایزه صلح نوبل گردید .

انتخاب مردان سال ۱۹۵۰ و ۱۹۵۶ بی‌شباهت بتاسیس ساختمان آرامگاه سربازگمنام نبود ، درسال ۱۹۵۰ بیادبود مبارزات و نبرد های سربازان آمریکائی در جنگهای کره یك جنگجوی گمنام آمریکائی و در سال ۱۹۵۶ یك جوان گمنام مجارستانی بخاطر بزرگداشت جنبش و قیام مجارستانی های مخالف با رژیم وقت مردان سال اعلام گردیدند .

سال ۱۹۶۰ که ازسالهای بحرانی مبارزات تسخیر فضابود و آمریکا توانست موفقیت‌های نسبی شایانی بدست آورد به دانشمندان علوم فضائی اختصاص داده شد و۱۵ نفر از دانشمندان آمریکائی متفقاً مرد سال ۱۹۶۰ شناخته شدند .

صورت زیر فهرست کلی برندگان عنوان مرد سال از اولین انتخاب چارلز لیندبرگ ، تا آخرین آن یعنی مارتین لوتر کینگ میباشد

سال	نام	شغل
۱۹۲۷	چارلز لیندبرگ	خلبان آمریکائی
۱۹۲۸	والتر کرایسلر	رئیس‌کارخانجات کرایسلر
۱۹۲۹	اوئن یانگ	سرمایه‌دار وسیاستمدار آمریکائی
۱۹۳۰	مهاتماگاندی	رهبر استقلال هند
۱۹۳۱	پیر لاوال	نخست‌وزیر فرانسه
۱۹۳۲	فرانکلین روزولت	نامزد ریاست جمهوری آمریکا
۱۹۳۳	هیو جانسون	سیاستمدار آمریکائی
۱۹۳۴	فرانکلین روزولت	رئیس جمهور آمریکا
۱۹۳۵	هیلاسلاسی	پادشاه کشور حبشه
۱۹۳۶	والیس سیمپسون	معشوقه پادشاه انگلستان
۱۹۳۷	ژنرال ومادام چیانگ‌کایشك	خانواده ریاست جمهوری چین
۱۹۳۸	آدولف هیتلر	پیشوای آلمان نازی
۱۹۳۹	ژوزف استالین	نخست‌وزیر شوروی
۱۹۴۰	وینستون چرچیل	نخست‌وزیر انگلستان
۱۹۴۱	فرانکلین روزولت	رئیس جمهور آمریکا
۱۹۴۲	ژوزف استالین	نخست‌وزیر شوروی
۱۹۴۳	جورج مارشال	رئیس ستاد ارتش آمریکا
۱۹۴۴	دوایت آیزنهاور	فرمانده نیروهای متفقین
۱۹۴۵	هری ترومن	رئیس جمهور انتصابی آمریکا
۱۹۴۶	جمز بیرنز	وزیر امور خارجه آمریکا
۱۹۴۷	جورج مارشال	وزیر امور خارجه آمریکا
۱۹۴۸	هری ترومن	رئیس جمهور انتخابی آمریکا
۱۹۴۹	وینستون چرچیل	نخست‌وزیر انگلستان
۱۹۵۰	سرباز جنگی آمریکا	سمبل سربازان جنگی‌آمریکادرکره
۱۹۵۱	محمد مصدق	نخست‌وزیر ایران
۱۹۵۲	الیزابت دوم	ملکه انگلستان
۱۹۵۴	کنراد آدنائر	صدراعظم آلمان
۱۹۵۵	هارلو کورتیس	سرمایه‌دار آمریکائی
۱۹۵۶	جنگجوی آزادی مجارستان	سمبل جنگجویان قیام‌کننده مجارستانی
۱۹۵۷	نیکیتا خروشچف	نخست‌وزیر شوروی
۱۹۵۸	شارل دوگل	رئیس جمهور فرانسه
۱۹۵۹	دوایت آیزنهاور	رئیس جمهور آمریکا
۱۹۶۰	۱۵ نفر آمریکائی	دانشمندان علوم فضائی
۱۹۶۱	جان‌کندی	رئیس جمهور آمریکا
۱۹۶۲	پاپ جان بیست‌وسوم	رهبر کاتولیك‌های جهان
۱۹۶۳	مارتین لوترکینگ	رهبر سیاهپوستهای آمریکا

بقیه از صفحه ۰۵۱۰۰۳۵

از ارقام جدول بالا بسبب نرسیدن‌گزارش رسمی‌ازدولتهای مربوط بسالهای پیش از ۱۹۲۶تعلق‌دارد وحتی یکی‌ازآنهامثلا رقم ۷۰٫۹ درصد تعداد بیسوادان جمهوری افریقائی جنوبی از آمار سال ۱۹۵۰ آن دولت نقل شده است . بنابراین در آمار سالنامه ملل متحد کشورهائی که تعداد درصد بیسوادان آن رسما گزارش داده نشده است غیرمعلوم نوشته که دراینجا بحرف(غ) نشان داده شده و آنها که تعداد افراد بیسواد آنها از یك در صد کمتر است ناچیز نوشته که در این جدول با حروف (ن) نشان داده شده و آنها که تعداد افراد بیسوادشان رقمی نزدیك بصد میباشد ولی رقم صحیح‌آنراگزارش نداده‌اند خیلی زیاد نوشته که درجدول بالا با حرف (خ) نشان داده شده .

درمورد تعداد دانشگاه‌ها در جدول بالا آمار ملل متحد دانشگاه‌های کامل و تمام را درنظر داشته و لذا مثلا برای ایران در ستون دانشگاه رقم یك نگاشته و برای کشورهای متحده امریکا رقم ۶۸۱ را نگاشته یعنی آنکه درمورد‌ایران تنها دانشگاه تهران را درنظر گرفته و دانشگاه کامل شمرده و دانشگاه ناتمام شهرستانها و یك دانشگاه ملی تهران را بحساب نیاورده‌و همچنین آمار رسمی از وزارت فرهنگ ایران در دست نداشته است چنانچه درمورد تعداد آموزشگاه‌ها و محصلین ایران آمار سال ۱۹۵۹ را در دسترس داشته است . درمورد امریکارقم ۶۸۱ معرف‌تعداد دانشگاه‌های کامل است وگرنه درحال حاضر ۱۱۲۷ دانشگاه و کالج کامل و بیش از ۶۵۰ کالج‌ناتمام یعنی جمعا ۱۷۷۷ دانشگاه و کالج در امریکا وجود دارد و تعداد کل‌محصلین آن‌کشور طبق تازه‌ترین آمار سال۱۹۶۳ ۵۱٫۳۰۰٫۰۰۰ نفر است .

جدول حد متوسط عمر در سنین مختلف در غالب کشورهای جهان

(درکشورهائی‌که آمار موالید ومتوفیات آنها بدست آمده)

(مأخذ : ادارهٔ استاتیستیك مل‌متحد (غ= غیرمعلوم)

حد متوسط طول عمر در سالهای آینده در سنینی‌که در زیرذکرشده

	طبق آمار سال	مرد						زن					
		۰	۱	۱۰	۲۰	۴۰	۶۰	۰	۱	۱۰	۳۰	۴۰	۶۰
امریکای شمالی													
کشور های متحده امریکا (غیر ازآلاسکا و هاوائی)	۱۹۵۹	۶۶٫۵	۶۷٫۶	۵۹٫۰	۴۹٫۵	۳۱٫۲	۱۵٫۷	۷۳٫۰	۷۳٫۷	۶۵٫۱	۵۵٫۵	۳۶٫۴	۱۹٫۳
کانادا	۱۹۵۵ـ۵۷	۶۷٫۶	۶۹٫۰	۶۰٫۷	۵۱٫۲	۳۲٫۷	۱۶٫۵	۷۲٫۹	۷۴٫۰	۶۵٫۵	۵۵٫۸	۳۶٫۷	۱۹٫۳
مکزیك	۱۹۴۰	۳۷٫۹	۴۴٫۴	۴۵٫۴	۳۷٫۶	۲۴٫۸	۱۳٫۴	۳۹٫۸	۴۶٫۲	۴۷٫۹	۴۰٫۰	۲۶٫۶	۱۳٫۵
پرتوریکو	۱۹۶۰	۶۷٫۳	۶۹٫۷	۶۱٫۸	۵۲٫۴	۳۴٫۶	۱۸٫۷	۷۲٫۱	۷۴٫۰	۶۶٫۲	۳۸٫۱	۵۶٫۵	۲۱٫۴
امریکای جنوبی													
شیلی	۱۹۵۲	۴۹٫۸	۵۶٫۸	۵۱٫۴	۴۲٫۷	۲۷٫۳	۱۴٫۰	۵۳٫۹	۶۰٫۶	۵۵٫۷	۴۷٫۱	۳۱٫۳	۱۶٫۴
ونزوئلا (تقریبی)	۱۹۴۱ـ۴۲	۴۵٫۸	۵۱٫۲	۴۸٫۲	۳۹٫۹	۲۶٫۲	۱۴٫۰	۴۷٫۶	۵۲٫۵	۴۹٫۷	۴۱٫۶	۲۸٫۵	۱۵٫۸
اروپا													
اطریش	۱۹۶۰	۶۵٫۰	۶۷٫۰	۵۸٫۷	۴۹٫۲	۳۰٫۹	۱۴٫۷	۷۱٫۰	۷۲٫۶	۶۴٫۰	۵۴٫۳	۳۵٫۲	۱۷٫۷
بلژیك	۱۹۴۶ـ۴۹	۶۲٫۰	۶۵٫۳	۵۷٫۴	۴۸٫۰	۳۰٫۶	۱۵٫۵	۶۷٫۳	۶۹٫۷	۶۱٫۷	۵۲٫۳	۳۴٫۲	۱۷٫۵
چك اسلواکی	۱۹۶۰	۶۷٫۸	۶۸٫۶	۶۰٫۲	۵۰٫۶	۳۲٫۲	۱۵٫۹	۷۳٫۲	۷۳٫۷	۶۵٫۱	۵۵٫۳	۳۶٫۲	۱۸٫۶
دانمارك	۱۹۵۶ـ۶۰	۷۰٫۴	۷۱٫۳	۶۲٫۸	۵۳٫۱	۳۴٫۳	۱۷٫۳	۷۳٫۸	۷۴٫۳	۶۵٫۶	۵۵٫۸	۳۶٫۶	۱۹٫۰
انگلیس	۱۹۶۱	۶۸٫۰	۶۸٫۷	۶۰٫۱	۵۰٫۵	۳۱٫۵	۱۵٫۰	۷۳٫۸	۷۴٫۲	۶۵٫۶	۵۵٫۸	۳۶٫۵	۱۸٫۹
فنلاند	۱۹۵۱ـ۵۵	۶۳٫۴	۶۴٫۷	۵۶٫۵	۴۷٫۰	۲۹٫۲	۱۴٫۱	۶۹٫۸	۷۰٫۹	۶۲٫۵	۵۲٫۸	۳۴٫۲	۱۶٫۹
فرانسه	۱۹۶۱	۶۷٫۶	۶۸٫۳	۵۹٫۸	۵۰٫۲	۳۱٫۸	۱۶٫۰	۷۴٫۵	۷۴٫۹	۶۶٫۴	۵۶٫۶	۳۷٫۵	۲۰٫۰
آلمان باختری	۱۹۵۹ـ۶۰	۶۶٫۷	۶۹٫۳	۵۹٫۹	۵۰٫۴	۳۲٫۰	۱۵٫۵	۷۱٫۹	۷۳٫۲	۶۴٫۷	۵۴٫۹	۳۵٫۸	۱۸٫۲
یونان	۱۹۴۹ ـ ۵۳	۶۵٫۶	۶۷٫۸	۶۰٫۵	۵۱٫۲	۳۳٫۴	۱۷٫۲	۶۹٫۶	۷۱٫۴	۶۴٫۴	۵۴٫۸	۳۶٫۹	۱۹٫۶
مجارستان	۱۹۵۸	۶۵٫۱	۶۸٫۶	۶۰٫۴	۵۰٫۸	۳۲٫۴	۱۶٫۰	۶۹٫۴	۷۲٫۰	۶۳٫۷	۵۴٫۰	۳۵٫۱	۱۷٫۷
آیسلند	۱۹۴۱ـ۵۰	۶۶٫۱	۶۷٫۴	۵۹٫۵	۵۰٫۵	۳۴٫۳	۱۸٫۲	۷۰٫۳	۷۱٫۳	۶۳٫۲	۵۴٫۰	۳۶٫۵	۱۹٫۶
ایرلند	۱۹۵۰ـ۵۲	۶۴٫۵	۶۶٫۹	۵۸٫۸	۴۹٫۳	۳۱٫۳	۱۵٫۴	۶۷٫۱	۶۸٫۵	۶۰٫۶	۵۱٫۲	۳۳٫۳	۱۶٫۸
ایتالیا	۱۹۵۴ـ۵۷	۶۵٫۸	۶۸٫۵	۶۰٫۵	۵۱٫۰	۳۲٫۵	۱۶٫۲	۷۰٫۰	۷۲٫۴	۶۴٫۴	۵۴٫۷	۳۵٫۸	۱۸٫۲
هلند	۱۹۵۳ـ۵۵	۷۱٫۰	۷۱٫۸	۶۳٫۴	۵۳٫۷	۳۴٫۸	۱۷٫۸	۷۳٫۹	۷۴٫۳	۶۵٫۷	۵۶٫۰	۳۶٫۷	۱۸٫۹
نروژ	۱۹۵۱ـ۵۵	۷۱٫۱	۷۲٫۰	۶۳٫۷	۵۴٫۱	۳۵٫۵	۱۸٫۵	۷۴٫۷	۷۵٫۲	۶۶٫۷	۵۷٫۰	۳۷٫۸	۱۹٫۹
لهستان	۱۹۶۰ـ۶۱	۶۴٫۸	۶۸٫۰	۵۹٫۷	۵۰٫۱	۳۲٫۰	۱۵٫۸	۷۰٫۵	۷۳٫۱	۶۴٫۷	۵۵٫۰	۳۶٫۱	۱۸٫۶
پرتقال	۱۹۵۷ـ۵۸	۵۹٫۸	۶۴٫۹	۵۸٫۹	۴۹٫۴	۳۱٫۴	۱۵٫۴	۶۵٫۰	۶۹٫۷	۶۳٫۷	۵۴٫۱	۳۵٫۵	۱۸٫۱
اسکاتلند	۱۹۶۰	۶۶٫۴	۶۷٫۵	۵۸٫۹	۴۹٫۳	۳۰٫۵	۱۴٫۵	۷۱٫۹	۷۲٫۶	۶۴٫۰	۵۴٫۲	۳۵٫۰	۱۷٫۸
اسپانیا	۱۹۵۰	۵۸٫۸	۶۳٫۱	۵۶٫۵	۴۷٫۵	۳۶٫۷	۱۵٫۲	۶۳٫۵	۶۷٫۶	۶۱٫۲	۵۲٫۰	۳۴٫۶	۱۷٫۷
سوئد	۱۹۶۰	۷۱٫۲	۷۱٫۶	۶۳٫۰	۵۳٫۴	۳۴٫۵	۱۷٫۳	۷۴٫۹	۷۴٫۹	۶۶٫۳	۵۶٫۵	۳۷٫۲	۱۹٫۳
سویس	۱۹۴۸ـ۵۳	۶۶٫۴	۶۷٫۸	۵۹٫۶	۵۰٫۲	۳۱٫۹	۱۵٫۷	۷۰٫۹	۷۱٫۹	۶۳٫۶	۵۳٫۹	۳۵٫۰	۱۷٫۸
شوروی	۱۹۵۷ـ۵۸	۶۴٫۰	غ	غ	غ	غ	غ	۷۱٫۰	غ	غ	غ	غ	غ
آسیا													
چین (تائیوان)	۱۹۵۰ـ۶۰	۶۱٫۳	۶۳٫۲	۵۶٫۶	۴۷٫۲	۲۹٫۳	۱۳٫۹	۶۵٫۶	۶۷٫۳	۶۱٫۰	۵۱٫۵	۳۳٫۵	۱۶٫۹
هند	۱۹۵۷ـ۵۸	۴۵٫۲	۵۱٫۷	غ	غ	۳۱٫۸	۱۵٫۸	۴۶٫۶	۵۲٫۸	غ	غ	۳۵٫۳	۱۹٫۱
اسرائیل (یهودیان)	۱۹۶۱	۷۰٫۵	۷۱٫۴	۶۲٫۸	۵۳٫۳	۳۴٫۳	۱۶٫۹	۷۳٫۶	۷۴٫۲	۶۵٫۶	۵۵٫۸	۳۶٫۶	۱۸٫۹
ژاپون	۱۹۶۰	۶۵٫۴	۶۶٫۶	۵۸٫۶	۴۹٫۱	۳۱٫۱	۱۴٫۹	۷۰٫۳	۷۱٫۳	۶۳٫۱	۵۳٫۵	۳۵٫۰	۱۷٫۹
کره	۱۹۳۸	۴۷٫۲	۵۱٫۱	۴۹٫۹	۴۱٫۶	۲۶٫۲	۱۲٫۸	۵۰٫۶	۵۴٫۵	۵۳٫۲	۴۵٫۱	۳۰٫۰	۱۴٫۸
تایلند	۱۹۴۷ـ۴۸	۴۸٫۷	۵۲٫۰	۴۷٫۹	۳۹٫۸	۲۵٫۶	۱۲٫۷	۵۱٫۹	۵۵٫۲	۵۰٫۹	۴۲٫۷	۲۸٫۴	۱۴٫۲
افریقا													
مصر	۱۹۶۰	۵۱٫۶	۵۶٫۲	۵۶٫۶	۴۷٫۷	۳۰٫۵	۱۵٫۱	۵۳٫۸	۵۹٫۹	۶۲٫۰	۵۲٫۹	۳۴٫۹	۱۸٫۰
اتحادیه افریقای جنوبی (سفید پوستان)	۱۹۵۰ـ۵۲	۶۴٫۶	۶۶٫۱	۵۸٫۱	۴۸٫۷	۳۰٫۷	۱۵٫۵	۷۰٫۱	۷۱٫۲	۶۳٫۱	۵۳٫۵	۳۵٫۰	۱۸٫۴
اقیانوسیه													
استرالیا (غیر ازبومیان اصلی)	۱۹۵۳ـ۵۵	۶۷٫۱	۶۷٫۹	۵۹٫۵	۵۰٫۱	۳۱٫۷	۱۵٫۵	۷۲٫۸	۷۳٫۲	۶۴٫۸	۵۵٫۱	۳۶٫۰	۱۸٫۸
زلاند نو	۱۹۵۵ـ۵۷	۶۸٫۲	۶۹٫۱	۶۰٫۸	۵۱٫۳	۳۲٫۸	۱۶٫۱	۷۳٫۰	۷۳٫۵	۶۵٫۱	۵۵٫۴	۳۶٫۴	۱۹٫۱





مدال طلا

نظر باینکه آقای عبدالحسین اسمعیلیان متصدی گرمابه [illegible]

دارنده پروانه شماره ۱۰۶۵۴ مورخ ۱۳۴۱/۶/۲۸ ساکن خیابان [illegible]

مقررات بهداشتی را با نهایت مراقبت مورد اجرا گذاشته و در نتیجه یکسال جاری هیچگونه تخلف بهداشتی

از ایشان دیده نشده است این مدال بعنوان تشویق بعنوان گرمابه نمونه [illegible]

در سال ۱۳۴۱ بایشان اعطا میگردد.

مدیرکل بهداری شهرداری

شهردار تهران

راهنمای دفاتر اسناد رسمی تهران

دفتر اسناد رسمی شماره ۱
سردفتر حسن معیری
خیابان سپه نزدیک چهارراه حسن آباد تلفن ۴۷۳۲۲

دفتر اسناد رسمی شماره ۴
سردفتر عبدالحسین چاوشی
چهارراه حسن آباد جنوب خیابان سپه تلفن ۶۶۴۶۵

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱
سردفتر امینی
خیابان امیرکبیر - کوچه کمپانی - تلفن ۳۹۵۴۱

دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵
سردفتر دکتر احمد مهدوی دامغانی
مقابل ثبت کل تلفن ۳۰۲۱۱۷ - ۳۷۷۵۰

دفتر اسناد رسمی شماره ۲۹ - بهادری
گذر پاچنار - تلفن ۲۸۰۸۲

دفتر اسناد رسمی شماره ۷۹
سردفتر امامی
خیابان سعدی - چهارراه سید علی تلفن ۳۲۹۴۹

دفتر اسناد رسمی شماره ۸۱
سردفتر علی اصغر جوان
خیابان امیریه - خیابان باباطاهر - انتظام السلطنه تلفن ۲۵۳۴۲

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰۸
سردفتر محمد حسین ذکائی
خیابان حافظ - چهارراه کالج - تلفن ۴۶۲۳۱

دفتر اسناد رسمی ۱۰۲ تهران
ازدواج - گواهی امضاء
عنایت الله شاهنده

دفتر اسناد رسمی درجه ۱ شماره ۷۷
سردفتر جعفر انصاری محلاتی - قاضی سابق دادگستری
همواره برای مشاوره قضائی و اداری دفتری آماده است
تلفن دفتر ۴۵۸۰۳ - ۴۴۹۳۵ منزل ۶۲۳۱۹۹
خیابان شاهرضا - شرق چهارراه کالج

دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۱۱ - گواهی امضاء
تهران خیابان شاه، چهارراه آقا شیخ هادی اول رازی (بهرامی)
تلفن دفتر ۴۴۳۹۴ منزل ۶۲۷۰۱۹

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰۷
سردفتر سید لطیف هاشمی
شاهرضا - جاده کرج - روبروی خیابان بیمارستان پهلوی
تلفن ۶۴۷۴۷ - ۶۴۷۴۸

دفتر اسناد رسمی درجه اول شماره ۱۲۶
سردفتر خلخالی
میدان ۲۴ اسفند تلفن ۴۸۸۱۲

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۵۵
سردفتر روح الله کیا تلفن ۴۷۵۴۷ - منزل ۷۴۹۹۷
نشانی: خیابان سی متری نظامی - چهارراه تیر

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۹۹
سردفتر قوام الدین ادیب
آدرس: سرپل امام زاده معصوم محل تقاطع خیابانهای شیر و خورشید و قزوین تلفن ۵۳۴۹۸

دفتر اسناد رسمی درجه اول شماره ۲۱۲ تهران
سردفتر مجد سجادی دادیار سابق دیوانعالی کشور
نشانی: خیابان لاله زار کوچه ممتاز تلفن ۳۵۳۲۹

دفتر اسناد رسمی شماره ۲۳۸
سردفتر سید مصطفی سلطانزاده
خیابان فردوسی - کوچه برلن - تلفن ۳۶۱۸۷

دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵۰
سردفتر کاظم عطری تلفن ۶۱۳۰۷۴
بین چهارراه حسن آباد و غریبخان جنب کوچه سپهبد

دفتر رسمی ازدواج شماره ۳۶۹ تهران
نشانی: خیابان شاه خیابان اردیبهشت جنوبی کوچه خوزستان شماره ۲۷
سردفتر: مصطفی حاجبی تلفن ۴۴۲۹۹

دفتر اسناد رسمی شماره ۳۷۸
دفتر ازدواج و طلاق سردفتر موسوی محلاتی
و گواهی امضاء
خیابان شهباز جنب خیابان نصر تلفن ۵۴۵۸۴

دفتر اسناد رسمی شماره ۲۸۵
سردفتر: کریم ماهر
خیابان ناصرخسرو شماره تلفن ۵۵۱۵۵

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۷۰
سردفتر حسن سلیمی
خیابان شاه - اول شیخ هادی مقابل دبستان فیروزکوهی
تلفن ۴۳۱۹۰ - منزل ۲۴۴۲۸

دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۵۷ و گواهی امضاء
بتصدی اینجانب سید ابوالحسن هاشمی احمدی، در:
خیابان بوذرجمهری نو مقابل بنگاه بوذرجمهر سپه
تلفن: ۵۲۱۲۶ - ۵۷۸۲۳

دفتر اسناد رسمی شماره ۳۶۹
سردفتر افشار زادگان
چهارراه عزیزخان جنب بهداری ارتش تلفن ۴۹۵۹۶

دفتر اسناد رسمی شماره ۲۷۹
سردفتر احمد خادمی - تحصیل کرده علوم معقول و منقول
خیابان شوش - میدان غار - تلفن ۵۷۸۱۷

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۹۲
سردفتر مرتضی بنی یعقوب
خیابان سی متری نظامی - سه راه مختاری تلفن: ۲۷۷۷۶

دفتر اسناد رسمی شماره ۳۲۹
گواهی امضاء سردفتر ایرج شجاعی
خیابان آتابک - مقابل شرکت تلفن - تلفن: دفتر ۳۰۴۸۵۵ منزل ۶۲۳۵۱۹

دفتر اسناد رسمی شماره ۵۷
گواهی امضاء سردفتر تقی پارسانژاد
خیابان بوذرجمهری جنب مسجد سلطانی تلفن ۳۰۰۶۴

دفتر اسناد رسمی شماره ۵۰
سردفتر ابوالقاسم نجم آبادی و قاضی بازنشسته دادگستری
خیابان سپه غربی نرسیده به باغشاه، کوچه دفتر تلفن ۴۷۳۲۲

دفتر اسناد رسمی شماره ۲
سردفتر محمد بهنیا
شاهرضا - مقابل لاله زارنو - تلفن ۶۹۵۵۰ - ۶۶۶۵۰

راهنمای وکلای دادگستری تهران

منوچهر رسائی
وکیل پایه یک دادگستری
خیابان شاه - ساختمان آلومینیوم
اطاقهای شماره ۱۵-۱۷
ساعت پذیرائی ۵ تا ۸ بعدازظهر تلفن ۶۱۲۵۵۰

تقی ارباب
وکیل درجه اول دادگستری و مشاور حقوقی
خیابان اسلامبول ساختمان پلاسکو طبقه دوم شماره ۲۵۹
اوقات پذیرائی همه روزه باستثنای ایام تعطیل از ۵ الی ۸ بعدازظهر تلفن { دفتر ۳۹۶۱۱ منزل ۷۰۶۸۳

دکتر دادوند
وکیل پایه یک دادگستری
دفتر شهر - لاله‌زار سرای ابهری - تلفن ۳۱۶۸۹
دفتر شمیران : جاده پهلوی زعفرانیه - اسدآباد تلفنهای ۸۴۲۷۱ ۸۳۳۲۰

عباس دادیار
وکیل پایه یک دادگستری
نشانی - چهارراه اسلامبول - اول خیابان نادری شماره ۷۰۹ - تلفن ۳۴۶۸۳
اوقات پذیرائی : هر روز باستثنای ایام تعطیل ۶ تا ۸ بعدازظهر

اسمعیل تائیدی
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور قضائی
شاهرضا - جنب میدان فردوسی تلفن : ۴۴۵۲۸

محمود محلاتی
وکیل پایه اول دادگستری
دفتر: خیابان ژاله مقابل مدرسه آمریکائیها - شماره ۵۴
پذیرائی: شنبه دوشنبه چهارشنبه ۶ تا ۸ بعدازظهر تلفن ۳۶۴۲۰

محمد هروی
وکیل درجه اول عدلیه
نشانی : لاله‌زار پاساژ ابهری
تلفن دفتر ۳۲۴۳۳ منزل ۴۰۸۴۲
اوقات پذیرائی :
از ۶ الی ۸٫۵ بعدازظهر

مهدی امین امین
وکیل پایه یک دادگستری
جنب میدان فردوسی تلفن ۶۰۰۱۸

دکتر باقر آذریان
وکیل پایه یک دادگستری
تلفن دفتر ۳۷۷۷۱ منزل ۷۱۴۴۸
پذیرائی همه روز از ساعت ۵ تا ۸ عصر بجز روزهای تعطیل

مهدی کاشانی
وکیل دادگستری
ساعات پذیرائی از ۵ الی ۸ بعدازظهر
تلفن :
دفتر ۷۵۲۲۷ منزل ۷۲۴۷۳

صمد نونهال تهرانی
وکیل پایه یک دادگستری
دفتر - خیابان سعدی شماره ۳۹۳
تلفن ۳۲۵۴۷
منزل قلهک درب دوم شماره ۳۴۷
تلفن : ۸۱۹۹۶ - ۸۶۲۱۱

جعفر منصوریان
وکیل پایه یک دادگستری
خیابان ویلا اول دامغان شماره ۴۶ تلفن دفتر ۴۲۰۵۷ منزل ۸۵۰۹۶۴
پذیرائی : روزهای شنبه دوشنبه - چهارشنبه .

احمد یعقوبی
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی
لاله‌زار سرای ابهری - تلفن دفتر ۳۰۴۱۶۱ منزل ۸۵۶۳۸

مدیر مسیحائی
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی
آدرس : لاله‌زار سرای ابهری
تلفن دفتر ۳۲۲۴۳ منزل ۶۰۴۵۶

صمد چوبک
وکیل درجه یک دادگستری و مشاور امور حقوقی و جزائی
دارای سوابق ممتد قضائی در مرکز
دفتر تهران - خیابان شاهرضا - اول خیابان ویلا شماره ۸
تلفنهای : ۶۸۶۳۷ و ۶۲۱۹۴۰

مهندس امیرهوشنگ آجودانی « آرشیتکت »
وکیل پایه یکم دادگستری
۲۸۶ خیابان شمیران - تلفن : منزل ۴۹۴۵۵ دفتر ۷۲۳۴۲

رفیع حسینی
وکیل پایه یک دادگستری
تهران خیابان لاله‌زار اول کوچه اتابک
تلفن :
دفتر ۳۳۲۰۳ منزل ۴۲۲۹۸

مؤسسه مشاورین حقوقی
کاته
کوچه برلن شماره ۵۲ - تلفن : ۳۵۳۳۹

ناصر طاهری
وکیل پایه ۱ دادگستری تهران
آدرس : خیابان آل کوچه پروین کاشی ۹۸
آدرس سمنان - خیابان شاه - چهارراه مازندران - دفتر وکالت

ابوالفضل ساغر یغمائی
وکیل پایه یک دادگستری
خیابان روزولت شماره ۲ تلفن ۶۲۰۵۵ - ۸۳۹۰۳

جهانگیر امیرحسینی
وکیل درجه اول دادگستری و مشاور حقوقی -
نادری کوچه شاهرخ پاساژ سعید شماره ۳۹
تلفن : { دفتر ۴۹۶۷۱ منزل ۴۲۴۶۹
آدرس پستی : صندوق ۱۵۷۵

دکتر تیمور صفاری
وکیل دادگستری - مشاور قضائی
خیابان نادری کوچه یغما شماره ۱۷ تلفن ۶۰۱۳۲

هرمز فرحی
وکیل پایه یک دادگستری
ثبت شرکتها و علائم تجارتی و اختراعات
دعاوی حقوقی و جزائی
تلفن ۴۲۲۸۱ تلگرافی : فوریاپت
نشانی - تهران خیابان آناتول فرانس شماره ۴۷

دفتر وکالت

محمد جواد رضوی وکیل پایه یک دادگستری
خیابان شاه - ساختمان آلومینیوم طبقه سوم
شماره ۳۲۲ - ۳۲۶
تلفن ۶۸۳۴۸

LAWYER

MOHAMMAD JAVAD RAZAVI
ROOM No. 322 - 326 3rd. FLOOR
ALUMINUM BLD. AVE. SHAH
TEL. 68348

راهنمای وکلای دادگستری تهران

عبدالحمید اردلان وکیل پایه یک دادگستری خیابان فرهنگ - کوچه آزاد - شماره ۲۸ تلفن ۲۳۹۷۹	**محسن پزشکپور** وکیل پایه یک دادگستری تهران - میدان بهارستان - مقابل مجلس - تلفن ۳۲۱۸۹	**قاسم بصیری** وکیل پایه یک دادگستری تلفن ۴۰۴۱۵ - ۶۵۷۹۲ خیابان شاه - پیروز شمالی - خیابان دلیمان شماره ۵۴
فریدون منو وکیل پایه یک دادگستری خیابان فردوسی مقابل کتابخانه بروخیم دفتر وکالت تلفن ۳۳۷۶۴	**دکتر سید ضیاءالدین نقابت** وکیل پایه یک دادگستری خیابان صبا جنوبی شماره ۳۱ نبش کوچه ماه - تلفن ۴۲۲۲۱	**تقی امیرمعنوی** وکیل پایه یک دادگستری خیابان امیریه - مقابل انتظام السلطنه - کوچه رحیمی تلفن ۲۴۹۶۹
مهدی کاشانی وکیل دادگستری تلفن دفتر ۶۵۲۲۷ منزل ۷۲۴۷۳ ساعات پذیرائی از ۵ الی ۸ بعدازظهر	**عبدالله احتشامی** وکیل پایه ۱ - مترجم رسمی - کارشناس خط و امضاء - مشاور قضائی آدرس دفتر: خیابان حافظ - شماره ۷۲ - طبقه پنجم - تلفن ۶۱۱۹۰۷ منزل: یوسف آباد - ابن سینا - آشتیانی - شماره ۱۰ - تلفن ۸۲۱۷۲۸	**محمد مولوی** وکیل پایه یک دادگستری در دادرسی ارتش و دادگستری قبول وکالت میشود میدان بهارستان - خیابان صفی علیشاه - کوی مولا - تلفن ۳۷۷۶۵
عبدالرحمن عمادی وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوق تهران - اداره مرکزی بانک تهران - طبقه ۵ - تلفن ۴۸۵۸۵	**احمد انوری** وکیل پایه یک دادگستری میدان بهارستان - کوچه خواجه نوری - تلفن ۳۴۹۸۶ پذیرائی از ساعت ۵ تا ۷ بعدازظهر	**آلبرت برناردی** وکیل پایه یک دادگستری ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتی و اختراعات خیابان فردوسی - کاشی ۲۶۲ - تلفن ۳۸۹۸۴ منزل ۶۲۳۱۱۲
دکتر مصطفی امامی وکیل پایه یک دادگستری خیابان ویلا شماره ۱۳ - تلفن دفتر ۶۱۲۱۳۵ منزل ۵۸۱۳۵۱ پذیرائی از ساعت ۵ تا ½۷ بعدازظهر	**اسمعیل زاهد** وکیل پایه ۱ دادگستری سه راه شاه تلفن ۴۷۱۱۱ اوقات پذیرائی: روزهای شنبه - دوشنبه - چهارشنبه از ساعت ۴ تا ۷ بعدازظهر	**هوشنگ کاوسی** وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی دفتر: ۳۹۵۵۴ خیابان اکباتان روبروی مسجد اکباتان - تلفن منزل: ۶۲۶۶۸۸
محمد هروی وکیل پایه ۱ دادگستری تلفن دفتر ۳۲۴۳۳ منزل ۴۰۸۴۲ خیابان لاله‌زار - پاساژ ابری - پذیرائی از ۶ الی ۸/۵ بعدازظهر	**محمود الطجی** وکیل پایه یک دادگستری خیابان شاه - پاساژ ۴۸ طبقه سوم - تلفن ۶۴۵۵۹	**علی اکبر روحانی زاده** وکیل پایه یک دادگستری - مشاور حقوقی خیابان پهلوی - نبش کوچه بهرامی - تلفن ۶۱۳۷۹۰
پویگید وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی اوقات پذیرائی ۵ تا ۸ بعدازظهر تلفن - دفتر ۳۵۳۷۶ منزل ۸۱۱۶۸ خیابان سعدی - کوچه بوشهری شماره ۴	**محمود نظامی** وکیل پایه یک دادگستری - مشاور حقوقی اول خیابان چرچیل - کوی پیرنیا - شماره ۹ - تلفن ۴۳۴۸۴	**عباس قانع** وکیل پایه یک دادگستری - مشاور حقوقی خیابان فردوسی - کاشی ۵۰۲ - تلفن دفتر ۳۱۸۴۸ منزل ۸۶۸۶۵
عباس شیرازی وکیل پایه یک دادگستری تلفن دفتر: ۶۱۱۹۲۱ منزل: ۶۵۹۸۶ خیابان حافظ شمالی - جنب بانک ایرانیان شماره ۸۴	**زین العابدین فروزش** وکیل پایه یک دادگستری تلفن دفتر: ۶۰۱۶۳ منزل: ۸۵۲۴۲۱ خیابان پهلوی - پائین کاخ شهرداری - نبش کوچه بهرامی	**محمدرضا فیض مهدوی** وکیل پایه یک دادگستری تلفن دفتر: ۴۴۷۰۰ منزل: ۶۲۱۴۵۴ خیابان شاه - پاساژ ۴۸ - طبقه دوم - شماره ۴

علی شاهنده

وکیل پایه یك دادگستری

خیابان پهلوی چهارراه امیراکرم خیابان فرانسه شماره ۱۳ تلفن ۴۰۶۱۴

دکتر حبیب‌اله معظمی

وکیل پایه یك دادگستری

خیابان فردوسی کوچه طبس تلفن ۳۰۲۸۶۱

دوزندگی بهرام پور

بمدیریت بهرام پور ساعات کار: ۹ تا ۱ بعدازظهر، ۵ تا ۸ بعدازظهر

خیابان شاه جنب دبیرستان شاهدخت - تلفن: ۳۷۵۴۲

فروشگاه مانکن

سازنده کلیه کارهای هنری

مرکز پخش مانکن خیاطی و مجسمه های رومیزی و دیواری نشانی:

خیابان اسلامبول - ساختمان پلاسکو تلفن ۳۵۳۲۸

باربری اتو شیراز

برای حمل کالا به تمام نقاط کشور همه روزه به تلفن های ۲۰۱۷۳ و ۲۰۲۹۶

مراجعه فرمائید نشانی خیابان ری - مدیر حاجی سید محمد حکیم

دوزندگی مدرن امامی

بمدیریت محمد امامی

اول خیابان لاله زار - پاساژ بهرامی تلفن ۳۱۹۵۷

فروشگاه ممتاز

مؤسسه خرید و فروش لوازم منزل بقیمت منصفانه

خیابان مولوی - روبروی بانک کارگشائی تلفن ۲۹۸۹۰

پیمانکاری و باربری کاوه

تهران - خیابان قزوین - مقابل امامزاده حسن - رضائیه

تلفن: ۲۱۱۳۰ - ۲۲۰۰۳

دوزندگی پارس

بمدیریت علی محمد نراقی - ساعات کار: ۴ تا ۸ شب

خیابان روزولت - کوی نیک - تلفن ۲۹۳۳۶

فروشگاه گلشن

خرید و فروش لوازم دست دوم

خیابان شاه - چهارراه گلشن مقابل پمپ بنزین تلفن ۶۸۷۱۴

پیمانکاری و باربری شمال گرگان

خیابان سیروس

تلفن ۲۲۷۶۶-۲۰۵۵۸-۳۰۲-۳۸۶۰

دوزندگی خانواده نظری

بمدیریت نظری

چهارراه لاله زار - پاساژ امامی تلفن ۳۰۵۴۷۷

فروشگاه جهان دوست

مؤسسه خرید و فروش لوازم منزل

سرچشمه - اول سیروس - تلفن ۳۱۱۲۶

پیمانکاری پستی ساعی پور

مدیر حسین صلح جو

خیابان ری - دوراه مهندس - تلفن ۵۴۷۳۸-۵۰۴۶۸

دوزندگی حقیقی

بمدیریت علی اصغر حقیقی - ساعات کار: ۸ تا ۱۲ ظهر، ۴ تا ۸ شب

خیابان لاله زار - مقابل سینما کریستال - تلفن ۳۴۶۸۹

چاپخانه بدیع

انواع و اقسام کارهای چاپی

خیابان فردوسی - شماره ۱۲۶ - ۱۲۸ - تلفن ۳۹۵۲۳

شرکت حمل و نقل مان

حمل محمولات و پیمانکاریهای دولتی به تمام نقاط ایران

خیابان قزوین - تلفن: ۲۴۸۸۲ - ۲۰۵۳۹

دوزندگی ویلسن

بمدیریت محمود خداودوست - تلفن ۳۰۲۱۱۹

چهارراه لاله زار - ساعات کار: ۸ تا ۱ بعدازظهر، ۴ تا ۸ شب

چاپخانه ری

آماده برای هرگونه سفارش

خیابان سعدی (لاله زار) - کوچه بهار - تلفن ۳۳۵۳۶

بنگاه باربری جهان بار

تهران - میدان شوش - تلفن ۲۷۱۲۸-۲۹۸۳۷

قبول کالا به تمام نقاط کشور - شعبه شیراز فلکه مصدق تلفن ۲۷۶۴

دوزندگی و پارچه فروشی نیکومرام

عضو هیئت رئیسه و دبیر صنف خیاط

برای عالیترین دوخت و صرفه جوئی در وقت با مراجعه فرمائید

خیابان شاهپور جنب ارامنه تلفن ۲۰۰۴۸

آموزشگاه رانندگی صبا

دوره کامل رانندگی را تا اخذ گواهینامه بیاموزید

خیابان شمیران - سه راه زهرا - تلفن: ۷۵۸۰۷۳

بنگاه باربری توکلی

مؤسسه ای است که بمنظور پیمانکاری و حمل بار

در داخل کشور از ۳۰ سال قبل تأسیس گردیده و

باحسن عمل بکار خود ادامه میدهد

مرکز تهران - میدان خراسان تلفن های ۲۴۶۴۱-۲۳۸۳۴

شعبه مشهد - خیابان تهران تلفن ۲۷۷۵ - ۲۷۷۶

دوزندگی ارژینال

بمدیریت عباس کارهمت - ساعات کار: ۸ تا ۱۲ بعدازظهر، ۴ تا ۸ شب

خیابان لاله زار - پاساژ امامپور - طبقه اول تلفن ۳۹۱۸۵

آموزشگاه رانندگی شهاب

خیابان امیرآباد - تلفن: ۶۱۱۲۲۱

شرکت تجارتی کوفرد

نمایندگی کارخانجات الکتریکی ناسیونال ژاپن

رادیو - تلویزیون - پنکه - اطو - باطری

آب میوه گیری - لباسشوئی - ساعت - ترانزیستور و غیره

تهران - لاله زار پاساژ ایران تلفن: ۳۱۷۶۷ - ۳۶۵۲۲

شرکت سهامی ایران تراکتور

خیابان سعدی ۸۳۸ - ۸۴۴ - تهران

صندوق پستی ۲۲۶۱

تلگرافی: ویمکو

تلفن ۳۰۲۴۱۳ / ۳۰۴۷۶۰

نام شرکت: شرکت صنعتی پشم قطری ایران محل: دفتر شرکت خیابان [illegible]

کار شرکت: تهیه نمای پشم قطری در ایران تلفن: ۵۲۶۸۹

سرمایه شرکت: ۱۵۰۰۰ ریال تلگرافی: ۷۶۶ تهران

شماره ثبت: ۸۷۰۱ مدیر عامل: [illegible]

شرکت حمل و نقل جانسپار

تهران: خیابان قزوین - تلفن ۲۱۱۸۲-۲۰۴۱۸

۲۳۱۱۲-۵۵۳۴۵

خرمشهر: خیابان راه آهن تلفن ۲۸۸۴

رشت: سرپل زرجوب تلفن ۲۳۳۶-۲۴۸۸

علامت مخصوص



آدرس ـ جنب سه دالان ملك
کوچه علی آبادی

تلفن :

کارخانه ۲٤۱۰٦
فروشگاه ۲۷۱۰۲

ایران - تهران

کارخانجات کشبافی زرینه باف

اولین کارخانه جدیدالتاسیس که‌مجهزترین و مدرنترین ماشین آلات دنیا را در اختیار دارد و پارچه هائیکه تهیه میکند عبارت است از :

۱ ـ پیراهن مردانه وزنانه بشور وبپوش

۲ ـ رومبلی

۳ ـ زیر پوشهای زنانه ـ جوراب زنانه ۱۰۰٪ پرلون

مزیت محصولات این کارخانه ؟

۸ ماه تضمین کلیه محصولات

هرگز کج نمیشود وشکل اصلی خودرا همیشه حفظ میکند و . . . .

زیرا از صد در صد پرلون خالص تهیه شده وساخت کارخانجات مدرنی است که در وطن شما تهیه میشود .

موقع خرید به علامت مخصوص کارخانه توجه فرمائید .

مهمانخانه دربند

در ۱۵ کیلومتری شمال تهران . دارای حرارت مرکزی ــ تلفن و حمام. همه نوع ــ غذاهای ایرانی و فرنگی و ارکستر اروپائی و رستوران و بار تابستانی .

تفریحات

استخر بزرگ سالان ــ استخر کودکان ــ زمین والیبال ــ زمین تنیس ــ پینگ‌پنگ و بینگو .

کلبه

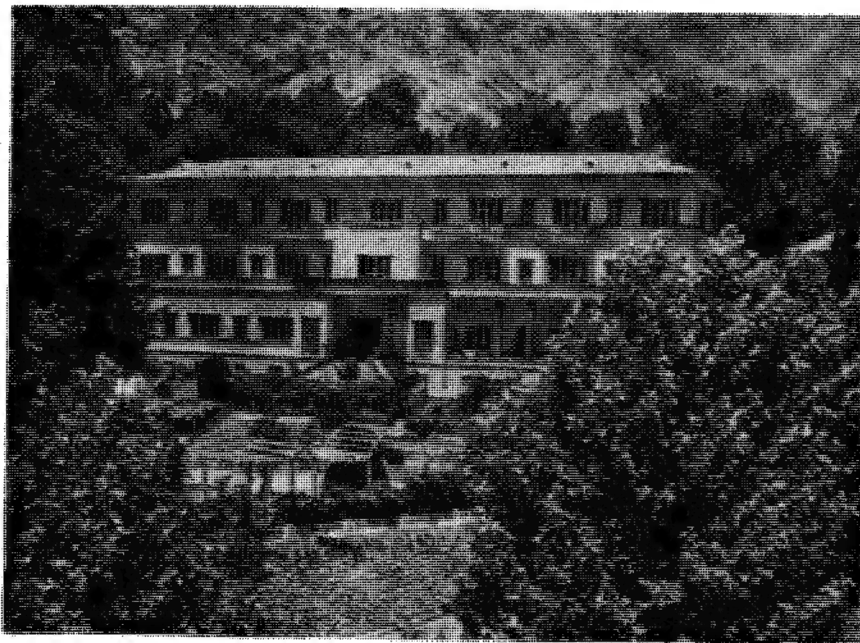
(کلوپ شبانه مهمانخانه دربند) بسبک شرقی زیبائی ساخته شده دارای عالیترین شراب و مشهورترین ارکستر روز. روزهای جمعه چلوکباب مخصوص .

مهمانخانه دربند همیشه برای مهمانیهای بزرگ آماده است . تلفن ۸۳۴۲۲ ــ ۸۳۴۲۳ .

اطاق یک‌تختی باحمام وصبحانه ۷۰۰ ریال
اطاق دوتختی ۹۰۰ ریال
آپارتمان دوتختی باحمام وصبحانه ۱۰۰۰ ریال
قیمتهای فوق جهت ماههای خرداد ــ تیر ــ مرداد وشهریور بوده درغیراینمدت چهل درصد تخفیف منظور خواهد شد .

قابل توجه

مؤسسه مهمانخانه های بنیاد پهلوی دارای هتل‌هائی در نقاط مختلفه کشور است که هرکدام درنوع خود بی نظیر میباشد . ذیلا نظر شمارا نسبت بمهمانخانه‌های مذکور وقیمت های عادله آن جلب مینمائیم.







لارزیدانس

از مجهز ترین رستوران های خاور میانه در طهران لذیذترین غذا های ایرانی و فرنگی و بهترین شراب را در این رستوران خواهید یافت .

۱۱۸ ــ خیابان ویلا
تلفن ۴۶۴۱۴

مهمانخانه ونك

در سراهی جاده ونك (خیابان پهلوی)
دارای حرارت مرکزی ــ تلفن و حمام .
رستوران وبار تابستانی وزمستانی وهمه‌گونه غذاهای ایرانی وفرنگی.

تفریحات ــ استخر بزرگسالان کودکان ــ زمین والیبال ــ تنیس پینگ‌پنگ . روزهای پنجشنبه و جمعه هرهفته شام باارکستر ازساعت ۸ تا ۱۲ .

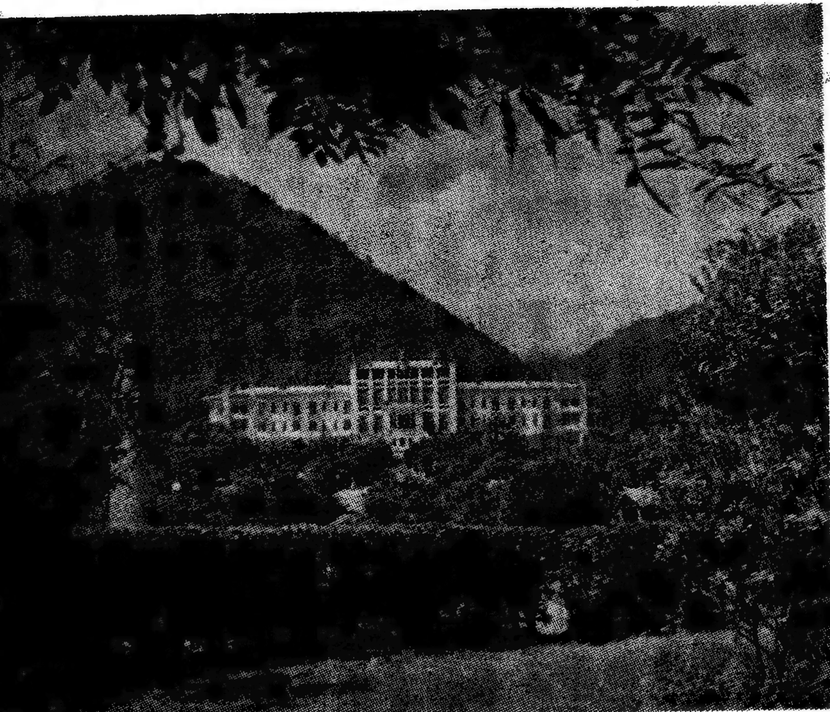
یك‌تختی ۵۰۰ دوتختی ۷۰۰ ریال
آپارتمان ۱۵۰۰ ریال
تلفن ۶۲۴۵۵۱

مهمانخانه رامسر

فاصله تا مرکز ازطریق چالوس ۲۶۸ کیلومتر . دارای حرارت مرکزی ــ تلفن وحمام ــ وحمام‌های آب‌گرم معدنی .
تفریحات :

کوه پیمائی ــ اسب سواری ــ شکار خوك وقرقاول ــ قایق‌رانی و اسکی آبی . این هتل دارای ویلا وآپارتمانهای مجهزی میباشد .
طبقه تحتانی اطاق یك‌تختی ٤٠٠ ریال دوتختی ٥٥٠ ریال
طبقات اول ودوم بطرف جنگل یك تختی ٤٥٠ ریال دوتختی ٦٠٠ ریال
طبقات اول ودوم بطرف دریا یك‌تختی ٥٠٠ ریال دو تختی ٧٠٠ ریال
ویلاهای مجاور اطاق دوتختی ٣٠٠ ریال
در غیر فصل باستثنای تعطیلات رسمی چهل درصد تخفیف .





مهمانخانه چالوس

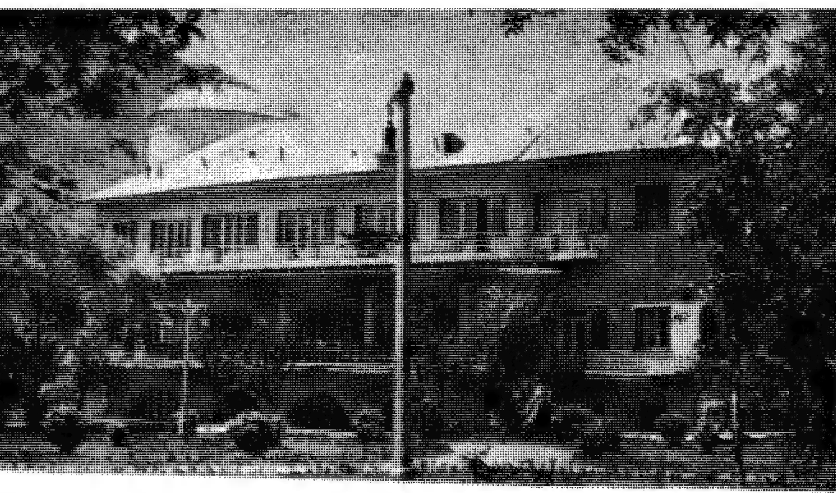
در۱۹۳ کیلومتری تهران و۸کیلومتری پلاژ نوشهر قرارگرفته .
دارای حرارت مرکزی ــ تلفن وحمام .
همه نوع غذاهای ایرانی وفرنگی .
متل نوشهرــ درساحل دریا دارای رستوران وبار.
تفریحات.
اسکی آبی وقایق رانی.
مهمانخانه چالوس اطاق یك‌تختی ٤٠٠ دوتختی ٥٠٠ ریال
متل نوشهر اطاق یك تختی ٣٠٠ ریال دوتختی ٤٠٠ ریال
در غیر فصل ــ ٤٠٪ تخفیف

مهمانخانه گچسر

در ۱۰۵ کیلومتری طهران در جاده چالوس .
دارای حرارت مرکزی ــ تلفن وحمام .
تفریحات .
کوه پیمائی ــ شکارکوهی ــ صیدماهی قزل‌آلا .
یك تختی ٤٠٠ دوتختی ٥٠٠ ریال
در غیر فصل ٤٠٪ تخفیف







مهمانخانه آبعلی

در ۶۰ کیلومتری تهران. و در نقطه مرتفع و سرسبز و باصفائی بنا شده و دارای بهترین چشم‌انداز و مناظر طبیعی میباشد.

تفریحات:

ماهی‌گیری ـ اسب سواری ـ شکار ـ کوه پیمائی.

هتل پیست اوزنه در ۳ کیلومتری هتل آبعلی ـ مجهز بچندین تل اسکی.

مهمانخانه آبعلی اطاق یکنفر بسمت کوه ۲۵۰ ریال دو تختی ۴۵۰ ریال

بطرف باغ ـ یك تختی ۳۰۰ ریال دو تختی ۵۰۰ ریال.

پیست اوزنه با حمام دو تختی ۷۰۰ ریال.

پیست اوزنه بطرف کوه یك تختی ۳۰۰ ریال.
دو تختی ۵۰۰ ریال.

هتل پیست اوزنه ـ آپارتمان دو تختی ۱۰۰۰ ریال.



مهمانخانه بزرگ رامسر

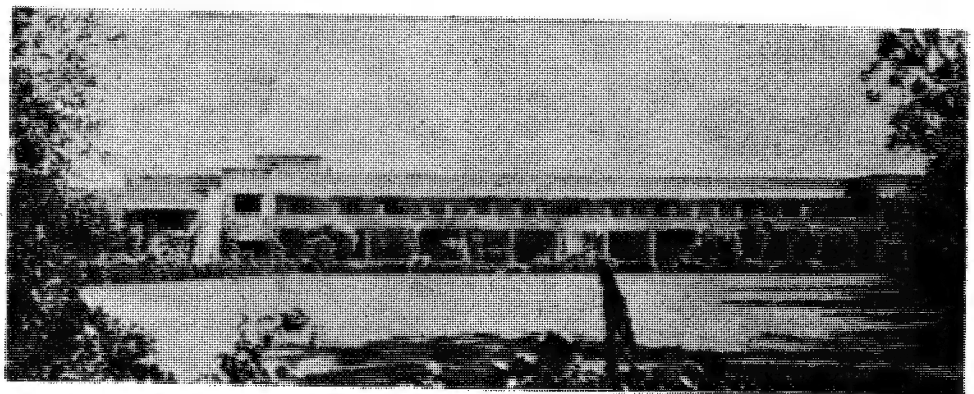
فاصله تا تهران ازطریق چالوس ۲٦۸ کیلومتر
حرارت مرکزی ـ تلفن ـ رادیووحمام.
همه‌نوع غذاهای ایرانی وفرنگی.
حمام‌های آب‌گرم معدنی ـ آمفی تآتر.

تفریحات:

سینما ـ باغ وحش ـ وسائل تفریح‌کودکان.
متل سخت سرو خزر نزدیك ساحل دریا.
کازینو مهمانخانه رامسر در ساحل دریا دارای استخر شنا.

اطاق یك تختی بطرف جنگل	۵۰۰ ریال
دوتختی	۷۰۰ ریال
اطاق دوتختی بطرف دریا	۸۰۰ ریال
آپارتمان دوتختی	۱۲۰۰ ریال
چهارتختی	۲۰۰۰ ریال
متل سخت سروخزر اطاق دوتختی	۴۰۰ ریال
کازینو ـ اطاق دوتختی	۳۰۰ ریال

در غیر فصل باستثنای تعطیلات رسمی چهل درصد تخفیف.

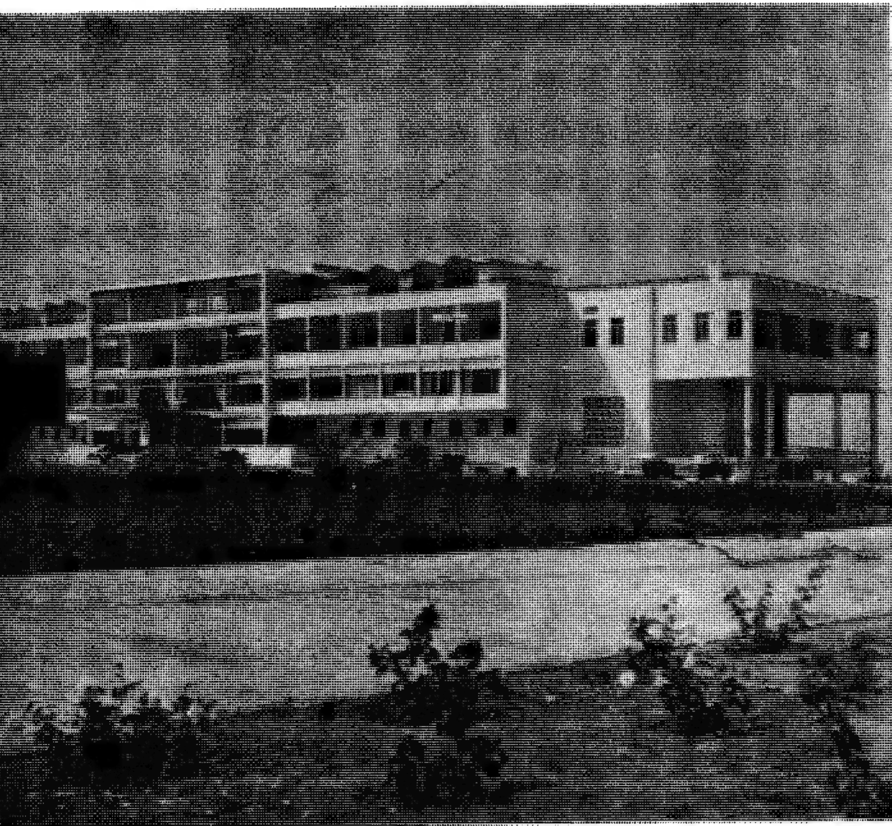


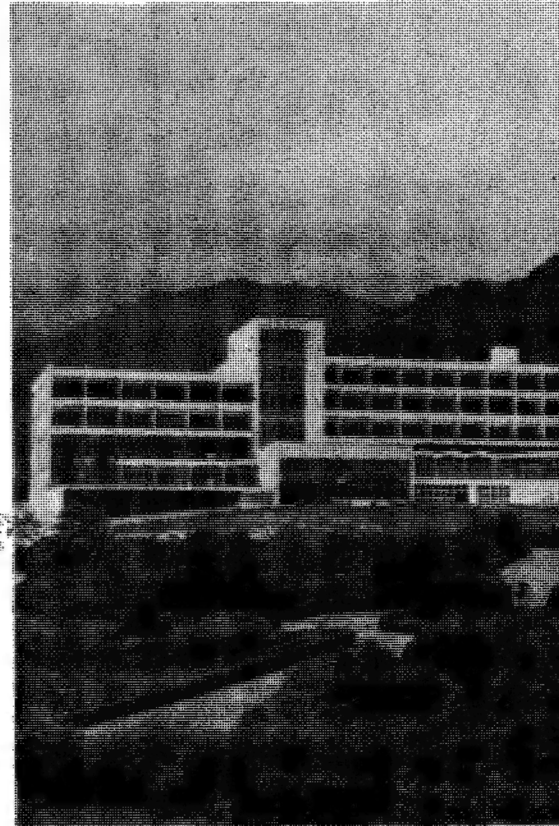


مهمانخانه بوعلی همدان

در ۳٦۸ کیلومتری جنوب غربی طهران دارای حرارت مرکزی ـ تلفن وحمام.
همه نوع ـ غذاهای ایرانی وفرنگی.
تفریحات ـ استخر شنا ـ پینگ‌پنگ.
بازدید ازنقاط دیدنی شهر. آرامگاه بوعلی سینا ـ استرومردخای ـ باباطاهر عریان وسد شهناز
مهمانخانه درجه یك ـ اطاق یك تختی ۳۵۰ ریال دوتختی ۵۰۰ ریال
مهمانخانه درجه دو ـ اطاق یك‌تختی ۲۰۰ ریال دوتختی ۳۰۰ ریال



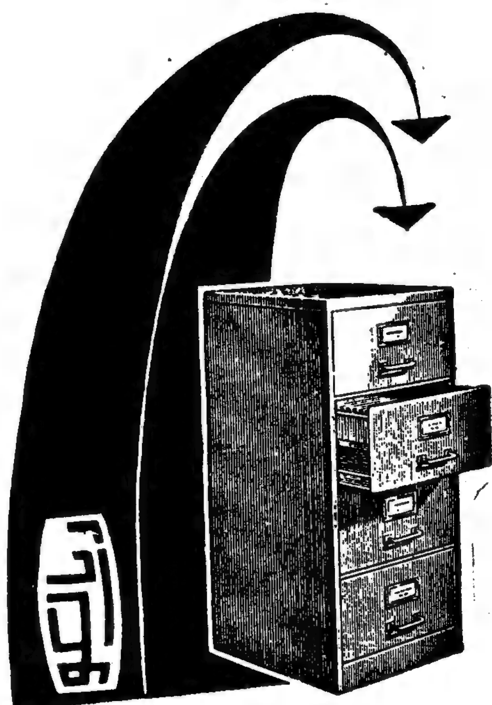




مهمانخانه بابلسر

فاصله تا تهران ازجاده هراز ۲۳۰ کیلومتر
هتل کازینو بابلسر در ساحل دریا قرارگرفته و دارای حرارت مرکزی ــ تلفن ــ رادیو وحمام .
همه‌نوع غذاهای ایرانی وفرنگی .
متل‌های کازینو بابلسر درساحل دریا قرارگرفته .
تفریحات ــ اسب سواری ــ قایق‌رانی ــ اسکی آبی ــ استخر بزرگ سالان وکودکان وباغ‌کودکان .
هتل کازینو اطاق دو تختی بسمت دریا ۸۰۰ ریال
بطرف جنگل یك تختی ۵۰۰ دوتختی ۷۰۰ ریال
مهمانخانه بابلسر اطاق یك‌تختی ۴۰۰ ریال
دوتختی ۶۰۰ ریال
آپارتمان دوتختی ۸۰۰ ریال
متل بابلسر یك‌تختی ۳۰۰ ریال دوتختی ۴۰۰ ریال
در غیر فصل ۴۰٪ تخفیف .





DOMINAL



زمبوک

پماد مُعجزه آسائی

که لکه های صورت وعوارض سوختگی وهرگونه

ناراحتی پوست را بسرعت بهبود میبخشد

Zam-Buk

ساخت انگلستان

نماینده انحصاری در ایران :

بنگاه داروئی اُردیبهشت

ناصرخسرو ـ جنب دارالفنون

تلفن ۳۰۳۲۲۵۱




پتوی
مخملی
کاشان
شرکت سهامی کارخانجات مخمل و ابریشم کاشان
بوذرجمهری سرای حافظ - تلفن : ۵۰۰۹۱



چگونه زیبا شوید ؟

اسرار دلربائی زن

این‌کتاب برای زنان ازهرجواهر گرانبهاتراست

آقای محمدحسن بهاری وکیل پایه اول دادگستری

سه‌راه فخرآباد کوچه بهاری تلفن ۳۷۷۸۵

دفتر وکالت

علی بقائی وکیل پایه یك دادگستری

خیابان حافظ شماره ۷۲ طبقه ٤ ـ تلفن

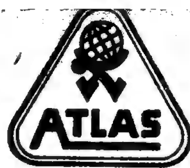
دفتر ٤۹۷۹۷ منزل ٤۲۹٦۸

خواب ناز

خواب راحت‌تر و سالمتر

با تشک فنری خواب ناز

شرکت خواب ناز - خیابان فرصت - نبش ثریا - شماره ۱۱۶ تلفن ۶۶۱۳۶



ماشین آلات اطلس

در خدمت شرکتهای ساختمانی بمقاطعه کاری - کشاورزی

بیل - خاکبردار - جرثقیل - بازوی تمام هیدرولیک اطلس باندازه و ظرفیت های مختلف - برای انجام امور راه سازی ساختمانی - لوله گزاری - آبیاری - کشاورزی - نهرکنی - حمل و نقل وغیره

متمنی است برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت کاتالوگ به نماینده انحصاری: شرکت ماشین آلات ایران اطلس - خیابان سعدی ۳۵۸
تلفن: ۳۲۴۲۶ مراجعه فرمائید

شرکت سهامی ساختمانی سنا

پیمانکار ساختمانهای کشوری

راه - راه آهن - ساختمان

تهران - خیابان ویلا - خیابان ثریا
شماره ۱۹۹
تلفن: ۶۰۲۲۸

شرکت ساختمانی بهمنشیر

امور تولیدی - ساختمان راه و شوسه - خانه سازی
اسفالت کاری

خیابان ویلا - شماره ۲۴۸ - طبقه چهارم
تلفن: ۶۲۶۳۹۷ - ۶۲۶۶۵۴



ریالکو

بزرگترین

وبهترین سازنده

لوازم فلزی دفتر

RIALCO

بانکها ، تجارتخانه‌ها ، ادارات دولتی ، شرکتهای خارجی و داخلی ، همه‌برای ضبط پرونده‌های خود از قفسه‌های بایگانی ریالکو استفاده میکنند . نمایشگاه میدان کاخ تخت جمشید

بانو دلکش نابغه هنر وموسیقی ایران از جمعه ۲۲ خرداددر کاباره‌مولن‌روژ



قابل توجه مشتریان محترم کاباره مولن روژ

نظر باستقبال بی‌نظیری که پس از صرف مخارج فراوان جهت آماده ساختن کاباره مولن روژ از برنامه های این کاباره بعمل آمده **اینك** باطلاع مشتریان گرامی و خانواده های محترم میرساند که کاباره مولن روژ درایام سوگواری از اول تاآخر ماه محرم‌الحرام تعطیل خواهد بود و پس از اتمام ماه محرم بابرنامه های فوق‌العاده جالبتر که توسط هنرمندان مشهور ایران درسالن تابستانی با دکوراسیون جدید اجرا میشود افتتاح خواهد گردید .

کاباره مولن‌روژ ـ خیابان فردوسی ـ مقابل سوم اسفند ـ کوچه باربد

تلفن‌های ۳۹۷۹۸ ـ ۳۹۳۳۷

مؤسسات اقتصادی در خدمت صادرات و واردات

شرکت بیمه یورکشایر محدود - تأسیس در انگلستان ۱۸۲۴ - نمایندگی ایران - خیابان امیر کبیر - شماره ۵ - تهران
دارائی شرکت: هشتاد و نه ملیون لیره - شماره ثبت در ایران ۳۱ - بیمه آتش سوزی - باربری -
(صادرات - واردات) اتومبیل های باری و سواری - حوادث شخصی وغیره - این شرکت در سال ۱۸۲۴
میلادی در انگلستان تأسیس شده است تلفن: ۳۰۴۰۶۲ - ۳۰۴۰۶۳ - ۳۰۴۰۶۴ - ۳۰۴۰۶۵

شرکت سهامی لوانت اکسپرس ترانسپورت ایران - مدیرعامل آقای روبن گرگلیوریان - سرمایه - ۲٬۰۰۰٬۰۰۰/ - تلگرافی - لوانتکس
آدرس: تهران - خیابان سعدی - شماره ۴۴۷ - تلفن ۱۵ الی ۳۰۵۲۱۳ و ۳۹۰۵۸ و ۳۶۱۵۷ - شرکت حمل و نقل بار و مسافر زمینی دریائی و هوائی بین المللی

شرکت سهامی پرس اکسپرس - شماره کارت بازرگانی ۱۵۴۲ - مدیرعامل آقای آرماویر ملکیان - سرمایه دو ملیون ریال
تلگرافی: پرس اکسپرس - نشانی: خیابان سعدی - ساختمان نمازی تلفن ۹۵-۳۴۲۹۱ - نوع عمل: امور حمل و نقل هوائی و زمینی و دریائی و حق العمل کار

شرکت سهامی فلز انارک

شعبه تهران سرمایه ۷٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال تمام پرداخت شده - شماره ثبت ۲ (نائین) - بهره بردار و صادر کننده مواد معدنی

شرکت سهامی ستاره کمرشیال اکسپورت کورپوریشن

سرای جواهری - تلفن ۲۲۹۶۸ - ۲۶۴۶۲

صادرات: انواع خشکبار - دانه های روغنی پنبه، زیره، آنغوزه - زعفران - گشنیز وغیره

تجارتخانه ی. صدق و پسران - سرای امید - تلفن ۵۷۸۵۲

صادرات انواع خشکبار - واردات لوازم لاستیک و مشمع



شرکت تبلیغاتی و بازاریابی کاته - کوچه برلن ۵۲ - تلفن ۳۵۲۳۹

شرکت صادراتی فتح - با مسئولیت محدود - صادرات سرای حیت ساز تلفن: ۳۰۵۵۵ - ۵۰۴۴۲ تلگرافی فتح

تاریخ مختصری از تهران و شهرداری تهران

تهران بزرگ امروز فرزند آبادی کوچکی است که پس از قرنها در سال ۱۲۰۰ هجری آقا محمد خان قاجار در آن برتخت سلطنت نشست و رسما پایتخت شد .

بهنگامی که ناصرالدین شاه فرمان تشکیل سازمان احتسابیه را صادر کرد . تهران حدودیکصد وپنجاه هزار نفر جمعیت داشت که از آن پس رفت و روب شهر و در حقیقت فقط تمیز کردن خیابان‌های باب‌همایون‌وارک‌بوسیله چند رفتگر تحت عنوان«احتساب» انجام میگرفت .

پس از کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ بلدیه قانونی تهران تاسیس و در محل فعلی شهرداری تشکیل گردید که کفالت آن را جناب آقای‌سیدضیاءالدین‌طباطبائی‌شخصا عهده دار شدند .

از این تاریخ بتدریج اقدامات اساسی شهرداری تهران تحت توجهات اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر آغاز گردید و تا سال ۱۳۲۰ بمرور صحیه‌و معاونت عمومی . شیر خوارگاه، پرورشگاه، تیمارستان وبیمارستان شهرداری کشتارگاه و بهداری برای معاینه لاشه ها. سازمان اداره آتش نشانی و کارخانه برق تهران تاسیس شد. همچنین در زمینه شهر سازی با اسلوب جدید اقداماتی آغاز گشت که خیابان ها و معابرعمومی تهران را ازگل و لای زمستان وگرد وغبار تابستان نجات بخشید .

شهرداری و مردم

تهران بزرگ هم اکنون‌دارای ۲ میلیون نفر جمعیت است که با توجه بامکانات انجام وظایف شهرداری تهران . بس دشوار مینماید .

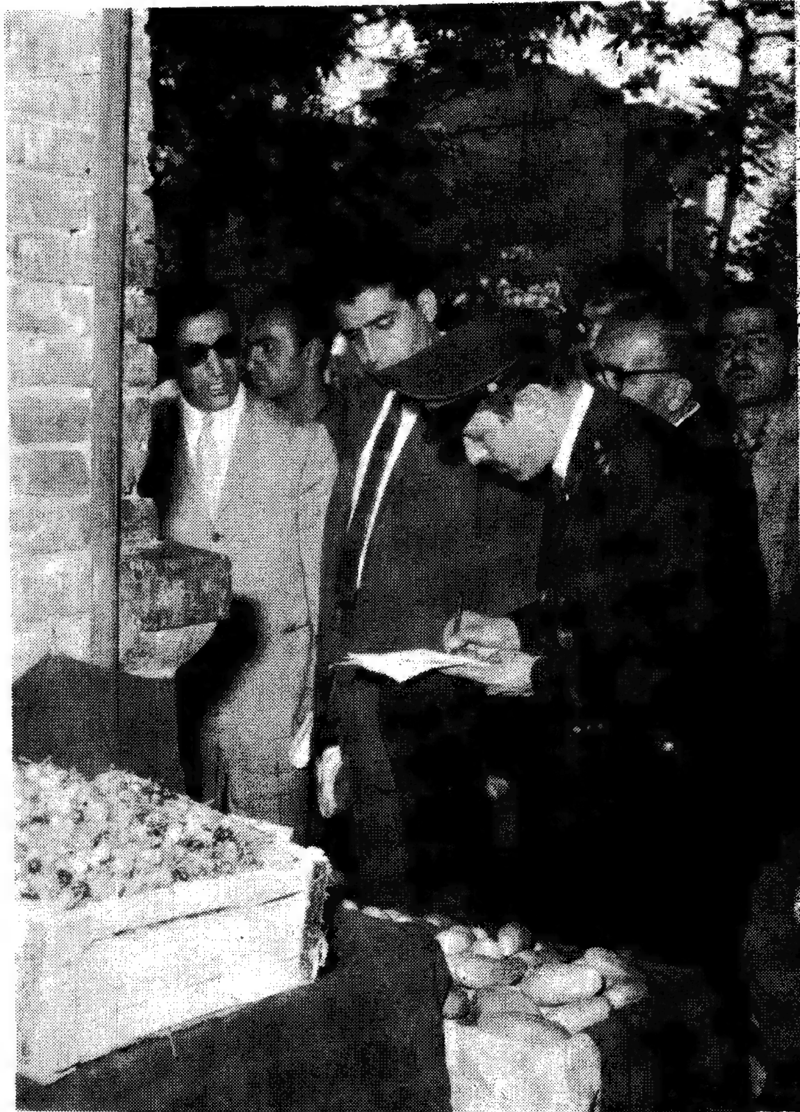
متاسفانه هنوز بسیاری از اهالی بنا بعلل مختلف بدانپایه آگاهی ندارند که برای تسهیل انجام وظایف شهرداری توانین و مقررات شهرداری را کـه‌برای رفاه هرچه بیشتر همگان تدوین شده رعایت نمایند . و دربهبود محیطی که در آن زندگی میکنند سهم موثری داشته باشند.فی‌المثل هنوز با وجود بسیار تذکرات‌و ممانعت های مکرر شهرداری . آگهی های مختلف زیبائی در و دیوار شهر را کشته و منظره خیابانها واماکن عمومی‌را بصورتی زننده درآورده است هنوز عده‌ای بدون توجه به وجود رفتگرها که مامور حمل زباله . زباله‌بکوچه می‌ریزند . و شگفتا که مسئول عدم نظافت گلدگاه خود را از شهرداری دانسته و کاسه وکوزه عدم رعایت خودرا برسرشهرداری میشکنند و بسیارند کسانی که اجناس خود را بقیمت گران‌تر از نرخ تعیین شده خریداری میکنند ودرموقع مراجعه بازرس حاضر نیستند حتی شکایت خود را که در دل خودو درمجالس بازگو میکنند با بازرس درمیان گذارند ولی باید امیدوار بود و ازگفتن و هدایت کردن ماموران شهرداری کوتاهی نکرد چون اگر آنها در خدمتشان توفیق‌یابندتوفیق‌ساکنان شهر تهران است ورفاه همه مردم فراهم شده است .

آنچه تردید نیست اینستکه ساکنان یك شهر باید کوچه و خیابان شهر را نیز مانند خانه خود به پندارند و در نظافت و رعایت نظم و مقررات آن‌همانند خانه خویش دل سوز باشند. هیچیك از شهرداری های جهان با هیچ قدرتی بدون خواسته و کمك مردم شهر نتوانسته‌اند و نخواهند توانست‌رضایت‌ساکنان شهر را فراهم سازند . و با این همه شهرداری تهران تا حد امکان خود در انجام وظایف محوله کوشیده و مصمم است قصورو بی نظمی های گذشته را باتدابیر و برنامه های جدید برای آینده جبران کند .

لازم بتذکر است که بسیاری از اقدامات اساسی شهرداری در صورت انجام نیز چشمگیر نیست و بیشتر آنچه که خدای ناکرده بعلت اهمال عده‌ای در انجام صحیح وظایف و یا عدم همکاری طبقات و اصناف مربوطه صورت میگیرد مورد توجه واقع میشود .







سازمان ها و ادارات مختلف شهرداری تهران در تمام مدت شبانه روز بخدمات خود مشغولند همه ساله خلاصه اقدامات‌ادارات و قسمت های مختلف شهرداری در اداره کل روابط عمومی‌گرد- آوری میشودکه دقیقا موردبررسی قرار میگیرد در سال ۱۳۴۲ در دو شیرخوارگاه . چهار پرورشگاه (پرورشگاههای شماره ۱-۲-۳-۵) و سه کانون روزانه کودک‌سازمان تربیتی شهرتهران‌وابسته‌بشهرداری تهران جمعا ۱۷۹۷ کودك نگهداری گشته‌اند و۲۴۸کودك نیز علاوه بر آنها این سازمان خروجی‌داشت که عده‌ای به خانواده آنها سپرده شده‌اند و عده‌ای پس ازآشنائی به فنون و صنایع مختلف در سازمانها و کارخانه ها بکارمشغول گردیده‌اند .

پروشگاه شماره چهار نیز در سال مزبور آماده پذیرش یکصد کودك گشته است همچنین هیجده درمانگاه بهداری‌شهرداری درنقاط مختلف شهر روزانه چند هزار نفر بیمار را تحت معاینه قرار داده داروی رایگان بخشیده و در صورت احتیاج به بستری شدن آنان را به بیمارستانهای لولاگر و شهرداری اعزام داشته است .

و نیز اداره کل حوائج عمومی از جمله وظائفش امرتوزیع آب را بین ساکنان خارج از منطقه لوله کشی بعهده داشته که به نقاط شمیرانات . عباس آباد . یوسف آباد . نارمك.نیروی هوائی نازی آباد حدود امامزاده حسن . بی سیم نجف‌آباد وحدود پادگان جی وحیدیه . مجیدیه. ابراهیم آباد آب رسانیده است. و حوضچه هائی در محلات‌مختلف شهر و شمیرانات . نارمك. کوی نیروی هوائی و نقاط دیگـربنا کرده است .

طبق آمار وصولی اداره کل درآمد نیز با توجه به ۱۳۶۳۶۲۰۹۲۳ر۳۰ ریال وصولی سال ۱۳۴۱ و۴۵ ۱۴۴۲۳۱۷۶۸۴ ریال وصولی سال ۱۳۴۲ مبلـغ ۱۸۶۳۸۵۸۵ر۱۵ ریال‌اضافه‌وصولی داشته است .

و بالاخره دیگر قسمت ها و شهرداری های نواحی هرکدام اقداماتی داشته‌اند که فهرست یك یك آنها در اداره کل روابط عمومی موجود است .

آنچه شهردار انجام خواهد داد

شهرداری تهران برنامه‌مبسوطی برای سال ۱۳۴۳خود تنظیم‌ساخته که بدون تردید در انجام صحیح آن ایستادگی خواهد کرد . این برنامه همه جانبه و شامل کلیه وظایـف شهـرداریست . در این برنامه که بخواست خداوند وتحت رهبری شاهنشاه و کمك دولت‌و مردم انجام آن را شهـردارتهران عهده دار است .

تامین خدمات و رفع‌احتیاجات ساکنان پایتخت از هر جهت میباشد .

آنچه که به دستگاه داخلی خود شهرداری مربوط میشود ونیز آنچه که در طریق صلاح حال و آینده تهران بـزرگ خواهد بود .

در اینجا نیز پـاره‌ای از قسمت های مختلف این برنامه‌را که مورد توجه خوانندگان خواهد بود ذکر میکنیم .

بررسی دقیق عوارض وپیشنهاد دائر به‌برقراری یا لغو عوارض موجود و جدید

بهبود و نحوه وصول‌عوارض ازنظر کمیت و کیفیت و کمترکردن تماس مردم با دستگاههای مربوط

ایجاد تسهیلات جهت‌دریافت عوارض از نظر مراجعات مردم و بحداقل رساندن مراجعه ارباب رجوع .

شبانه روزی کردن درمانگاه- های فعلی بهداری شهرداری.

توسعه نظارت بهداری‌شهرداری بر مواد غذائی .

تثبیت نرخ و جلوگیری از اجحاف در معاملات تره بارومیوه وخواربار ومیادین شهر و بازار های روز وارزاق عمومی .

تکمیل کشتارگاه تهران .

ایجاد سرد خانه میدان‌بزرگ خواربار

توسعه بازارهای روز

تاسیس میدان فروش دام‌در کشتارگاه

تکمیل بیشتر کشتارگاه و سازمان آتش نشانی وایجاددستگاه بی سیم برای آتش نشانی خرید در حدود پانزده میلیون ریـال وسائل تهیه اسفالت و وسائل استحفاظی ساختن ساختمان در حدود ده هزار متر مربع برای جلوگیری از تمرکز فعلی بیماران

ایجاد ده کانون روزانـــه کودك .

ساختمان شیر خوارگاه شماره (۳) در نارمك در پنجهزار متر مربع زمین متعلق به‌سازمان‌تربیتی شهر تهران افتتاح‌پرورشگاه‌شماره (۴) با گنجایش پذیـرش یکصد نفر .

تکمیل پارك شهر . پـارك جنوب . پارك ساعی . پارك رضا پهلوی (نازی آباد) پارك پهلـوی (باغ‌کودکان)پارك‌صاحبقرانیه . باغ کودك تجریش . پارك شاهنشاه. پارك جوادیه . (باغ نازخاتـون) پارك نارمك . پارك خیام . احداث پارك‌جدیددراراضی جلالیه. باغشاه وعشرت آباد درصورت واگذاری زمین .

ایجاد باغ عمومی روی‌مخازن سازمان آب تهران .

احداث میدان های بلوار. رباط‌کریم . ورفوژ های خیابان عباس آباد .

ساختمان سه شعبه آتش‌نشانی در سه نقطه شهر.

ساختمان‌ده دستگاه‌رختشویخانه و توالت در ده نقطه شهر.

راهنمای دفاتر اسناد رسمی - و شرکت های ساختمانی

دفتر اسناد رسمی شماره ۵
گواهی امضاء - سردفتر دکتر حسین شیرازی
خیابان نادری - روبروی سفارت انگلیس تلفن دفتر ۳۴۶۰۰ منزل ۳۰۲۶۹

دفتر اسناد رسمی شماره ۸
دفتر ازدواج ۷ وطلاق ۳ وگواهی امضاء . سردفتر مصطفی رفیع زاده
ابتدای خیابان آذربایجان - ایستگاه سرآسیاب فرمانفرما اول کوچه بزرگ تلفن ۴۸۲۴۷

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۷
سردفتر حسین رؤیائی
خیابان شمیران - ایستگاه باغ صبا مقابل خیابان ملک تلفن ۷۰۱۷۴

دفتر اسناد رسمی شماره ۲۳
سردفتر محمد رضائی
خیابان شهباز مقابل دبستان شماره ۳ - تلفن ۵۱۰۵۰-۵۱۱۵۵

دفتر اسناد رسمی شماره ۶۷
سردفتر حاج سید عبدالله جزایری
خیابان نادری چهارراه قوام السلطنه خیابان استالین تلفن ۴۷۶۸۰

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱۶
سردفتر نورالدین تهامی
خیابان ری میدان شاه - تلفن ۲۳۶۷۰-۲۱۴۴۸

دفتر اسناد رسمی شماره ۲۴۴
سردفتر محمد یوسف آل اسحق مصباح
خیابان رودکی - مقابل بانک ملی - تلفن ۶۴۵۹۸

دفتر اسناد رسمی شماره ۳۷۰
سردفتر سید عطاءالله نوری زاده
نازی آباد - خیابان مدائن - ایستگاه بازار اول تلفن ۵۴۴۳۶

دفتر اسناد رسمی شماره ۲۸۲
سردفتر فتح الله مجتبائی
امیریه - بین اعظام و امیریه - شماره ۵۳ - تلفن ۲۸۹۵۵

دفتر اسناد رسمی شماره ۳۱۱
سردفتر شریف
شاهرضا - نرسیده بفوزیه - ایستگاه آسیاب - تلفن ۷۵۷۷۸۸

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۷۴
سردفتر محسن فردوسی
اول خیابان شهباز - جنب پمپ بنزین - تلفن ۳۰۳۹۱۶

دفتر اسناد رسمی شماره ۴۲۰
دفتر گواهی امضاء   سردفتر علی پورمیرزا
خیابان سیمتری نظامی نرسیده بسه راه کارگران نبش کوچه پینه پور تلفن ۵۲۳۹۸

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱ شمیران
سردفتر سید جواد تقوی
شمیران - روبروی بیمارستان رضا پهلوی تلفن ۸۵۲۱۹۸

دفتر اسناد رسمی شماره ۳۱۵
تهران - سردفتر سید طه سنائی تلفن ۴۷۶۴۴
انتهای خیابان شاه غربی - چهارراه آذربایجان و سپه ، رودکی ،

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۴
سردفتر محمد سلطانی تهرانی
چهارصد دستگاه - چهارراه یاس - تلفن ۳۲۱۹۰

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۶۴
سردفتر حسین مُدیری
دروازه دولت - مقابل کمپانی نیات - کوچه حمید الدوله تلفن ۳۷۸۹۱

دفتر اسناد رسمی شماره ۲۴۳
سردفتر موفقی
خیابان شاه - روبروی سینما نیاگارا - تلفن ۴۸۹۵۰

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۶۷
سردفتر عنایت الله خدایاری
خیابان سیمتری گمرک - تلفن ۵۶۰۳۴

دفتر اسناد رسمی شماره ۳۶۰
سردفتر سید محمود آیت اللهی یزدی
صفی علیشاه - جنب سینما کاروان - پلاک ۷۱۳ - تلفن ۴۲۱۵۵

فروشگاه رنگ بصیری
نمایندگی بزرگترین کارخانجات رنگ سازی جهان
خیابان شاهرضا - چهارراه پهلوی شماره های ۱-۸
تلفن: ۴۰۹۰۴ تلگرافی ۷۸ تهران
لطفاً قبل از خرید هر نوع رنگ با فروشندگان با تجربه ما مشورت نمائید

شرکت سهامی خارکو
آماده برای انجام کارهای ساختمانی - راه سازی
سد سازی - کانال سازی - لوله کشی آب
و فاضل آب و تأسیسات برق
تهران - خیابان ایتالیا - پلاک : ۶۱
تلفن: ۶۱۳۳۸-۶۵۵۶۷

شرکت کنستروکسیون
با مسئولیت محدود
قطعه کاری راه و ساختمان
تلفن ۶۹۰۳۶
خیابان تخت جمشید ۳۹۳ شماره ثبت : ۵۲۵۲
تلگرافی: مصریان تهران

MASSEH CO. LTD.
AVE. NADERI, OPPO. SHAHROKH STREET
NO: 255 TEHERAN
Tel: 41024 CABLE: SAKHTEMANT MASSEH.

شرکت ساختمانی ماسه
تهران خیابان نادری
با مسئولیت محدود   مقابل کوچه شاهرخ پلاک شماره ۲۵۵
تلفن : ۴۱۰۲۴   عنوان تلگرافی : ساختمان ماسه

ایران ساپیتا
شرکت سهامی ساختمانی
خیابان ویلا - خیابان خبیر شرقی - شماره ۳۶ - تلفن ۴۸۴۷۵

گروه مهندسین مشاور اترس
تهران - خیابان تخت جمشید - شماره ۴۲۱
تلفن: ۷۵۶۶۳۶-۷۵۶۵۰۵-۶۸۳۸۹

تاول ماستر ایران
برای پاسخ به سئوالات شما فرستادن مامورین سرویس
برای تحویل گرفتن لوازم و لباسهای شما همیشه آماده است.
لباسهای شما پس از ۴۸ ساعت شسته مرمت و اطو شده
پس از بسته بندی برای شما ارسال خواهد شد.
تلفن کارخانه : ۷۲۶۸۳-۷۵۸۳۹۵-۷۵۸۳۹۶
محل کارخانه کوی کاخ خیابان زرین.



موسسه چاپ و انتشارات پیروز

برای مؤسسه ما جای بسی خوشوقتی است که دراندك مدتی کمتر از پنجسال با پشت کار فراوان و روز افزون خود با گامهای استوار و با انتشار کتابهای (تاریخی ـ علمی ـ ادبی و فرهنگ) و غیرو در ردیف ناشران درجه اول ایران قرارگرفته است .

غرض از گفتار بالا آنستکه بتدریج بهترین آثار نویسندگان شهیر ایران و جهان و تالیف و ترجمه شده که از این راه هم خدمتی در تقویت ذوق مردم و هم گنجینه های ادب فارسی را غنی‌تر سازد .

انتشارات پیروز درطول خدمت فرهنگی خود سعی بسیار نموده تا جوانان و نوآموزان عزیز را از خاطر نبرده و همت نموده است تا کتبی در ردیف فکر واندیشه آنها تهیه و بزیور چاپ آراسته‌گرداند کتاب‌ـ های چاپ انتشارات پیروز برای کلیه طبقات روشنفکر اعم از دانش آموزان دبستان و دبیرستان دانشجویان گرامی دانشگاه و استادان محترم و فضلا و دانشمندان کتابهای‌فراخورحال داردکه درفهرست‌زیبای‌انتشارات پیروز گردآوری شده و برایگان تقدیم میگردد .

مابرای سربلندی و مفاخر ادبی ایران فعالیت میکنیم والبته ادامه‌فعالیت‌ما مرهون توجه‌دوستداران ادب و فرهنگ است .

و اینك یکی از نشریات عزیز انتشارات پیروز را معرفی میکنیم .

کتا ب‌برگزیده سال را با افتخار فراوان تقدیم مینماید .

بدانشجویان زبان و دانش آموزان و عموم کسانی که انگلیسی میخوانند و یا انگلیسی میدانند دبیران‌زبان انگلیسی . مترجمین وزارتخانه‌ها . کارمندان شرکت‌ـ های خارجی و مسئولین مکاتبات بازرگانی و تجاری . پزشکان و آموزندگان رشته های‌علمی دانشگاه‌وخلاصه هرکس که بنحوی بازبان انگلیسی سروکار دارد وازاین زبان بین‌المللی استفاده میکند .

سازمان چاپ و انتشارات پیروز تقدیم میدارد.

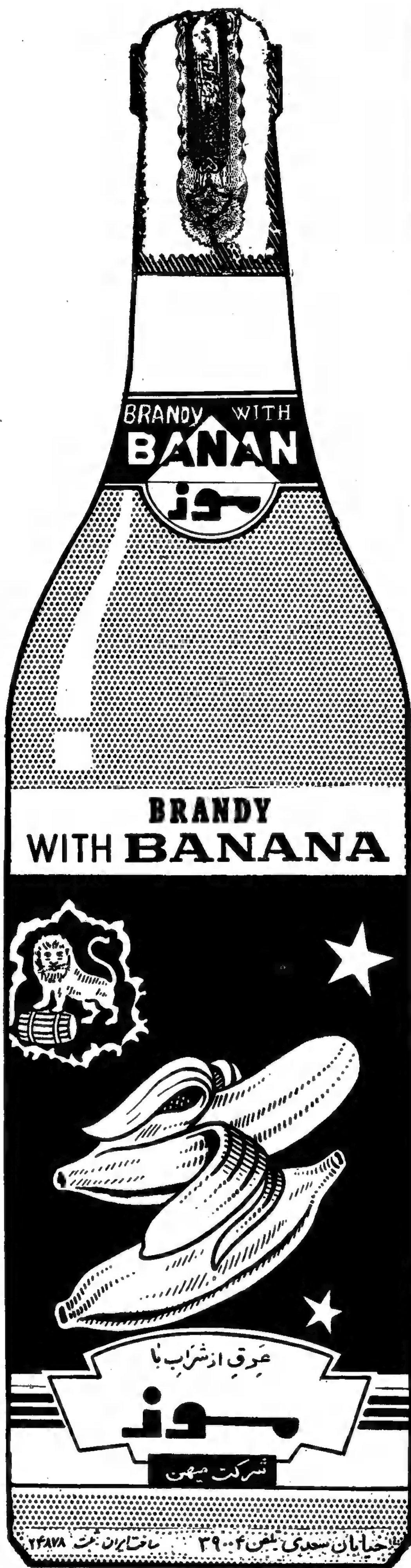
فرهنگ مصور
انگلیسی ـ فارسی
استاد کاوسی برومند
(در ۱۰۰۰ صفحه)

شامل متجاوز ازپنجاه وپنج هزار لغت واصطلاح ادبی ـ بازرگانی ـ علمی و پزشکی بانضمام راهنمای جامع فونتیك زبان انگلیسی . افعال بیقاعده سیستم متر یك‌و معادل های آن درانگلستان . راهنمای بازیهای بین‌المللی ورزشی و دهها تصویر متنوع .

این فرهنگ عظیم ....

براساس جدید ترین و علمی ترین متد تهیه فرهنگ درکشورهای اروپائی تدوین و تنظیم گردیده‌که مراجعه به آنرا بی نهایت آسان میسازد. کاغذ نفیس ـ چاپ نفیس ـ صحافی نفیس . جلد نفیس .

تاکنون فرهنگهای انگلیسی ـ فارسی متعددی چاپ و نشر شده است اما این اولین بار است که فرهنگی با این عظمت و با این درجه از کمال . درنتیجه صرف ده سال وقت بوسیلهٔ مولف دانشمند آن آقای کاوسی برومند تهیه و تنظیم گردیده است .


BRANDY WITH
BANAN
موز
BRANDY
WITH BANANA
عرقِ از شرابِ با
موز
شرکت میهن
خیابان سعدی تلفن ۳۹۰۰۴
ساخت ایران ثبت ۲۴۸۷۸



صرفه جوئی و سرعت

اساس فعالیت های ساختمانی امروزی را تشکیل میدهد.



داربست های محکم و مطمئن

شرکت سهامی مکانیکی و ساختمانی مهشید

اصل صرفه جوئی و سرعت را در فعالیت های ساختمانی شما بنحو غیر منتظره ای تأمین خواهد نمود.



برای اطلاع از شرایط و هرگونه مذاکره دیگر به:

شرکت سهامی مکانیکی و ساختمانی مهسید

خیابان شمیران . ساختمان جهان بین . تلفن ۷۱۴۷۳ / ۷۲۵۹۰ مراجعه فرمائید

آوازه



MOBIL PAINTS

(FORMERLY AMERICAN-MARIETTA)

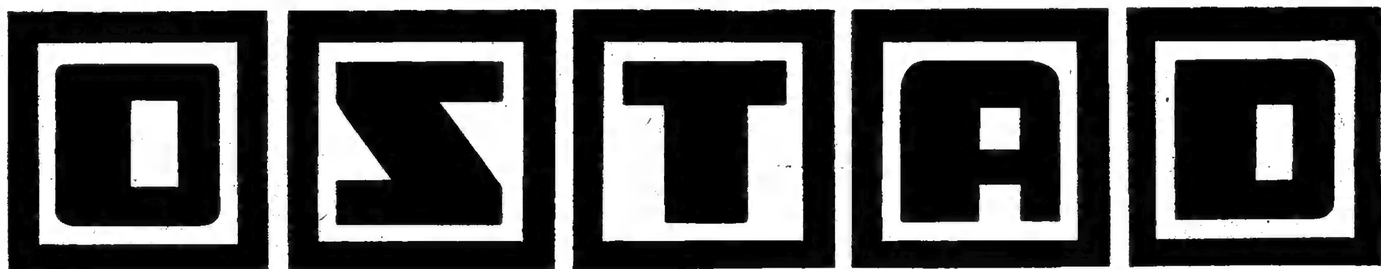
رنگ موبیل

« آمریکن ماریتای سابق »

نماینده انحصاری : شرکت سهامی فیدار

ران ـ خیابان شمیران ـ ایستگاه عوارضی شماره های ۶۳۹/۶۴۱

تلفن : ۷۱۴۶۸ ـ ۷۱۴۲۸

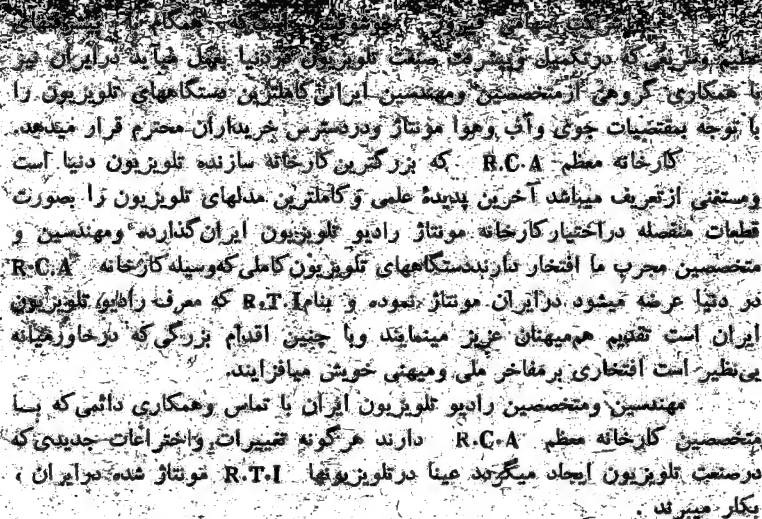


کارخانه صنایع فلزی استاد

بهترین سازنده لوازم فلزی دفتر

فروشگاه شماره ۱ : فردوسی شمالی ـ روبروی خیابان کوشک ـ شماره ۷۷ ـ تلفن ۴۲۹۵۰

فروشگاه شماره ۲ : خیابان ری ـ شماره ۸۱۱ ـ ۸۰۹ تلفن ۵۶۷۵۰ کارخانه : نارمک ـ تلفن ۷۹۳۲۷



RTI

با همکاری گروهی از متخصصین ومهندسین ایرانی کاملترین دستگاههای تلویزیون را با توجه بمقتضیات جوی وآب وهوا مونتاژ ودردسترس خریداران محترم قرار میدهد.

کارخانه معظم R.C.A که بزرگترین کارخانه سازنده تلویزیون دنیا است ومستغنی ازتعریف میباشد آخرین پدیدهٔ علمی وکاملترین مدلهای تلویزیون را بصورت قطعات منفصله دراختیار کارخانه مونتاژ رادیو تلویزیون ایران گذارده ومهندسین و متخصصین مجرب ما افتخار دارندبدستگاههای تلویزیون کاملی کهوسیله کارخانه R.C.A در دنیا عرضه میشود درایران مونتاژ نموده و بنام R.T.I که معرف رادیو تلویزیون ایران است تقدیم هممیهنان عزیز مینمایند وبا چنین اقدام بزرگی که درخاورمیانه بی‌نظیر است افتخاری برمفاخر ملی ومیهنی خویش میافزایند.

مهندسین ومتخصصین رادیو تلویزیون ایران با تماس وهمکاری دائمی که بـا متخصصین کارخانه معظم R.C.A دارند هرگونه تغییرات واختراعات جدیدی که درصنعت تلویزیون ایجاد میگردد عینا درتلویزیونها R.T.I مونتاژ شده درایران ، بکار میبرند.

تلفن اتوماتیك الکتریك

۱ یا ۲ شماره خط خارجی وتا ٦ تلفن داخلی

Ateavox

صاحبخانه بوسیله دربازکن مدرن الکتریکی

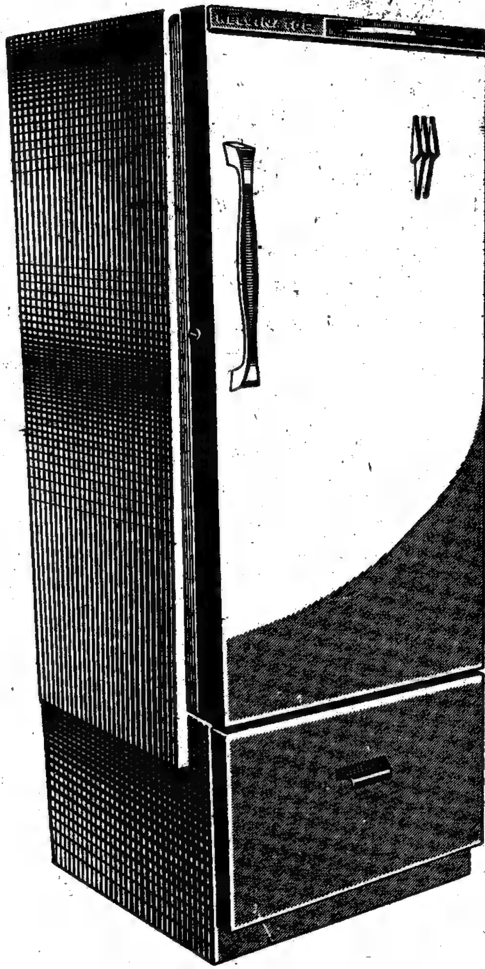
آتیاواکس

آتیاواکس

شرکت سهامی فیروز خیابان تخت جمشید شماره۲۱۹ تلفن ۳ - ٤۷۱۳۱

ساختمان ثابت پاسال

شرکت سهامی فیروز تقدیم میکند



کلویناتور

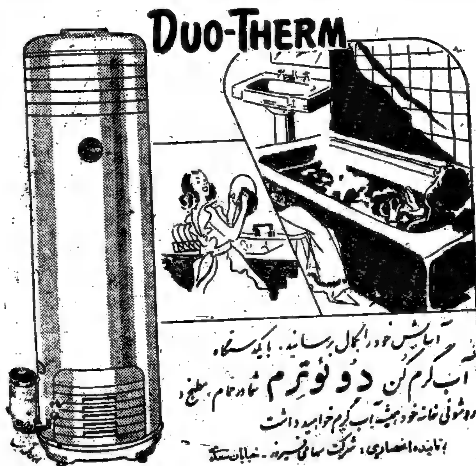
شاهکار صنعت یخچالسازی آمریکا

KELVINATOR

THE MASTERPIECE OF U. S. REFRIGERATOR INDUSTRY

محصولات جانسون و جانسون

Johnson & Johnson



آبگرمکن و بخاری دئوترم

DUOTHERM WATER-HEATER

نمونه مدال آزاد زن به حضور علیاحضرت فرح پهلوی شهبانو و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ازطرف آقای منصور مظفری تقدیم و مورد توجه قرار گرفت .

بمناسبت اعلام تساوی حقوق زن و مرد آقای منصور مظفری مدیر جواهری مظفری ۴۸۸مدال و سنجاقی بنام آزاد زن تهیه نموده است که دونوع خود بی نظیر و فوق‌العاده ظریف و زیبا ساخته شده است . این مدال زنی را نشان میدهد که زنجیرهای اسارتش را پاره کرده‌است دراردیبهشت ماه گذشته آقای منصور مظفری دو نمونه از مدال های فوق را بحضور علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالیه شورایعالی جمعیت های زنان ایران تقدیم نمود که فوق‌العاده مورد توجه و پسند قرار گرفت .

بقرار اطلاع خانمها تصمیم گرفته‌اند استفاده از مدال ابتکاری و زیبارا که یادبود يك اقدام تاریخی برجسته است درمیان همه دوشیزگان وبانوان رواج دهند .



نمونه‌ای از مدال آزاد زن

تبلی فیلم

مؤسسه‌ایست که طی چند سال فعالیت گام‌های صحیحی در جهت گسترش امکانات تبلیغات تجارتی برداشته است.

تبلی فیلم ـ اکنون باداشتن امتیاز نمایش فیلم تبلیغاتی سینماهای تهران از هردرجه و درهر ناحیه و پخش فیلم‌تبلیغاتی دراقصی نقاط کشور نقش مؤثری را در میدان‌تبلیغات تجارتی‌ایران ایفاء مینماید.



کوچه برلن ـ ساختمان ۵۲ ـ شماره ۷ تلفن ۳۸۵۸۳ ـ ۳۳۹۰۵

کروکی شهر تهران ـ موقعیت و اسامی سینماهائی که‌دارای ارزش تبلیغاتی میباشند.

راهنمای پزشکان و مؤسسات درمانی تهران

بیمارستان و زایشگاه جامی
امیریه شمالی بالای پمپ بنزین تلفن ۶۲۳۵۱۱
بیماریهای فوری - جراحی - شکسته بندی - زایمان - داخلی

دکتر چهرازی
دکتر در طب از دانشگاه پاریس
استاد بیماریهای اعصاب دانشکده پزشکی
عضو آکادمی نورلژی (اعصاب) آمریکا
متخصص اعصاب و روان
تلفن ۴۳۷۸۶
چهارراه کالج خیابان ارفع شماره ۶۰
اوقات پذیرائی:
۴ تا ۶ بعد از ظهر

دکتر قاسم بهزادی
دارای دیپلم تخصصی ناسیونال از دانشگاه پاریس
متخصص اعصاب و روان
نشانی: قوام السلطنه جنوب کوچه ایرج دو بروی بیمارستان شرکت نفت - کوی نقاشان ۳
تلفن { مطب ۶۶۳۳۳ منزل ۸۵۲۵۴۳

واکسیناسیون - جلوگیری قطعی از بیماری فلج کودکان
پاستور
دیفتری - کزاز - سیاه سرفه - آبله - حصبه
آدرس: دروازه دولت - نبش روزولت شاهرضا تلفن ۷۵۶۵۲۷

دکتر تقی گوهری
متخصص بیماریهای برنش و ریتین
از دانشگاه پاریس و رم
جنب بیمه ایران تلفن ۳۷۲۰۶

مطب شبانه روزی دکتر سید علی مظفری
بیماریهای داخلی . اطفال . گوش و گلو و بینی
خیابان حشمت الدوله غربی چهارراه پرویز - تلفن ۶۶۹۷۸

دکتر سیاوش ورجاوند
متخصص و جراح کلیه و دستگاه ادرار و تناسلی از امریکا
چهارراه آشیخ هادی خیابان رازی شماره ۱۲۴ - پذیرائی ۴½ تا ۷½
تلفن مطب ۴۸۷۰۵ - منزل ۴۷۱۴۳

دکتر تراب همایون
جراح و متخصص چشم
رئیس درمانگاه دانشکده پزشکی تهران
Dr. T Homayoun
مطب: خیابان پهلوی - سه راه شاه تلفن ۶۸۷۶۸ - پذیرائی بعد از ظهرها

دکتر محمد جعفر هدایتی متخصص بیماریهای زنان، داخلی بهداشت بانوان
صبحها: شاهرضا کالج مقابل البرز تلفن ۴۲۰۸۲
عصرها: شاهپور چهارراه مختاری - تلفن: ۵۳۵۴۱

دکتر جواد امینی
متخصص گوش و گلو و بینی از فرانسه
جراح بخش گوش و گلو و بینی بیمارستان فارابی
آدرس - چهارراه سید علی خیابان خانقاه
پذیرائی ۸ تا ۱۰ بعد از ظهر تلفن منزل و مطب: ۳۳۸۳۷

بخش دندان پزشکی خصوصی حکیم پور - شبانه روزی
تحت نظر دکترهای متخصص تلفن ۳۲۴۸۱
خیابان شاه آباد مقابل سینما سعدی - باغ سپهسالار - کوچه مهندس الممالک

دکتر علی اصغر هجینی
عضو ممتاز کالج جراحان بین المللی
جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان و نازائی از امریکا
تلفن مطب و منزل: ۶۹۲۸۰
پذیرائی: ۴ - ۷ بعد از ظهر
نشانی: خیابان ویلای شمالی خیابان خسرو - شماره ۴۷

آسایشگاه رضاعی
نیاوران - جنب منظریه - تلفن ۸۴۳۸۰
درمانگاه و اندرزگاه اعصاب و روان
خیابان پهلوی شماره ۸۲ نبش بوذرجمهر
تلفن: ۴۰۰۴۵

بیمارستان و زایشگاه پویا
زایمان - جراحی
زایمان بی درد
چهارراه عزیزخان کوچه سپهبد .
تلفن: ۶۰۹۱۱ - ۴۶۷۵۰

دکتر مرتضی آجودانی
متخصص و جراح بیماریهای چشم از پاریس پذیرائی: ۴ - ۷ بعد از ظهر
نشانی: خیابان پهلوی کوچه بیدی شماره ۱۷ تلفن: مطب ۴۹۳۸۳ منزل ۶۲۵۳۹۵

دکتر میر سپاسی
استاد دانشگاه
متخصص بیماریهای اعصاب و روانی
۴۷۷۰۷ - ۶۱۲۴۶۶

دکتر اکبر بهادری
متخصص جراحی عمومی از دانشگاه تهران
مجسمه شهرضا اول خیابان سی متری کوچه فریدون شماره ۳۱
پذیرائی با تعیین وقت قبلی تلفن ۴۸۷۱۹
بعد از ظهرها ۵ تا ۷ خیابان دلگشا خیابان کرمان تلفن ۵۵۸۱۱

دکتر ناصر معین زاده
متخصص گوش و حلق و بینی
خیابان لاله زار نو
چهارراه مهنا تلفن ۳۶۰۵۲ منزل ۶۱۱۰۶۳ - ۶۲۶۱۳۴

دکتر حسن طباطبائی
متخصص حالات عصبی و بیماریهای روانی
از دانشکده پزشکی پاریس
تلفن ۴۷۴۶۹ پذیرائی بعد از ظهرها
آدرس - شاهرضا روبروی لاله زار نو

دکتر سروش سروشیاری
دیپلمه از سویس - متخصص اطفال
خیابان شاهرضا روبروی آیستانیا شماره ۲۵۶ - تلفن ۶۴۰۵۴

آزمایشگاه دکتر سهراب خیابان سپهبد زاهدی اول کوچه بیمارستان ...
دکتر آرتیز ساعات کار: روزهای عادی
۸ - ۱۲ و ۱۶ - ۲۰
تلفن: ۴۰۷۴۳ ایام تعطیل از ۸ صبح تا ۱۲

دکتر مجتبی فاطمی
متخصص بیماریهای مغز اعصاب و روانی از دانشگاه پاریس
انترن سابق بیمارستانهای پاریس - اوقات پذیرائی: ۴ - ۸ بعد از ظهر
نشانی: خیابان شمیران جنب خیابان آل شماره ۲۲۷ تلفن ۷۲۰۶۹

دکتر محمد حسین منصور
دارای گواهینامه تخصصی جراحی جهاز گوارش (معده - روده - کبد و مجاری صفراوی)
از دانشکده پزشکی پاریس
جراح بیمارستان سینا
چهارراه پهلوی شاهرضا
تلفن مطب ۴۴۶۴۰ منزل ۸۶۷۴۷

دکتر دستوری «دندانپزشک»
خیابان وصال شیرازی - رسیده به بلوار کرج
شماره ۱۳۲ تلفن ۶۵۵۹۱

دکتر منوچهر فرخ نژاد
متخصص بیماریهای جهاز هاضمه از امریکا
خیابان ثریا نبش خیابان اسهر
پذیرائی صبحها با تعیین وقت قبلی عصرها ۴ - ۸/۵
تلفن: ۶۵۶۹۳

دکتر احمد نوائی
متخصص جراحی پلاستیک و ترمیمی
پذیرائی: ۵ تا ۷/۵ بعد از ظهر
چهارراه پهلوی شاهرضا تلفن ۴۶۱۸۲ منزل ۴۴۸۰۸

دیداری با آقای ریحان ضرابیان فرد مدیر کافه رستوران رویال تجریش

یکی از ده پیشه‌ور نمونه تهران که سال گذشته موفق به دریافت نشان درجه یك بهداشت از اداره کل بهداری شهرداری تهران شده است .

سال گذشته اداره کل بهداری شهرداری تهران ضمن بررسی محل کسب و کار پیشه وران تهران و تهیه گزارشی از فعالیت صنوف مختلف . ده پیشه‌ور تهران رابه عنوان پیشه وران نمونه تهران انتخاب نمود که طی مراسمی بهر يك از آن ها يك قطعه مدال درجه يك طلا بعنوان تشویق و سپاس گزاری از زحمات این پیشه وران فعال و زحمت کش شهر تهـران داده شد .

از جمله این ده نفر آقـای ضرابیان فرد مدیر کافه رستوران رویال تجریش است که‌برنده مدال درجه اول بهداشت از اداره کـل بهداری‌شهرداری تهران شده است.

آقای ضرابیان فرد که از هم میهنان با ذوق شیرازی است در یکی از نقاط مصفای تهران اقدام بتاسیس کافه رستوران رویال که راستی هم از هر جهت نمونه و کامل است نموده است .

يك جلو خان بسیار جالب با بالکنی لوکس و چشم اندازی زیبا نظر هرتازه واردی را بخود جلب میکند .

ما هم با آقای ضرابیان درهمین رستوران و پشت یکی از همین میزها ملاقات کردیم وقتی صحبت های‌مقدماتی تمام شد آقای‌ضرابیان گفت مردم معمولا « دیر بصرافت میافتند ایکاش این اقدام‌شهرداری مثلا از دهسال قبل شروع شده‌بود چونکه مطمئنا در تشویق سایرین نیز بی تاثیر نخواهد بود .

در مورد رستوران خودشان‌چنین گفتند . این رستورانی است کـه من بانهایت فعالیت وصرف وقت وپس‌از مطالعه بسیار روی‌روحیات و تمایلات مشتریها آماده کرده‌ام.

ایشان میگفتند . من مدتها فکر کردم چرا پاره‌ای از همکاران‌من در این رشته از کسب و کارچندان موفقیت جالبی بدست نیاورده‌اند. فکر کردم و فکر کردم تا بالاخره علت اساسی را پیدا کردم .

مشتری دلش میخواهد غذای سالم و لذیذ و ارزان باو بدهنداو در يك كافه رستوران توقع خوش روئی و حسن رفتار دارد و این‌از وظایف حتمی يك مدیر کافه یـا رستوران است .

آقای ضرابیان میگفت فکر می کردم بمنفعت کم قانع شوم و نیم بیشتر درآمد رستوران را صرف بهتر نمودن و تهیه نمودن وسـائل بهتر خود رستوران نمایم و این زمینه واساس کار من بود ازطرفی کوشش کردم شخصا در کار خرید مواد اولیه نظارت داشته باشم زیرا مواداولیه خوب برای يك‌رستوران خیلی قابل اهمیت است در مورد مسئله بهداشت . ایشان معتقد بود که در کار کسانی که با سلامت مردم بطور مستقیم روبرو هستندو در کار ما که با خورد و خوراك مردم سرو کار داریم عدم رعایت نکات بهداشتی شایدتا حدودی‌دور از وجدان وانسانیت نیز باشدزیرا آنها که بااطمینان بکافه ما می آیند بایستی ما هم در فکر سلامت آن‌ها باشیم .

ضمنا دستورات و مقـــررات بهداشتی اداره کل بهـــداری شهرداری نیز در سال گذشتـــه راهنمای خوبی برای من بوده‌است این دستورات از آنجا که توام با حسن نظر گردانندگان این اداره خوشنام بوده است همیشه نیز از طرف ما بموقع اجرا گذاشته شده است .

آقای‌دکترهدایت مدیر کل وقت بهداری شهرداری نیز خود شخصا علاقمند به کار پیشه‌وران بوده و با نهایت حسن نیت همیشه با مادر تماس بودند .

آقای احمد نواری معاون مدیر کل وقت بهداری را نیز که‌برای اولین بار در محل کسب پیشه‌وران باایشان آشنا شدم نیز در این جـا نبایستی فراموش کرد زیرا ایشان با حسن نیت کاملـی که دارند بدون شك در زمره یکی از خدمت گزاران مردم و علاقمندان باین آب وخاك میباشند . و بر عهده من است که دوراندیشی و حسن‌مدیریت وتوجه شهردار وقت تهران آقای احمد نفیسی را یاد آور شوم .

در مورد دریافت نشان درجه‌اول بهداشت آقای ضرابیان معتقدبود که دریافت این عنوان حق مـن بوده است و بهداری شهرداری‌نیز حق مرا داده است .

از ایشان پرسیدم گویا شماعضو هیئت مدیره اتحادیه کافه‌رستوران های تهران نیز میباشید ؟ ایشان‌در جواب اظهار داشت بله این سمت‌را نیز در اثر علاقه وایمان بکار و حرفه اسم بدست آورده‌ام . درتایید سخنان خود آقای ضرابیان مـی گفتند این طریق بدی نیست کـه انسان بشغل و حرفه‌ای مهرбورزد. من عاشق کار خودم هستم البته اذعان دارم که هستند کسانی کـه بخاطر سود جوئی جامعه پیشه ور را آلوده میسازند ولی از طرفی پیشه‌وردلسوزوعلاقمند بکار خویش



نظر باینکه آقای ریحان ضرابیان فرد متصدی رستوران رویال
دارنده پروانه شماره ۴۱ - ۱۳۴۰/۱۲/۱ ساکن تجریش
دستورات بهداشتی را با نهایت مراقبت بمورد اجرا گذاشته و با توجه باینکه در سال جاری هیچگونه تخلف بهداشتی
از مشارالیه مشاهده نشده است این گواهینامه برای تشویق بعنوان رستوران نمونه درجه یک
در سال ۱۳۴۱ بایشان اعطا میگردد .
مدیر کل بهداری شهرداری
دکتر مجیب هدایت

هم بی نظیر و کم نیست مـــن تحصیلاتم چندان کم هم نیست‌ولی جز شخص خودم بهیچ کس اجازه دخالت در اداره کافه رستوران‌را نمیدهم زیرا نه تنها چنین کاری را دون شان خود نمیدانم بلکـه بآن فخر و مباهات نیز میکنم .

در پایان این گفتگوی دوستانه آقای ریحان ضرابیان فـرد از همکاران خود که بااو در بهر اداره کردن رستوران همکاری می نمایند اظهار تشکر و امتنان‌نموده گفت همکاران رستوران من از افراد تحصیل کرده و علاقمندبوده و در کارشان ورزیده و بسیـار علاقمند میباشند . امیدوارم در آینده نیز با همکاری این دوستان بتوانیم با تهیه غذاهای متنوع‌ترو محیط سالم تر و بهتر بیش از پیش در جلب رضایت مشتریان کوشا باشیم .

ش اقتصاد در عصرحاضر
همیت پیدا کرده و نیاز
بشری چنان باین علم
یافته که باوجود پیشرفت
یان توجهی که قرون
دراین رشته از دانش
ید آمده و تجربیات و
تازه‌ای که بالمره دراین
حصیل گردیده هنوز
و مسائل بفرنج اقتصادی
و سهولتی که ظاهراً
قابل حل نیست .

هی است که هرسازمان
ه تجاری برای پیشبرد
که لازمه آن در وهله
یجاد بازار عرضه وفروش
یجتاً کسب منافع افزونتر
خشیدن بفعالیت های
اشد قهراً باید از یك
مقرراتی که علم‌الاقتصاد
ها را توجیه نموده است
نماید .

جمله مباحثی که در فن
امروزی اهمیت بسیاری
روزبروز ارزش آن افزوده
حث تبلیغات میباشد .
وزه در کلیه کشور هائی
طه نظر بازرگانی و تولید
مختلف صنعتی و غیر
قام ممتازی را بین ملل
حراز نموده‌اند و حتی
ه سابقه فعالیت تجاری
ی عرضه داشتن کالا در
یا خارج از چندین سال
وز مینماید تبلیغات را
صل اجتناب ناپذیری در
های تجاری خود پذیرفته
سیله ضمن آشنا ساختن
ومی به نوع و اختصاصات
ت کالای خود بازارفروش
رای محصولات خویش در
ه امکان جلب تقاضا بیشتر
یرود پیدا میکنند .

مطالبی که فوقاً ذکر شد
ه کلی حاصل میگردد که
ران بنحو زیر بیان نمود :
عملی که اذهان مردم رابه
شیئی مشخص جلب نماید
نجام آن بدواً نظر تبلیغی
میان نباشد بیش وکم

میتواند درشناساندن کالای یاشیئی مزبور و افزایش میزان تقاضا موثر واقع گردد .

ایجاد نمایشگـاه و اهمیت دکوراسیون در آنها

یکی از موثر ترین طرق شناساندن کالا در تجارت امروزی ایجاد نمایشگاه میباشد .

تشکیل نمایشگاهها یا با شرکت موسسات تولید کننده محصولات مختلف انجام می‌پذیرد و یا موسسه منحصر بفردی که خود قادر به تهیه فرآورده هائی از انواع متفاوت میباشد پیشقدم ایجاد نمایشگاه میگردد .

آنچه در تشکیل نمایشگاه در درجه اول اهمیت قراردارد ترتیب دکوراسیون کالاهائی مختلف ونحوه برگذاری نمایشگاه میباشد زیرا آنچه مسلم است اکثریت قریب باتفاق کسانی که از نمایشگاه بازدید مینماید تنها جنبه تفننی و تفریحی آن را از مشاهده دستگاهها و اشیاء صنعتی و یاغیر صنعتی درنظر میگیرند و بهمین جهت برای جلب نظر بازدید کنندگان حتی‌المقدور باید بوسیله دکوراسیون مناسب و مجلل از خشك‌بودن جلوه‌نمایشگاه جلوگیری بعمل آید .

تطبیق و یا بکار بردن صحیح رنگها و درنظر گرفتن زمینه های مناسب و همچنین نحوه نمایش دادن کالا و بکار بردن تزئینات اضافی در اماکنی مانند نمایشگاه و یا فروشگاههای بزرگ و کوچك و سایر مواردی که نیاز به دکوراسیون دارد بقدری حائز اهمیت میباشد که میتوان بوسیله آن موجودیت کالا و یا شیئی مورد نظر را در سطح فوق‌العاده عالی تری توجیه نمود .

باید متذکر شد که هنر دکوراسیون نه تنها دراین مورد بخصوص بلکه درکلیه امورتبلیغاتی حائز اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده و اساساً یك شرط کلی در تبلیغات امروزی جهان میباشد .

ایجاد نمایشگاههای صنعتی و اثر آن در تبلیغات امروزی . بکار بردن اصول صحیح دکوراسیون مهمترین شرط جالب بودن یك نمایشگاه و انجام بسیاری از طرحهای تبلیغی است .



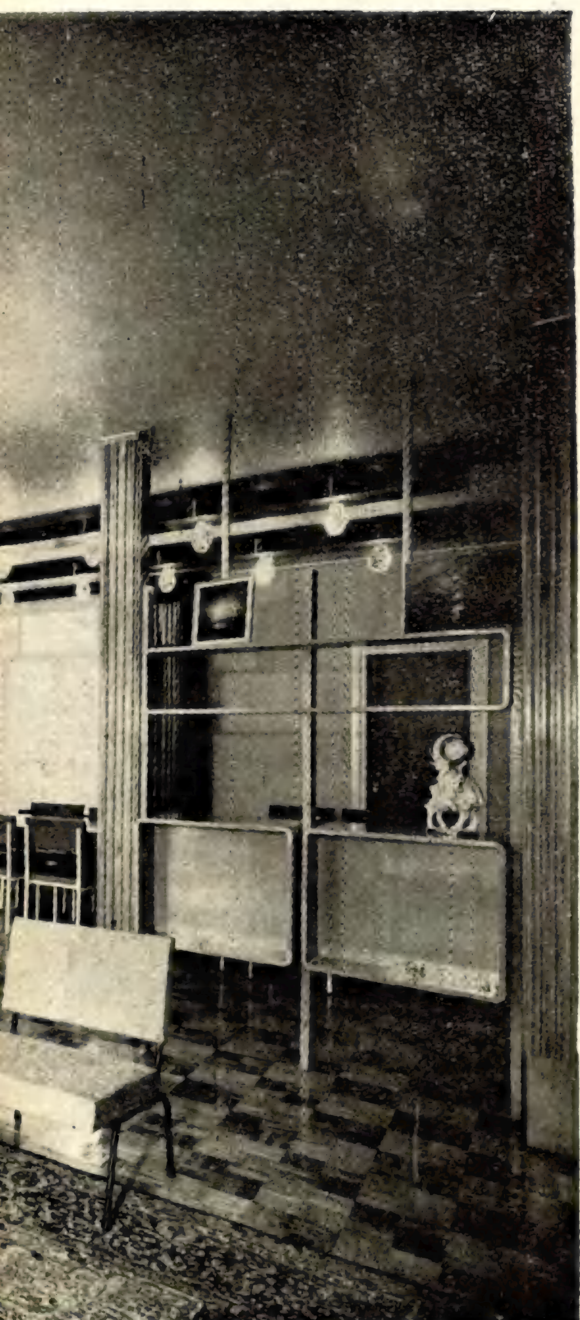
برای بوجود آوردن یك دکور جالب چه نکاتی را باید درنظر گرفت

فروشگاه فیلیپس ! کارجالبی از طرحهای ارزنده سازمان اوریانت دکور

میباشد میتوان نام برد .
طرحهای تازه و هم
بجا و جالبی که در دکو
این‌نمایشگاه بچشم میخورد
و ورزیدگی و ابتکار دکورا
سازنـده آن را بطور م
مشهود میسازد .
بایدمتذکر شد کاردکو
و تزئین این نمایشگاه از
موسسه اوریانت دکور که
سازمان علمی دکور در
میباشد انجام گردیده اسـ
نحوه قرار دادن
مختلف و نمایش آنها با

توجهی میتوان برد .
طرز چیدن کالاها نیز خود مورد مهمی در تزئین و دکوراسیون نمایشگاهها بشمار میرود و این نیز باز خود مربوط به ابتکار و هنر دکوراتور میباشد که چگونه انجام این امر را بنحو احسن میسر سازد .
دراینجا برای ذکر نمونـه جالبی از یك نمایشگاه که هنر واقعی دکوراسیون را در تزئینات تازه آن بخوبی میتوان مشاهـده نمود نمایشگاه فیلیپس را که در میدان فردوسی ـ شاهرضا واقع





این توضیح نیز برآنچه فوقاً ذکر کردیم بجاست که در اینجا منظور ما از کلمه « نمایشگـاه » تنها نمایشگاههای صنعتی ویا غیر صنعتی خاصی نیست که درمنطقه وسیعی برای مدت بسیار کوتاهی بمعرض تماشا گذارده شود بلکه باید گفت که فروشگاه یا موسسه بزرگ تجاری نیز فی‌الواقع خـود حکم نمایشگاهی را دارد که درنظر گرفتن نکات بالا درباره برای جلب نظر افراد در کلیه شرایط امری است الزامی .

حال برای بحث بیشتری در این زمینه لازم بنظر میرسد که در مورد نحوه بکار بردن دکورها ، تزئینات ، شکل دادن بکالاها و بالاخره انتخاب رنگها مطالعه بیشتری نمائیم .

کلیه مصالحی کـه بـرای ساختن یك دکور بکار میرود لازم نیست که حتماً از انواع ممتاز انتخاب‌گردد بلکه این‌هنر دکوراتور است که میتواند با بکار بـردن صحیح مصالح دکور زیباتر و جالبتری تهیه نماید .

فی‌المثل با استفاده از چند رشته طناب یا تکه هائی از یك پارچه معمولی یك‌دکوراتور ورزیده ممکنست چنان اثر بدیعی بوجود آورد که دراولین نگاه نظر هـر بیننده‌ای را بخود جلب نماید و بهمین دلیل باید گفت دکوراسیون قبل‌از اینکه هنر واحدی باشد مجموعه‌ایست از هنر هائی نظیر نقاشی مجسمه سازی ـ طراحی و بسیاری از فنون و هنر های دیگر تا جائی‌که امروزه از ایـن هنر درکار های عملی نظیرمهندسی ساختمان نیز استفاده های شایان

ساده و بدیعی که دکوراتورها و
کارشناسان و متخصصین مطلع
وریانت دکور مبدع آنها میباشند
لوریست که درهمان دیدار نخست
ماشاچی را به ارزش و اهمیت
ثار دکوراسیون واقف میسازد .

سازمان اوریانت دکور طی
سالها فعالیت خود با استفاده از
مکانات وسیعی که در اختیار
داشته و همچنین بکمك متخصصین
کار آزموده خود که اطلاعات و
مطالعات ذیقیمتی در این رشته
هنری پس‌از گذراندن دوره های
تخصصی در کشور های خارج
بدست آورده‌اند تاکنون اقدامات
بیمانندی برای عرضه داشتن
طرحهای جالب ونو انجام داده‌اند
که نمونه آنها دکوراسیون نمایشگاه
فیلیپس میباشد .

باوجود موسساتی مانند
اوریانت دکورکه رونق تازه‌ای به
تبلیغات کشور ما بخشیده‌اند
میتوان امیدوار شد که فعالیتهای
تجاری و صنعتی این کشور نیز
همانند سایرممالك دیگر با استفاده
از طرحهای مبتکرانه تبلیغی در
مسیر پیشروی خود با موقعیتهای
ارزنده تری روبرو گردد .



فلسفه رنگها . آیا می توان‌رنگهارا بالطیف ترین و بدیع ترین آثار وجود برابر دانست میزان پیش رفت رنگ آمیزی و دکوراسیون‌درایران تا چه حد است

وجود رنگها چنان بداعت و
لطافتی بعالم هستی بخشیده که
ارزنده ترین آثار ادبی مطبوع‌ترین
عطرها ورياحين و یا حتی لطیف
ترین آهنگهای موسیقی هرگز
نمیتوانند جایگزین آن گردند .
گرچه ظاهراً قبول این واقعیت،
قدری مشکل بنظر میرسد لیکن
با اندکی توجه بارزش وجودی
رنگها بخوبی میتوان درك کرد که
درصورت نبودن این موهبت بزرگ
زندگی واقعاً چقدر بی‌روح وخالی
از احساس و حتی خفقان‌آور
میشد .

در یك شیئی بیجان که اثری
از حیات در آن پدیدار نیست
گذشته از بعد و پستی و بلندی
چه چیزی جز ترکیبی از رنگهاکه
برآن منقوش گردیده میتواندمبین
زیبائی آن گشته و امتیاز آنرا بر
سایر اشیاء مشخص نماید .

راستی دلیل احساس که از
دیدن یك شیئی زیبا با یك
رنگ‌آمیزی جالب و تازه در ما
بوجود میآید چیست ؟ بچه علت
از وجود گل و درخت و آسمان
آبی یا افق سرخ فام این چنین
لذت میبریم ؟ جواب این سئوالات
منحصراً در میان اثراتی که وجود
رنگها میتوانند پدید آورده آن
باشند .

برآنچه گفته شد این نکته را
نیز باید افزود که یك اثر ادبی
تسکین‌دهنده و یا یك موسیقی

آرام‌بخش همیشه برای تعدیل انعکاس‌های نامطلوبی که در روح ما بوجود میآید در اختیار ما نیست . لیکن خوشبختانه طبیعت آنچنان سرشار از رنگهای بدیع و جالب است و بشر نیز خود بمایه هنر فطری خویش آنچنان این‌رنگها را بایکدیگر ممزوج‌ساخته که بدون اینکه خود متوجه شویم هراحساس خوشایندی را همیشه در اختیار ما میگذارد و این واقعیت فلسفه شگرفی است که در موجودیت هر رنگی نهفته گردیده است .

پیشرفت های هنری در زمینه رنگ و دکوراسیون

باوجودیکه بداعت رنگها درعصر پیدایش انسان پیوسته وی رابخود جلب نموده لیکن متاسفانه بسبب فراوانی آن ارزش وجودش سالها وبلکه قرنها بورطه فراموشی‌سپرده شده بود .

از زمان آغاز تحول عظیم‌تمدن در دوره انسانی روح لطیف بشری نیاز شدیدی را بابداع طرحها و نقش‌های تازه‌تر و استفاده ازآنها در ساختمانها و مصنوعات دیگر احساس نمود زیرا منحصرساختن رنگها بابداع تابلوها و نقش و نگارهای محدود دیگر روح زیبا پسند بشر را بخوبی نمیتوان‌اقناع و ارضاء نماید .

هنر دکوراسیون و تزئین در جهان مترقی امروز تا آنجا توسعه یافته که در بسیاری از ممالک سازمانهای وسیعی فعالیت خودرا مصروف انجام این خدمت مهم نموده‌اند و اهمیت تاثیر رنگها در رشته‌های‌علمی نظیرسائیکولوژی (علم روانشناسی) بسبب نتایج ارزنده آن در تزئین کودکستانها . پرورشگاهها . بیمارستانهای‌بیماران روحی و همچنین ارزش آنها از نقطه نظر امور تجاری و تبلیغاتی و بالاخره بهره‌برداری هائی که در زندگی روزمره ازاین موهبت میشود موجب گردیده است که فن رنگ‌شناسی و دکوراسیون خوددر ردیف یکی از رشته‌های پرارزش هنری قرار گیرد .

موقعیت دکوراسیون ایران

بموازات پیشرفتهای ممالک در هنر تزئینی و دکوراسیون که اساس آنرا امتزاج و ترکیب و تناسب رنگها تشکیل میدهد خوشبختانه طی چند سال اخیر درشهرها و مراکز پرجمعیت بویژه پایتخت ایران توجه هنرمندان و هنردوستان باین فن ظریف و پر ارزش جلب گردیده است تاجائی که در پایتخت بزرگ کشور ما کمتر ساختمان مدرنی را میتوان یافت که از طرحهای جدید دکور در آن استفاده نشده باشد و حتی در فروشگاهها ونمایشگاه‌های بزرگ نیز باتوجه بنتایج مطلوبی که این هنر درامور تجاری سایر ممالک بجاگذارده فن دکوراسیون جدید بیشتر جلب توجه مینماید.

ایجاد سازمان دکوراسیون در ایران

باتوجه باهمیت فوق‌العاده هنر دکوراسیون جای خوشوقتی است که انجام این امر را در ایران اشخاصی عهده‌دار گردیده‌اند که صلاحیت آنها در این رشته مورد تائید و توجه هنرشناسان ممالک خارجه نیز قرار گرفته است و در اینمورد فعالیت سازمان مدرن اوریانت دکور طی چند سال اخیر بیش از همه چشمگیر میباشد . سازمان مزبور که باید آنرا در ردیف‌موسسات نمونه پایتخت قرار داده با استفاده‌از امکانات وسیعی که دراختیار دارد و همچنین‌بکمك متخصصین‌و کارشناسان کارآزموده خود که ازعالیترین اطلاعات تئوری و فنون پراتیك دکوراسیون مدرن برخوردار میباشند ظرف مدت کوتاهی چنان موقعیت ممتازی را در عرضه داشتن این هنر درایران احراز نموده که بجرات میتوان اذعان نمود کارهای انجام شده وسیله این موسسه با بهترین موسسات مشابه خود در اروپا و سایر ممالک راقیه برابری مینماید و نمونه‌ای از آن دکور جدید نمایشگاه فیلیپس درمیدان‌فردوسی میباشد .

شایستگی و مهارت طراحان سازمان اوریانت دکور در تزئین کارخانجات ، نمایشگاه‌ها ، منازل و اماکن بزرگ و کوچك و سایر رشته‌های دکوراسیون عملا میزان ارزش کار این موسسه و تاثیری راکه در بهبود و پیشرفت این فن در ایران بجا گذارده نمایان میسازد .

میتوان امیدوار بود که باوجود موسسات ارزنده‌ای نظیر اوریانت دکور این فن بدیع بزودی تاثیر واقعی خودرا در امور اقتصادی واجتماعی همانند ممالك راقیه جهان در ایران نیز بجاگذارد .

راهنمای شرکت های ساختمانی تهران

حیفا

شرکت مقاطعه کاری فنی و ساختمانی

خیابان امیرآباد - پلاک ۲۱

تلفن ٦٠٦٩٤

چم

شرکت ساختمانی

خیابان تخت جمشید - بین ویلا و شیراز

کوچه بشارت شماره ١٦

تلفن : ٦١١٢٤٥ - ٦١١٢٤٧

شرکت پارابل

بامسئولیت محدود

مقاطعه کاری ساختمان - راه - پل - تأسیسات

خیابان شاه - کوچه نیما - تلفن ٤١٠٦٩ - ٤٦٤٢٠

موسسه مشاوره :

گروه «٤»

مهندسین معمار

خیابان شاه - خیابان کاخ شماره ١٦٤

تلفن : ٤٥٨٨٤

پرهام

شرکت مقاطعه کارراه وساختمانی

انتهای اردیبهشت شمالی نزدیک شاهرضا پلاک ٢٣

تلفن ٦١٣٢٧٧

باسرمایه ۲۰۰۰،۰۰۰ ریال

گروه مهندسین مشاور پارس

شرکت بامسئولیت محدود

مدیرعامل : آقای مهندس علی دباغ

تهران - خیابان شمیران روبروی خیابان آل شماره ۲۱۸ تلفن ۷۴۸۹۲

کادر امور عمرانی وساختمانی

شرکت آبکاو

بامسئولیت محدود

مهندسان مشاور آب

خیابان غفاری شماره ۲۵۳

تلفن ۲۳٦۵۹ - ٥٤٠٨٦ - آدرس تلگرافی : آبکاوش - صندوق پستی ۱۹۸۹

دفتر فنی وساختمانی

نگار

مهندسین مشاور

مهندس عباس فرح مهر

استاتیک

مهندس شهر براز فرح مهر

آرشیتکت

شرکت ساختمانی پاریز

میدان کاخ خیابان ابتهاج کوی دی شماره ٢٤ تلفن ٥٢،٠...

تلگرافی : شرپاریز

مدیرعامل : مهندس کاظم کریمی - سرمایه ۰۰۰،۰۰۰،۱۲...

شماره ثبت ٥٧٦٩ تأسیس ١٣٣٦ شمسی

انجام کارهای مقاطعه کاری - راه - ساختمان



بانوان علاقمند بزیبائی

برای اینکه بتوانید گیسوان خویش
را درمنزل بدون کمك آرایشگر آرایش
کنید . میتوانید این فن را طبق
اصول علمی در ۱۲ جلسه زیرنظر خانم
ایران قربانی بیاموزید تلفون ۱۷۳۵...
ابتدای امیریه - کوچه مهدیه شماره ۸۰



شرکت تبلیغاتی وبازاریابی کاته کوچه برلن شماره ٥٢ تلفن ٣٥٣٣٩

مقرر میدارد که (در عده وفات زن نفقـه ندارد) وحال آنکه درهنگام مرگ شوهرزن بملاطفت و تسلیت احتیاج دارد و میخواهـد بمحض از دست دادن مالك خود پریشان روزگار وآشفته خاطر نشود و ممکن‌است بگوئید شما که دم از آزادی زن میزنید ومی خواهید در همه جا بامرد یکسان باشید چرا در اینجا میخواهید بازهم زن بنده و جیره خوار مرد باشد و چشم داشته باشد که پس‌از وی نیز این بندگی و جیره خواری ادامه یابد . ما در پاسخ این ایراد میگوئیم مطابق همان فلسفه بردگی زن که طرح این قانـون مدنی برپایه‌آن ریخته شده است خوب بود که بقول سعدی (مالکان تحریر) پس‌از خـود نیز نفقه را برای زن مقرر میداشتند و قانون مدنی هم این‌موضوع را رعایت میکرد ــ منظور این‌است که‌امروز آن عـللی که باعث پیدایش مواد قانون مدنی مربوط بزن‌بوده است وجود ندارد و جبرا باید معلولهای آن ازمیان‌برود. اگر زن خود از نظر اقتصادی مانند مرد باشد دیگر چه حاجت‌است که ما برای او نفقه‌و کسوه و مهرقائل شویم .



کارکردن زن

زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکونت کند مگر آنکه اختیار تعیین منزل بزن داده شده باشد و اگر بودن زن با شوهر دریك منزل متضمن ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن دیگری اختیار کند و در صورت ثبوت ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد ومادام‌که زن دربازگشتن بمنزل مزبور معذور بـاشد نفقه برعهده شوهر خواهد بود و اگر محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته باشد محل سکنای زن بتراضی طرفین معین میشود و اگر تراضی ممکن نشد محکمه با جلب نظر اقربای نزدیك طرفین منزل زن رامعین خـواهد نـمود و درصورتیکه اقربائی نباشد خود محکمه جای مطمئنی را معین خواهد کرد .

* درکشورمازنان براین‌ماده نیزمعترضند و میگویند زن چون در حکم مستملکه ومستعمره مرد است باید کاملا باختیار او باشد و از حکم مرد سر نه‌پیچد . مرد چون باصطلاح عربها کامل العقل است در مقابل زن ناقص‌العقل باید راهنما و رهبر او باشد و اگر به‌بیند زن وی کاری میکند یا حرفه‌ای دارد که باشئون و حیثیت وی یا خود زن منافات دارد میتواند او را از آن کارمنع کند ولی متاسفانه زن این حق را ندارد و شئون و حیثیت وی هیچ شرطی ندارد و از هیچ کاری آسیب نمی‌بینند اگر او کاری بکند و هر حرفه‌ای پیش بگیردبعزت نفس ومصالح‌عالی‌خانوادگیش زیانی نمیرسد هرچه آن خسرو کندشیرین بود. حسن‌تدبیروکشورداری این قانون‌باندازه‌ای‌است که زن را چنان محدود و مقید کرده‌اند که اگر کار یا حرفه یا صنعتی برای او متصـور باشد مسلما از نظر شوهر بهانه جو منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت خود یا شوهر او خواهد بود .

زن میتواند در دارائی خود هرگونه تصرفی که مایل باشد بعمل آورد و اصولا زن ایرانی از نظر اموال بنظر بعضی کشور ها محجور شناخته نمیشود .

ضمنا طرفین عقد میتوانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد ازدواج نباشد در ضمن عقد ازدواج بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه مرد زن دیگر بگیرد و یادر مدت معینی غائب شود یا نفقه ندهد یا برعلیه زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها بـا یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد .

بماده فوق ضمن‌قسمت مربوط بطلاق اشاره خواهد شد .

انحلال عقد نکاح

عقد نکاح بفسخ عقد یا طلاق یا ببذل‌مدت در عقد انقطاع منحل میشود .

۱ــ در مورد امکان فسخ نکاح ــ قانون برای اینکه در مواردی نظیر جنون امکان فسخ وجود داشته باشد مواردی را پیش بینی نموده مثلا در مردان عیوبی از قبیل عنن ــ خصی ــ مقطوع بودن آلت تناسلی بنحویکه مانع ایفاء وظایف زناشوئی گردد و موجب فسخ نکاح است همچنین در زنان امراض زیر موجب حق فسخ برای مردان میشود .

۱ــ قرن ۲ــ جذام ۳ــ برص ٤ــ افضاء ٥ــ زمین‌گیری ٦ــ نابینائی از دو چشم بشرطیکه عیوب مزبور در موقع عقد وجود داشته باشد . هرگاه زوجین قبل از عقد عالم بامراض مزبور باشند حق فسخ ندارند هرگاه مرد بعد از عقد مبتلا بیکی از امراض مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع نماید و امتناع مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود ــ چنانچه طرفین از عیوب مذکور اطلاع یابند و بلافاصله اقدام بفسخ نکنند حق فسخ آنها از بین میرود .

در قسمتهای پیش گفتیم که درصورت استنکاف مرد از دادن نفقه زن میتواند بمحکمه رجوع کند و محکمه مرد را مکلف بپرداخت

حسن معاشرت

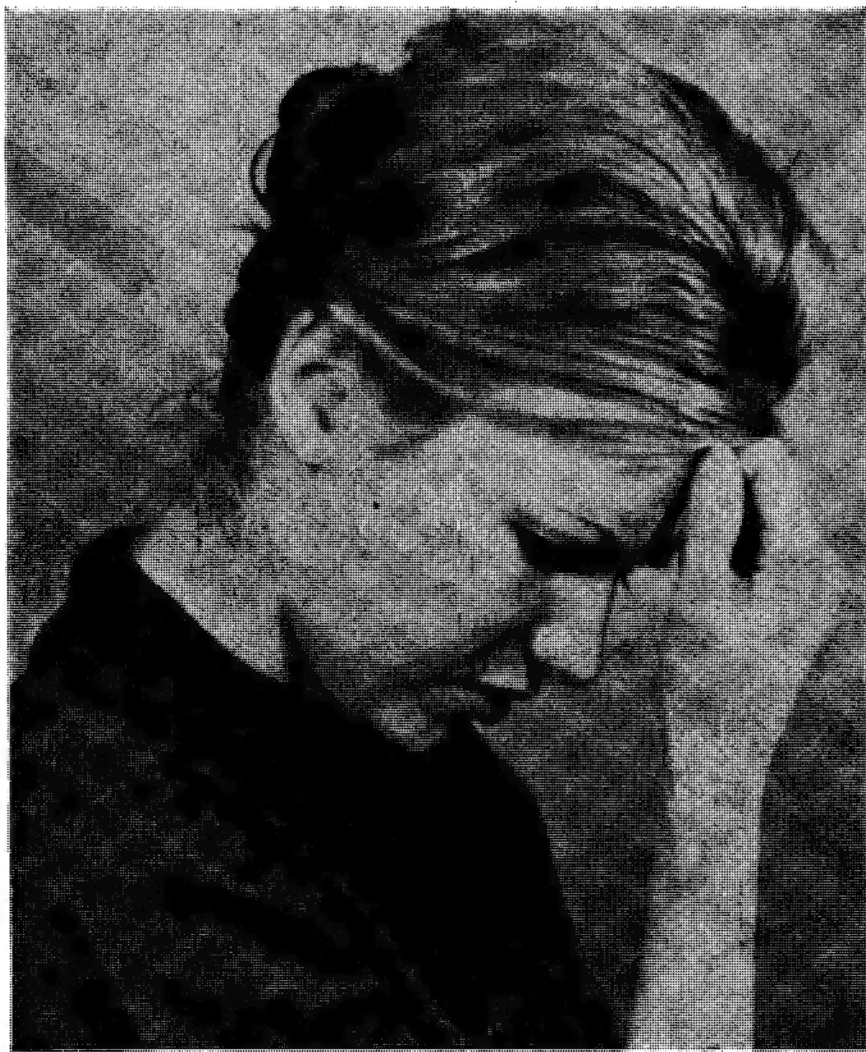
آن مینماید و چنانچه اجبار مرد ممکن نباشد زن میتواند از محکمه درخواست طلاق بنماید حکم ماده مزبور در موارد زیر نیز جاری‌است:
الف ــ در مواردیکه شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند واجبار اوهم برایفاء ممکن نباشد .
ب ــ سوء معاشرت شوهر بحدی که ادامه زندگانی زن را با او غیر قابل تحمل سازد .
ج ــ در صورتیکه بواسطه امراض مسریه صعب‌العلاج دوام زناشوئی برای زن موجب مخاطره باشد .
* در ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی باز از همان فلسفه رقیت زن پیروی کرده است و زناشوئی را فقط و فقط برای اطفاء غریزه جنسی لازم شمرده بعلاوه موارد حق فسخ زن را منحصرا بعیوب مانع از ایفاء وظیفه جنسی مرد بستگی داده است ولی در مورد حق فسخ مرد حال بدین منوال نیست . ماده ۱۱۲۳ عیوب زن را بطریق مشروحه فوق بر ٦ قسم شمرده است ــ خانمها میگویند ما از این قانونگذاران با انصاف میپرسیم آیا اگر زنی مردش بجذام یا برص یا کوری از هردوچشم یا زمین‌گیری گرفتار باشد چاره او چیست ؟
مطابق فلسفه ایکه این قانون از روی آن وضع شده است پاسخ این پرسش بسیار ساده است مرد چون بارسنگین زندگی را بدوش دارد و نان‌آور خانه است باید کاملا آزاد باشد از اینرو اگر هم از هردوچشم نابینا یا بمرض جذام گرفتار باشد زن بیچاره چون هیچ پای گریز و دست ستیزی ندارد باید کنج خانه به نشیند و پرستار و غمخوار و عصاکش مرد خود باشد ولی اگر زن بهمین امراض مبتلا شد دیگر مرد (یا بهتر بگوئیم مالك) میتواند بزودی عقد نکاح را بگسلاند و زن را ببدبختی و سیاه روزی خود واگذارد .
آری آنکه برتری مییابد دیگر از دایره انسانیت بیرون میرود و با انصاف و مروت و دلسوزی که دستاویز زبونان و ناتوانان است کاری ندارد ــ رحم چیست و انصاف کدامست؟ هرچه قویتر بخواهد همان قانون زندگی است و باید حکم جهان آرای ورای ملك فرسای باشد .

۲ــ طلاق

مرد میتواند هروقت که بخواهد زن‌خود را طلاق دهد و طلاق محتاج بصیغه است و لااقل در حضور دونفر مرد عادل که طلاق را بشنوند باید صورت گیرد و طلاق نمیشود معلق بشرطی باشد و منجزا بایستی واقع شود .
کسیکه مبادرت بطلاق دادن زن خود مینماید باید بالغ ــ عاقل ــ قاصد و مختار باشد و اشخاصی که فاقد این صفات باشند نمیتوانند زن خود را طلاق دهند و در مورد مجنون دائمی قانون پیش بینی لازم نموده و بولی او اختیار داده که زن مجنون را طلاق گوید و طلاق مخصوص عقد دائم است و درعقد بانقضاء مدت یا بذل بقیه مدت زن از زوجیت مرد خارج میشود .
طلاق در طهر مواقعه صحیح نیست مگر حال نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غائب باشد بنحویکه اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند .
طلاق در طهر مواقعه صحیح نیست مگر اینکه زن یائسه یا حامله باشد . طلاق زنیکه با وجود اقتضای سن عادت زنانگی نمیشود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی با زن سه ماه گذشته باشد .

اقسام طلاق

طلاق بردو قسم است طلاق بائن و طلاق رجعی ــ در طلاق بائن مرد حق رجوع ندارد و در موارد زیر طلاق بائن است ۱ــ طلاق قبل از نزدیکی ــ ۲ــ طلاق یائسه ۳ ــ طلاق خلع و مبارات ٤ ــ مادام که زن رجوع بعوض نکرده باشد ٥ــ سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی بعمل آید .
طلاق خلع آنست که زن بواسطه کراهتی که از شوهر دارد درمقابل مالی که بشوهر میدهد طلاق میگیرد .
طلاق مبارات آنست که کراهت ازطرفین باشد و در اینصورت عوض باید زائد برمیزان مهر نباشد در طلاق رجعی در مدت عده برای مرد حق رجوع است و رجوع بهر لفظ یا فعلی ممکن است صورت گیرد .
* حس تفوق جوئی واستبداد مردبخوبی‌در ماده ۱۱۳۳ جلوه میکند در هیچ جای قانون بهتر از این ماده قانونگذاران اختیار مطلق و آزادی کامل بمرد نداده‌اند . مرد چون از حیث ساختمان طبیعی و خلقت مغز و عضلات و اعضاء نسبت بزن قوی‌تر است فکر و روح وی نیز بالاتر از روح و فکر زن قراردارد بحکم همین تفوق و نیرومندی طبق نص صریح ماده مرد هروقت بخواهد میتواند زن خود را طلاق دهد ولی زن بیچاره هروقت از شوهر بی‌عاطفه خود بتنگ آمد معلوم نیست چه از دست کوتاهش برمی‌آید ؟ هیچ . باید بکنج خانه هرشب بنشیند و تا پاسی از نیمه شب گذشته در انتظار شوی هرزه‌گرد هرجائی خود باشد و هنگامی‌هم کهشوهر باچشمانی خمارآلود و گریبانی چاك زده و دهانی آکنده از بوی عرق تلوتلو کنان در را سراسیمه باز میکند و بدرون میآید زن بیدرنگ برخیزد و مراسم



طلاق

بندگی را بجای آرد . چه او حق ندارد که هروقت بخواهد مرد خود را طلاق دهد . قانون قوی‌پرور و ناتوان کش او رااز این حق محروم کرده است . اگر او شبی باچنین حال بخانه آید شوی بی‌محابا بروی میخروشد و مشت و لگد ودشنام و ناسزا را بجانش میکشد و شاید اصلا نمیگذارد پابدرون‌خانه گذارد و بامدادان نیز بدفتر طلاق میرود و از حق قانونی خود استفاده میکند .

این قانونگذاران که چنین آزادی مطلق بمرد داده‌اند از این نکته دقیق غافل بوده‌اند که برتری و آزادگی بشرخواه زن وخواه‌مرد دراین است که بتواند باغرائز حیوانی و نیروی طبیعت بجنگد ـ اگر ما از آنکه‌قویتر است پشتیبانی کنیم دیگر چرا باید بفلسفه نیچه و طرفداران انتخاب‌انسب‌بشوریم‌خوبست دم از نوع پروری نزنیم ـ غریزه مارابه حمایت از قوی سوق میدهد ولی وجدان‌سلیم و ذوق مستقیم میگوید یاری ناتوانان‌و غم خواری بیکسان وظیفه بشراست .

صرفنظر ازاین ایرادات ضروری میداند این نکته را نیز اضافه نماید که قوانین ملل مختلف در مورد طلاق روشهای مختلف پیش گرفته‌اند ـ بعضی جدائی زن و شوهر رااز طریق طلاق جز در موارد بسیار نادر صحیح ندانسته و منع کرده‌اند ـ در قوانین بعضی ملل آزادی واختیارات قابل توجهی بطرفین در مورد طلاق داده شده و در مقررات عده‌ای از ملل نیز حالت بین بینی پیش بینی شده است .

عده

عده عبارتست از مدتی که تا سپری‌شدن آن زنی که عقد ازدواج او منحل شده نمیتواند شوهر دیگر اختیار کند . ممکن‌است عده برای طلاق یا فسخ نکاح باشد ودرهردو صورت سه طهر است مگر اینکه زن باقتضای سن‌عادت زنانگی نه‌بیند که دراین صورت عده اوسه‌ماه است . در مورد عقد انقطاع دو طهراست مگر در صورتیکه زن باقتضای سن عادت زنانگی نبیند دراین صورت عده ٤٥ روز است ـ البته در مورد زن حامله عده تاوضع حمل‌است .

عده وفات چه در عقد دائم وچه در عقد منقطع در هر حال ٤ماه و ده‌روز است‌مشروط براینکه فاصله بین فوت شوهر ووضع حمل از چهار ماه وده روز بیشترباشد والا مدت عده همان چهارماه وده روز است .

زنیکه بین او وشوهرش نزدیکی‌واقع نشده همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد ونه عده نکاح ولی عده وفات باید رعایت شود .

زنیکه شوهر او غائب مفقودالاثر است و حاکم او را طلاق میدهد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاهدارد .

* ماده ١١٤٨ مقررمیدارد «درطلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است ». زن‌اصلامیل وآرزو و خواهشی ندارد هروقت ارباب و مالك خواست او را نگه میدارد هروقت هم نخواست بدورش میافکند واگر باز دلش تنگ شد دو باره او را در ظل حمایت خویش جای میدهد و زن چون جیره‌خوارو بیخانمان و شرم زده‌است تابع اراده هرجائی وبوالهوس مرد میشود و از خود هیچ‌عقیده‌ای ندارد .

اگر مرد زن خود را از دست دهد دردم میتواند زن دیگر بگیرد اصلا احترام هم‌خوابگی و زناشوئی برای مرد وجود ندارد. احترام کار ناتوانست . همیشه ناتوان‌بتوانا احترام میگذارد ولی اگر زنی (خدای نخواسته) شوهرش بمیرد قانون مدنی ایران در ماده ١١٥٤ درباره او چنین مقرر میدارد « عده وفات چه در دائم و چه در منقطع‌در دو حال ٤ ماه وده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که دراینصورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط براینکه فاصله بین‌فوت شوهر ووضع حمل از ٤ ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان ٤ماهو ده روز خواهد بود .

منظور از این ماده‌اگر استبراء زن باشدکه پس از وضع حمل حاصل میشود دیگر لازم نیست که ٤ماه و ده روز عده نگهدارد از طرف دیگر این منظور در باره یائسه مصداق ندارد واگر احترام بهمسر باشد چرا مردان برای زنان احترام قائل نشوند ؟ چرا آنان عده وفات زن نگه ندارند ؟ ممکن‌است‌بگوئیم معاشرت ومجالست و همدمی زن و شوهر خواه و ناخواه جاذبه محبت را بمیان میآورد و همین جاذبه مرد را موظف میکند که تا چندی از تجدید فراش چشم بپوشد .

تربیت ونگاهداری اطفال

نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است . طبیعی است که اطفال بتوجه و محبت ابوین احتیاج دارند بهمین مناسبت قانون هردو ابوین را مکلف نموده‌است برای نگاهداری طفل مادرتا دوسال ازتاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت پس از انقضاء این مدت حضانت با پدراست مگر نسبت باطفال اناث که تا سال هفتم حضانت‌آنها بامادرخواهد بود.

اگر مادر در مدتی که حضانت طفل بااو است مبتلا بجنون شود یابدیگری شوهر کند حق نگاهداری باپدر خواهد بود ـ درصورت فوت یکی از ابوین نگاهداری طفل با آن که زنده‌است خواهد بود هرچند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد .هیچیك ازابوین حق نداردر مدتی که نگاهداری‌طفل بعهده او است از نگاهداری طفل‌امتناع کند و در صورت امتناع یکی از ابوین حاکم باید بتقاضای دیگری یا بتقاضای قیم یایکی از اقرباء یا بتقاضای مدعی‌العموم نگاهداری‌طفل را بهریك از ابوین که نگاهداری به عهده او است الزام کند و در صورتیکه الزام ممکن یا موثر نباشد حضانت را بخرج پدرو هرگاه پدر فوت شده باشد بخرج مادر تامین کند .

هرگاه بر اثر عدم مواظبت یاانحطاط‌اخلاقی پدر یا مادری که طفل‌تحت حضانت اوست صحت جسمانی یاتربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه میتواند بتقاضای اقربای طفل یا بتقاضای قیم او یا تقاضای‌مدعی‌العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند . در صورتیکه بعلت طلاق‌یا بهر جهت دیگر ابوین طفل در یك منزل سکونت نداشته باشند هریك از ابوین که طفل تحت حضانت او نمیباشد حق‌ملاقات طفل‌خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوط بآن در صورت اختلاف بین ابوین با محکمه است .

طفل رانمیتوان از ابوین ویا از پدرویااز مادری‌که حضانت با او است گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی از قبیل اینکه به تربیت طفل لطمه وارد شود و غیره .

مادر مجبور نیست که بطفل خود شیر بدهد مگر در صورتیکه تغذیه طفل بغیر شیر مادر ممکن نباشد .





ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی باستناد این حق نمیتوانند طفل خود را خارج از حدود تادیب تنبیه نمایند .

★زن‌نه‌تنها درمورد خوداختیاری‌نداردبلکه در مورد جگر گوشه خویش‌نیزباید تابع اراده مردباشد . مادرکه نه ماه طفل را در شکم‌با خون‌دل میپروراند و باهزاران درد ورنج آن را بدنیا میآورد و شبها بر گاهواره نشسته‌و بدو خفتن میآموزد واگر طفلش رنجور شود از نور چشم و گوهرجان دریغ نمیدارد ولقمه از دهان خود باز میگیرد تا فرزندش با شکم سیر بخوابد ، حق‌داشتن فرزند را ندارد چه فرزند آن پدراست .

تازه در همان مدتی هم که قانون طفل را تحت حضانت مادر قرارداده چنین مقرر میدارد :

ماده ۱۱۷۰ اگر مادر در مدتی که حضانت طفل بااو است مبتلا بجنون شود یابدیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود.

اینجاخوبست بپرسیم اگر پدر دیوانه شد یازنی دیگر گرفت تکلیف طفل چیست ؟

حقیقتا با فلسفه‌ایکه قانون مدنی ما درباره زن بر گزیده است این پرسش کاملا خنده‌آور است .اگر کسی دیوانه شد شما میپرسید کـه خانه وباغ واسب و گاو او چه میشود ؟طفل هم مال پدر است پدراگر دیوانه شود یا زن دیگر بگیرد باز هم مالك طفل است. جنون‌و تجدید فراش که سالب مالکیت نیست .

امروز از نظر علم طب از یکسو ثابت شده است که خون زن ومرد هردو بطور مساوی در طفل وجود دارد و نطفه از تراوش غدد تناسلی هردو بسته میشود واز سوی دیگررنج و سختی مادر درهنگام زادن و پروردن طفل بمراتب بیشتراز پدر است . چرا دیگر بایداو قانونا در داشتن فرزند سهم نداشته باشد وتنها پدر مالك اولاد باشد ؟

حقوق جزا

غیراز ایراداتی که برقانون مدنی از طرف بانوان وارد میشود یك ماده از قانون مجازات نیز مورد اعتراض آنها قرار گرفته و آن ماده ۱۷۹ است که میگوید :

« هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یك فراش یا در حالتی که بمنزله وجود در یك فراش است مشاهده کند ومرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هردو شود معاف از مجازات است و هرگاه کسی بطریق مزبور دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی به‌بیند و درحقیقت علاقه زوجیت بین

آنها نباشد و مرتکب قتل شود از یك ماه تا شش ماه بحبس تادیبی محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر این ماده مرتکب جرح یا ضرب شود بحبس تادیبی از ۸ روز تا دو ماه محکوم میشود » .

* معلوم نیست چرا این قانون برای مرد چنین رجحان و مزیتی آفریده استوبجود این ماده میرساند که خواه ناخواه افکار و عقایدیکه آنروزها درباره زن در مغزها بود تاثیر خود را در قانون مجازات هم کرده است .

البته ما از یك قانون انتظار نداریم که چنان جامع و مانع و عادل ودوراندیش باشد که سیر تکاملیدنیا نتواند برآن خرده بگیرد . ولی میگوئیم در این قانون روح عدالت رعایت نشده است .

دراینجا باز مرد همان ارباب و مالك سابق است مالك اگر درمال خود دزدیببیند میتواند او را بکشد و چون زن در حکم مال است اگر دزدی بر او زند و مالك و ارباب آن دزد را بکشد از مجازات معاف است .

ما بااین انتقاد نمیخواهیم زنانرا آزاد بگذاریم که از تعهد ازدواج سرباز زنند ما هیچ ترویج فساد اخلاق و فحشاء نمیکنیم آنچه ما از قوانین میخواهیم فقطعدالت است و بس . مرد در اینماده حقی دارد کهمافوق آن متصور نیست ــ بالاتر از حق کشتن چیست ؟

بموجب قانون اگر مردی مرد دیگریرا بکشد در دم بکیفر گناه خودکه اعدام باشد میرسد ولی درباره زن این موضوع تقریبا مصداقی ندارد .

مرد اگر زن خود را با بیگانه با آن شرایط بهبیند اگر زن و مرد هردورا بکشد هیچگناهی نکرده است و لامحاله بکیفری هم نمیرسد . دراینجا مردی که کشته میشودبآتش زن سوخته است جان زن و مردی که با زن دیگری دست در آغوش بخواید بهائی ندارد ولی جان مرد اگر زیانی بهبیند پایه عرش بلرزه میافتد .

ماده مزبور میگوید مرد مجاز باشد بهنگام افروختهشدن آتش رشك وی آنکه او را براین آتش سوزان نشانده از پای درآید معلوم نیست چرا زن حس همچشمی ورشك و کین او اگر از مرد بیشتر نباشد اقلاباندازه او هست باید بر جگر دندان بفشارد وخشم خود را فرو برد و اگر نتوانست شوهر خود را با زنی هرجائی بهبیند و شوهر یا زن یا هر دو را کشت بمجازات اعدام گرفتار آید.

ممکن است بگوئید برای حفظ ناموس و آبرواستکه مرد میتواند دیگری راکه بناموس او اهانت یا خیانت میکند بکشد دراینجا این پرسش بمیان میآید که آیا مرد هم ناموس زن هست یا نه ؟ . بدیهی است کلمه ناموس با محیط فرق میکند در محیط ایران زن باید شرافت اجتماعی شوهر را نگهدارد مرد هم همین وظیفه را نسبت بزن عهدهدار است .

شما اگر ببینید مردی هرشب با زنی هرجائی میرود و در گذرگاه عام شیشه باده را دردهان فرو میریزد و عربده میکشد و بدمستی میکند و با پاسبان و کلانتری و زندان سروکار دارد آیا بزن او چه میگوئید و بچه دیدهای بدان زن مینگرید ؟ شما هم هواخواه مرد باشید باز چون بشرید و بشر هم خواه ناخواه بانصاف و دادگستری مایل است در پاسخ این پرسش ما جواب منفی نخواهیدداد .

حالا ما میپرسیم چرا زن اگر یك شب بخانه نیاید و در آغوش مرد دیگری بماند یا در خیابان بدمستی آغاز کند و عربده بکشد شوهر حق دارد که آن زنرا بکشد یا طلاق دهد ولی اگر زن گرفتار چنینشوهری شود باید در خانه پس زانوی پشیمانیوافسوس بنشیند با خود گفتگوئی کند و غم اشکی از دیده ببارد .

غائب مفقودالاثر

غائب مفقودالاثر کسی است که ازغیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و ازاوبهیچوجه خبری نباشد و هرگاه شخصی چهار سال تمام غائب مفقودالاثر باشدم زن میتواند تقاضای طلاق کند دراینصورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ حاکم او را طلاق میدهد و ماده ۱۰۲۳میگوید محکمه وقتی میتواند حکم موت فرضی راصادر نماید که در یکی از جراید محل و یکیاز روزنامههای کثیرالانتشار طهران اعلانی در سه دفعه متوالی هرکدام بفاصله یکماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غائب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبری دارند باطلاع محکمه برسانند . هرگاه یکسال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غائب ثابت نشود حکم موت فرضی او دادهمیشود .

* درمقابل این مواد مرد را قانون آزادی کامل اعطا کرده است یعنی مردمیتواند هروقت بخواهد زن خود را طلاق دهد . زن در حکم ابزار خانه و ملك طلق ارباب است. اگر او یك روز یا یك شب بخانه نیاید بامدادان خداوند بر او میشورد و شراره خشم وی چنان تیز و سوزان میشود که در دم بطلاق زن بیناموس خود مبادرت میکند ولی زن بنده زرخرید باید چهار سال در غیاب مرد باناموس خود صبرکند تازه اگر خواست از این بند تنهائی و بیکسی برهد باید برای طلاق بحاکم رجوعکند . آقای حاکم هم پس از رعایت ماده ۱۰۲۳ صیغه طلاق را جاری میکند .

پسازآنکه قانونگذار استرحاما خواسته است بر دل رنجدیده وآزرده زن ببخشایداولا طلاق را بمحکمه واگذاشته است و ثانیا طلاق محکمه را تقریبا معلق بامری محال کرده است .

مواد فوق درست زاده همان فلسفهایستکه زن را خانهزاد و زرخرید میداند چه زن اگر غیر ازاین بود میتوانست مانندمردهروقت که بخواهد شوهر خود را طلاق دهد .

ممکن است بگویند که این حق (یعنی اعطای حق طلاق بزن) بنیاد خانواده را متزلزل میکند و اگر زن هروقت بخواهد بتواندشوهر خود را مطلقهکند دیگرخانوادهئی درمیاننمیماند ولی باید درنظرگرفت کهمردهم این حق را دارد و خانواده ازطرفاوهمیشه در خطر زوال قرار دارد . ازدواج باآنکه در قانون مدنی ما ظاهرا بصورت عقد دوجانبه است ولی طلاق بیشاز یك ایقاع بیست که در آن مرد فاعل مایشاء و حاکم مایرید است .

موارد نصب قیم و ترتیبآن

فرضا اگر یکی از اقوام نزدیك زن مرده باشد ووراث اوجز زن راهنما و سرپرستی نداشته باشند این زن باید از شوهر خود درباره قبول سمت قیمومت اجازه بخواهد . و اگر مرد قبول نکرد و راضی نشد تکلیف چیست . تکلیف این است که نمیتواند این قیمومت را قبول کند ــ همچنین هنگامیکه زنی بیشوهر اگر چه مادر مولی علیه باشد که بسمت قیمومت معین شده است اگر شوهر کند باید مراتب را ظرف یکماه از تاریخ انعقاد نکاح بمدعیالعموم بدایت حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد . در اینصورت مدعیـ العموم یا نماینده او میتواند با رعایت وضع جدید آن زن تقاضای تعیینقیم جدید یا ضم ناظر کند و ضامن اجرای این ماده هم آنست که در صورت ندادن اطلاع دادستان میتواند از محکمه تقاضای عزل قیم را بنماید .

ایراد خانمها براین است که چرا درباره مرد چنین احکام غلاظ و شدادی وضع نشده است و حال آنکه مهر و وفای پدران نسبت بفرزند تقریبا تا هنگامی است که مادر آن فرزند زنده است و گاه نیز شده است که پدر با بودن مادر فرزندش زنی دیگر گرفته و مهر از فرزند برگرفته است معلوم نیست در اینمورد چرا قانون مدنی دادستان را موظف نکردهاست که حافظ نفع صغار باشد و در صورت زن گرفتن پدر تقاضای تعیین قیم جدید یا ضم ناظر کند .

تابعیت زن

اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب‌میشوند:

۱ـ کلیه ساکنین ایران باستثنای‌اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد تبعیت‌خارجی کسانی مسلم است که مدارك تابعیت آنهامورد اعتراض دولت ایران نباشد.

۲ـ کسانیکه پدر آنها ایرانی است اعم ازاین که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۳ـ کسانیکه در ایران متولد شده وپدر و مادر آنان غیرمعلوم باشند.

۴ـ کسانیکه درایران از پدر ومادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولدشده بوجود آمده‌اند.

۵ـ کسانیکه در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس‌از رسیدن بسن هیجده سال تمام لااقل یکسال دیگر درایران اقامت‌کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران برطبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرراست.

۶ـ هرزن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷ـ هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

* ازآنجائیکه ما هواخواه آزادی زن بوده‌ایم فهمیده میشود که درمورد تابعیت‌نیز این نظر را داشته و برابری بامرد راخواهانیم البته منظور ما از آزادی لگام گسیختگی‌نیست ما نمیخواهیم.شیرازه زندگی سیاسی واجتماعی کشور را از هم بگسلیم و بازار آشفتگی و بی‌قانونی را رواج دهیم، ما میخواهیم همان حقوقی که مرد دارد درصورت امکان زن هم داشته باشد تااینجا آنچه از مواد قوانین‌انتقاد کردیم مربوط بحقوقی بود که امکان آن‌برای زن متصور است ما نمیگوئیم مثلا زن پدر فرزند باشد یا قلب ماهیت کند و وظایفی را که منحصرا براثر ساختمان طبیعی بر عهده‌مرد است انجام دهد ولی میخواهیم که از همان آزادیها وحقوقی که مرد دارد او هم‌برخوردار باشد.

ما از نویسندگان قانون مدنی میپرسیم که چرا زن را در انتخاب تابعیت آزاد نگذاشته‌اند؟

تابعیت رشته‌ایست معنوی و سیاسی که افراد را بکشور خود مربوط میکند دول از دیرباز برای تعیین تابعیت افراد خودبروشهائی مختلف درپیش گرفته‌اند بعضی میگویند کسانی که زاده یك خاك هستند باید پیرو یك‌قانون باشند و بومی خاکی که در آن متولد شده‌اند بشمار می‌آیند. برخی اصل خاك‌رانمیپذیرند و میگویند تنها خون و نژاد در تعیین تابعیت افراد موثر است یعنی فرزندی که از پدر نه مادر یونانی یا رومی پدید آید آن‌فرزند تابع روم یا یونان شناخته میشود. قانون مدنی ایران در ماده ۹۷۶ این دو اصل را برای تعیین تابعیت افراد ایرانی بکار برده است. در بند یك از اصل خاك و دربند دو از اصل خون پیروی کرده است ولی در بند ۶ ناگهان موضوعی آشکار میشود که با هیچ یك از این دو اصول بستگی ندارد این بند مقرر میدارد که اگر زنی بیگانه بایرانی شوهر کند تابع ایران میشود، البته ماهیچگاه مخالف ابتکار نیستیم ولی سخن اینجاست که دراین بند ابتکاری نمی‌بینیم اگر بپرسیم که چرا باید زن بیگانه تابعیت شوهر ایرانی‌خود را بپذیرد و این پیروی از همان فلسفه بردگی زن است. ازطرفی از نظر اتحاد خانواده بهتر آنست که زن و مرد تابعیتی واحدداشته باشند تا بجای ایفاء وظیفه زناشوئی و اداء واجبات زندگی و روز و شب را بجر وبحث درپیرامون برتری تابعیت خود نگذرانند و چون مرد بهتر از زن آینده را می‌بینند و برقضایای طبیعت مسلط است ازاینرو مصالح زن ایجاب میکند که تابعیت شوهر را بپذیرد و ازخود رایی نداشته باشد.

ما میدانیم که تابعیت بیش‌از همه یك موضوعی است سیاسی اگر خاك یك کشور برای سکونت افراد آن کافی نباشد تحصیل تابعیت چنین کشوری بسیار دشوار است و برعکس اگر کشور سرزمینی پهناور وجمعیتی اندك داشته باشد بزودی می‌توان تابع‌آنکشور شد و از سوی دیگر اگر بناباشد رشته تابعیت چنان سست و زود گسل باشد که هرکسی بتواند بمیل خود آنرا از هم بگسلاندوتابع کشوری دیگر شود دیری نمی‌پاید که بنیاد آندولت واژگون میشود. زنی‌که بیك نفر ایرانی شوهر میکند میتواند قوانین ایرانرا بخواند و اگر پسندید تسلط آنها را برخود بپذیرد و اگر هم نپسندید نباید اجبارا تابع ایران شناخته شود. درست استکه در اینجا قانونگذار علل سیاسی را درنظر گرفته یعنی باوضع این موادخواسته‌جمعیت‌کشورروبفزونی نهد ولی موضوعی دیگر در جهان است که برسیاست و هواخواهی از یك مسلك و مرام برتری دارد و آن آزادی و برابری افراد است. سیاست دولت و دستگاههای اداری‌برای آن بوجود آمده‌اند که آسایش مردم تامین شود و اصول آزادی و برابری افراد دستخوش اقویا نگردد سیاست کشور ایران بیش ازهمه آنستکه اتباع خود را چه در داخل و چه در خارج پشتیبان و نگهبان باشد دولت میخواهد کساکنین کشور ازآزادی و برابری برخوردار باشند و به‌آسودگی بتوانند بارگران زندگی‌را بدوش بکشند اگرسیاست و دولتی غیر ازاین منظور بوجود آید آن سیاست و دولت بشهادت تاریخ محبوب ملت نخواهد بود.

قانون مدنی در جای دیگر در مورد تابعیت زن حکمی دیگرکرده است ماده ۹۸۷ مقرر میدارد زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاوجت مینماید بتابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر آنکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقدازدواج بزوجه تحمیل‌شود ولی درهرصورت بعد از وفات شوهر یا تفریق بصرف تقدیم درخواست بوزارت امور خارجه بانضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق‌تابعیت اصلی زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه‌بآن‌مجددا باو تعلق خواهد گرفت. بدیهی است منظور از این ماده این بوده که افراد کشور بآسانی تغییر تابعیت ندهند قانونگذار کوشیده است تاآنجا که میشود رشته تابعیت را سخت‌استوار کند ما اینکار را در خور ستایش میدانیم و برآن هیچ خرده نمی‌گیریم ولی آن عللی که درصورت اول یعنی درصورت شوهرکردن زن بیگانه بایرانی آوردیم دیگر بی‌پایه وواهی میشود درآنجا گفتیم منظور اتحاد خانواده و برتری مرد بوده است و اینجا دیگر ازاین دو موضوع خبری نیست. ولی نکته‌ایکه مسلم است همان بردگی زن‌استکه در هر دو ماده مراعات شده در ماده ۹۷۶ زن خواه وناخواه بتابعیت کشور شوهر درمی‌آید ودرماده ۹۸۷ نیز اجبارا بتابعیت ایرانی خود باقی میماند. قانون مدنی باید زن را چه بیگانه وچه‌ایرانی درقبول تابعیت شوهرآزاد بگذارد و او را نیز ازنظر تحصیل تابعیت مانند مرد بشناسد ـ تبصره ماده ۹۸۷ چنین مقرر میدارد هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زنرا بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد دراین مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشدبشرط تقدیم تقاضانامه کتبی بوزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت شود. ازاین تبصره چنین برمیآید که پیشنهاد تقاضای ما راجع بآزادی تابعیت زن چندان غیرمنتظره و از پیش خود نیست چه کشورهائی هم‌هستند که زنرا از نظر تابعیت آزاد گذاشته‌اند واگر هم آزاد نگذاشته بودند دلیل آن نمیشد که ما این کار را نکنیم چون وظیفه وجدانی و آئین انسانیت نیازی به تقلید ندارد وهر کشوری‌بی‌آنکه منتظر دیگران باشد خود میتواند آنرا انجام دهد.

ارث

۹۰۷ ـ اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر پسر دوبرابر دختر

میبرد .
۸۹۲ ـ در موردیکه فرزند فوت کند با اجتماع این چهار شرط مادر از بردن بیش از سدس محروم است .

۱ـ برادر و خواهر میت لااقل دوبرادر و یا یك برادر و دو خواهر یا چهار خواهر باشد .

۲ـ پدر آنها زنده باشد .

۳ ـ از ارث ممنوع نشده باشد مگر بسبب قتل .

٤ ـ ابوینی یا ابی تنها باشد .

۹۱۳ ـ در تمام صور مذکوره دراین مبحث هریك از زوجین که زنده باشد فرض خود را میبرد و این فرض عبارتست از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتیکه میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتیکه میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد مابقی ترکه برطبق مقررات مواد قبل مابین سایر وراث تقسیم میگردد .

۹۱٤ ـ اگر بواسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض ترکه میت کفایت نصیب تمام آنهارا نکندنقص بربنست وبنستین واردمیشود و اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض زیادتی باشد و وارثی نباشد که زیاده را بعنوان قرابت ببرد این زیاده بین‌صاحبان فرض برطبق مقررات مواد فوق تقسیم میشود لیکن زوج و زوجه مطلقه و مادر اگر حاجب داشته باشد از زیادی چیزی نمیبرد .

۹۱۵ ـ انگشتری که میت استعمال می کرده همچنین قرآن ورختهای شخصی‌وشمشیر او پسر بزرگ او میرسد بدون اینکه از حصه او ازاین حیث چیزی کم شود مشروط براینکه ترکه میت منحصر باین اموال نباشد .

۹۲۳ ـ هرگاه ورثه‌اجداد یا جدات باشد ترکه بطریق ذیل تقسیم میشود : اگر جد یا جده تنها باشد اعم از ابی یا امی تمام ترکه باو تعلق میگیرد اگر اجداد و جدات متعدد باشند در صورتیکه همه ابی باشند ذکور دوبرابر اناث میبرد واگر همه امی باشند بین آنها بالسویه تقسیم میگردد . اگر جد یا جده ابی و جده امی باهم باشند ثلث ترکه بجد یا جده امی میرسد و در صورت تعدد اجداد امی آن ثلث بین آنها بالسویه تقسیم میشود و دو ثلث دیگر به جد یا جده ابی میرسد و در صورت تعدد حصه ذکور از آن دوبرابر حصه اناث‌خواهد بود .

۹۳۹ ـ درتمام موارد مذکوره دراین مبحث‌و درمبحث قبل‌اگر وارث‌خنثی‌بوده‌است‌و ازجمله‌وراثی‌باشد که ذکورآنهادوبرابر اناث میبرند سهم‌الارث او بطریق ذیل معین میشود: اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم‌الارث یك پسراز طبقه خود واگر علائم اناثیت غلبه‌داشت سهم‌الارث‌یکدختر از جلقه خود را میبرد واگر سهم‌الارث یکدختراز طبقه خود را میبردو اگر هیچیك از علائم غالب نباشد نصف‌مجموع سهم‌الارث یك پسر و یك دختر از طبقه خود رامیبرد .

۹٤۱ ـ سهم‌الارث زوج و زوجه از ترکه یکدیگر بطوریست که در مواد ۹۱۳ و۹۲۸و ۹۳۸ ذکر شده : زن پس از فوت شوهر در صورت داشتن فرزند از همین شوهر ثمن (هشت‌یك)وگرنه ربع میبرد و شوهر پس‌از فوت زن در صورت فرزند داشتن از همین زن ربع وگرنه نصف میبرد .

۹٤۲ـ در صورت تعدد زوجات ربع‌یاثمن ترکه که تعلق بزوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم میشود .

۹٤٦ ـ زوج از تمام‌اموال زوجه ارث میبرد لیکن زوجه از اموال ذیل :

۱ ـ ازاموال منقول از هر قبیل که باشد.
۲ ـ از ابنیه واشجار .

۹٤۷ ـ زوجه‌از قیمت ابنیه واشجار ارث میبردنه از عین‌آن‌ها و طریقه تقویم آنست‌که ابنیه واشجار بافرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم میگردد .

۹٤۹ ـ در صورت نبودن هیچ وارث دیگری بغیراز زوج یا زوجه شوهر تمام‌ترکه زن متوفای خود را میبرد لیکن زن فقط نصیب خود را وبقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث وتابع ماده ۸٦٦خواهد بود .

۸٦٦ ـ در صورت وارث امر ترکه متوفی را بحاکم رجوع میکند خلاصه ترکه جزء خزانه دولت میشود .

«زیبائی زن‌درادبیات پهلوی واوستا»

درکتاب «خسروکواتان‌و ریدگی» ریدگی اززیبائی زن آنچه‌را که دوست داشته برمیشمارد و خسرو آنرا پسندیده و درست میداند :

زن آن بهتر که به منش مرد دوست تر باشد و افزونی را [علاوه برآن] بالایش میانجی [متوسط] برش پهن، پایش کوتاه [مقصود خود پاست نه ساق یا ساق و ران باهم] ومیان باریك وزیرپای‌گشاده، انگشتان‌دراز اندامش نرم و سخت آگنده و به ستان ناخنش‌برفین گونه‌اش انارین چشمش بادامین و لب بسدین ، ابرو طاق دندان سپیدوتر و خوشاب وگیسو سیاه و دراز و به بستر مردان سخن بیشرمانه نگوید»

وصف بانواردویسور اناهیتا ایزدآب‌ازآبان‌یشت، یشت دهم از اوستا نمونه زیبائی مورد پسند زن در ادبیات اوستائی است .

«اردویسور اناهید به کالبد کنیزکی (دوشیزه‌ای) است زیبا ، بسیار اماوند «زورمند» و خوب رسته (خوش‌اندام) کمربالابسته ، راست‌بالام رانمید (باشکوه) چهر (نژاد) آزاده ، بازوان اوزیبا وسپید و به تسهمی (زور) اسب است او میان بندد تا پستانهایش خوش کالبد شود تا او خود پسندیده آید ، پیراهن گرانبهای پرچین زرین در بر برسم دردست ، گوشوار چهارکنار زرین در گوش ، گردن بند در گردن زیبا دارد بر سر پساکی بسته است [پساك بمعنی تاج است] صدستاره زرین هشت ترك چرخ‌وار بادرفشهکهای (نوارهای)زیبا که چنبرکی پیش آمده دارد جامه‌ای از پوست سیصد ببر (سگ آبی) برتن دارد .

فروتر از زنگ (قوزك‌پا) موزه‌ای پیموخته است (پوشیده است) زرین بند و بامی (درخشان)

زن در ایران باستان

بقلم : استاد پورداود

شك نیست که دین هرقومی در امور اجتماعی آن قوم مدخلیت دارد بویژه اگر در روزگاران پیش قومی مورد بحث باشد نفوذ دینی هویداتر است زیرا در پارینه بیشتر از امروزپابند دین بودند . از برای دریافتن چگونگی مقام زن در ایران‌پیش‌از اسلام ناگزیر باید بمزدیسنا که دین رسمی ایران بود متوجه شد و بایدبیاد داشت که این دین در همین سرزمین بوجود آمده وطرز فکر مردم این مرز و بوم و بدستیاری یك میانجی که پیامبر از جانب عالم بالا خوانده شده دستور دینی گردیده است دین در هر سر زمین ودر هر زمانی که بوجود آمده باشد گویای تأثیر آب وهوای آن سرزمین و نمودار مقتضیات آن زمان و طرز فکر مردم آن است . خصایص قوم آریائی ما با نیاگان مادرایران زمین بگواهی نوشته‌هائی که از آنان بنام دستور دینی بجای‌مانده زن موجود پست و خوار بشمار نیامده برخلاف در همه مراحل زندگی بامرد یکسان دانسته شده است .

چه بیهوده است ادعای کسانی که میگویند زنان در پارینه مانند پروگیان امروزه از مزایای زندگی اجتماعی بی‌بهره‌بودند و در پس پرده پنهان شده شخصیتی نداشتند سراسر تاریخ ایران باستان ودین کهنسال آن برخلاف این ادعا است . از تاریخ‌ایران میتوانیم گروهی از زنان نامور را برشمریم که در امور سیاسی کارهای بزرگ دردست داشتند و از نوشته‌های دینی فزون و فراوان از پایه بلند و ارجمند زن یاد گردیده است . بااینکه اوستائی که امروزه دردست داریم چهار یك اوستائی است که نیاگان ما در دست داشتند باز باندازه‌ئی بمطالبی برمیخوریم که همه بخوبی‌گویا است که در دین ایران زن راگرامی و بزرگ میینداشتند چون مجالی که از برای این مقال معین شده کوتاه است بناچار باختصار بعضی از آن مطالب را یادآور میشوم .

شاید چندان بیجا نباشد که برای مقایسه ، داستان آفرینش آدم و حوا را آن چنان که در توراة آمده و کهنترین نامه دینی همه اقوام سامی است یادآور شویم و آن را باآنچه در نوشته‌های دینی ایرانیان مزدیسنا آمده بهم بسنجیم .

در سفر اول توراة در باب دوم و سوم آمده : خداوند (یهوه) آدم را از مشتی خاك بساخت ودر بینی او روان زندگی دمید اینچنین آدم جاندار گردید و خداوند باغی در عدن بیاراست وآدم را در آن بنشاند و خداوند از زمین همه گونه درختان زیبا (بامیوه‌های) خوردنی برویانید ودرخت زندگی (جاودانی) و درخت شناسائی نیك و بد را در میان باغ جای‌داد رودی از عدن بیرون آورد تا باغ ازآن سیرآب شود ... آنگاه خداوند آدم را برگرفت و در باغ عدن فرود آورد تاآنجا را سازد و نگاهداری کند . خداوند بآدم گفت از میوه‌های درختان هرآنچه میخواهی بخور زینهار از درخت شناسائی نیك و بد مخور زیرا هرآن‌روز که ازآن خوردی خواهی‌مرد . خداوند (باخود) گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس از برای او یاری بیافرینم .... آنگاه خداوند خواب گران بر آدم چیره‌کرد او بخفت پس از آن خداوندیکی ازاستخوانهای آدم را برگرفت و جای آنرا باگوشت پرکرد ... ازاین دنده خداوند زنی ساخت و بنزد آدم آورد ....

در میان جانورانی که خداوند بیافرید مار از همه فریفتاتر است این مار بزن (بحوا) گفت آیا خداوند گفته است که از میوه‌های درختان مخورید زن در پاسخ‌گفت از همه میوه‌های‌این درختان میخوریم جز از میوه درختی که درمیان باغ است. خداوندگفت از آن مخورید و بآن دست مزنید تا دچار مرگ نشوید . آنگاه مار بزن گفت شما از میوه این درخت نخواهید مرد . چون خداوند میداند اگر شما ازآن میوه بخورید چشمان شما باز خواهد شد و مانند خودخداوند بهمه نیك وبد آگاه خواهیدگردید این‌است که بشما فرمان داده ازاین میوه مخورید چون زن بآن درخت بنگرید آنرا نغز و زیبا وهوش‌افزار یافت پس میوه از آن چید و بخورد و ازآن میوه بشوهر خود آدم‌داد او نیز بخورد آنگاه چشمان هردو باز گردید و خودرا برهنه دیدند برگهای انجیر را بهم پیوسته و خودرا پوشانیدند .

پس آنگاه درمیان باغ آواز خداوند شنیدند و خود رازیر درختان پنهان کردند .

خداوند بانگ درداد کجا هستی؟ آدم‌گفت آواز تو در باغ شنیدم و بترسیدم چون برهنه بودم خودرا پنهان کردم . آنگاه خداوند گفت بآدم کی بتو گفت که برهنه هستی ؟ آیا ازآن میوه که بتو گفتم مخور خوردی ؟ پس آدم‌گفت زنی‌که یار من‌ساختی ازآن میوه بمن داد و من خوردم .

خداوند بزن گفت چرا چنین کردی ؟ زن‌گفت مار مرا بفریفت و بخوردن واداشت پس از آن خداوند بمار گفت چون تو چنین کردی در میان همه جانوران دشت نفرین شده گشتی تو باید بروی شکم خویش راه بروی ودر زندگی خاك خوری. میان تو و زن دشمنی افکنم همچنین میان تخمه تو و تخمه زن دشمنی افکنم مردم باید ترا بزیر پای خود بسایند و تو پاشنه‌آنان را بگزی . خداوند بزن‌گفت ترابدرد ورنج فراوان‌گرفتار سازم هرآنگاه که آبستن شوی بدرد ورنج فرزند آوری .

و خداوند بآدم گفت چون تو بسخن زن خود گوش فرا دادی و ازآن میوه که ترا ازخوردن باز داشتم خوردی از توست نه کشتزار نفرین شده و توباید بارنج بسیار از آن مایه زندگی خویش بدست آوری از برای تو جز از خار و خاشاك چیزی‌بار نیاورد تو باید از رستنیهای دشت خورش‌سازی و باعرق پیشانی خود باید نان خوری تااینکه دیگر باره خاك‌گردی همان خاکی که تو ازآن آفریده شده‌ای زیرا تو از خاکی و باید خاك‌شوی.

این است باختصار آنچه درباره آفرینش مردوزن در توراة آمده است . نخست اینکه زن یك آفریده عمده و اصلی است از یك پارچه استخوان مرد بوجود آمده و سبب خلقتش این است‌که مرد تنها نباشد دوم اینکه مار زن را خام وسست شناخت که اورا بخوردن میوه بفریفت . سوم اینکه زن مایه بدبختی شوهرش گردید و از بهشت رانده شد و باین گناه باید در هنگام فرزند آوردن سزای خود دریابد دردورنج بکشد چهارم اینکه مردچون حرف‌زن خود شنیدباید در زندگی برنج کشاورزی گرفتارباشد

غرض از یادکردن این چند فقره از توراة همان‌نشان‌دادن طرز فکر سامی و آریائی است درباره زن نه ایرادی بکتاب‌مقدس و شریف و کهنسال بنی‌اسرائیل . آفرینش زن نزد نیاگان‌آریائی ما طور دیگر است آدم را نزد سامیان ازخاك بسرشتند اما در سنت دیرین ایرانیان زن ومرد از گیاه بوجود آمدند یعنی اصل‌وبنیاد ساتی دارند دربن عقیده اقوام اسکاندیناوی نیز باایرانیان‌شرکت دارند سنت ایرانیان در نوشته‌های دینی پهلوی که از دامدات سك‌اوستا در کتاب بندهشن (فصل ۱۵) و چیتیگیهای زادسپرم (فصل ۱۰) بجای مانده این است : کیومرث (گیدمرتن) را اهورامزدا بیافرید او در هنگام سی سال در کوهساران بسر برد در هنگام مرگ از پشت او نطفه‌ای فروچکید و از تابش‌خورشید پاك‌گردید چهل سال در تك خاك بماند پس ازآن بشکل دوساقه ریباس بهم پیچیده در مهرماه و مهرروز (هنگام‌جشن مهرگان) از زمین بروئیدند پس ازآن بصورت آدمی تغییر یافتند درچهره و قامت مانند همدیگر بودند یکی نر بنام مشیه ودیگری ماده بنام مشیانه . پس از پنجاه سال از آنان فرزندانی آمدند . پس ازآنکه اهورامزدا روان را که پیش از پیکر آفریده شده بود بکالبد مشیه و مشیانه بدمید و آنان جاندارگشتند بآنان گفت شما پدرو مادر مردم جهان هستید شما را پاك ورسا بیافریدم با پاکی قانون بکار بندید نیك اندیشید نیك‌گفتار باشید کردار نیك بجای‌آورید دیوان (خدایان دروغین) مپرستید هر دوی آنان نخست چیزی که اندیشیدند این بود هریك از ما باید خشنودی و دلگرمی و دوستی دیگری را فراهم آوریم . پس آنگاه هردو خرامیدن‌آغاز کردند. نخستین کاری که کردند خودرا شستند و نخستین‌سخنی که بزبان راندند این بود اهورامزدا است یگانه آفریدگار آب و خاك و گیاهان و جانداران و ستارگان و ماه و خورشید و همه آبادانی وهرآن چیزی که از بنیاد راستی است

ازاین آغاز آفرینش زن ومرد بگذریم زن در سراسراوستا و نوشته‌های دینی پهلوی وپازند مقام بسیار ارجمندی دارد ودر

پایه کمتر از مرد دانسته نشده است .

چنانکه میدانیم در آئین مزدیسنا گروهی از مهین‌فرشتگان را امشاسپندان خوانند از این گروه ششگانه سه تن چون بهمن‌و اردیبهشت و شهریور نرینه دانسته شده و سه تن دیگر را چون خرداد و امرداد و سپندارمذ مادینه دانسته‌اند .

خرداد نماینده رسائی و امرداد نمونه جاودانی اهورامزدا است بویژه سپندارمذ که در اوستا سپنتاآرمیتی خوانده شده در عالم معنوی نماینده نرمخوئی و بردباری اهورامزدا است و در جهان خاکی نگهداری زمین بااو است .

سپندارمذ که جشن او بنام سپندارمذگان در پنجم اسفندماه گرفته میشد مادر میهن است و چون او نگهبان زمین بردبار و بارور ما است اورا دختر اهورا خوانده‌اند هرآنك زمین آبادان کند و آن را ازکشت ورز شادوخرم سازدمایه خشنودی‌سپندارمذ و پدر آسمانی اهورامزدا است .

دیگر از فرشتگان مادینه ایزد نگهبان آب است که در اوستا آناهیتا خوانده شده ودر فارسی ناهید گوئیم . در سراسر ایران زمین بزرگ و خاکهای همسایه چنانکه در ارمنستان و آسیای صغیر پرستشگاهان بزرگ و باشکوه آناهیتا برپا بود .

دیگر از فرشتگان مزدیسنا که مؤنث دانسته شده اشی‌است‌که در فارسی ارت شده اشی فرشته توانگری و بخشایش است.

بنا بمندرجات کتاب پهلوی دینکرد زن حق مالکیت دارد و میتواند دارائی خودرا اداره کند زن میتواند قیم و نگهدار پسری باشد که پدر اورا از حق ارث محروم ساخته زن میتواند از سوی شوهر خود داخل محاکمه شده و بنام شوهر خود امور را اداره کند زن میتواند از شوهر ستمکار و بدرفتار به دادستان شکایت کند و تأدیب (سزای) اورا بخواهد شوهر حق نـدارد بدون اجازه زنش دختر خودرا بشوی بدهد در دادستان گواهی او پذیرفته است زن میتواند بمقام دادوری رسد و قضاوت کند زن میتواند در برخی از مواقع بجـای موبدان مراسم دینـی بجای آورد .

زن در قانون مدنی ایران ــ بیشك دردین بنیادهمه قوانین بود .

کتاب ماتیکان هزار داستان که از روزگار ساسانی است وگویا از برای نمونه برخی از قوانین آن درباره زن‌یادمیگردد: دختر از پانزده سالگی ببعد میتواند شوی‌کند پسر ودختر هرده تا پنج سالگی بنگهبانی و پرستاری کدبانوی خانه سپرده میشوند پس از پایان سال پنجم تعلیم و تربیت آنان آغاز میگردد اگـر دختری درحیات پدر شوهر برگزیند پدر باید ازدارائی خودآن مقداری که حق ارث اوست بدو واگذار کند مهریه دختر باید باندازهٔ باشدکه درصورت طلاق بتواند باآن زندگی کند پدر یا قیم و وصی مکلف هستند از برای دختر شوهر خوب برگزینند اما دختر مجبور نیست هر شوهری راکـه پدر یا قیم ویا وصی برگزیدند بااو ازدواج کند حق دارد او را رد کند پدر بایدبمیل دختر رفتار کند حق ندارد اورا باینچنین ازدواجی ناچار سازد و او را از ارث محروم‌کند یا تنبیه دیگری در حق او روا دارد همچنین در این صورت پدر حق ندارد وجهی که به دختر بعنوان پول جیبی میداد ازاو باز دارد و آنچه بایستی بعنوان جهیزی‌باو بدهد باز مکلف است بدادن آن هر وقت دختر کسی را پسندید و بااو ازدواج کرد پدر بایـد تمام تکالیف خـودرا نسبت باو بجای آورد .

در فروردین یشت‌که از فرورد پاکـان و نیکان یاد شده پس از یاد کردن فروردگروهی از مردان فروردهای شانزده‌تن از زنان و یازده تن از دختران یاد گردیده است . در میان این دختران یکی هوچتهرا خوبچهر ودیگری هورذا خورشید سار (نامهای شاعرانه ؟)

در میان یاران سوشیانت پانزده تن مرد و پانزده تن زن هستند زن ومرد هردو باید این بند را داشته باشند .

زنان ایران پرده نداشتند پیکرهای آناهیتا درهمه‌جا بود .

سکه‌های پوراندخت و آذرمیدخت ــ خشایار بگفته توراة خواست که ملکه بمجلس ضیافت وی درآیـد ــ بگفته هرودت داریوش از برای زنش که دختر کورش بود و اورا اززنان‌دیگر بیشتر دوست داشت تندیس (مجسمه) از زر ساخت .

یکی از زنان پادشاه هخامنشی که هروقت بیرون میآمدمایه شادمانی مردم شهر بود .

بطورکلی باید گفت که زن درایران باستان وکیش‌زرتشت مقامی بس ارجمند دارا بوده است و ایرانیان قدیم زن را بسیار عزیز داشته ودر بزرگداشت او میکوشیده‌اند . و برای اوحقوق و مزایای فراوان قائل بوده‌اند که متاسفانه این مقاله را مجالی برای گفتگوی بیشتر ازآن نیست .

مهرگان در ایران باستان شش‌روز طول‌میکشید از مهرروز یعنی شانزدهم تارام‌روز یعنی بیست ویکم مهرماه . بسیاربجاست که در اینجا از آناهیتا الهه مقدسی‌که برایش در سراسر ایـران و ممالك همجوار پرستشگاههائی برپا شده بود ودر همه‌جا پیکره های سیمین و زرین و مرمرین ازآن برافراشته بودند یاد گردد.

آناهیتا فرشته نگهبان آب‌یك ایزد مادینه دانسته شده و از این پیداست که تا بچه‌اندازه درکشورهای باستانی قدر و ارزش داشته و گرامی وارجمند بوده است .

بجاست که زنان ایران همچون نیاگان خودکه جشنی‌برای آناهیتا برپا میداشتند این روز را بنام جشن زنان ایران‌برگزینند ودر سراسر کشور بیاد این ایزد بزرگ جشن گیرند ــ یك دو سال پیش روز پنج اسفند راکه در ایران باستان جشن زنان بود بعنوان جشن مراسم پرستاران برگزیدند. در ایران باستان روز پنج اسفند جشن زنان ایران بود وسپندارمذ یااسفندگشت خوانده میشد . سپندارمذ نگهبان زمین و مادرزمین است . پیشنهادمیکنیم که روز ۱۰ آبان از ماه آبان که جشن خجسته آبانگان است و روز الهه آب یعنی آناهیتا بشمار میرود جشن زنان ایران خوانده شود تا جنبش بانوان ایران اززنگ وبوی مینوی ملی‌برکنارنباشد باید اینجا گردو غبار ماتم‌که بر چهره زیبای جوانان ما نشسته زدوده شود .

ناهید در اوستا اردونیسورا آناهیتا خوانده شده است‌یعنی بالنده توانای بی‌آلایش که یکی از دلکش‌ترین سرودهای اوستا در ستایش او سروده شده است . درسنگ نوشته‌های پادشاهـان هخامنشی چندین بار از متیرا یاد گردیده است .

اردشیر دوم هخامنشی در سنگ نوشته‌ای در تخت جمشید میگوید «بخواست اهورامزدا این‌کاخ راکه آسایشگاهی است من ساختـم . اهورامزدا و آناهیتا و میترا مـرا بـآنچه کـه من ساختم از همه بدمنش‌ها نگهداری‌کند» . باز همین شاهنشاه در سنگ نوشته‌ای در شوش میگوید «این کاخ را داریوش ازنیاگان من ساخت . در روزگار اردشیر پدر بزرگم آتش آنرا ویران کرد . من بخواست اهورامزدا آناهیتا ومیترا آنرادگربارساختم. بکند اهورامزدا آناهیتا ومیترا مرا نگهدارند و آنچه را من ساختم تباه نسازند »

چنانکه دیده میشود آناهیتاکه ایزد مادینه‌ای دانسته شده است در ردیف اهورامزدا و میترا ازاو پشتیبانی خواسته شده‌است

و این خود میرساند که نیاکان ما زنان را گرامی و ارجمند میداشتند ــ در آبان یشت‌که یکی از قطعات بسیار شاعرانه اوستا ست از آناهیتا فرشته آب چنین تعریف شده: **«اوست زنی جوان وخوش‌اندام و بلندبالا و زیبا چهره ، آزاده و نیکوسرشت . با بازوان سفید و ستبر . کمربند زرین‌تنگ بمیان بسته ــ درگردونه خود نشسته ــ لگام چهار اسب سفید گردونه بدست گرفته ــ اسبهای گردونه وی از باد و ابر و باران و ژاله است ــ تاجی همانند چرخی که برآن صدگوهر درخشان درنشانده‌برسردارد . و ازآن نوارهای پر چین فروهشته طوق زرین بگردن انداخته و گوشواره‌های چهارگوشه بگوش آویخته ــ کفشهای درخشان خودرا با بندهای زرین استوار کرده ــ جامه‌ای از پوست خز که مانند سیم‌وزر میدرخشد دربر کرده و بلندترین پایگاه آسمان آرامگاه اوست .**

کنیزی سیــه چشم پاکیزه روی — گل‌اندام شکر لب ومشک‌بوی
بتی چــون بهشتی بر آراسته — فریبی بصـد آرزو خواستــه
خرامنــده ماهی چوسروبلنـد — مسلسل‌دوگیسوچومشگل‌کمند»

در کتابی درجائیکه از شرافت زنان یــاد میشود . درباره شرافت زنان ایرانی چنین گوید :

کوروش پارسیان را بجنگ «استیاژ» آخرین پادشاه ماد برانگیخت و جنگجویان وی در یك میــدان شکست خورده و روی برتافتند و خواستند بشهر برگردند و چیزی نمانده بودکه دشمنان از پی آنها بشهردرآیند. اما زنان پارسی از شهر بیرون آمده راه فراریان را بستند و بآنان گفتند :

ای مردان بی‌غیرت وترسو کجا میروید ؟ شما نمیتوانید دگرباره در دلهای ما درآئید .

از این سخنان ، پارسیان شرمنــده شده و بمیدان کارزار برگشتند بدشمن شکست‌داده‌پیروزمند درآمدند. ازاین‌روکوروش قانونی گذارد که هرگاه پادشاهی از آنشهر بگذرد بهریك‌اززنان آن شهر سکه‌ای داده شود . میگویند اردشیر سوم‌که از پادشاهان تنگدست بود هرآنگاه که بایستی ازآن شهر بگذرد راه خود را کج میکرد و از کنار شهر میگذشت تا مجبور نباشد بهریك از زنان آنشهر سکه‌ای بخشد . اسکندر دوباره از آن شهر گذشت و بهریك از زنان آبستن آنشهر دوسکه زر **بخشید .**

داستان دیگر داستانی است که در توراة آمده است . **گرچه** این داستانی بیش نیست ولی گاهی اوقات داستان ارزش‌ازتاریخ واقعی نیز بیشتر است .

داستان چنین است که استرن یا «اشتار» که بگفته توراة همان خشایارشاه است درشوش‌که یکی ازچهار پایتخت‌هخامنشیان بود جشن بزرگی آراست و از سراسر امپراطوری ایران بزرگان و سران را بدعوت خواند خواست که جلال وعظمت‌امپراطوری را بآنان بنمایاند و این جشن چندین روز طول کشید همانطورهم ملکه ایران «وشتی» که زن خشایارشاه بوده است نیز جداگانــه بانوان ایران را بکاخ خود پذیرفته بود ومخصوصا در این بخش از توراة وصف شده است که چگونه کاخ شاهنشاهی در شوش زینت شده بود . باپارچه‌های ابریشمی‌رنگ‌رنگ و مخملهــای رنگارنگ و تزئین‌های دیگر و پیاله‌های سیمین وزرین که‌هریك بشکل مخصوصی بساقیان سپرده شده بود تا هرکس هرچه خواست باو بدهد و خودداری نکنند . در روز سوم‌که سر شاه بمیهمانان گرم شده بود شاه یکی از خواجه سرایان را نزد ملکه فرستادکه با زیور شاهی بمجلس درآید و مخصوصا میخواست که زیبائی ملکه را بمیهمانان و بزرگان ایران نشان دهد«وشتی» نپذیرفت ــ فرمان نبرد و این خود گرچه داستان است ولی بسیار زیباست ازاینکه ملکه ایران خواست بمجلسی درآید تا زیبائی وزیورخود را نشان دهد . وقتی که پیك بدون «وشتی» برگشت شاه‌برآشفت و از داوران (که همیشه با شاه بودند) داوری خواست یکی‌از داوران‌گفت‌که اگر این‌خبرفردا منتشر شود ورفته‌رفته بسراسر کشورهای پهناور امپراطوری برسد . خواهنــد گفت ملکه از شوهرش فرمان نبرد و بعدها نیز زنــان دیگر از شوهران خود اطاعت نخواهند کرد و چنین چاره جستندکه اعلام کنند دیگر «وشتی» ملکه ایران نیست . ازاین‌رو اعلام‌کردندبرای برگزیدن ملکه دختران زیبا بشوش درآیند . اتفاقا در همان وقت ایستر «ایشتار» با پسرعمــویش «مارلوخای» ــ که از جمله اسیران یهودی بودند که بوخدنصر از اورشلیم ببابل آورده بود و سپس متفرق شده بودند و بشوش رسیده بودند ــ جزء دخترانی‌بودکه باید اتفاقا «ایشتار» پسندیده شد و ملکه ایران گشت.

لطف داستان در شکوه کاخ شاهنشاهی و مهمتر از همــه شرافت «وشتی» آنست‌که تن بهرزگی نداد گرچه پرده‌ای درکار نبود ولی وقار و سنگینی «وشتی» مانع شد که در مجلس عیش همگانی درآید تا اورا تحسین کنند.

از دوران خیلی قدیم که بگذریم در سراسر دوران تاریخی بجاهائی برمیخوریم که می‌بینیم‌زن‌درایران باستان مقام‌ارجمندی داشته است بخصوص‌که دین ایرانیان «مزدیسنا» یا دین زردشتی مقامی همچون مقام مرد برای زنان قائل گردیده است وبهیچوجه بمردان امتیازی داده نشده است ــ بلکه در برخی از مواردبزنان بیشتر توجه گردیده است لابد همه ما میدانیم که اینگونه‌قوانین یعنی قوانین اجتماعی همه از دین قومی سرچشمه میگیرد . مثلا اگر در قوانین دینی امری مذموم شمرده شود قهرا دین داران موثر واقع میگردد بهمین ملاحظه است که سرچشمه احتراماتی که ایرانیان از برای زنان خود قائل بودند در دین نیاکان مــا بوده است .

درمیان شش فرشته بزرگ‌که‌آنها را«امشاسپندان»میگویند یعنی بی‌مرگان جاودانی سه تن مــرد وسه تن دیگر زن هستند «بهمن» اردیبهشت وشهریور این سه تن مرداند در مقابل اینها امرتاد یا امرداد (بی‌مرگی) هورواتاد (رسائی) و سپندارمذ ــ زن دانسته شده‌اند . باید متذکر شدکه سپندارمذ یا اسفندماه دختر اهورامزدا خوانده شده‌است ــ ماچنانکه میدانیم اهورامزدا مانند «زئوس» یونانیان یا اینکه مانند «ژوپیتر» لاتن زن و فرزند و خویشاوندانی در کار نداشته است ــ اهورا خدای یگانه‌بی‌همتائی بوده اما علت اینکه اسپندارمزد دختر او دانسته شده‌است برای آنست که نگهبانی زمین باو سپرده شده‌بود .خواستند بااین‌تعریف مردم را بآبادانی و کشتکاری راغب‌کنند و موثر هم افتاد زیــرا بااینکه ایران سرزمینی تفتیده و خشك بوده چنانکه امروز هست. ولی زور بازوی دین‌داران از برای خوشنودی دختر اهورا و رضایت پدر آسمانی همه جای ایران سبز وخرم و آبادان بود.

یکی دیگر از ایزدان زن فرشته ثروت (اشیر) است کــه در اوستا یك مقام بسیاربسیار ارجمندی دارد .

دیگر از فرشته‌های زن فرشته دانش است که بنام«چیستی» خوانده شده است .

بهرجای دین «مزدیسنا» یعنی دین نیاکان خود بپردازیم می‌بینیم که از برای زنان مقامی بسیار ارجمند قائل شده‌انــد همینطور در سراسر تاریخ ایران زن‌گرامی بوده است .

وهمچنین در روزی که بعقیده نیاکان ما روز موعود و روز رستاخیز است .

وقتی که این موعود که «سوشیانت» خوانده شده است از

دل دریاچه هامون در سیستان از بغل کوه خواجه ظهور میکند (همانند این عقیده در نزد شیعیان) از هرگوشه ایران زمیـن دین‌داران و پاکان باو می‌پیوندند که تعداد آنان سی نفر دانسته شده است . از آنها نیمی مرد و نیمی دیگر زن هستند . این‌چنین در روز پسین یعنی روز رستاخیز که آغاز زندگی مینوی است بازهم پای زن درکارست همچنین در نزد نیاکان ما هرگاه‌موبدی در کار نبود که مراسم دین را بکار بنـدد یك‌زن میتوانست‌آن مراسم را بجای بیاورد گذشته از آنکه در محکمه‌گواهی زن‌نیز پذیرفته میشد که پس از عربهادگرگونه شدچرخ گردون بچهرـ همه‌چیز برگشت ورنگ وبوی دیگرگرفت هرچقدر خواسته‌باشیم که بتاریخ وزین ایران بپردازیم‌باین‌گونه مسائل‌فزون‌برمیخوریم.

برای آنکه یك قدری عملی‌تر سخن‌راادامه دهیم‌خوشبختانه یك کتاب پر ارزش از اواخر ساسانیان‌بجای‌مانده وآن«ماتیکان هزاردستان» است . البته این هـزار بمعنی مجـازی است یعنی فراوان و فزون باحتمال قوی باید از روزگار خسروپرویزباشد برای اینکه دراین کتاب ازگروهی پادشاهان ساسانی نام برده شده است .

این کتاب همانطور کـه از نامش پیداست ماتیکان هزار دادستان قانون مدنی ایران است . نویسنده دانشمند این کتـاب فرخ و هرامان همزمان خسروپرویـز بوده . در این کتاب در موارد مختلف از آراء ۵۹ تن از حقوقدانان آنروز یاد شده است.

و این خود برای پاسخ گفتن به ادعاهای عده‌ای که ما را فاقد همه چیز میدانند بهترین‌گواه است و میرساند که در دوره خسروپرویز اینهمه حقوق‌دان وجود داشته که رای آنها دراین کتاب آورده شده است . و بعلاوه ۹ تا ۱۰ کتاب هم جزو اسناد یاد شده است . موضوع دیگری‌کهدر این کتاب ذکر شده آنست که در آن دوره از تعلیم و تربیت بی‌نصیب نبوده‌اند .

نویسنده این‌کتاب فرخ و هرامان گوید و هراز بمن‌گفت که از رادمردی شنید . او گفت روزی که بدادگاه میرفتم درراه به پنج زن برخوردم یکی از آنان بمن‌گفت لطفا این‌مسئله قضائی را حل‌کن پاسخ خودرا بیان کردم اما ایرادی گرفت آنرا نیز بیان کردم باردیگر ایراد گرفت ودر پاسخ فروماندم . یکی‌ازآن زنان‌گفت ای استاد بیش ازاین خود را میازار و بگو من نمیدانم گذشته از این مسئله را همـدرس من حل کرده برو بکتاب آن مراجعه کن .

اینگونه اخبار برای ما ایرانیان کمال ارزش را دارد که می‌بینیم زنان ما دراین روزگاران ازحقوق وقانون هم‌سررشته‌ای داشتند . برخی از فصول کتاب ماتیکان هزار دادستان مربوط بزنان است مثلا اینکه :

دختر پس از ۱۵ سالگی میتواند ازدواج کند. پدر یاقیم دختر مکلف است برای دختر شوی (شوهر) خوب برگزیند. اما آن دختر ناچار نیست هرکسی را که از برای او برگزیدنـد اختیارکند . حق‌دارد اورا ردکند.پدر باید دراین‌موردبمیل‌دختر رفتار کند . حق‌ندارد اورا بازدواج ناچار سازد و اورا ازارث بی‌بهره سازد یا تنبیه دیگری درباره او روا دارد .

همچنین در این مورد پدر حق ندارد وجهی راکه‌بدخترش بعنوان پول توجیبی میداد ازاو دریغ کند و آنچه‌که بایستـی بعنوان جهیزیه باو بدهد هروقت دخترکسی را پسندید و با او ازدواج کرد پدر باید تکلیف خودرا نسبت باو بجای آورد.وقتی که دختر بسن بلوغ رسید پدر مکلف است اورا بشوهر دهـد .

لئامت یا سبب دیگر مثلا اینکه نخواسته باشد بواسطه ازدواج از خدمت دختر خود محروم گردد ازاو سلب تکلیف نمیکند . اگر باز بمندرجات ماتیکان هزار دادستان نظر کنیم می‌بینیم پسرو دختر هردو تا ۵ سالگی بکدبانوی خانه سپرده میشوند پس از پایان سال پنجم آغاز آموزش و پرورش آنان است . اگردختری در هنگام زندگی پدر بشوهر رفت پـدر باید از دارائی‌خود مقداری‌که حق ارث او است بدو واگذار کند. مهریه دختر باید باندازه‌ای باشد که درصورت طلاق بتواند باآن زندگی کند . ما باین‌گونه قوانین در ماتیکان هزار دادستان زیاد برمیخوریم . و اگر این را باوضع روزگار زنان امروز بسنجیم مثل اینستکه درگذشته بیشتر رعایت حال زنان میشد . مسئله‌ای‌که بایدبآن‌توجه کرد مخصوصا امروزه که عده‌ای از زنان به مجلس شورای ملی وسنا راه یافته‌اند و باید آنرا ازبین ببرند موضوع صیغه‌است که از فجایع روزگار است و متاسفانه در لباس قانون مقدس دینی رواج یافته . باید این ننگ را از تاریخ کهنسال خود بشوئیم . در خاتمه یکی از سرودهای گات‌ها را بیاد میآورم .

گات‌ها سرودهائیست که محققا از دهان زرتشت بیـرون آمده است و قدمت این سرودها اقـلا ۱۱۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است . دراین سرود زرتشت بیکی از دخترانش خطـاب میکند .

(در سنت به این پیغمبر ایـران سه پسر و سه دختر نسبت داده شده است)

یکی‌از این دخترها بنام «فیرین» دیگری فریتی و سومی پئروچیستا جوانترین دختر زرتشت بود .

در این سرود زرتشت بطور صریح خطاب بدخترش‌میگوید تو ای پوروچیستا از خاندان هیچستاسب و از دودمان سپتنمان ای جوانترین دختر زرتشت من از برای تو جاماسب را بشوهری برگزیدم که جاماسب وزیرگی گشتاسب بود وپشتیبان‌دین‌زرتشت بود . اما تو برو بادل خود مشورت‌کن آنچه که خواست‌آهورا است آنرا بجای آور .

زن در آثار باستانی ایران



از : ملکزاده بیانی

آنچه تا بحال درباره وضع زندگی مردم اولیه سرزمین خود میدانیم. یا با مطالعه آثاری است که ازآن ها بجای مانده است و یا بوسیله تحقیقات منظم و بلاانقطاعی است که در طی دو قرن اخیر بخصوص درقرنی که زندگی میکنیم انجام گرفته است . پیشرفت هائی که در علوم مختلف صورت گرفته مانند خواندن نوشته کتیبه‌ها وگشودن رمز آن‌ها از دوره سومر و مصر تا خطوط آرامی و بابلی وآشوری وعیلامی وپارسی باستان وپهلوی ور شته‌های منشعب ازآنها بالاخص تجزیه کربن ١٤ که بزرگترین اختراع برای تشخیص صحیح وبدون تردید دوران های مختلف گذشته میباشد و بالاخره مساعی خستگی‌ناپذیر علمای باستانشناسی وزیست شناسی (Anthropologistes) و حیوان شناسی (Zoologistes) وزمین‌شناسی (Geologistes) که برای‌بررسی کامل باوضاع گذشته ما در نقاط‌مختلف سرزمین ایران چه کوهستانی و چه جلگه وکویر بحفاری‌های علمی دست زدند موفق شدند که بطرز دقیق وضع مردم سرزمین ما را ازهرلحاظ مجسم نمایند. دردوران پیش از تاریخ و عهد حجر یعنی دوره‌ای که مردم درغار زندگی میکردند برای سد جوع مجبوربودند شکار کنند و برای آن ابزار سنگی مانند تبر و تیشه و Silex تراشیده شده و ابزار وآلاتی ماننددرفش و سوزن ازاستخوان حیوانات تهیه نمایند و در دوره آخر زندگی درغار ظروف گلی که جنبه هنری‌آن‌بسیارناچیز

موزائیک ـ کاخ شاهپور اول (نیمه‌قرن سوم ق.م)

استساخته‌اند.

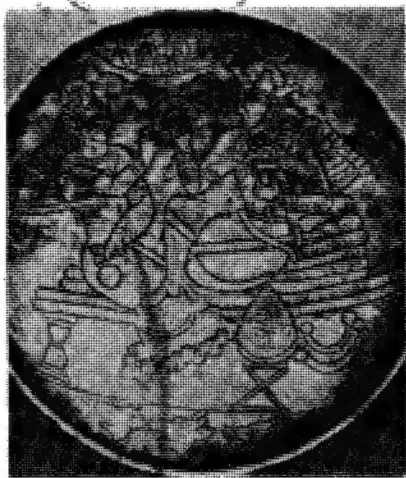
آخرین دوره حجر یعنی دوره (Neolitique) را که ابزار وآلات مورد نیاز مردم منظم تر وصاف‌تر و تا حدی صیقلی تر شده است میتوان در حدود شش هزار سال قبل ازمیلاد دانست . در این دوره زن نقش مهمی داشته و با خاصیت اخلاقی خود که عطوفت و مهر ورزی و صفای باطن است توانسته است وجود موثری باشد وبطور قطع سازنده ظروف گلی بوده و حفاظت آتش که کار بسیارمهم آن زمان بوده‌بعهده وی بوده است.

زن در امور زراعت دست داشته و شاید همین قدرت او در کار های عمده زندگی بدوی و تاثیر آن درجامعه ابتدائی او را صاحب نفوذ وقدرتی وحتی برتر از مرد نموده است که آن را وضع (Luatriarcat) میگویند ، اوست که در خانواده کلیه کارها را سرپرستی و رسیدگی میکند و چون زن وسیله ایجاد نسل وازبین نرفتن خانواده بوده بحکم ضرورت به مقام بالاتر رسید وکم کم صورت روحانی و مقام الهیت بخود گرفته است.

آقای پارو (Parrot) که یکی از باستانشناسان معروف است وریاست قسمت آثار قدیم ایران وبین‌النهرین را درموزه لوور پاریس بعهده دارد براین عقیده است که فقط نزد ساکنان اصلی فلات ایران مقام زن بآن حد بلند بوده است بعد ها آریائی ها آن را کسب کرده و جزو سنت آن ها آمده‌است. (۱)

۱ـ مذهب پرستش ما درچندهزار سال بعد ازاین دوران شاید در حدود دوهزار سال قبل از میلاد نزد اهالی Egée رواج داشت وروی نقاشیهای آن دوره رب‌النوع مادر درپای درخت مقدس نشسته و تقدیمی ها را قبول میکند.

همین طور در جزیره قبرس آزادی زن بسیار بود حتی درمسابقه ارابه رانی شرکت مینمود. پلوتارک‌مورخ معروف درباره مردم این سرزمین ها میگوید نباید گفت وطن بلکه باید گفت مادر.



هنر ساسانیان

در شرایط زندگی مردم در عهد سکونت در دشت ، یعنی خشك شدن بسیاری از مناطق وتولید مراتع وچمنزارها موجب تغییراتی گردید ودروضع آنها پیشرفتی حاصل شد .

در این دوران که در حدود هزارهٔ پنجم ق.م است تمدن بخصوصی مشاهده میشود که علل و جهات مختلف موجب آن بوده از آن جمله : وضع طبیعی زمین و آب وهوا وازهمه مهمتر ارتباط و تماس اقوام مختلف با یکدیگر بعلاوه هجوم ملل همسایه ومهاجرتها.

در فلات ایران قدیمترین محل سکونت مردم در دشت بطور قطع و یقین در ناحیه سیلك کاشان بوده است. در این دوره تشکیل خانواده و ارتباط آنها با یکدیگر اثر زیادی درپیشرفت کلیه امور چه اقتصادی مانند صید و شکار و باغداری وکشت وزرع و اهلی کردن حیوانات و گله داری و چه بهره برداری از منابع زیر زمینی مانند کشف مس وبکار بردن ابزار مسی (البته بدون شناسائی ذوب کردن آن) و سپس مبادله ومعاوضه و بالنتیجه توسعه تجارت داشته است . بابدست آمدن تعداد زیادی حلقه های دوك نخ ریسی که از گل پخته است میرساند که زنان دراین دوره به‌کار نساجی میپرداختند. با پیدایش مقدار زیادی آلات زینت ازقبیل گردن بند که از مهره‌های مختلف‌تشکیل شده وانگشتری‌ودستبندکه ازصدف یاگل و یا سنگ بوده و بدست آمدن هاون کوچکی در سیلك کاشان که برای سائیدن مواد آرایش بکار میرفته است میرساند که حس زیبائی شناسی درنزد زنان نه تنها درزمان ما بلکه ازابتدای خلقت تا بامروز بسیار قوی بوده آنانرا خواهی نخواهی برای زیبائی کاملتری بطرف لوازم آرایش میکشانیده است.

در حدود چهار هزار سال قبل از میلاد که مرحله اولین خانه سازی وبکار بردن خشت است ذوق بیشتری در تزئین داخل خانه و ظروف و نقش‌ونگار آن با رنگ قهوه‌ای مایل بسیاه وقرمز وطرح حیوانات مانندبز کوهی‌وپرندگان وغیره بکار رفته است و دراین امر مهم و پیشرفت تمدن دست زن درکار است چنانچه کنده کاریهای سیلندرها ومهرهای این دوره نشان میدهد زن بکار کوزه‌گری‌وریسندگی و بافندگی مشغول است.

البته در طول تاریخ و قبل ازآن همیشه امور تهیه غذا وبچه‌داری جزو وظایف حتمی زنان بوده است.

در این دوره هزارهٔ چهارم نه تنها زن بامور مهمی پرداخته و با فعالیت کامل از صبح تا شام خود را وقف‌آسایش خانواده مینمود بلکه جنبه تفریحی و نشاط محیط زندگی را از یاد نبرده وبه رقص‌که میتوان آن را یکنوع هنر ودرضمن یکنوع عبادت مقدس دانست که دررفع خستگی موثراست میپرداخت.

البته گاهی رقص دسته جمعی انجام میگرفت و مردان همراه زنان‌بودندولی چون رقص جنبه مذهبی داشت وزن‌مقام روحانیت را عهده دار بود لذا رقص زنان دلپذیر تر و نقوش فراوانی از انواع مختلف رقص ، بجای مانده وبدست مارسیده است . مثلا قطعات مختلف از ظروف گلی از سیلك کاشان بدست‌آمده که چند زن را در حال رقص نشان میدهد . در این نقوش حرکت زنان بسیار زیباست و میرساندکه با آهنگ مخصوصی‌که آن‌را درك واحساس‌میکنند قدم برمیدارند. درروی بعضی ازاین نقوش زنان در ضمن حرکت موزونی دستهای یکدیگر را گرفته‌اند ، برروی بعضی از این ظروف در ضمن‌طرح‌تصویر نقش ستاره یا خورشید نیز قرار دارد و قطعا این نقوش علامتی است ازاینکه این رقص بعنوان پرستش خدای روشنی میباشد و در نقاط دیگر ایران مانند فارس یعنی در تپه های ماقبل تاریخ تخت جمشید و یا تل وارسنجان وحتی در نزدیکی تهران درشهرری‌درحفاریهای چشمه‌علی آثاری ازمجلس رقص عبادات مختلف بدست آمده است. در این موارد زنان لباس‌هائی بسیار قشنگ بتن دارند و موهای آن ها آرایش خاصی شده و گاهی مانند این است‌که بطرز بسیار جالبی دستمال بسربسته‌اند.

گاهی حرکات موزون این نقوش نظیر رقصهای محلی است‌که هنوز در قسمت جنوب ومرکز ایران متداول است



ظرف آبخوری از دوره ساسانیان
(پنجم و ششم ق . م)

مجسمه مفرغی کوچکی که از نهاوند بدست آمده زنی را در حال رقص نشان میدهدکه دستمالی را با حرکت بسیار پرلطفی بحرکت درآورده و ازهمه‌مهمتر لوحه سنگی است که از حفاری شوش بدست آمده (موزه لور پاریس) ومجلس بزمی است‌که دو نفر از بزرگان نشسته‌اند ودورقاصه درحال رقصند وساقی مجلس جام باده را بیکی از رقاصه ها می‌دهد.

درنظر مردم ایران قدیم زن مظهر حیات و آفرینش بوده است و بدین مناسبت مجسمه‌های زیادی ازاین مظهر آفرینش و بقاء که در طول دوران مظهر فراوانی و باروری وگاهی قهر وغضب نیزبوده و در نقاط مختلف‌از تپه های ماقبل ازتاریخ بدست آمده است . این بت‌ها‌که بصورت مجسمه زن یا ازگل پخته و یا برنزی است خاطره الهه مادر را که مورد ستایش و احترام و آتش نسبت بعالم وجود مظهر باروری نعمت میباشد نشان میدهد.

در لرستان در دوره دو هزار قبل ازمیلاد خدای بزرگ فراوانی هیچوقت بدون خدای زن دیده نمیشود برروی سنجاق برنزی‌که از سرخ لرستان بدست آمده است تصویر زنی در حال رقص دیده میشود این زن یك رقص مذهبی را اجرا میکند وخود جزو روحانیون و قطعا خادم الهه بزرگ آناهیتاست‌که در لباس نازك چین دار بلند وکلاه زیبای خود بسیار برازنده‌است.

آناهیتا حامی چشمه سارها والهه زراعت و نعمت و فراوانی است . این الهه بزرگ‌حتی دردوره سلوکیها ونفوذ یونانی ها قدرت خود را ازدست نداد. وسلوکیها در معابد خود او را بصورت آرتمیتس پذیرفتند.

هنوز اثر معبد اشکانی درکنگاور کرمانشاهان که آرتمیتس وآناهیتاست بجای مانده است.

براثر ارتباط اقوام وحمله‌وتاخت و تاز آن ها بیکدیگر بسیاری ازافکار و عقاید ملت‌ها در هم آمیخت مثلا در بین‌النهرین وسومر قدیم و در عیلام و بعد بابل وآشور ونزد اقوام مختلف ایرانی کاسی ولولوبی وگوتی در حدود دوهزار سال یعنی از هزاره سوم قبل از میلاد تا هزاره اول‌که تصادم‌و ارتباط دائم بین‌این مردم وکشمکش‌ها وسقوط حکومت‌ها درکار است هنرو فرهنگ و آداب و عادات در یکدیگر تاثیر فراوان نمودند باز دراین غوغا و جدال دائمی که بین مردم سومرو سامی و همسایه های ایرانی آن هاست زن تفوق و قدرت معنوی خود را حفظ کرده است بزرگترین مدرك ما نقش برجسته تخته سنگ سرپل ذهاب کرمانشاه است‌که پادشاه لولوبی (آنوبانی‌نی) را باریش بلند و جامه‌کوتاه کمانی دردست نشان میدهدکه پای بردشمنی که روی زمین افتاده نهاده ودربرابر او ربةالنوع نی‌لی که کلاه بلند زیبا ولباس شرایه‌دار برتن دارد ایستاده و یکدست بسوی شاه دراز کرده و حلقه قدرت را باومیدهد و دردست دیگر طنابی را که باآن دو اسیر در پشت و ۶ اسیر درزیرپابسته شده گرفته است.

در این نقش بسیار زیبا عظمت زن کاملا هویدا و بارز است و قدرت مافوق الطبیعه اوشاه را تحت تاثیر قرار داده است این نقش برجسته زیبا بعد از این مورد تقلید بسیار ی‌از سلاطین وشاهنشاهان قرارگرفت.

وباز درمجسمه معروف ملکه مقتدر Napiraz زن اونتاشگال پادشاه عیلام که مربوط به ۵۰۰ ق‌م است مجسمه از برنز وبسیار سنگین وزن و طول آن در حدود ۱٫۳۰ متر است هنرمند تمام قدرت خلاقه خود را برای قدرت بخشیدن بهیکل زن زیبا در ایجاد این شاهکار هنری بکاربرده‌است.

در نیمه هزاره دوم قبل ازمیلاد آمدن آریائی ها از قسمت شرقی بحر خزر و رسیدن آن ها بدره های زاگرس ولروسامان دادن آن ها و تشکیل حکومت آریائی میتانی و سپس ازبین رفتن آن هنر و آثاری از مذهب بجا گذاشتند بطوریکه این اثر از نامهای خدایان مانند مهریامیترا هویداست.

درحفاریهای متعدد گرگان تورنگ تپه و تپه‌های ماقبل تاریخ آن در ناحیه دریاچه رضائیه گنجه‌های‌زیویه وسرانجام حفاری اخیر که در دوسال گذشته در چراغعلی تپه شده مجسمه هائی اززن پیدا شده که باز مقام روحانیت و قدرت‌اورا تثبیت می‌نماید پس‌روی آثاربرنزی‌انسان که متعلق باواخر هزارهٔ دوم و اوائل هزارهٔ اول است باز صورت زن مانند الهه‌ای پر عظمت است.

با روی کار آمدن مادها و بعد پارسها وتشکیل دولت‌باعظمت هخامنشی همیشه زنان مقام ارجمندی داشتند. برای اولین بار بر روی سکه اشکانی نقش ملکه موزا زن فرهادچهارم‌بچشم‌میخورد. ومجسمه‌هائی از زنان این دوره در ناحیه هاترا بین النهرین بدست آمده‌است.

در دوره ساسانی در نقش رستم نقوش برجسته متعددی از زن وزن سوار بر شتر و مهرهای مختلف از تصویر زنان موجود است. نقش برجسته بسیار زیبای نرسی و اناهیتا که با تاج و لباس وزیور آلات آراسته گردیده و بالاخره نقش زنان و ملکه ها بر روی قالی پازیریك در ناحیه اورال روسیه چندی قبل‌کشف شده است وجام‌ها وکوزه‌های نقره ساسانی که زنان نوازنده را با آلات موسیقی و رقاصانی را با حرکات موزون نشان میدهد هر یك شاهد بارزی از مقام زن در جامعه ایرانی بوده‌است.

در دوره ساسانی برای اولین بار نقش تصویر ملکه باشاه یعنی بهرام دوم وولیعهد برروی سکه نقره است‌ومیرساند که ملکه ایران دوشا دوش شاه و همراه با او سهم مهمی در اداره شاهنشاهی داشته است ونیزسکه‌ملکه‌پوران‌دخت که یکی از شاهکار های هنری این دوره میباشد.



زن
در داستانهای عامیانه فارسی

از : دکتر محمد جعفر محجوب

بسیار شنیده‌اید که میگویند مملکت ما یك کشور کشاورزی است . حالا این مسئله خواه درست باشد و خواه غلط در آن یك حقیقت غیرقابل انکار وجود دارد و آن این است که اکثر مردم این سرزمین شاید بیش از سه ربع مردم ایران در روستاها در دهکده‌ها زندگی میکنند .

دراین‌باب مطالعه خاصی ندارم والا با مراجعه بآماری که از طرف اداره آمارعمومی تهیه شده است ممکن بود رقم درست این‌نسبت، نسبت شهرنشینان و روستانشینان را بعرض برسانم. درهرحال اکثریت‌مردم این سرزمین ــ با هیچ تردیدی ــ در دهکده ها زندگی میکنند و زندگی دهقانی دارند .

از طرف دیگر مملکت ما کشوری است با آب و هوای بسیار متفاوت و اوضاع‌طبیعی بسیار مختلف درکتابهای قصه میخوانیم که قهرمان داستان مثلا امیرارسلان وارد باغی شد که در آن درختان سردسیری با گرمسیری عرعر و صنوبر و سرو و کاج سر بفلك کشیده بودند . چنین باغی است . ما ازنواحی گرمسیر و خشکی که تخم‌مرغ درآفتاب آن می‌پزد گرفته تا نواحی سردسیری که در زمستان سنگ از شدت سرما می‌ترکد داریم . سرزمینهائی داریم که صحرای کبیر افریقا را ازلحاظ‌گرمی و خشکی بخاطر میآورد و شاید در سال رنگ یك میلیمتر باران را هم بخود نبینند . ازطرف دیگر استانهای کرانه دریای خزر جزء نواحی مرطوب و بسیار پرآب آسیا است به‌نحویکه مسافر وقتی وارد شهری مثل رشت شد بعداز نیمساعت قدم زدن در خیابان احساس میکند که لباسش خیس شده است.

همچنین سرزمین‌های کوهستانی جلگه‌ها، دشتهای حاصلخیزکویرهای سوزان‌باریک‌روان رودخانه های پرآب و قابل کشتیرانی نواحی دارای زراعت دیم سرزمینهای مستعد برای برنجکاری، کشت نیشکر، موز، صیفی ، میوه های سردسیری و خلاصه انواع و اقسام آب و هواها زمینها و کوهسارها و سواحل را داریم . و طبیعی است که زندگی مردم هر ناحیه از این نواحی با ناحیه دیگر تفاوت دارد . مردمی که در این نواحی توزیع‌وتقسیم شده‌اند فقط از یك جهت اشتراك دارند و آن این است که اکثریتشان روستانشین هستند . بنابراین زن ایرانی ، **آن زنی که مظهراکثریت زنان این مملکت است** باید از میان‌زنان‌روستائی انتخاب شود . زن ایرانی یعنی زن دهاتی ایرانی . حالا ببینیم که ما زن دهاتی ایرانی را میشناسیم ؟

ممکن است کسانی باشند که روی‌زندگانی زنان پنج تا ده تن مطالعه داشته باشند . اما بین زن دهاتی گیلان و زن روستانشین بلوچستان بین زن دهاتی سبزوار و زن دهات شوشتر همانقدر اختلاف وجود دارد که بین زنان شمال و زنان ساکن زاغه‌های‌جنوب‌موجود است . البته مقصودم از این اختلاف تنها اختلاف سطح اقتصادی زندگی نیست . این اختلاف کلی و همه‌جانبه است . اختلاف‌مادی، اختلاف معنوی ، اختلاف آداب و رسوم و اخلاق و سنن و حتی اختلاف مذهب ، اختلاف سن بلوغ و حتی اختلاف وضع ظاهر و چهره و اندام بین زنهای روستاهای مختلف‌ایران وجود دارد .

باز دراینجا باید براثر نداشتن اطلاع و مطالعه دقیق بحدس و تخمین و کلماتی نظیر «گویا» و «ظاهرا» متوسل شوم . درایران «گویا» درحدود بیست و چهار هزار ده وجود دارد و اگر نخواهیم بگوئیم که بنابراین بیست و چهار هزار طرز زندگی وبیست و چهار هزار قیافه مختلف از زن ایرانی وجود دارد لااقل میتوانیم بگوئیم‌که دوهزار و چهارصد یا دست‌کم را بگیریم‌دویست و چهل نوع زندگی و آداب و رسوم دراین بیست و چهار هزار روستا وجود دارد . حالا ما مظهر زنان ایران را از میان این دویست و چهل قیافه و زندگی گوناگون چطور انتخاب کنیم ؟

باید گفت ما زنان مملکت خودمان را نمی‌شناسیم . ده پانزده سال پیش یکی‌ازدوستان من کتابی را که یك نویسنده فرنگی درباره زنان پنج قاره دنیا و من‌جمله آسیا و ایران نوشته بود ترجمه میکرد و در ضمن ازبنده خواهش کرد که درهنگام مقابله آن با متن فرانسه‌اش حضور داشته باشم و اگر چیزی بنظرم رسید بگویم. حالا عرض‌میکنم که باآنکه ازهمان وقتها سرم برای اینگونه مسائل درد

میکرد وقتی بفصل مربوط بزنان ایران‌رسیدم — و آن فصل نسبتا مفصلی هم بود — دیدم چیز هائی در این کتاب نوشته شده است که من با زندگی کردن و بزرگ‌شدن در این مملکت و مسافرت باغلب شهرها و نواحی‌ایران روحم از یك کلمه آن اطلاع نداشت .

او محرومیتها و بدبختی‌های زنان گیلان را که تا بیخ‌زانوانشان برای نشا کردن برنج در آب فرو میرود و پنجاه‌تا زالو بیشتر بآن میچسبد و خونشان را میمکد و اینکار روزهای دراز ادامه دارد شرح داده بود . گفته بود که زنان ایلات و عشایر در هنگام کوچ و در ضمن زندگانی سخت و دشوار ایلی چه مرارتها میکشند و چگونه هنوز جوانی‌را ندیده پیر میشوند نظیر گلی که در میان کویرروئیده باشد هنوز ناشکفته براثر رنج و زحمت‌خارج از طاقت بشری پرپر میشوند و بخاك میریزند. به‌همین قیاس درباره زنان خوزستانی و قدرت گردن باریك و ظریف‌آنها که هر روزه چند دیگ شیر و ماست را روی هم می‌چینند و روی سرمیگذارند و برای فروش ببازارمیبرند درباب زن سیستانی و خراسانی و کرد و لر و آذربایجانی و ... چیزها گفته بود که هم‌اکنون از یادآوری آن مرتعش میشوم . از آن روز من فهمیدم که نه من و شما بلکه هیچ دستگاه و هیچ مقام اجتماعی دراین‌مملکت نیست که زنان (و حتی مردان) ایرانی را تمام زنان و مردان ایرانی را چنانکه هستند بشناسد .

حالا با خود فکر کنید که اگر ما بخواهیم پرده ضخیم فراموشی را که براثر گذشت بیست و پنج قرن زندگی تاریخی‌روی زندگانی زن ایرانی افتاده است کنار بزنیم و حقیقت زندگی او را درقرون گذشته پیش از اسلام و بعد از آن کشف کنیم و میزان دخالت او را در زندگانی اجتماعی مردم ایران بدست بیاوریم با چه کار مشکل و بلکه غیرممکنی روبرو هستیم !

اکنون تصدیق بفرمائید بنده وقتی‌اظهار یأس از اداکردن حق مطلب میکردم . حق داشتم و آنچه هم که تاکنون عرض کردم یا بعدازاین عرض میکنم فقط یك سلسله مطالب کلی و فهرست وارست که باید جزئیات آن تاحدی که مقدور و ممکن است بعدها براثر کوشش‌های دامنه‌دار و ممتد بانوان باهمت روشن شود .

برای مطالعه در زندگی زن ایرانی باید آنرا بدو قسمت بزرگ تقسیم کرد . یکی زندگی امروزی زن ایران که خوشبختانه وسائل مطالعه در آن گرچه بسیار مشکل است هنوز وجود دارد و میتوان دنبال این کار رفت و همه جای ایران را دید و زندگانی زنان ایرانی را مطالعه کرد .

قسمت دوم روشن کردن سوابق تاریخی زندگانی زنان ایران است . دامنه این سابقه تاریخی تا دوهزار و پانصد سال پیش امتداد می‌یابد و این روزگار دراز هم بدو دوره‌بزرگ و بسیار مختلف دوران پیش از اسلام و دوره بعد از اسلام تقسیم میشود .

آنچه مدارك و اسناد برای مطالعه زندگانی زن در دست داریم تقریبا صفر است .

مورخان قدیم بچیزی که اعتنا نداشته‌اند زندگی افراد و بخصوص توده مردم بوده‌است. اگر امروزه اطلاعی از طرز لباس پوشیدن و زندگانی و آداب و رسوم مردم دو هزار سال پیش داریم یاازروی‌مجسمه‌سازیها وحجاریهاست و یا ازآنجاست که گاهی یکی از افرادمردم به‌مناسبتی با پادشاه و حکمرانان تماس پیدا میکرده و ناگزیر بقسمتی از زندگی او اشاره میشده است . بنابراین آنچه درتاریخهای‌قدیم (مقصودم از کلمه قدیم از قدیمترین ادوار تا قبل از دوران مشروطیت است) راجع بزندگانی مردم می‌یابیم همه بصورت جمله معترضه و اطلاعاتی است ناقص و پراکنده و پریشان و طبیعی است که وقتی وضع مردان چنین باشد حال زن و اطلاعاتی که درباره او بدست داده شده از چه‌قرار است .

بعلت همین کمی اطلاعات تاریخی باید هرچه بیشتر جست‌وجو را ادامه داد و ازهر عامل کوچك ، از هر عبارت و هرکلمه ، از هر تصویری که در کتابهای قدیم آمده است سود جست و درباره آن دقت بیش‌از اندازه کرد وقتی بجاهائی که عادة نباید صحبتی ازاین موضوع درمیان آمده باشد رومیآورد شاید مطلبی کوچك و مختصر بعنوان جمله معترضه در آن راه یافته باشد و یك گوشه کوچك از آنچه راکه برای‌تحقیق درباره آن‌تلاش‌میکنیم روشن کند .

باتمام این احوال و باوجوداینکه آنچه تاکنون بعرض رسانیدم تقریبا نومید کننده بود و بیشتر شرح مشکلات کار را نشان میداد و از راه حل کمتر در آن اثری بود اکنون باید یك منبع بسیار غنی و فیاض را که در روشن کردن راه کار ما بمنزله چراغی درخشان و پرنور است معرفی کنم و آن منبع فیاض و لایزال **قصه و افسانه** است خواه در کتابها مدون شده باشد خواه بصورت افسانه های کودکان دهان بدهان و سینه بسینه نقل شود و خواه نقالان و قصه خوانان آنرا در قهوه‌خانه‌ها و مجامع عمومی با آب و تاب و شاخ و برگ بسیار نقل کنند .

قصه و افسانه — بهر نوع و هر شکل که باشد — برای ما بسیار بسیار قابل استفاده است پیش از آنکه درباره این منبع پهناور و طرز استفاده آن مثالی بزنیم و از یکی دو مورد بعنوان نمونه یاد کنیم بهترست علت این امر را که قصه‌ها و داستانها چرا تااین اندازه بکار ما میآیند ذکر کنم .

همانطور که کتابهای تاریخ و ترجمه احوال بزرگان و امیران و وزراء صدور برای خواص و بامر و دستور آنان نوشته شده و طبعا به زندگی آنها بازمیگشته وازراه و رسم اینگروه سخن میگفته است قصه وافسانه نیز از توده مردم از مردم عادی کوچه و بازار سرچشمه میگیرد آنها هستند که خریدار قصه‌اند و با شوق و رغبت چشم خود را بدهان نقال میدوزند و سراپا گوش میشوند و یکایك کلمات او را در نهانخانه ضمیر خود جای میدهند .

طالبان قصه مردمند . نقال یعنی خالق و بوجود آورنده و نقل کننده قصه نیز خود از مردم است . گوینده و شنونده مستمع و صاحب سخن هردو دردها وخوشیها ، مقاصد و آرزوهای واحد دارند . یك‌جور زندگی میکنند و به‌همین سبب یك نوع هم‌میاندیشند و آنچه را هم که لباس قصه بدان میپوشانند چیزی جز دیده‌ها و شنیده‌ها و اندیشه‌ها و آرزوها و دردها و غمهای خود ایشان نیست . ازاین‌روی اگر تاریخ نتواند در سینه تمام‌نمای زندگانی امیران و وزیران وطبقات‌فرمانروا باشد (که حتما نیست زیرا مورخان مزدور و جیره‌خوار و مواجب بگیر فرمانروایان بوده‌اند و طبعا عیبها و نقاط ضعف ایشان را نمی‌نوشته‌اند) برعکس قصه آئینه تمام‌نمای زندگی مردم است ولو آنکه گوینده آن نقیب‌الممالك نقاشباشی دربار و شنونده آن ناصرالدین‌شاه قاجار باشد !...

دراینجا در اندیشه‌یی که لباس قصه‌برتن میکنند دیگر رودربایستی و خوشامدگویی و مدیحه سرایی راه ندارد . این حرفها قصه را سست و رکیك و بیمزه میکند . برای آنکه داستانی دلپذیر باشد باید از زندگی با همه زشتیها و زیبائیهایش مایه بگیرد و از همین‌رو است که می‌بینیم نقیب‌الممالك باآنکه شاید خودش حتی فکر این مطلب را هم نمیتوانسته است بکند خود بخود تصویری از اوضاع اجتماعی عصر و زمان خویش از بی‌حقیقتی رجال دربار و مایه‌گرفتن آنها برای همدیگر از رشوه گرفتن و دروغ‌گفتن « عسس و داروغه جماعت » از بی‌عرضگی پطرس‌شاه فرنگی — حتی درباره شوهردادن دخترخودش از خیانتکاری قمر وزیر و گردنکشی و

حرفشنوی امیرارسلان سخن درمیان میآورد

آیا نقیب تمام این حرفها را «اختراع» کرده است؟ آیا تمام این صحبتها زاده فکر و خیالاست. وقتی از قول خواجه کاووس میآید: «کدام وقت جماعت عسس وداروغه راست گفته‌اند که حالا بگویند» آیا بدون آنکه متوجه باشد تحت تاثیر رفتار نامطلوب عسس و داروغه زمان خویش قرار نگرفته است و آیا ممکن بود داستانی بسراید که سرتاسر آن مدیحه‌سرائی و نشاندادن عقل و تدبیر و «هوش» و شجاعت پطرس‌شاه فرنگی باشد و مردم ـ نه مردم حتی ناصرالدین‌شاه ـ بتواند با میل و رغبت به گفته او گوش فرادارد؟

قصه‌گو نمیخواهد ـ و اگر بخواهد نمی‌تواند ـ که وضع حقیقی اجتماع خویش را در داستان خود جلوه ندهد. اکنون باخود فکرکنید که داستانی هزاران سال پیش ازاین بوجود آید دهان بدهان و سینه بسینه نقل شود و هرگوینده‌یی شمه‌ای ازوضع اجتماعی و عوامل و صحنه‌های زندگی خویش را در آن بگنجاند. آنوقت چنین قصه‌یی چقدر ممکن است مورد استفاده مادرانواع‌تحقیقات اجتماعی و منجمله در تحقیق درباره زندگی زنان واقع شود.

از هزاران سال پیش تاکنون خوشبختانه قصه‌گویان قصه گفته داستان سرایان ماداستان سروده ومردم بارغبت بدان‌گوش فرا داده‌اند. شاید آخرین نوع اینگونـــه داستان ها امیر ارسلان باشد که در آغاز قرن چهاردهم هجری قمری در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه پدیدآمد. از آن پس دیگر انقلاب مشروطیت پیش آمد و ادبیات ایران رنگی تازه بخود گرفت و داستانسرایی هم وارد مرحله جدیدی شد که فعلا در آن باب بحثی نداریم.

اکنون بر سر بحث خود برویم. این همه قصه که از قرون و اعصار مختلف و دیرپای تاریخ چند هزار ساله ایران بیادگار مانده است منبعی است که بدبختانه مثل معدنهای گوناگون فلزات و منابع طبیعی این مملکت دست نخورده مانده است.

البته این‌امر برای محققی که‌امروز دست بکارمیزند مایه خوشوقتی است. زیرا بهر زمینه‌یی‌که‌روی بیاورد بکرات و هرچه بگوید تازگی دارد. اما از نظر ملت ایران این امر نوعی عقب ماندگی بحساب میآید. در هرحال دراین قصه ها از مظاهر گوناگون زندگی سخن گفته شده‌است. از جنگ،از عشق از عیاری و طراری و دزدی و شبروی از مجلس آرائی و رامشگری و آوازخوانی از فقر و تنگدستی و بیماری، از ثروت و مکنت وجاه جلال، از بردگی وزندگانی کنیزان و غلامان کنیزان‌مطبخی‌و غلامان پاسبان و نیز بردگانی که خداوندانشان آن ها را برای مجلس آرائی می خریدند و دل در گرو عشقشان مینهادند و خود بنده عشق آنان میشدند از حوادث عجیب و نادر زندگی، از سحر وجادو وکین و حسد و رسوائی وبدکارگی و عصمت و عفاف و نیک نهادی و دینداری از مکاری و حیله‌گری، از تمام این مباحث درقصه‌های گوناگون منظره ها ترسیم شده اســت و خوشبختانه در دنیای افسانه آن قید و بندی که در زندگی واقعی بردست و پای زنــان نهاده‌اند کمی سست تر شده‌است و چهره وی با وضوح بیشتر بچشم میخورد.

باید این داستان ها راسراسر مطالعه کرده موضوعات و حوادث گوناگون را از یکدیگر جدا ساخت برای هریک عنوانی خاص قائل شد و آنگاه در ذیل این عناوین حوادث‌مشابه را یادداشت کرد، ودراین کار ابدا توجـه باین موضوع نداشت که یک حادثه بعین چند بار تکرار شده یا حادثه دیگری غیر منطقی و عجیب و غریب و غیر قابل قبول یا خنک و بیمزه است. این کار را باید بعدانجام داد.در این‌مرحله‌فقط منظور بدست آوردن «موادخام» و «مصالح» برای بنایی است که بعدها ساخته میشود. در هنگام تفحص و تجسس فقط باید باین مطلب توجه داشت که چیزی از زیرنظر جوینده در نرود. گاه اتفاق میافتد که از یک مطلب یا یک حادثه ظاهرا بی اهمیت نتیجه یی بزرگ و قابل توجه بدست میآید. پس از آنکه کاملا مواد لازم بـرای تهیـه طرح بدست آمد واین مواد بترتیب موضوع طبقه بندی شد، آنگاه محقق آنهارابایکدیگر خواهد سنجید و خث را ازسیمین زشترا از زیبامفید را از غیر مفید واصیل را از بی‌اصل وابتکار را از تقلید جدا خواهد کرد.

راستست که دراین جست‌وجو مقصد اصلی و منبع اساسی داستانها وافسانه هاست. امـا در مورد افسانه ها وداستانها نیز باید بـه تفصیل بیشتری قائل شد وانواع واقسام آنهارا مورد مطالعه قرارداد. بعضی از این افسانه ها در جزء حماسه ملی ایران است و قسمتی از حماسه مـلی ایران در دورانی بسیار دور در روزگاری که هنوز اقوام هند واروپائی از یکدیگر جدانشده وهریک در سرزمینی‌مسکن نگزیده بودند پدید آمده‌است.

مثلا داستان جمشید بصورتی که در کتاب دینی باستانی ایرانیان ــ اوستا ــ آمده‌است درودا(کتاب‌مقدس باستانی هندوان نیز ثبت شده وجزئیات افسانه‌جمشیددر«ودا» اختلافات بسیار بسیار مختصری با روایت اوستا دارد.

ازین یگانگی چنین نتیجه گرفته میشود که جمشید یعنی شخصی بدین نام و نشـان در دورانی که هنوز ایرانیان و هندوان از یکدیگر جدانشده و احیانا بصورت قومی‌مهاجر زندگانی ایلی و چادرنشینی داشتندبرآنان فرمانروایی میکرده است و خاطرات دوران فرمانروایی وی با هاله‌یی از افسانه‌که اطراف آنرا فرا گرفته در کتابهای دینی ایرانیان و هندوان ثبت و ضبط شده است.

بنابراین جمشید تنها متعلق بما نیست یا اگر بخواهیم آنرا متعلق بخود بدانیم ناگزیر باید اذعان کنیم که در زمانی بسیار کهن در روزگاری که مردم گیتی ـ یا دست‌کم قوم هندو اروپائی ـ هنوز نمک را نشناخته و این ماده را که امروز از اجزاء حیاتی و بسیار لازم خورد و خوراک مردم است بکار نمی‌بردند این پادشاه فرمانروای ایرانیان بوده است.

اینک اگر در افسانه جمشید گفت‌وگوئی از زنان پیش آید (چنانکه پیش نیزمیآید: دختر شاه کابل تصویری از جمشید دیده و بدو عاشق شده و در روزگاری که این پادشاه از ضحاک شکست خورده و آواره بیابانها شده است بدوبرمیخورد و دل به مهر اومی‌بندد و سرانجام بعقد ازدواج او میآید و او را تا آنجا که وفاداری و فداکاری زنی اجازه میداده است از دیده ها پنهان نگاه‌میدارد و برای او فرزندی میآورد. فرزندی کـه پهلوانان باستانی زابلستان گرشاسب و نریمان و سام و زال و رستم و فرزندان رستم از تخمه اویند) برای ما بسیار گرانبهاست و از آداب و رسومی که در چهل پنجاه قرن پیش ازین درمیان نیاکان ما رایج بوده است پرده برمی‌دارد. چنین افسانه‌یی با افسانه حماسی مجعول دیگری که دو سه قرن پیش ازین پدید آمده و سروده و پرداخته شده است از لحاظ ارزش دریک‌سطح نیستند.

پس از حماسه ملی نوبت بافسانه‌ها و داستانهای عامیانه میرسد. درمورد اینگونه افسانه‌ها نیز هم از نظر موضوع هم ازنظر قدمت یا جدید بودن هم‌ازنظر میزان محبوبیت و رواج و رونق وهم از لحاظ حجم افسانه و عناصری که در طی قرون و اعصار وارد آن شده و اصول اساسی آنرا تشکیل داده است به‌تفصیل باید قائل شد.

مثلا بعضی ازین افسانه‌ها ریشه عربی، هندی، مصری و . . . دارد. دراین‌صورت آنچه در آن مطرح میشود ممکن است مربوط بزنان کشور ما نباشد یا فی‌المثل داستانسرایی

افسانه‌یی پرداخته و چون مقتضیات ملی و ترقی و آرمانهای مشترك ملت ما را در آن درنظر نگرفته و درحقیقت پرتوی از دردها ورنجها و شادیها و آرزوهای اجتماع برآن نتابیده است در زمان حیات خود گوینده به پرتگاه فراموشی افتاد . و مثلا یك نسخه از آن در گوشه کتابخانه‌یی محفوظ مانده است . البته که این افسانه نمیتواند ترجمان وضع زندگی زن ایران قرون گذشته باشد یا لااقل درمقام مقایسه نمیتوان آنرا با افسانه‌های بسیار معروف و محبوب افسانه‌هایی که روزگاری از شاه تا گدا برای شنیدن آن سر و دست میشکستند نهاد !

علاوه‌براین قسمتی‌ازافسانه‌ها هست که ثبت دفتر نشده و حتی درین قرن اتم وموشك نیز سینه به سینه از زبان زنان سالخورده خانواده‌ها بکودکان انتقال می‌یابد . برای‌بدست آوردن اینگونه افسانه‌ها باید با عزمی راسخ و پشتکاری فراوان به جد تمام در جست‌وجو ایستاد و آنها را که مسلما روایتهای گوناگون نیز دارند و در هر شهرستانی بصورتی‌بازگو میشوندفراهم آوردوثبت دفتر کرد . ازاینگونه افسانه‌ها ـ حتی از قصه‌های بسیار کوچکی که برای کودکان خیلی خردسال گفته میشود گاهی نتایج درخشان و قابل ملاحظه‌میتوان به چنگ آورد .

مثلا یکی از افسانه‌های بسیار مختصر که برای کودکان دو سه ساله گفته میشود قصه پیرزنی است که حیاطی کوچك داشت:

«یکی بود یکی نبود غیرازخدا هیچکس نبود یك پیرزنی بود یك حیاط داشت بقدر یك غربال و یك درخت درحیاطش بودباندازه یك چوب کبریت ... »

این قصه که معلوم نیست چند قرن دهان بدهان و سینه بسینه گشته و بما رسیده است پرده از حقیقتی تلخ و دردناك برمی‌دارد و زندگی طاقت‌فرسا و آمیخته با فقر وتنگدستی زن ایرانی خاصه زنان پیر و از کار افتاده و بیوه زنان را ـ بی‌آنکه گوینده نظری‌درین‌باب داشته‌باشد ـ نشان میدهد . اینگونه زنان باید درحیاطی باندازه یك غربال زندگی کنند و در سایه درختی به بلندی یك چوب‌کبریت بنشینند !.

اما ازین جالبتر گشاده‌دستی وجوانمردی این پیرزن فقیر و تهیدست است که از مور و مار و سگ و گربه و اسب وخروگاو بدین حیاط غربالی او پناه می‌آورند و او آنها را با چنان گشاده‌روئی و گرمی در خانه خود راه میدهد که هرگز اعیان واشراف وتوانگران باآنان صفا و صمیمیت خویشاوندان نزدیك خود را در سر سفره خویش‌ننشانند !

این چنین نکته‌های جالب اجتماعی ، ازین حکایتهای کوچك و بظاهر مسخره‌آمیز که فقط ذهن و ذوق و طبع کودکان بسیار خردسال میتواند آنرا بی‌هیچگونه نیشخند تمسخرآمیزی بپذیرد مستفادمیشود.

سخن درین‌باب درباب انواع و اقسام افسانه‌ها و کیفیت استفاده از آن بسیارست اما چون پیش ازین درباب طبقه‌بندی داستانها و افسانه‌ها مطالبی نوشته‌ام ازین‌باب نیز درمی‌گذرم و بهمین مقدار اکتفا میکنم .

پس‌از کتابهای افسانه نوبت بکتابهای تاریخ میرسد . ازین‌گونه کتابها چیزی قابل و دندان‌گیر نمیتوان بدست آورد اما درمیان این مدارك و اسناد البته باید از یك سطر ، یك کلمه ، یك اطلاع کوچك نیز استفاده‌کرد و بنابراین هرگز نمیتوان تاریخهای قرون و اعصار مختلف ایران را بدین بهانه که چیزی در آن مندرج نیست یکسره در طاق نسیان گذاشت . از قضا درایران از روزگار باستان تا قرون اخیر زنانی بفرمانروایی رسیده‌اند . پوران‌دخت وآذر میدخت شاهان معروف سلسله ساسانی هستند . در ایران بعداز اسلام نیز باآنکه دین مقدس اسلام وارد شدن زن در کارهای اجتماعی وآمیزش ومعاشرت وسیع‌وی را با مرد منع میکرد بسیار بوده‌اند زنانی‌که مستقلا بفرمانروایی وسلطنت وامارت رسیده‌اند (مانند خاتون آخرین فرد ازپادشاهان سلسله اتابکان سلغری فارس که ازقضاشاهزاده محمد باقر میرزا خسروی کرمانشاهی رمانی تاریخی بنام شمس وطغرا درشرح دوران سلطنت و کارهای او نگاشته‌است) وازین گذشته زنانی که عملاوازپس‌پرده زمام امور سلطنت رادر ایران بدست‌داشته‌اند بسیارند .درتاریخ‌ایران از چند «ترکان خاتون» که‌همه سیاستمدار و مدبروفعال وکاری بوده‌اند نام برده میشود . پریخان خانم شاهزاده خانم صفوی زنی بسیار مدبروکاردان بود وبرادرش شاه اسماعیل‌دوم پادشاه سفاك وخونریزو فاسد صفوی رااو به سلطنت‌رسانید و حمزه میرزا برادر دیگرش راهموبه کشتن دادو شاه اسماعیل چون دیدکه باوجود این زن هرگز نخواهد توانست درکار سلطنت وحکمرانی مستقل وآزاد باشد مجبور شد سرش‌رازیرآب کند وبسزای خونهایی‌که ریخته وفتنه‌هائی که برپاکرده‌بود اورابه قتل برساند .

مهدعلیا مادر ناصرالدین‌شاه وعزةالدوله دختر او وخواهر تنی ناصرالدین شاه و زن میرزا تقی خان امیر کبیر و نیز تاج‌الملوك دختر عزةالدوله ازوزراء تقی‌خان‌امیر کبیر و نوه مهدعلیا که زن مظفرالدین شاه و مادر محمدعلی میرزا بودو بعدها معروف به‌ام‌الخاقان شد اززنان بسیار مدبر و کاری‌دودمان قاجارند . ام‌الخاقان دخترامیر کبیر و عزةالدوله‌وزن مظفرالدین‌شاه‌ومادرمحمدعلیشاه بدان حداز شهرت ومعروفیت رسید که‌مدتهای مدید مردم ایران خاصه مجاهدان و مشروطه طلبان محمد علی میرزا (محمد علی شاه) را چرام الخاقان می نامیدند .و شاید کمتر کسی تا کنون توجه کرده است که محمدعلی شاه با همه سفاکی و بی لیاقتی نوه دختری یعنی دختر زاده‌میرزا تقی خان امیر کبیر بوده است .)

در هر حال دردوره قاجار که روزگار منتهای تدنی و انحطاط زن ایرانی است باز هم اینگونه زنها پدید آمده و در کار مملکت و سیاست مداخله قوی و موثر داشته‌اند و طبیعی‌است که برای مطالعه و زندگانی زن ایرانی هرگز نمیتوان زندگانی اینگونه کسان را نادیده گرفت و فرو گذاشت .

علاوه بر کتاب های تاریخ کتب دیگری بنام کتابهای سیر وجود دارد که درحقیقت میتوان آنها رابا کتابهای ترجمه حال (بیوگرافی) فرنگیان مقایسه کرد البته کتابهایی سیر کاملا شبیه کتابهای بیوگرافی و عین آنان نیست اما شباهتی باآن دارد. درین کتابها گواینکه ترجمه حال امیران و وزیران و سپهسالاران وشاهان به تفصیل واز ابتدا تا انتها شرح داده نمیشود (وهمین وجه‌اختلاف آنها با کتابها وبیوگرافی است)امااز حوادث نادر و عبرت انگیزی که دوران وزارت وزیر یافرمانروائی امیر و سلطنت پادشاهی اتفاق افتاده است سخن گفته میشود . در حقیقت اینگونه کتابها مشحون از داستانهای واقعی، جالب توجه و عبرت انگیزی است که در دوران زندگی مردان بزرگ رخ داده‌است. اینگونه کتابها نیز منبعی مفید و متمتع‌برای زندگانی زن ایرانی است و در آن میتوان بحوادثی که زنان عامل موثر آنند برخورد.

حتی زنان در زهد وتقوی وعرفان وتصوف و شعر وادب و زمینه های دیگر نیز گاهی سبقت را از مردان ربوده‌اند . رابعه عدویه زن صوفی مشرب معروفی است که عارفان بزرگی مانند حسن بصری غاشیه خدمت اورا بدوش میکشیده‌اند . زنان شاعر بزرگی مانند مهستی گنجوی ، رابعه قصداری ، رشحه دختر هاتف‌اصفهانی وخواهر سحاب و بالاخره‌پروین اعتصامی زنانی هستند که نامشان با شهرت وافتخار فراوان در تاریخ ادبیات ایران ثبت شده‌است .

بنابراین منبع بزرگ دیگر برای مطالعه در این موضوع انواع واقسام کتابها ورساله‌هائی است که در آن‌ها از ترجمه احوال اشخاص مختلف سخن بمیان آمده‌است .

راجع بمطالعه در موضوع زن ودخالت آن در زندگانی اجتماعی دیگر نمیتوان منابع

و سلسله کتابهای خاصی را یاد آوری کرد. امامیتوان‌بسیاری اطلاعات بر خوردی واتفاقی نیز بدست آورد . هنگامی که محققی سرگرم تحقیق در موضوعی است نخست کتابهائی را که درباره آن موضوع اطلاعات‌مبسوط‌وفراوان بدست میدهد در مطالعه میگیرد و سپس بـه کتابها ومنابع کم اهمیت تر میپردازد واینکار را چندان ادامه میدهد تاهرمنبع وماخذی که در آن گمان بدست آمدن اطلاعی میرود مورد مطالعه او واقع شود .

اما درست نیست اگر دراین هنگام کـار راپایان یافته پندارد چه ممکن است بسیاری منابع موجود باشندکه وی از وجود آنهابی خبر باشد یا اصلا از منابع وماخذی که گمان بدست‌دادن‌اطلاعات از آن ها نمیرود اطلاعاتی بدست آید .

این است که در چنین موردی پس از تنظیم اطلاعات مهم و دست‌اول از منابع مستقیم‌باید بسوی منابع غیر مستقیم روی آورد واطلاعات «اتفاقی » و « برخوردی » را که در طی مطالعات مختلف ممکن است جوینده بدان بر خورد کند گرد آورد واز مجموع این مطالعات واطلاعات طرح تحقیقی خود رابموقع اجرا گذاشت .

البته هرگز نمیتوان سیران‌اینگونه اطلاعات اتفاقی را حتی بحدس و تخمین برآورد و تعیین کرد و هرگز نمیتوان کاری را دراین زمینه کامل و عاری‌از هرگونه عیب و نقص پنداشت .اما از سوی دیگر نیز نمیتوان‌بامید بر طرف کردن کلیه نقائص دست روی دست گذاشت و آنچه را کەفراهم آمده است تنظیم نکرد وانتشار نداد تاروزی که طرحی‌کاملتر فراهم شود .

باید محققی که دراین موضوع تحقیق‌میکند پس از گرد آوردن آنچه مقدور او است‌آنها را انتشار دهد .

اما در عین حال کار را تمام شده وانجـام یافته نپندارد و در طی مطالعات بعدی خویش نیز همواره آن موضوع را در مد نظر داشته باشد وپس از گذشتن مدتی اگر مدارك واسناد قابل توجهی برای اصلاح آنچه در بدو امر تهیه کرده بود و تجدید نظر در آنچه در اولین بار انتشار داده‌بود بدست‌آورد آنگاه آن را مورد تجدید نظر قرار دهد .

بنظر میرسد که تحقیق در باب وضع زن‌در اجتماع گذشته و حال‌ایران اساسی تـرین و برازنده ترین وظیفه برای بانوانی است که خود را همسر و همسنگ مردان میدانندوبرای بدست آوردن حقوق هم جنسان خویش باشور واشتیاق فراوان تلاش میکنند .

آنچه تاکنون گفته شد در حقیقت طرحی است اجمالی و دستورالعملی است برای کسانی، که بخواهند دراین راه قدم بگذارند واین‌کار بزرگ را بر عهده بگیرندوشاید در حقیقت نیز اینکار بعلـت وسعت دامنـه از عهده یك نفر بتنهائی ساخته نباشد و یك تن تنها ــ لااقل در تمام زمینه‌های این موضوع ــ نتواند حق مطلب را بخوبی ادا کند .

اما در عین حال یقین‌است که انجام دادن وظیفه مذکور و برداشتن پرده ابـهام و فراموشی و ظلمت از رخسار زن در تاریخ و جامعه ایران ، نخستین و مهمترین گامی‌است که بانوان میتوانند وبایه در راه اثبات‌فضیلت و شایستگی و کار آمد بودن خود بردارند. وبا وجود زنان فاضل و تحصیل کرده وپر شوری که امروز در اجتماع ایرانی وجوددارد امید داریم که باجرای این وظیفه توفیـق یابند .

صفات لازم برای زن زیبا

سی‌وشش

شنیدم چنین از رفیق ندیم
کزین پیش ایرانیان قدیم
سی‌وشش صفت از برای زنان
شمردند لازم عیان و نهان

چهارچیز سیاه

نخستین بود چهار چیز سیاه
که زن را کند همسر مهروماه
سرو چشم و مژگان و ابروی او
اگرشدسیه‌خوش‌بود روی‌او

چهار چیز سفید

دگر چهار چیز سفیدش‌ضرور
بود تا بیارایدش همچو حور
سفیدی ساقین و دندان وپوست
سپس‌چشم کزاصل‌سرفتنه‌اوست

چهار چیز سرخ

چهار دگر سرخ باید برآن
لب و لثه وگونه‌دان‌وزبان
چو این چار سرخی بهم شد قرین‌شد
زنان را کند همسر حورعین

چهار چیز گرد

اگر گرد آمد بجسم زنان
سرو گردن و قوزك وبازوان
سررشته عشق گردد دراز
ملك میبرد بر چنان زنان‌نماز

چهار چیز بلند

دگر چهار عضوش بیاید بلند
که برگردن جان گذارد کمند
دو ساقین پا تیرۀ پشت او
دگر بازوان بعد انگشت او

چهار چیز عریض

دگر پهن باید بر او چار چیز
که اینگونه گفتند اهل تمیز
کفلها و پیشانی و چشم و پشت
که باید بودپهن وشایددرشت

چهار چیز کوچك

چهار دگر خرد می‌بایدش
که خردی همیشه بکار آیدش
دو دست و دوپا گوش وپستان او
که رونق دهد بر گلستان او

چهار چیز جمع

چهار دگر جمع می‌بایدش
که این چهار درکارحسن‌آیدش
لب و بینی انگشت و ابروی‌او
کند بیش زیبائـی روی او

چهار چیز فربه

چهار دگر فربه ار شد به تن
کنـد بیشتر لطف اندام زن
اول گونه دوم کفل بعد از آن
سه و چهار ماهیچه پا و ران



زن و وفا

بحث روان شناسی از :
مارسل تینر
مترجم :
دکتر پورشین

«وفا » جزو صفات همیشگی مرد نیست و مدتهاست که زنها این موضوع را فهمیده‌اند. در مقابل زنها نیز آنقدر ها پای بند وفا و پیمان خود نیستند و بطور کلی باید گفت در این مورد بخصوص هردو جنس خود را گول میزنندو علت آن هم مقررات اخلاقی وقوانین و عرف و عادتست که زن و مرد را وادار به اطاعت بیشتر مینماید .

نظم اجتماع بر پایه ازدواج بنا شده ،سود اطفال و حتی زن نیز علمای اخلاق‌را بر آن داشته‌که به مقننین کمك کند ، در حالی که در خمیره و نهاد مرد تغییر و میل به تبدیل وجود دارد .

حضرت محمد این موضوع را کاملامیدانست وبهمین دلیل به پیروان خود اجازه داد کـه تا چهار زن حق دارند داشته باشند و چون باز ممکن بود طبع متنوع پسند مرد باین هم قانع نباشد الی غیرالنهایه داشتن صیغه را جایز شمرد .

مصطفی کمال این قانون را برهم زد وگفت که ترکها بیشتر از یك زن حق ندارند داشته باشند ، فرانسویان و سایر ملل مسیحی دنیا در این چنین وضعی مردها میل به تعدد زن و تنوع در جنس لطیف را با وسایل دیگری باید در خود خاموش سازند و میتوانند از زنان دیگر که نسبت بآنان مسئولیتی ندارند استفاده

کنند !

در ممالک شرقی که این میل بزنان متعدد و تنوع نفوذ یافت مذهب وقانون سعی کرد در برابر آن با تشویق مردم بازدواج ونمایش منافع آن تا جای ممکن جلوی آن را بگیرد زیرا وقتی میزان زناشوئی روبه نقصان رفت مرد و زن برای خود آزادی بیشتری تصور خواهندنمود و در نتیجه شهوترانی و هرروز باکسی بودن رواج خواهد یافت .

در صورتی که ازدواج در کار نباشد زن وسیله اطفای شهوات و لذات مردخواهدبود. مرد از او استفاده خواهد کرد ، او را تصرف خواهد نمود ، او را باردار خواهد ساخت و پس ازاینکه تمتع کافی از وی گرفت او را بدامن قضا و قدر خواهد سپرد .بهمین دلیل در گذشته برای اینکه زن از چشم استفاده‌مرد دور باشد و آتش هوس مرد راشعله‌ور نسازد ویرا دور از انظار نگاه میداشتند امابا‌پیشرفت تمدن و فرهنگ دلیلی نمیتوان یافت که طبیعت زن دگرگون شده باشدو غریزه تنوع خواهی دراو خاموش باشد .

مسلمانهای متعصب که‌عادات واخلاق‌هردوجنس‌را میشناختند باین فکر افتادند بهتراست برای احتراز از هر نوع پیش آمدی زن در دسترس مرد نباشد و مرد کمترباواو تماس یابد واز همین‌روزنان را در حرمسرا ها مخفی‌میساختند و آنها را در حجاب سیاه میپوشاندند و در حرمسرا را محکم می‌بستند و نگهبانی نیزبر آن میگماشتند و اگر عایشه یا زینب‌میخواستند فرضا بحمام بروند چادری سراپای آنان‌را میپوشاند !

حوریان زیبا پیکر دراین چنین لباس‌ممکن نیست میل مردرا تحریک نمایند زیرا ازحیث قیافه و شکل باپیرزن‌ها کمترین تفاوتی‌ندارند در حالی که در وضع امروزی یك زن پیر میتواند موجبات تحریك مرد را فراهم‌آورد.

با این همه احتیاط و ملاحظه بازهم‌تعدادی گول خوردند . در ممالك مسیحی بی وفائی‌و جلوگیری از آن بقدری مشکل نشان داده شده‌است که کلیساها چنین توفیقی را یك‌امر الهی‌وخواست خاص خداوند میدانندوازدواج را یکنوع گذشت و فداکاری و تقـوای مافوق‌الطبیعه محسوب میدارند .

امروز روشن شده است که وفا برای زن امر حتمی نیست و زن هیچ نوع قیدی برای این موضوع ندارد و کمترین پای بندی بـر خود تصور نمیکند و اگر بعهد وفای خود باقی ماند فقط و فقط ازاین‌روست که‌فرصت مناسب بدستش نیامده و موجبات بی وفائـی برای او فراهم نگردیده است و این‌امر را نباید دلیل احترام زن بقانون و اخلاق تصور کرد .

بهترین راه برای اینکه بتوان زنرا مقید بوفا و عهد خود کرد اینست که باو تعلیمات بیشتری در باره مذهب و فرهنگ داد واو را باصول فلسفه آن آشنا ساخت . بهمین دلیل مشاهده میشود که برای ترساندن زن ازبـی وفائی و سست پیمانی و نقض قول و پیوستن بدیگری داستانها وافسانه های گوناگـون وحشتناك و عذابهای الیم ساخته‌اند و باین طریق خواسته‌اند تا حدی جلوی بی پروائی او را بگیرند .

قوانین و مقررات نیز نتوانسته آنطور که لازمست جلوی سست پیمانی ها ونقض‌قولهای زنان را بگیرد زیرا تجربه نشان‌داده که تمایل و لذت خیلی قوی‌تراز ترس است و چه بسا زنان ومردانی که حاضر بوده‌اند شبی،روزی حتی ساعتی با دلدار خود بسر برند و بعد هربلائی لازمست سرشان آورده شود !

پیش‌آمده است که این‌قبیل متخلفین‌گرفتار شده و مجازات هم شده‌اند اما هرگز از عمل خود پشیمان نبوده‌اند یااگر تاسف‌خورده‌اند برناشی گری خود در اقدام بعمل بوده‌است! ملاحظه میفرمائید که بین تاسف و پشیمانی چقدر راه است !

اگر علت بیوفائی مردان بخاطر حساسیت‌و تنوع پسندی آنهاست عین همین حالت در زنان نیز یافته میشود . منتهی غالب زنان که در آنان این حس تحریك نشده تصورمیکنند فاقد حس شهوانی هستند . وضع این زنان مانندکسانی‌است که زحمت یاد گرفتن خواندن و نوشتن را بخود نداده و یا معلم خوبی در آموزش نداشته‌اند آن وقت منکرشاهکارهای ادبی شده‌اند !

مردانی که صاحب این نوع زنان هستند تصور میکنند چون زن آنها صاحب قوه‌شهوانی نیست از دستبرد دیگران درامانست در حالی که دراین قبیل زنان و شاید در تمام زنان چیزی که بیش از همه تجلی مینماید حـس کنجکاوی است . حس کنجکاوی زنان را نباید کمتراز حس شهوانی آنان دانست. او، پسیشه ، پاندور ، السا ، خانم وش بی ، زنهای شهوت پرستی‌نبوده‌اند بلکه کنجکاو بوده‌اند. میل بدانستن آنان را بکار های ناشایستی مجبور کرده بود همچنانکه یك زن شهوانی‌را طغیان شهوت بکاری وامیدارد ! چه بسیـار زنان که براثر کنجکاوی از دست رفته‌انددر حالی که حس شهوت در آنان ضعیف بوده است !

گذشت یکنواخت زندگی ، سپری شدن روزهای بدون نتیجه‌و حادثه ، نداشتن مقصد و غایتی در ادامه حیات مرد وزن را کسل‌و مغموم میکند دراین وقت است که با خـود میاندیشد غذای رستوران هر اندازه بد باشد

برای یکبار محرك اشتهاست ! آینه دوست همیشگی زنان ، هر روز صبح که بر آن مینگرند میگویند .

ـ مواظب باش !.. تو زیباهستی ، اما میل به جلوه‌گری نداری !..

ـ جلوه گری ؟ برای که ؟ برای شوهرم من مدتهاست که نظر او را جـلب کرده‌ام‌و اکنون دیگر جلوه‌گری مجدد برای‌او کـار عبثی‌است !

ـ اما دیگران هم هستند ! دیگر مردان‌برای چه کارند ادر میان آن ها قطعا مردی هست که تواز او خوشت بیاید و او ترا نیز دوست داشته باشد . اشتباه‌است اگر تصور کنی همه مردان بهم شبیه هستند و انسان نباید زحمت تفویض آن‌ها را بخود بدهد !

آیا تمام زنها بهم شبیه هستند ؟ هرموجود برای خود دنیائی است . هرعشق یك‌زندگانی است ! هر حادثه یك کشف و سیاحت جدید است . ـ که عاقبت خوشی ندارد .

ـ .... که آغاز خوشی دارد . عشق مانند بهاریست که در وجود آن‌زن خود نمائی می نماید واگر زن تجربیات صحیحی داشته باشد از این بهار حداکثر استفاده را میبرد.جوانی را از سر میگیرد ، بدون‌اینکه بموسسه زیبائی برای‌این کار مراجعه کرده باشد .

ـ برای یك روز خود !

ـ سعادت و خوشبختی را از حیث کمیت حساب نمیکنند بلکه کیفیت آن مورد نظر بایدباشد . روزهائی هست که ارزش دهسال دارد وشبهائی است که یك قرن قیمت دارد.

شاید در چنین لحظاتی زن بخواهد آینه را بشکند و تصمیم دیگری بگیرد اما در همین وضع شوهرش میرسد واز اینکه او قیافه ناراحت وخسته‌ای دارد مطلبی میگوید یـا تصادفا از خانم زیبائی که در راه دیده‌است حرف میزند و همین مطلب آتش حقد وحسد وبی وفائی زن را دامن میزند و او راوادار باخذ تصمیمی مینماید !

مردان این عصر ماشین کار هستند،گرفتاری های روز مره وتلاش معاش آن ها را ازهمه چیز باز میدارد و در صورتیکه بخواهند اندك غفلتی در کار همسر خود بکنند او را در پیمودن راه بی وفائی کمك کرده‌اند .مرد باید بداند که فقط دوست داشتن زن کافـی نیست تکرار این مطالب و اظهار آنست کـه زن را لذت می‌بخشد . زن از اینکه اورادوست داشته باشند ممکن است آن اندازه احساس لذت نکند تا اینکه هرروز این مطلب را باو تکرار نمایند . آیا مردی هست که باتوجه باین مطالب نگذارد زن راه بی وفائی را به پیماید .

از کتاب زن و اسرار او

زنی زیبا و سرشناس در تاریخ اسلام

مهدی پرتوی

عبدالله‌بن سلام که از مشایخ عرب‌ومعاصر معاویه سر سلسله امویان بود ،زن زیبا وطنازی بنام «ارینب» داشت که شهرهٔ آفاق وآیت جمال و دلربائی بود ــ یزید پسر معاویه‌روزی بر حسب تصادف این زن زیبا را دید و بایك نظر آنچنان شیفتهٔ جمال و مسحور زیبائی خیره کننده‌اش گردید که با وجود آن همــه امکانات و لعبتان طنازی که در اختیار داشت زمام شکیب و عنان اختیار از کفداده عاشق بیقرار او شد ولی چه میتوانست بکند زیرا ارینب در خانه شوهر بود وهیچیك ازموازین شرعیه اجازه نمیداد که شوهر را مجبور به طلاق کنند . خاصان یزید ماجرای شیفتگی و عشق شورانگیز او را بسمع معاویه‌رسانیدند تا بلکه راه‌چاره وعلاجی برای نجات فرزندش بیندیشد ولی معاویه از آن مردانی نبود که خلافتی را که‌بخون جگر و حربه فریب و نیرنگ از کف علی (ع) واولادش خــارج کرده‌بود فدای اینگونه خودکامیهاوهوسبازیها نماید . هرچه خاصان یزید بیشتر اصرار و الحاح میکردند بر خشونت و امتناع معاویه افزوده میگشت و بهیچوجه حاضر نبود رشته باریکی‌راکه بین‌او و مسلمین وجودداشت‌بااین ندانم کاریها پاره کند .

ولی عمروعاص زیرك‌تر از آن بود کــه‌در مقابل تصمیم معاویه تسلیم شود و مخصوصا شوریدگی وآشفتگی خاطری که در یزیددیده بود وقلبا هم بیزید علاقمند بود میل داشت که اینکار بطریق معقولی انجام گردد بهمین‌جهت بانقشه شیطانی و مزورانه‌ای که در ذهن‌خود ترسیم کرده بود بنزد معاویه شتافت وبــاب گفتگو را باین طریق مفتوح کرد :

ــ خوب پسر سفیان ،می بینم که هیچ قصد نداری از تصمیم خود عدول کنی .اینطور نیست؟

معاویــه : مگر ممکن است از تصمیمی که باافکار عمومی و حتی سرنوشت خلافت‌بستگی دارد انصراف حاصل کرد ؟ اگر فرزندم‌بعلت تمایلات تند واحساسات‌شهوی‌که‌معلول‌جوانیست صلاح و صواب خود و خلافت را تشخیص نمیدهد از تو عمروعاص که در بوتهٔ سیاست و دور اندیشی گداخته شدی وفی‌الواقع بنیان گذار خلافت و سلطنت در خاندان ما هستی متوقع چنین سئوالی نبودم .

عمر وعاص ــ: کاملا صحیح‌است ومنهم‌با تو دراین موضوع همعقیده هستم ولی آمدم بشمابگویم که موضوع دلدادگی یزید بجاهای باریك کشیده اکنون قریب یکهفته است که دست از همه چیز شسته دامن خلوت گرفته و شش‌گوشهٔ خیالش راکه بایــد صرف امــور مملکت داری شود غم ارینب بخــود معطوف داشته .... فکر نمیکنید اگر این ماجرا ادامه یابد ولیعهد وجانشین خلافت از دست برود؟

معاویه که تا آن موقع موضوع را جدی تلقی نکرده بود چون دید که پای جــان فرزندش در میانست از عمروعاص خواست که دراین مورد چاره جوئی کند عمر و عاص که منتظر چنین فرصت و استشاره‌ای بود گفت:

میدانی معاویه ؟ عبدالله‌بن سلام مدتها است که در پی‌تقرب بمقام خلافت و اخذ ولایت یکی‌ازبلاد میباشد . اگر امیرالمومنین‌حکومت مصر را باو وعده کند وحتی پا را فراتــر گذاشته قول دهد صفیه را بحباله نکاح او در خواهد آورد بیگمان منظور ما لباس‌عمل خواهد پوشید . وعبدالله‌بن سلام نه‌تنها ارینب بلکه یحتمل از معتقدات و مقدسات خود نیز لدی‌الاقتضاچشم بپوشد .

معاویه این روباه محیل (عمرو عاص)را بخوبی میشناخت ولی‌هرگز فکر نمیکرد در امری که بعقیده او کاملا غامض و پیچیده بنظر میرسید باین سرعت و قاطعیت اظهار نظر کند . درنگ وتامل راجایز نــدیده عبدالله‌بن سلام را بحضور طلبید و پس از تمهید مقدمه‌ای گفت :

عبدالله ، اگرچه ترا بخوبی میشناختم و مراتب لیاقت و کفایت تو برمن پوشیده‌نبود. ولی جستــه گریختــه از بعضی خاصــان و نزدیکان مطالبی راجع بخصایص وسجایای تو شنیده شد که میزان علاقه و خشنودی مرا نسبت بتو تشدید کرد بقسمی که تصمیم گرفتم دخترم صفیه را بحباله نکاحت در آورم و فرمان ولایت مصر را نیز بنام تو توشیح کنم تا هم روزگاری رابفراغت وسعادت بگذرانی وهم‌خاطر ما از ناحیه قاره افریقا آسوده‌باشد. گمان‌نمیکنم در تاریخ ملل و نحل سابقه‌داشته باشد که خلیفه یا سلطانی نسبت بیکی اززیر دستانش بپاس خدمتگزاری تا این انــدازه حقشناسی و از خود گذشتگی نشان دهد.

عبدالله‌بن سلام در حالیکه نمیدانست‌خواب می‌بیند ویا در عالم بیداری چنین بشارتی میشنود سراز پا نشناخته بعرض رسانید:

امیرالمومنین بسلامت باد ، فکر نمیکنم میزان خدمتگذاریم بحد و پایه‌ای رسیده‌باشد که تااین اندازه مشمول لطف و عنایت خلیفه قرار گیرم و مرا بدامادی وغلامی خویــش مفتخر فرمایند . در هر صورت هرطور که مشیت امیرالمومنین تعلق گیرد فرمانبردارم.

معاویه ــ :اما راستی اشکالی در اینکــار وجود دارد و نمیدانم چگونه ممکن استحل این مشکل کرد .

عبدالله : هرمشکلی قابل حل است حاصه هنگامی که امر ، امر معاویه و مامور اجرای دستور، عبدالله باشد .

معاویه ــ: اشکال کار این‌است که تــو متاهل هستی و خلیفه مسلمین نمیتوانددخترش را بامرد متاهل تزویج کند .

عبدالله ــ : عجب !فکر میکردم واقعامانعی وجود دارد که حل آن خالی از اشکال نیست ....

این‌بگفت واز دارالخلافه خارج شد ویکسر بسوی خانه شتافت و ارینب‌را که در عیــن زیبائی وجمال حقا مظهر عفت و طهارت و وفاداری بود به اشتیاق ازدواج با دختر خلیفه واخذ فرمان حکومت مصر طلاق گفت، سپس اجرای امر را باستحضار خلیفه رسانید وبا قلبی آکنده از مسرت و خوشحالی بانتظار نشست تا شهر دمشق را آئین بندند و پس از چندین شبانه روز دست افشانی و پایکوبی ! دست صفیه را بپاس این ناسپاسی در دستش گذارند ..! معاویه دیگر کاری با او نداشت زیرا آنچه مقصود و منظور بود عملی‌گردید.

چند صباحی که از این واقعه گذشت و جریان جدائی عبداله وارینب در نظرمردم امری‌عادی

تلقی گردید آنگاه عمرو عاص را بخانه ارینب گسیل داشت تا او را برای فرزندش یـزید خواستگاری کند .

میگویند سرور شهیدان و مظهر آزادی و رادمردی حسین‌بن علی (ع) چون ازاین‌واقعه آگاهی‌یافت بمنظوری که‌در خاتمه داستان‌روشن میگردد برای عمرو عاص پیغام داد که‌اگر خون عرب در عروقش جریان دارد وازمردی و مردانگـی بـی نصیب نیست . چنانچـه ارینب بـه ازدواج با یزید تن در ندهد از جانب او خواستگاری کند . عمروعاص قول مساعد داد و درحالیکه خود نیز شیفته جمال و عاشق بیقرار آن مهپاره بود بسوی خانه معشوق شتافت و پس از ذکر مقدمه‌ای چنین گفت :

من از جانب سه تن بخواستگاری آمدم: یزید ، حسین بن علی و خودم که حاضر هستم غلامی درگاهت را بجان پذیرم .

ارینب پس از لختی تامل و تفکر گفت: ای عمرو . مرا در وضع عجیبی قراردادی که ماجرای جدائی از عبدالله بن سلام را تحت‌الشعاع قرارداد و هرگونه اتخاذ تصمیمی را از من سلب کرد زیرا هریك از این سه‌نفر که نام بردی از شخصیتهای بارز و برجسته قلمرو اسلامی هستند و انتخاب اصلح را مشکل میکند .... من ترا امین و حکم قرار میدهم تا از این سه تن هرکدام را برای زوجیت من مناسب بدانی قبول کنم .

عمروعاص گفت : معلوم میشود ازشیطنت بی‌بهره نیستی، رندی بخرج‌دادی وبداستشارتی کردی ، اگر مرا در این موضوع امین وحکم قرار نمیدادی بیگمان خود را برای زوجیت تو اصلح والیق بردیگران میشمردم ولی‌چه‌کنم که پای امانت درمیانست و بمصداق (المستشار مؤتمن) نمیتوانم حقیقت را مکتوم بدارم :

اگر بمال و منال دنیوی نیاز داری یزید را برگزین تا کام ترا از این رهگذر شیرین کند ، اگر توشه آخرت می‌خواهی و بفضیلت و تقوی پای‌بند هستی حسین بن علی شایسته این مقام است .

ولی .... ولی عمروعاص نه فضیلت و کمال حسینی دارد و نه چون یزید میتواند دنیای ترا معمور کند . این بگفت و از خانه ارینب خارج شد ــ اینکه میگویند (عمر در امانت خیانت نکرد) کاملا غلط است وباید گفت «عمرو درامانت خیانت نکرد » ومقصود همین عمروعاص و همین ماجرا است که شأن نزول ضرب‌المثل بالا میباشد .

باری ارینب چون از لحاظ ثروت‌ومکنت نیازی نداشت و باخلاق‌و احوال یزید نیزکه عصاره شهوت و بی‌عفتی بودکاملا آگاهی‌داشت لذا بحسین‌بن‌علی (ع) روی‌آورد و او را بشوهری پذیرفت تا ازاین رهگذر درك فیض و فضیلت کند . خلاصه بخانه شوهر جدیدرفت ولی جان کلام اینجا است که اثری‌ازز‌ناشوئی دیده نمیشد حسین بن علی (ع) هنگام روز و غالب ساعات فراغت را در نزد ارینب میگذرانید و کمال عطوفت و مهربانی‌وانسبت باو مبذول میفرمود ولی هنگام شب از او دوری میجست . ارینب از این معما چیزی نمی‌فهمید و گاهگاهی با خود زمزمه‌میکرد : من درصورت ، شهره شهر ودر سیرت وعفت ، زبانزد دوست و دشمن هستم ، آن گرمی‌عشق چه بود و این سردی ازدواج چیست ؟ چرا حسین بحجله زفاف نمیآید و اصولا‌بچه‌منظوری مرا بحباله نکاحش‌درآورد ...؟ بالاخره مهر سکوت را شکست و روزیکه حسین بدیدارش آمده بود درمقام پرسش برآمد :

حسین‌جان ، من از این ازدواج سر درنمی‌آوردم ، آیا ممکن است خواهش‌کنم‌مرا درجریان بگذارید ؟

ــ قریبا حقیقت مطلب بر توروشن خواهد شد قدری صبر و تحمل لازم است .

چند روزی از این مذاکره نگذشته بود که عبدالله بن سلام بخانه حسین آمد وتقاضای ملاقات کرد . حسین بن علی او را بحضور طلبید و ارینب را نیز نزد خویش خواند . ارینب معذرت خواست و حاضر نبود قیافه مردی را که بآن کیفیت ناسپاسی کـرده دوباره ببیند ولی حسین اصرار ورزیدوبدلایلی ارینب را قانع کرد که در این مجلس حضور پیداکند. چون هرسه‌نفر مقابل‌یکدیگر قرار گرفتند حسین بن علی بعبدالله بن سلام‌گفت: ــ از دیدار توخوشوقتم ولی فکر نمیکردم که پس از آن واقعه بخانه من بیائی .

عبدالله درحالیکه بخود می‌پیچید واز فرط یاس و شرمندگی سربزیر انداخته بود جواب‌داد :

ــ گمان‌و تصور فرزند برومند مولی‌الموالی کاملا صحیح است . من خود نیز باورنمیکردم که روزی باین خانه روی آورم و شما هم در را بروی من بازکنید ولی دو مطلب موجب این تصدیع گردید که جدیت میکنم باختصار برگزار کنم .

زندگی آرامی داشتم ، من و همسرسابقم درکمال صفا و صمیمیت بسر میبردیم ؛ هنگام شب که بخانه میرفتم محبت و مهربانی ارینب خستگی های روز را ازتن وجانم مرتفع‌میکرد و هرگونه غبار غم و اندوهی را از ناصیه‌ام میزدود .

همه بزندگی من رشك میبردندوبوجود چنین همسرمهربانی غبطه میخوردند ولی‌امروز دیگر اثری از آن زندگانی باسعادت وکانون خوشبختی نیست . حب جاه و مال خاصه نقشه شیطانی معاویه همه چیز را از من‌گرفت اما خوشوقتم که فرزند نابکارش یزید هم بمقصود نرسید و این مظهر جمال وکمال نصیب کسی‌گردید که حقا به‌تمام صفات‌عالیه متصف است .

حسین ــ : بالاخره نگفتی که معاویه ، پس‌ازآنکه ارینب را طلاق دادی با تو چه معامله کرد و چرا بوعده خود وفا ننمود ؟

عبدالله ــ : دیگر کاری با من نداشت مقصودش این بود که ارینب را از من بگیرد و بحجله یزید بفرستد . چون مقصودش عملی نگردید و ارینب ترا بر یزید مقدم و مرجح شمرد او هم از ایفای بعهد سرباز زد و دیگر مرا بدارالخلافه راه نداد . هرگزگمان‌نمیبردم کسیکه بر مسند خلافت تکیه زده خود را امیرالمومنین و جانشین پیغمبر میداند تا این اندازه کاذب وریاکار باشد.

حسین ــ : حالا چه میخواهی وچه‌کاری از من ساخته است تا برای تو انجام‌دهم ؟

عبدالله ــ : چیزی نمیخواهم زیرا همه چیز من از دست رفت . باین منظور بخانه‌ات آمدم که از گذشته اظهار ندامت کنم و در پیشگاه پسر پیغمبر از ارینب‌معذرت بخواهم . اگر من او را رنج دادم مرا ببخشد تا بیش از این کفاره گناهانم را ندهم زیرا من قابلیت ارینب را نداشتم .

حسین درحالیکه به چشمان عبدالله خیره شده‌بود چنین گفت :

عبدالله ، من از روز اول باین نقشه شوم و شیطانی آگاه بودم و فکر میکردم تو هم پسر سفیان را خوب میشناسی و باین قهرمان ماجرای پیراهن عثمان و نبرد صفین هرگز اعتماد نخواهی کرد ولی چون دیدم که تو تسلیم شدی و همسری مهربان را در ازای وعده‌های فریبنده این شجره خبیثه ازدست دادی بنابوظیفه شرعی و وجدانی دیگربیکار ننشستم و ارینب را بطریقی که میدانی از چنگ این دیوصفتان خلاصی بخشیدم . ارینب همسر شرعی من است ولی چون ازاین ازدواج منظور دیگری داشتم لذا تاکنون دست تمتعی بسویش دراز نکردم . البته مقصود و منظور من تو بودی که خوشبختانه می‌بینم بنابکاری پسران امیه پی‌بردی و اینها را آن‌طوریکه لازم بود کاملا شناختی .

اکنون صیغه طلاق را جاری میکنم و ارینب را بحباله نکاح تو درمیآورم تاسعادت گمشده را بازیابید و دیگر فریب سفلگان دون‌همت را نخورید ، حال این تو و اینهم ارینب ! .



هفت گوهری که زن درمرد میجوید

در بلژیك سعی برآن بود که دریابند زن در مرد ایده‌آل خود چه میجوید . یك مجله ایتالیائی فهرستی از آنچه زنان ایتالیا از مرد خود میخواهند منتشر کرد .

پرسشهائی که در همین زمینه ها وسیله دیگر مجله ها و موسسات آمارگیری انجـام شده اکثرا باین نتیجه رسیده اند که زنان همه دنیا ، به نسبت کمتر یا بیشتر در مردان خود بدنبال هفت گوهر هستند که شما آنها را به ترتیب اهمیت میخوانید :

مهربانی

صفت بارزیست که زن در مرد میجوید و بدبختانه صفتی است که در میان مردان کمتر پیدا میشود . همه زنان آرزو دارند کـه شوهرانشان بآنها کلمات محبت آمیز بگویند اما خمیرهٔ مرد چنانست که این آرزو کمتر برآورده میشود وزن در حسرت اینکه شوهرش قوی و مهربان باشد میماند .

آداب دانی

زنان‌میگویند بمحض آنکه مراسم زناشوئی تمام میشود مرد تغییر شکل پیدا میکند و یك موجود بی‌تربیت ازکار درمی‌آید . از زبان غالب زنان شنیده شده : «چه میشد اگر صدیك احترامی را که برای دیگران داشت برای همسرش قائل میشد!؟» اما تمدن‌جدید ، برابری و تساوی زن با مرد ، موجب شده که مرد بلافاصله پس از ازدواج زن را مثل خودش تصور کند و با او کلا روابط دیگری داشته باشد زیرا این زنست که منکر ضعف نژادی خود شده است و طبعا هم خدا و هم خرما نمیشود !

اجتماعی بودن

زنان دوست‌ندارند که شوهرانشان منزوی باشند و بمحض مراجعت از کار در سکوت و خـاموشی بسر برند ویا جلوی تلەویزیون آزادانه بنشینند . بدتر از همه مردانی است که در اجتماع می‌جوشند و میدرخشند ولی درخانه بیصدا و مغموم هستند و زنان بیچاره شان از خود میپرسند : «در بیرون چه چیز هست که درخانه نیست !»

تفاهم داشتن

هیچ چیز زن را باندازه اینکه ببینـد شوهرش تمایلات اورا می‌فهمد ، سالروزتولدش را بیاد دارد خشنود نمیسازد . بعبارت دیگر زن دوست دارد که مورد توجه قرارگیرد و جائی را در زندگانی مرد پرکرده باشد و مقیاس و معیار این توجه بیاد بودنست . اگر مرد باین علائق توجه ننماید باید گفت که زن شکوفا نمیگردد .

عدالت خواهی

زنان شکوه‌دارند که شوهرانشان درمخارج مربوط بخودش دست و دل باز است ولی در دیگر خرج ها ممسك میشود . غالبا از خوراك و نوع آن ایراد می‌گیرد و تصور مینمایدکه با آن پول غذای بهتری ممکن است تهیه نمود و یا همسرش از آن سهمی پس انداز میکند .

متانت

اینکه مردی در اجتماع و مجالس زنش را مسخره کند و او را نیش بزند موجب آزردگی همه زنان میشود و بهمین دلیل غالبا از این کار ناراضی هستند. زن دیگری ناراحت بود که همسرش جلوی اطفالش ازاو انتقاد مینماید .

چون زن جسما خودش را ضعیف‌تر از مرد احساس میکند و غالبا خرج زندگی نیز بدست مرد است اینگونه انتقاد ها بیشتر اورا رنج میدهد و ضعفش را برخش می‌کشد در حالیکه او مایل است بتواند بیشتر بشوهرش متکی باشد .

صراحت

زنی که در صدد برآید مچ شوهرش را بگیرد زندگانیش را تباه کرده است . خصوصا که قرائنی پیدا شود مبنی بردروغگوئی او که در اینصـورت مـوجبات سلب اعتماد فراهم می‌گردد و تصورات جای آنرا میگیرد و پای زن دیگری بمیان کشیده میشود . زن دوست دارد مردش صریح باشد و در کردار وگفتار خود صداقت بکار برد .

***

در صورتیکه مردی با چنین شرایطی پیدا شود آیا مورد علاقه زن خواهد بود یا نه خود مشکل لاینحلی است زیرا بسا که مرد باهمین خصوصیات باعث جلب زن میشود و معلوم نیست تغییر روحیه و اخلاق مرد واقعا زن را بتواند فریفته سازد !

(ترجمه از ریدرز دایجست)

نخستین زن

از ــ مارك تواین

ترجمهٔ : محمد آسیم

دوشنبه

این مخلوق جدید که گیسوان درازدارد دایم بدور من میچرخد . من از اینکار او چرا این موجود عجیب سراغ سایر حیوانات چرا این موجود عجیب سراغ سایر حیوانات نمیرود ؟ امروز آسمان ابری بود ، بادشرقی میوزید ، بنظرم باران بسراغ ما خواهدآمد. ما ؟ راستی این کلمه را از کجا یادگرفته‌ام ؟ آری بیادم آمد این موجود گیسودرازدایم‌آنرا بکار میبرد .

چهارشنبه

پناهگاه خوبی برای محفوظ ماندن از باران برای خود ساخته‌ام اما این موجودجدید مرا در آنجا هم تنها نمی‌گذارد ، بدون‌اجازه خزید بداخل پناهگاه و همینکه خواستم این مخلوق مزاحم را از پناهگاه بیرون بیندازم از دیدگانش آب جاری شد ، صداهای تند و تیزی سرداد و با پشت پنجول آبهای چشم خود را پاك می‌کرد . کاش می‌توانست یك لحظه آرام باشد ، اما او پشت سر هم درکنارم وراجی میکند و من فقط بصداهائی که از دور میرسند عادت‌کرده‌ام .

شنبه

این موجودگیسودراز زیاد میوه میخورد اگر بدینمنوال پیش برود ما بزودی چیزی برای خوردن نخواهیم داشت (باز هم کلمه «ما» وی آنقدر این کلمه را بکار میبرد که من هم عادت میکنم) . امروز صبح مه غلیظی بود من در پناهگاه خود خواهم ماند . این موجود جدید در هر هوائی به بوستان‌میرود و با پاهای گلی وارد منزل من می‌شود . آه که اینجا سابق چقدر ساکت و آرام‌بود

یکشنبه

امروز صبح موجود گیسودراز را دیدم که داشت درخت سیب را تکان میداد .

دوشنبه

گفت که اسمش «حوا» است ، خوب بـه من چه ، گفت هروقت که بخواهم او رابنزد خود بخوانم باین اسم صدایش کنم درجواب گفتم که اصلا خیال ندارم او را صداکنم‌از اینرو دانستن نام او لزومی ندارد (کلمه «لزومی‌ندارد» در او اثر کرد ، آن را مکرر بکار خواهم برد)

سه‌شنبه

وادعا دارد کـه او یکی از دنده‌هـای من بوجود آمده است چه حرف پوچی . من دنده‌ای کم‌ندارم .

شنبه

این تازه وارد دیروز هنگامیکه مجددا خود را در آب تماشا میکرد بدرون دریاچه افتاد . هرلحظه بتصویر خود درآب تماشا می‌کند . دیروز هنگامی که به هزار زحمت از آب بیرون کشیده شد شروع کرد راجع به موجودات بیچاره‌ای که بایستی در آب بسر برند دلسوزی کردن عصر مقداری ازآن موجودات بی ریخت را آورد و در بستر من گذارد تا گرم شوند من میل ندارم حتی یکشب هم با موجودات لیز بخوابم ، همینکه هوا تاریك شود آنهارا بدور خواهم ریخت.

سه‌شنبه

حوا اکنون با مار طرح دوستی ریخته است .مـن خوشحالم زیرا این حیوان قادر به تکلم است ، بالاخره آرامشی خواهم‌داشت

آدینه

چند لحظه پیش حوا بمن گفت کـه مار باو توصیه کرده است تا از میوه درخت سیب بچشد زیرا کسی که آنرا بخورد دارای خرد و هوش و چیزهای دیگر خواهد شد . اغلب باو گوشزد کرده‌ام و باز هم بگوش اوخواهم که از آن درخت دوری کند . بنظرم عنقریب بدبختی بزرگی ببار خواهد آورد . بهتراست از بوستان فرار کنم .

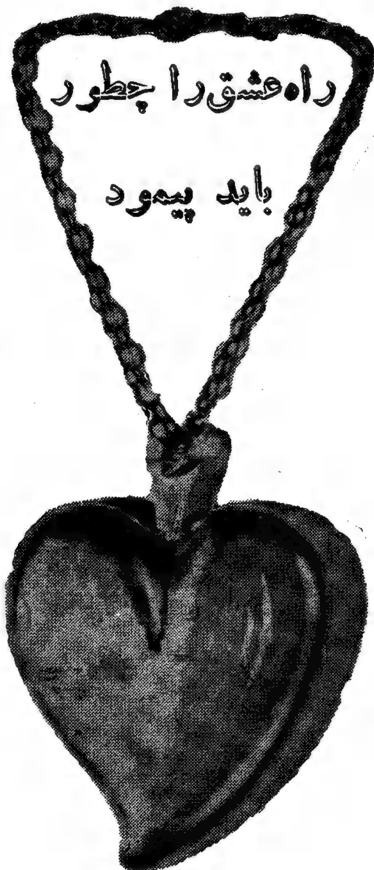
چهارشنبه

شبانه سوار اسب شده و بدون سر و صدا فرار کردم . بسرعت تاختم تاهرچه زودتر بجای امنی پناهنده شوم . همینکه یکساعت پس‌از طلوع آفتاب بدشت پر از ریاحین‌رسیدم و حیوانات گوناگون را دیدم که درکمال خوشی مشغول چرا هستند ناگاه ولوله عجیبی برپا شد و عموم حیوانات با صداهای‌هولناك بجان هم افتادند . شستم خبردار شد که چه اتفاقی رخ‌داده ، حوا یکی از سیبها را تناول کرده است واز این‌رو مرگ درجهان رخت گسترده پلنگها در یك چشم بهم زدن اسب‌مرا دریدند و خوردند عصبانی شدم و امر کردم دست از این کار احمقانه بردارند ولی گوش کسی بحرف من بدهکار نبود واگر قدری بیشتر ناسزا می‌گفتم خود مرا هم می‌خوردند لذا فرار را برقرار ترجیح داده و باین جای امن پناه بردم . حوا بدنبالم آمد و مرا پیدا کرد من از دیدار او خوشحال شدم و شکمم قاروقور میکرد وحوا چندسیب باخودآورده بود . با اینکه خلاف اصول و مقررات بـود من از آن خوردم از فرط گرسنگی چاره‌ای نداشتم . مراعات اصول ومقررات بنظر من با شکم پر مقدور است . حوا در غیاب من بدن خود را با انواع برگها و شاخه‌هاپوشانیده بود از او پرسیدم که این مسخره بازی‌چیست و شاخه و برگهای سبز را بیکسو انداختم وی لبخندی زد و سرخ شد و آهسته درگوشم گفت که بزودی خواهم فهمید چرا اینکار را کرده است . آنقدر ها هم خلاف نگفته بـود بااینکه خیلی گرسنه بودم نیمه‌سیبی را که گاز زده بودم بیکسو گذاردم (راستی چقدر خوشمزه‌بود) شاخه و برگهائی را که ازحوا دور کرده بودم جمع نموده و خود را با آن آراستم و بعد به حوا امر کردم که بیکار ننشیند و رفته برایم چند عدد از آن‌سیبهای لذیذ را بیاورد .

زندگی با او آنقدر ها هم بد نیست مخصوصا که ادعا می‌کند تقدیر ما چنین بوده است که بایستی در آینده کار کنیم.

بزودی در موقع کار بر او نظارت و سرپرستی خواهم کرد .

ترجمه
از «عشق و
چگونه باید این راه را
پیمود» اثر هنری‌میلر ازمتن فرانسه
ترجمه مارشل سیبون درباری ماج



هانری‌میلر در ۱۹۴۳ کتاب « انقلاب گرما » را نگاشت که درآن شور وحرارت ، صراحت بیان و بی‌پروائی یك نویسنده رابحدی رسانده بود که نوشته‌اش از طرف دولت آمریکا به جرم عدم رعایت اصول اخلاقی توقیف شد . درسال ۱۹۶۱ ، یعنی ۲۷ سال بعد پس‌از اینکه این مرد با ارائه نوشته‌هائی چون « انقلاب سرما » ، « مجسمهٔ ماروسی » ، « شبکه » « نکسوس » ، « بیگ سوریا نارنج هـای ژروم‌بوش » وآثار دیگر ، در ردیف‌بزرگترین نویسندگان عصر خود شناخته شد ، اثر توقیف شدهٔ او دروطن خودش بچاپ رسید ومطبوعات دربارهٔ او چنین نوشتند : « کسی‌که بتواند واقعیت این کتاب را ادراك کند زندگـی را ادراك کرده است » .

میلر پس‌از گذراندن سالهای پرحادثهٔ زندگی‌اش ، بازن و فرزندان خود در دهکدهٔ بیگ‌سور که درکوهستان های کالیفرنیا واقع شده ، مردی متفکر وبا تجربه از آب در آمده بود بیشتر کاوش‌ها و قلم فرسائی های این نویسنده دراطراف زن و عشق است .

کدام مرد و زنی مایل نیست که تفاوت عشق انسانی و عشق مطلق یا ملکوتی را درك کند ؟

هانری میلر جواب این سئوال را بـه ما میدهد ، جوابی که نشانهٔ تمایلی بی‌همتا به ابراز حقایق است .

میلر بیشتر برای دادن این جواب بود که افکار و اندیشه های خودرا برشتهٔ تحریر درآورد .

شاید این جواب‌ها از نظر اینکه تازگی دارند باعث تعجب شما شوند ولی باشنیدن آنها بلاشك باب نوینی از یك مسأله کـه تازگـی جاودانی دارد بروی شما گشوده خواهد شد .

زن خیالی

بتدریج که گرد پیری بر عارض ما نشیند محتاط‌تر شده و کمتر مایل هستیم خود را بازیچهٔ دست عشق کنیم و یا برعکس چشم بسته‌تر و نادان‌تر از دوران جوانی خودرا به این ره می‌سپریم . خود من هم باوجود تجارب تلخی که دارم شاید جزو دستهٔ اخیر باشم . واضح است من چیزی را جستجو می‌کنم کـه نه قادرم آنرا بوجود آورم و نه از دست دادن آن برایم مقدور است . من عقیده دارم کـه انسان نباید یك موجود خیالی را بنام عشق ایده‌آل در اعماق رؤیاهای خویش دنبال کند و با توقعاتی که همیشه از عشق جدید خود دارم هرگز نتوانسته‌ام تصویر یك زن ایده‌آل را در روح خود بیافرینم و بیش از این هم دراین راه تلاش نمی‌کنم زیرا اندیشهٔ داشتن یك عشق ایده‌آل را نشانه‌ای از شکست میدانم .

عشق های گذشته

دراولین مراحل دیوانگی ای‌که عشقش نامند ، زمانیکه درنیمه راه فتح یا شکست قرار داریم و خودرا با این خیال تسی میدهیم‌که متقابلا ما را دوست دارد و عشق مارا محترم میشمارد طوری‌که دیگری راجانشین ما نمیکند این موضوع باوجود تجربیات گذشته وباوجود نداهائی‌که از اعماق وجود ما برمی‌خیزد عملی نیست . آرزوی یك عاشق همیشه اینست که معشوق او بهمان نسبت که عشقشان افزون میشود عظمت یابد . ما خیال می‌کنیم ویا من تنها اینطور فکر می‌کنم که معشوقهٔ ما باید پارسائی و پاکدامنی راکه مورد نظر است داشته باشد وگاه بیش‌از این هم از او توقع داریم و خودرا با این خیال تسلی میدهیم که ثمرهٔ شکفتن این پاکدامنی شاهد عشق ما خواهد بود . اشتباه ما هرچه باشد حق داریم آنرا باور کنیم . هیچکس از میان ما نه عشق های بیشمار درزندگی داشته ونه عشقی راکه برایش پیش آمده توانسته کلا تحمل کند .

دوست داشتن دلیل نمی‌خواهد

اگر بعنوان یك تماشاگر بیطرف صحنهٔ یك عشق مهیج را زیرنظر بگیریم اغلب به این نتیجه میرسیم کـه عشق مزبور کوچکترین رابطه‌ای با انگیزهٔ احترام‌آمیز موجد آن نداشته است . در هر عشق دو مورد پیش میآید یا محبوب ما به سادگی عذر ما را میخواهد ویا به ما موقعیتی میدهد تا عشق خودرا به او تقدیم کنیم و تازه این موقع خـود هدفی برای تنظیم تیرهای هوس‌انگیزی است که از

کمان‌کوپیدون خارج میشوند (کوپیدون الههٔ عشق رومی است و نویسنده این لقب را به محبوب داده است) . همانطورکه نور را جز درتاریکی نمیتوان درك کرد بهمان ترتیب غیر ممکن است بتوان عشق را درك نمود بدون اینکه موجودی وجود داشته باشد که آنرا به ما الهام کند . گاه مشاهده میشود که مردی با ارزش به زنی عشق میورزد که نه لیاقت اورا دارد ، نه‌شخصیت بارزی است ونه لااقل از زیبائی بهره‌ای دارد و معهذا این زن با بیرحمی و بیفکری و بدون داشتن هیچگونه دلیل واضحی عشق اورا نمی‌پذیرد . آیا این اتفاق زیاد میافتد ؟ چرا این مرد سراغ بهتراز او نمیرود ؟ واین سئوالی است‌که ما از خود می‌کنیم . اما ممکن است روزی خودرا درچنین موقعی بیابیم . چه لزومی دارد که بکوشیم تا علت این تمایل عجیب را پیدا کنیم ؟ . دوست داشتن خوب یابد ، زشت یا زیبا دلیل لازم ندارد .

یك زوج کامل

درحین نوشتن این مطالب ناگهان بیادم آمدکه خوشبخت ترین زوجی‌که تابحال باآنها برخورد کرده‌ام ، از یك مرد چهل‌وپنج ساله و یك زن که بیش از شصت سال از عمرش میگذشت تشکیل میشد . ایندو در یك اطاق بدون پنجره ، هم‌کار و هم زندگی میکردند . این زوج خوشبخت همواره باهم بودند و با اینکه از دنیا نگریخته بودند زیاد هم در جستجوی آن نبودند . زن نه زیبا و فریبنده بود ونه چیزی فوق‌العاده داشت . و عجب اینکه مرد تا زمانی که با او برخورد نکرده بود پسر بود . انسان دراولین برخورد فکر میکردکه این همسر نقش یك مادر را برای این مرد بازی میکند ولی بعد میدیدکه اینطور نیست بلکه این مرد است که مثل یك فرزند از مادر سالخورده‌اش مواظبت می‌نماید . چه ضرورتی داشت‌که ایندو باهم زندگی مشترکی داشته باشند . آنها هیچکدام احتیاجی به کمك یکدیگر نداشتند ولی مثل دوکبوتر باهم زندگی میکردند . من درمورد چگونگی‌زندگی آندواغلب‌ازخود سئوالاتی میکردم ولی‌هیچگاه بخود زحمت این را نمی‌دادم که عللی راکه باعث خوشبختی آندوست جستجو کنم آندو یکدیگر را دوست داشتند و همین برای خوشبختی دو نفر کافی است .

عاشق بودن یعنی زندگی کامل داشتن

هیچکس نمی‌داند چرا عاشق می‌شود ویا چرا یکباره عشق خودرا از دست میدهد . هر چندکه در مورد اخیر همیشه دلایلی قانع‌کننده برایمان وجود دارد . درهرحال همهٔ ما خوب میدانیم که فقط زمانی زندگی کاملی‌داشته‌ایم که عشقی دیوانه‌کننده در سرداشته و همه‌اش درفکر آن بوده‌ایم ، حالا این عشق هرچه باشد مهم نیست اما چیست که این حالت جذبه را از میان برمیدارد ؟ ازدواج است ؟ باید اقرار کردکه دیوژن (فیلسوف یونانی قبل از میلاد مسیح) راست می‌گفته که ازدواج ناقوس مرگ عشق را بصدا درمیآورد .

عشق چون زندگی است

بعضی از مردم در قبول بعضی چیزها حالت خاصی دارند . مثلا برایشان مشکل‌است قبول کنند که چرخ زندگی دائما درگردش است ،که حرارت خورشید باعث پیدائی باران میشود ، که بعد از تابستان زمستان می‌آید ، که در دنبال زندگی مرگی هم وجود دارد و پس‌ازمرگ نوبت رستاخیز هم‌میرسد وهمچنین عشق هم باید مثل سایر چیزها خاکسترش ــ بدفعات جان گیرد و عشقی دگر آفریند .

مطمئن ترین راه غلبه برعشق

امروزه بار دیگر دنیا از جنگ وحشت دارد وآنچه مارا بطرف کلیسا می‌کشاند بعقیده اکثر ماترس است ، ترس از جنگ . همه با صدای بلند می‌گوئیم که خواستهٔ ما صلح است « صلح ، چه چیز شگفتی انگیزی است » بخصوص صلح وصفای جاودان . اما درحقیقت آنچه راکه میخواهیم بگوئیم اینست که جنگ ما را وحشت زده کرده است . معذلك بین‌کینه و عداوت یا ترس از جنگ و زیستن درصلح چه با همگان و چه با درون خود بین هم اختلافی بزرگ وجود دارد . کینه و وحشت ، ترس و اضطراب مارا بجائی رهبر نمی‌شود .

همینطور است عشق ، مردی‌که میترسد عشق خودرا از دست بدهد در واقع معنی عشق را ادراك نمی‌کند . او می‌خواهد که دوستش داشته باشند . مردی که دوست دارد در عشق زندگی می‌کند نه در ترس و اضطراب . حسادت و رقابت هیچکدام درافکار اوکمترین نقشی را ایفا نمی‌کنند . در عوض کسی که همیشه جنبه تدافع دارد درست مثل آدمی‌است که میگوید برای جنگ اهمیتی قائل نیست و ازآن نفرت دارد اما تادسته‌ای از مردم‌کشمکشی براه اندازند بدون دلیل به آنها می‌پیوندند اغلب صلح طلبان وقتی پای جانشان در میان آید از جنگجویان هراس انگیز می‌شوند . اغلب عاشقان باعث جفاکاری هائی می‌شوندکه همیشه از ارتکاب به آن بیم داشته‌اند ولی تمام این اعمال را بنام عشق مرتکب میگردند .

جستجوی عشق ایده‌آل

آنانکه بدنبال عشق ملکوتی می‌گردند بدون شك از خطرناکترین دشمنان عشق هستند آنها میگردند تا شاهکار هائی فناناپذیر در تاریخ عشق خلق کنند غافل از اینکه توانائی دوست داشتن یکی‌از موهبت های بزرگی است که بخشودهٔ خدای بزرگ است زیرا شاهکار های عشقی نیز گاه ناکامی بهمراه دارند . عشق آسمانی امروزه بیشتر جنبهٔ افسانه و حماسه بخود گرفته است . رؤیای اسان عادی که بیشتر دراطراف یك عشق ساده دور میزند هیچگاه به تراژدی ختم نمی‌گردد و حداکثر اینکه چون بادکنکی کوچك ، بیصدا بادش خالی میشود .

آیا ممکن است عشق بدون اضطراب باشد ؟

کمتر کسی قبول میکندکه عشق میتواند بدون شکنجه و عذاب ، بدون بی‌اعتنائی و بدون ترس از فردا باشد . کلمهٔ عشق بارقابت پیکار ، غم مترادف است ، و معهذا میگویند « هروقت انسان عشق رابشناسد صلح راشناخته است » عشق همیشه درزندگی ما حاضر و ناظر است ودائم درتکاپوست که خودرا تفهیم‌نماید اما باهمهٔ اینها ، بمحض اینکه ما پا بدنیای وجود می‌گذاریم او در چهار دیواری روح ما

محبوس و مفلوج می‌گردد .

« یکدیگر را دوست داشته باشید » این فرمودهٔ الهی است و ما به بهانهٔ اینکه در گفتن آن مبالغه شده از تأسی به‌آن دوری میجوئیم آیا راست است ؟ جز درچند مورد استثنائی آیا آنرا مورد آزمایش قرار داده‌اند ؟ چقدر وقت لازم است تا روشن شودکه تمام راه های دیگر به بن بست ختم شود ؟

دوست داشتن بمعنای پذیرفتن یکدیگر است

هنوز انسان متمدن نتوانسته است علت اضطراب‌و عذابی راکه بهمراه عشق‌روح‌وجان را می‌آزارد پیداکند . هرسئوالی که دراطراف مسئلهٔ سرنوشت مطرح میشود ، الزاما جوابی نا مربوط دریافت میدارد که خود نشانهٔ افکاری واهی است . اگر حقیقت را بخواهیم بایـد بگوئیم که این جواب مربوط به خدا ، تکامل بشر و فلسفه است . برماست که برای ایجاد هماهنگی در زندگی خود و فراگرفتن رموز عشق ، قدم از قلمرو سئوال و جواب فراتر نهیم . زیرا تمام آنها خواهی نخواهی به یك چیز ختم میشوند و آن « چرا ؟ » است . واین خود کلمه‌ای است که جواب دادن به آن به این سادگی نیست . اگر عشق رحمت الهی نیست پس چه میتواند باشد ؟ یك عاشق واقعی هیچگاه از خود می‌پرسد که چرا دوست دارد و چرا عشق میورزد ؟ آیا او خودرا در گرداب نادانی حاصل از این عشق خوشبخت نمیداند ؟ چه چیز بیشتر از عشق میتواند انسان را بـه زندگی امیدوار کند ؟ .

عشق و روشن‌بینی

همانطورکه در بالا اشاره شد ، علاوه‌بر اینکه تجربهٔ دیگـران در عشق به کار مـا نمی‌خورد ، تجربیات خودمان هم برایمان هیچ ارزشی ندارد اگر ما از این و آن یاد بگیریم که بعضی از دامها را چگونه از سر راه خود برداریم ، باز نباید به خود اطمینان داشته باشیم ، چون ممکنست وقایعی دیگر که هیچ شباهتی با اتفاقات قبلی ندارند در انتظار ما باشند و مارا به آسانی شکست دهند .

خطر همیشه چون سایه‌ای ما را تعقیب می‌کند و دائما با ماست و ما هیچگاه نبایـد فکر کنیم که این سستی و خطای دیگران است که مارا در مخاطره می‌افکند . تا زمانیکه شاك و تردید به خود راه نداده‌ایم همه‌چیز برای ما زیبائی شگفتی‌انگیز خودرا دارد . ما به‌مسأله توافق اخلاقی زیاد اهمیت میدهیم اما زمانیکه عشق باچیره دستی برزندگی ما حکومت میکند دیگر این مسأله حتی فرصت مطرح شدن راهم پیدا نمی‌کند . اصل توافق نیروئی است که به انسان اجازه می‌دهد زندگی روزانه خودرا در حسن تفاهم کامل بگذراند حتی زمانیکه دلیلی برای این موضوع در دست نباشد . بشر باید بهر ترتیبی که ممکنست وجود یکدیگر را تحمل کند . موفقیت‌آمیز ترین ازدواج‌ها نیز که درآن زن و شوهر باطیب خاطر وجـود یکدیگر را پرستش می‌کنند برپایهٔ نوعی تحمل دوجانبه تثبیت می‌گردد . اینجاست که یك لنگر مطمئن برای ادامهٔ حیات وجود دارد ، خطر غرق دیگر جان ما را تهدید نمی‌کند ، زورق ازدواج دراوج امنیت به سوی زندگی پر سعادت زناشوئی پیش میرود و ما را هم با خود می‌برد .

آنهائی‌که در زندگی‌شان ازدواجهای متعدد رخ داده است

در زندگی به اشخاصی برخورد میکنیم که کارشان تلاش و کوشش برای داشتن زندگی بهتر است و باز عده‌ای را می‌بینیم که خود را در چهار دیواری سرنوشت زندانی کرده وبه زندگی خوش دیگران حسادت میورزد ، چندین بار ازدواج کرده‌اند و همین ازدواج هـای متعدد را مسئول بدبختی خود می‌دانند . من مردی را می‌شناسم که مردم روی او بد قضاوت می‌کردند و اورا شخص رذل و بی‌وجدانی میدانستند ، این قضاوت آنها هرچند درست بود ولی‌من مرد را زیاد هم‌گناهکار نمیدانستم. این مرد خیلی خوش تعارف و چرب زبان بود و هر وقت از او سئوال می‌شد که با این چند زن چگونه زندگی می‌کند میگفت : « سارا آشپزی منزل را بعهده دارد ، لوتی را برای مواقعی گذاشته‌ام که میخواهم به پارتی‌ها و مجالس عیش بروم ، اما ژان ، این یکی‌همیشه در رختخواب است و . . . . » بیمورد است بگوئیم که این مرد از یك عقدهٔ گناه در رنج نیست . اگر از رسوائی یا احساس ناکامی که در تعقیب طلاق بسراغ انسان میآید صرفنظر کنیم میتوانیم با توجه به حوادثی که درمسئله ازدواج روی میدهد این نتیجه را بگیریم که دراین قسمت از زندگی هم از تجربه بی‌نیاز نیستیم . دوستان دوران زندگی ما متعدد نیستند ولی اگر ما بعللی نتوانیم دوستی خودرا با یك نفر ادامه دهیم هیچگاه خـودرا گناهکار نمی‌دانیم . اغلب اتفاق می‌افتد که پس‌از مدتها که بازنی زندگی می‌کنیم اختلافی پیش‌میآید ، حالا علت این اختلاف هرچه میخواهد باشد مهم نیست بلکه تفکر و تأملی که دراین گونه مواقع لازم است تا از گسستن پیوند زندگی ما ممانعت کند اهمیت دارد متاسفانه در بیشتر اینگونه موارد کـه از حساس ترین مراحل زندگی زناشوئی است بدون اندکی تأمل وبا کینه‌جوئی و سماجت بیش‌از حد یکدیگر را ترك میگوئیم . مدتی‌که ازاین موضوع میگذرد و ما در صدد مقایسهٔ همسر خود با دیگران برمی‌آئیم باین نتیجه میرسیم که او علاوه‌بر اینکه برای ما نامناسب نیست بلکه دوست بسیار خوبی هم برای ما محسوب میشود . در اینجا با اینکه همان صفات و خصوصیات قبلی را برایمان به ارمغان آورده چه چیز فوق‌العاده‌ای در او می‌یابیم که ما را به زندگی مجدد بااو تشویق می‌کند ؟ پس آن عواملی که زندگی با او را آنطور برایمان غیرممکن ساخته بود که ناچار ازاو جدا شدیم چه‌بودند ؟ علاوه‌برتمام دلایل قانع‌کننده‌ای که برای خودمان وجود دارد باید اضافه‌کنیم که : عشق ما هرگز یك عشق آتشین نیست ، هیچ گذشت وفداکاری درآن وجود ندارد ، جز یك هوس آمیخته به توقع بی‌حد و حصر چیزی نیست واساس آن روی‌نفع‌شخصی ،گرسنگی،تمایلات جنسی گذاشته شده است . حـتی سقراط ، ایـن فیلسوف دانشمند نتوانست دراین راه توفیقی پیداکند ولی بالاخره موجودی پیدا میشد که با این اهریمن که نامش سقراط بود زندگی کند .

عشق و عذاب

تا باین جا همه چیز را از نقطه نظر یك تماشاگر بیان کردم . میخواهم بدانم آیـا میتوانم تجربیات خودم را در حل این مسائل بغرنج زندگی بکار برم ؟ در نوشته های خود از سستی و سهل‌انگاری های بشر همواره مثال هائی آورده‌ام ، ناتوانی‌ها و عیوب خودراکه کمتر نویسنده‌ای جرأت ابراز آنرا دارد در مقابل چشمان شما گستردم . من میتوانم ادعا کنم که بخاطر طبیعت مخصوصی‌که دارم حتی چیزهای زیادی را از درون خود آموختم . اولین هدف من در موقعی که طرح « کتاب زندگی‌ام » را میریختم این بودکه حد اعلای رنج ومحنتی راکه یك انسان میتواند دردوران عشق تحمل کند بازگو کنم . آنچه که مرا وادار میکند تا اسرار درونی خودرا برای شما فاش کنم اینست که خرد و تجربهٔ نهفته در آنها را نمیتوانم بدون شرح آنها به دیگران القاء کنم . از مطالعهٔ سرگذشت زندگی دیگـران میتوان شهامت را فراگرفت اما از خطاهائی که قهرمانان داستان مرتکب شده‌اند نمیتوان بنفع خود برداشت نمود . من درد نهان خودرا با صراحت زیاد چون بلبلی سر داده‌ام فقط بـه دلخوشی اینکه اگر دیگران برای شنیدن آن گوش خودرا آزار نمی‌دهند اقلا خودم آنهارا باز شنوم . من هرچه بیشتر روح خودرا شکنجه دهم خودرا خوشبخت تر حس میکنم و باین دلیل است کـه لقب تمسخرآمیز « صخرهٔ

خوشبخت » را بمن داده‌اند .

عشق میزگرد

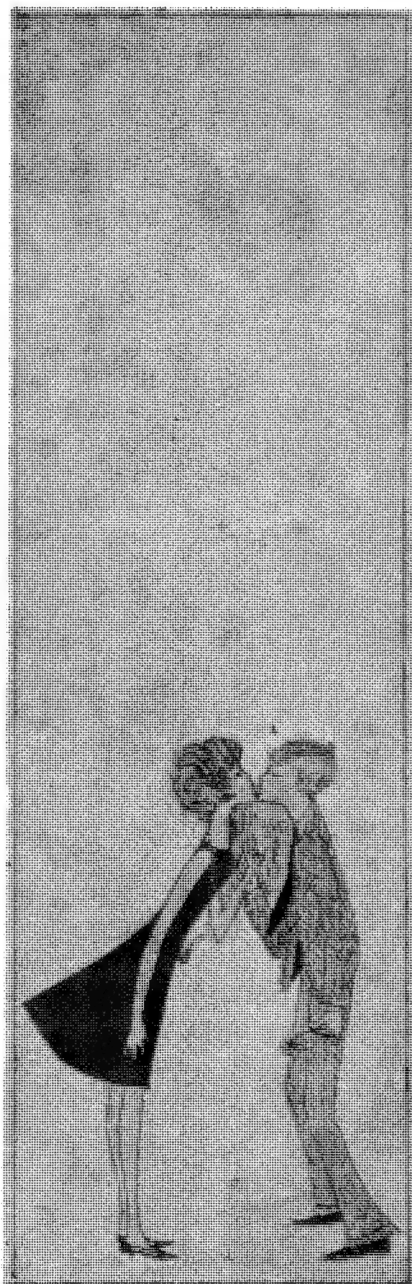
چیز عجیبی است ! بعضی نمی‌خواهند قبول کنند که حوادث عشق و زندگی همان چیزهائیست که مکرر برای دیگران هم اتفاق افتاده و فراوان در نوشته‌ها آمده است . لازم میدانم چند کلمه‌ای از حوادثی که دریکی‌از این داستانها آمده و من در اوائل زندگی‌آنرا شنیده‌ام برای شما نقل کنم . یکی‌از این داستانهاکه دهان به دهان‌گشته وتا عصر حاضر دوام‌کرده و روز بروز برهیجان آن افزوده شده افسانهٔ آرتور پادشاه و شوالیه‌های میزگرد اوست . بعقیدهٔ من عصر طلائی بشریت رادرمیان این داستانها باید جستجو کرد و آنچه که دیگران را وادار می‌کند که آنها را تخیلی پندارند ، عقیدهٔ مرا درمورد حقیقی بودن آنها دو چندان می‌نماید . بنظر من در افسانهٔ آرتور قطعه‌ای که عشق لانسلو وگنیور را توصیف می‌کند از تمام قطعات دیگر جالب‌تر است .

موضوع مهمی‌که دراین افسانه نظر انسان را بخود معطوف میدارد ضعف قدرت و شوکت آرتور و عظمت و جلال عشق گنیور است . آرتور ، یکی‌از اصیل ترین چهره هائی که تا بحال توصیف شده ، بدام عشق زنی می‌افتد که از زیردستان اوست .گنیور ، زنی‌پرستیدنی و والامقام که به آقا و ارباب خود آرتور بی‌مهری می‌کند و عشق پاك خودرا آلـوده نمی‌نماید وبالنتیجه باعث انهدام زندگی آرتور بزرگ میشود .

دراین درام دلخراش ، تنها دوستی بین دو انسان است که بدون هیچگونه آلودگی دوام می‌یابد . دراین داستان است که‌عدالت حقیقی بچشم ما می‌خورد ، گنیور ، آرتور ، لانسلو ، ایندستهٔ سه نفری عشق و دوستی را به اوج خود میرسانند و ما که هریك این سه را بخاطر صفات شخصی‌که داشته‌انـد بـررسی می‌کنیم در مهلکه‌ای می‌افتیم که راه فـرار نداریم !

عشق و دوستی

اغلب بین دو مرد صفائی حکمفرماست که متاسفانه باید اعتراف کـردکه بین اکثر زوج‌ها دیده نمی‌شود نادر اتفاق می‌افتد زن‌و شوهری دوستی بمعنای واقعی‌کلمه داشته باشند. همانطور نادر است زنی اجازه دهد خواهرش با شخص ثالثی دوستی عمیق و طولانی داشته باشد . یك زن‌کمتر با دوستان شوهرش گرم می‌گیرد واین عمل به‌فروریختن هم‌آهنگی‌که در چهار دیواری زندگی‌شان حکمفرماست کمك



می‌کند . یك دوستی عمیق و ناگسستنی میتواند تهدیدی وخیم‌تر از بی‌وفائی بشمار می‌آید . یك زن براحتی میتواند خودرا از شر هر نوع رقابت زنانه که درزندگی خانوادگی‌اش رخ داده ، خلاص کند بشرط اینکه کمی باهوش و موقع شناس باشد اما از نظر زن ، یك دوست همیشه روابط زناشوئی را در مخاطره می‌افکند، از صمیمیت شوهر نسبت به زن میکاهد و پرده‌ای راکه تا آن زمان درجلوی شوهرکشیده شده و او را از درك بسیاری از مسائل محروم کرده می‌درد . البته تمام این اتفاقات خودبخود روی میدهد بدون اینکه هیچگونه تصمیم قبلی دراجرای آن وجود داشته باشد . واگر این زن طبیعتا حسود باشد میتواند براحتی از بعضی ازعیوب ونقائصی که در دوستی این دو وجود دارد استفاده کرده و بیرحمانه آنها را از یکدیگر دور کند .

من از دوستی و رفاقت صحبت می‌کنم زیرا کـه تقریبا وجود خارجی ندارد و این موضوع به خصوص در زندگی زنان صدق می‌کند . حالا وقت آن رسیده‌که اندکی در اطراف دوستی بین دو زن صحبت کنم . بعضی عقیده دارند که دراین مورد یك نقص روانی در زنان وجود دارد . برخی دیگر این مسأله را اینطور توجیه می‌کنند که زن اصولا وقت کمتری داردکه وقف راه دوستی نماید وبعضی اضافه میکنند که شوهرانشان به این روابط با چشم دیگر مینگرند . بیشتر مردان عقیده دارند که زن غنچه‌ای است‌که باید فقط در اجتماع مردان بشکفد .

حتی در آمریکا که دوستی بین زنان موقعیت زیادی برای تحکیم دارد و کلوب‌های زنانه فراوان است ، زنان یك کلوب باهـم کلوبی های خود بیشتر گرم میگیرند تا با دوستان خارج از کلوبشان ، با اینکه کار آنها اینست‌کـه درساعات بیکاری فقط به خـاطر گذراندن وقت دور هم جمع شوند و خودرا با مسائل بی‌ارزش سرگرم کنند .

آیا ازدواج های موفقیت‌آمیز دلیل بروجود عشقهای عمیق در میان زوج‌هاست ؟

باز درهمین آمریکاست که عشق هـای بی‌اساس فراوان است ، طلاق هم‌چیز روزمره‌ای است و موضوع توافق اخلاقی هم در تمام مشاجرات عشق و ازدواج بگوش می‌خورد . این بی‌احتیاطی و عدم تأمل و تفکر در امـر ازدواج نقطه ضعف بزرگی است‌که در میان مردم آمریکا وجود دارد . اینها عجولانـه ازدواج میکنند و هیچگـاه بـه عاقبت آن نمی‌اندیشند . ممکن است کـه در زندگـی

زناشوئی شان بخاطر سعادت و موفقیت یکدیگر کوشش زیاد هم بخرج دهند ولی اغلب بی‌نتیجه است زیراکار ازریشه بی‌اساس بوده‌است . چندی پیش‌راه جدیدی برای ازدواج به مردم آمریکا پیشنهاد شد و آن ازدواج توسط ماشینی بود که مخترع آن نام « حسابگر الکترونی » را روی آن گذاشته بود . داوطلب تمام اطلاعات لازم را دراختیار ماشین میگذاشت و این مغز الکترونی پس‌از لحظه‌ای رأی خودرا میداد . مدتی پس‌از این اختراع درگوشه و کنار ، از این و آن ، شنیدم که پسران و دخترانی‌که بوسیلهٔ مغز الکترونی باهم ازدواج کرده‌اند هم اکنون زندگی موفق و سعادتمندی دارند . اگر اشتباه نکرده باشم ، اساسی ترین مسئله‌ای که دراین دستگاه‌ها رعایت احترام آن نشده ، عامل عشق‌است . بدون شك ، مردم فکر میکنند که این عامل در زندگی آیندهٔ آنها تاثیری نخواهد داشت ویاشاید مثل قد ما عقیده دارند که عشق پس‌از ازدواج به وجود میآید وبهمان درجه‌ای که به فشار یوغ زندگی برگردن انسان افزوده میشود عشق هم تکامل می‌یابد وباین ترتیب از هیچ بوجود میآید و خودرا بـه اوج میرساند . این دسته از مردم معتقدند که این عشق نیست که دو موجود را بهم نزدیك میکند ، بلکه عادتی که در طول زندگی و به مرور ایام نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند آنها را سوی یکدیگر جلب مینماید و به عبارت ساده‌تر زن و شوهری کـه در بدو ازدواج کوچکترین آشنائی با یکدیگر ندارند بهم خو میگیرند و همین امر باعث ادامه زندگی آنها می‌شود .

چندی پیش‌که به ایرلند سفر کرده بودم، شنیدم که درمناطق روستائی رسم اینست کـه بین زن و شوهر باید یکسال اختلاف سن وجود داشته باشد و ترتیب ازدواج دختر و پسر را هم واسطه هائی میدهند و ایندو در امر ازدواج هیچ دخالتی ندارند . وقتی از طلاق وجدائی جویا شدم دیدم که این اتفاق هم دربین آنها نادر است و بعلاوه به گفتهٔ همه آنها خوشبختی دراین خانواده‌ها کمتراز زن و شوهرانی نیست که به شیوهٔ عشق های افسانه‌ای بایکدیگـر وصلت می‌کنند .

سئوالی که درآخر پیش میآید اینست‌که بدانیم خواستهٔ ما از ازدواج چیست . آیا یك زندگی مشترك آنست که تا دم مرگ صلح و صفا و سعادت بهمراه داشته باشد ، یا اینکـه دوستی فیمابین روز بروز عمیق‌تر گردد ؟ و آیـا حقیقتا یك ازدواج موفقیت‌آمیز و متناسب دال بروجود عشق است ؟

مطمئنا، اگراصطلاح«ازدواج‌دربرابرخدا» مفهومی داشته باشد ، این مفهوم همان اتحاد و یگانگی دو روح است . این یگانگی زمانـی



اتفاق میافتد که دو موجود با عشقی عمیق به یکدیگر می‌پیوندند و سعی انسان در نابودی آن هیچگونه تأثیری ندارد و حتی اگر یکی‌از دونفر هم رخت از دنیا بربندد ، آن دیگری این یگانگی را محترم می‌شمرد .

اما چـون این اتفاقات نادرند و این برخوردها کمتر پیدا میشوند ، آیا ما باید خود را راضی کنیم که با علاقه های معتدل‌تر و پیوستگی های سست‌تر از این زندگی زناشوئی را شروع کنیم ؟ جواب آن بستگی بسرشت و سرنوشت ما دارد . دراین دنیای بی‌ارزش ، همانطورکه برای شیاطین و فرشتگان هردوجا هست ، همانطور هم برای هرنوع علاقه و پیوستگی چه مناسب و چه نامناسب جائـی وجود دارد . بازی زندگی برای خود بازی کاملی است وکسانی بهتر ازعهدهٔ آن برمیآیند که به قواعد و رموز آن بهتر واقف باشند . اساس این قواعد برچـه اصلی استوار است ؟ این چیزی است که از آن بی‌خبریم . چه در شروع و چـه درحین ایـن بازی هیچگاه نمیتوانیم به موفقیت خود مطمئن باشیم . بعضی از مردم باتمام کوششی که میکنند هیچگـاه موفق نمی‌شوند این رموز را فراگیرند . برخی دیگر بدون اینکه زحمت زیادی را متحمل‌شوند در یاد گرفتن آن موفقیت حاصل میکنند و ما پیش خود تصور میکنیم که این قواعد ورموز را از بدو تولد در روح آنها دمیده‌اند . امـا چه زحمت بکشیم و چه نکشیم ، چه پیکارکنیم و چه نکنیم ، در هدف این بازی که فقط وفقط ادراك مفهوم عشق است نمیتوانیم کوچکترین تغییری بدهیم .

دوست داشتن بمعنای
پذیرفتن یکدیگر است

همانطورکه ازدواج را میتوان عجولانه برگزار نمود ، دراطراف آن تفکر و تأمل هم میتوان کرد . انسان هرنوع تقاضا و تمنائـی را میتواند از عشق داشته باشد بشرط اینکـه با همان گشاده روئی همیشه آمادهٔ تلافی آن باشد . حقیقت اینکه باید قبول کنیم که از عشق بهمان نسبتی توقع داشته باشیم که اگـر عوضش را از ما بخواهد بیدرنگ تقدیم‌کنیم .

این ظرفیت عجیبی که بشر در جواب گوئـی کوچکترین یا بزرگترین الطاف قلب و روح دارد خود حقیقت شگفتی‌انگیز اساس خلقت محسوب میشود . این حقیقت آئینهٔ ادراك ماست . ثروت یا فقر باطنی ما به تناسب قـوه خیال ماست واین عشق است‌که آئینه ادراك را صیقل میدهد .

وقتی تفاوتی بین داد و ستد نمی‌بینید ، عاشق می‌شوید

همکاری باعشق به‌قصدجنگ وجدال کار خبطی‌است . عشق‌تازمانیکه اندیشه وپیکار را درسرمی‌پرورانیم ظهورنمی کند . عشق مترادف باتسلیم محض‌وفراموشی کامل است . دریکی ازجنگ‌های‌صلیبی که رزمندگان‌اروپائی‌شکست خورده‌و تسلیم دشمن شده‌بودند ، فرانسوا فرمانده لشکر ، درمیان لاشه‌های قربانیان جنگ این ندارا‌سرمی‌دهد : «اگرپیروزی‌این است ، من‌شکست‌راترجیح می‌دهم» . ولی‌تسلیم شدن باچشم‌پوشیدن اززندگی تفاوت دارد . چرا از دنیا چشم بپوشیم ؟ دردنیای کوچکی که بماتعلق دارد هیچ چیزغیر ممکن‌نیست . هرچه‌آمال خودتان می‌دانید باشهامت‌برای‌خود بردارید ! چه‌لزومی دارد که به انتظار شب نشینید وباترس‌ولرز آنرا بدزدید .

من ، اضطراب عشق راهیچگاه فراموش نمی‌کنم وجذبه‌حاصل‌ازآن رانیك می‌شناسم . دریك‌مورد خودرا گرفتار پنجه عشق می‌سازم چون آرزویم اینست که قلبی‌راکه بخاطرمن می‌تپد درتملك خود درآورم . درمورد دیگر آزادی راترجیح‌می‌دهم زیرا دراین دادوستد سودی نمی بینم .

عشق ومرگ

چه مسیحی باشیم وچه نباشیم درگوش ما خوانده شده که عشق فداکاری واز خود گذشتگی لازم دارد . البته این موضوع در بعضی موارد کاملاصحیح‌است . بکمك عشق است که ماوجود حقیقی خودراباز می‌یابیم . عشق چیزی است که مارا وادارمی کند تااز وجود بی ارزش ظاهری خود صرفنظر کرده وبه دنبال معنویت رویم . مساله‌ای که اسباب تأسف‌است اینست که‌ماعادت کرده‌ایم عشق را درچهارچوبه شکنجه ومرگ تصور کنیم . ما افکار خودرابه تصویر مسیح مصلوب ثابت داشته‌ایم ، نه‌به مسیح زنده‌کاری داریم ونه‌به مسیحی‌که خدای بزرگ باردیگربه‌اوجان‌وروح بخشید . دوهزارسال پس‌ازروزی‌که‌این‌مرد بزرگ‌را باقلبی آکنده از عشق بصلیب‌آویختند باز مختصر تغییری درقلوب بی مهرومحبت پیروان او پیدا خواهد شد مادرحال حاضر تصویربمب اتمی رادرخاطر خود می‌پرورانیم ، چیزی که‌چشمان‌بشررابیرحمانه‌سوراخ می‌کند ، بشری که‌چشمان ناجی وپیامبرخودراکه حتی ادعای پرستش اوراهم دارد ، ازاین بیرحمانه ترووحشیانه‌تر سوراخ کرد لابد ازاین فرجام وحشتی ندارد . این بمب مهلك چیست ؟ اگر فکرکنیم می توانیم دریك آن چند هدف رادنبال کنیم دراشتباه هستیم . درحال‌حاضر تنها کاری که ازماساخته است اینکه هدف معینی رابرای زندگی خود انتخاب کنیم والا فنا ونابودی درانتظارماست .

عشق و عشقها

قصد من اینست که ازتجربیاتی که در قلمرو اسرار آمیز عشق کسب کرده‌ام چیزهائی برای شما بگویم . من نمی خواهم برای شما موعظه کنم یا فلسفه ببافم .اما چه موضوعی‌را میتوانم به تجربیات شما اضافه کنم؟ بایداقرار کنم که نوشته های من تنها ذره ناچیزی از تجربیاتم را دربر دارند و در نوشتن آنها من بیشتر روی عشقهایم تکیه کرده‌ام تااینکه روی یك عشق. چرا؟ چرا بیان مفهوم حقیقی یك عشق اینقدر برای ما مشکل است ؟ آیا بخاطر اینستکه عشق جائی‌برای کلمات باقی نمی گذارد ؟ ،ترس ماازاینست که مبادا گفتارمان استهزا آمیز جلوه کند ؟ ولی من وجود خودم را از هر چیز مضحك تر میدانم و همیشه از این اسلحه مهیب علیه غرور خود استفاده میکنم .برای من امکان ندارد بتوانم دراینجا تمام داستان زندگی‌ام را نقل کنم. شرحی که در «کتاب زندگی من» در باره عشقی آورده‌ام ، ماجرای هفت سالی است که بازنی که او را «مونا مارا »نام گذاشته‌ام‌بسر میبردم . این تنها حادثه زندگی من نیست ولی میتوانم بعنوان حادثه اساسی زندگی‌ام‌از آن نام ببرم و آنچه که قبل از این ماجرا اتفاق افتاده و یا بعدا روی خواهد داد در مقایسه با آن بی اهمیت است .آنچه راکه‌میل دارم شما بدانید اینست که من همیشه در عشقی عمیق بسر میبرده‌ام .شاید منظورم از گفتن این جمله ها اینست که عشق را لازمه زندگی میدانم . در مورد شخص خودم می توانم بگویم که انتهائی برای لذات جسمانی وروحانی در زندگی‌ام وجود ندارد هیچگاه در زندگی از احساس شکست ،محرومیت، گناه و ... رنج نمیبرم و خوب میدانم که زندگی را چگونه ادامه دهم و بعلاوه خودرا چگونه کنترل کنم. پس بااین توضیحات‌هردم باید زندگی مرا سرمشق خود قرار دهند؟ نه. من هرگز چنین ادعائی نمی کنم وهمانقدرکه بتوانم نمونه‌ای برای وجود خود باشم برایم کافیست .

عشق وامید

برای اینکه بیشتر از این باصل مطلب نزدیك شوم اجازه میخواهم که این موضوع را هم اضافه کنم که زندگی باعشق ساده‌یا ملکوتی رابطه‌ای ناگسستنی دارد .البته این عقیده من است . این عشق آسمانی برای‌خود قدر و منزلتی خاص دارد وتمام عشقهای کوچك تحت الشعاع آن قرار گرفته ونابود میشوند . این عشق ، عشق جاودانی است. افتخار براو باد !

پس بیش از این چه میخواهیم که‌گرداب این عشق آسمانی مارا در خود فرو برد و در اعماق شکست غرق کند و آنگاه موجودی آفریند که یك عاشق بمعنای واقعی باشد. عاشق انسانیت ، عاشق زن وبالاخره عاشق تمام چیزهائی که آفریده دست پروردگار است . آیا این امید روزی جامه عمل به خود میپوشد ؟معلوم نیست. ولی من به تمام اینها فقط به دیده یك امید نگاه میکنم . این‌تحولی است که باید در زندگی ما صورت پذیرد والا بدون آن هیچ دلیلی برای ادامه‌حیات این جرقه های گرانبهای زندگی که من یا شما هستیم وجود ندارد .

درجستجوی مفهوم زندگی وقت را بیش از این تلف نکنیم. مفهوم زندگی همان عشق است .پیش بروید که راز گذشته و آینده در آن نهفته است. آنطور که میتوانید دوست داشته باشید مثل اینکه باید دوست داشته‌باشید از این نترسید که عشق گذران است . دوست داشته باشید همین‌وبس.

فرانسوازساگان میگوید ؟

ترجمه : ریتا بیات

آنچه درزیرمیخوانید سخنانی است‌که فرانسوازساگان بانوی نویسنده فرانسوی برای خبرنگار مجله‌ای ، در خصوص حسد ، عشق و درباره نمایشنامه جدیدش گفته است .

خانم ساگان شما تابحال پنج‌رمان وسه‌نمایش‌نامه نوشته‌اید .

تقریبا در تمام آثار شما ، لااقل یکی از شخصیت هائی که ساخته و پرداخته‌اید حسود بوده است . آیا درنمایشنامه جدید که دردست نگارش دارید باز مسئله حسد مطرح شده است ؟

بلی ، یکی از شخصیت های جدیدم یك حسود وسواسی است ، مردی است که زنی گولش میزند ولی مرد حاضر میشود اورا ترك کند ، بنظرمن‌توانسته‌ام‌این بار حسد را بشکل نوعی درام درآورم حتی خیلی بهتر از نوشته های قبلی‌ام بپرورانم ، من مردی را وصف کرده‌ام که حاضر نیست ببخشد ، ولــی همیشه از بخشایش حرف میزند .

چطور شده است که شما توانستید تا اینحد انگیزه حسد را بخوبی بشناسید ؟

من کسانی را شناخته‌ام که در زندگیشان خیلی حسود بوده‌اند و این مسئله در نظرم همیشه یك نیروی وحشتناك و مخرب جلوه کرده است . مرد حسود رنج میبرد و رنج میدهد و وقتی حسادت در درون کسی ریشه میدواند و بعنوان یك نیروی عاطفی دراساس زندگی جا باز میکند ، آنوقت موجب رنج بردن و رنج دادن میشود در واقع خودرا برنج کشیدن وامیدارد و این درست هولناکترین قسمت زندگی است .

حسد معمولا بچه شکلی خودرا می‌نمایاند ؟

پرسشهائی ازاین قبیل : «تابحال چه کرده‌ای» ؟

*** آنهاکه‌گول میزنند ازآنهاکه‌گول میخورندارزنده‌تر هستند . * وقتی داستان دوستی‌پایان میرسدماجـرای‌انتقام شروع میشود . * عاشق تصویری که ازخود شمـا ساخته‌انـدنشوید !**

«ازکجا می آئی ؟» دراوایل امر اینگونه پرسش هاطبیعی جلوه می‌کند . برای خود من بیش‌از ده‌بار اتفاق‌افتاده است که چنین پرسشهائی‌کرده‌ام ودرعین‌حال‌میدانستم که پایه و مایه‌ای ندارد با این وصف برای بار یازدهم تکرار کرده‌ام ، این وضع کابوسی گذرا بوده است اما بهرحال بعنوان یك کابوس جلوه میکرده است .

مسلما ، در زندگی‌تان چیزی برای توجیه مسئله حسد وجود ندارد ؟

مسئله مهم این نیست ، بنظرم حسد وحشتناك است اما احساس مالکیت در عشق و زندگی غیرقابل تحمل‌تر میباشد . مردم غالبا میکوشند که همه چیز : پول ، مقام ، ثروت و تمام چیز های دیگر را تنهابخاطر خود و برای خود بخواهند تا جائیکه از یاد می‌برند که دیگران هم حقی دارند ، حتی فکر هم نمیکنند ممکن است دیگران نیز احتیاج بخوشبخت شدن داشته‌باشند درعوض تنها بخودشان میپردازند و میل دارند تمام چیز های خوب دنیا مال ایشان و برایشان باشد . زندگیشان در حکم قفسه‌ایست کـــه هرآنچه مورد علاقه‌شان میباشد در کشور قرارمیدهند : کشوئی‌برای زن محبوب ، دو دیگر مقام و سومی پول تو جیبی و تفریح و بالاخره در کشوی آخری برنامه همه‌زندگیشان که برای تمام عمر مشخص و منظم چیده شده است . این در واقع طغیان آزمندی است .

آیا حسود موجود بدبختی است ؟

بلی ، خیلی هم بدبخت است ، زیرا این تمایل مفرط به تملك همه چیز برای خود ، این آزمنـدی مفرط حسد را بدنبال می آورد . مردم غالبا میخواهند آنچه را در یك گوشه زندگی خویش از دست داده‌انددر جای دیگری پیدا کنند ، باین دلیل آنها که از وضع موجودشان راضی نیستند کمبودی در زندگانی‌دارند، میکوشند آنرا با روابط عاشقانه پرکنند . این مطلب بیان کننده آنست که بشر معمولا میل‌دارد در یك جهت از زندگی موفق باشد اما در عمل چیزی بدست نمیآید. در نهان این امر یك نکته طبیعی دیگری نیز نهفته است، فتح موقعی است که از خود بگذری و آنچه برایت‌عزیز است از دست بدهی . بگذارید این آزادی برای جفت باقی بماند که از سئوال اینکه همدیگر رادوست دارند باشد . حقیقت برهیچکس پوشیده نیست که اگرکسی با شما پیمان زندگی بسته ، باشما سرببالین می نهد و درغم وشادی شما شریك میشود کسی است‌که بشما علاقه دارد ، پس چرا بفکر فرار او باشیم ؟ آیا این منطقی است ، نه ؟

فکر نمی‌کنید کسانی‌که دوست‌دارند ، خود بخودحسود نیز هستند

بنظر من‌قضیه درست معکوس‌است . عشق‌عبارت از اعتماد متقابل میباشد . عشقی که ازابتدا بر پایـه حسد بنانهاده شود آن را باید عشقی فناشده‌انگاشت، زیرا در چنین حالی عاشق و معشوق باهم وارد دریك میدان جدال و مبارزه دائمی میشوند . اینکه مردی‌فقط بدلیل اینکه درباره شما حسود است دوستتان دارد، ممکن است برایتان خیلی جالب باشد و حسد را یکی از مظاهر عشق بدانید ؟ درحقیقت همینطور هم هست . اما حسد درست یکی از بدترین مظاهر عشق است . اینکه شما را دوست دارد بخاطر اینکه با تمام قدرت در راه خوشحال کردنتان می‌کوشد یا هربامداد وقتی که از خواب برمیخیزید اورا در انتظار خویش می‌یابید، در واقع خوشیهای کوچك آمیخته‌باحسد پنهانی‌هستند که بنظر من خیلی غم‌انگیزجلوه می‌کند من غالبا بطور ناآشکاری لوند بوده‌ام ، ولی این لوندی و طنازی درمن عادی نبوده است وقتی داستان دوستی بپایان‌میرسیده است من تصمیم میگرفتم که انتقام بگیرم . این جـز

حماقت چیز دیگری نبود که حتی به پشیزی نیز نمی ارزید . من خواستار عشق و اعتماد بودم ولی‌حالا که گول خوردم تنها بایدگفت «بجهنم» . آنهاکه‌گول‌میزنند ازآنها که گول میخورند بیشتر می‌ارزند .

آدمهای حسود و دوراندیش برای اینکه نشان دهند میتوانند گاز بگیرند ، مثل یك سگ عوعو میکنند و شکارهای وحشت زده‌شان از ترس تقسیم میشوند. آیا آنها حق ندارند که حسد خویش را آشکار سازند

چرا ، ولی این شکل انسانی‌رابطه عاشقانه نیست، خود این امر خطرناك است یك زن وقتی از صحنه های حسادت آمیزی که شوهرش برایش پیش می آورد ، خسته میشود گولش میزند آنوقت با قیافه حق‌بجانبی میگوید : «می‌بینی که من حق دارم» این یك بدبختی است . در واقع اشخاص بسیاری در عشق بدنبال‌تنوع هستند و از حسد برای بوجودآوردن این تنوع‌استفاده میکنند . زن دراین موارد تنها بخاطر خشونت است‌که بسوی مرد جذب میشود اما چنین رابطه‌ای بهیچوجه انسانی نیست بلکه ارتباطی بین مالك و مملوك و بین ارباب و نوکر است . وقتی باکسی در رابطه‌انسانی هستیم که ازهرجهت خودرا برابر با او به‌بینیم وغیر ازموارد عاشقانه نیزباو اعتماد کنیم این درحقیت همان مفهوم دوستی را میرساند و عشق بدون دوستی چیز وحشتناکی است . اگر کسی دل بتصویری ببندد که دیگران برایش از خود او ترسیم‌کرده‌اند درواقع‌خودش را گول زده است . دوست داشتن کسی بمعنای اینست که خوشبختی اورا نیز بخواهیم .

آیا دلیل اعتقاد شما اینست آنهائی که‌دوست دارند و حسود هستند تنفر خویش‌را در دیگری‌متمرکز میسازند .

مطمئنا ، زیرا خیلی مشکل است از کسی که دوستش داریم متنفر باشیم . مردم براساس انعکاسهای دفاعی که طبیعت هرموجودی است ــ مایلند که‌اشتباه خودرا بگردن دیگران بیندازند و بهمین جهت وقتی کسی دیگری را دوست دارد در عشق خویش اوراسهیم کرده است گاهی باو تهمت میزند که جز خودش‌دیگران برایش اهمیتی ندارند .

آیا فکر میکنید زنان بیش از مردان حسود هستند ؟

در واقع نمی توان این مساله را تعمیم داد واین یك امر طبیعی است اما مردان معمولا وقتی حسودند خیلی بخویشتن اطمینان دارند ، یقین دارند حق با آنهاست درحالی که زن بطور مبهم احساس تقصیر و گناه میکند و میکوشد که این احساس را مخفی نگه دارد . در زنان نیروئی نهفته است که آنهارا از تفکر درباره اینکه وضع موجودشان غیرطبیعی نیست باز میدارد ، اما مرد حسدش را با وضعی‌نامحسوس‌آشکار میکند ودرست مثل فاتح یا یك صاحب قدرت پیوسته فکر میکند که حق با اوست .

وقتی یك مرد حسود است ، و بوضع خشنی هم‌حسود باشد این راضی تان نمی کند ؟

برای زن این یك امر الزامی نیست . در حقیقت باید متوجه آن بود ولی نباید در کمینش نشست . بگذارید مرد شمارا گرفتار خویش ببیند ولی اجازه ندهید در کوچه و خیابان تعقیبتان کند . اگر زنی احساس نکند که مرد بطور حسودانه‌ای درصدد است اورا برای خودش نگهدارد باید زن بیچاره‌ای باشد . در حقیقت باید مرد حسادت کند تا صحنه های شادی آمیز مضحکی بوجود آیند . وقتی احساس میکنید که مسئله حسادت مردها ، بمسئله جدی مبدل‌شده‌است سعی کنید صحنه های شیطنت آمیزی جانشین آن سازید . ولی برای اثبات حسادت ضرورتی ندارد که وقایع شیطانی بوجود آورید .

درخلال مجموع گفته هایتان ، این نتیجه حاصل‌میشود که حسود باید حسادت خویش را مخفی نگه دارد . اما برای زیستن باوی چه اندرزی میدهید ؟

فرار ، کار دیگری بجزاین نیست ، وقتی که در روابط خویش ، بچنین نقطه‌ای رسیدید ، فورا بعقب بازگردید و از او بیگانه شوید . این آسوده‌تان میسازد و سبکبار میشوید زیرا که حسد از مراوده فاصله میگیرد ، وقتی که در کنارتان ، نزدیکتان بود ، حتی اگر آنسوی شهر هم باشد ، کوچه ها را برای یافتنش زیر پا می نهید ، این یك امر غریزی است ، اما بمحض اینکه از شما دور میشود یك نوع ناتوانی جسمی که بیان کننده ناتوانی روح و خشکیدن تصورات‌شما است، شمارا اسیر خویش میسازد .

آیا شما زن حسودی هستید ؟

من خصلتهای یك آدم حسود را ندارم ، ولی اتفاق افتاده است که چنین باشم و این مواقعی است که بی‌آنکه خود بخواهم بدین کار مجبورم کرده‌اند . من بامردی آشنا شده بودم که دوستش داشتم در ابتدای مراوده فکر نمیکردم که وضع حسادت آمیزی پیش‌آید تا اینکه او خانمی را بعنوان یکی از همشهریهایش بمن معرفی کرد مانند کسانی که باکمال زودباوری درمعرض یك دروغ قرار میگیرند بآسانی گول خوردم اصولا بی تفاوت هستم و دوستانم ازاین امر حیرت میکنند در حقیقت رنجی‌که من از این‌مسئله احساس‌کردم‌حسادت نبود بلکه خودرا گول خورده و نومید دیدم بخودگفتم «چه حماقتی‌که او کرده است» اینها فقط یك مشت ادعا بودند که حسد را میتوان با این قبیل جملات‌مانند «چرا او اینطور کرده است ، چرا این مسئله را بمن نگفته است ؟» بخوبی یافت .

آیا هیچوقت برایتان لحظاتی پیش‌آمده‌است‌که بخودتان بگوئید «من حسود هستم ؟»

ازاحساس این مسئله خوشم نمی آید ، همیشه کوشیده‌ام که آنرا در دل خویش مسخره کنم و باین

نحو خودم را گول بزنم ، یا آنرا بتوسط حزن و اندوه مخفی سازم اما اینرا هم بگویم که از نظر ساختمان روحی من طبیعتا و بی‌اندازه حسودم ، همیشه امکان دارد که مسائلی در پرده نگهداشته شود و این حداقل نزاکت است ولی بگذارید بگویم که من پیوسته در خود تحقیری احساس میکنم که نه تنها اشتیاق و آرزویم را جلا نمی بخشد ، بلکه برعکس آنرا میکشد .

نزد اشخاص چطور ...

بلی ، ولی‌اینکه آدم بگوید : «چه‌کسی‌جرات دارد دارائیم را از من بگیرد ؟» تنها یك انحصار طلبی است تا آنجا که مربوط بشخص من است احساس خصلت مالك بودن را نمی‌کنم و حتی برعکس فکر میکنم که با مردم در روابط مساوی قرار گرفته‌ام ، زیرا اعتقاد دارم این احساس برابری لطیف و قابل اعتماد است اشخاصی معمولا خطاهای خویش‌را پنهان‌می‌کنندمایلند ازآن دیگران‌را افشا نسازنددرحالی‌که بایداگرتوضیحی درباره آنچه که دیگران انجام میدهند داریم خالی از شیطنت ومملو ازحسن‌نیت باشد چنانچه مردی شمارا گول زده ، و برای دیگران شرح ماجرا را بازگو کند و پشت سرتان بشما بخندند واقعا میتوانید خودرا گول خورده بشمارید . بنظر من کسی که ساعتی نزد زنی بگذراند و اورا نشناسد و نداند که چه میخواهد زیاد مهم نیست .

بنابراین بنظر شما حسد لازمهٔ عشق نیست ؟

همانطور که مردم میگویند بنظر میرسد که‌مردان بقدر کافی برای سواری دادن خلق شده‌اند . انسان مخصوصا در دوره ما خیلی قابل انعطاف و دوست داشتن است . و این برای قرن ما اصطکاکی تولید نمی کند . من بخوبی دریافته‌ام مردی که بنظر من جالب است بنظر زن دیگری که حتی از روابط شبانه او با دیگران خبر دارد میتواند جالب نیز باشد . خیلی مشغول کننده است که مردی برای کسی جالب باشد .

میل دارم بآخرین سوالم نیز پاسخ دهید . روزی‌که احساس کنید که حقیقتا حسد در شما خانه کرده‌است چه عکس‌العملی نشان خواهید داد ؟

منهم مثل تمام مردم دنیا سرم را توی برفها قائم میکنم بهوای اینکه نبینم ، زیرا جالب نیست که آدمی چنین چیزی بفهمد ، بمجرد پی بردن بچنین امری‌کاملا بیمار میشوم ، افسرده میشوم و بکنج تختخواب پناه می‌برم . اندکی می‌گریم و بعد می‌خوابم . من درموارد غصه و اندوه توانسته‌ام دوشبانه روز هم نخوابم . ولی وقتی خوشحالی برایم روی آورده توانسته‌ام تا یك هفته نیز بیداربمانم درچنین حالی انسان احتیاج بغذاو خواب ندارد ساعتها در رختخواب‌خویش مانندپرنده‌ئی بیدار میماند و این چیز قشنگ و شگفت‌انگیزی است..



VALDEMOSA

عشاق والدەموزا

ماجرای شورانگیز عشق ژرژسان و فردریك شوپن

«حس میکردیم که همراه با نوای آهنگهایش جان او میگریزد»

اکنون صدوبیست وشش‌سال از آن‌تاریخ میگذرد . اول **نوامبر ۱۸۳۸ بود که یك‌گروه** سه نفری مرکب **از ژرژسان و دوبچه‌اش موریس** و سولانژ **باا‌حتیاط تمام بندر واندر را تـرك** گفتند . **بچه سومی هم بنام فردریك شوپن که** بتازگی بااو روابط عاشقانه برقرار کرده‌بود وجود داشت . **ژرژسان اورا بچه صدامیکرد** درحقیقت رفتار **ژرژسان باا‌و در مقابل عشاق** دیگرش مادرانـه بود آلفـرودوموسه درباره ژرژسان میگفت :

ـ طفلك ژرژ ، ژرژ بیچاره ... خیال میکردی معشوقه من بودی ؟ تو مادرم بودی !

بعد ازاینکه ژرژسان بنحو بدی از شاعر «شبها» جداشدآهی کشید و گفت«چه‌کسی‌برایم باقی‌ماند تا از او مواظبت کنم ؟» از همانوقت دلش میخواست باموسیقی‌دان معروف‌ولی‌آرام و لاغر و مسلول روابط صمیمانه برقرار کند . ژرژسان برای رسیـدن بهدف از هیچگونـه فداکاری خودداری نکرد . یکروز وقتی مادام آگول باو گفت «شوپن باملاحت خاصی سرفه میکند » ژرژسان که تا بحال شیفته او بـود با بیقراری جوابداد «این همان مردی‌است که من دنبالش میگردم . زندگی کردن چهشیرین است باوجود غمها ، شوهرها ودردهای‌کشنده!» خانم دودوان (اسم حقیقی ژرژسان) درحقیقت مانند زنهای اسلاو ناملایمات زندگی را میدید چندی بعد به مادام آگول نوشت «بشوپن بگو من اورا دوست دارم » مسلما هرزنی شوپن موسیقی‌دان را دوست داشت ولی ژرژسان‌غیراز موسیقی متانت و رازداری و حالت مرموزاورا دوست داشت خصوصیات اخلاقی شوپن درست مخالف ژرژسان بود شوپن درعالم خیال‌زندگی میکرد ، نمیتوانست مانندمردم عادی فکرکند... ژرژسان حتم داشت که شوپن باو احتیاج دارد (بدلیل پرستاری) ولی وقتی چشم شوپن‌برای اولین‌بار در هتـل دوفرانس به نویسنده پـر حرارت افتاد بقدری یکه خورد که‌گفت :

ـ واقعا زن است ؟ چه نفرت انگیز !

معهذا ژرژسان بقدری از آهنگهای شوپن‌حرف زد که اورا فریفت تاوی کم‌کم به طرز سیگار کشیدنش توجه نمود و مفتون موهای سیاه و چشمهای عجیبش گردید . آیا این دو میرفتند روابط جدیدی برقرار کنند ؟ . ژرژسان‌منتظر همین بود ولی مگر سال گذشته نگفته بود که دیگر از مردان مشهور سرد شده است ! مگـر نگفته بود که میل دارم فقط آنها را در کتاب پلوتارك بشناسم ... میل دارم مجسمه‌هاشان را از مرمر بتراشند یا ازبرنز درست‌کنند ؟!

در آنموقع ژرژسان، رای فرار از مردان سر شناس تصمیم گرفت از میشل دوبورژه‌وکیل دادگستری مشهور جدا شود و به فلیسین‌مالفی درام‌نویس ناشناس و معلم اطفالش نزدیك‌گردد معهذا وقتـی به شوپن نزدیك شد نمیخواست «مالفی» را ترك کند چه میگفت «من او را ترك نخواهم کرد این تنها مردی است‌که حتی یکدقیقه در طی این یکسال مرا ناراحت نکرد و تنها مردی است که تمام همش را صرف من میکند و ابدا به‌گذشته خود افسوس نمیخورد و آینده‌اش را نیز کاملا دراختیار من گذاشته است ...» مسلما «مالفی» بیچاره میرفت‌قربانی شود ولی مسئله دیگـری ژرژسان را ناراحت میکرد وآن هم خاطره ماری ودزینسکا بود. باآنکه میدانست که تاروپود عشق فردریك‌شوپن وزن روسی گسسته میشود معهذا خیال میکرد‌که این خاطره مانع بزرگی خواهد بود ودر این باره نوشته بود «آرزوی من اینستکه بچه‌مـان (یعنی‌شوپن) بنوبه‌خود روابطش را بااین زن قطع‌کند اگـر خودرا دراختیار من بگذارد (می‌بینید که چگونه مانند مردی حرف میزد) من بوحشت میافتم چه وقتی دیگری را قبول کـرد دیگـر من نمیتوانـم جانشین او شوم دراینصورت خیال میکنم که عشق ما در همان شرایط اولیه که متولد شد باقی بماند یعنـی گاهگاهی نسیم مارا بهمدیگر نزدیك کندتاباهم در ستاره‌ها گردشی‌کنیم وسپس در زمین ازهم جدا شویم ...» چه میخواهد بکند؟ از شوپن روبگرداند ؟ بلی وی بشرطی که باو ثابت‌کنند که «ماری» واقعا اورا خوشبخت خواهد کرد والا حاضر است بدون آنکه «مالفی» رابخطر بیاندازد هنگام وزش نسیم ملکوتی با شوپن‌در آسمان گردش‌کند وبطرز پاکی اورا درآغوشش بفشارد .

مسلما ساند نظری جز گردش در آسمـان نداشت ولی «مالفی» که از عواقب‌امرمی‌ترسید تصمیم‌گرفت اورا ازاینکار باز دارد و بهمین جهت میخواست در پیاده‌روی مقابل منزل‌رقیب جلوی ژرژ را بگیرد اگردشکه‌ای سر نمی‌رسید

LES AMANTS

و بین آنها حایل نمیشد ژرژ جابجا کشته‌میشد. خوشبختانه ژرژسان بیوفا توانست سوار آن‌شود و دور گردد .

«مال‌فی» ضمن‌اینکه نوك چاقو را بمیز میزد ماجرای شوم خودرا تعریف میکرد ...

ازاین ببعد مصلحت این بود که ژرژ به چاقوی «مال مافی» نزدیك نشودوبجای‌دیگر مسافرت نماید ولی برای اینکار بپول احتیاج داشت . آقای پله‌یــل حاضر شد آهنگ‌هــای کمپوزیتور را بمبلغ ۲۰۰۰ فرانك بخرد و۵۰۰ فرانك پیش پرداخت بدهداین مبلغ‌ناچیزبود درعوض آقای اوگوست‌لئو بانك‌دار معــروف نیز حاضر شد مبلغ هزار فرانك بعنوان فروش احتمالی در آلمان بپردازد . بالاخره فردریك هزارفرانك هم از نوگه قرض نمود .

کجا خواهند رفت ؟ تصمیم گرفتند بــه بالهآ بروند . دکتر میگفت آب‌وهوای دریائی برای‌فرزند مادام سان‌خوبست وهمه‌فکرمیکردند که برای فردریك هم سازگار باشد . دکترگوبر به ژرژ گفته‌بود «استراحت وگردش درهوای خوب اورا نجات خواهد داد»

طبق قرارداد شوپن می‌بایست ژرژسان‌وفرزندان او را در پی‌پیان به‌بینند اگر گفته ژرژ را باورکنیم « شوپن مانند گل سرخ تازه بآنجا رسید و توانست بطرز خوبی مسافرت‌چهارشبه با کالسکه پستی را تحمل کند ».

***

حالا می‌بینید چرا اول نوامبر چهــار مسافر سوار کشتی **Phenicien** شدند ؟

طبق نوشته مادام سان « دریا آبی‌تر و پاکتر و یکنواخت‌تر از همیشه بود دریای یونان را سویس را بخاطر میآورد ».

مادام سان و بچه‌هایش بعدازاینکه از بارسلن و اطراف آن دیدن کردند سوارکشتی شدند . این کشتی بعد از یکشب آنها را به‌پالما رسانید . آنشب آوازهای ملاحان بسیار نرم و دلنشین بود خیره‌گی آنها درمقابل ساحل شیب‌دار و درختان نخل‌زیاد طول نکشید . درآنجا مهمانخانه‌ای وجود نداشت . ژرژ و بچه‌هایش مدت چهار روز دربدر دنبال منزل گشتند و بالاخره توانستند بکمك‌کنسول‌فرانسه منزلی در قریه‌ای زیبا پیدا کنند این منزل باوجود گرانی مبله نبود و آنها مجبور بودند همه چیز را بخرند . بعد از چند روز همه‌چیز جز پیانو فراهم شد و آنرا هم آقای په‌یل قول داد از پاریس بفرستد .

آنجا بهشت بود « آسمان فیروزه‌ای ، دریای زبرجدی و کوهستان یکپارچه زمرد بود » در بالکن از ابتدای غروب صدای گیتار از پشت شاخه‌های مو و خوشه‌های انگور شنیده میشد . آنجا ژرژ کمی بصورت زن درآمد و فردریك او را باسم حقیقی‌اش یعنی صبح (البته بزبان لهستانی **Jutrzenka**) صدا میکرد . شوپن از آنجا بدوستــــش **Frontana** نوشت « آه دوست عزیزم اکنون از زندگی کمی بیشتر لذت می‌برم من در زندگی زیباترین چیزهای دنیا هستم . وضعم بسیار خوبست .»

ولی باران شدید شروع بباریدن نمود . از این ببعد همینکه آفتاب غروب میکرد سرما آغاز میشد و غیرممکن بود که انسان بتواند خود را گرم کند ــ مانند اغلب کشورهای باصطلاح گرمسیر ... آتش منقل‌حتی‌نمیتوانست کمی از سرمای اطاق بکاهد و شوپن مجبور بود در رختخواب باشد و دائم سرفه کند و بطرز دلخراشی تف بریزد و از اطبای آنجا کمك بخواهد . شوپن دراینخصوص می‌نویسد « سه طبیب مشهور جزیره برای مشورت دورهم جمع میشوند یکی اخلاط را بو میکند ودیگری میخواهد بداند از کجای سینه‌ام خارج شده و سومی همینکه سرفه میکنم گوشش را به سینه‌ام می‌چسباند اولی میگوید که من خواهم مرد دومی میگوید که من دیگر زنده نیستم سومی میگوید که من مرده‌ام ... این احمقها باتمام این احوال هرکدام برای هر ویزیت ۴۵ فرانك از من میگیرند و (جمعا ۱۳۵ فرانك) »

شوپن بدبخت بلافاصله مانند طاعون‌گرفته معروف شد و صاحب خانه آنها را ازمنزل بیرون نمود وتقاضا نمودکه‌مخارج ضدعفونی منزل را بپردازند (طبق قانون اسپانیا) تا با آن بتواند دوباره منزل را رنگ و تمام چیزهائی را که شوپن دست زده بود عوض کند .

خوشبختانه ژرژ توانست منزلی بمبلغ ۳۵ فرانك پیدا کند این منزل سابقا جزو کلیسای والدموزا بود و چند اطاق و یك باغ پراز

درختان لیمو داشت .

پناهندگان هزار فرانك برای خریدن مبل و بخاری پرداختند و نیز چون شوپن مجبور بود شیر بخورد یك بز شیرده بمبلغ ۱۰۰فرانك خریدند و بعدا برای اینکه بز ازتنهائی رنج نبرد میشی هم خریدند ژرژ و فردریك درآنجا سه خدمتکار بنام « ماریا » و « آنتونیا » «کاتانیا» استخدام کردند . این سه‌خدمتکار برای اینکه بهتر بتوانند دزدی کنند با هم متفق شدند ! اهالی جزیره سعی میکردند همه چیز را بقیمت گرانتری بآنها بفروشند . بالاخره پیانو رسید و آنها سیصد فرانك‌برای گمرك پرداختند . حمل پیانو تا مالدموزا کار آسانی نبود ولی چون آنها مفتون زیبائی قریه شده بودند باین اشکالات اهمیت نمیدادند . اطاقهای آنجا شوپن را بعالم خلسه می‌برد چه آنها در محلی سکنی داشتند که سابقا قبرستان بود وقتی فردریك میگفت « امیدوارم که اشباح بسراغ ما نیایند ، ژرژ با خوشحالی جواب میداد من در اطاق کشیشی کار خواهم کرد که شاید شعله‌های روحش بیشتر از من بود »

گی‌یورتالز در خصوص کلیسا میگفت : «ازاین ببعد اسم مالدموزا و اسامی شوپن و ژرژسان یکی میشود . این طبیعت افریقائی با تصویری محصور شد که نه‌تنها رمانتیك است بلکه مانند آواز همراه با نغمه وسرود خواهد بود . »

مالدموزا بزرگ است و پنجره‌های آن بسمت باغ انار و مرکبات باز میشود . موقعیکه شوپن درآنجا آهنگ مشهور خود را تهیه میکرد ژرژسان و بچه‌هایش درجزیره گردش میکردند .

یکشب موقعیکه ژرژ و بچه‌های او میخواستند از پالما برگردند بدلیل باران‌شدید متوقف شدند و سپس نیمه شب بمنزل رسیدند دیدند که شوپن ضمن نواختن «پره‌لود سی می‌نور ششم » گریه میکند وقتی شوپن آنها را دید با رنگی پریده و ناراحتی‌ازجابرخاست و فریاد کشید :

ـ آه من خوب میدانستم که شامرده‌اید!

سپس بخود آمد و توضیح‌داد که ازتاخیر معشوق بقدری مضطرب شدکه در عالم رویا خیال کرد که او مرده است .

ـ دیگر نمیتوانستم عالم رویا را از حقیقت تشخیص دهم برای استراحت شروع بنواختن نمودم ... حتم داشتم که منهم مرده‌ام ... میدیدم که در دریاچه‌ای مرده‌ام و قطرات سنگین و یخ کرده دایم روی‌سینه‌ام میافتند.

ژرژ سان او را متوجه صدای قطرات باران که هنوز می‌بارید نمود . درحقیقت همینطور که صدای باران بروی سفالهای کلیسا شنیده میشد همانطور هم شوپن آنرا ترجمه میکرد .

وقتی ژرژسان باو گفت « این آهنگ از طبیعت اقتباس شد »شوپن برآشفت کم‌کم شوپن براثر بارانهای متمادی و رفتارناهنجار اهالی که حتی شیر او را میدزدیدند ضعیف‌تر وناراحت‌تر شد . ژرژسان دراینخصوص‌میگفت « برای کوچکترین ناراحتی خون ریزی میکند » .

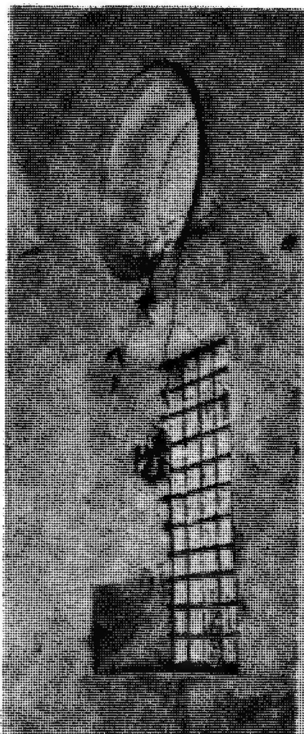
خدمتکاران دائم تکرار میکردند :

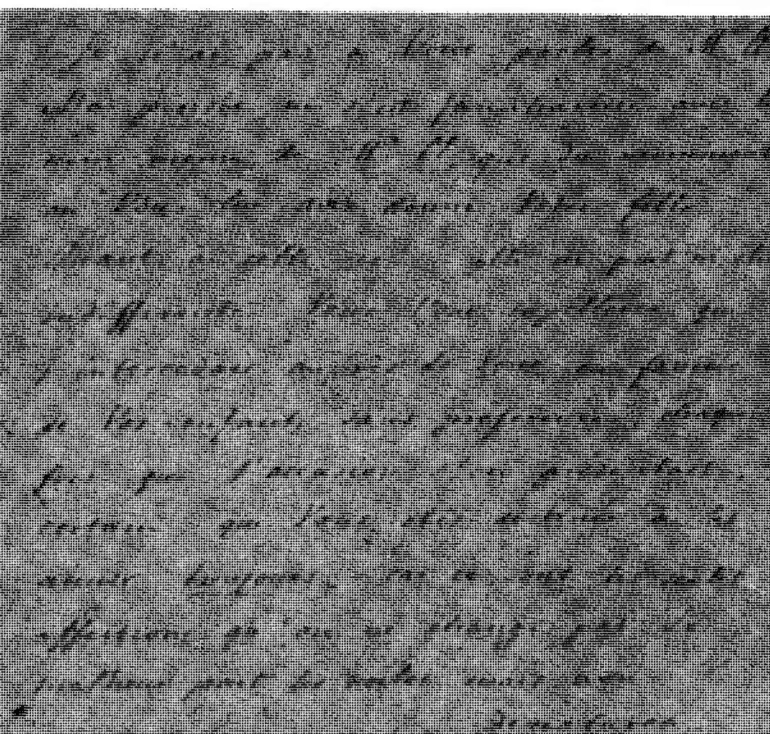
اولا مسلول است ثانیا نزد کشیش اعتراف نمیکند . بعداز مرگ ما او را در خاك مقدس دفن نخواهیم کرد و چون کسی چنین اجازه‌ای بآنها نمیدهد آنها مجبورند هرچه از دستشان برمیآید انجام دهند ما بآنهـــا کمك نمیکنیم و میل داریم به‌ببینیم چه از دستشان بیرون میآید ؟...»

یکی از آنها همه‌جا منتشرکرد که‌شوپن طاعون گرفته است شوپن با وجود همه این شایعات خود را با پیانو « که روح انسان را به بهشت می‌برد » مشغول نمود ولی بالاخره او هم براثر ناراحتی مجبور شد بگوید که



ژرژسان در سال ۱۸۳۷ نقاشی کار **کالاستا** «چه زن بدترکیبی » نظر **آلفرد دوموسه** پس از اولین برخورد با او





تصویری از یك نامه شوپن به ژرژسان که‌در تاریخ ٢٤ ژویه ١٨٤٧ نوشته شده و در آن در باب سولانژ دختر ژرژ که علی‌رغم مادرش با مجسمه‌سازی ازدواج کرده بحث شده است.

والدموزا : پنجره‌ای‌که اتاق شوپن و ژرژسان را بخارج مربوط‌میکرد.

ـ اطاق من شبیه جعبه‌تابوت است باید هرچه زودتر از اینجا فرار کنیم متاسفانه درشکه‌چی‌ها بآنها اجازه‌ندادند سواردرشکه‌شان شوند و شوپن و همراهان او مجبور شدند بکمك ارابه دستی که قبلا کود حمل میکرد سه فرسخ از آن محل دور شوند و بعدا با کشتی جمل خوك مسافرت کنند . در کشتی شوپن مشرف بموت بود . خون بوضع‌وحشتناکی از سینه‌اش خارج میشد ...

دربارسلن کنسول‌فرانسه از اووهمراهانش پذیرائی کرد و آنها را توسط کشتی جنگی بفرانسه فرستاد . پزشك کشتی نیز موفق شد جلو خونریزی او را بگیرد . بالاخره شوپن و ژرژسان و بچه‌ها به‌بندر مارسی رسیدند . ژرژسان تعریف میکند : « اگر یکماه دیرتر از اسپانیا برمیگشتم من و شوپن هردو مرده بودیم او از شدت غصه و تنفر و من از شدت غضب و خشم . آنها حساس ترین قسمت قلبم را جریحه‌دار کردند آنها درمقابل دیدگانم با سنجاق قلب بیماری را سوراخ‌کردند . من هرگز آنها را نخواهم بخشید و اگر بخواهم ازآنها یاد کنم چیزی جز تلخی درنظر مجسم نخواهد شد ».

معهذا ایامی که دو دلداده در خارج بودند خیلی هم بی‌اثر نبود زیرا بهترین صفحات و بهترین شاهکار شوپن در آنجا بوجود آمد و بقول ژرژسان «چندتا از آنها معرف آوازهای عزا هستند و مرگ کشیش‌ها را در نظر انسان مجسم میکنند ... ولی بعضی از آنها انسان را بوجد و سرور میآورد و خوشی محبت و عشق و آفتاب روح‌پرور و آواز دلنشین‌گیتار را در روح انسان منعکس می‌نماید ... »

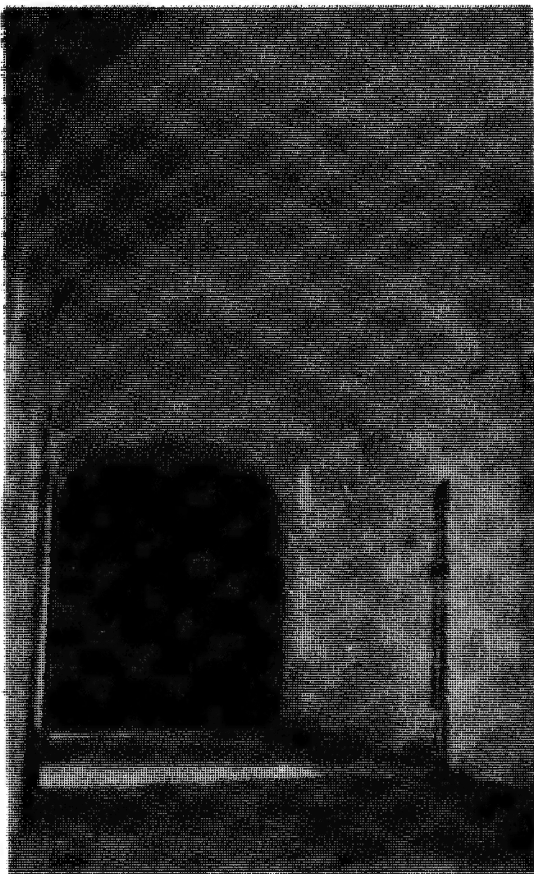
در مارسی دکتر کووِیر بمداوای بیمار پرداخت و از هیچگونه کمك ومواظبـت خودداری ننمود درآنجا هردو (ژرژوشوپن) نخست در هتل محقر و پرسروصدا منزل کردند و سپس به هتل بووو درمقابل بندر کهنه که کمی گران‌تر بود کوچ نمودند .

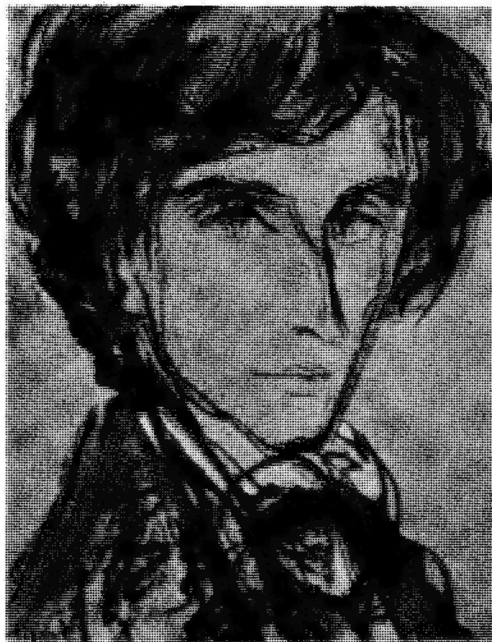
دراین‌موقع شوپن Balade دوم و پولونز را در لا ماژور و سپس پولونز را در دو مینور تمام کرد . ناشران برای‌خریدن این شاهکارها چانه میزدند ولی شوپن موفق شد تقریبا ٢٥٠٠ فرانك ازآنها بگیرد وبکمك آن بتواند مقاومت کند . ژرژسان هم موفق شد مبلغی‌از آقای بولوز مدیر نشریه«ژوورنا» برای فروش رمان «سیمون» بگیرد .

شوپن و همراهان بعداز گردش در ژن در ٢٢ مه بندر مارسی‌را بصوب نوهان ترك نمودند و بقول ژرژسان « براحتی مسافرت میکنیم و در مهمانخانه‌های خوب میخوابیم ».

یك قسمت از روابط هشت‌ساله شوپن در منزل ژرژسان میگذرد آنها باهم مثل فامیل زندگی‌میکردند و شوپن راضی بنظر میرسید. شوپن هرگز به گردش در اطراف شهر علاقه نداشت ولی از بسربردن در منزل ییلاقـی ژرژسان که پرازمناظر طبیعی بود لذت می‌برد او دوست داشت در ساعت بین ٥ و ٦ بیرون شام بخورد سپس دوستان خود را بپذیرد و بعـدا فقط برای ژرژ پیانو بزنـد ژرژ می‌دانست که چگونه بایـد گوش کند و لذت ببرد و حرف نزند وقتی ژرژ باطاقش برمیگشت آنوقت میگذاشت‌قلبش حرف بزند « نبوغ شوپن از همه عمیق‌تر و احساس و تاثر او بیشتر از آنچه که دردنیا وجود داشت میباشد . پیانو بکمك او بزبان ابدی حرف میزند و او میتواند اشعـار لایتناهی و درامهای مملو از انرژی وبی‌نظیر را در ده سطر خلاصه‌کند ».

شوپن در نوهان (خانه ییلاقی ژرژسان) سه مازورکای جدید ساخت « این آهنگها بنظر من قشنگ هستند همچو کوچکترین‌فرزند درنظر پدر و مادری که پیرمیشوند ».





فردریك شوپن کار :
« اتیسن رت »آن‌هنگام
که او با ملایمت سرفه
میکرد

درفصل پائیز شوپن و ژرژ هردو بپاریس رفتند شوپن در منزل شماره ٥ کوچه تروشه منزل کرد و دستور داد یك جفت شلوار خاکستری تیره و جلیقه‌ای از مخمل سیاه که شکل آن زننده نباشد برای او بدوزند .

کمی بعدازمراجعت درسن‌کلودشوپن آهنگهای نوکتورن خودرا درمقابل خانواده سلطنتی که دور میز گرد مشهور جمع شده بودند نواخت. شاه بقدری محظوظ شد که او را مورد تفقد قرارداد .

فردریك شوپن بعداز چندی طبقه پائین منزل ژرژسان را اجاره نمود و خود را باو نزدیك ساخت ولی این نزدیکی مانع از این نمیشد که نسبت به همه‌چیز حسادت ورزد . شوپن همیشه بهمین دلیل ناراحت بود وغالبا در اطاقش کار میکرد وژرژ صدای گریه و قدم‌زدن و شکستن قلم او را می‌شنید ومیگوید « صد مرتبه قطعات مختلف یك آهنگ راتغییر میداد و فردا دوباره با پشت‌کار و دقت‌بیشتری کار میکرد ... »

موقعیکه شبها درسالن ژرژ پیانو میزد « لبهایش قرمز و نفسهایش کوتاه ونگاهش تب‌آلود میشد . ما حس میکردیم که چیزی از حیاتش همراه صدای موسیقی خارج میشود . »

***

ژرژسان بعداز چندی از او سیر شد . دیگر عشق او را بعالم رویا نمی‌برد ولی فکر میکردکه وظیفه‌اش اینستکه او را تنها نگذارد. ژرژ ازاین ببعد مانند یك مادر او را دوست داشت و وقتی بمسافرت رفت و او را تنها گذاشت باو نوشت که صبحها شوکلات‌وغذایش را فراموش نکند و بدون شال گردن بیرون نرود !

شوپن در عوض هنوز اورا دوست داشت ولی حسادتش روابط آنها را تیره میکرد شوپن روز بروز محزون تر و گرفته‌تر میشد. ژرژ بعدها می‌نویسد « کسی را که من بطرز مادرانه دوست دارم می‌میرد او فدای محبت بیجا میشود ».

***

روابط شوپن و ژرژسان بوسیله سولانژ قطع‌شد . سولانژ که بزرگ شده بود دختری بود موبور ، زیبا و باطراوت ولی قسی‌القلب و دورو و مزور باآنکه از هیجان عشق لبریز بود معهذا میدانست چکار میکند و عقلش را از دست نمیداد مادرش میگفت « این قرن لعنتی است و او هم دختر این قرن است».

این دختر چون بنظر شوپن مرموزبود بهمین جهت توجه او را جلب کرد . آیا این جلب توجه‌ها میتوانست شوپن را آشفته کند ؟ این دختر بادیده تحسین به شوپن می‌نگریست البته بیشتر بدلیل معاشرتها وروابط اشرافی و کمتر بدلیل هنری .

ژرژ دائم با دخترش مشاجره میکرد در یکی از این منازعات شوپن از سولانژ جانب‌داری کرد ژرژسان ٤٢ ساله بود این سن در دوران سلطنت لوئی‌فیلیپ یعنی آستانه‌پیری. خوشبختانه امروز وضع عوض شده و پیری عقب‌تر رفته است !

ژرژ دخترش را بدلیل دوروبودن ملامت میکرد و معتقد بود که او نمیخواهد روابط صمیمانه‌ای بین مادرش و شوپن برقرار باشد. شوپن از سولانژ جانب‌داری‌کرد و بعداز چندی با موریس مشاجره نمود ایندفعه ژرژهم‌ازپسرش جانب‌داری کرد و شوپن مجبور شد منزل را ترك کند و دیگر بآنجا برنگردد .

سولانژ بعداز چندی عاشق یکی از مجسمه‌سازان مشهور بنام Clesinger

که آدمی جنجالی و نامنظم بود شد و با او عروسی کرد .

موقعیکه سولانژ و مجسمه‌ساز با هم عروسی میکردند شوپن از جریان اطلاع‌نداشت چه ژرژ این خبر را باو نگفته بود و معتقد بود که « درامور جدی نباید با شوپن‌مشورت کرد ».

بعدازآنکه شوپن از جریان عروسی اطلاع حاصل کرد با تعجب از خود پرسید « چگونه این نهال زیبا که از گزند آنهمه طوفان مصون ماند ، بوسیله مادر از پای افتاد ؟ »

شوپن حق داشت چه منازعه‌ای بین زن و شوهر و ژرژ و موریس درگرفت . سولانژ باینطریق Nohant را ترك كرد . سولانژ نزد شوپن رفت و جریان را باآب‌وتاب و بمیل خود شرح داد و معلوم نیست‌که چه‌چیز بآن اضافه کرد که شوپن از آن ببعد دیگر نامه‌ای به ژرژ ننوشت .

وقتی ژرژ فهمید که شوپن جانب‌دخترش را گرفته است بقدری عصبانی شد که گفت :

ـ زندگی چیزی جز ریشخند و تلخی نیست . آنهائیکه خود را با عشق پوچ‌سرگرم میکنند باید یکروز باخنده‌های شوم وگریه‌های مایوسانه دفتر محبت را به‌بندند ....

شوپن درباره ژرژ میگوید : من از کمك هائی که باو کردم و او توانست هشت سال از حساس‌ترین قسمت عمرش را تحمل کند و بچه‌ها را بزرگ نماید متاسف نیستم و نیز از تمام چیزهائیکه روحم را آزار میداد متاسف نیستم ... روابط این دو باینطریق قطع گردید ....

***

شوپن بعدها فقط یکمرتبه ژرژ را دید و آنهم موقعی بود که او از سالن یکی ازدوستان بیرون میآمد و ژرژ تازه میخواست داخل شود . ژرژ دست شوپن را فشرد ـ دستی که میلرزید و سرد بود ـ شوپن از او پرسید :

ـ تازگی‌ها از دخترت خبرداری ؟

ـ خبر یك هفته قبل را دارم .

ـ خبر دیروز و پریروز را چطور ؟

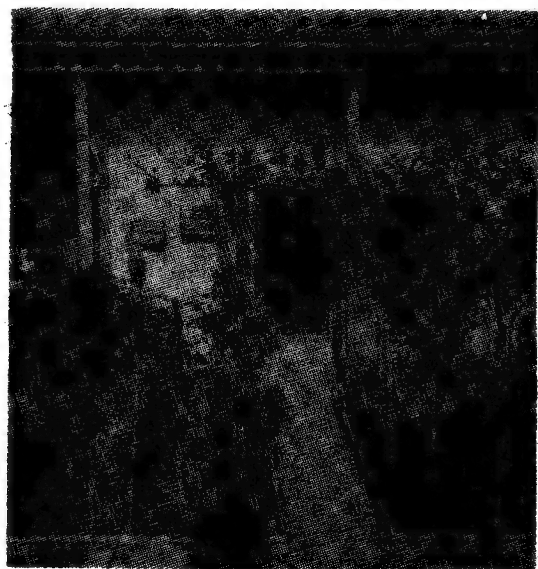
ـ نه

ـ پس بشما اطلاع‌میدهم‌که مادر بزرگ شده‌اید خوشحالم که اول دفعه این خبر را از من می‌شنوید .

شوپن بعـــداز این چند کلمه از او خداحافظی کرد و از پله‌ها پائین رفت ولی وقتی بکوچه رسید از گفته‌اش پشیمان شد . درسال ۱۸٤۸ اگر بزنی میگفتند که مادربزرگ شده است مثل این بود که میخواستید باو توهین کنید . شوپن بلافاصله از دوستش تقاضا کرد که بسالن برگردد و بمادام سان بگوید که بچه و مادرش سالم هستند (چون شوپن خود نمیتوانست بآسانی از پله ها بالابرود).

ژرژ بسرعت از پله‌ها پائین آمد و از سلامتی او سئوال کرد شاید میخواست دوباره روابط را برقرار کند ولی این رابطه هرگز برقرار نشد . چه شوپن ترجیح‌داد از او خداحافظی کند .

این آخرین ملاقات در چهارم مارس ۱۹٤۸ انجام گرفت . یك هفته بود که لوئی فیلیپ مجبور شده بود ازسلطنت کناره‌گیری کند . موقعیکه شوپن چگونگی این ملاقات‌را برای سولانژ شرح داد اضافه کرد که «من‌از تولد بچه شما بیشتر از تولد جمهوری‌خوشحال هستم » شکی نیست که ژرژسان از پیروزی جمهوری‌خواهان بیشتر از مادربزرگ شدن خوشحال شده بود .



والدموزا : باغچه‌جلوی اتاق شوپن

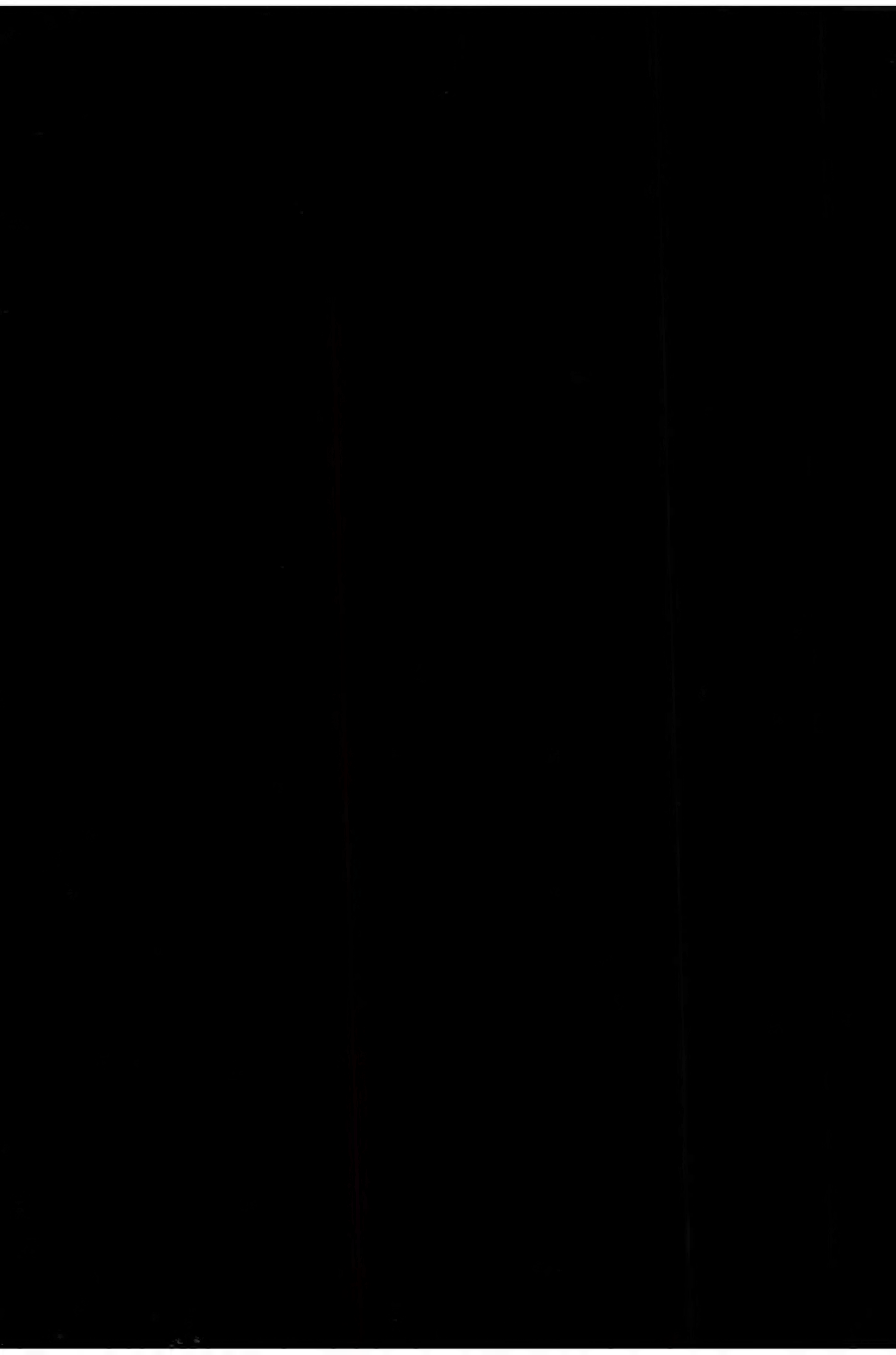


تصویری از ژرژسان

هنر

بحثی درباره شعر نو
عرفان درشعر فارسی
انواع شعر
من از شعر آزاد سردرنمی آورم
فراری
سفر
بررسی سبکهای نثرفارسی
ادبیات درعصر اسپوتنیک ها
چند داستان ازادبیات ملل جهان
آثار از تشنگان
برای نوآموزان چگونه باید نوشت
اصول مقدماتی فن درام نویسی
موسیقی مجلسی وموسیقی سمفونیک
رابطه موسیقی با هنرهای دیگر
سینماترکیبی ازمجموعه هنرهاست
نقاشی متحرک یا هنر هشتم





A man speaking to men
"W. Wordsworth

« ... او شعر می نویسد

یعنی :

او دست می نهد به جراحات شهر پیر

یعنی :

او قصه می کند بشب از صبح دلپذیر

او شعر می نویسد :

یعنی :

او افتخار نامهٔ انسان عصر را

تفسیر می کند ....»

«ا. بامداد »

بحثی درباره شعر نو

شعر چیست

ع ـ دست غیب

روانشناس مشهور «یونگ» "Jung" که پایه بسیاری ازمطالعات خود رابرجنبه‌ی «ناخودآگاهی عمومی» (۱) میگذارد میگوید که انسان تشبیهات و تصویرهای پیوسته را بشکل مجموعه میراثی به ارث میبرد و معتقد است که طرح الگوها واشاره ها و سمبول هائی که بنیاد شعر وتجربه‌اند درژرفای هستی انسانی نهفته است زیرا که این «تصویرها» والگوها بصورت فنومن هائی در خواب ، در افسانه ، ودر هنرهای تخیلی نمودار میشوند . هرچند تصور «ناخودآگاهی عمومی» «یونگ» قطعی نیست ولی این قطعی است که بنیاد هنر و ادبیات بر مبنائی است عمومی و نمایشگر ژرفای هستی‌انسان است و رابطه او را باجهان ، باحوادث مهم اجتماعی نشان میدهد .

باید گفت که جوهر شعر شور و تخیل وحساسیت شدید است ، شعر صورتی از اندیشه و تخیل انسانی‌است‌که بوسیله رمزها واستفاده ها ومفهوم هاومعانی از ژرفای دنیای درونی شاعر ارائه میشوند .

درایران‌امروز ، این‌اشتباه‌رایج است‌که‌رعایت‌وزن‌عروضی وقافیه و ردیف و صنایع بدیعی و لفظی راشعر بشمارمیآورند و هرمقلدی را شاعر میخوانند و در عوض شاعران گرانمایه واقعی را هدف تهمت وافترا قرار میدهند حال آنکه شعر آفرینندگی است و شاعر آفریننده است نه لفظ باز ومقلد. نظم شکل مقدماتی شعراست و از وزن های هجائی یاعروضی وصنایع لفظی و بدیعی سخن میگوید در صورتی که شعراز جهان سحر آمیز اندیشه و تخیل انسان پرده بر میگیرد.

شاید «ارسطو» اولین‌کسی است‌که بین نظم وشعر تفاوت گذاشته است ونظم را یکی از اعراض شعر دانسته یعنی اشاره کرده است که خاستگاه شعر ونظم یکی نیست. ارسطو درکتاب «فن شعر» خود ، بین «همر» (۲) و «امپدوکل (۳)» که عقاید فلسفی و طبیعی خود را به قالب نظم ریخته است‌تفاوت میگذارد و اولین را شاعر ودومین را نظم پرداز میداند . شعربنظر او باید کلامی باشد پرشور و خیال انگیز . وزن حد مشترك بین نظم و شعراست ولی هرکس که به وزن‌مطلبی را بیان کرد، شعر نسروده است .

افلاطون شعر راساخته‌حالت‌شیدائی‌میداندشاعراز دنیای آگاهی بیرون میرود و به جهان آشفتگی و دیوانگی پای

---

۱ ـ Collective unconsciou[s]

۲ ـ Homeros شاعر یونانی سراینده منظومه‌های حماسی ایلیاد و منظومه عاشقانه اودیسه .

۳ ـ Empedokles فیلسوف یونانی (۴۹۵ پیش از میلاد متولد شده).

شعر چیست؟

میگذارد . بقول «مولوی» شیدائی (۱) و دیوانگی دانش زندگی است و بنیاد رسیدن به «حقیقت» است .
زین خرد غافل همی باید شدن دست دردیوانگی بایدزدن
نظامی عروضی سمرقندی در «چهار مقاله» مینویسد:
« ... شاعری صناعتی است که شاعر بدان صنعت اتساق صناعات موهمه کند،
والتام قیاسات منتجبه برآن وجه
که : معنی خرد را بزرگ گرداند
و معنی بزرگ را خرد
و نیکو را در خلعت زشت باز نماید
و زشت را در صورت نیکو جلوه کند
و به ایهام قوت های غضبانی و شهوانی را برانگیزد
تابدان ایهام صباع را انقباظی وانبساطی بود
وامور عظام رادر نظام عالم سبب شود ...»
بیان نظامی عروضی صورت دیگری است ازبیان ارسطو، جزاینکه در این بیان بجنبهٔ اجتماعی شعرهم اشاره شده است آنجا که میگوید: [امور عظام را در نظام عالم سبب شود] . شوپنهاور فیلسوف آلمانی در تعریف شعر مینویسد :[ساده ترین و صحیح ترین تعریف شعراین است : « شعر یعنی صنعت بکار انداختن تصورات بکمك کلمات].
«سوراس». Suaré میگوید : « شعر نوعی موسیقی است که در آن خیال تبدیل باحساس میگردد ».
با در نظر گرفتن مجموع این تعاریف باید گفت تعریف وشناسائی شعر ازنوع شناسائی هنری است ، کوشش انسان است برای تبین جهان پیرامون و یا جهان درون ، بنابراین سروکار آن بیشتر باجنبه عاطفی ذهن انسانی است سروکار علم با تجربه و آزمایش است و محصول آن تکنیك و صنعت برای رفع نیازمندیهای روزانه و پیشبرد وسهولت کارهای انسان است حال آنکه هنر وادبیات و فلسفه جهان تازه‌ای ایجاد میکنند که بمراتب از جهان واقعی زیباتر و شورانگیزتر است و محرکی بسوی بهتر زیستن ویافتن معنی برای زندگانی ست .

« ژان روستان » زیست شناس و نویسنده معاصرفرانسوی چنین میگوید :

« ... در دوران حکومت ماشین و فرمانروائی « خود کاری» رسالت شعر جانبداری از آن جنبه نهانی و راز آمیز روان بشری است که شاید ارزش انسان وابسته بدان است . شعرباید پناهگاه شخصیت ، یگانگی و جوهر زندگی گردد ، آنچه خود بخود وبی واسطه از روح میتراود ــ وبرایش جانشینی نیست ــ باید در شعر تجلی بیابد . هرقدر دنیا از معنی خالی تر شود نیاز به شعر واقعی محسوس تر میگردد » منظور «ژان روستان» این است که علم زندگانی مادی را وسیع تر و گسترده میسازد اما نمیتواند برای زندگانی معنی ومفهومی بیابد بلکه معنی و مفهوم دادن بهزندگانی کار شعر ورسالت آن است .

پس ذات شعر در نوعی شخصیت دادن به انسان وارزش دادن به هستی اوست دربین لحظه زایش و لحظه مرگ فرصتی به انسان داده شده است ، که هرچند بامقایسه بازمان گسترده کوچك مینماید ولی سرشار از موقعیت های گوناگون است وبرشاعر است که نمایشگر اندوه وشادی این لحظات باشد. انسان میخواهد از مرز خویش آنسوتر برود، از راز طبیعت آگاه شود و بر آن مسلط گردد میخواهد خود و جهان را بشناسد و حالات خود را بدیگران انتقال دهد و زندگانی محدود را نامحدود سازد . او اگرچه از نظر فردی زوال پذیر است ولی زندگانی او پس از مرگش در زندگانی اجتماعی تکرار میشود .
یك میتولوژی یونانی به وضع کنونی بشر بی‌شباهت نیست . (دای‌دالوس)و پسرش (ایکاروس)به زندان پادشاه «کرت» افتادند . دای دالوس صنعتگر که افتخار وهوش‌عصر خویش بود و آفریده‌های او چنان زیبا بودند که گوئی جان دارند بالهائی از موم ساخت و خود وپسرش از فراز دیوارهای زندان بگریخت ودر آسمان دریای مدیترانه‌بپرواز درآمد . ایکاروس مغرور بدنبال پدر نرفت و پیش از حد به خورشید نزدیك شد شعله‌های خورشید بالهای او را سوخت و ایکاروس بدریا افتاد و جان داد .
سرگذشت انسان گوئی در داستان (ایکاروس) مغرور خلاصه شده است .انسان این موجود بی آرام و جستجو گر دائما در صدد بیرون شدن از حد خویش است و بقول مولوی میخواهد « آنچه اندروهم ناید »بشود . از این رهگذراست که شعر وادب و موسیقی و مجسمه سازی بوجود میآید .ممکن است این هنرها به نیازمندیهای زندگی مادی هم کمك کند ولی تابع قطعی و همیشگی آن نیست و انسان پس از مهار کردن طبیعت ، در صددیافتن معنی آنست . البته باید گفت انسان امروز تفاوتی نیز با [ایکاروس] بلند پرواز دارد، زیرا که کور وکر و فرمانبر طبیعت نیست و تفات اودراین است که بارفع اشتباهات خود از علم ودانش کمك میگیرد و بالهائی میسازد که دیگر مومین نیستند و قابلیت رسیدن به خورشید و جهان های دیگر را دارند .شعر میتواند نماینده این روح دورنگر و کوشای انسانی باشد وبرای زندگانی او، هدفی بجوید ؛ هدفی که اورانه فریب دهدنه گمگشته و حیران سازد . شعر باید ژرفای زندگانی را بکاود وراز هستی را آشکار سازد و بت ها راسرنگون کند و در محراب تاریخ، فضیلت های تازه‌ای بنشاند و بر پای دارد . شاعر بایدهمانند گوته و حافظ همان اندازه که در جستجوی [رازدهر]است در جستجوی راز زندگانی باشد واز زمین سخت ، همین‌زمین کهنسال و دیرمان وبابرکت سخن بگوید . گوته در منظومه تراژیك «فاوست »نشان میدهد که دکتر فاوست روشن ضمیر دانشمند ، پس‌از آموختن فلسفه ، حقوق ،پزشکی،تاریخ‌ادیان وتئولوژی بجائی میرسد که حیرت زده از خود میپرسد :چه بایدم کرد ؟
راههای گوناگونی که فاوست ، پیش میگیرد چاره‌گر درد او نیستند پس روزی به گردشگاه عمومی میرود ، از حجره تنگ وتاریك وافکار کهنه وفرسوده به جهان وسیع

---

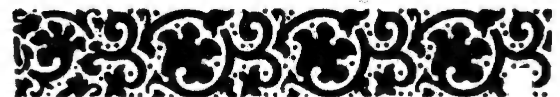
۱ ــ «شیدائی» Mania به این معنی که مفردات جهازخارج در نظرشاعر کمرنگ شده واو در یك حالت شوق و ذوق دائمی غوطه‌ور میشود . حافظ میگوید :
شاه شوریده سران خوان من بی سامان را زانکه در بی خردی از همه عالم بیشم

و زیبای بیرون قدم می نهد و بامردم وزندگانی عادی‌روبرو میشود ، سیلابهای بهاری را می‌بیند ، جریان شکوهمند وبا عظمت و مغرور اجتماع انسان را مشاهده میکند ، رودها و جویبارهائی که‌از بند یخ رها گشته‌اند رامی‌نگرد، رودروزگار را می بیند که بی اعتنا به فلسفه بافی ها واستادمآبی‌ها براه خود میرود .این جاست که «فاوست» بخود آمده پس از لحظه‌ای درنگ به رازی که پیش از این بدان دست‌نیافته‌بود چنگ میاندازد . این راز راز زیستن است !

فاوست می گوید : [... همینجاست که همه چیز وهمه کس میخواهد بارنگ وبو و نقش ونگار زنده‌تر شود و جلوه کند. برگردوازهمین بالا بشهر بنگر ...از لابلای آن‌خانه‌های فشرده‌وتنگ، واز درون اطاق‌های کوچك و خفه از کارگاه‌های‌مختلف‌واز زیر فشار سقف ها ودیوارها ،از میان‌تنگناهای کوچه‌ها ، از کلیسا و محراب ،از همه جا، همه بیرون آمده و آفتابی شده‌اند .. همینجاست آسمان حقیقی‌تجلی مردم . کوچك وبزرگ بشادی و پایکوبی فریاد میکنند. این جاست که من نیز از مردمم، آدمم ،ودراین جا است که حق‌بودن دارم ...] (۱) شاعر باید این حق بودن را[به تعبیر گوته] هم برای خود وهم برای دیگران قایل باشد و دراین رهگذر بجستجوی سرزمین های نامکشوف ورازهای گل رنگ وارزشمند برود و بادامن پراز شکوفه‌ها ، بدیار آشنایان، به میان جمع انسان های دردمند و شکیبا باز گردد ....

---

۱ ــ این قسمت را از ترجمه آقای رحمت‌الهی نقل کردیم



زندگی

« آه ای زندگی منم که هنوز
با همه پوچی از تو لبریزم »
« فروغ فرخزاد »

« من آن سنگ مغرور ساحل نشینم »
« که میرانم از خویشتن موجها را »
« خموشم ولی در کف آماده دارم »
« کلاف پریشان صدها صدا را »
« نادر نادرپور »

زندگانی معمائی است که به‌آسانی به‌گشودن آن توفیق نمیتوان یافت . اگر درگفته‌های فیلسوفان و دانشمندان دقیق شویم به‌آسانی تضاد و تناقض آثار آنها را بازخواهیم یافت که تاچه‌اندازه متفاوت اندیشیده و آراء و عقایدی برضد یکدیگر آورده‌اند ؟ و پس‌از مطالعه آنها ممکنست به‌این نتیجه برسیم که حل معمای زندگانی از عهده ما خارج است و شاید خیام‌وار بربنیاد آفرینش طعنه زنیم و بگوئیم :

ای بی‌خبران شکل مجسم هیچ است
وین طارم نه سپهر ارقم هیچ است

و یا :

این کهنه رباط را که عالم نام است
وآرامگه ابلق صبح و شام است
بزمی است که وامانده صد جمشید است
قصری است که تکیه گاه صد بهرام است

ولی مقتضیات و شرائط روحی انسان قرن بیستم را نمیتوان با «شك» خیام جواب داد . انسان امروز بمدد ثمرات تلاشها و از خود گذشتگی‌های میلیونها انسان از سرزمین تاریکی راه افتاده و اکنون در آستانهٔ دنیای تازه و شرائط تازه است که با نیروی خیال میتوان آنرا پیش‌بینی کرد که چه‌سان واقعیت و شعر درهم می‌آمیزد و یگانه میشود .

از فیلسوفان کلاسیك چون «بودا» ــ «سقراط» ــ «افلاطون» ــ «ارسطو» که غالبا هدفی خارج از شرائط این جهانی (= جهان محسوس) انسان می‌اندیشیده و جستجو می‌کرده‌اندکه بگذریم و به‌فیلسوفان جدید اروپابرسیم می‌بینیم هریك برای زندگانی تعریفی خاص دارند و به‌نوعی آنرا شرح میدهند ولی غالبا ازیك نکته غافل شده‌اند و آن نکته این است که انسان موجودی است‌که دراجتماع زیست می‌کند ودرنتیجه از انگیزه‌ها و تأثرات محیط اجتماعی بهره‌مند میشود و شخصیت انسان دربرخورد ارگانیسم بادنیای خارج ساخته‌میشود و قوام و رشد می‌یابد . بدیهی است این نکته دلیل صرف منفعل بودن انسان نیست زیرا انسان موجودی است فعال وکوشا . هم با محیط و هم درمحیط زندگانی می‌کند ، تاثیر می‌گیرد و تاثیر می‌بخشد ، محیط و انسان در رابطه متقابل به‌سازمانی واحد تبدیل میشوند و تمدن انسان ثمره این رابطه و برخورد آگاهانه است .

روشن‌بینان اندیشه انسانی بخصوص در قرن ۱۹ به‌این نتیجه رسیدند که هدف و غایتی بیرون از جهان ما ، برای انسان جستجو کردن بیهوده است و ازاین‌جا بود که فیلسوفی ژرف‌اندیش گفت :

« برای دنیا کار کنید »

انسان ازاینجا شروع‌کرد یعنی از کار و بمدد آن تااینجا رسید . یعنی محیط طبیعی را مهار کرد و رام ساخت. اکنون نوبت محیط اجتماعی است که رام کند و عوامل نابود کننده را از میان بردارد و به بهروزی فرد و اجتماع برسد .

مسئله زندگانی باهمه‌پیچیدگیها و ناراحتی‌های فردی و اجتماعی در شعر امروز فارسی منعکس است. هریك از شاعران بنحوی می‌کوشند که باین سئوالها پاسخ گویند : چطور میتوان زندگانی کرد ؟ و چطور میتوان زندگانی را توجیه نمود ؟

شرائط امروزین جامعه ما دراین است که شاعران ـ مثل گذشته ـ بزبان رمز و راز سخن گویند (شاید جز این نمیتوان سخن گفت ؟) و راز نهانخانه قلب خود را در قالب سمبلها و استعاره‌ها بروی کاغذ بریزند . و تیرگی شعر این دوره درشکایت از زندگانی و روزگار است . منتهی شاعر دیروز از حاکم و یا وزیر و یا بنحوی شدیدتر از خدا گله می‌کرد و کجی‌ها و نارواثیها را به گردن آنها می‌انداخت ولی امروز شاعر ، نمیداند که به که روی بیاورد و چگونه شکایت کند ؟ بقول ژان‌پل‌سارتر « آسمان که خالی است » پس به‌که اشاره بکند وازکه جواب بخواهد ؟ این است‌که گله از روزگار بنحوی با مسئله زندگانی مربوط میشود و شاعر درجستجوی گشودن «رازدهر» و «رازهستی» برمی‌آید ولی پس‌از جستجوی فراوان با [پوچی] و [هیچی] برخورد می‌کند وگاه دیوانه‌وار زندگانی را ستایش می‌کند و گاه دیوانه‌وارتر آنرا محکوم مینماید و غالبا سرگشته وحیران است (۱)

من نمیدانم چه میخواهد دلم
کس نمیداند کجا دارم وطن ؟
[بیگانه ـ هنرمندی]

درشعر امروز ستایش زندگانی بیشتر بنحو منفی بیان میشود ، شاعر جهان را دوست دارد ، زیبائیها را دوست دارد، زن را دوست دارد می و معشوق را دوست دارد ولی چون دستش از ساحت قرب زندگانی و عشق و شادی دور میماند، ناله سر میدهد و درحال خشم وشور ، میخواهد همه چیز را خرد کند و بدور ریزد و هرچه که از دسترسش دورمانده محکوم سازد . گاهی به‌یاد خود می‌افتد و دراین اندیشه است که در این دیار درد ، او برای چه زنده است وچه‌محرکی میتواند به‌زندگیش معنی و مفهومی به‌بخشد و سرانجام باین نتیجه میرسد که شعر و سرنوشت او با هم پیوند یافته‌اند آنطور که هیچ حادثه‌ای نخواهد توانست این پیوند را بگسلاند . دراین‌جاست‌که زندگانی رنج است ، ادبار هست ، قفس است و شاعر چون پرنده‌ای بال‌شکسته در کنج قفس افتاده و با حسرت پرواز پرندگان آزاد را در زمینه آسمان آبی رنگ می‌بیند وفریاد می‌کشد :

خواهم کنم رها قفسم را
بدبخت من که بال و پرم نیست
[نادرپور]

این پرنده اسیر ، که همیشه اسیر نبوده ، روزی هوس و اندیشه‌های عالی در دل میپروراند، کوشش‌ها کرد که مرز اسارت را بشکند و پرواز گیرد و به‌سرزمین خوشبختی یا به تعبیر صادق‌هدایت کشور «همیشه‌بهار» برسد همچون چشمه‌ای به‌چشمه‌ها و آب‌های دیگر پیوندیابد و به‌رودخانه بریزد و بساحت اقیانوس برسد ولی ازآنجا که اندیشه و احساس او درچهارچوب احساس‌تنگ و خیالپردازانهٔ رومانتیك‌ها محصور مانده و دانش اجتماعی بمدد این احساس خام نیامده است توان آن ندارد که روبروی جهان بایستد و به سرنوشت فرمان براند و لذا شعر در مرحله جنینی آرزو میماند و تلاشی با شاعر نیست که مقتضیات قرن را نیز بحساب آورد و بمدد علوم اجتماعی ، آینده را بیشتر بشناسد و به‌مقابله آن بشتابد و به‌پیشبرد نیروهای جوان و روبکمال بکوشد ولی درهرصورت نشان میدهد که شاعر درد را یافته است ولی درمان هنوز برای او مجهول است :

چشمه‌ای در پناه بوته‌ای روی‌کمرگاهی دور
آرزو داشت که بیند رخ دریاها را
آرزو داشت بریزد به دل اقیانوس
(سیاوش کسرائی)

*

ای خوشا آمدن از سنگ برون
سر خود را بسر سنگ زدن
گر بود دشت گذشتن هموار
وربود دره سرازیر شدن
« م . امید »

*

در دست باد خاطره‌اش برگهای سبز
هریك پرنده‌ای است پیام‌آور بهار
درچشمه‌سار پاك خیالش
لغزیده سایه‌های گریزان آهوان
« منوچهر آتشی »

صورت دیگر این عصیان رمانتیك تحقیر زندگانی‌است. همانطور که اشاره شد شاعر در جستجوی شادیهای زندگانی است که آنرا از دست میدهد و او بناچار همه را نفی می‌کند . گاهی بشکل استهزاء و زمانی بصورت عصیان خود را از جامعه رها و جدا می‌سازد و دربند این است

۱ـ بدنیست دراین‌جا اشاره‌کنیم‌که « احساس پوچی‌و سرگشتگی » منحصر به‌عصر ما نیست و سابقه تاریخی دارد منتهی درزمان ما بواسطه پیشرفت تکنیك و صنعت وعدم هماهنگی انسان باسرعت پیشرفت ماشینی ، هم عام‌تر وهم شدیدتر شده است والا نظیر این سرگشتگی‌ها درآثارشاعران ایرانی ، بخصوص عرفان مسلکان زیاد است . به‌این چند بیت عطار توجه کنید :

سالك فکرت بجان درمانده‌ای — سرنگون چون حلقه بر در مانده‌ای
نه زخود خشنود نه از خلق هم — نه خوش از زنار ونه ازدلق هم
نه‌همه ، نه‌هیچ ونه جزو نه‌کل — نه بد ونه نیك ونه عز ونه ذل
[از مصیبت‌نامه]

که چگونه از [دام زندگانی] بجهد . زندگانی برای شاعر پرده فریب رنگارنگی است که عاملی نامرئی آنرا می‌گشاید و آنرا زمانی چون عشق و زمانی چون شعر مینمایاند و رهروان خسته را دراین بیابان وحشتناك همچون هامان بدنبال خود می‌کشاند : ...

گرآخرین فریب تو ای زندگی نبود
اینك هزاربار رها کرده بودمت
زان بیشتر که باز مرا سوی خود کشی
در پیش پای مرگ فدا کرده بودمت
« نادر نادرپور »

شاعر دیگر پهلوانی نیست که بجنگ خدایان خیره‌سر گستاخ و اهریمنان ددمنش افسونکار برود و با آنها گلاویز شود و همچون [پرومته] آتش خوشبختی را از آنها برباید بلکه « مرغ کور جنگل شب »-است . ازاینکه او را زندگی کردن آموخته‌اند آزرده است و گلهای باغ زندگانی گلهائی است کاغذین :

کاغذی گلهای باغ زندگی همچو طفلان‌هوشمان ازسرربود
(شرف‌الدین خراسانی)

و دیگر شاعر گمراهی است که هرگز به «راه» و «عافیت»راه نخواهد یافت :

من گناه شب تلخ مستی
او ، گیاه بیابان و خودرو
هردو آویزیك عشق کولی
هردو گمراه یك راه بی‌بن
« سیاوش کسرائی »

اما اینگونه اندیشه‌ها ، در شعر امروز فارسی ، عمومیت ندارد ، ومحصول یك دوره خاص است . دوره‌ای که از زبان شکست سخن می‌گوید و ازمیان ناله‌ها و خونها فریادی دیوانه وار برمی‌کشد . همه راهها بسته‌شده و شاعررا بدیار کامکاری راه نیست ولی واقعیت سرسخت زمانه ، تلاش مردانه پایداران ، و خلاصه حکم قطعی زندگانی نمیتواند بی‌تاثیر باشد . حادثه‌های اجتماعی تازه آفریده می‌شود . از مردم قهرمانیها بروز می‌کند . ازمیان انبوه جماعت که‌حیران و سرگشته‌اند پهلوانانی برتر از واقعیت زمانه بیرون می‌جهند و شاعر بخود می‌آید وازاینکه تا حد «مرگ‌اندیشی» پیش‌رفته است متاسف و اندوهگین میشود وزندگانی را زیباتر و با حقیقت تر از «مرگ» می‌بیند و باز فریاد می‌آورد که اگر بار دیگر به چنگ دست یازید :

« جز نغمه نشاط نسازد و بیهوده نقد زندگی را
در پیش پای مرگ نبازد . »
«مستفاد از شعری از نادر پور»

پس باز طبیعت زیبا جلوه‌گری میکند و بهار و پروانگان و شکوفه‌ها در منظر انسانی که امید خود را بازیافته است راه می‌یابد .

«آنجا که می‌شکفت گل زرد آفتاب
بر روی آبگینه دریاچه کبود
وز لرزه‌های بوسه پروانگان باد
میریخت برگ و باز گل نوشکفته بود
« ه . ا.سایه »

شاعر ستایشگر طبیعت میشود و زیبائیها را می‌بیند و دوست میدارد . اما البته فراموش نمی‌کند که طبیعت تنها نیست.و محیط اجتماعی نیز میتواند و باید در منظر شاعر جای نمایانی داشته باشد . سخن از نیکی و بدی بمیان می‌آید و تلاش و کار که سرچشمهٔ خوشبختی باید باشد آگاهی براینکه کار در رابطه متقابل انسان و طبیعت عنصر اساسی است و بدون آن تغییر شکل مادهٔ بی‌جان غیرممکن است برای شاعر ضرورت و اصل اساسی است . زندگانی انسان باید درکار بگذردبدیهی است این‌کار باید سرچشمه‌شادی وکامکاری و بهروزی باشد نه‌اساس رنج و زاینده اندوه و بیدادگری . هرچند هنوز اشارات شاعران نوپرداز در این زمینه رنگ و بوی رمانتیسم دارد و دست و پای شاعران را در کلاف «کلی‌گوئی» بسته است ولی دیر یا زود این کلاف باز خواهد شد و شاعر هماهنگ با جریان نهانی طبیعت و قانون تاریخ به‌اکتشاف جهان های تازه خواهد رفت تا شعرش خاستگاه امید و بهروزی بشود .

زندگانی انسان پهناور است ازاین‌روکه امکانات گسترده‌ای در اختیار اوست و این امکان دریچه‌های روشن و تاریك درپیش روی انسان می‌گشاید . پسندیدن یا نپسندیدن، وابسته شرائط اندیشندگی هرفرد است . اوست که میتواند قانع بشود یا قانع نشود ، به‌پسندد یا نپسندد ، به‌این چیز یاآن چیز گرایش یابد . این گرایش همان چیزی است که ارزش نامیده میشود و در گفتگو های مردم عادی نیز نمودار است بطوریکه گفته میشود : این چیز برای من ارزش دارد یانداردد یا آن چیز برای من بی‌ارزش است .

گرایش بطرف ارزش‌ها خود موجب کار وحرکت است و این دو جوهر زندگانی است. پس انسان است که باید ارزشهای زندگانی را برای خودش برگزیند و در اندیشه تلاش و خویشتن شناسی باشد.

بدیهی است شناخت خویشتن در جهان امروز ، کافی نیست زیرا آگاهی از قانونهای طبیعی و اجتماعی نیز لازم است چه بدون تغییر شرائط محیط و حذف عواملی که در نابسامانی موثرند کاری از پیش نمیرود منتها این لزوم از آنجا نیست که انسان دست‌وپا بسته شرائط محیط طبیعی و اجتماعی بشود و درانتظار میعادهای پایان‌ناپذیر و وهم‌آلوده قرن‌ها بنشیند بلکه باید برتر از الزام و فشار قرار بگیرد و بتواند بگوید :

« ای بر صلیب اعتقاد خویش آونگ »
« بر گیر گوش از قصهٔ مردان نامرد »
« تقدیرساز آسمان دیری‌است‌مرده‌ست»
« تقدیرساز خویشتن باش ! »

✦

« بردار سر از سجدهٔ آن زاده وهم »
«انسان خداوند خدایان‌را تو بشناس! »
« منصور اوجی»

پس انسان بمقتضای این امکان و گرایش نمیتواند ثابت بماند و چون به‌کار نیازمند است « کار عامل اساسی رابطه دو جانبه انسان و محیط» تقدیرساز خویشتن است . زندگانی با ارائه دو طریق متفاوت زشت و زیبا او را در انتخاب یکی از آن دو آزاد می‌گذارد و اینجا برعهده

اوست که انتخاب کند و تلاش کند پیش‌ازآنکه « کوزه‌گر دهر از گل او کوزه‌ها کند » خود کوزه‌هائی بسازد تا لذت آفرینش را بچشد و سپس بمیان مردم برود و اگر شاعر راستین است ــ که باید باشد ــ و با شادی و دردهای آنان انباز و شریك بشود .

طلیعه چنین حماسه‌ای هم‌اکنون در شعر نو فارسی نمودار است . شاعر که به عشق و به هستی و به‌کائنات نفرین می‌کرد و همه از ظلمت می‌گفت و «مرگی بود در مرداب » اینك روبروی جهان می‌ایستد ــ هرچند هدف هنوز نامشخص و مبهم است ــ و فریاد می‌کشد که :

« من به‌تنهائی
می‌توانم با هزاران مرد
رزم آغازم »

« قدرت ــ رضا براهنی »

و دیگر همه سخن از عطر بنفشه‌ها و نرگس‌ها و طرح قامت یار و گیسوان شبرنگ او نیست بلکه اجتماع شهری متحرك و قوانین والزامات ناشناخته آن مورد عنایت است و شاعر با چــنــد خط کوتاه میخواهد فشار ها و محرومیت‌ها و بیدادگری‌ها را نشان بدهد و بگوید همه‌گل و پروانه و شراب نیست که واقعیت دارد بلکه بالاتر از آن نیز حقیقت زنده‌تری موج میزند و رخ نشان میدهد :

« خوشه‌های کبود آتش و دود »
« روی شهر برهنه میریزد »
« م . آزاد »

و این‌بار شاعر تنها نیست و هدف نیز مشخص‌ترشده و شاعرکه درجستجوی معنویت تازه‌ای است که باید در محراب تاریخ بنشیند می‌گوید :

« می‌توانم درسحرگاه زمستان‌ها
درمیان کوچه‌های شهر بگریزم
و صدایم منعکس در انجماد خانه‌های شهر
نعره بردارم که اینك آفتاب آمد و اینك آفتاب آمد
و صدا بردارم : «ای مردم !
مردم ، ای مردم !
لحظه‌ای برتیغه‌های بامهای خانه‌هاتان بنگرید
کافتاب از آسمان آمد ،
آفتاب آمد » (رضا براهنی)

کوشش شاعر دراین است که تاحد امکان به طبیعت خویش برگردد و از محیط اندیشه شهریان که نان را بنرخ روز میخورند و کار دنیا و دین را با هم جمع و حساب می‌کنند که هرکس زورمندتر است برتر و مستوجب اطاعت بیشتری است ، بگریزد . طرفه این‌جاست که سحرگاه زمستان که همه درخوابند ، نقطه شروع حرکت شاعر است ، همه در خوابند ولی شاعر بیدار است ، خانه‌های شهر منجمدند و صدا در آن یخ میزند پس باید نعره برداشت و مژده‌رسیدن آفتاب را داد . دربیت‌های بعد «مردم» تکرار میشود وباز دعوت ومژده رسیدن خورشید از زبان شاعر شنیده میشود . وشعر بایك‌مصرع (= خط) تمام میشود«می‌توانم من‌بتنهائی‌شفا یابم » واین افسوس برای خواننده باقی میماند که چگونه مردم خواب‌آلوده بدعوت شاعر لبیك نگفته‌اند !؟

شاعر این دوره می‌کوشد بروش‌های گوناگون راهی بدیار شادی و حقیقت بیابد ، گاهی همراه جماعت است و گاهی که حوادث اجتماعی مردم را از او و او را از مردم دور میسازد به‌تنهائی رهسپر طریقت و جهان معنوی گرایش بطرف هنر بشود و از آنجا که زندگانی شاعر شعر اوست و شعر او اززندگانی او جدا نیست ، شایستگی خود را نشان بدهد و یا نموداری از شایستگی ومعنویت عرضه کند .

نیمایوشیج درمنظومه «مانلی» ناظر به چنین معنی است . ماهیگیری در این منظومه بدریا میرود که برای تامین نان خانواده‌اش بصید ماهی بپردازد دچار طوفان میشود ولی دست‌پاچه نمیشود و ایستادگی‌می‌کند ناگهان فرشته‌ئی دریائی (دلنوازنده‌دریا) چون‌گل‌ازآب می‌شکوفدوازابسوی سرزمین نور و زیبائی میخواند ولی ماهیگیر دراین اندیشه است که تسلیم وسوسه‌های فرشته دریائی نباید شد . و نکته اساسی که شاعر دراین منظومه عرضه می‌کند دراین چند بیت پرمعنی که اشعار عرفانی حافظ و مولوی وسنائی را فرایاد می‌آورد ، خلاصه میشود :

چشم‌باش سخنی‌بودم و گوشم اکنون
از زبان تو شنید
وین سخن آمد راست
که ز عمر گذران‌مان راهی است
که ز پیدا بسوی ناپیداست
زندگی می‌طلبد
اینهمه پنهان را :
یا ترا باید بودن همه تن
یا بجای آری با تن جان را [مانلی ــ نیمایوشیج]

دراین قطعه شعر ترکیب تازه چشم باش (= منتظر) هم جالب‌وهم‌زیباست . شاعرمیخواهدنیازمندیهای‌روحی‌انسان‌را تصویرکندکه‌از«پیدا»یازندگانی‌فعلی‌راهی‌بسوی«نهان» یاجهان بعدی برمیدارد و دراین رهگذر یا باید کوشش را مصروف «تن» کرد و یا چون عرفای پاك‌باخته در راه هدف سروجان باخت و چهار تکبیر زد یکسره برآنچه که هست ؟

ولی همه شاعران معاصر اینگونه نمی‌اندیشند و هرکدام بنحوی باایــن مسئله تمــاس می‌گیــرد . ولــی آنچــه تقریبا در همه مشترك است این است‌که اعتقاد به جهان دیگری را بدانگونه که در ادیان و روایات مذهبی آمده است رد می‌کنند و زندگانی این جهان را باتمام وجود طالبند . نیروی زندگانی در اشعار « ا . بامداد » ، «کسرائی » « نادرپور » «فروغ فرخزاد» «رضابراهنی» بسیار شدید و طالع است و جرقه میزند و بعضی قطعه‌های آنان سرشار از سرود زندگی است ولی در اشعار «نصرت‌رحمانی » « فریدون توللی » « حسن هنرمندی » حس بدبینی غلبه دارد و از رنگهای سیاه و اندوه ملال لبریز است

ازهمه اینها در این ایده پافشارتر است وزندگی را «بازی» میداند .

زندگی بازی است
ما خود صحنه میسازیم تازیگر بازیچه‌های خویشتن بــاشیم
وای زین درد روانفرسای
من بازیگر بازیچه‌های دیگران بودم گرچه میدانستم
این افسانه را ازپیش زندگی بازی است [زندگی رحمانی]

اما هیچ یك زندگانی را برای همیشه محکوم نکرده‌اند. درد هست ولی شاعر به‌آن تسلیم نمیشود . شاعر استواروبجای است و رسالت خود را می‌شناسد :

استوارم چون درختی پابجای
پیچك بی‌خانمانی را بگوی
بی‌سبب بردست و پای من مپیچ
(ا . بامداد)

و شاعر جوان و گرم آواز دیگری راه را بهتر نشان میدهد . تقدیر وافسانه دروغ و بیهوده است و

« بسوی انسان » باید بازگشت و از خود انسان ـ این‌جلوه شگرف طبیعت ـ کمك‌خواست واگرامیدی است به‌آنست که من و تو و او از حالت انفراد بیرون آئیم وخوشبختی را طلب کنیم :

گر بخواهی تو
گر بخواهم من
از عسل از شیر ، سفره‌ها آکنده خواهد گشت
ازگذشت ازمهر، دستها سرشار خواهد شد
از امید از عشق سینه‌ها لبریز خواهد گشت
از گل از سبز دشت‌ها پر بار خواهد شد
گر بخواهی تو
گر بخواهم من
ماهی قرمز درون حوض خواهد گشت
قاصد پیغام آور بر فراز باد خواهد راند
آبشار عطر در هر برکه خواهد ریخت
زندگی در کوچه ها آواز خواهد خواند .
زندگی در کوچه ها آواز خواهد خواند
(منصور اوجی)

این قطعه شعرکه از نظر کمپوزسیون بی‌نقص است . از نیروی زندگانی سخن میگویدکه چون مادهٔ خامی درانتظار اقدام وعمل «من» و«تو» میماند وشعر بایك جمله شرطی شروع میشود ، مثل اینکه شاعر بهچنین اقدامی اطمینان ندارد ولی بهرحال تأکید اوتنها بر «عشق» و «گل» و « سبزه » نیست ، سفره‌های خالی نیز ازغذاها آکنده‌خواهند شد . شاعر دراین قطعه شعر ، رومانتیك‌وار در آسمانها پرواز نمی‌کند وبراین نکته آگاه است‌که دربرآوردن نیازمندیهای مادی زندگانی نیز شرم وعذری نیست ونباید باشد .

در شعر دیگری ، باز مسئله زندگانی مطرح‌میشود. سخن از «مرغ‌باران » سروده ا. بامداد است که پس‌از ترسیم یك بندر مه گرفته و مردی‌که در زیر باران به جستجو برخاسته است خطاب به «مرغ باران » میگوید :

مرغ مسکین ! زندگی زیباست
خورد و خفتی نیست بی مقصود
میتوان هرگونه کشتی راند بردریا
آب شب خیز تن پولاد ماهیگیر

***

مرغ مسکین ، زندگی زیباست
من دراین گود سیاه و سرد وتوفانی نظر با جستجوی گوهری دارم
تارك زیبای صبح روشن فردای خود را تابدان‌گوهر بیارایم
مرغ مسکین ! زندگی بی گوهری اینگونه نازیباست»
(ا . بامداد)

این قطعه شعر همانند یك قطعه موسیقی ویا یك تابلو نقاشی هم از نظرهماهنگی وهم ازنظر ترکیبات شعری وهم ازنظرکمال ایدهٔ انسانی آن وتکرار شورانگیز (مرغ‌مسکین زندگی زیباست)ـ برخلاف آنچه منتقدی سخت‌گیر درچند سال پیش نوشته بود ـ بی‌نقص وکاملا از حقیقت شعری بهره‌مند است ودر آن نوعی تمایل به‌بازگشت به‌زندگانی‌که لبریز از شوروهیجان واحساسات خالص انسانی باشد ، موج میزند. وبدینطریق باز « زندگانی » پیروز است وعوامل نابسامانی ومرگ وانهدام محکوم ....

طبیعت

[در ته شب حوریان چشمه می خوانند
ریشه های روشنائی می شکافد صخره شب را]

« سهراب سپهری»

ویژگی شعر دردوستداری بی‌شائبه و شدید نسبت بطبیعت است . درهرشعر ، عنصری از تمایل طبیعت گرائی می‌یابیم و می بینیم که طبیعت در همه احوال سرچشمه بزرگترین الهامات شاعران بوده است . این بازگشت به طبیعت را همدر شعر شاعر کهن سرای نواندیش این قرن ، ملك‌الشعراء بهارو هم در شعر لطیف و مواج و پراز بذله وظرافت ایرج میرزا و هم در اشعار مایه‌ور وژرف «نیمایوشیج » میتوان مشاهده کرد و کشف تازه آنها را از طبیعت عرضه نمود.

در اروپا ، جنبش ادبی ـ فلسفی ـ رومانتیسیسم‌باآثار « ژان ژاك‌روسو» شروع میشود واندیشه بازگشت بطبیعت‌که در همه آثار «روسو» موج میزند زمینه اساسی این جنبش در فرانسه ،انگلستان ، آلمان ، روسیه ، ایتالیا وجاهای‌دیگر بوده است رمان «نوول‌هلوئیز » یك قرن فرانسه را باشاك آبیاری کردوهمچنین‌جنبش‌رمانتیك باشعارشاعرانی چون‌شاتوـ بریان ـ لامارتین ـ ویکتور هوگو در فرانسه ،لئوپاردی‌در ایتالیا ـ پوشکین ولرمانتف در روسیه ـ گوته و شیلر در آلمان ـ «کالریج» و «وردزورث» و «شلی»و« بایرون »در انگلستان ، وسعت یافت . اساسا اندیشه «بازگشت به‌طبیعت» محصول شعر طبیعت گرایانه است و درهمه قرن‌ها سروده شده است ولی ویژگی‌ها وخصایص‌آن با سلیقه هر قرن وفق و مطابقت داده شده .بسیاری از قطعه‌های رومانتیك در قرن ۱۸ نوشته شده است . خصایص این نهضت ادبی ـ فلسفی‌را «برتراندراسل » چنین معرفی میکند «جنبش رومانتیسم یك شکل هنری است که بشتر به احساسات وشور متوجه است تابه شکل ها وایده‌های کلاسیك . رومانتیك ها بیشتر تعبیرات را دنبال‌میکنند.آنهاچیزی که‌حساسیتsensiblite a‌ نامیده‌میشود،یعنی استعداد احساس کردن خاصه احساس همدردی را دوست دارند یك انسان رومانتیك ممکنست در برابر یك پرده‌نقاشی که فقر یك کلبه دهقانی رانشان میدهد بگریه میفتد ولی پروژه دقیق اصلاح وآبادانی دهکده‌ها و دهقان نشین ها رابا خونسردی تلقی می‌کند » (۱)

چنین‌جنبشی‌ازراه‌ترجمه‌های اولیه‌نویسندگان ومترجمین ایرانی‌درشعرفارسی‌راه‌یافت . میرزاده عشقی‌که بازبان فرانسه آشنائی داشت چند قطعه شعر فرانسه که در سبك رومانتیسم سروده شده بود بفارسی منثور و منظوم در آورد و آشنائی دیگران نیز غالبا به جنبش رومانتیك‌ها فراوان‌تراز شناسائی سبك های دیگر بود . قطعه شعرهای اولیه [نیمایوشیج]واجد ویژگیهای سبك رومانتیسم است . او اشعارنئورومانتیك‌های فرانسه چون «ورلن» و «آلفردوموسه » را بسیار دوست میداشت و در منظومه های نخستین از آن‌ها ملهم میشد.در منظومه «افسانه»که یك منظومه دردمندانه وعاشقانه‌است.نیمابا چند خط منظره هائی از طبیعت و مازندران ، دیار خود،به زیبائی وحدت رسم میکند و جلو خواننده میگذارد بطوری که چشم از آنهمه رنگ‌ونگار سیر نمی شود .

۱ ـ مستفاد از کتاب «تاریخ فلسفه غرب » ـبرتراندـ راسل ـ چاپ لندن ـ ۱۹۵۷

احساس شدید عاشقانه در اشعار ایرج میرزا ــ عشقی ــ ملك‌الشعراء بهار ونیمایوشیج در هرکدام بنحوی ظاهرمیشود. ملك‌الشعراء قصیدهٔ «دماوند» و چهار پاره « شباهنگ» را می سراید که کلا در مایه رومانتیسم است «زهره‌ومنوچهر» ایرج میرزا که تقلید گونه‌ای از «رومئوژولیت» شکسپیر است نیز در همین مایه است . «برگ‌باد برده »و«کفن‌سیاه» و «ایده‌آل» عشقی از شور واحساس شدید لبریز است پس همگی تاثیر ادبیات قرن ۱۸ و ۱۹ فرانسه را در شعرخویش پذیرفته‌اند .

منظومه «ایده‌آل» عشقی نیز با یك رنگ آمیزی خیال پرورانه از طبیعت شروع میشود و بنحوی غیر واقعی حادثه‌ای اجتماعی را درآن داخل میکند . از نظر قالب این منظومه یك آزادی و وسعتی در شعر کلاسیك فارسی‌است .

اوائل گل سرخ است و انتهای بهار
نشسته‌ام سرسنگی کنار یك دیوار
جوار درهٔ دربند و دامن کهسار
فضای شمران اندك زقرب مغرب تار
هنوزبداثر روزبرفراز «اوین»

چهار پارهٔ شباهنگ بااینکه از نظر قالب نواست معهذا بافت وینش وترکیبات شعری‌آن کهنه وبسبك‌کلاسیسم‌متمایل است مثلا دو بیت زیر ترکیب « رایت روز » « تاج زر » « شب مظـلم» کلا قدیمی‌است .

بر شو ای رایت روز از در شرق
بشکف ای غنچه صبح ازبرکوه
دهر را تاج زر آویز بفرق
کامدم زین شب مظلم بستوه

اگر مطالعه را در منظومه «افسانه » نیما ادامه بدهیم‌باز همان خیالپروری‌ها را خواهیم دید . افسانه معشوقه وعروس ایده آلهای شاعرانه نیما ــ در هربند ــ بصورتی تجلی میکند و شاعر گرچه بصورت ظاهر خاموش است جایگاه هزاران جرقهٔ سوزان شور ومستی است :

آه افسانه در من بهشتی است
همچو ویرانه‌ای در بر من
آبش از چشمهٔ چشم نمناك
خاکش از مشت خاکستر من
تانه‌بینی بصورت خموشم

پسیکولوژیسم ظریفی ــ گاهی همچون رشته‌ای نامرئی که ظاهر و پنهان شود ــ دراین شعر نیما که بگفتهٔ محمد ضیاء هشترودی [نوعی غزلسرائی نوین است] دیده میشود واو سعی میکند وصف طبیعت را باوصف حالات خود بیامیزد و همین است در مورد منظومه (مانلی) که ایده منظومه کلا عرفانی و کمال طلبانه است . «فرشته دریائی » که لطیف‌تراز نور ماهتاب بر موج دریا است گریز شاعر را از واقعیت‌نشان میدهد و نمودار کننده حساسیت شدید اوست .

چشمش ناگاه دیدار نمود
دلفریبندهٔ دریای نهان
قد وبالاش برهنه برجای
چون سیلاب سرشکش سوزان
شمع افروخته از سرتاپای
گیسوانش بردوش

[مانلی‌ــ نیمایوشیج]

بتدریج شعر نیما از رمانتیسم تقلید گرایانه بیرون میآید وبه‌نوعی‌رئالیسم[در قطعه ها ی‌کار شب پا ــ قوقولی‌قوــ...] و گاهی سور رئالیسم [در قطعه های اندوهناك شب‌ــپادشاه فتح ــ ولکدار] میرسد که بیان افکار اورا با دشواری‌خاصی همراه ساخته است و فهم آن برای همگان میسرنیست .

در قطعه «مریم» و «اندوه شامگاه » [توللی]بـاز رمانتیسم اروپائی هویدا است . « مریم » سمبول و عروس احلام شاعراست که در نیمه های شامگاهان درامواجی مهتاب گونه تن میشوید و بستان خواب آلوده و نسیم دزد عطرو بوسه است . این طبیعت ستائی تا آنجاست که شاعر دیگری از غوغای شهر بستوه آمده و خواستار آرامش کلبهٔ دهقان‌و شیب های سبز کوهستانها شده است و در قطعه‌های نخبتین شاعری خویش ، باروشنی جویای آب چشمه های دور است. خیال انگیزی این احساس و اندیشه از این جاست که چنان کلبه دهقانی و دشت‌پراز سبزه که انسان بتواند فارغ از دنیا ومافیها و شور زندگانی اجتماع بشری در آن استراحت‌کند واز هردو جهان آزاد باشد ، در هیچ جا وجود ندارد وگمان نمیرود که شاعرهٔ لطیف طبع ماحتی بتواند ساعتی در آن‌جـا تاب بیاورد زیرا جز مقداری در ودیوار گلی و سقف باپوشال وانبوه مگس های سمج و کودکان تراخمی و کوچه‌هـای کثیف که در واقعیت محض رخ مینماید ــ چیزی بچشم نمیخورد اما مجموع شعر از نظر ترکیبات شعری از زیبائی و شورانگیزی بی بهره نیست :

تابه بینم دشت ها را در غبار ماه
تابشویم تن به آب چشمه های دور
تا بلغزم در نشیب جاده های نور
در مه رنگین صبح گرم تابستان
پرکنم دامان ز سوسن های صحرائی
بشنوم بانك خروسان را زبام کلبه دهقان

[فروغ فرخزاد]

کشف تازه از طبیعت ، در شعر نو همچنان ادامه دارد. مثلا «باد » اینطور که من یادداشت کرده‌ام در شعرشاعران نوپرداز به صورت های متفاوت وصف شده‌است و هرکـدام استعاره و یا تشبیهی خاص دراین مورد بکار برده‌اند .

ه . اسایه : (پروانگان باد) . ا. بامداد :(خنیاگران باد) . سیاوش کسرائی : (نغمه خوان باد) . نادر نادرپور (فالگیر) . منوچهر آتشی : (گرازباد) م. آزاد (تازیانه باد) نصرت رحمانی (باد مست) . در مورد سایر جلوه‌های طبیعت نیز باز نواندیشی واحساس تازه شاعران جـوان‌ما نمودار است :

شمشیرتیز باد
چون سینهٔ بر آمده آب را شکافت
از آن شکاف ، ماهی خونین آفتاب
چون قلب گرم دریا بر ساحل اوفتاد

(شامگاه ــ نادرپور)

در شعر امروز نکته اساسی در این است که حالات‌روحی شاعر ملاك سنجش واحساس اوست . طبیعت و حالات او ثابت نیست . در شعر کلاسیك حالات هم تقریباًثابت بود . مثلا صبحگاه هنگام شراب نوشیدن و شکفتن گل و شب هنگام‌وصل وهمآغوشی بود امروز ، شاعر دراین تطابق وضعیت خویش با طبیعت کوشانیست وحالات او متغیراست . صبح ، ظهر ، شب

و عصر ، تابع احساس شاعر است و خلاصه جهـان با همه پهناوری در برابر شاعر زانو بزمین میزند واز میل روحی و احساس شاعر اطاعت میکند . این است که زمستان وقتـی است که شاعر از عشق و آرزوی خود دور مانده باشد .

در قلب من همیشه زمستان بود

(نادر پور)

و در نظر دیگری اطاقش خالی و نمناك و همچون مردابی است واو زمزمه جویباری می شنود که بمرداب‌میریزد ولی این جویبار خون رگهای اوست :

مرداب اتاقم کدر شده بود

و من زمزمه خون را در رگهایم می شنیدم

زندگیم در تاریکی ژرفی می گذشت

(سهراب سپهری)

و سرانجام وصف طبیعت باوصف حالات درونی میآمیزد. این جاست که واژه‌ها بصورت های تازه‌ای باهم ترکیب میشوند وبه نحوی خاص بو ورنگ وعطر باهم مخلوطمیشود. این‌جاست که یکقطعه شعر معنی خاصی ندارد و بحسب حالات شاعر وخواننده‌شعر تغییر می پذیرد و ممکنست هردفعه‌احساس واندیشه خاصی را برانگیزاند .

باد نمناك بیابان های دور ‌ ‌ شوق پنهانی بـدل میافرید

بوی زن میدادوبوی‌خون‌شور ‌ ‌ ذره‌هایش‌در مشامم می‌نشست

(فرخ‌تمیمی)

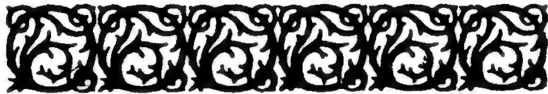
ایماژها دراین اشعار ، همچون سبك کلاسیسم ،روشن و گویا و ثابت نیست « هرنگاهی خوشه‌ای از نور است (۱) » شاعر از لب معشوق « گل صد برگ تمنا را »(۲) را می چیند ، «چشمك افقها فریب ها به نگاه شاعر میآویزد »(۳) دریا همچون چیز ی‌است که شاعر ،آرزو دارد « چو جام ژرف برآید ز جای خویش » (٤) خورشید از فیروزهٔچشمان معشوق شسته شده است (٥) بر کنج لب شیرین دلدار ازحلقه زنجیر تبسم هائی شکسته و فروریخته است (٦) وجائی دیگر گیسوان دراز او همچون خزه‌است (۷) در غروبی غمین گل عشقی که لب رود بشکفد تماشائی است (۸) شاعر ازسرزمین خورشید و پرتوی از جان جهان نمااست (۹) غنچه هستی شاعر بار دگر شکوفان شده و برسر چشمه امید وجمال‌میآید (۱۰) رقص شکوفه های شاخه های پائیزیَ شوم است (۱۱) دیگری در سال تاریکی ستاره‌اش رامی‌یابد ، خوبی را می‌یابد و شکوفه میکند (۱۲) شب دریائی است رسوا وبی ساحل(۱۳) و خود او نیز چون شبی است که سحرگم‌کرده و فردا ندارد (١٤) در باغ سینهٔ معشوق دو شکوفه گلرنگ وشاداب جلوه میکند (١٥) اسب باد یالی دارد که در چنگال مرداب است (١٦) برتن های برهنه بوسه های سیاه تازیانه تنها پوشش است (۱۷) موج صنوبر و صفافرا و نارون چون پیکر زنان جوان صاف و موجدار است (۱۸) شاعر میوه چین شعردروغ در باغ شب‌است (۱۹) زنان لخت قریه بسوی چشمه میآیندو پستانهایشان که سپید است به تاریکی می خندد (۲۰) معشوق شاعر نیلوفر اندام را از نرده باریك رها میسازد (۲۱)

اگرچه این نمونه ها نمیتواند سبك هرکدام از شاعران جوان مارا نشان بدهد ولی بهرحال برای اثبات این نکته کـه طبیعت بطور خالص نمیتواند در شعر آنان وارد شود، کافی است .شاعر و طبیعت چنان‌به یکدیگر نزدیك و یگانه شده‌اند که تشخیص آنها از یکدیگر دشوار است شب است که شاعر است ویا شاعر است که از فرط اندوه خود را شب می‌بیند ؟ افق فریب ها به چشم شاعر میآویزد ؟ این یگانگی ، نشانه‌این است که شعر فارسی پس دوره انحطاط صفویه و قاجاریه باز بسر چشمهٔ جوشان واصلی خود بازگشته است و سعی دارد در هر حال افکار منطقی و قالبی رادور بریزد وبه طبیعت و زندگانی نزدیك شود و در ضمن از اندیشه درست غافل‌نباشد تابجائی برسد که بتواند بگوید :

« روزی که کمترین سرود بوسه است

و هرانسان برای انسان برادری است »

(ا. بامداد)



۱ ــ فرخ تمیمی ۲ ــ فریدون مشیری ۳ ــ سهراب‌سپهری ٤و ٥ــ نادرپور ٦ ــ نیمایوشیج ۷ــ نیمایوشیج ۸ــ منوچهر نیستانی ۹ ــ هوشنگ ایرانی ۱۰ــ شرف‌الدین‌خراسانی ۱۱ ــ سیاوش کسرائی ۱۲ ــ «ا.بامداد » ۱۳ــم. امید ١٤ ــ م. امید ١٥ ــ فریدون مشیری ١٦ ــ فروغ فرخزاد ۱۷ــ ه. ا. سایه ۱۸ــ یدالله رویائی ۱۹ــ منوچهر آتشی ۲۰ــ رضا براهنی ۲۱ ــ فریدون توللی .

اندیشه‌های فلسفی

بگذارتوهم رفته‌باشی
بگذار همه رفته‌باشند
طوفان عظیم صدای ربوده رابازنخواهدآورد
لرزه آخرین طپش‌افسون‌حضوررابدرودمی‌گوید.
«هوشنگ ایرانی »

شعر کلاسیك فارسی غالبا فلسفی و لبریز از اندیشه است . خیام ، فردوسی ، عطار ، سنائی ، مولوی ، حافظ، ناصر خسرو ، محمود شبستری شاعرانی فیلسوف یافیلسوفانی شاعر هستند که در باره مسئله های مرگ و زندگانی اندیشه های نو عرضه داشته‌اند . عارف مسلکان جهان مارا مجاز دانسته و مردم را به اندیشه در باره جهانی پایدار دعوت کرده‌اند . خیام جهان دیگری را نفی میکند وانسان را به رفتارهای پرشدت و فرصت شمردن زمان و میگساری برای فراموشی حادثه‌های تلخبار زمان ترغیب میکند. درنظر فردوسی فقط نیکی پایدار است واصل اخلاقی عام و مطلق‌او این است بدی را فراموش کن و به نیکی گرای . این‌شاعر خردمند رفتار فریدون را مثال میآورد . انسان بمددکار و کوشش میتواند فریدون که سمبل نیکی و اخلاق است بشود .

فریدون فرخ فرشته نبود   زمشك و ز عنبر سرشته نبود
بدادو دهش‌یافت این‌نیکوئی   توداد ودهش‌کن‌فریدون‌توئی

پس زبان فلسفی ــ شعری در ادبیات منظوم ما سابقه‌ای کهن دارد واز امروز نیست . در شعر نوفارسی نیز جریان فکری واندیشندگی دیده میشود . اگر فلسفه را عبارت از کوششی برای بیان اندیشه هائی راجع به هستی و کار و معنی دادن به زندگانی بدانیم فلسفه‌ها و جریان های فکری تازه‌ای در شعر امروز فارسی می‌یابیم که شایسته دقت‌است.

این جریان فلسفی یك راه ثابت و محدود نیست بلکه وسیع و پهناور است و بسیاری از افکار و عقاید کهنه وتازه را شامل است به روشنی تاثیر فلسفه‌هائی نظیر فلسفه‌بودیسم‌ــ عرفان اروپائی یا ایرانی ــ اگزیستانسیالیسم و غیر آن در شعر نومحسوس است و آنچه دراین جریان بیشتر بچشم‌میخورد تکیه به تجارب فردی و بیان اندیشه هائی است که آزادی فردی را تبلیغ میکند و شاعر موجودی است که میخواهد روبروی جهان بایستد و بهبیان حقیقتی که خود کشف کرده است بپردازد .

تاثیر اندیشمندانی نظیر«فروید»و پیروان مکتب‌او وهمچنین « بودلر » و «داستایفسکی » و «الیاف » و «ازراپوند »ر رومانتیك‌های فرانسه و انگلستان رگه‌هائی است که باید در شعر نو به‌کشف آنها رسید .

عده‌ای از این شاعران کلا مسائل متافیزیکی را در شعر خود مطرح می‌کنند . درباره مرگ و زندگانی ، وظیفه انسان و احساس و شهود و عشق ... چیزهائی میگویند که گاهی به‌رساله‌ای درمتافیزیك اخلاق و یا عشق بیشتر شباهت دارد و زمانی به عرفان ایرانی برمی‌گردند و از مولوی و حافظ و دیگران مدد می‌طلبند و دانسته یا نادانسته حرفهای آنها را بنحو دیگر ومطابق با مقتضیات زمانه ما ، بیان میدارند . تمایل دیگر این است که شعر تأثیر جادوئی نخستین را بدست آورد و از قید منطق وعلم و فلسفه آزاد شود . این عده می‌گویند شعر با کارهای جادوگرانه انسان نخستین قابل قیاس است که در مراسم مذهبی و بزم می‌نوشی معمول بود وصورت خاص‌آن مراسم باعث دگرگونی اندیشه و احساس انسان می‌گردید . دراین گونه اشعار آزادی از منطق و قیود اجتماعی سرلوحه کار و برنامه اصلی است وشاعر در طبیعت غوطه میزند و خود را از آن جدا می‌کند شعر و انسان یکی میشوند و سنگ و رودخانه و کوه و درخت وسایر مفردات طبیعت شخصیت پیدا می‌کنند . شاعر با این شخصیت‌ها آشنا میشود ، با آنها راز ونیاز می‌کند ، آنها را دوست میدارد یا از آنها می‌گریزد و بدین‌ترتیب شاعر به‌سرچشمه احساس‌ناب که در همه ادوار و قرن‌ها یکی بوده است وخواهد بود نزدیك میشود . دراینصورت اگر شعر را دین جدید انسان بدانیم بخطا نرفته‌ایم شاعر دراین وهله و فرصت تا دل اشیاءفرومیرود ودرحالت شهود و درون‌نگری شعر می‌گوید. شعری که از طبیعت خالص و ناب بیرون جهیده و سرآن دارد که همهٔ چیزها را به‌صمیمیت نخستین برگرداند .

دراشعار عده‌ای فکر فلسفی طوری با لفظ و ترکیب‌ها آمیخته شده است که هیچگونه تصنعی در شعر مشاهده‌نمیشود زیرا شعر و فلسفه شاعر یکی‌هستند ولی دربعضی اشعار فلسفه از خارج به لفظ و بیان تحمیل شده و بخوبی روشن است که شاعر آگاهی های خود را برشتهٔ نظم درآورده است و خواسته است از اطلاعات فلسفی که درجاهای دیگر خوانده بوده است استفاده کند . نظیر این‌گونه اشعار ، شعرهائی است که غالبا درباره میتولوژی یونانی و هندی وایرانی مثل داستان [پرومته] و [پاندورا] و [سیزیف] و [زئوس] و غیره گفته شده و خوب روشن است که شاعر سازنده نیست بلکه ناظمی است که اندیشه‌های دیگران را به زبان فارسی نقل می‌کند . اما قطعه شعرهای اصیل و ناب که در آن فلسفه زندگانی و مسائل مربوط به‌هستی بیان شده نیز وجود دارد که شایسته دقت است . شاعر در این جا به‌کشف سرزمین‌هائی که هرگز کس گلهای آنرا نبوئیده و نچیده است میرود و سعی می‌کند با روشنگری آن ، به‌آگاهی برسد و از روزنه‌ای که بسوی جهان دیگری جز جهان محسوس و معمول میرسد ، عمق حوادث را به‌بیند و بفهمد و از [رازدهر] سردربیاورد .

سرلوحهٔ تمام این تمایلات متفاوت که گفته‌آمد بازگشت به‌طبیعت انسانی و ژرف‌اندیشی در پهنه اندوهبار روان انسان است شاعر میخواهد «خود» باشد و جز «خود» نباشد . دائما در بیم و هراس است و در مرزنور و تاریکی، مرگ و زندگانی نوسان دارد .

گهواره تکرار را ترك گفتم
در سرزمینی بی پرنده و بی بهار
نخستین سفرم باز آمدن بود ،از چشم اندازهای امید فرسای ماسه و خار
بی‌آنکه با نخستین قدمهای ناآزموده بویائی خویش
به راهی دور رفته باشم
دوردست
امیدی نمی آموخت

(ا.بامداد)

دراین قطعه شعرکه نوعی‌موسیقی بیان‌باآن‌همراه است‌ــ هرچند وزن عروضی ندارد ــ سخنی از (گهواره تکرار) است . شاعر از زندگانی عادی خسته شده و نخستین

سفرش باز آمدن است یعنی بازگشت به خویشتن زیرا همه امیدها دردرون اوست ودوردست (جهان ودیگران) نمیتوانند روان شایسته انتظار وامید اورا بازشناسند . شاعر دیگری در یك قطعه شعر شرح میدهد که تنها انسان گریان نیست زیرا پرندگان و برگ وبادوباران نیز گریانند، تنها انسان شاعر نیست زیرا اوسرودها ازسنگ ونغمه‌ها ازگیاهان شنیده .

تنها انسان نیست که دوست میدارد ، خورشید و کشتزاران یکسر عاشقانند اما انسان است‌که جاودانه در خود فرو میرود و اوست که می‌تواند جهان را درخود نظاره کند و تنها باشد :

تنها انسان ، تنهائی بزرگ‌است
انسان مرکزای
اندیشه‌های مرگش ویرانگر
(م . آزاد)

و نیمایوشیج در همین زمینه – همچون شاعران عارف‌پیشه– به‌این نتیجه میرسد که فضیلت انسان دراندیشه‌های اوست اما این اندیشه‌ها باعث آسایش او نیستند بلکه بدشواری زندگانی کمك‌می‌کنند و بقول مولوی [هرکه او آگاه‌تر پردردتر]

آنکه او زنده‌تر وهشیارتراست
زیستن بر وی دشوارتر است
زنده‌اش برهنه خفته است بپای دیوار
مرده‌اش را بچه‌کالای‌گران‌سنگ بپوشیده‌مزار
(نیمایوشیج)

همانطور که اشاره شد مسائل متافیزیکی چون «خدا» « هستی مطلق » «مرگ» و «آرامش» در دیده بعضی‌شاعران مقامی دارد و اینان که یا از راه مطالعه و یا از راه شعر به‌پرسش و پاسخ دراین مسائل می‌پردازند ، بطور کلی شرایط اجتماعی را بکنار می‌گذارند و در اندیشهٔ بودن و نبودن و آرامش و هستی غرقه میشوند و گاهی بجائی میرسند که بگفته سعدی که [بی‌دل از بی‌نشان چگوید باز] درطبیعت وجلوه‌های آن غرق و جذب میشوند.

سهراب سپهری درکتاب «آوارآفتاب» که انعکاسی از مطالعه او یا تمایل شعر او به هند و فلسفه بودائی است می‌خواهد درمسائل پاینده‌تر هستی ژرف‌اندیشی‌کند . درقطعه شعر [نیایش] میخواهد بگوید (نور) را پیمودیم و میوهٔ افسانه را چیدیم و سکوت ما را بهم پیوسته بود ولی بعد این نزدیکی خود موجب جدائی شد وانسان و خدا ازاین نزدیکی بی‌نهایت زاده شدند :

« هرچه بهم تر تنها تر
از ستیغ جدا شدیم
من بخاك آمدم و پرنتنده‌شدم
تو بالا رفتی و خدا شدی »

حال آنکه برای شاعر دیگری «خدا» مرده است و نمیتواند هیچگونه رابطه‌ای با انسان داشته باشد . زمین دیگر آن کودك پاك‌نیست وسراسر آلودگی است . نظم‌ها بهم خورده و ریشه تباهی در همه جا دویده است . اگر خدا آنطور که میگویند قادر مطلق است پس چرا دست از آستین بالا نمیزند و بسامان دادن جهان نمیپردازد که آزاده بکام دل آسان برسد ؟ واگر مرده است بجای خدا که را باید پرستید ؟

اگر مرده‌ای جانشین تو کیست ؟
که پرسد ؟ که جوید ؟ که فرمان دهد
وگر زنده‌ای ، کاین پسندیده نیست !
(م . امید)

هوشنگ ایرانی کـه مجموعه « اکنون بتو میاندیشم » را در سال ۱۳۳٤ شمسی چـاپ کـرده است و «جیغ‌بنفش» و « غـار کبـود » و تـرکیبـاتی از این قبیل راکه‌گویا ترجمه لفظ بلفـظ ترکیبـات شعری ادبیـات جـدیـد اروپائـی را بکار برده و در زبـانـی سخـن گفتـه کـه پیونـد آن بـا شعـر و زبـان فارسی بسیار کم‌است . مسائل مطلق و منطقی در شعر او نمودی دارد و این شاعر سعی دارد تا حد انسان اولیه که درتماس با محیط و جهان نوعی صداقت و بی‌ریائی‌داشته و همه‌چیز طبیعت‌برایش شگفتی‌انگیز بوده است ، برسد . اگر رنگ آبی با اثری‌که درچشم می‌گذارد و این اثر ملایم و مطبوع است ، را بتوان کنایه از «آرامش»دانست ، «ایرانی» میخواهد با غوطه‌ور شدن در این رنگ و رسیدن بحد سکون ، به آن اوج‌درخشان [= که هدفی مبهم نامعین است] نایل شود :

به‌آن نور آبی درون خواهم شد
برآن اوج درخشان فراخواهم رفت

جای دیگر جریان طبیعی زندگانی را مورد دقت قرار میدهد ، لحظه‌ها پشت سرهم می‌گذرند ، مداوم وبکریز و هرلحظه ، مرگ خود را در خود نهفته دارد ، همانطور که سلولهای بدن انسان و درخت و حیوان هرلحظه درسایش و فرسایش و مرگ و رشد دائمی است [بی‌آنکه برای ما محسوس‌باشد] تمام‌نمودهای طبیعت‌درحال‌مرگ وزندگانی دائم هستند . همه چیز در هر لحظه زائیده و نابود میشود و این کار تا زمان هست ادامه خواهد داشت : « این نابودی یك زندگی است که در رگهای حیات تو سیلان دارد » [آیا این اشاره‌ای به‌تناسخ‌نیست ؟] . جای‌دیگر کاملا عرفانی می‌اندیشد :

« سایه را فرا بگذر ، به خورشید درای ، اوشو ! او شو ! »

که همان حرف حافظ است [کمتر از ذره نئی پست‌مشو مهر بورز ...]

در دو بیت زیر باز به «خود» بازمی‌گردد .

اینك آن مستی و آن رؤیای دور
اینك آن جویندهٔ آوای دور
اینك آن موجی که بر خود بازگشت
اینك آن گمگشتهٔ دریای دور

نظیر چنین ایده‌ای که توجه به خویشتن و خدا را دربرداشته باشد در مجموعه شعر «روزها» از « بیژن‌جلالی» ۱۳٤۱ مکرر میشود و در شعر او بازگشت به طبیعت اصلی– فارغ از غوغای صنعت وعلم – نقشی بارز دارد . در قسمتی از کتاب که «کوشش برای نامیدن خداوند » را عرضه می‌کند ، شاعر تصور انسانی را که فقط درخود به جستجو میپردازد و ازآگاهی های چندین‌هزار ساله تمدن انسانی بی‌خبر است ، و جویای خداوند است عرضه می‌دارد :

خداوندا میخواهم که درآغوش تو زندگی‌کنم
چشمانم در چشمان تو باشند
دست تو در دستم باشد

اندیشه های فلسفی

و برسینه‌ات آرمیده باشم

« بیژن جلالی »

این شعر نظیر ایده‌ها واحساس شاعران عارف‌پیشه ایرانی و اروپائی است . می‌بینیم که در ادیان ، انسان بتوسط واسطه [پیامبر] با خدا تماس می‌گیرد ولی در شعر عرفانی و بطور کلی جریان عرفان ، خدا و انسان دو قطب مثبت و منفی و یا به‌عکس هستند که بهم میرسند و انسان [قطره] در خدا [= دریا] محو و فنا میشود . اینگونه افکار نظیر داستان [شبان و موسی] است که مولوی در مثنوی خود سروده است و بهرحال میتوان گفت مسئله تازه‌ای نیست و شعر امروز نمیتواند باشد و یا بشود . گذر زمان و حوادث یکریز و بی‌امان آن از مسائلی است که ذهن شاعر امروز را بخود مشغول میدارد . هرلحظه‌که می‌گذرد کولبار خاطره انسان پربارتر و رنج او افزون‌تر میشود. زمان همچون تندبادی برشاخسار درخت انسان چنان میوزد که نه‌میوه و نه برگ باقی میماند و انسان را بوادی حسرت می‌کشاند و خود می‌گریزد :

دریغ و دردا! زمان اسب بادپائی بود
مرا بوادی حسرت رساند وخویش‌گریخت
به‌این گناه که یك لحظه زندگی‌کردم
بچار میخ تباهی فلك ، مرا آویخت

(نصرت رحمانی)



رهرو شبگرد خسته‌پای ندانست
راه خلاصی ز باطلاق زمان چیست ؟

(شرف‌الدین خراسانی)

دراینگونه اشعار است که زنجیرهٔ معهود افکار منطقی بهم میخورد و شاعر کسی است که در «بی‌خویشی» و «جذبه» و «دیوانگی» شعر می‌گوید و از مراسم و عادات معمولی دور میشود تا بدانجا که سد زمان و مکان را درهم می‌شکند ، در عمق اشیاء فرو میرود ، آئینه میشود ، دیو و پری میشود ، از مرز دبن می‌گذرد و همه جا بدنبال چیز ناشناختنی می‌گردد.

« آئینه شدم ، ازروشن وسایه بری بودم ، دیو وپری آمد ، دیووپری بودم ، دربی‌خبری بودم قرآن بالای سرم بـالش من انجیل ، بستر من تورات و زیر پوشم اوستا ، می‌بینم خواب بودائی درنیلوفرآب »

(سهراب سپهری)

یگانگی با اشیاء با صدا و نور که درهرحال نوعی رمانتیسم است و دگرگونی از شکل انسانی به شکل حیوانی ویا موجودات بی‌جان درشعر زیر تکرار میشود :

« نوری خواهد آمد از اقصای افق
و مرا در خود خواهد شست »



من آن سنگم که جاویدم
من آن برگم که از شاخه نمی‌افتم
درختی هستم و جاوید می‌رویم



روزی بشکل حیوانی ازاین شهر خواهم رفت

(رضا براهنی)



اما اگر فلسفه از ذات هستی پرده برمی‌گیرد باید به‌مسائلی بپردازد که روبسوی اعتلا داشته باشد و بموازات جریان فکر و اندیشه انسان امروز سیر کند و در هرحال با نیروهای اهریمنی موجود که دشمن زندگانی و انسانند [اعم از نیروهای مخرب طبیعی و یا اجتماعی] بستیزد و همانند حافظ ــ نی‌چه ــ دانته ــ تاگور و دیگران ارزشهای جدیدی که تکیه‌گاه فکری انسان بشود ارائه کند و دگرگونی و تکامل روحی را بسوی آنچه با مقتضیات اجتماعی و علمی جامعه انسانی است هدایت و راهنمائی کند .

انتقاد اجتماعی

سیاهی از درون کاهدود و پشت دریاها
برآمد ، با نگاهی حیله‌گر با اشکی آویزان
بدنبالش سیاهی‌های دیگر آمدند از راه
بگستردند بر صحرای عطشان قیرگون دامان
(اخوان . م. امید)

شعر دوره ما از جهتی به قرن هشتم هجری و شعر آن‌دوره همانند است . گله و شکایت از حوادث نابسامان اجتماعی در دفترهای شعر مکرر میشود . فتنهٔ دور قمر بوده یا افسون دیو ... هرچه بوده شاعر را به بیغوله‌ها و تاریکی‌ها رانده است . درمیخانه‌ها را بسته‌اند و در خانه تزویر و ریا را گشاده‌اند . بهر جو خون گرمی موج‌میزند ، عطر گلها از باغ پرواز گرفته است، تابوت‌های سیاهی بشهر آمده‌اند و حُتی مسجد از جنجال و غوغای نمازخوانان خالی شده ومتروك افتاده است :

مسجد اکنون
سینه از اندوه پرکرده ، بیاد رونق شبها و آدمها
وغوغاهاش
یاد انسان‌ها که اکنون کرده‌اند اینسان‌فراموشش...»
(یدالله رویائی)

جای رنج وخشم و عصیان یشکبن‌های پلیدی رسته‌اند .
(م . امید)

دوران همچون ولایت طاعون کشیده‌ای است(محمد زهری) آدمان دودین و کورند و غنچه‌های جانشان بی‌بار و نور ، افق تاریك است . « در خیابانهای سرد شب ، جفت‌ها پیوسته با تردید ، یکدگر را ترك می‌گویند »
(فروغ فرخزاد)

تاك‌رنجور شاعر را درخاك ماریشه افسرده است .
(منوچهرآتشی)

البتـه کـه این گلـه و شکایت باز تـاب حوادثی است‌که جز به ابهام و رمز از آن سخن نمیتوان گفت . ولی در بطن همین رمزگرائی و ابهام جرقه‌های اعتراض فروزان است . شاعر در این اندیشه که سرنوشت او و جمع ، درهم گره خورده و یگانه شده است پای می‌فشارد و نامردمی‌ها تسلیم نمی‌شود . اگرچه خانه آتش گرفته است ولی شاعر (م . امید) نمیتواند دربرابر آن منظره خونسرد وبی‌اعتناء باشد و باحسرت از آن یاد می‌کند:

خانه‌ام آتش‌گرفته‌است ، آتشی بیرحم
همچنان میسوزد این آتش
نقش‌هائی را که من بستم بخون‌دل
فریاد . م. امید

بررسی عوامل اجتماعی که منجر به چنین شکوه وحسرتی شده است از حوصله این وجیزه خارج است . بدون شك شاعر امروز که در میان مردم زیست می‌کند برای همیشه نمیتواند در باغهای پرگل خیال ماندگار شود و بناچار روزی باید برج عاج تنهائی را بشکند و خود را و دیگران را بشناسد و به سرنوشت آنها دلبسته شود ، از شکست‌ها مغموم و از پیروزی‌ها دلشاد گردد و حتی حوادث امروز جهان را از نظر دور ندارد زیرا که دیگر کشورها جزیره‌ای‌دورافتاده ازهم و نامربوط نیستند که هیچکدام باهم ارتباط حاصل نکنند بلکه کشورهای جهان امروز همچون موجهائی هستند که متناوباً و دائما بایکدیگر برخورد دارند و بهم مربوط میشوند . شعر پیام بهانشتین اثر شهریار درهمین مایه‌است .

شعر فارسی از سالهای ۱۳۰۰ ببعد وارد مرحله جدیدی میشود . جنبش اجتماعی که قریب سی‌سال ایرانگیر شده بود و زندگانی ما را از بنیاد واژگونه‌کرد [بی‌آنکه بتواند بنای جدیدی ایجاد کند] کم‌کم روبسردی میرفت و زمان آبستن سکوت و آرامش بود . شاعر و نویسنده در لاك خود خزید و خواست جهان را در خود تماشا کند . در همین دوره است‌که صادق هدایت می‌نویسد : « .. و اگر حالا تصمیم گرفتم که بنویسم ، فقط برای این است‌که خودم را بسایه‌ام معرفی بکنم ــ سایه‌ای که روی دیوار خمیده و مثل این است‌که هرچه می‌نویسم باشتهای هرچه تمامتر می‌بلعد ... بهبینیم شاید بتوانیم یکدیگر را بهتر بشناسیم چون از زمانیکه همهٔ روابط خودم را با دیگران بریده‌ام میخواهم خودم را بهتر بشناسم ... » [بوف‌کور]

در این دوره رمانهای بازاری و ادبیات سیاه رایج میشود . داستـانهای عاشقانه بی‌سروته باب دنـــدان خرد و کلان است و شاعران و نویسندگان ژاژخای و جنجالی، خرمگس معرکه ادبیات و هنر میشوند و هنرمند چاره‌ای ندارد که فقط خود را بسایه‌اش بشناساند . این گوشه‌گیری و انزوا در شعرهای ملك‌الشعراء بهار ، عشقی ، عارف ، دهخدا ، پروین اعتصامی و نیمایوشیج و محمدحسین شهریار هست و هرکدام بانحوی از « بد حادثه » گله می‌کنند . ملك‌الشعراء بهار درقطعهٔ «دماوند» چاره‌ای ندارد جز اینکه از نابسامانیها ، نزد کوه گله کند و از او بخواهد که دادمردم خردمند را بگیرد :

زین بی‌خردان سفله بستان
داد دل مردم خردمنـد

میرزادهٔ عشقی منظومه‌های کفن سیاه و ایده‌آل را میسازد که اولی یادی از دوران شکوه ایران باستان واعتراض به حجاب و دومین مصروف شرح حادثهٔ اجتماعی جنبش مشروطه درایران است .

پیرمردی کـه در قسمت دوم داستـان خود ــ کـه داستـان مشروطـه است ــ را نقـل مـی‌کنـد از مجـاهـدین کـرمـان است ، در راه مشروطـه جـان ومال را به‌چیزی نشمرده است ، مبارزه‌ها‌کرده واز شهر وديار آواره شده . پس‌از شکست مستبدین وپیروزی مشروطه‌خواهان میخواهد درجریان شرکت داشته باشد واز زحمات خـود بهره‌مند شود وشاغل خدمتی‌گردد که هم اووهم هموطنان او ازآن سود ببرندولی مستبدین دیروز و مشروطه‌خواهان امروز [به تعبیری مجاهدین روز شنبه] میگویند از مشروطه فکر نان وآب مکن ! پرده عقب میرود وپیرمرد قیافه واقعی مشروطه‌خواهان قلابی را باز می‌شناسد .

پس گریز و تنهائی راه چاره است و شاعر ازمیدان مبارزه اجتماعی روی برمیتابد و به عزلت‌کده خود می‌خزد و شوق‌دیدار هیچکس را ندارد . نیمایوشیج میسراید :

در فرو بند که با من دیگر
رغبتی نیست بدیدار کسی

پس زندگانی روزانه درخور اعتنا نیست . همه‌جا سایه فریب و دندان گرگ است و همان ابر است که همیشه فضا را تیره میدارد ولی هرگز نمی‌بارد (م.امید) ودیگران نیز چنین می‌اندیشند :

انتقاد اجتماعی

ای همه هوشیاران ، برچه باغی در نگشودیم که
عطر فریبی بتالار نهفته ما نریخت ؟
ای همه کودکی ! برچه سبزه‌ای ندویدیم که شبنم
اندوهی برمانفشاند
(سهراب سپهری)

اما بهرحال طرح مسئله خود نوعی اعتراض است
هرچند شاعر به عزلتگاه بخزد باز نشانهٔ نارضایتی اوست و
بناچار تاوقتی درد هست ناله نیز هست منتهی این سایه
روشن‌های گله و نارضایتی همچون جویباری کوچك گاهی
تند و گاه آرام از سراشیبی ها و سطح‌های صاف صحرا
میگذرد و ناله‌ای و اندوهی ولو در ورای واژه‌ها و جمله‌های
ابهام آمیز بگوش میرسد :

در بروی رهگذاران باز بود
باغ پامال گروهی مردم بیگانه بود
(سیاوش کسرائی)

البته هنوز شاعر آنچنان تنها نیست که فقط درخانه
بخزد و سر وصدا برنیاورد ، بمیکده میرود تا سری از باده
ناب‌گرم کند ولی شحنه‌ی زمان ماکه ازشحنهٔ زمان [حافظ]
کم‌هوش‌ترنیست میرسد وشاعر بازدچار آشفتگی میشود .

ای میفروش‌شحنه ز ره آمد
تا کی به قفل پنجه بپیچانم
تا کی بجا کلید بدوزم چشم
در بازکن که سخت پریشانم
(نصرت رحمانی)

ازنقطه نظر دیگر ، تنها شحنه نیست که از راه میرسد
و خانه ها و میکده‌ها و اندیشه‌ها را از نظر میگذراند
بلکه شیخ و متظاهرین دیگر نیز دراجتماع ، زنده هستند و
کماکان میخوارگان و عاشقان را از عذاب الیم میهراسانند
و خود چون بخلوت میروند آن‌کار دیگر می‌کنند وصداقت
همچنان کمیاب است .

نکته در این است که قضاوت شیخ یا شیخ‌نمایان چه‌درباره
شعر و چه درباره چیزهای دیگر برطبق و بموازات موقعیت
فکری عادت شده و براساس منطق و اخلاق رایج بوده و
هست . این قضاوت می‌گوید نتیجه شعر چیست ؟ خوب است
یا بد ؟ چه پندی میدهد ؟ چرا شاعر پا را از «عفاف»
فراتر گذاشته و به آداب نشست و برخاست و اطاعت پسران
و دختران از پدران و مادران ومراسم و عبادت‌های معمول
و نمازهای هفتادگانه موقوف نشده است . بدیهی است این عده
که از عشق و آشفتگی درونی و شادی‌اندیشه ناب و اصیل
بی‌بهره‌اند شعر را ادراك نمی‌کنند و چماق تکفیر را برمیدارند
ولی شاعر امروز نیز همانند سنائی ، مولوی ، حافظ ،
عبیدزاکانی از حق خود دفاع‌می‌کند و به جنگ ناخواسته
میرود و همچون «سنائی» می‌گوید :

چه‌شوی باکلاه بر منبر ــ چه روی بازکام درگلزار ؟

برای اینان نه‌تنها شعر نو ، بلکه شعر «حافظ» و
«گوته» و «نی‌چه» و «مولوی» و سایر نامداران طریقت
شاعری جز درد و بیزاری نتیجه‌ای ندارد و اگر تازه هم آنها
را بخوانند ، تا حد عقیده خودشان ، شعر را پائین می‌آورند
و با عقیده مسخره خود منطبق میسازند ، مثلا از شراب
حافظ مزه دیگری می‌چشند و از گل او بوی دیگری استشمام
می‌کنند و شعر این بزرگوار و سایرین را به مزبله‌هائی
می‌کشند تا نیروی بویائی خود را در آنجا بامتحان‌بگذارند.
این عده هنوز فکر می‌کنند وظیفه شعر باید درحدود خدمت
بمسائل مربوط به شکم و متعلقات آن بوده و نظم مسخره
زندگانی آنها را ــ که دور و تسلسل و همیشه همان است ــ
بهم نزند و بکار فاتحهٔ اهل قبور بیاید و اگر شعری باعقاید
آنها منطبق نشد مودبانه پاپس‌کشند و فین‌کنند و یا رذیلانه
مسخره‌کنند و یا حرفهای اخلاقی را که خود هیچگاه به‌آن‌ها
ایمان نداشته‌اند و بدرد کتابهائی میخورد که بدروغ درس
بدهند و شنوندگان چرت‌آلود تظاهر کنند ، تکرار نمایند
و سپس شاعر را به بی‌حرمتی به‌مقدسات اخلاقی خودشان ــ
که باید دروغهای شاخدارشان نامید ــ متهم نمایند و خود
عالیجنابانه از غوطه‌ورشدن شاعر در دریای فساد اظهار تأسف
کنند . راستی جای آنست که خون موج‌زند در دل لعل ...
این‌جاست که پتك شعر برمعتقدات سربسته و محدود و
تنگ‌نظرانه فرود می‌آید و اگر رسالتی برعهدهٔ شعر باشد
درهمین جاست . یعنی بیدارکردن خواب‌آلودگان بمدد شعر
ناب و اصیل که از دانش واحساس زمان سیراب شده باشد .
اما هنوز این جریان پخته و کامل نشده است و شاعر به‌جدال
با مطلق‌ها می‌پردازد . نادرپور در شعری که ملهم از میتولوژی
یونان است ابلیس را نشان میدهد که بخلوت زئوس (خدای
خدایان) ره می‌یابد و می‌بیند که دست خدا نیز بخرمن موی
فرشته‌ای است و آنوقت ابلیس پیر نعره‌می‌کشد :

ای آفریدگار تو هم بندهٔ منی !

نصرت رحمانی که در ترسیم واقعیت خشن و تلخ
بدون جهت دادن بشعر کوشاست باز روی همین موضوع
پای می‌فشارد . پرسش از خدا درباره احساس و غرایز انسانی
تم اصلی شعر اوست . پرسشی که سالهاست پاسخ آن را خود
انسان داده است :

خدایا تو بوسیده‌ای هیچگاه — لب سرب‌فام زنی مسترا؟
ز وسواس لرزیده دندان تو — به‌پستان‌کالش‌زدی دست را؟

انتقاد اجتماعی در جهان دیگر در شعر نودوام یافته
است . دو منظومه اجتماعی دراین‌باره [قصه شهزاده شهر
سنگستان] از م. امید و [آرش کمانگیر] از سیاوش‌کسرائی
که سروده شده و در دسترس است بخوبی نمودار مبارزه‌ای
است که در ژرفا جریان دارد . هرچند منظومه نخستین
به‌نتیجهٔ نومیدانه و دومین باامیدواری خاتمه می‌یابد معهذا
هردو دارای روح اجتماعی و تند و عصیان‌آلودند . شهزاده‌ای
که گله‌هاش را گرگ خورده ، آدمانش به ورد و افسون
بیگانه سنگ شده‌اند . بمیدان می‌آید و فریاد می‌زند ولی
این فریاد جوابدهی ندارد و بخود او برمی‌گردد . کبوتران
بشارتگوی یادش میدهند که چه‌کارها بکند تا افسون بلااثر
شود و شهزاده چنان می‌کند ولی به‌نتیجه نمیرسد و فریاداو
درکوهستان می‌پیچد که :

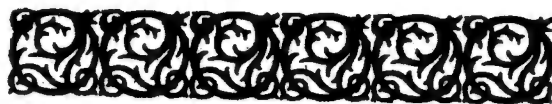
آیا امید رستگاری نیست ؟
صدا نالنده پاسخ‌داد آری نیست !
(م . امید)

دراین قطعهٔ مؤثر غم‌زمان ، با غم بیدادی تاراجگرانه
بهم آمیخته است و شعر از اندوهی سرشار است که قلب
انسان را از جا می‌کند . بیگانگانی که به‌باغستان ما سر
می‌گذارند ومی‌آیند و سپس قصهٔ [کشتی‌ها و کشتی‌ها و
کشتی‌ها ــ و بردن‌ها و بردن‌ها و بردن‌ها] است در منظومه
« آرش‌کمانگیر » جلوه انتقاد اجتماعی با افسانه‌ای کهن

یگانه میشود . آرش کمانگیر جان خودرا برسر تیرمی‌گذارد و به آنسوی رودخانه جیحون رها می‌کند تا خانه‌های مردم کشورش تنگ نباشد و آفتاب آزادی و بهروزی برای همه‌کس بدرخشد . کسرائی دراین شعر باردیگر به ستایش زندگانی برمی‌خیزد :

« زندگی زیباست
آری آری زندگی زیباست
گفته و ناگفته‌ای بس نکته‌ها کاینجاست
گر بیفروزیش رقص شعله‌اش درهرکران پیداست
ورنه خاموش است و خاموشی گناه ماست »
(سیاوش کسرائی)

هرچند در سالهای اخیر موضوع‌های غنائی جانشین انتقاد اجتماعی شده و میشود معهذا برخی شاعران فراموش نمی‌کنند که شعر غنائی نمیتوانند محور اساسی کار شاعری در زمان پرجوش و خروش و متحرك ما باشد ازاین رو تعداد قطعه‌هائی که به مسائل اجتماعی وقفشده است بطور طبیعی روبه‌افزایش است .



شعر فولکلوریك

دیگه دل مثل قدیم عاشق و شیدا نمیشه
تو کتابم دیگه اونجور چیزا پیدا نمیشه
(ا . بامداد)

پیش ازاین روزگار ، در دوران نخستین شعر فارسی حد فاصل زبان مردم و زبان شعر چندان زیاد نبود و شعرهنوز بصورت زیور پوسیده مدح این و آن درنیامده بود ازاین‌رو مردم عادی میتوانستند شعر را بشنوند و بخوانند و بفهمند . حنظلهٔ بادغیسی ـ رودکی ، کسائی مروزی ، دقیقی و فردوسی از شاعرانی هستند که زبان آنها را مردم کوچه و بازار نیك می‌فهمند و استعاره‌ها و تشبیهات آنان را که به‌زندگانی بسیار نزدیك است با جان و دل پذیره میشوند . هنوز برای مردم دهات و قصبه‌های ایران شاهنامه فردوسی و لیلی و مجبون ـ خسرو و شیرین اثر نظامی کتابهای قابل‌درك‌واحساس است ـ شبهائی که بدور هم جمع میشوند نقل محفلشان اشعار این بزرگواران است .

از قرن پنجم ببعدجریان‌های دینی ـ فلسفی ـ علمی ـ عرفانی در شعر فارسی راه‌یافت و اصطلاحات مغلق و منطقی جای سادگی‌های اولیه را گرفت دردوران قرن۸ ه ببعد شعر نه‌تنها از حوصله درك عوام بلکه درك خواص نیز بیرون رفت و شاعرانی پیدا شدند که بجای شعر لغز و معما ساختند .

جنبش مشروطه ، رسالت شعر را باز به آن پس داد و چون کالبد مرده‌ای که در آن بدمند، به آن جان بخشید . ادیب‌الممالك فراهانی ـ دهخدا ـ ایرج‌میرزا ـ سیداشرف حسینی مدیر نسیم شمال و عشقی درباره مسائل اجتماعی سخن گفتند و شعر را به میدان مبارزه کشاندند . در دیوان ملك‌الشعراء بهار چند شعر به لهجهٔ مشهدی دیده میشود که انصافا مؤثر و زیباست :

گفتی مو میمیروخت مو لبیکم گفتم
هی‌هی بخدا خوب توگفتی مو شنفتم
ای شیر نر عشق تقـــلای موبوچه
ای بوده مقدر که بچنگال تو بفتـم
دیشب بخیال صدف سینـــهٔ پاکت
تا وخت سحر مرواری اشك مو سفتم
همدوش بهارم موکه هم‌جفتم‌وهم‌طاق
در بی‌طاقتی طاقم و با یاد تو جفتم ؛

در اشاعه شعر فولکلوریك چند روزنامه فکاهی از جمله نسیم شمال ـ توفیق ـ دخالت زیاد داشته‌اند . در یکی از روزنامه‌های فکاهی ، بهزبان تمثیل از ارباب بعنوان(روباه) نام میبرد و مسائل مربوط به ده و ارباب و رعیتی‌را بیان میکند :

دیدی ای روبه چاق و خپله
دمـت افتـــــاد همی لای تله
آخر ای دزد جد اندر جد دزد
کار ناکرده چه میخواهی مزد ؟

در شعر فارسی کلاسیك نیز شعر گفتن به لهجه عامیانه مرسوم بود . سعدی و حافظ اشعار زیادی دارند که به لهجه قدیمی شیراز نوشته شده است . شیخ اسحق مشهور به شیخ اطعمه نیز غزلیاتی درباره خوراکی ها گفته است . « شاه داعی‌الله» که دیوانش اخیرا چاپشده کلاًدرلهجه‌قدیمی‌شیراز

شعر می‌گوید .

شاعران نوپرداز نیز تمهای فولکلور را ــ که سرشار از نیروی زندگانی است ــ وارد شعر کردند. دوبیتی‌ها و ترانه‌ها به سبك دوبیتی‌های محلی گفتند . زندگانی دهات را بیان نمودند . هرچند هیچکدام ازاین شاعران تکیه بر سرودن اشعار بسبك شعرهای فولکلوریك نگذاشتند واکنون ما شاعری که مثل [ژاك‌پره‌ور] که شاعر کوچه و بازار فرانسه لقب گرفته و مایاکوفسکی که معتقد بود [هنر باید بازندگی‌درهم‌آمیخته‌شود]نداشته‌ایم‌ویاکم‌داشته‌ایم. مایاکوفسکی پرچمدارشعری‌بودکه‌همه‌جانب‌زندگانی‌مردم رادربرمی‌گرفت. او با دلیری سنت‌های پوسیده ادبی را درهم کوبید و واقعیت و خیال ر ادر شعرش درهم ذوب‌می‌کرد . شعرش را برای مردم میخواند ، روی دیوارها می‌نوشت و زیر پلاکاتها مطالبی با حروف درشت می‌نگاشت . او عقیده داشت شعر را باید هرچه ساده‌تر سرود .

ولی غالب شاعران ما ، دوبیتی‌ها و قطعه‌هائی که در زمینه فولکلور سروده‌اند باز رنگ خیال‌پردازی و دوری از واقعیت دارد . اما بهرحال دراین قالب طنز ونقد اجتماعی را بهتر میتوان گنجاند . قطعه‌های «ژیگولو» و « فیلمهای هالیود» سرودهٔ (کارو) از این قبیل اشعار است ، زبان ساده و عامیانه است و بیان مطلب همچون جویباری جریان داردکه از تعقید ودشواری برای فهم خالی است .

نصرت رحمانی در یك قطعه شعر زندگانی مردم ده را خلاصه میکند . دختر جوانی بشهر آمده وبه برادر خون نامه می نویسد که برایش پول بفرستد و«ارث مادر » را میخواهد جواب برادر چنین است هرچند بیان نیرومندنیست حقیقت عرضه شده نقص آن را جبران میکند :

«نوشتی ارث مادر
عزیزم ! بابکه یادت رفت تا یکشاهی آخر ،همه‌صرف
جهازت شد
فقط یك طشت م س‌مانده
که آن‌هم پیش مشد عباس گروی پنج تومان است»

قطعهٔ « مرغ سبز » منوچهر آتشی باز در مایه ادبیات عامیانه است .مرغ‌روی بام نشسته و بالش غبار گرفته است . شاعر نگران میپرسد که چرا ناراحت است ولی مرغ در حال مردن است و شاید منظور این است که نیروی زندگانی روبه زوال است و عوامل مرگ پیروزمندند :

مرغه عرق نشسته
نکش میشه وازوبسته
مرغ کوچیك تموم کرد
حیونکی مرغ خسته

در شعر « بهار » اثــر کسرائی باز زندگانی دهات نشان‌داده میشود :

از ده بالائی
باز عروس میبرن
برای شادوماد
گاو وبز میخرن

در سرودن اشعار فولکلوریك ، (ا . بامداد) ازهمهٔ شاعران نوپرداز تواناتر است . قسمت پنجم کتاب « هوای تازه » و قسمت ششم کتاب (باغ آئینه) او تماماً وقف بیان چنین مسائلی است . قطعه‌های «راز» ، « بارون » «پریا» «سرگذشت» و «قصهٔ دختران ننه دریا » و بعضی قطعه‌های شعری او بنام «شبانه» وقف ترسیم زندگانی عادی و معمولی مردم است منتهی نیرومندی‌بیان (بامداد) طوری است که تاثیر این قطعه‌ها نه‌تنها ازسایر قطعات لیریك و فلسفی کمتر نیست بلکه بیشتر هم هست . (پریا) و (قصه دخترای ننه‌دریا) بی‌اندازه جذاب و موثر و دلنشین است. در قطعه «پریا» سه‌پری در غروبی اندوهگین گریه میکنند، روبرویشان‌توافق‌شهرغلامانی اسیروپشت‌سرشان قلعه افسانه پیرکه سردوسیاه‌است [کنایه از ارزش‌های کهنه‌وعوامل بیدادگرانه اجتماعات‌بشری] قرار دارد .

روایت‌های عامیانه بخوبی دراین قطعه جا افتاده است و کلمات روشن وشفاف مردم، قلمبه‌های مبهم را درهم می‌شکند :

«گیسشون قد کمند رنگ شبق
از کمند بلندترك
از شبق مشکی‌ترك »

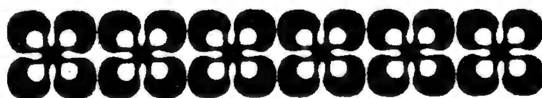
پریا ــ شاید کنایه از سادگی ومعصومیت شاعرانه است‌که در ژرفای قلب مردم عادی وجود دارد و ازاین‌رو از اسارت غلامان دردمندند. اشاره‌های ظریفانه‌ای‌نیزبه‌مبارزه نوربرضد ظلمت دیده میشود که رنگ طنز ومبارزه اجتماعی مؤثری بقطعه بخشیده است

« الان غلاما وایسادن که مشعلارو وردارن
بزنن به جون شب ، ظلمتو داغونش کنن
عمو زنجیربافو پالون بزنن وارد میدونش‌کنن
بجائی که شنگولش کنن سکهٔ یك پولش کنن »

« قصه دخترای ننه‌دریا » نیز درهمین زمینه است . به‌آشکاری حوادث افسانه‌ای در ده می‌گذرد . در دهکده‌ای که باد خزان برآن وزیده و کومه‌ها سرد و سیاه شــده ، سبزه‌ها زرد شده‌اند ، کوره‌ها سرد شده‌اند . شبها دیگر شب نیست بلکه سرشار از اندوه است :

دیگه ده مثل قدیم نیس‌که از آب درمی‌گرفت
باغاش انگار باهارا از شکوفه گرمی‌گرفت .
آب به چشمه ! حالا رعیت سرآب خون می‌کنه
واسه چار چیکهٔ آب ، چل‌تارو بی‌جون میکنه
نعشا می‌گندن و می‌پوسن وشالی میسوزه
پای دار ، قاتل بیچاره همونجور تو هوا چش میدوزه
ــ « چی میجوره تو هوا ؟
ــ « رفته تو فکر خدا ؟
ــ « نه برادر ! تو نخ ابره که بارون بزنه
شالی از خشکی درآد ، پوك نشا دون بزنه
اگه بارون بزنه
آخ ! اگه بارون بزنه ! »

هردوی این قطعه به آن مرتبه کمال هنری رسیده است (هم «پریا» و هم « قصهٔ دخترای ننه دریا ») که درادبیات منظوم معاصر فارسی بسختی برای آنها نظیری میتوان شناخت .



طرح کلی ونقد

« متکلم را تا عیب نگیرند ، سخنش کمال نپذیرد » « سعدی »

چنانکه مشهود افتاد شعر نو جریان دلخواسته‌ای نیست که تمایلات چند نفر انگیزه وجود آن باشد بلکه ضرورتی است برای زنده‌کردن هنرشاعری و گسترش آن وبدیهی است دارای چنان «حکمت بالغه‌ای» نیست‌که دعوی ریزه‌خواران خوان ادبیات قدیم را بتواند جواب گوید . درك شعر نو با مقایسه فردوسی ــ سعدی ــ مولوی ــ خیام ــ حافظ ، حاصل نمیشود بلکه با توجه به‌قانون تکامل و تغییر وگسترش مسائلی که امروزه دربرابر افراد قرار گرفته است و می‌بایستی مورد عنایت شاعر باشد آسان می‌گردد . نهال نورس شعر نو دربرابر درخت تنومند و سایه‌افکن و شکوهمند شعر کهن فارسی هنوز ضعیف است و کوچك مینماید ولی دلیل براین نیست که همیشه همینطور خواهد ماند .

بهرجهت برای قضاوت کلی درباره شعر نو باید آنرا از جهت‌های متفاوت بررسی کرد :

۱) ازنظر فکر ــ شعر نو ضرورتی است اجتماعی و هنری . جهان در حال شدن دائمی است و باید با آن همگام بود. دوران‌سرودن قصیده‌های مطول‌وغزلهای‌بیمزه‌تقلیدی و ترجیع‌بندوترکیب‌بندوازاین‌قبیل‌سپری‌شده‌است. درشعر کلاسیك حالات غالبا ثابت بود (باید ژنی‌های ادب کلاسیك را استثناء کرد) شاعراز زاویه سنت‌های ادبی به‌جهان می‌نگریست و حدفاصل بین شاعر و مردم بسیار زیاد بود . در شعر نو این فاصله درحال برداشته شدن است . شاعر تأثیراتی از جهان بیرون دریافت می‌کند این تأثیرات در ذهن و روح او اثری مساوی و همانند ندارند . عروس اندیشه او هرلحظه بشکلی درمی‌آید . مایاکوفسکی گفته است (شعر ــ سراسر ــ سفر بکشور ناشناس است) و این حقیقت است . شاعر نوپرداز می‌کوشد در جهان و در خود به‌کشف تازه‌ای برسد ، عصر جدیدی شروع شده و احساسات شاعر خواه و ناخواه باگذشت زمان تغییر می‌پذیرد . شاعر اصیل آثار ادبی کهن را مطالعه می‌کند ولی آنها را تکرار نمی‌نماید ، سنت‌های ادبی را بدور می‌اندازد و میخواهد جهان را ازنو کشف نموده و بیافریند . الفرد ویت‌هد A. White Head فیلسوف معاصر انگلیسی می‌گوید : [انسان کردار خود را بصورت تار و پود زیبائی در فروغ لطیف طبیعت می‌بافد] و این سخن درباره هنرمند تازه‌پرداز راست می‌آید زیرا چنین هنرمندی نمیتواند چیزها را آنطور که وصف شده و دربست بپذیرد او میخواهد خورشید و ماه و چشمه‌سار و زن و مرد و کودك و سحر و باغ و می و هزاران چیز دیگررا خود بدقت مشاهده و وصف کند و ژرف‌ترین حقیقت‌ها را آشکار سازد . نیمایوشیج در رسالهٔ [تعریف و تبصره] خویش گویا ناظر بهمین معنی است‌که می‌گوید :

« ... ادبیات عالی جز محصول یك‌وجدان عالی ، محصول چیز دیگری نمیتواند باشد . بهراندازه که انسان عمیق‌تر وبامواظبت‌تر رفته باشد ، به‌کنه زندگانی خودبیشتر راه برده است و هرقدر که انسان بیشتر بکنه زندگانی خود راه برده باشد بالطبع ادراکات هنری او عمیق‌تر و لطیف‌تر و با مواظبت تر بیان شده‌اند ...) . پس سخن برسر ادراك هنری است که هرگاه رابطه تازه‌ای با جهان وطبیعت دربرداشت ، هنر نیز نو و تازه است و درغیراینصورت جز تکرار پدران و مادران چیز دیگری نیست .

۲) از نظر قالب ــ قالب‌های شعر کهنسال پارسی ۱۱تاست : رباعی ــ دوبیتی ــ قصیده ــ غزل ــ ترجیع‌بند ــ ترکیب‌بند ــ مثنوی ــ مستزاد ــ قطعه ــ مسمط وغیره .

در شعر نو فارسی تقریبا قالب‌های طولانی مثل قصیده و مثنوی و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند بکناری نهاده شده است . غزل جای خود را به تغزل داده و رباعی چندان مصطلح نیست و جای آنها را اشکال دیگری گرفته است :

چهارپاره ــ که سه بیت از یك بند متساوی‌القافیه و مصرع سوم از نظر قافیه آزاد و از نظر وزن تابع مصراعهای دیگر و کل قطعه است .

مستزاد نو ــ دریك وزن عروضی است منتها ایقاعات عروض در هر مصراع کم یا زیاد میشود . شعر منثور Blank Verse اروپائیان تقلید شده هرچند خودمان نیز در گلستان ــ اسرارالتوحید ــ عبهرالعاشقین ــ مناجات خواجه عبداله انصاری ، مشابه آنرا داریم. قطعه از وزن آزاد است ولی نوعی موسیقی و هماهنگی الفاظ در آن مشاهده میشود .

شعرآزاد Free Verse گرچه‌بصورت‌ظاهروزنی‌نداردولی‌اگر زیر وبم کلمات و ترکیبات را درك‌کنند و بصورت دکلاماسیون بخوانند نوعی وزن پیدا می‌کند اعم از وزن [ریتمیك هجائی یا عروضی] .

۳ــ از نظر وزن ــ درشعر کلاسیك وزن یکقطعه ثابت بود و از مصرع اول پیروی می‌کرد . ریتم‌های عروضی در یك مصرع مساوی با ریتم‌های مصرع دیگر بود . در شعر نو ، وزن به حسب حالات شاعر تغییر می‌کند و اگرچه در یك بحر عروضی سروده میشود ولی شماره ریتم‌ها درهمان وزن ــ به‌حسب حالات درونی شاعر ــ کم یا زیاد می‌گردد .

درسالهای اخیر عده‌ای خواسته‌اند که چند وزن را در یك قطعه شعر بکار بگیرند ولی نتیجهٔ مطلوب حاصل نشده است .

***

شعر نو فارسی هنوز درحال رشدوجریان است. عده‌ای واقعا شاعرند و مسائل زمان را دریافته‌اند . میدانند که نیازهای روحی آنان دراشکال شعر کلاسیك منعکس‌نمیشود و بگفته مولوی [چون بیفزاید می توفیق را ــ قدرت می‌بشکنند ابریق را] این عده مصنوعا درصدد ایجاد شعرنو نیستند بلکه ایده‌ای در ذهنشان می‌جوشد و در همان آن . ایده شکل و وزن خودرا می‌یابد و شعر همراه و هماهنگ (وزن ــ شکل ــ ایده) بروی کاغذ می‌آید . عده‌ای نیز نه‌تنها استعداد هنری و ذوق ندارند بلکه قدرت درك مسائل زمان و مطالعه آثار بزرگان شعررا ندارند وتصور می‌کنند هر یاوه‌ای را به عنوان نوسرائی میتوان بزمان تحمیل کرد ، درصورتیکه روشن است نوگوئی با مهمل‌گوئی تفاوت دارد . شعر بگفته بهار آنست که [خیزد از دل و جوشد زلب ــ باز بر دلها نشیند هرکجا گوشی شنفت] . ازاین‌رو ، این عده که شعرشان درخمول و فراموشی قرار میگیرد بدیگران اعتراض می‌کنند و مردم را به کج‌سلیقگی و عدم ذوق متهم میکنند حال آنکه چیزی‌که ببازار آورده‌اند هنر و شعر نیست بلکه هوس‌آنی و بازیچه کودکانه‌ای است . این

طرح کلی و نقد

عده رشته‌های عبارت را گسترش میدهند و کلمات را پشت سر هم قرار میدهند بی‌آنکه معنی روشنی از آن مستفاد شود . نیمایوشیج می‌گوید :

« ذوق و معرفت ما را هوا برداشته است. بحرطویل خوانهائی که امروز به زبان نیمایوشیج و بهوای شعر آزاد رخنه در بازار ادبیات شعری ما بسته است ، شاهد این روزهای هرج و مرج وحشتناك در ذوق و اندازه‌های معرفت ما هستند . پس از آن قطعات شعری که در هرکدام وزن رد و بدل میشود ، شبیه اسب‌هائی هستند که باد لغوه گرفته و می‌شلند . علت همانست که ما شناسائی خود را نسبت به معرفت کم و بیش خود در عالم شعری بجا نیاورده‌ایم » .

« نیما » درجائی دیگر درباره تجربه هنری که لازمه‌آفرینندگی و شرط اساسی هرگونه هنر و دانشی است چنین می‌گوید :

« قطعی بودن نظر ما در موضوع هنر از روی تجربه است و تجربه با عمل شروع میشود . تجربه یك امر مجرد و معنوی و غیرقابل رویت نیست بلکه موازنهٔ ملاحظات ما درماهیت‌های متفاوت است که مورد نظر ما قرار گرفته‌اند. هنگامی که ما تصورات محض خود را بیش از طی این‌مراتب، قانون تغییر ناپذیر ندانیم و پس از طی این مراتب آنها را درمقام تطبیق نسبی خود بجا بیاوریم » [رساله تعریف و تبصره] .

همانطور که [نیمایوشیج] اشاره کرده است هنرمند باید از مراحل و مراتب متفاوت تجربه بگذرد . تجربه چیزی نیست که بخودی خود حاصل شود بلکه محصول کوشش و تلاش روانی خود فرد است . اوست‌که باید هرلحظه یکمال توجه داشته و درپله‌های نامحدود نردبان هنر توقف نکند بقول نظامی : « هرچه در این پرده نشانت دهند ــ گرنپسندی به از آنت دهند »

بعضی‌ازشاعران جوان‌ما ازیك‌موفقیت نسبی شاد ومغرور میشوند و بر روی تاج افتخار میخوابند آنها غالبا از وضع روحی انسان قرن ما بی‌خبرند ، مطالعه آنها بسیار اندك است ، تجربه اجتماعی آنها صفر است ، مردم را نمی‌شناسند، در ژرفای زندگانی و جامعه فرو نمیروند . برای صیقل دادن اندیشه و لفظ خود نمی‌کوشند . یقین است‌که حافظ و سعدی و مولوی شدن کار آسانی نیست ولی اگر شرائط آن بزرگان را در خود جمع بیاوریم دیر یا زود بمقصود خواهیم رسید . نقایصی که در ادب منظوم فارسی می‌توان مشاهده کرد بطور کلی درمطالب زیر خلاصه میشود .

۱ــ فردگرائی ــ غالب قطعه‌های شعری امروز زمینه‌ای است برای بیان احساسات و دردهای فردی . لطائف و ظرائف زندگانی جمعی انسان فراموش شده و طبع شاعر مثل سوزن جعبه گرامافون که در یك نقطه روی دایره صفحه بچرخد، دور خود می‌چرخد . شاعر به ژرفای زندگانی ره نبرده است .

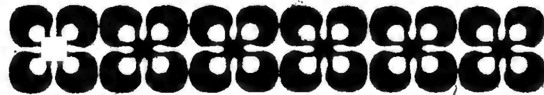
۲ــ ابهام تصنعی ــ شعر اصولا همراه با نوعی ابهام و پیچیدگی است ولی این ابهام و پیچیدگی را میتوان توضیح داد . «پول‌والری» گویا ناظر بهمین معنی است که می‌گوید : « شعر وقتی از دست سازنده خارج شده جزء ابزار و مصالح عمومی قرار میگیرد و میتواند بصورت‌های متفاوت مورد تفسیر واقع شود » چنین ابهامی پسندیده و لازمه شعر است ولی بسیاری گمان می‌کنند اگر با واژه‌ها و جملات مغلق و بی‌معنی دیگران را به شگفتی بیندازند، به‌کشف تازه‌ای نائل شده‌اند حال آنکه روشنی در گفتار خود دال بر حقیقت بیشتر مطلب است.

۳ــ بی‌اعتنائی بموازین علمی و ادبی ــ دورهٔ کشف و شهود ماوراء الطبیعی سپری شده . شعر از مقدماتی شروع میشود و وقتیکه خوب کامل و رسیده شد از درون شاعر به صفحه کاغذ انتقال می‌یابد . دراین شکی نیست‌که شاعر امروز باید حداقل یکی دو زبان را بخوبی بداند آثار ادبی‌کلاسیك کشور خود و کشور های دیگررامطالعه کند . از علوم مترقی عصر بخصوص کشفیات تازه روانشناسی و جامعه‌شناسی و فلسفه‌های عصر ، مطلع باشد والا بی‌مقدمه دست‌بکارزدن و شکل بروی شکل آوردن جز تلف‌کردن وقت نتیجه‌ای ندارد .

***

این نقایص دیر یا زود برطرف خواهد شد و زندگانی شاعر را رهنمائی خواهد کرد منتهی خود شاعر نیز باید از کوشش بازنایستد . یك حالت خاص هنگامی که در دست شاعری پرورده شود ــ بهرصورت‌که باشد ــ اگر ازحقیقت الهام بگیرد و به حقیقت تکیه زند ممکنست صورت عام و شاعرانه بخود بگیرد و پابرجا وجاودان شود .

اگر شعر زائیده از مقتضیات بمعنای واقعی خود باشد و از نهاد شاعر فوران کند و مقتضای بیرونی با مقتضای درونی چنان تطابق یابد که گوئی خود شاعر آنرا ایجاد کرده و چنین مقتضائی همانگونه واجد واقعیت باشد که فی‌المثل شور عاشقانه و یا گلی که در بهار می‌شکفد(همانگونه که از لحاظ فردوسی ــ خیام ــ حافظ ــ عطار و سعدی و دیگران بود) میتوان امید داشت چون جرقه‌ای از آتش شعله زند و همچون تاریخی زنده ، بزبان درآید .... و یاچون سرودی عام سراسر دنیا را بپیماید ...



عرفان در شعر فارسی

از : عبدالعلی دست‌غیب

سخن گفتن درباره عرفان و تأثیر آن در شعر پارسی، بطوریکه تمام جنبه‌های آن مورد تفسیر و شرح و تحلیل و ادراك جامع و مانع قرار بگیرد بسیار دشوار است .

زبان عرفان ، زبان رمز و راز و زبان عشق است ، بعبارت دیگر زبان عرفان زبان شعر و دارای حاشیه‌های خیال‌انگیز است. جریان عرفان در شعر فارسی چون رودخانه‌ی وسیع وخروشانی از هزاران جویبار وچشمه‌سار بوجودآمده است . هرچند این جریان متفـــاوت و بظاهر گونه‌گون بوده باشند باز از چشمه‌ساری یگانه جوشیده‌اند . زیرا قبل از هرچیز باید گفت که : جریان عرفان جریانی تازه نیست و باندازه زندگانی انسان و تاریخ قدمت دارد . ما بتمایلات عرفانی تسلیم میشویم زیرا میخواهیم از حد خود فراتر برویم و بقول جلال‌الدین مولوی میخواهیم « آنچه اندر وهم ناید » شویم . درفلسفه‌های هند و در آثار کنفوسیوس و در پیامهای زردشت پیامبر ایرانی و در اندیشه‌های‌فیثاغورث و سقراط و افلاطون و پاسکال و نی‌چه جریان عرفان ظاهر میشود و بازی و خودنمائی میکند . در شعر پارسی نیز این تمایل عاطفی و احساساتی بسوی شناختن ناشناختنی‌ها آشکار است و اینك مورد بحث قرار می‌گیرد .

عرفان چیست ؟

عرفان اسم مصدر عربی بمعنای شناختن و بازشناختن است . این شناختن دانشی است که در برترین درجه شناسنده میخواهد با چیز شناخته شدنی یگانه شود . آنجا حدیث عقل و سود و زیان و نام و ننگ کنار گذاشته میشود وانسان به کمك نیروی عشق بمقام بینش حقیقت کلی و زیبائی میرسد. عارف پیوسته در اندیشه گریز از چیزی است . این چیز «خویشتن» اوست که هرگاه بصورت «آگاهی» ظاهر شود مرد عارف را از سیر و سلوك بازمیدارد و بر دست وپای رهسپرش قید و بند میشود . پس او باید در وهله‌ی اول از مفردات فریبکار جهان دامن فراخود چیند و از بذل تعلقات دریغ ندارد .

محمود شبستری دراین‌باره می‌گوید :

کسی کو عقل دور اندیش دارد
بسی سرگشتگـی در پیش دارد
ز دور اندیشی عقل فضولی
یکی شد فلسفی دیگر حلولی
دو چشم فلسفی چون بود احول
ز وحدت دیدن حق شد معطل
رهاکن عقل را با حق همی باش
که تاب خور ندارد چشم خفاش

پس حقیقتی که عارف میخواهد به آن برسد بالاتر از شناسائی بحثی و منطقی و خردمندانه است و چون در دایره‌ی علم نمی‌گنجد و از دنیای محسوس بیرون است ، برای‌بینش ورسیدن بآن مقام ادراك حسی و استدلال عقلی کفایت نمیکند. این شعر از «سنائی» است

یك ره بدو باده ، دست کوته‌کن
این عقل دراز قد احمـــق را
بنـــمای به زیرکان دیوانه
از مصحف باطل آیت حق را
در نکته‌ی عاشقان و مشتاقان
«موضوع» فرو گذار و «مشتق» را

عرفان در شعر فارسی

شعر تر مطلق سنائـــی خوان
آتش در زن حدیث مغلق را

عارف پس‌از کنار گذاردن حدیث عقل و استدلال، رهسپار راهی میشود که در کتابهای فارسی و عربی مربوط به این مبحث به «سیروسلوك» تعبیر شده است. پس عارف که پیوسته در اندیشه گریز از خویشتن است به‌وادی‌های عشق و شوریدگی قدم می‌گذارد و از «مقامی» به «مقامی» و از «حالتی» به «حالتی» دیگر میرسد تاسرانجام بموضوع شناسائی که غایت قصوای آرزومندی اوست برسد و این رسیدن در عرفان به «وصل» تعبیر شده است. «وصل» حالت است و دربیان نمی‌گنجد. دراین باره [فریدالدین عطار] شاعر قرن ششم هجری تمثیلی دارد که شنیدنی است. حکایت از پروانگانی است که با خود قرار میگذارند ازمطلوب که در آنجا به «شمع» تعبیر شده است «خبر» بدست آورند. شمع در قصری دور قرار دارد و اولین پروانه بسوی آن میرود و باز می‌گردد و مشاهدات خود را درجمع دوستان بیان می‌دارد. ناقدی قول وی را معتبر نمیشمارد و مدعی **میشود وی را از شمع آگاهی نیست. دیگری پرزنان بسوی** شمع میرود و پرپرزنان دور شمع میگردد. ناقد باز راضی نمیشود. سومین پروانه پای‌کوبان بر سر آتش می‌نشیند. **آتش شمع سراپای اورا فرا میگیرد. پروانه و شمع یکی میشوند و شعله زبانه می‌کشد.** ناقد که دراینجـا عـارف شوریده‌ای است می‌گوید که فقط این پروانه از سر زیبائی شمع مطلع است.

گفت این پروانه در کار است و بس
کس چه داند او خبردار است وبس
تا نگردی بی خبر از جسم و جـان
کی خبر یابی ز جانان یك زمـــان

هرموجود زنده‌ای بسوی هدفی متمایل است. عارف نیز رهسپار جائی است. در عرفان، مقصد، رسیدن به حقیقت است. این حقیقت برای کسانی که در بند این جهان باشند و غم آنها غم سود و زیان وننگ و نام باشد و خلاصه در بند «خویشتن خویش» باشند از هر **مسافت دوری دورتر است اما برای‌آنها که به‌تعبیر مولوی** سینه‌ها را صیقل داده‌اند از هر چیزی نزدیك‌تر است، حتی نزدیکتر از رگ بگردن. قول سعدی این‌است:

دوست نزدیکتر از من به من است
وین عجب تر که من از وی دورم
چه‌کنم؟ با که توان گفت که یار
در کنـــــــار من و من مهجورم

نکته‌ای که اینجا یاد میتوان کرد این است که عرفان ایران با پذیرفتن امکان اتصال بخدا (= حقیقت کلی) هم یك گام از تفکر دینی جلوتر و هم ضد آنست. در ادیان پذیرفته میشود که آفریننده وآفریده بوسیله پیامبر باید ربط و اتصال حاصل کنند. کتب ادیان کتاب آسمانی است. از آسمان توسط فرشته‌ی مقرب به پیامبر وحی و نازل‌میشود و او مردم را به خدا متوجه میسازد. مثلا در کتاب دینی یهود [عهد عتیق ــ سفر پیدایش ــ باب ۱۲] چنین آمده است:

[... و خداوند بابرام گفت از ولایت خود و از مولد خویش و از خانه‌ی پدر خود بسوی زمینی که بتو نشان دهم بیرون شو * و از تو امتی عظیم پیدا کنم و ترا برکت **دهم و نام ترا بزرگ سازم وتو برکت خواهی بود * وبرکت** دهم بآنانیکه ترا مبارك خوانند ولعنت کنم بآنکه ترا ملعون‌خواند و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت].

ودر سایر کتابهای دینی چنین سخنانی مکرر شده‌است. اما عرفان غرب و شرق واکنشی برضد این تفکر دینی است. یعنی آفریده میتواند بی‌واسطه باخدا تماس بگیرد. از آن جمله است قطعه شعری که فریدالدین عطار در [الهی‌نامه] سروده است و نشان دهنده این مطلب است که برای ارتباط و اتصال با خدا به وسیله و رابطه نیازی نیست.

نازنین شوریـــده درگاه بود
پیشش آمد زاهدی از راه زود
گفت می‌گوید: خداوندت سلام
نازنین گفتش که: توبرگیرم‌گام!
از فضولی دست‌کن کوتـاه تو
زانکه هیچ‌از «حق»نئی‌آگاه تر
کار حق بر تو کجا مبنی بود
کز وکیلی چون تو مستغنی بود
توبرون شو ازمیان‌کان ذات فرد
بی‌رسولی تو داندگفت وکرد«۱»

۱ــ در فلسفه وعرفان مغرب‌زمین نیز نظیر سخنان‌عارفان ماآمده است. پاسکال و ژان‌ژاك‌روسو ازکسانی هستندکه دارای اندیشه‌ی عرفانی میباشند. پاسکال‌که درریاضیات وفیزیك استعداد شگفتی‌انگیز دارد ودر جستجوی تماس انسان با حقیقت اشیاء است مشکل آخرین را مشکل‌روان وخدا میداند. «پیردوکاسه» مینویسد: [خدائی‌که پاسکال باشور فوق‌العاده انتظار نورش را می‌کشد وبالاخره‌در یك شب عرفانی بزیارت این‌نور توفیق حاصل می‌کند ودر این دیدار اشك شوق فرو میریزد، خدای ابراهیم ویعقوب‌است نه خدای فیلسوفان وعالمان هندسه ــ فلسفه‌های بزرگ ــ ترجمه احمدآرام ــ ص ۸۷ چاپ تهران ۱۳۳۰]

ژان‌ژاك‌روسو درکتاب امیل دربخش [اعتراف ایمان‌آوردن کشیش ساووا] نیز مسئله [ایمان] را مطرح می‌کندکه در زمان او هردو فرقه‌کاتولیك و پرتستان را ضـد اوبرانگیخت. دراین بخش [اصول دین طبیعی] مطرح بحث است. روسو نیز مانند پاسکال‌که می‌گفت [دل را دلایلی‌است‌که سرازآن بی‌خبر است] ازراه منطقی به «خدا» نمیرسد ودر نامه‌ای‌که بیك زن اشرافی می‌نویسد می‌گوید: [آه خانم! گاهی درمطالعات شخصی خویش، که دستها را برچشمهایم فشار میدهم وبادر تیرگی شبها به‌این نتیجه‌میرسم‌که [خدا] وجود ندارد. اما آنسورا بنگرید... طالع شدن خورشید... غباری‌که می‌افشاند وزمین را می‌پوشاندواشعه‌های شگفت‌انگیز که صحنه طبیعت را می‌آراید، در همان لحظه تمام ابرهای ابهام را ازجلو چشمانم کنـارمیزند، دوباره ایمانم را بازمی‌یابم، دوباره خدایم را باز مییابم وبه او ایمان می‌آورم. پرستش اورا ستایش می‌کنم‌ودر حضورش خودرا بخاك می‌اندازم » [برتراندراسل ــ تاریخ فلسفه غرب ص ۷۱۸ چاپ لندن]

دوالیسم درعرفان

شعر عرفانی را اگر از نظر منطقی و استدلالی بررسی کنیم می‌بینیم که تمایل سراینده به«دوالیسم» (۱) بنحوشدیدی خودنمائی می‌کند. شاعر عارف جسم را برابر جان، جهان محسوس را برابر جهان معنوی، مجاز برابر حقیقت و جزء را برابرکل وانسان را در برابر خدامی‌گذاردوازخوانندگان میخواهد که در همه حال دومین را برگزینند. تمایل به‌جسم، به خویشتن، به زندگانی این جهان (= جهان محسوس) به جزء به مجاز غیرقابل بخشش است. عارف آن است که از اینها بگریزد و در کل، درحقیقت، در جان بیاویزد. شرط اول قدم در این راه «بی‌خویشی» است. انسانی که [بی‌خویش] نشده باشد نمیتواند در راه سیر و سلوك قدم بگذارد. عطار می‌گوید:

خویش را اول ز خود بی‌خویش کن
پس براقی از عدم در پیش کن
جامه‌ای از نیستــــی در پوش تو
کاسه‌ای پر از فنا کن نوش تو
در رکاب محو کن پائی ز هیچ
رخشی ناچیزی بر آن جائی ز هیچ

چنانکه از مطاوی این چند بیت فهمیده میشود، مقصد نیز در نظر عارف مشخص و معین نیست. باید رفت، باید گام سپرد باید در اندیشه پایان کار نبود، باید در غم سود و زیان نبود. «عطار» می‌گوید تا وقتی که دوگانگی برقرار باشد حصول مقصود محال است.

تا دوئی برجاست در شرکت بتافت
چون دوئی برخاست توحیدت بتافت
تو در او گم گرد توحید این بود
گمشدن گم کن که تفرید این بود

پس باید سرگشته و شوریده بود و از خویشتن گذشت. این نظاره و حذف شخصیت با ریاضت‌های سخت بدنی میسر نمیشود بلکه با مجاهده و کوشش دراندیشه صورت می‌پذیرد. حافظ دراین‌باب گفته است:

مباحثی که در آن حلقه جنون میرفت
ورای مدرسه و قیل و قال مسئله بود
حدیث عشق‌که‌ازحرف‌وصوت‌مستغنی‌است
بناله‌ی دف ونی درخروش و ولوله بود

بدیهی است این ازخویشتن‌گذری مستلزم نوعی بینش و نوعی تمایز در کردار و اندیشه است و همین موضوع«عارف» را از «عامی» مشخص می‌کند. این اُز [خویشتن‌گریزی] را عطار و مولوی [بیرون پریدن از قفس تن] نامیده‌اند. جسم چون قفسی است‌که عارف را از نظاره و جستجوی حقیقت باز می‌دارد و تمایلات بدنی پیوسته انسان را در دایره جهان محسوس و دنیای مجاز اسیر میدارد. عارف برای رسیدن بمطلوب باید از جسم وتمایلات آن صرفنظر کند. مولوی می‌گوید:

تن قفس شکل است، تن شد خار جان
در فریب داخلان و خارجان . . .
اینش گوید من شــــوم همراز تو
و آنش گوید نی منم انباز تــو

«عطار» هم با زیبائی که خاصه‌ی زبان شعری اوست می‌گوید:

در میان عاشقان مرغــــان درند
کز قفس پیش از اجل بیرون پرند
من زبان و نطق مرغــــان سر بسر
با تو گفتم فهم کن ای بی‌خبــر

پس وادی‌های سیر و سلوك را جز بمدد عشق وبی‌خویشی طی نمیتوان کرد.

عرفان یا تصوف ؟

معمولا درایران درباره‌ی عرفان و تصوف اشتباه می‌کنند و آنها را یکی میشمارند. اگرچه بودن دو لفظ برای اثبات جدائی عرفان و تصوف کافی است باز توضیحی ولو مختصر لازم است. تصوف همانطور که از مفاد کلمه معلوم است از باب تفعل عربی و بمعنی خود را بکاری زدن است یعنی بکار پشمینه‌پوشی. چون صوف بمعنی پشم و خرقه پشمی است. تصوف یك مرحله نازل و غیرقابل ستایش از عرفان است زیرا پشمینه‌پوشی و ریاضت‌ه‌ی سخت بدنی و نمازهای هفتادگانه و دوری از اجتماع و در عادتهای مشکل غرق‌شدن را تعلیم میدهد درصورتیکه عرفان بویژه درعالیترین شکل آن که در شعر مولوی، سنائی، حافظ نمودار میشود یك سیستم فلسفی بر بنیاد عشق و زندگانی و مجاهده و کوشش میباشد. البته عرفان در هرلحظه قابل تبدیل بتصوف است زیرا عارف ممکن است از کوشش و مجاهده دراندیشه بازبماند و در دایره فهم عام اسیرشود و نتواند بقله‌های اندیشه صعود کند و ازاین‌رو به‌ریاضت و چله‌نشستن و گدائی و درویشی روبیاورد. اینگونه اشخاص چون کلاغانی هستند که روش کبکشان آرزو است و سرانجام نیز از روش خویش نیز بازمیمانند و در آداب و مراسم گیج‌کننده و ریاضت‌های سرسام‌آور غرق میشوند و خلاصه بقول حافظ، سرانجام دکانی باز میکنند و دام می‌نهند تا به زرق بندگان خدا را از راه دربرند. دراین شکی نیست که عارف حقیقی‌شدن دشوار است و بقول «فردریك‌نی‌چه» فیلسوف آلمانی «آن‌کس **که پرنده نیست نباید بر قله‌ی کوهساران آشیان بگیرد ! »**. مولوی و حافظ هردو بتصوف تاخته‌اند. البته کلمه«صوفی» هنوز تا قرن ششم وهفتم هجری وزمان زندگانی مولوی در هر دو معنای خوب و بد بکار میرفته و منظور مولوی غالبا جنبه‌ی خوب آن است. ولی حافظ بصراحت ازصوفی پشمینه‌پوش ازرق‌چشم بد میگوید و کردارهای او را نکوهش می‌کند.

همین‌جاست که راه عرفان با راه تصوف جدا میشود و بهیچ تعبیری نمیشود تصوف را به عرفان برگرداند. عارف با صوفی یکی نیست و همانطور که حافظ بارها تأکید کرده است چون «صوفی» سالوس و ریاکار است و وسعت و بلندنظری عارف را ندارد و درعقیده خود آنچنان پابرجا و محکم است که هیچگونه شکی به‌بی‌بنیاد آن نمیبرد و دیگران را بر خطا و خود را برحق میداند، بپرده **اسرار راه نمی‌یابد. باضافه صوفی و زاهد در درون خود** دشمن پنهانی فرض می‌کنند و بجدال با او مشغول میشوند و از شرائط زندگانی انسانی خویش غافل می‌گردند، پس تعریض حافظ بآنها بجاست که‌می‌گوید:

خیز تا خرقه‌ی صوفی بخرابات بریم
دفتر زرق ببازار خرافات بریم

1— Dualism

***

تو خرقه را ز برای ریا همی پوشی
که یا به ، زرق بری بندگان حق‌ازراه

***

بیا بمیکده و چهـــره ارغوانی کن
مرو بصومعه کانجا گنـاهکاران‌اند

«مولوی» هم ریاضت‌های درونی و بیرونی را منکر میشود و برای گام‌سپری وسیر و سلوك تعظیم عشق‌وشوریدگی را کافی میداند :

دفتر صوفی سواد و حرف نیست
جز دل اسپید همچون برف‌نیست
زاد دانشمنــد آثار قلـــم
زاد صوفی چیست ؟ انوار قدم
همچو صیادی سوی اشکار شد
گام آهو دید و بر آثار شـد
چند گاهش گام آهو در خور است
بعد از آن خود ناف آهو رهبر است
چونکه شکر گام کرد و ره بریـد
لاجرم زان گام در کامی رسیـد
رفتن یك منـــزلی بر بوی ناف
بهتر از صد منزل گام و طواف
سیر زاهد هر مهی تا پیشـــگاه
سیر عارف هر دمی تخت شـاه
آن دلی کو مطلع مهتـــاب هاست
بهر عارف فتحت ابواب هـــاست

مراحل سیروسلوك

سیر و گام سپری عارف از جهان محسوس تا جهان معنوی و بسوی خدا ، سیری است درونی و در اندیشه . حساب حساب قطره و دریا و رسیدن جزء در کل است . در مثنوی [سیرالعباد الی‌المعاد] اثر سنائی غزنوی چنین گام سپری مطرح بحث است . دانشی که درآن‌جا مورد بحث است دانشی است که انسان را باید از خود بستاند . پس‌شرط نخستین راه بردن بسوی کوی دوست دردمندی و مردسوزی است . جای دیگر او می‌گوید :

هرکسی از رنگ‌گفتاری بدین ره کی رسد
درد باید مردسوز و مرد باید گامزن
سالها باید که تا یك‌سنگ اصلی زآفتاب
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
ماهها باید که تا یك پنبه دانه ز آفتاب
زاهدی را خرقه گردد یا حماری‌رارسن !

سپس سنائی توصیه میکند :

مکن در جسم وجان منزل
که این دون است و آن والا
قدم زین هردو بیرون نه نه‌این جا باش نه آنجا !

فریدالدین عطار درمثنوی «منطق‌الطیر» بطور مشخص مراحل سیر و سلوك را برمیشمارد و آنها را « هفت » میداند بدین ترتیب :

«عطار» هریك از این مراحل را با گیرائی ویژه‌ی خویش شرح میدهد . گفتگوها بین مرغان درمی‌گیرد و [هدهد] که نقش پیامبری را بازی می‌کند ، عذرهای‌مرغان را جواب می‌گوید

۱ــ طلب : دراین مرحله ، عارف ، باید سالها جد و جهد بکند ، مال و ملك را کنار بگذارد . از اندیشه«هست» و «نیست» پاك‌شود ، آئینه دل را پاك‌کند ، از کفر و نعمت و بدگوئی دیگران ملول نشود و سپس دیوانه‌وار راه کعبه مقصود را در پیش گیرد .

خویش را از شوق او دیوانه‌وار
بر سر آتش زنی پروانه وار
چون درت بگشاد چه‌کفر وچه‌دین
زانکه نبود زان سوی در آن و این

عطار در این مرحله ریاضت کشیدن را تعلیم میدهد و بطرف تصوف گرایش پیدا می‌کند ولی شاعران دیگران کاملا با او همعقیده نیستند . بهرحال او می‌گوید .

شب نخسب وروز هم چیزی‌مخور
کاین طلب در تو پدید آید مگر
هرکه را نبود طلب مردار اوست
زنده نبود صورت دیوار اوست

۲ــ عشق : اول باید گفت «عشق‌عرفانی» عشق به خط و خال و زلف و موی نیست بلکه لطیفه‌ای الهی است . ممکنست عارف در مراحل اول ، در مرحله جنون وشیدائی به خط و خال زیبارویی پای‌بند شود ولی اگر درهمان مرحله بماند به کوی دوست راه نخواهد برد . این عشق از این نظر مهم است که انگیزه‌ای باشد که عارف را بسوی‌زیبائی کلی رهنمونی کند . بنظر عطار ، عارف دراین وادی هرچه دارد در راه دوست میبازد . به‌گفته‌ی مولوی قماربازی است که هرچه داشته باخته و هوسی جز قمار دیگر از همین قبیل ندارد جوهر دانائی و علم و آگاهی دراو باید بسوزد :

عشق باید کز خودت بستاندت
پس صفات تو بدل گرداندت
عشق و افلاسند در همسایگـــی
هست این سرمایه‌ی بی مایگی

۱ــ در غرب عرفان با فیثاغورث شروع میشود .**در آکادمی فیثاغورث تعالیمی درباره پاك شدن** روان از آلودگیهـای بدن داده میشد . پس از او این‌سنت در آکادمی افلاطون ادامه یافت . افلاطون در کتاب (میهمانی **Symposium** عشق عرفانی تعلیم میدهد وهمچنین در رساله (فدر) می‌نویسد : «... آن کس که ازاسرار بی‌خبر است و باغبار فساد بر خاطرش پرده کشیده ــ ازدیدن‌زیبائی ــ خاطرش بسوی «زیبائی حقیقی» پرواز نمی‌آید بلکه دنبال لذت حس‌میرود ، اماآن‌کس‌که باسرارنهان ره برده وتماشاگر جهان معنوی بوده ، از دیدن چهره یا اندام زیبائی که بخدایان شبیه است دچار حیرت میشود » . بنظر افلاطون‌با این «زیبائی حقیقی» بوسیله خرد واندیشه تماس میتوان گرفت که بعد در دوران اسکولاستیك (= اهل مدرسه)متکلمان‌مسیحی ، این ایده افلاطون را درباره توجیه بستگی خدا با انسان بکار برده‌اند .

خلاصه عاشقان جانبازند و ترک جان گفته و هردوجهان را از دوست و دوست میدانند :

مولوی :

عاشقان را کار نبود با وجود
عاشقان را هست بی‌سرمایه سود

***

حافظ :

ما بیدلان مستدل ازدست داده‌ایم
همراز عشق وهمنفس جام باده‌ایم
برما بسی کمان ملامت کشیده‌اند
تاکارخود زابروی جانان‌گشاده‌ایم

***

صائب :

راه عشق از خودی تست چنین پست و بلند
اگر از خویش برآئی همه‌جا همواری است

***

نظامی :

تازنده بعشق بارکش بود
چون‌گل به نسیم عشق‌خوش‌بود

۳ــ معرفت (شناسائی) . در این وادی راههای سیرو سلوك متفاوت میشود و جنگ هفتاد و دو ملت پیش‌میآید. بقول مولوی ، (بی‌رنگی) اسیر (رنگ) شده و (موسئی) با (موسئی) در جنگ میشود . عطار معتقد است که یافتن حقیقت منحصر براه مخصوصی نیست و هرکس میتواند بنظر خود در راهی که پیش می‌آید راهسپر باشد . فکر هرکس بقدر همت اوست و همت او از فکر او زائیده میشود . پس عنکبوت همسر و همسیر فیل نمیتواند شد و سیر هرکس باندازه کمال اوست زیرا اگر پشه بمنتها درجه هم که پرواز گیرد بازکمال پرواز صرصر را حاصل نتواند کرد یعنی راه های معرفت متفاوت است و بقول دیگر سیر فرد تا خدابانداز‌ه‌ی تعداد انسان هاست .

این شعر از عطار است

لاجرم چون مختلف افتاد سیر
هم روش هر گز نگردد هیچ طیر
معرفت اینجا تفاوت یافته
این یکی محراب و آن بت یافته
چون بتابد آفتاب معرفت
از سپهر این ره عالی صفت
هر تنی بینا شود بر نذر خویش
باز یابد در حقیقت صدر خویش

٤ ــ استغنا ــ دعوی ومعنا دراین وادی‌ناپدیدمیشود، هفت‌دریا یك قدم و هفت دوزخ ، یك شراست . عطار معتقد است که بیداد فرعون و جور موسی هر دو لازم‌اند . در وادی استغنا همه چیز یکسان است . زیرا صد هزاران جسم از روح خالی شد تا نوح نجار شد یعنی کشتی ساخت و از طوفان جان بدر برد و صد هزاران طفل را سر بریدند تا موسی جان سالم بدر برد پس :

گر در این دریا هزاران جان فتاد
شبنمی در بحر بی پایان فتاد
گر دو عالم شد همه یکبار نیست
در زمین ریگی همان انگار نیست

۵ ــ توحید : وادی یگانه شدن عارف و حقیقت‌است. منزل تجرید و تفرید ویگانگی است . باید چه کم وچه زیاد (یکی) و «یگانه‌ای » دید . حتی «یکی» هم نمیشود گفت زیرا «احد» و «یك» در عداد و حساب و حدو شماره می‌آیند و «حقیقت» از عدد و حد بیرون است .

رویها چون زین بیابان در کنند
جمله سر از یك گریبان برکنند
هم در او هم زو و هم با او بود
هم برون از هر سه این نیکو بود
هر که در دریای وحدت گم نشد
گر همه «آدم» بود «مردم» نشد

مولوی معتقد است اساسا همه اوست . من وتوئی ومائی در کار نیست . اصل ، «حقیقت» یا (جان جهان) است مولوی در غزلیات خود این معنی را مکرر می‌کند مثلا :

بر در ما کیست که در میزند ؟
جان جهان است و ، تمنای من

در مثنوی گوید :

ما چو چنگیم و تو زخمه میزنی
زاری از مانی تو زاری می‌کنی
ما چو نائیم و نوا درما ، ز تست
ما چو کوهیم و صدا در ما ز تست
ما همه شیران ولی شیر علم
حمله شان از باد باشد دمبدم
حمله شان پیدا و نا پیداست باد
آنك نا پیداست هرگز گم مباد !

٦ ــ حیرت ــ رسیدن به حقیقت رسیدن به خورشید جهانسوز است . چشمها خیره میشود ، انسان عارف در درد و حسرت دائم می‌افتد . هر نفس تیغی است و هردم دریغی . عطار گوید

آه باشد ، درد باشد ، سوز هم
روز و شب باشد نه شب نه روز هم !

عارف راه گمکرده از خود و کاینات (= جهان) بی‌خبر است . نه هست نه نیست؟ درمیان است یا برون است ؟ عیان است یا نهان ، فانی است یا باقی ؟ ــ نمیداند ! همینجاست که گله از راه دراز ونیاز بسیار در شعر عرفانی فارسی عرضه‌و مطرح بحث میشود . حافظ می‌گوید :

زان یار دلنوازم شکریست با شکایت
گر نکته‌دان عشقی خوش بشنواین حکایت
از هرطرف که رفتم جز وحشتم نیفزود
زنهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت
این را نهایت صورت کجا توان بست ؟
کش صدهزار منزل بیش استدربدایت!؟

وهم این جاست که گله های شاعران عارف شروع میشود یعنی از حیرانی و حیرت در میان هست و نیست ، بصورت عجیب ترین حال جهان انسان نام میبرند . عطار در (مصیبت‌نامه) می‌گوید :

سالك فکرت بجان درمانده‌ای
سرنگون چون حلقه بر درمانده‌ای
نه ز خود خشنود و نه از خلق هم
نه خوش از زنار و نه از دلق هم

۷ ــ فنا ــ وادی فراموشی و بیهوشی‌است. اتحادکامل عارف و معروف انجام میگیرد وراه پایان می‌پذیرد . تعیّنات برداشته میشوند . «عطار» می‌گوید :

بحر کلی چون بجنبش کرد رای
نقش ها در بحر کی ماند بجای ؟
چون نماند نیك و بد عاشق شوی
پس فنای عشق را لایق شوی

پس مراحل سیر وسلوك در نظر عطار وبعضی عارفان «هفت» است . «ابونصر سراج» در کتاب (اللمع) هفت مقام را بهاین ترتیب نام میبرد که بیشتر جنبه دینی و گرایش بتصوف دارد :

توبه ــ ورع ــ زهد ــ فقر ــ مهر ــ توکل ــ رضا .
ودر حاشیه این هفت مقام ، صوفی باید از (ده حال) یا حالت بگذرد به این ترتیب :

مراقبه ــ قرب ــ محبت ــ خوف ــ رجا ــ شوق ــ انس ــ اطمینان ــ مشاهده ــ یقین ــ حال ومقام و تعیین خصوصیات آن ، بیشتر از آثار شاعران و نویسندگان قرن‌ششم وهفتم و آنهائیکه بیشتر به تصوف‌تمایل دارند ، ظاهر میشوند ودر اشعار شاعرانی که جنبه‌ی فلسفی عرفان را مورد نظر قرار داده‌اند مثل محمود شبستری ــ مولوی ــ سنائی ــ حافظ بنحوی دیگر نمود دارد . اینان «مستور» و «مست» هردو را از یك قبیله دانسته و خواهان آزادی اندیشه انسانی هستند . انسان از راه بازمانده باید به سوی حقیقت راه بسپارد . هر طور که میتواند و باندازه‌ی کوشش خویش . بازی است دور از آشیان مانده و محروم . خوشبختی او در باز رسیدن بکوی دوست است .

عشق مدار شعر عرفانی است

تعظیم عشق درشعرپارسی ازسنائی تا ملك‌الشعراء بهار ، نشان دهنده این خصوصیت است که قرن ششم و حتی ازاواخر قرن پنجم تا روزگار ما ، شعر پارسی در جریان شدید عرفان قرار گرفته و با پیروی از اصول آن و جهه‌ی خاصی یافته‌است هرگاه دیوان شاعران پارسی زبان را باز کنیم جابجا بهاصطلاح های عرفانی بر میخوریم . حتی در آثار شاعرانی که عارف نبوده‌اند مثل سعدی که آنها نیز بناچار در اتمسفر عرفان یا تصوف که رایج ترین مکتب فکری زمان بوده‌است واقع شده ، اشعاری سروده‌اند که تمایل آنها را بر عرفان و تعظیم عشق میرساند . عشق در شعر پارسی غالبا دارای جنبه های ملکوتی و غیر نفسانی است .

حافظ :
لطیفه‌ای است نهانی که عشق از آن خیزد
که نام آن نه‌لب لعل و خط زنگاری است
مولوی : هان رها کن عشق های صورتی !
سعدی : عشق ورزی دگر و نفس پرستی دگراست
صائب :
عشق و هنگامه آغوش طرازی هیهات
شمع دستی است‌که بر سینه‌ی پروانه زدند
نظامی :
عشقی که نه عشق جاودانی است
بازیچه‌ی شهوت جوانی است

«عشق» در شعر عرفانی دیباچه‌ی کتاب سیروسلوك وانگیزه‌ی آنهمه نغمه وسرود است . عشقی است که همیشه با «اندوه» همراهست و بی غم هیچ نمی‌ارزد . در کتاب (لیلی و مجنون) اثر نظامی گنجوی و سایر شعرهای شاعران عرفانی بچنین حدیثی برمی‌خوریم مثلا نظامی در شرح حالات روانی مجنون می‌نویسد «اول بگریست پس بخندید» ، ممکنست گفته‌شود این‌تضاد حالت‌روانی‌چگونه صورت‌می‌گیرد؟جواب‌این است که عشق عرفانی کیفیتی است دائم التزاید ، زیرا غم و عشق ملازم یکدیگرند و غم شیرین است و عاشق همواره زیادت می‌طلبد . مولوی در پایان مثنوی داستانی بنظم آورده است بنام ، «قلعه هوش‌ربا» که داستانی گیرنده و جالب است . در ضمن آن داستان از «عشق» صحبت می‌کند و می‌گوید :

آن گداز عاشقان باشد نمو
همچو مه اندر گدازش تازه رو
جمله رنجوران دوا دارند امید
نالد این رنجور کم افزون کنید
خوش تر از این سم ندیدم شربتی
زین مرض خوشتر نباشد صحتی
زین گنه بهتر نباشد طاعتی
سال ها نسبت بدین دم ساعتی

بهر حال عشق در شعر فارسی مدار و نقطه‌ی مرکزی اندیشه سرایندگان آن است . باتوجه بموقعیت و زمانی که شاعران ما شروع بسخن گفتن کردند و عناصر اندیشه‌ی عرب بشدت در سرزمین فکر ایرانی نفوذ می‌یافت ، شاعران ما با مشعل فروزان عشق بجنگ سیاهی ها رفتند و در حالیکه افکار و عقاید جزمی وروح اطاعت کور کورانه و بندگی فکری سراسر این سرزمین را فرا گرفته بود و کسانی که میخواهند انسان را تاحد یك بنده‌ضعیف و ذلیل پائین بیاورند و اورا براه زهد و تعبد که سرانجام بخود بینی وریا کاری می‌انجامد بکشانند ، ندای عشق در دادند و دیگران را بداشتن روان کوشا ودوراز تعصب دعوت کردند وگفتند :

طفیل هستی عشق‌اند آدمی و پری
ارادتی بنما تا سعادتی ببری
بکوش خواجه و از عشق بی‌نصیب مباش
که بنده را نخرد کس بجز عیب بی‌هنری
« حافظ»

این جاست که شاعران عارف این سرزمین برای مبارزه با عقاید جزمی و خشك خود را رند ولاابالی خوانده و پشت پا به تعصب و فرقه بازی زده واز قیل وقال مدرسه و جنگ هفتاد و دو ملت که جز افسانه نیست بر کنار رفته وجوانمردی و بی‌تعصبی تعلیم‌کرده‌اند و گفته‌اندکه :

بشوی اوراق اگر همدرس مائی
که علم عشق در دفتر نباشد
«حافظ»

این بدان معنی است که انسان خودرا اسیر تعصب و خرافه و دین محدود و معین نسازد و ذات انسانی را پاس‌دارد. بدیهی است عشق و مراحل دیگر در شعر عرفانی فارسی با واجد بودن هنرهائی که بر شمردیم از نظر جهان بینی اجتماعی مشمول انتقادهائی هست که محتاج گفتار جداگانه ایست ولی از این نکته صرفنظر نمیتوان کرد که بزرگترین میراث ادبی زبان پارسی در «شعر عرفانی» این زبان نهفته‌است واین قولی است که جملگی برانند .

انواع شعر

دکتر ذبیح‌اله صفا

استاد دانشگاه

ناقدان پیشین در بــاب انواع شعر و چگونگی هریك سخن‌هاگفته و دفترها پرداخته‌اند اما نتیجــه سخن باهمهٔ بحث های آنان دراین منحصر است که شعر را بسه نوع منقسم میتوان ساخت.

۱ـ شعر تمثیلی DRAMATIQUE
۲ـ شعر غنائی LYRIQUE
۳ـ شعر حماسی EPIQUE

گــر چه ناقدان دیگر سخــن خاصه ناقدان جدید توانسته‌انــد انواع دیگری مانند شعر حکمی (پند واندرز) Didactique و شعر وصفی Narratif را بر انواع مذکور بیفزایند اما حقا انها را از انواع مستقل‌واصلی شعرنمی‌پندارند و معمولا در ذیــل انواع سه‌گانه مذکور قرار میدهند.

شعر تمثیلی

در شعر تمثیلی مقصود اصلی و اساسی شاعر نمایش زندگی و مظاهر مختلف آنست چنانکه درنظر بیننده بوسایل خاص مجسم شود بعبارت دیگر شاعر با ساختن شعر تمثیلی یك حقیقت و واقعه را از حیات عادی بشری واز اعمال یك یا چند فرد معین می‌گیرد و آنگــاه با خیالات شعری ویا بامقاصد فلسفی و اخلاقی و اجتماعی خود نــزدیك میکند و بعد دوباره آنرا با حیات و حرکت همراه مینماید و برابر دیدهٔ بیننده تجسم میدهد.

بنابراین در شعر تمثیلی تنها بوصف اکتفا نمیشود ویا سخن از آرمان و آرزوی مجرد نمیرود. در شعر تمثیلی شاعر نمی‌تواند از عالم طبیعت بیرون رود، سخن ازجهانی دیگر راند، صفیر ازکنگره عرش بشنود وبا فرشتگان راز گوید... ونیز نمیتواند بروزگار های کهن باز گردد وزبان ببیان مفاخرومردانگی‌ها و پهلوانی‌های قومی گشاید.

شاعر تمثیلی مجاز نیست خود را درجریان حکایت وداستان افکند مگر آنکه خود یکی‌از اشخاص و افراد آن داستان باشد. داوری او نباید هیچگاه ازخلال سطور واشعار آشکار باشد و بعبارت ساده‌تر شعر تمثیلی تنها وسیلهٔ تجسم وقایعی است کــه بــه نتیجه‌ای بینجامد بی‌آنکه از خوبی و بدی اعمال برای ماسخنی درآن‌گفته شود یاشخصیت گوینده وسراینده درآن آشکارباشد.

شعر غنائی

اما شعر غنائی بالعکس با عالم معنی‌که مدار آن روح شاعر است سر وکار دارد واگر شاعر در چنین شعری دنیای خارج و متعلقات آنرا موضوع بحث خود قرار دهد تنها ازآن بابت است‌که عواطف روحانــی خویش یا دیگران را دربارهٔ آن فرا نماید. در منظومه غنائی، همواره با عواطف شخصی و تاثرات و آلام و یا لذات و مسرات یك فرد و یك روح کار داریم، دراینجا سخن از وصف آنچه درطبیعت است نمیرود بلکه شاعر آنچه راکه مطلوب اوست بچشم دل می‌بیند و بزبان عواطف بیان میکند، ازدریچه چشم مجنون بصورت لیلی مینگرد وآن سیه‌چردهٔ زشــت را چون حــور بهشت بمــا مینمایاند.

میزان و ملاك حقیقت در این نوع شعرعواطف و روح شاعراست. غرض و عنایت شعر غنائی توصیف عواطف و نفسانیات فرداست و تمام عواطف نفسانی بشر از هر نــوع که باشد موضوع آن. در توضیح سطر آخر میگویم که تنها نمیتوان عواطف عاشقانه را موضوع اساسی شعر غنائی تصور کرد و مثلا از میان همه اشعار غزلهای عاشقانــه را نمودار اصلی شعر غنائی دانست بلکه مراد از عواطف نفسانــی تمام تجلیات عواطف واحساسات بشری است از احساسات دینی ومیهن ــ پرستی گرفته تا حیرت و عشق و کینه و تحسر و بیان غم های درونی و حتی احساساتی‌که درقبال عظمت

بقیه در صفحه ۰۷۰۱۰۲۸



آندره موروا
ترجمه زهرای خانلری

بمن می‌گویند که تو جز شعر موزون و مقفی شعری را قبول نداری .

رد وقبول این مطلب با من نیست . هرکس آزاد است تا هرچه رامی‌خواهد دوست‌داشته باشد . من فقط می‌گویم که از شعر آزاد چیزی نمی‌فهمم . شعر برای من نوعی موسیقی است و محتاج وزن خاصی . بنابراین در زبان فرانسه که دارای تکیهٔ قوی یاتکیهٔ‌ضعیف مشخصی نیست تا بتواند چنین وزنی ایجاد کند باید بەشمارهٔ پایه‌های مقفی متوسل شد. اما باید بگویم که من ذوق بسیار وسیعی دارم . اشعار نامتساوی لافونتن رابه‌اندازه‌اشعار‌متساوی کرنی وراسین دوست دارم . بودلـر را تحسین می‌کنم و والری و مالارمه راهم‌می‌پسندم از اشعار ویکتور هوگو لذت می‌برم اما اغلب اشعار آپولینر راهم می‌خوانم . آیا اگر شوق شنیدن قطعه‌های‌موسیقی‌بتهوون و موزار را دارم دلیل بر آن است‌که از راول‌واستراوینسکی لذت نبرم ؟ یکبار هم می‌گویم که احتیاج به وزن دارم . من شعر بدون وزن را جز نثر زشتی نمی‌بینم که بیهوده بریده بریده شده است .

ـ همین امر باعث شده است که شما کلودل و پگی را از ردیف شعرا اخراج کنید .

ـ نه چنین نیست ! پگی خوب میتوانست اشعار الکساندرن خود را موزون بسازد . اما کلودل وزنی را انتخاب کرده است که همان وزن عادی حرف زدن است ، آهنگ طبیعی مکالمه راگوش داده و از آن شعر ساخته است. البته این‌کار خوب و زیباست. اما تقلید از آن هم بی‌خطر نیست .

ـ شمامعتقد نیستیدکه‌اینکار کار بسیار خطرناکی است که شاعر فکر و اندیشه را فدای تساوی عدد اصوات با قیودغیر لازم دیگری مانند قافیه‌هائی بکند که موجب آوردن‌کلمات بیمعنی می‌شود ؟

ـ یا موجب زیبائی های غیر منتظره ... اختلاف‌عقیده ما بر دو چیز است یکی آنکه بنظر می‌آید که شما مقیدبودن به‌نظم و حدود و قید را برای شاعر شکستی می‌دانید . اماشما درباره این زیور کلام‌بدقضاوت می‌کنید ، بعکس من معتقدم که قید در شعر موجب سلامت گفتار هنرمند می‌شود و این فکر هم مورد تصدیق استادان فن می‌باشد ، آیا هرگز کسی شنیده است که میکل‌آنژ از ناهمواری سقفی برای گچ‌بری یا از شکل عجیب قطعه مرمری شکایت کرده باشد ؟ بعکس از این تصادفات بخوبی استفاده می‌کرد مثلا شکل عجیب قطعه مرمری به او فکر تازه‌ای القاء کرد تا توانست مجسمه «برده در زنجیر» را با بازوئی بالا رفته و بازوی دیگری که‌بطور غم‌انگیزی خم شده است‌به‌وجود آورد .

بهمین ترتیب قافیه‌هم‌موجب می‌شود که‌شاعربدنبال‌جستجوی تازه برود .

والری می‌گوید که اغلب اتفاق میافتد که اولین شعر به شاعری براثر تفضل الهی الهام می‌شود. اما دومین شعر فقط براثر صبر و بردباری بسیار و جستجوی فراوان بدست خواهد آمد . قافیه از طرفی امکانات را محدود می‌کند . اما از طرف دیگر باعث‌می‌شود که تجمع افکاری که قبلا پیش‌بینی نمیشد به‌شاعر تلقین گردد .

بوسیله یکی از این قافیه‌ها برقی می‌جهد که همه یك‌قطعه شعر از آن روشن می‌شود

گاهی در حین اتصال دوقسمت ازشعر فکر جالب و موثری بوجود می‌آید زیرا شاعر مجبور است برای اینکار پلی بسازد . یا رشته‌ای ببافد که مضمون بقیه قطعه شعر راتامین می‌کند .

ـ من با این‌طرز کاراعتمادی ندارم . زیرا کاری که از احتیاج فنی بوجود بیایدچطور ممکنست اجازه دهد که شاعر فکر معینی را دنبال کند .

ـ به این ترتیب شما مرا وادار می‌کنید که از نکته‌دوم مورد اختلافمان حرف بزنم ، بنظر شما شاعر باید فکر کند و آنچه‌رافکر می‌کند به‌صورت شعر درآورد ، اما بنظرمن‌شاعر نباید فکر کند یعنی مضامینی را طرح کند یا مطلبی منطقی را روشن سازد . اشعاری که‌از روی استدلال و منطق بوجود می‌آید ممکنست نفرت انگیز گردد . نه ! یك قطعه شعر حقیقی قبل از هر چیز فقط نقطه شروعی است که درحال روحی خاصی ساخته می‌شود.

مثل این شعر بودلر :

«ای فرشته سراپا زیبائی آیا هرگز با چین‌وچروك سروکار داشته‌ای»

این شعر نقطه شروعی است که در مغز بودلر بافکر پیرشدن همراه آمده است . همینکه اولین شعر در مغز او بوجود آمد بقیه از روی آن ساخته شد ، من گمان نمی‌کنم که‌بودلر هنگام ساختن این قطعه باخود گفته باشد که «این قطعه را از بندهای پنج مصراعی خواهم چنانکه پنجمی تکرار اولی باشد» .

اولین بند به این ترتیب ساخته شد و پس از آن بودلر مجبور شد نظم و ترتیبی که خودبخود بوجود آمد به شعر بدهد .

روزی پل‌والری گفت : «هرچه گفتنش ضروری است ممکن نیست خوب گفته‌شود.» باید ضرورت را بحداقل‌رساند.

ویکتورهوگو که برخلاف آنچه مردمان احمق می‌گویند مرد باهوشی بود در شعر به‌افکار و هیجانات مقدماتی اکتفا می‌کرد . این امر چون بانبوغش آمیخت اورا شاعر بزرگی معرفی‌کرد . مگر چه افکاری در قطعه «به‌ویلکیه» Au villeguier (۱)— وجود دارد که چنین موثر است ؟ هیچ! افکار بسیار ساده مانند این جمله :

«اکنون که دور از پاریس وغوغای این شهر هستم . ای خدای بزرگوار ، بسوی تو می‌شتابم تا بمن آرامش وتوکل بخشی» بیش از این چیزی نیست و هرپدر داغداری هم همینطور فکر میکند اما این فکر ساده بواسطه هیجان ، بواسطه وزن و بواسطه‌ناامیدی که به درد و شکنجه منجر شده وسلامت اورا ازبین برده است عالی میگردد .

اندوهی که در قالبی چنین کامل جاگرفته است ، دیگر حدودش معین شده‌است رعایت علم عروض و قوافی شاعر را به فداکاری وامیدارد ، نه فداکاری در راه ازبین بردن اندوه بلکه برای ازبین بردن پریشانی و بی‌نظمی این اندوه.

وقتی قیود و قوافی‌رارعایت کردیم دیگر نمی‌توانیم هرچه می‌خواهیم بگوئیم .

— خطر در همین‌جاست .

— بعکس ایمنی درینجاست. زیرا شخصی که تسلیم عواطف خود گشته است ، اگر تابع هیچ‌قیدی نشود ، مستقیما بجانب دیوانگی کشیده‌می‌شود، این مطلبی است‌که اولیاءکلیسا خوب دریافته‌اند .

زن عزادار و مصیبت‌زده‌ای که آماده ناله‌کردن و فریاد کشیدن است آهنگ شکوه و شکایت خودرا از قطعه دعای میت (Requiem) می‌شنود. اما این آهنگ در قالب نظم پرشکوهی جاگرفته است.حال به‌معنای مضاعف کلمه «میزان» نوجه کنید، همینکه ناله‌ها بصورت موسیقی درآمدند میزان‌ها این عواطف رادرتحت نظم خاصی قرار می‌دهند.اگر می‌خواهید ازقدرت وزن نمونه‌ای به‌بینید . زیباترین مارش های عزای شوپن‌را با مارش بتهوون را در قطعه «قهرمان "L'heroïque" یا مارش واگنر را برای زیگفرید در قطعه «شفق ... "Crépuscule" درنظر آورید. این قطعه‌ها اندوه را از بین نمی‌برند ، بلکه آن را بیان می‌کنند ووقار شاهانه‌ای به‌آن می‌بخشند . آیا میل داریدنظیر این تسکین‌ها را بوسیله شعر بدانید ؟ پس قطعه «قبرتئوفیل گوتیه» هوگویااین شعربودلر را بخوانید :

«ای اندوه من ! عاقلترباش و خودرا آرامتر نگهدار.»

می‌توان گفت که راسین احساس‌های بسیار شدید عشق و حسادت را در لحن بسیار دل‌انگیز و پاکی مزین ساخته است .

— بله ، اما پس از او مادام دولافایت و ماریو هماز احساس‌ها را در قالب نثر ریخته‌اند ، پس نوسان این قافیه‌های بیهوده چه چیزبه‌این احساس‌ها می‌افزاید ؟

— وزن را می‌افزایدوهمین را نبایدکوچك‌شمرد ، خاصیت وزن اینست که حال انتظار و اشتیاقی در شخص بوجود می‌آورد ، نثر از آنجهت بهتر است که بیشتر از شعر ما را غافلگیر می‌کند شعر بعکس از آنچه بعد بدنبال خواهد آمد خبر می‌دهد ،ذهن انسان‌مترصد قافیه است و چون به‌آن‌برخورد احساس لذت می‌کند . بعضی‌از ابیات حماسه یا غزل چنان هیجان و اثری دارد که یك سمفونی عالی دربر دارد.

ویکتورهوگو استاد این‌هنر بودکه شنونده را بسوی نتیجه نامعلومی می‌کشاند که فقط بطور مبهم حدس زده می‌شد.

شروع یك قطعه شعر باید شبیه مقدمه و تمهید مضامینی باشد که یك قطعه موزیك سمفونی باآن شروع می‌شود .

آلن می‌گوید ، «هیچ چیز خودبخود شاعرانه نیست وهمه چیز می‌تواند شاعرانه باشد . اصل مبهم آن قدم استواری است که مرا بهمراه خود می‌کشاند.»

— بدبختی دراینست که توصیف‌های شما منحصر به ناظم‌هائی می‌شود که بمناسبت موقع و موضوع قافیه‌هائی را جور می‌کنندوشعری می‌سازند. درباره قافیه : باید گفت که کسی ازآن نمی‌ترسد زیرا یك کتاب لغت همه قوافی را برای شاعر جمع‌آوری می‌کند . اما وزن: برای آن هم شاعر می‌تواند پایه‌های اصلی اصوات شعر ۱۰ بشمارد . پس شما چطور ناظم را از شاعر تشخیص می‌دهید ؟

— همچنانکه موسیقی‌دان بزرگ را از مطرب تشخیص می‌دهم ، ناظم کارش بیهود است و ابداعهای لفظیش‌ارزشی ندارد . وزنهائی که بکارمی‌برد چون یکنواخت است دیگر توجه را جلب نمی‌کند . مساله قوافی که شاعر بعلت‌جستجوی فراوان بنحو احسن آن‌راحل می‌کند ناظم بعلت ابتذال‌ازآن اجتناب می‌کند.

والری گفته است : « شاعر کسی است که‌دشواریهای‌همراه هنر در او موجد افکارتازه‌ای می‌شود و شاعر کسی نیست‌که این دشواریها افکار تازه را از او سلب کند.»

من به این‌مطلب چند کلمه‌ای اضافه می‌کنم ومی‌گویم:«شاعر کسی است‌که بکوشد بوسیله

۱— این قطعه را هوگو درمرثیه دختر ودامادش‌که اهم غرق‌شدند ساخته است .

کار مداوم و شدید بر همه دشواری‌ها پیروز گردد و حتی‌الامکان همه کلمات را آزمایش کند . شاعر کسی‌است که گنجینه زبان را از غربال بگذراند تا بتواند طلای‌خالص ازآن بیرون کشد.»

روزی والری را در حال کار دیدم . منظره کم‌نظیری بود ودرس گرانبهائی بمن‌داد. چه‌رنجی می‌برد تا برای کلمه حیثیت و آبرو صفتی پیداکند. بخاطر داریدکه گوتیه‌وقتی از بودلر حرف می‌زد می گفت: «درنظر شاعر ، کلمات ، در خودشان و غیر از آن معنائی که بیان می کنند زیبائی‌وارزش خاصی دارند . مانند سنگ‌های گرانبها که هنوز تراشیده‌نشده و در گردن‌بندیادستبندیاانگشتر نشانده نشده باشند اما اشخاص خبره از نگاه به‌آن فریفته می‌شوند و در جامی که این جواهر ذخیره شده است دست می‌برند و مانند زرگر امتحان می کنند.

ـ نویسندگان بزرگ هم ذخایری ازکلمات دارند ، شاتوبریان کلمات مهجور اما خوش‌آهنگ را جمع‌آوری می کرد و آناتول‌فرانس از صفت‌هایش بسیار مراقبت می کرد .

ـ نویسنده هم رموزی در نوشتن دارد . اما آن وسائل آمیخته باموسیقی و آن‌تغییرات بی‌نهایت را مانند شاعر بکار نمی‌برد .

مثال می‌زنیم . قطعا شماقطعه «بالکن Balcon »بودلررا خوانده‌اید ،قطعه‌ای است‌مرکب از پنج‌شعر با قافیه‌های متناوب که پنجمین شعر تکرار اولی است . این مخمس با زمزمه یکنواخت خود فکر انسان را بهمراه می‌برد مانند امواجی‌که جسم بی‌جانی را بر روی خود می‌کشاند و بالاو پائین می‌برد. اما در آخرین بند این مخمس، ناگهان یکنواختی باضربه‌نبوغ شاعر قطع می‌گردد و تکرار شعر اول با داشتن علامت‌تعجب درعین‌حال هم‌آهنگی و عدم توافقی ایجاد می‌کند ، درست مثل شکارچی که تیری بهدف می‌اندازد و به لبه آن اصابت می‌کند.

کوکتو هم‌اصطلاح«خوردن تیر به لبه هدف» را بسیار استعمال کرده است .

ـ بله ، چونکه کوکتو شاعر است. میداند که رسیدن‌بمرکز هدف کار دشواری است. اما کلمه فقط بالبه هدف تماس پیدا می‌کند آن وقت لوحه‌این هدف می‌افتد و پاره می‌شود ، و بقدر جهش یك برق‌چیزهائی از پشت آن نمودار می‌شود ، چیزهای شگفت‌انگیزی که در حقیقت تنها واقعیت زندگی است، همچنانکه موسیقی چیزهای بزبان نیامدنی رابابی‌زبانی بیان می‌کند .

ـ باری ، شمابه‌نغمه‌موسیقی احتیاج دارید ،

ـ من هم مثل همه مردم احتیاج به‌نغمه موسیقی دارم . اما نغمه‌ای عالی و عظیم .

بقیه‌از صفحه ۰۷۰۱۰۲۵

بی‌منتهای جهان و شگفتی های خلقت و سرگشتگی دربرابر اسرار گمشدهٔ طبیعت برآدمی طاری میشود .

شعر حماسی

اما حماسه نوعی از اشعار وضعی است‌که مبتنی برتوصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات وبزرگیهای قومی یا فردی باشد بنحوی‌که شامل‌مظاهرمختلف زندگی آنان گردد .

موضوع سخن در اینجا امر جلیل ومهمی است‌که سراسر افراد ملی در اعصار مختلف در آن دخیل و ذینفع باشند (مانند مشکلات و حوائج مهم ملی‌ازقبیل مساله‌تشکیل ملیت و تحصیل استقلال و دفاع از دشمنان اصلی وامثال اینها چنانکه در شاهنامه و حماسه های ملی جهان ملاحظه می‌شود) و یا شکل فلسفی (مانند مساله خیر و شر در قطعاتی از اوستا و منظومه های بهشت گمشده « و بهشت مردود » میلتون که جهانیان همگی آنرا ارج و بها می‌نهند.

در شعر حماسی رسته‌ای از اعمال پهلوانی خواه از یك ملت باشد و خواه از یك فرد بصورت داستان و یا داستانهائی در می‌آید که ترتیب و نظم از همه جای آن آشکار است . از نقطه یا نقاطی آغاز میشود و به نقطه یا نقاطی پایان پذیرد . ناقص وابتر نیست و خواننده میتواند باخواندن آن‌داستان از مقدماتی آغاز کند و به نتایجی دست یابد .

در یك منظومه حماسی شاهد هیچگاه عواطف شخصی را در اصل داستان وارد نمی‌کند وآنرا به‌پیروی ازامیال خویش تغییرنمیدهد وبشکلی تازه چنانکه‌خود بپسندد یا معاصران او بخواهند در نمی‌آورد و بهمین منوال در سرگذشت ویا شرح قهرمانیهای پهلوانان و کسانیکه توصیف میکندهرگزدخالتی نمی‌ورزد وبنام خود و آرزوی خویش درباب او داوری نمیکند چنانکه در شاهنامه ودیگر منظومه‌های حماسی می‌بینیم.

در این مورد منظومه حماسی با منظومه تمثیلی تا درجه‌ای شبیه و شعر غنائی یکباره مغایر میشود زیرا چنانکه دیدیم شاعر تمثیلی در بیان داستان و حکایت از واقعه خارجی خود را دخیل‌نمیسازد و بقول‌ناقدان اروپائی پشت سن قرار میگیرد نه‌در سن اما در شعر غنائی وظیفه عمده شاعر دخالت مستقیم در اصل موضوع و آوردن آن بصورتیست که خود میخواهددر دست‌دارد وبعبارت دیگر در شعر غنائی عواطف وآلام و امیال شاعرانه اثر دارد و شاعر ناگزیر است از آنها بهر نحو که بخواهند پیروی کند اما در شعر حماسی حال از اینگونه نیست . در اینجا شاعر با داستانهای شفاهی یا مدرن کار دارد که در آنها شرح پهلوانیها ، عواطف‌واحساسات‌مختلف مردان یك روزگار و مظاهر میهن پرستی و فداکاری و جنگ با آنچه از نظر نسلهای ملتی‌بدو ناپسندومایه شر وفساد بود آمده باشد وبایدهمه آنها را چنانکه بود وصف کند ودرآن وصف خود دخالتی مستقیم ننماید و خودرا در صحنه وقایع نیاورد واز خود درباره آن اشخاص یا حوادث داوری نکند .

از کتاب حماسه شروع در ایران

فراری

(افسانهٔ کوهستان)

از : لرمونتوف
ترجمه : دکتر محیی

«هارون» می‌گریخت . تندتر از آهو ،
تندتر از خرگوشی که از شهباز گریزد .
او می‌گریخت از دهشت رزمگاه ،
آنجا که خون چرکسان جاری بود .
پدر و دو برادرش ــ برادران تنی ــ
در راه شرافت و آزادی جان سپردند ،
وسرهای آنها در میان خاك و خون
لگدمال پای دشمن گشت ،
وخون آنها برزمین ریخت ،
تا بازماندگان را به‌کین‌خواهی فراخواند .
اما هارون فراموش‌کرد ، هم وظیفه وهم نام‌وننگ را
تفنگ و شمشیر در غبار کارزار ،
برجای گذاشت و راه فرار درپیش گرفت ....

روز بپایان رسید . مه سپید موج زنان ،
دشت و کشتزار تاریك را
سراپا کفن پوشانید . و از خاوران
باد سردی وزیدن گرفت
و بر فراز بیابان پیامبر ،
هلال زرین ماه به‌آرامی سربرآورد .
تشنه و خسته و جان برلب آمده .
هارون ، خون و عروق از چهره پاك‌کرد .
ودر میان صخره‌های کوهستان ،
ودر روشنائی مهتاب ، زادگاه خود باز شناخت .
آهسته ، دور از دید دیگران بدان نزدیك‌شد.
همه‌جا ساکت و آرام بود .
و از نبرد خونین ، تنها او
با تن سالم بخانه بازگشته بود !

به کلبه آشنائی شتافت ،
که چراغش روشن
و صاحبش در خانه بود .
باروحی آشفته ، آنچنانکه توانست ،
از آستانه در پا بدرون گذاشت .
«سلیم» که سابقا اورا یار خود می‌نامید
اینك اورا نشناخت .
او یکه و تنها در بستر مرگ
آرام و خموش جان می‌سپرد
ــ «الله‌اکبر ! پناه برخدا ازشر شیطان .
فرشتگان خدا از هرگزندی ترا
در امان دارند برای شهرت و افتخار !»
سلیم پرسید : تازه چه خبر ؟
و پلکهای ناتوان را بلند کرد
وبرق امید در نگاهش درخشیدن گرفت .
با تکیه برآرنج ، سر برداشت
وخون دلاوری در واپسین دمش جوشیدن گرفت .
ــ «در تنگنای کوهسار دو روز جنگیدیم .
پدر بر خاك افتاد ، برادران هم .
ومن تنها از رزمگاه جان بدر بردم .

وچون درنده‌ای که تعقیبش کرده باشند گریختم
با پاهای خونین که از سنگریزه‌ها
و بوته‌های خار آبله شده است .
رد پای گرگان و گرازان
مرا به دهکده‌مان راهبر شد .
دشمن همه‌جا رافراگرفته و چرکسها می‌میرند
ای یار دیرین مرا بپذیر ، پناهم ده .
و تالب گور ــ به پیامبر قسم !ــ
مرا خدمتگزار خود ساز .»
مرد محتضر بپاسخ گفت :
ــ « دورشو ، تا چشمم برویت نیفتد !
تو شایسته نفرت و نفرینی !
نه سزاوار پناه و بخشش .
در اینجا برای خائن و خائف جائی نیست !...
هارون پر از ننگ و ندامت

بی‌آنکه از سرزنش پرسر خشم آید
بی‌آنکه لب بسخن بگشاید
آستانه نامطلوب را پشت‌سر نهاد .
و بسوی کلبه دیگر رفت ،
و دمی در آستانه درنگ کرد .
ناگهان خواب تیز پرایام گذشته
بوسه داغ بر جبین سردش زد .
ودلش را روشنائی و شادمانی بخشید.
چنین پنداشت که در دل شب
چشمانی آتشین بامهروناز
در برابرش برق می‌زنند .
باخود گفت : هنوز دوستم دارد
و تنها بیاد من زنده است .... ـ
و خواست وارد کلبه شود ـ صدائی شنید
صدای ترانه قدیمی را .... ـ
ورنگ رخسارش مهتابی شد .
ماه می‌خرامد
آرام و راحت .
ولی جوان رزمجو
به جنگ می‌شتابد
شهسوار پر می‌کند
تفنگش را
ودختر باو می‌گوید :
ـ « عزیزم شجاع باش ،
و خود را به تقدیر سپار ؛
بسوی خاور دعاکن ؛
به پیامبر ایمان داشته باش
و به نام‌آوری بیش از آن .
خیانت‌گر خونی
دشمن را نکشته ،
خود بی‌نام و نشان می‌میرد .
نه بارانها زخمهای اورا می‌شوید ،
ونه درندگان استخوانهای اورازیرو رومی کنند.
ماه می‌خرامد
آرام و راحت
ولی جوان رزمجو
به‌جنگ می‌شتابد .
هارون سرافکنده شتابان براه خود رفت
و قطرات اشک از مژگان
بر سینه‌اش چکیدن گرفت ...
اینك به کلبه اجدادی خود رسید .
کلبه‌ای‌که از خشم طوفانها خمیده گشته
و هنوز فروغ امید بردلش می‌تابد .
دست بر پنجره کوفت ...
شاید در آنجا دستهائی بدعای گرم
در حق او به‌آسمانها بلند است ؟
مادر پیر بانتظار فرزند است .
اما نه‌تنها بانتظار وی !...
ـ « مادر ! در بازکن .
این منم . ره آورد فقیری !
من هارون توام . کهین فرزندت ،
که از میان گلوله‌های بی‌امان روسها
جان بسلامت برده و بسوی تو آمده‌ام . »
ـ تنهائی ؟ ـ تنها !
ـ پس‌کو پدرت ؟ و چه‌شد برادرانت ؟
ـ «آنها کشته شدند .
و پیامبر مرگ آنها را تحسین کرد ،
و ارواح‌شان به فرشتگان پیوست .»
ـ « وتو انتقام خود گرفتی ؟
ـ « نه . ولی چون تیر بسوی کوهستان گریختم.
وشمشیر خود در دست بیگانه گذاشتم .
آمدم تا اشک از دیدگانت بزدایم .
ودر اندوه بزرگ تسلابخش تو باشم .»
ـ « خاموش . ای کافر خائن !
ای ناشایست که از مرگ باافتخار گریختی
ازمن دور شو و یکه و تنها بمان !
من باننگ تو ، ای فراری خودخواه
سنین پیری خودرا سیاه نمی‌کنم .

تو کجا ای برده بزدل و فرزند من کجا ؟»
کلام طرد کننده به آخر رسید
وهمه‌جا را خواب و آرامش فراگرفت .
اما ناله و نفرین و التماس
تا مدتها از پای روزن بگوش رسید.
و سرانجام ضربه کاری خنجر
به‌ننگ فراری تیره‌بخت پایان داد .
سپیده دم مادر کشته فرزند بدید
و بسردی روی ازوی برتافت
وکسی از مومنان دهکده
حاضر به تشییع جنازه‌اش نشد
وخونی که از زخم عمیق او بر زمین ریخت
طعمه سگان همسایه شد .
کودکان بر سر نعش سرد او
بساط بازی و غوغا برافراشتند
و در روایات آزادمردان
داستان ننگ ومرگ فراری زنده ماند .
و روح او از نظرگاه پیامبر
بخواری و بیم دور شد .
هنوز شبح وی در کوههای خاورزمین
بشبهای ظلمانی سرگردانست
و سپیده دم بر حلقه در کلبه
بازاری و التماس چنگ می‌زند .
اما بشنیدن تلاوت آیات قرآن .
دوباره بسایه ابرها می‌گریزد ،
همانگونه که از میدان کارزار گریخته بود .

ترجمه دکتر محیی

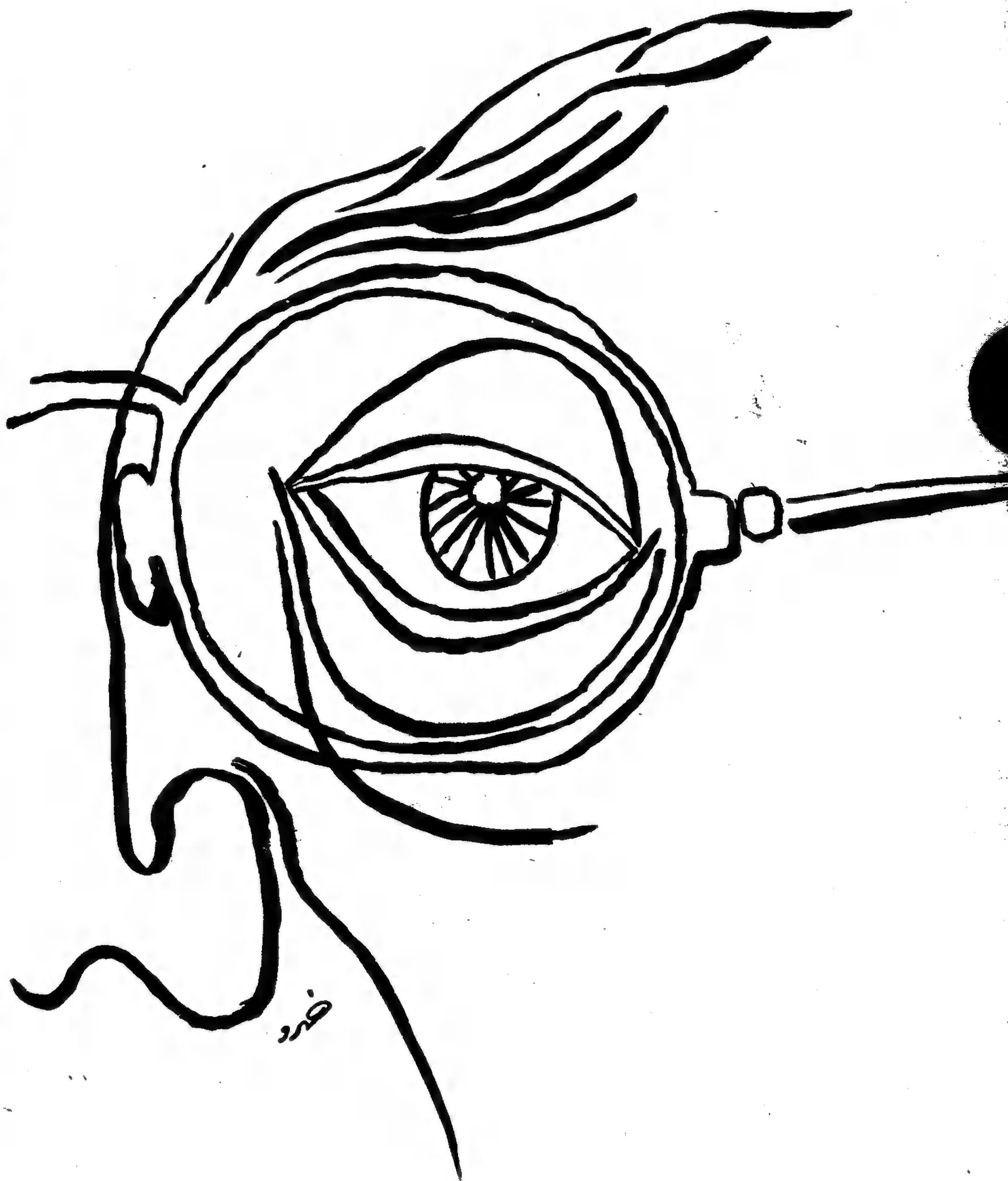
سفر

ای دل ، ای خوکرده باغم سالها !
ای دل ، ای مرغ شکسته بالها !
دردت ای از درد من خاموش‌تر ،
خونت ای از خون من پرجوش‌تر
ـ بی‌کسی ؛ همراز خود نایافته ـ
ـ سوی هرکس هر زمان بشتافته ـ
ـ جز خود ای نادیده محرم درجهان ـ
ـ با خود ای‌گردیده محرم هر زمان ـ
بشنو اینك قصه‌ای غمناك‌تر
از غم پاکت نکوتر ، پاك‌تر
گوش با این قصه دار و شاد باش
یك دم از سودای من آزاد باش
این تو و این او ، بیاد کیستی !
این یك امشب را تو تنها نیستی !
گر مرا جوئی ، مجو دیگر که ما
هر دو دور از یکدگر ناآشنا
هر دو تنهائیم اما گونه‌گون
من بخاکستر نشسته تو به خون

مردم اندر خود طالعم بد ، بخت شور
عمری از شهر عزیزان مانده دور
خواهم اینك پا نهم در راهها
اشکها ریزم برآرم آهها
شهرها بینم بجویم یارها
قصه‌ها خوانم به هریك بارها
تا مگر یابم نشان از بی‌نشان
وآن عزیزان بینم اندر شهرشان

. . . .
. . . .

ای دل ! امشب من سفرها میکنم
بی‌تو خود برآب و آتش میزنم
چون که صبح آید تومانی باز و من
باز تو بی‌یار و بی‌همراز و من
قصهٔ شب کرده‌ات افسون و خواب
من رسیده از سفر چشمان پر آب
«صهبا مقداری»



بررسی سبکهای نثر فارسی

سبك عبارتست از طرز ادای ما فی الضمیر و بیان اندیشه ها وبه این اعتبار سبك امری کاملا شخصی است چون هرکس افکار واندیشه های خود را درقالبی خاص ــ که معلول محیط اجتماعی و طرز تربیت واطلاعات ومعلومات اوست ــ میریزد واین قالب طبعا با قالبی که دیگری در زمان و مکانی غیر از زمان و مکان اول ــ برای بیان همان اندیشه و ادای همان‌مطلب انتخاب می کند متفاوت است .

آن قصه معروف هارون‌الرشید و خواب گزار را همه شنیده‌ایم: هارون به خواب دید که تمام دندانهایش ریخته است و چــون‌در روزگار او به رویا و تاثیر آن در زندگی آینده آدمی اهمیــت فراوان میدادند ، خواب‌گزاری را برای تعبیر این رویا خواندند . وی پس از شنیدن شرح خواب هارون گفت :

ــ زندگانی امیرالمومنین دراز باد ! این خواب بر آن دلالت می کند که تمام خویشاوندان خلیفه پیش از او خواهند مرد!

خلیفه را این تقــریــر بد آمد واز شنیدن این خبر ناراحت شد. فرمود تا خواب گزار را تازیانه زدند و راندند و دیگری رابرای تعبیر رویا خواندند . اما نتیجه امر یکی بود . او نیز از خواب خلیفه همین معنی را استنباط کرد و آن را بااین الفاظ‌بسمع‌خلیفه رسانید :

ــ امیرالمؤمنین رابقاباد !این خواب دلیل آنست که خلیفه را مدت زندگانی از تمام اقــارب و خویشان درازتر است.

هارون سخن او را پسندید واو را خلعت و نعمت ارزانی داشت.

البته دراین مورد ، سخن ازآن کوتاهترست که بتوان بر این طرز تقریر نام سبك نهاد . اما در عین حال می بینیم که دو نفر: یك‌معنی را با لفظهای متفاوت ــ اولی ناخوشایند و زننده ودومی دلپذیرو خشنود کننده ــ بیان کرده‌اند.

در میان دوستان و آشنایان‌خود اگر توجه کنید می بینید که چند نفر یك حکایت کوتاه یایــــك

«لطیفه» را نقل می‌کنند. درکلام یکی ملاحت و روشنی و بلاغتی است که درکلام دیگران نیست. گروهی از مردم افکار و مقاصد خود را با صراحت و روشنی تام بیان می کنند و طوری درینکار مهارت دارند که شنونده با رغبت تمام به بیان ایشان گوش فرا می دارد.

به عکس جمعی دیگر بیانشان تاریك یا ملال خیز و کسل‌کننده است. بعضی دست وپای مطلب را می شکنند و شنونده برای فهم مقاصدشان ناگزیر از سؤال کردن و خواستن توضیحات بیشتری است و برخی آنقدر مطلب را شاخ و برگ میدهند و حاشیه میروندو توضیح غیر لازم میدهند که شنونده را خسته می کنند و گاه خود نیز رشته مطلب را از دست میدهند وچون هنگام نتیجه‌گیری نرا رسید از بس دراز سخنی کرده‌اند مقدمه‌یی را که چیده‌اند فراموش میکنند.

اینها جنبه هایی از بیان‌اندیشه است‌که در زندگی روزانه خود با آنها مواجه میشویم. اما اگر محیط را چه از نظر زمانی و چه از جهت مکانی وسعت دهیم و گویندگان را در سرزمینی از کرانه سیحون تا ساحل مدیترانه واز ارس تا سرندیب ساکن بدانیم و شیوه بیان مردمی را که ازهزار وکسری سال پیش تا کنون در سرزمینی بدین پهناوری میزیسته‌اند مورد توجه قرار دهیم، اشکال‌کار وتنوع شیوه‌های بیان صد چندان میشود.

تا اینجا آنچه مذکور افتاد، دخالت اخلاق شخصی و خصوصیات ذهنی افراد، در شیوه بیان‌ایشان بود. اما در سبك علاوه بر این مقتضیات و مختصات فردی عوامل گوناگون دیگری نیز دخیل است که‌میکوشیم به سادگی هرچه تمامتر بشرح آنها بپردازیم.

از بسیاری جهات آدمی درطرز بیان‌افکار و اندیشه ها، و ادا کردن آنچه در ضمیر اوست آزاد نیست و آزادی افراد در طرزبیان خویش‌به‌واسطه‌عوامل متعدد محدود میشود:

انسان موجودیست اجتماعی،واین خاصیت اجتماعی بودن، پیش از آنکه انسان انسان شود در او موجود بوده است. مقصود اینست که بشر — از نخستین روزی که سزاوار اطلاق این نام شد — بطور دستجمعی زیست کرده است وهرگز این زندگانی اجتماعی معلول فکر و اندیشه قبلی و «قرارداد اجتماعی» و فهمیدن برتری زندگانی دستجمعی به زندگانی انفرادی نیست. بسیاری جانوران خیلی پست مانند حشراتی ازقبیل مورچه و موریانه و زنبور عسل زندگانی دستجمعی دارند. فیلها و میمونها و شکارهای کوهی و دشتی به صورت گله ها و دسته‌ها زیست میکنند. آدمی نیز ازین قبیل موجودات است. این زندگی اجتماعی که‌جبلی وفطری‌بشرست واز قدیمترین روزگار در طبع‌وی مضمر شده، باعث شده است که آدمی بطور اجتماعی نیز فکر کند، وبنابراین برای ادراکها وانفعال های او قالب های خاص وشکلهای معین — از پیش — وجود داشته است.

آداب و رسوم و سنن، طرز استعمال و معانی حقیقی و مجازی لغات، و مقررات اجتماعی که‌فلان کار یا فلان لفظ را بد یا خوب میداند، پیش از بدنیا آمدن من و شما بوجود آمده است، وهمین قالب های از پیش‌ساخته شده — که آدمی ناگزیر افکار و اندیشه‌های خود را برای بیان در آنها می‌ریزد — و همین عواملی که پیش از وجود یافتن افراد در اجتماع موجود بوده است ماده اولیه سبك را تشکیل میدهد وهر نویسنده و گوینده برای بیان مافی‌الضمیر خویش چیزی جز این مصالح در اختیار ندارد.

اگر زبان نویسنده و گوینده — که طبعا وی در وضع آن دخالتی نداشته است — بدوی و خشن واز لحاظ تعبیرات دقیق فقیر باشدو متکلمان بدان زبان سابقه تاریخی طولانی و تمدن درخشان نداشته باشند خواه ناخواه نویسنده‌یی که مطالب خود را بدین زبان بیان میکند نوشته‌اش بدوی و خشن و عاری از لطافت و رقت و دقت تعبیر خواهد بود. درین زمینه مثالی بزنیم:

زبان عربی، زبانی است دارای کلماتی که قسمت اعظم آن وزنهای معین دارند و بایکدیگر هموزن و هماهنگند.

ازین گذشته کلمات این زبان‌به علت وجود افعال ثلاثی مزید و رباعی ورباعی مزید و اسمهای‌چهار حرفی و پنج حرفی دارای سه یا چهار یا پنج هجاست، به عکس زبان فارسی که قسمت اعظم آن کلماتی است دارای کمتراز سه هجا که قالبها و اوزان مخصوصی هم ندارد. بسیار روشن است که زبان عربی صنایع لفظی، آوردن جمله های متوازی و متوازن و سجعها و قافیه ها را بسهولت قبول و تحمل میکند. کتاب مقامات حریری که سراسر آن آکنده ازینگونه صنایع لفظی است، در لغت عرب و نزد عربی زبانان قبول عظیم یافت و مورد توجه قرار گرفت و هنوز که‌هنوز است شاگردان مدارس کتاب حریری را میخوانند و از بر میکنند و ازآن لذت میبرند.

اما در زبان فارسی، شخصی‌به نام قاضی حمیدالدین از فضلا و ادبای بلخ (در نیمه قرن ششم هجری) چون قبول عامی را که مقامات حریری یافته بود دید، بدون توجه به روح زبان فارسی و مقتضیات آن کتاب مقاماتی بنام مقامات حمیدی انشا کرد وشاعران معاصر وی — از جمله انوری— چون آن تصنع و تکلف را دیدند هرسخن را بجز قرآن یا حدیث مصطفی در برابرمقامات‌حمیدالدین ترهات واباطیل خواندند.

اما ذوق عمومی مردم فارسی زبان این کتاب را — که به یقین وقت بسیار در نوشتن آن‌صرف شده بود — نپسندید و مقامات حمیدالدین به زودی از نظرها افتاد و فراموش شد، اکنون نیز اگر کسی مقامات حمیدی را بدست گیرد و یکی دو مقاله از آن را بخواند از یکنواختی و تصنع و اغلاق آن ملول میشود و بی‌اختیار آن را به گوشه‌یی پرتاب میکند زیرا در آن جمله های مصنوع‌و ناهموار و یکنواخت — مانند تلقینی که گورکنان در هنگام پوشاندن قبر و نهادن سنگ لحد، با صدای منجمد و یکنواخت وبی تاثر خویش بر مردگان میخوانند — ذوق خواننده را آزار میدهد و تساوی آهنگ جمله ها مانند صدای یکنواخت چکش کارگران بازار مسگرها گوش او را میخراشدو ادراکش را رنجه میدارد.

پس از حمیدالدین مدتها این شیوه متروك بود ویك قرن بعداز انشای مقامات سعدی‌با آشنایی عمیقی که به زبان فارسی و ذوق مردم فارسی زبان داشت، آن شیوه را مورد نقد وبررسی وتامل قرارداد. آنچه را که در آن برای ذوق همزبانان خود نامناسب یافت به دور افکند و آنچه را که ملایم طبع انسان‌یافت نگاه داشت و کتاب گلستانی تصنیف کرد که «باد خزانرا بر ورق آن‌دست‌تطاول نباشد و گردش زمان عیش ربیعش را به طیش خریف مبدل نکند.»

گلستان صورت تکامل یافته‌مقاله نویسی در زبان فارسی است. کتابی است که در آن مقاله نویسی‌عربی، بادخل و تصرفهایی که در آن‌شده است با ذوق وقریحه فارسی‌زبانان تطبیق داده شده است. اینك اگر عرب زبانی متوجه شهرت فوق — العاده‌گلستان در نزد فارسی زبانان شود و به جای تصنیف کتابهایی نظیر مقامات بدیع‌الزمان همدانی و حریری، چیزی نظیر گلستان و با تقلید صرف از آن، به زبان عربی بنویسد، بدو آن رسد که به قاضی حمیدالدین رسید!

***

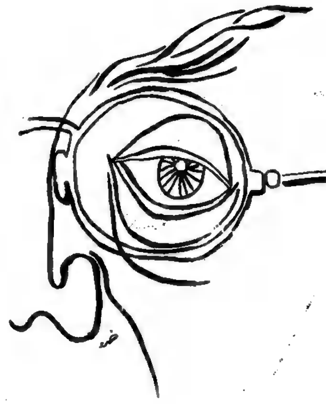
بارها دیده‌اید که وقتی شعری را از یك زبان بیگانه — حتی‌زبان عربی که بازبان فارسی دری بعد از اسلام پیوند بسیار نزدیك دارد وبسیاری از مضامین این دو زبان در یکدیگر راه یافته است — به فارسی ترجمه میکنند، خواننده آن لذتی راکه از مطالعه یك شعر فارسی، یا خواندن همان شعر به زبان اصلی میبرد، از خواندن ترجمه آن نمیبرد؛ ولو آنکه در ترجمه رعایت امانت و حتی قواعد فصاحت و بلاغت نیز شده باشد.

این قاعده در باب شعر فارسی نیز — وقتی به زبانی دیگر ترجمه

شد ــ صادق است . کسانیکه ترجمه یك غزل حافظ را به عربی یا فرانسه یا انگلیسی خوانده‌اند نیك میدانند که بین متن و ترجمه آن تفاوت از زمین تا آسمان است .

ترجمهٔ **فیتزجرالد** از رباعیات خیام بدین جهت در میان مردم انگلیسی زبان مقبول طبع خاص و عام افتاد که وی رباعیهای خیام را خوانده و مقصود وی را دریافته و آنگاه خود شعری قریب بدان مضمون سروده ؛ چنانکه گویی در سرودن آن به هیچ مطلب ومضمونی نظر نداشته است . قوی ترین‌دلیل این ادعا آنست که با مطالعه ترجمه **فیتزجرالد** به زحمت میتوان رباعی اصلی‌راکه شعر **فیتزجرالد**«ترجمه» آن است باز شناخت .پیش ازین شاعر ، و بعدازو ، بسیار کسان رباعی های خیام را بادقت وامانتی بیشتر لفظ به لفظ وحرف‌بحرف‌به زبان های انگلیسی و فرانسوی و آلمانی بر گردانیده‌اند بی آنکه عشری‌از اعشار توفیق **جرالد**نصیب آنان شود !

علت این امر خیلی ساده‌است. آن‌تناسب‌لفظی و معنوی وهماهنگی و موسیقی کلمات و ملاحظات‌لفظی و معنوی را که شاعر فارسی زبان در هنگام سرودن شعر خویش در نظر میگیرد ، هرگز نمیتوان به زبانی دیگر نقل کرد . وقتی شعر حافظ را کلمه به‌کلمه بزبان فرانسوی بر میگردانیم آن آب لطفی که از نظم وی میچکد بر خاك میریزد و اثری از آن بر جای نمی ماند . کلمه « مغبچه» یا « پیر مغان » یا «رند عالم‌سوز» یا «محتسب » در زبان فارسی‌سابقه هزار ساله دارد وسیر معنوی‌خاصی کرده و آنقدر دهان به دهان و سینه به سینه نقل شده است تا امروز از آن معنی لطیفی را که مراد گوینده صاحبدل آن بوده است در می یابیم ؛ در صورتی که در زبان فرانسوی هرگز این‌سابقه هزار ساله واین تحول معنوی‌پشت سر کلمه معادل «مغبچه » نیست تا فرانسویان از آن همان چیزی را بفهمند که ما از «مغبچه » ادراك میکنیم و عکس قضیه نیز صادق است . در زبان فارسی‌کلمات شب وشاهد و شمع و شراب و



بررسی سبکهای شعر فارسی

شیرینی در مصراع معروف سعدی « شب است و شاهد و شمع وشراب وشیرینی » موسیقی خاصی دارند که هرگز معادل آنها در زبان انگلیسی این هماهنگی را ندارد. در آن زبان هم کلمات دیگری با یکدیگر این موزونی وتناسب را دارند که‌اگر آنها رابه فارسی در آوریم از قبیل ماست و دروازه‌و کلنگ و بی وفایی میشود !

بنابراین اگر فرانسوی زبانی ترجمه حافظ یا فارسی زبانی‌ترجمه آثار راسین را میخواند واز آن لذت شعر اصلی را نمی برد، یگانه علت آن **اختلاف سطح ذوق‌و سلیقه شاعر ومترجم** نیست و اگر چه این امر نیز خود علتی بشمار میآید ؛ اما علل و عوامل دیگرکه عبارت از ترقی تمدن و تغییر زبان واختلاف محیط و دوگونگی طرز استعمال کلمات و معنی های حقیقی و مجازی دو کلمه یا دو ترکیب معادل یکدیگر در دو زبان، وتفاوت آداب و رسوم و سنن ،و اختلاف مقررات و اوضاع اجتماعی و بسیار علتهای دیگر درین کار دخالت کرده و مانع آن‌شده است که فی‌المثل ترجمه فرانسوی شعر حافظ از لحاظ مزایای معنوی و زیبائی و لطافت و دلنوازی ورقت بااصل آن یکسان از کار درآید.

اختلاف سبکهای گوناگون،مانند اختلاف قیافه و تفاوت شکل بینی و رنگ پوست و موی افراد بشر امری طبیعی و عادی است به‌نحوی که خلاف آن ــ مانند شباهت فوق‌العاده دو تن به یکدیگر ــ عجیب و خارق العاده است .

اما بااین مقدمات ، وبا توجه بدین نکته که گفتیم سبك امری خصوصی و شخصی و زائیده عوامل خاصی است که در افراد و زمانهاو مکانهای مختلف متفاوتست ،چگونه است که در ادبیات اروپائی فی‌ــ المثل از سبکهای رمانتیسم و رآلیسم‌وناتورالیسم‌و درشعر فارسی مثلا ــ از سبکهای خراسانی و هندی ــ سخن به میان میآوریم وبه آنها جنبه عمومی واجتماعی می دهیم ؟!

جواب این سئوال بسیار ساده است : استادان بزرگ ، درپرتودها و نبوغ خود مکتب هایی پدید آورده‌اند که عده‌یی از طالبان را شیفته خود میسازد وبدنبال خویش میکشد و شاگردانی تربیت میکنند که بی چون و چرا نظر استاد را میپذیرند وبدان تن در میدهندو استعداد خود را در تابش نور دهاء و حسن تشخیص وی تربیت‌میکنند و آن را جز در جهتی که استاد تعیین کرده است سوق نمیدهند . ازینجاست که گاه ممکن است **طرزکار** و به تعبیر بهتر **سبك**استاد از شاگرد به دشواری تمیز داده شود .

درمدرسه‌ها و محافل اجتماعی ــ خاصه در میان جوانان ــ کسانی را دیده‌اید که فریفته شخصیت و طرز رفتار و گفتار کسی که بسن و عقل از ایشان برترست میشوندو از آنان تقلید میکنند ومیکوشند تا مانند ایشان لباس بپوشند و راه بروند و حرف بزنند و چندان‌درین کار مبالغه میکنند که اگر « سرمشق» ایشان نقطه ضعفی‌داشته باشد آن را نیز بر خود می‌بندند و در آن مداومت میکنند تا رفته رفته این عادت طبیعت ثانی ایشان شود ؟ وقتی چنین تقلیدی در کارهای‌ظاهری و حرکات وسکنات و رفتار و گفتار گروهی مشاهده شود ، چگونه در امور معنوی و کارهایی که ذاتاآموختن و سرمشق گرفتنی است این پیروی واقتدا باستادان صورت نگیرد ؟

برای این نوع تقلید در هنر نقاشی‌که اثر آن ظاهرتر وپایدارتر است مثالهای فراوان میتوان جست و تابلوهایی میتوان یافت که تشخیص اصل از بدل و مشق از سرمشق جز به وسایلی از قبیل تعیین مدت قدمت و تجزیه رنگها و نظایر آن امکان ندارد . در شعر ونثر نیز یافتن اینگونه‌نمونه‌ها چندان دشوار نیست . بسیاری از غزلهای **فروغی بسطامی** هست که اگر آنها را به سعدی نسبت دهند کسی در آن تردید نمیکند ؛واگر قصیده‌یی از **سروش اصفهانی** را (از آن قصاید که به تقلید از فرخی سیستانی سروده‌است) در دیوان فرخی بگذاریم کسی نمی تواند آن را بیرون آورد درحالی

که این دو شاعر با یکدیگر نهصد سال فاصله زمانی و **چند فرسنگ** اختلاف مکانی داشته‌اند ! **از میان** کارهای نقاشی استادان اروپایی‌نیز بسیاری از تصاویری که امضای **روبنس (Rubens)** در ذیل آنهاست کار خود استاد نیست و قسمت عمده تابلوهائی که به عنوان کار رافائل عرضه میشود پرداخته ژول‌رومن **(Jules Romain)** است .

بدین ترتیب ، **وبا درنظرگرفتن این عوامل است که سبك جنبه فردی و شخصی خویش را ازدست میدهد** وآنگاه ما میتوانیم از سبك خاصی که در دوران تاریخی‌معین پدید آمده است گفتگو کنیم واز **سبك عراقی** در شعر فارسی یا **سبك رنسانس** در نقاشی اروپایی سخن در میان افکنیم .

با اینهمه نه چنین است که‌چون پای سبك دوره‌یی خاص در میان آمد ، و مختصات عام آن سبك شمرده شد ، دیگر گفت و گویی‌از سبك خصوصی اشخاص در میان نیاید ؛ زیرا در عین حال که عده‌یی از شاعران یا نویسندگان پیرو وهوادار سبکی خاص‌هستند، بمقتضای اخلاقی که در محیط زندگی خصوصی و معلومات و اطلاعات و تحصیلات وسلیقه‌شخصی ایشان وجود دارد ، خواه ناخواه سبك آنها با یکدیگر اختلاف پیدا میکند . البته این اختلافات آنقدر کلی نیست که بتوان آن‌را سبکی جداگانه نامید ؛ اما هرچه باشد باز اختلاف و دوگونگی‌است و همین اختلافهاست که در چهار چوبه اصلی یك سبك کلی سخن یك گوینده یا نویسنده را ازکلام گوینده یا نویسنده دیگر ممتاز و مشخص میکند .

برای تشخیص اینگونه ویژگیها دقت و کنجکاوی فراوان لازم‌است وحتی گاهی کمتر یازیادتراستعمال کردن چند کلمه عادی یك زبان مایه تشخیص و تمیز دو نوشته‌از یکدیگر میشود .

شك نیست که تحولات دستوری زبان ، وتغییر مجموعه لغت ها و اصطلاحات آن و نیز مجموعه آمال و آرمانها و سرشت یك قوم، و مکان جغرافیائی ، و عصری که در آن زیست میکنند از جمله عواملی است که بر روی سبك تاثیر انکار ناپذیر دارد . مثلا در قرن چهارم هجری در خراسان هنوز آنقدر لغت عربی داخل‌زبان دری‌نشده بود که نویسنده یی بتواند بیش از نیمی از اثر خود را به لغات عربی اختصاص دهد. به همین مناسبت است که اگر فرض کنیم **ادیب‌عبدالله‌بن‌فضل‌الله** شیرازی ملقب به وصاف الحضره ۱ نیز اگر در این روزگار در آن سرزمین میزیست هرگز نمیتوانست نثری مانند نثر **تاریخ‌وصاف**‌بنویسد و هیچ‌شاعری در آن زمان نمی توانست به شیوه **طالب آملی** وکلیم **همدانی** (از استادان سبك معروف به هندی) شعر بسراید .

از این روی **سبك** در عین آنکه امری شخصی است به طبیعت و کیفیت **وسایل عمومی‌بیان** که‌در اختیار گوینده یا نویسنده است (و پیش ازین ذکر آن ها رفت) سخت بستگی دارد .

بنابراین در هر دوره از تاریخ تحول و تطور زبان ، قسمتی از سبك در گرو مقررات وقواعدیست که هنرمندان و گویندگان و نویسندگان آن عصر آن ها را وضع نکرده‌اند ؛ در حالی که همین قواعد تا حدی شخصیت هنرمند را در خود فرا میگیرد.

● یکی از علل آنکه درهنگام بررسی سبك شعر یا نثر هر دوره وضع عمومی زبان وتمدن وتحولات اجتماعی ـ تاریخی و فرهنگی آن دوره را مورد توجه قرار میدهند تاثیر این قبیل اوضاع در سبك‌آن عصر است و بدیهی است که وضع زبان ودیگر عوامل ووقایع ــ جز قسمتی بسیار مشخص ومحدود ــ زاده آثار وجودی نویسنده یا نویسندگان آن روزگار نیست و پیش از آن ها وجود داشته است.

● ساختمان زبان و سرشت آن نیز در ماهیت سبك نویسنده دخیل است . هرزبان دارای ساختمانی ویژه است که با ساختمان‌زبانهای دیگر تفاوت دارد . طبیعی است‌که قواعد « نیکو نوشتن »و مقررات مربوط به فصاحت و بلاغت در زبان های فرانسوی و انگلیسی و ایتالیائی یکی نیست . علاوه‌بر‌آن **روح و تاریخ هر قوم و قبیله در تحولات زبان آن قوم نهفته است وهنرنویسندهو طرزبیان‌مافی‌الضمیر** و خلاصه سبك وی ، جز در جهتی که تاریخ زبان و سیر تحول آن ایجاب میکند نمیتواند رشد وتوسعه یابد .

● هر زبان دارای جنبه هایی خاص است که روشهای گوناگون **بیان اندیشه** نیز از همین جنبه‌های خاص سرچشمه میگیرد . این‌جنبه‌ها هرگز و به هیچ روی قابل نقل به زبان‌دیگرنیست؛ **وریشه مختصات بسیار عام سبکهای گوناگون را این جنبه های خاص و غیر قابل انتقال تشکیل میدهد .**

مثلا فصاحت و بلاغت در زبان **یونانی باستان** بر سادگی و روشنی و صراحت تکیه داشت ؛ در صورتی که در زبان **لاتین**‌اساس فصاحت‌وبلاغت متکی بر‌پیچیدگی‌وغموض‌وابهام و بکاربردن لفظهای مطنطن وعبارات مغلق و مشکل و لغتهای نامانوس و جمله های غرا و بسیار لفظ و اندك معنی بود (و همین مختصات که نشانه فصاحت در زبان لاتین بود بعدها بوسیله پیروان سبك کلاسیك به زبانهای اروپائی و خاصه زبان فرانسوی انتقال‌یافت).

عین اختلاف بین زبان فارسی و عربی‌نیز موجود است (بتوضیحاتی که درباره مقامات حریری ومقامات حمیدی دادیم توجه کنید) .

● باتمام این علل واسباب باید به‌یك نکته توجه داشت و آن اینست که :

سبك خاص هر نویسنده یا شاعر، درست در همان نقطه که تسلط اینگونه قواعد و مقررات پایان می یابد آغاز میشود ؛ و گوینده یا نویسنده‌یی را میتوان « صاحب سبك » شمرد که ازین موانع‌گذشته وقید وبندهایی را که سد راه‌تجلی اصالت سبك او میشود پشت سر گذاشته باشد.

---

۱ ــ ادیب عبدالله‌بن فضل‌الله‌ملقب به‌وصاف‌الحضره ازنویسندگان‌معروف دوره مغول و معاصر شیخ‌اجل سعدی است . ازو کتابی عظیم در تاریخ مغول باز مانده است که نام اصلی آن تجزیة الامصار و ترجیة الاعصار و معروف به تاریخ وصاف است . ازین‌کتاب لغات و عبارات عربی و آیات واخبار واحادیث واشعار این زبان‌بحدوفور استعمال شده ومؤلف فضل فروشی را به حد اعلارسانده چندانکه جز روابط و حروف‌اضافه‌در آن لغتی فارسی نیست وبااین‌همه بسیاری از اطلاعات مربوط‌به‌تاریخ ایران در دوره‌مغول منحصرا دراین کتاب ثبت شده ودر هیچ‌جا ی‌دیگر نیست . وصاف‌الحضره‌این تاریخ را به صورت ذیلی بـرتاریخ جهانگشای جوینی (که آن نیز یکی از تاریخهای معروف ومفید دوره مغول است) تالیف علاءالدین عطا ملك جوینی برادرشمس‌الدین صاحبدیوان‌جوینی وزیر معروف و ممدوح شیخ سعدی‌نگاشته است .

ادبیات در عصر سپوتنیک‌ها

بقلم: «ایلیا ارنبورگ»
ترجمه: سقیل

بعض چیزها را انکار نمیتوان کرد مثل اینکه موقع جنگ خوابیدن ممکن نیست زیرا صداها و اخطارها آدم را از خواب میپراند، توفان‌درختهارا از جا میکند ، اگردرهمسایگی انسان کسی به میرد نعش او را ازخانه‌بیرون میبرند یا اینکه طفل نوزاد در آن سوی‌دیوار فریاد میکشد . اما هنرمند ، بدلیل آنکه هنرمنداست ، باید بتواند که حتی صدای روئیدن علفها را نیز بشنود ، ورسیدن بهار را از دانه های برف و پرواز زاغها دریابد. بینش اورا میتوان بدستگاه اشعه‌ی مجهول و قلب اورا به زلزله نگار مانند کرد .

در جهان امروز دیگر گونیهائی پدیدمیآید که بعض آنها نظرها را بخود میگیرد وبعض دیگر از توجه مردم میگریزد. چه کسی است که امروز دیگر به تغییراتی که در زبان سیاستمداران ، دیپلمات ها و روزنامه نگاران حادث شده پی نبرده باشد ؟ حرف زدن از تکمه‌یی که فشار بر آن بمب های هیدرژنی‌را بر سر خصم عقیدتی (ایدئولوژیك) فروخواهد بارید دیگر دارد رفته رفته کهنه میشود . عصر تك گفتار (مونولوك) ها و تقسیم های فردی سیاستمداران دارد جای خود را بهزمان گفتگوها و تصمیم های جمعی میدهد .

گمان میکنید که سخن گفتن از تاثیری‌که پیشرفت های علمی شوروی بر مردم نهاده ضرورت داشته باشد ؟ مردم عادی معمولا بیشتر تحت تاثیر اختراعات سودمند و عملی قرار میگیرند تا کشف های نظری و علمی .اگر بگذشته نظر بیندازیم می بینیم چیزی که بیشتر نظر مردم را جلب کرده است اختراع ماشین بخار بوده است نه نظریه علمی وقوانین «نیوتن »و نکته‌یی که آن‌ها را به تفکر در باره‌ی نیروی اتم واداشته فاجعه‌ی هیروشیما بوده نه شکافته شدن آن بوسیله‌ی تحقیقات «روتر فرد » . ولیکن اکنون دانشمندان ما ابداع و بحرکت در آوردن اقمار مصنوعی‌به توفیق علمی عظیمی دست یافته‌اند که باآنکه نفع عملی مستقیمی برای مردم ندارد ونویدی نیز برای افزودن بر رفاه مادی آنان نمیدهد همه‌ی آنها را زیر تاثیر خود گرفته . جهان وسیعتر گشته و مفاهیم «زمان »و«بی نهایت» دیگر گون شده‌است . در زندگی روزانه‌ی



«ایلیاارنبورك» ستایشگروجمع‌کننده آثار «پیکاسو» ودوست همرزم «همینگوی» درایام جنگهای داخلی اسپانیا از رمان‌نویسان و ناقدان گرانقدر روس است که در جهان به واسطه‌ی آثاری چون «توفان» و «ذوب‌یخ» وانتقادهایش ازآثارادبی شرق وغرب شده‌است

مردم کشور ما نیز دیگر گونیهای عظیم به وجود آمده است . وظیفه‌ی نویسندگان‌ما فهم درست این دیگر گونی ها واستنتاج های صحیح از آنهاست .

هنراز شناخت و آگاهی مایه میگیرد ومی بالد . نویسنده نمیتواند بدون تحمل عواقب ناخوشایند ، برای مدتی ، هرچند کوتاه، از زمان عقب بماند.باید صریح بگوئیم که در ادبیات شوروی دوره هایی بارورتر ازچندسال اخیر وجود داشته اما این موضوع ، در حد خود اسباب نگرانی خاطر نمیتواند بود زیرا که همه میدانند کتا بها را ساعت های تعیین وقت مسابقات و یا تقویم های زمان نمی‌نویسند کتاب ها را نویسندگان مینویسند و جریان آفرینش هنری از جریان کاریك ماشین‌متفاوت است . آنچه درین میانه مایه‌ی پریشانی خاطر میتواند باشد مغایرت و تفاوتی است که میان توده‌ی عظیم تولید ادبی و رشد روحی و دیگر گونی پدید آمده در ذهن خوانندگان ممکن است وجود داشته باشد .

لزومی ندارد که بیهوده مبالغه کنیم یادل افسرده باشیم . امروز خوانندگان ما،به‌نسبت زمان **تولستوی** ، **داستایوسکی** و **چخوف** ،نه فقط به تعداد بسیار بیشتراند بلکه به مراتب عمیق فکرتر ، متوقع‌تر و مشکل پسندتر نیز شده‌اند ولیکن ، باوجود توفیق‌هایی که در زمینه‌ی آثار ادبی نصیبمان شده‌است ،همگی بخوبی میدانیم به سطح عالی نویسندگان‌پیشین نرسیده‌ایم .

من اخیرا در مجله‌ی (امریکائی) «**ستردی ریویو**» مقاله‌یی زیر عنوان «**نویسندگان و خوانندگان در روسیه**» دیده‌ام که در آن نویسنده‌ی مقاله «**نورمن‌کوینز**» مصاحبه‌یی را که در مسکوبامن در باره‌ی مسائل ادبیات شوروی وامریکا به عمل آورده بود شرح میداد مصاحبه و گفتگوی ما بسیار دوستانه بود .

«**نورمن‌کوینز**» در مقاله‌ی‌خود بسیاری‌از سخنان واندیشه هایی را که من در ضمن صحبت‌مان بااو در میان گذاشته بودم بدرستی منعکس کرده بود ولیکن در بعضی جاها حافظه‌اش چندان به یاری‌اش نیامده بود زیرا که مثلا از قول من نوشته بود که درشوروی

نویسندگانی وجود ندارند که بتوان آنهارا
با « همینگوی » . « شتاین‌بك » ، «فالکنر»
« درایزر » ، « اپتون سینکلر » ، « سینکلر
لوئیس » و دیگر نویسندگان آمریکائی
برابر دانست . من البته به تمام این‌نویسندگان
و به خصوص به « همینگوی » (که شخصا
میشناختمش و دوستش میداشتم) ارج‌میگذارم
اما من در مصاحبه ام از کارهایی که ما
باید بکنیم و از حدی که هنوز برش دست
نیافته‌ایم سخن‌گفته بودم واز « همینگوی » ،
یا ازو کمتر ، به « اپتون سینکلر » اشاره‌یی
نکرده بودم . من نظرم آن بود که رمان‌های
روسی امروز بطور کلی با آثار جاودانی
چون « شنل » گوگول ، « جنگ و صلح »
تولستوی « جنایت و مکافات » داستایوسکی
و « داستان کسالتبار » چخوف قابل قیاس
نیستند .

ظرف چهل‌واند سال ادبیات شوروی به
موفقیت های ارزنده‌یی دست یافته است . من
سرآن ندارم که دراینجا اسم نویسندگان را
قطار کنم زیرا بهرحال ممکن است نام یکی
دو سه تن ازین سیاهه فوت شود .
وانگهی این امکان هست‌که در ترتیب
نام آنان خطایی پیش بیاید و از اینهاگذشته
ما هنوز ترجیحات محلی و بومی خودرا بکلی
از دست نداده‌ایم . من تنها به چند اثرگران
قدر از آثار نویسندگانی که دیگر در کنار
ما نیستند اشاره‌یی می‌کنم مثل « دانشکده‌های
من » و « کسب وکار آرتامانوف » اثر
گورکی ، شعرهای مایاکوفسکی ، «پترکبیر»
و « کودکی نیکیتا » از آلکسی تولستوی ،
داستانهای بابل ، « تاراج » فادیف وشعرهای
یسنین این کتابها بزرگ و ماندنی هستند .
اما همت ما نباید مقصور به برشمردن آثار
بزرگ گذشتگان باشد بلکه باید نیروی خود
را بر سرکار های آینده مترکز کنیم .

امروز میان جوانان شوروی بحثی
درگیر شده‌است که شاید موضوع آن اسباب
تعجب شود : آیا هنر محکوم به نابودی
نیست ؟ آیا براستی هنر برای مردم عصر ما
ضرورت دارد ؟ و این ممکن است بنظر
شگفتی‌انگیز بیاید . چرا باید این سوءال
درین هنگام که جامعه از رفاه بیشتری
بهره‌مند است و بنیان آن از هروقت دیگر
مستحکم ترست به ذهن جمعی‌از جوانان خطور
کرده باشد ؟ این مساله فقط ناشی از پیشرفت
حیرت‌آور دانش و فن نیست . دلیل های
قاطع‌تر و جدی تری مانند اندك مایه بودن
تربیت هنری ، سایه‌گذشته که نیمی نیهیلیستی
نیمی محافظه کارانه است بخوبی آشکار
میباشد .

مهندس جوانی که دریکی‌از شهرهای
بزرگ کار میکرد درنامه‌ی خود نوشته
بود : « البته هنر باگذشته‌ی ممتد خودیکشبه
از میان نخواهد رفت . من دراینجا از دیدن
نمایش محرومم اما در عوض مشترك دو مجله
هستم و مرتب کتابهای تازه را ازکتابخانه
میگیرم . من نیز مانند دیگر کسانی که در
صنایع کار می‌کنند از پیشرفت هایمان و از
مسئولیت هائی که درین زمینه‌ها بعهده‌داریم
به خود می‌بالم اما رفته رفته در ذهن من
سوالی پیدا شده‌است‌که مرتب آن رابادوستانم
درجمع وباخودم درتنهائی درمیان میگذارم.
براستی چه ضرورتی دارد که کسی موفقیت
های تو را ضبط کند ؟ آماز هایی وجوددارد
و مردم نیز خودشان چشم و گوش دارند و
نتیجه‌ی کارها را عیان می‌بینند و درآینده
نیز تاریخ نگاران مطالب را مورد وصف و
شرح قرار خواهند داد » .

نویسنده ی نامه در پایان نوشته‌ی خود
بادلایلی ، که همگی درحد خود درست‌است ،
به این نتیجه رسیده که « هنر عمرش راکرده
است » اما دلایلی که او اقامه کرده بود
بیش‌از آنچه مربوط ذات اصیل هنر باشند به
مطالب فرعی متوجه بودند . نویسنده‌یی که
کاری به جز ضبط ساده‌ی پیشرفت های
دیگران نکند به هواپیمائی میماند که باداشتن
بال و صندلیهائی برای نشستن مسافران و
اتاقکی برای خلبان و حتی جدول پرواز
هرگز از زمین بلندنشود وبه پرواز درنیاید .
ما ساکنان زمین همه از دیدن عکس
سطح نامرئی ماه به هیجان در می‌آئیم .
نویسندگان نیز باید تصویر بعد نهفته وپنهان
روح آدمی را به خوانندگانشان ارائه دهند :
عرضه کردن مطالب ساده و آشکار چندان
ضرورت و خلاقیتی ندارد .
به گمان من ، نقش اساسی و وظیفه‌ی
اصلی ادبیات ، روشن کردن دنیای ذهنی
معاصران انسان است ؛ سخن‌گفتن از اندیشه
ه‌ای خصوصی ، احساس‌ها ، شك‌ها ، امیدها،
شادیها و دردهای آنان و نیز نشان دادن
نیروی عظیم ارادهٔ آنهاکه از بوته‌ی آزمایش‌ها
و محنت‌ها پیروز بدر میآید . دیر زمانی ما
دست اندرکار ساختمان میهن سوویتی خود
بوده‌ایم ، هنوزنیز دست از ساختن برنداشته‌ایم
و تاهنگامی که قلب ما میکوبد و توان در
وجود ما هست ازین مهم غافل نخواهیم ماند.
اما زمانی بودکه اندیشه‌ی مردم میهن‌سوویتی
ما بیش‌از هرچیز متوجه به کار پر زحمت
و توانفرسای « سازندگی » بود . ما همه
در کلبه های گلی و خانه‌های موقت کارگری
زندگی میکردیم . حالا کارهای اولیه‌ی
ساختمان بپایان رسیده و برای مردم ، برای
اولین بار ، فرصت تامل برچگونگی زندگی
و بهتر کردن وارتقاء آن پیش آمده است :
مرحله‌ی ساخت گذشته و دوره‌ی پرداخت در
رسیده . درعین حال برای مردم مسایلی در
زمینه‌ی روابط انسانی ، اخلاقیات ، زیبائی ،
و فرهنگ مطرح شده است . واین خود
امکانات تازه‌یی برای نویسندگان فراهم
ساخته و جهش‌های آفرینشی نویی را میسر
ساخته است .

امروز دیگر ، خوشبختانه ، بجای
ساختن آسمان خراش درمیان خانه‌های گلی
مشغول ساختن خانه های خوب مناسب هستیم
در ادبیات نیز ما احتیاجی به آسمان خراش
هائی که غایتشان خود برخ کشیدن
باشد نداریم ما نیازمند خانه‌ه‌ی مناسبی هستیم
که حیات در درون آنها موج بزند وازگرمی
وجود انسان تابناك باشد . واژه‌ها ، مانند
پول ، مشمول قانون محدودیت انتشارهستند
و ما امروز از تورم و انفلاس لغت های
بادکرده‌ی فصیح ، ایماژه‌ای تصنعی و نطق
های مطول مطنطن که صفحات متعدد آثار
ادبی را فراگرفته‌اند بخوبی خبر داریم .
باید دانست‌که درعظمت راستین فروتنی نهفته

است و علامت عواطف اصیل خودداری در هنگام بروز آنها میباشد .

شاید بعضی کسان تصور کنندکه من در نم « رومانتیك» ها است که سخن میگویم اما « رومانتی‌سیسم » انواع مختلف دارد و نوشته‌ی رومانتیك ضرورتاً ازصنایع پوسیده‌ی بدیعی آکنده نیست و مسلم که نویسندگی انواع بسیار دارد و نویسندگان از یکدیگر تفاوت فراوان دارند اما یك نویسنده از هر نوع که باشد ، مشکل میتواند پیش‌از آنکه به اعماق قلب انسان نفوذ کرده باشد به فراز ابرها صعود کند .

انواع شایع و رایج ادبی ضعیف و کسالتبارند . « هجا » ، مثلا ، از میان رفته است و برداشت نویسندگان از موضوعها بسیار یکنواخت شده است .

این روزها گفته مهشود که نقد ادبی باید در نکوهش و ستایش آثار ادبی راه اعتدال بپیماید . اگر نویسنده‌ی جوانی کتابی منتشر کرد که جالب وگیرا بود البته منقد ناگزیرست نقطه های ضعف آن کتاب را برشمارد اما اگر این کتاب اثری ضعیف و بد بود این سخنان نکوهش آمیز را فقط باید درگوشها زمزمه کرد . البته شك نیست نقد ادبی باید انسانی ، صدیق ، عاری از دروغ زنی ، درشت گوئی واسائه ادب باشد اما این نکات نباید مانع از آن شود که نوشته‌ی منقد جاندار ، برانگیزنده وبالاتر از همه ، جدل‌انگیز باشد .

وقتی چند نفری باهم دوستانه درکناری جمع آمده‌ایم و درباره‌ی اثری سخن میگوئیم همه باهم جدل می‌کنیم و در اثبات سخنان خود ، پرشور ، دلیل میآوریم زیرا که سلیقه‌ی هرکس با فردیت و شخصیت اوپیوند دارد واز اشتیاق ویا احیانا نفرت های اوکه پیش‌از آنکه به زبان مربوط باشند به دل و جان وابسته‌اند آب میخورد اما نمیدانم چرا هنگامیکه نظر خودرا درباره‌ی کتابی کتباً اظهار می‌کنیم بجای آنهمه شوروصمیمیت یك قضاوت خشك می‌نشیند وبحث ودلیل‌آوری می‌پژمرد و از میان میرود . نویسندگان جوان به حال خود رها میشوند و بعض‌آنان ، که زرنگتراند یا باید گفت ناتوان تراند به مرور ایام باین نتیجه میرسند که بهتر است درباره‌ی امور شناخته شده‌که مستلزم خطر نیست و سرو صدای کسی راهم در نمیآورد چیز بنویسند .

نویسندگان جوان نه فقط باید باکوشش بسیار رازهای هنر خود را نیك فرابگیرند بلکه باید ناگفته‌ها را بگویند و موضوع‌ها و قهرمان‌ها و سرانجام « خود » راکشف کنند. و براین مهم تنها از طریق عشق ورزیدن به زندگی میتوان دست یافت ــ ازطریق شریك شدن دراحساس‌ها و شورهای مردم وآمیختن با آنها در هنگام کار و تعطیل شان . در مقاله‌یی که به مناسبت انتشار کتابی از یك نویسنده‌ی جوان نشر شده بود خواندم که نوشته شده بود : « اثری است نسبتا ضعیف . داستان باید پرداخت بیشتری میخورد » البته داستان ، به راستی ، ضعیف بود اما کتاب با مهارتی آن چنان نوشته شده بود که « بی‌احساسی » و « تاثر ناپذیری » نویسنده را از دید ناقد بی‌علاقه پنهان داشته بود . چیزی که این‌کتاب کم داشت « پرداخت » نوشته نبود انسانیت و حس همدردی در نویسنده بود .

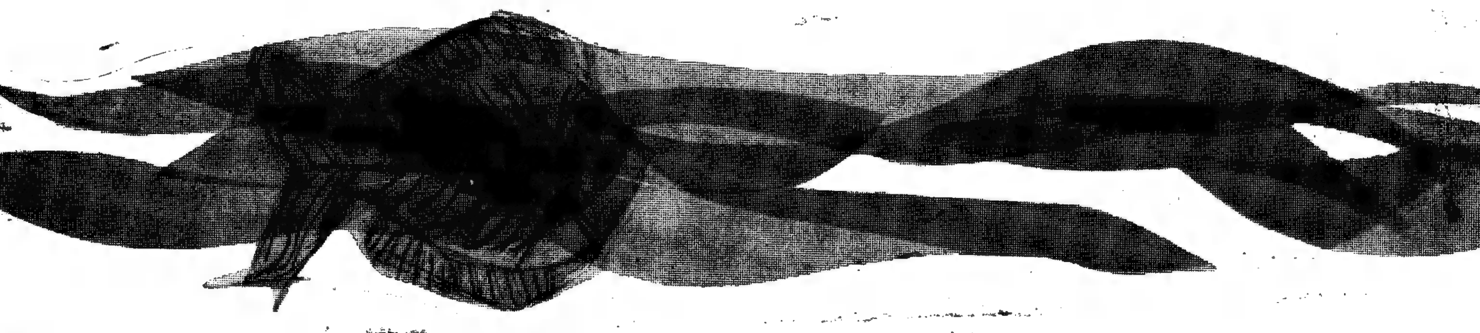
این یکنواختی کشنده حتی در جزئیات نوشته‌ها نیز راه یافته است : درشعرها و داستانها همیشه خورشید عالمتاب میدرخشد و دانه های سپید برف چشم را خیره میکند وکمتر اتفاق میافتد که ، مثلا ، باران ریزی فروببارد . و میگویند که سبب این امر « خوشبینی » نویسنده است . اما به نظر من « خوشبینی » نویسنده نباید صرفا با ذکر چگونگی آب و هوا و یا گذاشتن یك پایان شاد به نوشته متجلی شود ، « خوشبینی » نویسنده در ذات برداشت او از موضوع و قهرمانان اثرش نهفته است . نویسنده میتواند نسبت به راهی که یك فرد یا یك ملت یا بشریت به طور کلی در پیش دارد ومیخواهد از آن بگذرد « خوشبین » باشد وبا اینهمه از فروباراندن باران ریز و تندی درصحنه های نوشته‌ی خود هراسان نباشد یا از غم و بی‌حوصلگی و اندوه بی‌پایان قهرمانانش حرف بزند .

گفتم‌که رویه‌ی انکارآمیز جوانان‌نسبت به هنر ناشی از ضعف تربیت زیباشناسی‌آنان است و نیمی‌ازین گناه نیز مستقیما بگردن خود ماست . رهبران قوم ، مدیران صنایع ، مهندسان ، کشتکاران سطح زندگی ملت مارا به سرعت بالا برده‌اند واکنون عالمان به فیزیك کیهانی (استرو فیزیك) دارند راه سفر به ماه را هموار می‌کنند . اما مردم کارهای ما را با عادت‌ها و رسوم زندگی روزمره ، بابستگیهای یك نفربا رفقا وفامیلش با حساسیت یا تاثر ناپذیری آدم قضاوت می‌کنند . یك نویسنده ، تا حدودی نه تنها در مقابل خوانندگانش بلکه درمقابل کسانی که نتوانسته در زمره خوانندگان خود در بیآورد مسؤلیت دارد . آیا رسیدن به ماه مهمتر است یا پی‌بردن به شورهای نهفته در قلب انسانی که در خیابان مجاور آدم زندگی می‌کند ؟

من اینها را میگویم برای اینکه طبیعتا خوشبین هستم . من گاه و بیگاه باخوانندگان غیر متعارفی برخورد میکنم . من در مقابل خود نسل جوانی را مشاهده می‌کنم که رفته رفته دارد به پای میخیزد : نسلی که تحقیق می‌کند ، انتقاد میکند ، عشق میورزد ، نفرت میدارد وبا گستاخی به آینده مینگرد . من شك ندارم که از میان این جوانان‌نویسندگان چابك دستی سر برخواهند آورد . هنگامیکه مردم مودب با مردی به سن و سال من روبرو میشوند میگویند : « خیلی سرحال هستی ، از دفعه‌ی قبل‌که دیدمت خیلی بهتری ! »

درست همین طورکه مردم آدمهای پیر راتسلی میدهند ودلگرم میکنند بایك جامعه‌ی پیر نیز رفتاری چنان باید داشت . جهان ما جوان است ؛ هرروز تازه‌که طالع میشود در بطن دنیای ما نطفه‌ی تازه‌ای می‌بندد و افقی نو از امیدهای بی‌انتها و انتظار های بی‌کرانه درمقابل‌ما‌گشوده میشود. سپوتنیك‌ها به گرد زمین میچرخند ، وقت آن است‌که یك « **تولستوی** » یا یك « **چخوف** » تازه پا به میدان گذارد . زیرا ، هراندازه هم که زمین فراخ و قلب آدمی کوچك باشد قلب انسان نیز باید « سپوتنیك » های خود را داشته باشد باید از شعر ، رمان ، پرده های نقاشی و سنفونی‌ها بی‌بهره نماند . امروز ماشین های عظیم در کشتزارها برجای خیش و گاوآهن نشسته‌اند اما هنوز مرد راننده‌ی تراکتور گوش به انتظار نغمه‌ی چنگی است‌که در کانون قلب آدمی احساس های دلپسند برمی‌انگیزد .

(ترجمه سقیل)



ماهی فرزانه

از :

سالتیکوف شدرین

ترجمه :

دکتر جواد محیی

در رودخانه بزرگ ماهی «گل‌خسب» ازپدر ومادری فرزانه بدنیا آمد و در کنار آنها در فراغ بال بزندگی ادامه داد. پدر و مادر از فرط فرزانگی عمری در امن و راحت بسر برده بودند. نه گذارشان به ماهی تابه افتاده و نه طعمه ماهیان بزرگتر شده بودند.

سالها گذشت وچون پدر دریافت که ساعت مرگ فرا رسیده است فرزند را مخاطب قرار دادو گفت:

ـ فرزند، اگر خواهی که دنیا بکامت باشد بهوش‌باش و چشم خرد بازکن!

گل‌خسب جوان از هوش وخرد بهره کافی داشت. با چراغ عقل راه زندگی را روشن ساخت و دید در عرصه‌شطرنج حیات بهرجا روی می‌آورد شهماتش می‌کنند و در رودخانه پر غوغا دوروبرش ماهیان بزرگتر شناورند و او از همه حریفان کوچکتر است. آنها بآسانی میتوانند اورا به‌بلعند ولی او در اینکار ناتوانست. «گل‌خسب» نمی‌فهمید که چرا اصلا باید ماهیان طعمه همدیگر شوند. می‌دید که خرچنگ با چنگهای نیرومند می‌تواند اورا دونیم کند و کنه آبی میتواند بگردنش چسبد و تادم مرگ آزارش دهد. حتی همنوعانش، ماهیان «گل‌خسب» دیگر بادیدن پشه‌ای‌که او صید کرده است گله‌وار برسرش می‌ریزند و صید را می‌ربایند و آنگاه میان خود به ستیزه برمی‌خیزند و درآن میان پشه‌ناچیز را بیهوده ازدست میدهند.

واما آدمیزاد. وه که چه موجود تنگ‌چشم بدجنسی! چه بازیها که برای‌نابود کردن«گل‌خسب» ازخوددرنمی‌آورد؟ دام می‌گسترد، قلاب می‌افکند بهـرحیله‌ای متوسل می‌شود تا او راگرفتار سازد. مگر چیزی مزخرف‌تر از قلاب می‌توان یافت؟ نخی است روی نخ انداخته و قلابی بسرآن بسته و کرمی یا مگسی برسر آن زده و چه ناشیانه اینکارها را انجام داده است! کرم ومگس هرگز بوضع طبیعی نیست. بااینحال‌همین قلاب دمار از روزگار ماهیان درمی‌آورد

پدر، اورا بارها از قلاب برحذر داشته و چنین گفته‌بود:

ـ بیش ازهمه‌ازقلاب بترس! موذیانه‌ترین‌وسیله‌ایست که آدمیزاد باآن به ماهیان می‌تازد. مگسی را درآب رهامی‌کند، گوئی در احسان و نیکوکاری بروی ما گشوده است. میروی آنرا نك بزنی. نك‌زدن همانست و گرفتاری همان!

سپس پدر سالخورده نفس تازه کرده و گفته بود:

ـ روزی چیزی نمانده بود که گذارم بدیگ افتد و بصورت سوپ درآیم . در رودخانه تور انداخته بودند و ماهی میگرفتند. تور را در بستر رودخانه بطول چند (ورست) می‌کشیدند . خدا میداند که در آن روز چندهزار ماهی گرفتار شدند . ماهیان بزرگ ومتوسط، ازهر صنف وهررنگ. ولی تعداد گل‌خسب‌های بدام‌افتاده از شماره بیرون بود . وقتی دیدم کشان‌کشان مرا بسوئی می‌برند دلم از غم‌واندوه مالامال‌شد. غم‌واندوهی که نه آنرا میتوان نوشت و نه در قصه‌ها باز گفت. احساس کردم که بسوئی کشانده‌می‌شوم‌ولی به‌کجا ؟نمیدانستم.

در یك سوی من اردك ماهی بزرگ ودر سوی دیگرم ماهی کپور کشان‌کشان به پیش رانده می‌شدند . باخود گفتم که هم‌اکنون طعمه یکی از این دوماهی می‌شوم . ولی‌آنهارا بامن کاری نبود . زیرا برادرجان درآن دقایق هولناك کسی بیاد شکم خود نیست . اندیشه مـرگ همه را بخود مشغول میدارد ... آری مرگ فرارسیده بود . ولی چگونه و چـرا؟ کسی سردرنمی‌آورد .

باری ... تور را جمع کردند و آنرا بساحل کشیدند وماهیان را بروی علفهای ساحلی ولو کردند . در این لحظه پی بردم که معنی «سوپ‌ماهی» چیست . روی ریگهای ساحلی هیولای سرخ‌رنگی موج می‌زد و غبارسیاهی از آن‌برمیخاست. بحدی داغ و سوزان بود که ماهیان را مدهوش و نیمه‌جان می‌ساخت . با دوری از آب‌حـال تهوع بهمه‌دست داده بود. می‌گفتند این «آتش» است .

روی (الو) میان غبار سیاهرنگ چیزی بودپرازآب گوئی بهنگام طوفان قایقی بر دریاچه روانست . می‌گفتند این «دیگ» است .

ناگهان صدائی برخاست :

ـ ماهی‌ها را توی دیگ بریزید تا سوپ بپزیم !

همه دست بکار شدند تا برادران مارادرون دیگ‌بریزند. ماهی بمحض‌آنکه در دیگ افتد درآب فرو می‌رود . غوطه میخورد و دیوانه‌وار بروی آب می‌آید و دوباره بزیر آب می‌غلطد و سپس خاموش و بیحرکت می‌ماند ودرست در این هنگام پی می‌برد که «سوپ‌ماهی» چیست .

نخست ماهی‌ها را از دم بی‌توجه به بزرگی و کوچکی آنها درون دیگ می‌ریختند سپس پیرمردی که چشمش بمن افتاده بود گفت :

ـ این ماهی ریز برای سوپ چه فایده‌ای دارد . برود خانه‌اش بیندازید تا بزرگ شود .

زیر گوشم را گرفتند و برودخانه‌ام انداختند . و من احمق نبودم درنگ جایز ندانستم مثل فرفره بسوی لانه شتافتم زنم نیم‌جان از درون لانه بادلهره نگرانم بود ....

دیگر چه بگویم ! ازآن‌پس بهرکس‌گفتم سوپ‌ماهـی چیست و چگونه تهیه‌اش می‌کنند کسی در رودخانه بمفهوم سخنم پی نبرد ....

اما گل‌خسب جوان نصایح پدر را بخاطر سپرد و آنها را آویزه گوش خود ساخت . و آنچه پدر پیر به‌تجربه اندوخته بود بکار بست . او «گل‌خسب» تربیت شده و با فرهنگ‌بود و افکار آزادیخواهانه اعتدالی داشت . بخوبی میدانست که ادامه زندگی کار آسانی نیست . باید هشیار بود . باخودگفت «چشم خرد بگشا وگرنه نابود خواهی شد!» وبااین شعارشروع بزندگی کرد . پیش از هر چیز برای خود لانه‌ای ساخت‌که خود بزحمت میتوانست درآن جای گیرد و جز او دیگـری نمیتوانست بدرون لانه راه یابد . یکسال آزگار با سوراخ بینی بحفر لانه پرداخت لانه را کند . وه ، که دراین مدت‌که شبها لای ماسه‌ها و یا زیر علفهای آبی بیتوته می‌کرد چـه ترس ولرز و دلهره‌ای بروجودش مستولی بود . سرانجام‌لانه آماده شد . لانه‌ای تمیز و مرتب که تنها خودش می‌توانست درآن جای گیرد . سپس به برنامه زندگی اندیشید . باخود گفت بهتر است شب‌ها وقتی که انسان و حیوان و مرغ ماهی درخوابند بکار پردازم و روزها در لانه به‌نشینم و بخودبلرزم. ولی آب‌ودانه ضرور است ومن نه جیره و مواجب دارم ونه نوکر و کلفت . ازاینرو ناچارم نیمروز از سوراخ درآیم . دراین موقع ماهی‌ها سیراند و خداکریم است شاید کرم و یا پشه‌ای بتوان صید کرد . ولی اگر چیزی هم گیر نیامد شرط عقل آنست که به لانه باز گردم و همانجا برخود بلرزم . چه بهتر که نخورم و نیاشامم ولی جان فدای شکم نکنم .

این برنامه را بکار بست . شبها سرگرم فعالیت بود . در نور مهتاب آب‌تنی می‌کرد و چون روز می‌شد بلانه بـاز می‌گشت و در آنجا بخود می‌لرزید . فقط ظهرها از سوراخ درمی‌آمد بسرعت شکاری می‌زد و به‌لانه باز می‌گشت . وچون در این موقع پشه از دست گرما بزیر برگ‌ها پناه می‌برد و حشرات دیگر نیز بزیر پوست درختان میخزیدند . لاجرم‌غالبا اوبنوشیدن جرعه آبی قناعت می‌کرد !

باری روزها در کنج لانه می‌خزید و شب‌ها لقمـه‌ای سیر نخورده سر ببالین می‌نهاد و هنوز از خواب‌سیر نشده برجای می‌پرید و بفکر فـرو می‌رفت و باخود می‌گفت : «هنوز انگار زنده‌ام . ولی فردا چه‌خواهد شد ؟.»

سپس خوابش می‌برد بخواب می‌دید که بلیطی خریده و دویست‌هزار برنده شده است . از شادی سراز پانمی‌شناخت و به پهلوی دیگر می‌غلتید وناگهان میدید که نیمی ازصورتش از لانه بیرون افتاده‌است.اگرماهیخواری درآن حوالی‌می‌بود مسلما بانك‌درازش اورا از سوراخ بیرون می‌کشید .

یکبار از خواب پرید و دید درست روبروی لانه‌اش خرچنگی بیحرکت ایستاده و چشمان استخوانیش را بـوی دوخته‌است . گوئی شیفته و مفتون وی‌گشته است . با جریان آب شاخکهای خرچنگ تکان میخورد ترس سراسر وجـود «گل‌خسب» را فراگرفت ! نیمی از روز تاهنگامی که هوا تاریك شود خرچنگ در کمین ایستاده بود و گل‌خسب هی بخود میلرزید .

سپیده‌دم روز بعد هنگامی که به لانه بازگشت پیش از آنکه سر ببالین نهد خمیازه‌ای کشید ناگهان چشمش‌به‌اردك ماهی بزرگی افتاد کـه درست دم سوراخ لانه‌اش ایستاده و دندانها را بهم می‌زند . معلوم نیست این اردك‌ماهی از کجـا آمده بود . ماهی فرزانه سراسر روز از لانه درنیامد وبـاین ترتیب اردك‌ماهی را نیز فریب داد .

ازاین حوادث بارها اتفاق افتاد ولی او باتن لرزان هربار از معرکه جان بسلامت درمی‌برد و باخود می‌گفت :

ـ خدایا شکر ! هنوز زنده‌ام !

ولی تنها زنده بودن کافی نبود . پدرش عائله بزرگی داشت ولی او هنوز زن نگرفته و پدر نشده بود . اما چنین استدلال می‌کرد :

ـ پدرم زندگی را بشوخی گرفته بود . در دوره زندگی وی اردك‌ماهی‌ها رؤفتر بودند و اینهمـه جسارت بخرج نمیدادند . گرچه او خود روزی نزدیك بود گذارش بـه

ماهی‌تابه و کماجدان بیافتد بااینحال پیرمردی پیدا شد کـه نجاتش دهد . امروزه وضع دگرگون شده . ماهیان «گل ـ خسب» نیز خریدار پیدا کرده‌اند . هرچه فکر می‌کنم تشکیل خانواده دراین دوروزمانه حماقت محض است . هر که‌توانست خودش را اداره کند خود کار مهمی انجام داده است .

باین ترتیب «گل‌خسب فرزانه» بیش از صد سال عمر کرد ولی سراسر عمر بجان لرزید . و لرزه از اندامش دور نشد . نه دوستی داشت نه خانواده‌ای . نه‌بخانه‌کسی میرفت و نه کسی بخانه‌اش می‌آمد . دست به ورق‌بازی نمی‌زد . شراب نمی‌خورد . سیگار نمی‌کشید و بدنبال دختران زیبا نمی‌رفت. فقط می‌لرزید و این کلام ورد زبانش بود :

ـ خدایا شکر که زنده‌ام !

سرانجام حتی اردك‌ماهی‌ها به تحسین او پرداختند و گفتند :

ـ اگر همه مثل گل‌خسب فرزانه زندگی کنند رودخانه بهشت‌برین می‌شود ! ولـی این سخـن را نه از روی اعتقاد می‌گفتند بلکه میخواستند او را فریب دهند و وادارش کنند تا از لانه بیرون آیـد ودرحال اورا به‌بلعنـد . اما گل‌خسب بفرزانگی نیت آنان را دریافت و این بار نیز باعقل ودرایت خویش بر دشمنان فایق آمد .

اما پس از صد سالگی چنـد سال دیگر بر «گل‌خسب فرزانه» گذشت کسی نمیداند . سرانجام ساعت مرگ‌فرارسید و گل‌خسب بحال نزع افتاد . درون لانه دراز کشید وباخود گفت :

ـ خدارا شکر که بمرگ طبیعی می‌میرم بهمانگونه‌که پدر و مادرم مردند .

ودر اینحال سخنان اردك‌ماهی را بیاد آورد :

ـ اگر همه مثل گل‌خسب فرزانه زندگی کنند.رودخانه بهشت برین می‌شود . سپس دراندیشه شد و باعقل سلیم‌بحدیث نفس پرداخت . گوئی کسی به‌نجوا زیر گوشش گفت :

ـ اگر کار بدین منوال بگذرد چندی نخواهد گذشت که نسل گل‌خسب منقرض شود . ادامه نسل ماهی پیش‌ازهمه مستلزم تشکیل عائله است ولی این خود به‌تنهائی کافی نیست. قوام و دوام خانواده بسلامت و نیروی افراد آن بستگی‌دارد. ماهی باید در محیط آزاد و طبیعی خود نشوونما کند نه در بیغوله تنگ و تاریك . ماهی باید غذای کافی بخورد و از لطف زندگی دسته جمعی برخوردار شود . معاشرت‌باهمگنان و نان و نمك‌خوردن با یاران و استفاده از خصال نیکوی‌آنان لازمه زندگی است . فقط زندگی در چنین شرایطی نسل ماهی را از گزند انقراض مصون میدارد . کسانی که تصور می‌کنند عزلت‌نشینان وساکنان ظلمتکده‌ها افراد شایسته‌ای هستند سخت دراشتباهند . بدرون سوراخ تاریك‌خزیدن وسراسر عمربرجان لرزیدن باشهامت و شایستگی فرسنگها فاصله دارد . آن‌که به حفره‌ای می‌خزد و از همرهان دوری می‌گزیند عضوبیهوده و بیمصرفی است که جای دیگران را بناحق اشغال کرده‌است .

این افکار چنان درنظرش جان گرفت و گوشههـای تاریك ذهن اورا روشن ساخت که در خود میل آتشین بـه خروج از لانه ورفتن بمیان رودخانه احساس کرد. با خود گفت :

ـ بگذار سوراخ تاریك را پشت‌سر گذارم و درمیان رودخانه به همگنان به‌پیوندم .

ولی درهمان حال ترس بروجودش چیره گشت. بلرزه درآمد و بحال احتضار افتاد .

او که در زندگی ومرگ لرزیده بود . سراسر حیات نکبت‌بار را بخاطر آورد . کدام روز را بشادی بسر آورده وچه دردی از دردمندان دواکرده است ؟ مشاور چه‌کسی‌بوده و کدام کلمه زیبا را بر زبان آورده‌است ؟ کدام ماهی از او خیر دیده ویا کدام یتیم را نوازش داده است . ازحق کـدام بینوائی دفاع کرده است . کیست‌که پس از مرگ اورا بخاطر آورد و اورا به نیکی یاد کند ؟

دریغاکه پاسخ این سؤالات جمله منفی‌بود. او بادلهره عمر بسر آورد و سراسر عمر لرزیده بود حتی اینك که مرگ برسر او سایه افکنده برخود می‌لرزد و نمی‌داند چرا ؟

لانه‌اش تنگ و تاریك است . حتی درون آن جائـی برای جنبیدن نیست . نه نور خورشید بدان می‌تابد و نه در آن گرمی احساس می‌شود . و او درایـن دخمه مرطوب و کثیف دراز کشیده ومنتظر است تامرگ گرسنه‌کی وچگونه او را در کام خویش کشد ؟

صدای بال ماهیانی را شنیدکه ازکنار لانه‌اش‌می‌گذرند. شاید هم آنها ماهیانی از نوع و نژاد او هستند ولی هیچیك توجهی به او ندارند . حتی کسی مایل نیست از این «ماهـی فرزانه» بپرسد که چگونه و باچه تدبیری توانسته است بیش از صد سال عمر کند نه طعمه ماهیان درنده شود نه گرفتار خرچنگ بی‌رحم . نه بدام ماهیگیر افتد و نه اسیر قـلاب ماهیگیری .

ماهی‌ها بی‌اعتنا می‌گذشتند . شاید هم نمی‌دانستند که‌در این دخمه تاریك «ماهی‌فرزانـه» زندگی را دارد به پایان می‌آورد .

آنچه بیش از همه «گل‌خسب» را رنج میداد این بود که‌کسی اورا «فرزانه» خطاب نمی‌کـرد . فقط در حق او می‌گفتند :

ـ احوال آن احمق نگونبخت را شنیدی‌که نه خوردو نه‌آشامید ، نه باکسی ملاقـات کرد و نه باکسی نان و نمك خورد . و فقط در اندیشه دوام زندگی بیهوده خود بود ؟...

ماهیان دیگر او را ابلـه ورسوا می‌نامیدند و تعجب می‌کردند که رودخانه بزرگ چگونه این چنین لعبتی را در آغوش خود پرورده است .

«گل‌خسب فرزانه» بدین منوال عقل خودبکارانداخت و چرت زد . نه آنکه واقعا چرت زند بلکه گرفتار رخوت و نسیان شد . ناقوس مرگ در گوشش بصدا درآمد و طنین‌آن در سراسر وجودش پیچید . یکبار دیگر خواب طلائی سابق را دید . دید که دوباره ۲۰۰٫۰۰۰ در بخت‌آزمائی‌برده است و بقدر یك‌متر قد کشیده و اینك خود ماهیان دیگر را فرو می‌برد . بادیدن این خواب پوزه‌اش کم‌کم از حفره به‌بیرون افتاد و بیکبار ناپدید شد . ولی چه اتفاق افتاد ؟ آیا اردك‌ماهی او را بلعید یا خرچنگ اورا در چنگال نیرومند خود فشرد. یااینکه بمرگ طبیعی مرد و آب آنرا بسطح رودخانه راند ؟ شاهدی برای بیان واقع نداریم . بگذار بگوئیم که او بمرگ طبیعی مرد . زیرا برای اردك‌ماهی چه‌لذتی داشت ماهی‌بیمار نیمه‌جانی را به‌بلعد گوآنکه این ماهی «فرزانه» باشد ؟...



دوست یك رنگ

از :
اسکاروایلد
نویسندهٔ ایرلندی

مترجم :
ك ــ یلباك

در روزگاران پیش ، جواز خوشخو و مهربانی بود که باو « **هانس** » می گفتند . **هانس** دوستان فراوانی داشت ، ولی بهترین دوستش مرد فربه‌ای بود بنام «هوگ» که آسیابان پولداری بود .

هانس میدید که آسیابان باو خیلی نظر لطف دارد وهر وقت از جلو باغ او عبور میکند پا بدرون میگذارد تا یکدسته گل حنابی بچیند ، یا چندبسته‌ای نعناع وسبزیجات خوشبو برگیرد یا اگر فصل میوه میباشد جیب هایش را ازآلوچه وگیلاس‌های آبدار لبریز سازد.

آنوقت به **هانس** نزدیک‌میشد و میگفت :

ـ دوستان صمیم نباید چیزی از یکدیگر دریغ کنند!

هانس آهسته سرش را برای تأیید تکان میداد ، تبسم رضایت بر چهره‌اش نمایان میشد واحساس غرور میکرد از اینکه دوستی دارد که چنین آراسته بافکار بزرگ و بخردانه میباشد.

گاهگاهی همسایه ها درشگفت میشدند از اینکه میدیدند آسیابان صدها کیسه آرد درانبار دارد ، شش‌گاو شیرده‌دارد، یك‌گله‌گوسفند مالك است و یك دنیا تمول دارد ... با این وجود هرگزچیزی در برابر این همه بهره برداری، به**هانس** بینوا نمیدهد .

حقیقت این بود که هیچگاه **هانس** برای این چیزها بمغز خود فشار نمیآورد و علت آنراپی‌جوئی نمیکرد.

در عوض شیفته سخنان دل‌انگیز آسیابان بود که همیشه از نداشتن خود خواهی و ناخودپرستی درعالم دوستی ، وعظمیکرد و دهانش پر بود .

بدینگونه **هانس** بینوا سه فصل بهار و تابستان و پائیز در باغ کوچك خود زحمت‌میکشید واز فروش دسترنج خویش‌احساس خوشبختی میکرد . ولی همین که زمستان فرامیرسید ، و او میوه و گلی نداشت ببازار ببرد ، از گرسنگی و سرما بسی رنج می‌برد .

غالبا شب های زمستان‌ناچار بود آشی که از چند گلابی خشك شده و شاه بلوط درست میکرد یا چند گردوی خشك ، بجای شام بخورد ، و نیمه گرسنه وبی آتش سر ببالین خواب گذارد.

ازاین‌گذشته ، در تنهائی بستوه میآمد زیرا دراین فصل ، آسیابان بدیدنش نمیآمد و احوالش را نمیپرسید .

درین فصل (زمستان)آسیابان بزنش میگفت : تا زمانیکه برفها زمین را پوشانده‌اند و هوا سرد است ، بسراغ **هانس** رفتن بیهوده است زیرا وقتی که مردم در ناراحتی بسر میبرند ، بهتراست آنها را بحال خودشان واگذاشت، وباتجدید دیدار آن‌ها را بدردسر نینداخت! ــ اینست‌فلسفه واحساس من نسبت بدوستی و رفاقت‌ومطمئنم که در اشتباه بسر نمی‌برم ... صبر خواهم کرد تا بهار بیاید آنوقت بدیدارش خواهم رفت آن وقت او میتواند یك سبد

بزرگ پامچال و گل های دیگر به من پیشکش بدهد و ازین کار خود لذت‌ببرد.

زن هوگ که معمولاً در گودال صندلی راحتی فرو رفته و در برابر انبوه آتش بخاری (دیواری) نان شکری سرخ‌میکرد، بشوهرش جواب میداد :

ـ تو چقدر برای دیگران با محبت و حاضر بخدمت‌میباشی! نمیدانی ، وقتی از تو می‌شنوم که از دوستی و رفاقت دادسخن میدهی چه اندازه لذت میبرم. مطمئنم کشیش شهر هم که حلقه خدمت و بندگی را بانگشت خود کرد تا با زبانش به مردم‌کمك کند ، نمیتواند بخوبی تو ازین حرفهای با مزه سرهم کند.

روزی ، جوان‌ترین پسرآسیابان گفت :

ـ باباجان ! مگر نمیشود از هانس دعوت کنیم بیاید خانه ما و مهمانمان‌باشد ؟ اگر هانس بینوا ناراحتی دارد ، من حاضرم نصف آبگوشتم را باو تقدیم کنم‌و بعد خرگوش‌های سفیدم رانشانش بدهم تا غصه هایش را فراموش کند .

آسیابان چهره‌ای عبوس‌بخود گرفت وگفت :

ـ راستی تو چقدر احمقی! نمیدانم چه فایده دارد ترابمدرسه بفرستم که آخرش این طوری حرف بزنی ... مثل اینکه توهیچ اززندگی یاد نمیگیری ؟... مگرنه اینست که اگر هانس بخانه ما بیاید و آتش گرم و فراوان ما را به بیند ، آش‌دهن‌سوزوخوشمزه ما را بچشد ، و هم چشمش‌به‌بشکه بزرگ شراب ما بیفتد ... بسا ممکنست براین چیز ها رشك ببرد ، و میدانی که حسادت چیز زشت و ناهنجاری‌است‌واخلاق آدم را فاسد میکند .

از آنجا که من بهترین‌دوست هانس میباشم نباید تباهی اورا بخواهم بلکه باید مواظبش باشم تا بسوی عادات زشت و چیزهای نکوهیده برانگیخته نگردد . گذشته ازاین ، اگر هانس بخانه ما بیاید ممکنست از من تقاضا کند که باو آرد نسیه بفروشم ،واینکار برایم فایده‌ای ندارد زیرا که آرد چیزی است و دوستی چیزی دیگر ، که نباید آن ها را بهم آمیخت و در اشتباه افتاد ... به‌بینم ! مثل اینکه کلمه «آرد» را جوری مینویسند و «دوستی»را جور دیگر ، و معنی شان هم از یکدیگر جداست ، همه کس این مسئله را بآسانی می تواند بفهمد !

زنش در حالی که درلیوان خود شراب میریخت ، با تحسین و ستایشگری گفت :

ـ آنقدر تو خوب و پخته حرف میزنی که من بهوس‌چرت زدن میافتم ! گوئی در کلیسا هستم و گوش بسخنان پدرروحانی سپرده‌ام !

آسیابان چاق ، بادی زیرغبغب انداخت وگفت :

ـ خیلی از مردم نیکوکاری میکنند ولی کسانیکه‌میتوانندخوب حرف بزنند زیاد نیستند این امر نشان میدهد که ازین دو نوع نکوکاری (عملی وزبانی) حرفهای خوب زدن و با زبان‌و دلسوزی کردن ، هم دشوارتر است وهم دلپذیرتر .

سپس نگاهی تند به پسر خرد سالش انداخت طوری‌که‌طفلك از شرمندگی سرش‌را بزیرانداخت، سرخ شد و بگریه افتاد واشکهایش درفنجان چای ریخت ، آن قدر کوچك و دلنازك بود که آدمی ناچار میشد از سر تقصیرش بگذرد .



بهار که فرا رسید ، روزی آسیابان بزنش گفت : خیال دارد بدیدن هانس برود . زنش شادان گفت : چقدر خوش قلب‌ومهربانی! همیشه بفکر دیگران میباشی. آنگاه چابك رفت و سبد بزرگ را برای شوهرش آورد و گفت : یادت نرود این را پر از گل کنی‌و برگردانی .

پس آسیابان پره‌های‌آسیای بادی اش را از حرکت بازداشت و از بالا خانه آسیاب پائین آمد سبد بزرگ و داسی زیر بغل گرفت و براه افتاد .

چون بباغ هانس رسید با صدای بلندگفت: سلام علیکم،هانس عزیز ... هانس که مشغول بیل‌زدن باغچه‌اش بود ، از خوشحالی چهره‌اش بازشد و جواب سلام‌اورا داد .

آسیابان پرسید : زمستان را چگونه سر کردی ؟

هانس جواب داد:

— ای ! هرچه بود گذشت، ولی شما محبت کردید که باحوالپرسی‌ام آمده‌اید ، واقعا بزرگواری است .

اگر راستش را بخواهیداین زمستان خیلی‌سخت گذشت...سخت... ولی خوشبختانه بهار آمد و من از بدبختی رستم وبمرحمت شما گلهایم نیز شاداب مانده‌اند .

آسیابان گفت : میدانی ، ما غالبا درباره تو حرف‌میزدیم‌و از خودمان می پرسیدیم حال‌و احوالت چطور است و چگونه بسر میبری ؟

هانس جواب داد : محبت‌شما پایدار باشد ، بیم داشتم که فراموشم کرده باشید!

آسیابان میان کلامش‌پریدو گفت: هانس مرا به‌تعجب‌میاندازی! مگر دوستی چیزیست که فراموش شدنی باشد ؟! در واقع همین‌چیز است که افسون و زیبائی زندگی را با خود دارد ، و تنها چیزیکه در زندگی ما دلپذیر است دوستی‌و رفاقت میباشد . مثل اینست که تو شعر و صفای دل‌انگیز زندگی را خوب در نمی‌یابی ... راستی! این بوته‌های پامچال باغچه‌ات چه زیبا و فریبنده شده‌است .

هانس گفت :

— در حقیقت زیبا می‌باشند و خوشحالم ازینکه این‌همه پامچال دارم میتوانم ببازار برسانم وبه‌گلفروش آشنایم بفروشم وبا پول آن چرخ دستی‌ام را ازگرو بیرون آورم .

آسیابان پرسید :

— مگر چرخ دستی است را گروگذاشته‌ای ؟ عجب ! چه کارهائی خودسرانه که نمیکنی؟!

هانس گفت :

— درواقع بمیل خودم گرو نگذاشتم بلکه ناچار گشتم چنین کاری کنم .

میدانید زمستان برای من خیلی طاقت فرسا گذشت واصلا پولی برایم نمانده بود تا نان بخرم ، اول مجبور شدم تکمه‌های سردست طلائی پیراهن یکشنبه‌ام‌را بفروشم ، سپس زنجیر نقره‌ای‌که داشتم فروختم ، پس ازآن چپق بزرگ و سر نقره‌ای را آب‌کردم و سرانجام ناچار شدم چرخ دستی‌ام را گرو گذارم ... ولی حالا دیگر، انشاء الله‌خواهم‌توانست همه اینها را پس بگیرم.

آسیابان با قیافه دلسوزانه‌ای گفت :

— هانس ، من چرخ دستی‌ام را بتو میدهم ، برایگان هم میدهم ، راستش بخواهی چندان سالم نمانده ، یك پهلویش افتاده و نمیدانم کجا نیست و نابود شده و قسمتی از چرخش هم شکسته، ولی با این وجود من آن رابتو می‌بخشم ، گرچه میدانم مردم سرزنشم خواهند کرد و کار مرا احمقانه خواهند گرفت که چرخ دستی را از خودم جدا ساخته‌ام ولی من مثل دیگران نیستم‌ومعتقدم که بخشندگی گوهر دوستی است‌و پایه‌ای است که رفاقت بر آن استوار گشته ، ... ازین گذشته، برای کار های خودم یك چرخ دستی نو دارم ، و تو ازین‌بابت میتوانی آسوده خاطر باشی زیرا چرخ دستی کهنه‌ام را بتو میدهم.

در حالی که صورت گرد و قرمز هانس از خوشحالی میدرخشید پرسید :

— واقعا اینکار را میکنید؟ براستی که سخاوتمند میباشید!.من هم بآسانی میتوانم تعمیرش‌کنم زیرا یك پاره الوار صاف‌وحسابی در خانه دارم .

از این کلمه گل از گل آسیابان شکفت و گفت :

— یك تخته صاف ؟ عیناهمین را میخواستم تاسقف انبار غله‌ام را تعمیر کنم ... آخر مدتی است یك شکاف بزرگ در سقف انبارم پیدا شده و بیم آن میرود براثر باران ورطوبت غله‌هایم‌ضایع گردند ، چه شانسی داشتم که تو آنرا بیادم آوردی ! به‌بین‌چقدر آموزنده‌است وچگونه‌یك‌نکوکاری، نکوئی دیگر ایجاد میکند ! . من چرخ دستی‌ام را بتو واگذاشته‌ام،و حالا تو تخته الوارت را بمن میدهی . بی چون و چرا چرخ دستی من بیش از تخته الوار تو ارزش دارد ، ولی آخر دوستی واقعی باین چیز ها اهمیت‌نمیدهد و اینگونه نمی سنجد . مرحمتا برو آنرا بیاور تا بتوانم هم امروز آنرا به سقف انبارم نصب کنم .

بی گفتگو هانس قبول کرد و چالاك بسوی گلخانه‌اش دوید و تخته الوار را از زیر گلدانها بیرون کشید وآورد .

آسیابان نگاهی به تخته صاف و بلند انداخت وگفت :

— اهه ! این تخته الوارکه چندان بزرگ نیست و گمان دارم زور زورکی بتواند شکاف سقف انبارم را بپوشاند ، واگر چیزی نماند تا تو بتوانی بدنه چرخ دستی را تعمیر کنی ، دیگر تقصیر از من نیست،.. تخته‌خودت کوتاه است !

سپس بر کلامش افزود: حالا که من چرخ دستی‌ام را بتو واگذار کرده‌ام ، مطمئنم در برابرش خوشحال میشوی مقداری گل و پامچال بمن بدهی ! بیا ! این هم سبد ، مخصوصا خوب پرو لبریزش کن!

هانس با کمی اندوه پرسید: پر و لبریز ؟! برای اینکه واقعا سبد خیلی بزرگ بود ومیدانست اگر آنرا پر نماید ، دیگر چیزی از گل‌ها برایش نخواهد ماند تا ببازار ببرد وبفروش‌رساند، و خیلی اشتیاق و علاقه داشت‌هرچه زودتر تکمه های سردست طلائی‌اش را باز گیرد .

آسیابان چون‌ناخرسندی‌هانس را دیدگفت :

— از آنجا که چرخ‌دستی‌ام را بتو داده‌ام ، فکر میکنم چندان بی حق نباشم اگر چند شاخه گل و پامچال از تو طلب مینمایم ... شاید در اشتباه میباشم، می‌پنداشتم که دوستی های واقعی ازهرگونه خود خواهی ، و خودپسندی‌برکنار است؟

هانس مهلتش نداد وگفت: دوست بسیار عزیزم ، همه‌گل‌های باغچه‌ام بتو تعلق دارند ، در حقیقت من سخنان خوب ترا بصدتا تکمه طلائی هم عوض نمی‌کنم. و در پی آن دوید و هرچه پامچال و گل قشنگ و شکفته داشت‌چید و در سبد آسیابان ریخت .

آنگاه آسیابان تخته الوارا بدوش گرفت و سبد بزرگ را بدست ، وقتی که از باغ بیرون میشد گفت : بامید دیدار ، هانس عزیز !

هانس ذوق زنان جواب داد: خدا نگهدار سرگرم بیل زدن باغچه‌اش شد و ازینکه صاحب یك چرخ دستی کهنه گشته خوشحال‌و احساس خرسندی میکرد.

روز بعد هانس مشغول‌میخ زدن بدیوار باغچه‌اش بود تاپیچك ها را برآن‌ها بیاویزد ، ناگهان صدای آسیابان بگوشش رسید که او را بکوچه فرامیخواند.

بیدرنگ از نردبام بزیرآمد و به‌ته باغ دوید و ازدیوارکوتاه سرك کشید، دید آسیابان یك‌گونی سنگین آرد بدوش گرفته ، وباو گفت :

— هانس عزیز ، نمیخواهی گونی آرد را برایم ببازاربرسانی؟

هانس گفت : خیلی خیلی متاسفم زیرا امروز بسختی‌گرفتارم، باید هم پیچك‌ها را بدیوارآویزان کنم ، گل های باغچه را آب بدهم و چمن هایم را نیز قیچی کنم .

آسیابان جواب داد:

ــ به‌بینم ! چون‌چرخ‌دستی‌ام مرا مجانی بتو خواهم داد، بنظرم عین نارفاقتی باشد که تو خواهش مرا رد کنی !

هانس ناراحت شد وگفت: هرگز چنین چیزی را نگوئید، بهیچ بهائی میل ندارم در عالم دوستی مقصر قلمداد شوم.

و بشتاب بر گشت کلاه کاسکت‌اش رابسرگذاشت و گونی بزرگ آرد را بردوش گذاشت‌و کشان کشان بسوی بازار براه افتاد .

چون آفتاب پهن گشته وهوا گرم میشد و جاده هم پر از گرد و غبار و ناهموار بود پیش از آن که دو فرسخ راه را به پیماید ، هانس بیچاره از زور خستگی ناچار شد چندین بار گونی آرد را بر زمین گذارد و خستگی‌اش را بیرون کند و باز براه افتد .

سرانجام ببازار رسید وپس از ساعت ها معطلی ، توانست‌آردها را به قیمت خوبی بفروش‌رساند. بدون معطلی براه افتاد تا هرچه زودتر بخانه بازگردد ازترس اینکه مبادا شب شود و دزد ها در راه لختش کنند .

شب که میخواست بخوابد، (هانس) با خودش میگفت :

ــ گرچه روزدشواروطاقت‌فرسائی بود ، ولی خوشحالم که خواهش آسیابان را برزمین نینداختم زیرا که او بهترین دوست من میباشد ، گذشته ازین او چرخ دستی‌اش را بمن خواهد داد.

بامداد روز دیگر **آسیابان** آمده بود پول گونی آردش را دریافت دارد ، اما هانس آنقدر خسته بود که هنوز از خواب بیدار نشده بود .

آسیابان صدایش را بلند کرد که :

ــ راستی راستی ، تو خیلی تنبل شده‌ای ! ازآنجائیکه من چرخ دستی‌ام را بتو واگذارخواهم کرد، می‌پنداشتم تو سخت‌تر بکارت خواهی چسبید ، مگر نمیدانی‌که تنبلی گناهی بزرگ و نابخشودنی بشمار میآید ؟ ... من خوش‌ندارم که هیچیک از دوستانم تنبل ولاابالی بار آیند ... واگرفکر وعقیده‌ام را بی‌پرده بتو میگویم نباید از من برنجی ... درواقع، اگر دوست تو نبودم چنین کاری نمیکردم ... آخر دوستی به‌چه درد میخورد اگر نتوان آنچه‌دردل داریم برزبان آریم ؟ ... هرکسی میتواند چیز های خوشمزه و چاپلوسانه بگوید و چرب زبانی کند ، ولی یکدوست واقعی همیشه چیزهای تلخ و ناباب خواهد گفت و ناراحت نمیشود اگر دوستش ازین سخن آزرده گردد زیرا که این کار عین صمیمیت است و خوبی دوستش را می ــ خواهد .

هانس که بیدار شده‌شبکلاهش را از سر برداشته بود وچشمانش را میمالید جواب داد:

ــ باور کنید ، ازین امر خیلی شرمنده‌ام ، ولی آن قدر خسته بودم که بخود اجازه دادم اندکی بیشتر در بستر بمانم‌تاجهچه پرندگان را بشنوم و بر خیزم. میدانید ، من وقتی نغمه پرندگان را می شنوم بهتر می توانم کار کنم .

آسیابان ، ضربه‌ای نوازش‌آمیز به پشت هانس کوبید و گفت:

ــ در این صورت ، خوشحالم که تو با ذوق میباشی ! مایلم‌زودتر لباس هایت را بپوشی بآسیاب آئی و سقف انبارم را تعمیرکنی.

هانس بیچاره که شتاب داشت هرچه زودتر بسروقت باغچه‌اش برود برای این که گل هایش دو روز بود آبیاری نشده بودند و پیچکهایش را به‌دیوار نیاویخته بود ، ولی در عین حال برایش گران می‌نمود که خواهش آسیابان نازنین ترین دوستش را نپذیرد، پس با کمروئی و شرم زدگی پرسید :

ــ فکر می‌کنید ، از سوی من نا رفاقتی خواهد بود اگر بگویم امروز زیاد کاردارم؟

آسیابان پاسخ داد:

ــ در حقیقت فکر نمی‌ــ کنم خدمت بزرگی از توخواسته باشم ! این را فراموش نکن‌که‌من چرخ دستی‌ام را بتو خواهم‌بخشید و اگر هم نیایی من خودم‌سقف انبار را تعمیر خواهم‌کرد.

هانس با نجابت و پشیمانی میان حرفش دوید وگفت :

ــ نه ، هرگز ، هرگز! بهیچوجه نمیگذارم شما این کاررا بکنید . وازتختخوابش بیرون پرید و لباس هایش را پوشید و یکراست بسوی انبار غله‌آسیابان رفت و در آنجا تمام روز کار کرد.

آفتاب که غروب میکرد ، **آسیابان** سری به **هانس** زد تابه‌بیند چه کرده است چون پا بدرون‌انبار گذاشت دادزد :

ــ آیا شکاف سقف را کاملا درست کرده‌ای ؟

هانس که از پله‌های نردبام بزیر میآمد گفت : کاملا تعمیر شد و هیچگونه درز و شکافی ندارد .

آسیابان قیافه دلسوزانه‌و مهربانی بخود گرفت وگفت :

ــ راست گفته‌اند که کار کردن برای دیگران ، همیشه راحت‌تر و فرحبخش‌تر از کار کردن برای خویشتن است !

هانس جواب داد:

ــ بیگمان ، این طوراست! شانس بزرگی‌نصیبم‌گشته که‌میتوانم سخنان دلنشین شما را بشنوم،دریغ! که من نخواهم توانست روزی مثل شما ازاینگونه اندیشه های قیمتی و گرانبها وسخنان خوب پیداکنم .

آسیابان گفت:

ــ ناراحت نباش ! تو هم ازاین تجارب بدست خواهی‌آورد، منتهی باید بیشتر زحمت‌بکشی،فعلا از دوستی و رفاقت ، عملاچیزهائی میدانی راه و رسم آن را ، نظراً نیز فرا خواهی گرفت .

هانس باشوق فراوان‌پرسید: براستی فکر می‌کنیدکه من‌روزی صاحب اینگونه افکار خوب خواهم شد؟

آسیابان جواب داد:

ــ درین باره کمترین‌تردیدی ندارم . حالا که سقف انبار را تعمیر کرده‌ای بهتر است‌زودتر بخانه روی و استراحت کنی زیرا که مایلم فردا گوسفندهایم را بکوهستان ببری و بچرانی !

بیچاره **هانس** بیم داشت در این باره چیزی گوید سرپیچی نماید ، سر بزیر انداخت وبخانه بازگشت .

بامداد روز دیگر ، آسیابان گوسفند هایش را تا نزدیکی باغ فقیرانه **هانس** رسانید و ازآنجا، **هانس** آن را بکوه برد ، آنچنان راه دور بود که تمام روز او صرف چرانیدن‌وبردن‌وبرگردانیدن گوسفند ها شد ، شب که بخانه برگشت چنان کوفته و خسته شده بود که بر روی صندلی خوابش برد و بیدار نشد مگر وقتی‌که آفتاب‌سر زده بود .

چون برخاست ذوق کنان با خود گفت :

ــ الحمدالله که امروز میتوانم بآسودگی بکار های باغچه‌ام بپردازم و بیدرنگ مشغول کارشد .

ولی بزودی سر وکله‌آسیابان پیدا شد و هانس بینوا راباسخنان فریبنده بکاری گماشت . بدینگونه هر روز ، با یك سوء اتفاق و بهم افتادن موانع هانس ازکارش باز میماند و هرگز نتوانست بامور باغچه و گل هایش برسد ، زیرا که دوست صمیمیش هرروزبسراغش میآمد و کار های دشوار وطولانی بگردنش میگذاشت یا اورا بآسیاب می‌برد و بکارش‌میگماشت گاهگاهی که هانس بیاد گل‌هایش می‌افتاد افسرده میشد و بیم داشت که باغچه و گل هایش او را بیوفا پندارند که بکلی فراموششان‌کرده است .

ولی این دلخوشی برایش مانده بودکه برای نزدیك‌ترین دوستش آسیابان خدمتی انجام‌می‌ــ دهد و بخود میگفت : آخر او چرخ دستی‌اش رابمن خواهدداد‌و این عمل، عین‌بخشندگی‌ونکوکاری انکار ناپذیری است .

هر روز **آسیابان** ، **هانس** بیچاره را بزیر کار می‌کشیدو در برابر حرفهای قشنگی باو تحویل میداد و دائم کلمه دوستی و فداکاری ورد زبانش بود . واز آنجا که هانس با سواد بود ، این سخنان‌را بردفترچه‌ای یادداشت

میکرد و شب ها پیش خود باز میخواند .

روز ها گذشتند و زمستان فرا رسید . یك شب که **طوفانی مهیب و سرکش بپا شده بود، هانس دراطاقش پهلوی آتش نشسته** بود .

ناگهان صدای **کوبیدن** در **خانه برخاست** . باد چنان زوزه میکشید وغریو براه انداخته بود که **هانس** پنداشت صدای خروش طوفانست .

اما چون بار دیگر صدای **کوبیدن** در خانه بلند شد، وبار سوم محکمتر از دفعات پیش‌بگوش رسید ، **هانس** بسوی در خانه‌شتافت در حالی‌که با خود می‌اندیشید: بیگمان مسافر بیکسی است که‌امشب درخانه من پناه میجوید !

چون در خانه را گشود ، **آسیابان** نمایان شد که یك‌دستش **یك چراغ** فانوس روشن ،وبدست دیگرش چوبدستی بلندی‌داشت. دربرابر **شگفتی هانس** ، **آسیابان** مهلت نداد و گفت :

ـ **هانس** عزیزم ! امشب ناراحتی بزرگی برایمان‌پیش‌آمده، **پسر کوچکم** از نردبام برزمین افتاده و رنجور شده است.میخواهم هم اکنون بسراغ پزشك روی واو را ببالین پسرم بیاوری ، آخر میدانی که خانه دکتر خیلی دور است و شب هم طوفانی و ناراحت کننده ، بفکرم‌رسید که‌بهتر خواهد بود اگر تو بجای من دربی دکتر بروی ، یادت نرفته که من چرخ دستی‌ام را بتو خواهم‌داد و طبیعی است که تو به تلافی آن باید خدمتی برایم انجام دهی .

هانس مهلت نداد و مشتاقانه گفت :

ـ اختیار دارید ، افتخاردارم که چنین ماموریتی را برعهده من میگذارید ، بدون اتلاف وقت براه خواهم افتاد . ولی لازمست که شما چراغ فانوستانرا بمن بدهید زیرا می‌بینید امشب چنان تاریك است که می‌ترسم در چاله وگودال های راه بیفتم .

آسیابان جواب داد : خیلی متاسفم **هانس** ! ، خودت میدانی که این فانوس را تازگی خریده‌ام، میترسم بلائی بسرش آید و زیان کنم.

هانس نومیدانه **گفت** :

ـ عیبی ندارد ، از فانوس میگذرم . و بدنبال آن بسوی اطاقش شتافت ، کت چرمی‌اش را بتن کرد ، **کلاه پشمی گرمش** را بسر پیچید و شال گردنش را بگردن انداخت و براه افتاد.

طوفان دهشتناك دست‌بردار نبود وآرام نمیگرفت . جاده آنقدر تاریك و ظلمت بار بود که **هانس** چیزی پیش‌پای خود نمیدید و گاهگاهی باد چنان سخت بر او یورش می‌برد که او بزور خود را برپا نگه میداشت باوجود ، شجاعت خود را نمی‌باخت وقویدل گام پیش میگذاشت . بیش از سه ساعت پیاده‌روی بخانه دکتر رسید و در را کوبید .

دکتر از دریچه اطاق‌خوابش گردن کشید و پرسید :

ـ کیست ؟ کی‌درمیزند ؟!

هانس جواب‌داد : منم آقای دکتر ، **هانس** !

ـ چه‌میخواهی هانس ؟

ـ پسر **هوگ** آسیابان از نردبام افتاده ، آسیابان خواهش کرده که هرچه زودتر بخانه‌اش بروید .

دکترجواب داد : بسیارخوب، بزودی حرکت میکنم . آنگاه‌دستور داد اسبش را زین کردند، چکمه هایش را بپا کرد ، چراغ فانوسی گرفت و سوار اسب شده بسوی خانه‌آسیابان پیش‌تاخت . درحالیکه **هانس** بیچاره بدشواری بدنبال‌دکتر قدم برمیداشت و دم بدم از او عقب‌تر میماند .

دراین وقت که طوفان بآخرین حد سرکشی و طغیان خود رسیده بود ناگهان باران سیل‌آسائی آغاز باریدن نهاد . و در مدت کمی آب همه‌جا را فرا گرفت هرچه **هانس** عجله کرد تا خود را بجائی‌رساند بیهوده بود زیرا که راه را گم کرده بود و در جنگل افتاد و هرچند قدم یکبار به چاله آب‌و مرداب برمیخورد . سرانجام درباك باطلاق خطرناك فرو افتاد و غرق شد .

روزبعد که چوپانها از جنگل میگذشتند ، کالبد **هانس** بیچاره را بر سطح آب باطلاق یافتند که غرقه در لای و لجن شده بود . او را از آب گرفتند و بباغ محقرش بردند .

همه همسایه‌ها در تشییع‌جنازه هانس بینوا شرکت کردند زیراکه اورا دوست میداشتند . از حق نباید گذشت قسمت عمده هزینه‌های مراسم‌سوگواری را آسیابان‌پرداخته بود و میگفت:

ـ چون من بهترین دوست هانس مرحوم بوده‌ام ،طبیعی است که در مراسم تدفین او بهترین‌جارا اشغال نمایم !

و درحالیکه خود را در یك قبای سیاه پیچیده بود ، در پس تابوت جلوتر از دیگران حرکت میکرد و هر لحظه با دستمال‌بزرگی که داشت اشکهای خود را میزدود..

چون او را بخاك سپردند دسته‌جمعی بگوشه قهوه‌خانه‌سرگذر برگشتند و بیادبود **هانس** سرگرم نوشیدن چای و قهوه ، و شراب و شیرینی شدند . سرهاکه گرم شد ، آهنگر محله با تاثر فراوان بسخن آمد و گفت :

ـ بی‌چون و چرا ، مرگ **هانس** ، اندوهی جانگداز وتسکین ناپذیر بردل‌ما باقی‌گذاشت زیرا که جملگی او را دوست‌میداشتیم .

سپس آسیابان گفت :

ـ اقلا برای من ، مرگ او فقدانی بزرگ بود ، زیرامن تقریبا چرخ دستی‌ام را باو بخشیده بودم، حالا نمیدانم با آن چه‌کنم ؟

از آنجا که این چرخ دستی محل زیادی را در خانه‌مان میگیرد بستوه آمده‌ایم . و چنان زه‌وار در رفته است‌که اگر بخواهم‌بفروشم پشیزی بمن نخواهند پرداخت بیگمان ازاین پس ، پند خواهم گرفت تابکسی چیزی برایگان‌ندهم. زیرا آدمی رنج می‌برد ازاینکه‌خود را سخاوتمند و بخشنده نشان داده است !

دیگری!

از :
گریگور سهراب
نویسنده ارمنی

مترجم :
آلبرت برناردی

(۱)

«اما» زنی بود از ارامنه کاتولیك که بایك اروپائی زناشوئی کرده بود. زیبابود ؟ ... بدرستی نمیدانم . خیر ، زیبانبود،یالااقل دارای آنچنان زیبائی که‌هنرمندان‌توصیف کرده‌اند نبود .

چهره‌ای تیره رنگ و دیدگانی سیاه داشت. قامت بلندش سبب شده بود که برجستگی های فراوان بدنش بصورت عیب جلوه ننماید اما آنجا که این زن عشوه و دلربائی اش را بجلوه میگذاشت، پاهایش بود پاهایش که همواره در کفشهای زیبائی قرار داشت خوش‌ترکیب‌و خوش تراش بود واو نیز وقت عبور از کوچه و خیابان ببهانه آنکه پاهایش از گردوغبار یاگل ولای‌آلوده نگردد عمدا دامنش را بالا میزد تا با شعف و لذتی وقیحانه‌زیبائی آن‌پاها را عرضه نماید.

این پاها، بازیچه‌هائی کوچك و کودکانه آنطور که شاعران آنها را توصیف کرده‌اند نبوده . بلکه باانداm رشید و سن وسالش ـ مگر نگفتم که حالا بیش از سی سال داشت ـ متناسب بود و هماهنگی‌عالی خطوط وترکیبشان نشان میداد که چیزی بدیع و کم نظیراند.

هرگاه کسی بر طبق قواعد علم روانکاوی که میگویند اعماق روح انسان را میتوان مطالعه نمود،سیمای «اما»رامورد کاوش قرار میداد از یافتن چیزی وحشتناك وهراس انگیز دراین چهره معصوم‌و کودکانه آنچنان دچار ترس میشد که قادربادامه مطالعه‌اش نمیگشت.

زمانی که هنوز زناشوئی نکرده بود در دهکده «اورتا» ویرا زیاد دیده بودم . حالا پس از گذشت سالیان دراز گاهی اورا در خیابان های شهر «حلب» میدیدم . درایام تابستان نیز در «تارابیا» یا «پرینکیپو» که باشوهرش به ییلاق میآمد دیده میشدوپس‌از اندکی ناپدید میگردید .

«اما» از آنهائی نبود که مدتهای مدید در محلی میمانند و بسهولت میتوان ملاقاتشان کرد .

او از زمره آن تصاویر زنانه بود که لحظه‌ای بیش دیده نمی شوند وبهمین سبب بیشتر علاقه وکنجکاوی وانتظار مردان را بر میانگیخت مانند نوری که ناگهان در افق تابیده وخاموش میگرددو «لووریه» هنوز باتمام حسابهای لایتناهی عالم نتوانسته است شعاع آن را بسنجد .

من که گاهی هوس قیافه شناسی ومطالعه شخصیت افراد بسرم میزند هربار که ویرا میدیدم سعی‌میکردم معمای وجود وراز زندگی شگفتی‌انگیزش را کشف کنم.اماهنوز برای ملاقاتش تدبیری نیاندیشیده بودم که ناگهان ناپدید میشد ، پنداری لذت چند ساعت تماشای چهره‌اش را برای کسانیکه فریفته‌اش بودند زیاد میدانست.

(۲)

«اما» ازدواج کرده بود . در عنفوان جوانی ازدواج کرده‌بود. زیرا فرزند بزرگش که پسری سبزه‌روبود ودیدگان مادرش را داشت

سال سیزدهم زندگی را پشت سرگذاشته بود.

زندگی زناشوئی‌اش چیزی جالب توجه نداشت. شوهرش مردی لاغر و نحیف وبیمار بود وصورتی برنگ مس زنگ زده داشت. او ازدواج را فقط وسیله‌ای برای ارضاء غرائز خویش قرارداده بود. «اما »را فقط بخاطر زیبائی‌اش گرفته بود. «اما» مانند دختر یك خانواده متعصب ارمنی کاتولیك با ازدواج بایك اروپائی تمایلات خانواده‌اش را بحد کمال برآورده بود .

شوهرش را باعشقی واقعی دوست داشت و سالهای متمادی‌مانند یك پرستار فداکار بدون گله وشکایت از او مواظبت بعمل آورده بود ودر قبال تعجب و حیرت عامه که اینهمه وفاداری را امری‌نامعقول میدانستند بی اعتنائی نشان داده‌بود .

پزشکان‌از مدتها قبل گفته بودند که شوهرش عمر زیادی‌نخواهد کرد و گوئی مرد بیمار که با تمام نیرویش علیه مرگ مقاومت‌میکرد وبدن استخوانی و چهره پژمرده‌اش را در قبال عشوه‌های دل‌انگیز همسرش بدشواری حرکت میداد از اینکه میدید هنوز پیش بینی پزشکان جامه حقیقت نپوشیده است اظهار خوشحالی مینمود .

هیچگاه بین آنها اختلاف و مشاجره روی نداده بود واین امر نیز مایه شگفتی دوستانشان که مانند همه دوستان ما گوئی همواره بامور غیر مترقبه علاقمند هستند گردیده بود. تفاهم وهم آهنگی حیرت انگیز این زوج برای کسانیکه پیش بینی میکردند از روز دوم ازدواج بین آنها نفاق و نزاع آغاز خواهد شد بهت آورشده بود .

و آنهائی که کوشیده بودند در قلبش راه یابند ومحبتش را بسوی خویش جلب کنند حالا یکی پس از دیگری باخشم و نومیدی راه خود را در پیش میگرفتند .

در میان آنها تنها یکنفر بود که همچنان شیفته دلربائی‌اش باقی مانده بود .

او از رفقای زمان تحصیلی من در مدرسه دهکده «اورتا»بود مانند من فقط از دوربا «اما »آشنائی داشت . دوست من مردی بود سی ساله اما ساده و خوش باور باقلبی صاف که فلز اصیل روحش درخشندگی فراوان داشت و هنوز غبار ناکامی ها و شکست ها آن را تیره نساخته بود .

همواره لباسهای تمیزی در برداشت اما هیچگاه خود را زیاد نمیآراست و از آنجا که بزرگترین سرگرمی‌اش کتاب بود غالباکتابی در دست داشت وبراثر خستگی ناشی از مطالعه فراوان دائما بادستمال سفیدی عینکش را پاك میکرد .

زندگی او که همیشه دور از هرگونه جنجال وافراط بودحقیقتا برای ما بعنوان سرمشق قرار گرفته بود. وجودش بدرستی قواعد هندسی تشکیل یافته بود. تنها فرزند پدرومادرش ونور چشم ومایه افتخار آنان بود .والدینش جز ازدواج وی آرزوی دیگری‌نداشتند. در مورد نامزدی‌اش بادختر یکی از همسایگان که غالبا بخانه آنهاتردد مینمود زمزمه‌ئی شنیده میشد .

در یکی ازبانکها باحقوق‌کافی کار میکرد و رؤسایش ویرا بلحاظ جدیت وصداقت فراوانش دوست داشتند وامیدواری زیادی میرفت و تقریبا وعده داده شده‌بود که آینده درخشانی داشته باشد. با اینکه بندرت اتفاق میافتد اما بعداز اتمام دوره تحصیلی دوستی‌ما مخصوصا صمیمیت ما همچنان پابر جا مانده‌بود . گاهی چنان اتفاق میافتاد که چندین ماه حتی یکسال تمام همدیگر را نمیدیدیم اما بمجرد اینکه‌یکدیگر را می‌یافتیم متقابلاازهم سؤالات فراوانی در بارهٔ روزهائی که جدا از یکدیگر سپری کرده بودیم ،درباره ایام‌خوشبختی ها و مخصوصا ناکامی‌هایمان مینمودیم وبدون آنکه باتکبری بیجا مطلبی از همدیگر پنهان نمائیم مکنونات قلبی‌مانرا بیکدیگر باز میگفتیم و براثر این اعترافات رشته قطع شده دوستی مان محکمتر میگشت .

او روش زندگی‌ام را نمی‌پسندید و گاهی مرا چنین نصیحت میکرد :

ــ سعادت در جستجو نکردن سعادت است .

وبرای تایید این نظر ، زندگی آرام خویش را دلیل میآورد.

(۳)

برای‌من‌وبرای کلیه کسانیکه ویرا میشناختند ، علاقه وفریفتگی فراوان‌وی‌نسبت‌به«اما» امری‌بسیارشگفتی انگیز و غیر مترقبه مینمود . من از محبت اندك وی نسبت بآن زن اطلاع داشتم، اماهرگز این چنین فرجامی بفکرم خطور نمیکرد .

چگونه چنان جوان ساده و بی تجربه‌ای توانسته بود قلب زنی مانند «اما »را تسخیر نماید ؟...خصوصا چگونه خودش که آن همه بافکار عمومی توجه مینمود و هرگز ذره‌ای از اصول قواعد اخلاقی منحرف نمیگردید بایك ضربه تاروپودی را که از روز تولد ویرا احاطه نموده بود واساس معتقدات خانوادگی خود را از هم‌گسیخته و دراین راه تا آنجا جلو رفت که میخواست زن شوهردار ودارای اولاد را از کانون خانوادگی اش برباید و باوی بسر برد.

وقتی این خبر را شنیدم ویرا با آن مرد روحانی تشبیه نمودم که لباس روحانیت را بسوئی افکنده و در عصیان ونافرمانی خویش همانقدر سرسختی نشان میداد که در زمان ایمان برای حفظاعتقاداتش پایداری مینمود .

طبایعی هستند که ظاهرشان مانند آب حالت تسلیم وفرمانبرداری دارد ، اما آنها نیز ساکت وخاموش همان کار یکنواخت قطرات آب را انجام داده و بآرامی وملایمت سنگها و صخره‌هائی را که آنان را احاطه کرده‌اند میسایند و بمحض آنکه سوراخ یا مجرائی گشوده شود سیل آسا بیرون میریزند .

طبیعت این جوان نیز از آن نوع بود . من نزد خویش در باره رفتار او اینطور اندیشیدم اما عشق وزندگی نامشروع آنان موضوع صحبت عامه شد . زنها طبق معمول با حرص وتعصب فراوان شروع ببدگوئی نمودند ، بیوفائی آن زن را در قبال شوهرش بسختی مورد شماتت قرار دادند . نسبت بسلیقه وانتخاب مردانی هم که میخواستند او رااز دست هم بربایند خیلی خندیدند . میگفتند تازه اگر زن زیبائی بود میشد قضیه را توجیه کرد . بعقیده آنها دیدگان وی سیاه و بیفروغ بود . راستی در «اسلامبول» چه کسی چشمهای سیاه دارد ؟... بزعم آنان فقط اندام لطیف و آرایش فراوانش‌تنها موجباتی بوده که توجه مردان زیادی را بسوی خویش جلب کرده است .

شدت نظرمردان نیز دربارهٔمردجوان کمترنبود. افکار عمومی مخصوصا وقتی غرش بر میآورد و صاعقه نازل میسازد که قیام و سرپیچی علیه یکی از سست ترین و متزلزلترین اصول اجتماعی‌اش باشد .

اندك اندك‌دوست من‌بشهرت‌یك جوان هرزه و فاسد رسید زندگی شخصی اش مورد بررسی مردم قرار گرفت و لکه‌های زیادی در آن پیدا شد .

حتی در بانکی هم که صادقانه کار میکرد شغلش را ازدست داد. امیدهای فراوانی که در مورد ترقی و پیشرفت وی وجودداشت خاموش گردید و سلامهای صمیمانه دوستان و آشنایان بحرکات‌مختصر سر تبدیل یافت .

من سراسر آن تابستان فرصت ملاقات او را بدست نیاوردم فقط

اطلاع یافتم که پس از جدائی از والدینش باتفاق «اما»مدتی‌باطراف « هاگاچك» رفته بود . بعد بدنبال هوسهای زود گذر ومتغیر آن زن راه سرگردانی در پیش گرفته و هرچند روز در نقطه‌ای بسر برده وباین ترتیب تا پائیز بمسافرت های بی هدف خویش ادامه داده و سرانجام به «حلب» آمده‌بود تازمستان را سپری نماید .

(٤)

روزی در حالیکه‌هیچ انتظار نداشتم دوست من وارد دفتروکالتم گردید و بدون آنکه منتظر تعارف منشی‌ام گردد مانند کسی که از یك مسافرت طولانی خیلی خسته شده‌باشد در یك صندلی راحتی‌فرو رفت . آنگاه قبل از آنکه صحبتی با من نماید سفارش قهوه داد و سیگاری روشن کرد .

وقتی لحظه‌ای بعد اندکی آرام گرفت با صدائی لرزان بمن گفت :

ــ من غیراز تو کسی را ندارم تا دردهایم رابازگویم. موقعی که در اطرافم همه چیز دچار تشنج گردیده و در حال فروریختن بنظر میرسد تنها دوستی تورا استوار میبینم و به آن پناه میآورم.

صدایش مرا دچار شگفتی نمود . بدقت چهره‌اش را نگریستم. آه، چقدر تغییر یافته بود . درمدت چند ماه کاملا لاغر و نحیف‌شده و گونه‌هایش بر اثر تب شدید برافروخته شده‌بود .

دوست من بگفتگویش ادامه داد :

ــ البته از آنچه بر من اتفاق افتاده است آگاهی داری .فرصت اینهم نیست که آن‌هارا به تفصیل تعریف کنم. «اما» از شوهرش جدا شد . این امر مانند ازدواجشان باتوافق و رضایت فیمابین زوجین صورت گرفت . آنها حقوق و منافع وهمه چیز خود را تعیین کرده‌اند . اولادشان نزد پدرشان خواهند ماند ومادر حق خواهد داشت هروقت بخواهد آن‌ها را بتنهائی ملاقات کند . هیچ‌دادگاهی نمیتوانست بهتراز این تکلیف آنها را تعیین کند .

بنابراین حالا من در اوج تمایلاتم هستم وآیا باین سبب بدبخت ترین افراد جهان‌شده‌ام؟...عشق من چقدر شگفتی‌انگیزاست‌که تمتع از آن باندازه فراق و محرومیت دردناك است .

تمامی قضیه از اینقراراست :

«اما» مال من است ، کاملا متعلق بمن است . اما بیم ازدست دادن اوست که هرلحظه مرا رنج میدهد .

خداوندا ، اگر روزی مرا ترك کند وبرود . من دراین ترس‌و لرز صبح‌و شب ندارم . اشخاص سالمی هستند که از وحشت مسلول شدن زندگی خود را تلخ میسازند . آیا من همراز آنها هستم یاآنکه یك احساس قبلی ، یك احساس فقدان قریب‌الوقوع است که مرا آشفته مینماید . این توجیه بحقیقت نزدیکتر است. خوشبختی من بقدری عظیم است ، بقدری باور نکردنی است که لحظاتی پیش‌میآید که من نسبت بدرستی آن دچار تردید میشوم . مانند اشخاصی که در خواب راه میروند راههای زندگی را میپیمایم، روزهای متمادی دور دنیائی که از خیال ورویا ساخته شده میگردم و معلوم نیست بیداری چه وقت خواهد بود .

دوست من وقتی بی حوصلگی‌ام را در قبال این حرفهای‌بیربط وبیحاصل مشاهده کرد اضافه نمود :

ــ من کسی نیستم که از خوشبختی خویش مغرور شده باشدنظیر آنهائی که برای اثبات خوشبختی استثنائی خویش باگواهی شخصی دیگر ، آن را برای وی تعریف میکنند و مخصوصا یك رشته علل مبنی بر عدم رضایت بی‌اساس نیز بر آن علاوه مینمایند . خیر، من دستخوش اضطراب و تشویش واقعی‌ام .فکر اینکه ممکن‌است دیگری «اما» را از دستم بگیرد مرا دچار وحشت ساخته است . آن دیگری کیست ؟...

اما آن دیگری وجود ندارد . دراین مورد تردید ندارم .میدانی بعضی اوقات در حین مطالعه کتاب در اطاق یا درلحظه‌ای که‌از پنجره مشغول تماشای خیابان هستی ، بدون آنکه صدای پائی بشنوی احساس میکنی که کسی داخل شده است . هنوز او را ندیده‌ای اما مطمئن هستی ،برایت مسلم گردیده است که پس از آنکه سرت رااز روی کتاب برداری یا بعقب بر گردی شخصی را که‌وارد گردیده‌است مشاهده خواهی کردو حقیقتا هم او را می‌بینی. من نیز مانند همان وضع با اطمینان وحشت انگیز وجود شخصی دیگر را که قدم روی خوشبختی‌ام نهاده است یافته‌ام . تودر این مورد چه میگوئی؟..

دوست من پس از این سئوال سیگار تازه‌ای روشن کرد.

(٥)

من باو پاسخ دادم:

ــ بدوا تو برای من تعریف کن بااین زن چگونه آشنا شدی و چگونه او را تصاحب نمودی آیا فقط برای این بدفترم آمده‌ای تا آشفتگی هایت را برای من بازگوئی . چگونه و چرا او را دوست داری . من که هیچگاه کسی را دوست نداشته‌ام علاقه دارم کیفیت آن را بدانم .

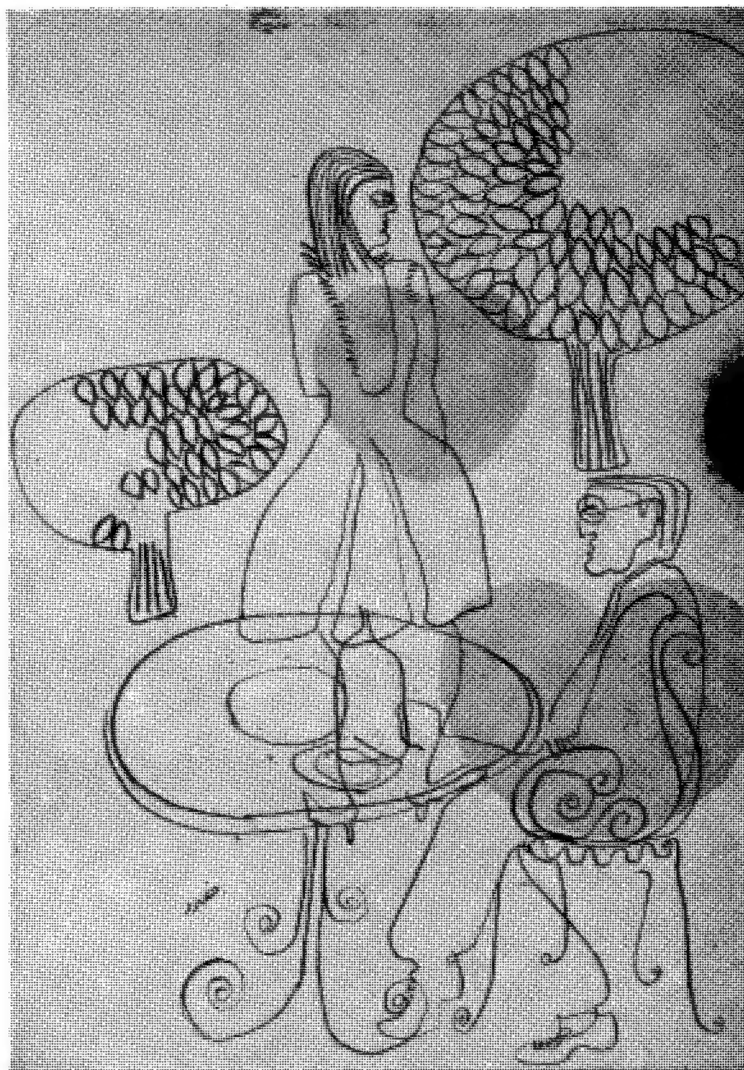
ــ من از آن جهت او را دوست داشته‌ام که شاید هزار و یك علت برای دوست نداشتنش داشتم . بله هزار ویك علت. زندگی‌ام، معتقداتم ، وضع خانوادگی‌ام ، همه اینها از طرفی و تمامی زندگی آن زن از طرف دیگر مرا حتی از نزدیك شدن باو منع‌میکرد.

من در «پرینکپو» بااو ملاقات نمودم . تصادفا هردو در یك مهمانخانه سکونت داشتیم و اطاقهایمان در مجاورت یکدیگر قرار داشت . من از کوچکی «اما»را میشناختم امااو را بکلی فراموش کرده‌بودم . حالا که بزرگ شده بود حقیقتا زیبائی خیره کننده پیدا کرده بود . از لحظه اول که اورا دیدم مرا سخت تحت تاثیر خویش قرار داد .

عصرها بعداز صرف شام ــ اوشام را باتفاق شوهر وفرزندانش در میز جداگانه‌ای صرف میکرد ــ در باغ به تنهائی گردش مینمود قدمهای مرددی داشت و باحرکت غیر ارادی دست که دیگر برایش عادت شده بود رشته هائی از گیسوانش را که روی پیشانی اش میریخت مرتب میکرد .

وقتی بتنهائی در زیر درختان میگشت چنین بنظر میآمد که در افکار نفوذ ناپذیری فرورفته است . توری از اندوه که مانندسایه‌های شب تابستانی اشیاء را از رویت ما پنهان نمیسازد سراپای این زن زیبا را فرا میگرفت . از خود سئوال میکردم چرا این زن غمگین است . وقتی از کنارم عبور کرد نگاههایمان بایکدیگر تلاقی نمودند. گمان میکنم تحسین آشکاری در چشمهایم خوانده و در قبال آن هیچگونه شگفتی یا مسرت از خود نشان نداد . فقط اونیز بادقتی آرام و بدون احساس شرمندگی مرا نگاه کرد . پس از آن هربار بیکدیگر بر خورد میکردیم این نگاهش راکه نگاهی محزون و خیره بود و بطور واضح نشان میداد قصد دارد تااعماق قلبم نفوذ نمایداز من دریغ نمیداشت .

من پیش خود پیرامون عواقب این عشق بیجا میاندیشیدم وبرای رهائی از دلربائی اش از شجاعت خویش استمداد میجستم. اونیز که



گوئی احساس میکرد در اندرون روحم پیکار خاموشی در کار است همچنان ساکت و آرام ؛ اما بادلبری و عشوه‌ای بیشتر مانند روغنی که در چراغ در شرف خاموشی بریزند نگاهش را بر من‌میدوخت.

عشق ما اینطورآغاز گردید . اما شوهرش همواره بیمار بود. مرتبا هفته‌ای یکی دوبار هنگام شدت درد مجبور میشد در اطاقش بماند و همسرش نیز که فرزندانشان را نزد خدمتکاری میگذاشت‌در اطاق وی میماند واز او مواظبت مینمود .

من آن مرد را دوست‌نداشتم .

او از جمله افراد بی شخصیت و پست بود، از آنهائی که همه چیز را مورد استهزاء قرار میدهند ، از آنانی که همه اصول وقواعد معموله نزدشان مطالب احمقانه‌ای محسوب میشود .

در شبی مهتابی قرار براین نهاده شد که همه مسافران‌مهمانخانه برای گردش بسوی جزیره برویم . بعضی‌ها با کالسکه وبرخی دیگربا اسب و قاطر راه افتادند .

«پرینکپو» روی دریای نیلگونی که احاطه‌اش کرده بود، تصویر تپه های مشجر ویلاهای رنگارنگ وباغات سبزش را منعکس میساخت . و در آئینه بیکرانی که از این سطح آبی رنگ بی نظیر تشکیل شده‌بود همه‌این مناظر میلرزید وبراثر حرکت ملایم موج تکان میخورد .

در میان آهنگها و آوازهائی که از چپ‌وراست برمیخاست به «دیاسلکو» رسیدیم . اینجا ماهتاب باتمام درخشندگی اش تپه‌هاراغرق روشنائی نموده بود . «از کرانه پندیك» راهی باشیب نامحسوسی که گوئی قطعات الماس آن را نورانی ساخته بود در کنار دریاامتداد داشت تلالو می یافت ، مرتب عریض میشد وباریك میگردید.

در میان انبوه جمعیت «اما»را دیدم که پس از پائین آمدن‌از کالسکه بتنهائی بسوی راهی که بطرف « خریستوس » کشیده شده‌بود میرفت . در آن ساعت محل مزبور که در میان درختان کاج احاطه شده‌بود بکلی خلوت بنظر میرسید .

تو میدانی که من آدم زرنگی نیستم ؛ اما این زن ازهشت روز قبل بقدری باعشوه‌های خاموش خویش روحم را آشفته ساخته بودکه دیگر قادر بمقاومت در قبال تمایل شدیدی که باوی داشتم‌نگردیدم. در طی آن راه که گوئی او نیز محلی‌امن تشخیص داده‌بود برای نخستین بار بااو صحبت کردم . بخاطر دارم که او دامنی از حریر سیاه و پیراهنی از «دانتل »برتن داشت . در حالیکه من صحبت میکردم و او بحرفهایم گوش میداد . گاهی با دست گیسوانش راکه روی پیشانی‌اش میریخت جمع میکرد و زمانی انگشت برلبانش‌نهاده وسفارش مینمود احتیاط از دست ندهم. اما هیچگاه پاسخی صریح و روشن بحرفهایم نمیداد .

براستی او در نقش همان زن آشوبگری بود که «سینکویچ»آن را به برج «پیزا »تشبیه کرده است که همواره کج میشود اما برزمین نمیافتد .

دستش‌راکه‌غرق بوسه‌هایم نموده بودم ناگهان بزور کشید. صدای قدمهائی راکه بطرف ما میآمدند شنیده بود. پس از آنکه لحظه‌ای منتظر ماندیم ترس مازائل شد . از پائین فقط صدای آهنگهای‌دلنشین بگوش میرسید .

شب مهتابی در میان درختان جنگل و خاموشی مطلق خویش در حالی که همه اشیاء و موجودات را روشن ساخته بود شکوه و جلالی فراوان داشت .

رشته‌طولانی‌درختان بمنظره مارهای بیشماری که ناگهان روی‌دم خویش ایستاده باشند شباهت پیدا کرده‌بود ؛گوئی تعداد زیادی اژدها با قیافه های گوناگون مانند چشمهای حسودی که مشغول تماشای عشق ما، سعادت ما باشند ما را از چهار طرف احاطه کرده بودند.این تنهائی کوتاه مارا جز صدای تکان خوردن برگهائی که روی زمین ریخته بود ، هیچ چیز آشفته نمیساخت .

«اما » مرا متوجه سپری شدن وقت نموده و گفت :

— بر گردیم .

«اما» روز بعد وروزهای بعد نسبت بشوهرش علاقه و محبتی بیشتر و نسبت بمن سردی وبی اعتنائی زیادتری نشان داد .

این تدبیری بود تا شوهرش دچار بدگمانی نشود .

(۶)

آیا میدانی که این عشق مرا به چه فداکاریهائی واداشت ؟...من دراین راه قدمهای زیادی خلاف اصول شرافت ووجدان برداشتم. هیچکس باندازه خودم اعمالم را تقبیح نمیکند . والدینم که همه معتقدات انتظارات و آرزوهای شیرینشان را زیرپا میگذاشتم، آن دخترك زیبا که در نهایت ناشایستگی قلبش را بدست آورده‌بودم وقرار بود نامزد من شود . شماتت خاموش آنان را هرلحظه نزد خویش

احساس میکردم . اقدام بتصاحب زنی شوهردار ودارای اولاد درنظر خودم نیز امری خلاف اصول اخلاقی بنظر میرسید و بانادیده گرفتن همه اینها، باگذشتن از همه اینها، بستگی خود را به «اما» بستگی‌ام‌را باتمامی عظمت گناهم بیشتر می‌یافتم .

«اما» مرا نخست از آن جهت مورد علاقه خویش قرارداد‌که آنچنان عشقی عمیق وبی آلایش که من نشان داده‌بودم ندیده‌بود.بعد زنی زیبا همواره احتیاج دارد که کسی زیبائی اش را تحسین نماید. داشتن محبوب برای زنان حکم آئینه‌ای را دارد . جزئی از آرایش آنان است گمان میکنم مدتها بعداو نیز عشق متقابل نسبت بمن احساس کرد . آن زمان بود که ناگاه مانند آنکه تصمیمی از مدتها قبل گرفته باشد بمن گفت که حاضر است از شوهرش جداشود تا بامن زندگانی نماید . این شجاعت «اما» مرا بیشتر فریفته‌اش ساخت .باین جهت‌بود که من نیز پدر ومادر پیرم راترك كردم.

من صداقت افراد را اگرچه در خلال گناهی نمایان شود تقدیر میکنم . از روشهای دوپهلو که در پناه آن تقصیرات پنهان شده ظاهری اخلاقی می‌یابند انزجار دارم. هستند کسانی که میگویند تظاهر باصول اخلاقی نیز نوعی اخلاق است . من این نظر را بسیار مذموم میدانم . تمامی مسئله عبارت از قبول مسؤلیت شخص درمورد اعمالش یا عدم آن است . زنی کانون خانوادگی‌اش را ترك ميكند ونميتواند خود را از ضرباتی که نمیدانم استحقاق تحملش را دارد یا ندارد مصون نگاهدارد اما مسلما دستخوش آن ضربات میگردد. دیگری که زنی حیله‌گر است و تظاهر بنجابت میکند ، دم از وفاداری بشوهرش میزند ، بدون جهت مورد تکریم و احترام همه قرار میگیرد وزنی پاکدامن معرفی میشود . من‌از این نوع زنان بشدت نفرت‌دارم .

آنگاه دوست من مجددا بموضوع ناراحتی‌اش پرداخته وعلاوه کرد :

ــ من گفتم که حالا هیچ وحشتی باندازه‌از دست دادن «اما» مرا تهدید نمیکند . این يك‌ترس بی‌اساس است که زائیده خیالات بیمارم میباشد . اما اینطور نیست . من دارم بدقت هزار و يك نكته ناچیزی را که نشان میدهند قریبا این امر تحقق خواهد یافت دنبال میکنم . نخست اینکه «اما» اخیرا متفکر و آشفته شده‌است . بسیار اتفاق میافتد که موقع صحبت احساس میکنم افکارش در جای‌دیگری است وبزحمت بعداز اینکه حرفم را تکرار میکنم متوجه میشود.این نشانه خوبی نیست. دیگر اینکه بآرایش خود خیلی میپردازد ومخصوصا حالا بزیبائی و دلبری خویش خیلی توجه میکند .این نشانه بدتری است . بامن بر خلاف عادتش همواره رفتاری توام باخودداری نشان میدهد و پنداری طلب بخشایش میکند . همه اینها بطور کامل وجود شخص دیگری را که سعادتم را ازدستم میگیرد ثابت مینماید.

مخصوصا فکر میکنم «اما» پس از آنکه بخاطر من شوهرش را ترك كرد ممكن است مرا نیز بخاطر عشق دیگری ترك نماید.بگذار مرا ترك‌كند . اما کسی پیدا خواهد شد که مانند من وباندازه من بتواند او را دوست داشته باشد ؟...این امری سهل و در عین حال دشوار است .او برای من فقط زن‌زیبائی نیست که مردان آرزوی وصالش را دارند . بلکه تجسمی از همه خواستهای انسانی است، میفهمی؟ .چه کسی غیراز من با این عقیده در برابر او زانو خواهد زد؟. زمانی فقط بت پرستان بودند که بت را بعنوان ماده و جسم میپرستیدند . کسانی هم وجود داشتند که آن را فقط بعنوان مظهر قدرتی عظیم پرستیده‌اند . پرستش من در قبال «اما» نیز چنین است .

(۷)

من آن جوان ملتهب رادلداری داده و خیالات آشفته‌اش را آرام نمودم :

ــ اگر «اما» گاهی اوقات ناراحت و متفکراست دلیلی بر آن نیست که محبوب تازه‌ای پیدا کرده باشد. فداکاریهائی که او بخاطر توانجام داده بقدری عظیم است که جای هیچگونه شبهه و تردیدی‌را باقی نمیگذارد . بنابراین کار احمقانه‌ای است که افکارت را ازبدگمانی يك رقیب و دشمنی خیالی رنج دهی . اما این وضع توحقیقتا همان وضع مخصوص خوشبختی است . یعنی آنکه شخص نتواند از خوشبختی بدون هیچگونه خلل و ناراحتی بهره‌مند گردد . «اما»یت را دوست داشته باش و درباره دیگری اندیشه‌ای بخود راه نده، درباره دیگری بیجهت فکر نکن .

اندکی متقاعد گردید و سپس گفت :

ــ از تو نظری میخواهم ، زیرا من مخصوصا برای همین امر نزد توآمدم تاکمی از وقت تورا بگیرم. میخواهم از چهارچوب‌این سوء ظن و بدگمانی خارج شوم و اگر امکان داشته باشد بی اساس بودن تصوراتم را درك‌كنم .

باو پاسخ دادم :

ــ نظری که از من میخواهی در همان سئوالت است. اطلاع یافتن از اینکه «اما» بچه محلهائی رفت و آمد میکند کاردشواری نیست.

دیگر نزدم نماند . دستم را فشرد ورفت . هنوز پانزده روز نگذشته بود که روزی هنگام عصر مجددا بدفترم آمد. این‌بار لبانش برای حرف زدن از هم گشوده نمیشد .

ــ چه خبر است ، باز چه اتفاقی افتاده است ؟...

آنگاه باصدائی آهسته و عمیق اندك اندك شروع به تعریف کرد :

ــ چند روز قبل او را تعقیب کردم . «اما» لااقل هفته‌ای دوبار برای ملاقات فرزندانش بخانه شوهرش میرفت وساعتها در آنجامیماند. دراین کار مطلب غیر عادی وجود نداشت . گذشته از این برای خریدهای جزئی بمغازه های «حلب» میرفت و غیراز این هیچگاه از خانه خارج نمیشد . زندگی‌اش نظم و ترتیب دقیقی داشت وچیزی نمانده بود که من بخیالات بیمارم بخندم تا آنکه هفته قبل «اما» را موقع خروج ازخانه فرزندانش دیدم . گونه های پریده رنگش‌سرخ شده‌بود و بر چهره‌اش آن اثری که نمیدانم چگونه گناه زن را فاش میسازد وجود داشت .

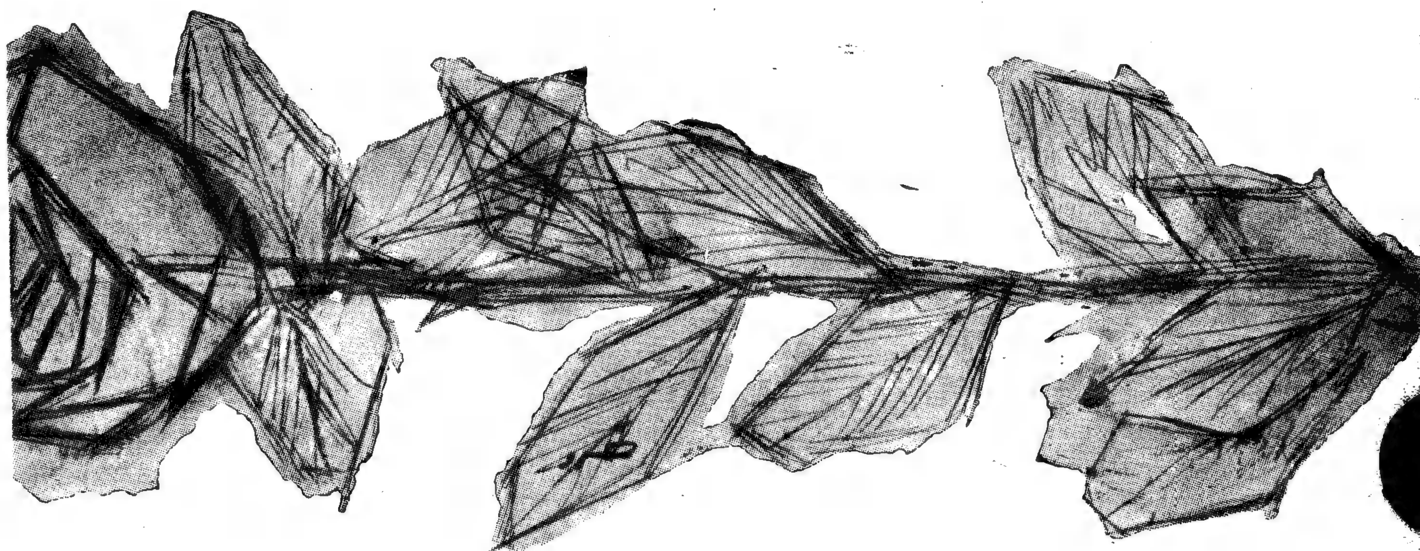
سوء ظنی بسرعت برق از فکرم گذشت .باخود اندیشیدم شایددر آنجا وقتی شوهرش صبحها از خانه غائب است با مرد محبوبش ملاقات میکند . تخدمه خانه که اوراخانم سابقشان میدانستند ممکن بود بخاطر پول چشمهایشان را در قبال آنچه اتفاق میافتاد ببندند.

امروز دو ساعت قبل «اما» مجددا بآنجا رفت. من تصمیم‌خویش را گرفته بودم. پس از چند دقیقه در آن خانه را زدم. مستخدمی در را گشود . بهانه‌ای لازم بود تا بتوانم داخل آن خانه شوم. نام صاحبخانه را گفتم و سئوال کردم آیا در خانه است یا خیر.

مستخدم پاسخ داد :

ــ بالاست ، بروم بایشان اطلاع دهم.

از این پاسخ دچار بهت و حیرت گردیدم. شوهرش این موقع در خانه بود؟... بعد بسرعت از پله‌ها بالا رفتم .مستخدم‌بزحمت توانست از دنبالم برسد و بیهوده سعی کرد مرا قانع کند ومانع از رفتنم شود . هیچکس در خانه نبود . فقط در آن طبقه بالاکه حالا رسیده بودم، از لای درنیمه باز يك اطاق خواب ، صدائی دلنشین، صدای «اما» بگوشم رسید و وقتی با احتیاط نزدیك شده و داخل اطاق را نگریستم او را دیدم که در آغوش شوهرش قرار داشت و خویشتن را تسلیم وی نموده بود ...



بازگشت بجوانی

از :
ناتانیل‌هاوثورن
نویسنده امریکائی
مترجم :
نعمت ناظری

روزی ، دکتر **هایدگر** پیر ، این‌مرد خارق‌العاده ، ازچهار دوست محترم خود دعوت کرد تا در اطاق مطالعه‌اش از وی دیدن کنند . اینان سه پیر مرد ریش سفید : آقای **مدباورن** ، سرهنگ **کیلی‌گرو** ، و آقای **گاسکونی** و بیوه‌یی سالخورده بنام **ویچرلی** ، بودند . هرچهار آنها موجوداتی قدیمی وواخورده‌بودند که‌درزندگی بدآورده بودندو بزرگترین بدبختی آنها این بود که از مدتها پیش درگورهایشان مدفون نبودند .

آقای **مدباورن** ، در بهترین روزهای عمرش ، بازرگان خوشبختی بود ، اما به علت یك سفته بازی دیوانه‌وار ، همه‌چیزش را از دست داد و دراین موقع زندگی اواندکی بهتر ازیك گدا بود . سرهنگ **کیلی‌گرو** ، بدنبال لذات گناهکارانه‌یی که درد های جسمانی بسیار ، واز آن جمله نقرس را ببار آورد ، ومایهٔ رنج های روحی و جسمی دیگر شد ، سلامت ، سرمایه وبهترین سالهای عمرش را تلف کرد . آقای **گاسکونی** ، سیاستمدار پاکباخته و رجلی بدنام بود یا دست‌کم از هنگامیکه زمانه اورا از نظر نسل کنونی انداخت ، واورا بجای آنکه رسوای روزگار باشد ، در تاریکی گمنامی فروبرد ، چنین بود . در موردخانم **ویچرلی** هم سابقه حکایت‌ازآن دارد که او در عصر خـود زیبایی خیره کننده‌یی داشت ، اما مدتی مدید ، به علت ماجراهای رسوایی آمیزی که اعیان شهر برضد او اشاعه دادند ، در عزلتی کامل بسر برده بود . نکتهٔ قابل‌یادآوری اینست که آن سه‌مرد پیر یعنی آقای مدباورن ، سرهنگ کیلی‌گرو وآقای **گاسکونی** ، نخـستین عاشقان

ویچرلی بودند و روزگاری رقابت آنها تا جایی رسید که بخاطر او حاضر بودند سر یکدیگر را از تن جدا کنند . و من پیش ازاینکه در نقل این ماجرا پیشتر روم ، فقط میخواهم اشاره کنم که دکتر **هایدگر** و هرچهار میهمانش ، خواه بعلت رنج های کنونی شان و خواه بعلت یادآوری خاطرات اندوهبارشان ، همانطور که غالباً در مورد پیران روی میدهد، اغلب فکرهایی میکردندکه‌آنها را از خود بیخودمیکرد.

دکتر **هایدگر** ، آنها را تعارف به نشستن کرد و گفت : «دوستان قدیمی و گرامیم ، من مایلم در مورد یکی از آن تجربه های کوچکی که در اتاق مطالعه‌ام ، خودرا با آن مشغول داشته‌ام ، از مساعدت شما برخوردار گردم .»

اگر تمام ماجرا حقیقت میداشت ، اتاق مطالعه دکتر **هایدگر** لابد جای غریبی بود . اطاقی بود قدیمی و تاریك ، پوشیده از تارعنکبوت و گرد و غبار دیرینه . دورتادور اتاق چندین قفسه وجود داشت که خانه های پایین آنها مملو از چندین ردیف کتاب قطور و بزرگ و مجموعه هایی با قطع خشتی ، و خانه های بالا پر از مجلات کوچکتر بود . بالای قفسه میانی ، مجسمه‌یی نیم‌تنه از **بقراط** قرار داشت که بنابرنظر برخی مطلعین ، دکتر **هایدگر** عادت داشت که درتمام موارد دشوار عملیاتش ، باآن مشورت کند .

درتاریکترین گوشهٔ اتاق ، گنجهٔ بلند وباریکی از چوب بلوط با دری نیمه‌باز قرارداشت که درداخل آن اسکلتی دیده میشد . بین دوجاکتابی ، آینه‌یی آویزان بود که رویه غبار اندود آن درداخل قابی زراندود وبی‌جلا و رونق خودنمایی میکرد . درمیان بسیاری از داستانهای شگفتی انگیز مربوط به‌این آینه ، این روایت نیز نقل شده است که ارواح تمام بیماران فوت شدهٔ دکتر ، در داخل لبهٔ این آینه جای داشتند و هروقت که وی بدان سو مینگریست ، به چهرهٔ وی خیره میشدند .

آن سمت اتاق ، با تابلو تمام قد زنی جوان زینت یافته بود که شکوه لباسهای ابریشمین و زربفت آن به پژمردگی گراییده بود و چهرهٔ او نیز همچون لباسش ، بی‌فروغ و پژمرده مینمود . بیش از نیم قرن پیش ، دکتر **هایدگر** در آستانهٔ ازدواج با این خانم جوان بود . اما خانم زیبا ، تحت تأثیر یك اختلال حواس جزئی ، داروی یکی از نسخه‌های عاشقش را یکجا بلعیده و در شب عروسی مرده بود . اکنون بزرگترین غرابت اتاق مطالعهٔ دکتر میماند که باید تذکار داده شود و آن کتابی سنگین و قطور با جلد چرمین و چفت و بست های نقره بود . درپشت جلد کتاب نوشته‌یی وجود نداشت و بنابراین هیچکس نمیتوانست بگوید که این چه کتابی است . اما بخوبی فهمیده میشد که این ، یك کتاب جادواست . روایت شده‌است که روزی خدمتکاری آنرا از جایش برداشته بود تا فقط گرد و غبارش را بزداید . اما ناگهان اسکلت درون گنجه ، بصدا درآمده ، تصویر زن جوان درکف اتاق یکقدم جلو گذاشته ، وچندین چهرهٔ شبح‌وار از درون قاب آینه سرك کشیده و سربرنجی بقراط اخم کرده و گفته بود : «آهای دست نگه دار !»

چنین بود وضع اتاق مطالعهٔ دکتر **هایدگر** . اما درآن بعدازظهر تابستانی ، میزگرد کوچکی به سیاهی‌آبنوس ، دروسط اتاق قرارداشت و گلدان سنگین بلور تراش دارخوش ریخت و برجسته کاری شده‌یی روی آن بود . آفتاب از پنجره و از بین دالبرهای دوپردهٔ گلدار رنگ و رو رفته ، بدرون اتاق می‌آمد و مستقیماً براین گلدان میتافت، بطوریکه تشعشع ملایمی از آن برچهره‌های دنیا زدهٔ پنج انسان پیری که دور میز نشسته بودند ، تابیده میشد . همچنین چهارگیلاس‌شامپانی نوشی روی میز قرارداشت .

دکتر **هایدگر** گفت : «دوستان قدیمی و گرامیم ! آیا ممکنست در اجرای یك تجربهٔ بینهایت عجیب ، به کومك شما امیدوار باشم ؟»

دکتر**هایدگر** ، پیرمردی‌بسیار عجیب بودکه وضع خارق‌العاده‌اش، مایهٔ اصلی هزار داستان فانتزی شده بود . وباکمال شرمندگی باید بگویم که برخی از قصه ها ، ممکن است ریشهٔ داستانهای حقیقی خود من باشد واگر عباراتی از قصهٔ حاضر ایمان خواننده را بدین نکته متزلزل سازد ، من باید راضی شوم که داغ دروغپردازی را برپیشانی خود تحمل کنم .

وقتی چهار میهمان دکتر ، سخن او را دربارهٔ تجربهٔ معهودش شنیدند ، چیزی شگفتی‌انگیز تر از خفه‌کردن موشی در یك دستگاه تخلیه هوا یا آزمایش تارعنکبوتی در زیر میکروسکپ یا مهملاتی ازاین قبیل ــ از آن نوع کارهایی که دکتر **همیشه عادت** داشت نزدیکان خود را با اجرای آنها معذب کند ــ پیش بینی نکردند . اما دکتر **هایدگر** بی‌آنکه منتظر جوابی شود ، تا آن سوی اتاق رفت و باهمان کتاب قطور سنگین جلد چرمین‌که بقول همهٔ مطلعین کتاب جادو بود ، بازگشت . دکتر چفت و بستهای نقره‌یی آنرا گشود ، کتاب را بازکرد، و از میان صفحات سیاهرنگ آن ، گل سرخی را ــ یا چیزی را که زمانی گل سرخی بوده واکنون برگهای سبز وگلبرگهای لاکی رنگ آن ته رنگ قهوه‌یی داشت ، بیرون کشید . بنظر میرسید که این‌گل قدیمی ، دردم در دستهای دکتر به گردی تبدیل خواهد شد .

دکتر **هایدگر** ، همراه آهی دردناك گفت : «همین گل سالخورده و پژمرده ، پنجاه و پنج سال پیش ، گل نورسی بود . این گل را **سیلویاوارد** که تصویر او درآنسوی اتاق قراردارد ، بمن داد و قصد داشتم که در جشن عروسیمان ، آنرا به سینه‌ام نصب کنم . پنجاه وپنج سال این گل بین برگهای این کتاب کهنه ذخیره شده است . اکنون آیا میتوانید خیال کنید که ممکن است این گل سرخ نیمقرنی ، باز گل نورسی گردد ؟ »

خانم **ویچرلی** از روی ناباوری سری تکان داد و گفت : « چه مهملاتی ! مثل اینست که بپرسید آیا صورت چروکیدهٔ پیر زنی را ممکن است دوباره جوان کرد ؟»

دکتر **هایدگر** جواب داد : «پس نگاه کنید !»

آنگاه . سرپوش گلدان را برداشت ، وگل سرخ پژمرده را درون آبی که در گلدان بود ، انداخت . گل ، نخست به نرمی روی مایع شناور شد ولی بنظر میرسید که ابداً رطوبت را جذب نکرده است . اما بزودی ، تغییری خارق‌العاده مشهود افتاد : گلبرگهای پژمرده و خشك ، تکانی خورد و رنگ لاکی تیره‌یی بخود گرفت ، انگاری که گل از خوابی مرگسان برمیخیزد . ساقه وبرگهای نازك آن سبز رنگ شد و گل سرخ نیمقرنی ، به همان طراوت روزگاری که **سیلویاوارد** نخستین بار آنرا به عاشقش هدیه داده بود نمودار شد . **گلی بود نوشکفته که فقط چند تاازگلبرگهای ظریف و سرخ آن** ، بدور غنچه شاداش‌خمیده بود و روی‌آن‌ها دوسه قطره شبنم میدرخشید.

دوستان دکتر گفتند : «این کار قطعاً یك چشم‌بندی کامل عیار است .» اما ازآنجا که درنمایشگاه یك جادوگر ، معجزه‌های بزرگتری را دیده بودند ، از سربی‌اعتنایی پرسیدند : «شمارا به خدا ، چگونه چنین شد ؟ »

دکتر **هایدگر** پرسید : «مگر از «چشمهٔ جوانی» که **پونس دولئون** ماجراجوی اسپانیایی ، دوسه قرن پیش به جستجوی آن رفت ، چیزی نشنیده‌اید ؟»

خانم **ویچرلی** گفت : «مگر **پونس دولئون** این چشمه را پیدا کرد ؟»

دکتر **هایدگر** جواب داد : نه ، زیرا اوهرگز از راه صحیح به جستجوی آن نپرداخت . «چشمهٔ جوانی» مشهور ، اگر اطلاع

درستی به من داده باشند ، درمنطقهٔ جنوبی شبه جزیرهٔ **فلوریدا** ، نزدیك دریاچهٔ **ماکاکو** واقع است . براین چشمه چندین «ماگنولیا» ی عظیم سایه افکنده‌اند که اگر چه قرون متمادی از عمر آنها میگذرد ، اما به علت خواص این آب شگفتی‌انگیز ، تروتازه مانده‌اند . یکی از آشنایان من که از حس کنجکاوی من به این قبیل موضوعها اطلاع داشت ، آنچه را که شما دراین گلدان می‌بینید ، برای من فرستاده است .»

سرهنگ کیلی‌گرو که حتی یك‌کلمه ازداستان دکتر را باور نکرده بود ، گفت : «اثر این مایع برهیکل آدمیزاد چه میتواند باشد ؟»

دکتر هایدگر جواب داد : «سرهنگ عزیزم ! این موضوع را خودتان باید آزمایش کنید . و همه شما دوستان محترم من ، نیز میتوانید به هراندازه‌یی که بتواند غنچه جوانی را در وجود شما شکفته سازد ، ازاین مایع شگفت‌انگیز بهره‌مند گردید . اما من که افزایش عمرم با دردسر های عجیبی صورت پذیرفته است ، عجله‌یی ندارم که باز جوان شوم . بنابراین با اجازهٔ شما ، فقط مراقب‌پیشرفت این تجربه خواهم بود .»

دکتر هایدگر ، درحینی‌که صحبت میکرد ، چهار گیلاس شامپانی نوشی را ازآب «چشمه جوانی» پرکرد . گاز پرجوشی درون آب بچشم میخورد و حباب های گاز بطور مداومی از ته گیلاسها بالا میآمد ، ودرسطح آب به صورت رشحه های نقره‌گون متلاشی میشد . از آنجا که این نوشابه بویی شامه‌نواز داشت ، میهمانان پیر تردید نداشتند‌که دارای خواص مقوی وآرامش بخشی‌است . واگرچه درمورد قدرت جوانی بخش آن کاملا بدبین بودند ، میل داشتند که گیلاسها را لاجرعه سرکشند . اما دکتر **هایدگر** از آنها خواهش کرد لحظه‌یی درنگ کنند .

او گفت : «دوستان محترم من ! پیش ازاینکه گیلاسهایتان‌را سربکشید ، با توجه به یك عمر تجربه‌یی که در هدایت شما کسب کرده‌ام ، بهتر است یادآور شوم که شما باید چند قاعدهٔ عمومی را بهنگام دومین‌بار عبور ازمیان خطرهای جوانی ، هم‌اکنون برای راهنمایی خودتان تنظیم کنید . فکرکنید که اگرباوجود امتیازهای خاصی‌که خواهید یافت ، نمونه‌های تقوی و عقل برای تمام جوانان این عصر و روزگار نباشید ، چه گناه و شرمندگی گرانباری خواهد بود ! »

چهار دوست محترم دکتر ، به او جوابی جز یك پوزخند ضعیف ندادند . برای آنان که میدانستند ارتکاب خطا ، با چه سرعتی به ندامت می انجامد ، این فکر بسیار مسخره بود که بازهم به‌گمراهی و فساد افتند .

دکتر تعظیمی کرد و گفت : «پس بنوشید . این برای من لذت بزرگی است که می بینم افراد مورد تجربه‌ام را بدین خوبی گزین کرده‌ام».

آنان ، با دستهایی لرزان ، گیلاسهارا به سوی لبهایشان بالا آوردند . این نوشابه اگر هم واقعاً دارای چنان خواصی بودکه دکتر **هایدگر** بدان اشاره کرده بود ، نمیتوانست براین چهار موجود انسانی که بمیزان بیشتری ازآن نیازمند بودند ، اثر بخشد . آنان چنان مینمودند که گفتی هرگز نمیدانستند جوانی یا لذت چه مفهومی‌دارد، بلکه بنظر میرسید که آنان محصول خرفتی طبیعت و موجوداتی‌همیشه بدبخت ، پرملال ، فرتوت و فرسوده هستند که اکنون بی آنکه درروح یا جسمشان دست کم بدان اندازه زندگی وجود داشته باشد که حتی به امید دوباره جوان شدن ، هیجانی بدانها دست دهد — دور میز **دکتر هایدگر** جمع آمده‌اند تا فقط صرف وقتی کرده باشند . وبراین منوال بود که گیلاسهایشان را تا ته سرکشیدند و آنهارا روی میز گذاردند .

بیقین ، در وضع این جمع تغییری تقریبا فوری بوجود آمد که بی شباهت به تغییری نبود که ممکن بود براثر نوشیدن یك‌گیلاس شراب سرشار از سکر — آنهم در پرتو آفتابی لذت بخش — فورا بر سراسر صورت هایشان منعکس گردد . گونه هایشان ، بجای آن ته رنگ خاکسترینی که آنهارا به گونه های مردگان شبیه ساخته بود، رنگ سلامت یافت . بیکدیگر خیره شدند و پنداشتند که قدرتی واقعا جادویی آن نقش عمیق اندوهبار را که «زمانه» طی سالیان متمادی برچهره آنها نقر کرده است ، دارد صاف و هموار میکند . خانم **ویچرلی** ، کلاهش را مرتب کرد ، زیرا خودرا دوباره تقریبا همچون زنی احساس میکرد .

آنان مشتاقانه گفتند : «بازهم ازاین آب شگفتی‌انگیز ، بما بدهید ! ما کم سال‌تر شده‌ایم . اما هنوز خیلی پیر هستیم ! زودباش، بیشتر بده !»

دکتر **هایدگر** که با خونسردی فیلسوف مآبانه‌یی مراقب‌تجربه خویش بود ، گفت : «صبور باشید ، صبور باشید دوستان پیر من ! مدتهای مدیدی گذشته است تا شما پیر شده‌اید . و اکنون مسلماازاینکه طی نیمساعت جوان شوید ، راضی خواهید بود ، بفرمائید ، آب در خدمت شماست . »

و مجدداً گیلاسهایشان را از نوشابهٔ «جوانی» —که هنوز آنقدر باقی بودکه نیمی از مردم شهر را به سن نوه‌هایشان برساند — لبریز کرد . هنوز حباب های گاز بالا می‌آمدند و می‌شکفتند که چهار میهمان دکتر گیلاسهایشان را از روی میز قاپیدند و محتوی آنهارا به یك جرعه سرکشیدند . آیا دلخوشی بیهوده‌یی نبود ؟ نه . زیرا هنوز مایع جوانی ازگلوهایشان بتمامی پائین نرفته بود که در تمام اعضاء و جوارح آنهاتغییری محسوس نمودارگشت : چشمانشان روشنتر و درخشنده‌تر شد ؛ رنگ تیره‌یی درمیان موهای برفگون آنان عمق گرفت و اکنون ایشان سه مرد میانه سال و زنی در سنین پیش از وصول به دوران نخستین فربهی ناشی از تن آسایی بودند .

سرهنگ **کیلی‌گرو** چشمانش را — چشمانی راکه تیرگیهای پیری ، چون ظلمتی‌که ازشفق بامدادی میگریزد ، ازآن میگریخت . برچهرهٔ زن دوخت وگفت : « بیوهٔ عزیز من ، چقدر جذابی ! »

بیوهٔ زیباکه از دیر باز میدانست تعارفهای سرهنگ **کیلی‌گرو** هیچگاه با حقیقت محض تطبیق نداشته ، از جا برخاست و به سوی آینه دوید ، وحال آنکه هنوز میترسید مبادا نگاهش باچهرهٔ زشت پیر زنی تلاقی کند . دراین لحظه ، سه مرد چنان حالتی داشتندکه ثابت میکرد آب « چشمهٔ جوانی » دارای کیفیتی سکرآور است ، مضافاً آنکه ، درواقع سبکروحی آنها نشانه‌یی از یك سرمستی خوشدلانه ، براثر رفع ناگهانی سنگینی سالهای عمرشان بود . بنظر میرسید که مغز آقای **گاسکونی** به مباحث سیاسی متوجه است ، اما اینکه این مباحث به گذشته ، حال یا آینده مربوط است ، سوالی نبود که بتوان به آسانی بدان جواب داد ، زیرا که پنجاه سال بود افکار و عبارات یکجوری متداول بود . او زمانی ، عباراتی دربارهٔ میهن پرستی ، پیروزی ملی و حقوق مردم را در گلویش می‌غلتاند ؛ زمانی ، با نجوایی ضعیف و تردیدآمیز ، شعارهای خطرناکی را چنان با احتیاط ادا میکردکه حتی وجدان خود او بدشواری میتوانست مفهوم آنهارادرك کند ؛ وزمانی هم باز با الفاظی سنجیده و لحنی کاملا موقر چنان صحبت میکردکه گفتی مخاطب عبارات خوش پرداخت او پادشاهی نکته سنج است . سرهنگ **کیلی‌گرو** ، در تمام این مدت ، آوازی مستانه سر داده بود و گیلاسش را همآهنگ

با آواز دستهٔ کریك سمفونی شاد به صدا درآورده بود و چشمانش بسوی قیافهٔ خوش آب و رنگ خانم ویچرلی کشانده میشد . درآن سوی میز ، آقای مدباورن سرگرم محاسبه دلارها و سنت هایی بود که با آنها طرحی را به مورد اجرا گذارد تا برای رساندن یخ به نواحی هند شرقی ، کوههای یخی شناور درقطب شمال را بوسیلهٔ دسته‌یی از نهنگان حمل کند .

اما بشنوید از خانم ویچرلی که جلو آینه ایستاد ، به تصویر خودکرنشی کرد ، قهقهه‌یی مستانه زد و بدان ، بعنوان دوستی که از تمام دنیا دوستش دارد ، سلام داد . آنگاه صورتش را به آینه نزدیك کرد تا ببیند که آیا چروکهای دیرینه یا شیارهای سالمندی واقعاً از چهره‌اش معدوم شده‌اند . سپس سفیدی برفگون موهایش را وارسی‌کرد تا ببیند که آیا آنقدرها به سیاهی گرائیده‌اند که کلاهش را بکناری گذارد ؟ و سرانجام ، به چابکی عقب گردی کرد و با قدمهای رقصنده‌یی به سوی میز بازگشت وگفت : « دکتر پیر عزیزم ، خواهش میکنم یك‌گیلاس دیگر به من لطف کنید ! »

دکتر ، حاضر بخدمت و خوشرو ، پاسخ داد : « بروی چشم بانوی عزیزم ، بروی چشم ! بفرمائید ، قبلا گیلاسها را پر کرده بودم . »

واقعاً هم چهار گیلاس سرشار از این آب شگفتی‌انگیز روی میز بود که رشحه های آن ، وقتی از روی آب می‌جهید ، شبیه مرواریدهای ریز درخشانی بود . غروب چنان نزدیك شده بود که اتاق تاریکتر از همیشه ، درظلمت فرومیرفت ، اما پرتو مهتاب گونی از درون گلدان ساطع بود و به همین گونه برصورت چهار میهمان و برچهرهٔ موقر دکتر میتافت . دکتر روی صندلی دسته‌دار منبت‌کاری شده‌یی نشسته بود و عظمت اعجاب انگیزی داشت که شاید فقط در خور « زمان » بود ــ زمانی که هیچکس ، جز این جمع خوشبخت را یارای مقاومت دربرابر آن نبود . حتی وقتی آنها سومین گیلاس « چشمهٔ جوانی » را سرمیکشیدند ، براثر عظمتی‌که در چهرهٔ دکتر نمودار بود ، هیبتی از آن عظمت اسرارآمیز دردل خود احساس میکردند .

اما لحظه‌یی بعد ، جوشش نشاطانگیز جوانی در شرائین آنها پدید آمد . آنان در آستانهٔ شادی‌بخش جوانی قرار داشتند . عمر ، باآن اندیشه‌ها و اندوهها ، و بیماریهای پی‌درپی ، فقط همچون رنجی رؤیایی از خاطرشان میگذشت که بامسرت خاطر از آن بیرون پریده باشند . صفای طراوت خیز روح آنهاکه از دیرباز تیرگی یافته بود ، و بدون آن صحنه های پی‌درپی زندگی جزمشتی تصاویر رنگ و رو رفته‌نبود ، دوباره درخشش‌خودرا برتمام چشم‌انداز های آنان فرو افکند . آنان احساسی شبیه احساس نوزادگان دریك جهان نوزاده داشتند .



باشعف فراوان فریاد برآوردند : «، جوانیم ! ، جوانیم !»
جوانی ، همچون غایت آمال عمر ، خصایل کاملا مشخص زندگی میانه سال را تحت الشعاع قرار داده ، آنها را در خود تحلیل برده بود . چهار میهمان دکتر ، دیگر گروهی جوان سرشاد بودند که از سالهای فراوان عمرشان ، تا سرحد جنون شادمان بودند . عجیب ترین اثر شادمانی آنها ، نیروی محرکی بود که آنها را به مسخره کردن فرتوتی و ضعفی برمیانگیخت که خودشان از دیرباز قربانیان آن بودند . آنان به لباسهای خود ، به جلیقه های گشاد و به کتهای شل و آویختهٔ این مردان جوان و به کلاه و پیراهن قدیمی این دختر نوشکفته خندیدند . یکی‌شان مثل پدر بزرگ علیلی لنگ لنگان توی اطاق راه میرفت ؛ یکی شان عینکی روی بینی‌اش دهن‌کجی میکرد و وانمود میکرد که به صفحه های سیاه کتاب جادو مینگرد ؛ سومی توی صندلی دسته‌داری فرورفته بود ، و میکوشید تا از عظمت احترام انگیز دکتر **هایدگر** تقلید کند . آنگاه همگی از سر نشاط فریاد کشیدند و در اتاق به جست و خیز پرداختند . **ویچرلی** بیوه ــ اگر چنین دوشیزه نوشکفته‌یی رابتوان بیوه نامید ــ با چهرهٔ گل وشی‌که نشاطی شیطنت آمیز درآن نمودار بود ، سبك پا و چابك به سوی دکتر **هایدگر** رفت وگفت : « دکتر ! جان عزیزم ، برخیز و با من برقص ! » و آنگاه چهار جوان از مشاهدهٔ اینکه دکتر سالمند بیچاره ، چه قیافهٔ بی‌اعتنایی بخودگرفته است ، به صدای بلند خندیدند .

دکتر به آرامی جواب داد : « خواهش میکنم مرا معذور بدارید . من پیر و روماتیسمی هستم و مدتهای مدید است که دوران رقصیدن من سپری شده است . اما هر يك از این چهار نجیب‌زاده جوان و مشتاق ، از رقصیدن با همرقص زیبایی چون شما خوشحال خواهند شد .

سرهنگ **کیلی‌گرو** ، بصدای بلند گفت : « **کلارا** ، بامن برقص ! »

آقای **گاسکونی** فریاد زد : « نه ، نه ، من همرقص او خواهم شد ! »

آقای **مدباورن** داد کشید : « **کلارا** ، پنجاه سال پیش ، به من وعدهٔ همرقصی داد ! »

همهٔ آنها ، دور خانم **ویچرلی** جمع شدند . یکی ، هر دو دست او را در دستهای هیجان زدهٔ خود گرفت ؛ دیگری ، بازویش را درکمر او حلقه کرد ؛ و سومی دست خودرا میان موهای براق او که در زیر کلاه جلوه‌گری داشت ، فروبرد . و **ویچرلی** ، شرمزده و طناز و خندان و غمزه‌کنان و درحالی‌که نفس گرمش ، چهرهٔ سه جوان را به بازی گرفته بود ، بنظر میرسید که تقلا میکند خود را از آنان بدور کشد و حال آنکه همچنان درآغوش آن سه قرار داشت . هرگزاز رقابت چندجوان برسرزیبای افسونگری ، تصویری ازین زنده‌تر وجود نداشته است . معهذا به علت فریبندگی عجیبی که ناشی از تیرگی اتاق و لباسهای قدیمی‌ای بودکه آنها بر تن داشتند ، بنظر میرسید که آینه قدی ، قیافه‌های سالخورده ، فرتوت و تیره سه پیر مرد را که بطور مسخره‌آمیزی بخاطر زشتی مشمئز کنندهٔ يك پیرزن به رقابت برخاسته بودند ، منعکس میکند .

اما آنها جوان بودند . احساسات آتشینشان ، چنین ثابت میکرد ، سه رقیب ، از عشوهٔ این دختر ــ بیوه ، که نه تسلیم میشد ونه کاملا لطف و عنایت خودرا پوشیده میداشت ، دیوانه‌وار بخود می‌پیچیدند ، سرانجام بخشم آمدند و به هم چشم غره رفتند . آنها که هنوز غنیمت زیبایشان را حفظ میکردند ، وحشیانه برگلوهای یکدیگر چنگ انداختند . و درست بهنگامی که با یکدیگر گلاویز بودند ، میز واژگون شد و گلدان به زمین افتاد و هزار تکه شد . آب‌گرانبهای جوانی ، به صورت رشته درخشانی برکف اتاق جاری شد و بالهای پروانه‌یی راکه در افول تابستان به پیری رسیده و در آستانه مرگ افتاده بود ، مرطوب کرد . حشره ، به سبکی در اتاق پرکشید و برسر برفگون دکتر هایدگر جای گرفت .

دکتر آمرانه صدا زد : « بفرمایید ، بفرمایید آقایان ، بفرمائید خانم **ویچرلی** . من واقعاً علیه این شورش اعتراض میکنم !»

آنهابرجای ایستادند وبرخود لرزیدند ؛ زیرا چنین مینمود که «زمان» آنهارا فرامیخواند تا از اوج جوانی تابناکشان بـه عمق درهٔ ظلمانی و سرد سالها فرو افتند . آنها به دکتر **هایدگر** پیر که در صندلی دسته‌دارش نشسته بود ، همان گل سرخ نیمقرنی راکه از میان تکه های پراکنده گلدان نجات داده بود و بدست داشت ، نگاه کردند . چهار شورشی اگر چه جوان بودند ، اما از آنجا که کشمکش مخالفت آمیزشان ، آنها را خسته کرده بود ، از روی مبل به اشارهٔ دست دکتر ، بروی صندلیهای خود باز نشستند .

دکتر **هایدگر** که گل‌سرخ را دربرابر نور ابرهای غروب زده گرفته بود ، اندوهگین و تاسف زده‌گفت : « **گل سرخ سیلویای** بیچارهٔ من ! باز دارد پژمرده میشود »

و چنین بـود . حتی در حینی کـه این جمـع ، بدان مینگریست ،گل زیبا ، فسرده و فسرده‌تر میشد تا سرانجام به خشکی وپژمردگی زمانی رسیدکه دکتر نخست بار آنرا درگلدان افکنده‌بود.

دکتر **هایدگر** گل سرخ پژمرده را برلبهای چروکیدهٔ خود فشرد و گفت : « من آنرا بهمان اندازه‌یی دوست دارم که درکمال طراوت شبنم سانش دوست داشتم وقتی او سخن میگفت ، پروانه ، از سر برفگون دکتر پرکشید اما بزودی برکف اتاق فرو افتاد .

میهمانان دکتر ، باز برخود لرزیدند . سردی عجیبی ــ جسمانی‌بودم یاروحی ، آنها توانایی تشخیص آنرا نداشتند ــ بتدریج بروجود آنها مستولی شد ؛ بیکدیگر خیره شدند و به خیالشان رسیدکه هرلحظهٔ گذرا ، افسونی را از آنها میرباید و شیار عمیقی از خود برجای میگذارد که پیش از آن وجود نداشته است . آیا این يك فریب نبود ؟ آیا تغییرات عمر در چنین محیط کوچکی یکجاجمع آمده بود وآیا آنها حالا دیگر چهار جوان سالمند نبودند که درکنار دوست پیرشان ، دکتر **هایدگر** ، نشسته بودند ؟

آنها اندوهبار و نگران ، فریاد زدند : « بازهم به این زودی پیر شدیم ؟ »

بله ، در واقع ، پیر شده بودند . آب جوانی ، خاصیتی زودگذرتر از خاصیت شراب داشت . اثری که این آب بوجود آورده بود ، برطرف شده بود . آری ، آنها دوباره پیر شده بودند . **ویچرلی** بیوه ، با حساسیت فوق‌العاده‌یی که هنوز نشانه‌یی از زن بودن او بود ، دستهای لاغرش را جلوصورتش‌گرفت وچون دیگر نمیتوانست زیبا باشد ، آرزو میکردکه سرپوش تابوت برآنها نهاده شود .

دکتر **هایدگر** گفت : « بلی ، دوستان ، شما دوباره پیر شده‌اید و افسوس که تمام آب جوانی روی زمین به هدر رفت . اما من بخاطر این ، زاری نمیکنم ؛ زیراکه اگر چشمهٔ آن هم در پای پله های خانهٔ من بود ، من هرگز خم نمیشدم تا لبی از آن تر کنم . نه ، اینکار را نمیکردم ، ولوآنکه اثر آن بجای چندین لحظه ، سالها پایدار میماند . اینست درسی‌که شما به من آموختید ! »

اما چهار دوست دکتر ، چنین درسی را نیاموخته بودند . آنها تصمیم قاطع گرفتند که سفری به **فلوریدا** کنند و از بام تا شام از « چشمهٔ جوانی » سرکشند .



اعتراف شب سال نو

بقلم :
هرمان‌زودرمان
نویسندهٔ آلمانی
ترجمه :
حبیبه فیوضات

آه ، خانم عزیز ، باردیگر دراینجا ، پیش شما بودن ، در کمال آرامش در این صندلی راحتی نشستن و گفت وگوئی بدلخواه داشتن چه لذتبخش است . خدارا شکر که جنجال و هیاهوی تعطیلات گذشت و فرصت این دیدار دست داد .

آه از موسم کریسمس ! من جداً معتقدم که این رسم‌توسط ابلیس بمنظور اذیت وآزار ما مجردها برپاگردیده تا تیرگی و ملال بیخانمانی ما را بیشتر برخمان بکشد . این رسمی که منبع سرور و شادمانی دیگرانست ، مایه رنج و عذاب ماست . البته ، البته ، همه ما بیکس و تنها نیستیم . شادی ، شادی بخشیدن برای بسیاری از ما فراهم است . اما ، لذت بی‌شائبه شرکت در شادی دیگران مشکل است زیرا حسرت و اشتیاق جانگدازی که من بجای دلتنگی برای خانه نامش را دلتنگی برای زناشوئی میگذارم بعلاوه عیب جوئی از خود زندگی را درکام ما تلخ و ناگوار می‌گرداند .

در شما ، روح مهربانی و شفقت دیده میشود و از وجودتان دلجوئی و تسلی ، بوفور عداوت و کینه توزی اکثر همجنسانتان می‌تراود ، از من می‌پرسید چرا برای درددل کردن نزد شما نیامدم ؟ اما . مطلب باین سادگیهاهم نیست . آیا نمیدانید اسپیدل در کتاب شیرین خود « گنجشکان تنها و دلتنگ » که شما بسبب حدس زدن حالت روحی من در سومین روز تعطیلات برایم فرستادید ، چه گفته است ؟ می‌گوید : «یك مرد تنها نمیخواهد تسلی بیابد ، غمی را که بدلش راه یافته ، بجان گرامی میدارد و می‌پرورد .»

گذشته از گنجشك تنها و دلتنگ اسپیدل ، نوعی مرد مجرد سالخورده که دوست خانوادگی است ، نیز وجود دارد . مقصودم آن دسته از مردان که برباد دهنده حرفه‌ای خانواده ها هستند و با قصد قبلی و سود نیت ، از راه نیرنگ و دوروئی جای خود را بازمی‌کنند و از راحت وآسایش اجاق خانوادگی بهره‌مند میشود ، نیست . بلکه ، منظورم آن عموجان سالخورده ارجمند ، وهم مدرسه‌ای پیشین پاپاست که کودك را روی زانوانش می‌نشاند و نوازش می‌کند و درعین حال ، با احترام تمام ، داستان روزنامه را البته با حذف قسمتهای ناشایسته و دوراز نزاکت ، برای مامان میخواند .

مردانی را می‌شناسم که عمری را در خدمت خانواده‌ای بسر میبرند و ایام خود را در کنار زنی محبوب و دلربا ، زنی که در نهان می‌پرستند ، بدون هیچگونه هوس و تمنا می‌گذرانند .

باور نمی‌کنید ؟ آه ، بعبارت « بدون هوس و تمنا » اعتراض دارید ؟ شاید حق با شما باشد . حتی در اعماق رام‌ترین قلبها ، باحتمال قوی ، هوس و تمنای سرکشی درکمین است ــ اما هوس و تمنائی که مهار شده است .

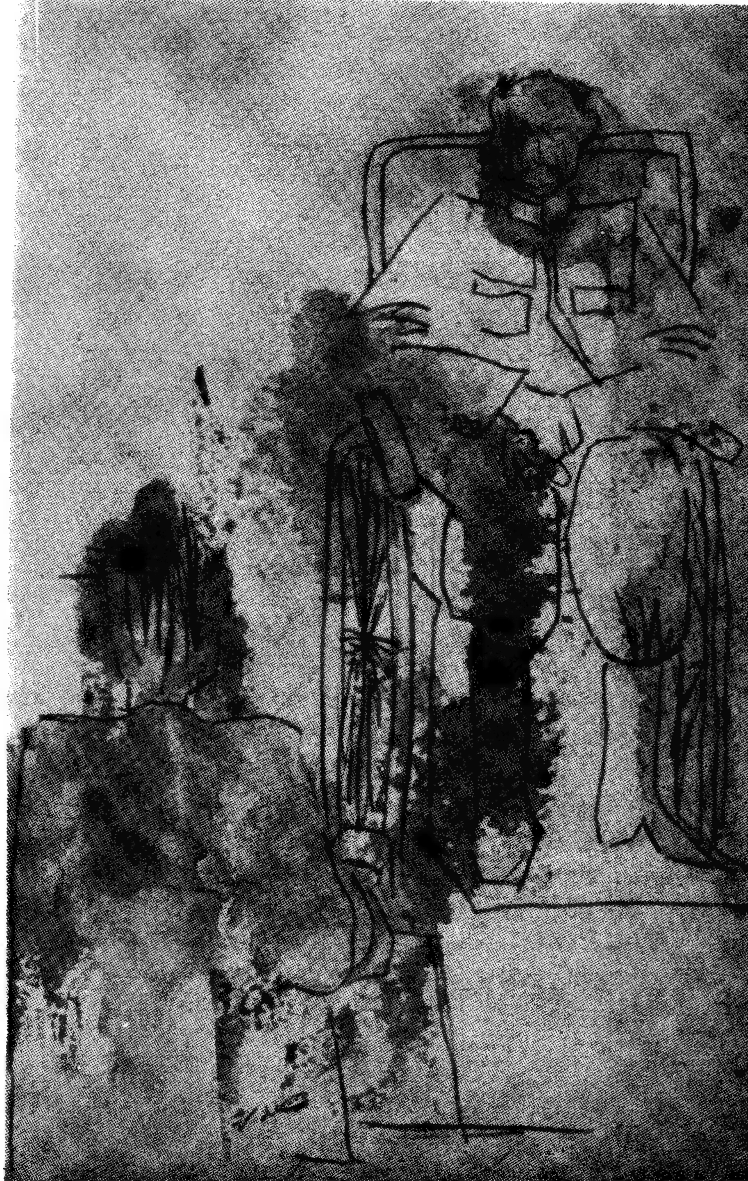
میل دارم برای شما نمونه‌ای ارائه دهم و گفت وگوئی را که بین دو مرد محترم سالدیده ، همین امسال ، در شب سال نو رویداد ، برایتان بازگو کنم . از من نپرسید این گفت وگو را چگونه شنیدم و آنرا برای دیگری نیز نقل نکنید . موافقید شروع کنم ؟

اطاقی را با سقف بلند در نظر آورید که بشیوه قدیم آراسته شده و چراغی از سقف آویخته و خوب جلا یافته با حبابی برنگ سبزـ از آن چراغها که پدران ما پیش از آغاز عصر نفت سفید بکار میبردند در آن نیمه روشن است . چراغ روی میزگردی که رومیزی سفید داشت و مواد لازم جهت تهیه «پونچ» سال نو رویش چیده بودند ، نور می‌پاشید . دروسط رومیزی چند قطره روغن که هردم پخش تر می‌شد ، بچشم می‌خورد .

دو مرد محترم سالدیده ما در روشنائی نیمه تاریك حباب سبزرنگ نشسته بودند . آندو ، بقایای فرسوده‌ای از دوران گذشته ای دور بودند که پنداشتی هریك در پیکر لرزان خویش فرورفته و با چشمان تار و نگاه بی‌فروغ پیری بنقطه‌ای نامعلوم خیره شده‌اند . یکی از آندو ، میزبان ، با اولین نگاه ، از شلوار تنگ و سبیل نوك تیز و ابروان‌گره خورده و حالت جنگجوئی اش پیدا بود که نظامی است. او در یك صندلی چرخدار فرورفته بود و دسته میله هدایت کننده را بسان عصائی سرکج با هردو دست چسبیده بود . هیچیك از اعضاء بدنش بجز فك پائین که لاینقطع مشغول جویدن بود ، کمترین حرکتی نداشت . دیگری که درکنار او ، روی مبلی نشسته بود ، قامتی بلند و لاغر و شانه هائی باریك داشت سرش باآن شکل نامتناسب و پیشانی پهن ، بسر متفکران می‌مانست و از چپق درازی که در شرف خاموش شدن بود ، ابری ازدود را اندك اندك بیرون میفرستاد . موی تابداری بسپیدی برف چهره‌اش را در میان گرفته بود و در میان چینهای ریز افزون از شماره پوست نرم و چروکیده اش ، لبخندی آرام وملایم ـ از آنگونه که تنها صفای حاصـله از چشم پوشی ازامیال میتواند بر چهره‌ای سالخورده پدیدار سازد ـ آشیان کرده بود .

آندو ساکت نشسته بودند . در سکوت اطاق صدای خفیف غلغل روغن سوخته و آب‌تنباکو شنیده میشد . تااینکه ساعت دیواری از میان تاریکی بصدا درآمد و ساعت یازده را نواخت .

مردی که سرش به متفکران می‌مانست ، گفت : «تو معمولا در همین ساعت پونچ را مخلوط می‌کردی .» صدایش نرم واندکی مرتعش



بود .

دیگری پاسخداد : «آری ـ در همین ساعت » آهنگ صدای او خشن و گفتی‌انعکاسی از فریادهای‌گوشخراش زمان فرمان دادن اوست.

میهمان بسخن ادامه داد : « هرگز فکر نمی‌کردم که زندگی بدون او تا اینحد حزن‌انگیز باشد .»

میزبان سرش را بنشانه تصدیق جنباند و بجویدن ادامه داد .

ـ «او چهل و چهار بار پونچ سال نو را برای ما درست کرد .»

سرباز پیرگفت : «آری ـ از همان وقتی که من دربرلن زندگی می‌کردم و تو بدیدن ما میآمدی .»

میهمان در دنباله سخن گفت : « سال گذشته ، درچنین موقعی ، ما سه نفر هنوز باهم بودیم و چه خوشبخت بودیم . او ، آنجا، در آن صندلی راحتی نشسته بود و برای فرزند ارشد پل بشتاب جوراب می‌بافت . بافتنی می‌بایست تاساعت دوازده تمام میشد . همینطور هم شد و بعد ما مشروب نوشیدیم و با خیال آسوده درباره مرگ سخن گفتیم . دوماه بعد جسد او بگورستان حمل شد ! میدانی من کتاب قطوری درباره بقای اندیشه نوشته‌ام . تو هیچگاه تاب شنیدن آنرا نداشتی و از وقتی زنت درگذشت خودم هم تاب شنیدنش را ندارم . حقیقت مطلب اینکه دیگر برای هیچ اندیشه و عقیده‌ای کمترین ارزش قائل نیستم . »

مرد زن‌مرده اظهار داشت : « آری ، اوزن خوبی بود . از من خوب مواظبت می‌کرد . در ایامی که ناگزیر بودم ساعت پنج صبح سرخدمت حاضر شوم ، پیش از من از خواب برمیخاست و قهوه خوبی برایم درست می‌کرد . بی‌شبهه اوهم از خطا مبرا نبود . امان ازوقتی که باتو شروع بفلسفه بافی کرد !»

میهمان قرقرکنان گفت : « توهرگز فکر و احساس او را درك نکردی .» گوشه لبانش از تاثر و تالم لرزید اما ، نگاه طولانی او بروی دوستش همچنان ملایم وحزن‌آلود بود گفتی احساس پنهانی گناه برروحش سنگینی مینماید .

پس از مدتی سکوت چنین آغاز سخن کرد :

ـ «گوش‌کن‌فرنتس ، من بایدموضوعی‌را بتوبگویم‌ـ موضوعیکه مدتهاست جانم را می‌کاهد . نمیتوانم این راز را با خود بگور ببرم .»

فرنتس گفت : « معطل نشو .» و چپق درازش را از کنار صندلی چرخدار برداشت و مشغول پرکردن آن از توتون شد .

ـ «یکوقتی ... میان من و .. زنت .. ماجرائی روی داد ..»

ـ « دکتر ، خواهش می‌کنم شوخی را کنار بگذار .»

ـ «اما فرنتس ، من کاملا جدی صحبت می‌کنم . بیش از چهل سال است که این راز را مکتوم داشته‌ام و اکنون هنگام آن فرارسیده که هرچه دردل دارم اقرارکنم .»

سرباز پیر از خشم بانگ برآورد : « یعنی میخواهی بگوئی زنم مرا فریب میداد ؟ »

فیلسوف با لبخند ملایم حزن آلودش پاسخداد : «خجالت بکش ، فرنتس !»

فرنتس لحظه‌ای چند من من و لند لند کرد و آنگاه چپقش را آتش زد .

فیلسوف بسخن ادامه داد :

ـ «نه ، او مثل فرشته ها پاك بود . تو ومن‌گناهکاریم . گوش کن ـ ماجرا مربوط به چهل و سه سال قبل است . تو تازه بادرجه سروانی در برلن ماموریت داشتی و من در دانشگاه تدریس می‌کردم . خوب میدانی که درآن زمان چه جوان سرکش خودرائی بودی .»

فرنتس گفت : « هوم » و دست لرزانش را برای تابیدن نوك سبیلهایش بالا برد .

ـ « در آن زمان هنرپیشه زیبائی بود که چشمان سیاه درشت و

دندانهای سپید ریزی داشت . یادت می‌آید ؟»

ـ یادم می‌آید ؟ اسمش «بیانکا» بود . تبسم خفیفی برچهره آفتاب خورده پیر مرد ـ چهره‌ای که از دشواریهای زندگی اثرها داشت ـ بتندی گذشت .

ـ «وجود او سوزنده بود ! قبول کن ، وجود او سوزنده بود !»

ـ « تو بزنت خیانت می‌کردی واو بتو بدگمان شد اما ، هرگز لب بشکوه نگشود و درخاموشی رنج برد . تو باین موضوع پی‌نبردی اما من متوجه بودم . او نخستین زنی بود که پس از مرگ مادرم شناختم . او مانند ستاره‌ای درخشان درآسمان زندگی من تابیدن گرفت و من باو همچون ستاره‌ای درخشان می‌نگریستم . عاقبت بخود جرات دادم و علت رنج و اندوهش را پرسیدم . لبخندی زد و گفت که هنوز حالش کاملا خوب نشده است . یادت هست که درآنموقع از تولد پل کوته زمانی نمی‌گذشت . تا اینکه شب سال نو فرارسید ـ درست مانند چنین شبی ، در چهل و سه سال پیش . من ، طبق معمول ، در حدود ساعت هشت بخانه آمدم . درانتظار بازگشت تو بخانه ، او بگلدوزی پرداخت و من برایش کتاب میخواندم . ساعات یکی پس از دیگری گذشت و از بازگشت تو خبری نشد . خوب میدیدم که چگونه ناراحت شده بود و همه بدنش می‌لرزید . منهم می‌لرزیدم . علت نیامدن ترا میدانستم و بیم آن داشتم که درآغوش آن زن نیمه شب را ازیاد ببری . نیمه شب نزدیك میشد . او از دوختن و من از خواندن دست کشیدیم وسکوت هولناکی حکمفرما گردید قطره اشکی برمژگانش لرزید و آهسته بروی پارچه گلدوزی اش چکید .ازجا جستم وخواستم برای بازگرداندن تو بخانه ازاطاق خارج شوم . درخود آن توانائی را میدیدم که ترا بزور از کنار آن زن دورکنم . اما ، زن توهم درهمان لحظه ، ازروی همین صندلی که الان من نشسته‌ام ، جست و فریاد زد : «کجا میروی ؟» .

درچهره‌اش وحشتی ناگفتنی خوانده میشد :

ـ «میروم فرنتس را بخانه بیاورم .»

فریاد زد : «بخاطر خدا پیش من بمان . لااقل تو پیش من بمان . تو مرا ترك نکن . »

خودش را بآغوشم انداخت و دستهایش را بروی شانه هایم گذاشت وصورت اشك آلودش را درسینه‌ام پنهان ساخت . تمام بدنم مرتعش شده بود . تا آنزمان ، هیچگاه ، وجود زنی را تااینحد نزدیك بخود احساس نکرده بودم . اما ، برخویشتن مسلط شدم و او را دلداری دادم . خیلی بدلداری احتیاج داشت . اندکی پس از آن تو بخانه برگشتی . متوجه پریشانی من نشدی . گونه هایت سرخ شده بود و درچشمانت اثرخستگی مستی عشق مشهود بود .

آن شب سال‌نو نوعی دگرگونی درمن پدید آورد که آشفته و بیمناکم ساخت . از لحظه‌ای که بازوان نرم او را دورگردنم احساس کردم و عطر گیسوانش را بوئیدم ، ستاره درخشان از آسمان فروافتاد و بجای آن ، زن ـ زن زیبا و عشق آفرین جان گرفت . میدانستم که از نگاههایم اشتیاق و تمنا می‌بارید . به خویشتن تهمت هرزگی و ریاکاری میزدم وبکفاره گناه وبمنظور رضایت وجدان مصمم شدم بین تو و معشوقه‌ات جدائی بیفکنم . خوشبختانه مبلغی پول که بارث بمن رسیده بود ، موجود داشتم و باآن ، او را راضی کردم و ... »

سرباز سالخورده بمیان حرفش دوید :

ـ «پس درمورد آن نامه سوزناکی که بیانکا بعنوان وداع برایم فرستاد و نوشت که باقلبی شکسته از عشق من چشم می‌پوشد ، تو سزاوار توبیخی ؟»

ـ «بلی ، درآن مورد مقصر منم . اما گوش بده . من گمان میکردم با پولیکه باو میدهم برای خودم آرامش خواهم خرید . ولی اشتباه کرده بودم . افکار آشفته و پریشان بیش از پیش در مغزم جولان داشتند . خودم را درکار غرق کردم . درهمان روزها بود که اساس و شالوده «بقای اندیشه» بذهنم خطور کرد . اما ، چه فایده ، ازاین رهگذر نیز آرامش خود را بازنیافتم .

بدینگونه یکسال تمام سپری شد وباز شب سال نو فرارسید . یك باردیگر روی همین صندلی ، در کنار اوقرارگرفتم . این بار ، تو درخانه بودی اما ، خسته و خراب از جشن وشادی درباشگاه بازگشته و دراطاق دیگری روی نیمکت بخواب رفته بودی . بودن درکنار او و دیدن چهره رنگ پریده‌اش ، یاد شب سال‌نو گذشته را دردلم بیدار کرد وتاب وتوانم را برد . فقط دراین آرزو بودم که باردیگر سرش را بروی سینه‌ام احساس کنم واو را ببوسم ، پس ازآن هرچه پیش می‌آمد اهمیت نداشت ! یك لحظه نگاههامان باهم تلاقی کرد . بنظرم رسید که برق یك تفاهم پنهانی در چشمانش درخشید . دیگر خودداری کردن نتوانستم ، درپایش افتادم و صورت داغم را در دامنش پنهان ساختم .

شاید پس از دوثانیه که بدینگونه ، بی‌حرکت ، برجای مانده بودم ، تماس دست خنك او را برروی سرم احساس کردم و صدای نرم و ملایمش را شنیدم که می گفت :

ـ «تو باید خوب باشی .»

ـ بلی ، من می‌بایست خوب باشم و نسبت بمردی که در کمال اطمینان ، دراطاق دیگر بخواب رفته بود ، خیانت نورزم . از جاجستم و بحال زار به پیرامون خود نگریستم . او کتابی را از روی میز برداشت و بدستم داد . منظورش را دریافتم ، کتاب را بی‌مقصود گشودم و بصدای بلند شروع بخواندن کردم . نمیدانم چه میخواندم . کلمات دربرابر چشمانم می‌رقصید . اما ، اندك اندك ، طوفان روحم فرونشست و هنگامی که ساعت دوازده نواخته شد و تو با چشمانی خواب آلود برای تبریك سال نو بدرون آمدی ، چنین احساس کردم که آن لحظه گناه خیلی پیش ، درگذشته خیلی دوری ، برمن گذشته است .

از آن پس آرامتر شدم . میدانستم که او عشق مرا جواب نمی‌گوید و از جانب او ، امید هیچ چیز جز ترحم و دلسوزی نباید داشته باشم . سالها سپری شد . فرزندان تو بزرگ شدند و همسر اختیار کردند . ما سه نفر پیرشدیم . تو خبطها و هوسهای جوانی را پشت‌سر گذاشتی و مانند من فقط بخاطر یکزن زندگی کردی . عشق او هیچگاه ازدلم بدرنرفت ، نه ـ چنین چیزی امکان نداشت . اما ، این عشق رنگ دیگر یافت . هوسها و خواهشهای جسمانی را بدور افکند و بصورت انس و الفتی روحانی تجلی کرد . تو غالبا به بحث های فلسفی ما می‌خندیدی . اما ، هرگاه پی میبردی که درآن لحظات و دقایق روح من چگونه با روح او درمی‌آمیخت و درآن محو میشد ، از رشك بخود می‌پیچیدی . حالا او مرده است . شاید تا شب سال نو آینده ماهم از پی او رهسپار شویم . بهمین سبب است که من اینك بار این راز را از دوش خود برمیدارم و میگویم : فرنتس ، یکوقت من نسبت بتو خطا کردم ـ مرا ببخش !»

دستش را بالتماس بسوی دوستش دراز کرد . اما ، فرنتس از روی تنگ حوصلگی گفت :

« به ، عجب مهملاتی ! چه بخششی ! این اخبار تو ، این اعتراف، تازگی ندارد . سالهای سال است که من از این ماجرا آگاهم . او خودش چهل سال پیش همه چیز را برایم بازگفت . و اینك سبب اینکه تا سنین پیری بدنبال زنان دیگر می‌دویدم برایت میگویم ـ چون وقتی اوماجرا را شرح داد ، اینرا هم گفت که تو یگانه مردی بودی که در همه عمر دوست داشت . »

میهمان ، خاموش ، باو خیره ماند . ساعت دیواری بصدا درآمد و ساعت ۱۲ را اعلام کرد .

قصه‌ای از آلپ

از :
ارنست همینگوی

نویسندهٔ امریکائی

ترجمه :

سیروس طاهباز

صبح زود هم هوای دره گرم بود . آفتاب ، برف چوبهای اسکی را که بدوش داشتیم آب می‌کرد و چوب را می‌خشکاند . دره در بهار بود اما آفتاب گرمای زیادی داشت . ما با چوبهای اسکی و کوله‌پشتیهایمان در جاده‌ی گالتور راه می‌رفتیم . از جلو حیاط کلیسا که گذشتیم تازه مراسم تدفینی تمام شده بود . به کشیشی که از کلیسا بیرون آمده بود و داشت از کنار ما می‌گذشت گفتم :

ـ سلام پدر !

کشیش سرتکان‌داد .

جان گفت : « خنده‌داره که کشیش هیچوقت با آدم حرف نمیزنه . »

ـ « خیال می‌کنی خوششون می‌آد بهشون بگی سلام‌پدر »

جان گفت « هیچوقت جواب نمیدن . »

توی جاده ماندیم و به‌گورکنی که داشت زمین تازه‌کنده شده را بیل می‌زد نگاه کردیم . یك دهاتی با ریش‌سیاه و چکمه‌های بلند چرمی کنار گور ایستاده بود . گورکن ازبیل‌زدن دست‌کشید و کمرش را راست‌کرد . دهاتی چکمه‌پوش بیل را از گورکن گرفت و شروع‌کرد به‌پرکردن ـ خاکها را طوری پهن می‌کرد که گفتی دارد باغی را کود می‌دهد . دراین صبح روشن ماه مه گورپرکردن باورنکردنی بود . فکرش را هم نمی‌کردم که کسی بمیرد .

به جان گفتم «فکرشو بکن تو یــه همچی روزی بری زیر خاك . »

ـ « خوشم نمیآد . »

گفتم « خب ، مجبورم نیستی ! »

از خانه‌های دهاتی کنار جاده گذشتیم و رفتیم طرف مهمانخانه . یك ماه بود که برای اسکی درسیلورتا بودیم و پائین دره بودن کیفی داشت . پیش از این «سیلورتا» برای اسکی خوب بود ، اما در اول بهار برف تنها صبح زود یا وقت غروب کافی بود . غیراز این ، آفتاب برفها را هدر می‌داد . هردو ازآفتاب خسته شده بودیم . از چنگ آفتاب نمیشد فرارکرد . تنها سایه‌ای که بود سایه‌ی تخته‌سنگها بود و کومه‌ای که درپناه یك تخته‌سنگ کنار یك توده‌ی یخ ساخته شده بود . توی سایه عرق تن آدم یخ می‌بست. بیرون‌کومه بی‌عینك سیاه نمی‌شد نشست . توی آفتاب سیاه شدن کیفی داشت اما آفتاب خیلی ملال‌آور بود . نمی‌شد درآن استراحت کنی. بهار وقت سیلورتا رفتن نبود . از اسکی خسته شده بودم . خیلی‌وقت بود اینجا بودیم . درآبی که نوشیده بودم مزه‌ی برف آب‌شده‌ی سقف شیروانی کومه را احساس می‌کردم . خوشحال بودم که آنجا جز اسکی چیزهای دیگری هم هست و خوشحال بودم که دراین صبح ماه مه به دره می‌رفتیم و ازکوه بلند ناجور دور می‌شدیم.

مهمانخانه‌چی جلوی مهمانخانه نشسته بود و صندلیش به‌دیوار

تکیه داشت . آشپز کنارش نشسته بود .

مهمانخانه‌چی گفت « اسکی‌بازا سلام ! »

ماگفتیم «سلام» و چوبهای اسکیمان را به دیوار تکیه دادیم و کوله‌پشتی‌هایمان را درآوردیم .

مهمانخانه‌چی گفت «اون بالا چه‌طور بود ؟»

ــ « آفتاب سیر خورده زیادی بود . »

ــ « آره این وقت سال آفتاب می‌سوزونه . »

آشپز روی صندلیش نشسته بود . مهمانخانه‌چی همراه ما آمد و در دفترش را باز کرد و بسته‌های پستی ما را آورد . بسته‌ها چندتا نامه بود و روزنامه .

جان گفت : « یه‌خورده آبجو بزنیم . »

ــ « باشه تو می‌خوریم . »

مهمانخانه‌چی دو بطر آبجو آورد که وقت خواندن نامه‌ها سرکشیدیم .

جان گفت « خوبه بازم بخوریم . » این‌بار یك دختر آبجو را آورد . در بطری را که داشت بازمی‌کرد خندید .

دختر گفت « چقدَه کاغذ . »

ــ « آره ، خیلیه . »

دختر گفت « بسلامتی » و با شیشه‌های خالی بیرون رفت .

ــ « یادم رفته بود آبجو چه‌مزه‌ای میده . »

جان گفت « من نه ، اون بالا ، تو کومه ، کلی به یادش بودم . »

ــ « خب ، حالا که داریم . »

ــ « نباس هرکاری روزیاد لفتش داد . »

ــ « نه . خیلی اونجا موندیم . »

ــ « اه ، خیلی . یه‌کاری روزیادکردن هیچ‌خوب نیس . »

آفتاب از میان پنجره‌ی بازآمد تو و روی بطریهای میز افتاد . بطریها نیمه‌پر بود . کمی کف روی آبجو داخل بطریها بود . کف زیاد نبود ، چون خیلی سرد بود . وقتی آنرا داخل لیوانهای بلند می‌ریختی کفها در گلوی بطریها می‌ماند . از پنجره‌ی باز به‌بیرون ، به‌جاده‌ی سفید رنگ ، نگاه کردم . درختهای کنار جاده غبار آلود بود . آنطرفتر کشتزاری سبز بود و رودخانه‌ای . کنار رود درختهایی بود و آسیابی با یك چرخ آب . درکنار آسیا الواری بلند را می‌دیدم ، با اره‌ای درمیانش که بالا و پائین می‌رفت . انگار کسی نبود . چهار کلاغ بالای آن سبزه‌ها می‌گشتند و یك کلاغ هم روی درختی نشسته بود و نگاه می‌کرد . بیرون ، درایوان. آشپز صندلیش را برداشت و رفت به‌راهروی که به‌آشپزخانه رامداشت. توی اتاق آفتاب به‌لیوانهای خالی روی میز می‌تابید . جان به‌جاو خم شده بود ، سرش میان دستهایش بود .

از توی پنجره دو مرد را دیدم که از پله‌ها بالا می‌آمدند . آمدند به «بار» یکیشان آن دهاتی ریشوی چکمه‌پوش بود و آن یکی گورکن . نشستند پشت میز زیر پنجره . دختر آمد و کنار میزشان ایستاد . دهاتی انگار نمی‌دیدش . دستهایش را گذاشته بود روی میز و لباس کهنه‌ی زمان سربازیش را پوشیده بود که روی آرنجهایش وصله داشت .

گورکن پرسید « چی‌بیاره ؟ » دهاتی توجهی نکرد .

ــ «می چی می‌زنی ؟ »

دهاتی گفت «عرق . »

گورکن به‌دختر گفت « با نیم بطر شراب‌قرمز . »

دختر مشروبها را آورد و دهاتی عرق را سرکشید . ازپنجره به‌بیرون نگاه می‌کرد . گورکن می‌پائیدش . جان سرش روی میزبود، خواب رفته بود .

مهمانخانه‌چی آمد تو و رفت طرف میز آنها . بهزبان محلی حرف‌زد و گورکن جوابش راداد .

دهاتی از پنجره به‌بیرون نگاه می‌کرد . مهمانخانه‌چی ازاتاق بیرون رفت . دهاتی بلند شد . ازلای یك دفتر بغلی جلد چرمی یك اسکناس ده هزار کوننی مچاله را بیرون کشید و صاف کرد .

دختر پیش آمد و گفت «همین»

دهاتی گفت «همین»

گورکن گفت « بذار من شراب بخرم . »

دهاتی دوباره به دختر گفت «همین» . دختر دستش را بجیب پیشبندش کرد و یك مشت پول خرد بیرون آورد و شمرد و بقیه‌ی پول را داد . دهاتی رفت بیرون . همینکه دهاتی رفت مهمانخانه‌چی دوباره آمد به‌اتاق و با گورکن‌گپ‌زد . نشست پشت‌میزش . بهزبان محلی حرف می‌زدند . گورکن سرش‌گرم بود و مهمانخانه‌دار بیزاری نشان می‌داد . گورکن از پشت میز بلند شد . مردکوتاه قد سیبیلویی بود ، از پنجره خم شد و جاده را نگاه کرد .

گفت « اوناها داره می‌ره . »

ــ « میره لوون ؟»

« آره . »

دوباره گپ زدند وبعد مهمانخانه‌چی سر میز ما آمد . مرد قدبلند پیری بود . به جان که خوابیده بود نگاه کرد .

« حسابی خسته‌س . »

« آره ، خیلی اون‌بالا بودیم . »

« می‌خواین زود غذا بخورین ؟ »

گفتم « هر وخ شد . براخوردن چی دارین ؟ »

« هرچی بخواین . دختره صورت غذارو براتون میاره . »

دختر صورت غذا را آورد . جان بیدار شد . اسم غذاها را با جوهر روی مقوا نوشته بودند و مقوا را زده بودند روی یك‌صفحه چوب .

به‌جان گفتم « سپیزکارت هس . » نگاهی به‌مقوا انداخت ، هنوز خواب‌آلود بود .

از مهمانخانه‌چی پرسیدم « نمی‌خواین یه مشروب با مابزنین ؟»

مهمانخانه‌چی آمد نشست و گفت « این‌دهاتیا مثه حیوونن . »

ــ« وقتی داشتیم میومدیم سریه‌قبر دیدیمش . »

ــ « زنش بود . »

« اوه . »

ــ « حیوونه . همه‌ی این دهاتیا حیوونن . »

ــ «منظورتون چیه ؟»

ــ « باور نمیکنین . باور نمیکنین سراون‌یارو چی‌اومده . »

ــ « بگین . »

ــ « باور نمیکنین . » مهمانخانه‌چی به گورکن گفت «فرانتز بیا اینجا . »

گورکن با بطری کوچك شراب ولیوانش آمد .

مهمانخانه‌چی گفت « آقایون الساعه از ویس‌بادن‌روت میآن» دست دادیم .

پرسیدم « چی‌می‌خورین ؟»

فرانتز انگشتش را تکان داد «هیچی . »

ــ « نیم بطر دیگه ؟ »

مهمانخانه‌چی پرسید « زبون محلی حالیتون میشه ؟»

ــ « نه . »

جان گفت « این‌کارا چیه ؟ »

« می‌خواد براموون از اون دهاتیه که تو راه دیدیم داشت قبرویر می‌کرد ، حرف بزنه . »

جان گفت « هیچ سردرنمیآرم ، خیلی تند میگه . »
مهمانخانه‌چی گفت « دهاتیه امروز زنشو آورده بود خاك کنه ، زنش تو نوامبر مرده بود . »
گورکن گفت «دسامبر . »
« فرق نمی‌کنه . خلاصه زنش چند ماه پیش مرده و یارو به‌بخش خبر داده . »
گورکن گفت « هیجده دسامبر . »
« به هرحال . تا وقتی برف بند نیومد نتونست بیارتش خاك کنه . »
گورکن گفت « خونش اون‌طرف پازنانه اما مال‌این بخشه . »
پرسیدم « اصلا نتونس بیاره ؟»
« نه تاوقتی آب شد . از اونجا فقط با اسکی میشه اومد . واسه اینه که امروز آورد خاکش کنه‌وکشیش ، وقتی صورت زنیکه‌رو دید ، نمی‌خواس بذاره خاکش کنن . » بعد به‌گورکن گفت « حالا باقیشو بگو . محلی حرف نزن آلمانی بگو . »
گورکن گفت « واسه کشیش خنده‌دار بود . تو گزارش نوشته بودن از مرض قلبی مرده ، میدونسیم مرض قلب داره . بعضی‌وقتا تو کلیسا غش میکرد . خیلی وقت بودکه نیومده بود . قوت‌سربالایی اومدنو نداشت کشیش وختی پتورو ازصورتش پس‌زد از اولتز پرسید « زنت خیلی دردکشید ؟» اولتز گفت « نه . وقتی اومدم خونه دیدم تو رختخوابش مرده . » کشیش دوباره به‌مرد نگاه کرد . بدش اومده بود . پرسید « صورتش چرا اینجوری شده ؟»
اولتز میگه «نمیدونم . »
کشیش میگه «باید بدونی» و پتورو پس میزنه . اولتز چیزی نمیگه . کشیش نگاهش می‌کنه . اولتز میگه « می‌خواین بدونین ؟ » کشیش میگه «باید بدونم »
مهمانخانه‌چی گفت « اینجاش خوشمزه‌س ، گوش کنین . بگو دانتز . »
اولتز میگه « وقتی زنم مرد به بخش خبردادم و نعشو گذاشتم توانبار ، رویه‌کنده ، وختی خواستم کنده‌رو بردارم نعشه خشك‌شده بود ، منم ورش‌داشتم تکیه‌اش دادم به‌دیوار . دهنش واز بود و وختی شبا می‌اومدم انبار که کنده‌ها روببرم فانوسو آویزان می‌کردم به دهنش . »
کشیش پرسید « چرا این کاررو می‌کردی ؟» اولتز گفت «نمی‌دونم . »
« خیلی این‌کارو کردی ؟»
« هروخ که شب واسه کار می‌رفتم انبار . »
کشیش گفت « کار خیلی بدی بود . زنتو دوس‌داشتی ؟»
اولتز گفت « آره ، دوستش داشتم ، خیلی دوستش‌داشتم . »
مهمانخانه‌چی پرسید « همشو فهمیدین ؟ همه جریان زنشو فهمیدین ؟ . »
ــ « شنیدم . »
جان گفت « غذا چی ؟»
گفتم « بگو بیارن . » از مهمانخانه‌چی پرسیدم « فکر میکنین راسته ؟ »
گفت « البته که راسته ، این دهاتیها حیوونن . »
« حالا کجا رفت ؟»
« رفت پیش همکار من لوون می‌زنه . »
گورکن گفت « نمی‌خواد با من می‌زنه . »
مهمانخانه‌چی گفت « وقتی فهمیده که این بابا از قضیه‌ی زنش خبردار شده نمی‌خواد باهاش می‌زنه . »
جان گفت « میگم ، غذا بخوریم ؟ »
گفتم « خیله خب . »

بهترین سیاست

از :

فرنس ملنار

نویسندهٔ مجار

ترجمه :

محمد جواد محسنیان

آقای بایوت مدیر بانك ملی کشاورزی از منشی خودفیلی‌برت پرسید :
« فیلی‌برت ، بگو ببینم ، این فلوریوت کارمند شعبه پرپی‌یان کیست ؟ ! »
« فلوریوت ؟ صندوقدار شعبه ، حالا بجای رئیس شعبه کار میکند ، بخاطر میآورید که آقای بوچر برحمت ایزدی پیوست و ما هنوز کسی را بجای او انتخاب نکرده‌ایم . در این مدت کارهارا فلوریوت انجام میدهد ، اصولا کارهای شعبه پرپی‌یان زیادنیست ».
مدیر بانك کاغذی از روی میز خود برداشت وگفت :
« ولی مثل اینکه اختلاس کرده ، من این نامه را از آنشهر دریافت کردم ، هرچند نویسنده‌اش معلوم نیست ولی باید تصدیق کرد که . . . »
بعد نامه را که کاغذ چندان تر و تمیزی نبود به فیلی‌برت‌داد. روی آن با خطوط کج و معوجی اینطور نوشته شده بود :
« مدیر بانك ملی کشاورزی
« آقای عزیز . ما کشاورزان پس‌اندازی را که بزحمت تحصیل کرده‌ایم در شعبه بانك شما در پرپی‌یان بامانت گذاشته‌ایم ولی‌روزی خواهد رسید که از خواب بیدار شویم و با خبر گردیم که بانك شما ورشکست شده و پس‌انداز ما بتاراج رفته است . این‌امر باوضع موجود دراینجا غیرقابل اجتناب است. بدانید صندوقدار شما آقای

فلوریوت مدتها مشغول چپاول واختلاس است. او اکنون باید تمام موجودی بانك را بجیب زده باشد ، وقتی شما در پاریس از جریان باخبر شوید ، دیگر چیزی موجود نخواهد بود . »

« فیلی‌برت شما همین فردا یکنفر بازرس بفرستید . باوبگوئید کاملا درکار خود دقت کند ، در عین حال مایل نیستم کسی بیجهت بدنام شود .

***

آقای فلوریوت مدیر موقت شعبه پرپی‌یان درحالیکه خیره‌خیره ببازرس اعزامی از پاریس نگاه میکرد غرغرکنان گفت :

ــ « دفاتر مرا بازرسی کنید ؟ آنهم این موقع ؟ وسط ماه ؟ حتی بدون اطلاع قبلی ! این تااندازه‌ای غیرمعمول بوده است ، نیست ؟ »

بازرس درحالیکه ازاین دردسر عذرخواهی مینمود گفت :

ــ « این چیزی نیست که شما را دلگیر کند . آقای فلوریوت ما اینکار را هرچند وقت درتمام شعب میکنیم . تصمیم آقای‌رئیسه درحقیقت این یك‌نوع بازی اداریست . من ظرف نیمساعت کارم را تمام میکنم . »

ــ « درست ، ولی مردم چه‌خواهند گفت ، آنهم در یك‌محل کوچك مثل اینجا ، هرکسی خواهد گفت که من بدلایلی مورد شك و تردید قرار گرفته‌ام ، فکر رسوائی آنرا بکنید . »

بازرس ناشکیبا گفت :

ــ هیچکس ازاین جریان باخبر نخواهد شد . مگر اینکه شما خودتان از آن صحبت کنید ، خوب حالا میتوانم دفاتر را ببینم »

***

دو روز بعد فیلی‌برت وارد دفتر مدیر شد و گفت :

ــ « میتوانم درباره بازرسی شعبه پرپی‌یان بشما گزارش بدهم. کلیه دفاتر درست بود ، هیچ چیز از قلم نیفتاده است ».

« بسیار خوب ، نباید بدین نامه‌های بی‌نام و نشان و نفرت‌آور توجه کرد ، متشکرم آقای فیلی‌برت » .

کمتر از یکماه بعد رئیس بانك بازهم منشی خود را احضار کرد و بتندی گفت :

ــ « واقعا مضحك است . نامه بدون امضای دیگری از پرپی‌یان رسیده ، نویسنده مدعی است که دفاتر خوب بازرسی نشده است . مسلما این آقای فلوریوت ریگی بکفش دارد . شاید بوسیله همدستانش موفق‌شده وجوه اختلاس شده را بجای خود بگذارد ، ما باید درباره این موضوع تحقیقات بیشتری بکنیم . »

فیلی‌برت با قیافه تاسف‌آوری پرسید :

ــ « آیا باید مجددا بازرس بفرستیم »

مدیر با انگشت خود روی میز زد وگفت :

ــ « من دوست ندارم چنین کاری بکنم ، ولی مساله اینستکه درمقابل ارباب رجوع ما مسئولیت داریم ، اگر واقعا کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه باشد و بعدها معلوم گردد دردسر بزرگی خواهد شد . بدبختانه فرستادن بازرس تنها کاری است که میتوانیم بکنیم . اینبار بگوئید بیشتر دقت کند ، میل‌دارم این قضیه برای همیشه روشن شود » .

همانروز سه تن از بازرسان مورد اعتماد بانك عازم پرپی‌ین شدند . اینبار آقای فلوریوت بی‌اندازه متعجب شد . یکی‌از بازرسها مواظبت او را بعهده گرفت و دو نفر دیگر مدت چهار ساعت حسابها را بازرسی کردند . هیچچیز کم یا زیاد نبود . دفاتر کاملا درست‌بود. درموقع خداحافظی رئیس بازرسی خطاب به فلوریوت که بنظرمیرسید درهم شکسته شده گفت :

ــ « ایکاش کارهای ما در تمام شعب مثل این شعبه رضایت‌بخش بود ! »

***

یك هفته بعد فیلی‌برت سراغ آقای مدیر رفت و گفت :

ــ « آقای فلوریوت میخواهد شما را ملاقات کند . »

مدیر بانك طبق عادت معمول خود از جابرخاست و بطرف در رفت و دست خود را بطرف فلوریوت دراز کرد . فلوریوت کمی خم شد و گفت :

ــ « آقای رئیس آمده‌ام استعفای خود را تقدیم کنم » .

ــ « استعفایتان را ؟ شما نباید اینطور بگوئید فلوریوت عزیزمن، اصلا چرا ؟ »

ــ « آقای رئیس شما دستور دادید دفاتر شعبه من دوبار بازرسی شود ، طبیعتا این جریان صحبتهای زیادی بوجود خواهد آورد . هرچند صداقت و پاکدامنی من ثابت‌گردید ولی این جریان در مردم اثر بدی گذاشته است ، مردم میگویند حتما دلایل قانع‌کننده‌ای وجود داشته که شعبه مرکزی دوبار دفاتر مرا بازرسی کرده‌است ، باور کنید که تمام آبرو و شرف من برباد رفت ... من یك مرد جوان نیستم ، ازطرفی همسری دارم که باید بفکر او هم باشم ».

ــ آقای بایوت عمیقا تکان خورد :

ــ ــ من وظیفه شخصی خود میدانم که برای شما اعاده حیثیت کنم ، یك دقیقه صبرکنید . . . . . محل ریاست شعبه هنوز خالی است ، میل دارید این پست رااشغال کنید، بااین ترتیب هیچکس در صداقت شما شك نخواهد کرد ، اینطور نیست ، بعلاوه حقوق شما هم اضافه خواهد شد . »

فلوریوت با لکنت زبان گفت :

ــ « حقیقتا »

ــ البته ، البته ، همکار عزیز من . بانك باید از داشتن کارمندان صدیقی مثل شما بخود ببالد !

***

پس‌ازبازگشت به‌پرپی‌یان فلوریوت‌درحالیکه پاهای خود را درون سرپائیکه همسرش جلو او گذاشته بود میکرد گفت :

ــ « چه فایده دارد که انسان پاکدامن باشد ولی هیچکس ازآن باخبر نشود . من باید سالهای سال در سمت حسابدار میماندم و هیچکس در شعبه مرکزی از صداقت وپاکدامنی من مطلع‌نمیگردید .»

خانم فلوریوت درحالیکه شوهر خود را تحسین میکرد گفت :

ــ « ولی حالا همه اطلاع پیدا کردند ، نوشتن این نامه‌ها از کارهای قابل تحسین تو بود !»

رنج معلم

از : نیگوین خونگ

نویسندهٔ ویتنامی

ترجمه : ع . کاتبی

درحومه شهر که خانه‌ها بهم فشرده شده و هوای سوزان با بوی لجنزارها و زباله‌دانها بهم آمیخته بود ، دبستانی چند درکنار کوچه‌های پررفت و آمد و بن‌بستهای پراز انسان و حیوان بچشم میخورد . در این دبستانها گروههای کوچکی از کودکان شش تا ده ساله درس میخواندند . گاه جوانهای هفده ـ هجده ساله نیز با روح نومید و مایوس از زندگی باین دبستانها پناه میآوردند . دبستانها همچون جنایتکاران فراری یا درآلونکی درمیان یك باغ، یا در انباری دور از چشم و یا در ایوان سرپوشیده‌ای جاداشتند . بااینهمه فرزندان خانواده‌های خیلی فقیر نمیتوانستند بآنجا قدم بگذارند . عدهٔ زیادی از معلمین نیز بعلت ناتوان بودن از انجام تشریفات لازم ، باخذ اجازه‌نامه رسمی تعلیم موفق نمیشدند و یا درآن سالهای گرانی امکان تهیه پول جهت اجاره خانه و خریدن میز و نیمکت برای تشکیل دبستان پیدا نمیکردند .

آموزگاران مجبور بودند برای کار غیرمجاز خود هرماه از چهل تا هفتاد سو بپردازند تا پنهانی و با دلهره بمعلمی مشغول شوند . آنها دربرابر کار توان‌فرسای خود هفت ـ هشت‌پیاستر که حتی برای اداره زندگی خانواده فقیری کافی نبود بدست میآوردند . بدینسان من سه سال در حومه شهر آموزگار بودم و مرا عمومعلم مینامیدند . سه سال تمام درس میدادم و پول ناچیزی میگرفتم که با آن زندگی مادر مهربان ، ناپدری احمق و بیکاره و خواهر ناتوانم رامیگذراندم.

من در محله‌ای با کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ که با گودالهای کثیف خود عابران را آلوده میکرد ، خانه داشتم . اینجا زباله‌دان انسانها بود . دراینجا آدمهای گستاخی وجود داشتند که برای انجام هرگونه شرارتی آماده بودند . در این محله ، کولیها ، کارگران نیمه‌بیکار ، خورده‌فروشها ، خدمتکاران اروپائیها و زنان هرجائی بسر میبردند . دراینجا همیشه لکه‌های خون درکوچه‌ها بچشم میخورد . زد و خوردها یا بر سر بازی ورق بود و یا بر سر شوخیهای مستخدمه‌های سبك‌مغز . بااینهمه اهل محله مرا خیلی دوست میداشتند و با من بمهربانی رفتار میکردند . باآنکه پدران شاگردان من خشن و هتاك بودند ولی بمن احترام میگذاشتند زیرا آخر من معلم بودم و کودکان آنها را تعلیم میدادم :

ـ این حرف C است که شبیه چنگك میباشد . این یکی حرف O است که به تخم‌مرغ میماند . اگر زبانه‌ای زیرآن بگذاریم حرف دیگری بدست میآید و اگر کلاهکی بر سرش قرار دهیم باز حرف دیگری خواهیم داشت ....

من بشاگردانم درس اخلاق ، بهداشت ، حساب و جغرافیا هم میدادم و در برابر هر ماه چهل سو که پشیزی بیش نبود از هر شاگرد میگرفتم . درمقابل اینهمه رنج تن‌فرسا دلشاد بودم که پدران شاگردانم بشعری که فرزندانشان پی‌درپی و هر شب تکرار میکردند بشادی گوش میدهند :

« با گذشت زمان کودکان بزرگ میشوند
« و پدران پیر میگردند .
« شیر در پستان مادران میخشکد
« و پدران رنجور و درمانده می‌شوند
« کودکان باید ،
« دربارهٔ رنج پدران خود بیندیشند
« و بمادران خود مهر ورزند
« و هرگز محبت خود را از آنها دریغ ندارند ... »

***

بلی سه سال تمام خانواده چهارنفری من با پول ناچیزی که هرماه از راه تعلیم دادن بدست میآوردم ، زندگی میکرد . سه سال تمام ما درمیان خاموشی جانکاه دردواتاق کوچك بسرمیبردیم . دریکی از آنها یك تختخواب و صندوقچه‌ای در روی نیمکتی قرار داده شده بود . زیر نیمکت هم ظرف سفالین بزرگی برای نگهداری برنج و کاسه‌ای جهت حفظ سبزیجات نمك‌سود و زنبیل فنجانها و ظروف گذاشته شده بود . در اتاق دیگر که پنجره‌ای بدون پردهٔ حصیری داشت ، چهار میز دراز پهلوی هم چیده و چهارنیمکت پشت آنها گذاشته بودم و یك تخته سیاه محقر هم در یك گوشه اتاق دیده میشد ، در این اتاق شوم سه سال تمام دوازده کودکی را که روی نیمکتها تنگ بغل هم می‌نشستند درس میدادم و حتی گاه اتفاق میافتاد که روی نیمکتها بیست شاگرد مینشاندم ، شاگردانی که همه لباس کهنه و پاره پوشیده بودند ورمقی در بدن نداشتند . ولی با همه فقر دهشتناکی که در خانواده آنها حکمفرما بود ، پدران شاگردان من در اول و یا نیمهٔ هرماه ماهانه کودکان خود را با علاقه و دقت و شوق زیادی میپرداختند ، زیرا میدانستند که معلم فرزندانشان فقیر است و بعلاوه آنها معلم را دوست میداشتند و در دل خود نسبت باو احساس احترام میکردند .

درآنزمان من جوان بودم و بیش از هفده سال نداشتم . اما همسایگان میدیدند که هر شب با حرارت و پشتکار زیادی کتاب میخوانم و چیز مینویسم . آنها نمیدانستند که نوشته‌های من چیست ولی هر شب میدیدند صفحه‌های کاغذ را پشت سر هم سیاه میکنم و کنار میگذارم . بدینسان سه سال تمام من درمیان رنج جانکاه و فقر دهشتزا با مادر و ناپدری و خواهرم که خیلی علاقه بکار داشت و اما کاری برایش پیدا نمیشد زندگی میکردم . بله ، سه سال تمام با پول ناچیز مردمان فقیری حیات دردآلودی میگذراندم ..

***

روزی از کودکی خواستم که ماهانه خودرا بپردازد :

ــ آیا مادرت مزد خود را گرفته است ؟

دخترك که موهای خرمائی رنگ او بر شانه‌هایش ریخته و مانند ابریشم میدرخشید بروی من نگاه کرد ، چشمان بلوطی‌رنگش تیره شد و درحالیکه اشك خود را نگاهمیداشت جواب‌داد :

ــ آقای معلم بیش از یکماه است که مادرم کار خود را از دست داده است .

من از شاگرد دیگری پرسیدم :

ــ آیا مادر تو هم کار نمیکند ؟ چرا ماهانه خود را نمیپردازی ؟

پسرك جواب‌داد :

ــ مادرم دوقلو زائیده ونمیتواند ببازار برود .

اندوهی سنگین برقلبم فرود آمد وبرای اینکه اشکهایم را از کودکان پنهان دارم رویم را برگرداندم . ناگهان پسری بنام آن که مثل خوك چاق بوداظهار داش ت:

ــ آقای معلم مادر مرا بازداشت کرده و پشت میلهٔ زندان افکنده‌اند.

من پرسیدم :

ــ چه وقت ؟

آن مدت زیادی حرف زد اما من دیگر نمیخواهم حرفهای کودکی را که همیشه گرسنه بود تکرار کنم زیرا هرکلمه‌ای ازسخنانش همچون نیشتری بقلبم فرو رفت . او درآخر چنین گفت :

ــ آقای معلم کالاهای مادرم را هم توقیف کردند ...

من سرگیجه گرفتم و بزحمت خودرا سرپا نگهداشته‌بشاگردانم گفتم :

ــ آن ، فائونگ ، لئتخ برادران کوچك من ! پدر و مادر شما سسال تمام ، سه سال گرسنگی ، سه سالی‌که هروقت پلیس‌فرانسوی یا ویتنامی در محله ما ظاهر میشدند همه را وحشت و اضطراب فرا میگرفت ، مرا زنده نگاه داشتند . دراین سالهای اندوهبار و دردناك شما شادیهائی هم برای من فراهم میآوردید : هروقت که بزبان مادری خود خواندن و نوشتن یاد میگرفتید و یا کلمه‌هائی از زبان فرانسه را بزبان میآوردید ، قلب من از شادی و امید مالامال میشد . در این سه سال بمن امکان دادید که درك کنم چه محبت و علاقه‌ای بین مرغان کوچك و دستهائی که بآنها دانه میدهند برقرار میشود .....

... اکنون چهار سال از آن زمان میگذرد که من دیگر شغل معلمی را ترك کرده‌ام و از شهری بشهر دیگر میروم ولی بااینهمه گاه‌بگاه خاطره‌های تیرهٔ آن زمان را بیاد میآورم که چگونه سه سال تمام مانند جنایتکاران با ترس و وحشت درس میدادم و رنج میبردم .

الههٔ دیر

از :
امیلیا پاردوپازان
نویسنده اسپانیائی
ترجمه :
پروا

در «سنت‌کلیر» واقع در اسپانیا ، از پنجره سوراخ سوراخ دیر بین گروه زنان تارك دنیا ، زنی را در حال سجده دیدم . جلومحراب قرارداشت چشمانش را بزمین دوخته و بازوانش بیرون افتاده بود و کاملا ساکت و ثابت مینمود .

بمجسمهٔ ملکه یا شاهزاده‌ای شباهت داشت که از سنگ مرمر تراشیده شده باشد ، و برای آراستن بالاهای دیر نزدیك قبور بکاررفته باشد .

ناگهان برخاست . مثل آنکه نفس نمیکشید و من توانستم او را بخوبی ببینم . معلوم بود در دوران جوانی خیلی زیبا بوده است ، چون خرابه های قصر باشکوه و مجللی بنظرم میآمد ، هشتاد یا نود ساله بود ، پوستی زرد و پریده رنگ داشت غبار مرگ برچهره‌اش نشسته بود ، سرلرزان ، چشمان فرورفته و ابروان سفید او ، همه نشانه ای از این بود که‌دیگر فاصله ای با مرگ ندارد !

جالب تر از همه درصورت خیالی او ، چشمانش بود که باین دنیا تعلق نداشت ، چشمان اوچون آتش میدرخشید و گونه های خاکستریش هنوز ازین آتش نگهداری مینمود ، سیاهی شدید آن ، بیان گویا و حزن‌آوری از گذشتهٔ تلخش بود ، این منظره را هرکس میدید محال بود فراموش کند ، حالت چنین چشمان زیبا و آتشینی آنهم برای دختری که دنیا را ترك کرده و بدیر پناهنده شده است و در قلب پاك او نور ایزدی نفوذ میکند غیر قابل توصیف و توضیح است .

چشمانش از طوفان گذشته حکایت ها داشت ، خاطرات غم‌انگیزی را تجدید میکرد ، حس کنجکاویم کاملا بیدار شده بود و میخواستم درباره تارکان دنیا ، اطلاعاتی کسب کنم ، افسوس که نمی‌توانستم زیرا راهی بنظرم نمی‌رسید ، ولی درآنروز تصادفا بشخصی برخوردم که اطلاعات جالبی از زندگی این تارك دنیا در اختیارم گذارد .

عصر آن روز درکنار میز رنگ ورو رفته یك میخانه بیکی از آشنایانم برخوردم که با پیرمرد پرحرف و زنده‌دلی همراه بود ، همیشه خوشش میآمد حرف بزند و اطلاعات عجیب و غریبی را بگوش مردم برساند ، با مهارت خاصی با او هم‌صحبت شدم ، وخیلی با احترام او را وادار نمودم تا اطلاعات ذیقیمتی را درباره این زن تارك دنیا دراختیارم گذارد .

البته حرفی دربارهٔ دیر «سنت‌کلیر» نزدم ، درعوض از اثر و جاذبه چشمان سیاه و قشنگ الهه دیر تعریف و تمجید نمودم وی ناگهان سرگردانید و گفت :

ــ آه ... آن زن تارك دنیا ، واقعا همان زنی را که صاحب چشمان زیبائی است میگوئید ؟ بله من از سرنوشت او کاملا اطلاع دارم ، باور میکنید یا نه ؟

چین های صورتش که برجسته بنظر میآید ، با اشك سوزندهٔ

چشمانش شیار شده است ، چهل سال گریه و زاری ، با آنکه در طول این مدت از آسمان دیده‌اش مقدار زیادی سرشك بارید ، هنوز اخگر فروزان بصرش را خاکستر تیره‌ای تار نکرده است . تارك دنیای بدبخت ! من بهتر از هرکس از داستانش باخبرم ، زیرا زمانیکه دختر بود پدرم او را میشناخت او را دوست میداشت و مانند همه مردم شیفتهٔ او بود ، زیرا ... وی رب‌النوع حسن وجمال بود .

این زن تارك دنیا قبل از آنکه با حجاب شود ، «ایرن» نامیده میشد ، پدر و مادرش از اشراف ده بودند و چندین پسر و دختر داشتند ولی بغیر از «ایرن» یکی پس از دیگری مردند ازینجهت گذشت آنان نسبت به «ایرن» زیاده از حد شد ، زیرا یگانه فرزندشان بشمار میرفت .

«ایرن» در شهر الف ...متولد شد . این شهر زادگاه شاعر مشهور و بزرگی بود که زمزمهٔ اشعارش همواره درگوش ساکنین شهر و برسرگهوارهٔ بچه های آنان مترنم است .

فریادی از تعجب کشیدم زیرا پیرمرد نام عالی و معروف مولف «فالن آرکانجل» را بگوشم خواند و بعد چنین بسخنان خود ادامه داد :

«ژان کامارگو» مشهور باعث افتخار دهکدهٔ الف ... بود ، درصورتیکه نه سر چشمهٔ معادن را میدانست ، و نه کار اعجاز آمیزی میکرد ، نه کلیسای جامع را بنانهاده بود و نه درنوشته های رومی اسمی از وی برده بودند ، کسی از او چیزی نمی‌فهمید ، فقط خوب میدانست با هرکس چه رفتاری باید داشته باشد .

ـ نگاه کنید ... اینست خانه‌ای که «کامارگو» در آن زندگی کرد و در آن متولد شد .

سخنانش را قطع کردم و گفتم :

ـ آه .. لابد دختر دیر «ایرن» عاشق بیقرار «کامارگو» شد و چون لطفی از «کامارگو» ندید ، برای آنکه او را فراموش کند بدیر پناهنده شد .

پیر مرد با بی‌حوصلگی خاصی گفت یك دقیقه صبرکن و بالبخندی ادامه داد :

ـ اگر داستان اینطور که میگوئید بود ، چیزی نیست و ارزش گفتن نداشت ، در مورد این دخترك تارك دنیا موضوع دیگری است صبر کنید همه را خواهید شنید .

«ایرن» موقع طفولیت هزاران مرتبه «جان کامارگو» را دیده بود ، بدون آنکه با او سخنی گوید ، زیرا «کامارگو» مرد جوانی بود و خود را میگرفت و از اجتماع کناره گیری میکرد ، کاری بکار بچه ها و جوانان دهکده نداشت ، وقتی «ایرن» رفته رفته رشد میکرد و زیباتر میشد ، «کامارگو» که پدر و مادری نداشت در «سالامانکا» حقوق میخواند و فقط هنگام مرخصی برای دیدن کسانیکه از او نگهداری میکردند بدهکده میآمد .

یك روز تابستان که «کامارگو» بطرف دهکده الف ... بازمیگشت جوانان ده متوجهٔ پنجرهٔ اطاق «ایرن» شده بودند ، چشمان زیبای او آنها را جذب کرده بود ، چشمانی که کفتار صفت قلب مردان را از دخمهٔ سینه بیرون میکشید ، چشم نه ، دوخورشید ... دیگر شرحی نمیدهم زیرا امروز آن چشمان را دیدید و از زیبائی و لطفش آگاهید .

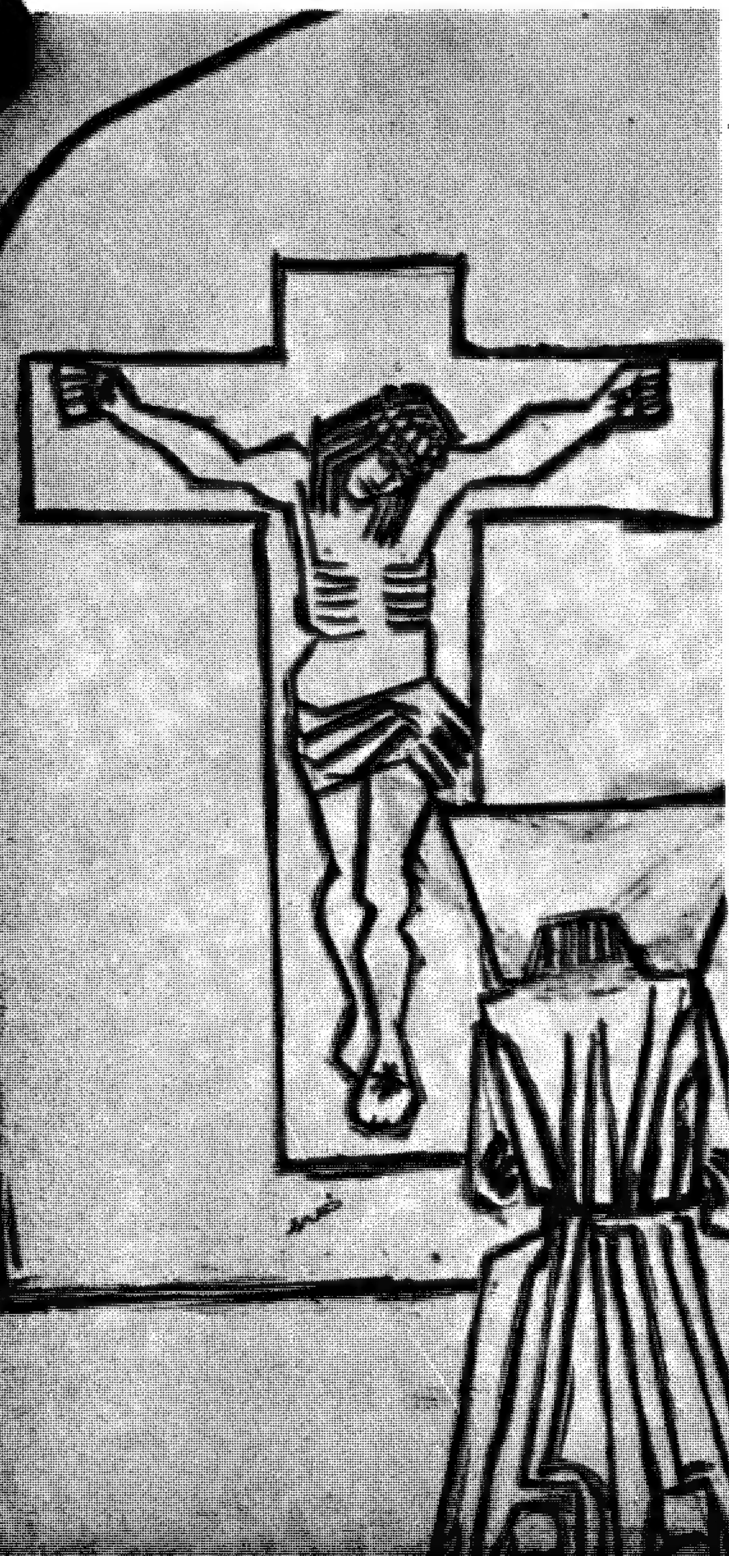
«کامارگو» دهنهٔ اسب کرایه‌ای خود را کشید ، تا روح خود را از آن همه زیبائی باور نکردنی سیراب کند ، اما دختر از خجالت مثل لالهٔ صحرائی سرخ شده و پنجره را محکم بهم زد و رفت .

همان شب ، «کامارگو» که اشعار خود را ، در نمونه های کوچکی منتشر میکرد ، شعر زیبائی گفت که از دیدار زیبای «ایرن» الهام گرفته بود ، بعد آنرا دور سنگی بست و سرشب آنرا بطرف پنجره اطاق «ایرن» پرتاب کرد .

شیشه با صدای بلندی شکست ، و دختر کاغذ را برداشت ، شعررا خواند ، اما نه یك مرتبه ، صدمرتبه ، هزارمرتبه ، و خود را غرق درعالم شعر وادب یافت .

این شعر ، شعر عاشقانه ای نبود و بانوع اشعار «کامارگو» کاملا تفاوت داشت ، اظهار اشتیاق هم نبود ، اصولا از عشق دراین قطعه سخنی گفته نشده بود .

قطعه زیبائی بود مملو از تأسف و نفرین ، دخترك پاکدامن و زیبا دراین نوشته مورد حمله قرارگرفته بود ، دختریکه «کامارگو» از پنجره اطاق فقط میتوانست او را ببیند ، نه آنکه تصرفش کند زیرا



قدرت نزدیك شدن باین گل قشنگ و شکوفهٔ بهاری را نداشت .

بعد از فرستادن این قطعه شعر ، «کامارگو» بکلی «ایرن» را ازیاد برد مثل آنکه چنین دختری را ندیده است ، ودرماه اکتبر عازم «مادرید» شد .

دورهٔ هیجان زندگی این شاعر بزرگ ازاینجا شروع شد ، ماجراهای سیاسی و فعالیت های ادبی تمام وقت او راگرفته بود .

از وقتی‌که «کامارگو» از شهر الف ... دور شد و به «مادرید» رفت ، «ایرن» روز بروز افسرده و غمگین تر گشت تا بالاخره مریض شد و دربستر بیماری افتاد ، پدر و مادر فداکارش برای بهبود حال یگانه دخترشان هرچه‌کردند موثر واقع نشد . واین گل پژمرده شادابی از سرنگرفت .

ناچار برای مدتی او را به «باداجز» فرستادند و آزادش گذاشتند تا در شب نشینی ها و رقص ها شرکت کند ، نگاه مشتاق جوانان برازنده براو دوخته شد ، درگوشش زمزمه ها کردند درسرزمین عشق و شراب نیز سلامتیش را بازنیافت و همچنان پژمرده و غمگین بنظر میرسید . بهیچ چیز جز «کامارگو» نمی‌توانست فکر کند ، «ایرن» همانقدر «کامارگو» را دوست میداشت که «بایرن» بـه «لارا» عشق میورزید . سعی و کوشش پدر و مادر بی‌فایده بود خاطرهٔ «کامارگو» از ذهن «ایرن» محو نمیشد .

مردانی مثل «کامارگو» میتوانند در مقابل عشق مقاومت کنند و بروی خود نیاورند .

حتی «ایرن» تصور نمیکرد که عاشق بیقرار «کامارگو» است خود را قربانی یك قطعه شعر میدانست ، قطعه شعری که از روح‌حزین و افسرده ای صحبت میکرد ، احساس عجیب و غریبی او را بی‌تاب کرده بود . هرلحظه بنظرش میرسید که «کامارگو» بارنگی پریده ، عبوس ، با موهائی که به پیشانی بلندش سایه افکنده جلوی اوست .

پدر و مادر «ایرن» میدیدند دخترشان روزبروز افسرده‌تر میشود و درد مرموزی نیروی جوانی او را تلف میکند . اما کاری از دستشان ساخته نبود ! تصمیم گرفتند او را بپایتخت ببرند تا نه تنها از پزشکان عالیقدر جهت مداوایش چاره بخواهند بلکه این مسافرت از پریشانی و مغمومی وی بکاهد .

وقتی «ایرن» قدم به «مادرید» گذاشت ، «کامارگو» کاملا مشهور شده بود ، از اشعار آتشین و نافذ او ، شعرای بزرگ الهام میگرفتند . ماجراها و شاهکارهای زندگیش سخن روز و نقل هرمحفل و مجلسی بود .

دور او را عده‌ای فاسدالاخلاق ، شهوتران ، و جوانان پولدار و عیاش گرفته بودند . بهمه چیز پشت پا زده بود ، نه بعقائد بزرگان وقعی مینهاد ، نه هرگز سخن از انسانیت و زهد و تقوی میگفت .

دار و دسته او شبها تا صبح بعیاشی و ولگردی مشغول بودند ، گاهی هم مردم زاهد و پرهیزکار را با کارهای ننگ آورخود تاسرحد جنون عصبانی میکردند .

اشعار کفرآمیز و عقائد ازهم گسیخته‌اش ، باعث تشدید انتقاد مردم علیه او و کار های هوادارانش بود .

خانواده بیخبر و سادهٔ «ایرن» که روستائی بودند و قلب پاکی داشتند ازین سروصدا ها چیزی نمی‌فهمیدند . تازه وقتی «کامارگو» را درخیابان ملاقات میکردند صمیمانه سلامش میگفتند و او را بمنزلشان دعوت مینمودند .

بالاخره «کامارگو» گونه های پریده رنگ و قیافهٔ پژمردهٔ «ایرن» را بنظر آورد و قول داد که برای ملاقات و استمالت «ایرن» دعوت آنها را بپذیرد .

فامیل بیچارهٔ «ایرن» گول چرب زبانیهای «کامارگو» را خوردند و وقتی خوشحالیشان بیشتر شد که «کامارگو» چند روز بعد بوعدهٔ خود وفا کرد وبملاقات آنان رفت . «ایرن» این الههٔ پاکباز نیروی تازه‌ای گرفت .

بیخبر از تهمت ها و بدگوئی هائی که دربارهٔ «کامارگو» بین مردم رائج بود ، پدر و مادر خوش قلب «ایرن» بامید اینکه او روزی دامادشان خواهد شد ، اجازه دادند مکرر با دخترشان ملاقات کند .

ــ از وجنات شما چنین برمیآید که خیال میکنید داستان دیگر تمام شد اما اشتباه میکنید ... خلاصه «ایرن» چنان مجذوب این شاعر بوالهوس شده بود که انگار باو داروی عشق خورانیده اند .

پس از آنکه از اولین ملاقات «کامارگو» درخانهٔ «ایرن» شش ماه گذشت و «ایرن» از راه راست منحرف نگردید و در مقابل هوس های زودگذر «کامارگو» مقاومت کرد ، کامارگو بفکر طرح نقشه ای افتاد زیرا مقاومت خلل ناپذیر دختر او را عصبانی و ناراحت کرده بود ، رفقای او مسخره‌اش کردند و او را بباد استیضاح و انتقاد گرفتند ، بالاخره نقشه اهریمنی «کامارگو» که از عقائد پوچ و زهرآلودش سرچشمه میگرفت جامهٔ عمل پوشید و این عشق شاعرانه و پاك را آلوده ساخت .

حتی در این مورد با یکی از رفقایش شرط بست که این الههٔ حسن و جمال را هرچه زودتر تصرف کند .

بهانه‌ها آورد ، چاپلوسی ها کرد ، خود را سرد نشان داد ، حسادت زنانه و غیرت او را تحریك کرد ، باوگفت که خودکشی خواهد کرد ، وبالاخره هزاران دام گسترد تا مقاومت این دختـر معصوم را درهم شکست و آغوش گرم او را بروی روح پلید و کثیف خویش گشود .

«ایرن» چون ماهی درخشنده ، درآسمان کدر و ابرآلود «کامارگو» میدرخشید . و «کامارگو» با نهایت سنگدلی اورا قربانی هوی و هوس های جهنمی خویش ساخت !

در دومین ملاقات نیروی «ایرن» تمام شد بزانو درآمد و از پا افتاد ، وقتیکه گیج و ترسان ، در بازوان عاشق نابکار خود ازحال رفته بود ، و ندامت و پشیمانی قلبش را میفشرد ، ناگهان غرش خندهٔ مستانه‌ای او را بخود آورد ، ریسمان پرده کشیده شد و پرده بکناری رفت ، هشت تا ده مرد قوی هیکل با چشمان خریداری و پرتمنا اورا مینگریستند بلند بلند میخندیدند و محکم کف میزدند .

«ایرن» زیبا ، وحشت زده از جا پرید ، بدون آنکه خود را بپوشاند با وضعی اسفـانگیز و گیسوانی آشفته و شانه هائی برهنه ، با زحمت و رنج زیاد ، خود را بخانه‌اش رسانید . بین راه بچه های شیطان بعنوان اینکه زن دیوانه‌ای است دنبالش میکردند و سنگ و گل بسویش پرتاب مینمودند . وقتی بخانه رسید مطلقا از گفتن اینکه کجا بوده و چه بسرش آمده است خودداری کرد .

پدر من نیز این اطلاعات را از زبان یکی از رفقای «کامارگو» که در شرط بندی سهیم بوده است شنید .

«ایرن» این شکنجهٔ بزرگ را از معشوقی دیوانه و لجام گسیخته تحمل کرد و بعد برای جبران کردهٔ خویش ، روی خود را در نقابی ضخیم کشید و باین دیر آمد که از شهر الف ... خیلی فاصله دارد .

توبه و پشیمانی از اعمال گذشته اش ، سایر دختران دیر را وحشت زده کرده است ، صورت خود را باخاکستر سیاه کرده و سه روز سه روز لب بآب آشامیدنی هم نمیزنند .

بازانوانی لرزان و پاهائی برهنه ، شب های طویل زمستان را بنماز و دعا میگذراند . حلقه‌ای سنگین بگردن زیبایش آویخته ، تاجی

بقیه در صفحه ۰۷۰۲۰۴۳

ماجرای کنترباس

از : آنتوان چخوف
نویسنده روس
ترجمه مهندس عموئی

«اسمیچکوف» نوازنده کنترباس شهر را بقصد ویلای «پرنس بی‌بیلوف» که بمناسبت نامزدی دخترش در ویلا جشن رقص و موسیقی ترتیب داده بود ترك کرد يك‌كنترباس غول پیکری که در جعبه رویه چرمی قرار داشت، برپشت حمل میکرد .

«اسمیچکوف» هنوز راهی نه‌پیموده بود که به‌کنار رودخانه‌ای رسید . امواج آب با جبروت وکیفیت خاصی غلطان غلطان بجلو میرفتند .

پیش‌خود گفت : « آیا کسی اجازه نداره اینجا شنا کنه ؟»

بدون هیچ معطلی لباسش را درآورد و خودش را توی آب‌خنك انداخت . غروب زیبائی بود . ذوق شاعرانه «اسمیچکوف» با مناظر اطرافش هم‌آهنگی پیدا کرده بود . در این هنگام احساس شیرینی وجودش را فرا گرفت ، درحالیکه شناکنان پیش میرفت ، دختر زیبائی را دید که در سرازیری کنار رودخانه نشسته ، مشغول ماهیگیری است .

نفس را در سینه حبس کرد و طوفانی از احساس مختلف : خاطرات کودکی ، غم و اندوه دوران سابق ، بیدار شدن قلب مثل برق از نظرش گذشت . ــ اوه ، خدایا ، دیگر هرگز نمی‌تواند عاشق شود ! زیرا پس از مشاهده ماجرائی ، ایمان و صداقت مردم را از دست رفته می‌پنداشت چون همسر جوانش را که مثل بت میپرستید و مانند معشوقی با او رفتار میکرد با «مونسکی» قره‌نی‌زن روابط، برقرار کرد و از «اسمیچکوف» جدا شد . و از آنوقت قلب پراحساسش توخالی شد و از مردم بیزار گشت .

چندین‌بار از خود سئوال کرده بود : «زندگی چیه ؟ اصلا برای چی زندگی میکنیم ؟ این زندگی افسانه و رویائی بیش نیست . خلاصه يك وراجی بیمعنیه » .

معهذا همانطور جلوی زیباروی خسته ایستاده بود ــ باین‌ترتیب خلاف میل و اراده‌اش چیزی را مثل عشق درخود احساس نمود . مدتی جلوی دختر ایستاده خیره بر او نگریست . با حسرت آهی کشیده گفت :

« دیگه بسه . وداع میکنم باتو ای رویای نوظهور سحرآمیز ! حالا وقت آن رسیده که بجشن حضرت‌والا بروم . » سپس میخواست بانگاهی وداع کرده شناکنان برگردد که فکری بخاطرش رسید :

« باید یه چیزی براش بعنوان یادگاری باقی گذاشت . میخوام شیئی به قلاب ماهیگیری او آویزان‌کنم . بعد این یه‌یادگار کوچکی از يك ناشناس خواهد بود . »

« اسمیچکوف » بی‌سروصدا به‌کنار رودخانه شنا کرد . يك‌دسته گل زیبا از گلهای آبی و صحرائی با مقداری گل ولای درست کرد و با چند شاخه علفهای هرزه بهم بست و آنرا به‌قلاب ماهیگیری

انداخت . بلافاصله دسته‌گل زیر آب رفت و چوب پنبه ماهیگیری را که برای نشانه‌روی آب قرار گرفته بود با خود زیرآب‌برد .

حالا تفکر صحیح و پخته میگوید نباید موقع اجتماعی قهرمان را در این داستان مانند قوانین طبیعت رهاکرد و داستان را تمام‌شده دانست . نه ، قلم یك نویسنده انعطاف‌پذیر نیست . و این داستان هم با دسته گل تمام نمیشود .

زیرا طبیعت باین نوازنده کنترباس رل مهمی‌واگذار کرده که باید در زندگی این دختر جوان و ثروتمند نقشی بازی‌کند .

« اسمیچکوف » موقعی‌که به کنار رودخانه رسید ، متحیر شد ازاینکه لباسش را درجای خود ندید . هنگامیکه او مشغول تماشای آن زیباروی شده بود ناشناسی تمام اثاثیه او را باستثنای کنترباس و کلاه سیلندر ، دزدیده بود .

« اسمیچکوف » فریادزد « آهای،نفرین ، نفرین و لعنت برتو ای انسان ترسو ، ای بچه سوسمار ریاکار ! نبودن لباس مرا زیاد ناراحت نمیکند اما فکر اینکه حالا باید لخت و برهنه راه‌بیفتم و بااین عمل عفت عمومی را بخطرمیاندازم مرا سخت ناراحت میکند . »

روی جعبه کنترباس نشست دنبال چاره‌ای بود که ازاین وضع ناهنجار بیرون آید . پیش خود گفت : « نمیتونم اینطور لخت و برهنه پیش پرنس بی‌بیلوف برم ! درآنجا زنها هم دعوت شده‌اند ! علاوه‌برآن دزدها کلوفون کنترباس مرا هم که در جیب شلوارم بوده باخود برده‌اند ! »

مدتها فکر کرد تااینکه سرش درد گرفت .

آها ! بالاخره یادش‌آمد که در این نزدیکیها پلی هست .

« تا غروب آفتاب میتونم آنجا زیر پل بنشینم . بعداز تاریکی شب استفاده کرده ، خودمو به‌کلبه دهقانی بعدی میرسونم . »

« اسمیچکوف » با این افکار کلاه سیلندر خود را برسرگذاشت، کنترباس را روی شانه انداخت و قدم‌زنان بسوی پل براه افتاد . عریان ، آلت موسیقی برپشت .

اکنون خواننده عزیز ، در حینی که قهرمان ما زیر پل نشسته و برای خود پناهگاهی پیدا کرده ، اورا برای مدتی ترك می‌کنیم و بسراغ دختر جوانی که مشغول ماهیگیری بود میرویم . به‌بینیم برای او چه پیش آمده است ؟

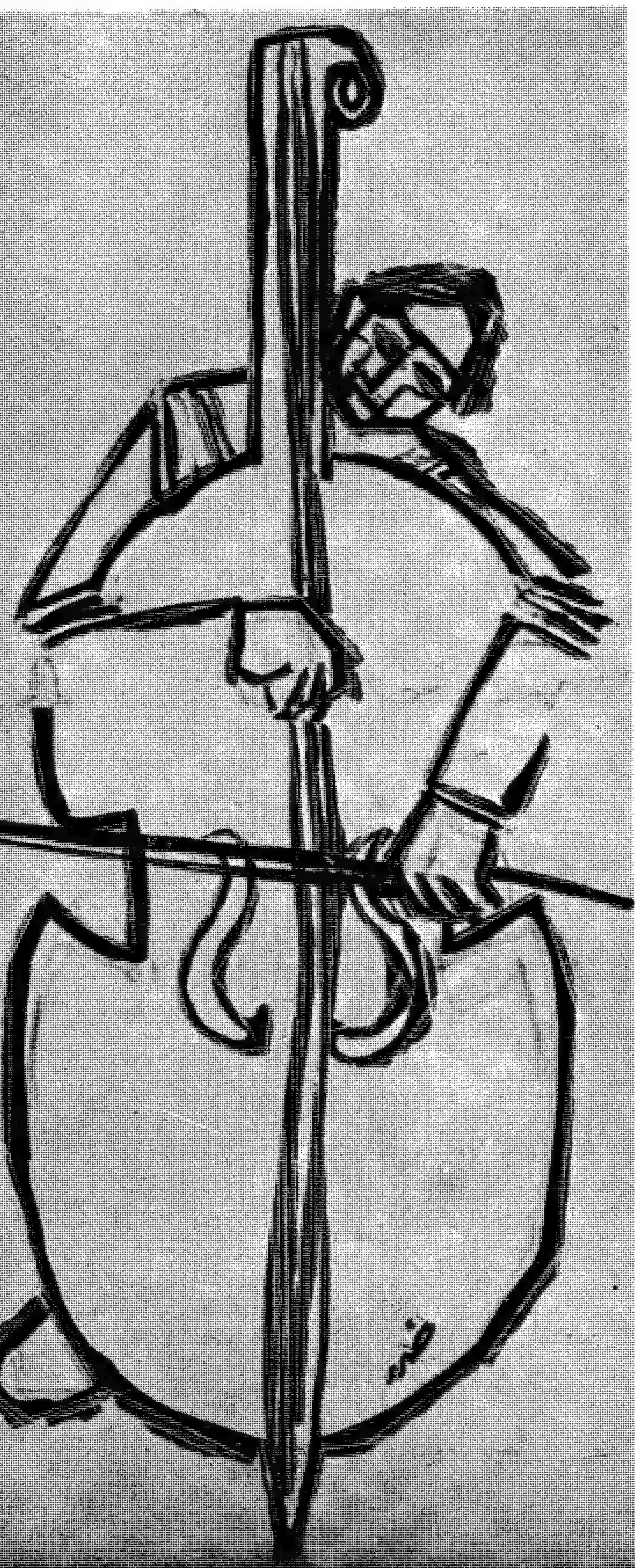
زیباروی پس‌از بیدار شدن متوجه شد که چوب‌پنبه نشانه ماهیگیری بکلی ناپدید شده با عجله قلاب را از آب بیرون کشید . زه ماهیگیری بیشتر کشیده شد ، نه قلاب و نه چوب پنبه هیچکدام بالا نیامد . معلوم بود که به دسته گل « اسمیچکوف » آب‌رخنه‌کرده و سنگین شده است .

دختر جوان پیش خود اندیشید که : « این یا یك ماهی بزرگ است یا اینکه قلاب بجائی گیر کرده » لحظه‌ای بعد باز گفت « چه بد ! چونکه شب ماهیها بهتر صید می‌شوند ! حالاچکار کنم ؟ ».

بدون اینکه زیاد فکر کند لباسهای هوس‌انگیز تورمانند خود را درآورد . تا شانه‌های مرمری خویش درآب فرو رفت تا قلاب را از دسته گل جداکند . این‌کار چندان آسان نبود . صبر و حوصله لازم داشت . پس از تقریبا۱۵ دقیقه کاوش خندان و شاداب زیرآب فرورفت و قلاب را دردست گرفت .

لکن سرنوشت بدی هم نصیب او شد . همان نامردانی که لباسهای « اسمیچکوف » را ربوده بودند ، لباسهای زیباروی را هم باستثنای جعبه کرمها دزدیدند .

« حالا باید چه کنم ؟» و گریه را سرداد . « حقیقتا سزاواره که با این قیافه بخانه برگردم ؟ ـ نه ، هرگز ! مردن برایم بهتره !



اینجا منتظر خواهم بود تا هواتاریك شود ، بعد درتاریکی تا « آکافیای سابق » میروم و دنبال لباس میفرستم . ولی موقتامی‌توانم خودم را زیر پل پنهان کنم » . پس‌ازاین افکار ، بانوی قهرمان ما دولادولادرحالیکه ازلابلای‌نی‌های مرتفع عبورمیکرد، سوی پل‌روان شد . ولی موقعی که خواست زیر پل رود ، چشمش به‌انسان لختی افتاد که موهای سیخ شده و سینه پرپشم داشت. فریادی کشیده بیهوش نقش برزمین شد .

« اسمیچکوف » هم ترسیده بود . درآغاز فکرکرد یك زن دریائی است . بعداز خود پرسید « نکنه یه ماهی رودخونه باشه که اومده منو گول بزنه ؟ » نزدیك بود با این افکار خود را راضی کند که از اظهار عقیده قبلی خود منصرف شده عقیده بهتری پیداکرد و گفت « نه . یه‌ماهی نیست ، بلکه یه انسانه . ولی چه‌جوری میشه ظهور این موجود کمیاب رو تعبیر کرد ؟ چرا درست اینجا زیر پل اومده ؟ و اصلا چرا او پیش من اومده ؟»

درحالیکه «اسمیچکوف» برای حل این سئوالات میکوشید ، زیباروی مجددا بحال اولیه خود برگشت و آهسته با ترس و لرز گفت : « مرا نکشید ، من «شاهزاده بی‌بیلوف» هستم ، خواهش میکنم ! هرقدر پول بخواهید بشما خواهم داد ! من خواستم فقط قلاب ماهیگیری را از آب بیرون آورم که دزدان لباس نو مرا با اشیاء دیگر دزدیدند ! »

« اسمیچکوف » با لحن ملایمی گفت : « بانوی محترم ، لباسهای مرا هم دزدیده‌اند . این ناجنسها موقع برداشتن شلوارم کلوفون مرا هم باخود برده‌اند » .

اشخاصی که کنترباس‌مینوازند قاعدتا مردمان خوبی نیستند . اما جای بسی خوشوقتی است که «اسمیچکوف» از این قاعده مستثنی است .

پس از تفکر کوتاهی گفت : « بانوی محترم ، آنطور که حس میکنم ، شکل و قیافه من شما را ناراحت میکند . معهذا خودتان اقرار میکنید که من نیز بهمان دلائلی که شما هم میدانید نمی‌توانم ازاینجا بروم . اکنون فکری بخاطرم رسیده : آیا شما مایلید در جعبه کنترباس من قرار گرفته با سرپوش آن خود را بپوشانید ؟ باچنین عملی نگاه من از شما برداشته می‌شود »

«اسمیچکوف» پس‌از ادای این جملات کنترباس را ازجعبه درآورد. درحین این عمل بنظرش آمد که این‌کار بی‌احترامی بهنر مقدسش میباشد . معهذا هرچه باشد این بی‌حرمتی مدتش کوتاه است. سپس زیباروی چمباتمه‌زنان خود را درجعبه قرارداد . « اسمیچکوف » هم با تسمه آنرا محکم بست و ازاینکه طبیعت چنین عقلی باو داده خوشحال بود .

خطاب به‌زیباروی گفت : « بانوی محترم ، حالا دیگر شما نمی‌توانید مرا به‌بینید . باخیال راحت دراز بکشید و استراحت کنید . بعداز اینکه هوا تاریك شد شما را بهخانه والدین محترمتان میبرم . بعدا هم میتوانم برگردم وکنترباس خود را از اینجا بردارم»

« اسمیچکوف » هنگام غروب جعبه حاوی زیباروی را بردوش گرفت و آهسته آهسته بسوی ویلای « پرنس بی‌بیلوف » براه افتاد . نظرش این بود که جلوی اولین‌کلبه نگهدارد و لباس بتن کنند و برفتن ادامه دهند .

بدون داشتن خیالات وافکار ناشایست زیرباری که بردوش‌داشت خم‌شده با پاهای گرد و غبار گرفته براه خود ادامه داد. درضمن میاندیشید که : «پذیرائی گرم من از شاهزاده حتما بی بیلوف را خوشحال کرده و انعام خوبی بمن خواهدداد » .

خیلی مودبانه مانند یك شوالیه از شاهزاده پرسید : « بانوی محترم ، راحت هستید ؟ خواهش میکنم خودتان را ناراحت نکنید. فرض کنید اینجا هم مثل منزل خودتان است و آسوده باشید . »

درآن غروب آفتاب « اسمیچکوف » با ادب بنظرش آمد که دوموجود از جلویش میگذرند . دقیقتر نگاه کرد . متوجه شد که بله ، اشتباه چشمی نبوده است؛ حقیقتا دو نفر از آنجا میگذشتند ، حتی شیئی هم مثل بسته در دست داشتند .

بسرعت برق فکری در او پیدا شد و پیش خود گفت : « آیا اینها همان دزدها هستند ؟ و شیئی که باخود حمل میکنند ! یقین بسته لباسهای ما است ! » . «اسمیچکوف» جعبه را همانجا میان جاده روی زمین گذاشت و دنبال آن دو نفر شروع‌بدویدن‌کرد .

فریاد « ایست ! ایست ! آنها را بگیرید ! » در هوا بلند شد .

آن‌دونفر بعقب نگاه کردند ، دیدند شخصی در تعقیب آنهاست. بلافاصله با سرعت هرچه تمامتر پابفرار گذاشتند . ـ شاهزاده تا مدتی قدمها و صدای «اسمیچکوف» را می‌شنید که میگفت : « ایست ! ایست ! » . بالاخره سکوت مطلق همه‌جا را فرا گرفت . «اسمیچکوف» از تعقیب دست برنداشت . بهمین جهت شاهزاده قشنگ‌ما میبایست ساعاتی درکنار جاده بماند .

اتفاقا دونفر از همکاران «اسمیچکوف » بنام «شوچکوف» فلوت‌زن و«راسماخین» نوازنده کلارنیت ازهمین‌راه بسوی ویلای بی‌بیلوف میرفتند . پای آنها به‌جعبه‌ای خورد و در تاریکی متحیرانه بیکدیگر خیره شدند . جروبحث آنها درگرفت .

«شوچکوف» دادزد : « آهای ، یك کنترباس ! این متعلق به «اسمیچکوف» همکار ما است ! چطوری اینجا آمده ؟»

دیگری گفت « حتما برای اسمیچکوف اتفاقی روی داده یا مست کرده است و یا اینکه مورد حمله دزدان قرارگرفته . درهرصورت صلاح نیست کنترباس را اینجا بگذاریم . آنرا با خودمان‌میبریم ».

فلوت‌زن کنترباس را بر پشت خود انداخت و براه افتادند.

« بر شیطان لعنت ، این چقدر سنگین است . » در بین راه فلوتزن مدام غرولند میکرد « به هیچ قیمتی حاضر نیستم ، دراین‌دنیا کنترباس» باین سنگینی بنوازم . اوخ ! »

پس‌از ساعتی راه‌پیمائی به ویلا رسیدند ، این دو نفر جعبه را جای مخصوص ارکستر گذاشتند و به‌بوفه رفتند .

چلچراغ ، شمعدانیها و چراغهای دیواری الوان با روشنائی خاصی میدرخشید . تازه داماد «لاکایچ» عضو برجسته سلطنتی ، جوانی است مودب و خوش‌برخورد درحالیکه دستهایش را درجیب شلوار کرده بود ، وسط سالن ایستاده ، مشغول مذاکره با «گراف ـ شکالیکوف » بود . راجع به‌موزیك بحث میکردند .

«لاکایچ» میگفت : « من ، آقای گراف در ناپل شخصا ویلونزنی را میشناختم‌که سیمهای ویلون‌را بطور معجزآسائی به‌ارتعاش‌درمیآورد! والس اشتراوس را مینواخت ! شما باور نخواهید کرد ! صدای پرندگان را چنان با حرارت با کنترباس مینواخت که نمی‌توان بزبان آورد !»

گراف با تعجب گفت : « کافی است ، بس‌کنید چنین چیزی غیرممکن است ! »

« بشما اطمینان میدهم ! او حتی راپسودی لیست را با آن مینواخت . من در همان اشکوبی که او زندگی میکرد منزل داشتم و حتی برای وقت‌گذرانی با کنترباس تمام راپسودی لیست را نزد او یاد گرفته‌ام » .

« راپسودی لیست ، آها ، شما شوخی میکنید ».

« لاکایچ » با لحن جدی گفت « بنابراین شما باور نمی‌کنید ؟ پس مجبورم هم‌اکنون بشما ثابت نمایم . با من سوی ارکستر بیائید ! »

بقیه درصفحه ۰۷۰۲۰۴۳

راشومون

از :
ریونوسوکه‌آکوتاگاوا
نویسنده ژاپنی
ترجمه :
دکتر حمید منطقی

شب سردی بود . مرد خدمتکار به راشومون (۱) پناه‌برده بود تا باران قطع شود . هیچکس جزاو ،در زیر دروازه پهناور نبود. تنها در ستون ستبری که رنگ آن جابجا فروریخته بودجیرجیرکی جای داشت . از آن روز که دروازه راشومون در خیابان سوجاکوبرپاشده بودعده‌ای جوان از طبقات پائین کلاه حصیری ها وخواه از اصیل زادگان زیر آن در انتظار پایان چنین طوفان هائی ایستاده بودند. لکن امروز ، مرد خدمتکارتك وتنها درانتظار پایان باران به زیر بال دروازه پناهنده شده‌بود .

ازچندسال بدینسوی شهر کیوتو را پیاپی آفات فراوان‌میرسید. زمین میلرزید ، طوفان ویرانیها ببار میآورد ، حریق روی میدادو بدینسان کیوتوروبخرابی میرفت .

وقایع نگاران روایت میکنند که در آن زمان خرابی چنان‌بود که حتی قطعات شکسته و رنگ رفته تصاویر واشیاء مقدس بودایی‌ها در کنار راه رویهم انباشته میشد تابرای سوخت بفروش رود.بااین پریشانی که در کیوتو حکم میراند البته تعمیر خرابی های‌راشومون قابل پیش بینی نبود . از این ویرانی حیوانات وحشی مثل روباه و غیره سود جسته ودر شیارها و سوراخهایی که در هرسوی‌راشومون اینك بچشم میخورد لانه میکردند . دزدان و راهزنان نیز درآنجا مسکن میگزیدند . عادت براین بود که جنازه مردگان بی صاحب را نیز آنجا میافکندند .با این تفصیل ناگفته خود پیداست که بعداز غروب آفتاب نزدیك شدن باین محل آسان نبود.

کلاغهای بیشمار همواره در دوروبر دروازه می‌پریدند . چنانکه از دور ، در تاریك و روشنائی سرخ فام پس از غروب ، به دانه های کنجد میماندند که گویی دستی بر آسمان افشانده بود . لکن درآن روز از این پرندگان آن جا هیچ دیده نمیشد . شاید بدان سبب که وقت بسیار دیر بود . کثافات کلاغها بر پله های نیمه ویران و برعلفهای هرزه بشکل لکه های سفید بچشم می‌خورد . مردخدمتکارکه کیمونوی آبی رنگ کهنه‌ای برتن داشت بر هفتمین و بلندترین پله ها نشسته و بدون اینکه چیزی خاص را به بینید مینگریست . درانتظار پایان باران بود درضمن به جوش بزرگی که درگونه راستش سرزده‌واورا رنج‌میداد میاندیشید .

گرچه ، چنانکه گفتیم وی در انتظار قطع شدن باران بود ، اما بهیچوجه نمیدانست که پس از آن چه خواهد کرد . در روزهای عادی هرجا که بود بالاخره به خانه اربابش برمیگشت ، اما امروز چنین نبود ، زیرا چند ساعت پیش به خدمت او پایان داد . از خانه بیرونش کرده بودند . آثار خرابی و بحران اقتصادی درهمه‌جا وهر

---

(۱) راشومون بزرگترین دروازه کیوتو ــ پایتخت قدیمی ژاپن‌بود بفراخی ۱۰۶ و ژرفای ۲۶ پا بلندی دیوار آن‌به ۷۵پا میرسید. این دروازه را بسال ۷۸۹ که پایتخت ژاپن به کیوتو منتقل میشدساختند . از آن پس کەستاره اقبال کیوتوی غربی تیره میگشت ویرانی و شکستدر دروازه راه یافت . داستان مربوط به دوران‌افول کیوتو است .

امر پدیدار بود ، بدینسان ارباب وی نیز پس از سالیان دراز ، ناچار او را از خدمت خویش راند . اکنون او جز انتظار کشیدن کاری نداشت و از آن پس نیز نمیدانست چه پیش خواهد آمد ... بنابراین گرفتگی خاطر او ربطی به باد وباران و تیرگی هوا نداشت . باران می‌بارید و اوهمچنان با پریشانی درفکر نان فردا بود و به سرنوشت سیاه خویش لعنت میفرستاد و ناخواسته بصدای ضربات باران که سنگ فرش خیابان سوجاکو را میکوبید گوش میداد . ابر تیره عظیمی بربالای سفالهای سقف راشومون آویخته بود .

او چه خواهد کرد ؟ افق دید او چنان تنگ بود که طبعا درباره ارزش اخلاقی تصمیم نهائی خویش نمیتوانست زیاد حساس باشد . اگر در انتخاب وسیله زندگی خود را مقید میکرد که هرگز از جاده عفاف بیرون نرود ، ناچار میشد از گرسنگی جان بسپارد . آنوقت ، بی‌شك ، جنازه او را میآوردند و در بالای همین دروازه چون لاشه سگ ولگردی بگوشه‌ای میانداختند و میرفتند ... پس ، ناچار باین نتیجه رسیدکه به راهزنی و دزدی بپردازد . امااین نتیجه را بآسانی نمی‌پذیرفت اما اندیشه او بعد از مدتها پریشانی باز به همان نقطه آغاز بازمیگشت . بالاخره دریافت که خواه ناخواه دزدی را پیشه خود خواهد ساخت . با اینهمه شك و تردید همچنان باقی بود . گرچه میدانست که در هرصورت راهی جز دزدی در پیش روی او بازنیست لکن در هموار ساختن آن بر خویشتن رنج می‌برد و نمیتوانست خودرا با آسایش وجدان درجرگه دزدان تصور کند .

پس از عطسه‌ای از جای خود برخاست . سرمای شبانه حسرت گرمای اجاقی را دردلش برانگیخت. باد صفیرزنان میان ستونهای راشومون میتافت . جیرجیرکی که بر بقایای لاك سرخ ستون جای داشت اینك رفته بود . گردن کشید وبهرسوی نگریست . یقه کیمونوی نخ نمای خود را که برروی جامه های نازك دربرکرده بود بالاکشید. اگر گوشه‌ای مییافت که باد و باران در آنجا نفوذ نکند برای گذراندن شب چه جایی بهتر از اینجا ! بالاخره بااین تصمیم به پلکانی که ببالای دروازه منتهی میگشت متوجه شد . درآن بالا اصولا جز نعش مردگان ــ آنهم اگر نعشی درکار باشد ــ احتمال وجود کسی نمیرفت . با اینهمه ، با احتیاط تمام قدم درپله نهاد . دقت میکرد که شمشیرش از غلاف بیرون نلغزد .

چند لحظه بعد در نیمه راه احساس کرد که چیزی در آن بالا می‌جنبد . نفس را در سینه حبس و مانند گربه‌ای خود را جمع کرد و برروی پله عریض بکمین نشست و بردقت خود افزود . نور ضعیفی که از بالا میآمد گونه راست او را (که جوش سرخ در آن از زیر موهای کوتاهش پیدا بود) روشن کرد . وی در آنجا تنها انتظار دیدن مردگان را داشت . لکن در روشنایی مرتعشی که میتافت چیزی حرکت میکند ، واو پس از بالا رفتن از دو سه پله متوجه‌آن شده بود و دیده بود که نوری زرد و لرزان برتارهای عنکبوت که در بالا از روزگاران قدیم درهم تنیده بود میافتاد و منظره ای شوم بوجود میآورد . چه کسی را میتوان تصور کرد که در این شب طوفانی در راشومون آتش روشن کند ؟ مرد برخود لرزید . در سکوت مطلق و با احتیاط چون مارمولکی بر پله خزید و در امتداد چهار پله کمین کرد ، گردن را تا آنجا که مقدورش بود کشید و با دقت و احتیاط بدرون برج نگریست .

همچنانکه شهرت داشت ، براستی نعش چند مرده را درآنجا بدون نظم و ترتیب انداخته بودند . روشنایی بقدری ضعیف بود که وی قادر به شمردن اجساد نشد ، لکن بنظر آورد که بعضی ها لخت‌اند و برخیها لباس مختصری درتن دارند . مردگان از زن و مرد ، با بازوان گشوده و دهان باز برروی زمین افتاده و به عروسکهای گلی شبیه شده بودند . با توجه بسکوتی که اکنون برآنها حکم میراند تصور اینکه روزی اینان میزیسته‌اند بسیار دشوار مینمود . روشنایی به سینه ، شانه وبالاتنه آنها ، کم‌وبیش ، میتافت ، اماسایر قسمتهای بدنشان در تاریکی فرورفته بود . گند اجساد نیمه متلاشی بی‌اختیار دست او را به طرف دماغش کشاند ، لحظه‌ای بعد دست خود را پائین آورد و بدقت نگریست . گویی خفاش عظیمی برروی جسدی خم شده بود ! با اندك توجه تشخیص داد که پیرزنی است لاغر و سفید موی که مشعلی از شاخ کاج بدست گرفته و در چهره زن مرده‌ای که موهای دراز داشت پی‌چیزی میگردد . مرد را چنان وحشتی فراگرفت که حتی تا چند لحظه قدرت نفس کشیدن نیز در خود نیافت . احساس کرد که موی برسر و اندام او راست شده است .

در طول مدتی که وی هراسناك مینگریست ، پیرزن مشعل را در میان دوتیر چوبی کف برج قرار داد ، دست بسوی نعش برد وبکار غریب خویش پرداخت : تار های موی مرده را یکایك ــ مانند میمونی که بخواهد تن خود را از حشرات پاك کند ــ میکشید . موی از سر مرده بآسانی کنده میشد .

با دقت درکار پیرزن ترس ازدل خدمتکار بیکبار رخت بربست و بجای آن نفرتی عظیم و زائیده درون او را پر کرد ، چنانکه بس از اندکی عطش ستیزه با بدی و زشتی در وی برافروخته شد . دراین هنگام اگر کسی از او می‌پرسید که آیا حاضر بمرگ است و یا مثلا برای جلوگیری ازآن میتواند بکار ناشایستی چون دزدی دست بیازد ــ مساله ای که چند دقیقه پیش برای او مکررا مطرح شده بود ــ این‌بار او بی‌درنگ مرگ را پذیرا میگشت . نفرت از بدی و زشتی چون مشعلی که پیرزن روشن کرده بود در نهادش زبانه میکشید .

او نمیدانست که منظور پیر زن از کندن موی مرده چیست واز این‌کار شوم چه قصدی دارد ؟ اما دست درازی به مردگان متروك در بالای برج ویرانه دروازه راشومون ، آنهم در ساعتی که در بیرون طوفان با خشم میوزید بنظر وی گناهی نابخشودنی آمد . او هیچ بیاد نداشت که خود چند لحظه پیش از قدم گذاشتن در پلکان برج دروازه تصمیم گرفته بود که راهزنی و دزدی را پیشه سازد .

آنگاه همه نیروی خویش را بیاری خواست ، برپای راست ایستاد، دست بشمشیر برد و بسرعت برق در پیش روی پیر زن قدبرافراشت . پیرزن با چشمانی هراس زده بدو نگریست و چون تیری از جای جست . در این حال سراپای او را لرزه فراگرفته بود ، اندکی درنگ کرد ، سپس با ناله‌ای جگر خراش بسوی پلکان روی آورد .

مرد فریاد برآورد و گفت : «عجوزه ، کجا میروی ؟»

راه را بر وی گرفت . پیر زن با ترس و از راه فراری‌جست . مرد او را بعقب راند . اندکی با هم گلاویز شدند . پیر زن برروی نعش مردگان افتاد و همان جا نقش برزمین شد . این کار به‌آسانی و قطعیت انجام گرفت : در چشم بهم زدنی بازوی پیر زن را گرفته آنرا پیچانیده ، و برزمینش افکنده بود . بازوان پیر زن استخوان و پوستی بیش نبود و در لاغری‌پای جوجه ای را بیاد میآورد . بی‌درنگ شمشیر از غلاف برکشید و نوك تیر سیم فام آنرا در جلوی روی پیرزن گرفت . پیرزن دم نمی‌زد وچون مصروعین میلرزید . چشمانش همچنان از حدقه درآمده بود . نفسش با خرناسی عمیق همراه بود . مرد خدمتکار زندگی ومرگ پیر زن را در اختیار داشت . این اندیشه خشم او را فرونشاند و غروری عظیم در وی بیانگیخت . به پیرزن نگریست با صدایی نسبتا آرام چنین گفت :

ــ نگاه کن ، من مامور پلیس‌نیستم . اتفاقا از راشومون میگذشتم من ترا نه بزندان خواهم انداخت و نه چیزی که به تو از آن زیانی برسد از من سرخواهد زد ، منتهی تو باید بمن بگوئی که چکاره‌ای

و در اینجا چه میکنی ؟

چشمان پیرزن اندکی بیشتر از حدقه درآمد و بانگاهی خونین چون مرغان لاشخور به مرد نگریست . لبان برگشته‌اش را جنبانید گویی چیزی را می‌جوید . برآمدگی تیز حلقومش درنای گردنش بحرکت درآمد ، سپس با صدایی که همانند قارقار کلاغ بود از ته حلق چنین گفت :

ــ من داشتم مو میکندم ... من موهای مردگان را درمیآورم تا ازآنها کلاه گیس بسازم ..»

این توضیح پرده همه مجهولات را درید . تعجب جای خود را به تاسف و تاثری ناخوشایند سپرد . ناگهان عجوزه هراس‌آور به پیره‌زنی ترس زده و لرزان که برپای او افتاده بود مبدل گشت . دیگر او خفاش برج راشومون نبود ، فلك زده‌ای بود کــه از موی سرمردگان کلاه‌گیس میساخت تا لقمه نانی بدست آورد .

مرد خصومتی در دل خود احساس کرد که بزودی رنگ نفرت پیشین را بخود پذیرفت . پیر زن که هنوز تارهای گیسوی زن مرده را بدست داشت بصدای دورگه چنین گفت :

ــ البته ساختن کلاه گیس از موی مردگان بنظر شما کاری زشت جلوه خواهد کرد . اما این مرده ها همین اندازه ارزش دارند . میدانی ، این زن زیبا که من داشتم موهای سرش را میکندم در زمانی که زنده بود بچه‌کاری اشتغال داشت ؟ مارمیگرفت و قطعه قطعه شان میکرد و پس از خشکاندن در دم دروازه سربازخانه بنام گوشت ماهی خشك بمردم قالب میکرد . اگر طاعون او را از پای درنمی‌آورد هم‌اکنون نیز باین کسب و دغل بازی مشغول بود . چاره‌ای هم نداشت. بعقیده من اگر اکنون در می‌یافت که من درنوبت خود برای یك لقمه نان دارم موی ازسرش میکنم شاید خود او اهمیتی باین موضوع نمیداد .

مرد شمشیر خود را در غلاف کرده بود و در حالیکه دست چپ را برآن داشت ، غرق دراندیشه ، بسخنان پیر زن گوش میداد و با دست راست جوش صورت خود را می‌خاراند . اکنون جسارتی نو در قلب وی راه یافته بود . جسارتی که در هنگام ورود و پناهنده شدن به راشومون در وی وجود نداشت . قدرتی عجیب او را درست به نقطه مقابل احساسیکه در هنگام گلاویز شدن با پیرزن داشت میکشانید. دیگر در ترجیح یکی از دوشق ــ مرگ از گرسنگی یا راهزنی و دزدی ــ تردیدی نداشت . این‌بار بطور قطع میدانست که برای زیستن دست بهرکاری خواهد زد .

پس از آنکه پیرزن خاموش شد ، با استهزا از وی پرسید :

ــ آیا مطمئنی که راست میگوئی .

دست از خاراندن جوش صورتش برداشت ، خم شد و چنگال در گلوی پیرزن انداخت و به تندی گفت :

ــ اگر اینها که گفتی راست است ، پس من هم حق دارم که ترا لخت بکنم ، برای همان یك لقمه نان بخور ونمیر لعنتی !

بسرعت لباس او را پاره کرد و از تنش کند . آنگاه لگدی برپهلوی وی زد و او را درمیان نعش مردگان افکند . پیرزن بیهوده کوشید که چون زالو بپای وی بچسبد . مرد پنج پله را بسرعت طی کرد و در حالیکه جامه زردرنگ پیرزن را در زیر بغل داشت در کام شب سیاه فرورفت . صدای محکم قدمهای وی رعدآسا در فضای برج کهنه پیچید ... سپس همه سوی دوباره غرق خاموشی شد .

اندکی گذشت . پیرزن از میان اجساد نیمه متلاشی برخاست . مینالید و می‌غرید . با مشعل‌اش ــ که هنوز روشن بود ــ تا آخرین پله خزید . موهای سفیدش را که برچهره‌اش افتاده بود عقب زد و با دقت تا آنجا که نور مشعل نفوذ میکرد خیره شد : آنسوی تر جز تاریکی هیچ نبود .. تاریکی مطلق ومجهول ..

بقیه از صفحه ۰۷۰۲۰۴۰

تازه‌داماد و گراف بطرف ارکستر آمدند ، به‌کنترباس نزدیك شدند ، تسمه ها را باز کردنـد ، و ــ اوه ــ دچار تعجب و حیرت شدند !

ولی اکنون ، درحالیکه خواننده محترم چگونگی صحنه‌های مشاجره موزیکال را ازنظر فانتزی درتصور خود میبیند ، بسراغ «اسمیچکوف» میرویم . بدون دستگیری دزدان بهمان محل اولیه که جعبه را گذاشته بود برگشت و آن را که محتوی متاع گران‌قیمت بود پیدا نکرد . سرش گیج شد ، خود را گم کرده باینطرف وآنطرف رفت ولی گمشده را پیدا نکرد . سرانجام پیش خود اندیشید که راه را عوضی پیموده است . درحالیکه انگشتان خود را متفکرانه درموهای سرش فرو برده بود زمزمه میکرد « وحشتناکه ! حتما زیباروی درجعبه خفه خواهد شد ! آه ، من قاتل هستم ! »

« اسمیچکوف » تا نیمه شب راههای گوناگونی را پیمود و دنبال جعبه گشت . بالاخره خسته و مانده بزیر همان پل مراجعت کرد .

پیش خود گفت « سپیده‌دم دوباره بجستجو می‌پردازم » .

معهذا کاوش او در سپیده صبح هم نتیجه‌ای نداشت و تصمیم گرفت مجددا زیر پل رود و تا شب منتظر باشد .

درحالیکه کلاه سیلندر خود را از سر برمیداشت و چنگی بموهای خود میزد گفت : « من او را پیدا خواهم کرد ! و اگر هم یکسال طول بکشد ، من او را پیدا خواهم کرد » .

هنوز که هنوز است دهقانان و مردم آنجا برای یکدیگرتعریف میکنند که یکشب شخصی توانست در زیر این پل کوچك انسان لختی را به‌بیند که پشم‌آلو بوده و کلاه سیلندری برسرداشته .

و گاهی هم میگویند که آدم صدای‌وزوزکردن یك کنترباس را از آنجا می‌شنود .

بقیه از صفحه ۰۷۰۲۰۳۷

از خار مغیلان زیر روبندش افکنده و کمربندی از میخ چون ریاضت کشان بدور کمر باریکش پیچیده است .

عبادت و سجود دائمی او نظر سایر دختران دیر را جلب کرده است . همه بحالش دلسوزی میکنند . میگویند اغراق نیست اگر بگوئیم تا کنون یك طشت بزرگ اشك ریخته است .

بعد ها ناگهان از شدت گریه و زاری ، اشك چشمانش خشك شد ، و درخششی عجیب چنانکه دیده‌اید جای آنرا گرفت .

این ماجرای غم‌انگیز حدود بیست سال پیش اتفاق افتاد . پارسایان را عقیده براین است که درخشش عجیب چشمان او ، علامت آمرزش پروردگار بزرگ است . اما «الههٔ دیر» باز هم باور نمیکند که بخشیده شده باشد زیرا گناه خود را خیلی بزرگ می‌شمارد و هنوز بریاضت و عبادت مشغول است .

درحالیکه سخنان پیر مرد ، سخت بقلبم اثر کرده بود ، و دلم برای «الههٔ دیر» آن دخترك معصوم و بیگناه و گول خورده میسوخت گفتم :

ــ مسلما دیگر بخشیده شده است .

و پیر مرد در جواب گفت :

ــ راستی آیا فکر میکنید که «الههٔ دیر» دیگر روح شوم «کامارگو» را از یاد برده است ؟

آثاری از گذشتگان ...

جولاهی در خانه دانشمندی ودیعتی بنهاد و یك‌چند روز برآمد بآن محتاج‌شد . پیش وی رفت دیدکه بردر سرای خود برمسند تدریس نشسته و جمعی از شاگردان پیش اوصف بسته .

گفت : ای استاد بآن ودیعت احتیاج‌دارم.

گفت : ساعتی بنشین تاازدرس فارغ‌شوم.

جولاه بنشست ، مدت درس‌اودیر کشید و وی مستعجل بود . عادت آن دانشمند آن بودکه در وقت درس گفتن سرخود میجنباند . جولاه را تصور آنشد که درس گفتن همان‌سرجنباندن است .

گفت : ای استاد برخیز ومرا تا آمدن نائب خود گردان تا من بجای توسرمی‌جنبانم وودیعت را بیرون‌آورکه من تعجیل دارم .

دانشمند چون آن شنید بخندید و گفت :

فقیه شهر زندلاف آن بمجلس عام
که آشکار و نهان علوم میداند
جواب هرچه‌ازاوپرسی‌آن بودکه‌بدست
اشارتی بکند یا سری بجنباند

بهارستان
(عبدالرحمن جامی)



یکی از طراران ماوراءالنهرکه در عیار پیشکی از اقران برسرآمده بود وقتی‌به‌نیشابور افتاد خواست‌که ازآنجا مالی بدست آورد به تفحص وتجسس مردم مشغول شد و معلوم‌کرد که خزانه ملك مؤیدکجاست و بطریقی که

توانست نقبی کرد و بخزانه برآمد و از نقود جواهرات هرچه توانست برداشت و بدر نقب آورد ودرشب تاریك چیزی سفید دیدکه برقی داشت و گمان بردکه گوهر شب‌چراغ است . گفت صواب‌آن باشدکه آنرا برگیرم که سبب توانگری من خواهد بود ، پس آنرا برگرفت و آن عظیم بزرگ بود . مرد متحیر شدکه چه چیز است و بلمس دست آن معلوم نکرد زبان برآن زد تا بحس ذوق معلوم‌کند که آن چیست خود تخته نمك بود . آنرا بجای خود بازنهاد و ازآن هیچ برنگرفت وبازگشت .

روز دیگر بملك‌مؤید اعلام‌کردندکه دوش دزدان در خزانه نقبی زده بسرزر رفته و ازآن زر هیچ برنگرفته‌اند . ملك متحیر شدکه چون نقب زدند و بسرمال رسیدند بچه سبب نبرده‌اند. پس‌درشهر ندا دردادندکه هرکس این‌کارکرده است از بأس و سخط من ایمن است بایدکه بدرگاه آید وبگویدکه چون بزرقادر شد چرا هیچ برنداشت ؟

چون چندروزی آن منادی کردند جوان بخدمت ملك مؤیدآمد وگفت :

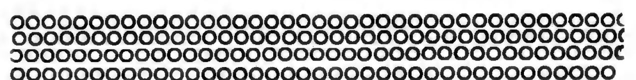
ــ آن‌کار من‌کرده‌ام‌وتنها بدان شغل اقدام نمودم .

ملك‌گفت : چرا زر نبردی ؟

گفت : چیزی دیدم سفید وروشن تابان. گمان بردم که مگرگوهر شب‌چراغست آنرا بر گرفتم و زبان برآن زدم ، خود نمك بود باخود گفتم : چون نمك شاه چشیدم حق گزاردن در مذهب مروت و مردی واجب بود واز سر آن درگذشتم .

ملك مؤید او را بدین مردانگی محمدت فرمود و سپهسالاری درگاه خود بدو داد وآن مرد از سر عیاری درگذشت و از معاریف شهر نیشابور گشت .

جوامع‌الحکایات
(محمد عوفی)



چنان شنیدم که ابوالفضل بلعمی سهل خجندی را صاحب دیوانی سمرقند داد پس منشورش توقیع‌کرد و خلعتش بداد . روزی‌که بخواست رفتن بسرای خواجه رفت بوداع‌کردن و فرمان خواستن . چون خدمت وداع بکرد دعای خیرگفت و آن سخن‌که خواست گفت بظاهر نگفت پس خلوت خواست . خواجه در حال خالی‌کرد . سهل‌گفت بقای خداوند باد ، من بنده همی روم چون بسرشغل رسم بناچار ازاینجا فرمانها روان‌شوند خداوند با من نشانی کندکه‌کدام فرمان باشدکه پیش باید بردن تابنده داندکه فرمانی‌که نبایدکردن‌کدام بودو آنچه بایدکردن‌کدام .

بوالفضل‌گفت : ای سهل نیکوگفتی دانم که این بروزگاری اندیشه‌کرده باشی مارا نیز اندیشه بایدکردکه در وقت جواب نتوان داد ، روزی چند توقف‌کن .

سهل‌خجندی باخانه‌رفت . دروقت سلیمان بن‌یحیی الچغالی را صاحب دیوانی سمرقند دادند و منشور وخلعتش راست‌کردند وبراهش کردند . سهل را فرمودیکسال از خانه بیرون میای .

سهل در بخارا یکسال درخانه خویش در زندان بود . بعداز سالی پیش خویش خواندش و گفت :

ــ ای سهل ماراکی‌دیده بودی بادوفرمان یکی راست ویکی دروغ ؟ بزرگان جهانیانرا بشمشیر فرمانبرداری آموزند در ما چه احمقی دیدی‌که ماکهتران خویش را بی‌فرمانی‌آموزیم و گوئیم‌که بفرمان ماکار مکن ؟ فرمان ما یکی باشدآنچه خواهیم‌کردن بفرمائیم و چون بفرمودیم خود کرده باید وآنچه نخواهیم‌کرد خود نفرمائیم‌که نه مارا ازکسی بیمی هست و نه‌اندر شغل عاجزیم و این‌گمان‌که تو بردی بر ما ، کار عاجزان باشد چون تو مارا در شغل عاجز دانستی مانیز توراازآن عمل پیاده‌کردیم.

قابوسنامه
(کیکاوس بن‌اسکندر)

درویشی مجرد درگوشه صحرائی نشسته بود، پادشاهی براوبگذشت . درویش ازآنجاکه فراغ‌ملك قناعت است سربرنیاورد والتفات‌نکرد پادشاه ازآنجاکه سطوت سلطنت است بهم برآمد و گفت:

ـ این طایفه خرقه پوشان ، برمثـال بهائمند که اهلیت وآدمیت ندارند.

وزیر نزد درویش آمدو گفت:

ـ ای درویش پادشاه روی زمین برتو گذرکرد چرا خدمت نکردی وشرط ادب بجا نیاوردی ؟گفت: ملك رابگوی توقع خدمت از کسی‌دارکه تمنای نعمت ازتودارد ودیگر آنکه ملوك از بهرپاس رعیتند نه رعیت از بهرطاعت ملوك.

پـادشه پـاسبان درویش است
گر چه نعمت بفر دولت اوست
گوسفند از برای چوپان‌نیست
بلکه چوپان برای‌خدمت‌اوست

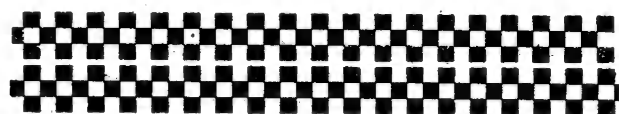
***

یکـی امـروز کامـران بینی
دگری را دل از مجاهده ریش
روزکی چنـد باش تا بخورد
خاك مغز سر خیال اندیش
فرق شاهی و بندگی برخاست
چون قضای نوشته آمـد پیش
گرکسی خاك مرده باز کنـد
نشناسد تـوانگـر از درویش

ملك راگفتار درویش استوار آمدفرمود ازمن چیزی بخواه گفت آن خواهم که‌دیگر بارزحمتم ندهی‌گفت مرا پندی ده‌گفت:

دریاب کنون که نعمتت هست بدست
کاین دولت وملك‌میرودست‌بدست

گلستان
(شیخ اجل سعدی)

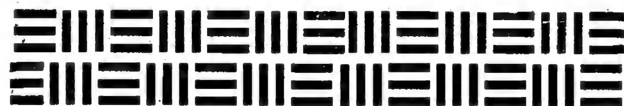


چون‌خلافت برعباسیان مقرر شد ابومسلم هم برقاعدهٔ اول دلیری میکرد وبی استحضار خلیفه کارهامیکرد و ابوجعفر منصور برادر ابـوالعباس سفاح برآن منکر میبود ولکـن ابوالعباس سفاح گفت : من قصدکشتن او نکنم زیراکه مردمان بدان سبب ملامت‌کنند وچون سفاح بمرد ومنصور بنشست نیت کرد ابومسلم را بکشد.

وقتی ابومسلم گفت حال من با عباسیان چنانست‌که مردی ازصالحان استخوانهای شیر دید جائی افتاده دعا کرد تا خدایتعالـی آن را زنده کند . چون شیر زنده شد آن‌مرد را گفت ترا برمن حق عظیم است لیکن مصلحت من‌آنست که ترابکشم زیراکه تومردی‌مستجاب‌الدعوه‌ای باشدکه باردیگر دعاکنی تا خدای مرا بمیراند یا شیری دیگر آفریند ازمن قوی‌تر وآن سبب مضرت من شود ، پس مصلحت من آنست‌که ترا بکشم . عباسیان چون قوت ازمن یافتند مصلحت ایشان درقتل من باشد.

وبعاقبت ابوجعفر منصور،ابومسلم‌رابکشت و بعدازآن خلافت برعباسیان مقرر شد.

حدائق‌الانوار
(امام فخر)



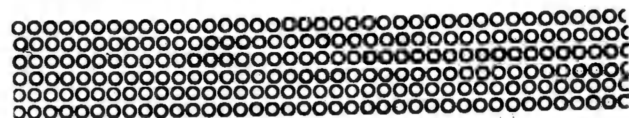
جماعتی ازبوزینگان درکوهی بودند، چون شاه ستارگان بافق مغرب خرامید وجمال جهان آرای‌را به‌نقاب ظلام بپوشانید،سپاه زنگ بغیبت او بر لشکر روم‌چیره گشت : «شبی‌چون کارعاصی روزمحشر» . باد شمال عنان برگشاده ورکاب گران کـرده درآمد وبر بوزینگـان شبیخون‌کرد. بیچارگان از سرما رنجور شدند، پناهی می‌جستند ، ناگاه کرم شب تابی یافتند در طرفی افتاده ، گمان بردندکه آتش است هیزم گردکردند وبرآن نهادند ومی‌دمیدند.

برابر ایشان مرغی بود بردرختی آواز

میداد که کرم است و پر دارد و بشب چون چراغ مینماید، آتش نیست، البته التفات ننمودند. در این میان مردی آنجا رسید مرغ را گفت رنج مبر که بگفتار بازنایستند و تو رنجور گردی و در تقویم و تهذیب چنین کسان سعی پیوستن همچنان باشد که کسی شمشیر برسنگ آزماید و شکر در زیرآب پنهان نماید.

مرغ سخن او نشنید و ازدرخت فرود آمد تا بوزینگان را حدیث کرمك شب‌تاب بهتر معلوم کند، بگرفتند و سرش ازتن جدا کردند.

کلیله ودمنه



وقتی خفاشی چند را با حربا خصومت افتاد، منازعت ایشان سخت گشت و مشاجرت از حد بدر رفت. خفاشان اتفاق کردند که چون ظلمت شب جهان‌را فرا گیرد ورئیس سیارگان سر درچاهسار مغرب کشد، ایشان جمع شوند وقصد حربا کنند وبرسبیل محاربت حربا را اسیر گردانند تا بمراد دل سیاستی بروی برانند وبرحسب مشیت انتقامی بکشند.

چون وقت فرصت ناجز گشت بدرآمدند وحربای مسکین را بتعاون وتعاضد یکدیگر در کاشانه ادبار خود کشیدند وآن شب محبوس بداشتند. بامداد گفتند این حربا را طریق تعذیب چیست؟ همه اتفاق کردند برقتل او پس مشاورت کردند با یکدیگر در کیفیت قتل. دل ایشان برآن قرار گرفت که هیچ چیز بتر ازمشاهدت آفتاب نیست، البته عذابی صعب‌تر ازمجاورت خورشید ندانستند. قیاس برحال خویش کردند واورا بمطالعت آفتاب تهدید میکردند. چون آفتاب برآمد اورا ازخانه نحوست خود بدر انداختند تا بشعاع آفتاب معذب شود و اوازخدای خود آن میخواست.

کورچه خواهد بجز دو دیدهٔ بینا

رساله لغت‌موران
(شیخ شهاب‌الدین سهروردی)

آورده‌اند که یمین الدوله‌سلطان محمودبن ناصرالدین بشهر غزنین بربالای کوشکی درچهار دری نشسته‌بود بباغ‌هزاردرخت، روی‌باابوریحان کردو گفت:

ـ من ازاین چهار در ازکدام دربیرون خواهم رفت؟ حکم کن واختیار آن برپارهٔ کاغذ نویس و در زیر نهالی من نه.

واین هرچهار در، راه‌گذر داشت. ابوریحان اسطرلاب خواست وارتفاع بگرفت وطالع‌درست کرد وساعتی‌اندیشه‌نمود وبرپاره‌یی کاغذ بنوشت ودرزیرنهالی نهاد. محمود گفت:

ـ حکم کردی؟

گفت: کردم.

محمود بفرمود تا کننده و تیشه وبیل آوردند، بر دیواری‌که بجانب مشرق است‌دری پنجمین بکندند وازآن دربیرون رفت و گفت آن کاغذ پاره بیاوردند. ابوریحان بر وی نوشته بودکه «ازاین چهار در هیچ بیرون نشود، بر دیوار مشرق دری‌کنند وازآن دربیرون‌شود» محمود چون بخواند طیره‌گشت و گفت اورا بمیان سرای فرو اندازند. چنان‌کردند، مگر باام میانگین دا می‌بسته‌بود بوریحان بر آن دام آمد ودام بدرید وآهسته برزمین فرود آمد چنانکه بر وی افکار نشد.

محمود گفت: اورا برآرید. (برآوردند) گفت: یا بوریحان ازاین حال باری ندانسته بودی؟

گفت: ای خداوند دانسته بودم.

گفت: دلیل کو؟

غلام را آواز داد و تقویم از غلام بستد وتحویل خویش ازمیان تقویم بیرون‌کرد. در احکام آنروز نوشته بودکه «مرا ازجای بلند بیندازند ولیکن بسلامت بزمین رسم وتندرست برخیزم».

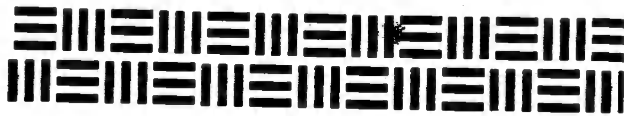
این سخن نیز موافق رای محمودنیامد، طیره‌تر گشت گفت:

ـ او را بقلعه برید وباز دارید.

او را بقلعه غزنین بازداشتند وششماه

درآن حبس بماند . آورده‌اند که دراین ششماه کس حدیث بوریحان پیش محمود نیازست کرد وازغلامان او یك غلام نامزدبودکه او را خدمت همی کرد وبی‌جهت اوبیرون همی شدودرمیآمد.
روزی این غلام بسر مرغزار غزنین میگذشت فالگویی اورا بخواند وگفت:
ـ درطالع تو چند سخن گفتنی همی بینم ، هدیه‌ای بده تا ترابگویم.
غلام درمی دوبدو داد فالگوی گفت: «عزیزی ازآن تو دررنجی است ، ازامروز تاسه روزدیگر ازآن رنج خلاص یابد وخلعت و تشریف پوشد وبازعزیز ومکرم گردد. غلامك همی رفت تا بقلعه وبرسبیل بشارت آن حادثه با خواجه بگفت.
بوریحان را خنده آمد وگفت: ای‌ابله! ندانی‌که بچنان جایها نباید ایستاد دودرم بباد دادی !
گویند خواجه بزرگ احمد حسن میمندی درین‌شش‌ماه فرصت همی‌طلبید تاحدیث بوریحان بگوید آخر در شکارگاه سلطان را خوش طبع یافت ، سخن راگردان گردان همی آورد تا بعلم نجوم آنگاه گفت:
ـ بیچاره بوریحان که چنان دوحکم بدان نیکویی بکرد و بدل خلعت و تشریف بندو زندان یافت محمود گفت : «خواجه بداندکه‌من این دانسته‌ام ومیگویند که این مرد را درعالم نظیرنیست مگر بوعلی‌سینا لکن هردو حکمش برخلاف رای من بود وپادشاهان چون‌کودك خرد باشند سخن بروفق رای ایشان بایدگفت تا ازایشان بهره‌مند باشند . آن‌روز که آن دوحکم بکرد اگر ازآن دوحکم او یکی خطا شدی به‌افتادی اورا . فردا بفرمای تا او را بیرون آرند واسب وساخت زر وجبهٔ ملکی ودستار قصب هند وهزار دینار وغلامی وکنیزکی» پس همانروزکه فالگوی گفته بود بوریحان رابیرون آوردند واین تشریف بدین نسخت بوی رسید و سلطان ازاوعذرخواست وگفت:
ـ یا بوریحان اگر خواهی‌که ازمن برخوردارباشی سخن برمرادمن گوی‌نه‌برسلطنت علم خویش !

چهارمقاله
(عروضی سمرقندی)



آورده‌اندکه ابوالنجم‌طبیب‌روزی‌دردمشق‌از بازار عطرفروشان می‌گذشت شخصی را دید بیهوش بزمین افتاده و گروهی دور او جمع شده وافسوس میخورند . ابوالنجم پیش رفت و سبب ازدحام وافتادن آن مرد را پرسید گفتند لحظه‌یی بیش نیست‌که این شخص ببازاردرآمد وناگهان چنانکه می‌بینی بیفتاد .
ابوالنجم ببالین آن مرد رفت واورا زنده یافت . از شغل وعمل وی جویا شد ، گفتند دباغست . بدون تامل‌گفت او را بردوش‌گرفته بکوی دباغان بردند ودر آنجا برزمین نهادند . چون ساعتی بگذشت آن مرد بهوش آمد و از مرگ خلاص یافت .
حکمت آن طرز معالجه را از ابوالنجم پرسیدند گفت بینی آن مرد سالهای دراز باستنشاق هوای دباغخانه معتادبود . چون ببازار عطرفروشان رسیدازاستشمام بوی‌خوش ناخوش وبیهوش گردیدکه ترك‌عادت موجب مرض‌است.
نامه دانشوران

برای نوآموزان چگونه باید نوشت

پیشرفت نسبی فرهنگ در ایران و ترقی صنعت چاپ و ابتکار و ذوق موسسات برای تهیه جزوه‌ها و مجله‌ها و کتابهای خاص کودکان و نوآموزان موجب شده که‌نونهالان کشور ما نیز خواندنیهای مناسب خود داشته باشند.
طبعا درآینده زمینه‌های مساعدتری برای تهیه وپخش این نوع نشرات جهت کودکان فراهم خواهد گردید بهمین مناسبت بی‌فایده ندیدیم‌شرحی‌را که‌مجله یونسکو برای‌راهنمائی تهیه کنندگان مطالبی برای نوآموزان نوشته است ترجمه و منتشر سازیم.

دکتر پورشین

تجربه نشان داده است که غالبا نوآموزان درکارخواندن توفیقی حاصل نمی‌نمایند زیرا چیزی برای خواندن نمی‌یابند. ازمیان جزوه‌ها، کتابها، برای اینکار، مناسب تر از همه «نشریه خاص» است.

در این مقال مختصر سعی خواهد شد خدمات وکومکی که ممکن است چنین نشریه‌ای‌بنماید؛ طریقهٔ تهیه و نشر آن نشان داده شود. این نشریه‌بکار متخصصین الفبا و ناشران و تعلیم‌دهندگان‌که مایلند به نوآموزان چنین جزوه‌ای هدیه نمایند خواهد خورد.

نوآموز کیست؟

نوآموز اصطلاحاً‌بهرجوان ویا آدمی اطلاق میشود که تازه شروع بخواندن میکند ونمیتواند تند و دقیق مطلبی را بخواند. و بیشتر بکسانی‌گفته‌میشود که بسبب عدم پراتیك ویا معلومات قادر نیستند تند وسریع نوشته‌ای را قرائت‌نمایند.

سطح نشریه برای نوآموزان:

غالب اوقات نوآموز ناچار است نشرات، کتابها، جزوه هائی راکه در کشورش نشر می‌یابد بخواند. شاید هم‌احتیاج بمطالعه نشراتی داشته باشد که سطح آنها زیاد بالا نباشد بهر صورت باید توجه داشت که‌نشریه خاص چنین نوآموزانی‌نباید سطح مطالبش زیاد بالا باشد.

برای اینکه ازاین نشرات استفاده کامل بشود لازمست که در لغات دقت شود. جملات کوتاه و مختصر باشد. مطالب نوعی باشد که موضوع توجه خاص خواننده را جلب نماید. ظاهر آن باید جالب وگیرا باشد. از همه مهمتر اینست که نشریه ازنظر خواننده‌اش قابل‌فهم باشد و خواننده بداند که میتواند ازآن استفاده کند. البته درعین حال نباید نوعی باشد که خواننده دیگری نتواند ازآن استفاده نماید و بهتر است این نشرات بسه درجه ــ: ساده ــ متوسط ــ عالی‌تقسیم گردد. باین معنی شاگردانی که هر درجه‌ای از معلومات را دارند بتوانند نشریه مخصوص بخود را بخوانند

تقسیم‌بندی نشریه:

ازحاصل کار نتیجه مطلوب حاصل نمیگردد مگرموقعی که به تقسیم بندی ذیل که ازنظر موقع ومحل حائز اهمیت است توجه دقیق بشود. ذیلاسه‌تقسیم بندی باطلاع میرسد.
الف) مناطق کم جمعیت: یعنی نقاطی که عدهٔ سکنهٔ آن خیلی کم است و در آنجا نشریه یا مجله وروزنامه‌ای وجود ندارد ویا اگر هست تعدادش نادراست از قبیل دهات وییلاقها. در این مناطق نشریه را باید بحساب از دست رفته



تلقی نمودودربند بازگشت آن‌نرفت . وآنرا حتی نشریهٔ‌تجاری ندانست که سودی برآن متصور باشد بلکه باید انتشار نشریه را یك امر حتمی و ضرور تلقی نمود .

ب) مناطقی که در آنجا نشریه و مجله‌ای وجود ندارد ولی دارای جمعیت کافی است وجا دارد که نشریه‌ای در آنجا انتشار پیدا کند . دراین وضع و موقع باید سرمایهٔ قابلی بکار افتد که بتواند مخارج دو یا سه سال نشریه را تکافو نماید .

ج) مناطقی که اکثریت ساکنان آن بخواندن رغبت دارند که باید در آنجا چند نشریه انتشار یابد . نخست نو ــ آموزان را بخواندن تشویق کند وبتدریج پایهٔ معلومات آنهارا بالا ببرد وبراساس برنامه‌ای در مدت معین بسطح مشخصی از معلومات نوآموزانرا برساند .

نقش نشریه در نوآموزان

نشریه‌ای که برای بیسوادان دیروز و نوآموزان امروز نشر میشود کاملا با نشریه های تجاری و سیاسی‌تفاوت دارد و طبعا فاقد مسائل سیاسی است و قیمت آن‌هم ارزان است . دراین نشریه باید بازبان ساده و همه فهم وروان بدون آنکه جانبی از سیاست ها گرفته شود مسائل تعریف شود . وظیفهٔ نشریه دراین موارد سه موضوع خواهد بود :

الف) نقش روانشناسی : این نشریه بهتر از هرنشریهٔ دیگر میتواند عواطف خواننده را تحریك وحواس اورا بیدار نماید . علاقه‌مندی‌وانتظار هرخواننده علاقه‌مند به‌یك‌روزنامه ــ مجله هفتگی ــ مجله ماهانه بر همه روشن‌است بااین ترتیب نشریهٔ مخصوص نوآموزان قادر خواهد بود نقش خودرا در روانشناسی ادا کند .

ب نقش اطلاعات عمومی : جزوه های مصور عموما بیك مطلب اختصاص داده میشوند . بعکس‌نشریه میتواند دارای همه نوع مطلبی باشد : مقالات کوتاه وبلند ــ مطالب جدی وشوخی ــ حقایق واوهام ــ افکار و اطلاعات همه میتوانند جای خودرا در نشریه پیدا نمایند وبااین وصف یك نوآموز هرمطلبی را که بخواهد در نشریهٔ خود خواهد جست .

ج) نقش خبری : برای هم‌آهنگی با جزوه ها و مجلات یك سردبیر لایق میتواند از تفسیرهای خبری ومقالات روز واخبار در نشریهٔ خود چه ماهانه و چه فصلی باشد استفاده کند مشروط باینکه در تنظیم آنها سلیقه و دقت داشته باشد نوآموزی که تازه علاقه‌مند بخواندن و نوشتن شده‌است نباید استطاعت مالی چندان داشته باشد وبرای او خرید کتاب و مجله گرچه ارزان قیمت هم باشد مشکل است وقطعا اگر نشریه‌ای از این قبیل بتواند حوائج اورا برآورد خواهد توانست با تسخیر خواننده افکار خودرا در او رسوخ دهد .

شکل و محتویات نشریه : روزنامه یا مجله ؟

نخستین موضوعی که دراین مبحث قابل بحث‌است اینکه آیا نشریه باید مطابق ذوق وسلیقه خواننده تهیه شود و اورا جلب کند یا اینکه این نشریه فقط باید بکـار انتشار مقالات و گفتارهای مخصوص بخورد . وظیفهٔ سردبیر نشریه در هریك ازاین دو مورد فرق می‌کند .

در یك روزنامه نزدیك به ۷۵٪ ستونهای آن (بدون در نظر گرفتن ستونهای مخصوص آگهی‌ها) به‌اخبار تخصیص داده میشود . مابقی ستونهای روزنامه اختصاص خواهد داشت به انتشار عقاید ، مقالات نویسندگان ، اخبار مصور ، مطالب مربوط به زنان ، ورزش ، باغبانی و غیره ...

در یك مجله بعکس حوادث و داستانها مقام اول را دارد وستونهای اولیه را اشغال مینماید در حالیکه رپورتاژها واخبار مقام دوم اهمیت را دارا هستند . نقش روزنامه‌اینست که‌اخباررا بدون‌کم‌وکاست پخش نمایداما وظیفهٔ‌مجله آنست‌که این اخبار را بپروراند . سردبیر در این قبیل موارد وظیفــه داراست که بادرج اخبار واطلاعات مورد توجه نوآموزان سطح معلومات آنهارا بالا برده وبروسعت اطلاعاتشان بیفزاید.

تجربه در هند نشان داده‌است که گوش کردن دسته‌جمعی مردم برادیو و شنیدن اخبار در افزایش اطلاعات ومعلومات آنها مؤثر و مفید بوده‌است . پیش‌از همه باید توجه کرد که در نشریهٔ مخصوص نوآموزان مطالبی که درج میشود منفعت آنی برای خواننده داشته باشد .

اداره نشریه بچه‌کسی واگذار شود ؟

نشریه را باید یك شخص ذیصلاح با کمك چنــدین تن مشاور و نویسنده اداره کند . این عده باید در کار خود بصیر و صاحب هنر باشند و بتوانند بزبان ساده و عوام فهم چیز بنویسند . در صورتیکه لازم بنظر برسد ممکن است نشریه سردبیری نیز داشته باشد . ارجح‌است برای چنین نشریه سردبیری با معلومات متوسط انتخاب شود تا اینکه سردبیری باشد که سطح معلوماتش بالا و دارای اطلاعات و تحصیلات عالیه باشد . از خصوصیات بارز سردبیر باید درك مکالمات روزمره وعادی و تجربیات مخصوص بخود باشد و مخصوصا بمشکلات زندگی اجتماعی آشنائی کامل داشته باشد .

چه مطلبی بیش از همه مورد علاقه خواننده‌است ؟

اولین پرسشی است که باید از عامه بشود . چه نوع مطلبی باید یافت که مورد توجه خواننده قرار گیرد . ذیلا چند طریق ارائه میشود :

۱ ــ از خود نو آموزان استعلام شود . برای اینکه نظر کلیهٔ خواننده ها جلب شود مدتی استعلام تعقیب گردد و فی‌المثل پرسشهائی باین شرح بشود :

ــ موضوع مورد علاقه مردم چیست .

ــ مشکلات کار مردم چیست .

ــ چه‌اطلاعاتی برای رفع این‌مشکلات لازمست ؟

ـ قصه‌ها ، افسانه‌ها ، اشعار مورد علاقـه آنها کدامست ؟

ـ بچه نوع اشخاص علاقه‌مند هستند وبآنها احترام می‌گذارند .

ـ چه نوع داستانهای فکاهی وشوخی را می‌پسندند (سعی شود که خواننده تصور نکند قصد مسخره کردن خود او در کار است) .

ـ آیا درباره مردم آن ناحیه شوخی ویا ضرب‌المثل جالبی وجود دارد ؟

ـ آیا مطلبی آموخته‌اند که بکار سایر مردم‌بخورد ؟

ـ در شهر ودهکده آنان چه چیز جالب وجود دارد (گذشته تاریخی ـ مصنوعات هنری و صنعتی ـ اختصاصات گل وگیاه) . آیا میشود مقاله‌ای نوشت ؟

ـ عادات نوآموزان چیست ؟

بسیار بمورداست که در مجامع عمومی به‌صحبت مردم گوش داده شود ودر جلسات قدیمی‌ها شرکت گردد .

۲ـ ازمردم برای کار خود طلب کمک کرد باینطریق که‌از طبیب ، قاضی ، مهندس ، پرستار ، بازرس ، مکانیك ، مدیر ، معلم و غیره درباره کارهایشان نظر بخواهید . تردید نیست که‌اینها مایلند نوآموزان مطالب مربوط بحرفه آنانرا بهتر درك کنند .

۳ ـ بطریقهٔ سونداژ Sondage در مدارس کسب نظر بنمائید باینطریق که از محصلین بخواهید روی یك‌ورقه کاغذ مسائلی را که بنظرشان برای نوآموزان حائز اهمیت است ذکر کنند و زیر جالب ترین آنها خط بکشند باین ترتیب چندین موضوع جالب و قابل توجه بدست شما خواهد رسید.

٤ ـ در کتابخانه‌ها ، مجله‌ها ، روزنامه‌ها و نشرات بدنبال موضوعهای جالب بروید . روزنامه های محلی را بخوانید واز میان آنها آنچه را که بنظرتان سودمند میرسد یادداشت نمائید .

٥ ـ وقتی نشریه بدست مردم رسید سردبیر میتواند ذوق وسلیقه خوانندگان رابدست آورد . مثلا از آنها بخواهد که پرسشنامه ایرا پر کنند و نشان دهند که چه مطالبی را می‌پسندند . گرچه درخواست نظر نوآموزی که تازه خواندن ونوشتن آموخته است مشکل خواهد بود ولی باید مسائل ساده و سطحی را خواست که بتوانند نظر بدهند .

٦ ـ هرچند وقت یکبار مسابقه‌ای ترتیب دهید که هم فروش نشریه را زیاد کند و هم از خوانندگان درباره مسائلی استعلام شده باشد .

مطالب نشریه چه باشد ؟

درج اخبار و اطلاعات محلی ویا تصاویر مردان سرشناس شهر خیلـی زود بانتشار و رواج نشریه‌ای کومك مینماید . از چاپ رسوم وآداب و عادات مردم نیز همین‌نتیجه حاصل میشود . ذیلا چند موضوع یادآور میشود که بکـار نوآموزان میخورد و توجه آنانرا جلب میکند :

ـ زندگانی خانوادگی ، ازدواج ، نامزدی ، ولادت مرگ و غیره .

ـ تغییر ویا تشکیل و برقراری یك خانه .

ـ تغذیه ، رژیم .

ـ چگونه میشود بمرافعه‌ای خاتمه داد .

ـ بازیهای پولی

ـ بخش طبیب خانوادگی

ـ خطرات مرفین ودیگر مخدرات

ـ چگونه درآمد خودرا اصلاح نمائید ؟

ـ بخش فلاحتی ، فنی و غیره ...

ـ بیماریهای حیوانات

ـ وضع هوائی

ـ صنایع روستائی

ـ آب آشامیدنی

ـ دهکده ایده‌آل

ـ ورزش

ـ داستانهائی که نقل میشود

ـ ضرب‌المثلها

ـ اشعار و تصنیف ها

ـ فولکلور

ـ سخنان بزرگان

ـ تشکیلات شهرداری ، کشوری وملی

ـ وضع مملکتی

ـ تشریح مقررات و قوانین

تطبیق بزبان ساده

ذیلا چند طریقه برای ساده نویسی تذکار میگردد :

۱ ـ مقاله را یکبار از ابتدا تا انتها بخوانید تا مفهوم کلی آنرا ادراك نمائید سپس آنرا ساده کنید و کلمات مشکل را حذف نمایید .

۲ ـ مقاله را نقطه به نقطه باز بخوانید و نکـات اصلی آنرا یادداشت کنید .

۳ ـ ببینید هدف اصلی نویسنده چه بوده‌است . نظر شما چه چیز است . آیا این دو نظر قابل تلفیق‌است ؟

٤ ـ کلمات مشکلی را که در مقاله خوانده اید وبنظرتان ثقیل میرسد خط بکشید و آنهارا عوض کنید .

٥ ـ از کجا شروع کنید ؟ از یك سئوال از خوانندگان ؟ از یك جمله سخت و تند . همه چیز به متن مقاله مربوطست . فراموش نفرمائید که اولین جمله باید خواننده را جلب نماید که دومین جمله و سپس سومین جمله را بخواند تا انتهای مقاله .

٦ ـ ارتباط مقاله را از یاد نبرید . ناگهانی از موضوعی به موضوع دیگر نپرید. ارتباط باید حفظ شود مثلا : «اینست سرگذشت مردی که تا یکصد وبیست سالگی زندگی میکرد . نـام او ژان بود ژان با همسـرش در مکزیکـو بسر میبرد . همسرش ماریا نام داشت و ...»

فن مصاحبه

مصاحبه با رجال‌محلی میتواند یکی از پراهمیت‌ترین مطالب نشریه باشد . مصاحبه کردن رموزی دارد که ذیلا بآن اشاره میشود :

۱ ـ پیش از مصاحبه کردن سعی کنید پرسشهائی در مورد تخصص او تهیه نمائید .

۲ ـ کتاب یا نشریه‌ای درباره موضوع مصاحبـه بخوانید .

۳ ـ فهرستی ازپرسشهائی که باید بنمائید تهیه‌کنید.

٤ ـ اگر مصاحب شما خواست مطالب بیشتری در

موضوع مصاحبه بگوید باو اجازه بدهید که تمام و کمال حرف بزند .

٥ ــ سعی داشته باشید موضوع مصاحبه و مطالب مورد بحث به موضوعهای مورد نظر خوانندگان شما کشانده شود .

٦ ــ از موضوع خود دور نشوید واز مطالبی کــه مصاحب شما بی‌اطلاع است سئوال ننمائید .

٧ ــ طول مصاحبه نباید زیاد باشد حداکثر بین بیست دقیقه تا نیمساعت کافی است .

٨ ــ هنگام مصاحبه یادداشت بردارید . از اسامی وتاریخها واعداد . ولی توجه داشته باشید که در طول مصاحبه سرتان فقط بنوشتن نباشد .

٩ ــ به مصاحب خود یادآور شوید که روز نامه‌نویس مسؤل آن چیزهائی است که می‌نویسد بنابر این باید رعایت صحت مطالب را کرد .

این تذکرات احتیاطی امکان خواهد داد که مطالب غیر حقیقی در متن مصاحبه رسوخ نکند وخلاف جای حقیقت را نگیرد .

استعمال کلمات تازه

فهرستی از یکهزار وپانصد تا دو هزار کلمه مصطلح معمولی برای نوآموزان تهیه نمائید . برای تهیه این‌فهرست ساده‌ترین راه استفاده از کتاب لغت‌است . کلمات و لغات سخت و فنی بکار نبرید . اگر محتاج باستعمال کلمه مشکلی شدید حتما پیرامون آن توضیحی بدهید و مثالی بزنید . اگر خواستید کلمات تازه در نوشته های خود داشته باشید توجه کنید که این کلمات در جای خود و برای مصرف معین خود باشد و مخصوصا اهمیت دارد که :

١ ــ در یك مقاله دویست تا سیصد کلمه‌ای بیش از هشت تا ده کلمه نو بکار برده نشود .

٢ــ هرکلمه نو دست کم پنج بار تکرار شود کــه ملکه خواننده بشود ودر ذهن او جای گزین گردد .

٣ ــ پس از اینکه مدتها کلمه‌ای‌را بکاربردید وبرای خوانندگان عادی شد آن کلمه را در فهرست لغات و کلمات عادی ثبت کنید .

٤ ــ مناسب است که در پایان مقاله ویا در ستون معین هرشماره کلمات نورا یاد کنید .

چطور میتوان ساده وروشن نوشت ؟

ساده نویسی هنریست که با ممارست و دقت میتوان آنرا بدست آورد . هنر ساده نویسی خود یکی از رموز نویسندگی است . این هنر را با مراعات موارد ذیل میتوان کسب نمود :

الف) طول جملات : برای یك نوآموز طول جمله بسیار حائز اهمیت است . هشت تا ده کلمه بهترین میزان برای ساختن یك جمله خواهد بود. این کلمات حداکثر از ١٥هرگز نباید تجاوز کند .

ب) اقتصار کلمات : بدون جهت کلماتی راکه لازم نیست بکار نبرید . از ترادف کلمات بپرهیزید . وقت برای خواننده ارزش دارد . آنچه را که میخواهید بگوئید در کوتاه‌ترین جمله بنویسد .

ج) زمان : ازاینکه‌از«زمانی» به«زمان» دیگربروید بسختی پرهیز نمائید . از قیود «آن هنگام» سابقا ، اکنون احتراز داشته باشید . تا جای امکان از افعال غیر مانوس بپرهیزید .

د) سعی داشته باشید در نوشته های خود افعال را بصورت قاطع استعمال کنید . مثلا بجای «کتابی که جون به ماری داد قرمز بود» بنویسید «جون به ماری کتاب قرمزی داد» .

ه) ابهامات : از بکار بردن مبهمات خود داری کنید کلمات «سعادت» ــ «خوشبختی» ــ «نظافت» و ازاین قبیل واستعمال آنها در جملات گنك باعث ناراحت خواننده میشود. مثلابنویسید :«طفل خودرا پاکیزه نگاهدارید تا خوشبخت باشد» و ننویسید : «نظافت موجب خوشبختی میگردد »

ترجمه

ترجمه یك مشکل بزرگ سردبیران است زیرا غالبا یك نشریه احتیاج دارد مقاله ویا گزارش ویا خبری را ترجمه کرده در نشریه خود از آن استفاده نماید از اینرو بەمترجمانی چند محتاج است . مشکل ترجمه در اینست که اگر مترجم بزبان اصلی زیاد آشنا نباشد ترجمه صحیح در نمی‌آید و طبعا از آن استفاده کامل نمیشود واگر مترجم بزبان اصلی وارد باشد ترجمه او ادبی وسنگین میگردد . بهترین راه برای اینکه ترجمه ای خوب وقابل استفاده باشد اینست که مترجمی که زبان اصلی را خوب میداند متنی را ترجمه کند و بعــد مترجم دیگری که بزبان دوم مسلط است آنرا اصلاح نماید .

جلب خواننده

ممکن است نوشته‌ای ساده وروان ولی کسل کننده باشد. همه کس علاقه‌منداست که نوشته اورا بخوانند ولی هر خواننده جز مطلب مورد علاقه خود را نمیخواند پس باید سعی داشت نوشته خواننده را جلب کند . برای یك نویسنده پاداش بهتراز آن نیست که نوشته‌اش را خوانندگان بیشتری بخوانند .

روانشناسی میگوید که انسان نخست بخودش وبعد بدیگران علاقه دارد . بنا براین یك نویسنده خوب خودش را جای خواننده میگذارد تا بفهمد او به چه چیز احتیاج دارد . باین طریق مطالبش خواننده بیشتری خواهد یافت . بدستور العملهای ذیل توجه فرمائید :

الف) مقاله ویا رپورتاژ را بعنوان شخص خواننده شروع کنید . مثلا بنویسید : با شما خواننده‌عزیز ، شما چگونه فکر می‌کنید ... شما دوست دارید ...

ب) موضوع را نوعی انتخاب کنید که خواننده در آن سهیم باشد . مثلا برای تشریح مساله بهداشت یك کارخانه یا یك شهر بنویسید : مرد وزنی بودند که بچه خردسالی داشتند و ... نه اینکه : در کارخانه‌ای که هزاران کارگر دارد .... یا «ماری» و ژان در خانه زیبائی زندگی میکردند اما جلوی خانه آنها بوی نامطبوعی میآمد . این بو از چه بود؟ آیاازگندآب‌روهاست؟ ...»ذکر یك‌خانواده‌خواننده‌را همواره بیاد مقاله می‌اندازد اما نام بردن از هزاران نفر هرگز ذهن اورا جلب نخواهد نمود .

ج) ذکر مثال وداستان را فراموش نکنید . غالباذکر مثال بهتر خواننده را بخود جلب میکند . شواهد حتما لازمه

مقاله نویسی است . ذیلا چند نمونه برای تذکار مطلب نقل میشود :

ــ قهرمانان داستانهای‌خود را از میان افراد زنده انتخاب کنید .

ــ محل واقعه را حقیقی انتخاب کرده و آنرا خوب توصیف نمائید .

ــ داستان حتما انتریك داشته باشد فی‌المثل جان قهرمان را در خطر بیندازید که خواننده علاقمند بخواندن بشود .

ــ سعی‌فرمائید داستان‌خوب ختم بشود .

ــ در پایان داستان درچند سطر نتیجه بگیرید .

زبان محاوره وزبان مکاتبه

همواره بین زبان محاوره‌و زبان مکاتبه اختلاف هست . یك سردبیر لایق باید بتواند نوعی مطالب را تنظیم نماید که خواننده‌ایکه آنرا میخواند زیاد بنظرش دور از ذهن نرسد و ضمناً کلمات را نیز صحیح بیاموزد . بد نیست که در مقالات‌کلمات بومی ومحلی بموقع و بجا بکار برده شود .

آگهی‌ها

آگهی‌ها برای یك نشریه تقریبا ضرور است زیرا گذشته از آنکه وجهی بابت درج آن گرفته میشود صفحه‌ایرا نیزپر می‌کند وکار سردبیر آسان میگردد مضافا باینکه‌اگرآگهی زیبا و مصور باشد خواننده آنرا با لذت تماشا می‌کند. سهل‌ترین وسیله گرفتن آگهی مراجعه به موسسات سینمائی و طبی است . اینها هم آگهی های مصور دارند و هم برای خواننده اطلاعات طبی مفید خواهد بود ، مشروط براینکه در تاثیر آنها اغراق نشود .

دختر کوچولوی بیل

ترجمه مرتضی اربابی

از موجودی دنیا فقط همین یك دختر را داشت .برای اوحاضر بود بهر کاری‌دست بزند ؛ حتی اگر بقیمت ازدست دادن خوددخترك تمام شود .

بیل سی ساله بود که زنش مرد. آن وقت مینا کوچولو چهار سال بیشتر نداشت . دکان نجاری بیل توی حیاط منزلش بود وبیل همه‌اش فکر میکرد که زندگی خودش و مینا را باید هرطور شده مثل سابق بگذراند هر روز روی نیمکت دکانش مینشست و ضمن کار مینا را که توی حیاط باخودش بازی میکرد میپائید و اگر مجبور میشد برای چند ساعتی غیبت کند زن همسایه پهلوئی از او مواظبت میکرد .

بیل کمی آشپزی بلد بود. قهوه، گوشت خوك و سیب زمینی سرخ کرده را خوب میپخت . بعضی وقتها هم‌باچند تا موز ،ساردین‌یا بیسکویت روز را میگذراند .

وقتی که زن همسایه گفت این‌غذاها برای یك طفل چهار ساله مناسب نیست از اوخواست که پختن سبزی و چاودار راهم یادش‌بدهد و گرچه بعداز آن هرروز غذاها را میسوزاند اما بالاخره پختن چند جور غذای تازه را یاد گرفت . بعلاوه بیل هرچند روز یکبار گوشه‌و کنار را جارو میزد،گردگیری میکرد و لباسهای کوچك مینا راشسته ووصله میکرد .

برایش یك بچه گربه کوچك‌آورده بود تاتنها نباشد. شبهابصدای دعا کردنش گوش میداد . صبحها هم او را وامیداشت که قبل از هرکار دعایش را بخواند خودش هم عادت داشت که دعای قبل از خواب را مرتب بخواند :

ــ «خداوندا اگر در باره او مرتکب اشتباهی میشوم مرا راهنمائی کن .»

روزهای یکشنبه او را باخودش بکلیسا میبرد و درحالیکه‌سرش بیکطرف خم شده بود روی نیمکت مینشست و سعی میکرد حرفهای کشیش را خوب بفهمد .

وقت بر گشتن برای مینا قرص نعنا میخرید . بعضی از روزهای تعطیل کارش را رها میکرد و اورا بابچه‌های دیگر بگردش میبرد. با خودش میگفت : «مادرش هم اگر میبود همین کار را میکرد .»



وقتیکه مینا آنقدر بزرگ شده‌بود که بکودکستان برود، بیل او را در رفتن و برگشتن همراهی میکرد . یکبار هم بهترین لباسهایش را پوشید و برای دیدن او بمدرسه رفت. آن وقت با کمروئی‌بمعلم مینا توضیح داد :

ــ « فکر میکنم مادرش هم اگر میبود همین کار را میکرد.»

بیل کمتر میتوانست از کاغذهای رنگی برای دخترش چیزی درست کند ، با او بازی کند یا اورا بطریقی سرگرم سازد . باخودش فکر میکرد « خیلی چیزهاست که ازمن ساخته نیست. »از آن ببعد دیگر بمدرسه نرفت .

وقتی که مریض شد مینا شش سال از عمرش میرفت ــ دریکی از بعداز ظهرهای ماه مه‌پهلوی دکتر رفت وقتی‌که برگشت مدتی‌توی دکان نشست و هیچ کار نکرد .آفتاب از وسط پنجره بشکل یك چهار گوش روشن بداخل تابیده بود .

«او دیگر خوب نخواهد شد ... و ممکن‌بود زندگانیش فقطشش ماه دیگر بیشتر طول نکشد . »

صدای مینا را که برای عروسکش آواز میخواند میشنید وقتی، که آمد تابرای رفتن به رختخواب او راببوسد، بیل خودش را کنار کشید . نه بااین وضع دیگر نباید اورا ببوسد، بادستهایش او راگرفت و همانطور که او را دور از خودش نگاه داشته بود بچشمانش خیره شد و گفت :

ــ« مینا حالا دختر بزرگی شده‌ودیگه از پدرش نمی خواد که اونوببوسه ».

اما او با تاثر برگشت ودور شد .

روز بعد بیل بدکتر دیگری مراجعه کرد تا مطمئن شود واین دکتر هم او را مطمئن کرد .

از آن ببعد همه‌اش فکر میکرد که چکار باید بکند؟خواهرش در یك ده دور دست زندگی میکرد ، اما‌اوحالا پیرزن افتاده‌ای بود. مینا کوچولو خیلی چیزها میدانست که خود بیل هم از آن‌هابی‌خبر بود . داستانهائی از فرشتگان وابیاتی از آهنگها ..اوبکسی احتیاج داشت که احساسش را کاملا درك کند در حالی که خودش تنهاشش ماه دیگر مهلت داشت تا باین کارها برسد. روزی زن همسایه درپرده باو فهماند که نباید بچه را بیشتراز این پهلوی خودش نگه‌داردواو میدانست با آن وضعی که سرفه میکند باید هرچه‌زودتر تصمیم بگیرد .

یکشب تا صبح فکر کرد وبعددر یك روزنامه اعلان کرد:

« مردی که بیش از چند ماه دیگر زنده نخواهد ماند میل‌دارد که خانواده مهربانی دختر شش ساله او راکه‌چشمانی آبی وموهای مجعد دارد بفرزندی قبول کند .»

و آنها همانطور که آرزو میکرد روزی با یك اتومبیل آخرین نمونه آمدند .لباسهایشان بهمان شکلی بود که او میل داشت باخودشان دختری همراه داشتند که فریاد زد :

ــ « خواهر کوچولوی من اینه ؟» و زنی که لباسهای بسیار با شکوه بتن داشت بتندی گفت :

ــ« حالا از این ببعد هرچه مامان میگه باید بکنی باونم نباید نزدیك بشی اگر نه تو را همینجا میزاریم واین دختر کوچولورا با خودمون میبریم ».

بیل نگاهی بآن زن انداخت و بالحنی محکم گفت که برای دختر کوچکش نقشه دیگری طرح کرده است .

اتومبیل بزرگ و زیبا جلو چشمش لغزید و دور شد.

وقتی زن همسایه این‌موضوع را شنید با ناراحتی گفت :

« خدا رحم‌کند ــ تواو را ازیك سعادت‌بزرگی‌محروم کردی‌مرد مریضی مثل تو حق چنین کاری را ندارد .»

هنگامیکه اتومبیلهای دیگر آمدند و بازهم آنها را روانه‌کرد این زن بشوهرش گفت که جریان کاربیل را باید به مقامات صالحه اطلاع داد .

زن ومردی که یکروز صبح بداخل دکان نجاری بیل قدم گذاشتند هنوز چشمانشان از مرگ دختری که‌تازه ازدست داده‌بودند اشگبار بود زن زیاد متاثر نبود و فقط بمرگ دخترك افسوس‌میخوردو مرد که شخص آرام وملایمی بنظر میرسید کارش مثل او نجاری بود .

بیل در حالی که صدایش ازامید و ترس میلرزید گفت :«شما همانهائی هستید که من دنبالش میگردم. » ودر مقابل سئوال آن‌ها که پرسیدند کی میتوانند بـرای بردن بچه بیاینـد فقط توانست بگوید «یکروز دیگر » .

آن روز را در دکانش گذراند ،مینا در حیاط ببازی مشغول‌بود، او کلمات آوازی را که‌میخواند میشنید ــ غذای شب را طبق معمول پخت درتمام مدتی که مینا شام میخورد چشم از او برنمیداشت .

وقتی که اورا در رختخواب گذاشت و درتاریکی ایستاد تایکبار دیگر او را تماشا کند صدای دختر را شنید که میگفت :

« پدر من امشب کوچولو هستم منوببوس ».

اما او سرش را باناامیدی تکان داد ودرحالی که اشکش جاری شده‌بود گفت :

ــ« نه تودختر بزرگی هستی . یك دختر بزرگ .»

وقتی که روزبعد آنها آمدند بیل چمدان مینا را کاملاآماده کرده بود لباسهایش را شسته ووصله زده بود حتی عروسك کوچکش‌هم تعمیر شده‌بود . در لحظه جدائی وقتی دخترك بسویش دوید تا اورا ببوسد بیل با عجله گفت :

ــ « تو دیگر دختر بزرگی شده‌ای‌باید از خودت کاملا مواظبت کنی ».

بعد کناری ایستاد و مردو زنی را که درانتهای خیابان قدم‌بر میداشتند ومینا را همراه خود میبردند تماشا میکرد. آنها برای‌مینا یك چتر کوچك آبی آورده بودند تا درصورتی‌که جدا شدن از پدر آسان نباشد ، بآنها کمك‌کند ..

این چتر آبی را مینا بالای سرش تکان میداد و آنقدرمجذوب آن شده‌بود که یادش رفت وقت جدائی دستش را جلو چشمانی که‌با پرده‌ای از اشك پوشیده شده‌بود تکان دهد .



درخت کاج

از : ه . ك . آندرسن

ترجمه : پ ، بهارلو

کاج کوچك و قشنگی توی جنگل در جای مناسبی روئیده بود ، هم خورشید باو می‌تابید وهم هوا بحد کافی داشت و دور تا دورش راهم کاجهای بلند و تناوری پوشانده بود . ولی درختك همه میلش این بود که هرچه زودتر قد بکشد و بزرگ شود ، از این هوس اینقدر محزون‌وناراحت ودرعین‌حال مشتاق بود که نه از آفتاب جانبخش لذتی‌می‌برد و نه از هوای تازه و لطیف کیفی میکرد . از جست وخیز و بازی و رفت‌وآمد بچه‌های دهاتی که توی جنگل درپی‌جستن توت‌فرنگی و تمشك بودند و اغلب بایك ظرف پراز توت فرنگی رد می‌شدند ویاآنکه باسبدهای حصیری پر ازتمشکشان می‌آمدند و کنار او می‌نشستند و کودکانه و بامحبت‌می‌گفتند «آخ ، چه‌کاج کوچولوی قشنگی است» اخمش‌درهم می‌رفت وهرگز دلش نمی‌خواست چنین چیزی بشنود .

یکسال پس از آن دایره‌ای دور درخت حلقه زد و سال بعد نیز دایره‌ای دیگر و بزرگتر بر قطر آن افزوده گشت ،از روی تعداد همین دوایر است که میشود عمر کاجها رادانست و فهمید که هرکدام چند سالشان است .

درختك کوچولو آه می‌کشید و می‌گفت «خدایا ،روزی میشود که قد من اندازه درختهای دیگر بشود ، تا بتوانم‌شاخه

قصه برای کودکان

هایم را گرداگرد خودم بگسترم و با سر شاخه‌هایم بدنیاهای دور نگاه کنم و همه‌جا را به‌بینم ،پرنده‌ها درلابلای شاخه‌های من آشیان کنند و براثر وزش باد مثل آنهای دیگر ، موقر و سنگین سر خم کنم !»

نه تابش آفتاب خوشحالش می‌کرد و نه از پرنده‌ها و ابرهای سرخ آتشی‌رنگ که هرصبح‌وشب ازفراز اودامن‌کشان رد میشدند طرفی می‌بست .

زمستان ، دورادور او را برف می‌گرفت و می‌پوشاند و اغلب خرگوشی روی آن می‌جست و همانجا فراز شاخه‌های برف‌گرفته که توی‌برفهافرورفته بودمی‌نشست،درختك كوچولو لجش می‌گرفت ودلتنگ و عصبانی می‌شد ! اما دو زمستان آمد ورفت و زمستان سوم درختك كوچك چنان بزرگ شده بود که خرگوشها نمی‌توانستند از روی آن بجهند بلکه می‌بایست از کنار او رد بشوند و بروند . کاج کوچولو خوشحال و راضی باخود گفت «بهبه ، قدکشیدن ، قدکشیدن ، بزرگ‌و پیر شدن ، زیباترین چیزی است‌که در این‌دنیا وجود دارد.»

پائیز که سر می‌رسید هیزم‌شکن‌ها بجنگل می‌آمدند و درختان تنومند را می‌بریدند و می‌انداختند و این عمل‌هرساله تکرار میشد ودرخت کاج جوان که اکنون سری افراشته‌و قدی کشیده بود از ترس می‌لرزید و بیم می‌کرد . درختان تنومند و افراشته باصدائی حزین و پر همهمه روی زمین می‌افتادند ، شاخه‌هایشان را می‌بریدند ، فقط تنه‌شان می‌ماند، دراز و باریك ، هیچ شباهتی بسابقشان نداشتند وآنهارا توی گاری می‌گذاشتند و رویهم می‌چیدند و بار می‌کردند و از جنگل بیرون می‌بردند .

کجا می‌بردنشان ؟ سرنوشتشان از این‌پس چه بود ؟

در بهار وقتیکه چلچله‌ها و لك‌لك‌ها می‌آمدند درخت جوان از آنها می‌پرسید : «نمی‌دانید آنها را کجا بردند ؟شما آنها را ندیدید ؟»

چلچله‌ها خبری نداشتند وچیزی نمی‌دانستند ولی‌لك‌لك بفکر می‌رفت و سری فرو می‌آورد و می‌گفت : «چرا، مثل اینکه من دیدمشان ! سرراهم ، وقتیکه از مصر باز می‌گشتم کشتی‌های بسیاری را دیدم ، روی کشتی‌ها تنه‌های عظیم و تنومندی بچشم می‌خوردند ، گمان می‌کنم همانها بودند ،بوی کاج و صنوبر می‌دادند ، من بآنها سلام دادم ، سرهاشان‌بلند بود ، سرهاشان خیلی بلند بود » آه ، روزی هم میشود که من بزرگ شده باشم و از دریاها بگذرم ، بگو ببینم دریا چگونه جائی است و چطور بنظر می‌رسد و چه‌شکلی است ؟

«خیلی مشکل است که من برای تو شرح بدهم» لك‌لك این را گفت و رد شد و رفت .

نور درخشان خورشید با شعف باو گفت : « از جوانیت دلشاد باش ، برنائی و آراستگی جوانی است که درتو شورو شعف پدید آورده خو کن و شادمانه دل ببند !» باد به‌تنه‌درخت جوان بوسه می‌زد و شبنم براو اشك می‌ریخت اما درخت‌جوان یك رگش هم هشیار نبود و باین چیزها دل نمی‌داد.

وقتیکه میلادمسیح سر می‌رسید ، بسیاری از درختان کوچك کاج را می‌انداختند ، کاجهائی که نه بسن او بودند ونه حتی از او مسن‌تر همه قطع می‌شدند و ازآنها هیچ‌اثری برجای نمی‌ماند ، این‌کاجهای‌جوان که همه برناوقشنگ‌بودند شاخه‌هاشان بر تنشان نبریده می‌ماند و همه را همانطور که بودند بر گاری می‌گذاشتند و از جنگل بیرون می‌بردند.



کاج جوان می‌گفت «اینها را بکجا خواهند برد ؟اینها که ازمن‌بزرگتر هم نیستند وحتی یکی‌ازآنهاخیلی‌کوچولوتر و جوانتر از منهم بود ، چرا شاخه‌های آنها را نبریدند ؟آنها راکجا خواهند برد ؟»

گنجشگها درهم لولیدند و جیك‌جیك‌کنان گفتند: «ما می‌دانیم ، ما می‌دانیم !، درشهر که بودیم از پشت پنجره‌ها به‌درون اطاقها نگریستیم! مامی‌دانیم که آنها را بکجاخواهند برد ! آه ، آنها به جلال و زرق وبرق تمام که از آن زیباتر در عالم نیست آراسته خواهند شد ! ما از پشت پنجره بدرون اطاقها نگریستیم و دیدیم که آنها را در میان اطاق بر روی چهارپایه‌ای قرار دادند و به زیباترین اشیاء ، ترنج ، سیبهای طلائی ، شیرینی های عسلی ، بازیچه‌های رنگارنگ و صدها شمع می‌آراستند !»

«خوب ، پس‌ازآن » کاج جوان مشتاقانه می‌پرسید و باهمه شاخه‌هایش می‌لرزید ،

«خوب و بعد : بعد چطور شد و چه اتفاقی افتاد ؟»

«بیش از این ما چیزی ندیدیم ، اما آنچه را هم که دیدیم غیرقابل تصور بود !»

کاج جوان شاد گشت و گفت «آیا اقبال و بخت مز

آنقدر بلند هست که همین سرنوشت نصیبم شود ؟ من این را بیشتر از دریانوردی دوست دارم ! از شدت شوق و اشتیاق بیخود ورنجور شده‌ام ! ای‌کاش که حال عید میلادمسیح‌بود! ومن آنقدر بلند و سرکشیده مثل همانها که سال پیش‌بریدند و بردند بودم. آه ، مرا درگاری خواهند گذاشت ، مراباطاق گرم ودلچسب‌خواهند برد وباهمه‌نوع زینت‌آرایشم خواهند داد ! وپس ازآن ؟... حتم اتفاقات بهتـر و خوشتری پیش خواهد آمد وگرنه چرا می‌برند و آرایشم می‌دهند ؟ مسلم است که خوشبختی‌های بزرگتری درانتظار من است ! اما مرا چه میشود ؟ آخ که چه‌رنجی‌دارم ! ازشوق می‌سوزم ! خودم هم نمی‌دانم که مرا چه میشود .»

هوا می‌گفت : «ازمن لذت ببر ومرا دریاب» خورشید تابان می‌گفت : «جوانیت را مغتنم شمار و از من لذت‌ببر !»

اما درخت جوان دلش جای دیگر بود و باین حرفها عنایتی نداشت ، می‌روئید و می‌روئید و بیشتر قد می‌کشید ، زمستان و تابستان سبز بود و هرکه آنرا می‌دید می‌گفت «چه درخت قشنگی است !» تاآنکه دروقت عید میلاد مسیح‌نخستین درختی بود که پسندیدندش . تبر بر پیکرش نشست و کاج جوان آهی‌کشید و برخاك افتاد . از شدت درد بیهوش گشته بود ، حتی نمی‌توانست‌بخوشبختی‌اش که اینهمه بآن اندیشیده بود فکر کند ، دل‌کندن از مسکن مالوف از خاکی که بآن عادت‌کرده‌بود ، از جائی که روئیده وبزرگ شده بود همـه غمگینش کرده بود ، می‌دانست که دیگر هرگز بآنجا بـاز نخواهد گشت و هرگز دوستان قدیم گلو بوته‌های اطراف خود وشاید حتی پرندگان را نبینـد ، سفر ابدی برای او دلچسب و مطبوع نبود !.

درخت‌جوان‌هنوز بخود نیامده بودکه درجمع درختان دیگر آنها را در محوطه‌ای از گاری پائین ریختند وشنیدکه مردی می‌گفت : «این چه درخت قشنگـی است ! همین را برمی‌داریم !»

دوخدمتکار بالباس‌آراسته‌آمدند وکاج را باخودبتالارمزین و بزرگی بردند . دور سالن بدیوارها تابلوهای نقاشی بزرگی آویزان بود و نزدیك بخاری یك‌کوزه بزرگ چینی که‌سرش را بشکل شیر درآورده بودند گذاشته بودند ، گوشه‌وکنار صندلی‌های متحرك راحتی ، نیمکت‌های‌پشت‌ابریشمی‌وقشنگ، میزهای بزرگ‌که روی آن کتابهای قشنگ عکس‌داروبازیچه‌ های مختلف بسیاری بود دیده میشد .

کاج را بردند ودر میان بشگه‌ای که پر ازشن‌وماسه بود، کاشتند . اماکسی نمی‌توانست حتم‌کنـد که او را میان بشگه گذاشته‌اند ، چون بشگه را باحریر سبزرنگی پوشانیده بودند وزیرش را قالی رنگارنگی پهـن کرده بودند . آه‌که کاج چطور می‌لرزید وازخود می‌پرسید ازاین پس چه خواهد شد ؟ خدمتکاران از زن‌ومرد بآرایش او پرداختند . بشاخه‌هایش زنبیلکهای قشنگ ورنگارنگ کاغذی آویزان کردند وتوی آنها را بانقل ونبات پر ساختند ، سیبهای طلائی وگردوهای جنگلی را چنان بآن آویختند که گفتی میوه‌های او هستندو صدها شمع قرمز و آبی و سفید را لابلای‌کاج گرداندنـد . عروسکهائی که بانسان شباهت بسیار داشتند و کاج هرگزپیش ازاین چنین چیزهائی ندیده بود ــ درمیان شاخه‌های سبزش آویختند وآن بالا در نك شاخه‌ی بلند کاج یك ستاره مطلای قشنگ بردند و چسباندند . خوب و قشنگ و فاخروآراسته که به هیچ‌چیز شباهت نداشت .

امشب ، همه باهم گفتند که «امشب او تابان خواهدشد وپرتو خواهد داشت .

اوه ! درخت باخود پنداشت «شب کی خواهد آمد ! شمع‌ها را فقط روشن خواهند کرد ! وپس از آن چه خواهد شد ؟ آیا درختان جنگل خواهند آمد و مرا تماشا خواهنـد کرد ؟ آیا گنجشکها از کنار پنجره پرواز خواهند کرد ؟ آیا من همینجا سخت و محکم سرجایـم می‌مانم و زمستان و تابستان بازینت آلاتم آراسته خواهم بود ؟» از شدت شوق و آرزو پوست تنش درد گرفته بود و پوست‌درد برای درخت همانقدر عذاب دهنده و ناراحت کننده است‌که سردرد برای ما بالاخره شمعها را روشن کردند . چه پرتوی ، چه شکوهی، کاج باهمه شاخهایش لرزید ، چندانکه یکی از شمعها برگچه های سبز را سوزاند و شعله سر کشید .

دختران خدمتکار فریاد کشیدند «خدایا رحم‌کن» وبا تعجیل وشتاب بخاموش‌کردن آتش پرداختند ، کاج دیگر جرئت لرزیدن هم نـداشت . اوه ، چـه ترس ظالمانه‌ای ، می‌ترسید که مبادا زینتی را از دست بدهد ،درجایش‌بیحرکت مانده بود درهمین وقت در بزرگ سالن بازشد و جمع‌کثیری بچه چنان بدرون ریختند کـه‌گویا قصد انداختن درخت‌را داشتند ، وپشت‌سر آنها بزرگترها موقر و آهسته بسالن‌آمدند، بچه‌ها ساکت سرجای خود ایستادند ــ اما فقط برای یك‌لحظه وسپس ناگهان ازجـا جستند و شادی‌کردنـد ودور درخت برقصیدن پرداختند و یکی پس از دیگری هدایای خودرا از تنه درخت برداشتند .

درخت باخودگفت : «این‌ها چه می‌کنند ؟ چه اتفاقی خواهد افتاد ؟» وشمعها تاپای شاخه‌ها می‌سوختند و هرگـاه یکی از آنها تا بآخر می‌سوخت شعله‌آن را خاموش‌می‌ساختند. پس ازآن بچه‌ها اجازه یافتند که درخت را غارت کنند ، آه ، چنان باو حمله‌ور شدند که همه شاخه‌هایش صداکرد و نالید ، و اگر نك‌کاج و ستاره‌اش را به سقف نبسته بودند بیم آن بود که سرنگون شود . بچه‌ها با هدایای قشنگ بازیچه‌ای خـود دوراو می‌رقصیدند ، هیچ‌کس به درخت نگاهی نمی‌کرد بحز دایه پیر بچه‌ها که چشمش را بمیان شاخه‌های کاج‌دوخته بود تا ببیند که مبادا دانه انجیری و یا سیبی فراموش شده وآنجا مانده باشد .

«قصه بگو ! قصه بگو !» بچه‌ها فریادکنان رفتند و مرد چاق وکوتاهی را از میان جمع بیرون کشیدند و کناردرخت آوردند و نشاندند . مرد گفت : «حالا ما در جنگل هستیم و درخت هم اگر بقصه ما گوش بدهد کار بجائی کرده است . اما من فقط یك قصه خواهم گفت ، دلتان می‌خواهد «ابوده‌ـ آوده» را بشنوید یا «کلومپه ــ دومپه» را که از نردبـان می‌افتد و معذلك بر تخت شاهی می‌نشیند وشاهزاده خانمی را بعقد خود درمی‌آورد ؟»

بعضی‌ها فریاد کشیدند «ایوده ــ آوده» و بعضی‌هـا گفتند «کلومپه ــ دومپه» ، قال ومقال و جاروجنجالی بود فقط درخت کاج ساکت و خموش سرجایش ایستاده بود و با خودفکرمی‌کرد : «هیچ‌لازم نیست‌که منهم باشم،من‌که اینجا کاری ندارم!» اما او سرجای خود مانده بود و آنچه را کـه می‌بایست انجام دهد انجام داده بود .

مرد قصه «کلومپه ــ دومپه» راکه از نردبان افتاد و معذلك برتخت شاهی نشست و شاهزاده خانمی را بعقد خود درآورد برای بچه‌ها حکایت کرد و بچه‌ها دست زدند وفریاد

کشیدند « بازهم بگو ! بازهم بگو !» می‌خواستند «ایوده ــ آوده» را هم بشنوند ولی فقط همان «کلومپه ــ دومپه» را شنیدند .

کاج ساکت و متفکر درجای خود ایستاده بود ، هرگز پرنده‌های جنگل چنین چیــزهائــی حکایت نکرده بودند . «کلومپه ــ دومپه» از نردبان می‌افتد و معذلك شاهزاده‌خانم را بعقد خود درمی‌آورد ! آری ،آری راه‌ورسم روزگارچنین است . درخت باخودش این فکرها را می‌کرد و گمان می‌برد آن قصه راست بوده است ، چون مردی مهربان و محترم‌آن‌را حکایت کرده است . «بلی،بلی ، کسی چه می‌داند ! شایــد منهم از نردبان بیفتم و شاهــزاده خانمی نصیبم شود !» خوشحال از این بود که در روزهای آینده با شمع و وسایل بازی ، طلا و میوه‌های گوناگون دوباره و ازنو مزین‌وآراسته خواهد شد . «فردا من دیگر نخواهم لرزید ، دلم می‌خواهد که از همه خوشبختیهایم بهره‌مند وکامیاب شوم ، فردا من‌از نو قصه «کلومپه ــ دومپه» را خواهم شنید و شاید « ایوده‌ــ آوده» را هم حکایت کنند.» درخت کاج تمام شب را ساکت و متفکر سرجایش باقی ماند .

فردا مستخدمین همراه دختری بسالن آمدند .

درخت پنداشت که «هم‌الان ازنو مرا آرایش خواهــد داد!» اما آنها اورا از بشکه بیرون کشیدند و از سالن خارج کردند از پله‌ها رفتند بالا و در پستوی تاریکی کف زمین ، جائیکه هیچ نوری نمی‌تابید انداختندش . درخت‌باخودگفت: «یعنی چه ! مرا باینجا برای‌چه‌آورده‌اند؟ اینجاچه‌چیزشنیدنی خواهم شنید؟»

به‌دیوار تکیه کرده بود وفکر میکرد وفکر میکرد ... فرصت بــرای فکــر کردن بحــال و احوال خود بسیار داشت ، روزها وشبها سپری می‌شد هیــچ‌کس ازاو سراغــی نمی‌گرفت و بالا نمی‌آمد فقط گاهی کسی برای آنکه جعبه های بزرگ را در پستو بگذارد بالا می‌آمد ومی‌رفت، درخت درگوشه‌ای افتاده بود و پنداشتی که کاملا فراموش شده است. درخت باخود می‌گفت «الان فصل زمستان است ! زمین سخت‌وسرد و از برف پوشیده است ،ازاین لحاظ‌حالانمی‌توانند مرا در زمین بکارند ، من باید تا بهار صبر کنم و همین‌جا در زیر این سقف بمانم ! چه خوب فکری کرده‌اند ! انسان چه خوش‌قلب است ! ــ چه خوب میشد اگر اینجا اینطور تاریك و ترسناك نبود و من آنقدر تنها نبودم !ــ حتی یك خرگوش هم پیدایش نمی‌شود !ــ بیرون ، توی جنگل چه سرگرم‌کننده بود، وقتیکه برف زمین‌را گرفته بود وخرگوش‌هاجست‌وخیز می‌کردند ، حتی گاهی از روی من جست می‌زدند و آنطرف می‌پریدند ، اما آن‌وقتها من زیاد خوشم نمی‌آمد و نمی‌توانستم تحمل کنم ، این پستو چه خلوت است ومن چقدر تنها هستم!»

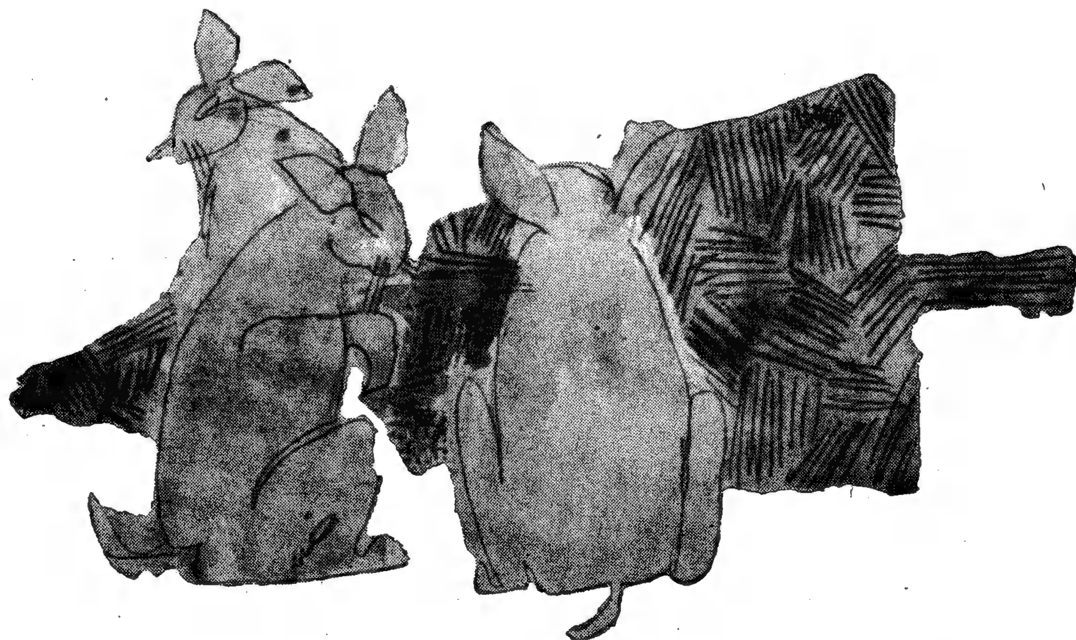
در همین لحظه موش کوچکی «پیپ ، پیپ» کرد و از سوراخش بیرون جست و پشت‌سرش هم یك‌موش‌کوچولوتری بیرون آمد ــ موشها کاج را بوئیدند و میان شاخ و برگش پریدند و جست‌وخیز کردند.

موش‌کوچولو گفت : «چه سرمای وحشتناکی‌است والا اینجا مثل بهشت می‌ماند ! اینطور نیست ؟ درخت پیر!»

کــاج جواب داد : «مــن پیر نیستم ، خیلی‌ها ازمن پیرترند !»

موشها گفتند : «تو ازکجا آمده‌ای ؟ وچی می‌توانی تعریف‌کنی ؟»ازتعجب داشتندشاخ‌درمی‌آوردندوکنجکاویشان تحریك شده بود . «برای ما از قشنگترین گوشه‌های دنیــا تعریف‌کن ! توهم آنجاها بوده‌ای ؟ در انبار تابحال بوده‌ای هم‌انجائی‌کــه پنیر را سررف می‌چینند و ژامبون را بسقف می‌آویزند ، همانجائی که می‌توان روی پیه‌ها رقصید و لاغر رفت و چاق‌وچله خارج شد .»

درخت گفت : «من‌اینها راکه شما می‌گوئید نمی‌شناسم، اما من جنگل را می‌شناسم ، همانجاکه خورشید می‌درخشد و می‌تابد ، همانجاکه پرندگان آواز می‌خوانند !» وسپس‌شروع کرد به‌تعریف حکایت عهد جوانیش ، موشها تابحال چنیــن چیزهائی نشنیده بودند ، گوشها را تیز کرده بودندو بااشتیاق به قصه‌های درخت گوش می‌دادند و گفتند : «چه‌چیزها که تو دیده‌ای ! خوش‌بحالت ، تو چقدر خوشبخت هستی !»



من ؟ کاج این کلمه را با تاثر گفت و بفکر آنچه که تعریف کرده بود فرورفت « آری ، درواقع خوشترین و شادمانه‌ترین اوقات آن روزگار بود» **وسپس به تعریف شب میلاد مسیح پرداخت** ، وقتیکه او با شیرینی و شمع آرایش شده بود .

موشهای کوچولو گفتند : «اوه ، توچه خوشبخت بوده‌ای ، تو ای کاج پیر !»

کاج گفت : «من پیر نیستم ! همین زمستان بود که‌من از جنگل آمدم ! الان در جوانترین سالهای عمرم هستم،فقط قدم درازست . »

موشها گفتند : «توچقدر عالی حرف می‌زنی و تعریف میکنی » و شب بعد چهارموش کوچولوی دیگر راهم همراه آوردند که حرفها و قصه‌های شیرین کاج راگوش بدهند و هرقدر درخت بیشتر تعریف می‌کرد همان اندازه‌هم‌ازخاطرات گذشته بیشتر یاد می‌آورد « راستی‌که ایام خوشی بود ! باز ممکنست تجدید شود ، باز ممکنست تجدید شود ! «کلومپه ـ دومپه» از نردبان افتاد و معذلك شاهزاده خانم نصیبش شد ، شاید منهم یك شاهزاده خانم نصیبم شود»

و بفکر بلوط قشنگ وکوچك وخوش اندامی که در جنگل روئیده بود فرورفت چون برای درخت کاج او یك شاهزاده خانم نازنین و عالی بود .

موشهای کوچولو پرسیدند : «کلومپه ـ دومپه ، کیست؟» ودرخت کاج ازسر تاپای قصه را برای آنها نقل کرد ، کلمه بکلمه‌آن‌راخوب بخاطر داشت ، موشهای‌کوچولو از خوشحالی تا نك درخت بالا و پائین پریدند وجست وخیز کردند . شب بعد موشهای بیشتری آمدند و روز جمعه‌دوموش صحرائی هم قدم‌رنجه کردند و آمدند ، ولی عقیده داشتند‌که این قصه هیچ لطف ومزه ندارد ، موشهای کوچولو دلتنگ شدند ودیگر چندان رغبتی نشان ندادند و قصه بنظرشان مثل سابق بامزه نبود .

موشهای صحرائی پرسیدند : «همین یك قصه را می‌دانید ؟»

درخت جواب‌داد : «فقط همین‌یکی ! من این را در خوشترین شب زندگیم شنیدم ، اما آنوقتها نمی‌دانستم که چه سعادت و خوشبختی‌ای دارم !»

«این یك قصه معمولی و پیش‌پا افتاده است ! از چربی دمبه و پیه ویا انبار آذوقه و آشپزخانه هیچ‌قصه‌ای می‌دانی؟»

درخت جواب داد : «نه !»

ـ «بسیار خوب ، از آنچه که برایمان تعریف‌کردی متشکریم!» موشهای صحرائی این راگفتند و فرار کردند و رفتند بسوراخهایشان موشهای کوچولو هم آخرسر رفتند ، درخت آهی‌کشید و پیش خودگفت «وقتیکه آنها دورتادور من نشسته بودند چه دقایق سرگرم‌کننده و خوشی بود،موشهای گلگون حکایاتی راکه من تعریف می‌کردم باولع و اشتیاق می‌شنیدند ! این‌هم اکنون تمام شد ! ـ اما ازاین‌پس خواهم کوشید فرصت را در هر لحظه که‌امکانی پیش‌آید وفراخوانده شوم مغتنم بشمرم !»

اما کی این امکان پیش آمد؟! صبح یکی از روزها بود، چند نفری آمدند ودر پستو مشغول رفت‌وروب شدند جعبه‌ها را تمیز و مرتب کردند و گوشه وکنار را جستند وهرچیزرا بقاعده چیدند ، کاج را هم جلو کشیدند و با بی‌اعتنائی بکف زمین پرتاب کردند ویکی از نوکرها آن‌را بطرف پله‌ها کشید و انداخت بیرون ، همانجائی که روز روشن بود و خورشید می‌تافت .

ودرخت همینکه باد روحنواز را دریافت و نخستین شعاع گرم خورشید براو تابید پنداشت که : «دوباره ازنو زندگی آغاز میشود!»

دورتادور او از دیدنیها پر بود ، همه‌چیز برای او‌جالب و تازه و نو بود که حتی فرصت این رانیافت که‌بخود نگاهی بکند .حیاط درکنار خانه باغی بود که همه درختان و گلهای آن بشکوفه نشسته بودند ، گلهای سرخ تازه ومعطر روی چپرها آویخته بود ، زیر نرفونها شکوفه کرده بود و چلچله‌ها دور می‌چرخیدند و بزبان خودشان آواز می‌خواندند : اما منظور آنها ازآنچه که می‌خواندند درخت کاج نبود .

«من اکنون زندگی را از سر خواهم‌گرفت!» کاج شادی کرد و شاخه‌هایش را ازهم‌گشود ، آخ ، همه آنهازردو خشك بود اما ستاره مطلایش هنوز بر نك بلندترین شاخه‌اش می‌تابید و از تابش خورشید برق می‌زد و می‌درخشید.

در حیاط چند بچه بازیگوش و شیطان بازی می‌کردند، همانها که در شب جشن میلاد مسیح دور درخت رقصیده‌بودند و جست و خیز و شادی می‌کردند ، یکی از بچه‌ها ، آنکه از همه کوچکتر بود بطرف کاج آمد و ستاره طلائی را از تارك آن‌کند . کودك گفت : «ببینید هنوز چه چیزی بتن درخت پیر شب میلاد مسیح باقی مانده است !» ومیان شاخه‌های‌کاج پرید و شاخه‌ها زیر پای او شکستند وصدا کردند .

کاج بسراپرده گلها و منظر قشنگ باغ نگاه می‌کرد . آرزو کرد ، کاش در همان پستو روی زمین می‌ماند ، از طراوتهای جوانیش در جنگل و شادمانی پر جلال و شکوهش در جشن شب عید میلاد مسیح و موشهای کوچولوئی که با خوشحالی دورش جمع میشدند تا قصه « کلومپه ـ دومپه» را یاد آورد .

همه‌چیز گذشت !ـ هرچیز گذشت!، درخت مسکین باخود گفت : آن زمان که توانا بودم باید شادمانی می‌کردم ! حالا همه‌چیز گذشت ! همه‌چیز گذشت !

خدمتکاری آمد و درخت را بقطعات کوچك برید و شکست ، هیزم کاملی تهیه شد ، و سرکش و زیبا درمیان‌اجاق زیر دیگ بزرگ آب شعله وجرقه زد . تکه‌های درخت‌مسکین چنان ناله می‌زدند که هر جرقه صدای یك گلوله رها شده را داشت . بچه‌ها این صدا را شنیدند و شادی‌کنان بازی را رها کردند و به مطبخ آمدند و جلوی اجاق خم شدند و بآتش چشم دوختند و فریاد کردند : «پیف ! پاف!» ولی باهرجرقه که ناله‌ای عمیق و دردناك بود ـ درخت روزی از روزهای گرم تابستان ویا شبی از شبهای سرد زمستان را در جنگل که ستاره‌ها می‌درخشید بخاطر می‌آورد ، از خاطرش یاد شب‌عید میلاد مسیح و قصه «کلومپه ـ دومپه» که تنها قصه‌ای بودکه شنیده بود و می‌توانست آن را نقل کند می‌گذشت و شعله می‌کشید و جرقه می‌زد و می‌سوخت تا خاکستر شد .

بچه‌ها در حیاط‌بازی‌می‌کردند و آنکه از همه‌خردسال‌تر بود ، همان ستاره مطلائی را بر سینه داشت که درخت کاج جوان در خوشترین شب عمرش بر نك شاخه‌های خود داشت. حالا دیگر کودك دوید و رفت و عمر درخت هم بسر رسید و این حکایت هم بسر آمد ، همه‌چیز تمام خواهد شد !همه‌چیز تمام خواهد شد ! و این سرنوشت جاودانی همه قصه و حکایتهاست .

ترجمه : پ ، بهارلو

عمه ژان

اثر «اوسکاروایلد» نویسنده‌بزرگ انگلیسی

«ژان» ، عمه بینوای من که زنی سالخورده و بسیار متکبر بود، در خانهٔ اعیانی و دورافتاده خویش در ناحیهٔ «نی‌پراری» بسر میبرد . هیچیك از **همسایگانش** بدیدن او نمیآمدند و اگر گاه و بیگاه کسی باو سر میزد ، وی انبساط خاطری در خود احساس نمیکرد و همین تنهائی و انزوا او راکسل کرده بود ... منظرهٔ خیابانهای باغ که پر از علف هرزه بود و دیدار خانه‌ای که بمنازل غیرمسکون شباهت داشت ، ویرا می‌آزرد و عمه «ژان» مخصوصا رنج میبرداز اینکه او را آنطور که بود میدیدند، یعنی یکزن سالخورده که زیبائی و جاذبه جوانی را از دست داده بود. باین علت که دور از همه زندگی میکرد، از آنچه در خارج اتفاق می‌افتاد اطلاعی نداشت . معهذا یکروز زمستانی در پیرامون خانهٔ وی حادثه‌ای رخ داد که حتی عمه «ژان» هم نتوانست از تاثیر آن برکنار بماند.

این حادثه ورود عده‌ای تازه وارد بود که بر روی تپه منزل گرفتند و در صدد تهیه مقدمات شب نشینی مفصلی بودند که هرگز مانند آن دیده نشده‌بود.

این تازه واردان ، که خانواده «ریان» نام داشتند بسیار توانگر بودند. عمه «ژان» هنگامیکه نام آنها را شنید سری تکان داد و گفت :

ــ «ریان» ؟ چنین‌اسمیرا نشنیده‌ام، آنها را نمیشناسم ونمیدانم‌ازکجاآمده‌اند. و هنگامیکه باو گفتند خانواده « ریان » اهل همین ناحیه هستند و منبع درآمد شان را نشان دادند ، گفت :

ــ باشد ! ولی چه‌کسی دعوت ایشانرا خواهد پذیرفت و در مجلس شب‌نشینی آنها شرکت خواهد کرد ؟

باو جواب دادند :

ــ همه دعوت آنها را پذیرفته‌اند.

و افزودند :

ــ یك شب‌نشینی فراموش نشدنی خواهد بود .

عمه «ژان» چون از این موضوع اطلاع یافت ، غرق خشم و اندوه شد .

در همسایگی او شب‌نشینی مفصلی میدادند و او بجای آنکه درمقام مقابله برآید ، آسوده نشسته بود . آنروز عمه «ژان» تصمیم‌گرفت شب‌نشینی بزرگی ترتیب دهدکه نظیر آن بخاطر هیچکس خطور نکند . بااین کار **وی دوباره پا** بدینجهان می‌نهاد و مردم میدیدندکه‌زنی سالخورده و محترم چگونه از مدعوین خود پذیرائی میکند.

عمه «ژان» بلافاصله بکار پرداخت. خانه کهنسال ازنو مرمت گردید و سراسر پراز اثاثیه تازه شد. باغ را دوباره‌گل کاری‌کردند و عمه «ژان» ازلندن دسته ارکستر ، شام و عده‌ای مستخدم طلبید . همه چیز کامل شد ووی از هیچ خرجی فروگذار نکرد .

آن وقتها پول ارزش زیادی‌داشت و عمه«ژان» باسخاوت تمام خرج‌می‌کرد. بالاخره شب ضیافت فرارسید. خانه ازدو فرسنگی باچراغهای‌رنگارنگ‌جلوه‌خاصی داشت . دالان و پله‌ها بادسته‌های گل مزین شده بود ومشمع‌زمین، مثل‌آئینه‌برق‌میزد.

عمه «ژان» لباس‌گرانبها دربر کرده و جواهرات بسیار برسینه آویخته بود و هنگامیکه از پله‌ها بالا آمدتادر محل خود در آستان تالاربزرگ‌جابگیرد **هیئت ارکستر** ازجای برخواستندوتعظیم غرائی‌کردند .

عمه «ژان» در آستان تالاربزرگ بیحرکت و مستقیم ایستاد . دقایق یکی پس‌از دیگری‌گذشت . در دالان‌واطراف «بوفه» ، پیشخدمتها دیده بزمین داشتند و ارکستر برای امتحان نغمات چندی نواخت ... ولی هیچیك از مدعوین نیامدند . عمه «ژان» در آستان‌درانتظار میکشید و ساعات بکندی میگذشت : یازده ، یازده ونیم ، دوازده ، نیم بعد از نصف شب .

بالاخره عمه «ژان» بسوی ارکستر برگشت و گفت :

ــ دوستان من! بروید شام‌بخورید، امشب هیچکس نخواهد آمد...

سپس باطاق خود رفتو سه‌روزتمام **لب بغذا نزد** و دهان **بتکلم نگشودسرانجام** از فرط غصه و اندوه جان سپرد .. آخر، هیچکس دعوت او را نپذیرفته وبمیهمانی او نیامده بود ...

***

و مدتها بعد ، دانستند که وی‌بکلی فراموش‌کرده و برای مدعوین‌دعوتنامه را ارسال دارد و ساعتها بیهوده بانتظار مانده و نومید جان داده بود .



اصول مقدماتی فن درام نویسی

هنر درام‌نویسی بعنوان یکی از شاخه‌های ادبیات مثل سایر رشته‌های هنری بر دو عامل استوار است :

۱ـ نیروی خلاقه که از استعداد ذاتی هنرمند برمیخیزد .

۲ـ قواعد و دستورهای درام‌نویسی که طی قرون متمادی از طریق تجربه بدست آمده ، توسط درام‌نویسان یا منتقدین هنری تدوین گشته و بطور موروثی از نسلی‌به‌نسل دیگر منتقل شده است .

عامل اول یعنی استعداد خلاقه ، نیروی تصور ، غنای فانتزی و امثالهم گرچه از راه تمرین و ممارست میتواند با درخشندگی بیشتری تجلی کند ولی مسلما آموختنی‌نیست. این کوشش فقط بمثابه زنگ برگرفتن از جدار فلز است والا سائیدن چوب بخیال اینکه درخشندگی فلز از آن عاید گردد اقدامی عبث و بی‌فایده است.

عامل دوم یعنی قواعد و دستورهای درام‌نویسی‌اکتسابی و آموختنی است . این قواعد باندازه هنر نمایش قدمت تاریخی دارد . یعنی از تمدن یونان باستان سرچشمه گرفته ؛ قرون وسطی را پشت‌سر گذاشته ، از گلهای آثار دراماتیك دوران رونسانس دستچین کرده ، آثار درام‌نویسان مکاتب رمانتیسم ، ناتورالیسم ، رآلیسم ، رآلیسم انتقادی و سوررئالیسم را بررسی‌کرده تا امروز بصورت چکیده‌ای از معجون هفت‌جوش تمام آثار دراماتیك تمدن بشری دراختیار ما قرار گرفته است .

بنابراین بدون آگاهی باین گنجینه گرانبها دست بدرام‌نویسی زدن درحکم آزموده را آزمودن و تجربه‌شده را تجربه‌کردن است .

این مقاله فقط یك بررسی ساده قواعد درام‌نویسی است و برای نوشتن آن کتابهای ذیل مورد استفاده قرار گرفته است :

(جاده‌تحول درام‌نویسی سینما) اثر فرانتی‌شك‌دانیل‌ـ میلوش گراتوفریل چاپ‌پراگ ۱۹۵۶ (درام‌نویسی تاتر و سینما) اثر دکتر گوتفرید مولر ترجمه بدریخ‌پیلنی بزبان چکی ۱۹۵۷ منتشره درپراگ .

(فیلم بعنوان اثر هنری و کار پیشه‌وری) اثر یارسلاو پوچك ۱۹۵۹ منتشره در پراگ .

(کارآکتور روی خود) اثر ستانیسلاوسکی . مسکو بتاریخ ۱۹۳۸/۸/۷ .

اثر دراماتیك چیست ؟

بهتر است از تفسیر خود کلمه (درام) شروع کنم. کلمه (دراما Drama) در زبان یونان باستان بمعنای (اعمال جاری) آمده است . بزبان لاتین درمقابل این لغت کلمه (آکتیو Actio) را استعمال میکردند که در بعضی از زبانهای معاصر ریشه آن در کلمات(آکتیو Active ، آکسیون Action و آکت Act) موجود است .

درام‌یکی از فرمهای ادبی است مثل فرم حماسی ، رمان ، قصیده و غیره و کمدی یکی‌ازانواع ادبیات دراماتیك است . در بعضی از کشورها مثلا فرانسه کلمات (پیس) و (کمدی) بجای کلمه (درام) بکار میرود که درواقع غلط مصطلح است .

چون دراین مقاله اصطلاحات (درام ، قهرمان دراماتیك ، وضع دراماتیك ، هیجان دراماتیك و غیره) بحکم ضرورت زیاد تکرار میشود ، آشنائی بمفهوم واقعی کلمه (درام) ضرور است زیرا درغیراینصورت ممکن‌است ایجاد سوءتفاهم نماید .

هنگامیکه میگوئیم آثار دراماتیك مقصود تمام ادبیات نمایشی اعم ازکمدی، تراژدی ، پلیسی، کمدی‌مسخره، کمدی انتقادی و غیره است . قهرمانان دراماتیك شخصیتهای اصلی نمایش هستند که در محور داستان قرار دارند . بنابراین در این مقاله کلمه (قهرمان) دارای مفهوم خاصی است که با قهرمان ورزش و قهرمان ملی فرق دارد .

گرچه قواعد و دستورهای درام‌نویسی بزبانهای‌مختلف از سانسکریت و یونانی و لاتینی گرفته تا ایطالیائی ، اسپانیولی و فرانسوی باشکال تدوین شده و هرکدام بنحوی ارائه طریق میکنند ، ولی اگر آثار درام‌نویسان همین ملل را مورد مطالعه قرار دهیم باین نتیجه خواهیم رسید که ساختمان دراماتیك این آثار در اساس یکسان است . مثلا استخوان‌بندی درامهای کلاسیك فرانسه با درامهای رم باستان‌چندان تفاوتی ندارد. دراینجا برای روشن شدن مطلب تذکر این نکته لازم است که بحث بر سر مضامین و داستانهای آثار دراماتیك نیست بلکه غرض اصول فرم دراماتیك است که در تمام آثار درام‌نویسان ادوار مختلف دراساس یکسان است .

پایه و اساس آثار دراماتیك چنان همانند است که بدون

تغییر کلی دراسکلت داستان بآسانی می‌توان تراژدی راتبدیل بکمدی نمود .

(سید Cide) درام کلاسیك فرانسه اثر کرنی Corneill و (لیوان آب) کمدی مسخره اثر سکریب Scribe و (هدا گابلر Heda Gabler) اثر ایبسن Ibsen هم از لحاظ مضمون و هم از لحاظ نوع بکلی با هم متفاوتند ولی در هر سه اثر قواعد درام‌نویسی یونان باستان مبنای کار قرار گرفته است .

پایه و اساس قواعد درام‌نویسی تمدن باستان تا بامروز اعتبار خود را از دست نداده ،.زیرا اصول خصوصیات روان آدمی طی قرون متمادی تغییر چندانی نکرده است.

انگیزه خنده ، تاثر ، اضطراب و سایر تظاهرات روحی در اساس همیشه یکسان بوده و هست .هوگو دینژر درکتاب خود بنام : Dramaturgie als wissenchaft (چاپ لیپزیك ۱۹۰۴ در جلد ۱ صفحه ۱٦٤) مینویسد :

چنانچه ساختمان دراماتیك آثار بزرگترین درام‌نویسان جهانرا بررسی کنیم ، درمییابیم که از درامهای یونان‌باستان تا آثار شکسپیر و شیللر اکثرا از لحاظ فرم براساس واحدی بنا شده است . بررسی فوق درمورد آثار دراماتیك سرورانگیز یا کمدی نیز صادق است .

ادبیات دراماتیك

مقایسه ادبیات حماسی با ادبیات دراماتیك که نقطه مقابل‌یکدیگرند معیار سنجشی بدست میدهد . این بررسی بیشتر از آنجهت مفید است که گنجینه ادبیات کلاسیك ما از طرفی سرشار از آثار گرانبها ی‌حماسی است که خواه ناخواه الهام‌بخش نویسندگان معاصر است و از طرفی این گنجینه موروثی از نظر سنت درام نویسی بدون اینکه قصد بررسی علل آن منظور باشد بحد اعجاب آوری فقیراست.

درآثار حماسی جریان داستان طوری بنامیگردد که وسیلهٔ معرفی شخصیتهای داستان باشد . ضمنا نویسنده‌بدلخواه خود داستان را شرح و بسط میدهد ، منویات قهرمان را تفسیر مینماید ، اگر لازم دانست یك فصل کتاب بتوصیف تارموی معشوق اختصاص می‌یابد وبالاخره میتواند بگذشته بپردازد و آینده وقایع را پیش‌بینی‌کند . اعمال شخصیتهای آثار حماسی برمبنای عقل و اراده تحقق میپذیرد. قهرمان اثر حماسی هرچه باهوشتر و دراقدامات خود موفقتر باشد بهمان نسبت بیشتر خواننده را مجذوب میکند نکات مذکور درآثار دراماتیك بکلی بنحو دیگری اعمال میگردد .

درام‌نویسی مخصوصا نویسنده تراژدی هیچگاه بتحلیل سرگذشت یکی از افراد اجتماع نمیپردازد بلکه درجستجوی خلق یك قهرمان واقعی است‌که خصوصیات اخلاقی اومنعکس کننده تمایلات ، نقطه‌نظرها و سلائق گروهی از افراد جامعه بوده و بطور کلی برجسته و جالب باشد .

مثلا اگرسرگذشت مرد دوزنه محتوی داستان دراماتیك را تشکیل میدهد ، درام‌نویس هرگز مرد دوزنه مشخصی را مدل قرار نمیدهد بلکه کوشش میکند تمام خصوصیات و نقطه‌نظرهای مردان دوزنه را بررسی کرده ، نکات تیپیك و جالب را دستچین نموده درقالب پرسوناژی بریزد که مظهر بارز تمام مردان دوزنه باشد .

بنابراین قهرمان دراماتیك مظهر خصوصیات اخلاقی گروهی است که از تك تك افراد آن گروه متمایز است و درعین حال منعکس‌کننده تمایلات و نقطه‌نظرهای آنها میباشد .

قهرمان دراماتیك هرقدر بیشتر تمایلات نهانی بشر را که ضد قراردادهای اجتماعی است منعکس‌کند و شجاعانه از آن دفاع نماید بیشتر محبت تماشاچی را جلب میکند .

قهرمان دراماتیك در نبرد علیه قراردادهای اجتماعی منافع شخصی خود را نه بعلت حماقت بلکه به سبب حرارت شدید جهت رسیدن بهدف زیرپا میگذارد ، قهرمان درمیان شخصیتهای نمایش که هریك بنحوی درنزاع دراماتیك شرکت دارند ، جانبدار حق و عدالت است . اگر عاملین نزاع دراماتیك را بدو گروه موافق و مخالف تقسیم کنیم، قهرمان در رأس گروه موافق قرار دارد . اصطلاح (قهرمان مثبت) که بنظر نگارنده چندان رسا و دقیق نیست ناشی از همین خصلت است .

شخصیت قهرمان

بررسی این مسئله که چه شخصی از نظر مردم دوست داشتنی است گرچه از موضوع مطروحه خارج و یك بحث روانی است ولی جهت روشن شدن مطلب ضرور بنظر میرسد .

بتجربه دریافته شده است که اشتراك خصوصیات نیك اخلاقی یا تمایلات مشترك بین دو نفر موجب پیدائی مهر

و محبت میگردد .

کافی است بکسانیکه قلبا علاقمندیم عمیقا توجه کنیم و علل بروز اولین جرقه محبت را بررسی نمائیم . هریك از ما در زندگی روزمره ، در برخورد با دیگران با مسائل نابابی روبرو میشویم که قلبا مورد تنفر ماست ولی اوضاع و احوال و شرایط چنان ما را مهارکرده است که شهامت کوچکترین ابراز مخالفت را درخود احساس نمیکنیم . دراینطور مواقع آهی میکشیم و فیلسوفانه بدروغ مصلحت آمیز پناه میبریم . مثلا دربرخورد با آقای رئیس که از طریق ترفیع و اضافه حقوق یا انتظار خدمت و اخراج میتواند زندگی خانواده شما را رونق بخشد و یا بفلاکت کشاند . دربرخورد با بوروکراسی ادارات که گاهی چنان ملال‌آور و مشمئزکننده است که میخواهید فریادبکشید ولی عقل و تدبیر که از پایان زیان‌آور این عکس‌العمل آگاه است شما را دعوت بسکوت میکند .

تمام لحظات زندگی بشر مملو از نزاع بین حق و باطل است و ما بتناسب موقع اجتماعی و منافع خود گاهی جانبدار حق هستیم و زمانی علی‌رغم تمایلات انسانی و فقط جهت حفظ منافع شخصی بلباس وکیل مدافع باطل درمیآئیم .

حالا تصور کنید اگر در یکی‌ازاین لحظات شخصی از راه برسد ، رودرروی خصم شما یا جریانی که مورد تنفر شما است بایستد و باشهامتی مردانه ، کلماتی زیبا ، منجز، صریح و مختصر و مفید تمام منویات قلبی شما را بیان دارد . چنین شخصی بدون شك محبت شما را جلب میکند .

دراینجا سئوالی طرح می‌کنیم و از شما تقاضا میشود دراعماق قلب خود بدان پاسخ گوئید . اگر عمل شخصی تصوری مورد مثال قلبا مورد تحسین و تائید شما است چرا خود بدینگونه رفتار نمی‌نمائید ؟ اگر شخص‌مورد مثال‌برادر یا فرزند شما باشد آیا از طریق نصیحت خیرخواهانه وی را از اظهار صریح مطالب فوق‌الذکر منع نمیکنید ؟ آیا با جملاتی ازقبیل : فایده ندارد ، بیجهت برای خود دشمنی متراش ، این مطالب را همه میدانند ولی اظهارش دوراز عقل و تدبیر است و غیره کوشش نمیکنید اقدام وی را نابخردانه عاری از دوراندیشی و حتی بعنوان عملی احمقانه ارزیابی کنید ؟

باید اقرار کرد که زندگی متاسفانه ما را چنین بار آورده است . باید اقرار کرد که حسابگری موذیانه آنچنان سپری است که منافع ما را از گزند دیگران حفظمیکند .

اما آیا این حسابگری ، عدم صراحت و توسل بدروغ مصلحت‌آمیز بمثابه خصوصیات غریزی درنهاد بشر است ؟ حسابگری موذیانه که در لفافه های دروغ مصلحت‌آمیز و شیوه دیپلوماتیك پوشیده شده و بزینت دوراندیشی و عقل و تدبیر مزین گشته است بهیچوجه ازخصوصیات غریزی بشر نیست بلکه یکی از بیماریهای اجتماعی است که بشریت علی‌رغم تمایلات باطنی‌خود بحکم اجبار بدان تن در داده است .

مثلی‌است معروف میگویند : حقیقت را از زبان کودکان بشنوید . گرچه کودکان نیزهمراه با زبان بازکردن دروغ و تزویر را از والدین میآموزند ولی ازآنجا که در پناه خانواده زندگی و موجودیت آنها از گزند دیگران دراما‌ن است کمتر از بزرگسالان بحسابگری موذیانه نیازمندند . مثال :

عده‌ای از دوستان در منزل شما مهمانند . صاحبخانه شما که مرد متمول ، بیسواد و زشت‌روئی است از راه میرسد . شما از ترس اینکه مبادا صاحبخانه کرایه منزل را بالا ببرد با تکریم و احترام وی را درصدر مجلس جای میدهید . صاحبخانه‌بامطالب بی‌مغزواحمقانه خود میدان‌داری میکند و شما علی‌رغم نفرت باطنی خود مطالب او را تائید میکنید . مدعوین که از دوستان روشن‌فکر شما هستند از این گفتگوی احمقانه بتنگ‌آمده‌اند ولی باحترام میزبان مودبانه سکوت اختیارکرده‌اند . درچنین وضعی کودك چهارساله شما ناگهان با صدای رسا میگوید : « آقاجون گوشهای این آقاهه مثل گوش خر میمونه » و در همان حال با دست صاحبخانه را نشان میدهد . صاحبخانه بدون‌شك در دل ناسزا نثار بچه و پدر و مادرش میکند ، مدعوین مخفیانه پوزخند میزنند و شما بشیوه معمول خود کودك را تنبیه میکنید .

حالا تصور کنید اگر عین این صحنه را در تاتر یا سینما به‌بینید . درچنین صورتی گفتار صریح آن کودك برای شما و صاحبخانه درازگوشتان خوش‌آیند وتحسین‌آمیز جلوه میکند ، چرا ؟

نگارنده کوشش میکند باین سئوال پاسخ‌گوید .

قهرمانان داستانهای تمام ملل چه در زمینه آثار ادبی و چه در زمینه قصص و حکایات عامیانه اکثرا جانبدار حق و عدالت ، باشهامت ، صریح و دور از تزویر و ریا هستند.

بشر طی قرون متمادی آنچه را که در زندگی روزمره نیافته در قالب قصص و حکایات ریخته تا مگر باینطریق عطش دیرین خود را که راستی و درستی ، صلح و صفا و آسایش در پناه عدالت است فرونشاند . عالیترین اجتماع ایده‌آلی بشر همان بهشت موعود است که ساختمان اجتماعی آن در کتب مذهبی ادیان مختلف دقیقا ترسیم شده است . این اجتماع ایده‌آلی دور از اغراض ، عاری از دروغ و تزویر و غرق در صلح و صفا است . مردم چنین اجتماعی زیر سایه عدالت الهی با آسایش بی‌نظیر بزندگی ابدی ادامه میدهند . اگر نوع بشر آرزومند این روابط انسانی است پس چنین تمایلی در نهاد او موجود است .

چطور ؟ میخواهید بگوئید که در آن بهشت موعود برای مردمان بدخواه جائی نیست و آن قصص و حکایات توسط افرادیکه سرشار از احساس نیك انسانی بوده‌اند برشته تحریر درآمده است . بنابراین خصوصیات **نیك انسانی** تمام افراد بشر را دربرنمیگیرد و درتمام طول تاریخ بدخواهان مخل آسایش همنوعان خود بوده و هستند ؟

خواننده گرامی این واقعیت است ولی حقیقت نیست . اگر خالقین شخصیتهای انسانی این داستانها مردمان نیکخواهند فراموش نکنیم که خوانندگان این آثار عموم افرادند .

کثیف‌ترین فرد تصوری که سراپای وجودش آلوده بظلم ، تزویر ، موذیگری ، بخل ، بزدلی و رذالت باشد هنگامیکه بعنوان تماشاچی در سالن تاتر یا سینما قرار میگیرد قلبا جانبدار قهرمان مثبت نمایش است که منافع شخصی خود را بخاطر دفاع از حق و حقیقت بخطرانداخته.

این خود معمائی است ! چرا این فرد تصوری که در زندگی روزمره بحد وصف‌ناپذیری آلوده برذالت است بعنـوان تماشاچی جانبدار حق و عدالت میگردد ؟ زیرا شخص مزبور مثل سایر افراد بشر از تمایلات انسانی بی‌بهره نیست وخصال انسانی بشکل نور ضعیفی در ضمیر باطن او سوسو میزند . این شخص در زندگی از آنجهت که خودخواهانه منافع خصوصی خود را مافوق همه چیز میداند قادر بتشخیص حق از باطل نیست و اگر احیانا حقیقت را تمیز دهد بمنظور حفظ منافع شخصی ترجیح میدهد وکالت مدافع باطل را بعهده گیرد.خواننده گرامی اقرار کنیم که همه ما هنگامیکه بر سر دو راهی منافع شخصی و دفاع از حقیقت قرار میگیریم لنگ لنگان بنعل و بمیخ میزنیم و از اظهارنظر صریح عاجزیم . دراجتماعات بشری فقط افراد معدودی که مفتخر بلقب قهرمان ملی گشته‌اند عاری از این نقیصه اخلاقی بنظر میرسند . بهمان اندازه که بین دو قطب سیاه و سفید بحد بینهایت مراتب مختلف خاکستری وجود دارد ، فاصله بین پاکترین و کثیفترین افراد جامعه را نیز انبوه مردم در درجه‌های مختلف اخلاقی اشغال کرده‌اند .

وقتی سیاهترین فرد مورد مثال بعنوان تماشاچی‌جانبدار قهرمان مثبت نمایش است پس جهت یابی سایر افراد جامعه درمقابل پرسوناژهای نمایش روشن است .

حتی تهیه‌کنندگان فیلمهای بازاری که هدفی جز انباشتن کیسه بی‌انتهای خود ندارند ، برای جلب تماشاچی از همین خصلت عدالتخواهی بشر استفاده یا بهتر بگوئیم سوءاستفاده میکنند .

نمونه‌های هرکول ، ماسیست ، فیلمهای قهرمانی و انواع داستانهای پرزد و خورد که غذای روحی اکثریت مردم جهان را تشکیل میدهد مؤید این نظر است . قهرمانان این فیلمها همیشه علیه یك جریان ظالمانه باشجاعتی‌غیرعادی نبرد میکنند و سرانجام جهت خشنودی تماشاچیان شاهد پیروزی را درآغوش میکشند .

بین تماشاچی‌وزندگی روی صحنه تصادم منافع‌خصوصی وجود ندارد ، بهمین جهت قضاوت وی درباره شخصیتهای داستان نمایش بعنوان یك ناظر مافوق زندگی روی صحنه عاری از حب و بغض ناحق ، دور از انگیزه نفع طلبی و عمیقا عدالتخواهانه است .

خلاصه کنیم : فقط آن قهرمان دراماتیك برای‌تماشاچی جالب است که دوست داشتنی باشد و فقط آن قهرمان دوست داشتنی است که دارای خصوصیات مشترك اخلاقی باتماشاچی بوده و منعکس‌کننده منویات درونی وی باشد .

نقش عشق

درام‌نویسان همیشه از احساسی که قهرمان را جالب و دوست‌داشتنی جلوه دهد استفاده کرده‌اند . برای‌تماشاچی آنچنان قهرمانی جالب است که در سرنوشت‌او گوشه‌هائی از زندگی خود را به‌بیند . بهمین جهت عشق که یك مسئله همه‌گیر درجامعه بشری است بعنوان نمك تمام داستانهای دراماتیك مورد استفاده قرار گرفته است .

مردم اغلب درلحظات غم‌انگیز و صحنه‌هائی که قهرمان مورد ستم قرار میگیرد احساس همدردی میکنند. یکی از خصوصیات بارز قهرمان دراماتیك عدم وقوف بسرانجام خطرناکی است که براثر اقدامات شجاعانه او دامنگیرش میشود . قهرمان دراماتیك در سیر جریان داستان راه خود را با دوراندیشی عاقلانه انتخاب نمیکند بلکه توسط اطرافیان و یا شرایط محیط جبرا بطرفی رانده میشود . عــدم دوراندیشی او را بوضع نامطبوعی میکشاندکه فقط بوسیله صفات مشخصه قهرمانی و در درجه اول شهامت موفق بنجات خود میگردد . دراینجا تذکر این نکته لازم است که علاقه تماشاچی بچنین قهرمانی بخاطر قلب او است نه بخاطر عقلش. قهرمان دراماتیك ضمن اینکه ندانسته خود را بخطرمیاندازد باید سرشار از شهامت و مردانگی باشد . اینکه درام‌نویس قهرمان نمایشی را در شرایطی قرار میدهد که بیخبر از تصادفهای خطرناك به‌پیش‌باز سرنوشت میرود ، درواقع رفتاریرا که طبیعت با مردم میکند تقلید مینماید . نقـاط تعیین کننده سرنوشت آدمی بیشتر در قید محیط اجتماعی و اطرافیان است تا دراختیار عقل و اراده او . دراینباره بی‌جا نیست مثالی بیاوریم :

دختر و پسر جوانی در یك برخورد اتفاقی بدون نقشه قبلی عاشق یکدیگر میشوند . این دو نفر اسیر خصوصیات مشترك اخلاقی میگردند . سپس روابط شیرین عاشقانه بطور غیرمنتظره‌ای بدل بیك گرهی میشود . دختر باردار میگردد و این مسئله در سرنوشت هر دو نقش تعیین‌کننده دارد . دقایق وضع حمل آمیخته با یکنوع انتظار تشویش‌آور است زیرا از موجود جدیدیکه تا چند لحظه دیگر بخانواده آنها اضافه میشود . بیخبرند . عشاق خوشدل چندماه پیش اکنون با دلهره از خود میپرسند :

« آیا پسر خواهد بود یا دختر ؟ اگر ناقص بدنیا آید چه‌کنیم و غیره » .

بنابراین دربسیاری از لحظات زندگی که نقاط تعیین کننده مسیر سرنوشت را تشکیل میدهند انسان مثل قهرمان اثر دراماتیك ناآگاه ، بیخبر و در قید عوامل طبیعی‌است. دراین موارد انسان نمیتواند از طریق قوای عاقله ضرر و نفع خود را سبك و سنگین کند و حسابگرانه دربارهٔسرنوشت خود تصمیم بگیرد .

هنریخ بولتهاپت درکتاب خود قهرمانان آثارشکسپیر را باینطریق توصیف میکند :

« مخلوقات شکسپیر اغلب بدون حسابگری عمـل میکنند ، (درواقع بیگدار بآب میزنند) گوئی عناصر طبیعی هستند که در قالب شخصیت آدمی خزیده‌اند . دراین شخصیتها یك نوع خصال ابتدائی آدمی بچشم میخورد ، بااراده سرنوشت خود را تعیین نمی‌کنند بلکه درمقابل‌قوانین طبیعت سرتسلیم فرود میآورند » .

فردریك نیچه درکتاب خود درباره قهرمانان دراماتیك چنین مینویسد :

« قهرمان درام که مثل عموم مردم براثر کوشش عاقلانه در راه خواستهای مربوط بزندگی شخصی ظاهرا یك فرد غیرفعال بنظر میرسد ، در سیر تکاملی خود بچنان فعالیتی دست میزند که مافوق زندگی عادی اوست . »

عقل و تدبیر زیاده از حد ضد طبیعت است . کسانیکه بوسیله نیروی عاقله بخیال خود غرائز طبیعی را زنجیر میکنند ، دیر یا زود فشار ناشی از این یاغیگری را

بر بدن خود احساس خواهند کرد .

بهترین نمونه تحریم ازدواج برای کشیشان کاتولیك است که در طول تاریخ مفاسد شرم‌آوری ببارآورده است. شاعر عالیقدر ما حافظ میگوید :

عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی
عشق داند که در این دایره سرگردانند

نظریه افلاطون دراینباره چنین است .

« قدرت خلاقه شاعر فقط از دیدگاه روشن وی‌سرچشمه نمیگیرد بلکه بیشتر مبتنی بر استعداد مادرزادی اوست ، نظیر استعدادی که پیشگویان و معبرین خواب از آن برخوردارند. فقط هنگامی قدرت خلاقه شاعر تجلی میکند که تصورات خیال‌انگیز خود را از بند حسابگری خرد آزاد سازد . »

عدم آگاهی یا عدم وقوف لحظه حساس اغلب وقایع دراماتیك را تشکیل میدهد .

صحیح است که قهرمان ندانسته عمل میکند ولی این ناآگاهی نبایدباحماقت مادرزاد اشتباه‌شود . مسبب ناآگاهی قهرمان محیط و اطرافیان وی هستند . هرکسی در زندگی روزمره هنگامیکه در وضعی قرار گیرد که کمتر از دیگران بجریان خاص وقوف داشته باشد قیافه ابلهانه‌ای بخودمیگیرد. بزرگترین سیاستمدار ، عالیترین دانشمند یا هرکس دیگری که بداشتن عقل و تدبیر مشهور خاص و عام است هنگامیکه بقصد بازدید کارخانه‌ای ازکنار ماشینهای عجیب و غریب عبور میکند و یك کارگر ساده چگونه کار ماشینها را برای او توضیح میدهد ، بقیافه متعجب او که چیزی از توضیحات کارگر مزبور نفهمیده و برای حفظ ظاهر سرش را بعلامت تصدیق تکان میدهد ، نگاه کنید درخواهید یافت که وجنات و مخصوصا حالت چشمان وی عمیقا ابلهانه‌است. شخص مورد مثال درچنین وضعی نادان بنظر میرسد زیرا اطلاعاتش از اطرافیان کمتر است .

ناکامی در عشق تقریبا یکی از مسائل همگانی جامعه بشر است . عاشقی را در نظر بگیریم که شدیدا بمعشوق اعتماد دارد غافل‌ازاینکه معشوق او را فریب میدهد . تمام اطرافیان عاشق عاقبت نامیمون این عشق را بعیان می‌بینند ولی احساس عاشقانه که مافوق عقل قراردارد عاشق را چشم بسته تسلیم دام معشوق میکند . موقع قهرمان نمایش مثل عاشق مورد مثال است و پرسوناژهای دیگر باتفاق تماشاچیان سالن اطرافیان آگاهتر از او را تشکیل میدهند .

اتللو ناآگاهانه دزدمونا را بقتل میرساند . دراینمورد امیلیا ، دزدمونا ، یا تماشاگران سالن آگاهتر از اتللو هستند .

داستانهای شاعر عالیقدر ما فردوسی بیش از سایر آثار ادبی کلاسیك و حماسی ما جنبه دراماتیك دارد . مثلا در داستان رستم و سهراب پدر ناآگاهانه پسر خود را بقتل میرساند . تماشاگر بعاقبت غم‌انگیز این ماجرا وقوف دارد . رستم بسرانجام غم‌انگیز عمل خود آگه نیست و همین عدم آگاهی از طرفی اورا تبرئه میکند وازطرفی موجب کنجکاوی و تشویش و هیجان تماشاگر میگردد .

ازآنجا که سراسر زندگی بشر پراز اتفاقات وتصادفات پیش‌بینی نشده است ، اتفاقات داستان دراماتیك نیز بایدبرای پرسوناژها غیرمترقبه باشد .

اتفاقات درام که اگر فرم هنری آنرا درنظر نگیریم در حد وقایع روزمره زندگی است ، از آنجهت برای تماشاچی جالب و دیدنی میگردد که از وقوع و سرانجام آن تاحدی آگاه است .

این قاعده در زندگی نیز صادق است . همه ما روزانه درکوچه وخیابان رفت و آمد هزاران نفر را بدون‌کنجکاوی نظاره میکنیم وراه‌رفتن آنها ابدا جلب نظر ما را نمیکند . اما اگر بفرض محال بدانیم که یکی از این عابرین چند دقیقه بعد براثر تصادف ماشینی متلاشی خواهد شد آنوقت کوچکترین حرکت فرد مزبور برای ما جالب و دیدنی جلوه میکند . درچنین صورتی حتی کار فوری و فوتی خود را رها میکنیم و با تشویش هیجان انگیزی راه‌رفتن ساده و حرکات معمولی مردی را که بیخبرانه بسوی سرنوشتی شوم گام برمیدارد مو بمو زیرنظر میگیریم .

درمثال فوق‌راه‌رفتن ساده جنبه دراماتیك بخود میگیرد زیرا تماشاگر آگاهتر از قهرمان است . بنابراین قبل‌ازاینکه قهرمان واردصحنه‌شود تماشاچی باید ازوضع او و نسبت بجریان داستان آگاه باشد .

درغیراینصورت چنانچه قهرمان مثل یك ناطق سیاسی پس‌از ورود بصحنه بخواهد موقع خود را نسبت بدو طرف نزاع دراماتیك روشن نماید غیرطبیعی و کسل کننده خواهد بود .

هنگامیکه تماشاگران درصحنه‌های‌قبلی اطلاعاتی درباره قهرمان بدست میآورند ، مثلا از نقشه خطرناکی که دشمنان برایش تهیه‌دیده‌اندآگاه میشوند ، با بی‌صبری درانتظار ورود وی هستند . درچنین صورتی حرکات قهرمان و هر کلمه‌ای که بزبان میراند تاثیرشدید دراماتیك دارد .

بینندگان که بمنویات قلبی قهرمان و نقشه خطرناك دشمنان وقوف دارند با نگرانی ازخود میپرسند آیا موفق خواهد شد حریفان را بجای خود بنشاند و پیروز گردد ؟ این حالت نگرانی و تشویش تماشاچی آنقدر ادامه دارد تا منویات قلبی دوطرف نزاع علنی و مسئله مورد اختلاف بطریقی حل‌گردد .

بی‌ارزشترین عوامل جهت بوجود آوردن لحظات اضطراب‌آمیز دراماتیك دروغ و سوءتفاهم است که در اغلب درامهای سرورانگیز و درامهای مکالمه‌ای بکار میرود . مثال :

« شخصی بقصد ملاقات دوستش اشتباها وارد منزلی میشود که صاحبخانه حسود و بداخلاق هفت‌تیر بدست در انتظار ورود فاسق زنش میباشد . »

یکی دیگر از طرق ایجاد وضع دراماتیك آنست که تماشاچی و قهرمان بموضوع واقفند ولی پرسوناژهای‌دیگر از جریان بی‌اطلاع میباشند . دراین فرم دراماتیك صحبت‌های فوق‌العاده جالب و حساس جلوه میکند زیرا هر کلمه معنای دوگانه بخود میگیرد . مثال :

عده‌ای برای هلاکت قهرمان دامی گسترده‌اند غافل از اینکه قهرمان از نقشه آنها دقیقا باخبر است . درصحنه‌ایکه باید توطئه عملی گردد ، قهرمان گاهی عمدا بمحل خطر نزدیك میشود . تماشاچیان که بجریان واقف هستند با کنجکاوی اعمال و گفتار توطئه‌کنندگان را که از افشای نقشه خود بیخبرند دنبال میکنند . این عده ظاهرا قهرمان را برای انجام یك معامله ساده تجاری دعوت‌کرده‌اند .

و قرار است هنگامیکه قهرمان قرارداد را امضا میکند با چاقو وی را از پشت بهلاکت رسانند . مکالمات زیر که بین آنها رد و بدل میشود دو پهلو و دارای معانی‌دوگانه‌است :
قهرمان ـ خوب پیشنهاد آخرتون چیه ؟
یکی از آن افراد ـ بهتره تو حرف آخرت بزنی (خنده حضار)
یکی دیگرـ حالا عجله نکن داداش حوصله‌داشته‌باش حرف آخرمونم میزنیم .
قهرمان ـ سهم منو چند روز بعد از امضای قرارداد میدین ؟
یکی دیگر ـ تو بلافاصله بعد از امضای قرارداد حقت‌ومیگیری .
قهرمان ـ (قلم پرمرغ را برمیدارد و بمامور قتل که پشت سر او ایستاده میگوید) آن چاقوتو بده به‌بینم.
مامور قتل ـ (با دستپاچگی) چاقو چیه ؟ (همه گرفتار دلهره میشوند) کدام چاقو ؟
قهرمان ـ همان قلمتراش قشنگ و ظریف که همیشه همرات داشتی .
مامور قتل ـ (نفس‌راحتی میکشد) آهان . بیابگیر .
قهرمان ـ (با شوخی درحالیکه نوك قلم را تیز میکند) تو نمیترسی چاقو تو جیبت میگذاری ؟ میدونی که حمل اسلحه سرد قدغنه (خنده‌زورکی مامور قتل)
حالا بدون کوچکترین تغییری درمکالمات فوق‌الذکر کوشش میکنیم فرم دراماتیك این صحنه را تغییر دهیم و نتایج حاصله از آنرا بررسی نمائیم .
۱ـ درصورتیکه تماشاگر بیخبر از توطئه و افشای آن باشد مکالمات بالا معمولی ، بیمزه ، کسل‌کننده و پیش‌پاافتاده خواهد بود .
۲ـ درصورتیکه تماشاگر وتوطئه‌کنندگان از نقشه قتل با خبر و قهرمان بیخبر باشد ، مکالمات بالا تاثیر هیجان‌انگیز دراماتیك خواهد داشت .
۳ـ درصورتیکه قهرمان ازنقشه باخبر و توطئه‌کنندگان از افشای نقشه قتل بیخبر باشند و تماشاچی هم از نقشه قتل و هم از افشای آن اطلاع داشته باشد ، مکالمات فوق دارای معانی دوپهلو ، فرح‌انگیز و محرك کنجکاوی تماشاچی خواهد بود .

وقایع غیرمترقبه

دراین فرم دراماتیك وقایع غیرمترقبه که یکی پس‌از دیگری بظهور میرسد موجب تشویش و هیجان تماشاگر را فراهم میسازد . مثال :
شخصی که در صحنه‌های قبلی بعنوان عاشق دلباخته بتماشاگر معرفی شده است ، درموقعیکه نامزدش با لباس عروسی و سایر مدعوین درانتظار ورود او هستند ، اگر ناگهان با لباس کشیشی وارد صحنه شود بدون شك توجه تماشاچیان را جلب خواهد کرد . درچنین صحنه‌ای تماشاچی ازخود میپرسد : « آیا لباس کشیشی را بدور انداخته با نامزد خود عروسی خواهد کرد ؟ یا از ازدواج صرف‌نظر کرده برای همیشه دردیر ساکن خواهد شد ؟ »
یکی از رموز نمایش فرح‌انگیز متنوع (واریته) براساس همین قاعده دراماتیك بنا شده است : چند نفر قوی‌هیکل درحالیکه طنابی را بدنبال خود با زحمت‌میکشند وارد صحنه میگردند . بیننده خود را آماده دیدن حیوان قوی‌هیکلی مثل کرگدن وامثالهم مینماید . درحالیکه پس‌از کشمکش‌بسیار سگ‌توله نحیفی در انتهای طناب هویدا میگردد .
شاید برای خواننده محترم این سئوال مطرح شود : آیا این دستورها غیرطبیعی ، ساختگی و دوراز واقعیت نیست ؟
بدون شك جواب این سئوال منفی است زیرا زندگی روزمره نیز دارای همین لحظات دراماتیك است . اتفاقات غیرمنتظره در زندگی بسیار است و استعمال کلمات دوپهلو نان روزانه ما است .
انسان‌امکان ندارد بوسیله ترازوی عقل سرنوشت‌خود را سبك و سنگین کند و بر طبق تصمیم خود دقیقا راه آینده را پیش‌بینی نماید بلکه اغلب درمقابل اتفاقات پیش‌بینی نشده قرار میگیرد و فشار اوضاع و احوال و اطراف و جوانب او را بطرف آینده‌ای ناآشنا سوق میدهد .
انسان در این جریان متلاطم زندگی گاهی دست بحیله میبرد و زمانی با قاطعیت و شهامتی مردانه تصمیم راسخ میگیرد . بشر هیچگاه قادر نیست نتایج اقدامات خود را دقیقا پیش‌بینی کند . اغلب در زیر کلماتی که بکار میبریم قصد و غرضی متفاوت با معنای واقعی کلمه نهفته است یا بعبارت دیگر از کلمات پرده‌ای میسازیم و نیات واقعی خود را در پی آن مخفی میکنیم .
اسکاروایلد در کتابی بنام (Intencions) که در چهار فصل : سقوط دروغ ـ قلم ، مداد و زهر ـ منتقد هنرمند ـ حقیقت ماسکها تنظیم گشته است مسئله تازه‌ای را طرح میکند که درواقع قاعده جدیدی برای هنر درام نویسی‌است.
« حقیقت را در لابلای تضادها باید جستجو کرد » هنگامیکه حقیقت را در معنای ساده کلمه نمییابیم ، کافیست کلمه را پشت رو کنیم تا یك قدم بحقیقت نزدیکتر شویم .
میگویند کلیسا که‌یك تشکیلات مذهبی است بقلبها حکومت میکند و نسبت بمردم مهربان است برعکس دولت که یك سازمان زمینی است نسبت باتباع خود سختگیر و خشن است .
حالا کوشش میکنیم این دو کلمه متضاد « رئوف و خشن » را درمورد این دو ارگان بررسی کنیم .
آیا دراغلب مواقع دولت گذشت و چشم‌پوشی‌بیشتری درباره اتباع خود روا نمیدارد تا کلیسا نسبت بمؤمنین ؟ اگر با این دید بمسئله بالا نظر کنیم ، رافت و مهربانی بطور نسبی بتشکیلات دولتی تعلق میگیرد و خشونت وسختگیری دامنگیر کلیسا میشود .
آیا ثروت واقعا عامل خوشبختی است ؟ میدانیم که ثروت دست و پای ثروتمند را به‌بند میکشد و فقیر ولگرد بیشتر از آزادی فردی برخوردار است . اگر آزادی‌عالیترین نعمت جهان است پس ثروت از طرفی موجب خوشبختی و ازطرفی باعث محرومیت شخصی میباشد .
بیشتر اعمال ما نتایج متضادی ببار میآورد . ازدواج میکنیم تا زندگی مشترك ، مستحکم ، غنی‌تر ، و بالاخره پناهگاه مطمئنی بنا نهیم درعین‌حال بدینوسیله آزادی ، ثروت و آنچه که در ید اختیار داریم بطور نصف به نصف بادیگری تقسیم میکنیم .

مسلح میشویم تا از طریق جنگ صلح را حفظ کنیم و غیره .

درتمام مثالهای بالا کلمات دارای معانی دوگانه و متضادند . درواقع ما گویندگان این کلمات و مجریان این اعمال متضاد ، قهرمانان نادان صحنه تاتر زندگی‌هستیم .

تماشاچی تاتر و سینما ناظر آگاهی است که درسالن نشسته ، اعمال و گفتار متضاد پرسوناژها را زیرنظر گرفته و معنای واقعی مطالب آنها را که خود پرسوناژها بدان وقوف ندارند ادراك میکند .

اثر دراماتیك باید طوری بناگردد که تماشاچی‌بتواند بتضاد بین گفتار و کردار پرسوناژها بآسانی پی‌برده و منظور نهانی آنها را که با گفتارشان در تضاد است ادراك کند زیرا همین برتری آگاهی تماشاچی بر پرسوناژها است که موجب جلب توجه و انگیزه تشویش هیجان‌انگیـــز دراماتیك میگردد .

حتی درمواقعیکه کلمات معنای دوگانه ندارند و پرسوناژ واقعا آنچه را که میاندیشد صمیمانه بزبان میراند ، میتوان از طرق دیگری برای ایجاد هیجان دراماتیك و جلب نظر تماشاچی استفاده کرد .

یکی از فن‌های دیرین درام‌نویسی آنست که قهرمان نیات قلبی خود را برای یك پرسوناژ مورد اعتماد بازگو میکند غافل از اینکه دیگری که نباید ازاین مطالب اطلاع حاصل کند مخفیانه بگفتار او گوش میدهد . تماشاگر که بعکس قهرمان از وجود شخص ثالث آگاه است با علاقه و نگرانی جریان را دنبال میکند .

بعنوان مثال میتوان صحنه عشق‌بازی تارتوف‌با زن ارگن را یادآورشد که‌ارگن زیر میز مخفی شده وسخنان عاشقانه آن کشیش حیله‌گر رامیشنود.

گرچه دستور درام نویسی براساس مسائل روانی، روابط افراد بشر و زندگی واقعی تدوین یافته است ولی با وجود این واقعیت هنری‌که برای صحنه زیرکانه ساخته‌و پرداخته میشود بازندگی واقعی فرق دارد.

صحنه نمایش یك فضای تصوری است وآکترها نقش‌های مختلفی راکه ازپیش بوسیله نویسنده خلق شده‌و توسط کارگردان کوچکترین حرکات آن تعیین گردیده ایفا میکنند . درواقع تماشاگر باوقوف کامل باین امرکه آکترها برایش رل بازی میکنند درسالن تاتر یا سینمـــا حاضر میشود .

یکی ازانواع فرمهای دراماتیك آنست که‌پرسوناژها برای یکدیگر رل‌بازی میکنند ودرواقع نمایش بصورت‌تاتر درتاتر جلوه‌گر میشود .

برای روشن شدن مطلب پیس کمدی (سرا پادروغ) اثر هانس شوین کارت را مثال میزنیم .

مردی که برای گذراندن ایام مرخصی بمسافـــرت رفته است دور اززندگی زناشوئی با یك زن آمریکائی‌سرو سری پیدا میکند . زن نجیب ووفادار اوکه قبل ازمراجعت شوهر ازاین ماجرا آگاه میگردد ، مصمم میشود بزوج خود وانمودکندکه در غیبت او با مردی طرح دوستی ریختـــه و درواقع این اواست‌که بشوهر خیانت کرده و میکند.باین طریق زن برای شوهر کمدی بازی میکند ودرجریان این‌بازی کلاف سردرگمی از دروغهای تازه بتازه درهم گره میخورد وسرانجام حقیقت امر روشن میگردد .

دراین فرم دراماتیك چون تماشاگر میداند که همه این جریانات دروغ است ، ازاینکه شوهر فریب‌خورده وسایر پرسوناژها ابلهانه درمقابل این دروغها عکس‌العمل جدی نشان میدهند شدیدا تفریح میکند . شیللر دریکی‌از نوشته های خود میگوید :

«تمایل شدید انسان بانواع بازیها عامل اصلـــی جلب ایشان بسوی آثار هنری است وهنر نمایش این میل‌انسان را بحدکامل اشباع میکند. »

علاقه مردم بتماشای بازی‌های ورزشی مخصوصا فوتبال ، بوکس ، کشتی وانواع بازیهائی که دو حریف در مقابل یکدیگر قرار میگیرند وپیروزی یکطرف موجـــب شکست طرف مقابل میگردد دلیل برصحت این قاعده است.

بنابراین هنرنمایش فقط هنگامی تاثیر دراماتیك خواهد یافت که محتوی آن براساس نزاع و کشمکش‌بنا گردد .

اگر عاشق ومعشوقی را در یك صحنه طولانی در حالت تفاهم کامل درکنار هم قرار دهیم برای تماشاچی خسته کننده وملال‌آور است .

این اصطلاح که (سرچشمه عشق ونفرت‌یکی است) روی صحنه نمایش بشکل بارزی تجلی میکند .

عشاق صحنه نمایش درسیر جریان داستان‌باتضادهای خانوادگی ، اجتماعی واحیانا اختلافات ناشی ازسوء تفاهم که بین آنها بروز میکند درجنگ وستیزند . تمام عواملی‌که بنحوی از انحاء بعنوان سد راه پیوند زناشوئی عشاق تظاهر میکنند برای آن دو دلباخته نفرت انگیزاست . کشمکش عشاق با عوامل مخالف یانزاع عشق ونفرت تا صحنه آخر که دو دلباخته شاهد پیروزی را درآغوش میکشندادامه دارد . درام نویسان مدرن حتی درصحنه آخر که باید کشمکش خصمانه پایان یابد ولحظه آشتی‌نمایان گردد، راز دارانه بیك اشاره مبهم‌که نشان دهنده پیروزی است اکتفا میکنند زیرا پایان خوشی‌که نقطه ختم اغلب فیلمهای‌آمریکائی وبازاری راتشکیل میدهد مبتذل وچندش‌آور است .

صحنه های عاشقانه لیریك (لطیف وشاعرانه) در اوایل داستان مثلا تانیمه پرده اول برای تماشاگر قابـــل تحمل است وپس از آن فقط جریانات هیجان‌انگیز دراماتیك قادربجلب نظر وی‌میباشد .

کشش دراماتیك

بازرگانی را تصور کنید که با اصرار فراوان بمامور وزارت دارائی مالیات میپردازد . چیزی‌که درزندگی هرگز اتفاق نمیفتد واتفاقا همین عمل‌که با واقعیت زندگی روزمره متضاد است روی صحنه موجب جلب توجه بیننده می‌گردد.

مرد مقتدر و مستبدی که بردن نامش لرزه بربدنها میاندازد و درخلوتگاه ازموش میترسد ، کشیش‌کاتولیکی که درخفا صاحب چندین فرزند است ، رئیس سازمان ضد جاسوسی‌که خودجاسوس بیگانگان است ، گدای ژنده‌پوشی که چندین میلیون سکه طلا درکلبه محقر خود پنهـــان‌کرده است و امثالهم مناسب‌ترین شخصیت ها برای داستان هـــای دراماتیك هستند .

درام نویس فقط هنگامی عین واقعیت زندگی را

منعکس میکند که پرده دری وبیرون کشیدن حقیقت از زیر پرده کلمات و قراردادهای اجتماعی هدف نهائی او باشد .

تاتر ازاین نظر که زندگی واقعی را منعکس نمیکند بلکه به‌بررسی تضادهای زندگی میپردازد درواقع مافوق زندگی واقعی قراردارد .

هنر نمایش از آنجهت که دو چهره متضاد زندگی‌را بمردم نشان میدهد میتواند دراجتماع نقش مهم فلسفی داشته باشد . همان مسئله فلسفی مبنی بروجود دوگانه جهان یعنی واقعیت برای ما وواقعیت‌بنفسه‌که کانت‌بجهانیان عرضه داشت، درام نویسان کمدیهای مسخره (فارسی) بطرزی ساده وقابل فهم برای عموم مسائل را آمیخته باشوخی ومسخرگی بیان می‌دارند .

تاتر شیفته برخورد حقیقت با توهمات غلط‌ومشتاق نزاع مقررات کهنه اخلاقی بااعمال صحیح‌تجربی است. در اینمورددرام نویس‌با موشکافی‌درمسائل‌اجتماعی‌بدون‌هیچگونه سازشکاری نقاب از چهره افراد آدمی برمیدارد وحقایق را بعیان درمقابل بیننده قرار میدهد . این افشاگری هرقدر پیچیده‌تر ، بغرنجتر وآزار دهنده‌تر باشد تاثیر در آن‌بیشتر است . درام نویس از طریق برخورد عقاید پرسوناژهای مختلف پرده ازحقایق برمیگیرد . بنابراین شخصیتهای درام باید در سیر جریان داستان هرکدام بنحوی موقع خودرا نسبت بمسئله مطروحه روشن کنند .

رمان نویس میتواند در سراسرداستان اشخاصی را در کنار هم قراردهد بدون اینکه تصادمی بین آن‌ها رخ‌دهدولی دریک اثردراماتیك چنین چیزی ممکن نیست .

نورا درپیس (خانه عروسك) اثر ایبسن درصحنه آخر رو درروی شوهر میایستد ومیگوید : «حالا همه چیز را روشن‌میکنم» بدین طریق زن‌وشوهری‌که دربندقراردادهای اجتماعی رنج میکشیدند ودم نمیزدند ، ناگهان زنجیرهای نامرئی اسارت اخلاقی را پاره میکنند ، تمام دروغها ورلهائی که برای یکدیگر بازی کرده‌اند افشا مینمایند وحقایق عریان را روی دایره میریزند .

نشاندادن حقیقت ، حقیقت عریان وظیفه و نقش فلسفی تاتر است . عیان کردن حقایق ضمیر باطن آدمی‌از طریق روانکاوی که از اوایل این قرن مورد توجه علمای روانشناس قرارگرفته است ، دیر زمانی است‌که توسط درام نویسان حتی نویسندگان پیسهای مسخره مطرح گردیده‌است. مثلا درپیس کمدی (معشوق من مادرم) اثر (Verneuil) جوانی متعصبانه رفتار نامادری خود را کنترل میکند. او معتقداست‌که فقط برای حفظ شرافت وحیثیت پدرش این پاسبانی را بعهده گرفته است . اطرافیان این جوان از وجنات واعمال او باحساس عاشقانه عمیقی که نسبت بنامادری دارد پی میبرند وخودش باین حقیقت واقف نیست . سرانجام هنگامیکه دریك لحظه دراماتیك نامادری را درحال عشقبازی با مردی می‌بینند ، آن مرد حقیقت را باومیگوید وباینطریق قهرمان بطور غیرمنتظره بحقیقتی که فقط برای اومکتوم بود واقف گشته مجبور باعتراف میگردد .

رفتار واعمال قهرمانان این پیس جالب است زیرا عامل عشق و نفرت‌که قبلا بدان‌اشاره شددروجودیك‌شخصیت جمع شده است . یعنی جوان نامبرده درراه عشق سوزان خود برای رسیدن به‌هدف علیه معشوقه مبارزه میکند .

در پیس دیگری بنام (شوهرم) اثر Géraldy قهرمان ازانتخاب زوجه آینده خود عاجز است با زن شوهرداری که «بتصور قهرمان» فقط بعنوان یك دوست‌باو علاقمند است در این باره مشورت میکند وبرطبق پیشنهاداو با دختری ازدواج مینماید . پس از عروسی باین حقیقت باطنی خود که تنها زن مورد پسند اوهمان زن شوهردار است آگاه میگردد . البته پرسوناژهای دیگر مخصوصا شوهر حسود آن زن وتماشاگران سالن ازابتدای امر باین حقیقت وقوف دارند . فقط قهرمان ازاحساس نهانی خود بی‌خبر است وهنگامی بحقیقت احساس باطنی خود پی میبردکه ازدواج صورت گرفته وکار ازکار گذشته است. زن شوهردارکه متقابلا عاشق قهرمان است ازآنجا که درملاقاتهای آن‌ها همیشه مشورت درباره انتخاب نامزد مطرح میشده استامکان بازگوی حقیقت را نداشته و باین طریق بوضع نابسامان و ناراحتی دچار میگردد .

در مثال بالا مؤید این قاعده دراماتیك نیز هست‌که عدم آگاهی ، سوء تفاهم واشتباه میتواند وسیله پیدایش‌گره دراماتیك گردد .

خطای تراژیك

وضع وموقع دراماتیك براثر برخوردها وتصادمها بوجود میآید وتصادمها براساس خطای تراژیك استوار است .

خطای تراژیك چیست ؟ بهتر است با یك مثال مطلب را روشن کنیم :

اگر دیوار کوچه روی عابر بیچاره‌ای خراب شود غم‌انگیز است ولی دراماتیك نیست . حادثه مورد مثال هنگامی جنبه دراماتیك بخود میگیرد که عابر مزبور تاحدی خود مسبب این بدبختی باشد مثلا درصورتیکه قبلا باوگفته باشند از زیراین دیوار شکسته عبور نکن خطرناك است.

هوگو دینژر Hugodinger دراینباره چنین میگوید: «ناکامی قهرمان دراماتیك دررابطه مستقیم با یکی ازخطاهای اوست . درصورتیکه قهرمان خود مسبب‌بدبختیهای خویش باشد سرگذشت او برای تماشاگر تراژیك جلوه میکند. مصیبت بی‌گناه فقط تنفر تماشاگر را نسبت بعوامل ظلم برمی‌انگیزد ولی عاری ازهیجان دراماتیك است . حدت مصیبت قهرمان دراماتیك باید باندازه کیفیت خطای او باشد . » سرنوشت تراژیك شخصیت‌هائی نظیر سقراط و مسیح که هردو بی‌گناه محکوم بمرگ میگردند دراماتیك نیست زیرا این حادثه غم‌انگیز براثر اشتباه یا خطای آنها بوجود نیامده است . درواقع دراین دوسرنوشت غم‌انگیز خطای تراژیك وجود ندارد . مصیبت‌بی‌گناه برای قطعات منظوم و شاعرانه مناسب است. برعکس‌سرگذشت‌پرماجرای‌خطاکاران بکرات سوژه آثار دراماتیك قرارگرفته است.

هگل میگوید : «قهرمان تراژدی درست بهمان اندازه که بی‌گناه است خطاکاراست . برای این قهرمانان که براثرخطای خویش بمصیبتی‌گرفتار میشوند ، عقوبتی بالاتر ازعذاب ندامت وپشیمانی متصور نیست.»

بنابراین محتوی تصادم وپیکاری‌که وضع وموقع دراماتیك را بوجود میآورد ، خود ناشی ازخطای تراژیك قهرمان است . فقط قهرمانان سبك‌ترین پیسهای مسخره بصورت آدمکهای بی‌گناه وعاری ازخطا نمایان میگردند.

(نصرت کریمی ـ ایتالیا)

پاك کن

از : فه رنتس‌مولنار

نویسنده مجار

دربارهٔ نویسنده

نویسنده مجار به قول توماس‌مان نویسنده‌ئی است که مردم را سرگرم میکند مولنار بـرای توده می نویسدونوشته هایش در عین سادگی عمیق است. نمایشنامه هائی کـه تهیه کرده همیشه با اقبال عامه مواجه بوده است .گرچه مردم‌مجار او را یك نویسنده خوب میشناسند، در خارج از کشورش به عنوان یك «درام نویس» شهرت دارد. وی بسال ۱۸۷۸ متولد شده و در رشته حقوق تحصیل کرده اسـت. از هنگامی که بیست سال داشت، در روزنامه های مجار ، آثاری‌از او به چاپ رسید که حاکی از روحی زنده و پرهیجان بود . نخستین اثـر او بنام « شیـر گرسنه » با موفقیت فوق‌العاده‌ای مواجه شد . مولنار عاشق مجارو هم وطنان خودش بود وبه معنای واقعی کـلمه «مجارستانی ها را دوست داشت ». نمایشنامه بـزرگ او بنام «بچه های کوچه پـال» تقریبا به همه زبان های زنـده ترجمه شده است .

فاشیسم ، مولنار را بر آن داشت که زادگاه خود را ترك گوید و دور از وطنی که می پرستید چشم از دنیا فرو بندد ... « پاك کن » اثری کوتاه و در عین حال‌عمیق از این نویسنده است که به صورت نمایشنامه ئی نوشته شده .

اشخاص : پدر وپسر

صحنه : دفتر کار پدر . روی میز پاك کن دورنگی قرار دارد که یك طرف آن خاکستری روشن و طرف دیگرش خاکستری تیره است . طرف روشن برای پاك‌کردن مداد و طرف تیره برای پاك‌کردن مرکب است .

پدر سرگرم ایراد نطق غرائی است و در دستش پاك‌کن را می چرخاند .



پدر

ــپس تو ساعت شش آمدی ؟

پسر

ــبلی پدر

پدر

ــ و گفته بودی که معلمت قبل از ساعت شش نخواهد آمد، اینطور نیست ؟

پسر

ــ بلی پدر

پدر

ــ اما ... معلم گفته بود که ساعت پنج خواهد آمد، بنابراین آمد، منتظر شد و بعد رفت . پس‌تو دروغ گفته‌بودی !

پسر

(چشمش به پاك کن می‌افتد)

پدر

ــ دروغ گفته بودی

پسر

[مسحور مداد پاك‌کن]

ــبلی پدر

پدر

ــتو دروغ گفته‌ای و این خیلی مهم است مهمتراینکه ناشیانه دروغ گفتی زیرا میدانستی که معلمت ساعت پنج خواهد آمد وتو خیلی زود رسوا شدی برای چه دروغ گفتی ؟

پسر

(باخودش حرف میزند)

ــ میدانم که طرف روشن برای پاك کردن مداد است اما آنطرف تیره رنگ چه مصرفی دارد ؟ تابحال مداد پاك‌کن اینطوری ندیده بودم .

پدر

ــ بمن بگو برای چه دروغ گفتی !

پسر

ــ بلی پدر (باخودش) آیا هردو قسمت بهم چسبیده است ؟نـه غیر ممکن است .آن قسمت تیره را رنگ کرده‌اند ؟ نه احمقانه است . بااین همه دلم میخواهد بدانم چطور ساخته شده!

پدر

ــ اینقدر بیم نداشته باش کوچولوی من .ترا نمی خورم،ببینم! بمن با شهامت وباصمیمیت مثل‌یك مرد جواب بده. به چشمانم نگاه کن ! نترس ، کتکت نمی زنم ، فقط میخواهم ترا تربیت کنم. در زندگی باید همیشه حقیقت را گفت خوب تو چشمهایم نگاه کن . نترس ، برای چه دروغ گفتی؟

پسر

برای اینکه ... برای اینکه .. (باخودش): آن قسمت تیره فقط

بعنوان دسته بکار میرود ؟غیر ممکن است ، زیرا درنتیجه مالش آنهم مصرف میشود . آنهم پاك‌کن است ولی حتما پاك‌کن مضحکی است که اینطور رنگ آمیزی شده .

پدر

ــ **(باخودش)** : چه بچه باشخصیتی ، چه وجدانی ! با این‌آرامی که از آن آرامتر نمیشود بااو حرف میزنم ولی او میلرزد و میترسد زیرا نتیجه کار را میداند .. میگویند که نگاه صائب و نافذی دارم و همین نگاه در محکمه خیلی بدردم میخورد . متهمین همیشه میلرزند خصوصا وقتی بچشمهایشان دقیق میشوم مشوش میشوند . ولی اینجا که نه من قاضی هستم ونه پسرم‌متهم . باید خیلی ملایم‌تر بااو رفتار کنم (خیلی ملایم) پسر کوچکم بگو که از دروغی که گفته‌ای متاسفی!

پسر

ــبلی‌پدر**(باخودش)** زوداظهار تاسف‌کنم، زودتر فرار کنم ؛ زود عذر بخواهم ،هرچه میخواهد بکنم طوریکه ماجری ختم‌شودووتا بیرون رفت بروم واین پاك‌کن را از نزدیك ببینم.

پدر

ــ دیگر دروغ نخواهی گفت ؟

پسر

ــ نه پدر .

پدر

ــ و عاقل خواهی بود ؟

پسر

ــ بلی پدر

پدر

ــ خوب پس ترا تنبیه نمیکنم کوچولو ،اما برای اینکه این‌روز را فراموش نکنی صد خط جریمه میشوی ، باید صدبار بنویسی:

پسر

ــ بامداد یا مرکب ؟

پدر

ــ با مرکب . می بینم که‌پسر باشرفی هستی و علیه‌این مجازات اعتراض نمی کنی . حال اگر مؤدبانه عذربخواهی این‌جریمه رانیزلغو میکنم . **(باخودش)** بااین جور بچه‌ها باید ملایم رفتار کرد. خمیره‌اش خوب است . منهم مثل او بودم .

پسر

ــ **(باخودش)** اگر عذر بخواهم قضیه پاك کن مالیده است !

پدر

ــ خوب ؟

پسر

ــ من نوشتن صد خط را ترجیح میدهم پدر .

پدر

ــ چطور ؟ تونمیخواهی از من عذر بخواهی؟



پسر

ــ نه پدر .

پدر

ــ **(باخودش)** عین خودم است . عینا مثل خودم ! او حاضر نیست این ترحم را که به وجدان او لطمه میزنند بپذیرد . منهم مثل او بودم ! ولی درمقابل پدر نمیشود نادیده گرفت **(به پسرش)** پس تو نمیخواهی معذرت و پوزش بطلبی ؟ نمی فهمی که خطاکار هستی ؟

پسر

ــ **(باخودش)** قطعا مرکب را پاك میکند ولی من آنطرف تیره را روی مداد هم امتحان میکنم !

پدر

ــ کوچولوی من جواب بده . سکوت بر شخصیت تومی افزاید ولی در مقابل پدرت باید حرف بزنی. من يك قاضی هستمو در عین حال دوست تو .

پسر

ــ **(باخودش)** نباید سرم کلاه برود ، اگر این کار را بکنم تنبیه را ملغی میکند و آن وقت دیگر نمی‌توانم در دفتر کارش‌بمانم. يك‌کمی از آن پاك کن را باچاقویم خواهم برید ؛خیلی کم ،او چیزی نخواهد فهمید .

پدر

ــ ببینم ، توبمن اعتماد نداری ؟

پسر

ــ **(باخودش)** آن وقت جای بریده شده را سیاه میکنم که او نفهمد .

پدر

ــ بازهم لجاجت می کنی ؟ خوبست **(خوشحال میشود . باخودش)** عین اوبودم ، کاملا مثل او !

پسر

ــ پدر ، من ..

پدر

ــ خوب چی ؟

پسر

ــ من‌صدبار جمله را رونویس میکنم .

پدر

ــ **(باخودش)** خوب شد ، باید استفاده کرد . راضی هستم که او **پوزش نخواست !**باید فقط صد خط جریمه را بنویسد من نیز ترجیح میدادم که شکنجه را تحمل کنم ولی حقیر و کوچك نشوم (خیلی جدی و محکم به پسرش)پس تو صدبار جمله «نباید هرگز دروغ گفت » را می نویسی . خیلی زود و پیش ازآنکه جریمه را تمام کنی شام نخواهی خورد .

پسر

ــ بلی پدر . پنجاه خط بامداد پنجاه خط بامرکب .

پدر

ــ برای من فرق نمیکند . فوری اینجا بنشین ،توی همین اطاق وتو سرمیز شام نخواهی آمد مگر اینکه جریمه‌ات را تمام کرده‌باشی زودباش مشغول کار شو (پسر پشت میز مینشیند و پدر بطرف در میرود) .

ــ **(باخودش)** او خیط نکرد . راضی بود ! ازاینکه خودش را تحقیر نکرد ! آه که چقدر راضی هستم راضی از او !چه‌شخصیت عالی دارد (خارج میشود) .

پسر

ــ بالاخره رفت .

۲

یك ساعت بعد ....

پدر

ــ خوب ! جریمه تمام شد ؟

پسر

ــ بلی پدر ــ اما من ده خط اشتباه کردم. یکصدو ده خطجریمه نوشتم و حالا مشغول پاك کردن آن ده خط هستم پنج خط مدادی و پنج خط مرکبی (پسر با خوشحالی سرگرم پاك کردن خطوطاست).

پدر

(باخودش) آه که چقدر این بچه دقیق وباشرف‌است ! چه زحمت خارق‌العاده‌ای ! اخلاق ، وجدان ، اطاعت ...عینا مثل‌خودم، بدون‌کم و زیاد ! او باید مثل من قاضی بشود **احساس خشنودی میکند** و سر پسرش را میبوسد .

زن لال و شوهر کر

از : آناتول فرانس

کمدی در سه پرده

پرده اول

لئونارد بازپرس عدلیه دراطاق خود نشسته‌ومشغول مطالعه اوراق پرونده ومراجعه بکتابهای‌حقوق‌وقوانین‌جزائی است (دراین هنگام مستخدم واردمیشود.)

مستخدم ــ آقای آدم میخواهد خدمتتان‌برسد.

لئونارد ــ آدم ؟ همکلاسی‌ام درمدرسه. بگوئید بفرمایند (بازپرس وآدم همدیگر را در بغل میگیرند) .

لئونارد حالت چطور است ؟ سال هاست تو را ندیدم.

آدم ــ الحمداله ....

لئونارد ــ عزیزم تقصیرازمن‌است من‌مقصرم‌ولی‌البته کارهایم زیاد است ... حالا هم که مزاحم شده‌ام علت‌دارد. میخواستم عرض کنم‌که قوم و خویش‌های یك‌بچه‌تصمیم‌دارند که ثروت او را بخورند.

اکنون پرونده آن خدمت شماست امیدوارم براین کودك یتیم رحم کنید ونگذاریدکه یك مشت‌گردن‌کلفت زندگی اورا بچاپند.

لئونارد ــ ترا بخدا این صحبت‌ها را الآن کنار بگذار راستی یادداری وقتی‌که باهم در دانشکده اورلئان بودیم باهم درس حقوق میخواندیم.

آدم ــ و میخندیدیم وخوش بودیم(هردو با هم خندیدند) خوب عزیزم بگوببینم چکار می کنی ؟

راستی چطور هنوز تنهائی ؟ هنوز بفکر ازدواج نیفتاده‌ای ؟

لئونارد ــ عجب ؟ تو مگر نمیدانی من زن‌گرفته‌ام ماه‌گذشته بایك دختر زیبای دهاتی که ازیك خانواده بسیار معروفی است ازدواج‌کردم او دختر هفتم کلنل «سادانی»

است هم زیبایست‌وهم‌فهمیده فقط یك عیب‌دارد وآنهم‌اینکه‌لال است این مساله مرا ناراحت کرده‌است .

آدم ــ زنت لال است !

لئوناردــ آری بانهایت تاسف!

آدم ــ لال بتمام معنی؟

لئونارد ــ لال مثل یك ماهی ، من مخصوصا او را گرفتم زیرا علاقه دارم همیشه کار کنم و از زنی که خیلی حرف بزند بدم میآید ، این جور زنها همیشه وقت شوهرشان را با حرفهای بی ربط وپرچانگی زیاد میگیرند اما حالا پس از تجربه زیاد باین نتیجه رسیده‌ام که زندگی با این زن لال مصیبت عظیمی است ما همیشه با اشاره با یکدیگر حرف‌میزنیم این زن خنده‌آور وازطرفی خسته‌کننده است گوشهای او خوب حس میکند و وزش کوچکترین نسیمی را میشنود اما ازلحاظ صحبت فقط با اشاره این موضوع صورت می‌گیرد .

آدم ــ این مساله مایه تاسف است.

لئونارد ــ وغم‌انگیز است وقتی با او حرف میزنم دیوانه میشوم جز با اشاره‌کاری نمیتوانم انجام بدهم ... خیلی زحمت است .

آدم ــ تو بمن گفتی که او خوب میشنود، ولی حرف نمیتواند بزند فکر میکنم میتوان او را شفا داد اینجا دکتری است‌که تخصصش درمورد کر و لال‌ها است اتفاقا بشما هم خیلی نزدیك است‌تصادفا چند سگ را هم امتحان کرده و عملیاتش رضایت‌بخش بوده است ، پس ازآن این آزمایش را در چندنفر انسان هم انجام‌داد ونتیجه‌خوبی گرفت او رگی را که مانع حرف زدن میشود میبرد و شخص‌میتواند حرف بزند.

لئونارد ــ راست میگوئی عزیزم .

آدم ــ مطمئن باش .

لئونارد ــ پس هم اکنون پزشك را صدا میکنم (پزشك حاضر شد عملیات جراحی را انجام داد وپس‌ازچندی خانم **لئونارد** خیلی شیرین وروان حرفزد) .

پرده دوم

(**لئونارد** و**آدم** درسالن هستند)

آدمــ آیا عمل جراحی با موافقیت انجام شد؟

لئوناردــ آری .

آدم ــ پس ازاینکه توانست حرف بزنداولین‌صحبتی که کرد چی‌بود ؟

لئوناردــ گفت آئینه بدهید ببینم .

سپس بطرف من متوجه شد و بازگفت:

عزیزم آیا پیراهنی از مخمل فاخر برایم میخری یك کلاه پردار میخواهم ... و..و

آدم ــ اینطور بنظر میرسد که از این جریان‌راضی نیستی .

لئونارد ــ همینطور است نزدیك است دیوانه شوم ابدا از حرف زدن باز نمی ایستد خیلی پشیمانم آه چقدر سعادتمند بودم آنوقت‌که با زن لالم زندگی میکردم .

(**آدم** خارج میشود و مادام **لئونارد** داخل میشود) .

کاترین ــ صبح شما بخیر عزیزم سفارش دادی‌که پیراهن وکلاه برایم بخرند این مرد پیش تو چکار میکرد اسمش چیست ؟

زن دارد ؟ این کاغذها چیست؟ باز شکایت مردم است ؟

لئونارد (تصمیم می‌گیرد حرف بزند ولی زنش صحبتش را قطع میکند.)

کاترین ــ این شکایت و عرضحال آن کودك یتیم است؟

آها علاقه این آدم وکیل عدلیه باین قضیه چیست؟

امشب شام سفارش یك ران گوسفند داده‌ام ...

یك غاز هم پهلوی آن است بنظر شما کافیست؟

آخرزندگی‌گران است ، نمیشود چیزخرید‌ــ باید صرفه‌جوئی کرد و جلوی مخارج زائد را گرفت **لئونارد** دستهایش‌راروی گوشش میگذارد خدایا خدایا این چه مصیبتی است .

کاترین ــ چه‌میگوئی .

لئونارد ــ ازقضیه این‌کودك بیچاره متاثرم **لئونارد** (طبیب را مخاطب قرارداد) .

آقای دکتر از لطفی که نسبت بزنم فرمودیدمتشکرم ولی پس ازشفای او علاقمند شده‌ام کر بشوم زیرا خانم بدون انقطاع مثل ماشین حرف میزند .

دکتر ــ این اتفاقا علاجش خیلی آسان است راستی میخواهید کر بشوید ؟

یك‌گردی است‌که بمجرد اینکه درگوش بگذارید قوه شنوائی خود را ازدست میدهید ولی شماکه یك قاضی برجسته وفعال دادگستری هستید بشنوائی احتیاج مبرمی دارید شما قاضی بزرگی هستید.

لئونارد ــ خیر خیر حداقل نفعی‌که ازاین راه‌عاید من میشود ، اینست‌که ازجار وجنجال قضات عدلیه ووکلای مدافع و شاکیان راحت میشوم ، اولا دروغهای آن‌ها را نمیشنوم ...

آنوقت حکمی‌که صادر میکنم عادلانه‌تر ومنصفانه‌تر است .

خواهش میکنم لطف بفرمائید وآن گرد آسمانی را درگوش من بریزید ، خواهش میکنم .

(پزشك خارج میشود.)

پرده سوم

(بازپرس ، **آدم** ، دکتر وعده‌ای از دوستان آنها حضور دارند و خانم بلاانقطاع حرف میزند) .

لئونارد ــ (درحال ناراحتی) خدایا کی این زن ساکت میشود ؟

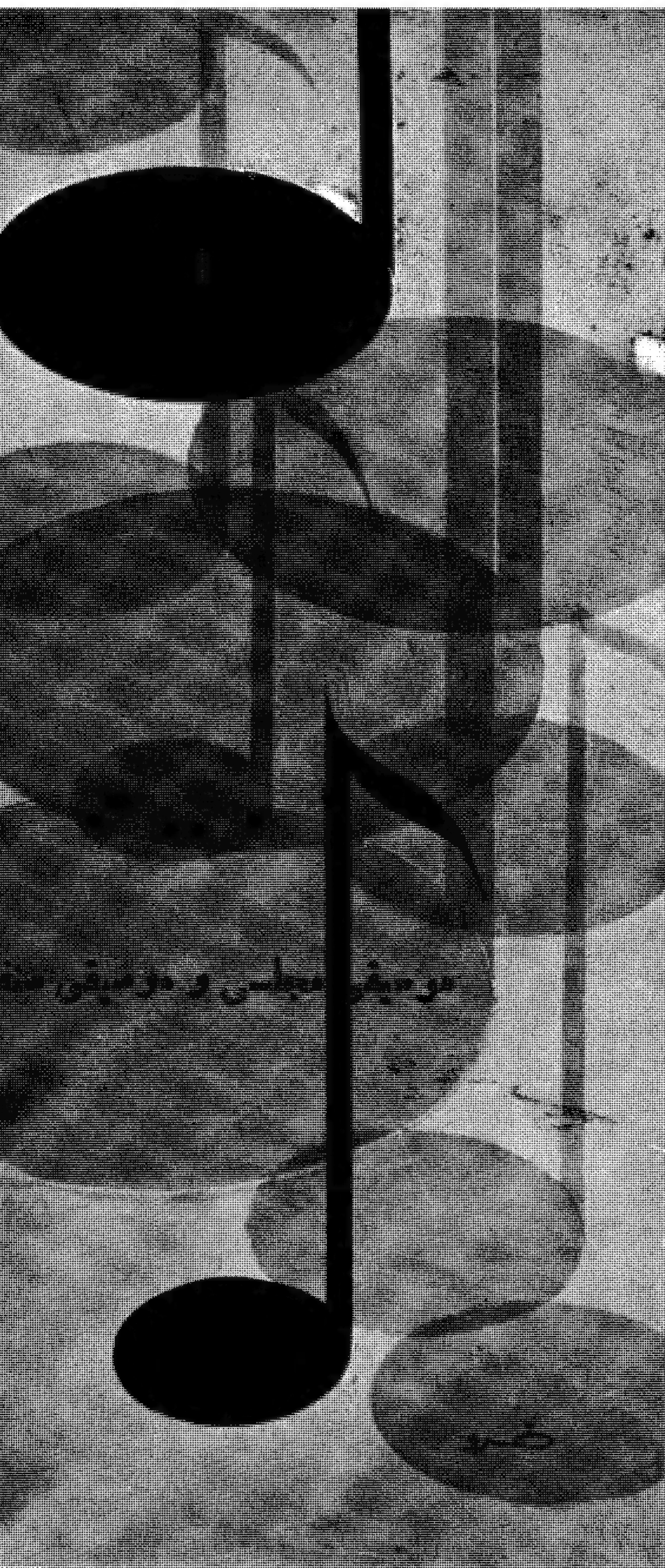
(**کاترین** همینطور حرف میزند.)

آقای دکتر شما را بخدا آن گرد را مرحمت کنید . (دکتر گرد را درگوش بازپرس میریزد.)

کاترین ــ (درحالی‌که نمیداند چه شده است) عزیزم ، معبودمن ... ترا می‌پرستم ، الطاف ترا هرگز فراموش نخواهم کرد... عزیز دلم .

لئونارد ــ (چیزی نمی‌شنود) خدا را شکر واقعا کری چه نعمت بزرگی است !

(پرده می‌افتد)



اصطلاح «موسیقی مجلسی» یا «موسیقی اتاقی» به‌آثاری اطلاق میشودکه دراتاق نسبتا کوچکی اجرا میگردند وبرای اجرای آنها به‌ارکستر یا دسته همسرایان عظیمی نیاز نیست . ازاینرو تمام آثاری راکه برای یك ساز تنها ، که با پیانو همراهی میشود ، نوشته شده‌اند میتوان درزیرعنوان «موسیقی مجلسی» جای داد گواینکه درطول سالیان‌رفته‌رفته رسم شده است‌که این قبیل آثار را درتالارهای بزرگی‌که گنجایش دوستداران آثار موسیقی را داشته باشد اجرانمود.

درمیان سازهای «موسیقی مجلسی» پیانو ازهمه متداول‌ترست اما اشکال عمده‌یی‌که درمورد این ساز موجود است آن است‌که نوازنده‌ی پیانوکنترل کاملی برمایه (تن) صدا ندارد زیرا بلافاصله پس ازآنکه برتستی پیانو نواخت صدایی‌که ازآن برمیخیزد رفته رفته درجحم محومیشود مگر آنکه نوازنده با مهارت بسیار زیاد باکمك «پدال» های پیانو بتواند «رنگ» خاص آن مایه را ایجاد وحفظ‌کند.

استاد نابغه‌ی پیانو «شوپن» ، آهنگساز لهستانی (۱۸۱۰ـ ۱۸۴۹) بودکه درآثار خود با «تزئین‌ها» و«همراهی‌ها» (آکومپانیمان) به‌دوستداران این ساز نشان دادکه چگونه میتوان رنگ‌آمیزی مایگی پیانو را تنوع بخشید. «شوپن» هنوز نیز آهنگساز مورد ستایش پیانو نوازان وشنوندگان دوستدار موسیقی است و«**اتودها**» (آهنگ سازی یا آوازی برای‌تمرین) و«**پرلودها**» (پیش درآمدیك قطعه موسیقی)، «**والس‌ها**» ، «**شبانه‌ها**» ، (منظور ازشبانه همان نوکتورن است‌که درقرن نوزدهم شوپن وچند آهنگساز دیگر این واژه را عنوان آهنگهایی نهادندکه«فرم» آزاد وحالت عاشقانه وخیال‌انگیزی داشته باشد وبرای پیانو ساخته شود . اصل این لغت از به‌معنای شب است) ، «**سکدتزوها**» (آهنگ نشاط‌انگیز وتند با ضر) ، «**مازورکاها**» (رقصهای محلی لهستان با ضرب یا که اولین‌بار شوپن‌که تقریبا ۵۵ آهنگ درین مایه‌ها تصنیف کرده به‌کنسرموسیقی آورده شد) «**پولونزها**» (رقصی‌که در آغاز جشنهای اشرافی لهستان صورت میگرفت وآهنگهایی که ازروی‌ضرب وحالت این رقص ساخته شده) که توسط او تصنیف شده هم بواسطه‌ی قدرت ابداعی که درآنها به‌کار رفته وهم به‌سبب مهارتی‌که شوپن دربکارگرفتن امکانات «تکنیکی» پیانو درآنها نشان داده بی‌نظیر ودرنوع خود یکتا هستند.

روش انقلابی «شوپن» درپیانو به‌توسط «دبوسی» (آهنگساز امپرسیونیست فرانسوی ۱۸۶۲ـ ۱۹۱۸) ، «راول» (آهنگساز ۱۸۷۵ـ۱۹۳۷) و«سکدیابین» (موسیقیدان‌روسی ۱۸۷۲ ـ ۱۹۱۵) پرورده شدوتحول‌تازه‌تری‌یافت. «شومان» (موسیقدان وناقدشده۱۸۱۰ـ۱۸۵۶) و«مندلسون» (۱۸۰۹ـ

از : سیگموند سپیت

ترجمه : مقبل

۱۸٤۷) و«لیست» (۱۸۱۱—۱۸۸٦) نیزازجمله‌موسیقیدانانی بودندکه علاقه‌ی خاصی نسبت به‌پیانو ازخود نشان میدادند.

درمیان آثاری‌که برای پیانو (وسازهای‌ابتدائی‌تری مانند هارپسیکورد و کلاویکورد) نوشته شده است قطعات بسیار درخشانی یافت میشوند . آهنگسازان معروف به «رومانتیك» مانند «شوبرت» (۱۷۹۸—۱۸۲۸) و «وبر» (۱۷۸٦— ۱۸۲٦) قطعات دلربایی برای این ساز آفریدند وخالقان نابغه‌یی مانند «بتهوفن» (۱۷۷۰— ۱۸۲۸) و «موتزارت» (۱۷۵٦ — ۱۷۹۱) « شومان » ، « لیست » ، «شوپن»، «چایکوفسکی» (۱۸٤۰— ۱۸۹۳)، «راخمانینوف» (آهنگساز قوی دست روسی ۱۸۷۳—۱۹٤۳) «کنسرتو»های پیانوی عمیقی آفریده‌اند که دربعضی آنها البته نقش ارکستر به‌مراتب ازساز مزبور بیشتر است.

(کنسرتو فرمی است از موسیقی که در آن یك ساز تنها به مقابله‌ی ارکستر مینوازد) .

بعد از « پیانو » سازی که بیشتر برای آن آهنگ تصنیف شده «ویلون» است. «ویلون» درکشور ایتالیا تکمیل شد ومیتوان گفت‌که نخستین آثار برجسته‌یی هم‌که برای‌این ساز به‌تنهائی تصنیف شدند آفریده‌ی ذهن هنرمندان ایتالیایی بودوهنوزهم نام استادانی مانند «استرادیواریوس» (۱٦٤٤—۱۷۳۷) در این زمینه میان هنردوستان مشهور است . از میان استادان زبردستی‌که «سونات» (نوعی ازموسیقی سازی‌است که از سه‌بخش تشکیل شده: دربخش اول «تم» یا «موتیف» اصلی سونات ارائه میشود وبسط می‌یابد ، دربخش دوم‌سونات لحن آرامی دارد وبا تنوع (Variation) تم همراهست، بخش سوم‌که آهنگ تندی آغاز میشود وبا دنباله (Coda) پر سروصدای پایان می‌یابد.

سونات را میتوان درموسیقی سازی معادل ومقابل کانتات درموسیقی آوازی دانست) های ویلن دل‌انگیزی‌ها پدید آورده‌اند میتوان به «هایدن» (۱۷٤۲ — ۱۸۰۹) و «موتزارت» و«بتهوفن»، «شوبرت»، «شومان» «گریگ» (آهنگساز نام‌آور نروژی ۱۸٤۳ — ۱۹۰۷) و«سزارفرانك» (آهنگساز بلژیکی ۱۸۲۲ — ۱۸۹۰) اشاره‌کرد.

برجسته ترین «کنسرتو»های‌ویلون‌را «موتزارت»، «بتهوفن» «مندلسون» ، «لالو» (۱۸۲۳ — ۱۸۹۲) «چایکوفسکی» نوشته است . «پاگانی‌نی» (۱۷۸۲—۱۸٤۰)هنرمندایتالیایی) را بزرگترین نوازندگان ویلون میدانند وآثار او هنوزهم مورد اقبال دوستداران موسیقی وبخصوص ویلون است.

آثاری‌که برای ویلونسل نوشته شده به‌نسبت‌کمتراز آثاری است که برای «پیانو» و«ویولون» تصنیف‌گردیده.

«پیانو» ، «ویولون» و«ویولونسل» سه ساز زهی هستند که از قدیم آثار زیبایی به‌فرم « تریو » (نوعی‌آهنگ موسیقی سازی است که همچنان که ازنامش پیداست برای‌سه ساز نوشته میشود) برای آنها ابداع شده و در این زمینه آهنگسازانی مانند «هایدن» و«موتزارت» و«بتهوفن» بخصوص چابك دست بوده‌اند.

همین آهنگسازان در تصنیف آهنگهایی برای «**کوارتت زهی**» (**آهنگی‌که برای چهارساز زهی ساخته‌شده**) نیز قویدست بودند.

درکوارتت‌های زهی معمولا یك «ویلون‌دوم» ویك «ویولا» به «ویلون‌اول» و«ویلونسل» اضافه میشود. با اضافه کردن «پیانو» به‌سازهای یك «**کوارتت زهی**»آهنگ تازه‌یی که «**کوینتت**» (Quintet) خوانده میشودبه‌وجود می‌آید . «شومان» و«فرانك» و«براهامس» (که‌به‌سومین «ب» عالم موسیقی معروف است ، دو«ب» دیگر «بتهوفن»و «باخ هستند» در۱۸۳۳ بدنیا آمد ودر۱۸۹۷ دروین بدرود زندگی‌گفت) و«دورك» (۱۸٤۱ — ۱۹۰٤) آثار بسیار ارزنده‌یی برای «کوینتت» نوشته‌اند بر تعداد سازها به همین ترتیب میتوان افزود وفرمهای تازه‌یی به‌نامهای«**سکستت**» (شش‌تائی) ، «**سپتت**» (هفت‌تائی) «**اوکتت**» (هشت‌تائی) پدیدآوردکه البته رفته رفته ازین میان ارکستر کوچکی ایجاد میگردد.

آثار «موسیقی مجلسی» را میتوان درمنزل با سازهائی‌که دردسترس است اجراکرد. اجرای «**تریو**» و «**کوارتت**» های زهی معمولا خالی از اشکال است وباافزودن یك «فلوت»، «ترومپت»، «کلارنیت»وشایدیك «ترومبون» میتوان یك ارکستر کامل برای‌اجرای آثار«موسیقی‌مجلسی» ترتیب داد.

***

اگر از دیدگاه شنونده‌ی دوستدار موسیقی‌بنگریم «موسیقی سنفونیك» جالب‌ترین انواع موسیقی است زیرا که این موسیقی به‌اصطلاح «پاك»ترین و«سره»ترین انواع موسیقی‌است وبه‌شنونده‌ی موسیقی امکان برداشت‌های تخیل‌آمیز لذت‌انگیز وتعبیرهای عمیق واصیل را میدهد. میتوان گفت‌که «سنفی» درواقع همان «سونات» است‌که برای ارکستر نوشته شده اما هرسنفی معمولا چهار بخش داردحال آنکه سونات (چنانکه اشاره شد) بیش از سه بخش ندارد.

به‌همین ترتیب میتوان گفت‌که یك «**کنسرتو**» نیز یك «**سونات**» است ، منتهی سوناتی‌که برای یك ساز تنها به‌همراهی ارکستر نوشته شده.

اولین بخش (موومان Movement) **یك«سونات»** یا «**سنفی**» یا «**کنسرتو**» همان شکل منظم سونات راداردکه ازآن بااشاره‌یی گذشتیم . بخش دوم معمولا آرام است‌که یا

بقیه در صفحه ۷۰٤۰۰۵.

رضا جرجانی



رابطه موسیقی با هنرهای دیگر

روابط بین آن دسته ازهنرهای زیباکه تابع وزن هستند تحت تاثیر سه عامل لاینقطع درتغییر است.

این سه عامل عبارتست از :

۱ــ توسعه اصول فنی .

۲ــ ظهور هنرمندان بزرگ .

۳ــ بروز حوادثی‌که مفهوم جدیدی بزندگانی میدهند وازاین راه تاثیر عمیقی درهنرهای زیبادارند.

بین عوامل دسته سوم ، طلوع مذهب عیسی اختلال شدیدی درعالم هنر ایجاد نمود. این مذهب توجه خاصی بعالم روحانی نشان داد وعالم جسمانی را درنظرهاکوچك شمرد. رقص راکه درحقیقت حلقه اتصال بین هنرهائی است‌که بـا زمان سروکار دارند (مثل موسیقی) وهنرهائی‌که درمکان بوجود می‌آیند (مثل حجاری وتاتر ومعماری) تحریم‌کرد وبدینوسیله وحدت باستانی هنرهای زیبا را از میان‌برداشت.

ولی غلبه عالم معنی بردنیای زیبای ماده ورجحان امور باطنی براموز ظاهری ، برای توسعه موسیقی مفید واقع شد بنحوی‌که درطبقه بندی هنر درقرون وسطی ، فقط موسیقی از میان سایر هنرها ، در عداد صنایع ظریفه قـرار گرفت وهم تراز علوم استدلالی محض یعنی ریاضیات وهندسه وستاره شناسی بشمار آمد.

موسیقی ، در مذهب مسیح ، وسیلـه مستقیم تهییج روح است بدون این که عامل موثر ، برای رسیدن بمنظور خود ، احتیاجی بتجمع ماده‌ای داشته باشد سعی عیسویت براین مبذول شدکه موسیقی را ازشعر ورقص جدا سازد تـا بتواند انسان را متوجه عالمی‌گرداندکه ازعالم ماده جداست وکلمات درآنجا راه ندارند وتاثیری نمیکنند.

عیسویان ، با داخل کردن موسیقی در ضمـن سایر فرائض دینی پی باین نکته بردندکه مبداء این هنررا باید در عالم عرفان جستجو کرد . بعقیده هردر Hérder لزوم جمع‌کردن حواس برای شنیدن ودرك یك قطعه موسیقی‌وجه افتراق این هنر با سایر هنرهای زیباست ودرعین حال دلیل استقلال وعدم وابستگی آن بهنر دیگری میباشد.

هردرمیگوید «شنونده‌ای‌که با جمعیت‌خاطر بموسیقی گوش میدهد میل نداردکه بداند شخص خواننده یا نوازنده کیست . اصوات ، ازآسمان بدرون قلب او راه می‌یابند واگر بهتر بگویم قلب شنونده با آنها هم‌آهنگ میشود ومیخواند ومینوازد ... » آمبرواز Ambroise یکی ازکشیشان معروف قرن ششم میلادی ، مدعی شدکه «مردم را با جذبـه تحریرات آواز خود می‌فریبد..» قریب دوقرن بعد ، پاپ سن‌گرگوار Sain Grégoire با ابداع نوعی ازآواز مذهبی Grégorien اسمی ازخود درتاریخ موسیقی باقی گذارد . ازاین زمان ببعد عده شیفتگان موسیقی افزوده شد تا اینکه درعصر شارلمانی، که اولین موسس مدارس موسیقی درفرانسه‌است، برعده آلات موسیقی افزوده گردید.

بالاخره درقرن سیزدهم میلادی پس از اختراع علم‌تناسب الحان Harmonie حادثه بزرگی درعالم‌موسیقی رخ داد باین معنی‌که بابکار بردن اصول این علم درترکیب قطعات موسیقی ، ساختن نغمه‌های چند صدائی امکان پذیر شد.

پس از این تحول سازندگان بزرگ ، وزن وضرب قطعات موسیقی را دردرجه دوم اهمیت قراردادند وبااستفاده ازعلم تناسب‌الحان راه دیگری برای بیان معانی بوسیله‌اصوات جستجو کردند.

واگنر Wagner موسیقی‌دان مشهور، درکتابی‌که راجع بزندگانی بتهوون تالیف‌کرده است ، درموردی‌که از موسیقی پالسترینا Palestrina گفتگو میکند ، مینویسد: «برای درك واحساس وزن وضرب درموسیقی پالسترینا ، باید با دقت متوجه سلسله آکوردهائی Accords شد که طبق اصول تناسب‌الحان تنظیم شده است ، بدون این توجه ممکن نیست وزن تحریرات موسیقی پالسترینارا درطول زمان معین احساس‌کرد.»

پس ازاختراع علم‌تناسب‌الحان ، وتوسعه هنرساختن قطعات چند صدائی برای فهم موسیقی سیصد سال اخیر، باید توجه بیشتری بکار برد . براثر بسط اصول فنی موسیقی ، ورهائی آن ازقیود سایر هنرهای زیبا ، مشکل بنظر میرسد که بتوان بکیفیتی آنرا با صنایع ظریفه دیگر آمیخت‌که در عین اختلاط وحدت وشخصیت خود را حفظ‌کند.امتحاناتی که درقرن اخیر برای ترکیب کردن موسیقی با هنرهای دیگر، مثل اپرا ــ سینما ــ بالت ، بعمل آمده ، نتیجه مطلوبی نداده است ، زیرا توجه بصحنه‌های نمایش دراپرا یا دقت به‌پرده سینما حواس شنونده را متفرق میسازدومانع تمرکز قوای دماغی برای درك موسیقی خالص میشود.

شاید ذهن ما قدرت درك هنری را نداشته باشدکه درآن واحدمفسر معانی عمیق مختلف است.

برای ادراك هنری‌که ازاختلاط موسیقی با هنرهای تجسمی وتصویری Arts Plastigues بوجود آمده (مثل تاتر رقص وبالت) دماغ باید حاضر برای تحلیل معانی متعدد ومختلفی باشدکه درعرض وطول مدت معینی اززمان متقارن یکدیگرند ونیز باید آنها را دریك آن بوسیله چشم وگوش ضبط نماید . اگر چه هنوز ذهن ما فاقد این قدرت است‌که بتواند تمام این معانی متقارن را درآن واحد جذب نمایدولی اینطور بنظر میرسدکه ازین پس بایدگوش را آماده شنیدن وچشم را مهیای دیدن ومغز را حاضر برای درك چنین هنری ساخت.

اگر موسیقی بتواند به‌تنهائی احتیاجات ذوقی ما را رفع‌کند آیا اختلاط آن باسایر هنرها لازم بنظرمیرسد یانه؟ ازمطالعه آثار سازندگان بزرگ چنین برمیآید، که بعضی ازقطعات موسیقی هم موجد حظ معنوی است وهم ازحیث تجسم قدرت ماده دارای تمام صفات‌هنرهای‌تجسمی وتصویری است. اگر موسیقی بتواند دوکیفیت مختلف عالم معنی وعالم ماده را بهم بیامیزد ، با تراژدی یونانیها درتحلیل وقبول این دوجنبه برابری‌کرده و شاید تراژدی یونانی را احیاء کرده است. دراینصورت‌استقلال وپاکی خود را ازدست خواهد داد.

واگنر درکتاب زندگانی بتهوون مینویسد «برای تعیین ارزش موسیقی وقضاوت درباره‌آن باید باصولی‌که پایه واساس سایر هنرهاست متوسل شد ویا آنرا باعتبار زیبائی هنرهای تجسمی مثل معماری وتاتر ورقص مورد سنجیدن‌و مقایسه قرارداد ...» این نظریه واگنر مقرون بصواب نیست زیرا موسیقی خالص یعنی موسیقی‌که اثرآن درقوه مخیله مختلط با اثرسایر هنرهای زیبا نباشد وجود ندارد. اگر بعلت توسعه اصول فنی ، موسیقی دارای جنبه مستقلی شده است، باید متذکر بود که بر اثر اختراع علم تناسب‌الحان و امکان نواختن قطعاتی‌که طبق اصول هنرچند صدائی Polyphonie ساخته شده روح شنونده درحال استماع این قطعات با تأثرات متقارنی برخورد میکندکه ممکن است هریك تصویر متمایز وخاصی درمخیله ایجاد نماید.

ظاهرا هیچگونه ارتباطی بین نقاشی وموسیقی دیده نمیشود ، اما روابط حقیقی بین دوماهیت روابطی هستندکه درنهانی ایجاد میشوند وفقط ازراه تفحصات علمی بوجود آنها میتوان پی برد. چشم‌وگوش انسان نوروصوت را بوسیله ارتعاشاتی‌که دارای ترددهای خفیف وشدید است درك میکنند. حداقل ، ارتعاشات یك صوت ۳۲ وحداکثر آن ۷۲۰۰۰ است‌وحداقل ارتعاشات‌نور ۴۳۸ تریلیون‌وحداکثر آن ۷۰۸ تریلیون است. ارتعاشاتی‌که‌کمتر از ۳۲ وبیشتراز ۷۰۸ تریلیون باشد (غیرازارتعاشات حرارت) برای ما قابل احساس وادراك نیست.

اگر این بیان علمی را قبول‌کنیم بیك نکته مهم برخواهیم خورد وآن نکته اینستکه هنرهای زیبا ازلحاظ ترکیب عناصر مادی‌که آنها را قابل احساس میسازد با هم تفاوتی ندارد زیرا همه‌آنها ازدرجات مختلف ارتعاش تشکیل شده‌اند ولی بشرهنوز قدرت احساس ودرك بعضی ازدرجات ارتعاشات را ندارد ممکن است انسانی را تصورکردکه دارای قوه سامعه و باصره فوق‌العاده‌ای باشدکه بتواند حداکثر ارتعاشات یك تابلوی نقاشی راکه ۷۰۸ تریلیون درثانیه است بشنود وحداقل ارتعاش یك قطعه موسیقی راکه ۳۲ است ببیند یعنی فردی باشدکه تابلوی رفائیل را بشنود وموسیقی بتهوون را ببیند.

با اینکه حواس ما دارای خاصیتی هستندکه نمیگذارند محسوسات چشم وگوش با هم مخلوط شوند ولی ممکن است بین این ارتعاشات که دارای تردد وتواتر مختلف هستندو

مبدء محسوسات میباشد ، روابط ریاضی ایجاد شود که بر اثر تطبیق با قوانین «کونی» ویا معرفت‌النفسی بتوانند حداعلای رضایت خاطر وحظ نفس را فراهم سازند.

دسته‌ای ازموسیقی دانان قرون گذشته متوجه ارتباط بین رنگ وصدا شده‌اند . گرتری Gretry یکی ازآنان میگوید «سازنده متبحر میتواند تمام رنگها را دراصوات متناسب بیابد» آیشندرف Eichendorf مدعی است که «رنگ صداست وصدا هم ارتعاش رنگهاست» ویر Vaeber مینویسد «مناظر طبیعت وفصول وحتی ساعات نغمه‌هائی است که درهوا متفرقند.» بودلر Baudelaire شاعر معروف فرانسوی معتقد است که «عطرها ورنگ‌ها ونغمه‌ها انعکاسات تصاویر یکدیگرند.»

هنگامی که آهنگی ببعضی ازسازندگان الهام می‌شده است رابطه بین نقاشی وموسیقی را حس میکردند . دسته دیگری ازهنرمندان میخواستند آنچه راکه بچشم می‌بینند بوسیله آهنگ موسیقی بیان نمایند . موسیقی‌دانان فرانسه درقرن هفدهم وهیجدهم میلادی سعی کرده‌اند که تصویرزنهای زیبا را بوسیله موسیقی درخیال شنوندگان رسم کنند. در قطعات موسیقی بتهوون نیزآثار نقاشی با موسیقی دیده‌میشود. قسمتی از سونات معروف به‌نور مهتاب تعریف گلی است که بین‌دوپرتگاه قرار گرفته. بعقیده‌ونسان‌دندی Vincent d'Indy موسیقیدان فرانسوی عصرحاضر دراین قسمت ازسونات Menuet تصویر ترزدوبرنشویك Therése de Brunswick معشوقه خود را با آهنگ موسیقی ساخته است.

بعد ازطلوع مکتب رمانتیسم درادبیات اروپا تحول جدیدی هم درموسیقی پیدا شد ، موسیقی‌دانان بتقلید ازسبك رمانتیك ادبی، بتوصیف مناظرطبیعت‌پرداختند وموسیقدانهای امپرسیونیست محسوسات خود را بشکل منظومه‌های سنفنیك درآوردند . وصفی که موسیقیدان ازطبیعت میکند وصف ادبی نیست بلکه سعی دارد مثل نقاش محسوسات مادی را برشته نظم موسیقی درآرد ــ فردیك نیچه فیلسوف معروف آلمانی درباره موسیقی واگنرمیگوید : «این موسیقیدان را باید درعداد نقاشان اسم برد» آشنایان بموسیقی واگنرمیدانند که‌طرز رنگ‌آمیزی قطعات او درعالم موسیقی معروف است. عکس قضیه نیز دردنیای هنر وجوددارد : نقاشانی هستند که باید نام آنانرا درعداد موسیقیدانان ذکر کرد ــ اکثر نقاشان معروف دنیا مثل ورونز Veronese ولئونارددونسی Leonardde Vinci ازهنر موسیقی بی‌بهره نبوده‌اند. میکل‌آنژ Michelange نقاش ومجسمه‌ساز معروف ایتالیائی میگوید «یك پرده عالی نقاشی باید مثل یك قطعه موسیقی تنظیم شود.»

درتحولات اخیرهنرهای زیبا دوهنرموسیقی ونقاشی با هم راه پیموده‌اند ومیتوان گفت که موسیقی جدید اروپائی دست کمی ازنقاشی پیکاسو وامثال اوندارد . بعضی ازمنتقدین فرانسوی مثل هانری موکلر Henri Mauclair آثار نقاشان وموسیقی‌دانان معروف را ازلحاظ ارتباط معنوی این دوهنر دریك ردیف قرار داده‌اند ــ آثار باخ Bach موسیقیدان آلمانی را نظیر تابلوهای لئونار داوینچی میدانند و موسیقی بتهوون را نیز هم شأن نقاشی میکل‌آنژ وسنفنی نهم اورا با کلیسای سکستین Sextine مقایسه میکنند .

موزار ورفائل را دارای یك قریحه میدانند ــ این دوهنرمند برحسب‌تصادف دریك‌سال وازیك مرض (مرض‌سل) بدرود زندگانی گفتند وهردو مفهوم واحدی ازهنر داشتند، نه عارف بودند ونه‌بت‌پرست ، بلکه حظ نفس را درتمتع از زیبائی خطوط وموزونی اصوات میدانستند . اگرچه این تصادفات را نمیتوان دلیل‌کافی بروجود ارتباطی بین نقاشی وموسیقی دانست معذلك جای تردید نیست که رابطه‌ای بین این دوهنر موجود است وممکن است روزی بحقیقت آن آگاهی یافت .

از صفحه ۷۰٤۰۰۲.

بسط تم سنفی است یا شکل‌سرودی را دارد . بخش سوم‌ممکن است یك «منوئه» (دراصل یکی ازرقصهای قدیم فرانسه‌ولی اصطلاحا به‌آهنگ سه‌ضربی که معمولاپس‌از Adagio سونات یا سنفی می‌آید گفته میشود) یا یك «سکرتزو» یا نوعی دیگر ازآهنگهای‌تند باشد. بخش آخر سنفونی‌را «فیناله»میخوانند که اغلب درفرم «روندو» (نوع موسیقی که خصوصیت‌ممتاز آن تکرار تناوبی تم‌اصلی است) تصنیف میشود وبا شکوهی سنفونی را به‌پایان میبرد.

***

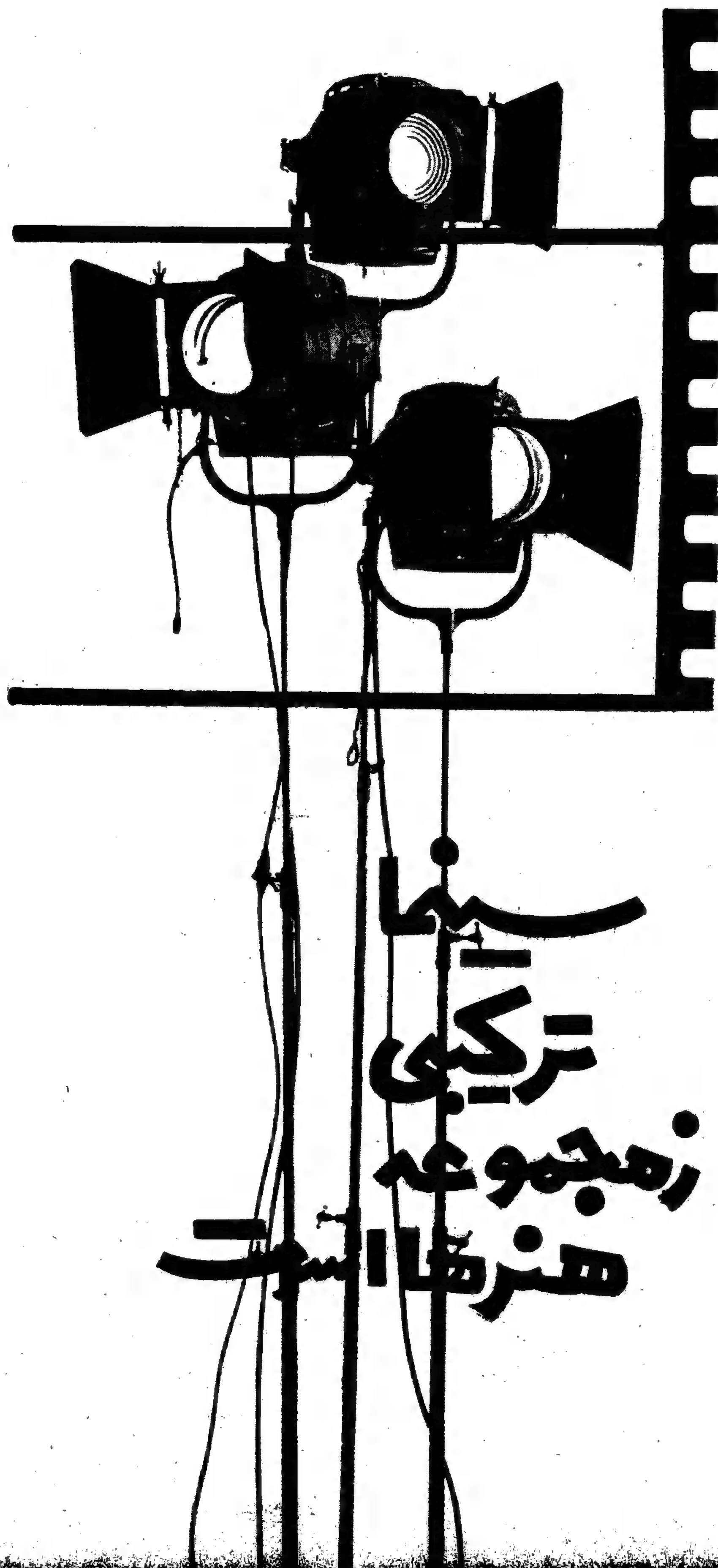
دوستداران تازه‌کار موسیقی برای آشنایی با این نوع موسیقی بهتراست که با آثاری مانند «سنفی ناتمام» شوبرت و«سنفی درجی‌مینور» (کوشل ٥٥٠) اثر موتزارت آغاز کنند.

آثار سنفونیك «هایدن» برای شنوندگان قرن ما بسیار ساده است . «سنفی پنجم» بتهوفن هنوزهم مقبول‌ترین سنفی‌های بتهوفن است ولی بسیاری از دوستداران آثار او «سنفی‌سوم» (معروف به‌اروئیکا) و «سنفی ششم» (معروف به‌پاستورال) وهمچنین سنفیهای هفتم ونهم را سخت می‌ستایند .

«شوبرت» ، «شومان» و«مندلسون» سنفی‌های رومانتیك ارزشمندی نوشته‌اند ودروجود «براهامس» روح «رومانتیك» و«کلاسیك» بهم آمیخته وآثار دل‌انگیزی از آن آمیزش بحاصل آورده است. برای تازه‌کاران بهتر است که اول به«سنفی شماره‌ی ۲» وسپس به«سنفی شماره ۱»و «سنفی شماره ۳» و آخر از همه «سنفی شماره٤» او گوش فرادهند.

«چایکوفسکی» از«سانتی مانتالیست» سنفی‌پردازان است وسنفی‌های شماره چهار وپنج وشش (معروف به‌سنفی پاته‌تیك) او مقبول مردم‌اند . سنفی امریکائی «دوراك» نیز که ازنغمه (ملودی)های سیاهان مایه گرفته «ازدنیای‌جدید» معروف است.

آثارکوچکتر دیگری مانند «فیدلیو» اثر بتهوفن، «شبانه» و «بعدازظهر یك‌ایو» و «دریا» اثر دبوسی نیز برای آشنایی‌های ابتدایی با موسیقی سنفونیك در کار تربیت گوش دوستداران تازه رس این هنر سخت سود رسان است .



هرروز وهرشب دهها میلیون نفر زن ومرد به «سینما میروند» طبقات مختلف مردم جلو تصویرهائی که حرف میزنند و آواز میخوانند اجتماع میکنند در همان ساعتی‌که تالار گومون پالاس بزرگترین سینمای فرانسه واقع درمون- مارت پاریس شش هزار تماشاچی دارد در سیسیل ماهیگیرها در هوای آزاد مشغول گوش کردن گفتگوی یك فیلم امریکائی دوبله به‌ایتالیائی هستند، دریك «سینما باغ» قاهره برای یك خواننده جذاب عرب کف میزنند. دریك‌درایواین تورونتو ۵۰۰ فامیل درپانصد اتومبیل مشغول نگاه کردن یك فیلم سینماسکوپ سوپرکالر دولوکس هستند.

درمیان کلبه‌های حصیری کنگو بلژیك یك کشیش مبلغ با لباس سفید برای ۱۵۰ نفر سیاه پوست یك‌فیلم‌مذهبی را روی یك پردهٔ قابل‌نقل نمایش‌میدهد. ۵۰۰ نفر جلوی سینما اودارنیك مسکو درانتظار گرفتن بلیط برای دیدن آخرین موفقیت سینمای شوروی هستند. در سیام در یك قصبه واقع در جنگل یك سینمای سیار برای نمایش یك فیلم متوقف میشود و برای اینکه تماشاچیان خیال کنند که فیلم ناطق است درپشت پرده دو آکتور گفتگوی آن را بزبان میآورند. در هالیوود نایب رئیس یك موسسه بزرگ سینمائی‌یك‌پیروزی‌بزرگ را گزارش میدهد زیر نظر ولطف‌او فلان فیلم آن موسسه در ۲۵ سینمای برزیل چهارده سینمای آرژانتین ۱۲۰ سینمای ایتالیا ۱۲ سینمای فیلیپین ۱۸ سینمای ژاپن چهارده سینمای استرالیا۲۲ سینمای ممالك متحد افریقای جنوبی۱۳ سینمای سوئد ۲ سینمای ایسلند ۱۲۸ سینمای بریتانیای کبیر سه سینمای لوگزامبورگ ۱۱ سینمای یونان‌وغیره.. بمعرض نمایش گذاشته شده است.

در گوتوالدوف (چك‌اسلواکی) ۳۵ هزارکارگر کارخانه های قدیمی باتا بمناسبت دهمین فستیوال بین‌المللی کارگران در یك آمفی تاتر جهة نمایش فیلم حضور پیدا میکنند.

در شان‌سی (چین) یك سینمای سیار که برروی چهار شتر حمل می- گردید موفقیتی بدست آورد و بدین ترتیب دهاقین برای اولین‌مرتبه‌توانستند بدیدن «سایه‌های الکتریکی» بروند.در عربستان سعودی آنجائی که قانون اسلام

رفتن به سینما را منع میکند یکی از بچه‌های عرب با بورنوس با مهارت کامل وارد سالن مخصوص سینمای کارمندان یکی از شرکت های نفتی آمریکا میشود .

در رپیون یانك مراسم افتتاح یکی از سالن‌های بزرگ سینمای آنجا که بتازگی تعمیر شده بود ، بایکی ازفیلمهای ناطق کره‌ای شروع میکنند در مدرس (هندوستان) آخرین فیلم ناطق تلگو چنان موفقیتی بدست آورد که بلیط آن باید از بازار سیاه تهیه میشد. کاشفین قطبی بعد ازیکسال استقرارروی‌توده‌های بزرگ یخ ، تنهائی خود را بادیدن یك « نقاشی متحرك» که بهمراه آذوقه توسط چتر بآنها رسیده بود، فراموش میکنند . امروزه سینما همه جا هست همه ویا تقریبا اکثریت آن را میشناسند بکار همه اعم از دانشمند ، سوداگر، برزگر ، محقق، مبلغ، فروشنده،کشیش، پاسبان ، سیاستمدار ، آنهائی که طالب صلحند وآنهائی که جنگ‌را دوست‌دارند، خوب‌ترین و بدترین مردم میآید. نمایش فیلم خواه روی پرده سینما خواه روی پرده کوچك خانوادگی تلویزیون همه روزه ده‌ها میلیون بیننده را بخود جلب میکند . درسال ۱۹۰۰ در تمام دنیا فقط ده‌هزار نفرکنجکاو بهسینما رفتند.

سینما وظایف متعددی برعهده‌دارد سینما وسیله تفریح وسرگرمی مردم عادی است . بازی، عملیات، عشقها،درام های وجدانی ، بدبختی‌ها وخوشبختی های آکتورها در روی پرده آن‌ها را مجذوب وافسون میکند.

سینما نظیر قالیچه حضرت سلیمان است که تماشاچی را با خود به دنیا و شگفتیهای متنوع از داستانهای هزار و یکشب میبرد.

به کمك سینما یك تماشاچی که هرگز از دهکده‌اش خارج نشده میتواند دوردست ترین کشورهای دنیا ، رموز اخلاقی وجمعیت وتمدن‌آن‌ها را بشناسد.

سینما تصاویر وگفتگو وصداها وموزیك را میشناساند. یك رمان‌نویس دریاراشرح میدهد در حالی که بسختی میتواند اقیانوسی را که هرگز ندیده مجسم کند ، سینما باامواج شدید تلاطم‌اقیانوس طوفانهای سخت ، کفهای روی صخره‌ها غرق کشتیها ، اسکی نوتیك ، پلاژهای تاهیتی وکان و اهالی برتنی را درحال صید ماهی و اعراب را در حال تله انداختن تن (یکنوع ماهی) نشان داده وصدای آنها را بگوش میرساند. بوسیله سینما و فیلمها بهتر میتوان بشر وزمین را آموخت وشناخت.

سینما هنر است‌بازی‌آکتورهاساختمان دکورها، تنوع‌لباس، کیفیت‌عکس‌برداری تکنیك کار ، میزانسن ، نمایش احساس وهم‌آهنگی موسیقی‌میتوانندفیلمی‌بوجود آورند که برتر ازعالی‌ترین آثاری باشد که با جوهر نبوغ بشر آمیخته است.

سینما از اختلاط و ترکیب وسائل خاص تقریبا کلیه هنرهای دیگر : رمان ، تاتر ، نقاشی ، معماری،موسیقی و شعر وغیره بوجود آمده است.

سینما همچنین صنعت و تجارت است برای کارگردانی فیلمی‌که نمایش آن روی پرده نود دقیقه طول میکشد باید ده‌ها متخصص مختلف مانند خالقین فیلم تکنیسین‌ها کارگرها هفته ها وشاید ماهها کار کنند .

سرمایه های هنگفتی برای تهیه یك فیلم بزرگ لازم است ومیلیاردها برای سالن‌های سینما ، کارخانه‌هائی که مواد خام تهیه میکنند واستودیوهای فیلمبرداری دستگاههای ضرور برای‌ثبت و نمایش فیلم وغیره لازم است وعلاوه برآن برای تهیه ، فروش، کرایه، نمایش وانتشار فیلم صدها هزارمتخصص‌حرفه‌ای درعالم سینما وجوددارد .

منظور از «کارکردن درسینماها»، «فیلم ساختن» فقط ستاره مشهور مورد نظر نیست بلکه انجام کارهای تخصصی گوناگون از قبیل ، نجاری ، شیمیست، آژانس تبلیغاتی ، برقچی ، اکروبات مقلدین صدا ، ماشین‌نویس ، نویسنده، غواص ، روزنامه‌نگار ، سیاهی لشکر همه وهمه مورد نظر هستند تا بشوداثر جالبی را بوجود آورد چنین حرفه‌های مختلف لازم برای سینما لیاقت ، کفایت و جامعیت آنرا میرساند.

در اواسط قرن بیستم خدمات گوناگونی که سینما انجام داد با صنعت چاپ‌برابری میکند. طی شصت‌سال‌که از اختراع دستگاه فیلمبرداری لوئی‌لومیر میگذرد میتوان گفت‌که ازهرحیث با دستگاه چاپی که پانصد سال پیش توسط گوتمبرك اختراع‌شد درخور رقابت و برابری است ، انواعی که بر سطح ماده اولیه بوجود میآید بهمان اندازه صنعت چاپ متعدد وگوناگون است. فیلم‌هائی که روی پرده می‌بینید شامل حکایتی است که‌بوسیله‌سناریست‌آکتورها،دکورها، ولباس‌ها نمایانده میشود . چنین فیلمی میتواند درام ، کمدی ، باله، سیرك ، اپرا ، سانحه یا نمایش برای کودکان باشد ولی انواع دیگری هم وجود دارد ، مثل‌گزارش ، وقایع روز، فیلم مستند ، اشکال متحرك، تحقیقات علمی یا وسیله آموزش و پرورش. بدین ترتیب سینما نقش روز افزونی را در زندگی ملت‌ها ، مردم ، سیاست، واقتصاد و غیره دارد و شگفتیهای سینما با شگفتی هایش در عامه مردم نفوذ میکند زیرا سینما اسراری دارد که عموم مردم از آن بی‌اطلاع هستند .

امروز سینما دیگر درنقش یك سرگرمی جلوه‌گر نمیشودبلکه‌وسیله‌ایست برای پیش بردن هدفها ، بیان مقاصد، تعلیم و تربیت و هدایت نسل‌جوانی‌که گذشته‌ها را میخواهد بدانند و آینده را میخواهد کشف کند .

نقاشی متحرك

یا



برنده جایزه اسکار به بهترین نقاشی های متحرك از : دوسان ودکوتیك (یوگوسلاوی)

(هنرهشتم)

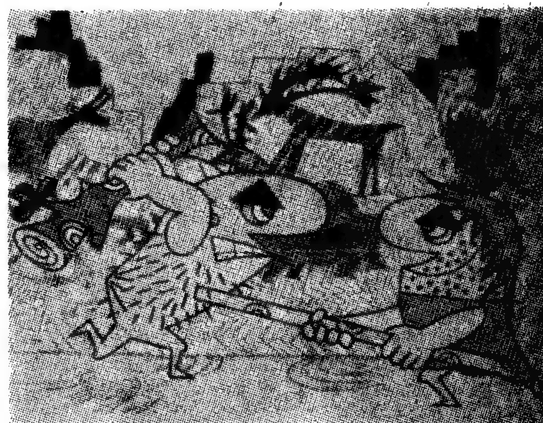
هنوز نقاشی متحرك برای‌عامه‌مردم هنر محسوب نمیشود دربسیاری‌ازکشورها این نوع نقاشیها از حدود پارکهای‌رنگ شده که بچه کوچکی مشغول دست وپا زدن درآنست تجاوز نمیکند تقصیراصلی این امرمتوجه والت‌دیسنی است‌درسالهای ۱۹۳۰ والت‌دیسنی یکی ازاستادان‌بزرگ نقاشی متحرك بود و این او بود که در این هنر وتکنیك نکات‌جالبی کشف‌کرد. در سال ۱۹۳۸ ژان‌ژرژ اوریول درباره والت‌دیسنی نوشت «وی نابغه است» و باید دانست که اظهار عقیده بهترین‌خبره هنرسینما در مورد والت‌دیسنی‌ازآنجهت است‌که وی واقعا یك آفریننده بودنه‌یك مقلد . وی توانست باهنر و استعدادخود انحصار بین‌المللی را در دست بگیرد وبا استخدام صدها کارگر و هنرمند،قصه‌ها و داستانهـای باشکـوه بسازد و ثروت فوق‌العاده‌ای بیاندوزد و همین ثروت و تمول وی باعث انحطاط هنرمندان‌گردد. **دونالد** و **میکی** دوقهرمان‌داستانهای وی جنبه‌های تجاری و تبلیغاتی گرفتند ، از آنها برای معرفی آب‌نبات‌ها و شکلاتها استفاده نمودند ودرنتیجه فیلمهای وی‌در شرق وغرب بصورت اشکال متحرك‌برای پسربچه‌ها و تبلیغات و کاریکاتورهای انتقادی برای بزرگان درآمد.

باید اعتراف‌کردکه نقاشی متحرك نزد اکثر ملل درحال‌حاضر وضع سینما را در سال ۱۹۰۲ دارد ، در آنزمان نقش فیلمها عبارت از رقابت‌کردن با جشنهای محلی و تبلیغات مجانی برای انواع‌اشیاء بود اگر در سال ۱۹۰۲ سینما را بچشم هنر هفتم مینگریستند در این سال هـم نقاشی متحـرك را بصـورت هنر هشتم مینگرند ؟

نقاشی متحرك بطور قطع‌هنرهشتم است و نمیتوان گفت که از هنر هفتـم زاییده نشده است هرچه این هنر توسعه یابد و پیشرفت نماید از هنر سینمامجزاتر و مستقلتر میشود . مواد اولیه‌سینماانسان وطبیعت است اگرچه بصورت‌مستند ویا داستانی فیلمبرداری‌شده‌باشد درصورتیکه موااداصلی‌نقاشی متحرك، پلاستیك‌است‌که بصورت مجموعه‌ای از عوامل،که توسط هنرمنـدان خلق شده بوجود میـآیـد (طراحی ــ مجسمه ــ نقاشی‌وغیره...) و بدینطریق نقاشی متحرك یکی از انواع دیگر سینما نیست و میتوان گفت‌که‌جزو هنرهائی است که قدمت تاریخی دارند. **الی‌فور** نخستین کسی است‌که با بیـان سینه پلاستیك این مطلب را بیان میکند وی در سال ۱۹۲۰ مینویسد : « ایـن اشکال کوچك ولاغرمتحرك‌رامیشناسید. اشکالی که خیال میکنم بچه‌ای باگچ‌روی تخته سیاهی را خط‌خط‌کرده است، فرض کنید که نسلهای آینده درصدد برآیند، به طرحها عمـق بدهند و نه‌تنها بوسیله خطوط و سطوح ، بلکه باعمق و حجم به‌این نقاشیها وطرحها رنگ وخیال‌داده ویك ردیف حـرکات متوالـی بوجود آورند .... فرض کنیدهنرمندی باقلب **دلاکروا** و قدرت **روبنس** وشورو عشق **گویا** و نیروی **میکل‌آنژ** ، مسلح باشد و بخواهد روی پرده سینما یك تراژدی سینه پلاستیکی برای شما بنمایش درآورد و سمفونی عینی‌که از یك اثر سمفونیك بزرگترین موسیقیدانهای ما پرشورتر و مهیج‌تر و غنی‌تر باشد بوجود آورد...»

قبـل از دوربیـن فیلمبـرداری (زوئوترپ) ــ نقاشان و مجسمه‌سازان، اشکال ورنگها و ترکیباتی خلق کرده بودند بدون اینکه بتوانند زمان وحرکت را در آنها دخالت بدهند ، آنها محکوم بودند که یك لحظه بیحرکت را مجسم کنند و سپس یك لحظه بیحرکت‌رادوباره بیافرینند . از ماقبل تاریخ ، هنرمندان سعی‌کردند که از این قید آزاد شوند و آثاری مثل گراز هشت‌پای آلتامیرا و حکایات مصوری که از انسانهای اولیه، چینی‌ها و مصریها که در تابلوهایانقوش برجسته و نقوش منقور برجای مانـده آنها را در مراحل مختلف زندگی نشان داده‌اند بوجود آورند. هنرمندان قرن

«مواظب باشید» نقاشی متحرك از : جیری بروگا (چکسلواکی)





هفدهم سعی نمودند بتوانند به نقاشی و مجسمه سازی و معماری یك نوع حرکت بدهند و با دخالت دادن موزیك و آواز ورقص در هنرهای مزبور مقصود خودرا عملی ساختند و بدین طریق اپرا بوجود آمد ولی اپرا هم باتفاق هنرهای پلاستیکی به سعی و کوشش آنها جواب نداد و یك نمایش بدون آتیه بود

قریب به یك قرن است که عکاسی باقدرت عمل فوری خود توانست بـرای اولین بار آرزوی دلاکروا راکه عبارت از تثبیت تصاویر انسانی که درحال افتادن از طبقه ششم یك ساختمان است برآورد. ۱۲۵ سال قبل (زیرا نقاشی متحرك قبل از سینما بوجود آمد) بعضیها فهمیدند که هنرمندان با بوجـود آوردن تصاویـر پی‌درپی نه‌تنها قادرند که بعد سوم را بدون کمك دورنما و حیله‌های دیگردر یك شکل جمع آورند بلکه بمیل خودشان حرکت و زمان را در تصاویر تکمیـل نمایند. درسال ۱۸٦٤ «دوکودوهورن» در یك اجـازه نامـه اختراع دوربین فیلمبرداری (که هرگز مورد استفـاده قرار نگرفت) بطور دقیق موارد ذیل را تشریح نمود ومدعی انجام آنها شد :

۱ـ یك سن که مدت زمان قابـل ملاحظه را طی میکند در چند لحظه نشان دهد ، مثل تغییر یك فصل به‌فصل دیگر، ساختمان یك شهر . سنین مختلفه یك مرد و غیره .

۲ـ برعکس . بآهستگی و تناوب تغییراتی راکه گاهی قابل درك نیستند، نشان دهد .

۳ ـ پس و پیش کـردن و بهم زدن یك سن یایك پدیده یعنی از پایان شروع نمودن و به ابتـدا ختم کردن. دوهورون برای تحقیق بخشیدن به این موضوع زمان را برمکان ترجیح میدهد یا بعبارت بهتر زمان راوارد مکان میکند. هنرهای نمایشی تاآنموقع تااندازه کمی میتوانستند کندی و تندی حرکت رانشان بدهند آنهم فقط برای یك نمایش وبدون آنکه بتوان آنرا روی پایه‌ای استوارکرد قبل از قرن اخیر هیچ‌هنر پلاستیکی نمیتوانست زمان را دراختیارداشته‌باشد. حرکت را بطور بینهایت کند و یا تندکند حتی سیر طبیعی اشیاء را هم نمیتوانست برعکس نشان دهد مثلا ساقه گندم وخوشه آنرا بحالت اولیه یعنی دانه‌ای کـه باو حیات داده بود برگرداند .

باوجود فیلم و این باند تصاویـر پی‌درپی شفاف (که‌توسط‌هنرمندامیل‌رینو ساخته شده بود نه‌یك‌مهندس) پلاستیسین توانست برحسب احتیاجات آفرینش‌اثرش امکانات بکار بردن نه‌تنها از فرمها و رنگها بلکه زمان و حرکت را نیز داشته باشد بعضی‌از نقاشان کمابیش‌باین‌امکانات پی بردند و مقارن ۱۹۳۰ بفکر عوض کردن تابلو باپرده سینما وقلم‌موبادوربین افتادند مثل ویکینك اگرلین ریشتر روتمان فیشنجر فرنان لژه و غیره ...

قدرت اصلی سینه پلاستیك تغییر دادن‌یابرعکس نشان‌دادن‌سیرطبیعی زمان و ریتم حرکات (ساده یا مرکب) است .

اگر قصد نقاشی متحرك تغییرزمان و حرکت و ترکیب و تکمیل آنها باشد، برای اینمنظور میتواند روشهای دیگری غیر از فیلمبرداری از روی عکسهـای مجزا را بکار برد و نقاشی و خطاطی و مجسمه و گراور وغیره را باعکسهاعوض کند . اگر خواسته باشیم نقاشی متحرك را فقط با روش از روی عکسهای مجزا درنظر بگیریم باید مکتب بوروزیك را از نقاشی متحرك‌بیرون‌بیاوریم بوروزیك از یك سری عکسهای ثابت فیلمبرداری کرد (مثل حالتهای مختلف یك سرباز درحال مانور) و سپس با سوار کردن قطعات فیلمبرداری شده یك زمان ویك حرکت را آفرید ، قطعات فیلمبرداری از یك عکس تجاوز میکرد (بین ۲۰ تا ۳۰ عکس) علاوه برروش فیلمبرداری از روی عکسهـای مجزا نقاشی متحرك میتواند از روش دیگری مانند «کند» و «تند» فیلـم وارونه و فرمهای مختلف مونتاژ استفاده‌کند و نمیتوان آنرا فقط تابع یك تکنیك یا یك هنر پلاستیکـی مخصوص کرد . چیزیکه مهم بنظرمیرسد عبارت از اینست بچـه وسیله‌یك خالق نقاشی متحرك میتواند بمیل خودش‌زمان و حرکت ، فرمها ورنگها ، مکان‌وصوت (موزیکی یا غیر موزیکی) را تغییر داده و دوباره بیافریند .

این تعریف راکه‌قبول کنیم‌می‌بینیم نه‌تنها نقاشی متحرك بمعنی واقعی کلمه مربوط به سینه پلاستیك میشود بلکه‌بعضی از فیلمهائی که حقه‌بازی در آنها بکار برده شده جزو سینه پلاستیك بوده و یا همچنین بعضی فیلمها درباره هنر، کـه عناصر آنهـا از آثار هنری که تابحال وجود داشته گرفته شده و دارای مکان جدید، گذشت زمان وحتی ریتم حرکت (تحت‌فرمهای مختلف) هستند نیزمربوط

به سینه پلاستیك است بنابراین میتوان گرنیکا اثر آلن‌رنه را نزدیکتر بهسینه پلاستیك دانست تا به سینما به معنی واقعی کلمه ، زیرا این اثر غنائی فقط به بررسی تابلوی پیکاسو محدود نشده‌بلکه‌باآمیزش نقاشی ـ مجسمه‌سازی ـ عکاسی به‌آن یك مفهوم و معنی جدیدی داده وبوسیله ریتم پیوند و حرکات دوربین ، زمان و حرکت درآن گنجانیده است .

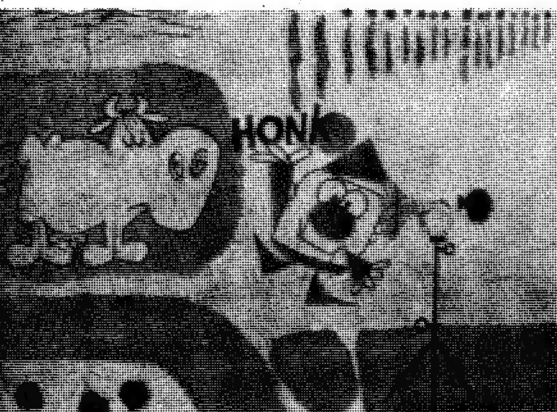
اگر ، سینه پلاستیك را با چنیـن گسترش بپذیریم جای بسی افسوس‌است که در سال ۱۹٦۲ نود درصدازنقاشیهای متحرك وسیله‌ای شد ، برای سرگرمی و تفریح بچه‌ها و یا تبلیغ اجناس مختلفـه بشکل کارتون الکسیف Alexieff باگراورهای سنجاقی (شب درمن‌شو) و بارتوش با نیمرخهای سیاه وسفید (فکر) و پن‌لووه و ورنه برتران با مجسمه‌های رنگی و دوست داشتنی (ریش‌آبی) و سایر استادان نقاشی متحرك فرانسوی‌در سالهای ۱۹۳۰ به هنرمندان پلاستیسین نشان دادند که میتوان به نقاشی متحرك اصالت داد و برای این منظور ازایـن امکانات میتوان استفاده کرد .

ما اگر چنیـن گسترش به نقاشی متحرك میدهیم معذلك آثاری از قبیـل کاریکاتورها و یا آثاری راکه فقطبرای کودکان میسازند نباید نادیده گرفت‌بلکه آنها هم دارای اثر هنری هستند والاباید بزرگانی مانندگویا ، دوینه، پرو،لویس کارول را نادیده بگیریم درصورتیکـه کاریکاتورهای داستانهائی که اینان‌برای کودکان رسم کرده و نوشته‌اند دارای ارزش است . در سال ۱۹٦۲ همه‌کسانیکه نقاشی متحرك را بوجود آوردند مـورد حمله منقدین قرار گرفتند و آثار آنها هرچه بود از نیش قلم منقدین درامان نماند. در سال ۱۹٤۰ برای انتقادازفیلم (سربازکوچك) اثر گریموکه یك فیلم نقاشی متحرك بود منقدین‌نظریك پسربچه هفت ساله را جویا میشدند درحالیکه‌این فیلم برای کودکان ساخته شده بود واین کونه قضاوت هنوز هم باقیست .

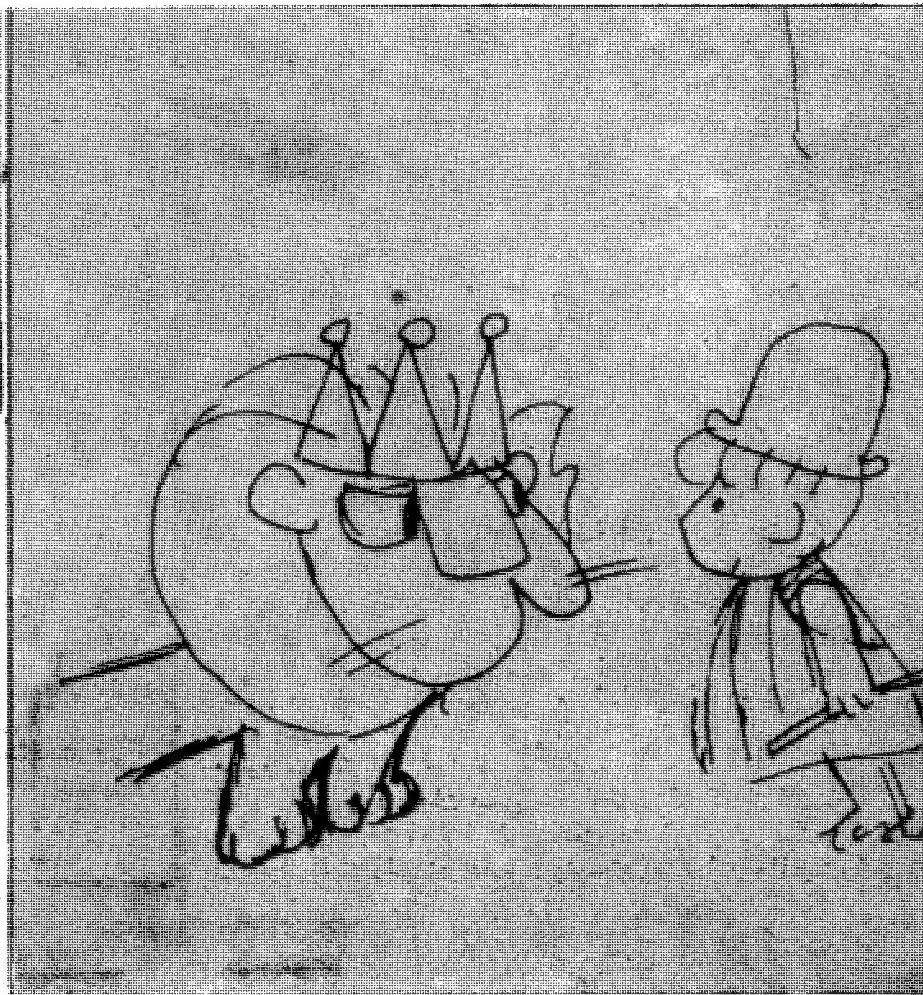
گرچه نقاشی متحـرك از سینمـا قدیمی‌تر است اما نسبت به‌سینماعقب‌مانده علت‌آن اینست که خیلی به‌ندرت استادان نقاشی متحرك پیدا میشوند که واقعـا دارای نبوغ و قدرت باشند و از طرفی اکثر تهیه کنندگان نسبت به‌این‌هنربهمان نظر مینگرند که در سالهای بی‌حاصلی باین هنر مینگریستند .

نمایشهای نقاشی‌های متحرك مثـل فستیوال آنسی و سازمان بین‌المللی‌نقاشان نقاشی‌های متحرك دیر بازود به‌هنر هشتم اهمیت واقعی و ارزش حقیقی خواهند بخشید و راه‌حلی برای بحران فعلی و پیشرفت این هنر نشان خواهند دادنقاشی متحرك تکیه‌گاهـی ندارد در بعضی از کشورها امکان پایه‌گرفتن این هنروجود دارد اما اشکالاتی که در این راه هست مانع پیشرفت میشود بسیاری عکاسی و سینما را بهتر از نقاشی میدانند. بهرحال این تازه‌جوئی قرن ماامکاناتی بهنرمندان میدهد که زمان و حرکت را در آثار خود بگنجانند و تکمیل نمایند و ممکن است این کوشش برای تکمیل راه‌حلهائی جهت مسائل مختلف ابراز بیانات‌عصرما مفید باشد

«هدیه» نقاشی متحرك از : ژاك‌ووسور و دیك‌روبر (فرانسه)



«ستاره ها» از جون هوبلی



توسعه و اشاعه فرهنگ مبنا واساس پیشرفتهای اجتماعی است .

نقش آموزشگاههای شبانه در تربیت کادر تخصصی و بالا بردن سطح معلومات افراد

فعالیت سی ساله موسسه خزائلی نخستین آموزشگاه شبانه در ایران بشمر میرسد

بیوگرافی یک شخصیت ممتاز فرهنگی

آقای دکتر محمد خزائلی کـه‌بی شك باید ویرا در ردیف بنیان گذاران فرهنگ جدید کشوربشمارآورد بسال ۱۲۹۳ در شهر اراك متولد شد .

وی با وجودیکه از بیست‌ماهگی‌از نعمت بینائی محروم شـد با استعداد و ذکاوت خارق‌العاده‌ای‌که داشت دوران تحصیلات ابتدائی را در مکاتب قدیم اراك طی نمودو سال ششم ابتدائی را با معدل ۲۰ بپایان رسانید تحصیلات متوسطه‌او همزمان با مطالعات وتحقیقات اولیه‌اش در زمینه علوم فلسفی وفقه و ادبیات عرب بود و بسال ۱۳۲۱ با شرکت در امتحانات‌ششم‌ادبی تهران در میان دانش آموزان مدارس شاگرد اول شد .

تحصیلات عالیه آقای دکـترخزائلی نیز طی دوران دانشگاه ارزنده ودرخشان بود و پس ازاتمام این دوره وی بدرجه‌دکترای ادبیات حقوق و لیسانس معقول ومنقول نائل آمد . ودر امتحانات معقول همرتبه اول را حائزگردیدو بدین مناسبت بدریافت مدال‌درجه اول علمی ازدست مبارك‌اعلیحضرت‌همایون شاهنشاه مفتخر گردید .

سابقه فرهنگی‌آقای دکترخزائلی‌از سال ۱۳۱۲ یعنی سنه تاسیس اولین آموزشگاه شبانه در ایران‌است و قبل از تاسیس آموزشگاه مزبور وی در مدارس ملی بتدریس‌اشتغال داشت .

در سال ۱۳۲۴ هنگامیکه‌بتهران‌منتقل‌گردید اقدام‌بتاسیس‌آموزشگاه شبانه منظمی درتهران نمود ودرسال ۱۳۳۳ دبستانهای پسرانه و دخترانه خزائلی و دبیرستانهای‌دخترانه خزائلی را بنیان گذارد و از سال گذشته نیز توفیق‌انجام‌یك خدمت فرهنگی دیگر نیزیعنی آموزش بوسیله مکاتبه را بدست‌آورد

آقای دکتر خزائلی ازسال۱۳۳۶بتالیف کتاب پرداخـت و آثار ارزنده‌ای در رشته ادبیات فارسی‌و ادبیات عرب وفقه وفلسفه بوجود آورد که از تالیفات غیردرسی‌وی‌اعلام قرآن مجید . راهنمای‌حکمت مشاء تاریخ حقوق و تاریخ فلسفه‌را میتوان نام برد .

حالتی که آنرا کنجکاوی یا کاوش و جستجو برای کشف مجهـولات مینامیـم غریزه‌ایست کـه خمیره و نهاد بشر با آن سرشته‌شده است . صرفنظر از ایـن واقعیت مساله احتیاج که اساسی ترین مشکل برای ادامه حیات است ایجـاب میکند که برای بهترزیستن که هدف غائی و نهائی‌بشر میباشد افراد و اجتماعات مختلــف کوشش خود را مصروف کسب معلومـات تازه‌تری در جهت علوم و فنون جدید بنمایند .

امروزه دامنه ایـــن تحقیقات و مطالعات‌تاآنجا وسعت یافته که بسیاری‌از مشکلات بزرگ را که سابق براین هرفردی بالقوه خود را درمقابل‌آن عاجزمیبافت حل نموده و انجام بسیاری از امور بظاهر غیر ممکن‌را ممکن ومیسر ساخته است.

شاید در سابق اینطور تصور میشد که در کارهای حرفه‌ای نیازی بکســب معلومات فنی و تخصصی نیست و بمرور زمان مـی توان فنون و حرف مختلف را فراگرفت ولی در عصر کنونی با بالا رفتن ارزش زمان هرفردی که حرفه‌ای را برای خویش انتخاب می نماید برای پیشرفت کـار خود نیازمند یك سلسلــه اطلاعات‌وتجربیات‌تخصصی درآن رشته میباشد لیکن گذشته از تجربیـــات تخصصی تحصیل پاره‌ای معلومات عمومی نیز طریق مطلوبی است که میتواند سائقه‌ای برای رسیدن به هدفهای بالاتر باشد. اندکی تحقیق و مطالعه درزندگی اجتماعات گوناگون امروزی نشان میدهد که ملل‌مختلف چه تلاشهائی برای بالابردن سطح فرهنگ اجتماعی می نمایند و سالانه چه مبالغ هنگفتی برای تجهیز علمی افراد تخصیص داده مـی شود و بالاخره برای تامین این هدف چه اقداماتـــی انجام میگیرد .

گرچه ممکنست صـرف هزینه های بزرگ فرهنگی و اقداماتی که در این‌زمینه انجام میشود بظاهر کاری عبث جلوه نماید لیکن آمار و ارقامی که که از کشـور های مترقی و ثروتمنـــد بدست آمده این واقعیت‌را

روشن میسازد که طی سالهای گذشته سرمایه گذاریهای سنگین این قبیل ممالك در زمینه تجهیزات علمی و بسط و اشاعه فرهنگ صرفنظر از فایده های بیشمار آن تاثیر شگرفی در بالا بردن تولید آنها داشته است و حتی‌در برخی ازممالك مزبورمتوجه خواهیم شد که این سرمایه گذاری در امور فرهنگی سطح تولید آنها را به چند برابر میزان واقعی خود افزایش داده است .

درکشور های درحال توسعه ای مانند ایران نیز شرط اساسی برای انجام طرحهای بزرگ صنعتی و فلاحتی و آبادانی بالابردن فرهنگ و معلومات اجتماع میباشد زیرا محقق است که چنین ممالکی قبل ازهر چیز نیازمند افراد فنی‌و متخصصینی است که بتوانند با فعالیت مثبت خود انجام طرحهای‌مختلف را عملی سازند .

آموزشگاههای شبانه ونقش آنها دربسط فرهنگ‌عمومی

با وجود پیشرفتهای شایان توجهی‌که طی نیم قرن اخیر در کشورما‌پدید آمده هنوز در بسیاری از مشاغل مختلف از پرسنل خارجی برای انجام پاره‌ای از کار ها استفاده میگردد و این خود نشان میدهد که خلاء موجود از کمبودافراد ورزیده و متخصص‌تاکنون از بین نرفته مضافا باینکه معلومات عمومی‌افرادنیز در پاره‌ای مسائل بحدکافی نیست .

نیاز مبرم به پیشرفت معلومات تخصصی وعمومی این عده با در نظر گرفتن اینکه اکثر طبقات فعاله نیز در طول روز بکار می پردازند قبل از هر چیز درجه اهمیت‌آموزشگاههای شبانه را در تربیت کادر های فنی و تخصصی مشهود میسازد زیرامحصل کارمند ، کارگر و یا پیشه‌وری که بواسطه اشتغال بکار موفق بادامه تحصیل و بسط معلومات اجتماعی و تخصصی خود نشده چگونه میتوانند بدون استفاده از مربی و استاد باین هدف خود جامه عمل پوشانده و با بکار بستن معلومات تازه‌تر توفیق بیشتری در کار بدست آورد .

اولین آموزشگاه شبانه در ایران

پیش بینی این نیاز روز افزون اجتماعی نخستین‌بار در سال ۱۳۱۲ یعنی‌متجاوز از سی سال پیش بوسیله یك شخصیت فرهنگی و فاضل کشور بمرحله اجرا درآمد و اولین آموزشگاه شبانه در شهر اراك بوسیله آقای دکتر محمد خزائلی بنیان گذارده شد و آغاز بفعالیت نمود .

این فعالیت فرهنگی همچنان ادامه داشت تا بالاخره درسنه ۲٤ با همت آقای‌دکترخزائلی‌آموزشگاه شبانه منظمی در تهران تاسیس گردید . در حال حاضر پس از نزدیك به بیست سال فعالیت مداوم قسمتی از هدفهای ثمربخش این موسسه بزرگ فرهنگی تحقق یافته و به صورت یك دستگاه نمونه علمی و فرهنگی در آمده است آموزشگاههای‌خزائلی اکنون مشتمل بر چهار آموزشگاه جداگانه میباشد که نزدیك بهم ودر کوچه ظهیرالاسلام قرارگرفته‌اند. البته علت اساسی تفکیك آموزشگاههای مزبور نبودن محل وسیع و مناسب می باشد که امید میرود با مساعی گردانندگان موسسه این نقیصه باادغام‌آموزشگاهها دریك آموزشگاه‌واحد و مجهز مرتفع گردد .

از آموزشگاههای مزبور

کلاس خیاطی خزائلی‌که خانم شایسته خزائلی دختر آقای دکتر خزائلی فارغ‌التحصیل مدرسه‌گرلاوین‌پاریس هستند مشغول تدریس درآن میباشند





دو آموزشگاه به بانوان و دوشیزگان و دو آموزشگاه به محصلین مرد اختصاص دارد .

برنامه های آموزشی

در کلاسهای مختلف آموزشگاههای مزبور علاوه بر برنامه دبستانی و دبیرستانی ماشین نویسی، خیاطی و زبانهای انگلیسی، فرانسه ، آلمانی ، و عربی نیز تدریس میشود .

موسسه خزائلی همچنین کلاسهای مختلفی برای داوطلبان مسابقات دانشگاه وحتی مسابقات دکترای حقوق و ادبیات دائر نموده که بنوبه خود کمك موثری در بالا بردن معلومات محصلین مینماید .

برای پیشرفت آموزش محصلین سعی شده که از بهترین و مبرزترین دبیران پایتخت جهت تدریس دانش آموزان و دانشجویان استفاده شود تا آنجا که حتی در قسمتهای ابتدائی نیز مواد آموزش بوسیله معلمین لیسانسیه تدریس میگردد .

کلاس طراحی و خیاطی موسسه را بانو شایسته خزائلی دختر آقای دکتر خزائلی که فارغ التحصیل مدرسه گرلاوین پاریس می باشد اداره مینماید .

آموزش بوسیله مکاتبه

آموزش بوسیله مکاتبه نیز از فعالیتهای مفیدی است که اخیرا توسط این سازمان متداول شده و نتایج مطلوبی ازآن بدست آمده است .

با اتخاذ این روش موسسه خزائلی توانسته است محصلینی را که ازاین طریق تحصیل مینمایند تا حد قابل توجهی پیش‌برده و دروس آنها را تقویت نماید . درحال حاضردانش آموزان سال ششم متوسطه و داوطلبان دانشگاه ازاین وسیله آموزش استفاده می نماید لیکن موسسه خزائلی در نظر دارد که برای‌تقویت دوره های دیگر نیزآموزش بوسیله مکاتبه را گسترش دهد .

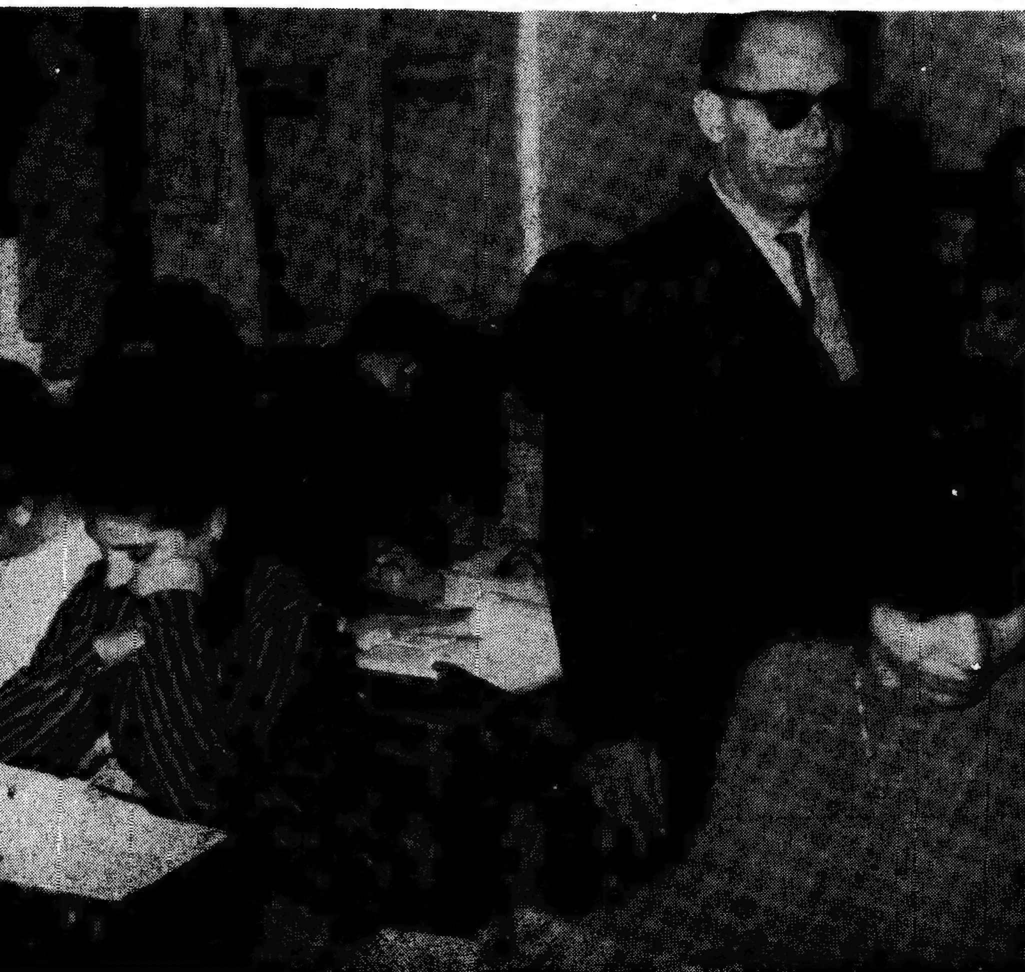
لازم بتذکر است که موسسه فرهنگی خزائلی دارای یك کتابخانه بسیار مرتب حاوی کتب ذیقیمت و ممتاز و یك آزمایشگاه میباشد .

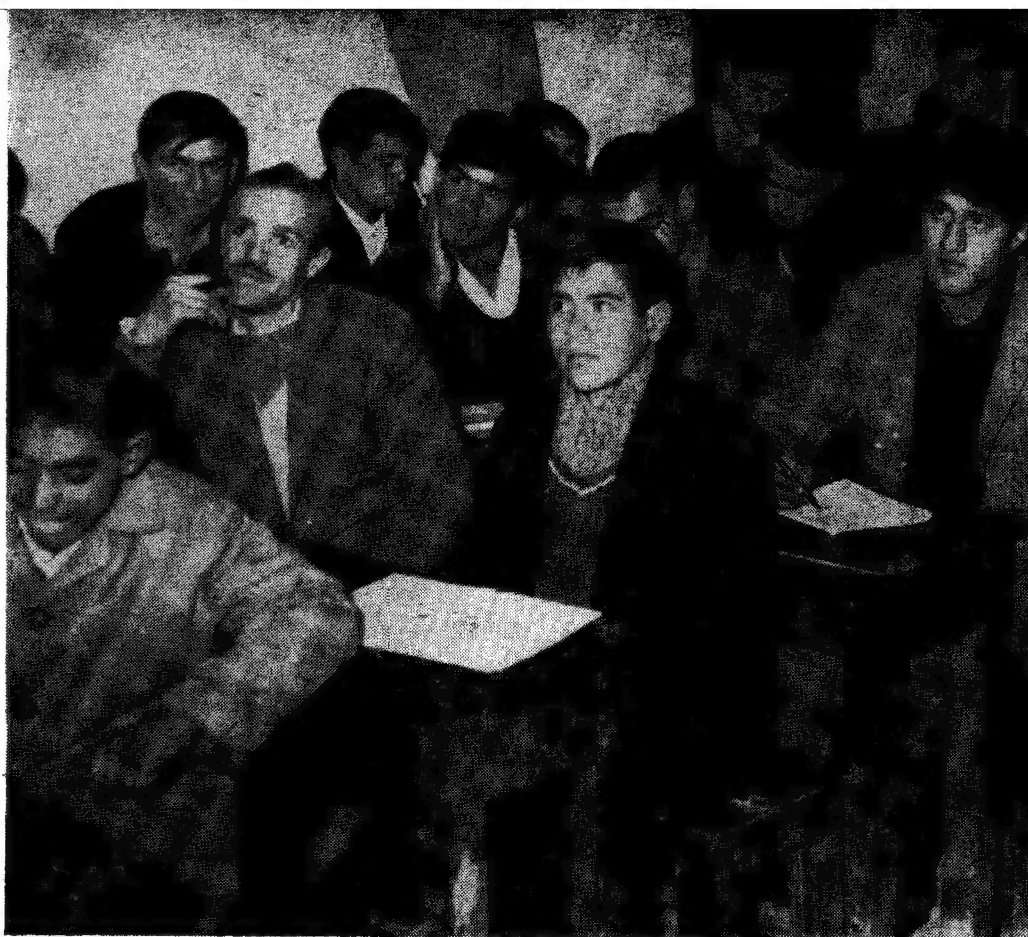
رسیدگی به نیازمندیهای علمی

عاملی که شاید بیش از هرچیز سبب پیشرفت کار این موسسه گردیده است خط مشی ثابت ومشخصی است که گردانندگان آن از آغاز بکار تاکنون اتخاذ نموده‌اند . بطور نمونه هر هفته جلسه‌ای با حضور نمایندگان کلاس های آموزشگاه و آقای دکتر

کلاس ششم ادبی دختران

آقای دکتر خزائلی در این کلاس‌مشغول تدریس درس عربی هستند





یکی ازکلاسهای دوم متوسطه شبانه خزائلی

خزائلی تشکیل میگردد که ضمن بحث پیرامون وضع کلاسهای موسسه باحتیاجات علمی آنان رسیدگی میشود

در سیزدهم رجب هر سال نیز بمناسبت تولد مولای متقیان حضرت علی (ع) جشن دینی باشکوهی توسط این موسسه ترتیب داده‌می شودکه طی آن مدت‌ه ساعت درباره حقایق دینی بحث میشود و در نظر است که جلسه مباحثه‌ای در همه جشن ها و در بعضی از روزهای آدینه تشکیل گردد.

محصلین آموزشگاه های خزائلی

با مقدمه‌ای که درمورد ارزش فرهنگی و اجتماعی آموزشگاههای شبانه ذکر شد این واقعیت را نیزباید قبول کرد که محصلین آموزشگاههای خزائلی همه درردیف افرادفعالی‌هستند که پس از فراغت از کار روزانه از فرصتی که برای استراحت بیشتر آنها باقی میماند استفاده نموده واین اوقات را بتوسعه و رشد معلومات عمومی وتخصصی خود میگذرانند .

بطور متوسط ۸۰٪ محصلین این موسسه در امتحانات مربوطه که‌وسیله وزارت فرهنگ انجام می شود موفق میگردند. انتظار میرود وزارت فرهنگ نیز برای پیشرفت هرچه‌بیشتر این محصلین از ایجاد تسهیلات بیشتری باتعدیل شروط امتحانی فروگذار ننماید . بعلاوه‌چنانچه این وزارتخانه برای آموزشگاه های‌شبانه نیز مانندمدارس ملی حقوقی قائل‌گردد بدون تردید موفقیتهای بیشتری درامر آموزش و پرورش نصیب این موسسات علمی گردیده و بنحوشایسته‌تری خواهند توانست فعالیت ثمربخش خود را ادامه دهند .



مدارس وابسته بموسسه خزائلی

علاوه بر آموزشگاههای شبانه این موسسه دارای مدارس دیگری نیز درنقاط مختلف پایتخت میباشدکه از جمله میتوان دبستان و دبیرستان دخترانه خزائلی را نام برد که تحت‌نظرخانم عشرت شریف رازی اداره میشود و در سال گذشته‌از لحاظ تعداد قبول شدگان بین مدارس پایتخت رتبه بسیار ممتازی را حائز گردید .

کودکستان خزائلی فعلا بواسطه نبودن جا تعطیل شده ودر نظر است که در سال آینده این کودکستان که سابقا از کودکستانهای طراز اول پایتخت بشمار می‌رفت تحت نظر بانو سیمین دخت صحت‌مدیره کودکستان بار دیگر دایر شود .

در فهرست اقدامات پیش بینی شده این‌موسسه تاسیس هنرستان ومدرسه بازرگانی شبانه و پانسیون شبانه روزی نیز که‌ارزش اجتماعی فوق‌العاده میتوان برای آنها قائل شد گنجانیده شده است .

موسسه خزائلی تاکنون بمناسبت حسن خدمت و انجام تعلیم و تربیت‌صحیح بافتخار مدال درجه اول علمی و نشان درجه دوم علمی نائل گردیده و این تلاش ثمربخش و مفید رابا شایستگی‌کامل ادامه‌خواهد داد .

از مفسر فرهنگی کاته

گروه فرهنگی علوم
کوشش مداوم در راه اعتبار فرهنگ

همگام با پیشرفتهای شگرفی که در امور صنعتی و کشاورزی و کادرهای مختلف ساختمانی نصیب کشورمیشود احتیاج جامعه را بافرادتحصیل کرده و فهمیده روز بروز بیشتر میسازد.

نمیتوان ابزارهای جدید کار را بدون داشتن کارشناسان ورزیده مورد استفاده قرارداد. نمیتوان وسائل مکانیزه کشاورزی را بدون نشان‌دادن طرز کار این‌دستگاهها به روستائیان و آموزش فنی آنها در اراضی وسیع و پهناور کشور بکار انداخت و سرانجام نمیتوان از یك زندگی زیبا و مرفه و دلپذیر بهره‌مند شد مگر اینکه در سازمانهای مختلف اداری و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کشور افراد منورالفکر و متبحر شاغل امور باشند. با توجه باین نیاز روزافزون جامعه به افراد تحصیل کرده مسئله تعلیم وتربیت روزبروز اهمیت بیشتری کسب میکند با یك‌نگاه اجمالی بوضع فرهنگ مملکت بخوبی معلوم میشود که در سالهای اخیرهمزمان با احداث مدارس و دانشگاههای دولتی جدید و سایر فعالیتها وجنبش های ملی قابل ملاحظه‌ای بچشم میخورد و برای تامین هرچه بیشتر نیازمندیهای جامعه و برآوردن احتیاجات دانش ـ پژوهان‌افراد کشور موسسات فرهنگی نیز بطور محسوس گسترش یافته و خود را با جدیدترین شیوه‌های تعلیم و تربیت دنیا هماهنگ میسازند یکی از موسسات فرهنگی مجهزی که توانسته پابپای مدرنترین دستگاههای آموزشی کشورهای راقیه پیش آمده و آخرین پیشرفتهای علمی و فرهنگی و تربیتی را بطرز صحیحی در موسسه خویش مورد استفاده قرار دهدگروه فرهنگی علوم‌میباشد این‌موسسه باسابقه و معروف فرهنگی همه ساله شاگردان موفقی تحویل اجتماع میدهد.

بررسی پیشرفتهای فرهنگی

گروه فرهنگی علوم پیشرفتهای فرهنگی و نتایج حاصله از اتخاذ روشهای جدید تعلیم و تربیتی را بطور پیگیر بررسی نموده و از آن در تدریس و تعلیم و تربیت شاگردان استفاده میکند.

موفقیت شاگردان کلاسهای کنکور

یکی از مسائل مبتلابه فارغ‌التحصیلان دبیرستانها و کسانی که میخواهند وارد دانشگاه شوند موضوع گذراندن کنکور است باتوجه بکثرت داوطلبان شرکت در کنکور و خیل عظیم کسانی که مشتاق ورودبدانشکده ها هستند مسئله گذراندن کنکور روز بروز اهمیت بیشتری کسب میکند و کسانی قادر بگذشتن از این سد سکندر میشوند که از هر حیث آمادگی وشایستگی داشته باشند ازافتخارات گروه فرهنگی علوم اینست که شاگردان کلاس های کنکور این موسسه همه ساله موفقیت شایانی کسب میکنند و این امر البته‌تصادفی نیست زیرا دبیران این کلاسها خود از دبیران دانشگاه و دانشگاهیان هستند و برنامه کلاسها طوری است که موفقیت شاگردان را تضمین میکند.

دبیرستان علوم شماره یك پسران

در ساختمان بسیارزیبائی قرار گرفته و به تمام وسائل آموزشی وانواع وسائل‌ورزشی ازقبیل باسکتبال و والیبال پینگ‌پنگ سالن نمایش وغیره مجهز میباشد درانتخاب رئیس دبیرستان نهایت دقت‌بعمل‌آمده بطوریکه یکی از افراد ورزیده فرهنگی که قبلا سابقه ریاست فرهنگ را داشته برای این‌مقام برگزیده شده است دبیران‌نیز از افراد باسابقه و کاملاوارد بامر تعلیم و تربیت میباشند و درتدریس و کنترل شاگردان نهایت سعی و اهتمام‌رامینمایند وضع تحصیلی شاگردان مرتب مورد دقت و بررسی قرار میگیرد و هر ۱۵ شاگرد تحت کنترل یك شاگرد زرنگ‌بوده و مرتب از طریق دیگر نیز به پیشرفت تحصیلی‌شاگردان کمك میشود غیبت یاتکاهل شاگردان بلافاصله بوسیله نامه‌ایکه توسط مستخدم فرستاده میشود ورسید آن دریافت میگردد باطلاع اولیاء آنها رسانده میشود.

هیئت مدیره گروه‌فرهنگی علوم ۷ نفر از خادمین صدیق فرهنگ‌وازدانش‌پروران واقعی کشورندکه بابذل‌مساعی فراوان و با تحمل هزینه‌های سنگین و فداکاری و از خود گذشتگی شایان تحسینی توانسته‌اند این موسسه فرهنگی را بصورت یك موسسه نمونه درآورند نتیجه زحمات شبانه روزی اولیاء گروه فرهنگی علوم وحسن‌سلوك آنهاباعث‌این شده‌است‌که امروزبااینکه‌گروه فرهنگی علوم تغییر محل یافته و بمحل جدید در فیشرآباد انتقال یافته است معذالك عده شاگردان آن بمراتب بیش از موسسات مشابه میباشد اگر شما قصد ادامه تحصیل دارید یا یکی از دوستان یا بستگان یا آشنایان شما میخواهد بعلم اندوزی بپردازدو درجستجوی یك کانون علمی معتبر وقابل اعتماد از نظر فن آموزشی است بگروه فرهنگی علوم‌سری بزنید مطمئنیم دیدن این‌موسسه فرهنگی و آشنائی با اولیاء عالیقدر آن در زندگی شما حادثه فراموش نشدنی خواهد بود.

مؤسسه ایران

سازمان فرهنگی وسیعی که سهم بزرگی در پیشرفت سطح فرهنگ پایتخت دارد

پرورش و تربیت ۲۶ دوره آموزشی نتیجه فعالیت ۲۶ ساله این سازمان بزرگ فرهنگی میباشد

بااینکه نیرو وقدرت کشورها در هر دوره‌ای از تاریخ برفعالیتهای دیگر آنها در هررشته‌ای از علوم یا صنایع وحرف حکمفرما بوده‌است معذالك برای نشان دادن نمودار پیشرفتهای هر اجتماع فرهنگ و صنایع آن جامعه پیوسته مبنا و اساس قرار میگیرد .

از طرفی باعلم باین‌واقعیت که توسعه صنایع وهنرهای مختلف نیز در هر اجتماع بابسط فرهنگ و نفوذ علوم جدید وابداع شیوه های تازه توام بوده‌است میتوان گفت که پایه واساس پیشرفتهای صنعتی وتقویت بنیـه اقتصادی هرکشور مرهون فرهنگ آن میباشد .

برای توسعه وپیشرفت فرهنگ وسطح فکر عمومی تعلیم وتربیت نخستین از سنین کم در درجه اول اهمیت قرار دارد و سنجش ذوق واستعداد نهانی‌اطفال‌ورهبری صحیح آنها درجهت هدفی که مورد علاقه آنهاست از پرارزش ترین سیستم های تعلیم وتربیت امروزه جهان میباشد .

خوشبختانه در کشور مانیز با آغاز دوران فرهنگی جدیدی که بیش‌از نیم قرن از شروع آن نمیگذرد ومجاهدات مردان مبارزی چون امیر کبیر ورشدیه رکورد مستمری که قرنها در فرهنگ‌عمومی پدید آمده بود به جنبش ها و فعالیتهای ثمر بخشی در زمینه ایجاد مدارس جدید وتوسعه امر تعلیم وتربیت گرائید .

مدارس ملی نقش موثری در نیل باین هدف داشتند وتشکیل انجمن ها وگروههـای فرهنگـی کـه گردانندگان آنهـا را فرهنگیان دانشمند وپرسابقه تشکیل میدادند درزمانی که اذهان عمومی هنوز بهیچ وجه برای قبول طرح‌توسعه وتعمیم فرهنگ آمادگی نداشت راه را برای کسانی که تلاش‌آنها در این زمینه غالباً با شکست روبرو میگردید هموارنمود .

باین ترتیب باحمایتی که از طرف روشنفکران وفرهنگ‌دوستان بعمل آمد نطفه این نهضت بزرگ فرهنگی بالمره نضج یافت و این سرآغاز تحول دامنه دارتری بود که امروزه حتی در کوچکترین قراء کشور روستازادگان مانیز از ثمرات نیکوی آن برخوردارند .

۲۶سال فعالیت‌درمسیریك‌هدف

۲۶ سال قبل یعنی هنگامی که تشکیلات فرهنگی ایران از مدارس انگشت شماری‌تجاوز نمیکرد موسسه فرهنگی ایران که در حال حاضر متشکل از عـالیترین گروههـای مدارس ملی در پایتخت میباشد بهمت بانـو شوکت ملك جهانبانی تاسیس شد .

در طی این بیست وشش دوره فرهنگی که موسسه ایران تاکنون گذرانده است این دستگاه فرهنگی باهمیت وفعالیت‌مداوم گردانندگان آن بالمره بسط وتوسعه یافت وبر تشکیلات آن افزوده گردید تاآنجا که امروز بیش از ۲۰۰۰ تن از جوانان ونونهالان کشور درمدارس این موسسه‌دوره‌های مختلف‌آموزشی راطی مینمایند .

درحال حاضر موسسه ایـران دارای یك دبستان دخترانـه دو دبستان پسرانه بنامهای ایران و جهانبانـی ویك کودکستان ویك دبیرستان میباشد وصدوپنجاه نفر دبیر وآموزگار وکارمند که هریك تخصص کافی در کار خود دارند عهده دار تدریس وانجام وظائف محوله در موسسه میباشند .

موسسه‌مزبور دارای یك‌لابراتوار مجهز ویك کتابخانه است که سه هزار جلد از کتابهای مفید علمی را برای مطالعه دانش آموزان در اختیار دارد .

تیم ورزش دبیرستان ایـران از قویترین ومشهور ترین تیمهای پایتخت بوده وهمه ساله در مسابقات آموزشگاهی امتیازات قابل توجهی کسب مینماید .

برای تشکیل کـادر آموزشی موسسه سعی شده که از مبرزترین دبیران پایتخت دعوت بعمل آید وبهمین علت مـدرسه ایـران در امتحانات پیوسته رتبه اول را حائز بوده وشاگردان‌این موسسه‌ازبهترین وهنرمندترین دانش‌آموزان محسوب میشوند .

باید متذکر شد که در موسسه فرهنگی ایران پیوسته یك طبیب مخصوص از صبح تا ظهر برایگان برای معاینه وراهنمائیهای بهداشتی اطفال آماده میباشد وباین ترتیب بهداشت وسلامتی دانش آموزان‌نیز تحت برنامه منظمی دائماً کنترل میگردد .

بازحمات فوق‌العاده‌ای که هیات مـدیره وکـارکنان ومعلمان این موسسه برای بهبود وضع مدارس خود وبالابردن سطح فرهنگ در پایتخت کشور کشیده‌اند وتوفیقی که دراین راه نصیب این دستگاه فرهنگی گردیده است میتـوان امیدوارشد که باکمك وهمکاری ثمربخش این چنین مراکز وسیع آموزشی فرهنگ کشور مانیزهمانند دیگر ممالك راقیه به پیشرفتهای پرارزش‌دیگری‌دراین‌زمینه‌نائل‌آید.

a - b - a - b - a - b - a - b - a b -

a - b - a - b - a - b - a b - a b -

a - b - a - b - a - b - a - b - a b -

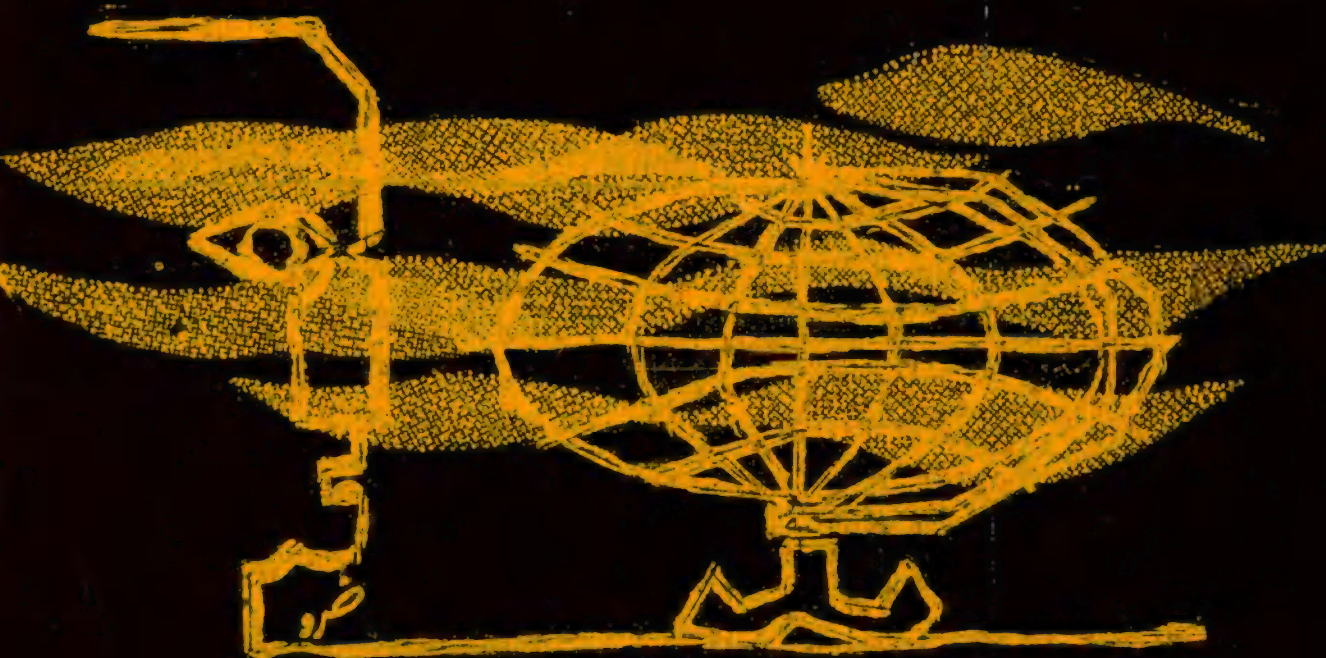
a - b - a b - a - b - a - b - a b -

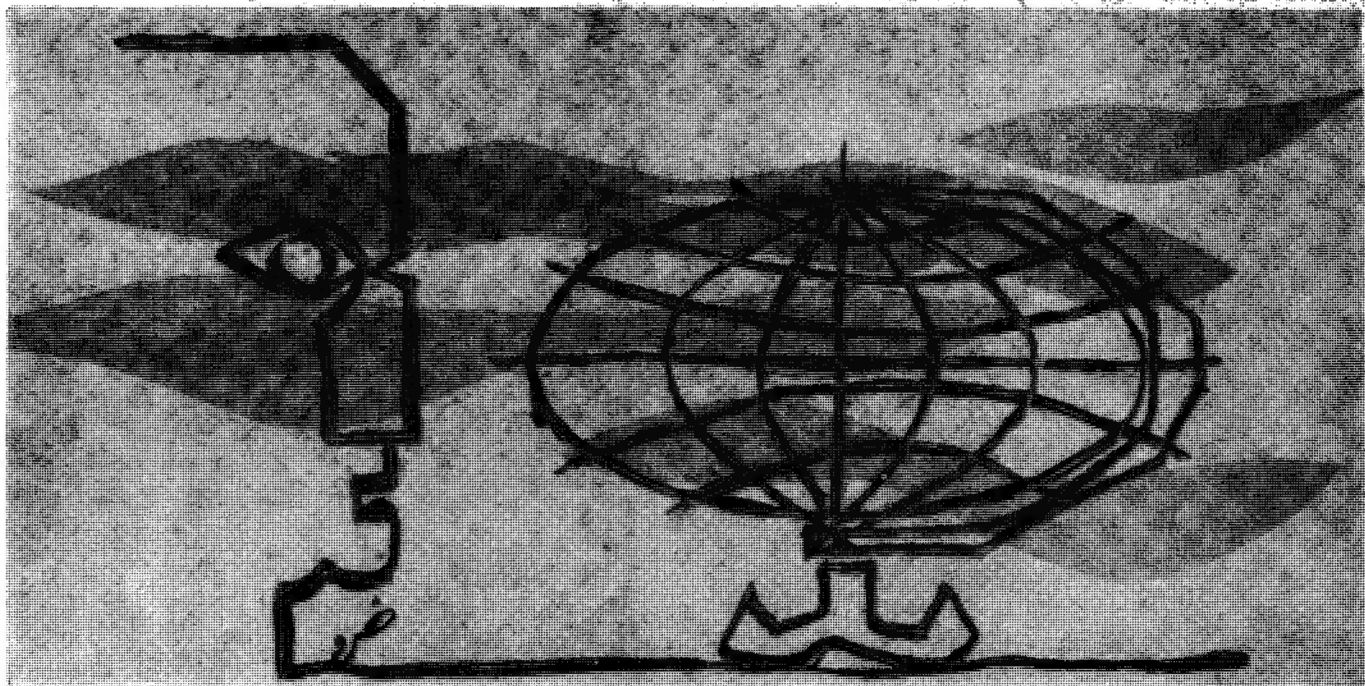
a - b - a - b - a - b - a - b - a - b -

a - b - a - b - a

!

دانش و زندگی





دنیایی که دانش با آن سر و کار دارد

لئوناردانگل **LEONARD ENGEL** ترجمه «سقیل»

درسراسر تاریخ باختر ، فیلسوفان به تامل دربارهٔ ماهیت معرفت و نسبت میان دانسته های‌ما و جهان خارج پرداخته‌اند . اساس مساله درین بوده است که آیا جهان براستی واقعیت دارد و آیا«اندیشه» به جز انعکاس جهان در ذهن چیزی نیست ؟ و یاآنکه، برعکس ، فکر واقعیت غایی است ؟ به عبارت دیگر آیا جهان درماورای آنچه ما ازطریق معرفت حسی‌بدست می‌آوریم و ازآن آگاهی داریم وجود دارد و یا آنکه معرفت حسی ما غایت همه چیز است ؟ آیا دریا ، بدون وجود کسی که «آبی» بودن آب آن را به بیند یا از «آبی بودن» آگاهی داشته باشد آبی خواهد بود ؟

البته میتوان پاسخی یافت . من خود یقین‌دارم‌که دریا ، حتی اگر نسل آدمی از روی زمین برافتد ، همچنان آبی خواهد بود (شاید اندکی هم آبی‌تر ازاینکه هست بشود برای اینکه طبیعی است ، با نبودن مردم آب کمتر ملوث میشود !) اما به شیوه‌یی منطقی ، نه‌این نظر و نه نظر ضد آن را ، نمیتوان ثابت کرد ــ شاید هم به همین جهت بوده که این مساله سالیان درازخاطر فیلسوفان را بخود مشغول داشته و باشور و حرارت مورد بحث قرار گرفته است .

اما ، امروز ، ازین‌گونه سوال ها کمتر مطرح میشود ، نباید پنداشت که دلیل عدم طرح این قبیل پرسشها زبونی گرفتن نیروی کنجکاوی آدمی و یا سطحی شدن اندیشه‌ی اوست ، بلکه بعکس علت مطرح نشدن این نوع سوال ها بدان جهت است که دانش این مساله ها را نوعی سامان بخشیده است .

دانش و دانشمندان بنارا برآن گذاشته‌اند که جهان ، جدا ازآنچه ما ازطریق معرفت حسی خود از آن بدست می‌آوریم ودرماورای آنچه میدانیم وجود دارد . دانشمندان میکوشند تا هردم بکمك احساس‌و قوه‌ی ادراك خود ناشناخته هارا بشناسند . نیز دانشمندان تمامی هم خودرا مصروف میدارند تانتیجه های آزمایش های آنها از خطاهایشان مصون بماند و این کوشش نیز گواهی دیگر است براعتقاد ایشان به «عینی» (۱) بودن جهان . در«تعمیم» و «استنتاج» وبه ضابطه (۲) درآوردن قوانین طبیعی نیز بر همین نهج رفتار میشود .

با اینهمه اعتقاد به «عینیت» جهان ، نکته‌یی‌است غیرقابل اثبات . زیرا که دانشمندان دراثبات آنچه دانسته نیست به هیچ روی تواناتر از فیلسوفان‌نیستند وازاین گذشته در شناخت آنچه در ماوراء معرفت حسی نهفته است ازایشان سبق نمیزند . اما دانش چنان پیشرفته است و نتیجه های آن چنان موفقیت آمیز بوده که از خاطر کمتر کسی گذشته است که این فرض ، واقعی بودن جهان ، را به معارضه بخواند . در پرتو پیشرفت های دانش ، مردم چنان دست و بالشان به کارهای گونه‌گونه بند شده است که مسایلی مانند وجود «واقعیت‌عینی» چندان ذهنشان‌را بخودنمیگیرد.

جهانی که دانش با آن سروکار دارد و آن رامورد بحث قرار میدهد معمولا به سه خطه‌ی مختلف بخش میشود : خطه‌ی علوم طبیعی یا فیزیکی ، خطه‌ی علوم زیستی و خطه‌ی علوم اجتماعی . درعلوم طبیعی‌مسایلی نظیر گرما ، نور ، قوه جاذبه ، قوانین مکانیك ، واصول اساسی ترکیب های شیمیائی و (اخیرا) ساختمان اتم مورد بحث است . علوم زیستی باجهان موجود های زنده سروکار دارد و از خردترین تا بزرگترین‌جانداران

Objective - 1   Formulating - 2

موضوع پژوهش آن هستند و موضوع علوم اجتماعی انسان است درحد حیوانی اجتماعی (برای طبقه‌بندی دقیق‌تر دانش ها به «شجره نامه» علوم که درپایان این گفتار آمده است نگاه کنید.)

بی شبهه ، آدمی از روزگاران دیرین به آنچه در اطراف او میگذشته علاقه‌مند بوده است و به همین دلیل نیز هست که از پیشینیان ما ، باهمه‌ی تفاوتی‌که درطرز دید آنها با ما موجود است ، آثار بسیاری در زمینه های سه‌گانه دانش ها باز مانده است . اماعلوم فیزیکی ، زودتر از علوم دیگر به صورت امروزین خود درآمدند . ریشه‌ی این تحول را باید درقرن هـای سیزدهم تا پانزدهم در اروپای باختری جستجو کرد ، نخستین کسی که علم فیزیك را به معنی امروزی ، متحول ساخت «گالیله» (۱) بود .

علت آنکه علم فیزیك درین پیشرفت از دیگر دانش ها جلوتر افتاد یکی آن بود که میان فیزیك ازیك سومیان مکانیك و رشته های فنون نظامی مـانند «بالیستیك» از سوی دیگر قرابت بسیار وجود داشت. علت دیگر این پیشرفت زودرس آن بود که پدیده‌هائی را که در فیزیك مورد بحث قرار میگیرند (مانندقوانین سقوط اجسام و فشار گازها) ، نسبتا ، بسهولت می توان مورد مشاهده قرارداد . برجانوران و گیاهان بواسطه تغییرپذیریشان بدشواری میتوان نظر دوخت و مشاهده علمی در روی آنها به عمل آورد . و به‌همین سبب نیز بود که تا قرن هژدهم روش های منظمـی (سیستماتیك) درطبقه بندی گیاهان و جانوران حاصل نیامد و نخستین قانون بزرگ زیست شناسی ـ قانون چارلز داروین در باره‌ی تحول ارگانیك ـ در ۱۸۵۹بود که نشر شد . فیزیولوژی (علم وظایف اعضا) نیز در قرن بیستم بالید .

موضوع مورد بحث علوم اجتماعی ، از موضوع های دانش های دیگر بسی پیچیده‌تر است و از تمام آنها نیز دیرتر رشد کرده است و میتوان گفت کـه هیچیك ازآنها هنوز وارد مرحله‌ی اولی تحول‌هرعلمی‌ـ یعنی توصیف پدیده ها ـ نشده‌اند . در بیشتر دانش های اجتماعی هنوز با مرحله‌ی استنتاج و به ضابطه‌در آوردن قوانین عام مفید سخت فاصله داریم .

درطی نیم قرن گذشته کارهای علمی و نیزتعداد کارگزاران علوم بسیار زیاد شده‌اند . حاصل این‌انبوهی و رشد پدید آمدن «تخصص» بوده است ودر بیشتر پژوهندگان دانش ها کار این «تخصص» تا بدانجا کشیده است که هرکس سرگرم کار خود شده و از آنچه در دیگر زمینه های‌علوم درگذرست بی خبرمانده، بعض اینان که اصولا از وجود زمینه های علمی دیگر نیز پاك بی‌اطلاعند !

رشد قارچ‌گونه‌ی «تخصص» اجتناب ناپذیربوده است . حتی درشاخه های کوچك و بی‌اهمیت‌تر علوم پژوهندگان اطلاعات و حقایق آنچنان وسیعی فراهم آورده‌اند که تسلط برآنها عمری طول میکشد . اما در این نکته اصلا شك نیست که رشد «تخصص» بدینگونه، نامیمون بوده است . با ایجاد این مانع های تخصصی‌در میان زمینه های علوم بهم وابسته در عین حال کـه جهان موفق به دست یافتن بر کشف های ارزنده‌ی بسیار شده است وقت و نیروی بسیاری را نیزبهدر داده است . (برای مثال کافی است براین نکته دقت کنید که داروی ضد سل ایزونیازید در ۱۹۱۲ بتوسط شیمی دانان تهیه شد اما بواسطه‌ی آنکه عالمان پزشکی ازآن بی‌خبر مانده بودند تا ۳۹ سال بعد درمعالجه‌ی این مرض ازآن سود جسته نشد) ازین گذشته «تخصص» سبب شده است تا هردانشمند متخصص دیدی ناقص از جهان داشته باشد و جهان پراکنده‌گونه جلوه کند و مرد متخصص نتواند بدرستی به موضوع مورد مطالعه خود بنگرد .

زیرا جهانی که علم با آن سروکار دارد ، هراندازه هم که سیماهای گوناگون آن از هم متفاوت بنظر آیند، جهانی است یکتا و واحد . میان «نیم‌جهان» هایی کـه علوم طبیعی ، علوم زیستی و علوم اجتماعی پرداخته‌اند رابطه‌یی بسیار عمیق و نزدیك وجود دارد . هریك از اینها قانون هایی خاص خود دارد ، اما ارگانیسم زنده از قانون های خاص شیمی و فیزیك نیز پی روی میکند انسان‌درعین حال ، پدیده‌یی‌است اجتماعی، ارگانیسمی است زیستی و مجموعه‌یی است از رخداد های‌فیزیکی و شیمیائی .

اگر چنین نبود دانش‌پزشکی به پیشرفت هـای معجز مانندی در زمینه‌ی ابداع داروهای شگرف نایل نمی‌آمد زیراکه بیشتر این داروها حاصل‌آزمایشگاهی شیمی هستند و علوم مختلف همه از ابزارهای اندازه گیری و مشاهده‌یی استفاده میکنند که بنابراصول‌دانش فیزیك ساخته شده‌اند و بدون آنها وجود این اسبابها و بدون اینها پژوهش دانش های‌گونه‌گونه ممکن نمیبود برای مثال ، اگر شیمی‌دان مجهز به اسبابهایی نبود تابا آن بتواند مواد لازم را تهیه و تنقیح کند هم اکنون‌دارو های «آنتی‌بیوتیك» درداروخانه‌ها موجود نبودند .ونه شیمی‌دان ونه عالم «استروفیزیك»بدون‌وجود طیف‌نما (سپکترسکپ)که وسیله‌ی فیزیك‌دان درتجزیه نوراست درکار خود وامی‌ماندند .

درقرن هیجدهم گروهی از عالمان فرانسوی ، فیزیوکرات ها ، کوشیدند تا در تحلیل های اجتماعی از قوانین فیزیکی ، خاصه قوانین «فیزیك نیوتنی» یاری جویند ، این کوشش البته به نتیجه نرسید زیرا که ساختمان جامعه و امور جاری درآن بسی مدغم‌تر

(۱ Galileo) (۱)دانشمند ستاره شناس و فیزیك دان ایتالیائی که برای‌اثبات گردش زمین بگرد خورشید کوشید و اولیای کلیسا با او ازدرستیزه درآمدند . در۱۶۵٤ زاده شد ودر ۱۶۴۲ جهان را بدرودگفت . «م»

ازاصول فیزیك کلاسیك است . با اینهمه میتوان گفت که رای فیزیوکرات‌ها صائب‌تر از ناقدانشان بود زیرا که دست کم متوجه به پیوند میان انسان و طبیعت‌شده بودند و ازاین بصیرت بهره ور بودند که ازحاصل‌دانش درگشودن معضل‌های دانشی دیگر بهره‌گیرند .

رابطه‌ی میان این سه خطه‌ی گوناگون علم چیزی است شبیه رابطه‌ای‌که میان موجود های «تك‌سلولی» و موجود های «چند سلولی» وجود دارد . در نردبان تحول هرقدر که به بالاتر رویم می بینیم که حیوة خواص و خاصه هایی ویژه‌ی خود دارد اما درعین‌ها همه‌ی این شکل ها در یك نکته مشترك‌اند وآن اینکه ارگانیسم های زنده همگی از «سلول» هایی ساخته شده‌اند که طرز کارشان شباهت بسیار به همان‌موجود یك سلولی داردکه حیوة از آن نشأت یافته است . ارگانیسم های «چند سلولی» سلول های منفرد را در یك‌گل‌تازه متشکل میسازندکه درعین‌آنکه این‌گل‌نوبنیاد وظیفه‌ی خاص خودرا بانجام میآورد تابع خواص‌سلول های متشکله‌ی خود نیز میباشد .

نکته‌یی است بدیهی که ارگانیسم زنده را بدون‌در نظر گرفتن سلول نمیتوان مورد مطالعه قرارداد. نیز بدیهی است که جامعه را بدون در نظرگرفتن زیست شناسی و زیست شناسی را بدون در نظر آوردن‌فیزیك و شیمی نمیتوان بررسی کرد . پیشرفت های سریع علوم بیشتر در زمینه‌ی دانش هـــای «نو» ، مانند «بیوشیمی» و «بیوفیزیك» و... است‌که از معرفت و آگاهی حاصل از چند دانش برای گشودن مسایـــل مشترك بکار میگیرد ودرعین حال خود حجتی است تازه از برای آنکه جهانی که دانش با آن سروکار دارد جهانی است واحد .

یادداشت هایی درباره‌ی «شجره نامه‌ی دانش ها»

نموداری که در پایان این گفتار خواهد آمد نام شاخه های مهم دانش را برمیشمارد و رابطه‌ی میان آنهارا مینمایاند . علوم «عملی» ، درمقابل دانش های «محض» ، با حرف های درشت تر چاپ میشوند . خطوطی که ترسیم شده‌اند پیوستگیهای یك علم را با دانش های دیگر نشان میدهند ، در مثل ، چنانکه از نمودار پائین برمیآید دانش پزشکی نه همان با شاخه های گوناگون «حیوان شناسی» مربوط است بلکه بـــا «بیوشیمی» و «بیوفیزیك» و «میکروبیولوژی» و«روان پزشکی» نیز پیوند وداد وستد دارد .

دراین نمودار سه‌نکته را باید مورد دقت‌قرارداد نخست آنکه «ریاضیات» جدا از دیگر دانش ها نام‌برده شده است ــ و این عمل تصادفی نبوده ، زیرا با آنکه ریاضی دانان خود مایلندکه ریاضی‌را «ملکه‌ی دانش‌ها» بشمار آرند اما ، براستی ، ریاضیات علم نیست ، بلکه ابزار علم است .

شك نیست که «ریاضیات» حیاتی ازآن خود دارد و ریاضی دانان قضایای ریاضی‌را بدون ملاحظه‌ی فواید احتمالی علمی یاغیرعلمی‌آنهامورد فحص وتدقیق قرار میدهند . اما قوانین‌ریاضی ، قوانین‌اندیشیدن‌اندنه قوانین نهفته درجهان خارج‌که علم باسیماهای گوناگون آن سروکار دارد . قوانین نهفته در طبیعت که با کمك روشهای ریاضی استنتاج میشوند تنها هنگامی‌براستی نام قانون های طبیعی بخود میگیرند که صحت آنها را مشاهده های مکرر پژوهندگان به اثبات رساند . ریاضیات ابزاری مفید از برای همه‌ی شاخه های علم است گو اینکه در فیزیك بیش از بقیه‌ی دانش هامورد بهره جویی قرار گرفته است .

نکته‌ی دومی که در هنگام ملاحظه‌ی نمودار پائین باید در پیش چشم گرفت آن است که تعداد دانش هایی که در زیر عنوان علوم اجتماعی آمده‌اند بسیار اندك‌اند و این ازآن بابت است که موضوع موردبررسی علوم اجتماعی ، انسان درجامعه ، سخت دشوارست و هنوز بطور شایسته نبالیده است .

سومین نکته این است که دانش هارا میتوان به یکی از این دو شیوه طبقه بندی‌کرد : یکی به اعتبار چیزی که مورد مطالعه است (پرنده ها ، ماهی ها ، حشره ها ، و مانند آن ها) و دودیگر به اعتبار آنچه درهریك مورد مطالعه است (کالبد شناسی ، وظایف اعضا ، تحول ، و مانند آن) . کوشش شده است تا در نمودار پائینی این هردوشیوه جمع گردند ، اما درجائی که گزینش میان یکی ازین دولازم آمده است شیوه‌ی دوم طبقه بندی اختیار شده است . پیش از ترسیم نمودار ، درچند سطر پائین ، تعاریف فشرده‌یی ازعلوم نامبرده درنمودار میآوریم :

استروفیزیك : (فیزیك کیهانی) علم به کار گرفتن قوانین فیزیك در مطالعه‌ی ستارگان .

هیدرودینامیك : بررسی جریان گاز ها و مایع‌ها و جنبش اجسام در درون مایع ها و گاز ها .

فیزیکوشیمی : اعمال قوانین گرما و مانند آن در مطالعه‌ی واکنش های شیمیائی .

شیمی معدنی : شیمی مواد ، بجز ترکیبات کربن.

شیمی آلی : شیمی ترکیبات کربن . این علم را از آن‌رو شیمی آلی میخوانند که قبلا تصور میشد تنها موجودات زنده (ارگانیسم ها) قادربتولید ترکیبات‌کربن میباشند .

ژئوفیزیك و ژئوشیمی : مطالعه‌ی فیزیك وشیمی قشر زمین .

بیوفیزیك : مطالعه‌ی جریان های فیزیکی (مانند اپتیك درچشم) درموجود های زنده .

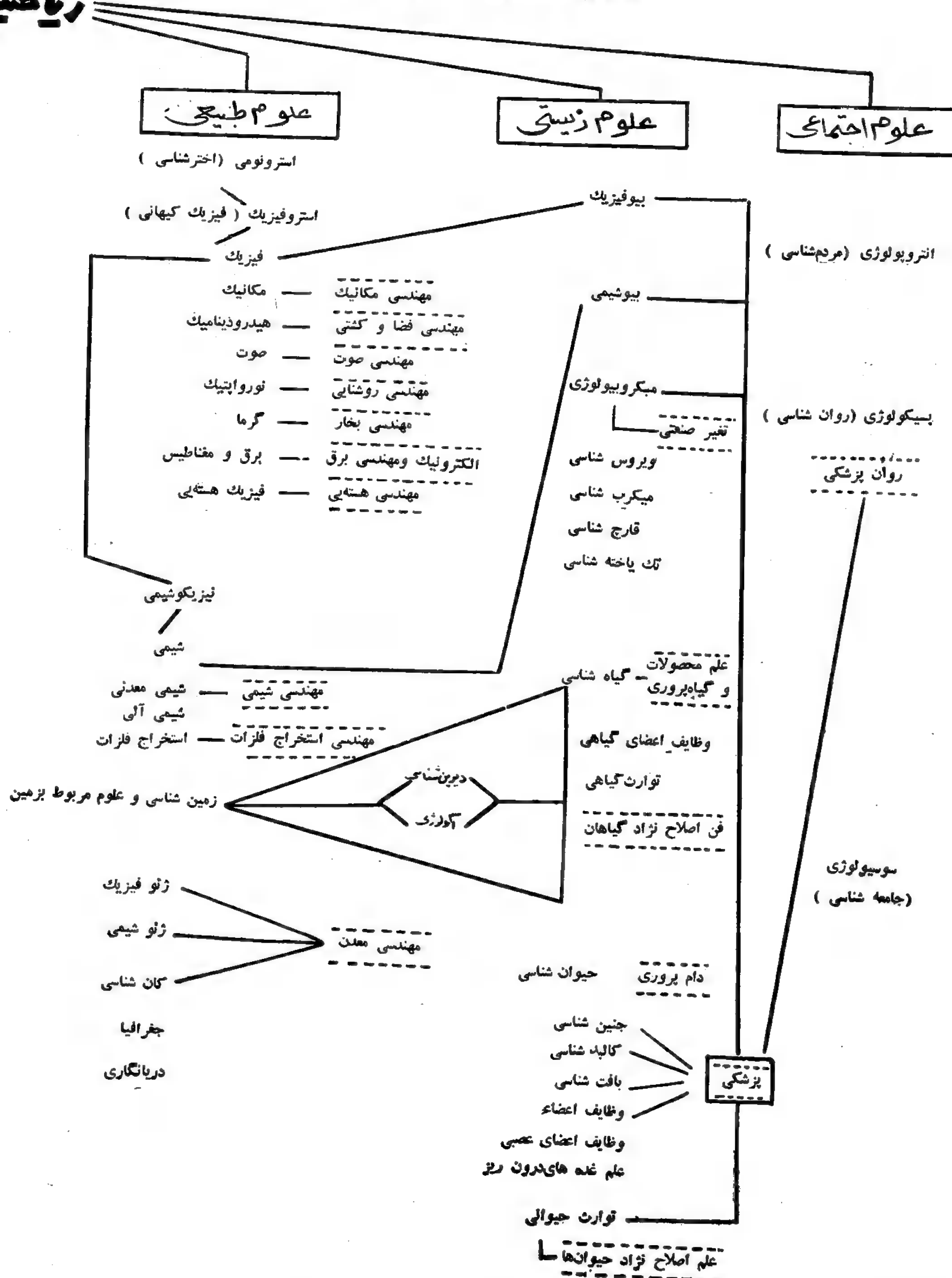
بیوشیمی : شیمی موجود های زنده .

میکروبیولوژی : مطالعه‌ی ارگانیسم های خرد .

ویروس‌شناسی : مطالعه‌ی ویروس‌هاست و **باکتری شناسی** مطالعه‌ی میکرب‌ها و **قارچ‌شناسی** علم بررسی قارچ‌ها ، **تك یاخته شناسی** علم مطالعه آمیب ها و دیگر موجود های تك سلولی است **تخمیر صنعتی** علم بررسی و استفاده از میکربهائی است که فرآورده‌های شیمیایی پدید می‌آورند .

دیرین شناسی : علم بررسی سنگواره های(فسیل ها) بازمانده .
آکولوژی : علم بررسی حیوان و گیاه بـا محیط جغرافیائی آن .
جنین شناسی : علم مطالعه‌ی رویان ، یا جنین است .
بافت شناسی : بررسی ساختمان بافت ها .
فیزیولوژی (وظایف اعضا) : علم مطالعه‌ی چگونگی انجام وظیفه‌ی ارگانیسم های زنده است .

وظایف اعضای عصبی به بررسی در سیستم اعصاب میپردازد و وظایف اعضای غده های درون ریز بـه مطالعه‌ی چگونگی غده های درون ریز و پژوهش درکار هورمون ها .
ژنتیک (علم توارث) : علم مربوط به ارث وانتقال صفات .
روانشناسی: علم بررسی ، درروان پزشکی امراض روانی مورد مداوا قرار میگیرند .



باسمان نگاه کنیم

ستاره‌شناسی که بینش از پیش با اصول تکوین جهان مشتبه میگردد یکی از دانستنی هائی است که‌انسان را به وهم انگیزترین و خیالی‌ترین پرتگاهها می‌برد ... پرتگاههائی کـه نیروی خیال دورتر از مرز های آن نمیتواند برود . سی سال پیش وقتی که ستاره شناسی در آسمان بکاوش می‌پرداخت چه چیز ها می دید ؟ علاوه بر چند سیارهٔ پیدا، ستارگان بیشمار می دید که سحابها– گاهی بشکل توده های سوزان بخار و کمابیش آشفته و گاهی بشکل‌غباری از کواکب – درآن میان بچشم می خورد .

بهمان ترتیبی که ستارگان درنظر پیشینیان کره های آتشینی بشمار میرفت که به گنبد آسمانی آویخته بود ، درآن موقع هرچیزی که در میدان دید این ستاره شناس ، قرار می‌گرفت ، قسمتی از کهکشان‌کاوش ناپذیر بود که مجموع جهان پیدای ستارگان را در برداشت و چـرخ عظیمی بودکه‌آراسته به‌میلیاردهادانه الماس و رشته هائی از ابرها بود و درفضای بزرگ جدا مانده بود .

اما وقتی کـه تلسکوپ نیرومند «مان ویلسون» درممالك متحـــده بقطر ٥ر٣ متربکار افتاد و هابل ستاره شناس بزرگ انگلیسی با آن تیزهوشی خود دست بکار زد ، این نکته روشن شد که جهان محدود به کهکشان نیست و بیشتر آن سحاب های سرشناس که تا آنروز مورد «رصد» قرار گرفته بودند ، کهکشان های دیگری هستند که بی نهایت از ما دورند ... و بزبان دیگر قرصهای روشنی هستند که از روبرو یانیم رخ دیده میشوند و مثل خورشید های ساختگی بدور خودشان چرخ میخورند . باین ترتیب‌ستاره‌شناسان «مان‌ویلسن» درحدود یك میلیارد کهکشان برشمردند که هرکدام از میلیونها و حتی میلیاردهـا ستاره تشکیل یافته‌اند . رصد خانه دیگری بنام پالومار «درامریکا»که رصدخانه تازه‌تری است به کشف دو میلیارد کهکشان توفیق یافته‌است . هرگاه بدانیم که کهکشان ما مشتمل بـر دویست میلیارد ستاره است و هر ستاره ای میتواند مرکز منظومه‌ای شمسی باشد ، گرفتار سرگیجه می شویم . اما این اکتشافها هرچه‌وهم انگیز بنظر بیاید ، راجع به طرح و طرز عمل جهان چیزی نمی‌توانست بما بیاموزد ... و اگر طیف‌شناسی – یعنی روش تجزیه نور – نبود و فواصل میان ما و این دنیا هـای بیشمار را (که میلیونها و میلیاردها سال نوری است) بیان نمی‌داشت و درباره ابعاد و اشکال و حتی حرکت های این دنیا ها چیزی بمانمیگفت، از آن اکتشافها که گفتیم نتیجه‌ای نمیتوانستیم بگیریم . چه این نکته روشن است که گذشته ازآنکه همه این کهکشانها باسرعتی‌درحدود ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ کیلومتر درثانیه تغییر مکان میدهند ، مثل گروهی هواپیما که بشکل بادزن درمی‌آیند یا «سته گلی» که در پایان آتشبازی پراکنده می‌شود ، از همدیگر دور میگردند.

هر چیزی را کیهانی است

بدنبال این اکتشافهای دیدنی و شنیدنی ، راهب لومتر –کاهـن بروکسل – به هابل پیوست وتئوری خودرا درباره جهانی که در حـال گسترش است ... جهانی که آغازی داشته است و پایانی خواهد داشت، تنظیم کرد . چه میلیاردها کهکشان کیهان که براثر انفجار آتم عظیمی بـوجـود آمده‌اند ، پس‌از مرحلهٔ گسترش کنونی ، چندان بهم‌نزدیك خواهند شد کـه از نو آن هسته نخستین را تشکیل خواهند داد ... هسته‌ای که ماده از آن پدید آمد .

درمقابل این‌تئوری‌که با اصول مذهب مسیح و اقوال توراة ذره‌ای ناسازگار نیست ، فرد هویل استاد دانشگاه‌کیمبریج ودانشمند معروف انگلیسی درکمال یقین و برمبنای همین نظرها که گفته شد عقیده‌ای اظهار میدارد که چشم‌انداز های سرگیجه‌آورتری را در برابر ما پدید میآورد . جهان «وی» مداوم درحال تکوین وگسترش آن بی‌پایان است و چون‌کهکشانها بسرعتی هم‌آهنگ سرعت آتمها بوجود میآیند و بـا سرعتی که هر لحظه بیشتر میشود چرخ میخورند ، عاقبت یکی پس از دیگری در پرتگاه **«شناخت ناپذیر»**

سرنگون میشوند. بزبان دیگر سرعت این کهکشانها به سرعت نور میرسدو آنوقت دیگر ناپیدا میشوند و هرگز کسی از سرنوشت آنها خبری بدست نمی‌آورد. بی شك، کهکشانها بی نهایت در فضا دور میشوند و چون هیچگونه دلیلی در دست نیست که بگوئیم در فضای بی انتهاء نابود می شوند می‌توان تصور کرد که اطلاع ما دربارهٔ کیهان هرگز ذره‌ای بیش نخواهد بود و مثل کسی که نمیتواند سر و تن خودرا حرکت بدهد جز آنچه در میدان دید ما هست چیزی نخواهیم دید. باید دانست که این میدان دید میلیونها کهکشان دربردارد که بصورت توده هائی گرد هم آمده‌اند و هرکدام از میلیارد ها ستاره‌ای تشکیل یافته‌اند که چون سیاره هائی بدور هریك در حرکت هستند و این احتمال در میان هست که به زمین بسیار ریز ما شبیه باشند و موجوداتی مثل ما در آنها منزل داشته باشند.

پس از سیر کوتاهی درپرتگاههای بیکران، خوب است که به مقیاس کوچك انسانی خودمان برگردیم واز خودمان بپرسیم که در این کهکشان ها موجودات دو پا یا دو سری پیدا میشوند یا نمی شوند که بدنی مثل غول یابسیارریز وهوش وفراستی کمتر یا بیشتر از ما داشته باشند. (در واقع این سوال بیشتر از هرچیزی محل علاقه ما است)

پیش از هرچیز بگذارید ببینیم امکان زندگی در بیرون از جو ما ودر مرحله نخستین در منظومه شمسی ما وجود دارد یا نه.

از بی نهایت بزرگ تا بی نهایت کوچك

بااینکه بیم آن میرودکه بشرباهمه آن تئوریهائی که ممکن است بمیان بیاورد، برمعمای نظام عالم دست نیابد، بزرگترین معجزه علم این‌است که ساختمان ماده را کشف کرده است. در اینجا دیگر معمائی وجود ندارد. ما اکنون می دانیم که همه موادی که در روی زمین وجوددارند درست از امتزاج ۹۲ عنصر پدید آمده‌اند و بس... و هریك ازاین عناصر منحصر به یك آتم است و هریك از این آتمها نیز دارای تعدادی اجزاء اولیه است. از یکطرف هسته‌ای که اصلا از پروتون (بار مثبت) و نوترون تشکیل یافته واز طرف دیگر الکترونهائی به تعدادقابل تغییر و بارهای منفی که بدور این هسته چرخ میخورند. آنچه در سراسر عالم پیدا میشود همان عناصر و همان آتم ها هستند، در سایه طیف شناسی که روش بسیار خارق‌العاده‌ای است ترکیب شیمیائی هرستاره‌ای که در میدان دیددوربین قرار گرفته مو بمو و تا کمترین جزئیات آن بر ما روشن شده‌است. بدین ترتیب ستاره‌ای که میلیونها سال نوری از ما فاصله دارد، هیچ رازی از لحاظ ما نمیتواند داشته باشد و ما از جرم و فاصله و عمرو چیز های دیگر آن اطلاع داریم. عناصری که می توان در یك ستاره یا در یك سحاب و یك کره کشف کرد مثل شعله کبریت یا پیانولزوما پیرو قوانین یکسانی است. تشکیل یك مولکول ـ ضعیفترین قسمت یك جسم که میتواند بصورت جداگانه وجود داشته باشد ـ ممکن نیست در شرایط مختلفه‌ای صورت‌بگیرد. از اینرو این فکر را که ماده زنده ممکن است در کره های دیگربرطبق قوانین مختلفه و باشکال جز آنچه ما در روی زمین دیده‌ایم توسعه یافته باشد، باید دور انداخت.

میتوان تصورکردکه دردنیاهای دیگر وهم‌انگیزترین اشکال زندگی گیاهی و زندگی جانوری از قبیل درختان شاخك دار، مارهای پرنده، جانوران یك پا و دوسر یاتمساحهائی که پوسته بدنشان فرومیریزد، وجود داشته باشد اما چنانکه «سراسپنسر جونز» ستاره شناس آکادمی سلطنتی بریتانیا گفته است مواد متشکله شیمیائی که سلول فردی‌را بوجود می آورند باید بهمان صورتی باشند که ممکن است در روی زمین وجود داشته باشد. و بسیار دورازحقیقت است که این مواد متشکله با آن‌چیز هائی که در کره زمین زندگی را بوجودآورده‌اند تفاوت‌داشته‌باشند.» درمولکولی که ماده هرسلول زنده‌را بوجود می آورد، نقش مهم بعهدهٔ آتم کاربن است که از لحاظ قابلیت ترکیب با آتم های دیگر استعدادی کاملا استثنائی دارد. تشکیل‌مولکول های درشت یکی از نخستین شرایط برای تکوین موجودات زنده است.

آنجا که توهم از میان میرود

شرایط دیگر از قبیل وجود اکسیژن و گازکربنیك وموضوع وزن مخصوص و دمائی‌که نزدیك بدمای زمین است برای ما جنبه‌خودمانی تری دارند. مسلم است‌که زندگی مادی ـ ازهرلحاظ که در نظرگرفته شود ـ درمقابل دمائی که بسیاربالا رفته باشد امکان ندارد. و چون‌هر چیزی در همه مناطق عالم بنحو یکسانی جریان دارد، نتایجی که در زمینه «نازائی» و «بی‌باری» بدست آمده است نشان میدهد که وجود زندگی در عطارد که دمای آن‌درفصل بهار ۴۰۰ درجه است امکان ندارد‌و اگرچه ویلیام هرشل ستاره‌شناس معروف انگلیسی در قرن هیجدهم معتقد بود که خورشید جسم سردو تیره‌ای است که از ابرهای آتشین پوشیده شده و باحتمال قریب به یقین مسکون است، امروز بدلایل بیشماری می توانیم بگوئیم که در دمای ۶۰۰۰ درجه زندگی‌وجودنمی‌تواند داشته باشد. واگر نطفه هاو بیشتر باکتریها در دمای ۹۰ درجه از میان می‌روند، هرچه از نردبان تکامل بالاتر برویم، می بینیم که جانداران طبقه های بالاتر درمقابل چنین شرایطی دمائی قدرت کمتری دارند.

برعکس، زندگی درمقابل‌سرما مقاومت بیشتری دارد اما جزبحال کمون و جز به انتظار بهار و آب‌شدن برف، نمی تواند در سرمای بسیار سخت مقاومت نماید. و بهمین‌سبب زندگی در سیاره های غول پیکر زحل و مشتری و اورانوس ونپتون نیز که از خورشید بسیار دور و پوشیده از یخ هستند امکان ندارد. هرگاه کره ماه را که از جو یعنی اکسیژن و گاز کربنیك بی بهره‌است، کنار بگذاریم و از عطارد سوزان نیز بهمین عنوان دست بشوئیم، دیگر جز دو مایه امید چیزی برای ما نمی‌ماندکه یکی زهره ودیگری‌مریخ است. زهره، این اختر معروف، چه از لحاظ ابعاد و چه از لحاظ حد متوسط جرم مخصوص وکثافت نسبی خواهر زمین است و همچنین سیاره‌ای است که بیشتر از هر سیاره دیگری به ما نزدیك میشود. با اینهمه زهره هنوز معمائی‌است. جو این سیاره که چون پوششی از ابرهای نیمه شفاف است از آب‌و هوای گرم ونمناك وگیاهان استوائی

و جانوران لزج و چسبنده خبر می دهد . اگر توده غبار مانندگاز کربنیك درمیان نمی‌بود ، هیچگونه اثری از بخار آب درآن هویداً نمی بود واین نکته وجود هرگونه اقیانوس ورود‌خانه و حتی امکان زندگی را طرد می کند . آیا زهره صحرای سوزانی است ؟ طبق خبر هائی که اخیرا رسیده است ، شاید توده ای یخ باشد ... وقتی که انسان گمان میبرد که باسرار زهره دست یافته است می بیند که این سیاره همچنان ازما گریزان است . باید برای‌کسب اطلاع بیشتر منتظر «زهره نورد» آینده بود . اما تقریبا مسلم شده است که خواهر زمین مکان مسکونی نیست.

درمریخ موجودی وجود ندارد یا هرموجودی ازمیان رفته است .

احتمال اینکه در سفر های آینده به فضا ودر اکتشافهائی که پس ازاین صورت خواهد گرفت به موجودات زنده‌ای برخورد کنیم ، بسیار کمتر شده است و خدا کند که مریخ مدت درازی اسرار خودرا در سینه نگهدارد تا یگانه صحنه توهمهای ما ازمیان نرود! وافسوس که قلمرو اسرارآمیزاشغالگران‌آینده زمین که احتمال میرفت به شکل حشره هائی با سر های درشت و هوش و فراست بیشتر بسوی ما روی بیاورند ، نزدیك است که توهم های ما را از میان ببرد . در سال ۱۸۷۷ اسکیاپارلی ستاره شناس معروف کانالهائی را در مریخ کشف کرده بود که ساخته طبیعت نبودباین ترتیب گمان میبرد که این کانالهارا موجودات متمدنی ساخته‌اند که در زمینه «آبیاری» پیشرفتهای بزرگی کرده‌اند . رصد هائی که در اواخر قرن نوزدهم صورت گرفت ، این نکته را ثابت کرد که شکل این‌کانالها مثل لکه هائی که در روی این سیاره دیده میشوند پیوسته در تغییراست. اما با وجود این ، بدنبال این رصدها عقیده براین شد که سکنه مریخ‌برای آنکه کره خودشان‌را شایسته‌سکونت سازند ، دست به کارهائی زده‌اندو چون بیم آن می رود که آب ازمیان برود ، درصدد برآمده‌اند که بوسیله برفهای عرقچین قطبی که در فصل معینی آب می شود کره خودشان را آبیاری کنند . اما این تئوری که تئوری «لوول» بود ، کنار گذاشته شده است . کانالهائی که گمان می رفت کانالهای آبیاری باشد ، چیزی جز شکافهای طبیعی نبوده است و حتی پاره‌ای از ستاره شناسان از قبیل اودوئن دولفوس عقیده دارند که اصلا کانالی در کره مریخ وجود ندارد و اگر اشخاص دیگری چنین چیز هائی دیده‌اند به خطاهای‌باصره گرفتار شده‌اند .

باین ترتیب درموضوع وجود زندگی در کره مریخ باید به مطالعه «شرایط لازمه حیات» پرداخت و ناگفته نماند که نتیجه های تازه‌ای که ازاین مطالعه بدست آمده است ، خبری از وجود حیات در کره مریخ نمیدهد . البته کره مریخ دارای‌جوی است اما این جو از لحاظ اکسیژن و گاز کربنیك بسیار فقیر است .و ازاینرو میتوان گفت که اگر اثری از زندگی در کره مریخ باشد زندگی گیاهی‌است. اگرگیاهی درمیان باشد درمیان صحراها رسته است . (زیرا که در فصل بهار کره مریخ لکه های سبزی نیز بچشم می‌خورند) .

تازه ترین نتایجی که ازمطالعه های پیاپی بدست آمده ، این است که در کره مریخ مسلما زندگی‌وجود داشته است و شاید نیز موجودات متفکری درآنجا بوده‌اند . اما مریخ دنیائی است که می میرد . و وقتی‌که فضانوردی درآنجا پیاده‌بشود، شاید زندگی کاملا از میان رفته باشد و دیگر ممکن نباشد که آنرا بصورت سیاره‌ای مسکون درآورد .

باین ترتیب بیم آن میرود که بشر توهمهای دیرین خودرا یکایك از دست بدهد . و اکتشاف سیاره‌ها بی شك بشر را باین واخواهدداشت که برای نعلبکیهای پرنده منشاء و مبداء دیگری بجوید . و از هم اکنون می توان از خود سوال کرد که از کجا معلوم مهمانان آینده فضا از دنیا هائی دوردست‌تر ، از سیاره های خورشیدی دیگر و از یکی ازآن ۲۰۰ میلیارد ستاره کهکشان مانیایند. کهکشانی که نزدیکترین ستاره آن چهارسال نوری از ما فاصله داردو ۳۰۰ هزار بار دورتر از خورشید است یعنی درحدود سی و هفت میلیارد کیلومتر تا ما راه دارد . و اگر فرض کنیم که این ماشینهای پرنده با سرعت نور یعنی سیصد هزار کیلومتر در ثانیه حرکت کنند چهارسال زمینی طول خواهد داشت که بما برسند و چهارسال نوری نیز طول خواهد داشت که به مرکزخود برگردند . و شاید بسبب همین‌مساله باشد که بندرت در آسمان ماپدیدار می شوند .

زمین باد و خورشید

بموجب کهن ترین فرضیه ها که از طرف سودنبورگ ـ حکیم‌الهی سوئدی ـ بمیان‌آمده و توماس‌رایت انگلیسی آن را از سر گرفته و از طرف امانوئل کانت فیلسوف آلمانی پذیرفته شده و عاقبت از طرف لاپلاس مورد تفسیر قرار گرفته‌است وقتی که سحاب آشفته‌ای سرد و منقبض شود ، پشت سرهم حلقه هائی را ازدست می دهد که براثر تراکم سیاره ها را بوجود آورند . تازه‌ترین فرضیه ها این است که ستاره‌ای چنان بخورشیدنزدیك‌شده که بآن اصابت کرده و بوسیله قوه جاذبه نوعی برآمدگی بوجود آورده ، پس از آن قطعه‌ای را از خورشید جدا ساخته است . و قسمتی ازاین ماده که بوسیلهٔ ستاره جذب‌نشده ، ودراعماق فضا پرتاب نگشته ، در میدان قوه جاذبه خورشید قرار گرفته و رفته رفته‌تکاثف پیداکرده و همین نتیجه را ببار آورده است. حتی فرض میکنند که تصادمی‌میان این ستاره و خورشید روی داده است . و پس از همه این چیز ها ، دکتر لیتلدن وجود ستاره دوگانه‌و دوخورشید همزادی را درنظرگرفت که بهم تصادم کرده‌اند . (واین‌فکررا فردهویل نیز از سرگرفته است) و اگر این فرضیه اساسی داشته باشد تشکیل منظومه ها در عالم حادثه بسیار نادری خواهد بود . چنین تصادمی برطبق حساب های دقیق ممکن است از میان پنجاه میلیون ستاره بوسیله یکی صورت بگیرد .

فرضیه تازه تری «ویزساکر» ابراز داشته و بازار حدس وفرض‌را رونق‌بیشتری داده‌است. وی میگوید که درایام گذشته خورشید در میان پوششی از گاز و غبار مستور بوده و این چیز ها قرصی شبیه حلقه زحل تشکیل می داده است . وانگهی وایزساکر به فرضیه حلقه هائی‌که از هم جدا می شوند و به فرضیه تراکم روی می آورد .

ستاره‌ها

روشنائی های آسمان

در آسمان چه می‌بینیم ؟

اگر در یك شب صاف و بی‌ابـر بآسمان نگاه کنیم هزاران هزار ذرات نورانی را در یك زمینهٔ تاریك می‌بینیم. حال چنین وانمود کنیم که در باره این ذرات نورانی چیزی نمیدانیم ، آنوقت بهتـر می‌شود تعجب انسان اولیه را و افکارشان راکه بتدریج باهم جمع شده و پایه علم ستاره‌شناسی را بوجود آورده است فهمید .

فرض کنید درجائی ایستاده‌ایم کـه هیچ درخت وکوه و ساختمانی نیست که مانع رؤیت آسمان شود مثلاروی عرشه یك کشتی آسمان را بهمان شکلی می‌بینیم که انسان اولیه میدید . در طول هزاران سال هیچ تغییری در این صحنه زیبا پیدا نشده که بتوان متوجهش شد .

از روی کشتی بهر طرف که نگاه کنیم جز آب و آسمان چیزی نمی‌بینیم مثل اینکه دروسط اطاق بزرگی ایستاده‌ایم: آبها بجای کف اطاق وگنبد آسمان بجای دیوارها و سقف اطاق بااین تفاوت کـه روی کشتی ما همیشه در مرکز هستیم و بآسمان که می‌نگریم گویی در فضای توپ بزرگی هستیم که دونیمه‌اش کرده‌اند . و حاشیه‌یی که آب و آسمان بهم رسیده‌اند بصورت دایره‌یی دورما کشیده شده است. این دایره را افق می گویند .

ازافق ببالاکه نگاه می‌کنیم ستارگان را می‌بینیم که همچنان پولك‌های زرین برگنبد آسمان پاشیده شده‌اند . بعضی از شب‌ها که ماه ظاهر می‌شود ستارگان رنگ پریده ناپدید می‌شوند . وشب‌هایی کـه تاریکی بر عرصه آسمان مسلط است نوار شیری‌رنگی ازیك طرف به طرف دیگر آسمان کشیـده شده است . و روزهـا روشنائی خیره کننده و زرین آفتاب همه را ناپیدا می‌سازد .



آیا تعجب انسان اولیه ستاره‌شناسی را بوجود آورده است ؟

انسان‌های اولیه دربارهٔ آسمان چه عقیده‌یی داشتند

انسان‌های اولیه‌طبیعت‌راآن‌چنانکه میدیدند باور داشتند . درنظرآن‌ها زمین صفحهٔ مسطحی بود ، زیـرا که صاف و مسطح دیده می‌شود . افق را انتهای‌زمین می‌پنداشتند زیرا دورتر از افق چیـزی دیده نمی‌شود . وفکرمی‌کردند که‌آسمان گنبد شفافی است‌که دنیا را زیر آن‌پنهان کرده‌اند ، زیرا که چنین می‌نماید .

ستارگان را چراغهایی میدانستند که از آسمان آویزان کرده‌اند ، شبیه لامپ‌هائی‌که از سقف خانه‌های ماآویخته است . و عده‌ی دیگر فکر می‌کردند که دنیای دیگری بالای آسمان قرار داردو روشنائی ستارگان ، شعاع‌های نورانـی است‌که از سوراخ های آسمان‌باین‌طرف می‌تابد .

عقاید انسان اولیه درباره آسمـان چنین بود . وما امروز می‌دانیم که این اعتقادات تاچه درجه بی‌پایه است .

افسانه‌ها چه میگویند ؟

شرح «چگونگی» ستارگان ،انسان اولیه را راضی نمی‌کرد . آن‌ها بدنبـال «چرا»ئی بودندکه این مشکل‌رابرایشان حل کند . و بدین ترتیب افسانه‌هـا و قصه‌هایی پرداختند درباره خدایـان و قهرمانان . و اکثر این افسانه‌ها و قصص باآسمان ارتباطی داشت که در زمان‌های مختلف ، ملت‌هائی آن‌ها را ساختـه و پرداخته‌اند .

افسانه‌ها می‌گوید که چرا آفتاب سحرگاهان ظاهر می‌شود و نزدیکی‌های شب پنهان می‌شود و چرا ماه هر شب تغییرشکل داده وباقیافه‌تازه‌یی‌درنمایشگاه آسمان پیدا می‌شود . دراین یادداشت‌ها، مجال بازگو کردن این افسانه‌ها نیست. و اگر انسان امروزه نیز این افسانه‌ها را دوست دارد و می‌خواند ، باین دلیل است که هرکدام از این افسانه‌ها حقایقی را درباره طبیعت بشری عرضه می‌کند . و دلبستگی ما بایـن افسانه‌ها درایـن یادداشت‌ها ، تنها بخاطر اینست که‌اساطیر و قصص قدیمی نقشه‌یی برای آسمان‌طرح کرده است که باوجود تغییرات فراوان و آگاهی‌های جدید ، هنوز مورداستفاده علم جدید است .

«صورت فلکی» یا «برج» چیست ؟

وقتی به ستاره‌ها نگاه می‌کنید ، آنهائی که روشنائی تندی دارند نظـر شما را بیشتر جلب می‌کند ، کمی بعـد متوجه می‌شوید که ستاره‌های روشن ، باهم فاصله ثابتی دارند و نقشه یا طرحی بین خود درست می‌کنند . هریك ازاین دسته‌هـا را بنـام «برج» می‌خوانند. یونانیان قدیم به هریك از برج‌ها نامی داده بودند و افسانه‌هایـی برای هریك درست کرده بودند . با نامگذاری برج‌ها نقشه‌یی برای آسمان درست شده بود .

پس از دسته‌بنـدی ستاره‌ها ، در بروج مختلف ، کشف بزرگی عاید انسان شد . بدین ترتیب که دانست بعضی از ستاره‌ها حرکت می‌کنند یعنی در زمان های مختلف یك برج درقسمت‌های‌مختلف آسمان دیـده می‌شود بی‌آنکه در شکلش تغییری پیدا شود . گویی تمام ستاره‌ها دسته جمعی و باهم حرکت می‌کنند . و مردم پیشین چنین فکر می‌کردند کـه آسمان حـرکت می‌کند و خوشه‌هـای ستارگان را نیز باخود حرکت میدهد .

هم‌چنین کشف شد که عده‌یی از ستارگان براق در یك برج مخصوص جا ندارند ودر ایام مختلف سال ، دربروج گوناگون دیده می‌شوند . این‌هاراستاره های سرگردان می‌گفتند که امروزه بنام سیارات موسوم هستند .

سیارات را چگونه اسم‌گذاری می‌کردند ؟

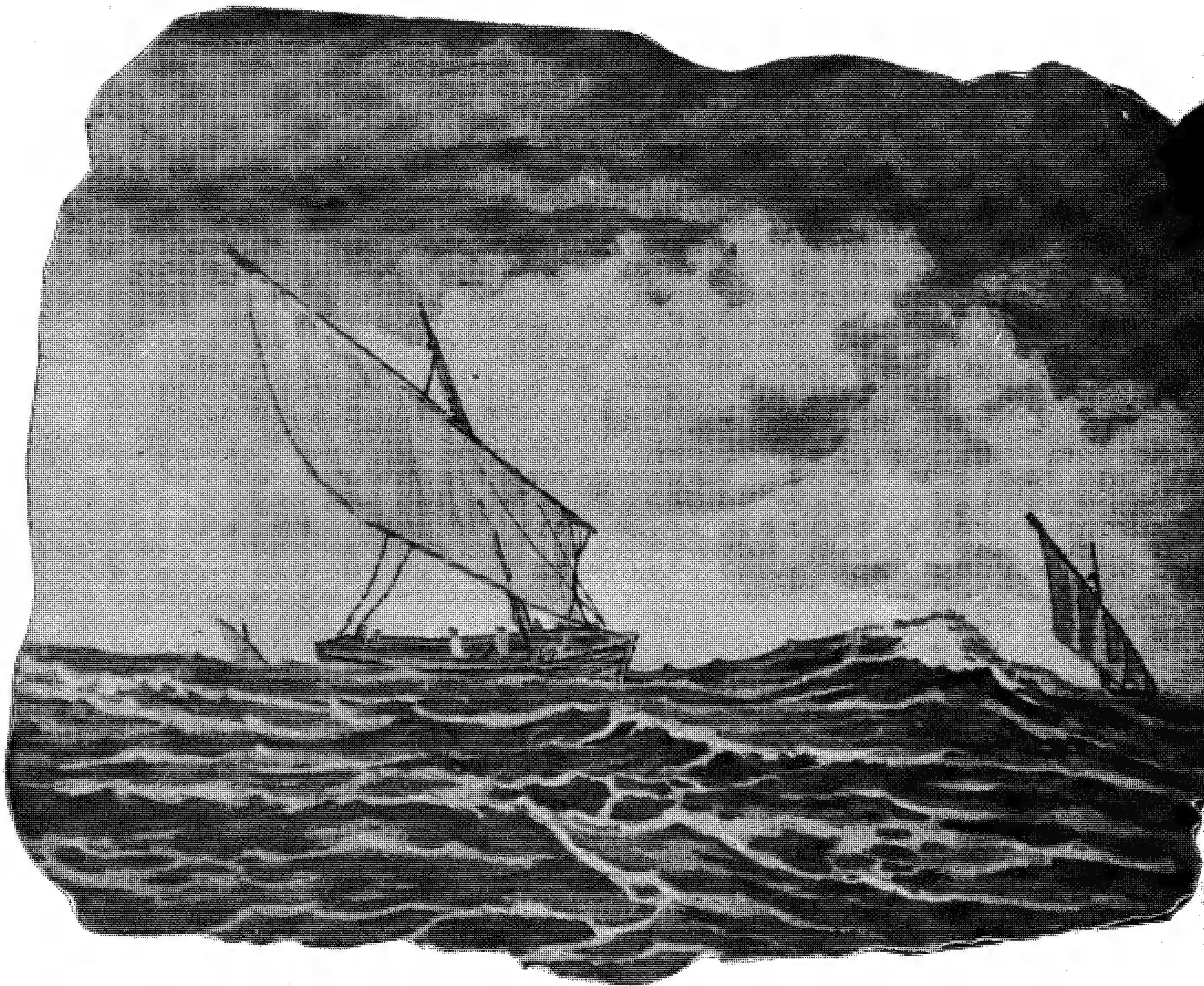
یونانیـان پنج سیاره بزرگ را بااسامی خدایان نامگذاری کرده بودند بدین ترتیب : مشتری (ژوپیتر) ــخدای خدایان ، زهره (ونوس) ــ رب‌النوع عشق ، مریخ (مارس) ــ خدای جنگ، عطارد(مرکوری) ــرب‌النوع‌سخنوری، زحل (ساتورن) ــ رب‌النوع زمـان . قدیمی‌ها میدیدند که هرچندگاه یك بار روشنائی تندی در آسمان پیدا شده، شعله کشان مسافتی را پیموده و ناپدیدمی‌شود. فکر می‌کردند که این اجسام مشتعـل ستارگانی هستند کـه از آسمان سقوط می‌کنند . هم‌چنین بعضی اوقات روشنایی تندی میدیدند که با دم طولانی‌ودرخشان ظاهر می‌شدنـد ، این ها را ستارگان دنباله‌دار می‌گفتند که بفاصله هرچندسال یك دفعه دیده می‌شدند . و معمولا هر شخص در زندگـی خود یك بار بیشتر ستاره دنباله‌دار نمیدید . امروزه نیزمردم از ظهور چنین اجسامی در آسمان‌وحشت زده می‌شوند و فکر می‌کنند که با ظهور آن‌ها عمر دنیا بانتها رسیده است .

خلاصه کلام آنچه راکه امروزه ما باچشم غیـرمسلح در آسمان می‌بینیم . قدیمی‌ها نیز میدیدند و می‌شناختند کـه عبارتست از : خورشید ، ماه ، ستارگان، کهکشان ، سیاره‌ها ، شهاب‌ها وستارگان دنباله‌دار .

زمین و آسمان

شش قرن قبـل از میلاد مسیح ، فلاسفه یونانی تلاش می‌کردند که پدیده های طبیعت را ، بدون توسل به افسانه‌ها و اساطیر توجیه کنند .

وقتی ماه و خورشید و ستاره‌هارا میدیدند که در مغرب پنهان میشوندواز مشرق سر بدر می‌آورند ، چنین نتیجـه می‌گرفتند که تمام این عناصر ، روزانه یك‌بار بدور زمین گردش می‌کننـد . هم‌چنین متوجه شده بودند که عده‌یی از ستارگان شمالی هیچوقت غروب‌نمی‌کنند بلکه بدور ستاره‌قطبی می‌چرخند.درنتیجه آسمان را ، مثل‌انسان‌های اولیه ،بصورت کاسه‌یی می‌دانستندکه بطور وارونه روی زمین برگردانده‌اند . درعلوم ، یك‌عقیده به‌پیدایش عقیده دیگر منجر می‌شود . و این عقیده کـه آسمان بصورت نیمکره است باعث کشف مطلب‌بسیارمهمی گردید. فلاسفه استدلال می‌کردندکه اگر آسمان کروی باشد بناچار زمین نیز کروی و مدور است . این فکر را پنج قرن قبل‌از میلاد مسیح چند تن از متفکران یونانی طرح‌ریزی کردند . دوهزار سال بعـد فردینان ماگلان باکشتی خود آب‌ها را پیمود و ثابت کردکه زمین کروی است.



وقتی یك کشتی در افق دریا ناپدید می‌شد، تا مدت‌ها دگل آن دیده می‌شد وهم‌چنین در مراجعت ابتداء دگل وبعد خود کشتی ظاهر می‌شد . این کیفیت‌نیز آنها را در عقیده خود پابرجا کرد.

دو قرن قبل از میلاد مسیح ، یك نفر یونانی باسم اراتوستن که کتابدارموزه بزرگ شهر اسکنــدریه مصر بود نقشه تقریبی و تا اندازه‌ای صحیح زمین را رسم کرد .

منجمین قدیم چگونه نقشه زمین را رسم می‌کردند ؟

با کارهای ستاره‌شناس بزرگ ، پتولمی که در قرن دوم بعدازمیلادمسیح در اسکندریه زندگی می‌کرد ، نقشه‌قدیم عالم تکمیل شده بود . چنانکه تصویر نشان میدهد ، در مرکز، کره زمین‌است و دور او کرهٔ بزرگ‌تری است که کره آسمان فرض شده ، محور کره (خطی که کره حول آن می‌چرخد) از مرکز زمین رد میشود . ستارگان به کره محکم شده‌اند . بطوریکه اگر کره تغییر محل دهد ، ستارگان نیز تغییر محل خواهند داد . و چون کره آسمانی هر بیست و چهار ساعت یك بار بدور زمین می‌چرخد بناچار ستارگان نیـز از آسمان تبعیت می‌کنند .

این نظـریه ، بااین‌که حرکت ستارگان را خیلی خوب و معقول‌توجیه می‌کند ، ولی صحیح و قابل قبول‌نیست. مطلبی‌که بااین طـرح پتولمی نتوانست ثابت‌کند حرکت سیارات است . او بعدها نقشه‌یی درست کرد و طرح دیگری‌ریخت که می‌خواست نشان دهد سیارات به چه کیفیتی حرکت می‌کنند ، اما کار مناسبی از آب درنیاورد .

پتولمی دواشتباه‌بزرگ‌درکارهایش می‌کرد . یکی اینکه زمین را مرکزعالم میدانست وهم‌چنین فکر می‌کرد که‌زمین بحال توقف ایستاده و بقیه عالم بدور او می‌چرخد .

اما تعجب اینجاست‌که پانصد سال قبل از پتولمی ، مردی باین دو سئوال جواب صحیح داده بود. این مرد یکی‌از فلاسفه یونان بود باسم آریستارخوس ــ Aristarchus که می‌گفت علت تغییر محل ستارگان بعلت حرکتی است که زمین بدور محور خود دارد. وحتی حدس میزد که زمین بدور کره آتشین آفتاب نیز می‌گردد . جای تعجب نیست که عقیــده آریستارخوس مورد قبول آنزمان واقع نشد . واقعا مشکل میشد

باور کرد که ما روی کره‌یی هستیم که‌در مسیری از فضا باشتاب تمام بدورخورشید می‌تازد .

در آسمان چند ستاره هست ؟

جواب این پرسش راکسی نمیداند. هیچ‌کس هم نمیداند که آسمان تاکجا و چه فاصله‌ای از زمین ادامه دارد ، یعنی هیچکس نمیداند که جهان بچه بزرگی است . هر وقت تلسکوب یعنی دوربین نجومی ، بزرگتری ساخته شده است دانشمندان بکمك آن فضای دورتری، و در آن ستارگان بیشتری و دورتری ، دیده‌اند برخی از علمای هیئت معتقدند که زمانی خواهد رسید که هر قدر هم دوربینهای نجومی خود را بزرگتر و قویتر کنیم دیگر ستاره تازه‌ای نخواهیم دید یعنی بنقطه‌ای از فضا خواهیم رسید که دیگر در آن ستاره‌ای نباشد . بعضی دیگر از علماء دلیلی نمیبینندکه وجود ستاره‌ها ادامه نداشته و باجهان محدود باشد . برای بیشتر ما قبول هردو فرض یعنی محدود بودن ونامحدودبودن‌جهان، بسیار دشوار است نظریه‌ای هم هست که بموجب آن فضا را منحنی میدانند .

چرا روز ستاره‌ها را نمیبینیم ؟

در اوقات خیلی قدیم پیش از آنکه بشر بحال آسمان و ستارگان علم‌واطلاعی پیدا کند ، بیشتر مردم معتقد بودند که براستی ستارگان در روز خاموش‌میشوند و از درخشیدن باز میمانند ، مصریان باستان میپنداشتند که ستارگان‌فانوسهائی هستند که خدایان برای زیبا کردن‌آسمان می‌افروزند . خیال میکردند که خدایان شبها این فانوسها را با رشته‌هائی از سوراخهای آسمان‌فرومیاویزندوبامدادان آنها را ببالا میبرند و خاموش میکنند .

درحقیقت ستارگان شب و روز میدرخشند . اما اگر ماروزآنهارانمیبینیم بسبب‌آن است‌که جو زمین نور خورشید را میشکند و باطراف و جوانب میپراکند و پرده‌ای از روشنائی میگسترد که مانع دیدن سایر اجرام آسمانی میشود . شب هنگام چون نور خورشید بوسیله‌جوزمین منتشر نمیگردد ما میتوانیم ستارگانرا مشاهده کنیم اگر جو نبود ما روز هم بدیدن کواکب موفق میشدیم و بر روی زمینه سیاه آسمان خورشید را بصورت قرصی خیلی درخشان در میان هزاران نقطه درخشنده دیگر مشاهده میکردیم .

وقتی که‌کسوف کلی روی میدهد یعنی‌همه قرص خورشید میگیرد ما درخشنده‌ترین ثوابت را و نیز سیاراتی‌را که در آن وقت در آسمان هستند میبینیم اگر جای ستاره زهره راکه‌درخشنده‌ترین سیارات منظومه شمسی است در آسمان بدانیم وقتی‌که این سیاره در منتهای درخشندگی خود باشد بهنگام روز هم میتوانیم آنرا ببینیم اگر کسی بتواند با هواپیما آنقدر بالا برود که قسمت‌عمده جو را زیر پا گذارد در روشنائی روز بدیدن ستارگان موفق خواهد شد و اصطلاح «درنور ستارگان» در دل روز هم برای او مصداق پیدا خواهد کرد .

بی‌دوربین چند ستاره را میتوان دید ؟

برخی از مردم میپندارندکه باچشم و بی‌دوربین میلیونها ستاره را میتوانند دید . اما در حقیقت در سراسر آسمان درحدود نه هزار ستاره است که با چشم بسیار قوی و تیزبین ممکن است دیده شود این‌را هم فراموش نکنیم‌که نیمی‌از آسمان را بیشتر نمیبینیم و ازاین نیمه‌هم قسمتی‌که در مجاورت است بوسیله وجود مه و غبار بروشنی ووضوح دیده نمیشود. پس کمتر از نیمی از ۹۰۰۰ ستاره‌ئی‌که گفتیم برای ما قابل رویت است . یعنی با بهترین شرایط جوی و بدون دود و موانع دیگر درحدود چهار هزار ستاره را میتوانیم دید .

چرا ستارگان سوسو میزنند ؟

وقتی که شب دیده بر آسمان



آیا حس میکنید زمین میچرخد ؟



میدوزیم لرزشی که در نور ستارگان است و اصطلاحا (سوسوزدن) نامیده میشود یکباره ما را مجذوب و از خود بیخود میسازد . این سر زندگی نور کواکب از دیرباز مضمونی دلپذیر برای شاعران که دلدادگان طبیعتند بوده است .

اما این (سوسوزدن) مربوط بستارگان نیست . اگر میتوانستیم آنقدر اوج بگیریم که از حوزه جو زمین خارج شویم میدیدیم که از لرزیدن خبری و از سوسوزدن اثری نیست وستارگان باوضعی استوار و ثابت نور خود را بسوی ما میفرستند ولی چون ما از پشت قشر بزرگ هوا که جو نامیده میشود ومانند اقیانوسی گرداگرد زمین را احاطه کرده است . بستارگان نگاه میکنیم نور آنها رادرحال ارتعاش میبینیم .

سبب این امر اختلاف درجه حرارت در قشرهای مختلف جو است . هر قشر جو از قشر دیگر گرمتر یا سردتر است و این اختلاف درجه موجب تغییر مکان آنها در یکدیگر میشود . این قشرهای مختلف سبب انکسار نور ستاره بدرجه‌های مختلف و تحت زوایای مختلف میشوند و گذشتن نور ستاره از وسط قشرهائی که حرارتهای مختلف دارند موجب عدم ثبات و ارتعاش آن میگردد .

اگر در روز گرمی از دور باشیائی نظر اندازیم یا از میان هوای گرمی که از اطراف بخاری بحال ارتعاش درمیآید بچیزی نگاه کنیم در آنها نوعی لرزش میبینیم که شبیه به سوسوزدن ستارگان است .

اگر شب خوب در آسمان دقت کرده باشید قطعا دریافته‌اید که لرزیدن وسوسو زدن ستارگانی که نزدیك افق هستند خیلی بیشتر از آنهائیست که در وسط آسمانند سبب این است که نور ستارگان نزدیك افق باید مسافت بیشتری را در جو زمین طی کند ودرنتیجه بیشتر دستخوش اغتشاش است شاید این را دریافته باشید که گاهی سوسوزدن ستارگان بیشتر از اوقات دیگر است موجب این امر یکی اینست که گاهی آرامش و بی‌حرکتی جو کمتر از مواقع دیگر است و دیگر آنکه گاه و بیگاه تغییر درجه حرارت در قشرهای مختلف جو شدیدتر میگردد .

سوسو زدن ستارگان ، باهمه زیبائیهای شاعرانه ، بسیار موجب زحمت علمای هیئت است وگاهی حتی درشبهای بسیار صاف مانع مطالعه و بررسی دقیق بوسیله دوربین‌های نجومی قوی میگردد زیرا دوربین سوسوزدن ستارگان را هم بمقدار خیلی بزرگ جلوه‌میدهد وگاه چنین مینماید که ستاره درحال رقص و پرش است .

چگونه میتوان ثوابت را از سیارات باز شناخت ؟

بااینکه ثوابت و سیارات باهم فرق بسیار دارند بظاهر همچون یکدیگرند . ثوابت کره‌هائی بزرگ مرکب از گاز سوزان و بسیار درخشانند درست مانند خورشید خودمان سیارات از بسیاری از ثوابت خیلی کوچکتر و کمابیش مانند زمین هستند زیرا که از خود گرمی ونور ندارند و اگر با تابش بسیار در آسمان میدرخشند بسبب نوری است که از ثوابت میگیرند و مانند آینه منعکس میسازند. درحالی که تعداد ثوابت از میلیونها میلیون بیشتر است فقط نه سیاره میشناسیم که هرنه جزو منظومه شمسی ما هستند در یك شب صاف آسمان پرازثوابت است چون سیارات پیوسته بگرد خورشید گردش میکنند ممکن است برخی ازآنها شب هنگام در آسمان دیده شوند وبعضی دیگر بهنگام روز . یعنی وقتیکه نور

خورشید مانع دیدن آنهاست در آسمان بالای سر ما میباشند وقتیکه سیارات در میان ثوابت بنور افشانی مشغولند باز شناختن آنها از یکدیگر دشوار است . کمی جلوتر دیدیم که ستارگان سوسو میزنند بدلیل آنکه نور آنهادرقشرهای هوا که درجات حرارت مختلف دارنددر امتدادهای مختلف منکسر و منحرف میشود . سیارات معمولا سوسو نمیزنند و با نوری ثابت و استوار میدرخشند ، میدانید چرا ؟ بزرگترین ثوابت ، حتی با بزرگترین دوربینها ــ بصورت‌نقطه های درخشان دیده میشوند حال آنکه سیارات بشکل قرصها و سطوح مشخص رویت میگردند پس از یك سیاره تعداد شعاعهای بیشتری بزمین میرسد وانحراف و انکساری که در یك امتداد در یك شعاع حاصل شود بوسیله انحراف‌وانکسار شعاع دیگر در امتداد دیگر جبران و ترمیم میشود و مانع سوسو زدن‌نورسیاره میگردد .

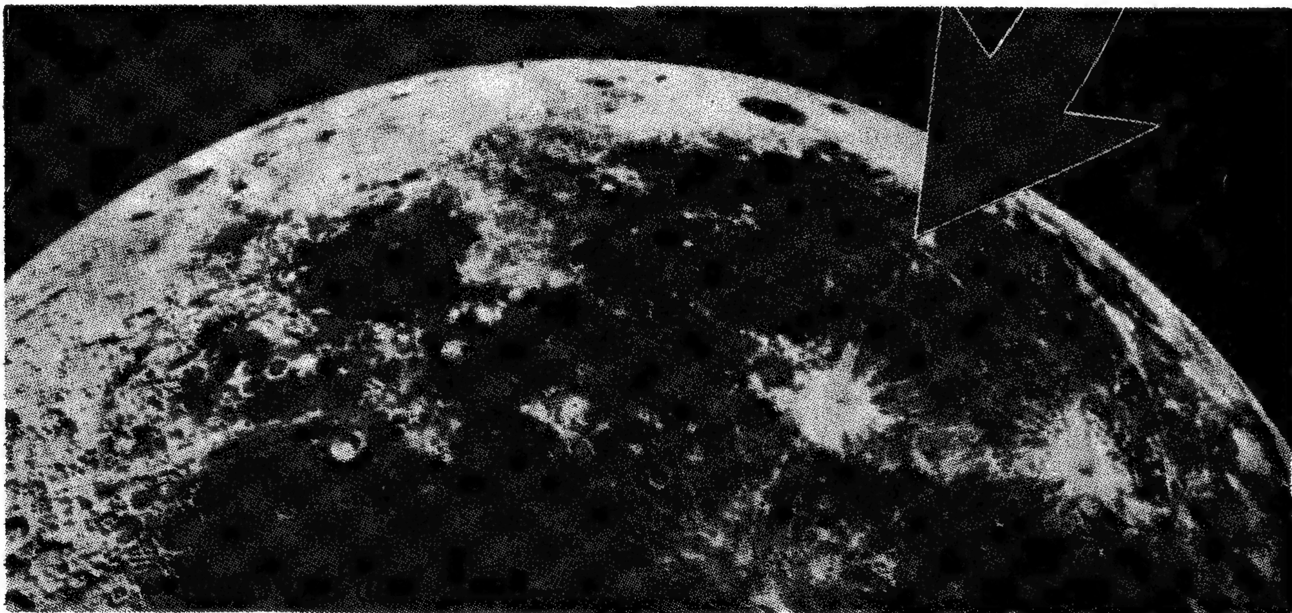
یك وسیله دیگر برای تشخیص سیارات از ثوابت اینست‌که سیارات‌جای خودرا بر روی زمینه آسمان ودر میان دیگر ستارگان تغییر میدهد لفظ سیاره یعنی متحرك تغییرمکان سیارات‌درآسمان در سراسر سال محسوس است ولی جای ثوابت نسبت بیکدیگر ثابت و تغییرناپذیر بنظر میرسد .

چرا ثوابت رنگهای گوناگون دارند ؟

برخی ثوابت زردند مانند خورشید بعضی دیگر آبی یا سفید هستند حتی ستارگانی برنگ سبز ، ارغوانی گلی و بنفش وجود دارند . رنگ ستاره تا درجه زیادی بستگی بدرجه حرارت آن دارد . ستارگان سرخ‌ازستارگان سیمایی‌سردترند اگر اتفاق افتاده باشد که بکار آهنگری که قطعه آهنی را درکوره حرارت‌میدهد دقت کرده باشید دیده‌اید‌که آهن نخست برنگ سرخ درمیاید و چون حرارت بیشتری بیند بزردی میگراید و براثر حرارت بیشتر سفید میشود و اگر درجه حرارت بسیار بالا رود با تابش کمی آبی رنگ درخشیدن میگیرد .

اگر در شب صافی بآسمان‌دقت‌کنید دور نیست که رنگ بعضی ستارگان را تشخیص دهید . بسیاری از کواکب‌سفید بنظر میرسند اما دربعضی ازآنهااثررنگی محسوس است شعرای یمانی که درصورت (سگ بزرگ) است ستاره ایست سفیدکه درجه حرارتش درحدود ۱۱۰۰۰ است و عیوق‌که جزء صورت (ممسك‌الاعنه) است مانند خورشید ما ستاره‌ایست زرد باحرارتی درحدود ۶۰۰۰ درجه رنگ سماك‌رامح درصورت (عوا) و دبران در صورت (گاو) نارنجی ودرجه‌حرارتشان درحدود ۴۰۰۰ است اگر ستاره مضاعفی را در نظر آوریم ممکن است هریك‌ازدو ستاره آن برنگی باشد .





امکان مسافرت به کیهان برای مردم عادی فراهم میشود

چند سال قبل تصور اینکه بزودی قسمت اعظم تلاش فنی ودماغی امریکا صرف فرستادن انسان بماه خواهد شد تعبیر به جنون می‌گردید . درآن ایام تلاش امریکا برای دست یافتن بفضا وضع ثابتی نداشت زیرا در حقیقت کشور امریکا قادر نبود با ماه مصنوعی خود قدم بماه گذارد ومشکلاتی‌که در این زمینه وجود داشت آنقدر بزرگ می‌نمودکه بسیاری از دانشمندان بالصراحه میپرسیدند : « اصولا چرا باید رفت ؟»

بااینکه امروز دستگاه‌های پرتاب موشك در هدف‌گیری خود تابیست هزار متراشتباه می‌کند باوجود این‌آرزوی نامحدودپیاده‌کردن سه امریکائی درماه وبرگرداندنشان صحیح و سالم بزمین بی‌پرده یك هدف ملی‌بشمارمیرود که باید دراین چندسال صورت عمل بخود گیرد . مرحله تطبیق‌کامل شده و واژهٔ«چرا؟» به « چطور وچه‌وقت ؟» مبدل‌گردیده بطوری که درتمام شئون تبدیل این مسئله غیرقابل تصور را بیك واقعیت مسلم بخوبی میتوان‌دید.

درحال‌حاضر بدون تظاهرمحل پروازی در شمال دماغه کاناورال واقعه در جزیره مریت که دورنمای شنی ومتروك آن از فلوریدا ، بی‌شباهت بخود ماه نیست برای انجام این ماموریت انتخاب شده است .

سال رسیدن بماه

رئیس هوائی ملی ومدیر امور فضائی امریکا سال ۱۹۶۸ را تاریخ احتمالی پیاده شدن بماه اعلام نمود ووعده داد امریکا ازاین تاریخ تاآن زمان درهر دویا سهماه لااقل یکبار انسانی را بفضا خواهد فرستاد ونمایش سراپا مهیجی‌که در مدت ماموریت جان‌گلن ملت امریکا را بطپش انداخته بود جزو برنامه‌های مرتب تلویزیونی خواهد شد .

ما دراینجا باچند چهره آشنائی داریم .

« آلن شپرد » ۳۸ ساله نخستین فرد امریکائی‌که درکپسول فضائی نشست ، میل دارد جزو اولین‌گروهی باشدکه بماه میرود . بجز او قیافه‌های تازه‌ای نیز بچشم میآید . برای اینکه برنامه جسورانه سازمان فضائی به‌نتیجه برسد ، بطور مرتب هرسال پنج تن فضاپیمای جدید آماده میشوند واگرچه بیشتر آنها از خلبانان ورزیده نظامی هستند ولی مانع‌شرکت غیرنظامیان دراین برنامه‌نمیگردند.

برای تحقق یافتن این برنامه مجلس سنا بودجه پیشنهادی را به‌اتفاق آراء تصویب نمود وگام بلندی درراه عصر فضائی برداشت و شرکت هواپیماسازی امریکای شمالی درایالت کالیفرنیا مامور ساختن این کشتی فضاپیما گردید .

اینك‌که ملت امریکا با فکر مسافرت‌بماه آشنا شده ، بزودی باید خودرا با نظریه مهمتری تطبیق دهد . زیرا درحال حاضراین الزام پیش‌آمده وروز بروز قوت میگیرد که امریکا نه‌تنها باید بهدفش که رساندن بشر به کره ماه است برسد بلکه بایستی قبل ازدولت شوروی به‌این مقصود نائل‌آید معهذا بنظر میرسد دولت شوروی درتلاش فضائی خود سست شده ، درصورتیکه امریکا آرام ندارد و روبهدفش میرود .

دلیل رکود روسها چیست؟ امریکا ازاین تلاش وپشتکار چه بهره‌ای میبرد ؟ چنانچه عقربه مسابقه روس وامریکا برای وصول بماه بنفع‌کشور اخیر بگردد و امریکا به‌تنهائی در این راه تلاش نماید چه نتیجه‌ای در روی‌زمین عایدش خواهد شد ؟

بی پولی ؟

دکتر لئونید سدف سخنگوی روسی‌چندی پیش در پاریس طی یك‌کنفرانس علمی اعلام نمودکه امریکا وشوروی در امر فضا باید با هم اشتراك مساعی کنند . دلیلی‌که عنوان نمود آن بودکه : « تفحص ودست یافتن بفضا بسیارگران تمام میشود .»

درتلاش فضائی شوروی مسئله هزینه همواره مورد توجه خاص بوده وخلاف بیشتر برنامه‌های امریکا ، مبنای کلیه پیشرفتهای مهم فضائی شوروی براساس همان سیستم‌اولیه موشك با فشار خلفی است . درصورتی‌که طبق محاسبات مهندسین غربی این سیستم‌موشك می‌تواند فشاری معادل با ۸۰۰ هزار تا یك میلیون پوند را ایجاد نماید واین میزان برای پیاده کردن بشر درکره ماه بهیچوجه کافی نیست .

در عملیات فضائی شوروی ، با درنظر گرفتن تعداد نفر ومیزان وسائل مصرفی‌همواره جانب اعتدال مراعات شده و بررسی کلیه برنامه‌ها که از سال ۱۹۵۷ اجرا گردیده است نشان میدهد ، هیچگاه بیش از دوگروه آنهم درحوالی دریای آرال مامور اجرای این برنامه نبوده است . در ابتدا سه‌اسپوتنیك بمدار زمین فرستادند بعد در سال ۱۹۵۹ چند سری ماههای مصنوعی پرتاب کردند و بعداز آن چند سری‌کشتی فضانورد بی‌سرنشین‌بپرواز درآوردند وبا پرواز گاگارین و تیتوف مساعی‌آنها به‌اوج ترقی خود رسید و بدین ترتیب بطورکلی پنجاه پوند از ۹۲ کیلو تا ۵ تن آزمایش شد وبه استثناء دوفقره تلاشی که شوروی در سال ۱۹۶۱ برای فرستادن موشکهای مجهز به‌ابزار وآلات لازم تانزدیکی ستاره ونوس نمود دیگر فعالیتهای فضائی آن دولت توسعه نیافت درصورتی‌که امریکا در مدت سه روز از دوساحل مختلف خود سه‌ماه مصنوعی بفضا پرتاب نمود .

طبیعی است اگر روسیه کار فضائی خودرا دچار رکود سازد وکندی بخرج دهد

بسیاری ازبرنامه‌های عملی از قبیل هواشناسی بوسیله قمر مصنوعی و سیستم مخابراتی را از دست خواهد دادوبهمین منوال ازتجربیات فنی عقب خواهد افتاد .

برای مثال درکارگاه دکتر جیمزوان‌الن فیزیك‌دان امریکائی از ایالت ایپووا ابزار آلات دوازده قمر مصنوعی وکاشف فضا ساخته شده‌که به‌تنهائی ۳ دستگاه از مجموع تلاشی که در روسیه شوروی بعمل آمده است‌کم‌دارد.

بالاخره بااینکه ماموریت پیاده شدن در ماه بظاهر دوراز ظرفیت وتوانائی موتور موشك‌های فضاپیمای فعلی شوروی‌است باوجود این هیچ آثار وعلائمی نوید نمیدهد آندولت برای توسعه موتوریکه بتواند چنین ماموریتی را انجام دهد تلاشی‌کرده باشد .

هنگامیکه پرزیدنت کندی در ماه مه ۱۹۶۱ رسیدن بماه را یك هدف ملی برای امریکا اعلام نمود مشاورینش به‌او نظردادند هردو ملت ازیك نقطه شروع بکار کرده‌اند . از قرار معلوم مبنای این تجزیه و تحلیل بهترین و آخرین اطلاعات محرمانه میباشد . ازآن تاریخ ببعد شوروی در مدت ٤٧ روز هشت موشك جدید آزمایش‌نمود وخلاف عقیده پاره‌ای از مفسرین موشك‌های آزمایش شده موتور جدید وقوی نداشت فقط موشکهای کوچکی بودکه از طرف ارتش آن کشور درخواست شده واین موشکها نظیر موشکهای امریکائی تیتان ، اطلس یا مینوت‌منت میباشد که باید زیر خاك دفن نمود وبطوری‌که یکی از دانشمندان امریکائی گفته بود « حتی اگر شما مسئله موشکهای فضاپیما یا رآکتور را قبول ندارید ولی مسلماً دراصل نظریه موافقید که بین رسیدن بکره ماه ویا تلاش در تکمیل موشکهای نظامی یکی را باید انتخاب‌کنید».

مقامات مسئول بطور قاطع تاکیدکرده‌اند شوروی هنوز قادر به‌پیاده شدن درماه و برگرداندن فضاپیما نیست .

آقای وب مدیر سازمان فضائی امریکا اعلام داشت روسها ممکن است نخستین‌کشوری باشندکه بتوانند دونفر را دریك فضاپیما سوار کنند ودر مدار زمین بحرکت آورند امابطور قطع امریکا اولین کشوری خواهد بودکه‌بشر رادر ماه پیاده خواهدکرد .

درجهت پیروزی

نگاهی به‌برنامه عجولانه فضائی امریکا نشان میدهد هدف تاچه حد دور است وچرا روسها نمی‌توانند برای بدست آوردن این افتخار بزرگ نفر وهزینه لازم را تامین نمایند .

دکتر بریزد هلمس مهندس چهل ساله ارام وخوش بیان‌که تصدی برنامه فضائی امریکا را برعهده دارد برای وصول بهدف‌های خود بطور تخمین در مدت نهسال روزی ۱۰ میلیون دلار خرج کرده است . بعقیده او « پول در روی زمین محل مصرف دارد نه درماه ».

عده‌ای بالغ بر ٤٣٥٠٠٠ نفر مرد وزن، دکتر ومهندس و راننده و نویسنده توسط سازمان فضائی امریکا ویاکارخانه‌های‌خصوصی ...ـمنز میشوند ودر حقیقت تهیه ده‌ها هزار قطعات گوناگون لااقل احتیاج به‌ده هزار کارخانه وکارگاه دارد .

بسیاری از افراد تحصیل‌کرده بخاطر دارند اگر جریان برقی را ازمیان ظرف آبی ردکنیم‌آب بدو عنصر اصلیش اکسیژن و ئیدروژن مبدل میشود .

بطوری‌که‌هاریسن استورمزوئیس اطلاعات فضائی شرکت هواپیما سازی امریکای شمالی اظهار داشت باطریهای جدید این عمل را بعکس انجام میدهد یعنی با اختلاط اکسیژن و ئیدرژن هم نیروی برق بدست میآید وهم آب آشامیدنی تهیه میگردد واین دو عامل در سفر طولانی بشر بماه و بالعکس جنبه حیاتی دارد .

مقاطعه‌کار و سازنده دیگری که دراین برنامه شرکت دارد یکی از انستیتوهای فنی ماساچوست میباشد . کلیه دستگاه‌های فنی مورد لزوم از قبیل سرعت سنج و امثال آن دراین کارخانه ساخته میشود و بعلاوه ماشین محاسبه‌ای تهیه دیده‌اند که محل دقیق موشك رادر فضا تعیین مینماید . آلات وابزار دیگری در دسترس میباشدکه قادر است سرعت و جهت رادرسه‌بعد (بالا وپائین ـ چپ و راست ـ جلو وعقب) معین‌کند و این دستگاهها در سنوات اخیر مورد استفاده هواپیماها در هوای طوفانی و زیردریائیهای قطبی‌که باید مدتها زیر آب شنا کنند و موشك‌هائی‌که از فراز جو پرواز مینمایند بوده است .

موانع

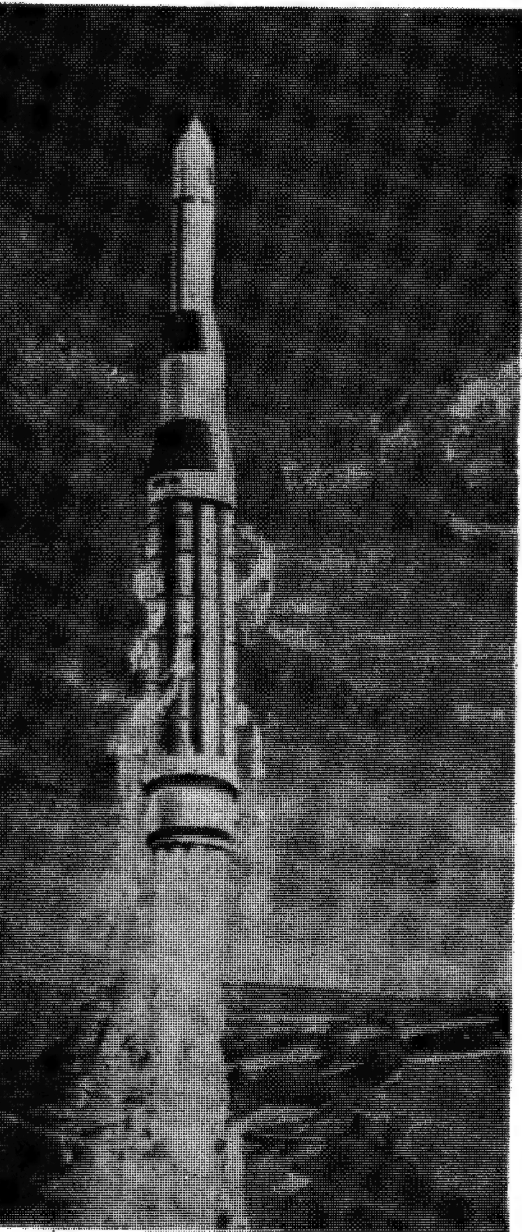
علی‌رغم تمام این تجربیات و مهارت‌ها هنوز عدم اطمینان زیادی در طرح پرواز بماه بچشم میآید . ازیکطرف هزاران مطالب مختلف بررسی شده . سازمان مسافرت فضائی و مقاطعه‌کاران طرح‌های وسیعی برای‌تربیت خدمه ، تهیه صورت قطعات یدکی ، برنامه ۶۰ ساعته انتقال بماه ، ترتیب اکتشاف درمدت یك تا سه روز اقامت در آنجا و شرایط و وسائل بازگشت بی‌خطر تهیه دیده‌اند درحالی که مسائل مختلفی وجود دارد که تاکنون حل نشده است .

بپرواز درآوردن موشك ۷۵۰۰۰ کیلوئی اپولو ودادن سرعت اولیه‌ای معادل ۲۵۰۰۰ میل در ساعت به‌آن یك اصل حیاتی است‌که لاینحل مانده است (وزین‌ترین موشکی که امریکا بفضا فرستاد وتوانست آنرا از منطقه جاذبه زمین خلاص‌کند موشکی بود سه طبقه‌ای بوزن ۳۶۳ کیلوکه از مسافت ۲۰۰۰۰ میلی‌ماه گذشت).

امریکا عملا از دوجهت متضاد بموضوع نزدیك میشود : در جهت اول تعقیب همان راهی میرودکه منجر بساختن موشك نوا شد.این موشك عظیم‌الجثه به بلندی یك‌عمارت ۳۰ طبقه خواهد بود . جهت دوم شباهت زیادی به میعادگاه دوعاشق دارد ـ یك‌موشك حامل موتور وسوخت خواهد بود و موشك دیگر خدمه را باخود میبرد . این دوموشك بعد درمدار زمین بهم ملحق خواهندشد.

مبنای پیشنهاد الحاق فنی دو موشك در مدار زمین‌ازدو منظره‌پروازگلن الهام میگیرد. ابتدا گلن گزارش داد جدا شدن موتور موشك را بخوبی می‌بینند سپس در یك نمایش فراموش نشدنی توانست فضاپیمای خود را هدایت نماید . این نوع مهارت‌ها بهم بستگی دارد اما قبل ازآنکه فضانورد حتی بتواند موشك زوجی خود را به‌بیند باید دقت فوق‌العاده‌ای در نشانه‌گیری موشك زوجی از سکوی پرتاب بشود . برای اطمینان ازاینکه مسیر حرکت این دوموشك باهم مماس شده روی هم قرار میگیرند باید بین زمان پرتاب دوموشك یك‌روز فاصله باشد و هنگام پرتاب موشك دوم ده تابیست ثانیه حاشیه امنیت قائل شوند . بقول یکی از مهندسین «کسانیکه آنروزها به انتظار پروازگلن دقیقه شماری میکردند میدانند چه راه دراز و پرپیچ و خمی درپیش داریم ».

ساختن و پرتاب کردن ساتورن سی ـ ۱ صد ها میلیون دولار خرج دارد، چطورمیتوان‌ازپرداخت مالیات شانه خالی کرد .



موانعی‌که در راه وصول به‌کره ماه وجود دارد بیشمار است بااین همه هریك از این موانع بدقت بررسی گردیده و این فضانوردها هستند که باید در سال‌های آتی به‌این میعادگاه بروند .

***

در دنیا حرفه ها ی‌زیادی‌وجود دارد.برخی از این حرفه‌ها معروف عامه‌است ولی پاره‌ای دیگر که حرفه های نادر نامیده میشوند فقط در میان عده معدودی از متخصصین مشهور است .

اما حرفه‌ای وجود دارد که فوق‌العاده نادر است و نمایندگان آن بسیار معدودند. بااین حال تقریبا هریك از افراد روی زمین‌اطلاع دارند که چنین حرفه‌ای وجود دارد .این حرفه ــ حرفه فضا نوردی نام دارد و چندی پیش یعنی درتاریخ ۱۲ آوریل سال۱۹۶۱پیدا شد .اولین کسیکه توانست بطور کاملی برآن مسلط شود یوری گاگارین خلبان تبعه اتحاد شوروی بود . امروز پنج خلبان شوروی و چهار خلبان امریکائی دارای این حرفه‌هستند. والنتینا ترشکووا اولین زن فضا نورد جهان هم بخوبی وظایف خلبانی ناوستاره پیمارافرا گرفته است .

تعلیم و تربیت اولیه

در حال حاضر در گروههای مخصوص‌تعلیم وتربیت فضانوردان در دو کشور شوروی و آمریکا دهها نفر مشغول کار هستند . شکی نیست‌که خانواده فضانوردان روزبروز بزرگتر خواهدشدزیرا باترقی وتوسعه تحقیقات‌کیهانی حجم وظایفی که‌باید بوسیله انسان در زمین و کیهان حل و فصل شود دائما افزایش می‌یابد .

از همین امروز بخوبی مشهود است که یك خلبان فضانورد در شرایط پرواز قادر نیست بتنهائی از عهده دایم التزاید کار اداره ناوو انجام تحقیقات کیهانی برآید . بهمین جهت این فکر بوجود میآید که در داخل ناوهای کیهانی متخصصین علمی وفنی بیشتری اقدام به پرواز نمایند . علاوه بر خلبانان فضانوردی که ناوهای کیهانی را اداره خواهند کرد در این نوع ناوها وجود ناوبرها و مهندسان و پزشکان و زیست شناسان و ستاره شناسان و ژئو فیزیسین ها و نمایندگان بسیاری از رشته های علمی و فنی دیگر نیز ضرورت تام دارد .

ولی سئوال میشود که آیا مردم عادی می توانند به کیهان سفر کنند ؟ دراین موردباید گفت که در آینده اینکار بدون شك و تردید ممکن خواهد شد . ولی آیا برای اینکار چه چیزهائی لازم است ؟

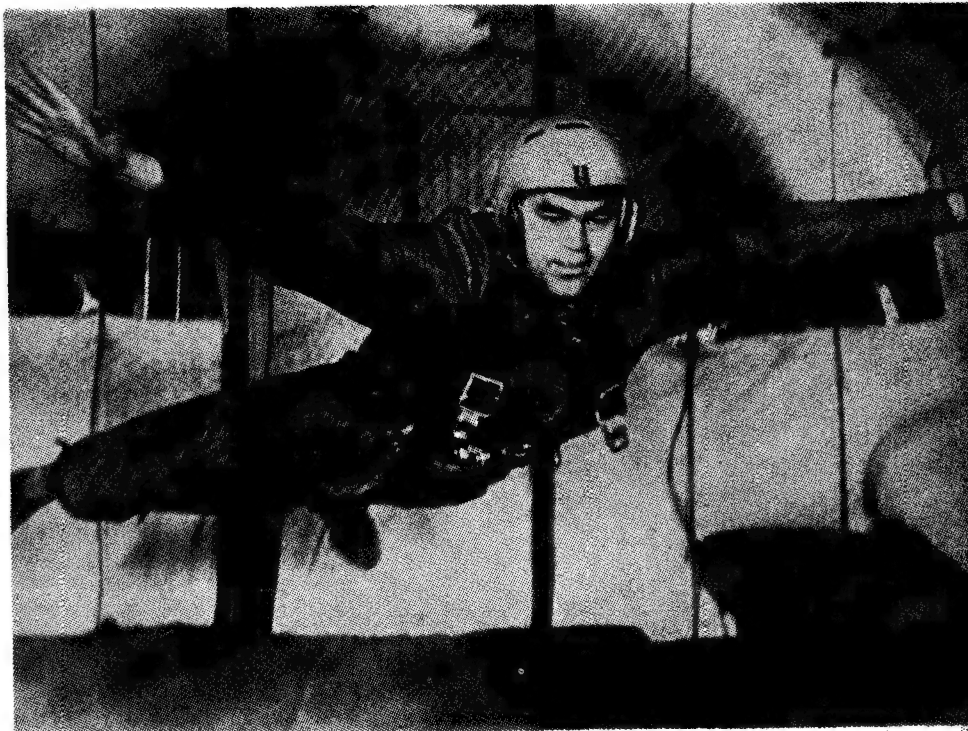
زمانی پرواز بوسیله هواپیماهای جت فقط برای معدودی‌از خلبانان تمرین دیده جایزبود. ولی اکنون هر فردی از این نوع وسیله‌نقلیه استفاده میکند . بهمین ترتیب باترقی وپیشرفت وسایل فنی کیهانی دایره اشخاصی که بعداز تمرین های لازمه آماده پرواز کیهانی‌خواهند شد توسعه خواهد یافت .

در حال حاضر خلبانان فضانورد چگونه تعلیم وتربیت میشوند ؟ در درجه‌اول‌خلبانان



آخرین بررسی پیش از فضاپیمائی

تجسم حالت بی‌وزنی !



تمرین در داخل موشک



والنتینا دوره‌آزمایش را میگذراند



فضانورد باید بااساس وسائل فنی موشکی و کیهانی و با مسائل مربوط به‌ستاره شناسی ژئوفیزیك‌و زیست شناسی و طب کیهانی‌آشنائی حاصل نمایند .

خلبانان فضانورد باید دوره مجموعه‌تمرین های بخصوصی را بگذرانند .این آزمایش ها براستقامت فضانوردان در مقابل چنان عواملی مانند افزایش وزن بدن انسان در موقع کار موتورهای جت و همهمه ارتعاشی که درموقع کار موتورهای موشکهای حامل ناوهـــای کیهانی بوجود میآید میافزاید .

برای اینکار از سانتریفوژها و تخته های مرتعش مخصوصی استفاده میشود .فضانوردان در موقع تمرین وارد سلولهای مخصوصی میشوند و دراین سلولها تغییر فشار و درجه حرارت را تحمل مینمایند . در سلولهای سکوت هم مسائل مربوط به عکس‌العمل های روانی انسانی که دراطاقك محدود ومحصوری تنها مانده است حل و فصل میشود .

فضا نوردان در موقع پرواز هواپیماها با حالت بیوزنی کوتاه مدت آشنا میشوند و در موقع پرش با چترنجات طرز اداره بدن رادر شرایط سقوط آزاد فرا میگیرند .

آخرین مرحله تمرین عبارتست از اقامت فضا نورد آتی در مد ل‌کابین ناوکیهانی .این مدل‌نسخه ثانی کابین ناوکیهانیست که باید بوسیله آن پرواز کند . دراین کابین سیستم دستگاههای تهویه و دستگاه های تنظیم‌حرارت وتابلوی اداره ناو وسیستم دستگاه های تامین کننده روشنائی و سایر دستگاه‌هائی که راحتی وامنیت پرواز کیهانی را تضمین میکنند سوار و نصب شده‌است .

خلبانان فضا نورد در کابین مدل ناو چنان وظایفی مانند کنترل رژیم پرواز ناو وکنترل کار دستگاههای مختلف را انجام میدهند. در موقع تمرین اشتباهات مختلف ثبت میشوند و در صورت بروز سوانح عکس‌العمل کارخلبان و طرزاستفاده از دستگاه‌های یدکی مطالعـه میشود .

قبل از پرواز کیهانی برنامه دقیقی تنظیم میشود که شامل کلیه کارهائیست که بایدتوسط فضا نورد اجرا گردد . آماده شدن فضا نورد برای پرواز کیهانی بر طبق همین برنامه انجام میگیرد .

شرط اساسی آمادگی فضا نورد برای پرواز عبارت از آنستکه در شرایط زمین تمام‌عوامل و شرایطی که خلبان در موقع پرواز کیهانی با آن‌ها روبرو میشود کپی شود.

لیکن انسان را نمیتوان با برخی از عوامل پرواز کیهانی در شرایط زمینی آشنا نمود. مثلا نمیتوان به مردم یاد داد که در حالـت بیوزنی عضلات خود را بچه نحوی کنترل نمایند زیرا فعلا نمیتوان در روی زمین حالت بیوزنی را بوجود آورد . همچنین نمی‌توان عکس‌العملهای روانی فضا نوردان راقبل از انجام پرواز مورد مطالعه قرار داد. سرانجام باید گفت که این عوامل فقط در شرایط‌پرواز کیهانی قابل ادراك است .

بهمین جهت برنامه تعلیم و تربیت فضانوردان نه فقط شامل عناصری میگردد که میتوان‌در روی زمین و در فضا انجام داد بلکه شامل تجارب فضا نوردان گذشته نیز میباشد .

بررسی یك نمونه پرواز

اینك بشرح یکی از این نمونه هامیپردازیم. قبل از پرواز یوری‌گاگارین و گرمان تیتوف دانشمندان بدرستی اطلاع نداشتند که در شرایط بیوزنی عمل بلع وجویدن غذا و حرکت بعدی غذا در بدن انسان چگونه‌انجام میگیرد . بهمین علت غذای گاگارین و تیتوف فقط از غذای آبکی که در لوله های مخصوصی قرار داشت تشکیل میشد. ولی‌بعد از پرواز آن ها معلوم شد که انسان درکیهان میتواند بطور عادی غذا بخورد . در نتیجه صورت خوراکی های آندریان نیکالایف و پاول پاپوویچ از مواد عادی یعنی کتلت‌های معمولی و گوشت سرخ شده و گوساله وکالباس و مواد دیگر تشکیل شد .

بادر نظر گرفتن تجربه پرواز های قبلی برنامه های پرواز فضا نوردان مرتبا حك و اصلاح میشود .

موقعی که میگوئیم فضا نورد شماره یك و شماره دو وشماره سه نباید فراموش‌کنیم که هریك ازآن‌ها فضانورد شماره یك بوده‌اند . ولی برای هریك از فضانوردان بعدی تجربه فضا نورد قبلی پایه واساس خوبی برای انجام دادن پرواز مشکل‌تر بوده‌است .

یوری گاگارین اولین کسی بود که به کیهان سفر کرد وثابت کرد که انسان میتواند در کیهان زنده بماند . گرمان تیتوف اولین کسی بود که یك شبانه روز در ناو کیهانی بسر برد . آندریان نیکالایف و پاول‌پاپوویچ برای نخستین بار چند روزتمام مشترکا درفضا پرواز کردند .

والری بیکوفسکی و والنتینا ترشکووا هم دومین پرواز جمعی را در فضای کیهانی‌انجام دادند .

زنی در فضا

ضمنا فرق پرواز جمعی دوم با پرواز مشترك اول این بود که در آن برای اولین بار یك نفر زن شرکت کرده‌بود .

قبل از پرواز والنتینا ترشکووا مسائل حل نشده زیادی در مورد عکس العمل بدن زن نسبت به محرکهای کیهانی وجود داشت. مثلا همه فکر میکردند که زنها بیشتراز مردهاتحت تاثیر بیماری باصطلاح دریائی تکان ناو قرار میگیرند .

پزشکان شوروی ضمن طرح و تنظیم شیوه تعلیم وتربیت زنان فضا نورد مبنای نظرشان این بود که تاثیر چنان‌عواملی مانند افزایش وزن بدن وارتعاش ناو در موقع کارموتورها و سایر عناصر در مرحله فعلی تکامل وسایل

نمونه اولین موشك کیهانی‌شوروی



فنی کیهانی ممکن نیست کاسته شود . بدین جهت زنان را هم باید مانند مردان آماده پرواز کیهانی کرد . ضمنا خصوصیات ارگانیسم زن نیز مورد توجه قرار میگرفت. پرواز موفقیت آمیز والنتینا ترشکووا گواه بارز صحت برنامه و شیوه‌ایست که متخصصین شوروی برای تعلیم و تربیت زنان طرح و تنظیم نموده‌اند .

در عین حال اینکار گواه سطح عالی ترقی وتکامل وسایل فنی کیهانی شوروی نیز میباشد زیرا وسایل فنی کیهانی شوروی نه فقط تابع دسك يك خلبان ورزیده بلکه تابع دست انسان هم هست که دارای تجربه‌خلبانی میباشد .

طراح کل و سازنده ناوهای کیهانی پس از پرواز ترشکووا گفت :

« اکنون واضح و روشن شده است که مسأله تعلیم وتربیت و آماده نمودن فضانوردان حل شده‌است وما میتوانیم همانقدری که احتیاج داریم فضا نورد تعلیم و تربیت کنیم. ولی البته نباید اینطور فکر کرد که فضانورد شدن کار آسانیست . برای اینکه فضانورد بتواند بطور شایسته‌ای وظایف خود را انجام دهد باید مدت زیادی جدا تعلیم و تربیت و وآماده شود . »

این اظهارات طراح کل ناوهای کیهانی‌از این نظر مهم‌است چون معلوم شده‌است که اکنون علاوه بر خلبانان افراد دیگری هم مانند دانشمندان رشته های مختلف علمی می توانند برای شرکت در پروازهای کیهانی آماده شوند . این نکته هم‌برای مطالعه بعدی و تسخیر فضای کیهانی اهمیت زیادی دارد.

پروازهای موفقیت‌آمیز فضا نوردان‌شوروی و آمادگی و ورزیدگی برجسته آنها به تمام دنیا نشان داده است که دانشمندان شوروی‌با تعلیم وتربیت فضا نوردان در راه صحیحی قرار دارند که بااصول علمی مطابقت کاملی دارد .

سطح معلومات و اطلاعات ما در زمینه خصوصیات پروازها ی‌کیهانی و شرایط رفع مشکلات ناشیه از آن پی درپی بالا میرود . تجربه قهرمانان فضا نورد شوروی ودانشمندان آن کشور که درزمینه تسخیر کیهان کار میکنند نیزبدون شك و تردید مکتب خوبی برا ی‌آیندگان واقع خواهد شد . اگر باین مقدمات و تجربیات فضانوردان امریکائی راکه در صدد الحاق سفاین فضائی درهوا هستند بیفزائیم امکان میدهد که بسیاری ازاشخاص مشتاق سفرهای کیهانی آرزوهای خود را در مورد شرکت در تسخیر کیهان بحقیقت‌نزدیك سازند .

(قسمتی ازاین سرمقاله توسط آقای منوچهر ضرابی در نیوزویك ترجمه شده است)

تعجب نکنید ، برای سفر کیهانی‌دونده هم باید بود **(گرمان‌تیتوف)**



زمینی که ما زیر پا داریم

از : ساسان کمالی



زمینی که ما در آن زندگی میکنیم سیاره‌ای است که باتفاق هشت سیاره دیگر بدورخورشید میگردد و در عرصه پهناور کاینات خانواده کوچکی را تشکیل میدهد . اگر خورشید را کره‌ئی تو خالی فرض کنیم خواهیم توانست یك میلیون کره هم‌حجم زمین را به‌آسانی‌داخل آن جای دهیم ، باتوجه باینکه بسیاری از ستارگان کوچکی که در شب بزحمت دیده میشوند بیش از یك میلیون بارازخورشیدما بزرگتر هستند کوچکی فوق‌العاده زمین در مقام‌مقایسه‌بامجموعه عوامل کیهانی آشکارتر میگردد .

حرکات زمین

ما همیشه حس میکنیم که زمین بیحرکت ایستاده است اما باید بدانیم که چون ما خود روی زمین قرار گرفته‌ایم قادر بدیدن یاحس کردن حرکات آن نیستیم در صورتی که زمین دارای سه حرکت جداگانه‌است .

۱ ـ حرکت وضعی که مانند یك فرفره بدور خود میچرخد ۲ ـ حرکت انتقالی که بدور خورشید میگردد ۳ ـ حرکت مستقیم که باتفاق خورشید و هشت خواهر فلکی خوددر فضای لایتناهی بسوی نقطه نامعلومی‌میشتابد.

چرخش زمین وایجاد شب وروزیا حرکت وضعی : زمین با سرعت نسبتا زیادی حول خط فرضی که از قطبین آن میگذرد و ماآن را محور زمین مینامیم میچرخد ، سرعت این چرخش‌درخط استوا در حدود ۱۶۰۰ کیلومتر درساعت‌و مدت آن که برای همه نقاط یکسان است ۲۳ ساعت و ٥٦ دقیقه و ٤ثانیه و ۹۱ هزارم ثانیه میباشد این چرخش ایجاد شب و روز میکند باین ترتیب که وقتی مکان اقامت ما در ناحیهٔ تابش اشعه خورشید قرار میگیرد روز وبالعکس آن برای ماشب را ایجادمیکند و چون زمین از مغرب بمشرق حرکت میکند اینطور بنظر میرسد که خورشید از مشرق طلوع کرده و پس از پیمودن عرض آسمان در پشت زمین در سمت مغرب فرو مینشیند .

گردش زمین بدور خورشید وایجاد سال‌یا حرکت انتقالی : زمین در حین‌حرکت وضعی بدور محور خود با سرعت متوسطی در حدود ۱۰۷٫۲۰۰ کیلـومتر در ساعـت یـا تقریبـا ۲٫۵۷۵٫۰۰۰ کیلومتر در شبانه روز بدور خورشید حرکـتانتقالی می نماید مدت دقیق این حرکت که ما آن را یکسال شمسی‌مینامیم



۳۶۵ روز و ٦ ساعت و ۹ دقیقه و ۹ثانیه و ۵٤ صدم ثانیه میباشد .

لغزش یا انحراف محور زمین و پیدائی فصول : محور زمین در حین گردش انتقالی بدور خورشید دارای یك وضعیت ثابت نیست و همیشه یکی از دوانتهای این محور بطرف خورشید متمایل است بطوری که میتوان گفت زمین در حین حرکت بدور خورشید به یك پهلوی خود تکیه میکند این تمایل محور نیز مانند سایر امور فلکی بانظم و ترتیب خاصی انجام میپذیرد . باین معنی که در روز اول فروردین فقط در یك لحظه که‌ما آن‌را تحویل سال مینامیم این محور برمدار گردش زمین عمودنمیباشدو فاصله دو انتهای آن ازخورشید یکسان است ولی پس از این لحظه زود گذر انتهای‌شمالی این محور بجانب‌خورشیدمتمایل میگرددو این تمایل روز بروز افزایش می‌یابد تابه ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه بالغ میگردد. این حداکثر زاویه تمایل در آخر بهار و آغاز تابستان پدید میآید . از اینرو از لحظه‌تحویل سال چون نیمکره شمالی زمین بیشتر درمعرض تابش خورشید قرار میگیرد در قطب شمال خورشید طلوع میکند و روز قطب شمال که ششماه ادامه دارد آغاز میگردد روزها در نیمکره شمالی طولانی‌تر میشود و هوا روبه گرمی میرود این طولانی شدن روزها تا اول تیرماه که زاویه تمایل به حداکثر یعنی ۲۳ درجه ۲۷ دقیقه میرسد ادامه دارد و سپس سه ماه دیگر میگذرد تا این زاویه تقلیل یابد و روزها در نیمکره شمالی کوتاه‌تر میگردد. تابستان که بپایان میرسد در روز اول‌مهرماه مدت روز وشب دوباره یکسان میشود وزاویه تمایل محور به صفر میرسد و روز طولانی قطب شمال بپایان میرسد . دراین هنگام‌است که انتهای جنوبی محور بجانب تابش خورشید متمایل میگردد و آنچه که در ششماه اول‌سال در نیمکره شمالی پدید آمد در نیمکره جنوبی روی میدهد وبالعکس در نیمکره شمالی شب طولانی قطب آغاز میگردد و پائیز و سپس زمستان فرا میرسد وشبها طولانی میگردد در اول دیماه حداکثر مدت اختلاف شب وروز ظاهر میشود و سپس سه‌ماه نیز برای جبران این وضعیت احتیاج بزمان خواهد بود تا فروردین فرارسد و یکسال بر عمر کره زمین افزوده گردد .

سفرزمین باتفاق خورشید و منظومه‌اش : بغیر از حرکاتی که در فوق ذکر شد ازآنجا که خورشید با سرعت در حدود هفتاد هزار کیلومتر در ساعت بسوی نقطه نامعلومی درفضا میشتابد بدیهی است که زمین و سایر سیارات واجسام این منظومه نیز بدنبال خورشید این

فاصله را در هرساعت میپیمایند و ازاینجا معلوم میشود که چون زمین در حین حرکت مداری خود دارای یك حرکت بخط مستقیم نیز میباشد لذا مسیری که زمین طی میکند منتخبه این‌دوحرکت بوده وتقریبا دارای‌مسیری مارپیچ یا فنری شکل میباشد .

شکل و اندازه زمین

بشر سالیان دراز میپنداشت زمینی که در آن زندگی میکند مسطح است و عده‌ئی بـا مشاهده افق تصور میکردند که زمین دائره‌ئی شکل بوده و اگر انسان بانتهای آن برسد ممکن است بی احتیاطی کرده واز لبه آن بخارج از زمین پرتاب شود از همه مهمتراین که بشر چند قرن‌گذشته نمیتونست باور کند که عده‌ئی در طرف دیگر زمین راه میروندو بدون اینکه سقوط کنند از زمین آویزان باشند ، بشر با مطالعات وآزمایشهای بسیاری به این نتیجه رسید که زمین کرویست،سایه زمین در کره ماه بهنگام خسوف ومشاهده ناپدید شدن تدریجی بدنه کشتی‌و سپس دکل آن در دریا ،طلوع و غروب مداوم خورشید بصحت این مدعا کمك‌مینمود و سفر دور دنیای ماژلان دریانورد و منجم پرتقالی آن‌را کاملا مسجل ساخت .امروزه بوسیله مسافرت با هواپیماهای بلند پرواز و مشاهده‌عکسهائی که فضا نوردان از زمین برداشته‌اند کرویت زمین بآسانی مشهود میگردد .

دانشمندان و منجمین بدنبال تحقیقات خود باین نتیجه رسیده‌اند که زمین یك کره‌کامل نیست و گردش آن بدور محور خود وایجاد نیروی گریز از مرکز باعث گردیده که زمین درخط استوا برجسته تر و درقطبین فرورفته‌تر گردد .

شعاع قطبی زمین ۶۳۵۷ کیلومتر وشعاع استوائی آن در حدود ۶۳۷۸ کیلومتر است شعاع متوسط زمین یعنی شعاع کره کاملی‌که حجم آن مساوی حجم کره زمین باشد تقریبا ۶۳۶۸ کیلومتر خواهد بود واز آنجا مساحت سطح‌زمین۵۱۰۱۰۱۰۰۰کیلومترمربع وحجم‌آن بالغ بر ۱۰۸۳۳۲×۱۰^۷ کیلومتر مکعب‌خواهد بود .

مشتری بزرگترین سیاره منظومه شمسی و عطارد کوچکترین آنهاست . زمین در مرحله پنجم قرار دارد .

دونیروی بزرگ زمین

نیروی جاذبه زمین : زمین دارای نیروی جاذبه‌ئی بسیار قوی میباشد .این نیرو آنقدر قویست که توانسته است کره‌ئی مانند ماه را همیشه در اختیار خود قرار دهد و آن راتابع کره زمین نماید ویاهم چنین طبقات مختلف جو را در اطراف آن حفظ نموده و ازفرار آن‌ها جلوگیری نماید . چون این نیروی‌ثقل یا جاذبه طبق قانون نیوتن بستگی مستقیم‌به وزن ورابطه معکوس بافاصله دارد لذا اندازه این نیرو در همه نقاط سطح زمین یکسان نیست .

بعلت کامل نبودن کرویت زمین فاصله نقاط مختلف سطح زمین تا مرکز آن‌متفاوت است یعنی در قطبین حداقل و در استوا حداکثر فاصله موجود است لذا نیروی جاذبـه و در نتیجه وزن اجسام در استوا سبك‌تر و در قطب سنگین‌تر و تجربه نشان میدهد که یك انسان صد کیلوئی در قطب شمال ،درخط استوا وزنش ۹۹ کیلوونیم میباشد و بهمین ترتیب در ساحل دریا ویا عمق دره‌ها اجسام سنگین‌تر و در ارتفاعات و قله کوه هاسبکتر میباشند .

نیروی مغناطیسی زمین : کره زمین بغیر از نیروی جاذبه دارای یك نیروی قوی مغناطیسی نیز میباشد زمین مانند هرمغناطیس دیگری دارای دو قطب شمال و جنوب‌میباشد واین بدان علت است که قطبین مغناطیسی زمین مجاور قطبین حقیقی یا جغرافیائی‌زمین قرار دارند قطب شمال مغناطیسی در جزیره پرنس ویلز در شمال کانادا و بفاصله ۱۶۹۶ کیلومتراز قطب شمال جغرافیائی قرار گرفته است قطب جنوب مغناطیسی در جنوب‌استرالیا وبفاصله۲۴۵۶کیلومتری قطب جنوب‌جغرافیائی است .بدیهیست که باوجود دو قطب مغناطیسی یك خط استوای مغناطیسی نیز در حوالی استوای حقیقی زمین قرار دارد که در آن خط نتیجه نیروهای مغناطیسی زمین معادل بوده و عقربه قطب نما موازی باسطح افق قرار میگیرد . در صورتی که ما در تهران چون به قطب شمال مغناطیسی نزدیکترهستیم در هنگام جهات یابی باقطب نما مشاهده میکنیم که انتهای عقربه‌ئی که شمال را نشان میدهد بطرف زمین متمایل‌است .

سه عنصر اصلی زمین

ما معمولا زمین را شیئی‌جامدی میپنداریم واغلب میگوئیم هواپیما از زمین بلند شد ویا میگوئیم سفر دریا طولانی‌تر از سفر زمین‌است اما عملا رابطه هواو آبها بازمین درست‌مانند رابطه خاك بازمین است و هرسه‌باهم تشکیل زمین را میدهند که یکی ازآن‌ها جامد یکی مایع و دیگری گاز است .

هوا یاجو یاآتمسفر : اقیانوسی از هـوا خشکی و آبهای زمین را پوشانده است وانسان در قعر این اقیانوس بین خشکی و هوا ودر کنار آب زندگی میکند، زندگی‌انسان بدون وجود یکی از این سه عنصر امکان ناپذیر است، ارتفاع جو دقیقا برما آشکار نیست اما تحقیقات نشان داده است که در ارتفاع ۲۰۰ کیلومتری هوابسیار دقیق میشود . شهاب‌های ثاقب که بجو زمین برخورد میکنند درارتفاع در حدود ۱۶۰ کیلومتر داغ و مشتعل می گردند .

اولین طبقه جو یا تروپوسفر که در حدود ۱۰ کیلومتر ارتفاع دارد منطقه ایجادهواهای مختلف است و باد، برف وباران وطوفان درآن پدید میآیند .

دومین‌طبقه جو استراتوسفراست که منطقه‌ئی سرد بدون ابرولایتغیر است .

خشکی یالیتوسفر : قسمت جامد کره‌زمین که آن را خاك یا خشکی مینامیم خود نیز شامل طبقات مختلفی است .

اولین‌طبقه پوسته زمین است که چیـن‌دار بوده وگاهگاهی بر اثر فشار نیروهای داخلی شکافهائی در آن ایجاد میشود .این طبقه در حدود ۳۲ کیلومتر ضخامت دارد . این طبقه یا پوسته خود شامل دو قسمت برونی ودرونی است . قسمت اعظم پوسته برونی‌که تشکیل قاره های پنجگانه را میدهد گرانیت است که چگالی آ ن۲٫۷۵ میباشد . پوسته درونی که قسمت اعظم آن بازالت میباشد از اولـی سنگین‌تر بوده ، چگالی آ ن‌در حدود۳٫۳۰ و در قسمت تحتانی قاره ها جای گرفته وکف اقیانوسها رانیز پوشانده است . ضخامت پوسته زمین در نقاط مختلف متفاوت‌است بزرگترین ارتفاع سطح زمین قله اورست بارتفاع ۸۸۴۸ متر و گودترین نقطه سطح زمین گودال‌ماریان در اقیانوس‌کبیر بعمق ۱۰۹۱۲ متر دراین پوسته قرار دارند .اختلاف ارتفاع این دو نقطه در حدود ۲۰ کیلومتر مساحـت می باشد .

دانشمندان زمین شناسی با مطالعه چین خوردگی ها و شکافهای ناشی از زلزله در سطح زمین بوجود طبقات مختلفی‌در داخل کرهٔ زمین پی برده و ضخامت آن‌ها را نیز تخمین زده‌اند و عقیـده دارند که پس از پوسته فوق زمین دارای پوشش ضخیم‌دیگری به ضخامت ۲۹۰۰ کیلومتر میباشد اجسام و صخره های این طبقه از طبقه قبلی سنگین‌تر بوده و درجه حرارت بمراتب زیادتر میباشد بطوری که حرارت آن در عمق ۴۰۰ کیلومتری سطح زمین هر موجود جانداری را بآسانی میپزد . پس از این طبقه ، طبقه دیگریست‌که چون هسته مرکزی زمین را در برگرفته آن را هسته خارجی مینامند ضخامت این هسته در حدود ۲۱۹۰ کیلومتر بوده و حدس زده‌میشود



بعلت فشار زیاد طبقات فوقانی ، مواد متشکله این طبقه مذاب وسیال باشد پس از هسته خارجی هسته اصلی یاداخلی زمین قرار گرفته این هسته کرهایست که قطر آن در حدود ۲۶۲۳ کیلومتر میباشد وتصور میرود که جسم جامدی بوده و از آهن و نیکل تشکیل یافته است .

منطقه‌آبها یاهیدروسفر : اگر سطح کره زمین بدون پستی و بلندی و کاملا صاف میبود ، کلیه آبهای کره زمین اعم از اقیانوسها ـ دریاها ـ رودخانه ها ودریاچه‌ها سراسر سطح کره زمین رافرا میگرفت و اقیانوس پهناوری بعمق۲۴۳۸مترکره زمین را احاطه میکرد در عصر حاضر در حدود هفت دهم سطح زمین را آب فراگرفته و عمق متوسط آبهای زمین در حدود ٤ کیلومتر میباشد . بغیراز آبهای ظاهری زمین ازقبیل اقیانوسها و دریاها در اغلب نقاط در عمق خشکی منابع فراوان آب وجود داردکه از آبهای حاصله از برف و بارانی که بزیر زمین نفوذ کرده‌اند تشکیل گردیده‌اند .

زمین چگونه تغییر مییابد ؟

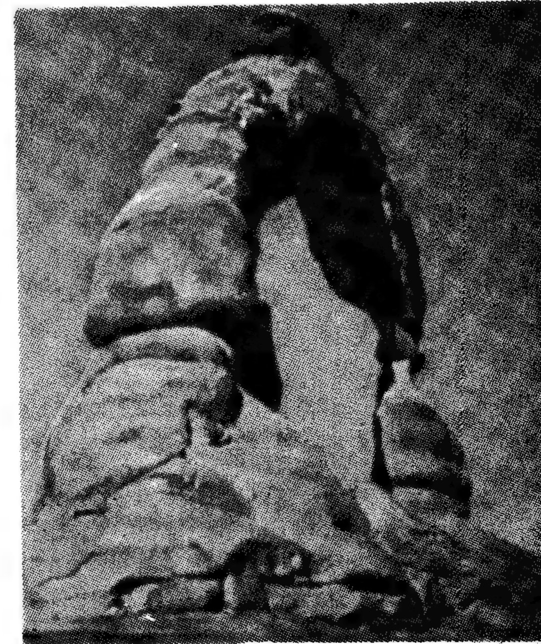
زمین دائما در حال تغییر است کوههارفته رفته از بین میروند وبلندی ها پست میشوند در عوض ارتفاعات جدیدی در دشتها بوجود میآیند و پستی ها به‌بلندی مبدل میشوند. برای مشاهده این تغییرات احتیاجی نیست که همیشه بعقب بنگریم و تاریخ گذشته زمین را مطالعه کنیم تغییراتی که میلیونها سال پیش روی میداده در عصر حاضر نیز کاملا تکرارمیگردد. از بین رفتن کوهها وارتفاعات بوسیله نیروهای فرساینده خیلی به آهستگی انجام میگیرد ولی مسلم آنست که این‌نیروها دائم در فعالیتند و هرروز مقدار بسیارکمی از ماموریت خود را انجام میدهند مقتدرترین این نیروها آب‌است آب رودخانه‌ها دائما سنگها را میغلطانند و شکلشان را تغییر داده و روزانه میلیون‌ها خروار گل ولای را به دریاها میریزند و بدین وسیله ازارتفاعات کم کرده و در عوض کف دریاها را بالاتر میآورند . یخ یکی دیگراز عواملی‌است که بتغییر شکل زمین کمك میکند مقدار آبی‌که در شکاف یك تخته سنگ قرار دارد درسرما یخ می‌بندد و فشار حاصله از یخبندان شکاف‌را پهن‌تر و عمیق‌تر میسازد . درانجام این امر حتی شنها و سنگریزه‌هائی که بوسیله بادهای قوی از جای کنده میشوند و به صخره‌ها برخورد میکنند اندکی از ارتفاعات رامیسایند و کمك موثری بتغییر شکل ظاهری سطح زمین مینمایند .

بموازات‌فعالیت نیروهای فرساینده‌نیروهای دیگری بکار ساختن ارتفاعات جدید واز بین بردن پستی هااشتغال دارند . بااندکی دقت‌و مطالعه در سطح خشکی مسلم میگردد که این خشکی یافته میشوند از استحاله حیوانات بتدریج بالا آمده ،آب را از خود رانده وبه خشکی مبدل شده‌است . فسیل جانوران‌دریائی یا ماهی های عظیم‌الجثه‌ئی که اغلب درسطح خشکی یافت میشوند از استحاله حیوانات دریائی پدید آمده‌اند و هم چنین گفته میشود سنگهای نرم و رستی سطح زمین از تغییرشکل گل و لای اعماق دریاها بوجود آمده‌اند .

رودخانه هائی که بظاهر به آرامی به دریا میپیوندند هر یك در عمق خود هزاران‌تن گل و لای و سنگهای غلطان در بر داردکه همه بدریا ریخته میشود و عمق آن را کمی بالا میآورند پس از سالیان دراز این رسوبات رویهم انباشته میگردند و فشار فوق‌العاده‌ئی بکف و دیواره دریا وارد میآورند این فشار آنقدر زیاد و زیادتر میشود تا دیواره دریا مقاومت خود را از دست میدهد و فرو میریزد فرو ریختن دیواره‌اغلب تخته سنگهای عظیم ساحل را از جای میکند و بدریا میاندازد و این عمل با این که بکندی صورت میگیرد آنقدر تکرار میشود تا پس‌از میلیونها سال کف دریا بالا میآید وبه خشکی مبدل میشودو باز صدها میلیون سال وقت لازم است که نیروهای فرساینده فعالیت نمایند وارتفاعات جدید را دوباره به پستی‌ها و اقیانوس ها مبدل سازند .

امروزه در زمین کوه‌های بلندی وجود دارند که‌ا زطبقات رسوبی اقیانوس های‌اعصار گذشته پدید آمده‌اند گاهی فشار وارده در طبقات رسوبی عمیق زمین آنقدر روبافزایش میرود که باعث لغزش و حرکت ناگهانی آنها میگردد این لغزش که به سطح خارجی زمین منتقل میگردد و باعث لرزانیدن سطح میشود همان عاملی است که ما آن را زمین لرزه مینامیم .

ارتفاعات دیگری هم ممکن است باپرتاب سنگهای مذاب از دهانه آتش فشانها پدیدآیند



هنر طبیعت در زمین‌آرائی

که رویهم انباشته میگردند و رفته رفته سرد شده کوههای جدیدی بوجود میآورند .

زمین در خدمت بشر

زمین تنها منبع و مولد کلیه مایحتاج انسان است مواد اولیه غذائی که میخوریم لباسی که میپوشیم و مسکنی که بنا میکنیم عامل همه زمین است پوسته زمین هزاران مادهئی را که ما بآن احتیاج داریم از دوا تا آهن دربردارد دریاها برای ما منبع غذا و معدن نمك ویدو ضرورات دیگریست . منیزیوم فلز سبکی که در ساختن هواپیما مصرف میشود از معادن اعماق اقیانوس بدست میآید. جونیز بطرق مختلفی بانسان خدمت مینماید .

طبقات جوما را از خطرات ناشیه ازتشعشات کیهانی و اشعه ماوراء بنفش حفظ کرده و منبعیست لایتناهی از اکسیژن یا مهمترین عامل حفظ حیات بشر . همچنین انسان علم تجزیه گازهارا بخوبی آموخته و امروزه ازت موجود در هوا را بآسانی بکودهای شیمیائی تبدیل میکند و یا باسوزش اکسیژن خالص شعلهئی ایجادمیکند که حرارت خارق العاده آن صفحات پولادین را بآسانی میشکافد .

پیدایش زمین

درباره پیدایش زمین نظرات و عقاید مختلفی تاکنون اظهار گردیده ولی آنچه که اکثریت دانشمندان بر آن متفقند اینست که زمین بوسیله نیروی جاذبه ستاره بزرگی از خورشید جدا گردیده است .

میلیونها سال پیش ستاره بسیار بزرگی که بمراتب از خورشید ما بزرگتر بوده ازنزدیکی آن عبور کرده و قوه جاذبه آن باعث گردیده که قسمتی از کره خورشید را بصورت توده گازی شکل از آن جدا کرده و بسوی خود بکشاند این توده عظیم گازی شکل در حوالی نقطهئی که قوه جاذبه خورشید وستاره رهگذر مزبور مساوی بوده از تعقیب آن باز مانده و در منطقه جاذبه خورشید بحرکت دورانی پرداختهاست . گفته میشود که قسمت اعظم این توده بخورشید بازگشته و باقیمانده آن بگرد قطعات کوچك جامدی گرد آمده بدانها چسبیده و بعدها سطح خارجی آنها در طول ۲۰ میلیون سال منجمدگردیده وتشکیل کراتی دادهاند که مجموعه آنها همان منظومه شمسی فعلی واز جمله زمین میباشد .

سن تقریبی زمین

دانشمنداندرباره عمر زمین عقایدگوناگونی ابراز کردهاند مثلا لرد کلوین انگلیسی زمان پیدایش زمین‌را تا بحال بین ۲۰ الی ۴۰۰ میلیون سال تخمین زدهاست . تاکنون‌روشهای گوناگون و فرضیه های مختلفی برای پیدایش عمر زمین ارائه گردیده مهمترین این ها روش (سرب واورانیوم)است . اورانیوم جسمی است رادیو آکتیو که بانسبت ثابت و معینی که قابل اندازه گیریست همیشه درحال تجزیهاست .

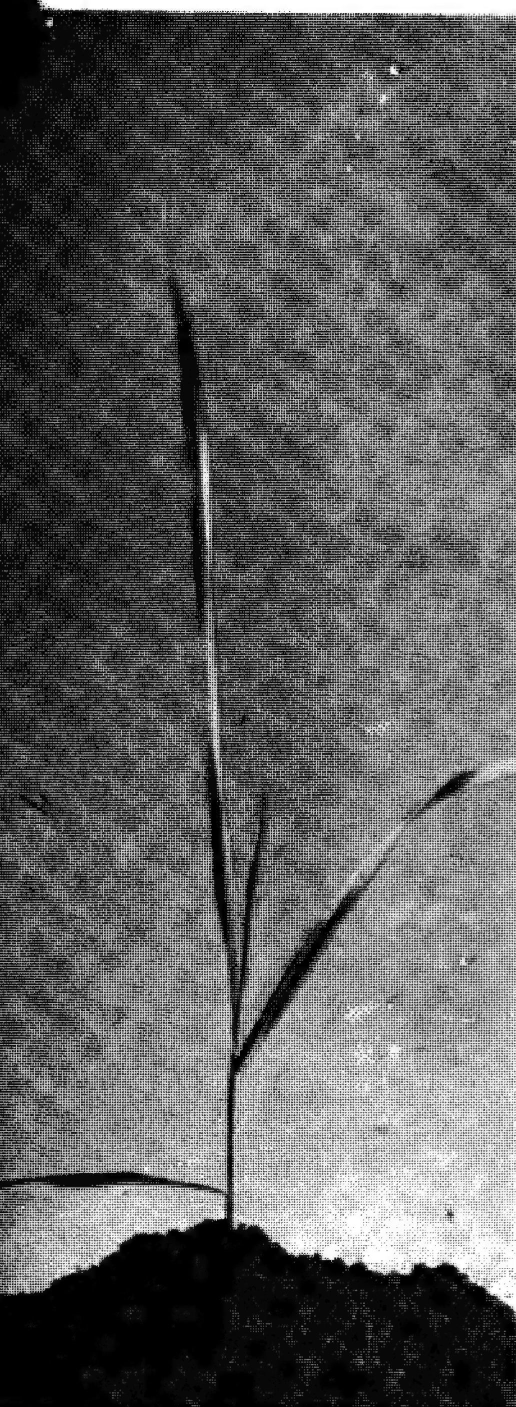
از این تجزیه دو عنصر مختلف پدید میآید یکی اتم هلیوم و دیگری سرب است .بـا اندازه گیری مقدار اورانیوم خالص و سربی که در سنگهای اورانیومی بدست میآیـد دانشمندان بتعداد سالهائی که از پیدایش اورانیوم گذشته است‌پی میبرند .

در سال ۱۹۵۷ گروهی از محققین‌امریکائی باین نتیجه رسیدهاند که کره زمین در حدود چهار میلیارد و ۵۰۰ میلیون سال عمردارد.

ترکیبات شیمیائی زمین

همانطور که قبلا گفتهشد قسمت اعظم‌پوسته خارجی زمین را گرانیت تشکیل داده است. از آزمایش وتجزیه یك قطعه گرانیت فنلاندی که از انواع مرغوب گرانیت میباشد این نتیجه بدست آمده است .

سیلیس SiO_2	۶۷ درصد
اکسیدآلومینیوم Al_2O_3	۱۵ درصد
اکسید آهن $FeO+Fe_2O_3$	۴۱ر۴درصد
اکسید کلسیم CaO	۴ر۳درصد
اکسید سدیم Na_2O	۰۷ر۳ درصد
اکسید پتاسیم K_2O	۵ر۳درصد
مواد دیگر	۶۲ر۳درصد



اگر بشما بگویند نزدیکترین راه میان دماغهٔ (امیدنیك) و انتهای‌جنوبی استرالیاست خط مستقیمی نیست که شما روی نقشه می‌کشید آیا لبخند نمی‌زنید؟ و اگر بگویند خطسیر منحنی میان ژاپن و ترعه پاناما کوتاهتر از خط مستقیمی است که در روی نقشه آندو را بهم‌وصل میکند آیا تعجب‌تان دوچندان نمی‌شود ؟

ظاهرا این ادعا بشوخی بیشتر شباهت دارد اما بااینحال حقیقتی است‌که نقشه‌سازان بخوبی از آن باخبرند.

برای اینکه مطلب روشن‌تر شود لازمست کلمه‌ای چند درباره نقشه‌هابطور کلی ، ودرباره نقشه‌های‌دریائی‌بخصوص، بیان‌کنیم . از نظر اصولی نمایاندن‌قسمتی از سطح زمین بر صفحه کاغذ امری‌است بسیار دشوار . زیرا زمین‌کروی شکل است و همه میدانند که گسترش کره بر صفحه مسطح بی‌آنکه چین خورد و یاپاره شود غیرممکن است. ازاین‌رو بناچار باید تغییرشکل‌های غیرقابل اجتنابی را بر روی نقشه‌ها پذیرفت . نقشه‌کشی‌روشهای گوناگون دارد ازین‌رو تغییر شکلهای اجباری آن نیز بسته به روشی‌که‌درپیش گیرند متفاوتست اما درهرحال نقشه صددرصد کامل نمی‌توان‌کشید.

دریانوردان از نقشه‌هائی که طبق روش «مرکاتور» تهیه شده است‌استفاده میکنند. مرکاتور نقشه‌ساز وریاضی‌دان، هلندی قرن‌چهاردهم است.روش‌مرکاتور بنام «گسترش‌مرکاتور» نیز معروفست. نقشه دریائی را به‌آسانی میتوان ازشبکه خطوط عمودبر هم آن‌که تشکیل چهار گوشهای کوچکی میدهد بازشناخت . در این نقشه نصف‌النهار ها را با خطوط موازی نمایش میدهند مدارها یا دوایر عرض جغرافیائی را نیز باخطوط‌مستقیم عمودبر آنها مشخص می‌سازند

اینك فرض‌کنید میخواهیم‌نزدیکترین راه میان دو بندر واقع در سواحل اقیانوس راکه در روی مدار معینی‌قرار دارد پیدا کنیم . در اقیانوسها راه از هرسو باز است و ازاین رو میتوان‌بشرط آشنائی با راه‌ها کوتاهترین فاصله رادر پیش‌گرفت .

دراین فرض طبیعی است‌چنین‌تصور شودکه باید خطسیر را بر مداری‌که‌این دو نقطه را بهم متصل میکنداختیارکرد. این خط در نقشه بصورت خطی مستقیم نمایانده شده و بنظر میرسدکه نزدیکترین راه میان دو نقطه مفروض است . اما حقیقت جز اینست و خطی که بر مسیر مدار میگذرد فی‌الواقع کوتاهترین‌راه‌ها نیست .

بلکه کوتاهترین راه میان دونقطه از سطح‌کره ، قوسی ازدایره عظیمه(*) ایست‌که بر‌آن دو نقطه میگذرد. انحنای قوس دایره عظیمه‌کمتر از انحنای‌دایره های دیگر است بعبارت دیگر هرچه‌شعاع دایره بزرگتر باشد انحنای آن کمتر خواهد بود .

اگر بر روی کره‌ای از دو نقطه مفروض نخی بکشید (شکل۳) خواهید دیدکه این نخ در امتداد مدارها قرار نمیگیرد : مسیر این نخ کوتاهترین راه میان دو نقطه مزبور را نشان میدهد . اگر در سطح کره این مسیر منطبق بر خطوط موازی نیست به‌آسانی میتوان دریافت‌که در نقشه دریائی خط مستقیم نشان دهنده نزدیکترین راه نمیباشد . فراموش نباید کردکه در روی این‌نقشه مدارات بصورت خطوط مستقیم نمایانده می‌شود ودر آنجا هر خطی‌که با خط مستقیم منطبق نباشد خطی است منحنی .

از اینجا چنین نتیجه می‌شود که در نقشه دریائی نزدیکترین راه میان دو بندر را بخط منحنی نشان میدهند نه خط مستقیم . میگویند هنگام مطالعه طرح ساختمان خط‌آهن «نیکولایوسکایا» درباره انتخاب مسیر خط بحث‌پردامنه‌ای درگرفت . نیکلای اول تزار روسیه‌برای پایان دادن به بحث مداد در دست گرفت و روی نقشه میان مسکو و پترسبورگ به‌کومك خطکش خط مستقیمی‌رسم‌کرد. اگر نیکلا بر روی نقشه مرکاتورچنین خطی می‌کشید نتیجه‌ای غیر منتظره بدست میآمد : راه‌آهن را بجای خط مستقیم بناچار بر مسیر منحنی بسازند .

کسانی‌که از محاسبه بیم ندارند میتوانند از این طریق به آسانی مجاب شوند که در روی نقشه خط منحنی فی‌الواقع کوتاهتر از خطی است که‌بنظر مستقیم میآید .

فرض‌کنیم دو بندر در روی مدار ۶۰° ودر عرض جغرافیائی لنینگراد بفاصله ۶۰° ازهم قرار گرفته‌اند (از نظر محاسبه بودن یا نبودن واقعی چنین بنادری مهم نیست) . (ش٤)

فرض‌کنیم نقطه O مرکز کره‌زمین و $\widehat{AB}$ قوسی از دایره باعرض جغرافیائی ۶۰ درجه مربوط به بندرهای A و B و نقطه C مرکز این دایره باشد . نقطه O را مرکز قرار داده و قوس دایره عظیمه‌ای راکه از A و B میگذرد به شعاع $OB=AO=R$ رسم‌میکنیم.

این قوس گرچه از نزدیکی‌قوس $\widehat{AB}$ میگذرد اما باآن منطبق نخواهدبود.

اینك به محاسبه طول‌قوسهای‌مزبور می‌پردازیم : نظر به‌اینکه نقاط A و B درعرض جغرافیائی AB واقعند شعاع AO و AB با OC زاویه ۳۰° تشکیل میدهد . (OC محور زمین است) . در مثلث قائم‌الزاویه ACO ضلع AC (برابر r) مقابل زاویه ۳۰° قرار دارد ازاینرو طول آن بانصف‌وتر AO برابر است. از اینجا چنین برمی‌آید $r=\frac{R}{2}$

طول قوس AB برابر یك ششم‌طول مدار ۶۰° است وچون شعاع این دایره نصف شعاع دایره عظیمه است لذا محیط

---

* دایره عظیمه ــ دایره‌ایست برسطح کره‌که مرکزآن بامرکز کره منطبق است یعنی‌صفحهٔ آن ازاین مرکز میگذرد . دایره‌های دیگر بنام دایره‌های صغار معروفست . (م)

شکل و حرکات زمین

ترجمه دکتر جواد محیی

آن نیز نصف محیط دایره عظیمه خواهد بود لذا طول قوس $\widehat{AB}$ روی مدار °۶۰ عبارتست از کیلومتر

$$AB = \frac{۱}{۶} \times \frac{۴۰۰۰۰}{۲} = ۳۳۳۳$$

برای تعیین طول قوس دایره عظیمه‌ای که از نقاط A و B میگذرد (یعنی نزدیکترین فاصله میان آنها) باید مقدار زاویه AOB> راحساب کنیم . دردایره مدار وتر AB مقابل کمان °۶۰ برابر یکی از اضلاع شش ضلعی منتظم محاط در همان دایره است. از این رو $AB = r = \frac{R}{۲}$ حال خطی از نقطه O مرکز کره زمین به نقطه D وسط وتر AB وصل میکنیم . در مثلث ODA زاویه D قائمه است و $DA = \frac{1}{2}AB$ و $OA = R$ و چون

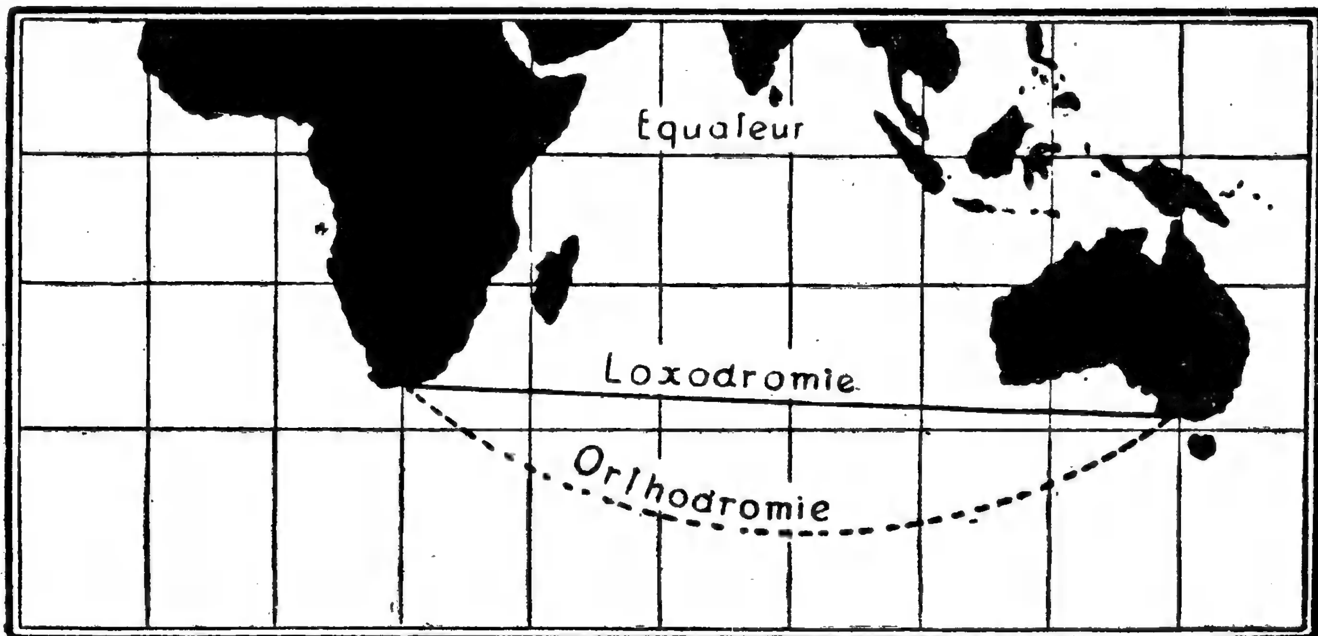
$$\sin AOD = AD : AO = \frac{r}{۴} : R = ۰/۲۵$$

بکمك جدول می‌توانیم مقدار $\widehat{AOD}$ را حساب کنیم : $\widehat{AOD} = ۱۴°۲۸'/۵۰$

و از آنجانتیجه می‌شود $AOB = ۲۸°\ ۵۷'$

اما پیدا کردن طول راه موردنظر برحسب کیلومتر چندان دشوار نیست . برای تسهیل محاسبه اگر درنظر گیریم که طول یك دقیقه از دایره عظیمه کره زمین برابر یك میل دریائی یعنی دقیقا ۱۸۵۲ کیلومتر است چنین نتیجه‌میتوان گرفت : کیلومتر ۳۲۱۳ = '۱۷۳۷ = '۵۷ °۲۸

ازآنچه گفته شدچنین برمیآیدراهی که برروی مدار اختیار شود (که روی نقشه دریائی باخط مستقیم نشان داده می‌شود) ۳۳۳۳ کیلومتر و مسیر واقع بر دایره عظیمه (که‌روی نقشه‌بخط‌منحنی نشان داده می‌شود) برابر ۳۲۱۳ کیلومتر است. بعبارت دیگرراه‌اخیر ۱۲۰ کیلومتر کوتاهتر از راه قبلی است .



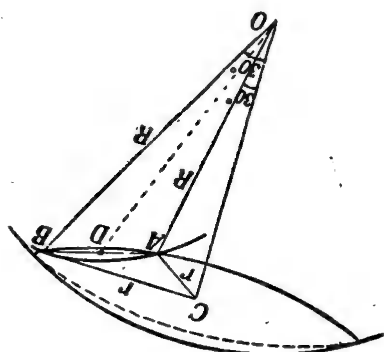
تصویر پنج : نقشه دریائی‌مرکاتور،

آزمایش باقطعه نخی در روی کره دقت و صحت محاسبه را تأیید می‌کند. بدنیست شخصا بیازمائید دراینصورت بخوبی متقاعد خواهید شدکه قوسهای دایره عظیمه واقعا بهمان ترتیبی قرار گرفته‌که در شکل نشان داده شده است. طول‌راه دریائی «بخط مستقیم» ازآفریقا به استرالیا (شکل ۱) ۶۰۲۰ میل وراه «منحنی» برابر ۵٤٥٠ میل یعنی ۵۷۰ میل یا ۱۰۵۰ کیلومتر کوتاه‌تر ازآنست راه هوائی «مستقیم» ازلندن به شانگهای در روی نقشه دریائی از فراز بحر خزر میگذرد . در صورتیکه نزدیکترین راه این خط از لنینگراد عبور میکند . شك نیست که این مسائل از نظر صرفه‌جوئی در وقت و مصرف سوخت اهمیت بسزائی دارد .

اگر سابقا در دوران استفاده ازکشتی های بادبانی عامل زمان چندان ارزشی نداشت و کسی باصطلاح از مفهوم مثل «وقت طلا است» باخبر نبود اینك با پیدایش کشتی بخار برای مصرف‌بیفایده هرتن زغال‌سنگ بایدمبلغ قابل‌ملاحظه‌ای پول پرداخت . ازاین رو در حال حاضر کشتی‌ها واقعا بدنبال کوتاه‌ترین راه ها می‌گردند و برای این منظور غالبا بجای نقشه‌های «گسترش مرکاتور» از نقشه‌هائی‌که باسیستم«تصویر مرکزی»✱ تهیه شده‌است استفاده می‌کنند : در روی این نقشه‌ها قوسهای دوایر عظیم با خط مستقیم نشان داده می‌شود .

اکنون بدنیست بدانیم چرا سابقا از نقشه های دریائی غیر دقیق استفاده میکردند و در حقیقت چرا کوتاهترین راه‌هارا که بصرفه نزدیکتر بود انتخاب نمی‌کردند ؟

اشتباه است اگـر گمان برند در آنزمان از خصوصیات نقشه‌های‌دریائی بی‌خبر بودند . اما مطلب بر سر نکته‌ای دیگر بود و آن اینست که نقشه های مرکاتور باوجود معایب‌آشکار ، محسنات گرانبهائی نیز بـرای دریانوردان در برداشت . نخست آن که چنان نقشه‌هائی کوچکترین قسمتهای سطح زمین‌را بدون تغییر شکل آن و با حفظ زوایای حدود آن بخوبی نشان میداد . چه در این نقشه ها هرچه از استوا دورتر شوند حدود قسمتهای مختلف زمین بیشتر و بطـور



تصویر چهار : تعیین مسافت بین نقطه B و A

✱ سیستم تصویر مرکزی بیشتر برای‌رسم نقشه‌های‌جهان نمابکار می‌رود و روشهای مهم آن عبارتست از تصویر قائم و تصویرمناظرومرایا یاتصویر جسم‌یا (استرئوگرافیك) (م)

قابل ملاحظه گسترش می‌یابد . در نقاطی که عرض جغرافیائی آنها زیاد است دامنه گسترش بچنان وسعتی میرسد که نقشه دریائی به کسانی که از خصوصیات این نقشه ها بی‌خبرند درباره ابعاد خشکیها اشتباهات عجیبی تلقین می‌کند مثلا گروئنلند وسیع‌تر از افریقا و آلاسکا بزرگتر از استرالیا جلوه‌گر می‌شود . اما دریا نوردانی که از خصوصیات‌نقشه های مزبور اطلاع دارند هرگز درباره مساحت قاره‌ها دچار تصورات نادرست نمی‌شوند. آنها نقشه دریائی را با در نظر گرفتن خصوصیات مذکور مورد استفاده قرار میدهند ودرباره کوچکترین مناطق‌زمین از نقشه مورد بحث تصور کاملا واقعی و مطابق باطبیعت‌بدست می‌آورند . (شکل۵)

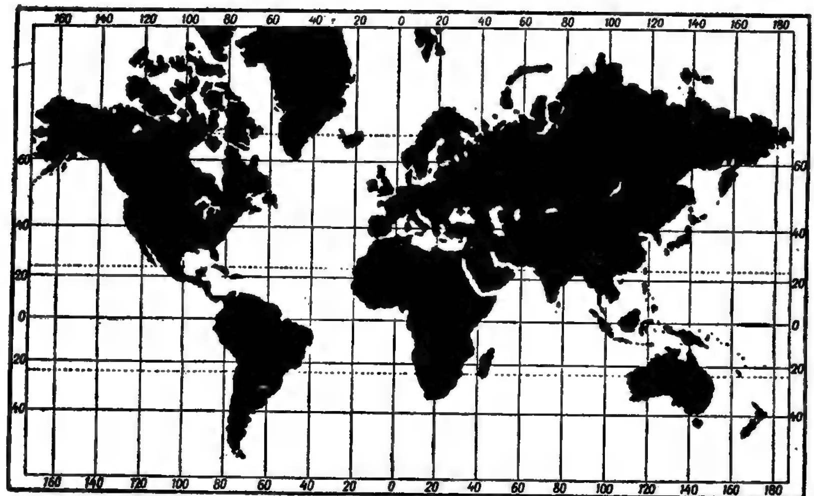
این نقشه ها حل مسائل مربوط به کشتی رانی را بسیار آسان می‌سازد . «مسیر ثابت» کشتی ها را در روی این نقشه ها میتوان باخطی مستقیم نشان داد.

کشتی رانی در « مسیر ثابت» بمعنی در پیش گرفتن سمت مشخصی است . به دیگر سخن بمعنای قطع نصف‌النهارها با زاویه معینی است. اما این مسیر (لوکسودرومی) را تنها در روی نقشه های دریائی پیش گفته میتوان بصورت خط مستقیم نشان داد . چه فقط در آنجا نصف النهارها بصورت خطوط مستقیم موازی نمایش داده شده است . * وچون در روی کره زمین مدارها برنصف‌النهار ها عمودند لذا در نقشه های مورد بحث مدارها بصورت خطوط مستقیم عمود بر نصف‌النهار نمایش داده شده است . بعبارت دیگرنقشه های دریائی همواره با شبکه‌ای از محور های مختصات عمود برهم مجهزاست .

از اینجا تمایل دریانوردان به استفاده از نقشه های سیستم مرکاتور روشن می‌شود . دریا نورد برای تعیین سمت حرکت ، بهنگام عزیمت از بندر مفروض ، خط مستقیمی در نقشه میان این بندر و بندر مقصد رسم میکند و زاویه‌ای را که این خط با نصف‌النهار است روی نقشه تشکیل میدهد اندازه میگیرد . و سمت معینی را بدست‌می‌آورد.

اگر در میان دریا کشتی‌ران‌سکان را همواره در سمت تعیین شده ثابت نگهدارد شك نیست که کشتی بدون کمترین اشتباه به مقصد خواهد رسید . می‌بینید که استفاده از «لوکسودرومی» گرچه حرکت بر کوتاهترین مسیرها را میسر نمی‌سازدو از لحاظ اقتصادی‌چندان مقرون بصرفه نیست اما از پاره‌ای جهات کار را برای دریا نوردان بسیار آسان می‌سازد . مثلا برای اینکه با کشتی از دماغه امید نیك به انتهای جنوبی استرالیا بروند(ش ۱) کافی است که همواره سکان را طوری نگهداشت که مسیر کشتی بر زاویه ۵۰ر۸۷° جنوبی‌قرار گیرد . با اینحال اگر بخواهند کشتی را از نزدیکترین راه بهمان مقصد برسانند (بشیوه ارتودرومی) چنانچه از شکل پیداست بناچار باید دائما مسیر کشتی را تغییر دهند : زاویه سکان را از ۵۰ر۴۲۵ جنوبی در آغازحرکت به ۵۰ر۵۳° شمالی در پایان تغییر دهند . واگر ازاین مهم غافل بمانند سیر از کوتاهترین راه غیر ممکن است و چه بسا که کشتی با دیوار یخی قطب جنوب مواجه گردد .

دو راه لوکسودرمی وارتودرومی باهم منطبق نیستند مگر آن که در نقشه دریائی راه طی شده بردایره عظیمه بخط مستقیم نشان داده شود واین در صورتی است که مسیر در امتداد خط استوا ویا یکی از نصف‌النهارات زمین باشد . در غیر اینصورت دو راه مذکور نسبت بهم متباعد خواهد بود .



---

* در واقع امر «لوکسودرومی» خطی بصورت مارپیچی است که برسطح کره زمین پیچیده شده‌است .

(یادداشت مولف کتاب)



آهن ربای

بزرگی بنام زمین

ترجمه : دکترجواد محبی

میدانیم که بکومك قطب‌نمای معمولی میتوان شمال و جنوب رادقیقاتعیین کرد. باز میدانیم که از صدها سال پیش قطب‌نما را برای هدایت کشتی در دریاها ، و از دهها سال پیش برای جهت‌یابی درهواپیماها بکار می‌برند همچنین معلومست که با دستگاه‌های مغناطیسی یا «مانیتومتر» در کشف رگه‌های زیرزمینی معادن موفقیت های شایانی بدست میآید . مثلا ازاین‌راه باتوجه به اختلالات مغناطیسی در ناحیه «کورسك» موفق‌به کشف‌ذخایرزیرزمینی سرشاری از سنگ‌آهن شده‌اند .

زمین خود آهن‌رباست ! آیا شگفتی‌آور نیست ؟

قریب صد سالست دانشمندان جهان درصددند علل مغناطیسی بودن زمین را کشف کنند . این مساله مهم مدتها خاطر لاماناسف Lomonosov دانشمندروس، ئوس Gauss فیزیکدان و ریاضی دان بزرگ آلمان و همچنین کریلف Krilov آکادمیسین شوروی و دیگر دانشمندان برجسته را بخودمشغول داشته است . ولی تاکنون هنوز فرضیه استواری که بتواند منشاء مغناطیس زمین را توجیه کند بیان نشده است .

علت این امر چیست ؟

براثر کثرت استفاده از آهن‌رباچنین تصور میشود که قسمت آبی عقربه‌آهن‌ربا دقیقا سمت شمال را نشان میدهد . اما واقعیت جز اینست . چه عقربه آهن‌ربا فقط در مناطق کوچك بطور تقریب‌سمت شمال را نشان میدهد . البته برای‌دسته‌ای از جهانگردان که باپای پیاده راه‌پیمائی میکنند چندان مهم نیست که‌عقربه‌آهن‌ربا دقیقا شمال را نشان دهد و یاآنکه با نصف‌النهار جغرافیائی انحراف کوچکی داشته باشد ــ ولی به‌بینیم درباره دریا نوردان و خلبانان هواپیما ، امر ازچه قرار خواهد بود ؟

در بسیاری از موارد عقربه‌آهن‌ربا گاهی کمی بسمت خاور منحرف میگردد و ایجاد انحراف شرقی مغناطیسی میکند (دراینحال آنرا انحراف مثبت می‌نامند) و زمانی بسمت باختر منحرف میگردد و دراینحال ایجاد انحراف مغناطیسی غربی (یاانحراف‌منفی) میکند.

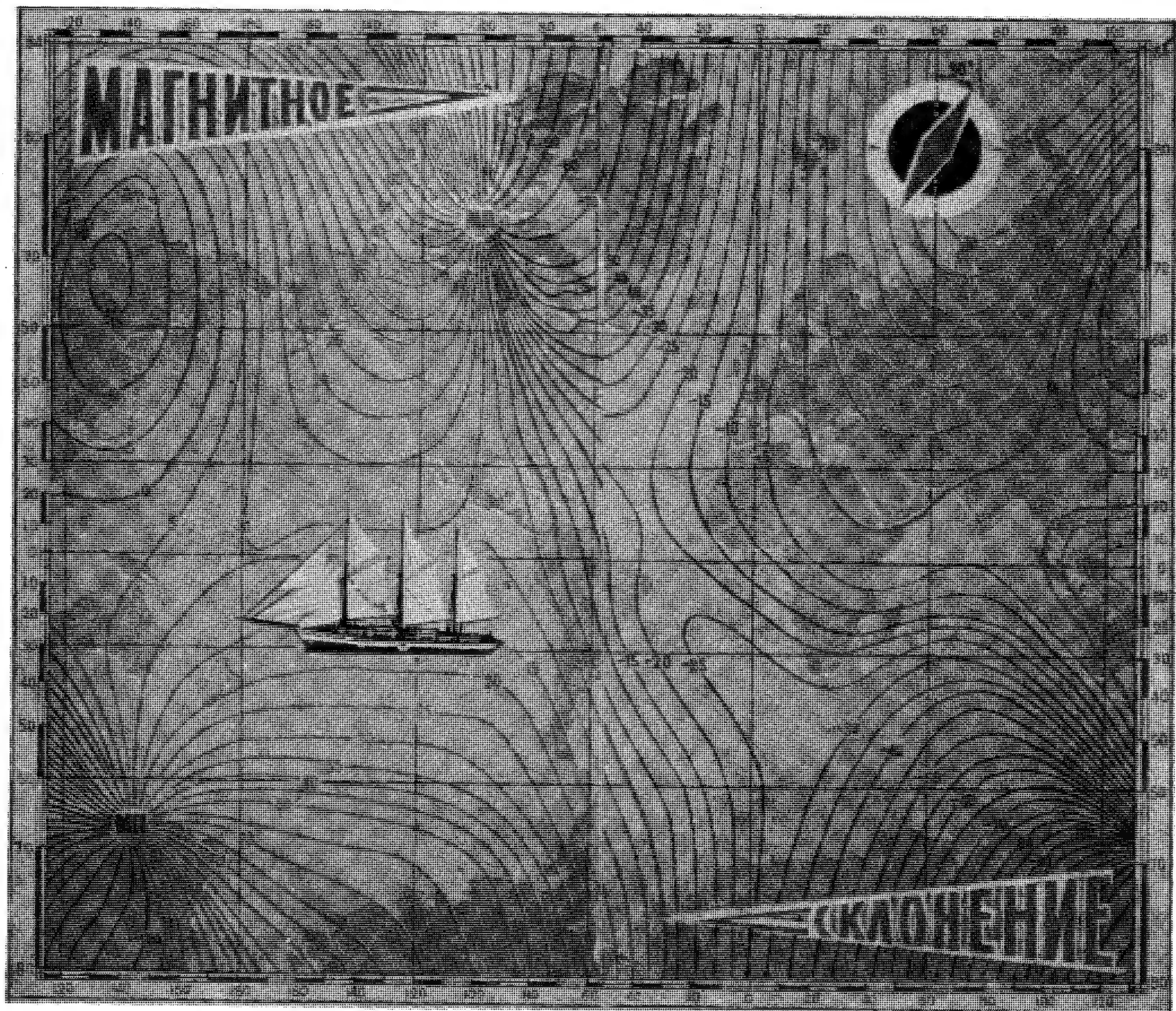
انحراف مغناطیسی ممکن است بحد قابل ملاحظه‌ای برسد . در مشرق اروپا انحراف مغناطیسی هشت تا ده درجه‌شرقی ودر حوالی یاکوتسك چهارده تا پانزده درجه غربی است . اگر بازهم بسمت‌مشرق پیش برویم در شبه جزیره چوکوتسکی و در اقیانوس آرام عقربه آهن‌ربامجددا بسمت مشرق منحرف میگردد .

نقشه‌ای بغرنج‌تر از نقشه‌انحرافهای مغناطیسی نمیتوان یافت . و اگر در این نقشه به نیروی مغناطیسی ـ یا باصطلاح بشدت میدان مغناطیسی توجه شود بغرنج بودن آن دوچندان جلوه خواهد کرد .

معمولا دانشمندان سه‌نقشه‌مغناطیسی مجزا ازهم تنظیم می‌کنند : نقشه‌انحراف مغناطیسی و نقشه میل‌افقی ومیل عمودی. بااستفاده از هریك از نقشه‌های نامبرده میتوان نقشه مورد نظر دیگر را بخوبی ترتیب داد . یعنی انحراف مغناطیسی و سمت خاور و شمال و بالاخره درصورت لزوم نیروی کامل میدان مغناطیسی را تعیین کرد .

راستی چرا پخش حوزه مغناطیسی بر سطح زمین تااین‌حد شگفتی‌انگیز و متفاوتست ؟ این‌مساله درحال‌حاضرمعمائی است که ذهن دانشمندان را بخود مشغول داشته است . بااینحال علل پدیده‌های دیگری نیز از قبیل تغییرات مداوم‌سمت و شدت میدان مغناطیسی و همچنین‌کمیت آن هنوز کاملا روشن نیست .

میدان مغناطیسی از مدتها پیش تحت مطالعه و بررسی است . آنچه از بررسیهای گذشته برمیآید در چند قرن پیش زاویه انحراف مغناطیس در نقاط مختلف زمین با اندازه امروزی آن‌تفاوت فاحش داشته است . مثلا در قسمتهای مرکزی روسیه اروپا که درحال‌حاضر انحراف مغناطیسی آن‌جا هفت تا هشت درجه شرقی است در سال ۱۶۰۰ میلادی انحراف مذکور یازده درجه غربی و در ابتدای قرن گذشته سه درجه غربی بوده است . درناحیه یاکوتسك سیبری انحراف مغناطیسی در اوایل قرن نوزدهم دو تاسه درجه غربی ودرحال‌حاضر چهارده تا



پانزده درجه است . وضع نقاطدیگرزمین نیز بهمین منوال است. علاوه برتغییرات شگرف میدان مغناطیسی زمین که در دوره‌های طولانی و صد ساله پیش‌میآید، دانشمندان به تغییرات متناوب دیگری‌نیز درعرض‌شبانه‌روز پی‌برده‌وآنرا تغییرات «شبانه‌روزی» نامیده‌اند . غالبادر مطبوعات اخبار مربوطبه‌پیدائی‌اختلالات در امواج‌کوتاه رادیو بچشم میخورد . دانشمندان با مطالعه دقیق و عمیق برای کشف منشاء این اختلالات به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از علل آن بروز طوفانهای مغناطیسی است . بهنگام ایجاد این طوفانها در میدان مغناطیسی زمین نیز اختلالات شدیدی ایجاد می‌شود.وضع قوانین مربوط به این تغییرات دربادی نظر تقریبا غیرممکن می‌نماید و فقط مطالعه بسیاردقیق درطوفانهای مغناطیسی، نزدیك شدن به حل نهائی این مساله‌دشوار را آسان میسازد .

توجه دانشمندانی که به بررسی میدان مغناطیسی زمین سرگرمند سرانجام بسوی .... خورشید جلب شده است . از مدتها پیش مشاهده می‌شد که هر یازده سال یکبار لکه‌هائی در سطح خورشید پدیدار می‌شود و درست در همین هنگام فعالیت مغناطیسی زمین افزایش می‌یابد. طوفانهای مغناطیسی دقیقا باافزایش لکه های خورشید هم‌زمانست . پژوهش کنندگان بدین نتیجه رسیده‌اند که اگر لکه‌ای بر نصف‌النهار مرکزی خورشید (خورشید نیز دورمحور خودمی‌چرخد) یعنی نصف‌النهاری‌که مقابل زمین است پدیدار شود باید پس از یك تادوشبانه‌روز منتظر ایجاد طوفانهای مغناطیسی درسطح زمین بود (شکل۱)

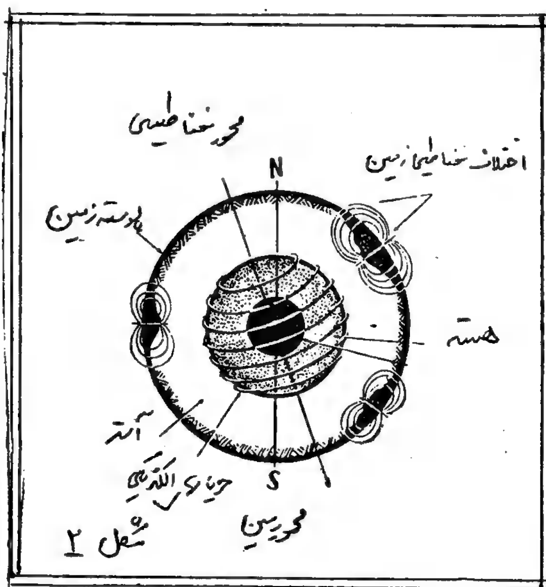
تغییرات متناوب و شبانه‌روزی میدان مغناطیسی نشان میدهد که این تغییرات به حرکت وضعی زمین‌دورمحور خود و همچنین به‌گردش ماه بدورزمین بستگی دارد .

از تحلیل دقیق ریاضی چنین‌نتیجه گیری شده که تاثیر ماه در این تغییرات کمتر وتاثیر حرکت زمین بدورمحورش بیشتر است .

اینك میدانیم که در جو زمیـن سیستم جریانهای برق برقرار است‌وکره زمین در میان این سیستم الکتریسته‌ثابت می‌گردد . ضمنا معلوم است که تغییرات میدان مغناطیسی زمین در ساعات روز بیشتر از شب است . لذا منطقاباید‌چنین نتیجه‌گیری کنیم که در ساعات‌روزجریان الکتریستیـه در فضای میان خورشید و زمین بحد اعلای شدت خود میرسد . قبلا مقدار الکتریستیه مذکور بسته به تغییرات شبانه‌روزی محاسبه شده بود . محاسبات بعدی بوسیله پرتاب موشکها به طبقات فوقانی اتمسفر صحت محاسبات قبلی را تائید کرد .

پاسخ دادن به مساله تغییرات‌میدان مغناطیسی زمین در «دورانهای‌صدساله» و همچنین به مساله علل اساسی مغناطیس مزبور دشوارتر بنظر میرسد .

تحلیل ریاضی نشان میدهد که‌میدان مغناطیسی زمین نود درصد مربوط بـه عوامل داخلی آن و فقط درحدود شش درصد مربوط به عوامل خارجی است.



دانشمندان درباره علل مغناطیسی بودن زمین عقیده‌های گوناگون دارند.

برخی برآنند که چون هسته‌زمین بصـورت مذاب و مایع است ازاین رو امکان دارد در قسمتهـای فوقانی هسته مزبور مواد حامل بار الکتریکی درحال حرکت باشد و ازحرکت این موادجریان برق ودرنتیجه مغناطیس زمین حـاصل شود (شکل۲)

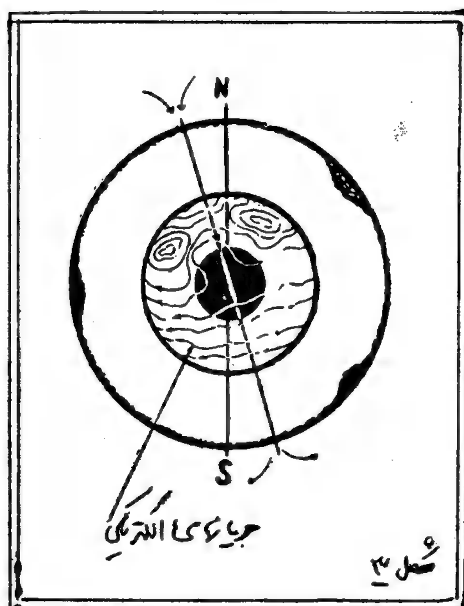
گروه دیگری از دانشمندان کـه تعدادشان چندان زیاد نیست حرکت‌ماده مورد بحث را در داخل هسته زمین‌قبول ندارند. بنظر این دانشمندان در پیدایش میدان مغناطیسی زمین نقش اساسی بـا مغناطیس توده سنگی کوههای زمین و قشر فوقانی پوسته آنست . (شکل۳) در اینحال‌گروه سوم دانشمندان می‌پرسند : آیا میتوان عامل حرارت رانادیده‌گرفت؟ میدانیم گرما وقتی از حدحرارت‌بحرانی تجاوز کند مغناطیس توده‌سنگی کوهها را ازمیان می‌برد . از طریق علمی ثابت شده است که هرچـه در اعماق زمیـن پائین‌تر رویم بطور متوسط درهر کیلومتر حرارت زمین ۳۳ درجه افزایش می‌یابد.

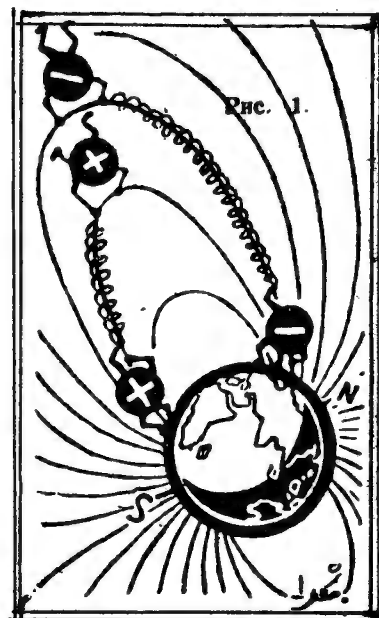
درباره علت اساسی آهن‌ربا شدن زمین هنوز بحث جدی میان دانشمندان ادامه دارد . البته پیشرفت آتی فیزیك و شیمی ونجوم ورشته‌های دیگر دانش‌بدین مساله پاسخ دقیق خواهد داد .

دکتـر **روبرتس** و دکتـر **لویس** دانشمندان انگلیسی اخیرا نظریه‌ای باین شرح ابراز داشته‌اند :

جریان برق موجود در سطح زمین باحتمال قوی از هسته زمین ناشی می‌شود بعقیده آنها این جریان برق با مکانیسم خاصی میدان مغناطیس زمین را بوجود میآورد .

جریان الکتریکی هسته زمین بـا انتقال به قشر بالائی‌مجاور آن ایجـاد جریان الکتریکی تازه‌ای میکند . ایـن جریان در سطح زمین قابل اندازه‌گیری است و با بررسی آن میتوان بسیاری از جهات ناشناخته اختلال میدان مغناطیسی اعماق زمین راکه اطلاعات ناچیزی‌ازآن در دست است روشن ساخت .





زلزله

زمین لرزید ، بناها ویران شد ، برج‌و باروها فروریخت، فاجعه‌ای پدید آمدوهزاران نفر مصیبت زده و میلیونها نفر نگران و رنجیده خاطر شدند ولی از نظر ناموس‌طبیعت امری عادی در راه رشدو تکامل زمین واقع شد، بازهم زمین ها خواهند لرزید، باز هم ویرانیها ببار خواهد آمد و زمین از حرکت خود باز نخواهد ایستاد . طبیعت نه‌بضجه مادرانی که فرزندان خود رااز دست‌داده‌اند نگاه خواهد کرد و نه گوشش بدهکار ناله فرزندانی است که پدر و مادر خویش را گم کرده‌اند .

ولی اینها آزمایشی است که نهال علم را بارورتر میکند ودریچه های نوینی را بروی دانشمندان میگشاید تا کمی برموز این طبیعت ناشناخته پی‌برند و باآین نظم کهن قدری آشناتر شوند این مختصر از میان دیده‌ها و خوانده‌هائی در باره زلزله بزبان ساده برای خوانندگان عزیز فراهم آمده‌است .

***

حرکت شدید وناگهانی زمین را زلزله یا زمین لرزه میگویند .

زلزله بر حسب شدت و ضعفی که‌ممکن‌است داشته باشد باعث ویرانیها و گاهی شکاف خوردن زمین میشود .

معمولا زلزله در شعاع اصلی عمل خـودبا صداهای مهیبی شبیه انفجارهای‌شدید یا غرش رعد همراه است .

یکی از مشخصات زلزله کوتاهی مـدت آنست باین ترتیب که تکان های آن ناگهانی بوده و هرتکان بیش از چند ثانیه طول‌نمی کشدو گاهی‌بطور متناوب تکانهای آن از یك تا چند دقیقه ادامه می‌یابد ولی عموما تکانها بهم پیوسته نیستند .

در زلزله‌ای که بسال ۱۹۲۳ در ژاپن واقع شد و بیش از صدو چهل هزار نفر را هلاك کرد زمین سه‌بار متوالی لرزید و هرتکـان بیش از چند ثانیه طول نکشید ، فاصله بین‌هر تکان این زلزله بیش از چند دقیقه میشود.

البته زلزله های شدید تامدتی پس از تکان اصلی حرکات خفیف‌تری هم دارند که زیاد قابل توجه نیست در زلزله ژاپن دو شهـر یوکوهاما وتوکیو بکلی ویران شد و براثـر شکستن لوله های‌گاز مردمی که از چنگ‌آواز فرار کرده‌بودند در میان شعله‌های آتـش محصور ماندند مدتی بعدمخزن بزرگ نفـت شهر یوکوهاما ترکید و سیل نفت مشتعـل بجانب دریا سرازیر شد و در روی سطح آب دریا تامدتی و در وسعت قابل توجهی‌شعله‌های مهیب و مرتفع آتش‌زبانه میکشید که بسبب‌آن فقط چند کشتی سبك موفق به فرار شدند و بقیه در میان آتش سوختند .

شدت این زلزله بقدری بود که قریـب ۱۶۰ کیلومتر نقاط ساحلی دریا تاعمق ۳۰ کیلومتر بکلی ویران شد ، صد هزار نفـر کشته چهل هزار نفر مفقودالاثر ، صد هزار مجروح بیست و پنجهزار خانه ویران وپانصد خانه طعمه حریق شده قسمتی از آمار تلفات آن بود .

چند نوع زلزله ؟

زلزله معمولا چهار نوع دارد : عمودی، افقی، موجی و دورانی، در زلزله عمودی معمولا اشیاء بهوا میپرند ، آب استخرها و شن‌ها وماسه زمین بهوا پرتاب میشوند .

در زلزله افقی چون شدت حرکت همیشه بیك طرف است عمارات وبرجها همگی دریك جهت معین فرو میریزند و ریل راه آهن در همان جهت خمیدگی پیدا میکند .

در زلزله موجی زمین مثل آب دریا موج میزندواثرخرابی آن در ساختمان ها وریل‌راه آهن بهمین ترتیب هویدا میشود .

در زلزله دورانی که کمتراز سه نوع دیگر اتفاق میافتد زمین بدور خود میچرخدچنانکه در زلزله ۱۸۸۰ ژاپن یك برج عظیم هرمی شکل بدور پایه خود چرخیده است وآن را بهمان صورت حفظ کرده‌اند .

انتشار امواج زلزله

امواج زلزله به نسبتی که از مرکز وقوع آن دور میشوند از شدت حرکتشان کاسته میشود .

مرکز بروز زلزله معمولا بین ۵تا۳۰ کیلو متر عمق از سطح زمین است . امواج زلزله بصورت دوایر متحدالمرکزی از مرکز زلزله بسمت قسمت های سطحی پوسته زمین انتشار می‌یابند . قسمتی از زمین که بیشتر مورد آسیب قرار میگیرد محلی است که درست در بالای مرکز زلزله قرار دارد وآن را«مرکز بیرونی » نام نهاده‌اند . بقیه نواحی بتناسب دوری ونزدیکی از مرکز کمتر یا بیشتر آسیب می بینند .

اگر نقاطی را که در آنها شدت زلزله برابر بوده روی صفحه کاغذی رسم کنیم و آنها را بوسیله خطی بهم مربوط سازیم دوایر متحدالمرکزی خواهیم یافت که‌مرکزهمه آنها مرکز بیرونی زلزله خواهد بود .

سرعت

سرعت زلزله بستگی کامل به جنس زمین دارد چنانکه در اراضی سخت و خارائی سی هزار متر در ثانیه ، در طبقات ماسه سنگ هزار و دویست مـتر در ثانیـه و در زمین هـای ماسه‌ای سیصد متر در ثانیه است .

علل وقوع زلزله

گرچه اکثر نقاط زلزله خیز دنیا درمناطقی وجود دارند که جزو حوزه آتشفشانی است ولی بطور کلی نمیتوان زلزله را با آتشفشان ملازم هم دانست ، چه بسا زلزله های عظیم اتفاق افتاده که آتشفشانی بدنبال نداشتـه و چه بسیار آتشفشانی که زلزله ای همراه آن نبوده است .

درباره علت دیگر وقوع زلزله نظریه دیگری هست مبنی براینکه براثر ریزش های بزرگ قسمت داخلی زمین موج ارتعاش به سطح رسیده و بصورت زلزله ظهور میکند .

مناطق زلزله خیز جهان

فائده دستگاههای زلزله سنج در نقاط مختلف نتیجه ثبت علائم و تعداد و تاریخ ارتعاشهائی را که روی دستگاهشان ثبت شده است به یك مرکزیت واحد جهانی میفرستند و در آن‌مرکز با مقایسه و مقابله حسابهای زلزله میتوانند حدود سرزمینهای زلزله خیز ومسائل دیگری از این قبیل را بطور تقریب حساب کنند .

بهمین مناسبت از مطالعه حدود یکصد و شصت هزار زلزله در نواحی مختلف گیتی علمای فن باین نتیجه رسیده اند که پوسته کره زمین در منطقه دونوار باریك که بصورت دائره میباشند بیشتر تکان میخورد که اولی در اقیانوس کبیر و دومی در مدیترانه است .

منطقه اقیانوس کبیر شامل : ژاپن ، فیلیپین ، گینه جدید ، زلاند جدید ، نواحی شرقی امریکا، کوههای‌آند تا شمال‌آلاسکاست.

منطقه مدیترانه شامل : افریقای شمالی ، ایتالیا، بالکان ، آسیای صغیر ، ارتفاعات‌مرکز آسیا ، ایران و چین است .

جلوگیری از خطر زلزله

تقریبا غیر مقدور بنظر میرسد که بتوان وقوع زلزله ای را از پیش اطلاع داد ولی تنها چاره‌ای که برای جلوگیری از خطر بیشتر در نواحی زلزله خیز آندیشیده انـد ساختن خانه هائی طبق نقشه برروی زمینهائی با مقاومت بیشتر است که ساختمان اسکلت اصلی بنا از بتن مسلح باشد دراین صورت است که امکان زیان و خسارت کمتری در صورت وقوع زلزله میرود .

فعالیت کوه زائی زمین

اول بخاطر داشته باشیم که یك قشر یا پوسته سنگی نازك مثل پوست سیب ما را از مواد مذاب و نیمه مذاب درون سیاره‌ای که بر آن زندگی میکنیم جدا میسازد .

علاوه برآتشفشان که ممکن است در مدت بسیار قلیلی مواد آتشفشانی و خاکستر سوزان برساهالی شهرهائی فروبریزد و آنانرا مدفون سازد « سرگذشت پمپئی را بخاطر بیاورید» حوادث مختلف زیرزمینی نیز گاهی بصورت ارتعاشاتی بروی سطح زمین منتقل میشود . با مطالعه کوچکی میتوانیم سرگذشت زلزله های وحشتناك و عظیم شهرهای لیسبون ، مسینا ، سانفرانسیسکو ، یوکوهاما ، توکیو ، شیلی و خیلی نزدیکتر همین طرودو لار و قزوین خودمان را بیاد بیاوریم .

وقتی بخاطر میآوریم که همه این فاجعه‌های عظیم و نظایر آنها در مدتی صورت گرفته که در مقایسه با دوره عمر زمین لحظه‌ای بیش محسوب نمیشود ، باین نتیجه میرسیم کـه قشر زمین در واقع بخلاف آنچه که در وهله اول بنظر میرسد «زمین امن جامد» نمیتواند باشد .

مجموعه این پدیده ها را دانشمندان زمین‌ـ شناسی‌پدیده‌های «کوه زائی» زمین نام نهاده‌اند و مربوط به سرد شدن تدریجی کره‌ای است که ما در آن زندگی میکنیم .

انقباض زمین سبب پیدایش چین خوردگی های متعدد در سطح سنگی آن میشود که ما بآن کوه میگوئیم .

گاهگاهی چین خوردگی بمقیاس بزرگتری حادث میشود و سلسله جبال طویلی از سطـح اولیه قاره ها پدیدار میسازد . آخرین سانحه عظیمی که از این قبیل اتفاق افتاده بعقیده دانشمندان زمین شناسی قریب بیست تا چهل میـلیون سال پیش بوده که منجر به تشکیل هیمالیا و آلپ و رشوز و سلسله جبال آند گردیده است .

البته بیست تا چهل میلیون سال در مقابل تاریخ زمین مدت زیادی نیست و بعلاوه نمیتوانیم تعیین کنیم که دوره انقلابی کوه زای اخیر کاملا پایان یافته است یا نه ، بعکس یك مقایسه حوادث چهل میلیون سال اخیـر با دوره های انقلابی مشابه آنها که در زمانهای قدیم تر اتفاق افتاده چنین نشان میدهد کـه دوره کوه زای اخیر هنوز بحد اکثر شدت خود نرسیده است و عصر حاضر ممکن است مرحله استراحتی باشد که بین دو انفجار عظیم فعالیت کوه‌زای زمین قرار دارد . امـا اکنون نیز در بخش‌های‌کم‌مقاومت قشر زمین جابجائی و فشردگی همچنان اتفاق میافتد و مقادیر زیادی گدازه آتشفشانی هنوز از شکافهای اتفاقی لفاف سنگی زمین بیرون میریزد .

تمام این جریانات الزاما با حوادث نسبتا شدیدی همراه است که موازنه فشار قشر زمین را بهم میریزند وبصورت امواج زلزله در تمام پیکر زمین منتشر میگردد . بیشتر فعالیت های زلزله زمین در اطراف حلقه آتشفشانی اقیانوس کبیر یعنی همان قسمت از جهان که بداشتن آتشفشانهای فعال معروف است صورت میگیرد .

این همان ناحیه پیکر سیاره ما است کـه محل جوش خوردگی دوماده کاملا متفاوت یعنی «بازالت و سنگ خارا» است فهم این مساله زیاد دشوار نیست که چرا قشر زمین دراین ناحیه مقاومت کمتری دارد .

کلید بررسیهای زمین شناسی

گرچه زلزله بخودی خود برای بشر حادثه خوش آیندی نیست و تلفات و خساراتی کـه بار میآورد برای عده‌ای مرگ و نیستی و برای جمعی رقت و تاثر ببار میآورد ولی مجموعا برای دانشمندان زمین شناسی مفتاحی است که با مطالعه درخصوصیات زمین میتوانند به چگونگی اعماق سیاره ای که در آن‌زندگی میکنیم و فقط سطح آنرا می‌شناسیم پی‌ببرند و از اوضاع درون آن اطلاعاتی بدست آورند. وقتی زلزله حادث میشود معمولا از عمق زمین سرچشمه میگیرد یعنی منشاء آن درون پوسته جامد زمین است که پنجاه کیلومتر قطر دارد .

زلزله سنج

زلزله سنج ساده روی اصل قانون ماندگی اجسام بنا شده و دستگاهی است که چگونگی وقوع زلزله و جهت و شدت آنرا ثبت میکند .

اساس یك زلزله سنج ساده اینست که وزنه بسیار سنگینی را بوسیله میله درازی بپایه‌ای آویزان میکنند وزنه روی اصل سنگینی زیاد خود در مقابل تکانهای شدید زمین بی‌حرکت میماند « قانون ماندگی » قسمت انتهائی وزنه به قلمی منتهی میشود که نوك آن روی استوانه ثبات منتهی است استوانه با حرکت یکنواختی بدور یك میله میچرخد و قلم با تماس کمی که با آن دارد همیشه یك خط مستقیم روی آن ثبت میکند اما وقتی زلزله حادث میشود تکانهای زمین پایه را حرکت داده و استوانه را جلوی قلم به اینطرف و آنطرف میبرد و منحنی هائی در روی استوانه ثبت میشود که دامنه آنها با شدت زلزله تناسب دارند .

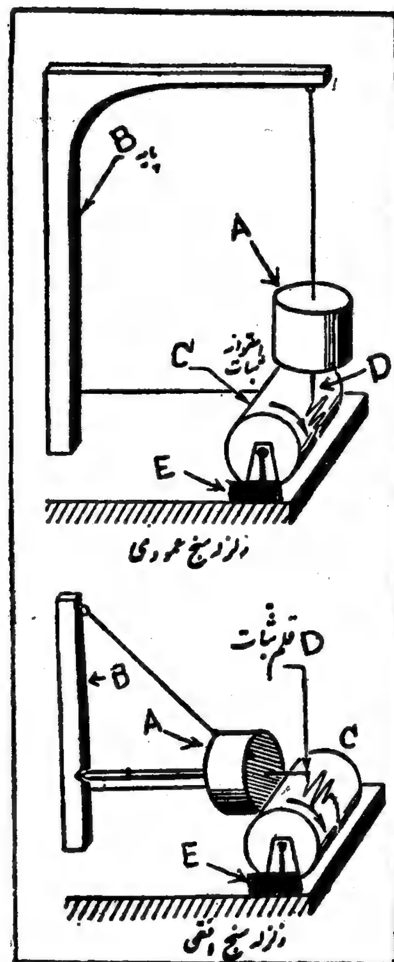
زلزله سنج دونوع قائم وافقی دارد که در شکل نشان داده شده است . در زلزله سنـج قائم میله مربوط به وزنه قائم است ولی درنوع افقی آن‌بازوئی وزنه را بوضع افقی نگهمیدارد و میله آن بطور مایل بپایه متصل است .

قانون انتشار امواج

انتشار امواج بدو طریق متفاوت در جامدات صورت میگیرد که باید آنها را از یکدیگر تشخیص بدهیم .

این دونوع را معمولا به امواج «ن» یا امواج طولی و امواج « د » یا امواج عرضی نمایش میدهند اختلاف این دونوع موج از مثال شکل ۲ بخوبی استنباط میشود .

اگر بیك انتهای میله آهنی با چکش ضربه‌ای وارد سازیم ماده متشکله میله تحت‌تاثر نیروی ضربه چکش فشرده خواهد شد و این فشردگی بصورت موج فشاری درسرتاسر میله آهن منتشر میگردد بخشهای مختلف میله بطرز



شکل زلزله سنج ساده باین ترتیب است :
A وزنهٔ بسیار سنگینی است که ازستون‌عمودی B آویزان است ، C استوانهٔ دواری است که با دستگاه ساعت مانند D حرکت دورانی‌میکند و E قلم ثبات است .

متناوب بطرفی که موج از آنجا منتشر شده «که با فلش نمایش داده‌ایم » یا در جهت مخالف آن حرکت خواهند کرد این نوع حرکت را «موج طولی» مینامیم .

نوع دیگر از حرکت موجی وقتی است که با چکش به یك انتهای میله از بالا ضربه‌ای وارد سازیم تغییر شکلی که در این مورد تحت اثر ضربه چکش در میله حاصل میشود فشردگی ماده مشکله میله نیست بلکه تغییر مکان بعضی بخشهای آن نسبت به بخشهای دیگر است . اینگونه تغییر شکل ها که تغییر مکان نام دارند در طول میله منتشر میشوند ولی حرکت بخشهای مجزا در این حالت عمود برجهت انتشار امواج است این امواج را «امواج عرضی» مینامیم .

از شرح فوق میتوان استنباط کرد که گرچه موج طولی میتواند در مایعات وگازها مانند جامدات منتشر گردد ولی موج عرضی فقط میتواند در اجسام جامد انتشار یابد .

سرعت انتشار امواج بمقاومتی بستگی دارد که ماده معینی در مقابل تغییر شکلی که موج در آن حاصل میکند نشان میدهد و چون هرماده ای در مقابل فشردگی بنوعی و در مقابل تغییر مکان امواج عرضی بنوع دیگری مقاومت میکند لذا دونوع موج مختلف با سرعت های متفاوت منتشر خواهد شد .

معمولا در اغلب جامداتی که میشناسیم سرعت امواج طولی بیشتر از سرعت امواج عرضی است .

اگر ضربه‌ای بیك انتهای میله ای متناوبا در جهت غیر مشخص وارد آوریم و با این‌عمل متناوبا هردو موج را در آن بوجود آوریم انتهای دیگر میله در جهت طول شروع به ارتعاش میکند و فقط پس از مدتی کمتر از یك ثانیه ارتعاشهای عرضی به ارتعاشهای طولی ملحق میشود .

همین جریان عینا هنگامی صورت میگیرد که زلزله ای از منشاء خود در پیکر قابل ارتجاع زمین منتشر میگردد . اولین ارتعاشی که میرسد امواج «ن» است که لحظه‌ای پس از آن تکانهای مربوط به امواج «د» که معمولا کندتر است بدنبال آن میرسد دراینجا لازم بتذکر است که انتخاب دو حرف «ن» و «د» برای دونوع امواج زلزله در حقیقت از زودتر یا دیرتر رسیدن آنها سرچشمه میگیرد اولین موج «نخستین» و موج بعدی «دومین» نامیده میشود .

نتیجهٔ قابل توجه

درشکل۳ یك منحنی معمولی‌زلزله‌که در دستگاه زلزله سنج ثبت‌گردیده نمایش داده شده است در **این شکل دو دسته تکان دیده میشود ضمنا در این منحنی مشاهده میشود که هر دسته دارای سه گروه منحنی جزء است که بترتیب امواج «ن» و «ن. ستاره» و «ن. خط» و امواج «د» و «د. ستاره» و «د. خط» نامیده میشوند چون فقط امکان انتشار دونوع موج موجود است لذا باید انتظار داشته باشیم که این گروههای جزء متفاوت معرف همان نوع امواجی باشند که در همان مسیر ولی با طول های مختلف انتشار یافته‌اند .**

يك مثال ساده

برای روشن شدن موضوع فرض میکنیم جادهٔ راست ولی هموراری دو دهکده را بهم مربوط‌میکند ضمنا فرض میکنیم جادهٔ همواری نیز با مسافت بیشتری همین کار را انجام میدهد وبالاخره جادهٔاسفالتی با مسافت دورتری دارای همین خاصیت است که از دهکدهٔ اول بدهکده دوم از هرسه راه میتوان رسید . اول نزدیك و ناهموار دوم دور و هموار و سوم دورتر ولی اسفالته .

حال اگر سه راننده بامشخصات وماشین یك جور از دهکدهٔ اول هریك از یك جاده بطرف دهکدهٔ دوم حرکت کنند در مدتی که اولی با دست انداز و ناهمواری جادهٔ نزدیك و مستقیم دست بگریبان است دومی با سرعت بیشتری رانده و در مدتی که دومی نمیتواند بواسطه گرد و خاك از میزانی معین تندتر رود سومی دوری راه را با سرعت در روی اسفالت طی کرده و از هر دو زودتر رسیده است تا بعد دومی و پس از او اولی از نزدیکترین راه برسند .

اگر سه جاده را سه لایهٔ مختلف و امواج زلزله را بجای ماشین ها بگیریم مفهوم شکل ۳ یعنی منحنی دقیق ثبت شده بوسیلهٔ یك زلزله سنج را ادراك کرده و به نتیجهٔ جالب توجهی میرسیم .

نتیجهٔ جالب

از مطالعهٔ آزمایشهای مختلف زلزله سنجی و تجربیاتی که بدست آمد میتوان بسهولت پی به جنس درونی کره زمین برد باین ترتیب که با توجه به شکل ٤ و تطبیق طبقات مختلف آن با مثال ساده‌ای که زدیم و تجربیاتی که‌درباره قدرت منتشر شدن امواج زلزله در زمینهای مختلف داریم جاده ناهموار همان لایه نازك رسوبی خارجی زمین است که براثر تخریب بوجود آمده وسطح غالب قاره ها را میپوشاند . جاده هموار همان لایه سنگ خارا است که ۵۰ کیلومتر ضخامت دارد و قشر اولیهٔ زمین را

تشکیل میدهد و جادهٔ اسفالته تحتانی ترین غیر از این هم نبایستی انتظار میرفت زیرا لایهٔ زمین است که جنس آن از بازالت سنگین سختی سنگها قانونا با وزن مخصوصشان نسبت در واقع اندازه گیری قابلیت ارتجاع سنگها مرکب میباشد .

مستقیم دارد برای آنکه تشبیه ما کامل باشد لازمست سه کامیون فرض کنیم که از دهکدهٔ اول با حرکت آهسته تر خود معرف امـواج دهکدهٔ دوم را به پیمایند .

نشان میدهد کهسرعت امواج در سنگهای رسوبی کمتر از همه و در بازالت به حد اکثر است . «د» بوده و بترتیب با سه اتوموبیل قبلی راه

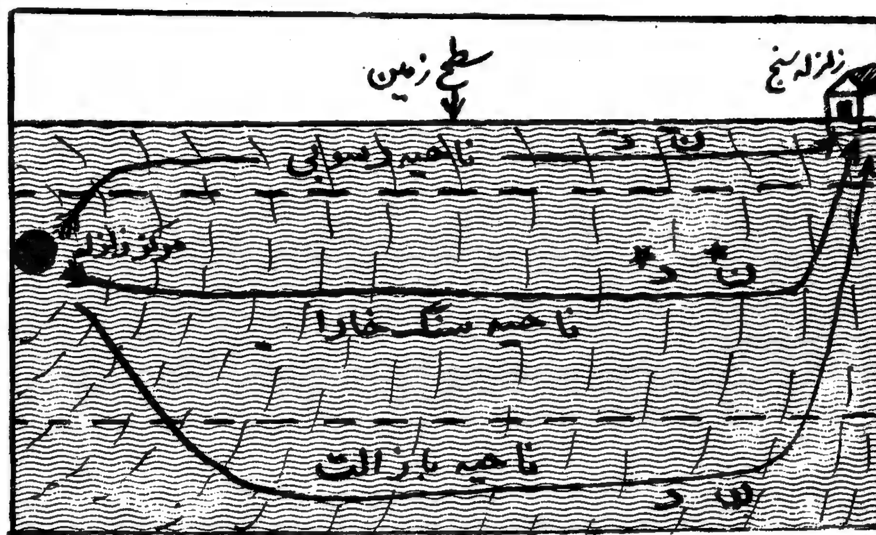
با مطالعهٔ تاریخ رسیدن امواج مختلف زلزله در ایستگاههای ثبات مختلف که در فواصل مختلف بروز زلزله قرار دارند نه فقط میتوانیم سرعت امواج را جدا از هم محاسبه کنیم بلکه میتوانیم **«طول جادهٔ رابط» یعنی عمق لایههای مختلفی را که در زیر زمین قرار دارنـد حساب کنیم .**

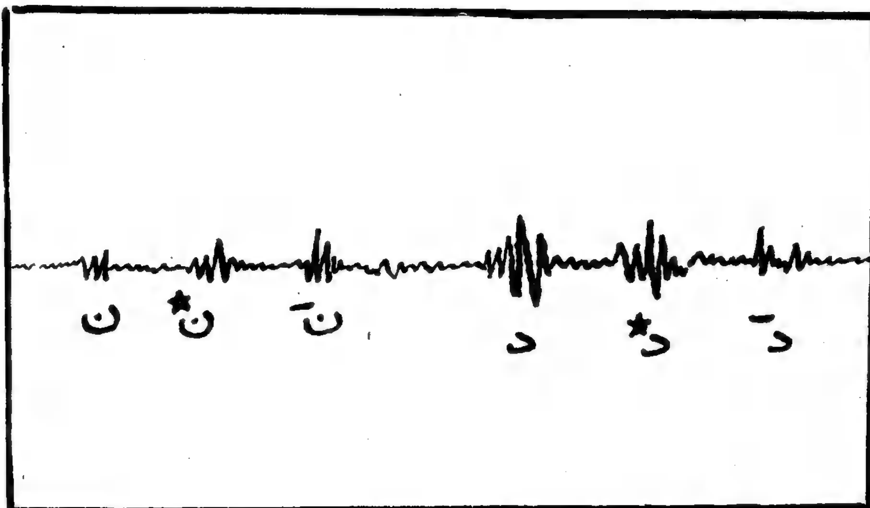
مطالعات بیشتری که درباره امواج زلزله شده است نشانمیدهد که پائین تر از حد فاصل سنگ خارا و بازالت نیز وضع انفصالی موجود میباشد ، این انفصالی بودن وضع مواد درونی زمین در مثال بالامعرف جاده های خیلی دورتر غیر از آن سه جاده است که دو دهکده را بهم مربوط میسازد .

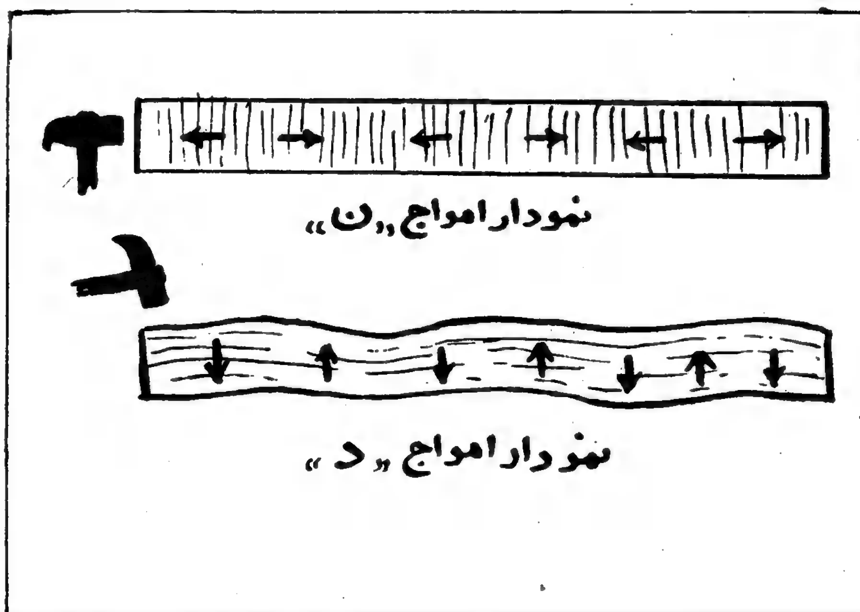
منطقه سایهٔ زلزله یا جالبترین آزمایش

در تعریف های پیش گفتیم که چگونه امواج زلزله در مسافات نسبتا کوتاه درون لایه های سنگی مختلف پوسته خارجی سیارهٔ ما منتشر میشود . در مورد تکانهای بسیار شدیدی که در تمام نقاط دنیا دستگاههای حساس را متاثر میسازد امواج زلزله طبیعتا از تمام پیکر زمین عبور میکنند مطالعهٔ انتشار اینگونه امواج در نقاط مختلف کره بما اجازه میدهد بچشم هوش تا مرکز سیاره خود نفوذ کنیم .

جالب ترین چیزی که ازمطالعه اینگونه زلزله ها کهبمسافات دور منتشر میشوند استنباط میگردد وجود منطقه ای است که آنرا «منطقه سایه» مینامند این منطقه کمربند پهنی است در سطح زمین که در آن عملا تکانی ثبت نمیگردد اگر مثلا مرکز زلزله در «پرو» باشد آثار آن درتمام نیمکره غربی و همهٔ نقاطی که در اطراف قطب مقابل ناحیهٔ وقوع زلزله قرار دارند یعنی «هندوستان ، هند و چین ، جزائر شرقی» ثبت میشود ولی زلزله سنج های ایستگاههای واقع در کمربندی که از سیبری







شمالی و بیشتر اروپا و شرق افریقا و قسمت جنوبی هند و استرالیای جنوبی و قسمت غربی اقیانوس کبیر میگذرد وضعی دارند مثل آنکه هیچ اتفاقی نیفتاده است «شکل ۵» .

این اثر حیرت انگیز بسبب انکسار مخصوصی است که امواج زلزله در حین عبور از اعماق زیاد زمین حاصل میکند .

وقوع این امر را میتوان بکمك يك شمع و يك کره شیشه‌ای نشان داد «شکل ٦» اگر ظرف شیشه‌ای را روی پایه ای قرار دهیم و آنرا جلوی دیواری در مقابل کانون نوری مثل شمع بگذاریم سایه‌ای حلقوی مشاهده خواهیم کرد که لکهٔ روشنی در وسط آن قرار دارد . بسهولت میتوان دریافت که کره شیشه‌ای مانند يك عدسی ناقص تمام نورهائی را که روی آن می‌افتند در لکهٔ مرکزی جمع میکند و ناحیهٔ اطراف را در تاریکی قرار میدهد . اگر قبول کنیم که بخش مرکزی کرهٔ زمین از هستهٔ کروی شکلی ساخته شده که مادهٔ متشکلهٔ آن بیشتر از لایهٔ اطراف امواج زلزله را منکسر میکند پدیدهٔ سایهٔ زلزله را درست میتوان با آزمایش شیشهٔ کروی تطبیق داد . وقتی امواج زلزله از چنین هسته‌ای عبور میکنند درست بهمان روشی که نور در کرهٔ شیشه‌ای منکسر میگردد انکسار حاصل میکنند و در نقطه‌ای از سطح زمین که نقطه مقابل وقوع زلزله است متمرکز میگردند .

از روی وسعت «سایه»ای که حاصل میشود ابعاد هستهٔ منکسر کننده را میتوانیم حساب کنیم این هسته تا قریب نصف شعاع زمین «یا صحیح تر تا ٦ر۰ آن » امتداد دارد و قدرت انکسار هسته نشان میدهد که بایستی از موادی ساخته شده باشد که از مواد اطراف بسیار سنگین تر است .

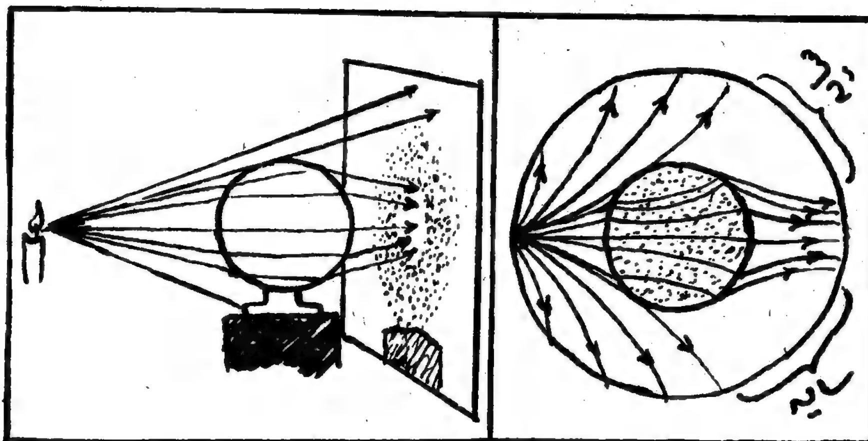
با مطالعهٔ چگونگی انتشار امواج زلزله در هستهٔ زمین اطلاعات بسیار مهمی میتوانیم از خواص شیمیائی و فیزیکی آن بدست آوریم . مهمتر از همه وزن مخصوص هسته است که روی سرعت انتشار امواج زلزله تخمین زده شده و بین ۱۰ تا ۱۲ برابر وزن مخصوص آب بدست آمده است مقدار حاصل این فرض را قویا تایید میکند که :

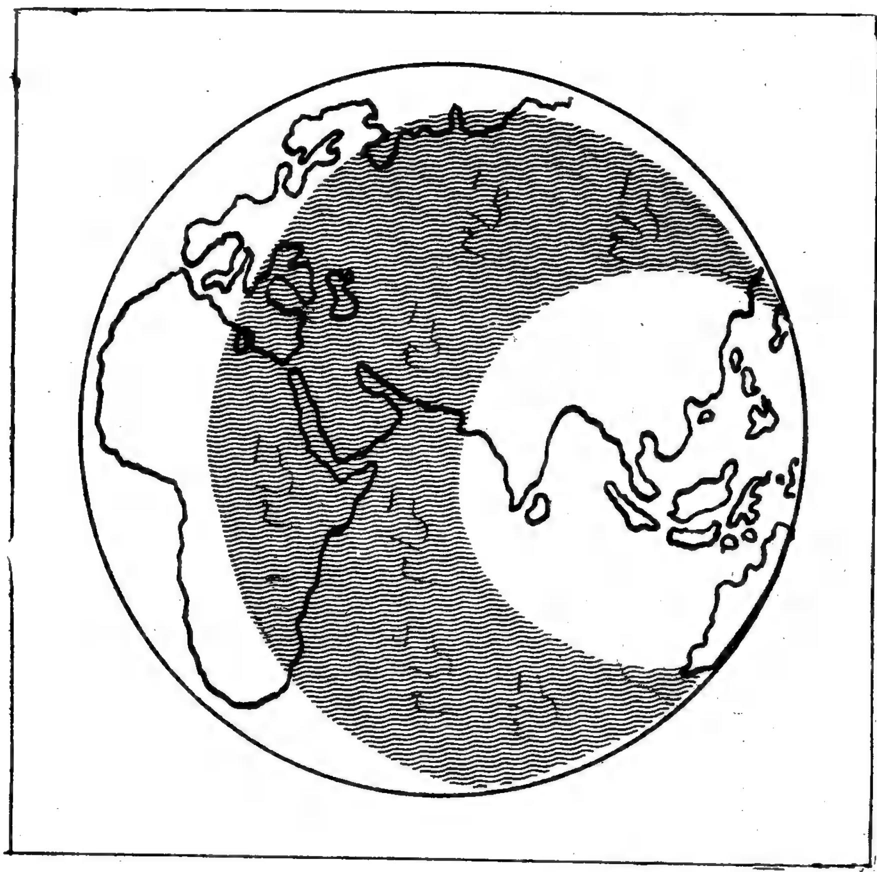
بخش مرکزی سیارهٔ ما که معادل يك هشتم حجم کلی آنست از آهن تقریبا خالص تشکیل یافته است .

دومین نکته مهم مربوط به هستهٔ آهنی سیارهٔ ما از مشاهدهٔ وضع انتشار امواج در آن آشکار میگردد بنظر میرسد که خلاف سایر بخش های زمین ، هسته قادر نیست اساسا امواج عرضی را انتقال دهد بلکه فقط امواج طولی از آن عبور میکند .

این موضوع نشان میدهد که آهن مشکله هسته بصورت مایع وجود دارد . هستهٔ آهنی بصورت ماده نرم قابل ارتجاع شبیه سنگهای اطراف خود نیست بلکه بصورت مایع حقیقی یعنی بصورت آهن مذاب درون کوره های ذوب آهن میباشد .

بطور خلاصه : پیکر سیارهٔ ما شامل لایه‌های متحدالمرکز از مواد مختلف است که به نسبت وزن مخصوصشان مرتب شده اند . باین معنی که زیرخاکی که ما روی آن زندگی میکنیم ابتدا يك لايهٔ نازك جامد سنگ خارا و بازالت وپس از آن يك لايهٔ ضخیم بازالت نیم مذاب سنگین و در وسط آن يك هستهٔ آهنی مذاب سیال وجود دارد جدا شدن مواد سنگین وسبك ازيكديگر در پیکر زمین هنگامی صورت گرفته که زمین خیلی جوان یعنی کاملا مایع یا حتی گازی شکل بوده ومواد سنگین بالاخص آهن توانسته‌اند بسهولت بطرف مرکزی ترین نقطه نفوذ کنند . این وضع تا وقتی همچنان باقی خواهد ماند که سیارهٔ ما تحت اثر يك تصادم مستقیم یا غیر مستقیم با يك جرم سماوی دیگر از هم پاشیده شود .





نفت

ترکیب نفت

نفت مایعی است که در لای خلل و فرج برخی ازلایه‌های زمین‌یافت‌میشودبهمین‌جهت‌و سبب مردم‌مغرب زمین آنراپترلیوم مینامندکه بمعنی روغن سنگ است .

امروزه تقریبا غالب دانشمندان معتقدند که نفت از انبوه موجودات ذره‌بینی گیاهی و حیوانی که در دریا زندگی میکرده‌اند بوجود آمده .

از لحاظ شیمیائی نفت از دو عنصر کربن وهیدرژن تشکیل شده .

نفت خام از جهتی خالص واز جهت‌دیگر مخلوط میباشد . خالص از این لحاظ که‌فقط از دو عنصر هیدرژن وکربن تشکیل یافته و مخلوط بدان جهت که ترکیبی است ازهیدرو کربنهای گوناگون که ساختمان ملکولی آنها بواسطه کم و زیاد شدن تعداد اتمهای یکی‌از دو عنصر مذکور باهم متفاوت است.

اگر چند اتم هیدرژن باچنداتم کربن ترکیب شود نوع معینی هیدرو کربن بوجود میآید . حالا اگر تعداد اتمهای یکی از دو عنصر کم و زیاد شود هیدرو کربن نوع دیگری بوجود میآید . بنابراین به تناسب تعداد اتمهای این دو عنصر که باهم ترکیب میشوند مواد هیدروکربنی از لحاظ رنگ و شکل و سبکی و سنگینی باهم تفاوت دارند. برخی خیلی سبك و گازی شکل است مثـل گازمتان و برخی هم‌بصورت گازهای سنگین‌تر وبالاخره بعضی بصورت مایع مثل بنزین و برخی نیم مایع و جامد میباشند مانند قیر.

نفت مخلوطی از این قبیل هیدرو کربنها است وبنابراین ترکیب و فرمول شیمیائی ثابتی ندارد و بسته باینکه مخلوطی از کدام دسته از این هیدرو کربنها باشد در نقاط مختلف و حتی در یك ناحیه نفت خیز بصورت های مختلف یافته میشود . اکنون که‌مختصری راجع به ترکیب و خواص نفت دانستیم با منشاء نفت آشنا میشویم .



منشاء نفت

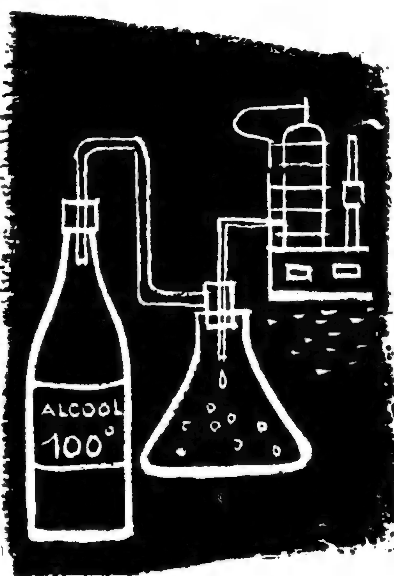
در باره منشاء نفت و چگونگی تشکیل‌آن نظرات گوناگونی ابراز شده و بسیاری ازآنها بمرور زمان مردود گردیده‌است .

نظریه‌ای که امروز مورد قبول اکثـــر دانشمندان قرار گرفته آنستکه نفت یك ماده آلی است که ازفاسد شدن میلیونها میلیـــون موجودات زنده ذره‌بینی بنام پلانکتون در زیر لایه های رسوبی زمین بوجود میآید .

نفتی که ما امروز از آن استفاده میکنیم میلیونها سال پیش تشکیل یافته و نفتی نیز که امروز شرایط برای تشکیل آن فراهم میگردد در آینده‌ای بس دور قابل استفاده است .

نفت بصورت دریاچه یا رود در انبارهای زیر زمینی قرار نگرفته بلکه دربین منافذ ریز خلل و فرج‌لایه های مخصوص زمین‌یافته میشود و بقیه فضای این خلل وفرج‌را آب فرا گرفته است.

لایه هائی که نفت درآن جاگرفته بیشتر سنگهای آهکی وشنی و منفذ دار و متخلخل است ــ دراین لایه‌های منفذ دار آب و نفت وگاز باهم جای گرفته است منتها بترتیب‌وزن مخصوص آنها آب که از همه سنگین‌تر است در زیر میماند و نفت وگاز هم در بالای آن.



کشف نفت

دراوایل پیدایش صنعت نفت آثار وعلائم سطحی از قبیل تراوش گاز و نفت و قیر به سطح زمین جویندگان نفت را به کشف‌مخازن زیر زمینی کمك میکرد . هرجا چنین آثار و علائمی میدیدند درکنار آن چاهی میزدند واگر به نفت میرسیدند آن را بیرون مـی آوردند و بصورت ساده‌ای تصفیه میکردند و دربازار بفروش میرسانیدند . اما کم‌کم‌متوجه شدند که شناسائی وضع لایه‌ها به کشف نفت کمك موثری میکند . از این رودانش زمین شناسی را بکمك گرفتند . کم‌کم از خواص فیزیکی وشیمیائی لایه‌ها استفاده شد وبدین ترتیب روشهای ژئو فیزیکی و ژئو شیمی هم در عمل اکتشاف بکار رفت .

امروزه اکتشاف نفت متضمن انجام یك‌رشته عملیات گوناگون زمین شناسی و ژئو فیزیکی

و غیره است از قبیل عکسبرداری هوائی– نقشه‌برداری – نوسان‌سنجی – ثقل سنجی – حفر چاه برای نمونه گیری از خاك –حفر چاه آزمایشی و غیره .

البته باید در نظر داشت که این روشها کاملا مجزا ومستقل از یکدیگر نیستندبلکه اغلب مکمل یکدیگرند . یعنی ابتدا بااستفاده از وسائل زمین شناسی از قبیل عکسبرداری هوائی و نقشه‌برداری و مطالعه آن‌ها اطلاعاتی از وضع زمین کسب میکنند وبعد به وسائل ژئوفیزیك مثل سنجش خواص مغناطیسی زمین لایه‌هائی را که برای تشکیل مخزن نفت‌مناسب بنظر میرسد معلوم مینمایند .

چاه کنی

باکمك زمین شناسی و ژئوفیزیك یعنی کارها ی‌اکتشافی که از روی زمین انجام میدهیم فقط لایه نفتگیر یعنی سنگ مخزن‌را

دیگر لایه های نفت گیر بندرت درنزدیکی سطح زمین یاف ت‌میشود وبرای کندن چاههای عمیق طریقه جدید و کاملتری معمول‌گردیده است .

طریقه‌جدید کندن چاه که تقریبا از ۵۰ سال پیش معمول گردیده عبارت از حفاری با مته دواریا گردنده‌است . کار مته دوار حفاری در واقع مانند مته آهنگری یا نجاری و یامته دندانسازی‌است . البته وسائل و دستگاه های حفاری چاه نفت بسادگی و کوچکی‌مته های فوق نیست بلکه خیلی بزرگتر و پیچیده‌تراز آنهاست و دکل حفاری ومته ولوله ها و سایروسائل لازم و طرز بکار بردن آنها تفصیل زیادی دارد . کاوش و حفاری برای یافتن نفت امروزه در همه جا دردشت وصحرا و کوه ودریا جریان دارد. در سالهای اخیر حفاری زیر دریائی نیز توسعه زیادی یافته وبرای این‌کار اسباب ووسائل مخصوصی ساخته‌انداز قبیل سکوهای پولادینی که روی آب دریا قرار گرفته و دکل وسایروسائل حفاری را روی آن نصب میکنند .

در حالت اول آبی که در زیر نفت درلایه نفت گیر قرار دارد تحت فشار زیادی است که از اطراف بآن وارد میآید . لذا بمحض اینکه چاه بلایه نفت زا برسد فشار آب نفت روی خود را بدرون چاه واز آنجا به سطح زمین میراند.

در حالت دوم هم گازی که بطور آزاد مثل سرپوش یا کلاهکی روی نفت را درمخزن پوشانده براثر فشار زیادی که بآن واردمیآید میخواهد منبسط شود در نتیجه فشاری بنفت وارد میآورد و آن را مثل حالت اول‌بدرون چاه واز آنجا بروی زمین میفرستد .

در حالت سوم گازی که تحت فشار زیاد در آب حل شده‌است چون میخواهد آزادشود به نفت فشار میآورد و آن را بخارج ازچاه میراند .

در عمل ممکن است در منبعی هرسه این

میتوانیم پیدا کنیم نه خود نفت را حال در این نفتگیر یا مخزن زیرزمینی که محل آن‌را پیدا میکنیم نفت وجود دارد یانه موضوعی است که فقط پس از کندن چاه روشن می شود .

حفر چاه بدو طریق انجام میشود . یکی بوسیله مته ضربه‌ای و دیگری بوسیله مته دواریا گردنده .

دستگاه حفاری ضربه‌ای که در گذشته‌بیشتر بکار میرفت عبارت بود از دلوچه فولادی سخت ولبه تیزی که بانتهای یك طناب فلزی بسته شده وبوسیله یك جرثقیل فرو میرفت و بالا میآمد و بدین ترتیب مقداری سنگ وشن را از زمین کنده باخود بیرون میآورد در واقع این طریق کندن چاه مثل آن بود که ما بایك دیلم چاله‌ای در زمین بکنیم وخاك آن را باسطل بیرون بکشیم . این طریقه یعنی حفاری بامته ضربه‌ای قدیمی است وهمان طور که گفتیم سابق براین معمول بود. از جمله کلنل دریك در سال ۱۸۵۹ میلادی نخستین چاه نفت امریکارا درایالت پنسیلوانیا بهمین طریق حفر کرد و در عمق کمی بنفت رسید اما امروز دیگر برای کندن چاه نفت از این طریق استفاده نمیشود زیرا امروز

بیرون آوردن نفت

حالا به‌بینیم نفت چگونه از منبع زیرزمینی استخراج میگردد برا ی‌بهره‌برداری از منبع باید نیروئی باشد که نفت را از درون‌نفتگیر بروی زمین انتقال دهد نیروئی که بوسیله‌آن استخراج بعمل میآید ممکن است طبیعی یا مصنوعی باشد .

وسائل مصنوعی – تلمبه موضوع بحث ما نیست . زیرا اکثر منابع نفتی نظیر منابع ایران بطور طبیعی براثر فشار نیروهای‌موجود در خود منبع بسطح زمین رانده میشود . جریان نفت بطور طبیعی بسه صورت انجام میگیرد . اول بکمك نیروی آب دوم به‌کمك فشار سرپوش گاز و سوم براثر فشار گازی‌که در نفت حل شده‌است .

نیروها برای بیرون راندن نفت از چاه موثر باشند یعنی در عین حال هم فشار آب و هم فشار گاز آزاد و هم فشار گاز محلول باعث گردد که نفت به سطح زمین راه یابد.

از مقدار نفتی که در لایه نفتگیر هست در شرایط عادی فقط یك چهارم آن بدست میآید اما اگر شرایط مساعدتر باشد مثلا در نفتگیر آب باشد و لایه هم زیاد نفوذ پذیر وخودنفت هم سبك باشد سه چهارم آن بدست میآید.

بعکس اگر لایه از دانه‌های ریز تشکیل شده ونفوذ پذیری آن کم باشد ونفت هم از نوع‌سنگین و نیروئی هم‌که باید آن را بیرون براند فقط گاز محلول در آن باشد ممکن‌است فقط یکدهم نفت موجود بخارج راه‌یابد.

بهر حال این عامل هم در موقع ارزیابی منبع جدید و محاسبه مخارج بهره‌برداری از آن باید در نظر گرفته شود بنابراین از روی اطلاعاتی‌که با کندن‌چاه در یك منطقه نفت خیز بدست میآید میتوان نوع لایه و نوع و مقدار نفت موجود در آن را فهمید و در نتیجه میتوان حساب کرد که‌چقدرازآن نفت را میشود استخراج نمود .

چنانکه گفتیم نفت یا بطور طبیعی یعنی بر

اثر فشار گاز با آب و یا آب‌وگازی‌که در منبع زیر زمینی هست استخراج میگردد ویابه کمك وسائل مصنوعی از قبیل تلمبه و فرستادن گاز و یا آب معمولا نفت يك منطقه نفتخیز جدید بطور طبیعی استخراج میگردد اما به تدریج که از آن بهره‌برداری شد از فشار نیروی درون منبع کاسته میشود و در نتیجه لازمست بوسائل مصنوعی نفت بیرون کشیده شود .

خروج نفت از چاه بطور طبیعی ناشی از اختلاف فشار بین لایه نفتگیر و خود چاه میباشد وقتی فشار نفتگیر یعنی مخزن زیر زمینی بیش از فشار چاه باشد نفت ازنفتگیر بدرون چاه و از آنجا بسطح زمین راه‌می یابد . مادر روی زمین در فشار جو که معادل يك اتمسفر استزندگی‌میکنیم. اما فشاری که در لایه نفت زا وجود دارد ممکن است بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ اتمسفر باشد و چنانکه به تجربه دیده‌اید آب یاگاز یانفت از جائی که فشار زیاد داشته باشد به‌جائی که فشار کمتری‌وجود دارد جریان مییابد .

هم به بندر صادراتی معشور و مرکزبارگیری نوبنیاد جزیره خارك برای صدور بخارج‌کشور ارسال میگردد .

گازی را که همراه نفت از چاهها استخراج و سپس توسط دستگاه های تفکیك از آن جدا میگردد می توان برای سوخت کوره‌ها و کارخانه ها و آشپزخانه‌ها بکار برد.

بعضی از نفتهای خام مثل نفت خام ایران و منابع خاورمیانه در موقع خروج از چاه مقدار نسبتا زیادی گوگرد در بردارد. این گوگرد یابصورت خالص در نفت خام حل گردیده ویا بصورت گاز هیدرژن سولفوره با آن همراه است .

اگر گوگردی که با نفت خام همراه است در آن باقی بماند در موقع عمل پالایش و عبور از درون دستگاه ها ویاهنگام مصرف

کرده و بصورتی در آورند که قابل استفاده در زندگی روزانه باشد .

پالایش نفت طرق و مراحل متعدد دارد که برای هریك وسائل ودستگاههای خاصی لازم است عملیات عمده واساسی پالایش را میتوان بسه دسته تقسیم کرد .

عمل جدا کردن ــ عمل تبدیل ــ عمل تصفیه که اینك مختصرا بشرح هریك مــی پردازیم .

جداکردن ــ نفت‌خام‌مخلوطیستاز هیدروــ کربورهای گوناگون .همانطور که باغربال میتوان مواد ریز و درشت جسمی‌را ازهم‌جدا کرد ، مواد نفتی جورواجور مخلوط را هم میتوان باعمل تقطیر ویاجذب برخی از آنها بوسیله يك ماده دیگر از هم جدا ساخت

تبدیل ــ در عمل جدا کردن تغییری در ساختمان ملکولی ماده نفتی داده نمیشود و هریك‌از مواد همانطور که هست باقی میماند فقط نوعی از آن از نوع دیگــر جدا می گردد .

اگر پالایش نفت خام منحصر بجدا کردن موادموجوددر آن بود نوع و میزان فرآورده های نفتی نمیتوانست احتیاج امروزی دنیا را

بهره برداری

نفت خامی که از چاه خارج میشود خالص نیست بلکه مقداری گاز ویاآب‌همراه دارداما چون ما فقط به نفت‌آن توجه داریم بایدنفت و گاز راراز آن مجزا سازیم برای اینکار دستگاهی که بدستگاه بهره‌برداری موسوم‌است در منطقه نفت‌خیز نصب میشود و نفت خامی را که از چاه استخراج میگردد بدرون آن میفرستد و صاف میکند .

دستگاه بهره‌برداری میتواند محصول‌هرچاه را جداگانه و یا محصول چندین چاه را باهم اندازه گیری نماید . نفت خام خالصی کــه بدین ترتیب بدست میآید بدرون انبارهای نفت که در هر منطقه نفتخیز برای جمع‌آوری محصول چاهها ساخته شده هدایت میشود و سپس از آنجا به پالایشگاه یامحل توزیــع یا صدور ارسال میگردد .

چنانکه نفت خام مناطق نفتخیز خوزستان پس از جمع آوری در انبارهای محلی توسط خط لوله مقداری به پالایشگاه آبادان فرستاده میشود تا درآنجا تقطیر و تصفیه شده و مواد نفتی گوناگون از آن گرفته شود و مقداری

در موتورها تبدیل بجوهر گوگرد می شود و در نتیجه دستگاه ها وماشین آلات را ضایع و متلاشی میسازد.

از اینرو باید گوگرد محلول در نفت خام رااز آن جدا کرد تا چنین خسارات وضایعاتی بار نیاورد . بدین منظور دستگاهی متصــل بدستگاه بهره‌برداری نصب میکنند که با عمل خــود گوگرد را از نفت جدا میسازد . از گوگردی که بدین ترتیب از نفت خام جدا میگردد در خود صنعت نفت استفاده مهمــی بعمل میآید .

زیرا در پالایشگاه مقادیر زیادی جوهــر گوگرد برای تصفیه و شستشوی نفت مصرف میشود بدین ترتیب می‌بینیم که همــان گوگردی که‌اگر در نفت‌خام باقی میماند ماده‌ای مخرب و زیان آور بود پس ازجدا گشتن از نفت تبدیل به ماده‌ای سودمند وبسیار ضرور میگردد.

پالایش نفت

نفت خام پس از اینکه از دل خاك بیرون کشیده شد با لوله یاکشتی یاکامیون ویاقطار به پالایشگاه میرود تا درآنجا آنرا تصفیــه

آنطور که باید وشاید بر آورد .

مثلا در موتور هواپیما باید نوع خاصی هیدرو کربور بکار برد تابهتر و سریعتر کار کند . هیدروکربوری را که میخواهیم بطور طبیعی در نفت خام وجود ندارد اما میتوان آن را ساخت بدین نحو که ساختمان ملکولی يك ماده نفتی رادرهم شکسته و از نو آن‌را طوری ساخت که هیدروکربور مورد نظر بدست آید بدین ترتیب میتوان آن دسته از مواد نفتی را که زائد برمصرف واحتیاج‌در اختیار هست تبدیل به محصولاتی نمود که بیشتر مورد احتیاج است .

مثلا نفت سوخت زائد بر مصرف راتبدیل به بنزین که احتیاج بیشتری بآن‌هست‌نمود.

تصفیه ــ فر آورده های نفتی که باطرق جدا کردن ویا تبدیل بدست میآید صاف و خالص نیست ویا اینکه رنگ وبو وبرخی خصوصیات دیگر آن مطابق دلخواه نمی‌باشد

ترکیب هیدرژن و کربن پدید آمده ونامی مخصوص دارد . این گازهارا میتوان بدودسته بزرگ تقسیم کرد .

دسته اول ــ گازهائی که‌در فشار ودرجه حرارت عادی که در آن زندگی میکنیم ، گازی شکل هستند .

دسته دومــ گازهائی‌که درفشار ودرجه حرارت عادی بشکل مایع هستند . گازهای دسته دوم‌را که سنگین تر و بشکل مایع است دراصطلاح گاز تریا گاز مرطوب میگویند ودسته اول را گاز خشك مینامند .

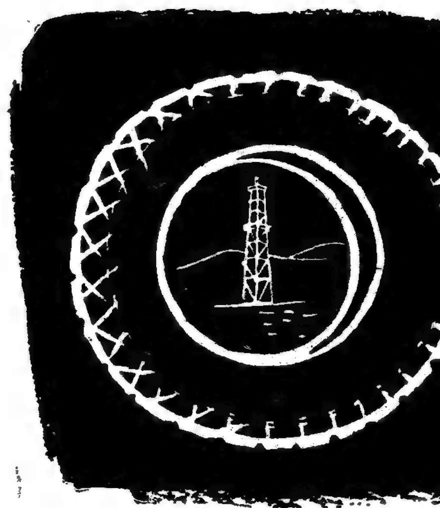
گازی که از دستگاه جدا کننده خارج میشود غالبا از نوع گاز تراست و مقدار زیادی بنزین سبك همراه دارد .این بنزین طبیعی چیز بسیار مفید و قیمتی‌است وازاینرو نباید بهدربرود .

امروزه از سایر اجزای گاز نیز هزاران استفاده‌بعمل میآید . این همهٔ اشیاء جوروا‌جور پلاستیکی از قبیل کاسه ــ شانه ــ کیف ــ سرپائی ــ لیوان ــ لوله و غیره که این روزها در بازار و مغازه و سرهر کوچه و برزن می بینیم از همین گاز نفت ساخته میشود .

از همین گاز کود شیمیائی نیز میسازند و

از اینرو باید آنهارا صاف کرد . عمل تصفیه فضولات و زوائد فرآورده‌های نفتی را بر طرف میکنند و رنگ وبو و خصوصیات دیگر آن را نیز بنحو دلخواه در میآورد .

استفاده از گاز طبیعی



در منبع زیر زمینی‌نفت‌همواره مقداری‌هم گاز وجود دارد که یا در نفت حل شده و یا بشکل سرپوشی روی آن قرار گرفته ویابهر دو صورت باآن همراه است. بهمین دلیل وقتی نفت خام از چاه خارج میگردد مقداری گاز وآب همراه دارد .برای آنکه نفت آماده مصرف شود لازمست گاز آن‌را جدا نمود. البته اگر گازهای طبیعی در نفتگیر تاموقع استخراج باقی‌بماندبهتراست زیرا همانطورکه قبلاگفته‌شد بکمك‌فشار همین‌گازاست که نفت از چاه خارج میگردد اما اگر گاز زودتر بیرون آمد کار استخراج نفت دشوارتر و گرانتر میشود .



بیشتر گازهائی که بانفت همراه است مثل خود نفت از خانواده هیدرو کربن یعنی ترکیبی از هیدرژن وکربن هستند .

اگر نفت وگازی که باهم از چاه خارج میگردد پیش‌از آنکه از هم جدا شود مستقیما بمخازن نفت هدایت گردد گاز چون سبك و فرار است مقداری از آن از منافذ فوقانی مخزن بهوا میرود و در ضمن مقداری از اجزای سبك وگرانبهای نفت‌را باخود خارج میکند از اینرو نفت پس از خروج از چاه و پیش‌از آنکه به مخزن فرستاده شودبدرون دستگاهی که نفت و گاز را از هم جدامیسازد هدایت میگردد .

دستگاه تفکیك نفت وگازبشکل‌یك‌استوانه است که در آن ذرات گاز از هم باز وبه اصطلاح منبسط میگردد و دراین ضمن ازسرعت آن‌نیز کاسته میشود وقتی سرعت و فشارگاز کم شد مقدار زیادی از آن ازنفت جدامیگردد آنگاه آن راتوسط لوله بدرون ظرفی هدایت واز آن استفاده میکنند .

انواع گاز

گازی که با نفت استخراج میگرددمخلوطی است از چندین گاز گوناگون که هریك از

همچنین برای سوخت بسیاری‌از کوره‌هااجاق گاز سوز آشپزخانه .بکار انداختن توربین و ماشین آلات از جمله دستگاه های خودمناطق نفتخیز نیز از آن استفاده به عمل‌میآید.

در کشور خودمان در گذشته گازهای‌حاصل از چاههای مناطق نفتخیز بیهوده سوزانده میشد اما اکنون ماهانه قریب ۵۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی که از چاههای نفت آغا جاری بدست میآید توسط یك رشته لوله به آبادان فرستاده میشود و در آن‌جا به‌مصرف سوخت کوره‌های دیگ های بخار پالایشگاه میرسد .

مواد شیمیائی حاصل از نفت

در اوایل پیدایش صنعت نفت کارپالایشگاه این بود که نفت خام حاصل ازمنابع زیرزمینی را صاف کرده و موادنفتی را که درآن‌موجود بود از هم جدا سازد اما باشیوه های جدید پالایش کار پالایشگاه ازاین هم تجاوز کرده است .

امروزه کار پالایشگاه منحصر به تهیه

فرآورده های نفتی نیست بلکه باتغییراتی که بمواد نفتی میدهد و مواد شیمیائی گوناگون که از آنها میسازد باید آن را یك مرکز عمده صنایع شیمیائی دانست پتروشیمی یاشیمی نفت صنعتی است که از مواد نفتی یعنی هیدرو کربنها مواد شیمیائی گوناگون مورد احتیاج زندگی را فراهم میآورد .

امروز قسمت عمده مواد شیمیائی از نفت ساخته میشود و پتروشیمی در بین صنایع مقامی برجسته احراز نموده و همچنان در حال رشد و پیشرفت است علاوه بر محصولات نفتی که بعنوان سوخت و منبع تولید نیرو بکار میرود یا درصنایع و کشاورزی مصرف میشود هزاران قلم فر آورده گوناگون دیگر هست که مستقیم یا غیر مستقیم از نفت گرفته میشود . در میان محصولات شیمیائی نفت چهار دسته از همه مهمتر میباشند این چهار دسته عبارتنداز :

دترجنت که نوعی صابون مایع است،لاستیك مصنوعی ،الیاف مصنوعی و پلاستیك .

فرآورده های نفتی و موارد مصرف آنها

البته نفت خام بصورتی که از دل زمین بیرون میآید چندان قابل استفاده نیست وبرای آنکه بتواند مفید واقع گردد در پالایشگاه تغییراتی بآن داده میشود .

ضمن این تغییرات چنانکه گفته شد بحسب نوع نفت خامی که دراختیار است هزاران قلم چیزهای گوناگون از دارو ،لوازم‌آرایش، خوردنیها و پوشاك گرفته تا سوخت ماشین و بسیاری ازلوازم صنعتی کشاورزی تجارتی خانگی و غیره از نفت بوجود میآید .

تعداد سوختهای نفتی نیز فوق‌العاده زیاد است مثلا در پالایشگاه آبادان صرفنظر از محصولات دیگر ۱۳ قلم سوختهای گوناگون از بنزین هواپیما گرفته تا قیر تهیه میشود ذکر همه این مواد و موارد مصرف آن‌ها در این مختصر نمی گنجد وبنابراین چند مورد مهم آن را مثل‌گاز ــ بنزین ــ نفت سفید ــ نفت دیزل ــ روغن و قیر به عنوان نمونه ذکر میکنیم .

گاز ــ گاز نفت یا بطور طبیعی همراه نفت خام از دل زمین بیرون میآید و یابر اثر پالایش وتجزیه اجزای نفت‌حاصل میگردد از گاز نفت استفاده های گوناگون بعمل‌میآید مثلا باآ نکود شیمیائی .پلاستیك .داروهای بیهوشی . الیاف مصنوعی و غیره ساخته میشود .اما موردی که اینك موضوع بحث‌ما است استفاده از آن بعنوان سوخت است.

گاز نفت. از آنجا که آسانتر باهوا مخلوط میگردد بهتراز هر نوع سوخت دیگر میسوزد و از خود دوده وخاکستر به جای نمی گذارد. بعلاوه چون گازهای تجارتی . گوگرد همراه ندارند باسباب ووسائلی که درآن بکار میروند یا ظرفی که گرم میکنند آسیبی نمیرسانند گاز را میتوان بسهولت بوسیله شبکه لوله یا ظروف واستوانه های کوچك به محل مصرف انتقال داد . سوختهای گازی بواسطه مزایا و فوايد بسیار خود بعنوان منبع تولید نیرو یا حرارت هم به‌مصارف صنعتی و هم‌به مصارف خانگی میرسند .

بنزین ــ بنزین یکی‌از فرآورده‌های سبك نفت‌است که یا بطور طبیعی با گازهای تر همراه است و یا براثر پالایش نفت خام‌حاصل میگردد در اوایل پیدایش صنعت نفت که هدف پالایشگران فقط تهیه نفت چراغ بود بنزین موردمصرفی نداشت . حتی‌ماده‌ای‌زائد و خطرناك بشمار میرفت و لذا سعی میشدکه در موقع پالایش حتی‌المقدور کمتراز آن بوجود آید . اما بااختراع موتورهای احتراقی درون سوز .این وضع دگرگون شد و مصرف بنزین آن چنان گسترش یافت‌که برای تهیه آن ناگزیر شیوه ها و دستگاه های پالایش جدیدی پدید آمد .

بنزین تحولی بزرگ در زندگی بشر پدید آورد وباعث گردید که دربسیاری از امور زندگی نیروی ماشین جانشین نیروی انسان و حیوان گردد .

بنزین بحسب موتورهای گوناگون هواپیما واتومبیل و سایر موتورهائی که باید در آن مصرف شود انواع زیاد دارد .یکی از موارد اختلاف انواع بنزینها درجه اکتان یعنی‌درجه آرام سوزی آنهاست .

درجه اکتان که بوسائل مخصوصی سنجیده‌و تعیین‌میگردد معلوم میدارد که بنزین در موقع سوختن درون موتور تاچه آندازه ملایم و یك نواخت میسوزد .





معمولابنزین خالص مثل آب بی رنگ است. اما امروز به کلیه بنزین‌های‌موتورمایع‌شیمیائی اتیل یا تترا اتیل سرب اضافه میکنند تـا آرام‌تر بسوزند .

این مواد شیمیائی را معمولا رنگ میکنند تاسمی بودن آنها مشخص گردد بهمین جهت بنزین هائی که در بازار بفروش میرسنددارای رنگ هستند .

نفت سفید

نفت سفید مایعی است بیرنگ و کمـی سنگین‌تر ا زبنزین از آغاز پیدایش صنعت نفت تا مدت ۵۰ سال مهمترین فرآورده‌نفتی‌بود نخست بجای روغن چراغ بکار میرفت وهنوز هم برای تولید روشنائی بکار میرود . امادر سالهای اخیر موارد مصرف آن زیاد شده‌و اینك علاوه بر مورد مذکور به عنوان سوخت در اجاق آشپزخانه ها ویا منبع تولید نیرودر برخی توربین های هواپیما وموتورتراکتورها بکار میرود .

رقیق .برخی بیرنگ است و بعضی رنگین و **هرکدام دروسائل خاصی بکار میرود مثل‌روغن** دنده . روغن یاتاقان روغن وسائل برقی.روغن ماشین آلات بافندگی و موتورهای بخار و غیره روغن‌درکارهای ساختمانی ، قالب‌گیری، پزشکی وامور دیگر هم بکار میرود .

انواع قیر

قیر هیدروکربور سنگینی‌است که معمولا از تقطیر و پالایش نفت خام معینی ته ظرف پالایشگاه بدست‌میآید بطور طبیعی نیز در برخی از نقاط کره زمین یافت میشود قیر طبیعی براثر تراوش نفت خام از روزنه و شکافهای سطح زمین بخارج و بخار شدن اجزای سبك نفت و نیز بر اثر اکسیده‌شدن آن پدید میآید .

همین قیر طبیعی بود که بشر آن را از دیرباز مخصوصا درایران‌و بین‌النهرین مـی شناخت و بعنوان ملاط در ساختمان هـا و استخرها و یا کارهای دیگر بمصرف مـی رساند .

قیر حاصل از تقطیر ماده‌ایست سیاه یـا قهوه‌ای سیر که بحسب مقدار اجزای سبکی که درموقع پالایش ازنفت خام گرفته شـده

آن در مقابل رطوبت وبرق وگرما چسبندگی و مقاومت در مقابل تاثیرات شیمیائی‌بواسطه دارا بودن چنین خواصی است‌که قیربرای پوشش سطوح اشیاء فلزی بکارمیرود.تاآنها را در مقابل تاثیرات مخرب هوا زنـگ خوردگی و صدمات شیمیائی محافظت نمایدیا بصورت آستر و لایه‌ای محافظ در مخازن آب یا مخازن و ظروفی که محتوی مایعات فاسد کننده است ودرون و بیرون لوله و مجاری بکار میرود .

همچنین برای جلوگیری از نفوذ آب‌و رطوبت انواعی از نمد و مقوا وپارچه وغیره را که باقیر اندود شده‌است بکار میبرند یکی از موارد عمده مصرف قیر استفاده از آن در اسفالت جاده ها و باند فرودگاه‌هاست.

کشور های عمده نفت خیز

درواقع در حدود ۳۹ میلیون کیلومترمربع

سوخت دیزل

نفت دیزل چنانکه از نام آن پیداست‌به عنوان سوخت در موتورهای نوع دیزل یعنی موتورهای فشار سوز بمصرف میرسد . مقدار گوگرد موجود دراین نوع نفت بیش ازمیزان محتوی نفت سفیداست .

روغنهای نفتی

یکی دیگر ازمحصولات نفتی‌روغنهای‌مختلف است که بیشتر برای روان نگهداشتن اجزای ماشین آلات بمصرف میرسد . میزان روغنهای حاصل از نفت کمتراز دو درصد کلیه‌فرآورده های دیگراست . معهذا همین میزان روغن نفتی‌برجسته و مهم در صنایع و زندگی‌امروز ایفا میکند زیرا از قیچی وچرخ خیاطی‌گرفته تا جرثقیل های عظیم و ماشین آلات کـوه پیکر واز ساعت گرفته تا لکوموتیو وکارخانه های اتمی وغیره همه برای خوب کارکردن باید روغن مصرف کنند .

روغن روی میله ودنده وسایر اجزای متحرك ماشین آلات بکار رفته و هم آنها را چرب وروان نگه میدارد و هم‌از اصطکاك وفرسوده شدن آنها جلوگیری مینماید . روغن انواع مختلف دارد برخی غلیظ است وبرخی

ممکن است خیلی سفت یابدرجات مختلف نرم باشد وبنابراین ممکن است نوعی از آن بقدری نرم باشد که در درجه حرارت عادی براثر وزن خود مثل مایع روان گردد یا بعکس خیلی سفت و سخت باشد قیر براثر حرارت نرم و آب میشود اما اگر بااکسیژن ترکیب شده باشد بصورت نوعی لاستیك در میآید که در آن صورت مثل قیرهای دیگر چندان در مقابل گرما نرم یا در مقابل سرما سفـت نمیشود .

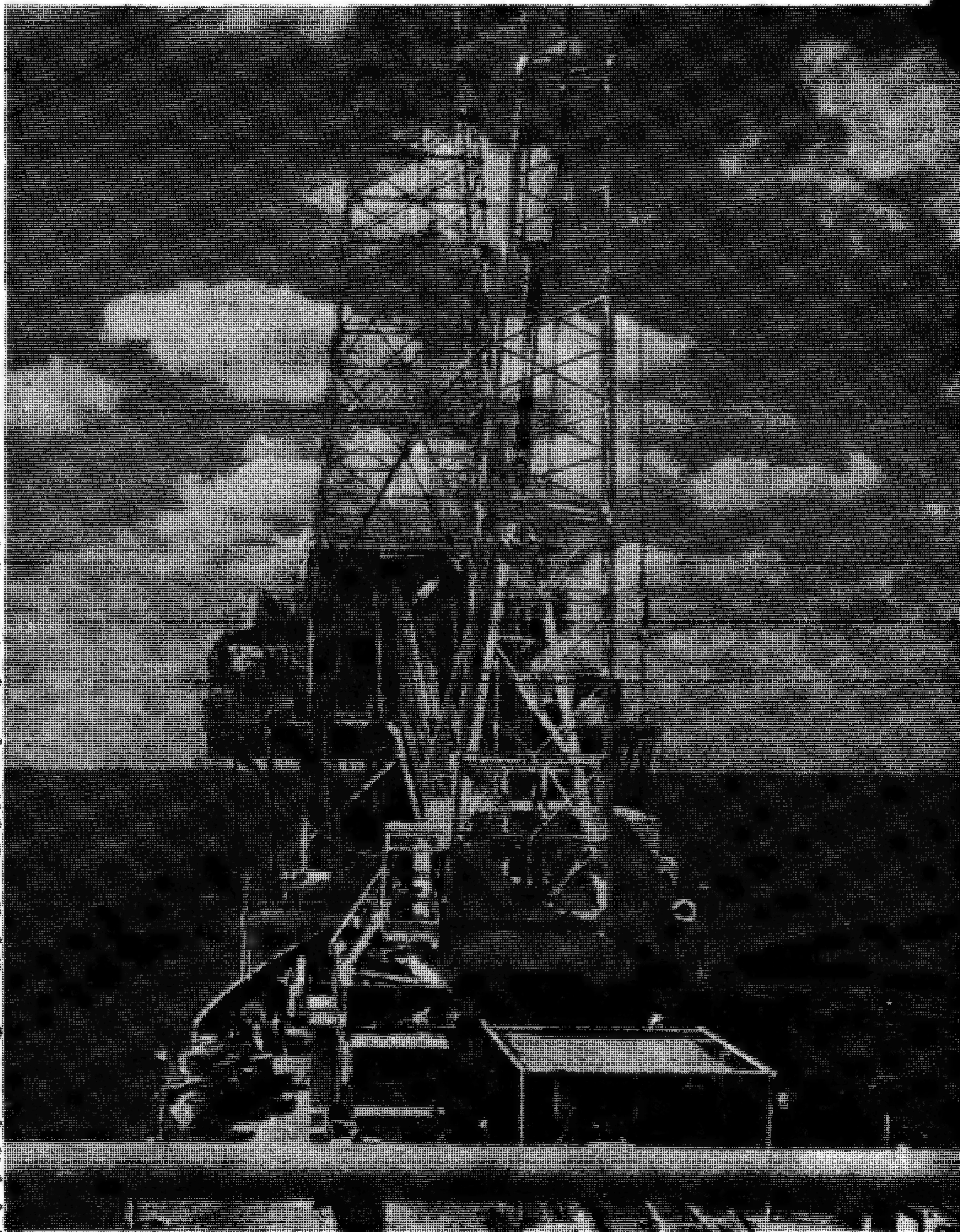
قیر ماده بسیار سودمندی است که بواسطه خواص فراوانش به مصارف بیشماری میرسداز جمله خواص عمده آن‌عبارتست از عایق بودن

از خاك کره زمین که تقریبا بیش از یك‌سوم مجموع خشکیها است دارای مایه های نفت زا می‌باشد اما منابع عمده و مهم نفت در چند ناحیه محدود کره زمین قرار دارند .

دربین تقریبا ۶۰ کشور نفت خیز جهان ۷ کشور است که تولید نفت آنها قابل ملاحظه است واز پانصد هزار بشکه در روز بیشتر می باشد . این ۷ کشور بترتیب از لحاظ اهمیت مقام آنها در میزان تولید نفت عبارتند از:

۱ ــ ایالات متحده امریکا
۲ ــ اتحاد جماهیر شوروی
۳ ــ ونزوئلا واقع درامریکای جنوبی
٤ ــ شیخ نشین کویت واقع در خلیج‌فارس
۵ ــ عربستان سعودی
٦ ــ ایران
۷ ــ عراق

صنعت نفت ایران



سکوی حفاری شرکت نفت ایران
و پان امریکن در خلیج فارس

سالگرد ملی شدن صنعت نفت درایران فرصتی پیش میآورد که آنچه را پس ازاین اقدام بزرگ صورت‌گرفته است بطور خلاصه ازنظر بگذرانیم .

پس از مبارزاتی‌که بوسیله قاطبه طبقات ملت‌ایران تحت‌رهبری خردمندانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه انجام گرفت قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران در روز بیست ونهم اسفندماه ۱۳۲۹ بتصویب مجلس شورایملی رسید و سپس طی قانون مصوبه نهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ شرکت ملی نفت‌ایران بوجود آمد تا از جانب ملت ایران این‌صنعت عظیم را اداره‌کند .

اساس تشکیل شرکت ملی نفت ایران‌بر روی اصول زیر قرارگرفت :

اول — تحصیل عواید بیشتر از نفت ایران‌که از منابع جنوب‌کشور بدست میآید برای مصرف درراه عمران وآبادی‌کشور .

دوم — کشف وبهره‌برداری منابع نفت در سایر نقاط ایران و همچنین توسعه دامنه توزیع مواد نفتی درداخله‌کشور .

سوم — استفاده از استعداد کارکنان ایرانی در صنعت نفت و جانشین ساختن آنان بجای خارجیان وسعی در فراهم ساختن رفاه آنان .

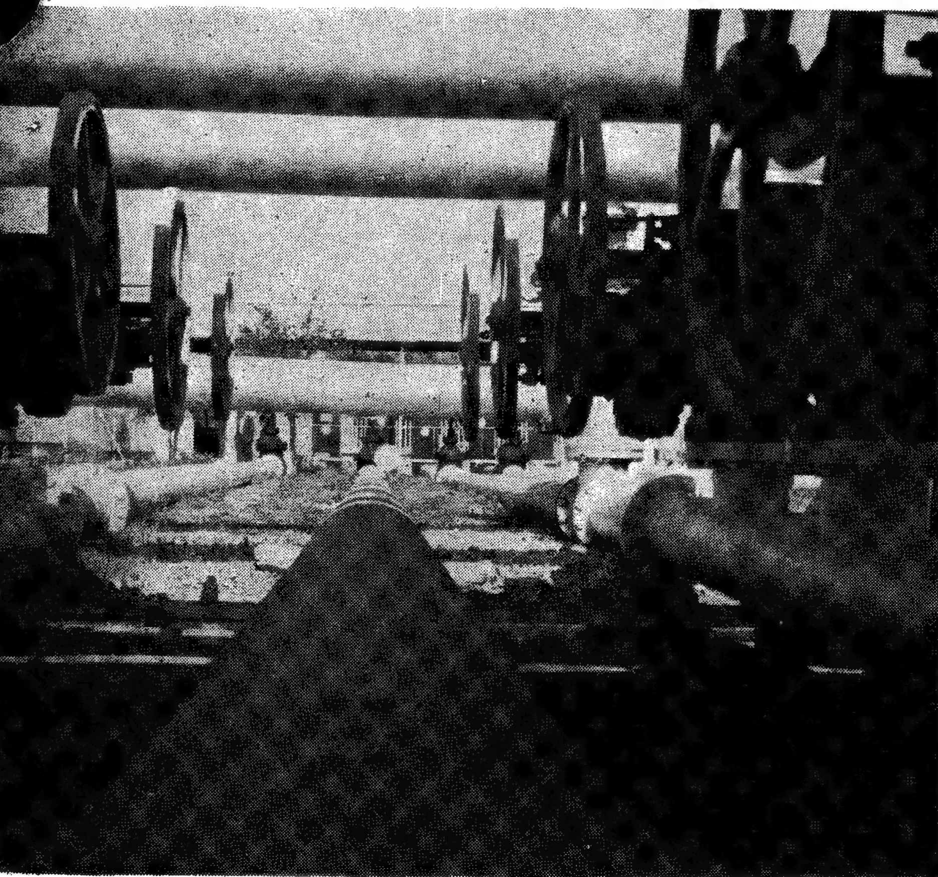
شرکت ملی نفت ایران در اجرای مقررات اساسنامه خودوبرای رسیدن‌بهدفهای فوق‌الذکر طی سالهای گذشته کوشش فراوان بعمل آورده و در تحت توجهات خاصه شاهنشاه موفقیتهای شایانی کسب نموده است .

دراینجا برای آنکه بشرح جزئیات نپردازیم بطور خلاصه بشرح بعضی از وقایع مهم‌که درطی سیزده سال گذشته در صنعت نفت ایران صورت‌گرفته می‌پردازیم .

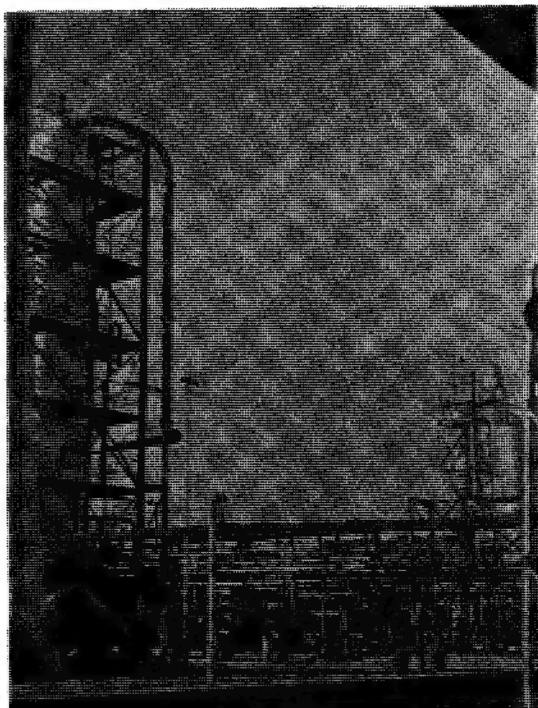
قرارداد با کنسرسیوم نفت

قرارداد با کنسرسیوم نفت در روز هفتم آبانماه ۱۳۳۳ بتوشیح ملوکانه رسید و بموجب آن شرکت‌های عامل نفت بنام شرکت سهامی اکتشاف وتولید نفت ایران و شرکت سهامی تصفیه نفت ایران برای انجام عملیات مربوط به‌اکتشاف واستخراج و تولید وتصفیه وفروش نفت در ناحیه‌ای بمساحت یکصد هزار میل مربع در جنوب ایران‌که حوزه قرارداد نامیده میشود بوجود آمدند . البته مالکیت کلیه تأسیسات نفتی درحوزه قرارداد بموجب قانون از آن شرکت ملی نفت است و بعلاوه نظارت دقیق برکار شرکتهای عامل نفت و اداره امور قسمت مهمی از فعالیتها که امور غیر صنعتی نامیده میشود برعهده شرکت ملی نفت است .

امور غیر صنعتی در حوزه قرارداد عبارتست از : خانه سازی و نگاهداری منازل



تلمبه‌خانه مسجدسلیمان



گوشه‌ای از پالایشگاه کرمانشاه

بهداری و بهداشت عمومی ـ جاده سازی ـ امور حفاظت ـ تدارکات و فروشگاه‌ها امور اجتماعی ـ آموزش و پرورش وغیره . بطوریکه این امور درحدود چهل درصد کلیه عملیات مربوط به صنعت نفت را در حوزه قرارداد شامل میگردد .

پس‌از ملی شدن صنعت نفت برسرعت عملیات خانه سازی در حوزه قرارداد بمیزان قابل توجهی افزوده شد بطوریکه تاکنون تعداد خانه های ساخته شده برای کارگران وکارمندان درآبادان و مناطق نفت‌خیز بالغ‌بر ۲۰۸۱۹ گردیده است سرعت در عملیات خانه سازی اثر فوق‌العاده‌ای در تامین رفاه کارگران و کارمندان صنعت نفت دارد .

درمورد بهداری وتامین بهداشت‌کارکنان صنایع نفت جنوب شرکت ملی نفت ایران اقدامات موثر و سودمندی در سالهای اخیر بعمل آورده است . در شهر آبادان وهمچنین درمناطق نفت‌خیز همه روزه حدود چندهزار نفر از کارکنان صنعت نفت و خانواده آنان توسط درمانگاههای شرکت ملی نفت معاینه و معالجه میگردند .

بیمارستان های شرکت در آبادان و مناطق نفت‌خیز جمعا ۸۰۷ تختخواب برای بستری نمودن بیماران آماده دارند که با پزشکان و پرستاران مجرب و وسایل کافی مجهز هستند .

در امور آموزشی و ترتیب کادر فنی برای صنعت نفت ایران شرکت ملی نفت برنامه های وسیعی را بمورد اجرا گذارده و همه ساله عده‌ای مهندس ورزیده و کارگر فنی تربیت شده از دانشکده فنی آبادان و آموزشگاههای حرفه‌ای صنعت نفت فارغ‌التحصیل میگردند که بجای خارجیان و کارکنانی که بازنشسته میشونه در صنایع نفت مشغول به کار میشوند .

همچنین از وجود دانشجویانی که تحصیلات خود را در رشته های فنی مورد احتیاج صنعت نفت درخارجه بپایان میرسانند در تشکیلات نفتی ایران حداکثر استفاده بعمل میآید .

قرار دادهای دیگر

برای بهره‌برداری کامل از منابع نفت ایران شرکت ملی نفت میتواند بموجب قانون مصوب ۷ مرداد ۱۳۳۶ بعضی از مناطق نفت‌خیز کشور را از طریق مزایده بشرکت های دیگر واگذار کند ویا با انعقاد قرارداد مشارکت با شرکت های خارجی از این منابع بهره‌برداری‌کند . دراجرای این هدف تاکنون یك قرارداد با موسسه نفت ایتالیا (انی) و یك قرارداد با شرکت آمریکائی پان‌آمریکن اینترنشنال برای تفحص و بهره‌برداری از منابع نفتی جنوب کشور بخصوص درخلیج فارس منعقد شده است .

قرارداد با شرکت نفت ایتالیا درتاریخ پنجم شهریور ماه ١٣٣٦ پس‌از تصویب مجلسین بتوشیح ملوکانه رسید و براثر آن شرکت نفت ایران و ایتالیا بوجود آمد که پنجاه در صد سهام آن متعلق به شرکت ملی نفت ایران است . این شرکت در سه نقطه از جنوب ایران از آنجمله در خلیج فارس جمعا بمساحت ٢٢٩٠٠ کیلو متر مربع اقدام بعملیات اکتشافی و حفاری نموده و درخلیج فارس بمنابع نفتی قابل صدور دست یافته است .

قرارداد با شرکت نفت پان آمریکن اینترنشنال نیز در ١٥ خرداد ١٣٣٧ توشیح گردید وبراثر آن شرکت نفت‌ایران پان‌آمریکن بوجود آمد که پنجاه در صد سهام آن متعلق بشرکت ملی نفت است . این شرکت در منطقه‌ای بوسعت ١٦ هزار کیلو متر مربع درخلیج‌فارس باکتشاف نفت پرداخته وموفق بیافتن منابع بزرگ نفتی گردیده است .

برای بهره‌برداری از منابع نفتی باقی مانده بخش یك نفتی در خلیج فارس درسال ١٣٤٣ پس‌ازآماده شدن مقدمات آگهی‌مزایده منتشر خواهد شد .

همچنین شرکت ملی نفت ایران موفق شد برای اولین بار در آذر ماه ١٣٣٩ یك قرارداد برای فروش نفت باکشور افغانستان منعقد سازد بموجب این قرارداد درحال حاضرسالانه ٢٨ هزار تن موادنفتی بافغانستان صادر میشود و احتمال دارد در سال های آینده این مقدار افزایش یابد .

اکتشاف وتولید بوسیله شرکت ملی‌نفت

شرکت ملی نفت برنامه وسیعی برای اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت کشور اجرا نموده و موفقیت‌های بزرگی در این راه بدست آورده است . چنانکه در منطقه البرز قم تا بحال ١٣ چاه حفر گردیده و بمنبع نفت خام رسیده است . چهاردهمین چاه دراین منطقه در دست حفاری است .

درسال ١٣٢٧ نیز منطقه جدیدی در٤٠ کیلومتری منطقه قم بنام سراجه کشف شد دراین منطقه هفت چاه حفر گردیده که پنج چاه آن قابل بهره‌برداری است . درنواحی مازندران و خراسان و گرگان و غرب‌کشور نیز از طرف شرکت ملی نفت عمیات اکتشاف و حفاری انجام گرفته است .

علاوه براین تصفیه‌خانه کرمانشاه توسعه داده شده و قدرت این پالایشگاه با نصب دستگاه های جدید ٣٠٠ر٠٠٠ تن در سال رسیده است . میزان تولید نفت در نفتشاه نیز براثر حفر چاه های تازه بدو برابر افزایش یافته و درحال حاضر سالانه ٣٨٠ هزار تن نفت در نفت شاه تولید میگرددکه قسمت مهم آن برای تصفیه پالایشگاه کرمانشاه منتقل‌میگردد . کلیه تاسیسات نفتی درکرمانشاه و نفت شاه منحصراً بدست کارشناسان ایرانی اداره میشود .

تولید نفت درایران

میزان تولید نفت در ایران پس ازملی شدن صنعت نفت سال بسال‌روبافزایش بوده ودرسال١٩٦٣ بالغبر ٥ر٨٥ میلیون مترمکعب گردیده است درجدول زیر میزان تولید نفت‌هریك از مناطق نفتخیز ایران درسال ١٩٦٣ا بطور جداگانه نمایانده شده است :

منطقه	تولید به‌بشکه	تولید بمتر مکعب
آغا جاری	٢٨٦ر٦١٠ر٨٩٨	٤٥ر٥٦٧ر٥٦٠
البرز قم	٢ر٩٩٨ر١٤٠	٤٧٦ر٦٦٧
اهواز	٣٥ر٣٧١ر٧٣٢	٥ر٦٢٣ر٦٦٥
بحرگانسر	٥ر٤٢٣ر٤٠١	٨٦٢ر٢٥٣
داریوش	١٠٢ر٢٠٦	١٦ر٢٤٩
گچساران	١٣٠ر٦٥٥ر٧٠٨	٢٠ر٧٧٢ر٦٣٠
لالی	٢ر٩١٠ر٤٥١	٤٦٢ر٧٢٥
مسجد سلیمان (خالص)	١٤ر٥٨٦ر٨٦٤	٢ر٣١٩ر١٣٠
نفت سفید	١٠ر٠٨٥ر٣٢٩	١ر٦٠٣ر٤٤١
نفت شاه (خالص)	٢ر٤١٢ر٤٤٣	٣٨٣ر٥٤٨
هفتکل	٤٦ر٩٥١ر٠٤٤	٧ر٤٦٤ر٦٣٢
جمع‌کل	٥٣٨ر١٠٨ر٢١٦	٨٥ر٥٥٢ر٥٠٠

خطوط لوله نفت

از جمله اقدامات سودمند دیگری که شرکت ملی نفت انجام داده است احداث خط لوله سرتاسری ازاهواز بتهران است . این خط لوله که درسال ١٣٣٤ ساختمان آن آغاز گردید و درسال ١٣٣٦ شاهنشاه اجازه بهره‌برداری از آن را صادر فرمودند ازلحاظ صرفه‌جوئی در هزینه حمل مواد نفتی بمرکز و نقاط شمالی کشور و سهولت عمل حائز اهمیت فراوانی است .

طول خط لوله نفت از آبادان بتهران ٩٤٩ کیلو متر و قدرت آن سالانه دومیلیون ونهصد هزار متر مکعب وبا کمك ١٣ تلمبه خانه درتمام ساعات شبانه روز مواد نفتی تصفیه شده را از پالایشگاه آبادان باصفهان و تهران میرساند .

ضمنا یك‌خط لوله ازتهران به شاهرود و مشهد و خط دیگری از تهران به قزوین کشیده شده وتارشت امتداد خواهد یافت .

طول خط لوله تهران ـ مشهد ٨١٩ کیلو متر و قطر آن ٢٠ سانتیمتر و قدرت حمل سالانه آن ٤٥٠ هزار مر مکعب مواد نفتی است .

طول خط لوله تهران - قزوین ١٥٠ کیلومتر و قطر آن ٢٠ سانتیمتر و قدرت حمل آن ٩٧٥ هزار متر مکعب مواد نفتی است . این خط لوله از قزوین تا رشت بطول ٢٣١ کیلومتر و قطر ١٥ سانتیمتر و قدرت سالانه ٥٠٠ هزار مترمکعب در دست ساختمان است . شعبه‌ای از خط لوله سرتاسری نیز بطول ٢٣٤ کیلومتر و قدرت سالانه ٥٤٠ر٠٠٠ مترمکعب از ازنا به‌اصفهان کشیده شده است .

خط لوله نفت ارزانترین و مطمئن‌ترین وسیله حمل مواد نفتی بنقاط مختلف کشور است .

توزیع مواد نفتی

وظیفه توزیع مواد نفتی در تمام ایران منحصراً برعهده شرکت ملی نفت ایران است و شرکت ملی نفت فرآورده های پالایشگاه کرمانشاه وقسمتی ازفرآورده های پالایشگاه آبادان رآکه در داخله کشور مصرف میشود دردسترس مصرف کنندگان کلیه نقاط کشور قرار میدهد با توجه بوسعت خاك ایران و پراکندگی شهرها و آبادی‌ها ر همچنین با در نظر گرفتن افزایش روزافزون مصرف مواد نفتی که پس‌از ملی شدن صنعت نفت تاکنون تقریبا پنج برابر گردیده اهمیت وظیفه پخش مواد نفتی بخوبی آشکار میگردد .

برای اینکه به‌افزایش روزافزون مصرف مواد نفتی درداخل کشور بهتر پی‌ببریم در جدول زیر میزان فروش مواد نفتی درسیزده سال اخیر را ذکر میکنیم :

سال	مواد نفتی که به‌حجم (مترمکعب) تحویل شده
١٩٥٠	٩١٣٩٦٥
١٩٥١	١٠١٣٠٩٦
١٩٥٢	١٢٥٥٩٢٤
١٩٥٣	١٤٨٢١٦٥
١٩٥٤	١٧٦٤٣٨٦
١٩٥٥	١٩٧٨١٧٩
١٩٥٦	٣٢٠٠٦٥٠
١٩٥٧	٢٤٢٩٣٦٠
١٩٥٨	٢٧٤١٥٩
١٩٥٩	٣٢٤٨٣٠١
١٩٦٠	٣٧٠٧٣٦٩
١٩٦١	٤٠٦٢١٨٦
١٩٦٢	٤٣٤٣٧٩٧
١٩٦٣	٤٥٧٣١١٦

ضمنا مصرف آن دسته از مواد نفتی

که بوزن تحویل میگردند مانند گریس – قیر و امثال آنها درسال گذشته نسبت به سال ۱۹۵۰ شش برابر بوده است .

همچنین در سال ۱۹۶۲ حدود ۱۰٫۲۱۷٫۰۰۰ مترمکعب و درسال ۱۹۶۳ حدود ۴۶٫۵۷۸٫۲۷۴ مترمکعب گاز طبیعی از گچساران بشیراز انتقال یافته و تحویل کارخانجات و سایر مصرف‌کنندگان گردیده است .

بهداشت و بهداری درخارج از حوزه قرارداد

گذشته از حوزه قرارداد در تهران و سایر نقاط کشور نیز شرکت ملی نفت ایران برای تامین بهداشت کارکنان خود وخانواده آنان بیمارستانها و درمانگاه های مجهزی دارد از جمله بیمارستان ۵۰ تختخوابی تهران و بیمارستان ۲۰ تختخوابی کرمانشاه را میتوان نام برد. ساختمان یك بیمارستان ۱۲۰ تختخوابی نیز درتهران باتمام رسیده است .

علاوه‌بر اینها شرکت ملی نفت ایران دارای چهاردرمانگاه درتهران و ۳ درمانگاه در کرمانشاه و یك درمانگاه در هریك از شهر های اصفهان وقم وگرگان ونفت شاه میباشد و ۴ درمانگاه نیز درطول خطوط لوله درازنا وافرینه و تلمبه خانه های شماره ۱ و ۲ دارد .

آموزش وپرورش

شرکت ملی نفت ایران از بدو ملی شدن صنعت نفت،در اجرای یکی ازبزرگترین وظایف خودکه استفاده از افراد ایرانی در صنعت نفت است پیوسته برای آموزش و پرورش کارکنان خود جدیت نموده وبمنظور تربیت کادر کارشناسان ایرانی که بتوانند بخوبی چرخ عظیم صنعت نفت را بگردش درآورده و ضمنا جای کارشناسان خارجی را بگیرند برنامه‌های آموزشی وسیعی اجرا نموده‌که نظر نهائی آن‌پرورش صحیح نیروی انسانی درصنعت نفت میباشد

وظیفه آموزشی شرکت ملی نفت ایران و هدفهای عالی‌آنرا بدینطریق میتوان خلاصه کرد :

۱ – ازدیاد مهارت کارکنان بمنظور استفاده بیشتر از نیروی انسانی بطوریکه کارهای شرکت به بهترین نحوه درکوتاهترین مدت وباکمترین هزینه از طریق اجـرای صحیح کار انجام‌پذیرد .

۲ – تربیت و آموزش کارکنان وآشنائی آنها باروشهای جدید مدیریت در صنعت نفت بمنظور اینکه شرکت دارای کادر فنی و اداری ورزیده‌ای شده واز استخدام کارشناسان خارجی بی‌نیاز شود و همچنین بجای کارشناسان فعلی از کارکنان ایرانی استفاده گردد .

۳ – ایجاد روحیه قوی‌که موجب حسن تفاهم و همکاری منظم درتمام شئون صنعت نفت‌بوده و درنتیجه شرکت به بهترین وجهی دراجرای وظائف ملی خود کامیاب گردد .

برای اجرای هدفهای مذکور برنامه‌های متنوعی توسط اداره آموزش و پـرورش شرکت بمورد اجرا گذارده شده که عبارت از برنامه های ذیل است :

برنامه های آموزش صنعتی که شامل سه مرحله است : آموزش قبل از خدمت آموزش بدو خدمت و آموزش حین خدمت .

دراین مورد شرکت ملی نفت علاوه‌بر پرداخت کمك هزینه تحصیلی بفرزنـدان کارگران نفت اقدام بایجاد دانشکده فنی در آبادان و چند آموزشگاه حرفه‌ای نموده‌که جمعا ۸۰۴ نفر دانشجو و دانش آموز درآنها سرگرم تحصیل هستند .

برنامه های آموزشی بدو خدمت – این برنامه‌ها بمنظور آشنا ساختن کارمندان جدیدالاستخدام جهت‌آماده نمودن آنها برای تصدی سمت های مختلف در رشته هـای فنی و اداری میباشد . کارمندان مزبور برای مدت دوسال درقسمت‌های مختلف کارآموزی نموده وبا مقررات و شرایط کارداری و فنی آشنا میشوند . دوره کارآموزی بـرای دارندگان لیسانس از خارج کشور یکسال میباشد .

برنامه های آموزشی درحین خدمت – این برنامه‌ها بمنظور رفع نقائص کارکنان درانجام کارهائیکه شاغلند و همچنین تربیت و آماده کردن آنها برای اشغال بکار های بالاتر و یا بمنظور تربیت جانشین بـرای پست‌هائیست که خالی میشود و بطورکلی هدف اجرای این برنامه‌ها ازدیاد مهارت کارکنان و تعلیمات لازم به آنهاست که طبق برنامه های مخصوص بمورد اجرا گـذارده می‌شود .

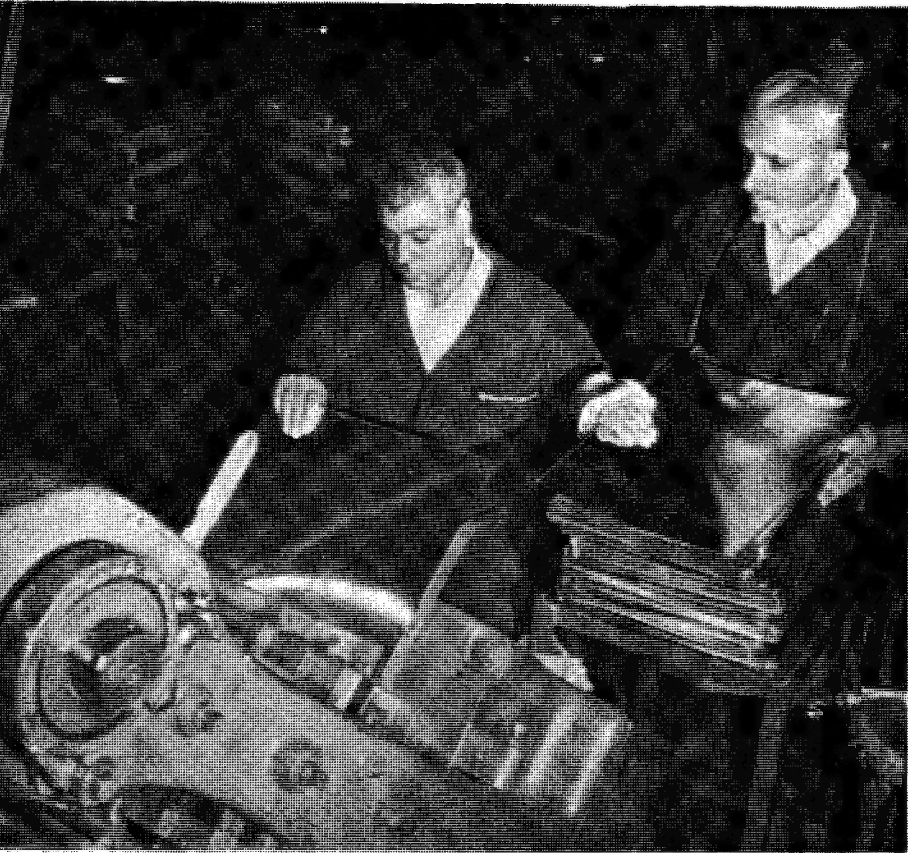
کارآموزان خارجی – وسایل وتشکیلات آموزش صنعتی که شرکت ملی نفت ایران در اختیار دارد مورد استفاده کارآموزان خارجی نیزواقع میشود . طبق تصمیم متخذه در دومین سمپوزیوم نفت اکافه که درتهران تشکیل گردید قرار شده است ۳۰ نفر از ممالك آسیائی برای کارآموزی در رشته نفت بایران اعزام شوند و علاوه‌بر اینها عده‌ای کارآموزان خارجی نیز در سال‌گذشته در تاسیسات نفت ایران آموزش یافته‌اند . اضافه براینها درمورد آموزش سرپرستان و اعزام کارآموز بخارج از کشور و آموزش از طریق مکاتبه امکانات کافی فراهم گردیده وبموسسات فرهنگی بخصوص دانشگاه تهران کمکهای موثری بعمل آمده است

درآمد ایران از نفت

درخاتمه جدول مقایسه تولید و درآمد ایران از نفت جنوب در ۱۳ سال اخیر را (۱۹۵۱ – ۱۹۶۳) برای استحضار بیشتر خوانندگان عزیز ذکر مینمائیم :

سال	تولید به‌هزارمترمکعب	درآمد به‌هزار لیره‌انگلیسی
۱۹۵۱	۱۷٫۱۲۵	۷٫۰۰۰
۱۹۵۲	۱۱٫۱۵۵	۸۶
۱۹۵۳	۱٫۸۶۵	۱٫۵۵۲
۱۹۵۴	۳٫۱۹۰	۵٫۸۴۷
۱۹۵۵	۱۶٫۵۹۵	۳۲٫۳۲۴
۱۹۵۶	۲۶٫۱۱۵	۵۴٫۷۹۲
۱۹۵۷	۳۵٫۶۸۸	۷۶٫۰۳۸
۱۹۵۸	۴۰٫۴۷۵	۸۸٫۳۳۹
۱۹۵۹	۴۵٫۶۶۱	۹۳٫۷۴۵
۱۹۶۰	۵۱٫۶۶۱	۱۰۱٫۸۷۷
۱۹۶۱	۵۷٫۳۴۵	۱۰۴٫۰۳۶
۱۹۶۲	۷۵٫۵۳۵	۱۲۲٫۳۴۸
۱۹۶۳	۸۳٫۸۱۴	۱۳۵٫۰۰۰

کارگاه حلبی‌سازی در پالایشگاه کرمانشاه



فعالیتهای صنعت نفت ایران

صنایع نفت ایران را تا سال ۱۹۵۱ شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس اداره میکرد و دراین سال بود که قانون ملی شدن صنعت نفت بتصویب رسید و اداره صنایع بعهدهٔ شرکت ملی نفت ایران واگذارشد .

پس از سالی‌چند که توقفی در عملیات پیداشد در تاریخ هفتم آبان ۱۳۳۳ قراردادی بین دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران از یك طرف و هشت شرکت عمدهٔ ازطرف دیگر بموقع اجراگذاشته شد .

این شرکتهاکه جمعاکنسرسیوم نفت ایران نامیده میشوند عبارتنداز شرکت بریتیش پترولیوم با ٤٠ در صد سهام و ٥ شرکت بزرگ نفتی آمریکائی :

۱ـ استاندارد اویل کمپانی (نیوجرسی)

۲ـ شرکت گلف اویل

۳ـ شرکت نفت تکزاس

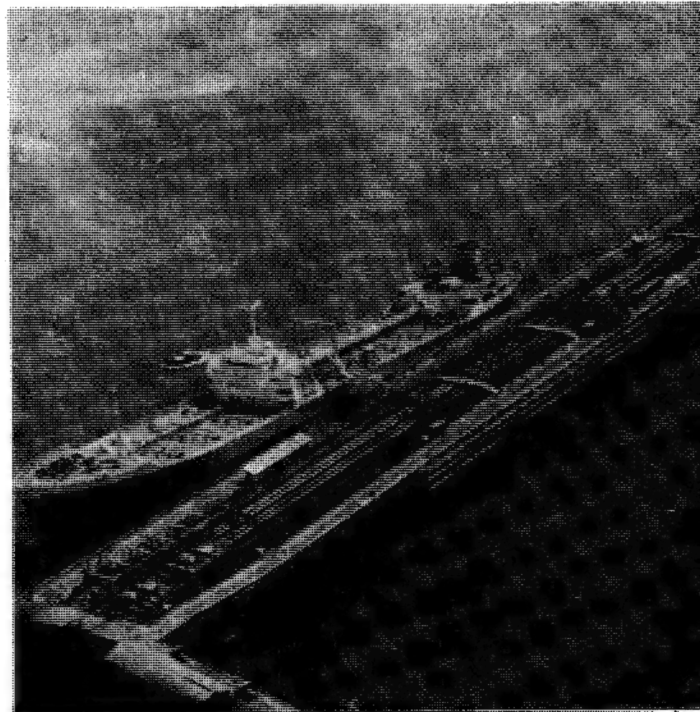
٤ـ استاندارد اویل کمپانی (کالیفرنیا)

٥ـ سوکونی موبیل اویـل کمپانی

هریك ۷ درصدسهام‌کنسرسیوم نفت را دارا میباشند .

وشرکت نفت داچ ١٤ درصد وشرکت نفت فرانسه ٦درصد بعداً بموجب تواقفی که بین کلیهٔ شرکتهای عضو کنسرسیوم و دولت ایران حاصل شد ٥ شرکت نفتی آمریکائی حاضر شدند کـه هر یك معادل یك هشتم از سهام خودرا به ۹ شرکت نفتی دیگـر آمریکائی منتقل نمایند وبدینطریق تعداد شرکتهای عضو کنسرسیوم به ۱۷رسیدکه ١٤ شرکت آن‌آمریکائی جمعا ۳٥ درصد سهام را دارند و بقیه بین شرکتهای نفتی انگلیسی و هلندی و فرانسوی تقسیم شده است .

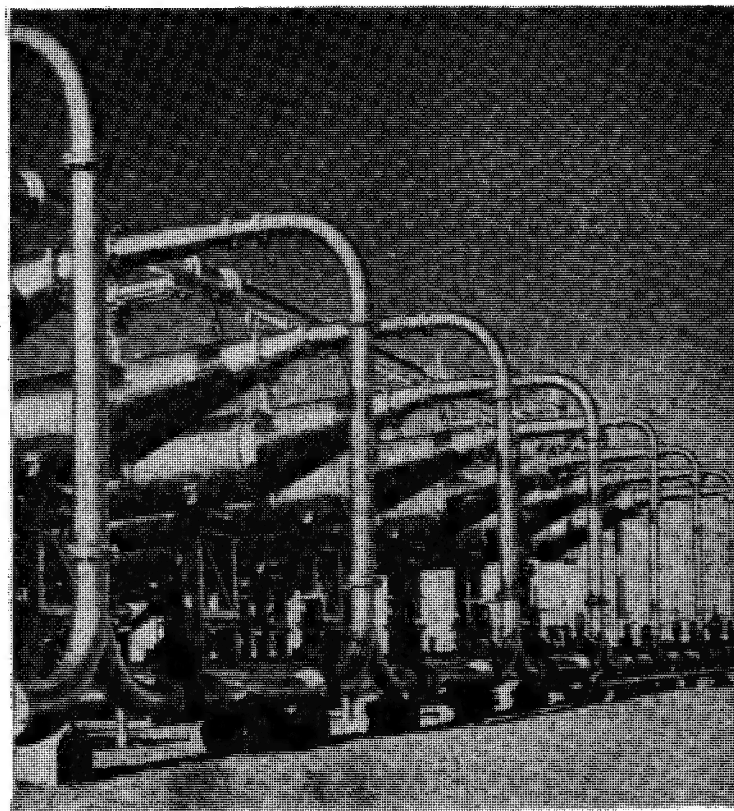
قرارداد برای مدت ۲٥ سال میباشد منتهی در پایان این مدت میتوان آنرا سه بار و هر بار بمدت ٥ سال‌تمدید نمود و ضمنا درقرارداد



نفتکشی‌هنگام بارگیری‌درکنار اسکله‌جزیره‌خارك



دستگاه بهره برداری شماره ۱ گچساران



گوشه‌ای از دستگاه بهره‌برداری شماره ۳ آغاجاری

قید شده است که تجدید مدت منوط به تقلیل تدریجی خود قرارداداست بحدیکه درآخرین تمدید حدود عملیات کنسرسیوم به نصف حوزه کنونی‌که بالغ بریکصد هزار میل مربع میباشد برسد .

شرکتهای عامل نفت ایران

برای اجرای قرارداد دو شرکت عامل تشکیل شده است یکی شرکت سهامی تصفیه نفت ایران‌که مسئول اداره پالایشگاه آبادان است و دیگری شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران‌که مناطق نفت‌خیز را در حوزه قرارداد اداره میکند .

این شرکتها در ایران به ثبت رسیده واداره و مرکز هردوشرکت درتهران میباشد . هردو شرکت حقوق و اختیارات لازم را برای عملیات خود از دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران بدست آورده و عملیات اکتشافی و تولیدی و تصفیه نفت ایران را در حوزه قرارداد انجام میدهند . هر دو شرکت این اختیارات را از جانب و بنمایندگی دولت ایران وشرکت ملی نفت ایران تا میزانی‌که در قرارداد معین شده انجام داده و عمل مینمایند .

شرکت ملی نفت ایران مالك کلیه تاسیسات ثابت صنایع نفت ایران در حوزه قرارداد میباشد ولی به شرکتهای عامل نفت ایران اختیار نامحدود در استفاده از این وسائل در حوزه قرارداد و برای مدت قرارداد داده شده است .

کارشرکتهای عامل نفت‌ایران بطوریکه گذشت فقط منحصر به انجام عملیات اکتشافی در حوزه قرارداد و تولید نفت و تصفیه آن میباشد . این شرکتها نه خریدار ونه فروشنده نفت استخراجی از حوزه قرارداد میباشند

کارهای انجام شده

برای تجسم کارهای عظیمی که دراین مدت تقریبا ده سال از طرف شرکتهای عامل نفت ایران برای توسعه و پیشرفت صنعت‌بزرگ نفت ایران انجام شده است بهترین شاهد وگواه ارقام است تا ثابت گردد که صنعت نفت ایران ازکجا به کجا رسیده است .

دوران دهساله شرکتهای عامل نفت ایران

درنخستین سال یعنی ۱۳۳٤ (۱۹۵۵) میزان تولید ازدومیلیون تن به ۱۵ر۸۰۰ر۰۰۰ تن رسیدواین آغاز کار شرکتهای عامل نفت در ایران بود . کوششی عظیم بکار رفت . نگاهی به گزارش هفده ماهه نخستین شرکتهای عامل نفت ایران (از آبان ۱۳۳۳ تا پایان ۱۳۳٤) بیفکنیم و به ببینیم آقای ل . ای . ج . برائر نخستین مدیر عامل شرکتهای عامل نفت ایران چه میگوید

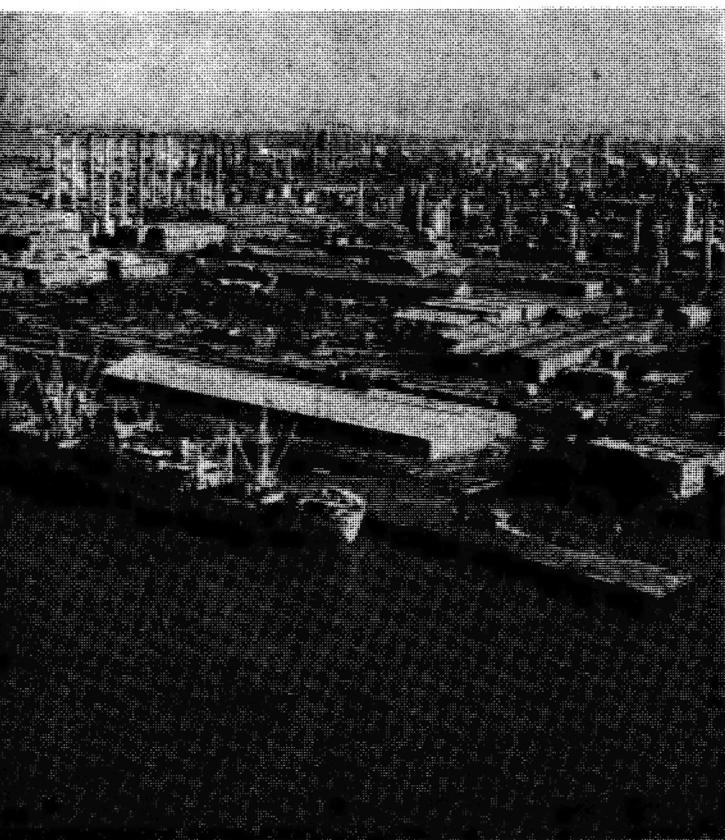
« در هفده ماه اخیر ازکشور های سراسر جهان متخصصینی بایران آمده‌اند تا ملت ایران را در کاراستخراج وتصفیه نفت درمناطق نفت‌خیز جنوب و آبادان یاری دهند . . . محرك اساسی ما دراین همکاری متقابل و سودمند هدف مشترك ما در توسعه صناعت نفت ایران است‌که بالمآل به پیشرفت وضع اقتصادی کشور میانجامد . »

دراین گزارش همچنین گفته شده است که پنجاه هزار نفرایرانی کار و کوشش میکنند تانفت ایران را استخراج و تصفیه نمایند وسائل و لوازم کار بیش‌از ۱۰۰ میلیارد ریال ارزش دارد سال ۱۳۳٤و۱۳۳۳ نتیجه مساعی مشترك و معاضدت این عده از ایرانیان هفده میلیون تن نفت استخراج شد و ۷ر٤۰۰ر۰۰۰ تن آن در پالایشگاه آبادان تصفیه گردید . . .

لذا میتوان گفت سال گذشته ۵۳ میلیون لیره از صنعت نفت عاید کشور ایران شد .

۱۳۵ میلیون لیره درآمد

واما در سال ۱۹۶۳ میزان



نمائی از پالایشگاه آبادان واسکله کشتی ها

استخراج به بیش‌از ۷۰ میلیون تن رسید . ودرآمد ایران نیز درحدود ۱۳۵ میلیون لیره بوده است .

از مقدار نفت خامی که از هفت منبع مجزا به پالایشگاه‌آبادان میرسدمیتوان درحدود۱۱۳فرآورده مختلف تهیه کرد

پالایشگاه آبادان وقتی پس‌از سه چهار سال رکود درسال ۱۹۵٤ فعالیت کاملی آغاز کرد اکثر دستگاهها و قسمتهای آن که دوران ۲۰ یا ۳۰ ساله‌ای راطی کرده بود احتیاج به تعمیر و اصلاح و تغییر داشتند بعلاوه درطی چند سال‌گذشته تغییرات زیادی از نظر کیفیت و کمیت محصولات نفتی دربازار های جهانی پیدا شده بود و لازم بودکه دستگاهها بصورتی‌درآیندکه بتوانند فرآورده های مورد نیاز بازارهای جهانی را تهیه نمایند .

درچند سال اخیر پروژه های مختلفی مورد مطالعه و تصویب و اجرا قرارگرفت و مبالغ هنگفتی دراین زمینه مصرف شده است تا دستگاههای پالایشگاه آبادان تکمیل و هزینه های تولید تقلیل یابد .

تمامی واحد های کهنه جای خودرا به دستگاههای تقطیر جدید داده‌اند که قدرت بازدهی بیشتر داشته وبا صرفه تر از سابق اداره میشوند و بعلاوه محصولات بهتر عرضه میکند

این سیر تکاملی پایان‌پذیر نیست همچنانکه تکنولوژی پیش میرود پالایشگاه آبادان نیز باید پیش‌رود . کارشناسان ایرانی و خارجی با اشتراك مساعی بی نظیر شب و روز تلاش میکنند ومدیران شرکت سهامی تصفیه نفت ایران میکوشند تا پالایشگاه آبادان پیش رود .

ایرانی کردن صنعت نفت

آشنا کردن ایرانیان باصنعت نفت و واداشتن مهندسین ایرانی به انجام کارهای فنی در واحد های مختلف صنعت نفت درحوزه قرارداد هم درشرکت سهامی اکتشاف‌وتولید نفت ایران و هم در شرکت سهامی تصفیه نفت ایران بسرعت پیش میرود .

برنامه های مختلف برای واگذاری کارهای فنی که سابقا بدست کارشناسان خارجی انجام میشد تهیه و اجراشده‌است . امروز وقتی شما به بازدید پالایشگاه‌آبادان میروید‌مهندسین وکارشناسان‌ایرانی را می‌بینید که بیشتر کارهای فنی دقیق و مهم راکه سابقا خارجیان انجام میدادند بعهده گرفته‌اند . این برنامه بسرعت پیش‌میرود وهمه جا درحوزه قرارداد کار تربیت و آموزش جوانان‌ایرانی دنبال میشود تا اداره صنعت نفت را هرچه بیشتر بعهده گیرند

درمناطق نفت‌خیز چه میگذرد

استفاده از وسائل جدید برای اکتشاف و استخراج نفت از برنامه های مهم شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران است تا با هزینه کمتر و بنحوی موثرتر حد اعلای استفاده ازمنابع نفتی واقع درحوزه قرارداد بعمل‌آید .

درسال ۱۹۵۵ یك دستگاه تفکیك نفت خام از گاز در منطقه آغاجاری نصب‌شدکه دارای‌ظرفیتی معادل ۱۵۷٫۰۰۰ بشکه در روز میباشد . درهمین منطقه خطوط لوله‌ای که تحمل فشار زیادتر داشته باشد و نفت خام از هفت چاه دایر در این ناحیه را بدستگاه برساند انجام شد .

درسال مزبور به توسعه بندر معشور توجه خاصی مبذول شد زیرا کشتی های نفتکش بزرگ ۳۸ هزار تنی رامیتوان درانجا بارگیری‌کرد حال آنکه در آبادان میسرنیست . در تاریخ اجرای قرارداد تنها دو اسکله دربندر معشور موجود بود که درسال اول دو اسکله جدید بنا شد .

علاوه‌بر پالایشگاه آبادان در سال ۱۹۵۵ دستگاه تصفیه (تاپینگ پلانت) هم درمسجد سلیمان بکار افتاد این دستگاه چند فرآورده از جمله نفت سیاه را بقیمت ارزان تر میسازد و محصول آن ۲۰ هزار بشکه در روز است .

هنگامیکه قرارداد نفت با کنسرسیوم نفت ایران بامضا رسید در مناطق و حوزه قرارداد جمعا ۳۲۰۰ کیلو متر لوله های ناقل نفت بین مناطق نفت‌خیز وپالایشگاه آبادان و بندر معشور وجود داشت .

درماه سپتامبر۱۹۵۷ نمایندگان شرکتهای عضوکنسرسیوم بودجه‌ای راکه با اقلام مصوبه قبلی هزینه ٥۰ میلیون لیره‌ای ۱۹۵۸ و سالهای بعد راتامین میکند تصویب کردند .

بیش‌از نصف مبلغ مزبور برای توسعه وسائل بهره‌برداری در گچساران اختصاص داده شد تا نفت خام بجزیره خارك که در فاصله ۱٤٤ کیلو متری واقع است حمل گردد و جهت احداث خط لوله و ساختمان اسکله‌ها وتاسیسات درجزیره خارك خرج بشود تاکشتی های صد هزار تنی به بالا بتوانند دراین بندر بارگیری کنند .

توسعه منطقه‌نفت‌خیزگچساران که بموازات ساختمان‌مرکزبارگیری جزیره خارك بپیشرفت میکرد با عزیمت اولین کشتی حامل نفت خام گچساران از جزیره خارك درتاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۳۹ بتوفیق انجامید .

ثروت سرشار

منطقه نفت‌خیز آغا جاری همچنان بزرگترین تولید کننده نفت ایران محسوب میشود و در سال ۱۹۶۳ بطور متوسط هر روز ۷۸۵٫۰۰۰ بشکه از آن تولید شد . گچساران نیزدومین منطقه نفت‌خیز ازلحاظ مقدارتولیدپس‌از آغاجاری محسوب میگردد .

منطقه گچساران درسال ۱۹۵٤ که شرکتهای عامل نفت ایران بکار مشغول شدند منطقه‌ای متروك‌گذاشته شده بود . اولین اقدام حفاری عمیق‌تر چاه شماره ۱۲بودکه درسال ۱۹۳۹ متروك گذاشته شده بود . علاوه‌بر این بین سالهای ۱۹۵٦ و سالهای بعد تا (۱۹٦٤) حفاری بسرعت دنبال شد و دستگاههای بهره‌برداری جدیدی نصب شد .

دراهواز نیز چند چاه در زمان شرکت سابق حفرشده ومتروك گردیده بود . شرکتهای عامل نفت ایران مبادرت به ادامه عملیات حفاری و توسعه منطقه اهوازکردند و تاکنون بیش‌از ۳۰ چاه حفر شده است که بیشتر آنها قابلیت تولید دارند .

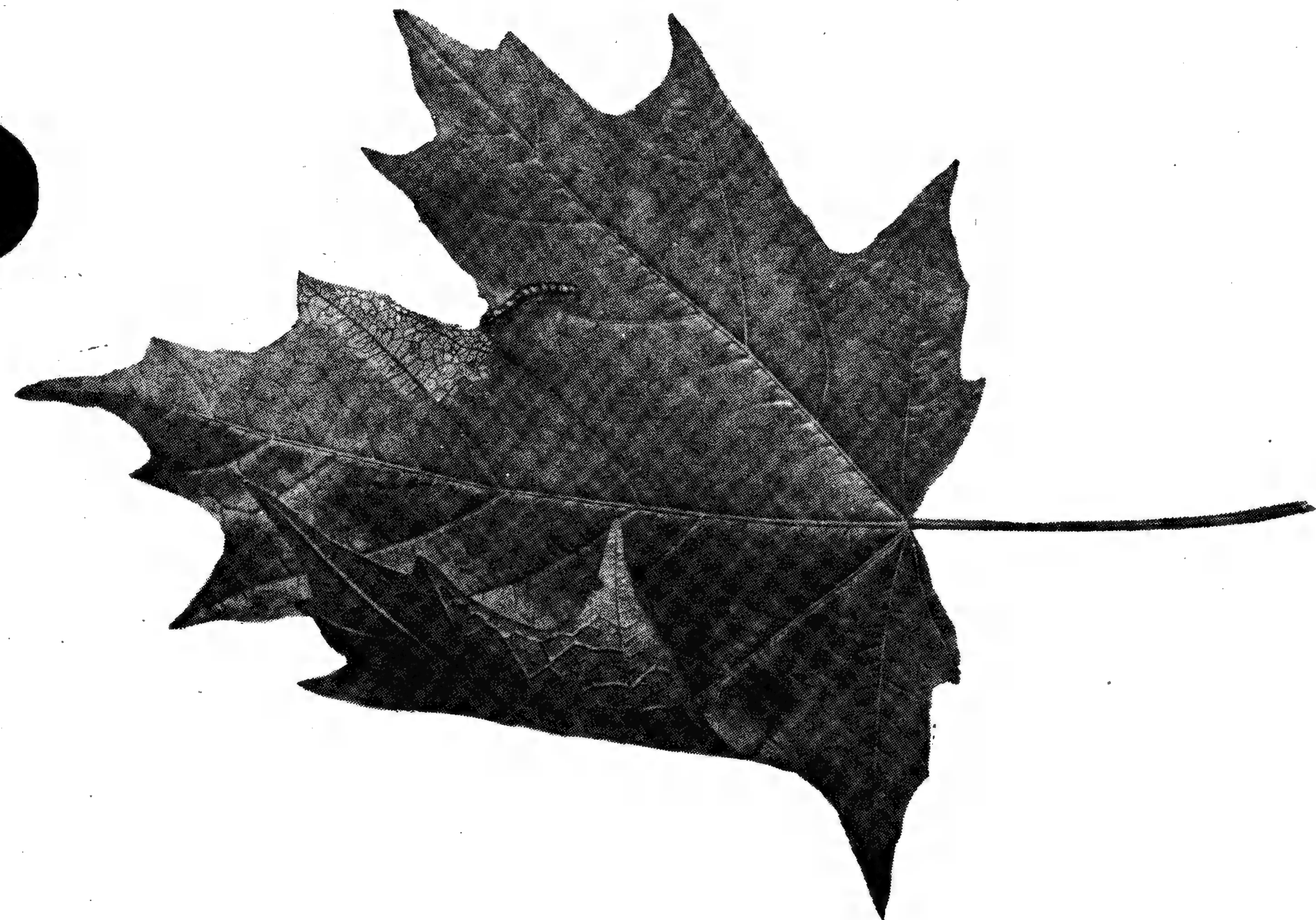
دراین منطقه دودستگاه بزرگ تصفیه‌گاز از نفت نصب شده است که هریك هزینه های هنگفتی دربر داشته است . تولید نفت در اهواز در ۱۹٦۳ به تقریبا ۹۷ هزار بشکه در روز رسید

در مناطق دیگر مانند مارون (در ۳۰ کیلو متری شمال غرب رامهرمز) و سبز پوشان (درحدود ۲۵ کیلو متری جنوب شیراز) و جزیره خارك و کرنج (۲۲ کیلو متری شمالشرقی آغاجاری) ومشتاق در شمال غرب اهواز و منصوری درجنوب شرقی اهواز و بوشقان در جنوب شرقی گچساران وکوه سفید بین گچساران و بوشهر عملیات اکتشافی و حفاری بسرعت وبادقت انجام میشود و دربرخی ازاین‌مناطق آثاری از وجود منابع نفت بدست آمده است . در ناحیه پازنان نیز شروع باستخراج گاز و انتقال آن به آبادان شده است .

تامین رفاه کارکنان

درتمام مناطق تهیه وسائل زندگی و ساختن خانه و تاسیسات عمده دیگر برای کارکنان و تامین آب و برق ووسائل ارتباطی از اهم کارهای مربوط به پیشرفت و تهیه وسائل رفاه کارمندان و کارگران دنبال میشده است . و امور مربوط به رفاه کارکنان و تامین وسائل بهداشت و درمانگاه و بیمارستان و بطور کلی امور غیر صنعتی از طرف شرکت ملی نفت ایران و با تشریك مساعی صمیمانه شرکت های عامل نفت ایران تهیه گردیده و ادامه دارد .

بدون صرف این همه هزینه های هنگفت و تاسیسات جدید و تهیه‌این‌وسائل عظیم امکان پیشرفت صنعت نفت ایران نمیرفت . این برنامه‌ها همچنان دنبال میشود تا این صنعت عظیم منشاء پیشرفتهای بزرگ اقتصادی دیگر برای ایران بشود .



... و این است زندگی

توراة درباره تکوین حیات درروی زمین چیزی بما نمی‌گوید . مدت بیست قرن ، انسان مؤمن بخدا کورکورانه به افسانه آفرینش ایمان داشت .ودانشمندان پیشین از زمان قدیم تا قرن هیجدهم کمتر درباره منشاء زندگی‌سؤال‌وجوابی پیش می‌آوردند. زیراکه به‌خلقت‌ناگهانی و خودبخود عقیده داشتند . وقتی که‌بقول «اوید» سنگ بصورت انسان درمی‌آیدو بقول ویرژیل زنبورعسل از شکم گاونر بیرون می‌پرد چرا نباید پذیرفت که‌شقایق دریائی و کرم و ماهی از گلهای اعماق دریا بوجود آمـده باشند ؟ وان‌هلمون بزرگترین فیزیولوژیست قرن هفدهم حتی چندان دراین راه پیش رفت که‌برای تهیه «موش» از مقداری پنیر وپیراهنی کهنه دستورالعملی نوشت و گفت که‌اگر این پیراهن پیراهن کهنه زنانه باشد ، بهتر خواهد بود . ودر همان ایام‌آناستاز کیرشر که درباره‌تشابه‌پاره‌ای‌ازموجودات به‌مطالعه می‌پرداخت ، به عقیده خود به کشف موجودهائی‌نیمه گیاهی‌ونیمه‌حیوانی توفیق یافته بود .

حتی پس از اکتشاف عظیمی که‌در سال ۱۸٦٤ بدست پاستور صورت گرفت و هرگونه ولادتی را بی‌نطفه‌وبی‌دخالت میکروبهای هوا محال دانست، بازهم پاره‌ای از توهمها ازمیان نرفت .

در اواخر قرن نوزدهم ناگهـان فاصله میـان ماده و زندگی بیشتر شد . «هکل» **Haeckel** سخن ازآمیب بی‌هسته‌ای بمیان آورد و توماس‌هکسلی ادعاکرد که در اعماق دریا ماده لرزان و بی‌شکلی پیدا کرده است که‌بایدنخستین ماده زنده شمرده شود . بعقیده توماس هکسلی این ماده در اعماق اقیانوسهای روزگاران پیشین یا روزگاران نخستین پدید آمده بود . اما این‌موضوع نیزتوهم دیگری ببار آورد . و اکنون چنین‌بنظر می‌رسد که موضوع باین ترتیب فیصله یافته است که موجود زنده جز از موجود زنده نمی‌تواند بوجود بیاید . و باز باین ترتیب شکاف میان ماده و زندگی عبور ناپذیر بود .

کشف ویروس که‌بدست‌ایوانووسکی صورت گرفت و اکتشاف «باکتریوفاژ»

که‌درسال ۱۹۱۵ بوسیله «فرانسواده‌رل» انجام یافت باردیگر دانشمندان‌رابتحقیق و تجسس واداشت تا شاید قدمی که میان ماده بیجان و جاندار برداشته شده است، روشن شود و معلوم گردد که زندگی براثر معجزه‌ای از اعماق دریا پدیدآمده یااینکه ماده معدنی تحت‌تاثیر بعض‌عوامل مرور زمان و آرام‌آرام به‌موجود زنده‌ای تبدیل یافته است .

ما درابنجا به مساله فلسفی بسیار دقیقی برمیخوریم که طرفداران فلسفه اصالت روح و طرفداران فلسفه مادی را در دوصف مخالف قرارمی‌دهد. درقسمت اصالت روح و فلسفه الهی دوعقیده‌وجود دارد که یکی تئوری «هستی درباطن» ودیگری تئوری «حکمت محض» است. سنت‌اوگوستن که اصل حیات‌را «کائن وفاعل در باطن» می‌داند نطفه مرد را بعنوان دلیلی برای وجود زندگی در طبیعت ارائه کرد و ازشرایط مساعدبرای رشد زندگی سخن بمیان آورد .خداماده را خلق‌کرد و دینامیسمی درنهاد آن بودیعه گذاشت همچنانکه درخت دردل تخمه‌ای نهفته است ... وچون زندگی بالقوه در نهاد ماده وجود دارد هیچ‌چیز مخالف این نیست که بتوان از مرحله‌ماده بمرحله زندگی گذشت . وفرضیه دوم‌که فرضیه سن‌توماس است به‌پیروی از فلسفه ارسطو زندگی را پیش از آنکه‌همه‌عوامل و شرایط لازمه فراهم آمده باشد محال می‌داند و خورشید را که بزرگترین منبع انرژی است و خود مخلوق خداست یکی از این عوامل می‌پندارد .

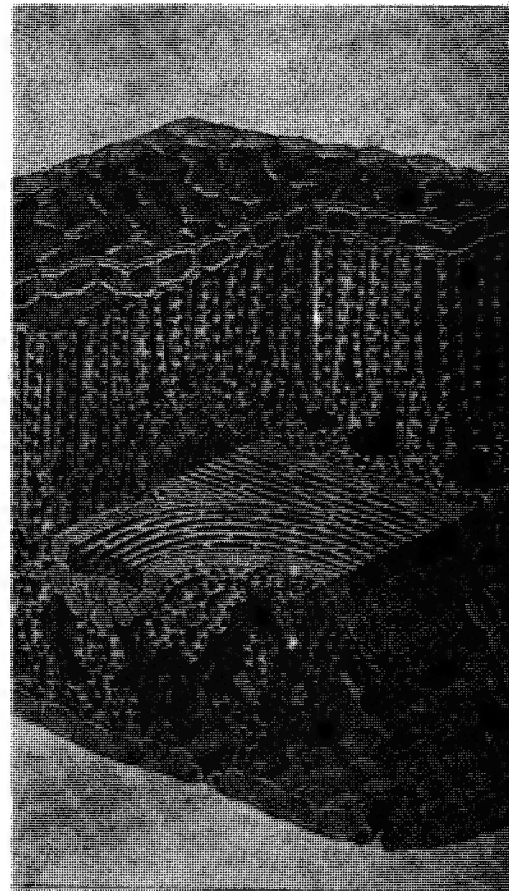
در صف مادیون ، پیش از همه می‌توانیم از لوکرس نام ببریم که‌زندگی را زائیده تصادف می‌داند و در بازی «تکوین» که شکستهای بسیاری دارد پیروزیهائی می‌بیند که بندرت امکان می‌تواند داشت . لکونت‌دونوئی که ظهور زندگی‌رابرحسب تصادف محال‌می‌پندارد، غیرممکن را به غیر محتمل تلفیق‌می‌دهد خلاصه فلاسفه ماتریالیست دیروزوامروز به‌این عقیده‌اند که استحاله‌ماده به‌زندگی ازنظر دیالکتیك غیرممکن نیست . «انگلس» در اواخر قرن نوزدهم‌فرضیه ماتریالیستی خودرا دراین زمینه‌برخواص آلبومین مبتنی ساخت که بتنهائی بیشتر اعمال لازمه زندگی را از قبیل‌عمل‌هضم و دفع و توالد انجام دهد . سپس درسال ۱۹۳۰ اوپارین دانشمند روسی فرضیه «زندگی ناگهانی» را در آغاز دوره‌ای که زمین پیدا شده بود و شرایط زمان و مکان ازهیچ‌لحاظ باشرایط امروز کره زمین شباهت نداشت ، امکان‌پذیر دانست. و رفته‌رفته سخن از ماده‌ای بمیان‌آمدکه تا اندازه‌ای مثل آستیلن و متان و هیدروکربن‌های دیگر بوده وخودذره‌ای از نیروی حیات را دربر داشته است . رفته‌رفته دانشمندان آلبومین را کنار گذاشتند و بجای آلبومین بسوی‌ویروس و باکتریوفاژ روی آوردند که اگرچه هنوز اطلاع دقیقی از «زنده بودن» هیچیك ازآندو دسته دردست نیست می‌توان گفت‌که واسطه‌هائی درمیان‌ماده و زندگی هستند. تجزیه ومطالعه‌وترکیب مواد آلی گوناگون‌که هم در سلولها وهم در باکتریها وهم در ویروسها پیدا می‌شوند درحال‌حاضر یگانه وسایل‌تحقیق درباره مواد متشکله و روش تشکیل آن «آبگوشت» و آن «لرزانکی» است که در اعماق دریا موج می‌زد و نخستین موجود زنده ازآن زائیده‌شد...موجودی که شاید باکتری یا «آلگ‌ابیرنگ»بود. خلاصه این است روشهائی که برای‌نزدیك شدن به اسرار زندگی درپیش گرفته‌شده است .

بسوی ایجاد زندگی

زیست‌شناس جوانی‌که در انستیتو تحقیق درباره سرطان مشغول کار است مدت دو ساعت بی‌آنکه لغتهای ندیده و نشنیده‌ای بکار برد بقول خودش‌مختصرا ساختمان ماده زنده را برای ما شرح‌داد. و آنچه دراینجا می‌توانیم بگوئیم‌این‌است که ماده زنده از نظر پیچیدگی ساختمان خود چیز سرگیجه‌آوری‌است و اصولا از آسیدهای آمینه و نوکله‌ئوتید ، ــ Nucléotides بوجود آمده است . آسیدهای آمینه پروتئین‌ها را تشکیل می‌دهند و نوکله‌ئوتیدها آسیدنوکله‌ئیك را بوجود می‌آورند و این چیزها حلقه های مولکولی زنجیرهای درازی هستند که اگر باز شوند ازلحاظ طول‌بیك متر می‌رسند .

ژنها Génes که مثل نقطه‌های سیاهی کروموزومهای سلولها را رنگین می‌سازند ازهمین‌زنجیرهای‌نوکله‌ئوتیدها تشکیل می‌شوند و عبارت از گردن‌بندی بطول یك‌متر هستند که هشت‌هزار دانه مروارید دارند و در چیزی که یك ملیونیم میلیمتر تاب خورده‌اند . آری... باردیگر سرگیجه‌ای بانسان‌دست‌می‌دهد.. و تنها میکروسکوپهای الکترونیك و بخصوص میکروسکوپ تولوز است‌که‌در سایه آن دانشمندان می‌توانند به مطالعه و تجزیه ساختمان ماده زنده بپردازند و حتی در راه ترکیب آن دست بکاربزنند. و باین ترتیب است که چند سال پیش توانستند ویروسی ایجاد کنند و استانلی میلر یکی از دانشجویان امریکائی در لابراتوار دانشگاه خود توانست دوآسید آمینه بسازد و استاد خود «اوری»برنده جایزه نوبل را متحیر گرداند . میلر مولکولی از ماده زنده را ساخته بود و برای آنکه بتوان به ساختن پروتوتینی توفیق یافت باید ده‌آسیدآمینه ساخت و در ساختن هریك دقت فراوان بکار برد و اکنون که دانشمندان بر مبنای‌همین اصول بکار و جستجو می‌پردازند، امید می‌رود که اسرار حیات و منشاء آن بزودی بدست بیاید . اما ناگفته نماندکه این‌کار بزودی صورت نخواهد گرفت .

شگفتی زندگی در بررسی سلولی گیاهان بخوبی دریافته میشود



مسابقه در راه آفرینش زندگی

ترجمهٔ پریچهر فرجادی

درحال حاضر دانشمندان درحال‌بر داشتن قدم عظیمی هستند که‌کشف فضارا تحت‌الشعاع قرار خواهدداد و آن پرده برداری از اسرار: توارث، توالد ، و خود زندگی است .

درچند سال‌گذشته ، بزرگترین علمای بیوشیمی سخت کوشیده‌اندکه موجود زنده‌ای را در داخل لوله آزمایش بوجود آورند . ممکن است عده زیادی منکرصلاحیت آنهاباشند. اما بطوریکه خودشان نشان میدهند، کارشان فقط بطور غیرمستقیم رابطه‌ای با امکان ترکیب موجودزنده دارد . با وجود این ، تحقیق درشیمی حیات با جهشی که میتوان آن را مسابقه‌ای نامید ، دراین جهت پیش میرود و نتیجه آن ممکن است حتی از روشنائی اتمی هم خیره‌کننده‌تر باشد .

شاید درزمان‌کوتاهی درآینده، مثلا یکی دوسال دیگر شخصی در آزمایشگاهی ذره‌ای از ماده عجیب شیمیائی را که DNA (1) خوانده می شود ودرتمام‌ذرات حیاتی موجودات زنده و بیشتر ویروس ها وجود دارد بسازد DNAشامل ژن (Géne) ماده اصلی توارث و آن ملکول‌اصلی است که به فعالیت حیات شکل میدهد و آنرا رهبری می‌نماید . **اگر بشر بتواند DNA را درآزمایشگاه** بسازد ، قادر بساختن ماده‌ای شده که اورا بامراحل زندگی و ساختمان نسوج آشنا میسازد و بطور خلاصه بشر قادر بآفرینش زندگی خواهد شد .

تا چند سال اخیر، ترکیب‌مادهٔ زنده در لولهٔ آزمایش نوعی خیالبافی علمی تلقی میشد تا خود علم . آنچه که خلق مصنوعی حیات را بصورت یك امکان مسلم درآورده ، پهنهٔ جدیدی از علم است که میتوان‌آنرا شیمی توارث نامید . این موضوع با آنچه که ما راجع بتوارث در کلاس های زیست شناسی خوانده‌ایم ومثلا دربارهٔ امکاناتی که راجع به بوجود آمدن یك دختر چشم آبی از یك‌پدر چشم قهوه‌ای و مادرچشم آبی‌وجود دارد فرق بسیار دارد . شیمی‌توارث سوال عمیق‌تری را مطرح مینماید و آن اینست : چطور سلولهای حیاتی ارث را منتقل می نمایند و چگونه این ارث ها بصورت بافت زنده در میآیـد ؟ تقریبا در دوازده سال گذشته جوابهای زیادی برای این یافته شده و تحقیق در شیمی‌توارث جزئیات زیادی را آشکار نموده . مثلا چطور مادهٔ اصلی تشکیل‌میشود و حیات درآن بوجود میآید و هم‌چنین نشان داده که چطور بشر هم بخودی خود میتواند بدنبال بوجود آوردن آن ماده‌ای که گفتیم شامل مادهٔ اصلی حیات است و DNA نام دارد باشد و ازاین راه موجود زنده‌ای را بوجود آورد . هم اکنون این مبارزه در چندین مرکز شروع شده و لااقل یکی ازاین دسته ها بهدف نزدیك شده‌اند بنابراین مدت زمانی نخواهد گذشت که بشر آن قدرت خدایی را خواهد یافت که در طبیعت مداخله نماید و آنرا مطابق میل خود تغییر دهد .

---

(1) DNA=Deoxyribonucleic Acid
RNA=Ribonucleic Acid } مواد سازنده هسته و سلول

اولین شیئی زنده بشر ساخته مطمئنا چیزی شبیه همان DNA طبیعی خواهد بود که مثلا در یك ویروس وجود دارد.

سپس DNA طبیعی باشکال مختلف تغییر خواهد کرد و عاقبت کاملا بصورت یك چیز مصنوعی در خواهد آمد که بهیچوجه با طبیعت ارتباطی ندارد و میتوان امیدوار بود که دانشمندان بتوانند اشکال کاملا جدیدی از زندگی بسازند.

از همه مهمتر، باین ترتیب قدرتی دراختیار بشر قرار خواهد گرفت که بوسیلهٔ آن خواهد توانست توارث‌را نه تنها درگیاهان‌وحیوانات، بلکه در انسان هم تحت کنترل خود درآورد. بمحض اینکه دانشمندی توانست DNA را بوجود بیاورد خواهد آموخت که چطور DNA بشری بسازد ودراینصورت بمادهٔ اصلی آفرینش بشر پی برده وخواهد توانست بوسیلهٔ این محصول لولهٔ آزمایش شخصیتهای بشری راتغییر دهد، بجبران نقایص تولدبپردازد و کودکان را به جنسیت و روحیهٔ دلخواه بدنیا بیاورد و شایدباروحیهٔ کاملا متفاوت. باید دانست که‌خود دانشمندان هم از چنین موفقیتی بیمناکند.

آلفرد میرسکی، از موسسه راکفلر میگوید: «بیشتر ما با تغییر وراثت درنباتات و حیوانات موافقیم و بشر از زمانهای بسیار قدیم این عمل را انجام میداده و بیشتر ماهم میتوانیم با این موضوع موافق‌باشیم که تغییر وراثت در بشر بخاطر حذف عوامل مقاوم لازمست.»

ولی راجع به تغییر توارث در انسان بخاطر مقاصد دیگر چطور؟ این بخودی خود کاملا موضوع جداگانه‌ایست. مدت زمانی نخواهد گذشت که ما برسر دوراهی این تصمیم قرار خواهیم گرفت که آیا میخواهیم که کنترل شیمیائی‌برروی آثار توارث داشته باشیم؟ بعبارت دیگر آیا میخواهیم که نژاد ماده را اصلاح نمائیم. واگر چنین است چگونه؟ این تصمیم بستگی بنظرهمهٔ ما دارد ما باید چیز هایی رابیاموزیم چون این ها مشکلاتی هستند که نمیتوان‌حل آنهارا فقط ازدانشمندان خواست.

متخصصین پزشکی موارد استعمال عجیبی برای این علم پیش بینی مینمایند مثلا تحقیق برروی DNA ظاهرا کلید معمای پیچیده سرطان را در دست دارد. بعضی از سرطانها در نتیجهٔ تغییراتی که در هستهٔ سلول بوجودمیآید ودر نتیجهٔ مکانیسم کنترل معمولی نمو سلول‌را بهم میزند پیدا میشوند. درموارد دیگر ویروس های مخصوصی در سلول پیدا میشوند که باعث نمو بیحد آن میگردند.

بتجربه نشان داده شده که ویروس ها در بسیاری ازسرطان های حیوانات عامل اصلی بوده‌اند و متخصصین پزشکی حدس میزنندکه این عامل در سرطانهای انسانی هم بی تاثیر نیست DNA هردومشکل‌سرطانی‌است.
هستهٔ سلول و DNA ویروس علم به وجود آوردن DNA در لولهٔ آزمایش بشر را باین سرچشمه فیاض حل اشکال سرطان راهبری مینماید.

بهمین ترتیب ممکن‌است سلاح های جدید و موثر دیگری ضد تمام بیماریهای ویروسی بطور عموم بدست آید. علمای بیوشیمی اظهار میدارند که در سلول زنده DNA بطور مستقیم یا غیرمستقیم‌مسئول ساختن ترکیبات شیمیایی مختلف بسیاری است که مهم‌ترین آن ها پروتئین است که مادهٔ اصلی نسج زنده می‌باشد. بیشتر این ترکیبات، اگر بتوانیم طرز درست کردن آنهارا بدست‌آوریم در پزشکی موارد استعمال بسیاری دارند. برای ساختن آنها بیوشیمیست ها به این مرحله رسیده‌اند که از خودطبیعت تقلید می نمایند و مقدار مقتضی DNA آماده را با دیگر موادمورد لزوم در یکجا قرار میدهند، آنوقت DNA همانطور که در سلول زنده عمل مینماید ساختمان ترکیب مورد لزوم را نشان میدهد.

ترکیب ماده زنده همچنین از نظر سیاسی قابل اهمیت خواهدبود حتی درمواقع عادی هم چنین کشفی برای مملکتی که اولین بار بآن‌دست یافته غرور زیادی ببار خواهدآورد. ولی در شرایط سیاسی حاضر، این موضوع یکنوع «قمر مصنوعی بیولوژیکال» خواهد بود و متاسفانه شاید هم اکنون هم کسی منتظرنتایج نظامی تحقیق در DNA میباشد وحتی دانشمندان جنگ سرد با کوشش هرچه بیشتر میخواهند این موضوع را تعهد نمایند که ایالات متحده اولین خلاق ماده زنده در آزمایشگاه خواهد بود. کوشش و برنامهٔ فوق‌العاده‌ای هم برای بردن این مسابقه لازم نیست و در واقع هرفرد آمریکائی که قادر باشد کار موثری دراین زمینه انجام دهد فعلا باسرعت هرچه بیشتر روی DNA کار میکند.

هیجان مسابقه و جایی که این پیروزی در تاریخ اشغال خواهدنمود منتظر پیشروان این مسابقهٔ عجیب میباشد و همین کافی است.

میکربها قصه میگویند

چطور دانش جدید باین مرحله رسید که ترکیب **DNA** را بزودی یك‌حقیقت‌انجام‌شده‌خواهددانست؟ ذره ها و قطعاتی ازاین داستان در اخبار راه یافته و شما حتی اگر دو یا سه سال پیش دانشکدهٔ زیست شناسی را تمام کرده باشید باز از قسمتهایی ازاین داستان بی‌خبرید. هنوز بیشتر دروس دانشکده ها چیز زیادی راجع بکشف هایی که جدیدا درباره شیمی توارث بعمل آمده ندارند. برای شروع این بحث باید دانست که زندگی دراصل یك جریان شیمیایی است و اینکه ساختمان زندگی باتمام اختلافش ماشین شیمیایی عجیبی است. همچنین باثبات رسیده که عوامل اختصاصی‌توارث توسط زنجیرهایی بهم پیوسته ای که کروموزوم (Chromosome) نام‌دارندمنتقل میشوند **در ساختمان پرباختگان** تقریبا هرسلولی برای خود دستگاه یکسان و کاملی از کرموزوم دارد که معمولا در هستهٔ سلول جای دارند. درسلولهای بشر ترکیب معمولی کروموزوم ۴۶میباشد. هرچندازاین

موضوع نباید نتیجه گرفت که‌بشر محصولی است که فقط از ٤٦ نوع روحیهٔ مختلف موروثی تشکیل‌یافته. کرموزوم ها خودشان از واحد های کوچکتری تشکیل شده‌اند که ژن (Gene) نامیده میشوند و مانند‌دانه های لوبیادرکروموزوم‌جای‌گرفته‌اند. وهرکدام ازآنها مسئول یك‌روحیهٔ موروثی جداگانه می‌باشند. هر کروموزوم ممکنست بخودی خود شامل هزاران ژن باشد و یك دسته از آنها شامل دهها هزار. که کاملا برای طرح‌ابتدایی‌ساختمان‌شاهکاری مانند بشر هم کافی است. یکی از متخصصین توارث میگوید کرموزوم هایی که در بیضهٔ یك فرد انسان وجود دارد حاوی اطلاعاتی است که معادل صدها جلد کتابی است که‌هر جلد آن باندازهٔ یکی از کتابهای دائرةالمعارف انگلستان میباشد.

این اطلاعات وحتی بیشتر از آن در اواسط سال ۱۹۳۰ بدست آمده بود باوجود اینکه بیشتر ژن‌ها کوچکتر از آن بودند که بتوان آنها را بامیکرسکپ‌های‌عادی‌مورد مطالعه قرار داد (میکرسکپ های الکترونی هنوز ساخته نشده بود)اما یکی از ژنتیسهای (Genetists) با هوش دریافت که سلولهای غدد بزاقی‌کرم های میوه دارای کروموزوم های بسیار بزرگی است وباین ترتیب با میکرسکپهای معمولی هم قابل‌مطالعه میباشند واین دانشمند درآنها رشته های تاریك وروشنی را تشخیص داد واین رشته ها بعنوان ژن‌های بسیار بزرگی تشخیص داده شد. ولی در این مرحله هیچکس ماهیت ژن را از نظر شیمیائی یا فیزیکی یا اینکه چطوراینهاحاوی‌طرح وراثت‌میباشند نمیدانست. این سئوالات تا وقتی دانشمندان مطالعات خودرا سالها بروی یك حشره کوچك که کرم میوه مدیترانه‌ای بود محدود نموده بودند قابل جواب نبود. باوجود اینکه

این موجودات در مقایسه با انسان یا موش بسیار ساده بودند اما برای دریافتن کار عملی ژن‌ها بازهم موجودات پیچیده‌ای‌بشمار میرفتند. در سال ۱۹٤۱ یکی از دانشمندان زیست شناس اهل واهو، تجربیاتی را برروی کپك نان معمولی که نئوروسپورا (Neurospora) خوانده می‌شود شروع کرد. این کپك را در مایعی که فقط شامل شکر، کمی نمك و ویتامین "B" بود پرورش میداد. میکرسکپ نشان میداد که این موجود حقیر میتواند برای خود آنچه را که مورد احتیاجش هست از قبیل اسیدهای آمینه، پروتئین، چربی، ویتامین های دیگر را بسازد. این دانشمند(که‌استادزیست شناسی دانشگاه استانفورد بود) فهمید که مطالعه برروی این موجود(نئورو — سپورا) موقعیت بسیار خوبی برای مطالعه برروی عمل ژن ها بدست میدهد و تا آنجا پیش رفت که توانست باقرار دادن این کشت در معرض اشعه ایکس ضربات قطعی به یك یا چند ژن دیگر وارد آورد.

در نتیجه این موجود دیگر نتوانست آنچه را که لازمه نموش بود بدست آورد و همچنین‌نتوانست درآن حد متوسطی که برایش معین شده‌بود برشد خود ادامه دهد. در اینجا دانشمند مزبور گاهگاهی مقداری غذای کمکی به حد متوسط افزود تا اینکه کپك دوباره شروع برشد نمود. باین ترتیب او کاملا محیطی را که ساختمانش با ژن‌های از بین رفته بوسیله اشعه ایکس کنترل شده بود آماده ساخت و بعد بکمك دانشجوی جوانی نشان دادکه ژن ها شیمی سلول را کنترل‌میکنند وبعلاوه حاکم برتمام عکس‌العملهای شیمیائی است که در هر سلول زنده انجام میگیرد. این تجربیات (که جایزه نوبل‌را برای میدل وتاتیوم محققین آن بارمغان آورد) عمل اصلی

ژنها را نشان‌داد اما چگونگی خودآنها نامعلوم ماند. این‌مشکل هم‌بامطالعاتی بر روی میکرب ذات‌الریه که یك تك یاخته ای دیگر بود حل شد ومعمولا گروههای مختلف این میکرب وقتی باچشم معمولی بآنها نگاه میکردند صاف وروغنی بنظر میآمدند واین موضوع بخاطر رویه روغنی‌میکرب است. باوجود این گاهی اوقات‌گروه های مختلف میکرب ذات الریه را میتوان بدون این رویه روغنی یافت واین نوع میکرب ظاهرا دارای سطح سختی می‌باشند. باکتریولوژیست ها بخصوص وقتی فهمیدند که این میکربهای بی‌رویه‌میتوانند باعث‌ایجاد بیماری گردند بیشتر بآنها توجه نمودند. سپس دانشمندان با بکار بردن حرارت بعضی از میکربهای حامل بیماری (دارای رویه) راکشتند وآنها را در لوله آزمایشی که حاوی میکروبهای‌بدون‌پوشش‌بود انداختند. باکمال تعجب میکروبهای بدون رویه جلد بخودشان گرفتند و دوباره بیماری زا شدند. بعبارت دیگر میکربهای مرده، زنده، را عوض کردند. این موضوع چگونه اتفاق افتاد؟. این معما در سال ۱۹٤٤ به وسیله گروه دانشمندانی از موسسه راکفلر در نیویورك حل شد.

آنها ثابت کردند که ژن‌ها میتوانند از مرده بزنده منتقل‌شوند، وقتی همه آزمایشات خلاصه شد ماده حاوی ژن بانام مرکب
Deoxyribonucleic Acid
(dee-oxy-rye-boh-nu-cloy-ic)
یا بطور خلاصه DNA خوانده شد.

مساله‌ای بنام وراثت

صادق خانجانی

امروز کلمه کروموزوم وژن و نقش آن در وراثت بقدری پیش‌پاافتاده است که حتی شخصی که از زیست‌شناسی اطلاعی ندارد در این مورد باحتمال‌قوی میتواند جواب مختصر ودرستی بدهد.

نقش اسیدنوکلوئیک NUCLEIQUE واثر آن بروی ژنها و کروموزومها که از مجموعه عده زیادی ژن تشکیل شده و در هسته سلول قرار دارد قابل ملاحظه است . بنابراین چون وراثت توسط ژن‌ها از نسلی به نسل دیگرمنتقل میشود میتوان گفت که هسته مهمترین قسمت سلول بشمار میرود . دانشمندان طی تحقیقات دوسال اخیر این موضوع را تایید نموده و هرگونه شك و ابهامی را از بین برده‌اند .

عده‌ای دیگر ازدانشمندان تحقیقات دیگری نموده و طرحی را که از عهد «مندل» MENDEL کشف شده بود و وراثت را به هسته سلول منحصرمیکرد نفی میکنند **سر بریده درمقابل حیوان بدون سر** یاخته بدون هسته‌شبیه‌حیوانی است که‌سرش‌را ازدست‌داده‌باشدهرحیوانی چندلحظه پس ازدست‌دادن‌سر هلاك‌میشود، استثنائاً گلبولهای قرمز خون انسان هسته ندارند و میتوانند مدتها زنده‌بمانند ولی این گلبولها در انتقال وراثت سهمی ندارند و قادر به تکثیر هستند همین‌مثال نقش موثر هسته را در مورد تکثیر و انتقال وراثت معلوم میدارد .

سال گذشته جایزه نوبل به‌کریك و واتسون وویلکینس اعطاء شد . سه دانشمندان فوق‌الذکر موفق به کشف ساختمان آ.د.ان و قوانین وراثت شده بودند قبل ازآن‌ها مورگان ومولروبیدل دراین راه گامهائی برداشته بودند وبطور خلاصه تاکنون لااقل ده جایزه نوبل نصیب دانشمندانی که هم خودرا صرف آشکار کردن راز وراثت کرده‌اند شده است . صد سال پیش فرضیه مندل اثبات و تجارب متعدد درست بودن آن را تایید نمود .

همه میدانیم که سر بریده نمیتواند بیش از جسم بدون سر به حیات ادامه دهد و اگر بالفرض زنده بماند حتما در شرایطی قرار میگیرد که نمیتوان آن را زندگی نامید . همچنین هسته‌ای که از سلول جدا شود شبیه مدیر کارخانه‌ایست که از کارگران و کارمندان کارخانه‌اش جدا شده باشد بنابراین اگر مدیرنتواند تصمیماتی راکه گرفته یا اخباری را که کسب کرده بآنها بگوید دیگرمدیربودن او چه نفعی خواهد داشت ؟

مدتهاست که زیست شناسان نقش سیتوپلاسم را مشابه کارگران‌وکارمندان کارخانه می‌دانند .

تکنیسین‌ها دستوری را که از بالا می‌گیرند اجرا میکنند و پروتوئین و آنزیم می‌سازند و عناصری راکه برای بقای حیات لازمست ذخیره میکنند بنابراین آن‌ها نقشی جز اجرای‌تصمیمات ندارند .

در سال ۱۹۰۸ یکی اززیست‌شناسان بنام‌کورن نقش سیتوپلاسم را بالاتر از مامورین اجرا دانست نامبرده معتقد بود



عکس ۵ رشته‌های دوقارچی‌که نمیتوانند درکنار هم زندگی کنندوفضای سفید معرف سدهائی میباشند که‌مادربالا چگونگی آن راشرح دادیم .

که ممکن است سیتوپلاسم درانتقال‌وراثت نقشی داشته باشد ولی صدای این‌دانشمند بزودی خاموش شد و گفتار او جدی‌تلقی نگردید .

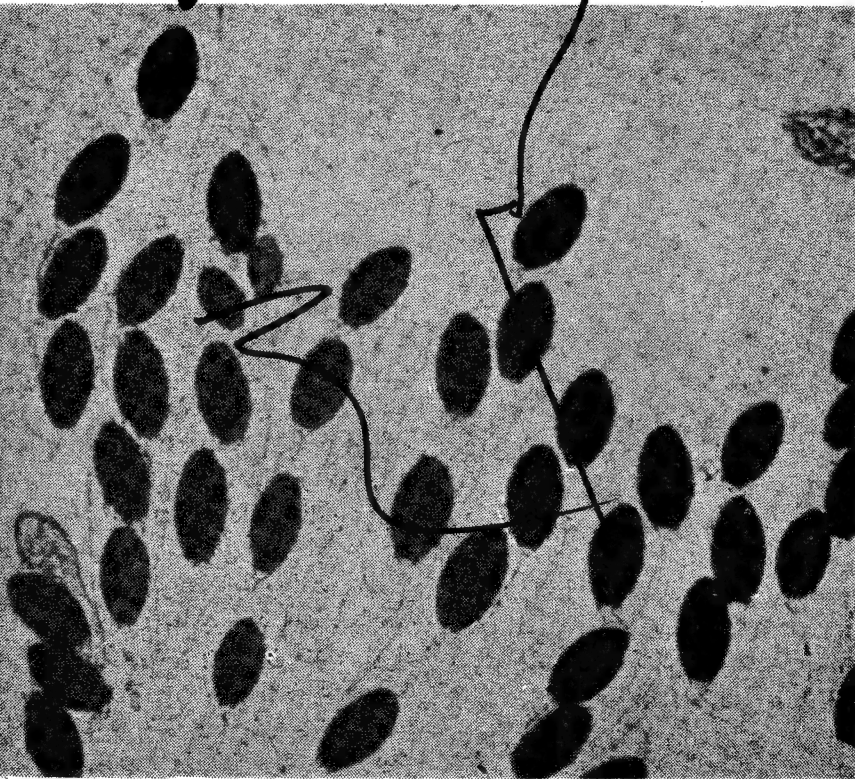
در سال ۱۹۴۰ پدیده‌هائی که میتوانست شك و ابهام بوجود آورد نمودار گشت چه معلوم شد که ممکن‌است مشخصاتی که از نسلی به نسل دیگرمنتقل میگردد حتما تابع قانون مندل نباشد .

سیتوپلاسم موضوع روز در زیست‌شناسی

هر نسل مشخصاتی دارد که قانون مندل چگونگی آن را بیان میکند ولی غیر از آن مشخصات دیگری نیز وجود دارد که منحصراً از مادر بفرزند منتقل میشود و قانون مندل آن را به کروموزومهای جنسی نسبت میدهد ولی وقتی در سال ۱۹۳۶ هورتادبوس‌دانشمند نامی موفق شد سلولهای ماده جوجه‌تیغی دریائی را با اسپرماتوزوئید نوع دیگر جفت‌کند و بچه‌هائی از آن‌ها بوجود بیاورد که اغلب آن‌ها شبیه مادرشان‌بودند شك و تردید بیشتری درباره قانون مندل پیدا شد چه سلولهای ماده فاقد هسته بودند بنابراین در چنین صورتی‌انتقال وراثت ازمادر بفرزندجز ازراه سیتوپلاسم امکان نداشت .

سلول ماده یا اوول ۵۰هزار مرتبه بزرگتر از اسپرماتوزوئید میباشد وبدلیل آن هم این است‌که سلول ماده مقدار زیادی سیتوپلاسم و ذخایر و عناصر لازم برای ادامه حیات و نمو تخم دارد . اسپرماتوزوئید بدون داشتن کمترین‌مواد ذخیره‌ای وارد اوول میگردد بنابر این شکی نیست که اسپرماتوزوئید تنهابکمك کروموزومهایش میتواند مشخصات و خصوصیات نوع خودرا باعقابش منتقل کند در چنین صورتی اگر عضوی تنها مشابه مادر باشد ناگزیر باید بگوئیم که سیتوپلاسم در انتقال‌آن سهم بزرگی‌داشته است . عکس‌العمل زیست‌شناسان کلاسیك را در مقابل اشاعه چنین فکری بخوبی میتوان مجسم‌کرد بخصوص که نتیجه حاصله ــ باید اذعان نمود ــ کاملاروشن و صریح نیست از طرف دیگر واتس‌تن آلمانی تحقیقاتش رادراین باره‌در گیاهان ادامه داد و ضمن جفتگیری خزه‌های مختلف از نوع فونر متوجه شد که ساقه برگها و هاگ‌ها بیشتر دارای مشخصات مادر هستند نامبرده بهمین دلیل‌فکر کرد که درسیتوپلاسم‌عناصری مشابه‌کروموزوم وجود دارد .

موضوع وراثت بدون کروموزوم ممکن بودبهمین‌جاختم شودولی‌دانشمندان همیشه ضمن تحقیقات با چیزهائی روبرو میشدند که از توضیح آن عاجزند مثلا میخائلیس فیزیولوژیست معروف ضمن تحقیقات گیاهان ابلق با پدیده‌هائی مواجه شد که بنظر او عجیب بود. پدیده های ابلق از دیرباز برهمه معلوم بود و حتی تاآن زمان دلایل وجود آن‌ها زیاد بودند. آیا ویروس یا قارچهای انگل مسئول ابلقی شدن گیاهان هستند ؟البته جواب فقط در مورد بعضی از گیاهان مثبت بود ودر موارد دیگر ابلقی شدن ارثی بود. گیاهان دسته اخیر همانهائی هستند که خصوصیات و مشخصات اسلاف را بدون کروموزوم یعنی از راه دیگر بارث میبرند . میدانیم که در اینگونه گیاهان ناحیه‌هائی وجود دارد که‌درآن‌جا کلروفیل تشکیل نمیشود و باین نواحی آلبینوس یا سفید میگویند . سلولهای‌این نواحی نمیتوانند کلروفیل بسازند و این خاصیت از اسلاف به‌اعقاب منتقل‌میگردد نواحی دیگرمعمولا سبز هستند ومیتوانند کلروفیل بسازند مشهودات میخائلیس را می‌توان بدینطریق خلاصه نمود : ابلقی شدن و توزیع این دو ناحیه در گیاهان



عکس ۱ ـ سلول وهاگ قارچ عناصر تکثیر غیر جنسی

نسل بعد فقط به گامتوفیت ماده یعنی قسمت مادگی گیاهـان یا آن قسمتی که اوول را دربر دارد بستگی دارد بعبارت‌دیگر مشخصات آن هرگز به گرده‌های نر یا پولن بستگی ندارد . از گلهای ناحیه سبز همیشه گیاه سبز و از گلهای ناحیه سفید همیشه گیاه سفید یا بی‌رنگ واز گلهای ناحیه ابلق سه نوع گیاه سبز و سفید و ابلق بوجود میآید . در اینجـا بازهم با نمونه دیگری که خصوصیاتش‌را فقط از مادر بارث میبرد مواجه میشویم. زیست‌شناسان دراین باره توضیحاتی‌راکه درباره جوجه تیغی دریائی و خزه‌هـا داده‌اند تکرار میکنند : چون انتقـال خصوصیات و مشخصات ارثی است‌وچون تنها یاخته‌های ماده ابلقی بودن‌رابا‌عقاب منتقل‌میکنند بنابراین سیتوپلاسم‌درو‌راثت نقش بزرگی بعهده دارد .

دکترین تازه درباره وراثت

از وقتی کـه دامنـه تحقیقات و آزمایشها دراین باره زیادتر شد موضوع بسیار جدی گردید و موافقین‌ومخالفین بیش از پیش باهـم به بحث پرداختند بهرجهت فکر وراثت بدون کروموزوم راه خودرا طی میکنـد و توجه زیست شناسان را بخـویش معطوف کرده است بطوریکه در سپتامبر سال گذشته آن‌ها مدت دو روز در کنگره لاهه دراین‌باره بحث نمودند و تحقیقاتشان راکه لااقل به صد میرسد نشان دادند . بااین ترتیب امروز میتوانیم‌کلمه وراثت سیتوپلاسمی را بر زبان بیاوریم چه وراثت غیـر کروموزومی رسما بوجود آمد . با همه اینها امروزه کسی به قانون مندل ایراد نمی‌گیرد ولی هرکسی از خود میپرسد آیـا تنهـا هسته و محتویـات آن‌هـا کـروموزوم و ژن و نـوکلئوئیك نقش موثر را در وراثت بازی میکنند یا اینکه عناصر دیگری هم وجـود دارد ؟

تنها ایرادی‌که امروز میتوان به زیست شناسان گرفت اینستکه مدتها هسته سلول را تنها عامل موثروراثت میدانستند . درحقیقت ممکن است چیـزهـای دیگری غیراز هسته و کروموزوم وجود داشته باشد جالب اینجاست که همان وسایل وابزاری که باعث پیشرفت تحقیقات وراثت کروموزومی شد همانها در بوجود آوردن وراثت غیر کروموزومی نقش موثری بازی نمود درسیتوپلاسم چیز های کوچك زیاد است که تنها بکمك میکروسکوپ الکترونیك میتوان آنها را دید در سیتوپلاسم (حیوانی یـا گیاهـی) میتو کندری و ری بوسم وجوددارد بدون آنهاتشکیل پروتوئین و آنزیم غیر ممکن است طرفداران وراثت غیر کروموزومی معتقدندکه درسیتوپلاسم عناصری وجود دارد که میتوان آنهارا با ژن هائی که در هسته یافته میشوند مقایسه‌نمود این عناصر ارثـی کجا وچـه وقت در سیتوپلاسم تولید میشوند ؟

دراین مورد عقاید مختلف‌است. بهرجهت امروزه دامنه تحقیقات در خصوص بعضی‌ازعناصر سیتوپلاسم مانند میتوکندری وریبوزوم وکلرو- پلاست زیاد میشود. بسیاری‌معتقدند که‌عناصر سیتوپلاسم‌چون خودبخود زیاد میشوند بهمین جهت باحتمال قوی قابـل نقل باولاد و اعقاب میباشند ولی ایـن موضوع هنوز ثابت نشده است .

امـروزه فرضیه پلاسماژن بیش‌ازپیش مورد توجه قرارمیگیرد معهذا باوجودتحقیقات میکروسکوپی این فرضیه هنوز در مرحله ابتدائی است و زیست شناسان مشهور مانند ژان روستان وشارل سادرون و موریس کولری آنرا رد نمیکنند ولی تائیدهم نمینمایند. سه ماه پیش یك دکتر آمریکائی بنام روت‌ساجر (از دانشگاه کـولومبیا) نتایـج تحقیقاتش را دربـاره ژن هـای سیتوپلاسم در کنگره لاهه عرضـه داشت نامبرده نه تنها بکمك یوهی - ریروتسوبو همکار ژاپونی‌اش موفق به تغییر ناگهانی شد بلکه توانست ثابت‌کندکه سلولهای نر هم میتوانند ژن های غیرکروموزومی را منتقل کنند . با این ترتیب جفتگیری بین ژن های غیر کروموزومی مادر و پدر امکان پذیر است .

دکتر ساجر غوغای عظیمی‌در عالم زیست شناسی بپا کرد او اظهار داشت که هر ژن غیر کروموزومی خلاف ژن‌کروموزومـی که یکتاست دارای چند نمونه مشابه میباشد.



عکس B رشته های قارچ بهم نزدیك و متصل میشوند .

فرضیه تعادل

فرضیه دوم زیست شناسان «تعادل» است : ماده کروموزوم حاوی اطلاعات واخبار میباشدعملی ساختن برهبری کروموزوم انجام میگیرد ولی این عمل همیشه ودر همه جا انجام نمیگیرد.

ضرور است که طبیعت وسیله‌ای برای کنترل اخباری که هر لحظه میدهد و باید با محیط سازگارباشد و تغییراتی که در سلول بوجود میآید و تنظیم آن ها ، داشته باشد این موضوع هنوز مرموز است ولی ارزش فرضیه تعادل کمتر ازفرضیه اولی نیست برای کنترل متابولیسم دو وسیله که هر دو بکمك آنزیم انجام میگیرد وجوددارد یکی فعالیت شدید را کم و دیگری عمل ساختن را بازرسی میکند . در اینجا نقش ژن های سیتوپلاسم همان بازرسی است یعنی عمل ساختن را کند یا سریع میکند وگاهی دستوری راکه قبلا ابلاغ شده بود از بین می‌برد و بعبارت دیگر تعادل را برقرار میکنند .

فرضیه چاشنی

جا دارد که فرضیه چاشنی را درابنجا یاد آور شویم این فرضیه بر پایه اطلاعات فیزیکی و شیمی قرار گرفته است .

در سیستم فیزیك یا در موقع ترکیبات شیمیائی غالبا برای این که تغییری بوجود بیاید وجودماده‌اصلی ضرور است مثلا دخول تنها جسم متبلور میتواند مقدار زیادی از ماده بی شکل را متبلور سازد . این عمل در بیولوژی هم صدق میکندچاشنی یا ماده اصلی میتواند در تحریك پدیده های بیولوژی موثر واقع‌شود ممکن است بعضی از عناصرسلولی این نقش را بازی کنند با این‌ترتیب همانطوریکه پروفسور ووف ثابت کرد بعضی از گیاهان کلروپلاست خود را تدریجا از دست میدهند تا جائی که بیش از یك‌کلروپلاست‌برای هر یك ازآنها باقی نمی‌ماند باین طریق حیات و تکثیر گیاه بمخاطره میافتد وبنظر میرسد که فقدان‌کابل کلروپلاست را نتوان جبران کرد.

پروفسور هریتیه برای فهماندن فرضیه چاشنی ویروس موزائیك توتون را مثال میزند این ویرس از قلب‌نوکلئیك‌و غشاءدرست شده است قلب نوکلوئیك زنجیری از (اسیدریبونوکلئونیك) است که از ٦٥٠٠ نوکلوتید یعنی ٦٥٠٠ واحد اسید نوکلوئیك و یك مولکول قندو یك مولکول اسید فسفریك درست شده است و غشاء نیز از دوهزار واحد پروتوئین مشابه تشکیل شده است .

پروفسور اظهار میدارد که چیز قابل توجه اینستکه پروتوئین های غشاء در بعضی ازجا ها از زنجیر جدا میشوند وبصورت‌محلول درمیآیند در حقیقت مثل اینست‌که مولکول لخت شده باشد این لخت شدن غیرقابل جبران نیست و غشاء دوباره بحالت اول باز میگردد .

آیا غشاء سلولهاهم در امور وراثت دخالت میکند

چنانکه می‌بینیم هیچیك ازاین سه فرضیه نه تنها منکر نقش هسته در امور وراثت نمیشوند بلکه حتی عمل آن را مشخص میکنند‌درحقیقت با مطالعه آن‌ها معلوم میشود که امور وراثت تحت‌تاثیردومکانیزم‌قرار گرفته است یکی تکثیر خود بخود عناصری که اخبار را منتقل می کنند و دومی که میتواند چگونگی این اخبار راتغییر دهد آیا قسمت اخیر در روی سیتوپلاسم یا هسته اثر می نماید؟ زیست شناسان در این خصوص چیزی نمیگویند در بدو امر به‌وراثت غیرکروموزومی وراثت‌سیتوپلاسمیك میگفتند ولی‌این اسم بدلیل محافظه کاری و احتیاط حذف شد وامروزه بآن اپی ژانتیك میگویند . همانطوری که می‌بینیم وراثت غیر کروموزومی مراحل ابتدائی‌اش را همچو بچه‌ای که بسختی راه میرود و میافتد و بر میخیزد و با دو دست ودو پا پیش میرود میگذراند.

در خاتمه یاد آور میشویم که هیچوقت وراثت کروموزومی مانند امسال موضوع روز قرار نگرفته‌بود اکنون که از قوانین وراثت چیزی میدانیم باید بفهمیم که چگونه این قوانین عملی میشود و چگونه دستور ها به‌تمام یاخته ها میرسد و چرا نیمه یاخته ها آن ١٠ اجرا نمیکنند .

شکی نیست که وراثت غیر کروموزومی نقش بزرگی در مورد اختلاف ساختمان یاخته ها و نظم آن ها بعهده دارد و حتی بعضی‌ها فکر میکنند که باید در موردبیماری سرطان هم نقشی داشته باشد .

طبق آخرین خبر سومین قسمت یاخته یعنی غشاء یاخته نیز در امور وراثت نقشی دارد ما فعلا از جزئیات تجربیات دکتر کورتیس استاد دانشگاه لندن‌اطلاع نداریم شکی نیست که متخصصین با بی‌صبری هرچه تمامتر منتظرآن هستند گرچه هسته یاخته باز هم نقش اول را درامور وراثت بعهده دارد . ولی بنظر میرسد که عصریکه هسته سلطان وراثت شمرده میشد سپری شد شاید بالاخره دانشمندان باین نتیجه برسند که تمامی سلول درامور وراثت شرکت میکنند .

شرح عکس A,B,C

این سه تصویر بکمك میکروسکوپ الکترونیك ملاحظه شد و رشته سولهای قارچی بنام Asconycete_Podospora- Anserina را نشان میدهد .

برای مطالعه وراثت غیر کروموزومی گیاهان قارچ بهترین وسیله است . قارچها انواع و اقسام مختلف دارند و هرنوع ازآنها ممکن است بدلیل اختلاف کم کروموزوم با دیگری فرق کوچکی داشته باشند . دراینجا قارچها فقط بدلیل اختلاف ژن SS (کوچك و بزرگ) باهم فرق دارند در حقیقت وقتی هاگ یکی ازآنها نمو میکند رشته‌هائی باطراف میفرستد که بعداز مدتی بهم متصل میشوند گاهی در قارچ نمیتوانند وجود یکدیگر را در کنار هم تحمل کنند و بهمین دلیل سدی درست میکنند و ناحیهٔ مرده‌ای بین رشته‌های آنها بوجود میآید باوجود این ممکن است این دو باهم جفتگیری کنند و نتیجه حاصله طبق قانون مندل یااز نوع اس بزرگ است یا از نوع اس کوچك ولی نوزاد آنها درمقابل آنها سد نمیسازد درحقیقت سیتوپلاسم قارچ اخیر چیزی از مادر بارث برده و بهمین‌جهت حالت ثانوی دراو ایجاد شده است و بکمك همین حالت ثانوی است که قارچ مزبور میتواند وجود قارچ دیگر را در کنار خود تحمل کند .

عکس A سلول وهاگ قارچ عناصرتکثیر غیرجنسی .

عکس B رشته‌های قارچ بهم نزدیك و متصل میشوند .

عکس C رشته‌های دوقارچی که نمیتوانند درکنار هم زندگی کنند و فضای سفید معرف سدهائی می‌باشند که مادر بالا چگونگی آنرا شرح دادیم .

زوفردومازدیه
(Joffre Dumazedier)

جامعه شناس فرانسوی نتیجه بررسیهای پنجساله خود را درباب بیکاری ، وقت گذرانی درکتابی بنام «بسوی تمدن بیکاری» نوشته است . شرح ذیل از آن کتاب استنساخ شده و برای خواننده خالی از فایده نیست :

درصد سال، چه‌مقدار بر بیکاری بشر افزوده شده ؟

در قرن نوزدهم قانونی که طول مدت کار را به ۱۲ ساعت محدود کند وجود نداشت . بنابر عقیده ویلرمه یکی از آکادمیسین های آنعهد که در علوم اخلاق وسیاست خبره بود : طول کار روزانه در صناعت (طی شش روز کار هفته) بطور متوسط ۱۳ ساعت بود . و مقدار روزهای تعطیل تقریبا اندك و ناچیز بود و بعلاوه تعطیلات رسمی ، تعداد روز های اعیاد مذهبی را تقلیل داده بودند . بدینطریق طول کار هفتگی تا ۷۵ ساعت میرسید . ولی حالاکاملا آشکار شده‌است که طول کار هفتگی به ۴۵ ساعت کاهش یافته و سی‌ساعت دیگر بر بیکاری کارگران افزوده شده است . حتی اگر سه هفته بیکاری سالانه کارگران را باحفظ دستمزد از تقویم سال برداریم معهذا متوجه خواهیم شد که کارگران طی سال براثر رشد تکنیك و صنعت ۱۵۰۰ ساعت بیکاری دارند .دیگر آنها فقط ۲۲۰۰ ساعت در سال کار میکنند .

بشر کنونی در یك شبانه روز چند ساعت بیکاری دارد ؟

براساس‌تحقیقاتی که «انستیتوی فرانسوی افکار عمومی» در سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ بعمل آورد ، ژان استوکسل Jean Stoczel یکی از جامعه‌شناسان معاصر ، مقدار بیکاری بعد از ظهر یك خانواده شهری را بطور متوسط به دوساعت تخمین زده است . براین ساعات باید اوقات بیکاری قبل و بعد از ناهاروهمچنین غذای شب راافزود. و این مقدار بالغ بر یکساعت تمام است .

ژان فوراستیه Jean Fourastié طول متوسط ساعات بیکاری کارگر بالغ ۱۹۵۰ را ، روزانه ۳ ساعت تمام قلمداد میکند . با اینهمه نمونه بقول ، چمبرت لوو "Chombart Lauwe" که از نحوه زندگی ۱۲۰خانواده‌کارگری پاریس نشین، تهیه شده است با تصورات ژان فوراستیه متناقض است . زیرا بزعم چمبرت‌لوو میزان متوسط طول ساعات بیکاری روزانه یك کارگر پاریسی بین یکساعت و نیم تا دو ساعت است . ولی همین جامعه‌شناس اصرارمیورزد که چون اینکارگران در رشته های مختلف کار میکنند و باصطلاح بچندین کار در آن واحد اشتغال دارند ، ناچار طول مدت بیکاری روزانه‌شان باید بین ۱ر۵ تا ۷ ساعت باشد .

یك تحلیل دقیق تجربی کاملا مشخص از خصوصیات و معانی که اینقبیل فعالیت‌ها دارند ، بماامکان میدهد که منجزا بتأیید این نکته که قسمت اعظمی از کارگران صنعتی در ساعات بیکاری خود تن بد فعالیت هائی میدهند که نه اجبار اقتصادی برآن حکومت میکند و نه خود سیستم کار چنین فعالیتی را اقتضا دارد ، بپردازیم .

در بررسی تراکم نسبی جمعیت شهر «آنسی» که ۴۰٫۰۰۰ سکنه دارد . نتایج پرسشنامه های ما میگوید که ۶۰٪ از کارگران ، انجام کار های گوناگون را یکنوع استراحت واقعی میدانند و ۲۵٪ از آنها اینقبیل کار ها را کار تلقی میکنند ، و۱۵٪ بقیه آنرا کار مختلطمی‌شمرند . بااینطریق میتوانیم طول متوسط اوقات بیکاری روزانه یك کارگر صنعتی را تا دو وسی دقیقه بالا ببریم و یا طبق یك محاسبه دقیق آنرا در هفته کار تا دوازده و سی دقیقه تخمین بزنیم بدیهی است که این تخمین جنبه تحقیق دارد و کاملا دقیق است .

برحسب همین قبیل امور ، میتوان این نکته راااضافه کرد که بطورکلی دوسوم روز های استراحت به بیکاری اختصاص داده شده‌است .

آیا بیکاری نحوه‌ای از معیشت است ؟

در طی مدتی کمتر از پنجاه سال بثبوت رسیده که بیکاری نه تنها یك امکان دلپذیر است ، بلکه همچنین «ارزشی» بشمار میرود لابد تحقیقات ماکس وبر Maxweber پروتستان معروف را درباره تیپ ایده آلهای مختلفی که پایه‌گذاران کاپیتالیسم را راهنمائی کرده است ، فراموش نکرده‌ایم که میگفت : کار ، مولد سود است و بااینحال هر فعالیتی که بحال جامعه تاثیری نداشته باشد ، فعالیت وکار ناچیزی بشمار میآید» .

این‌جامعه‌شناس‌ایده‌آلیستی‌نظرات «ریکاردو» رادرباره «تراکم‌قهری سرمایه» بخاطر میآورد ، و از نقطه نظر دیگر و بادورنمائی دیگر و تزی کاملا درجهت عکس این تز ، مارکس هم چنین تصوری را از اهمیت اساسی کار داشت . مارکس میگفت «کار جوهر هستی انسان است» . اما توسعه اوقات بیکاری ارزش های فلسفی و اقتصادی مارکس و ریکاردو را توامان متزلزل ساخته است .

در سال ۱۸۸۳ وقتی پل‌لافارك Paul Lafarque قطعه هزل‌آمیز خود را درباره «حق تنبلی» مینوشت ، بیکاری با بیکارگی مشتبه میشد . ولی امروز، بیکاری شالوده فلسفه اخلاقی تازه‌ای را برای بهروزی و یا رفاه میریزد .آنکس که از اوقات آزادی خود استفاده نمیکند و یا نمیتواند استفاده نماید ، مردی غیر کامل و یا کم کار و یا کندکار و یا بیمار است. برطبق عقیده فیلسوف‌اجتماعی آمریکا ، مارتا ولفن اشتاین Marthawolfenstein میتوان گفت که انسان در دوران جدیدی از فلسفه اخلاق سرگرمی وتفریح و استراحت بسر میبرد .

آیا بشر به بیکاری نیاز دارد؟

حتی‌هنگامیکه‌انسان بعلت نداشتن وقت ، پول ، وسیله بیکاریش



آیا بشر به‌بیکاری نیاز دارد ؟

چطور ، کجا ، با کی باید وقت گذراند

محدود میشود ، احتیاج به بیکاری بشدت قابل احساس است .

در سال ۱۹۵۵ صدی پانزده کارگران روزمزد شهرها ، در اندیشه تدارك اوقات معین بیکاری، از طریق‌خریداری اوقات کارگران دیگر بودند و باندیشه های شوق‌انگیزی از قبیل خریداری بلیط مسافرت ، کرایه منزلهای ییلاقی ، تعمیر تلویزیون و اتومبیل دلخوش کرده بودند ، درصد این نوع کارگران رفته رفته قوس صعودی را پیموده بنحویکه احساس و قلب همگان را فراگرفت . وبدینگونه این نیاز زندگی اجتماعی بتناسب ترقیات صنعتی و زندگی شهری فزونی یافت . برطبق آمار دقیقی که از چگونگی احتیاج و احساس اجتناب‌ناپذیر به بیکاری بدست‌آمده است ، جوانان بین ۱۸ تا ۳۰ ساله اعم از معیل و یا مجرد ، احتیاج به بیکاری‌بیشتری دارند . (بیکاری با نبودن کار و ابتذال معنی لغوی آن اشتباه نشود .) . بدینطریق ۴۲ درصد از کارگران با احساس دائم‌التزاید به بیکاری و استراحت از ادارات و سازمانهای تهیه کار تقاضای تعطیلات بیشتری داشتند . ۳۹ درصد هم هنگام استفاده از تعطیلات رسمی بدنبال وسائط نقلیه فردی میگشتند . ازنتیجه سرشماری های دقیق محقق شد که تقریبا این ۳۹٪ برای استفاده از تعطیلات خود احتیاج به تنهائی دارند . بقیه بتفریحات دستجمعی بیشتر رغبت نشان میدادند . هرگاه بودجه کلی اینقبیل کارگران (اعم از فکری و یدی) برای اقناع احتیاج زمان فراغت کفایت ننماید احتیاج به استفاده از ایام فراغت شکل دیگری بخود میگیرد ، طبیعی است که این کار تحت هیچگونه نیروی عقلی و اختیاری انجام نمیشود ، بلکه صرفا ناخودآگاه است بنابراین بسیار دیده‌شده که میل به‌خریداری لوازم لوکس ، تلویزیون ، اتومبیل و غیره ، تبدیل بمیل خوردن ، خوابیدن و لباس پوشیدن‌شده‌است. از آغاز سال ۱۹۵۶ احصائیه های دقیق میگوید که این حالات خاص مسائل جدیدی را برای کارگران متخصص شهری که کمك خانواده خویش هستند پدید آورده هرگاه احتیاجات ما بیشتر از وسائل اقناع آنها رشد کند ، ما احساس فقر خواهیم کرد ، گرچه حتی اگر در حقیقت مکنتی داشته باشیم . بهمین گونه کیفیت نیاز به بیکاری را باید مطالعه کنیم .

نقش مبارزه طبقاتی

در پاره‌ای از محافل اجتماعی فرانسه هنوزبیکاریهای توسعه یافته و عقب مانده‌ای وجود دارد . عدم کفایت ویافقدان دسته های تفریحی وپرورش دستجمعی ، ونقصان منابع مادی‌خانوادگی، اشکالات‌ناشی‌ازکار و حرفه ، بسط کمی و کیفی‌فراغت و یا بیکاری را دچار اشکال و یا تاخیر میکند . دراینقبیل مجامع نیاز به بیکاری ممکن است حالات نارضائی کاملی را ایجاد نماید . دربرابر کادر های عالی و صاحب مشاغل آزاد که‌در سال بطور متوسط ۱۵۵۶۰۰ فرانك برای استفاده از تعطیلات ، وسائل حمل و نقل و بیکاری خود خرج میکنند ، کسانی هستند که فقط ۷۴۰۰ فرانك خرج میکنند .

دهقانان فراغت‌های عقب مانده دارند ؟

کشاورزان جوان بیش از پیش ارزش فراغت را بالا میبرند قانون جدیدی که در سال ۱۹۴۸ بتصویب رسید طول مدت قانونی کار سالانه را برای کارگران کشاورزی به ۲۴۰۰ ساعت محدود کرد .

از ابتدای سال ۱۹۳۷ جنبشی برای سازمان دادن در استفاده از تعطیلات و ایام فراغت در مزارع و روستاهای فرانسه بوجود آمده است این جنبش در سال ۱۹۴۵ بسط بیشتری یافت ولی تا امروز بیش از یك هزارم خانواده های روستائی، نتوانسته‌اند از خانه های جوانان روستااستفاده برند. تقریبا یك‌چهارم کل درصد ریاضی سرشماری اعداد افراد روستا از وسائل ورزشی ، تعلیمات و آموزش و پرورش و تفریحات مفید [illegible] استفاده میکنند . و اینها نمودار آنستکه فرانسه بیابان بی‌آب و علفی شده است که قادر به کنترل تفریحات سالم افرادکارگر دهات وروستایانش نیست .

آیا «دوره فراغت» توضیحات مارکس و «لیتره» را دیگربار مسلم ساخته است ؟

تقریبا اکثر جامعه شناسانی که دکترین های خاصی در پایان قرن ۱۹ آورده‌اند ، کمابیش نیاز به بیکاری را پیش بینی کرده‌اند آیا هیچکدامشان تناقض این مساله را نتوانسته‌اند حدس بزنند . جمله‌آنها در خیالات موهوم روشنفکرانه‌ای لغزیده‌اند .

در نظر مارکس فراغت «فضائی است که برای بسط نیروهای انسانی لازم است» و بزعم پرودون "Proudhon" فراغت وقت «امتزاج و اختلاط آزادگی» است واگوست کنت‌واضع مکتب تئوریك پوزیتویسم فراغت را امکان بسط «نجوم انسانی» میداند و سرانجام عقیده انگلس «تقلیل ساعات کار تنها شرط بدانست که انسان وقت کافی برای شرکت در امور عمومی اجتماعی بدست آورد» ولی لیتره Littré در سال ۱۸۶۹ درباره فراغت میگفت « فراغت زمانی حاصل میشود که انسان کار زیادی کرده باشد» .

هاتسفل "Hatzfel" و دارم اشتتر "Darmsteter" پنجاه سال بعد از او همان حرفهای لیتره بازگو کردند . در سال ۱۹۳۰ کلودواوژه "Claudede'Auge" در فرهنگ لغت تازه خویش معنی تازه‌ای برای‌فراغت آورد: «فراغت، مشغله ای است که آدمی بمیل خود سرگرم کارهائی شود ، که همان کارهای همیشگی و حرفه‌ای او نباشد» وقت لیتره در فرهنگ اوژه معنی «تفریح ، مشغله آزاد» را بخودگرفت . اوژه دیگر نمیگفت «بیکاری وقتی حاصل میشود که مشغله‌ای نباشد» بلکه میگفت «پس از آنکه کار عادی روزمره بپایان رسد» .

فراغت راچگونه تعبیرمیکنید؟

جوابهای یك پرسشنامه اصولی دقیق که در سال ۱۹۵۳ تنظیم

شده است میگوید : اکثر کارگران و مستخدمین دربارهٔ ایام فراغت عقیده دارند که بیکاری زمان خاصی‌است ویك‌ربع‌آنها معتقدندکه فراغت «اشتغال خاطر جدید» است و تقریبا هیچ یك گمان نمیکنند که حالتی باشد . ۸۱۹ نفر از کسانیکه برحسب اتفاق به سئوالات خبرگان جامعه شناس در شهر های شمالی ، جنوبی و خاوری فرانسه پاسخ داده‌اند از بیکاری و یا فراغت تعبیر بلیغ تری بدست داده‌اند آنها کار را «وظایف عادی ، یکنواخت، و یا تکرار همان فعالیت های پیشین» خوانده‌اند و از دغدغه . «ضرورت و اجبار» دم زده‌اند .

بدنیست که از مجموعه تعابیر کارگران حرف مختلف تابلوئی تعیین کنیم .

۱ ــ کارهای حرفه‌ای .

۲ ــ کارهای اضافی ، یا متمم

۲ ــ کار های خانگی و یا خدمتکارانه(خانه‌داری ، دام‌پروری، باغبانی و غیره)

۴ ــ فعالیت های گوناگون (غذا ، آرایش ، خواب)

۵ ــ فعالیت های آئینی ، مذهبی، تشریفاتی که بنابضرورت آداب معاشرت و روابط خانوادگی تنظیم میشود ، فعالیت‌اجتماعی و یا روحی (ملاقات های رسمی ، رسوم جشنهای تولد ، اجتماعات سیاسی ، و مراسم مذهبی) .

۶ ــ فعالیت های تحصیلی (دوران تحصیلی یا تهیه مقدمات امتحانی مدارس حرفه‌ای و غیره)

بنابراین اشتباه خواهد بود که فراغت را دربرابر کارهای حرفه‌ای قرار دهیم . گرچه بعضی از علمای علم اقتصاد وجامعه‌شناسی تئوریهائی در این باره داشته باشند .

از نظر یك جامعه‌شناس مدرنیست فراغت چه معنائی دارد ؟

تقریبا تمام پاسخهائی که باین سئوال اساسی داده شده فراغت را آزادی و انبساط خاطر و تفریح نامیده‌اند ولی تعریف جامع از فراغت را باید در سه مقوله زیر خلاصه کرد : رفع خستگی ، سرگرمی ، و انبساط جسمی و یا روحی ، نخست رفع‌خستگی که‌باید بدنبال خستگی های ممتد بیاید . در چنین احوالی‌فراغت یعنی ترمیم خرابی ها ی جسمی و عصبی که بوسیله الزام ممتد کار روزانه حاصل شده است . ریتم تولید و بغرنجی روابط صنعتی و طول مسیر کار یا تولید در شهر های بزرگ اندازه احتیاج به فراغت را افزون میسازد. ودرچنین احوالی‌استراحت خستگی رامرتفع میسازد آنگاه‌نوبت تفریح‌وسرگرمی‌است‌که کسالت رااز بین میبرد . « ژرژ فریدمان » مخصوصا اصرار میورزد که تنها استراحت برای رفع خستگی جسم کافی نیست بلکه باید به تفریحات سالم نیز علاقه خاصی نشان داد تا روح مستعد هماهنگی جسم شود . و الا یکنواختی کار روح وجسم کارگر را درهم میشکند و طبیعی است که‌تولید اجتماعی خواه ناخواه در حیطهٔ تاثیرات غیر ارادی قرار میگیرد و بالنتیجه تخریب تولید آغاز میشود .

هانری لوفبر "Henri Lefebre" طی تحلیل دقیقی میگوید نداشتن تفریح ، بیماری اجتماعی را که اخیرا گریبانگیر اجتماعات متمدن شده بنحو بیسابقه‌ای شیوع میدهد و میل به تنهائی و انزواگرینی را تشدید می‌نماید .

حالا دیگر نوبه وظایف بسط شخصیت فرارسیده است در حقیقت نیروی انرژیك بسط ، در هنگام فراغت توسعه خاصی میبابد و اتوماتیسم اندیشه و عمل را تسکین می‌بخشد و امکان میدهد که شخص برای شرکت در اجتماعات حدت و حرارت‌بیشتری بخرج دهد و اندیشه و فکرتش وسعت‌پیداکند و بالاخره باجتماع بپردازد .

پس میتوان گفت‌فراغت‌مجموعه‌ای از مشغله هائی است که شخص میتواند با کمال میل شخصی یا باستراحت ، یا بسرگرمی ، یا بتوسعه و بسط اطلاعات و یا اعتقادات خاص خود بپردازد و یا بطوری ارادی در مجامع شرکت نماید ویا از استعداد خاص خود که در گرو هیچ وظیفه و اجباری نیست و برکنار از وظایف اجباری حرفه ، خانواده واجتماع است بخلق چیزی بپردازد .

آیا فراغت نیروئی انقلابی است؟

روابطی که‌بین بیکاری ووظایف اجباری زندگی روزانه وجود دارد بنحوی مشخص ، شرکت فعال و یا غیر فعال انسان را در زندگی اجتماعی و یا روحی و فرهنگی معین میکند .

این روابط بنحوی احتراز ناپذیر در فرهنگ جامعه ما زاده شده است برای آنکه یك تئوری فرهنگی جاودانه شود ، نه تنها باید به مجموعه‌ای از ارزش های انسانی مربوط گردد ، بلکه همچنین باید به نحوه‌ایکه این ارزش ها بوجود آمده است (در طبقات مختلف معیار های گوناگون داشته ومقولات مختلف اجتماعی تصور میشده‌اند) ارتباط داشته باشد . امروز این آموزش و پرورش و یا باصطلاح فرهنگ‌بیش ازپیش مربوط بایده‌ها و پراتیك های فراغت است .

آفرینندگان ، مربیان ، ومبارزان اجتماعی برای آنکه ایده‌ها واعمال را جهت یابی کنند با تمام اشکالات جدیدی که این ایده‌ها و اعمال روبرو خواهند شد آشنائی کافی دارند و بچگونگی این راز که فکر توده های مردم را دربرگیرد وبدل به نیروی اجتماعی بزرگی شود ، آگاهی دارند ...

شب نشینی ها ، تعطیلات آخر هفته ، تعطیلات بزرگ نیز محتوی ایده های نیرومندی است . هیچ رژیم تازه‌ای نیست که بتواند در برابر این اشکالات راه حلهای ارزنده‌ای ارائه دهد .



تریست: ۱۱۵۲۰ متر ، ۲۵ ژانویه ۱۹۶۰

در عمق اقیانوسها چه میگذرد

ساختمان اولین آزمایشگاه زیردریائی پایان یافت

« آ . آ ... و ۱۵ ... و ۱۵ ... و۱۵ ... »

روز ۱۲ ماه اوت ۱۹۵۳ پیام رادیوئی بالا از اعماق آبهای دریای مدیترانه پخش شد و به جهان اعلام کرد که دو افسر نیروی دریائی فرانسه که هردو علاقه مفرط به علوم طبیعی و شناسائی اسرار دریاها و اقیانوسها دارند: ناخدا «ژرژ هوئو» ومهندس «پییرویلم» با اتاقك مدور «باتیسکاف» F.N.R.S.III به عمق یك هزار و پانصد متردرزیردریا فرورفته‌اند .

هرگز تاآنروز پای بشر به چنین عمقی در دل آبها نرسیده بود . دو روز بعد این دو افسر درسواحل جنوبی فرانسه نزدیك بندر «تولن» تا ۲۱۰۰ متر بزیر آب رفتند و شش ماه بعد در آبهای اقیانوس اطلس در سواحل غربی افریقا به ۴۰۵۰ متر عمق دست یافتند .

آنروز ، ۱۵ فوریه ۱۹۵۴، وقتی باتیسکاف به کف دریا نشست ناخداهوئو از پشت پنجره کوچك که شیشه‌ای ضخیم و قوی آنرا پوشانیده بود نگاهی به بیرون افکند نورافکن بسیار قوی باتیسکاف اعماق دریا را روشن میکرد هوئوباتعجب فریاد برآورد :

ــ مثل اینکه در کف دریا جای پای انسان دیده میشود !

ویلم در پاسخ گفت :

ــ اگر آدم دریائی دیدید مراخبر کنید !

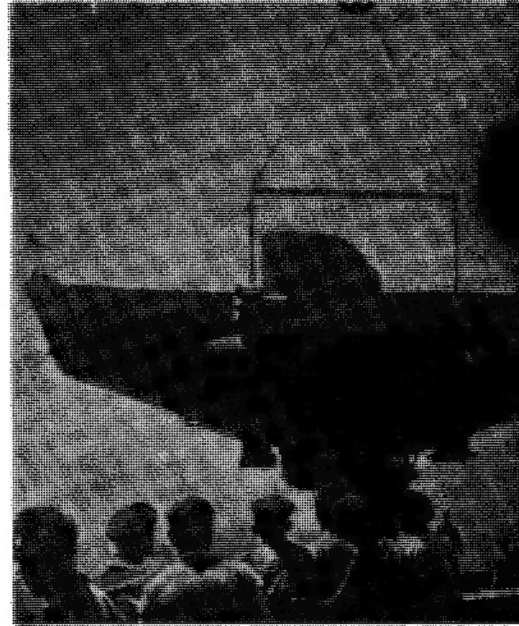
بدین ترتیب به موازات اکتشافات فضائی ، اکتشافات اعماق اقیانوسها و دریاها نیز شروع شد ...

امروز در بندر تولن «هوئو» و «ویلم» زیر دریائی علمی مجهزی به نام «آرشمید» (ارشمیدس) میسازند . این سفینه اولین آزمایشگاه زیر دریائی جهان است و طوری ساخته شده که میتواند تا ۱۲۰۰۰ متر در اعماق اقیانوس فرورود یعنی درحقیقت به عمیق‌ترین نقاط دریاها و اقیانوسها دست یابد .

از سال ۱۹۵۴ به بعد فعالیت زیاد برای کشف اسرار اعماق آبهابکاررفته است . FNRS III بیش از صد بار در سواحل فرانسه ، پرتقال ، ژاپن بادو سرنشین خود ناخدا هوئو و مهندس ویلم بزیر آب فرورفته است و تاحدودی اسرار دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام راکشف کرده است. در تمام این مسافرتهای زیردریائی عده‌ای از دانشمندان همراه هوئو و ویلم بوده‌اند

ازطرف دیگر نیروی دریائی امریکا باتیسکاف پرفسور پیکارد راکه در سال ۱۹۵٤ ساختمان آن در ایتالیا به اتمام رسیده بودوپرفسور نام آنرا «تری یست» گذارده بود به قیمت ۸٤ میلیون فرانك فرانسه خریداری کرد . در ساختمان آن تغییراتی داد و آنرا مکمل ومجهزساخت و از سال ۱۹۵۹ به بعد شروع به یك رشته اکتشافات زیردریائی کرد در اولین بار سرنشینان «تری یست» به عمق ۵۶۰۰متر دست یافتند و پس ازآن به ترتیب به ۵۹۰۰متر و بعد به ۷۶۰۰ متر وبالاخره روز ۲۵ ژانویه سال ۱۹۶۰ تا ۱۱۵۲۰ متر پائین رفتند دراین مرتبه پسر پرفسور پیکارد وناخدا «وان والش» درباتیسکاف «تری یست» جاگرفته بودند . و بدین ترتیب ثابت شدکه باتیسکاف‌ها قادر به مقاومت درمقابل فشار عظیم آبهای عمیق بوده و دانشمندان میتوانند بااستفاده از آنها به کلیه اسرار اقیانوسها و زندگی جانورانی که در طبقات زیرین آب بسر می‌برند دست یابند . مسلما دستگاه‌هائی که تاکنون ساخته شده‌است‌بایستی ازهرجهت تکمیل گردد تا دانشمندان بتوانند با آسودگی تمام مشغول مطالعات علمی‌دقیق در اعماق اقیانوسها گردند .

طرح و نقشه باتیسکافها را پیش‌از جنگ‌جهانی دوم پرفسور پیکاردسوئیسی کشیده بود . درآن‌زمان پرفسور پیکارد باتیسکاف کوچکی ساخت و باآن تا چند صدمتر بزیر آب فرورفت . پرفسور پیکارد وقتی در دانشکده فنی زوریخ مشغول تحصیل بود بفکر ساختن‌دستگاهی افتادکه بتواند فشار عظیم آب رادراعماق زیاد تحمل کند وی میگفت اگرجانورانی قادر به زندگی در اعماق آب هستند و فشار خارق‌العاده آب را میتوانند تحمل کنند بلاشك بشر نیز قادر است دستگاهی بسازد که در مقابل این‌فشار مقاومت کند. پرفسور پیکارد این فکر را تعقیب کرد تا بالاخره موفق به ساختن باتیسکاف‌شد. برای ساختن باتیسکاف پرفسورپیکارد از اصول علمی که در ساختن بالن‌های‌فضائی بکار برده میشود استفاده کرد یعنی همانطور که بالن جسم سبك‌تر از هوا ، وزنه سنگینی که‌اتاقك مسافرین‌وسرنشینان آن است باخود به طبقات بالای‌جومیبرد باتیسکاف نیز از یك قسمت سبك‌تر از آب ویك اتاقك که اسباب وآلات علمی‌و سرنشینان درآن قرار میگیرند وسنگین‌تر از آب است تشکیل میگردد (باید توجه



اف.ان.ار.اس سوم پدر ارشمید

داشت که پرفسور پیکارد همانطورکه به شناسائی اسرار اعماق دریاها علاقمندبود به تحقیقات علمی در طبقات عالیه‌جونیز میپرداخت وباساختن بالون‌های‌مخصوص تا ۱۵۵۰۰ متر روز ۲۷ مه ۱۹۳۱ و تا ارتفاع ۱۶۲۰۱ متر در۱۸ ماه اوت۱۹۳۲ صعودکرده بود) . هم برای صعود در طبقات عالیه جو وهم برای نزول در اعماق اقیانوس لازم بود اتاقك بالن یا باتیسکاف کاملا مسدود و فشار داخلی آن برای سرنشینانش قابل تحمل باشد یعنی در ارتفاع زیاد که فشار هوابسیارکم‌است و برعکس در اعماق دریاها که فشارآب فوق‌العاده زیاد است جان سرنشینان اتاقکها به مخاطره نیفتد .

پرفسور اوگوست پیکارد در خاطرات خود مینویسد :

«خلاف‌آنچه ممکن است‌تصورشود من هیچوقت درصدد برنیامدم با تغییر دادن شکل یك بالن فضائی اتاقکی برای نزول به اعماق آبها بسازم بلکه چون از اول علاقه به شناسائی اسرار زندگی در طبقات پائین دریاها داشتم از نقشه‌وطرح باتیسکاف برای ساختن بالن واتاقکی‌که اجازه پرواز در طبقات عالیه جو دهد استفاده کردم ودرحقیقت طرح‌زیردریائی مرا به ساختن بالن‌های فضائی هدایت کرد. »

درهرحال «پرنسیپ» ساختمان باتیسکاف و بالن‌های فضائی یکی است و پرفسور پیکارد ازاین اصول برای‌ساختن هردو دستگاه خود استفاده کرده است . منتها امروز «الکترونیك» ودستگاه‌های علمی مخصوص که در فضا به پرواز درآمده‌اند ازقبیل اقمار مصنوعی‌مجهزبه آلات هواشناسی و غیره بشر رااز‌ساختن بالن برای کسب اطلاعات از اوضاع‌جوی و اشعه‌کیهانی و ترکیب طبقات عالیه جو و غیره بی‌نیاز کرده است درحالیکه‌برای شناسائی زندگی در گودالهای ژرف کف دریاها و اقیانوسها هنوز احتیاج‌به‌دستگاه هائی نظیر باتیسکاف است .

امروز دیگر فرورفتن به عمق ۱۲۰۰۰ متر در زیر آب‌مسئله حل‌شده‌ای است و تنها هدف دانشمندان تحقیق و مطالعه کامل و دقیق از وضع این اعماق و طرز زندگی جانوران دراین‌گودالهای ژرف و نوع زندگی آنهاست .

۱۰۰۰ کیلوگرم فشار برهرسانتی‌مترمربع

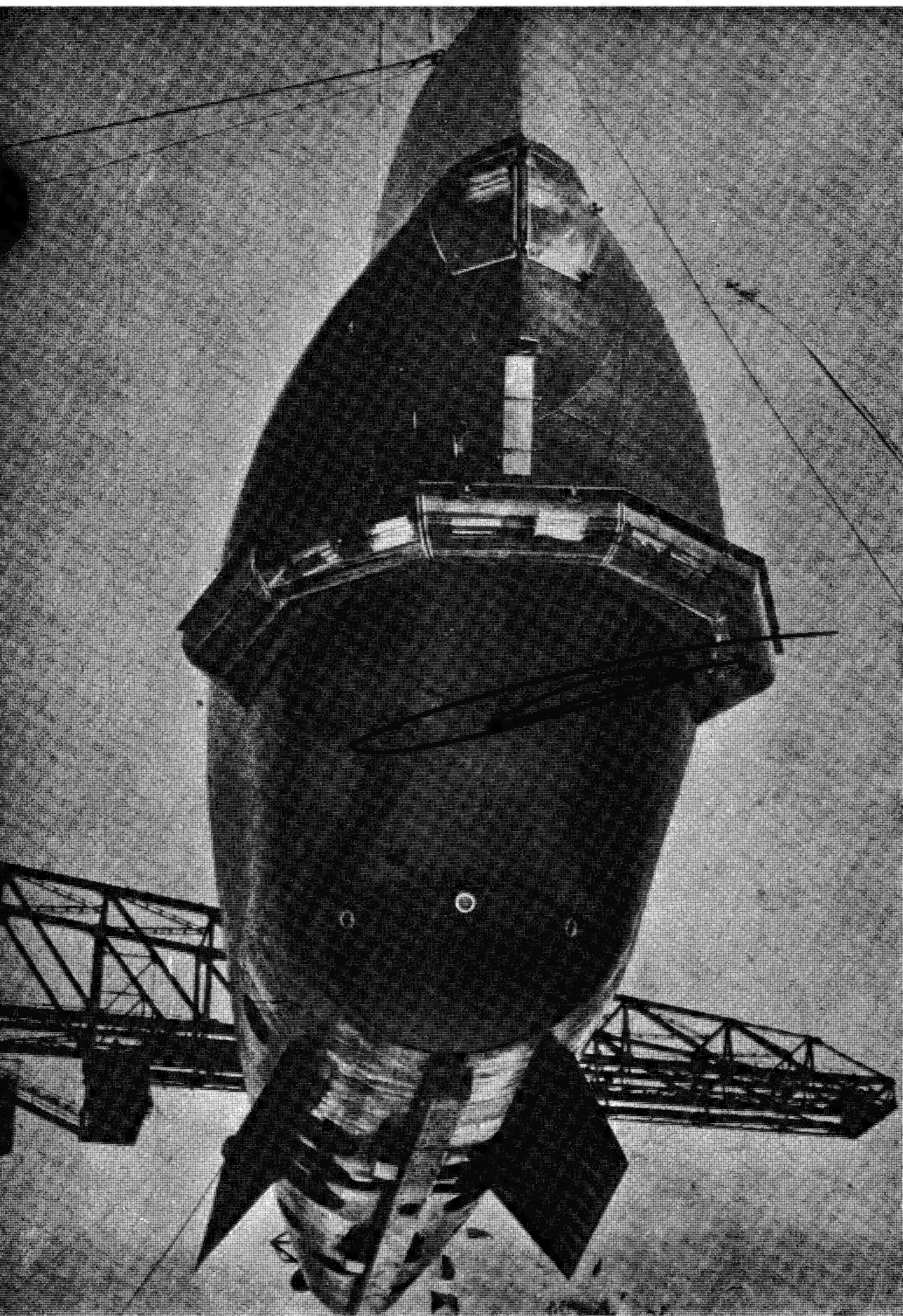
میدانیم‌که در روی زمین‌به‌محاذات سطح دریا بر هر سانتی‌متر مربع فشاری معادل یك‌کیلوگرم وارد میآید‌که آنرا فشار جو مینامند . بدین ترتیب بر بدن یك فرد متوسط بدون اینکه آنرااحساس کند فشاری معادل ۱۵۵۰۰ کیلوگرم‌وارد می‌آید یعنی بدن انسان و تمام حیوانات به این فشار عادت کرده در کمال‌سهولت باتحمل این فشار بکارهای عادی خود میپردازند و بزندگی بدون کوچکترین ناراحتی ادامه میدهند . در عمق یازده هزار متر زیر دریا این فشار هزار برابر میگردد یعنی بر هر سانتی‌متر مربع از سطح بدن انسان فشاری معادل یك تن (۱۰۰۰ کیلوگرم) وارد می‌آید‌که‌نه‌فقط غیرقابل تحمل است بلکه بدن انسان را بکلی درهم میشکند . مهمترین مسئله‌ای که انسان برای فرورفتن به زیر آبهاباآن مواجه است مسئله این فشار و خنثی‌کردن آن است .

آرشمید

باتیسکاف جدیدی‌که ساختمان آن به اتمام رسیده و اکنون مشغول مجهز ساختن آن به آلات و ادوات‌علمی هستند تا مسافرتهای خودرا در اعماق اقیانوسها آغازکنند قادر به تحمل فشارهای بیشتراز یك تن بر هر سانتی‌متر مربع است‌وضمنا درداخل‌آن‌سرنشینان احساس‌کوچکترین ناراحتی ازاین فشار عظیم نخواهند کرد زیرا فشار داخلی آن برابر فشار عادی در سطح دریاست .

آرشمید را از روی نمونه‌های‌سابق یعنی **FNRS. II** و **FNRS III** و **Trieste** ساخته‌اند ولی این مدل مکمل‌تر و مجهزتر است وبعلاوه‌به‌صورت یك لابراتوار تحقیقات علمی‌برای‌شناسائی اعماق دریاها درآمده است وبدین‌منظور به دقیق‌ترین آلات و اسباب علمی مجهز گردیده است .

ازنظر اصول فنی ساختمان آرشمید باسایر باتیسکافها شباهت دارد یعنی یك اتاقك پولادین گوی مانند که خیلی سنگین‌تر از آب است به‌یك مخزن بزرگ مملو از مایعی بسیار سبك آویخته شده است . این مایع سبك‌وزن نقش گازهلیوم را در بالن دارد . سنگینی باتیسکاف‌آنرا به زیر آب میکشد ودر موقع بالاآمدن بارها‌کردن مقداری ازوزنه‌ها که‌بانیروی مغناطیس به باتیسکاف متصل است ازوزن آن‌کاسته و مایع سبك‌وزن مخزن باعث میشود که باتیسکاف بطرف بالا برود .



بطور خلاصه مشخصات آرشمید از این قرار است :

طول ۲۱٫۳ متر
عرض ٤ متر
ارتفاع ۷٫۸متر

اتاقك گوی‌مانند آن از آلیاژ پولاد نیکل کروم مولیبدن(**Molybden**) ساخته شده ، ومرکب از دو نیمکره‌است که بیکدیگر اتصال داده شده‌اند ضخامت جدار این اتاقك ۱۵۰ میلیمتر است.قطر اتاقك ۲٫۱متر و وزنش۱۹۰۰۰کیلوگرم است .

سه دریچه در این اتاقك تعبیه شده است که بایك زاویه ۲۰ درجه متوجه کف دریا خواهد بود تا سرنشینان باسهولت بتوانند اطراف خود وکف دریا رامشاهده کنند. جلو دریچه‌ها ۱۲ نورافکن‌به‌قدرت ۱۰۰۰ وات قرار داده شده است تااعماق دریا را که تاریکی مطلق فراگرفته است روشن‌کنند.

مخزن جای ۱۶۲ متر مکعب مایع سبك به وزن ۱۰۸ هزار کیلوگرم‌رادارد این مایع در ۱۶ انبار اصلی و ٤انبار که تعادل باتیسکاف را حفظ میکنند و یك انبار دیگر که در زیر آب قابل تخلیه است و حجم آن ۳٫۵متـر مکعب است ریخته میشود . ضمناً در قسمت عقب مخزن دستگاه برق ، موتورها وسکان و سایـر آلات هدایت باتیسکاف قرار داده شده است . در قسمت جلو مخزن یك راهرو کـه فـراخی آن ۱٫۲ متر است اتاقك باتیسکاف را با خارج مرتبط میسازد .

وزنه‌ها در شش استوانه که‌درمرکز تعادل باتیسکاف قرار گرفته‌اند ریختـه شده این وزنه‌ها گلوله‌های چدنی است. جریان برق ایجاد قوه مغناطیس کرده و گلوله‌های چـدنـی در استوانه‌ها ثابت می‌مانند . استوانه‌ها دارای دریچه‌هائـی هستندکه با نیروی برق باز و بسته‌میشود و سرنشینان باتیسکاف هر موقع لازم‌بدانند باگشودن دریچه‌ها و قطع نیروی برق مقداری از وزنه‌ها را رها می‌کننـد . درصورت بروز خطر دریچه‌ها باز شده و تمام وزنه‌هابیرون میریزد تابه‌باتیسکاف که سبك شده است اجازه دهد به سطح دریا بازگردد . اگر به دستگاه‌مولد برق آسیب برسد باقطع جریان برق باز خود بخود ازبین‌رفتن قوه مغناطیس باعث‌رها شدن وزنه‌هاوبالاآمدن باتیسکاف‌میگردد.

از طرف دیگر باتیسکاف مجهزبیك دستگاه «گیدروپ» است این دستگاه از یك‌کابل به وزن تقریبا شصت کیلوگرم وبه طول ده الی دوازده متر ساخته شده که به یك «الکتروامان» (دستگاه ایجاد قوه مغناطیس‌بوسیله‌برق) آنرانگاهمیدارد و خاصیتش اینست که از سقوط سریع و شدید باتیسکاف وتصادم آن باکف دریا جلوگیری کند .

بطوریکه از شرح بالا استفاده شد قسمتهای اصلی باتیسکاف ارشمید عبارت است از :

اتاقك مـدور ، مخزن شناور و وزنه‌ها .

باتیسکاف ارشمید سه موتور دارد یکی برای حرکت دادن آن به قوه ۳۰ اسب که هلیس افقی‌باتیسکاف‌رامیچرخاند. یك موتور دیگر به قوه ٥ اسب که هلیس عمودی آنرا به حرکت درمیآورد ایـن هلیس (پروانه) تعادل باتیسکاف‌راحفظ میکند وبالاخره یك موتور سوم به قوه پنج اسب هلیس دیگری راکه نسبت بـه بدنه باتیسکاف بطور عمودی قرار گرفته است به‌گردش درمیآورد . علاوه بر این موتورها باتیسکاف دارای باطری‌هائی‌به قوه ۱۱۰ ولت است که موتورها و نور افکن‌ها را بکار میاندازد .

در داخل اتاقك دو باطری به‌قوه ۲٤ ولت نیروی لازم برای ایجاد قـوه مغناطیس را ایجاد میکند تا بوسیله آن وزنه‌هـا نگاهـداری گردد . از همین باطری‌هـا بـرای دستگاه‌های علمی و مخابراتی نیز استفاده بعمل میآید .

قسمتی از دستگاه‌های علمی که در اتاقك قرار داده شده است عبارتند از : دستگاه‌هـای ضبط‌صوت و فیلمبرداری خودکار و دائمـی ، دستگاه فشار سنج، دستگاه‌های اندازه‌گیری حرارت‌وسرعت امواج مافوق صوت،دستگاه‌های خودکار برای برداشتن نمونه از آب دریا در اعماق مختلف ، دستگاه جهت‌سنجش مقداراملاح و نمك آب ، دستگاه اندازه‌گیری سرعت جریانهای زیردریائی و غیره وغیره.

یك سوم از حجم اتاقك باتیسکاف اختصاص به آلات و اسباب ودستگاه‌های علمی داده شده است .

علاوه براینها یك دستگاه دیگردر باتیسکاف نصب شده است‌که قادر است کف دریا را تراشیده و نمونه‌هائی از آن بردارد تا بعد مورد تجزیه و مطالعه قرار گیرد . یا اشیاء مختلف ، سنگ یا چیز های دیگر که درکف دریا دیده شود جمع آوری کند .

یك دستگاه عکاسی که مجهز بـه چهار فلاش میباشد و قادر به تحمل‌فشار های عظیم است‌ازاعماق دریاعکس‌برداری خواهد کـرد . فلاش‌های این دستگاه عکاسی الکترونیك است .

بنابراین باتیسکاف جدید چهـار مزیت بر باتیسکافهای سابق دارد :

۱ـ باسهولت به عمیق‌ترین نقـاط اقیانوسها دست خواهد یافت .

۲ـ هدایت آن در عمق زیادآسان و سریع است .

۳ـ روی سطح دریا باسرعت‌بیشتر حرکت میکند .

٤ـ بهتر وسهل‌تر از باتیسکاف‌های دیگر اجازه تحقیق و مطالعات علمی را در زیر دریا میدهد و مجهزتر از سایـر باتیسکافها به وسایل علمی است .

پس از پایان یافتن ساختمان ایـن باتیسکاف ناخدا هوئو گفت :

ـ ما شش سال تمام زحمت‌کشیدیم ودر انتظار بودیم تا این باتیسکاف ساخته شد . نقشه ساختمان این دستگاه در سال ۱۹۵۵ طرح شد و سه سال بعد دست‌بکار ساختن آن شدیم .

پیروزی براعماق اقیانوسها

نیـروی دریائـی فرانسه ساختن باتیسکاف را به‌۲۵۰ میلیون فرانك‌فرانسه برآورد کرد . تنهاگوی اتاقك آن بـه هزینه ۱۰۰ میلیون فرانك‌ساخته‌شده‌بنگاه ملی جستجوهـای علمی فرانسه با کمك بنگـاه ملی جستجوهـای علمی بلژیك پرداخت هزینـه ساختمان باتیسکاف را تقبل کردند ودرپائیز سال۱۹۵۸ساختمان باتیسکاف آغاز شد دراول ماه‌اوت۱۹۶۰ اتاقك آن تحویل کارگاههای بندرتولن جنوب فـرانسه شد ودر اوایل سال ۱۹۶۱ ساختمان مخزن شناور نیز پایان یافت و در کارگاه مشغول سوار کـردن قسمتهای مختلف باتیسکاف شدندوبالاخره روز ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۶۱ باتیسکاف‌طی مراسمی به‌آب افتاد .

اکنون آرشمید اولین آزمایشهای خودرا در سواحل جنوبی فرانسه‌به‌عمل میآورد ودر بهار رهسپار اقیانوس آرام خواهدشد تا درحوالی جزایر «ماریان» در عمیق‌ترین گودالهای اقیانوس کبیر فرو رود و اطلاعات جامع و نوینی از اعماق اقیانوس به ارمغان آرد وبه‌وسعت دایره دانش بشر بیفزاید .



ساختمان شرکت نفت مقاطعه‌کار
شرکت ساختمانی نوکار

دربرنامه های هفت ساله اول و دوم
شرکت نوکار
اجراءکننده پروژه های وسیع عمرانی درکشور بوده است .

شرکتهای‌فنی وساختمانی‌در طول اجرای برنامه‌های عمرانی هفت‌ساله اول ودوم بافعالیت مداوم ومفیدمهندسین ومتخصصین ایرانی خود در توسعه امور آبادانی وعمرانی کشور نقش موثری را ایفا نموده‌اند واقدامات ارزنده این موسسات درفرصت کوتاهی که برای اجرای پروژه‌ها وبرنامه های وسیع عمرانی‌وجود داشت بار دیگر شایستگی مهندسین ایرانی را در فعالیتهای‌آبادانی بثبوت رسانید . در ردیف این چنین موسسات فعاله شرکت‌نوکار را که حقاً بااجرای پروژه های مهم وقابل اهمیت خود موفق‌بانجام خدمات عمرانی بزرگ گردیده و نمونه‌هائی از اقدامات‌مهم آن ذیلا از نظر خوانندگان میگذرد باید نام برد . شرکت‌مزبور که کار کنان آنرا مهندسین ومتخصصین کارآزموده ایرانی‌تشکیل میدهند در فاصله چند ساله گذشته توانسته است بااجرای‌طرحهای آبادانی مهم خدمات پر ارزشی بکشور خود بنماید شرکت‌نوکار درتاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۳۳ تشکیل وطی ۹سال فعالیت مفیدومستمر خویش توانسته است موقعیت خود را از هر لحاظ تثبیت نمایددرزمینه کارهای ساختمانی مربوط به بناهای مختلف انجام پروژه‌ساختمان ۱۶ طبقه شرکت ملی‌نفت ایران که از عالیترین و با اهمیت ترین بناهای‌پایتخت‌میباشدوساختمان جدیدوزیبای انجمن‌ایران‌وامریکا که‌باسبك نوین‌ساخته‌شده‌وهمچنین‌اجرای پروژه مربوط بفرودگاه‌دزفول و۲۰۸ خانه در پیروز آباد آبادان و اتمام کار ساختمانهای زلزله‌زدگان‌دانسفان وبسیاری از پروژه‌های ساختمانی مفید دیگر را باید ذکرنمود . شرکت نوکار در برنامه‌های مهم راهسازی نیز پیشقدم بوده وساختمان‌قطعه ۳۵ راه‌آهن‌آذربایجان بطول ۳۳ کیلومتر با ساختمان تونل‌وایستگاههای مربوطه آن وانجام پروژه قطعه ۳۵ راه تاکستان تبریز بازرگان وساختمان‌قطعه یك‌راه‌آهن شرفخانه قطور بطول ۴۰ کیلومتر با ایستگاههای مربوطه نمونه‌هائی از فعالیت راهسازی این شرکت‌میباشد . در حال حاضر شرکت نوکار دست بکار اقدامات وسیع‌دیگری نیز میباشد که ازآن جمله ساختمان تصفیه خانه فاضل‌آب اصفهان ولوله کشی آب این مرکز صنعتی کشور را میتوان نام برد .

شرکت‌نوکار ـ خیابان‌تخت‌جمشید شرقی شماره ۵۹۳ تلفن های ۷۲۰۹۲ـ۷۰۳۹۹ـ۷۰۸۲۱ ـ ۷۳۵۸۰

پیسا نمونه‌ای از شرکتهای فعال ساختمانی

فعالیتهای مهندسین شایسته ایرانی تحول تازه‌ای

در پیشرفت‌ها ی عمرانی پدید آورده است

با تمام تسلسلی که مورخین در پیشرفت و تعالی تمدن بشر بین جوامع و ملل مختلف قائل میباشند و با اینکه غالبا بسیاری از ما تصور میکنیم در تمام اعصار باجزئی اختلافی دانش و تمدن بشر روبه ترقی بوده و هست معهذا بسیاری از فلاسفه با تحقیق و مطالعه بیشتری دراین زمینه دریافته‌اند که برخلاف این عقیده تاریخ از هرجامعه و هرخطه‌ای شاهد پیشرفتهای عظیم مسحورکننده ودرمقابل شکست خوردگیها و نابودیهای بسیاری میباشد . و شاید تاریخ دوهزارو پانصد ساله کشور ما نیز بهترین نمونه برای ذکر این واقعیت باشد . لیکن با تمام اینکه کشور ما در طول عمر کهن خویش شاهد نشیب و فراز های بسیار بوده واین تناوب درتاریخ ملت ما بیشتر از هرتاریخی بچشم میخورد خوشبختانه با تحولات بی نظیری که طی چند قرن اخیر در اقصی نقاط دنیا دراُفتُور اجتماعی وعلمی بوقوع پیوست دامنه تموج این جنبش عالمگیر مقدمات ایجاد محیط مساعدی را برای پیشرفت و اعتلای کشور فراهم آورده است .

ترقیات علمی ، صنعتی ، پیشرفتهای اقتصادی و فعالیتهای مفیدی که در زمینه کار های عمرانی در چند سال اخیر انجام گردیده شاید بهترین دلیل برای اثبات این مطلب باشد . لیکن ناچار بذکر این مطلب نیز هستیم که بعلت تشکیل سرمایه های بزرگ در شهر های صنعتی غالب این فعالیتها درچنین نقاطی متراکم گردیده و بهمین علت اجرای بسیار از پروژه هائی که شاید بار ها بیش از طرحهای غیرضروری و نمایشی حائز اهمیت بودند متوقف و یا موکول به‌گذشت زمان طولانی گردید .

این پروژه های مهم که اجرای مداوم آنها برای اقتصاد کشور بالمره جنبه حیاتی پیدا کرده است شامل طرحهای راهسازی ، ایجاد پل ها ، افزایش تعداد راههای آهن ، شهرسازی وساختن منازل وآماکن سکونت جهت طبقات مختلف و بسیاری طرحهای مفید دیگر میباشد .

بویژه با درنظرگرفتن موقعیت خاص اقتصادی که احتیاج به راههای خوب و تسهیلات بهتر برای حمل و نقل و سرعت بیشتر در کار را ایجاب مینماید و نیزبا توجه بمشکلاتی که بمناسبت کوهستانی بودن این کشور برای اجرای پروژه های راهسازی وجود دارد مساله راهسازی درایران موضوعی است که بیش از هرچیز توجه را جلب مینماید .

جای امیدواری است که بیش و کم درطول اجرای برنامه های هفت ساله اول و دوم سازمانهای عمرانی نسبت به این مساله مهم بی‌توجه نبوده‌اند و بسیاری از شرکتهای ساختمانی و مقاطعه کاری که دراین قسمت تجربیاتی اندوخته بودند فعالیتهای خودرا به اجرای اینگونه طرحهای مهم اختصاص دادند . بطوریکه کارهای انجام شده درطی این اندك زمان با توجه به قدرت کار و وسعت کاری که متعهداً اجرای اینگونه طرحها شده بود بسیار شایان توجه میباشد .

برای نمونه شرکت پیسا که از موسسات فنی و ساختمانی ایرانی میباشد و کارکنان آنرا مهندسین و متخصصین کارآزموده و ورزیده ایرانی تشکیل میدهند درفاصله چند سال گذشته توانسته است با اجرای طرحهای آبادانی مهم خدمات پرارزشی بکشور خود بنماید .

پروژه ساختمان راه آمل که اجرای قسمت اعظم آنرا شرکت پیسا عهده‌دار بوده است از جمله اقدامات ارزنده‌ایست که توسط مهندسین مجرب شرکت پیسا باتمام رسیده و نمونه کوچکی است که شایستگی این شرکت مهم ساختمانی را درانجام طرحهای وسیع عمرانی بخوبی مشهود میسازد .

با احتیاج فوق‌العاده‌ایکه به توسعه و اجرای مداوم اینگونه پروژه های مفید پیش آمده بسط وادامه این فعالیتها با پشتکار و علاقه مهندسین پرارج ایرانی موجدامیدواری فراوانی برای بالابردن سطح ترقیات اجتماعی و ایجاد کشوری آباد همانند ممالك مترقی جهان میباشد .

شرکت ساختمانی هموار

استفاده از مهندسین پرارج ایرانی انجام برنامه های عمرانی را بنحـو شایسته‌ای میسر ساخته است

برنامه های عمرانی هفت ساله پروژه‌های وسیعی را که انجام آنها دراین فاصله زمان کوتاه بسیار بعیدبنظر میرسیدبنحوشایـان تـوجهی میسر ساخت .

پیشرفتهائی که در زمینه عمران مراکزدور افتاده و مهم کشور درطول اجرای برنامه هـای اول و دوم پدید آمده انجام لوله کشی شهرهای مختلف طرحهای وسیع راهسازی ، تهیه مساکن و اماکن سکونت بتناسب احتیاجات مردم و بسیاری طرحهای آبادانی دیگر رکودی را که در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی بچشم میخورد از بین برده و زمینه را برای اقدامات ثمربخش دیگری آماده نمود .

بدیهی است درانجام این برنامه های وسیع شرکتهای فنی و ساختمانی نقش موثری را ایفا نموده و فعالیت آنها با استفاده ازتخصص و اطلاعات مهندسین ایرانی برای تسریع دراتمام اینگونه برنامه های مفید حائز ارزش و اهمیت فوق‌العاده بوده است .

شرح اجمالی زیر قسمتی از اقدامـات شرکت هموار را که در ردیف مهمترین وپرسابقه ترین موسسات ساختمانی ایرانی میباشد نمایان میسازد .

هموار و فعالیتهای عمرانی آن

شرکتهای ساختمانی و مقاطعه کاری هموار که متشکل از جمعی از ورزیده ترین متخصصین ومهندسین ایرانی است طی مدت فعالیت خـود دراجرای بسیاری از پروژه های عمرانی کشور پیشقدم بوده و کمك های شایان توجهی بآبادانی کشور نموده است .

لوله‌کشی شهرها

عملیات لوله‌کشی شهر سهراب و مشگین شهر و همچنین لوله‌کشی شهر اردبیل که برای انجام آن سه چاه عمیق بظرفیت تقریبی ۱۲۰ لیتر در ثانیه احداث گردیده و انشعابات لوله کشی آن به۲۵کیلومترمیرسدازجمله پروژه‌های لوله‌کشی مهمی است که توسط این شرکت‌باتمام رسیده است .

راهسازی

در ردیف کار های مهم راهسازی شرکت هموار میتوان احداث جاده لوشان بزنجان را نام برد اهمیت این جاده که قسمت اعظم آن ازنقاط کوهستانی میگذرد ازاینجهت است که راه میان بری است که نواحی گیلان را ازطریق لوشان بزنجان متصل مینماید .

برای انجام این پروژه که قسمت مهمی‌از آن بشرکت هموار واگذار گردیده بود باشرایط نامساعدی که قهرا پیشرفت کار دراین ناحیه بتعویق میانداخت شرکت هموار موفق گردید با استفاده از دستگاههای مدرن و سنگین راه سازی خود بنحو شایسته‌ای طرح مزبور راباتمام برساند .

کارها ی‌ساختمانی

پروژه های ساختمانی مهمی که توسط شرکت هموار درنقاط مختلف کشور انجام شده خود تشکیل فهرست جداگانه‌ای را میدهد و بهمین جهت بی تناسب نیست که تنها بذکر اقدامات پرارزش این شرکت در تجدید بنای قراء زلزله زده بپردازیم .

در واقعه زلزله بزرگ قزوین که همراه با از بین رفتن قراء ودهات‌آباد نواحی جنوب این شهرستان بسیاری از خانواده های روستائی‌این مناطـق را نیز بـی‌خانمان نمود مساعی شرکت هموار و کمکهای بی‌شائبه‌ای که شرکت مزبور برای تسریع دراتمام پروژه های تجدید بنای دهات دانسفهان ـ نوده ـ طرزك و حسین آباد نمود یکبار دیگر شایستگی این شرکت را درانجام پروژه های عمرانی بثبوت رسانید .

برای تجدید ساختمان این چهار قریه‌زلزله زده باتمام مشکلات موجود بعلت دورافتادگی این منطقه، تلاش صادقانه شرکت هموار سبب گردید که ساختمان ۳۵۰ خانه بتونی در منطقه وسیعی که باین شرکت واگذار گردیده بود پیش ازموعد مقررانجام پذیرد وطبق برآوردی‌که شده‌درعرض ۲٤ ساعت سه دستگاه کامل بتون آرمه توسط این شرکت تهیه و آماده گردیده است و این‌خود بخوبی جدیت و تلاش کارکنان شرکت هموار را برای تسریع درانجام این مهم مشهود میسازد .

باوجود مهندسین و متخصصین مطلعی‌که در کادر شرکتهای فعاله مقاطعه کاری ایرانی نظیر شرکت هموار برای توسعه عمران کشور فعالیت مینمایند شکی نیست که بسیاری از مشکلات صنعتی و اقتصادی نیز با آباد ساختن مراکز مهم کشور و بسط راههای مواصلاتی بر طرف گردیده و زمینه مساعدی برای پیشروی بیشتر در مسیر ترقیات اجتماعی فراهم خواهد آمد .

اقدامات مفید مهندسین شایسته ایرانی در طرحهای ساختمانی و عمرانی یکبار دیگر اصل کار مردم بدست مردم را جامهٔ عمل میپوشاند

ازاولین روزهائی که بشر عصر حجر سنگ و خاك را وسیله کار وساختن مسکن خویش قرارداد واولین ابزار محجر ویا نخستین کلبه‌های کلی‌را بمایه هنر فطری خویش بوجود آورد تا عصر کنونی که درفاصله زمانی کمتری ازساختن همان کلبه‌های گلی آسمانخراشها عمارات عظیم و یا تاسیسات خیره کننده بوجود میآید بیش ازده‌هاقرن میگذرد.

آثاری که از تاریخ معماری باقی مانده است بخوبی نشان میدهد که هنر ساختمان طی این زمان بس طولانی درهردوره‌ای ازتاریخ ودرمیان مللو نژادهای مختلف چه تغییر وتحولی یافته وچه پیشرفتی درشیوه‌های جدید معماری وطرحهای مختلف‌ساختمانی پدید آمده است.

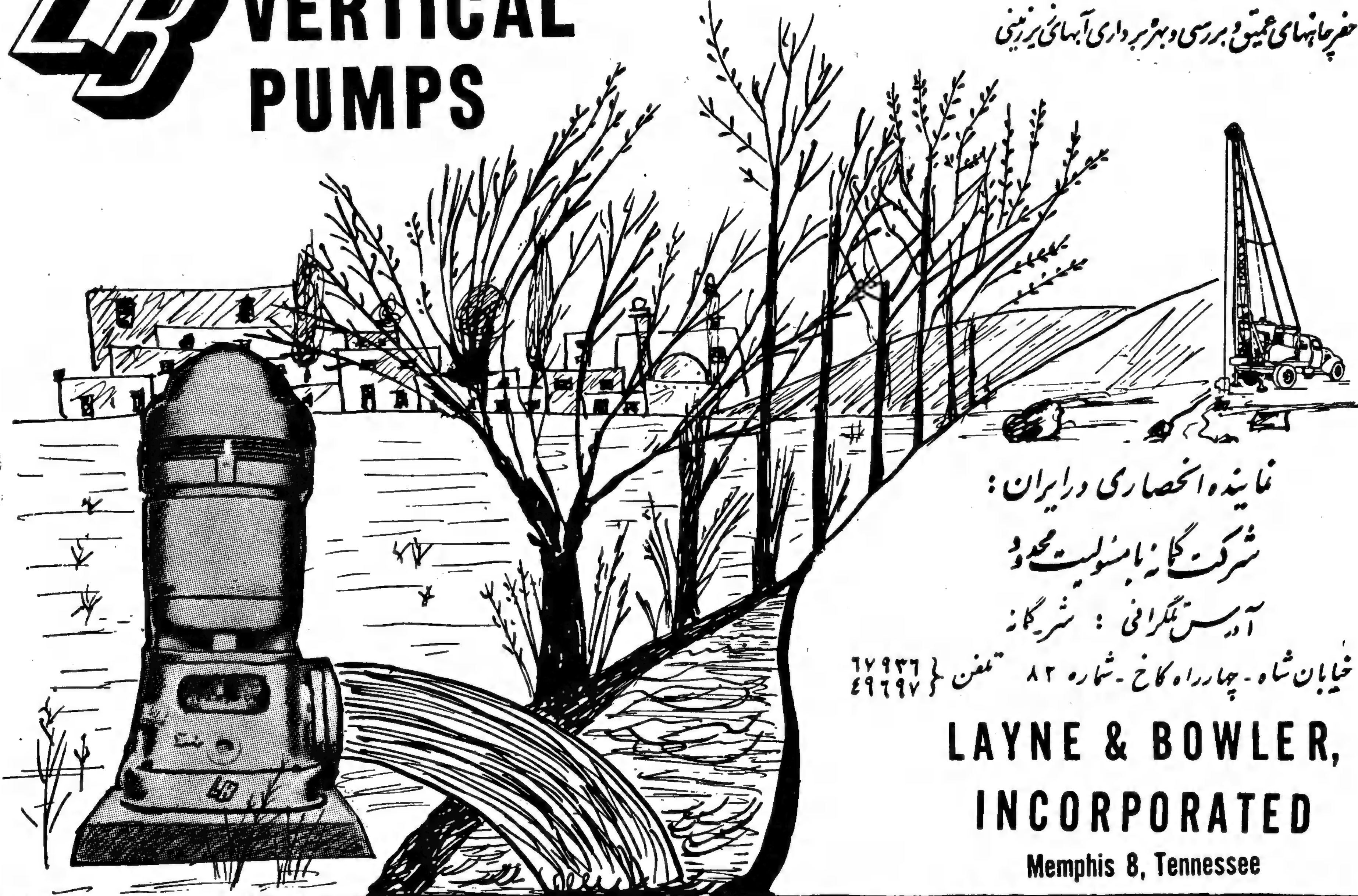
با اینکه ازلحاظ استحکام وبداعت وظرافت آثارمزبور «کشورایران را باید مهد هنرمعماری‌دانست لیکن درهر دوره‌ای از تاریخ بواسطه صدماتی که بکشور ما وارد آمده قهرا تا آغاز تحولی تازه‌تر رکودی درایجاد این چنین آثار ارزنده پدیدارگشته است . با اینهمه با آغاز عصر جدید وتحولات بی نظیری که در امور علمی ، صنعتی و اقتصادی در دنیا بوجود آمد کشور ما نیز همزمان با سایر ممالك دیگر به‌پیشرفتهای شایان توجهی درزمینه عمران وآبادی مراکز مهم خود نائل‌گردید بویژه درسالهای‌اخیر‌باآغاز برنامه‌های عمرانی هفت‌ساله موقعیت مناسبی پیش‌آمد که مهندسین ومتخصصین لایق ایرانی بتوانند با شرکت درفعالیت‌های مختلف آبادانی شایستگی خودرا درانجام طرحهای مختلف ساختمانی بثبوت رسانند.

اجرای پروژه‌های وسیع عمرانی ، ایجاد تاسیسات عظیم صنعتی ، ساختمانها و بناهای مجلل و پرارزشی که محصول فعالیت دو دوره متوالی از برنامه‌های عمرانی میباشدکوشش ثمربخش مهندسین ایرانی را دربالا بردن سطح آبادانی کشور بخوبی مشهود میسازد .

شرکت ساختمانی شایگان اززمره موسسات فنی وساختمانی‌فعاله‌ایست که ازآغاز شروع‌بکارتاکنون درطرح های وسیع ساختمانی وعمرانی شرکت کرده وفعالیت مجدانه این شرکت در اجرای پروژه مهم تجدید ساختمان قراء زلزله زده قزوین (دانسفان. نوده طرزك وحسین‌آباد) که بامناسب‌ترین طرحهای ساختمانی ودرحداقل فرصت‌ممکن انجام پذیرفت واقعیت این مدعا رابخوبی آشکار میسازد.

وجود مهندسین ورزیده وشایسته‌ای که در کادر این شرکت ساختمانی ایرانی مشغول فعالیت میباشند وهمچنین استفاده‌ازوسائل‌ودستگاههای‌مجهزی که درسازمان شرکت مزبور وجود دارد امکان انجام پروژه‌های ساختمانی مهمی رابرای موسسه ساختمانی شایگان میسر میسازد.

با علم باین واقعیت که مهندسین پرارج‌ایرانی درهریك ازطرحهای مختلف عمرانی شایستگی ولیاقت خود را بنحواحسن نشان داده‌اند وبسیاری از اقدامات آبادانی‌کشور بدست آنها انجام گرفته میتوان گفت که اصل‌کار مردم بدست مردم یکبار دیگر جامه عمل‌بخود میپوشد .



SINCE 1882
LB VERTICAL PUMPS
شرکت گمانه با مسئولیت محدود
حفر چاههای عمیق و بررسی و بهره برداری آبهای زیرزمینی
نماینده انحصاری در ایران:
شرکت گمانه با مسئولیت محدود
آدرس تلگرافی : شرگمانه
خیابان شاه - چهارراه کاخ - شماره ۸۲ تلفن ۶۷۹۳۶ ۴۹۶۹۷
LAYNE & BOWLER, INCORPORATED
Memphis 8, Tennessee

ظرافت در عین استحکام و سرعت‌در کار اساس معماری امروز است

مهندسین شرکت ساروج در اجـراء طرحهای بزرگ عمرانی شایستگی‌خودرابثبوت رسانیده‌اند

هنرساختمان درعصرامروزی پیشرفت شگرفی نموده و اگر منصفانه قضاوت نمائیم خواهیم دید که با ایجاد ساختمانهای عظیم آسمانخراشها ،تونل ها . پل ها وجاده‌های طولانی و بسیاری ازشاهکارهای‌ساختمانی جدید که شاید سابقا اجرای قسمت ناچیزی از آن نیز با سرعتی که امروز بنا میگردد امکان پذیر نبود چه تفاوت فاحشی در پیشرفتهای معماری امروزی وسبکهای مدرنی که بـرای آن ابـداع گردیده نسبت بگذشته پدید آمده است . ساختمانهای گلی و خشتی‌مسقف با الوارهـای سست چوب یـا وبالاخره دیوار هائی که برای بالاخره دیوارهائی که بـرای استحکام آنها ناچار بر قطر آنها میافزودند دیگر باب‌طبع بشر امـروزی نیست . اصل ظرافت درعین استحکام بیشتر وسرعت وسهولت‌در انجام‌اساس معماری امـروزی را تشکیل میدهد وشاید بهمین علت است که مهندسی ساختمان خود یکی از رشته های بزرگ علمی و فنی را در دنیای کنونی تشکیل داده‌است .

جـای خوشوقتی است کـه کشور ما نیز پاپیای سایرممالك مترقی از چنین ترقیات عصر کنونی بی نصیب نبوده وبـا کمك مهندسین شایسته ومطلع خویش که در کادر شرکتهای مقاطعه کـار ایرانی مشغول فعالیت بـوده ومیباشند طـی برنامه‌های هفت سالـه بـه پیشرفتهای شایان توجهـی در زمینه عمران‌نقاط مختلف کشور نائل آمده‌وباایجاد ساختمانهای عظیم وتاسیسات مهم در اقصی نقاط کشور گام بزرگی در امور ساختمانی برداشته است .

از جمله شرکتهائی که طی برنامه های عمرانی با ادامه همکاریهای مفیدخود دراجرای پروژه‌های بزرگ ساختمانی و عمرانی کشور سهم عمده‌ای را حائز بوده شرکت ساروج‌است . مهندسین و متخصصینی کـه گردانندگان این شرکت مهم ایرانی را تشکیل میدهند از ورزیده ترین مهندسین ایرانی میباشند که بارها شایستگی خود را در اجدای طرحهـای پـر ارزش ساختمـانـی بثبوت رسانیده‌اند .

ساختمان بیمارستان جـدید شرکت نفت‌که در ردیف بناهای زیبا ومستحکم پایتخت میباشد نمونه‌ای از کارهای مهم شرکت ساختمانی ساروج است که در انجام پروژه آن نهایت دقت بکار رفته است .

با بودن شرکتهای ارزنده‌ای نظیر شرکت ساروج وهمچنین وجود مهندسین ورزیده ومطلع ایرانی باید اذعان نمود که‌در حال حاضر کشور مااز استعانت مهندسین خارجی بی نیاز بوده و مستقلا قادر خواهد بود که آبادیهای خویش را توسعه‌بخشد

شرکت موج و فعالیت های ثمربخش آن در راه توسعه عمران کشور

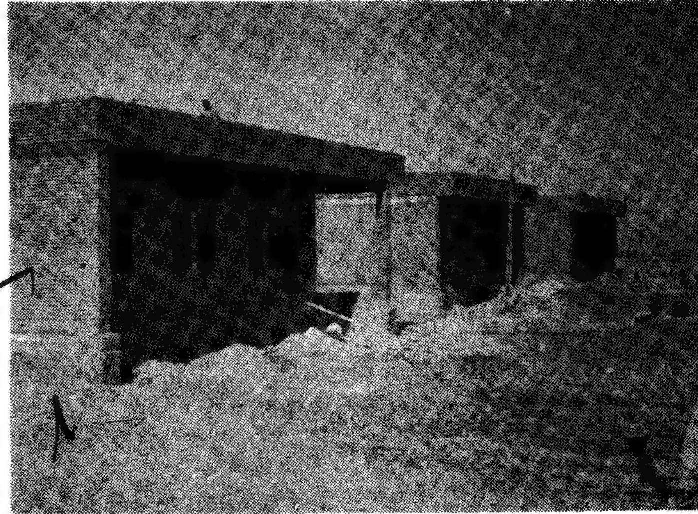
. شروع فعالیتهای ساختمانی در ایران در موقعیتی که اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور بایپش آمدن مشکلات عمده‌ای نظیر مساله تامین مسکن و توسعه راههای ارتباطی ، ساختمان موسسات و دوائر دولتی و ملی و شهر سازی لزوم اجرای طرحهای وسیعی را در این زمینه ایجاب مینمود شاید در موقع خود یکی از مهمترین اقداماتی بود که ظرف چند سال اخیر در راه عمران و آبادی‌کشور انجام گردید .

پیشرفتهای شگرفی که طی مدت کوتاه چند سال‌اخیر در این زمینه پدید آمده قبل از هر چیز ارزش واهمیت طرحهای وسیع سازمان برنامه را که با کوششها وفعالیت های مستمر و مفید موسسات ساختمانی انجام پذیرفت مشهود میسازد .

ذکر این نکته لازمست که موثر ترین عامل در راه اجرای این پروژه های وسیع و پر اهمیت فعالیتها ومساعی ارزنده مهندسین مطلع و ورزیده ایرانی بود ونتایج این کوششها را امروز در هریك از اقدامات عمرانی میتوان مشاهده نمود .

در ردیف موسسات وشرکتهای ساختمانی که سهم عمده‌ای در اجرای این‌طرحها داشته‌اند شرکت ساختمانی موج را باید ذکر نمود . شرکت ساختمانی موج که تحت نظر مهندسین‌کارکرده اداره‌میگردد طی مدت فعالیت خود پیوسته در راه عمران و آبادانی کشور پیشقدم بوده و حتی درسخت ترین شرایط با تشریك مساعی و پشتکار کارکنان مطلع خود توفیق انجام خدمات ذیقیمتی را بکشور داشته است . نمونه های کار شرکت موج که بنا بعقیده کارشناسان از کارهای خوب هنرآرشتیکت میباشدعبارتند از ساختمانهای بانك سپه درهمدان وکاشان تاسیسات فرهنگی درپهلوی وآستارا (گیلان) وساختمان های آموزشگاههای فرهنگی در تهران علاوه براین کارهائی که توسط این شرکت در دست اجرا میباشد عبارتند از ساختمان خانه های سازمانی جهت روسای ادارات در شعاع دوهزار کیلومتر درخوزستان و در شهرستان های ایزه ـ بستان ـ هویزه ـ سوسنگرد ـ شادکان ـ رامهرمز ـ بهبهان ـ شوش ـ اندیمشك وباید متذکرشد که ساختمان های‌مزبور دارای تمام وسایل آسایش بوده ودر نوع خود در مناطق مورد بحث منحصر بفرد میباشد .

با اقدامات پردامنه داری که شرکت موج در راه توسعه عمران کشور آغاز نموده باید منتظر نتایج مطلوب این فعالیتها در آتیه نزدیك بود .



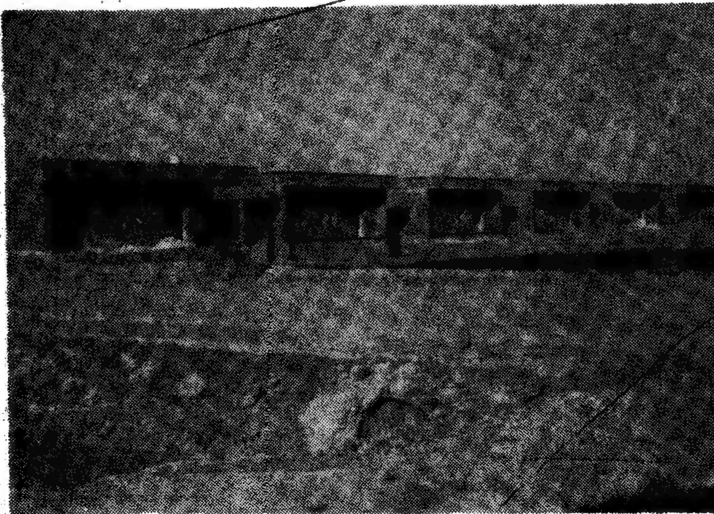
دراندیمشك نیز خانه های مدرنی برای روسای ادارات توسط شرکت موج ساخته شده .



منظره‌ای از ساختمان بانك سپه درهمدان که بوسیله شرکت موج ساخته شده است .



نمونه‌ای از خانه های مسکونی در شادکان جهت روسای ادارات



در دشت میشان ـ سوسنگرد ـ بستان ـ هویزه طرحهای جالبی برای خانه سازی بمرحله اجراء درآمده است .



سد سفید رود و اثرات اقتصادی شگرف آن

با شروع جنگ جهانی دوم بسیاری از فعالیت های آبادانی و عمرانی که تازه درکشور ما آغاز شده بود یکسره متوقف و راکد ماند . اما علیرغم اثرات و عواقب ناشی از جنگ ـ ایران مصمم شد کار توسعه و تکامل اجتماعی را دنبال نماید .

این فعالیت‌ها در زمینه‌های مختلف کشاورزی ـ صنعتی و اجتماعی بود که بسیاری از آنها تاکنون بثمر رسیده و نتایج درخشان آن مشهود شده است .

از جمله کارهای بزرگی که در راه توسعه و تعمیم کار زراعت صورت گرفته است ایجاد سدهای بزرگ آبیاری بوده است که هر یك بخوبی توانسته است منبع درآمد بزرگی برای ملت ایران خصوصا کشاورزان و دهاقین باشد .

سد سفیدرود و اثرات اقتصادی‌آن

سد سفیدرودکه در۲۵۰ کیلو متری شمال غربی تهران قرار گرفته است ٤۲۵ متر طول داشته و ارتفاع آن ازکف پی ۱۱۰ متر می‌باشد . این سد که دو منطقه بزرگ سفیدرود و فومنات را آبیاری میکند أثرات مشهودی در اوضاع اقتصادی کشور دارد که از لحاظ کلی بدو شکل زیر تقسیم بندی میشود :

با ایجاد این سد جمعا ۷٦۷۰۰ هکتار به سطح کشت افزوده شده اضافه درآمد حاصله از توسعه زمینهای کشاورزی و بهبود وضع آبیاری سالیانه به یك میلیارد و سیصد میلیون ریال بالغ میشود .

تاسیسات‌آب وبرق سفیدرود نیز یك واحد اقتصادی بزرگ [illegible] آثار برجسته آن در اقتصاد عمومی کشور بمحض شروع بهره‌برداری نمایان میشود . از لحاظ بهره ـ برداری ازسد تولید برق وآبیاری هردو مد نظر است ولی در برنامه بهره‌برداری از سد آبیاری رامقدم بر سایر امور دانسته و تولید نیروی برق در درجه دوم اهمیت قرار داده میشود .

مشخصات کارخانه هیدرو ـ الکتریك و میزان تولید آن بشرح زیر است .

دو گروه ۱۷۵۰۰ کیلوواتی برای تامین برق استان گیلان در مرحله اول .

سه گروه ۱۷۵۰۰ کیلوواتی برای تامین برق کافی جهت شبکه آینده برق شمال ایران یا انتقال بدشت قزوین بمنظور بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی .

قطر لوله های تحت فشار توربین‌ها ۲٫٤۰ متر

ارتفاع سقوط اسمی آب ٦۳ متر

بده توربین یك گروه ۳۲٫۹ متر مکعب در ثانیه

نوع توربینها فرانسیس قائم

قدرت حداکثر هریك ۲٤۵۰۰ قوه اسب

فشار اسمی بین فازها ۱۰٦۰۰ ولت

برق تولید شده دوترانسفور ماتور به ۱۳۲۰۰۰ ولت تبدیل و سپس بخط فشار قوی منجیل ـ رشت وصل میشود .

ابعاد و مشخصات سد سفیدرود

تاسیسات هیدرولیکی سد سفیدرود درحال حاضر عبارت از دو گروه توربین ژنراتور ۱۷۵۰۰ کیلوواتی از نوع فرانسیس قائم میباشد این دو گروه نیروی برق استان گیلان را تامین مینماید .

محل سه گروه دیگر در سد پیش‌بینی شده است تا بعداً با نصب گروه های جدیدی باتوسعه صنعتی و کشاورزی منطقه بین تهران و رشت مورد استفاده قرار گیرد .

۱ ـ حجم مخزن یك میلیارد و هشتصد میلیون متر مکعب است که میتواند آبیاری ۲۲۰ هزار هکتار برنجزار های گیلان را در مرحله نهائی تامین کند .

۲ ـ مساحت دریاچه ٥٦ کیلو متر مربع .

۳ ـ حداکثر ارتفاع سد از کف پی ۱۰٦ متر .

٤ ـ عرض سد در روی تاج ٤۲٥ متر .

٥ ـ حجم بتون مصرفی ۷۰۰٫۰۰۰ متر مکعب .

٦ـ قدرت دستگاههای تخلیه کننده ٦۳٥۰ متر مکعب در ثانیه .

هنر معماری و پیشرفتهای مهندسی ساختمان تا چه حد درکارهای انجام شده مهندسین ایرانی مشهوداست ؟

مهندسین شرکت شاقول فعالیت شایان توجهی دربرنامه های آبادانی کشور داشته‌اند

باتراکم روز افزونی که در جمعیت شهرها بوجود آمده و بتناسب بسط فعالیتهای گوناگون در امور اجتماعی ـ اقتصادی و صنعتی مساله ساختمان چه از نظر تامین مسکن وچه از لحاظ سایر نیازمندیهای اجتماعی موضوع مهمی را تشکیل میدهد .

حال با دونظر گرفتن اینکه سرعت درکار با توجه بارزش زمان اساس فعالیتهای امروزی است اصل استحکام در عین ظرافت وبالا بردن راندمان کار در زمان کمتر در هنر معماری جدید بصورت یك روش اجتناب ناپذیری درآمده است که در کلیه طرحهای ساختمانی مورد توجه قرار میگیرد .

بموازات اختراع دستگاهها و ماشین آلات جدید جهت‌تهیه مصالح مورد لزوم و کارهای گوناگون ساختمانی و همچنین کشف مصالح ارزنده‌ای مثل سیمان ، روشهای تازه و مختلفی نیزدراصول مهندسی ساختمان امروزی ابداع‌گردیده که قهرا تحولی دراین حرفه پراهمیت پدید آورده‌است .

امروزه قشر نسبتا نازکی از بتون مسلح ده‌ها بار بیش از مصالح قدیمی در مقابل فشار ها و صدمات وارده مقاومت دارد و باین ترتیب دیگر ضرورتی نیست که برای ایجاد تاسیسات مختلف ساختمان از دیواره‌های ضخیم و سنگین خشتی و گچی استفاده نمود.

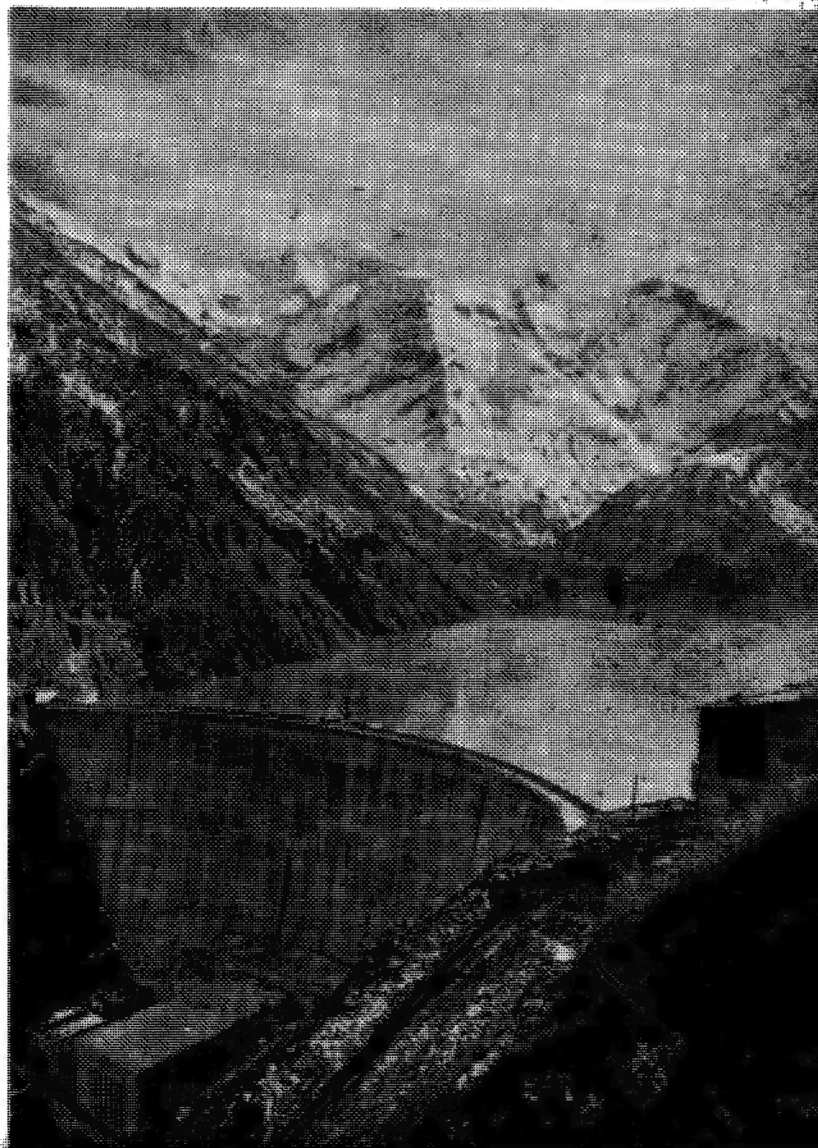
با پیشرفتی که در علم مهندسی حاصل آمده بسادگی میتوان با استفاده از اصل تقسیم نیرو در حال حاضر ساختمانهای عظیم و یا پلهای مرتفعی را روی ستونهای بالنسبه نازکی بنا نمود .

این چنین پیشرفتها و تحولات شگرف در فن مهندسی ساختمانی طبعا با شروع فعالیتهای مختلف عمرانی در ایران وتشکیل کادرهای تخصصی وفنی بوسیله مهندسین و متخصصین ورزیده ایرانی بالمره در کشور ما نیز مشهود گردیده وبا ایجاد سازمانها و موسسات ساختمانی وفنی واقدامات عمرانی بیشتری رو بتوسعه رفت ، تاجائیکه میتوان‌گفت پروژه‌های جدید ساختمانی که درایران اجرا شده در ردیف مدرن‌ترین وزیباترین طرحهای امروزه جهان میباشد .

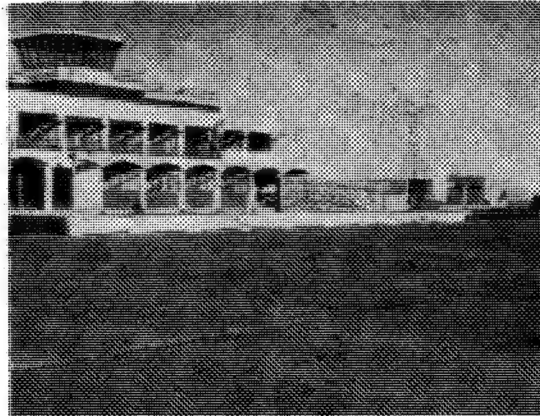
باید متذکر شد که فعالیت مهندسین ایرانی در فاصله زمان کوتاهی که برای انجام این منظور وجود داشت عامل‌موثری درتامین هدفهای برنامه های عمرانی بوده و باتوجه به نیاز مبرم کشور به افراد ورزیده و متخصص تشریك مساعی مهندسین شایسته ایرانی و پشتکار و علاقه‌ای که کادرهای فنی و تخصصی ایرانی نسبت به فعالیت های مختلف عمرانی نشان دادند گذشته از تسریع در این پیشروی از صرف مخارج فراوانی نیز برای استخدام پرسنل خارجی جلوگیری نمود . شرکت شاقول که از جمعی زبده‌ترین مهندسین ایرانی متشکل گردیده است از جمله موسسات ساختمانی و فنی مهمی است که در انجام پروژه های بزرگ عمرانی پیشقدم بوده ودر این راه بااستفاده از ماشین‌آلات و تجهیزات مدرن راهسازی خود با سازمان برنامه و موسسات ساختمانی همکاری نزدیك و صمیمانه ای داشته است .

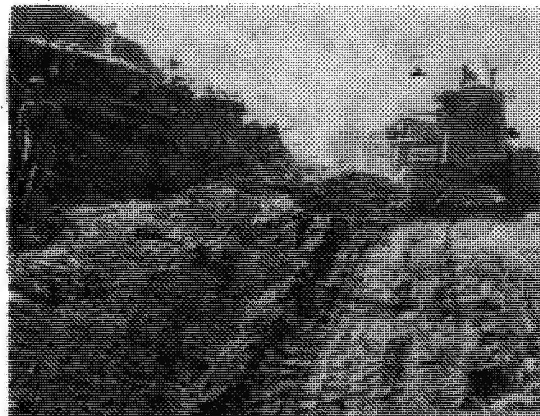
پروژه‌های ساختمان هنرستان اصفهان . دبیرستان نیاوران . عمارت شهرداری جلفا . آموزشگاه حرفه‌ای بهبهانی . ساختمان دبستان و دبیرستان نارمك و همچنین عملیات اسفالت شهرهای ملایر ، کازرون و خیابانهای رضائیه کـه وسیله این شرکت اجرا گردیده نمونه بارزی از فعالیتهای این شرکت و مهندسین ایرانی آن طی برنامه‌های عمرانی هفت ساله اول ودوم میباشد .

اقدامات مفید مهندسین ایرانی در گذشته که آغاز طلیعه فعالیتهای بیشتری در آتیه میباشد نوید دهنده پیشرفتهای افزونتری در زمینه عمران و آبادانی کشوری است که خواهان پیشروی در مسیر ترقیات دنیای جدید میباشد .



با همت مهندسین ایرانی یکراه کوهستانی به جاده‌ای هموار و زیبا تبدیل گردید

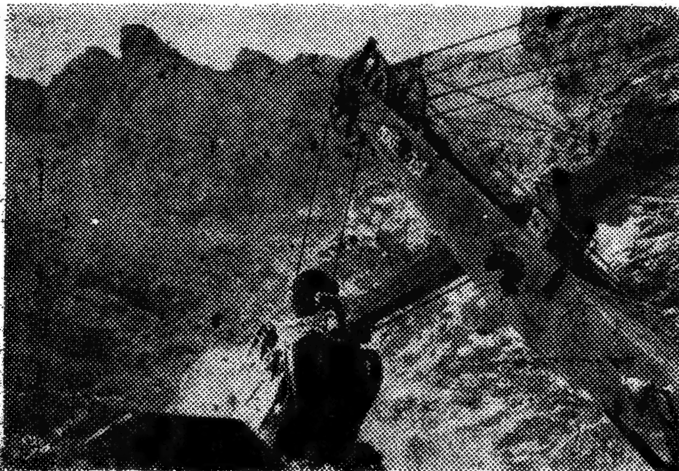




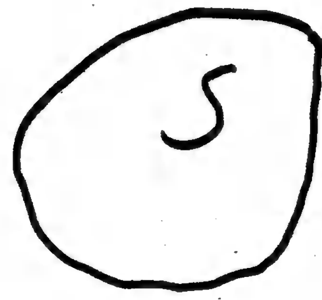


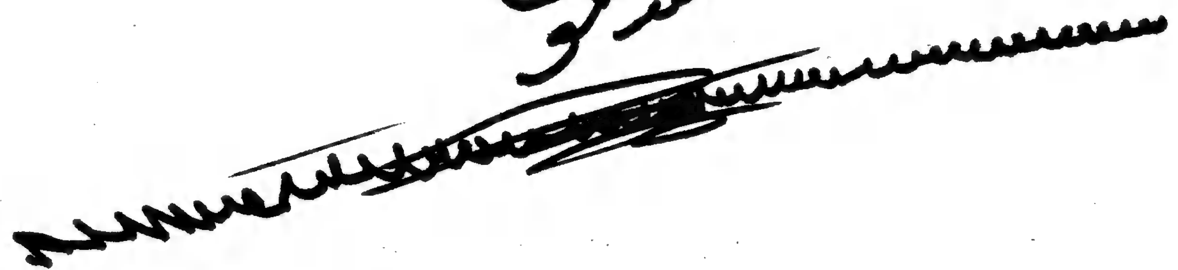
وقتی قزوین راپشت‌سر میگذاریم نرسیده بلوشان کارهائی بچشم میخورد که تا چشم کار میکند انواع مدرن‌ترین ماشین‌آلات راهسازی درآن دیده میشود . بیلهای مکانیکی ٥ر٢ یاردی « بولدزرهای عظیم » سنگ شکنهای بزرگ‌و بالاخره تعداد کثیری کمپروسورهای سنگین قسمتی از این محوطه وسیع را اشغال کرده‌اند . دو سال بعقب برمیگردیم . در آن زمان این نقطه مرکز راهسازی کوهین و جمشیدآباد بود . از کوهین وجمشید آباد در طول ۹۳ کیلومتر سخت‌ترین قسمت راهسازی ایران بهمت کارگران و مهندسین ایرانی و متخصصین ورزیده بین‌المللی در مدتی کمتر از سه سال پایان یافت و اکنون بجای گردنه ملاعلی و پیچهای منجیل راهی صاف و زیبا خودنمائی مینماید که میتوان با سهولت روی آن فاصله قزوین به‌رشت را دوساعته طی کرد.. این‌شاهکار راهسازی‌را شرکت‌ایرانراه در طی سه‌سال بکمك ٥٠ میلیون‌تومان ماشین و ۳۰۰۰ نفر کارگر و مهندس بوجود آورده و در طی این مدت بیش از چهار میلیون متر مکعب خاکبرداری معمولی و ۲ میلیون متر مکعب کوهبری کرده است ـ ٦ تونل دراین راه وجود دارد که فقط طول یکی از آنها نزدیك یك‌کیلومتر است ۱۷۰۰ هزار متر مکعب بنائی در ٥٠٠ پل و ۲۰۰ دیوار بزرگ بخوبی عظمت این پروژه را میرساند . هیچکس فکر نمیکرد یك شرکت ایرانی قادر باشد این کار عظیم را بپایان رساند ولی گردانندگان این دستگاه با همکاری صمیمانه‌خود نشان دادندکه ایرانی نیز قادر است کارهای بزرگ فنی انجام دهد .شرکت ایرانراه گذشته از انجام این پروژه بزرگ در برنامه دوم آبادانی مملکت ساختمان فرودگاه زیبای شیراز و همچنین قسمت اول راه اصفهان به تهران بطول ۸۲ کیلومتر ٦٩ کیلومتر از راه همدان بقزوین ـ ساختمان‌های فنی فرودگاه مهرآباد ـ ۲۸ کیلومتر از راه‌کناره شمال ـ آسفالت خیابان های اصفهان ـ راههای اطراف‌اصفهان وشیراز ـ قسمت اول پل اساسی‌خان و پلهای فهلیان را با موفقیت کامل بپایان رسانیده ودر سال جاری نیز فرودگاه مدرن اهواز و همچنین‌پلهای دره‌ئی حسینیه را بارتفاع ٤٠ مترو طول ۲٥٠ متر آماده بهره‌برداری‌نموده است .

شرکت ایرانراه اکنون خود را آماده میسازددر برنامه پنجساله سوم عمرانی بااین تشکیلات عظیم سهم‌خود رابعهده بگیرد ومنشا خدمات بیشتری در راه آبادانی کشورگردد .









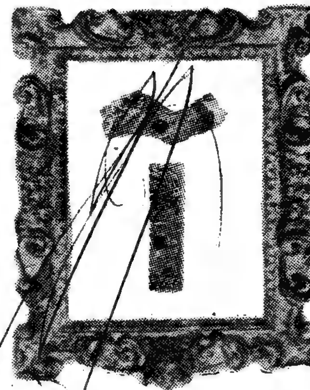
درست شت ن نوید زیست

آمارا هطا هم

دانستنیهای خانواده



آباژور



از لوازم روشنائی است که بمنظور پخش و برگرداندن نور بکار می‌رود ضمنا چشم را در مقابل انوار مستقیم‌منبع نور حفظ می‌کند.

آباژور را از کاغذ های ضخیم‌ـ مقوا ــ فلز ــ شیشه وبالاخره از پارچه و باشکال مختلف درست می‌کنند . آباژور های پارچه ای این مزیت را دارد که می‌توان آنرا تجدید کرد و یا بوسیله پارچه دیگری اسکلت فلزی منصوب روی لامپ را تزئین نمود . آباژور امروزه یك وسیله بسیار مهم از نقطه نظر تزئین و دکوراسیون بشمار می‌رود و بایجاد یك محیط تازه کمك می‌کند .

انتخاب آباژور ــ بایستی توجه داشت که منظور نهائی از این وسیله روشنائی فقط انعکاس نـور در جهت مورد لزوم نیست بلـکه حفظ چشم در مقابل انوار مستقیم منبع نور نیز می‌باشد ــ لذا در یك کارگاه یا روی میز نقشه‌کشی‌ـ یا میز محصل یا میز خیاطی یك بانوی خانه‌دار هیچ نوعی ارزش آباژور مخروطی با سطح داخلی سفید ولی غیر براق را ندارد ــ در این گونه مواقع باید صددرصد نقش تزئین آباژور را فراموش کرد .

فرم آباژور ــ برای این کـه از نقطه روشنائی نتیجه مطلوب عاید شود باید بابعاد و فرم آباژور نیز دقت نمود . مثلا در فـرم مخروطی نسبت های زیر را بایـد مراعات کرد :

در چراغ های متحرك ــ نسبت بین قطر دائره بالایی و زیرین دو بد دونیم ونسبت‌بین ارتفاع مخروط و قطر دائره بالا یك به یك وربع باشد .

در چراغ های منصوب بدیوار (بشکل شمعدان) نسبت بین قطـر دائره فوقانی به تحتانی باید یك به یك و ربع و نسبت ارتفاع آباژور بدائره فوقانی نه و نیم باشد .

در لوستر های سقفی ــ نسبت آباژور های منصوب بدیوار بایـد مراعات شود .

و چون غرض از انتخاب آباژور پنهان کردن لامپ و منبع نورانی می‌باشد بدین جهت نسبت ارتفاع آباژور بلامپ باید یك به یك وشش باشد .

تزئین آباژور ــ لازم است بدوا با کشیدن پارچه یا کاغذ سفیدی بمنظور آستر روی اسکلت آباژور و سپس روکش نمودن آن بلا‌پارچه و یا کاغذ رنگین دلخواه ــ مناسب وجور با سایر اشیاء اطـاق آنرا تزئین نمود وبالاخره تکمیل آباژور با انتخاب کاغذ یا پارچه رنگینی که نور از آن عبور نموده و نوری مصنوعی بشما میدهد ونه‌نوربشکل روز انجـام پذیرد . انتخاب‌درجه رنگ وشکل آباژورباقدرت‌نورلامپ نیز هم‌آهنگ باشد. رنگ‌هائی که بمحیط اطراف آباژور حالت گرم خوب و مطلوبی می‌بخشد عبارتست از : **رنگ‌طلائی ــزرد ــ نارنجی‌ــ** بنفش ــ بنفش مات ــ سبز و قرمز و در مرحله آخر رنگ آبی است که برنگ خاکستری جلوه می‌کند و حالت سردی به محیط اطراف خود می‌دهد .

تعمیر آباژور ــ غالب اوقات براثر حرارت لامپ سطح دائـره فوقانی آباژور های ساخته شده از کاغذ های روغنی و یا پارشومینه سوراخ و یا پاره می‌شود و برای اعاده وضع اولیه و یا وضع بهتری کافی است که دائره فوقانی را با روبان و یا نخ پشمی دوباره بحلقه آباژور دوخته شود و حتی ممکن است محل سوراخ سوزن ها را بایك نوار چسب رنگین مناسب با سایر رنگ ها پوشانید .

آبجو

مشروبی است که از شربت قند و یا انگور و نوعی لوور تهیـه میشود انگور نیز باشستشو وله شدن درآب در حرارت لازم و متناسب و آرد جوی کوبیده شده یا ذرت و شکر (گلوکز) میباشد .

آبجو مشروب بسیار مقوی است و بعد از آنکه‌بعمل آورده شد آنرا از صافی رد می‌کنند و بعد از شیشه های بزرگ قهوه‌ای و سبز برای فروش آماده میکنند .

آبجو ها را در چلیك نگاه میدارند این چلیك ها از چوب و یا فلز ساخته شده اند چندی است آبجو را در قوطی های فـلـزی (مانند قوطی های کنسرو) می ــ ریزند و این نوع آبجو نیز در بازار مشتریهای بسیار دارد .

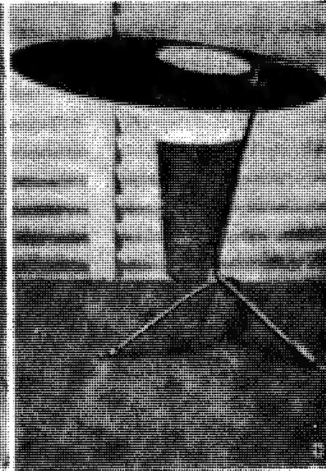
آبجو مشروبی است که کلـیه حواس نوشنده از آن لذت میبرد چشم رنگ شفاف و کف آنرا ، شامه بوی آنرا ، دهان مزه تلخ و مطبوع و سرد آنرا .

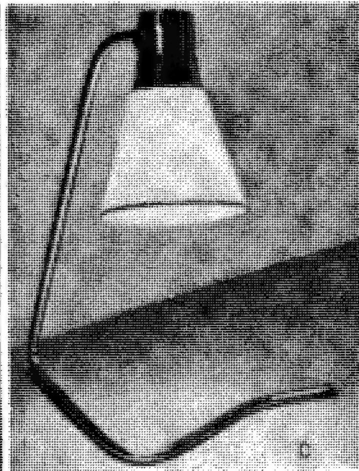
نوشنده آبجو بظاهر آن نیز بسیار اهمیت می‌دهد . تمیزی و قشنگی لیوان مخصوص آبجو ، درجه حرارت آن که باید سرد و در حدود بیست و نه سانتیگراد باشد نوشیدن آبجو را لذت‌بخش تر میکند .

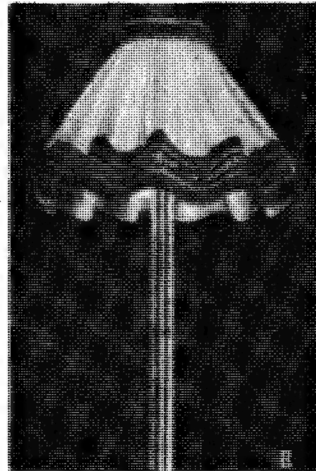
انواع آبجو

پیلزن آبجو رنگ پریده کـه در حدود پنج درصد الکل دارد .

آبجوی مونیخ آبجو قهوه‌ای است که غلیظتر است ودر حدود شش درجه الکل دارد .





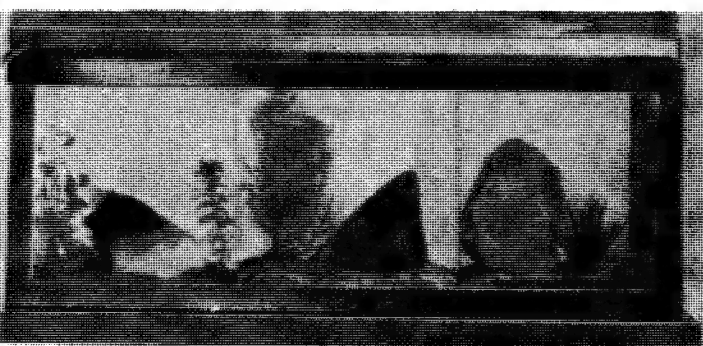




شرح عکس : انواع مختلف آباژور : A مدل شیشه‌ای برای کار B مدل ابریشمی و برودره جهت تزیین C مدل رنگ آمیزی شده با لامپ کوچك D مدل فلزی و لاك برای دفتر کار







شرح عکس از بالا بپائین :
ــ آکواریوم دکتر ژان تیبو
ــ آکواریوم بزرگ گالبه
ــ آکواریوم ماهیهای جنگجو

تیپ وین که کهربائی رنگ است. انگلیسی که آبجوئی است رنگ پریده و رازك آن زیاد تر است .
نوع دیگر آبجوی انگلیسی که قهوه‌ای رنگ قوی تر است .

معرف آبجو ــ آبجو بین ۲ تا شش و گاهی هشت درصد الکل دارد و بین ۰٫۱ تا ۰٫۴ اسید ــ کربنیك که کف آبجو از آن بدست می‌آید وتا ۳ درصد مواد آلبومنئید ر همین مقدار اکترین و ۰٫۱۲ نمك و برای اسکی ــ و یا دوچرخه ــ آبجو بهیچوجه میکرب مضر ندارد واسترلیزه است زیرا درموقع عمل آمدن در حال جوشش است
آبجو يك مایع بسیار مغذی از لحاظ نمکهای معدنی و مواد آلبومینی و فسفاتها که دارا است می‌باشد و بعضی آنرا نان مایع میگویند .
آبجو يك مشروب اشتها آور است .

آبجو خنك‌کننده و تسکین‌دهنده اعصاب است زیرا مقدار زیادی آب جوشیده آن تشنگی را رفع میکند . بهضم غذا کمك مینماید ولی در حال خوردن غذا نوشیدن آن بدفعات امکان دارد جلوی‌اشتها را بگیرد . برای مادران کم شیر تجویز میشود .

آبگیر شیشه‌ای

آکواریوم یا آبگیر شیشه‌ای ظرفیت شیشه‌ای و بدون منفذکه برای نگهداری ماهی اختصاص‌داده شده و بآنان اجازه زندگی‌و تولید مثل میدهد .

آکواریومی که مانند زیر دریا تزئین شده باشد ، در حالی‌که يك سرگرمی بسیار جالبی است ، موضوعی بس ارزنده برای مطالعه میباشد .

آکواریوم میتواند سالن نشیمن، راهرو یا سالن ناهار خوری را بنحوزیبائی تزئین دهد ، درصورتی که برای گذاردن آن وروشنائیش جا ومحل مناسبی در نظر گرفته شود . برای نگاهداری آکواریوم مراقبت بیش از حد وفوق‌العاده‌ای نمیخواهد . و يك دقت ومواظبت منظم کافیست .

در حال حاضر چند نوع‌مختلف آکواریوم موجود است . نوعی را که در زیر شرح خواهیم داد ، فقط برای سرگرمی و تزئین درست شده و بیشتر در میان مردم‌رواج دارد .

آکواریوم آپارتمان

این نوع آکواریوم عبارتست از يك ظرف معمولا متوازی‌السطوح، که ظرفیت بین ده تا دویست لیتر آب یا بیشتر دارد . کف آن از يك ورقهٔ آهنی پوشیده شده و چهارمیلهٔ آهنی یا مسی دیواره‌های شیشه‌ای را نگه میدارند . تکنیك مدرن همراه با مهارت وزبردستی سازندگان ، دست بدست هم‌داده ، و آبگیرهای شیشه‌ای تزئین قابل توجهی بوجود آورده است . در بین آکواریومهائی که بیشتر رواج دارند میتوان آکواریوم گالبه Galbés را نام‌برد .

آکواریوم ماهی‌های جنگجو

این نوع آکواریوم که کشیده وکم‌ارتفاع میباشد ، به حجره‌های نسبتاً کوچکی بوسیلهٔ شیشه تقسیم شده که هرکدام از آنان به‌يك‌نوع ماهی Combattant یا جنگجو اختصاص داده شده . این خانواده از ماهی‌ها که اصل آن ازدریاهای جنوب آسیا میباشند . به‌اسم بتااسپلندان معروف‌اند .

این ساختمان مخصوص‌وسیله‌ای است برای نگهداری و نمایش نمونه‌های مختلف ماهی‌های‌کمیابی که علاقه‌شان به جنگ ، ممکن‌است درصورت همزیستی ، زیبائی وحتی زندگانیشان را بخطر اندازد .

آکواریوم آب دریا

آکواریومی که برای نگهداری ماهی‌های مختلف آب شور دریا منظور میشود ، زحمت زیادی‌برای نصب وسوارکردنش باید متحمل شد . دراین آکواریوم میبایستی برای جلوگیری از فعل و انفعال نمك ، از تماس آب شور با قسمتهای فلزی آکواریوم‌جلوگیری کرد . قسمت کف آکواریوم باید از شیشه ، سنگ لوح و یا مرمر پوشیده شود . ولی این نوع آکواریوم بعلت زحمت بدست آوردن آب دریا کمتر مصرف میشود .

آکواریوم آب جاری

این قسم آکواریوم ، بیشتر برای ماهی فروشانی که میل دارند ، انواع ماهی‌های تجاری یا خوردنی را از قبیل ماهی قزل‌آلا و غیره زنده نگهداری

کنند ، منظور شده . در این آکواریوم ، آب بوسیلهٔ دستگاه مخصوصی مرتب عوض میشود و دستگاه دیگری مسئول رساندن اکسیژن و غذای لازم را بآب میباشد .

انتخاب آبگیر شیشه‌ای

در انتخاب آکواریوم ، دقت زیادی لازم است . آکواریوم هر چه بزرگتر باشد ، بیشتر بنفع خریدار است . البته با درنظر گرفتن جا و بودجه‌ای که برای این کار در نظر گرفته شده‌است. بهتر است از خرید آکواریوم زیاد بلند یا بیش از حد تنگ امتناع ورزید . زیراکه در صورت اول ، گیاه آبی براثر نرسیدن نورکافی خوب رشد نمیکند ودر صورت دوم ، تزئین آن کارآسانی نخواهد بود .

نکته‌ای که خیلی مهم است ، و هر خریداری باید در آن دقت زیادی کند ، نبودن کوچکترین منفذ درآبگیر است . برای اطلاع بیشتر شما ، باید این را بخاطر بسپارید که یك ماهی تقریباً پنج سانتی‌متری ، بدو تا سه لیتر آب احتیاج دارد . البته این مقدار ثابت نیست و برای بعضی از ماهی‌ها کم یا زیاد میشود .

وسایل نور دهنده

برای‌حفظ وسائل‌برقی وروشنائی آکواریوم نرده‌ای مخصوص بکار برده میشود . این نور مصنوعی در زیبائی آکواریوم ، تأثیر بسزائی دارد و همچنین به‌گیاههای آبی ، خصوصاً در زمستان یا مواقع تاریك نور لازم برای رشدشان میرساند . برروی ایوان که تناسباً موزون‌تراز نرده‌میباشد، روپوشی از شیشه قرار میگیرد . این روپوش شیشه‌ای ، مانعی است در مقابل گرد وخاك و همچنین در مقابل‌ماهی‌هائی که قصدبیرون پریدن ازآکواریوم را دارند .

درضمن ، حرارت آب‌آکواریوم را ثابت نگه میدارد .

نور در سلامت ماهی و رشد طبیعی گیاه تأثیر بسیار زیادی دارد .

البته گذاردن آکواریوم درمحل مناسب ، و بکار بردن لامپهابطور منطقی و صحیح ، در تأمین این نورواجب است . این نورمصنوعی جزاینکه در آب منعکس شده و زیبائی خاصی به آکواریوم‌می‌بخشد، در روزهای‌بارانی و تاریك‌زمستان نیز ، مکمل نور طبیعی است .

اگر آکواریوم در معرض نور شدید آفتاب قرار گرفته یك صفحه غیرشفاف ، حافظ خوبی درمقابل پیدایش خزه‌های کوچك بر روی دیواره‌های آکواریوم میباشد . و اما برعکس در صورتی‌که نوربحد کافی به‌آکواریوم نرسد ، خزه‌های تیره‌رنگی دیواره‌های آکواریوم را می‌پوشانند .درنتیجه نورآکواریوم باید همیشه ثابت نگه داشته شود، حتی در روز .

حرارت

ماهی‌های نقاط گرمسیر ،برای ادامهٔ زندگی در آکواریوم به حداقل بیست و دو درجه سانتی گراد حرارت احتیاج دارند . ماهی آب سرد کم توقع تر است ولی اختلافهای حرارت زیاد را نمیتواند تحمل کند . برای تضمین زندگی و رشد خوب هر دونوع از این ماهی‌ها ،دستگاههای برقی‌مخصوصی برای دادن حرارت لازم به‌آب و سنجش آن درست شده ، این دستگاه برای تشویق به تخم‌گذاری بعضی از ماهی‌ها واجب و ضرور است . ودر بعضی از مواقع ، افزودن چند درجه حرارت بوسیلهٔ این دستگاه نتیجه لازمه را حاصل میکند .

حرارتی‌که مناسب ماهی های مختلف تزئینی میباشد ، برای هر نوع آن فرق میکند . و حتی برای هریك ازاین اقسام ،بستگی به طرز عمل‌پرورش دهنده مربوطه در کشورهای مختلف دارد .

در نتیجه برای اطلاع بیشتر در این باره ، مطالعه کتب و نشریاتی که به‌این‌موضوع‌اختصاص داده شده‌اند ، لازم است .

تهویه

در آکواریومی که کثرت‌ماهی و یا گرمی زیاد هوا باعث‌کمبود اکسیژن در آب میشود ، دستگاه مخصوصی برای تهویه و رساندن مقدار اکسیژن لازمه را به آب واجب است .

این دستگاه تهویه در ضمن اینکه کمبود اکسیژن آب را بآن میرساند در تکان دادن ومخلوط کردن‌طبقه‌های مختلف آب ویکسان کردن حرارت نیز کمك می‌کند . پمپهای مخصوصی که با جریان برق متناوب کار میکنند و بهمین دلیل نیز کم‌مصرف میباشند ،برای این منظور ساخته شده است . این پمپها بوسیلهٔ لوله‌های کوئوچوئی یا نایلونی به یك دستگاه پخش کننده که در کف آکواریوم کار گذاشته شده متصل میشوند ، بهترین دستگاههای پخش‌کننده ، آنهائی هستند که کوچکترین حبابهای هوارا پخش میکنند .

تصفیه

دستگاهی را که برای تصفیه آب آکواریوم انتخاب میکنید ، باید از هرجهت بتواند خلوص و پاکیزگی آب را حفظ‌کند . انواع مختلف دستگاه تصفیه موجود است که بیشتر آنها بخوبی میتوانند از عهده کارشان برمیآیند . این دستگاه را بهتر است در محلی‌که کمتر بچشم میخورد مثلا پشت‌سنگ یا گیاهی قرارداد تا از زیبائی ماهی و آکواریوم کاسته شود .

نگاهداری

آکواریومی که از هر لحاظ کامل باشد . زحمت و وقت زیادی برای نظافت و نگهداریش نمی خواهد ، باید سعی کرد تاشیشه‌های جلو ودوطرف آکواریوم همیشه پاکیزه و شفاف باشند ، خزه‌های کوچکی راکه برروی دیواره‌های آکواریوم بوجود میآیند ، باید هرچند روز یکبار پاك کرد . البته این خزه‌ها برروی شیشه عقبی ضرری ندارد و غذای قابل توجهی برای ماهی‌ها بشمار میآیند .

کف آکواریوم را نیز باید مرتب از برگهای پوشیده وضایعه های مختلف بوسیلهٔ دستگاه مکنده پاك کرد . بدون اینکه مجبور شوید برای این‌کار تمام آب را عوض‌کنید .

غذا

غذای ماهی هرچه متنوع‌تر باشد برای رشد و سلامتش بهتر است . البته غذای آماده برای ماهی‌های مختلف موجود است و

چند نوع مختلف از ماهیهای مخصوص نگاهداری در آکواریوم

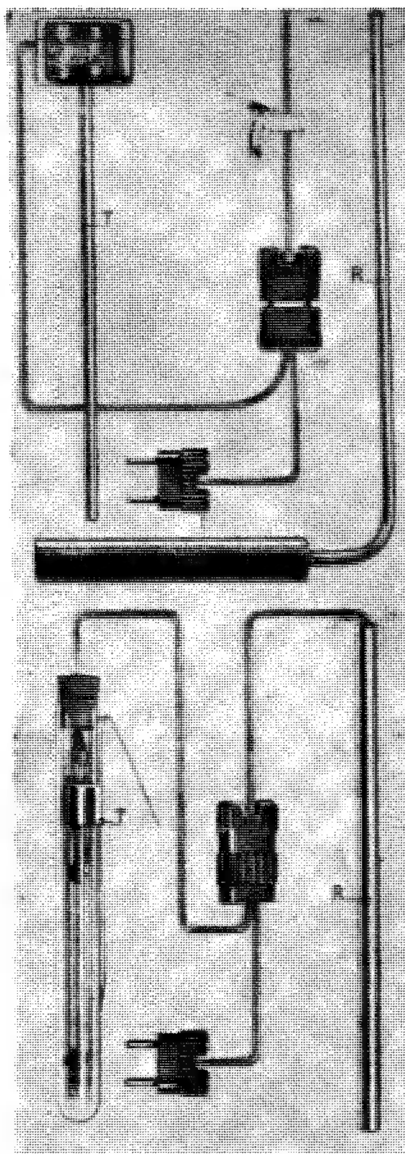










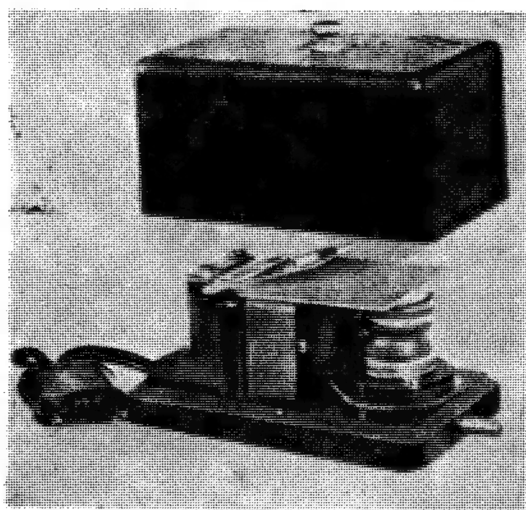


(ردیف اول) چندنوع ماهی برای آکواریوم

(ردیف دوم) دستگاه گرم‌کننده برقی مرکب از مقاوم الکتریکی R و ترموستات T

(ردیف سوم) بمب‌کوچك هوا







بوسیله آن میتوان در همهٔ فصول سال ماهی را تغذیه کرد . ولی بهتراست‌که بعضی اوقات ،خوراکی زنده‌ای مانند انواع کرمها تهیه کرد وبه غذای معمولی آنهااضافه نمود .

ماهی ظرفیت غذای زیاد را در یك مرتبه ندارد ولی می‌تواند همین غذا رادر چند دفعه بخورد. پس برای جلوگیری از عفونت و آلودگی آب آکواریوم و درنتیجه در خطر انداختن زندگی ماهی ، هیچوقت مقدار زیادی غذا رادر یك مرتبه نباید درآب ریخت .

تزئین

تزئین آکواریوم اصولا ازگیاه و تخته سنگهای کوچك تشکیل شده و طرز قراردادن آنها بیشتر بستگی به ذوق وسلیقه شخصی‌دارد. مهترین قانون تزئین آکواریوم طبیعی بودن آنست . با وجود این قوانینی نیز برای تزئین آکواریوم متداول میباشد .

کف آکواریوم از شن شسته و تمیز و هنوز کمی مرطوب پوشیده خواهد شد مقدار شن در قسمت عقب آکواریوم بیشتر از قسمت جلوی آن باید باشد .

بدین معنی که در قسمت عقب، تا یکسوم دیوارهٔ آکواریوم بالا خواهد آمد و ارتفاعش به دوتا سه سانتی‌متر در وسط آکواریوم خواهد رسید . ولی این مقدار با نزدیك شدن به دیواره‌های دوطرف آکواریوم کمی بیشتر خواهد شد . تخته‌سنگهای بزرگتر در قسمت‌عقب آکواریوم و کوچکترها را جلوتر بایدقرارداد . در ضمن ازیکنواختی نیز باید خودداری نمود و فضای آزاد نیز برای کاشت گیاههای مختلف باقی گذاشت . این‌گیاهها باید طوری کاشته شود که دستگاههای مختلف آکواریوم را مانند ، دستگاه تصفیه ، حرارت وتهویه را بپوشانند .

تخته‌سنگها باید طوری در شن قرار داده شوندکه همیشه ثابت مانده‌و در موقع پرکردن‌آکواریوم از آب بهمان طریق که قرارداده شده‌اند باقی بمانند . در قسمتهای سرازیری کف آکواریوم بری‌ثابت نگاه داشتن برجستگیها بهتر است که قطعه سنگهای کوچکی را در قسمتهای مختلف کاملا درشن‌فرو برد . البته در این مواقع باید مواظب‌شاخه‌های کوچك وریشه‌های گیاهان بود تا قطع نشوند .

گیاه در قسمت عقب آکواریوم کاشته خواهد شد جوانه‌های آن بعداز مدتی به قسمت جلوخواهند آمد .

بعدازاتمام کارتزئین آکواریوم، ۷ تا۸ روز تأمل قبل از دخول ماهی در آب لازم است . دراین مدت روزی ٦تا ۸ ساعت نوربرای رشد گیاهها و آماده شدن آب برای ماهی واجب است .

تغییر ماهی

ماهی تغییر ناگهانی حرارت‌آب رانمیتواند تحمل‌کند و بهمین دلیل ، ماهی را نباید بلافاصله بعداز خرید از ظرفی که در آن میباشد در آورده و در آب آکوازیوم انداخت . بهتر است که همان ظرف راکه ماهی را درآن خریده‌اید ، باسرپوشی (برای

جلوگیری از خارج شدن ماهی از آن) داخل آکواریوم کنیدتااینکه حرارت‌آب‌ظرف به تدریج باحرارت آب آکـواریـوم مساوی شود . وآنوقت میتوانید محتوی ظرف‌را خیلی آهسته در آکواریوم خالی کنید ، البته این وظیفه فروشنده است که تمام اطلاعات لازمه را دراین‌باره بخریدار بدهد .

دانستنیهای لازم

بهترین شن برای پوشاندن کف آکواریوم ، شن خوب شسته شده و نسبتا نرم است برای تزئیـن آکواریوم هیچوقت از تخته‌سنگی که منشأ آهکی دارند نبایداستفاده کرد .

موقع پرکردن آکواریوم ازآب برای خراب نکردن دکور بهتر است آنرا با ورقه‌ای از کاغـذ ضخیم‌حفظ کرده و آب رابآهستگی روی‌کاغذ ریخت .

بعد از اینکه آکواریوم‌تزئین و از آب پر شد ، بهتراست مدت یك هفته ، شب و روز وبعد چند ساعت در روز آن را در معرض نور قرار داد .

البته این مدت ، بستگی بـه فصل و کم و زیاد بودن نورآفتاب دارد .

مقاومت گرم کننده‌ائی کـه با ظرفیت آکواریوم تطبیق کند لازمست بعلاوه بهترین تضمین‌برای راحتی خاطر و بدست آوردن نتیجه خوب بشمار میرود .

نقش پمپ تهویه فقط رساندن اکسیژن به‌آب نیست ، بلکـه‌فوائد دیگری نیز دارد که عبارتست از مخلوط کردن طبقه های مختلف آب و یکسان نمودن حرارت آب در ضمن دستگاه تصفیه را نیـز این دستگاه به کار می اندازد.

غذائی راکه به ماهی‌میدهید، باید هر دفعه باندازه‌هائی باشد که ماهی بتواند تمامی آن را در مدت چند دقیقه جذب‌کند .

زیاد عوض کردن آب آکواریوم خلاف تصور بسیاری از مردم ، بهیچوجه کار صحیحی نیست وحتی میتوان گفت که در آکواریومی که‌برای نصب و درست کردنش تمام دستورهای لازم بکار رفته‌واز هر لحاظ کامل میباشد، عوض کردن آب اصلا لازم نیست.

پیدایش آلگهـای سبز در آکواریوم نشانی زیادی نـور است و برعکس خزه های تیره رنگ کمبود نور را میرسانند و دراین صورت بهتر است مدت روشنائـی و قوه لامپها را بیشتر کرد.

موقع خریددستگاههای‌الکتریکی مخصوص آکواریوم ، ولتاژ آن ها را حتما یادداشت کنید .

ماهی های آکواریوم

ماهی های مختلف و زیبای آکواریوم را که می‌شناسیم ازپنج قاره دنیا میآیند . سهم اروپا در شناسانـدن ماهی های مختلـف آکواریوم کمتر از قاره هـای دیگر دنیاست ولی اروپا توانسته با کمك پرورش دهندگان بـا تجربه و متخصص انواع مختلف و بسیار ارزنده آن را بـاپرورش اقسام ماهی های غیر بومی و وحشی بجهان عرضه کند.

ایتالیا را میتوان بزرگترین تولید کننده و پرورش دهنـده ماهی های قرمز دانست .

قاره آمریکا در شناسانـدن ماهی های رنگین و معروفی از قبیل

سهم بزرگی داشته است.

واماافریقامجموعه‌گرانبهای‌ماهیهای ارزنده‌ای را هنوز در قلب خود مخفی نگاه داشته است وبالاخره از اقیانوسیه ماهی های حیرت‌ـ آوری چون ماهی دلقك (که خود را در میان شاخك های مسمـوم دریائـــــی حفظ میکند .) و ماهی‌شفاف میباشدومخصوصا ماهی تیرانداز که در فاصله سی‌سانتی‌متر یك حشره را بوسیله یك حباب‌هوا صید میکند .

ذکریك فهرست‌کامل ازتمام ماهی‌هائی‌که در آکواریوم میتوانند زندگی کننـد ، کاری است تقریبا غیر ممکن و مواظبت و نگهداری قسمتی از این ماهی ها ، بقدری مشکل است که فروش آن هـا در بازار عمومی حذف شده وبرای درست کردن مسکن برای قسمتی دیگر وسائل و دستگاههـائـی نظیر موسسه های علمی لازم است. پس بحث در اینجا منحصر به اقسـام ماهی های است که تربیت و نگهداریشان‌زحمـات‌فوق‌ـ العاده‌ای نمیخواهد .

مدت عمر یك ماهـی همیشه ثابت نیست و بستگی‌به‌نوع‌وخانواده ماهی و حتی محل تربیـت‌ومهارت و تجربه پرورش دهنده دارد .

ما برای نمونه چند رقـم تقریبی برای بعضی از ماهی‌ها، باطلاع شما میرسانیم.

Guppys ۱۸ ماه
Betta ۲سال
Tanichtys Albonubes ۲سال‌ونیم
Platys, iphephores, Brachydanio rerio ۳ سال
Hyphess سه‌سال‌ونیم
Hyphessobrycon Fiammeus Tetra neon, Hyphessobrycon gracilis Pristella, Hemigrammus, Colist lalia, Trichogaster, Barbus, Rasbora Heteromorpha
۴سال
Aphyochorax rubripinnis
۴سال
Danio malabaricus
۳تا ۵سال
Miollienisia, Rasbora Trilinêata, macropodes Colisa labiosa
۵سال
Cichildes Scalaires Hemichromis, Cichlasoma. etc.
۵ تا۱۰ سال

ماهی های آب سرد

این خانواده از ماهی‌ها،می‌ـ توانند در آکواریومی که درجـه حرارتش مطابق حرارت اطاقی‌که در آن هستند باشد ، زندگانـی کنند ، بدون اینکه آکواریـوم بطور مصنوعی گرم شود . البتـه این حرارت از ده درجه‌سانتی‌گراد، برای چند ماهی غیر بومی این خانواده نباید پائین بیاید.

آبیاری

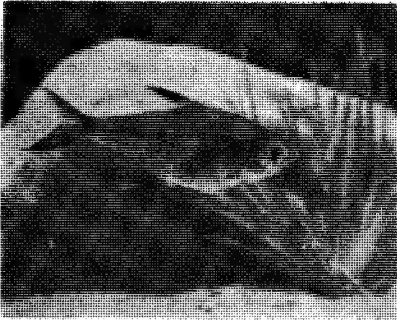
نباتات ، برای رشد ونمو خوب ، احتیاج به یك مقـدار آب دارند که باید در موقع‌آبیاری بآنها برسد .

آب که خود یك‌نوع‌خوراکی برای نبات محسوب میشود ، عامل اصلی حیات آن ها نیزهست.

آب ، عناصر باد آورنـده گیاه را حل کرده و به‌ریشه می‌ـ رساند .

سه نوع دیگر از ماهی‌های آکواریوم







نباتات بدین ترتیب، مقداری از آب را نگاه میدارند ولی بیشتر آن در موقع تعرق گیاه تبخیر میشود .

شرایط آبیاری

آب آبیاری باید دارای‌هوای کافی باشد و آب باران ورودخانه بیشتر از هر آب دیگری خواص لازم را برای گیاهان ،در بر دارند .

آب چاه و چشمه سرد میباشد و بهتر است که قبل ازاستفاده آن را کمی‌گرم‌کرد. آب‌آهک‌دار برای نباتات مضر و ممکن است آن ها را خشك کند .

موقعی که گیاه پژمرده‌وخاك خشك میشود ، ضرورت آبیاری ثابت میگردد . مقدارآبیاری‌بستگی به‌عوامل مختلف دارد .

الف ــ نوع گیاه

نباتاتی که برگ های‌بزرگ دارند مانند کاهو و کلم ، بعلت تبخیر زیاد احتیاج بمقداربیشتری آب دارند . بعکس گیاهی که برگهای کوچك و ریز دارد ، محتاج به مقدار زیادی آب نیست.

ب ــ نوع خاك

خاکی که دارای سیلیس باشد . آب بیشتری جذب میکند و در نتیجه نباتاتی که در این خاك کاشته شده‌اند ، احتیاج به‌آبیاری بیشتری دارند . تا آن هائی که خاکشان رس است ، زیرا که این خاك آب را مدت زیادی درخود نگهداشته و درنتیجه مدت زیادی مرطوب میماند.

ج ــ فصل وحرارت

آبیاری در فصل تابستان و در نقاط جنوبی باید فراوان و مکرر باشد بعکس در فصل‌های بهار و پائیز و در نقاط شمالی کمتر .

نباتات فصلی بیشتر مواقع از کمبود آب پژمرده میشوند و برای جلوگیری ازاین پژمردگی، آبیاری باید سبك ولی مکرر باشد .

لزوم آبیاری بیشتر ، موقعی پدیدار میشودکه فصل خشك بیشتر از حد معمول طولانی میگردد. اگرکمبود آب باعث میشودکه نبات خوب رشد نکرده با پژ مرده‌گردد، زیادی بیش از حد آب نیز به رشد گیاه لطمه وارد میآورد. در این مواقع ، رطوبت زیاد، مانع گرم شدن و هوا خوری خاك میگردد و همچنین آب زیاد باعث زیاد شدن برگها و درنتیجه کم شدن میوه میشود.

تقسیم آب

در باغهای کوچك ، آبیاری نباتات ، بوسیله آب پاش صورت میگیرد .

آب پاش دونوع است . آن هائی که برای آب دادن‌گلدان و نباتات فوری اختصاص داده‌شده و آب از لوله بلند و باریکی میگذرد وبمقدار کمی بیرون‌میــ ریزد .

دیگر موقعی که میل دارید تمام سطح زمین را آبیاری کنید از آب‌پاش معمولی یعنی بایك‌شیر گرد سوراخ دار استفاده نمائید.

آبیاری بوسیله‌لوله‌کائوچوئی یا پلاستیکی نیز صورت میگیرد. این آب بوسیله یك پمپ وارد لوله میگردد و با فشار زیاد از آن بیرون میآید .البته بجای پمپ از یك مخزن آب که درارتفاع بلندتری واقع شده نیز میتوان استفاده کرد .

مرطوب کردن هوا

تلطیف هوا و مرطوب کردن آن با پاشیدن آب تمیز برروی برگها بصورت قطره های ریز، بمنظور دوباره زنده کردن نباتات پژمرده براثر تبخیر زیادی که بوجود میآید . و جلوگیری از خشکی هوای گرم اطاق باگلخانه انجام میگیرد . بوسیله لوله آبپاشی با آب پاش و حتی سرنگ و آب دزدك نیز میتوان این‌کار را انجام داد.

وسائل ولوازم آبپاشی.

آب پاشی اتوماتیك یاخودــ کار.

یك فشار ۵۰۰ گرمی آب میتواند بآسانی دستگاههای آبپاشی را بگرداند و بکار اندازد . این دستگاهی بچند نوعند .

آب‌پاشی ــ برای آبیاری معمولی میتوان از آب پاشهائی‌که ۱۰ تا ۱۲ لیتر ظرفیت دارند ، نمود .

برای نباتاتی که تازه روئیده باشند وبرای گلدانهای خانگی آب پاش های مخصوص گلخانه را که ۲ تا ٤ لیتر ظرفیت دارند وبسیار ظریف ساخته شده‌اند ، میتوان بکار برد.

لوله ــ آبی که زیر فشار قرار داده شده ، بآسانی ازلوله های کائوچوئی چرمی یا پلاستیکی پخش میشود . فقط این لوله‌ها معمولا ۲۰ تا ٤۰ میلی‌متراست.که برروی ۲ چرخ سوار شده، برای لوله های ۵۰ متری موجــوداست.

فواره

لوله فلزی انتهای تلمبه برای جهاندن آب دارای دستگاه‌چرخنده مخصوص است که میتوان بوسیله آن آب را بصورت مه یا باران پخش نمود ومقدارآب را بدلخواه کم یا زیاد کرد .

لوله کشی برای آبیاری

مقدار متوسط مصرف آب‌در سال برای یك هکتار ۲۵۰۰ الی ۵۰۰۰ متر مکعب است و درروز حداکثر ۵۰ الی ۱۰۰ مترمکعب‌و در ساعت ۱۰ الی ۲۰ متر مکعب.

لوله های آب باید حداقل شصت سانتی متر زیر زمین‌باشند تا در زمستان یخ نبندد . از لوله کشی در زیر ساختمان یا درخت و بوته ، باید تا حد ممکن امتناع ورزید تا در موقع تعمیر لوله، بتوان بآسانی به لوله مورد نظر رسید .

چون این لوله کشی زیر زمین ، بعد از اتمام کار دیگردیده نمیشود و بهتر است که نقشه آن نگهداری شود .

آتش افروز

رایج ترین آتش افروز چوب کوچکی است که ممکن است قبلاً سطح آن از ماده زرینی پوشیده شده باشد . این موادزرینی توسط کاغذ یا تراشه بخاری یا چوبهای ریز مشتعل میشود همچنین میتوان زغال چوب‌یا مواد دیگر را که به آسانی سوخته میشوند‌استعمال نمود (کاه ، میوه کاج و غیره) در بازار یکنوع مواد شیمیائی به صورت قشنگ آتش افروز یافت میشود که بسرعت زیاد میسوزد و حرارت زیادی متصاعد میکند . حرارت مواد سوخت را باین طریق میتوان در نقطه‌ای از کانون بالا برد . افروختن آتش بکمك آتش افروز بسهولت انجام میگیرد .

افروختن آتش بکمك پاشیدن الکل یا بنزین یا نفت و غیره‌بروی هیزم خطرناك است . بخارهای‌قابل اشتعال آنها ممکن است درتحریك انفجار و شروع حریق موثر واقع شوند .

یك طریقه بسیار عملی اینستکه آتش افروز لوله ای باشد و توسط لوله‌های لاستیکی بلوله فلزی‌متصل شود .

گاز از لوله فلزی وارد لوله آتش افروز و سپس وارد کانونی که باید بسوزد میشود گاز درمیان هیزم یا چیز دیگر میسوزد وباین ترتیب آتش در چند ثانیه روشن میشود مصرف گاز خیلی کم و نیم تا یك پنجم متر مکعب است .

آچار

آچار برای گشودن یا بستن پیچ بکار میرود . آچار میتواند یك یا دو دهانه داشته باشد . آچاری که یك دهانه دارد ، آچار ساده و آچار دو دهانه ای ، آچار دوبل نامیده میشود .

دهانه آچار بدو نوع است ثابت یا متحرك در صورت دوم دهانه بدلخواه کوچك و بزرگ میشود . آچار چرخ ماشین نیز از این نوع است .

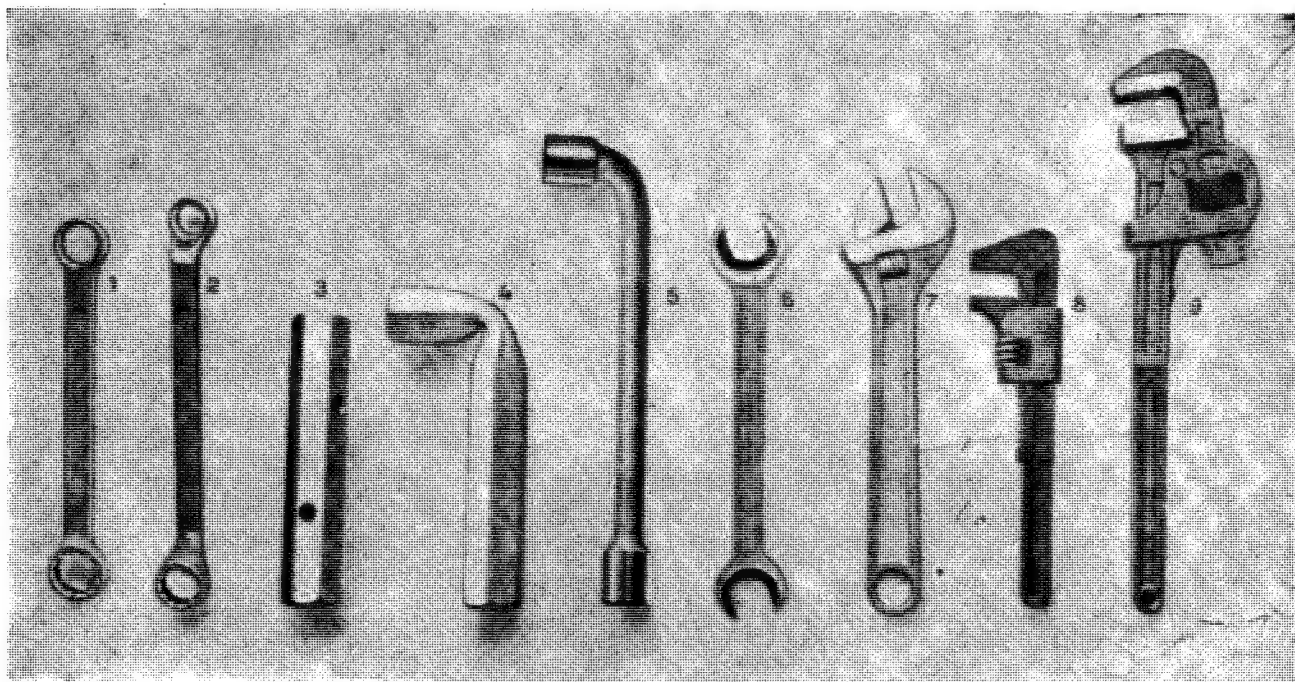
دهانه آچارهای دندانه‌دار دارای شاخه های متوازی است که یکی ثابت و دیگری متحرك است آچار های لوله با دهانه دندانه دار برای بستن و بازکردن لوله بکار میرود.

آرسنیك

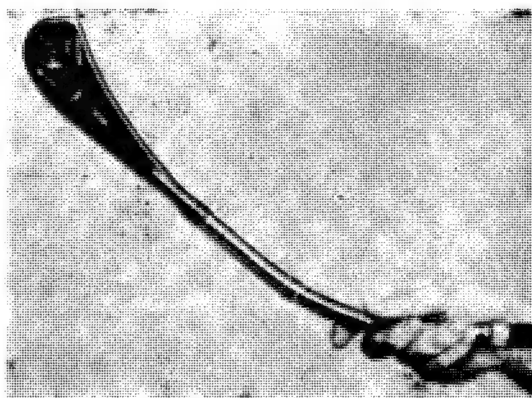
بعضی از ترکیبات آرسنیك بمصرف طبی میرسد و طرز استعمال داروئی که در آن آرسنیك وجود دارد ، باید از طرف پزشك معالج داده شود در غیر این‌صورت ممکن است مسمومیت خطرناکی بوجود آورد .

این مسمومیت بیشتر مواقع عمدی صورت میگیرد .

مسمومیت آرسنیك بدوصورت میتواند باشد . مسمومیت حاد و مسمومیت مزمن .



انواع واقسام آچار برای مصارف متعدد



آتش افروز

الف) مسمومیت حاد.

این مسمومیت براثر خوردن ترکیباتی که در آن آرسنیك بکار رفته و برای کشتن حشرات در باغها یا ازبین بردن موشها از آن‌ها استفاده میکنند ، روی میدهد .

این مسمومیت با استفراغ‌و اسهال شدید ظاهر میگردد و در موارد سخت ، منجر به فلج‌و حتی سکته قلبی میشود .

معالجه : برای معالجه این نوع مسمومیت . قبل ازرسیدن پزشك ، باید سعی کرد تابیمار را هر چه بیشتر وادار به‌استفراغ نمو تا سم داخل معده ، بدین‌وسیله بیرون بیاید . برای این کار خوردن آب ولرم خوب است .

ب) مسمومیت مزمن و کهنه:
این مسمومیت بیشتر عمدا وبقصد جنایت صورت میگیرد و بعضی از مواقع نیز روی حرفه‌ای‌است. بدین معنی که شخص که کارش تهیه ترکیبات‌آرسنیك‌میباشد،کم‌کم مسموم شود و یااینکه این‌مسمومیت اتفاقی و براثر خوردن غذا یا مشروبی که به مقدار بسیار کم آرسنیك آلوده شده ایجادمیگردد.

مسمومینی‌که از جذب مقادیر کم آرسنیك بوجود میآید ، یا ناراحتی های معده و روده و بعدا استفراغ ، سردرد شدیدو بالاخره فلج آشکار میشود باز بین بردن علت این نوع‌مسمومیت، بیشتر مواقع مریض خوب میشود ولی ممکن است که ناراحتی‌های عصبی از خود باقی گذارد.

آسانسور

آسانسور های امروزه با برق کار میکنند . اطاقك و وزنه آسانسور بوسیله کابل‌های متعددی که برای امنیت بیشتری منظور شده‌اند ، آویزان‌اند ، و بوسیله قرقره مخصوص که به موتور وصل شده ، حرکت می‌کند و نیز در انتهای سیر خودوزنه‌برروی‌اطاقك‌های‌مخصوص مینشیند و سرعت آن بدین ترتیب ازبین میرود و در نتیجه نیز اطاقك آسانسور از حرکت باز میایستد .

کابین یا اطاقك آسانسور دارای بستر اطمینانی است‌که در مواقعی که سرعت آسانسوردرموقع پائین آمدن از ۵۰ در صد بیشتر میشود بکار میافتد .

آسانسور ها ، اصولا با فشار دادن تکمه‌ای بحرکت در میآیند .

آسانسور های صعود و فرود از یکدیگر جدا بوده و در موقع حرکت پیوسته جریان برق در آن ها وجوددارد . قطع یکی از آن‌ها در هر نقطه‌ای باعث از حرکت ایستادن تمام دستگاه‌میشود. با این ترتیب کنترل‌درهای خارجی آسانسور (برای اطمینان) آسان میگردد.

قفل شدن در های خارجی آسانسور خود بخود انجام میگیرد و در غیر این صورت آسانسور نمی تواند حرکت کند . تمام ترتیبات ممکنه ، برای حفظ امنیت در آسانسور های جدید مطالعه‌شده و بکار رفته . از موقعی که حذف در داخل اطاقك آسانسور ممکن شده تعداد ساخت آن نیز بالارفته برای ساختن دیواری‌که در مسیر آسانسور بوده و در قسمت باز آن قرار دارد . قوانینی طرح شده که باید باجرا در بیایند . البته در این نوع آسانسورسرعت‌حداکثر نباید از ۱٫۵۰ متر در ثانیه‌تجاوز کند . امروزه ، این نوع‌آسانسور

بیشتر رواج دارد.

در منازل ، بیشتر ازآسانسور هائی‌که ظرفیت ۳ نفر را دارند و سرعتشان در حدود ۰٫۷۰ متر در ثانیه میباشد، استفاده میکنند، ولی برای شرکتهای بزرگ‌که‌رفت و آمد زیاد است ، آسانسورهای مجهز و مخصوص ساخته میشود .

تکمه های احضار این آسانسور ها، طوری تنظیم شده‌اند که‌اگر شخصی آسانسور را که در حال صعود است از طبقه‌ای احضارکند، درصورتی‌که آن شخص بخواهد بالا برود ، در همان‌طبقه‌میایستد، و همین طور هم در داخل‌آسانسور و تا به طبقه آخر نرسد ، پائین نمیآید . و بااین ترتیب ازبالا و پائین رفتنهای بی فایده‌آسانسور جلوگیری شده و کارها بسرعت انجام میگیرد .

آسانسور حمل‌کالا آسانسوری است که بیشتر مواقع برای حمل کالا بکار برده میشود و آن را آسانسور بار مینامند . این‌آسانسور نیز دارای همان دستگاه های آسانسور های معمولی است وفرقی با آن ها ندارد . این آسانسورها را نیز میتوان بدون در داخلی ساخت .

در ساختمانهای بزرگ ، این آسانسور ها را که دارای کابین فلزی میباشند ، فرعی مینامند، بیشتر مواقع آسانسورهای کالاها را زیاد بزرگ نمیسازند و دراین مواقع ، میزان قوه آن‌ها بین‌۵۰تا ۸۰ کیلو است که ازآن برای حمل بارهای کوچك مانند یك گونی زغال از آن‌ها استفاده میشود.برای تسهیل کارهای بارگیری و بار اندازی ، این آسانسور ها ۰٫۷۰ متر بالاتر از سطح زمین یاطبقه میایستد .

دراین آسانسورها برای‌صرفه جوئی‌از درهای آهنی‌که از دو طرف تا میتوان، استفاده میشود .

آسانسور های بار نیزمانند دیگر آسانسور ها ، بوسیله‌کابل های متعددی آویزان‌اند و بهمان ترتیب ساخته شده‌اند .

آلبومین

اصطلاح و واژه‌ای است که گاهی اوقات آنرا اشتباها مترادف با مواد آلبومینوئیدی‌بکار می‌برند . آلبومین ازدسته پروتوئید های محلول در آب است که در مقابل حرارت دلمه می‌شود .

از انواع آلبومین سفیده تخم‌مرغ ویا مواد لاکتوز آلبومین شیر است . ــ دلمه شدن این مواد در تخم‌مرغ پس‌از گرم‌شدن بمیزان بالاتر از ۶۵ درجه و پخته شدن آن ودر شیر بصورت سرشیر هنگام داغ کردن آن ظاهر می‌شود .

اولین نشانه های وجود آلبومین در ادرار تورم اطراف قوزك پا و تورم پلك های چشم‌است .

آلبومین را بعنوان‌دوا در مواقع اسهال ویا پاره‌ای مسمومیت های ناشیه از نمك های فلزی تجویز می‌کنند زیرا آلبومین بااین مواد ترکیب دیگری می‌دهد، که‌مسمومیت کمتری دارد در هنگام لزوم و مصرف بدین منظور مقدار سفیده دو تخم مرغ را گرفته و کاملاآنرا در کمی آب زده تا خوب مخلوط شود . سپس مقدار نیم لیتر آب بدان اضافه کرده و با قاشق سوپ خوری به مسموم می‌خورانند .

آمونیاك

قلیائی فرار از آبهای غلیظ کارخانه های گاز و فاضل آب بدست میآید . آمونیاك در این آبها بصورت محلول است بویش تند و قوی و مشخص است باید آن را در شیشه هائی که سرشان بوسیله سنگ سنباده بسته میشود نگهداشت زیرا چوب پنبه را خراب میکند و خودش زرد و غیر خالص میگردد و تبخیرمیشود و نیرویش را ازدست میدهد .

خطر ــ سمی است که جدار را میخورد . بخارش چشم ومخاط بینی ومجاری تنفسی راتحریك میکند . در موقع برداشتن سرشیشه مایع آمونیاك باید احتیاط کرد و بآن نزدیك نشد .

مایع آمونیاك به پوست و ناخن صدمه میزند و برای مداوا باید با آب سرکه یا آب لیمو ترش شستشو نمود و آن بمعده اختلالات زیادی ایجاد میکند که گاهی بمرگ منجر میشود برای از بین بردن اثر سمی آن باید به‌بیمار آب سرکه یا آب لیمو ترش وسپس آب آلوبین داد .

مورد استعمال ــ آمونیاك می تواند اشیاء زیادی را پاك کند : فلانل یقه لباس ، مخمل ،نمد ، ابریشم پارچه کشمیر ، شانه و ماهوت‌پاك‌کن . آمونیاك لکه‌چربی را در خود حل و بحال معلق نگه میدارد واگر بقدر کافی رقیق باشد پارچه را خراب نمیکندبعلاوه بدلیل فرار بودن خود بخودناپدید میشود و مانع‌از شستشوی زیاد آن پارچه میگردد .

لکه های اسیدی ویدی و کیك بدلیل خاصیت بازی آمونیاك پاك میشود .

پزشك از خواص قلیائی آن استفاده میکند ــ آمونیاك برای معالجه ورم و باد کردگی شکم نشخواران و همچنین برای معالجه مستی (۵ قطره در یك لیوان‌آب محلول قند) و بیهوشی بکار میرود در صورت اخیر مدت استنشاق باید خیلی کم باشد .

انتی‌بیوتیك

آنتی‌بیوتیك ــ برای مداوای بیماریها عفونتی و عملشان توقف میکروبهاست و به گلبولهای سفید اجازه میدهد که میکروبها را از بین ببرند .

عمل‌مواد ضد عفونی درست نقطه مقابل آنتی بیوتیك‌هاست هدف مواد ضد عفونی عبارت از کشتن میکروبهاست .

آنتی بیوتیکها عارتنداز : سولفامید ، پنی سیلین واستروپتومیسین واوره اومیسن وکارومیستین و غیره .

معهذامعمولا کلمه آنتی بیوتیك فقط به آنهائیکه از قارچهای پست بدست میآیند اطلاق میشود ممکن است میکروبها بر اثر استعمال آنتی‌بیوتیك با آن عادت کنند و بدن بطرز ناهنجاری از خود عکس‌العمل نشان دهد . همچنین شایسته است که فقط با اجازه‌پزشك آنتی بیوتیك استعمال شود .

آنژین

تورم سخت حلق و مخصوصا لوزتین هاست آنژین مخصوصا بر اثر سرماخوردگی پدیدار میشود واز مشخصات آن تب ۳۹ درجه و درد اعضاء ودرد کم وبیش موضعی است که عمل بلع بزحمت انجام میگیرد .

در صورت تب مخصوصا نزد **بچه ها (که بندرت از درد این ناحیه شکایت میکنند) همیشه‌باید** به معاینه حلق پرداخت .

معمولا عقده های گردن‌بزرگترو دردناك میشوند .

تورم بافت پیوندی که در عقب لوزه قرار دارد وضع بیمار را وخیم‌تر میکند و بیمار در موقع باز کردن دهان بزحمت میافتد و درد شدیدی را احساس میکند .

در صورت وجود ماده سفید متمایل بخاکستری درلوزه همراه‌تب خفیف یا بدون آن و عکس العمل مهم باید قویا احتمال داد که دیفتری است .

غالبا بعضی از آنژین ها را نمیتوان بدون کمك آزمایشگاه تایید نمود

باید دانست که آنژین میتواند ابتدای‌بیماری‌های عمومی مخصوصا مخملك باشد . در صورتیکه در معالجه آنژین کوتاهی شود ممکن است‌وضع وخیم‌تر گردد (بیماری کلیه) ولی اگر آنژین ساده مداوا شود بیمار پس از چند روز (سه تا ۶ روز) معالجه خواهد شد.

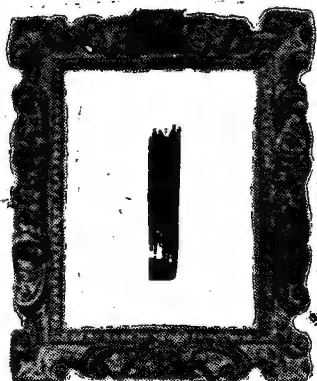
معالجه ــ برای احتیاط بایداز پزشك مشورت نمود ولی قبل از اینکه پزشك برسد باید بیمار را از سایرین جدا کرد وبرختخواب برد . از دادن مایع فراوان به بیمار باید اجتناب کرد (شربت آب لیموی گرم ، جوشانده وغیره) شال گردن بدور گردن بیمار به پیچید بیمار باید با آب جوشیده و کمی شوریا با جوشانده برگ تمشك یا ریشه ختمی ۵ یا۶ مرتبه در روز غرغره کند اشخاص بالغ یك یا دو قرص آسپیرین بخورند.

آئروسل

ازدارو‌های‌گرد وغبارشده‌ویابخار خیلی ریزتهیه‌شده ازمحلول های داروئی طبی ویا آنتی بیوتیك ها است این گردها بصورت خشك‌برای معالجه التهابات مجاری تنفس بکار می‌رود . بدین معنی که ذرات متشکله این داروها بقدری نرم و لطیف می‌باشند که حتی آینه را کدر می‌کنند و محل خروج آن از سوراخ دستگاه تهیه کننده وبر اثر ذرات بزرگتر آن که رویت می‌شود مشخص می‌گردد .

ازاین دستگاه در عطر سازی می‌توان برای تهیه‌مواد کف‌صابونی کرم صورت استفاده نمود ویا عطر ولوسیون را بصورت گرد افشانید.

آئروسل تراپی ــ روش معالجه التهابات مجاری تنفسی از قبیل (آسم ــ تورم مخاط بینی تورم قصبةالریه ــ برنشیت و غیره) را آئروسل تراپی می‌گویندواین روش معالجه از بعداز جنگ دوم جهانی ببعد متداول گردیده است و بسیار مفید واقع شده .



اطاق

قسمتی‌از ساختمان که بـــرای گذراندن شب و یا مواقع بیکاری واستراحت بکار میرود . یك سوم عمر آدمی در اطاق میگذرد. باید در نظر گرفت که چنین جائـی مواظبت بیشتر لازم دارد .

هر اطاق باید حتما مستقل باشد وبوسیله یك راهرو ویا درمخصوص باطاق های دیگر راه پیدا کند .

اطاق مانند سایر قسمت های منزل باید دو متر و نیم ارتفاع داشته باشد و سطح آن نباید کمتر از دومتر باشد ، سطح تمام پنجره ها باید یك ششم تمام سطح اطاق باشد و در وپنجره ها باید طوری قرار گیرد که دود و هوای کثیف بتواند براحتی خارج گردد .

اطاق ها نباید بیشتراز ۱۶ تا ۱۸ درجه حرارت داشته باشد ،حتی در مواقع بیماری تختخواب بایددر قسمت بالای اطاق قرار گیرد و اگر ممکن باشد بهتراست سـر تختخواب در قسمت شمالی اطاق نهاده شود .

تخت را باید دورتر از پنجره‌ها گذاشت تا بتوان آنها را بخوبی باز نمود وبسیار قابل توجه ازنظر بهداشت است‌اگر حمام باطاق‌خواب وصل باشد یا اگر دو اطاق متصل بهم‌است در دومی دستشوئی گذاشته شود .

باید در نظر گرفت که اگـر اطاق مختص خواب است و یا اطاق مطالعه و خواب باهم است . اگر اطاق تنها برای خوابیدن اختصاص داده شده باید سه موضوع را در نظر گرفت .

موضوع خواب ، موضوع آب، موضوع لباس .

بیشتر مهندسان جای مخصوصی برای تخت در اطاق خواب‌می‌سازند که میتوان براحتی سر تختخواب را در آن جای داد . کمدهائی در نظر میگیرند که دارای دو قسمت برای لباس زنان و محل برای لباس مردان است .

دیوارهای‌اطاق را میتوان وسیله کاغذدیواری یا رنگ روغنی‌پوشاند و کف اطاق با شمع لاستیکی ویا فرش مفروش میشود .

اگر اطاق فقط اختصاص باطاق خواب ندارد و برای نشیمن ویا اطاق مطالعه بکار میرود بایـد تختخواب رادر قسمتی گذاشت که جلوی راه را نگیرد و دراین نوع اطاقها میتوان از مبلهائی کـه مختص این نوع دکوراسیون ساخته میشود استفاده نمود مثل میزهای تحریر کوچك که به کمد دیواری وصل است ویا میز توالت و غیره.

این‌نوع اطاقها معمولا به‌دخترها و پسرهای جوان تعلق دارد : ضمنا میتوان چند مبل برای مهمان به مبلمان اطاق اضافه کرد . اگر حمام به اطاق خوا بوصل نباشد یك روشوئی در منتهی‌الیه اطاق لازم است کف اطاق را میتوان با فرشهای پلاستیکی پوشانید برای روشنائی باید دقت بیشتری بشود در دو طرف تختخواب میتوان چراغهای کوچکی نصب کرد و همچنین در نقاطی‌که اختصاص به کارهای مختلف دارد چراغهای مخصوصی وصل کرد .

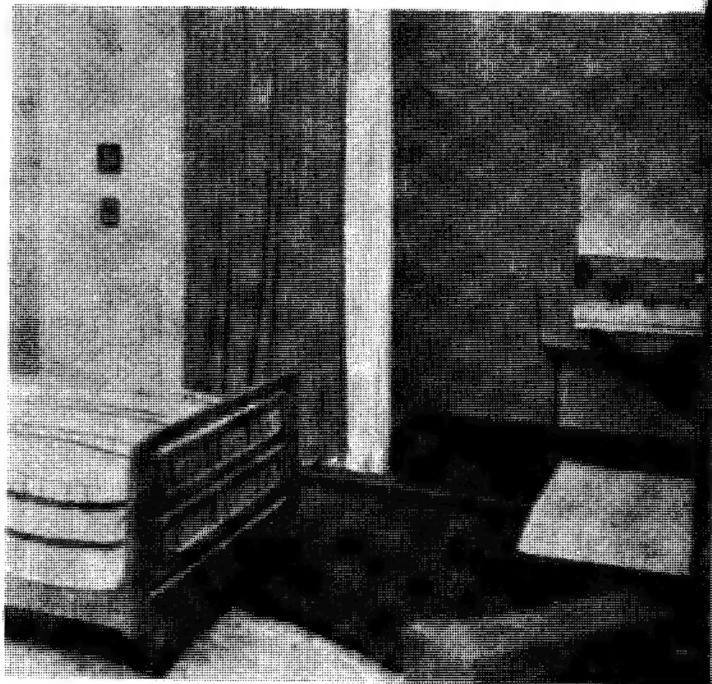
اطاق بچه

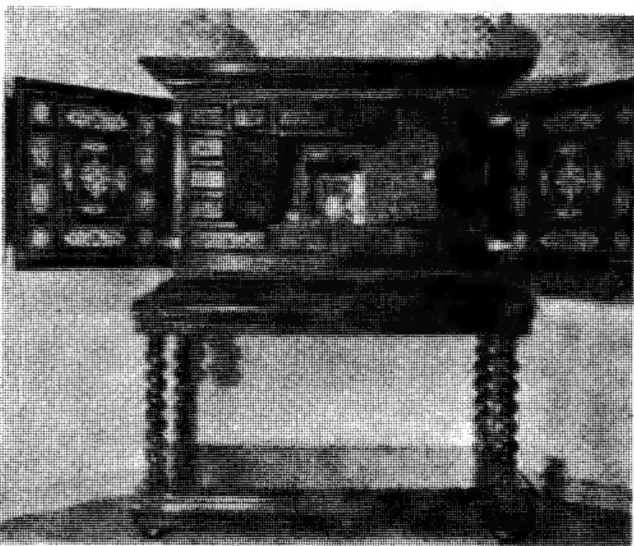
قسمتی از خانه که اختصاص‌به بچه ها دارد و برای خواب و بازی آنها بکار میرود نظیرقسمت های دیگر خانه نباید کمتر از۹ متر سطح آن‌باشد .

دراین نوع اطاقها بچه‌هامیتوانند بخوبی بخوابند و بازی کنند اگر بچه ها بزرگ باشند واحتیاج به مواظبت نداشته باشـند می‌توانند تکالیف خود را در همین اطاق انجام‌دهند. برای بچه های‌کوچکتر پارکهای مخصوص از واجبات است این پارکها را میتوان کنارپنجره گذاشت و پنجره‌ها باید از حـد نصاب کوتاه تر باشد تا کودکان بتوانندبخوبی بیرون راتماشا کنند دستگیره پنجره‌ها باید از دسترس کودکان دور بوده و یااینکه‌پنجره آهنی جلوی آن نصب کرد تابرای

اتاق خواب بافضای مختصری‌برای‌ورزش







(بالا) یك اتاق خواب همراه باوسایل حمام (دستشوئی ــ دوش)
پائین میز کار ساخته شده ازعاج

کودك خطری وجود نداشته باشد. اطاق کودك معمولا نزدیك اطاق والدین قرار میگیرد .

واز نظر هوا هم باید همان شروط بهداشتی اطاق بزرگان در نظر گرفت .

در بعضی از ساختمانهااطاقهائی برای بازی کودکان وصل باطاق کودك ساخته میشود . در بعضی از مدارس در فصلهای هر سال از این نوع اطاقها استفاده شایانی میکنند . دکوراسیون‌اطاق بازی بچه ها باید باسلیقه خاصی تزئین گردد . زیرا هر کودکی باید مکانی با سلیقه خود در این نوع اطاقها پیدا کند . این نوع وقت گذرانی کودکانه در روح کودك تاثیرات زیادی بجای می گذارد در هر صورت این اطاقها باید رنگهای زنده وخوشحال‌کننده داشته باشد و بسلیقه کودکان‌ساخته شود .

یك تابلوی مشگی و یا سبز یا رنگی زنده کودك را شاداب نگه میدارد جائی برای کارهای دستی کودك باید در نظر گرفت اوبسیار خوشحال خواهد شد اگر بتواند خودش اطاقش را تزئین کند .

وبهترین فرش برای اطاق کودکان فرشهای پلاستیکی است . پرده‌های دوبل که قابل شستشو باشدباپنجره های رنگی باطاق روح تازه‌ای میدهد .

سقف اطاق باید سفید و صورتی یا آبی باشد .

هرگز نباید پریزهای برق رادر دسترس کودکان قرارداد و اگر این پریزها قبلا نصب شده است بوسیله یك فیوز که در اطاق نصب میشود میتوان روزها کوران برق را قطع کرد .

هرگز عکسها را با پونز بدیوار وصل نکنید .

نظافت‌را کودکان باید ازوالدین بارث ببرند ولی اگرهرشبی‌کودك جای مخصوصی داشته باشد اطاق او هیچوقت بهم ریخته نخواهد شد.

روشنائی نباید خیلی قوی باشد و مناسب است که از طرف چپ‌او روی میز تحریر بتابد .

باین ترتیب کودك عادت بدوست داشتن خانه خود میکند .

اطاق کودك تنها اطاقی است‌که همیشه مورد استفاده قرار میگیرد ولی باید در نظر داشت که این اطاق همیشه یك فرم نماند .مهم اینکه کودك روز بروز بزرگتر میشود و خرج تزیین اطاق خود بخود دو برابر میشود وقتی او بسن جوانی میرسد و میخواهد که اطاقش را خودش تزیین کند .

۳ نوع اطاق کودك وجود دارد:

اولی آنکه کودك اولین قدم هایش را در پارك کوچك خودش بزمین میگذارد .

بعدتاسن ۱۰ سالگی که با اضافه کردن‌یك‌میز تحریر و دیگر لوازم مورد احتیاج برگزار میشود .

و سومی که باید تقریبا تمام دکوراسیون اطاق را عوض کرد چون او دیگر بزرگ شده و بجائی رسیده که میتواند خودش به‌سلیقه خود اطاقش را مرتب نماید .

اطاق خدمتکار

قسمتی از خانه که معمولا در منتهی‌الیه شیروانی ساخته میشود. در هر صورت از نظر بهداشتی‌این اطاق باید تمام شرایط را داراباشد سطح اطاق نباید کمتر از ۹ متر داشته باشد و بلندی آن نباید از یك متر ونیم کمتر باشد .

این اطاق نباید طوری ساخته شود که نشود آن را پاکیزه نگاهداشت . این قسمت ساختمان بوسیله پنجره های کوچکی هوا داده میشود ویا اینکه میتواند مستقیما دارای هواکش باشد .

توالت وروشوئی از واجبات‌است که باید بوسیله پرده کائوچوئی (پلاستیکی) مخفی نگاه داشته شود .

اتاق یا کابینه ــ قسمتی از منزل است‌که به‌کار مشخصی اختصاص دارد و اغلب با قسمت‌های دیگر آن در ارتباط است .

اتاق توالت ــ این قسمت از منزل اصولا باید کنار اطاق خواب باشد و حتی در صورت امکان بهتر است مستقیما به آن راه داشته باشد. تهویه و روشنائی اتاق توالت باید بطور مستقل انجام گیرد . ابعاد این اتاق باید باندازه کافی باشند بطوریکه هم لوازم بهداشتی مورد احتیاج در آن جا بگیرد و هم وسعت کافی برای استفاده از آنها باقی بماند . روشنائی اتاق توالت بهمان شکل و اندازه‌ایست که در مورد حمام توصیه میشود .

اطاق توالت بدون آبجاری ــ

بااینکه امروزه مرسوم‌نیست دراطاق توالت از لگن ، سطل و پارچ استفاده شود ، معهذا بعضی اوقات چاره‌ای جز این نیست و باید ازاین وسائل برای تکمیل کردن اطاق کمك بگیریم . برای اینکه دیواره ها و کف آن از رطوبت در امان باشد باید با موزائیك ، ورقه‌های

فلزی ، سیمان ، لینولئوم و بالاخره رنگ روغن پوشیده شود .

اتاق توالت با آب‌جاری ـ وسائل معمولی اطاق توالت ، دستشوئی و منضمات آنست (شیر آب‌گرم و سرد بطور مجزا ، یا یك شیر که آب گرم و سردرابصورت مخلوط شده در اختیار می‌گذارد ، بعلاوه دستگاه فاضل آب بهزیر روشوئی متصل می‌شود) که‌یك‌بیده ثابت یا متحرك هم بآن اضافه می‌شود .

کف این اطاق را هم باید با سرامیك ، موزائیك ، لینولئوم با فرش لاستیکی پوشاند . برای پوشش دیوار می‌توان از کاشی ، ورقه‌های فلزی ، سیمان ، مواد پلاستیکی و یا رنگ روغن استفاده کرد .

اطاق توالت با دوش ـ محلی است که با حداقل وسایل‌نیازمندی های بهداشتی را مرتفع میسازد . رخت‌کن را میتوان در اطاق توالت گذ شت‌برروی‌هم‌با نصب‌دوش‌تجهیزات اطاق توالت تکمیل می‌شود . جلوی رخت‌کن باید یك‌پرده نایلون‌کشیده شود . اطاق توالت با دوش، حتما باید راهی برای تهویه داشته باشد .

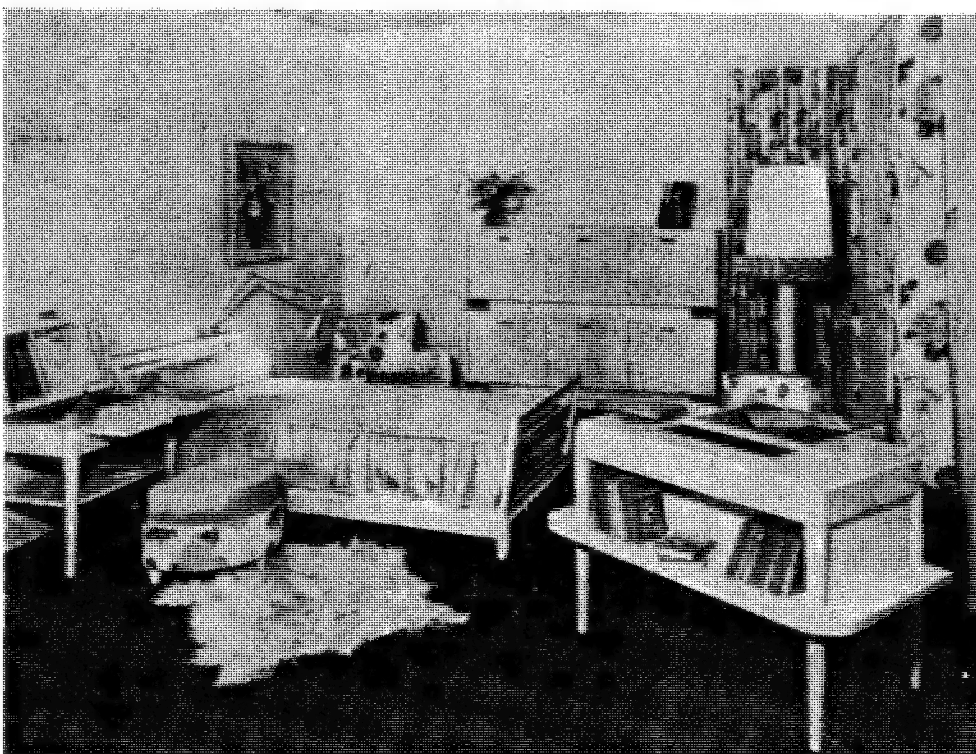
دستشوئی ـ محلی است‌که‌وسائل نظافت و آرایش را می‌گذارند و ساده ترین شکل آن در منازلی مورد استفاده واقع می‌شود که آب‌جاری در دسترس ندارند . و عبارتست از یك میز که روی آن یك لگن ، یك سطل و یك پارچ قرار دارد .

بعضی از میزهای توالت با یك تکه سنگ مرمر پوشیده شده و لگن ثابت یا متحرکی در آنها کار گذاشته شده است . آب آلوده پس از شستشو در سطلی که زیر میز قرار دارد جمع می‌شود . بعلاوه بعضی از میزها یك منبع آب هم دارند که در بالای آن قرار گرفته وبا آب دستی پر مـی‌شود و در موقع مصرف با بازکردن یك شیر به داخل لگن می‌ریزد .

نوع اخیر را می‌توان بااتصال آب جاری بصورت مدرن‌تری درآورد . یك میز توالت به‌ترتیبی



اتاق بچه‌ها (اسباب واثاثه محکم)



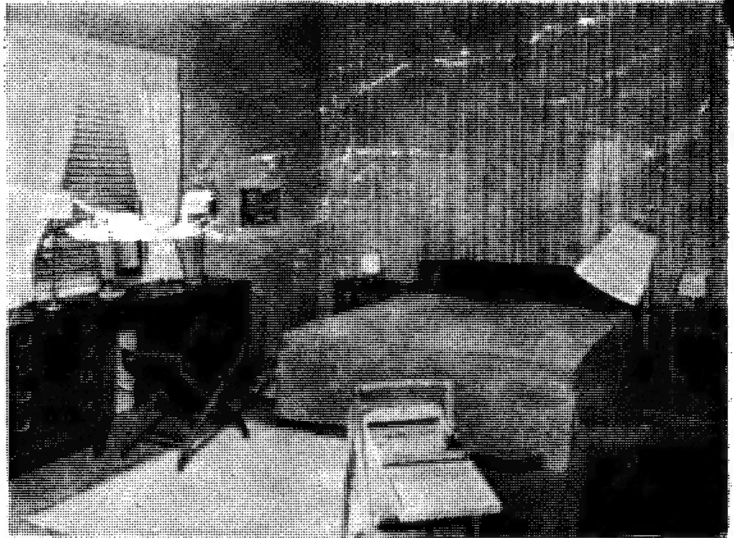
اتاق خانم خانه با وسایل مورد احتیاج

و تهویه مستقل بی‌بهره است.

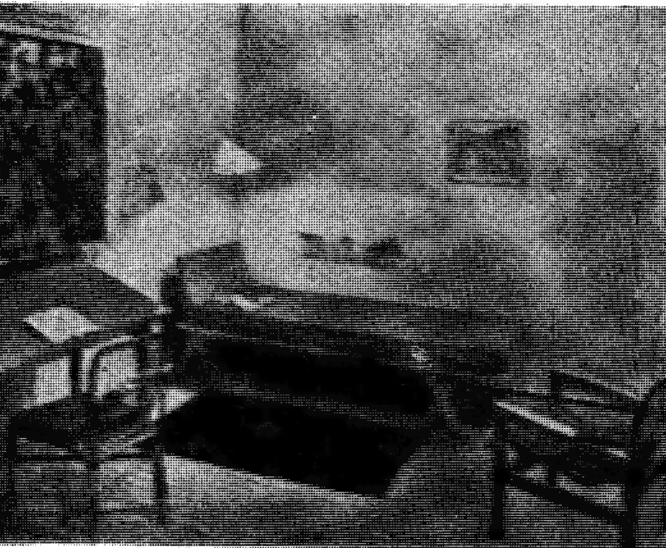
اطاق کار ــ این اطاق‌معمولا برای انجام کارهای شخصی درنظر گرفته می‌شود .

اصطلاح کابینه به محل‌کار مشاغل آزاد هم اطلاق می‌گردد : مطب ، دارالوکاله ...

ــ کابینه در قدیم به کمد های قیمتی اطلاق می‌شد که برای محافظت اشیاء گرانبها از قبیل جواهر ، مینیاتور ، اشیاء تجملی، کتابهای دینی ، اشیاء زینتی و غیره مورد استفاده قرار می‌گرفت. این کمدها برای اولین‌بار در قرن شانزدهم از ایتالیا ، آلمان ، فلاندر (شمال فرانسه) و اسپانیا



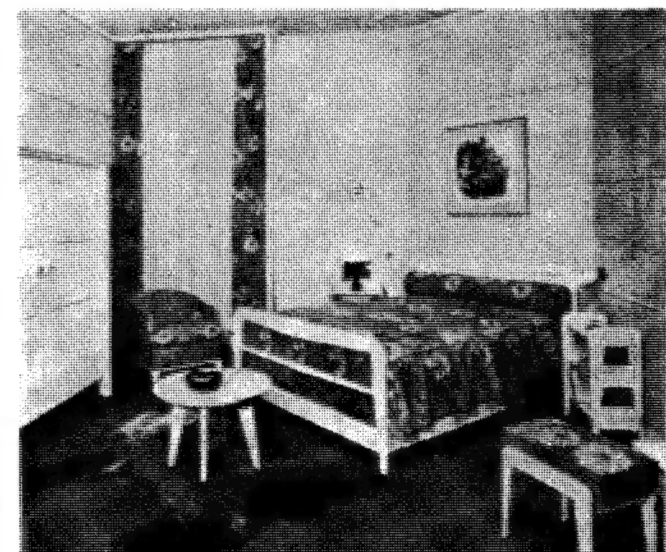
اتاق خواب بایك مبلمان ساده‌از چوب



اتاق یك پسر جوان



اتاق یك دختر جوان



نمونه یك اتاق خواب

که شرح آن گذشت ، اگر آب هم از منافذ و شکاف‌های آن‌به‌خارج راه نیابد مزایائی درحدوددستشوئی دارد .

انبار ــ قسمتی از منزل یا آپارتمان که مصرف مشخصی‌ندارد و معمولا در انتهای راهرو ، زیر پلکان قرار دارد و یا پس‌ازاصلاح نقص قسمتی از ساختمان درگوشه‌ای ازبناواقع می‌گردد . از انبار برای گذاشتن لوازم کم مصرف زندگی ، بعضی از مواد اولیه غذائی بطور ذخیره ، جامه‌دان‌ها و چمدانها و.... استفاده می‌شود . اطاق‌انبار معمولا تاریك و از روشنائی‌خارج

آورده شد و در طی قرن هفدهم بتدریج اشاعه یافت . خصوصیات جالب این کمد بیشتر به جهت‌مواد، مصرفی ساختمان‌آن و تکنیکی است که درساختمان آن بکار رفته ، در ساختمان این کمد از چوب‌آبنوس استفاده می‌کرده‌اند و روی آن با اشیاء زینتی از قبیل صدف ، عاج، قطعات مس و سنگهای قیمتی و یا سنگ مرمر خاتم‌کاری می‌شد ، و این ظرافت وزیبائی را در ساختمان داخل کمد هم رعایت می‌کرده‌اند. داخل این کمدها تعداد زیادی کشو داشته و بعضی از آنها که با رنگ روغنی ، رنگ شده بودند تا قرن هیجدهم در بعضی منازل از آنها استفاده می‌شده است .

اتوکلاو :

ظرف فلزی ضخیمی‌است که سرپوش آن محکم بسته شده‌هنگامی که گرم میشود میتواند در برابر فشار زیاد داخل بخوبی مقاومت نماید . درخانه داری ازنوع کوچك آن برای ضد عفونی کردن سریع قوطی ها و ظروف کنسرو استفاده میکنند . این نوع اتو کلاو بسیار حساس است و نباید دستکاری شود .

دیگهای طبخ بابخارنیز اتوکلاو کوچکی هستند که دیك زودپز نامیده میشوند .

اتومبیل

خرید : انتخاب نوع اتومبیل بستگی بآن دارد که بچه کار تخصیص داده میشود مثلا اتومبیلی که بمنظور استفاده برای تحویل کالا خریداری میشود با اتومبیلی که یك خانواده بدون بچه انتخاب میکنند وجه اشتراکی نمیتواند داشته باشد ولی هریك از ایندو برای خریدار مخارجی را ایجاب میکنند که نباید از آن غافل بود .

اتومبیل دست دوم : در درجه اول باید بخاطر داشت که اتومبیل دست دوم بزرگ معمولا ارزانتر از اتومبیل کم مصرف است آیا فقط باین دلیل میتوان اتومبیل بزرگ خرید ؟ کسی که بخیال صرفه‌جوئی اتومبیل ارزان قیمت انتخاب‌میکند اغلب مغبون میشود چون قیمت کیلومتر یك ماشین بزرگ خیلی زود بالا رفته وآن مختصر صرفه جوئی را تلافی میکند و شخص ناچار میشود اتومبیلی را که دیگر غیر قابل استفاده است بفروشد از نظر مادی اینکار مقرون بصرفه نیست واما درموردخرید اتومبیلهای کم مصرف هم باید فوق‌العاده دقت نمود که ساختمان بدنه وموتور آن سالم باشد و گرنه اکثر اوقات احتیاج به‌تعمیر پیدا کرده و ایجاد درد سر مینماید .

اگر کسی قصد صرفه جوئی داشته باشد بهترین راه خرید یك اتومبیل مدل قدیمی‌است که سالم و خوب نگاهداری شده باشد ودر صورتیکه قطعات یدکی آن یافت شود حتی اگر قیمت اتومبیل بیش از نرخ معموله باشد باز مقرون بصلاح است در هرصورت بهتر است بایك میکانیسین حرفه‌ای‌و یادوستی که در اینکار خبره است اقدام بخرید ماشین نموده و نظریاتش را بکار بست .

نگاهداری : در مورد نگاهداری اتومبیل باید مخارج ثابت و مخارج متغیر را در نظر گرفت زیرا هریك از ایندو در قیمت تمام شده تاثیر متفاوتی دارند .

مخارج ثابت همانطور که از اسمش پیداست خواه اتومبیل کم راه برود وخواه زیاد تغییر نمی‌کند مثل‌اینکه‌اتومبیل‌اغلب درگاراژبماند تاثیر این نوع هزینه ها در قیمت کیلومتر یك تمام شده محسوس خواهد بود .

برعکس مخارج‌متغیر تقریبانسبت مستقیم بامسافت طی شده دارند و رویهمرفته هرچه اتومبیل‌بیشتر راه برود قیمت کیلومتر شمار تمام شده آن کمتر میشود .

حال چگونه باید این مخارج را حساب کرد ؟ بخاطر داشته باشید که قیمتهائیکه ذیلا داده میشود به هیچوجه قطعی نیست زیرا سطح قیمتها در جاهای مختلف اکثرا متفاوت است کافیست که آنها را از نقطه نظر مربوط سنجید و در جائیکه قیمتها تفاوت دارد آنرا با شرایط خود منطبق نمود .

مخارج‌ثابت : استهلاک‌عبارتست از تفاوت قیمت خرید وقیمت‌فروش اتومبیل معمولا اگر مورد خریدیك ماشین دست دوم باشد باید هزینه تعمیرات اولیه وروبراه کردن آنرا بقیمت خرید اضافه کرد . دو مثال برای محاسبه استهلاك :

یك اتومبیل نو که به ۳۶۰۰۰۰ ریال خریداری شده پس از سه‌سال به ۲۵۰۰۰۰ ریال بفروش میرسد بنا براین کسر مبلغ ۱۱۰۰۰۰ ریال است ــ اگر مالك در مدت سه سال ۴۰۰۰۰ کیلومتر راه‌را پیموده باشد قیمت استهلاك اتومبیل در هر کیلومتر تقسیم مبلغ کسر شده بر مسافت انجام شده‌است .

بیمه ــ هزینه های بیمه برحسب نوع آن (بیمه حوادث ، خسارت شخص ثالث بیمه بمدت محدود و غیره) بطور محسوسی متفاوت‌است و بهمین نسبت نوع بیمه در قیمت تمام شده مؤثر واقع میگردد یعنی اگر اتومبیلی در برابر تمام حوادث بیمه شده‌است و کم راه میرودقیمت کیلومتر یك تمام شده آن خیلی‌زیاد میشود .

مثال : هزینه بیمه حوادث برای یکسال ۴۵۰۰۰ ریال‌است و اتومبیل ۱۵۰۰۰ کیلومتر در یکسال طی میکند قیمت تمام‌شده در هرکیلومتر $\frac{۴۵۰۰۰}{۱۵۰۰۰}=۳$ ریال میشود .

اگر همین اتومبیل در همان مدت ۴۵۰۰۰ کیلومتر طی کرده باشد قیمت تمام شده $\frac{۴۵۰۰۰}{۴۵۰۰۰}=۱$ ریال خواهد شد .

توقفگاه ــ درحال‌حاضر توقفگاه ها مطابق نوع و قدرت ماشین‌قیمت های ثابتی دارند معذلك بر حسب اینکه اتومبیل همه روزه خارج‌بشود ویا فقط روزهای تعطیل (یکشنبه) میتوان‌با آنهاقرار دیگری گذاشت.

قیمت تمام شده‌گاراژ نیز بطریقی که گفته شدمحاسبه میشود وتاثیرش در قیمت تمام شده بهمان ترتیب است . واضح است که نرخ توقفگاه در تهران و یا حومه و شهرستانها تفاوت محسوس دارد .

بهره سالانه ــ این مبلغ با اینکه از نظر اهمیت غیر قابل گذشت است ولی بسختی میشود آنرا حساب کرد و ساده ترین راه آنستکه جزو هزینه استهلاك محسوب گردد .

مخارج متغیر بنزین : هزینه بنزین اگر در بین مخارج بیش از همه بچشم میخورد ولی یقینا مهمترین آنها نیست . مردم همیشه باشتباه اینطور حساب می‌کنند : (مصرف اتومبیل من ۸ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر است هرلیتر بنزین پنج ریال قیمت دارد بنا براین مخارج سفر من چهل ریال در ۱۰۰ کیلومتر است واگر چهار نفر در این اتومبیل سوار شویم هزینه سفر ما کمتر از ترن تمام میشود).

با محاسباتیکه قبلا بعمل آمد واضح است که این طریقه استدلال تا حدی دور از عقل است ... بنا براین باید بخاطر داشت که بنزین علیرغم عوارض کمر شکنی که بآن تعلق میگیرد فقط جزئی از قیمت تمام شده را تشکیل میدهد وپرداختهای ناشی از آن فقط‌بستگی مستقیم با کیلومتر های طی شده دارد .

روغن موتور : مصرف روغن معمولا کم است و دفعات تعویض آن با شماره کیلومتر های طی‌شده نسبت مستقیم دارد ولی بهرصورت مخارج ناشی از آن خیلی کمتر از بنزین است ــ هزینه روغن‌را بطریق زیر میتوانیم حساب کنیم :

تخلیه کامل پس از ۳۰۰۰ ــ کیلومتر = ۴ لیتر .

مصرف عادی جهت پر کردن مخزن = ۱ لیتر .

روغنکاری ــ روغنکاری اجزاء اتومبیل اگر بوسیله خود راننده انجام شود جزء ناچیزی از هزینه نگاهداریست و حتی اگر اینکار در گاراژی عملی گردد موجب مخارج فوق‌العاده ای نخواهد شد .

برای بدست آوردن قیمت تمام شده پول روغن را به تعدادکیلومتر های طی شده بین دو روغنکاری تقسیم میکنیم و تقریبا میتوان هزینه‌ای در حدود دهشاهی در هر کیلومتر بحساب آورد .

تعمیرات فنی ــ چون پیش‌بینی این نوع مخارج غیر ممکن است وبسختی میتوان حساب آنها را نگاهداشت بنا براین در آخر سال و یاهنگامی که اتومبیل فروخته میشود ممکن است آنها را محاسبه نمود . فقط یك موضوع حتمی است و آن اینست که این رقم برای یك اتومبیل نسبتا نو هیچ وبرعکس برای یك اتومبیل اسقاط دست‌دوم قابل ملاحظه میتواند باشد .

لاستیکها ــ قسمت ناچیزی از مخارج تعمیرات محسوب‌میشود ولی طرزراندن اتومبیل‌میتواند تغییرات عمده‌ای در این رقم ایجاد نماید . یقینا عمل راننده‌ای که در گاز دادن و ترمز کردن افراط میکند گران تمام میشود .

اگر فرض کنیم که یك سری لاستیك (۵ عدد) ده هزار ریال ارزش دارد ودر ۳۰۰۰۰ کیلومتر مورد استفاده قرار میگیرد هزینه تمام شده در هر کیلومتر تقسیم بهای لاستیکها بر کیلومتر طی‌شده خواهد بود .

بادانستن مواردیکه مورد بحث قرار گرفت وباجمع بستن همه قیمتهای تمام شده میتوان قیمت تمام شده اتومبیل را بدست آورد .

خاطر نشان میگردد که ما در هزینه تمام شده پرداختهای ناشی از سوانح فنی یا تصادفاتی را که بعهده‌راننده است‌بحساب نیاورده‌ایم.

ونیز اضافه میشود که اتومبیل بطور غیر مستقیم تولید مخارج فوق‌العاده‌ای بعلت ایجاب امکانات برای گردش و تفریح مینماید .

خرید اتومبیل دست دوم (اتفاقی): قیمت اتومبیلهای دست دوم که در مدت چند ساله بعداز جنگ جهانی دوم وضع غیر عادی داشت دوباره وضع عادی خودرا باز یافته معذلك اینموضوع هنوز تابع اصل عرضه و تقاضا است . هنگامیکه برای تحویل‌یك اتومبیل نومهلت طولانی لازم باشد یك ماشین دست دوم از همان مارك را بقیمت خوب میتوان فروخت .

فصل خرید نیز بدون تاثیرنیست در بهار قیمت اتومبیل کمی بالاست ودر آخر پائیز مختصر تخفیفی در آن ملاحظه میشود .

در اینمورد هم مانند سایر موارد مارك وسیله نقلیه نقش عمده‌ای دارد در حال حاضر نوع اتومبیل و تاریخ عرضه شدن آن حدود تقریبی قیمت را میتواند معلوم کند واضح‌است که وضع عمومی وشماره کیلومتر های طی‌شده وبودن ضمائم آن کما بیش میزان قیمت اصلی را تغییر میدهد . باید کارت سفید را بازدید نموده و اتومبیلی را که بیش از یك مالك نداشته ترجیح داد .

قضاوت در باره وضع عمومی ماشین مشکل است اما اگر مورد خرید اتومبیلی از نوع بزرگ باشد لازمست که به بدنه و لوازم انتقال حرکت (کلاچ ، جعبه‌دنده، دیفرانسیل ، فرمان و ترمز) بیشتر توجه شود تا خود موتور زیرا تعویض موتور سهلتر و نتیجة کم خرج‌تر می‌باشد معذلك رل را بگردانید و دستگاههای فشار را وارسی نمائید وقتیکه موتور بکار میافتد سعی کنید علت صداهای خشك ومتناوب را که نشان‌میدهد پیستون ویاتسمه‌ای خوب جانیافتاده است پیداکند — جریان روغن را مورد دقت قرار دهید و به‌بینید که مبادا بخار از آن خارج شود زیرا بزودی پیستون ها احتیاج به تعویض خواهند داشت توجه کنید که جوش خوردگی در روی قطعات انتقال حرکت وجود نداشته باشد وبرای دریافتن میزان مصرف روغن و بنزین اتومبیل را صد کیلومتر رانده و امتحان کنید .

از کلاچ آزمایش بعمل آورید که صدا نداشته باشد وقتیکه ترمز کرده‌اید اگر با گاز کلاچ راکمی شل کنید بایستی موتور از حرکت باز ایستد . تجهیزات برقی و ترمز ها نیز باید مورد آزمایش قرار گیرد (متوجه باشیدکه لنتها سالم باشند) .

هنگـام امتحان کردن بایستـی مأخذ هرنوع صدای غیر عادی را جستجو کرد — آخرین قسمتی که‌باید مورد بازدید قراربگیردکف پوشها و پدالهاست که بطور کلی نشان میدهند اتومبیل تا چه حد فرسوده است .

ادراك صحیح‌هم دراینمورد چون هرمورد دیگر بهترین راهنماست . وقتی بیك اتومبیل کوچك‌احتیاج دارید فقط بعلت اینکه یك موقعیت عالی پیش آمده اتومبیل بزرگ نخرید همیشه اتومبیلی را ترجیح دهید که همه قسمتهای آن بیك نسبت فرسوده‌است وقبلا یقین‌حاصل کنید که قطعات یدکی آنرا بآسانی میتوان یافت .

رنگ — اگر بخواهید اینکار نتیجه خوب داشته باشد لازمست که تحت نظر یك متخصص انجـام گیرد بنا براین برای تجدید رنگ فقط باید انتظار داشته باشیم که اتومبیل وضع مناسبی بخود بگیرد نه آنکه پس‌از اتمام بصورت یك ماشین کاملا نو درآید .

برای اینمنظور از رنگهـای سلولزی که فقط آنرا با تلمبـه میزنند میتوان استفاده کرد امتیاز این نوع رنگ آنستکه زود خشك میشود ولی در پایان احتیاج بجلا دارد چون رنگ سلولزی پس‌از خشك شدن‌نیمه براقاست — پس‌از علاوه اینکار احتیاج به مختصر صیقل کاری دارد ولی بعلت اینکه ورقه رنگ زیاد ضخیم نیست باید دقت کرد که رنگ قسمتهای گود برداشته نشود و بخصوص بایستی از هوای مرطوب که باعث کدر شدن سطح رنگ شده میگردد احتراز جست — یك نوع رنگ ترکیبی وجود دارد که از صمغ گلیسر و فتالیك گرفته شده است و انواع مختلف آن برای تلمبه و برس موجود است ونتیجه آن بسیار عالیست البته دیرتر خشك میشود ولی ورقه رنگ ضخیم‌تری تولید میکند و رنگ حاصله براقست این محصول بعلت مقاومتی که درمقابل آب و هوای نامناسب و ضربه دارد توصیه میشود و چون خشك شدن آن بکندی صورت میپذیرد بهتر است حتی‌الامکان اینعمل در محل خالی از گرد و غبار انجام گیرد .

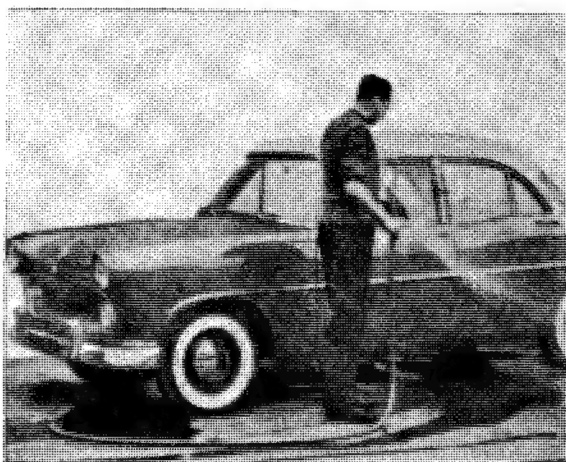
۱ — استعمال‌رنگ سلولزی روی بدنه فاقدرنگ‌ـ‌پس‌از زدودن‌زنگ، چربی و رطوبت بدین ترتیب‌انجام میشود :

پوشاندن بدنه بایك لایه باسمه سلولزی قرمز .

اضافه کردن سه یا چهار لایه ته رنگ خاکستری (بفاصله نیم ساعت بین هررنگ)بتونه کاری مختصر قسمت های ضرب دیده .



شستشوی اتومبیل بکمك‌برس



شستشوی اتومبیل با فشار آب



شستشوی اتومبیل بااسفنج نرم

صیقل دادن با کاغذ سمباده ۲۲۰ وآب .
اضافه کردن لایه‌ضخیمی ازرنگ انتخاب شده .
ترمیم بالایه نازك بتونه
پرداخت با کاغذ سمباده ۲۸۰ و آب .
اضافه کردن دو لایه ضخیم رنگ (با فاصله نیمساعت بین هر رنگ)
صاف کردن آن با کاغذ سمباده ۴۰۰ و آب .
برق انداختن و جلادادن را میتوان با مواد مخصوص حفاظت رنگ انجام داد .

۲ ــ استعمال رنگ سلولزی‌روی رنگ سابق ــ اگر رنگ سابق ماشین از نوع چرب است سطح‌آنرا با آب قلیائی خوب تمیز کرده و با کاغذ سمباده ۲۸۰ بسائید و بعد یك لایه عایق خاکستری بمالیدولی اگر رنگ از نوع سلولزیست (بدین ترتیب شناخته میشود که اگر آنرا با محلول سلولزی مالش دهید به آسانی حل میشود) ابتدا آنرا با آب و کاغذ سمباده ۲۸۰ پاك نموده و یك لایه عایق خاکستری روی آن بمالید .

هردو مورد فوق بیك طریق ادامه داده میشود :
مالیدن‌یك‌ورقه ته‌رنگ‌خاکستری بتونه کاری در صورت لزوم وتمام کردن آن طبق دستور قسمت اول .

۳ ــ استعمال رنگهای ترکیبی در روی بدنه فاقد رنگ پس‌از زدودن زنگ ، چربی و رطوبت به ترتیب زیر انجام میگیرد :
استعمال یك ورقه نازك باسمه ترکیبی قرمز .
دو لایه ضخیم‌ته رنگ خاکستری یکی پس از دیگری .
بتونه کاری قسمتهای ناقص .
مختصر صیقل کاری با کاغذ سمباده ۲۲۰ و آب

استون

مایعی است بی‌رنگ با خاصیت تبخیر زیاده از حد و قابلیت اشتعال فراوان در ۵۶ درجه سانتی گراد بجوش می‌آید . بهر نسبتی با آب قابل اختلاط بوده هم چنین باغالب مایعات آلی ازقبیل الکل ــ اتر ــ انواع ئیدروکربور ها (نفت و بنزین و غیره) نیز بخوبی مخلوط می‌شود .

استون خودنیز یکی از عالی‌ترین محلل ها برای مقدار زیادی مواد از قبیل موادسلولزی ــ لاك ناخن‌ ورنی ــ روغن ها و مواد نفتی ــ اقسام چربی های نباتی و حیوانی‌ــ کائوچو ــ لاستیك های طبیعی و صنعتی ــ و کولوفان و غیره می‌باشد .

خود استون ضرری ندارد فقط از تنفس زیاد بخار های متصاعد در آن باید اجتناب کرد .

افسنطین

افسنطین ــ هم یك نوع نباتی است و هم یك نوع مشروب .

الف ــ افسنطین یا خاراگوش : نباتی است علفی محکم با بلندی درحدود شصت سانتی متر ــ بابرگ های متقطع که روی هر دو سطح برگ آن الیافی‌نازك دیده می‌شود‌ــ سطح زیرین برگ ها برنگ نقره‌ای بوده دارای گل برگ های زرد رنگ با عطری نافذ و قوی است .

این نبات جنبه داروئی دارد ــ گل برگ ها و نافه های گل آن برای تهیه شربت های تقویتی ــ محرك ــ و بعضی اوقات بعنوان داروی دفع‌کرم امعاء بکار می‌رود.

کشف این نبات بیشتر در زمین های رسی آهکی و در معرض آفتاب انجام میگیرد ــ تکثیر این نبات از طریق کاشتن تخم آن و پرورش در قلمستان امکان پذیر است ــ کشت تخم آن در بهار و کشف‌نهال آن در بهار وپائیز انجام می‌گیرد‌ــ مدت عمر این نبات چهار سال است که از سال دوم می‌توان از آن استفاده و بهره‌برداری نمود ... بدین ترتیب که گل های آنراچیده و در تنور خشگانیده و آن را مصرف می‌کنند .

این نهال درپاره‌ای نقاط دنیا بطور دیمی و خود رو نیز دیده شده است .

ب ــ افسنطین مشروب : مشروبی است الکلی ــ معطر بکمك پاره‌ای از نباتات دیگر از قبیل همان افسنطین نبات ــ انیسون ــ رازیانه ــ زوفا ــ سنبل طیب و غیره .

این مشروب مضر و ضرر آن بسبب جوهر هائی است که در آن وجود دارد . خصوصا بسبب اسانس تی‌یونیك موجود در آن تهیه و فروش ممنوع است .

تهیه این مشروب از نقطه نظر تجاری ممنوع و غیر قانونی است ولی آنچه که‌بمنظور مصرف داروئی در دواخانه ها تهیه می‌شود مراقبت و کنترل نمی‌شود .

الکل

ماده‌ایست حاصله از تقطیر یك مایع الکل‌دار و یا تخمیر مواد شیرین بوسیله لوورها . ــ این مواد شیرین معمولا مواد زیر می‌باشند :
آب انگور که تخمیر الکلی آنرا بصورت شراب در میآورد .
آب سیب که تخمیر الکلی آنرا بصورت شراب سیب درمی‌آورد .
آب سایر میوه های شیرین .

تمامی آب میوه های شیرین تقریبا گلوکز بوده که در نتیجه عمل لوورها این گلوکزها تبدیل می‌گردد به‌الکل و گاز کربنیك که متصاعد می‌شود . ودر حقیقت این گلوکزاست که الکل را بوجود می‌آورد .

در صنعت گلوکز را از مواد نشاسته سیب زمینی و یا نشاسته موجود در غلات (گندم ــ جو ــ چاودار ــ برنج ــ ذرت) بدست می‌آورند . چغندر قند بمیزان زیاد گلوکز دارد .

عامل اصلی این تخمیر که در تمام نسوج سرشار از مواد قندی ساده یافت می‌شود مخمری است بنام (زیماس) . و مخمری است غیر مرئی مرکب از تمام قارچ های میکرسکپی از نوع لوورها . این لوورها در خاك ــ در هوا ــ ودر سطح مجاور با هوای گیاهان وجود دارد . بدین ترتیب عمل تخمیر وقتی انجام می‌شود که موقعیتی برای ورود ویا تماس با محتویات سلولی مواد قند نباتی پیدا شود . ــ مثلا وقتی انگور را له و لگدکوب می‌کنند این عمل بسبب مجاورت با هوا انجام‌میگیرد

تخمیر الکلی اساس تهیه تمام مشروبهای از قبیل شراب انگور‌ــ شراب سیب ــ آبجو وغیره می‌باشد وهم چنین انواع عرق ها که آنها نیز از مایعات تخمیر شده بدست می‌آیند .

تقطیر مشروبات الکلی حاصله از شراب انگور ــ شراب سیب ــ و یا آلوی تخمیر شده تولید عرق طبیعی یا ماءالحیات می‌کند و این نوع تقطیر ها بروش قرع و انبق عملی است .

تقطیر مایعات الکلی حاصله از تغییر شکل قند ویا چغندر قند ویا نیشکر بوسیله دستگاههای بزرگ قرع وانبیق انجام پذیرد و تولید انواع الکل های صنعتی یا انواع دیگر الکل ــ اتر و غیره را می‌نماید . ــ تولید انواع دیگر الکل ویا اتر در نتیجه عملی بنام رکتی فیکاسیون امکان پذیراست .

ورکتی فیکاسیون چیزی نیست مگر یك تقطیر مجدد و نیمه کاره.

آنچه که در مراحل اولیه تقطیر از قرع وانبیق می‌گذرند آلدئید هاواتر ها هستند و روی مایع می‌ایستند .

در اواسط عمل تقطیر معمولا الکل مطبوعی از قرع وانبیق می‌گذرد .

آنچه که در اواخر عمل تقطیر از قرع وانبیق عبور می‌کند محصولات دنباله‌ای خوانده‌می‌شود.

آنچه که در مراحل اولیه و آخری بدست می‌آید معمولا الکل های غیر مطبوع بوده و فقط بمصرف سوخت و حرارت ویاتهیه مواد واکسی می‌رسد .

الکل خالص که از مشروب های تخمیر شده یا الکل صنعتی تهیه می‌شود بنام الکل معمولی ویا الکل اتیلیك معروف است و نباید آنرا با الکل حاصله از تقطیرچوب در ظرف های سربسته اشتباه نمود . این‌الکل اخیررا الکل متیلیك ویا الکل چوب می‌گویند .

خواص الکل‌خالص (معمولی)ــ این الکل مایعی است رونده ــ با حالت تبخیر زیاد ــ بوی نافذ طعم سوزان ــ در ۷۸٫۵ درجه سانتی‌گراد بجوش می‌آید ــ قابلیت زیاد اختلاط با آب را دارد ــ بدین جهت است که می‌گویند عرق در زیر زمین جذب رطوبت کرده وبتدریج خاصیت الکلی خود را از دست می‌دهد .

الکل خالص‌بسیار قابل‌اشتعال وبا شعله آبی کم‌رنگ و کمی‌روشن کننده ولی با حرارت زیاد می‌سوزد
وپس از سوخت تولید گازکرینیك وبخار آب می‌کند .

الکل یکی از بهترین حلال های مواد چربی ــ مواد رزینی ــ مواد رنگی ــ مواد واکسی و روغنی ــ کافور ــ و ید می‌باشد .

مخلوط هوا با بخار الکل در مجاورت شعله بشدت منفجر می‌شود.

محلول الکل وقتی که درنتیجه عمل‌مخمرهای ترش (فرمان‌استیك) اکسیده می‌شود یعنی در حقیقت می‌سوزد بتدریج بصورت اسید ــ استیك (جوهر سرکه) تغییر شکل می‌دهد . مشروط براین که این محلول بیش از ۱۴٪ الکل نداشته باشد . ــ این اکسیداسیون نشان می‌دهد که مایعات الکلی مثلا شراب در صورتی که مدتی در مجاورت هوا بمانند طعم سرکه‌ای پیدا می‌کنند .

میزان الکل عرق ها والکل‌هاــ هنگامی که می‌گویند درجه الکل این عرق ویا این الکل مثلا ۵۵٪ است یعنی ۵۵ قسمت از ۱۰۰ قسمت آن مایع الکل اتیلیك است ویا در یکصد لیتر آن ۵۵لیتر الکل وجود دارد . ــ برای تعیین این درجه اسبابی بکار می‌رود بنام الکل سنج .

عرق ضعیف حدود ۳۷ درجه و عرق قوی حدود ۶۰ درجه الکل دارد . والکل سنج در الکل مطلق و خالص درجه ۱۰۰ را نشان می‌دهد .

اقسام مختلف الکل ـ الکل ها بدو طبقه تقسیم بندی شده‌اند .

۱ ـ عرق ها یا الکل هـای طبیعی (که در قسمت مربوطه شرح کافی داده شده است).

۲ ـ الکل های صنعتی (که در زیر شرح داده می‌شود) .

الکل های صنعتی ـ این نوع الکل معمولا از چغندر قند تهیه می‌شود و بمحض تهیه و تقطیرقابل استفاده نبوده بلکه همان طور که قبلا گفته شد باید با عمل رکتی فیکاسیون تقطیر مجددی بعمل‌آید. ودر صوت خوب تقطیر شدن مجدد مزه وطعمی ندارد و تجار آنرا به عنوان یك مال‌التجاره و یکی از مواد اولیه بفروش می‌رسانند . وگاهی اوقات آنرا با عرق ها نیز مخلوط می‌کنند .

الکل صنعتی خوش طعم ـ الکل صنعتی که دوباره و بسیار خـوب تقطیر شود خوش طعم می‌شود و نوع قابل مصرف زیاد آن همـان عرق ٤٥ درجه است و بسبب‌خاصیت حلاله آن برای حل کردن مواد چربی ـ رزینی ـ کامفر ـ ید ـ مشك و غیره ویا برای تمیز نمودن مرمر ـ شیشه ـ آینه ـ چرم ـ جواهر ـ زری‌دوزی ـ قلاب‌دوزی بکار می‌رود ـ هم چنین برای‌تهیه صابون‌مایع ـ تنتورهای دواخانه ـ ادوکلن ها ـ مورد استعمال زیاد دارد .

چون این نوع الکل در درجه های بسیار پائین حرارت یعنی سرمای زیاد منجمدمی‌شود لذا برای ساخت میزان الحراره ها بکار می‌رود .

الکل برگشتی تحت این عنوان الکل هائی عرضه می‌شوند که از رسومات اخذ شده باشند . این دسته الکل ها شامل تمام الکل هائـی هستند (باستثنای عرق‌ها) که تحت مقررات ویا امتیاز خاصی درنتیجه جوشانیدن تا سرحد الکل شدن میوه های خام تازه (بغیراز سیب انگور ـ گلابی) بدست می‌آیند .

الکل های برگشتی از رسومات بمصارف خاصی می‌رسند که ممکن است الزامی و یا اختیاری باشند .

مصارف اجباری آن ـ برای شربت ها تقویتی (تونیك) تهیه مواد عطری ـ مواد داروئی و بهداشتی می‌باشد .

مصارف اختیاری آن ـ سایر مصارف مجاز (غیر ممنوع) تهیه لیکورها ـ سرکه و مواد شیمیائی است .

طرز نگاهداری الکل ـ دربطری های کاملا سربسته باید نگاهداری شود .

خطر الکل ـ هنگام از ظرفی بظرف دیگر ریختن الکل خطـر احتراق آن حتی تا فاصله سه متر با شعله آتش زیاد است .

بخار الکل مخلوط با هوا قابل انفجار است ـ الکل متراکم و تحت فشار حتی بمقدار کم ایجاد مسمومیت می‌کند .

تعدیل وتغییر الکل ـ الکـل مطلق معمولی برحسب مصرفی که مورد نظر است باید کم و بیش متراکم شود درجه الکل‌را بااضافه نمودن آب میتوان تغییرداد . بنابراین تهیه الکل بهر قدرت‌که مورد نظر باشد میسر است.

بهداشت ـ هنگامی که الکل از راه دهان و بمقدار معتدلی وارد بدن می‌شود کاملا مانند قند دربدن می‌سوزد ـ تنها ضایعات آن براثر این‌احتراق (اکسیداسیون)مقداری آب و گاز کربنیك است .

هنگامی که بیش از قدرت و ظرفیت احتراقی بدن الکل خورده شود یا از طریق مجاری ادرار ویا بشکل سیلان غیر کامل خصوصا در ساعات جذب از بدن خارج می‌شود ویا این که بمقدار زیاد در خون باقی مانده ودر نتیجه بـه نسوج بدن آب زیادتری می‌رساند. چنانچه شخصی آلوده بوضعی شبیه بحالت اخیرالذکر شود تاثیرات بارز الکلیسم هویدا می‌شود این نکته‌را باید متذکر شد که احتراق و عمل اکسیداسیون الکل در بدن لازمه‌اش مصرف زیاد ویتامین ب بدن می‌باشد در نتیجه اشخاص الکلیست فاقد آن میشوند .

نیروی حرارتی که عمل احتراق الکل در بدن ایجاد می‌کند بکار فعالیت های عضلانی نمی خورد . ضمنا نمی‌توان الکل را یك غذای زورکی برای بدن دانست . در مقابل بنظر میرسد و می‌توان الکل را مانند سرپوشی بر احتیاجات نیروهای داخلی بکار برد . مثلا هنگامی که بدن در معرض سرمای خارجی قرار گرفته می‌توان الکل را برای نگاهداری حرارت بدن در میزان معتدل ۳۷ درجه مصرف نمود .

ناگزیر از ذکر این نکته میباشیم که عمل مولد حرارتی الکل ممکن است بسبب اثری که در اتساع مجاری بدن دارد مضر باشد ـ مصرف زیاد الکل موجب اتساع عروق سطحی و حرارت زیاد در سطح بدن ودر نتیجه و بهمین نسبت اتلاف حرارت بدن می‌شود هرچند که باعث تشعشع‌این حرارت می‌شود .

مصرف خارجی الکل ـ الکل ۹۰ درجه را برای ضد عفونی‌کردن نقاط سطحی بدن استعمال می‌کنند و معمولا به منظور پانسمان زخم ویا بعنوان محرك بسیار خوب بوسیله مالش دادن‌بدن با آن هنگام غش ویا بعنوان یك بی‌حس کننده موضعی بکار می‌رود .

زیبائی ـ الکل اتیلیك در عطر سازی رل مهمی را بازی میکند و بعنوان یك حلال اسانس های‌خوشبو برای ساختن مواد عطری از قبیل : انواع عطر ـ ادوکلن ها ـ لوسیون ها و غیره بکار می‌رود ، الکل اتیلیك هم‌چنین درساخت تنتور ـ هائی که بمصرف تهیه مواد عطری می‌رسد بکار برده می‌شود ـ الکل های تهیه شده از عصاره چغندر و سیب ویا برنج را برای تهیـه عطریاتی بکار می‌برند که بخواهند بو و عطر بسیار صاف و مطبوع و دلپذیری داشته باشد .

الکل های چرب که در ساخت لوازم آرایش بکار می‌رود ازسیلان اجسام چرب از قبیل الکل اتیك الکل استئاریك ـ الکل ستیلیك به دست می‌آید .

سوخت وحرارت ـ نیـروی حرارتی الکل‌در هریك لیتر ۵۱۰۰ کالری می‌باشد (وحال آنکه نفت ۷۵۰۰ کالری‌و بنزین ۸۳۰۰کالری است) بدین ترتیب ملاحظه می‌شود الکل دارای نیروی حرارتـی زیاد وحتی بیش از یك متر مکعب گاز است که در شهرها امروزه مصرف می‌شود ـ سوزاندن الکل بمنظور حرارت و سوخت دارای مزایای دیگری از قبیل سهولت و سرعت در گرم کردن می‌باشد . خصوصا که بوی غیر مطبوع ودود نداشته ظرف های طباخی را سیاه نمی‌کند.

یك چراغ خوراك پزی الکلی ضمن آن‌که یك واحد حرارتی قابل استفاده مطبخ می‌باشد حتی می‌تواند یك اطاق کوچك را گرم کند بدون این‌که احتیاجی بدودکش داشته باشد .

رادیاتور های گاز الکلی دستگاه هائی هستند مجهز بیك صفحه مقعر شفاف منعکس و هدایت کننده حرارت . حرارتی که تهیه شده از نوك و یا مشعل برافروخته مجهز به توری از پنبه نسوز آغشته بـه محلول مینزیوم که تولید گرمای بسیار زیاد و متمرکزی را می‌نماید خارج میشود .

با تعویض نوك حرارتی به نوك روشنائی و نصب یك شیشه لامپا بر روی این دستگاه ها می‌توان آنرا بیك چراغ و پروژکتور نورانـی تبدیل نمود .

چراغ برای روشنائی ـ بوسیله ساده‌ای ترتیب‌ایجاد نور و روشنائی خوبی از برافروختگی نوك هـا بوسیله الکل داده‌اند ـ این طریقه در مناطقی که برق و گاز روشنائی وجود ندارد و یا در ییلاقات بسیار مورد استفاده واقع شده است .

این چراغ ها در حقیقت یـك کارخانه کوچك گاز قابل حمل و نقل است . کارخانه‌ای که گازقابل اشتعال برای مصرف سوخت حرارتی و یا برافروختگی نوك ها جهـت روشنائی را از الکل تهیه می‌کند . عمل تبدیل الکل بگاز الکل در نتیجه عبور آن از قسمت گرم‌کننده و گاز کننده انجام می‌پذیرد .

برای روشن نمودن این گونـه چراغ ها ابتدا قدری دستگاه گرم کننده و بخار کننده الکل را باید گرم نموده یعنی پنبه الکلی سوزانی را بعنوان چاشنی می‌گذارند تاآن قسمت گرم شود . وقتی حرارت قسمت گرم کننده براثر سوختن این چاشنی بحد کفایت رسید الکل‌داخل چراغ خود بخود تبدیل بگاز شده و چراغ روشن می‌شود ـ این عمل تبدیل الکل بگاز الکل خود بخود ادامه پیدا می‌کند . زیرا حرارت حاصله از همان سوخت یا روشنائی کافی برای گرم کردن بعدی می‌باشد .

برای خاموش نمودن این قسم چراغ ها کافی است که کلید مخصوص مجرای الکل را بست .

الکل متیلیك ـ این نوع الکل را که متانول نیز می‌نامند ازطریق سنتز و یا قطران چوب بدست می‌آورند ـ و مایعی است بی‌رنگ ـ سمی ـ با درجه غلظت و تکاثف ۰٫۸ ـ در درجه حرارت ٦۵ درجه بجوش می‌آید و قابلیت زیاد اختلاط با هر مقدار آب دارد .

الکل متیلیك را برای از بین بردن اثرالکل اتیلیك بکارمی‌برند. مورد مصرف‌آن حل‌نمودن ورنی ها و تهیه فورمل می‌باشد .

اندام

حالت عمومی قرار گرفتن بدن و وضعی، که به آن داده میشود اندام نام دارد .

اندام کودکان ــ لازمست وضع بدنی کودکان مورد مراقبت قرار گیرد زیرا دراین دوره بدن هنوز شکل، ثابتی بخود نگرفته و چنانچه ساختمان بدن در حالت نارسائی قرار گیرد تغییر شکل میدهد .

حالت ایستاده :

در حالت ایستاده باید سر را بالا نگاهداشت و شانه ها را طوری بعقب برد که بر وسعت سینه‌افزوده شود در غیر این صورت سر بجلو متمایل شده و در پشت خمیدگی ظاهر میگردد اگر طفل بدبستان میرود توصیه میشود که هرگز نگذارید کیف سنگین با خودبر دارد زیرا معمولا بچه ها کیف را همیشه در یکطرف شانه میآویزند در صورت ادامه یافتن ، اینکار باعث تغییر شکل بدن میشود .

کیفهائی که سابقا رواج داشت و باتسمه به پشت بسته میشد عاری از این نقص بود .

حالت نشسته :

در حالت نشسته نه فقط وضع بدنی انسان بلکه صندلی که اغلب شخص روی آن می نشیند نیزموثر است صندلی باید باندازه کافی پهن واز لحاظ بلندی متناسب و پشتی آن کمی بعقب متمایل باشد . باید بحالت عمودی صاف‌وبدون اعوجاج نشست قرار گرفتن بر روی لبه صندلی در حالی که پشت بطرف تکیه گاه خم شده سر را فروافتاده و پشت را خمیده میسازد .

هنگامیکه طفل مشغول نوشتن استدر وضع نشستن او بایدمراقبت خاص مبذول داشت چنانچه بدن مدت زیادی بحالت کج بماندستون فقرات به پهلو انحراف پیدا کرده و یکی از شانه ها میخوابد بایستی طفل را واداشت که صاف بنشیندو کاغذ را کمی بطرف خود خم کند .

در بعضی موارد چنانچه با تنبیهات و تذکرات مکرر کودك بد نشستن را ترك نکرد باید آنرا ناشی از نقص بینائی ویا عیب ساختمانبدنی دانست و این موضوع را به پزشك بازرس دبستان خاطر نشان ساخت تا اقدام به آزمایشهائی از وضع بدنی او بنماید .

در مدارس اغلب میز تحریرها فاقد شرایط لازم بوده و متناسب با قد دانش آموزان نیست ــ صندلیها دور از میز تحریر قرار گرفته‌و باعث میشود که کودك برای‌نوشتن در وضع بدی قرار گیرد و در حالیکه تنه را کج میکند سروبدن را بجلو خم نماید .

بهترین میز کار آنستکه بـا اندازه های حساب شده تهیه گردد بطوریکه دانش آموز بتواند روی آن بحالت سالمی بنشیندیعنی سر را راست و موزون بر روی ستون فقرات قرار دهد پیشانی خم ، چشمها تقریبا ۳۵ سانتی متر دور از کتاب ، کتفها به بلندی طبیعی ،بازوان چسبیده به پهلو بوده و سنگینی بدن به آنها تحمیل گردد . فقط قسمتی از ساق دستها بجز آرنجها روی میز قرار گیرند و پاها بحالت صاف روی جاپائی و یا زمین گذاشته شوند .

برای دختر بچه ها که بخیاطی وگلدوزی‌مشغولند همین احتیاطات را باید مرعی داشت و مواظب‌بود که روی کار خم نشوند و بدن را طوری نگاهدارند که همیشه فاصله لازم حفظ گردد .

به پیانو باید میز تحریر قابل انتقالی نصب گردد تا بتوان کتابچه نت را روی آن هم ارتفاع چشمان طفل در مقابلش قرارداد .

موضوع روشنائی نیز حائز کمال اهمیت است اگر شیئی را که طفل مینگرد بخوبی روشن نشده باشد مجبور میشود برای بهتر دیدن آن بدن را بحالات مختلف در آورده ووضع صحیح نشستن خود را برهم زند .

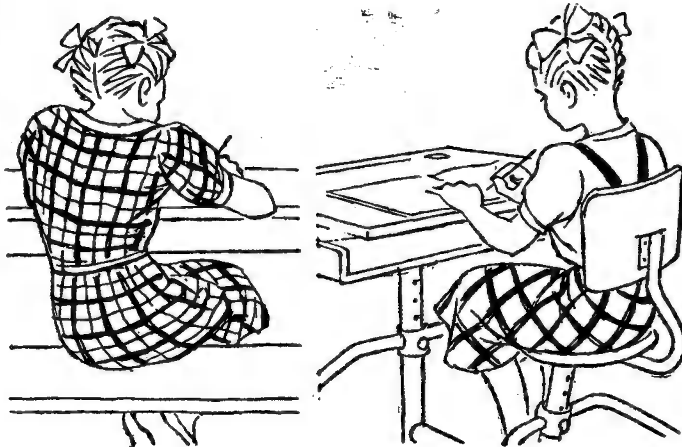
وضع بدن هنگام انجام امور خانه:

خستگی بیحد کدبانوی خانه اکثراً ناشی از شدت کار نبوده بلکه بعلت شرایط ناموزونیست که کار انجام میگیرد . وضع بدنی ناهنجار باعث میشود که عضلات تلاش‌بیهوده‌نموده و موجب آنچنان فشار عصبی بشود که برای تعادل جسمی زیان آور است .

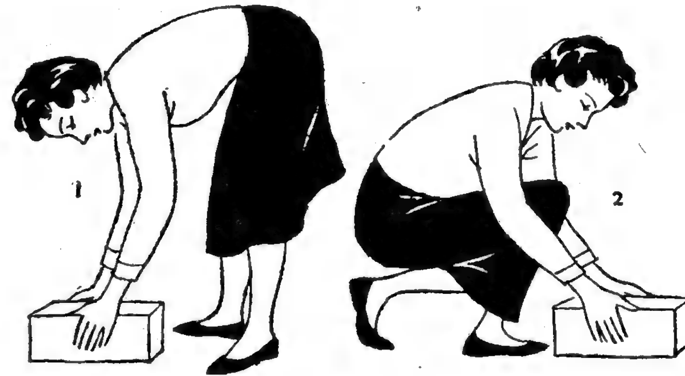
حالت ایستاده :

اغلب اتفاق میافتد که کدبانو مدت زیادی روی میز ، ظرفشوئی و یا اجاقی که خیلی پائین قرار گرفته خم میشود وزن بدن بی تناسب تقسیم میشود : شانه ها افتاده وتنفس منقطع میگرددجوارح بطنی خصوصا کبد فشرده میشود .

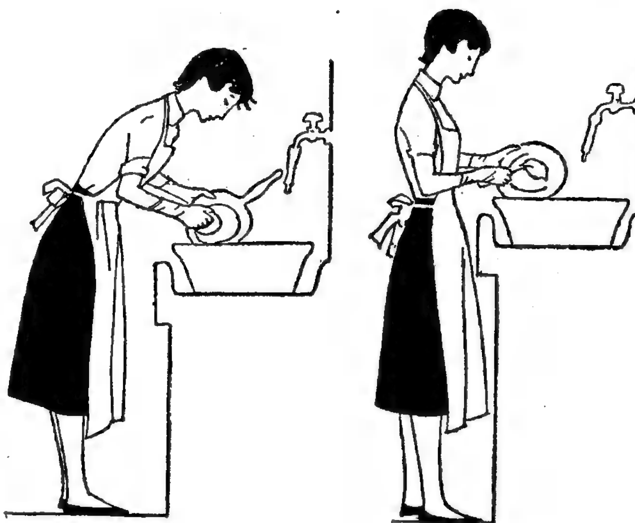
سطح کار باید از لحاظ ارتفاع برای شخص عادی باشد تا آنکه بتواند بدن را مستقیم نگاهدارد وزن بدن بطور مساوی بر روی دو پا تقسیم گردد پشت صاف ، سینه بر آمده و بازوان در حالت معمولی قرار گیرند .



نشستن بطرز صحیح و نشستن بطرز ناصحیح



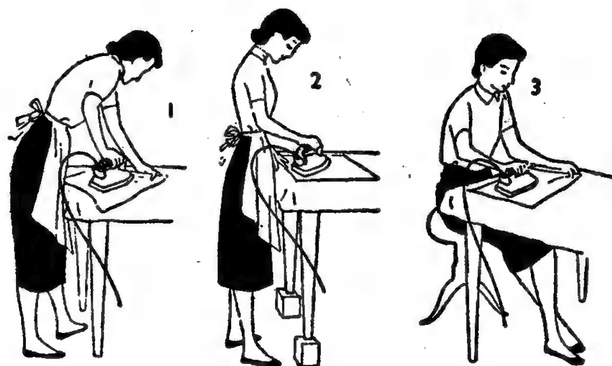
برداشتن یك بار سنگین : (۱) حالت بد (۲) حالت خوب



ظرفشوئی خیلی کوتاه کمررا خم میکند اما در حد طبیعی خود از خمیدگی جلوگیری مینماید

برای آنکه تطبیق وضع بدن با سطح کار واقعا مفیدواقع شود باید کاری را که انجام میگیرندر نظر گرفت برای یك کدبانوارتفاع بحسب اینکه مربوطبه میز اطوباشد و یا ظرفشوئی فرق میکند چون وضعی که ساق‌ها و دستها بر روی هر کار دارند متفاوت است برای اطو کشی لازمست که بر روی‌اطو فشار وارد آورد و دستها بحالت افتاده‌اند نتیجتا میز اطو باید نسبتا کوتاه باشد .

فقط کافیست یکبار برای‌همیشه اندازه همه وسائل تعیین و بحسب وضع بدنی شخصی که کار میکند (قد ــ چاقی) تصحیح گردد مثلا اگر میز خیلی کوتاه است زیر هر پایه یك‌قطعه‌لاستیك قرار دهید خیلی بلند است ؟ پایه‌های آن‌راقدری کوتاه کنید . ظرفشوئی در بالا قرار گرفته ؟ چهار پایه‌ای جلو آن روی زمین قرار دهید و روی آن بایستید خیلی کوتاهست؟ بعکس‌چهار پایه را در ته ظرفشوئی



طرز اطوکردن لباس : حالت اول (غلط) حالت دوم وسوم صحیح

بگذارید .

از روی محاسبه معلوم کرده‌اند که دستهای شخصی به بلندی ۱٫۸۰ متر در سطحی بارتفاع ۰٫۸۵ متر کار میکند وبرای شخصی بقد۱٫۷۰ متر کار باید در سطحی بارتفاع ۰٫۷۹ متر قرار گیرد .

تابلو زیر بلندی سطح کار را بتناسب قد مجری نشان میدهد .

ارتفاع سطح کار	قد اجرا کننده
۰٫۶۷ متر	۱٫۴۵ متر
۰٫۶۹ متر	۱٫۵۰ متر
۰٫۷۱ متر	۱٫۵۵ متر
۰٫۷۴ متر	۱٫۶۰ متر
۰٫۷۷ متر	۱٫۶۵ متر
۰٫۷۹ متر	۱٫۷۰ متر
۰٫۸۲ متر	۱٫۷۵ متر
۰٫۸۵ متر	۱٫۸۰ متر

بلند شدن مکرر بر روی پنجه‌ها برای دسترسی به قفسه ها وگنجه هائی که در بالا نصب شده‌اند نیز خسته کننده است ترتیب نصب قفسه ها و محل آویختن ظروف آشپزخانه باید طوری باشد که‌خانم خانه بتواند بدون تلاش زیاداشیائی را که احتیاج دارد بر دارد .

طول دسته وسائل نظافت نیزباید متناسب با قد کدبانو باشد تا آنکه برای جارو کردن ، زمین شستن احتیاج به تاکردن‌بدن نداشته‌باشد جارو کردن با نرمش در حالیکه پشت راست است و دستها بقدرکافی از همه فاصله دارند ، پنجه هاآزاد روی دسته قرار دارند و عمل با جاروئی که دسته‌اش باندازه کافی بلند است انجام میگیرد خسته کننده نیست .

برای زدودن گرد و غبار از روی زمین عضلات پاها ، شانه ها وبازوها باید تلاش کنند نه عضلات کمرگاه . همچنین برای جمع‌کردن آشغال در خاك اندازی که دسته‌اش کوتاه است اگر چمباتمه بنشینند راحت‌تر از آنستکه پشت را خم کرده وساق پاها را دولا نمایند .

برای حمل اشیاء سنگین خسته کننده‌ترین وضع آنستکه شخص در تمام طول راه روی یکطرف بدن آن‌راببرد حتی‌الامکان باید کوشش شود که بار با انتهای بازوان‌حمل گردد تا سنگینی بطور مساوی بدو طرف بدن‌تقسیم شود .

حالت نشسته :

رویهمرفته در حالت نشسته بدن آسوده تر از وضع ایستاده است که بانوی خانه هر وقت که کارش ایجاب میکند برای حفظ قوای خود بایدبنشیند .

بسیاری از کارها را چون پاك کردن سبزی ــ شیرینی پزی، خیاطی و حتی اطو کشی که اکثر خانمها معتقدند نشسته نمیتوان بآن پرداخت ممکنست بخوبی با وضع نشسته تطبیق داد و در صورتیکه وسائل کار بادقت تهیه شده باشد انجام آن بسیار راحت خواهد بود .

مخصوصا سطح کار و صندلی باید از لحاظ ارتفاع با یکدیگر تنظیم شوند تا خانم خانه بتواند بالاتنه را راست نگاهداشته و کف پاها را روی زمین قرار دهد و بازوانش‌بهترین‌وراحت‌ترین‌وضعیت را هنگام انجام کار داشته‌باشند.

در حالت نشسته اگر تمام لوازم کار در دسترس بود و بدون صرف نیروی فوق‌العاده بتوان آنها را برداشت آسایش بیشتری تامین می شود .

حالت نشستن صحیح آنستکه‌بدن بحالت مستقیم قرار گیرد بطوری که باسن تقریبا عمودی بوده‌وستون فقرات در ناحیه کمر کمی بعقب متمایل گردد . در حالت استراحت نشسته ستون فقرات بر عکس بجلو متمایل میشود ودر تمام طول آن انحنائی پیدا میشود نشستن بطور مستقیم مدت زیادی نمیتواند ادامه پیدا کند وهمه پس از مدتی که صاف نشسته طبیعتا حالت اخیر ــ الذکر را ببدن میدهند بهر حال باید مراقب بود که این حالت‌باید نشستن و خم شدن روی زانوها هنگام انجام بعضی امور اشتباه نشود چون خمیدگی پشت در تنفس ایجاداختلال مینماید .

انجام کار بحالت نشسته‌نباید بعنوان تنبلی تلقی گردد حالت ایستاده مداوم در زنها موجب ناراحتی های جسمی میگردد بهتر است برا ی‌نشان دادن‌پشتکار خود ازبیهوده تلف کردن نیرو احتراز جست .

برای آنکه بدن حالت بهتری هنگام نشستن داشته باشد بایدشرایط صندلی‌راموردِ مطالعه قرارداد‌پشتی صاف و پراز پوشال پشت انسان را طوری نگاه میدارد که شخص احساس خستگی نمیکند .

نصب چرخهائی به صندلی برای جابجا کردن آن در محل کار خالی از لطف نیست بکار بردن چهار پایه های گردان برای انجام کارهای خانه بسیار مفید میباشد.

انگشتری :

انگشتری جواهریست که به انگشت میکنند ساده ترین نوع آن برای اشخاص‌متاهل حلقه‌ایست که به چهارمین انگشت دست چپ میکنند .

بعضی از انگشتری ها دارای‌جا نگینی است که در آن سنگ قیمتی مینشانند انواع دیگری هم وجود دارد که یك تکه بوده و ممکنست با مروارید یا سنگهای قیمتی که با چنگکهائی حفظ می‌شوند و یا برلیان که بهمان ترتیب روی فلز نشانده شده تزیین گردند.

هرگز نباید انگشتر های‌متعدد بدست ها کرد این زینت باید باندازه و بجا استعمال شود . انگشتری های برجسته به‌انگشت های کوتاه نمیآید برای این نوع دست ها یك انگشتری سبك‌وظریف مناسب است.

مردان تقریبا همیشه‌انگشتری را درانگشت پنجم و اغلب بدست چپ میکنند.

انگشتری راکه تنگ‌شده چطور در بیاوریم :

بجز حلقه بایستی عادت کرد که انگشتری را هنگام شستن دستها در آورد باین طریق میتوان‌متوجه شد که انگشت چاق شده است و یا حلقه آن را باید گشاد کرد بعلاوه دست بهتر تمیز شده واز ماندن قشر صابون در لای فلز و انگشت که پوست را تحریك میکند جلوگیری میگردد اگر این احتیاطات رعایت نشده‌باشد وانگشتری بیش از حد انگشت را فشرده و از بند رد نمیشود باید بیکی از طریقه های زیر عمل کرد.

۱ــ دست را مدتی در آب سردی که صابون در آن حل‌شده نگهدارید سپس با چرخاندن حلقه سعی کنید آن را خارج نمائید.

۲ــ از سرانگشت تا محل انگشتری را روبان باریك و محکمی به‌ــ پیچید بطوریکه قسمتی از انگشت بکلی پوشیده شود وسعی نمائید سرروبان را از لای انگشتروانگشت رد کنید سپس بآرامی آن را رو به پائین طوری بکشید که‌روبان بازشود.

۳ــ پوست انگشت را چرب کرده و آن را بطرف انتهای انگشت بکشید و طور فشار بیاورید که انگشتری جلو رفته وتابرآمدگی بند برسد آن وقت دیگر فشار ندهید آزاد شدن پوست پس ازاین عمل اغلب باعث رد شدن انگشتری از بند میشود . اگر انگشت‌آنقدر چاق شده است که این اعمال موثر واقع نمیشود تنها راه حل آن بریدن حلقه بوسیله یك جواهر ساز است.

بادنجان

بادنجان از خانواده گیاهان جالیزی است این گیاه را برای بهره برداری میوه‌اش در جالیزها میکارند . بادنجان در شرایط خاصی میروید و کشت آن در هوای آزاد نواحی جنوبی و خاکی سر شار از مواد متشکله آن

ممکن میگردد در سایر نقاط این گیاه را در اطاقهای شیشه‌ای پرورش میدهند .

تخم پاشید و کاشتن در ماههای بهمن و اسفند در محفظه هـای شیشه‌ای انجام میگیرد سپس گیاه نورس را در لایه‌ای خاك مرطوب نشا میکنند و تا ماه اردی بهشت فصلی که باید آن ها را به محل اصلی برد و در زمین کود دار و آفتاب گیر قرار داد آنها رابهمین حالت میگذارند .

اغلب از خاك کهنه برای نشاندن نشاها استفاده میکنند .

نشاها را بفاصله پنجاه سانتی‌متر میکارند بعد زمین را با کاه می پوشانند و آب فراوان بآن میدهند همچنین باید جوانه‌های زیادی را چید بطوری که ساقه تازیر دومین خوشه گل بدون جوانه باشد .

انواع بادنجان :

بادنجان بلند رنگی بنفش تیره براق دارد و در تمام نواحی بعمل میآید .

بادنجان قفائی بسیار زود رس است و میوه‌اش شکل بیضی دارد. بادنجان سیاه زود رس میوه‌اش از لحاظ قد متوسط است .

همچنین یك نوع بادنجان وجود دارد که میوه‌اش کرویست ازاین تیره بادنجان بنفش گرد و نوعی ازآن که میوه‌اش سفیداست و فقط جنبه تزیینی دارد .

بهره‌برداری :

برحسب منطقه ، خاك و مراقبت هائی که در هنگام کشت بعمل‌آمده یك بوته بادنجان ٤ تا١٠ میـوه میدهد .

خرید :

این میوه دراز و یا کرویست وقتی که برشد کامل میرسد وزن متوسطش در حدود دویست گـرم است . بادنجان رسیده پوستش‌قرمز تیره مایل به بنفش است گوشت‌آن سفید و کمی‌برنگ سبز خاکستری متمایل است .

رنگ‌پوست آن بایدنه‌خیلی‌روشن و نه زیاد تیره باشد اگر کمرنگ باشدخوب نرسیده‌است و اگررنگش زیاد تیره باشد طعمش تند و گس است . پوست بادنجان باید صاف و کشیده و بدون چروك ولکه‌های سیاه و گوشتش سفت باشد .

ارزش غذائی

ارزش‌غذائی بادنجان ناچیزاست و یکصد گرم آن کمتراز سی‌کالری غذائیت دارد ـنود درصد آن را آب تشکیل میدهد در تغذیه چون شکم راپر میکند جزو خوراکی‌ای است که در بعضی رژیم غـذائی توصیه میشود .

بادنجان بعلت داشتن ماده‌تانوئید بمقدار زیاد و مختصر خاصیت اسیدی هنگام پخت رنگش تیره میگردد .

مقدار :

برای یك غذای سبزی‌دار مانند خوراك‌بادنجان سرخ‌کرده باید٢٥٠ گرم برای هر نفر در نظر گرفت اگربرای تزیین غذای گوشتی‌مورد احتیاج است فقط یکصد گـــرم بادنجان کفایت میکند .

پخت و پز :

پوست بادنجان را نکنید و فقط کلاهك سبز آن را بردارید ـ اگر بادنجان زیاد رسیده است ویـا رشد کامل کرده است آن را دو قسمت و یا بقطعاتی تقسیم کنید سپس مقدار زیادی نمك روی آن بپاشید و مدت یکساعت بگذارید تا مقدار زیادی آب آن خارج شده و مزه گس خود را ازدست بدهد . بعضی مواقع آن را بمدت پنج دقیقه در آب نمك میجوشانند تا سفید شود .

بادنجان بصورت سرخ کرده و یانان شیرینی که با بادنجان تهیـه گردید خورده میشود .

بادنجانها را بقطعاتی (حلقه حلقه در جهت طولی) تقسیم‌کنید وروی آتش‌تند درروغن لادن سرخ کنید و با جعفری و سیر ساطوری کرده‌صرف کنید همچنین میتوانید روی آن سس گوجه فرنگی و یا سس سفید تند بریزید .بابادنجـان دلمه درست میکنند و داخل آنها را بامواد خوراکی ساده و یابسیار مغذی چون باقیمانده گوشتهای پخته پر میکنند .

بار :

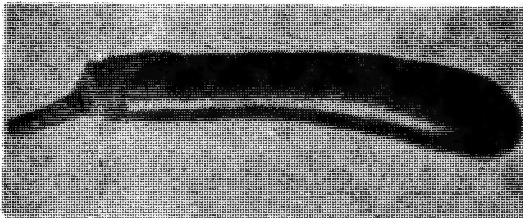
این کلمه از انگلیسی گرفته شده و به پیشخوان کاباره اطلاق میشود که‌درجلوآن اشخاص برای‌نوشیدن مشروب میایستند و یاروی چهار پایه های بلند می نشینند .

دربین طبقه ممتاز معمول‌گردیده که بار مخصوص در منزل ساخته‌و یا نوع ساده‌تر آن راکه بصورت میز بار متحرکی است تهیه نمایند در این صورت برای صرف مشروب اشتها آور و مشروب خنك کننده ویاانواع لیکورها آن را بمهمانان نزدیك میکنند .

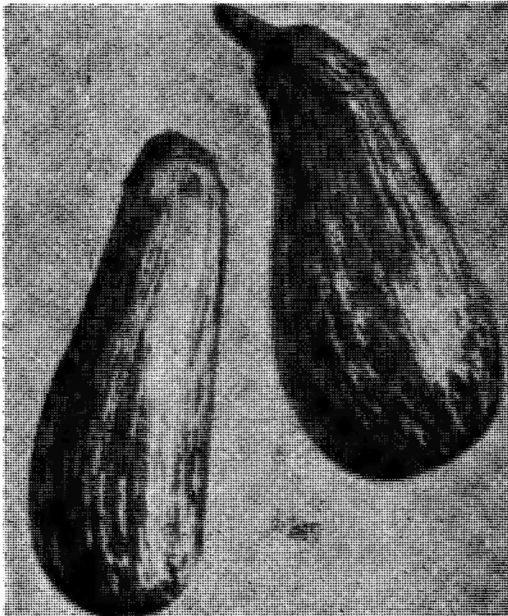
در آپارتمان های متوسط بـه ندرت اطاقی به بار اختصاص داده میشود بطور کلی برای ساختن‌بار از یك گوشه ، یك درگاهی ،یك رخت کن که مورد استفاده نیست و یا یك زیر پله و غیره‌استفاده می کنند اگر یك اشکاف‌کهنه بصورت بار در آورده شده است میتوان آن را بایك دیواره متحرك پوشاند



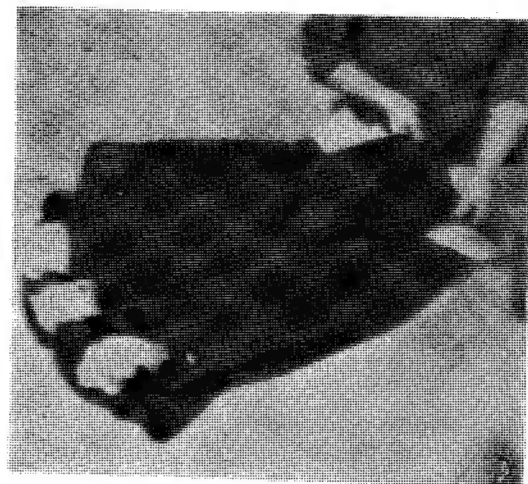
مدل یك بار کوچك در منزل

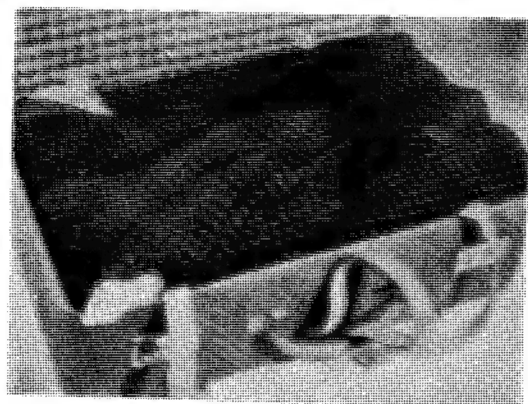


بادنجان بنفش‌دراز

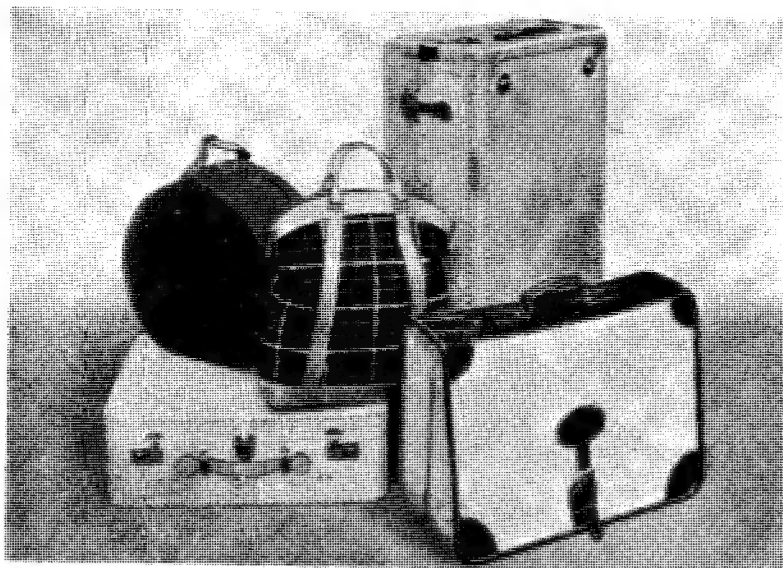


بادنجان معمولی

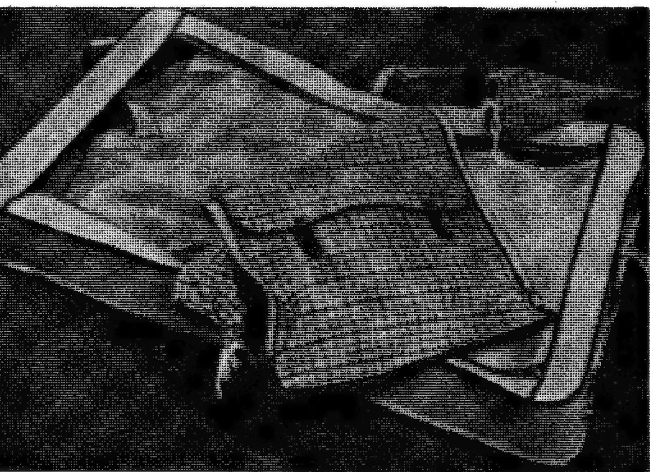




طرز تا کردن یك لباس نازك بکمك کاغذ و مقوابرای گذاشتن درچمدان



چند نوع گوناگون از چمدن های چرمی و برزنتی برای سفر



چمدان چرمی تا شو که مانتو ودیگرلباسهارا میتوان تا نکرده در آن قرار داد و بعد چمدان را بست

و در حالت‌عکس بامتوجه ساختن روشنائی و رنگ، بطرف بطریها و لیوانها و گیلاسهائی که نور را منعکس میکنند میتوان آن رابیشتر جلوه‌گر ساخته و بآن زیبائی‌داد. معمولا بار باید در اطاق پذیرائی ساخته شود ــ نگاهداشتن میهمانان در اطراف گیلاسها و بطریها برای مدت طولانی چندان پسندیده نیست بهتر است که برای مدتی بار مورد توجه قرار گرفته و پس ازآن مهمانان بار را ترك گویند و حتی ممکنست آن را برچینند .

بار گاهی در اطاق نشیمن جزو وسائلی چون رادیو ، تلویزیون ، گرامافون ، جا صفحه‌ای و جا کتابی قرار داده میشود ولی هرجا که باشد حتی با کمترین وسعت جا باید باتمام لوازم مورد نیاز برای تهیه وصرف مشروبات مختلف مجهز بوده و لیوانهائی باندازه های متفاوت داشته باشد بنابراین گیلاسها را باید خوب انتخاب کرد و در قفسه طبقه‌بندی شده مجزائی قرارداد . قاشقهای مخلوط کن‌و پونچ ، وسیله یخ گیر و یخ شکن در کشوئی جا داده میشوند . بهم زن،آب میوه‌گیری ،گیلاس، برای احتیاط تنگهای‌قطره‌چکانی کــه مخصوص‌اسانسهای‌مختلفست، اندازه گیرها و سیفونها را در جعبه‌ای‌که متصل بقفسه فوق‌الذکر است مـی گذارند ــ زیر کشوبین دوقفسه یك‌جا یخی کوچك‌برای نگاهداری سودا و آبجو ویخ درست‌کردن‌لازم است بقیه قسمت های بار به‌بطری ها اختصاص داده میشود که روی قفسه‌های متحرکی که‌چربی‌وترشی بآن آسیب نرساند و پاك کردنشان کردنشان آسانست جا داده میشوند.

بارو بنه

کلمه بار بتمام لوازمی که در مسافرت همراه برده میشود اعم از ظرف و یا مظروف اطلاق میشود.

ظرف عبارت از صندوق ، چمدان ، جای کلاه ، ساك ، کیف دستی و غیره و مظروف: لباس زیر ، البسه ، کفش وخلاصه آنچه که درمدت مسافرت لازم‌و مفید است میباشد.

بار وبنه مسافرت بایدکافی باشد تااین که در تعطیلات نیاز

بخرید اشیاء گرانقیمت پیش‌نیاید ولی نباید بیش از حد دست‌و پاگیر باشد که‌ایجاد زحمت نماید.

انتخاب

بار را باید متناسب با‌احتیاجات و کار انتخاب نمود : ماموریکه اغلب اوقات با طیاره و برای مدت کوتاهی مسافرت میکند همان اشیائی راکه یك خانواده پرجمعیت برای یك سفر سه ماهه همراه میبرد با خود بر نمیدارد بسته‌های سنگین همیشه مزاحم هستندچمدان هائی که مخصوص مسافرت هوائی بانسوج نرم ساخته شده‌برای هروضعی مناسب میباشند ولی‌کار چمدان‌های چرمی را نمی‌کنند اشخاص بچه‌داری که برای اقامت طولانی بمحلی مسافرت میکنند بچمدانهای سبك و جادار احتیاج دارند و اگر مدت مسافرتشان‌کوتاه است چمدان بزرگ و محکم باید داشته باشد اگر لباس های خراب شدنی با خود دارند و بسفر طولانی میروند باید چمدانهائی که جالباس دارند و کیفهای مخصوص کفش و پیك‌نیك بردارند اما در هر صورت هرکس باید یك یاچند چمدان پارچه‌ای نرم که خوب بسته شود ، یك جعبه آرایش که پارچه‌ای بوده و داخل آن با جنس پلاستیکی قسمت بندی شده باشد و یك دواخانه کوچك‌سفری همراه داشته باشد .

جنس چمدان

قبل از هر چیز این‌موضوع بستگی بوضع مالی دارد وسائل آلومینیومی یا سبدی (پوشیده ویا نپوشیده از دبیت) فیبر و یا مواد ریختنی اغلب ارزان ومحکم‌هستند چمدانهای چرمی سنگین ولی مجللند و اگر موضوع وزن را اهمیت ندهیم خصوصابرای‌اشخاصی که زیاد مسافرت میکنند بسیار عملی و قابل استفاده میباشند. چمدانهای پوستی زیبا و نسبتا سبك هستند . جامه‌دان پارچه‌ای سبك ، محکم و عملی میباشدولی اگر جنس آن خوب باشد تقریبا گرانقیمت است از انتخاب‌چمدان با بست های کشوی که اغلب خوب بسته نمیشود احتراز کنید چمدان‌های قفل دار مرجح می‌باشند بطور خلاصه بهترین باربند آنستکه سبك ، محکم و نرم‌بوده و خوب قفل بشود .

چگونه البسه را درچمدان مرتب‌کنیم ؟

چگونگی بار و بنه بستگی به تعداد افراد ، مدت مسافرت و بخصوص لباس‌ها و زیرپوش‌هائی که در مدت سفر مورد نیاز است دارد ولی بهر صورت بستن آن‌ها احتیاج بدقت دارد زیرا مهم آنستکه وقت در آوردن لباس ها از جامه دان مچاله شده نباشند.

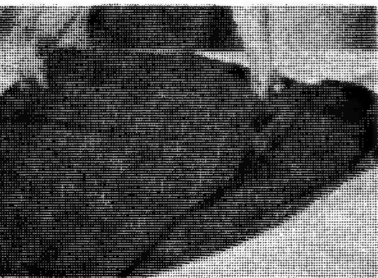
این موضوع برای چمدانهائی که جا لباس دارند مطرح نیست چون کتها و جلیقه‌ها روی‌چنگکها بحالت آویخته میباشند — برای چمدانهای معمولی بهتر است کت را همانطوریکه نشان داده شده روی میز بحالت مسطح تا کردتا بتوان کت و شلوار ها رابآسانی در چمدان جا داد ازجورابهاو دستمالها میتوان بجای کاغذ های مخصوصی که معمولا در لای تا خوردگی طولی لباس قرار میدهند استفاده کرد.

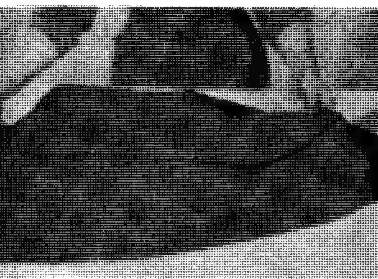
نیم تنه زنانه را ممکنست بحالت مسطح (جلو روی پشت‌قرار میگیرد ، شانه‌ها و آستین ها ازکاغذ مچاله شده پر میشوند) قرار داد و فقط از قد آن‌را تا کرد.

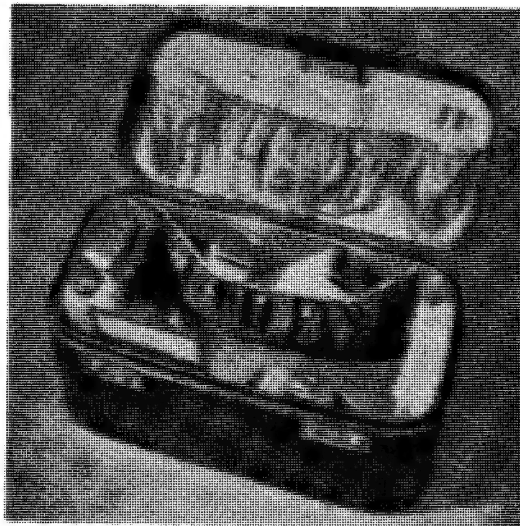
لباس های خانه وپیراهن‌های مردانه را در حالی که یك‌نوار مقوائی در داخل یقه ها میگذاریم تا مانع خط برداشتن آن ها شود صاف در ته چمدان‌قرارمیدهیم و لباس های کوچك زیر ازقبیل تنکه ، لباس شنا، جوراب زنانه، سرپائی و لوازم فرعی دیگر را که میشود تا و یا لوله کرد در فواصل بین اشیاء قابل اهمیت جا میدهیم.

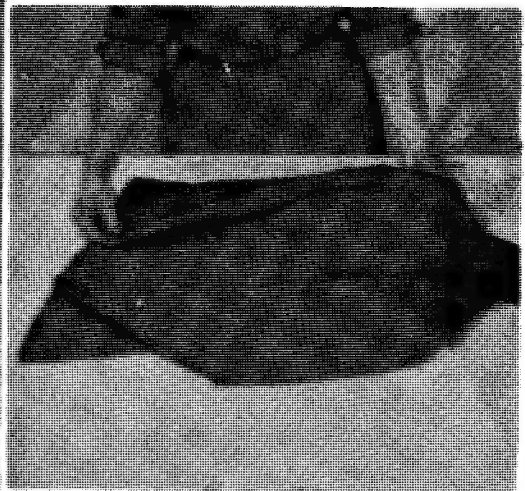
ارسال :

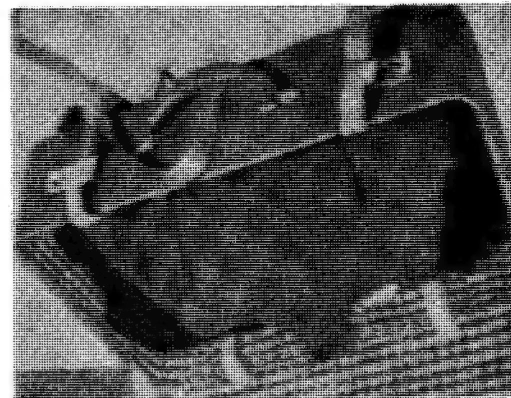
تمام بنگاهها اعم از هوائی و دریائی و یا راه آهن سرویس مخصوصی دارند که بار ها را در منزل تحویل گرفته و ارسال می‌دارند . بخش خاصی نیز برای تحویل بارها در مقصد وجود دارد در صورتیکه وزن بار های‌سفارشی ارسالی از حد مجازیکه برای‌آن نرخ ثابتی درنظر گرفته شده تجاوز میکند بنفع ماست که فقط اشیائی را که هنگام رسیدن بآن احتیاج داریم سفارشی کرده و بقیه را خواه بشکل بسته های پستی وخواه











چمدان کوچك سفری با تعیین جابرای اشیاء مختلف (دست راست) طرز تا کردن یك کت برای گذاشتن‌در چمدان (دست‌چپ) طرز گذاشتن کت تا شده در چمدان

با پرداخت کرایه (بوسیله‌هواپیماو یاکشتی) بفرستیم .

مسئولیت حمل‌کننده . بیمه

حمل کننده مسئول سالم رسیدن بار در مهلت مقرر در بارنامه میباشد و او موظف به‌ـ پرداخت غرامت هر نوع تاخیر، زیان و ضایعه‌ایست . اما گیرنده‌بار (گاهی خود فرستنده است) هنگام دریافت بار وضع آن‌را مورد دقت قرار دهد . اگربسته بموقع نرسیده بفوریت آن‌را متذکر شود و پس از آن مبلغ زیان وارده را تعیین نموده و اگر بار ضایع شده می‌باید در حضور تحویل دهنده اظهارنامه خسارت‌را تنظیم نماید.

حمل کننده ناچار از قبول اظهارات گیرنده در مورد اهمیت خسارت وارده ، ارزش اشیاء گمشده یا زیان دیده میباشد. وتا هنگامی که ارزش واقعی اجناس حمل شده و ادعای مبالغه آمیز گیرنده تعیین نشده است نمیتواند شانه از بار مسئولیت خالی‌کند.

اما این موضوع فقط در مورد اشیائی‌که عقلا احتمال حمل آن در بسته میرود صدق میکند(مثلا قیمت جواهراتی که در داخل یك چمدان سفارشی مخفی‌کرده‌اند پرداخت نمیگردد) .

فرستنده اغلب بار را بیمه میکند این احتیاط تا حدودی عاقلانه است : بیمه کردن فایده‌ای بجز تعیین قبلی قیمت بار ومحتوی آن برای مسافر ندارد واین تنها دلیلی است که علیه حمل کننده میتواند اقامه شود .

نگاهداری و ترتیب :

از چمدانهای گرانقیمت که مورد استفاده نیستند باید خوب محافظت بعمل آید تا دوام زیادتری داشته باشند هنگام منظم‌کردن آن‌ها باید چمدان هائی را که بندرت استعمال میشوند ازآنهائیکه مورد مصرف دائمی هستند جدا نمود.

دسته اول را میتوان درزیر زمین ، انبار و یا محل‌مخصوص بار قرار داد در صورتی که زمین مرطوب است زیر آنها را حائلی قرار داد و رویشان را پوششی انداخت تا از گرد و خاك وتغییر هوا مصون باشند روپوش های پلاستیکی بخصوص برای این‌کار مناسبند .

چمدان های کوچك وآنهائی که اغلب‌استعمال میشوند اگراشکاف مناسبی دردسترس باشد در منزل و یا آپارتمان نگاهداری میشوند و فقط کافیست که روی آنها را با پارچه‌ای بپوشانند . قبل از مرتب کردن چمدانها بایدقفل‌ها را وارسی وآن‌ها راکمی‌روغنکاری کرد سپس با دقت کلید آن‌ها را در داخل جعبه بر چسب‌دار مخصوصی قرارداد.

بالکن :

قسمتی از بناست که بطرف کوچه‌یاحیاط‌پیش‌رفته‌ودرجلودرگاه هم سطح باکف داخلی آن طبقه ملحی بوجود میآورد که میشود در آن قدم زد.

بالکن اغلب بر روی دنباله تیر های کف طبقه که از آهن ، چوب یا بتن آرمه هستند ساخته میشود وگاهی نیز برای استحکام آن تیرهای دیگری اضافه می‌ـ کنند .

برای آن که بالکن قابل استفاده باشد بایستی حداقل نیم‌متر پهنا داشته باشد بالکن اگر در امتداد اطاق نشیمن ساخته شود بسیار خوبست . همچنین میشود اطراف ان را سبزه‌کاشت تا بامها و مناظر ناخوش آیند را پنهان کرده و تزیینات اطاق هموارش را تکمیل نماید .

فراموش نشود که این‌امتداد بایستی رو بروشنائی باشد تابشود حداکثر استفاده را ازآن نمود.

اثاثیه سفید رنگ صیقلی ویا زنگ زده از جنس آهن ویاچوب برای استفاده در بالکن مناسب‌اند.

گل ها، گیاهها را در لاوك های سیمانی و یا چوبی میکارند و برای آن که دیده نشوند در گلدانهای سرامیك یا ظروف فلزی پهن و یا محل های ساخته شده متناسب با وسعت بالکن قرار میدهند.

ضمنا بایستی پیش بینی لازم را برای خروج آبی که برای آبیاری گیاهها مصرف می شود ، نمود.

پارچه‌ای که برای لوازم و صندلی ها مصرف میشود بایستی هم‌آهنگ و برنگهای زنده‌باشند.

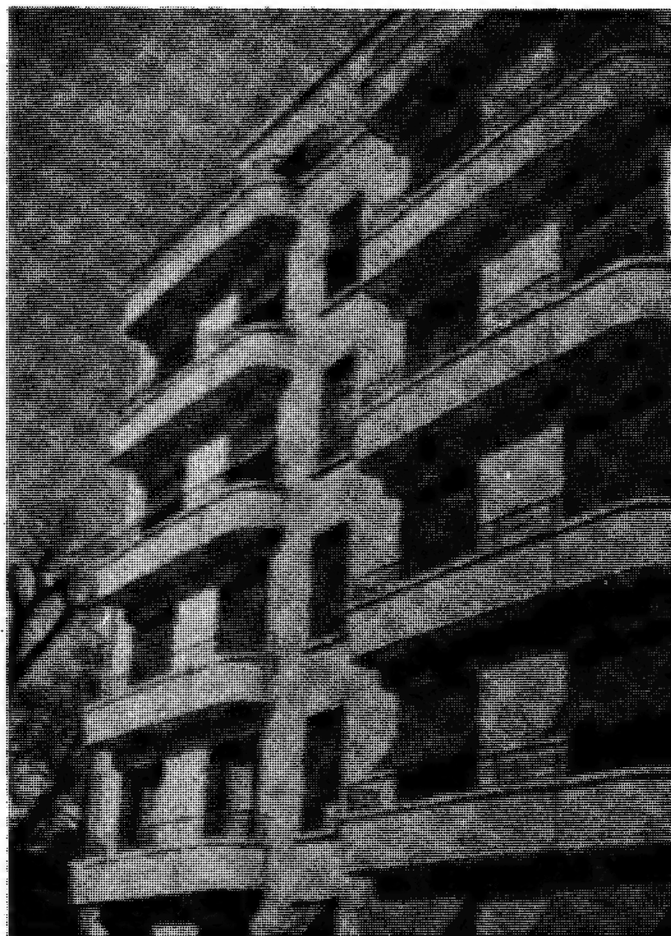
کف بالکن را نیز میتوان با مواد تزیینی از قبیل سنگهائی که لای آن را علف‌کاشته باشند یا آجرهای شیشه‌ای نیم شفاف و یا سرامیك و غیره پوشاند.

به نسبت وسعت ، اطراف بالکن را نرده های آلومینیومی ، سنگی، فولادی ، آهنی ، چوبی ، شیشه‌ای





(بالا) بالکن‌باکف‌آجری قابل‌شستشو(دست چپ) بالکن با معجرهای آهنی



بالکن جلوی نمای عمارت



بالکن جلوی آپارتمانهای نشیمن

و غیره بشکل طارمی میکشند ودر پای پنجره ها تکیه گاههائی نصب میکنند .

ارتفاع میله تکیه گاه ازسطح بالکن و یا اطاق مجاور باید نود سانتیمتر تا یك متر باشد.

برای جلوگیری از اتفاقـات نرده بایستی بیشتر اوقات بازدید شده و میله های شکسته تعویض‌و هر مفصلی‌که بنظر سست میآید مستحکم گردد.

بخصوص نرده های چـوبی بیشتر باید مراقبت شود چـون ممکن است انتهای آنهابراثررطوبت بپوسد .

اگر در محل بچه هـای کوچك اقامت داشته واحتمال‌میرود که روی بالکن ببازی بپردازند در جلو طارمی حتما بایستی‌میله‌های فلزی نصب گردد.

ترئین پنجره و بالکن

وضع عمومی : گیاههائی کـه را که حالت افتاده دارند روی لبه بالکن و گیاههای بالارونده را در پای معجر های بالکـن جای میدهند . در گلدان هامیتوان نوعی گیاه پردوام که در زمستان هم برگ داشته باشد و یا بوته‌های بهاری و تابستانی کاشت.

پیش‌بینی های فنی برای ساختن‌بنا:

برای معجر های بالکن که روی روی آن گلدان ساخته شده ۲۵ سانتیمتر عمق و ۲۵ سانتیمتر پهنا باید در نظرگرفت .

نگاهداری :

هر روز عصر باید گیاهها را آبیاری کرد و آن را جابجا نمود و برگهای خشك وگل های پژمرده را جمع کرد . هرگز دو نوع گیاه راکه(احتیاجات‌متفاوت دارند مثل سرخس ویك گیاه پر قوت در یك گلدان قـرار ندهید.

گلدان ـ جعبه گل ـ طشتك های گل :

ظرفهائی که برای گـل‌بکار میبرند ده تا بیست وپنج وبندرت سی سانتیمتر قطر دارند . قدآنها بایستی متناسب با گسترش نوع ریشه گیاه باشد . ته‌گلدان‌سوراخی دارد که با چند تکه سفال یا ریگ آن را میگیریم . گلدان‌ها را میتوان در جعبه گل ، باغچـه یا جا گلدانی فلزی قرار داده با دوسه چنگك به معجر آویـزان کرد.

اگر گیاهها بردیف‌روی‌بالکن کاشته شده بایستی گلدان بزرگتر یعنی ۱۶ تا ۲۵ سانتیمتر باشـد زیرا هواگیری اطراف گلدانهـا اهمیت خاصی داشته باعث خشك شدن سریع خاك میگردد.

جعبه ها میتوانند وسعتـی متناسب بامحلی‌که آنرا آنجا قرار میدهند یعنی در حدود ۲۵سانتیمتر ارتفاع و بیست سانتیمتر پهنـا برای حداکثر یکمترطول‌داشته‌باشند تا احتمالا جابجا کردن آنهاممکن باشد.

جعبه های گل و یا طشتك‌ها را روی پایه هائی به بلندی یك تا دو سانتیمتر قرار داده در ته آن‌ها تعدادی سوراخ یك‌سانتیمتری گذارده و آنها را بالایه‌ای ازسفال و یا بقطر دو سانتیمتر شن میـ پوشانند . جعبه جا معمولا ازچوب چنار ساخته شده و بارنگ روغنی هم‌آهنگ داخل ساختمان نقاشی می کنند.

طشتك های گل معمولا بـا چلیکهائی که دیگر برای‌نگاهداری شراب بکار نمیروند ساخته میشوند بدین طریق که از ته دروسط چلیك خط دایره شکلی با گچ رسم کرده و سپس آن را از محـل خط میبرند . چلیکهائی از نوع‌چهار گوش بیشتر برای این‌منظورمصرف میشوند.

نشا کردن گل های درختـی و یا بوته هائی که نسبت بسرما حساسیت دارنـد (شمعدانی) در طشتکها این مزیت را دارد که میتوان آن هارا در زمستان بمحل سرپوشیده‌ای انتقال داد وطشتکها اگر با سلیقه تهیه شوند (مثلا یك دسته آهنی برای آن بگذارند) جنبه دکوراتیف داشته و خلاف حجمشان جابجا کردن آن ها بسیار آسانست .

برای آن که مازاد آبی که بگل ها میدهیم در بالکن وپنجره جاری نشود باید در زیر گلدان‌ها بشقاب های نسبتا گودی گذاشت‌و برای طشتکها و جعبه های گـل ظرفهائی از روی تهیه کرد.

حق استفاده :

بالکن را اعم از اینکه بسته ویاباز باشد نمیتوان روبه ملك مجاور بنا کرد .

مگر این که بین لبه بالکن تا ملك مجاور فاصله مناسب موجود باشد.

سقوط یا پرتاب اشیائی از بالکن زشت و زننده و پاره‌یموارد برای موجد آن باعث‌پرداخت‌جریمه ودر صورت تکرارمحکومیت‌بزندان میگردد.

باند:

قطعه پارچه نازك ، باریك و طویلی است که در پانسمان مورد استفاده قرار میگیرد بهدو انتهای آن سرباند و حد فاصل دو سر را وسط باند میگویند وقتی باند پیچیده باشد آن را بسته باند مینامند . باند هابایدبدقت شسته و بطرز مخصوصی خشك شوند .

پس از خشك شدن بلافاصله باید آن را شل لوله کرد تا هم تغییر شکل ندهد و هم بکار بردن آن آسان باشد ولی ضد عفونی کردن باند ضرورت ندارد چون هرگز مستقیما بازخم تماس پیدا نمیکنید.

نگاهداری باند :

نوارهای گاز معمولا پس از استعمال دور انداخته میشود و چون سست است وزود تغییر شکل میدهند چندبار نمیتوان ازیك باند استفاده کرد . سایر باندها را باید باآب گرم و صابون سفید خوب مالیده و شست وبعد آن‌ها را در محل بی‌رطوبتی که خیلی گرم نباشد خشك کرد هرگز نباید باند را اطوکرد (مگربرای ضد عفونی کردن باند هائی که از نسج محکم هستند) وبمحض آنکه خشك شد قبل از استعمال باید آن را لوله کرد.

باند را چگونه لوله میکنند :

یك سرباند را گرفته چند بار رویهم تا میکنیم تا لوله‌ای درست شود آنگاه این لوله را بین دو انگشت سبابه و شست طوری میگیریم که محوری بوجود آید با دست راست این لوله را بدور خودش می‌گردانیم باین ترتیب‌تمام باند را میتوان بصورت یك بسته پیچیده و نیز ممکنست که وقت رسیدن بوسط ، باند بسته شده را سنجاق کرده و همین عمل‌را با سر دیگر باند انجام داده باند را دو لوله نمود.

انواع مختلف باند :

معمول ترین نوع باند در بیمارستان ها و مطب ها گاز است ، گاز را برای نگاهداری پانسمان استعمال میکنند از لحاظ قیمت ارزانست ولی خیلی زود خراب شده و تغییر شکل میدهد باندهائیکه از پارچه محکم تهیه شده برای ثابت نگاهداشتن عضو شکسته بکار میرود ــ باندهای کرکی محل را گرم نگاه میدارند باندهائی که از جنس کشی و یا امپرمآبل ساخته شده‌اند رطوبت محل پانسمان شده را حفظ می‌کنند (اینکار بایستی در نهایت نظافت در حالیکه محل را با پودر تالك میپوشانند در جای بسته وگرمی با ملایمت انجام گیرد) .

باندهای ولپووباندهائی از جنس قابل ارتجاع‌برای پانسمانهای فشرده مصرف میشوند اغلب بجای این‌نوع باندها ، باندهائی از جنس پلاستیك های جدید که ظریف ، محکم ، نرم و بسیار قابل ارتجاع است بکار میبرند در انتهای باندهای اخیر الذکر بست هائی تعبیه شده که پانسمان را در محل ثابت نگاه میدارد .

باندهای مخصوص :

از بین آنها میتوان انواع زیر را نام برد : باندهای شالگردنی که استفاده از آنها برای نگاهداشتن پانسمانی که قسمت وسیعی از بدن را پوشانده مرجح است این نوع باند از پارچه مربع و یا مستطیل شکلی درست شده که برای ثابت نگاهداشتن پانسمان و یا وارد کردن فشار بمحلی استعمال میشود ــ باندهای موسلینی که برای آویختن اعضاء شکسته مصرف میشود . (باند های قابل ارتجاع کهاز جنس کشی ضخیم ساخته میشود) برای فشار آوردن زیاد بمحلی که خون میآید ودرران خون ریزی .

چون باندهای موسلینی بیشتر مربوط بامور داروخانه و یا پزشکی است تا خانه‌داری چنانچه کسی در نقطه دورافتاده‌ای ساکن است‌بایستی از نظر احتیاط مقداری از آنرا در دواخانه منزل داشته باشد .

باند بستن :

باند از مجموعه باندهائی است که برای نگاهداشتن پانسمان وفشار آوردن مداوم بمحلی و یا برای بیحرکت نگاهداشتن قسمتی از بدن که ضرب دیده است بکار برده میشود . بدینمنظور آنرا بصورت قطعات پهن و یا نوار های باریك مصرف میکنند .

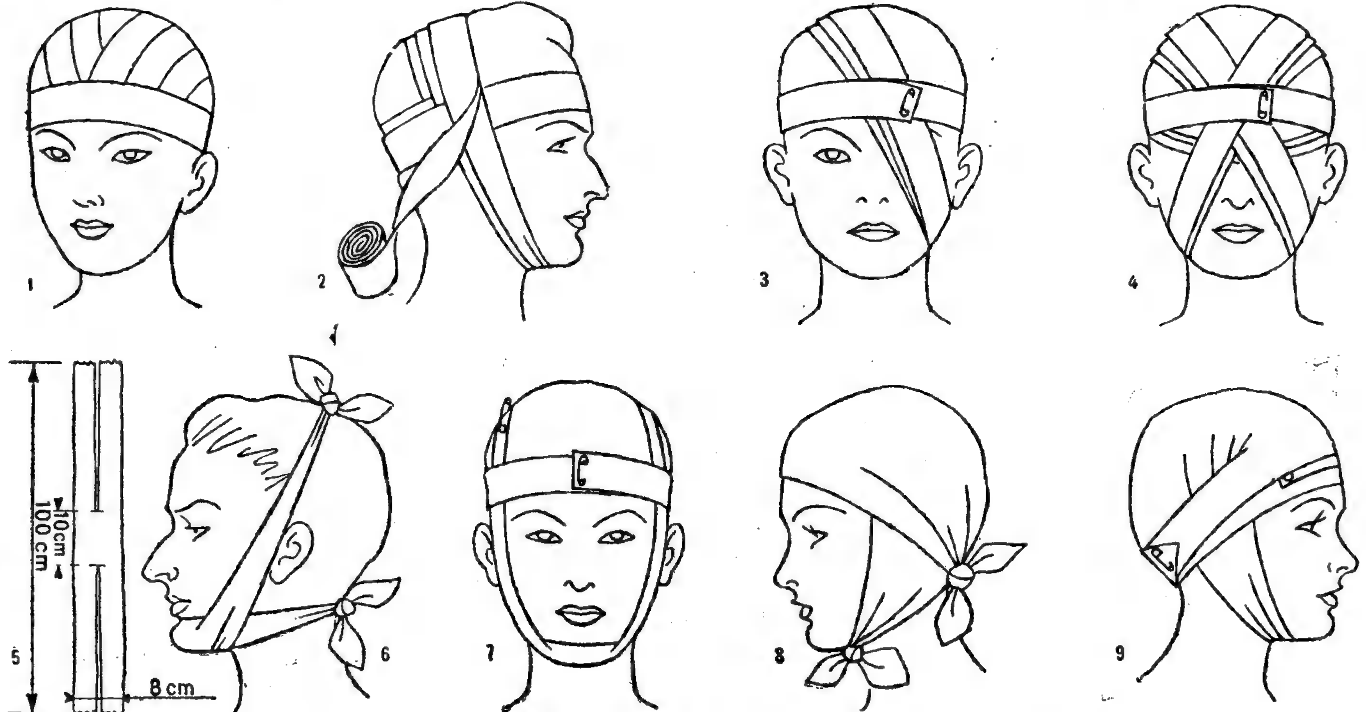
باند را چگونه باید بست ــ

قسمتی از باند را بازکنید با دست چپ سر آنرا روی قسمتی که باید پوشانده شودقرارداده با دست راست بسته باند را گرفته و دوباره دور آن به پیچید . سپس از پهنا این عمل را بطور مورب ادامه داده و اگر باند چروك دارد آنرا از جهت معکوس به پیچید .

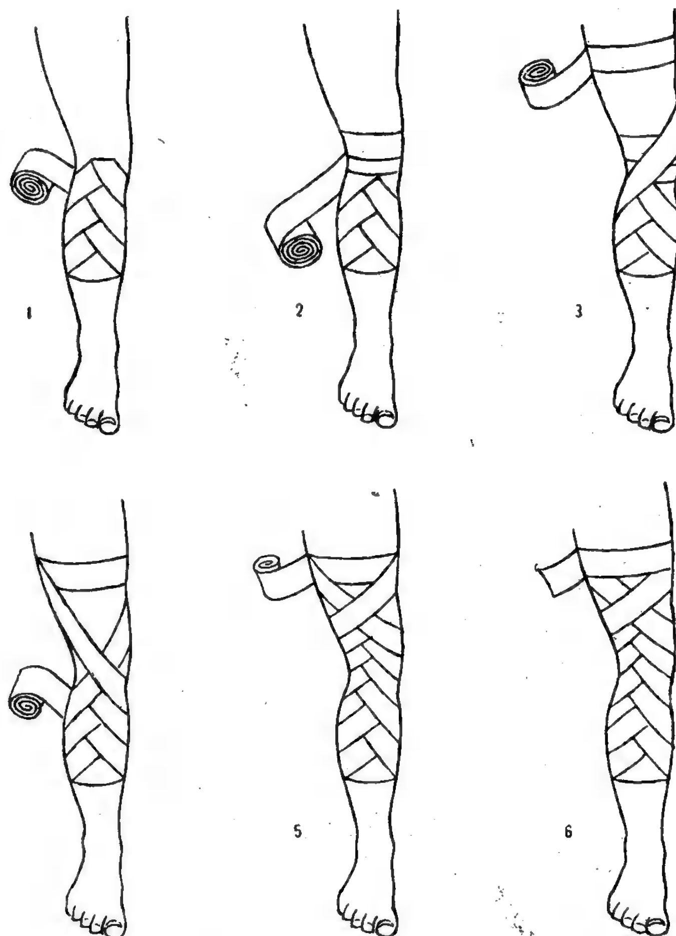
پانسمان بشکل متقاطع :

ابتدا محل را دو دور باند به پیچید بعد باند را کشیده و در انتهای دیگرپانسمان دودوربه‌پیچید و فاصله را بشکل متقاطع طوری باند به بندید که کاملا پوشیده شود .

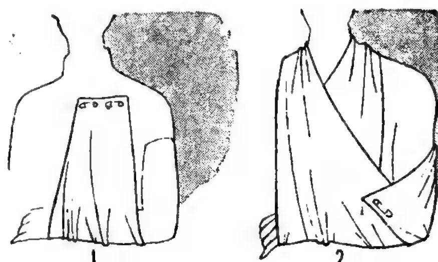
هردور باند یك جهش نامیده

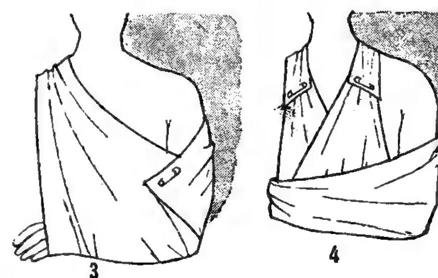


باند بستن سر : ۱ ــ تای اول ۲ صلیب دورسر ۳ ــ گره اول ٤ ــ گره دوم ٥ ــ اندازه باند ٦ ــ بستن چانه ۷ ــ باندبشکل شب‌کلاه ۸ ــ تمام شب کلاه ۹ ــ سربند کامل

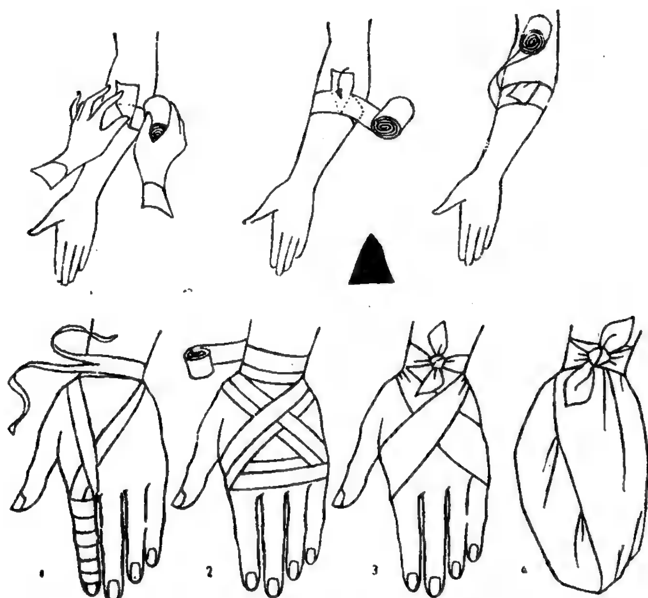


طرز بستن باند در زانو

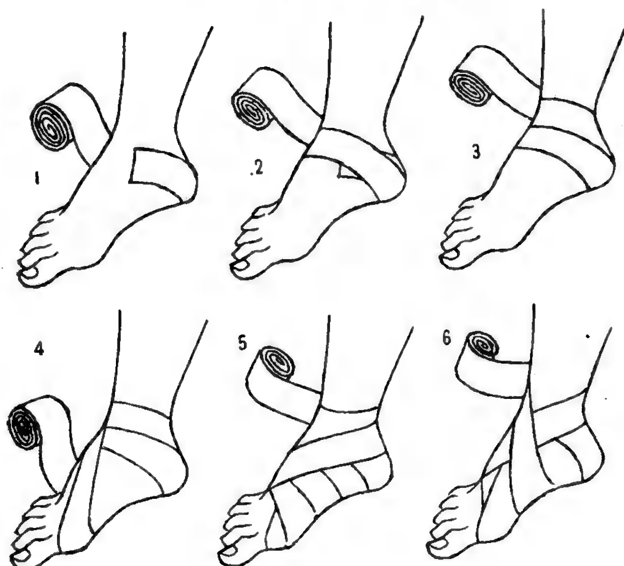




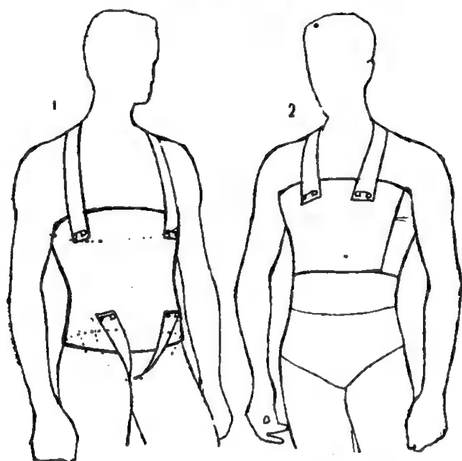
طرز بستن باند ببازو



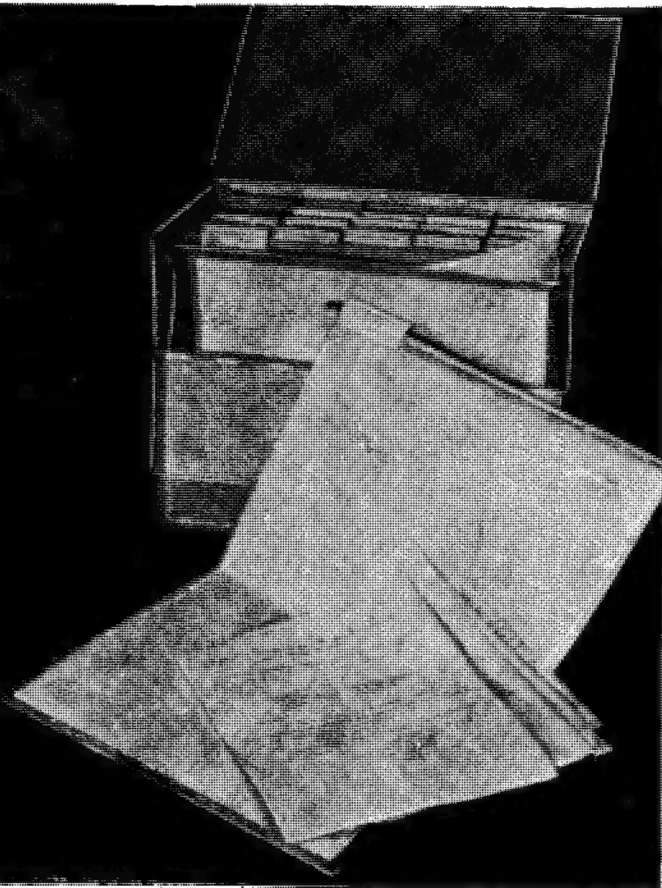
طرز بستن باندبه انگشت‌ها ودست



طرز بستن باند به پا و مچ پا



طرز بستن باند بسینه



کلاسور کوچك برای نگاهداری اسناد شخصی در منزل

میشود و قسمتی از باند دور قبل را باید پنهان کند . همیشه باید پاسمان را از قسمت بالا شروع کرد . باند باید باندازه کافی محکم بسته شده باشد تا پانسمان را نگاهدارد و ضمنا نباید آنقدر بموضع فشاربیاوردکه باعث‌ناراحتی بیمار گردد . هنگامیکه شخص صبوری از فشار باند شکایت میکند فورا وضع باند را وارسی کنید . اگر احساس درد ناشی از بدی پاسمان نباشد موضوع را بپزشك اطلاع دهید .

یك باند طبیعتا بشکل و متناسب عضو بسته میشود . در صورت‌اشکال بین پانسمان و باند ها یك لایه چهارگوش پنبه قرار میدهند که پاسمان را در جای خود بهتر نگاهدارد .

بستن باند بدست وانگشت :

همیشه با پیچاندن دو دورباند بدور مچ شروع میشود سپس باند را بطور منحنی تا انتهای انگشتی که باید پانسمان شود آورده آنرا بطور مارپیچ و یا متقاطع تا مچ می‌پیچیم .

برای باند پیچی دست پس از اینکه دو دور باند را بدور مچ پیچیدیم آنرا دودور به بیخ انگشت می‌پیچیم و تا مچ بحالت متقاطع برمیگردانیم و یا دستمالی را بشکل کراوات تا کرده و در روی مچ گره میزنیم .

بستن باند به آرنج :

برای آرنج ساده‌تر از همه باند بستن بشکل متقاطع است که آنرا در حالیکه آرنج بحالت گوشه راست (۹۰ درجه) تا شده انجام میدهند .

بستن باند بزانو :

بشکل متقاطع‌طوری‌عملی میگردد که محل انقطاع باند بطرف روی زانو و پا کاملا بحالت کشیده باشد .

بستن باند به پا (دررفتگی)

با سه دور شل که در اطراف پاشنه پا و قوزك پیچیده میشود شروع میگردد سپس باند را از بیخ شست رد کرده و یکدور میگردانیم بعد بشکل متقاطع روبه بالا برمیگردانیم . این باند پیچی باید فشرده بوده و باند بایستی قابل ارتجاع باشد .

بستن باند بسر :

بوسیله باند بچند طریق عملی میشود : چارقدی (دو دور روی پیشانی پیچیده و ازطرفین سر روبه بالا بشکل خربزه‌ای باند قرار میدهیم) ـ صلیبی (دو دور پیشانی را بسته و دو دور از زیر گلو رد می‌کنیم) ـ یك چشمی یا دو چشمی (دو دور باند به پیشانی می‌بندیم بعد بطور مورب باند می‌پیچیم . در بستن باندشکل دو چشمی معمولا باند های مورب را از چشم چپ شروع می‌کنند) چون این نوع باند پیچی قدری مشکل است بهتر است برحسب موقعیت با باند شالگردنی یا باند فروند انجام گردد .

فروند باند مستطیل شکلی است که دوسر آن را از وسط میبرند و اندازه آن متفاوت است .

باند شالگردنی قطعه چهارگوشی از پارچه است که برای انجام پاسمان بهر شکلی که مناسب باشد آنرا تا میکنند .

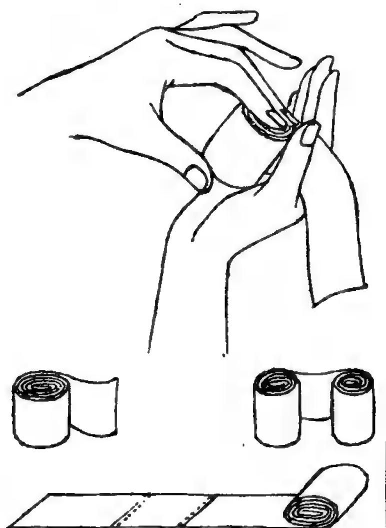
با فروند بخصوص باندپیچی چانه و یا بانداژ سر بطریق گالین را میتوان عملی ساخت . با باندشال گردنی باند را بشکل شب کلاه و یا سرپوشی که در زیر چانه گره میخورد انجام میدهند . دوسردیگر آن تا میشود تا بهتر پانسمان را نگهدارد .

بستن باند باعضاء :

وقتی بخواهند فقط عضوی و یا مفصلی را بیحرکت نگاهدارند بایستی بکمك باند شال‌گردنی این عمل را انجام دهند . باند های شالگردنی کوچك یك بازو را ثابت نگاهمیدارد . باند شال‌گردنی متوسط و باند شالگردنی اریب و باند شالگردنی مایر بهتر و کاملتر عضو را بیحرکت نگاهمیدارد .

پانسمان تنه :

باباندهای پهن ویا باندشال‌گردنی متوسط عملی میشود و اغلب با باندهائی که بشکل رکاب بسته میشوند باند را در محل ثابت نگاه میدارند .



طرز پیچیدن یك باند

بایگانی اسناد

بایگانی و طبقه بندی اسناد عبارتست ازمرتب کردن وتنظیم کردن اسناد بنحوی که در موقع لزوم بآسانی بتوان سند مورد نظر را یافت و بعد از استفاده از آن بجای‌خود بر گرداند تا کاملا محفوظ بماند .

طبقه بندی اسناد در خانه عبارتست از تنظیم اسناد ومدارکی که برای خانم خانه دار بمنظور اثبات حق خود در مورد لزوم ضروریست.

نوع و مدت نگهداری اسناد

اسنادی که باید در خانه نگهداری شود عبارتست از:

اسناد مالکیت

قراردادهای خرید و فروش ساختمان ها ، قباله اثاثیه منقول ، قبض رسید سند و قبض رسید وام که باید در تمام‌مدت مالکیت نگهداری شود.

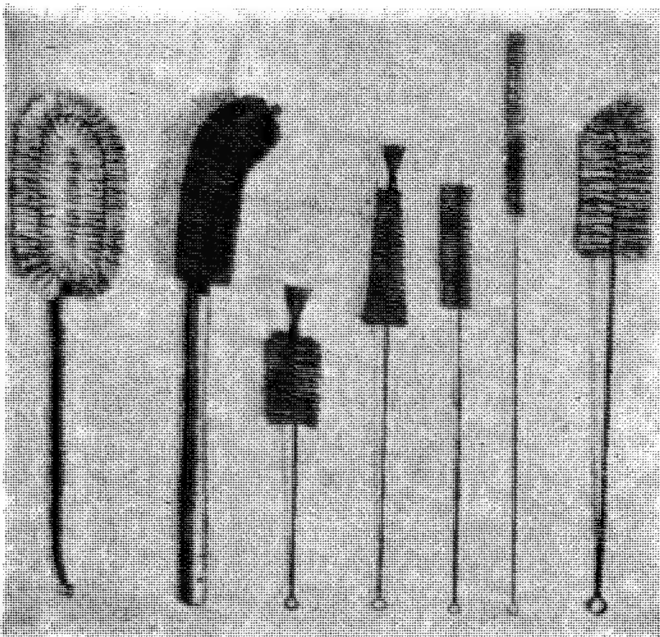
اسناد مربوط به کرایه‌خانه

قبض رسید ، دفتر قبضهای رسیدکرایه (برای صاحب‌خانه) قبض

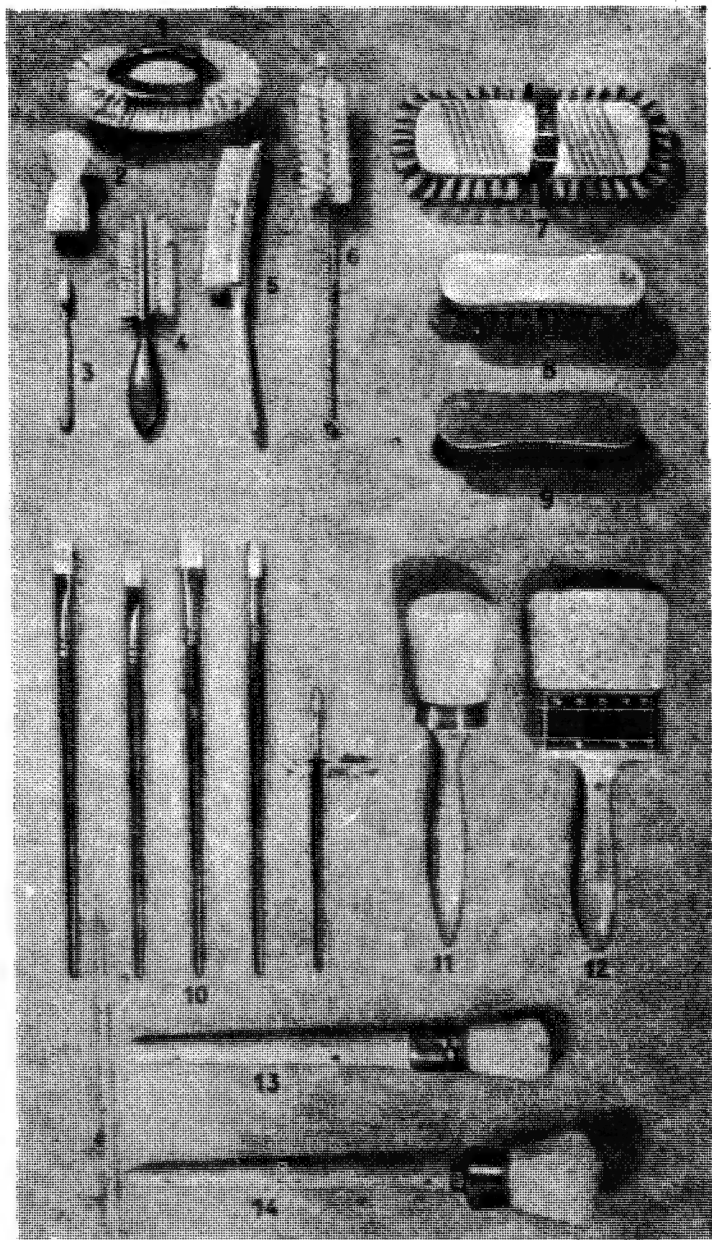
رسید اجاره نامه که باید در تمام مدت اجاره خانه نگهداری شود .
اسناد مربوط به آب ، برق وگاز
قبض و رسید آب ، برق و گاز را باید برای مدت یکسال نگهداری نمود.
اسناد مربوط به بیمه
بیمه نامه و قبض های رسید بیمه ،را باید تا یکسال بعداز اتمام مدت بیمه نامه حفظ نمود.
اسناد مربوط به مالیات
اخطار نامه ، رسید و کپیه اظهارنامه که بمدت سه سال باید نگهداری شود.
اسناد مربوط به تامین اجتماعی
ورقه ثبت ، قبض های رسید پرداخت حق بیمه ، قبض های رسید وصول ، رسید وصول مزد که نگهداری آن همیشه ضرور است.
صورتحسابهای پرداخت شده و همچنین برات پستی را که دلیل بر پرداخت حق بیمه میباشند باید برای مدت دو سال نگهداری نمود .
فیش های پرداخت بانکی و فهرست کوپن خرید و فروش را بهتر است چندین سال نگهداری نمود .
مدارك شخصی
کتابچه خانوادگی ، سجل ، دیپلمهای دانشگاهها و مدارك طبی باضافه گواهی‌نامه کپیه نسخه که باید همیشه حفظ شوند.
طرز تنظیم اسناد ومدارك
اسناد و مدارك غالبا به‌اندازه ها و اشکال مختلف میباشند . برای نگهداری این اسناد ،بهترین راه اینست که آن ها را بترتیب نوع و قسم خواه در پاکتهای ضخیم باندازه بیست و سه سانتی متر در ۲۹ سانتی متر درصورتیکه تعداد اسناد کم باشد، و خواه در پرونده های مقوائی بادوام که دارای وسیله‌ای برای فشردن یا نگهداری اسناد در داخل آن باشد وصورتیکه تعدادشان‌بیشتر و یا ظریف‌تر باشند ، حفظ نمود. و همچنین میتوان ازجلدهای‌ضخیم و بادوام که موسوم به پوشه خزی است یا ساده تر کلاسور استفاده کرد.
طرز تنظیم
پاکت ، پرونده یا کلاسور در گنجه‌ای دور از گرد و خاك نگهداری میشود . پاکتها را باید بطور مسطح برروی هم قرار داد تا از هم پاشیده نشوند . پرونده و پوشه را میتوان بطور عمودی کنار یکدیگر مانند کتابهای کتابخانه قرار داد . البته با حروف بزرگ محتوی پرونده بر پشت آن ذکر شده . اگر تعداد پرونده ها زیاد باشد بهتر است از گنجه مخصوصی که برای این منظور ساخته شده استفاده کرد .
دربازار ، دونوع جای پرونده موجود است ــ يك نوع که دارای قفسه های متعدد است و پاکت ها را بطور افقی در آن جای میدهند و نوع دیگر کشودار که از چوب یا فلز ساخته شده و مخصوص پرونده هائی است که میتوان خواه خوابیده‌برپشت‌وخواه‌نصب‌شده‌برروی يك کادر بطور عمودی آنها را تنظیم نمود طبعا در لبه هرپرونده قسمتی برای ذکر موضوع آن منظور شده است .
ترتیب بایگانی
پاکتها و پرونده ها برطبق زمینه های متعددی که‌بآن مربوط میباشند به ترتیب حروف الفباء دسته‌بندی میشوند . درصورتیکه تعداد پرونده های هم نوع افزایش یابد بهتر است برای آسان پیدا کردن اسناد مورد لزوم آنها را به چند دسته کوچك تقسیم کرد . و جمع این دسته های کوچکی که هر يك در پاکتی جداگانه قرار میگیرند در پرونده کل گذاشته میشود .
این تقسیم بندی غالبا با درنظر گرفتن تاریخ صورت میگیرد مثلا در پرونده کل مالیات هر پاکت کوچك دارای اسناد یکسان خواهد بود : مالیات ۱۳۴۱ مالیات ۱۳۴۲ و این طبقه بندی را میتوان برروی پایه جغرافیائی انجام داد مثلا در پرونده کل مالکیت ، هرپاکت مخصوص يك ناحیه یا منطقه مورد نظر خواهد بود . و یا دربعضی مواقع از روی عقاید شخصی تقسیم بندی انجام میشود مثلا در پرونده کل مدارك شخصی میتوان پاکتهای جداگانه برای گذرنامه و یا سجل درنظر گرفت .
در صورتیکه تعداد اسناد يك قسمت ازپرونده‌کل‌افزایش‌یابد خود آنرا باید به قسمتهای جزئی دیگر تقسیم بندی نمود .
اسناد را باید در پرونده ها طوری قرار داد که آخرین سند ، سند روئی باشد . البته برای این منظور باید برطبق تاریخ ، اسناد را تنظیم کرد .
بیشتراوقات پرونده ها بیش از حد پر میشوند و لازم است که دراین مواقع اسناد غیر ضرور را از آن درآورده و دورانداخت .
بغیر از اسنادی که در بالا ذکر شد و نگهداریشان از نظر قانونی ضرورت دارد مدارك دیگری هم موجود است که بیشتر خانمهای خانه‌دار مایلند بعضی از آنها را نگهداری‌کنند . این مدارك‌عبارتست از : کاتالوگهای آژانسهای مسافرتی ، دستور های آشپزی یا غیره که از مجلات بریده شده است . در صورت اول کاتالوگها را برطبق کشورو ناحیه در يك پرونده تقسیم بندی باید کرد . در صورت دوم ، خانم خانه‌دار که مایل است دستور های غذای مورد نظرش را بآسانی پیدا کند ، هريك را برروی مقواهای سفید و با دوام نصب میکند . این فیش ها بطور عمودی دوکشو یا جعبه‌هائی بترتیب موضوع قرار میگیرند .(آشپزی ، خانه‌داری و نظافت) هر يك از این قسمتهای مهم ، يك پرونده جداگانه تشکیل میدهند که هريك از آنها به قسمتهای جزء دیگر تقسیم میشوند مانند پیش غذا ، گوشت ، سبزیجات و غیره . در هريك از این قسمت های جزء فیشها به ترتیب حروف الفبا چیده میشوند ، قسمتهای کل و قسمتهای جزء بوسیله‌فیشهای رنگینی که نام قسمتهای کل و جزء برروی آنها ذکر شده ، از هم جدا میشوند تا پیدا کردن فیش مورد نظر آسان شود . و همچنین برای مشخص کردن جای فیش برداشته شده بهتر است فیشی که بزرگتر از سایر فیشها میباشد ، بجای آن گذارد .

برس

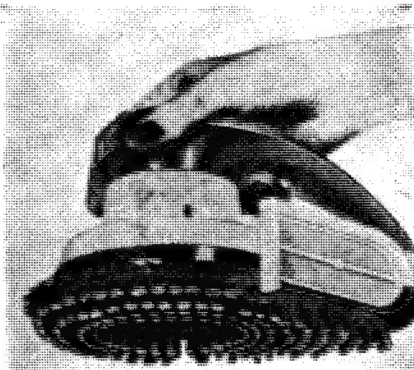
برای پاکیزگی اشیاء مختلف بکار میرود و از رشته های نرم خم شونده مانند : موی حیوانات موی خوك یاگراز ، و الیاف‌گیاهان یا الیاف مصنوعی و نیلون ، یا رشته های سخت فلزی (که پهلوی هم روی جسم برس قرارگرفته) تشکیل یافته اند .
همچنین ممکن است برس از زبانه های کرپ یا از سوزنهای پلاستیکی که بروی جسم پلاستیکی قرار دارد تهیه شود .
این رشته ها ممکن است پهلوی هم روی چوبی یا در داخل دومیله فلزی که درازی آن نسبتا زیاداست و بهم پیچ‌خورده قرار گرفته باشند البته شکل آن بکار و مورد استعمال آن بستگی دارد و در صورت اخیر برای شستن بطری و امثال آن بکار میرود و ممکن است ساده یا مضاعف و از ابریشم یاموی حیوان یانایلون درست شده باشد برس ممکن است دسته دار باشد (دسته دراز یا دسته حلقوی) .
دسته و جسم برس ممکن است از چوب یا از پلاستیك یا از عاج یا از صدف یا از فلز تشکیل شده‌باشد (فلز نقره یا روکش نقره) .
موارد استعمال
موارد استعمال برس عبارتست از:
الف ــ برای نظافت شخص و برای آرایش ، برس دندان ، برس ناخن ، برس مو ، برس ریش و برس حمام .
ب ــ برای نظافت لباس و کفش ها : برس لباس وکلاه و برس شستشوی پیراهن و کفش ها (پاك کردن و براق کردن) .
ج ــ برای نظافت منزل : جاروی کف اطاق که معمولا توسط تسمه یا حفره ای به دسته متصل می‌باشد.

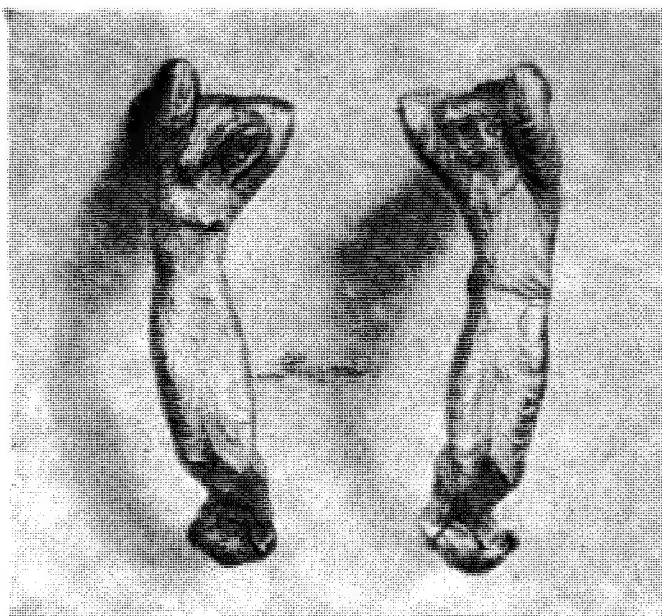


انواع مختلف برس



انواع واقسام برس





(بالا) برس دسته‌دار الکتریک برای جارو .
(پائین) دستگیره برنزی بشکل مجسمه برای درهای شیشه‌ای

برس مبل ، برس تاس برس دیوار اطاق ، برس ظروف نقره ، برس آشپزخانه .

برای سهولت شستشوی ظروف غالبا برس کوچك دسته دار متحرك استعمال میکنند .

برس ها ممکن است از رشته‌های پنبه یا نایلون درست شده باشند . بعضی از این برسها را میتوان بکمك شیر آب گرم و فشار خم و به لوله متصل کرد .

همچنین کلمه برس به اغلب قلم موهای نقاشی که‌نقاشان برای رنگ ساختمان بکار می‌برند و قلم‌موهائی را که نقاشان‌هنرمند استعمال میکنند اطلاق میشود .

طرز نگهداری ومواظبت ازبرس‌ها

برای اینکه از برسها خوب نگهداری شود لازمست ، بعد از استعمال آنرا روی چوب نه روی موها تکیه داد و در صورت استعمال زیاد برای نظافت باید آنرا آویزان کرد .

برای پاك کردن برس سر وبرس لباس محلول‌آمونیاك استعمال کنید (و یك قاشق چای خوری آمونیاك در نیم لیتر آب) مایع نباید با جسم برس (چوب یا مواد دیگری که موها بآن چسبیده‌اند) تماس پیدا کند . قلم موی نقاشی باتپاس تمیز میشود .

برنز = برنج

مخلوط مس و قلع و روی که معمولا ۶۵ درصد وزن کامل آن باید دست کم از مس تشکیل شده باشد . اگر مقدار مس آن کمتر باشد در اینصورت کلمه برنج را در جلو یا عقب نوشته اضافه میکنند .

برنج غیر حقیقی

از مخلوط مس و روی و کمی قلع‌تشکیل شده و روی آن با رنگ برنج یا مخلوط دیگری که مشابه مس باشد پوشیده میشود .

برنج رنگی و برنج طلائی

برنجی را که بدلیل زینت طلائی میکنند دارای ترکیبات مخصوص می‌باشد این برنج را میتوان بآسانی در قالب ریخت یا شکل آنرا تغییر داد و یا روی آن قلمکاری نمود بعضی از برنج های رنگی کاملا **شبیه برنج طلائی هستند** ، برای شناسائی آنها باید میله‌ای از شیشه **را در محلول سوبلمه خورنده (بی‌کلرور جیوه)** فرو برده و آنرا به شیئی مالید اگر شیئی از برنج رنگی تشکیل شده باشد در اینصورت لکه‌ای قهوه در آن نقطه ظاهر خواهد شد و در صورت عکس تغییری بوجود نخواهد آمد .

تمیز کردن برنج

پارچه پنبه‌ای را در آب صابون **که کمی آمونیاك در آن ریخته‌اند**

آغشته کنید و آنرا به شیئی برنجی بمالید .

اگر شیئی از چند قطعه تشکیل شده و با هم توسط پیچ و مهره مربوط میباشند در اینصورت لازم است قبل از پاك کردن آنها را از هم جدا و بعد از خشك کردن دوباره آنها را بهم متصل کنید .

تمیز کردن برنج طلائی

نباید آنرا با اسید یا مواد دیگری که آنرا میساید مالش داد چه رنگ طلائی یا رنگ دیگر آن از بین میرود طرز پاك کردن آن بطریق زیر است ابتداء باید گرد و غبار را پاك کرد سپس پارچه ای را که در آب صابون نیم‌گرم که چند قطره آمونیاك بآن اضافه شده آغشته نمود و جا های خالی آنرا باید بکمك قلم مو خوب برس زد و با جیرمالش داد برنج های قدیمی غالبا طلائی هستند و فقط براثر گرد و غبار و کثافت جلای خود را از دست داده‌اند آنرا با دقت از روی مبل بردارید و برس بزنید سپس با مخلوط زیر آنرا پاك کنید. يك قاشق سوپ‌خوری سود را تقریبا در يك لیتر و نیم آب نیم‌گرم بریزید بعد از پاك کردن شیئی آنرا با پارچه خشك کنید و سپس دوباره روی مبل بگذارید .

برنشیت

تورم نای ــ ممکن است دردناك یا مزمن باشد . معمولا تورم نای بدنباله سرماخوردگی پیاپی همچنین براثر گریپ یا سرخك و غیره بروز میکند . علائم آن ابتداء سرفه‌خشك و سپس چرب همراه خلط میباشد تب متغیر است دوران آن ممکن است يك تا سه هفته طول بکشد . بهترین راه مبارزه مراجعه به پزشك میباشد تشخیص این بیماری فقط با معاینه بیمار انجام میگیرد .

معالجه . بیمار قبل از رسیدن پزشك باید از اطاق خارج نشود و نوشابه های‌گرم (مانند جوشنده‌هائی که برای سینه مفید هستند) بنوشد و قرص آسپرین بخورد و سینه را با مرهم بپوشاند .

تکرار برنشیت دردناك منجر به برنشیت مزمن میشود بیمار همیشه کما بیش سرفه میکند و مخصوصا صبح ها خلط خارج می‌نماید چه در موقع خواب ترشحات نای روی هم جمع میشوند . استعمال زیاد توتون هم مزید بر علت میشود در فصل زمستان این بیماری بآسانی ظاهر میشود و براثر مرور زمان حبابهای ریوی متورم میشوند ، سرخ‌رگهای‌ریوی خاصیت شکنندگی پیدا میکنند .

غیر از معالجه با دواهای مختلف و رعایت بهداشت‌آبهای گرم معدنی مفید می‌باشد .

همینکه بچه شیرخوار یا حتی طفلی شروع به سرفه نمود و تب داشت و ناراحت بود و در موقع تنفس صدای سوت از آن بگوش رسید باید بپزشك مراجعه نمود و قبل از رسیدن پزشك بیمار را در رختخواب گرم نگهداشت و جوراب پنبه‌ای بپایش کرد و کرارا بمقدار کم جوشنده یا شیر گرم باو داد .

شمع ــ جسم چرب و منجمد استوانه‌ای که دور فتیله مرکزی را که برای روشنائی بکار میرود احاطه کرده است . گاهی روشنائی شمع برای دکوراسیون است نور حاصله از شمع برای چشم بدلیل ضعیف ولرزان بودن خسته کننده است .

دهان (بهداشت)

بهداشت دهان با دندان اشتباه میشود . دهان ممکن است موضع بیماری‌های‌عفونی باشد مانند برفك. ترك خوردگی لب را با اجسام چرب (کره کاکائو) یا مرهمی که با آنتی بیوتیك ساخته میشودمعالجه میکنند .

بوی دهان ممکن است بدلیل غذا (سیر) یا افراط در استعمال دخانیات موقت باشد و نیز ممکن است بدلیل‌بیماریهای دهان یادندان یا لوله گوارش دائمی باشد بطور کلی خمیر دندان کلروفیل بوی زننده را کم میکند بهرجهت لازم است بطور منظم به بهداشت دهان توجه نمود .

بره

بره به نوزاد گوسفند اطلاق میشود ــ بره تابسن ۵ ــ ۶ هفتگی را بره شیری می‌گویند که ۶ تا ۷ کیلوگرم گوشت دارد . بره‌های پرورده برای سلاخ خانه را حدود ٤ ماهگی ذبح کرده و بین ۱۵ تا ۲۰ کیلوگرم گوشت دارند ــ ولی منظور بره دراین بحث همان بره شیری است .

خرید ــ بره خوب دارای قلوه های درشت وپهن و دارای چربی سفید زیاد و سفت خصوصا در ناحیه قلوه‌گاه می‌باشد ــ گوشت آن سفید ویا متمایل بصورتی است . گوشت بره بهمان نسبت که زود پز بوده بهمان نسبت زودهم فاسد می‌شود وباید آنرا تازه خرید کرد . ــ بو ندادن و سفتی ران‌ها و قلوه‌گاه بره دلیل برتازگی آنست .

گوشت بره جوان خیلی نرم و بی‌مزه و بدون مواد غذائی است و غالبا بزغاله را نیز بجای آن می‌فروشند .

پخت بره ــ طرز پخت ران ــ سینه ــ دنده ــ کتف ــ جناق ــ کتلت این حیوان طریقه خاص دارد .

بره سرخ شده ــ بره‌را تکه تکه کرده درماهی‌تابه بهمراهی روغن لادن بمیزان کافی آنقدر تاب‌دهید تا سرخ شود و بیرون آورید . يك پیاز ــ يك قاچسیر ــ کمی‌جعفری را خورد کرده ــ قدری گوجه فرنگی پوست کنده را بدان اضافه نموده وادویه لازم بدان‌بپاشید وقتی قطعات بره سرخ شده بتمام این‌چیز ها تزئین شد يك قاشق آرد و کمی آب گرم بدان بپاشید سپس قطعات بره را جابجا کرده نمك و فلفل زده بگذارید دوباره بآرامی بپزد. غذای کاملی است .

قبل از کشیدن این‌غذا می‌توانید کمی تخم مرغ بدان اضافه نمائید . ضمنا آب لیموی ترش آنرا نیز مطبوع می‌کند .

بریان پز

دستگاهی است برای آشپزخانه روباز که با زغال چوب کارمی‌کند، و بوسیله آن می‌توان مرغ ، گوشت و یا ماهی را سرخ کرد .

این دستگاه تشکیل شده است از يك سه‌پایه و یا چهارپایه نسبتا بلند که روی آن يك قابلمه یکپارچه چدن قراردارد . روی این قابلمه پنجره آهنی نصب شده است که بوسیله حرارت آتش گرم میشود. و روی همه يك پنجره و یا يك سیخ کباب قراردارد .

بریانتین

برای براق کردن موها استعمال میشود بریانتین چند نوع است.

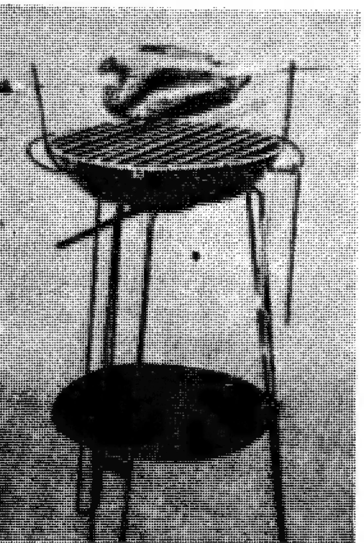
الف ــ مایع (روغن کرچك محلول در الکل ۹۵ درجه).

ب ــ نیم مایع (مخلوط روغن وازلین و مواد دیگر مشابه کلدکرون (کرم سرد) این نوع بریانتین غالبا بصورت لوله‌ای فروخته میشوند .

ج ــ منجمد ــ که بآن غلیظمی گویند (وازلین کم وبیش سخت و محصولات دیگر).

بریانتین خوب بریاتینی است که ماده اولیه آن خوب تصفیه و خالص شده باشد .

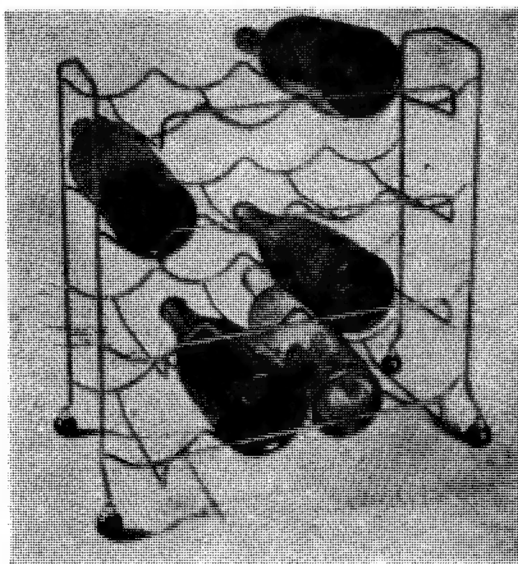




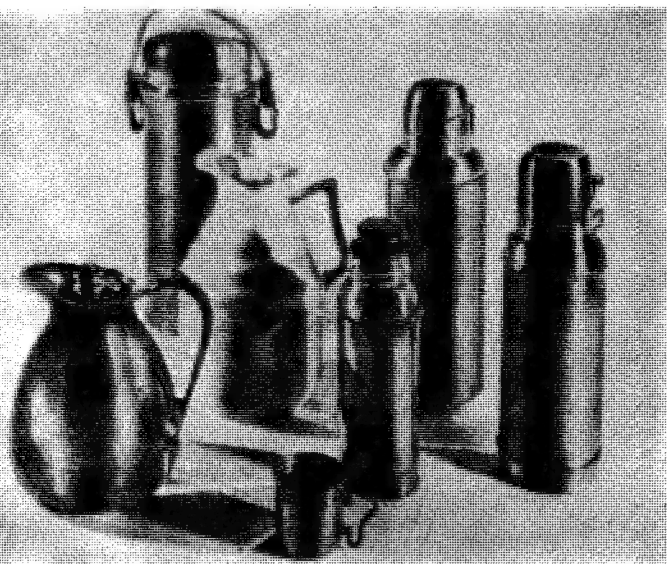
(بالا) دستگیره برنزی برای در (پائین) بریان پز



ماشین بطری شوی



محفظه جای بطری در آشپزخانه



بطری و ظرفهای عایق

بشقاب

قسمتی است از وسائل و لوازم میز غذا کــه برای کشیدن و گذاردن خوراکی در آن ، بکار برده میشود .

سه نوع بشقاب برای سرویس غذا خوری ضروری است .
بشقاب های گود (سوپخوری)
بشقاب های معمولی صاف برای‌غذا
و بشقاب کوچکتر برای دسر .

بشقابهای دیگری نیز بااشکال واندازه‌های مختلف ، برای‌غذاهای مخصوص وجود دارند . ماننـد بشقاب مخصوص مارچوبه یا کاهو که هلالی شکل است وبر روی لبه بشقاب قرارمیگیرد . بشقابهائی نیز برای صدف ، فرنی بچه ها ، بشقابهای پلاستیکی یاآلومینیومی برای سفر و پیك نیك .
بشقابهای پایه دار برای دسر میوه وشیرینی میسازند معمـولا بشقاب های میز غذا را از بدل چینی ، چینی ، فلز ،شیشه و مواد پلاستیکی درست میکنند .
بشقاب دیواری

بشقاب های دیواری را برای تزئین بکار میبرند . این بشقابها رابوسیله چنگالهای مخصوص بـه دیوار آویخته میشود . این چنگالها از سه تیغه فلزی نازك که بعضی تشکیل شده است .
اوقات نیز دارای یك فنرمیباشند

بشقاب گرم کن :

عبارت از یك قفسه کوچکی است که دارای ۲ بدنه میباشد و معمولا از فولاد یا آهن ساخته میشود واز آن برای گذاشتـن بشقابها و گرم نگهداشتن آن‌ها استفاده میشود .

برای گرم کردن بشقابها نیـز از بشقاب گرم کن برقی که‌عبارت از پارچه‌ای است تاشده ماننـد آکوردئون ، استفاده میکننـد. بشقابها را بین صفحات پارچه‌ای که بوسیله از پستانهای‌برقی که در آن کار گذاشته شده گرم میشوند، میگذارند . مصرف برق این گرم کن‌ها بسیار ناچیز بوده و قوه آن از قرار ۱۰۰ میباشد .

بشقاب فرعی به بشقابی میگویند که بر روی میز غذا گذارده نمی شود ، بلکه بعلت اینکه از خاصیت و زیبائی غذائی که در آن است کاسته نشود ، بین مهمانان دست بدست میگردد .



بطری با محفظه حصیری‌که دورش‌پیچیده شده است .

بطری

ظرفی که شکل و جنس آن متغیر است ولی گردن آن همیشه باریک‌میباشد و برای نگهداری‌مایع بکار میرود بطریها از شیشه درست شده‌اند و بحسب کمی یا زیادی غش بیرنگ و خیلی شفاف (شیشه سفید) یا متمایل بخاکستری، قهوه‌ای یا تقریبا سیاه هستند.

شکل بطریها

شکل بطریها بیشمار است و سازندگان هر نوع لیکور و عطرو مشروب شکل مخصوصی انتخاب می کنند تا از شکل بتوان‌محتوی آن را حدس زد.

غیراز بطریهای یك لیتری ونیم لیتری وسه چهارم لیتری اشکال بقیه بطریهای شرابی که اختلاف آنها در چند صدم لیتراست مختلف میباشد و معمولا شراب هر ناحیه‌در بطریهائی که شکل آن مشخص آن ناحیه وسازنده آن میباشد ریخته میشود:

مثل بطریهای شراب بررو ـ شامپانی و بطری شراب های‌کفدار از شیشه ضخیم واشکال سنگین درست شده است. بطریهای آب معدنی مخروطی هستند ضمنابطری آبجوو بطری سودا و بطری شراب آلزامی نیز مخروطی است.

پر کردن بطری

بطری هائی که برای پر کردن شراب آماده میشوند باید کاملا پاکیزه باشند برای نظافت باید آنها را ابتدا بامخلوط آب و املاح کربنات و سپس با آب پاك تمیز نمود. مواد سخت و کثافت های چسبنده‌جدارشیشه را باید به کمك عمل مکانیکی مانند مالش پاك‌کرد. بکار بردن برس‌ابریشمی همیشه کافی نیست.

موقعی‌که شماره بطریها زیاد باشند میتوان از ماشین بطری‌شوئی استفاده نمود. این ماشین عبارت‌از تلمبه‌ایست که توسط دسته چرخ بکار میافتد و پیچی تلمبه را بـه ظرف شبیه طشت متصل میکند. تلمبه آب خود را از ظرف میگیرد و سپس با فشار آن را در بطری میریزد و در همین موقع جاروئی فلزی جدار بطری رامالش میدهد.

پاك کردن بطریهای خیلی کثیف

بطریهای روغن‌را باید ۴۸ساعت در آب ومواد قلیائی (املاح کربنات) گذاشت و سپس با آب کاملا آنها را شست.

بطریهائی که از مواد کچی پوشیده‌اند برای پاك کردن این بطریها باید ده درصد جوهر نمك (اسید کلریدریك) یا فقط سرکه نیم گرم بآب اضافه کرد. بطری بآسانی پاك میشود.

بسته‌بندی

بسته‌بندی‌بکمك پوشش مخصوص کاه یا مقوا آسان میشود. وقتی بطریها از این پوشش احاطه شدند آن‌وقت‌میتوان آنها را در صندوق یا جعبه‌های بزرگ روی هم چید و خلائی باقی نگذاشت.

حمل بطری در موقع مسافرت یا گردش

دربازار بطریهائی برای مسافرت فروخته میشود که آلمینیومی و هموار هستند و نیز اگر از شیشه درست شده باشند دراین صورت توسط پوشش اسیدی ظریف باپارچه یا مواد پلاستیکی محفوظ میمانند.

بطری های عایق

این اسم به ظروف استوانه‌ای دراز اطلاق میشود واز بطری شیشه‌ای ظریف دو جداری تشکیل شده‌است این دو جدار از هم‌مجزا و خود آنها از پوشش فلزی یـا پلاستیکی که بشکل آنهاست احاطه شده‌است.

بطری بوسیله سر بطری چوب پنبه‌ای یا لاستیکی بسته میشود و روی چوب پنبه سرپوش تو خالی دیگری قرار دارد همچنین بهمین ترتیب ظروف استوانه‌ای وکوزه‌ای درست میکنند.

بطری یا جعبه عایق اجازه‌میدهد که مایع گرم یا سردی که در آن ریخته میشود گرما یا سرمارا حفظ کند برای محافظت این‌ظروف باید احتیاط های لازم را نمود: هرگز نباید آنها را باآب جوش شست و نیز این بطریها نبایدضرب ببیندو در صورت عدم استعمال باید سر آنها باز بماند.

جابطری

مجموعا از ۴یا۶ یا ۸خانه برای نگهداری یا گذاشتن بطری درست شده‌اند هر جا بطری دارای‌دسته‌ای است که حمل بطریها بکمك آن آسان میشود.

خانه بطری

گاهی گذاشتن بطریها در مطبخ یا محل خدمت مسئله حساسی را بوجود میآورد بعضی از مبل‌سازان در موقع ساختن مبل مطبخ محلی برای گذاشتن بطریها پیش بینی میکنند همچنین در بازار جابطری های کوچکی یافت میشود که‌می‌توان در خانه های آن ۶تا ۲۰ بطری گذاشت.

بنزین

مایعی است که از تقطیر قیر در کارخانه های گازی بدست می‌آید.

بنزین بی‌رنگ است و بسیار زود در هوای آزاد بخار می‌شود. بوی آن بسیار قوی و مخصوص است. در الکل واتر حل می‌شود و درآب غیر قابل حل است.

مواد چربی. کائوچو ـ صمغ ـ گوگرد وید را درخود حل می‌کند.

خطر: بنزین بسیار زود آتش می‌گیرد و آنرا باید همیشه ازآتش دور نگهداشت.

بخار آن در هوای بسته یـك مخلوط خطرناك و دارای خاصیت قابل انفجار است.

اگر بنزین‌آتش گرفت نبایدروی آن آب ریخت بلکه شعله های آتش را بوسیله یك‌پارچه ضخیم می‌بایست پوشاند.

از بنزین در لکه گیری هـم استفاده میشود.

بیده

دستگاهی‌است‌برای‌توالت‌خصوصی که در حمام و یا توالت جـای دارد.

این دستگاه از موزائیك و یـا سفال ساخته می‌شود و آب سرد و گرم بوسیله دوشیر در آن می‌تواند گردش کند. آب گرم که دور بیده میگردد می‌تواند محل نشیمن را گرم کند.

باید متوجه بود که آب پاك با آب کثیف قاطی نشود و بهمین خاطر بیده های خودکار ترجیـح داده می‌شود.

بعضی از انواع آن دوش دارد وبرای حمام کودك ازآن استفاده میشود.

دستشوئی، حمام، بیده بوسیله اتوماتیك از آب تهی می‌گردد.

انواع مختلف آن را می‌توان در بازار بدست آورد.

بعضی‌هامستقیماروی لگنچه‌توالت نصب می‌شود وآب جاری‌آن مستقیما وارد لگنچه توالت می‌گردد.

در خانه هائی که آب جاری وجود ندارد از لگن های کوچك سفالی و یا پلاستیکی استفاده می‌کنند.

بیسکویت

قطعه نان خشك و بریان که ابتداء از نان مخصوصی بدست می آید. نان بیسکویت از آرد قوی و سفید و مواد چرب (مارگارین روغن‌نباتی و شکر و مالت و مخمر نان ونمك ترکیب شده است. این نان در قالب پخته میشود و سپس مدت ۴۸ ساعت آن رابرای بیات شدن میگذارند و سپس آن رابـه قطعات نازك میبرند و روی آتش میگذارند.

در بازار انواع واقسام‌بیسکویت فروخته میشود بدون نمك یاگلوتن برای بیماران قند بیسکویت‌معمولی برای صبحانه و چای و حتی ناهار مصرف میشود و مزیت آن بر نان اینستکه آب آن کمتر است (تقریبا ۸یا ۹ درصد) ومیتوان مدتی آن را نگه داشت. بیسکویت سبك و زود هضم است ومانند نان احتیاج بجویدن ندارد ومقـدار کالـری آن ۳۲۰ است در صورتیکه مقدار کالری‌نان ۲۲۰ میباشد و خدمـت بزرگی باشخاصی که تند میخورند و غذا رانمی جوند یا بیماران‌سوء هاضمه یا اشخاصی که به تورم‌روده (کولون) و زخم معده مبتلاهستند یا آنهائی که بدلیل امراض روده و معده تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند و غیره مینماید.

برای تهیه بیسکویت معمولـی یك کیلو آرد قوی و ۵۰ گرم مخمر نان و ۵۰ گرم روغن و ۸۰ گرم نمك و ۳۰ گرم مالت بصورت آرد و ۲۰ گرم قند و تقریبا ۵۰۰ گرم آب را وزن کنید در دیگی ته باریك آرد بریزید. نمك را در کمی آب حل کنید مخمر را با مالت و قند در ظرف دیگری که محتوی کمی آبست حل کنید.آبی استعمال کنید که حرارت آن در اثر تماس خمیر به ۲۷ و ۲۸ درجه برسد. همه را بادقت خمیر کنید و روغن را بآن اضافه کنید. روی آن سر پوش بگذارید ومدت ۳۰ تا ۴۰ دقیقه برای تخمیرشدن بحال خود باقی بگذارید. خمیر را بردارید و بحسب بزرگی قالب آن را وزن کنید بهر جهت خمیر نباید بیش از نصف قالب را پرکند خمیر وزن شده را لوله کنید و بفشرید و بصورت استوانه درآورید روی قالب های آماده و پرکرده سرپوش بگذارید مدت آن تقریبا یکساعت است یعنی تاموقعی که حجم خمیر دوبرابر میشود.

برای تهیه یك کیلو ونیم نان بایه آن را مدت چهل دقیقه در

اجاق ملایم (۲۰۰ ــ ۲۱۰ درجه) بپزید .

این نان را میتوان تازه خورد برای بدست آوردن بیسکویت‌بریان این نان را بعداز چهل وهشت‌ساعت به قطعات نازك ببرید و در اجاق ملایم روی سینی بریان کنید .

بیسکویت گرد برای چائی یا بیسکویت هلندی ــ بدقت بیشترو وسایل‌مخصوص تری احتیاج دارد: قالب عبارت از جعبه گردی است که قطر آن ۸٫۵ سانتیمتر وارتفاع آن دوسانتیمتر میباشد و سرپوشی متخلخل (چند سوراخ) دارد.

فرمول تهیه برای یك کیلو آرد : ۸۰ گرم مخمر نان و نیم لیتر آب یا شیر ۳ تخم مرغ و۷۵ گرم شکر و ۲۰ گرم مالت و ۸ گرم مواد چربی و ۱۰ گرم‌نمك با دو سوم آرد و یك کمی آب مایه (؟) یا لواپن loapine (موادی که برای تسریع تخمیر شدن بکار میبرند) کوچکی‌درست کنید .

مدت ۱۵ دقیقه آن را برای تخمیر شدن بگذارید سپس درظرفی ته باریك خمیر را تدریجا تهیه کنید وضمنا بآن نمك اضافه کنید و بقیه آرد ، تخم مرغها وچربی (که بصورت مرهم در آمده)را بآن‌اضافه کنید . سر پوش بگذارید و مدت ۱۵ دقیقه آن را بحال‌خود بگذارید .

قطعات خمیر را به نسبت‌بزرگی جعبه های قالب درست کنید ونیز در نظر بگیرید که حجم خمیرتو برابرخواهد شد حرارت خمیر باید بین ۲۵ تا ۲۷ درجه باشد آن‌هارا مدت ۵۰ دقیقه برای تخمیر در جای نیم گرمی بگذارید و مانند قبلی آن را بپزید و بعداز ۸ساعت آن‌ها رابقطعات نازك ببرید وبریان کنید .

بیسکویت

ــ اسم بیسکویت بطور بی‌تفاوت به نانهای خشك و به نانهائی که از مخلوط تخم مرغ و شکر و آرد و مواد نشاسته یا حبوبات و کره توسط کارخانه ها ساخته میشود اطلاق میگردد . نبودن یکی از عناصر فوق‌الذکر واختلاف نسبت هریك از آنها باعث پیدائی انواع و اقسام خمیر بیسکویت میگردد . بطور کلی اسم بیسکویت بیشتر به نانهای شیرین و ظریف که فاقد کره میباشند یا بمقدار کم آنرا دارند ، اطلاق میشود و غالبا سفیده تخم مرغ زده بصورت‌برف در ترکیب آنها نقش بزرگی را دارد .

تهیه بیسکویت

در آتش ملایم ــ ۱۵۰ گرم شکر وانیل دار را با پنج تخم مرغ بهم بزنید تا کف کند و سپس توسط قاشق بزرگ ۱۵۰گرم‌آردبآن‌اضافه کنید و این خمیر را در ظرفی بگذارید و بعدا آنرا در قالب‌های مخصوص بیسکویت که بآن کره و نشاسته زده‌اید بگذارید روی‌آن مقدار زیادی شکر بپاشید و ۱۲ تا ۱۵ دقیقه در اجاق ملایم بگذارید.

از مقادیر فوق‌الذکر ۱۸ تا ۲۰ گرم بیسکویت بدست میآید .

بیسکویت قاشقی

۶۰ گرم شکر و ۳ زرده تخم مرغ را درظرف ته باریکی بگذارید همه را بهم بزنید تا اینکه کف کند و سپس با پنجاه گرم آردی که خوب غربال شده و سه سفیده تخم مرغ زده بصورت برف سفید بآن اضافه کنید . باید مواد فوق‌الذکر را با دقت مخلوط کرد تا اگر آنرا با کف گیر بلند کنند وزن سبك آن باقی بماند . وقتی عمل مخلوط تمام شد آنها را در ظرف ته دار و یکنواختی بگذارید و لبه بیسکویت ها را که درازای آن تقریبا ده سانتیمتر است روی کاغذ سفید بچینید و روی آن شکر بریزید و از ۱۲ تا ۱۵ دقیقه برای پختن در اجاق ملایم بگذارید

بیسکویت ساوآ

۲۵۰ گرم شکر و ۷ زرده تخم مرغ را خوب با هم مخلوط کنید و ۱۰۰ گرم آرد نشاسته و ۱۰۰گرم آرد و سپس ۷ سفیده تخم مرغ زده بصورت برف را بآن اضافه کنید و سپس آنها را در قالب هائی که با کره چرب شده باشند و روی آن آرد ریخته‌اند بگذارید تقریبا مدت یکساعت آنها را در اجاق ملایم بپزید .

بیسکویت پیچیده

در دیگ ته باریکی ۷۵ گرم‌شکر و چهار زرده تخم مرغ بگذارید و همه را بهم بزنید تا سفید و نرم شود و سپس آنرا با ۷۵ گرم آرد و ۳ سفیده تخم‌مرغ زده که بصورت برف سفید درآمده باشد مخلوط کنید در خاتمه ۲۵ گرم کره مذاب با آن مخلوط نمائید . این خمیر را روی صفحه کاغذ سفید در روی سینی ایکه با کره چرب شده است پهن کنید . ضخامت آن باید ۱٫۵ سانتیمتر باشد سپس آنرا مدت ۷ تا ۸ دقیقه در اجاق بپزید و سینی را روی مرمری برگردانید و بگذارید که حرارت بیسکویت در زیر سینی نیم گرم شود بیسکویت باینطریق نرم میشود یك طبقه مربا یا کرم روی آن پهن کنید و فورا بیسکویت را به پیچید و آنرا در

بیسکویت را که ساخته‌اید روی‌کاغذ کریستال چرب شده بریزید



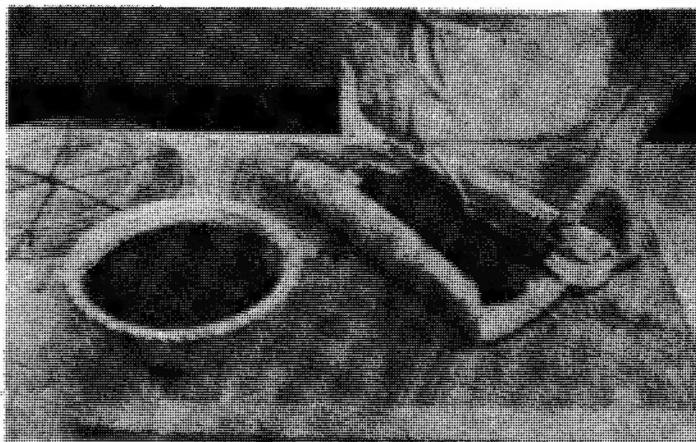
بکمك یك چاقو خمیر را در سطح‌مساوی پهن‌کنید

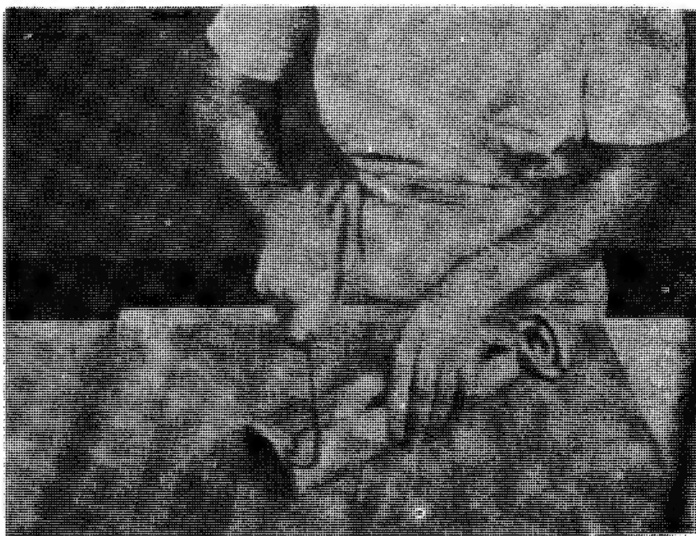


بعدازآنکه آنراازفردرآوردیدبیسکویت وکاغذ را بگذارید سرد شود



مواد لازم داخل بیسکویت راروی‌میزی‌که خمیر را پهن کرده‌اید بگذارید
بعد آنرا لوله‌کنید و باشکال لازم‌ببرید





پارچه مرطوب فشار بدهید سپس آنرا در میان شکر متبلور بغلطانید بالاخره آنرا بصورت قطعات برای خوردن بپزید این بیسکویت را میتوان بعنوان کیك جهت اعیاد یا مجالس استعمال کرد .

بهداشت

در کارخانه های بیسکویت سازی بیسکویت را با مخلوط آرد وغالبا مواد کم یا بیش چرب (کره و مارگارین) و شکر و همچنین‌گاهی شیر ، تخم مرغ و غیره درست میکنند . مواد اولیه با مقداری آب بصورت خمیر در میآیند و خمیر حاصله رابصورت ورقه های متناسب در میآورند و سپس آنرا یا یکمرتبه در اجاقی که حرارت آن زیاد باشد می‌پزند و یا اینکه دومرتبه آنرا می‌پزند تا آب آن خارج شود و نگهداری آن آسان گردد .

ارزش غذائی بیسکویت خشك متغیر و بمواد اولیه ایکه برای ساختن آن بکار میرود بستگی‌دارد و مقدار کالری بیسکویت خشك معمولی که از آرد و چربی وشکر تهیه شده تقریبا همیشه زیاد است (۴۰۰ کالری برای ۱۰۰ گرم) و دلیل آن زیاد دربرداشتن مواد چربی است (۷تا ۱۲ درصد) بعلاوه گرچه آنرا معمولا از آرد ظریف که ارزش آن زیاد نیست میسازند ولی با اضافه کردن مواد دیگر (مخصوصا مواد چربی و شیر و تخم مرغ) غذای کاملی میگردد بیسکویت بدلیل اینکه زود شکسته میشود و مقدار کمی آب دربردارد زودتر از نان هضم میشود و از لحاظ غذائی برای بچه ها مخصوصا در سالهای اول و برای بیماران مبتلا به سوء هاضمه بسیار مفید میباشد .

دارو ــ در داروخانه‌ها بیسکویت هائی وجود دارد که در آن مواد ضد کرم روده یافت میشود و برای معالجه کرم روده بچه ها بکار میرود .

بیسموت

بیسموت ــ (دارو) برای معالجه اسهال ۱ تا ٤ گرم نیتراتها و کربناتهای بیسموت برای اشخاص بالغ مصرف میشود (البته از راه دهان) و مقدار زیاد تر آن بصورت شستشوی معده و برای معالجه زخم معده بکار میرود .

مخلوط املاح بیسموت را علیه سفلیس به عضله بیمار تزریق میکنند البته باید در هرمورد با پزشك مشورت کرد .

بیمه

بیمه ضمانتی است در مقابل خطر . در قراردادی که بین تعهد کنندگان بسته میشود بیمه کننده موظف میشود که در مقابل‌خسارتی که ممکن است به بیمه شده وارد آید مبلغ پولی بپردازد . این‌مبلغ بمقداری که در بیمه نامه تعیین شده بستگی دارد . در ضمن شخص بیمه شده مبلغ پولی بنام حق بیمه باید بپردازد .

اصولا دو نوع بیمه وجود دارد. بیمه اشخاص و بیمه اشیاء

بیمه اشخاص ضمانتی است در مقابل عمر و بیمه های انفرادی شخص‌را در مقابل حوادث‌گوناگون بیمه میکند .

بیمه های خسارت بردوقسم‌است. بیمه اشیاء و بیمه مسئولیت .

بیمه اشیاء ضایعات مادی رابیمه میکند مانند بیمه در مقابل تگرگ، مرگ حیوانات اهلی ، ومخصوصا در مقابل حریق .

وبیمه مسئولیت بیمه شده را در مقابل خسارتی که توسط شخص ثالثی باو وارد آمده باشد، حمایت و پشتیبانی میکند .

انواع‌و اقسام خطرات وحوادثی که میتوان خود را در مقابل‌آنان بیمه کرد بسیار زیاد است. مانند: مسئولیت در مقابل خسارتی که توسط‌خود شخص وارده شده خواه در اثر یك خطا و خواه در اثر غفلت یابی احتیاطی مسئولیت در مقابل خسارتی که توسط شخص زبردست وارد شده مخصوصا مسئولیت در مقابل خسارتی که حیوانات یا چیزهائی که توسط خود شخص بیمه شده از آن ها نگهداری میشود موجب آن‌شده‌اند و یا ساختمانی که خود شخص‌بیمه شده صاحب آنست شکارچیان باید برای احتیاط در مقابل حوادث و خسارات جسمانی و مالی که خود میتوان باعث آن شوند ، بیمه شوند .

و همچنین میتوان مسئولیت ، مهندسین رادر مقابل خطراتی که میتوانند خود ساختمان ها باعث آن‌شوند ، نام برد ، و نیز مسئولیت صاحب خانه ها در مقابل خطراتی که ممکن است هر اجاره نشین و یا شخص ثالثی (. در اثر غفلت صاحب خانه در تعمیر خانه و یـ

نقصی که در ساختمان ممکن است وجود داشته باشد . وحتی در مقابل (خطرات احتمالی آسانسور) وارد آید .

برای هر نوع بیمه‌ای یـــك ضمانت نامه که در آن موافقت دو شخص بیمه شده و بیمه کننده را تـــایید مـــی کند لازم است . بیمه شده باشدباید حق‌بیمه بپردازد و موظف است که بمحض اینکه از حادثه‌ای که اتفاق افتاده ،مطلع شد ، باداره بیمه اطلاع دهد. بـــه شخص بیمه شده برای اطلاع‌واقعه باداره بیمه مهلتی داده میشود که مدت آن برای هر بیمه‌ای فرق میکند .

بیمه درمقابل حوادث و سوانح اتومبیل

خطرات‌احتمالی حوادث اتومبیل بسیار زیاد است و در نتیجه بیمه آن ضروری است .

بیمه درمقابل حریق :

این نوع بیمه در حال حاضر رواج زیادی دارد . بیمه شدگان باید توجه زیادی به ارزیابی سند تضمینی اشیاء بیمه شده داشتـه باشند. زیرا که اگر ارزش حقیقی اشیاء در روز بروز بیش ازقیمت تعیین شده دربیمه نامه باشد، اداره بیمه هیچگونه مسئولیتی در مقابل قیمت اضافی ندارد و شخص بیمه شده باید خود قسمتی از خسارات وارده را بپردازد . این قانون را « قانون نسبی »مینامند . پس برای احتیاط بیشتر بهتراست سند تضمین بیمه خود را یکباردیگر مطالعه کرد .

بیمه عمر

این نوع بیمه دارای‌قراردادهای متفاوتی است .

در صورت داشتن بیمه در مقابل مرگ شخص میتواند با پرداخت حق بیمه مبلغ پولی برای کسانی که نامشان در بیمه نامه ذکر شده بعداز مرگ باقی گذارد و اگـر شخصی‌برای تمام عمر بیمه شده‌باشد میتواند در صورت زنده ماندن بعداز روز تعیین شده در بیمه‌نامه مبلغ پولی را دریافت کند . در

بیمه مخلوط

بیمه کننده باید خود بیمه شده (در صورت زنده ماندن او بعداز مدت تعیین‌شده) ویابه‌بازماندگانش در صورت مرگ دو ، مبلغ پولی بپردازد .

بیهوشی

محـــروم کـــردن ارادی برای مدتی کوتاه از حساسیـت خواه عمومی خواه خصوصی .

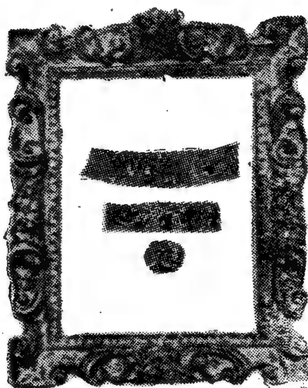
بیهوشی عمومی ــ باتزریق از راه خون یاتنقیه کردن فی‌المثـل چند ثانیه بی هوشی ایجاد میکنند (وباین طریق نه اضطراب و نه خفگی احساس میشود)ودستگاهی دقیق و پیچیده توسط پزشـــك متخصص بکار میافتد و استنشاق مخلوطی از گاز را که بدقـت اندازه گیری شده عملی میسازد باین طریق بیهوشی کامل انجـام میگیرد معمولا شخص بیهوش یـا آرامی و بدون تهوع بیدار مـی شود .

بی‌حسی موضعیــ ازدست دادن حس بدون بیهوشی واین عمـل طبق اهمیت و محلی که باید بی حس شود بطریق چندی اجـرا میگردد .

الف ــ تزریق موادی که از کوکائین مشتق شده باشد .

ب ــ سرد کردن سطحی بکمك يك مایع فرار (کلروراتیل) .

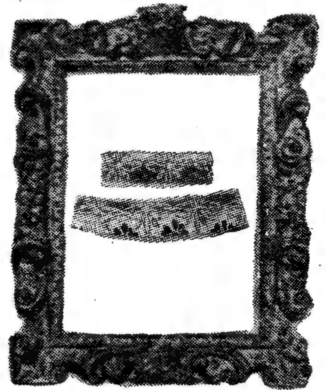
ج ــ تزریق مایع بی حسی در ستون فقرات باین طریق نیمـــه تحتانی بدن بی حس میشود .



پارچهٔ کشمیر

پارچهٔ‌کشمیر ــ پارچهٔ ظریف و فشرده ، نرم و گرمی است که با کرکهای ظریفی بافته میشود . کرکهائی که برای بافتن کشمیر اصیل مورد استفاده قرار میگیرد از لابلای پشم بزهائی که درفلات تبت زندگی می‌کنند جمع‌آوری میشود و چون بدست آوردن این کرکها مشکل است پارچه کشمیر زیاد گران تمام میشود . نام‌کشمیر به پارچه‌هائیکه با پشم مرینوس بافته شده و از نظر لطافت و درخشندگی شباهتی به کشمیرواقعی دارند ، نیز اطلاق میگردد .

تابلو آگهی



محل مخصوصی که آگهی های شخصی ویا بنفع‌عده بخصوصی روی آن الصاق می‌گردد .

تابلوی اعلانها ممکن است روی دیوار ساختمان های خصوصی در منظر عموم و بترتیب دلخواه که از طرف شهرداری محل آن معین می‌گردد برای اعلام قوانین ــ تصویب نامه‌ها ــ ویا سایر اعمال و تصمیمات متخذه از طرف مقامات رسمی مملکتی ویا آگهی های تجاری بکار رود .

هرمالکی می تواند مانع اعلان دیوار ملك خود بشود ویا اعلاناتی که بدون اطلاع او چسبانیده‌اند از دیوار ملك خود بردارد . اما نمی‌تواند کسانی را که نقض قانون کرده‌اند بصرف این که متذکرشده است «الصاق اعلان ممنوع است» تعقیب نماید .

تخت گرم‌کن

دستگاهی که در قدیم برای گرم کردن تختخواب بکار می‌رفته .

این دستگاه از مس قرمز گرد ساخته می‌شود . و دارای دو قسمت است که بوسیله یك لولا روی هم تا می‌شوند . قسمت روئی و یك‌دسته چوبی بآن‌وصل است . قسمت زیری سوراخ سوراخ می‌باشد .

این دستگاه را قبل از گذاشتن در تختخواب پر از زغال می‌کنند و بهترین طریق برای از بین بردن رطوبت است این دستگاه فعلا مورد استفاده نیست . ولی وسیله بسیار زیبائی است برای زینت دادن و مخصوصاً اگردسته‌چوبی آن قدیمی باشد بسیارمورد توجه قرارمی‌گیرد. بجای آن فعلا وسایل برقی بکار میرود .

ترازو:

وسیله‌ایست برای‌اندازه‌گیری وزن . ترازو یکی از لوازم ضرور برای کدبانوی خانه است زیرا موجب میشود که :

اولا وزن اجناس خریداری شده را بررسی کرده تخمین‌بزنند که چه مقدار از مواد غذائی هدر میرود و بالنتیجه پی ببرد که ارزش واقعی آن ها به نسبت قیمت خرید چقدر است.

ثانیا تمام موادیکه برای تهیه غذا ها مورد استفاده قرارمی‌گیرد و بخصوص اگر یکی از افراد خانواده رژیم غذائی دارد توزین نماید.

ثالثا وزن سبزیها و میوه هائی راکه درباغ خانه بعمل آمده معلوم نماید .

رابعا منحنی تغییر وزن طفل را تعقیب کرده و نتیجتا وضع سلامت او را مورد توجه قرار دهد .

خامسا اوزان اشیاء مختلف از قبیل نامه ها، بسته ها ، افراد و غیره را تعیین نماید .

ترازو ها لوازم دقیقی هستند که باید دو صفت اصلی صحت و حساسیت را دارا باشند.

الف ــ یك ترازووقتی‌صحیح است‌که اگر در دوکفه آن اجسام هم وزنی قرار دهند همان وضع متعادلی راکه در حالت عادی دارد حفظ‌کند .

ب ــ یك ترازو وقتی حساس است که کوچکترین اضافه وزن ممکن دریك کفه تعادل آن را برهم بزند .

با درنظر گرفتن این دوصفت عملی هرگاه میخواهید ترازوئی انتخاب کنید بیادداشته باشید که محکم بوده‌وباموادیکه‌نگاهداریشان آسان است ساخته شده باشد . بعلاوه اندازه آن حتی‌الامکان کوچك و قدرت آن حداقل‌برای یك خانواده ۳ تا ۶ نفری پنج کیلو گرم باشد.

انواع مختلف :

ترازو هائی که معمولا در خانه مورد استفاده قرار میگیرند سه نوع میباشند .

۱ــ ترازو با بازوهای برابر که بآن ترازوی روبروال میگویند ۲ــ ترازو بابازوان نامساوی که قپان نیزنامیده میشود. ۳ــترازوی خودکار که وضع تعادل‌آن بوسیله یك اهرم و یا تیغه فنری برقرار میگردد .

این اسباب برای اندازه‌گیری وزن‌های کم مناسب است .

ترازوی روبروال :

شکل ظاهری آن ازیك‌صفحه فولادی یا فلز رنگ زده ویالعاب‌دار تشکیل شده که طرفین‌آن دو دسته فلزی دوکفه همانند (مس ــ آلومینیوم یا فلز آب کرم‌دار) را حمل میکند . طرز استعمال آن بسیار آسان است . سنگینی بکمك وزنه هائی ازمس، برنج و یا فولاد تعیین میگردد. قدرت آن ۱ــ۵ــ۱۰ یا ۱۵ کیلو گرم میتواند باشد و برحسب‌قدرت آن حجم این ترازو ها متفاوتست.

وزنه های مسی یا برنجی‌که دراین نوع ترازو ها مورداستفاده قرار میگیرند از یك گرم تا یك کیلوگرم تهیه میشوند که معمولا در جعبه چوبی که اغلب جلو صفحه ترازو نصب گردیده جا داده میشوند . وزنه های فولادی که بیشتر مورد استفاده خانم خانه دار است از پنجاه گرم تا پنج‌کیلوگرم میباشد .

ترازوی‌نامه‌ها ترازوی دارو

دراین نوع ترازو یکی از بازوهای شاهین یك‌کفه و یا یك ظرف را حمل میکند ودیگری بشکل عقربه‌ایست که در جلو درجه‌بندی‌ها درحرکت‌است‌ترازوهای دارو دقیق‌ترند .

قپان :

قپانها همگی از یك‌شاهین بزرگ که به دوبازوی نامساوی تقسیم شده است تشکیل میگردند. به‌بازوی کوتاهتر کفه یا چنگك ساده‌ای آویخته شده است . در روی بازوی بلندتر که برحسب اوزان درجه‌بندی شده است وزنه متحرکی میلغزد . توازن باجابجا کردن این وزنه برقرار ووزن بر روی درجه‌بندی میله خوانده میشود.

قپان مخصوص خانه داری از صفحه فولادی لعاب داده‌ای‌تشکیل شده که یك کفه لعابی یافولادی غیرقابل زنگ زدن را حمل‌میکند. دووزنه متحرك در طول شاهین جابجا میشوند تا وزن تعیین شده بوسیله این ترازو را نشان دهند .

قدرت آن ۳ــ۵ یا ۱۰ کیلو گرم است . حجم آن بسیار کم ولی در بکار بردن وزنه ها باید بعضی احتیاطات را مراعات کرد.

همچنین برای امورخانه‌نوعی قپانی مورد استفاده قرار میگیرد که حجم آن کم و قدرت آن بین بست تا پنجاه کیلو گرم است.

ترازوهای خانه‌داری باتکمه‌لغزان:

این نوع‌ترازو فقط یك کفه داشته و برای بکار بردن آن نیازی بوزنه های جداگانه نیست .

ترازوی خودکار :

ترازوی خودکار برای‌خانه‌داری از یك صفحه فولادین که یك‌کفه را حمل میکند تشکیل شده است . قدرت آن در حدو پنج کیلوگرم است . وزن تعیین شده مستقیما بر روی صفحه‌ای خوانده میشود .

ترازوهای‌داروئی وباسکول‌های کوچك مخصوص حمام (نیرو سنج) از نوع ترازو های‌خودکار میباشند .

یادآوری میشود که تمام انواع ترازو هائی که گفته شد میتوانند برای توزین نوزاد مورد استفاده قرار گیرند .

غیر از ترازو هائی که مخصوص این کار ساخته شده‌اند ترازوی خانه را نیز با تعویض یکی‌ازکفه‌ها (درترازوی روبروال) و یا قرار دادن یك زنبیل نسبتا بزرگ بر روی کفه قپان خانه‌داری‌میتوان برای این منظور مورد استفاده قرار داد . کافی است که موازنه ترازو قبل از توزین بر قرار گردد .

ترازوی بچه :

ترازوی خودکار یا غیر خودکاریست که کفه آن بشکل سبدی فلزی و یا پلاستیکی ساخته شده است.

تکمه

تکمه ــ از جنس شاخ سخت و معمولا گرد درست شده و برای بستن قسمت های باز لباس یابعنوان زینت به لباس دوخته میشود .

تکمه برای بستن لباس

از انواع و اقسام مواد درست میشوند : تکمه صدفی برای‌پیراهن تکمه‌ای که از دانه گیاه درست میشود و یا تکمه پارچه‌ای برای پیراهن زنانه و لباس مردانه . تکمه پارچه ای (که از پارچه همان لباس تهیه می شود از قالب چوبی یا فلزی که روی آنرا با پارچه پوشانده‌اند تشکیل میشود و بوسیله زائده فلزی بشکل دم که از همان فلز درست شده به لباس متصل میگردد . برای ساختن تکمه ماشینی بکار می‌برند که با آن بتوان آنرا گرد یا بشکل طشت وغیره تهیه کرد .

برای‌دوختن تکمه لباس(برای‌بستن لباس) باید سعی کرد که همیشه بین تکمه و لباس ۳ تا ٤ میلیمتر فاصله باقی بماند و بعلاوه اگر پارچه کلفت باشد باید رشته‌ای از نخ نسبتا کلفت بین تکمه‌ولباس فاصله ایجاد کند تا از بازشدن مادگی جلوگیری نماید .

تکمه خیاطی

اینها مانند تکمه های فوق‌الذکر ازقالب های چوبی درست شده واز نخ پنبه‌ای پوشیده میشود و دم‌آنها از همین نخ درست میشود این‌دگمه در خیاط خانه های بزرگ استعمال میشود واز پارچه های مد پوشیده میشوند .

تکمه فشاری

فلزی واز دو قسمت تشکیل شده و داخل هم میشود و مواردداستعمال آنها زیاد است و در بازار شش تائی‌یاهشت تائی روی مقوا فروخته میشود بزرگی‌وکوچکی این‌تکمه‌ها که در بازار برنگ سیاه یا نقره و غیره دیده میشود متفاوت است .

این تکمه ها گاهی توسط‌ماشین به روبان متصل شده‌اند و دراین صورت کافی است که دو روبان را در حاشیه در قسمتی که بایدباز وبسته شوند دوخت .

تکمه تجملی

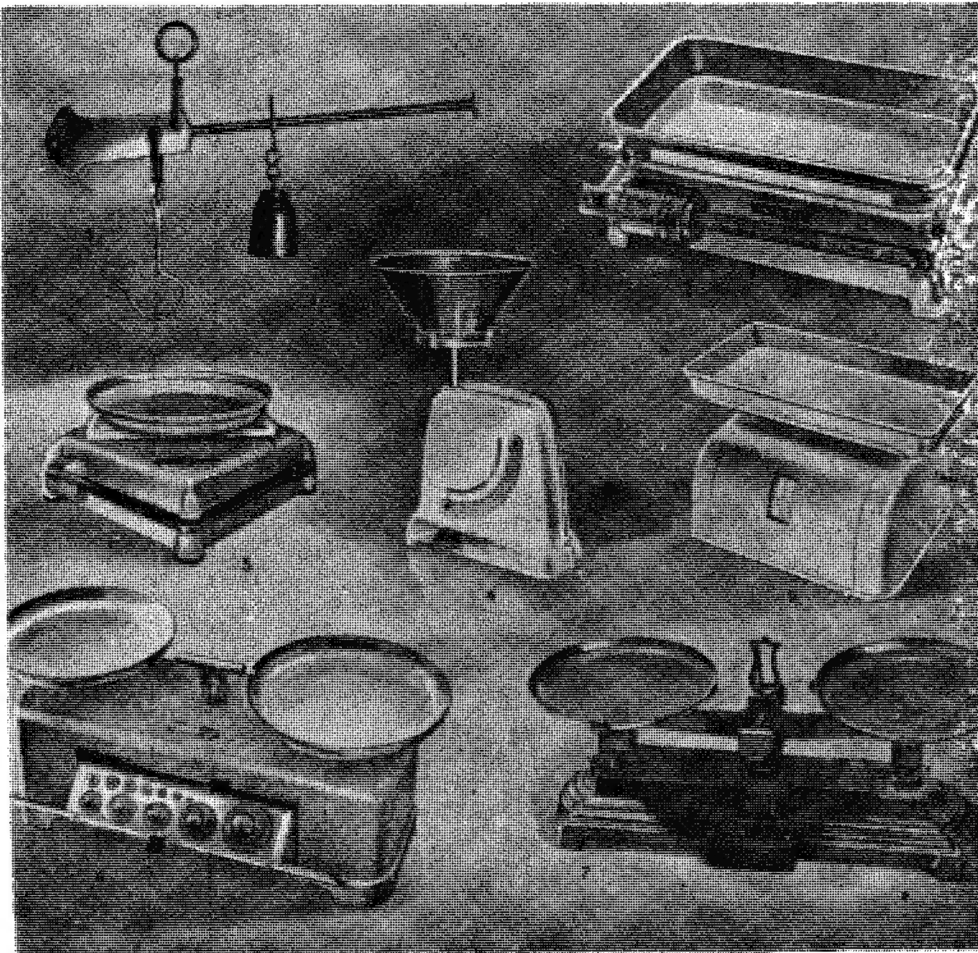
این تکمه ها از لحاظ جنس و شکل و رنگ متفاوت است واز شاخ یا چوب یا گل یا چرم یافلز یا مواد پلاستیکی یا چینی یا شیشه‌ای درست شده و ممکن است الوان یا بیرنگ باشند .

تکمه های زینتی

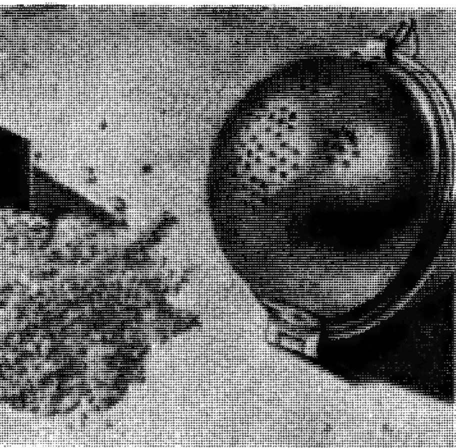
این تکمه‌ها شامل تکمه های یقه گردن و آستین پیراهن مردهاست وانواع واقسام دارد و غالبا به حسب ارزش آنها ، دربازار روی مقوا یا در قوطی بفروش میرسند. این تکمه ها از دو قسمت نا مساوی (قطعات چرم و پارچه) تشکیل شده و توسط میله ٥ میلیمتری بهم مربوط میگردد . تکمه آستین پیراهن ممکن است دو قلو (از هر حیث مشابه) باشند و تکمه‌یقه پیراهن‌ممکن است متحرك باشد.

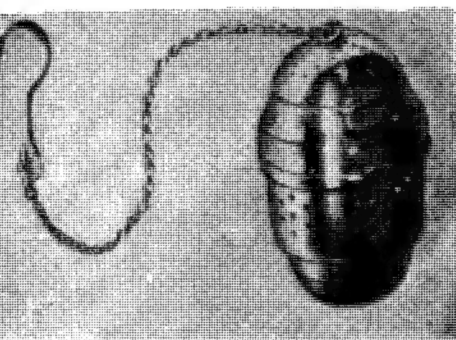
تنگ

این اصطلاح برای نامیدن بطری هائی بکار می رود که از شیشه یا بلور تراش داده ساخته شده و معمولا قاعده‌ای وسیع دارند تنگ برای ریختن آب و شراب های مختلف مورد مصرف دارد . تنگ از نظر شکل و جنس ورنگ به اشکال مختلف ساخته می‌شوند ، انواع رنگی آن یا با شیشه های رنگی تهیه شده ویا رنگ طلائی (اکلیل زرد) خورده‌اند . تنگ ها



انواع مختلف ترازو





توپ آشپزی (نمونه چای دم‌کن)

در ترکیب سرویس های شیشه‌ای و بلوری و سرویس های مشروب خوری دیده میشود .

تنگ شیر بطریست شیشه‌ای که ضخامتی زیاد و دهانه‌ای گشاد دارد.

تمیز کردن تنگ ها ــ اغلب اوقات ته تنگ های آب رسوبی جمع می‌شود و تنگ را کثیف‌جلوه می‌دهد . تنگ‌های مشروب هم در موقع مصرف تمیزی و شفافیت خود را از دست می‌دهند . برای پاك کردن تنگ‌باید تکه های کاغذ روزنامه را در آن ریخته و آنرا با آب پرکنیم ودوازده ساعت بحال خود بگذاریم . پس ازاین مدت آنرا خوب تکان داده و خالی می‌کنیم ودرآخر نیز چندبار باآب آنرا میشوئیم تا خوب تمیزشود . بجای کاغذ روزنامه می‌توان از چیز های دیگر مثل نمك زبر و پوست تخم مرغ خرد شده استفاده کرد . اگر رسوب ته تنگ با این کارها از بین نرفت می‌توان بابکار بردن سرکهٔ نیمه گرم آنرا پاك کرد .

توپ آشپزی

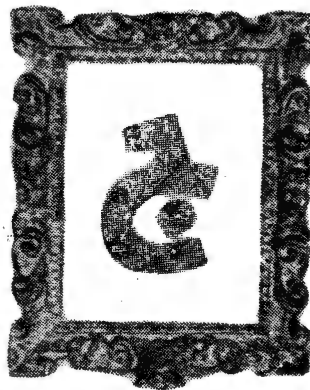
توپ تو خالی که بآن توپ سبزیها و توپ برنج میگویند .این توپها از فلز یا چینی ساخته شده و متخلخل هستند و نیز ممکن است از ورقه فلزی درست شده باشند و دارای زنجیر یا بند فلزی هستند که بکمك آن آویخته میشوند. در داخل توپ گوشت و سبزی وبرنج و مواد نشاسته‌ای میگذارند تا مواد فوق‌الذکر موقعیکه در درون مایع‌برای پخته شدن قرار میگیرند از هم جدا نشوند .

برای پختن باید تقریبا یك سوم توپ راکز برنج یا مواد نشاسته‌ای پر کرد تا مواد فوق‌الذکر بتوانند متورم شوند (حجم آنها زیاد میشود .

اگر میخواهید چند چیز بپزید و مدت پختن آنها یکی نیست‌بهتر است بجای توپ چند کیسه توری بکار ببرید .

توپ برای جوشنده‌ها

کوچك میباشند و آنها را در قوری های مختلف میگذارند .این توپها را از چینی یا از فلزنقره‌ای یا فولادی که زنگ نمیزننــد میسازند .



جاروی برقی

دستگاهی است که برای گرفتن گرد وخاك از آن استفاده میشود. همه جاروهای برقی دارای یك هلیس و یا پروانـــه و یـــك موتور برقی میباشند . یك بادکش گرد و خاك را جذب میکند ودر یك کیسه میفرستد .

جاروی برقی به سه قسم است. جاروهائی که دارای محفظـه عمودی ، سیلندر افقی یا کیسه هستند .

جارو با محفظه عمودی

این دستگاه از اولین جاروی های برقی میباشد ولی اکنون ، کمتراز این نوع میسازند . بااین حال سازندگانی هستند که هنوز لوازم یدکی برای کسانی که از این دستگاه ها استفاده میکنند ، میسازند و در بازار موجود است.

جاروی استوانه دار افقی .

در این مدل جارو ، گردوخاك در کیسه تصفیه کننده‌ای که طرف لوله ورود هوا واقع شده جمع میشود . پروانه و موتور در بدنه جارو طرف دهنه خروج هوا ،کار گذاشته شده است ، یك لوله نرم و تاشدنی ، چند لوله سخت فلـزی ویك سر لوازم فرعی دیگر دستگاه را کامل میکنند این نوع جارو، براحتی بر روی چرخهایش حرکت میکند و زحمتی برای بردن آن از یك مکان به مکان دیگـری ندارد .

جاروی برقی کیسه‌ای

این‌دستگاه مخصوص جاروکردن فرش ساخته شده هوائی که بداخل جارو کشیده میشود ، بعدازگذشتن از محفظه‌ای مخصـــوص ، وارد کیسه میشود . گردو خاکی که همراه هواوارد شده ، در کیسه باقی میماند و خود هوا از پارچه کیسه میگذرد و به خارج میرود.

برای گرد گیری مبل یا لباس، دستگاههای مخصوصی نیز ساخته شده که به جارو وصل میکنند .

مدل های مختلف دیگر .

بغیر از این سه نوع که در بالا نام برده شد ،اقسام مختلف دیگری نیز ساخته میشوند که کم وبیش به یکی از این سه نوع شباهت دارند .

جاروی برقی پشتی

این نوع جارو طوری ساخته‌شده که بتوان آن را بوسیله بندهای مخصوص بر روی پشت حمل‌کرد. از این نوع ،بیشتر در موسسات بزرگ یا هتلها و مخصوصا برای گرفتن گردوخاك پله های متعـدد استفاده میشود . و شخص که باید اطاقها و پله های چند طبقه را جارو کند با این جارو ، کارش آسانتر میشود .

قسمی است از جاروی کیسه‌ای که دارای لوازم فرعی چون‌ماهوت پاك‌کن ،و غیره برای آسان‌کردن کار گرد گیری فرش هستند.

جارو برقی کوچك

عبارت از یك دستگاه بادکش کیسه‌ای یا سطلی است بانـدازه کوچکتر از معمولی ، این دستگاه از طرفی به یك دستگیره و طرف دیگر به لوله که با آن گردو خاك جذب میشود ،منتهی میشود .

لوازم گردگیری

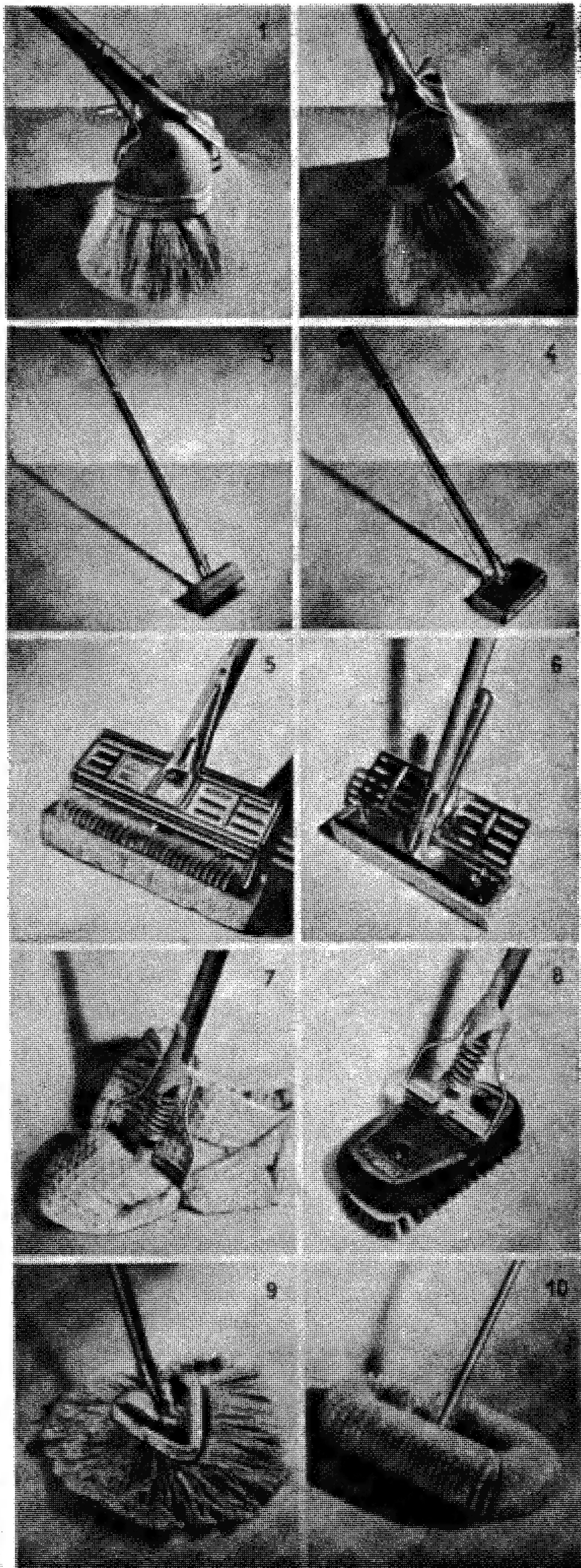
اصولاهمه جاروهای برقی‌دارای لوازم فرعی کم وبیش کامل‌هستند. که ازاین قرار است :

یك لوله نرم و تاشدنی کـه دارای یك روکش فلزی نرم، یك پوشش پارچه‌ای یا کائوچوئی ویك روکش دیگر پارچه‌ای یا فلـزی برای اطمینان بیشتر . یك یاچند لوله سخت برای جذب گرد وخاك

چند برس یا ماهوت پاك کن‌که به جارو وصل میشوند .

مواظبت از جارو برقی :

برای گرفتن نتیجه بهتری از جاروی برقی لازم‌است که کیسـه گردو خاك راغالبا و بوقور خالی کرده وآن را تمیز کرد ، البتـه نه با شستن ،بلکه بابرس زدن.زیرا که وقتی کیسه کثیف است ، جارو نمیتواند از عهده کار خود بخوبی بر آید .



جوراب

جوراب قسمت مهمی از لباس خانمها را تشکیل می‌دهد .

جوراب تمام قسمت تحتانی پا تا روی زانو را می‌پوشاند و از تماس پا با کفش و گرد و خاك جلوگیری می‌کند .

پوشیدن جوراب (ازلحاظ انتخاب رنگ و نوع) خودش یك نوع‌سلیقه خاص لازم دارد .

لوازمی که برای ساختن جوراب در کارخانه ها مورد استفاده قرار می‌گیرد مختلف است . پشم ، پنبه ، نخ ،ابریشم طبیعی و نخهای‌مصنوعی

جورابهای ابریشمی (نایلونی) بیشتر مورد توجه هستند .

جورابهای نخی و پشمی در زمستان پوشیده می‌شوند .

خرید .

ظریف‌بودن جوراب نایلون‌بستگی به طرز تهیه اش دارد که میزان آنرا دنیه میگویند .

ظرافت‌جوراب‌براقلابهای‌آن‌تعیین می‌کند هر چقدر مقدار آن ضعیف باشد جوراب ظریف تر است .

قلاب بستگی به مقدار سوزن در سانتیمتر دارد .هر چقدر قلاب زیاد باشد بیشتر جوراب حالت ارتجاع دارد . (کش) مثلا : جورابی که دارای مارك ۳۰ Denier قلاب باشد جورابی است معین از لحاظ ارتجاع وظریف از لحاظ Denier

و جورابی که اتیکت آن ۱۵ Denier و ۶۳ قلاب را نشان میدهد جورابی‌است بسیار ظریف که حالت ارتجاعی و کشی آن‌زیاد است .

جوراب نایلون می‌تواند توری بافته شود .

بعضی جورابهای نایلون از نخ نایلون کلفت ساخته می‌شوند . این نوع جورابها پاها را بسیار خوب میپوشاند و بسیار خوب روی پاها جای میگیرد . جورابهای مخصوص واریس نیز از نایلون ساخته می‌شوند .

انواع جوراب :

اکثر جورابها با درز هستند و در قسمت بالا کمی پهن تر می‌شوند .

کف جورابها با نخ های مختلف و یا نخ بافته شده تهیه می‌شود .

فقط جورابهانایلون و جورابهای پشمی و خصوصا جورابهای شب بدون درز هستند .

بغیر از جوراب بلند خانمها جورابهای کوتاه و یا جورابهای نصفه هم می‌پوشند .

جورابهای‌کوتاه برای کوه‌پیمائی در تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرد ، این جورابها تا مچ را می‌پوشاند .

جورابهای نیمه بلند بوسیله یك پارچه کرپ مانند و یا کش به ساق بند می‌شود و معمولا برای این نوع جورابها بند جوراب بکار می‌برند .

جورابهای اسپرت معمولا با کفش های ضخیم پوشیده می‌شوند (برای اسکی – و یا دو چرخه‌سواری) .

نگهداری

برای نگهداری جورابهای ظریف نازك از خطرات‌احتمالی ناخن های پا از کف های نایلونی استفاده باید کرد . این کف جورابها می‌تواند ناخن ها و یا تمام کف پا را بپوشاند .

با استفاده از کف جوراب می‌توان براحتی از جورابهای نازك در زمستان استفاده نمود .

برای خوب نگهداشتن جوراب ، اصولا باید هردفعه بعد از استعمال و پوشیدن آنرا شست . جورابهای نخی را با آب ولرم و صابون باید شست جورابهای ساقه کوتاه سفید را بخوبی می‌توان جوشانید .

جورابهای پشمی ، ابریشمی را می‌توان در آب ولرم با صابون شست و بعد در آب دیگر با همان حرارت آب کشید و در جائی که حرارت بآن نرسد خشك کرد .

جورابهای بافته شده با نخهای مصنوعی را باید بهمان طریق شستشو داد و خشك کرد .

باید مواظب بود که هیچ نوع جورابی را با صابون خشك نشست .

تمام جورابها را می‌توان در یك کشو جمع آوری کرد . بغیر از جورابهای ابریشمی و نایلونی که جای مخصوصی بخود دارند و جفت جفت آنها را در کیسه های مخصوصی می‌توان نگهداشت .

اگر جورابهای اسپرت دارای نقش هائی با رنگهای زنده دارند شستشوی آن باآب ولرم مخلوط با سرکه مناسب تراست .

جوراب واریس

جورابهای واریس وقتی مورد استفاده قرارمی‌گیرند که رگهای خونی پا از حد معین بیشتر باز شوند واحتمال بوجود آمدن واریس قوت می‌گیرد . این نوع جورابها معمولا پا را محکم در برمی‌گیرند (باید مواظب بود که گردش خون را فلج نکند) . والبته طبق دستور پزشك باید از آن استفاده نمود .

جورابهای واریس با آب ولرم و صابون شسته می‌شوند ونباید آنرا پس از آب کشیدن در آب ولرم فشار داد ضمنا باید در جائی که حرارت بآن نرسدآنرا خشك نمود .

انواع جاروهای مختلف باپوشالهای دراز و اسفنج جهت شستشوی ← کفها (از نایلن یا مو)

چادرزدن

(چادر زدن) ـ زندگی درهوای‌آزاد با استفاده‌ازتجهیزات سبك و پناهگاه قابل حملی که معمولاً یك چادر است . اصطلاحا کمپینگ نامیده میشود . دراینجا از لطایف این نوع زندگی سخن نمیگوئیم بلکه لوازم ووسائل‌ضرور کمپینگ را معرفی میکنیم ، تادر موقع لزوم ازآن استفاده شود . کسی که می خواهد در آغوش طبیعت زندگی‌کند باید لباس تمیز باندازهٔ کافی همراه خود برداردو بعلاوه برای محل خواب و آشپز خانه نیز پناهگاه مناسبی در نظر بگیرد و اگر چیزی ازاین بابت کم و کسر داشته باشد ییلاق و استراحت برای او تبدیل بهزندگی پرعذابی میگردد و به جای اینکه رفع خستگی روحی و جسمی کند، خسته تر و ملول‌تر از اول بخانه برمیگردد .

برحسب اینکه بخواهیم کمپ ثابت بزنیم یااینکه جای آنرا دائما عوض کنیم جنس و وزن لوازم‌آن تفاوت میکند . مقدار و نوع و جنس و وزن اثاثه و لوازم مورد احتیاج برحسب‌اینکه پیاده ، با دوچرخه ، با موتور و یا باماشین سفرکنیم تغییر میکند .

وسائل لازم برای کمپینگ‌پیاده یا با دوچرخه .

مسکن ــ چادر سفری که دو سرپوش و دو در داشته و به ابعاد ۲٫۳۰ متر (طول) در ۱٫۳۰متر (عرض) در ۱٫۱۰ متر (ارتفاع) باشد . و وزن آن بیش از ۲٫۵ کیلوگرم نباشد ، و یا چادر دو سقفه که سرپوش آن چهار دارد (سرپوش برای گذاشتن بار و بنه است) وزن این چادر ۱٫۳۰۰کیلو گرم است .

لوازم خواب ــ الف ــ دوعدد تشك بادی به ابعاد ۱٫۹۰×۱٫۷۰ متر که ۱٫۷۰۰ کیلوگرم وزن‌دارد.

ب) دوکیسه خواب مستطیل شکل از پارچه تبتی یا پرغاز بوزن ۱٫۲۰۰کیلوگرم یادوکیسه‌بالاپوش دار که با یك زیپ بلند بازوبسته می‌شود و می توان ازآن یك رخت خواب دونفره ترتیب داد .

لوازم آشپزخانه

الف ــ چراغ نفت

ب ــ پیت نفت که نیم لیترنفت داشته باشد .

ج ــ دوعدد تابه ، دوعدد روغن داغ‌کن .

د ــ دو بشقاب پلاستیکی یا آلومینیومی .

هـ ــ دو فنجان یا دو لیوان .

و ــ کره خوری آلومینیومی‌که داخل آن از شیشه پوشیده شده باشد ، یا کره خوری پلاستیکی.

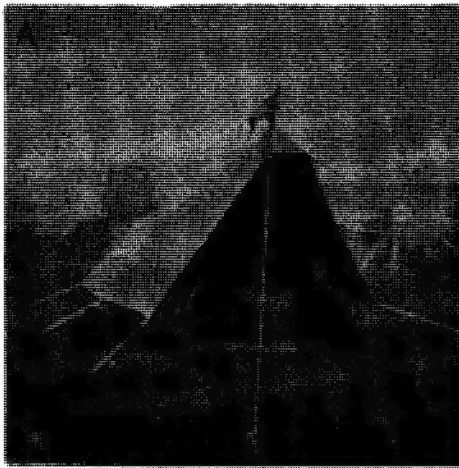
ز ــ قمقمه آلومینیومی ۸لیتری که داخل‌آن شیشه‌ای باشد .

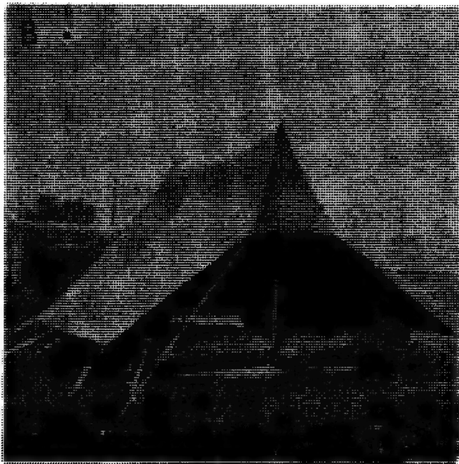
ح ــ قاشق و چنگال ازهرکدام دوعدد ــ کاردی که چند تیغه داشته باشد .

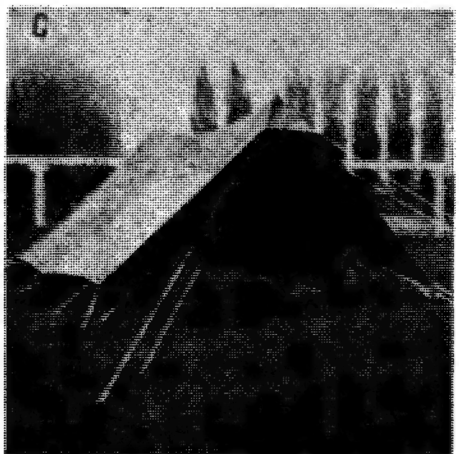
ط ــ نمکدان ــ فلفلدان، گلوله چای دم کن ، صافی ، شیشه‌روغن و سرکه .

ظروف آب ــ یك‌مشك آب‌که از جنس کتان ، لاستیك و یانایلون باشد وهشت‌لیترآب بگیرد ــ یك لگن پلاستیکی تمام این وسایل‌را درچمدانی که به «ساك تیرولی» معروف است میگذارند و بوسیله بندوبستی که دارد به‌پشت می‌بندند. یا روی دوچرخه میگذارند .

اگر قایق کوچکی دراختیار داشته باشیم و مسیرمان در طول رودخانه باشد میتوانیم چندکیلو گرم بیشتر ازمقدار فوق بار ــ برداریم ، چون قایق براحتی تحمل این بار را میکند . در سفر با قایق لوازم و وسائل سفر را باید در دو ساك امپرمابل بگذاریم که آب درون آن ها نفوذ نکند . دوچرخه سوار هم نمی تواند بیشتر از پیاده باربردارد . آنهائی‌که موتورسیکلت دارند می‌توانند از یك یدك که بدنبال موتورسیکلت خود می‌بندند استفاده نموده و وسائل بیشتری بردارند تا از آسایش بیشتری برخوردارشوند. اما درموردآنهائی که اتومبیل دارند ، این اشخاص می‌توانند چادر های سفری بزرگ و یا کمپ ثابت و کلیه وسائل‌لازم را همراه خود بردارند . برای مثال درصورت زیر لوازمی را که برای یك خانواده چهار نفری







سه‌نوع چادر برای ییلاق ــ نوع اول ساده ونوع دوم دونفره برای اتومبیل‌دارها و نوع سوم محل کانادائی که چادر از جلو و عقب بزرگتر میشود .

(زن ـ شوهر ، دوبچه) برای یك ماه کمپینگ لازم است ذکر می کنیم :

لیست وسائل‌لازم برای کمپینگ بااستفاده ازماشین‌یاموتورسیکلت . برای چهار نفر : دونفر بزرگ، دوبچه .

مسکن ـ دوچادر جنگلی که یکی بزرگتر و دیگری کوچکتر باشد .

لوازم خواب ـ الف ـ چهارتا تشك‌بادی ، دوتا بزرگ (۷۰×۱۹۰ متر) برای بزرگان و ۲ تاکوچك برای بچه ها .

ب ـ تختخواب های سفری (که بتوان بجای تشك از آنها استفاده کرد) ، خواه لوله فولادی داشته باشد (۳٫۲۵۰ کیلوگرم) خواه از جنس آلومونیوم باشد که دراین صورت می توان آنرا بشکل‌صندلی راحتی درآورد (وزن ۱٫۷۰۰کیلو گرم) .

ج ـ چهارتا کیسه خواب یادو تا کیسه بالاپوش دار از پارچه‌تبتی با زیپ های بزرگ که وقتی باز میشود دو نفر براحتی میتوانندر آن بخوابند، دوکیسه خواب مستطیل شکل برای بچه ها .

میز و صندلی ـ یك میز تاشو، چهارتا صندلی راحتی ـ دوتا صندلی تاشوی راحتی برای بچه‌ها.

لوازم آشپزخانه ـ تمام وسائل لازم از قبیل تابه ، بشقاب ، کارد، چنگال و غیره را باید همراه داشت . برای نگهداری این اشیاء یك بوفه کوچك لازم است که زیاد دست و پاگیر نباشد ، ابعاد آن از ۰٫۶۵ × ۰٫۳۵ × ۰٫۳۸ متر (درحالت‌بسته) ۰٫۷۵×۰٫۳۸×۱٫۳۵ متر (درموقع‌بازشدن) تجاوز نکند و وزن آن بیش از ده کیلوگرم نباشد . این بوفه تمام مزایای یك بوفهٔ بزرگ را که در منزل‌از آن استفاده میشود ، برای ما خواهد داشت و اگر از جنس «ایزورل» که ماده بسیار محکمی است باشد با اطمینان زیاد میتوان ازآن استفاده کرد چون علاوه بر استحکام ، مقاومت زیادی هم در مقابل تغییرات آب و هوا دارد. دراین بوفه وسائل زیررا جای‌می دهیم :

الف ـ دیگ یا قابلمه برای پختن غذا با ظرفیت های مختلف (۳ لیتری ـ ٤ لیتری ـ ٥ لیتری)

ب ـ هشت تا بشقاب پلاستیکی

ج ـ چهارتا کاسه و چهار تا فنجان

د ـ سه تا قوطی پلاستیکی

هـ ـ نمکدان و فلفلدان وگلونه چای دم کن و پارچه برای پاك کردن ظروف

و ظرف مخصوص نگاهداری یخ روی این بوفه یك اجاق گاز کوچك جا میگیرد .

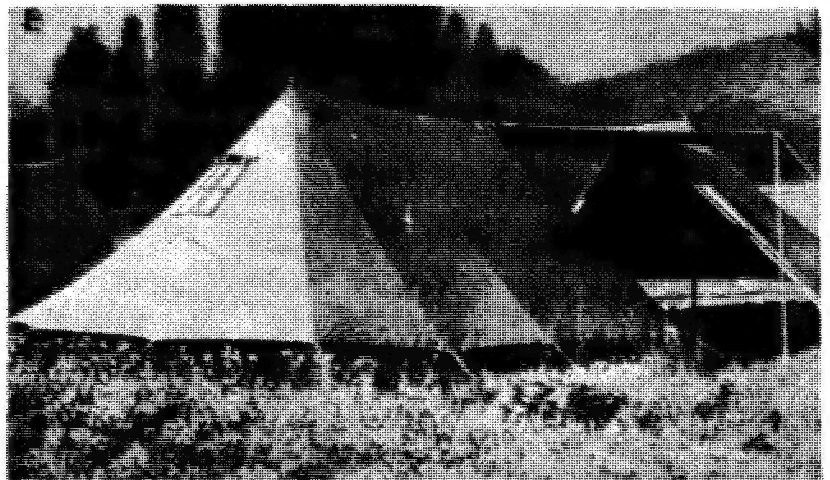
ظروف آب ـ یك لگن ، یك مشگ آب که از جنس کتان با پارچهٔ نایلون یا لاستیك باشد و پانزده لیتر آب بگیرد .

وسیله روشنائی ـ یك فانوس بادی .

لوازم اصلی این لیست که در درجه اول اهمیت قراردارند یکی چادر است که برحسب سلیقه ومد روز انتخاب می‌گردد . و دیگر وسائل خواب است که در لیست به آنها اشاره شد . اگر وسیله‌نقلیه‌ای که در اختیار ماست از نظر وزن و حجمی که میتواند حمل کند زیاد ما را محدود نمینماید می توانیم یك تشك از کرك با ضخامت کافی که تمام طول بدن‌در آن جا بگیرد و دربالا نیز بیك ناز بالش ختم شود تهیه کنیم . حسن این تشك اینست که درفصول دیگری غیر از تابستان تعطیلات عید نیز میتوان در کمپینك ازآن استفاده کرد .

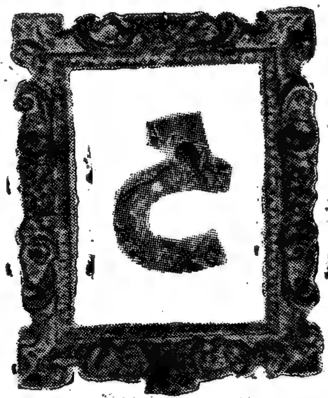
با شرحی که درمورد لوازم و تجهیزات یك کمپینك داده شد چنین نتیجه میگیریم که این کار آنطور هم که در برخورد اول تصور می رود با صرفه برگزار میشود . برداشتن اشیائی‌که دارای عیب و نقص ساختمانی هستند کار بی اساس است مثلا چراغی که در موقع کار کم‌کم خاموش میشود ویا تشك بادی که شب موقع استراحت بادش کم‌کم خالی میشود . اگراین موضوع رعایت نشود نه تنها لذتی از کمپینگ وتعطیلات واستراحت عاید ما نمیگردد بلکه از همان‌روز های اول خستگی و کسالت بسراغ ما میآید .

راحت ترین و بهترین طریقه کمپینك اینست که از اطاق هائی که یدك ماشین کشیده می شود استفاده کنیم . در بعضی ممالك، این اطاقها را بیشتر برای زندگی مورد استفاده قرار میدهند ولی در بعضی نقاط استفاده ازاطاقهای مزبور درمواقعی پیش می‌آید که دسترسی به مسکن دیگری برای اقامت نباشد . درخارج اطاق یدك اتومبیل ، صرفا به منظورگذراندن تعطیلات در دهات یا ییلاقات و غیره خریداری میشود . این اطاقها ابعاد و قیمت های مختلف دارد و کمی گران است و بهمین دلیل فقط بدرد اشخاص پولدار می‌خورد که به آسایش و راحتی خود و خانواده‌شان علاقمند باشند.





چادر برای ییلاق فقط جهت اتومبیل‌دارها برای چهارنفر یا پنج‌نفر



حمام :

عبارتست از غوطه خوردن و ماندن تمام بدن یا قسمت هائی از آن در محیطی مایع ، گرم و مرطوب ، خشك و یا گازی شکل .

هرگز بفاصله‌ای کمتر از دو ساعت پس از غذا استحمام نکرده و دیگری را نیز حمام نکنید. زنگ اخبار ـ پریز برق ـ آب گرم‌کن برقی و تلفن و بطور کلی هر نوع وسیله الکتریکی را در مجاورت حمام قرار ندهید.

استحمام بمنظور نظافت :

با آبی بحرارت ۳۲ تا ۳۶ درجه سانتیگراد عملی میگردد . قبل از شستشو با آب باید بدن کاملا با صابون‌تمیز شود . استحمام نباید بیش از چند دقیقه طول بکشد و قبلا بایستی بدن با کیسه موئی مالش داده شود . با دوش و طشت های بزرگ نیز میتوان شستشو کرد . از نظر نظافت آب گرم ارجح است‌ولی‌صابونهائی وجود دارند که در آب سرد(حتی آب دریا) هم بخوبی حل می‌شوند .

آب سرد از نظر ورزش :

با آب ملایم و یا آب دریا (۱۷ـ۱۸ درجه سانتیگراد برای شناگران ماهر و ۲۰ ـ۲۲ درجه سانتیگراد برای مبتدیان) انجام میشود.

در آب سرد رفتن اگربطریق صحیح اجرا شود و از نظر طبی منع نشده باشد باعث تقویت‌و تحریك میشود ولی اطفال خردسال را نباید باین کار مجبور کرد. بچه ها را میتوان در ساحل آزاد گذاشت تا بمیل خود با شن‌ها بازی کنند .

شستشوی قسمتی از بدن :

ممکن است صرفا بمنظور نظافت پاها باشد و یا بمنظورمعالجه از طرف طبیب تجویز گردد از قبیل کمرشوئی (شخص تا تهیگاه درآب قرار میگیرد)شستشوی‌نشین که معمولا دروان کوچکی بهمین نام انجام میشود و برای درمان بعضی از عفونت های موضعی مفید است.

حمام یك عضو که گاهی با یك دارو تجویز میشود (حمام پا با خردل) .

حمامهای درمانی :

عبارتست از غوطه خوردن در آبیکه از نظر طبی بمنظور تسکین و یا مداوا تجویز شده است.

این نوع شستشو ها برحسب متفاوت حرارت آب را با گرما سنج اندازه گیری و تنظیم می‌کنند .

الف) حمام گرم (۳۷ـ۳۸ درجه سانتیگراد) حرارت بدن را بالابرده جریان خون را تسریع مینماید . حمام بسیار گرم (۴۰ درجه سانتیگراد) معرق بوده (آب روی سر ریخته شود) ضمنا در رفع خستگی و تسکین بسیار موثر است و لی نباید زیاد ادامه پیدا کند زیرا ایجاد ضعف مینماید. این نوع حمام برای بیماران قلبی ممنوع است.

ب) حمام سرد نیروبخش و تقویت کننده است و بعنوان‌محرکی برای اعمال اعضاء بدن موثر واقع میشود . حرارت آب بایستی‌ابتدا۲۸ درجه سانتیگراد باشد و بعدبتدریج از حرارت آب کاسته شود اگر مریض وقت داخل شدن درآب احساس نفس تنگی میکند بایستی قسمت بالای سینه و شانه های او را بشدت مالش دهید واز آب حمام روی سرش بریزید. مدت حمام نباید از ده دقیقه تجاوز کند مگر اینکه پزشك دستوردیگری دراین باب داده باشد.

بمحض آن‌که مریض احساس لرز کرد باید اورا ازوان خارج کرد و بلافاصله روی ملافه‌گرمی که روی پتو کشیده شده است خوابانید و پتو را دورش‌بپیچانند و بعد باید نوشابه گرمی باو خوراند.

هنگام استحمام و یکربع ساعت پس از آن حرارت بدن مریض‌را اندازه میگیرند . بمحض آنکه در بیمار عکس‌العمل مشاهده شد (یخ کردگی پا ـ کندی‌ضربان نبض وغیره) تا ملاقات‌مجدد پزشك باید ازحمام خودداری‌کرد .

ج) حمام ملایم (۳۲ـ ۳۵ درجه سانتیگراد) در بعضی بیماری های التهاب آور بمنظور کاستن حرارت بدن و بکار انداختن‌غدد ترشحی و غیره مفید واقع می‌شود .

این نوع استحمام در صورتیکه شخص در وضع عمومی عادی نباشد خالی از خطر نیست .

حمامهای طبی :

عبارتست از غوطه خوردن در آبی‌که بتجویز پزشك دارو، مواد طبیعی و یا آب معدنی بآن اضافه کرده باشند . بعضی از انواع‌آن را در منزل میتوان عملی کرد وبرای انواع دیگر آن تاسیسات خاصی لازم است.

حمامهای طبی بی‌شمار است‌و معمول ترین آن ها حمام با آب نمك نشاسته و خردل است.

حمام هوای گرم :

معمولا در حمام (حمام‌ترکی) عملی میشود و در اطاقهای بسیار گرم (۴۵ـ۵۰ درجه سانتیگراد) آنقدر میمانند تا عرق کنند . حمام هوای گرم برای مبارزه با فربهی تجویز میشود ولی برای اشخاص قوی که مبتلا به احتناق هستند مجاز نیست (برای کسانیکه سیستم عروقی ناقصی دارندممنوع‌است).

حمام هوای گرم برای موضع خاصی از بدن نیز عملی می‌گردد (مانند التهابات مفصلی و دردهای عصبی) .

حمام بخار :

بطور فردی یا جمعی در ساختمان مخصوصی عملی میگردد. شخص طوری در وان می نشیند که فقط سرش از آن بیرون باشد و یا در اطاقکی که مدخل‌هائی دارد گردش میکند .

این حمام برای رفع چاقی تجویز شده و مدت و حرارت آن برحسب نظریه های پزشکی متفاوت است .

پس از استحمام معمولابایستی در رختخواب استراحت نمود.

حمام گل :

معروف ترین نوع‌حمام در محیط مرطوب ومخصوص‌استراحت گاههای معدنی میباشد . تقریبا منحصر به ناحیه رضائیه بوده قسمت و یا تمام بدن را برای مبارزه با رماتیسم در گل فرو می‌برند .

موادیکه برای حمام لازمست (عطریات) :

این مواد برای معطر ومطبوع ساختن استحمام استعمال میشوندو معمولا بشکل بلور هائی (درشت‌یا ریز) از نمك ها (اغلب رنگین)، روغن ها و یا قرصهای معطری که در آب حمام میریزند ، عرضه میشوند .

انجام این کار با اندکی اودکلن نیز میسور است.



هنرهای خانه داری

در تسهیل زندگانی در خانه و کارهای خانه داری ، هنرهای خانه داری با معلومات و امکانات تازه‌ای که در بردارد ، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد .

هنر خانه داری ، بطوری‌که بیشتر مردم می پندارند ، فقط به‌امور خانه وکارهای تنظیف آن اختصاص داده نشده ، بلکه برتمام امور و فعالیت های خانگی وهرچه به آن بستگی دارد ، توسعه دارد.و در صورت بکار بردن آن میتوان یاد گرفت که چطور در خانه خود بهتر زندگی کرده و راحتی افراد دیگر خانواده را فراهم نمود . چطور میتوان بهتر از نور ، گرما و شست وشو استفاده نمود و نیز چگونه تفریح‌کرد. تهیه غذا ، طرز مصرف آن ، تنظیف‌منزل، نگهداری لباس و پوشاك و تعلیم و تربیت اطفال ، جزو برنامه هنرهای خانه‌داری بشمار میآیند .

بعد از اطلاع از این هنر ، بهتر میتوان خود را در برابر پارازیتها ، دزدی ، حوادث وآتش سوزی دفاع کرد و بالاخره بهتر امور خانه را با قوانین صرفه‌جوئی اداره نمود و بکارهای خودترتیب داد.

خلاصه فن خانه داری ، هنر قادر بودن به کردن هر کاری‌که مربوط به خانه باشد و هر کاری‌که آسایش و راحتی آن را تامین میکند ، میباشد . هنرخانه‌داری در میان هنرهای دیگر

هنر خانه داری به‌تنهائی ، به هنرهای علمی ، مکانیکی وهنر های زیبا بستگی دارد.

مثلا بیشتر اکتشافات علمی‌در تکامل و بهبودی وسائل خانه داری وتسهیل کار خانم خانه‌دار تاثیر دارند .

در قرن ما می‌بینم که وسائل راحتی و آسایش خانه ، قدم به قدم با پیشرفت علم ، پیش میرود . برای مثال میتوان از گاز ، برق ، کولر و غیره نام برد.

تکامل پیوسته فنون‌مکانیکی، مخصوصا آنهائی که کار دستی و استعمال ماشین آلات (که خود با فنون علمی بستگی دارند) ایجاب میکند ، علت اصلی پیشرفت و بهبودی فنون خانه داری است. وبالاخره هنرهای زیبا در تحولات جدیدی که درطرز زندگی درخانه بعمل آمده ، نقش مهمی را ایفا میکند . و الهام دهنده زیبائی میباشد .

خوش آیند بودن وسائل و لوازم خانه ، اهمیت فوق العاده‌ای در روحیه افراد خانواده دارد و اشیاء و لوازم خانه ، درحال‌راحت و عملی بودن میتوانند . ازنظر ظاهری نیز زیبا و خوش نما باشند .

باشند و بدین ترتیب وقتی زیبائی وارد خانه شد ، دیگر برای زشتی جائی باقی نخواهد ماند . هرشیئی که مورد استعمال روزانه قرار میگیرد باید خوش آیند نیز باشد.

هنرمندان امروزه نیز مایلند که احتیاجات مردم زمان خویش‌را بر آورند . وراحتی و زیبائی را در طرحهای اشیاء و مبل‌هائی که خلق میکنند از یکدیگر جدا نکرده و سعی میکنند تا هردو را در یك جا جمع آوری کنند . قرن ما ، قرن راحتی است و ازاین نظر میتوان گفت که الهام دهنده هنرمندان عصر ما نیز هست و مردم نیز از چیزی‌که بی فایده باشد استقبال نمیکنند و آن را نمی‌پسندند .

سالن هنرهای خانه‌داری.

پیشرفت سریعی که از اوائل قرن بیستم در علم و صنعت روی داده ، وسائل راحتی مردم رانیز فراهم نموده . در عصر ماکمبود مستخدم ، اشکالاتی برای خانم های خانه‌دار ، مخصوصا آنهائیکه در خارج از خانه نیزکار میکنند، ایجاد کرده و تمام کارهای‌مختلف خانه را باید بتنهائی بعهده بگیرند.

دانشمندی‌که عالم در بهداشت و مخترع میباشد . به اهمیت فن خانه داری پی برد و درسال ۱۹۲۳ میلادی با عنوان «مدیر شرکت‌ملی اختراعات واکتشافات» نمایشگاه هنرهای خانه داری را تاسیس نمود . و با نزدیك کردن دو لغت هنر و خانه داری اصطلاح تازه‌ای را بوجود آورد . باگذشت زمان ، عده مراجعین این سالن‌ها و نمایشگاههای هنر خانه داری افزایش‌یافت تا تازه‌ترین اختراعات و مدرن‌ترین وسائل خانه داری را که نتیجه زحمات مخترعان،صنعت‌گران و هنرمندان بود ، درآنجا جمع آوری کنند . از آن پس تمام مسائل و مشکلات گوناگون خانه داری بادقت بیشتری مطالعه میشود .و با مرور زمان . پیشرفت های بی شماری در این زمینه حاصل شد.

مشکلات زندگی خانوادگی تازگی ندارد و از زمانی که بشر دست به تشکیل خانه وخانواده زده و بفکر تهیه لوازم و وسائل آشپزخانه و آشپزی بوده ، این مشکلات نیز وجود داشته وباگذشت سالها وتمدن بشر ، افزایش یافته و لیکن تا بآن روز این مسائل، موضوع بس مهمی برای تشکیل بخشی جداگانه وگردآوری افکار و عقاید مختلف برای حل این مشکلات بشمار نمیرفت ، در حالی که صنعت مدرن و وسیع امروزه، که نتیجه مطالعات و زحمات بیشماری علمی میباشد،تمام‌تسهیلات لازم را در دسترس همگان گذارده.

کارهای مختلف وپراکنده‌ای که تا بحال خانم خانه دار اجبارا و با بی میلی انجام میداد ، در حال حاضر ، برای خود هنری بشمار میآید و دارای فنون و قوانین است که نتیجه تمدن امروزه و پیشرفت های سریع آن میباشد .

تاریخ هنر های خانه داری هنوز کوتاه است وتنهانمایشگاههای سالیانه که در فرانسه تشکیل میشوند ، وسیله آشنائی مردم با این فن که روز بروز پیشرفت میکند . میباشد .

خرید

جهت تهیه و تدارك ارزاق خانواده کدبانوی خانه خریدهای مختلفی میکند که قسمت

مهم مخارج زندگی را تشکیل می‌دهد . بنابراین کدبانو ناچار است برای توازن بودجه‌اش عاقلانه و در حدود مقدورات خرید نماید و بطور کلی بپاره‌ای اصول اساسی اقتصاد خانواده توجه داشته باشد .

دانش خرید ـ مسئله خرید یکی است . فن خرید به دوعامل مهم‌زیر ستگی دارد .

جنس ـ رل مهم تر را در خرید بازی می‌کند زیـرا ایـن امـر ستگی زیاد بسلامت و بـهداشت خانواده دارد . لذا خریدار بایستی آشنائی کافی به جنس مـواد و محصولات مورد نیاز بیکی از طرق زیر پیدا کند .

الف) ـ خواه در نتیجه سابقه و تجربه شخصی و یا توجه بخرید های روز های قبل که بدین ترتیب می‌تواند خود بخود فراگیرد و قضاوت‌نماید وپاروی‌ارزش اجناس مثلا جنس پارچه‌را با مالیدن دست‌ـ موادخوراکی‌راازبوی‌آن‌ـ یك‌قطعه گوشت را از رنگش ـ سبزی را از تازگی آن ـ میوه را از عطرو بوی آن ـ توجه بدین نکات یك حس تخمین و برآورد قیمت بـه خریدار می‌دهد .

ب) ـ خواه در نتیجه پاره‌ای معلومات حاصله براساس علمی و صحیح که تحصیل آن بسیار آسان است .

معهذا زیادی تعداد اجناس اجازه نمی‌دهد که اطلاعات نظری کفایت کند و غالبا مجبور می‌شوند یا به تائید فروشنده اعتماد کنند و یا بوضعی که آداب معاشرت ایجـاد می‌کند براثر توصیه دیگران جنسی را خرید کنند . در این صورت بهتر است بیك‌کاسب شریف آزمایش شده و مشهور به خوبی همیشـه مراجعه کنند و یا این که عادت کنند به قرائت دقیق بر چسب های سازنده ها و تجزیه و تحلیل مشخصات کالاهای مختلف ـ البته در پاره‌ای موارد خرید از قبیل کنسروها ـ مشروبات و امثال آن یگانه وسیله حسن انتخاب همانا سلیقه و تشخیص خانم خانه‌دار می‌باشد .

در زیر پاره‌ای تذکرات اساسی که باید روی برچسب ها نوشتـه شده بیان می‌کنیم .

۱ ـ مبداء و محل تولید کالا که برای کالاهای خارجی اجباری است . مثلا نوشته شده باشد کنسرو آرژانتین ـ پرتقال کالیفرنیا ولی از ذکر نام شهرها معمولا صرف‌نظر می‌شود مگر این‌که کالای اختصاصی آن شهر باشد .

۲ ـ مشخصات وزن روی کالا های بسته بندی شده باید نوشته شده باشد ـ با قید وزن با ظرف ووزن خالص . خصوصا برای اجناسی که پس از خروج از کارخانه تاموقع رسیدن بدست مصرف کننده ممکن است دراثر جذب رطوبت و یـا خشگ شدن تغییر کند باید وزن موقع خروج از کارخانه قید شود.

۳ ـ ماهیت اجناس ـ تشخیص مواد غذائی و اطلاع از کیفیت آنها کاملا تحت نظامات و مقرراتی قرارگرفته است تا امکان هرگونه قاچاقی را سلب کند . خانم خانه‌دار باید آنچه را که بدو ارائه می‌شود بداند که چیست . یعنی مثلا یك ماده غذائی بدون مواد مضره و خالص است یا مخلوط ؟ ـ البته استعمال کلمات « فانتزی و یـا اختصاصی » روی پاره‌ای اجناس این اجازه را می‌دهد که در ترکیب مواد آنها تغییراتی داده شود . ـ درهرحال در تمام موارد خریدار حق دارد نمونه جنس مظنون را آزمایش کند .

مواد مرکبه بسیاری از مواد غذائی ترکیب شده از چند ماده را (مثل صبحانه ـ آردهای مغزی مخلوط ـ اغذیه‌رژیم دارها وغیره) معمولا روی برچسب و یا لفاف آن می‌نویسند . باید آنرا خواند تـا بتوان از فواید آن بهره‌مند شد و احیانا موارد استعمال آن را دانست .

شایسته است به برچسب هـای بی‌معنی و یا تصاویر و یانوشته‌های مبهم که خریدار را گمراه می‌کند اعتمادی ننموده . من باب مثال قید نام «بردو» در عنوان و نام و نشانی یك تاجر شراب در فکر خریدار اثرمخصوصی بجا می‌گذارد. در صورتی که‌این یك تاجر معمولی شراب است که ساکن شهـر بردو بوده و دلیـلی ندارد شرابـهای خوبی نیز داشته باشد .

کلماتی از قبیل [اعلا ـ مورد پسند همه ـ انتخاب شده ـ قابل ملاحظه ـ تهیه شده از بهتریـن نوع] فقط مورد توجه اشخاص کم عقل قرارمی‌گیرد .

در هر صورت بانوی خانه‌دار صرفه‌اش در این است که اجناس خودرا از بین کالاهای معروف و با سابقه انتخاب‌کند سازندگان‌جنس مرغوب احتیاج بتعریف و تبلیغ برای جنس خوب خود ندارند بلکه برای حفظ منافع خود ناچار از نگاهداری جنس خود در وضع‌ثابت وخوبی می‌باشند .

هنگام خرید لوازم خانه بانوی خریدار باید به مارك ـ برچسب کنترل ـ ضمانت‌نامه ساخت و طرز عمل آنها توجه کند ـ بعلاوه هر گاه کدبانوئی خواست جنس گران قیمتی را خریداری کند از تهیه کننده ویا فروشنده باید برگ فروش ـ برگ ضمانت دال برمبداء تهیه کالا وسلامتی کالا ومدت زمان کار آنرا مطالبه نماید . چنانچه فروشنده ازتسلیم این‌اسنادخودداری نمود باید نسبت بجنس آن کالا مشکوك شد . ضمنا این نکته را نیز باید گفت که عادت پاره‌ای از اجناس اعتقاد عمیقی نسبت بخوبی ساخت آنها دربانوی خریدار تولید می‌کند .

قیمت ـ قیمت‌نیز سهم بسزائی در انتخاب اشیاء و کالاها دارد . زیرا قیمت در جهت خوبی جنس کالاها متغیراست . مردم عـادتی دارند که با اعتقادی زیاد بگویند «بهترین کالا گرانترین آنها است» واز منطق آنها این طور استنباط می‌شود که قیمت کم برای تزویر و تقلب بوده وماسکی است که ارزش حقیقی کالارا می‌پوشاند . ـ قیمت ارزان نوشته شده روی برچسب پاره‌ای اجناس فقط نشانه واشاره‌ای است که غالبا برای خلاصی از آن قطعه ویا جنس بخصوص است . قیمت واقعی آن ردیف جنس بالاتر از آن است که روی نمونه نوشته شده . بعلاوه نکات زیر وارد میدان سنجش قیمت می‌شود .

الف : دوران استعمال اشیاء ـ که باید زیاد مورد توجه قرار گیرد مثلا مقایسه دوران خدمت ودوام لباس پشمی با لباس پشمی و نخی‌ـ اجناس ساخته شده با مواد اولیه خوب ودرجه یك ویا بامواد اولیه درجه ۲ . زیرا دراین موقع مسئله استهلاك بمیان می‌آید .

استهلاك ـ یعنی تقسیم یك‌خرج ءهم روی مدت زمان های زیاد .. با توجه بدین تعریف می‌گویند کالای با قیمت ۱۰۰۰۰ ریال بامدت عمر مثلا ۱۰ سال رجحان دارد برکالای مشابه بقیمت ۶۰۰۰ ریال و مدت عمر سه سال . چنانچه‌کالای اولی که گران تراست خریداری شود هزینه سالیانه ۱۰۰۰ ریال است و حال آن که اگر کالای دومی خریداری گردد هزینه سالیانه به ۲۰۰۰ ریال بالغ می‌شود . ومسلما جنس وزیبائی کالای دومی بپایه اولی نمی‌رسد .

ب ـ غیرقابل تحمل بودن‌هزینه نگاهداری کالاها که لازمه استفاده از آن است .

ج ـ راندمان وبازده کالاها ـ خصوصا در مورد مواد سوختنی که قدرت حرارتی آنها رل مهمی را بازی می‌کند .

د ـ مدت زمان وارزش کاری که بانوی خانه‌دار صرف می‌کند یا صرفه جوئی می‌کند تا از کالای خریداری شده استفاده نماید ارزشی زیادی در کم وزیادی قیمت کالا دارد .

در مورد مواد غذائی اگر توجه کرده باشید ارزش غذائی مواد خوراکی همیشه متناسب با قیمت آنها نیست تهیه غذاهای کمیاب لازمه‌اش گران خریدن و تحمل مخارج سنگینی است که هرگز با نیروی مغذی آنها تناسب ندارد . بعلاوه امکان تحمل ارزش جنس خوب وعالی برای همه روز نیست وتهیه آن هم ممکن نیست وفرضا انتخاب و تهیه شده برحسب اتفاق بوده واحتمال اشتباه بسیار زیادی است .

برای تحصیل مظنه مناسب‌تهیه اجناس مدیره منزل باید اصول زیر را رعایت کند .

۱ ـ با سر زدن بمغازه‌ها ـ قرائت کاتالوگ ها ـ صورت بهاء اجناس خودرا همیشه در جریان قیمت‌ها بگذارد و هنگام خرید فروشندگان و تهیه کنندگان را برقابت هم وا دارد .

۲ ـ هرگز یك سفارش اهل منزل را انجام ندهد مگر این که قبلا استعلام بهاء با تحقیق ودقت کافی کرده باشد .

۳ ـ بهتر است غلات و حبوبات را موقع فراوانی آن در بازار ـ تخم مرغ را در بهار ـ میوه هارا در تابستان سیب زمینی را درپائیز شراب را در ابتدای زمستان ویا موقع تنزل قیمت آن ـ ذغال را در تابستان ـ پوست های قیمتی‌را در تابستان خرید نماید .

رعایت این اصل اهمیت بیشتری دارد تا این که شخص اجناس را تهیه و خصوصا بطرز قدیم کنسرو ونگاهداری نماید . لازم بتذکرات که خرید بصورت اخیر باید بمقدار زیاد انجام گیرد تا رعایت صرفه در پول و وقت بشود .

۴ ـ همیشه در منزل از تمام اجناس مورد نیاز بمقدار مصرف عادی برای دوبار لااقل موجود داشته باشد که یك مرتبه باتمام شدن آن غافلگیر نشود . مثلا از روغن دو لیتر ـ مارکارین ۲لیتر ـپودر ظرف شوئی ۲ پاکت ـ هم چنین از شراب و صابون و غیره بمقداری موجود داشته باشد .

۵ ـ سعی کنید از حراج های ماه دی وبهمن (مشروط براین که از اجناس مورد حراج آبدیده ـ زده ـ آواریه ـ از مد افتاده

نباشد) ویا نمایشگاه ها ویا فروش های اختصاصی پاره‌ای اجناس که کمتر از قیمت معمولی بمعرض فروش عموم گذارده می‌شود استفاده کند .

۶ ـ از خرید های بمقدار جزئی که مخصوصا از حیث وزن و حتی قیمت مغبون می‌شود پرهیز کند ـ زیرا فی‌المثل بسته $\frac{۱}{۱۶}$ کیلوئی که باید ۶۲٫۵ گرم وزن خالص آن باشد بیش‌از ۶۰ گرم محتوی آن نیست ـ ویا جنسی که هر کیلوئی آن ۷۶ ریال فروش می‌رود وبسته های ۱۲۵ گرامی آن‌باید ۹٫۵ ریال بفروش رسد کمتر از ۱۰ ریال قیمت گذاری نمی‌شود .

کجا باید خرید کرد ـ محل های خرید متعدد است . خانم خانه‌دار آن فروشگاهی را انتخاب می‌کند که جواب گوی بیشتر احتیاجاتش باشد . از مغازه هائی که شخصی است و می‌تواناز تماس مستقیم وامکان مذاکره با فروشنده استفاده نماید واز مقادیر تحویلی مطمئن ویا از نزدیك بودن فروشگاه بمنزلش برخوردار شود بیشتر خرید نماید . البته تنوع جنس و آزادی عمل زیاد دراین مغازه‌ها برای خریدار موجود نیست ولی درمغازه های بزرگ که دارای شعب‌مختلفی است اطمینان بیشتری نسبتا روی قیمت ها می‌توان داشت . در فروشگاه‌های بزرگ قیمت‌ها معمولا ثابت و غالبا مناسب‌تر از جاهای دیگر است . هم چنین تسهیلات زیاد و متفاوتی برای خـرید موجود است خصوصا صرفه جوئی زیادی در وقت بسبب وجود اجناس مختلفه می‌شود .

اما در بازار های روز قیمت ها مناسب تـر ـ اجناس روز قیمت‌ها امکانات خرید بسیار زیاد ولـی باید از حیث شناسائی اجناس خانم خانه‌دار کاملا خبره باشد واعتمادی باجناسی که در عقب پیش خوان گذارده‌اند ننماید .

طرز خرید ـ چنانچه پرداخـت ارزش جنس در مقابل تحویل کالا انجام می‌شود خرید نقدی است . چنانچه پرداخت بفاصله واقساطی باشد خرید معتدل قابل تحمل ـ تر است .

فروش اقساطی که در سالهای اخیر بسیار متداول گردیده بیشتر نسبت باجناس و مواد غیر خوراکی است که در قیمت های خیلی بالا انجام می‌گیرد . از قبیل لوازم خانه ـ یخچال ـ رادیو ـ کتاب اجناس لوکس و قیمتی ـ اتومبیل تلویزیون و غیره لازم است یادآور شد که ازاین طرز خرید نباید بیش از حد معمول و عرف استفاده نمود واجناس پوچ و بی‌معنی‌خرید کرد.

تصویب نامه های قانونی در این مورد می‌گوید نباید مدت اعتبار برای این قبیل معاملات از ۱۲ ماه بیشتر وقیمت قسطی آن نسبت بنقدی ۳۰٪ بیشتر نباشد .

خفگی

موقعی که تنفس دراثر کمبود اکسیژن کند یا ، مثلا قطع میشود خفگی ایجاد میگردد .

این خفگی موقعی بوجود میآید که یا مانعی در راه ورود هوا در ریه وجود داشته باشد (مانند خفگی ناشی از طناب دار ، خفقان ، غرق شدن در آب ، برق گرفتگی و وجود شیئی خارجی در حلق) ویا از اقامت در محلی که هوایش نا پاك وآلوده باشد (مانند هوائـی که دارای گازهای مسموم مانند اکسید کاربن ، اسیدسولفورو آمونیاك و غیره باشد .

سوخت

عـلت بیشتر خفگی هائی که در منازل اتفاق میافتد در اثر نقصی است که در بخاری یا هروسیله سوخت دیگری وجود دارد ویا بیشتر ، نتیجه مصرف غلط‌این‌وسیله میباشد . (مثلا بستن پنجره ها در اطاق و جلوگیری از ورود هوای تازه با گرفتن تمام درزهای درو پنجره و غفلت از تهویه هوای کثیف اطاق) .

مصرف ذغال در بخاری یاکرسی باید بامراقبت واحتیاط دائم همراه باشد زیرا که دراین مواقع گاز های مضر مخصوصا اسید کاربنیك بـوجـود مـی آیـد . اکسید کاربن حتی به مقدار بسیار کم و ناچیز خطرناك است و وجودش را در هوا بعلت نداشتن بو ، بهیچوجه نمیتوان حدس زد . بیشتر مردم ، اول زمستان ، قبل از اینکه اطمینان حاصل کنند که دودکش منزلشان سالم و تمیز است وشکافی در آن وجود ندارد ، بخاری روشن میکنند واین یك بی احتـیاطی بزرگی است وتمیز کردن دودکش واطمینان پیدا کردن ازبدون عیب بودن آن . از هر لحاظ ، هرسال قبل از فرا رسیدن فصل زمستان کاری است بدون شك داریم و ضروری .

گاز .

گاز در بسیاری از مواقع‌موجب اتفاقات ناگواری میگردد .برای جلوگیری ازاین گونه اتفاقات هر شب قبل از خواب یك سرکشی به فر آشپزخانه یا هردستگاه دیگری‌که با گاز کار میکند ، برای اطمینان حاصل کردن از اینکه هیچ راه خروجی برای گاز نیست . لازم است .

معالجه عمومی

۱ ـ بردن مریض درهوای آزاد و تمیز .

۲ ـ دادن تنفس مصنوعی .

۳ ـ تحریك اعصاب مریض با پاشیدن آب سرد برروی بدن ، مالش شدید گذاشتن پارچه گرم ، مشمع خردل برروی بدن و تحریك مخاط بینی بوسیله پر .

برای غریق .

شخص خفه شده در آب را باید برروی طرف راستش خواباند سرش را کمی به یك‌طرف خم کرد دهانش را گشود . زبانش را بیرون آورد و آنرا و همچنین بینی را تاحد ممکن تمیز کرد . مریض را باید گرم کرد .

برای برق زدگی

قبل از هر چیز جریان برق را باید قطع کرد و دستورات معالجه خفگی را انجام داد و سوختگی ها را نیز نباید فراموش کرد .

سرما زدگی

خیلی بآهستگی ، درجه به درجه شخص سرما زده را باید گرم کرد ، اطاق سرد ، مالش بدن مریض با برف یا آب یخ ، برگرداندن تنفس بطریقی که در بالا ذکر شد ، دادن مشروب الکلی سرد همین که این کار میسر شد وبعدبیدار نگهداشتن مریض از ضروریات است .

گرمازدگی

سر مریض را باید بالا نگهداشت وبادکش وزالـو برروی بدنش گذاشت .

متدنیلس .

۱ ـ با یك حرکت سریع‌انگشت شیئی ممکن در دهان غریق را (مانند دندان مصنوعی) بیرون آورد .

۲ ـ مریض را برروی شکم خواباند . آرنجهایش را خم کم و دستهایش را رویهم گذاشت . سرش را به‌یك طرف برگرداند بطوری که یك طرف صورتش برروی‌دستش قرار گیرد .

۳ ـ شخصی که میخواهد تنفس مصنوعی را بدهد ، طرف سر غریق، کنار بازو ، یك زانو را بزمین گذاشته و پای دیگرش در کنار آرنج آزاد غریق قرار میگیرد . البته اگر میل دارد ، میتواند دو زانو را را در دو طرف سرغریق بزمین بگذارد . دستهایش بر روی پشت غریق بطوری که مچ دستها درست بر روی خطی قرار گیردکه میگیرد . دو انگشت شصت بهم چسبیده و دستها باز میمانند .

۴ ـ برای دادن تنفس مصنوعی باید بجلو خم شد . بطوری که بازوها بطور عمودی قرار بگیرند این حرکت باعث میشود که وزن بدن شخص بر روی سینه غریق بیفتد که دراین موقع تحت فشار قرار میگیرد و ریه بصورت موقعی که هوا را خارج میکند در میآید آرنج را دراین موقع نباید خـم کرد تا فشار کاملا عمودی باشد.

۵ ـ به آهستگی بعقب خم شد. دستها را به آهستگی از روی پشت به‌طرف بازوها ،تاسر آرنج لغزاند. بازوها را گرفت و بطرف خود و بالا کشاند تا آنجائی که شانه‌های غریق از بالا رفتن بیشتر بازوها جلوگیری کنند . آرنج های خود را نباید خم کرد . بازوها را بـه آهستگی بزمین گذاشت و دوباره از حرکت اول شروع کرد .

با این حرکات سینه به علـت فشاری که بر روی عضلاتش وارد میآید و فرو رفتگی کمر بازمیشود و ریه برای پر شدن از هوا حاضر میشود .

خلوتگاه :

اتاقــی است کوچـك ، برای استراحت و قرائت خانمها و معمولا باطاق متصل میباشد و چون مخصوص زنان است بهمین جهت از آن به ذوق و ظرافت فکری کسی که درآنجا بسر می‌برد میتوان پی برد .

دراین سالن کوچك است که زن نامه‌هــایش را مینویسد و بحسابهایش‌رسیدگی‌میکند واحتمالا کارهای خیاطی را انجام میدهد . این اتاق باوجود تزئینات و حفظ لطف و زیبائی باید وسایل رفاه را که مخصوص‌سالن آسایش است داشته باشد و برای آن میتوان مبل های مدرن با جوبهای روشن و مناسب واندازه متوسط انتخاب کرد پوشش دیــوار باید بادقت انتخاب شود وخیره‌کننده نباشد انسان بمحض ورود درآنجا باید ملایمت و لطف مرموز جعبه جواهر را حس کند .

بنابراین‌توصیه میشودکه تخته‌هائیکه بدیوار نصب میشوند روشن ورنگی یا از چوب طبیعی سیر باشند ولی اگر این تخته‌ها مدرن است باید از ایجاد برجستگی و انتخاب رنگ سیر خودداری شود آویختن مخمل یاترمه یاساتن یا دست دوزی بدیوار حالت اطاق را جذاب و گرم نشان میدهد . باید بجزئیات تزئین این اتاق خواه بسبك قدیم یا جدید طوری دقت نمودکه هیچگونه نقصی مشاهده نشود .

آهن کاری پنجره‌ها و درها و مبلها و همچنین وسایل الکتریکی و پوشش بی‌عیب دیوار و تخته‌ها به انتخاب شکل‌ورنگ بستگی دارد.

غالبا برای دکوراسیون اتاق آسایش یا خلوتگاه زنانه بسبك‌لوئی ۱۵ و لوئی ۱۶ را بدلیل ظرافت وتناسب ولطف آن انتخاب میکنند. با این سبکها میتوان اثر دلخواه را ایجاد نمود .

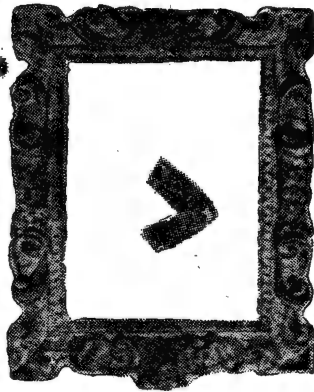
از طرف دیگر بهتر است رنگ چوب و پوشش دیوار ضمن توافق و هماهنگی بایکدیگر با شخصیت زنی که درآنجا بسر میبرد نیــز بستگی داشته باشد . دکوراسیون سالن یك زن مو بور و یك زن گندمگون نباید شبیه هم باشد ونیز مبل باید به تناسب قد زن انتخاب شود . زن بلند قد نباید مبل زیاد کوتاه انتخاب کند چه با این ترتیب بلندتر بنظرخواهد رسید وزن‌کوتاه قد برعکس نباید مبل بلند انتخاب کند چه کوتاهتر بنظر خواهد رسید ممکن است کف این خلوتگاه را با قالی های خوب خوش نقش یا قالی های ماشینی فرش نمود .

برای حمایت پنجره‌ها بهتر است کرکره سفید یا کرکره‌ایتالیائی که بآن کرکره مارکیز میگویند انتخاب کرد روپرده‌ای که درمقابل پنجره قرار میگیرند باید از پارچه کلفت انتخاب شوند و رنگ سبز پسته‌ای یا خاکی متمایل بآبی یازرد مناسب است رنگ و جنس پرده عرضی بالای پنجره باید مشابه دو پرده فوق‌الذکرباشد روشنائی محیط باید توسط جار بلوری که درمرکز سقف آویخته شده یا بوسیله چراغ های دیواری جدید غیر مستقیم تأمین گردد . اگــر سبك سالن آسایش خــانــم قــدیمی است . لازم است یــك یــا دو قطعه کلکسیون (ظرف ، مجسمه) را بپایــه چــراغ قــابــل حمـل تبدیل نمود تا روشنائی لازم بــه اتاق برسد . اگر جدید است بهتر است چراغهای کوچك میزی از مس یا لوستر (پارچه‌ای یاکاغذی) رنگی انتخاب نمود .

خیزران :

گیاهی‌است درخت مانند ازطایفه غلات که اختصاصا در نواحی گرم میروید . بعضی از انواع آن‌به منظور تزیین باغها مورد استفاده قرار میگیرد . بهره برداری این گیاه با اسلوب صحیح در بعضی مناطق بعمل میآید .

نوع بسیار بزرگ آن ساقهای سبك و محکمی دارد که خاصیت نرمش خود را حفظ میکند وموارد مختلف استعمال آن برای ساختن چوب بست ، وسایل خانه اسباب بازی وسبد بافی و غیره است.



درخت وبوته

درختها را اصولا بدو دسته میتوان تقسیم کرد.

۱ــ درختهای میوه دار.

۲ــ درختها و بوته هــای تزئینی .

درختها و بوته های میوه‌دار. عبارت از نباتاتی هستند کــه گل هایشان مبدل به میوه خوردنی میگردد .

درختهای میوه دار را بدو قسم پرورش میدهند.

اول . درباغستانها : ایــن **درختها** ساقه های بلندی داشته‌و در چمن زار یا در زمین هــای آماده برای کشاورزی بــار مــی‌ آیند .

دوم ــ درخت هائی هستند با ساقه های کوتاه که در باغهای خصوصی پرورش یافته و میوه‌های آن ها نیز بمصرف خانوادگــی میرسد .

بوته های میوه دار (مانند بوته های تمشك و انگور فرنگی) نیز در هر دو جا پرورش داده میشود.

پرورش میوه برای فروش

برای تسهیل کارهــای‌حاصل برداری و تجاری انواع واقسام میمو هائی که بمنظور فــروش پرورش داده میشوند ، بسی محدود است.

واما برعکس اشخاصی کــه برای سرگرمی خود و مصــرف خانوادگی درخت ها و بوته های میوه دار را بار میآورند وباغبانی میکنند ، بیشتر سعی میکنــند تا پیوند میوه های مختلف و کاشتن انواع واقسام نباتات ، محصول ارزنده‌ای را در بیشتر فصــول سال بدست آورند .

درختها و بوته های تزئینی مشخصات گوناگونی دارند کــه جدول ذیل آن را مشخص می ــ سازد.

البته این مقادیر بیشتــربرای آب و هوای نقاط مختلف فرانسه و آب و هوائی نظیر در این کشور ، صحت دارد و برای نقاط دیگر تقریبی است .

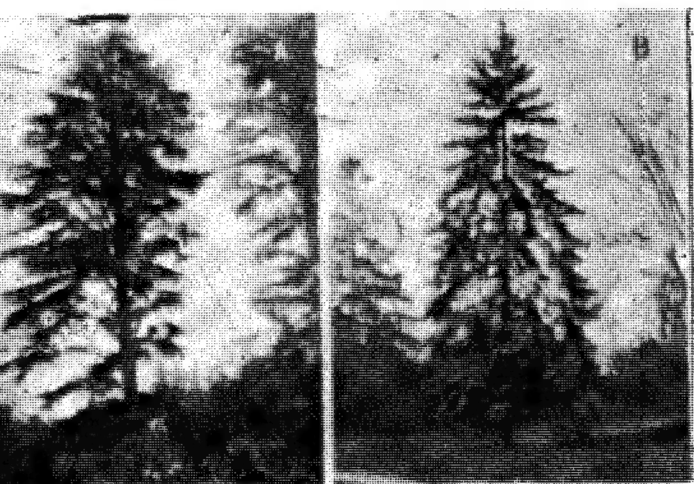
قبل از انتخاب درخت یا بوتههائی که میل دارید بخرید، بهتراست با متخصصین در این فن و یا مامور کاشت محل مشورت نمائید.

صاحب درخت وظایفی نسبت به همسایگان و همچنین همسایگان وظایفی نسبتا به او دارند. یکی ازاین وظائف اینست که هرمالکی باید احتیاط کند ، تا شاخههاو ریشههای درختانش برروی زمین همسایه پیش نرود و حق اورا پایمال نکند . درمقابل هرکس مال دیگر را باید احترام گذارد.

قانون برای قطع ، خراب‌کردن و کندن پوست درختهائی که در باغها ، مزرعه ها ، جنگلها ویا کنار خیابان یا جاده را ممنوع کرده و کسی را که درخت‌ها را ریشه کن کرده یا بریده باشد، جرایمی تامل شده‌است .

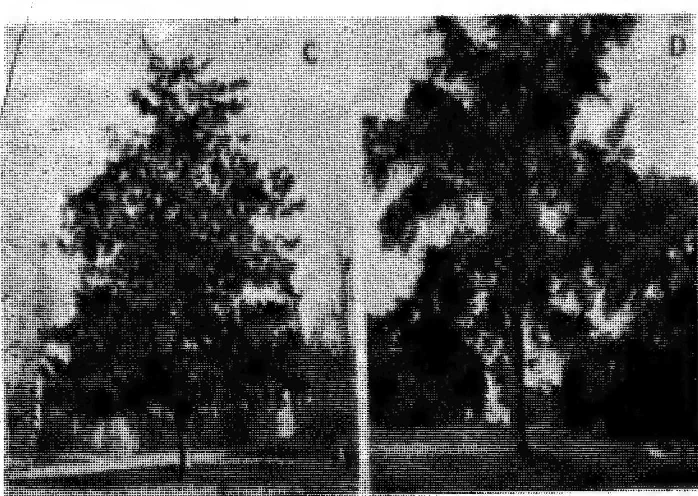


A – کاج سیاه اتریش B –بدتان C کاج لاریچیو D – آروکاریا

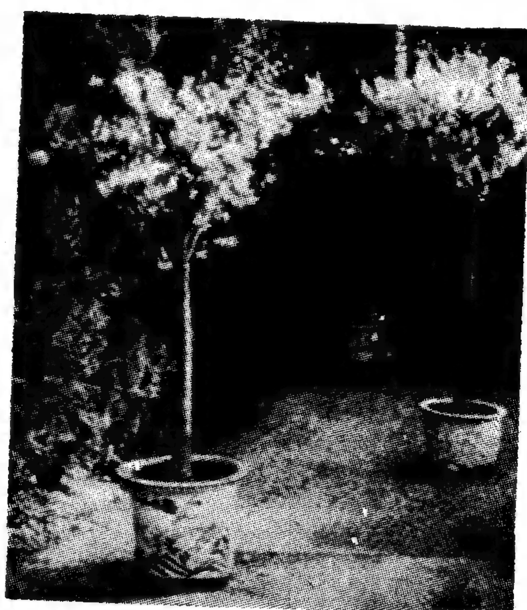




A – سدر B– اپیسه آبی

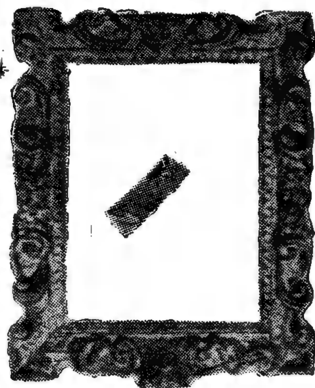


C – ماگنولیا D – تولیپیه



تورسی‌تیا

روغن داغ کن



تابه ــ از وسائل آشپزخانه است که ته صافی دارد و بدستهٔ بلندی مجهزاست ، بعلاوه ممکنست نوك یا لبه ای برای خالی کردن محتوی خود داشته باشد .

این اسباب را باسفال ، چینی مقاوم به آتش ، شیشه‌های مخصوص ویا فلزی(آهن، مس ، آلومی‌نیوم، فولاد) می‌سازند ومعمولا بصورت سری های پنج‌تائی به فروش می‌رسانند . بلندی دیواره‌روغن داغکن $\frac{۱}{۲}$ و طول دسته $\frac{۹}{۱۰}$ قطر کف آنست .

دستهٔ روغن داغکن ممکنست فلزی ، چوبی یا پلاستیکی باشد که برای سهولت حمل ونقل گاه ازآن جدا می‌شود . نوعی از این اسباب ها که همین مشخصات را دارند ولی بلند بدنه‌شان کمتر است ــ $\frac{۱}{۳}$ قطر کف) به تابه یاماهی تابه موسومند . تابه‌ها برای سرخ کردن گوشت و سبزی بکار می‌روند و حسن آنها اینست که با استفاده از آنها مواد غذائی تا حد امکان در تماس باروغن‌یا سوس‌قرار میگیرد. ضخامت های مختلف دارند . دهانه تابه وسیع وطوری است که می‌توان گوشت یا چیز دیگری را که درآن سرخ می‌شود به کمك چنگال زیر و رو کرد .

تابه هائی که برای آب کردن شکر استعمال می‌شوند از مس ساخته شده و دیواره‌های آن چه در داخل وچه در خارج قلع اندود نیست . برای تهیه شربت های مختلف و ژله های میوه ازاین تابه‌ها استفاده می‌شود .

برای کمپینگ ، روغن داغ‌کن های آلومینیومی‌مخصوصی‌ساخته‌اند که سری‌آنها در یکدیگر جامی‌گیرد ودستهٔ متحرك دارند .

روغن داغ‌کن های سفالی ، چینی و شیشه‌ای باید با احتیاط‌تمام استعمال شوند و هرگز نباید مدت زیادی در تماس مستقیم با آتش قرار گیرند . نگهداری و محافظت از تابه‌ها وروغن داغ‌کن ها بستگی به موادی دارد که در ساختمان آنها بکار رفته است .

ریش

مجموعه موهائی که روی صورت می‌روید ریش و موهائی که روی لب بالائی پدیدار می‌گردد سبیل نامیده می‌شود ، برای نگهداریش شستشوی روزانه با آب گرم و کمی بریانتین و شانه زدن هر روزی لازم است .

سبیل بوسیله‌قیچی کوتاه می‌شود. برای‌مردانی که ریش نمی‌گذارند و هر روز آنرا می‌تراشند لوازم مختلف و لازمی وجود دارد که تشکیل می‌شود از :

ریش تراش (برقی و یا تیغی) جام کوچك برای آب گرم ، فرچه ، صابون ریش تراشی ، آینه با لامپ الکتریکی و یا بدون لامپ عطر پاش ، با یك نوع ادوکلن مخصوص و یك پودر زن با قوطی محتوی پودر (برای کسانی که ریش تراش تیغی بکار می‌برند) . و یك داروی بند آورنده خون‌برای جلوگیری ازخونریزی‌های احتمالی و وسایل لازم برای مرهم گذاشتن روی بریدگی ها لازم است .

فرچه : موهائی که روی دسته چوبی ــ پلاستیکی ویاآهنی نصب شده است و بفرمهای مختلفی از لحاظ کوتاهی و یا بلندی نرمی و یا زبری موها بستگی دارد . دسته آن در حدود ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر طول دارد . فرچه های مختلف بسیار ظریف وقشنگ ساخته می‌شود. برای مسافرت‌فرچه های پرانیك که باز و بسته می‌شوند وجود دارد . بعد از هر مرتبه استفاده از فرچه باید آنرا شست و با پارچه پاك کرده و در هوای آزاد خشك نمود.

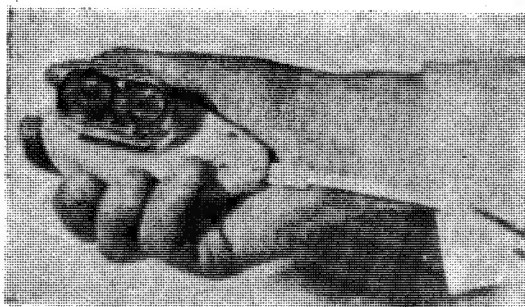
صابون ریش .

صابون مخصوص ریش را بنرمی روی قسمتی که موهای صورت وجود دارد باید مالید و با فرچه آنرا کف‌آلود کرد ، این کفریش تراشی را بسیار آسان می‌کند .

برای ریش تراشی بعضا کرم مخصوص بکار میبرند .

این کرم با مقدار کم که روی فرچه مالیده‌می‌شود کف بسیارزیادی بوجود می‌آورد که مثل صابون ، ریش تراشی را آسان می‌کند و ضمنا خوش پوست وصورت را نرم می‌کند .

کرم‌هائی هست که بدون فرچه بکار می‌رود . این کرم را پیش از بکار بردن تیغ روی صورت می‌مالند .





دونوع ریش‌تراش : برقی (بالا)وتیغی (پائین)

ریش تراش تیغی : که از یك تیغ ساده با دسته تشکیل می‌شود ، برای ریش زیاد از یك تیغ پهن استفاده می‌کنند و برای ریش کم می‌توان از تیغ باریك استفاده کرد .

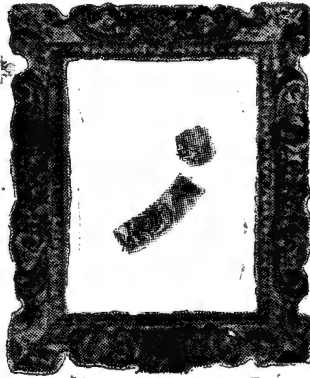
بعضی ریش تراش ها تشکیل شده است از دو قسمت جدا از هم که تیغ وسط آن جای می‌گیرد و یك دسته که جابجا شدن تیغ بستگی بآن دارد .

ریش تراش برقی : ریش تراش برقی را می‌توان بدون صابون وآب و خشك بکار برد (صورت نباید نمناك باشد) .

تمام ریش تراش های برقی دارای موتوری است که در یك محفظه پلاستیکی جای دارد و این محفظه فرم یك دسته را تشکیل می‌دهد که کار ریش تراشی راآسان می‌کند .

قدرت ریش‌تراش های الکتریکی در حدود ٤ تا ١٠ وات می‌باشد . و کارآن بستگی بفرم های‌مختلفی دارد تیغ این نوع ریش تراش‌ها بفرم های مختلف کار می‌کند افقی و یا دایره شکل . ریش تراش برقی بجای تراشیدن مو آنها را رنده می‌کند .

یك شانه کوچك زیر تیغ ها جایگزین شده است که موها را در محفظه زیر تیغ نگهداری می‌کند .



زایمان

ــ عمل زایمان همیشه باید در زایشگاه و یا بیمارستان انجام گیرد ــ یك کادر کارمندان متخصص ووظیفه شناس و یك‌مقدار وسائل و لوازم زایشگاهی آنرا سهل‌تر خواهد کرد . زایمان در زایشگاه اجازه میدهد هنگام پیش آمدها و ناراحتی های ممکنه همیشگی در شرایط خوب و بموقع معالجات فوری و لازم انجام پذیرد. هنگامی که زایمان در زایشگاه غیر ممکن بنظرمی‌آید و بایستی در منزل انجام شود لازم است بدون توجه بتاریخ وضع حمل تمام احتیاجات و لوازم مربوط را بشرح زیر تهیه کرد :

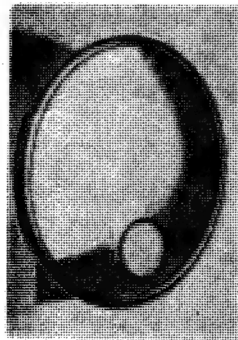
یك لگن ــ ٢٠٠ گرم پنبه هیدروفیل ــ یك یا دو قوطی دستمال استرلیزه جهت کمپرس ــ مقداری الکل ٩٠ درجه ــ نخ‌کتان یا بند قیطانی برای بستن ناف ــ مقداری محلول نیترات نقره ــ یك شیشه پنی‌سیلین برای ضد عفونی کردن چشم نوزاد ــ هم چنین مقداری لباس بچه ــ پتو ــ حوله ــ ملحفه لطیف ــ کیسه آب گرم و غیره .

چگونگی آغاز حالت زایمان ــ حالت زایمان بادرد شکم ــ انقباض و جمع شدن عضلات اطراف رحم شروع می‌شود که در اول محل درد ها مبهم و با فاصله زمانی و بعد کم‌کم زیاد و منظم می‌شود تا جائی که بطور مدام و شدید می‌گردد .

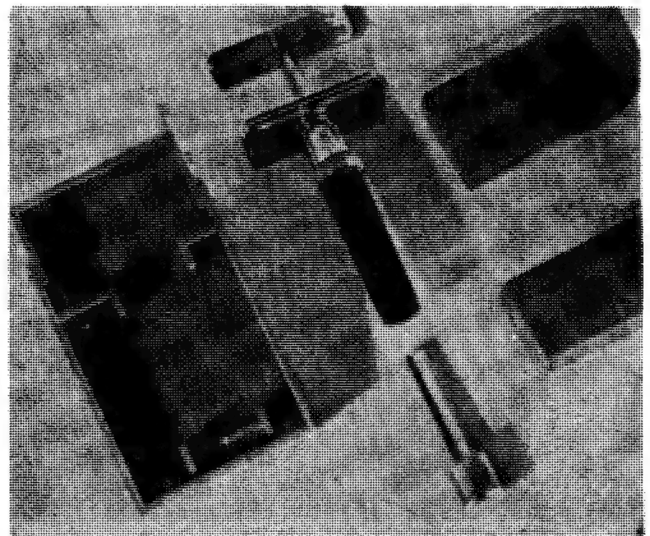
طول مدت این دردها در صورتی که اولین بچه زائو باشد بین ٣ تا ١٢ ساعت و گاهی اوقات بیشتر است . در طول مدت دردها دهانه رحم باز و حالت اتساعی پیدا کرده و آماده برای عبور نوزاد می‌شود و برای بوجود آوردن این پدیده تازه و مجهول مادر آینده از فشار دادن و بیرون راندن طفل بزور از شکم خود باید خودداری کند .

در همین ساعات است که باید آخرین تدارك را جهت نوزاد و مادر انجام داد یعنی آماده کردن تخت خواب که بهتر است کمی بلند و باریك و طوری قرارگرفته باشد که در محل روشن اطاق و از اطراف در دسترس باشد . ــ و در صورتی‌که یك قطعه تخته چوبی بین کف تخت خواب و تشك قرارگرفته باشد بهتراست . همچنین اگر یك تکه مشمع روی تشك کشیده شود تسهیلات بیشتری فراهم نمود و درتعویض ملحفه صرفه‌جوئی می‌شود . یك یا دو ظرف آب جوشیده باید دائما تحت اختیار





(راست) آینه‌گردان برای تراشیدن‌ریش
(چپ) آینه بزرگ‌نما با نور برای‌تراشیدن ریش



ریش تراش تیغی ازنوع حفاظت‌دار

پرستار باشد تا بتواند دست هـای خود و یا رحم زائو را در موقع لزوم با آب تمیز بشوید .

شست و شوی رحم زائو حتما باید با آب جوشیده و صابون انجام گیرد و موهای زیر شکم با تیغ تراشیده شود ــ لوازم زایمان بایستی قبلا تهیه و روی میزی نزدیك تخت خواب زائو آماده باشد . ضمنا یك میزان الحـراره بـرای نگاهداری درجه حرارت اطاق بین ۲۰ تا ۲۲درجه دردسترس و دیدگاه در اطاق نگاهداشت .

زایمان ــ با شدت دردها دهانه رحم کاملا باز شده و مرحله خروج نوزاد شروع میشود ــ دردهای شدید آخری کـه در نتیجه انقباض زیاد رحم توأم با انقباض عضلات شکم میباشد و از چند دقیقه تا یکی دو ساعت ممکن است بطول انجامد . تشویق زائو بفشار دراین موقع مجاز ولی بعکس بایستی زائو را مانع از فشار و راندن بخارج هنگام عبور بچه از دهانه رحـم شد زیرا احتمالا فشار موجب پاره شدن دهانه رحم میگردد .

معمولا نوزاد با گریه شروع بخروج میکند . پرستار باید بـا حوله نیم‌گرم آماده باشد تا آنـرا بگیرد . در این موقع باید ناف را پاك نموده از دو سانتی متری تاب داده و بانوار قیطانی آنرا گره زده و سپس تاب دوم را بآهستگی ولی محکم تر و دور از خود ناف بدهند و سپس نوار را از یـك سانتی‌متری بین گره دوم و مادر قطع کنند .

اگر نوزاد فوری شروع بگریه نکرد چه بایدکرد تا برای برقراری تنفس او ، او را وادار بگریه کرد؟ پاهای بچه را گرفته و از سر بسمت پائین آویزان نموده و ضمن تکان دادن بچه چند ضربه کوچکی بکفل های او بزنید تا بصدا درآید . ــ بعد لازم است در هرچشم بچـه چند قطره ضد عفونی و یا آب لیموترش تازه چکانیده و کم‌کم بآرامی نوزاد را با حوله نرمی خشك نمود . (ناگزیر از ذکر این نکته میباشیم که استحمام بچـه بیفایده بوده و جز تولید ناراحتی برای بچه نتیجه‌ای ندارد) سپس لباس های نوزاد را بتن او کرده و در گهواره‌اش باید گذارد . باید توجه نمود کیسه های آب گرمی که در گهواره بچه میگذارید درش کاملا بسته باشد و کمی از بچه‌دور و با او تماس نداشته باشد .

جفت ــ بعد از یك‌ساعت یا کمی بیشتر جفت‌شروع بخروج مینماید ــ اگر خروج جفت بتاخیر افتادهرگز بند جفت را نکشید بلکه با ملایمت روی رحم و قسمت هائی از شکم که قبلا درد میکرد فشار آورده و رحم را با آب گرم جـوشیده بشوئید ولی هیچ وقت آمپولـی تزریق نکـنید . همان کـمپرس استرلیزه کافی است .

پس از بیرون آمدن جفت شکم را با یك باند پهن به پیچید و بگذارید زائو بآرامی و طاق‌باز روی تخت خود بدون بالش دراز کشیده و استراحت‌کند فقط مواظب باشید که زائو دچار خون ریزی نشود . ــ این گونه خون ریزی‌های بعد از وضع حمل غالبا در نتیجه شکاف های داخل رحم بوده که ممکن است قبل یا بعد از خروج جفت اتفاق افتاده باشد . ــ نشانه این خون ریزی ها پریدگی رنگ ــ احساس سرما ــ از دست دادن حس شناسائی زائو است . ــ این حالت را باید بطبیب و یا ماما اطلاع داد و قبل از رسیدن آنها ببالین زائو ــ زائو را دراز کش نموده و بالش یا متکائـی در زیر پای او گذارده بطوری که سر زائو نسبت بپاهایش خیلی پائین تر باشد و یك ماساژ و مشت و مال خوب در قسمت شکم بسمت رحم مفید است زیرا موجب انقباض‌های مجدد شده در نتیجه خون ریزی متوقف میگردد . ــ در غیر این صورت طبیب باید آمپول **هیپوفیزر** یا **ارگوتین** تزریق نموده تا موجب خروج مصنوعی و عملی یـك جفت بشود .

بعد از وضع حمل ــ از نظـر احتیاط لازم است درجه حرارت بدن زائو را تا مدت سه هفته صبح و عصر گرفته و یادداشت نمود زیرا وجود تب در درجه های مختلف ممکن است براثر عوامل مختلفی باشد .

تا یك درجه تب در چند روز اولیه نشانه عفونت اعضاء تناسلی است .

تا دو درجه تب در هفته دوم و سوم نشانه تورم جدار وریدها است که علامت اولیه آن تند زدن نبض است .

سه درجه تب و بیشتر نشانه ورم غدد لنفی و یا یك آبسه در پستان میباشد . دراین هنگام تـجویـز داروهای آنتی بیوتیك معالجه را تسریع کرده و احتیاج بمشورت هم ندارد .

زردآلو

ــ میوه‌ای است هسته‌دار نسبتا خیلی شیرین ــ دارای مقدار زیادی ویتامین آ که قسمتی از پوستش غالبا برنگ قرمز قشنگی درمی‌آید . ــ در حالت نارسی پاره‌ای مواد نباتی دارد که بسختی هضم و غالبا تولید سوء هاضمه میکند و بهتر این است که در این گونه مواد آنرا پخته مصرف نمود ــ وزن متوسط هر زردآلو بین ٤٠ تا ٦٠ گرم بوده و ٨٤٪ آن آب و٢٪ آن پروتید و ١٤٪ آن گلوسید میباشد .

خرید : ــ از زردآلو ها آنچه را که برنگ های متحدالشکل خوش رنگ (نه مرمری رنگ) ــ خوشگل ــ بدون‌لك ــ ترك‌نخورده و با دم غیر پژمرده است جـدا کنید و بردارید .

پخته زردآلو ــ زردآلو میوه‌ای است برای دسر و برای مصرف در ساعات معمولی ــ هم چنین برای تهیه : مربا ــ کمپوت ــ مارمالادــ تارت ــ عرق ــ حتی سوپ بکار میرود .

هرموقع زردآلو را بمنظور پخت خرید میکنید ١٠٪ روی مقدار برای ضایعات در نظر بگیرید .

با زردآلوی سبز کوچك و سرکه ترشی خوبی درست میکنند .

با هسته زردآلو یك قسم مشروب بنام راتافیا تهیه میشود .

تهیه کمپوت‌زردآلو بروش‌اهالی آلزاس ــ در یك دیگچه مقداری زردآلوی نصف شده با نصف گیلاس آب بریزید . معادل یك پنجـم وزن زردآلوها نیز شکر اضافـه کنید در آنرا خوب بسته بگذارید بآرامی پخته شود ــ نشانه پخت کامل تمام شدن آب و خشك شدن زردآلو ها است .

در این وقت یك گیلاس **کیرش** (نوعی مشروب الکلی است) اضافه کرده بآن مجددا شکر پاشیده و روی آتش تندی بگذارید تا رنگ طلائی بخود بگیرد . ــ سپس آنرا سرد نموده در ظرف کمپوت بریزید آماده خوردن است .

کلوچه و شیرینی زردآلو ــ زردآلوی خام را از هسته جدا نموده و در آب بپزید و گوشت پخته آنرا از صافی بگذرانید . سپس با مقداری برابر خودش شکر مخلوط نموده تا مثل ژله شود . ــ آنرا روی آتش آرامی گذاشته و بآهستگی مدت زیادی هم بزنید . وقتی مایع سفت شد آنرا روی بشقاب پهن برگردانید تا حالت خمیری و نانی بقطر نیم سانتی متر بخود بگیرد ــ فردا این خمیر را روی همان بشقاب پشت و روکنید ــ پس از آن که خوب خشك شد آنرا بقطعات منظم برش دهید و روی آن شکر بپاشید . آماده برای خوردن است .

این کلوچه را میتوان تا مدتی در قوطی‌های‌فلزی‌بخوبی نگاهداری کرد .

برگه زردآلو ــ زردآلو را میـ توان درسته یا نصفه روی سبد بـا سادگی خشك نمود و هنگام لزوم خصوصا در فصل زمستان آنرا بهمان شکل و یا آب انداخته و خیس کرده خورد وآبش را مصرف نمود. بسیار مشروب غیرالکلی خوبـی و مفیدی است .

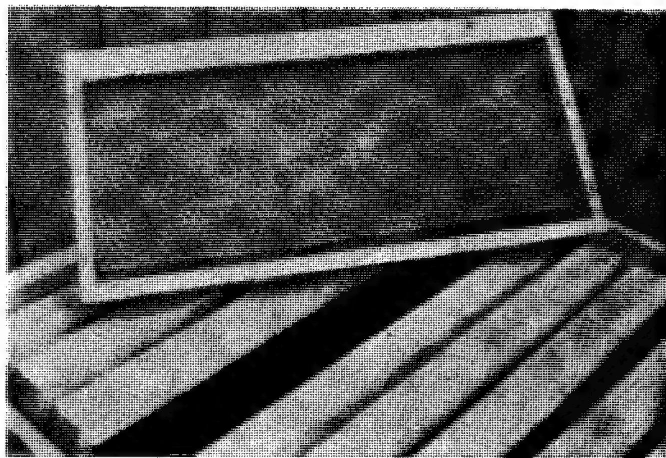
زنبور عسل

زنبور عسل ــ حشره‌ایست بـا چهار پروبال غشائی متشابه کـه هنگام پرواز بدوبال جفتی تبدیل و یك سطح شفافی در اطراف بدن او درست میکند و با روی هـم قرارگرفتن بالها هنگام استراحت بزنبور اجازه میدهد که موم را در فکین خود رسوخ دهد .

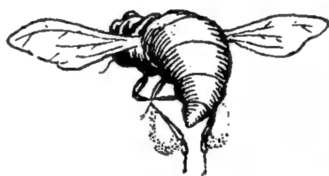
نژاد زنبور عسل ــ بین انواع مختلف زنبور مولد عسل فقط چند نوع آن قابل‌پرورش ومفید میباشد ولی همگی دارای محاسن و ضمنا نقائصی میباشند . نژادی از زنبور عسل را که عملا پرورش میدهند که با آب و هوا و نباتات محلی تطبیق و خو گرفته باشد ــ ملکه شان خوش زاد و ولد باشد ــ موقع خروج از کندو کمتر در دسترس باشند زیرا اینکار مقدار غنائم را در دوران تهیه عسل تقلیل میدهد ــ آرام باشند ــ هنگام دست کاری ملایم بوده شلوغ کار و مزاحم نباشند ــ همگی در مقابل مهمان ناخوانده بسختی دفاع کنند ــ قفسه و لانه خود را محکم و اساسی بسازند و بالاخره در کار خود فعال باشند .

در میان نژاد های معروف بایستی زنبور عسل سیاه فرانسه را نام برد که دارای تمام مشخصات مذکور در بالا بوده و کاملا با آب و هوای فرانسه خوگرفته ولی کمی مزاحم و حمله‌ای است ــ دیگر زنبور عسل ایطالیائی است که بسیار آرام بوده خصوصا قابلیت زیادی برای جذب شیره لازم ازگل های با خامه عمیق دارد ــ دیگر زنبور عسل کارنولی است که با وجود آرامی بسیار از کندوی خود خارج شده و بنواحی کوهستانی وسردسیرمجاور میرود ــ دیگر زنبور عسل قبرسی است که

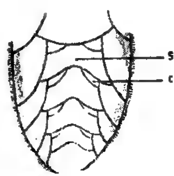
موم اندودکردن کندوها بزنبورها کمك میکند

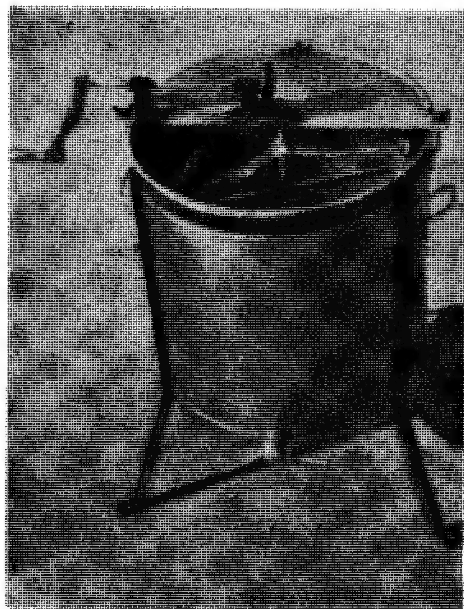


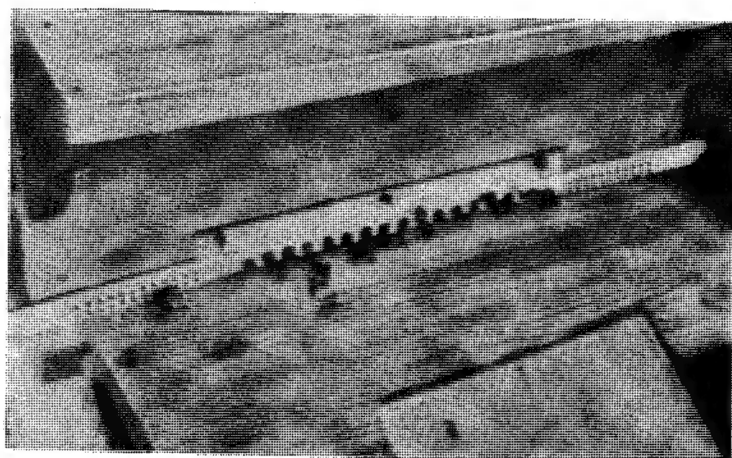
زنبور کارگر



عضو موم‌ساز

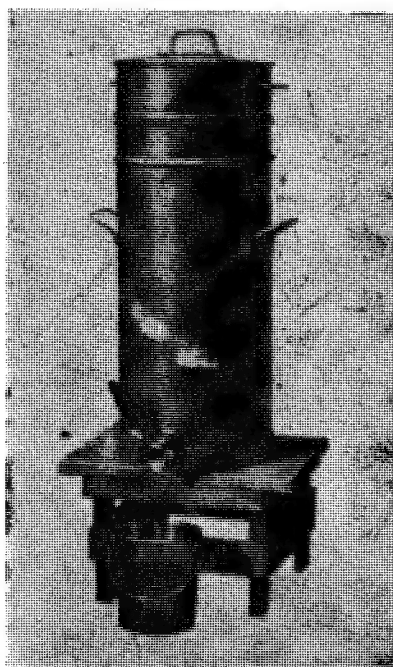




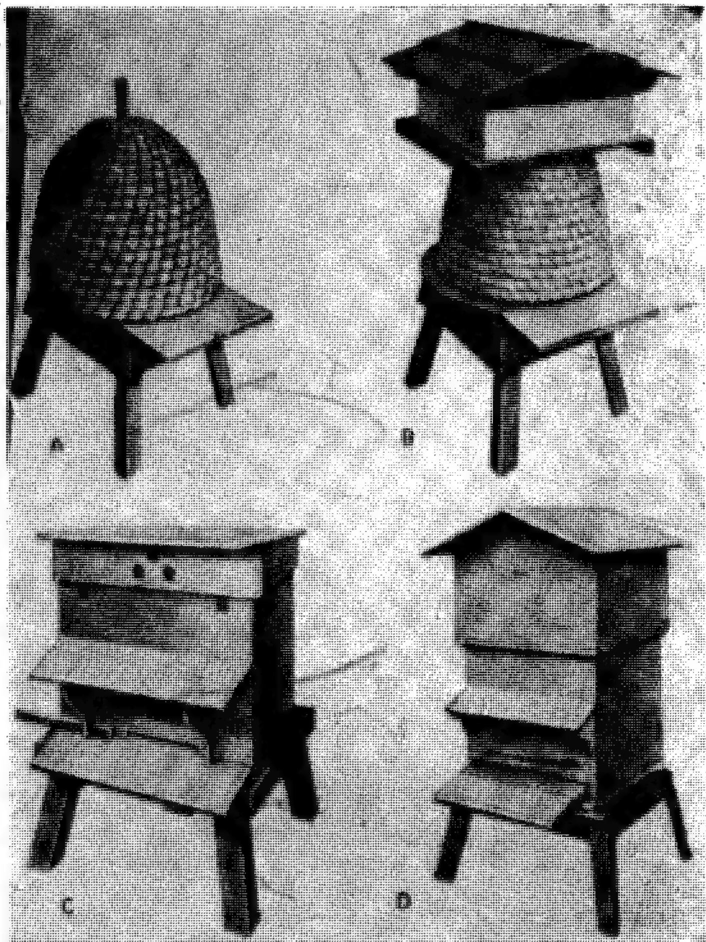


مدخل کندوی آهنی





دستگاههای مختلف برقی تصفیه وجدا ساختن عسل از موم



انواع کندوهای مصنوعی عسل

بسیار فعال وشکمو و حمله‌ای است ــ دیگر زنبور عسل قفقازی است که نسبتاً آرام و بسیار کم از لانـه خارج می‌شود .

امراض زنبور عسل ــ این حشره وسیله ازدیاد امراض و حتی پاره‌ای از آنها خود دارای امراض ساری هستند ــ بین این ها چهار نوعشان بسیار مضر و می‌توانند بسرعت موجب اتلاف یك کلنی بشوند . اطلاع از ورود آنها قانوناً اجباری بوده تااین‌که سرویس های بهداشتی دامپروری‌بتوانند اقدامات‌استحفاظی لازم را برای‌پیش‌گیری نقاط‌مجاور انجام دهند . ــ دو نوع از این مرض بنام **آکاریوس** و **نوزموس** در زنبور های بالغ و کامل دیده می‌شود نوع مرض دیگر را فقط باردار ها می‌گیرند ــ یکی دونوع هم طفیلی های امریکائی و اروپائی است .

آکاریوس ــ ناشی از دخول یك چیز ناباب و اتساع مجرای تنفس زنبور عسل‌می‌باشد که موجب فقر‌الدم و مسمومیت و یا خناق و در نتیجه‌تسریع در مرگ حشره می‌شود.

نوزموس ــ این مرض موجب اتساع دستگاه گوارش حشره شده و کم‌کم روده‌ها را فاسد کرده و موجبات یك اسهال و یا یك‌یبوست شدید را فراهم می‌کند .

طفیلی‌های امریکائی و اروپائی ــ ریشه میکربی دارد و به نوزادان این حشره هجوم کرده موجب مرگ و پوسیدگی آنها می‌شوند دوا های متعددی تجویز شده که موفقیت چندانی نداشته ولی سعی می‌شود در لابراتوار ها متخصصین پیشرفت بیشتری تحصیل کنند .

دشمنان زنبور عسل ــ در بیـن تمام طـبقات حیوانات اعـم از پستانداران تاحشرات ــ از پرندگان تا ذوحیاتین وخزندگان زنبورعسل دشمنان زیاد تری دارد که خودش آنها را با عسل خود می‌پروراند و با کار خودش آنها را بزرگ می‌کند و این برعهـده پـرورش دهندگان هوشیار این حشره است که در واقع با دشمن او مبارزه کنند ــ در بین حشرات خصوصاً پاره‌ای از آنها بسیار خطرناك می‌باشند خصوصاً از نقطه نظر خرابی و خسارتی که در داخله کندو ببار می‌آورد که یك نوع از آنها شبه کچلی است . مولد این بیماری شبانه وارد کندو شده و در آنجا بین نوزادانی که تازه از تخـم سردرآورده و مشغول خوردن موم هستند ایجاد فساد می‌کند .

اگر کندوئی بمنظور دفاع ، زنبورهایش خارج شده باشند تخـم نوزادان که‌کچلی گرفته‌اند لانه‌های مومی را فاسد می‌کنند و تمام داخله کندو را تبدیل به خمیری شبیـه الیاف پیله ابریشم مینمایند و این خالی شدن کندو از حشره خود اعلام خبری است بپرورش دهندگان برای استفاده فوری از دواهای لازم .

هنگام بازدید کندو گاه و بیگاه روی زنبور های عسل شپش هـای ریز قرمزی ملاحظه شده کـه بنظر نمی‌رسد آنها حشره‌ای باشند اما زنده‌اند ولی ضرری ندارد . ــ هرچند که بعضی اوقات تعدادشان روی ملکه زیاد می‌شود و او را از نقطه نظر تخم‌گذاری خسته می‌کنند ــ دراین گونه مواقع اگر مقداری دود تنباکو بکندو داخل کنند و یا بخار تربانتین وارد کندو بنمایند این‌شپش ها از بدن زنبوران جدا شده و بکف کندو می‌ریزند و درنتیجه کندو آماده برای پـاك کردن می‌شود .

ذغال

جسم ساده‌ای که برای سوختن بکار میرود و غالباً ناخالص است و بدو شکل چوب و سنگ وجود دارد .

زغال‌چوب‌نامی‌است‌که به محصول بدست آمده ازاحتراق ناقص چوب در هوا داده شده است ، بهترین زغال چوب . زغالی است که حالت تکه های چوب را داشته باشد .

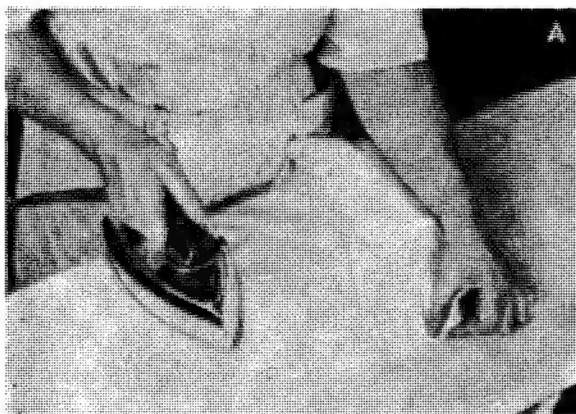
زغال چوب براحتی آب را بخود می‌گیرد و وزنش بالا می‌رود . بعد ازسه‌ماه که زغال‌چوب درهواماند وزنش از ۸۵ به ۱۰۰ می‌رسد . زغال چوب را همیشه باید در جای خشك نگهداری کرد .

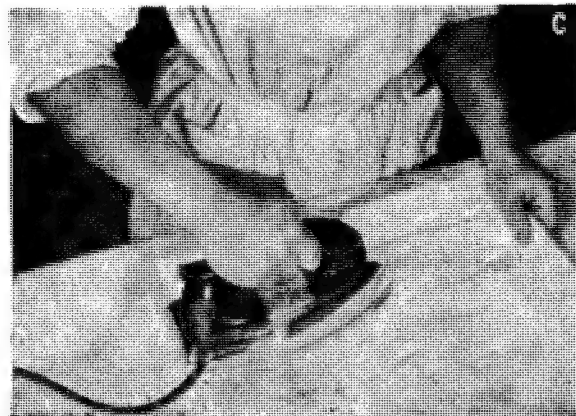
زغال چوب بسیار آهسته می‌سوزد و از خود خاکستری بجا می‌گذارد.

زغال چوب را برای طباخی مخصوصاً برای کباب کردن بکار می‌برند .

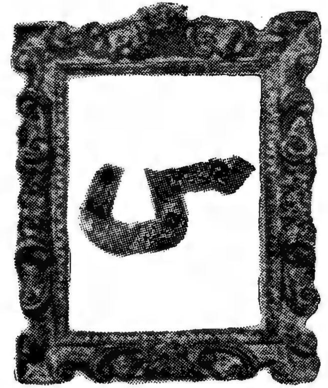
زیرشلواری ــ از البسهٔ زیرین مردان است که ممکنست بلند یـا کوتاه دوخته شود . زیرشلواری یا از پارچه های نخی مثل پوپلین‌ویا بصورت بافتنی در کارخانه هـای کشبافی تهیه میگردد . کمر زیر شلواری یا در جلو باز و بسته می شود و یا بوسیله یك تکه کش که درموقع دوختن دورتادور کمرمی اندازند ، به بدن می‌چسبد . انواع خیلی کوتاه شرت کـه بصورت تریکو تهیه میگردد و دورکمر آن کش دارد ، اسلیپ نامیده میشود.

اطوکردن لباسهای زیرضرورت‌دارد





سربطری



قطعه‌ایست از مخروط ناقص یا استوانه و برای مسدود کردن بطری به دهانه آن فرو میرود وانواع واقسام دارند :

چوب پنبه‌ای ، لاستیکی ، فلزی و پلاستیکی .

سر بطری چوب پنبه‌ای

بیشتر از همه استعمال میشود جنس آن متغیر است سر بطری خوب آنستکه سطحش صاف باشد سربطری باید غیر قابل نفوذ و بدون بو باشد و در مجاورت آب گرم از خود نرمش نشان دهد. برای استعمال سر بطری چوب پنبه‌ای باید آن را مدت سی تا ٤٥ دقیقه در آب خیلی گرم گذاشت و بعد آن را یا مستقیما یا بکمك آلتی که برای اینکار ساخته شده در دهانه بطری فرو برد سر بطری استوانه برای مایعاتی است کەمدت زیادی آن را در بطری نگه می دارند . برای مایعاتی که مدت زیادی در بطری باقی نمی مانند سر بطری مخروطی ناقص کافیست **خارج کردن سر بطری از بطری— سر بطری چوب پنبه‌ای**

در موقع استعمال‌بطری بکمك بطری بازکن از دهانه بطری‌کشیده میشود .سربطری‌مشروبهای کفدار بوسیله دست باز میشود . سربطری هائیکه قبلا با پارافین بسته‌شده‌اند باید بوسیله حرکت دورانی ضمن مایل نگهداشتن بطری باز شوند .

اگر سر بطری از درون بطری خارج نشود باید گیره‌ای مخصوص بکار برد و یابین سرو قسمت انتهائی سر بطری حلقه‌ای از بند درست کرد و شدیدا آن را فشار داد .

برای بیرون آوردن سر بطری از داخل بطری میتوان حلقه بندی راداخل بطری کرد و سر بطری را میان حلقه قرار داد و سپس به آسانی آن را خارج نمود و نیز میتوان نوعی گیره آهنی سه شاخه‌ای و دراز باریك بکار برد، ابتدا گیره را برای گرفتن‌سربطری داخل بطری میکنند و سپس آن رابطرف دهانه بطری آورد .

بطری بازکن

آلتی است که سر بطری چوب پنبه‌ای را که عمیقا در دهانه‌بطری فرورفته و آن را مسدود نموده است بیرون می‌آورد ساده ترین بطری بازکن از میله آهنی یا فولادی مارپیچی درست شده و دسته‌ای دارد که ممکن است‌راست یاحلقوی و متحرك و یا غیر متحرك باشد . بعضی از بطری بازکن ها طوری درست شده‌اند که نیروی آن‌ها را چند برابر میکند. سربطری بکمك آنها بآسانی از دهانه بطری خارج میشود.بعضی دیگر اهرمی‌دارند که به لبه‌بطری تکیه میکند و سر بطری بکمك‌آن بدون فشار خارج میشود .

بطری بازکن هائی هم وجود دارند که پیستونی یا گیره‌ای‌است بازکن گیره‌ای دارای دو تیغه فولادی است و در دو طرف سر بطری فرو میرود و ضمن‌چرخاندن سر بطری آن را بلند میکند .

سربطریهای مختلف

سر بطری سوراخ‌دار — این سر بطری از چوب پنبه درست شده و لوله‌ای از شیشه یا فلز یا مواد پلاستیکی از وسط آن میگذرد و اجازه میدهد که محتوی شیشه یا بطری بوسیله آن قطره قطره یابه صورت رشته باریك خارج شود و ممکن است همین سر بطری را طوری درست نمود که موقعیکه‌آن را بلند میکنند مانع محتوی آن‌از شیشه خارج نگردد .

سر بطریهای دیگری از لاستیك و مواد پلاستیکی وجود داردبطری های آب معدنی و شیر پاستوریزه بکمك کپسول بسته میشوند .اکنون قسمت زیادی از بطریها بوسیله‌مواد پلاستیکی یا فلزی تهیه میشوند و در دهانه بطری پیچ میخورند .

شیشه های کوچك محتوی مایعات فرار مخصوصا عطرها به کمك سر بطریهای شیشه‌ای بسته میشوند . اگر سر بطری شیشه‌ای به دهانه بطری بچسبند لازمست دهانه بطری راخوب گرم نمود تا دهانه آن باز و سر بطری خارج شود بالاخره سر بطریهای اندازه گیر وجود دارد وبکمك آن‌میتوان مقدار معین و دقیق محتوی شیشه یا بطری را خارج نمود این سر بطری ها ازشیشه یا مواد پلاستیکی ساخته شده و برای مشروبات‌اشتها آور استعمال میشوند .

سرسرا

محلی بالنسبه وسیع که درمدخل یك آپارتمان دیده میشود گاهی‌سرسرا اطاق واقعی راتشکیل میدهد و میتوان آن را بعنوان اطاق انتظار استفاده کرد ولی معمولا ابعاد آن با مقایسه باابعاد سایر نقاط بقدر کافی محدود است از سرسرا میتوان به بعضی ازاطاقها مخصوصا باطاقهای پذیرائی وهم چنین‌دهلیزی که درست شده:دهلیز اطاقها واطاق خدمت رفت . برای اینکه ابعاد سرسرا کافی باشد لازمست که اندازه های آن تقریبا ۳ در ۲ متر باشد اگر ابعاد کمتر از این باشند دراین صورت بآن مدخل‌میگویند وبرعکس اگرسرسرا وسیع و درازایش لااقل دوبرابر باشد دراین صورت بآن گالری میگویند .

سرسرا ممکن است بوسیله‌طارمی های آهنی یا جدار های متحرك ازاطاقهائی که بآنها راه داردجدا شده باشد .جدار متحرك این‌مزایا را دارد که دیوار را آزاد می گذارد .

زمین ممکن است از سنگهای سفید ، مرمر یا موزائیك یاپوشش پلاستیکی قابل شستشو یا تخته یا قالی مفروش باشد .

پله کانی که بعضی از منازل‌را بطبقه بالا میبرد در سرسرا قرار گرفته است و چنانچه بلند باشد ممکن است در زیر آن اطاق‌کوچك و مرفه‌ای برای استراحت و قرائت درست نمود (مثلا نیمکتی گذاشت که احتمالا بتوان از آن بعنوان تخت استفاده نمود یا آن را برای گذاشتن اسباب یا جای لباسی تا دست شوئی بکار برد) .

دیوار سرسرا با روغن نقاشی میشود و رنگ های سبز یازرد، خاکی متمایل بآبی متناسب است درها، اگر وجود داشته باشندجمعا یا بطور ساده برنگ زرد خواهند بود و همچنین دیوارهای سرسرا را میتوان باتخته های طبیعی زرد تخته کوبی نمود (از نوع لوئی ۱۵) چراغ نقره‌ای یا لوئی ۱٦ برنگ خاکستری که در زیر آن نوار طلائی است سرسرا را مزین میکند .

روشنائی محل باید غیر مستقیم باشد این روشنائی سقف رانورانی خواهد کرد و نور ملایمی باطراف خواهد رسید چراغ دیواری محقر از نوع دهاتی از آهن سیاه یاجدید یامسی محل دلخواه را نورانی‌تر خواهد کرد .

اگر در سرسرا جای صندلی باشد دراین صورت ممکن است از آهن سیاه باشد و روی آن تشك رنگی که دارای قیطان سفید باشد قرارداد .

سرطان

بیماری مخصوصی است که بصورت‌یك یا چند تومور(غده) بدخیم در بدن تظاهر می‌کند . تومور را موقعی بدخیم می‌گویند



استفاده از سرسرا بشکل اتاق

که اولا نمو و توسعهٔ آن هیچگاه خود بخود قطع نگرددو ثانیا تمایل به ایجاد کلنی های دیگری از نوع خود در نقاط دیگر بدن داشته باشد . عمل اخیر تومورهای بدخیم را متاستاز گویند .

سرطان بیماری انسان ، حیوان و گیاه است . در مورد حیوانات تصور می‌رود که تمام‌انواع استعداد گرفتاری به این بیماری را دارند . در انسان تمام اعضا می‌توانند دچار این بیماری گردند . حتی بعضی از بیماریهای خونی را که بدلیل نامعلومی تعداد گلبول های سفید را بالا می‌برند در شمار سرطان های بدن می‌دانند .

تعداد مبتلایان به این بیماری به سه دلیل عمده دائما رو بەافزایش است . اول اینکه با پیشرفت علم طب بهبود بیماران‌از امراض‌مختلف بیش از پیش شده است وباین دلیل پیش عده زیادی ازاین اشخاص که ازمرگ نجات‌یافته‌اند دری برای ابتلا به سرطان باز می‌ماند . دوم اینکه طول عمر متوسطمردم افزایش یافته است مثلا در فرانسه‌سن متوسط برای مرگ شصت‌ودوسالگی است بنا براین سرطان که‌بیماری اشخاص پیر وسالخورده است در این سنین بشر را بیشترتهدید می‌کند .بالاخره تمدن بشر امروزی باعث پیدائی عوامل جدیدی شده است که بطور مسلم درایجاد انواع‌سرطانها دخالت دارند . در میان این عوامل آنهائی که تابحال شناخته شده‌اند و اثر سرطانزای آنها نیزتوسط دانشمندان تایید شده است عبارتست از : اشعه ایکس ، اشعهٔ کیهانی ، اشعهٔ رادیوم و غیره . که اگر مدت زمان کافی به بدن انسان بتابند (در صورتیکه بعضی شرایط نیز در شخص جمع باشد) ایجاد سرطان می‌کنند . در معادن اورانیوم پیش کارگرانی که دائما گردوغبار رادیوآکتیو تنفس می‌کنند، سرطانهای ریه بسیار شایع است . بعضی از موادی که درصنعت رنگ سازی مصرف می‌شوند بطور نامعلومی جذب بدن شده و تولید سرطانهای مثانه و اعضای دیگر می‌کنند . بنظر می‌رسد سرطان یك بیماری سلولی باشدباین معنی که یك تومور بدخیم از یك سلول سرطانی شروع شده وسرانجام تبدیل به یك تومور می‌گردد .

برای اینکه سلول عادی تبدیل به سلول سرطانی شود باید تغییراتی در ساختمان آن پدید آید . این تغییرات توسط عوامل مختلف‌انجام می‌گیرد که ممکنست فیزیکی (مانند انواع اشعه که دربالا اشاره شد) شیمیائی (مواد رنگی) بیولوژیك (بعضی ویروس‌ها) (بعضی سرطان های ویروسی در حیوانات دیده شده است) باشند .

سرطان بیماری واگیر نیست . برای انتقال آن از بیمار سرطانی به شخص سالم بایدسلولهای سرطانی را به طوری که هیچگونه تغییر در آنها داده نشود از شخص اول به شخص دوم انتقال داد (پیوندکردن نسج سرطانی) . سرطان بصورت اپیدمی (همه‌گیری) نیز دیده‌نشده است .

سرطان بیماری ارثی نیست یعنی عاملی وجود ندارد که سرطان را از پدر و مادر به فرزندان انتقال دهد و خانواده‌ای دیده نشده که افراد آن همه دچار سرطان باشند معهذا ، در مورد بعضی از سرطانها زمینه های مستعد کنندهٔ قبلی لازم است که این زمینه و استعداد ممکنست به ارث برسد (برای مثال می‌توان سرطانهائی را که بعلت افزایش ترشحات هورمونی بعضی از غدد مترشحه داخلی بوجود می‌آیند نام برد) ولی قدر مسلم اینست که پیش مردان ، عامل ارث در مقابل عوامل دیگری که در ایجاد سرطان دخالت دارند ، رل بسیار ضعیفی‌را بازی می‌کند .

درمان ــ درحال حاضر سرطان هیچگونه درمان قطعی ای بجزعمل جراحی (در مورد تومور هائی که محدود هستند و متاستاز بسایر نقاط بدن نداده‌اند) ورادیوتراپی (که با استفاده از اشعه ایکس سلولهای سرطانی را در جای خود ضایع و عقیم‌می‌کنند) ندارد . معهذامواردی که با استفاده ازاین دو روش بیمار بهبود یابد بسیار نادر وآنهم بعلت‌تشخیص فوری وزود رس بوده است . وقتی تومور زیاد گسترش یابد ویا در بدن پراکنده شود وباصطلاح علمی عمومیت یابد ، شانس بهبود بسیار کم وناچیز است سرطانی که با شروع اولین علائم تشخیص داده شود و درمان های فوق درباره آن عملی گردد شانس اینرا دارد که ببهبود کامل یابد . اینجاست که اهمیت علائم اولیه سرطان ها از نظر تشخیص ،درمان و بهبود ظاهر می‌شود . برای مثال کمی اشتها ، اختلالات جزئی دستگاه گوارش ، یبوست ، مدفوع سیاه یا خون‌آلود پیش شخصی که در سنین چهل سالگی است وتا این سن هیچگونه ناراحتی از این قبیل نداشته است باید بادقت بررسی شود ، یا پیدایش لکه های قرمز یا متمایل به سیاه بین دو قاعدگی یا در زمان یائسگی باید در نظر گرفته شود و بالاخره ظاهر شدن جسم سفت وسختی که در لمس دردناك است ، در یکی از پستانها باید مارا متوجه سرطان‌کند و اغلب همین علائم هستند که شخص را مجبور به مراجعه به پزشك می‌کنند .پزشك در این‌موارد باید از تمام وسائل برای تشخیص کمك بگیرد (رادیوگرافی از محل مشکوك ــ بیوپسی یا برداشت از نسج سرطانی در صورت دسترسی بەآن ودیدن آن‌زیر میکروسکوپ) تا مبدأ و منشأ ناراحتی های بیمار را بطور صحیح پیدا کند و نباید بانتظار روزی نشیند که وضع عمومی بیمار خراب شد ، وباعلائم دیر رس سرطانها از قبیل ضعف و لاغری و پریدگی رنگ ودرد و غیره مراجعه کند .

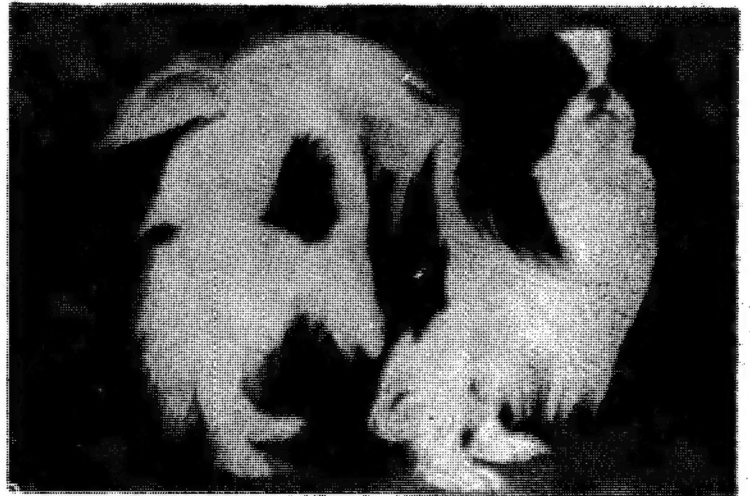
بنا براین لازم است که علائم



بول داگ



کانیش



ژاپونی

کارسن



وودرس تومور هارا در خاطر داشته باشیم و وقتی اثری از آنها دیدیم بدون فوت وقت به پزشك مراجعه کنیم . اما سرطان خود بصور مختلف تظاهر می‌کند و در این بحث مختصری که از آن پیش کشیدیم امکان ندارد بتوانیم انواع آنرا از نظر شکل ، علائم ، محل ضایعه و سایر خصوصیات بررسی کنیم . درمانهای مسکن و تقویتی برای این بیماران وجود دارد که تااندازه‌ای حالت عمومی بیمار را از نظر ضعف و درد و خستگی و بی‌خوابی و لاغری ، بهتر می‌کند و باین طریق ممکنست عمر بیمار را نیز تا اندازه ای زیاد کرد ولی بازهم این نکته را متذکر می‌شویم که این درمانها هیچ‌گونه اثری در بهبود سرطان ندارند و تابحال داروئی که بتواند سرطان را بهبود کامل بخشد ، کشف نشده است .

سوزن

میله ای است نازك ساخته شده از فولاد ویا سایر فلزات که بمصرف کارهای : خیاطی ــ رفوکاری ــ برودری دوزی ــ سوزنی دوزی ــ ملیله دوزی ــ قیطان دوزی ــ کیسه دوزی ــ لحاف دوزی ــ بسته‌بندی و غیره می‌رسد .

سوزن خیاطی ــ این سوزن را از اقسام فولاد ساخته و بقیمت‌های مختلفی می‌فروشند . ــ سوراخ سوزن های‌خیاطی بشکل های‌گرد ــ دراز ــ شیاری و گاهی اوقات گرد ناودانکی‌است .

سوزن‌ها از نقطه نظر ضخامت نمره‌بندی شده واز نمره ۱ تا ۱۲ کلاسه شده ــ سوزن نمره یك ضخیم تر و بزرگ‌تر و سوزن نمره ۱۲ از همه ریز تر است ــ گاهی‌اوقات سوزن‌های ضخیم‌تر یعنی نمرات ما قبل یك (صفرــدوصفر ــ سه‌صفر) نیز ساخته می‌شود .

سوزن ها از نقطه نظر طول بسه دسته تقسیم شده‌اند «کوتاه ــ نیمه دراز ــ دراز» .

باید توجه داشت که ضخامت و بزرگی سوزن را متناسب باضخامت نخ انتخاب نمود همانطور که ضخامت نخ را متناسب با ضخامت و لطافت پارچه باید در نظر گرفت .

یك سوزن خیاطی خوب باید براحتی خم وراست شده ضمناً بسهولت بشکند . نوك آن تیز و سوراخ آن صاف تا نخ براحتی از آن عبور کند وپاره نشود وسر سوزن خوب نباید از بدنه آن برجسته‌تر باشد .

سوزن های ساخته شده با اصول علمی را برای کارهای ظریف توصیه می‌کنند واین ها سوزن‌هائی هستند از فولاد خالص باسوراخ تخت و پهن ــ نخ های مورد مصرف آن نباید از ضخامت خود سوزن ضخیم‌تر باشد .

سوزن کورها ــ سوزن های مخصوصی هستند که مورد استفاده اشخاص بادید ضعیف وحتی اشخاص کور قرار میگیرد . و بانواع مختلف ساخته شده ونخ کردن آن خواه از بالای سوزن و خواه از داخل سوراخ بآسانی انجام پذیر است .

سوزن مد ــ سوزن‌هائی هستند که برای دوخت ودوزهای زیاد بکار می‌رود .

سوزن رفو ــ سوزن رفوکاری انواع مختلفی دارد .

سوزن رفوی پارچه نخی که از نمره ۲ صفر تا ۱۲ ساخته شده و بسیار دراز ونازك و با سوراخ طویل ساخته شده‌است .

سوزن رفوی پارچه پشمی ــ آنها هم دراز و هم کوتاه ساخته شده و نمرات آن از ۳ صفر تا نمره ۸میباشد سوراخ آن دراز و میله آن محکم‌است .

سوزن برودری دوزی ــ سوزنی است تقریبا بضخامت سوزن رفو کاری پارچه نخی ــ با سوراخی زیاد طویل که اجازه می‌دهد نخ های ابریشمی از آن عبور کند . طول این سوزن ها نسبتا کوتاه است .

برای یك نوع برودری دوزی سوزن‌هائی بنام **هارنس** با نوك‌مدور و سوراخ گرد ناودانکی مصرف می‌کنند .

سوزن سوزنی دوزی و یا سوزن کاموا دوزی ــ این سوزن شبیه سوزن رفوکاری است فقط نوك آن تیز نیست و نیش نمی‌زند ــ ضخامت آن برحسب‌ضخامت کاموای مورد استعمال فرق می‌کند . این سوزن‌ها از نمره ۱٤ تا ۲۵ کلاسه شده و نمره‌های پائین ضخیم‌تر و نمره های بالا نازك تراست ولی بیشتر نمره های متوسط ۱۸ ــ ۱۹ ــ ۲۰ مورد مصرف است .

سوزن ملیله دوزی ــ این نوع سوزن بدوشکل ساخته شده ــ با سوراخ دراز برای مرواريد های معمولی وبا سوراخ گرد و ظریف برای مرواريد های قلطان و قیمتی

سوزن چرخ خیاطی ـ چرخ‌های خیاطی ساخت کارخانه های‌مختلف هریك سوزن مخصوص بخود را مصرف می‌کنند . این سوزن ها دارای نوك‌تیز واز یك‌طرف دارای سطحی پهن و با سوراخی بفاصله ۳ میلی متر از نوك می‌باشد . انتهای دیگر این سوزن ها که به چرخ خیاطی بوسیله پیچی ثابت می‌شود ممکن است بشکل خود سوزن ویا پهن و دارای پاشنه کوچك — یا پاشنه پهن بزرگ ویا اصولا بدون پاشنه باشد .

برای دوخت پارچه های امپرـ مئابل سوزن های مخصوصی ساخته شده است .

سوزن سوراخ کن ـ این سوزن ها در مشتی مخصوصی پیچ می‌شوند وباآن دسته های کاغذ را سوراخ کرده وآماده دوخت می‌نمایند .

سوزن چرم دوزی ـ این سوزن ها نسبتا ضخیم و با سوراخ گرد می‌باشند که بکار دوخت چرم ویا پارچه های ضخیم امپرمئابل می‌رود طول آنها از ۱۱ تا ۲۰ سانتی متر است .

سوزن لحاف دوزی ـ سوزن‌های نسبتا بزرگی هستند با سوراخ دراز ویا گرد — بضخامت های مختلف و طول های از ۵ تا ۱۸ سانتی‌متر.

سوزن کیسه دوزی‌وبسته بندیـ سوزن های بزرگ و نوك کندی هستند هلالی شکل شبیه نوك شمشیر های منحنی وبکار گونی دوزی و لفاف دوزی می‌رود ـ نمرات آن از ۱۰۰ تا ۱۱۱ و بطول هـای مختلف از ٦ تا ۲۲۵ سانتی متـر یافت می‌شود .

سوزن های نمرات ۱۰۳ و ۱۰٤ و بطولهای ۱٦ و ۱۷ سانتی متری بیشتر مورد استفاده است .

سوزن توربافی ـ سوزن هائی است باندازه سوزن کانوا دوزی و نسبتا دراز با نوك کند که نیش نمی‌زند .

انواع دیگر سوزن برای کار های قلاب دوزی ـ تریکوتاژ ـ تلقیح نیز ساخته شده است .

نگاهداری سوزن ـ بایستـی سوزن هارا بطور مرتب داخل يك تکه فلال فرو کرد تا زنگ نزند یا آن که پس از چرب کردن آنها در داخل قوطی ویاقابی نگاهداری کرد .

سگ

بدون شك اولین حیوانی کـه بشر توانسته رام کند و مطیع و دوست خود سازد ، سگ بوده است.

انواع و اقسام‌مختلف این حیوان بسیار زیاد است و بسختی میتوان آنها را از لحاظ مشخصات ظاهری تقسیم بندی‌نمود . (تناسب جسمانی، و وضع گوشها ، وزن ، اندازه ، پشم و پوست) .

اما میتوان سگی را اصولاً از نظر تشابه مشخصات و خواص بـه سه دسته تقسیم کرد .

الف) سگهای خانگی .
ب) سگهای محافظ .
پ) سگهای شکاری .

در اینجا شرح مختصری از مشخصات هریك از خانواده های این سگها بنظر شما میرسد . البته بجز دسته سوم (سگهای شکاری) که از آنها درشکار و ورزش بیشتر از خانه استفاده میشود .

۱ ـ **بول داگ** نخستین نوع این سگ که در انگلستان بول داگ Bouledogue خوانده میشود کوتاه قد ، گرد و خپله است سری کوتاه و عضله دار ، گردن کلفت و پیکری تنومند و سنگین دارد . بدنش کوتاه و پر عضله است . دمش نیز کوتاه است و نوك آن باریك میشود .

پاهای پیشین این نوع سگهای فرانسوی راست و آرنجها به بدن چسبیده است و گوشهای خیلی بلند و راست است .

ولی اعضای پیشین بول داگ انگلیسی از هم بازو بیشتر منحنی است . گوشهایشان که خیلی بالا قرار دارد ، مانند گوش ماهی دو طرف سر افتاده است .

۲ ـ کانیش

سگی است با هوش ، کمیاب که از طایفه باربت‌میباشد . جثه کوچك و سر تنومندی دارد . فرورفتگی بینی‌اش‌خوب‌نمودار است وگوشهای درازش در دو طرف سر آویزان میباشد .

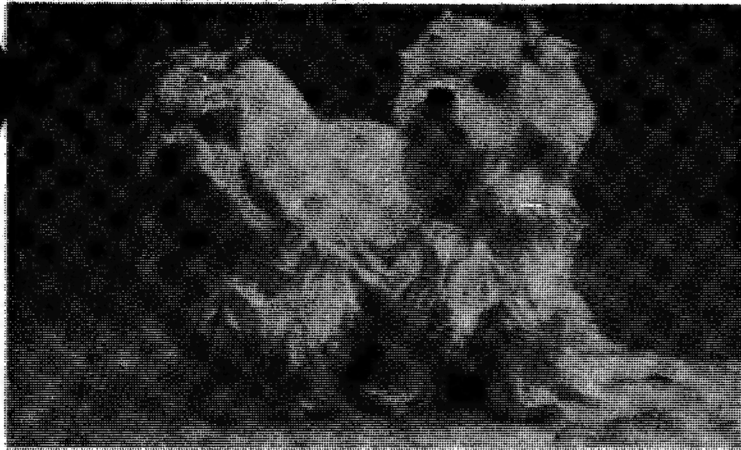
پاهای کانیش قوی و استوار است .

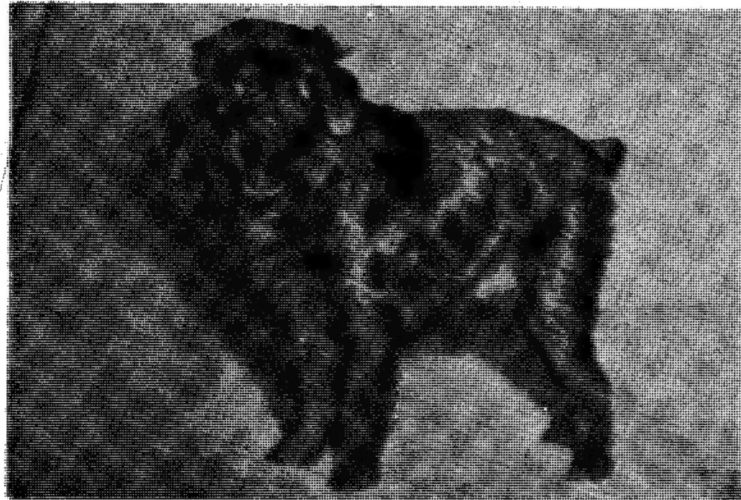
طبق جنس پشم ، دو نوع نژاد فرعی کانیش موجود است . کانیش پشمالو یا معمولی و کانیش عالی رنگهای معمولی کانیش سفید ، قهوه‌ای سیر و سیاه است . بعضی از کانیش ها چند خال بر روی سینه دارند . کانیش آبی رنگ که خیلی کمیاب است باید یکرنگ باشد .

۳ ـ کارلن .

اصل این سگ کوچك که صورتی پر چین و جمع شده و پوزه‌ای سیاه رنگ دارد از کشور هلند میباشد .

سرکارلن بزرگ ، تنومند و گرد است . پوزه‌اش کوتاه ، پهـن و چهارگوش و چشمهای بـزرگش


مالت


گریفون بروکسلی


پروانه

پکینوا


تیره رنگ وگستاخ است . گوشهای نازك ، کوچك و لطیف ، بدن کوتاه و خپله و پاهای استوار و قوی دارد .

مشخصات اصل کارلن عبارتست از : پوزه سیاه رنگ چین های عمیق و بزرگ برروی صورت ، خط سیاه ازانتهای پشت تاسردم ، دم هرچه بیشتر خم شده (آنهائی که دمشان دو دفعه بدور خود می‌پیچید بیشتر ارزش دارند) . پشم لطیف هموار ، ظریف ، کوتاه و براق ، رنگ حنائی مایل به نقره ای یا حنائی مایل به زرد نارنجی و یا سیاه .

٤ ـ شی‌هو آهوا

اصل این سگ کوچك و کمیاب از کشور مکزیك است . این سگ برنگهای مختلف دیده شده مثل : حنائی روشن ، حنائی سیر ، سیاه و سفید ، سه رنگ و آبی فولادی ، منگوله‌ای برروی پیشانی دارد و سینه‌اش سفید رنگ است .

٥ ـ اپانیول ژاپونی .

سگ کوچکی است از نژاد بسیار عالی . این سگ ظریف و با ملاحت و در عین حال زرنگ است و ظاهری آراسته وتمیز و پشم زیادی دارد .

سرش پهن و تناسبا برای بدنش بزرگ است ، جمجمه‌ای گرد دارد. پوزه‌اش درفاصله بین چشمها وبینی پهن میباشد . نوك بینی کوتاهش بسیار پهن و سوراخهای آنها باز و برنگ خالهای بدنش میباشد . چشمهائی بزرگ ، تیره‌رنگ ، براق و برجسته و دور از هم دارد . گوشهایش کوچك و بشکل ۷ میباشد و بالای سر از هم دور و کمی بطرف جلو قرارگرفته است . بدن و پاهای این حیوان بشکل مربع است زیرا طول و عرض حیوان برابر است .

دم پرپشت این سگ مانند پر زیبائی بر پشتش نمایان است پشم زیادش صاف ، بلند ، ابریشمی و بدون حلقه باموج و برنگهای سفید و سیاه و یا قرمز و سفید دیـده میشود . رنگ قرمز آن بین رنگ شن و لیموئی و نارنجی تغییـر میکند .

٦ ـ گریفون

این طایفه از سگی پشمی خشن برنگ قرمز و بدون هیچ لکـه سیاه یا سفیدی‌دارند . رنگ‌چشمها، بینی ، چنگها و پوست سیاه است . سرش که شبیه سر میمون است حالت مشخص دارد .

سه نوع گریفون بروکسلی را میتوان نام برد .

١ ـ گریفون بروکسلی با پشم حنائی قرمز .

٢ ـ گریفون بلژیکی با رنگهای مختلف .

٣ ـ باربانسون با پشم خیلـی کوتاه .

بروکسـلی دارای این مشخصات است : سر گرد و با موهای ناهموار و پر پشت و بلند تر در اطراف چشمها ،روی‌بینی و برروی گونه‌ها گوشهای نیمه افتاده که آنها را بیشتر مواقع میبرند . چشمهای بزرگ و سیاه ، خط سیاه دور پلکها ، مژه های بلند و سیاهرنگ و ابروهای پوشیده از مو که جلوی چشم حیوان نمیگیرد .

بینی کوتاهش‌همیشه برنگ سیاه است . دور لبها نیز خط سیاه دارد و روی آن سبیل پر پشتی دیده میشود . ریش کـوتاهی چانـه جسته‌اش را پنهان میکند پاهایش راست و دمش بریده است .

رنگ سك بروکسلی قرمز وسگ بلژیکی سیاه قهوه‌ای یا خاکستری و یا حنائی و باربانسون قرمز و یا سیاه و قرمز نارنجی است .

پشم این طایفه از سگها زمخت، خشن ، ناهموار ، بلند و پرپشت است بغیر از پشم باربانسون کـه صاف و کوتاه ، میباشد .

٧ ـ یوربه آیتالیائی

سگی است کوچك با موهای کوتاه و یکرنگ (بلوطی روشن ، شب قهوه‌ای برنگ سنگ لوح و یا خاکستری) .

٨ ـ مالته

سگ بسیار کوچکی است بشکل يك توپ سفید ابریشمی و از طایفه يك توپ سفیدابریشمی و ازطایفه‌ای سیار قدیمی که قبل از عصرمسیح وجود داشته است .

سگ مالته دارای مشخصات زیر میباشد .

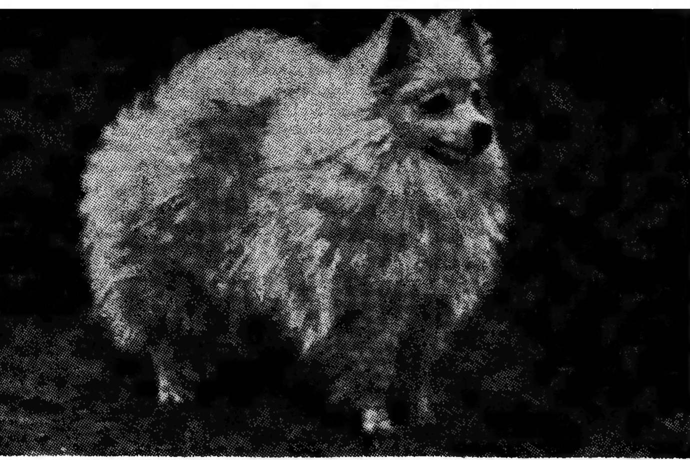
سری شبیه سر تریه گوشهای بلند و افتاده و پوشیده از مو ، چشمهای خرمائی پر رنگ که دورادور آن را خط سیاهی فراگرفته ، بینـی برنگ سیاه ، بدن کوتاه و خپله پاهای کوتاه و راست دم کمانی و پرپشت . پشم بلند و ابریشمی برنگ سفید ساده (بعضی مواقع ، دارای خالهای بلوطی رنگ روشن) .

هرچه این نوع سگ کوچکتر باشد ، بیشتر مورد پسند واقـع میشود .

٩ ـ پروانه

پروانه از خانواده اسپانیول و کوتوله است . ظریف و پرملاحت ولی قوی ، زیرك و با هـوش .میباشد . و هرچه کوچکتر باشد ارزشش بیشتر است .

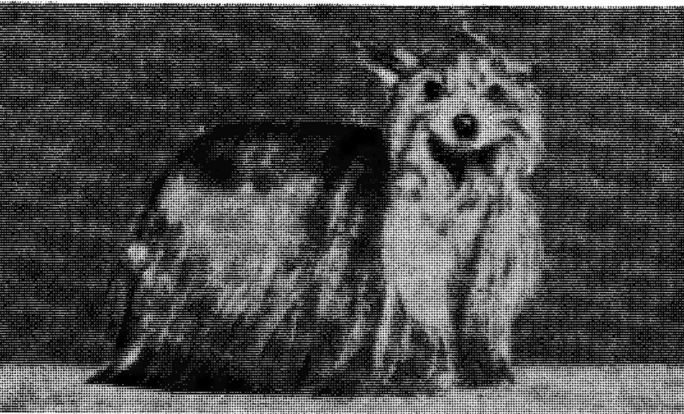
چشمهای‌درشت و گرد ، گوشهای بلند و افتاده ، پشم بلند برنگهای مختلف (سه رنگ ، سیاه و آتشی ، حنائی و آتش رنگ ، سفید وسیاه) از مشخصات این حیوان است .



لولوپرمرانین



الکوتیش تریه



تریه یورکشایر

چوپانی بوس



۱۰ ــ پکینوا

سگ کوچکی‌است دوست داشتنی، دلربا و باوفا .

سر بزرگی نسبت به بدنش دارد و جمجمه‌اش بین گوشها و چشمها پهن میگردد . بینی سیاه ، پهن ، صاف و خیلی کوتاهی دارد .

ـ چشمهای بزرگش گرد ، تیره و براق است .گوشهای بلندوآویزانش از پشم زیادی‌پوشیده شده . پوزه‌اش پهن ، کوتاه و پر چین ، سینه‌اش پهن و پر عمق و گودی کمرش بسیار کم است .

پکینوا دارای بدن و پاهای کوتاهی‌است(پاهای پیشینش کمانی میباشد) پشم‌بلندی دارد ، درقسمت زیر ، پشمش پرپشت و کاملا صاف و لطیف است .برروی ساق پاهایش موی نرم و کوتاه و برروی پاها و دمش ، موهای بلند و پرپشت دیده میشود .

پکینوا برنگهای مختلفی میتواند باشد . پکینوا سگی است قوی و نیرومند و رفتاری مغرور ، باوقار، جسور و بی‌باك دارد .

۱۱ ــ پومرانین

سگی است‌فعال ، چابك و باهوش که بنظر سگی جمع‌وجور میآید . سر و بینی‌اش شبیه سر و بینی روباه است . جمجمه‌اش در قسمت بالا صاف و پوزه‌اش ظریف وباریك میباشد .

دراین طایفه سگهائی که برنگ سفید هستند ، بینی برنگ سیاه نارنجی و یا خاکستری دارند . بینی این نوع سگ همیشه یکرنگ است .

گوشهای کوچك نزدیك بهم و راست و مانند سر پوشیده شده از یك پشم کوتاه ، نرم و لطیف است. چشمهای براق و برنگ تیره (دور چشمها خط سیاهی دیده میشود) گردن کوتاه ، بدن جمع و جور ، شکم گرد ، پاهای پیشین کاملا راست ، دم پوشیده از موهای بلند و پرپشت وبصورت حلقه ازمشخصات این نوع سگ است .

اصل این نوع سگ باید یکرنگ و بدون هیچ خالی بر روی بدن باشد . در این طایفه از سگها رنگهای سفید ، سیاه (رنگ روشن یا سیر) آبی کاملا روشن نارنجی ، کرم نیز دیده میشود .

۱۲ ــ شی‌پرك

این نوع سگ ، غالبا دم ندارد و برنگ سیاه‌بدون‌هیچ پشم سفیدی میباشد . اصل آن از کشور بلژیك است .

کوچك ، خپله ، گوشهای صاف و راست از مشخصات این سگ‌است در ضمن این سگ کوچك دارای موهای بسیار کوتاه برروی سر و پاها و بلندتر برپشت گردن ، زیر گردن ، سینه و نیز بین پاهای پیشین و پشت رانها میباشد .

۱۳ ــ اسکاتیش تریه

سگی است با صفات متعدد ، مهربان وچابك . این سگ شکارچی ماهر و نیزسگ خانگی بسیارخوبی است .

جمجمه‌اش کشیده و کمی گنبد شکل است . پشم کوتاه زمخت ، فکهای منظم ، گوشهای کوچك و تیز سربالا ، گردن کلفت وکوتاه بدن کشیده و پر عضله ، پاهای کوتاه و راست ، دم کامل و کمی منحنی ، از مشخصات این طایفه میباشد .

رنگ پشم‌اسکاتیش تریه‌خاکستری فولادی ، آهنی ، سیاه ، حنائی و بدون هیچ لکه سفید میباشد .

۱۴ ــ سی‌لاهام تریه

دارای‌فکی بلندوقوی ودندانهای همسطح ، چهارگوش و پر قدرت، گوشهای متوسط که‌بشکل ۷ دوطرف سر آویزانند ، گردن دراز و پر عضله ، بدن کشیده ، پاهای کوتاه و راست میباشد . موهایش بلند ، ضخیم و زمخت و معمولا برنگ سفید است ولی‌بعضی مواقع خالهای قهوه‌ای رنگ و یا سیاه و سفید برروی سر وگوشهایش دیده‌میشود.

۱۵ ــ اسکای تریه

اصل این نوع سگ از جزیره اسکای که در شمال غرب کشور اسکاتلند واقع شده ، میباشد و یا کوتاهترین سگ طایفه تریه است.

بدنش بسیار کوتاه و نزدیك به زمین و پاهایش نیز بسیار کوتاه است . موهای صاف ، راست وبدون موجی دارد که تقریبا روی زمین کشیده میشود . رنگهائی که بیشتر مورد پسند واقع میگردد رنگهای خاکستری مایل بآبی روشن یا سیر، خاکستری مایل به حنائی با خالهای سیاه ، خاکستری روشن . یك دست میباشند .

۱۶ ــ یورکشایر تریه

سگی است با موهای بلند که در دو طرف بدن ، بیك اندازه افتاده و بوسیله فرقی که بر روی پشت ، از سرتادم کشیده شده از هم جدا میشود .

سرش صاف و کوچك ، پوزه‌اش بسی پهن و بینی اش سیاه میباشند. چشمهایش پر حالت ، لبه پلکهایش تیره رنگ ، گوشهایش کوچك ، بشکل ۷ و پوشیده از موهای کوتاه میباشند (گوشهای این سگ کاملا راست نمیشود) .

رنگ این سگ ، آبی فولادی براق میباشد . موهایش باید هرچه بیشتر بلند وصاف باشد ، هیچ‌موجی درآنها دیده نشود .دمش که دارای موهای بلند و کمی پررنگ تر از موهای بقیه بدن است ، کمی بالاتر از معمول برروی پشت قرار گرفته.

۱۷ ــ توی انگلیسی

اصل این طایفه از سگها بسیار قدیمی و هنوز بدرستی روشن نشده است . این سگها مورد علاقه یکی از پادشاهان انگلستان بوده‌اند که اسمش را نیز برروی یکی از چهار نوع این خانواده گذاشته است . (شارل اسپانیل) این خانواده از سگها صاحب جمجمه بزرگ و گنبد مانندی هستند .

چشمهایشان بزرگ ، تیره رنگ، دور از هم و پر حالت است . بینی سیاه رنگ ، کوتاه و سربالا ، گونه های پرگوشت ، گوشهای پائین در دوطرف سر و هیکل بلند، بدن کوتاه و خپله ، سینه فراخ و پاهای کوتاه و راست از مشخصات این نوع سگ ها است . پشمشان بلند ، ابریشمین وبعض مواقع کمی موج دار است . گوشها ، پاها و دمشان پر پشت هستند .

چهار نوع سگ در این خانواده از لحاظ رنگ بچشم میخورد . کینگ شارل برنگ سیاه براق‌زیبا با خالهای حنائی‌رنگ برروی‌پوزه، پاها ، سینه و گوشها .

(سه‌رنگه) برنگ سفید مرواریدی خالهای سیاه پراکنده و قرمز آتشین و بین چشمها کلافی از پشم سفید دیده میشود .

بلن‌هایم :برنگ سفید مرواریدی با خالهای حنائی مایل به بلوطی و دارای کلافی از پشم سفید با یك لکه قرمز بلوطی برروی سر است .

عقیقی : که‌برنگ‌قرمز خوشرنگ مایل به بلوطی میباشد .

۱۸ ــ توی تریه

سری دراز ، صاف و باریك دارد . چشمهایش کوچك و نزدیك بهم و مستطیل شکل است بینی‌سیاه گوشهای تیز سربالا یا نیمه سربالا، گردن دراز ، سینه تنگ ولی عمیق، بدن نسبتا کوتاه ، پاهای راست و ظریف ، دم معمولا بریده شده از مشخصات این خانواده از سگهاست.

پشمش فشرده ، لطیف ، کوتاه و براق میباشد ، رنگ آن سیاه کهربائی و قرمز آتشی است . این دورنگ باید بطرز مشخص از هم جدا باشند .

۱۹ ــ وی پت

سگی است شبیه لوریه ولی بسیار کوچك و ظریف . سردراز و لاغر، جمجمه صاف ، گوشهای کوچك و نیمه افتاده ، پشم نازك و فشرده از مشخصات این طایفه میباشد . که رنگهای مختلف و متنوعی میتواند داشته باشد .

سگهای محافظ

۱ ــ برسرون

این سگ دارای پشم کوتاه ، چشمهای مایل ، گوشهای سه‌گوش و راست متمایل به جلو ، دم‌کاملا افتاده میباشد پاهای عقب حیوان دارای ناخن دوبل است رنگ پشمی که برای این نوع سگ بیشتر مورد پسند واقع میگردد ، رنگ مشکی و قرمز آتشی است .

این طایفه از سگها ، برای گله‌داری ، محافظت ، دفاع و پلیس بسیار ارزنده هستند .

۲ ــ چوپانی

این سگ پشم زیادی دارد که بدسته های کوچك درآمده ومانند ریسمان پشم تمام بدن را پوشانده و برروی صورت نیز بشکل ابرو ، سبیل و ریش در میآید . گوشهای این سگ را بیشتر مواقع میبرند . دمش همیشه افتاده است ، رنگهای مختلفی دارد (سیاه ، سیاه سنگ لوحی ، خاکستری سبز ، خاکستری روشن ، حنائی ،حنائی وخاکستری) پاهای عقبی دارای ناخنهای دوبل است این نوع سگ که صحرائی گفته میشود ، برای نگهداری گله بسیار مناسب است .

۳ ــ بوویه

سری قوی ، تنومند و فکهای نیرومندی دارد . پشمش زمخت ، خشك و کوتاه است . رنگهای معمولی این سگهاحنائی ، خاکستری است .

٤ ــ بوکسر

سر پهن‌وکوتاهی دارد ، فکهایش قوی ، بدنش تنومند ، خپله ولی با تناسب است . موهای فشرده ، لطیف ولی خیلی کوتاه دارد .

معمولا برنگهای حنائی است . بریدن گوشها و دم این نوع سگ، بجز در کشور انگلستان که ممنوع است ، در کشور های دیگر معمول است .

۵ ــ چوپانی آلمانی

مشخصات این طایفه از سگها عبارتست از : سر لاغر و بی‌گوشت پوزه کشیده و باریك ، گوشهای راست با نوك مایل به جلو ، دم افتاده و صاف ، پشم بسیار کوتاه و کمی خشن ، رنگ پشم : سیاه ، سیاه و قرمز آتشی ، خاکستری ، خاکستری روشن ، برنگ سنگ لوح روشن یا سفید . این پشم‌بسیار زیاد صاف ولی خشن است .

٦ـ چوپانی انگلیسی

این سگ شبیه به بریارد میباشد ولی بدون دم (احیانا ، درصورت داشتن آنرا قطع میکنند) .

پشم پر پشت صاف وخشن

این سگها معمولا برنگ خاکستری روشن ، پشمی روشن یا سفید هستند.

۷- چوپانی بلژیکی

سگی است روستائی ، باسردراز و پوزهٔ نوك تیز ، گوشهای سه گوش متوسط و هیکل صاف، دم کلفت در شروع آن وپشم پرپشت وفشرده کوتاه رنگ آن بین سیاه و حنائی تیره تغییر میکند.

۸- مالی‌نوا دارای موهای نیمه کوتاه بر روی بدن ، کوتاه برروی سر وبلندتر برروی گردن و دم میباشد.

۹- گروئین دال دارای‌موهای بسیار کوتاه بر روی سر، بلند وصاف بر روی بدن است. دورگردنش . یقه‌های ازموهای‌بلند دیده میشود و دمش دارای موهای بلند پر پشت - میباشد که‌بصورت پر در آمده .

رنگ این سگ مشکی است.

۱۰- چوپانی اکوس

سگی است با بدن کشیده ، جمجمه صاف ودراز ، صورت‌باریك و کشیده ، گوشهای کوچك که در بالای سر قرار گرفته بانوك های کمی افتاده ، دم پر پشت، موهای بلند ، صاف و زیاد که بصورت یال درپشت‌گردن ویقه‌هائی از پشم بدور گردن درمیآید .

این نوع سگ رنگهای مختلفی دارد که از این قرار است :

سیاه بر روی بدن وقرمز آتشی زیر بدن با شکم ، سفید دورگردن ، سینه ، قسمتی از سر وانتهای پاها .

در فرانسه این نوع سگ‌که به کولی معروف است سگ خانگی و لوکسی بشمار میرود.

۱۱- پیرنه

سگی است بسیار بزرگ‌با پشم بلند ، ضخیم ، تقریبا صاف، دم پر پشت که مانند پر بر میگردد.

رنگش حنائی روشن ، زردرنگ یا سفید با خالهای زرد بر روی‌سر میباشد.

۱۲- دانوا

بزرگتر و کشیده‌تر از بول است سری دراز و قوی ، گردن بلند و راست ، پوزه بس‌کشیده، دم ضخیم و دراز با پشم های کوتاه دارد موهای این حیوان بسیار کوتاه ، فشرده و صاف است . میتواند یکرنگ، خالدار باشد.

نوع خالدار آن را آرلکن مینامند.

۱۳- دوبرمن

بدن متناسب و قوی ، موهای بسیار کوتاه ، خشن ، براق‌برنگ سیاه ، گوشهای قطع شده وراست و دم بریده شده از مشخصات این خانواده از سگها میباشد .

پا های عقبی عاری از ناخن است.

۱۴- بول ماستیف

این سگ قوی بلند وسری بزرگ و پهن دارد . پوزه‌اش کوتاه و بریده ، گوشهایش کوچك و افتاده بر روی گونه هااست قوی‌الجثه با دم پهن درشروع آن و باریك در انتها است ، موهایش بسیار کوتاه و رنگش‌حنائی(روشن، طلائی ، نقره‌ای و سیر) صورت سیاه رنگ است.

۱۵- بردو

تنومند ، چنله ولی زیرك‌و چابك است . سر بسیار بزرگ، پهن، کوتاه چهار گوش ، با فکهای قوی ، گوشهای بالا قرار گرفته و آویزان . از مشخصات این سگ میباشد.

رنگش بین حنائی روشن‌و حنائی سیر تغییر میکند. صورتش برنگ سیاه یا صورتی و موهایش فشرده ، لطیف کوتاه و براق میباشد.

۱۶- سن برنارد

از آنجا که این سگ در نقاهت خانه سن‌برنارد جان چند نفر را از مرگ نجات داده ، نام سن‌برنارد را بر رویش‌گذاشته‌اند این نوع سگ دارای سر بزرگ و کوتاه ، جمجمه پهن ، گوش های پهن و افتاده ، چشم ها کوچك و گود ، پشم بلند برنگهای سفید و حنائی ، سفید وقرمز یا سفید و نارنجی میباشد.

۱۷- سگ اصطبل

برای گله‌داری و محافظت سگ بسیار خوبی بشمار میرود.چه بزرگ چه متوسط و چه کوچك باشد ، پشمش زمخت است وبه رنگهای خاکستری فولادی وفلفل نمکی . دیده میشود . بریدن‌گوشها و دم این سگ معمول است.

تولید مثل وتربیت سگ:

حد متوسط زندگی یك سگ ۱۲ تا ۱۳ سال است.

انتخاب جفتهای مناسب‌برای جفت گیری عامل مهمی بشمار میرود .

این انتخاب باید با در نظر گرفتن مشخصات حیوان ، استعداد، اصل و نسب و اطلاع اززائیده‌های قبلی انجام گیرد.

برای بهبود نسل تربیت‌کنندگان میکوشند تا جفتها را از یك خانواده انتخاب نمایند . این طرز عمل اگر بطور صحیح انجام‌گیرد، خواص موروثی را تشدید میکند در صورتیکه اگر یکی از سگها اندك نقصی داشته باشد، جفت‌گیری‌اش با سگ دیگری باعث تشدید این نقص در نسل بعدی میگردد .

انتظار تولید مثل دقیق از یك سگ ماده نژاد اصیل با یك سگ نر معمولی کاملا استثنائی است یعنی کمتر امکان دارد نژاد از جانب مادر بارث برسد.

تولید مثل

سگ نر و ماده ، از سن ده ماهگی قادر به تولید مثل میباشند .

اولین قاعده در سگ ماده ازاین سن شروع میشود و دومرتبه در سال تکرار میگردد .

در این موقع سگ ماده عصبی است . فرج ورم کرده و مایع خونی از آن ترشح میکند. این مایع بوی مخصوصی و تندی دارد که حتی از مسافت دوری غریزه جنسی سگ نر را تحریك میکند . این قاعدگی ۱۸ الی ۲۰ روز طول میکشد و سگ ماده فقط از روز دهم تا روز های پانزدهم و شانزدهم قاعدگی حاضر به - جفت‌گیری میشود.

اگر یك سگ ماده با چند سگ نر از نژاد های مختلف جفت‌گیری کند ، سگهائی را که بدنیا میآورد از نژادهای کاملا مختلف خواهند بود.

اگر سگ ماده برای اولین مرتبه جفت‌گیری میکند ، بهتر است که این عمل بفواصل یك یا دو روز انجام گیرد . درصورت وصلت نامناسب ، میتوان جنین را بوسیله تزریق آمپولی که هیچ خطری برای سگ نخواهد داشت سقط کرد.

دوران بارداری

بارداری سگ ۵۸ تا ۶۵ روز و یا بطور متوسط ۶۳ روز طول میکشد . در این مدت مادر آینده باید بوسیله غذاهای مقوی که دارای مواد ویتامینه e فسفانه میباشند تغذیه گردد تا نوزادان سالمی بدنیاآورد .

برای احتیاط بهتر است قبل از جفت‌گیری یا اوائل بارداری دوائی برای دفع کرمهائی که ممکن است در معده سگ وجود داشته باشد و از راه جنین‌به نوزادان صدمه برساند به اوداد.

وضع‌حمل

نشانی های نزدیك بدون وضع حمل بدین قرار است: ورم پستانهای سگ که سنگین شده‌اند ، ورم فرج و ترشح یك مایع لزج و بالاخره پائین آمدن حرارت‌بدن سگ (از۳۸٫۵ درجه به۳۷ درجه).

نوزادان بطور طبیعی‌درفاصله نیم ساعت به نیم ساعت و بعضی اوقات نیزدوبدودرکیسه‌هائی بدنیا میآیند . این کیسه‌ها و نیز جفت جنین را (که دارای‌موادارزنده‌ای برای بوجود آوردن شیر میباشند) سگ ماده بعد از وضع‌حمل‌میخورد. این وضع‌حمل مخصوصا اگر برای اولین مرتبه باشد ، بسختی انجام میگیرد.

هیچوقت نباید انقباض رحمی را قبل از اطمینان از انبساط کامل اعضاء تناسلی ایجاد نمود.

تعداد نوزادان در هر وضع حمل بستگی به نژاد سگ دارد. سگهای کوچك از ۳ تا۱٤ نوزاد بدنیا میآورند و سگهای بزرگ ۱۲ و حتی ۱۶ توله سگ داشته‌اند توله سگها با چشمانی بسته بدنیا میآیند که بعد از ۱۲ روز باز میشوند.

در مدت ۲۰ روز اول سگ ماده که خود باید خوب تغذیه کند ، به نوزادان خود شیر میدهد و بتنهائی زندگی آن ها را تامین مینماید . بعد از سه هفته توله سگها میتوانند شیری جز شیر مادر بخورند . اگر تعداد توله سگها زیاد باشد ، میتوان زیباترین و بهترین آنها را انتخاب نمودو بقیه را از بین برد.

در مواقع استثنائی میتوان بوسیله پستانك یا سگ‌شیرده‌دیگری (که معمولا بآسانی حاضر میشود که به توله سگهای دیگر نیز شیر بدهد) نوزاد را تغذیه نمود. در این مواقع ، میتوان یك شیر ترکیبی که شبیه شیر سگ باشد تهیه نمود.

در صورت نداشتن این شیر، میتوان ازشیر گاوکه با یك‌تخم‌مرغ تازه برای هر ۵۰ گرم شیرمخلوط شده ، استفاده نمود(شیرگاوباندازه کافی و حتی بیشتر از شیرسگ شیرینی دارد).

در نظافت و بهداشت محلی که نوزادان سگ در آن بسر میبرند دقت زیادی باید نمود و مخصوصا از ایجاد جریان‌شدید هوا باید جلوگیری کرد. مواظبت از پستانهای سگ شیر ده ، برای حصول اطمینان از سلامت آنها و احتمالا پیش بینی و جلوگیری از ورم پستان ومداوای آن در صورت لزوم از ضرورت میباشد.

ازشیرگرفتن:

سگ توله باید در حدود چهل روز بعد از تولد از شیر گرفته شود . زیرا که پستانهای مادر روز بروز خشك‌تر میشوند و نوزاد با دندان های تیزخود

پستان مادر را میتواندمجروح کند.
غذای توله سگ در ابتدا عبارتست از: شیر و مواد شیری، فرنی یا جوشانده ، مواد آردی و نشاسته‌ای دانه جو سیاه، و بعد برنج و انواع غذا وسبزیجات له شده ، گوشت خام یا پخته به مقدار بسیارکم این غذا ها را باید بمقدار کم ولی در دفعات متعدد به سگ جوان داده بطوری که‌معده‌اش‌خسته نشود و هر دفعه کمی گرسنه‌بماند تا بتواند غذا را خوب هضم کرده و به‌بهترین وجهی تغذیه‌کند.

برای آن که سگ جوان دندانهای خوبی داشته باشد ، میتوان بعد ازچهار ماهگی استخوان گوساله باو داد.

گردش های طولانی وعوامل تحریك کننده برای سگ جوان مضر است.

البته کمی ورزش برایش‌ضرور میباشد.

از نگاهداری سگ جوان‌زیر آفتاب بمدت طولانی و همچنین حمام و شست وشوی زیاد (البته بعد از سن شش ماهگی مجاز است) باید دوری جست . با نظارت مدفوع بمنظور آگاهی از وجود کرم با مبارزه با پارازیتهای خارجی مانند شپش و کیك، با اضافه نمودن ویتامین و فسفات‌به غذای روزانه ، با پرهیز ازدادن مسهل و دافع کرم زیاده از حد قوی به‌حیوان ، با جلوگیری از آمیزش با سگهای ناشناس و نامناسب ، میتوان سگهای زیبا ، سالم و قوی بدست آورد.

تغذیه

سگ حیوانی است گوشتخوار ولی با زندگی در میان مردم‌و اهلی شدنش همه چیز خوار شده و غذایش عبارتست از موادحیوانی و گیاهی معده سگ بکندی غذا را هضم میکند و بهمین دلیل یك یا دو وعده غذا در روزکافی است. فاصله بین دو وعده غذا باید ۱۲ ساعت باشد.

خوراکی که دارای مواد غذائی لازم برای سگ میباشد،از یك سوم نان ، یك سوم سبزیجات و یك سوم گوشت تشکیل میشود.

این حیوان ، گوشت خام را بخوبی میتواند هضم کند درصورتی که گوشت پخته را وقتی هضم میکند که مدت پخت طولانی باشد.

مقدار خوراکی، بستگی‌به‌وزن حیوان دارد . سگ سالم ، غذای خود را بسرعت میخورد و آنرا تقریبا می‌بلعد و در صورت عکس آن یعنی اگر سگ با بی میلی و آهستگی غذای خود را بخورد، نشانه ناراحتی یا بیماری اوست‌و باید مراقبت شود . غذای سگ باید ولرم باشد و نیز گذاردن کاسه‌ای آب تمیز در دسترس حیوان کاری است بدون شك ضرور.

پاکی و بهداشت

مالش و برس زدن پوست سگ در جهت رشد مو ، هر روز صبح نباید فراموش شود. درفصل تابستان ، شست و شوی مرتب‌و چیدن تمام یا قسمتی از پشم برای کانیش توصیه میشود.

لانه‌ای که برای سگ منظور شده باید نسبتا بزرگ و بلندتر از سطح زمین باشد ودرمحل روشن و هواگیری جای داده شود.

این لانه را باید هر هفته با آب جوش مخلوط با دوای ضد عفونی شست ، تخته های خشك شده را به تفت آغشته نمود وتشك خواب را نیز عوض‌کرد.

بهداشت سگ به پاکیزگی محل زندگی، جداکردنش‌ازسگهای مریض دیگر ، نظارت در آمیزش احتمالیش با همچنان‌مشکوك بستگی دارد . رعایت این نکات مخصوصا در مورد سگهای جوان لازمست.

سگی که در مواظبت از او غفلت شود بزودی درمحل زندگی آلوده به پارازیتهای گوناگون میگردد که او را ناراحت کرده وباعث بیماری های مختلف میشود سگ نه فقط بیماریهای هاری وسل بلکه کرمهای مختلف را میتوانند به‌انسان منتقل کند.

این انتقال بیشتر بوسیله لیسیدن صورت و دستهای انسان صورت میگیرد.

بیماری سگ

امراض سگ‌علامتهای مختلفی دارند که عبارتست از : تب ، کوفتگی ، ناراحتی های ریه و معده و اعصاب که تشخیص بیماری را آسان میکند.

بعلت این که بیشتر بیماریها را باید با معالجه سریع یعنی پیش از آن که مرض شدت پیدا کند، بر طرف کرد ، به دارندگان حیوانات توصیه میشود که بمحض مشاهده ، این علائم در حیوان بادامپزشك در این بار مشورت کنند.

بیماریهای واگیر وعفونی :

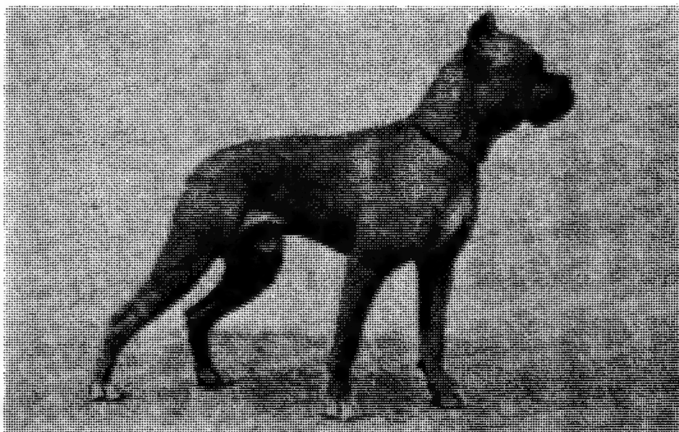
امراضی که در زیر شرح‌داده خواهد شد ، از جمله بیماریهائی هستند که بیشتر بین حیواناترواج دارند.

۱ـ بیماری کاره

بیماری کاره که بیشتراوقات بیماری سنین جوانی نامیده‌میشود


چوپانی آلمانی


بوکسر


فلدنلر

چوپانی بری





سن‌برنارد



چوپانی اکوسی



دوبرمن

چوپانی بلژیکی



مرضی است خطرناک ، واگیر و شدید که بتوسط یك والتراویروس که آقای کاره آن را کشف‌کرده است، ایجاد میگردد.

علائم این مرض ناراحتیهای پوست ، معده ، ریه و اعصاب است . توله سگها یا سگهای جوان بیشتر استعداد گرفتن این بیماری را دارند.

البته این بستگی به‌نژاد ، سن ، وضع جسمانی و زندگی،نوع و روش تغذیه دارد. این عفونت بیشتر به سگهای ۳تا٦ یا ۸ ماهه سرایت میکند ولی کم نیستند. سگهای ۲، ۳ و حتی ٤ ساله‌ای که به این بیماری مبتلا شده‌اند.

پیش‌گیری

برای جلوگیری از شیوع‌این بیماری در حیوان ، باید بادقت هرچه تمامتر از سگ جوان مراقبت و پرستاری نمود . توجه به‌این نکات در سلامت سگ بسیارموثر است . نگهداری حیوان در هوای آزاد ، رعایت بهداشت جسمانی (برس زدن روزانه ، جلوگیری از پیدایش‌کیك یا شپش، شست‌وشو در آب یا گاز که باید درمورد سگهای کمتر از ٦ ماه خودداری نمود) خوراك مناسب وکافی که ازگوشت خام یا کباب‌شده(به‌مقدار کم) برنج ، پوره سیب‌زمینی سبك، سبزیجات ، و جو سیاه تشکیل میشود.

البته باید بخاطر داشت که کمیت و کیفیت غذا هردو مهم است.

باید مراقب بود تا سگ‌مبتلا به پارازیت یا کرمهای روده که سگ جوان را ضعیف و ناتوان مینماید و اعصاب را تحریك میکند و زمینه را برای نرمی استخوان آماده می‌سازد نشود — در ضمن تکامل غذای روزانه با ویتامین ها وفسفاتها که به نشو و نمای اسکلت و دندانها کمك‌میکنند واجب است . در این مورد روغن ماهی توصیه میشود . (البته بجز در فصل گرما) . در این موقع از عصاره ویتامینه که بدن با سهولت بیشتری میپذیرد باید استفاده نمود.

و بالاخره سگ جوان که در حال رشد میباشد احتیاج زیادی به استراحت دارد . پس باید اورا از هر عامل تحریك کننده دور نگهداشت . مانند بازی های سخت وطولانی، افراط درگردش‌مخصوصا موقعی که هواگرم یا طوفانی میباشد (خطر خونریزی مغزی).

واکسیناسیون

طرفداران و مخالفان این عقیده ، هر یك دلائل خوبی‌برای اثبات طرز فکر خود دارند . باید یاد آور شد که یك واکسن خوب‌از شیوع بیماری تا حدی جلوگیری میکند و یا از ۹۰ درصد خطر آن میکاهد . تنها به سگهائی که قبلا یك دافع کرم داده شده و مدت ۱۰ تا ۱۵ روز کاملا تحت مراقبت بوده‌اند (گرفتن درجه حرارت صبح وشب ضرور است) میتوان واکسن زد . و در غیر این صورت صلاح نیست. (درجه حرارت عادی سگ ۳۸ تا ۳۸٫۵ سانتی‌گراد میباشد) .

نشانی های شروع بیماری.

در ابتدای بیماری ، حرارت بدن سگ به ٤۰ تا ٤۱ درجه سانتی‌گراد میرسد . کوفتگی ، تشنگی شدید ، بی اشتهائی ، جریان غیر ارادی اشك ، ترشح چرك‌از چشم‌ها مشاهده میشود . بروزجوش بر روی پوست شکم و قسمت‌داخلی ران ناراحتی های جهاز هاضمه، ریوی ، عصبی و بصری .

معالجه

درصورتیکه حیوان بیماربدون اندك تاخیری در ابتدای بروز تب نزد دامپزشکی‌برده شود، تزریق سرم مشابه (سرمی است که از سگهائی که به همان بیماری‌مبتلا بوده و در دوره نقاهت بسر میبرند گرفته شده) تب‌را به‌تدریج در مدت ۲٤ یا ٤۸ ساعت پائین آورده و سلامت حیوان را به‌او بر میگرداند.

این عمل هرچه زودتر انجام گیرد ، تاثیر زیاد تری خواهد داشت اگر مرض به درجه حاد خود رسیده ، بکار بردن طریقه‌های معالجه باسولفامیدهاوآنتی‌بیوتیگها و غیره ، بیشتر اوقات موثرواقع نمیشود . بخصوص درمورد بیماری های عصبی که تشخیص آنهابسیار دشوار است معالجه هومئوپاتیك (یعنی طریق معالجه با دوائی که تاثیرش نظیر خود مرض است) بیشتر اوقات در مورد ناراحتی اعصاب و بیماریهای ناشی از آن مانند فلج ، نتیجه رضایت‌بخشی دارد.

۲ــ مرض هاری

بیماری هاری ساری است و از حیوان بانسان سرایت میکند و میکروب آن در مرکز اعصاب جای میگیرد و تولید تهیج یا فلج میکند و بعضی اوقات هر دو با هم.

مرض هاری بدو نوع دیده میشود . اول هاری همراه با خشم تغییر حالت و خارش تند درمحل و اطراف گزیدگی که بعد از۲٤ ساعت شدت میبابد بطوری‌که سگ برای آرامش درد ، دندانهایش

را در زخم فرو میبرد علامت آنست . تهییج ، بلعیدن اجسام خارجی ، تغییر صدا که گرفته و خشن میگردد بالاخره خشم‌شدید سبب کوچکترین تاثیر از علائم این بیماری خطرناك است.

در مواقع خشم دهان سگ هار کف میکند و بعد از این حمله مریض یك نوع کوفتگی شدید احساس مینماید بعضی مواقع هم بدون این که به کسی حمله‌کند فرار میکند و میتواند مسافت‌بسیار زیادی‌بدود . در این مواقع سگ هار بجز در صورتیکه بخواهند او را بگیرند خطرناك نیست . سگ هار بعد از ۵ تا۶ روز می‌میمیرد.

دوم هاری همراه با فلج این نوع هاری با فلج فك پائین شروع میشود و سگ دیگر قادر به پارس کردن نیست.

در مورد سگ، واکسن ضد هاری که مصونیت طولانی در مقابل این بیماری ایجاد میکند، باید هر سال تکرار شود. مخصوصا در نقاطی که هاری مداوم وجود دارد . مانند افریقای شمالی .

حیوان هاری که شخصی را گاز گرفته باید برای مدت ۱۵ روز تحت نظر قرار بگیرد.

اگر دراین مدت سگ، خواه براثر حادثه و خواه براثر بیماری تلف شود . شخص گزیده شده را باید تحت درمان قرار داد.

۳- بیماری سل

این بیماری بخصوص دربین سگهای خانگی که صاحب آن ها بدین مرض مبتلا هستند رواج دارد.

مرض سل میتواند بشکل ریوی (سرفه ، بریدگی تنفس ، ترشح از بینی ، تنگ نفسی) را شکل‌سینه پهلو یا بیماری جهاز هاضمه (لاغری - یبوست ، اسهال غالبا مخلوط با خون) یا قلبی یا جلدی در نقاط مختلف بدن و بخصوص زیر فك پائین و غده ای باشد .

تشخیص این بیماری سخت و مبهم است . و علائم آن ممکن است مربوط به بیماری دیگری باشد .

در این صورت ملاحظه و دقت در محیط زندگی سگ مریض برای تشخیص بیماری ضرور است. در ضمن یك امتحان باکتری از چرك و بلغم سینه و تراوش بینی و نیز تزریق رقیق توبرکولین ضرور است.

تصمیم درباره این بیماری سخت وخطرناك است و چون سگ مسلول برای انسان بسیار مضراست، باید بهر صورت او را از بین برد.

۴- تیفوس

تیفوس یا بیماری ورم‌معده وامعاء توام با خونریزی عفونی پیشرفت سریع از جمله بیماری‌هائی است‌که تشخیص آنها بسیار دشوار است.

علائم این بیماری عبارتست از: استفراغ خون اسهال شدید خونی و بوی مخصوص مدفوع.

برای معالجه سریع حیوان باید از سرم مخصوص انستیتو پاستور و داروهای ضد خونریزی وتزریقات متعدد سرمهای مصنوعی استفاده شود .

۵- بیماریهای طیفلی

گال سارکوپتیك : مشخصات این بیماری خطرناك خارش‌شدیدی است که عکس العمل سگ در مقابل آن ، خاریدن ممتد لبه‌گوش با پاها میباشد . البته این عکس‌العمل در مواقعی که سگ شپش دارد دیده میشود . ولی دراین مورد ، چشم انسان قادر بدیدن آن میباشد.

گسترش و سرایت سریع از مشخصات دیگر این بیماری است و به تشخیص نوع‌مرض کمك‌میکند. ولی برای اطمینان بیشتر یك آزمایش ذره‌بینی لازمست.

منطقی‌ترین طرز درمان این بیماری ، حمام گاز روزانه میباشد. ولی در صورت فقدان آن میتوان از حمام گوگرد هر ٤ یا۵ روز یك‌بار استفاده نمود . ضدعفونی کردن مکان زندگی و اشیاء مخصوص سگ (ازقبیل گردن‌بند، طناب ، برس و پتو) وتغذیه حیوان بوسیله غذا های نیروبخش ومقوی نباید فراموش شود.

گال دمودسیك : تشخیص‌این نوع گری بسیار سخت است. علائم آن عبارتست از ریزش مودرجاهای معین ابتدا برروی سر وصورت، مخصوصا برروی گونه ها، اطراف لبها و چشمها . اگر از معالجه بیماری در وهله اول غفلت شود، این عفونت خطرناك بتمام قسمتهای دیگر بدن نیز سرایت خواهد کرد.

دو نوع دیده میشود اول گری خشك این نوع گری بیشتر در نقاط مرطوب سر دیده شده و در این مناطق مو بکلی‌میریزد. (ولی درصورت کچلی مومیشکند). این گری بآسانی معالجه میشود. دوم گری چرکین که میکروبهائی مانند استافیلوکوك و استافیلورمورسی آن را بوجود میآورند، و برروی وضع عمومی بدن‌تاثیرات خطرناکی میگذارند. (ضعف‌عمومی بدن ، عفونت خون و مرگ) تشخیص این مرض بوسیله یك امتحان طبی و یك آزمایش ذره بینی آسان میگردد.

روغن کاو به نسبت یك سوم (روغن کاو حقیقی ، اتر و روغن سفید) و مرهم کل موگرا غالبا نتیجه رضایت بخشی میدهد . در هرمرتبه ، فقط یك پنجم بدن را باید تحت درمان قرارداد.

افزایش در مقدار غذای‌روزانه حیوان ضرور است.

گال اوتودکتیك یا گری مجرای خارجی گوش این نوع‌گری بسیار دیده میشود ، و خارش گوش و وجود چرك سیاه خشك وبدون چربی در آن از علائم این مرض است . (درصورت شك در نوع بیماری میتوان یك آزمایش ذره‌بینی بعمل آورد) گری در بعضی مواقع به صرع منجر میشود.

روغن کره سیله یك بیستم نبزوات دونبزیل بسیار موثر واقع میشود.

۶- کچلی

کچلی در میان سگها فراوان دیده نمیشود و دو نوع بیشتر ندارد . در نوع اول مو ابتدا، بصورت دایره و بیضی میریزد واین دایره‌ها بعدا بهم می‌پیوندند. این کچلی به‌انسان نیز سرایت می‌کند.

نوع دوم کچلی بیشتر به سگهای جوان سرایت میکند. و معالجه آن بسیار دشوار است . بیشتر مواقع از تنتور ید برای درمان استفاده میشود .

۷ - کرم

تنیا کرمی است پهن از خانواده سستودها سرش کروی شکل و کمی صاف است که به قسمت تنگی که به گردن منتهی میشود ارتباط پیدا میکند که خود از قطعات کوچك و بزرگ تشکیل شده که میتوانند ازهم جدا شود.

بوسیله عصاره اتری سرخس نر ، کوسو ، تخم درخت قان ، کامالا انار تازه ، اسانس تربانتین وغیره معالجه انجام پذیراست .

۸ - آسکاردیوس

کرم معده ، از طایفهٔ کرمهای طفیلی‌دراز است‌که بدنی استوانه‌ای کلفت، صاف و لیزدارد . درازایش بین ۵ تا ۱۵ یا ۲۰ سانتی متر است که غالبا بستگی به نوع و جنس آن دارد بیشتر سگهای جوان دارای این کرمها هستند. لاغری، ناراحتی جهاز هاضمه بد خلقی ، ازنتایج وجود این کرم در بدن حیوان‌است دادن داروهای داخلی کرم بسگهای ماده ، خواه قبل از جفت‌گیری و خواه در اوائل بار دارای ضرورت دارد .

تیترا کلروردتیلن و سانتونین در معالجه این‌طفیلی‌تاثیر فوق‌العاده‌ئی دارد .

۹ - کم خونی

کم‌خونی درسگهای شکاری، لاغری و خونریزی بینی بوجود میآورد .

عصاره اتری سرخس مز بنظر میرسد که در معالجه موثر است .

۱۰ - پی‌روپلاسموز

این عفونت خطرناك . از وجود انگل هائی بنام پیروپلاسما کانی در گلبلون های قرمز حیوان است که بوسیلهٔ تیك به سگ منتقل‌میشود

علائم این بیماری عبارتست از : تب شدید ، ضعف ادرار پررنگ، مرگ در صورت غفلت در معالجه فوری حتمی است .

اگر معالجه از ابتدای ظهور بیماری شروع شود ، بیمار خیلی زود بحال طبیعی بر میگردد ولی در صورتیکه در معالجه تاخیر شود، پارازیتهای خون‌بیمار ناپدیدمیشوند ولی کم خونی همچنان برای مدت زیادی باقی خواهد ماند که بسختی رفع میگردد .

۱۱ - ورم جلدی

ورم جلدی ابتدا در قسمت سر حیوان پیدا میشود و بعد به سایر قسمتهای بدن سرایت کرده عوارض خطرناکی مانند کم خونی ، لاغری و ورم غده‌ها بدنبال دارد . این بیماری از پیدایش پارازیت در خون و بعض از اعضاء ، مانند مغز استخوان ، طحال و کبد بوجود میآید .

این بیماری قابل علاج است ولی در صورت تاخیر در تشخیص ومعالجه دقیق ، بیماری‌بعدازمدتی عود میکند .

۱۲ - فیلاریوز

از امراضی‌است‌که‌بوسیله‌کرمهای طفیلی که در قلب و آرتر مسکن میگزینند پیدا میشود ناراحتی‌هائی که این بیماری ایجاد میکند ، عبارتست از : سرفه ، تنگ نفس سستی و کوفتگی . ولی‌معمولا باعث مرگ حیوان نمیگردد .

۱۳ - اگزما

اگزما نوعی عفونت جلدی‌بسیار خطرناك است که بصورت حاد یا مزمن و خشك با چرکین دیده میشود واز عوامل مختلفی سرچشمه میگیرد که عبارتست از : تغذیه ناقص ، (استخوان ، چربی ، گوشت) کسالت عمومی‌بدن ناراحتی محرك جهاز هاضمه مخصوصا بد کارکردن کبد ، فربهی ، یبوست غفلت از بهداشت پوست ، فقدان ورزش .

بعضی از اقسام سگها بیشتر از سگهای دیگر استعداد گرفتن اگزما را دارند .
تغذیه صحیح، برقرار کردن رژیم‌دقیق‌غذائی وباتوجه به‌بهداشت میتوان ازبروزاین عفونت‌جلوگیری نمود وحتی آنرا معالجه کرد .
اتوهموتراپی مسهل ، عصاره و همچنین مداوا با شوك نتایج‌رضایت بخشی در بردارد .
روی پوست بیمار میتوان الکل کامفره ، عرق کامفره یا لوسیون های‌گوگردی وگردهای سولفامید مالید .

سلاح

سلاحهای کلکسیون ومجموعه های سلاحهای قدیمی ، چه ازفولاد باشند و چه از آهن با قسمتهای مسی ، محتاج به یك نگهداری و توجه دائم است تا زنگ نزند.
برای جلوگیری از پیدایش زنگ ، آن ها را باید با مخلوطی از وازلین و نفت (باندازه های برابر) مرتب چرب کرد . ولی‌بهتر است که آن ها را با ورقه نازکی از رنگ روغن شفاف و بیرنگ پوشاند.

خرید سلاح

قبل از خرید سلاح ، هرکسی باید اجازه خرید حمل آن را از مقامات مسئول محل دریافت کند در غیر این صورت اسلحه فروش حق ندارد به مشتری‌سلاحی بفروشد .
خرید سلاح شکاری ، سلاح‌برای تیراندازی در بازار مکاره یا برای سر گرمی نیز اجازه لازم دارد .
موسسات بانکی برای حفظ امنیت و حراست قسمت های مختلف خود ، میتوانند اسلحه‌های لازم با نظر مقامات مسئول‌وارائه هویت شخصی که مسئول نگهداری اسلحه است داشته باشند.

حمل اسلحه

حمل اسلحه بدون داشتن اجازه مخصوص ، ممنوع است و در صورت تخلف ، دادگاه به این موضوع رسیدگی خواهد کرد.

سنگ لوح

سنگی است برنگ خاکستری مایل بآبی ، بسیار سخت و پردوام حتی وقتی که نازك است . غیر قابل نفوذ دربرابر آب که برای پوشش خانه بکار میرود.
مصرف سنگ لوح برای پوشاندن سقف خانه ها از قدیم وجود داشته است .
سنگ لوح بعلت‌کوچکی‌سطح و راحتی نصب و تراش درمحل، باهمه فرمها و اندازه های غیر عادی سقف مانند (پنجره‌های توی شیروانی ، سطح منحنی وسرازیری های مختلف شیروانی درکشورهای بارانی) میتواند مطابقت کند.
در بعضی از نقاط بارانی، سنگ لوح را حتی برای‌پوشاندن دیوار هائی که بیشتر در معرض باران واقع شده‌اند ، بکار میبرند.
سنگ لوح را مطابق ورقه‌های طبیعی‌ای‌که درسنگ موجود است. بضخامت بین۲٫۶تا ۵میلی‌متر حجاری میکنند (اندازه ضخامت سنگ لوح معمولی سه میلی متر است) .
البته سنگ لوح به‌اندازه‌ها و فرمهای مختلف موجود است. برای مدل ۲۱٫۵ در ۳۰ سانتی‌متر که بیشتر مصرف میشود ، میتوان ۴۷ قطعه سنگ لوح با این‌اندازه‌ها و بوزن ۲۵ کیلو گرم ، برای پوشاندن سطح یك متر مربع در نظر گرفت . وزن یك مترمربع پوشش از سنگ لوح ، باضافه‌لوازم فرعی ، بین ۱۸ تا ۳۵ کیلوگرم میشود .
سنگ لوح را بشکل پولك ، یا نوك تیز می‌تراشند و این فرم سنگ لوح رابرای‌پوشاندن‌سطحهای منحنی بکار میبرند .
و بالاخره میتوان صفحه های بزرگ سنگ لوح را با فرمها‌و اندازه های مختلف برای پوشش سقف بکار برد .

نصب سنگ لوح

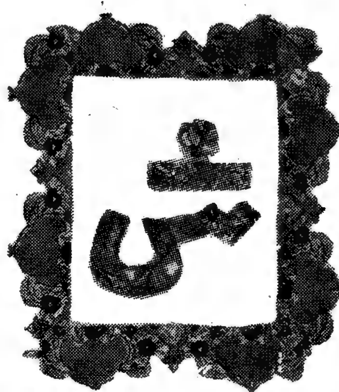
سنگ لوح را برروی پوششی از چوب صنوبر (وچوب درخت تبریزی اگر سطح منحنی باشد) نصب میکنند.
برای نصب انواع مختلف سنگ لوح از پروانه وتوفال برای زیر کاری و میخ‌یامیخهای‌چنگالی با پیچ استفاده میشود .
توفال ها را میشود با فاصله ۱ تا ۶ سانتی متر از هم نصب نمود . ولی در قسمتهای‌برجسته با پیش آمد سقف مانند آب رو و غیره بهم چسبیده خواهند شد .
در سمت راست دود کش ، توفال کوبی و پروانه به‌فاصله ۱۶ سانتی متر متوقف خواهد شد ودر این فاصله خاکریزی از گچ‌جایش را خواهد گرفت .
میخ آهنی یا مسی به فاصله حداکثر ۳ سانتی متر از لبه‌سنگ لوح کوبیده خواهد شد.
میخهای قلابی از آهن ، مس یا آلومینیوم ساخته‌میشوند. (هیچوقت میخ آلومینیومی را در نقاط کنار دریا بکار نبرید).
در بعضی از مواقع ، مثلا در نقاطی که گازهای خورنده در هوا موجود است باید ازمیخهای سربی استفاده کرد . در قدیم ، در این مواقع ، از پیچهای چوبی استفاده میکردند و هنوز هم در نقاط مختلف ، این وسیله برای نصب سنگ لوح دیده‌میشود، زیرا که سنگ لوحهائی‌که بوسیله پیچ چوبی محکم شده‌اندبهیچوجه بر اثروزش باد تکان نمی‌خورند.
در هر حال ، بهر طریقی‌که سنگ لوح نصب شده هر ردیف سنگ لوح باید دوسوم سطح ردیف زیرا را بپوشاند.
اجرای کار های اتصال و پیوست یك سقف سنگ لوح باید بعهده متخصص این فن گذارده شود.

مصرفهای دیگر سنگ لوح

در بعضی از ساختمانها، سنگ لوح را برای پوشاندن کف‌اطاقها، بصورت قطعه های نسبتا بزرگ با ضخامت ۸ تا ۱۰ میلی متر که بوسیله قیر ، بند کشی شده، بکار میبرند .
شاگردان مدرسه نیز ازتخته های سنگ لوح بجای تخته سیاه استفاده میکنند و بالاخره برخی از مجسمه سازان ، با استفاده از تخته های سنگ لوح برای مجسمه سازی ، کار های بس ارزنده و ابتکاری عرضه داشته‌اند.

سمنت

گردی است که وقتی با آب مخلوط و بلافاصله بکار برده شد، بسیار سخت و چسبنده میگردد. سمنت را برای بستن سوراخ و غیره مسدود کردن ، تعمیر کردن ، و اندود کردن بکار میبرند.
سمنت محصولی است که از آهك‌وخاك رس پخته بدست میآید. از سمنت مخلوط با آب ، گلی‌بدست میآید که خیلی زود سخت وسفت میشود.
برای مصرف خانگی ، گچ راحت‌تر از سمنت‌است‌زیرانگهداری آن آسان ودوامش بیشتر ازسمنت میباشد.
سمنت را باید، بمقدار کم و فقط در موقع لزوم خریداری نمود. سمنت را باید در مکانی خشك و ظرفی بسته نگهداری‌کرد.
سمنت در انواع‌مختلفی‌موجود است که با در نظر گرفتن مقاومت و ترکیب آن تقسیم بندی شده‌است. در اینجا چند نوع آن را نام میبریم : (سوپر سمنت) ، سمنت پرتلند مصنوعی . سمنت آهن که برای بتون آرمه بکار برده میشود. سمنت آب شده که خیلی زود میگیرد و مقاومت زیادی درمقابل اسیدهای اوگانیك دارد (بیشتر مواقع برای پوشاندن زمین کارخانه‌های لبنیات سازی و اصطبل از آن استفاده میشود .) سمنت خاصی که برای پی ریزی ساختمان بکار برده میشود ، و سمنت‌معماری سمنت طبیعی و سمنت نرم معماری که بجز بتون آرمه برای کارهای معمولی ساختمانی استعمال میشود.
سمنت هنگامی که سفت میشود ، حجم آن کم میشود و در نتیجه ترك خوردگی در آن پیدا میگردد. برای جلوگیری از ترك خوردن سمنت ، باید مواد ثابتی بدان‌اضافه نمود . و معمولا برای این منظور از شن استفاده مینمایند.
سمنت مایع سمنتی است‌که با مقدار زیادی آب مخلوط شده بطوری که بتوان با قلم مو از آن استفاده نمود .
این مایع را برای بستن ترك بشکه یا ظرفی که خود ازسمنت باشد بکار میبرند ونیز میتوان‌آنرا درحفره‌های کوچك ، برای آسان بکار بردن ، ماله ریخت .



شال گردن

شال کوچکی است که ازابریشم طبیعی ، پشم یاریون بافته شده و آنرا دربالای یقه یا فوکل بدور گردن می پیچند .

شراب سیب

مشروبی است که از تخمیر آب سیب تازه یا مخلوط سیب وگلابی با آب یا بدون آب آشامیدنی بدست میآید برای اطمینان از نگاهداری شراب سیب را میتوان در بطری ریخت.

برای بدست آوردن شرابسیب با کف زیادی و شیرین باید آنرا موقعی که وزن مخصوص بین۱۰۲۵۰ و یا ۱۰۲۰ دارد در بطری ریخت و اگر این وزن مخصوص درآن موقع ۱۰۱۸ و ۱۰۱۵ باشد شراب سیب کف دار در صورتیکه وزن مخصوصی بین ۱۰۰۹ و ۱۰۰۵قرار گرفته باشد شراب سیب کمجوشان بدست میآید.

شراب سیب را فقط موقعی میتوان در بطری ریخت که زلال و صاف باشد واین عمل فقط موقعی که هوا آفتابی و خوب است باید انجام بگیرد و زیراکه درهوای بارانی و طوفانی ممکن است شراب سیب کدرگردد . بطری که به شراب اختصاص دادهمیشود باید ازشیشه سخت ومحکم وچوب پنبه خوبی داشته باشد . اینچوب پنبهها بوسیله سیمهای نازکی بهبطری محکم میشوند . برای پر کردن بطری از شراب سیب یك لوله کائوچوئی را که به شیر شبکه وصل شده داخل بطری میکنندو بدین ترتیب مایع مستقیما بهبطری میریزد واین عمل باعث میشودکه گاز کربنیك کمتری زایع شده و مشروب تماس کمتری با هوا داشته باشد . بطری را تا سر آن پر میکنند و هیچ هوائی بین مشروب و چوب پنبه باقی نمیماند مثل (بطری شامپانی)

شراب سنج

دستگاهی است که وزن مخصوص شرابرامعین میکند. این دستگاه در آب خالص صفر درجه را نشان میدهد و درصورتیکهآنرا در شراب سیب بگذاریم اگر مثلا ۲ درجه نشان داد مطابق باوزن مخصوص ۱۰۱٤ خواهد بود .

شراب سنج را معمولا کسانی که خود در خانه شراب سیبدرست میکنند . برای مراقبت از تخمیر آب سیب بکار میبرند دستگاه به ۱۰۰ درجه تقسیم شده از ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ بهاین دستگاه صفحه جدول نصب شده که اولا وزن به گرم شکر موجود در هر لیتر شراب سیب تخمیر نشده و ثانیا مقدار الکل موجود بعد ازتخمیر را نشان میدهد و نیز این جدول تصحیح وزن مخصوص مشروب را مطابق حرارتش برای آوردن این وزن مخصوص به حرارت پایه ۱۵ درجه سانتی گراد نشان میدهد . اگر مشروب سیبی که در بطری است وزن مخصوص لازم را نداشته باشد باید برای هر گرم کسر آن دو گرم شکر در هر لیتر اضافه شود.

یك شراب سیب خوب باید زلال و بدون کدورت و سبك باشد و رنگ زیبائی داشته باشد . رنگ شراب سیب معمولا طلائیاست. ولی بسته به جنس سیببین زردکمرنگ وکهربائی تغییر میکند.

امراض شراب سیب

امراضی که بیش از سایر بیماریها دوامداردتیزیوترشیدگی، سیاه یا سبز شدن شراب ونیز چربی است . ترشیدگی شراب سیب ازوجودباکتری استیكیامخمر سرکه استکه درآن بوجود میآید. این باکتری ازتماس شراب با هوا در صورتیکه درجه حرارت برایرشد آن کافی باشد درست میشود . برای جلوگیری از ترشیدگی شراب سیب باید آن را در بشکه هائی که قبلا بهگوگرد آغشته شده است نگهداشت تا از تماس با هواو حرارت محفوظ بماند . ونیز بشکه باید کاملا پر شده وجائی درآن برای هوا باقی نماند.

سیاه شدن شراب سیب دلائل بسیاری دارد که ما در اینجا بآنها اشاره نخواهیم کرد . برای جلوگیری ازاین سیاه شدگی غالبا مقدار سیب ترشی را در مخلوطی که به این منظور اختصاص داده شده و اضافه میکنند و نیز گوشت و آب سیب و تفاله آن را کمتر در معرض هوا قرار میدهند . بمحض اینکه شراب سیب شروع بهسیاه شدن کرد میتوان سی تا پنجاه گرم اسید تارتریك را در هر هکتولیتر اضافه نمود.

ترکیب شراب سیب باعثسبز شدن آن میشود (سبز زیتونی). نمکهای آهنی بیشتر اوقاتبوسیله وسائل و آلات کار که ناپاك است یا بمدت زیادی در تماس بامیوه و آب آن بوده داخل شراب سیب میگردد.

برای جلوگیری از سبز شدن شراب باید به این نکات توجه نمود : میوه آلوده به خاك یا مواد خارجی را خوب شست، گوشت سیب را مدت زیادی در معرض هوا قرار نداد . ازتماس طولانی آلات و وسائل آهنی با گوشت تفاله و آب سیب جلوگیری کرد . برای علاج این بیماری شراب سیب باید ۲۵ تا ۳۰ گرم اسید تارتریك یا اسید ستیرتیك را به هرهکتولیتر اضافه نمود . مرض چربی بعداز پیدایش یك میکرب در آن بوجود میآید در این موقع شراب سیب چرب و مانند روغن میگردد.

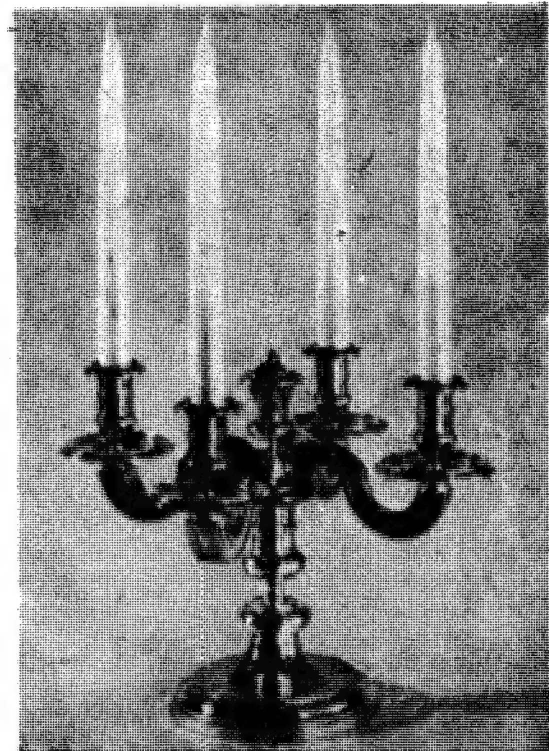
برای درمان اینبیماریشراب سیب را باید بشدت بهم زد و بعد ۱۰ تا ۱۵ گرم محلول(جوهر مازو) را به هرهکتولیتر اضافه نمود تصفیه آن بعد از هشت روز انجام میگیرد .

سیدر

نام سیدر به مشروبی داده میشود کهاز تخمیر آبسیب تازه یا مخلوطی از سیب و گلابی تازه با آب یا بدون آب بوجود میآید . نام شراب سیب خالص به مشروب سیبی داده میشود که در مدت تخمیر هیچ آبی اضافه نگردد. مشروبی که از تخمیر گلابی تازه تهیه میشود بنامهای شراب گلابی یا شراب گلابی تازه خواندهمیشود و همان قوانین شراب سیب برروی آن بکار برده میشود . شراب های سیب و گلابی باید حداقلدارای چهار در صد الکل باشد اگر مقدار الکل کمتر ازچهار درصد دراین مشروبها باشد این شراب بهنامهای مشروب سیب و گلابی و یا مشروب سیب تازه و گلابی تازه خوانده میشوند اگر در تهیه این مشروب سیب و گلابی خشك بکار برده شود مشروب سیب و گلابی خشك خوانده میشود.

شراب سیب کفدار یا گازدار.
شراب سیب و گلابی کف دار در بازار بسیار دیده میشود . این نوع شراب سیب یا گلابی گاز دار از تخمیر طولانی و یا از افزایش اسیدکاربنیك با آن ، بدستمیآید. در صورتیکه این جوشش نتیجه یك تخمیر طولانی باشد ، مشروب بدست آمده را شراب سیبگازدار یا شراب گلابی گازدار مینامند. واما اگر این جوشش نتیجهافزایش اسیدکاربنیك حتی اگربمقدار کمی باشد ، مشروب حاصله را میتوان گازدار نامید ، ولی بشرطیکه اصطلاح فانتزی ویا هرصفتدیگری که این مشروب را از سایر شراب سیب یا گلابی دیگر مشخص کند، برروی شیشه ذکر شدهباشد.





(بالا) سرویس زیبای شوکلاخوری
(پائین) شمعدان نقره چهارشاخه

شکلات

خوراکیست که از خمیر کاکائو و شکر تشکیل شده . ماده اصلی کاکائو ، همان تخم های میوه درخت کاکائو است . بوته کاکائو درمناطق حاره میروید . کاکائو را در مخزن های زیر زمینی در محل کشت وزرع برای تخمیر نگه میدارند .

کاکائو بغیر از نشاسته مخصوص و نمکهای مختلف ، دارای مقدار زیادی (٤٥ در صد) ماده چربی است که کره کاکائو مینامند هم چنین یك عامل مقوی و تحریك کننده بنام تئوبرومین نظیر کافئین دارد .

کاکائو

در صنعت کاکائو بصورت خمیر تحویل میشود که از آن کاکائو بصورت گرد یا شکلات تهیه میکنند .

برای تهیه خمیر کاکائو ، دانه های میوه کاکائو راکه قبلا پوست کنده و بوداده شده است له میکنند. کاکائو را بعداز جدا کردن از قسمتی از مواد چربی که در آن وجود دارد خرد کرده و بگرد تبدیل میکنند . در صورتی که گرد کاکائو با هیچ نمك قلیائی مخلوط نشده باشد ، آنرا گرد کاکائو خالص یا کاکائو خالص مینامند . ودر غیر این صورت آنرا گرد کاکائو حل شده یا کاکائو حل‌شده مینامند .

کاکائوی شیرین مخلوطی است که از ۳۲ در صد گرد کاکائو و باضافه شکر تشکیل شده،این‌مخلوط را گرد شکلات نیز مینامند ، وبسته به طرز عملی‌که برروی گردکاکائو شده ، آنراخالص یا حل شده‌مینامند این گرد شیرین که دارای کمتر از ۳۲ در صد کاکائوست ، تنها لایق نام شکر کاکائوئی است .

هر ماده غذائی را میتوان به کاکائو یا گرد شکلات اضافه نمود . البته به شرطی که جنس و مقدار این ماده غذائی برروی برچسب آن ذکر شده باشد . وبالاخره بر روی بسته بندی محصولاتی که از روی تقلید ، کاکائو یا گرد شکلات‌تهیه شده‌اند ، ذکر نام موادی که آنرا تشکیل میدهند لازم است .

مخلوطی که حد اقل از ۳۲ در صد گرد کاکائو باضافه‌شکر تشکیل شده گرد شکلات یا کاکائو شیرین نامیده میشود .

شکلات بصورت قرص مخلوطی است از خمیر کاکائو (۳۵ درصد) شکر (۶۵در صد) و بعضی اوقات کره کاکائو که باهم (بیشتراوقات مواد معطری چون وانیل ، وانیلین ودارچین بآن اضافه میگردد)خرد میشود .

خمیری که بدین ترتیب بدست میآید در دستگاه های مخصوص مخلوط شده و سپس در قالبهائی که بدین منظور تهیه کرده‌اند سرد میشود و بصورت شکلات جامد در میآید .

اضافه نمودن مواد غذائی مختلف به شکلات در صورتیکه تام و مقدار این مواد برروی بسته بندی شکلات ذکر شده‌باشد عیبی‌ندارد شکلاتهائی که بابادام فندق مخلوط شده‌اند (حد اقل ۱۶ درصد) ازاین قانون معافند .

پوشش شکلاتی قالبی است از شکلات که بمصرف شیرینی پز ها برای پوشاندن روی شیرینی های شکلاتی میرسد .

شکلاتی که بدین منظور تهیه میشود دارای مقدارنسبتا زیادی‌کره کاکائو و نیز بعضی اوقات تا پنج در صد ، فندق ، بادام ، عسل یا عصارهٔ قهوه است .

آب نبات‌شکلات با پوشش‌شکلاتی تهیه شده و در انواع مختلف دیده میشود . نوعی که بیش از همه دیده میشود شکلاتهای پراست وهمچنین بصورت پوششی از شکلات برروی گردو ، فندق‌یا کرم ، میوه‌بالیکور وغیره موجوداست .

شکلات طبی شکلاتهائی هستند مخلوط باانواع داروها مانند نمك آهن ، مسهل گنه‌گنه شکلات دافع کرم و شکلات ویتامینه نیز موجود است .

ارزش غذائی

کاکائو وشکلات از جمله مواد غذائی میباشند که حتی بمقدار کم نیز مقوی ، نیرو بخش و محرك هستند . شکلات و کاکائو برای اشخاص مسن ، ضعیف ، کسانی که بتازگی از بستر بیماری برخاسته‌اند و ورزشکاران بسیار مفید است .

شکلات بعضی اوقات‌در اطفال وحتی بزرگسالان ایجاد یبوست میکند . گرد کاکائو که قسمی از چربی آن برداشته شده باشد ارزش غذائی زیادی ندارد ولی بیشتر از کاکائو یا شکلات معمول قابل‌هضم میباشد .

خرید

شکلات خوب باید قابل مالش ، دارای بوی شدید کاکائو ، محل شکستگی صاف و یك شکل ودارای ظاهری شفاف باشد ، بعداز پخته شدن هیچ ته مانده‌ای نباید در ظرف باقی بماند . برای انتخاب

شکلات بهتر است قبلا انواع مختلف را دید .

پخت و پز

شکلات با آب یا باشیر ، برای تهیه یك فنجان شکلات مایع ، یك تکه شکلات چهل گرمی را باید در نصف فنجان آب حل نمود . وقتی شکلات خوب حل شده آب یا شیر لازم برای یك فنجانرا بآن مخلوط نمود ومدت پنج دقیقه برروی آتش گذاشت تا بپزد . قبل از صرف آن بهتر است خوب بهم زده شود .

در صورت مصرف گرد شکلات ، میتوان آنرا مستقیما با شیر گرم ویا در یك دستگاه مخلوط کننده با شیر سرد حل کرد .

شکلات گلاسه (سرد) ، شکلات با شیر را که قبلا تهیه وسرد شده باشد ، با یك زرده‌تخم مرغ مخلوط کرده ، بر روی آتش ملایمی گذارده و آنرا بآهستگی مخلوط میکنیم . ولی پیش از اینکه بجوش بیاید بایدآنرا ازروی آتش‌برداشت وسپس در ظرف بستنی سازی بهم زد تا سرد شود ویا اینکه آنرا در یخچال گذاشت شکلات گاسه را میتوان با کرم صرف کرد .

شیرینی شکلات

سه زرده تخم مرغ را با ۱۲۵گرم شکر در ظرفی مخلوط میکنیم و خوب بهم میزنیم . سپس ۱۲۵ گرم آرد ، ۱۲۵ گرم کره و سه قطعه بزرگ شکلات نرم‌شده را بآن‌اضافه میکنیم وبالاخره سفیدی تخم‌مرغی که زده‌شده بآهستگی‌در آن میریزیم سپس خمیری را که بدین ترتیب بدست میآید در قالبی که به ته و اطراف آن کره مالیده باشیم می‌ـ ریزیم و در فر ، با حرارت ملایم بمدت سه ربع ساعت میگذاریم تا بپزد .

شمعدان

شیئی که می‌تواند یك شمع را نگاهدارد .

شمعدان ساده دارای پایه است با یك تنه استوانه‌ای که دارای شکافی است که می‌تواند شمع را بالا ببرد.

شمعدان از مس ویافـزات‌آب‌نیکل داده شده و از چینی بدل و غیره ساخته می‌شود .

شمعدان نسبت بطرز ساختمان و شکل نامهای شمعدان ـ مشعل و شمعدان چند شاخه بخود میگیرد .

نوعی شمعدان کوتاه درگذشته برای رفت و آمد مورد استفاده قرارمی‌گرفت و اینك این نوع شمعدانها جای خود را به چراغ قوه داده است .

شمعدان های چند شاخه فعلا برای دکوراسیون و تنظیم نـور بکار می‌رود .

شمعدان رومیزی چند شاخه که پایه کوتاهی دارد و شاخه های آن در یك سطح افقی قرار دارد جهت تزئین میز هاست .

شنل

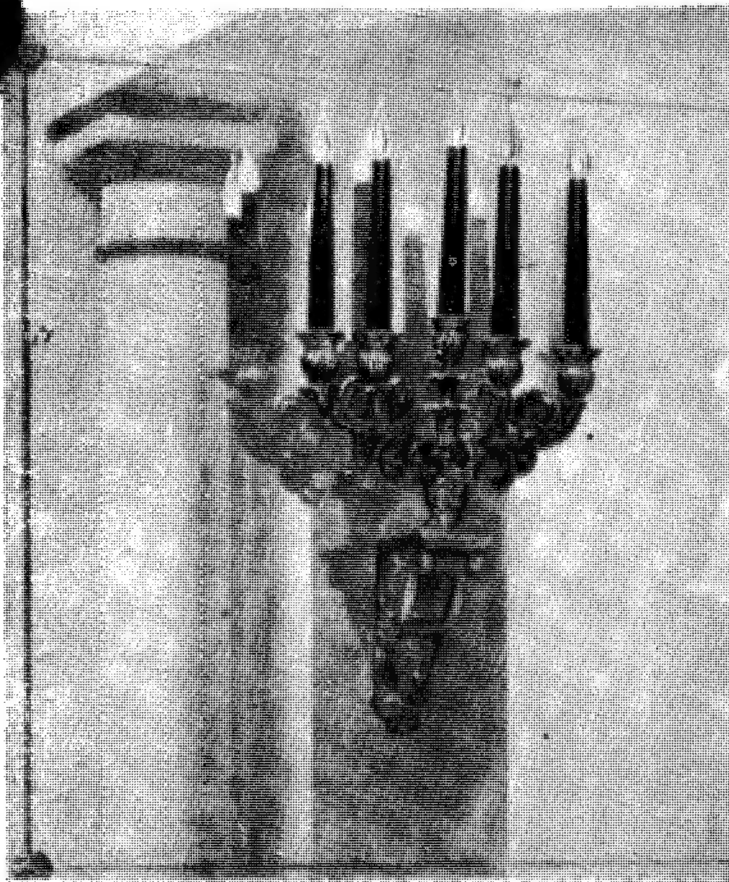
نوعی پوشاك زنانه‌که ممکن است بلند یا کوتاه باشد وبا پارچه های مختلف یا پوست های قیمتی دوخته شود در هرحال لباس رواست یعنی روی لباس های دیگر پوشیده می‌شود .

شنل را می‌توان ساده ویا به تبعیت از مدهای مختلف تهیه کرد. شانه های شنل باید اندازه باشند وحرکات دست را محدود نکنند . اگر شنل کلاه سر خود است بهتر است آنرا بوسیلهٔ سنجاق قفلی یا تکمه به شنل متصل کرد تا در مواقعی که احتیاج به‌وجود آن نیست از روی شنل برداشته شود . شنل های بلند که با پارچه پشمی ساده یا شطرنجی و یا پارچه آمپر مآبل تهیه شده‌اند برای مسافرت وپیك‌نیك وشنل های گشاد ، کوتاه و پرچین برای شب مناسب‌اند . پارچه شنل شب باید اعلا وخوب باشد وبرای این منظور معمولا از پارچه های مخمل ، موجدار ، ساتن و غیره استفاده می‌شود . اغلب شنل را دو رو می‌دوزند یعنی بجای آستر پارچهٔ اعلائی بکار می‌برند واز هردو روی‌شنل استفاده می‌کنند .

شنل پوست‌سه ربعی یاکوتاه روی لباس های دیگر پوشیده می‌شود . با انواع پوست های قیمتی ازقبیل بخارا ، سمور ، سنجاب و روباه می‌توان شنل های زیبا دوخت . شنل برای مردها بیشتر در موقع شب مصرف دارد . بعلاوه نوعـی لباس تشریفاتی برای نظامیان و وکلا می‌باشد .

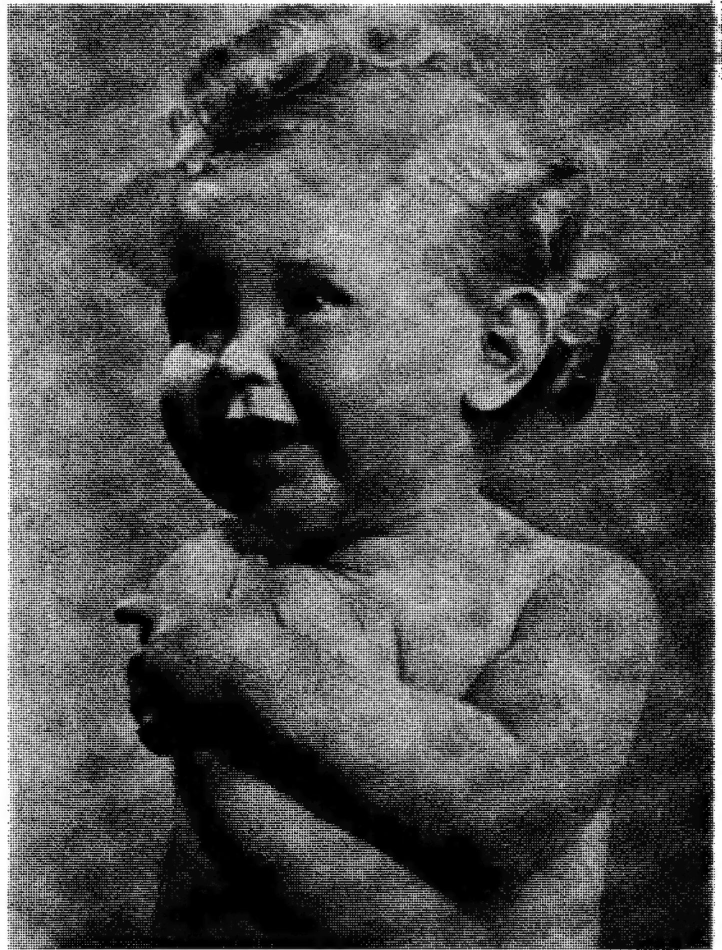
شیردادن

غذا رساندن به نوباوه هنگـام اولین دوران زندگی شیر دادن نامیده میشود شیر دادن سه طریق دارد :





(بالا) شمعدان برنزی مطلای پنج‌شاخه برای نصب در سرسراها
(پائین) شمعدان تکشاخه باستیل‌قدیم برای رومیز از نقره‌یا شیشه



طبیعی (شیردادن وسیله پستان مادر یا پستان زن دیگر) ،مختلط، مصنوعی .

شیر مادر

تنها و حقیقی‌ترین راه رفـــع نیازمندیهای نوباوه شیر مادراست که میتواند همه وقت کودك راغذا بدهد . شیر خودش طبیعی و پس از زایمان میآید . دکتر نیبـــار میگوید :

« پس از تغذیه از راه خون تغذیه از راه شیر میرسد .»

مزایا ـ مادری که فرزندش را شیر میدهد دلبستگی بیشتری باو می‌یابد شیر دادن ارتباط طبیعی و لازمی را که برای خوب تغذیــه کردن کودك بین مادر و فرزند لازمست پدید میآورد شیر مادر کاملابرای کودك قابل استفاده‌است زود جذب و هضم میگردد وبه سرعت‌درمعده فعل وانفعال تخمیری راانجام‌میدهد . غذائی است کامل با تمام چیزهای لازم و باندازه‌های متعارف و هم آهنگ که جهت‌رشد کودك چیزی باقی نمیگـــذارد: کلوسید،لیپید ، پروتید ، ویتامین، نمك معدنی مخمرها که مجموعا هضم شیر را در معده آسان مـــی نمایند .

شیر زن برای کودك نورسیده یك غذای اختصاصی است وبهمین لحاظ کودکانی که شیر مـــادر خورده‌اند بیماری ستون فقـــرات ندارند ، بناخوشی عفونی مبتــلا نمیشوند مرگ و میر در بیـــن کودکانی که شیر مادر خورده‌اند بسیار کمتراست تا نوزدانی کـــه شیر مادر نداشته‌اند (سه یا چهار بار کمتر) شیر مادر هم غذاست و هم دوا .

پرهیز ـ نادر و اغلب بوضع مادر بستگی دارد عبارتست از:

۱ ـ بیماریهای واگیر که مادر را ضعیف و طفل را بیمار میکند مثل (سل ، مخملك و دیفتری و غیره) یا بیماریهای قلب ،کلیه، سرطان و اعضای دیگر اگرامراض وخیم نباشند در این صورت محروم کردن طفل از شیر مادر بی‌مورد است ولی احتیاط را نباید ازدست داد .

۲ ـ نقائص خلقت در لب هـــا یا کام شیر خوار مانند چاك‌لـــب فوقانی .

۳ ـ مادری که در بیرون کار میکند .

بهداشت ـ برای اینکه شیر خوب نگهداری شود مادری که به بچه شیر میدهد باید نکات چندی را ازلحاظ بهداشت غذا و بهداشت عمومی رعایت نماید .

غذا ـ باید کافی باشد و بادقت انتخاب شود . خوردن بعضی از غذاهاتوصیه میشود ولی درخوردن برخی دیگر نباید افراط نمود واز خوردن بعضی دیگر باید کاملا اجتناب کرد .

غذا باید ساده ولی کافی و گوناگون باشد :

گوشت سرخ کرده ، تخم مرغ، ماهی کاملا تازه ، سیب زمینی،ا عدس ، نخود ، غذاهای نشاسته‌ای سبزی تازه پخته یا خام ،پنیر، میوه و چیزهائی که از شیرساخته میشود . ماست ، کره و غیـــره مصرف شراب و قهوه و چائی و آبجو که بمقدار کم جذب‌میشوند اشکالی ندارد اما از نوشیدن الکل که بسرعت وارد شیر میشود باید اجتناب کرد . مخصوصا ازرژیمهای غیر متعادل باید پرهیز کرد هیچ دوائی را نباید بدون اجازه پزشك خورددرصورت یبوست مسهل‌ضعیف و مخصوصا رژیم خنك میوه آب میوه در ناشتا ، سبزی تازه توصیه میشود زنان شیرده میتوانند خود را با گردش ، ورزش البته نـــه بحد افراط مشغول کنند . گرفتن حمام دریا یا رودخانه ممنوع است باید هشت یا نه ساعتی که هرشب در رختخواب سپری میشود بـــه آسودگی بگذرد در صورت امکان بعداز ناهار کمی باید خوابید . از تاثرات شدید و تکان های روحی که بطور حتم در ترشح شیر تاثیر دارند باید دوری کرد .

بهداشت عمومی ـ نظافت کامل باید مراعات شود غالبا باید حمام کرد .

مواظبت از نوك پستانها ـ قبل از اینکه نوزاد به مکیدن شیر بپردازد باید پنبه هیدروفیل را به آب جوش آغشته نمود و با آن نوك پستان را شست و بعدازاینکه بچه شیر خورد باید دو باره آن را با مخلوطی از گلیسیرین والکل ۹۰درجه‌پاك کرد و رویش کمپرس گذاشت عمل کمپرس باید بوسیله پارچه نازك عقیم شده انجام گیرد بچه نباید در صورت ترك‌خوردگی پوست سینه مادر مستقیما با آن تماس بگیرد شیر دوش استعمال کنید اگر دیده شود که تـــورم رگهای لنفی یا دملی سینه راتهدید میکند باید آن را با پانسمان مرطوب و گرم پوشانید و نباید گذاشت بچه در همان موقع بسینه نزدیك شود بلکه باید به پزشك مراجعه نمود . دادن شیر به‌بچه بعداز معالجه پستان دو باره شروع خواهد شد .

طریقه شیردادن (پستان مادر)

شیر بلافاصله بعداز بدنیا آمدن نوزاد بیرون نمیآید پستان ابتدا مایعی زرد رنگ بنام کلستروم که ترکیبات آن باشیره تفاوت‌دارد ترشح میکند و مدت لازم برای تبدیل آن به شیر متغیر و بین ٤ تا ٦ روز است . این مایع مسهل ضعیفی‌است که خروج اولین‌مدفوع نوزاد را آسان میکند دانستن این موضوع‌که ترشح شیر براثر مکیدن نوزاد آسان میشود بسیار مهم است بنابراین لازمست که از دومین روز نوزاد پستان مادر را بمکد .

تقریبا بعداز اینکه هیجده تا بیست ساعت از تولد نوزاد گذشت میتوان اورا برای شیر دادن به سینه مادر نزدیك کرد بعدازتعویض بچه در کنار مادر قرار میگیرد مادر بطرف نوزاد خم میشود وسر او را به ساعد خود تکیه میدهد و نوك پستانش را بدهان او می چسباند مادر باید نوك پستانش را توسط دو انگشتش بفشرد و اولین قطرات شیر را جاری سازد دراین موقع بچه شروع به مکیدن مـــی نماید . حالت طبیعی در دو مرحله اجراء میگردد :

مکیدن و بلعیدن همینکه‌جریان شیر بر قرار شد ضروریست که برنامه شیر دادن تعیین شود بعقیده پزشك هر دو ساعت و نیم یا ســه ساعت یکمرتبه به بچه باید شیرداده حتی‌الامکان سعی نمود که‌بچه شبها شیر مادر را نخورد تا مادرو بچه هردو بتوانند بقدر کافی استراحت کنند . البته چیز حتم و مطلق وجود ندارد . ممکن است مکیدن شیر در موقع شب برای بعضی از نوزادان تا مدتـــی ضرور باشد مدت شیر خوردن بحسب فراوانی‌و سرعت ترشح شیر همچنین نیروی نوزاد متفاوت است معمولا نبایداز پانزده تا بیست دقیقه تجاوز کند در ابتدا باید زیاد حوصله داشت بعضی از شـــیر خواران بدلیل کمی اشتها خوب شیر نمی مکندو بخواب میروند و اگر مادر شیر زیاد داشته باشد میتواند هر دفعه فقط یك پستان برای شیر خوردن بچه در اختیار آن بگذارد ولـــی بهتراست روزهای اول هردو پستان را در اختیار شیر خوار گذاشت. همینکه مادر بر خاست باید برای شیر دادن نوزاد روی صندلـــی

کوتاهی بنشیند . بااین ترتیب‌پاها بلند میشود مادر در این صورت بچه را دراز کشیده روی زانو می گذارد و سر او را بساعدش تکیه میدهد و یا اینکه بچه را سرپا بطور عمودی نگه میدارد . بچه‌ای که بطور عمودی شیر بخوردآسانتر شیررا می مکد و کمتر هوا می‌بلعد بینی و چانه‌با این ترتیب آزاد هستند .

تعداد و دفعاتی که باید به بچه شیر داد ـ برای فوران معمولی شش مرتبه در روز . این شماره‌را میتوان به پنج مرتبه کاهش داد مقدار شیری که هر دفعه نوزاد جذب میکند بحسب سن‌ووزن وبنیه و نمو نوزاد تغییر میکند این مقدار در آغاز و انتهای روز مختلف است . مقدار چربی‌شیری که در آخر مکیده میشود زیادتراز شروع آن میباشد برای محاسبه نسبی جیره شیری که نوزاد در مراحل مختلف باید بخورد چند طریقه وجود دارد :

وزن، قد ، سن و نتیجه همه‌این طرق تقریبا مشابه میباشند .

۱ ــ وزن بطریقه مارفان از ۱۴ تا ۱۵ درصد .

وزن در شش ماهه اول

۲ ــ قد ــ پانزده گرم شیر در هر سانتیمتر قد .

۳ ــ سن از روز دوم تا چهارم ۳۰ تا ۱۸۰ گرم .

از روز چهارم تا روز دهم ۲۰۰ تا ۳۶۰ گرم .

از روز دهم تا سی ۳۵۰ تا۵۵۰ گرم .

ماه دوم تا سوم ۵۵۰ تا ۶۶۰ گرم .

ماه چهارم تا نهم ۷۰۰ تا ۸۵۰ گرم .

مقدار شیری که هر دفعه نوزاد مصرف میکند باید طبق وزن‌بررسی شود .

کمی‌شیر ـ تاخیر یا کند شدن خروج‌شیر از پستان ـ و نیزممکن است تمام شیر از پستان خارج‌نشود در این صورت نباید ناراحت شد باید غالبا و بدفعا تزیاد دهان بچه را به‌پستان گذاشت تا ترشح شیر بر اثر مکیدن وی تحریک شود .

کمی شیر ممکن است بدلیل خستگی مادر باشد دراین صورت موقعیت بچه بمخاطره میافتد: منحنی نمایش وزن متوقف میشود و عضروف قدامی سر بچه فرو میرود و حتی گاهی بر اثر کمبود غذا حالت تهوع به نوزاد دست میدهد . وزن کردن نوزاد معلوم خواهد کرد که آیا غذای او کافی است؟ کمبود غذا را میتوان با رژیم



ـ شیردادن بطفل بکمك شیردان(مصنوعی)

ـ شیردادن بطفل بوسیله مادر(طبیعی)



آب میوه طبیعی را باید بکودك منظما داد



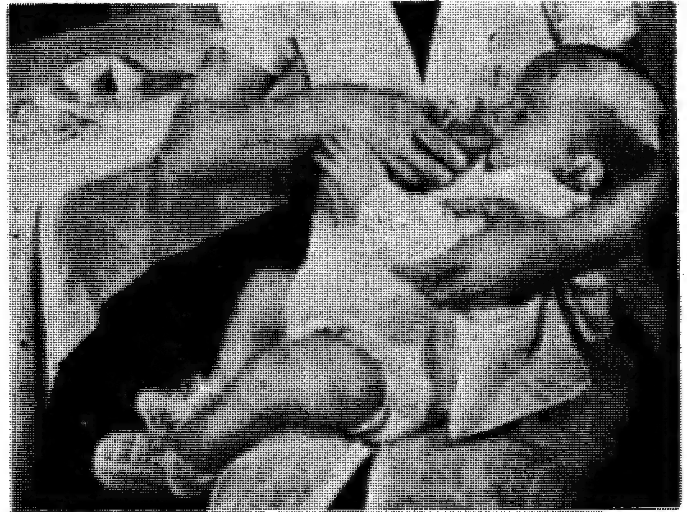
غذائی بهتر واستراحت مادر تغییر داد در صورت عدم جبران باید طبق دستور پزشك به شیر دادن مختلط یا حتی ندادن شیر مادر متوسل شد . ممکن است ندرتا شیر مادر بدلیل کمی چربی بقدر کافی مغذی نباشد : دراین صورت میتوان آن را باشیر غلیظ کامل نمود .

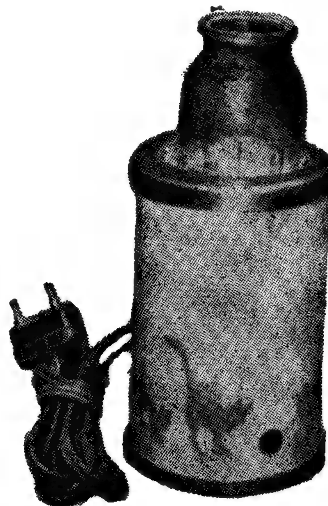
جنس شیر نیز ممکن است تا حدی تغییر کند واختلالاتی در طفل بوجود آورد (براثر قاعدگی یا دو باره آبستن شدن) بندرت اتفاق میافتد که بچه از خوردن شیری که بظاهر خوب باشد امتناع کند . افراط در غذا بدلیل گاه‌و بیگاه خوردن نیز اختلالاتی در هاضمه بوجود میآورد (اسهال ترش کردن — تهوع) و باعث بیماری های جلدی مانند اگزما میگردد . این اختلالات نبایدموجب شود که مادر بچه‌اش را از شیر پستان محروم کند . بلکه بایدنظمی در شیر دادن بوجود آورد .

در صورتیکه مادر دوباره آبستن شود برای جلوگیری از خستگی زیاد بهتر است دیگر به بچه‌اش‌شیر ندهد .

شیردادن توسط دایه — بهتراست طفلی که ضعیف و مستعد اختلالات ضمیر باشد و مادر نتواند باو شیر بدهد ازشیر دایه‌یازن دیگر استفاده کند .

دایه یا زن دیگر باید تحت‌معاینه دقیق قرار بگیرد تا شیر خوار بمرض‌سیفیلیس‌دچار نشود . طریقه رایج برای شیرخوارانی که بشیر زن احتیاج دارند عبارت از جمع آوری شیر زنانی است که با میل آنرا اهدا میکنند . این شیر طبق دستور پزشك به شیرخوران ضعیف ومریض داده میشود چیزیکه مهم است اینکه باید از زنانیکه شیرشان را اهدا میکنند و همچنین ازشیر آنها بازرسی بعمل آورد .





(بالا) طرز غذا دادن بکودك
(پائین) شیرگرم‌کن برقی

شیردادن بطریق مختلط — این طریقه همیشه برطریقه مصنوعی رجحان دارد . ممکن است آنرابدو طریق اجرا نمود :

اول تکامل ، دوم تناوب

طریق‌اول : بچه‌را پس ازخوردن شیر پستان وزن کنید و سپس برای تکمیل باو شیر گاو بدهید تا نقص برطرف شود .

طریقه دوم : یك یا چند مرتبه با پستانك یا بطری به بچه شیر بدهید . بکار بستن طریقه اول بهتر است شیر مادر بدون داشتن‌تخمیر و ویتامین باعث میشود که شیرگاو بآسانی هضم گردد .

شیردادن بطریق مصنوعی — آموزش این طریقه باوجود پیشرفت وبهبود باندازه شیر دادن مادر نیست در طریقه مصنوعی باید احتیاط های لازم را بکار بست تا بچه قوی شود و خوب نمو کند .

انتخاب شیر : ممکن است شیر حیوانات مختلف را استعمال نمود : شیر گاو (بیشتر از همه استعمال میشود) شیر بز ، شیر خر .

ترکیبات شیرخر بیشتر شبیه شیر زن است ولی شیر خر بندرت یافته میشود وگران‌است و احتمال عقیم شدن را ندارد

هضم شیر بز مخصوصا بعضی از نژاد آن که دارای مقدار زیادی کازئین چربی واملاح معدنی است مشکل است . اگر بز مسلول نباشد در عوض میتواند ناقل تب مالت باشد . شیر بز در بعضی از دهات بدلیل فقدان شیر گاو تنها منبع شیر شمرده میشود .

شیرگاو — برای اینکه شیر — خواران بتوانند ازاین شیر استفاده کنند لازمست شرایط آن را درنظر گرفت شیر باید خالص و سالم و پاك وعاری از هرگونه مواد اضافی باشد .

گاو باید سالم باشد زیرا بیماری سل برای شیر خوران‌وحشتناك است همچنین ممکن است اطفال بر اثر تب گاو و دمل سرپستان حیوان مریض شوند . غذای گاو نیز اهمیت زیادی دارد .

بعضی از مواد جنس شیر را خراب و شیر خواران را که از آن‌استفاده میکنند مریض می‌نماید .

مرغوبیت شیر در درجه اول به پاکی شیر بستگی دارد :

دوشیدن شیر باید با نظافت انجام گیرد . اشخاصی که شیر را میدوشند نباید دچار بیماری واگیر باشند وشیر باید کاملا پاکیزه‌باشد ودر ظرفی گذاشته شود که قبلاآنرا جوشانده باشند .

ترکیبات شیر — ترکیبات شیر گاو و شیر زن مختلف می‌باشند . واین اختلاف در تابلوی زیر دیده میشود :

گاو	زن	
۳۵	۱۸—۱۶	آلبومین
۴۰	۴۰—۳۶	چربی
۴۷	۷۰—۶۸	قند
۷	۲٫۵	املاح‌معدنی

ضروریست که ترکیبات شیرگاو بوسیله اختلاط تغییر کند (اضافه کردن آب و قند) تا باینطریق شباهت آن به شیر زن زیادتر شود.

اختلاف‌کیفیت — ترکیبات آلبومین درشیرزن باعث میشودکه شیرخوار کاملا آنرا جذب کند و نیز چون در معده بصورت قطعات ریزی‌منعقد میشود بهمین‌جهت‌عصیرمعده‌بآسانی میتوانند بآن حمله کنند وجود آنزیم یا فرمان مخصوص در شیر زن نه تنها هضم آنرا آسان میکند بلکه حتی در صورت بکار بردن طریقه مختلط باشیرگاو ، هضم شیر گاو را نیز آسان می‌نماید . مقدار املاح معدنی و ویتامین های ضرور برای رشد اطفال درشیر زن متعادل است میکروبهای شیر گاو باید کشته شوند . بهترین وسیله عقیم کردن این میکروبها حرارتست

پاستوریزه‌کردن شیر — شیری که اکنون در بطریهای سربسته بشهر فرستاده شود شیری است که تحت حرارت ملایم قرار گرفته تا رشد میکروبها برای مدتی به تعویق‌افتد ممکنست‌باحرارت‌کم‌شیررا‌پاستوریزه نمود یکساعت‌حرارت۶۷درجه ونیز ممکن است حرارت متوسط باشد . یعنی شیر مدت نیم ساعت در ۷۵ درجه گرم شود بالاخره باز ممکن است با حرارت زیاد شیر را پاستوریزه نمود . شیر مدت سه‌دقیقه درگرمای ۸۵ درجه گرم میشود

عقیم کردن : شیر پاستوریزه عقیم نشده است — عقیم کردن یا نسبی است یا مطلق .

عقیم کردن نسبی — این نوع عقیم کردن بدو طریق در منازل معمول است : جوشاندن؛ عقیم‌کردن توسط حمام ماری .

جوشاندن — ساده‌ترین طریقه برای کشتن عده‌زیادی از میکروبها است . شیر باید فورا مصرف شود .

حمام ماری : باینطریق با حداقل احتیاط حداکثر اطمینان حاصل میشود .

شیر در ۱۰۱ درجه می‌جوشد در ۸۵ درجه بالا میآید غشائی در سطح

آن تشکیل میشود در اینصورت باید یا قاشقی که در آب جوش بوده آنرا پاره کنید . بگذارید ده دقیقه در حرارت ملایم بجوشد سپس آنرا در جای خنك بگذارید وروی ظرف شیررا با پارچه نازك بپوشانید

دستگاه عقیم کردن ــ مرکب از یك دیگ ویك سرپوش است بطری های شیر از طرفی قرار گرفته‌اند این ظرف را با تمام بطری هائی که باید درمدت روزمصرف شوند داخل دیگ میکنند .. در بطری های پاکیزه و شسته شده طبق نسخه پزشك شیر وآب قند میریزند و سر آنهارا یا جسم لاستیکی مسدود میکنند وقتی ظرفی که حامل بطری هاست در درون دیگ قرار گرفت آنوقت باید تا سطح بطری ها در آن آب ریخته شود و دیگ را آنقدر گرم کرد که آب بجوشد آب باید مدت ۲۰ تا ٤٥ دقیقه بحسب فصل بجوشد پس از آن ظرف حامل بطری هارا باید خارج کرد ودر جای خنك گذاشت این شیرها باید در مدت بیست و چهار ساعت مصرف شوند .

رقیق کردن واضافه کردن شکر ــ قبل از اینکه شیر خوار به پنج یا ششماه یا یکسال برسد نمیتواند باو شیر خالص داد شیر باید با آب و شکر مخلوط شود مقدار آن بسن بستگی دارد .

ماه اول : نصف آب و نصف شیر و ۱۰ گرم شکر برای صد گرم شیری که باآب مخلوط شده‌است .

ماه دوم : $\frac{۲}{۳}$ آب و $\frac{۱}{۳}$ شیر و ٥ گرم شکر برای صد گرم شیر مخلوط .

ماه چهارم و پنجم : $\frac{۱}{٤}$ آب $\frac{۲}{٤}$ شیر و ٥ گرم شکر برای صد گرم شیر مخلوط .

ممکن است جوشنده‌ای از غلات را (جو وبرنج) برای اختلاط استعمال نمود .

دفعات غذا : درنظر بگیرید که شیر گاو بسختی ودیرتر از شیر زن هضم میشود . طرز شیر گاودادن شبیه شیر دادن بوسیله پستان است فقط باید فاصله سه ساعتی غذا را زیادتر کرد ودر موقع شب نباید با پستانك یا بطری شیر به بچه داد هر روز ٦ بار با پستانك یا بطری شیر باید به بچه داد .

جیره غذائی ــ جیره غذائی در مورد شیر گاو باید کمی بیشتر از شیر زن باشد دلیل آن اینستکه شیر گاو کمتر جذب میگردد استعمال آن باید طبق محاسبه و طبق روش شیر دادن بوسیله پستان مادر انجام گیرد .

عقیم کردن شیر باعث میشود که قسمت زیادی از ویتامین آن ازبین برود از دومین ماه باید به شیر خوار یك قاشق آب لیمو یا پرتقال داد کمی دیرتر آب گوجه فرنگی و آب انگور و آب هویج بدهید واگر لوله های گوارشی قبول کند چند قطره روغن ماهی نیز توصیه میگردد میتوان شیرهای مختلف را که بصورت گوناگون بفروش میرسد در شیر دادن مصنوعی استعمال کرد شیر غلیظ شیر شکر زده بدون شکر شیر بصورت گرد وغیره .

پرخوری ــ دخول شیر زیاد یا شیر غلیظ در معده ــ پرخوری براثر زیاد شدن وزن واختلالات هاضمه معلوم میگردد گاهی بچه لاغر میشود براثر سیر خوری ممکن است بچه چندبار قی کند . واز نوشیدن شیر سرباز زند .

کم غذائی ــ شیر رقیق ودفعات غذا خوردن زیاد میباشد منحنی وزن متوقف میشود یا قوس نزولی را طی میکند بچه شیر میخواهد وقی میکند .

در هریك از سه حالات فوق الذکر امکان دارد که اختلالات هاضمه بصور مختلف ظاهر گردد : یبوست اسهال در مورد اطفالی که شیر گاو خورده‌اند خطرناك است .

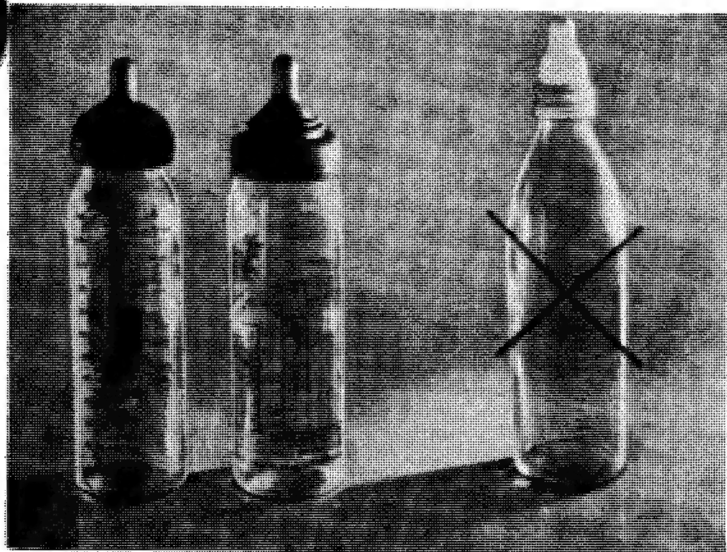
شیردان

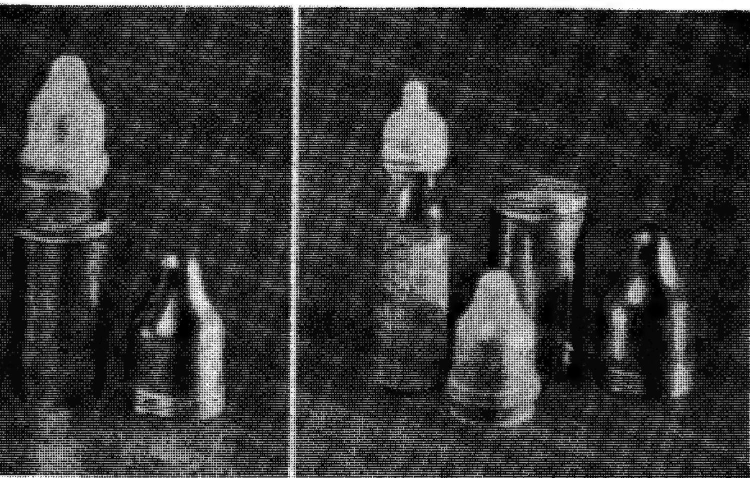
شیشه‌ای است برای شیر دادن مصنوعی . بیشتر این بطریها از نوعی مخصوص شیشه ساخته می‌شود که درمقابل آبجوش بیشتر مقاومت کند بطریهای نوع پلاستیك به بازار آمده است .

بهترین فرم آن شیشه های دهان گشاد است که بهتر می‌شود آنرا پاك نمود . این شیشه ها ظرفیت حدود ۱٥۰ گرم مایع دارد . پستانك روی دهانه شیشه جای میگیرد . فرم این بطریها با پستانك آن بکودك اجازه می‌دهد که حالت شیرخوردن طبیعی را داشته باشد .

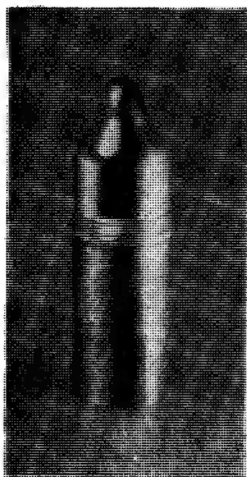
پستانك از کائوچو ساخته می‌شود که از بیرون سوراخ شده است تعداد این سوراخها سه عدد است یکی از آنها برای آسان کردن مکیدن شیر است . چون هوا از یکی از این سوراخها وارد بطری می‌شود . شیر باید قطره قطره ازپستانك خارج شود و این موضوع بکودك اجازه می‌دهد که خوب بتواند مك بزند

برای بهتر تمیز نگهداشتن شیشه و پستانك باید بطری را هردفعه بعد از مصرف با آب خیلی گرم شسته و با برس تمیز کرد و روی آن آب سرد رد کرده و در جای خشکی گذاشت تا مهیا برای دفعات بعد شود .



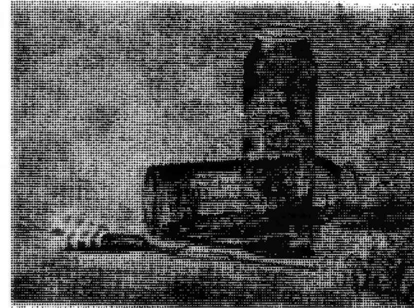


چند نوع شیشه شیر باسرپستانك های مختلف که قابل حفاظت در برابر میکروب‌های خارج است

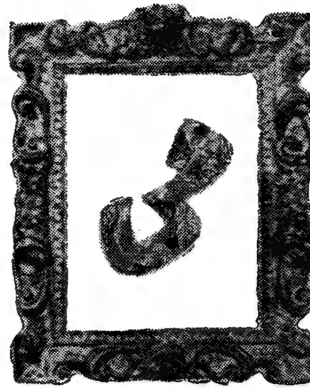


پستانك هم باید برس زده شود و همچنین باید آنرا برگرداند و از آب جوش رد کرد و تا موقع مصرف بعدی باید آنرا در محفظه ضد عفونی شده قرار داد . بعضی از شیشه های شیر دارای سرپوش پستانك سرخود می‌باشند .

در موقع شیر دادن باید کپسول کائوچوك را برداشت وبرای مطمئن شدن از حرارت آن چند قطره شیر را پشت دست چکانید و بعد از اطمینان خاطر آنرا دهان کودك گذاشت



فرچه کوچك برای‌تمیزکردن شیشه های شیردان



صندوق

وسیله‌ایست که برای محفوظ نگهداشتن اثاثیه ، لباس و غیره منظور شده و همچنین بجای نیمکت نیز از آن استفاده میشود و از مبلهای اولیه نیز بشمار میرود . با مرور زمان انسان بنابه احتیاجات شخصی خود از صندوق به انواع و اقسام مختلف استفاده کرده است .

صندوق جزو اولین نیمکت ها بشمار میرفته و گذشته از آن برای حمل لوازم مسافرت ، اشخاص خانه بدوش از آن‌استفاده کرده ومیکنند.

نکته قابل توجه اینجاست که تا اواخر قرن هفدهم صندوق مورد استفاده زیادی داشت . در تاریخ مبلمان و دکوراسیون بسیار دیده شده که از صندوق بجای نیمکت انتظار در سرسرا استفاده کرده اند. و امروزه نیز در اغلب منازل کشور های اروپائی دیده میشود که ازاین‌صندوقهابرای دکوراسیون و مبلمان استفاده میکنند .

در قرن نوزدهم در منازلی که دارای بخاری دیواری بوده‌اند صندوق را برای‌ذخیره هیزم منظور میکردند . ولی امروزه در شهرهای بزرگ با بودن شوفاژ سانترال دیگر احتیاجی به این نوع صندوق نیست.

در عصر ما از صندوق بیشتر اوقات برای نگهداری اسباب بازی های بچه ها و نیز بجای نیمکت در اطاقشان استفاده میشود .

انواع صندوقهای محکم و با دوام قدیمی همیشه در زیر زمین‌ها و انبارها مورد استفاده هستند .

صندوقهائی که با قطعات چوب تخته بندی شده برای چیدن اشیاء و لوازم خانه بکار می‌رود وآنهائی که بشکل کازیه ساخته شده است برای چیدن شیشه و بطری مناسب هستند . با استفاده از چندصندوق میتوان زیر زمین یا انبار را به وضع مرتبی درآورد .

صندوقهائی که سطوح خارجی شان با کاغذ های رنگی ، نایلون یا پارچه های مختلف پوشیده شده برای نگهداری کتابهای کهنه و قدیمی منزل و پرونده های قدیمی نیز قابل استفاده است . همین صندوقها را می توان در اطاق بچه گذاشته و اسباب بازی ها را درآن قرارداد .

انواع صندوق

صندوقهای‌گل برای دکوراسیون خارجی پنجره ها و بالکن‌های منازل بکار میروند . برای‌ساختن انواع صندوق از چوب بلوط و صنوبراستفاده میکنند . صندوقهائی که باچوب بلوط درست می‌شود دوامشان ازانواع دیگر بیشتر واز نظر قیمت هم‌گران‌تراست . ابعاد صندوقها بسته به مصرفی که برای آنها در نظر گرفته می‌شود فرق میکند . برای صندوقهائی که در باغها و به مصرف کاشتن گل می رسند ۳۰ سانتیمتر ارتفاع و ۲۰ سانتیمتر عرض کافیست . صندوق های با ابعاد کوچك (که هرضلع آن ۳۳ سانتیمتر است) برای نگاه داری و حفاظت نهال های جوان از سرمای زمستان بکار میروند (نارنج ــ خرزهره) . بالاخره‌این ابعاد ممکنست تا ۴۰ یا ۵۰سانتیمیر برحسب احتیاجات مختلف تغییر کند و معمولا ابعاد اخیر برای نگهداری گیاهانی‌که حجم بزرگی پیدا میکنند مصرف میشود . ابعاد صندوقهائی را که برای نگهداری گیاهان ساخته میشود باید تاسرحد امکان کوچك‌گرفت و اگردراین مورد از حدود متوسط تجاوزکنیم اکثرا مشکل بزرگی در حمل‌ونقل آنها بوجود میآید .

برای اینکه نظافت زیر صندوق برایمان فراهم باشد کافیست پایه هائی برای آن در نظر بگیریم . ساختن این پایه ها باین ترتیب‌است که چهار تکه چوب اصلی را که در واقع داربست صندوق بشمار می آید و بطور عمودی درهرگوشه قرار می‌گیرد کمی بلند تر از ارتفاع تخته ها می‌گیرند و بدین ترتیب پس از کوبیدن تخته ها چهارطرف صندوق قسمتی ازاین چوب ها که بیرون می‌ماند کار پایه را انجام میدهد .

صندوق را از خارج با رنگ های روشن رنگ می‌کنند و برای سهولت حمل و نقل دو حلقهٔ‌آهنی در دوطرف آنها تعبیه مینمایند . داخل صندوق را معمولا رنگ نمیکنند و با زاج یا قطران آنرا اندوده مینمایند . ته صندوق‌های باغبانی چند سوراخ برای خروج آب میگذارند . با ریختن یك طبقه سنگ ریزه و شن که درحدود ۳ تا ۵ سانتیمتر ضخامت آن باشد خاك صندوق را زه‌کشی میکنند.

عرق چین

کلاه مردانه و بدون لبه که از پنبه یا خز ساخته میشود کلاه شب بعضی از مردها که سرشان راباآن می پوشانند از کاموا تهیه میشود.

عنکبوت

بعضی از انواع عنکبوتها، جا ومکان ثابتی ندارند ومیتوان گفت سر گردانند . غذایشان از حشراتی که بانیش زهرآلودشان آنها را فلج‌میکنند تامین میگردد. ولی زهر این عنکبوت ها برای انسان خطری ندارد .

تارعنکبوت را نبایدهیچوقت برای جلوگیری از خونریزی زخم بکار برد زیرا ممکن است ایجاد عفونت بیشتری کند .

عنکبوت قرمز

این نامی است‌که به قسمی از عنکبوتها داده میشود. این‌نوع برای درختهای میوه و مخصوصا گیاههای گلخانه بسیار مضرند.

عنوان عنکبوت قرمز بدین جهت باین طایفه از عنکبوتها داده شده که رنگشان قرمز مایل به زرد میباشد و نیز تخمشان برنگ قرمز است.

عنکبوت قرمز برای تخم‌گذاریش توری ازتارهای نازك‌درمیان‌برگها می‌بافد . برگهائی‌که از صدمه عنکبوت قرمز بی بهره نبوده‌اند بزودی رنگشان پریده وخاکستری مایل به سفید میگردند .

وقتی عده عنکبوت های قرمز زیاد میشود ، درخت ها خشك شده و بمحصول صدمه زیادی وارد میگردد .

معالجه

برای مقابله با این حیوانات مضر ، گیاهها درخت را باید بیش از معمول آبیاری کرد وبر روی نباتات گیاه مورد حمله گرد مخصوص شیمیائی که در نابود کردن تخم و کرم این حشرات بسیار موثراست ، پاشید .

گزیدگی عنکبوت

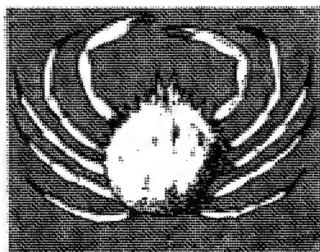
گزیدگی بعضی ازعنکبوتهای منطقه حاره ، کشنده است، ولی در آب و هوای ما، این گزیدگی به طاولی مبدل میشود که دور آن ، پوست سفت سوزان و قرمز گرفته و ظاهرا به اوائل‌حساسیت و یا ساده تر به کهیر شباهت دارد .

معالجه

برای معالجه محلی و ضد عفونی‌کردن‌زخم، از پومادکولارگون ۱۵٪ باید استفاده نمود ، و معالجه محلی و کلی باآنتی هیستامی‌نیك باید صورت گیرد.

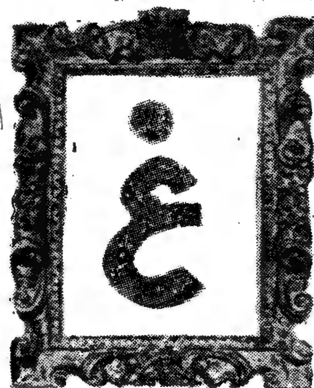
در ضمن میتوان زخم را با سرکه نیز شست.





(بالا) خرچنگ خشکی

(پائین) خرچنگ دریائی (خوردنی)



غذا

ــ تمام موادی که با خوردن آنها کمك بعمل طبیعی بدن می‌شود و یا قوای از دست رفته بدن را ترمیم می‌کند غذا می‌نامند .

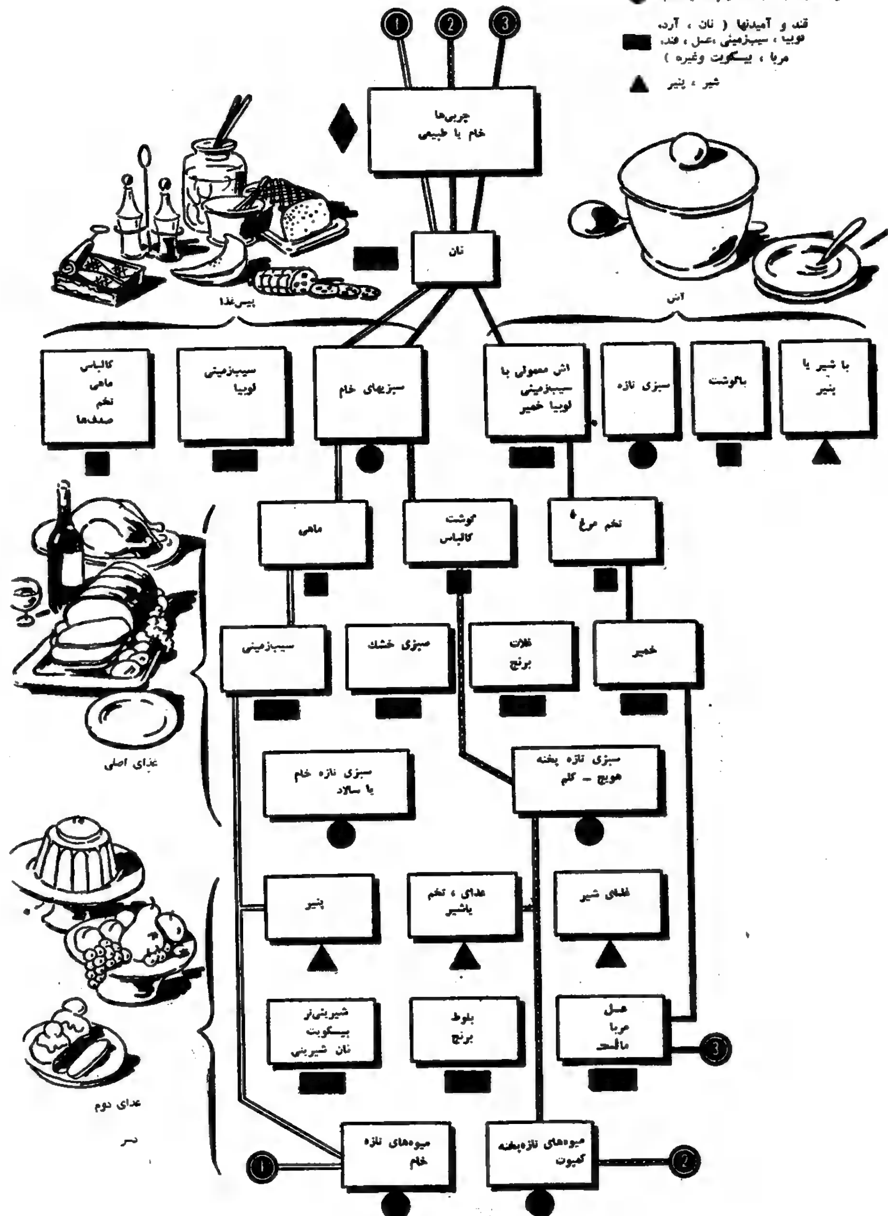
شکل ظاهری اغذیه مفید برای وجود انسان برحسب طبیعت آنها و یا عملیاتی که برای تهیه آنها انجام می‌شود متفاوت است . ممکن است جامد و یا مایع باشد . دارای منشاء های مختلف حیوانی (شیر ــ کرم‌ــ‌گوشت) یا نباتی (سبزیجات‌ــ میوه‌جات ــ بقولات ــ غلات) و یا معدنی (نمك و غیره) باشد .

ترکیب اغذیه ــ مطالعه روی ترکیب اغذیه علل و جهات اختلاط و این که از روی چه حسابی و یا برحسب چه احتیاجی این ترکیبات برای تغذیه انسانی انجام گرفته روشن می‌نماید .

تهیه مواد آهکی برای بدن از رسوب عناصر شیمیائی موجود در مواد غذائی‌انسانی که دارای آب ــ مواد آلی ــ مواد معدنی است امکان پذیر است .

آب : آب وظیفه دار تنظیم اعمال بدن خصوصا اعضاء دافعه فضولات از بدن (غدد تعرقی ــ کلیه ها) می‌باشد . آب تا میزان دوسوم داخل تشکیلات مختلف بدن انسانی می‌گردد . زیرا که سازنده اصلی خون و لنف می‌باشد . بعلاوه استخوان ها بمقدار زیاد آب دارند. بطور کلی بدن وقتی از تمدید و تجدید حیات خود مطمئن می‌شود که آب کافی بطور مداوم باوبرسد. و الا مرگ براثر کم شدن مقدار آب بدن منتهی ظرف پنج روز فرا می‌رسد .

ارزیابی احتیاج انسانی بآب بس مشگل است . زیرا اوضاع واحوال خارجی تغییرات زیادی هم بانسان و هم باحتیاجات او می‌دهد . ــ مقدار آبی که ما توام با غذاهای خودمان روزانه می‌خوریم حدود يك و نیم لیتر بوده و کافی



نیست . ــ زیرا احتیاج به سه لیتر آب درروز دارد ــ در نتیجه انسان باید تا یك و نیم لیتر مواد آبکی دیگر روزانه مصرف نماید .

افراط در مصرف نمك متقابلا مصرف آبرا زیاد می‌کند .

خوردن زیاد آب برای اشخاص سالم در صورت احساس احتیاج‌بآب ضرر ندارد ولی برای اشخاصی که بیماریهای خاصی دارند خطرناك است .

مواد معدنی ــ مواد معدنی بجهات مختلف برای بدن مفید و حتی لازم است و خوشبختانه بمقادیر زیاد در اغذیه یافته می‌شود .

کلسیم و فسفر ــ برای ساختمان اسکلت‌انسانی واجب‌است . استخوان ها عضو ذخیره کننده و خازن این مواد برای احتیاج نسوج در هنگام ضرورت می‌باشند .

کلر و سدیم ــ احتیاج ما ازاین دوماده با مصرف نمك در غذاها برگزار می‌شود .

منیزیوم ــ در تشکیل نسوج عضلانی ــ اعصاب ــ استخوانها هم‌چنین رشد بدن و مصرف خوب و کامل گلوسیدها در بدن نقش بسیار مهمی را بازی می‌کند . بعلاوه کمك بسرعت انتقال کلسیم از نقطه‌ی بنقطهٔ دیگری از بدن می‌کند .

پطاسیم ــ در ترکیب نسوج بسیاری از اعضاء دخالت دارد و بمقدار زیاد در میوه و سبزی تازه موجود است . مصرف اضافی مجرای ادرار خارج می‌ شود . پطاسیم موجود در اغذیه با یك عمل منظم و دقیق بکمك سدیم جذب بدن می‌گردد . در ... غذاها پطاسیم کافی ... بدن خود بخود از ذخایر سدیم استخوانی قرض‌می‌گیرد (با وجود این ترکیبات استخوانی همیشه ثابت می‌ماند) ولی موجب کاهش سایر مواد معدنی بدن می‌شود .

تمام رژیم های براساس میوه و سبزی باید توام با مصرف نمك‌باشد تا بکمك سدیم نمك پطاسیم کافی جذب بدن بشود .

آهن ــ در ترکیب هموگلوبین خون دخالت داشته و ملازم با وجود مس دارد .

این دوعنصر رل مهمی در مقابله با کم‌خونی دارند .

ید ــ در خوب عمل کردن غدد تیروئید لازم می‌باشد . مگر در مناطقی که مرض گراتر زیاد دیده می‌شود و این ماده در آب های طبیعی قابل‌شرب بمقدار کافی یافت می‌شود .

مانگنز ــ این ماده نیز در رشد بدن بسیار موثر است .

بطور خلاصه اتخاذ یك رژیم و روش‌متغیر غذائی مجموعه این مواد معدنی را در دسترس بدن می‌گذارد جدول زیر معرف غذاهائی است که از موادمذکور در فوق بمقدارسرشار دارا می‌باشند .

. **ویتامین ها** ــ در پاره‌ای غذاها ویتامین ها موجود و برای تغذیه کامل انسان لازم می‌باشد .

اصولا باید گفته شود که غالب غذاهای بشرمخلوطی هستند از مواد مختلف ــ البته بطور استثنائی پاره‌ای از آنها که بطور مصنوعی و خالص تهیه شده‌اند مرکب نبوده و ساده می‌باشند از قبیل قند ــ که فقط یك گلوسید می‌باشد ــ نشاسته سیب زمینی و امثال این‌ها. ولی بیشتر اغذیه خود شامل مواد اصلی و مهم مختلفی هستند مثلا :

چربی ها ــ مخلوطی هستند از اسیدهای مختلف .

گوشت ها ــ مخلوطی هستند مشخص و سرشار از پروتوئید ها ــ مواد چربی ــ مواد معدنی ــ ویتامین ب .

کره ــ مخلوطی است از مواد چربی و ویتامین ب .

و حتی پاره‌ای از اغذیه هستند که خود به تنهائی غذای کاملی می‌باشند ــ از قبیل :

شیر ــ که حامل : خامه ــ مواد کازئینی ــ لاکتوز ــ مواد معدنی ــ ویتامین آ می‌باشد در مورد شیر

مقدار مواد معدنی در اغذیه

اعداد این‌جدول برحسب میلی گرام‌مقدار مواد معدنی را در هر ١٠٠گرام‌غذاهای خوردنی نشان می‌دهد

نام اغذیه	فسفر	کلر	سدیم	بطاسیم	منیزیوم	کلسیم	آهن	روی	مس	مانگانز	ید
گوشت‌گاو	٢٢٠	٩٠	٥٠	٣٤٠	٢٥	١٠	٣ر٥	١ر٥	٠ر٠٥	٠ر٠١٨	٠ر٠٠٣٥
دل‌گاو	٢٧٠	٢٢٠	١٩٠	٤٠٠	١٣	١٣	٤ر٥	—	—	٠ر٠٢٨	—
مغز کله‌گاو	٣٦٠	٢٠٥	١٤٠	٢٨٠	١١	٦	٥٥	—	٠ر٢١	—	—
ماهی	١٩٠	٨٧	٦٠	٢٨٠	١٧	١٠	٠ر٥	—	٠ر٥٥	٠ر٠١٢	٠ر٠٢
سفره ماهی	٢٦٠	٢٠٠	١٥٠	٢٥٠	٢٩	١٢٠	٠ر٩	—	٠ر٢٣	—	—
تخم مرغ	٢٠٠	١٢٠	١٣٠	١٠٠	١١	٥٥	٢ر٨	١ر٥٥	٠ر٢٣	٠ر٠٥	٠ر٠٠٦
شیر	٩٠	١٠٠	٥٠	١٥٠	١١ر٥	١٢٥	٠ر١	٠ر٣	٠ر٠٤	٠ر٠٠٣	٠ر٠٩
پنیر تخمیر شده	١٨٠	—	—	—	—	١٠٠	—	—	—	—	—
پنیر تخمیر نشده	٦٠٠	—	—	—	—	١٠٠	—	—	—	—	—
برنج	٨٠	٥٤	٢٥	٦٥	٢٨	٨	٠ر٩	٠ر٢	٠ر٢	٠ر٩	٠ر٠٠٢
نان	٩٠	—	—	—	—	٢٠	—	—	—	—	—
لوبیا خشك	٤٠٠	٢٥	٤٠	١٠٠٠	١٥٠	١٤٠	٧ر٩	٥ر٢	٠ر٩	٢	٠ر٠٠١٧
مارچوبه	٨٠	٤٠	٣	٢٥٠	١١	٢٥	١	٠ر٣٢	٠ر١٤	٠ر٣٠	٠ر٠٠١٧
هویج	٣٠	٥٠	١٠٠	٢٩٠	١٥	٣٠	١ر٢	٠ر٣	٠ر١٤	٠ر٦	٠ر٠٠٩
کلم	٣٢	٤٠	٢٨	٣٠٠	٢٠	٦٠	٢	١ر٥	٠ر١	٠ر١٧	٠ر٠٠٢
نخود	١٢٠	٣٠	١٠	٣٢٠	٣٤	٣٠	٢	—	٠ر٢	—	٠ر٠٠٧
تره	٥٠	٤٠	٥٠	٣٠٠	١٨	٦٠	١	٠ر٢٣	٠ر٣	٠ر٠٧	٠ر٠١
سیب زمینی	٦٠	٥٠	٢٠	٤٥٠	٣٠	١٥	١	٠ر١٥	٠ر١٥	٠ر١	٠ر٠٣
لوبیا سبز	٥٠	٢٣	١٥	٢٦٠	٢٥	٤٠	٠ر٩	٠ر٠٨	٠ر١٨	—	٠ر٠٣٢
جعفری	٥٤	١٢٥	١١٨	٤٦٦	٣٠	٢٤٠	١٩	—	٠ر٢	٠ر٩	—
زردآلو	٢٣	٢	٥	٣٠٠	١١	١٥	٠ر٤	٠ر٠٤	٠ر١٢	—	—
نبان	٣٠	١٠٠	٣	٢٨٠	٣٥	٧	٠ر٦	٠ر٢٣	٠ر٢٢	٠ر٧	٠ر٠٠٢٨
گیلاس	٢٠	٣	٣	٢٥٠	١٢	١٨	٠ر٤	٠ر٠٤	٠ر١٣	٠ر٠٣	٠ر٠٠٢
خرما	٦٠	٢٥٠	١٠	٦٥٠	٦٣	٦٥	٣ر٥	٠ر٣٤	٠ر٢٥	٠ر١٥	—
توت فرنگی	٢٥	١٢	٥	١٥٥	١٣	٣٠	٠ر٧	٠ر٩	٠ر١٣	٠ر٢٨	٠ر٠٠٨
فندق خشك	١١٧	٥٥	١٧	٩٨٠	٧٢	١٥٥	٢ر٨	٠ر٨٦	٠ر٢١	١ر٢	—
پرتقال	٢٢	٣	٣	١٨٧	١٢	٤٣	٠ر٤	٠ر١٧	٠ر٤	٠ر٠٥	—
هلو	٢٠	٣	٣	٢٣٠	١٠	٦	٠ر٤	٠ر٠٢	٠ر٠٥	٠ر٦٦	٠ر٠٠٢
گلابی	٩	٢	٣	١٣٠	٧	٩	٤٠	٠ر١٦	٠ر١٦	٠ر٠٥	٠ر٠٠١٨
سیب	١٠	٣	٢	١٢٠	٥	٥	٠ر٣	٠ر١	٠ر١٢	٠ر٠٤٥	٠ر٠٠٢
انگور	—	—	٦	٢٥٠	١٠	١٠	٠ر٦	—	—	—	٠ر٠٠٢
گردو	٥٠٠	٣٠	٣٠	٦٠٠	١٣٢	٧٥	٢ر٣٠	٢	١	—	٠ر٠٤

باید متذکر شد که بسبب فقدان آهن و سلولز وزیادتی موادکازئینی که در شیر است اشخاص بالغ نمی‌توانند آنرا مثل اطفال چون یك غذای کامل مصرف کنند .

تغییر شکل اغذیه در بدن ــ بدن انسان نمی‌توانند از اغذیه بهمان صورتی که وارد بدن شده استفاده نماید . فقط جزئی از ملوکول های ساده غذاها می‌توانند از جدار روده ها عبور کرده و وارد جریان خون و لنف شده و بسمت اعضاء مصرف کننده جذب شوند . تغییر شکل غذا در بدن بصورت زیر است :

گلوسید ها باید بصورت قند ساده(گلوکز ــ لوولز) تغییرشکل پیدا کنند .

خامه ها باید بصورت مواد گلیسرینی و اسید های چرب تغییر شکل پیدا کند .

کازئین هاباید بصورت اسیدهای آمینه تغییر شکل پیدا کنند .

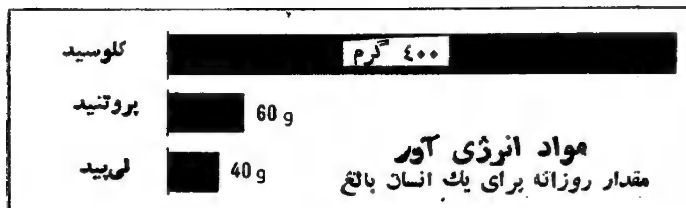
و این تغییرشکل‌ها درقسمت‌های مختلف جهاز هاضمه و تحت تاثیر دیاستاز ها که از جدار روده ها و یا غدد مجاور ترشح می‌شوند انجام میگیرد .

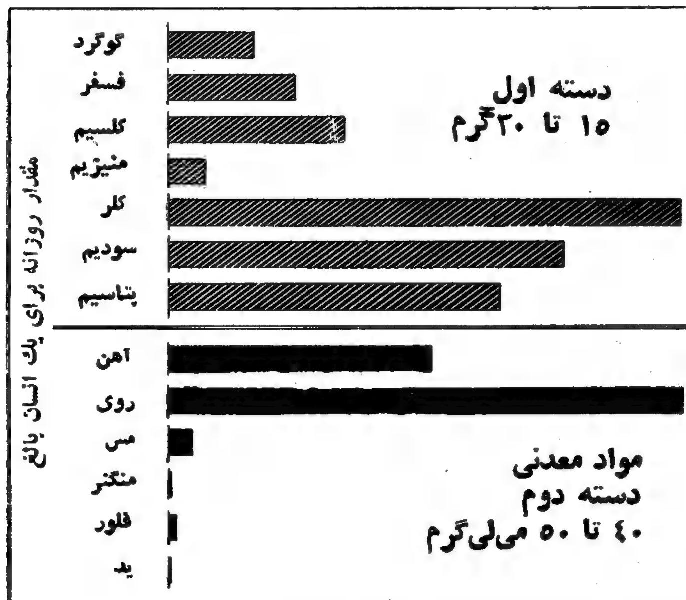
مجموعه این پدیده ها و تغییر شکل ها را در بدن عمل هضم یا گوارش می‌نامند .

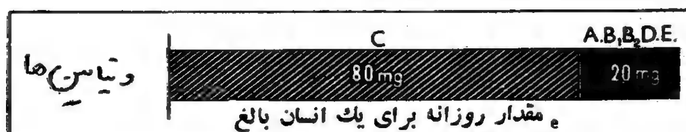
نقش مواد حاصله از هضم دربدن

پس از عبور مواد جذب شده از جدار روده‌ها ، مواد گلیسرینی و اسیدهای چرب فوری مورد استفاده واقع شده و یا ذخیره می‌شوند . مصرف فوری آنها یك نوع سوخت در سطح سلولها است که تولید حرارت می‌کند و توازن حرارتی بدن را درمقابل سرمای خارج نگاه می‌دارد ــ ذخیره این مواد هم از طریق کبد انجام می‌گیرد . چربی‌ها خصوصاً آنها که از نوع حیوانی هستند در نقاط مختلفه بدن ذخیره می‌شوند .

قند های ساده فوری بشکل گلوکزها مصرف‌می‌شود و یا بوسیله کبد بصورت‌گلی کوژن تغییر شکل یافته و ذخیره می‌شوند . ــ برای این که این گلی‌کوژن ذخیره شده موقع لزوم مورد مصرف واقع شود باید مجددا بوسیله بدن بـه گلوکز تبدیل گردد . ــ زیرا عضلات در حین انجام کار احتیاج بمصرف گلوکز دارند .







تقسیم بندی اغذیه ــ برای این که بدانیم اصولا چگونه تغذیه‌کنیم بهتر است آنها را از نقطه نظر مواد غذائی و انرژی حرارتی طبقه بندی کنیم .

قندها و نشاسته‌ها : ــ این نوع اغذیه بمثابه منبع نیروی حرارتی است که بطرزی عالی رل عمل مواد سوختنی را برای ماشین بدن انسانی انجام می‌دهد . آنچنان نیروی حرارتی که جان تازه باعضاء خسته از کار و عضلات می‌دهد . ــ و البته این در صورتی است که سایر اغذیه نقش خود را در رساندن مواد غذائی مربوط انجام دهند .

چربی‌ها ــ منبع اصلی این مواد اغذیه چربی دار بوده که عمل اساسی آنها در اعضاء بدن همان دفاع در مقابل سرما می‌باشد و معمولا در زمستان باید بیشتر از تابستان اغذیه چربی دار را مصرف نمود .

میوه و سبزی تازه :

غالبا تصور می‌کنند که میوه و سبزی آنقدر ها مغذی نیستند زیرا بزحمت رفع گرسنگی مـی‌کنند . ایجاد این توهم براثر فراوانی آب و کمی کالری حرارتی آنها است ولی در مقابل اهمیت بسزائی از نقطه نظر ویتامین ها و مواد معدنی دارند خصوصاً که میوه و سبزی تازه مواد سلولزی زیادی داراست که موجب سهولت در عمل جذب و عبور سریع‌تر اغذیه از جدار روده‌ها و مانع یبوست می‌شود .

در میان سبزی های تازه ازنظر مواد معدنی و ویتامین ها غنی تر از همه‌کلم ــ اسفناج ــ لوبیاسبز ــ نخود سبز را می‌توان نام برد که بسیار نافع هستند .

در میان میوه‌ها آن میوه‌هائی که کمی ترش هستند از قبیل پرتقال ــ نارنگی ــ لیمو ترش و سایر مرکبات از همه مفیدترند .

لبنیات ــ شیر و پنیر هریـك تقریبا غذای کاملی هستند بطوری که اهمیت عمده غذائی آنها درتمام دوران عمر وزندگی انسانی و برای انواع مختلفه مزاج ها مورد توجه کامل هستند .

مهم‌ترین و نافع ترین مـواد غذائی موجود در لبنیات زیادتی کلسیم است که برای رشد و حفظ استخوان ها و خصوصا جلوگیری از حالات کمی مواد معدنی در بدن است . ــ شیر وپنیر جزء اغذیه‌ای هستند که برای رشد و نمو اطفال بسبب سرشاری آنها از مواد لازم برای ساختن سلول ها و نسوج‌جدید بدن توصیه می‌شوند . (موادی از قبیل : مواد ازته ــ فسفر ــ کلسیم ــ ویتامین های مختلف غیره) .

شیر و پنیر نه تنها برای اطفال بـلکه برای بزرگ سالان غذای کاملی است هم چنین برای زنان باردار و یا شیر ده توصیه می‌شود .

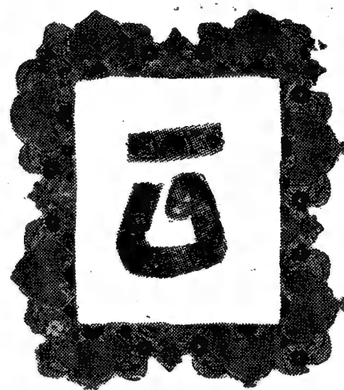
نسبت میزان مواد مختلفه موجود در شیر بسیار خوب و تعادلی دارد که بطور خام و یا گرم شده قابل هضم و بسیار مورد علاقه مردم است .

کره یکی از اغذیه چرب و سالم است که‌دارای مقدار زیادی ویتامین آ و د میباشد و بسیار نافع است .

گوشت ــ ماهی ــ تخم مرغ :

این اغذیه منبع مواد ازته بوده و می‌توان بطور قطع گفت که‌یکی از مواد سازنده هیکل انسانی است. در تمام دوران رشد هیکل ــ بارداری زنان ــ شیر دادن مادران و یا انجام کارهای سخت تغذیه باید باین دسته اغذیه و بحد کافی باشد . البته افراط در خوردن گوشت نیز صلاح نیست .

شایعاتی نیز وجود دارد که‌ارزش غذائی گوشت بپایه گوشت ماهی و تخم مرغ نمی‌رسد . درست است که مواد غذائی موجود در این سه نوع گوشت یکی نیست ولی بهتر است گاهی از این و گاهی از آن مصرف نمود .



قاب

حـــاشیه‌ایست کـــه تابلو ، پارچه‌های زردوزی شده و شیشه را احاطه نموده و آنها را در جای خود محکم و محفوظ نگهمیدارد . قاب‌هائی که به مصرف قاب کردن نقاشی‌های آبرنگ ، گراوور ها و عکس ها می‌رسند معمولا با شیشه محافظ همراه‌هستند درحالیکه نقاشی های رنگ روغن ندرتا با شیشه پوشانده می‌شوند . قاب از زود خراب شدن تابلو و پرده نقاشی جلوگیری می‌کند . قاب‌کردن تابلوها کار مشکلـی نیست و در ردیف کارهای ذوقی بشمار می‌آید .

انتخاب قاب ــ قابها انواع مختلف و متعدد دارند و این‌تنوع نه‌تنها به علت مواد اولیه مختلفی است که در ساختمان آن‌ها بکار می‌رود ، بلکه ابعاد و تزئینات آن نیز در این امر دخالت دارند . هرچند ساختن‌قاب ممکنست خود در ردیف کارهای هنری بشمار آید ولی باید بدانیم که قاب بیشتر بخاطر زینت و مورد استـفاده قراردادن اشیاء دیگر ساختـــه می‌شود ، بنابراین قاب را نباید بخاطر زیبائی و ظرافت خودش انتخاب کرد ، بلکه باید دید چه‌نوع قاب هم‌آهنگی بیشتری با تابلوی موردنظر دارد .

در انتخاب قاب باید ابعاد تابلو یا گراور ، هم‌آهنگی‌رنگها و خصوصیات دیگر را درنظـــر داشت . اگر تاریخ رسم تابلو یا گراور را داشته باشیم بهتر است قـابی برای آن انتخاب کنیـم که مربوط به همان تاریخ باشد . بعلاوه باید دانست که انواع قابها از قبیل قابهای گود ، مسطح ، با کناره‌های مورب ، با شیب به‌طرف خارج درچه‌مواردی مصرف‌میشوند.

قاب گود ــ تابلوئی که در وسط قاب گود قرار می‌گیرد بعد کاذبی پیدا می‌کند که معـــلول ضخامت قاب است و در نتیجه تابلو را بصورت دورنمـا فـریبنده‌ای درمی‌آورد ووقتی‌به‌آن نگاه‌میکنیم، احساس می‌نمائیم‌که از میان یك پنجره باز منظره‌ای را مینگریم. این نوع قاب برای قاب کردن عکس‌های خانوادگی ، تابلوهای دریا ، و مناظر بکار می‌رود . زوارهای چوبی ضخیم و تیـــره برای تابلوهای دوده‌اندود مکتب فلاماند وگراور رهائی که از روی آنها تهیه می‌شود مناسب است .

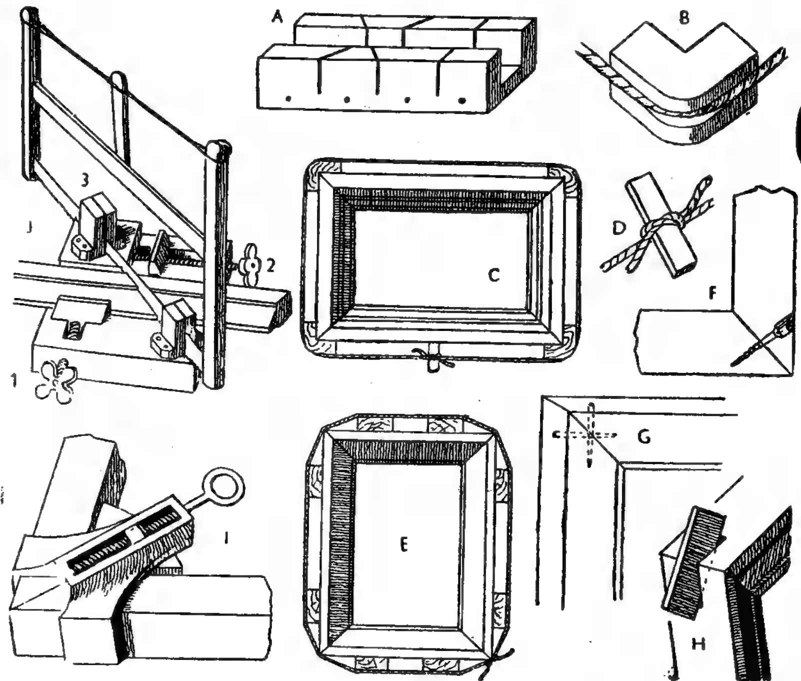
قاب مسطح که برنگ طلائی یا رنگ طبیعی چوب تزئین‌میشود، معمولا لبه‌خارجی عکس را می‌گیرد رنگ طلائی آن برای قاب کردن تصاویر گلها و پرتره‌های ساده مصرف دارد و نوعی که برنگ طبیعی چوب رنگ شده است برای تابلوهای خشن و مناظر طبیعی مناسب است .

قابی که زوارهای آن شیب به طرف خارج دارد برای قاب کردن پرتره‌های قیمتی ، نقوش برجسته از عاج ، گچ ویا فلز بکار می‌رود ، معهذا برآمدگی حاصلـه از شیب قاب را نباید آنقدر زیاد بگیریم که در موقـع تماشا به‌آن زمینه تابلو هم‌سطح بودن خود را با دیوار از دست بدهد .

ساختن قاب ــ با قطعات چوب از هر جنس که باشند می‌توان قاب ساخت. ابتدا قطعات مزبور را مرتب نموده و آنها را از نظـر ابعاد و ضخامـت به انـدازهٔ دلخـواه درمی‌آوریم و یك زوار روی‌سطح فوقانی ، یا حداقل سطح داخلی هر قطعه می‌دهیم و یك شیار هم برای برداشتن تابلو یا شیشه قاب در نظر می‌گیریم . ناگفته نماند که انواع و اقسام زوار و ترکهٔ آماده قاب در بازار وجود دارد و برای ساختن هر نوع قابی‌میتوان براحتی از آنها استفاده کرد .

زوار مورد نظر هر نوعی که باشد باید ابتدا آنرا در جعبه اره گذاشته و ببرید (شکل A) و بعد بندهای هر طرف که محل مفصل شدن دو قطعهٔ مجاور است بدقت میزان می‌کنیم . سپس‌چسب را آماده کرده و پس‌از اینکه بند های هرطرف را چسب اندودکردیم آنها را دو بدو بهم نزدیك‌می‌کنیم و در پرس مخصوص قاب‌سازی قرار می‌دهیم و اگـر پرس مزبور در دسترس نبود چهار قطعه چـوب (مطابق شکل B) می‌سازیم و در آنها شیاری می‌گذاریم و بعد هریك از چهار قطعه‌ای را که‌باین ترتیب تهیه می‌شود در یکی از گوشه‌های قاب که روی یك میز صاف قرار داده‌ایم می‌گذاریم ویك قطعه ریسمان در شیارهائی که در قطعات چوب تعبیه شده استانداخته و محکم می‌کنیم وگره می‌زنیم (شکل C) برای اینکه فشار باندازه کافی به‌زوایای قاب وارد شود یك تراشهٔ چوب برداشته واز میان گرهٔ طنـاب رد می‌کنیـم (شکل D) و بعد آنقدر آنرا می‌چرخانیم تا گره چندین‌بار دور خودش پیچ خورده و هر بار به فشار طناب افزوده شود و درآخر انتهای تراشه‌را زیر قاب می‌گذاریم تا طناب از وضع موجود خارج نشود . طریقهٔ دیگراینکه‌هشت‌قطعه چوب برداشته و در هر ضلع قاب دوتائی آنرا قرار می‌دهیـــم (شکل C) و بعد مثل حالت قبل ریسمانی را محکم دور آنهـا پیچیده و گره می‌زنیم . سپس قطعات چوب را کم‌کم به طرف زوایای قاب میرانیم تا فشارطناب بر چهار چوب قاب بیشتر شود ویا باز مثل حالت قبل میتوانیم این کار را با استفاده ازیك‌تراشه چوب انجام دهیم (شکل E)در هر صورت دستگاه را تا روزبعد بحال خود میگذاریم تا چسب‌کاملا خشك شود. وقتی چسب خشك شد میتوانیم دو میخ (مطابق‌شکل G) طوری در هر زوایه بکوبیـم که مسیر یکدیگر را درضخامت چوب قطع کنند و یا اینکه همین نقاط را با مته سوراخ کرده و بعد در هر سوراخ تراشه چوبی گذاشته‌وبا چکش روی آن میزنیم (شکل F)

برای کوبیدن میخ و یا پیچاندن پیچ در بدنهٔ قاب مطمئن‌ترین راه اینست که آن را باکف روی میـز قرار دهیم . بجای استفاده از میخ و پیچ میتوانیم با اره‌شیاری در ضخامت چوب در هرزاویه‌ایجاد نموده و تکه چوبی بهمان‌اندازه در چسب فرو کرده وداخل شیار نمائیم و پس ازاین که کاملاخشك



طرز سوارکردن قاب عکس‌بکمك اسباب و ابزارهای لازم

شد زیادی آن را اره کرده وبا سایر قسمت ها هم ترازکنیم.

اما سوار کردن قطعات قاب به طریقی که در زیر ذکر میگردد خیلی آسان‌تر است . اگر گیـره مخصوص قاب سازی داشته باشیم برای جفت کردن قطعات (مطابق شکل I) از آن استفاده میکنیم و اگر جعبه پرس قاب سازی در اختیارمان باشد (شکل j) ابتدا بکمك آن پهلوهای قاب را بـا زاویه ٤٥ درجه می‌بریم. سپس‌زوار ها را بکمك پیچهای ۱و۲ روی دستگاه محکم کرده وبا اره می‌بریم و به‌اندازهٔ مورد لزوم درمی‌آوریم و درآخر هریك ازقطعات تهیه شده را اطراف بلوك نمره ۳ قرار داده بکمك پیچهای ۱ و۲ آنها را بهم نزدیك می‌کنیم و اگر انـدازهٔ چهـار طرف یکسان نبـود با اره آنها را یك اندازه می‌کنیم و دوباره بهطرف یکدیگر میرانیم. این دستگاه را برای چسبانـدن قطعات هم میتوان‌مورد استفاده‌قرار داد .

پس از اینکه قطعات قـاب را چسب اندود کردیم و با پرس تحت فشار قرار دادیم دو میخ به طریقی که دربالا ذکر شد در هرزاویه می‌کوبیم . این میخ‌ها دو قطعه مجاور را محکم پهلوی هم نگهمیدارد . در این مـوقع میتوان با اطمینان پرس را آزاد کرد و دو تکه دیگر را بـرای چسباندن و میخ زدن روی‌دستگاه گذاشت و بهمین ترتیب سومین و چهارمین بار این عمل راتکرار میکنیم و بدین ترتیب عمل مونتاژ قطعات قاب را خاتمه میدهیـم . میخ هائی که برای کوبیدن به قاب مصرف میشوند باید خیلی ظریف باشند و پس از این کـه تمام طولشان در ضخامت چوب فرو رفت باید بکمك یك چکش و یك قلم فلزی انتهای آنهارا هم درون چوب فرو نموده‌وسوراخ حاصل را با ماستیك پرکرد.

نصب قاب روی‌دیوار— طریقهٔ نصب قاب روی دیوار هم از نقطـه نظر دوام خود قاب و هم برای محافظت تابلو یا چیز دیگری که در آن قاب شده است اهمیت‌دارد. اگر بخواهیم قاب را بدون‌ریسمان به‌دیوار آویزان کنیم یك میخ‌پیچ بلند درست دروسط و بالای تابلو روی دیوار می‌کوبیم و قاب را بآن می‌آویزیم ولی اگر بخواهیم قاب را بتوسط ریسمان به‌دیوار بیاویزیم دو میخ پیچ در دوطرف و بالا به‌دیوار می‌کوبیم. ریسمان را پس از گره زدن دور میخ یك بار آزمایش میکنیم‌تاازاستحکام آن اطمینان حاصل نمائیم میخ ها و پیچها و ریسمانی که برای این کار مصرف میکنیم باید با دقت انتخاب گردند و در مـورد ریسمان یا باید از انواع ضخیم و پر مقاومت استفاده نمود ویا ریسمان‌های فلزی مخصوصی راکه برای نصب تابلو های بزرگ‌ساخته میشود بکار بردواین مسئله‌مخصوصا در شهر های بزرگ که رفت و آمد وسائط نقلیه سنگین زیادو بنابراین لرزش و تکان ابنیـه دائمی است بیشتر باید رعـایت گردد.

تمیز کردن قاب‌ها — در مورد قاب‌هائی که به رنگ طلائی‌هستند. ابتدا باید با احتیاط هرچـه‌بیشتر با یك پارچه سفید و خشك‌گرد وخاك روی قاب را پاك کرد و سپس یك برس نرم در مخلوطی از دو سفیدهٔ تخم مرغ دربیست‌گرم آب ژاول فرو برده وبه‌ملایمت روی قاب کشید و آنرا تمیـز نمود .

قسمت هائی که ممکنست براثر تماس برس درخشندگی خود را از دست بدهند باید با احتیاط بیشتر تمیز شوند .

این عمل را در مواقع لزوم میتوان‌تکرارکرد . همچنین میتوان قابها را با مخلوط آب وصابون‌و با استفاده از یك اسفنج نرم‌شستشو داد اما باید این عمل را نیـز با احتیاط انجام دهیم طوری که رنگ طلائی قاب ضایع نگردد.

در مورد قاب هائی که رنگ روغنی خورده‌اند باید محلـول‌آب و صابون را بایك قطعه اسفنج نرم بکار برد . اسفنج را بـا ملایمت روی قاب کشیده وتمام قسمت‌های آنرا پاك می‌کنیم‌طوری که تمام فرورفتگی های سطح قاب نیز پاك شود . برای اینکار بهتر است از یك برس معمولی نقاشی که الیاف آن بلند و در عیـن حال نرم باشند استفاده کرد.

پس از شستن تمام سطح قاب با محلول آب و صابون ، اسفنج را در آب تمیز فرو کرده وچند بار می‌فشاریم تا صابون ازلابلای آن درآمده وکاملا تمیز شـودو سپس آن را چندین بار روی‌قاب می‌کشیم تا آب سطح آنرا درخود بکشد و آب دردرزهای‌قاب‌ومقوای پشت آن نفوذ نکند . اگر چندلکه روی قاب باقی ماند که با آب‌و صابون پاك نمیشد ، چند قطره آب ژاول به‌محلول اضافه میکنیم و با آن لکه ها را پاك می‌نمائیم.

چگونه قاب‌های کهنه رانو کنیم — هرگز نباید قابهای زینتی، استیل وقابهائی‌راکه درحاشیه‌شان گراووریا نقاشی‌های قدیمی است دست کاری کرد زیرا این اشیاء را اگر بعنوان عتیقه نگهداری‌کنیم ارزش بیشتری دارد . در مورد سایر قاب‌ها که خصوصیات فوق را ندارند ، میتوان آنها را باآب و صابون خوب شست و سپس آنرا به روش مختلف از قبیل لاك‌الکل، روغن ، رنگ روغن رنگ‌کرد.

قهوه ــ دم‌کردهٔ معطریست‌که از گردی‌که نتیجهٔ بو دادن‌وآسیاب دانهٔ قهوه است تهیه میشود.

خصوصیات‌قهوه بمقدار ۸ر۰ تا ۸ر۱ درصد آلکالوئیدی موسوم به‌کافئین داردکه یك محرك‌سلسلهٔ اعصاب مرکزی است و با مقادیر کم یکنوع احساس راحتی ونیروی موقتی ایجاد میکند بدون اینکه کوچکترین ضعف دردنبال‌خودداشته باشد.

این موضوع اثر ضد خواب قهوه را توجیه میکند.

با مقادیر بیشتر ، کافئین سم است ولی تاحدودیك‌گرم‌بعنوان داروئی موثر در درمان بیمارانی که دچار ضعف هستند مصرف‌میشود. خوردن سه فنجان قهوه درروز مقداری کافئین در حدود ۳ر۰ گرم وارد بدن میکند . کافئین یك ضد سم نیکوتین محسوب‌میشود واین موضوع توجیه میکند که اشخاصی که تازه شروع به‌کشیدن سیگار کرده‌اند چگونه بانوشیدن قهوه میتوانند بدون ناراحتی‌سیگار دود کنند . یادآوری می‌کنیم‌که کافئین فقط مختص قهوه نیست‌بلکه به‌مقدار زیاد درچای هم وجوددارد ولی در این مورد تئین نامیده میشود .

قهوه ، علاوه بر کافئین و موادی‌که در اغلب دانه ها وجود دارد ، مقداری روغن های معطر که بعضی در آب محلول وبرخی غیر محلولند همراه دارد وهمچنین ماده دیگری در آن پیدا کرده‌اند که تا اندازه‌ای خصوصیات تانن را دارد (تانن ماده‌ای قابض‌وگس است) وبه‌اسید کافتانیك موسوم است .

وقتی قهوه را بومی دهند مقدار کمی از کافئین آن ازبین می رود وبعلاوه روغن های اصلی آن تبدیل به مادهٔ معطری میشود که در آب کم‌محلول است ورنگ خرمائی دارد وکافئون نامیده میشود .

قهوه‌ای که به‌اسم«قهوه‌بدون کافئین»فروخته میشود، قهوه‌ایست که قسمت اعظم کافئین خودرا از دست داده است برای تهیه این نوع قهوه ، دانه‌های سبز قهوه را درمجاورت محلول رقیق الکل خشك می‌کنند . دم کردهٔ این قهوه ــ تقریبا هنوز عطر خودرا دارد.

این نوع قهوه برای اشخاص عصبی و بیماران قلبی و مفصلی مناسب است .

قهوه نه‌تنها هیچگونه غذائیست ندارد بلکه بر عکس به علت اینکه جذب عمومی بدن را تسریع نموده و درتعقیب آن مصرف‌مواد ذخیره بدن را بالا میبرد، احتیاج بدن را به غذا زیاد می‌کند. قهوه عمل هضم را تسهیل نموده‌وبه‌علاوه فعالیت قوای فکری را زیادتر از معمول میکند . افراط در خوردن قهوه باعث بیخوابی ، لرزش ، اختلال عمل هضم، میگرن وسرگیجه میگردد .

انواع مختلفهٔ قهوه ــ قهوه ها را از نقطه نظر جغرافیائی بچندین دسته تقسیم میکنند که عبارتند از:

۱ــ قهوه های عربی بنام موکا .

۲ــ قهوه های مجمع‌الجزایر آنتیل : هائیتی ــ مارتینی ــ گوادلوپ ، جامائیك ، پورتوریکو

۳ــ قهوه های آفریقائی:لیبریا، رئونیون ، جزیره مایوت، آبی سینی ، ماداگاسکار ، کامرون، ساحل عاج ، توگو و غیره . .

٤ــ قهوه های هند وساحل مالایا .

۵ــ قهوه های آمریکای مرکزی: مکزیك ، کلمبیا،ونزوئلا، کوستاریکا ، گواتمالا .

٦ــقهوه‌های برزیل:سانتوس، باهیا ، ریو ، پارانا .

۷ــ قهوه های مجمع‌الجزایر هند و جاوه . . .

۸ــ قهوه های دیگر: تونکن، نومئا ، مجمع‌الجزایر هبرید جدید.

مردم شمال فرانسه اکثراقهوه های برزیل را به سایر قهوه‌ها ترجیح میدهند . اعلاترین‌وبهترین قهوه‌های دنیا سه قهوه : موکا، مارتینیك ، بوربون (نام قدیمی جزیره رئونیون) است.

زنان کدبانو قهوه مصرفی خود را مخلوطی از سه قهوه فوق سفارش میدهند زیرا این مخلوط در واقع بهترین فرمول مصرفی قهوه است که به تجربه ثابت شده و اشخاص خبره نیز صحت‌آنرا تأیید میکنند . معمولا این مخلوط توسط فروشنده تهیه میشود . این سه قهوه خوب و قیمتی چون خواهان زیاد دارد در بازار های دنیا به مقدار خیلی کم پیدا می‌شود .

قهوه مارتینیك تقریبا نایاب است ، قهوه موکا و بوربون نیز فقط بمقادیر جزئی واردات کشور ها را تشکیل میدهند .

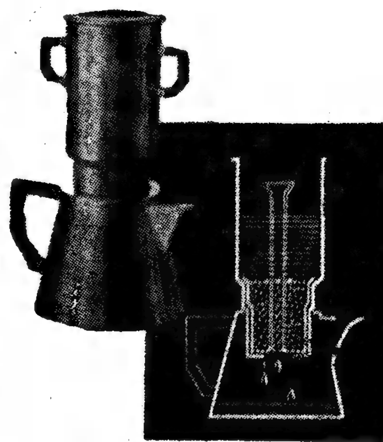
فروش قهوه

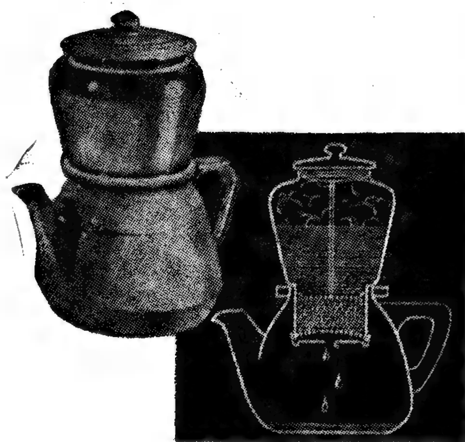
قهوه به چه اشکالی فروخته میشود ــ قهوه به پنج شکل بفروش میرسد . دانه های سبز، دانه های بو داده ، قهوه بو داده و خرد شده ، پودر محلول قهوه و بالاخره عصاره اسانس قهوه.

دانه های سبز قهوه ــ سطح دانه قهوه صاف است و با یك شیار طولی که در وسط آن قرار دارد مشخص میگردد .

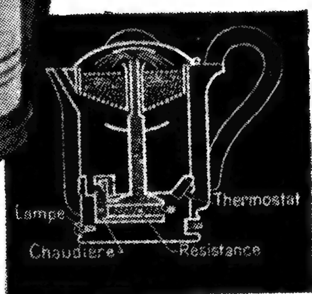
باقی ماندهٔ پوشش خارجی دانه که از آن جدا شده هنوزدر این شیار دیده میشود . «یك‌قهوه اعلا دانه هایش کاملا سالم واز نظر حجم یك اندازه‌اند، سطح‌آنها شفاف است و هیچگونه لکه‌وسفیدی ندارد . گاه دانه های بسیار ریزی روی آنها دیده میشود ، دانه ها خشك و صدا دار و خشن‌هستند رنگ آنها از سبز تیره تازرد روشن تغییر میکند ، طعم ومزه گیاهی دارد بدون اینکه بدنبال آن دهان تلخ یا تند شود دانه هائی که باندازه کافی‌رسیده و یا ضایع شده‌اند رنگ‌خیلی

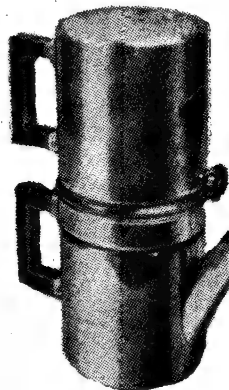
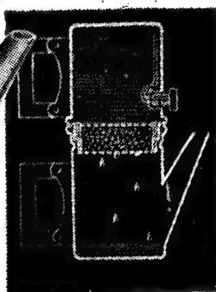






از چپ‌براست : قهوه‌خوری با فیلتر که میشود آب جوش‌را یکباره روی‌قهوه ریخت .



ازچپ براست : قهوه‌جوش سی‌ووز ــ نوع برگردان ــ نوع فشاری

تیره‌ای دارند.»

یك قهوه خوب نباید حاوی دانه های معیوب (تیره ، نارس، لکه دار یا شکسته) ، سبك ، چین خورده و چروکیده ، نرم ونیمه شفاف باشد و بعلاوه نباید بوی گندیدگی یا شیرینی و یا ترشی از آن متصاعد شود . دانهٔ سبز قهوه را به مقدار معین در تهیه بعضی مواد اشتها آور بکار می‌برند .

دانه قهوهٔ بو داده ــ دانه‌هائی که خوب بو داده شده‌اند برنگ خرمائی ، کدر ، خشن و صدادار هستند ووقتی از ارتفاع روی‌سطح سختی انداخته شوند بالا می‌پرند. از این دانه ها بوی خوش ومشخصی متصاعد میشود .

دانه هائی که شفافیت خود را هنوز از دست نداده‌اند خوب بوداده نشده‌اند .

قهوهٔ بو داده و نرم شده ــ هر نوع قهوه بو داده و نرم شده‌ای که مورد دلخواه ماباشد در بازار یافته میشود. مصرف کننده قهوه باید بدنبال فروشنده‌ای بگردد که قهوه خوب آسیا شده و مطمئنی در اختیارش بگذارد. این قهوه باید در بسته هـای غیر قابل نفوذ نگهداری شود.

قهوه محلول بصورت پودر ــ قهوه های محلول بصورت پودر بدو شکل وجود دارند : عصاره قهوه که روی ئیدرات‌دوکربن‌ثابت شده است ، عصاره خالص قهوه بدون‌اینکه بچیزی‌آمیخته شده‌باشد مصرف این نوع قهوه راحت و تهیه‌آن فوری است وبا ریختن در آب جوش بدون این که‌رسوب کند بصورت قهوه آشامیدنی در میآید.

قهوهٔ مایع ــ عصاره یا اسانس ــ عصاره ها واسانس های قهوهٔ مایع دم کرده هائی هستند که بصورت متراکم و فشرده در آمده وبوسیله کارامل ثابت شده‌اند . مصرف‌آنها راحت است اما بیشتر در تهیه انواع بستنی ها ، شیرینی ، کیك بیسکویت و غیره بکار میروند.

بــو دادن دانهٔ قهوه ــ تجار قهوه را به شکل اولیه آن یعنی دانه های سبز خریداری میکنند وپس از خشك کردن آن ها را بومی‌دهند و بعد برای مصــرف مردم به بازار عرضه میکننــد. شکلی که به مصرف مردم میرسد بیشتر همان نوع مخلوط قهــوه است.

مصرف کنندگان قهوه‌میتوانند قهوه مصرفی خود را بوسیلــه بر ولوار (دستگاهی که با آن‌قهوه را بومی دهند) کوچکی بو دهند و اتفاقا این کار بسیار لذتبخش است . قهوه‌ایکه باندازه کافی بو داده شده باشد نرم و کم صــدا میشود واگر روی میزی انداخته شود خلاف دانه های سبزبالانمیپرد. دم کرده آن عطر حقیقی قهوه‌را ندارد . قهوه‌ایکه زیاد بو داده شده باشد تردوشکننده خرمائی تیره و با درخشندگی زیاد دست ودم کرده آن تلخ مزه می‌باشد.

نگهداری قهوه ــ قهوه باید در ظروفی نگاهداری شود کــه اولا دهانه آنها محکم بسته شود وثانیا هیچگونه بوی قبلی ندهد که‌به عطرقهوه لطمه‌بزند . شیشه‌های دهان گشاد و ظروف چینی ویــا پلاستیکــی بهترین وسیله بــرای نگاهداری قهوه است در هر حال باید دو شرط بالا در مورد آنها نیز رعایت شود .

سائیدن دانه قهوه ــ خریدن ونگاهداری دانـهٔ قهــوه بــدو دلیل به خریدن قهوه نرم شده ترجیح دارد . اول اینکه قهوه نرم شده در حقیقت تمام طعم وعطر خود را برای زمان‌مصرف‌نمیگذارد، بنابراین دم کرده این نوع قهوه عطر وطعم واقعی قهوه را ندارد. دوم اینکه قهوه های سائیده شده ممکنست مواد تقلبی بهمراه داشته باشند . معهذا ترس از مجازات بمیزان وسیعی جلوی این‌گونه تقلب ها را گرفته است . سائیدن دانه های قهوه بکمك هاون یــا دستاس قهوه انجام میگیرد.

چگونه قهوه را دم کنیمــ

تهیه یك‌قهوه خوب نیز برای خود هنری محسوب میشود . شرط اصلی اینست که آبی را که برای دم کردن قهوه بکار میبریم صاف‌و بدون هیچگونه طعم و بو بــاشد و پس از یك بار جوشیدن بــه‌ــ مصرف رسد ، اغلب اتفاق میافتد که آب شهر با مواد ضد عفونی از قبیل آب ژاول مخلوط است و پس از جوشیدن طعم نامطلوبی پیدا میکند که بانوی منزل احیاناً اگر از این موضوع بی خبــر باشد ، قهوه‌ای که درست‌میکند بد طعم و بد مزه خواهد بود و در این مورد گناه را به‌گردن قهوه و یا قهوه جوش میاندازد، بدون اینکه به فکر آب باشد.

پس از رعایت اصول فوق نوبت به قهوه میرسد که بایـد مخلوط عالی و یا حداقـل خوب و مناسبی‌که طعم دلخواه ما را داشته باشد و در بازار بتوان آنرا در بسته‌های مطمئن خریداری نمود انتخاب کرد . معهذا در موقع مصرف قهوه را باید خوب سائید و نرم کرد . مقدار قهوه وهمچنین مقدار آبی‌که باید در قهوه جوش ریخته شودبرحسب‌تعداد ــ فنجان‌ها و غلظت مصرفی قهوه فرق میکند (بطور متوسط ۶گرم برای هــر فنجان لازم است). مقدار آب لازم را هم باید کم‌کم در صافی قهوه جوش ریخت .

دم کرده قهوه را ۵ دقیقــه بیشتر نباید حرارت داد و بعلاوه نباید پس از سردشدن آن رادوباره گرم کرد و یا جوشاند .

اگر بخواهیم قهوه بــوی اصیل خود را حفظ کند نباید مواد دیگری به آن اضافه کنیم.

در برزیل معمول است که قهوه را مستقیما دم می‌کنند بدین ترتیب که‌آنرا درظرفی ریخته و آب‌جوش لازم را یك مرتبه به آن اضافه می





سرویس قهوه‌خوری

کنند . سپس پنج دقیقه سرپوش ظرف را گذاشته و آنرا روی اجاق میگذارند ودرآخر مخلوط راتکان داده درظرف دیگری صاف میکنند و به مصرف میرسانند .

قهوه ترك ــ در يك قهوه جوش چندین‌قاشق قهوه نرم سائیده شده (بسته به تعداد فنجان) می ریزیم. درصورت امکان بهتراست قبلاقهوه را با دستاس مخصوص خودش‌خوب نرم کنیم و بعد به همان اندازه شکر اضافه می نمائیم . سپس بـا ملایمت آب جوش روی آن ریخته‌و قهوه را به ملایمت درآب حل می کنیم . آب جوش را آنقدر اضافه می‌کنیم تا مخلوط یکنواختی بقوام خامه درست شود . دراین مخلوط قهوه نباید دلمه یا لخته شده باشد. پس از این کار آب جوش کافـی روی آن می ریزیم تا به‌اندازه فنجان های مورد نظر قهوه تهیه شود آنگاه به ملایمت ظرف را حرارت میدهیم و قبل از اینکـه جوش بیاید (یعنی درست موقعی‌که قهوه کمی در ظرف بالا می‌آید) آن را از روی اجاق بر می‌داریم و چند لحظه زمین می‌گذاریم . سپس دوباره آنرا روی آتش قرار میدهیم ، وقتیکه قهوه برای بار دوم هم در ظرف بالا زد آن را از اجاق پائین آورده و بلافاصله‌چند قطره آب سرد روی آن می ریزیم تا تفاله آن ته نشین شود و بعد فنجان ها را باآن پر می‌کنیم .

شیرقهوه ــ شیر قهوه با اضافه کردن شیر به قهوه به نسبت های مختلف برحسب سلیقه مصرف‌کننده تهیه میشود . بعضی ها علاوه بر اضافه کردن شیر مقداری هم آب به مخلوط اضافه میکنند ولی در واقع شیر قهوه همانطور که در سابق مرسوم بود باید بدون آب تهیه شود . آب را اگر به قهوه اضافه کرده و بعد شیر روی آن بریزیم عطر و طعم قهوه برمیگردد. هم چنین اگر شیر قهوه را دم کرده و بعد آب به آن اضافه‌کنیم محلول حاصل آن طعم و عطری‌را که از مجاورت شیر و قهوه به تنهائی‌حاصل می‌شود نخواهدداشت. اگر بخواهیم آب را به شیر اضافه کنیم و بعد مخلوط را روی قهوه بریزیم باز طعم و خاصیت شیر فرق میکند . پس درهرحال بهتر است از مصرف آب در تهیه شیر قهوه صرفنظر کنیم .

برای تهیه شیر قهوه این دو طریقه نیز عملی است : ۱ــ قهوه محلول بصورت پودر (قهوه‌فوری) یا عصاره مایع قهوه را مصرف می کنیم . ۲ــ شیر جوشیده را روی قهوه‌ایکه خوب نرم شده باشدبریخته و پنج دقیقه در آنرا می‌گذاریم . و آنگاه مخلوط را روی صافی می ریزیم‌برای‌آنهائیکه‌علاقمندبخوردن قهوه خوب هستند طریقه اخیر بسیار عالی است فقط شرط اینست که قهوه مصرفی بسیار دقیق‌سائیده و نرم شده باشد .

کافه‌گلاسه ــ ۲۵۰ گرم قهوهٔ اعلا را با دولیتر آب‌جوش مخلوط می‌کنیم . سپس مخلوط حاصل را از روی يك پارچهٔ نازك (که عمل صافی را انجام میدهد) رد می‌کنیم و۵۰۰ گرم شکر به آن میافزائیم و میگذاریم تا خوب سرد شود و آنگاه يك ليتر شیر جوشیده ونیم لیتر خامه به آنها اضافه میکنیم. ظرف را درون دستگاه بستنی‌سازی می‌گذاریم و يك يا دوبار دستهٔ آنرا می‌چرخانیم تا مخلوط کمی خودرا بگیرد . باین ترتیب کافه گلاسه تهیه و برای مصرف آماده می شود .

قهوه جوش ــ دستگاهی‌است که برای دم‌کردن قهوه مورداستفاده قرار میگیرد . مدل های مختلف قهوه جوش‌وجودداردکه همگی‌روی اصول صحیح ساخته شده و برای تهیهٔ قهوهٔ خوب و عالی از هریك ازآنها می توان استفاده کرد . بشرط اینکه قهوه سائیده نشده‌ای که در آن ریخته میشود اعلاونرم بوده و کدبانوی منزل نیز درکار کردن با آن مهارت کافی داشته باشد .

قهوه جوش معمولی‌ــ این‌دستگاه از قسمت های زیر تشکیل‌میشود. ظرفی که در قسمت تحتانی‌دستگاه قرار دارد و به «قهوه ریز»موسوم است ، يك استوانهٔ بسته که درست در پائین قهوه‌ریز واقع شده و مجهز به يك‌صفحهٔ مشبك است که رل صافی را بازی میکند و قهوهٔ نرم شده را در این قسمت میریزند. کمی بالاتر دومین صفحهٔ مشبك قراردارد . آب جوشیده و گرم‌را بتدریج روی‌صافی‌بالائی میریزند . این‌آب از سوراخهای صفحه‌گذشته و مانند قطرات باران روی قهوه می‌افتد و باین ترتیب قهوه دم میشود . قهوه دم شده‌ای که باین طریق حاضر می‌شود از سوراخ‌های صافی دوم گذشته وارد قهوه ریز میگردد و به مصرف میرسد . این قهوه جوش ممکنست از آلومینیوم، فولاد ، چینی و یا مواد دیگر ساخته شود و برای اینکه قابل حمل باشد تغییراتی نیز درساختمان آن داده می شود .

از همین نوع‌قهوه جوش ، مدل هائی وجود دارد که صافی آن‌بکلی در قهوه ریز غوطه‌ور است . بعضی دیگر صافی‌ای دارند کـه قهوهٔ دستاس شده را در آن می‌ریزند این صافی ها ممکنست ثابت یا متحرك باشند که درصورت‌اخیر برای تهیه قهوه آنرا بیرون آورده و پس از اینکه قهوهٔ به مقدار کافی در آن ریختند درجای خودقرار میدهند. دراین نوع قهوه جوش ها ، آب گرم را يك مرتبه در دستگاه می ریزند و آب روی صافی اولـی قرار میگیرد . عمل این صافـی اینست که آب ها بصورت قطرات ریز و بطرز آهسته‌ای روی قهوه که در صافی زیرین قراردارد میریزد .

دربازار مدل هائی وجود دارد که برای درست کردن قهوه ، آب جوش و قهوهٔ سائیده شده را يك باره در قهوه ریز میریزند و پس‌از چند دقیقه که آب جوش و قهوه در تماس بودند يك صفحهٔ مشبك که رل صافی را بازی میکندوابعاد آن بستگی دارد باندازهٔ قهوه ریز در دستگاه وارد میکنند . عمل صافی مزبور اینست‌که تفالهٔ قهوه‌را ازآن جدا نماید .

قهوه جوش «لسیوز» ــ از يك قهوه ریز تشکیل شده که در داخل آن لوله‌ای‌عمودی قـرار دارد ودر بالای لوله ظرف کوچکی

تعبیه شده که مشبك است و رل صافی را هم بازی میکند . خود لوله در ته قهوه ریز محکم شده است . لسیووز در اصل بمعنای ماشین رختشوئی است و چــون تشکیلات ساختمانی این‌قهوه جوش شباهت زیادی به ماشین مزبوردارد اصطلاحا باین اسم نامیده میشود.

قهوه مصرفی را در ظرفی که بالای لوله قرار دارد ریخته و دستگاه را روی‌اجاق میگذاریم و باندازه کافی آب درآن می‌ریزیم وقتی جوش آمد در لوله بالا می رود و روی قهوه جریان پیدا می کند و پس از عبور از صافی درته قهوه ریز جمع میشود و این عمل همینطور ادامه‌می‌یابد تا قهوه‌آماده شود . برای اینکه قهوه خراب نشود باید مواظب باشیم که درتمام مدتی که دستگاه روی اجاق است آب از روی قهوهٔ آسیا شده کـه درظرف بالائی است عبورکند و این کار با برداشتن سرپوش قهوه‌جوش میتوان انجام داد .

دراین مدل قهوه جوش های کوچکی ساخته‌اند که قهوه ریزآن دربالای صافی قراردارد و قهوه‌دم شده درآن می ریزد و با اینعمل از برگشت آن به ته دستگاه‌جلو- گیری میشود .

قهوه‌جوش استوانه شکل ــ ازدو ظرف استوانه‌ای تشکیل میشود که هردویك اندازه بوده و یکی روی دیگری قرار میگیرد .

در بدنهٔ یکی از دوظرف لوله‌ای تعبیه شده که راه خروج قهوهٔ دم شده از دستگاه است . ظرف دیگر که ازآب سرد پر میشود درقسمت فوقانی خود محفظه کوچکی دارد که مجهز به صافی است و قهوهٔنرم شده را درآن می‌ریزند . پس از ریختن آب و قهوه در جاهای مخصوص ، دستگاه را روی اجاق میگذاریم . بمحض اینکه آب‌جوش آمد دستهٔ قهوه جوش را گرفته و دستگاه را برمی‌گردانیم و از آن طرف روی اجاق قرار میدهیم‌یعنی درحالت اخیر قهوه ریز روی آتش قرار میگیرد و آب جوش روی قهوه جریان پیدا کرده و قهوهٔ دم شده قطره قطره به داخل قهوه ریز می ریزد و برای مصرف‌آماده می‌شود .

مدلهای دیگر ــ یك نوع قهوه جوش که از مدل های اختصاصی است از دو ظرف شیشه‌ای تشکیل میشود . ظرف فوقانی که بشکل گل لاله است جای قهوه نرم شده میباشد و یك لولهٔ ظریف در وسط دارد که در ظرف تحتانی غوطه‌ور میشود سوراخ فوقانی لوله با یك صافی مسدود شده است . ظرف تحتانی که بشکل بالن است، آب جای دارد . پس ازاینکه قهوه و آب را درجا های مخصوص بخـود ریختیم ، دستگاه را بکمك چراغ الکلی یا یك مقاومت الکتریکی گرم میکنیم . بخار حاصل ازگرم شدن آب روی مایع فشار آورده آنرا از راه لوله به ظرف بالا می راند ودر مجاورت با قهوهٔ نـرم شده قرار میدهد وقتی تمام آب در ظرف بالا رفت حرارت را قطع میکنیم . در نتیجه فشار منفی‌ای که پس از قطع حرارت در ظرف زیرین بوجود میآید ، قهوهٔ دم‌شده مسیر قبل را بطور معکوس طی کرده و پس از گنشتن از صافی از راه لوله به ظرف پائین یا قهوه ریز می‌ریزد .

در بعضی قهوه جوش ها قسمت جداگانه‌ای برای جوشاندن آب وجود دارد و بمحض اینکه آب جوش آمد بطور خودکار (تحت تاثیر فشار حاصله از بخار آب) روی قهوه می‌ریزد . این اصول‌در ساختمان قهوه جوش های بزرگ که برای تهیه مقادیر زیاد قهوه در کافه ها مورد استفاده قرار می گیرد ، رعایت شده است .

دربعضی از مدلهائی که با آب گرم کن الکتریکی مجهزند ، بخار آب جوش به آب فشار می‌آوردو آنرا وارد لوله‌ای میکند دراین لوله قهوهٔ سائیده در داخل صافی مخصوصی قرار داده شده و آب پس از عبور از روی آن بصورت قهوهٔ آماده درمیآید . این راه ساده ترین طریقهٔ تهیه قهوه است .

بطور عموم در قهوه جوش های برقی ، آب در خود دستگاه گـرم می‌شود و برای این منظور همیشه یك مقاومت الکتریکی درساختمان این قهوه جوش ها قرارداده شده، بوسیله حرارت حاصله ازاین‌مقاومت است که آب سرد جوش میآید. بعضی از دستگاه ها آب را تحت فشار از درجات پائین یکباره بـه حالت جوش در آورده و قهوه را آماده میکنند . این قهوه به قهوهٔ فوری یا کافه اکسپرس معـروف است .

قدرت این دستگاه ها بسته بنوع آنها از ٤٥٠ تا ٦٠٠ وات است‌و مصرف برق برای تهیه ٦ فنجان قهوه درحدود ٧٨ تا ٨٠ وات‌ساعت میشود .

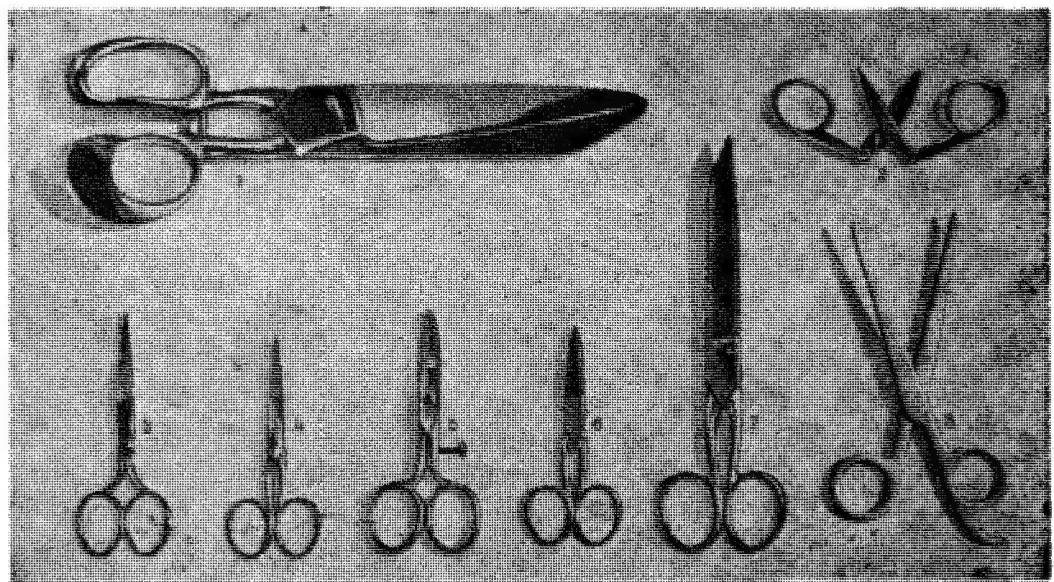
قیچی

قیچی آلتی است که از دو شاخه برنده که بوسیله محوری بهم وصل شده‌بدست میآید. میتوان بترتیب این دو تیغه را کـه بشکل× قرار گرفته‌اند ، بهم نزدیك واز هم دور کرد تا شیئی یا جسمی را که بین آن ها قرار می دهیم، ببرد.

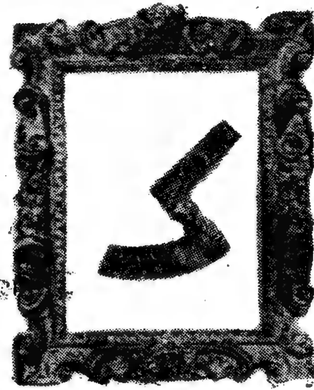
قیچی اعلا از فولاد خـوب ساخته شده و روغن زدن پیچ‌محور آن (یك قطره کافی است) گاه بگاه ، عمر قیچی را طولانی تـر میکند.

قیچی را به انواع و اشکـال مختلف میسازند که عبارتست از قیچی های ظریف کوچك ونوك تیز برای گلدوزی یاقیچی‌مخصوص بریدن تور و دالبر ، قیچـی مخصوص بریدن‌دوخت‌داخلی‌بصورت دندانه دندانه ، قیچی برای بریدن جای تکمـه که در قسمت وسط باز و دارای پیچی میباشد کـه بدلخواه بریدگی را کوچك یـا بزرگ میکند . قیچی های معمولی موسوم به قیچی خیاطی ، ظریف‌و کشیده ویا با انتهائی گرد که به‌اندازه های مختلف موجود است. قیچی ناخن که دارای لبه‌ای‌سوهان مانند میباشد . قیچی های برش مدل بزرگ ، قیچی با حلقه های بیضی ، قیچی برقی با تیغه بسیار برنده برای برش بمقدار زیاد و قیچی آشپزخانه که به مصـارف متعددی میرسد.

و در ضمن میتوان قیچی‌هائی را که از مواد پلاستیکی و کند که مخصوص بچه ها ساخته شده‌انـد نام برد.



انواع واقسام قیچی برای مصارف‌مختلف



کادو

هدیه‌ای است که بمناسبت فرا رسیدن ایام عید، روز تولد و یا بمنظور تشکر و قدردانی از کاری که دیگران برای ما انجام داده‌اند صرفاً بخاطر تحکیم پایه‌های دوستی، رعایت آداب معاشرت و گاه اجبارا، برای‌اقوام و دوستان می‌بریم.

وقتی برایمان اتفاقی می‌افتد و نمی‌توانیم در میهمانی‌ای که دعوت شده‌ایم حاضر شویم وهم‌چنین موقعی که بعللی نمی‌توانیم دعوتی را متقابلا جواب گوئیم بافرستادن یك کادو از میزبان معــذرت می‌خواهیم. مرسوم است‌که یك‌نفر مجرد که در آپارتمانی زندگی می‌کند در اول ژانویه (عید) برای صاحب خانهٔ خود شیرینــی هدیه میکند برای اینکه در طول سال او را سر میز خود بپذیرد. او می‌تواند بجای شیرینی، اسباب بازی، کتاب، تنقلات برای بچه ها، یا بلیط کنسرت، تئاتر و نمایش، یا چیزهای خوردنی‌مثل یك سبد گوشت شکار، یك سبد میوه و یا هر چیز دیگرکه تهیه و خرید آن برایش میسور باشد هدیه کند بشرط اینکه این هدیه جنبه خصوصی نداشته باشد.

همزمان اتفاقاتی از قبیــل جشن نامزدی، ازدواج، زایمان یا جشن روز تولد که در زندگی همه مردم پیش می‌آید هدایائی از طرف اقوام فرستاده می‌شود.

یك زن از اشخاصی که با او معاشرت ساده‌ای بیش‌ندارند. بجز گل و شیرینی هدیه دیگری نمی‌پذیرد و فقط اقوام ودوستان خیلی نزدیك و صمیم هستند کــه می‌توانندجواهر یا اشیائی که مورد استفاده شخصی است به او هــدیه کنند. وقتی در خانواده‌ای جشن عروسی یا تولدی صورت می‌گیرد، رسم اینست که دوستان و آشنایان یك کادو باسم خانواده می‌فرستند. هم‌چنین وقتی کارمند یا مستخدم زیردست ازدواج می‌کند، آقا یا رئیس مــربوط می‌تواند برای قدردانی از زحمات او و یا بعنوان تبریك هدیه‌ای برایش بفرستد.

کارامل

از حــرارت دادن شکــر در آخرین مراحل یعنی قبل از اینکه شکر تبدیل به کربن شود کارامل بدست می‌آید کارامل در آشپزی مصارف متعدد دارد. این ماده برای معطر کردن شیر در موقع تهیه خامه، مارملاد بکار می‌رود. بعلاوه برای پوشاندن‌روی پودینگ(نوعی نان‌شیرینی انگلیسی که با آرد، کشمش، روغن، عرق نیشکر درست می‌شود) نیز مصرف دارد برای تهیه کارامل هشت‌تاده تکه قند را باکمی آب‌دریك قابلمه مخصوص می‌ریزیم. وقتی قنــد کاملا در آب حل شد ظرف را روی آتش تند می‌گذاریم تارنگ دلخواه را پیدا کند (خرمائی روشن یا تیره) سپس فوراً آنرا به مصرف می‌رسانیم (روی‌شیر یامیوه‌می‌ریزیم ویا در خانه های قالب سرازیر می‌کنیم.)

قنادی— دراصطلاح‌قنادی‌کارامل به انواع مختلف آب نبات اطلاق می‌شود که در ساختمان آنها شکر، یك ماده چرب (شیر، کره یاخامه) و یك ماده معطر بکار رفته‌است.

کارامل نرم یا شکلات — نیم لیتر خامه و ۶۰ گرم کره، یا نیم لیتر شیر و ۱۲۰ گرم کره را برداشته و به آن ۲۰۰ گرم شکر، ۲ قاشق عسل، ۲ تکه کاکائو اضافه می‌کنیم. مخلوط فوق را روی اجاق می‌گذاریم و حرارت می‌دهیم وبایك قاشقك چوبی دائما آنرا هم می‌زنیم. حرارت را موقعی قطع می‌کنیم که اگر یك قطره از مخلوط فوق را در آب‌سرد بیندازیم سفت و سخت شود. در این موقع کارامل درست شده و می‌توان آنرا در قالب مخصوص خودش که قبلا روغن اندود شده است ریخت. بجای کاکائو می‌توان از قهوه استفاده کرد و برای این منظوریك فنجان قهوه دم شده کافیست.

کاسکت

کــلاهی اســت کــه قسمت اصلی آن مثل عرق چین روی سر قرار می‌گیرد ودور تا دور آن کناره‌ای داده شده وبعلاوه در جلو لبه‌کما بیش بلندی دارد که بعنوان آفتاب گیر می‌باشد. کاسکت گاه دو قسمت اضافی در دو طرف دارد که برای حفاظت گوش از سرما گذاشته شده است.

برای تهیه کاسکت از چرم، پارچه های سبك (ابریشم، ریون، نایلون، کتان)، مخمل وغیره استفاده می‌شود. بعلاوه‌بعضی انواع آن بصورت تریکونیز تهیه می‌شود.

کاسکت یك کلاه ورزش است. گاهی اوقات کاسکت از یك لبه آفتاب‌گیر ساده پلاستیکی که‌برای محافظت چشم ازاشعه خورشید بکار می‌رود ساخته شده وبقیه قسمت‌های آن جای خود را به یك توری نازك وسبك می‌دهد که روی سر را می‌پوشاند.

کاناپه

صنــدلی است با طـــول زیاد که تکیه گاهی در عقب‌دارد و چند نفر میتوانــند روی آن بنشینند. کاناپه در قرن هفدهم ساخته شد و کم‌کم رواج یافت. درآن زمان برای نشستن وخوابیدن از کاناپه استفاده می‌شد. اصطلاح «تخت خواب به فرم کاناپه» در نوشته های قدیمی زیاد به چشم میخورد. می توان گفت که کاناپه نوع تکامل یافته نیمکت های‌پشتی داری است که در قرون وسطی و رنسانس ساخته میشد.

طی سه قرن گذشته برحسب مد روز و سلیقه مردم تغییراتی در ساختمان کاناپه داده شد. کاناپه، همزمان با استیل لوئی پانزدهــم رویه‌ای نرم و کناره هائی‌هلالی داشت و مقارن با استیل لوئــی شانزدهم، استیل دیرکتوار (قبل از پانزدهم و استیل امپراطوری (زمان ناپلئون بناپارت) ساختمان خشك و کشیده پیداکرد. تزئینات ساختمانی کاناپه در تمام دوره‌های فوق، از تزئینات عتیق الهــام گرفته شده است.

در قرن نوزدهم، کاناپه همراه صندلی های راحتی‌مبلمان سالن‌هارا

تشکیل میداد . در میان انـــواع مختلف کاناپه که در این قــرن ساخته شده مدل بخصوصی موسوم بعثمانی قابل ذکر است . دراین مدل دو انتهای کاناپه گرد وپشتی از دوطرف در امتداد آن قرار داشت بطوریکه کاناپه از مقابل به شکل سبد بود . دیگر کاناپه‌موسوم به کونفیدن که درانتهای پشتی و در دوطرف قسمت اضافی‌ای بشکل ربع دایره وجود داشت .

درعصر ما مدلهای قدیمی کاناپه استثنائاً ممکنست بچشم بخورند . در کاناپه های مدرن ارتفاع پایه ها کاسته شده و کاناپه به شکل مبل راحتی پایه کوتاهی در آمده است. کاناپه بیشتر در سالن ها ، هتل‌ها، کشتی ها و همچنین سالن های انتظار مورد استفاده واقع‌میشود. برای اینکه بتوان ازاین مبل بدو صورت استفاده کرد مدلهائی ساخته شده که به کاناپه تختخواب‌موسوم است و پشتی یا تکیه گاه آن در موقعی که می خواهند از آن به عنوان تختخواب استفاده کنند به طریق خاصی درامتداد کف کاناپه قرار میگیرد و باین ترتیب بـه صورت یك تختخواب با تشك‌آماده درمیآید .

کپسول

کپسول (در داروسازی) : کاشه یا کپسول از دو قسمت کوچك پیاله مانند تشکیل شده و برای ساختن آن از خمیرهای مخصوصی استفاده می‌شود و داروهای بدمزه را که خوردنشان برای اکثـر بیماران ناراحت کننده است درآن می‌ریزند .

برای تسهیل هضم خمیر کاشه و آزاد شدن دارو در دستگـاه گوارش قبل از مصرف آنرا با آب خیس می‌کنند و پس‌از بلعیدن هم مقداری آب پشت آن می‌آشامند .

کلاسور

در اوائل نام کلاسور به جعبه‌هائی داده میشد که بمخصوص نگهداری کاغذ ، نامه و پاکت بود و برروی میز تحریر جای‌میگرفت و همچنین کلاسور به جعبه هائی گفته میشد که به نگهداری و تنظیم مهر و ترآور اختصاص داده میشد و هنوز هم از این نوع کلاسورها استفاده میشود . ولی امروزه این نام را به روی‌وسیله‌ای که‌برای جمع‌آوری و تنظیم اسناد و مدارك مختلف ساخته شده و مخصوص اطاق کار میباشد گذاشته‌اند . کارخانه های متعددی وجود دارد که به تعداد زیاد از این کلاسور ها و جای کلاسور ها مخصوص اطاق کار و دفتر میسازند . البته جاکلاسورهائی نیزموجود است که‌باچوبهای اعلا و لوکس وبادقت زیاد ساخته شده و مخصوص‌دفتر یا اطاقهای کار مجلل است .

نوع گنجه کلاسور با پوشش چوبی ، بدون شك بیشتر از سایر اقسام آن در صنعت و تجارت رواج دارد . نوع دیگر جاکلاسورهائی که رواج زیادی یافته ، گنجه هائی است که از فلز رنگ شده ساختـه شده است .

کلر

کلر در حال طبیعی گازیست سبز رنگ با بوئی تند ، خفه کننده و زهرآلود . کلر رنگ زدا و دافع عفونت نیز میباشد. کلردر ترکیبات طبیعی مانند کلرور دسدیم یا نمك دریا و کلرور دوپتاسیم ، کلرور نقره وجوددارد . و نیز درترکیبات صنعتی مانند اسید کلریدریك ، کلراتها ، هیپوکلراتها ، کلرور آمونیـوم و یا نمك آمونیـاك کـه در جـوشکـاری بــرای پاك کردن فاز بکار میرود دیده میشود هم چنین پرکلرور آهن که برای جلوگیری‌از خونریزی‌مصرف میشود . ترکیبات دیگر کلر برای حل لکه های چربی مصرف میشود . مزیت کلر بر دیگر مایعات قابـل تبخیر حل کننده اینست که نسوز (غیر قابل اشتعال) است .

قسمی از ترکیبات کلر مانند آب ژاول، کلروردوشو مصرف‌فوق‌العاده دارد .

کلروفیل

ماده سبز رنگ برگهاست که دارای خواص متعددی است ازجمله خاصیت التیام دهندهٔزخم وهمچنین برطرف کننده بو . برای از بین بردن بوی اطاق‌یا هر محل، میتوان از محلول آبکی کلروفیل درشیشه یا محفظه استفاده کرد و بـرای برطرف کردن بوی بدن (داخلی یا خارجی) مانند بوی عرق زخم ، بوی بد دهان ، از آب‌نبات ، خمیر صابون یا محلول مخصوص‌فلزفیله استفاده میشود .

کلسیم

کلسیـم از مـواد لازم برای بدن است و ازاین نظراهمیت فوق‌العاده‌ای دارد زیرا این ماده همراه با فسفر طی واکنشی در استخوانها رسوب کرده و عمـل استخوانسازی را تکمیل مینمایدو ازاین نظر جزو مواد اصلی ـ متشکله استخوان می باشد . پیش رفت این واکنش دراطفال وتکامل آن دراشخاص بالغ امری ضرور برای سلامت بدن بشمار میرود .

وقتی استخوانها دچـار دکاـ لسیفیکاسیون (کنده شدن عنصـر کلسیم از روی استخوانها) مـی شوند بدنبال خود ناراحتـی های استخوانی (شکستگـی های خود بخودی ـ شقاق های استخوانیـ دردهای‌کمابیش منتشر شبیه به درد های روماتیسم مزمن ـ لومباگوـ سیاتیك و ...) ایجاد میکنند . پوسیدگی ها و کرم خوردگی های دندان نیز دراین مورد ذکر شده است .

در بچه ها ، کمبود کلسیم‌غذائی یا اختلال در جذب‌کلسیمی که‌وارد دستگاه گوارش می شود باعث می‌گردد که نمو طولی و وزنی‌بدن کند شود و اگر این شرایط در اول زندگی کودك (زندگی‌داخل رحمی یا ماههای‌اول زندگی‌نوزاد) فراهم گردد و با عوامل مساعد کنندهٔ دیگر یك جا جمع شوند ، ایجاد بیماری‌ای موسوم به نرمی استخوان میکنند . دوره هائی از زندگی که در طی آنها بــدن احتیاج بیشتری به کلیسم دارد ، دوران کودکی ، بلوغ ، آبستنی ، دوران شیردادن هستند .

منابع غذائی کلسیم

منابع غذائی که کلسیم بیشتری دارند لبنیات از قبیل شیر،ماست، پنیر هستند . بعلاوه کلسیم بمقدار قابل توجهی در ترکیب سبزیجات و بخصوص سبزیجات تازه وجود دارد . بعضی از غذا ها موادی‌در خود دارند که آنتی کالسیفیان‌ـ (ضدجذب‌وتثبیت کلسیم در بدن) بوده و باین دلیل نباید به مقدار زیاد مصرف شوند . این مـــواد در درجهٔ اول غلات و مشتقات آنها (نانی که با آرد خالص درست شده باشد) و اسفناج میباشد .

کلم

گیاهی است بستانی که در انواع مختلف موجود است . کلم هائی که بیشتر از سایر کلم ها کاشته‌میشود عبارتست از :

کلم پیچ ، کلم بروکسل و گل کلم . نوع دیگری نیز بنام کلم سبز هست که کمتر مصرف دارد .

کلم پیچ

برای بدست آوردن کلم پیچ در بهار آنرا باید در اواخر ماه مرداد و اوائل شهریور کاشت . نشای نهال ها در ماه های مهر و آبان صورت میگیرد . بوته های کلم را در ته شیارهای کوچکی که برای حفظ آنها در مقابل سرما و یخبندان تعبیه شده قرار میدهند.

در فصل بهار ، دادن کود بـه خاك اثر خوبی برروی کلم پیچ که از ماه فروردین ـ خرداد قابل چیدن است (بسته به منطقه) ، میگذارد .

کلم های فصل تابستان و پائیز ، در ماههای اسفند و فروردین کاشته میشوند . ودر ماه اردیبهشت نهال آنها بفاصله ۵۰ تا ۶۰ سانتی متر ، بسته به نوع کلم ، گذارده میشوند واز ماه تیر تا مهر میتوان آنهارا چید .

اگر زمستان زیاد سرد نباشد میتوان کلم ها را در خاك باقـی گذارد ولی در غیر این صورت کلم ها را در زیر زمینی در حالیکه ریشه آنها را در خـاك سبکـی میگذارند ، قرار میدهند . و نیـز میتوان کلمهارا خیلی نزدیك بهم در شیارهائی که از مغرب به‌مشرق کنده شده‌اند ، بطوریکه نهـال کلمها در شیار بطرف‌شمال خوابیده باشند ، کاشت .

کلم بروکسل

کلم بروکسل کلمهای کوچکی هستندکه برروی ساقه به‌ترتیب از پائین به بالا میرویند. کلم بروکسل را نباید در خاك حاصلخیز کاشت، زیرا که این عمل باعث میشود کـه کلم ها فشرده‌برویند ، برای‌برداشت محصول در ماه خرداد و تیر کلمها

برای تغذیه حیوانات یا تزئین به مصرف میرسانند و کاشت آن کمتر بچشم میخورد .

انواع مختلف کلم سبز عبارتست از : کلم با برگهای پیچی ، چین دار ، سبز و دارای خالهای‌صورتی قرمز یا سفید .

کلم ساق

خانواده‌ایست از کلم که ساق‌درشت و گوشتیش را که بیرون از خاك واقع شده‌بمصرف خوردنی‌میرسانند. کاشت در اواخر اردیبهشت ماه و گذاردن نهال ها با فاصله های سی‌وپنج سانتی متر در هر سمت پنج هفته بعد صورت میگیرد . این

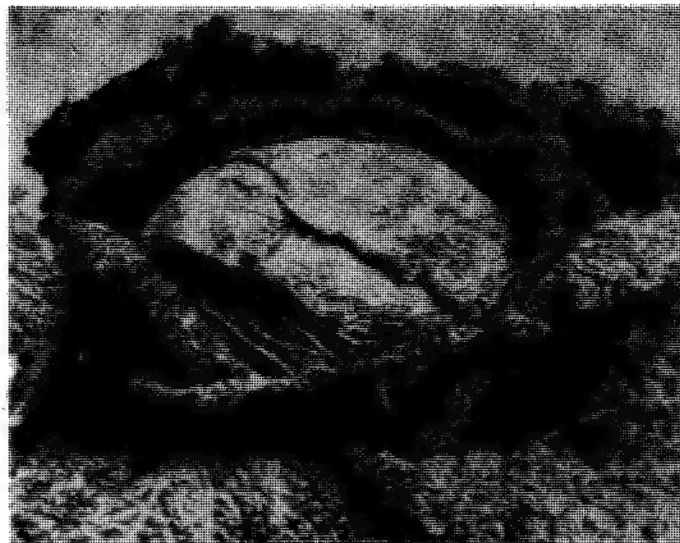
کلم هارا در ماه شهریور ، قبل از

انواع مختلف ومحصول :

هر طایفه از کلم انواع واقسام متعددی‌دارد . مقدار محصول‌بستگی به آب و هوای منطقه و چگونگی پرورش دارد ولی میتوان گفت که تقریبا هر آر ۴۰۰ تا ۶۰۰ کیلو گرم محصول میدهد .

مقدار کالوری در هر ۱۰۰گرم کلم از قرار سی تا پنجاه‌است .

قسمت خوردنی کلم پیچ و کلم سبز جوانه انتهائی وکلم بروکسل جوانه های طرفین میباشد . در حالیکه گل کلم و ریشه های قابل خوردن میباشند .



کلم میلان



گل کلم بزرگ

را در ماه‌های‌فروردین واردی‌بهشت میکارند . بدین ترتیب محصول در ماههای‌پائیز و زمستان رده‌بندی میشود .

گل کلم

در این خانواده ، گل کلم که گوشت دارو سفت میباشد بمصارف غذائی میرسد .

کاشت کلم ، برای برداشت محصول خوب ، کاری است دشوار و دقیق ، بدین معنیَ که محل‌کشت هرگز نباید خالی از گیاه‌بماند ودر ضمن تابستان های گرم کشت‌وزرع بجز در مناطقی که در کنار دریا واقع شده‌اند ، تقریبا غیر ممکن است .

کلم سبز

این نوع کلم در مقابل سرما مقاومت زیادی دارد و محصولی که بدست میآید سالم و خوشمزه است مخصوصا در مواقعی که کلم پیچ کمتر یافته میشود این نوع کلم مصرف بیشتری پیدا میکند به با این‌حال کلم سبزرا بیشتر اوقات



کلم برگ

اینکه بکلی رشد کرده باشند باید بمصرف رساند .

در اواخر مهرماه بته های دانه و برگ و ریشه ها را میبرند وپیاز هارا در زیر زمین ، درش خشك در تمام مدت زمستان نگه میدارند.

کلم صحرائی

از طایفه کلم صحرائی است که ریشه درشتش گوشت سفت دارد و مزه آن مخلوط مزه های کلم و شلغم است . ریشه کلم صحرائی برنگ سفید میباشد وریشه کلم‌شلغم که نوعی دیگر از این طایفه است برنگ کاملا زرد است . کاشت آن در ماههای اردی‌بهشت و خرداد و نهال ها بفاصله سی‌وپنج سانتیمتری ازیکدیگر گذارده میشوند . حاصل برداری‌را میتوان سه‌ماه‌بعداز کاشت شروع کرد .

خرید وتهیه ومصرف

اشخاصی که معده حساسی دارند کلم را بمقدار بسیار کم و نه همیشه میتوانند هضم کنند . طرز و مقدار پخت تاثیر بسیاری دارد. کلم پیچ تازه برگهایش سبز و براق است و هیچ نشانه زردی و یا پژمردگی ندارد و ساقه وسط آن نباید خشك باشد .

برگهای اطراف گل‌کلم باید برنگ سبز روشن و شکننده باشد کلم بروکسل باید کوچك و برگهایش بهم فشرده باشد . کلم ساق و کلم صحرائی باید یکرنگ سفت باشند . با توجه باینکه کلم دارای مقدار زیادی آب است بعدازپخت مقدارش تنزل میابد پس برای خوراك کلم برای هرنفر باید دویست تا سیصد گرم کلم در نظر گرفته شود در

صورتیکه‌بکاربردن کلم‌برای‌همراهی گوشت ۱۵۰ گرم برای هر نفر کافی است .

انواع گلهای کلم که خام‌خورده میشوند کم است و بدین قرار هستند کلم پیچ و مغز سفید کلم پیچ . در تمام مدت زمستان بصورت‌سالاد ومقدمه‌غذای‌باصرفه‌ای بشمار میرود و نیز مغز کلم سبز را میتوان به سالاد های مختلف اضافه نمود . این نوع کلمها که بصورت نازك بریده میشوند دارای مواد معدنی و ویتامینها هستند .

پخت و پز

ابتدا باید برگهای سبز و تیره و سخت کلم سبز را زایل کرد . برای پختن‌گل‌کلم بایدگلها را جدا کرد . پوست قسمت پائین ساقه را کنده و شکافت تا بآسانی بپزد .

پوست کلم ساق را مثل هویج پاك میکنند . شستن کلم باید با دقت تمام انجام گیرد تا از حشرات و خاك و کرم یا حلزون اثری‌باقی نماند . میتوان با اضافه کردن کمی سرکه در آب کرمهای‌سبز را وادار به خارج شدن کرد . باید کلم را در آب جوش نمکی پخت تا سفید شود و بعداز آبکشی بانواع مختلف صرف‌نمودکلمرا میتوان بصورت‌دلمه باگوشت وروغن لادن وپیازچه‌ومغز نان آغشته به شیر و تخم مرغ و ادویه تهیه نمود . از کلم میتوان یك دلمه کامل یا از چند برگ‌آن دلمه های جداگانه درست کرد . گل کلم را میتوان بسبك لهستانی (پوشانده از مغز نان بیات که در کره سرخ شد) و با سس گوجه فرنگی و غیره تهیه نمود .

گل کلم را میتوان در فر و یا با روغن لادن زیاد سرخ کرد .

کلم بروکسل بدون شکر بیش از سایر کلها برای معده سنگین است.

برای اشخاصی که معده حساسی دارند توصیه میشودکه کلم‌بروکسل فر آنها را خشك نموده بمصرف ریخته و بعد با آب سرد ، نمك مانده را شسته و با حرارت ملایم فر آنها را خشك نمود بمصرف برسانند .

اضافه کردن کره و پنیر (گرویر) بکلم بروکسل که بدین ترتیب تهیه میشود به طعم آن میافزاید .

از کلم میتوان آشهای مختلف تهیه نمود که البته هضم آن قدری مشکل خواهد بود دهاتیها و کسانیکه در دهات زندگی می‌کنند و قوی هستند و هوای آزاد به هضم غذاهای سنگین آنها کمك مینماید از انواع سوپهای کلم بیشتر از سوپ سایر سبزیها مورد استفاده قرار میدهند .

کلم ساق و کلم صحرائی معمولا برای تهیه سوپ بکار میرود دلمه کلم را معمولا با گوشت تازه یا گوشت شور و نیز بابعضی از گوشتهای شکاری خصوصا کبك‌تهیه میکنند .

یك نوع شیرینی بنام کلم تهیه میشود این شیرینی با خمیر نازك و مقدار کمی کرم تهیه میشود . مقداری از خمیر را که قبلا تهیه شده قالبهای مخصوص که در آنها آرد پاشیده شده میریزیم و در فری که آتش ملایم دارد میگذاریم تا پخته شود . در بیست دقیقه اول پخت فررا نباید باز کرد . بعداز این مدت در فر را باز میگذاریم تا آب موجود در شیرینی بخارشده بیرون برود بعداز اینکه کلم پخت آنرا در مکانی که زیاد سرد نباشد میگذاریم در غیر اینصورت ممکن است شیرینی بیفتد بعد پهلوی هر شیرینی را شکاف میدهیم تا کرم شانتی یا کرم پخته در آن میریزیم. بعداز اینکه این کار تمام شد شکر می‌پاشیم ممکن است این شیرینی با کارابل پوشانده شود و بهتر است این عمل قبل از ریختن کرم در داخل شیرینی انجام گیرد .

کم خونی

کم شدن شماره های گلبول قرمز خون و علائم آن در پزشکی عبارتست از :

الف ـ پریدگی رنگ مخصوصا در لبها و بافت پیوندی .

ب ـ علائم کلی : خستگی ، سرگیجه ، از نفس افتادن طپش قلب .

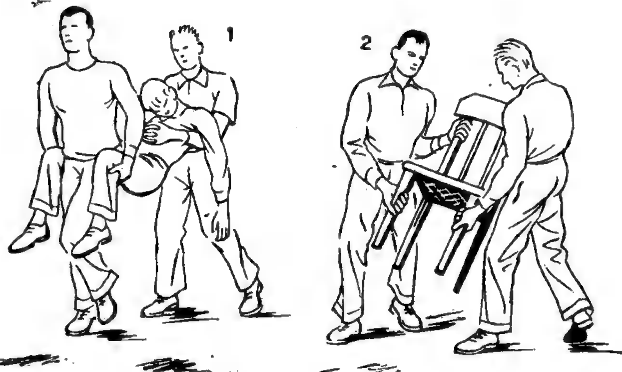
کم خونی ممکن است ابتدائی باشد : بیماری خون یا اعضائی که مانند مغز استخوان و سپرز و کبد که گلبون خون را میسازند کم خونی ممکن است ثانوی باشد یعنی براثر بیماری های دیگرمانند سرطان ، سل ، کرم روده زیادشدن اوره در خون ، خونریزی و غیره وقوع یابد .

بهر جهت در صورت ملاحظه کم خونی لازمست پزشك یعنی تنها کسی‌که دراین مورد صلاحیت دارد بیمار را معاینه کند و طبق نوع کم خونی بطرز موثری بمداوای آن بپردازد .

آهن ، جگر گوساله و ویتامین ب ۱۲ بطور جداگانه یا باهم‌تجویز خواهد شد .

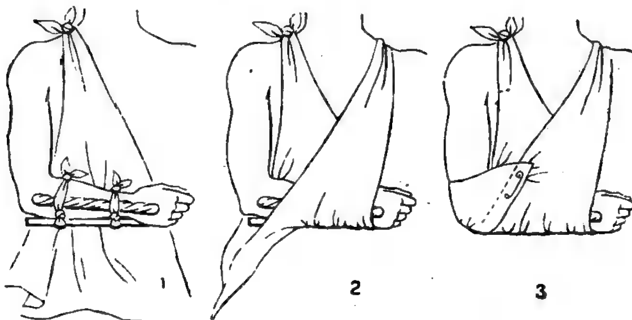
کمکهای اولیه

برای نجات زخمی وکمك باو فورا پزشك را بخوانید و تا موقع



۱ ـ طرز بردن یك بیمار بیهوش

۲ ـ طرز گرفتن صندلی برای حمل بیمار



۱ ـ بکمك دو عدد چوب کوچك

۲ ـ وگره زدن باند به پشت گردن

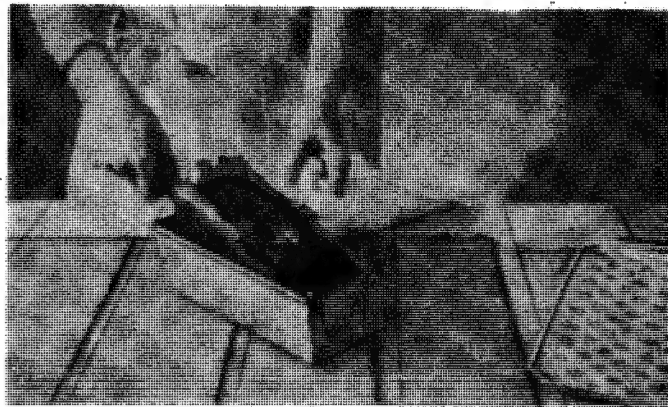
۳ ـ بازوی شکسته را وبال گردن کنید



۱ ـ بکمك یك چوب که روی آن‌باند بسته‌اید

۲ ـ پای شکسته را محکم برجا ثابت کنید

۳ ـ ران شکسته را اینطور ببندید



کیك پخته شده آماده خوردنست



سرویس کوکتل خوری : ۱ سطل یخ ۲ ـ مخزن آب بزرگ ۳ ـ مخزن آب کوچك ۴ و ۵ ـ کوکتل خوری ۶ ـ ظرف مخلوط‌کن ۷ ـ یخ گیر ۸ ـ میوه بردار ۹ ـ مشروب خوری

رسیدن پزشك جمعیت را دور کنید مجروح را به خونسردی دعوت کنید واگر ممکن باشد از او توضیح بخواهید و الا موضوع جراحت را از اطرافیان بپرسید در صورت امکان هرگز زخمی راتکان ندهیدو اگر مجبورید او را بجای دیگر منتقل کنید باید احتیاط های لازم را بکاربندید و کمك بخواهید و دستپاچه نشوید وتکان های غیر قابل اجتناب را بحداقل برسانید . برای پرستاری فقط به مواظبت‌های اولیه و فوری قناعت کنید (مثلا خون ریزی را متوقف کنید یا عضو شکسته یا از جادر رفته را حرکت ندهید ، محل سوختگی یا زخم را از لباس یا چیزهای دیگر مجزا سازید) .

اگر میخواهید رختخوابی آماده کنید روکش لاستیکی رازیر ملحفه بگذارید و یك (ملحفه یا پارچه بزرگ که چند بار تاو در نتیجه ضخیم شده) روی ملحفه بگذارید اگر مجبورید مجروح را بخوابانید لباسش را بآرامی و بدون تکان دادن بکنید و در صورت لزوم لباسش را باقیچی بزرگ ببرید. مواظب باشید که علامات بیماری کدام هستند تابتوانند آنها را برای پزشك شرح دهید . اگر مجروح از سرما شکایت میکند اورا گرم کنید .

زخم باز و یا آلوده

زخم لااقل بعداز شش ساعت عفونی میشود بنابراین میتوانید منتظر پزشك باشید و بمریض دست نزنید البته اگر مطمئن هستید که دراین مدت پزشك ببالین زخمی خواهد آمد و الا لازم است زخم را پاك کنید . برای اینکار لازمست محل زخم را باکندن لباس عریان کنید . اگر قطعات پارچه بوسیله خون بزخم چسبید در این صورت پارچه تمیزی را بهمخلوط آب نیم گرم (قبلا جوشیده باشد) و آب اکسیژنه آغشته کنید (یا باآب اکسیژنه خالص آغشته کنید واین بموقعیت بستگی دارد) و بروی زخم بگذارید عجله نکنید الیاف بکمك آب اکسیژنه خود بخود از زخم جدا میشود و در صورت لزوم اطراف زخم را با دقت با الکل یا بهتر بااترپاك‌کنید استعمال اتر کمتراز الکل بیماررا ناراحت میکند برای بستن زخم باند (پارچه توری یا تنظیف) عقیم شده استعمال کنید جعبه باندی را که از داروخانه میخرید باید بسته باشد بخاطر بیاورید کهجعبه باز دیگر ضد عفونی شده نیست

زخم‌آلوده ـ دردناك و متورم‌و خاکستری است محل زخم چرکی میباشد . اگر بیمار زیاد از درد رنج میبرد میتوان قبل از رسیدن پزشك پانسمان مرطوب و گرم‌کرد واین عمل را با کمپرس عقیم شده و آب و الکل گرم و جوشیده تکرار نمود پرستار دراین صورت باید قبل وبعداز پرستاری دستهایش را بشورد و ظرفی را که محتوی آب‌گرم پانسمان خواهد بودقبلا در معرض شعله الکل نود درجه قرار دهد .

شکستگی واز جادررفتگی

حرکت نه تنها دردناك است بلکه خطرناك میباشد و ممکن‌است براثر حرکت وضع بیمار وخیم شود قبل از رسیدن پزشك باید محل جراحت یاعضو مجروح را از حرکت باز داشت . در مورد شکستگی دنده ها باید تمام قفسه سینه را با باند بست و در موارد از جادررفتگی استخوان باید تمام مفصل را بپوشانید ودر مورد اعضاء (دست یاپا) باید از چوب یا مواد دیگر چیزی بشکل ناودان درست‌کرد و درون آن را با پارچه کهنه یا پنبه فرش نمود تااز خون ریزی داخلی وایجاد زخم کوچك جلوگیری بعمل آید . اگر بیم شکستگی استخوان یا ستون فقرات میرود باید بیمار را تارسیدن‌پزشك کاملا بی حرکت نگهداشت .

ضربه ـ عبارت از مجموعه‌پدیده های بیماری است که منشاء آن بخوبی شناخته نشده است . ضربه غالبا بر اثر تصادف رخ میدهد بیمار مضروب همیشه زخمی نمیشود و علامات آن عبارتست از پریدگی رنگ ، احساس سرما و نزول حرارت ، نبض ضعیف و غالبا شمردن آن غیر ممکن است . در این موقع میتوان قبل از رسیدن پزشك .

الف ـ روی بیمار پتو گذاشت تا گرم شود و همچنین کیسه آب گرم یا ظرف آب گرم که از پارچه‌ای پوشیده شده باشد بکار برد و غیره . اگر بیمار زخمی نشد و یا اگر در ناحیه شکم زخمی نشده میتوان باو نوشابه های گرم داد .

ب ـ برای کمك به قلب بیمار باید بیمار را خواباند و پایش را در جای بلندتر از سر قرار داد و در صورت امکان مشتقات محلول کافور رادر عضله او تزریق‌کرد.

خونریزی ـ بعضی از زخمهای بظاهر بی آزار همراه خون ریزی داخلی هستند و علامت آن شبیه کسانی است که ضرب دیده‌اند

(پریدگی رنگ قیافه و لب ها و احساس سرما که از قسمت های انتهائی شروع میشود ، نبض ضعیف و سریع) ولی غیر از آن بیمار شدیدا احساس تشنگی میکند در صورتی که چنین وضعی برای مجروح مضروب دیده نمیشود .این تشنگی خون ریزی داخلی راآشکار میکند .

خونریزی خارجی ـ ممکن‌است براثر پاره شدن سرخ رگ یا سیاه رگ رخ دهد در صورت پاره شدن سرخ رگ ، خون قرمز تند بطور متناوب و منقطع از رگ خارج میشود و در مورد خونریزی سیاه رگ خون تیره و غلیظ خارج میشود باستثنای سیاه رگ های بزرگ خون ریزی سیاه رگ کمتر از خون ریزی سرخ رگ وحشتناک است میتوان خون ریزی را بامحکم بستن‌باند بند آورد برای بندآوردن خون‌ریزی سرخ رگ از یک‌دستمال بزرگ میشود استفاده کرد یا غالبا میتوان با فشار انگشت خون ریزی را متوقف نمود واین عمل حتما در موقع پاره شدن سرخ رگ تا آماده شدن وسایل پزشکی کامل ضروریست .

در این گونه مواقع نباید یک ثانیه معطل شد . فشار انگشت‌علاوه براینکه لازمه‌اش دانستن تشریح میباشد باید مدت زیادی طول نکشد زیرا برای پرستار خسته کننده است .

پانسمان فشرده شدنی ـ برای این‌که فورا از خون ریزی کوچک و متوسط اشخاصیکه خون آنها در هوای آزاد زود لخته میشود جلوگیری‌شودپانسمان فشرده شدنی بکار میبرند . این پانسمان از تنظیف یا پارچه توری بزرگی تشکیل میشود که توسط باند پارچه‌ای یا بهتر باند لاستیکی‌بقدر کافی فشرده در محل زخم قرار میگیرد .

کوکتیل پارتی

مجلس‌خوش گذرانی که درایالات متحده‌امریکا رواج بسزائی دارد . و بعد از جنگ جهانی اول این‌نوع پذیرائی ها درفرانسه نیزمعمول شد.

کوکتیل پارتی ها عموما به آخر روز مثلا از ساعت ۱۸ تا ۲۲ اختصاص می‌یابد . مدعوین لااقل ۱۰ روز قبل از مجلس جشن دعوت میشوند . دراین مراسم آقایان از کت و شلوار تیره رنگ و خانمها لباس کوکتیل (بایقدباز و یا بسته) استفاده میکنند .

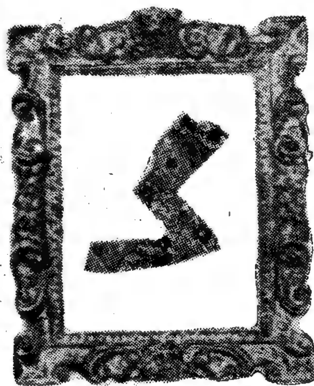
میز غذا و مشروب دراین نوع مجالس با سایر مهمانی ها متفاوت میباشد . مقدار ساندویچها ، زیتون، دلمه ، سوسیس گرم ، و غذاهای دیگر مخصوص کوکتیل ، بیشتر از سایر غذاها است و شیرینی کمتر مصرف میشود .

میتوان دونوع بوفه مختلف برای این منظور آماده کرد . چنانچه جای کافی موجودباشد . یکی ازاین بوفه ها به‌بار جهت مشروب الکلی اختصاص داده که در آن کوکتیل و نوشابه های الکلی دیگر به مهمانان داده شود که البته باید زیتون، بادان و سوسیسهای گرم را فراموش نکرد دیگری بوفه ری از انواع‌ساندویچها ، نان شیرینی ، آب میوه ،شامپانی و بالاخره شراب پرتو و کافه گلاسه .

کیک

یک نوع نان شیرینی است کشمشی و انگلیسی‌الاصل که می توان آنرا چندین روز نگهداشت بدون اینکه خراب شود .

طرز تهیه ـ ۱۲۵ گرم خامه‌و ۱۲۵ گرم شکر را مخلوط کرده و بهم می زنیم تا کف کند . سه‌عدد تخم مرغ را یک یک می شکنیم‌و روی آن می‌ریزیم و هربار مخلوط را بهم می زنیم تا یکنواخت‌شود، ۱۵۰ گرم‌آرد ، کمی‌نمک‌و ۸۰ گرم کشمش یا میوه دیگری که درعرق نیشکر خیسانده‌ایم به آن اضافه میکنیم ودرآخر نصف بسته مخمر هم روی آن می ریزیم . پس از اینکه ترکیب مزبور را خوب بهم زدیم تا میوه ها در تمام‌آن پراکنده شوند خمیر حاصل رادر قالب مستطیل شکلی میریزیم . قبل از ریختن خمیر کف قالب را با یک ورق کاغذ روغنی میپوشانیم. قالب را ۶ تا ۸ دقیقه در اجاق میگذاریم تا خمیر خودرا بگیرد و آنگاه قشری را که روی آن تشکیل شده با کارد بشکل صلیب قاچ میدهیم و حرارت اجاق رانیز تنظیم میکنیم تا کیک به‌آهستگی بپزد ، حرارت‌اجاق بایدطوری باشد که کیک تغییر رنگ ندهد.



گل بست

گل‌بست برای بستن لباس ویا **اتصال دو قسمت از لباس بیکدیگر بکار می‌رود** که در اصطلاح بآنها **قزنقفلی می‌گویند** و تشکیل شده از **یک قلاب فلزی که** حلقه نعلی شکلی **را که در سمت دیگر لباس جایگیر شده بوسیله یک دهانه فلزی ویا قیطانی می‌گیرد .**

گل‌بست را از برنج ـ آهن آبداده ـ آهن سفید شده بوسیله نیکل می‌سازند . و آنها را در **پاکت های بوزن معین ویا روی مقوا وبشکل دوجین می‌فروشند .**

گل‌بست یا قزنقفلی های بزرگ فنری را روی ورقه های مقوائی ویا روی نوار های پارچه ای می‌فروشند .

این نوع قزنقفلی ها بمصرف شکم بندها ـ سینه‌بندها ـ کرست ها می‌رسد . ـ هم چنین‌از قزنقفلی های بسیار بزرگ برای شلوار مردانه استفاده می‌شود .

زنجیر قزنقفلی دار ـ دوسر این گونه زنجیرها دارای قزنقفلی می‌باشد . یک سر زنجیر قلاب و سر دیگر حلقه قزنقفلی را وصل می‌کند. انواع کوچک‌وظریف‌آنرابا بست مخصوص فنری می‌سازند که برای بند ساعت جیبی ویا بند مدال بکار می‌رود .

قزنقفلی فانتزی ـ انواع قزنقفلی های فانتزی‌را برای‌کمربند ـ کاپ یا برای دوختن روی لباس می ـ سازند و قاعدة جنبه تزیینی دارد.

مد و سلیقه خریداران و بانوان **مصرف کننده مشوق سازندگان‌آنست وآنها را ترغیب به تهیه و بیرون دادن مدل های مختلف در هرسال می‌نماید ـ قزنقفلی های فانتزی را از مواد چوبی** ـ چرمی ـ **پلاستیکی ـ فلزات آب داده وغیره بفرم های متعدد می‌سازند .**

قزنقفلی جراحی ـ که درجراحی بنام آگراف نیز مشهور است از نوع فلزات زنگ نزن تهیه می‌کنند وبرای بخیه زدن بکار می‌رود .

گل کنگر

نباتی است‌از طایفه‌گیاهان مرکب **که زود رشد میکند وبهمین دلیل نمیشود آن را درباغچه های‌کوچک کاشت . ساقه های کنگر از** میان **چند برگ روئیده و ببالامیروند.** در انتهای ساقه اصلی یک که گل کنگر و جوانده روئیده

نامیده می شود مشاهده میکنیم. و در انتهای ساقه های فرعی نیز گل های کوچکتری بنام الرون میروید.

کنگر تمام قوت خاك را میگیرد، کنگر در خاکی که دارای مقدار زیادی مواد آلی یا ارگانیك میباشد، خوب رشد میکند. قبل از کاشتن کنگر بهتر از در موقع تخمزمین، ۳ الی ٤ کیلو کود شیمیائی در هر متر مربع بآن اضافه کرد.

کنگر بوسیلهجوانه کاری اضافه میشود بدین معنی کهجوانه را از گیاه جدا کرده و در جای دیگری میکارند. این کار درنقاط گرم، در پائیز و در نقاط دیگر آخر زمستان صورت میگیرد. این جوانه های را با فاصله ، ۸۰ سانتی متر از یکدیگر بر روی خطوطی که باید از هم ۹۰ تا۱۰۰ سانتی متر فاصله داشته باشند میکارند. جوانه را قبل ازکاشتن باید آماده برای این کار کرد. و بعداز کاشت یك آبیاری خوب لازم است.

اگر جوانه در ماههای اول بهار کاشته شده، در ۲ ماه آخر تابستان همان سالمیتوانازمحصول آن استفاده کرد.

اگر میل دارید کشت کنگر را ادامه دهید، قبل اززمستان چند کار ضروری است.

۱ـ بریدن ساقه هائی که دارای زائده بودهاند.

۲ـ پوشاندن قسمت پایه ساقه ازخاك تازه.

۳ـ پوشاندن خاك اطراف نبات از برگهای خشك درزمستان وگذاردن یك لوله دودکش مانند در زمین برای هوا خوری خاك و جلوگیری از پوسیدگی آن.

آخر فصل زمستان موقع کشت میرسد. در ماه آوریل یا ماه دوم بهار، بریدن جوانهها و کاشتن آنها در جای دیگرشروع میشود. البته برروی هر ساقه، دو جوانه در قسمت پائین آن باید باقی گذاشت.

از محصول سال دوم کاشت، میتوان در ماههای اول و دوم تابستان استفاده نمود.

گل کنگر موقعی برایچیدن آماده است که برگهای سبزپولك مانند وسط گل، شروع بهشکفتن میکنند و برگهای صورتی وسط گل دیده میشوند. انواع واقسام گل های کنگر زیاد نیست.

هر بوته کنگر اگر درخاك مناسبی کاشته شده باشد، میتواند از ٤ تا ٥ گل کنگر بهوزن ۱ کیلو تا ۱٫۲۰۰ کیلوبار آورد.

گل کنگر خوردنی است و موقعی که هنوز کاملا شکفته نشده، بمصرف میرسد.

گل کنگر پخته خوب هضم میشود ولی خام آن برای معده کمی سنگین است. با استفاده از فرم کاسه مانند گلکنگر، آنرا برای تزئینی دیس غذا بکارمیبرند و نیز میتوان، نخود فرنگی، قارچ، تخممرغ پخته و ونیلان و غیره را در آن سر سفره آورد.

خرید

برای خرید گل کنگره تازه و خوب دانستن چند نکته لازم است. برگهای داخل گل کنگر تازه، بهم فشردهاند و هنوز باز نشدهاند.

وقتی میتوان گل کنگرتازه چیده شده را شناخت که برگهای آن سبز براق بدون هیچ لکهی باشند. این برگها باید شکننده نیز باشند.

در هر فصلی گل کنگر پیدا میشود ولی فصل واقعی آن ازاول بهار تا وسط تابستان میباشد. و در ماههای مه، ژوئن وژوئیه، قیمت گلکنگر پائین میآید.

ارزش غذائی.

ارزش غذائی گل کنگر را نمیشود نادیده گرفت: البته فقط $\frac{1}{4}$ گل کنگر خوردنی است ولی همین مقدار کم دارای کمیبیشتر از ۳ در صد مواد معدنی مانند فسفور کالسیم، آهن و مخصوصا ۱۵ تا۱٦ درصدگلوسید بصورتاینولین (برای کبدهای حساس) و مقدار زیادی ویتامین C حتی بعدازپخت میباشد.

اصولا در مهمانی ها، یك گل کنگر اگر وزن آن بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ گرم باشد. برای یك نفر کافیست، ولی در سرمیزغذای خانوادگی میتوان یك گل کنگر بزرگ ۳۰۰ تا ۳۵۰ گرمی رابین دو نفر تقسیم کرد.

پخت.

فقط گل کنگر های جوان و خیلیکوچكرا میتوان خام. بانمك و یا سرکه و روغن خورد. اصولا گل کنگر را بعداز بریدن ساقه و کندن برگهای خارجی، در آب جوش نمکی میپزند. مدت پخت آن بستگی به اندازه آن دارد، و تقریبا از ۲۰ تا ٤٥ دقیقه طول میکشد.

گل کنگر را میتوان بطور طبیعی یا مخلوط با غذای دیگری میل نمود. و نیز میتوان برگها را حذف کرده و فقط قسمت داخل یا مغز آن را سر میز غذا آورد.

از گل کنگر نیز برایتزئین دیس غذا وگوشت استفاده میکنند

پیش غذا

گل کنگر را برای پیش غذا میتوان بصورتهای مختلفی تهیه نمود.

گل کنگر خام با سس سرکه. یا پخته که سرد مصرف میشود.

آرتیشو بسبك یونانی، مغز گل کنگر بسبك روسی باسس مایونز. گل کنگر را باقسام دیگری نیز تهیه میکنند در اینجا چند نوع آن را نام میبریم.

گل کنگر پخته با سس سرکه. با پخته بصورت دلمه یا نان، قارچ، پیاز یا با گوشت وچربی.

تمام قسمت های گل کنگر، بغیر از قسمت داخلی آن، مزه کمی تلخ دارند و از لحاظ طبی دارای خواص بسیار است. (مانند خاصیت دفع اوره) چوشانده برگ و ریشه کنگره نیز بسیار خوب است.

گنجه یاکمد

محلی که لباس یا وسایل دیگر را در آن میگذارند ودرقدیم بجای آن از صندوق استفاده میکردند.

از قرن چهاردهم در اروپا ازاین وسیله برای وآویختن لباس و جامه و نگهداری لوازم میز غذا و جواهر استفاده میشد.

مدل های گوناگون با اسامی مختلف برای این منظور تهیه شده. مانند کمد هائی که یك یا چند در دارد و به دو یا چند قسمت تقسیم میشود. در قرن پانزدهم منظور از کمد همان گنجه های دیواری بود و یا بیشتر مواقع مجموعی از گنجههای متعددیبود که تمام دیوار یا حتی چند دیوار یك اطاق را میپوشاند.

در میان مبل های نقاط مختلف اروپائی در قرنهایهفدهم، هجدهم و نوزدهم، کمد مقام ارزندهای داشت.

این کمد ها با یك یا چند در و چوبهای اغلا، بیشتر مواقع برای نگهداری لوازم و جهیزیه تازه عروس اختصاص داده می ـ شد.

در قرن نوزدهم، تیپ کمد با آئینه بزرگ بر بازار آمد و این مبل به اطاق خواباختصاص داده شد و هنوزهم در میان مردم طرفداران بسیاری دارد.

امروزه کمد یا گنجه، مبلی است با اندازههای مختلف ومدل های متعدد کمد برای آویختن و گذاردن لباس و پوشاك منظور شده است.

در های کمد یا گنجه بوسیله لولا یا محور بازو بسته میشود و یا اینکه بر روی ریل یا قرقره حرکت میکنند بیشتر کمدها دارای یك یا چند کشو میباشند و نیز میتوان بدلخواه خود کشو های مخصوص و میله برایآویختن لباس، جای مخصوص برای کفش و آئینة داخلی و غیره برای کمد سفارش داد.

اسم گنجه را به مبل هائی که مخصوص آشپزخانه و برای گذاردن اسباب و لوازم تهیه غذا و خوراکی و لوازم دیگرآشپزخانه تهیه شده دادهاند.

داشتن گنجه کوچکی برای نگهداری دواهای ضرور در خانه (یا داروخانه کوچك) نیز برای

هرکس لازم است و معمولا آنرا در حمام یا دستشوئی میگذارند یا بدیوار نصب میکنند .

گندم ـ دانه آن از سه قسمت تشکیل شده : پوسته که دارای چند طبقه یاخته است و غشاء آنها ضخیم میباشند و در مهمترین طبقه آن مقدار زیادی‌موادازته یا پروتوئیدی یافت میشود ـ هسته آردی : غشاء سلولهای آنها نازك است و در شبکه های گلوتن آنها مقدار زیادی نشاسته یافت میشود .

نطفه‌که ازجنینی تشکیل میگردد.

آرد سفید تنها از هسته بدست میآید و ۸۲ درصد دانه را تشکیل میدهد این قسمت پر از آمیلان و نیروی آن از سایر قسمتها بیشتر است ولی مقدار ویتامین و نمکهای معدنی آن نسبتا کمتر است ویتامین ها و املاح معدنی در پوست و در نطفه قراردارند و هنگام آسیاب کردن گندم درسبوس باقی می‌مانند معهذا نمیتوان بهمین دلیل جدار خارجی گندم را وارد آرد کرد چه در غشاء بعضی‌از طبقات مواد سخت چوبی یافت میشود و در صورت خوردن مخاط لوله گوارشی تحریك میگردد بعلاوه در جدار خارجی دانه ، اسیدفیتیك وجود داردکه کالسیم بدن را کم میکند .

در میان غلات گندم بیشتر از همه بمصرف تهیه نان میرسد چه مقدار گلوتن آن زیاد بوده وکشش و چسبندگی آن زیاد میشود . در جریان تخمیر نان ، گلوتن متسع میگردد و گاز کاربنیك حاصله از تخمیر را نگه میدارد و حجم خمیر را زیاد میکند .

گندم جوانه زده ـ از لحاظ غذائی خوب میباشد و میتوان آنرا بصورت خام خورد چه دانه ها آب را جذب کرده و دیاستازی که قسمتی از نشاسته را هضم میکند ظاهر شده و باعث نرمی آن میگردد

کمبود غذا با خوردن چند قاشق چای خوری از آن در روز بطور طبیعی جبران‌میگردد و نیز خوردن آن به بچه هٔی کم رشد و زنان باردار یا زنان شیرده یا اشخاص ضعیف و کم خون توصیه میشود .

اگر محلی برای جوانه زدن‌گندم نداشته باشید میتوانید آنرا بطریق زیر تهیه کنید :

گندم را پاك کنید و در صافی بریزید و باآب زیاد آنرا بشوئید، و سپس یکروزتمام آنرا خیس کنید و بعد آنرا از ظرفی که محتوی آب میاباشد (بقدر لازم) و آب آن برای مرطوب نگاهداشتن گندم کافی باشد پهن کنید بطوریکه قشر نازکی تشکیل دهد (ضخامت آن باندازه یك دانه باشد) .

گندم جوانه زده را موقعی میتوان مصرف کرد که جوانه در سطح دانه دیده شود مدت لازم ، بحرارت محیط بستگی دارد و بین ۱۲ تا ٤۸ ساعت میباشد .

گوشت

گوشت بیش از سایر خوراکیها مصرف‌میشود و معمولا گوشت‌خوب گوشت گاو یا گوسفند جوان است .

خرید ـ خانه دار باید به نکات زیر توجه داشته باشد

۱ ـ جنس یا مرغوبیت گوشت
۲ ـ نوع گوشت

جنس یا مرغوبیت گوشت ـ بهترین گوشت ، گوشت حیوانات جوان و چاق است .

نرمی وسفتی گوشت بمدت نگهداری‌آن بستگی دارد رنگ آن قرمز تند و درخشان وبویش‌مطبوع است خانه داران باید توجه‌کنند.

سن ـ حیوان جوان مطلوب است . برای شناسائی آن باید به درجه استخوانی شدن حیوان توجه نمایند (استخوان بندی نوزارکامل نیست) در نزد حیوانات جوان استخوان و غضروفهای متعدد قابل انعطاف است (مخصوصا غضروفی که درامتداد استخوان کتف قرار دارد) .

نر یاماده

چنانچه سن و چاقی و سلامت آن‌ها مساوی باشند در این صورت در جنس گوشت نروماده اختلافی دیده نمیشود گوشت گاو نرنخرید: لطافت آن کمتر و خشکی وسفتی آن بیشتراست . برای تشخیص نر از ماده باید در ناحیه‌های مختلف گوشت دقت نمود :

اگر عضله شانه و گردن برجسته و نمو آن بیشتر باشد دراین‌صورت گوشت مربوط به گاونر میباشد همچنین میتوان از مقطع سطح داخلی ران حدس زد : سطح‌مقطع گوشت گاو ماده در نزدیکی استخوان لگن خاصره پهن میباشد و تمام درازای استخوان را می پوشاند ولی‌در گاو نروسایرنشخوار کندگان شاخدار این سطح باریکتر است .

حالت چاقی

فقط حیوانات چاق دارای‌گوشت خوب هستند چاقی رامیتوان با چربی فراوان ومنظره‌صورت‌حیوان شناخت .

الف ـ حیوان از چربی پوشیده شده (چربی پوششی یا چربی خارجی) .

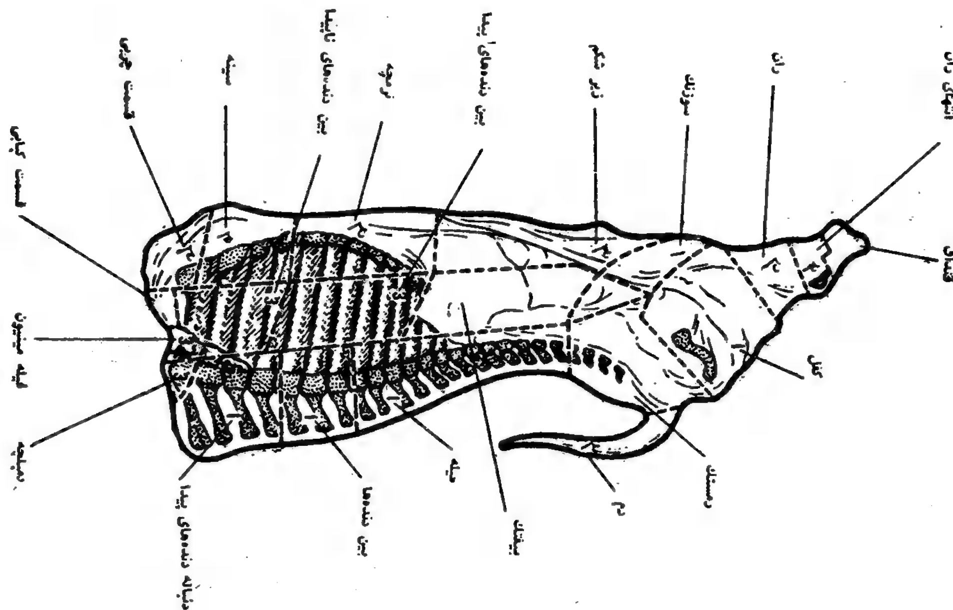
ب ـ چربی تهی گاه حیوان را پوشانده است .

ج ـ چربی در گوشت و بین عضله یافت میشود و در آنجا شبیه مرمر است و در داخل عضلات شاخه هائی رسم میکند که شبیه برگ جعفری مجعد میباشد قسمت زیادی از خوشمزگی گوشت باین چربی بستگی دارد .

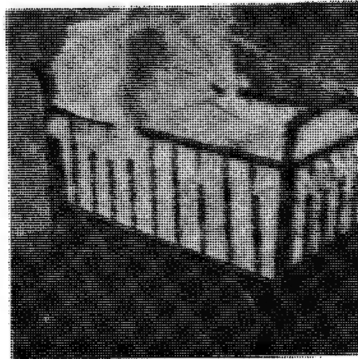
چربی ممکن است سفید یازرد باشد . چربی زرد هم مانند چربی سفید خوب است . زرد شدن‌چربی غالبا بخوراك حیوان بستگی داردو مواد رنگی آن همانها هستند که زرده تخم مرغ را رنگین می‌نمایند .

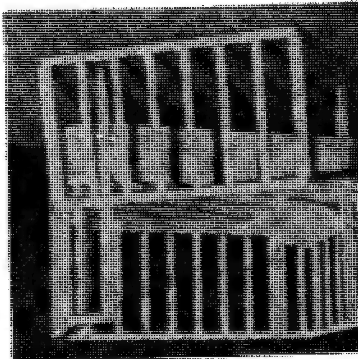
رنگ گوشت

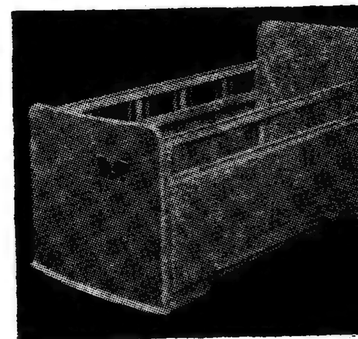
بحسب سن‌حیوان تغییر میکند. موقعی که حیوان قبل از کشته‌شدن تب دارد، رنگ آن سیرتر اسشت رنگ گوشت حیوان مسن و نر سیرتر است . اگر گوشت‌حیوانات معمولی‌در هوای آزاد آویخته‌شوند رنگ آنها تیره و خود گوشت پژمرده میشود بنابراین اگر گوشتی بر اثر نگهداری تیره شود نباید نگران شد چه این پدیده هیچیك از خواص گوشت را زایل نمیکند بوی گوشت خنك و کمی معطر و بعداز کشته شدن بوی مخصوص گرمی از آن بمشام میرسد . بوی



ـ گاهواره چرخ‌دار
ـ گاهواره با بدنه متحرك
ـ گاهواره چوبی
ـ گاهواره تاشو و قابل حمل









گوشت گاو نر کمی تند است،اگر در نگهداری گوشت مسامحه شود بویش خیلی نامطبوع میگردد.باید گوشتهائی را که دارای بوی غیر عادی و تندی است بدور انداخت.

نرمی وسفتی گوشت

گوشت گرم نرم است و در جریان سرما سفت میشود بعداز چندی که مدت آن بحسب‌شرایط جوی ووضع حیوان متغیر است ماهیچه ها نرم میشوند وتغییراتی در آنها بوجود میآید و کم‌کم بیات میشوند برای اینکه گوشت خوب باشد لازمست مدتی بماند تا بیات گردد این مدت نباید زیاد کوتاه باشد چه گوشت سفت خواهد شد و نیز نباید دراز باشد چه در این صورت نرم خواهد شد ومقدار زیادی از خوشمزگیش را ازدست خواهد داد . اگر گوشت مـدت معینی بماند خوشمزه و لطیف می شود گوشت بیات کمی نرم است‌و قسمتی از عصاره آن بیرون میآید.

لطافت وتردی

گوشت باید لطیف یعنی الیاف عضلانی آن ظریف و فشرده باشد برای درك آن باید با انگشت‌شست به مقطع عضله فشار داد ومخملی و روغنی بودن آن را حس نمود گوشت بحسب عضله تغییر میکند و نیز برای همان عضله بحسب سن و جنس گاو (نریا ماده بودن)و حالت چربی متغیر است . گوشت گاونر سخت و لمس آن نامطبوع است. لطافت گوشت بحسب عضله و سن و مدت و طرز نگهداری‌و طرز طبخ متفاوت‌است . اگر بعضی از ماهیچه ها را کم بپزند تردی آنها باقی میماند (نیم ساعت برای یك کیلو سرخ کردن)بعضی‌دیگر باید زیادتر پخته شوند تا ترد گردند .

(۲ تا سه ساعت برای یك کیلو گرم : سرخ کردن با حرارت‌ملایم یا در دیگ پختن) .

بین‌لطافت وتردی گوشت‌روابط چندی موجود میباشد خانه دار باید قبل از شناسائی قطعات گوشت بـه لطافت آن دقت کند .

مبتدی‌ها گوشت لطیف ران را برای سرخ کردن یا کباب کردن مناسب میدانند و خیال میکنند که اگر گوشت درجه دوم برای بیفتك یا سرخ کردن بکار برند گوشت آنها سفت خواهد شد . بعضی از قصابان با ماشین ترد کننده گوشت درجه دوم راترد و بجای گوشت درجه اول میفروشند . در ماشین تردکننده سوزنهای فولادی زیادی

گهواره

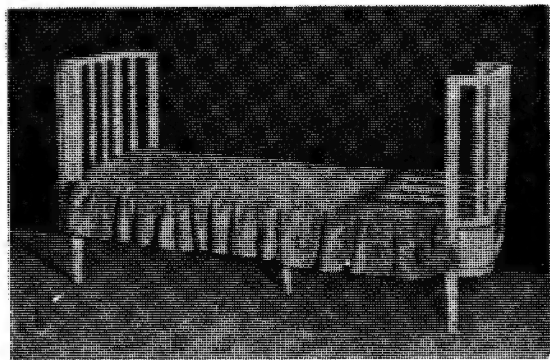
نوزاد حتماً باید تنها بخوابد . در غیر اینصورت خطرات زیادی از قبیل خفه شدن و غیره او را تهدید می‌کند ، اگر او دارای‌مکان جداگانه نیست و در یك تختخواب با مادرش باشد خطرات زیـادی منتظر اوست .

بهترین تختخواب برای نوزاد ننو است که در ضمن می‌توان آنرا تکان داد واو را به استراحت نمودن واداشت این نوع تختخواب دارای کف بسیار محکم و پایه بلندی است (کوران هوا بچه را ناراحت نمی‌کند) . ننو می‌تواند دارای چهار چرخ هم باشد که بتوان بآسانی آنرا تغییر مکان داد . ننو از چوب ، فلز ، حصیر ساخته می‌شود .

ـ ننوهای حصیری بسیار عملی است چون بآسانی می‌توان آنـرا جابجا نمود خصوصاً در اولـین هفته های زندگی نوزاد .

ارابه الزاسی هم بسیار مـورد توجه است چون مادر می‌تواند بـه هرکجا که می‌رود آنرا همراه خود ببرد در ضمن اینکه کارهایش را انجام می‌دهد مواظب کودك خـود نیز باشد .

تختخواب های چوبی و فلزی



تختی‌که میتواند بشکل گاهواره‌درآید .

باید دارای میله ئی نزدیك بهم‌باشد تا کودك نتواند از میان آن خارج شود بوسیله پارچه قابل شستشـو می‌توان این نوع تختخوابها را پوشانید .بعضی ازتختخوابها دارای دیواره‌هائی است که می‌توان آنرا جابجا نمود و خلاصه ساك های تختخواب شکل وجود دارد کـه می‌توان آنرا بهمه جا متصل کرد . با بودن تمام این وسائل کودك همیشه خودش رادرخانه خود تصور می‌کند .

اندازه تختخواب کودك

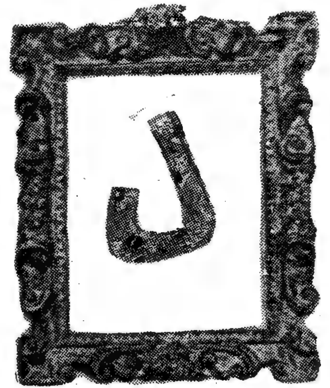
سه اندازه برای تختخواب کودك وجود دارد ۴۰×۸۰ ـ ۴۰×۱۰۰ ـ ۵۵×۱۱۰ سومین اندازه بسیـار عملی و با صرفه است چون کودك تا دو سالگی می‌تواند براحتی در آن بخوابد .

لوازم تختخواب .

لوازم‌تختخواب باید از پارچه‌های بسیار محکم و قابل شستشو تهیه شود .

لوازم تختخواب نوزاد تشکیل شده از : تشك که از کاه پر شده و احتمالا دوتا از این تشك ها اگر تختخواب گود باشد و باید آنها را دائم جا بجا نمود . روی آن را با یك پارچه که تمام تشك را فرامی‌گیرد و تمام آنرا با یـك ملحفه که چند لا شده است بایـد پوشانید و بعد یك ملافه قابـل شستشو را قرارداد . یك پتوی کوچك که پاهای کودك را مـی‌ـ پوشاند . نازبالش بسیار کوتاه و همچنین یك کیسه آب داغ کـه در روز های اول زندگی کودکی لازم است و باید حتما در یك پارچه پوشانید و پائین پای کودك قرارداد . برای‌ثابت ماندن ملحفه‌ها می‌توان از سنجاق و یا کمربنـد مخصوص این کار استفاده کرد .

باید متوجه بود که کودك را از پهلو خوابانید و هردفعه فـرم گذاشتن کودك را عوض کرد و هرگز نباید او را به پشت خواباند.



لامپ روشنائی

حبابی است شیشه‌ای و در درون آن سیمهائی قرار گرفته که براثر عبور جریان الکتریك نور سفیدبه خارج منتشر میشود سیم لامپ‌های فعلی از تنگستن است نور گر چه سفیدتر از نور اولین لامپ‌ادیسون میباشد معهذا تا حدی متمایل بزرد نارنجی است .

نیروی‌برق — روی هر لامپ نوشته شده که باچه ولتی باید کار کند لازمست حتی‌المقدور رقم آن بارقم ولت برق کارخانه یکی یا نزدیك بآن باشد و اگر جریان زیادتری به لامپ برسد دراین صورت لامپ زیاد دوام نخواهد کردودر صورت عکس روشنائی‌زیاد **نخواهد بود .**

مثال: روی لامپ رقم ۱۱۵نوشته شده ونیروی برق کارخانه ۲۰ ولت‌است در این صورت عمر لامپ کم‌شده‌است یعنی بجای ۱۰۰۰ ساعت ٤٤٠ ساعت دوام خواهد کرد .

نیروــ بازده روشنائی به نسبت نیروی برق زیاد تر میشودمثلا یك لامپ صد واتی باندازه ٦لامپ ۲۵ ولتی یا سه لامپ ٤٠ واتی روشنائی دارد بنابراین بهتر است لامپ ضعیف مصرف نکنید .

انتشارروشنائی — برای اینکه روشنائی مزاحمت ایجاد نکند لازم است سایه ها را با انتشار نور ملایم کرد . لامپی که صاف و صیقلی نشده باشد این عمل را انجام‌میدهد ولی چون سطح خارجی آن زمخت است گرد و غبار در آنجا جمع میشوند و نور را جذب میکند و پاك کردن آن مشکل میشود در عوض لامپهائی کهاز درون ابری هستند این ناراحتی ها را ندارند چه سطح خارجی آن صاف است این لامپها بدلیل سیمهای دو حلقه درونی ده درصد بیشتراز لامپهای معمولی روشنائی میدهند این لامپها باید جانشین لامپهائی که شفاف هستند بشوند. نورلامپهای فلورسنت خیلی زیاد است و کاملا منتشر میشود ولی روشنائی این لامپها پانزده درصد کمتر از لامپهای معمولی است اکنون ترجیح میدهندکه داخل لامپ را باسیلیس بپوشانند نور لامپ سیلیس باندازه لامپ معمولی روشنائی میدهد .

شکل لامپها — مختلف هستند معمولی ، مدور ، لوله‌ای و غیره..

اخیر مدل شلجمی تهیه شده که داخل آن نقره‌ایست و خدمات بزرگی انجام میدهد .

پرتو افکن کوچکی که باین طریق درست شده اجازه میدهد که نور شدیدی بمکان معینی برسد.

لوله‌کشی

لوله‌کشی — این عمل به‌منظور توزیع آب ، گاز ، برق از مراکز یا کارخانه های تولید کننده به منازل صورت میگیرد . (لوله‌های آورنده) جنس و شکل و قطرلوله هائی که مصرف میشود متنوع‌است. برای خارج کردن فاضل آب‌خانه ها و همچنین فاضل آب شهر ازاین موضوع استفاده می‌کنند (لوله‌های برنده)

لیمو

لیمو میوه آبدار ، ترش‌و خوشبوی درخت لیموست.

لیمو شیرین‌که‌محصول‌بوته‌ای همانند درخت لیموست ، به‌شکل لیمو میباشد و طعمی‌شیرین‌وخوشبو دارد . ترشی آن بسیار کم‌است. این میوه ها دارای مقدار زیادی ویتامین C است .

خرید

بهترین لیمو ها دارای پوستی نازك ، شیرین و خوشبو، آب زیاد و طعمی ترش وکمی شیرین ، هسته های نادر و کوچك میباشند. بعضی از لیموها پوستی ضخیم، هسته های بزرگ و آب بسیارکمی دارند . قیمت لیمو بستگی به‌فصل دارد.

بهترین لیموها اولین لیموهای سال هستند که در ماه های آذرو دی عرضه می‌شوند و دومین لیموها که ببازار میآیند ازماه‌های اسفند و فروردین بدست میآیند. این لیموها خوشبو و پرآب بوده و بمدت ۷ تا ۸ ماه دوام میکنند. در ماههای بهمن و شهریور ، لیمو گوشتی خشك ، پوستی ضخیم و خشن دارد. درماههای تیروامرداد لیمو برنگ سبز روشن و ناهموار است.

برای خرید ، لیموئی را باید انتخاب کرد که سنگین ، خوشبو و دارای پوستی صاف ، تیره‌رنگ زرد روشن وبدون لکه باشد .

نگهداری

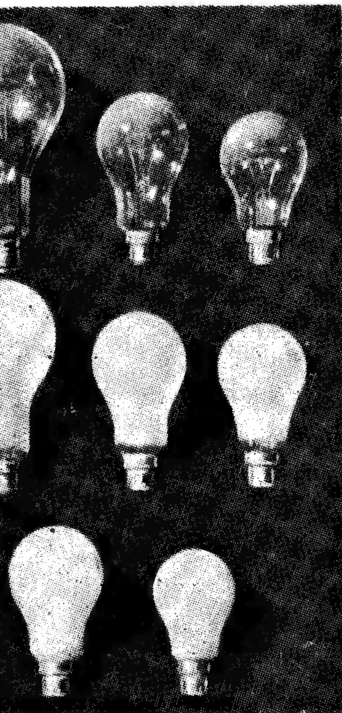
برای نگهداری لیمو ، باید آن را در کاغذ نازکی پیچیده و در صندوقی بصورتیکه یك ردیف میوه و یك ورقه شن خشك شده باشد قرار داد .

البته ضروری است که ردیف آخررا هم با شن پوشاند. وهمچنین میتوان لیموی تازه را برای چند هفته در ظرفی که پر ازآب خنك که هر دو روز یك بار عوض میشود ، نگهداری نمود.

مصرف

از لیمو مشروبی خنك‌کننده بنام آب لیمو بدست میآید دستگاه آب لیمو گیری و آب میوه‌گیری برای بدست آوردن آب لیمو لازمست.

در آشپزی ، لیمو برای‌همراهی ماهی و صدف از ضروریات است ونیز ، لیمو را برای تزئین غذا های متعدد و غالبا بجای سرکه، در سالاد ، مصرف میکنند. پوست خوشبوی لیمو را برای تهیه غذا های سبك گرم و نان شیرینی پوست پخته شده با شکر آن را در مربا ژله (لرزانك میوه) بستنی بکار میبرند . باید یاد آور شد



۱ ــ انواع لامپ های برق
۲ ــ نمایش یك‌نوع لامپ باروشنائی های متفاوت
(۱) سایه (۲) سایه کم (۳) سایه نامرئی

که از ۱۲۰ گرم لیمو ، ۴۰ گرم آن بی مصرف‌است.

مصارف صنعتی لیمو، بسیار است . از آن در عطر سازی (عصاره پوست لیمو) لیکورسازی و لیمونادسازی استفاده میکنند.

اسیدتارتریك را که عامل اصلی مشروبات الکلی سبك، اشتها آور میباشد ، میتوان از لیمو بدست آورد.

لیمو میوه بسیار مفید وضروری بشمار میرود و هر بانوی‌خانه‌داری باید این نکته را بداند وآن‌را بمقدار زیادی بمصرف روزانه خانواده خود برساند.

پخت وپز

برای تهیه تارت لیمو خمیر را باید در قالبی مخصوصی قرار داده و سطح آن را سوراخ سوراخ کرد و درفر گذاردتا بپزد. وقتی پخته شد ، آن را با کرمی که در زیر دستور تهیه آن را خواهیم داد ، باید پوشاند . دو فنجان قهوه خوری آب، یك فنجان شکر ، دو قاشق سوپخوری نشاسته، سه زرده تخم مرغ زده شده را در ظرفی که در آب گرم قرارمیدهیم میگذاریم تا کمی سفت شود بعد آب یك لیمو و نصفی را بایك تکه پوست لیمو بآن اضافه میکنیم.

قبل از اینکه شیرینی را سر میز بیاوریم با این کرم‌رویش را میپوشانیم . سفیدی تخم مرغ را با شکر زده و روی کرم را با آن تزئین میکنیم . کمی شکر برروی آن پاشیده و چند دقیقه دیگر در فر میگذاریم تا بریان‌شود و همانطور گرم سر میز غذا میآوریم.

در خانه داری از آب لیمو که دارای اسید است استفاده های زیادی میتوان کرد از جمله سفید کردن اسفنج و کلاه‌کاهی ، ازبین بردن لکه جوهر وخون وادرار پاك کردن اشیاء سربی ومسی(مس را باید با قسمت داخلی نصف لیمو سابید و بلافاصله با آب‌ولرم شست و خشك کرد).

لیمو میوه‌ایست با طعم‌ترش و دارای ویتامین های بسیار که برای گلودرد و آنژین بکار میرود ودربعضی موارد ضدمسمومیت بکار برده میشود.

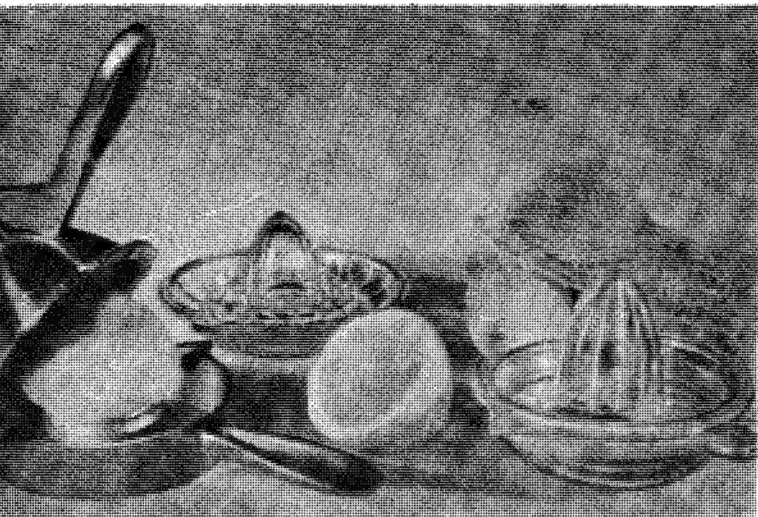
درخت‌لیمو

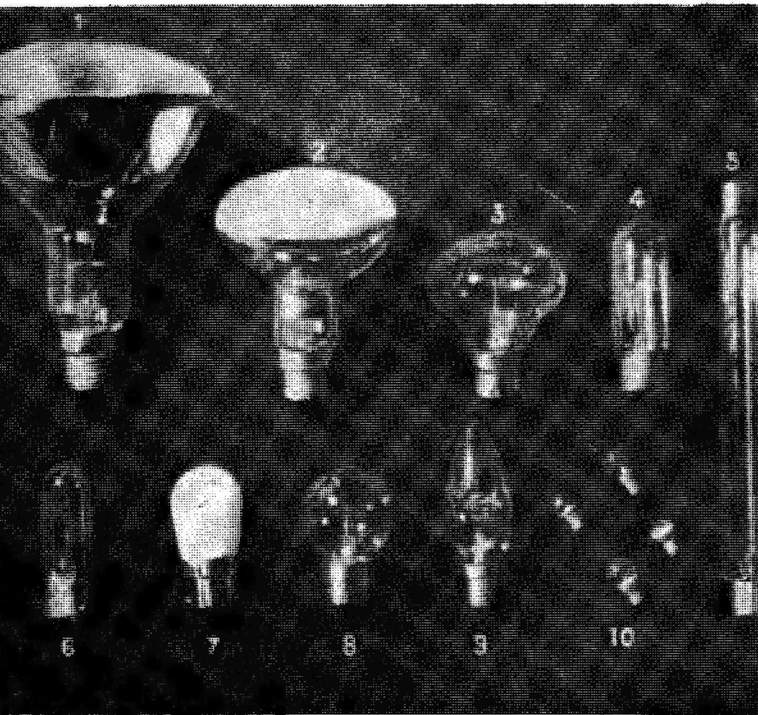
درخت لیمو میوه‌ای بیضی شکل با نوك مخروطی بوجود میآورد .

پوست لیمو نازك و طعمی ترش و بدون تلخی ، میباشد.

درخت لیمو در کشور های الجزایر ، ایتالیا ، کرس وجنوب فرانسه و ایران میروید.

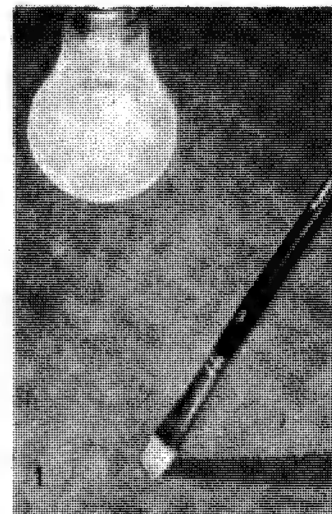
لیموی تازه را معمولا برای چاشنی بمصرف میرسانند . بلندی درخت لیمو از حد بخصوص‌نباید تجاوز کند تا میوه های خوبی از شاخه های کوتاه آن بدست بیاید .

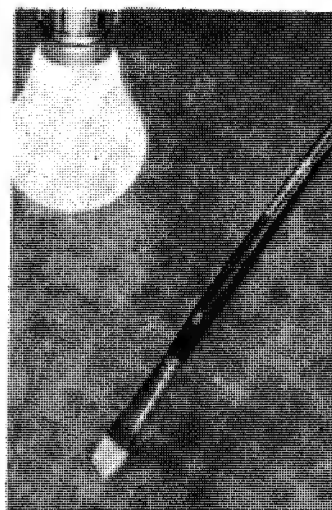




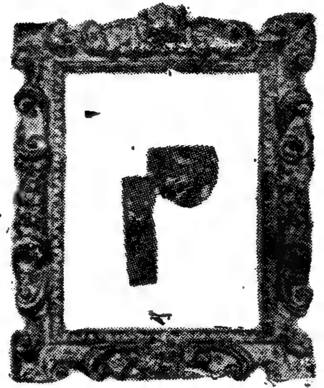
(بالا) آب میوه‌گیر فشاری ساده

(پائین) انواع لامپ ۱ و۲منعکس‌کننده ۳ پیازی شکل ٤ ـ لوله شکل ٥ لینولیت ٦ ـ برای ماشین خیاطی ۷ ـ بیضی شکل ۸ ـ روشن ۹ ـ پرتو افکن ۱۰ ـ برای چراغ جیبی ودوچرخه









مارچوبه

گیاهی است از طایفه (یاس بنفش) ومیتواند مدت ۱۵ تا ۱۸ سال دوام داشته باشد. قسمت پایدار این نبات قسمت ساقه زیر زمینی آنست با ریشه‌هاوجوانه هایش. در بهار این جوانه ها رشد کرده و ساقه های جوان ازآن‌ها میروید. این ساقه‌ها راز خاك میپوشانندتا پژمرده شوند.

ساقه ها بتدریج رشد کرده‌و از خاك بیرون میآیند و در این موقع سبز شده و شاخه های‌نازك سبز که جوانه های نو مینامند بر روی آن ها میروید مارچوبه خواهان خاك سالم و سبك است تا خوب رشد کند. بیشترمواقع، برای دریافت نتیجه بهتری ،بهبود طبیعت فیزیك خاك لازم است تا از هرلحاظ دارای تمام خواص، برای رشد خوب این نبات و حتی برای رسیدن به برداشتن محصول چندبار در سال باشد.

برای رسیدن به این منظور، باید خاك طوری‌باشدکه آب در آن زود نفوذ کرده و دربهار نیز زودگرم شود. برای‌کاشتن‌مارچوبه در باغ یا باغچه، بکار بردن این نکات لازم است.

۱ــ با شروع پائیز شخم زمین نیز باید شروع شود. وتا۳۰ سانتی متر عمق زمین باید نرم‌و سبك گردد. و نیز آن را بامواد مختلف وکود زیاد حاضر برای کاشت نمود.

۲ــ در دو ماه اول زمستان، زمین را به باند های متوازی ٤٠ سانتی فاصله های ۸۰۰ سانتی‌متری تا ۱ متری تقسیم کرد. درامتداد این باند گودالی با عمق ۲۰ تا ۲۵ سانتی متر کنده خواهد شد. وخاك استخراج شده را باید در دوطرف گودال بشکل دیواره های‌کوچکی درست کرد.

۳ــ درماه فوریه یا مارس (بسته به آب وهوای منطقه) قبل از کاشتن مارچوبه، در گودال هر ۷۵ سانتی متر، بلندی‌کوچکی که ٥٠ سانتی متر ارتفاع داشته باشد. با خاك ریز دیواره‌اطراف آن باید درست کرد. پس از ٦ ماده نمودن ریشه، آن را برروی بلندی قرار داده و بر روی‌آن٤تا٥ سانتی متر خاك ریخت. در آخر کار، تکه چوبی که در کنار ریشه گذاشته خواهد شد، جای آنرا مشخص خواهد کرد.

در طول تابستان اول فقط کافی است‌که زمین را با کندن علفهای هرزه پاکیزه نگاهداشت. در پائیز ساقه های خشك‌شده باید کنده وسوخته شوند.

بجای این سوخته ها ریشه های دیگری باید جای آن ها درهمان زمستان کاشته شوند.

در سال دوم همان کارهای فصل اول را باید تکرار وگودال ها را کمی پر کرد.

در ماه فروردین سال سوم۳تا٤ ساقه جوان را که ساقه‌های‌روینده مینامند از ساقه اصلی بعدازپژمردن آن باید برید.

بعد از زمستان‌که در طول آن ساقه های زیادی چیده و سوزانده میشوند، موقع چیدن مارچوبه ها شروع می شود، و٥ تا٦ هفته طول میکشد. مارچوبه با دست چیده میشود و باید باپای برهنه باین کار پرداخت. البته میتوان از ابزار معین و چاقوی مخصوص برای چیدن مارچوبه استفاده نمود ولی باید احتیاط کرد تا به ریشه وساقه های‌دیگرکه در حال نمو هستند صدمه‌ای نرسد.

انواع مختلف مارچوبه

انواع مارچوبه هائی که در اروپا پرورش داده میشود فراوانست و یکی از آنهامارچوبه های بنفش هلندی هستند.

محصول.

حاصلی که از کاشت مارچوبه بدست میآید تا پنج و شش سال افزایش یافته و بعداز سال دهم کاسته میشود.

البته کمی یا زیادی این محصول بستگی به‌نوع خاك ومقدار کودی که بآن داده شده، دارد. ولی میتوان گفت که بطور تقریبی از هر بوته، پانصد گرم‌مارچوبه (با یك‌سوم، یك دسته مارچوبه به‌وزن ۱٫۵۰۰ کیلو) میتوان‌بدست آورد.

خرید.

موقع خرید مارچوبه بهتر است نوع سفید یا مارچوبه دراز ونوك تیز که بیشتر مایل بسبزیا صورتی سیر باشد انتخاب‌کرد.

قیمت مارچوبه بستگی به‌اندازه و یکسان بودن آن ها در دسته و طراوت آن‌ها دارد. مارچوبه‌ای‌که ته‌آن خشك وسطحش چروك وسر آن نرم و پژمرده باشد، تازه‌نیست و چند روز پیش چیده شده. مارچوبه را در قوطی با ظرف شیشه‌ای نیز میفروشند ولی قبل از خرید باید از خوبی جنس اطمینان حاصل کرد.

ارزش غذائی.

مقدار زیادی از مارچوبه در موقع پوست کندن و خوردن آن دور ریخته میشود، قسمت خوردنی مارچوبه دارای ۹٥درصد آب، ۱٫۸۰ درصد پروتوئید، ۰٫۲ درصد لی پید و ۳ درصد گلوسید میباشد و هر ۱۰۰ گرم آن ۲۱ کالوری دارد. زیادی ویتامین C میباشد ولی میتوان گفت‌که رویهمرفته، سبزی مغزی بشمار نمیرود و فقط‌برای طعم دلپذیر و مقدار زیاد سلولز که در آن میباشد، مورد ستایش مردم قرار گرفته.

مارچوبه دارای خاصیت زیاد کننده ادراراست ولی بعلت داشتن مقدار زیادی اسپرازین برای اشخاصی که به امراض خاصی مبتلا هستند، مضر است.

مقدار یا.

برای ٤ نفر یك کیلو مارچوبه کافی است ولی اگر مارچوبه‌کوتاه یا نوك تیز برای تهیه غذاهای مخصوص خریداری شود، ۱کیلو برای ٦ نفر کم نخواهد بود.

طرزتهیه، غذا های مختلف‌مارچوبه

قبل‌از هر چیز، پوست سخت

و نخ‌دار روی مارچوبه را باید خراشید یا کند . مدت پخت آن بستگی به اندازه‌اش داردولی بطور تقریبی ، مارچوبه از ۱۰ تا ۲۰ دقیقه در آب جوش نمکی میپزد. بعدا میتوان آنرا به اقسام مختلف (که آنهم بعلت لطافت مارچوبه پخته محدود است) تهیه کرد .

بیشتر مواقع مارچوبه را همراه با سس های مختلف‌مصرف میکنند : ودر تهیه این سس هاست که آشپز میتواند مهارت خود را بکار برد .

همراه مارچوبه سرد ، بیشتر مواقع يك سس سرکه که دارای برگ یا سبزی خوشبو باشد ، برسر میز غذا میآورند . ولی بعضی اشخاص سس مایونز یا سس دیگری که از زرده تخم‌مرغ سفت تهیه شده بر هر سس دیگری ترجیح میدهند.

برای مصرف‌خانوادگی ، با مارچوبه گرم ، میتوان سس سفید را با آب پخت مارچوبه و شیر مخلوط‌کرد و يك دانه بوزبو در آن رنده‌کرده وقبل از خوردن يك زرده تخم‌مرغ نیز بآن اضافه نمود .

سس هلندی یا سس با پرتقال نیز که همان سس هلندی است که يك تکه پرتقال و آب پرتقال و لیمو بآن اضافه شده ، برای همراهی مارچوبه مصرف میشود مارچوبه ته دیگی .

مارچوبه پوست کنده را بعدا از ریختن کره حل شده یاسس‌سفید همراه با پنیر گرویر رنده‌شده‌مدت ده دقیقه ، باید در فر گذاشت تا بریان شود .

سوپ

با افزودن قسمت سرماروبه قبل مصرف در سوپی که از آن تهیه شده ، کامل میشود .

املتی که در آن سرمارچوبه اضافه شده ،چند برابر خوشمزه تر و طعمش لطیف‌تر میگردد .

وسائل پخت مارچوبه

برای پختن مارچوبه از دیکچه مخصوص که برای این کار ساخته شده ، میتوان استفاده نمود . این دیکچه بشکل مستطیل میباشد و دارای صفحه سوراخ داریست که در ته آن جای میگیرد و بوسیله دسته های مخصوص میتوان‌مارچوبه های پخته را بدون آنکه بشکنند از آب بیرون آورد و بعد از گرفتن آب آن ، در دیس بیضی شکلی قرار داد .

چنگالهای‌مخصوص برای‌برداشتن مارچوبه و نیز بشقابهای مخصوصی با گودی کوچکی برای جای دادن سس مارچوبه وجود دارد .

مرغابی

از ردهٔ پـــرندگـــان یـــا پرده دار است (که پرده‌ای فاصله بین انگشتان حیوان را کرده و حیوان در موقع شنا مثل پاروئی ازآن‌استفاده میکند)

مرغابی های اهلی از نظر نژاد به‌دودسته تقسیم می‌شوند: نژادپست که‌مرغابی‌های آن‌ازنظر خصوصیات بدنی تشابه زیادی باهم ندارند ؛ نژاد عالی که شامل بقیه مرغابی های اهلی می‌گردد .

نژاد عالی را عملا می‌توان به سه دسته تقسیم کرد .

الف) مرغابی‌هائی که نسل نژاد قدیمی مرغابی اهلی بوده واز نظر گوشت خوردنی ای که دارند نگهداری می‌شوند .

ب) مرغابی هائی که از نسل های پرورش یافته جدید هستند و بخاطر تخم های مرغوبی کـه می‌گذارند نگهداری می‌گردند .

ج) نژادهای زینتی که فقط به خاطر زیبائی و تزئین قفس ها و استخرها مصرف دارند .

پرورش ــ در میان ماکیان‌متعدد ومختلف پرورش‌ونگهداری مرغابی از همه ساده‌تر است . نمو مرغابی خیلی سریع است و چون در مقابل اغلب بیماریها مصونیت دارد ازاین نظر نیز تلفات زیادی ندارد . این پرنده زیاد می‌خورد ولی چون به نوع غذائی‌که مصرف‌می‌کند اهمیت نمی‌دهد ، پرورش آن خیلی پر فایده است مرغابی با این که يك پرنده آبی است معهذا آب زیادی برای زیستن لازم ندارد ، حتـی اگر يك گودال و یا يك باطلاق کوچکی دراختیارش بگذاریم کاملا راضی و خشنود بنظر می‌رسد . معهذا برای کسانی که کارشان پرورش مرغابی است داشتن يك گودال آب کافی نیست زیرا برای آب تنی و گردش روزانه مرغابی‌ها روی آب به مخزن وسیع تری احتیاج است وانگهی مرغابی هـا در فصل جفت‌گیری باید حداقل روزی يك ساعت بطور دسته جمعی روی آب گردش کنند ، از همه این موارد که صرفنظر کنیم برای نظافت و زیبائی بیشتر پر های مرغابی لازم است آب تمیزی دائما در دسترس باشد .

مرغابی های ماده در سال تعداد زیادی تخم می‌گذارند . عمل تخم گذاری در سال های دوم و سوم عمر حیوان شدت بیشتری پیدا می‌کند . مرغابی ماده برای جوجه کشی نیز مناسب است ولی معمولا برای این کار اغلب از وجـود مرغ و بوقلمون ماده ویا دستگاه های جوجه‌کشی مصنوعی استفاده می‌شود . برحسب نژاد های مختلف دوره نهفتگی از بیست و هشت تا سی روز تفاوت می‌کند . این دوره برای مرغابی نژاد بربری سی‌وپنج روز است جنس مرغابی از نظر نرو ماده بودن قابل تمیز است وبرای این منظور دو راه وجود دارد . یکی اینکه صدای مرغابی نر وماده متفاوت‌است و با شناختن آن‌می‌توان نرو ماده این حیوان در سال اول تولد از یکدیگر تشخیص داد . دیگر اینکه در مرغابی های بالغ نر پرهای دم دور هم مجتمع شده‌و انتهای آنها به طرف بالا برمی‌گردد در صورتیکه در ماده این پرها صاف‌است .

فربه کردن مرغابی ــ جوجـه مرغابی ها در سه روز اول تولـد نباید چیزی بخورند . غذای آنها از روز سوم به بعد بیشتر سبزی خرد کرده است . جوجه‌ها ازهمان اول به غذاهای زمخت و آبدار علاقه دارند . ترکیب غذای آنهارا باید بتدریج تغییر داد در غیر این صورت از خوردن غذای جـدید خودداری می‌کنند . باین ترتیب در طی دوماه جوجه‌ها چاق و فربه می‌شوند . برای نگهداری جوجه مرغابی نباید از قفس استفاده کرد چون این حیوان ازهمان بدو تولد علاقه زیادی به گردش دارد بنا براین بهتراست آنها را در خارج قفس ودرجائی که روشنائی کمتری داشته باشد رها کرد . از دو ماهگی به بعد غذای جوجه ها را از آرد ذرت ، جو که در صورت امکان پودر گوشت هم بآن اضافه می‌شود، تهیه می‌کنیم . جوجه ها را نباید بحال خود بگذاریم تا از موادی که از لابلای لجن وگل ولای پیدا می‌کند بخورد زیرا این عمل باعث می‌شود که گوشت حیوان بدطعم گردد .

جوجه مرغابی را با دادن غذائی که از گندم سیاه بشکل نان یا آرد تهیه می‌شود پروار می‌کنند . فربه کردن جوجه ها موقعی بحد کمال می‌رسد که پرهای دم حیوان که در ابتدا دور هم جمع شده ، بصورت بادزن درآید .

جمع‌آوری پر ــ باکندن پرهای مرغابی زنده یا مرده مـی‌توان محصولی شبیه به کرك و پرهای غاز تهیه کرد . از هرمرغابی ۲۰۰ تا ۴۰۰ گرم پر بدست آورد .

✶ نژاد هائی‌که برای‌استفاده از گوشت پرورش داده می‌شوند ــ مرغابی هائی هستند وحشی الاصل با گردن سبز که پس از نگهداری و پرورش بصورت اهلی درآمده و قد فوق‌العاده بلندی پیدا می‌کنند .

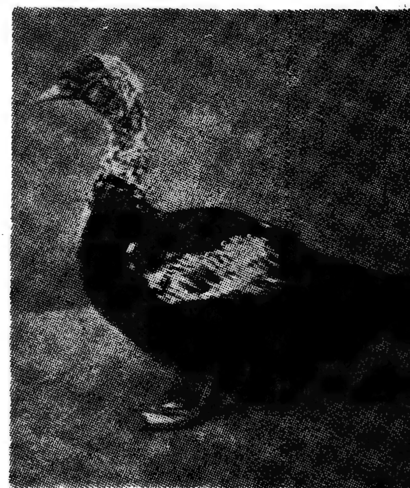
این نوع مرغابی‌ها انواع‌مختلف دارند که يك نوع آن به روئن مشهور است . این نوع‌مرغابی از نظر رنگ به دو نوع تیره و روشن دیده می‌شود و بخاطر خصوصیات ممتاز از جمله مرغوبیت گوشت و سهولت پرورش بسیار مورد توجه است . نوع دیگر از مرغابی های پروار مرغابی **دو کله** است مرغابی دو کله ــ در همان نواحی که مرغابی روئن شکار می‌شود زندگی می‌کند . این مرغابی از لحاظ مرغوبیت گوشت و تخم گذاری تقریبا مثل روئن است اما از نظر اندازه به بزرگی آن نمیرسد . پر های دو کله تیره رنگ است ولی قسمتی ازآنها در ناحیه‌سینه حیوان رنگ سفید دارد .

مرغابی پکن ــ قدش از دو نوع

- مرغابی روئن
- مرغابی هندی
- مرغابی بربری







قبلی کوتاهتر است . این مرغابی از روی رفتار و حرکات مشخصی که دارد از انواع دیگر تشخیص داده می‌شود ، پرهای مرغابی پکن سفید مایل بزرد است ، منقار و پاهای این حیوان زرد روشن می‌باشد . گوشتی عالی دارد و ماده‌اش تخم فراوان می‌گذارد .

مرغابی بربری ــ بزرگ ، دراز، خشن وناهنجار است . در قاعده منقار تعدادی برآمدگی های قرمز شبیه بوقلمون دارد واز این نظر او را مرغابی بوقلمون می‌نامند . از جفت گیری نر آن با ماده روئن مرغابی ای بنام «مولار» بوجود می‌آید که بعلت جگرچربی که دارد مشهور است . مرغابی مولار از نقطه نظر جنسی خنثی و فاقد قدرت تولید مثل است . مرغابی بربری به دو رنگ سفید و سیاه دیده می‌شود . از نوع اخیر فقط برای جفت گیری باروئن ماده به منظور تهیه مرغابی مولار استفاده می‌شود .

★ **نژاد هائی که بخاطر تخم گذاری نگهداری می‌شوند .**

مرغابی دونده هندی ــ پرنده زیبائی است که پرهای سفید ، حنائی ویا سیاه ، اندامی متناسب و ظریف و حرکات ملایم دارد . این نژاد دو تیپ جداگانه دارد : باریك ولاغر که در موقع ایستادن تقریبا وضع عمودی بخود می‌گیرد، درشت و چاق که دسته‌ای از آنها زینتی ودسته‌ای برای تخم گذاری نگهداری میشوند ماده این مرغابی که رشد سریعی دارد بین چهار تا پنج ماهگی شروع به‌تخم گذاری نموده ودر طول یکسال دویست تخم می‌گذارد . این تخم ها که پوست سفید رنگی دارند هریك در حدود ۷۰ گرم هستند .

مرغابی کاکی‌کمپبل ــ نژادی از مرغابی است که در انگلستان زندگی می‌کند و فقط بخاطر تخم های‌مرغوبی‌که می‌گذارد ،نگهداری می‌شود . ماده این مرغابی دویست تخم در سال می‌گذارد و تخم هایش پوست سفیدی دارد و تقریبا شبیه تخم مرغ است . جوجه کاکی در عرض ده‌هفته ۱٫۸۰۰ کیلوگرم‌وزن پیدا می‌کند . گوشت آن خوردنی‌و بدون عیب است .

★ **نژاد های تزئینی** ــ بسیار متعدد و مرغابی هائی هستند که قد و حجم بسیار کوچکی داشته و بیشتر بخاطر قیافه ورنگ آمیزی های زیبائی که دارند نگهداری می‌شوند . تقریبا زادگاه تمام این مرغابی ها چین‌است . در میان مشهورترین انواعی که تابحال شناخته‌شده می‌توان‌ماندارن‌وکارولن را نام برد . بعداز این دو نوبت به مینیون می‌رسد که جثه بسیار کوچکی دارد و برنگ سفید برفی است . مرغابی باهاما وکازارکاس نیز زینتی هستند .

گوشت مرغابی در زمره گوشت های سیاه بشمار می‌آید . این‌گوشت چربی زیاد دارد و بنا براین هضم آن مشکل است . گوشت مرغابی معمولا از ماه چهارم زندگی به بعد به مصرف غذا می‌رسد .

خریدار ــ برای‌این‌منظور بهتراست مرغابی زندهٔ خریده و بعد از فروشنده بخواهیم سر حیوان را ببرد . برای اینکه از فاسد شدن مرغابی‌جلوگیری کنیم‌باید بلافاصله پس از کشتن آنرا پاك کرده و مصرف نمائیم . فاسد شدن گوشت مرغابی باین دلیل است که درزمان حیات از مواد آلوده و کثیف تغذیه می‌کند .

در صورتیکه بخواهیم مرغابی کشته وآماده بخریم باید اطمینان حاصل کنیم که تازه است و برای این موضوع باید از منقار اواستفاده کنیم . منقار مرغابی ای که تازه کشته شده هنوز زردی و قابلیت انعطاف خود را دارد ، از آن‌گذشته پوستش‌نرم ، گوشتش تردوچربی‌اش سفید یا خاکستری روشن است . وزن مرغابی زنده بطور متوسط ۱٫۵۰۰ کیلوگرم است ، مرغابی پرکنده ۱٫۳۰۰ کیلوگرم‌وزن دارد.

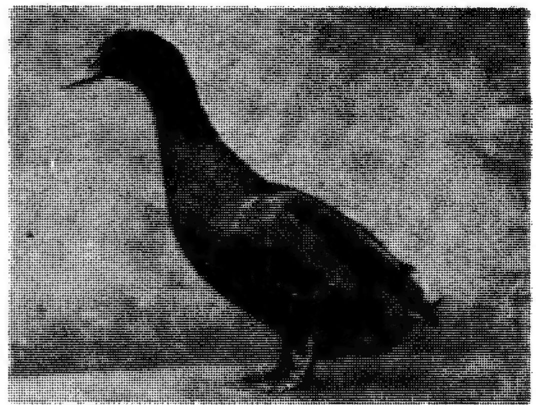
پخت‌وپز ــ پس از کندن پرها و خالی کردن محتویات داخلی شکم مرغابی باید دو غده‌ای را که در دو طرف وبالای استخوان دنبالچه قراردارد در آورد چون این غده ها طعم گوشت را برمی‌گردانند . پس‌از اینکه داخل گوشت شکم حیوان را پاك کردیم مشتی نمك در آن می‌پاشیم .

مرغابی تو دلی یا دلمهٔ مرغابی ــ را روی آتش تند کباب کرده و سپس گرمای آتش را ملایم می‌کنیم برای هر نیم کیلو وزن ۱۲ تا ۱۵ دقیقه برای جوجه مرغابی و ۱۸ تا ۲۰ دقیقه برای مرغابی بزرگ حرارت لازم است .

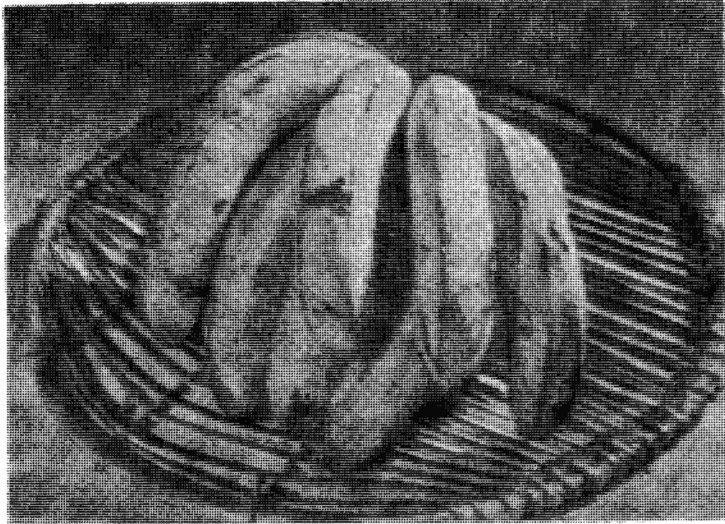
مرغابی تو دلی یا دلمه‌مرغابی ــ جگر ، چربی وگوشت را کاملا ریز ریز کرده و به آن مقداری خرده نان اضافه می‌کنیم سپس دو عـدد تخم مرغ و چند زیتون بی‌هسته به آن‌می‌افزائیم وباین ترتیب یك‌قیمهٔ خوشمزه آماده‌می‌کنیم . داخل شکم مرغابی را با این قیمه پرکرده و می‌دوزیم وبعد به روش قبل آنرا کباب می‌کنیم بجای قیمه می‌توان از شاه بلوط که قبلا با آب بـد ملایمت جوشانده شده استفاده کرد .

خوراك مرغابی با شلغم ــ شکم مرغابی را باقیمه پر کرده و بعد آنرا در قابلمه‌ای بکمك روغن‌سرخ می‌کنیم . سپس قطعات شلغم را که بطور منظمی تهیه شده با چند پیاز کوچك در روغن داغ شد ، سرخ می‌کنیم وکمی شکرروی آن‌میپاشیم وتکان می‌دهیم تا رنگ‌قشنگی پیدا کند بعد کمی رب به آن اضـافه می‌نمائیم ودوباره‌مرغابی‌را درقابلمه می‌گذاریم و نمك و فلفل باندازهٔ کافی روی آن می‌ریزیم و روی قابلمه را محکم می‌پوشانیم ودر ساعت و نیم بحال خود روی آتش می‌گذاریم . پس از اینکه غذاحاضر شد ، مرغابی را در دیس گذاشته و قطعات شلغم رادور آن می‌چینیم.

خـوراك مرغابی با نارنج ــ مرغابی را با گوشت و چربی وپیاز خرد کرده ، گرده های هویج سرخ می‌کنیم . سپس‌یك لیوان آب‌جوش ویك لیوان کوچك سس روی آن می‌ریزیم . نمك و فلفل اضافه می‌کنیم و مجموعه را چهل دقیقه روی اجاق می‌گذاریم در این موقع دوعدد نارنج را پوست می‌کنیم ، پوستش را خوب تمیز می‌کنیم و سفیدی داخل آنرا می‌گیریم و بعد آنرا خلال کرده روی مرغابـی می‌ریزیم و بدنبال آن آب هردو







– مرغابی کاکی‌کمپبل

– مرغابی ماندارن

– موز میوه‌ایست مقوی ومغذی

نارنج را هم گرفته به‌خوراك اضافه می‌کنیم . پس‌از چند دقیقه قابلمه را زمین گذاشته و مرغابی را در دیس قرار می‌دهیم وروی آن مقداری‌هم‌سوس‌می‌ریزیم. دورتادور دیس مرغابی را با قطعات نارنج – زینت می‌کنیم .

خوراك مرغابی روئن – مرغابی را مدت ۱۵ دقیقه روی آتش تند کباب می‌کنیم و بعد دوران آنرا جدا می‌نمائیم . سپس با کارد تیزی قطعات باریکی از گوشت سینهٔ مرغابی جدا نموده در وسط دیس می‌چینیم و یك قاشق موسیر ریز کرده به آن اضافه می‌کنیم وران وتنه مرغابی را روی آن می‌گذاریم و آنرا گرم نگهمیداریم . ازطرف دیگر جگر مرغابی را له کرده شیرهٔ آنرا می‌گیریم . در یك کماجدان مس مخصوص را که‌تهیه کرده‌ایم ریخته حرارت می‌دهیم و سپس شیره جگر را به آن اضافه می‌کنیم . نمك و فلفل‌باندازه کافی در مخلوط ریخته و بعد آنرا از روی آتش برداشته وروی مرغابی می‌ریزیم . دیس را چند دقیقه در فر می‌گذاریم و بعد برای مصرف سر میز می‌بریم .

قطعه قطعه کردن مرغابی – در مورد یك جوجه مرغابی مثل مرغ کبابی عمل می‌کنیم . خرد کردن یك مرغابی بزرگ یا مرغابی روئن شیوه های خاص دارد .

ابتدا دوران مرغابی را جدا کرده کنار می‌گذاریم. سپس‌مرغابی را به وضع‌قائم در بشقاب‌قرار داده، با دست چپ چنگالی برداشته ودر بدن حیوان فرو می‌کنیم و بعد با دست راست کارد تیزی گرفته و گوشت آنرا بصورت تکه های باریك ودراز می‌بریم . برش‌های گوشت را بطور عرضی یا طولی از بدن مرغابی جدا می‌کنیم . از هر طرف سینهٔ یك جوجه مرغابی فربه می‌توان پنج برش گوشت تهیه کرد . برای سهولت کار بهتر است ابتدا جوجه را با کارد از وسط دو نصف کرده یا جناغ حیوان را در آوریم وبعد گوشت آنرا برش برش کنیم .

برش های گوشت را مثل اشعهٔ بادزن در دیس قرار داده ودو ران مرغابی را در دو انتهای آن می‌گذاریم و برای مصرف سر میز می‌بریم .

مرغابی وحشی – پرندهٔ پا پرده داریست که معمولا در کنار دریا زندگی می‌کند . در فصل مهاجرت آنها را دسته دسته در کنار مرداب ها ورودخانه‌ها می‌توان دید . این مرغابی ها نیز ازهمان نژاد مرغابی اهلی منتها باجثه های کوچکترند.

انواع متعدد در میان‌خود دارند که مشهورتر از همه مرغابی قطبی ، سارسل ، میلوئن می‌باشد . ارزش غذائی مرغابی های وحشی کمتر از انواع اهلی است . در میان این مرغابی ها سارسل از همه قیمتی‌تر است . معمولا این حیوانات را هم بصورت کباب مصرف می‌کنند .

مرکبات

در زبان های متداول جهان این وجه تسمیه مربوط بدسته نباتاتی است از خانواده لیمو از قبیل پرتقال – نارنگی تو سرخ – دارابی – نارنج – لیمو شیرین – لیمو ترش و غیره – فصل محصول غالب مرکبات پائیز وزمستان است ولی تقریبا در تمام فصول در دسترس می‌باشد .

ارزش غذائی مرکبات – مغزاین میوه ها بمقدار زیاد دارای اسید سیتریك است (میزان اسیدسیتریك در لیمو ترش ۲٫۵٪ تا ۴٪ ودر سایر انواع مرکبات از ۱ تا ۲ در صد می‌باشد) .

پاره‌ای معتقدند مرکبات بسبب اسیدی بودن آنها برروی اعضاء بدن موثر بوده و مواد معدنی بدن را از میان برده خصوصا موجب رسوب‌قسمتی‌ازموادآهکی‌استخوان‌ها می‌شود . – غالب آزمایشهای انجام شده دراین خصوص ثابت نموده‌اسید سیتریك‌مرکبات هنگامی که باندازه معتدلی مصرف شده نه تنها کمك بنگاهداری مواد آهکی در بدن می‌کند بلکه مواد آهکی اغذیه را در قسمت های مختلفه استخوانها مستقر می‌نماید . فقط این موضوع را متذکر می‌شوند که لیمو ترش بسبب زیادتی ترشی آن مینای دندان را تااندازه‌ای صدمه می‌زند لذا توصیه می‌کنند بهتراست که آب‌لیموی ترش کاملا رقیق مصرف شود .

مرکبات سوای طعم عالی و شیرینی سرشار ازویتامین ث‌میباشند بالاخص که دردورانی ازسال بوفور یافت می‌شوند که سایر میوه های تازه ویتامین دار کمیاب و بسیار گران است .

پوست مرکبات نیز سرشار از ویتامین ث و حاوی مقدار زیادی روغن های مفید اصیل با عطر نافذ بوده و بحالت تازه یا خشک قابل مصرف می‌باشد . – پوست مرکبات را برای تهیه مارمالاد بکار می‌برند واز آسایش آن برای خوشبو نمودن پاره‌ای شیرینی ها نیز استفاده می‌کنند .

مقوا

مقوا به دو صورت کیلوئی ووروقه‌ای بفروش می‌رسد که در صورت اخیر قیمت آن برحسب ابعادی که دارد فرق می‌کند . مقوا از نقطه نظر جنس واستحکام به مقوای ورقه‌ای ، مقوای ماشینی ، مقوای معمولی ، مقوای بریستول، مقوای نازك‌بریستول ، مقوای نازك معمولی و بالاخره مقوای قیراندود دسته‌بندی می‌شود .

مقوای ورقه‌ای — برنگ های مختلف قرمز (که جنس آن خیلی عالی ومحکم است) آبی (که‌استحکام متوسط دارد) و خاکستری (که معمولی است) ساخته می‌شود . دو نوع اول بخصوص در ساختن جلد های اعلا ونوع خاکستری آن برای تهیه جلد های معمولی و کارتون مصرفی اداره ها و غیره ، بکار می‌رود .

مقوای ماشینی یاخمیری — فقط برنگ خاکستری ساخته می‌شود و مورد استعمال آن در قاب سازی و ساختن جلد های مقوائی است .

مقوای معمولی — از نظرجنس پائین ترین نوع مقواست ، رنگ آن خاکستری یا زرد است و برای لفاف بندی اشیاء بکار می‌رود . مقوای موج‌دارکه از دو ورقه تشکیل شده است ، یك ورقه‌آن‌چین خورده و دیگری صاف است وایندو را روی هم چسبانده‌اند . این نوع مقوا برای لفاف بندی و محافظت اشیاء شکستنی (شیشه — چینی و غیره) بکار می‌رود .

کارتون وکارت های بریستول— بصورت ورقه های ۶۵×۵۰ سانتی متری سفید ورنگی بفروش می‌رسد. مصرف آنها برای کارهای هنری ، کارت دعوت و غیره است .

غیراز کارت بریستول ، کارت های ارزانتر دیگری وجود دارد که از بریستول کم دوام تر وبرنگ های مختلف به فروش می‌رسد . دیگر مقوای صاف و مقوای معمولی است که مصارف متعدد دارند ولی بیشتر در صحافی ، جلد سازی و قاب سازی بکار می‌روند .

کارتون یا مقوای قیر اندود — که برای ساختن سقف های سبك و ارزان از آن استفاده می‌شود .

موز :

موز :

میوه‌ایست که از جزایرقناری— کامرون — گاند لوپ — گینه‌ مارتینیك صادر شده و در تمام مدت سال بفروش میرسد . این میوه وقتی که کاملا رسیده است سرشار از مواد قندی میباشد(۲۲ درصد) موز بسیار مغذی است و موادمتشکله آن طوری است که هر ۱۰۰ گرم آن ۱۰۰ کالری حرارت‌تولید میکند . از لحاظ ذخیره ویتامین ب بپای میوه‌های ترش نمیرسد .ولی جزو میوه‌هائی است، که برای مبارزه با بیماری **اسکوربوت** (کمبود ویتامین ث) مورد توجه قرار میگیرد . یك موز متوسط ۱۳۰ گرم وزن دارد که ۶۵ درصد یعنی ۹۰ گرم آن را موادخوراکی تشکیل میدهد .موز یکی از مفیدترین میوه های‌مناطق گرم میباشد . آرد آن غذای‌اصلی اهالی این نواحی است و نیز ازآن نوشابه های تخمیری و عرق می سازند .

این میوه در جنوب ایران بعمل میآید و بشکل رسیده عرضه می شود .

موز خشك کرده :

این محصول غذائی از موزتقریبا رسیده که پوست کنده و خشك‌شده و در جعبه هائی بسته بندی‌گردیده است درست میشود .

موز رسیده :

دارای اهمیت غذائی است. گوشت آن نرم — آبدار —شیرین معطر — خوشمزه — سهل‌الهضم و بسیار مغذی بوده تقریبا غذای کاملی است .

خرید :

موز جزایر قناری کمانی شکل و خوشمزه‌تر است . نوع پرگوشت ترآن‌که کمتر خمیدگی‌دارد اغلب لعابدار و کم عطرتر میباشد.همیشه موزهائی را که برنگ سبز مات مایل بزرد و یا زرد طلائی یك رنگ هستند انتخاب کنید . در رژیم های غذائی باید حساب کرد که از هر ۱۰۰ گرم موز ۳۰ گرم آن پوست و غیر قابل استفاده است .

پخت وپز

موز رسیده اکثرا خام بعنوان دسر صرف میشود و همچنین‌میتوان آن را در فر پخت یاکباب ویاآب پز کرد ویا باآن املت یا نان شیرینی درست کرد و از آن غذای سبك و خوشمزه‌ای ساخت .

شیرینی موز

چند موزه رسیده را گرفته دو نیم کنید گوشت آن را در آورده و پوستش رانگاه دارید موزهای نصف شده را سه دقیقه در شربت بجوشانید بعد آن ها را روی‌ظرف مشبکی بگذارید تا آبش بروث سپس روی آن‌را با زردآلوی خرد شده بپوشانید و باآلوبالوی لهیده و در شکر قوام آمده و خربزه سبزی که‌به تکه های بسیار کوچك تقسیم شده تزیین کنید . بقیه‌موزها را از الك نرم رد کنید و همان اندازه کرم شانتینی معطر که با عرق آلوبالو مخلوطشده‌است به‌آن اضافه کنید . داخل پوسته ها رااز این کرم بمالید و بعد موزهای نصفه را که تزیین کرده‌اید درآن جا داده یخ کرده صرف کنید .

موز باکرم

شش جا کرمی را چرب‌کرده و آن‌ها را با پوسته های‌موزبپوشانید از طرف دیگر مایه زیر را تهیه کنید :

یك چهارم لیتر شیر جوشیده وانیل‌دار را با ۷۰ گرم شکرخوب بزنید و کم‌کم روی یك تخم مرغ تمام و دو زرده تخم زده شده بریزید . این مخلوط را صاف‌کنید. جا کرمی ها را پر کرده و آن‌ها را در ظرفی که آب جوش دارد قرار دهید و مدت سه دقیقه درفر بسیار گرم بگذارید تا بپزد و بعد سردسرد آن را صرف کنید .

موز بفرم اسپانیولی :

موزهای رسیده را بدقت پوست بکنید واز طول بدو نیم کنید سپس آن ها رادر تخم مرغ زرد و آرد غلطانده در کره روی آتش تند دو طرف آن را سرخ کنید آنگاه در دیسی چیده روی آن را شکر بپاشید و دو گیلاس لیکور رم یا فلامبر روی آن بریزید .

مهر

مهر — مهر کوچکی که به یك‌دسته کمابیش زینتی یا یك‌حلقه فلزی قیمتی متصل شده و درانتهای دسته یا حلقه ، صفحهٔ آن قراردارد که روی آن حروف اول اسم با علامت صاحب مهر ، بطور برجسته یا گود حك شده است .

نقره .

نقره فلزیست سفید ، براق . با وزن مخصوص ۱۰٫۵ ودرحرارت ۹۵۴ درجه سانتی گراد ذوب‌می‌شود .

اجسام سخت بر روی آن بآسانی خط میاندازند و بهمین جهت ، در بسیاری از مواقع آنرا بامقداری مس ترکیب‌میکنند.

نقره در برابر گرما ، قدرت انتقال زیادی ندارد ، بطوری که مایع گرمی که در ظرفی از نقره صیقلی شده باشد ، خیلی دیر سرد میشود .

اکسیژن هوا بر روی نقره اثری نمیگذاردو لیکن‌باکوچکترین تماس با ترکیبات گوگردی(مانند زردی تخم‌مرغ یا گازهای مختلف) سیاه میگردد . بسیاری ازترکیبات نقره را در پزشکی بکار میبرند مثل نیترات نقره یا کلارگول .

پاک کردن جواهر نقره‌ای

برای پاک کردن جواهر نقره‌ای از آب‌صابون‌میتوان‌استفاده کرد ، بدین طریق‌که در آب مقدار زیادی صابون باید حل نمود و جواهر را در آن شست وحتی بوسیله مسواکی خوب پاک کرد، البته بشرطی که سنگ قیمتی روی شیئی مورد نظر کار گذاشته نشده باشد.

بعد ازاین شست وشو ،جواهر را باید خوب آب کشید و با پارچه نازک یا تکه چرم نرمی‌خشک کرد.

پاک‌کردن اشیاء ظریف نقره‌ای

پاک‌کردن اشیاء ظریف‌نقره‌ای مانند ، نقره آلات و اسباب ولوازم نقره‌ای میز غذا صورت می ـ گیرد .

پاک کردن گلدوزی های نقره‌ای برای پاک کردن نخ های نقره‌ای گلدوزی شده ، کمی‌زرداب گاو را باآب مخلوط کنید و بایک تکه پارچه که با این مایع آغشته شده ، بر روی نخ های نقره‌ای خوب بمالید تا پاک وبراق گردند.

برای دادن ظاهر قدیمی به اشیاء نقره‌ای ، آن ها را بامحلول سولفیدرات آمونیاک به سنت٪۱۰ بوسیله یک قلم مو ، آغشته کنید و بعد سفیدآب را بر روی‌پارچه‌ای گذاشته و بر روی شیئی موردنظر بسایید.

در این موقع قسمت های گود و فرو رفته ، برنگ سیر باقی میمانند و شیئی حالت قدیمی بخود میگیرد .

اسباب نقره

منظور از نقره آلات، مجموع اشیاء و لوازم نقره‌ای مخصوصا اسباب و لوازم میز غذا مانندکارد، چنگال ، بشقاب قهوه جوش و غیره است.

پاک کردن روزانه

برای تمیز کردن و شستن نقره آلاتی که هر روز مورد استفاده قرار میگیرند . آب‌گرم و صابون کافی است . برای‌خشک کردن آنها بهتر است اول از پارچه لطیف و نازکی استفاده نمود و بعد با تکه چرم فرمی شفافیت آنها را دو برابر کرد.

نظافت نقره های کدر و تار شده

اشیاء نقره‌ای که‌هرروزمورد استفاده قرار نمیگیرند ، حتی اگر در جعبه‌ای نگهداری شوند. باز بعد از مدتی ، کدر شده‌وجلا و شفافیتشان را براثر هیدرژن سولفوره‌ای که همیشه در هوای اطاق بمقدار کم موجود است ، از دست میدهند .

پاک کردن ورقه سولفور از روی این اشیاء به سه‌طریق ممکن است .

مالش ، انحلال و یا هر دوی آن ها با هم ، برای پاک کردن و صیقلی نمودن اشیاء نقره‌ای محصولات حاضر و آماده را که به این کار اختصاص داده شده ، در فروشگاهها بدست آورید . البته قبل از خرید، مطلع شدن از عقیده زرگر در این‌باره، بدون فایده نخواهد بود.

نوشابه

این‌اسم بتمام مایعاتی که نوشیده میشوند اطلاق میگردد از لحاظ فیزیولوژی نوشابه کمبود آب بدن را که براثر انجام اعمال حیاتی (تنفس ، تعریق ، عمل‌ادرار) از دست میدهد ، جبران مینماید. بنابراین نوشیدن آب پاک برای رفع خستگی (که عبارت ازنقصان آب بدن میباشد) کافی است .در حقیقت این تنها نوشابه‌ایست که برای بدن ضرور میباشد .

بهداشت ـ خوردن آب قبل از غذا مضر است چه شیره معده قبل ازانجام وظیفه بر اثر ورود آب رقیق میشود همچنین بهمین دلیل خوردن آب زیاد در موقع غذا خوردن نافع نیست . آب نوشیدنی باید تازه و خنک و مطبوع باشد خوردن‌آب خنک بمقدار کم ، عمل هضم را آسان میکند ولی چنانچه آب‌سرد و آب یخ زیاد خورده‌شود در این صورت اختلالاتی در معده و روده پدیدار خواهد شد و نیز خوردن آب سرد وآب یخ در موقع احساس گرما خطرناک میباشد. خوردن نوشابه های تخمیر شده‌به مقدار کم مفید است و افراط در نوشیدن شراب و عرق و لیکور انسان را به الکل معتاد مینماید

درجه‌بندی نوشابه‌ها

نوشابه ها را بسه دسته تقسیم کرده‌اند :

نوشابه هائی که تخمیر نشده‌اندو نوشابه هائی که تخمیر شده‌اند و نوشابه های الکلی .

نوشابه های تخمیر نشده ـ آب

بهترین نوشابه ها آبی است که تمام شرایط سلامت در آن جمع شده باشد .

آبهای معدنی ـ آبهای معدنی آبهائی هستند که املاح معدنی در بر دارند و ممکن است گاز داریا بدون آن باشند . قسمت زیادی از آبهای معدنی باید فقط با اجازه پزشک مصرف شوند . در عوض بعضی از آبهای معدنی در جریان روزهنگام صرف غذا خورده‌میشوند وابدا مضر نمیباشند .

آبهائی که بصورت بطری‌بفروش میرسند و بآن اعلان آب چشمه یا معدنی‌چسبانده‌اند باید مایع‌شرایطی باشد آب بطریهائی که بروی آن اعلان « آب معدنی » نصب شده آبی است مفید و این آب درچشمه در موقع خروج از چشمه وارد بطریهائی که مشتریان آن را می خرند میشود ونیز ممکن است آب چشمه بوسیله کانال ها مستقیماوارد بطری یا ظرف دیگر شوند اسم آب معدنی یا آب معدنی طبیعی (اصطلاح مشابه) منحصرا بآبهائی اطلاق میشود که از چشمه بدست آمده و دولت اجازه‌استفاده از آن را طبق شرایط قانونی صادر نموده است .

آبهای معدنی مصنوعی یا آبهائی که مصنوعا معدنی شده‌اند از اضافه کردن‌موادمعدنی برای آب‌نوشیدنی بدست آمده‌اند تهیه اینگونه آبها باید باکسب اجازه از مقامات صلاحیتدار محل انجام گیرد .

نوشابه‌های گازدار

بردو نوع هستند نوشابه هائی که گاز آنهاطبیعی است ونوشابه هائی که آنها را گازدار کرده و هرروز مقدار زیادی از آن را در مغازه ها میفروشند همچنین‌میتوان مشروب ها را ولیموناد وآب میوه را با اضافه نمودن گاز کربنیک (تحت فشار) گازدار نمود .

با آنکه نوشابه های گازدار مطبوع و خنک کننده هستند معهذا نباید در نوشیدن آن ها افراط نمود .

نوشابه های شیرین

بدو دسته تقسیم میشوند اول شربت هاکه از مخلوط آب وآب میوه‌طبیعی بدست میآیند وهمچنین آنها را بامخلوط آب و مقدار زیادی شکر برای نوشیدن تهیه میکنند . این نوشابه ها مطبوع و سالم میباشند .

این نوشابه ها از آب میوه بدست میآیند و کارخانه‌ها برای نگهداری آن ها طرق مخصوصی بکار میبرند و مصرف زیاد آنهابا وجود گرانی قیمت توصیه می شود .

نوشابه های معطر وگرم

دوم آب میوه هائی که توسط کارخانه ها تهیه میشوند .

این‌اسم به نوشابه هائی که براثر جوشیدن بدست می آیند اطلاق میگردد قهوه چائی‌درصورت عدم افراط نوشابه های محرک و مطبوع هستند .

نوشابه های تخمیر شده

نوشابه‌هائی هستند که موادقندی آن‌ها در شرایط معینی تخمیر می شوند تقریبا تمام محلول شکر در آب براثر تخمیر تبدیل بالکل میشود و گاز کربنیک آن متصاعد میگردد . تمام مواد شیرین و میوه ها وبعضی از دانه ها ،تخمیر و برای ساختن نوشابه های مخصوص مصرف میشوند .

معروفترین و رایج ترین‌نوشابه های تخمیر شده عبارتند از آبجو آب سیب تخمیر شده و شراب .

همچنین میتوان با میوه‌ها نوشابه‌های تخمیر شده بدست آورد این میوه هاعبارتنداز تمشک و آلو وغیره ساختن این نوشابه‌ها براثر زیاد شدن شراب و آبجو و آب سیب تخمیر شده متروک شده است .

نوشابه های مخمربرای بدن مفید ومقوی هستند .بر عکس

استعمال زیاد آنها اختلالاتی در بدن بوجود میآورد و هرقدرالکل آنها بیشتر باشد اختلالات بیشتری دربدن ظاهر میگردد .

نوشابه‌های الکلی

نوشابه های الکلی نوشابه های مقطر هستند و عبارتنداز عرق ها و لیکورها .

مصرف نوشابه های الکلی مضر است از طرف دیگر باید نوشابه های تضمین شده را مصرف نمود .جنس الکل عرق‌هائی که برای بوالهوسی ساخته میشوند و بآنها اسانس معطر میزنند خوب نیست ، مصرف کم نوشابه های الکلی تضمین شده ، بدلیل معطر بودن مطبوع است ومعده رامنقبض وعمل هضم بر اثر آن آسان‌میشود. استعمال زیاد آن ها برای مصرف کننده و اعقاب آنها مضر است.

نوشابه‌ها برای نگهداری منزل و شب نشینی ها

شربت لیمو (۱۲ لیوان)

چند قطعه قند رارویِ ۲ یا ۳ لیمو ترش بمالید و آنها را در دیگی ته باریك با ۲۰۰ گرم شکر و نیم لیتر آب و آب ۵ لیمو ترش بگذارید و مدت ۲ ساعت آن را در جای خنك بگذاریدتا حل شوند و بآن سودا یاآب‌معدنی یا آب معمولی اضافه کنید .آنها را بایك قطعه مدور لیمو ترش در هر لیوان مصرف کنید .

آب پرتقال (۱۲لیوان)

مانند آب پرتقال عمل کنید .به آبی که برای حل شکر میریزید نیم بطری شراب سفید و آب یك لیمو ترش اضافه کنید .

مارکیز (۱۲ لیوان)

۲۵۰ گرم توت فرنگی وحشی (توت فرنگی ریز) و ۲۵۰ گرم تمشك و ۳۰۰ گرم شکر متبلور و یك بطری شامپانی ویك بطری سودا و چند قطعه یخ در سالاد خوری بریزید بعداز گذاشتن سر پوش مدت یکساعت آن را بجوشایند آب یك لیمو ترش بآن اضافه کنید آنها را در لیوان‌های عمیق بگذارید و میوه‌ها را بهم بزنید و یك قطعه یخ روی هریك از لیوان ها برای نوشیدن بگذارید .

لیموناد شربت لیموی گازدار

از یك لیتر آب گازدار و نیم لیتر شربت بسیار شیرین و آب ۵ لیمو ترش و پوست لیمو ترش بدست میآید .



سرویس نوشیدنی‌های خنك

نیل زنی

نیل زنی عملی است که پس از تمیز کردن و شستن لباس‌های زیر ، پارچه های پنبه‌ای وکتانی برای آن که وضع خوش آیندتری پیداکنند انجام میدهند .

نیل زنی معمولا بوسیله ماده آبی رنگ کم دوامی که بصورت گلوله های چند گرمی برنگ آبی پر رنگ و یا بسته های حاوی گرد آن عرضه میشود عملی می‌گردد.

برای شستشوی با نیل باید گلوله لاجورد را در پارچه‌ای‌گره زد و آن را در آب سرد فروبرد این گلوله ها در آب حل نشده ولی فقط ذرات آن با آب مخلوط میشود برای آن که این ذرات در ظرف ته نشین نشود باید قبل‌ازآنکه قطعات پارچه را خیس کنند آب را خوب بهم بزنند .

با استفاده از مواد رنگین قابل‌حل(بلودومتیلن‌ـ‌وبوله‌اندیگو و فورمیل) بمقدار بسیار کم نیز میتوان عمل نیل زنی را انجام داد در هر دو صورت آب باید مختصر رنگی بخود بگیرد .

مقصود از بکار بردن رنگ آبی رنگ کردن پارچه نیست بلکه خنثی‌کردن اثر زردی است‌که پس از شستشو روی پارچه باقی میماند. ولی اغلب نیل زنی پارچه را کدر کرده و باعث میشود که شفافیت خود را ازدست بدهد .

نیم تنه

نیم تنه یابولرو : کت کوتاه که سینه را می پوشاند و تاکمریا چند سانتیمتر بالاتر از آن میرسد و ممکن است توسط قطعه‌ای زیرین به پیراهن متصل شود .

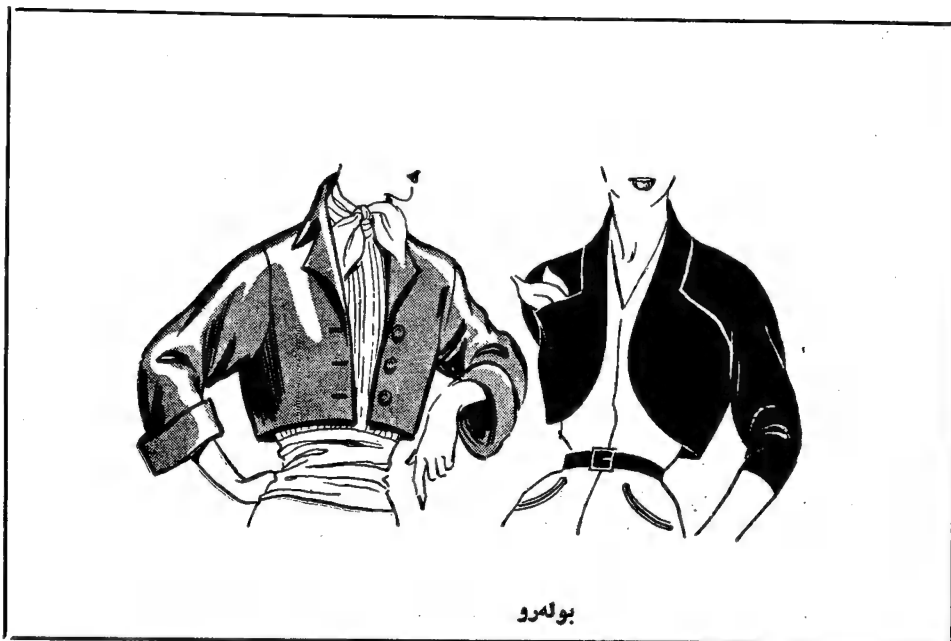
یا متحرك و مکمل‌پیراهن‌باشدو آستین‌آن بر گشته یا کمی پائین‌تر از آرنج (یعنی نسبتا کوتاه) باشد .

از هر پارچه‌ای میتوان برای دوختن بولرو استفاده نمود یك مدل برودری یاتوری پیراهن شب رامانند بولروی خزی کامل میکند برش و طرز اتصال بولرو برحسب مد وپارچه و شکل لباسی که باآن پوشیده میشود فرق میکند .

نیمکت (متحرك)

قدیمی ترین نوع صندلی است. متشکل از یك سطح ساده و چهار پایه‌ای که بصورت چهار گوش ناقص بریده شده است و برای آنکه بمرحله صندلیهای مجلل پر زرق و برق با پشتی های بزرگ وسایبان که مخصوص اشخاص مهم است برسد بمرور زمان تغییرات بیشماری (از لحاظ تکیه گاه و پشتی) در وضع ظاهری آن داده شده است .

نوع ساده‌تر آن در منزل مورد استفاده است و معمولا در کنار بخاری جاداده میشود . برای‌آنکه بشود از هر طرف روی آن نشست نوعی پشتی که بر روی محوری متحرك است برای آن تهیه میکنند وباین ترتیب نیمکت گردانش می نامند . نیمکتهائی که نشیمنگاه‌آن بشکل صندوقی است که در داخلش



بولرو

لباس‌میگذارند ثابت میباشد در این صورت میزی را که پایه هـای متحرك دارد بآن نزدیك میکنند .

دربسیاری از خانه های روستائی هنوز صندلی های یك نفره و چهار پایه نتوانسته است جانشین نیمکت گردد .

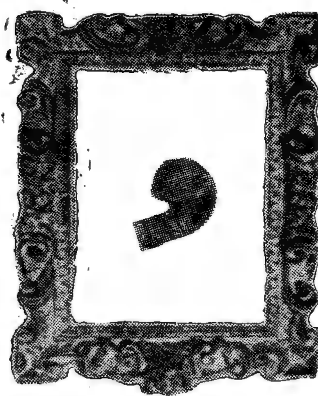
امروزه بسیاری از دکوراتورها برای تزیین خانه های ییلاقی از نیمکت استفاده میکنند . همانطوری که هنوز در کلیساها واماکن‌عمومی و سالن های انتظار و غیره نیمکت گذاشته میشود .

برای کوچه ها وباغها انـواع دیگر نیمکت از چوب رنگ زده، چوب و آهن ، سنگ ، سیمان و غیره ساخته میشود .

نیمکت بدون پشتی

نیمکت سبك و ابتدائیست که‌از نظر اینکه راحت‌تر باشد روی آن را پارچه میکوبند از قرن هفدهم به بعد صندلی مخصوص پیشخدمت های‌رسمی بوده و در کنار دیوار قرار داده میشود . از این نـوع نیمکت برای محلهای اجتماع و جشنها استفاده میگردد .

وبالاخره چهار پایه جلو پیانو نوعی از این نیمکت است که زیاد طویل نبوده و فقط دو نفرمیتوانند روی آن در مقابل جا انگشتی‌ها قرار گرفته و با چهار دسـت بزنند .



واکس

ترکیبی است که برای تمیز کردن و برق انداختن کفش، کیف واشیاء چرمی دیگر بکار بـرده میشود.

واکس بر سه قسم است‌واکس ساده ، واکس وکرمهای مخلوط، واکس و کرمهای مخلوط با آب.

خاصیت واکس

یك واکس خوب باید ایـن خواص را در برداشته باشد: موجب خرابی چرم نشود ، با حداقل‌مالش براق گردد ، اندود واکسی که بر روی کفش گذارده میشود باید خشك و سفت باشد تا بـرق حاصله پر دوام بماند ، بااین حال باید تا اندازه‌ای نرم باشد تا براثر خمیدگی چرم خرد نشود ، واکس باید در مقابل باران ، آب گودال یا شبنم مقاومت داشته باشد ، خلاصه باید از نفوذ آب در چرم‌جلوگیری کند . یك واکس خوب لکه‌ای برروی لباس یا شلواری که با آن تماس دارد ، باقی نمیگذارد و همچنین گرد و خاك نمیگیـرد. میتوان گفت که بر روی واکس خوب که بر روی چرم زده شده (البته بعد از برق انداختن آن)اثر یا خطی از انگشت باقی نمی ـ ماند.

واکس های مخلوط با آب در صورتیکه بطرز صحیح و خوب تهیه شده باشند ، میتوانند برق و زیبائی به چرم به بخشند.

صابونهای موم غالبا بیشترو بهتر از خود موم برق میزنندولی نقص بزرگ آن اینست‌که در آب حل میگردد و در نتیجه درمقابل آب باران مقاومتی ندارد و نیز دارای خاصیت قلیائی میباشد کـه از حل کردن موم در آب بوسیله (بوره) وکاربنات‌سود که بر روی چرم اثر بدی دارد بـدست میآید.

واکس وکرمهای مخلوط نیز همان نقصهای واکس با آب را دارند زیرا که همان ترکیبـات را برای دادن ظاهری حل‌کننده با اسانس تر بانتین مخلـوط می‌ـ نمایند.

نگهداری ومواظبت

برای نگهداری و مواظبـت کفش های معمولی روزانه وکار، تنها از واکسهای خوب بایـد از تربانتین و واکس سفت استفاده کرد . برای کفش های ظریف و لوکس ، میتوان خواه واکس باتربانتین و خواه واکس هـا و کرمهای مخلوط یا با آب بکار برد زیرا که زیر کفش ظریـف زودتر از رویه آن فرسوده میشود واز بین میرود و آن را بیش از یك یا دو بار نمیتوان تعمیر کرد. در این صورت استعمال واکس‌هائی که از نفوذ آب در چرم‌جلوگیری میکنند و یا نرمش آن را حفظ مینمایند در مورد این نوع‌کفش‌ها لزومی ندارد و پیش از آن که خاصیت قلیائی کرمهای مخلوط با آب که برق زیبائی به چرم می‌بخشند ، چرم را خراب‌کند، دیگر اثری از زیر کفش باقی نخواهد ماند.

برای پاك کردن چرم ، کرم هائی موسوم به لوکس که دارای مواد حل کننده که غالبا مخلوطی از تربانتین واسانس معدنی است، موجود است . به این نوع کرمهـا بیشتر اوقات عطر های خوشبوئی نیز اضافه میکنند.

این کرم ها را میتوان دربازار خواه بصورت خمیر ، در لوله ویا ظرف کوچك و خواه بصـورت نیمه مایع در شیشه ابتیاع نمود.

وان:

وان از لوازم اساس حمام بوده و از چدن و یا آهن لعاب داده ساخته میشود و دارای‌محل تخلیه‌ایست که بلوله خمیده‌ای‌منتهی میگردد بعضی از وان های تجملی از سنگ ساخته میشوند .

پر کردن آن از آب‌گرم‌و سرد اغلب بوسیله یك شیر مستقل و یك شیر مخلوط کن و یادر صورت امکان شیر تنظیم کننـده انجام میگردد .

خالی کردن وان بـوسیله دستگاه تخلیه با فرمان و یا بـا دریچه‌ایکه بزنجیری متصل شده صورت میگیرد .

نیمکت‌های چوبی رنگ شده برای پارك یا باغ

اندازه متوسط آن ۶۰ر۱متر در ۷۲ر. متر است و آنرا یکسره و یا دو سره قابل نصب و یا غیر قابل نصب میسازند یکنوع وان چهارگوش که داخل آن لوزی شکل است ساخته میشود که فقط محلی که اشغال میکند (۲۲ر۱× ۲۲ر۱متر) است و انسان میتواند براحتی روی لبه آن بنشیند.

وان‌کوچك :

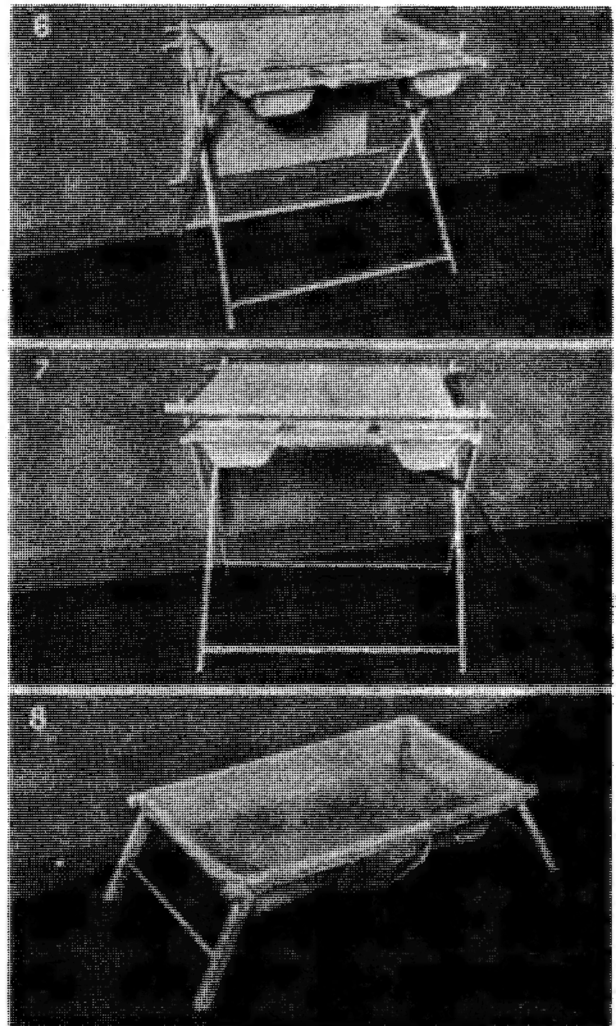
برای جاهای تنگ نوعی وان که طول و جاگیری و مقدار آب آن بسیار کم است پیش‌بینی کرده‌اند که در آن نشسته باید استحمام کنند در عوض ارتفاع آن (۷۵ر. متر) بیشتر ازارتفاع وانهای بزرگ (۶۷ر. متر) است و درنتیجه داخل شدن در آن قدری مشکل است.

وان حوضچه‌ای :

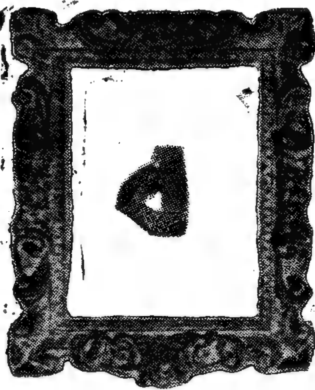
بدین جهت آن را وان حوضچه‌ای مینامند که بسیار مجلل و بزرگ است و روی زمین نصب میشود معمولا از بتون ساخته شده و روی آن را با سرامیك، موزائیك و یا مرمر میپوشانند.

وان بچه :

برای بچه‌های کوچك‌وانهای کوچك و پایه‌دار عملی‌تر است‌چون مادرهنگام شستشوی بچه ناچاربخم شدن نیست برای این وان‌ها بندرت وسیله پر کردن تعبیه می شود برای آماده کردن فوری آن از شیر های آب گرم و آب سرد وان معمولی استفاده می کنندبرای بچه‌های‌شیرخوار‌وان‌های‌کائوچوئی خیلی راحت است و روی چهار-پایه‌ای از چوب که پایه هایش تا میشوند گذاشته میشود.



سه نوع دیگر وان . اول ودوم بشکل میز ساخته شده است مدل سوم روی هم جمع میشود .



هواسنج

دستگاهی که برای اندازه‌گیری فشار اتمسفر مورد استفاده قرار می‌گیرد .

بوسیله نوسانات عقربه های این دستگاه می‌توان تقریباً وضع هـوا را در مواقع مختلف تعیین نمائیم. وقتی فشار کم می‌شود عقربه پائین می‌آید نشانه خراب شدن هواست . (باران ابر و غیره) و برعکس وقتی عقربه یکمرتبه بالا می‌رود طوفان را می‌توان پیش بینی کرد . چون ارتفاع در آن موثر است باید در یك سانتیمتر ۱۰۵ میلی متر اشتباه ملحوظ کرد .

هواسنج را دونوع می‌سازند . جیوه‌ای و فنری .

هواسنج جیوه‌ای ـ تشکیل شده از یك لوله شیشه ای که پر از جیوه است و یك طرف آن بازاست این ستون جیوه‌ای بسیار حساس است و با کوچکترین تغییر فشار هوا حرکت می‌کند .

برای جابجانمودن ستون شیشه‌ای باید آنرا خم نموده تا جیوه ستون را پر کند .

برای جلوگیری از اکسید شدن جیوه باید چند قطره روغن درمحلی که جیوه با هواتماس دارد قرارداد و همچنین قراردادن کمی پنبه می‌توان از نشستن گرد و خاك روی جیوه جلوگیری نمود اما متناوبا باید آنرا عوض کرد .

هواسنج فلزی با فلزات مختلف ساخته می‌شود این نوع هواسنج‌ها زیاد سنگین نیست ولی از هواسنج جیوه‌ای محکم تر است . هواسنج فلزی زیاد حساس نیست .

این هواسنج ها از یك جعبه استوانه شکل از مس نازك ساخته می‌شود که انتهای آن جای بیشتری دارد که با هوا تماس زیاد تری پیدا کند .

هواسنج ضبط کننده .

این هواسنج ها معمولا فلزی هستند که بطور خودکار تغییرات هوا را بوسیله یك قلم خودنویس روی کاغذ لوله شده (روی یك استوانه) می‌نویسند . طرز کار این هواسنج ها درست شبیه کار ساعت است .

هویج

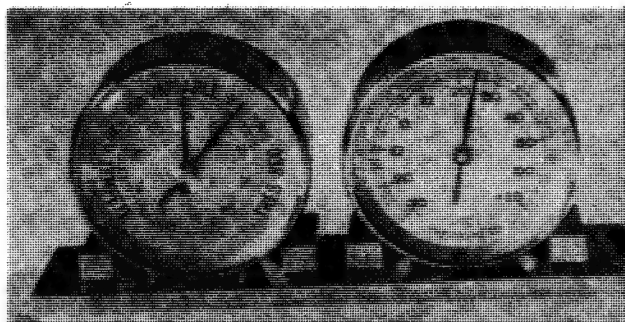
گیاهی است از خانوادهٔ چتریان ، که در باغها و مزرعه‌ها کاشته می‌شود وانواع ریشه های آن اعم از قرمز (که درایران به هویج فرنگی معروف است)وزرد به‌مصرف غذای انسان می‌رسد .

هویج از دسته سبزیهائی است که ریشهٔ حجیم و خوراکی‌دارد وبرای رشد به خاك عمیق ، نرم و غنی از مواد آلی محتاج است . خاك های خشك ، شن‌دار ، رس برای کاشتن هویج مناسب نیست . رویش ونمو دانهٔ این‌گیاه که‌درحدود پانزدهمین تا بیستمین روز کاشتن تخم شروع می‌شود بهتر است در موسم خشکی هوا باشد .

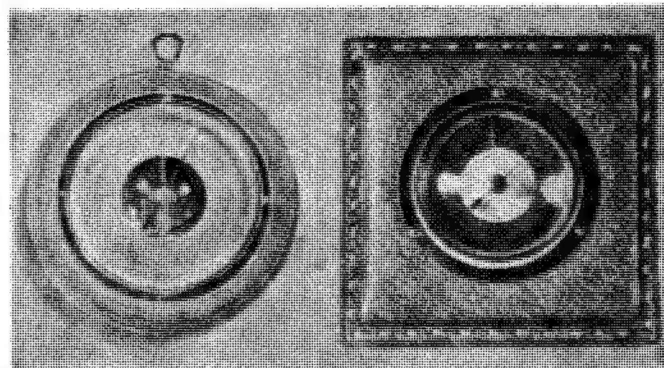
بذر افشانی بصورت شعاع های عمیق ۲ تا ۳ سانتیمتری که به فواصل ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر از یکدیگرقرار دارندصورت می‌گیرد. دانه‌ها با ۱ تا ۲ سانتیمتر خاك نرم پوشیده می‌شود . بهتر است برای این کار از خاك برگ الك کرده استفاده کرد . در آخر کار با پشت شن کش یا تخماق روی خاك می‌کوبند تا تخم ها بهتر به خاك به چسبد .

پس‌از اینکه ساقه های‌هویج کمی رشد کرد ، هویج های زرد را وجین می‌کنندو پس‌ازاولین بارانی که مزرعه خورد مقداری نیترات دو سود معادل ۱ تا ۲ گرم برای هر متر مربع زمین زراعتی در مزرعه می‌پاشند . این ماده محصول هویج را در مقابل آفاتی ازقبیل آفات دستهٔ عنکبوتیان و شتهٔ ریشه ، محافظت‌می‌کند. هویج‌هارا می‌توان باندازه کافی که رشد کردند بـه تدریج از خاك بیرون آورده و مصرف کرد . در کشت های اول فصل ، اولین ریشه های قابل‌مصرف را بعنوان نوبر به بازار می‌فرستند وبقیه هویج هارا پس از اینکه رشد کافی کردند جمع‌آوری می‌نمایند.

(بالا) ـ بارومتر و ترمومتر باهم برای دفتر کار



(پائین) ـ بارومتر فلزی دیواری ورومیزی



لازم است پس از هر برداشت زمین را خوب آب داد تارشد بقیه ریشه ها متوقف نشود .

برای اینکه هویج در فصول مختلفهٔ سال دربازار باشد بذرافشانی را در زمانهای مختلف انجام می‌دهند : آخر فوریه یا اول مارس برحسب‌آب و هوا وسیستم‌کشاورزی منطقه قطعاتی از زمین را که روی آنها با سقف های شیشه‌ای پوشیده شده ویاقسمت هائی از مزرعه راکه در کنار رود خانه قرار دارند ، بذرپاشی می‌کنند . محصول این کاشتن در اردیبهشت و خرداد برداشت می‌شود . اگر بذر را در اسفند و فروردین بکاریم محصول در تابستان بدست خواهد آمد . در صورتیکه‌در اردی‌بهشت وخرداد ویانیمهٔ اول تیر تخم بنشانیم ، محصول در فصل پائیز برای جمع آوری آماده است که مقداری از آن برای زمستان ذخیره می‌شود و بالاخره اگر در نیمه اول امرداد تخم پاشی کنیم محصول هویج در اواخر زمستان دست می‌دهد و چون این هویج‌هاهنوزنمو کافی نکرده‌اند اگر وضع آب و هوای‌منطقه طوری نباشد که محصول یخ بزند و ضایع شود ، ریشه ها را همانجازیر خاکی بحال خود می‌گذاریم تارشد کافی کنند و آنوقت برای مصرف ازخاك خارج می‌کنیم .

ذخیرهٔ هویج در فصل زمستان با استفاده از زیر زمین و ماسه‌انجام می‌گیرد . برای جلوگیری از پوسیدگی هویج ها در زیر شن باید آنها را تمیز کرده و خاك و گل روی آنها را بگیریم و بعد در زیر ماسه قرار دهیم .

انواع ــ شکل ریشه های هویج بستگی به نوع دانه ، زمان کشت و سیستم کشاورزی دارد . در زیر هویج هارا بر حسب اندازه وفصلی که برای کشت آنها مناسب است تقسیم بندی شده‌است .

هو یج بلو و گرلو

برای کشت های غیر طبیعی (در بهار) مناسب‌اند .

ریشه‌های کوتاه

هویج قرمز پاریسی

هویج متوسط شانتنه

هویج گرد گراند

هویج گرد نانت

ریشه های متوسط

برای کشت های فصلی مناسب‌اند

هویج بلند و صاف مو

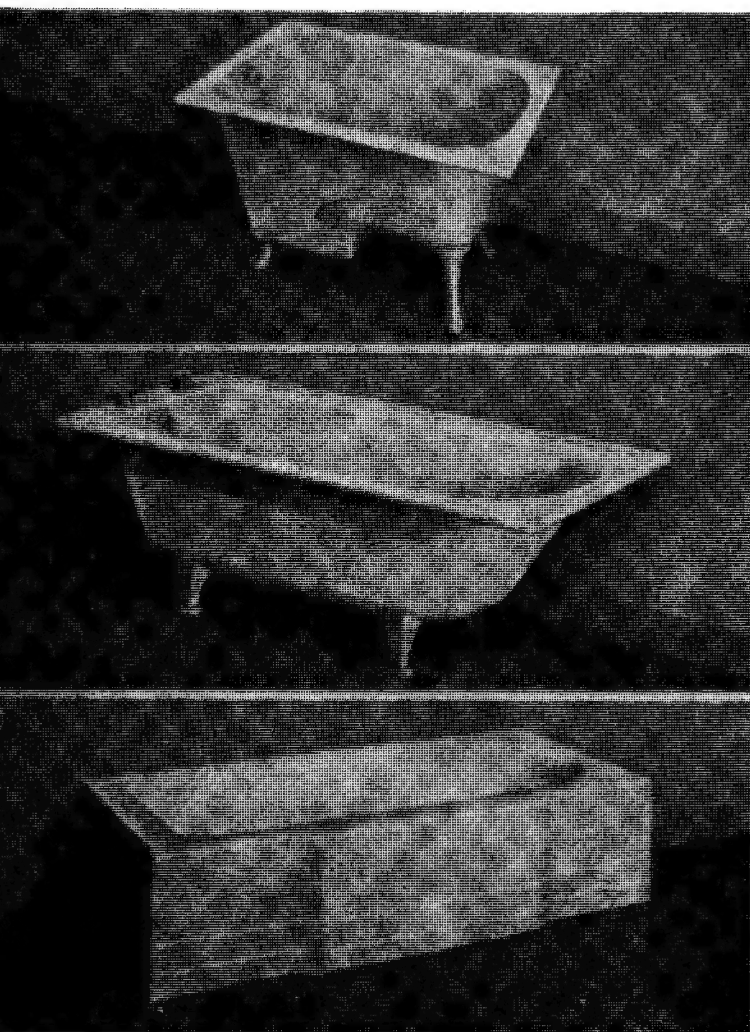
ریشه های بلند

هویج بلند سن‌والری

برای ذخیره زمستان و کشت فصلی مناسب‌ترند .

بازده کشت ــ از هر متر مربع زمین برحسب فصل کشت ، مراقبت ومواظبت وسیستم کشاورزی ۲ الی ۳ کیلو گرم هویج بدست می‌آید هویج سرتاسر سال دربازار وجود دارد . در حدود ماه اسفند هویج های تازه که محصول مناطق معتدل هستند به بازار می‌آید . در نیمه خرداد محصول بومی به مقدار فراوان از هر سو برای فروش به بازار ها سرازیر می‌شود .

خرید ــ وقتی که هویج های تازه (نوبر) به بازار می‌آید . عده‌ای از مغازه دارها هویج های ریز و کهنه سال پیش را بکمك ــ آب وبرس پاك کرده وبجای هویج



سه نوع مختلف وان

های تازه به مردم می‌فروشند. برای جلوگیری ازاین تقلب رایج باید بدانیم که هویج های تازه دسته دسته بفروش می‌رسند و بعلاوه برگ های سبز خود را هنوز همراه دارند، سطح آنها نیز کاملا صاف وبدون چروك یا لکه های سیاه‌است

ارزش غذائی – تجزیه‌نشان داده که هر یکصد گرم هویج ۸۸ گرم آب ۱،۰ گرم پروتید ، ۰،۳ گرم چربی ۹ گرم قند دارد و از سوختن یکصد گرم‌آن ۴۳ کالری حرارت در بدن ایجاد می‌شود. بعلاوه مقدار معتنابهی مواد معدنی در هویج وجود دارد که در میان آنها گوگرد، فسفر، کلر، پتاسیم، مینزیم، کلسیم، سدیم قابل ذکر است و بعلاوه آهن روی، مس، منگنز ویدنیز بمقدار کم‌در ترکیب آن پیدا شده‌است . ویتامین های هویج محلول در آب‌بوده و درمیان آنها گروه ویتامین های ضد اسکوربوت (ویتامین D) را می‌توان نام برد که به مقدار ۹ میلی گرم در صد در هویج وجود دارد . هویج اگر رنده شود مواد غذائی آن بهتر در بدن راه پیدا می‌کند تا اینکه بصورت درسته یا خام خورده شود.

جیره غذائی – هویج به مقدار زیاد در ترکیب خوراك های‌مختلف بکار می‌رود و معمولا ۱ کیلوگرم آن برای تهیه یك خوراك ۵ نفری کافیست . اگر غذا آبکی باشد همین مقدار برای شش نفر هم کافیست . وقتی هویج را برای تزئین دیس خوراك مصرف می‌کنیم یك کیلو گرم آن برای هشت نفر هم کفایت می‌کند.

پخت‌وپز– برای‌مصرف‌هویج بهتر است پوست آنرا باکارد تراشید. زیرا برداشتن قشری از پوست آن سبب می‌شود که مواد غذائی ای که در قسمت محیطی ریشه قرار دارد از بین برود . تراشیدن پوست هویج را بکمك آب وبرس نیز می‌توان انجام داد زیرا بااین عمل هم فقط قسمت نازك سطحی پوست که ارزش زیادی از نظر غذائی ندارد از آن جدا می‌شود. هویج هائی را که بعنوان ذخیره در زیر خاك نگهداری می‌شوندپس از مدتی قسمت مرکزی شان سفت وچوبی شده وبرای مصرف آنهالازم است ازاین قسمت‌صرفنظر کرد.

هویج بعنوان چاشنی در ترکیب بعضی از غذا ها مثل خوراك دل جگر، خوراك ماهی، وغیره بکار می‌رود. هویج رنده شده‌ای را که با چند قطره آب لیمو یا سرکه و مقداری سبزی خرد کرده مخلوط شده باشد بعنوان پیش غذا مصرف می‌کنند، این مخلوط ترکیب از موادی است که همگی ویتامین C (ث) در بردارند. هویج آب پزرا در تهیه اغلب سالادها بخصوص سالاد روسی مصرف می‌کنند. همین طور هویج آب پز را با کرهٔ آب شده مخلوط کرده و نمك و فلفل و جعفری خرد شده به آن اضافه می‌کنند و بعنوان سالادمصرف می‌نمایند. بجای کره می‌توان خامه یا سوس بکار برد.

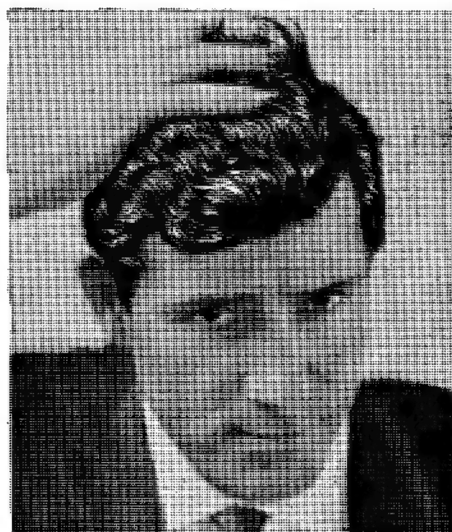

شامپوی جدید گیاهی



۱- آدم با این موهای آشفته چکار کنه ؟



۲- برای خودش این قیافه را بسازه ؟



۳- یا همیشه با دست نگهداره ؟



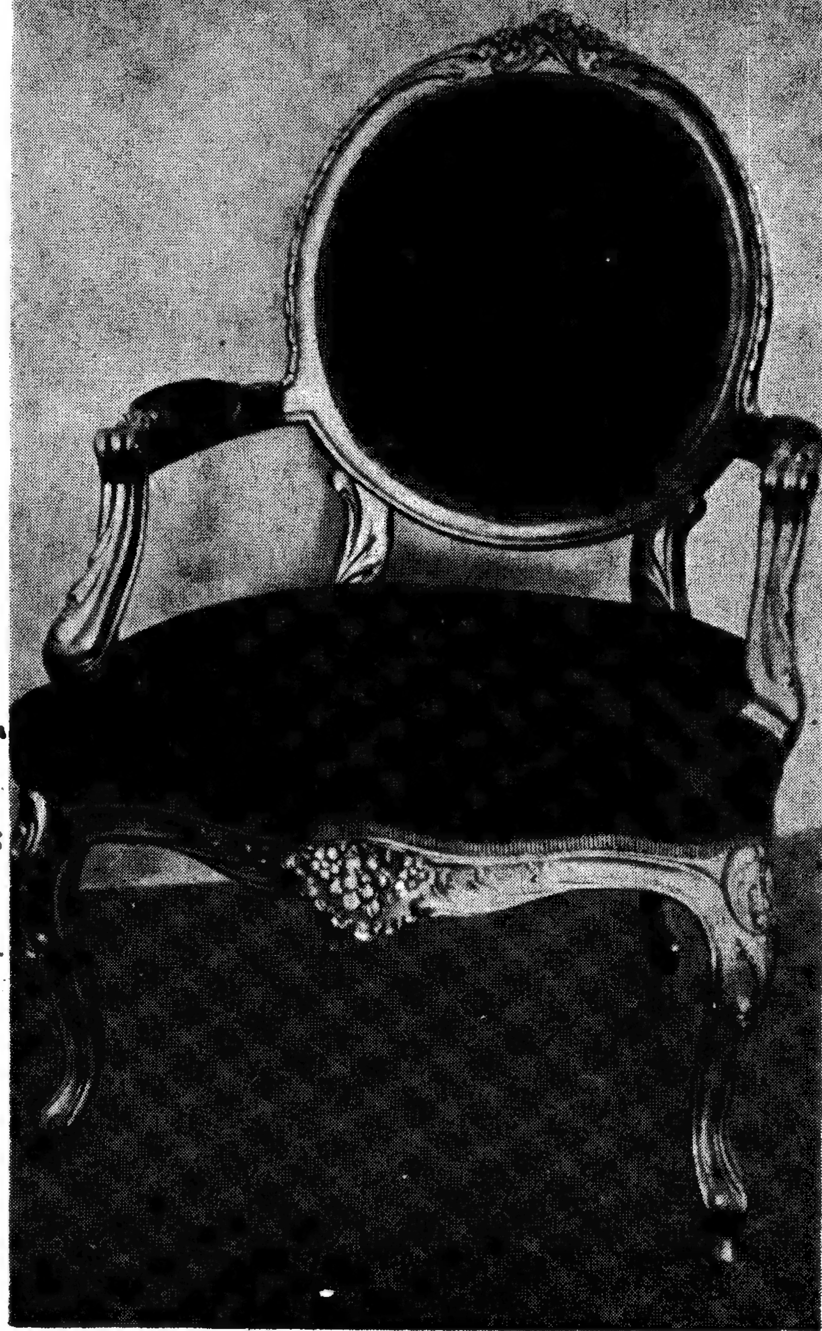
۴- نه هیچکدوم ... از فیت استفاده کنه
که موی مرتب و خیال راحت داشته باشه



فیت کرم محافظ موی سر برای آقایان

فیت دارای ماده مخصوص سیلیکون و ویتامین F برای تقویت موها

فیت محصول شوارتسکف آلمان مانند صدها فراورده معروف جهانی دیگر در تیدی تهران - ایران تهیه میگردد



مبل استیل صنیعی

تمدن عالی جهان امروز نتیجهٔ کوشش و تلاشهای گروه معدودی است که تاریخ تمدن ملتها نام آنـان را بافتخـار و بزرگی یاد میکند . این گروه انگشت شمار که بنام سازندگان اجتماع مترقی معروفند عبارتند از : مخترعیـن ، مهندسیـن ، پزشکان ، معماران، منبت کاران و بالاخره استادان صنعت وهنر.

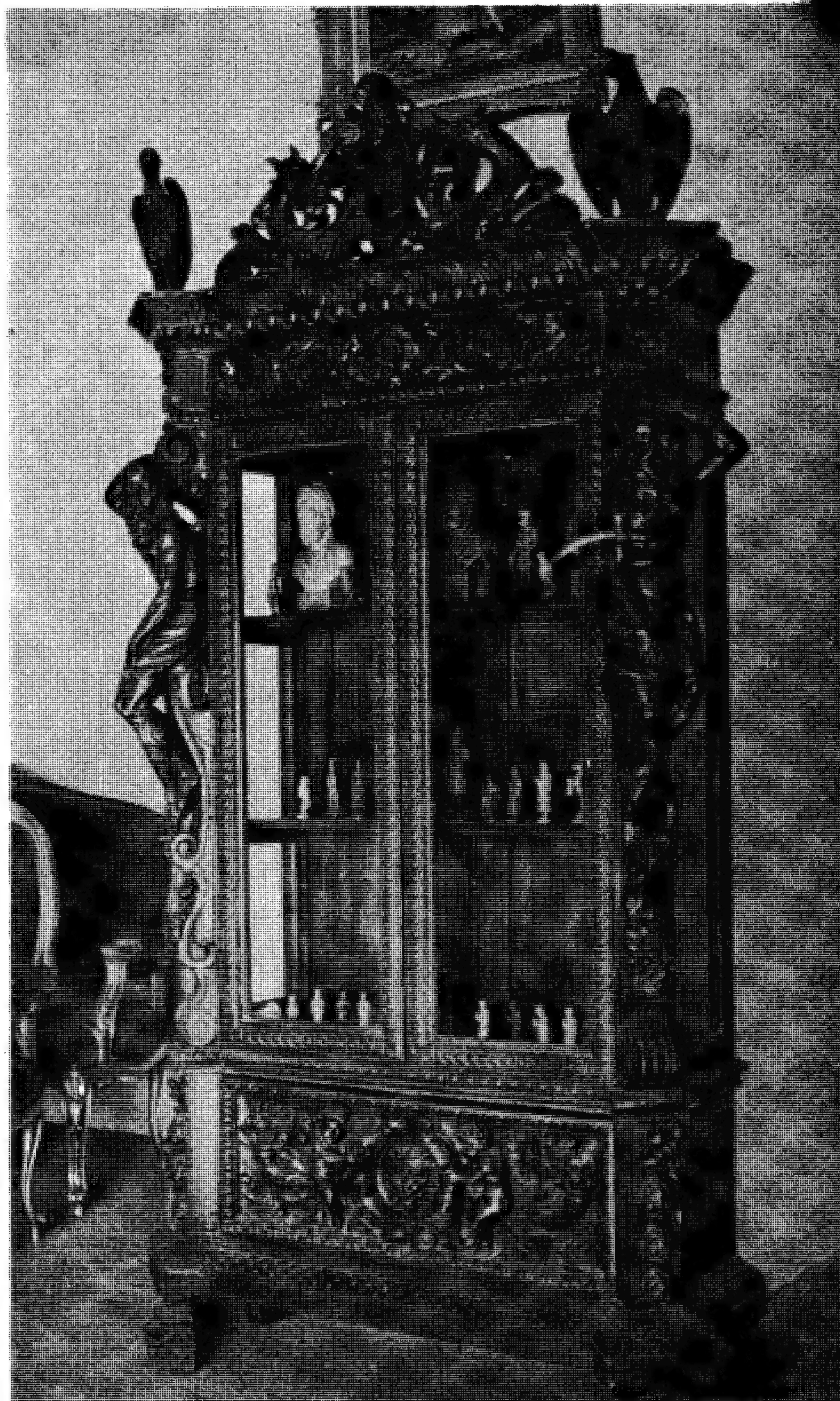


این انسانهای عالیقدر و خدمتگزار جامعه بشری همیشه سعی داشتندکه با استمداد از استعداد و ذوق خداداد خود و تلاشهای خستگی‌ناپذیر نتیجهٔ کوشش خودرا بصورتهای مختلف بجامعه عصر خود عرضه داشته و راه زندگی و راحت زیستن‌را که آرزوی دیرین نسل بشراست هموار سازند. کشور کهن ما ایران که ازدیرباز مردان‌بزرگ‌و استادان زبردستی را در خود پرورانده است ، در پیشرفت‌تمدن بشر و صنعت جهان نقش مؤثر ومهمی داشته است .

در میان استادان بزرگ وهنرمندان صنایع مختلف ایران باستان از همه بیشتر نام منبت‌ـ‌کاران و مجسمه که با استادی ومهارت خاصی کاخهای‌سلاطین‌زمان خود را زینت میدادند ، بچشم میخورد واین هنر نفیس‌همیشه ازنسلی بنسل بعدی‌منتقل وفرزندان باذوق واستعداد آنان‌بموجب علاقه سرشار و بحکم وراثت این میراث گران‌بها راحفظ نموده و روزبروز در ترقی و تکمیل آن کوشش کردند .

ومبل‌سازی سابقه‌ممتد ومعروفیت خاصی دارد و در رأس مؤسسهٔ آبرومندی که‌خود بوجودآورده است قرارداد بشما خواننده گرامی معرفی نمایم :

نام خانوادهٔ صنیعی را مسلماً شنیده‌اید . آقای احمد صنیعی رئیس این خانواده که اصلاًاهل اصفهان هستند ازهمان اوان طفولیت زیر نظر استادان فن بفراگرفتن هنرهای یادشده پرداخته‌اند .... تااینکه درسال ۱۳۱۲ که اعلیحضرت فقید رضا شاه‌کبیر برای ساختن کاخهای سلطنتی ازآن جمله کاخ مرمر، استادان و منبتکاران را از اطراف‌مملکت احضار میکردند. آقای احمد صنیعی‌نیزبامرایشان باتفاق پسرش آقای محمد رضا صنیعی و سایر اعضاء خانواده بتهران آمدند و در طول ٦سال که کارهای‌منبتکاری ومخصوصاً درب‌های منبتکاری کاخ مرمر وسیله آقای صنیعی انجام‌میشد ، فرزند ایشان آقای محمد رضا صنیعی روی علاقه و استعدادی که داشتند ، پس از اتمام دورهٔ اول دبیرستان در سن ۱۸سالگی همکاری خودرابا پدرش‌شروع نمودند و این هنر پرارزش را که حقاً شایستهٔ آن بودند فرا گرفتند و پس‌از اتمام کار کاخ‌های سلطنتی ومنبتکاریهای آن آقای احمد صنیعی مورد مرحمت و تشویق اعلیحضرت فقید قرارگرفته و بپاس این خدمات و بمنظور بزرگداشت این هنرایشان‌را باستادی کرسی هنرهای زیبای اصفهان برگزیده



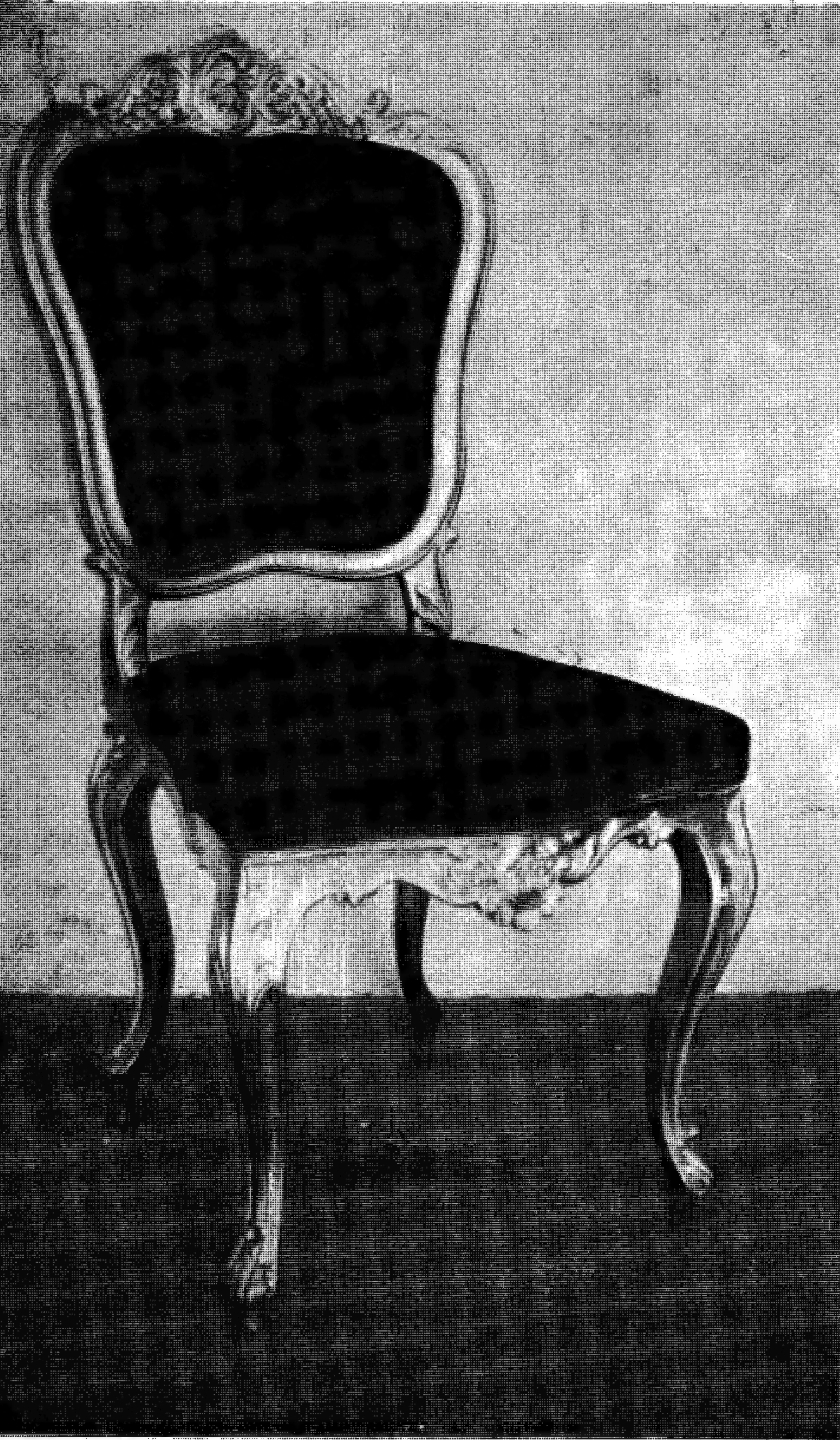
در عصر حاضر که شعاع‌خورشید تمدن تمام روی زمین را فراگرفته است ، فرزندان‌لایق و هنرمند استادان سلف میراث پرارزش اجداد خود راحفظ نموده پیشاپیش غافله‌سریع صنعت وهنردرحرکتند . وچقدربجا است دراینجا یکی از این افرادهنرپرور راکه‌درمصنوعات‌منبتکاری و مجسمه‌های زیبا

و نامبرده برای ترویج و نشر این‌هنر بآن‌استان رهسپارشدند.

آقای محمد رضا صنیعی که دراین هنگام خود استادی ماهر و لایقی شده بود و باطلاعات دقیقی در امر طرح‌ریزی و نقشه‌کشی صنعت مبل‌سازی از استاد عیسی بهادری قبلاً کسب کرده بودند دست به تأسیس مؤسسه بزرگی بنام زده‌اند که اگر گفته شود در نوع خود از لحاظ طرح ونقشه و منبتکاری بی‌نظیر است مبالغه نشده است .

این مؤسسه که در تهران خیابان‌خاقانی واقع‌است اگرچه در ابتدای کار بمشکلاتی از قبیل نداشتن وسایل مدرن وبنیهٔ اقتصادی خوب روبرو شده که پس‌از چندی توانست همه آنها را رفع نماید . آقای محمدرضا صنیعی با همکاری پسرش و در سایه تلاش‌های شبانروزی موفق بساختن مبل‌های بسیار ظریف ، بوفه‌های قشنگ و مصنوعات ظریف دیگری که همه آنها با چوب ساخته میشود و بهمین سبب مورد استقبال بی‌نظیر مشتریان قرارگرفته است .آقای محمدرضا صنیعی درباره علل موفقیت خود اظهار داشتند : ساختن جنس مرغوب و اهمیت بسفارشات مشتریان و جلب رضایت خریداران از طریق تخفیف دربهاء اجناس وبالاخره درستکاری‌وپشتکار رمزموفقیت مارا تشکیل میدهد .

بسیار بجاست که یادآور شوم نمایشگاه بزرگ و مجلل مبل استیل که در بالاتر از

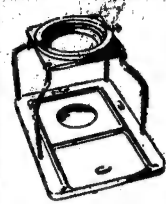


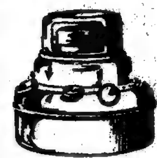
ضرابخانه جاده قدیم شمیران‌واقع است انواع مصنوعات این کارخانه را بمعرض نمایش‌و بازدید دوستداران صنایع مدرن و مشتریان محترم قرارداده است .

لطفاً شماره‌تلفن مبل‌استیل‌صنیعی را یادداشت فرمائید ۷۵۶۹۶۰









سماور ۲۰ لیتری باقطعات مجزّی

مخصوص مجامع عمومی - هتلها - کافه ها - رستورانها و آبدارخانه های بزرگ



صنایع فلزی عالی نسب

محصولات نفت سوز شعله آبی

تلفن ۲۵۰۰۰ و ۲۶۸۰۵

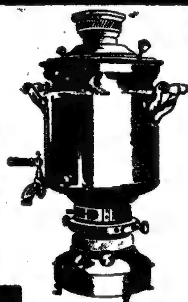




سماور ۵ لیتری مهندسی
طرح مسوار



سماور تراش
بظرفیت های مختلف

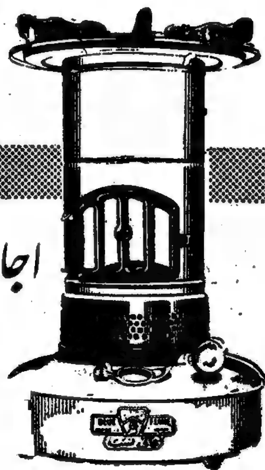


سماور ساده ۴ لیتری

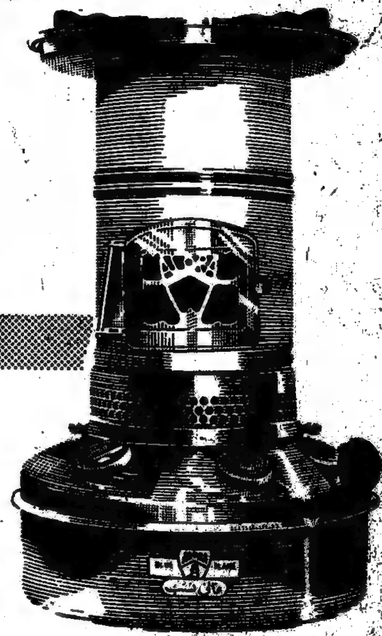


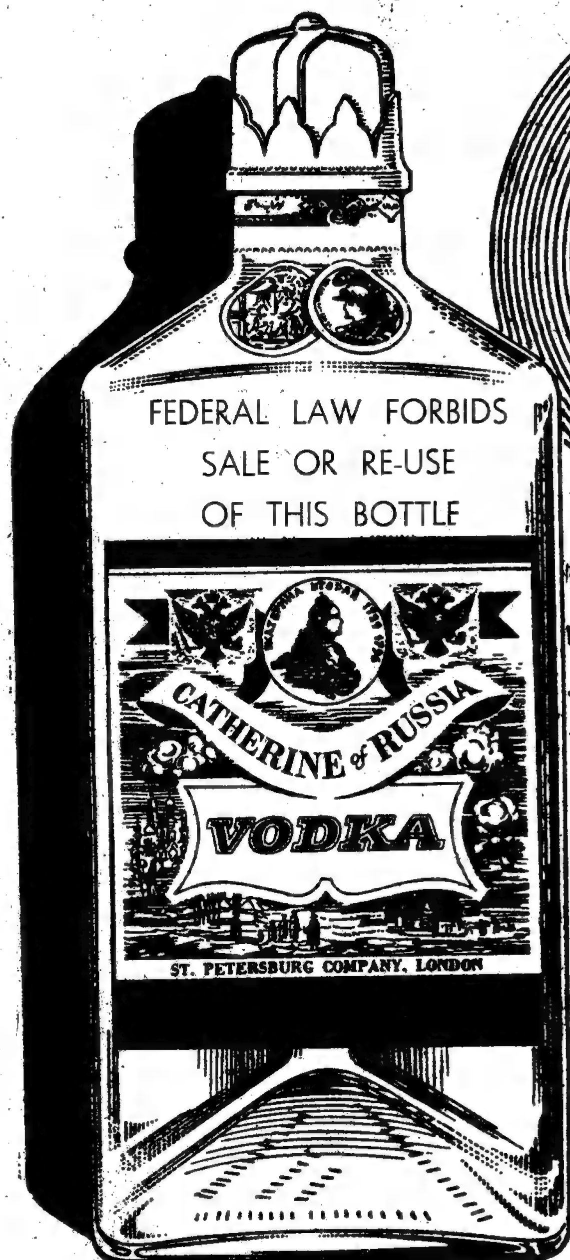
سماور ۴ لیتری کنده‌ای

اجاق بزرگ «آلرا» با منبع برنجی آبداده و پیچ برنجی



اجاق کوچک آلرا
باپیچ برنجی







CATHERINE of RUSSIA

VODKA

ودکا

کاترین روسی

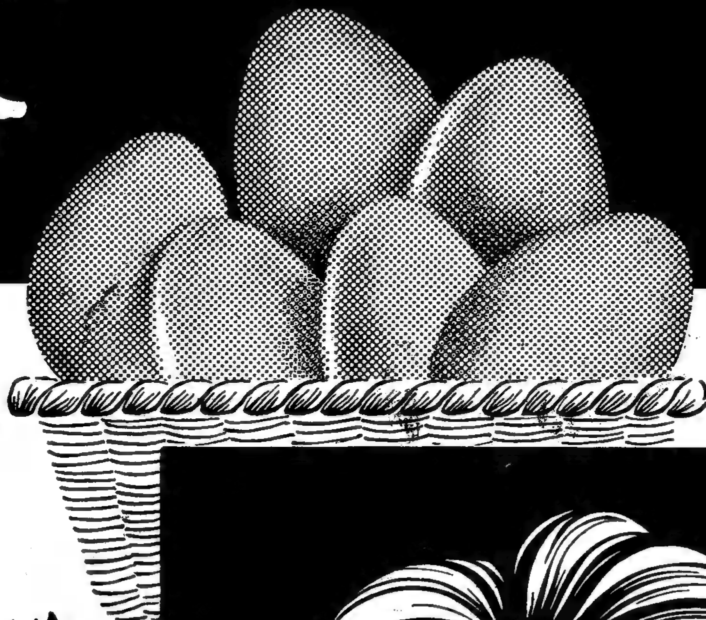
Sole Distributors in Iran

SHERKAT-E-SAHAMI ASTALAK, ROOSEVELT AVENUE, KOUCHE NOJOOMI TEHRAN

شامپوی

جدید

داروگر





سوپر دارمو

با زرده تخم مرغ



بانوی محترم،

بخاطر بهداشت موهای زیبای خود هم

از همین امروز شامپو دارمو جدید را مصرف نمایید

آوازه



داروگر در خدمت بهداشت و زیبائی شما





SADOLUX



synthetic enamel

SADOLUX SYNTHETIC ENAMEL for superior finishes. Sadolux may be used for both indoor and outdoor work on wood as well as on metal. Sadolux is rapid-drying, flexible, fadeless and above all highly glossy and durable. Sadolux can withstand all kinds of weather and always appears clean and bright. Jobs done with Sadolux withstand knocks, blows and schratchings remarkably well.

SADOLUX EMAIL SYNTHETIQUE pour les travaux de finissage de qualité supérieure. Sadolux convient tant pour l'intérieur que pour l'extérieur et s'applique sur bois aussi bien que sur métal. Sadolux sèche rapidement, est élastique et inaltérable, et donne notamment une surface très brillante et solide. Sadolux est résistant aux intempéries et paraît toujours propre et brillant. Les travaux effectués avec Sadolux sont extrêmement résistants aux chocs, coups et égratignures.

رنگ سینتتیک سادولوکس

برای پوشش در نوع خود بی‌نظیر میباشد سادولوکس برای رنگ آمیزی چوب و فلز در داخل و خارج ساختمان بکار برده میشود سادولوکس رنگی است با دوام دارای جلا و شفافیت بی‌نظیر که پس از مصرف فوراً خشک میشود رنگ سادولوکس هرگز جلا و برق خود را از دست نمیدهد سادولوکس در آب و هوای نواحی مختلف استقامت کافی دارد و همیشه پس از استعمال شفاف و تمیز بنظر میرسد سطوحی که با رنگ سادولوکس رنگ آمیزی میشود در مقابل ضربه و خراش مقاومت دارد.

نماینده انحصاری در تمام ایران عبدالله یاسری تهران خیابان شاه‌آباد تلفن: ۲۹۴۲۴

سادولوکس معروفیت جهانی دارد

علامت سادولوکس قابل اطمینان

PURVEYOR TO THE ROYAL DANISH COURT

SADOLIN & HOLMBLAD LTD.



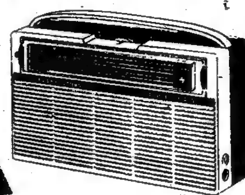
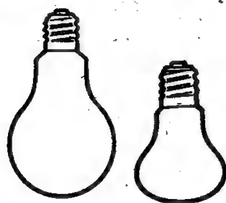
۱ـ سوپر کنوکس

۲ـ مرکب‌چاپ سادولین

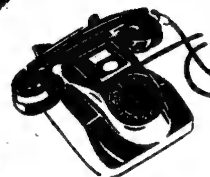
۳ـ تپوزین مات و انواع واقسام رنگ‌های نسوز



علامت برتری و اطمینان





فیلیپس

قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری

آوازه

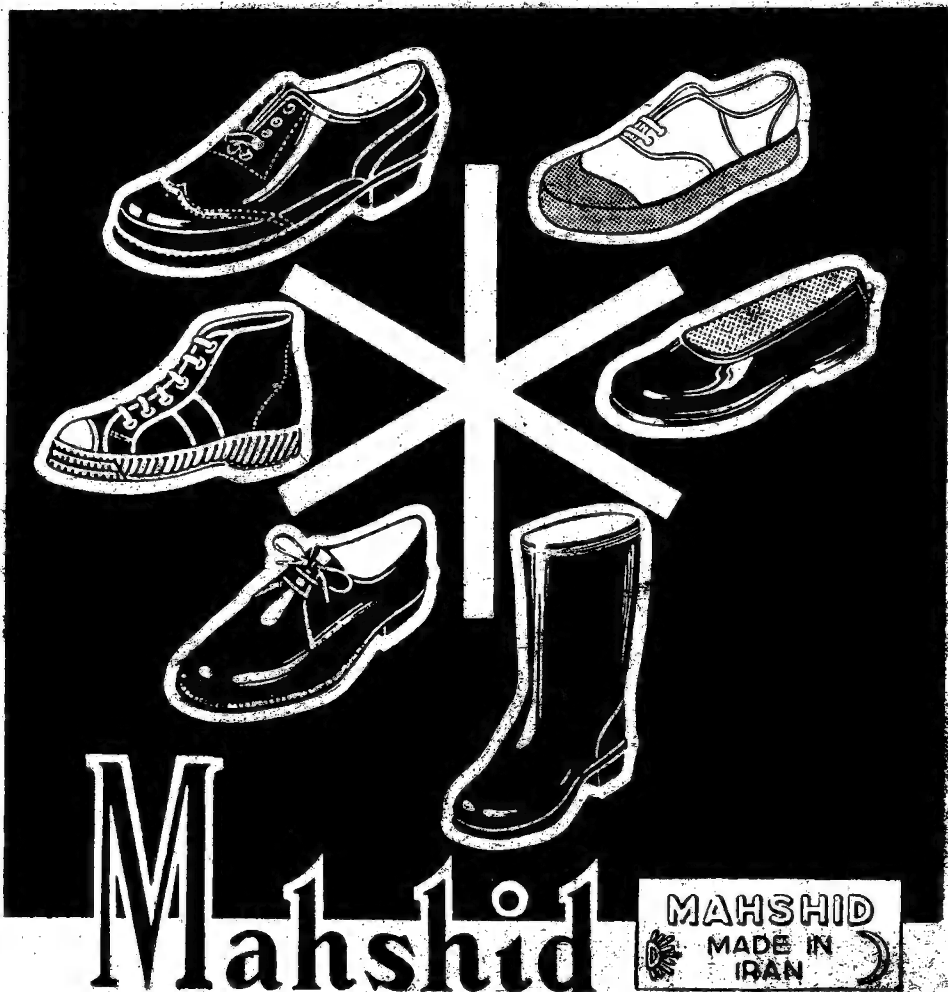


چای جهان

تشکیلات با سوابق صد ساله در هندوستان - بزرگترین کارخانهٔ چای سازی در ایران - مؤسسه بسته بندی با ماشین های خودکار در تهران .

انواع چای جهان

محصول خارجه						داخله وخارجه	ایران
دارجیلینگ جهان	گره نشان	دوگره نشان	ترازو نشان	دوترازو نشان	قلمی ۳۵۳	قلمی ۱۵۱ فانوس نشان	کلید نشان



کارخانه مهشید

واحد تولیدی عظیمی که رشته بزرگی از صنایع جدیدرا بگردش درآورده است

در محوطه وسیعی واقع در قلهك جائیکه دهها تن از کارگران ومتخصصین ورزیده ایرانی در مسیر یك هدف مشترك بفعالیت شبانه روزی ومداوم خود مشغولند رشته بزرگی از صنایع جدید نشو نما یافته و بنحو موثری بسهم خود اقتصاد کشور را قدرت ودوام بخشیده است .

این واحد صنعتی و تولیدی بزرگ چیزی جز کارخانه کفش مهشید نیست که در سال ۱۳۳۰ بهمت مردی فعال واقتصادی پی ریزی شده واز بدو تاسیس تاکنون بعنوان وزنه سنگینی در زمینه صنایع ملی متجلی بوده است .

کارخانه مهشید که باید آنرا در ردیف بزرگترین دستگاههای تولیدی کشور بشمار آورد در حال حاضر با حد نصاب قوه تولید قادر است در روز حدود ده هزار جفت انواع مختلف چکمه «گالش» نیم چکمه و کفش های ورزشی و کتانی را تهیه و عرضه بدارد .

وجودکارگاههای مجهزبمدرن‌ترین دستگاه های تهیه کفش لاستیکی وفعالیت مداوم کارگران وگرداندگان این موسسه تولیدی سبب گردیده است که امروزه کارخانه مهشید در ایران و سراسر خاور میانه در راس کارخانه های مشابه قرار گیرد .

سرمایه پرداخت شده‌ودر گردش کارخانه مهشید ۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال میباشد و تعدادکارگران وکارمندان این رشته از صنعت که در کادر فعال موسسه مهشید انجام وظیفه مینمایند بتناسب میزان تولید محصول در تغییر ولی با اینهمه کلیه کارگران از مزایای بیمه‌های اجتماعی برخوردار بوده واز وضع خود کاملا راضی میباشند .

بطور متوسط دستمزد روزانه حدود دویست ریال است وبرای دلگرمی ورفاه بیشتر کارگران تسهیلات فراوانی نیز از حیث مرخصی های مقرره قانونی و استفاده از مزایای سالانه و بیمه های اجتماعی کارگران برای آنها در نظر گرفته شده که پیوسته اجرا میگردد .

آقای محمدصادق مهشید موسس کارخانه با جدیت بی‌نظیری امور همه جانبه کارخانه را تحت نظر ومراقبت دارند . عقایدواحساسات موافق و شدید آقای مهشید در مورد مواد ششگانه تصویبی و تائید قطعنامه کنفرانس اقتصادی نشانه‌ای از افکار بی‌شائبه ایشان برای ترقیات روز افزون کشور است .

آقای مهشید راجع‌به ماده سهیم بودن کارگران در منافع کارخانجات عقیده دارند این بزرگترین افتخار برای کارخانه مهشیداست که‌اولین دستگاهیست که از تز مترقیانه شاهنشاه پشتیبانی واز هرگونه اقدام مفیدی در این زمینه وسایر طرقی که پیشرفت و ترقی هرچه بیشتر صنایع ملی را موجب‌گردد تا حدود امکان کوتاهی ننموده است .

پیشرفتهائی که در کار تهیه محصول کفش در کارخانه مهشید مشهود است موید این نکته است که با تمام مشکلات و کار شکنی‌هائی که از طرف تولید کنندگان خارجی ودلالان آنها در ابتدا ایجاد میشد بازهم‌کارخانه موفق‌گردیده است که ظرف مدت کوتاهی با تهیه اجناس ممتاز و مرغوب محصولات خودرا از هر لحاظ با محصولات خارجی در یك سطح قرار دهد .

اتحادیه سازندگان‌کفش و صنایع لاستیکی که در شهریور ماه سال ۱۳۴۱ بریاست آقای مهشید آغاز بکار نمود بمنظور حفظ توازن بین تولید ومصرف و همچنین تعیین استاندارد پیشنهادات مفیدی به وزارت صنایع و معاون و وزارت بازرگانی و شهرداری تهران تقدیم نمود که رئوس مطالب پیشنهادی آن بازدید و سرکشی کمسیونی از نمایندگان وزارت خانه‌ها برای‌رفع نواقص فنی کارخانجات وآزمایش نمونه محصول هریك از کارخانجات موجود و جلوگیری از تاسیس هر نوع کارخانه مشابه میباشد .

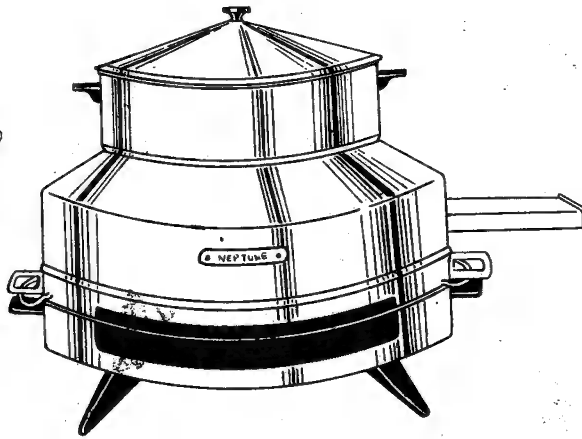
اخیرا نیز آقای مهشید پیشنهادات جدیدی در مورد استاندارد وبهبود وضع صنایع لاستیکی‌وارزان نمودن این مصنوعات به وزارت اقتصاد داده‌اند که در صورت موافقت آن وزارتخانه بدون تردید در پیشرفت صنایع مزبور موثر واقع خواهد گردید .

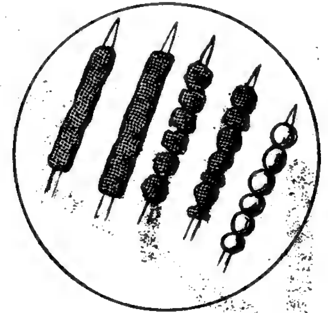
در سال ۱۳۳۲ کارخانه مهشید بعنوان بهترین سازنده کفشهای لاستیکی در ایران بدریافت مدال درجه یك صنعت از طرف وزارت صنایع و معادن نائل آمد وهمچنین در سالهای ۳۷ـ۴۰ که محصولات این کارخانه درنمایشگاه بین‌المللی کابل بمعرض نمایش گذارده شد فرآورده ها مهشید موفقیت‌ممتازی در میان کالاهای عرضه شده از طرف ممالك دیگر بدست آورد و محصولات این کارخانه‌فعاله ایرانی مورد توجه خاص ملت ودولت افغانستان قرار گرفت .

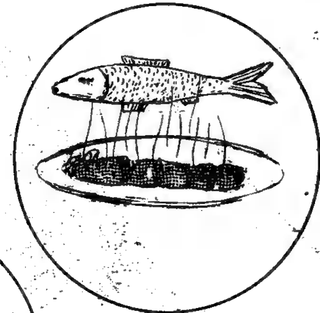
استقبال‌گرم وبی‌شائبه هم‌میهنان نیز از مصنوعات این دستگاه عظیم تولیدی کشور مشوق بزرگی برای ادامه خدمات ثمربخش گردانندگان این رشته از صنایع ملی بوده و میباشد .

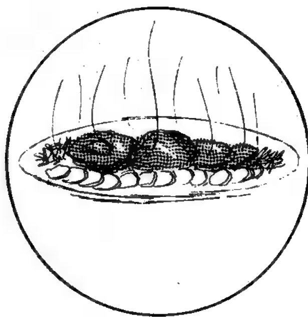
کباب پز نپتون

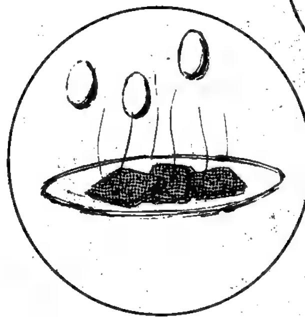












کباب پز برقی نپتون

نه تنها انواع غذا را برای شما در مدت کوتاه تهیه می کند بلکه
از نظر نظافت . کمی مصرف برق و زیبائی نظیر ندارد .

امسال کباب پز برقی نپتون عنوان **بهترین هدیه** را بخود اختصاص داده است .

شرکت روحی — خیابان شاهرضا — تلفن : ۳۶۶۷۱ و ۳۵۲۷۲۹

آتلیه کیهان

اولین خط مستقیم هوائی میان اروپای غربی و چین

لندن
فرانکفورت
ژنو
رم
بیروت
تهران
کراچی
داکا
کانتون
شانگهای



خطوط هواپیمائی پی. آی. اِ تاریخ هواپیمائی را عوض میکند و برای اولین بار خط مستقیم هوائی میان اروپای غربی و چین برقرار میسازد ! پی. آی. اِ. یک پرواز انحصاری بچین یعنی اولین سرویس جت بکانتون و شانگهای و تنها پرواز هوائی که اروپای غربی را مستقیماً بچین مربوط میسازد دائر کرده است. این ابتکار و امتیاز بزرگ را برکورد ۸۸ درصد وقت‌شناسی متوسط ما در سال گذشته بیفزائید و با کارکنان لایق پی. آی. اِ. پرواز کنید.

باز هم یک ابتکار
از پی. آی. اِ !

همراه با کارکنانی لایق پرواز کنید

هواپیمائی بین‌المللی پاکستان

تهران خیابان تخت جمشید شماره ۳۲۴ تلفن ۵۲-۷۵۶۴۵۱

لندن، فرانکفورت، ژنو، رم، بیروت
تهران، کراچی، داکا، کانتون، شانگهای

اتومبیلهای بیوک و الدزمبیل دو نام پر افتخار
در صنایع اتومبیل سازی جهان

بیوک ۶ سیلندر



الدزمبیل ۶ سیلندر



واکسهال ٤ سیلندر برنده
مدال طلا از انگلستان محکم
و شیک



نماینده انحصاری در ایران
شرکت سهامی کاردار
تهران خیابان سعدی تلفنهای ۳۱۶۰۵ - ۳۷۳۱۷
تعمیرگاه - خیابان آیزنهاور تلفن ۶۶۹۰۰

ویسکی دانکن



نماینده انحصاری : **شرکت سهامی اصطلک**

تهران
خیابان روزولت

کوچه نجومی شماره ۱۲
تلفن ٤٦٦٣٥

چهار محصول ممتاز ومرغوب چای

عرضه میگردد



از چندی پیش بابنطرف شرکت چای پارس که سوابق ممتدی در امر واردات و تهیه بهترین نوع چای سیلان و هندوستان دارد و محصولات مرغوب این دو کشور را بوسیله نمایندگان خود از باغداران هند و سیلان خریداری مینمایند اقدام به تهیه چهار نوع مختلف از بهترین انواع چای داخلی و خارجی نموده و بتناسب آب وهوای استانهای ایران دراختیارمصرف کنندگان قراردادهاست . تهیه و پخش این محصولات جدید که ظرف مدت کوتاهی با استقبال بی نظیر اهالی پایتخت و شهرستانهای مختلف کشور روبرو گردیده است از جمله اقدامات مفید شرکت چای پارس برای عرضه داشتن انواع ممتاز و مطبوع چای داخلی و خارجی میباشد . این چهارنوع عبارتند از :

۱ـ چای شهبازممتازعالیترین‌محصول‌هندوستان

۲ـ شهباز درجه یك بهترین نوع چای سیلان و هندوستان

۳ـ شهباز مخلوط مرغوبترین چای مخلوط هند و ایران

۴ـ شهباز داخله خالصترین و معطرترین چای شمال .



قنادی فرزین یزدی

اکنون در شاهرضا مقابل لاله‌زارنو با دوازده سال سابقه درخشان قنادی نمونه‌ائی است در تهران که تهیه کننده بهترین شیرینی ایرانی و اروپائی بآب طبع مشکل پسندترین افراد میباشد بانوان خوش ذوق و با سلیقه همیشه شیرینی وکیك جشنهای خانوادگی خود را از فرزین یزدی تهیه میکنند .

سفارش کیك عروسی پنج روز قبل‌ازانعقاد

سفارش کیك تولد دو روز قبل از انعقاد

و سفارش شیرینی عید نوروز تا دهم اسفند ماه پذیرفته میشود .

خیابان شاهرضا . مقابل لاله‌زارنو . نبش فتوحی

تلفن ۶۹۲۹۷

کارخانه روغن کشی

ورامین

تهیه‌کننده مطبوع‌ترین روغنهای نباتی جامدآفتاب گردان ـ زیتون ـ کنجد و سالاد میباشدکه از تازه‌ترین دانه‌های نباتی تهیه شده است برای‌حفظ سلامتی وبهداشت خود از روغنهای تصفیه شده محصول ورامین استفاده فرمائید .



آقای اکبر عبداللهی مدیر فعال کارخانجات رنگسازی شمس

در پس هر موفقیت علمی . اجتماعی یا اقتصادی باید سیمای کسانی را جستجو نمود که بجنگ مشکلات موجود شتافته و بکمك پشتکار و قریحه و استعداد خویش بحل مسائلی که اجتماع بدان نیاز داشت موفق گردیده و از این رهگذر بترقی بشریت کمك نموده‌اند امروزه خیلی از وسائل وکالاهائی که درمملکت تهیه شده و نیازمندی های عمومی رابرآورد میسازد چنان بسادگی در دسترسی همگان قرار گرفته است که کمتر کسی بفکر می‌افتد تا ازکیفیت و چگونگی فراهم آمدن آنها اطلاع حاصل کند و براه دشواری‌که بوسیله موجدین اولیه آنها پیموده شده است برای لحظه‌ای بیاندیشد اما چنین راههائی بوده و هست منتهی‌کسانی دراین جاده های دشوار و پرمشقت قدم گذاشته‌اند سری پرشور و قلبی آکنده از عشق به ترقی و تعالی داشته‌اند صفت ممیزه این پیشقراولان تلاشهای بشری ازخود گذشتگی و شجاعت است زیرا فقط با این‌خصائل است که از ناکامی‌ها نهراسیده و با ایمان و فداکاری میتوان به ستیز شدائد رفت دراین نبرد بسیاری از پای در می‌آیند و برخی نیز امواج سهمگین مشکلات را تحمل میکنند غولهای جهل را که سد پیشرفت دانش‌اند بزنجیر میکشند و خلاصه از هفت خوان انواع مصائب میگذرند و آنگاه از فراز قله پیروزی ارمغانی تازه تحویل انسانیت میدهند ودرسپیده بامدادی موقعی که انسانها با اولین اشعه خورشید چشم میگشایند با پدیده تازه روبرو میشوند که یکی از مجهولات و یا آرزوها و یا نیازمندیهای آنها را برطرف ساخته و سطح زندگی مادی یا معنوی ایشان را بدرجه عالیتری ارتقاء داده‌است چنین بوده‌است موفقیت های جامعه بشریت که بقیمت فداکاریها و تلاشهای مافوق انسانی کسانی بدست آمدکه نام بسیاری از آنها را نمیدانیم اما با محصول فکر و زحمات آنها هرروز حوائج خودرا برطرف میکنیم با این همه اکثر مردم مایلند که این رزمندگان شجاع راه تعالی انسان را هرچه بیشتر بشناسند و نام آنها را در خاطره‌ها زنده نگهدارند و چه بسا زندگیشان را سرمشق قرار دهند یکی‌از این مردان کوشا و مجاهد که نیتی پاك و قلبی آکنده از مهر وطن و ترقی اقتصاد و صنعت کشور باهمیتی عالی و عزمی راسخ موفق گردید راههای دشوار راپشت سر گذاشته و ضمن پیمودن مدارج ترقی به اعتلای اقتصادی کشور و رفاه حال عامه‌کمك شایانی نماید آقای اکبر عبدالهی مدیر فعال کارخانجات رنگسازی شمس میباشد .

آقای عبدالهی درسال ۱۲۹۵ شمسی در شهر تبریز دیده بجهان گشود پس‌از گذراندن تحصیلات و طی یك سلسله مطالعات عمیق در زمینه رنگ و رنگسازی همزمان با آغاز تحولات اجتماعی درکشور ما برای آنکه مملکت را از وجود یك جنس خارجی بی‌نیاز سازد در سال ۱۳۲۲ اقدام بتاسیس کارخانه رنگسازی نمود و آنرا بنام کارخانجات « رنگسازی شمس » به ثبت رسانید .

این کارخانه اگر چه در بدو تاسیس تولیدش بحدکافی نبود اما براثر مساعی و پشتکار آقای عبدالهی مدیر مدبر وخستگی‌ناپذیر آن بسرعت راه تکامل و پیشرفت را طی نمود بطوریکه توانست در دوران جنگ جهانی قسمتی از احتیاجات کشور را تامین نماید و اکنون که ۲۱ سال از تاریخ تاسیس این کارخانه مفید میگذرد کارخانه های رنگ سازی شمس محصولاتی به بازار ایران عرضه میدارندکه از هر حیث رقیب سرسخت رنگ های خارجی مشابه میباشد . این کارخانجات معظم و مجهز بهمت و کوشش خستگی ناپذیر آقای عبدالهی باگذشت سالها بوجود آمد مثلا « درسال ۱۳۳۰ کارخانه مدرن قوطی سازی و درسال ۱۳۳۵ کارخانه عظیم روغن‌کشی و درسال های بعد کارخانه های دیگری که همگی بوسائل و دستگاههای مدرن مجهز بوده نصب و مشغول بکار شد و باین ترتیب یك واحد نیرومند صنعتی بوجود آمد که از هر حیث با کارخانه‌های رنگسازی معظم خارجی سر همسری و حتی در مواردی برتری دارد و اینك محصولاتی که کارخانجات معظم رنگسازی شمس‌عرضه میدارند نه فقط از لحاظ کیفیت بسیار عالی است بلکه از لحاظ قیمت نیز بسیار ارزان است .

در حال حاضر واحد صنعتی تولید شمس راگروهی از ورزیده ترین متخصصین ایرانی و خارجی بسرپرستی و هدایت آقای عبدالهی اداره میکند وبا کار و تحرک مداوم این تاسیسات مهم و بزرگ صنعتی علاوه‌بر آنکه بصنعت و اقتصاد ملی مملکت شایسته گشته و مقادیر معتنابهی ارز از مملکت بخارج نمیرود بلکه عده‌ای از هموطنان ما نیز بکار مشغول بوده و طریق اعتلاء بیشتر این صنعت کوشا میباشند .

آقای عبدالهی برای مطالعه و تحقیق درباره آخرین پیشرفت های فن رنگسازی درسالهای ۱۹۵۱ شخصا و در سال ۱۹۵۷ با معرفی وزارت صنایع و معادن ایران و همچنین در سال ۱۹۶۳ بمنظور مطالعات بیشتر به ممالك اروپائی از جمله کشور های آلمان ـ فرانسه ـ ایتالیا ـ انگلستان ـ هلند وغیره سفرهائی کردند و از لابراتوارهای بایر آلمان سازنده مواد شیمیائی و لوازم اولیه رنگ و نیز از سایر لابراتوارها و کارخانجات رنگسازی ممالك‌اروپائی بازدید هائی بعمل آوردند .

ره‌آورد این سفرها و تحقیق و مطالعه بصورت معلومات و تجارب گرانبهائی درآمد که تماما در راه تکامل صنعت رنگسازی ایران مورد استفاده قرار گرفت و هماهنگ با پیشرفت و توسعه کارخانجات رنگسازی شمس محصولات آن نیز روز بروز مرغوبتر و متنوع‌تر و فراوان‌تر گردید بطوریکه امروزه کاملا جوابگوی احتیاجات کشور است .

و باین ترتیب همت و پشتکار و کاردانی آقای عبدالهی و کوشش تلاشهای قابل ستایش کارکنان کارخانجات رنگسازی شمس نه فقط مملکت ما را از مصرف رنگ های خارجی بی‌نیاز نموده بلکه بتحکیم بنیه اقتصادی کشور کما شایسته نموده است .

کارخانجات رنگسازی شمس

عالیترین رنگ های دنیا را عرضه میدارد

کارخانه رنگسازی شمس که‌از سال ۱۳۲۲ بطور مداوم بتولید انواع رنگها پرداخته وباکارشناسان ورزیده‌ای که در اختیار دارد لاینقطع در جاده تکامل گام‌زده است این مسئله را برای همیشه حل نموده وکشور مارا ازاین حیث کاملا بی‌نیاز کرده‌است امروزه بامحصولاتی که کارخانه رنگسازی شمس عرضه میدارد بجرات میتوان گفت که‌دراین رشته تولیدی از لحاظ کیفیت‌محصول‌نه فقط‌همطراز بزرگترین رنگ جهان میباشیم‌بلکه باداشتن وسائل وکارشناسان متبحر در پیشرفت این صنعت نیز سهیم هستیم محصولات ابتکاری کارخانجات رنگسازی شمس که زیر نظر مهندسین ومتخصصین‌بزرگترین کارخانجات شیمیائی ورنگسازی آلمان و باهمفکری و همکاری کارشناسان رنگسازی ایران ومطابق باشرایط جوی وهوای ایران تهیه میشود از لحاظ مرغوبیت جنس در نوع خودنمونه است وهمین کیفیت عالی رنگهای شمس باعث شده که مهندسین ومعماران ونقاشان برای تهیه مصرفی خود از آن استفاده کنند این‌استقبال شدیداز محصولات کارخانه شمس سبب گردید که کارخانه‌مذکور روز بروز محصول خود را بیشتر وعالی‌تر سازد وبر تشکیلات ووسائل کار وماشین‌آلات تولیدی خویش بیافزاید بطوریکه امروز ازیك کارخانه‌نسبتاً کوچکی که‌در سال ۱۳۲۲ باهتمام وسرمایه گذاری آقای اکبرعبدالهی تاسیس شده بودیك‌واحد صنعتی عظیم با لابراتورها وتجهیزات مدرن و اتوماتیك خودنمائی میکند . این موفقیت عظیم از یکطرف نتیجه‌کار وکوشش وتلاش خستگی ناپذیر کارگران وکارکنان وکارشناسان‌و مدیران این‌کارخانه واز طرفدیگر محصول توجه دائم التزاید نسبت به بالابردن کیفیت‌محصول ازطریق مطالعه مداوم در امررنگسازی و تکمیل لابراتوروتجهیزات کارخانه منطبق‌با پیشروترین‌صنعت رنگسازی جهان‌بوده است .

اینك این کارخانجات باتاسیسات مجهز خود که در کیلومتر ٤ جاده شهرری تهران ـ خیابان‌سپهبد رزم‌آرا واقع شده وتعدادی از ورزیده ترین کارگران ومتخصصین رنگسازی در آنجا کار میکنند روزانه در حدود ۱۰ تن ازانواع رنگها بشرح ذیل تولید مینمایند .

۱ ـ رنگ هپالوکس عالیترین سنتیتك
۲ ـ فلامینکورنگ پلاستیك مخصوص داخل وخارج ساختمانها
۳ ـ انواع رنگهای مخصوص خط‌کشی روی اسفالت خیابان
٤ ـ انواع رنگهای مینائی
٥ ـ انواع رنگهای چکشی
٦ ـ انواع رنگهای ضدزنگ
۷ ـ انواع روغنهای الیف
۸ ـ انواع روغنهای جلا و سیکاتیف
۹ ـ رنگهای پلاستیك (رنگ مخصوص روی ساختمان)
۱۰ ـ انواع‌رنگهای دیگر

که‌زیرنظر مهندسین ومتخصصین بزرگترین کارخانجات شیمیائی آلمان تهیه شده است .

فلامینکو که از عالیترین مواد اولیه تهیه میشود رنگی است که‌با بهترین رنگهای‌خارجی رقابت‌نموده وچون مطابق باشرایط جوی ایران ساخته میشود میتوان گفت که‌حتی بررنگهای خارجی رجحان وبرتری دارد این رنگ برای نمای ساختمانهای سیمانی بسیار مناسب میباشد واز مخارج گزاف تعویض رنگ وزحمت آن میکاهد وکاررا آسانتر نمود واجازه میدهد که باصرف مبلغ‌ناچیزی نمای ساختمان خود رامطابق دلخواه درمدتی‌کوتاه به‌رنگهای مختلف درآورید در مورد ساختمانهائی که از آجر سفید یا بهمنی ساخته شده وبراثر مرورزمان کثیف وبدرنگ میشد و تاکنون هیچگونه چاره‌ای برای تعمیر و اصلاح آن وجود نداشت‌خوشبختانه امروزه با استفاده از رنگ‌فلامینکو میتوان آنهارا بصورت ساختمان نو در آورد آیا این خود خدمتی بکشور نیست . ؟

رنگ‌فلامینکومختص‌نمای بیرون ساختمان نیست‌بلکه‌شامل رنگ‌داخل ساختمانها نیز میشود تاکنون که رنگ داخل‌ساختمانها که بواسطه مختصرلکه‌ای زننده میشد مجبور بودند هرچندماه‌یکدفعه رنگ‌آمیزی نمایند اما حالابااستفاده از رنگ فلامینکوحتی یك خانم خانه‌دارهم میتواند که در مواقع لزوم براحتی آنراباآب وصابون شستشو وتمیز نماید وبدین ترتیب دیگرنیازی برنگ آمیزی مجدد نخواهد بود بعلاوه کیفیت این رنگ طوری‌است که هرگزلباسهای کسی را کثیف نمیکند واما هپالوکس‌افتخاری‌است برای صنعت‌رنگسازی ایران‌وجهان ووسیله ایست راحت که دراختیار بشریت گذاشته‌شده است .

هپالوکس عالیترین‌رنگ‌سنتیتکی است که تاکنون ببازار ایران ارائه شده است طریقه‌استفاده ازاین رنگ باندازه‌ای ساده‌وآسان است که‌هر کدبانوئی شخصاً میتواند مبل ومیز وصندلی وسایراشیاء اطاقهای خود را مطابق‌دلخواه رنگ آمیزی‌نموده وازآن لذت ببرد .

دفتر وفروشگاه کارخانه رنگ‌سازی شمس درخیابان‌ناصرخسرو روبروی دارالفنون واقع شده وهمیشه حاضر است شمارا دراین مقصود یاری نماید .

ضمناً اگر بتوضیحی احتیاج داشتید لطفاً بااین تلفن‌ها تماس بگیرید .

۳۰۷٤۱ ـ ۳۵۷٤٦ وتلفن‌کارخانه ٥۹٥۲۹

اکنون رنگین کمانی ازبهترین رنگها درچنگ‌شماست وفقط‌تصمیم وذوق شما کافی است زیبائیهای دلپسند را بیافرینید .

از مفسر اجتماعی کاته

یخ یکی از احتیاجات ضروری

شرکت سهامی پخش یخ مصنوعی کارخانجات تهران وحومه ووظیفه‌دشوار آن

باشروع فصل‌کوما احتیاج‌عمومی‌بمصرف یخ بیشتر میگردد ازاین‌روتاءمین یخ مصرفی اهالی چهاز نظر کیفیت وچه از لحاظ کمیت‌بصورت یکی از مسائل قابل توجه‌روز در میاید ما بگذشته دور که یخ بدون رعایت ابتدائی‌ترین اصول‌بهداشتی از یخچالهای باصطلاح‌طبیعی بدست میامد وبخورد اهالی بخصوص طبقات پائین داده میشدوهزاران ناخوشی وناراحتی های‌مزاجی فراهم میاورد کاری‌نداریم زیرا مضارآن طرز تهیه وارائه‌امروزه برهیچکس پوشیده نیست‌اما ناگزیر از ذکر این مطلب هستیم که توجه به تاءمین بهداشت‌وسلامت عمومی از اهم وظائف‌دولت وموسساتی است که جنبه معاونت عمومی دارند بعلاوه تاءمین‌احتیاجات عمومی وایجاد رفاه‌برای‌عامه از مسائلی است که دستگاههای مسئول خود را همیشه باآن مواجه‌میبینند .

آلذا با توجه باین مسائل میتوان‌بجرات گفت اشخاصی که آمدندیخ سازی ایجاد کردند وپول و سرمایه خود را در اینراه بکارانداختند کسانی بودند که چه ازنظر هماهنگی باوظائف دستگاههای دولتی وچه از نظر خدمت بجامعه گامهای‌اساسی‌وقابل تحسینی‌برداشته‌وآنهارا میتوان بحق خدمتگذاران اجتماع نامید باتأسیس کارخانجات‌یخ مصنوعی وباتهیه یخ سالم وپاکیزه مردم شهر را از شریخهای آلوده وکثیف یخچالهای طبیعی‌نجات بخشیده وبا عرضه فراوان‌یخ مصنوعی بانرخ ثابت مقرره شهرداری تهـران را درکشمکش(مشکل) یخ وبازارسیاه آن کـــه‌همه ساله بصورت یك مسئله بغرنجی در اداره خواربار شهرداری عرض‌اندام میکرد برای همیشه خاتمه‌داداد

متأسفانه صاحبان کـارخانجات‌یخسازی کـه این خدمت ارزنده‌راباجتماع نموده واین فایده عظیم را بمردم‌رسانده‌بودندبراثرنابسامانی‌که‌در کارشان پیش آمد ودر نتیجه‌بی توجهی اولیای امور ازنظرمالی دچار خسران وخسارتهای زیادی‌شدند بطوریکه در سال ۱۳۳۶ دوکارخانه سازنده یخ مصنوعی از بین رفت وکارخانجات دیگر نیزدرمعرض‌تهدیدانقراض وورشکستگی‌قرار گرفتند

برای رفع این خطرودادن‌سروضع بهتری بامرتوزیع یخ‌بودکه‌شرکت سهامی پخش یخ مصنوعی کارخانجات تهران وحومه بوجودآمد با پیدایش این شرکت توزیع‌یخ بصورت بهتری در آمد ومردم همه جاوتقریباً همه وقت به یخ‌دسترسی پیداکردند از نظر قیمت‌نیز از اجحاف وتعدی جلوگیری بعمل آمد

محلهای ثابت فروش یخ همیشه‌مخازنشان دارای یخ بوده وازاین‌حیث دیگـر بـرای اهالی جای نگرانی باقی‌نمانده ضمناً باروبه‌ای‌که این شرکت اتخاذ کرده توانسته‌است نرخ را قریب شش سال در وضع ثابتی نگهدارد با توجه‌صعوددائمی قیمت بسیاری از کالاهاوعدم‌توفیق بیشتر مؤسسات در ثابت نگهداشتن نرخ مصنوعات خودتوفیق‌شرکت پخش‌یخ‌مصنوعی کارخانجات‌تهران وحومه دراین امراز هرحیث قابل تحسین بوده وبا منویات دولت‌وبخصوص شهرداری که باگرانی‌نرخ اجناس مبارزه میکند کاملا موافق ومطابق میباشد لذا تشویق‌وحمایت قانونی از چنین مؤسسه‌ای‌که از جهتی باکمك بتأمین بهداشت عمومی همگانی موثری بافعالیتهای‌مؤسسات مسئول بهـداشت اهالـی‌مینماید واز طرف دیگر بافراهم کـردن یخ مورد نیاز عمومـی‌جلوگیری از بالا رفتن قیمت آن‌همکاری بسیار مؤثری با شهرداری میکند از هر حیث بجاوبمورد بوده‌وموجبات دلگرمی بیشتر کسانی‌رافراهم میکند که از صمیم قلب میخواهند بمودم این مملکت خدمت‌کنند امروزه کارخانجات‌یخ‌مصنوعی‌تهران وحومه یخ‌مورد مصرف‌اهالی تهران وحومه وشهرستانهائی را به‌شعاع سیصد کیلومتر براحتی تهیه‌میکنند ودراین مورد هرقدر بر میزان تقاضا افزوده شود بازاین‌کارخانجات میتوانندبرمقدار عرضه‌خویش بیافزایند وبکمك سازمان منظمی که شرکت پخش یخ مصنوعی‌بوجود آورده به بهترین نحوی دربین اهالی توزیع نمایند

کمك وتشویقی که‌دولت میتواندباین دستگاه مفید وخادم مردم‌نمایدآنستکه از دادن اجازه تأسیس کارخانجات جدید که باوجوداین‌همه کارخانجات یخسازی زاید برمصرف وجزایجاد هرج‌ومرج دراین رشته تولیدی وضایع‌شدن سرمایه‌وایجاد یکرشته نابسامانی‌های دیگرنتیجه دیگری ندارد جلوگیری‌نمود وثانیاً ازادامـه کـار یخچالهای‌طبیعی که آلودگی وفساد یخ‌آنهاازنظر مقامات‌بهداشتی مسلم میباشد اکیداً جلوگیری بعمل آید .

بعلاوه شرکت سهامی پخش‌یخ‌مصنوعی کارخانجات تهران وحومه‌بعنوان یك‌مؤسسه خدمتگذار ومتعلق بعموم پیوسته حاضر است که است‌که نظرات مصلحانه دولت را درمورد تأمین رفاه بیشتر عامه دقیقاً بمورد اجرا گذاشته و برای تأمین‌آسایش بیشتر مـردم نزدیکترین‌همکاریها را بنماید

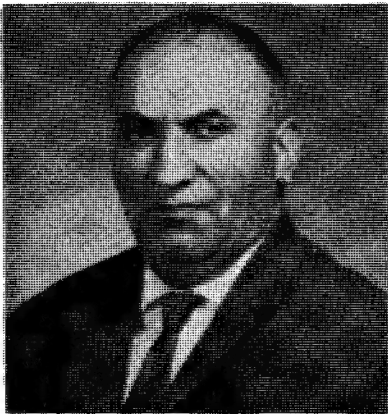
کارخانه تمام اتوماتیك داداش‌زاده بـاتهیه عالیترین محصولات‌شکلات وآبنبات

تحول بزرگی درصنعت شیرینی‌سازی کشور بوجود آورده‌است

از چند سال قبل هنگامی که انواع بن بن توفی وکارامل هـای ساخت اروپا به بازار ایران سرازیر شده و بقیمت گرانی در دسترس مردم قرارگرفته وازحیث بسته‌بندی و طعم و عطر بذائقه بسیاری ازمردم خوش‌آیند بود برای بعضی‌ها این توهم ایجاد شد که گویا صنعت شیرینی‌سازی مشرق‌زمین روبزوال رفته و دوران رونقش بپایان رسیده و ممالك غرب دراین قسمت نیز برما تقدم جسته‌اند.

دراین موقع مردی با اراده بنام یداله داداش‌زاده با ابتکار شخص خود و صرف سرمایه لازم شرکتی بنام (شرکت تضامنی یـداله داداش‌زاده وپسران) تشکیل وبرای اولین‌بار در ایران این صنعت را بشکل مدرن و ماشینیزه در آورده و محصولاتی به بازار ایران ارائه دادکه نه تنها از حیث شکل ظاهر و طعم و مواد اولیه مرغوب با انواع مشابه خارجی برابری مینماید بلکه از لحاظ تازه بودن جنس طبیعی بودن مرباجات وعسل‌وغیره‌بردیگران رجحان و برتری نیز داشته و دارد.

شرکت تضامنی یـداله داداش‌زاده و پسران با وارد کـردن دستگاههای تمام اتوماتیك توفـی کارامل وبن بن سازی و همچنین دستگاههای پیچیدنی و بسته‌بندی اتـوماتیك تحت نظر کارشناسان متبحر چنان محصولاتی تهیه مینماید که نه فقط در سراسر ایران بلکه در کشور های همجوار نیز مورد علاقه و استقبال عمومی قرارگرفته و باین ترتیب‌نه‌تنها از خروج مبالغ زیادی‌ارز کشوربخارج جلوگیری‌کرده‌بلکه‌بذخائر ارزی کشور نیز کمك موثری نموده است متاسفانه اخیراً مشاهده شده است بعضی‌ها که فاقد حسن ابتکار و قدرت رقابت مشروع میباشند با تقلید از بسته‌بندی وکاغذ و حتی نام داداش‌زاده محصولاتی به بازاروارد کرده‌اندکه از نظر جنس و کیفیت بهیچوجه بـا محصولات داداش‌زاده قابل مقایسه نیست. با اذعان بـه اینکه‌کسب آزاد است ورقابت امری طبیعی میباشد نمیتوانیم این امر را به پذیریم که عده‌ای بیایند وبا تقلید چاپ و تقلب نام و رنگ کاغذ های مـورد مصرف از حسن شهرت محصولات داداش‌زاده‌که طی سالیان دراز در سایه کوشش و مرارت تحصیل گردیده استفاده یا بعبارت دیگر سوء استفاده نموده و موجبات گمراهی عموم و وارد کردن زیان مادی و معنوی بکسانی شوند که با صرف انرژی و سرمایه از اعتماد عمومی برخوردار شده‌اند لذا با اینکه اطمینان داریم مردم بحد کافی آگاه و بیدار شده‌اند و اجناس مرغوب و قابل اطمینان را از کالا های تقلبی تمیز میدهند از نظر حفظ مصالح عمومی و تشویق و تقویت صاحبان صنایـع کـه صمیمانـه در ارضاء احتیاجـات عمومـی میکوشند از مقامات مسئول انتظار داریم که برای اینگونـه مـوارد تدابیر و اقدامات جدی را معمول فرمایند.



آقـای داداش‌زاده مدیـر و مؤسس کارخانجات داداش‌زاده



از راست بچپ مهندس کارخانه هانزلب ـ داداش‌زاده ـ مدیر کارخانجات هانزلب و دکتر [illegible]





ترموس معروف

عقاب نشان



نماینده انحصاری : شرکت سهامی بازرگانی تهران توکیو - تلفن : ۵۰۰۹۱-۵

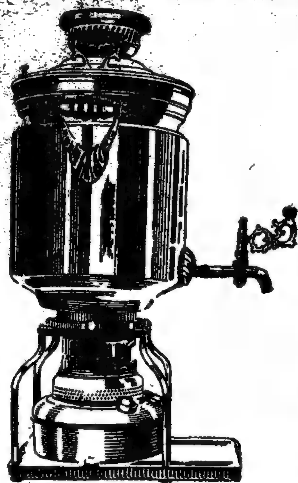


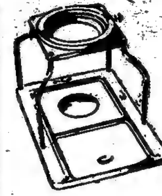
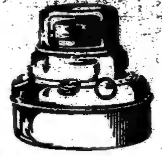
بادبزن شارپ

نمایندگی انحصاری :

شرکت سهامی بازرگانی تهران

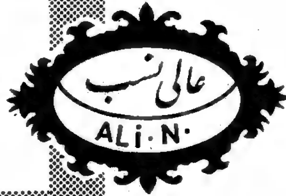
تلفن : ۵۰۰۹۱-۵



سماور ۲۰ لیتری با قطعات مجزّی

مخصوص مجامع عمومی - هتلها - کافه ها - رستورانها و آبدارخانه های بزرگ

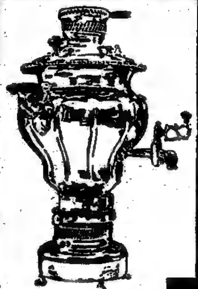


صنایع فلزّی عالی نسب

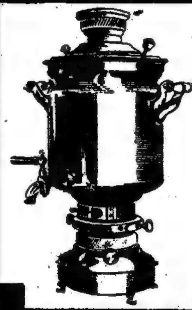
محصولات نفت سوز شعله آبی

تلفن ۲۵۰۰۰ و ۲۶۸۰۵



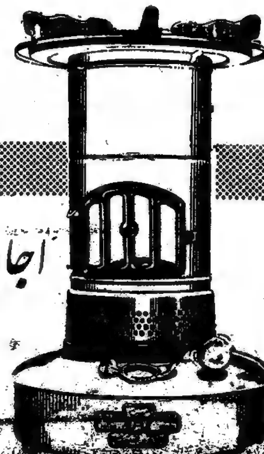

سماور ۵ لیتری مهندسی
طرح مسوار

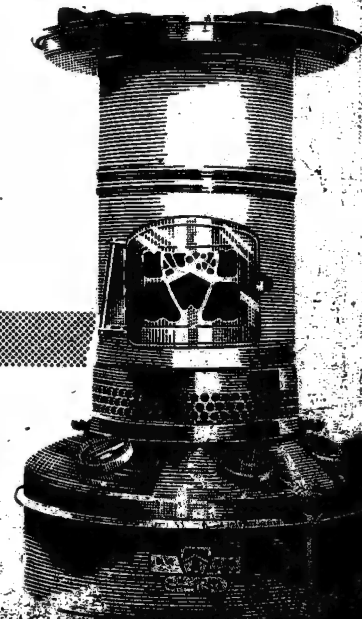

سماور تراش
بظرفیت های مختلف


سماور ساده ۴ لیتری

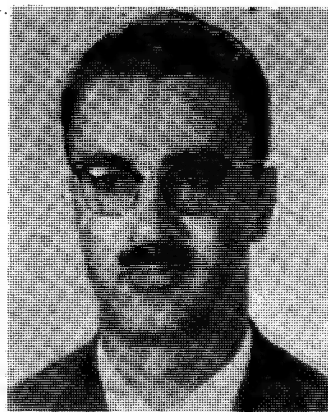

سماور ۲ لیتری

ـاق بزرگ «آلرا» با منبع برنجی آبداده و سرپیچ برنجی


اجاق کوچک آلرا
با سرپیچ برنجی







دکتر منوچهر زرگرپور
جراح ومتخصص بیماریهای گوش ــ گلو ــ بینی و حنجره

آقای دکتر منوچهر زرگرپور که درسال ۱۳۰۷ متولد شدند علاوه‌بر حذاقت کامل در فن خود با هنر نویسندگی و نقاشی نیز آشنائی کافی داشته و در بیشتر رشته های علمی مطالعات ذیقیمتی دارند .

مقالات و رسالات متعددی از ایشان در مباحث مختلف اجتماعی بهداشتی واصلاحات‌شامل آنالیز ، انتقاد و راهنمائی منتشر شده و چند کتاب نیز تحت عنوان روان ــ شناسی هنر مدرن ، در جستجوی همسر و مقدمه‌ای برروانشناسی از نظر بیولوژی در دست تهیه دارند که بزودی وسائل انتشار آن فراهم خواهد گردید .

آقای دکتر زرگرپور پس از خاتمه تحصیلات عالی و تخصصی خود با فعالیتی مداوم و خستگی‌ـ ناپذیر بتاسیس درمانگاه مجهزی در مرکز مناطق نفت‌خیز همت گماشته و کار خودرا در ایران آغاز نمودند . ایشان در سال ٤٠ جهت پاره‌ای مطالعات علمی برای دومین بار سفری بانگلستان نموده و پس‌از بازگشت مطب خود را در تهران افتتاح کردند و از همین

هنگام با شروع مقالات مفصلی تحت عنوان (دره عمیقی که بین پزشك و بیمار قرار دارد) توجه پزشکان واولیاء مسئول را بتشکیل سازمان نظام پزشکی و انجمن ملی جراحان و پزشکان معطوف داشتند.

با باستان پرسابقه‌ترین مؤسسه تهیه‌کننده کلاه درپایتخت آشنا شوید

اجتماعات مختلف پیشرفت های گوناگون خود را مدیون فعالیت افراد خود میدانند و این واقعیت را بدون هیچگونه تفاوتی بین‌حرف مختلف باید پذیرفت زیرا موجد هر حرفه ای در وهله اول نیاز اجتماع میباشد . حرفه مورد بحث در اینجا هنر تهیه کلاه و پوشش سر میباشد که از قرنها پیش بعلت امتیاز آن در زینت لباس و ارزش آن از جهت پوشش مو و سر مورد توجه بوده است . مضافا باینکه سازندگان کلاه نیز الحق این هنر ظریف را پیوسته بنحو شایسته‌ای عرضه نموده‌اند .

در ردیف تهیه کنندگان کلاه در ایران فعالیت کلاهدوزی باستان از هر جهت شایان تقدیر است .

آقای حاج احمد باستان رئیس صنف کلاهدوز وکلاه فروش و صاحب موسسه کلاهدوزی باستان که متجاوز از ٤٢ سال سابقه دارد تاکنون در زمینه ابداع انواع کلاههای زیبا توفیق خدمات ارزنده‌ای را بکشور خود داشته‌اند و بزرگترین افتخار برای موسسه ایشان این است که کلاهدوز مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و دربارمیباشد و افتخار این عنوان ضمن تقدیری که از ایشان بعمل آمده در سال ۱۳۲۸ و ۱۳۲٤ طی دونامه بشماره های ۱۰۵۱۵ و ۳٦٦۰ از طرف وزیر دربار و رئیس تشریفات وقت بایشان تفویض‌گردیده است .

آقای باستان در مورد نحوه پیشرفت این هنر در ایران عقیده دارند باوجود کوشش مثبت پاره‌ای از سازندگان کلاه در پایتخت متاسفانه معدودی با استفاده از سابقه و معروفیت آنها بشهرت موسساتی که سالها در این راه کوشیده‌اند لطمه وارد میسازند و سازندگان کلاه انتظار دارد برای بهبودی بیشتر در کار تهیه این وسیله پوشاکی اقدامات موثری بعمل آید .

حسن ارژنك

هنرمند مجسمه ساز با ارزش ما

چهل وسه سال‌پیش خورشیدآسمان فیروزه‌فام شهر مشهد در دیدگان کودکی درخشید که سرنوشت میبایست بعدهاپرتو هنوروخشندگی استعداد اورا بجهـان بنمایاند.

در خانواده‌ای هنرشناس پا بعرصه وجود گذاشت و امروز «حسن ارژنگ» در محافل هنری باهمه گریز از تظاهر و فروتنی و تواضعی جذاب و تمایلی‌که باابراز بزرگداشت متقدمین دارد و از خصائص هر هنرمند واقعی است.شخصیتی کاملا آشنا و ارزنده است.

۱۵ سال بیشتر نداشت که مرحوم رحیم‌زاده ارژنگ استاد اواستعداد شگرف اورا دریافت و به انسجام وعلوو رشدو تربیت آن پرداخت. ۱۸ سال در طی همکاری با راهنمائی رحیم‌زاده آثـاری آفرید کـه یادگار جاویدان همکاری استادی هشیار و شاگردی مستعد و هنرور است . (کارهای تزیینی کاخهای‌سلطنتی وکاخ دادگستری ـ مجسمه ۲۸ مرداد میدان شوش و غیره) بعدها مستقلا بکار پرداخت بخصوص درکارهای تزئینات ساختمانی و توجهی‌که بانطباق باجنبه‌های هنری و احتراز قطعی از روشهای‌متعارف وکم‌ارزش متداول داشت اورا هنرمندی شناساند که با مایه‌ای‌کافی و مجهز و شوقی وافر و عاشقانه به تکامل ومطالعه قدم دراین راه گذاشته‌است .

مسافرتها و مطالعات و شخصیت هنـری ارژنگ در مجامع هنری خارج

در سال ۱۹۵۸ درنمایشگاه‌بروکسل شرکت کرد و مخصوصا برای کارهای برنزریزی در ایتالیا وکشورهای دیگر اروپا و استفاده از منابع موزه‌های غنی آنجا مطالعاتی ذیقیمت بعمل‌آورد .

در سال ۱۹٤۱ از طریق بیـروت سفری دیگر رفت‌که مقارن مسافرت او مسابقه‌ای برای ساختن مجسمه‌شاعرمعروف لبنانی فخرالدین مطرح بودکه عده‌ای زیاد از هنرمندان لبنان درآن شرکت کرده بودند . درتماسی‌که او بابسیوس شاعر لبنانی داشت و مجسمه اورا درسه ساعت و مجسمه‌ای خیالی از فردوسی حماسه‌سرای بزرگ‌ایران دروقت‌وفرصتی بسی‌کوتاه ساخت موجب شد که جایزه معروف سعید عقل شاعر و نویسنده‌معروف لبنانی‌که بهمین منظور تخصیص‌داده‌شده و مبلغ ۱۰۰۰ لیره لبنانی بود باو تعلق گیرد و برنده شود ورسما ازطریق‌وزارت خارجه بحسن ارژنگ ابلاغ‌گردد و برای ساختن مجسمه فخرالدین شاعر لبنانی‌رسما دعوت شود و انعکاس آن و تجلیل از هنرمند ارزنده ما در صفحات جرایـد لبنان مشهود است .

کارهای انجام شده

بااطمینان میتوان گفت‌که تشریح ارزش هنری ونشان دادن‌کارهای‌ارژنگ که از حوصله و اقتضای این‌مختصرخارج است احتیاج بکتابی جداگانه دارد لکن اگرکسی آلبوم عکسها و تاریخ ساختن مجسمه‌ها و آثار مختلف اورا به‌بیندمتوجه خواهد شد که هنر باارزش او سالهاقبل حتی از سن او جلوتر رفته واو درسنینی از عمر آفریننده آثاری ارزنده است که استعجاب و تحسین دوست و دشمن را برانگیخته مجسمه‌های غالب شهرستانهـا مجسمه نمایشگاه وزارت صنایع ومعادن (که بتصدیق صاحبنظران دنیامیك قوی آثار میکل آنژود اوینچی را در خاطر زنده میکند) مجسمه‌هـای متعددی از اعلیحضرت همایونی مجسمه‌پرتره پرنسس ثریا از چینی مجسمه‌ها و پرتره‌هائی از شخصیتهای مختلف کشور و آخرین‌کار او مجسمه سوار شاهنشاه فقیدکه از برنز تهیه خواهد شد ودرحدود ۳٫۹۰ قد و ۵ تن وزن ودر میدان زاهدان نصب خواهد شد ودر تاریخ شهریور ٤۲ کـه طرح و ماکت آن از طرف اداره‌هنرهای زیبا بین هنرمندان مجسمه‌ساز بمسابقه گذاشته شد هیئت ژوری ماکت حسن ارژنگ را برنده شناخت و مظهری از

تابلوهای نیمه‌برجسته‌تزئینی‌دیواری استاد ارژنگ

اعلیحضرت همایون شاهنشاه در روز افتتاح کوی مکانیر آثارهنری ارژنگ را ستودند

شخصیت والای فرزند میهن‌پرست‌جاودان
...ان رضاشاه کبیر و هنر هنرمندی از
...ر ما برای آیندگان بیادگار خواهد
ماند که پروژه پایه وتزئینات‌آن ومجسمه
باالهام از آثار باستانی ایران و تابلوئی‌از
خدمات شاه فقید بصورت نیمه برجسته
همه از آقای حسن ارژنگ است .

سبك کار

اسلوب کار ارژنگ پیروی ازسبك کلاسیك است با ابداعاتی مبتکرانه که نیروی تحرك و تجسم و بیان عواطف و احساسات هنری را بزیباترین وساده‌ترین وجهی متجلی میسازد ودر شناخت هنر جامع‌ترین تعریفی است که از هنروهدف آثار هنری حجت قابل قبول شناخته شده است .

ضمنا از تکنیك مبتکرانه‌ای که ارژنگ آثاری جالب آفریده پیروی از روشی است‌که در ایران باستان متداول بوده که از فلز مورق «مجسمه‌هائی‌مجوف وسبك وزن میسازد و نمونه‌کامل آن مجسمه اعلیحضرت همایونی در ساری‌است ودر صنعت و هنر مجسمه‌سازی کاری کاملا بیسابقه و ابداعی است .

کارهای تزئینی

یکی از موارد تخصص ارژنگ امور تزئینی مجسمه‌سازی است کارهای انجام شده‌کوی مکانیر که روز افتتاح مورد تقدیر اعلیحضرت همایونی قرار گرفت و بسیاری از تابلوهای‌نیمه‌برجسته‌دیواری سالن های‌منازل وتلفیق سرامیك وساختن تابلوهائی بسبك کاشیکاری ایتالیائی‌نشان دهنده قدرت شگرف استعداد هنری بی‌نظیر اوست‌که باتوجه بمحدودیت صفحات ما و انعکاس تعدادی از هزاران کار او بهمین مختصر کفایت میکنیم .



مجسمه نمایشگاه وزارت صنایع و معادن





یک قرن تجربه
در شیمی

 **هُستالِن** — پلاستیک سفت ، نشکن و مقاوم در آب جوش

 **ترویرا** — الیاف مصنوعی پُلی استر « هوخست »

 **داروهای هوخست** — برای حفظ سلامتی و مبارزه با امراض

 **کُمپلزال** — کود کامل با موّاد معدنی کافی برای برداشت حدّاکثر محصول

 **سلوفان کاله** — برای انواع مختلف بسته بندیهای مدرن

 **گنانتین** — مایه ضدّ زنگ وضدّیخ برای انوع رادیاتورها

 **مُولیت** — ماده اولیّه برای هزاران مصرف

 **فریگن** — گاز مولّد سرما

نمایندگی در ایران :
شرکت سهامی ایران هُوخ
تهران - خیابان تخت جمش
تلفن ۲۰



ملی ایران

گنج ایران را با ایرانی بسپار